سلام الله علیها
نور فاطمه زهرا
کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



www.noorfatemah.org



www.noorfatemah.org

فرهنگ و اجتماع

نویسنده:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر چاپی:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

www.noorfatemah.org

فهرست

فهرست ----- ۵
فرهنگ و اجتماع ----- ۲۶۳
مشخصات کتاب ----- ۲۶۳
مسائل اجتماعی ----- ۲۶۳
روابط اجتماعی ----- ۲۶۳
این مَثَل" خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو "را در چه موقع به کار می برند؟ اگر در جمعی هم کار خلاف شرع انجام دهند و ما متوجه شو
پرسش ----- ۲۶۳
پاسخ ----- ۲۶۳
اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟ ----- ۲۶۴
پرسش ----- ۲۶۴
پاسخ ----- ۲۶۴
مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟ ----- ۲۶۴
پرسش ----- ۲۶۴
پاسخ ----- ۲۶۵
: قرآن برای «امّت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامهٔ عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۰۲
پرسش ----- ۲۶۵
پاسخ ----- ۲۶۵
چه ویژگی انسانی باعث تکامل اجتماعی زندگی اوست؟ ----- ۲۶۶
پرسش ----- ۲۶۶
پاسخ ----- ۲۶۶
چرا قرآن, انسانهای نخستین را «امت واحده» می‌نامد؟ پرسش ----- ۲۶۶
اشاره ----- ۲۶۶
پاسخ ----- ۲۶۶

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟ ---- ۲۶۷
پرسش ---- ۲۶۷
پاسخ ---- ۲۶۷
آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟ ---- ۲۶۸
پرسش ---- ۲۶۸
پاسخ ---- ۲۶۸
دیدگاه قرآن نسبت به برخورد اسلام با اقلیت‌های مذهبی چیست؟ پرسش ---- ۲۶۸
اشاره ---- ۲۶۸
پاسخ ---- ۲۶۸
دیدگاه امام علی(ع) در برخورد با اهل ذمه چیست؟ پرسش ---- ۲۶۹
اشاره ---- ۲۶۹
پاسخ ---- ۲۶۹
رفتار مسلمانان با غیر اهل ذمه چگونه است؟ پرسش ---- ۲۷۰
اشاره ---- ۲۷۰
پاسخ ---- ۲۷۰
صمیمیت و استحکام روابط، از کجا پیدا می شود؟ پرسش ---- ۲۷۰
اشاره ---- ۲۷۰
پاسخ ---- ۲۷۱
در اسلام چند نوع برادری وجود دارد؟ ---- ۲۷۱
پرسش ---- ۲۷۱
پاسخ ---- ۲۷۱
چرا بشر به زندگی اجتماعی تن در می‌دهد؟ پرسش ---- ۲۷۲
اشاره ---- ۲۷۲
پاسخ ---- ۲۷۲

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟ ---- ۲۷۲
پرسش ---- ۲۷۲
پاسخ ---- ۲۷۲
محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟ ---- ۲۷۳
پرسش ---- ۲۷۳
پاسخ ---- ۲۷۳
چرا در جامعه انسانی، انسان ها برخلاف حیوانات، که براساس قانون تنازع بقا زندگی می کنند، حق ندارند انسان ضعیف تر از خود را از بین ببرند؟
پرسش ---- ۲۷۴
پاسخ ---- ۲۷۴
آیا تنشی که در جامعه ابتدایی انسانی پدید آمد، مولود ابزار تولید بود؟ ---- ۲۷۴
پرسش ---- ۲۷۴
پاسخ ---- ۲۷۴
من در یک محیط اجتماعی با یکی از افراد اهل تسنن مجبورم رابطه داشته باشم ولی متأسفانه رفتار و اعمال این فرد در برابر مسلمانان شیعه بسی
پرسش ---- ۲۷۵
پاسخ ---- ۲۷۵
آیا اینکه کسی از دیگران مطلقا چیزی نخواهد حتی در جایی که نیاز شدید دارد و دیگران به راحتی قادر به حل آن مشکل هستند حُسن است یا
پرسش ---- ۲۷۶
پاسخ ---- ۲۷۶
آیا با گفت و گو می توان همهء اختلافات را حل کرد؟ ---- ۲۷۶
پرسش ---- ۲۷۶
پاسخ ---- ۲۷۶
پرسش: زوج جوانی به خاطر دخالت بستگان با داشتن یک فرزند پنج ساله از هم جدا شدند. ---- ۲۷۷
اشاره ---- ۲۷۷
پرسش ---- ۲۷۷

پاسخ ----- ۲۷۷
علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟ ----- ۲۷۷
پرسش ----- ۲۷۷
پاسخ ----- ۲۷۸
سفارش اسلام در مورد عهد و پیمان و تعهدات دو طرفه چه می باشد؟ ----- ۲۷۹
پرسش ----- ۲۷۹
پاسخ ----- ۲۷۹
آیا زندگی در اجتماع از نظر اسلام امری ارزشمند محسوب می گردد؟ ----- ۲۷۹
پرسش ----- ۲۷۹
پاسخ ----- ۲۷۹
آیا زندگی اجتماعی ضرورت دارد؟ علت عزلت برخی از مردان الهی چیست ؟ ----- ۲۸۰
پرسش ----- ۲۸۰
پاسخ ----- ۲۸۰
آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟ ----- ۲۸۱
پرسش ----- ۲۸۱
پاسخ ----- ۲۸۱
نظر اسلام در باره صله رحم و اهمیت آن چیست؟ ----- ۲۸۱
پرسش ----- ۲۸۱
پاسخ ----- ۲۸۱
بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟ ----- ۲۸۲
پرسش ----- ۲۸۲
پاسخ ----- ۲۸۲
چگونه می توان دربرخورد با مسائل جامعه ازگزند تصدیقها وتکذیبهای بی جا درامان بود؟ ----- ۲۸۲
پرسش ----- ۲۸۲

پاسخ ----- ۲۸۲
هدف از صله رحم در اسلام چیست ؟ (بطور کامل ----- ۲۸۳
پرسش ----- ۲۸۳
پاسخ ----- ۲۸۳
ارتباط فرهنگی بین پسران و دختران و مشکلات فعلی در این باب؟ ----- ۲۸۳
پرسش ----- ۲۸۳
پاسخ ----- ۲۸۳
خداوند متعال، عاقبت کسی را که، به همنوع خود، خیانت میکند، را چگونه بیان میکند؟ ----- ۲۸۴
پرسش ----- ۲۸۴
پاسخ ----- ۲۸۴
قرآن در مورد این که غالب مردم، تابع بیچون و چرا اقتدار در انجام کنشهای معین هستند چه میگوید؟ و این تبعیت را دارای چه آثار و رویکردها;
پرسش ----- ۲۸۴
پاسخ ----- ۲۸۵
لطفاً بفرمایید در آیات و روایات چه مطالبی دربارهٔ خدمت به مردم و وظیفهٔ مسئولان جامعه آمده است ----- ۲۸۵
پرسش ----- ۲۸۵
پاسخ ----- ۲۸۶
دستورات قرآنی در زمینه" خدمت به مردم را بیان کنید و پیامدهای مثبت دنیایی و آخرتی آن را توضیح دهید؟ ----- ۲۸۷
پرسش ----- ۲۸۷
پاسخ ----- ۲۸۷
لطفاً آیاتی را که به هدف اجتماعی زیستن انسان اشاره دارد، ذکر کنید. ----- ۲۹۰
پرسش ----- ۲۹۰
پاسخ ----- ۲۹۰
آیا کلمه روحانی از غرب آمده است و ما به جای آن عالم اسلامی داریم ؟ ----- ۲۹۲
پرسش ----- ۲۹۲

پاسخ ----- ۲۹۲

بررسی و تحقیق در مورد برخی مسایل و یا گذشته دانشجویان یا مسئولین دانشگاه و تحقیق در مورد کارهایی که انجام می دهند توسط عده ای ا

پرسش ----- ۲۹۲

پاسخ ----- ۲۹۲

با عرض سلام نمیدانم چرا علمای ما بین مردم ظاهر نمیشوند ؟ چرا طلبه های جوان کمتر بین مردم هستند ؟ حادثه بم را بنگرید ... چطور این م

پرسش ----- ۲۹۴

پاسخ ----- ۲۹۴

مگر وظیفه روحانی تبلیغ نیست پس چرا عمامه سیاه و سفید دارند اگر یک رنگ بود چه می شد آیا به نحوی کاسبی نیست؟ ----- ۲۹۵

پرسش ----- ۲۹۵

پاسخ ----- ۲۹۵

آیا جواب شما ربطی به درخواست من داشت؟ من پرسیدم چرا عمامه با هم فرق می کند در صورتی که کار هر دو گروه یکی است چه شیخ و چه

پرسش ----- ۲۹۶

پاسخ ----- ۲۹۶

۱- چرا علماءشیعه آنقدر احادیث ودین و روایات را دربین مردم بیان نمی کنند تا مردم از نظر مذهب یقین داشته باشند ودربین خود فقط گسترش

پرسش ----- ۲۹۷

پاسخ ----- ۲۹۷

لطفاً تمام حقوق همسایه بر همسایه را بنویسید و مواردی که هم ضروری است توضیح دهید، واجب و مستحب را هم معلوم کنید، لطفاً آدرس هی

پرسش ----- ۲۹۷

پاسخ ----- ۲۹۷

چرا تبلیغات اسلام بسیار کم شده در مقابل ادیان دیگر؟ ----- ۲۹۸

پرسش ----- ۲۹۸

پاسخ ----- ۲۹۸

در موردی که زن و مرد به یکدیگر قول می‌دهند، سپس یکی از آن‌ها به عهد خود وفا نمی‌کند، آیا فقط کسی که عهد و پیمان خویش را شکسته

پرسش ----- ۲۹۹

پاسخ ----- ۲۹۹
چرا تعصبات مذهبی در کشور بقدری است که با دیدن شخصی از مذهب دیگر مثل دشمن با او رفتار می کنند. ----- ۳۰۰
پرسش ----- ۳۰۰
پاسخ ----- ۳۰۰
چرا روحانیان گرفتار تحجر و جمود می شوند و چه اقدامی برای ارتباط با نسل جوان انجام داده اید؟ ----- ۳۰۰
پرسش ----- ۳۰۰
پاسخ ----- ۳۰۰
آیا اگر دانشکده ها مختلط نباشد از جاذبه آن کم خواهد شد. ----- ۳۰۱
پرسش ----- ۳۰۱
پاسخ ----- ۳۰۱
شیعیان مدعی وحدت هستند و دولت ایران شیعی مذهب است پس چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی‌ارزش را می‌دهد؟ ----- ۳۰۲
پرسش ----- ۳۰۲
پاسخ ----- ۳۰۲
مگر اسلام زنان و مردان را خواهر و برادر یکدیگر نمی‌داند؟ پس چرا در جامعه از ارتباط دختران و پسران بدون قصد بد جلوگیری می‌شود؟ ۳۰۳
پرسش ----- ۳۰۳
پاسخ ----- ۳۰۳
اگر پسر نامحرمی در خیابان به دختر سلام کند، جوابش واجب است؟ ----- ۳۰۴
پرسش ----- ۳۰۴
پاسخ ----- ۳۰۴
اگر خواهی نشوی رسوا, هم رنگ جماعت شو! به نظر شما آیا باید کارهای یک جمع را اگر اشتباه هم بود, تایید کرد و استقلال فکری و عملی نداد
پرسش ----- ۳۰۴
پاسخ ----- ۳۰۴
چرا اکثر روحانیونی که به سراسر کشور اعزام می شوند, بیش تر پیرامون موضوعات فرعی صحبت می کنند, نه اصلی ؟ بیش تر به مستحبات می پ
پرسش ----- ۳۰۵

پاسخ ----- ۳۰۵

پدرم رفتار ما با پسرهای فامیل چون پسر عمو، دایی و حساسیت به خرج می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که با آن‌ها به صحبت بپردازیم و یا در داخل اتا

پرسش ----- ۳۰۵

پاسخ ----- ۳۰۶

من تا قبل از نامزدیم بسیار با حجاب بودم. البته با مانتو بیرون می رفتم، ولی از وقتی که نامزد گرفتم، نامزدم از من می خواهد در کوچه و خیابان

پرسش ----- ۳۰۷

پاسخ ----- ۳۰۷

مردم در مراسم عزاداری کمتر از مراسم جنش ها شرکت می کنند . علّت چیست؟ ----- ۳۰۸

پرسش ----- ۳۰۸

پاسخ ----- ۳۰۸

گاهی انسان به افرادی کمک می‌کند که نه تنها تشکر نمی‌کنند، بلکه طلب کار هم می‌شوند و خیال می‌کنند وظیفه ما است که کمک کنیم. آیا به

پرسش ----- ۳۰۸

پاسخ ----- ۳۰۸

چگونه می توان به فنّ بیان عالی دست یافت؟ ----- ۳۰۹

پرسش ----- ۳۰۹

پاسخ ----- ۳۰۹

خواهران با حجاب و با تقوا که در جامعه رفت و آمد می کنند، چگونه از شرّ جوانان بزهکار در امان باشند؟ ----- ۳۰۹

پرسش ----- ۳۰۹

پاسخ ----- ۳۱۰

این که پیامبر اسلام از سؤال و خواهش از دیگران نهی نموده آیا فقط در خصوص مسائل مالی و اقتصادی است یا شامل مسائل علمی و سائر مسائ

پرسش ----- ۳۱۰

پاسخ ----- ۳۱۰

همسرم دوست ندارد هیچ کس حتی دشمن از او ناراحت شود. آیا این فکر و روش صحیح است ----- ۳۱۱

پرسش ----- ۳۱۱

پاسخ ----- ۳۱۱
چه جاذبه‌ای در رهبر وجود دارد که به قلبهای مردم اثر عمیق و پایدار می‌گذارد؟ ----- ۳۱۱
پرسش ----- ۳۱۱
پاسخ ----- ۳۱۱
چرا خوبی کردن سخت است؟ ----- ۳۱۲
پرسش ----- ۳۱۳
پاسخ ----- ۳۱۳
می گویند انسان ها نسبت به چیزی که از آن منع می شوند، حریص تر می گردند، پس چرا اسلام بر پوشش و عدم روابط زن و مرد تأکید دارد؟ ۴
پرسش ----- ۳۱۴
پاسخ ----- ۳۱۴
چرا انسان اجتماعی زندگی کردن را دوست دارد؟ ----- ۳۱۵
پرسش ----- ۳۱۵
پاسخ ----- ۳۱۵
بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به ا
پرسش ----- ۳۱۶
پاسخ ----- ۳۱۶
چرا هر چه میزان سواد دانشگاهی افراد اضافه می شود، به تنهایی آن ها نیز افزوده می گردد؟ ----- ۳۱۶
پرسش ----- ۳۱۶
پاسخ ----- ۳۱۷
اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟ ----- ۳۱۷
پرسش ----- ۳۱۷
پاسخ ----- ۳۱۷
از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟ ----- ۳۱۷
پرسش ----- ۳۱۷

پاسخ ----- ۳۱۸
از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟ ----- ۳۱۸
پرسش ----- ۳۱۸
پاسخ ----- ۳۱۸
از نظر قرآن آیا امت‌ها حیات مستقل دارند؟ ----- ۳۱۹
پرسش ----- ۳۱۹
پاسخ ----- ۳۱۹
اسلام شرایط و موانع پذیرش دعوت را چه می‌داند؟ ----- ۳۱۹
پرسش ----- ۳۱۹
پاسخ ----- ۳۱۹
شرط رفتن جامعه به سوی فلاح از نظر علامه طباطبائی چیست؟ ----- ۳۱۹
پرسش ----- ۳۱۹
پاسخ ----- ۳۲۰
محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟ ----- ۳۲۰
پرسش ----- ۳۲۰
پاسخ ----- ۳۲۰
(اختلاف امتی رحمه) مصادیق این اختلاف چه چیزهایی می باشد؟ ----- ۳۲۰
پرسش ----- ۳۲۰
پاسخ ----- ۳۲۱
اشتغال ----- ۳۲۱
مادری هستم دارای چهار فرزند پسر و بی سرپرست . از شوهرم طلاق گرفته ام . مدت (نُه سال و سه ما) در بهداری خدمت کردم و بعد به اصرارش
پرسش ----- ۳۲۱
پاسخ ----- ۳۲۱
بر اساس پیشنهادی که داده بودید که مرا به کمیته امداد معرفی کنید, تقاضا دارم به خاطر عائله مندی و کمبود فراوانی که دارم سفارش مرا به آن

پرسش ----- ۳۲۱
پاسخ ----- ۳۲۱
فعالیت افرادی که در نقاط مختلف به عنوان دعا نویس مشغول اند چگونه است ؟ بعضاًمشاهده می شود که افرادی که به آن ها مراجعه می کنند ؛
پرسش ----- ۳۲۲
پاسخ ----- ۳۲۲
شغل آینده را چگونه انتخاب کنیم ؟ ----- ۳۲۲
پرسش ----- ۳۲۲
پاسخ ----- ۳۲۲
به نظر خودم بدشانس هستم و کار پیدا نمی کنم , ولی امیدوارم با توکل به خدا این مشکل حل گردد, هم چنین پدرم سال ها کارگری کرده , ولی
پرسش ----- ۳۲۳
پاسخ ----- ۳۲۳
علاقهء فراوانی به قرآن دارم . از سال ۷۴ـ ۷۹در طرح تابستانی ارشاد اسلامی , سپاه و سازمان تبلیغات اسلامی در پایهء ابتدایی و راهنمایی سابقه ت
پرسش ----- ۳۲۴
پاسخ ----- ۳۲۴
اینجانب دارای مدرک دیپلم , مدت دو سال است که بیکار هستم و هر کجا برای کار می روم , کاری برایم میسّر نمی شود, در صورتی که مهارت ،
پرسش ----- ۳۲۴
پاسخ ----- ۳۲۴
اینجانب ۱۹ ساله، دانشجوی سال اول رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم‌ها هستم. در خصوص معرفی این رشته و آینده
پرسش ----- ۳۲۵
پاسخ ----- ۳۲۵
منبع در آمد افغانی ها ی مقیم کشورهای خارجی مثل ایران چیست ؟ ----- ۳۲۵
پرسش ----- ۳۲۵
پاسخ ----- ۳۲۵
آیا می‌توان با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان شد؟ ----- ۳۲۶

پرسش ----- ۳۲۶
پاسخ ----- ۳۲۶
اکنون که شرایط جامعه طوری است که چند میلیون جوان بیکار وجود دارد شما برای جوانان بیکار چه پیشنهاد می نمایید؟ پیشنهاد شما برای د
پرسش ----- ۳۲۶
پاسخ ----- ۳۲۶
از نظر اسلام برای احراز مشاغل اجتماعی، سید و یا روحانی بودن شرط است؟ ----- ۳۲۷
پرسش ----- ۳۲۷
پاسخ ----- ۳۲۷
علت اصلی بیکاری و گرانی چیست؟ چرا جوانان به آینده خود امیدوار نیستند و از هر چیز متنفّرند؟ ----- ۳۲۷
پرسش ----- ۳۲۷
پاسخ ----- ۳۲۷
در حالی که ائمه((علیهم السلام)) برای امرار معاش کار می کردند چرا روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟ ----- ۳۲۸
پرسش ----- ۳۲۸
پاسخ ----- ۳۲۸
آیا مدّاحی برای اهل بیت((علیهم السلام)) شغل پسندیده ای است؟ ----- ۳۲۹
پرسش ----- ۳۲۹
پاسخ ----- ۳۲۹
چرا دروضعیّت اشتغال جوانان بهبود حاصل نمی گردد ؟ ----- ۳۲۹
پرسش ----- ۳۲۹
پاسخ ----- ۳۲۹
چرا دبیرانی که پیرو و فرسوده می شوند، بازنشسته نمی کنند و جوانهای پرانرژی را جای آنها بگیرند و حق التدریس که چند سال کار کردند با برـ
پرسش ----- ۳۳۰
پاسخ ----- ۳۳۱
در رشته زراعت و اصلاح نباتات مشغول تحصیلم و نسبت به نبود بازار کار از آینده بسیار مایوس و از ادامه تحصیل ناامید گشته ام راه چاره چیست

پرسش ----- ۳۳۱
پاسخ ----- ۳۳۱
الآن شانس کار زنان در جامعه بیشتر از مردان است چرا؟ و چرا در کشور مازنان را ترجیح می دهند تا مردان؟ ----- ۳۳۱
پرسش ----- ۳۳۲
پاسخ ----- ۳۳۲
انسجام اجتماعی ----- ۳۳۳
رمز شکست و فنای ملتها در چیست ؟ ----- ۳۳۳
پرسش ----- ۳۳۳
پاسخ ----- ۳۳۳
سرانجام جامعه‌ها، از نظر احادیث اسلامی‌چیست؟ ----- ۳۳۳
پرسش ----- ۳۳۳
پاسخ ----- ۳۳۳
منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟ ----- ۳۳۴
پرسش ----- ۳۳۴
پاسخ ----- ۳۳۴
علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید. ----- ۳۳۵
پرسش ----- ۳۳۵
پاسخ ----- ۳۳۵
علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و ...نمی شود؟ ----- ۳۳۵
پرسش ----- ۳۳۵
پاسخ ----- ۳۳۶
علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟ ----- ۳۳۶
پرسش ----- ۳۳۶
پاسخ ----- ۳۳۶

اصل محاکات چیست؟ ---- ۳۳۷
پرسش ---- ۳۳۷
پاسخ ---- ۳۳۷
آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟ ---- ۳۳۷
پرسش ---- ۳۳۷
پاسخ ---- ۳۳۷
خواهشاً در مورد جو سیاسی و فرهنگی اجتماع یک دیدگاه کلی که به عنوان یک مداوا باشد راهنمایی کنید؟ که از این بدبینی که در جامعه وجود
پرسش ---- ۳۳۸
پاسخ ---- ۳۳۸
قرآن ویژگیهای یک جامعه ایدهآل و خوب را چه میداند؟ ---- ۳۳۹
پرسش ---- ۳۳۹
پاسخ ---- ۳۳۹
فروپاشی اجتماعی چه آثاری بر جامعه دارد؟ ---- ۳۴۰
پرسش ---- ۳۴۰
پاسخ ---- ۳۴۰
چرا علما و اسلام شناسان در مورد مشکلات اجتماعی و فکری راه حل ارائه نمی دهند ---- ۳۴۰
پرسش ---- ۳۴۰
پاسخ ---- ۳۴۰
معنای جامعه پیشرفته و وارسته چیست ؟ ---- ۳۴۱
پرسش ---- ۳۴۱
پاسخ ---- ۳۴۲
آیا تا بحال فکری برای مساءله طلاق که در کشور ما آمار بالایی دارد شده است ؟ ---- ۳۴۲
پرسش ---- ۳۴۲
پاسخ ---- ۳۴۲

منظور از آیات اجتماعی قرآن کریم چیست آیا مجموعه‌ای در این باره گردآوری شده است ---- ۳۴۳
پرسش ---- ۳۴۳
پاسخ ---- ۳۴۳
مسایل اجتماعی و سیر آن‌ها در قرآن را توضیح دهید؟ ---- ۳۴۴
پرسش ---- ۳۴۴
پاسخ ---- ۳۴۴
در ایام فاطمیه و ایام دیگر که از حضرت فاطمه(س) سخن می‌گویند و ظلم‌هایی که بر او شده گفته‌می‌شود، چرا نامی از ظلم کننده‌ها بر او عمر و..
پرسش ---- ۳۴۵
پاسخ ---- ۳۴۵
در شهر ما چهار نفر روحانی زندگی می‌کنند و همیشه مردم را به وحدت و یکدلی دعوت می‌کنند اما تاکنون یک بار کسی ندیده خودشان یک جا .
پرسش ---- ۳۴۵
پاسخ ---- ۳۴۶
قرآن برای فراهم شدن زمینهٔ هم زیستی مسالمت آمیز جهان مسلمانان و اهل کتاب، چه راه حلی را پیشنهاد می‌کند؟ ---- ۳۴۶
پرسش ---- ۳۴۶
پاسخ ---- ۳۴۶
دیدگاه روایات اسلامی پیرامون هم زیستی با پیروان دیگر مذاهب چیست؟ ---- ۳۴۷
پرسش ---- ۳۴۷
پاسخ ---- ۳۴۷
اجتماع بشری که منبع همه پیشرفتها و موفّقیتهای علمی و اجتماعی است به چه صورتی می تواند به هدف مطلوب خود برسد؟ ---- ۳۴۸
پرسش ---- ۳۴۸
پاسخ ---- ۳۴۸
قرآن برای ایجاد «پیوند» و «روح اجتماعی» از چه وسائلی استفاده کرده است؟ ---- ۳۴۸
پرسش ---- ۳۴۹
پاسخ ---- ۳۴۹

دیدگاه قرآن دربارهٔ فیض حضور مؤمنان در صحنه‌های اجتماعی چیست؟ ---- ۳۴۹
پرسش ---- ۳۴۹
پاسخ ---- ۳۴۹
نشانه‌های وحدت نوعی انسان چیست؟ ---- ۳۵۰
پرسش ---- ۳۵۰
پاسخ ---- ۳۵۰
عناصر تقریب مسلمانان چیست؟ ---- ۳۵۱
پرسش ---- ۳۵۱
پاسخ ---- ۳۵۱
موانع تقریب مسلمانان چیست؟ ---- ۳۵۳
پرسش ---- ۳۵۳
پاسخ ---- ۳۵۳
یک طلبه و دانشجو چگونه باید آرمان های انقلاب اسلامی را با همدیگر مستحکم کنند؟ ---- ۳۵۳
پرسش ---- ۳۵۳
پاسخ ---- ۳۵۳
بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟ ---- ۳۵۳
پرسش ---- ۳۵۴
پاسخ ---- ۳۵۴
چگونه میشود بین روایات وارده راجع به مودت اهل بیت و دوستی با دوستانشان و دشمنی بادشمنانشان ، وسیله وحدت و برابری بین شیعه و سنی
پرسش ---- ۳۵۴
پاسخ ---- ۳۵۴
آیا مسلمانان با مذاهب مختلف می توانند با هم متحد باشند؟ ---- ۳۵۴
پرسش ---- ۳۵۴
پاسخ ---- ۳۵۴

وحدت شیعه و اهل سنت به چه معنی است؟ ---- ۳۵۵
پرسش ---- ۳۵۵
پاسخ ---- ۳۵۵
چرا با وجود اینکه در این زمان نیاز به اتحاد وجود دارد، از مطالبی که درباره اختلاف مذاهب است سخن گفته می شود؟ ---- ۳۵۵
پرسش ---- ۳۵۵
پاسخ ---- ۳۵۵
چه کسانی از تفرقه میان شیعیان و اهل سنت سود می برند؟ ---- ۳۵۶
پرسش ---- ۳۵۶
پاسخ ---- ۳۵۶
با اینکه شیعه باید اهل سنت را امر به معروف و نهی از منکر کند، وحدت با آنان چگونه میسّر است؟ ---- ۳۵۶
پرسش ---- ۳۵۶
پاسخ ---- ۳۵۶
ایجاد وحدت حقیقی بین مسلمانان امکان پذیر است؟ ---- ۳۵۶
پرسش ---- ۳۵۶
پاسخ ---- ۳۵۶
راه اساسی از میان برداشتن تفرقه و نفاق در اجتماعی چیست؟ ---- ۳۵۷
پرسش ---- ۳۵۷
پاسخ ---- ۳۵۷
وحدت مسلمین حول چه محوری باید صورت گیرد؟ ---- ۳۵۷
پرسش ---- ۳۵۷
پاسخ ---- ۳۵۷
آیا وجود اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان با حقانیت اسلام منافات ندارد؟ ---- ۳۵۷
پرسش ---- ۳۵۷
پاسخ ---- ۳۵۸

آیا عاشورا می تواند به عنوان یک محور اتحاد ملی مطرح شود؟ ---- ۳۵۸
پرسش ---- ۳۵۸
پاسخ ---- ۳۵۸
اگر هدف ما این هست که مسلمانان به وحدت برسند و باید سعی کنیم که فاصله میان شیعه وسنی از بین برود پس چرا اشتباه گذشته ها را ما تک
پرسش ---- ۳۵۹
پاسخ ---- ۳۵۹
مصلحت جهان اسلام ـ و از طرفی حق‌گرایی شیعه و تعصب برادران اهل سنت با توجه به همهٔ این‌ها ;چرا نباید به تفکر و منطق شیعه گردش نکن
پرسش ---- ۳۶۰
پاسخ ---- ۳۶۰
چرا با تاکیدی که مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وحدت حوزه و دانشگاه دارند به حوزه ها کمتر رسیدگی می شود؟ ---- ۳۶۱
پرسش ---- ۳۶۱
پاسخ ---- ۳۶۱
وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟ ---- ۳۶۱
پرسش ---- ۳۶۱
پاسخ ---- ۳۶۱
بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی , مانند دانشگاه چیست ؟ ---- ۳۶۲
پرسش ---- ۳۶۲
پاسخ ---- ۳۶۲
برای ازبین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی درپی دارد چه راههائی را پیشنهاد می نمائید ؟ ---- ۳۶۲
پرسش ---- ۳۶۲
پاسخ ---- ۳۶۲
مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست و در زمینه اصلاح حوزه ها چه اقداماتی انجام گرفته است ؟ ---- ۳۶۲
پرسش ---- ۳۶۲
پاسخ ---- ۳۶۳

راه وحدت بیشتر بین حوزه و دانشگاهها چیست ---- ۳۶۵
پرسش ---- ۳۶۵
پاسخ ---- ۳۶۵
در برخورد با یک سنی چه رفتاری داشته باشیم و آیا لازم است در جهت شیعه شدن او تلاش کنیم ؟ ---- ۳۶۵
پرسش ---- ۳۶۵
پاسخ ---- ۳۶۵
چرا وحدت حوزه و دانشگاه هنوز تحقق پیدا نکرده است ---- ۳۶۵
پرسش ---- ۳۶۵
پاسخ ---- ۳۶۵
آیا برای وحدت بین مسلمانان بهتر نیست از شعارهایی که موجب اختلاف است دست برداریم ---- ۳۶۶
پرسش ---- ۳۶۶
پاسخ ---- ۳۶۶
دوست دشمن علی؛ دشمن علی است، چرا اهل تسنن که دوست دشمن علی هستند را برادران اهل تسنن می خوانیم؟ ---- ۳۶۶
پرسش ---- ۳۶۶
پاسخ ---- ۳۶۶
مشکلات ارتباط با حوزه بین دانشگاه چیست؟ ---- ۳۶۷
پرسش ---- ۳۶۷
پاسخ ---- ۳۶۷
آیا تا کنون علمای شیعه و اهل سنّت میزگردی در خصوص مسایل مورد اختلاف داشته اند؟ ---- ۳۶۸
پرسش ---- ۳۶۸
پاسخ ---- ۳۶۸
منظور از امت واحد اسلامی با وجود اختلاف میان شیعه و سنّی، چه می باشد؟ ---- ۳۶۸
پرسش ---- ۳۶۸
پاسخ ---- ۳۶۸

گفته اند مسلمانان به خاطر به وجود آمدن اتحاد رو به قبله نماز می خوانند، در حالی که این فائده در عمل وجود ندارد، پس چگونه این اتحاد به و
پرسش ----- ۳۶۹
پاسخ ----- ۳۶۹
برای این که بین شیعه و سنی رابطه برقرار کنیم ، و بین آنان وحدت ایجاد نماییم، چه باید کنیم؟ ----- ۳۶۹
پرسش ----- ۳۶۹
پاسخ ----- ۳۶۹
آیا مسلمانان نتیجه اختلاف را دیده اند ؟ علت دعوت آنها به آن چیست (اختلاف امتی رحمه) ؟ و جمع آن با دعوت قرآن به وحدت چگونه ممک
پرسش ----- ۳۷۱
پاسخ ----- ۳۷۱
چه عاملی باعث شده بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی از خود نشان دهد؟ ----- ۳۷۲
پرسش ----- ۳۷۲
پاسخ ----- ۳۷۲
دیدگاه اسلام در مورد تعصبات قوی و نژادی چیست؟ ----- ۳۷۲
پرسش ----- ۳۷۲
پاسخ ----- ۳۷۲
آثار وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟ ----- ۳۷۳
پرسش ----- ۳۷۳
پاسخ ----- ۳۷۳
محورهای وحدت در حوزه ادیان توحیدی, چیست ؟ ----- ۳۷۴
پرسش ----- ۳۷۴
پاسخ ----- ۳۷۴
قرآن چگونه به مسأله وحدت در حوزه پیروان ادیان توحیدی پرداخته است؟ ----- ۳۷۵
پرسش ----- ۳۷۵
پاسخ ----- ۳۷۵

نظر قرآن در مورد وحدت میان همه جوامع بشری چیست ؟ ---- ۳۷۶
پرسش ---- ۳۷۶
پاسخ ---- ۳۷۶
محور اتحاد انسانی چیست؟ ---- ۳۷۶
پرسش ---- ۳۷۶
پاسخ ---- ۳۷۶
قرآن,چگونه به مسأله اختلاف مقدس و نامقدس پرداخته است؟ پرسش ---- ۳۷۸
اشاره ---- ۳۷۸
پاسخ ---- ۳۷۸
محورهای اختلاف مقدس چیست؟ پرسش ---- ۳۷۹
اشاره ---- ۳۷۹
پاسخ ---- ۳۷۹
اختلاف نامقدس در دین و منشاء آن چیست؟ پرسش ---- ۳۷۹
اشاره ---- ۳۷۹
پاسخ ---- ۳۸۰
پی آمدهای تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟ پرسش ---- ۳۸۰
اشاره ---- ۳۸۰
پاسخ ---- ۳۸۰
مبدأ فاعلی تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟ ---- ۳۸۲
پرسش ---- ۳۸۲
پاسخ ---- ۳۸۲
راههای مبارزه با تفرقه و اختلاف نامقدس از نظر قرآن چیست؟ ---- ۳۸۳
پرسش ---- ۳۸۳
پاسخ ---- ۳۸۳

اهمیت وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟ ---- ۳۸۵
پرسش ---- ۳۸۵
پاسخ ---- ۳۸۵
از دیدگاه علی (ع) آیا هر اتحادی نیکو و مقدس است؟ پرسش ---- ۳۸۶
اشاره ---- ۳۸۶
پاسخ ---- ۳۸۶
وحدت صحیح, چگونه حاصل می‌شود؟ ---- ۳۸۷
پرسش ---- ۳۸۷
پاسخ ---- ۳۸۷
چرا دین, محور وحدت است؟ ---- ۳۸۷
پرسش ---- ۳۸۷
پاسخ ---- ۳۸۷
آیا قرآن برای وحدت مسلمانان, کافی است یا عترت هم, عامل لازم وحدت است؟ پرسش ---- ۳۸۹
اشاره ---- ۳۸۹
پاسخ ---- ۳۸۹
زمینه های پیدایی وحدت اسلامی‌کدامند؟ پرسش ---- ۳۹۰
اشاره ---- ۳۹۰
پاسخ ---- ۳۹۰
نقش اجتماعی ---- ۳۹۱
تـاریخ جنگهای مذهبی فراوانی را بخاطر دارد و خونهای زیادی که در این راه ریخته شده بنابراین ادیان و مذاهب موجب تفرقه و نفاق میان افراد ب
پرسش ---- ۳۹۱
پاسخ ---- ۳۹۱
معنای این سخن که انسان سازنده محیط خودش چیست؟ ---- ۳۹۱
پرسش ---- ۳۹۱

پاسخ ----- ۳۹۱
چرا سکوت می‌کنیم یا سکوت می‌کنند قشر فعال جامعه به خاطر اینکه کارشان ریا نشود و خود را از صحنه کنار می‌گذارند؟ ----- ۳۹۱
پرسش ----- ۳۹۱
پاسخ ----- ۳۹۲
چه کنیم تا محیط از ما تاثیر پذیر باشد نه ما از محیط ----- ۳۹۲
پرسش ----- ۳۹۲
پاسخ ----- ۳۹۲
علت بیکاری در ایران چیست ؟ ----- ۳۹۲
پرسش ----- ۳۹۲
پاسخ ----- ۳۹۳
آیا مسئولان حکومتی در قبال اوقات تلف شده ء سربازان مسوءول نیستند؟ ----- ۳۹۳
پرسش ----- ۳۹۳
پاسخ ----- ۳۹۳
توحید چه نقش اجتماعی دارد؟ ----- ۳۹۳
پرسش ----- ۳۹۳
پاسخ ----- ۳۹۳
یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟ ----- ۳۹۴
پرسش ----- ۳۹۴
پاسخ ----- ۳۹۴
انتظار از یک مجموعه فرهنگی در دانشگاه چیست ؟ ----- ۳۹۵
پرسش ----- ۳۹۵
پاسخ ----- ۳۹۵
وظیفه یک دانشجوی بسیجی جانباز، در این مقطع انقلاب چیست ؟ ----- ۳۹۵
پرسش ----- ۳۹۵

پاسخ ----- ۳۹۵
چگونه می توان در زندگی اجتماعی مسالمت آمیز و راحت زندگی کرد؟ ----- ۳۹۵
پرسش ----- ۳۹۵
پاسخ ----- ۳۹۵
توحید چه نقش اجتماعی دارد؟ ----- ۳۹۶
پرسش ----- ۳۹۶
پاسخ ----- ۳۹۶
یک فرد مسلمان، رفتارش چگونه باید باشد؟ ----- ۳۹۶
پرسش ----- ۳۹۶
پاسخ ----- ۳۹۶
وظیفه هر مسلمان، در جمهوری اسلامی چیست؟ ----- ۳۹۶
پرسش ----- ۳۹۶
پاسخ ----- ۳۹۷
چگونه میتوانیم در جامعه، جاذبهٔ اجتماعی داشته باشیم؟ ----- ۳۹۷
پرسش ----- ۳۹۷
پاسخ ----- ۳۹۷
وظایف یک طلبه در حال حاضر براساس قرآن کریم چیست ----- ۳۹۷
پرسش ----- ۳۹۷
پاسخ ----- ۳۹۸
بنده به عنوان دانشجوی سال دوم الهیات چگونه می توانم بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهم ؟ ----- ۳۹۸
پرسش ----- ۳۹۸
پاسخ ----- ۳۹۸
از نظر شرعی آیا حوزه نیز در گسیل نکردن روحانیان خبره به مناطق محروم مسئول نیست ؟ چه کسی باید پاسخگوی سؤالات و شبهات فراوان -
پرسش ----- ۳۹۸

پاسخ ----- ۳۹۹
آیا نمی‌توان گفت: زندگی بازی است و ما خود صحنه می‌سازیم تا بازیگر بازی‌های خویشتن باشیم؟ ----- ۳۹۹
پرسش ----- ۳۹۹
پاسخ ----- ۳۹۹
بسیجی کیست؟ ----- ۴۰۰
پرسش ----- ۴۰۰
پاسخ ----- ۴۰۰
وظیفه و مسئولیت ما در برابر خدا، دین، پیامبر، ائمه، جامعه، انقلاب و خانواده و خودمان چیست؟ ----- ۴۰۱
پرسش ----- ۴۰۱
پاسخ ----- ۴۰۱
دختران و پسرانی که نیاز به ازدواج داشتند خدمت پیامبر اسلام(ص) می رسیدند، خود را معرفی و نیاز خود را مطرح می کردند و آن حضرت زمینه
پرسش ----- ۴۰۲
پاسخ ----- ۴۰۲
آیا افرادی که دعاهایی مثل زیارت عاشورا یا کمیل را یم خوانند و فیلم مدیر کل را می بینند، می توانند مدعی اعمال دینی باشند؟ ----- ۴۰۲
پرسش ----- ۴۰۲
پاسخ ----- ۴۰۲
مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟ ----- ۴۰۳
پرسش ----- ۴۰۳
پاسخ ----- ۴۰۳
چگونه میتوان بین درس خواندن و فعالیت در تشکل های اسلامی راجمع کرد؟ ----- ۴۰۳
پرسش ----- ۴۰۳
پاسخ ----- ۴۰۳
روش های جلب اعتماد مردم چگونه است ----- ۴۰۴
پرسش ----- ۴۰۴

پاسخ ----- ۴۰۴

شرکت در تظاهراتهایی که انجام می شود مثل روز قدس یا روز ۲۲ بهمن و .. چه حکمی دارد؟در صورتی که شرایط شرکت را نداشته باشیم مثلا ک

پرسش ----- ۴۰۵

پاسخ ----- ۴۰۵

چرا باید حوزویان و طلاب ما از جامعه جدا باشند و در بطن مسایل قرار نگیرند ؟یک طلبه شنبه تا پنجشنبه به حوزه میرود و درس می خواند و فر

پرسش ----- ۴۰۵

پاسخ ----- ۴۰۵

چه عواملی باعث کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی شده است ؟ ----- ۴۰۶

پرسش ----- ۴۰۶

پاسخ ----- ۴۰۶

مهمترین وظایف جوان دانشجو به عنوان قشر تحصیل کرده در شرایط کنونی چیست؟ ----- ۴۰۷

پرسش ----- ۴۰۷

پاسخ ----- ۴۰۷

چرا لباس روحانیون و مبلغان ما به این شکل است؟مگر نه اینکه در زمان پیامبر وقتی کسی وارد مسجد می شد و پیامبر را نمی شناخت نمی توانس

پرسش ----- ۴۰۸

پاسخ ----- ۴۰۸

آیا مراجع تقلید و مبلغان دین اسلام توانسته اند اسلام ناب را به مردم معرفی کنند و آن شور و شوق لازم را برای رواج اسلام در مردم ایجاد کنند؟

پرسش ----- ۴۰۹

پاسخ ----- ۴۰۹

چرا علمای ما هم در مسائل علمی و هم فقهی بارز نیستند و فقط در مسائل فقهی تامل و تدبر می کنند مگر پیامبر ما که الگوی آنهاست به هر دو

پرسش ----- ۴۱۰

پاسخ ----- ۴۱۰

چطور شده که در دانشگاه های ما قباحت کارهای زشت و وجاهت کارهای خوب رخت بربسته و دانشگاه ها به جای مراکز علم و دانش به مراکز ت

پرسش ----- ۴۱۱

پاسخ ---- ۴۱۱
چرا از آموزه‌های ثابت قرآن، در دروس دانشگاهی و عرصه‌های علمی استفاده نمی‌کنیم؟ ---- ۴۱۴
پرسش ---- ۴۱۴
پاسخ ---- ۴۱۴
چرا ارتباط طلاب با جوانان کم شده و روحانیت وظیفه خود را درست اداء نمی کند؟ ---- ۴۱۶
پرسش ---- ۴۱۶
پاسخ ---- ۴۱۶
یک فرد در خانوادهٔ خود، چه جایگاهی دارد و به انجام چه کارهایی ملزم است ؟ ---- ۴۱۶
پرسش ---- ۴۱۶
پاسخ ---- ۴۱۷
برای یک دانشجو درس مقدم است یا فعالیت های فرهنگی ؟ ---- ۴۱۸
پرسش ---- ۴۱۸
پاسخ ---- ۴۱۸
تفاوت بین یک طلبه و دانشجو چیست ؟ ---- ۴۱۸
پرسش ---- ۴۱۸
پاسخ ---- ۴۱۸
اخلاق و کردار و رفتار و گفتار بسیجی نمونه را شرح دهید. ---- ۴۱۸
پرسش ---- ۴۱۸
پاسخ ---- ۴۱۹
کسی که دوستدار ولی فقیه است , چه وظیفه ای دارد؟ ---- ۴۱۹
پرسش ---- ۴۲۰
پاسخ ---- ۴۲۰
چرا سخنرانان فقط در یک زمینه - مثلا اخلاقی - سخنرانی می کنند* آیا بحث دشمن شناسی ضرورت ندارد؟ ---- ۴۲۰
پرسش ---- ۴۲۰

پاسخ ---- ۴۲۰
وظیفه ما در اجتماع کنونی چیست؟ ---- ۴۲۰
پرسش ---- ۴۲۰
پاسخ ---- ۴۲۰
عدالت اجتماعی ---- ۴۲۰
تساوی مثبت و منفی یعنی چه؟ ---- ۴۲۱
پرسش ---- ۴۲۱
پاسخ ---- ۴۲۱
قرآن چه اصلی را به عنوان زیربنای همهٔ قوانین اجتماعی پذیرفته است؟ ۱ ـ قرآن اصل «عدالت» را بعنوان زیربنای همهٔ قوانین اجتماعی پذیرفته
پرسش ---- ۴۲۱
پاسخ ---- ۴۲۲
مساوات در اسلام چگونه است؟ ---- ۴۲۲
پرسش ---- ۴۲۲
پاسخ ---- ۴۲۲
چرا در جوامع ما این اندازه فقر وجود دارد؟ ---- ۴۲۳
پرسش ---- ۴۲۳
پاسخ ---- ۴۲۳
خداوند متعال در قرآن کریم، در مورد" فقر "چه میفرماید و در این باره چه وظیفهای را برعهده مسئولان نهاده است؟ ---- ۴۲۳
پرسش ---- ۴۲۳
پاسخ ---- ۴۲۳
چرا در جامعه ما این قدر تضاد طبقاتی به چشم می خورد؟ ---- ۴۲۴
پرسش ---- ۴۲۴
پاسخ ---- ۴۲۴
در فقر و بدبختی و گرسنگی و برهنگی و زندگی کرده ایم حال اینکه عده ای در از و نعمت به سر می برند آیا مملکتی که منادی عدالت است باید

پرسش ----- ۴۲۵
پاسخ ----- ۴۲۵
بیعدالتی هایی که در جامعه مشاهده می کنم مرا نسبت به آینده و ادامه تحصیلات مایوس کرده است اینها را چگونه توجیه می کنید؟ ----- ۴۲۶
پرسش ----- ۴۲۶
پاسخ ----- ۴۲۷
چرا در جامعه ما, ثروتمندان و افراد بی دین در آسایش و مستضعفین در رنج و زحمت اند؟ ----- ۴۲۷
پرسش ----- ۴۲۷
پاسخ ----- ۴۲۸
در جامعه کنونی ما که یک جامعه اسلامی و دینی می باشد باید این همه تضاد طبقاتی وجود داشته باشد به طوریکه دقیقا مردم از نظر مادی به د
پرسش ----- ۴۲۸
پاسخ ----- ۴۲۸
موضوع ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. س
اشاره ----- ۴۲۹
پرسش ----- ۴۲۹
پاسخ ----- ۴۳۰
آیا فقیر و غنی همیشه وجود خواهد داشت یا ممکن است روزی کاملاً از بین برود ؟چگونه، لطفاً توضیح دهید. ----- ۴۳۱
پرسش ----- ۴۳۱
پاسخ ----- ۴۳۱
جنبش عدالت خواهی چیست؟ابتدا کجا مطرح شد ؟ راهکارهای عملی کردن آن در سطح جامعه و دانشگاه توسط دانشجویان چیست. --- ۴۳۱
پرسش ----- ۴۳۱
پاسخ ----- ۴۳۲
آیا نحوه تخصیص اعتبارات، صنایع، دانشگاهها، مدارس، خدمات شهری و ... به استانهای کشور با توجه به اینکه همه استانها مال یک کشورند مرد
پرسش ----- ۴۳۴
پاسخ ----- ۴۳۴

آیا در این زمان یک مسئول می تواند مطابق دستورهای اسلام عمل کند ;؟زیرا در صورت اجرای حق و عدالت افرادی که پذیرش عدل برایشان س
پرسش ---- ۴۳۵
پاسخ ---- ۴۳۵
مشکلات اداری ـ مشکل مسکن و تبعیض در جامعه . ---- ۴۳۵
پرسش ---- ۴۳۵
پاسخ ---- ۴۳۵
عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟ ---- ۴۳۶
پرسش ---- ۴۳۶
پاسخ ---- ۴۳۶
بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟ ---- ۴۳۷
پرسش ---- ۴۳۷
پاسخ ---- ۴۳۷
بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟ ---- ۴۳۷
پرسش ---- ۴۳۷
پاسخ ---- ۴۳۷
عدالت به چه معناست؟ ---- ۴۳۸
پرسش ---- ۴۳۸
پاسخ ---- ۴۳۸
از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟ ---- ۴۳۸
پرسش ---- ۴۳۸
پاسخ ---- ۴۳۹
از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟ ---- ۴۳۹
پرسش ---- ۴۳۹
پاسخ ---- ۴۳۹

عدالت به چه معناست؟ ---- ۴۴۰
پرسش ---- ۴۴۰
پاسخ ---- ۴۴۰
منظور از عدالت در فقه اصغر، حکمت و عرفان چیست؟ ---- ۴۴۰
پرسش ---- ۴۴۰
پاسخ ---- ۴۴۰
ارکان تضمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین در جوامع فعلی چه چیزهایی هستند؟ ---- ۴۴۱
پرسش ---- ۴۴۱
پاسخ ---- ۴۴۱
برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟ ---- ۴۴۴
پرسش ---- ۴۴۴
پاسخ ---- ۴۴۴
آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟ ---- ۴۴۵
پرسش ---- ۴۴۶
پاسخ ---- ۴۴۶
دیدگاه مرحوم مطهری درباه ارتباط عدالت و استحقاق چیست؟ ---- ۴۴۶
پرسش ---- ۴۴۶
پاسخ ---- ۴۴۷
چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟ ---- ۴۴۷
پرسش ---- ۴۴۷
پاسخ ---- ۴۴۷
با اینکه در اسلام تبعیض نژادی نیست پس این جمله روایت چه معنی دارد؟ «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود»؟ ---- ۴۴۷
پرسش ---- ۴۴۷
پاسخ ---- ۴۴۸

مساوات در اسلام چگونه است؟ ---- ۴۴۸
پرسش ---- ۴۴۸
پاسخ ---- ۴۴۸
چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟ ---- ۴۴۸
پرسش ---- ۴۴۸
پاسخ ---- ۴۴۹
آیا ظلم بالسویه عدل محسوب می شود؟ ---- ۴۴۹
پرسش ---- ۴۴۹
پاسخ ---- ۴۴۹
چرا تبعیضات نژادی از نظر اسلام مردود است و چرا باید فقیر و ثروتمند باهم برابر ---- ۴۴۹
پرسش ---- ۴۴۹
پاسخ ---- ۴۵۰
چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟ ---- ۴۵۰
پرسش ---- ۴۵۰
پاسخ ---- ۴۵۰
آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟ ---- ۴۵۱
پرسش ---- ۴۵۱
پاسخ ---- ۴۵۱
چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟ ---- ۴۵۲
پرسش ---- ۴۵۲
پاسخ ---- ۴۵۲
آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟ ---- ۴۵۲
پرسش ---- ۴۵۲
پاسخ ---- ۴۵۲

چرا در خیابانهای شهر ما یعنی دومین کلانشهر مذهبی دنیا، هر مرد شهوت رانی می تواند با صرف تنها چند دقیقه خانم بدکاری را به خدمت بگیر

پرسش ----- ۴۵۳

پاسخ ----- ۴۵۳

چگونه می توان عدالت را در زوایای زندگی خودمان و جامعه برقرار کرد؟ ----- ۴۵۴

پرسش ----- ۴۵۴

پاسخ ----- ۴۵۴

آیا در جامعه ما عدل به معنای واقعی برقرار است؟ ----- ۴۵۴

پرسش ----- ۴۵۴

پاسخ ----- ۴۵۴

انقلاب شد بر علیه طاغوت و ظلم و بیدادگری اکنون از گذشت ۲۵ سال: دنیاگرائی مسئولین، تبعیض و فاصله طبقاتی، فساد ادرای و پارتی بازی،

پرسش ----- ۴۵۵

پاسخ ----- ۴۵۵

چرابابد همیشه مردم گناباد مورد تبعیض قرار گیرند(این سؤالی است که خواهش دارم رهبر یا رئیس جمهور پاسخ بدهند) چرا باید مردم این شهر

پرسش ----- ۴۵۶

پاسخ ----- ۴۵۶

چرا این قدر اجناس گران است؟ ----- ۴۵۷

پرسش ----- ۴۵۷

پاسخ ----- ۴۵۷

آیا در جامعه باید تبعیض وجود داشته باشد؟ ----- ۴۵۸

پرسش ----- ۴۵۸

پاسخ ----- ۴۵۸

راه اجرای عدالت اجتماعی در جامعه از نظر قرآن چیست و چرا در کشور ما این امر هنوز به خوبی اجرا نمی‌شود؟ ----- ۴۵۸

پرسش ----- ۴۵۸

پاسخ ----- ۴۵۸

علت اصلی انحراف مسلمین از عدل اسلامی چیست ---- ۴۶۰
پرسش ---- ۴۶۰
پاسخ ---- ۴۶۰
یکی از اصول مذهب ما عدل است یعنی خدا عادل است و ظالم نیست ما انسان‌ها، که خلیفهٔ خدا در روی زمین هستیم چقدر می‌توانیم در زمینهٔ
پرسش ---- ۴۶۰
پاسخ ---- ۴۶۰
تکلیف این همه دروغ ریا، بی عدالتی و...، در یک جامعه‌ای که به نام جامعهٔ اسلامی است چیست آیا همین رفتار نادرست عاملی برای تروریسم خوا
پرسش ---- ۴۶۱
پاسخ ---- ۴۶۱
چرا در جامعه عدالت اجرا نمی شود بین درآمدها تفاوت فاحش وجود دارد ---- ۴۶۲
پرسش ---- ۴۶۲
پاسخ ---- ۴۶۲
نظر شما درباره حیف و میل بودجه کشور و فاصله طبقاتی چیست ؟ ---- ۴۶۳
پرسش ---- ۴۶۳
پاسخ ---- ۴۶۳
به نظر شما فاصله طبقاتی موجود در جامعه به چه عواملی بستگی دارد؟ ---- ۴۶۳
پرسش ---- ۴۶۳
پاسخ ---- ۴۶۳
چرا مسئولان ما مثل ائمه (ع) ساده زیست نیستند؟ ---- ۴۶۴
پرسش ---- ۴۶۴
پاسخ ---- ۴۶۴
با سلام ---- ۴۶۵
اشاره ---- ۴۶۵
پرسش ---- ۴۶۵

پاسخ ----- ۴۶۵
برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه , چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟ ----- ۴۶۶
پرسش ----- ۴۶۶
پاسخ ----- ۴۶۶
علت تجمل گرایی و اسراف بیت المال و فساد اداری در بین مسئولان دولتی چیست ؟ ----- ۴۶۸
پرسش ----- ۴۶۸
پاسخ ----- ۴۶۸
آیا جامعه ما واقعا اسلامی است یا به زور داریم نام مقدس اسلام را به یدک میکشیم آیا عدالت در این جامعه حکم فرماست آیا تا کنون سعی شده
پرسش ----- ۴۷۰
پاسخ ----- ۴۷۰
چرا معیارهای ساده زیستی به مرور در طول عمر انقلاب شکوهمند بالا رفت ،یعنی مثلا در سالهای اولیه انقلاب مسئولان در دفتر کار خودشان مع
پرسش ----- ۴۷۳
پاسخ ----- ۴۷۳
ضمن ارادتی که به رهبر انقلاب دارم اما چند سئوال در مورد زندگی ایشان دارم آیا ایشان ساده زیستی مطلوب یک حاکم اسلامی را دارند مگر حض
پرسش ----- ۴۷۵
پاسخ ----- ۴۷۵
اینجانب سؤالی داشتم در ارتباط با امور اجتماعی جامعه خودتان از شما خواهش می کنم بدون در نظر گرفتن وجه سیاسی خاصی به سؤال اینجانب
پرسش ----- ۴۷۶
پاسخ ----- ۴۷۶
در زمان گذشته روحانیان خیلی بهتر بودند. اما اکنون می بینیم که روحانیت درد جامعه را حس نمی کند. ----- ۴۷۷
اشاره ----- ۴۷۷
پرسش ----- ۴۷۷
پاسخ ----- ۴۷۷
عدالت را تعریف کرده و چگونگی عمل به آن را در اجتماع امروز توضیح دهید ؟ ----- ۴۷۸

پرسش ---- ۴۷۸
پاسخ ---- ۴۷۹
چرا مرجعیت در مقابل این همه ظلم و ستم و ارتشاء و بی عدالتی جامعه سکوت کرده اند و هیچ کار عملی نمی کنند. مگر فقط تذکر دادن کافی ا
پرسش ---- ۴۸۱
پاسخ(قسمت اول) ---- ۴۸۱
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۴۸۳
نابسامانی های اجتماع عدم وجود امنیت به خصوص برای زنان جامعه- عدم وجود عدالت اقتصادی - وضعیت قشر جوان دارد مرا دیوانه می کند .
پرسش ---- ۴۸۵
پاسخ ---- ۴۸۵
به نام خدا باتوجه به اینکه پیامبر در فرمایشاتشان تاکید کرده اند که حاکم حکومت اسلامی باید هم سطح با پایین ترین قشر مردم زندگی کنند چ
پرسش ---- ۴۸۹
پاسخ ---- ۴۸۹
عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟ ---- ۴۹۱
پرسش ---- ۴۹۲
پاسخ ---- ۴۹۲
برای چه در ادارات پارتی بازی می کنند ؟ ---- ۴۹۳
پرسش ---- ۴۹۳
پاسخ ---- ۴۹۳
چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است ؟ ---- ۴۹۴
پرسش ---- ۴۹۴
پاسخ ---- ۴۹۴
در وضیعت کنونی که اقتصاد مملکت وضعیت بسیار بدی دارد و به نقل روایتی از پیامبر(که فرمودند " : از هردری که فقر وارد شود ازدر دیگر ایم
پرسش ---- ۴۹۵
پاسخ ---- ۴۹۶

۱- چرا قانون گذاری به نفع آحاد مردم فراموش شده است؟ ---- ۴۹۶
اشاره ---- ۴۹۶
پرسش ---- ۴۹۶
پاسخ ---- ۴۹۶
برای ایستادگی درمقابل آمریکا، انسجام و وحدت ملی لازم است که مهمترین زمینه ایجاد آن عدالت اجتماعی است، ولی عملاً جز تبعیض وبی عدا
پرسش ---- ۴۹۷
پاسخ ---- ۴۹۷
نقش جامعه در قبال بعضی مسئولین که با سوء استفاده از مسئولیت از رانت های ویژۀ اقتصادی استفاده می نمایند که بعضاً زیر نظر مقام معظم ر
پرسش ---- ۴۹۸
پاسخ ---- ۴۹۸
نگرانی شما و ما در رابطه با انتخابات مجلس هفتم بیشتر ریشه درعملکرد مسئولین دارد که در چند ساله اخیر برملا شده (فساد اقتصادی، جریان
پرسش ---- ۴۹۸
پاسخ ---- ۴۹۸
چرا استعدادهایی که در این مملکت هستند حمایت نمی کنید و آنها را می کشید و خفه می کنید؟ ما نخبگانی داریم که می توانند این مملکت را
پرسش ---- ۴۹۸
پاسخ ---- ۴۹۹
چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوق گزافی می گیرند درحالی که این همه مردم فقیر وگرسنه هستند؟چه قانونی است؟آیا اسلام اجازه می
پرسش ---- ۵۰۰
پاسخ ---- ۵۰۰
با توجه به قدرت نفوذ پول سرمایه داران چطور می شود از بوجود آمدن برخی معضلات اجتماعی وتشنج علیه نظام جلوگیری نمود؟ ---- ۵۰۰
پرسش ---- ۵۰۰
پاسخ ---- ۵۰۰
چرا دولت شغل برای جوانان ایجاد نمی کند من که در کارهای خیر هستم می بینم ازدواج برای جوانها کم شد و فحشاء زیاد، شما را به خدا به مس
پرسش ---- ۵۰۱

پاسخ ----- ۵۰۱
۱- چرا وقتی که ازآدمهای(نسبتاً) فهمیده می پرسیم ثبت نام درحوزه علمیه به نظر شما چه طوری است، تعداد زیادی ازآنها جوابشان منفی است
پرسش ----- ۵۰۲
پاسخ ----- ۵۰۲
چرا کسی به فکر ازدواج جوانان نیست؟ حتی همین وام اندک ازدواج را هم کسی که پارتی ندارد نمی تواند بگیرد. برای گرفتن وام چه باید کرد؟
پرسش ----- ۵۰۳
پاسخ ----- ۵۰۴
چرا اینقدر گدا کنار خیابان و کوچه ها است؟ ----- ۵۰۵
پرسش ----- ۵۰۵
پاسخ ----- ۵۰۵
برای چه اینقدر گرانی است؟ اصلاً گرانی از چه چیزی می آید؟ ----- ۵۰۵
پرسش ----- ۵۰۶
پاسخ ----- ۵۰۶
با توجه به این که اسلام مخالف نظام طبقاتی و برتری قومی و قبیله‌ای است پس چرا سادات بر دیگران برتری دارند؟ ----- ۵۰۷
پرسش ----- ۵۰۷
پاسخ ----- ۵۰۷
نظر قرآن و روایات در بارهٔ عدالت اجتماعی داشتن جامعه خوب و رابطهٔ مردم در اجتماع چیست ----- ۵۰۸
پرسش ----- ۵۰۸
پاسخ ----- ۵۰۸
۴- چرا در جامعه دزدی رواج یافته است ؟ ----- ۵۰۹
پرسش ----- ۵۰۹
پاسخ ----- ۵۱۰
عکس العمل مقام معظم رهبری نسبت به تخلفات و مصرف نابجای بیت المال چیست ؟ ----- ۵۱۰
پرسش ----- ۵۱۰

پاسخ ----- ۵۱۰
آیا ظلم نیست که عده ای در خوشی زندگی می کنند و گروهی در فلاکت و بدبختی ؟ ----- ۵۱۰
پرسش ----- ۵۱۰
پاسخ ----- ۵۱۰
نظر شما در مورد فساد اداری حاکم در دستگاه های اجرایی چیست ؟ ----- ۵۱۱
پرسش ----- ۵۱۱
پاسخ ----- ۵۱۱
آیا این عدالت است که در جامعه ما یک فردی ۵۰ هزار تومان و فرد دیگری پانصد هزار تومان حقوق دریافت کنند؟ ----- ۵۱۲
پرسش ----- ۵۱۲
پاسخ ----- ۵۱۲
چرا در کشور ما پارتی بازی و تبعیض وجود دارد؟ ----- ۵۱۲
پرسش ----- ۵۱۲
پاسخ ----- ۵۱۲
چرا با این که از بسیاری جهات خودکفا هستیم هنوز هم افراد بسیاری در شهرستان ها و روستاها از گرسنگی و فقر رنج می برند؟ ----- ۵۱۲
پرسش ----- ۵۱۲
پاسخ ----- ۵۱۲
چرا در ایران اسلامی معضلاتی چون فقر, بی عدالتی , تبعیض , پارتی بازی , رشوه و مفاسد اداری وجود دارد؟ ----- ۵۱۵
پرسش ----- ۵۱۵
پاسخ ----- ۵۱۵
عدل و میزان به چه معنا هستند؟ ----- ۵۱۸
پرسش ----- ۵۱۸
پاسخ ----- ۵۱۸
چه بسا عدالت اجتماعی، پی‌آمد اعتقاد به توحید شمرده می‌شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟ ----- ۵۱۹
پرسش ----- ۵۱۹

پاسخ ----- ۵۱۹
تفاوت میان عدالت و ظلم چیست؟ ----- ۵۱۹
پرسش ----- ۵۱۹
پاسخ ----- ۵۱۹
آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟ ----- ۵۱۹
پرسش ----- ۵۲۰
پاسخ ----- ۵۲۰
علّت این که فساد سراسر کشورهای اسلامی را گرفته است چیست آیا علّت این نیست که دین ضامن اجرایی ندارد؟ ----- ۵۲۰
پرسش ----- ۵۲۰
پاسخ ----- ۵۲۱
عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟ ----- ۵۲۱
پرسش ----- ۵۲۱
پاسخ ----- ۵۲۱
چرا کسی به فکر وضع معیشتی مردم نیست ؟ چرا عده ای خانه و ماشین آن چنانی دارند؟ وعده ای به زحمت می توانند نان شبشان را تهیه کنند
پرسش ----- ۵۲۳
پاسخ ----- ۵۲۳
در شهری که بنده زندگی می کنم , تبعیض هایی در سطح ادارات به چشم می خورد. یک عده که وضع مالی خوبی دارند و شاید چند جا خانه داش
پرسش ----- ۵۲۳
پاسخ ----- ۵۲۴
چرا مسئولان کشور از فرماندار و شهردار یک شهر کوچک تا استانداران، وزرا و نمایندگان مجلس و رؤسای سه قوه مانند اکثر مردم زندگی نمی‌کنن
پرسش ----- ۵۲۴
پاسخ ----- ۵۲۴
مدتی است دولت جمهوری اسلامی , خدمت سربازی را میفروشد و پول دارها می خرند و بی پول هاباید اجباراً به خدمت سربازی بروند. آیا این عم
پرسش ----- ۵۲۵

پاسخ ----- ۵۲۶

آیا ارفاق کردن به طور مساوی به همهٔ دانش آموزان صحیح است یا باید مثلاً به دانش آموز زرنگ مثلاً ۲ نمره اضاف داد و به ضعیف ۱نمره؟ عدالت

پرسش ----- ۵۲۶

پاسخ ----- ۵۲۶

وقتی که به مردم و جامعهٔ خودمان نگاه می کنم احساس می کنم که به شدت جامعهٔ ما طبقاتی شده است . جامعهٔ روستایی و شهری و طبقات مخ

پرسش ----- ۵۲۶

پاسخ ----- ۵۲۶

پارتی بازی در مسائل اجتماعی را توضیح دهید. ----- ۵۲۷

پرسش ----- ۵۲۷

پاسخ ----- ۵۲۷

آیا گرانی تمام می‌شود، یعنی تا کی می‌خواهد ادامه پیداکند؟ ----- ۵۲۸

پرسش ----- ۵۲۸

پاسخ ----- ۵۲۸

آیا اختلاف طبقاتی در جامعه باید باشد) اگر نه، پس چه کسی کارهای سطح پایین جامعه را انجام دهد؟ اگر آری، پس عدالت اجتماعی چه می‌شود

پرسش ----- ۵۲۸

پاسخ ----- ۵۲۸

علّت این که در جامعه اسلامی، فساد و تباهی وجود دارد چیست؟ ----- ۵۲۹

پرسش ----- ۵۲۹

پاسخ ----- ۵۲۹

چرا در جامعه اسلامی شاهد این همه ظلم و ستم می باشیم، در حالی که خدا ناظر بر عمل ما است؟ ----- ۵۳۰

پرسش ----- ۵۳۰

پاسخ ----- ۵۳۰

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها مو

پرسش ----- ۵۳۰

پاسخ ----- ۵۳۱
در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟ ----- ۵۳۱
پرسش ----- ۵۳۱
پاسخ ----- ۵۳۱
۱-چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟ ----- ۵۳۲
اشاره ----- ۵۳۲
پرسش ----- ۵۳۲
پاسخ ----- ۵۳۴
زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها مِ
پرسش ----- ۵۳۴
پاسخ ----- ۵۳۵
در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟ ----- ۵۳۵
پرسش ----- ۵۳۵
پاسخ ----- ۵۳۶
۱- چرا حق انسان ها (عدالت)همیشه به درستی ادا نمی شود و انسان ها با هم برابری نمی کنند؟ ----- ۵۳۶
پرسش ----- ۵۳۶
پاسخ ----- ۵۳۶
چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟ ----- ۵۳۸
اشاره ----- ۵۳۸
پرسش ----- ۵۳۸
پاسخ ----- ۵۴۰
با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟ ----- ۵۴۰
پرسش ----- ۵۴۰
پاسخ ----- ۵۴۰

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟ ---- ۵۴۱
پرسش ---- ۵۴۱
پاسخ ---- ۵۴۱
ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟ ---- ۵۴۲
پرسش ---- ۵۴۲
پاسخ ---- ۵۴۲
ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟ ---- ۵۴۲
پرسش ---- ۵۴۲
پاسخ ---- ۵۴۲
مقصود از جامعهٔ بی‌امتیاز توحیدی چیست؟ ---- ۵۴۲
پرسش ---- ۵۴۲
پاسخ ---- ۵۴۳
عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟ ---- ۵۴۳
پرسش ---- ۵۴۳
پاسخ ---- ۵۴۴
کلیات ---- ۵۴۴
از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟ ---- ۵۴۴
پرسش ---- ۵۴۴
پاسخ ---- ۵۴۴
رابطهٔ فرد، جامعه و مهاجرت چگونه است؟ ---- ۵۴۵
پرسش ---- ۵۴۵
پاسخ ---- ۵۴۵
واژهٔ (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟ ---- ۵۴۵
پرسش ---- ۵۴۵

پاسخ ----- ۵۴۵
واژهٔ (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟ ----- ۵۴۶
پرسش ----- ۵۴۶
پاسخ ----- ۵۴۶
بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟ ----- ۵۴۷
پرسش ----- ۵۴۷
پاسخ ----- ۵۴۷
با توجه به گستردگی علوم اسلامی چگونه می‌توانیم همه را بخوانیم؟ ----- ۵۴۷
پرسش ----- ۵۴۷
پاسخ ----- ۵۴۷
برای موفقیت در درس و زندگی چه باید کرد؟ ----- ۵۴۷
پرسش ----- ۵۴۷
پاسخ ----- ۵۴۸
مشکل اصلی کشور چیست؟ ----- ۵۵۰
پرسش ----- ۵۵۰
پاسخ ----- ۵۵۰
چگونه جامعه ای سالم با جوانان سالم داشته باشیم؟ ----- ۵۵۱
پرسش ----- ۵۵۱
پاسخ ----- ۵۵۱
دربارهٔ یک موضوع اجتماعی در چه مکان‌هایی می‌توان قضاوت کرد؟ ----- ۵۵۲
پرسش ----- ۵۵۲
پاسخ ----- ۵۵۲
۳درباره بسیج توضیح دهید ؟ ----- ۵۵۲
پرسش ----- ۵۵۲

پاسخ ----- ۵۵۲
۱ ـ یک جامعه چگونه باید تربیت شود راههای آن را لطفا بگویید ؟ ----- ۵۵۳
پرسش ----- ۵۵۳
پاسخ ----- ۵۵۳
آینده ایران و اسلام را چگونه می بینید؟ ----- ۵۵۵
پرسش ----- ۵۵۵
پاسخ ----- ۵۵۵
چه راهکارهایی را می توان برای بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت عملی به تئوریک پیشنهاد می کنید؟
پرسش ----- ۵۵۷
پاسخ ----- ۵۵۷
مهم ترین نیاز جامعهء اسلامی در عصر کنونی چیست ؟ ----- ۵۵۸
پرسش ----- ۵۵۸
پاسخ ----- ۵۵۸
برای سعادت مند شدن چه نکاتی قابل توجه است ؟ ----- ۵۵۹
پرسش ----- ۵۵۹
پاسخ ----- ۵۶۰
بسیج یعنی چه ؟ ----- ۵۶۰
پرسش ----- ۵۶۱
پاسخ ----- ۵۶۱
یک فرد مسلمان باید چه خصوصیاتی اعم از سیاسی و اجتماعی داشته باشد؟ ----- ۵۶۱
پرسش ----- ۵۶۱
پاسخ ----- ۵۶۱
به نظر شما مشکل اصلی جامعهٔ ما و سایر جوامع بشری چیست؟ ----- ۵۶۲
پرسش ----- ۵۶۲

پاسخ ----- ۵۶۲
بهترین نوع تحصیل در چه رشته ای است، در حوزه یا در دانشگاه؟ ----- ۵۶۲
پرسش ----- ۵۶۲
پاسخ ----- ۵۶۲
عامل تحرک تاریخ و تطور اجتماعی چیست؟ ----- ۵۶۳
پرسش ----- ۵۶۳
پاسخ ----- ۵۶۳
علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید. ----- ۵۶۳
پرسش ----- ۵۶۴
پاسخ ----- ۵۶۴
بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟ ----- ۵۶۴
پرسش ----- ۵۶۴
پاسخ ----- ۵۶۴
چگونه مسلمانان می توانند به سعادت دست یابند؟ ----- ۵۶۵
پرسش ----- ۵۶۵
پاسخ ----- ۵۶۵
علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟ ----- ۵۶۵
پرسش ----- ۵۶۵
پاسخ ----- ۵۶۵
قرآن کریم، جامعهٔ ایده آل را چگونه معرفی میکند؟ ----- ۵۶۵
پرسش ----- ۵۶۵
پاسخ ----- ۵۶۵
استقلال فردی اجتماعی و شیوه‌هایی که قرآن برای کسب آن‌ها بیان کرده چیست ----- ۵۶۶
پرسش ----- ۵۶۶

پاسخ ----- ۵۶۶
مهمترین مولفه های دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا کارهایی جهت اسلامی کردن دانشگاهها انجام شده است ؟ ----- ۵۶۷
پرسش ----- ۵۶۷
پاسخ ----- ۵۶۷
ویژگی های یک دانشگاه اسلامی چیست.و ما دانشجویان برای تحقق آن چه وظیفه ای داریم. ----- ۵۶۷
پرسش ----- ۵۶۷
پاسخ ----- ۵۶۸
مهمترین معضلات و مشکلات جامعه ما چیست. ----- ۵۶۸
پرسش ----- ۵۶۸
پاسخ ----- ۵۶۸
یک گروه تحقیقاتی از کانون دانش آموختگان دوره های طرح ولایت برای بخش نظر سنجی این کانون قصد انجام تحقیقات میدانی در دو زمینه ا
پرسش ----- ۵۶۸
پاسخ ----- ۵۶۹
تا چه مقدار وضع جامعه را سالم می بینید؟ ----- ۵۶۹
پرسش ----- ۵۶۹
پاسخ ----- ۵۶۹
راه های بقای یک مجموعه فرهنگی مذهبی که علاقه دارند تا آخر عمر به اسلام خدمت کنند چیست؟ ----- ۵۷۲
پرسش ----- ۵۷۲
پاسخ ----- ۵۷۲
ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر یا ستاد بسیج در این چند سال: ۱- چه طرحی داشته اند ۲-موفق یا ناموفق بودند ۳- مخاطبانشان که هس
پرسش ----- ۵۷۲
پاسخ ----- ۵۷۳
به نظر شما، جوانان ما در شیعه چه چیزی نمی‌بینند که شیفته مکتب‌های بیگانه می‌شوند؟ ----- ۵۷۶
پرسش ----- ۵۷۶

پاسخ ----- ۵۷۷
آیا الزام‌ها وضرورت‌های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح وعدالت سوق می‌دهد؟ ----- ۵۷۸
پرسش ----- ۵۷۸
پاسخ ----- ۵۷۸
آیا برای ایجاد تحوّل در جامعه احتیاج به اصلاحات تدریجی است یا انقلاب بنیادی؟ ----- ۵۷۹
پرسش ----- ۵۷۹
پاسخ ----- ۵۷۹
چرا درجهت رفع ابهامات جوانان اقداماتی ریشه ای انجام نمی شود؟ ----- ۵۸۰
پرسش ----- ۵۸۰
پاسخ ----- ۵۸۰
انحرافات ----- ۵۸۱
انحرافات فردی و گروهی ----- ۵۸۱
چرا در جامعه ما دست دزد قطع نمی شود تا عبرت دیگران شود ----- ۵۸۱
پرسش ----- ۵۸۱
پاسخ ----- ۵۸۱
چرا در کشور ما با مجرمان و قاچاقچیان برخورد جدی نمی شود؟ ----- ۵۸۱
پرسش ----- ۵۸۱
پاسخ ----- ۵۸۲
چرا با وجود نسل های جدید کشور ما رو به فساد است؟ ----- ۵۸۲
پرسش ----- ۵۸۲
پاسخ ----- ۵۸۲
چرا در زمانهای قدیم مردم لوطی صفت و با معرفت تر بودند و با این وجود که در آن زمان دین اسلام زیاد محکم و استوار نبود ولی در این زما
پرسش ----- ۵۸۳
پاسخ ----- ۵۸۳

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟ ---- ۵۸۵
پرسش ---- ۵۸۵
پاسخ ---- ۵۸۵
تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی‌یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی‌نماید؟ ۵۸۵
پرسش ---- ۵۸۵
پاسخ ---- ۵۸۵
موارد چهار گانه تحقیق و پژوهش در مورد اعتیاد (نقش دوستان نایاب، عوامل زمینه ساز اعتیاد، مضرّات جسمانی، اخلاقی، اجتماعی و روش‌ها
پرسش ---- ۵۸۶
پاسخ ---- ۵۸۶
علت گرایش بعضی از جوانان به مواد مخدر و الکل چیست ؟ ---- ۵۸۶
پرسش ---- ۵۸۶
پاسخ ---- ۵۸۶
اگر بخواهیم ریشه های فساد را در جامعه نام ببریم و به اصطلاح از لحاظ آسیب شناسی فرهنگی بخوهیم بحث کنیم , عوامل و ریشه های فس
پرسش ---- ۵۸۹
پاسخ ---- ۵۸۹
اگر گدایی را ببینیم و به او کمک نکنیم , اشکال دارد؟ به بودن این افراد شک داریم و فکر می کنیم درصندوق صدقات بیندازیم بهتر است . بعـ
پرسش ---- ۵۹۰
پاسخ ---- ۵۹۰
چرا در مورد مسائل انحرافی و لغزش های اخلاقی فقط دخترها آسیب می بینند؟ (مثلا دخترهایی که گول مردهای پست را می خورند و عفت
پرسش ---- ۵۹۰
پاسخ ---- ۵۹۱
چرا بعضی پسر ها و دخترها امروز عاشق کسی هستند و فردا عاشق کس دیگر؟ ---- ۵۹۲
پرسش ---- ۵۹۲
پاسخ ---- ۵۹۲

چرا بعضی از مردم بد کارند؟ ---- ۵۹۳
پرسش ---- ۵۹۴
پاسخ ---- ۵۹۴
علت خودکشی در جوانان چیست؟ ---- ۵۹۴
پرسش ---- ۵۹۴
پاسخ ---- ۵۹۴
با توجه به این که چپاول گران و سودجویان در شهرها قیمت زمین‌ها و مصالح ساختمانی را بالا می‌برند و جوانان نمی‌توانند برای خود سرپناهِ
پرسش ---- ۵۹۵
پاسخ ---- ۵۹۵
چرا برخی از افراد با وجود داشتن زن و فرزند به دنبال ناموس مردم می‌روند، درحالی که پیامبر فرمود: ازدواج کنید تا به فساد کشیده نشوید؟
پرسش ---- ۵۹۶
پاسخ ---- ۵۹۶
راه مبارزه با علل انحراف چیست ؟ ---- ۵۹۶
پرسش ---- ۵۹۶
پاسخ ---- ۵۹۶
چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟ ---- ۵۹۷
پرسش ---- ۵۹۷
پاسخ ---- ۵۹۷
چه راه هایی برای جلوگیری از منکرات اخلاقی و اجتماعی یک فرد پیشنهاد می کنید؟ ---- ۵۹۷
پرسش ---- ۵۹۷
پاسخ ---- ۵۹۷
علّت گرایش شدید به فساد و بی بندوباری در کشورهای صنعتی و پیشرفته چیست؟ ---- ۵۹۸
پرسش ---- ۵۹۸
پاسخ ---- ۵۹۸

اگر کسی باعث انحراف دیگری شد، راه جبران آن چیست؟ ---- ۵۹۹
پرسش ---- ۵۹۹
پاسخ ---- ۵۹۹
چرا در جامعه ما بی حجابی گسترش یافته است ؟ ---- ۵۹۹
پرسش ---- ۵۹۹
پاسخ ---- ۵۹۹
چرا اینقدر آمار معتادین بالا رفته است؟ ---- ۶۰۰
پرسش ---- ۶۰۰
پاسخ ---- ۶۰۱
دلیل ابتلای جوانان به اعتیاد چیست ؟ ---- ۶۰۱
پرسش ---- ۶۰۱
پاسخ ---- ۶۰۱
چرا ما مردم مسلمان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟ ---- ۶۰۲
پرسش ---- ۶۰۲
پاسخ ---- ۶۰۲
برای چه اینقدر جامعه خراب است؟ به خاطر این پسرهای ابله نمی توان به تنهایی جایی رفت؟ ---- ۶۰۲
پرسش ---- ۶۰۲
پاسخ ---- ۶۰۳
چند وقتی است نسبت به اعتقادات و اصول دچار شک و تردید شده ام مانند اینکه چرا خدا رامی پرستیم و نماز می خوانیم و بسیاری مسائل د
پرسش ---- ۶۰۴
پاسخ ---- ۶۰۴
علت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور چیست ؟ ---- ۶۰۸
پرسش ---- ۶۰۸
پاسخ ---- ۶۰۸

علّت گرایش به فحشاء پنهان چیست؟ ---- ۶۰۸
پرسش ---- ۶۰۸
پاسخ ---- ۶۰۹
علل انحرافات ---- ۶۰۹
تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟ ۰۹
پرسش ---- ۶۰۹
پاسخ ---- ۶۰۹
با توجه به اهمیت روحانیت در تشکیل فرهنگ اسلامی آیا شما مسؤول مفاسد جامعه را وزارت ارشاد می‌دانید یا این قشر محترم؟ ---- ۶۰۹
پرسش ---- ۶۱۰
پاسخ ---- ۶۱۰
رغم پیش رفتن علم، آمار طلاق بالا است. نتایج منفی طلاق برای خانواده وبچه ها را بنویسید. ---- ۶۱۰
پرسش ---- ۶۱۰
پاسخ ---- ۶۱۰
چرا در جامعه، آمار هم جنس بازی و استمنا این قدر بالا رفته است؟ آیا با مسائل خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ربطی دارد؟ چرا د
پرسش ---- ۶۱۱
پاسخ ---- ۶۱۱
علت شکاف بین خانواده ها و رشد طلاق بین آن ها در چیست؟ ---- ۶۱۱
پرسش ---- ۶۱۲
پاسخ ---- ۶۱۲
راه مبارزه با علل انحراف و بی دینی چیست ؟ ---- ۶۱۳
پرسش ---- ۶۱۴
پاسخ ---- ۶۱۴
باوجود اینکه هر کس نیک و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد چرا عده ای منحرف می شوند؟ ---- ۶۱۴
پرسش ---- ۶۱۴

پاسخ ----- ۶۱۴
مهم ترین عاملی که جوانان ما را در حال حاضر به فساد می کشاند چیست؟ ----- ۶۱۵
پرسش ----- ۶۱۵
پاسخ ----- ۶۱۵
علّت پیدایش جرائم و گناهان و مبداء خلافکاریها در انسان چیست؟ ----- ۶۱۵
پرسش ----- ۶۱۶
پاسخ ----- ۶۱۶
چرا مردم از ارزش های اسلامی و روحانیت فاصله گرفته اند ----- ۶۱۶
پرسش ----- ۶۱۶
پاسخ ----- ۶۱۶
۲- چرا صیغه در جامعه اسلامی جای خود را به زنا ولواط داده است ؟ ----- ۶۱۷
پرسش ----- ۶۱۷
پاسخ ----- ۶۱۷
علل به انحراف کشیده شدن جوانان چیست ؟ ----- ۶۱۷
پرسش ----- ۶۱۷
پاسخ ----- ۶۱۷
من فکر می‌کنم عامل انحراف قشر تحصیل کرده این نیست که مثلاً اصول عقایدشان درست نیست، بلکه عامل مهم آن، این است که می‌بینند ء
پرسش ----- ۶۱۸
پاسخ ----- ۶۱۸
نظارت اجتماعی ----- ۶۱۹
نظارت اجتماعی رسمی ----- ۶۱۹
چرا علما و مراجع تقلید در مقابل تسلیمه ءنسرین که کتابی شبیه آیات شیطانی نوشت عکس العملی نشان ندادند؟ ----- ۶۱۹
پرسش ----- ۶۱۹
پاسخ ----- ۶۱۹

برای شهر فردوس چون امام جمعه ندارد از مسئولین درخواست امام جمعه نمائید. ---- ۶۲۰
پرسش ---- ۶۲۰
پاسخ ---- ۶۲۰
چرا وزارت ارشاد اجازهء پخش نوارهای غیر اسلامی را می دهد؟ ---- ۶۲۰
پرسش ---- ۶۲۰
پاسخ ---- ۶۲۰
آیا روشهای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و جامعه با روشهای تربیتی قرآن هم خوانی دارد؟ ---- ۶۲۱
پرسش ---- ۶۲۱
پاسخ ---- ۶۲۱
بفرمایید جلوی این همه بیحجابی و بد حجابیها را چه کسی باید بگیرد؟ ---- ۶۲۱
پرسش ---- ۶۲۱
پاسخ ---- ۶۲۱
چرا بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد هنوز هم بحث اعتیاد و سیگار و حشیش و مشروبات الکلی در جامعه ما زیاد شده است؟ شاید
پرسش ---- ۶۲۲
پاسخ ---- ۶۲۳
نظام جمهوری اسلامی ایران چه تمهید و تعبیراتی در خصوص تربیت دختران و پسران چه در خانواده های مذهبی و غیر مذهبی که متأسفانه
پرسش ---- ۶۲۴
پاسخ ---- ۶۲۴
به چه دلیل جلو بی حجابی گرفته نمی شود و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود. و پوشش این افراد کمتر می شود آیا ما می توانیم صبر
پرسش ---- ۶۲۵
پاسخ ---- ۶۲۵
یکی از بزرگترین بدبختی های جامعه ما مواد مخدر و دخانیات می باشد پس چرا دولت دم از ترک آن می زند و آن را خطر بزرگ می داند و اء
پرسش ---- ۶۲۷
پاسخ ---- ۶۲۷

چرا در جامعه اسلامی ما با توجه به ارزش حجاب و امور معنوی فیلمهایی در سینما و تلویزیون پخش می‌شود که اسباب هتک حرمت زن را فر

پرسش ----- ۶۲۸

پاسخ ----- ۶۲۸

با این که اصل حجاب در قرآن آمده، چرا در برنامههای تلویزیونی حجاب رعایت نمیشود؟ و چرا رهبر و دیگر مراجع تذکر نمیدهند؟ --- ۶۲۹

پرسش ----- ۶۲۹

پاسخ ----- ۶۲۹

چرا مسؤولان رده بالای کشوری به مسأله تهاجم فرهنگی اعتنایی ندارند، البته حرفش را میزنند و نصیحتهای خوب و تأثیر گذاری میکنند ولی

پرسش ----- ۶۲۹

پاسخ ----- ۶۳۰

مدت ۲۱ سال است که در شهر سقز در مسجد حضرت علیو در مساجد دیگر کلاس‌های روخوانی روان‌خوانی و تجوید برقرار است اما یک رسم

پرسش ----- ۶۳۱

پاسخ ----- ۶۳۱

چرا وسایل و ابزار تبلیغاتی در زمینهٔ قرآن و علوم قرآنی به صورت انبوه و رایگان در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد؟ برای نمونه بنده یک قرآن به

پرسش ----- ۶۳۱

پاسخ ----- ۶۳۲

اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت درمقابل دشمن وتهاجم فرهنگی غرب چیست ؟ ----- ۶۳۲

پرسش ----- ۶۳۲

پاسخ ----- ۶۳۲

می گویند هرکس پول و پارتی دارد همه چیز دارد و این درست است چون مصادیقش در جامعه زیاد است این ضعف از کجا ناشی می شود؟

پرسش ----- ۶۳۲

پاسخ ----- ۶۳۲

کاهش تدریجی گرایش های دینی درجامعه اسلامی -بویژه دربین جوانان -معلول چه عواملی است وآیاتاکنون دولت برای حل مشکلات دینی و

پرسش ----- ۶۳۳

پاسخ ----- ۶۳۳

طلبه هایی که به دانشگاه می آیند, در جواب دادن به مشکلات دینی ضعیف هستند, چرا حوزه برای تربیت این افراد برنامه ای ندارد؟ - ۶۳۳
پرسش ----- ۶۳۳
پاسخ ----- ۶۳۳
حوزه برای احیای ارزش های اسلامی در دانشگاه ها چه کارها کرده است , لطفا فهرست وار بیان کنید؟ ----- ۶۳۴
پرسش ----- ۶۳۴
پاسخ ----- ۶۳۴
در گرایش جوانان به مدهای غربی آیا آنان مقصرند یا تولید کنندگان و اگر تولید کنندگان چرا دولت ممانعت نمی کند؟ ----- ۶۳۴
پرسش ----- ۶۳۴
پاسخ ----- ۶۳۴
یک موقع استفاده از ماهواره آزاد شد ولی بعدا آن را ممنوع کردند چرا؟ ----- ۶۳۴
پرسش ----- ۶۳۴
پاسخ ----- ۶۳۵
اقدامات حکومت اسلامی ایران را برای مهار کردن تهاجم فرهنگی توضیح دهید؟ ----- ۶۳۵
پرسش ----- ۶۳۵
پاسخ ----- ۶۳۵
چرا مسئولین از حضور هنرپیشه هایی که مسائل مذهبی را رعایت نمی کنند جلوگیری نمی کنند؟ ----- ۶۳۵
پرسش ----- ۶۳۵
پاسخ ----- ۶۳۵
با توجه به تهاجم فرهنگی مسئولین نظام جمهوری اسلامی چه تدابیری را برای استفاده از کالاهای خارجی اندیشیده اند ؟ ----- ۶۳۶
پرسش ----- ۶۳۶
پاسخ ----- ۶۳۶
آیا نظارت بر فعالیت های فرهنگی انجمن های اسلامی دانشگاه انجام می گیردیانه واگر صورت می گیرد چرا در دانشگاه اصفهان این نظارت نی
پرسش ----- ۶۳۶
پاسخ ----- ۶۳۶

در مقابل تهاجم فرهنگی از راه فیلم های سینمائی چرا اقدام نمی شود؟ ---- ۶۳۶
پرسش ---- ۶۳۶
پاسخ ---- ۶۳۶
چرا در سیمای ایران فیلمهایی نشان داده می شود که زیرگردن و بیخ گوش زنها پیداست ---- ۶۳۷
پرسش ---- ۶۳۷
پاسخ ---- ۶۳۷
چرا دولت و مسئولین در مورد بی حجابی اقدامات جدی به عمل نمی آورند؟ ---- ۶۳۷
پرسش ---- ۶۳۷
پاسخ ---- ۶۳۷
دانشگاه ما انجمن اسلامی ندارد و اجازه تشکیل آنرا به ما نمی دهند چرا ---- ۶۳۸
پرسش ---- ۶۳۸
پاسخ ---- ۶۳۸
چرا حوزه علمیه جواب شبهات مطرح شده را نمی دهد ---- ۶۳۸
پرسش ---- ۶۳۸
پاسخ ---- ۶۳۸
چرا در دانشگاهها وضع حجاب ضعیف است ---- ۶۳۸
پرسش ---- ۶۳۸
پاسخ ---- ۶۳۹
چرا نیروی انتظامی با بدحجابی برخورد جدی نمی کند؟ ---- ۶۳۹
پرسش ---- ۶۳۹
پاسخ ---- ۶۳۹
چرا گروه های امر به معروف , نسبت به این همه بی حجابی و فساد جوانان , عکس العمل نشان نمی دهند؟ ---- ۶۳۹
پرسش ---- ۶۳۹
پاسخ ---- ۶۳۹

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی , بر عهده ء چه ارگان هایی است ؟ ---- ۶۴۰
پرسش ---- ۶۴۰
پاسخ ---- ۶۴۰
چرا کنترلی بر بعضی برنامه های صدا و سیما وجود ندارد؟ ---- ۶۴۱
پرسش ---- ۶۴۱
پاسخ ---- ۶۴۱
اگر واقعا اختلاط دختر و پسر اشکال دارد چرا دانشگاهها را بصورت جدا در نمی آورید؟ ---- ۶۴۲
پرسش ---- ۶۴۲
پاسخ ---- ۶۴۲
چرا در جامعه امروزی ما میل و رغبت جوانان نسبت به مسایل عقیدتی و مذهبی کم رنگ شده است .آیا در جامعه این گونه فسادها و آزادیها را
پرسش ---- ۶۴۳
پاسخ ---- ۶۴۴
موزیکهایی که از صدا و سیما پخش می شود به خصوص تلویزیون شباهت بسیار زیادی با آن ترانه ها دارد و نوارهایی که به اصطلاح مجوز از و
پرسش ---- ۶۴۴
پاسخ ---- ۶۴۴
امروزه فساد اخلاقی زیاد شده است و برخی از مجازات های مفاسد اخلاقی به پرداخت جریمه مبدل گشته است و تساهل و تسامح مسئولین ه
پرسش ---- ۶۴۵
پاسخ ---- ۶۴۵
چرا جلوی سینماهای افتضاح ایران را نمی گیرند؟ ---- ۶۴۶
پرسش ---- ۶۴۶
پاسخ ---- ۶۴۶
برخورد منطقی و مؤثر با کسانی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی کنند بر عهده چه ارگانها و نهادهایی است؟ ---- ۶۴۶
پرسش ---- ۶۴۶
پاسخ ---- ۶۴۶

به چه دلیل بازی بیلیارد را با اینکه مجتهدین آن را حرام کرده اند ولی این گونه در کشور ما رواج پیدا کرده است؟ ---- ۶۴۸
پرسش ---- ۶۴۸
پاسخ ---- ۶۴۸
آیا در دنیایی که کلیه مکاتب و مذاهب و حتی کلوپ های شبانه برای جذب همفکر و عضو با تمام امکانات و آدرس های پستی و الکترونیکی ب
پرسش ---- ۶۴۹
پاسخ ---- ۶۴۹
در دین مبارک ما آمده که زن نباید با صدای بلند در بین نامحرم بخندد و بهتر است که نامحرم صدای او را نشنود.تا شیطان بین آنها وسوسه ا
پرسش ---- ۶۵۰
پاسخ ---- ۶۵۰
در نظام اسلامی اِعمال نفوذ و قدرت ارزشهای مذهبی ،چگونه در جامعه عملی می شود ارزشهای مذهبی به چه قدرتی باید وارد جامعه شود تا ب
پرسش ---- ۶۵۱
پاسخ ---- ۶۵۱
لطفا در زمینه ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراکز اجرایی آنها و دامنه اختیاراتی که این مرکز دارند توضیح دهید؟ ---- ۶۵۱
پرسش ---- ۶۵۱
پاسخ ---- ۶۵۱
با سلام چرا با توجه به فساد گسترده اداری و ناکارآمدی مدیران و همچنین فساد ایشان در زمینه برخورد با آنان اقدام موثر به عمل نمی آید. ن
پرسش ---- ۶۵۴
پاسخ ---- ۶۵۵
با توجه به دستور حضرت عالی جهت برخورد بارشوه خواری واسراف در بیت المال چراهمچنان در جامعه شاهد این رویداد زشت هستیم. ۶۵۷
پرسش ---- ۶۵۷
پاسخ ---- ۶۵۷
برای من سوال است که چرا در یک کشور اسلامی سایتهای اینترنتی سکسی به راحتی در دسترس تمام جوانان است . تورم اقتصادی - عدم ام
پرسش ---- ۶۵۸
پاسخ ---- ۶۵۸

چرا عقاید وهابیت در جامعه ما براحتی گسترش می یابد و هیچ مسئولی یا ارگانی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت ان نمیکند؟ ----- ۶۵۹
پرسش ----- ۶۵۹
پاسخ ----- ۶۵۹
با سلام و احترام بنده نه دانشجو هستم و نه بیسواد و از مسائل سیاسی هم زیاد سر در نمی یارم . ولی می خوام بدونم که با وجود این همه فقر
پرسش ----- ۶۶۰
پاسخ ----- ۶۶۰
۱- چرا درمقطع پیش دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه به درس قرآن اهمیت زیادی نمی دهند ویااصلاً تدریس نمی شود ؟با توجه به اینکه جوانان
اشاره ----- ۶۶۴
پرسش ----- ۶۶۴
پاسخ ----- ۶۶۵
قبل از روی کار آمدن آقای خاتمی، کمیته منکرات وجود داشت چرا بعد از ایشان این کمیته فعالیتی ندارد؟ ----- ۶۶۵
پرسش ----- ۶۶۵
پاسخ ----- ۶۶۵
۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم
پرسش ----- ۶۶۶
پاسخ(قسمت اول) ----- ۶۶۶
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۶۶۹
۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم
پرسش ----- ۶۷۱
پاسخ(قسمت اول) ----- ۶۷۱
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۶۷۴
چرا با مسأله بدحجابی در جامعه برخورد جدی صورت نمی گیرد؟آیا کوتاهی مسؤلین وسکوت آنها علتی دارد؟ ----- ۶۷۷
پرسش ----- ۶۷۷
پاسخ ----- ۶۷۷

با نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه کمرنگ شده و با آنکه دراحادیث ودرکتاب آسمانی به آن خیلی تأکید شده، چرا ازآ
پرسش ---- ۶۷۸
پاسخ ---- ۶۷۸
چرا کنترل کامل بر روی مواردی که باعث انحراف جوانان می شود وجود ندارد؟مثلاً در آدرس زیر فروشنده های دوره‌گر به راحتی در میان جم
پرسش ---- ۶۷۹
پاسخ ---- ۶۷۹
چرا مسئولین مانع از روابط بعضاً نامشروع واختلاطهای آزادانه دختران و پسران در جامعه نمی شوند؟ ---- ۶۸۰
پرسش ---- ۶۸۰
پاسخ ---- ۶۸۰
چرا دولت نمی تواند جلوی بد حجابی را بگیرد؟ ---- ۶۸۰
پرسش ---- ۶۸۱
پاسخ ---- ۶۸۱
چرا جامعه امروزی در قبال این همه بی بند و باری و فساد کاری انجام نمی دهد در حالیکه مأموران انتظامی در گوشه وکنار سطح مشهد پراک
پرسش ---- ۶۸۲
پاسخ(قسمت اول) ---- ۶۸۲
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۶۸۴
چنانچه موزیک در اسلام حرام می باشد به چه علت در کشوری اسلامی روزبروز در حال توسعه است؟ چه مرجعی باید پاسخگو و بازدارنده باشد
پرسش ---- ۶۸۷
پاسخ ---- ۶۸۷
چرا حکومت به جمع آوری عکس های مبتذل و غیرمجاز و سی دی ها و ...اقدام نمی‌کند؟ ---- ۶۸۷
پرسش ---- ۶۸۷
پاسخ ---- ۶۸۸
با توجه به وضعیت بد و دلخراش حجاب زنان در جامعه علت آن را بیان کرده و در ضمن، رسیدگی این وضع به عهدهٔ کدام نهاد و سازمان می ب
پرسش ---- ۶۸۸

پاسخ ----- ۶۸۸

در مناطق محروم روحانی باسواد وباتجربه کمتر وجود دارد چرا دولت جمهوری اسلامی دراین خصوص سرمایه گزاری نمی کند برخلاف بلاد کف

پرسش ----- ۶۸۹

پاسخ ----- ۶۹۰

۱ـ چرا با این که حکومت اسلامی است در جامعه فساد زیاد است با وجود آن که شما به خودتان خیلی مغرور هستید؟ ----- ۶۹۰

پرسش ----- ۶۹۰

پاسخ ----- ۶۹۰

چرا اساساً برنامه هایی در خصوص جلوگیری از فساد و عدم گسترش آن آنطور که باید تدوین نمی شود ؟ لطفاً توضیح دهید؟ ----- ۶۹۱

پرسش ----- ۶۹۱

پاسخ ----- ۶۹۱

با چه کارهایی می توان از تعداد سوداگران مرگ کاست ؟ ----- ۶۹۲

پرسش ----- ۶۹۲

پاسخ ----- ۶۹۲

الان مواد مخدر در میان جوانان جامعه بسیار شایع است آیا دولت برای مبارزه با آن برنامه ای ندارد؟ ----- ۶۹۲

پرسش ----- ۶۹۳

پاسخ ----- ۶۹۳

چرا از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند عملا هیچ حمایتی نمی شود؟ ----- ۶۹۳

پرسش ----- ۶۹۳

پاسخ ----- ۶۹۳

چرا در دانشگاه ها با تجاوز به حریم عفت عمومی،برخورد نمی شود؟ ----- ۶۹۳

پرسش ----- ۶۹۴

پاسخ ----- ۶۹۴

نظر شما در مورد مختلط بودن کلاسها و دانشکده چیست. چه فایده هایی دارد؟ اگر ندارد پس چرا هست؟ ----- ۶۹۴

پرسش ----- ۶۹۴

پاسخ ----- ۶۹۴

چرا دولت اسلامی راجع به ازدواج (دائم و موقت) جوانان توجه چندانی ندارد و برای اجرای صحیح آن در جامعه اقدام نمی کند؟ بنده برای بهب

پرسش ----- ۶۹۶

پاسخ ----- ۶۹۶

اصولاً وقتی جامعه به پستی می گراید, برکات و رحمات خداوند بر آن هاتنگ تر می شود. جامعه ءکنونی ما چنین وضعی دارد. جوانان فاسق و

پرسش ----- ۶۹۶

پاسخ ----- ۶۹۶

روحانی ای با سماجت از مردم گوسفند و بزغاله به عنوان خمس و زکات می گیرد و در همان محل سر می برد و گوشتش را برای خانوادهء خو

پرسش ----- ۶۹۷

پاسخ ----- ۶۹۷

مسئولان جامعه نسبت به پوشیدن بعضی از لباس‌ها از نظر مدل و رنگ و... به دختران ایراد می‌گیرند. اگر پوشیدن این گونه لباس‌ها اشکال دار

پرسش ----- ۶۹۸

پاسخ ----- ۶۹۸

آیا نهادهای دینی مربوط به امور مساجد, وظیفهء خود را در مورد جذب جوانان به مسجد انجام داده اند؟ ----- ۶۹۸

پرسش ----- ۶۹۸

پاسخ ----- ۶۹۸

آیا ماهواره آزاد است؟ اگر نیست، چرا آنتن‌های آن در تهران و دیگر شهرها وجود دارد؟ چرا دولت آن‌ها را جمع آوری نمی‌کند؟ ----- ۶۹۹

پرسش ----- ۶۹۹

پاسخ ----- ۶۹۹

عکسی را که به پیوست ارسال کرده ام , نمونه ای از همان چیزی بود که مدت ها می ترسیدیم . سرانجام به وقوع پیوست و باردیگر دست هایی

پرسش ----- ۶۹۹

پاسخ ----- ۶۹۹

آیا در این مملکت جایی یا کسی را می شناسید که درد دل های انسان ها را گوش کند؟ جلو ده هاکورتاژ را بگیرد و بدون پارتی بازی عرق فرو

پرسش ----- ۷۰۰

پاسخ ----- ۷۰۰

آیا تا کنون دولت به فکر کمک به مساجد افتاده است یا از هیأت امنای مساجد دعوت به عمل آورده تا از آنان گزارش کار بخواهد یا رهنمودها

پرسش ----- ۷۰۰

پاسخ ----- ۷۰۱

چرا مسئولان اجازه می‌دهند مباحث تخصصی درباره دین و احکام در دست عوام افتاده و باعث خلجان فکر شود؟ ----- ۷۰۱

پرسش ----- ۷۰۱

پاسخ ----- ۷۰۱

چرا مسئولاتن محترم با مفاسد اجتماعی مبارزه جدی نمی‌کنند و مراجع عظام و علمای اعلام در این مورد اعتراض نمی‌فرمایند؟ ----- ۷۰۱

پرسش ----- ۷۰۱

پاسخ ----- ۷۰۲

آیا بزرگان کشور، نمی توانند جلوی فسادی را که از نحوهٔ لباس پوشیدن جوانان در جامعه مطرح است بگیرند؟ توضیح دهید. ----- ۷۰۲

پرسش ----- ۷۰۲

پاسخ ----- ۷۰۲

چرا علمای دین و مسئولان نظام اسلامی در مورد موسیقی و احکامی از این قبیل موضع گیری محکمی نمی کنند و به اصطلاح تکلیف را روشن

پرسش ----- ۷۰۳

پاسخ ----- ۷۰۳

چرا برای جلوگیری از اعتیاد، تبلیغات دینی و مذهبی به طور گسترده صورت نمی گیرد؟ ----- ۷۰۳

پرسش ----- ۷۰۳

پاسخ ----- ۷۰۴

چه عاملی باعث شده جلوی بی حجابی که به طور وسیعی جامعه را فرا گرفته و به فرهنگ منحط غرب نزدیک می شویم، گرفته نشود و این قد

پرسش ----- ۷۰۴

پاسخ ----- ۷۰۴

نیروی انتظامی که مسئول نظم کشور است، آیا نباید با زنان کم حجاب برخورد کند؟ اگر این نیرو نمی‌تواند، پس چه نیرویی و یا چه کسی می‌ت

پرسش ----- ۷۰۵

پاسخ ----- ۷۰۵
آیا نباید مسئولان صدا و سیما از تولید فیلم‌ها با زنان کم حجاب جلوگیری و برخورد کنند؟ ----- ۷۰۶
پرسش ----- ۷۰۶
پاسخ ----- ۷۰۶
چند سالی است بی حجای و بد حجابی در خیابان‌ها عادی شده است. اگر این گونه اعمال از نظر اسلام صحیح نیست، چرا جلوی آن در جامعه
پرسش ----- ۷۰۶
پاسخ ----- ۷۰۶
این همه تشریفات که برای ورود بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، منع شرعی ندارد؟ ----- ۷۰۸
پرسش ----- ۷۰۸
پاسخ ----- ۷۰۸
چرا بعضی از مقامات دولتی برخی از تکالیف شرعی به ظاهر ریز را رعایت نمی‌کنند؟ چرا این افراد انتخاب می شوند؟ ----- ۷۰۸
پرسش ----- ۷۰۸
پاسخ ----- ۷۰۸
بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی ده
پرسش ----- ۷۰۹
پاسخ ----- ۷۰۹
با این که در روایات ما شطرنج مذمت شده است ، چرا در کشور اسلامی اینقدرشطرنج رایج شده است ؟ ----- ۷۱۰
پرسش ----- ۷۱۰
پاسخ ----- ۷۱۰
آیا ایراد ضرب افراد توسط نیروهای امنیتی مثل برادران بسیجی یا نیروهای انتظامی (حتی اگر کسی تخلفی بکند) درست و صحیح است؟ اگر
پرسش ----- ۷۱۰
پاسخ ----- ۷۱۱
چرا علی رغم وجود کمیتهٔ انظباطی دانشگاه و نصب پوسترهای مختلف مبنی بر رعایت شؤونات اسلامی هیچ‌کس جلو این بی‌بندباری‌ها را نمی
پرسش ----- ۷۱۱

پاسخ ----- ۷۱۱
نظارت اجتما عی غیر رسمی ----- ۷۱۱
امربه معروف و نهی از منکر ----- ۷۱۱
چگونه می توان دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کرد که ناراحت نشوند؟ ----- ۷۱۱
پرسش ----- ۷۱۱
پاسخ ----- ۷۱۱
در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می ده
پرسش ----- ۷۱۲
پاسخ ----- ۷۱۲
اگر ما مثلاً فرد یا افرادی را درحال ارتکاب گناه، نهی ازمنکر کنیم آیا رفتار ما درست است؟یا باخشونت؟ ----- ۷۱۲
پرسش ----- ۷۱۲
پاسخ ----- ۷۱۲
اگر درمجلسی بنشینی که گناه می کنند(مانند خانه خاله، نوارترانه گذاشته اند ونمی توانی بگویی خاموش کن چون آبروی تو جلوی جمع مِ
پرسش ----- ۷۱۳
پاسخ ----- ۷۱۳
فردی که دوست دارد بنده واقعی خداوند باشد و همهٔ دستورهای اسلام را عملی کند، لکن اطرافیان و دوستانی دارد که به رعایت دستورهاِ
پرسش ----- ۷۱۴
پاسخ ----- ۷۱۴
هنگامیکه شخص درصورت انجام فریضه امر به معروف ونهی از منکر بااینکه توانایی هم دارد مورد تمسخر قرار می گیرد باید چگونه وظیفه ا
پرسش ----- ۷۱۵
پاسخ ----- ۷۱۵
بسیار علاقه مندم که طعم شیرین طاعت و بندگی خدا و معارف الهی راکه به فضل خدا تا حدودی به من چشانده شده است و حقانیت آنها ر
پرسش ----- ۷۱۶
پاسخ ----- ۷۱۶

با رفقایی که در برخوردها و صحبتهایشان مراعات ادب نمی کنند و حرف های رکیک می زنند چه برخوردی داشته باشیم ---------- ۷۱۷
پرسش ---------- ۷۱۸
پاسخ ---------- ۷۱۸
اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به حرمت مهمان می‌توان او را نهی نکرد؟ ---------- ۷۱۸
پرسش ---------- ۷۱۸
پاسخ ---------- ۷۱۸
یک مسلمان در برابر رفتار غیر اخلاقی دیگران چه وظیفه ای دارد؟ ---------- ۷۱۸
پرسش ---------- ۷۱۸
پاسخ ---------- ۷۱۸
آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟
پرسش ---------- ۷۱۹
پاسخ ---------- ۷۱۹
آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ ---------- ۷۱۹
پرسش ---------- ۷۱۹
پاسخ ---------- ۷۲۰
آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ ---------- ۷۲۰
پرسش ---------- ۷۲۰
پاسخ ---------- ۷۲۰
برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟ ---------- ۷۲۰
پرسش ---------- ۷۲۰
پاسخ ---------- ۷۲۰
آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟
پرسش ---------- ۷۲۱
پاسخ ---------- ۷۲۱

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ ---- ۷۲۱
پرسش ---- ۷۲۱
پاسخ ---- ۷۲۱
آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ ---- ۷۲۲
پرسش ---- ۷۲۲
پاسخ ---- ۷۲۲
برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟ ---- ۷۲۲
پرسش ---- ۷۲۲
پاسخ ---- ۷۲۲
وظیفهٔ کسی که دائم در محل کار و سکونت غیبت و تهمت می‌شنود، چیست ---- ۷۲۳
پرسش ---- ۷۲۳
پاسخ ---- ۷۲۳
همیشه دیگران را امر به معروف می‌کنم اما در مجالس گناه مانند مجالس غیبت قدرت جلوگیری از منکر را ندارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟
پرسش ---- ۷۲۳
پاسخ ---- ۷۲۳
لطفاً وظیفه و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر را درباره رانندگان و همسایگانی که اقدام به پخش موسیقی می‌کنند یا برخی افرادی که
پرسش ---- ۷۲۴
پاسخ ---- ۷۲۴
اگر در محلی مردم یا جمعی از دوستانمان از مسائل دینی بد می‌گویند، آیا باید آن‌ها را نصیحت کرد یا باید آن جا را ترک کنیم ---- ۷۲۵
پرسش ---- ۷۲۵
پاسخ ---- ۷۲۵
الف ـ آیا این حدیث درست است که خداوند افراد خوب قوم حضرت موسیغ را به علت امر به معروف و نهی از منکر نکردن و به خاطر سکو
پرسش ---- ۷۲۵
پاسخ ---- ۷۲۶

با همسایگانی که نوار ترانه گوش می دهند و صدای نوارهای آنها ما را اذیت می کند چگونه برخورد کنیم ؟ ---- ۷۲۶
پرسش ---- ۷۲۶
پاسخ ---- ۷۲۶
چگونه می‌توان افراد را از ارتکاب محرمات باز داشت ---- ۷۲۶
پرسش ---- ۷۲۶
پاسخ ---- ۷۲۷
چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا دیگران ناراحت نند و آیا شترک ان به علت ناراحتی دیگران جایز ---- ۷۲۷
پرسش ---- ۷۲۷
پاسخ ---- ۷۲۷
با راننده ای که نوار غیر مجاز پخش می کند چگونه برخورد نماییم؟ ---- ۷۲۸
پرسش ---- ۷۲۸
پاسخ ---- ۷۲۸
بهترین وظیفه ما در مقابل افرادی که موسیقی غیرمجاز گوش می دهند چیست؟ اگر این افراد مثلا هم اتاقیهای ما در خوابگاه باشند چطور
پرسش ---- ۷۲۸
پاسخ ---- ۷۲۸
چرا مردم از امربه معروف و نهی از منکر ناراحت می شوند؟ ---- ۷۲۹
پرسش ---- ۷۲۹
پاسخ ---- ۷۲۹
برای برخورد با افرادی که در خوابگاه ها تمایل به هم جنس بازی دارند چه باید کرد؟ ---- ۷۲۹
پرسش ---- ۷۲۹
پاسخ ---- ۷۳۰
لطفا در مورد امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب آن و منابعی که می توانم از آن استفاده کنم برایم بگویید؟ ---- ۷۳۰
پرسش ---- ۷۳۰
پاسخ ---- ۷۳۰

رفتار ما با کسانی که اعتنایی به انقلاب و روحانیت ندارند چگونه باید باشد؟ ---- ۷۳۱
پرسش ---- ۷۳۱
پاسخ ---- ۷۳۱
روش برخورد با افرادی که از نظر دینی و اعتقادی مشکل دارند چگونه باشد؟ ---- ۷۳۱
پرسش ---- ۷۳۱
پاسخ ---- ۷۳۱
تعریف امربه معروف و نهی از منکر ---- ۷۳۳
آیا در زمان کنونی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای داریم ، یا وظیفهء دولت وحکومت اسلامی است ؟ چرا قوانینی که در
پرسش ---- ۷۳۳
پاسخ ---- ۷۳۳
در مورد راننده هایی که در ماشینشان نوارهای مبتذل روشن می کنند یا در مورد افراد بی حجاب , باید نهی از منکر کنیم ؟ ---- ۷۳۴
پرسش ---- ۷۳۴
پاسخ ---- ۷۳۴
آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش ---- ۷۳۴
اشاره ---- ۷۳۴
پاسخ ---- ۷۳۵
دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفهٔ بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش ---- ۷۳۵
اشاره ---- ۷۳۵
پاسخ ---- ۷۳۵
فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش ---- ۷۳۵
اشاره ---- ۷۳۶
پاسخ ---- ۷۳۶
چه عواملی در دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد؟ پرسش ---- ۷۳۶
اشاره ---- ۷۳۶

پاسخ ----- ۷۳۶
آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش ----- ۷۳۶
اشاره ----- ۷۳۶
پاسخ ----- ۷۳۶
نظر علی(ع) در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ ----- ۷۳۷
پرسش ----- ۷۳۷
پاسخ ----- ۷۳۷
فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟ ----- ۷۳۸
پرسش ----- ۷۳۸
پاسخ ----- ۷۳۸
فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟ ----- ۷۳۸
پرسش ----- ۷۳۸
پاسخ ----- ۷۳۹
فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟ ----- ۷۳۹
پرسش ----- ۷۳۹
پاسخ ----- ۷۳۹
در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟ ----- ۷۴۰
پرسش ----- ۷۴۰
پاسخ ----- ۷۴۰
آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ ----- ۷۴۱
پرسش ----- ۷۴۱
پاسخ ----- ۷۴۱
آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ ----- ۷۴۱
پرسش ----- ۷۴۱

پاسخ ----- ۷۴۱
آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟ ----- ۷۴۱
پرسش ----- ۷۴۱
پاسخ ----- ۷۴۱
چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می
پرسش ----- ۷۴۲
پاسخ ----- ۷۴۲
اگر عمل حرامی را ببینیم و سکوت کنیم چه حکمی دارد چنانچه این فرد یک فرد عادی باشد؟ چنانچه یک فرد مسئول اجتماع باشد؟
پرسش ----- ۷۴۲
پاسخ ----- ۷۴۳
وظیفه دانشجو در برابر هم اتاقهایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست ؟ ----- ۷۴۳
پرسش ----- ۷۴۳
پاسخ ----- ۷۴۳
با این وضعیت دانشگاهها, آیا فریضه ء امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است ؟ ----- ۷۴۳
پرسش ----- ۷۴۳
پاسخ ----- ۷۴۳
وظیفه در مورد افرادی با وضع غیرقابل قبولی در دانشگاه رفت و آمد می کنند (مخصوصا خواهران) چیست؟ آیا می توان امر به معروف
پرسش ----- ۷۴۴
پاسخ ----- ۷۴۴
آیه و لا تزر وازرأ وزر اخری که در چند سوره از قرآن آمده است، هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد، ----- ۷۴۶
اشاره ----- ۷۴۶
پرسش ----- ۷۴۶
پاسخ ----- ۷۴۶
دوستی داشتم که بنابر تصادف چند ترمی با هم دوست بودیم. کم کم متوجه برخی رفتارهای زشت وی می شوم. تا اینک یک شب بی ا

پرسش ----- ۷۴۷
پاسخ ----- ۷۴۷
امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی و از جانب حاکمان در امر حکومت تا چه اندازه قابل پذیرش است؟ ----- ۷۴۷
پرسش ----- ۷۴۷
پاسخ ----- ۷۴۷
آقای ایکس در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کند او متوجه می شود که برادرش رفت و آمدهای مشکوکی دارد و با افراد بی نماز و صاح
پرسش ----- ۷۵۰
پاسخ ----- ۷۵۱
اگر افرادی از مساله ای غافل باشند،آیا وظیفه داریم آنان را آگاه کنیم؟ ----- ۷۵۱
پرسش ----- ۷۵۱
پاسخ ----- ۷۵۱
با توجه به کاهش حجاب اسلامی در دختران در دانشگاهها ،آیا یک پسر حق دارد دختران بی حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کن
پرسش ----- ۷۵۲
پاسخ ----- ۷۵۲
آیا می‌توان به گناه دیگران بی‌اعتنا بود؟ ----- ۷۵۵
پرسش ----- ۷۵۵
پاسخ ----- ۷۵۵
در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست ؟ ----- ۷۵۵
پرسش ----- ۷۵۵
پاسخ ----- ۷۵۵
آیاامر به معروف و نهی از منکر برای همه واجب است , حتی اگر بیم جان رود و انسان بترسد, و یاخود انسان همان نقص را داشته باشد؛
پرسش ----- ۷۵۶
پاسخ ----- ۷۵۶
امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را توضیح دهید. ----- ۷۵۶

پرسش ----- ۷۵۶
پاسخ ----- ۷۵۶
امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه ؟ ----- ۷۵۷
پرسش ----- ۷۵۷
پاسخ ----- ۷۵۷
در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می
پرسش ----- ۷۵۷
پاسخ ----- ۷۵۷
آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی است ؟ ----- ۷۵۷
پرسش ----- ۷۵۸
پاسخ ----- ۷۵۸
از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . بـا د
پرسش ----- ۷۵۸
پاسخ ----- ۷۵۸
سـوال :آیـا امـر بـه مـعـروف ایـجـاد هـرج و مـرج نـمـی کـنـد ؟ـــــــآبـا تـوجـه به مـراحـل مـخـتـلـف امر به معروف و نهی از منـ
پرسش ----- ۷۶۰
پاسخ ----- ۷۶۰
سـوال :آیـا امـر بـه مـعـروف ایـجـاد هـرج و مـرج نـمـی کـنـد ؟ـــــــآبـا تـوجـه به مـراحـل مـخـتـلـف امر به معروف و نهی از منـ
پرسش ----- ۷۶۰
پاسخ ----- ۷۶۰
آیـه ۴۷ سـوره آل عمران می گوید : در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دووظیفه بزرگ اجـتـمـاعی (امر به معروف و نهی از منـ
پرسش ----- ۷۶۰
پاسخ ----- ۷۶۰
از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . بـا د

پرسش ---- ۷۶۱
پاسخ ---- ۷۶۱
سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج ومرج نمی کند ؟
پرسش ---- ۷۶۲
پاسخ ---- ۷۶۳
سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟ ---- ۷۶۳
پرسش ---- ۷۶۳
پاسخ ---- ۷۶۳
مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟ ---- ۷۶۳
پرسش ---- ۷۶۳
پاسخ ---- ۷۶۳
فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟ ---- ۷۶۴
پرسش ---- ۷۶۴
پاسخ ---- ۷۶۴
مسئولیت مردم در مقابل تحریفاتی که در مجالس روضه‌خوانی میشود چیست؟ ---- ۷۶۴
پرسش ---- ۷۶۴
پاسخ ---- ۷۶۴
مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟ ---- ۷۶۴
پرسش ---- ۷۶۴
پاسخ ---- ۷۶۵
مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟ ---- ۷۶۵
پرسش ---- ۷۶۵
پاسخ ---- ۷۶۵
فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟ ---- ۷۶۵

پرسش ----- ۷۶۶
پاسخ ----- ۷۶۶
فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟ ----- ۷۶۶
پرسش ----- ۷۶۶
پاسخ ----- ۷۶۶
امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرمودهاند؟ ----- ۷۶۶
پرسش ----- ۷۶۶
پاسخ ----- ۷۶۶
دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفهٔ بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش ----- ۷۶۷
اشاره ----- ۷۶۷
پاسخ ----- ۷۶۷
فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش ----- ۷۶۷
اشاره ----- ۷۶۷
پاسخ ----- ۷۶۷
چه عواملی در دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد؟ پرسش ----- ۷۶۸
اشاره ----- ۷۶۸
پاسخ ----- ۷۶۸
آیهٔ" وَلْتَکُن مِّنکُمْ أُمَّهٌ یَدْعُونَ إِلَی الْخَیْرِ "...به چه معناست ----- ۷۶۸
پرسش ----- ۷۶۸
پاسخ ----- ۷۶۸
اهمیت امر به معروف و نهی از منکر ----- ۷۶۸
چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می
پرسش ----- ۷۶۹
پاسخ ----- ۷۶۹

ارزش امر به معروف و نهی از منکر تا چه حدّ است که امام حسین ۷در این راه به شهادت رسید؟ ۷۶۹
پرسش ۷۶۹
پاسخ ۷۶۹
جوانان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی دارند؟ ۷۶۹
پرسش ۷۷۰
پاسخ ۷۷۰
آیا کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر حکم شهید را دارد؟ ۷۷۰
پرسش ۷۷۰
پاسخ ۷۷۰
امروزه فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته است. در روایت آمده است که گروهی را به جهنم می بردند، در حالی که در اطاعت
پرسش ۷۷۰
پاسخ ۷۷۰
امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟ ۷۷۱
پرسش ۷۷۱
پاسخ ۷۷۱
قرآن چه شرطی را برای اینکه مسلمانان بهترین ملتها شوند بیان می کند؟ ۷۷۱
پرسش ۷۷۱
پاسخ ۷۷۱
پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟ ۷۷۲
پرسش ۷۷۲
پاسخ ۷۷۲
پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟ ۷۷۳
پرسش ۷۷۳
پاسخ ۷۷۳

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟ ---- ۷۷۳
پرسش ---- ۷۷۳
پاسخ ---- ۷۷۴
امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟ ---- ۷۷۴
پرسش ---- ۷۷۴
پاسخ ---- ۷۷۴
امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟ ---- ۷۷۴
پرسش ---- ۷۷۴
پاسخ ---- ۷۷۵
امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش ---- ۷۷۵
اشاره ---- ۷۷۵
پاسخ ---- ۷۷۵
امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش ---- ۷۷۵
اشاره ---- ۷۷۵
پاسخ ---- ۷۷۵
علی(ع) در مورد تارکان امر به معروف و نهی از منکر چه می فرماید؟ ---- ۷۷۶
پرسش ---- ۷۷۶
پاسخ ---- ۷۷۶
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟ ---- ۷۷۶
پرسش ---- ۷۷۶
پاسخ ---- ۷۷۶
آیا این ادعای قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر صحیح است که می‌گوید: «در میان امت کسی با وج
پرسش ---- ۷۷۸
پاسخ ---- ۷۷۸

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟ ---- ۷۷۸
پرسش ---- ۷۷۸
پاسخ ---- ۷۷۹
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟ ---- ۷۸۰
پرسش ---- ۷۸۰
پاسخ ---- ۷۸۰
درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید. ---- ۷۸۲
پرسش ---- ۷۸۲
پاسخ ---- ۷۸۲
از نظر قرآن امر به معروف و نهی از منکر وظیفهٔ همهٔ مسلمانان است یا وظیفهٔ عده‌ای یا گروهی خاص است ---- ۷۸۲
پرسش ---- ۷۸۲
پاسخ ---- ۷۸۲
آیا انسان در اصلاح جامعه خود مسؤول است ؟ ---- ۷۸۳
پرسش ---- ۷۸۳
پاسخ ---- ۷۸۳
آیا می توان به خاطر کمرویی و همچنین یقین به عدم ترتب اثر امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه را ترک کرد؟ اینجانب خیلی وق
پرسش ---- ۷۸۳
پاسخ ---- ۷۸۳
درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید. ---- ۷۸۳
پرسش ---- ۷۸۳
پاسخ ---- ۷۸۴
در باره تفسیر آیه (لایکلف الله نفسا الا وسعها) و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید؟ ---- ۷۸۴
پرسش ---- ۷۸۴
پاسخ ---- ۷۸۴

مراتب امر به معروف و نهی از منکر ---- ۷۸۴

ما در روستایی زندگی می کنیم که برای کار و کشاورزی هم باهم به طور دسته جمعی کار می کنیم و چون گناه و غیبت و غیره صورت

پرسش ---- ۷۸۴

پاسخ ---- ۷۸۵

هنگامی که در مسجد برق قطع می شود، بعضی افراد شرور شن بر سر مردم می‌پاشند. آیا معرفی آنان به نیروی انتظامی کار درستی اس

پرسش ---- ۷۸۵

پاسخ ---- ۷۸۵

وظیفه انسان در مجلسی که شخصی غیبت می کند، چیست؟ ---- ۷۸۵

پرسش ---- ۷۸۵

پاسخ ---- ۷۸۵

اگر در مجلس گناه بودیم، و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم، وظیفهٔ ما چیست؟ ---- ۷۸۵

پرسش ---- ۷۸۵

پاسخ ---- ۷۸۵

اگر در مجلس گناه بودیم و نمی‌توانستیم آن مجلس را ترک کنیم وظیفهٔ ما چیست؟ ---- ۷۸۶

پرسش ---- ۷۸۶

پاسخ ---- ۷۸۶

آیا این که ما بسیجی باشیم و یا ضابط امر به معروف و نهی از منکر تا دیدم کسی در کوچه و بازار اعمال ضد اخلاقی می‌کند مانند متکل

پرسش ---- ۷۸۶

پاسخ ---- ۷۸۷

وظیفه طلبه‌های علوم دینی در قبال افرادی که به آسانی گناه می‌کنند و گناه برای آنان عادی می باشد، چیست ---- ۷۸۷

پرسش ---- ۷۸۷

پاسخ ---- ۷۸۷

وظیفهٔ ما، در مقابل کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، چیست چگونه می‌توان از نظر قانونی و رسمی قدرت پیدا کنیم تا بتوانیم در مقابل

پرسش ---- ۷۸۸

پاسخ ----- ۷۸۸

همسر من با ترانه وموسیقی میانه خوبی دارد اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر همسرم اصلاح نشد می توانم برخورد جدی کنم یا

پرسش ----- ۷۸۹

پاسخ ----- ۷۸۹

آیا این شیوه امر به معروف است که سرجوانی را بتراشند و او را جریمه کنند؟ آیا بدین وسیله به طرف اسلام برمی گردد یا از آن روی گر

پرسش ----- ۷۸۹

پاسخ ----- ۷۸۹

اگر بخواهیم فردی را که درآمدش از راه حرام است امر به معروف نماییم شیوه صحیح این کار چیست؟ ----- ۷۸۹

پرسش ----- ۷۸۹

پاسخ ----- ۷۸۹

در مورد افرادی که به مسائل دینی معتقد هستند ولی در مساله موسیقی محدودیتی برای خود قائل نمی شوند چه باید کرد؟ --- ۷۹۰

پرسش ----- ۷۹۰

پاسخ ----- ۷۹۰

امر به معروف ونهی از منکر در خصوص کسانی که به احتمال زیاد در آنها تاثیر ندارد چگونه است یعنی اگر انسان احتمال قوی بدهد که

پرسش ----- ۷۹۰

پاسخ ----- ۷۹۱

مهمان به خانه ما می‌آید، ولی غیبت می کند. از این کار متنفرم، از این رو آن جا را ترک می کنم. آیا این کار من گناه است؟ ---- ۷۹۱

پرسش ----- ۷۹۱

پاسخ ----- ۷۹۱

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟ ----- ۷۹۱

پرسش ----- ۷۹۱

پاسخ ----- ۷۹۱

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟ ----- ۷۹۱

پرسش ----- ۷۹۲

پاسخ ----- ۷۹۲
امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟ ----- ۷۹۲
پرسش ----- ۷۹۲
پاسخ ----- ۷۹۲
امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟ ----- ۷۹۲
پرسش ----- ۷۹۲
پاسخ ----- ۷۹۲
پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟ ----- ۷۹۳
پرسش ----- ۷۹۳
پاسخ ----- ۷۹۳
پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟ ----- ۷۹۳
پرسش ----- ۷۹۳
پاسخ ----- ۷۹۳
پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟ ----- ۷۹۳
پرسش ----- ۷۹۳
پاسخ ----- ۷۹۴
آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟ ----- ۷۹۴
پرسش ----- ۷۹۴
پاسخ ----- ۷۹۴
آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟ ----- ۷۹۴
پرسش ----- ۷۹۵
پاسخ ----- ۷۹۵
آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟ ----- ۷۹۵
پرسش ----- ۷۹۵

پاسخ ----- ۷۹۵
امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟ ----- ۷۹۶
پرسش ----- ۷۹۶
پاسخ ----- ۷۹۶
امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟ ----- ۷۹۶
پرسش ----- ۷۹۶
پاسخ ----- ۷۹۶
امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟ ----- ۷۹۷
پرسش ----- ۷۹۷
پاسخ ----- ۷۹۷
امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟ ----- ۷۹۷
پرسش ----- ۷۹۷
پاسخ ----- ۷۹۷
اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟ ----- ۷۹۷
پرسش ----- ۷۹۸
پاسخ ----- ۷۹۸
اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟ ----- ۷۹۸
پرسش ----- ۷۹۸
پاسخ ----- ۷۹۸
از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟ ----- ۷۹۸
پرسش ----- ۷۹۸
پاسخ ----- ۷۹۸
از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟ ----- ۷۹۹
پرسش ----- ۷۹۹

پاسخ ----- ۷۹۹
کدام قسم از اقسام امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عموم مردم است؟ پرسش ----- ۷۹۹
اشاره ----- ۷۹۹
پاسخ ----- ۷۹۹
دلیل وجوب امر به معروف عقلی است یا شرعی؟ ----- ۸۰۰
پرسش ----- ۸۰۰
پاسخ ----- ۸۰۰
مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید. ----- ۸۰۱
پرسش ----- ۸۰۱
پاسخ ----- ۸۰۱
مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید. ----- ۸۰۱
پرسش ----- ۸۰۱
پاسخ ----- ۸۰۱
برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟ ----- ۸۰۲
پرسش ----- ۸۰۲
پاسخ ----- ۸۰۲
شرایط امر به معروف ونهی از منکر ----- ۸۰۲
آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می‌گیرند که چرا بی‌حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی
پرسش ----- ۸۰۲
پاسخ ----- ۸۰۳
دست دادن افراد نامحرم که با هم فامیل می باشند ، چه حکمی دارد؟ ----- ۸۰۳
اشاره ----- ۸۰۳
پرسش ----- ۸۰۳
پاسخ ----- ۸۰۳

به خاطر ترس از آزار جسمی و روحی دیگران , از انجام وظیفهء امر به معروف و نهی از منکرخودداری کرده و آن را ترک می کنم . چگونه

پرسش ----- ۸۰۴

پاسخ ----- ۸۰۴

یکی از شرایط عمومی تکالیف شرعی، داشتن قدرت است و در روایات اهل بیت عصمت و طهارت، بیان شده است که این فریضه صرفاً بـ

پرسش ----- ۸۰۵

پاسخ ----- ۸۰۵

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ ----- ۸۰۶

پرسش ----- ۸۰۶

پاسخ ----- ۸۰۶

آیا امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که تحت تأثیر واقع نمی شوند و با انسان برخوردناشایستی انجام می دهند, واجب است

پرسش ----- ۸۰۶

پاسخ ----- ۸۰۶

شرایط آمر به معروف و ناهی از منکر چیست ؟ ----- ۸۰۶

پرسش ----- ۸۰۷

پاسخ ----- ۸۰۷

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟ ----- ۸۰۷

پرسش ----- ۸۰۷

پاسخ ----- ۸۰۷

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟ ----- ۸۰۸

پرسش ----- ۸۰۸

پاسخ ----- ۸۰۸

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟ ----- ۸۰۸

پرسش ----- ۸۰۸

پاسخ ----- ۸۰۸

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟ ---- ۸۰۹
پرسش ---- ۸۰۹
پاسخ ---- ۸۰۹
از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟ ---- ۸۰۹
پرسش ---- ۸۰۹
پاسخ ---- ۸۰۹
شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید. ---- ۸۱۰
پرسش ---- ۸۱۰
پاسخ ---- ۸۱۰
شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟ ---- ۸۱۰
پرسش ---- ۸۱۰
پاسخ ---- ۸۱۰
معاشرت با افراد منحرف آنگاه که قصد راهنمایی در بین باشد دارای چه ضوابطی است؟ ---- ۸۱۱
پرسش ---- ۸۱۱
پاسخ ---- ۸۱۱
آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر ;خودشان مسلمان هستند یا به مسلم
پرسش ---- ۸۱۱
پاسخ ---- ۸۱۱
ما چه موقع باید (واجب است) که امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟ چه مواقعی نباید دست به امر به معروف و نهی از منکر بزنیم ؟ ۲
پرسش ---- ۸۱۲
پاسخ ---- ۸۱۲
لطفاً بفرمایید آیا امر به معروف و نهی از منکر برای افرادی که به وضو، نماز و... اهمیت نمی‌دهند و در خیابان‌ها با ظاهری ناهنجار ظاهر
پرسش ---- ۸۱۳
پاسخ ---- ۸۱۳

امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است ؟ ---- ۸۱۳
پرسش ---- ۸۱۳
پاسخ ---- ۸۱۳
وظیفه ما در برابر فیلم های مبتذل چیست ؟ ---- ۸۱۴
پرسش ---- ۸۱۴
پاسخ ---- ۸۱۴
حسن اجرای امربه معروف و نهی ازمنکر دارای چه شرایطی است ؟ ---- ۸۱۴
پرسش ---- ۸۱۴
پاسخ ---- ۸۱۴
چگو نه می توان صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورد؟ ---- ۸۱۴
پرسش ---- ۸۱۴
پاسخ ---- ۸۱۴
آیا کسی که خود عمل به معروف نمیکند می تواند امر به معروف کند یا خیر ?به عنوان مثال کسی را که سیگار میکشد میتواند ما را به ؛
پرسش ---- ۸۱۵
پاسخ ---- ۸۱۵
درجایی دوم خردادی های زیادی نشسته اند وازرهبر بد می‌گویند (مثلًا درمدرسه)خوب ما اگر از رهبر دفاع کنیم با ما بدشده ودعوا راه ،
پرسش ---- ۸۱۶
پاسخ ---- ۸۱۶
۱. برای اینکه جوانان به معظلات اجتماعی روی نیاورند برای امر به معروف ونهی ازمنکر چه اقداماتی را باید انجام داد؟(درضمن بنده معل
پرسش ---- ۸۱۷
پاسخ ---- ۸۱۷
نهی از منکر به چه کسی و چه کسانی واجب است؟ لطفاً توضیح دهید. ---- ۸۱۸
پرسش ---- ۸۱۸
پاسخ ---- ۸۱۸

آیا امر به معروف فردی را که تا اندازه‌ای احکام شرعی را رعایت می‌کند می‌توان پذیرفت تجربه‌های اشخاص دربارهٔ معروف و منکر، تا چه
پرسش ----- ۸۱۹
پاسخ ----- ۸۱۹
امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست ؟ ----- ۸۲۰
پرسش ----- ۸۲۰
پاسخ ----- ۸۲۰
آیا برای تاثیر بیشتر ابتدا می شود از نهی از منکر چشم پوشی کرد؟ ----- ۸۲۰
پرسش ----- ۸۲۰
پاسخ ----- ۸۲۰
شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر ----- ۸۲۱
در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟ ----- ۸۲۱
پرسش ----- ۸۲۱
پاسخ ----- ۸۲۱
اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟ ----- ۸۲۲
پرسش ----- ۸۲۲
پاسخ ----- ۸۲۲
اگر با افراد بی‌ایمان برخورد کردیم وظیفهٔ ما چیست؟ ----- ۸۲۲
پرسش ----- ۸۲۲
پاسخ ----- ۸۲۳
در جامعه الآن که آزادی وجود دارد، چگونه می توان حجاب را به طور صحیح رعایت کرد؟ و با افرادی که بی حجابند، چطور باید برخور
پرسش ----- ۸۲۳
پاسخ ----- ۸۲۳
چه فعالیّتهایی در حوزه علمیه صورت گرفته است تا ارتباط بیشتری با مردم داشته باشند؟ و مطالعات و تحقیقات آنها مطابق نیازهای م
پرسش ----- ۸۲۴

پاسخ ----- ۸۲۴
رفتار ما با کسانی که به رهبر و یا دیگر مسؤولین نظر سوئی دارند و بدگویی می کنند چگونه باید باشد؟ ----- ۸۲۵
پرسش ----- ۸۲۵
پاسخ ----- ۸۲۵
وظیفه ما در مقابل افرادی که ادعا می‌کنند مستجاب الدعوه بوده و می‌توانند با اهل بیت : و به خصوص امام زمان «عجل‌اللهتعالی فرجه
پرسش ----- ۸۲۵
پاسخ ----- ۸۲۵
چرا درمقابل غیبت و تهمت مثل بی حجابی شدت عمل به خرج داده نمی شود ----- ۸۲۶
پرسش ----- ۸۲۶
پاسخ ----- ۸۲۶
چگونه می توان یک فرد بدبین را به نظام و انقلاب خوشبین کرد ----- ۸۲۷
پرسش ----- ۸۲۷
پاسخ ----- ۸۲۷
با مخالفین نظام چگونه برخورد کنیم ----- ۸۲۷
پرسش ----- ۸۲۷
پاسخ ----- ۸۲۷
اگر بخواهید در قالب یک نامه ی دوستانه شخصی را امر به محجبه بودن و نهی از بی حجابی بکنید چه نامه ای می نویسید. خواهشمند
پرسش ----- ۸۲۷
پاسخ ----- ۸۲۷
در مقابل افرادی که از نظام بد می گویند ولایت را سرزنش می کنند چگونه بایستم حتی اگر بزرگتر من باشند و حتی اگر جوان و نامحر
پرسش ----- ۸۲۸
پاسخ ----- ۸۲۸
چگونه می توان جوانان را به سوی معنویت دعوت کرد؟ ----- ۸۲۹
پرسش ----- ۸۲۹

پاسخ ----- ۸۲۹
چگونه باید با منتقدان نظام و ولایت فقیه برخورد کرد؟ ----- ۸۲۹
پرسش ----- ۸۲۹
پاسخ ----- ۸۲۹
فرزند شهیدی بعلت مسائل اجتماعی از شهادت پدرش ناراضی است * چگونه وی را آگاه سازیم ؟ ----- ۸۲۹
پرسش ----- ۸۲۹
پاسخ ----- ۸۳۰
آیا با افرادی که توهین به نظام جمهوری اسلامی یا ولایت فقیه یا روحانیون می کنند می توانیم برخورد کنیم و وظیفه ما در این مورد چ
پرسش ----- ۸۳۰
پاسخ ----- ۸۳۰
مبسوط ----- ۸۳۱
پرسش ----- ۸۳۱
پاسخ ----- ۸۳۲
در پاسخ به افرادی که ضدروحانیت و ضد انقلاب اسلامی سخن می گویند و حرف از گرانی می زنند چه بگوییم؟ ----- ۸۳۲
پرسش ----- ۸۳۲
پاسخ ----- ۸۳۲
در گشتهای شب وقتی افرادی را می گیریم که به سؤالها جواب نمی دهند گاهی اوقات آنها را می زنیم، آیا به نظر شما و شرع مقدس اس
پرسش ----- ۸۳۳
پاسخ ----- ۸۳۳
آیا این صحیح است که ما برای ارشاد دیگران باید خود را الگو قرار دهیم ----- ۸۳۳
پرسش ----- ۸۳۳
پاسخ ----- ۸۳۴
در مورد اینکه هم اکنون در محیط دانشگاه و خارج از آن عده ای هستند که به قشر روحانیت توهین می کنند وظیفه ما در برابر این اش
پرسش ----- ۸۳۴

پاسخ ----- ۸۳۴

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است و این وضعیت در نهضت موجود نبود؛ چه اینکه معلوم بود یزید و

پرسش ----- ۸۳۵

پاسخ ----- ۸۳۵

راه مسلمان کردن یک غیر مسلمان چگونه می باشد؟ ----- ۸۳۶

پرسش ----- ۸۳۷

پاسخ ----- ۸۳۷

برخورد با رباخوار چگونه باید باشد؟ ----- ۸۳۹

پرسش ----- ۸۴۰

پاسخ ----- ۸۴۰

چگونه می توان کسی را به معروف و نهی از منکر کرد و او را به اسلام و نماز خواندن دعوت نمود بدون این که احساس ناراحتی کند؟ ۰

پرسش ----- ۸۴۰

پاسخ ----- ۸۴۰

چگونه می‌توانم در خود اراده انجام امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد و یا تقویت کنم؟ ----- ۸۴۰

پرسش ----- ۸۴۰

پاسخ ----- ۸۴۱

مادرم غیبت زیاد می‌کند.دوری از وی امکان ندارد و نهی از منکر هم در او تأثیر ندارد. چه رفتاری می‌توان باوی داشت؟ ----- ۸۴۱

پرسش ----- ۸۴۱

پاسخ ----- ۸۴۱

اگر برای ارشاد شخصی، به شخصیت فرد دیگر توهین کنم تا مخاطب بفهمد کارش اشتباه است، گناه محسوب می‌شود؟ اگر گناه است،

پرسش ----- ۸۴۱

پاسخ ----- ۸۴۱

وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم

پرسش ----- ۸۴۲

پاسخ ----- ۸۴۲
در صورتی که در خانهٔ ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟ ----- ۸۴۲
پرسش ----- ۸۴۲
پاسخ ----- ۸۴۲
وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم
پرسش ----- ۸۴۳
پاسخ ----- ۸۴۳
در صورتی که در خانهٔ ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟ ----- ۸۴۳
پرسش ----- ۸۴۳
پاسخ ----- ۸۴۳
وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم
پرسش ----- ۸۴۴
پاسخ ----- ۸۴۴
بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند .برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟ ----- ۸۴۴
پرسش ----- ۸۴۴
پاسخ ----- ۸۴۴
برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟ ----- ۸۴۴
پرسش ----- ۸۴۴
پاسخ ----- ۸۴۵
بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا - که تاثیر در باطن وروح افراددداشته باشد - بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید ۸۴۵
پرسش ----- ۸۴۵
پاسخ ----- ۸۴۵
وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟ ----- ۸۴۶
پرسش ----- ۸۴۶

پاسخ ----- ۸۴۶
در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسیولین ، اگر فایده نداشته باشد چطور؟ ----- ۸۴۶
پرسش ----- ۸۴۶
پاسخ ----- ۸۴۶
اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به خاطر حفظ حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟ ----- ۸۴۶
پرسش ----- ۸۴۶
پاسخ ----- ۸۴۷
آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدیتر لازم است
پرسش ----- ۸۴۷
پاسخ ----- ۸۴۷
بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ ----- ۸۴۷
پرسش ----- ۸۴۷
پاسخ ----- ۸۴۷
چگونگی انجام فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر و تفاوتهای نحوهٔ عمل به این فریضه در محیط اجتماع و دانشگاه را بیان فرمایید. ۸۴۸
پرسش ----- ۸۴۸
پاسخ ----- ۸۴۸
امر به معروف و نهی از منکر در جامعهٔ امروزی چگونه است؟ ----- ۸۴۸
پرسش ----- ۸۴۸
پاسخ ----- ۸۴۸
وظیفه آحاد مردم در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چگونه است؟ ----- ۸۵۰
پرسش ----- ۸۵۰
پاسخ ----- ۸۵۰
در امر به معروف و نهی از منکر خواهرانی که خود میل به کارهای خراب دارند و با برادران گفتگوی غیر مجاز و بیش از حد شرم آور دار
پرسش ----- ۸۵۲

پاسخ ----- ۸۵۲

اگر از شما بخواهند چند جوان که شاید ظاهر نادرستی از لحاظ پوشش داشته باشند منظور این که مثلا فردی که فرضاً موهای خود را ب

پرسش ----- ۸۵۲

پاسخ ----- ۸۵۲

در حال حاضر که اینقدر نوارهای موسیقی چه صوتی و چه تصویری رواج پیدا کرده است و ما در هر زمانی شاهد اینگونه ماجرا هستیم و

پرسش ----- ۸۵۳

پاسخ ----- ۸۵۴

دوستی دارم که هر وقت به خانه آنها می روم برایم نوار ترانه و شو می گذارد ولی من دوست ندارم نگاه کنم و از طرفی خجالت می کشم

پرسش ----- ۸۵۵

پاسخ ----- ۸۵۵

اگر ما در مجلس عروسی حاضر گردیم و آن مجلس از موسیقی مبتذل استفاده نموده آن موسیقی به گوش برسد چه کار کنیم اگر هم ن

پرسش ----- ۸۵۵

پاسخ ----- ۸۵۵

اگر فردی به مجلس عروسی دعوت شود و پس از ورود با میهمانان که مشغول رقص و پایکوبی هستند روبرو شود و بر فرض آنکه با ترک

پرسش ----- ۸۵۶

پاسخ ----- ۸۵۶

وقتی روزانه در خیابان محرمات زیادی صورت می‌گیرد وظیفهٔ افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر چیست ----- ۸۵۷

پرسش ----- ۸۵۷

پاسخ ----- ۸۵۷

هم‌اکنون در جامعه بی‌بندوباری روابط نامشروع فساد، قاچاق مواد مخدر، بی‌اعتنایی به شعائر مذهبی نشر فرهنگ بیگانه زیر پا گذاشتن ح

پرسش ----- ۸۵۷

پاسخ ----- ۸۵۷

اگر بخواهیم شخصی را که به نوار ترانه و حرام گوش می‌دهد، از آن بازداریم باید چه کنیم ----- ۸۵۸

پرسش ----- ۸۵۸

پاسخ ----- ۸۵۸
در برخورد با زنان بدحجاب در جامعه چه وظیفه ای داریم ----- ۸۵۹
پرسش ----- ۸۵۹
پاسخ ----- ۸۵۹
پدر و مادری که دچار منکر شده اند, چگونه می توان , آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد, اگر نصیحت تاثیر نکرد, می توان به آنها
پرسش ----- ۸۵۹
پاسخ ----- ۸۶۰
وظیفه زن در قبال شوهری که ریش می تراشد و در مجالس عروسی شرکت می کند و خیلی طبق احکام رفتار نمی کند, چیست ؟ ۶۰،
پرسش ----- ۸۶۰
پاسخ ----- ۸۶۰
وظیفه مادرقبال دختردانشجویی که ازدواج کرده ,ولی بایک دکترمتخصص ارتباط پیدا کرده وقصدداردازشوهرخودطلاق بگیرد,درحالی ک
پرسش ----- ۸۶۰
پاسخ ----- ۸۶۰
می خواهیم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر گروهی به نام ناصحین تشکیل دهیم ما را راهنمایی کنید. ----- ۸۶۰
پرسش ----- ۸۶۰
پاسخ ----- ۸۶۱
وظیفه داماد در مقابل منکراتی که در جشن ازدواج انجام می شود چیست ؟ ----- ۸۶۱
پرسش ----- ۸۶۱
پاسخ ----- ۸۶۱
آیا تند روی در اجرای احکام اسلامی در دانشگاه ها درست است ؟ ----- ۸۶۲
پرسش ----- ۸۶۲
پاسخ ----- ۸۶۲
با توجه به اینکه در اکثر خانوادها نوارهای غیرمجاز گوش می دهند ما چه کنیم که منزوی نشویم ؟ ----- ۸۶۲
پرسش ----- ۸۶۲

پاسخ ----- ۸۶۲
وظیفه من به عنوان یک دانشجوی مذهبی در امور امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه است؟ ----- ۸۶۲
پرسش ----- ۸۶۲
پاسخ ----- ۸۶۲
پدرم نماز نمی خواند چگونه او را به نماز خواندن ترغیب و تشویق نمایم ----- ۸۶۳
پرسش ----- ۸۶۳
پاسخ ----- ۸۶۳
در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء و اختلاس چه باید کرد؟ ----- ۸۶۴
پرسش ----- ۸۶۴
پاسخ ----- ۸۶۴
اصلاً راه و روش امر به معروف کردن را بلد نیستم در اتوبوس، در سطح شهر، در دانشگاه به دوستانم هم حتی نمی توانم تذکر بدهم که ه
پرسش ----- ۸۶۵
پاسخ ----- ۸۶۵
امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه باید باشد؟ ----- ۸۶۵
پرسش ----- ۸۶۵
پاسخ ----- ۸۶۵
در مقابل کسانی که جوانان نامحرم هستند و گناه می کنند چگونه برخود کنم اگر آنها را راهنمایی کنم در واقع با آنها حرف بزنم آنها بر
پرسش ----- ۸۶۶
پاسخ ----- ۸۶۶
بنده دو سال پیش خواهرم را بخاطر علاقه زیادی که به هنر سینما داشت به تهران برده و وارد یک مؤسسه آموزشی سینمایی نمودم و ب
پرسش ----- ۸۶۶
پاسخ ----- ۸۶۷
وظیفه ما در مجالسی مثل جشن عقد و عروسی که زن در مقابل مرد می رقصد چیست ؟ ----- ۸۶۷
پرسش ----- ۸۶۷

پاسخ ----- ۸۶۷
با شخصی که نماز نمی خواند و حرف های بد می زند, چگونه باید برخورد کرد؟ ----- ۸۶۷
پرسش ----- ۸۶۸
پاسخ ----- ۸۶۸
مادرم فرد بسیار خوبی بود اما نماز نمی خواند الان چه کاری باید من انجام دهم تا در آن دنیا مورد موءاخذه قرار نگیرد؟ ----- ۸۶۸
پرسش ----- ۸۶۸
پاسخ ----- ۸۶۸
با کسی که علاقه مند به دیدن فیلم های شبکه های خارجی است چه باید کرد؟ ----- ۸۶۸
پرسش ----- ۸۶۸
پاسخ ----- ۸۶۸
در خیابانها دیده می شود که دختر و پسر با هم ارتباط دارند و کارهای خلافی را انجام می دهند, وظیفه چیست ؟ ----- ۸۶۹
پرسش ----- ۸۶۹
پاسخ ----- ۸۶۹
با برادرم که مرتکب کار خلاف شرع می شود و خواهرم که از او متاءثر شده , چگونه رفتار کنم ؟ ----- ۸۷۰
پرسش ----- ۸۷۰
پاسخ ----- ۸۷۰
برای بازداشتن نزدیکان از دوستان ناباب و مجالس گناه وظیفه عقلی و شرعی و اجتماعی ما چیست ؟ ----- ۸۷۲
پرسش ----- ۸۷۲
پاسخ ----- ۸۷۲
با فساد و ناهنجاری دانشجویان چگونه برخورد کنم * در این میان چگونه می توانم همسر خوب انتخاب کنم ؟ ----- ۸۷۳
پرسش ----- ۸۷۳
پاسخ ----- ۸۷۳
بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا - که تاثیر در باطن وروح افراد داشته باشد - بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید. ----- ۸۷۵
پرسش ----- ۸۷۵

پاسخ ----- ۸۷۵
در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد, نصیحت یا گزارش به مسئولین , اگر فایده نداشته باشد چطور؟ ----- ۸۷۵
پرسش ----- ۸۷۶
پاسخ ----- ۸۷۶
لطفا نحوه برخورد با افراد بی حجاب و مفسد را بیان کنید؟ ----- ۸۷۶
پرسش ----- ۸۷۶
پاسخ ----- ۸۷۶
متاسفانه در مورد مسائل اساسی دینی نیز وقتی که کسی را به معروفی چون نماز توصیه و تذکر داده می شود به شدت برخورد می کنند
پرسش ----- ۸۷۷
پاسخ ----- ۸۷۷
به چه شکلی امر به معروف ونهی از منکر کنیم که موجب ناراحتی طرف مقابل نشود ----- ۸۷۸
پرسش ----- ۸۷۸
پاسخ ----- ۸۷۸
روش برخورد با اساتیدی که در کلاس مسائل غیر اخلاقی را مطرح می کنند چگونه باید باشد؟ ----- ۸۷۸
پرسش ----- ۸۷۸
پاسخ ----- ۸۷۸
با احترام به استحضار می رساند اینجانب دانشجوی سال آخر رشته ریاضی مرکز آموزش عالی ایرانشهر هستم از بهمن ۷۶ وارد این مرکز
پرسش ----- ۸۷۹
پاسخ ----- ۸۷۹
وظیفه در مورد مسؤولینی که ترویج فساد را می کنند مثلا به دانشجویان سال ۸۱ می گویند شما برای خودتان دوستانی انتخاب کنید ک
پرسش ----- ۸۸۰
پاسخ ----- ۸۸۰
وظیفه نسبت به رفتارهای نادرست دیگران چیست ؟ ----- ۸۸۱
پرسش ----- ۸۸۱

پاسخ ----- ۸۸۱
دوستم برای نماز نخواندن می گوید بسیاری از نماز خوانان به گناه می افتند او را چگونه راهنمائی نمایم ؟ ----- ۸۸۱
پرسش ----- ۸۸۱
پاسخ ----- ۸۸۱
در دانشگاهها دخترها و پسرها با هم ارتباط صحیحی ندارند, برای راهنمایی آنها چه کارهایی را باید انجام دهیم ؟ ----- ۸۸۲
پرسش ----- ۸۸۲
پاسخ ----- ۸۸۲
چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا موثر واقع شود؟ ----- ۸۸۲
پرسش ----- ۸۸۲
پاسخ ----- ۸۸۲
با افرادی که نماز را سبک می شمارند و ما را به انجام منکرات دعوت می کنند چگونه برخورد نماییم ؟ ----- ۸۸۳
پرسش ----- ۸۸۳
پاسخ ----- ۸۸۳
وظیفه فرزند نسبت به پدری که سوء ظن به افراد دارد و گاهی هم دروغ می گوید چیست ؟ ----- ۸۸۴
پرسش ----- ۸۸۴
پاسخ ----- ۸۸۴
متوجه شدم پسری با خواهرم ارتباط دارد چه برخوردی داشته باشم ؟ ----- ۸۸۴
پرسش ----- ۸۸۴
پاسخ ----- ۸۸۴
در دانشگاه ما روابط پسر و دختر در راهروهای دانشگاه غوغا می کند. لذا خواهشمند است راه های نهی از منکر (فرهنگی و عقیدتی) که
پرسش ----- ۸۸۵
پاسخ ----- ۸۸۵
با توجه به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر بخواهیم یک دختری را که از لحاظ حجاب وضع درستی ندارد را امر به معروف
پرسش ----- ۸۸۷

پاسخ ----- ۸۸۷

نمی دانم وظیفه ام در زمان فعلی چیست و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر اوقات از نتیجه آن می ترسم و خود را کنار

پرسش ----- ۸۸۸

پاسخ ----- ۸۸۸

چون خودم در دوران راهنمایی و دبیرستان خیلی گناه آلوده بودم الان دوست دارم برادر کوچکترم که ۱۷ سال سن دارد را راهنمایی ک

پرسش ----- ۸۸۹

پاسخ ----- ۸۸۹

ما چگونه برادر و خواهر کوچکتر خود را از دیدن این فیلمها که مصداق واقعی کلمه «لهو و لعب» اند دور سازیم؟ ----- ۸۹۰

پرسش ----- ۸۹۰

پاسخ ----- ۸۹۱

اقوام درجه ۱ مادر من یعنی خاله، دایی و ... وقتی دور هم جمع می شوند اکثراً ترجیح می دهند فقط صحبت کنند و بخندند و من مدت

پرسش ----- ۸۹۱

پاسخ ----- ۸۹۱

گاهی اوقات در محیط دانشجویی مواردی پیش می آید که کارهایی خلاف شرع و شئون اسلامی انجام می گیرد از جمله پخش موسیقی

پرسش ----- ۸۹۲

پاسخ ----- ۸۹۳

برخورد ما با کسانی که فحاشی می کنند یا دروغ می گویند و گاهی گناهی که با زبان انجام می دهند چگونه باید باشد. ----- ۸۹۳

پرسش ----- ۸۹۳

پاسخ ----- ۸۹۳

این سؤالی که مطرح می کنم مربوط به کسی است که خیلی برایم عزیز است و دوست دارم و وظیفه خودم می دانم که کمکش کنم و آ

پرسش ----- ۸۹۵

پاسخ ----- ۸۹۵

آیا با وجود این همه گناههای آشکار مثلا بی حجابی دختران ،آرایش کردن آنها و... باز امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است چ

پرسش ----- ۸۹۶

پاسخ ----- ۸۹۶
معمولا در اکثر جشن ها این حرمت شکنی ها مشاهده می شود وظیفه ما در قبال این موارد چیست؟ ----- ۸۹۷
پرسش ----- ۸۹۷
پاسخ ----- ۸۹۷
چگونه یک فرد را می توانیم به دین نزدیک کنیم و نور ایمان را در دلش بتابانیم البته شخصی که در خانواده ای معتقد است و خود هم
پرسش ----- ۸۹۷
پاسخ ----- ۸۹۷
من دوستی دارم که به خاطر مسائل دینی و مذهبی خیلی به او نزدیک شدم تا بتوانم رویش تاثیر گذارم (شاید با گفتن مشکل سؤال قبل
پرسش ----- ۸۹۸
پاسخ ----- ۸۹۸
مغازه ای رابه فردی اجاره داده ام اوازاین مغازه درجهت اشاعه فحشا استفاده میکند مراراهنمایی کنید ----- ۸۹۹
پرسش ----- ۸۹۹
پاسخ ----- ۸۹۹
فردی را می شناسم که چون جوان است و در پارک ها بطور رایگان دیگران به او تریاک می دهند و او این مواد را به افراد معتاد می دهد
پرسش ----- ۸۹۹
پاسخ ----- ۹۰۰
با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات مثلا در نماز جماعت میبینم که ا
پرسش ----- ۹۰۰
پاسخ ----- ۹۰۰
با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات که در تاکسی و یا شخصیهای مس
پرسش ----- ۹۰۱
پاسخ ----- ۹۰۱
باسلام وتسلیت متاسفانه اخیرا در خوابگاههای دانشجویی عمدتا شایعه گرایش برخی از دانشجویان به آیین مسیحیت به وفور مشاهده م
پرسش ----- ۹۰۱

پاسخ ----- ۹۰۱

الان در بسیج پستی را قبول کردم که با مشکلات عدیده ای مواجه شدم به نظر شما از چه الگوهای رفتاری برای برخورد و صحبت کرد

پرسش ----- ۹۰۲

پاسخ ----- ۹۰۲

یکی از خانه های اطراف منزل ما مواد مخدر توزیع می کند. با توجه به بی اعتنایی سایر همسایه ها وحتی مامورین نیروی انتظامی شهر

پرسش ----- ۹۰۴

پاسخ ----- ۹۰۴

بسمه تعالی اللهم عجل لولیک الفرج با عرض سلام و خسته نباشید سوال من در مورد چگونگی هدایت جوانان است امیدوارم که جوابی

پرسش ----- ۹۰۵

پاسخ ----- ۹۰۶

در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین وضع جامعه بسیار مشکل دارم -با انکه شرایط آن را می دانم وقتی با شرایطی مواجه

پرسش ----- ۹۰۷

پاسخ ----- ۹۰۷

چه کار کنیم که بتوانیم زنان بد حجاب را امر به معروف ونهی ازمنکر کنیم؟ ----- ۹۰۸

پرسش ----- ۹۰۸

پاسخ ----- ۹۰۸

چگونگی امر به معروف ونهی از منکر در دورهٔ آخر الزمان با توجه به کاهش یافتن آن در این دوره از زمان؟ ----- ۹۰۸

پرسش ----- ۹۰۸

پاسخ ----- ۹۰۹

به نظرشما واکنش مانسبت به اوضاع موجود درجامعه باید چطور باشد؟(منظور اوضاع به هم ریخته است) ----- ۹۱۰

پرسش ----- ۹۱۰

پاسخ ----- ۹۱۰

وظیفه بسیجیان درحال حاضر نسبت به اوضاع جامعه چیست؟(گرانی و فساد در جامعه) ----- ۹۱۰

پرسش ----- ۹۱۰

پاسخ ----- ۹۱۰
۱- اگر درمجالس اهل بیت عصمت وطهارت" علیهم السلام "ازنام سگ و....استفاده کنیم ودست بزنیم اشکالی ندارد؟ ----- ۹۱۱
اشاره ----- ۹۱۱
پرسش ----- ۹۱۱
پاسخ ----- ۹۱۱
۱- چرا با وجود سربازان امام زمان و پایگاههای مردمی درمساجد ودرقالب قانون و پوشش نیروی انتظامی واینکه شهر مشهدشهرمذهبی
اشاره ----- ۹۱۲
پرسش ----- ۹۱۲
پاسخ ----- ۹۱۳
یکی از بستگان نزدیک من تقریباً تمامی مبانی و اصول دین اسلام را قبول دارد، اما نماز نمی خواند، و از طرفی بچه های او در سنی هس
پرسش ----- ۹۱۴
پاسخ ----- ۹۱۴
چگونه می‌توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ برای فردی که امر به معروف در او تأثیری ندارد بیان کنید؟ ----- ۹۱۵
پرسش ----- ۹۱۵
پاسخ ----- ۹۱۵
وظیفهٔ ما نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر کردیم ولی اعتنایی نمی‌کند چیست ----- ۹۱۶
پرسش ----- ۹۱۶
پاسخ ----- ۹۱۶
همان گونه که خوانده‌ام و شنیده‌ام در خانه‌ای که نوارهای ترانه و آهنگ‌های مبتذل باشد، امامان به آن خانه‌ها کاری ندارند. اگر کسی در
پرسش ----- ۹۱۷
پاسخ ----- ۹۱۷
باتوجه به وضعیت تهاجم فرهنگی وشرایط سیاسی واجتماعی چه کنیم تاهم امر به معروف ونهی از منکر نماییم وهم این عمل ما موجبا
پرسش ----- ۹۱۸
پاسخ ----- ۹۱۸

لطفاً بفرمایید روش مناسب جهت نهی از منکر دخترانی که با آرایش و بد حجاب در کوچه و بازار مشاهده مینماییم چیست و ما چه وظ

اشاره ----- ۹۱۹

پرسش ----- ۹۱۹

پاسخ ----- ۹۱۹

با منافقین چگونه باید رفتار کرد. ----- ۹۱۹

پرسش ----- ۹۱۹

پاسخ ----- ۹۱۹

در خانه ما مرد سالاری حاکم است پدرم بشدت مادرمان را با زورگوئی اش تحت فشار قرار داده * لطفا بگویید چگونه می توان او را راهن

پرسش ----- ۹۲۰

پاسخ ----- ۹۲۰

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟ ----- ۹۲۰

پرسش ----- ۹۲۰

پاسخ ----- ۹۲۰

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟ ----- ۹۲۱

پرسش ----- ۹۲۱

پاسخ ----- ۹۲۱

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟ ----- ۹۲۲

پرسش ----- ۹۲۲

پاسخ ----- ۹۲۲

افرادی را می شناسیم که هرزه و لاابالی هستند ولی نوحه خوانی امام حسین (ع) می کند, با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم ؟ ۱۲۲

پرسش ----- ۹۲۲

پاسخ ----- ۹۲۲

ضمنا در مورد سوال سوم نامه قبلی ۱۲۰۰۸ که در مورد امر به معروف و نهی از منکر است برایم مبهم بود من در مورد ترک این مهم از

پرسش ----- ۹۲۲

پاسخ ----- ۹۲۲
وظیفه شخص در خوابگاه دانشجویی , هنگام شنیدن موسیقی حرام چیست ؟ ----- ۹۲۳
پرسش ----- ۹۲۳
پاسخ ----- ۹۲۴
بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟ ----- ۹۲۴
پرسش ----- ۹۲۴
پاسخ ----- ۹۲۴
چگونه برادرم را که با دروغ گفتن به پدر و مادر کارهای خلاف می کند هدایت کنم ؟ ----- ۹۲۴
پرسش ----- ۹۲۴
پاسخ ----- ۹۲۴
با توجه به رواج بد حجابی در جامعه علت آن چیست و روش راهنمایی این افراد در جامعه چه می باشد؟ ----- ۹۲۵
پرسش ----- ۹۲۵
پاسخ ----- ۹۲۵
امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اشخاصی که نوارهای موسیقی گوش می دهند چگونه است ؟ ----- ۹۲۶
پرسش ----- ۹۲۶
پاسخ ----- ۹۲۶
اگر محیط و موقعیت ایجاب کند که خواسته یا ناخواسته با فردی بدحجاب روبرو شویم چه روشی را پیش بگیریم تا مرتکب هیچ گناهی
پرسش ----- ۹۲۶
پاسخ ----- ۹۲۶
در جامعه امروزی که وضعیت حجاب بسیار نامناسب است و عده ای از دانشجویان دختر پا را فراتر گذاشته و از حجاب اسلامی تجاوز کر
پرسش ----- ۹۲۸
پاسخ ----- ۹۲۸
هر زمان که می خواهم با افراد بی نماز و بی دین صحبتی کنم و آنهارا روشن کنم نمی توانم و در برابر آن ها کم می آورم و گاهی صحبـ
پرسش ----- ۹۳۱

پاسخ ----- ۹۳۱

من دانشجوی ۲۴ ساله هستم و ساکن خوابگاه و از شهری محروم و شهید پرور به اینجا آمده ام . در خانواده ای مذهبی و پایبند به اسلا

پرسش ----- ۹۳۳

پاسخ ----- ۹۳۳

دوستی دارم که از زمانی که وارد دانشگاه شد یک سری رفتارهایی انجام می دهد که مناسب شأن خانوادگی شان نیست مثل اصلاح سر

پرسش ----- ۹۳۶

پاسخ ----- ۹۳۶

یکی از روحانیون در یکی از مساجد هنگام سخنرانی طی مراسم ترحیم یکی از آشنایان در بالای منبر حرکتی ناشایست انجام داد که تو

پرسش ----- ۹۳۷

پاسخ ----- ۹۳۷

در مورد وضعیت های بد پوشش، امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ در صورتی که احتمال زیاد می دهیم که بی اثر است. همچن

پرسش ----- ۹۳۸

پاسخ ----- ۹۳۸

من مدتی است که در دانشگاه آزاد کار می کنم و مسئول خوابگاه می باشم تعدادی از دانشجویان هستند که رعایت حجاب نمی کنند و

پرسش ----- ۹۳۸

پاسخ ----- ۹۳۸

. از جمله شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ایمن بودن از خطر و ضرر است، این شرط نه تنها موجود نبود بلکه با پیشینه و ع

پرسش ----- ۹۴۱

پاسخ ----- ۹۴۱

تکلیف ما درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاضر در جامعه چیست. با توجه به اینکه همیشه موارد فراوان از نادیده گرفتن شئونات اسلا

پرسش ----- ۹۴۳

پاسخ ----- ۹۴۳

متأسفانه برخی از اساتید از نظر روابط اجتماعی بالاخص در نگاه و گفتار درست عمل نمی کنند و می خواهم بدانم که آیا صرف اینکه نم

پرسش ----- ۹۴۳

پاسخ ----- ۹۴۳
برای کسانی که تن به اصلاح نمی‌دهند چه باید کرد؟ ----- ۹۴۴
پرسش ----- ۹۴۴
پاسخ ----- ۹۴۴
انتقاد صحیح کدام است و چه ضوابطی دارد؟ ----- ۹۴۴
پرسش ----- ۹۴۴
پاسخ ----- ۹۴۴
با دوستانی که پای‌بند به مسائل اسلامی نیستند، چه برخوردی مناسب است؟ ----- ۹۴۴
پرسش ----- ۹۴۵
پاسخ ----- ۹۴۵
بنده دانشجوی رشتهء رایانه می باشم . دوستی کوچک تر از خودم دارم که با افراد نابابی معاشرت دارد و به دلیل کم تجربگی دست به ب
پرسش ----- ۹۴۵
پاسخ ----- ۹۴۵
مادرم کارهای ناروایی می کند و چون او را نهی کرده ام , قصد جانم را کرده است . کمکم کنید. ----- ۹۴۶
پرسش ----- ۹۴۶
پاسخ ----- ۹۴۶
چگونه می‌توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ این مورد را برای فردی که امر به معروف و نهی از منکر در او هیچ اثری ندارد، بیان ک
پرسش ----- ۹۴۷
پاسخ ----- ۹۴۷
آیا نحوهء برخورد, با منکرات اجتماعی , مثلاً زدن افراد صحیح است ؟ ----- ۹۴۸
پرسش ----- ۹۴۸
پاسخ ----- ۹۴۸
یکی از اعضای خانوادهء من که از من بزرگتر است مشروب می خورد و تقریباً برای او عادت شده است . من بارها ناراحتی خود را نشان
پرسش ----- ۹۴۹

پاسخ ----- ۹۴۹
یک روش مناسب برای امر به معروف خانم های بی حجاب پیشنهاد کنید ----- ۹۴۹
پرسش ----- ۹۴۹
پاسخ ----- ۹۴۹
در مورد کسانی که دچار فساد و شهوترانی شده اند, راهنمایی کنید که چگونه آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟ ----- ۹۵۰
پرسش ----- ۹۵۰
پاسخ ----- ۹۵۰
با راننده ای که در ماشین نوار مبتذل روشن می کند, چگونه برخورد کنیم ؟ ----- ۹۵۰
پرسش ----- ۹۵۰
پاسخ ----- ۹۵۰
درخانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود. من چه بایدبکنم ؟ ----- ۹۵۰
پرسش ----- ۹۵۱
پاسخ ----- ۹۵۱
امروزه در تعداد زیادی از وسائل حمل و نقل مسافر درون شهری یا برون شهری، نوار موسیقی مبتذل روشن می‌کنند. وقتی که به راننده
پرسش ----- ۹۵۱
پاسخ ----- ۹۵۱
پدرم به اعتیاد رو آورده است . برادرم افزون بر آن به مشروبات الکلی و به مقدسات بد می گویند و بااین وجود متعصبند و ظاهر سازی م
پرسش ----- ۹۵۱
پاسخ ----- ۹۵۱
بعضی از دوستانم مرتکب کارهای زشت می‌شوند، مانده‌ام که با آن‌ها چه کار کنم! اگرقطع رابطه نکنم می‌ترسم آلوده شوم و اگر قطع راب
پرسش ----- ۹۵۲
پاسخ ----- ۹۵۲
در یک مدرسه شبانه روزی مربی بودم. یکی از سرپرست‌های مدرسه نسبت به نماز بی اهمیت بود و با یک پسر دوست بود. وقتی مسئولا
پرسش ----- ۹۵۳

پاسخ ----- ۹۵۳

در این دوره و زمان وظیفه ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ وقتی که ما می دانیم که نمی‌توانیم امر به معروف کنیم و یا

پرسش ----- ۹۵۳

پاسخ ----- ۹۵۳

اگر به مطالب توهین‌آمیز و خلاف مقررات برخورد نمودیم، آن را با ذکر منبع نوشته و به مراجع قانونی ارسال کرده و منتظر اقدام آنان م

اشاره ----- ۹۵۴

پرسش ----- ۹۵۴

پاسخ ----- ۹۵۴

در امر به معروف و نهی از منکر موفق نیستم . چه کار کنم ؟ ----- ۹۵۵

پرسش ----- ۹۵۵

پاسخ ----- ۹۵۵

این روزها مراسم جشن و عروسی و تولد اغلب آمیخته با گناه و غنا و رقص و... است . برای جلوگیری از این امر چه می توانیم بکنیم ؟ ۵

پرسش ----- ۹۵۵

پاسخ ----- ۹۵۵

با کسانی که روی پشت بام می آیند و به حیاط همسایگان سرک می کشند, چگونه باید برخورد کرد؟! ----- ۹۵۵

پرسش ----- ۹۵۶

پاسخ ----- ۹۵۶

با فردی که نماز نمی خواند حجابش را رعایت نمی کند و با آرایش در کوه و خیابان ظاهر می شود,باید چگونه برخورد کرد؟ اگر او بزرگ

پرسش ----- ۹۵۶

پاسخ ----- ۹۵۶

دوست دارم سخنور باشم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. متأسفانه می‌ترسم و خجالتی هستم و نمی‌توانم از عهده این کار برآیم. لطفا

پرسش ----- ۹۵۷

پاسخ ----- ۹۵۷

با توجه به مشکلاتی که در رابطه با برخورد خود با خواهر و برادرم برایتان نوشته‌ام لطفا در مورد روش‌های صحیح و اصولی انتقاد کردن

پرسش ----- ۹۵۸
پاسخ ----- ۹۵۸
خواهر ۱۶ ساله‌ای دارم که در دبیرستان تحصیل می‌کند او دختر با حجابی است، ولی اخیراً از خاطراتش فهمیدم که عاشق پسری شده
پرسش ----- ۹۵۹
پاسخ ----- ۹۵۹
دوستم با این که چادری با شخصیتی است، ولی نسبت به شهدا، امام خمینی و مقام معظم رهبری بدگویی می کند هر قدر نصیحتش می
پرسش ----- ۹۶۰
پاسخ ----- ۹۶۰
وظیفهٔ من در مقابل دوستان بد حجابم چیست؟ ----- ۹۶۰
پرسش ----- ۹۶۱
پاسخ ----- ۹۶۱
برای این که دیگران را به اخلاق نیک دعوت کنیم چه آیاتی برای آن‌ها بخوانیم ----- ۹۶۱
پرسش ----- ۹۶۲
پاسخ ----- ۹۶۲
فرهنگ ----- ۹۶۲
رسانه ها ----- ۹۶۲
نقش ارتباطات در جامعه چیست ؟ ----- ۹۶۲
پرسش ----- ۹۶۲
پاسخ ----- ۹۶۳
چرا اینقدر در فیلمهای تلویزیون ازدواج را تبلیغ میکنند.این در بعضی موارد باعث اختلاف بین جوانان میشود. ----- ۹۶۳
پرسش ----- ۹۶۳
پاسخ ----- ۹۶۳
نظر شما در مورد فیلم مارمولک و نکات مثبت و منفی آن چیست؟ ----- ۹۶۴
پرسش ----- ۹۶۴

پاسخ ----- ۹۶۴

یکی از رسالت های صداوسیما تلاش در بهبود وضع فرهنگی جامعه است و یک راه آن تقویت موسیقی سنتی است .ما دانشجویان از شما می خواه

پرسش ----- ۹۶۵

پاسخ ----- ۹۶۵

از جنابعالی تقاضا دارم توضیح دهید که چرا مسائل مربوط به اغتشاشات دانشجویان و مردمی هیچ گاه بطور شفاف و واضح در رسانه های گروهی

پرسش ----- ۹۶۶

پاسخ ----- ۹۶۶

چرا در جامعه ای مثل کشور ما که یک جامعه اسلامی است از طرق مختلف سازمان های مختلف باعث بدآموزی کودکان معصوم وبی گناه می شو

پرسش ----- ۹۶۷

پاسخ ----- ۹۶۷

۱-چرا اگر داشتن مرجع تقلید برای افراد ضروری است متولیان فرهنگی بخصوص صدا وسیما اهمیت آن را تبلیغ نمیکند ؟ ----- ۹۶۸

اشاره ----- ۹۶۸

پرسش ----- ۹۶۸

پاسخ ----- ۹۶۸

۱- نظر شما در باره فیلم «مارمولک» و طرفداران آن چیست ؟ ----- ۹۶۹

پرسش ----- ۹۶۹

پاسخ ----- ۹۶۹

نظر شما درباره ء انتقاداتی که نسبت به صدا و سیما وجود دارد, چیست و برای رفع آنها چه اقداماتی لازم است ؟ ----- ۹۶۹

پرسش ----- ۹۶۹

پاسخ ----- ۹۶۹

آیا نوشتن و گفتن فسادهای موجود در مملکت در مطبوعات،منافاتی با آیه ۱۹ سوره ((نور))ندارد؟ ----- ۹۷۰

پرسش ----- ۹۷۰

پاسخ ----- ۹۷۰

آیا با توجه به وجود برخی فیلم های مساله دار ،سینمای ایران نجیب ترین سینماست؟ ----- ۹۷۲

پرسش ----- ۹۷۲
پاسخ ----- ۹۷۲
چرا صدا و سیما به خاطر یک عدهء معدود, فیلم های زشت و زننده پخش می کند و در نتیجه عده ای جوان خراب می شوند و تصمیم به گناه می
پرسش ----- ۹۷۳
پاسخ ----- ۹۷۳
مدتی است در تلویزیون فیلم هایی پخش می شود که برتری زنان را به مردان در خانه نشان می دهد. چرا به صدا و سیما اعتراض نمی کنید که با
پرسش ----- ۹۷۳
پاسخ ----- ۹۷۳
چرا می گویند حجاب را رعایت کنید و از طرف دیگر در این جا و آن جا خانم ها با وضع نامناسبی درمجلات و روزنامه ها ظاهر می شوند؟ این ها
پرسش ----- ۹۷۳
پاسخ ----- ۹۷۴
نظر اسلام راجع به ماهواره، ویدئو، سینما و... چیست؟ ----- ۹۷۴
پرسش ----- ۹۷۴
پاسخ ----- ۹۷۴
آیا پخش فیلمی مانند" مدیر کل "به جز فساد و رواج بی حجابی ره آورد دیگری دارد؟ ----- ۹۷۴
پرسش ----- ۹۷۴
پاسخ ----- ۹۷۴
آیا این همه تبلیغات که در رسانه‌های عمومی خصوصاً تلویزیون انجام و روز به روز بر تعداد آن افزوده می‌شود، توجیه شرعی دارد؟ ----- ۹۷۵
پرسش ----- ۹۷۵
پاسخ ----- ۹۷۵
آیاپخش سریال مدیر کل، آقای دغل و سواران باد همسویی با فرهنگ غرب نیست؟ ----- ۹۷۵
پرسش ----- ۹۷۵
پاسخ ----- ۹۷۵
برنامه‌های تلویزیون از نظر شما شرعی هستند؟ ----- ۹۷۶

پرسش ----- ۹۷۶
پاسخ ----- ۹۷۶
آیا مؤسسه ای وجود دارد که کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را تهیه و توزیع کند؟ آیا این مطلب واقعیت دارد که ایشان برای هر سخن
پرسش ----- ۹۷۷
پاسخ ----- ۹۷۷
کار مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات چیست و چه کمکی به ما می تواند بکند؟ مراکز دیگری که می توانند پاسخگو باشند، کدام است؟ چ
پرسش ----- ۹۷۷
پاسخ ----- ۹۷۷
تبلیغ به چه معناست؟ و شرایط موفقیت در ابلاغ یک پیام چیست؟ ----- ۹۷۸
پرسش ----- ۹۷۸
پاسخ ----- ۹۷۸
نظر شما در مورد فیلم مارمولک چیست؟ و از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ ----- ۹۷۸
پرسش ----- ۹۷۸
پاسخ ----- ۹۷۸
برای فیلم مارمولک چه اقداماتی انجام شده است، ما را در جریان بگذارید؟ ----- ۹۷۹
پرسش ----- ۹۷۹
پاسخ ----- ۹۷۹
لطفاً در مورد فیلم" خانه‌ای بر روی آب که می‌گویند فیلمی قرآنی است توضیح دهید؟ ----- ۹۷۹
پرسش ----- ۹۷۹
پاسخ ----- ۹۷۹
چرا بعضی از فیلم ها را که در سینما نمایش می دهند سانسور نمی کنند ولی وقتی آن را در سیما به نمایش می گذارند سانسور می کنند؟ ۹۸۰
پرسش ----- ۹۸۰
پاسخ ----- ۹۸۰
اگر نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام است چرا صداوسیمای ایران تصاویر ورزشکاران را نمایش می دهد ----- ۹۸۰

پرسش ----- ۹۸۰
پاسخ ----- ۹۸۰
چرا صداوسیما در حالیکه زیر نظر رهبری است موسیقی های مبتذل و برنامه های غیر اسلامی پخش می کند ----- ۹۸۰
پرسش ----- ۹۸۰
پاسخ ----- ۹۸۰
چرا فیلم های خارجی تحریک آمیز از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود؟ ----- ۹۸۱
پرسش ----- ۹۸۱
پاسخ ----- ۹۸۱
بهترین راه جهت آشنایی با مسایل اجتماعی چیست ؟ ----- ۹۸۱
پرسش ----- ۹۸۱
پاسخ ----- ۹۸۲
چرا صدا و سیما ارزش های منفی را ترویج می دهد؟ ----- ۹۸۲
پرسش ----- ۹۸۲
پاسخ ----- ۹۸۲
نگاه کردن به سریال هایی که از صدا و سیما پخش می شود برای جوانان مضر هست یاخیر؟ اگر هست چرا پخش می شود؟ ----- ۹۸۳
پرسش ----- ۹۸۳
پاسخ ----- ۹۸۳
چرا آهنگ های بدی می گذارد در تلوزیون؟ ----- ۹۸۴
پرسش ----- ۹۸۴
پاسخ ----- ۹۸۴
در ایران بعضی از کارها حرام است چرا بطور رایج انجام می گیرد و اصولا مگر وظیفه مرجع بقلید نیست که نسبت به آن هشدار دهد؟ مثل استعم
پرسش ----- ۹۸۵
پاسخ ----- ۹۸۵
بارها از دوستان و غیر دوستان می شنویم که می گویند فیلم های سینمایی و تلویزیونی ما دینی نیست و با ارزشهای ما در تعارض است و یا در فی

پرسش ---- ۹۸۶
پاسخ ---- ۹۸۶
تعریف فرهنگ ---- ۹۸۸
نظراسلام درباره ازخود بیگانگی چیست ---- ۹۸۸
پرسش ---- ۹۸۸
پاسخ ---- ۹۸۸
از دیدگاه شما ارزش های اسلامی چیست ؟ و به چه چیزهایی ارزش اسلامی می گویند؟ آیا احکام اسلامی مانند ازدواج دائم یا موقت را می توان از
پرسش ---- ۹۸۸
پاسخ ---- ۹۸۸
شهید کیست و شهادت چیست؟ فرهنگ شهادت چیست؟ ---- ۹۸۹
پرسش ---- ۹۹۰
پاسخ ---- ۹۹۰
تمدّن اسلامی چیست و راه های بسط و گسترش آن کدام است؟ ---- ۹۹۰
پرسش ---- ۹۹۰
پاسخ ---- ۹۹۰
تعریف(دین) و(فرهنگ) چیست؟ وچه رابطه ای میان این دو وجود دارد؟ ---- ۹۹۱
پرسش ---- ۹۹۱
پاسخ ---- ۹۹۲
تعریف کار فرهنگی چیست ؟ ---- ۹۹۲
پرسش ---- ۹۹۲
پاسخ ---- ۹۹۲
فلسفه عزاداری و گریه بر اهل بیت(چیست؟ ---- ۹۹۲
پرسش ---- ۹۹۲
پاسخ ---- ۹۹۲

چه تفاوتی بین ایدئولوژی و فرهنگ است؟ ---- ۹۹۳
پرسش ---- ۹۹۳
پاسخ ---- ۹۹۴
از نظر قرآن، بهترین تمدن، چه تمدنی است؟ ---- ۹۹۴
پرسش ---- ۹۹۴
پاسخ ---- ۹۹۴
بعضی قائل شده‌اند که بخشی از فرهنگ آداب و رسوم مردم هم عصر نزول قرآن کریم (فرهنگ جاهلیت در قرآن وارد شده است ـ آن هم با لحنی
پرسش ---- ۹۹۵
پاسخ ---- ۹۹۶
لطفاً در مورد فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم توضیح دهید؟ ---- ۹۹۷
پرسش ---- ۹۹۷
پاسخ ---- ۹۹۷
آیا افتخار کردن به تمدن ایرانی در کنار تمدن اسلامی اشکال دارد ---- ۹۹۸
پرسش ---- ۹۹۸
پاسخ ---- ۹۹۸
با توجه به ضرورت کار فرهنگی برای ما دانشجویان سوال این است که مرز این گونه فعالیتها تا چه حد باید باشد ---- ۹۹۸
پرسش ---- ۹۹۸
پاسخ ---- ۹۹۹
وجه تمایز فرهنگ شرق و غرب چیست ؟ ---- ۹۹۹
پرسش ---- ۹۹۹
پاسخ ---- ۹۹۹
پایداری یک فرهنگ تابع چه عواملی است ؟ ---- ۱۰۰۰
پرسش ---- ۱۰۰۰
پاسخ ---- ۱۰۰۰

راههای فهم و مطالعه فرهنگ و معارف اسلامی در جامعه چیست؟ ---- ۱۰۰۰
پرسش ---- ۱۰۰۰
پاسخ ---- ۱۰۰۰
مقام معظم رهبری درفرمایشی بیان فرمودند که کربلا نه یک واقعه است بلکه یک فرهنگ است . فرهنگ کربلا وکربلایی بودن را توضیح فرمایید؟
پرسش ---- ۱۰۰۱
پاسخ ---- ۱۰۰۱
فرهنگ به چه معناست ؟ ---- ۱۰۰۲
پرسش ---- ۱۰۰۲
پاسخ ---- ۱۰۰۲
چرا فرهنگ اسلام , در خارج از کشور مشتاقان زیادی دارد؟ ---- ۱۰۰۳
پرسش ---- ۱۰۰۳
پاسخ ---- ۱۰۰۳
ایا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و عوامل ان وراهای مبارزه با انرا بیان کنید ---- ۱۰۰۳
پرسش ---- ۱۰۰۳
پاسخ ---- ۱۰۰۳
از خود بیگانگی چیست؟ ---- ۱۰۰۵
پرسش ---- ۱۰۰۵
پاسخ ---- ۱۰۰۵
آیا تمدّن امروزی واقعاً تمدّن است؟ ---- ۱۰۰۶
پرسش ---- ۱۰۰۶
پاسخ ---- ۱۰۰۶
هنجارها وناهنجاریها ---- ۱۰۰۶
مبسوط ---- ۱۰۰۶
پرسش ---- ۱۰۰۶

پاسخ ----- ۱۰۰۶

سؤال ما این است که از لحاظ مکتب اسلام تکثیر چنین عکس هایی که در نگاه سلیم اجتماعی -فرهنگی غیر متعارف است مبنای اسلامی دارد در

پرسش ----- ۱۰۱۰

پاسخ ----- ۱۰۱۰

توی جامعه ما همه بد هستند مگر اینکه خلاف این ثابت شود همه از یکدیگر غیبت و بدگویی می کنند احزاب مختلف توی سر و کله یکدیگر می

پرسش ----- ۱۰۱۰

پاسخ ----- ۱۰۱۱

نظر اسلام در مورد تفریح چیست و کدام تفریح ارزنده است؟ ----- ۱۰۱۲

پرسش ----- ۱۰۱۲

پاسخ ----- ۱۰۱۲

قرآن سرچشمه فساد در روی زمین را چه می‌داند؟ پرسش ----- ۱۰۱۳

اشاره ----- ۱۰۱۳

پاسخ ----- ۱۰۱۳

جایگاه عرف و هنجارهای اجتماعی در شرع چیست؟ عمل به هنجارهای اجتماعی لازم است یا نه؟ ----- ۱۰۱۳

پرسش ----- ۱۰۱۳

پاسخ ----- ۱۰۱۳

چرا در این زمان حرف اول را پول و پارتی می‌زند؟ ----- ۱۰۱۴

پرسش ----- ۱۰۱۴

پاسخ ----- ۱۰۱۴

با توجه به وضعیت فعلی دانشگاه‌ها که رعایت مسایل شرعی ، نشانه بی فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی و عدم رعایت موازین شرعی نشانه تجدد

پرسش ----- ۱۰۱۴

پاسخ ----- ۱۰۱۴

چرا هنوز در مراکز مهم مذهبی مسألهٔ رشوه و پارتیبازی حل نشده است، آیا این مراکز، قرآن را مطالعه نکردهاند؟ ----- ۱۰۱۵

پرسش ----- ۱۰۱۵

پاسخ ----- ۱۰۱۵
قرآن کریم در مورد" شایعه "چه آیاتی را بیان میکند؟ ----- ۱۰۱۵
پرسش ----- ۱۰۱۵
پاسخ ----- ۱۰۱۵
چگونه می‌توان با چپاولگران و مفاسد اقتصادی مبارزه کرد؟ ----- ۱۰۱۶
پرسش ----- ۱۰۱۶
پاسخ ----- ۱۰۱۷
چرا دولت جمهوری اسلامی با ماهواره مخالفت می‌کند و دلیل آن را هم جنبهٔ منفی ماهواره می‌داند، در صورتی که هر پدیدهٔ جدید، دارای جنبهٔ م
پرسش ----- ۱۰۱۷
پاسخ ----- ۱۰۱۷
شایعه چیست ؟ چگونه شکل می گیرد و پراکندگان شایعه در ایران چه کسانی اند؟ ----- ۱۰۱۸
پرسش ----- ۱۰۱۸
پاسخ ----- ۱۰۱۸
چرا مردم به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟ ----- ۱۰۱۸
پرسش ----- ۱۰۱۸
پاسخ ----- ۱۰۱۸
علت روی آوردن جوانان به اعتیاد را بیان کنید؟ ----- ۱۰۱۹
پرسش ----- ۱۰۱۹
پاسخ ----- ۱۰۱۹
با وجودی که مراجع تراشیدن ریش را حرام دانسته اند اما در جامعه خیلی ها ریش خود را می تراشند و یک دید منفی نسبت به کسانی که ریش
پرسش ----- ۱۰۱۹
پاسخ ----- ۱۰۲۰
با سلام در جامعه امر روضه خوانی از دیر باز به عنوان یک سمبل دینی حفظ شده و در زمانهای مشخص و مکانهای مشخص به عنوان یک امر اطلا
پرسش ----- ۱۰۲۰

پاسخ ----- ۱۰۲۱

چرا با وجوداینکه خدا درقرآن صراحتاً فرموده است که دست افراد دزد را قطع کنید ولی درجامعه ما شاهد قطع دست دزدان نیستیم ؟ درحالیکه

پرسش ----- ۱۰۲۲

پاسخ ----- ۱۰۲۲

چرا مغزهای متفکر ایران در کشورهای خارجی به درس خواندن می پردازند؟ ----- ۱۰۲۴

پرسش ----- ۱۰۲۴

پاسخ ----- ۱۰۲۴

اینهمه تبعیض وفساد ورشوه را چگونه می توان درجامعه اسلامی حل کرد، ونقش جوانان دراین امر مهم چیست؟ ----- ۱۰۲۵

پرسش ----- ۱۰۲۵

پاسخ ----- ۱۰۲۵

چرا در جامعه ما پارتی بازی روز به روز، رو به گسترش است ؟ ----- ۱۰۲۵

پرسش ----- ۱۰۲۵

پاسخ ----- ۱۰۲۵

چرا الان استفاده از ماهواره ممنوع شده است ؟ ----- ۱۰۲۶

پرسش ----- ۱۰۲۶

پاسخ ----- ۱۰۲۶

چرا در جامعه ما جلو گسترش فساد و ارتشاء گرفته نمی شود؟ ----- ۱۰۲۶

پرسش ----- ۱۰۲۶

پاسخ ----- ۱۰۲۶

چرا در برنامه‌ها و فیلم‌های صدا و سیما به ترک زبانان اهانت و بی احترامی می‌شود و چرا از طرف رهبری و ریاست سازمان کاری در جهت رفع ایر

پرسش ----- ۱۰۲۶

پاسخ ----- ۱۰۲۷

روشن کردن آتش در مقبره امام زاده‌ها و غیر امام زاده‌ها چه صورتی دارد؟ ----- ۱۰۲۷

پرسش ----- ۱۰۲۷

پاسخ ----- ۱۰۲۷
کلمه تاسوعا و عاشورا از کجا گرفته شده و چرا به این نام، نامگذاری شده است؟ ----- ۱۰۲۷
پرسش ----- ۱۰۲۷
پاسخ ----- ۱۰۲۷
عشق در چه مواردی صحیح و در چه مواردی نادرست است ؟ ----- ۱۰۲۸
پرسش ----- ۱۰۲۸
پاسخ ----- ۱۰۲۸
اختلاف سنّ در مورد ازدواج چطور است ؟ ----- ۱۰۲۹
پرسش ----- ۱۰۲۹
پاسخ ----- ۱۰۲۹
آیا خرید شمع و سوزاندن آن در زیارتگاهها اسراف نیست ؟ ----- ۱۰۲۹
پرسش ----- ۱۰۲۹
پاسخ ----- ۱۰۲۹
آرایش برای مرد چه لزومی دارد؟ ----- ۱۰۲۹
پرسش ----- ۱۰۲۹
پاسخ ----- ۱۰۲۹
روشن نمودن چراغ و شمع بر قبر میّتی که تازه فوت نموده , چگونه است ؟ ----- ۱۰۳۰
پرسش ----- ۱۰۳۰
پاسخ ----- ۱۰۳۰
آیا خندیدن در ماه محرّم حرام است ؟ ----- ۱۰۳۰
پرسش ----- ۱۰۳۰
پاسخ ----- ۱۰۳۱
آیا خندیدن و شوخی کردن و خوردن خوراکی (تخمه) در شب‌های ماه‌های محرم و صفر اشکال دارد؟ ----- ۱۰۳۱
پرسش ----- ۱۰۳۱

پاسخ ----- ۱۰۳۱
آیا جهیزیه بر عهدهء زن است و باید آن را تهیه کند؟ ----- ۱۰۳۱
پرسش ----- ۱۰۳۱
پاسخ ----- ۱۰۳۱
چه حکمتی دارد که وقتی بچه متولد می شود. اذان و اقامه در گوش او می خوانند؟ ----- ۱۰۳۱
پرسش ----- ۱۰۳۲
پاسخ ----- ۱۰۳۲
آیا حجاب اسلامی که مدّ نظر قرآن و ائمه : است , در مناطق مختلف مانند شمال و جنوب یا درقبایل مختلف مانند لرها و کردها و بلوچ ها متفاو
پرسش ----- ۱۰۳۲
پاسخ ----- ۱۰۳۲
به این جمله توجه شود: در سرزمین های جنگ هشت سالهء دفاع مقدس , نباید با کفش به قدم زدن بپردازیم , چرا که زمین آغشته به خون شهد
اشاره ----- ۱۰۳۲
پرسش ----- ۱۰۳۲
پاسخ ----- ۱۰۳۳
چرا عصر روزهای جمعهء هر هفته غبار غمی بر دل انسان می نشیند؟ ----- ۱۰۳۳
پرسش ----- ۱۰۳۳
پاسخ ----- ۱۰۳۳
چرا خانواده های اسلامی به ویژه شیعه از انتخاب نام کاظم و قنبر برای فرزندان خود امتناع می ورزند ----- ۱۰۳۴
پرسش ----- ۱۰۳۴
پاسخ ----- ۱۰۳۴
آب ریختن بر سنگ قبرها و شستن آن ها چه ارزش معنوی برای میّت دارد؟ ----- ۱۰۳۴
پرسش ----- ۱۰۳۴
پاسخ ----- ۱۰۳۴
چرا پسرها هر نوع لباسی را می‌توانند بپوشند، ولی دخترها نمی‌توانند؟ ----- ۱۰۳۴

پرسش ---- ۱۰۳۴
پاسخ ---- ۱۰۳۵
کلمه (مهزیار) چه واژه‌ای است؟ آیا واژه بیگانه است؟ چرا ثبت احوال این نام را برای فرزندانمان نمی‌پذیرد؟ ---- ۱۰۳۵
پرسش ---- ۱۰۳۵
پاسخ ---- ۱۰۳۵
مخارجی که در زمان فوت تا چهلم برای مرده انجام می شود چه توصیه شرعی دارد؟ ---- ۱۰۳۵
پرسش ---- ۱۰۳۵
پاسخ ---- ۱۰۳۵
با توجه به این که عید امسال با ماه محرم الحرام مصادف است، تکلیف مسلمانان چیست و از نظر برگزاری مراسم کدام یک از این دو مهم‌تر است؟
پرسش ---- ۱۰۳۶
پاسخ ---- ۱۰۳۷
چرا آخوندها فوتبال بازی نمی‌کنند؟ ---- ۱۰۳۷
پرسش ---- ۱۰۳۷
پاسخ ---- ۱۰۳۷
سال‌ها را چگونه و توسط چه کسانی نامگذاری می‌کنند؟ سال‌های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و... چه نام دارند؟ برای مثال سال ۸۰ سال مار می‌باش
پرسش ---- ۱۰۳۸
پاسخ ---- ۱۰۳۸
فلسفه پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری چیست ؟ ---- ۱۰۳۸
پرسش ---- ۱۰۳۸
پاسخ ---- ۱۰۳۸
مراد از تعزیه خوانی در اسلام چیست ؟ آیا تعزیه خوانی عزاداری خوبی است ؟ ---- ۱۰۳۸
پرسش ---- ۱۰۳۹
پاسخ ---- ۱۰۳۹
چرا روز تاسوعا سر خاک شهدا و مردگان می روند؟ ---- ۱۰۳۹

پرسش ----- ۱۰۳۹
پاسخ ----- ۱۰۳۹
چرا روز عاشورا پا برهنه می شوند؟ ----- ۱۰۳۹
پرسش ----- ۱۰۳۹
پاسخ ----- ۱۰۳۹
چرا ده شب اوّل ماه محرّم عزاداری می شود؟ مگر نباید بعد از عاشورا عزاداری نمود؟ ----- ۱۰۴۰
پرسش ----- ۱۰۴۰
پاسخ ----- ۱۰۴۰
فلسفهء علامت که در جلوی دستهء زنجیرزنی و سینه زنی حرکت می دهند چیست ؟ ----- ۱۰۴۰
پرسش ----- ۱۰۴۰
پاسخ ----- ۱۰۴۰
آیا آوردن پرچم قرمز در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی خوب است ؟ ----- ۱۰۴۱
پرسش ----- ۱۰۴۱
پاسخ ----- ۱۰۴۱
از چه طریقی می‌توان برای بچّه یا مکان و یا هر چیز دیگری نامی انتخاب کرد؟ شنیده‌ام بعضی قرآن را باز می‌کنند و یک کلمه از آن در نظر گرفت
پرسش ----- ۱۰۴۱
پاسخ ----- ۱۰۴۱
بعضی از افراد به عطسه کردن اعتقاد دارند و می گویند در عطسه های فرد باید دست از کار کشید و درعطسه های زوج به کار خویش ادامه داد! آ
پرسش ----- ۱۰۴۲
پاسخ ----- ۱۰۴۲
بیشتر ادیان مراسم عروسی و عزای خود را در اماکن دینی برگزار می کنند. چرا مراسم ازدواج مسلمانان در مساجد برگزار نمی شود؟ ---- ۱۰۴۲
پرسش ----- ۱۰۴۲
پاسخ ----- ۱۰۴۲
در همسایگی ما چند فقیر زندگی می کنند. پدرم هر ماه به این ها کمک می رساند. این کار چگونه است ؟ ----- ۱۰۴۲

پرسش ---------- ۱۰۴۳
پاسخ ---------- ۱۰۴۳
در ایام محرم مرسوم است که بعضی شیعیان در مجالس مرثیه خوانی , حجلهء حضرت قاسم ۷رست می کنند و از بین حضّار یک نفر را به نام عرو
پرسش ---------- ۱۰۴۳
پاسخ ---------- ۱۰۴۳
۱ فلسفهء بلند نمودن علم هایی که در محرّم بر دوش می کشند چیست ؟ وجه اسلامی آن کدام است ؟ ---------- ۱۰۴۴
پرسش ---------- ۱۰۴۴
پاسخ ---------- ۱۰۴۴
ابن شهر آشوب روایت کرده : منصور به موسب بن جعفر۷پیشنهاد کرد: نوروز را برای تبریک جلوس کند و هرچه نزد او آوردند, دریافت کند. وی ف
پرسش ---------- ۱۰۴۴
پاسخ ---------- ۱۰۴۴
فلسفه سینه زنی در عزاداریها چیست؟ ---------- ۱۰۴۵
پرسش ---------- ۱۰۴۵
پاسخ ---------- ۱۰۴۵
اگر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی یک سنت است , چرا علما زنجیر نمی زنند؟ ---------- ۱۰۴۵
پرسش ---------- ۱۰۴۵
پاسخ ---------- ۱۰۴۵
فلسفه حمل علم ها در مراسم عزاداری امام حسین(ع) چیست؟ اکثر مردم شهرهای ایران این علم ها را می بوسند و نذر می کنند تا حاجت هایش
پرسش ---------- ۱۰۴۶
پاسخ ---------- ۱۰۴۶
ناموس و ناموس داری دینی یعنی چه؟ ---------- ۱۰۴۶
پرسش ---------- ۱۰۴۶
پاسخ ---------- ۱۰۴۶
ایام فاطمیه چه ایامی است؟ ---------- ۱۰۴۷

پرسش ----- ۱۰۴۷
پاسخ ----- ۱۰۴۷
منشأ کلمات عاشورا و تاسوعا چیست؟ ----- ۱۰۴۷
پرسش ----- ۱۰۴۷
پاسخ ----- ۱۰۴۷
طریقهٔ فاتح گرفتن برای مردگان را تشریح کنید؟ آیا اگر چاقو روی سفره باشد ، در هنگام فاتحه گفتن اشکال دارد؟ ----- ۱۰۴۷
پرسش ----- ۱۰۴۷
پاسخ ----- ۱۰۴۷
چرا از اول محرم و قبل از شهادت امام حسین(ع) لباس سیاه می پوشند؟ در حالی که امام حسین(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیده اند و طبق
پرسش ----- ۱۰۴۸
پاسخ ----- ۱۰۴۸
بعضی از افراد نظر داردن کسانی که عَلَم امام حسین را بلند می کنند و عزاداری می‌کنند، باید انسان های آرام و ساکتی باشند و در ادارات دولتی ،
پرسش ----- ۱۰۴۸
پاسخ ----- ۱۰۴۹
می‌خواستم در مورد عطسه اطلاعاتی بدهید. آیا مطالبی که در مورد عطسه شایع است صحت دارد یا این که خرافات است؟ ----- ۱۰۴۹
پرسش ----- ۱۰۴۹
پاسخ ----- ۱۰۴۹
چرا درباره علما که این همه زحمت برای انقلاب کشیده و می کشند، بد می گویند؟ ----- ۱۰۴۹
پرسش ----- ۱۰۴۹
پاسخ ----- ۱۰۴۹
آیا ناخن گرفتن در شب ایراد دارد؟ بهترین موقع ناخن گرفتن چیست؟ ----- ۱۰۵۰
پرسش ----- ۱۰۵۰
پاسخ ----- ۱۰۵۰
اگر زنی حامله باشد و مرده‌ای ببیند ، چه حکمی دارد ؟ این که می‌گویند بچه چشمانش شور می‌شود یعنی چشم زخم می‌زند ، آیا واقعیت دارد؟

پرسش ---------- ۱۰۵۰
پاسخ ---------- ۱۰۵۰
آیا در محرم و صفر می‌توان مراسم عقد و خواستگاری را برگزار نمود؟ ---------- ۱۰۵۰
پرسش ---------- ۱۰۵۱
پاسخ ---------- ۱۰۵۱
آیا تسبیح در دست گرداندن گرفتاری می‌آورد؟ ---------- ۱۰۵۱
پرسش ---------- ۱۰۵۱
پاسخ ---------- ۱۰۵۱
آیا عطسه در کمی یا زیادی عمر مؤثر است؟ آیا در عطسه تک باید صبر کرد؟ ---------- ۱۰۵۱
پرسش ---------- ۱۰۵۱
پاسخ ---------- ۱۰۵۱
بسیار مشتاقم بدانم جزء عوام الناس هستم یا جزء اهل دانش؟ دانستن این امر چگونه میسر است؟ ---------- ۱۰۵۱
پرسش ---------- ۱۰۵۱
پاسخ ---------- ۱۰۵۲
می‌گویند: وقتی در کاری صبری و عطسه آمد، در انجام آن عجله نکنید و یا آن را ترک کنید، آیا این حرف صحیح است؟ ---------- ۱۰۵۲
پرسش ---------- ۱۰۵۲
پاسخ ---------- ۱۰۵۲
آیا دود اسفند برای کسانی که به اصطلاح چشم خورده و مورد حسادت قرار گرفته، مفید است؟ در این خصوص روایتی از معصومان(ع) وارد شده ؛
پرسش ---------- ۱۰۵۲
پاسخ ---------- ۱۰۵۳
جمله" یا علی "یعنی چه و چرا عده زیادی این جمله را بر زبان جاری می‌کنند؟ ---------- ۱۰۵۳
پرسش ---------- ۱۰۵۳
پاسخ ---------- ۱۰۵۳
چرا دور خانه خدا را با پارچه مشکل پوشانیده‌اند؟ ---------- ۱۰۵۳

پرسش ---------- ۱۰۵۴
پاسخ ---------- ۱۰۵۴
چرا جن باعث ترس در مردم می شود؟ ---------- ۱۰۵۴
پرسش ---------- ۱۰۵۴
پاسخ ---------- ۱۰۵۴
امروزه سه امر: بانک، تلویزیون و فوتبالیست ها مردم را به خود مشغول داشته است. چرا این گونه شده است؟ ---------- ۱۰۵۵
پرسش ---------- ۱۰۵۵
پاسخ ---------- ۱۰۵۵
نام صبا و ملیکه برای دختر آیا جزء اسامی مذهبی است؟ ---------- ۱۰۵۵
پرسش ---------- ۱۰۵۵
پاسخ ---------- ۱۰۵۵
به عقیدهٔ برخی از مردم بعد از طلوع و غروب خورشید، خواندن فاتحه و صلوات برای مردگان خوب است و به آن ها می رسد، ولی پس از غروب و
پرسش ---------- ۱۰۵۶
پاسخ ---------- ۱۰۵۷
آیا به کسی که به حج عمره می رود می توان حاجی گفت؟ ---------- ۱۰۵۷
پرسش ---------- ۱۰۵۷
پاسخ ---------- ۱۰۵۷
آیا وجود خال در طرف راست و یا چپ صورت نشانهٔ شانس و اقبال است؟ ---------- ۱۰۵۷
پرسش ---------- ۱۰۵۷
پاسخ ---------- ۱۰۵۷
آیا این گفته درست است که موقع سال تحویل هر کس در هر موقعیتی است، در همان موقعیت باقی می ماند مثلاً اگر خواب باشد یا در حال خوا
پرسش ---------- ۱۰۵۸
پاسخ ---------- ۱۰۵۸
چرا می گویند اگر هنگام شب خواستی آب بر روی زمین بریزی بسم الله بگو. آیا جنی ها در شب فعالیتی دارند؟ ---------- ۱۰۵۸

پرسش ----- ۱۰۵۸
پاسخ ----- ۱۰۵۸
آیا درست است که در خانه و یا مسجد جانماز پهن باشد، شیطان نماز می خواند؟ ----- ۱۰۵۸
پرسش ----- ۱۰۵۸
پاسخ ----- ۱۰۵۸
در مورد مراسم آشپزی، در برخی مناطق مرسوم است که زنی پابرهنه برای جمع کردن پول به در خانهٔ هفت نفر که نام آن ها فاطمه است می رو
پرسش ----- ۱۰۵۹
پاسخ ----- ۱۰۵۹
گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر چه تأثیری به حال افراد متوفی دارد؟ ----- ۱۰۵۹
پرسش ----- ۱۰۵۹
پاسخ ----- ۱۰۵۹
فلسفهٔ سینه زدن چیست و از چه زمانی بوجود آمد؟ ----- ۱۰۵۹
پرسش ----- ۱۰۵۹
پاسخ ----- ۱۰۶۰
چرا به امام هشتم(ع) قبلهٔ هفتم می گویند؟ ----- ۱۰۶۰
پرسش ----- ۱۰۶۰
پاسخ ----- ۱۰۶۰
عاشورا و تاسوعا به چند معنا است و چرا روز نهم و دهم محرم به نام عاشورا و تاسوعای حسینی یاد می‌شود؟ ----- ۱۰۶۰
پرسش ----- ۱۰۶۰
پاسخ ----- ۱۰۶۰
چرا عید قربان و عید غدیر به این نام شناخته شده است؟ ----- ۱۰۶۱
پرسش ----- ۱۰۶۱
پاسخ ----- ۱۰۶۱
اگر بعضی ها بعد از دهم محرم که مردم عزاداری می کنند، به سی‌دی و فیلم‌های شاد نگاه کنند، درست است؟ ----- ۱۰۶۱

پرسش ---------- ۱۰۶۱
پاسخ ---------- ۱۰۶۲
بعد از مرگ افراد معمولاً مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برگزار می‌شود. چرا روزهای را مراسم می‌گیرند. آیا این مراسم تأثیری بر حال مرده دار
پرسش ---------- ۱۰۶۲
پاسخ ---------- ۱۰۶۲
ایام نحس چه ایامی است آیا بستگی به اعمال و رفتار انسان دارد؟ ---------- ۱۰۶۲
پرسش ---------- ۱۰۶۲
پاسخ ---------- ۱۰۶۳
چرا برای شهادت امام حسین (ع مراسم اربعین برگزار می شود، ولی در رحلت پیامبر و سایر ائمه این کار صورت نمی‌گیرد؟ توضیح دهید. ۱۰۶۳
پرسش ---------- ۱۰۶۳
پاسخ ---------- ۱۰۶۴
منظور از حمّام منجاب که گاه علما از آن نام می بردند چیست؟ ---------- ۱۰۶۴
پرسش ---------- ۱۰۶۴
پاسخ ---------- ۱۰۶۴
بعضی گداها با آنکه وضع خوبی دارند، باز اقدام به تکدّی می کنند. آیا می توان به این افراد چیزی نداد یا آن‌ها را از خود راند؟ با این افراد به طور
پرسش ---------- ۱۰۶۵
پاسخ ---------- ۱۰۶۵
عزاداری خوب و مقبول برای ائمه چه ویژگی هایی دارد؟ ---------- ۱۰۶۵
پرسش ---------- ۱۰۶۵
پاسخ ---------- ۱۰۶۵
چرا ماه رجب را رجب المرجب نامیده است ---------- ۱۰۶۶
پرسش ---------- ۱۰۶۶
پاسخ ---------- ۱۰۶۶
چرا قاریان موقع تلاوت قرآن دست‌ها را بر گوش خود قرار می‌دهند؟ ---------- ۱۰۶۶

پرسش ----- ۱۰۶۶
پاسخ ----- ۱۰۶۶
بودن کبوتران در حرم بعضی از ائمه(ع) نشانهٔ چه می باشد؟ ----- ۱۰۶۷
پرسش ----- ۱۰۶۷
پاسخ ----- ۱۰۶۷
آیا این گفته صحیح است که هر وقت انسان ناخودآگاه تکانی می‌خورد، می‌گویند این عزرائیل است که به او تنه می زند و مرگ را یادآور می‌شود؟
پرسش ----- ۱۰۶۷
پاسخ ----- ۱۰۶۷
منظور از روز بزرگداشت شخصیت هایی که در تقویم آمده، آیا سالروز تولد است یا سالروز رحلت؟ ----- ۱۰۶۸
پرسش ----- ۱۰۶۸
پاسخ ----- ۱۰۶۸
آیا انداختن شال سبز با نیت جلب احترام به دیگران و یا خود را فرزند ائمه اطهار (ع) دانستن موجب نارضایتی اهل بیت می‌گردد؟ آیا صحیح است
پرسش ----- ۱۰۶۸
پاسخ ----- ۱۰۶۸
امروز رسم شده که صاحب عزا لباس مشکی به تن می‌کند. آیا از قدیم رسم بوده؟ حکم علما در این مورد چیست؟ آیا مراسم هایی مانند مجلس خ
پرسش ----- ۱۰۶۸
پاسخ ----- ۱۰۶۸
آیا شاد بودن در مجالس ائمهٔ اطهار(ع) ثواب دارد؟ ----- ۱۰۶۹
پرسش ----- ۱۰۶۹
پاسخ ----- ۱۰۶۹
ساختن دوتار را منسوب به حضرت ... می دانند و اهل سنت هم به این علت در خانهٔ خود دوتاری را به عنوان تبرک نگه می داند. آیا این گفته حق
پرسش ----- ۱۰۶۹
پاسخ ----- ۱۰۷۰
آیا لباس سیاه برای مرده اثرات بدی دارد؟ اگر لباس سیاه خوب نیست، برای امامان معصوم چطور است؟ آیا ثواب پوشیدن لباس سیاه برای امام

پرسش ---------- ۱۰۷۱
پاسخ ---------- ۱۰۷۱
چرا حرم مقدس ائمه اطهار(ع) و اماکن مقدسه را به صورت گنبد درست می کنند؟ ---------- ۱۰۷۲
پرسش ---------- ۱۰۷۲
پاسخ ---------- ۱۰۷۲
چرا برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد می گیرند؟ ---------- ۱۰۷۳
پرسش ---------- ۱۰۷۳
پاسخ ---------- ۱۰۷۳
مراد از ایام الله چیست؟ ---------- ۱۰۷۴
پرسش ---------- ۱۰۷۴
پاسخ ---------- ۱۰۷۴
چرا امروزه کسانی را که بیش از یک همسر دارند به چشم بد نگاه می کنند؟ ---------- ۱۰۷۴
پرسش ---------- ۱۰۷۵
پاسخ ---------- ۱۰۷۵
این که تعداد کمی از آخوند ها و دکترها سیگار می کشند، تأثیر بد ندارد؟ ---------- ۱۰۷۵
پرسش ---------- ۱۰۷۵
پاسخ ---------- ۱۰۷۵
بسیاری از مردم معتقدند هنگامی که عطسه می کنند، اگر یک عطسه کردند، معنای صبر کردن است و اگر دو عطسه کردند، باید در آن کار عجله
پرسش ---------- ۱۰۷۵
پاسخ ---------- ۱۰۷۵
نقل شده که بعد از ماه صفر از شب اوّل ماه ربیع الاوّل مستحب است در نیمه شب به بعد به هفت مسجد رفته و در مسجد را کوفته و حاجت خوا
پرسش ---------- ۱۰۷۶
پاسخ ---------- ۱۰۷۶
: شهید به چه کسی گفته می‌شود، چرا کسانی را که در مسیر کربلا جان می‌بازند، به آن‌ها شهید نمی‌گویند ولی به نیروهای مسلح که کشته می‌ش

پرسش ---------- ۱۰۷۶
پاسخ ---------- ۱۰۷۶
ورزش و پیاده روی چه نقش در تندرستی و سلامتی دارد؟ و نظر اسلام چیست؟ ---------- ۱۰۷۷
پرسش ---------- ۱۰۷۷
پاسخ ---------- ۱۰۷۷
لقب آیت الله العظمی در زیارت به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. چرا به مراجع هم این را می گوییم؟ معنی" قدّس سره "چیست؟ ۱۰۷۸
پرسش ---------- ۱۰۷۸
پاسخ ---------- ۱۰۷۸
فلسفه روشن کردن شمع در سقاخانه‌ها و فلسفه طشت‌گذاری چیست؟ ---------- ۱۰۷۸
پرسش ---------- ۱۰۷۸
پاسخ ---------- ۱۰۷۹
حکم پوشیدن لباس سیاه چیست؟ چه معصومانی سفارش کرده اند که در عزاداری لباس مشکی بپوشیم؟ این که زن ها چادر مشکی می پوشند، آ
پرسش ---------- ۱۰۷۹
پاسخ ---------- ۱۰۷۹
چرا از نگاه کردن به آیینه و جارو کردن در شب نهی شده است؟ ---------- ۱۰۸۰
پرسش ---------- ۱۰۸۰
پاسخ ---------- ۱۰۸۰
چرا به امامان لقب می‌دهند؟ ---------- ۱۰۸۱
پرسش ---------- ۱۰۸۱
پاسخ ---------- ۱۰۸۱
آیا بین گناهان فرقی است؟ در جامعه می‌بینیم فرضاً استفاده از بیت المال هیچ گونه زشتی ندارد، ولی صحبت با یک زن نامحرم خیلی زشت شمر
پرسش ---------- ۱۰۸۱
پاسخ ---------- ۱۰۸۱
چرا وقتی کسی می میرد، تا سه شب بالای سر قبر او فانوس یا چراغ روشن می کنند؟ ---------- ۱۰۸۲

پرسش ---------- ۱۰۸۲
پاسخ ---------- ۱۰۸۲
پیراهن مشکی برای مصائب اهل بیت (ع) و ایام شهادت پوشیده می شود. حال اگرامیل کسی فوت کند, پوشیدنش مانعی دارد؟ -------- ۱۰۸۲
پرسش ---------- ۱۰۸۲
پاسخ ---------- ۱۰۸۲
یکی از وظایف شیعیان برخاستن به هنگام آوردن نام امام زمان (ع) است , پس چراعضی روحانیون قیام نمی کنند؟ ---------- ۱۰۸۳
پرسش ---------- ۱۰۸۳
پاسخ ---------- ۱۰۸۳
بهترین مهریه‌ای که یک دختر مسلمان در این زمان می‌تواند بطلبد چیست؟ ---------- ۱۰۸۳
پرسش ---------- ۱۰۸۳
پاسخ ---------- ۱۰۸۳
آیا درباره اسپند دود کردن روایتی رسیده است؟ و کلمه اسپند به عربی چیست؟ ---------- ۱۰۸۴
پرسش ---------- ۱۰۸۴
پاسخ ---------- ۱۰۸۴
آیا عطسه کردن فرد دلالت بر صبر دارد و اصلاً در روایتی آمده است؟ ---------- ۱۰۸۴
پرسش ---------- ۱۰۸۴
پاسخ ---------- ۱۰۸۴
چرا وقتی خانمی می‌میرد، عکس او را در اعلامیه‌ها نمی‌زنند؟ ---------- ۱۰۸۴
پرسش ---------- ۱۰۸۴
پاسخ ---------- ۱۰۸۴
حرف شوخی و جدی را چگونه می‌توان تشخیص داد؟ ---------- ۱۰۸۵
پرسش ---------- ۱۰۸۵
پاسخ ---------- ۱۰۸۵
چگونه می‌توان با ایدئولوژی و فلسفه رایج در کشور پیشرفته‌ای مثل آمریکا آشنا شد، و اصولاً زندگی کردن در کشور نپذیرفته‌ای مثل آمریکا بهتر ا

پرسش ----- ۱۰۸۵
پاسخ ----- ۱۰۸۵
چرا کام نوزاد را با آب فرات برمی‌دارند، مگر آب فرات تصفیه شده و بهداشتی است؟ ----- ۱۰۸۶
پرسش ----- ۱۰۸۶
پاسخ ----- ۱۰۸۷
چرا پرچم امام حسین(ع) در کربلا قرمز است؟ چرا سبز نیست؟ ----- ۱۰۸۷
پرسش ----- ۱۰۸۷
پاسخ ----- ۱۰۸۷
چرا در جامعه اسلامی بین پسران و دختران تفاوت زیادی وجود دارد، یعنی بسیار مشاهده می‌شود که برای پسران ارزش و احترام بیشتری نسبت
پرسش ----- ۱۰۸۸
پاسخ ----- ۱۰۸۸
چرا در مراسم عزاداری امام حسین(ع) عَلَم یا پرچم‌های گوناگون و طوق‌های بزرگ چلچراغ و غیره می‌آورند؟ این‌ها سنبل چه چیزی است؟ چه چ
اشاره ----- ۱۰۸۸
پرسش ----- ۱۰۸۹
پاسخ ----- ۱۰۸۹
آیا درست است که یک جوان با زیرپوش رکابی جلو مردم ظاهر شود و خود را در جامعه در معرض نمایش بگذارد؟ ----- ۱۰۹۰
پرسش ----- ۱۰۹۰
پاسخ ----- ۱۰۹۰
چرا در ایام محرم و صفر، بعضی از هیأت‌های عزاداری زنجیر می‌زنند؟ ----- ۱۰۹۰
پرسش ----- ۱۰۹۰
پاسخ ----- ۱۰۹۰
علت این که وقتی کسی از دنیا می‌رود، فردایش بعد از نماز صبح به سر قبرش می‌روند چیست؟ ----- ۱۰۹۱
پرسش ----- ۱۰۹۱
پاسخ ----- ۱۰۹۱

آیا فال حافظ حقیقت دارد و درست است؟ ---- ۱۰۹۱
پرسش ---- ۱۰۹۱
پاسخ ---- ۱۰۹۱
با وجودی که امامت در دوازده امام معصوم(ع) محدود است، چرا به آیت اللّه خمینی امام اطلاق می شود؟ چرا همین عنوان را به آیت اللّه خامنهای
پرسش ---- ۱۰۹۲
پاسخ ---- ۱۰۹۲
معنای کلمه نقد چیست؟ آیا نقد کتاب‌های شهید مطهری و حضرت امام یا نقد ایشان جایز است؟ ---- ۱۰۹۳
پرسش ---- ۱۰۹۳
پاسخ ---- ۱۰۹۳
مراسم برای اموات را باید با سال قمری حساب کنیم یا سال شمسی؟ ---- ۱۰۹۳
پرسش ---- ۱۰۹۳
پاسخ ---- ۱۰۹۳
آیا سینه زنی و زنجیر زنی به شکل مرسوم فعلی در روایات مطرح گردیده و یا این که صرف عزاداری مطرح شده است؟ ---- ۱۰۹۴
پرسش ---- ۱۰۹۴
پاسخ ---- ۱۰۹۴
در حالی که زمینهٔ ازدواج در حال حاضر فراهم نیست، برای ارضای غریزه چه باید کرد؟ ---- ۱۰۹۴
پرسش ---- ۱۰۹۴
پاسخ ---- ۱۰۹۴
چرا همانند عزایی که برای مردگان خود می گیریم، برای پیامبران و امامان(ع) عزاداری بر قرار نمی کنیم؟ ---- ۱۰۹۵
پرسش ---- ۱۰۹۵
پاسخ ---- ۱۰۹۵
۱-گاهی که در حضور فردی سُنّی" یا علی "می گوییم، می پرسند چرا" یا خدا "نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بندهٔ خدا است. لطفاً بفرمایید ,
پرسش ---- ۱۰۹۶
پاسخ ---- ۱۰۹۶

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها ک
پرسش ----- ۱۰۹۷
پاسخ ----- ۱۰۹۷
در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا این م
پرسش ----- ۱۰۹۸
پاسخ ----- ۱۰۹۸
مهریه و مقدار آن چقدر باید باشد؟ ----- ۱۰۹۸
پرسش ----- ۱۰۹۸
پاسخ ----- ۱۰۹۸
روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می‌زنند و عرض حاجت می‌کنند، آیا چنین عملی در رو
پرسش ----- ۱۰۹۹
پاسخ ----- ۱۰۹۹
گاهی که در حضور فردی سُنّی" یا علی "می گوییم، می پرسند چرا" یا خدا "نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بندهٔ خدا است. لطفاً بفرمایید ریش
پرسش ----- ۱۰۹۹
پاسخ ----- ۱۰۹۹
پرسش: در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه ا
پرسش ----- ۱۱۰۰
پاسخ ----- ۱۱۰۰
در روایات اهمیت زیادی بر احترام سادات هست. آنانایِن امتیار را از کجا کسب کرده‌اند و این امر چه توجیهی دارد؟ ----- ۱۱۰۰
پرسش ----- ۱۱۰۱
پاسخ ----- ۱۱۰۱
آیا گریه برای مرده گناه است؟ ----- ۱۱۰۱
پرسش ----- ۱۱۰۱
پاسخ ----- ۱۱۰۱

برای چه روی قبرها آب می ریزند؟ ---- ۱۱۰۲
پرسش ---- ۱۱۰۲
پاسخ ---- ۱۱۰۲
آیا می شود در ماه محرم موهای خود را حنا زد؟ ---- ۱۱۰۲
پرسش ---- ۱۱۰۲
پاسخ ---- ۱۱۰۲
چرا عکس زن در اعلامیهٔ فوت او زده نمی شود؟ ---- ۱۱۰۳
پرسش ---- ۱۱۰۳
پاسخ ---- ۱۱۰۳
نظر اسلام دربارهٔ حفظ ظاهرچیست؟ ---- ۱۱۰۳
پرسش ---- ۱۱۰۳
پاسخ ---- ۱۱۰۳
چرا عکس زن در اعلامیهٔ فوت او زده نمی شود؟ ---- ۱۱۰۴
پرسش ---- ۱۱۰۴
پاسخ ---- ۱۱۰۴
در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ ---- ۱۱۰۴
پرسش ---- ۱۱۰۴
پاسخ ---- ۱۱۰۴
روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می‌زنند و عرض حاجت می‌کنند، آیا چنین عملی در رو ---- ۱۱۰۵
پرسش ---- ۱۱۰۵
پاسخ ---- ۱۱۰۵
۱- آیا اختلاف آداب نشان دهنده نسبیت اصل آن است ؟ ---- ۱۱۰۵
پرسش ---- ۱۱۰۵
پاسخ ---- ۱۱۰۵

و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟ ---- ۱۱۰۵
پرسش ---- ۱۱۰۵
پاسخ ---- ۱۱۰۵
حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟ ---- ۱۱۰۶
پرسش ---- ۱۱۰۶
پاسخ ---- ۱۱۰۶
منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟ ---- ۱۱۰۷
پرسش ---- ۱۱۰۷
پاسخ ---- ۱۱۰۷
چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟ ---- ۱۱۰۷
پرسش ---- ۱۱۰۷
پاسخ ---- ۱۱۰۷
برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهادمی کنید؟ ---- ۱۱۰۹
پرسش ---- ۱۱۰۹
پاسخ ---- ۱۱۰۹
آیا درست است که در ازدواج ، هیچ فرقی بین یک دختر و کالای یک مغازه نیست ؟ ---- ۱۱۱۰
پرسش ---- ۱۱۱۰
پاسخ ---- ۱۱۱۰
وضعیت فرهنگی مردم ایران نسبت به جوامع دیگر، در چه سطحی است ؟ ---- ۱۱۱۱
پرسش ---- ۱۱۱۱
پاسخ ---- ۱۱۱۱
آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟ ---- ۱۱۱۱
پرسش ---- ۱۱۱۱
پاسخ ---- ۱۱۱۲

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟ ---- ۱۱۱۲
پرسش ---- ۱۱۱۲
پاسخ ---- ۱۱۱۲
گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟ ---- ۱۱۱۲
پرسش ---- ۱۱۱۳
پاسخ ---- ۱۱۱۳
چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟ ---- ۱۱۱۳
پرسش ---- ۱۱۱۳
پاسخ ---- ۱۱۱۳
هنگام سعد و نحس چه هنگامی است؟ ---- ۱۱۱۳
پرسش ---- ۱۱۱۳
پاسخ ---- ۱۱۱۳
آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه((علیهم السلام)) نوعی تعظیم شعائر است؟ ---- ۱۱۱۳
پرسش ---- ۱۱۱۳
پاسخ ---- ۱۱۱۴
آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟ ---- ۱۱۱۴
پرسش ---- ۱۱۱۴
پاسخ ---- ۱۱۱۴
چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیّت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟ ---- ۱۱۱۴
پرسش ---- ۱۱۱۴
پاسخ ---- ۱۱۱۴
آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟ ---- ۱۱۱۵
پرسش ---- ۱۱۱۵
پاسخ ---- ۱۱۱۵

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟ ---- ۱۱۱۵
پرسش ---- ۱۱۱۵
پاسخ ---- ۱۱۱۵
چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟ ---- ۱۱۱۵
پرسش ---- ۱۱۱۵
پاسخ ---- ۱۱۱۶
آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟ ---- ۱۱۱۶
پرسش ---- ۱۱۱۶
پاسخ ---- ۱۱۱۶
آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟ ---- ۱۱۱۶
پرسش ---- ۱۱۱۶
پاسخ ---- ۱۱۱۷
آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟ ---- ۱۱۱۷
پرسش ---- ۱۱۱۷
پاسخ ---- ۱۱۱۷
گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟ ---- ۱۱۱۸
پرسش ---- ۱۱۱۸
پاسخ ---- ۱۱۱۸
چرا باید روحانیون و بسیجیان ریش (محاسن) بگذارند. دلیل این کار چیست؟ ---- ۱۱۱۸
پرسش ---- ۱۱۱۸
پاسخ ---- ۱۱۱۸
در محل سکونت ما رسم بر این است که وقتی فردی از دنیا می‌رود افراد فامیل به مدت ۲۱ یا ۴۰ روز از اصلاح سر و صورت و بیرون آوردن پیراهز
پرسش ---- ۱۱۱۹
پاسخ ---- ۱۱۱۹

مقدار ولیمه و نوع آن در عروسی چگونه باید باشد؟ ---- ۱۱۱۹
پرسش ---- ۱۱۱۹
پاسخ ---- ۱۱۱۹
از نظر شما از حیث سیاسی، عقیدتی و اموری که یک مسئول فرهنگی در زندگی شخصی خود باید رعایت کند، چیست؟ ---- ۱۱۱۹
پرسش ---- ۱۱۱۹
پاسخ ---- ۱۱۱۹
چرا در دین اسلام اینهمه برای امام حسین (و دیگر ائمه (گریه می‌کنند و فقط یک روز مراسم عزاداری انجام نمی‌دهند بلکه در هر مکان مذهبی
پرسش ---- ۱۱۲۰
پاسخ ---- ۱۱۲۰
مسأله مداحی درعزاداریها ومراسمات گوناگون ازبحث شرعی یاغیر شرعی بودن مداحیهای مداحان (ممکن است بعضی جاها از خود چیزهایی درآو
پرسش ---- ۱۱۲۱
پاسخ ---- ۱۱۲۲
چرا در صحن‌های حرم رضوی مردم نمی‌توانند بخوابند و استراحت کنند؟ بخصوص زوّار ---- ۱۱۲۲
پرسش ---- ۱۱۲۲
پاسخ ---- ۱۱۲۲
فلسفه سینه زنی در عزای اباعبدا...الحسین(و دیگر ائمه اطهار(چیست؟ و شیعیان با سینه زدن چه هدفی را دنبال می کنند؟ ---- ۱۱۲۲
پرسش ---- ۱۱۲۲
پاسخ ---- ۱۱۲۲
با توجه به اینکه شهادت امام حسین(در روز عاشورا است، چرا ما از اول محرم عزاداری و تعزیه می گیریم؟ ---- ۱۱۲۳
پرسش ---- ۱۱۲۳
پاسخ ---- ۱۱۲۴
آیا این نوع عزاداری رایج، ریشه در روایات دینی ما دارد؟ ---- ۱۱۲۵
پرسش ---- ۱۱۲۵
پاسخ ---- ۱۱۲۵

درخصوص برهنه کردن در هنگام سینه زنی و همچنین سینه زدن و خراشیدن صورت و ... توضیح دهید. و واقعاً درست است که مثلاً یکی دیده ام

پرسش ----- ۱۱۲۵

پاسخ ----- ۱۱۲۶

در خصوص اینکه وقتی اسم حضرت خامنه ای می آید با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، صلوات فرستاده می شود؟ ----- ۱۱۲۶

پرسش ----- ۱۱۲۶

پاسخ ----- ۱۱۲۶

چرا روحانی‌های محترم عمامه بر سر می‌گذارند؟ ----- ۱۱۲۷

پرسش ----- ۱۱۲۷

پاسخ ----- ۱۱۲۷

بهترین نوع عزاداری برای ائمه چیست ؟ نظر شما در مورد شیوهٔ جدید عزاداری ها چیست ؟ ----- ۱۱۲۷

پرسش ----- ۱۱۲۷

پاسخ ----- ۱۱۲۸

با توجه به اینکه اغلب ائمه معصومین(ع) در کشورهای عربی متولد و وفات یافته اند و آنها با توجه به عرق ملی و هموطنی و مذهبی باید نسبت به

پرسش ----- ۱۱۲۹

پاسخ ----- ۱۱۲۹

چرا طرح خانه عفاف رد شد؟ ----- ۱۱۳۰

پرسش ----- ۱۱۳۱

پاسخ ----- ۱۱۳۱

چرا ناهنجاری‌ها روز به روز در حال افزایش است ----- ۱۱۳۱

پرسش ----- ۱۱۳۱

پاسخ ----- ۱۱۳۱

نمونه‌هایی از واژه‌های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش‌ها داده‌اند را با استفاده از قرآن کریم که در اقوام گذشته اتفاق افتاده را با روش‌های امرو

پرسش ----- ۱۱۳۳

پاسخ ----- ۱۱۳۳

با توجه به اسلامی بودن کشور چرا سیگار - که برای جامعه ضرر دارد - به فروش می رسد؟ ---- ۱۱۳۴
پرسش ---- ۱۱۳۴
پاسخ ---- ۱۱۳۴
چرا تمام مشکلات ضد اخلاقی را به غرب نسبت می دهند در حالی که بسیاری از افراد جامعه و مسوولان خود علت و عامل مشکلات و معضلات ا
پرسش ---- ۱۱۳۴
پاسخ ---- ۱۱۳۴
با توجه به فقر بعضی مسلمین انجام جشنها نوعی اسراف نیست ؟ ---- ۱۱۳۴
پرسش ---- ۱۱۳۴
پاسخ ---- ۱۱۳۴
برگزاری مراسم ترحیم , چه فوایدی دارد؟ ---- ۱۱۳۵
پرسش ---- ۱۱۳۵
پاسخ ---- ۱۱۳۵
کسب که می خواهد نام فرزند خود را از نام ائمه بگذارد در حد نام شناسنامه کفایت می کند یا اینکه اسمی که همیشه صدا می شود؟ --- ۱۱۳۶
پرسش ---- ۱۱۳۶
پاسخ ---- ۱۱۳۶
جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانونهای فرهنگی مساجد چه باید کرد؟ ---- ۱۱۳۶
پرسش ---- ۱۱۳۶
پاسخ ---- ۱۱۳۶
چرا بیشتر مردم ایران دوست دارند شاعر باشند و شعر بگویند؟ ---- ۱۱۳۷
پرسش ---- ۱۱۳۷
پاسخ ---- ۱۱۳۷
اولویت هایی که بجای تعزیه در مراسم مذهبی ما می تواند جایگزین شود چه می باشند؟ ---- ۱۱۳۷
پرسش ---- ۱۱۳۷
پاسخ ---- ۱۱۳۷

چرا در ایام شهادت ائمه خوردن تخمه اشکال دارد؟ ---- ۱۱۳۷
پرسش ---- ۱۱۳۷
پاسخ ---- ۱۱۳۸
نظرشما در باره تعدد هیات مذهبی در شرایط فعلی جامعه چیست. بعضا مشاهده شده از درون برخی هیات های هیات های جدیدی تشکیل و فع
پرسش ---- ۱۱۳۸
پاسخ ---- ۱۱۳۸
در مورد ریش گذاشتن توضیح دهید. ---- ۱۱۳۸
پرسش ---- ۱۱۳۸
پاسخ ---- ۱۱۳۸
فلسفه ی انداختن پیراهن روی شلوار چیست؟ ---- ۱۱۴۱
پرسش ---- ۱۱۴۱
پاسخ ---- ۱۱۴۱
تقدس لباس روحانیت به چیست به طور مستدل پاسخ دهید؟ ---- ۱۱۴۱
پرسش ---- ۱۱۴۱
پاسخ ---- ۱۱۴۱
چرا برای مراجع از لفظ آیه الله العظمی که مختص حضرت امیر در زیارت موجود در مفاتیح می باشداستفاده می شود مگر علمای قبلی مثل شیخ
پرسش ---- ۱۱۴۲
پاسخ ---- ۱۱۴۲
چرا شیعیان در ماه محرم و در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه می‌کنند و به عزاداری می‌پردازند؟ ---- ۱۱۴۳
پرسش ---- ۱۱۴۳
پاسخ ---- ۱۱۴۳
- چرا به امام خمینی می گویند امام؟ حتی بعضی ها می گویند اما سیزدهم است ؟ ---- ۱۱۴۴
اشاره ---- ۱۱۴۴
پرسش ---- ۱۱۴۴

پاسخ ----- ۱۱۴۴
۱- نحوه عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه در ایران از زنجیرزدن و سینه خیز رفتن و ... که با مجروح شدن بدن هم
اشاره ----- ۱۱۴۵
پرسش ----- ۱۱۴۵
پاسخ ----- ۱۱۴۵
چگونه و با چه عملی می توانیم مدیون خون شهیدان نباشیم؟ ----- ۱۱۴۷
پرسش ----- ۱۱۴۷
پاسخ ----- ۱۱۴۷
گاهی در حرم مطهر امام رضا با صدای بوق و طبل مواجه می شویم لطفاً بفرمایید این ----- ۱۱۴۸
اشاره ----- ۱۱۴۸
پرسش ----- ۱۱۴۸
پاسخ ----- ۱۱۴۹
نظر شما در رابطه با اینکه رهبر یک انقلا ب دست خود را دراز کنند تا اشخاص آن را ببوسند و بعد از آنهم که نوبت زنان شد حوله روی آن بینداز
پرسش ----- ۱۱۴۹
پاسخ ----- ۱۱۴۹
آیا روحانیونیکه در اطراف ضریح مقدس امام رضا (ع) یا دراماکن متبر که حرم مشغول روضه خوانی می باشند و عده ای اطراف آنها جمع می شو
پرسش ----- ۱۱۵۰
پاسخ ----- ۱۱۵۰
۱- چگونه می توانیم راه و هدف شهدا را ادامه دهیم؟ ----- ۱۱۵۰
پرسش ----- ۱۱۵۱
پاسخ ----- ۱۱۵۱
۲- «شیخ» و «آخوند» به چه معناست ؟ ----- ۱۱۵۲
اشاره ----- ۱۱۵۲
پرسش ----- ۱۱۵۲

پاسخ ----- ۱۱۵۲
آیا به مدهایی که در جامعه هست باید عمل کرد؟ ----- ۱۱۵۳
پرسش ----- ۱۱۵۳
پاسخ ----- ۱۱۵۳
تهیه جهیزیه بر عهده چه کسی است ؟ ----- ۱۱۵۳
پرسش ----- ۱۱۵۳
پاسخ ----- ۱۱۵۳
چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟ ----- ۱۱۵۴
پرسش ----- ۱۱۵۴
پاسخ ----- ۱۱۵۴
من شهدا را خیلی دوست دارم و دلم می خواهد کاری که در رابطه با شهدا باشد انجام دهم می خواهم برای شهدا کار کنم می خواهم با آنها بیشت
پرسش ----- ۱۱۵۵
پاسخ ----- ۱۱۵۶
با وجود مراکز خیریه حکم کمک به متکدیان و نیازمندان چگونه است ؟ ----- ۱۱۵۶
پرسش ----- ۱۱۵۶
پاسخ ----- ۱۱۵۶
چرا در تعزیه خوانی از طبل استفاده می شود؟ ----- ۱۱۵۷
پرسش ----- ۱۱۵۷
پاسخ ----- ۱۱۵۷
با توجه به فرمایشات حضرت علی (ع) لقب معظم برای رهبر انقلاب نوعی مدح نیست ؟ ----- ۱۱۵۷
پرسش ----- ۱۱۵۷
پاسخ ----- ۱۱۵۷
علت استفاده از واژه هایی نظیر آیت الله و... در بین علمای شیعه چیست ؟ ----- ۱۱۵۸
پرسش ----- ۱۱۵۸

پاسخ ----- ۱۱۵۸
برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟ ----- ۱۱۵۹
پرسش ----- ۱۱۵۹
پاسخ ----- ۱۱۵۹
مبنای ((عرف جامعه))چیست و چه معنایی دارد؟ ----- ۱۱۶۰
پرسش ----- ۱۱۶۰
پاسخ ----- ۱۱۶۰
برای بررسی مد و مطالعاتی از این دست چه کتابهایی را پیشنهاد می کنید. ----- ۱۱۶۱
پرسش ----- ۱۱۶۱
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۱۶۱
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۱۶۴
شنیده ام خود را به کوچه علی چپ زدن را مسیحیان ساخته اند و منظور از علی، حضرت علی (ع) است و به کار بردن آن صحیح نیست. ۱۱۶۶
پرسش ----- ۱۱۶۶
پاسخ ----- ۱۱۶۷
مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟ ----- ۱۱۶۷
پرسش ----- ۱۱۶۷
پاسخ ----- ۱۱۶۷
به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می‌شود، شهید اطلاق نمی‌گردد؟ ----- ۱۱۶۷
پرسش ----- ۱۱۶۸
پاسخ ----- ۱۱۶۸
معیارها و ضوابط در فرم و شکل لباس مطلوب چیست و آیا لباس شیک و زیبا مانعی دارد؟ ----- ۱۱۶۸
پرسش ----- ۱۱۶۸
پاسخ ----- ۱۱۶۸
منشأ مراسم چهلم برای مردگان چیست؟ ----- ۱۱۶۹

پرسش ---------- ۱۱۶۹
پاسخ ---------- ۱۱۶۹
از نظر دین و فرهنگ آیا زن می‌تواند از مرد خواستگاری کند؟ اگر می‌تواند از چه راهی اقدام کند؟ ---------- ۱۱۷۰
پرسش ---------- ۱۱۷۰
پاسخ ---------- ۱۱۷۰
آیا پوشیدن لباس سیاه در مرگ افراد, ریشهء مذهبی دارد و آیادعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار, ریشه مذهبی دارد یا رسم ملی است , نظرا
پرسش ---------- ۱۱۷۰
پاسخ ---------- ۱۱۷۰
در مراسم عزاداری اهل بیت : مشاهده می شود که عده ای ازجوانان , لباس از تن در آورده , سینه می زنند, در حالیکه روحانی ها آرام و بدون سر
پرسش ---------- ۱۱۷۱
پاسخ ---------- ۱۱۷۱
چه دلیلی بر نحوهء خاص عزاداری برای ائمه , همچون سینه زنی یا زنجیر زنی وجود دارد؟ ---------- ۱۱۷۱
پرسش ---------- ۱۱۷۱
پاسخ ---------- ۱۱۷۱
چرا سؤال های شخصی جوانان را جواب نمی دهید؟ آیا تیپ زدن اشکال دارد؟ ---------- ۱۱۷۲
پرسش ---------- ۱۱۷۲
پاسخ ---------- ۱۱۷۲
یک نوجوان موهایش را چگونه و به چه مدلی کوتاه کند؟ آیا زدن عطر و ادکلن اشکال دارد؟ ---------- ۱۱۷۲
پرسش ---------- ۱۱۷۲
پاسخ ---------- ۱۱۷۲
جوان هایی که در کنکور قبول نمی شوند چگونه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند؟ ---------- ۱۱۷۳
پرسش ---------- ۱۱۷۳
پاسخ ---------- ۱۱۷۳
سفره ای به نام حضرت زهرا۳مرسوم است که می گویند باید این سفره در محلّ تاریک بازشود و هیچ مردی نباید سر سفره باشد! آیا این درست ا،

پرسش ---------- ۱۱۷۳
پاسخ ---------- ۱۱۷۴
آیا عطسه نشانهء درستی موضوع است ؟ ---------- ۱۱۷۴
پرسش ---------- ۱۱۷۴
پاسخ ---------- ۱۱۷۴
فامیلی هایی که به نام (محمدی) یا (حسینی) است , به افراد سیّد و صالح مربوط می شود ویا فامیلی به نام (مرادی) به ابن ملجم مرادی مربوط
پرسش ---------- ۱۱۷۴
پاسخ ---------- ۱۱۷۴
چرا اجازه می دهند زنان و دختران به ورزشگاه ها بیایند و به مردان و پسران نگاه کنند؟متأسفانه شما تا به حال تذکر نداده اید. ---------- ۱۱۷۵
پرسش ---------- ۱۱۷۵
پاسخ ---------- ۱۱۷۵
چرا می گویند: کلّ یوم عاشوار و کلّ أرض کربلا؟ ---------- ۱۱۷۵
پرسش ---------- ۱۱۷۵
پاسخ ---------- ۱۱۷۵
چرا به روز نهم و دهم محرّم تاسوعا و عاشورا گفته می شود؟ آیا فلسفه خاصی دارد یا چون در زبان عربی به این دو روز تاسوعا و عاشورا می گویند
پرسش ---------- ۱۱۷۶
پاسخ ---------- ۱۱۷۶
فرق بین مرد و پسر چیست ؟ ---------- ۱۱۷۶
پرسش ---------- ۱۱۷۶
پاسخ ---------- ۱۱۷۶
به نظر من روز عید غدیر باید به دیدار افرادی رفت که در عصرخودشان بر محور ولایت فقیه حرکت می کنند و اگر از سادات باشند. بهترند؛حال ن
پرسش ---------- ۱۱۷۷
پاسخ ---------- ۱۱۷۷
معنای این جمله چیست : کس پیراهن ندوخت که آخر قبا نکرد؟! ---------- ۱۱۷۸

پرسش ----- ۱۱۷۸
پاسخ ----- ۱۱۷۸
این شعر به چه معنا است ؟ اگر با دیگرانش بود میلی چراظرف مرا بشکست لیلی ؟ ----- ۱۱۷۸
پرسش ----- ۱۱۷۸
پاسخ ----- ۱۱۷۸
آیا فقط هر کس لیاقت داشت , شهید می شود, اگر چنین است ,چرا بعضی افراد لاابالی که حتی اهل نماز نبودند, در جنگ به شهادت رسیدند؟ ،
پرسش ----- ۱۱۷۸
پاسخ ----- ۱۱۷۹
چرا وقتی از واقعهء کربلا یادی به میان می آید, نام حضرت زینب از بین بقیهء زنان حاضر در آن واقعه , گیراتر و بیش تر مطرح است ؟ چرا نامی ا
پرسش ----- ۱۱۷۹
پاسخ ----- ۱۱۷۹
سنّت چهارشنبه سوری در ایران ریشه از چه اعتقادی دارد؟ ----- ۱۱۸۰
پرسش ----- ۱۱۸۰
پاسخ ----- ۱۱۸۰
سنّت سفرهء هفت سین در ایران ریشه در چه اعتقادی دارد و هفت سین سمبل چه چیزهایی است ؟ ----- ۱۱۸۰
پرسش ----- ۱۱۸۰
پاسخ ----- ۱۱۸۰
در صحن پشتی امامزادگانِ پنج تن , واقعی در جمکران , در اطراف یک درخت را میله کشیده اند و افرادی در آن جا راز و نیاز و نذر می کنند و آ
پرسش ----- ۱۱۸۱
پاسخ ----- ۱۱۸۱
به نظر شما موقع ازدواج یک دختر چه وقت است ؟ ----- ۱۱۸۱
پرسش ----- ۱۱۸۱
پاسخ ----- ۱۱۸۱
تهاجم فرهنگی ----- ۱۱۸۲

تعریف تهاجم فرهنگی ---- ۱۱۸۲
آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟ ---- ۱۱۸۲
پرسش ---- ۱۱۸۲
پاسخ ---- ۱۱۸۲
تهاجم فرهنگی یعنی چه؟ ---- ۱۱۸۲
پرسش ---- ۱۱۸۳
پاسخ ---- ۱۱۸۳
تهاجم فرهنگی یعنی چه؟ ---- ۱۱۸۳
پرسش ---- ۱۱۸۳
پاسخ ---- ۱۱۸۳
در چه صورت چیزی که از خارج سرزمینی وارد آن سرزمین شود اجنبی و ضد ملّی شمرده می‌شود؟ ---- ۱۱۸۴
پرسش ---- ۱۱۸۴
پاسخ ---- ۱۱۸۴
منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟ ---- ۱۱۸۴
پرسش ---- ۱۱۸۴
پاسخ ---- ۱۱۸۴
گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟ ---- ۱۱۸۶
پرسش ---- ۱۱۸۶
پاسخ ---- ۱۱۸۶
معنای رپ (rap) چیست و چه آرمانی دادند؟ ---- ۱۱۸۷
پرسش ---- ۱۱۸۷
پاسخ ---- ۱۱۸۷
در مورد" مد گرایی جوانان "چه آیاتی در قرآن، آمده است؟ ---- ۱۱۸۸
پرسش ---- ۱۱۸۸

پاسخ ----- ۱۱۸۸
آیا در تاریخ اسلام، تهاجم فرهنگی وجود داشته است؟ ----- ۱۱۸۹
پرسش ----- ۱۱۸۹
پاسخ ----- ۱۱۸۹
چرا در رسانه ها گفته می شود ما غربزده هستیم در صورتی که بیشتر ضربه هایی که به ما می رسد از اعراب است ؟ ----- ۱۱۹۰
پرسش ----- ۱۱۹۰
پاسخ ----- ۱۱۹۰
هنرمندان و فیلم سازان ما متعهد نیستند و مدگرا هستند. اینان به نوعی در تهاجم فرهنگی شریکند, پس چرامی گوییم تهاجم فرهنگی کارکش
پرسش ----- ۱۱۹۰
پاسخ ----- ۱۱۹۰
خیلی می خواهم در مورد لباس هایی که از غرب می آید بدانم که آیا در این لباسها نیز تهاجم فرهنگی نهفته است یا خیر. تا چه حد. ۱۱۹۰
پرسش ----- ۱۱۹۰
پاسخ ----- ۱۱۹۱
چرا روند تهاجم فرهنگی را یک روند ناخودآگاه نامیده و هیچ گروهی را مسوول و برنامه ریز آن ندانسته اند. بودجه هایی که در آمریکا برای براند
پرسش ----- ۱۱۹۳
پاسخ ----- ۱۱۹۳
مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟ ----- ۱۱۹۵
پرسش ----- ۱۱۹۵
پاسخ ----- ۱۱۹۵
درباره تهاجم فرهنگی توضیح دهید وکتابهایی معرفی کنید. ----- ۱۱۹۶
پرسش ----- ۱۱۹۶
پاسخ ----- ۱۱۹۶
شبیه خون به چه می گویند؟ آیا همان تهاجم فرهنگی است؟ ----- ۱۱۹۸
پرسش ----- ۱۱۹۸

پاسخ ---- ۱۱۹۸
منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟ ---- ۱۱۹۸
پرسش ---- ۱۱۹۸
پاسخ ---- ۱۱۹۹
موسیقی های راک (ب آپ ت) و پاپ (پپ پ) چه نوع موسیقی هایی هستند؟ ---- ۱۲۰۰
پرسش ---- ۱۲۰۰
پاسخ ---- ۱۲۰۰
به نظر شما آیا در زمان ما پدیده‌ای به نام تهاجم فرهنگی وجود دارد یا تبادل فرهنگی است؟ اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، وظیفه جوانان برا
پرسش ---- ۱۲۰۰
پاسخ ---- ۱۲۰۱
تهاجم فرهنگی را تعریف کنید؟ ---- ۱۲۰۱
پرسش ---- ۱۲۰۱
پاسخ ---- ۱۲۰۱
فرهنگ را تعریف کنید, و ویژگی های فرهنگ اسلامی را بیان کنید. ---- ۱۲۰۱
پرسش ---- ۱۲۰۱
پاسخ ---- ۱۲۰۱
مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟ ---- ۱۲۰۲
پرسش ---- ۱۲۰۲
پاسخ ---- ۱۲۰۳
مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟ ---- ۱۲۰۳
پرسش ---- ۱۲۰۳
پاسخ ---- ۱۲۰۳
مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟ ---- ۱۲۰۴
پرسش ---- ۱۲۰۴

پاسخ ----- ۱۲۰۴
تهاجم فرهنگی و موارد آن را توضیح دهید؟ ----- ۱۲۰۵
پرسش ----- ۱۲۰۵
پاسخ ----- ۱۲۰۶
چرا جوانان ایرانی فرهنگ خودمان را قبول ندارند و از غربی ها تقلید می کنند؟ ----- ۱۲۰۶
پرسش ----- ۱۲۰۶
پاسخ ----- ۱۲۰۶
ضرر نوار های ترانه چیست؟ ----- ۱۲۰۷
پرسش ----- ۱۲۰۷
پاسخ ----- ۱۲۰۷
آیا دانشگاه محل فساد است؟ بعضی با این حرف پدر و مادرها را بدبین کرده اند. آیا این حرف صحیح است؟ ----- ۱۲۰۷
پرسش ----- ۱۲۰۷
پاسخ ----- ۱۲۰۸
خودباختگی چیست و آثار و پیامدهای آن کدام است؟ ----- ۱۲۰۸
پرسش ----- ۱۲۰۸
پاسخ ----- ۱۲۰۸
آیا می توان گفت علت گسترش فساد و بی حجابی که شاهد آن هستیم پس از انقلاب اسلامی ایران فقط تهاجم فرهنگی بوده است آیا می شو
پرسش ----- ۱۲۰۹
پاسخ ----- ۱۲۰۹
تهاجم غربی برای مسلمانان شامل چه مواردی در اسلام می‌شود (در کل فرهنگ غرب؟ ----- ۱۲۱۰
پرسش ----- ۱۲۱۰
پاسخ ----- ۱۲۱۰
چرا به اندازه‌ای که تبلیغات غربی‌ها بر جوانان ما تأثیر گذار بوده، تبلیغات ما روی جوانان غرب چنین تأثیری را نداشته است؟ ----- ۱۲۱۰
پرسش ----- ۱۲۱۰

پاسخ ----- ۱۲۱۱
اهداف تهاجم فرهنگی ----- ۱۲۱۱
رپ، آیا گروه خاصی هستند؟ چه هدف و خط مشی دارند؟ ----- ۱۲۱۱
پرسش ----- ۱۲۱۱
پاسخ ----- ۱۲۱۱
علت این که مردم ایران و جهان به فساد و کارهای زشت و شهوترانی کشیده می شوند چیست؟ چرا باید به خاطر کارهای زشت و بی بندوباری
پرسش ----- ۱۲۱۲
پاسخ ----- ۱۲۱۲
آیا این درست است که می گویند آمریکا به ایران حملهٔ نظامی نمی کند ولی تبلیغات فرهنگی می کند روی نسل جوان که تا حدود زیادی هم
پرسش ----- ۱۲۱۳
پاسخ ----- ۱۲۱۳
چه عامل و یا عواملی سبب شده است که این همه فساد و بی اعتقادی وناهنجاری در بین جوانان امروز که در جمهوری اسلامی بدنیا آمده و تر
پرسش ----- ۱۲۱۴
پاسخ ----- ۱۲۱۵
علل تنزل اوضاع فرهنگی کشور در سال های اخیر چیست ؟ ----- ۱۲۱۵
پرسش ----- ۱۲۱۵
پاسخ ----- ۱۲۱۵
علل گرایش جوانان به فساد چیست ؟ ----- ۱۲۱۵
پرسش ----- ۱۲۱۵
پاسخ ----- ۱۲۱۶
ارتباط فرهنگ کشورها را از جنبه مثبت و منفی بنویسید؟ ----- ۱۲۱۶
پرسش ----- ۱۲۱۶
پاسخ ----- ۱۲۱۶
گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟ ----- ۱۲۱۶

پرسش ---- ۱۲۱۶
پاسخ ---- ۱۲۱۷
علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟ ---- ۱۲۱۷
پرسش ---- ۱۲۱۷
پاسخ ---- ۱۲۱۷
چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟ ---- ۱۲۱۸
پرسش ---- ۱۲۱۸
پاسخ ---- ۱۲۱۸
علت انحراف جوانان چیست؟ ---- ۱۲۱۸
پرسش ---- ۱۲۱۸
پاسخ ---- ۱۲۱۸
علت انحراف جوانان ما چیست؟ ---- ۱۲۲۰
پرسش ---- ۱۲۲۰
پاسخ ---- ۱۲۲۰
چرا تهاجم فرهنگی بر ضد ایران است؟ ---- ۱۲۲۲
پرسش ---- ۱۲۲۲
پاسخ ---- ۱۲۲۲
چرا غرب با تهاجم فرهنگی خود به مقابله با کشورهای جهان سوم برخاسته است؟ ---- ۱۲۲۳
پرسش ---- ۱۲۲۳
پاسخ ---- ۱۲۲۳
چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟ ---- ۱۲۲۴
پرسش ---- ۱۲۲۴
پاسخ ---- ۱۲۲۴
چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟ ---- ۱۲۲۷

پرسش ---- ۱۲۲۷
پاسخ ---- ۱۲۲۷
دلیل بی حجابی در جامعه اسلامی ایران چیست و برای مقابله باآن چه کار بایدکرد؟ ---- ۱۲۳۰
پرسش ---- ۱۲۳۰
پاسخ ---- ۱۲۳۰
عوامل بدحجابی در جامعه چیست ؟ ---- ۱۲۳۱
پرسش ---- ۱۲۳۱
پاسخ ---- ۱۲۳۲
علّت اصلی گمراه شدن جوانان چیست؟ و چطور می توان آنان را به دین اسلام دعوت کرد؟ ---- ۱۲۳۳
پرسش ---- ۱۲۳۳
پاسخ ---- ۱۲۳۳
علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟ ---- ۱۲۳۴
پرسش ---- ۱۲۳۴
پاسخ ---- ۱۲۳۴
در مورد گروههای غربی که در میان جوانان رواج پیدا کرده مثل گروه هیپی و... لطفاًتوضیح داده و چگونگی پیدایش آن و از چه کشوری وارد ش
پرسش ---- ۱۲۳۵
پاسخ ---- ۱۲۳۵
چرا در جامعه ما فرهنگ مصرف گرایی روز به روز و لحظه به لحظه رو به افزایش است و چرا هیچکس کاری نمی‌کند؟ چرا؟ ---- ۱۲۳۶
پرسش ---- ۱۲۳۶
پاسخ ---- ۱۲۳۶
دلیل بدحجابی هایی که امروزه در جامعه اسلامی می بینیم چیست و آیا نمی شود جلوی این بدحجابی ها را گرفت تا جوانان کمتر به فساد کش
پرسش ---- ۱۲۳۶
پاسخ ---- ۱۲۳۶
چرا فرهنگ غرب در بین جوانان کشور ما اینقدر گسترش پیدا کرده است بخصوص در بین دختران آیا راه پیشگی ندارد؟ ---- ۱۲۳۸

پرسش ---- ۱۲۳۸
پاسخ ---- ۱۲۳۹
علل گسترش فرهنگ ابتذال در جامعهٔ ما چیست ---- ۱۲۴۱
پرسش ---- ۱۲۴۱
پاسخ ---- ۱۲۴۲
علت گستردگی تهاجم فرهنگی چیست؟ و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟ ---- ۱۲۴۲
پرسش ---- ۱۲۴۲
پاسخ ---- ۱۲۴۲
علت روی آوردن مردم به مصرف گرایی , تجمل و افزایش فساد و قاچاق چیست ؟ ---- ۱۲۴۲
پرسش ---- ۱۲۴۲
پاسخ ---- ۱۲۴۲
دقیقا بفرمائید مدگرایی به چه انگیزه ای است ---- ۱۲۴۳
پرسش ---- ۱۲۴۳
پاسخ ---- ۱۲۴۳
شبهات چه اثرات خوب و بد اجتماعی در بر دارد؟ ---- ۱۲۴۴
پرسش ---- ۱۲۴۴
پاسخ ---- ۱۲۴۴
ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی چیست ؟ ---- ۱۲۴۴
پرسش ---- ۱۲۴۴
پاسخ ---- ۱۲۴۴
آیا جامعه ای که فرهنگ قوی و غنی دارد از تهاجم فرهنگی می ترسد پس دلیل اینهمه وحشت چیست ---- ۱۲۴۵
پرسش ---- ۱۲۴۵
پاسخ ---- ۱۲۴۵
پوشیدن لباس های مد به تقلید از غرب چه عواقبی دارد؟ ---- ۱۲۴۷

پرسش ---- ۱۲۴۷
پاسخ ---- ۱۲۴۸
دلیل گرایش جوانان به الگوهای بیگانه چیست ؟ ---- ۱۲۴۸
پرسش ---- ۱۲۴۹
پاسخ ---- ۱۲۴۹
علت این که جوامع مختلف به پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه روی آورده اند چیست ؟ ---- ۱۲۴۹
پرسش ---- ۱۲۴۹
پاسخ ---- ۱۲۴۹
علت ترویج فرهنگ غرب در بعضی موارد با توجه به اینکه ما یک کشور اسلامی هستیم چیست ؟ ---- ۱۲۴۹
پرسش ---- ۱۲۴۹
پاسخ ---- ۱۲۴۹
دلیل رواج بی حجابی در شهرهای بزرگ ایران چیست؟ ---- ۱۲۵۱
پرسش ---- ۱۲۵۱
پاسخ ---- ۱۲۵۱
علت پائین آمدن سن تماشای فیلم های مبتذل در جامعه چیست ؟وچه کسانی این فیلمها را وارد می کنند؟ ---- ۱۲۵۳
پرسش ---- ۱۲۵۳
پاسخ ---- ۱۲۵۳
ابزاروروشها تهاجم فرهنگی ---- ۱۲۵۴
با این وضع حجاب در دخترخانم های جوان و ظاهر نامناسب پسرهای جوان آینده دین را چگونه می بینید؟ ---- ۱۲۵۴
پرسش ---- ۱۲۵۴
پاسخ ---- ۱۲۵۴
نوارهای مبتذل به چه نوارهایی می‌گویند؟ ---- ۱۲۵۵
پرسش ---- ۱۲۵۵
پاسخ ---- ۱۲۵۵

چرا بی حجابی روز به روز بیشتر می شود؟ ---- ۱۲۵۵
پرسش ---- ۱۲۵۶
پاسخ ---- ۱۲۵۶
هدف دخترها از پوشیدن لباس‌های غیر اسلامی چیست؟ ---- ۱۲۵۶
پرسش ---- ۱۲۵۶
پاسخ ---- ۱۲۵۶
دشمن از چه راه‌هایی می‌خواهد جوانان را؟ به فساد بکشاند و از اسلام دور سازند؟ ---- ۱۲۵۷
پرسش ---- ۱۲۵۷
پاسخ ---- ۱۲۵۷
گاه گاهی مطالبی را به چاپ می‌رسانند منبی بر این که فلان مطلب را پیامبر در عالم خواب به شخصی فرموده و دستور داده که آن را پنجاه م
پرسش ---- ۱۲۵۸
پاسخ ---- ۱۲۵۸
راههای نفوذ دشمن در قشر جوان را برشمرید؟ ---- ۱۲۵۹
پرسش ---- ۱۲۵۹
پاسخ ---- ۱۲۵۹
علل و عوامل پیدایش و گسترش « الحاد » را بر شمرید ؟ ---- ۱۲۵۹
پرسش ---- ۱۲۵۹
پاسخ ---- ۱۲۵۹
چه عواملی، ما جوانان را گمراه می کند؟ ---- ۱۲۶۰
پرسش ---- ۱۲۶۰
پاسخ ---- ۱۲۶۰
با توجه به گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب و با توجه به برقراری حکومت اسلامی چرا سطح فساد در جامعه نسبت به سال ۱۳۵۸ رو به افزای
پرسش ---- ۱۲۶۰
پاسخ ---- ۱۲۶۱

علت اصلی دوری از مسائل اخلاقی جوانان آنهم جوانان تحصیل‌کرده چه می‌باشد؟ ---- ۱۲۶۳
پرسش ---- ۱۲۶۳
پاسخ ---- ۱۲۶۳
چرا در جامعه ما برای تهیه کتاب یا سی دی یا نوار مذهبی برای نمونه تفسیر قرآن باید پول زیادی بدهیم ولی برای کتابها یا نوارها یا سی دی
پرسش ---- ۱۲۶۴
پاسخ ---- ۱۲۶۴
چرا در جامعه بی‌بندوباری و فساد زیاد شده است ---- ۱۲۶۵
پرسش ---- ۱۲۶۵
پاسخ ---- ۱۲۶۵
علت بی‌توجهی جوانان به نماز و معنویت و سستی ایمان و اعتقاد انها چیست ---- ۱۲۶۵
پرسش ---- ۱۲۶۵
پاسخ ---- ۱۲۶۵
علل بی رغبتی جوانان به نماز و مسائل مذهبی چیست ---- ۱۲۶۶
پرسش ---- ۱۲۶۶
پاسخ ---- ۱۲۶۶
چرا گرایش بزرگسالان به مساجد نسبت به جوانان بیشتر است؟ ---- ۱۲۶۶
پرسش ---- ۱۲۶۶
پاسخ ---- ۱۲۶۶
چرا در تهران بی حجابی رواج بیشتری دارد؟ ---- ۱۲۶۶
پرسش ---- ۱۲۶۶
پاسخ ---- ۱۲۶۷
با توجه به اینکه اعتقاد داریم حکومت اسلامی کامل ترین قوانین حکومتی را دارد, چرا گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه روز به روز افزایش می
پرسش ---- ۱۲۶۷
پاسخ ---- ۱۲۶۷

علت تقلید جوانان کشورهای اسلامی در مسائل گوناگون از غرب چیست ؟ ---- ۱۲۶۷
پرسش ---- ۱۲۶۷
پاسخ ---- ۱۲۶۷
عوامل فساد و چگونگی تهاجم فرهنگی دشمن را بیان کنید و وظایف ما در برابر آن چیست ؟ ---- ۱۲۶۹
پرسش ---- ۱۲۶۹
پاسخ ---- ۱۲۶۹
ریشه های مد و مدگرایی از کجا منشأ می گیرد و آیا جنبه ها مثبتی هم دارد؟ در خصوص جنبه های منفی آن در اجتماع چه باید کرد؟ ۲۷۱
پرسش ---- ۱۲۷۱
پاسخ ---- ۱۲۷۲
به نظر شما شیوع و رشد بی بند و باریهای اخلاقی به ویژه جنسی در جامعه اسلامی ما چرا رشد کرده است؟ ---- ۱۲۷۲
پرسش ---- ۱۲۷۳
پاسخ ---- ۱۲۷۳
دیدن کمی از موی زن برای نامحرم چه فرقی با دیدن تمام موی آن زن دارد؟ اگر فرقی ندارد چه فرقی بین جامعه ما با جامعه غربی وجود دار
پرسش ---- ۱۲۷۳
پاسخ ---- ۱۲۷۳
مظاهر تهاجم فرهنگی در جامعه کدامند؟ ---- ۱۲۷۴
پرسش ---- ۱۲۷۴
پاسخ ---- ۱۲۷۴
ابزارهای تهاجم فرهنگی چیست ؟ ---- ۱۲۷۵
پرسش ---- ۱۲۷۵
پاسخ ---- ۱۲۷۵
علت عادی بودن رقص در جامعه ما چیست؟ ---- ۱۲۷۵
پرسش ---- ۱۲۷۶
پاسخ ---- ۱۲۷۶

علت اصلی روی آوردن جوانان روشن فکر کشور عزیز ما به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ غنی اسلامی و نخواندن نماز و فرائض دینی را انجا
پرسش ----- ۱۲۷۷
پاسخ ----- ۱۲۷۷
مقابله باتهاجم فرهنگی ----- ۱۲۷۹
با توجه به تهاجم فرهنگی غرب , آینده کشور را چگونه پیش بینی می کنید؟ ----- ۱۲۷۹
پرسش ----- ۱۲۷۹
پاسخ ----- ۱۲۷۹
چرا جوانان از روحانیون و انقلاب فاصله می گیرند؟ چه باید کرد؟ ----- ۱۲۸۰
پرسش ----- ۱۲۸۰
پاسخ ----- ۱۲۸۰
بهترین مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ ----- ۱۲۸۲
پرسش ----- ۱۲۸۲
پاسخ ----- ۱۲۸۲
در دیگر کشورهای اسلامی یکتاپرستی چگونه روالی را طی می کند؟ و آیا آن ها نیز دچارمشکلات دامنگیری چون تهاجم فرهنگی می باشند د
پرسش ----- ۱۲۸۳
پاسخ ----- ۱۲۸۳
وقتی نمی‌توانیم جلوی ابتذال در دانشگاهها را بگیریم چگونه با ابتذال عمومی در نقاط مختلف مبارزه کنیم؟ ----- ۱۲۸۳
پرسش ----- ۱۲۸۴
پاسخ ----- ۱۲۸۴
چنانچه موجی به داخل جامعه ای را ه یافت ، مقابله با آن چگونه خواهد بود ؟ آن را نفی کنیم و مقاومت کنیم یا این که جامعه را با آن به نحو
پرسش ----- ۱۲۸۴
پاسخ ----- ۱۲۸۴
وظیفهٔ ما در قبال فساد فرهنگی که در جامعه حاکم است چه می باشد؟ ----- ۱۲۸۵
پرسش ----- ۱۲۸۵

پاسخ ----- ۱۲۸۵
راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ (راهی که با توجه به شرایط کنونی عملی باشد) ----- ۱۲۸۶
پرسش ----- ۱۲۸۶
پاسخ ----- ۱۲۸۶
توسعه فرهنگی خوب بوده است ولی قدرت تهاجم فرهنگی و تلاشهای دشمن بیشتر می باشد چرا این وضع را پیدا کرده ایم؟ ----- ۱۲۸۷
پرسش ----- ۱۲۸۷
پاسخ ----- ۱۲۸۷
آیا برای از بین بردن این فرهنگ غرب که با لباس های مبتذل وارد شهر می شوند و همه را به طرف خود می کشانند چه باید کرد؟ ----- ۱۲۸۸
پرسش ----- ۱۲۸۸
پاسخ ----- ۱۲۸۸
آیا تبلیغاتی که کشورهای دیگر برای جوانان شیعه و انقلابی ایران برای به فساد کشاندن آنها می کنند ما نیز برای مبارزه با این تبلیغات و مبار
پرسش ----- ۱۲۹۰
پاسخ ----- ۱۲۹۰
مطالب لازم در مورد تهاجم فرهنگی و راههای جلوگیری آن و مصادیق تهاجم فرهنگی که راهگشای جوانان در حل مشکلات آنان در این زمین
پرسش ----- ۱۲۹۱
پاسخ ----- ۱۲۹۱
با توجه به گسترهٔ تهاجم فرهنگی به گفته مقام معظم رهبری شبیخون فرهنگی در حوزهٔ مقدّس علمیهٔ قم برای مقابله با آن چه راه‌های عملی
پرسش ----- ۱۲۹۲
پاسخ ----- ۱۲۹۲
با توجه به این که در جامعه امروز، عده‌ای با اشاعه فساد و بی‌بند و باری و... قصد دارند جامعه را از مسیر درست منحرف کنند ;نظر قرآن دربارهٔ
پرسش ----- ۱۲۹۳
پاسخ ----- ۱۲۹۳
یک نوجوان چگونه با تهاجم فرهنگی مبارزه کند ----- ۱۲۹۴
پرسش ----- ۱۲۹۴

پاسخ ---- ۱۲۹۴
در مقابل تهاجم فرهنگی ,چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟ ---- ۱۲۹۴
پرسش ---- ۱۲۹۴
پاسخ ---- ۱۲۹۴
به نظر شما بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی چیست ؟ ---- ۱۲۹۵
پرسش ---- ۱۲۹۵
پاسخ ---- ۱۲۹۵
در خصوص تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟ ---- ۱۲۹۵
پرسش ---- ۱۲۹۵
پاسخ ---- ۱۲۹۵
برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب به جامعه اسلامی چه باید کرد؟ ---- ۱۲۹۵
پرسش ---- ۱۲۹۵
پاسخ ---- ۱۲۹۶
در برابر شبهات چه باید کرد؟ ---- ۱۲۹۶
پرسش ---- ۱۲۹۶
پاسخ ---- ۱۲۹۶
برای برطرف کردن معضلاتی از قبیل غرب زدگی , عدم رعایت شوونات اسلامی و غیره چه باید کرد؟ ---- ۱۲۹۶
پرسش ---- ۱۲۹۶
پاسخ ---- ۱۲۹۶
وظیفه یک دانشجو در مقابل تهاجم فرهنگی چیست ؟ ---- ۱۲۹۷
پرسش ---- ۱۲۹۷
پاسخ ---- ۱۲۹۷
وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی و غیرفرهنگی جامعه چیست ؟ ---- ۱۲۹۸
پرسش ---- ۱۲۹۸

پاسخ ----- ۱۲۹۸
راه مقابله با نفوذ تهاجم فرهنگی در خود و اطرافیان چیست ؟ ----- ۱۲۹۸
پرسش ----- ۱۲۹۸
پاسخ ----- ۱۲۹۸
در مقابل هجوم تبلیغات جهانی(اینترنت)چگونه باید رفتار کرد که از عوارض نامطلوب آن در امان بود؟ ----- ۱۳۰۰
پرسش ----- ۱۳۰۰
پاسخ ----- ۱۳۰۱
برای بهبود یافتن وضعیت فرهنگی چگونه رفتار و برخورد کنیم ؟ ----- ۱۳۰۲
پرسش ----- ۱۳۰۲
پاسخ ----- ۱۳۰۲
با توجه به جو درسی دانشگاه وتهاجم فرهنگی غرب چگونه می توانیم به یادخدا باشیم و با اشتیاق وظایف دینی را انجام دهیم ؟ ----- ۱۳۰۳
پرسش ----- ۱۳۰۴
پاسخ ----- ۱۳۰۴
آیا واقعا از تهاجم فرهنگی به ستوه آمده اید، آیا دانشجویان را دوست دارید؟ ----- ۱۳۰۴
پرسش ----- ۱۳۰۴
پاسخ ----- ۱۳۰۴
با توجه به این که جدیداً در شهر ما فرقه صوفیه مشغول فعالیت هستند در این خصوص راهنمایی لازم و راهکارهای مقابله را مطرح فرمائید. ۱
پرسش ----- ۱۳۰۵
پاسخ ----- ۱۳۰۵
امر بمعروف و نهی از منکر اکنون در کشور دچار هجمه فرهنگی غرب شده و جوانان نیز گرفتار شده اند و فساد در جوانان و ترویج اخلاق فرنگ
پرسش ----- ۱۳۰۷
پاسخ ----- ۱۳۰۷
چگونه می توان در برابر شبهه افکنی مغرضان ایستادگی کرد و دچار شک و تردید نشد؟ ----- ۱۳۰۹
پرسش ----- ۱۳۰۹

پاسخ ----- ۱۳۰۹
وظیفه تشکلهای دانشجویی در زمینه رفع معضلات فرهنگی فوق چیست. ----- ۱۳۰۹
پرسش ----- ۱۳۰۹
پاسخ ----- ۱۳۰۹
چطور می شود از تهاجم فرهنگی جلوگیری کرد؟ ----- ۱۳۱۰
پرسش ----- ۱۳۱۰
پاسخ ----- ۱۳۱۰
-چه کنیم که بتوانیم به طور جدی از اعتقادات خود حفاظت کنیم؟ ----- ۱۳۱۱
پرسش ----- ۱۳۱۲
پاسخ ----- ۱۳۱۲
۲- چه کنیم تابتوانیم از افرادیکه در کوچه و خیابان میبینیم الگو پذیری نکنیم؟ ----- ۱۳۱۳
پرسش ----- ۱۳۱۳
پاسخ ----- ۱۳۱۳
با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظائف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟ ----- ۱۳۱۴
پرسش ----- ۱۳۱۴
پاسخ ----- ۱۳۱۵
چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب جوانان از دین روی گردان شده اند و راه حل معضلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه چیست ؟ ۱۵
پرسش ----- ۱۳۱۵
پاسخ ----- ۱۳۱۵
چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد, افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟ ----- ۱۳۱۶
پرسش ----- ۱۳۱۶
پاسخ ----- ۱۳۱۶
چگونه می توان با تهاجم فرهنگی مبارزه کرد؟ ----- ۱۳۱۷
پرسش ----- ۱۳۱۷

پاسخ ----- ۱۳۱۷
نقش رسانه های گروهی در تهاجم فرهنگی چیست ؟ ----- ۱۳۱۸
پرسش ----- ۱۳۱۸
پاسخ ----- ۱۳۱۸
چگونه برخورد دانشجو با شبهاتی که در کلاس یا محیط مطرح می شود؟ ----- ۱۳۱۸
پرسش ----- ۱۳۱۸
پاسخ ----- ۱۳۱۸
بهترین راه حفظ نفس از تهاجم فرهنگی و غرق شدن در فساد چیست ؟ ----- ۱۳۱۹
پرسش ----- ۱۳۱۹
پاسخ ----- ۱۳۱۹
همانطور که مستحضرید عروسک Barby یکی از مظاهر شوم تهاجم فرهنگی صهیونیست هاست که متاسفانه در سالهای اخیر با هجمه وسیع
پرسش ----- ۱۳۱۹
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۳۱۹
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۳۲۳
چه راه عملی در جهت رشد فرهنگی و کاهش بی بندو باری جامعه پیشنهاد می کنید؟ ----- ۱۳۲۶
پرسش ----- ۱۳۲۶
پاسخ ----- ۱۳۲۶
بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ ----- ۱۳۲۹
پرسش ----- ۱۳۲۹
پاسخ ----- ۱۳۲۹
دشمنان اسلام با شبیخون فرهنگی سعی در نابودی افکار آزادیخواهی , ناموس پرستی ,ارزش خواهی در چارچوب اسلام ناب را دارند. وظیفهء ،
پرسش ----- ۱۳۳۰
پاسخ ----- ۱۳۳۰
چرا مردم برای گرفتن حاجات خود مستقیماً نزد خدا نمی روند و ائمهء اطهار و امام زاده ها راوسیله و شفیع قرار می دهند؟ ----- ۱۳۳۰

پرسش ----- ۱۳۳۰
پاسخ ----- ۱۳۳۰
علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست ـ مخصوصاً برای جوانانی که در دانشگاه هامشغول هستند ـ؟ ----- ۱۳۳۱
پرسش ----- ۱۳۳۲
پاسخ ----- ۱۳۳۲
جوانان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی چه باید بکنند؟ ----- ۱۳۳۴
پرسش ----- ۱۳۳۴
پاسخ ----- ۱۳۳۴
حجاب را دوست دارم، اما در مجالس عروسی و خیابان و نزد آشنایان چه کنم؟ ----- ۱۳۳۴
پرسش ----- ۱۳۳۴
پاسخ ----- ۱۳۳۴
برای خنثی کردن شبهات و تردیدها و دغدغه‌های فکری، و مقابله با جنگ روانی که دشمنان اسلام و بعضی از روزنامه‌های سرسپرده و برخی از
پرسش ----- ۱۳۳۵
پاسخ ----- ۱۳۳۵
اگر ترانه را از جوانان بگیریم، چه چیزی را جایگزین کنیم؟ ----- ۱۳۳۵
پرسش ----- ۱۳۳۵
پاسخ ----- ۱۳۳۵
چرا در برنامه های تلویزیون بعضی از مسایل مَجْرم و نامحرمی، و یا مسایل دیگر را رعایت نمی کنند؟ ----- ۱۳۳۶
پرسش ----- ۱۳۳۶
پاسخ ----- ۱۳۳۶
وظیفهٔ جوانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن چیست؟ ----- ۱۳۳۷
پرسش ----- ۱۳۳۷
پاسخ ----- ۱۳۳۷
ما جوانان چگونه می توانیم خود را از فساد تهاجم فرهنگی دور سازیم، در صورتی که همه این‌ها را جلوی چشم مان هر روز مشاهده می کنیم؟

پرسش ---- ۱۳۳۷
پاسخ ---- ۱۳۳۸
آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟ ---- ۱۳۳۸
پرسش ---- ۱۳۳۸
پاسخ ---- ۱۳۳۸
چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟ ---- ۱۳۳۹
پرسش ---- ۱۳۳۹
پاسخ ---- ۱۳۳۹
آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟ ---- ۱۳۴۰
پرسش ---- ۱۳۴۰
پاسخ ---- ۱۳۴۰
علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست؟ ---- ۱۳۴۱
پرسش ---- ۱۳۴۱
پاسخ ---- ۱۳۴۱
در روستایی زندگی می کنم که پر از خرافات و عقاید بیهوده است لطفاً مرا راهنمایی کنید؟ ---- ۱۳۴۳
پرسش ---- ۱۳۴۳
پاسخ ---- ۱۳۴۳
راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ ---- ۱۳۴۴
پرسش ---- ۱۳۴۴
پاسخ ---- ۱۳۴۴
راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ ---- ۱۳۴۵
پرسش ---- ۱۳۴۵
پاسخ ---- ۱۳۴۵
در مقابل تهاجم فرهنگی در دانشگاه ها، چه فعالیتی می توان داشت ؟ ---- ۱۳۴۶

پرسش ---- ۱۳۴۶
پاسخ ---- ۱۳۴۶
قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟ ---- ۱۳۴۷
پرسش ---- ۱۳۴۷
پاسخ ---- ۱۳۴۷
با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظایف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟ ---- ۱۳۴۸
پرسش ---- ۱۳۴۸
پاسخ ---- ۱۳۴۸
در مقابل تهاجم فرهنگی ،چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟ ---- ۱۳۴۸
پرسش ---- ۱۳۴۸
پاسخ ---- ۱۳۴۸
برای جلوگیری از فساد، در جوانان شهرستانی چه پیشنهادی می شود؟ ---- ۱۳۴۹
پرسش ---- ۱۳۴۹
پاسخ ---- ۱۳۴۹
بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ ---- ۱۳۴۹
پرسش ---- ۱۳۴۹
پاسخ ---- ۱۳۴۹
دلیل اینکه ارزشهای دینی و فرهنگی ما کمرنگ شده اند چیست و چه کاری باید برای بهبود آن ا نجام شود. ---- ۱۳۵۰
پرسش ---- ۱۳۵۰
پاسخ ---- ۱۳۵۰
فرهنگ سازی ---- ۱۳۵۰
دوست دارم در مورد مفهوم توسعه فرهنگی و نقش فرهنگ در توسعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران بعد از اسلام و قبل از اسلام و مخصوصا
پرسش ---- ۱۳۵۱
پاسخ ---- ۱۳۵۱

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟ ---- ۱۳۵۴
پرسش ---- ۱۳۵۴
پاسخ ---- ۱۳۵۴
چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟ ---- ۱۳۵۵
پرسش ---- ۱۳۵۵
پاسخ ---- ۱۳۵۵
چرا به افرادی مانند نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نمیشود، در حالی که آثار آنان باقی میماند ;ولی به گروهی مثل ورزشکاران یا بازیگران به
پرسش ---- ۱۳۵۷
پاسخ ---- ۱۳۵۷
حاجیان خانهٔ خدا که برای حج به کشور عربستان می‌روند، از طرف آن کشور، قرآن‌هایی دریافت می‌کنند: الف ـ آیا این قرآن‌ها از هر نظر صحیح ا
پرسش ---- ۱۳۵۷
پاسخ ---- ۱۳۵۷
با توجه به این که زبان هر ملتی جزئی از فرهنگ آن ملت است که آن را بر سایر زبان‌ها ترجیح می‌دهند، پذیرش و ترویج زبان عربی از سوی دیگرِ
پرسش ---- ۱۳۵۸
پاسخ ---- ۱۳۵۸
شما به منظور جذب دانشجویان و پیاده کردن فرهنگ قرآنی در دانشگاه و جامعه به ویژه قشر دانشجو، و شناساندن قرآن کریم به دانشجویان چه
پرسش ---- ۱۳۵۹
پاسخ ---- ۱۳۵۹
دستاوردهای فرهنگی انقلاب بعد از بیست سال چیست ؟ ---- ۱۳۶۰
پرسش ---- ۱۳۶۰
پاسخ ---- ۱۳۶۰
چرا در دانشگاه های ما در کلاس درس استادان از اسلام دفاع که نمی کنند هیچ، همه چیز را سر اسلام خراب می کنند. به ولایت توهین می کنند
پرسش ---- ۱۳۶۱
پاسخ ---- ۱۳۶۱

ما به عنوان مسلمان که در کشور اسلامی زندگی می کنیم چرا در مدارس ما فقط قرآن در حد روخوانی تدریس می شود و از تفسیر آن در مدارس
پرسش ---- ۱۳۶۱
پاسخ ---- ۱۳۶۲
همانطور که حضرت علی(ع) اسامی فرزندان خود را که خداوند بر آنها نهاد را، درخواست کرد از عبری به عربی برگردانده شود؟ چرا ما هم اسامی
پرسش ---- ۱۳۶۲
پاسخ ---- ۱۳۶۲
برای چه اینقدر برای ازدواج جوانها سخت گیری می کنند ؟ ---- ۱۳۶۴
پرسش ---- ۱۳۶۴
پاسخ ---- ۱۳۶۴
چرا در بخش فرهنگی درکشور ما زیاد مسئولان سرمایه گذاری نمی کنند؟ ---- ۱۳۶۵
پرسش ---- ۱۳۶۵
پاسخ ---- ۱۳۶۵
چگونه می توان به جوانان امروزی فهماند که به بزرگان خود احترام بگذارند؟زیرا جوانان امروزی به این امر کم توجه شده اند. ---- ۱۳۶۵
پرسش ---- ۱۳۶۵
پاسخ ---- ۱۳۶۶
آیا افزایش جلسات مذهبی درکشور دلیل برانزجار مردم از جامعه نمی باشد، مراجع درکفرگویی بعضی ازمداحان چه عکس العملی نشان داده اند؟
پرسش ---- ۱۳۶۷
پاسخ ---- ۱۳۶۷
چرا عموم مردم نسبت به دین بیگانه شده اند؟ ---- ۱۳۶۷
پرسش ---- ۱۳۶۷
پاسخ ---- ۱۳۶۷
چرا پس از دو سه سال از انقلاب که گذشت درارتباط با مردم حشر و نشر و تعامل اجتماعی از صداقت افراد کاسته شده است و مردم در نتیجه بی
پرسش ---- ۱۳۶۹
پاسخ ---- ۱۳۶۹

من نمی دانم به کدام ارگان یا شخص و جایی مربوط می شود ولی از شما سؤال می کنم آیا شما صبح ها از ساعت ۴ الی ۸ تا ۵/۸ سری به پارک ، ۱۳۷۰
پرسش ۱۳۷۰
پاسخ ۱۳۷۰
بهترین صورت شناساندن ولایت فقیه به مردم عام با تحصیلات کم چیست؟ ۱۳۷۱
پرسش ۱۳۷۱
پاسخ ۱۳۷۲
آیا ذکر نام مبارک امام حسین(با آهنگی تند وسریع برای تحریک جوانان سینه زن و همچنین مقابله با آهنگ های محرک هیجان آور غربی و دا ۱۳۷۲
پرسش ۱۳۷۲
پاسخ ۱۳۷۲
۱- چرا کسانی که می خواهند برای نسل جوان برنامه ریزی کنند اول نظر خودآنها ونیاز آنها را از خودایشان سوال نمی کنند ؟ ۱۳۷۳
اشاره ۱۳۷۳
پرسش ۱۳۷۳
پاسخ ۱۳۷۳
در پاسخ به افرادی که می گویند کسانی که در عزاداری ها شرکت می کنند ابتدا باید سیرهٔ عملی را یاد بگیرند بعد عزاداری کنند چه بگوئیم؟ ۷۴
پرسش ۱۳۷۴
پاسخ ۱۳۷۴
چرا امروزه به راحتی ازکنار برخی از مفاسد اجتماعی می گذریم؟ ۱۳۷۶
پرسش ۱۳۷۶
پاسخ ۱۳۷۶
چرا نوجوانان و جوانان نسبت به مسائل دینی و امور مذهبی کم رغبت می‌باشند؟ ۱۳۷۶
پرسش ۱۳۷۶
پاسخ ۱۳۷۶
چگونه می‌توان برادران کوچکم را به نماز تشویق کنیم؟ ۱۳۷۶
پرسش ۱۳۷۶

پاسخ ----- ۱۳۷۶
برای معرفی اسلام و انقلاب و امام به مردم به ویژه نسل جوان چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟ ----- ۱۳۷۷
پرسش ----- ۱۳۷۷
پاسخ ----- ۱۳۷۷
در شرایطی که روحانی محل به دلیل کهولت سن نمی‌تواند به وظیفه تبلیغی خود عمل نماید ما چه وظیفه‌ای دارم؟ ----- ۱۳۷۷
پرسش ----- ۱۳۷۷
پاسخ ----- ۱۳۷۷
یکتاپرستی به خصوص در دوره جوانی را بین کشور عزیزمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی مقایسه نمایید؟ ----- ۱۳۷۷
پرسش ----- ۱۳۷۷
پاسخ ----- ۱۳۷۸
چه کمبودهایی را در جامعه احساس می کنید که موجب دوری ما از یکتاپرستی ایده آل گشته است ؟ ----- ۱۳۷۸
پرسش ----- ۱۳۷۸
پاسخ ----- ۱۳۷۸
چرا اداره مساجد وضعیت مطلوبی ندارد؟ و گاهی افراد بدسابقه مجاور مسجد هستند؟ چرا در عصر کامپیوتر و تکنولوژی , امور مساجد به طور رایا
پرسش ----- ۱۳۷۸
پاسخ ----- ۱۳۷۸
چگونه می توان شخصی را که اتعقاد به مذهب و دین ندارد, به راه راست هدایت کرد؟ ----- ۱۳۷۸
پرسش ----- ۱۳۷۸
پاسخ ----- ۱۳۷۹
آیا هم اکنون یزیدیان وجود دارند! در چه مناطقی زندگی می کنند و وظیفهء ما در برخورد باآنان چگونه باید باشد؟ ----- ۱۳۷۹
پرسش ----- ۱۳۷۹
پاسخ ----- ۱۳۷۹
عبرت های عاشورا برای جامعه و نسل جوان چیست ؟ ----- ۱۳۷۹
پرسش ----- ۱۳۷۹

پاسخ ----- ۱۳۷۹
چه کنیم نسل جوان , عاشق قرآن و اهل بیت : شوند؟ ----- ۱۳۸۰
پرسش ----- ۱۳۸۰
پاسخ ----- ۱۳۸۰
چند مجله و نشریهء خوب برای دانش آموزان نام ببرید. ----- ۱۳۸۱
پرسش ----- ۱۳۸۱
پاسخ ----- ۱۳۸۱
رزمندگان در جبهه بیش تر نمازشان را به جماعت می خواندند یا انفرادی ؟ ----- ۱۳۸۱
پرسش ----- ۱۳۸۱
پاسخ ----- ۱۳۸۱
معنای لغوی واژهء نماز چیست و چه راه هایی برای جذب جوانان به نماز پیشنهاد می کنید؟ ----- ۱۳۸۲
پرسش ----- ۱۳۸۲
پاسخ ----- ۱۳۸۲
در خانواده ای مذهبی بزرگ شده ام , ولی پسرم که در دوم دبستان است , علاقه ای به قرآن و حفظآن ندارد و بیش تر به موسیقی و ترانه علاقه د
پرسش ----- ۱۳۸۲
پاسخ ----- ۱۳۸۲
مقصود از این که مردم باید با سنت های ماندگار علی ۷آشنا شوند, چیست ؟ ----- ۱۳۸۳
پرسش ----- ۱۳۸۳
پاسخ ----- ۱۳۸۳
آیا وجود آموزشگاه ازدواج برای جوانان زیر نظر دولت خوب است ؟ ----- ۱۳۸۴
پرسش ----- ۱۳۸۴
پاسخ ----- ۱۳۸۴
چرا با وجود نهادهای دینی (حوزه های , ارشاد, امور تربیتی ...) با هم جوانان روربرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دا
پرسش ----- ۱۳۸۴

پاسخ ----- ۱۳۸۵
یک هیئت عزاداری بر چه اساسی تأسیس می شود و نحوه پیشرفت و هدایت امر تبلیغ با چه روشی امکان پذیر است ؟ ----- ۱۳۸۶
پرسش ----- ۱۳۸۶
پاسخ ----- ۱۳۸۶
پیام عاشورا برای جوانان چیست ؟ ----- ۱۳۸۶
پرسش ----- ۱۳۸۶
پاسخ ----- ۱۳۸۷
به نظر شما آیا عزاداری ما فقط باید در دههء محرّم باشد؟ آیا تبلیغات ما در این زمینه کم نیست ؟ دراین صورت وظیفه چیست ؟ ----- ۱۳۸۷
پرسش ----- ۱۳۸۷
پاسخ ----- ۱۳۸۷
آیا در جامعهء ما تمام اهداف امام حسین ۷پیاده می شود؟ ----- ۱۳۸۷
پرسش ----- ۱۳۸۷
پاسخ ----- ۱۳۸۸
قیام عاشورا و امام حسین ۷در دین و افکار جامعه های دیگر چه تأثیری گذاشته است ؟ ----- ۱۳۸۸
پرسش ----- ۱۳۸۸
پاسخ ----- ۱۳۸۸
نقش مساجد در تربیت جوانان چگونه است ؟ ----- ۱۳۸۸
پرسش ----- ۱۳۸۹
پاسخ ----- ۱۳۸۹
راه های جذب جوانان به مسجد چگونه است ؟ ----- ۱۳۸۹
پرسش ----- ۱۳۸۹
پاسخ ----- ۱۳۸۹
آیا جواب بودن امام جماعت و یا حتی خادم مسجد, در گرایش جوانان به مسجد نقش دارد؟ ----- ۱۳۹۰
پرسش ----- ۱۳۹۰

پاسخ ----- ۱۳۹۰
آیا وجود کانون فرهنگی , بسیج , کتابخانه و امثال آن را می توان از علل جذب جوانان به مسجددانست ؟ ----- ۱۳۹۱
پرسش ----- ۱۳۹۱
پاسخ ----- ۱۳۹۱
استقبال جوانان را در مساجد مختلف چگونه می بینید؟ علت عدم حضور برخی جوانان در مساجدچیست ؟ ----- ۱۳۹۱
پرسش ----- ۱۳۹۱
پاسخ ----- ۱۳۹۱
خصوصیات مسجد فعال و امام جماعت خوب را بنویسید. ----- ۱۳۹۲
پرسش ----- ۱۳۹۲
پاسخ ----- ۱۳۹۲
ویژگی های یک مسجد جوان پسند کدام است ؟ ----- ۱۳۹۲
پرسش ----- ۱۳۹۲
پاسخ ----- ۱۳۹۲
برای نهادینه شدن اصول عقاید جوانان چه باید کرد؟ ----- ۱۳۹۳
پرسش ----- ۱۳۹۳
پاسخ ----- ۱۳۹۳
برای تشکر از علمای دین و روحانیون چه باید کرد؟ ----- ۱۳۹۳
پرسش ----- ۱۳۹۳
پاسخ ----- ۱۳۹۳
قبل از انقلاب در تهران مرکزی برای برطرف نمودن غریزهء جنسی بود, اما بعد از انقلاب آن جا راخراب کردند و همه زن ها که شوهرانشان به علّ
پرسش ----- ۱۳۹۴
پاسخ ----- ۱۳۹۴
علت کم رنگ شدن مسایل دینی و مذهبی در میان خانواده ها و نیز جامعه چیست ؟ باتوجه به این که بعضی مواقع ظاهراً مشکل اقتصادی وجود
پرسش ----- ۱۳۹۴

پاسخ ----- ۱۳۹۴

روند قانونی و متعارف جهت چاپ یک کتاب چیست ؟ چه مواردی باید لحاظ شود تا یک اثرآسان تر و سریع تر به چاپ برسد؟ نظر به عدم تمکن

پرسش ----- ۱۳۹۵

پاسخ ----- ۱۳۹۵

پرسش: نقش نماز در اصلاحات فرهنگی , سیاسی , اجتماعی و... چیست ؟ ----- ۱۳۹۶

پرسش ----- ۱۳۹۶

پاسخ ----- ۱۳۹۶

تزیین مساجد باعث کم شدن مقام معنوی آن نمی گردد؟ چرا بر ساده بودن مساجد تأکید شده است ؟ ----- ۱۳۹۷

پرسش ----- ۱۳۹۷

پاسخ ----- ۱۳۹۷

منظور از احیای رفتار علوی چیست ؟ ----- ۱۳۹۸

پرسش ----- ۱۳۹۸

پاسخ ----- ۱۳۹۸

دسترسی به دانش افرادی که دارای سمت استادی در یک علم هستند از چند راه امکان پذیر است ؟آیا برای دسترسی به علم یک استاد در هر رش

پرسش ----- ۱۳۹۹

پاسخ ----- ۱۳۹۹

آداب و رسوم منطقهٔ ما چند سالی است که متزلزل شده و رسم های خوب از بین رفته، ریا کاری ، چشم هم چشمی، تجملات گرایی فراوان شده ا

پرسش ----- ۱۳۹۹

پاسخ ----- ۱۳۹۹

آیا انسان می تواند کمک های مردمی را روی کاغذ بنویسد و در تابلوی مسجد نام اشخاصی را که کمک کرده اند، برای تشویق دیگران نصب کند؟

پرسش ----- ۱۴۰۰

پاسخ ----- ۱۴۰۰

امروزه که همه جان سخن از تهاجم خانمانسوز فرهنگی و اثرات مخرب و زیانبار آن بر ارزش‌ها و بنیان‌های دینی جامعه است، آیا مادر ارایه صحیح

پرسش ----- ۱۴۰۰

پاسخ ----- ۱۴۰۰
چرا ازدواج سخت شده است؟ علل سختی و مشکلات ازدواج چیست؟ ----- ۱۴۰۱
پرسش ----- ۱۴۰۱
پاسخ ----- ۱۴۰۱
جشن عروسی هایی که در این دوره می‌گیرند، سراسر گناه و بی عفتی است. جوان مؤمن اگر شرکت کند، دچار گناه می‌شود. اگر شرکت نکند مورد
پرسش ----- ۱۴۰۲
پاسخ ----- ۱۴۰۲
اوقات فراغت خود را چگونه پر کنم، در حالی که در روستا نه کلاس آموزشی هست و نه تفریح؟ چگونه زندگیم را در دوران مجردی و متاهلی از حـ
پرسش ----- ۱۴۰۲
پاسخ ----- ۱۴۰۲
متأسفانه در شهر ما در مراسم ازدواج و عروسی از کنسرت موسیقی استفاده می‌کنند و بنده هم به شدّت مخالف این مسئله هستم واین امر، سدّ راه
پرسش ----- ۱۴۰۳
پاسخ ----- ۱۴۰۳
در کشور ما چه قدر به برنامههای مذهبی و تبلیغ برای جوانان اهمیت داده می‌شود؟ ----- ۱۴۰۳
پرسش ----- ۱۴۰۳
پاسخ ----- ۱۴۰۴
چرا برای کشیدن جوانان و نوجوانان به مساجد بودجه‌ای منظور نمی‌شود؟ ----- ۱۴۰۴
پرسش ----- ۱۴۰۴
پاسخ ----- ۱۴۰۴
چگونه می توان شاخصه ها و ویژگی های عزت و افتخار را در عصر کنونی مد نظر قرار داد؟ راهکار های کاربردی ایجاد عزت حسینی چیست؟ ۴
پرسش ----- ۱۴۰۴
پاسخ ----- ۱۴۰۵
چه نقاط مشترکی بین سال ۱۳۸۱ با سال شمسی ۶۱۰ هجری قمری وجود دارد که سال امام حسین(ع) نامیده شد؟ ----- ۱۴۰۷
پرسش ----- ۱۴۰۷

پاسخ ----- ۱۴۰۷
واژه های عزت وافتخار حسینی را تفسیر و توضیح دهید. ----- ۱۴۰۹
پرسش ----- ۱۴۰۹
پاسخ ----- ۱۴۱۰
چگونه می شود قرآن را در دانشگاه ها پیاده نمود؟ ----- ۱۴۱۱
پرسش ----- ۱۴۱۱
پاسخ ----- ۱۴۱۱
آیا ورزش در طول عمر انسان تأثیر دارد، تا چه حد؟ ----- ۱۴۱۱
پرسش ----- ۱۴۱۱
پاسخ ----- ۱۴۱۱
متأسفانه در جامعه خیلی از منکرات، منکر به حساب نمی آید. در برابر این جریان چه باید کرد؟ ----- ۱۴۱۲
پرسش ----- ۱۴۱۲
پاسخ ----- ۱۴۱۲
آیا می شود نمایندگانی از تمام ادیان جمع شوند و دین خود را ارایه دهند و دیدگاه ادیان خود را در ارتباط با انسان مرگ، سعادت و ... عنوان نماید ----- ۱۴۱۳
پرسش ----- ۱۴۱۳
پاسخ ----- ۱۴۱۳
ما جوانان چگونه می توانیم از علوم اسلامی به نحو احسن آگاه شویم و همانند یک روحانی متعهد به اسلام اظهار نظر نماییم؟ نظر شما در مورد قر
پرسش ----- ۱۴۱۳
پاسخ ----- ۱۴۱۴
فرزندم در اسفند ماه جاری به سنّ تکلیف می رسد. قصد دارم مراسم با شکوهی برای جشن تکلیف او بگیرم. وظیفهٔ من به عنوان پدر نسبت به پس
پرسش ----- ۱۴۱۴
پاسخ ----- ۱۴۱۴
روش نوین برای حفظ ایمان جوانان و نوجوانان کنونی چیست؟ ----- ۱۴۱۵
پرسش ----- ۱۴۱۵

پاسخ ----- ۱۴۱۵

جامعهٔ امروز طوری شده که به همهٔ نیازهای نفسانی خود می توان رسید، از نوار و فیلم و سی دی و مشروبات الکلی و خیلی لذّات دیگر...! چگونه م

پرسش ----- ۱۴۱۵

پاسخ ----- ۱۴۱۶

من دوستان زیادی دشاتم که چندین سال پیش با هم به مسجد می رفتیم. کم کم دیدم خودم و چند پیرمرد در مسجد مانده ایم! در عوض کلوپ

پرسش ----- ۱۴۱۶

پاسخ ----- ۱۴۱۷

دختری دارم در کلاس دوم راهنمایی درس می خواند. قبل از زمان تکلیف مرتب نماز، قرآن، دعای توسل و دعای کمیل می خواند و برای نماز ص

پرسش ----- ۱۴۱۷

پاسخ ----- ۱۴۱۷

برای درخواست احداث مسجد در منطقه ای که فاقد مسجد است باید به کدام اداره یا مسئول مراجعه کنیم؟ ----- ۱۴۱۸

پرسش ----- ۱۴۱۸

پاسخ ----- ۱۴۱۸

از دیدگاه اسلام و قرآن، نقش بسیج در اهداف الهی جامعه را بیان کنید؟ ----- ۱۴۱۸

پرسش ----- ۱۴۱۸

پاسخ ----- ۱۴۱۹

کسی که قبلًا نماز می خواند ولی مدتی است که نماز را ترک کرده، چگونه می توان او را دوباره به خواندن نماز تشویق و ترغیب نمود؟ --- ۱۴۱۹

پرسش ----- ۱۴۱۹

پاسخ ----- ۱۴۱۹

چرا در کشور ما که کشور قرآن، روحانیت و معنویت است، وضعیت جامعه به این جا رسیده است؟ چرا آن هایی که قرآن و نهج البلاغه می خوانند

پرسش ----- ۱۴۲۰

پاسخ ----- ۱۴۲۰

می خواستم بدانم که چرا مردم ما زمانی که عزاداری ها برگزار می شود، مانند عزاداری امام حسین(ع) آن را با شور و شوق برگزار می کنند، ولی ف

پرسش ----- ۱۴۲۰

پاسخ ----- ۱۴۲۰
نظر اسلام دربارهٔ ورزش چیست؟ آیا آیه ای در این باره آمده است؟ ----- ۱۴۲۱
پرسش ----- ۱۴۲۱
پاسخ ----- ۱۴۲۱
چرا کارمندان ادارات با ارباب رجوع برخود خوبی ندارند؟ ----- ۱۴۲۲
پرسش ----- ۱۴۲۲
پاسخ ----- ۱۴۲۲
کسانی که مدعی هستند با گوش دادن به موسیقی اعصاب آرامش پیدا می‌کند چه باید گفت ----- ۱۴۲۲
پرسش ----- ۱۴۲۲
پاسخ ----- ۱۴۲۲
چگونه باید جوانی را که دچار بیماری عشق شده است، نجات داد؟ ----- ۱۴۲۳
پرسش ----- ۱۴۲۳
پاسخ ----- ۱۴۲۳
با توجه به این که شرکت در مجالس روشه و ذکر مصیبت اهل بیت (ع بسیار مطلوب است مشاهده می‌شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی
پرسش ----- ۱۴۲۳
پاسخ ----- ۱۴۲۴
برای دفاع از ارزش‌های اسلامی حوزهٔ علمیه چگونه می‌تواند از جانبازان دفاع بنماید؟ بسیاری از جانبازان یکی یکی شهید می‌شوند. ۱۵ سال است ´
پرسش ----- ۱۴۲۴
پاسخ ----- ۱۴۲۴
این که حضرت امام فرمود": جبهه دانشگاه انسان سازی است این چه دانشگاهی است و این چه انسانی است ----- ۱۴۲۵
پرسش ----- ۱۴۲۵
پاسخ ----- ۱۴۲۵
با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت ع بسیار مطلوب است مشاهده می‌شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی
پرسش ----- ۱۴۲۵

پاسخ ----- ۱۴۲۵
نظر اسلام دربارهٔ ورزش چیست؟ ----- ۱۴۲۶
پرسش ----- ۱۴۲۶
پاسخ ----- ۱۴۲۶
منظور از تفریحات سالم که در احادیث به آن اشاره شده چیست؟ چگونه در جامعهٔ کنونی زمینهٔ تفریحات سالم را در جامعه باید ایجاد کرد؟ ۴۲۶
پرسش ----- ۱۴۲۷
پاسخ ----- ۱۴۲۷
جوانی که در معرض خواهش های نفسانی قرار دارد و نیاز به ازدواج دارد، ولی از لحاظ اقتصادی و جهات دیگر قادر به ازدواج نیست و خانواده اش
پرسش ----- ۱۴۲۷
پاسخ ----- ۱۴۲۷
به من ایراد می گیرند که چرا در عروسی ها مثل پیر زن ها شرکت می کنی! به نظر شما موها را از نامحرم پوشاندن، جلو نامحرم ظاهر نشدن و ح
پرسش ----- ۱۴۲۸
پاسخ ----- ۱۴۲۸
بهترین طریقهٔ مداحی و روضه خوانی چگونه است چه کنیم تا به گونهٔ مطلوبی جلسه را اداره کنیم و در آن خطایی رخ ندهد؟ ----- ۱۴۲۹
پرسش ----- ۱۴۲۹
پاسخ ----- ۱۴۲۹
پسری هستم ۲۷ ساله که ده ماه است با دختری ۱۹ ساله ازدواج کرده ام و هر دو دیپلم داریم. خانوادهٔ همسرم از نظر مالی بهتر و از نظر اعتقادی
پرسش ----- ۱۴۳۰
پاسخ ----- ۱۴۳۰
استفاده صحیح از اینترنت برای جوانان چگونه باید باشد؟ آیا این وسیله یک وسیلهٔ آموزشی برای جوانان است یا راهی برای انحراف جوانان؟ ۴۳۰
پرسش ----- ۱۴۳۰
پاسخ ----- ۱۴۳۰
چگونه می‌توان از تبعیض قائل شدن برخی معلمان نسبت به بعضی دانش‌آموزان مثل دانش‌آموزهای پولدار و لوس جلوگیری کرد؟ ----- ۱۴۳۱
پرسش ----- ۱۴۳۱

پاسخ ----- ۱۴۳۱
چگونه می‌توان از خود و دوست خویش شخصیتی همانند شهید بابایی ساخت؟ ----- ۱۴۳۱
پرسش ----- ۱۴۳۱
پاسخ ----- ۱۴۳۱
علل بی رغبتی دانشجویان به تحقیق و پژوهش چیست؟ پاسخ این سؤال را با ذکر منابع بیان نمایید. ----- ۱۴۳۲
پرسش ----- ۱۴۳۲
پاسخ ----- ۱۴۳۲
نحوه برخورد یک جوان شیعه با انحرافات اجتماعی چگونه باید باشد؟ ----- ۱۴۳۳
پرسش ----- ۱۴۳۳
پاسخ ----- ۱۴۳۳
در روستای ما افرادی به عنوان هیأت امنای مسجد هستند که بعد از ساختن مسجد هیچ گونه فعالیت فرهنگی و تبلیغی ندارند و برخی از آن ها غ
پرسش ----- ۱۴۳۵
پاسخ ----- ۱۴۳۵
در حال حاضر با توجه به جوّ فرهنگی حاکم بر کشور ما نیازی به فرهنگ شهید و شهادت و احیای این فرهنگ هست؟ ضرورت وجود چنین فرهن
پرسش ----- ۱۴۳۵
پاسخ ----- ۱۴۳۵
به منظور پاسخ گویی سریع و علمی و دقیق به سؤالات دینی و مذهبی نسل جوان چه راهکاری را ارائه می‌دهید؟ ----- ۱۴۳۶
پرسش ----- ۱۴۳۶
پاسخ ----- ۱۴۳۶
مبارزه با مفاسد اجتماعی از قبیل بدحجابی چگونه باید صورت گیرد؟ ----- ۱۴۳۷
پرسش ----- ۱۴۳۷
پاسخ ----- ۱۴۳۷
برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟ ----- ۱۴۳۸
پرسش ----- ۱۴۳۸

پاسخ ----- ۱۴۳۸
چه راهی وجود دارد تاافراد کوچک‌تر بهافراد بزرگ‌تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه درآید؟ ----- ۱۴۳۹
پرسش ----- ۱۴۳۹
پاسخ ----- ۱۴۳۹
برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟ ----- ۱۴۴۰
پرسش ----- ۱۴۴۰
پاسخ ----- ۱۴۴۰
با توجه به این که اکثر مشکلات جامعه به نوعی به تمایات جنسی برمی‌گردد، چرا به جای محکوم کردن یا سرکوب نمودن، راهکارهای مناسبی بر
پرسش ----- ۱۴۴۱
پاسخ ----- ۱۴۴۱
چرا با وجودی که امام حسن(ع) فرزند بزرگ امام علی(ع) است، در سخنرانی ها کمتر از ایشان صحبت می شود و به مراسم میلاد و عزاداری ایشا
پرسش ----- ۱۴۴۲
پاسخ ----- ۱۴۴۲
بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند،
پرسش ----- ۱۴۴۳
پاسخ ----- ۱۴۴۳
چگونه عشق و معرفت ائمه را در دل‌های خود و دیگران تقویت کنیم؟ آیا این گفته که جوان چون احساسی است، باید با او از راه احساس وارد شد
پرسش ----- ۱۴۴۴
پاسخ ----- ۱۴۴۴
بهترین راه‌های گرایش جوانان به دین و اسلام چیست؟ ----- ۱۴۴۶
پرسش ----- ۱۴۴۶
پاسخ ----- ۱۴۴۶
راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید. ----- ۱۴۴۸
پرسش ----- ۱۴۴۸

پاسخ ----- ۱۴۴۸
چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟ ----- ۱۴۴۹
پرسش ----- ۱۴۴۹
پاسخ ----- ۱۴۴۹
بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به ا
پرسش ----- ۱۴۴۹
پاسخ ----- ۱۴۴۹
روزی یکی از هم کلاس هایم از این که دوست پسر ندارم، به من خندید و مرا امل صدا زد. هر جا از حجاب گفم، مرا به تمسخر گرفتند. حرف از خ
پرسش ----- ۱۴۵۰
پاسخ ----- ۱۴۵۰
افرادی که محیط آلوده یا وراثت باعث آلودگی آنان شده است، نزد خدا چگونه اند؟ ----- ۱۴۵۲
پرسش ----- ۱۴۵۲
پاسخ ----- ۱۴۵۲
بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند،
پرسش ----- ۱۴۵۲
پاسخ ----- ۱۴۵۲
راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید. ----- ۱۴۵۳
پرسش ----- ۱۴۵۳
پاسخ ----- ۱۴۵۳
چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟ ----- ۱۴۵۴
پرسش ----- ۱۴۵۴
پاسخ ----- ۱۴۵۴
چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟ ----- ۱۴۵۴
پرسش ----- ۱۴۵۴

پاسخ ----- ۱۴۵۴
چرا ما ایرانیان با وجود داشتن تمدن کهن و میراث فرهنگی غنی و نقش بزرگ ایرانیان در تمدن اسلامی اکنون به این روز رسیده ایم و فساد در م
پرسش ----- ۱۴۵۵
پاسخ ----- ۱۴۵۵
چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟ ----- ۱۴۵۶
پرسش ----- ۱۴۵۶
پاسخ ----- ۱۴۵۶
آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟ ----- ۱۴۵۷
پرسش ----- ۱۴۵۷
پاسخ ----- ۱۴۵۷
چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟ ----- ۱۴۵۷
پرسش ----- ۱۴۵۸
پاسخ ----- ۱۴۵۸
راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید. ----- ۱۴۵۸
پرسش ----- ۱۴۵۸
پاسخ ----- ۱۴۵۸
علل دین گریزی و افول فرهنگی جوانان و نسل امروز چیست؟ ----- ۱۴۵۹
پرسش ----- ۱۴۵۹
پاسخ ----- ۱۴۵۹
چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟ ----- ۱۴۶۲
پرسش ----- ۱۴۶۲
پاسخ ----- ۱۴۶۲
چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟ ----- ۱۴۶۵
پرسش ----- ۱۴۶۵

پاسخ ----- ۱۴۶۵

با وجود این که متأسفانه جوان های ما از اسلام روی گردان شده اند، چگونه با آن ها رفتار کنیم که از مذهب زده نشوند و پایبند نماز شوند؟ ۴۶۵

پرسش ----- ۱۴۶۵

پاسخ ----- ۱۴۶۵

چـه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و

پرسش ----- ۱۴۶۷

پاسخ ----- ۱۴۶۷

چـه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و

پرسش ----- ۱۴۶۷

پاسخ ----- ۱۴۶۸

چـه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و

پرسش ----- ۱۴۶۸

پاسخ ----- ۱۴۶۸

علما و مخترعین و مکتشفین بیشتر به بشر خدمت کردهاند یا شهدا؟ ----- ۱۴۶۹

پرسش ----- ۱۴۶۹

پاسخ ----- ۱۴۶۹

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟ ----- ۱۴۶۹

پرسش ----- ۱۴۶۹

پاسخ ----- ۱۴۶۹

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟ ----- ۱۴۷۰

پرسش ----- ۱۴۷۰

پاسخ ----- ۱۴۷۰

برای فرهنگسازی اسلامی در جامعه اسلامی چه باید کرد؟ ----- ۱۴۷۰

پرسش ----- ۱۴۷۰

پاسخ ----- ۱۴۷۰
راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟ ----- ۱۴۷۱
پرسش ----- ۱۴۷۱
پاسخ ----- ۱۴۷۱
راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟ ----- ۱۴۷۲
پرسش ----- ۱۴۷۲
پاسخ ----- ۱۴۷۲
چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟ ----- ۱۴۷۳
پرسش ----- ۱۴۷۳
پاسخ ----- ۱۴۷۳
تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟ ----- ۱۴۷۳
پرسش ----- ۱۴۷۳
پاسخ ----- ۱۴۷۳
روش های گسترش فرهنگ نمازخوانی چگونه است ؟ ----- ۱۴۷۴
پرسش ----- ۱۴۷۴
پاسخ ----- ۱۴۷۴
چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟ ----- ۱۴۷۵
پرسش ----- ۱۴۷۵
پاسخ ----- ۱۴۷۵
برای این که بتوانم در حل اختلافات خانواده ام موثر عمل نمایم چه کنم ؟ ----- ۱۴۷۵
پرسش ----- ۱۴۷۵
پاسخ ----- ۱۴۷۵
چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟ ----- ۱۴۷۶
پرسش ----- ۱۴۷۶

پاسخ ----- ۱۴۷۶
چه کنیم تا فریب زر، زور و تزویر را نخوریم ؟ ----- ۱۴۷۶
پرسش ----- ۱۴۷۶
پاسخ ----- ۱۴۷۶
راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید . ----- ۱۴۷۷
پرسش ----- ۱۴۷۷
پاسخ ----- ۱۴۷۷
چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟ ----- ۱۴۷۸
پرسش ----- ۱۴۷۸
پاسخ ----- ۱۴۷۸
قیام امام حسین((علیه السلام)) چه آثاری در جامعه اسلامی بر جای گذاشت؟ ----- ۱۴۷۸
پرسش ----- ۱۴۷۸
پاسخ ----- ۱۴۷۸
چگونه می توان جوانی را که در آستانه بلوغ است، به پیروی از دستورات دینی دعوت کرد؟ ----- ۱۴۷۹
پرسش ----- ۱۴۷۹
پاسخ ----- ۱۴۷۹
چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟ ----- ۱۴۷۹
پرسش ----- ۱۴۷۹
پاسخ ----- ۱۴۷۹
با مجموعه از جوانان هستیم و می خواهیم کار تبلیغی داشته باشیم تا در مسیر هدایت و ارشاد قرار گیرند. کیفیت برنامه به صورت بهتر چگونه اس
پرسش ----- ۱۴۸۰
پاسخ ----- ۱۴۸۰
چگونه کسی که از دین بریده است، با دین آشتی دهیم؟ ----- ۱۴۸۰
پرسش ----- ۱۴۸۰

پاسخ ----- ۱۴۸۰
آیا می توان با کنار نگذاشتن ارزشهای اسلامی و انسانی در علم و صنعت پیشرفت کرد؟ ----- ۱۴۸۱
پرسش ----- ۱۴۸۱
پاسخ ----- ۱۴۸۱
چرا ما مسلمانان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟ ----- ۱۴۸۲
پرسش ----- ۱۴۸۲
پاسخ ----- ۱۴۸۲
آیا اگر رویدادهای اسلامی را با تقویم شمسی حساب کنیم، بهتر نیست؟ ----- ۱۴۸۲
پرسش ----- ۱۴۸۲
پاسخ ----- ۱۴۸۲
برای جلوگیری از مفاسد خانوادگی چه کارهایی بایستی صورت گیرد؟ ----- ۱۴۸۳
پرسش ----- ۱۴۸۳
پاسخ ----- ۱۴۸۳
برای این که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما همگانی گردد و همه افراد از این وظیفه الهی که دارند هیچ هراسی نداشته باشند، چ
پرسش ----- ۱۴۸۴
پاسخ ----- ۱۴۸۴
با وجود نیروی مخلص بیسج، چرا باز هم متأسفانه شاهد مفاسد اجتماعی هستیم، بخصوص در مراکز آموزشی، و چرا با سازماندهی درسمت و کمک
پرسش ----- ۱۴۸۵
پاسخ ----- ۱۴۸۵
برای گسترش وهمه گیر شدن امر به معروف ونهی از منکر در جامعه چه باید کرد ؟ چرا این مسئله وآموزش آن در سطح مدارس وجود ندارد ؟ ۶،
پرسش ----- ۱۴۸۶
پاسخ ----- ۱۴۸۶
راه حل نشان دادن چهره جذاب دین برای قشر جوان چیست وبه عهده کیست ؟ وچگونه می توان با (بریدن سردین بوسیله دین) مبارزه کرد. ۷،
پرسش ----- ۱۴۸۷

پاسخ ----- ۱۴۸۸

جدیدا رسم شده که هیئتهای مذهبی در شهرستانها بالأخص مشهد مقدس سینه زنی را همراه با جهش و به سرو صورت کوبیدن انجام می دهند یـ

پرسش ----- ۱۴۸۸

پاسخ ----- ۱۴۸۸

بهترین راه مأنوس کردن نوجوانان با مضامین بلند عرفانی قرآن کریم چیست؟ شرایط توبه را لطفاً بیان فرمائید؟ ----- ۱۴۸۹

پرسش ----- ۱۴۸۹

پاسخ ----- ۱۴۹۰

چرا مسائل فرهنگی در حرف بسیار گفته می‌شود ولی مسؤولین اصلاً هیچ اهمیتی به فرهنگ ملت نمی‌دهند؟ ----- ۱۴۹۰

پرسش ----- ۱۴۹۰

پاسخ ----- ۱۴۹۰

آیا بدلیل قباحت عرف عمومی جایز است ازدواج موقت بعنوان یکی از زیباترین راه حل های بحران جوانان که توسط خدا حلال شده است را ترک

پرسش ----- ۱۴۹۱

پاسخ ----- ۱۴۹۱

آیا ایجاد یک فضای باز فرهنگی برای تبادل همه انواع فرهنگها در کشور ما امکان‌پذیر است یا نه؟ ----- ۱۴۹۱

اشاره ----- ۱۴۹۱

پرسش ----- ۱۴۹۱

پاسخ ----- ۱۴۹۲

آیا ما در مقابل کشورهای مستکبر سلاح علم و تلاش و کوشش در راه علم و صنعت بهتر است بکار ببریم یا شعار؟ ----- ۱۴۹۲

پرسش ----- ۱۴۹۲

پاسخ ----- ۱۴۹۳

چرا بعد از انقلاب حتی آزادی های که از نظر اسلام مجاز بودند را نداریم همچون ازدواج موقت و ...؟ ----- ۱۴۹۳

پرسش ----- ۱۴۹۳

پاسخ ----- ۱۴۹۴

چرا خود بسیج هم در استفاده از بیت‌المال و تلاش و کوشش و خلوص نیت و بخصوص لحظهٔ استخدام که اقوام مسؤولین در اولویت می باشند و ا

پرسش ---- ۱۴۹۴
پاسخ ---- ۱۴۹۴
چرا مسؤولین تزکیه ندارند؟ ---- ۱۴۹۴
پرسش ---- ۱۴۹۴
پاسخ ---- ۱۴۹۴
چرا کشور اجازۀ خروج مغرها را می دهد یعنی قراردادن کمی بودجه برای این کار، کار دشواری است چرا این کار به عنوان یک قانون ممنوع نمیَ
پرسش ---- ۱۴۹۵
پاسخ ---- ۱۴۹۵
فرهنگ کشور رو به ابتذال است میخوا هم بدانم که فکری برای این وضع شده یا خواهد شده ؟ ---- ۱۴۹۵
پرسش ---- ۱۴۹۵
پاسخ ---- ۱۴۹۵
چرا در جامعه ای که فرهنگ صحیح آزادی جای نیفتاده مسأله آزادی زودتر مطرح شده است؟ ---- ۱۴۹۶
پرسش ---- ۱۴۹۶
پاسخ ---- ۱۴۹۶
چرا در جامعه ما من که چادر می پوشم به صورت تمسخر نگاه می کنند و مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟ ---- ۱۴۹۶
پرسش ---- ۱۴۹۷
پاسخ ---- ۱۴۹۷
چرا در جامعه ما به فردی که چادر می‌پوشد با دید دیگر نگاه می‌کنند و مورد اهانت قرار می‌گیرد؟ ---- ۱۴۹۷
پرسش ---- ۱۴۹۷
پاسخ ---- ۱۴۹۷
نقص و ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی و مدیریتی تا کی؟ کی و چگونه می خواهیم فرهنگ خود را اصلاح کنیم؟ ---- ۱۴۹۷
پرسش ---- ۱۴۹۸
پاسخ ---- ۱۴۹۸
چگونه می توانیم به بهترین صورت حق رسالتی را که شهدا بر دوشمان گذاشتند، ادا کنیم؟ ---- ۱۴۹۸

پرسش ---- ۱۴۹۸
پاسخ ---- ۱۴۹۸
چرا در جامعه ای که این قدر فساد رواج پیدا کرده است، و جوانها هم قدرت ازدواج ندارند، چرا ازدواج موقت در جامعه ما جا نیفتاده است و چنین
پرسش ---- ۱۴۹۹
پاسخ ---- ۱۴۹۹
چرا با اینکه عوامل مشروع ازدواج و صیغه وجود دارد جوانان به عوامل نامشروع متوسل می شوند؟ ---- ۱۴۹۹
پرسش ---- ۱۴۹۹
پاسخ ---- ۱۵۰۰
چرا در رابطه با عذاب‌های جهنم به وسیله گناه صحبت نمی‌شود؟ ---- ۱۵۰۰
پرسش ---- ۱۵۰۰
پاسخ ---- ۱۵۰۰
چرا در رسانه های گروهی از خانمهایی کد بانو سازگار استفاده نمی کنند، که اینطور زننده صحبت می کنند، با همسرانشان و بعضی از دختران الگ
پرسش ---- ۱۵۰۱
پاسخ ---- ۱۵۰۱
به نظر شما مشکلات عمده فرهنگی کشور با گسترش فرهنگ نماز و زکات در شهر و روستا و امر به معروف و نهی از منکر و انجام فرهنگی چگونه
پرسش ---- ۱۵۰۲
پاسخ ---- ۱۵۰۲
هدف از برگزاری گفتمان دینی در مساجد چیست؟ ---- ۱۵۰۲
پرسش ---- ۱۵۰۲
پاسخ ---- ۱۵۰۲
چرا جوانان در این زمان که نظام جمهوری اسلامی بر ایران اسلامی حاکم می باشد و از نظر اعتقادات اسلامی و دینی مذهبی نسبتاً ضعیف و کم ر
پرسش ---- ۱۵۰۳
پاسخ ---- ۱۵۰۳
چه کار کنیم اینقدر رشوه‌خواری و پارتی بازی کم شود؟ ---- ۱۵۰۴

پرسش ----- ۱۵۰۴
پاسخ ----- ۱۵۰۴
چرا در جامعه اسلامی ایران که در بین مردم قرآن حضور دارد مردم از لحاظ علمی خیلی کند عمل می کنند ولی در جامعه‌های بیگانه زیادی که
پرسش ----- ۱۵۰۵
پاسخ ----- ۱۵۰۵
با توجه به این امر که مردم کشور ما مسلمانان و دوستدار ائمه اطهار(ع) هستند، چرا باید در این کشور بی‌بندوباری و فساد رایج شده است؟ چرا د
پرسش ----- ۱۵۰۶
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۵۰۶
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۵۰۹
چرا از یک جوان نه هر جوانی که خود را مسلمان می‌داند اگر پرسیده شود دلیل انتخاب اسلام چیست ؟ نمی‌تواندجواب درست دهد . آیا شما علم
پرسش ----- ۱۵۱۱
پاسخ ----- ۱۵۱۱
زمان امام عزیز وشهدای گرانقدر ما شاهد اینگونه بی حرمتی و بی عفتی ها از سوی زنانمان و بی غیرتی از سوی مردانمان و آرایش کردن مردها و
پرسش ----- ۱۵۱۲
پاسخ ----- ۱۵۱۲
با توجه به اینکه ما مسلمانان فقط یک کتاب آسمانی (قرآن) را داریم چرا دولت برای حفظ قرآن و تشویق جوانان به این امر سرمایه‌گذاری قابل ت
پرسش ----- ۱۵۱۳
پاسخ ----- ۱۵۱۳
با توجه به اینکه صدای اذان بلا را از زمین دور می کند صدای بلند گوهای مساجد بسته شده که مزاحم همسایه های مسجد نباشد در صورتی که
پرسش ----- ۱۵۱۴
پاسخ ----- ۱۵۱۵
چرا نظام آموزشی و پرورشی ما از ریشه خراب است دلیل آن اینست که یک فرد لیسانس یا فوق لیسانس در ایران اول بی‌سوادی است و نمی‌تواند
پرسش ----- ۱۵۱۵
پاسخ ----- ۱۵۱۶

چرا امروزه در کشور ما ایران جلوی زنان بی حجاب گرفته نمی شود ؟ ---- ۱۵۱۶
پرسش ---- ۱۵۱۶
پاسخ ---- ۱۵۱۶
را ههای کشاندن افرادی که بدبین به اسلام هستند به مسجد چیست ؟ ---- ۱۵۱۸
پرسش ---- ۱۵۱۸
پاسخ ---- ۱۵۱۸
چه کنیم تا مساجد ما به رسالت مساجد زمان رسول ا...(نزدیک شود صرفاً گفتمان دینی نه، بلکه جنبه‌های مصداقی و تطبیق اجتماعی، بومی و م
پرسش ---- ۱۵۱۹
پاسخ ---- ۱۵۱۹
چرا در کشور ما دین روز به روز کمرنگتر و در دیگر ملل فهمیدند که تازه باید دنبال دین بروند؟ ---- ۱۵۱۹
پرسش ---- ۱۵۱۹
پاسخ ---- ۱۵۱۹
با عنایت به سخن امام راحل در مورد شهید مطهری که ایشان و آثارش را بی اثتثنا مفید دانسته‌اند چرا حوزه‌های علمیه بخصوص مشهد و قم تابح
پرسش ---- ۱۵۲۰
پاسخ ---- ۱۵۲۰
چه کار کنیم قرآن و معارف جذب جوانان گردد ؟ ---- ۱۵۲۱
پرسش ---- ۱۵۲۱
پاسخ ---- ۱۵۲۱
چرا ما در مراسم عزاداری قرآن می خوانیم در مراسم عروسی و دیگر مراسمها قرآن نمی خوانیم؟ ---- ۱۵۲۲
پرسش ---- ۱۵۲۲
پاسخ ---- ۱۵۲۲
اینکه به بهانه حفظ شأن حکومت ساختمانهای آنچنانی ساخته شود و صندلی های آنچنانی تکیه گاه بعضی شود آیا درست است؟ ---- ۱۵۲۳
اشاره ---- ۱۵۲۳
پرسش ---- ۱۵۲۳

پاسخ ----- ۱۵۲۳
چه چیزهایی برای جذب جوانان و نوجوان در نظر دارید؟ ----- ۱۵۲۴
پرسش ----- ۱۵۲۴
پاسخ ----- ۱۵۲۴
اگر بگویم شاید باورتان نشود، من همیشه در سلام کردن سعی می کنم پیش قدم باشم چرا که: ----- ۱۵۲۵
اشاره ----- ۱۵۲۵
پرسش ----- ۱۵۲۵
پاسخ ----- ۱۵۲۵
در مورد متولی های مسجد و سازمانهای مسؤول در مورد این سنگر اسلام توضیح بفرمایید. چرا مساجد اینقدر راکد و بی جاذبه هستند و چه راهکا
پرسش ----- ۱۵۲۶
پاسخ ----- ۱۵۲۶
آیا با این همه فساد اداری که در کشور وجود دارد، ارزشهای فرهنگی و ایرانی و اسلامی ما می‌تواند اسلحه‌ای در مقابل استعمار باشد؟ چرا در انجا
پرسش ----- ۱۵۲۷
پاسخ ----- ۱۵۲۷
چگونه می‌توان به عنوان یک خواهر شهید در مقابل تبلیغات تهاجم فرهنگی کمرنگ شدن ارزشها، تخریب نیروهای حزب اللّهی و همچنین نگرانی
پرسش ----- ۱۵۲۸
پاسخ ----- ۱۵۲۸
چرا قرآن میگوید: سختیها باعث تکامل افراد جامعه است؟ ----- ۱۵۲۹
پرسش ----- ۱۵۲۹
پاسخ ----- ۱۵۲۹
چرا با وجود تبلیغات بیش از اندازه درباره نماز و... هر روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود؟ آیا در قرآن در اینباره دستور و راهکاری وجود دارد؟
پرسش ----- ۱۵۲۹
پاسخ ----- ۱۵۳۰
آیا از نظر قرآن دین میتواند تمدنساز باشد یا خیر؟ ----- ۱۵۳۰

پرسش ----- ۱۵۳۰
پاسخ ----- ۱۵۳۰
لطفاً ـ به طور صریح ـ بفرمایید که چگونه میتوان یک ایدئولوژی (جهان بینی) و یا تفکرات سنتی، فرهنگی و یا مذهبی ملت یا نژاد و... را گسترش
پرسش ----- ۱۵۳۱
پاسخ ----- ۱۵۳۲
چگونه کودک خود را با قرآن مأنوس کنیم؟ ----- ۱۵۳۳
پرسش ----- ۱۵۳۳
پاسخ ----- ۱۵۳۳
چگونه می‌توان پایه‌های فرهنگی و استقلال یک کشور، در بُعد فرهنگی را تقویت کرد؟ ----- ۱۵۳۳
پرسش ----- ۱۵۳۳
پاسخ ----- ۱۵۳۳
چرا مراکزی مثل مرکز شما، مانع خواندن قرآن در قبرستان‌ها، توسط افراد بد صوت و با قرائت غلط و ظاهری غیر شایسته نمی‌شوید؟ آیا این اقدا
پرسش ----- ۱۵۳۴
پاسخ ----- ۱۵۳۴
لطفاً خاطره‌ای از رزمندگان اسلام دربارهٔ قرآن ـ از کتاب" فرهنگ جبهه می‌توان استفاده کرد ـ برایم بنویسید ;البته به جز خاطرهٔ زیر: من در دس
پرسش ----- ۱۵۳۵
پاسخ ----- ۱۵۳۵
چگونه می‌توان دانشجویان را به ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور را که کم‌تر در دانشگاه حضور دارند، با معارف قرآن آشنا کرد؟ ----- ۱۵۳۵
پرسش ----- ۱۵۳۵
پاسخ ----- ۱۵۳۵
چگونه می‌توانم قرآن و دستورات آن را در روستای خود به دیگران بیاموزم و به آن عمل کنم ----- ۱۵۳۶
پرسش ----- ۱۵۳۶
پاسخ ----- ۱۵۳۶
جهان‌بینی برای یک فرهنگ و یک کشور، چه آثاری در پی دارد؟ ----- ۱۵۳۶

پرسش ----- ۱۵۳۶
پاسخ ----- ۱۵۳۷
لطفاً نکته‌های قرآنی که در مورد تبلیغ دین مبین اسلام آمده است را بیان کنید و مرا با فرستادن کتاب‌ها و مجلات در راه تبلیغ و نشر فرهنگ قر
پرسش ----- ۱۵۳۷
پاسخ ----- ۱۵۳۸
برای داشتن یک جلسه خوب آموزش قرآن در قسمت‌های مختلف مانند: نحوه ادارهٔ جلسه آموزش قواعد و... چه توصیه و راهکاری ارائه می‌فرمایید
پرسش ----- ۱۵۳۸
پاسخ ----- ۱۵۳۸
قرآن مجید بهترین شیوهٔ تبلیغ اسلامی را در چه می‌داند ;به عبارت دیگر برای تبلیغ دین باید از چه شیوه‌ای بهره جست ----- ۱۵۳۹
پرسش ----- ۱۵۳۹
پاسخ ----- ۱۵۳۹
الف ـ دیدگاه قرآن به طور کلی دربارهٔ معرفی و عمل به احکام دین چیست ب ـ آیا به خاطر سقوط فرهنگی جامعه درست است که برخی احکام
پرسش ----- ۱۵۴۰
پاسخ ----- ۱۵۴۱
جهت ترویج نماز در مساجد و مدارس چه باید کرد ؟ ----- ۱۵۴۱
پرسش ----- ۱۵۴۱
پاسخ ----- ۱۵۴۲
نماز چگونه در بهبود اجتماع و فرهنگ و سیاست یک کشور مؤثر است ----- ۱۵۴۲
پرسش ----- ۱۵۴۲
پاسخ ----- ۱۵۴۲
چگونه افراد را به نماز تشویق و ترغیب کنیم ----- ۱۵۴۳
پرسش ----- ۱۵۴۳
پاسخ ----- ۱۵۴۳
چگونه میتوان اعتقادات مذهبی افراد بزرگسال را تقویت کرد ----- ۱۵۴۳

پرسش ----- ۱۵۴۳
پاسخ ----- ۱۵۴۴
آیا ستاد اقامه نماز برای جذب جوانان به مساجد برنامه ریزی کرده است ----- ۱۵۴۴
پرسش ----- ۱۵۴۴
پاسخ ----- ۱۵۴۴
نماز چه آثار فرهنگی در جامعه دارد؟ ----- ۱۵۴۴
پرسش ----- ۱۵۴۴
پاسخ ----- ۱۵۴۴
برای ترویج فرهنگ نماز چه راههایی وجود دارد ----- ۱۵۴۵
پرسش ----- ۱۵۴۵
پاسخ ----- ۱۵۴۵
چه راهکارهایی برای تعمیق گرایش جوانان و نوجوان به مسائل مذهبی وجوددارد ----- ۱۵۴۵
پرسش ----- ۱۵۴۵
پاسخ ----- ۱۵۴۵
چگونه می‌توان افراد تارک نماز را به نماز تشویق و ترغیب کرد ----- ۱۵۴۵
پرسش ----- ۱۵۴۶
پاسخ ----- ۱۵۴۶
راههای جذب و رغبت جوانان و نوجوانان به نماز چیست ----- ۱۵۴۶
پرسش ----- ۱۵۴۶
پاسخ ----- ۱۵۴۶
بهترین راه برای جذب بیشتر دانشجویان برای امور مذهبی وهمچنین نمازجماعت چیست و بهترین راه برای وحدت بین اهل تشیع و تسنن چیسه
پرسش ----- ۱۵۴۷
پاسخ ----- ۱۵۴۷
با محیط و جوی که درآن دختران دانشجو بالباس های کذایی وبدحجابی جوانان را به سوی خود می کشند چه باید کرد؟ ----- ۱۵۴۷

پرسش ----- ۱۵۴۷
پاسخ ----- ۱۵۴۷
علت مختلط شدن دانشگاهیان چیست وچرا از هم دیگر جدا نمی کنند که این اختلاط برای روح جوانان خیلی مضر است علتش را جواب دهید؟
پرسش ----- ۱۵۴۸
پاسخ ----- ۱۵۴۸
چرا اعتقاد مردم و جوانان امروزی نسبت به دین و احکام بسیار پایین آمده است ؟ ----- ۱۵۴۸
پرسش ----- ۱۵۴۸
پاسخ ----- ۱۵۴۸
بهترین راه برای اینکه خواهر و برادرهایم را علاقه مند به نماز و قرآن کنم چیست ؟ ----- ۱۵۴۸
پرسش ----- ۱۵۴۸
پاسخ ----- ۱۵۴۸
پیشنهاد شما برای هرچه غنی تر شدن فرهنگ اسلامی در دانشگاه ها چیست ؟ ----- ۱۵۴۹
پرسش ----- ۱۵۴۹
پاسخ ----- ۱۵۴۹
چرا با اینکه ایران یک کشور توریستی است اما هیچ گونه اقدامی برای جلب توریست صورت نمی گیرد و صرفا جلسات بی مورد و بی فایده تشکیل
پرسش ----- ۱۵۴۹
پاسخ ----- ۱۵۴۹
حضور در مراسم مذهبی و مساجد چقدر در جلوگیری از تهاجم فرهنگی موثر است ؟ ----- ۱۵۴۹
پرسش ----- ۱۵۴۹
پاسخ ----- ۱۵۴۹
چرا مسئولین نمی توانند الگویی مناسب جایگزین الگوهای نامناسب کنند؟ ----- ۱۵۵۰
پرسش ----- ۱۵۵۰
پاسخ ----- ۱۵۵۰
با توجه به ادعای اسلامی بودن چرا نمی توانید مشکل ازدواج جوانان را حل کنید؟ حال که نمی توانید چرا نمی گذارید به شیوه غرب مسائل جنس

پرسش ----- ۱۵۵۰
پاسخ ----- ۱۵۵۰
در دانشگاه ها هنوز مشکلاتی از قبیل غربزدگی و عدم تعهد برخی اساتید و ... وجود دارد, آیا زمان آن نرسیده که برای رفع این نقایص اقدام شود؟
پرسش ----- ۱۵۵۱
پاسخ ----- ۱۵۵۲
چرا برای جلوگیری از فساد و مشکلاتی که در جامعه از حیث اخلاقی وجود دارد قیام همگانی نمی شود؟ ----- ۱۵۵۲
پرسش ----- ۱۵۵۲
پاسخ ----- ۱۵۵۲
وظیفه ء ما در مقابل مشکلات فرهنگی محیطمان چیست ؟ ----- ۱۵۵۲
پرسش ----- ۱۵۵۲
پاسخ ----- ۱۵۵۲
چرا ازدواج موقت در جامعه ء ما امری منفور و زشت تلقی می شود؟ ----- ۱۵۵۲
پرسش ----- ۱۵۵۳
پاسخ ----- ۱۵۵۳
برای آگاهی و شناخت عمیقتر نسبت به اسلام و قرآن از کجا شروع کنم ؟ ----- ۱۵۵۳
پرسش ----- ۱۵۵۳
پاسخ ----- ۱۵۵۳
با توجه به تکنولوژی پیشرفته دنیا مخصوصا ماهواره آیا میتوان در را بروی خود بست و از آن استفاده نکرد و شما چه تدابیری در این زمینه دارید
پرسش ----- ۱۵۵۳
پاسخ ----- ۱۵۵۴
با توجه باینکه ریشه های مفاسداجتماعی را ازدواج ازبین می برد لکن مشکلات و رسوم غلط باعث تاثیر در این امر شده * چه راه های علمی برای
پرسش ----- ۱۵۵۴
پاسخ ----- ۱۵۵۴
اسلامی شدن دانشگاهها یعنی چه ؟ آیا معنایش این است که دختر و پسر با هم نباشند؟ ----- ۱۵۵۴

پرسش ---- ۱۵۵۴
پاسخ ---- ۱۵۵۵
نحوه انتقاد از روحانیون مسئول در حالیکه حرمت آنان حفظ شود چگونه است ---- ۱۵۵۵
پرسش ---- ۱۵۵۵
پاسخ ---- ۱۵۵۵
چرا به زندانیها رسیدگی نمی شود و بجای اینکه با فرهنگ و ایجاد شغل آنها بسازند آنها را زندانی می کنند؟ ---- ۱۵۵۶
پرسش ---- ۱۵۵۶
پاسخ ---- ۱۵۵۶
چرا ما آذربایجانیها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ مطبوعات و) محرومیم ؟ ---- ۱۵۵۶
پرسش ---- ۱۵۵۶
پاسخ ---- ۱۵۵۷
آیا ازدواج موقت الان در جامعه ما رایج است ؟ ---- ۱۵۵۷
پرسش ---- ۱۵۵۷
پاسخ ---- ۱۵۵۸
اسلامی کردن دانشگاهها به چه صورت انجام می پذیرد ---- ۱۵۵۸
پرسش ---- ۱۵۵۸
پاسخ ---- ۱۵۵۸
چرا با صرف هزینه می خواهید به سئولات ما پاسخ دهید ---- ۱۵۵۸
پرسش ---- ۱۵۵۸
پاسخ ---- ۱۵۵۸
چرا جوانان به مدل های غربی و غربگرایی علاقه دارند چرا نظام در این مورد اقدام نمی کند ---- ۱۵۵۸
پرسش ---- ۱۵۵۸
پاسخ ---- ۱۵۵۹
چرا ازدواج موقت که یکی از احکام ناب اسلام است در جامعه ما انجام نمی شود؟ ---- ۱۵۵۹

پرسش ----- ۱۵۵۹
پاسخ ----- ۱۵۵۹
چرا ازدواج موقت مورد پذیرش افکار عمومی مردم نیست ؟ ----- ۱۵۵۹
پرسش ----- ۱۵۶۰
پاسخ ----- ۱۵۶۰
چرا به جای گرفتن مهریه های سنگین برای جلوگیری از طلاق قوانین دیگری وضع نمی کنند؟ ----- ۱۵۶۰
پرسش ----- ۱۵۶۰
پاسخ ----- ۱۵۶۰
چرا مردم به ظواهر بیشتر از امور بنیادی می پردازند؟ ----- ۱۵۶۰
پرسش ----- ۱۵۶۰
پاسخ ----- ۱۵۶۰
برای حل مشکل ماهواره چه راه حلهایی وجود دارد؟ ----- ۱۵۶۱
پرسش ----- ۱۵۶۱
پاسخ ----- ۱۵۶۱
با توجه به واقعیت موسیقی در جامعه و مخالفت روحانیت با آن با این معضل چگونه باید برخورد کرد ----- ۱۵۶۱
پرسش ----- ۱۵۶۱
پاسخ ----- ۱۵۶۱
وظیفه بسیج در رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی چیست ؟ ----- ۱۵۶۱
پرسش ----- ۱۵۶۱
پاسخ ----- ۱۵۶۲
بسیجیان چگونه تفکر بسیجی را در میان دانشجویان و نسل جوان ترویج نمایند ----- ۱۵۶۲
پرسش ----- ۱۵۶۲
پاسخ ----- ۱۵۶۲
روش صحیح تبلیغ در دانشگاهها چیست ----- ۱۵۶۲

پرسش ----- ۱۵۶۲
پاسخ ----- ۱۵۶۲
با اینکه حضرت امام (ره) فرموده اند باید دانشگاه کارخانه آدم سازی باشد اما امروز کاملا بر عکس شده است . چرا؟ ----- ۱۵۶۳
پرسش ----- ۱۵۶۳
پاسخ ----- ۱۵۶۳
با توجه به فراوانی فساد و گناه در جامعه چطور می توان با خداوند در ارتباط بود و تا عمق معنویات پیش رفت و در جامعه هم نقش فعال داشت؟
پرسش ----- ۱۵۶۳
پاسخ ----- ۱۵۶۳
چرا امر به معروف و نهی از منکر در کشور ما اجرا نمی شود؟ ----- ۱۵۶۴
پرسش ----- ۱۵۶۴
پاسخ ----- ۱۵۶۴
به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه چیست ؟ ----- ۱۵۶۵
پرسش ----- ۱۵۶۵
پاسخ ----- ۱۵۶۵
چرا بیشتر جوانان ما نسبت به دین و مسائل آن بی اطلاع اند؟ ----- ۱۵۶۵
پرسش ----- ۱۵۶۵
پاسخ ----- ۱۵۶۵
در مورد الگوسازی عملی از ائمه اطهار(ع) بیشتر توضیح دهید. ----- ۱۵۶۵
پرسش ----- ۱۵۶۵
پاسخ ----- ۱۵۶۵
چرا فرهنگ ازدواج در جامعه تغییر کرده است ؟ ----- ۱۵۶۷
پرسش ----- ۱۵۶۷
پاسخ ----- ۱۵۶۷
برای جلوگیری از رقص و ترانه در مراسم عروسی چه باید کرد؟ ----- ۱۵۶۷

پرسش ----- ۱۵۶۷
پاسخ ----- ۱۵۶۷
بهترین راه ها برای حل مشکلات فرهنگی چیست ؟ ----- ۱۵۶۸
پرسش ----- ۱۵۶۸
پاسخ ----- ۱۵۶۸
دوستم نماز نمی خواند برای این که او را به سوی نماز بکشانم هم چنین برای این که اخلاق او در ما تاثیر نگذارد چه کنم ؟ ----- ۱۵۶۸
پرسش ----- ۱۵۶۸
پاسخ ----- ۱۵۶۸
چگونه می توان اصل (دانشگاه اسلامی) را بین دانشجویان مطرح کرد؟ ----- ۱۵۶۹
پرسش ----- ۱۵۶۹
پاسخ ----- ۱۵۶۹
چگونه می توان از راه فرهنگی زمینه رشد فکری دانشجویان را بالا برد؟ ----- ۱۵۶۹
پرسش ----- ۱۵۶۹
پاسخ ----- ۱۵۷۰
چرا به جوانان این قدر امر و نهی می شود و با مهربانی و عطوفت , آنها را راهنمایی نمی کنند؟ ----- ۱۵۷۰
پرسش ----- ۱۵۷۰
پاسخ ----- ۱۵۷۰
چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟ ----- ۱۵۷۰
پرسش ----- ۱۵۷۰
پاسخ ----- ۱۵۷۰
چگونه می توان جوانان را درباره ولایت فقیه توجیه کرد؟ ----- ۱۵۷۰
پرسش ----- ۱۵۷۱
پاسخ ----- ۱۵۷۱
علل بی رغبتی جوانان به اسلام و مسایل معنوی چیست ؟ ----- ۱۵۷۱

پرسش ----- ۱۵۷۱
پاسخ ----- ۱۵۷۲
چگونه می توان جوانان را نسبت به ولایت فقیه آشنا ساخت ؟ ----- ۱۵۷۲
پرسش ----- ۱۵۷۲
پاسخ ----- ۱۵۷۲
علت فاصله گرفتن جوانان از ارزش های اسلامی چیست ؟ و راه حل آن کدام است ؟ ----- ۱۵۷۴
پرسش ----- ۱۵۷۴
پاسخ ----- ۱۵۷۴
چه راهکارهای برای رفع مشکلات فرهنگی دانشگاهها متناسب است ؟ ----- ۱۵۷۶
پرسش ----- ۱۵۷۷
پاسخ ----- ۱۵۷۷
برای رواج بیشتر مسائل دینی در بین دانشجویان چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟ ----- ۱۵۷۷
پرسش ----- ۱۵۷۷
پاسخ ----- ۱۵۷۸
برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟ ----- ۱۵۷۸
پرسش ----- ۱۵۷۸
پاسخ ----- ۱۵۷۸
با توجه به شرایط دانشگاه برای احیاء نماز جماعت در سطح دانشکده چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟ ----- ۱۵۷۹
پرسش ----- ۱۵۷۹
پاسخ ----- ۱۵۷۹
بینش دانشجویی نسبت به مسائل سیاسی و فرهنگی را چگونه بالا ببریم ؟ ----- ۱۵۷۹
پرسش ----- ۱۵۸۰
پاسخ ----- ۱۵۸۰
در کارهای قرآنی و فرهنگی چه عواملی موجب تداوم و جذابیت کار می شود؟ ----- ۱۵۸۳

پرسش ----- ۱۵۸۳
پاسخ ----- ۱۵۸۳
جامعه ء امروز چه نیازهایی را در اولویت می بیند و طلاب در چه زمینه ای باید کار کنند تا پاسخ گوی این نیازها باشند؟ ----- ۱۵۸۳
پرسش ----- ۱۵۸۳
پاسخ ----- ۱۵۸۳
علت دین گریزی جوانان چیستو چگونه می توان آنها را از این راه منصرف کرد ؟ ----- ۱۵۸۴
پرسش ----- ۱۵۸۴
پاسخ ----- ۱۵۸۴
گاهی هنگامی که با بعضی از دوستان در مورد مسائل دینی و اخلاقی صحبت می کنیم ،حرفهای ما در ابتدا تاثیر بسیار خوبی روی آنها می گذارد ، ----- ۱۵۸۷
پرسش ----- ۱۵۸۷
پاسخ ----- ۱۵۸۷
دوستم به گریه کردن در عزاداری سیدالشهداء اعتقاد ندارد چگونه او را راهنمائی کنم ؟ ----- ۱۵۸۹
پرسش ----- ۱۵۸۹
پاسخ ----- ۱۵۸۹
چگونه افراد بی نماز و بی هدف را ارشاد کنیم ؟ ----- ۱۵۸۹
پرسش ----- ۱۵۹۰
پاسخ ----- ۱۵۹۰
چه شیوه ای را بکار گیریم تا جوانان ما با قرآن و نهج البلاغه بیشتر نزدیک شوند؟ ----- ۱۵۹۰
پرسش ----- ۱۵۹۰
پاسخ ----- ۱۵۹۰
به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه چه می باشد؟ ----- ۱۵۹۰
پرسش ----- ۱۵۹۰
پاسخ ----- ۱۵۹۱

آنچه در کتابها درباره غرب نوشته شده صرفاً نشان دادن نکات منفی آن است و از ذکر نکات مثبت غفلت می شود، چه بسا این نکات مثبت غالب

پرسش ----- ۱۵۹۱
پاسخ ----- ۱۵۹۱
چرا بعضی ارگان های دینی و حتی بعضی از روحانیون (اصلاً قصد توهین ندارم اما این یک واقعیت در جامعه ماست) با رفتارهای خشک مقدس مآ
پرسش ----- ۱۵۹۲
پاسخ ----- ۱۵۹۲
با توجه به اینکه مسؤول واحد فرهنگی بسیج دانشجویی دانشکده می باشم، راهنماییهایی را در این زمینه خواستارم. ----- ۱۵۹۳
پرسش ----- ۱۵۹۳
پاسخ ----- ۱۵۹۳
مهمترین مشکلات فرهنگی جامعه خصوصاً جامعه دانشگاهی و دانشجویی کدام است؟ لطفاً دلائل ظهور مشکلات را بفرمایید. ----- ۱۵۹۴
پرسش ----- ۱۵۹۴
پاسخ ----- ۱۵۹۴
مبسوط ----- ۱۵۹۵
اشاره ----- ۱۵۹۵
پرسش ----- ۱۵۹۵
پاسخ ----- ۱۵۹۵
مبسوط ----- ۱۵۹۶
اشاره ----- ۱۵۹۶
پرسش ----- ۱۵۹۶
پاسخ ----- ۱۵۹۶
چرا در جامعه ما به شغل پرستاری اهمیت داده نمی شود ،جامعه ای که تمام افراد آن مسلمان هستند جامعه ای که الگوی پرستاری آن حضرت
پرسش ----- ۱۵۹۷
پاسخ ----- ۱۵۹۸
با وجود آنکه سالها از جنگ عراق علیه ایران می گذرد و شرایط اجتماعی عوض گردیده است و نگرش ها نسبت به مسائل گذشته تغییر کرده پس
پرسش ----- ۱۵۹۸

پاسخ ----- ۱۵۹۸

دفن کردن شهدای گمنام در دانشگاهها و پارکها و یا اماکن عمومی چه معنایی دارد ؟آیا فرهنگ شهید و شهادت در این است که اجساد مجهول ا

پرسش ----- ۱۵۹۹

پاسخ ----- ۱۵۹۹

نظر شما در مورد فعالیت در تشکلهای دانشجویی چیست؟و آیا برای دانشجو که وظیفه او درس خواندن است این گونه فعالیتها اشکالی ندارد؟ و د

پرسش ----- ۱۶۰۱

پاسخ ----- ۱۶۰۱

دانشگاه ما از نظر فعالیتهای فرهنگی گسترده بسیار در فقر به سر می برد و ما گروهی هستیم که قصد انجام این کار را داریم و بدون سابقه قبلی و

پرسش ----- ۱۶۰۲

پاسخ ----- ۱۶۰۲

چگونه می توان ارزشهای واقعی و دین را به جامعه بشری تعلیم داد؟ ----- ۱۶۰۳

پرسش ----- ۱۶۰۳

پاسخ ----- ۱۶۰۳

لذا با توجه به افزایش فساد اخلاقی اعم از روابط نامشروع زناشویی فیلم مبتذل ،عکس ،اینترنت ،خانه فساد و فحشا ،فرار دختران از خانه که صدا و

پرسش ----- ۱۶۰۴

پاسخ ----- ۱۶۰۴

موسیقی هایی که از صدا سیما جمهوری اسلامی پخش می شود یا از طریق رادیو جوان و... و کنسرت هایی که درمحیط های دانشجویی و در شهر

پرسش ----- ۱۶۰۵

پاسخ ----- ۱۶۰۵

در روایات و احادیث و مخصوصا قرآن بسیار تاکید شده است به دستگیری از فقرا. ولی جامعه امروز ما پر شده از بسیاری از اشخاص که به بهانه ها

پرسش ----- ۱۶۰۵

پاسخ ----- ۱۶۰۵

آیا می توانیم بگوییم به علت اینکه علوم غربی از فکر غربی (امانیستی)نشات می گیرد این علوم را نمی توان برای مقاصد الهی به کار برد یعنی مثا

پرسش ----- ۱۶۰۶

پاسخ ----- ۱۶۰۶

دلایل عدم رعایت فرهنگ حجاب و رابطه نامناسب دختر و پسر در محیطهای دانشگاهی چیست. با چه نمونه کارهای فرهنگی می توان در جهت

پرسش ----- ۱۶۰۷

پاسخ ----- ۱۶۰۷

جامعه ما جامعه ای است اسلامی و ما جوانان این مرز و بوم برای ممات و حیات خود نیاز به راهبران و مشاورانی داریم که ما را هدایت کنند و راه

پرسش ----- ۱۶۰۹

پاسخ ----- ۱۶۱۰

وظیفه ما در جایی که مقابل ما به پیامبر و مقدسات یا امام راحل و انقلاب توهین می شود چیست؟ ----- ۱۶۱۰

پرسش ----- ۱۶۱۰

پاسخ ----- ۱۶۱۰

مادانشجویان مذهبی چه کنیم تا بتوانیم در دانشگاه اثرگذار باشیم ؟ ----- ۱۶۱۱

پرسش ----- ۱۶۱۱

پاسخ ----- ۱۶۱۱

چرا با برخی قوانین برای استخدام مانند متدین بودن و یا سایر خصوصیات ظاهری به ریا کاری در جامعه کمک می کنیم. ----- ۱۶۱۳

پرسش ----- ۱۶۱۳

پاسخ ----- ۱۶۱۳

تعریف کار فرهنگی چیست. به چه کاری فرهنگی و به چه کاری غیر فرهنگی می گویند. ----- ۱۶۱۴

پرسش ----- ۱۶۱۴

پاسخ ----- ۱۶۱۴

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید. ----- ۱۶۱۴

پرسش ----- ۱۶۱۴

پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۶۱۴

پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۶۱۷

چرا مردم حاضر نیستند تفکراتشان را تغییر دهند این قدر که به تغییر و تعویض لباس و وسایل و تجملات اهمیت می دهند؟ارتقاء سطح فکری و

پرسش ---- ۱۶۱۹
پاسخ ---- ۱۶۲۰
لطفا در مورد بحران هویت توضیح دهید و راههای پشت سر گذاشتن این بحران را بیان کنید. ---- ۱۶۲۰
پرسش ---- ۱۶۲۰
پاسخ ---- ۱۶۲۱
لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید. ---- ۱۶۲۲
پرسش ---- ۱۶۲۲
پاسخ ---- ۱۶۲۲
چرا به سوگواری و مداحی امامان اینقدر اهمیت داده می شود به جای شناخت آنها ---- ۱۶۲۳
پرسش ---- ۱۶۲۳
پاسخ ---- ۱۶۲۳
اگر امکان دارد کمتر از پلاکاردها و اعلامیه ها استفاده شود درست است که به مناسبتها ی مختلف این کار انجام میشود و برای یاداوری ارزشها م
پرسش ---- ۱۶۲۴
پاسخ ---- ۱۶۲۴
نظر شما اگر ازدواج موقت شیوع پیدا کند کسی دنبال ازدواج دائم می رود ---- ۱۶۲۵
پرسش ---- ۱۶۲۵
پاسخ ---- ۱۶۲۵
بسیاری از روحانیون به راحتی در خیابان راه می روند و نسبت به اطراف خود حداقل واکنشی نشان نمی دهند چرا؟ ---- ۱۶۲۵
پرسش ---- ۱۶۲۵
پاسخ ---- ۱۶۲۵
از کارشناسان محترم نهاد تقاضا دارم تخصصها و منابع و روشهایی را که یک نیروی فرهنگی برای انجام کار فرهنگی در دانشگاه و دیگر مکانهای ف
پرسش ---- ۱۶۲۵
پاسخ ---- ۱۶۲۶
چراتعداد الگوههای اعتقادی و عملی در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها اندک هست؟ ---- ۱۶۲۷

پرسش ----- ۱۶۲۷
پاسخ ----- ۱۶۲۷
درباره پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان چه راهکارهای عملی پیشنهاد میکنید". لطفا پاسخ را بصورت کاملا تشریحی بیان کنید ---- ۱۶۲۸
پرسش ----- ۱۶۲۸
پاسخ ----- ۱۶۲۸
وقتی مردم اجتماع نمی خواهند درست شوند چه باید کرد؟ ----- ۱۶۳۰
پرسش ----- ۱۶۳۰
پاسخ ----- ۱۶۳۰
چرا مسلمانان روزی را با عنوان عید قربان جشن می گیرند و چرا گوسفند قربانی می کنند؟ ----- ۱۶۳۰
پرسش ----- ۱۶۳۰
پاسخ ----- ۱۶۳۰
آیا مراجع با گناه کردن مردم آن هم علناً راضی هستند؟ ----- ۱۶۳۰
اشاره ----- ۱۶۳۰
پرسش ----- ۱۶۳۱
پاسخ ----- ۱۶۳۱
چرا با اقداماتی نظیر ....باعث کاهش علاقهٔ جوانان برای حضور در مساجد می شوید؟ ----- ۱۶۳۱
پرسش ----- ۱۶۳۱
پاسخ ----- ۱۶۳۱
چرا کسانی که می خواهند پسرشان را داماد کنند به ظاهر زندگی و ثروت نگاه می کنند ولی به نجابت دختر نگاه نمی کنند ؟ ----- ۱۶۳۲
پرسش ----- ۱۶۳۲
پاسخ ----- ۱۶۳۲
چرا ارزشهای مذهبی در نزد جوانان ما کمرنگ شده است؟ ----- ۱۶۳۲
پرسش ----- ۱۶۳۲
پاسخ ----- ۱۶۳۲

برای کار کردن یا مبادله کالا همه دروغ می گویند. آیا این حرفهایی که زده می شود درست است؟ ---- ۱۶۳۳
پرسش ---- ۱۶۳۳
پاسخ ---- ۱۶۳۴
*- آیادر مجالس روضه ویامیهمانی های مذهبی مثل عاشورا اربعین و.....که به خاطرائمه (ع) برگزار می شود وعده ای میهمان دعوت می شوند اینَ
پرسش ---- ۱۶۳۵
پاسخ ---- ۱۶۳۵
۱- لطفا شیوه ترویج فرهنگ اطاعت از اهل بیت علیه السلام » به جای تشریفات برای اهل بیت علیهم السلام » رابیان فرمایید ؟ اطاعت بهتر است
پرسش ---- ۱۶۳۵
پاسخ ---- ۱۶۳۵
۱- لطفا بفرمائید چگونه میتوان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را درجامعه امروزی بصورت یک فرهنگ در آورد ؟ ---- ۱۶۳۶
پرسش ---- ۱۶۳۶
پاسخ ---- ۱۶۳۷
۱-چگونه می توان از جریان حادثه کربلا درزندگی فردی و اجتماعی الگو برداری کرد ؟ ---- ۱۶۳۸
پرسش ---- ۱۶۳۸
پاسخ ---- ۱۶۳۹
چه نوع فعالیت های فرهنگی می توان در مساجد داشت ؟ ---- ۱۶۴۱
پرسش ---- ۱۶۴۱
پاسخ ---- ۱۶۴۱
چرا به جای موسیقی های حرام , نوارهای اسلامی جایگزین نمی شود؟ ---- ۱۶۴۱
پرسش ---- ۱۶۴۱
پاسخ ---- ۱۶۴۱
چگونه می توان فعالیت فرهنگی انجام داد بدون این که لطمه ای به درس و ... برسد؟ ---- ۱۶۴۱
پرسش ---- ۱۶۴۱
پاسخ ---- ۱۶۴۱

هدف زندگی دانشجویی و اموری که وقت دانشجو باید برای آن صرف شودچیست ؟ ---- ۱۶۴۲
پرسش ---- ۱۶۴۲
پاسخ ---- ۱۶۴۲
اگر ازدواج موقت حلال است , چرا عده ای خاص از آن بهره مندند؟ ---- ۱۶۴۳
پرسش ---- ۱۶۴۳
پاسخ ---- ۱۶۴۳
قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟ ---- ۱۶۴۴
پرسش ---- ۱۶۴۴
پاسخ ---- ۱۶۴۴
چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟ ---- ۱۶۴۵
پرسش ---- ۱۶۴۵
پاسخ ---- ۱۶۴۵
چگونه در طول مدت دانشجویی برنامه هایمان رادر خوابگاهها تنظیم کنیم که از وقتمان استفاده بهینه داشته باشیم ؟ ---- ۱۶۴۵
پرسش ---- ۱۶۴۵
پاسخ ---- ۱۶۴۵
یک دانشجو چگونه باید اوقاتش را پر کند و همه ء جنبه ها را رعایت کند؟ ---- ۱۶۴۶
پرسش ---- ۱۶۴۶
پاسخ ---- ۱۶۴۶
برای اداره صحیح یک گروه فرهنگی و اخلاص در کار این گروه ها چه برنامه هایی باید مد نظر قرار گیرد؟ ---- ۱۶۴۷
پرسش ---- ۱۶۴۷
پاسخ ---- ۱۶۴۷
در جامعه ای که انسان صحنه های تأسف باری از فساد مانند اختلاط زن و مرد نامحرم پوشیدن لباسهای مبتذل بی حجابی و آرایش غلیظ زنان و
پرسش ---- ۱۶۴۸
پاسخ ---- ۱۶۴۸

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید. ---- ۱۶۴۹
پرسش ---- ۱۶۴۹
پاسخ ---- ۱۶۵۰
چگونه می توان فردی که از اسلام و روحانیت گریزان است را هدایت کرد؟ ---- ۱۶۵۰
پرسش ---- ۱۶۵۰
پاسخ ---- ۱۶۵۰
چگونه می توان فرد لجوج را به نماز و روزه و انجام امور مذهبی تشویق کرد؟ ---- ۱۶۵۱
پرسش ---- ۱۶۵۱
پاسخ ---- ۱۶۵۱
تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟ ---- ۱۶۵۲
پرسش ---- ۱۶۵۲
پاسخ ---- ۱۶۵۲
چرا برخلاف کشورهای توسعه یافته , مردم ایران کم مطالعه می کنند و بیشتر تلویزیون تماشا می کنند؟ ---- ۱۶۵۳
پرسش ---- ۱۶۵۳
پاسخ ---- ۱۶۵۳
با این که دانشجویان را به تقوا دعوت می کنید, چرا مسوولان تقوا را رعایت نمی کنند؟ ---- ۱۶۵۴
پرسش ---- ۱۶۵۴
پاسخ ---- ۱۶۵۴
دلیل نام گذاری سال امام علی (ع) و یکصدمین سال امام (ره) و اختصاص بودجه های کلان از بیت المال , چگونه توجیه می شود؟ ---- ۱۶۵۴
پرسش ---- ۱۶۵۴
پاسخ ---- ۱۶۵۴
چرا در کشور ما فرهنگ انتقادپذیری وجود ندارد ؟ ---- ۱۶۵۶
پرسش ---- ۱۶۵۶
پاسخ ---- ۱۶۵۶

با توجه به این همه فساد و فحشا در دنیا چگونه باید زندگی کرد که بتوان از نعمت های این دنیا استفاده نمود وهم بتوان برای سفر آخرت مهیا ب
پرسش ----- ۱۶۵۷
پاسخ ----- ۱۶۵۷
راهکار مطالعاتی برای انجام کارهای اساسی و تبلیغاتی در دانشگاه چیست؟ ----- ۱۶۵۸
پرسش ----- ۱۶۵۸
پاسخ ----- ۱۶۵۸
برای اصلاح وضعیت اجتماعی دانشگاه وحفظ اخلاق دانشجویان از این محیط نامساعد ،چه کنیم؟ ----- ۱۶۵۹
پرسش ----- ۱۶۶۰
پاسخ ----- ۱۶۶۰
نظر شما درباره اردوهای مختلط دانشجویی و وظیفه ما در این رابطه چیست؟ ----- ۱۶۶۱
پرسش ----- ۱۶۶۱
پاسخ ----- ۱۶۶۱
چرا با وجود نیاز به عالمان دینی در مناطق محروم،آنها خود را در محیط های بخصوصی محدود کرده اند؟ ----- ۱۶۶۱
پرسش ----- ۱۶۶۱
پاسخ ----- ۱۶۶۲
آیا با توجه به شرایط نامناسب جامعه می توان پاسخگوی نیازهای جوانان بود؟ ----- ۱۶۶۳
پرسش ----- ۱۶۶۳
پاسخ ----- ۱۶۶۳
چه توصیه ائی به جوان دارید؟ ----- ۱۶۶۴
پرسش ----- ۱۶۶۴
پاسخ ----- ۱۶۶۴
بهترین خدمت به جامعه و مردم چیست ؟ ----- ۱۶۶۵
پرسش ----- ۱۶۶۵
پاسخ ----- ۱۶۶۵

در مورد مشکل ((هویت جوانان))،دست اندرکاران فرهنگی چه باید بکنند؟ ---- ۱۶۶۵
پرسش ---- ۱۶۶۵
پاسخ ---- ۱۶۶۵
برخی عقیده دارند پایه گذاری دانشگاه در ایران غلط بوده است و با فرهنگ ما سازگاری نداشت امروز می بینیم که دانشجو دنبال هر چیزی است
پرسش ---- ۱۶۶۷
پاسخ ---- ۱۶۶۷
در سراسر کشور کارهای هماهنگ انجام شده (مانند گسترش جمله هایی نظیر حجاب مصونیت است و ... از طریق اماکن دولتی و تاکسی ها و ...)
پرسش ---- ۱۶۷۰
پاسخ ---- ۱۶۷۰
تأثیرگذاری روی دیگران بخصوص جوانان چگونه ممکن است؟ ---- ۱۶۷۲
پرسش ---- ۱۶۷۲
پاسخ ---- ۱۶۷۲
تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید. ---- ۱۶۷۳
پرسش ---- ۱۶۷۳
پاسخ(قسمت اول) ---- ۱۶۷۳
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۱۶۷۵
لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید. ---- ۱۶۷۷
پرسش ---- ۱۶۷۷
پاسخ ---- ۱۶۷۷
چگونه می توان شخصی را که از نظر مذهبی کامل نیست هدایت کرد به طوری که در طرف مقابل اثر داشته باشد؟ ---- ۱۶۷۸
پرسش ---- ۱۶۷۸
پاسخ ---- ۱۶۷۸
مشکلات فرهنگی دانشگاه را در چه موضوعاتی می دانید؟همچنین اگر بخواهیم در قالب یک گروه دانشجویی روی شناسایی و سپس مقابله با آنها
پرسش ---- ۱۶۸۰

پاسخ ----- ۱۶۸۰
چرا برای امر ازدواج فرهنگ سازی نمی شود. ----- ۱۶۸۱
پرسش ----- ۱۶۸۱
پاسخ ----- ۱۶۸۱
با توجه به اینکه قشر دانشجوی ما اکثر اوقاتش را به بطالت می گذراند وقتی فارغ التحصیل می شود چندان بار علمی ندارد آیا به فکر پرورش روح
پرسش ----- ۱۶۸۲
پاسخ ----- ۱۶۸۲
در محله ما یک حسینیه است که امکانات خوبی برای کارهای فرهنگی دارد اما مسئولیت آن با یک پیرمردی است که به جوانها خیلی میدان نمی
پرسش ----- ۱۶۸۳
پاسخ ----- ۱۶۸۴
من دانشجویی هستم که می توان گفت امروزی نیستم و تیپ هایی که امروزه در دانشگاهها مد است سرکاری ندارم ولی از این وضعیت نیز دل خو
پرسش ----- ۱۶۸۴
پاسخ ----- ۱۶۸۴
کتاب و کتابخانه در ارتقای سطح فرهنگ مردم چگونه و در چه حدّی می‌تواند تاثیر گذار باشد؟ ----- ۱۶۸۵
پرسش ----- ۱۶۸۵
پاسخ ----- ۱۶۸۵
علاقه شدیدی به جذب نوجوانان به مکتب اهل بیت دارم لطفاً را هبردهایی کا کاربرد فراوانی داشته باشند را برای من عنایت فرمایید ---- ۱۶۸۶
پرسش ----- ۱۶۸۶
پاسخ ----- ۱۶۸۶
فرهنگ دینی ----- ۱۶۸۷
سنتهای دینی ----- ۱۶۸۷
آیا مسلمان آمریکایی به جز اعیاد اسلامی می تواند در اعیاد سایر مذاهب به ویژه عید ژانویه و عید پاک یا، مراسم تهیه درخت کاج، ارسال تبری
پرسش ----- ۱۶۸۷
پاسخ ----- ۱۶۸۷

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم((علیهم السلام)) فرق می گذارند؟ ---- ۱۶۸۷
پرسش ---- ۱۶۸۷
پاسخ ---- ۱۶۸۷
چرا اکثر مناسبت ها مانند ولادت پیامبرﷺ و شب های قدر, به شب زیارتی علی ؑمبدل می شود؟ ---- ۱۶۸۸
پرسش ---- ۱۶۸۸
پاسخ ---- ۱۶۸۸
آیا نماز نخواندن پدر و مادر در زندگی فرزندانشان تأثیری دارد؟ ---- ۱۶۸۸
پرسش ---- ۱۶۸۸
پاسخ ---- ۱۶۸۸
در فرهنگ بعضی از مناطق رایج است که در مجالس ترحیم سیگار توزیع می کنند و بعد از کشیدن سیگار برای اموال فاتحه طلب می کنند. آیا
پرسش ---- ۱۶۸۹
پاسخ ---- ۱۶۸۹
آیا درست است که" اسپند "دود کردن هفتاد بلا را دفع می‌کند؟ آیا سند دارد؟ ---- ۱۶۹۰
پرسش ---- ۱۶۹۰
پاسخ ---- ۱۶۹۰
سنن و روایات در مورد سرمه کشیدن و یا استفاده از عبا و عمامه وارد شده است. آیا در عصر حاضر که این امور با عرف مخالفت دارد، باز از این
پرسش ---- ۱۶۹۰
پاسخ ---- ۱۶۹۱
در قرآن احسان به پدر و مادر یادآور شده امّا در مورد خواهر و برادر حکم چگونه است؟ ---- ۱۶۹۱
پرسش ---- ۱۶۹۱
پاسخ ---- ۱۶۹۱
آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گ
پرسش ---- ۱۶۹۲
پاسخ ---- ۱۶۹۲

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟

پرسش ---- ۱۶۹۲

پاسخ ---- ۱۶۹۲

برگزار نکردن مجلس ختم و یادوارهٔ شهدای عزیز چه حکمی دارد؟ ---- ۱۶۹۳

پرسش ---- ۱۶۹۳

پاسخ ---- ۱۶۹۳

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ،

پرسش ---- ۱۶۹۴

پاسخ ---- ۱۶۹۴

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گ

پرسش ---- ۱۶۹۵

پاسخ ---- ۱۶۹۵

آیا دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا است ؟ آیا اینها خرافات نیست ؟ ---- ۱۶۹۵

پرسش ---- ۱۶۹۵

پاسخ ---- ۱۶۹۵

علت تقدس بعضی از اعداد مانند چهل به چه علت است ؟ ---- ۱۶۹۶

پرسش ---- ۱۶۹۶

پاسخ ---- ۱۶۹۶

دلیل اینکه در دین مقدس اسلام عدد ۷ هفت دارای اهمیت است و در خیلی از امور جمله طواف کعبه صفا و مروه و غیره .... و همچنین علت ا

پرسش ---- ۱۶۹۶

پاسخ ---- ۱۶۹۶

در اقوام ما گاه اظهار می شود که فلان نوزاد توسط فرشتگان و بدون حضور پزشک ختنه شده است. آیا این مسئله واقعی است. ------- ۱۶۹۷

پرسش ---- ۱۶۹۷

پاسخ ---- ۱۶۹۷

اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون ن
اشاره ----- ۱۶۹۷
پرسش ----- ۱۶۹۸
پاسخ ----- ۱۶۹۸
آیا زیارت قبور شهدا، مختصّ روزهای پنج شنبه و جمعه است و زیارت در روزهای دیگر اشکال دارد؟ (مادرم مانع این کار می‌شود و بنده نیز برا
پرسش ----- ۱۶۹۹
پاسخ ----- ۱۶۹۹
اگر ماه مبارک رمضان ضیافت خداوند است پس چرا اتمام آن را یعنی عید فطر را جشن می گیریم. ----- ۱۷۰۰
پرسش ----- ۱۷۰۰
پاسخ ----- ۱۷۰۰
عید یعنی چه؟ و فلسفه اعیاد اسلامی چیست. ----- ۱۷۰۰
پرسش ----- ۱۷۰۰
پاسخ ----- ۱۷۰۰
چرا عده ای در هنگام فاتحه خواندن دست را بر روی قبر می گذارند؟ ----- ۱۷۰۱
پرسش ----- ۱۷۰۱
پاسخ ----- ۱۷۰۱
آغاز کردن کارها با نام خدا چه فایده‌ای دارد؟ ----- ۱۷۰۱
پرسش ----- ۱۷۰۱
پاسخ ----- ۱۷۰۱
چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم«علیهم السلام» فرق می‌گذارند؟ ----- ۱۷۰۲
پرسش ----- ۱۷۰۲
پاسخ ----- ۱۷۰۲
آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه«علیهم السلام» نوعی تعظیم شعائر است؟ ----- ۱۷۰۲
پرسش ----- ۱۷۰۲

پاسخ ----- ۱۷۰۲
آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟ ----- ۱۷۰۳
پرسش ----- ۱۷۰۳
پاسخ ----- ۱۷۰۳
آیا اگر کودکی را به نام امام و پیامبر نام گذاری نکنند گناه دارد؟ ----- ۱۷۰۳
پرسش ----- ۱۷۰۳
پاسخ ----- ۱۷۰۳
آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟ ----- ۱۷۰۴
پرسش ----- ۱۷۰۴
پاسخ ----- ۱۷۰۴
آیا نام آدمها در وضعیت سعادت و شقاوت و یا شادمانی و ناراحتی آنها تأثیر دارد برای مثال آسیه که به مفهوم زن غمگین است برای صاحب نا
پرسش ----- ۱۷۰۴
پاسخ ----- ۱۷۰۴
در کتاب مفاتیح الجنان آمده که هر ساعتی از شبانه روز مخصوص یک امام بزرگوار است. مقصود چیست؟ برای متوسل شدن به امام رضا(ع) س
اشاره ----- ۱۷۰۵
پرسش ----- ۱۷۰۵
پاسخ ----- ۱۷۰۵
شهادت ----- ۱۷۰۶
به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟ ----- ۱۷۰۶
پرسش ----- ۱۷۰۶
پاسخ ----- ۱۷۰۶
شهادت چیست؟ (هدف، وسیله، عشق و آرزو ...) رسیدن به مقام شهادت می تواند هدف باشد؟ ----- ۱۷۰۶
پرسش ----- ۱۷۰۶
پاسخ ----- ۱۷۰۶

آیا شهیدان افراد استثنایی بودند یا اکنون نیز از آن اشخاص در جامعه وجود دارد برای نزدیک شدن به شخصیت آنها چه باید کرد --- ۱۷۰۸
پرسش ---- ۱۷۰۸
پاسخ ---- ۱۷۰۸
چه کسانی شهید محسوب می شوند ---- ۱۷۰۸
پرسش ---- ۱۷۰۸
پاسخ ---- ۱۷۰۸
راه حفظ حرمت شهدا چیست ؟ ---- ۱۷۰۸
پرسش ---- ۱۷۰۸
پاسخ ---- ۱۷۰۸
در باره شهادت و اینکه چطور می توان آرزوی شهادت را دل نگه داشت برای من توضیح دهید ؟ ---- ۱۷۰۹
پرسش ---- ۱۷۰۹
پاسخ ---- ۱۷۰۹
در مورد شهدا سؤالی داشتم که مدتهاست ذهن مرا به خود مشغول کرده است آیا همه کسانی که در جنگ کشته شده اند شهید نامیده می شو
پرسش ---- ۱۷۱۰
پاسخ ---- ۱۷۱۰
چرا در اطلاعیه‌های شهادت، تبریک و تسلیت می‌گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟ ---- ۱۷۱۱
پرسش ---- ۱۷۱۱
پاسخ ---- ۱۷۱۱
آیا هر کسی به هر دلیلی در مدرسه فوت کند, شهید محسوب می شود؟ ---- ۱۷۱۱
پرسش ---- ۱۷۱۱
پاسخ ---- ۱۷۱۲
افرادی که در مراسم شهدای جنگ تحمیلی شرکت نمی‌کنند، چه حکمی دارند؟ ---- ۱۷۱۲
پرسش ---- ۱۷۱۲
پاسخ ---- ۱۷۱۲

آیا کسانی که از هموطنان ما به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می‌کنند و در آن جابه دست آمریکایی‌ها کشته می‌شوند، نزد پروردگار
پرسش ---- ۱۷۱۳
پاسخ ---- ۱۷۱۳
در حالی که می دانیم نبش قبر در اسلام جائز نیست، چ...ا‌ستخوان‌های شهدای جنگ تحمیلی را بیرون می آورند و تشییع می کنند؟ ۱۷۱۳
پرسش ---- ۱۷۱۳
پاسخ ---- ۱۷۱۳
چرا به کسانی که اکنون در عراق توسط نیروهای آمریکایی کشته می شوند، شهید اطلاق نمی‌شود اما به افرادی که در فلسطین کشته می شو
پرسش ---- ۱۷۱۴
پاسخ ---- ۱۷۱۴
چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟ ---- ۱۷۱۴
پرسش ---- ۱۷۱۵
پاسخ ---- ۱۷۱۵
چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟ ---- ۱۷۱۵
پرسش ---- ۱۷۱۵
پاسخ ---- ۱۷۱۵
سربازانی که در حین مأموریت در برابر اشرار کشته می شوند، آیا حکم شهید را دارند؟ آیا می توان آنان را شهید نامید؟ ---- ۱۷۱۶
پرسش ---- ۱۷۱۶
پاسخ ---- ۱۷۱۶
چرا یک سری از شهدا پس از شهادت ، بدنشان سالم می ماند، ولی بعضی دیگر فقط استخوان شان باقی می ماند؟! ---- ۱۷۱۷
پرسش ---- ۱۷۱۷
پاسخ ---- ۱۷۱۷
آیا این فرضیه که می گویند اگر بر سر نماز و یا در مسجد فوت کنی، شهید تلقّی می شوی، درست است، چرا؟ ---- ۱۷۱۷
پرسش ---- ۱۷۱۷
پاسخ ---- ۱۷۱۷

کلمه شهید و شهادت به چه معناست؟ ---- ۱۷۱۸
پرسش ---- ۱۷۱۸
پاسخ ---- ۱۷۱۹
دلیل اینکه اگر غیرمسلمان در نبرد با دشمنان خدا کشته شود، شهید گفته نمی شود چیست؟ ---- ۱۷۱۹
پرسش ---- ۱۷۱۹
پاسخ ---- ۱۷۱۹
اگر روح همه انسان ها زنده و باقی است دیگر حیات امتیازی برای شهداء محسوب نمی شود؟ ---- ۱۷۱۹
پرسش ---- ۱۷۱۹
پاسخ ---- ۱۷۱۹
شهیدان در این جهان و جهان آخرت چه مقامی دارند؟ ---- ۱۷۲۰
پرسش ---- ۱۷۲۰
پاسخ ---- ۱۷۲۰
خداوند متعال بهترین راه برای بسیج نمودن مردم و متحد شدن آنان در برابر دشمن را چه می‌داند؟ ---- ۱۷۲۰
پرسش ---- ۱۷۲۰
پاسخ ---- ۱۷۲۱
الف با توجه به آیه‌ی ۱۵۴ بقره که می‌فرماید: و به آن‌ها که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید ;بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید ".منـ ---- ۱۷۲۱
پرسش ---- ۱۷۲۱
پاسخ ---- ۱۷۲۱
تعریف دقیق شهادت و شهید از نظر شارع مقدس اسلام چیست ---- ۱۷۲۲
پرسش ---- ۱۷۲۲
پاسخ ---- ۱۷۲۲
شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست ؟ ---- ۱۷۲۳
پرسش ---- ۱۷۲۳
پاسخ ---- ۱۷۲۳

شرایط اطلاق واژه شهید به افراد چیست؟ ---- ۱۷۲۳
پرسش ---- ۱۷۲۴
پاسخ ---- ۱۷۲۴
آیا شهادت طلبی با توجه به مسئولیت انسان در قبال خانواده اش , یک نوع خودخواهی نیست ؟ ---- ۱۷۲۴
پرسش ---- ۱۷۲۴
پاسخ ---- ۱۷۲۴
آیا کسانی که در راه مأموریت کشته می شوند (تصادف) نزد خداوند شهید هستند؟ ---- ۱۷۲۴
پرسش ---- ۱۷۲۵
پاسخ ---- ۱۷۲۵
برخی معتقدند کشته شدگان در زلزله شهید هستند آیا صحت دارد؟ ---- ۱۷۲۵
پرسش ---- ۱۷۲۵
پاسخ ---- ۱۷۲۵
شهیدان راه قرآن چه کسانی هستند؟ ---- ۱۷۲۶
پرسش ---- ۱۷۲۶
پاسخ ---- ۱۷۲۶
آیا حق الناس از شهید بخشیده می شود؟ ---- ۱۷۲۷
پرسش ---- ۱۷۲۷
پاسخ ---- ۱۷۲۷
شهید به چه کسی گفته می‌شود؟ ---- ۱۷۲۷
پرسش ---- ۱۷۲۷
پاسخ ---- ۱۷۲۷
دلم می خواهد برای مبارزه با اسرائیل جنایتکار و کمک به مردم مظلوم فلسطین , به آن جا بروم تا دراین راه کشته شوم . آیا کشته شدن در ا
پرسش ---- ۱۷۲۸
پاسخ ---- ۱۷۲۸

آیا آرزوی شهادت برای کسی که مسئولیت زن و فرزند بر عهده او است , اشکال ندارد؟ ---- ۱۷۲۸
پرسش ---- ۱۷۲۸
پاسخ ---- ۱۷۲۸
چگونه می شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟ همچنین شهید شدن مقاماتی می خواهد چگونه می توان به این مقام ها راه پیدا
پرسش ---- ۱۷۲۹
پاسخ ---- ۱۷۲۹
چگونه باید باشیم تا شهادت نصیب ما شود؟ ---- ۱۷۲۹
پرسش ---- ۱۷۲۹
پاسخ ---- ۱۷۲۹
منظور از باقیاتُ الصالحات چیست؟ ---- ۱۷۳۰
پرسش ---- ۱۷۳۰
پاسخ ---- ۱۷۳۰
واژه شهید در قرآن به چه مفهومی است و منظور آیه به انبیا و صالحین وشهدا نعمت داده شده چیست ؟ ---- ۱۷۳۰
پرسش ---- ۱۷۳۰
پاسخ ---- ۱۷۳۰
مشورت ---- ۱۷۳۰
مشورت از دیدگاه قرآن چه جایگاهی دارد؟ پرسش ---- ۱۷۳۰
اشاره ---- ۱۷۳۱
پاسخ ---- ۱۷۳۱
از دیدگاه روایات، مشورت چه جایگاهی دارد؟ پرسش ---- ۱۷۳۱
اشاره ---- ۱۷۳۱
پاسخ ---- ۱۷۳۱
از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی شایستهٔ مشورت معرفی شده‌اند؟ پرسش ---- ۱۷۳۲
اشاره ---- ۱۷۳۲

پاسخ ----- ۱۷۳۲
از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی غیر شایسته برای مشورت معرفی شده‌اند؟ ----- ۱۷۳۳
پرسش ----- ۱۷۳۳
پاسخ ----- ۱۷۳۳
آیا هر کس را می‌توان به عنوان مشاور بویژه در کارهای مهمّ و سنگین انتخاب نمود؟ پرسش ----- ۱۷۳۳
اشاره ----- ۱۷۳۳
پاسخ ----- ۱۷۳۳
از دیدگاه امام علی(ع) با چه کسانی نباید مشورت کرد؟ پرسش ----- ۱۷۳۴
اشاره ----- ۱۷۳۴
پاسخ ----- ۱۷۳۴
آیا مشورت که مورد تاکید اسلام است، یک وظیفهٔ اخلاقی است یا الزامی؟ پرسش ----- ۱۷۳۴
اشاره ----- ۱۷۳۴
پاسخ ----- ۱۷۳۴
بر اساس آیات قرآن آیا در همه امور و شئون اجتماعی باید مشورت کرد یا در پاره ای از آن ها؟ آیا حاکم برای تدبیر و اداره جامعه باید با دیگر
پرسش ----- ۱۷۳۵
پاسخ ----- ۱۷۳۵
در چه مواردی بهتر است با دوستان، مشورت کرد؟ ----- ۱۷۳۶
پرسش ----- ۱۷۳۶
پاسخ ----- ۱۷۳۶
چرا باید با دیگران مشورت کنیم ----- ۱۷۳۶
پرسش ----- ۱۷۳۶
پاسخ ----- ۱۷۳۷
آیا محور مشورت، کوچک و بزرگی و زیادی سنّ است؟ ----- ۱۷۳۷
پرسش ----- ۱۷۳۷

پاسخ ----- ۱۷۳۷
دربارهٔ مشورت از نظر معنا و مفهوم توضیح دهید. ----- ۱۷۳۸
پرسش ----- ۱۷۳۸
پاسخ ----- ۱۷۳۸
هنر و ادبیات ----- ۱۷۳۸
اهمیت هنر در جامعه اسلامی چگونه است ؟ آیا هنرمند مسلمان کم نداریم علت این خلاء چیست ؟ روند بهبود آن چیست ؟ ----- ۱۷۳۹
پرسش ----- ۱۷۳۹
پاسخ ----- ۱۷۳۹
چرا قرآن از شعر نکوهش می کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است ؟ ----- ۱۷۳۹
پرسش ----- ۱۷۳۹
پاسخ ----- ۱۷۳۹
دیدگاه پیامبر اکرم در مورد «شعر» چگونه است؟ ----- ۱۷۴۱
پرسش ----- ۱۷۴۱
پاسخ ----- ۱۷۴۱
شعر در لغت عرب و در اصطلاح ادیبان به چه معنی است؟ ----- ۱۷۴۱
پرسش ----- ۱۷۴۱
پاسخ ----- ۱۷۴۱
نظر اسلام در مورد مقام و موقعیت شعر و شعراء چیست؟ ----- ۱۷۴۲
پرسش ----- ۱۷۴۲
پاسخ ----- ۱۷۴۲
با توجه به آیاتی از سورهٔ شعرا که در مذمت شعر و شاعری است آیا این نگرش شامل همهٔ اشعار و شاعران می‌شود؟ ----- ۱۷۴۴
پرسش ----- ۱۷۴۴
پاسخ ----- ۱۷۴۴
آیا در قرآن کریم آیاتی در رابطه با هنر وجود دارد؟ ----- ۱۷۴۵

پرسش ---- ۱۷۴۵
پاسخ ---- ۱۷۴۵
هنر چیست انواع ان را توضیح دهید. ---- ۱۷۴۶
پرسش ---- ۱۷۴۶
پاسخ ---- ۱۷۴۶
نظر اسلام درباره هنر مجسمه سازی و نقاشی چیست؟ آیا صحیح است که همه مجسمه ها شکسته شود و آثار باستانی از بین برود؟ ---- ۱۷۴۸
پرسش ---- ۱۷۴۸
پاسخ(قسمت اول) ---- ۱۷۴۸
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۱۷۵۰
سنتهای ملی ---- ۱۷۵۳
مبدأ سال های میلادی و شمسی چیست؟ ---- ۱۷۵۳
پرسش ---- ۱۷۵۳
پاسخ ---- ۱۷۵۳
ما باید اوّل مسلمان باشیم بعد ایرانی یا برعکس؟ ---- ۱۷۵۳
پرسش ---- ۱۷۵۳
پاسخ ---- ۱۷۵۳
ریختن آب پشت سر مسافر تایید شرعی دارد یا خرافات است ؟ ---- ۱۷۵۴
پرسش ---- ۱۷۵۴
پاسخ ---- ۱۷۵۴
آیا برای یک مسلمان افتخار به هویت ملی اشکال دارد؟ مصادیق مثبت و منفی این افتخار کدام اند؟ ---- ۱۷۵۴
پرسش ---- ۱۷۵۴
پاسخ ---- ۱۷۵۴
چرا از قدیم مرسوم بوده است حلقه ازدواج را به دست چپ بیندازند؟ ---- ۱۷۵۴
پرسش ---- ۱۷۵۴

پاسخ ----- ۱۷۵۵
نظر اسلام درباره نوروز چیست؟ ----- ۱۷۵۵
اشاره ----- ۱۷۵۵
پرسش ----- ۱۷۵۵
پاسخ ----- ۱۷۵۵
آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟ ----- ۱۷۵۵
پرسش ----- ۱۷۵۵
پاسخ ----- ۱۷۵۵
گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟ ----- ۱۷۵۶
پرسش ----- ۱۷۵۶
پاسخ ----- ۱۷۵۶
چرا برخی مردم بر این عقیده‌اند که عدد سیزده نامیمون است؟ ----- ۱۷۵۶
پرسش ----- ۱۷۵۶
پاسخ ----- ۱۷۵۶
آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟ ----- ۱۷۵۶
پرسش ----- ۱۷۵۶
پاسخ ----- ۱۷۵۶
باورهای خرافی ----- ۱۷۵۷
جدا نمودن آیین مقدس اسلام از سنتهای باطل چگونه است؟ ----- ۱۷۵۷
پرسش ----- ۱۷۵۷
پاسخ ----- ۱۷۵۷
مراسم جهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟ ----- ۱۷۵۷
پرسش ----- ۱۷۵۷
پاسخ ----- ۱۷۵۷

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟ ---- ۱۷۵۷
پرسش ---- ۱۷۵۸
پاسخ ---- ۱۷۵۸
شایعاتی در خرم‌دره زنجان پخش شده که »علم« در حسینیه جوش آورده و شفا یافتن مریض‌ها در این مکان زیاد شده، حال، ماندن در این مکان،
پرسش ---- ۱۷۵۸
پاسخ ---- ۱۷۵۸
نامه‌ها و ادعیه‌هایی که هر از گاهی در منازل انداخته می‌شود یا در قرآن‌ها و مفاتیح‌ها در حرم مطهر نوشته می‌شود و در آن داستان‌هایی بیان می
پرسش ---- ۱۷۵۹
پاسخ ---- ۱۷۵۹
شنیده شده کسی بعد از این که با قرآن استخاره کرده و بد آمده، قرآن را پاره کرده و از نیم تنه تبدیل به خرچنگ شده است. چنین چیزهایی صح
پرسش ---- ۱۷۵۹
پاسخ ---- ۱۷۵۹
شخصی از شهر مدینه وصیت‌نامه‌ای فرستاده که مشتمل بر مطالب زیر می‌باشد: پیامبر اکرم (۹) را در خواب دیدم که به من فرمودند: حاج شیخ اح
پرسش ---- ۱۷۶۰
پاسخ ---- ۱۷۶۰
چرا بعضی ها روز سیزده را نحس می دانند؟ آیا اهل سنت این روز را نحس کرده اند به نام سیزده رجب که روز تولد آقا امیرالمؤمنین(است؟ ۱۷۶۱
پرسش ---- ۱۷۶۱
پاسخ ---- ۱۷۶۱
اینکه گاهی اوقات دربعضی از کتابها مثل منتخب الا دعیه نوشته است که مثلاً یک روحانی درخواب دیده فلان جریان را وبعد مثلاً نوشته باید سه ب
پرسش ---- ۱۷۶۲
پاسخ ---- ۱۷۶۲
در مبانی اسلامی عطسه زدن چه حکمی دارد؟ آیا نظر عرف مبنی بر این که دلالت بر صبر و مکث دارد، حجت است؟ ---- ۱۷۶۳
پرسش ---- ۱۷۶۳
پاسخ ---- ۱۷۶۳

در بخش مهربان وابسته به تبریز یک روستایی است به نام شاه باغی. در ایام محرّم و صفر یک عَلَم دارند به صورت پنج دست. آن را روی یک چوب
پرسش ----- ۱۷۶۳
پاسخ ----- ۱۷۶۳
در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا این م
پرسش ----- ۱۷۶۴
پاسخ ----- ۱۷۶۴
آیا موقعی که عطسه می کنیم حتما باید صبر کنیم؟ ----- ۱۷۶۴
پرسش ----- ۱۷۶۴
پاسخ ----- ۱۷۶۴
مراکز دینی ----- ۱۷۶۴
حوزه علمیه ----- ۱۷۶۴
مبسوط ----- ۱۷۶۵
پرسش ----- ۱۷۶۵
پاسخ ----- ۱۷۶۵
فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟ ----- ۱۷۶۶
اشاره ----- ۱۷۶۶
پرسش ----- ۱۷۶۶
پاسخ ----- ۱۷۶۶
وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟ ----- ۱۷۶۷
پرسش ----- ۱۷۶۷
پاسخ ----- ۱۷۶۷
بنده تمایل به طلبه شدن دارم ولی پدر و مادرم مخالفت می کنند تکلیف من چیست ؟ ----- ۱۷۶۷
پرسش ----- ۱۷۶۷
پاسخ ----- ۱۷۶۸

چرا در حوزه به علوم طبیعی توجه نمی شود در صورتی که علمای اسلامی همگی در چندین رشته صاحب نظر بوده اند؟ ---- ۱۷۶۸
پرسش ---- ۱۷۶۸
پاسخ ---- ۱۷۶۸
چرا ائمه((علیهم السلام)) کار می کردند و روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟ ---- ۱۷۶۸
پرسش ---- ۱۷۶۸
پاسخ ---- ۱۷۶۸
پاسخ ما در برابر افرادی که مقصر تمام مشکلات موجود در جامعه و جوانان را روحانیت می دانند چه می باشد؟ ---- ۱۷۶۹
پرسش ---- ۱۷۶۹
پاسخ ---- ۱۷۶۹
چرا دید مردم نسبت به روحانیت نسبت به زمان انقلاب تغییر بسیار کرده است و آیا این تغییر ناشی از رفتار و عملکرد روحانیون است یا از طر
پرسش ---- ۱۷۷۰
پاسخ ---- ۱۷۷۰
در زمینهٔ تبلیغ روحانیون محترم شبهه ای مطرح می شود مبنی بر اینکه چرا برای آموختن احکام دین، روحانیون پول می گیرند؟ و همینطور
پرسش ---- ۱۷۷۳
پاسخ ---- ۱۷۷۳
لطفاً شرایط ورود به حوزهٔ علمیه را بیان کنید؟ ---- ۱۷۷۴
پرسش ---- ۱۷۷۴
پاسخ ---- ۱۷۷۴
شرایط ثبت نام در جامعهٔ الزهراء قم چیست ؟ ---- ۱۷۷۴
پرسش ---- ۱۷۷۴
پاسخ ---- ۱۷۷۵
چگونه و از چه راهی می توانم وارد حوزه شوم و به تحصیلات حوزوی مشغول‌شوم ---- ۱۷۷۵
پرسش ---- ۱۷۷۵
پاسخ ---- ۱۷۷۵

آیا در حوزه اساتیدی هستند که به تدریس دروس فلسفه , اخلاق و تفسیر مشغول باشند؟ ---- ۱۷۷۵
پرسش ---- ۱۷۷۵
پاسخ ---- ۱۷۷۵
در تعارض اندیشمندان حوزه و دانشگاه کدام طیف را پیشنهاد می کنید؟ ---- ۱۷۷۶
پرسش ---- ۱۷۷۶
پاسخ ---- ۱۷۷۶
این جانب علاقه شدیدی به حوزه دارم حاضرم خدمت سربازی هم بروم , بعد وارد حوزه شوم , چه راهی برای مشکل من پیشنهاد می کنید؟ ۶
پرسش ---- ۱۷۷۶
پاسخ ---- ۱۷۷۶
مردم روستای تولدم احکام شرعی نماز,روزه و...رانمی دانندنیازبه مبلغ وکسی که احکام را آموزش دهد داریم ,آیامن می توانم درکنارتحصیلاتم د
پرسش ---- ۱۷۷۷
پاسخ ---- ۱۷۷۷
فلسفه وجود روحانیت در اسلام چیست روحانیت برای اجتماع اسلامی چه می کند؟ ---- ۱۷۷۷
پرسش ---- ۱۷۷۷
پاسخ ---- ۱۷۷۷
چرا روحانیت در مقابل کار تبلیغی که انجام می دهند مزد می گیرند؟ ---- ۱۷۷۸
پرسش ---- ۱۷۷۸
پاسخ ---- ۱۷۷۸
دلیل کم رنگ شدن گرایش به علما در سال های اخیر چیست ؟ ---- ۱۷۷۸
پرسش ---- ۱۷۷۸
پاسخ ---- ۱۷۷۸
پوشیدن لباس روحانیت با این مقدار زیاد پارچه اسراف نیست و آیا ضرورت دارد؟ ---- ۱۷۷۸
پرسش ---- ۱۷۷۸
پاسخ ---- ۱۷۷۹

چرا طلاب حوزه علمیه مجبورند با شهریه طلبگی بسازند و نمی توانند اشتغالات دیگری داشته باشند؟ ---- ۱۷۷۹
پرسش ---- ۱۷۷۹
پاسخ ---- ۱۷۷۹
استفاده از شهریه و معافیت طلبه ها را در مقایسه با دانشجویان چگونه توجیه می نمائید؟ ---- ۱۷۸۰
پرسش ---- ۱۷۸۰
پاسخ ---- ۱۷۸۰
وظیفه و جایگاه حوزه های اسلامی چیست. آیا فقط تربیت افرادی است که می توانند و می خواهند برای خود عالمی باشند یا بیشتر تربیت افر
پرسش ---- ۱۷۸۱
پاسخ ---- ۱۷۸۱
آیا بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه می توانم در حوزه درس بخوانم ؟ ---- ۱۷۸۲
پرسش ---- ۱۷۸۲
پاسخ ---- ۱۷۸۲
چگونه می توانم بعد از لیسانس ادبیات وارد حوزه شوم و آیا الان می توانم دو رشته را با هم بخوانم آیا سه ماه تابستان می توانم به حوزه بیایم
پرسش ---- ۱۷۸۳
پاسخ ---- ۱۷۸۳
شهریه آخوندها از کجا تامین می شود. ---- ۱۷۸۴
پرسش ---- ۱۷۸۴
پاسخ ---- ۱۷۸۴
با بعضی از دوستان تصمیم گرفتیم دروس حوزه را آغاز کنیم. آیا به نظر شما حوزه الکترونیک سایت تبیان یا حوزه مجازی علوم اسلامی مؤثر ا
اشاره ---- ۱۷۸۵
پرسش ---- ۱۷۸۵
پاسخ ---- ۱۷۸۵
۱-برای ورود به حوزهٔ علمیه چه شرایطی باید داشته باشیم ؟ ---- ۱۷۸۶
اشاره ---- ۱۷۸۶

پرسش ---- ۱۷۸۶
پاسخ ---- ۱۷۸۶
۲-چه رابطه ای میان حوزه علمیه ودانشگاه وجود دارد ؟ ---- ۱۷۸۷
پرسش ---- ۱۷۸۷
پاسخ ---- ۱۷۸۷
علاقمندم که در حوزه علمیه تحصیل کنم , خواهشمندم دراین رابطه مرا راهنمایی کنید؟ ---- ۱۷۸۷
پرسش ---- ۱۷۸۷
پاسخ ---- ۱۷۸۷
چرا به حوزویان کمک هزینه تحصیلی می دهند ولی به دانشجویان نمی دهند؟ ---- ۱۷۸۸
پرسش ---- ۱۷۸۸
پاسخ ---- ۱۷۸۸
از وقتی که طلبه ای وارد حوزه می شود تا وقتی که به درجه اجتهاد می رسد چه مراحلی را باید طی کند و چه مجتهدی می تواند مرجع تقلید
پرسش ---- ۱۷۸۹
پاسخ ---- ۱۷۸۹
تحصیل در حوزه به صورت مکاتبه ای چه شرایطی دارد و من ،در صورت امکان،می خواهم تحصیل کنم؟ ---- ۱۷۸۹
پرسش ---- ۱۷۸۹
پاسخ ---- ۱۷۸۹
با توجه به اینکه پیامبر اکرم و تمامی ائمه اطهار با کار و تلاش تأمین معاش می کرده اند و به کارهایی چون کشاورزی و... می پرداختند چرا برخ
پرسش ---- ۱۷۹۰
پاسخ ---- ۱۷۹۰
شرایط ورود به حوزه علمیه قم چیست ؟ ---- ۱۷۹۲
پرسش ---- ۱۷۹۲
پاسخ ---- ۱۷۹۲
برای کسب علوم حوزوی به طور یکه منافات با کارم نداشته باشد مرا راهنمایی کنید. ---- ۱۷۹۲

پرسش ----- ۱۷۹۲
پاسخ ----- ۱۷۹۲
دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟ ----- ۱۷۹۲
پرسش ----- ۱۷۹۲
پاسخ ----- ۱۷۹۳
به شغل معلمی مشغول بوده و از طرفی علاقه مند به تحصیل در حوزهء علمیه هستم . لطفاًراهنمایی ام بفرمایید. ----- ۱۷۹۳
پرسش ----- ۱۷۹۳
پاسخ ----- ۱۷۹۳
علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیهء قم دارم . حضوراً امکان ندارد به خدمتتان شرفیاب شوم . لطفاًکمکم کنید و بگویید: چگونه می توانم
پرسش ----- ۱۷۹۴
پاسخ ----- ۱۷۹۴
چگونه می توان از طریق مکاتبه در دروس حوزه شرکت نمود؟ ----- ۱۷۹۴
اشاره ----- ۱۷۹۴
پرسش ----- ۱۷۹۴
پاسخ ----- ۱۷۹۴
علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیه خواهران دارم , به صورتی دیگر به ادامه تحصیل دردبیرستان بی علاقه شدم , ولی هر چه با حوزهء ع
پرسش ----- ۱۷۹۵
پاسخ ----- ۱۷۹۵
لطفاً دربارهء گرایش های تحصیلی و برخی دروس حوزوی و دانشگاهی مرتبط با رشته های دانشگاه رضوی و مؤسسه امام خمینی توضیح دهید
پرسش ----- ۱۷۹۵
پاسخ ----- ۱۷۹۵
آیا برای دانشجویان و دیپلمه های مراکز حوزوی , نام هایی از قبیل وجوددارد؟ اگر دارد, جزئیات آن را بنویسید. ----- ۱۷۹۶
پرسش ----- ۱۷۹۶
پاسخ ----- ۱۷۹۶

آیا طلبه در پایه های سوم و چهارم و بالاتر می توانند به صورت غیر حضوری به صورت طلبه آزادتحصیل کنند؟ ---- ۱۷۹۶
پرسش ---- ۱۷۹۶
پاسخ ---- ۱۷۹۶
متأسفانه هیأت امنا و شورای محل ما به مسجد رسیدگی نکرده و روحانی دعوت نمی کنند. به اداره اوقاف و سازمان تبلیغات مراجعه کردم , اثر
پرسش ---- ۱۷۹۶
پاسخ ---- ۱۷۹۷
دختری ۱۸ ساله از شهرستان فسا هستم و اکنون در مقطع پیش انشگاهی مشغول تحصیل هستم و به عقد یکی از بستگان که طلبه حوزه علـ
پرسش ---- ۱۷۹۸
پاسخ ---- ۱۷۹۸
دختری هجده ساله هستم که دارای افت تحصیلی می باشم و به همین خاطر هم از طرف نفس خودم و هم از طرف Ơ...j.....سرزنش می شو
پرسش ---- ۱۷۹۸
پاسخ ---- ۱۷۹۸
علاقه به تحصیل علوم حوزوی دارم. خواهشمندم مرا در این خصوص راهنمایی نمایید؟ ---- ۱۸۰۰
پرسش ---- ۱۸۰۰
پاسخ ---- ۱۸۰۰
چرا شورای مدیریت حوزه علمیه قم تمام حوزه‌های کشور را الزام می‌کند که تحت پوشش شورا قرار گیرند؟ ---- ۱۸۰۰
پرسش ---- ۱۸۰۰
پاسخ ---- ۱۸۰۰
سالیانی از سفر مقام معظم رهبری به قم، دستور ایشان مبنی بر رسیدگی سریع به وضع درسی حوزه‌ها و جلوگیری از اتلاف عمر طلّاب و ماندز
پرسش ---- ۱۸۰۱
پاسخ ---- ۱۸۰۱
مقام معظم رهبری عقیده داشتند که دوره سطح در طول پنج سال به اتمام رسد تا طلاب با ورود سریع‌تر به دوره خارج، زودتر استعداد خود را
پرسش ---- ۱۸۰۱
پاسخ ---- ۱۸۰۱

روال مدرک معادل در حوزه هنوز متداول است؟ آیا طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه وحوزویان مورد موافقت قرار گرفت؟ ----- ۱۸۰۱
پرسش ----- ۱۸۰۱
پاسخ ----- ۱۸۰۲
بنده درروستای مرزبان از توابع شهرستان سنقرکلیایی در استان کرمانشاه زندگی می کنم . این روستاحدود ۳۵۰تا ۴۰۰نفر جمعیت دارد, ولی د
پرسش ----- ۱۸۰۲
پاسخ ----- ۱۸۰۲
دختری هستم ۱۸ساله که به حجاب و دینداری اهمیت می دهم و با دیگران رفت و آمد ندارم وهمین سبب شده است برخی من را مقدس مآب
پرسش ----- ۱۸۰۲
پاسخ ----- ۱۸۰۲
آیا با توجه به تعدد و تنوع سؤالات فقهی و کلامی و فلسفی و... حوزه و روحانیت برنامه مشخص ومدونی دارد؟ چند مرکز پاسخگویی رسمی وج
پرسش ----- ۱۸۰۳
پاسخ ----- ۱۸۰۳
تحصیلات حوزوی غیر حضوری چند سال طول می‌کشد؟ کتب و جزوات مربوطه را از کجا باید تهیه کرد؟ هزینه‌اش چقدر است؟ آیا امتحانش
پرسش ----- ۱۸۰۴
پاسخ ----- ۱۸۰۴
آیا برای تحصیل در حوزه های دینی داشتن شرایط خاصی لازم است ؟ آیا تحصیل در حوزه های دینی به صورت غیر حضوری امکان پذیر اس
پرسش ----- ۱۸۰۴
پاسخ ----- ۱۸۰۴
شغل روحانیون در جامعه چیست و از چه طریقی امرار معاش می‌کنند و نتیجه درس خواندن آنان چیست؟ ----- ۱۸۰۵
پرسش ----- ۱۸۰۵
پاسخ ----- ۱۸۰۵
خانمی ۳۳ ساله‌ام و مدتی است که شوهرم را از دست داده‌ام و یک پسر دارم. مدتی است که دنبال شغلی هستم اما هنوز نیافته‌ام از طرفی مایا
پرسش ----- ۱۸۰۶
پاسخ ----- ۱۸۰۶

دانشجوی دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی هستم. آیا می توانم پس از گرفتن مدرک لیسانس برای طلبه شدن در حوزه علمیه قم ثبت نام

پرسش ----- ۱۸۰۷

پاسخ ----- ۱۸۰۷

غیر از مرجع تقلید، به کدام روحانی می‌توان اطمینان کرد؟ ----- ۱۸۰۷

پرسش ----- ۱۸۰۷

پاسخ ----- ۱۸۰۷

آیا همه روحانیون، طلبه هستند؟ ----- ۱۸۰۷

پرسش ----- ۱۸۰۷

پاسخ ----- ۱۸۰۸

بی شک در دنیای کنونی ترویج اسلام احتیاج به روشهای جدید مناسب با پیشرفت زمان علاقه دارم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شوم لط

پرسش ----- ۱۸۰۸

پاسخ ----- ۱۸۰۸

علاقه زیادی به طلبه شدن دارم , ولی دوبار به حوزهء قم مراجعه کردم نپذیرفتند, لطفاً راهنمایی فرمایید. ----- ۱۸۰۸

پرسش ----- ۱۸۰۸

پاسخ ----- ۱۸۰۸

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟ ----- ۱۸۰۹

پرسش ----- ۱۸۰۹

پاسخ ----- ۱۸۰۹

ـ آیا در حوزه های علمیه مدرک رسمی می دهند و امکان استخدام در ادارات دولتی با مدرک حوزه هست ؟ اگر کسی پس از گذراندن دوره ای

پرسش ----- ۱۸۰۹

پاسخ ----- ۱۸۱۰

تقاضای اشتغال در حوزهء علمیهء قم را دارم . راهنماییم فرمایید. ----- ۱۸۱۰

پرسش ----- ۱۸۱۰

پاسخ ----- ۱۸۱۰

علاقه مند به تحصیل دروس حوزهء علمیه هستم . آیا می توانم به شکل غیر حضوری و با استفاده ازنوار به این هدف برسیم ؟ ---------- ۱۸۱۱
پرسش ---------- ۱۸۱۱
پاسخ ---------- ۱۸۱۱
در حال اتمام دورهء سطح یک تربیت معلم قرآن مجید در سازمان تبلیغات اسلامی هستم . آیا حوزه می تواند برای این چنین اشخاصی دوره ه
پرسش ---------- ۱۸۱۱
پاسخ ---------- ۱۸۱۱
دوست دارم به حوزه علمیه قم بیایم، ولی از شرایط آن برخوردار نیستم. لطفاً راهنمایی بفرمایید. ---------- ۱۸۱۲
پرسش ---------- ۱۸۱۲
پاسخ ---------- ۱۸۱۲
دانشجوی سال اوّل کاردانی الکترونیک هستم. علاقهٔ وافری به دروس حوزوی دارم، منتها در اثر بعضی تلقینات منفی و شیطانی گاهی منصرف
پرسش ---------- ۱۸۱۲
پاسخ ---------- ۱۸۱۲
آیا درس های حوزهٔ علمیه سخت است؟ ---------- ۱۸۱۳
پرسش ---------- ۱۸۱۳
پاسخ ---------- ۱۸۱۳
چرا بین بعضی از روحانیون محترم اختلاف و درگیری است؟ ---------- ۱۸۱۳
پرسش ---------- ۱۸۱۳
پاسخ ---------- ۱۸۱۳
بعضی‌ها برای رد کردن روحانیت به جریان قند و چای استناد می‌کنند و می‌گویند آخوندها اول می‌گفتند قند نجس است، ولی اگر آن را در چا
پرسش ---------- ۱۸۱۴
پاسخ ---------- ۱۸۱۴
از همان ابتدا علاقه‌ای به تحصیل در علوم پزشکی نداشتم و آن را به خواستهٔ اطرافیان و متأثر شدن از جوّ قبول کردم . در عین حال نسبت به
پرسش ---------- ۱۸۱۵
پاسخ ---------- ۱۸۱۵

اینجانب داوطلب آزمون سراسری حوزه‌های علمیه می‌باشم. در صورت قبولی و اتمام سطح (یک) حوزه، چگونه می‌توان تحت پوشش سازمان ت
پرسش ---- ۱۸۱۶
پاسخ ---- ۱۸۱۶
حوزه علمیّه قم در چه سالی و با چه هدفی تأسیس شد. ---- ۱۸۱۶
پرسش ---- ۱۸۱۶
پاسخ ---- ۱۸۱۷
علاقمند به تحصیل در رشتهٔ علوم و معارف اسلامی هستم و چون این رشته در شهرستان وجود ندارد مجبور شدم در رشتهٔ علوم انسانی تحصیا
پرسش ---- ۱۸۱۷
پاسخ ---- ۱۸۱۷
آیا امکان دارد فردی هم زمان در دانشگاه و حوزه تحصیل کند؟ ---- ۱۸۱۷
پرسش ---- ۱۸۱۷
پاسخ ---- ۱۸۱۷
حوزهٔ علمیه از نظر روایات و آیات چه جایگاهی دارد؟ ---- ۱۸۱۸
پرسش ---- ۱۸۱۸
پاسخ ---- ۱۸۱۸
دوست دارم به مراتب عالی علم و ایمان برسم و طالب خوب‌ترین هستم. می‌خواهم در حوزه علمیه درس بخوانم و تحصیلات در رشته‌های مهم
پرسش ---- ۱۸۱۸
پاسخ ---- ۱۸۱۹
آیا در حوزهٔ علمیه هم چیزی شبیه پیام نور وجود دارد که فقط امتحان بگیرند؟ ---- ۱۸۱۹
پرسش ---- ۱۸۱۹
پاسخ ---- ۱۸۲۰
در اداره کارمند روحانی داریم. وی در ماه های محرّم و رمضان اداره را ترک می کند و در سائر ایام نیز به موقع رفت و آمد نمی کند و منظم نیـ
پرسش ---- ۱۸۲۰
پاسخ ---- ۱۸۲۰

آیا می شود همراه درس دانشگاه، دروس حوزه را خواند و یا به صورت غیر حضوری فقط تابستان شرکت کرد و امتحان داد؟ ---------- ۱۸۲۱
پرسش ---------- ۱۸۲۱
پاسخ ---------- ۱۸۲۱
مشتاق مهاجرت به قم و تحصیل در حوزهٔ علمیه هستم، آیا با توجه به وضع این جانب، این کار میسّر است؟ ---------- ۱۸۲۱
پرسش ---------- ۱۸۲۱
پاسخ ---------- ۱۸۲۱
علاقه به درس خواندن در حوزهٔ علمیه را دارم اما به علت بالا بودن سن مورد پذیرش قرار نگرفتم در صورت امکان راهنمایی نمایید. -- ۱۸۲۲
پرسش ---------- ۱۸۲۲
پاسخ ---------- ۱۸۲۲
در دانشگاه تحصیل می کنم، اما علاقهٔ خاصی به فراگیری علوم حوزوی دارم، لطفاً نحوهٔ ثبت نام و شرایط آن را ذکر فرمایید. ---------- ۱۸۲۲
پرسش ---------- ۱۸۲۲
پاسخ ---------- ۱۸۲۲
چرا مرکز مدیریت حوزهٔعلمیه قم برای طلبه شدن شرایط مشکلی درست کرده است؟ ---------- ۱۸۲۳
پرسش ---------- ۱۸۲۳
پاسخ ---------- ۱۸۲۳
شرایط تحصیل آزاد در حوزهٔ علمیهٔ قم چیست؟ ---------- ۱۸۲۳
پرسش ---------- ۱۸۲۳
پاسخ ---------- ۱۸۲۳
چرا غیر از قم شهر های دیگر از نظام مرکز مدیریت قم خارج است؟ ---------- ۱۸۲۳
پرسش ---------- ۱۸۲۳
پاسخ ---------- ۱۸۲۴
دختری هستم بیست و دو سال دارم. ترک تحصیلی سال اوّل دبیرستان می باشم و به خاطر مشکلات مادی و خانوادگی نتوانستم ادامه تحصیا
پرسش ---------- ۱۸۲۴
پاسخ ---------- ۱۸۲۴

طلبه با مدرک سیکل با طلبهٔ با مدرک دیپلم یایهٔ شش حوزه را به اتمام می‌رسانند. آیا هر دو دارای یک مدرک حوزوی هستند یا با هم فرق می

پرسش ----- ۱۸۲۴

پاسخ ----- ۱۸۲۴

آیا در قم به طلبهٔ دختر شهریه می‌دهند؟ ماهانه چقدر شهریه می‌دهند؟ آیا به طلابی که متأهل هستند، مسکن می‌دهند؟ ----- ۱۸۲۴

پرسش ----- ۱۸۲۵

پاسخ ----- ۱۸۲۵

جهت ارتباط مستمر با حوزهٔ علمیهٔ قم و دفاتر مراجع تقلید و حضرات آیات راهنمایی و مساعدت فرمایید. ----- ۱۸۲۵

پرسش ----- ۱۸۲۵

پاسخ ----- ۱۸۲۵

لباس روحانیت (عمامه و عبا) از چه زمانی مرسوم شد؟ ----- ۱۸۲۵

پرسش ----- ۱۸۲۵

پاسخ ----- ۱۸۲۵

در حوزه علمیه قم خواهران تا چه سطحی تحصیل می‌کنند؟ آیا شهریه می گیرند؟ ----- ۱۸۲۶

پرسش ----- ۱۸۲۶

پاسخ ----- ۱۸۲۶

اینجانب با مدرک لیسانس معارف الهی" الهیات "مشغول انجام وظیفه هستم. آیا می توانم دروس حوزوی بخوانم و مدرک فوق لیسانس یا دکت

پرسش ----- ۱۸۲۶

پاسخ ----- ۱۸۲۷

اگر بخواهیم دروس حوزوی را بخوانیم، از چه طریقی ممکن است؟ در صورتی که شاغل باشیم چطور ----- ۱۸۲۷

پرسش ----- ۱۸۲۷

پاسخ ----- ۱۸۲۷

چگونه می‌توانم از دروس حوزوی بهره‌مند شوم؟ آیا با وجود داشتن لیسانس می‌توانم در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مکاتبه‌ای دروس حوز

پرسش ----- ۱۸۲۷

پاسخ ----- ۱۸۲۷

اینجانب دانشجویی ۲۴ ساله‌ام و الحمدللّه از نظر شغلی و معیشتی مشکلی ندارم. علاقه مند به تحصیل در حوزه می‌باشم، ولی به علّت سن زیاد، ... ۱۸۲۸
پرسش ... ۱۸۲۸
پاسخ ... ۱۸۲۸
در حال اتمام تحصیلات دانشگاهی هستم و علاقه‌مند به گذراندن دروس حوزوی مخصوصاً فقه و فلسفه هستم. اوّلاً ورود به حوزه چه شرایطی ... ۱۸۲۸
پرسش ... ۱۸۲۸
پاسخ ... ۱۸۲۹
حوزه علمیه نجف توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شد؟ ... ۱۸۲۹
پرسش ... ۱۸۲۹
پاسخ ... ۱۸۲۹
تفاوت بین ثقةالاسلام، حجةالاسلام، آیت‌الله و آیت الله العظمی چیست؟ آیا رسیدن به این درجات بدون حضور در کلاس امکان‌پذیر است؟ ۳۰
پرسش ... ۱۸۳۰
پاسخ ... ۱۸۳۰
اینجانب با داشتن کارشناسی چگونه می‌توانم در حوزه‌های علمیه تحصیل کنم؟ ... ۱۸۳۰
پرسش ... ۱۸۳۰
پاسخ ... ۱۸۳۱
بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم ... ۱۸۳۱
پرسش ... ۱۸۳۱
پاسخ ... ۱۸۳۱
فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟ ... ۱۸۳۲
اشاره ... ۱۸۳۲
پرسش ... ۱۸۳۲
پاسخ ... ۱۸۳۲
چگونه می توان همزمان در دانشگاه و حوزه تحصیل نمود؟ ... ۱۸۳۳
پرسش ... ۱۸۳۳

پاسخ ----- ۱۸۳۳

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم

پرسش ----- ۱۸۳۳

پاسخ ----- ۱۸۳۳

منظور از دور ?غیر حضوری پنج سال ?کوتاه مدت حوز ?علمیه چیست؟ ----- ۱۸۳۴

پرسش ----- ۱۸۳۴

پاسخ ----- ۱۸۳۴

جامعه منهای روحانیت به چه معناست و چه کسانی این شعار را می‌دهند ----- ۱۸۳۴

پرسش ----- ۱۸۳۴

پاسخ ----- ۱۸۳۵

مقاله آقای دکتر سروش درباره حریت و روحانیت که در کیان ۲۴ چاپ شده تا چه اندازه درست است ؟ ----- ۱۸۳۵

پرسش ----- ۱۸۳۵

پاسخ ----- ۱۸۳۵

در مورد چگونگی تحصیل فلسفه در حوزه و مدت زمان آن توضیح دهید؟ ----- ۱۸۳۷

پرسش ----- ۱۸۳۷

پاسخ ----- ۱۸۳۷

آیا اگر حوزه به علوم طبیعی و ریاضی مجهز شود بهتر نیست ؟ ----- ۱۸۳۷

پرسش ----- ۱۸۳۷

پاسخ ----- ۱۸۳۷

حوزه علمیه قم چرا به وجود آمد اهدافش چیست چه مسائلی در آن آموزش داده می شود؟ ----- ۱۸۳۸

پرسش ----- ۱۸۳۸

پاسخ ----- ۱۸۳۸

حوزه علمیه قم تا چه اندازه به حکومت و دولت وابسته است ؟ ----- ۱۸۳۸

پرسش ----- ۱۸۳۸

پاسخ ---- ۱۸۳۸
اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در زمینه های فکری و سیاسی چگونه اند و درچه خطوطی حرکت می کنند؟ ---- ۱۸۳۸
پرسش ---- ۱۸۳۸
پاسخ ---- ۱۸۳۸
آیا در حوزه کسانی مثل شهید بهشتی و مطهری وجود دارند که جوانان و دانشجویان را ارشاد کنند؟ ---- ۱۸۳۸
پرسش ---- ۱۸۳۹
پاسخ ---- ۱۸۳۹
راه ورود به حوزه برای دانشجویانی که خدمت سربازی نرفته اند چیست ؟ ---- ۱۸۳۹
پرسش ---- ۱۸۳۹
پاسخ ---- ۱۸۳۹
علاقه زیادی به علوم حوزوی علم الحدیث دارم و چگونه می توانم در ضمن تحصیل دانشگاهی به این علم دسترسی پیدا کنم ---- ۱۸۴۰
پرسش ---- ۱۸۴۰
پاسخ ---- ۱۸۴۰
در حوزه علمیه چه دروسی تدریس می شود ---- ۱۸۴۰
پرسش ---- ۱۸۴۰
پاسخ ---- ۱۸۴۰
آیا می توان مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوقی را در حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهم ؟ ---- ۱۸۴۱
پرسش ---- ۱۸۴۱
پاسخ ---- ۱۸۴۱
مراحل دروس عمومی و تخصصی حوزه را برایم توضیح دهید ---- ۱۸۴۱
پرسش ---- ۱۸۴۱
پاسخ ---- ۱۸۴۱
چرا حوزه های علمیه پاسخگوی شبهات جوانان نیستند؟ ---- ۱۸۴۲
پرسش ---- ۱۸۴۲

پاسخ ----- ۱۸۴۳
حوزه علمیه چه تاثیری در جامعه دارد؟ ----- ۱۸۴۳
پرسش ----- ۱۸۴۳
پاسخ ----- ۱۸۴۳
چگونه می توانم دروس حوزه را مطالعه نمایم * آیا سیستم نوار با توجه به شرایط بنده * روش مناسبی است ؟ (یعنی مطالعه کتاب با نوار و بعد
پرسش ----- ۱۸۴۳
پاسخ ----- ۱۸۴۳
برنامه درسی حوزه و نحوه گذراندن سطوح آنرا شرح دهید؟ ----- ۱۸۴۴
پرسش ----- ۱۸۴۴
پاسخ ----- ۱۸۴۴
علاقمند به تحصیل علوم حوزوی هستم بفرمایید به چه نحوی میسراست و شرایطش چیست ولطفا کتبی در زمینه های اعتقادی ,اخلاقی وسی
پرسش ----- ۱۸۴۵
پاسخ ----- ۱۸۴۵
اگر دانشجویی بخواهد تحصیلات حوزوی و به خصوص علوم قرآنی را فرا بگیرد بدون آنکه تحصیلات طولانی و وقت گیر حوزه را بگذراند آیا راه
پرسش ----- ۱۸۴۵
پاسخ ----- ۱۸۴۶
در مورد دروس حوزوی ،سطوح و پایه ها و ... و کلا نظام آموزشی حاکم بر حوزه ها توضیح دهید. ----- ۱۸۴۶
پرسش ----- ۱۸۴۶
پاسخ ----- ۱۸۴۶
آیا تحصیل علوم حوزوی از طریق سی دیهای درسی مفید هست یا نه؟ و آیا می توان با استفاده از این سی دی ها دروس را خوب فرا گرفت؟ ;
پرسش ----- ۱۸۴۷
پاسخ ----- ۱۸۴۷
از درجه صفر تا به درجه اجتهاد رسیدن چگونه میباشد?پیش نیازها را نام ببرید لطفا ...به اضافه اینکه چند سال طول میکشد معمولا... ۱۸۴۸
پرسش ----- ۱۸۴۸

پاسخ ---- ۱۸۴۸

یکی از الزامات حضور در حوزه های علمیه داشتن موی سر کوتاه است.در غیر این صورت طلبه از مدرسه اخراج خواهد شد.هنگامی که صحبت

پرسش ---- ۱۸۴۹

پاسخ ---- ۱۸۵۰

بسم الله الرحمن الرحیم با سپاس فراوان به خاطر پاسخ های مدون دست اندرکاران من دانشجویی هستم که بسیار علا قمند هستم در زمینه د

پرسش ---- ۱۸۵۱

پاسخ ---- ۱۸۵۱

آیا برای آشنایی هر چه بیشتر با علوم اسلامی امکانات و خدماتی وجود دارد؟ ---- ۱۸۵۲

پرسش ---- ۱۸۵۲

پاسخ ---- ۱۸۵۲

لطفاً شرایط ورود به حوزهٔ علمیه را بیان کنید؟ ---- ۱۸۵۲

پرسش ---- ۱۸۵۲

پاسخ ---- ۱۸۵۳

جامعه الزهرای قم چه مرکزی است ؟ ---- ۱۸۵۴

پرسش ---- ۱۸۵۴

پاسخ ---- ۱۸۵۴

آیا کلمه روحانیت -آن گونه که دکترشریعتی در کتاب (بازگشت به خویشتن) بیان کرده -ازتحریفات عصرصفویه بوده و از مسیحیت واردجامع

پرسش ---- ۱۸۵۵

پاسخ ---- ۱۸۵۵

فهرستی از دروس حوزه را بیان نمائید؟ ---- ۱۸۵۶

پرسش ---- ۱۸۵۶

پاسخ ---- ۱۸۵۶

سؤال ۱۰: فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟ ---- ۱۸۵۷

پرسش ---- ۱۸۵۷

پاسخ ----- ۱۸۵۷

من علاقه به فراگیری علوم و دروس حوزوی دارم و می‌خواهم بدانم مدت آن چند سال است و هم چنین در رشته علوم سیاسی چه درس هایی

پرسش ----- ۱۸۵۸

پاسخ ----- ۱۸۵۸

۴ چرا در گزینش طلبه دقت کافی نمی شود؟ چرا مانندبودایی ها که برای مسئولیت و رهبری معبدی , از دوران کودکی شخص مورد نظررا کن

پرسش ----- ۱۸۵۹

پاسخ ----- ۱۸۵۹

شنیده ام که می شود از قم کتاب مجانی دریافت کرد. لطفاًراهنمایی کنید؟ ----- ۱۸۵۹

پرسش ----- ۱۸۵۹

پاسخ ----- ۱۸۵۹

علاقه به دروس حوزوی دارم , ولی بندر انزلی نه جوّ خوبی دارد ونه حوزهء مناسبی . آیا می توانم در حوزهء علیمهء قم مشغول شوم , لطفاً از ک

پرسش ----- ۱۸۶۰

پاسخ ----- ۱۸۶۰

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چگونه است , آیا تحصیل در حوزه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است ؟ ----- ۱۸۶۰

اشاره ----- ۱۸۶۰

پرسش ----- ۱۸۶۰

پاسخ ----- ۱۸۶۰

در آزمون سراسری سال ۷۹شرکت کرده ایم و دوست دارم در دانشگاه قم قبول شده و یا درحوزه مشغول شوم , چون در مورد درس عربی مش

پرسش ----- ۱۸۶۱

پاسخ ----- ۱۸۶۱

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چیست ؟ آیا تحصیل در جزوه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است و حوزه , تعهدی نسبت به

پرسش ----- ۱۸۶۲

پاسخ ----- ۱۸۶۲

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟ ----- ۱۸۶۲

پرسش ---------- ۱۸۶۲
پاسخ ---------- ۱۸۶۲
چگونه می توانیم برگهء پرسش ها و شبهات را تهیه نماییم ؟ ---------- ۱۸۶۳
پرسش ---------- ۱۸۶۳
پاسخ ---------- ۱۸۶۳
مایلم وقتی بزرگ شدم , در حوزهء علمیهء قم تحصیل کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید باید چه کار کنم . ---------- ۱۸۶۳
پرسش ---------- ۱۸۶۳
پاسخ ---------- ۱۸۶۳
خانمی هستم متولد ۱۳۳۴و مجرد و شاغل در یکی از مراکز درمانی . در یک بحران شدیدروحی قرار گرفته ام و در سال آخر رشتهء علوم تربیتی
پرسش ---------- ۱۸۶۴
پاسخ ---------- ۱۸۶۴
پسری هفده ساله هستم و دوست دارم طلبه شوم , مدرک و شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه چیست ؟ و امتحان ورودی آن چه زمانی اس
پرسش ---------- ۱۸۶۴
پاسخ ---------- ۱۸۶۴
لطفاً دربارهء تحصیل در حوزه به صورت عموم و یا همراه با تحصیل در دانشگاه توضیح دهید. ---------- ۱۸۶۵
پرسش ---------- ۱۸۶۵
پاسخ ---------- ۱۸۶۵
دوست دارم وارد حوزه شوم . راه هایی را که می توانم از آن طریق وارد حوزه شوم , بیان کنید. ---------- ۱۸۶۵
پرسش ---------- ۱۸۶۵
پاسخ ---------- ۱۸۶۵
بنده طلبه ای هستم که پدرم نابینا و زمین گیر شده و خانوادهء ما شش نفری است و مقدار زیادی مقروض هستیم . اگر مقدرتان است ما را کم
پرسش ---------- ۱۸۶۶
پاسخ ---------- ۱۸۶۶
دارای لیسانس معارف اسلامی و مشتاق هستم در زمینهء تفسیر و معانی قرآن مجید ادامهء تحصیل بدهم . آیا در قم جایی هست که به صورت

پرسش ----- ۱۸۶۶
پاسخ ----- ۱۸۶۶
علاقه زیادی به شهر قم و اقامت در آن دارم , تنها راه رسیدن به آن را حوزهء علمیه می دانم . امسال ثبت نام کرده ام , ولی ذخیره قبول شده
پرسش ----- ۱۸۶۷
پاسخ ----- ۱۸۶۷
برای تفقه در دین چه راهنمایی دارید؟ ----- ۱۸۶۷
پرسش ----- ۱۸۶۷
پاسخ ----- ۱۸۶۷
چه کسانی به سؤالات ما پاسخ می دهند؟ آیا بنده می توانم از طریق مکاتبه ای به تحصیل علوم حوزوی بپردازم ؟ ----- ۱۸۶۸
پرسش ----- ۱۸۶۸
پاسخ ----- ۱۸۶۸
دوست عزیز! نامهء شما رسید. در نامه خود به نکات فراوانی اشاره نموده بودید ;گاه انتقاداتی پسندیده داشتید و گاه پیشنهاداتی مفید. در عین
پرسش ----- ۱۸۶۸
پاسخ ----- ۱۸۶۹
آیا امکان تحصیل غیر حضوری در حوزهء علمیهء قم وجود دارد؟ لطفاً از کمّ و کیف آن مرا مطلع کنید. ----- ۱۸۷۰
پرسش ----- ۱۸۷۰
پاسخ ----- ۱۸۷۰
در صورت امکان چگونگی راه یافتنب ه حوزهء علمیّه خواهران را برایم ارسال فرمایید؟ ----- ۱۸۷۱
پرسش ----- ۱۸۷۱
پاسخ ----- ۱۸۷۱
آیا فارغ التحصیلان جامعهٔالزهرا استخدام می شوند؟ ----- ۱۸۷۱
پرسش ----- ۱۸۷۱
پاسخ ----- ۱۸۷۱
دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟ ----- ۱۸۷۱

پرسش ----- ۱۸۷۱
پاسخ ----- ۱۸۷۱
مساجد ----- ۱۸۷۲
از نظر قرآن کریم ساختن مسجد چه حکمی دارد؟ ----- ۱۸۷۲
پرسش ----- ۱۸۷۲
پاسخ ----- ۱۸۷۲
اگر در محلی یا روستایی مسجد و حسینیه وجود داشته باشد و افرادی بخواهند در رقابت با هیئت امنأ مسجد دیگری همانجا بنا کنند. آیا بانیار
پرسش ----- ۱۸۷۲
پاسخ ----- ۱۸۷۳
آبادانی مساجد به چیست ----- ۱۸۷۳
پرسش ----- ۱۸۷۳
پاسخ ----- ۱۸۷۳
در محل گنبد سبزه اردستان حسینه ای ساخته شده که تصمیم گرفتیم کتابخانه ای هم در آن مکان تاسیس شود, لذا احتیاج مبرم به قرآن و
پرسش ----- ۱۸۷۴
پاسخ ----- ۱۸۷۴
اولین مسجدی که درایران ساخته شد، چه نام دارد؟ ----- ۱۸۷۴
پرسش ----- ۱۸۷۴
پاسخ ----- ۱۸۷۵
قطع ارتباط با مسجد، چه پیامدهایی دارد؟ ----- ۱۸۷۵
پرسش ----- ۱۸۷۵
پاسخ ----- ۱۸۷۵
فواید ارتباط با مسجد چیست ----- ۱۸۷۶
پرسش ----- ۱۸۷۶
پاسخ ----- ۱۸۷۶

"مسجد خانه خداست یعنی چه ---- ۱۸۷۷
پرسش ---- ۱۸۷۷
پاسخ ---- ۱۸۷۷
مسجد چیست؟ ---- ۱۸۷۸
پرسش ---- ۱۸۷۸
پاسخ ---- ۱۸۷۸
منظور از مسجد الحرام چیست و آیا مسجد می‌تواند حرام باشد؟ ---- ۱۸۷۸
پرسش ---- ۱۸۷۸
پاسخ ---- ۱۸۷۸
آیا مسلمان در برابر مسجد وظیفه دارد ---- ۱۸۷۹
پرسش ---- ۱۸۷۹
پاسخ ---- ۱۸۷۹
مسجد ضرار به معنای چیست؟ ---- ۱۸۷۹
پرسش ---- ۱۸۷۹
پاسخ ---- ۱۸۷۹
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ---- ۱۸۸۱

فرهنگ و اجتماع

مشخصات کتاب

نویسنده : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی ناشر : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

مسائل اجتماعی

روابط اجتماعی

این مَثَل" خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو "را در چه موقع به کار می برند؟ اگر در جمعی هم کار خلاف شرع انجام دهند و ما متوجه شویم، باید همرنگ شویم و اگر هم یک رأی دادند، ما بی دلیل قبول کنیم؟

پرسش

این مَثَل" خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو "را در چه موقع به کار می برند؟ اگر در جمعی هم کار خلاف شرع انجام دهند و ما متوجه شویم، باید همرنگ شویم و اگر هم یک رأی دادند، ما بی دلیل قبول کنیم؟

پاسخ

در ابتدا باید توجه داشتکه این تنها یک ضرب المثل است و حکم قطعی عقلانی یا حکم شرعی نیست که لازم باشد تا آن را به هر گونه که شده حفظ کرد. با صرف نظر از این مسئله، این ضرب المثل به عنوان یک مسئلهٔ رایج در جامعهٔ ما، دو معنا می‌تواند داشته باشد: ۱ـ گاهی انسان در جامعه ای زندگی می کند که ارزش و سنت های مشروع و مقبول در آن فراموش شده و اکثر مردم به فرهنگ و سنت های غیر منطقی عادت کرده، همان سنت ها را قبول دارند. در چنین فضایی گاهی گفته می‌شود: خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو. اگر انسان در چنین جامعه ای قرار گیرد، نه تنها نباید با جماعت همرنگ شود، بلکه باید با رعایت شرایط، با سنت های غیر مشروع مبارزه نماید. هنر مؤمنان و دین مداران در جوّ زدایی چنین جامعه ای ظهور می کند؛ چنان که پیامبران و بزرگان دین با سنت های غیر منطقی جوامع خویش مبارزه نموده و با فضای جامعهٔ خویش همسو و همرنگ نشده اند. از این رو عدم همرنگ شن آنان با سنت های غیر منطقی و غیر مشروع از امتیازات انبیا به حساب آمده است. حضرت ابراهیم(ع) در جامعه ای زندگی می کرد که بت پرستی و خرافه گرایی به اوج خود رسیده بود، ولی به رغم آنکه تنها بود، با مردم عصر خویش همسو نشد و تحت فضای جامعهٔ خویش قرار نگرفت، گرچه عدم همسویی او با سنت های پذیرفته شدهٔ عصر خود، سختی را در پی داشت؛ از این رو خداوند او را ستود.[۱۷] پیامبر اسلام(ص) در زمانی مبعوث شد که فرهنگ جاهلیت جزیره العرب را فرا گرفته بود.[۱۸] و پیامبر نه تنها جذب و همرنگ جامعهٔ آن روز نشد بلکه عملاً با سنت های جامعه مبارزه نمود و به فرهنگ سازی پرداخته و پیام آور عدل و معنویت بود و در راه رسیدن به این هدف سختی ها و اهانت ها را تحمل نمود تا آنجا که به او ساحر گفتند![۱۹] به طور کلی اگر قرار بر این بود که همرنگ جماعت شوند، هیچ پیامبری نباید به تبلیغ دین خدا و دستورهای الهی می پرداخت و به آداب و سنت ها و عقاید باطل جامعهٔ زمان خود به مبارزه می پرداخت. ائمه(ع) نیز از وضعیت جامعهٔ خویش راضی نبوده و با سنت های اشتباه همرنگ نمی شدند، گرچه در جامعه ای که آنها زندگی می کردند، دین و ارزش های آن نادیده گرفته شده بود؛[۲۰] از این رو امام علی(ع) یکی از اهداف حکومت خویش را حکامیت دین و ارزش های آن بیان نمود.[۲۱] و مدیران خود را به دین

سالاری و ارزش مداری دعوت کرد.[۲۲] امام حسین(ع) نیز یکی از اهداف قیام خویش را امر به معروف و نهی از منکر بیان نمود.[۲۳] فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ناهنجارها است. البته مبارزه با وضع جامعهٔ غیر مطلوب باید بر اساس شرایط و سازکارهای خاص صورت گیرد. از این رو در آمورزه های دینی تقیه و سکوت نمودن نیز در برخی موارد خاص مدّ نظر قرار گرفته است. بنابراین اگر جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند، مطلوب نباشد، نباید با آن همسو شد و به بهانهٔ همرنگی با جماعت کارهای خلاف شرع انجام داد و یا به آن رأی مثبت داد و تنها اکثریت را در نظر داشت. اگر مبارزه با سنت های جامعهٔ غیر مطلوب، پیامدهای منفی را در پی داشت و شرایط مبارزه فراهم نبود، لازم نیست مبارزه نمود، بلکه انسان یعی کند گناه و کارهای خلاف شرع انجام ندهد. ۲ـ گاهی مقصود از همرنگ شدن جماعت بدان معنا است که انسان در جامعه ای زندگی می کند که بر اساس سنت ها و ارزش های دینی اداره می‌شود و فضای جامعه، فضای دین داری وارزش محوری است. طبیعی است در چنین جامعه ای همسویی و همرنگی وظیفهٔ همهٔ ارزشمداران و دین باوران است. عدم همگرایی و وادادگی از جامعهٔ مطلوب نه تنها ارزش نیست، بلکه نوعی مخالفت با نظام دینی به حساب می‌آید. در جامعهٔ آرمانی همسویی همگان لازم است. شاید لزوم بیعت نمودن همگان وحضور همهٔ مردم، به ویژهٔ شخصیت ها بدان جهت است که همسویی و همرنگی در جامعهٔ مطلوب ضروری است. در یک جامعهٔ کوچک به نام خانواده و محفل دوستانه نیز دو احتمال مذکور را می‌توان لحاظ نمود؛ از این رو در خانواده و محافل دوستانه که در ان خلاف شرع صورت می گیرد، نمی توان به بهانهٔ همرنگ شدن با جماعت کار خلاف شرع انجام داد. با خانواده و محفلی که در آن ارزش و دین مداری حاکمیت دارد؛ باید همرنگ شد. در مورد آداب و سنت های قومی وملی که مخالف با ارزش های دینی نیست و چه بسا پسندیده نیز هست، همرنگی و همسویی وحداقل احترام به آنها مطلوب و پسندیده است. [۱۸] فروغ ابدیت، ج ۱ - ۲، ص ۴۳ به بعد. [۱۹] ص(۳۸) آیهٔ ۳۸؛ یونس (۱۰) آیهٔ ۲. [۲۰] مهدی پیشوایی، سیرهٔ پیشوایان، ص ۱۴۵. [۲۱] نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۳۱. [۲۲] همان، نامهٔ ۵۳. [۲۳] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۴؛ مقتل مقرم، ص ۱۳۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴ ص ۳۲۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۹۱.

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

پرسش

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

پاسخ

هدف نظام های اجتماعی مادی و غیر الهی , بهره مندی از مزایای زندگی دنیا و به عبارتی سعادت دنیایی است . از این رو آنها اساس زندگی اجتماعی را قوانین موردپذیرش و قراردادی میان اعضای اجتماع می دانند . اما اسلام از آنجا که برای انسان سعادت اخروی نیز قایل است و می داند که نیل به این سعادت ممکن نیست مگر از طریق معارف الهی که جمله آنها به توحید برمی گردند . اساس اجتماع را دین توحیدی قرارداده است و بر اساس همین دین توحیدی است که قوانین گوناگون جعل کرده است . ضمان اجرای این قوانین را نیز اولا به دست حکومت اسلامی سپرده و سپس بر عهده جامعه اسلامی قرار داده است .

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

پرسش

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در اسلام مسآله ای وجود دارد که در ملتهای دیگر امروز دنیا به صورت یک قانون دینی وجود ندارد (البته نمیگوئیم پیغمبران سلف نداشته اند) و آن این است که اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسؤول و متعهد میداند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسؤول و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسؤول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسؤولیت و تعهد داری. آیا می توان گفت چنین دینی دین قضا و قدری است؟ البته قضا و قدری به مفهومی که آنها می گویند که کارها را خدا باید انجام دهد و بشر از این جریان و مسیر خارج است و مسؤولیتی ندارد، آنچنان قضا و قدری که از بشر نفی و سلب آزادی و مسؤولیت و تعهد می کند. قرآن چنین قضا و قدری را نمی پذیرد. آیا شما در این زمینه جمله ای بالاتر از آن آیه کوچک ـ که با تفاوت مختصری در دو جای قرآن آمده است ـ پیدا میکنید: «اِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِاَنفُسِهِم» رعد/۱۱ این آیه آب بسیار صاف و پاکی است که بر سر منتظرها، آنهایی که به انتظار هستند که همیشه خدا از یک راه غیر عادی کارها را درست کند، می ریزد. انتظار بیهوده نکشید. «اِنَّ» یعنی تحقیقا مطلب این است. تحقق و واقعیت این است که هرگز خداوند اوضاع و احوال را به سود مردم عوض نمیکند «حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِاَنْفُسِهِم» مگر وقتی که خود آن مردم آنچه مربوط به خودشان است، آنچه که در خودشان هست: اخلاق، روحیه، ملکات، جهت، نیات و بالآخره خودشان را عوض کنند. آیا شما می توانید صریحتر از این، مسؤولیت پیدا کنید؟ آنهم مسؤولیت در برابر یک اجتماع، یعنی اجتماع را برای مسؤولیت مخاطب قرار بدهد.

: قرآن برای «امّت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامهٔ عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۴/۱۰۲) بدیهی است که «امّت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی

پرسش

: قرآن برای «امّت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامهٔ عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۴/۱۰۲) بدیهی است که «امّت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است. جامعه‌ها از آن جهت که در شمار موجودات زنده و شاعر و مکلّف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامهٔ عمل دارند و به سوی نامهٔ عمل خود خوانده می‌شوند. یک امّت، شعور واحد، معیارهای خاص، طرز تفکّر خاص پیدا می‌کند و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصّی قضاوت می‌کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امّتی ذوق و ذائقهٔ ادراکی خاص دارد؛ بسا کارها که در دیدهٔ امّتی زیبا و در دیدهٔ امّتی دیگر نازیباست؛ جوّ اجتماعی امت است که ذائقهٔ ادراکی افراد خود را اینچنین می‌سازد.

پاسخ

: قرآن برای «امّت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامهٔ عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۴/۱۰۲) بدیهی است که «امّت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است. جامعه‌ها از آن جهت که در شمار موجودات زنده و شاعر و مکلّف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامهٔ عمل دارند و به سوی نامهٔ عمل خود خوانده می‌شوند. یک امّت، شعور واحد، معیارهای خاص، طرز تفکّر خاص پیدا می‌کند و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصّی قضاوت می‌کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امّتی ذوق و ذائقهٔ ادراکی خاص دارد؛ بسا کارها که در دیدهٔ امّتی زیبا و در دیدهٔ امّتی دیگر نازیباست؛ جوّ اجتماعی امت است که ذائقهٔ ادراکی افراد خود را اینچنین می‌سازد.

چه ویژگی انسانی باعث تکامل اجتماعی زندگی اوست؟

پرسش

چه ویژگی انسانی باعث تکامل اجتماعی زندگی اوست؟

پاسخ

انسان خصایصی دارد که به موجب آن خصایص، زندگی اجتماعی‌اش متکامل است. یکی از آن خصایص و استعدادها، حفظ و جمع تجارب است؛ آنچه را که وسیلهٔ تجربه و اکتساب به دست می‌آورد، آن را نگهداری می‌کند و پایهٔ تجارب بعدی قرار می‌دهد. یکی دیگر استعداد یادگیری از راه بیان و قلم است. تجارب و مکتسبات دیگران را نیز از راه زبان و در مرحلهٔ عالی‌تر از راه خط به خود منتقل می‌کند. تجارب یک نسل، از طریق مکالمه و از طریق نوشتن برای نسلهای بعد باقی می‌ماند و روی هم انباشته می‌شود. ویژگی سوم، مجهّز بودن انسان به نیروی عقل و ابتکار است. انسان به واسطهٔ این نیروی مرموز، قدرت آفرینندگی و ابداع دارد، مظهر خلّاقیت و ابداع الهی است. چهارمین ویژگی او، میل ذاتی و علاقهٔ فطری به نوآوری است.

چرا قرآن, انسانهای نخستین را «امت واحده» می‌نامد؟ پرسش

اشاره

چرا قرآن, انسانهای نخستین را «امت واحده» می‌نامد؟

پاسخ

انسان های اوّلی, بر اساس اندیشه و فطرت ساده خود, از بینش و منش مشترکی بر خوردار بودند؛ یعنی هم در جهان بینی, بینش واحدی داشتند و هم در تشخیص حق و باطل و مصالح و مفاسد, روش مشترکی داشتند. از این رو, خداوند آنان را به «امّت واحده» ستوده است «کان الناس أُمة واحدة...» بقره / ۲۱. «امّت» به جمعیّتی می‌گویند که مقصد خاص و مقصود و امام معیّنی را دنبال می‌کنند. و وصف تأکیدی «واحدة» در «اُمّة واحدة» نشان گر آن است که مردم در فطرت اوّلی خویش , سمت و سوی واحدی را دنبال می‌کردند و هیچ گونه اختلاف و مشاجره‌ای در بین آنان نبوده است؛ چون یا اختلاف فکری و علمی نداشتند یا بسیار کم بود

و اختلافات عملی نیز اگر در بین آنان راه پیدا می کرد, به وسیله فطرت توحیدی و نصایح انبیای پیشین از حضرت آدم (ع) تا نوح (ع) حلّ می‌شد؛ چون وحی آسمانی در حدّ موعظه در رفع اختلاف راه گشاست. نفی اختلاف و مشاجره در انسانهای اوّلی, یا برای آن است که همه آنان مانند فرشتگان به فعلیّت و کمال خویش رسیده بودند.از این رو, اختلاف و مزاحمتی با یک دیگر نداشتند, یا این که مردم اوّلی در بساطت زندگی می کردند و هنوز به سوی کمال حرکت نکرده بودند تا با یک دیگر بر خوردی داشته باشند؛ نظیر درختی که هنوز به فعلیّت نرسیده است و در هسته است وبه تنه و شاخه و خوشه تبدیل نشده, هیچ مشاجره و مزاحمتی در بین آنها نیست؛ چون همهٔ این کمالات را «بالقوّه» دارد؛ نه «بالفعل». امّا هسته , وقتی در درون خاک, جا گرفت و زمین را شکافت و جوانه زد و به سوی کمال حرکت کرد, یا مزاحمت‌هایی را بر سر راه خود می‌یابد, یا شاخه‌ها با یک دیگر برخورد می کنند؛ چون می‌خواهند به فعلیّت برسند و اگر از اختلاف بین انسان ها به مشاجره یاد می کنند, به خاطر همین تنازع شاخه های درخت است. انسان های اوّلی همانند هستهٔ جامد, بدون مشاجره بودند؛ چون آنان از نظر جهان بینی, محیط زیست و روابط اجتماعی در بساطت به سر می‌بردند و در حدّ حیات حیوان زندگی می کردند (حیوان بالفعل و انسان بالقوّه بودند)؛ نیازی به وسایل کشاورزی و دامداری و صنعتی نداشتند و جز تحصیل مواد غذایی رنجی را تحمّل نمی کردند؛ چون, نه نیاز به ذخیره سازی آن داشتند و نه نیاز به حمل و نقل آن به مکان های دور دست.زندگی بسیط و بی آلایش آنان همراه با اندیشهٔ ابتدایی, زمینهٔ وحدت و اتّحاد آنان را فراهم می کرد؛ ولی کم کم بر اثر پیشرفت علم و اندیشه و صنعت و گسترش روابط اجتماعی, اختلافات علمی‌عمیق و عملی در آنان راه پیدا کرد و زمینهٔ بعثت پیامبران اولوالعزم و نزول کتاب و قانون را فراهم کرد تا بار دیگر به اتحاد مطلوب دست یابند.

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟

پرسش

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟

پاسخ

حقیقت این است که ادعای جدا بودن خون‌ها و نژادها خرافه‌ای بیش نیست. نژاد سامی و آریائی و غیره به صورت جدا و مستقل از یکدیگر فقط در گذشته بوده است اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و نقل و انتقال صورت گرفته است که اثری از نژادهای مستقل باقی نمانده است. بسیاری از مردم امروز ایران که ایرانی و فارسی زبانند و داعیه ایرانی گری دارند یا عربند یا ترک یامغول، همچنانکه بسیاری از اعراب که با حماسه زیادی دم از عربیت میزنند از نژاد ایرانی یا ترک یا مغول میباشند. شما اگر همین حالا سفری به مکه و مدینه بروید، اکثر مردم ساکن آنجا را میبینید که در اصل اهل هند یا ایران یابلخ یا بخارا یا جای دیگری هستند. شاید بسیاری از کسانی که نژادشان از کورش و داریوش است، الآن در کشورهای عربی تعصب شدید عربیت دارند و بالعکس شاید بسیاری از اولاد ابو سفیانها امروز سنگ تعصب ایرانیت به سینه میزنند. چند سال پیش یکی از اساتید دانشگاه تهران کوشش داشت با دلیل اثبات کند که یزید بن معاویه یک ایرانی اصیل بوده تا چه رسد به فرزندانش، اگر در این سرزمین باشند. پس آنچه به نام ملت فعلاً وجود دارد این است که ما فعلاً مردمی هستیم که در یک سرزمین و در زیر یک پرچم و با یک رژیم حکومتی و با قوانین خاصی زندگی میکنیم، اما اینکه نیاکان و اجداد ما هم حتماً ایرانی بودهاند یا یونانی یا عرب یا مغول یا چیز دیگر، نمیدانیم. اگر ما ایرانیان بخواهیم بر اساس نژاد قضاوت کنیم و کسانی را ایرانی بدانیم که نژاد آریا داشته باشند، بیشتر ملت ایران را باید غیر ایرانی بدانیم و بسیاری از مفاخر خود را از دست بدهیم، یعنی از این راه بزرگترین ضربت را بر ملیت ایرانی زدهایم. الآن در ایران

قومها و قبایلی زنـدگی میکننـد که نه زبانشان فارسـی است و نه خود را از نژاد آریا میداننـد. به هر حال در عصـر حاضـر دم زدن از استقلال خونی و نژادی خرافهای بیش نیست.

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟

پرسش

آیا ادعای جدا بودن خون ها و نژاد ها صحیح است؟

پاسخ

حقیقت این است که ادعای جدا بودن خونها و نژادها خرافهای بیش نیست. نژاد سامی و آریائی و غیره به صورت جدا و مستقل از یکـدیگر فقط در گذشـته بوده است اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و نقل و انتقال صورت گرفته است که اثری از نژادهای مسـتقل بـاقی نمانـده اسـت. بسـیاری از مردم امروز ایران که ایرانی و فارسـی زباننـد و داعیه ایرانی گری دارنـد یـا عربنـد یـا ترک یـامغول، همچنـانکه بسـیاری از اعراب که بـا حماسه زیادی دم از عربیت میزننـد از نژاد ایرانی یا ترک یا مغول میباشـند. شـما اگر همین حالا سفری به مکه و مـدینه برویـد، اکثر مردم ساکن آنجا را میبینیـد که در اصل اهل هنـد یا ایران یابلخ یا بخارا یا جای دیگری هسـتند. شایـد بسـیاری از کسـانی که نژادشـان از کورش و داریوش است، الآن در کشورهای عربی تعصب شدیـد عربیت دارنـد و بالعکس شاید بسـیاری از اولاد ابو سـفیانها امروز سـنگ تعصب ایرانیت به سینه میزنند. چند سال پیش یکی از اساتید دانشگاه تهران کوشش داشت با دلیل اثبات کند که یزید بن معاویه یک ایرانی اصیل بوده تا چه رسد به فرزندانش، اگر در این سـرزمین باشـند. پس آنچه به نام ملت فعلاً وجود دارد این است که ما فعلاً مردمی هستیم که در یک سرزمین و در زیر یک پرچم و با یک رژیم حکومتی و با قوانین خاصـی زندگی میکنیم، اما اینکه نیاکان و اجداد ما هم حتماً ایرانی بودهاند یا یونانی یا عرب یا مغول یا چیز دیگر، نمیدانیم. اگر ما ایرانیان بخواهیم بر اساس نژاد قضاوت کنیم و کسانی را ایرانی بـدانیم که نژاد آریا داشـته باشـند، بیشتر ملت ایران را باید غیر ایرانی بـدانیم و بسـیاری از مفاخر خود را از دست بدهیم، یعنی از این راه بزرگترین ضـربت را بر ملیت ایرانی زدهایم. الآن در ایران قومها و قبایلی زنـدگی میکننـد که نه زبانشان فارسـی است و نه خود را از نژاد آریا میداننـد. به هر حال در عصـر حاضـر دم زدن از استقلال خونی و نژادی خرافهای بیش نیست.

دیدگاه قرآن نسبت به برخورد اسلام با اقلیت‌های مذهبی چیست؟ پرسش

اشاره

دیدگاه قرآن نسبت به برخورد اسلام با اقلیت‌های مذهبی چیست؟

پاسخ

دیـدگاه قرآن چگونگی برخورد مسـلمانان با غیر مسـلمانان را مورد توجه قرار داده است می‌فرمایـد ۱ـ «لا ـ یَنْهاکُمُ اللهُ عَنِ الَّذینَ لَمْ یُقاتِلُوکُمْ فِی الدّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُم مِنْ دِیارِکُمْ اَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطینَ ـ اِنَّما یَنْهاکُمْ اللهُ عَنِ الَّذینَ قاتَلُوکُمْ فِی الـدّینِ وَ اَخْرَجُوکُمْ مِنْ دِیـارِکُمْ وَظـاهَرُوا عَلَی اِخْراجِکُمْ اَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ فَاولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ» ممتحنه/۸ و ۹ ۲ـ «قاتِلُوا

الَّذينَ لا ـ يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ لا ـ بِالْيَوْمِ الاخِرِ وَ لا يُحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ لا يَدينُونَ دينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذينَ اُوتُوا الْكِتابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صاغِرُونَ» توبه/۲۹ ۳ـ «وَ لا ـ تُجادِلُوا اَهْلَ الْكِتابِ اِلّا بِالَّتى هِىَ اَحْسَنُ اِلّا الَّذينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذى اُنْزِلَ اِلَيْنا وَ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَ اِلهُنا وَ اِلهُكُمْ واحِد وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» عنكبوت/۴۶ ۴ـ «قُلْ يا اَهْلَ الْكِتابِ تَعالَوْا اِلى كَلِمَةٍ سَواء بَيْننا وَ بَيْنَكُمْ اَنْ لا نَعْبُدَ اِلّا اللهَ وَ لانُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً اَرْباباً مِنْ دونِ اللهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِاَنّا مُسْلِمُونَ» آل عمران/۶۴ ۵ـ «لَتَجِدَنَّ اَشَدَّ النّاسِ عَداوَةً لِلَّذينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذينَ اَشْرَكُو وَ لَتَجِدَنَّ اَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ قالُوا اِنّا نَصارى ذلِكَ بِاَنَّ مِنْهُمْ قِسّيسينَ وَ رُهْباناً وَ اَنَّهُمْ لا يَسْتَكْبِرُونَ» مائده/۸۲ ۱ ـ [خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد ـ تنها شما را از دوستی کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند، یا به بیرون راندن شما کمک کردند، با آنها دوستی نداشته باشید و هر کس آنها را دوست دارد ظالم و ستمگر است.] ۲ ـ [با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا ایمان دارند و نه به روز جزا و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده، حرام می‌شمرند و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم «جزیه» را به دست خود بپردازند.] ۳ ـ [با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند و (به آنها) بگویید ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم و معبود ما و شما یکی است و ما در برابر او تسلیم هستیم.] ۴ ـ [بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را، غیر از خدای یگانه، به خدایی نپذیرد، هرگاه (از این دعوت) سر باز زنند بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم (و در برابر فرمان خداوند یگانه تسلیم هستیم).] ۵ ـ [به یقین، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند «ما نصاری هستیم» این به خاطر آن است که در میان آنها افرادی عالم و تارک دنیا هستند و آنها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند.]

دیدگاه امام علی(ع) در برخورد با اهل ذمه چیست؟ پرسش

اشاره

دیدگاه امام علی(ع) در برخورد با اهل ذمه چیست؟

پاسخ

(هنگامی که به امام امیرمؤمنان علی(ع) خبر دادند که غارتگران سپاه معاویه به شهر مرزی«انبار» ریخته و نمایندهٔ آن حضرت، «حسّان بن حسان» را کشته و اموال مسلمانان و غیر مسلمانان را غارت کرده‌اند، مردم را به جهاد دعوت فرمود و خطبهٔ معروف جهاد را خواند و در اثناء این خطبه چنین بیان کرد) «به من خبر داده‌اند که بعضی از مردان آنها به خانهٔ زن مسلمان و زن غیر مسلمانی که معاهد بوده (و باید جان و مال و ناموسش در پناه اسلام محفوظ بماند) وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌های آنها را از تنشان بیرون آورده، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع از خود، جز گریه و التماس کردن نداشتهاند ...اگر به خاطر این حادثهٔ دردناک، مسلمانی از روی تأسف دق کند و بمیرد ملامت نخواهد شد، بلکه از نظر من شایسته و سزاوار است». در اینجا امام(ع)، زنان معاهد غیر مسلمان را همطراز زنان مسلمان، در لزوم دفاع از آنها قرار داده و از غارت اموال آنان، آن چنان ناراحت شده که می‌فرماید «اگر کسی این خبر را بشنود و از اندوه و غصّه بمیرد، جای سرزنش ندارد!». تعبیری از این گویاتر دربارهٔ دفاع از

حیـــــثیت اهـــــل ذمّـــــه و جـــــان و مـــــال و نـــــاموس آنهـــــا پیـــــدا نمی‌شـــــود.

رفتار مسلمانان با غیر اهل ذمه چگونه است؟ پرسش

اشاره

رفتار مسلمانان با غیر اهل ذمه چگونه است؟

پاسخ

گاه تصور می‌شود که غیر مسلمانان تنها به دو گروه تقسیم می‌شوند، «اهل ذمّه» و «محاربین» یعنی گروهی با مسلمانان پیمان همزیستی مسالمت آمیز دارند و گروهی در حال جنگ و نبرد هستند، بنابراین هر کس اهل ذمّه نیست، محارب است و جان و مالش محترم نیست. ولی غیر مسلمانان در حقیقت چهار گروهند زیرا غیر از دو گروه بالا، گروه سوّمی به عنوان «معاهد» (کسانی که عهد و پیمان با مسلمانان دارند، هر چند در خارج محیط اسلامی زندگی کنند وصورت اقلیّت نداشته باشند) و «مهادن» که نه جزء اقلیّتها است و نه «معاهد» است که پیمانی با مسلمین داشته باشد و نه در حال جنگ است، بلکه جداگانه از مسلمانان در کشور خود زندگی می‌کند و هیچ گونه مزاحمتی با مسلمین ندارد. در دنیای امروز این چهار گروه، مصادیق روشنی دارد ۱ـ اقلیتهایی هستند که درداخل کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و مشمول قوانین آن کشورند و حکومت اسلامی متعهد است جان و مال و ناموس آنها را حفظ کند و از حقوق آنها دفاع نماید، آنها مالیاتی به حکومتهای اسلامی می‌پردازند که همان مالیات را می‌توان به جای مالیات «جزیه» حساب کرد، زیرا «جزیه»، از مادّهٔ «جزاء»به معنی چیزی است که حکومت اسلامی به عنوان هزینه و پاداش دفاع از آنها می‌گیرد و اینها همان اهل ذمّه هستند. ۲ـ کشورهایی هستند که مانند«اسرائیل» و «آمریکا» که در حال حاضر با مسلمین در حال جنگند و از هیچ گونه کارشکنی بر ضدّ آنها کوتاهی نمی‌کنند، اینها کافران حربی هستند که ما هیچ گونه تعهّدی در مقابل آنها نداریم. ۳ـ غیر مسلمانانی هستند که با ما مناسبات دوستی دارند، و سفیر با ما مبادله کرده‌اند و گاه پیمانهای تجاری و اقتصادی و فرهنگی با آنها داریم، یا از طریق سازمانهای بین المللی در برابر یکدیگر تعهّدهایی سپرده‌ایم، همهٔ اینها مصداق «معاهد» هستند و باید طبق تعهّداتی که با آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم (از طریق سازمانهای بین المللی) داریم رفتار کنیم و احترام متقابل را رعایت کنیم. بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی را می‌توان در این گروه نام برد. ۴ـ ممکن است کشورهایی باشند که نه در حال جنگند و نه پیمانی با ما دارند، نه سفیر با آنها مبادله کرده‌ایم، نه معاهده‌ای با آنها داریم، ولی نه آنان مزاحم ما هستندو نه ما مزاحم آنها، در برابر چنین کشورهایی نیز ما باید رعایت اصول انسانی و اخلاقی را داشته باشیم. از آنچه در بالا گفته شد این نکته روشن است که«اهل ذمّه» تنها آن گروهی از اهل کتاب هستند که در داخل کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند، و احکام جزیه، یا عدم تظاهر به معاصی و گناهان کبیره و مانند آن از احکام ذمّه مربوط به اینهاست و امّا اهل کتاب که در کشورهای خودشان زندگی دارند، مصداق اهل ذمّه محسوب نمی‌شوند، هر چند با ما پیمانهایی داشته باشند، آنها مصداق«معاهد» و گاه «محارب» و گاه مصداق«مهادن» هستند.

صمیمیت و استحکام روابط، از کجا پیدا می شود؟ پرسش

اشاره

صمیمیت و استحکام روابط، از کجا پیدا می شود؟

پاسخ

منافع مادی، معمولاـ منشا ایجاد انواع اختلافات و کینه ها و از بین رفتن صمیمیت است. باید برای رسیدن به این هدف، به یک سلسله اصول غیر مادی پایبند بود. یعنی حسن نیت و صمیمیت در سایه ایمان تامین می شود نه به وسیله حساب های بی روح مادی. به همین جهت، هیچ حکومتی، غیر از حکومت دین و اخلاق قدرت ندارد تا غریزه استخدام و خودخواهی را در بشر کنترل کند، به اجتماع او نظم و آرامش دهد. اگر دستورات صحیح مذهبی به صورت شایسته، مورد استفاده قرار گیرد، در نتیجه جامعه به سوی کمال مخصوص خود، هدایت می شود. دین با قوانین خود، شرایطی در محیط زندگی افراد بشر ایجاد می کند که باعث رشد و پرورش کافی آنها می شود. به وسیله قوانین محکم و مقررات خود، در بین دلهای افراد، الفت و صمیمیت ایجاد می کند و عللی را که موجب فاصله و دوری افراد از یکدیگر است، از بین می برد. دین به خاطر ایجاد وحدت عقیده، انسان ها را از پراکندگی فکری نجات داده، هدف های مادی را تعدیل می کند و سرانجام، افراد یک جامعه را مانند اعضا یک بدن، تحت فرمان یک روح، یک اراده و یک فکر قرار می دهد. اجتماعی که افراد آن به اصول ایمان و اخلاق پایبند نیستند، صحنه مبارزه قدرت های مادی است و هر کس برای استفاده بیشتر خود، تلاش بیشتری می کند. در نتیجه، اجتماع به صورت یک صحنه (تنازع بقاء) و (نبرد زندگی) در می آید. لازم به توضیح نیست که در چنین اجتماعی تامین آزادی ـ برای رشد و نمو افراد و تهیه وسایل ممکن برای کمک به تکامل فکری، اخلاقی و عملی ـ ممکن نیست، زیرا این امور با اصل تنازع، هیچ گونه سازشی ندارد. اما در اجتماعی که اصل ایمان و اخلاق، حکومت می کند، یک محیط گرم همکاری و هماهنگی کامل برای رفع مشکلات زندگی به وجود می آید که به جای (تنازع بقاء)، (تعاون بقاء) بر آن حکومت می کند. در چنین اجتماعی افراد می توانند از حداکثر آزادی به منظور رشد فکری، اخلاقی و عملی استفاده کنند و به کمک یکدیگر، وسایل رسیدن به این هدف مقدس را برای عموم فراهم سازند.

در اسلام چند نوع برادری وجود دارد؟

پرسش

در اسلام چند نوع برادری وجود دارد؟

پاسخ

در اسلام دو نوع برادری دیده میشود؛ یکی برادری عمومی که تمام افراد مسلمان در آن مشترکند، و دیگری برادری خصوصی که از طریق عقد مواخاۀ (بستن پیمان برادری) حاصل میشود و هرکدام از این دو نوع اخوت، تعهدات و وظائفی را دربردارد. نمونه «اخوت خصوصی» همان است که پیغمبر گرامی اسلام (ص) ۵ یا ۸ ماه بعد از آمدن به مدینه، میان یک دسته ۴۵ یا ۵۰ نفری از مهاجران، با دستۀ دیگری بهمین تعداد از انصار برقرار ساخت، و میان بعضی از مهاجران نیز این معنی را ایجاد نمود. از جمله طبق روایتی که میان دانشمندان اسلام مسلم است عقد، اخوت میان «خودش» و «علی» (ع) بست. این پیمان برادری خصوصی اسلامی، به قدری عمیق و ریشه‌دار بود که حتی طبق پاره‌ای از روایات اسلامی اینگونه برادران از یکدیگر ارث نیز می‌بردند، تا بعد از غزوۀ بدر که آیۀ شریفه «اولوا الارحام ....» نازل گردید و وارث منحصراً خویشاوندان (در طبقات نخستین ارث) شدند. و به این ترتیب قرآن

بزرگترین سد تشکل اجتماعی که همان امتیازات مختلف از جمله امتیازات (نژادی)، (قبیله‌ای)، و (طبقاتی) بود برداشت، و راه را برای حکومت واحد جهانی در پرتو قانون واحدی هموار ساخت.

چرا بشر به زندگی اجتماعی تن در می‌دهد؟ پرسش

اشاره

چرا بشر به زندگی اجتماعی تن در می‌دهد؟

پاسخ

جامعه شناسان پس از مطالعات فراوان، به این حقیقت اعتراف کرده اند که «بشر طبعا اجتماعی است و بدون اجتماع نمی تواند زندگی کند. بنابراین طبق غریزه فطری و احساسات درونی خود، به زندگی اجتماعی تن در می دهد؛ زیرا می بیند که به تنهایی قادر به حل مشکلات زندگی و رسیدن به کمال نیست و یا حداقل، همکاری با افراد، آسان ترین راه، برای رسیدن به این هدف است و چون بهره هر کس از سرمایه های روحی و جسمی، محدود است و از عهده هر کاری بر نمی آید؛ به ناچار باید از سرمایه های فکری و بدنی که در اختیار دیگران است کمک بگیرد و از طرفی، دیگران هم معمولا حاضر نیستند تا به طور رایگان، سرمایه های خود را در اختیارش بگذارند. نتیجه این می شود که این موضوع از راه مبادله سرمایه های فکری و بدنی و نتایج آنها به انجام برسد.» و این که جمعی از علمای سوسیولوژی معتقدند «که منشا پیدایش مدنیت در ابتدا، ترس انسان از حیوانات درنده بود، تنها یک گوشه از این احتیاجاتی را که با کمک های متقابل افراد، انجام پذیر است و نه تمام جوانب آن را نشان می دهد.»

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

پرسش

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

پاسخ

گسترش زندگی دسته جمعی بشر، و برچیده شدن زندگی فردی او در بیابانها و بیغوله‌ها و جنگلها و شکاف کوهها، همگی از یک حقیقت روشن حکایت می کنند، و آن اینکه بشر خواهان زندگی دسته جمعی است که در پرتو معاونت و همکاری یکدیگر، بتواند بر بسیاری از مشکلات چیره گردد، و موانعی را که بر سر راه زندگی سعادتمندانه اوست، از میان بردارد. درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظریات گوناگونی مطرح شده است که ذیلا به آن اشاره می کنیم: بر پایه یک نظریه، ممکن است ما گرایش انسان به زندگی اجتماعی را جزو سرشت و از فطریات او بشماریم و معتقد گردیم که یکی از غرایز و تمایلات درونی وی این است که در کنار همنوع خود زندگی کند و از زندگی فردی دوری گزیند چنانکه گروهی از دانشمندان بر این عقیده‌اند، و از قدیم گفته‌اند, «الإنسان مدنی بالطبع». نظریه دیگر مقتضی است که یا گرایش مزبور را اثر مستقیم غریزه «استخدام طلبی» بشر بدانیم و بگوییم: «استخدام» و استفاده از هر موجودی به نفع خویش، از غرایز اصلی بشر است، یعنی همانطور که انسان از میوه و شاخه و برگ و ریشه و چوب و هیزم درختها در زندگی استفاده می کند و آنها را در راه مقاصد خود به کار می‌برد و یا از گوشت و پوست و پشم

و خون و شیر و شاخ انواع حیوانات بهره می‌برد و همه را در راه مقاصد حیاتی خود «استخدام» می‌نماید، همچنین در راه پیشبرد مقاصد زندگی خود، از وجود همنوعان استفاده نموده، و به حکم غریزه «استخدام» به زندگی دسته جمعی که از آثار بارز آن استفاده متقابل از دسترنج دیگران است، تن می‌دهد و این غریزه را درباره همنوعان خود به کار می‌برد. چیزی که هست، موجودات دیگر در برابر قدرت و نیروی فکری وی بدون قید و شرط تسلیم می گردند، ولی از آنجا که انسان دارای درک و شعور و تفکر است، نمی‌توان کار و کوشش او را رایگان تملک نمود؛ زیرا او نیز انسانی است همانند دیگران، حس و شعور دارد، «خود خواه» و «خود دوست» است، و خواهان همان چیزی است که دیگری از او می‌خواهد، از این نظر انسانی که خواهان استفاده از دسترنج دیگران است ناچار است مقداری از نتایج کار و کوشش خود را در اختیار دیگران بگذارد تا متقابلا از نتایج آنها برخوردار گردد. اینجاست که «روح استخدام طلبی» انسان به صورت بهره‌برداری متقابل و بر اساس «تعاون» و «همکاری» تجلی می‌نماید و همه افراد، نتایج کار و کوشش خود را روی هم ریخته و هر فردی به اندازه وزن اجتماعی و موقعیت خود، رفع نیاز می کند. برخی درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظر سومی را ابراز داشته‌اند، که تا حدودی از دو نظر گذشته روشنتر و مفهومتر می‌باشد و آن این است که: سرچشمه میل انسان به زندگی اجتماعی همان غریزه «حب ذات و خود دوستی او» به ضمیمه یک استدلال و راهنمایی عقلی است. توضیح اینکه: هر فردی به حکم غریزه «خود دوستی»، خواهان تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی خود می‌باشد، و روی این غریزه می‌خواهد از مواهب طبیعی و نیروهای نهفته جهان ماده هر چه بیشتر استفاده کند، ولی از آنجا که مشکلات زندگی بی شمار است و شعاع قدرت هر فردی کاملاً محدود می‌باشد ، ناچار باید به ضمیمه قدرتهای دیگر، نیروهای سرکش طبیعت را مهار کند، و به جنگ مشکلات حیات رفته و بر آنها پیروز گردد. این همان راهی است که عقل پیش پای انسانهای خواهان تکامل و ترقی می گذارد، و راه نیل به سعادت را در پرتو زندگی دسته جمعی، آن هم بر اساس تعاون و همکاری، می‌داند. بنابر این اگر انسان خواهان مدنیت و زندگی اجتماعی است و یا اگر به دنبال استخدام موجودات طبیعی و همنوعان خود می‌رود، نه از این نظر است که مدنیت جزو سرشت اوست و یا «استخدام موجودات» از غرایز انسان می‌باشد، بلکه از آنجا که غریزه «خود دوستی» او را به تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی پرلذت دعوت می‌نماید و راه رسیدن به درخواست این غریزه، در نظر عقل، جز زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری نیست، از این جهت با راهنمایی عقل، به سوی زندگی دسته جمعی کشیده می‌شود و پایه گذار مدنیت می گردد.

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

پرسش

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

پاسخ

خداوند عواطف اجتماعی را بر محور ایمان و تقوا و بر اساس دین الهی، کنترل و محدود کرده و اجازه تجاوز از این حدود را نمی دهد. مخالفت قرآن با عواطف و دوستی هایی که از چارچوب ملاک نامبرده تجاوز کرده باشد، شدید است و با تعابیر تند، در آیه های بسیاری، مسلمانان را از آن منع می کند. در این جا نمونه ای از این آیه ها را می آوریم: (لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شئ الا ان تتقوا منهم تقاة یحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر) . ((مؤمنین نباید کافران را دوست خود گیرند و هر کس چنین کند, از سوی خدا چیزی به حساب نمی آید (و رابطه اش با خدا قطع می شود) مگر

آن که بخواهد برای حفظ خود از شر آنها تقیه کند. خداوند شما را از عقاب خود می ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.)) شاید بتون گفت که این آیه از صریح ترین و گویا ترین آیه ها در این زمینه است که با لحنی تند، مؤمنان را از برقراری روابط دوستانه با کفار بر حذر می دارد.

چرا در جامعه انسانی، انسان ها برخلاف حیوانات، که براساس قانون تنارع بقا زندگی می کنند، حق ندارند انسان ضعیف تر از خود را از بین ببرند؟ و باید از قانون تعاون بقا پیروی کنند؟

پرسش

چرا در جامعه انسانی، انسان ها برخلاف حیوانات، که براساس قانون تنارع بقا زندگی می کنند، حق ندارند انسان ضعیف تر از خود را از بین ببرند؟ و باید از قانون تعاون بقا پیروی کنند؟

پاسخ

نخست، باید به این نکته توجّه داشت که در بسیاری از حیوانات هم، زندگی اجتماعی و اصل تعاون بقا وجود دارد. و اساساً زندگی به صورت جمعی نمی تواند جز بر اساس اصل تعاون صورت بگیرد. چیزی که هست در حیوانات این امر به صورت غریزی است ولی در انسان ها این امر با قوانین موضوعه صورت می گیرد. که کامل ترین و انسانی ترین شکل آن در جامعه ای که بر اساس وحی و قوانین الهی اداره می شود صورت می پذیرد. بنابراین، انسان موجودی اجتماعی است. و نکته اجتماعی بودن انسان و حکمت آن این است که نیازهای متنوع و گسترده بشر جز در اجتماع و با اجتماع تأمین نمی شود و از آنجا که انسان موجودی مدنی و اجتماعی است باید زندگی اجتماعی او بر اساس تعاون و همکاری، نه تنازع و درگیری باشد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۵۱ـ

آیا تنشی که در جامعه ابتدایی انسانی پدید آمد، مولود ابزار تولید بود؟

پرسش

آیا تنشی که در جامعه ابتدایی انسانی پدید آمد، مولود ابزار تولید بود؟

پاسخ

آنچه از منابع دینی به دست می آید این است که تنش در جامعه ابتدایی انسان به دلیل ترکیب انسان از ابعاد گوناگون و داشتن اختیار پدید آمده است. نخستین اختلاف انسانها، اختلاف هابیل و قابیل، فرزندان آدم((علیه السلام))، بود که در اثر امری معنوی و نه در اثر ابزار تولید به وجود آمد. در قرآن کریم در این باره آمده است: «اذا قرّبا قرباناً فتقبّل من احدهما و لم یتقبّل من الاخر قال لاقتلنّک ;آن گاه که آن دو قربانی کردند و قربانی یکی از آن دو(یعنی هابیل) قبول شد و قربانی دیگری(یعنی قابیل) پذیرفته نشد، پس او(قابیل) گفت: «هر آینه تو را خواهم کشت.» (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴ـ

من در یک محیط اجتماعی با یکی از افراد اهل تسنن مجبورم رابطه داشته باشم ولی متأسفانه رفتار و اعمال این فرد در برابر مسلمانان شیعه بسیار زشت و زننده است. برای حفظ این رابطه وظیفه من در مقابل فرد چیست؟

پرسش

من در یک محیط اجتماعی با یکی از افراد اهل تسنن مجبورم رابطه داشته باشم ولی متأسفانه رفتار و اعمال این فرد در برابر مسلمانان شیعه بسیار زشت و زننده است. برای حفظ این رابطه وظیفه من در مقابل فرد چیست؟

پاسخ

ابتدا لازم می‌دانم از حسن توجه و علاقه شما به ارتباط سالم و سازنده با فرد مذکور تشکر و سپاسگزاری نمایم. در خصوص چگونگی ارتباط با افراد جامعه اعم از همکیشان و غیر همکیشان به نظر می‌رسد رفتار بزرگان دین از پیامبر بزرگوار اسلام (، امیر المؤمنین (و دیگر امامان و رهبران معصوم (و علماء و رهبران دین بهترین الگو و اسوه رفتاری باشد. در حالات پیامبر اکرم (نقل شده است که فردی یهودی هر روز بر سر راه پیامبر (خاشاک می‌ریخت و ایشان را اذیت و آزار می‌کرد. یک روز وقتی حضرت از کوچه عبور کردند و با برخورد هر روز آن فرد مواجه نشدند پرسیدند این مرد چه شده است؟ گفتند در بستر مرض افتاده است. فرمود به عیادتش برویم و به عیادت او رفتند. حضرت هرگز ابراز خوشحالی نکردند که دشمن آزار دهنده ایشان در بستر مریضی افتاده و یک مزاحم از سر راهشان برداشته شده است بلکه درصدد تألیف قلب او بر آمدند و با عیادت از او زمینه مسلمان شدنش را فراهم ساختند. این رفتار در سیره امامان و بزرگان دین اسلام فراوان مشاهده می‌شود. شما می‌توانی با مطالعه سیره زندگی بزرگان دین از این نوع رفتارها بیشتر آگاهی پیدا کنی و مشابه آن رفتار نمایی حتی اگر رفتاری برگرفته شده از رهبران و شخصیت‌های مورد احترام او را برایش تجسّم ببخشی بسیار مجذوب خواهد شد. متأسفانه برخورد سنی‌ها و شیعیان در برخی موارد دوستانه و برادرانه نیست، بلکه خصمانه است. گاهی تعامل با اقلیت‌ها راحت‌تر صورت می‌گیرد تا برادران ایمانی و مسلمان. باید یاد بگیریم چگونه ضمن حفظ اعتقادات و باورها به اعتقادات و باورهای دیگران احترام بگذاریم و آنها را محترم بشماریم. شما اگر بتوانی با رفتار پیامبر گونه و علوی، قلب او را تسخیر کنی نه تنها رفتار او نبست به شیعیان تغییر خواهد یافت بلکه ممکن است گرایش به تشیع نیز پیدا کند. باید در عمل نیکی و صداقت و برجستگی شیعه را مشاهده و لمس کند. در این صورت نه تنها از مخالفت و برخورد تند و خشن اجتناب خواهد کرد بلکه مرید نیز خواهد شد و به ابراز محبت روی خواهد آورد. توصیه می‌کنیم با ایشان رفتاری توأم با ملاطفت و مهربانی و احترام به عقاید و باورهای وی داشته باشید و به سایر همکاران نیز سفارش اکید بکنید از رفتارهای تند و زننده و توهین آمیز به ایشان یا رهبران و بزرگان مورد قبول و احترام‌شان بشدت اجتناب و احتراز ورزند. طبیعی است وقتی به شخصیت مورد احترام آنان توهین و اهانت شود اگر آنان به شخصیت‌های مورد احترام ما توهینی نکنند قطعاً به خود ما توهین می‌کنند. وقتی برخی برادران شیعه به خلیفه دوم که شخصیت مورد احترام برادران اهل سنت است، وقیحانه توهین و لعن می‌کنند باید انتظار داشته باشیم آنها نیز چنین کنند که معمولاً به امامان شیعه توهین نمی‌کنند ولی طبعاً به دیگران توهین خواهند کرد. احترام به شخصیت‌های مورد احترام آنان بمنزله قبول آنان است. احترام به انسانیت و اعتقادات و باورهای آنهاست. در مقام بحث و استدلال بصورت منطقی و استدلالی می توان وارد شد ولی توهین به هیچ وجه به صلاح جامعه اسلامی نیست ما باید همه نیرو و توانمان را اعم از شیعه و سنی برای مقابله با دشمن مشترک خودمان بکار گیریم و از تفرقه و هدر دادن نیرو و انرژی خودمان بشدت اجتناب ورزیم. موفق وپیروز باشی منابع و مآخذ : داستان راستان شهید مطهری

آیا اینکه کسی از دیگران مطلقا چیزی نخواهد حتی در جایی که نیاز شدید دارد و دیگران به راحتی قادر به حل آن مشکل هستند حُسن است یا نه؟ محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران را معین کنید.

پرسش

آیا اینکه کسی از دیگران مطلقا چیزی نخواهد حتی در جایی که نیاز شدید دارد و دیگران به راحتی قادر به حل آن مشکل هستند حُسن است یا نه؟ محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران را معین کنید.

پاسخ

زندگی اجتماعی، دارای قوانین و روابط خاص خود است که باید رعایت شود. در هر حال در زندگی اجتماعی ما نیازمندیم که حوائج و نیازهای خود را از راه ارتباط با دیگران حل کنیم. بی نیاز مطلق وجود ندارد و همه انسانها در رابطه نیازمندی و تأثیر و تأثری متقابل با یکدیگر هستیم. پس این که کسی مطلقا از دیگری چیزی نخواهد نه تنها مذموم است بلکه شدنی هم نیست و اساس زندگی اجتماعی را منهدم می کند. اما باید توجه داشت که درخواست کمک از دیگران محدوده خاصی دارد: اولا، رفع نیاز از دیگران با حفظ استقلال و خود اتکایی آدمی باید باشد. گدایی، دریوزگی و تکدی مذموم و ممنوع است. درخواست کمک نباید به عزت نفس انسان ضربه بزند. پس محدوده کمک خواستن یا درخواست کمک از دیگران عزت نفس آدمی است. ثانیا، باید توجه داشت که همه انسان ها همانند او نیازمندند و تنها خداوند بی نیاز مطلق است. پس تنها و در واقع باید از خداوند متعال درخواست رفع نیاز کرد و در مقابل از افراد و مردم به عنوان وسیله رفع نیاز و کسانی که خداوند متعال رفع خواسته ها و نیازها را به دست آنها قرار داده درخواست رفع مشکل را کرد.

آیا با گفت و گو می توان همهء اختلافات را حل کرد؟

پرسش

آیا با گفت و گو می توان همهء اختلافات را حل کرد؟

پاسخ

باید گفت : بعضی از موارد اختلاف , از طریق گفتمان قابل حل نیست , از باب این که یکی حق مسلّم و مسجّل دیگری را گرفته و به حق او تجاوز کرده و سپس به طرف می گوید: بیا بنشینیم , اختلافمان را ازراه گفت و گو حل کنیم . به عنوان مثال شخصی با زور و به صورت غُدْوانی زمین , یا خانهء دیگری را تصاحب کندو مالك بیچاره بخواهد مال خود را بگیرد, اما طرف بگوید: داد نزن , فریاد نکن , بیا بنشینیم و از طریق گفت و گومشکلمان را حل نماییم ! مشخص است در این گونه موارد, حل اختلاف از راه گفتمان معقول نخواهد بود. و یا از باب این که طرف , شخصی متکبر و لجباز و قلدر و مکار و غیر منطقی است و به هیچ وجه حاضر به پذیرش حق نیست , مثل صدام و معاویه و خوارج و خشك مقدّسان بی منطق و امثال طلحه و زبیر و آدم های ریاست طلب ; در این گونه موارد تنها راه حل اختلاف , جنگیدن و اعمال زور و قدرت است . البته در بعضی موارد می توان از طریق گفت و گو اختلافات را حل کرد, که بسیار مناسب می باشد. معمولاً وقتی بین دو نفر یا دو قبیله و یا دو کشور اختلاف پیش می آید, عده ای مغرض و دشمن اما در لباس دوست و یا در واقع دوست , اما نادان , همیشه حرف های طرف مقابل را برای دیگری می آورد و حتی گاه اضافه و کم می کند و کینهء طرفین را نسبت به هم شدیدتر می کند. بدیهی است در این گونه موارد یکی از بهترین راه کارها این است که طرفین , به دور از لجبازی و دشمنی کنارهم بنشینند و صادقانه موضوع اختلاف را مطرح کرده و طبق

آداب و رسوم خود یا قانون متداول و یا طبق موازین اسلامی حل نمایند, و چون مستقیماً با هم صحبت می کنند و واسطه ای وجود ندارد و اگر هم باشد, ازخودشان است , زودتر به نتیجه خواهند رسید. در قرآن توصیه های زیادی به گفت و گو, از جمله : .()(پاورقی ۱.حجرات (۴۹ آیهء ۹ چنان که ملاحظه می فرمایید ابتدا وظیفهء حل اختلاف از طریق گفت و گو مشخص شده است و سپس از طریق جنگ و زور و اعمال قدرت ..

پرسش: زوج جوانی به خاطر دخالت بستگان با داشتن یک فرزند پنج ساله از هم جدا شدند.

اشاره

مرد علی رغم خانواده به ویژه والدین خود میل دارد با همسر مطلقهء خود مجدداً تشکیل زندگی دهد, در صورتی که می داند ازدواج مجددش منجر به قطع رابطه با والدین می شود. به نظر شما چنی

پرسش

پرسش: زوج جوانی به خاطر دخالت بستگان با داشتن یک فرزند پنج ساله از هم جدا شدند. مرد علی رغم خانواده به ویژه والدین خود میل دارد با همسر مطلقهء خود مجدداً تشکیل زندگی دهد, در صورتی که می داند ازدواج مجددش منجر به قطع رابطه با والدین می شود. به نظر شما چنین امری صلاح است و قطع رحم گناه ندارد؟

پاسخ

در اسلام , صلهء رحم تمجید شده و از قطع رحم نکوهش شده است , تا آن که حضرت امام سجاد۷رمود: خداوند متعال در سه جای قرآن قاطع رحم را لعن کرده است . ۱ بقره (۲ آیهء ۲۵ . خاسر در قطع رحم , مصداق قطعی ملعون است . ۲ رعد (۱۳ آیهء ۲۶ . ۳ محمد(۴۷ آیهء ۲۴ . اخبار زیادی هم در این مورد وارد شده است , از جمله این که : شخصب به پیغمبر اکرم ۶عرض کرد: یارسول اللّه ! مبغوض ترین عمل , نزد خدا چیست ؟ فرمود: شرک به خدا. عرض کرد: بعد از آن : سپس فرمود: قطع رحم .عرض کرد: بعد از آن ؟ فرمود: امر به منکر و نهی از معروف .(۱) و مردی خدمت امام صادق ۷آمد و از بستگان خویش شکایت کرد. حضرت فرمود: خشم خود را فرو ببر و به آن ها نیکی کن . عرض کرد: به من چنین و چنان کردند و می کنند. حضرت فرمود: آیا می خواهی شما هم مثل آنان قطع رحم کنی ؟ اگر چنین کنی , خدای تبارک و تعالی در دنیا و آخرت نظر لطفش را از همهء شما بر می دارد. <خلاصه این که اگر چه اسلام از قطع رحم بسیار مذمت کرده است , اما اگر قطع از ناحیهء آن زوج نباشد, در پیشگاه خدا مسئول نخواهند بود. به نظر ما, تشکیل زندگی مجدّد با همسر مطلقه و زیر بال و مهر و عطوفت قرار دادن آن طفل معصوم و تربیت کردن او خیلی مهمّ است , چون در صورت عدم تشکیل زندگی , آن طفل بی گناه باید همیشه از محبت مادر یا پدرمحروم بماند, در حالی که قهر و غضب والدین موقتی است و پس از اندی آشتی خواهند کرد. (پاورقی ۱.شهید دستغیب , گناهان کبیره , ج ۱ ص ۱۵۹ به نقل از اصول کافی .

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

پرسش

علت گرایش انسان به زندگی اجتماعی چیست؟

پاسخ

گسترش زندگی دسته جمعی بشر، و برچیده شدن زندگی فردی او در بیابانها و بیغوله‌ها و جنگلها و شکاف کوهها، همگی از یک حقیقت روشن حکایت می‌کنند، و آن اینکه بشر خواهان زندگی دسته جمعی است که در پرتو معاونت و همکاری یکدیگر، بتواند بر بسیاری از مشکلات چیره گردد، و موانعی را که بر سر راه زندگی سعادتمندانه اوست، از میان بردارد. درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظریات گوناگونی مطرح شده است که ذیلا به آن اشاره می‌کنیم: بر پایه یک نظریه، ممکن است ما گرایش انسان به زندگی اجتماعی را جزو سرشت و از فطریات او بشماریم و معتقد گردیم که یکی از غرایز و تمایلات درونی وی این است که در کنار همنوع خود زندگی کند و از زندگی فردی دوری گزیند چنانکه گروهی از دانشمندان بر این عقیده‌اند، و از قدیم گفته‌اند, «الإنسان مدنی بالطبع». نظریه دیگر مقتضی است که یا گرایش مزبور را اثر مستقیم غریزه «استخدام طلبی» بشر بدانیم و بگوییم: «استخدام» و استفاده از هر موجودی به نفع خویش، از غرایز اصلی بشر است، یعنی همانطور که انسان از میوه و شاخه و برگ و ریشه و چوب و هیزم درختها در زندگی استفاده می‌کند و آنها را در راه مقاصد خود به کار می‌برد و یا از گوشت و پوست و پشم و خون و شیر و شاخ انواع حیوانات بهره می‌برد و همه را در راه مقاصد حیاتی خود «استخدام» می‌نماید، همچنین در راه پیشبرد مقاصد زندگی خود، از وجود همنوعان استفاده نموده، و به حکم غریزه «استخدام» به زندگی دسته جمعی که از آثار بارز آن استفاده متقابل از دسترنج دیگران است، تن می‌دهد و این غریزه را درباره همنوعان خود به کار می‌برد. چیزی که هست، موجودات دیگر در برابر قدرت و نیروی فکری وی بدون قید و شرط تسلیم می‌گردند، ولی از آنجا که انسان دارای درک و شعور و تفکر است، نمی‌توان کار و کوشش او را رایگان تملک نمود؛ زیرا او نیز انسانی است همانند دیگران، حس و شعور دارد، «خود خواه» و «خود دوست» است، و خواهان همان چیزی است که دیگری از او می‌خواهد، از این نظر انسانی که خواهان استفاده از دسترنج دیگران است ناچار است مقداری از نتایج کار و کوشش خود را در اختیار دیگران بگذارد تا متقابلا از نتایج آنها برخوردار گردد. اینجاست که «روح استخدام طلبی» انسان به صورت بهره‌برداری متقابل و بر اساس «تعاون» و «همکاری» تجلی می‌نماید و همه افراد، نتایج کار و کوشش خود را روی هم ریخته و هر فردی به اندازه وزن اجتماعی و موقعیت خود، رفع نیاز می‌کند. برخی درباره علت زندگی اجتماعی بشر نظر سومی را ابراز داشته‌اند، که تا حدودی از دو نظر گذشته روشنتر و مفهومتر می‌باشد و آن این است که: سرچشمه میل انسان به زندگی اجتماعی همان غریزه «حب ذات و خود دوستی او» به ضمیمه یک استدلال و راهنمایی عقلی است. توضیح اینکه: هر فردی به حکم غریزه «خود دوستی»، خواهان تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی خود می‌باشد، و روی این غریزه می‌خواهد از مواهب طبیعی و نیروهای نهفته جهان ماده هر چه بیشتر استفاده کند، ولی از آنجا که مشکلات زندگی بی شمار است و شعاع قدرت هر فردی کاملاً محدود می‌باشد ، ناچار باید به ضمیمه قدرتهای دیگر، نیروهای سرکش طبیعت را مهار کند، و به جنگ مشکلات حیات رفته و بر آنها پیروز گردد. این همان راهی است که عقل پیش پای انسانهای خواهان تکامل و ترقی می‌گذارد، و راه نیل به سعادت را در پرتو زندگی دسته جمعی، آن هم بر اساس تعاون و همکاری، می‌داند. بنابر این اگر انسان خواهان مدنیت و زندگی اجتماعی است و یا اگر به دنبال استخدام موجودات طبیعی و همنوعان خود می‌رود، نه از این نظر است که مدنیت جزو سرشت اوست و یا «استخدام موجودات» از غرایز انسان می‌باشد، بلکه از آنجا که غریزه «خود دوستی» او را به تکامل و گسترش شعاع قدرت و زندگی پرلذت دعوت می‌نماید و راه رسیدن به درخواست این غریزه، در نظر عقل، جز زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری نیست، از این جهت با راهنمایی عقل، به سوی زندگی دسته جمعی کشیده می‌شود و پایه گذار مدنیت می‌گردد.

سفارش اسلام در مورد عهد و پیمان و تعهدات دو طرفه چه می باشد؟

پرسش

سفارش اسلام در مورد عهد و پیمان و تعهدات دو طرفه چه می باشد؟

پاسخ

در مورد تعهدات اجتماعی، یک دسته از آیات، با تعابیر گوناگون به ما توصیه کرده یا فرمان می دهند که به تعهدات خود، در برابر دیگران، پای بند باشیم یا افراد پای بند به عهد را ستایش می کنند و از این طریق، انسان را متوجه لزوم و رجحان پای بندی به عهد می کنند. قرآن در یک جا، کارهای نیک را بر می شمارد و افراد نیکوکار را به خاطر کارهای نیکشان ستایش کرده، می فرماید: (والموفون بعهدهم اذا عاهدوا)(۱) در این آیه، به وفای به عهد، به عنوان یکی از کارهای نیک اشاره می کند که پای بندی به آن، ستایش بر انگیز است و باید مورد توجه باشد. در آیه دیگری خداوند با صراحت فرمان وفای به عهد می دهد و انسان را در برابر تعهدات خود مسئول دانسته، می فرماید: (و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤولا) (۲) ((در برابر عهد (خود با دیگران) پای بند باش که مورد سؤال و بازخواست قرار می گیرد.)) در دو آیه نیز در مقام معرفی مؤمن و بیان صفات لازم و برجسته او می فرماید: (والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون) (۳) (مؤمنان) آن کسانی هستند که امانتها و عهد خود را رعایت کنند (و به آن ها پای بند باشند.) در مورد این گونه آیات، باید توجه داشت که امانت هم در واقع، مصداقی از مصادیق عهد است و شخص امانت دار با قبول امانت از شخص دیگر، در برابر او متعهد شده و با او قرار داد بسته است که تا هنگام مطالبه امانت، آن را نگهداری و از آن مراقبت کند. بنا بر این، قبول امانت به منزله عهد طرفینی است و ادای امانت، به منزله وفای به عهد و خیانت در امانت، به منزله نقض عهد خواهد بود. دسته دیگری از آیات، افراد عهد شکن و بی توجه به پیمان های اجتماعی را نکوهش می کند. در یکی از این آیات، در مذمت بنی اسرائیل می فرماید: (او کلما عاهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لا یؤمنون) (۴) ((چرا هنگامی که عهدی می بندند گروهی از عهد کنندگان پیمان شکنی می کنند.)) در این آیه، در مورد پیمان شکنی، از واژه نبذ استفاده شده که به معنای دور انداختن و پرت کردن است و با استفهام توبیخی، آنان را به خاطر عهد شکنی نکوهش کرده است. در آیه دیگری می فرماید: (الذین عاهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مرة و هم لا یتقون) (۵) ((بد ترین جانوران نزد خدا آنانند که کفر ورزیده، ایمان نمی آورند آن کسانی که تو با آن ها پیمان می بندی، ولی آنان همیشه پیمانشان را نقض می کنند.)) همان طور که ملاحظه می شود، در این آیه، با گزنده ترین تعابیر، عهد شکنان اجتماعی نکوهش شده و از این رهگذر، ارزش بسیار منفی عهد شکنی آشکار می شود. پاورقی۱: بقره ۱۷۷ پاورقی۲: اسراء ۳۴ پاورقی۳: مؤمنون ۸ پاورقی۴: بقره ۱۰۰ پاورقی۵: انفال ۵۶

آیا زندگی در اجتماع از نظر اسلام امری ارزشمند محسوب می گردد؟

پرسش

آیا زندگی در اجتماع از نظر اسلام امری ارزشمند محسوب می گردد؟

پاسخ

زنـدگی اجتمـاعی را با همه اهمیتی که دارد و با وجود احکام فراوانی که اسـلام درباره آن صادر نموده است, نمی توان آن را یک ارزش مطلق تلقی کرد, بلکه مطلوبیت آن, تابع شـرایطی است که زنـدگی فرد را با زنـدگی دیگران پیونـد می دهد و در ورای همه این شـرایط, بسـتگی به نیت فرد در مشارکت در زنـدگی اجتماعی دارد. عوامل روانی, که زندگی فرد را به جامعه پیوند می دهند, عبارتند از: عامل غریزی, عامل عاطفی و عامل عقلانی. این عوامل, شخص را وامی دارند تا به جامعه گرایش یابد و زندگی خویش را با زندگی دیگران پیوند دهد؛ اما ارزش اخلاقی زندگی اجتماعی, بستگی به انتخاب عقلانی دارد. وقتی که انسان، بر سر دوراهی قرار می گیرد و انگیزه هـای مختلفی وی را به این سو و آن سو می کشاننـد, این عقـل است که تعیین می کنـد کـدام انگیزه, ارزش بیش تری دارد و بایـد به دنبـال آن رفت. پس در سـایه راهنمـایی عقل است که ارزش اخلاقی تعیین می شود. در مسائل فردی هم, صرف وجود انگیزه طبیعی, دلیـل بر ارزش اخلاقی نیست, بلکه با دخالت عقل است که می توان ارزش اخلاقی هر یک از کارها را مشـخص کرد؛ مثلاً ـ شـهوت جنسـی, یـک انگیزه طـبیعی است و تعیین ارزش اخلاـقی آن, بسـتگی به حکم عقـل دارد. عقـل هم به تناسب شـرایط مختلف, ممکن است به ارزش مثبت یا منفی بودن این میل, حکم کنـد. در واقع, میل های طبیعی, ابزاری برای تحقق اهـداف عقلانی اند؛ زیرا هدف خلقت, متوقف است بر این که نسل انسان باقی بماند و این میل, ابزاری است برای تحقق آن هدف. این از الطـاف خداونـد است که در انسان, ابزارهای طبیعی قرار داده تا او برای انجام کارهایی در مسـیر تحقق اهـداف ارزشـمند, بر انگیزد. تشـکیل زندگی اجتماعی وجود دارد, ولی ارزش اخلاقی آن ها به انتخاب عقل وابسـته است. عقل می گوید: رسیدن انسان به مطلوب های مادی و معنوی اش در گرو زنـدگی اجتماعی است و اگر فرد بخواهـد تنها زنـدگی کند, برای تأمین مصالح مادی و معنوی اش با دشواری ها و مشـکلاتی رو به رو خواهد شد. انسان برای رسیدن به کمال نهایی, آفریده شده است که مقدمات دست یـابی به آن, تنهـا در جامعه فراهم می شود. پس به حکم عقل, زنـدگی اجتماعی, مطلوب خواهـد بود و ضـرورت بالقیاس پیـدا می کند.

آیا زندگی اجتماعی ضرورت دارد؟ علت عزلت برخی از مردان الهی چیست ؟

پرسش

آیا زندگی اجتماعی ضرورت دارد؟ علت عزلت برخی از مردان الهی چیست ؟

پاسخ

زندگی اجتماعی در اسـلام هدف نیست و ارزش مطلق ندارد، بلکه ارزش آن نسبی است . زندگی اجتماعی ، وسـیله ای است برای تـامین ارزش هـای بالاـتر.مطلوبیت زنـدگی اجتمـاعی ، تـابع شـرایطی است که زنـدگی فردی را با زنـدگی دیگران پیونـد می دهد .عواملی که زنـدگی فرد را به جامعه و اجتماع پیوندمی دهند، عبارتند از : عامل غریزی به عامل عاطفی و عامل عقلانی . این عوامل انسان را وا می دارد تا به جامعه گرایش یابـد و زنـدگی خویش را با زنـدگی دیگران پیوند دهد .کمالات انسان در سایه ی اجتماع حاصل می شود و بـدون آن ، انسان از چنین کمالاتی محروم خواهد ماند؛ البته این بدین معنا نیست که بگوییم اجتماع دارای ارزش مطلق است . در قرآن کریم به همان اندازه که به محبت کردن مردم به همدیگر اهمیت داده شده است ، به تبری و بیزاری جسـتن از بعضـی انسان ها هم اهمیت داده شـده است . از جمله – در داسـتا اصـحاب کهف آمـده است که آن جوانان صالح از اجتماع فاسـد زمـان خود کنـار گرفته ، به غـاری پنـاه بردنـد : ((و اذ اعتزلتموهم و مـا یعبـدون ...)) ، (سوره کهف آیه ۱۶) . قرآن این کنـاره گیری را می سـتاید؛ زیرا آنان برای آن که دین خود را حفظ کننـد از آن جامعه هجرت کردنـد و از آن منجلاب فساد کناره گیری

کردنـد .داسـتان گوشه گیری ابوذر را بعد از رحلت پیامبر می توان در همین مقوله (فساددسـتگاه حکومتی) توجیه کرد و الا ابوذر عزلت انتخاب نکرد .اگر تاریخ زندگی ابوذر مطالعه شود، پرخاشگری های ابوذر نسبت به عمال خلفا، نشانگرسوز و گداز اجتماعی اوست . به عبارت دیگر، ابوذر از اجتماع نبریـد، بلکه او رااز اجتماع بریدنـد .کناره گیری حضـرت ابراهیم (ع) از جامعه ی شـرک آلودنمرودی که در قرآن آمده است ، (سوره مریم ، آیه ۴۸) (و اعتزلکم و ماتدعون ...) یا رهبانیت اصحاب حضرت عیسی (ع) که در سوره مریم آیه ۴۹ و ۵۰آمده است ، به دلیل شـرایط بد زنانشان بود که می خواستند دین خودشان راحفظ کنند .اما در جایی که خشـنودی خـدا در بـازگشت به جامعه و اجتماع است ،برای هـدایت دیگران و معاشـرت با آن ها، رهبانیت و دیرینشـی و گوشـه گیری و عزلت ارزشـی ندارد .پس زندگی اجتماع در اسلام دارای ارزش مطلق نیست ،بلکه نسبی است و تابع شرایط زمانه است ، (معارف قرآن و اخلاق در قرآن ،استاد مصباح یزدی;) .

آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پرسش

آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پاسخ

آنچه که از منابع دینی به دست می آید این است که اختلاف در جامعه ابتدایی انسانی به خاطر ترکیب انسان داشتن اختیار به وجود آمـده است. اوّلین اختلاف در بین انسان ها، اختلاف هابیل و قابیل، فرزندان آدم((علیه السـلام)) بود که در اثر امری معنوی و نه در اثر ابزار تولیـد بـه وجـود آمـد. در قرآن کریم در این بـاره آمـده است: «اذا قرّباقرباناً منقبّل من احـدهما و لم یتقبـل من الاـخر قـال لاقتلنّک;آنگاه که آن دو قربانی کردند و قربانی یکی از آن دو(هابیل) قبول شد و قربانی دیگری(قابیل) پذیرفته نشد. پس او(قابیل) گفت هر آینه تو را خواهم کشت». (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۶ـ

نظر اسلام در باره صله رحم و اهمیت آن چیست؟

پرسش

نظر اسلام در باره صله رحم و اهمیت آن چیست؟

پاسخ

در روایات و احادیث بسیاری درباره صـله رحم و پیونـد با خویشان تأکیـد و سـفارش به عمل آمـده و نتایج خوب و ثوابهای بسـیار برای آن نقل شده است. در این زمینه چند حدیث را یادآور می شویم: در حدیثی از پیامبر اسـلام روایت شده که فرمود:«صـله رحم عمر انسان را زیاد می کنـد و فقر را از بین می برد». و در روایتی دیگر از پیامبر نقل شـده:«گاهی انسان صـله رحم می کنـد، و صـله رحم باعث می شود که خداونـد عمرش را درجایی که از عمر وی سه سال بیش نمانده، طولانی کرده و سه سال تبدیل به سـی سال شود. گـاهی هم برعکس است ;یعنی از عمر انسـان سـی سـال مانـده، امـا در اثر قطع رحم تبـدیل به سه سـال می شود. همچنین در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده:«صله رحم حساب را آسان ـ۱۸۳۲ـ می کند و انسان را از مرگ بد نگه می دارد». (بخش

پاسخ به سؤالات) ـ۱۸۳۳ـ

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پرسش

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پاسخ

اسلام زندگی اجتماعی انسانها را از جنبه های گوناگون آن مورد توجّه قرار داده است. بخش عمده ای از احکان و نظامهای اسلام، اجتماعی است ;از قبیل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد و مانند اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی تواند به سعادت برسد، همان گونه که انسان در زندگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد. (بخش پاسخ به سؤالات)

چگونه می توان دربرخورد با مسائل جامعه ازگزند تصدیقها وتکذیبهای بی جا درامان بود؟

پرسش

چگونه می توان دربرخورد با مسائل جامعه ازگزند تصدیقها وتکذیبهای بی جا درامان بود؟

پاسخ

حضرت امام خمینی (ره) دراربعین حدیث(حدیث ۳۲) مردم رادو طائفه دانند که یایقین ، آنها رابه جایی رسانده که تمام اسباب ظاهری را مسخر اراده حق تعالی دانند وازغیر حق چیزی رانمی بینند ونمی خواهند وبه حقیقت او ایمان آورده اندوقل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء، را باور نمودند ، اینان دارای قلب الهی شده ورضای مردم وسخط آنها راچیزی ندانند وجز رضای حق طالب نباشند ، پس دیدگان خود را ازمردم وعطیات آنها ودنیای آنها ببندند؛ وطائفه دوم آنها هستند که ازحق بی خبرند ، یا اگر خبر دارند خبری ناقص وایمان غیر کامل است ، اینان رضایت مخلوق رامی‌طلبند وگاه کارشان به جایی می رسد که رضایت مخلوقی ضعیف راجلب کرده واسباب سخط وغضب خداوند رافراهم می کنند. چنانچه موافقت بااهل معصیت می کنند یا تصدیق وتکذیب بی مورد کنیم، چنانچه در مضمون عبارت حضرت امام خمینی (ره) روشن شد ، اگر بخواهیم ازتصدیق یاتکذیب بی مورد نجات پیدا کنیم، باید ازاهل طائفه اول شدو یقین واعتقاد قلبی به باورها پیدا نمود وراه تقوای الهی را طی نمود ودیگر ازمواضع تهمت اجتناب نمود وخود رادربرابر برداشت اجتماع مسؤول دانست ودرجهت رفع تهمت وکذب تلاش نمود وبرای آنکه انسان خود دچار خطای درقضاوت نباشد نیز علاج حقیقی تقوای الهی است . چنانکه قرآن کریم می فرماید " : ان تتقواالله یجعل لکم فرقانا "که یک احتمال درفرقان قدرت تشخیص حق وباطل است، اگر انسان حق راحق وباطل راباطل تشخیص دهد دیگر مبتلاـ به تصدیق وتکذیب بی مورد نمی شود ، البته تقوا مفهومی عام است که یکی ازمصادیق آن پرهیز ازجهالت وبی خبری است که ملازم باکسب علم ودانش وداشتن مطالعات وتحقیقات لازم می باشد، که خدای مهربان به واسطه آن نور معرفت

رادردل انسان می تاباند " العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء "خوبست دراین زمینه هم به حدیث ۳۲ اربعین حدیث امام (ره) وهم تفسیر آیه مذبور مراجعه کنید .

هدف از صله رحم در اسلام چیست ؟ (بطور کامل

پرسش

هدف از صله رحم در اسلام چیست ؟ (بطور کامل

پاسخ

اجتماعی زیستن انسان از ضروریات اجتناب ناپذیر اوست در میان موجودات اجتماعی با توجه به ویژگی آزادی و انتخابگری انسان ساختار زندگی اجتماعی او می تواند بر اساس ارزشها و زیبائیها استوار گردد بگونه ای که مردم از زیستن درکنار یکدیگر لذت برده و افتخار همسایگی ، همکاری ، همشاگردی ، همخدمتی، همسنگری و پیوند اجتماعی را داشته باشند و این با گذشت از خویشتن و در پیوستن به مردم و پا نهادن بر منیتها بدست می آید و از مؤثرترین عوامل در رسیدن به چنین جایگاه اجتماعی صله رحم و تقویت روزبه روز پیوند خانوادگی می‌باشد که سنگ زیرین روابط اجتماعی می‌باشد . امام صادق(فرمودند : صله رحم سبب دارا شدن صفت جمیله حسن خلق و سخا و کرم می‌شود (زیرا برای انجام این تکلیف مهم الهی ناچار است که در معاشرت ارحام رعایت حسن سلوک را بنماید و پس از تمرین و و ممارست دارای ملکه حسن خلق می‌شود حتی نسبت به دیگران و همچنین به برکت صله رحم و تکرار آن دارای ملکه سخا و جود می‌شود و از مرض مهلک بخل نجات پیدا می کند) و نیز نفسش از مرض کینه و حسد پاک می‌شود و از بلای دشمنی با خلق راحت می‌شود (چون به سبب صله رحم محبوب نزدیکان بلکه سایر خلق شده و از شر آنها در امان خواهد بود) برای اطلاع بیشتر به کتاب گناهان کبیره ج ۱ ص ۷۲ اثر استاد شهید دستغیب مراجعه فرمایید .

ارتباط فرهنگی بین پسران و دختران و مشکلات فعلی در این باب؟

پرسش

ارتباط فرهنگی بین پسران و دختران و مشکلات فعلی در این باب؟

پاسخ

پر واضع است بر آوردن نیازمندیها به صورت دلخواه و غیر قانونمند نظیر درمان بر اساس خواست و میل بیمار پیامد ناگوار . جبران ناپذیر جسمی، روحی و روانی را بدنبال خواهد داشت. از این رهگذر پدید آورنده انسان و نظام هستی و آگاه به نیازهای واقعی انسان و تأمین آن بگونه‌ایکه بایسته‌های روابط پسران و دختران را در بر داشته باشدو و مجاز دانسته است. گفتگو و ملاقات بدون انگیزه جنسی با رعایت پوشش مناسب و اطمینان به نیفتادن در چالشها و مفاسد. س۲۴۴: جوانانی که در مدارس و دانشگاهها مشغول تحصیل هستند با دختران هم برخورد و ملاقات دارند و به حکم همکلاسی و همدرس بودن با آنان راجع مسائل درس و غیر آن گفتگو می کنند که گاهی بعضی از صحبتها با خنده و شوخی همراه است که البته به قصد ریبه و لذت نیست آیا این کار جایز است؟ ج: اگر همراه با مراعات حجاب و بدون قصد ریبه و همراه با اطمینان به عدم وقوع در مفاسد باشد، اشکال ندارد، و الا

جایز نیست.

خداوند متعال، عاقبت کسی را که، به همنوع خود، خیانت میکند، را چگونه بیان میکند؟

پرسش

خداوند متعال، عاقبت کسی را که، به همنوع خود، خیانت میکند، را چگونه بیان میکند؟

پاسخ

"خیانت "در اصل به معنای خودداری از پرداخت حقی است، که انسان پرداختن آن را تعهد کرده، و آن ضد" امانت "است. امانت گرچه معمولاً ـ به امانتهای مالی گفته میشود، ولی در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را در بر میگیرد، لذا در حدیث وارد شده است که" المجالس بالامانة": "گفتگوهایی که در جلسه خصوصی میشود امانت است. "و در حدیث دیگری میخوانیم": هنگامی که کسی برای دیگری سخنی نقل میکند، سپس به اطراف خود بنگرد (که آیا کسی آن را شنید یا نه) این سخن امانت است. "در سورهٔ انفال، آیه ۲۷، میخوانیم": يَـأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تَخُونُواْ اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَـنَـتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ; ای کسانی که ایمان آوردهاید به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود، خیانت روا مدارید، در حالی که متوجهید و میدانید ".بعضی از مفسرین گفتهاند امانت خدا آیین اوست، و امانت پیامبر سنت اوست، و امانت مؤمنان اموال و اسرار آنها میباشد، ولی امانت در آیهٔ فوق همه را شامل میشود. قرآن کریم، عاقبت و سرانجام" خیانت "را خواری و رسوایی در روز قیامت بیان میکند و میفرماید": وَمَا كَانَ لِنَبِىٍّ أَن يَغُلَّ وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَـمَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ(; آل عمران،۱۶۱)]شما گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند، در حالی که[ممکن نیست، هیچ پیامبری خیانت کند، و هر کس خیانت کند، در روز رستاخیز آن چه را در آن خیانت کرده با خود]به صحنه محشر[میآورد، سپس به هر کس آن چه تحصیل کرده داده میشود، و]به همین دلیل[به آنها ستم نخواهد شد]زیرا محصول اعمال خود را خواهند دید["یغل "از واژه" غلل "به معنای خیانت گرفته شده و" غلل "در اصل به معنای نفوذ تدریجی و مخفیانه آب در ریشهٔ درختان است، و از آن جا که خیانت به صورت مخفیانه و تدریجی صورت میگیرد، به آن" غلول "میگویند. در هر صورت مفهوم این فراز از آیه که میفرماید": وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَـمَةِ "...این است که: هر کس خیانت کند، روز رستاخیز آن چه را در آن خیانت کرده به عنوان مدرک جنایت بر دوش خویش حمل میکند ویا همراه خود به صحنه محشر میآورد و به این ترتیب، در برابر همگان رسوا میشود.(تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۳، ص ۱۵۲ ;همان، ج ۷، ص ۱۳۶.) البته خیانت در دوستی، سبب سست شدن روابط اجتماعی و متزلزل گردیدن روابط دوستی و محبتآمیز میان افراد شده و نهایتاً منجر به سلب اعتماد عمومی میگردد، گر چه تمام مصادیق خیانت نکوهیده و مذموم است، اما زشتی برخی از مصادیق آن به گونهای است، که دامنه تبعات آن جامعه را نیز فرا میگیرد.

قرآن در مورد این که غالب مردم، تابع بیچون و چرا اقتدار در انجام کنشهای معین هستند چه میگوید؟ و این تبعیت را دارای چه آثار و رویکردهای میداند؟

پرسش

قرآن در مورد این که غالب مردم، تابع بیچون و چرا اقتدار در انجام کنشهای معین هستند چه میگوید؟ و این تبعیت را دارای چه آثار و رویکردهای میداند؟

پاسخ

برادر گرامی، انسان از روی غریزه و فطرت خود، الگوپذیر و تقلید کننده است مخصوصاً در اموری که به عنوان کمال مطرح میباشد و تقلید پسندیده، تنها راه زندگی جمعی است. تقلید یعنی اعتماد انسان، بر اهل خبره که در آن فن آگاهی لازم را دارند ولی برای شخص او ممکن و میسر نیست که به طور کامل از دلیل آن آگاه شود، در جامعه قطعاً، فرصت تخصص در همه کارها، برای همگان، فراهم نمیشود. لذا انسان در غالب کارهای خود ناگزیر است به دیگران که تخصص دارند، اعتماد نماید و برای اصلاح زندگی خود، از رأی آنها تبعیت نماید. و محال است شخصی پیدا شود که خود مستقلاً در همهٔ امور، بتواند تصمیم صحیح بگیرد.(تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۰۸، جامعه مدرسین.) لذا، اصل تقلید تبعیت چیزی، فطری و ناگریز است. اما قرآن مجید، سعی میکند که این غریزه را همچون، دیگر غرایز، جهتدهی نماید و از فروغلتیدن آن در انحراف جلوگیری نماید، لذا از کسانی که بیچون و چرا و بدون دلیل، از اعمال دیگران تقلید میکنند، انتقاد میکند. و میفرماید": وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَىَ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُواْ حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ أَوَ لَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ شَيْ ئًا وَلاَ يَهْتَدُونَ(; مائده،۱۰۴)، هنگامی که به آنها گفته میشود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر۶ بیائید ;میگویند: آنچه از پدرانمان یافتهایم ما را بس است. آیا چنین است که پدران آنها چیز نمیدانستند و هدایت نیافته بودند؟ قرآن تقلید کورکورانه و بیدلیل تبعیت از بتی به نام نیاکان را مذمت میکند این سنت جاهلی را درهم میشکند.(تفسیر نمونه، آیت الله مکارم، ج ۵، ص ۱۰۶، دارالکتب الاسلامیه.) لذا، تلاش قرآن در جهتدهی تقلید است و این که از چه کسی باید الگو گرفت؟ قرآن پیامبر اکرمالگو و اسوه، معرفی میکند و میفرماید": لَكُمْ فِى رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. "امّا غالب مردم، به دلیل این که، اهل تحلیل و تعمق نیستند، قادر به جهتدهی این غریزه نبوده و معمولاً از قدرت حاکمان و دیگران تبعیت بیچون و چرا دارند(از این رو که اقتدار را نوعی کمال میبینند سعی میکنند خود را با آن هماهنگ نمایند و اگر خود به اقتدار نرسند در پناه اقتدار قرار میگیرند و این واقعیتی است که در احادیث اسلامی و به تبع، در فرهنگ و ادب مسلمین مطرح شده است. امام علیمیفرماید: ان الناس مع الملوك (المیزانالحکمه، ج ۹، ص ۱۸۹) مردم با قدرتمندان و امرأ هستند یا جمله معروف الناس علی دین ملوکهم، مردم به مسلک حاکمان خود هستند.)، و یا بعضی قدرت تحلیل دارند میفهمند امّا به دلیل منافع و طمع، از قدرت تبعیت میکنند، و لذا اگر قدرت در دست نااهل بیافتد در مسیر تخریبی قرار گرفته و مذموم میشود، چون اولاً دیگران، میخواهند به آنها تشبیه بیابند، ثانیاً قدرتمندان، مردم را مجبور به تبعیت و الگوگیری میکنند. خلاصه آنکه، قرآن مجید سعی در جهتدهی این غریزه در انسان دارد و اگر در مسیر واقعی خود قرار نگیرد آثار مخرب و زیانباری به بار خواهد آورد که یک نمونه آن در آیه شریفه مطرح شد نپذیرفتن هدایت الهی و محروم کردن خود از همهٔ مواهب آسمانی به خاطر تبعیت کورکورانه هست. اثر دیگری که به آن بار میشود، محرومیت از رحمت الهی و گرفتار شدن به غضب اوست امام صادقفرمود: قوم یهود، چون تقلید بیچون و چرا از علمای خود داشتند و با این که میدانستند، حرام الهی را حلال کردهاند، باز هم تبعیت داشتند گرفتار سخط الهی شدند.(میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۵۶.)

لطفاً بفرمایید در آیات و روایات چه مطالبی دربارهٔ خدمت به مردم و وظیفهٔ مسئولان جامعه آمده است

پرسش

لطفاً بفرمایید در آیات و روایات چه مطالبی دربارهٔ خدمت به مردم و وظیفهٔ مسئولان جامعه آمده است

پاسخ

در مورد عنوان‌های بالا نمونه‌ای از آیات و روایات بیان می‌شود: دستور به عدل و احسان و نیکی به نزدیکان" اِنَّ اللّه یَأمُرُ بِالعَدلِ والاِحسـَنِ وایتای‌سِّ ذِی القُربیَ ویَنهیَ عَنِ الفَحشأِ والمُنکَرِ والبَغیِ یَعِظُکُم لَعَلَّکُم تَذَکَّرون (نمل ۹۰) خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ظلم و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید". پاداش خدمت به مردم امام صادق‌می‌فرماید": کسی که حاجتی از مؤمنی بر آورده کند خداوند در روز قیامت صد هزار حاجت او را برآورده می‌کند که اولین آن این است که او و خویشان و دوستان او را داخل در بهشت می‌نماید ".پیامبر اکرم‌در این باره می‌فرماید": کسی که حاجت مسلمانی را بر آورده کند و مشکل او را حل نماید و او را از غم و ناراحتی خاج کند، خداوند ثواب ده حسنه برای او ثبت می‌کند و اجر ده بنده آزاد کردن به او عطا می‌کند و ده درجه مقام او را بالاتر می‌برد و ده بلا از او دفع می‌کند و روز قیامت ده نفر آماده شفاعت کردن او خواهند بود ".هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید": مَن سَمِعَ رَجلاً یُنادی یا لَلمُسلِمین فَلَم یَجِبهُ فَلَیسَ بِمُسلِمٍ ;کسی که صدای انسانی را بشنود که فریاد می‌زند ای مسلمانان به دادم برسید، پاسخ نگوید، مسلمان نیست " در روایات از رشوه به شدّت نهی شده است" رسول خدا۹ در این باره می‌فرماید": از گرفتن رشوه بپرهیزید، زیرا رشوه کفر است و گیرندهٔ رشوه بوی بهشت استشمام نمی‌کند ".هم چنین در روایت دیگری از آن حضرت آمده است" خداوند گیرنده و دهندهٔ رشوه و آن کس که واسط میان آن دو است را از رحمت خود دور گرداند(".بحار الانوار، علامه مجلسی ، ج ۱۰۴، ص ۲۷۴، نشر مؤسسهٔ وفا.) وظیفه مسئولان و مدیران ۱. رعایت عدالت و تبعیض نگذاشتن بین مردم" واِذَا حَکَمتُم بَینَ النّاسِ اَن تَحکُموا بِالعَدلِ (;نسأ، ۵۸) و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید ;از روی عدالت داوری کنید ".۲. خوش رویی و اخلاق نیک در برخورد با مردم" فَبِما رَحمَةٍ مِنَ اللّهِ لِنتَ لَهُم ولَو کُنتَ فَظّاً غَلیظَ القَلبِ لاَ نفَضّوا مِن حَولِکَ (;آل عمران ۱۵۹) به برکت رحمت الهی در برابر آنان]مردم نرم]و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو، پراکنده می‌شدند ".علی‌در نامه‌ای به اشعث بن قیس می‌فرماید": فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست بلکه امانتی است در گردنت تو نیز باید مطیع ما فوق باشی در مورد رعیّت حق نداری استبداد به خرج دهی در مورد بیت المال به هیچ کاری جز با احتیاط و اطمینان اقدام مکن اموال خدا در اختیار تو است و تو یکی از خزانه داران او هستی که باید آن را به دست من بسپاری " دستور حضرت به یکی از کارگزاران خود": او را به تقوا و ترس از خدا در امور پنهانی و اعمال مخفی فرمان می‌دهم و به او دستور می‌دهم که]رعیت و زیر دستان را نرنجاند و به آن‌ها دروغ نگوید و به آن‌ها به حساب برتری جویی به خاطر این که رئیس است بی‌اعتنایی نکند، چه این که آن‌ها برادران دینی هستند(".نهج البلاغه نامه ۴، ص ۸۳۰، و نامه ۲۶، ص ۸۷۵، فیض الاسلام) پاسخ: امیدوارم که در پناه خدا پیروز و سربلند و سلامت باشی پرسش‌های دقیق و کنجکاوانهٔ تو را خواندم همراه با پاسخ این پرسش‌ها، سه برگهٔ پرسشنامه هم برایت می‌فرستم که آنها را به دوستانت بدهی یا خودت برای نوشتن پرسش‌های دیگرت استفاده کنی خواهرم پرسش اوّلت دربارهٔ وجود خدا بود. برای روشن شدن این پاسخ دو مثال بیان می‌کنم حتماً می‌دانی که نور ماه باز تاب نور خورشید است پس اگر کسی بپرسد نور ماه از کجاست می‌گوییم نور ماه از نور خورشید است اما نور خورشید از نور ستاره‌ای دیگر نیست بلکه مال خود خورشید است مثال دیگر: اگر کسی بپرسد شوری این غذا از چیست می‌گوییم از نمک است اما اگر بپرسد شوری نمک از چیست پاسخ می‌دهیم که از خود نمک است دانشمندان بزرگ مسلمان مانند ابوعلی سینا، خواجه نصیر الدین طوسی ملّا صدرا و دیگران ثابت کرده‌اند که وجود خدا از جایی نیست بلکه خدا همیشه بوده و خواهد بود. چون ما در دنیا با موجودات محدودی سر و کار داریم که وجود خود را از جای دیگر می‌گیرند، چنین می‌پنداریم که هر موجودی باید از جای دیگری وجود خود را به دست آورده باشد. بدون

اعتقاد به وجود خدا نمی‌توانیم پاسخ روشنی برای ایجاد جهان ارائه کنیم مطالعه کتاب‌های اعتقادی مخصوصاً کتاب آموزش عقاید استاد مصباح یزدی تو را برای دریافت پاسخ کامل‌تر یاری خواهد کرد. در سؤال دوّمت نوشته بودی که پیامبران چگونه آیاتی را که خدا به آنها نازل می‌کرد دریافت و حفظ می‌کردند و به مردم می‌رساندند؟ نزول آیات خدا دربارهٔ همهٔ پیامبران یکسان نبوده است اما پیامبر ما آیات قرآن را به وسیلهٔ جبرئیل دریافت می‌کرد. جبرئیل آیات قرآن را بر قلب نورانی پیامبر نازل می‌کرد و پیامبر هم آن آیات را که بر قلب شریفش نقش می‌بست برای مردم می‌خواند. سوّمین پرسشت مربوط به نوشتن قرآن توسط پیامبر بود. در پاسخ باید بگویم که پیامبر هرگز در دوران پیامبری خود چیزی ننوشت آن حضرت آیات قرآن را برای مردم می‌خواند و گروهی از آنان که سواد داشتند، قرآن را بر روی پوست حیوانات می‌نوشتند. این گروه در تاریخ به کاتبان وحی شهرت دارند که از جملهٔ آنها می‌توان به امام علی‌اشاره کرد. ضمناً توجّه داشته باش که گرچه پیامبر هرگز به مکتب درس نرفت و با دست خود چیزی ننوشت ولی این به معنای بیسواد بودن پیامبر نیست همچنین باید بدانی که ننوشتن پیامبر بدان خاطر بود که مردم بدانند آیات قرآن از طرف خداست و نه نوشتهٔ خود آن حضرت برای همین اگر پیامبر قلم به دست نمی‌گرفت دلیل بی‌توجّهی آن حضرت به علم نبوده بلکه برای تقویت ایمان مردم به قرآن کریم بوده است

دستورات قرآنی در زمینه" خدمت به مردم را بیان کنید و پیامدهای مثبت دنیایی و آخرتی آن را توضیح دهید؟

پرسش

دستورات قرآنی در زمینه" خدمت به مردم را بیان کنید و پیامدهای مثبت دنیایی و آخرتی آن را توضیح دهید؟

پاسخ

با توجه به مفهوم" نهضت خدمت‌رسانی و خدمت به مردم که عام بوده و هم خدمت رسانی از جانب مسئولان و کارگزاران حکومتی را شامل شده و هم خدمت رسانی اقشار مردم نسبت به یکدیگر را، چند مطلب قابل ذکر است ۱". خدمت ، تنها در حوزه خدمات اقتصادی صنعتی و یا خدمات اجتماعی به مردم خلاصه نمی‌شود، بلکه این واژه خدمات فرهنگی تربیتی و نظامی یا انتظامی و حتی خدمات قضائی را نیز شامل می‌گردد. بنابر این می‌توان گفت قرآن کریم بزرگ‌ترین خدمت را همان خدمت فرهنگی انبیأ الهی به مردم می‌شمارد، پیامبرانی که هر یک در راه هدایت مردم به سوی حق از هیچ چیز دریغ نکرده و تمامی آزارها را تحمل نموده و تا پای جان برای" اقامه دین الهی ایستادند. بزرگ‌ترین خدمت آنان همان" تزکیه و تعلیم انسان‌ها و هدایت آنان از تاریکی جهان و کفر به سوی نور بوده خداوند می‌فرماید": او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان بر انگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه کرده و به آنان کتاب]قرآن و حکمت می‌آموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند ("جمعه ۲)(ملاحظه کنید بقره ۱۲۹ و ۱۵۱.) در همین راستا، یکی دیگر از خدمات سیاسی فرهنگی آنان آزادی انسان‌ها، از بند اسارت بوده می‌فرماید": ویَضَعُ عَنهُم اِصرَهُم والاَغلَلَ الَّتی کانَت عَلَیهِم (اعراف ۱۵۷) و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که به آن‌ها بود]از دوش و گردن‌شان بر می‌دارد(".ر. ک تفسیر موضوعی پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۲۵، نشر مطبوعاتی هدف) ۲. افزون بر مطلب فوق در مورد" خدمت به مردم در قرآن کریم به چند دسته از آیات می‌توان اشاره کرد: الف آیه تعاون می‌فرماید": وتَعاونوا عَلَی البِرِّ والتَّقوی ولا تَعاونوا عَلَی الاِثمِ والعُدوَنِ (مائده ۲)]و همواره در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و]هرگز[در راه گناه و تعدّی هم کار یک دیگر نباشید ".روشن است که خدمت به مردم نوعی تعاون و هم کاری با آنان در رفع مشکلات آن‌ها است ب آیه احسان می‌فرماید": واَحسِنوا اِنَّ اللّه یُحِبُّ المُحسِنین (بقره ۱۹۵)

و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست دارد]".ملاحظه کنید: (اسرأ، ۷ (;)یونس ۲۶ (;)قصص ۷۷)[روشن است که خدمت کردن به مردم یکی از مصادیق" نیکی کردن به آنها است ج آیهٔ انفاق خداوند، در آیات بسیاری سفارش به این امر می‌فرماید و یکی از اوصاف پرهیزکاران را انفاق در حال توانگری و تنگدستی معرفی کرده می‌فرماید": بهشتی که وسعت آن آسمان‌ها و زمین است برای پرهیزکاران آماده شده است . همان‌ها که در توانگری و تنگدستی انفاق می کنند (".آل عمران ۱۳۳ و ۱۳۴) هر چند انفاق دارای اقسام و درجه‌های مختلفی است که یک نوع آن صدقه زکات و خمس است که از نوع انفاق مالی است و نوع دیگر انفاق جان و یا انفاق وقت می‌باشد، به هر جهت انفاق و رسیدگی به محرومان و مساکین یکی از بزرگ‌ترین خدمت اجتماعی به مردم است]ملاحظه کنید: (بقره ۲۶۷ (;)توبه ۱۰۳ (;)ذاریات ۱۹).[د) آیهٔ اطعام قرآن کریم یکی از عوامل مهم عبور از گردنه دشوار قیامت را" اطعام دادن شمرده می‌فرماید": و تو نمی‌دانی آن گردنه چیست آزاد کردن برده‌ای . یا غذا دادن در روز گرسنگی . یتیمی از خویشاوندان . یا مستمندی خاک نشین را (".بلد، ۱۲ ـ ۱۶) و در مقابل اطعام نکردن و عدم رسیدگی به مستمندان را یکی از عوامل رفتن به جهنم محسوب فرموده]ملاحظه کنید: (مدثّر، ۴۲ ـ ۴۴').[û) آیهٔ قرض الحسنه خداوند قرض الحسنه به مردم را قرض به خود قلمداد کرده و می‌فرماید": مَن ذَا الَّذی یُقرِضُ اللّه قَرضاً حَسَناً فَیُضـعِفَهُ لَهُ اَضعافاً کَثیرَهً (;بقره ۲۴۹) کیست که به خدا" قرض الحسنه‌ای دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده انفاق کند) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و) امر به معروف و نهی از منکر ;یکی دیگر از مصادیق خدمت فرهنگی تربیتی به مردم را می‌توان این مورد شمرد ;زیرا افزون بر جلوگیری فساد و فحشا و اعمال زشت در میان جامعه یک نوع آرامش و امنیّت اجتماعی را، برای مردم به ارمغان می‌آورد ;خداوند می‌فرماید": کُنتُم خَیرَ اُمَّهٍ اُخرِجَت لِلنّاسِ تَأمُرونَ بِالمَعروفِ وتَنهَونَ عَنِ المُنکَرِ وتُؤمِنونَ بِاللّهِ (;آل عمران ۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید];چه این که به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید ".که این در واقع یک وظیفه عمومی تمام اقشار جامعه می‌باشد و از طرفی از شئون و وظایف حکومت اسلامی و کارگزاران آن است در مواردی که نیاز به شدت عمل دارد.(ر. ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵، دارالکتب الاسلامیهٔ) م آیهٔ ایثار: خداوند در مدح انصار چنین می‌فرماید": آنان کسانی را که به سوی‌شان هجرت کنند درست دارند و دل خود نیازی به آن چه که مهاجرین داده شده احساس نمی‌کنند و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند.(حشر،۹) ۳. در قرآن مجید، آیاتی بیانگر این معنا است که برخی از انبیأ، افزون بر وظیفه تبلیغی و خدمت هدایتگری مردم خدمات دیگری نیز داشته‌اند، که بخشی از آن عبارت است الف زره سازی حضرت داوود۷ ;می‌فرماید": وعَلَّمنـهُ صَنعَهَ لَبوسٍ لَکُم لِتُحصِنَکُم مِن بَأسِکُم فَهَل اَنتُم شـکِرون (انبیأ، ۸۰) و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در چنگ‌هایتان حفظ کند، آیا شکر گزار (این نعمت‌های خدا) هستید "؟ب خزانه داری حضرت یوسف می‌فرماید(": یوسف گفت" مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم " و این گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم (" یوسف ۵۵ ـ ۵۶) حضرت‌یوسف در جریان کمک به مردم و مدیریت بحران اقتصادی شدیدی که کشور مصر را تحدید می کرد، به یاری مستضعفان شتافت تا از تبعیض‌ها بکاهد و حق مظلومان را از ظالمان بستاند و به وضع آن کشور سروسامان بخشد.(رجوع کنید: تفسیر نمونه همان ج ۱۰، ص ۵.) ج خدمت رسانی حضرت موسی‌به دختران حضرت شعیب قرآن می‌فرماید": فَسَقی لَهُما ثُمَّ تَوَلّی اِلَی الظِّلِّ; (قصص ۲۴) موسی برای (گوسفندان) آن دو زن آب کشید، سپس رو به سایه آورد ".که و به وسیله این خدمت فصل تازه‌ای در زندگانی حضرت موسی گشوده شد. د) قرآن کریم یکی از اهداف مهم نهضت انبیأ را برقراری و بسط عدالت اجتماعی در میان مردم ذکر کرده]حدید،۲۵[و یکی از وظایف آنان را رفع اختلاف و قضاوت و داوری بین مردم بیان می‌دارد ;می‌فرماید": خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد را، با آنان نازل نمود تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند داوری کند (".بقره ۲۱۳) و یکی از دستورهایش به حضرت داوود این است" ای داوود! ما تو را

خلیفه]و نماینده خود[در زمین قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن (" ص ۲۶) بنابر این یکی از راه‌های خدمت رسانی به مردم خدمت قضائی است (ر. ک تفسیر موضوعی پیام قرآن همان ج ۷، ص ۳۱ / تفسیر نمونه همان ج ۱۹، ص ۲۶۱'.) Û) در قرآن از خدمات" ذوالقرنین نیز سخن به میان آمده ـ هر چند او از انبیأ الهی نیست ـ د...بخشی از آیات به ظلم ستیزی او اشاره شد و در بخش دیگر به بیان سدسازی او در برابر هجوم قوم یأجوج و مأجوج می‌پردازد و می‌فرماید(": ذوالقرنین گفت) قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید (و آن‌ها را به روی هم چیند) تا کاملاً میان دو کوه را پوشانید، سپس گفت (آتش در اطراف آن بیافروزید و) در آتش بدمید. (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، گفت (اکنون مس ذوب شده برای من بیاورید تا به روی آن بریزم (" کهف ۹۶)(رجوع کنید به تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۵۲۳ ـ ۵۵۲، دارالکتب الاسلامیهٔ) ۴. در آیاتی از قرآن کریم خداوند انسان‌ها را تشویق به کار و تلاش فرموده است و بدیهی است که خدمت به مردم در ضمن کار و تلاش است می‌فرماید": او کسی است که دریا را مسخّر (شما) ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر نعمت‌های او را به جای آورید. (نحل ۱۴)(ر. ک (فاطر، ۱۲ (;)اسرأ، ۱۲ (;)قصص ۷۳).) قرآن کریم تلاش برای معاش و خدمت به مردم را همردیف جهاد در راه خدا بیان می‌کند ;می‌فرماید": گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی و خدمت به مردم به سفر می‌روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می‌کنند ("...مزمل ۲۰) و این اهمیت اسلام به این موضوع را نشان می‌دهد.(ر. ک تفسیر نمونه همان ج ۲۵، ص ۲۰۰ و ج ۹، ص ۲۱.) در سیرهٔ انبیأ و اولیأ خداوند، می‌خوانیم که آنان با کار و تلاش خویش و ارائه خدمتی به مردم ارتزاق می‌کردند ;مثلاً در حدیثی از امام علی‌می‌خوانیم که" حضرت داوود۷ با دست خویش از برگ خرما بوریا می‌بافت و به همنشینانش می‌گفت کدام یک از شما برای فروش آن مرا یاری می‌کند؟ و آن گاه از بهای آن قرص نان جو می‌خورد(".نهج البلاغه خطبهٔ ۱۶۰.) و یا حضرت ادریس‌و یا لقمان دو زندگی می‌کردند.(رجوع کنید به توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث محمد محمدی ری‌شهری ترجمه سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا)، ج ۱، ص ۱۸۲ ـ ۲۵۰، دارالحدیث) افزون بر این در روایات اهل بیت سفارش اکیدی نسبت به بجاآوردن درخواست برادران ایمانی شده به طوری که یکی از مهم‌ترین حقوق برادری در پی حوایج و خدمت به مردم شمرده شده است که پرداختن به آن خارج از این پاسخ نامه می‌باشد. فقط به روایتی از" جمیل بسنده می‌کنیم که از امام صادق‌نقل می‌کند": مؤمنان خدمت کار یکدیگرند، (جمیل گوید:) عرض کردم چگونه خدمتکار یکدیگرند؟ فرمود: به یکدیگر سود می‌رسانند(".اصول کافی ثقةالاسلام کلینی ـ رحمه الله ـ ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۹، دارالتعارف رجوع کنید: میزان الحکمهٔ محمدمحمدی ری‌شهری ترجمه جمید رضا شیخی ج ۳، ص ۱۳۷۷، دارالحدیث الف حدیث فی المؤمن شیخ هادی نجفی نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مستدرک الوسایل محدث نوری ـ رحمه الله ـ ج ۹، ص ۵۰، نشر مؤسسه آل البیت) ۵. پیامدهای دنیوی و اخروی خدمت به مردم از آن جا که زندگی بشر، به طور اجتماعی است و با توجه به مختلف بودن استعداد و توان و ذوق هر فرد اجتماع در زمینه‌های مختلف ناگزیر از تعامل صحیح افراد یک جامعه با هم هستیم و این همان در خدمت یک‌دیگر بودن و تعاون داشتن در زمینه‌های مختلف را می‌طلبد. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید": نَحنُ قَسَمنا بَینَهُم مَعیشَتَهُم فِی الحَیوَةِ الدُّنیا ورَفَعنا بَعضَهُم فَوقَ بَعضٍ دَرَجـٰتٍ لِیَتَّخِذَ بَعضُهُم بَعضاً سُخریًّا (;زخرف ۳۲)، معیشت آن‌ها را در زندگی دنیا، در میان آن‌ها تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخّر کرده (و با هم تعاون و خدمت نمایند ").در مورد پیامدهای دنیوی خدمت رسانی به مردم می‌توان گفت از برخی آیات قرآن کریم چنین استفاده می‌شود که خداوند برای مردم آرامش امنیت رفاه را در این دنیا می‌خواهد، تا در سایه آن‌ها به عبادت و بندگی خداوند بپردازد و از همین روست که آسمان‌ها و زمین را مسخّر انسان قرار می‌دهد. خدمات مالی به انسان‌ها، کمترین پیامدش در این دنیا، رفع نیاز مندی مستمندان و درماندگان است افزون بر این که یک حالت قرب معنوی را در همین دنیا، برای خادمین آن به دنبال

دارد. و همچنین است در مورد خدمات فرهنگی که سعادت دنیوی را به همراه داشته و یک نوع آرامش روحی و روانی به انسان‌ها عطأ می‌کند. پیامدهای اخروی آن با توجه به آیات و روایات بهشت جاویدان است (البته اگر برای خدا باشد) و تمام ثواب‌های مطرح شده برای انفاق و قرض الحسنهٔ و صدقه و جهاد در راه نجات مستضعفان و... را می‌توان به عنوان پیامدهای اخروی بیان داشت در روایتی از رسول اکرم‌آمده است" هر مسلمانی که گروهی از مسلمانان را خدمت کند، خداوند به تعداد آنان در بهشت به او خدمتکار دهد(".اصول کافی همان ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۱.) خلاصه از منظر آیات و احادیث اهل بیت دسته‌ای دلالت بر تشویق و ترغیب مردم به کار و تلاش و خدمت گزاری می‌کند، حتی اگر ارائه آن خدمت برای گذران زندگی باشد، به طوری که پیامبر اکرم‌دست سعد انصاری را ـ که در اثر ریسمان و بیل رشته رشته شده بود ـ می‌بوسند. برخی از روایات بیان‌گر پاداش‌های اخرویِ خدمت گزاری است که به آن اشاره شد. بعضی دیگر از احادیث به پاره‌ای از راه‌های خدمت‌گزاری اشاره دارد، مثلاً امام علی‌در بیان وضع زندگی مردم در روزگار پیشوایی خودشان می‌فرمایند": در کوفه کسی نمانده جز آن که از نعمت برخوردار بوده و زندگی آسوده‌ای دارد ;فرومایه‌ترین مردم نان گندم می‌خورد، زیر سایبانی مَسکن دارد و از آب گوارای فرات می‌نوشد.(توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث همان ج ۱، ص ۴۳۰، ح ۷۷۳.) و در نامهٔ مشهورشان به مالک اشتر، آن گاه که وی را به گارگزاری مصر می‌گمارند ;می‌فرماید": باید بیش از آن که به گردآوری خراج (و مالیات بیندیشی در اندیشه عمران و آبادسازی زمین باشی زیرا خراج گرد نیاید مگر به آبادانی نهج البلاغه سیدرضی ـ رحمه الله ـ کتاب ۵۳.) و روایات فراوانی که حکایت از برآوردن نیاز مردم و محتاجان دارد ;امام علی‌در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خویش چنین آورده‌اند": پس از دل و جان با مردم انصاف ورزید و برای برآوردن نیازهایشان شکیبا باشید، که همانا شما خزانه دارانِ مردم وکیلان أمت و سفیران پیشوایان هستید و("... .نهج البلاغه کتاب ۵۱، رجوع کنید: میزان الحکمه همان ج ۳، ص ۱۳۱۶ ـ ۱۳۲۷.)

لطفاً آیاتی را که به هدف اجتماعی زیستن انسان اشاره دارد، ذکر کنید.

پرسش

لطفاً آیاتی را که به هدف اجتماعی زیستن انسان اشاره دارد، ذکر کنید.

پاسخ

پاسخ پرسش نیازمند بررسی واژهٔ مدینه در قرآن و بررسی مدینه است واژهٔ" مدینه و مشتقات آن در قرآن مجید حدود هفده‌بار به معنی" شهر و مدینه منوره به کار رفته و واژهٔ" قریه و مشتقات آن ۳۳ بار به معنی" شهر، بیت‌المقدس و دهکده به کار رفته است (ر.ک المیزان علاّمه طباطبایی ج ۱ ـ ۱۵، ذیل آیات ۵۸ و ۲۵۹/بقره ج ۸، ص ۲۶۶، ج ۱۵، ص ۵۳۰، ج ۹، ص ۵۱۱، ج ۱، ص ۲۸۵، ج ۲، ص ۵۳۲، تفسیر نمونه ج ۶، ص ۴۱۴، ذیل ۱۶۱ اعراف و...) بعضی از مفسران" قریه را به معنی" محل اجتماع انسانها، اعم از شهر و روستا "گرفته‌اند.(تفسیر نمونه ج ۲۴، ص ۲۵۵، ذیل آیه ۸ طلاق) از آیات قرآن استفاده می‌شود که واژه" المدینه و مشتقات آن غیر از چند مورد خاص که مراد مدینهٔالنبی ۶ و اهالی آن است در بقیه جاها، مجتمع و به اصطلاح شهری است که عده‌ای از مردم در آنجا زندگی می‌کنند. ـ جامعه مدنی از نظر قرآن اگر مقصود از جامعهٔ مدنی همان زندگی اجتماعی انسانها باشد، بسیاری از آیات قرآن در مورد آن است و علامه طباطبایی ـ رَحمه‌الله ـ مطالب گسترده‌ای را در ذیل آیه دویست سوره آل‌عمران (یا ایّها الذین اَمنوا اصبروا و صابروا و رابطو...) بیان کرده است که در اینجا بخشی از آن‌را به طور فشرده می‌آوریم ۱. انسان موجودی است که اجتماعی آفریده شده است قرآن با بهترین بیان از این حقیقت خبر داده" یا ایها الناس انّا خلقناکم من ذکر

و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکُم ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملتها و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. شریفترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست (حجرات ۱۳) ۲. قرآن خبر داده اوّلین باری که انسان متوجه منافع و مصالح اجتماع شده و در صدد حفظ آن برآمده با راهنمایی پیامبران بوده که در میان ایشان مبعوث شده‌اند". کان الناس امهٔ واحدهٔ فبعث الله النبیّن مبشرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا ("...بقره ۲۱۳) این آیهٔ شریفه می‌فرماید مردم در ابتدا امت واحد بودند. در بینشان اختلاف نبود ;سپس اختلاف پیدا شد ;از این رو، خداوند پیامبران را با کتاب فرستاد تا اختلافات را بردارند و با عمل به قوانین شرع وحدت اجتماع را حفظ کنند. پس تنها ضامن اجتماع دین است" شرع لکم من الدین ما وصیَ به نوحاً و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابرَهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدّین و لاتتفرقوا فیه (شوری ۱۳) بنابراین دعوت به اجتماع از ناحیه نبوت شروع شده است ۳. اولین ندایی که بشر را دعوت کرد تا به امر اجتماع اعتنا و اهتمام ورزد و آن را از کنج اهمال و تبعیت حکومتها خارج سازند، ندای شارع اسلام خاتم الانبیأ۶ بوده که مردم را آیات قرآن به زندگانی سعادتمندانهٔ اجتماعی دعوت فرمود": و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لاتتبعوا السبل فتفرق بکم (انعام ۱۵۳) ۴. اسلام مهمترین احکام و شرایع خود را از قبیل حج جهاد، نماز، انفاق و خلاصه تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داد، و برای حفظ وحدت اجتماعی هدف مشترکی را برای جامعه اعلام کرد که عبارت است از سعادت حقیقی و رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا. ۵. دلیل بر ضمانت اجرایی سنت اجتماعی اسلام همین بس که با وجود کوتاه بودن زمان عرصهٔ حکومتش بر عالم سیطره داشته و تحولی شگرف ایجاد کرده که آثارش تا به امروز باقی است اسلام صلاحیتش را برای مردم ثابت کرده و روزی خواهد آمد که زمام امور جامعه را (در سراسر عالم به عهده خواهد گرفت" وعد الله الذین َامنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض (نور، ۵۵) با این توضیحات و بیان آیات به‌خوبی روشن است که مدنیت و زندگی اجتماعی و تشکیل آن در رأس دستورهای قرآن قرار گرفته است (ر.ک المیزان علامه طباطبایی ج ۴، ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران . اگر مقصود شما از "مدنیت در قرآن ، این است که آیا" جامعه مدنی مطرح شده در محافل سیاسی اجتماعی امروزه ریشهٔ قرآنی دارد یا نه در این زمینه مطالبی را به طور فشرده به عرض می‌رسانیم واژهٔ" جامعه مدنی معادل " eivilSociety "است و در قرن هیجدم میلادی در غرب رواج داشته اما علی‌رغم طولانی بودن تاریخچه آن کسانی که آن را به‌کار برده‌اند، معنای یکسانی را از آن اراده نکرده‌اند. این فکر، همانند فکر" دموکراسی مشروطه و "...از غرب به ایران رسیده و متأسفانه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. دانشمندان غربی در برخی از تعاریف آن را جامعه‌ای می‌دانند که مردم در آن جامعه جایگاه نخست را داشته باشند و سرنوشت خود را تعیین کنند، و آخرین سخن تعیین کننده نیز سخن مردم و قوانین حاکم بر آن جامعه باشد که برخاسته از میل اکثریت مردم آن جامعه است حال از آنجا که زیربنای قوانین در جامعه دینی در قرآن احکام خداوند است این جامعهٔ مدنی هیچگونه تطابقی با جامعهٔ قرآنی ندارد. به همین جهت برخی برای تحقق جامعه مدنی زمزمه دین‌زدایی را سر داده‌اند و بعد از رنسانس شعار جدایی‌طلبان دین از سیاست بوده است به طور کلی جامعه مدنی در طول تاریخ خود در غرب سه تلقی مهم داشته است ۱. جامعه مدنی مرادف با مدنیت که مارکس و انگلس در ایدئولوژی آلمانی به این معنی نظر دارند. ۲. جامعه مدنی در مقابل وضع طبیعی جامعه و جوامع بدوی و غیرمتمدن (جامعه متمدن که جان لاک توماس هابز و ژان ژاک روسو از نامداران این اندیشه‌اند. ۳. جامعه مدنی میدان رقابت و منازعه اقشار و طبقات برای حمایت هرچه بیشتر از منافع صنفی و گروهی خویش است که هگل وجین کوهن و از متأخران آلتوسر به آن معتقدند. این واژه طبق این معانی جایگاهی در فرهنگ قرآنی ما ندارد. عده‌ای معتقدند که اگر ما به دنبال جامعه‌ای هستیم که ملهم از مدینهٔ النبی و ارزشهای حاکم بر آن است و مقصود هم همان فرهنگ قرآنی و ارزشهای اسلامی است آیا معقولتر و مناسبتر این نیست که از" جامعه اسلامی سخن بگوییم و از کاربرد چنین واژه‌های پیچیده بپرهیزیم چرا که ما در فرهنگ قرآنی خود واژه‌هایی شفافتر، مثل جامعه دینی اسلام حکومت دینی و... سراغ داریم لکن عده‌ای از نویسندگان اسلامی آن را به گونه‌ای که شامل جامعه

دینی نیز بشود تعریف کرده‌اند: ۱. جامعه مدنی عبارت است از مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامها ـ سنن آداب و قوانین مشترک به یکدیگر پیوند خورده زندگی مشترک و دستجمعی دارند. نیازها، برخورداری‌ها، فرهنگها و خلق و خوهای آنان یکسان است و در یک مدینه و شهر با آرامی زندگی می‌کنند. بدین سان می‌توان مدینهٔ النبی و تمدن نوینی که پیامبر۶ ایجاد کردند را نیز به این مفهوم" جامعه مدنی دانست ۲. جامعه مدنی تجمع عاملی است که عقلانیت پایه آن عقلانیتی جامع است یعنی هدف کلانِ مطرح شده در آن" نیل به سعادت (توسعه انسانی برای همه اعضاست اگر گروهی از مردم با اختیار خود جمع شوند و تجمع عاملی را تشکیل دهند و سازماندهی خاصی را برقرار سازند تا از این راه تک تک اعضا به سعادت رسند (با بهترین زمینه رشد انسانی خود را بیابند)، در آن صورت یک جامعه مدنی پیدا شده که مطابق تعریف مقسم اصلی عقلانیت پایه آن است که می‌توانیم از جامعه مدنی لیبرال جامعه مدنی مارکسیستی و جامعه مدنی اسلامی نیز سخن بگوییم چرا که اینها سه نوع عقلانیت هستند.(ر.ک مجله اندیشه حوزه سال چهارم شماره دوم ویژه جامعه مدنی پاییز ۷۷ مقالات آیت‌الله محمدهادی معرفت ـ دکتر صادق لاریجانی و علی‌اکبر نوایی و فرهنگ علوم سیاسی دفتر مطالعات و مدارک علمی ایران فارسی انگلیسی و انگلیسی فارسی شماره ۳۶۸ ص ۵۱.)

آیا کلمه روحانی از غرب آمده است و ما به جای آن عالم اسلامی داریم ؟

پرسش

آیا کلمه روحانی از غرب آمده است و ما به جای آن عالم اسلامی داریم ؟

پاسخ

}بله، کلمه «روحانی» از واژه‌هایی است که بیشتر در فرهنگ غرب کاربرد دارد و در حال حاضر تقریبا به صورتکلمه‌ای بین‌المللی در مورد عالمان و پیشوایان دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد.{

بررسی و تحقیق در مورد برخی مسایل و یا گذشته دانشجویان یا مسئولین دانشگاه و تحقیق در مورد کارهایی که انجام می دهند توسط عده ای از دانشجویان البته به صورت مخفی درست است یا نه ؟

پرسش

بررسی و تحقیق در مورد برخی مسایل و یا گذشته دانشجویان یا مسئولین دانشگاه و تحقیق در مورد کارهایی که انجام می دهند توسط عده ای از دانشجویان البته به صورت مخفی درست است یا نه ؟

پاسخ

ارایه پاسخ مناسب به این سئوال نیازمند توجه به مطالب ذیل است : الف-تحقیق و جستجو در امور شخصی افراد از دیدگاه اسلام : از مسائل بسیار مهمی که دین اسلام به آن شدیدا اهتمام دارد ،نگهداری حرمت و آبروی مسلمین و پرهیز از جستجو و تفتیش عقاید آنها است .تجسس و خبر جویی از اندرون زندگی شخصی مردم جایز نیست و به هیچ کس اجازه داده نشده است که اسرار ولغزشهای مردم را افشا کند . امنیت و آسایش خاطر همگانی مردم با موارد فوق فراهم می شود و ادله متعددی شامل آیات و روایات نیز بر عدم جواز چنین مسئله ای دلالت دارد که عبارتند از : ۱. خداوند متعال می فرمایند «یا ایها الذین امنوا اجتنبواکثیرامن

الظن ان بعض الظن اثم ،و لا تجسو ا و لا یغتب بعضکم بعضا ،ایحب احدکم ان یاکل ...» ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری گمانها درباره دیگران بپرهیزید، به راستی که برخی از گمانها گناه است درباره یکدیگر جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند ،آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد ؟که البته از آن بدتان می آید .طبق نظر مفسرین منظور از کلمه(و لاـ تجسوا) تحریم کنجکاوی و دنبال کردن لغزشهای اهل اسلام است چنانچه در مجمع البیان مرحوم طبرسی فرموده است که در پی جستجوی عیبهای مردم نباشید . امام صادق در این باره می فرماید اگر کسی لغزشها و گناهانی راکه از مومنین با دو چشم خود دیده و یا با دو گوش خود شنیده باشد و برای دیگران بازگو کند او از مصادیق این آیه شریفه است که می فرماید :آنان که نقل و پخش کردن کار بد در میان مومنان را دوست دارند ،در آخرت برایشان عذابی دردناک وجود دارد .(اصول کافی ج ۲ /۳۵۷ ،کتاب الایمان و الکو ،باب الغیمه والتهمه ،حدیث ۲) و پیامبر اسلام نیز می فرمایند: در باره لغزشهای مومنین تجسس نکنید ،چون که هر کس لغزشهای برادران مومن خود را پی جویی کند ،خداوند نیز لغزشهای خود او را پی جویی خواهد کرد و او را بی آبرو و رسوا خواهد کرد هرچند که در درون خانه اش باشد .(اصول کافی ج۲ /۳۳۵۵ ،کتاب ایمان و کو ،باب من طلب ثمرات المومنین ج۵) امام علی در نامه معروف خود به مالک به عنوان حاکم مصر چنین می نویسد : کم ارج ترین افراد نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به کشف و پخش عیوب و اسرار مردم حریص تر و بی باک ترند برای اینکه نوعا مردم دارای عیوبی هستند که حاکم برای پنهان داشتن آنها از همه سزاوارتر است .پس هرگز در صدد کشف کردن آن لغزشهایی که پنهان از تو (پنهان از حکومت)صورت گرفته بر نیا . چون تو به عنوان حاکم مسلمین فقط مسئول پاکسازی جامعه از آلودگی های آشکار و ظاهری هستی ،درباره لغزشهای پنهان مردم خداوند خود داوری خواهد کرد . بنابراین تا آنجا که می توانی اسرار مردم را پنهان نگه دار تا خداوند نیز اسرار تو را از مردم پنهان نگه دارد.(نهج البلاغه نامه ۵۳)مجموعه آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد به خوبی بیانگر آن است که از دیدگاه اسلام هرگز نباید حقوق افراد مسلمان با استراق سمع ،تفتیش و تجسس و افشاگری مورد تعرض قرار گیرد . ب-تحقیق و تفحص در امور شخصی افراد از دیدگاه قانون اساسی :در اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است :تفتیش عقاید ممنوع است و هسچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد مواخذه قرار داد .و در اصل ۲۵قانون اساسی نیز آمده است :بازرسی و رساندن نامه ها ،ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ،سانسور ،عدم مخابره آنها ،استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون . ج-موارد استثنا : همچنانکه گذشت اصل کلی از نظر اسلام و قانون اساسی بر عدم جواز تحقیق و تفحص در امور شخصی و مسائل پنهانی افراد جامعه است و حتی برای ماموران امنیتی نیز تفتیش در امور شخصی جایز نیست با این حال از بررسی مجموع آیات و روایات و اصول قانون اساسی مربوط به این موضوع مشخص می شود که قلمرو محدوده این تحریم فقط اسرار شخصی و خانوادگی است که با مصالح عمومی جامعه هیچ گونه ارتباطی ندارد اما مسائل و اموری که به مصالح عمومی ،امنیت ،استقلال و منافع ملی و حفظ نظام اسلامی ارتباط دارند به ناچار باید در چارچوب مقررات ویژه ای مورد بازرسی و مراقبت قرار گیرد و این از نظر عقل سلیم و شرع مقدس امری لازم است . و در تمامی حکومت های دنیا نیز چنین مواردی بر آزادی های فردی ترجیح داده شده است . دولت اسلامی جهت بقاء و اداره هر چه بهتر جامعه و انجام مسئولیت های خویش هم باید از اوضاع دولتی و ملتهای بیگانه و توطئه های نقشه های آنان مطلع باشد و هم باید تحرکات و برنامه های جاسوسان و دشمنان داخلی را زیر نظر داشته باشد و هم جهت حفظ سلامت خود و جلوگیری از نفوذ عناصر نامطلوب در دستگاههای مهم و اعمال گزینش صحیح ،از سوابق و عملکرد افراد مسئول اطلاع دقیق داشته باشد .چنانکه امام علی در عهد نانه خود با مالک اشتر بعد از آنکه به او دستور داد که کارگزاران و مامورین خود را از میان افراد با حیا و با تجربه ، و از بین خانواده های شایسته و پاک و پیشگام در اسلام برگزینند ،راجع به ضرورت اعمال تفتیش در کارها و رفتار آنان چنین می فرماید : سپس بر رفتار و کردار آنان مراقبت کن و مراقبین و گزارشگران مخفی از افراد راستگو ،باوفا و متعهد بر آنان بگمار .چون

مراقبت و بازرسی سری تو درباره آنان ،آنها را وادار می کند و انگیزه می دهد که در منصب خودشان به عنوان یک امانت نگریسته و کارایی بیشتری به خرج دهند ،و با مردم به خوبی و مهربانی رفتار کنند .البته همچنانکه مشخص است اسن اقدام باید توسط دستگاههای حکومتی و از طریق مجاری قانونی اعمال شود و افراد غیر مسئول به هیچ وجه مجاز به تحقیق و جستجو در امور شخصی دیگران نبوده و چنین اقدامی شرعا حرام و غیر قانونی است .

با عرض سلام نمیدانم چرا علمای ما بین مردم ظاهر نمیشوند ؟ چرا طلبه های جوان کمتر بین مردم هستند ؟ حادثه بم را بنگرید ... چطور این طلبه ها بین مردم حضور پیدا کردند و چقدر مردم خوشحال شدند ... به اطفال عروسک میدادند ... با آنها نقاشی میکشدند و ... همه میدانی

پرسش

با عرض سلام نمیدانم چرا علمای ما بین مردم ظاهر نمیشوند ؟ چرا طلبه های جوان کمتر بین مردم هستند ؟ حادثه بم را بنگرید ... چطور این طلبه ها بین مردم حضور پیدا کردند و چقدر مردم خوشحال شدند ... به اطفال عروسک میدادند ... با آنها نقاشی میکشدند و ... همه میدانیم که در کوچکی بهترین مرحله تبلیغ است ... پس چرا کند هستید ؟ چرا حضور شما کمرنگ است در جامعه ؟ با اینکه این همه امکانات عقلی و اجتماعی و روانی دارید ؟ تبلیغات حوزه به نظر من زیر صفر است .. چرا در مدارس حضور ندارید ؟

پاسخ

ارزیابی و قضاوت درباره هر برنامه ای نیازمند بررسی و مطالعه همه جانبه و تسلط بر همه ابعاد آن است. انصاف حکم می کند در مورد فعالیت های فرهنگی و دینی در حوزه های علمیه و کم و کیف آن یا خود از نزدیک شاهد و ناظر باشیم و یا از منابعی که مورد اعتمادند و در جریان این نوع فعالیت ها و تبلیغات می باشند، کسب آگاهی کنیم. بهترین راه آگاهی از این فعالیت ها مطالعه مجلاتی است که در خود حوزه ها منتشر می شود مانند مجله حوزه و پگاه. اکنون حوزه های علمیه علاوه بر اعزام مبلغین در ماه های رمضان و محرم که دو فرصت طلایی برای تبلیغ و رساندن پیام های دین و انتقال آموزه های دینی و معارف الهی می باشد، عده ای از طلاب را که بیشتر طلبه های جوان و مستعد هستند به عنوان روحانی ثابت و مستقر به همه نقاط ایران به ویژه نقاط محروم اعزام می کند. طرح هجرت که برنامه ای تابستانی برای تبلیغ است، برنامه ای است چندین سال از عمر آن می گذرد و تاثیرات سودمندی بر وضع فرهنگی و دینی مردم داشته است. الان مدارس فراوانی در سراسر کشور، نماز جماعت خود را با امامت طلاب جوان برگزار کرده و برنامه های دینی دیگری نیز مانند بیان احکام و روایات معصومین(ع) و از همه مهمتر تماس و ارتباط با دانش آموزان و نسل جوان در کنار آن دنبال می شود. در فرصت های تبلیغی به ویژه ماه مبارک رمضان و ماه محرم الحرام، کمتر دانشگاهی است که از حضور طلاب فاضل و پرنشاط بی بهره باشد. پاسخ به شبهات از طریق نامه و تلفن مستقیم و اینترنت و تحقیق درباره مسائل مختلف دینی و اسلامی و تألیف صدها کتاب در راستای پاطخگویی به نیازهای نسل جوان و اعزام عده ای از طلاب محرتم به کشورهای خارجی، همگی نمونه هایی از فعالیت های فرهنگی و دینی حوزه های علمیه است. البته مدعی نیستیم این فعالیت های بی نقص و جامع و در حد مورد انتظار است، بلکه اذعان داریم که این نوع تبلیغات هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت در حد مطلوب نمی باشد و باید افزایش و بهبود یابد و به ویژه استفاده از شیوه های نو و تازه و استفاده بهینه از فن آوری های روز دنیا در جهت ابلاغ تعالیم دینی باید در دستور کار حوزه های علمیه قرار گیرد. پس تبلیغات حوزه زیر صفر و یخ زده نمی باشد بلکه ولرم و معتدل است که البته باید به تدریج با برنامه ریزی جامع و ریشه یابی کاستی ها و نقص ها گرم بلکه داغ گردد به

گونه ای که جوابگوی نیازهای نسل جوان و عطش معنوی و دینی مردم جهان باشد.

مگر وظیفه روحانی تبلیغ نیست پس چرا عمامه سیاه و سفید دارند اگر یک رنگ بود چه می شد آیا به نحوی کاسبی نیست؟

پرسش

مگر وظیفه روحانی تبلیغ نیست پس چرا عمامه سیاه و سفید دارند اگر یک رنگ بود چه می شد آیا به نحوی کاسبی نیست؟

پاسخ

یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می‌پوشیدند. دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا(ع) می‌فرمایند: «حضرت رسول(ص) عمّامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو وطرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت رسول(ص) با دست خود بر سر حضرت علی(ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸). سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می‌کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می‌باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثه الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار(ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می‌باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می‌باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن‌ها در مواقع نیاز آسان‌تر باشد. و یا مثلا در موقع نماز جماعت تأکید شده که امام جماعت دارای لباس خاصی روحانیت باشد چنان که امام صادق(ع) فرمود: «شایسته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشد» (وسایل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱). چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی‌کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می‌گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیتهای وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش‌هایاسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می‌باشد و در حفظ و گسترش ارزش‌های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش‌های بیگانه، بسیار مؤثر است. خصوصا در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد. می ماند مسأله رعایت تواضع و مساوات با مردم که از دیدگاه اسلام یک اصل و ارزش بسیار مهمی است که همه خصوصا رهبران و پیشوایان مذهبی، مکلف به رعایت آن می باشند. هر چند این موضوع نیز گاهی مواقع به تناسب مقتضیات زمان می تواند اشکال مختلفی داشته باشد. در هر صورت آنچه که از سیره امامان معصوم(ع) و پیامبر اکرم(ص) برداشت می شود اصل رعایت تواضع، مساوات و برابری با مردم است که بحمدالله علماء و بزرگان دینی در طول تاریخ تاکنون نسبت به رعایت آن پای بند بوده و می باشند و مسأله لباس آنها، نه تنها با اصل تواضع و مساوات با دیگران منافات نداشته بلکه خود نقش مهمی در تبلیغ ارزش های اسلامی و تعظیم شعائر الهی و انجام وظایف و کار ویژه های صنفی روحانیت و مقابله با تهاجم فرهنگی ایفا می نماید. آنچه که باید به آن زیاد توجه کرد این است که در زمان‌های قدیم عمامه، عبا و قبا، مختص گروه خاصی از مؤمنان نبود بلکه در آن زمان‌ها رسم این بود که افراد صالح و متدین این لباس‌ها را می‌پوشیدند و بعدها به تدریج تنها علمای دینی در این لباس ماندند و این لباس به عنوان علامت و نشانه علمای اسلام به حساب

آمد. در حال حاضر هم یکی از شرایط پوشیدن عمامه، قبا و عبا داشتن صلاحیت لازم است و اگر کسی دارای آن شرایط نباشد اگر بپوشد، کار نادرست انجام داده است و مانند کسی می‌ماند که لباس پزشکی بپوشد در حالی که شرایط پزشک را ندارد. در زمان‌های قدیم برای پوشیدن این لباس، تنها صلاحیت اخلاقی کافی بود به همین جهت بسیاری از تاجران و پزشکان هم این لباس را می‌پوشیدند ولی در عصرهای اخیر یکی از شرایط این لباس، کسب علوم اسلامی و تبلیغ دین شد و در حقیقت باید به عنوان یک انیفروم ولباس کار و اعلام آمادگی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های اندیشه دینی، به آن نگاه شود. نه یک امتیاز اجتماعی و از سوء استفاده احتمالی برخی در این لباس باید جلوگیری کرد.

آیا جواب شما ربطی به درخواست من داشت؟ من پرسیدم چرا عمامه با هم فرق می کند در صورتی که کار هر دو گروه یکی است چه شیخ و چه سید. متشکرم

پرسش

آیا جواب شما ربطی به درخواست من داشت؟ من پرسیدم چرا عمامه با هم فرق می کند در صورتی که کار هر دو گروه یکی است چه شیخ و چه سید. متشکرم

پاسخ

در این باره گفتنی است که هر کدام از لباس های ویژه و یا رنگ های مخصوص و یا علامت های خاص دارای پیام جداگانه هستند و حتی گاهی لباس ویژه موجب شخصیت حقوقی برای افراد می شود به طوری که بی احترامی به آن افراد در آن لباس پیگرد قانونی دارد. به طور مثال در میان نظامیان و نیروهای انتظامی رنگ سفید شناسه نیروی دریایی است و رنگ خاکی شناسه نیروی زمینی است و حتی نشانه ها و تعداد درجات هر کدام پیام خاصی دارد. درباره لباس روحانیت نیز علاوه بر اینکه مدل آن شناسه وظیفه اجتماعی آنان است به طوری که هر کس سوال دینی دارد به آنان مراجعه کنند. رنگ عمامه نیز شناسه دو گروه از روحانیان می باشد که برای افکار عمومی مسلمانان و حتی رعایت حقوق آنان موثر است. لازم است به این نکته توجه شود که لباس فعلی روحانیون، لباس سنتی و اصیل مسلمانان در قرن های گذشته بوده است و بعد از عقب ماندگی مسلمانان در زمان شاهان بی لیاقت قاجار و جریان خودباختگی فرهنگی، شیوه لباس پوشیدن شرقی ها به تبع بسیاری از لوازم فرهنگی دیگرشان تابع فرهنگ غالب زمانه گردید. اما روحانیان تنها قشری بودند که در مقابل این تغییر ایستادند. بر اساس این توضیح، در گذشته با توجه به جایگاه ویژه فرزندان پیامبر(ص) در میان مردم (اعم از شیعه و سنی) مشخص شدن آنان از دیگران نیز به صورت خواسته ای اجتماعی درآمد. تا آن که در مصر به آنان لقب شریف داده و پوشیدن لباس خاص سادات در آن زمان متداول گردید. البته بحث ارتباط لباس با اعتقادات سیاسی و مذهبی و اجتماعی قبل از آن نیز مطرح بوده است کما این که بنی عباس در ابتدای قیام بر علیه بنی امیه به نشانه عزاداری برای شهدای اهل بیت(ع) لباس سیاه پوشیدند و این لباس بعدها نیز به عنوان شعار آنان باقی ماند. به هر حال از زمان های گذشته سادات اعم از روحانی و غیر روحانی دارای لباس مشخص بودند و این به دلیل خواست عمومی برای شناختن، احترام و ادای سایر وظایف نسبت به فرزندان پیامبر(ص) بود. بعدها که مرز بین لباس روحانیان و غیرروحانیان مشخص تر گردید. سادات غیرروحانی نیز به تدریج مانند مردم عادی لباس پوشیدند (شما در بین سادات مسن تر، افرادی که کلاه یا شال سبز دارند را مشاهده می کنید) اما سادات روحانی لباس خاص سیادت خود را حفظ نمودند. بنابراین این تفاوت در رنگ نشان دهنده تفاوت در کارکرد نیست.

۱– چرا علماءشیعه آنقدر احادیث ودین و روایات را دربین مردم بیان نمی کنند تا مردم از نظر مذهب یقین داشته باشند ودربین خود فقط گسترش می دهند ؟

پرسش

۱– چرا علماءشیعه آنقدر احادیث ودین و روایات را دربین مردم بیان نمی کنند تا مردم از نظر مذهب یقین داشته باشند ودربین خود فقط گسترش می دهند ؟

پاسخ

۱–) ۱. البته علماء و مبلغین شیعه یکی از رسالتهای مهمشان انتشار احکام واعتقادات دین واحادیث پیامبر واهلبیت(ع) دربین مردم است .وعلیرغم فعالیتهای گستردهٔ برنامه ای و خودجوش که دراین مورد وجود دارد زمینه کار خیلی بیشتر ازاینها فراهم است وتلاش وسیع تری را می طلبد. ۲. اگر منظور جنابعالی حوزه های درسی وعلمی است باید گفت : بیان همه احادیث ومطالب چون جنبهٔ گفتنی داشته و فهم دقیق آنها به داشتن علوم ومقدمات ویژه ای نیازمنداست وعموم مردم این آمادگی را ندارند لذا جنبه های تخصصی و دقتهای علمی آنها در حوزه های علمیه مورد بررسی قرار می گیرد. عیناً همین مسأله درمورد دیگر علوم هم وجود دارد .مثلاً جامعه پزشکی آن مقدار از علم پزشکی را که درحد فهم واستفاده عموم باشد به مردم می گویند ومطالب دقیق وتخصصی درهمان محیط دانشگاه بحث می شود.

لطفاً تمام حقوق همسایه بر همسایه را بنویسید و مواردی که هم ضروری است توضیح دهید، واجب و مستحب را هم معلوم کنید، لطفاً آدرس هیچ کتابی را ندهید.

پرسش

لطفاً تمام حقوق همسایه بر همسایه را بنویسید و مواردی که هم ضروری است توضیح دهید، واجب و مستحب را هم معلوم کنید، لطفاً آدرس هیچ کتابی را ندهید.

پاسخ

همسایگی مقتضی حقوقی است بالاتر از حقوق برادری، در اسلام همسایه تمام حقوقی را که یک مسلمان دارد، با اضافاتی دارا است. حق همسایه این است که به او سلام کنی، با او صحبت طولانی نکنی، زیاد از حالش سؤال نکنی، بطوری که خسته شود، و یا نیاز باشد اسرار خود را بازگو کند، در مرض عیادتش کنی، در مصیبت تسلیتش دهی، و در عزا با او شریک باشی، در شادی تبریکش گویی، و شرکتت را در شادی او اظهار کنی از لغزشهایش چشم بپوشی، از بام به امور پنهانیش نگاه نکنی، اگر خواست شاخه ای بر دیوار بگذرد بر او سخت نگیری، در مسأله آب ناودان و خاکروبه ریختن در پشت دیوارش بر او سخت نگیری، یعنی سعی کن در ریختن آب ناودان و ریختن زباله در پشت دیوارش رضایت همسایه راجلب نمایی، راهش را تنگ نکنی، به این معنی که در صورتی که با همسایه از یک راه مشترک استفاده می کنی، با گذاشتن ماشین یا چیزهای دیگر بر سر راه همسایه، موجب اذیت همسایه نشوی، و اگر مجبور به گذاشتن چیزی بر سر راه همسایه شدی، که موجب تنگ شدن راه او شد، از او حلالیت و

رضـایت بطلبی، دقت نکنی که چه چیزی به خانه می برد، آنچه از اسـرارش منکشف می شود بر او بپوشانی، و هنگامی که مصـیبتی به او می رسـد و زمین می خورد، زیر بغلش را بگیری و او را بلنـد کنی، به بیـان دیگر وقتی که گرفتـاری به او عـارض می شود، در رفع گرفتـاری از او بکوشـی، و دیگر حقوق همسـایه این است که در غیبتش از مواظبت خـانه اش غافـل نشوی، پنهانی به سـخنانش گوش ندهی، و از جرمش چشم بپوشـی (به ناموس همسایه نظر سوء نداشـته باشـی)، و به خادمهٔ او نظر نکنی، و به فرزندش مهربانی کنی، واو را در امر دین و دنیایش ارشاد کنی. در حـدیثی از پیامبر اسـلام(، آمـده است که آیا می دانید حق همسایه چیست؟ اینکه اگر یـاری خواست یاریش کنی، و اگر طلب قرض کرد قرضـش دهی، و اگر تو را طلبیـد در پیش او آماده شوی، و اگر مریض شـد عیادتش کنی، و اگر مرد جنازه اش را تشییع کنی. و اگر خیری به او رسید تبریکش گویی، و اگر مصیبتی به او رسید تسلیتش دهی، و بـدون اجازهٔ او ساختمان خانه ات را از او بلنـدتر نکنی، که راه باد را بر او ببندی، و هنگامی که میوه ای خریدی آن را به او هدیه کن، و اگر هدیه نکردی در پنهانی برایش ببر، اگر هدیه کردن میوه سبب خجالت کشیدن همسایه در پیش دیگران می شود، پنهانی به او برسان. و بوسـیله بوی غـذایت او را اذیت نکن، مگر آنکه از آن غـذا برایش مقـداری ببری ".در حـدیث از امام صادق(آمـده است" : خوشـرفتاری در همسایگی، رزق را زیاد می کند ".و همچنین می فرماید" : از ما نیست کسی که با همسایگانش خوشرفتار نباشد ".امام باقر(می فرماید" : از هر جهت تا چهل خانه، همسایه محسوب می شود (".۱) به بیان دیگر، حقوقی که بر همسایه لازم اسـت، در رسـاله امـام سـجاد(بطـور فهرست وار آمـده، که برایتـان ذکر می نمـاییم: ۱. در غیـابش حقش را مراعـات کنی. ۲. در حضورش اکرامش نمایی. ۳. اگر مورد ظلم قرار گرفت، یاریش دهی. ۴. در اسرار او تجسس نکنی. ۵. زشتیهایش را پرده پوشی. ۶. اگر مطمئن شدی پذیرش نصیحت دارد، او را در پنهانی نصیحت کنی. ۷. در گرفتاریها او را به حال خود رها نکنی. ۸. لغزشهای او را ندیده بگیری. ۹. گناهانش را ببخشی. ۱۰. با او محرمانه معاشرت کنی. ـــــــــــــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : ۱. ترجمه اخلاق، محمد رضاجباران، باب هشتم، حقوق همسایگی، ص۱۸۹ ۲. ترجمه اخلاق،ص ۱۴۰

چرا تبلیغات اسلام بسیار کم شده در مقابل ادیان دیگر؟

پرسش

چرا تبلیغات اسلام بسیار کم شده در مقابل ادیان دیگر؟

پاسخ

بـدون تردیـد، تبلیغ و ترویـج اسـلام در برابر سـایر ادیـان، به مراتب کمتر است. و در برابر تبلیغات گسترده جهانی، تبلیغات اسـلامی بسـیار نـاچیز و محـدود است. علاوه بر این که تبلیغـات اسـلامی در برابر تبلیغات غیراسـلامی، محـدود و بسـیار کم است. متأسـفانه سالهـاست که تبلیغـات منفی زیـادی بر ضـدّ اسـلام، در سراسـر جهـان در جریـان است. بخصوص با توسـعه ارتباطات و راه انـدازی ماهواره ها و اینترنت، این تبلیغات مسـموم از سـرعت محیرالعقولی برخوردار گردیـده است. لحظه به لحظه در ذهن و اندیشه جوانان ما شبهه افکنی می کنند. و هنوز بزرگان و رهبران اسلامی به شبهه پاسخ نگفته اند، شبهه وشبهاتی جدید مطرح می گردد. البته ذکر این نکته نیز حائز اهمیّت است، که اگر بتوانیم از ابزار و رسانه های جدید برای تبلیغ اسـتفاده کنیم، درصد موفقیت نسبت به گذشته افزایش خواهد یافت. در گذشته شبهات و نسبت های ناروایی به اسلام می دادند، ولی امکان پاسخگویی وجود نداشت. ولی اکنون بـا اسـتفاده از وسـایـل ارتبـاطی، براحتی می توان به آنهـا پاسـخ داد، و احکام و دسـتورات نورانی اسـلام را بر امواج سوار کرد، و به اقصـی نقاط دنیا ارسال کرد؛ تا تشـنگان حقیقت را سـیراب سازد. پرسشـگر گرامی، این احساس که تبلیغات اسـلامی نسـبت به سایر

ادیان کم شده است، شاید دور از واقعیت باشد. ولی بدون تردید هجمه ها به اسلام شدیدتر، وسیع تر، و بی محاباتر شده است. لذا تبلیغات اسلامی به چشم نمی آید. علت این هجوم بیرحمانه، ترس و وحشتی است که اسلام و انقلاب اسلامی ایران، در دل آنان افکنده است. قبل از وقوع انقلاب اسلامی، اندیشمندان جهان غرب بر این باور بودند، که مذهب به مرور زمان از زندگی مردم حذف شده، به مسأله‌ای فردی تبدیل خواهد شد. ولی انقلاب اسلامی این تئوری را باطل کرد، و مذهب را در کانون توجه جهانیان و مردم قرار داد، و گرایش به دین بخصوص اسلام، در سراسر جهان افزایش یافت، و قرن اخیر را که می خواستند قرن لاتیک و بی دینی بنامند، قرن مذهب و حاکمیت مذهب کرد. بسیاری از اندیشمندان غربی، عصر حاضر را عصر خمینی نامیدند، و قرن ۲۱ را قرن حاکمیت مذهب در اروپا و غرب، و حتی برخی قرن ۲۱ را قرن سلطه مذهب اسلام بر غرب دانستند. اگر تبلیغات کم شده باشد، با این هجوم وسیع و دامنه دار، چنین تعابیر و تفاسیری چه مفهومی می تواند داشته باشد. البته ما به آنچه واقع می شود، نباید قانع باشیم. و همه مردم مسلمان همانند شما، باید احساس کنند که تبلیغ کم است، و همت بکنند که به حجم تبلیغ دین مبین اسلام بیفزایند. و به هیچ حد و سطحی قانع نشوند. که اگر چنین شد، اولین گام به سوی شکست است. لذا باید همگان سعی و تلاششان بر ترویج و تبلیغ اسلام باشد. و البته در این راه، همه مسؤول هستند. و ضمن این که باید این وظیفه را از دیگران مطالبه کنیم، خودمان نیز نباید ساکت و آرام بنشینیم، و بگوییم فلان و فلان مسؤول است، و ما مسؤولیت نداریم. همهٔ ما مسؤول تبلیغ اسلام هستیم. و همه باید از یکدیگر این وظیفه را مطالبه بنماییم. جهت آگاهی بیشتر از وظایف مبلغان، و دیدگاههای اندیشمنان، توصیه می کنم دو کتاب زیر را مطالعه کنید : ۱. عصر امام خمینی(پیرامون انقلاب اسلامی، از شهید مطهری

در موردی که زن و مرد به یکدیگر قول می‌دهند، سپس یکی از آن‌ها به عهد خود وفا نمی‌کند، آیا فقط کسی که عهد و پیمان خویش را شکسته گناهکار است یا هر دو طرف

پرسش

در موردی که زن و مرد به یکدیگر قول می‌دهند، سپس یکی از آن‌ها به عهد خود وفا نمی‌کند، آیا فقط کسی که عهد و پیمان خویش را شکسته گناهکار است یا هر دو طرف

پاسخ

چند نکته قابل توجه است ۱. بدون شک سرمایه زندگی اجتماعی اعتماد متقابل افراد جامعه است از جمله گناهانی که رشته اعتماد و اطمینان را در بین جامعه می گسلد و زیربنای روابط اجتماعی را سست می کند ترک وفای به عهد است که باعث هرج و مرج می گردد، به همین جهت در آیات قرآن تأکید فراوانی به وفای به عهد و پیمان شده است می‌فرماید": یَـٰٓأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوٓاْ أَوْفُواْ بِالْعُقُود(؛مائده ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادها) وفا کنید ".که این عهد و پیمان معنای وسیعی دارد که هر نوع قرارداد و عهد و پیمان در میان افراد را شامل می‌شود چه پیمان‌های سیاسی و اقتصادی و یا اجتماعی باشد و چه عهد و پیمان خانوادگی و زناشویی]ر.ک (بقره ۱۷۷ (؛)نحل ۹۱ (؛)رعد، ۲۰ (؛)مریم ۵۴ (؛)مؤمنون ۸ (؛)معارج ۳۲)[(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۶۰۰ و ج ۴، ص ۲۴۵ و ج ۱۱، ص ۳۸۲، دارالکتب الاسلامیهٔ) و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید": وَ أَوْفُواْ بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ کَانَ مَسْ ُ?ولاً(؛ اسرأ،۳۴) و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود ".و در روایات نیز می‌خوانیم که مسلمانان موظفند که سه برنامه را در مورد همگان انجام دهند خواه طرف مقابل مسلمان باشد یا کافر، نیکوکار باشد یا بدکار، که آن سه عبارتند از: وفای به عهد، ادای امانت و احترام به پدر و مادر.(ر.ک میزان الحکمهٔ محمدی ری شهری ترجمه حمید رضا

شیخی ج ۹، ص ۴۱۰۰، دارالحدیث) ۲. بر طبق مسئله فقهی اگر زن و شوهری در ضمن عقد خود شرطی کنند، آن شرط لازم و واجب است رعایت شود، مثلاً اگر زنی در هنگام خواندن عقد خود با مرد شرط کند که او را از فلان شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.(توضیح المسائل مراجع سید محمد حسن بنی هاشمی ج ۲، ص ۴۲۷، مسئله ۲۴۵۱، دفتر نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) ۳. در موردی که عهد و پیمانی بسته می‌شود، فقط کسی که در ابتدأ آن عهد را شکسته مرتکب گناه شده البته بدیهی است که عهد و پیمان نباید خلاف شرع بوده باشد.

چرا تعصبات مذهبی در کشور بقدری است که با دیدن شخصی از مذهب دیگر مثل دشمن با او رفتار می کنند.

پرسش

چرا تعصبات مذهبی در کشور بقدری است که با دیدن شخصی از مذهب دیگر مثل دشمن با او رفتار می کنند.

پاسخ

قبل از پرداختن به پاسخ ذکر این نکته لازم است که الحمدلله به برکت وجود انقلاب اسلامی و وحدت و همدلیایجاد شده بین سایر گروه‌های مذهبی و قومی کشور اختلافات مذهبی نسبت به سایر کشورهایی که وضعیت مشابهیبا ما دارند. مانند هند، پاکستان و... و چه نسبت به زمان‌های قبل از انقلاب، بسیار نادر و به صورت استثنایی وجوددارد. البته این مقدار کم هم، زیبنده جامعه اسلامی ما نمی‌باشد و وجود آن یکی از خطرات بسیار مهم و اساسی برایامنیت، وحدت و یکپارچگی کشور اسلامیمان می‌باشد و توجه دشمنان را نیز برای بهره‌برداری از آن به خود جلبکرده است. اما در مورد عوامل این تعصبات به صورت مختصر می‌توان به دو دسته از آنها اشاره کرد: الف) بررسی عوامل داخلی تعصبات: ۱- مسائلی که ریشه در تاریخ گذشته مذاهب گوناگون دارد و پیروان آنتعلق شدیدی به آن داشته و با هرگونه اهانت و تعرض به شدت برخورد می‌نمایند. ۲- دخالت هوای نفس: از قبیل، خودبینی و برتری‌جویی، حب جاه و مقام و... ب) بررسی عوامل خارجی اختلافات مذهبی: از زمان‌های بسیار گذشته، درگیری‌ها و تعارضات و جنگ‌هایمذهبی بین مسلمین به وسیله قدرتمندان جهانی هدایت شده است در زمان حال که کشور ما به اتحاد داخلی بین تمامگروه‌ها و مذاهب و همچنین اتحاد با سایر ملت‌های مسلمان به شدت نیاز دارد، فاجعه‌آمیزترین مانع در راه حاکمیت وسیادت اسلام، اوج گیری اختلافات و تعصبات مذهبی می‌باشد و برای مقابله با آن راهی جز دست‌برداشتن ازتعصبات مذهبی و اهانت به مقدسات دیگر مذاهب و تکیه بر نقاط مشترک بین مذاهب نمی‌باشد. البته چه خوب بود در سؤال به صورت جزیی مورد دقیق این مسأله ذکر می‌شد تا بتوان، مسأله را بهتر مورد بررسیقرار داد.

چرا روحانیان گرفتار تحجر و جمود می شوند و چه اقدامی برای ارتباط با نسل جوان انجام داده اید؟

پرسش

چرا روحانیان گرفتار تحجر و جمود می شوند و چه اقدامی برای ارتباط با نسل جوان انجام داده اید؟

پاسخ

- با نگرشی واقع بینانه ومنصفانه به این مسائله درمی یابیم که همچنان که تاریخ حوزه و روحانیت نشان می دهد و در زمان کنونی

شاهد آن هستیم نمی توان یک حکم کلی در این زمینه ارائه نمود بلکه هر چند متاسفانه در قبل از انقلاب به دلایل متعددی تا حدودی شاهد تحجر و جمود و بی خبری از مسائل روز و علوم و موضوعات جدید در گوشه و کنار حوزه ها بودیم اما در عین حال در کنار آن نیز شاهد حضور و مشارکت فعال بسیاری از اندیشمندان و متفکران روحانیت در عرصه های مختلف علمی , فرهنگی جامعه و مجامع دانشگاه بوده و می باشیم که به عنوان مثال می توان از متفکرانی مانند: علامه طباطبایی , مرحوم امام (ره), شهید مطهری , دکتر مفتح , دکتر بهشتی , مرحوم طالقانی را نام برد. اما در بعد از انقلاب با توجه به شرایط جدید ونیازهای جدید ناشی از حکومت اسلامی این خلا و نقصان به صورت بسیار جدی در زمینه تطبیق مسائل و موضوعات جدید با احکام و ارزش های الهی و مقتضیات زمان و مکان و یافتن پاسخ های مناسب برای آنان و... احساس شد و حوزه ها به علت این ضرورت ها و با استفاده از فضای باز ایجاد شده بعد از انقلاب به چنان رشد و بالندگی و تحولی دست یافت که شاید تا قبل از این در تاریخ حوزه ها کم سابقه بود مراکز و موئسسات پژوهشی تحقیقاتی و مطالعاتی متعددی در راستای تائمین نیازهای روحانیون در رشته های مختلف علوم جدید در دانشگاه ها و سایر مراکز علمی می باشیم و در بسیاری از رشته های علوم اجتماعی صاحبنظران و اساتید برجسته ای که به جدیدترین مباحث و موضوعات رایج در محافل آکادمیک و دانشگاهی غرب تسلط و اشراف کامل داشته باشند در میان روحانیون و دین پژوهان حوزه خصوصا "حوزه علمیه قم و جود دارند که معارف و ارزشهای اسلامی را با توجه به شناخت کامل موضوعات و مسائل جدید و با استفاده از پیشرفته ترین و جالب ترین روشهای هنری , تکنولوژی پیشرفته و وسایل ارتباطی به مخاطبان و علاقه مندان انتقال می دهند. کلیه اقدامات فوق در جهت جبران عقب ماندگیهای گذشته حوزه و برقراری رابطه بر اساس تفاهم و تبادل دیدگاه ها با مخاطبین حوزه خصوصا "قشر جوان که تشکیل دهنده اکثریت جامعه و آینده سازان ایران اسلامی عزیز می باشند انجام شده و می شود به عنوان مثال می توان از برگزاری اردوهای تفریحی , سیاحتی و زیارتی برای جوانان و نوجوانان در مقاطع مختلف تحصیلی با استفاده از روحانیون خوش فکر و اندیشمند و در عین حال خوش برخورد و مسلط به اصول روانشناسی و تربیتی برای بررسی و شناخت مشکلات و مسائل مورد نیاز آنها و راهنمایی و ارائه مشورت به آنان نام برد در هر صورت مطالب فوق به معنای موفقیت کامل حوزه در جذب جوانان و مخاطبان خود نیست بلکه گویای اینست که حوزه ها علیرغم وجود مشکلات تاریخی و مالی که دارند شدیدا "به این موضوع بسیار مهم اهمیت داده و در صدد رفع نواقص خود در حوزه تبلیغ و اطلاع رسانی می باشند.

آیا اگر دانشکده ها مختلط نباشد از جاذبه آن کم خواهد شد.

پرسش

آیا اگر دانشکده ها مختلط نباشد از جاذبه آن کم خواهد شد.

پاسخ

ابتدا باید منظور از «جاذبه» مشخص شود واین که دانشکده های مختلط چه نوع جاذبه ای دارند که دانشکده های غیر مختلط ندارند؟ و در مرحله بعد باید توجه شود که آیا هر جاذبه ای برای دانشجویان مفید است؟ اگر بخواهیم از منظر جایگاه و کار ویژه های دانشگاه در یک جامعه اسلامی به مسأله نگاه کنیم باید گفت که اصلی ترین و یا به عبارتی واقعی ترین جاذبه یک دانشگاه برای دانشجویان همان بعد علمی و تحصیلی آن است - و الا بقیه جاذبه ها در سایر مکان های غیر دانشگاهی نیز وجود دارد - و چنین ویژگی و جاذبه ای نه تنها در دانشکده های غیر مختلط کم نشده بلکه همانگونه که تجربه به کرات نشان داده است بیشتر نیز

خواهد شد و جذابیت علمی دانشگاه را بیشتر نمایان کرده و از سایر جذابیت های کاذب آن خواهد کاست.

شیعیان مدعی وحدت هستند و دولت ایران شیعی مذهب است پس چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی‌ارزش را می‌دهد؟

پرسش

شیعیان مدعی وحدت هستند و دولت ایران شیعی مذهب است پس چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی‌ارزش را می‌دهد؟

پاسخ

برای روشن شدن مفهوم وحدت و ضرورت آن توضیحاتی چند لازم است. وحدت در لغت به معنی یکی بودن - یگانه بودن و یگانه شدن است که این کلمه در علوم مختلف کاربرد مختلفی دارد، مثلا در فلسفه کلمه وحدت به همان معنی یکی بودن حقیقی است. وحدت در عرصه سیاسی وحدت مسلمین و وحدت امت اسلامی است که کاربرد خاصی می‌یابد. وحدت ملی یعنی اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد چنانکه به منزله مجموعه‌ای واحد به شمار آیند. همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی در حلول سال شمسی ۱۳۷۹ فرمودند: وحدت ملی یکی از شعارها و اهداف نظام اسلامی در آن سال می‌بود یعنی همه افراد و مردمی که ساکن کشور ایران هستند با هر نوع دین و مذهب و گرایش فکری و مذهبی برای بدست آوردن یک هدف خاص و یا اهداف متعددی با هم همکاری داشته تا به آن مقصود برسند. بعضی از این اهداف که از اهداف تشکیل حکومت اسلامی را نیز تشکیل در قرآن کریم آمده در آیه ۱۵۷ سوره اعراف آمده است: «الذین یتبعون الرسول الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراة و الانجیل یامرهم بالمعروف و ینههم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبئث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم فالذین امنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل مع اولئک هم المفلحون». همانا که از فرستاده خدا که پیامبر امی است پیروی می‌کنند. پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیل که نزد آنهاست می‌یابند. آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد، اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمارد و ناپاکیها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند. آنان رستگاراند. از این آیه شریفه می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از هدف رسالت و به تبع آن حکومت اسلامی امر به معروف و هدایت است به کارهای نیک و آنچه خواسته خداوند تبارک و تعالی است و نهی بندگان از منکر و اعمال خلاف شرع و جلوگیری از ظلم و ستم و در یک جمله می‌توان اهداف داخلی یک نظام اسلامی را پیروی از قرآن و پیاده کردن احکام و حدود الهی در جامعه اسلامی دانست. امام علی(ع) در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «آن اموری که موجب عزت و شوکت امتهای گذشته شد دوری گزیدن از تفرقه و پراکندگی و همت گماشتن و توصیه و ترغیب یکدیگر بر رعایت اتحاد و همبستگی بوده است آنها از هر امری که ستون فقراتشان را می‌شکست و قدرتشان را سست می‌کرد اجتناب می‌ورزیدند؛ اموری مانند کینه توزی، بخل، حسادت، ناهم فکری، پشت کردن و دوری گزیدن از یکدیگر. بنگرید چه حالی داشتند هنگامی که با هم مجتمع بودند و هدف و آرمانشان یک چیز بود - دلهایشان هماهنگ و موافق - دستها و شمشیرهایشان در یک مسیر بود، بصیرتی کافی داشتند و تصمیمها در یک جهت بود، آیا وقتی چنین بودند فرمانروای اقطار جهان و مالک رقاب عالمیان نبودند؟». منظور از وحدت امت اسلامی وحدت معقول و وحدت اضافیه است. وحدت اضافی به وحدتی گفته می‌شود که دو چیز از یک جنس که متصل به یکدیگر هستند و دارای یک حکم نیز می‌باشند با هم وحدت پیدا کنند مثل دو آب رودخانه که یکی شوند که هر دو باقی هستند و قدرت و توانشان افزون گردد. این وحدت خواسته تمامی دلسوزان، علما و اندیشمندان از قرون اولیه اسلامی تاکنون بوده و هست. و اما در مورد این بخش

از سوال که چرا اجازه نشر کتابهای منحرف و بی ارزش داده می‌شود؟ با توجه به بخش اول پرسش شما و پیش شرط طرح سؤال که بحث وحدت می‌باشد به نظر می‌رسد منظورتان چاپ کتابهای تاریخی و اعتقادی است که انتقاداتی در مورد حکومتها و خلافتهای اولیه اسلام و یا بعضی اعمال و رفتار مردمان و دوران حکومت امام علی(ع) دارند. در پاسخ باید گفت هر کتابی که نوشته می‌شود نویسنده‌ای ضرورت نوشتن و پرداختن به آن موضوع را از دیدگاه خود تشخیص داده و اقدام به نگارش آن کرده است و بی‌ارزش بودن یک کتاب را بایستی صاحبان آرا و آگاهان در آن موضوع تشخیص دهند و نمی‌توان به عباراتی چند زحمات چندین ساله شخصی را نادیده گرفت. بی‌شک این کتابها دارای استدلالها، برهانها و ادله‌ای از قرآن، روایات و یا کتب تاریخی معتبر هستند که می‌توان با مطالعه دقیق آنها و تحقیق در مورد قسمت ادعاهایشان در مورد آنها قضاوت نمود. در کشور اسلامی ما که حوزه‌های علمیه متعددی وجود دارد و کتب و نشریات مختلف مذهبی به چاپ می‌رسد و پیروان هر یک از مذاهب آزادانه به تربیت عالمان و مبلغان مذهبی خود می‌پردازند، نشر کتاب جای تأمل ندارد هر چند خوشایند کسی و یا مذهبی نباشد البته اگر کتاب منتشر شده به اصول اعتقادی پیروان مذاهب دیگر توهین کرده باشد جلوی نشر و خرید و فروش آن گرفته خواهد شد و نویسندگان آنها مورد مجازات قانونی قرار می‌گیرند. و در آخر به این آیه شریفه اشاره نماییم که «الذین یستمعون القول فابتعون احسنه»{۱} از اوصاف مؤمنان و دینداران این است که سخنان را می‌شوند و با مطالعه و دقت واقعی و کامل بهترین آنها را انتخاب می‌نمایند. [۱]. سوره زمر، آیه ۳۹.

مگر اسلام زنان و مردان را خواهر و برادر یکدیگر نمی‌داند؟ پس چرا در جامعه از ارتباط دختران و پسران بدون قصد بد جلوگیری می‌شود؟

پرسش

مگر اسلام زنان و مردان را خواهر و برادر یکدیگر نمی‌داند؟ پس چرا در جامعه از ارتباط دختران و پسران بدون قصد بد جلوگیری می‌شود؟

پاسخ

در هیچ آیه و روایتی این مطلب نیامده که زنان و مردان، خواهر و برادر یکدیگرند. این مغالطه‌ای بیش نیست و اگر کسی بگوید، شبیه تعارف است. ثانیاً: مگر خواهر و برادر بودن دلیل می‌شود که با همدیگر ارتباط نامشروع و خلاف شرع داشته باشند؟ گناه و معصیت الهی چه از خواهر و برادر تنی صورت بگیرد و چه از خواهر و برادر ناتنی حرام است. ارتباط و اختلاط بین مرد و زن که خواه ناخواه با گناه ملازم است، از خواهر و برادر، زشت‌تر و شدیدتر است. بنابراین اگر بر فرض قبول کنیم زنان و مردان، خواهر و برادر یکدیگرند، پس بیشتر باید حرمت یکدیگر را حفظ کنند. اگر پسری ببیند که می‌خواهند به خواهرش دست بزنند و به او بی احترامی بکنند، از او دفاع می‌کند. پس بر فرض قبول آن که (مردان و زنان برادر و خواهر یکدیگرند، برعکس نتیجه‌ای که شما گرفته‌اید، نتیجه می‌گیریم و می‌گوییم: پس باید در جامعه مردان و زنان حرمت یکدیگر را نگه دارند و نه تنها نگاه بد به یکدیگر نکنند، بلکه از بی حرمتی به هم جلوگیری کنند. ثالثاً: مگر قابل قبول است که مرد و زن نامحرم مخصوصاً دختر و پسر که عزب هستند و غریزه شهوت در آنان غالب است، با هم ارتباط داشته باشند و به یکدیگر نگاه بد نکنند؟ به مقدس اردبیلی که تقوا و قُدس او بی نظیر بوده، گفتند: اگر تو را با زنی یا دختری نامحرم در یک باغ تنها بگذارند، چه می‌کنی؟ گفت: به خدا پناه می‌برم! بإ؛ حح این که مقدس اردبیلی هم عالم و فقیه با تقوا بود و هم پیرمرد و مسنّ، چگونه قابل قبول است دختران و پسران که در اوج شهوت هستند، با هم ارتباط داشته باشند و نگاه بد و شهوت آلود به یکدیگر نداشته باشند؟! رابعاً: در ارتباط بین دختران و پسران،

آن که بیشتر ضربه می‌خورد و عفّت و آبرویش از بین می‌رود، دختران هستند. آن وقت بعد از سوءاستفاده از آنان، این بندگان خدا رها می‌شونـد و مردان دنبال صـید دیگری می‌رونـد! آیا این بـدترین ظلم به بانوان نیست؟ آیا آنان که دم از حقوق زن می‌زنند، این گونه می‌خواهند از حقوق زنان دفاع کنند؟

اگر پسر نامحرمی در خیابان به دختر سلام کند، جوابش واجب است؟

پرسش

اگر پسر نامحرمی در خیابان به دختر سلام کند، جوابش واجب است؟

پاسخ

در مثل‌هـا آمـده" سـلام... بی طمع نیست. "دختـران بایـد بداننـد سـلام هـایی که پسـران به آنـان می‌کننـد، نه از این بـاب است که می‌خواهند امر مسـتحب اسـلامی را انجام دهند، بلکه می‌خواهند سدّ گفت و گو را بشـکنند و راه را برای خود باز کنند و به اهداف خود برسـند. لذا جواب این گونه سـلام‌ها واجب نیست، بلکه شاید همراه با گناه باشد. در روایات اسـلامی آمده: چند خصلت برای مردان بد است، ولی برای زنان خوب است: ۱ - تکبر؛ تکبر به معنای سنگینی و وقار و خود را به دست بیگانه ندادن و بی اعتنایی به نامحرمان است. ۲ - بخل برای زنان خوب است، اما برای مردان صف بـدی است. ۳ - ترسو بودن.(۱) پی‌نوشت‌ها: ۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸.

اگر خواهی نشوی رسوا, هم رنگ جماعت شو! به نظر شما آیا باید کارهای یک جمع را اگر اشتباه هم بود, تایید کرد و استقلال فکری و عملی نداشت , مثلاً اگر جمع همگی مشغول نوشیدن شراب هستند, باید شراب خورد تارسوا نشد؟!

پرسش

اگر خواهی نشوی رسوا, هم رنگ جماعت شو! به نظر شـما آیا باید کارهای یک جمع را اگر اشـتباه هم بود, تایید کرد و اسـتقلال فکری و عملی نداشت , مثلاً اگر جمع همگی مشغول نوشیدن شراب هستند, باید شراب خورد تارسوا نشد؟!

پاسخ

متأسـفانه این مثل دسـتاویز بسـیاری از مردم شده است که به غلط از آن استفاده می کنند. در نظام هستی جمع عقلایی جز در مراکز خـاص تشـکیل نمی شود. این جمع عقلاـیی نوعـاً از میان توده مردم خارج شـده و در پناهی مأوی می گیرنـد و سـخت از عادات و رسوم عوام النـاس می پرهیزنـد. این فاصـله موجب می شود مردم عـادی به رفتارهـایی رو آورنـد که از گردونه اخلاق و حتی عرف عـادی خـارج است . همین به عرفی هـا موجب تشـکیل نمودهـا والگوهـای قابل پیروی برای سایرین می شود. مردمی که از آداب و رسوم و سـنت حسـنهء اسلامی بهره ای نبرده باشند, به اقتضای حال روی کردهای خاصّی خواهند داشت که هر کدام مظّنهء تأثیر در جمع دیگر دارد و حتی افرادی را به کیش خویش دعوت کرده وادار به پیروی می کننـد. عـادات کوچه و بـازار حتی اگر از گنـاه و معصـیت به دور باشـد, نمی توانـد جهت الگو گرفتن و تبعیت کردن منـاسب باشـد, تـا چه رسـد به حضور در شب نشـینی هایی که خدای ناکرده شیطان آن را هدایت می کند. جمعی به کشیدن سیگار و یا استفاده از مواد مخدر مشغول می شوند و علاوه بر این که

خود را آلوده و گمراه می کنند, از دوستان دعوت به عمل آورده و ایشان را نیز به تباهی می کشانند. اگر شخص به دلایل مختلف , حاضر به حضور در جمع ایشان نشود, او را عقب افتاده پنداشته و طرد می کنند, حال آن که ملاک امتیاز و برتری انسان هانسبت به یک دیگر جز به تقوا و عبودیت نیست . خداوند متعال می فرماید: (۱). خداوند انسان را عاقل و با شعور آفرید که با تکیه بر عقل راه خویش را انتخاب کند و راه از چاه تشخیص دهد و اگر دید جمعی مشغول به کاری هستند, آن را بسنجد ;اگر دید مطابق با عقل و مذهب و عرف است , به آن جمع بپیوندد و گرنه از ایشان پرهیز کرده و از شماتت و از ناصواب گویی آن ها در رأس و گفتار نهراسید,چون خدای متعال پشتیبان او است : .(۲) (پاورقی ۱. حجرات (۴۹ آیه ۱۳ (پاورقی ۲. زمر (۳۹ آیه ۳۸

چرا اکثر روحانیونی که به سراسر کشور اعزام می شوند, بیش تر پیرامون موضوعات فرعی صحبت می کنند, نه اصلی ؟ بیش تر به مستحبات می پردازند, نه واجبات ؟

پرسش

چرا اکثر روحانیونی که به سراسر کشور اعزام می شوند, بیش تر پیرامون موضوعات فرعی صحبت می کنند, نه اصلی ؟ بیش تر به مستحبات می پردازند, نه واجبات ؟

پاسخ

متأسفانه با همه تلخی ها باید بپذیریم مطلب همان است که اظهار کرده اید. از شما به خاطر تیزهوشی واین که طالب مسایل اصلی و وجوبی هستید, باید قدردانی نمود. البته همهء روحانیون این گونه نیستند. زیادند افرادی که در منابر خواستهء شما را مطرح می سازند. مگر اثبات وجود خدا, معاد و قبر و برزخ و گفتن حدیث پیامبر۶و امام ۷و ولایت واجاز و عدم تحریف قرآن و... از مسایل اصولی و وجوبی و اعتقادی نیستند که بسیاری از روحانیون پیرامون آن ها بحث می کنند؟ عده ای که غالباً مسایل فرعی را مطرح می سازند, شاید به خاطر جهات زیر باشد: ۱ متأسفانه برخی از توانایی علمی کافی برخوردار نیستند و نمی توانند از عهدهء طرح برآیند. ۲ مثلی است معروف بین طلبه که صرفیون چنان کردند, ما هم چنین می کنیم . از قدیم رسم چنان بود که مسایل شرعی مثل نماز, روزه , معاملات و اصول دین در ماه رمضان گفته می شد. متأسفانه همان شیوه در امروز هم برای عده ای محفوظ می باشد. ۳ معمولاً ـ در اکثر شهرها و روستاها مجالس قرائت قرآن و بیان احکام برقرار است . لذا این عده طرح آن گونه مسایل را ضروری نمیدانند. ۴ نوعاً در مجالس عمومی افراد مختلفی اعم از بی سواد و کم سواد و با سواد, شهری و روستایی , اداری وبازاری و... شرکت می کنند. چون طرح مطالب استدلالی , زمان و شرایط خاصی را می طلبد, از طرح این گونه مسایل خودداری می شود. ۵ در هر عصر و زمانی یکسری مسایل سیاسی و تاریخی و اقتصادی و عقیدتی و... در جامعه پیدا می شود که در مجالس عمومی طرح آن ها ضرورت دارد. ۶ در مواردی مؤسسان و اقامه کنندگان مجالس مقصرند, چون افراد متعددی را در ظرف چند ساعت دعوت می کنند که برای هر کدام بیست الی نیم ساعت وقت بیشتر نیست . بدیهی است طرح مسایل استدلالی در این گونه مجالس خیلی مناسب نیست . با همهء این توجیهات باید بپذیریم که کیفیت تبلیغات روحانیون مطلوب نیست . امیدواریم بعداً بهتر شود.

پدرم رفتار ما با پسرهای فامیل چون پسر عمو، دایی و حساسیت به خرج می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که با آن‌ها به صحبت بپردازیم و یا در داخل اتاق به تماشای تلویزیون و غیره مشغول شویم. آیا این کار صحیح است؟

پرسش

پدرم رفتار ما با پسرهای فامیل چون پسر عمو، دایی و حساسیت به خرج می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که با آن‌ها به صحبت بپردازیم و یا در داخل اتاق به تماشای تلویزیون و غیره مشغول شویم. آیا این کار صحیح است؟

پاسخ

قبل از پاسخ دادن به سؤالتان می‌بایست مقدمه‌ای را بیان کنیم. انسان موجودی مدنی و اجتماعی است و در روابط محتاج به همنوع می‌باشد. احتیاجاتی که نوع بشر نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند، متفاوت است. احتیاج در معیشت، احتیاج در فراگیری علوم و صنایع، احتیاج در معاملات و عقود. نیاز به رفاقت‌ها و دوستی‌ها . اما احتیاج دیگری وجود دارد که شاید از همه مهم‌تر باشد و آن احتیاج زن و مرد نسبت به هم است که به واسطه داشتن غریزه‌های خاصی لازم می‌شود. تمام ادیان و شریعت هایی را که پیامبران برای هدایت بشر به ارمغان آورده‌اند، می‌گوید: بشر عاقل آفریده شد تا خوب و بد را تشخیص دهد. با این حال عقل نمی‌تواند بد و خوب بسیاری از امور را تشخیص داده و راهکار اجرایی نشان دهد، مثلاً در بحث غریزه و تمایلات جنسی، عقل محکوم قدرتی به نام نفس و شهوت است و یا در بحث قدرت‌طلبی، مال دوستی، افزون خواهی و دنیا پرستی، عقل مقهور است. به همین جهت خداوند عالم پیامبران را فرستاد تا مردم را به راه راست هدایت و عقلشان را در مسیر بهبودی راه بیندازد. از جمله ادیان الهی دین اسلام می‌باشد که آخرین و برترین و کامل‌ترین دین است و توسط پیامبر گرامی اسلام، از طرف خداوند متعال به مردم عرضه شد. دین اسلام در تمامی آداب و رسوم و شئون اجتماعی توصیه و دستورهایی دارد. از جمله آن‌ها حفظ حریم در روابط زن و مرد و پرهیز از آداب و معاشرت‌های ولنگار است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید": به مردان مؤمن بگو دیدگان را (از نظر بازی) فرو گذارند و ناموسشان را محفوظ بدارند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. بی گمان خداوند به آنچه می‌کنند، آگاه است. و به زنان مؤمن بگو: دیدگانشان را فرو گذارند و ناموسشان را محفوظ بدارند و زینتشان را جز آنچه آشکار است، آشکارنکنند. روسری هایشان را بر گریبانهایشان بیندازند و زینتشان را آشکار نکنند، مگر بر شوهرشان یا پدرشان یا پدران شوهرشان یا پسرانشان یا پسران شوهرشان یا برادرشان یا پسر برادرشان یا پسران خواهرشان.("۱) علاوه بر آیات، روایات بسیاری در این باب آمده است که زن و مرد اجنبی و نامحرم نمی‌توانند در مکان خلوت، کنار هم باشند، هر چند به دعا و یا نماز مشغول شوند. علت این مسئله کاملاً مشخص است که انسان همواره نسبت به جنس مخالف، میل و هوس دارد، و این جزء غریزه‌های انسان و سرشت او است. آفرینش رای انسان چنین مقدر کرده است. رابطه زن با مرد و یا به عکس جایز دانسته نشده است مگر در موارد محرمیت، مثلاً زن در مقابل شوهر یا پدر و یا جد و برادر و برادر زاده یا خواهر زاده و عمو و دایی، یا مرد در مقابل زن، مادر، مادر زن، خاله، عمه، مادر بزرگ، برادر زاده و خواهرزاده. به جز زن و شوهر که نسبت به یکدیگر کاملاً ـ محرم هستند و اصولاً ـ یکی از علت‌های زناشویی، تمتع و بهره مندی متقابل است، آن‌ها با دیگر محارم و افراد نامحرمی چون پسر عمو، پسر خاله، پسردایی و پسر عمه رفتاری جدا دارند، چون ایشان هر چند خویشاوندی و نسبت فامیلی دارند، ولی در نظر اسلام، پسر خاله و پسر عمه و پسر دایی و پسر عمو با محرم‌های دیگر تفاوتی ندارند، همان طور که در آیه اشاره به افراد محرم شده است. پس به نظریات پدر و عمویتان احترام بگذارید، زیرا آن‌ها افرادی متشرع و دیندار هستند. دین اسلام می‌گوید: دو نفر نامحرم خصوصاً جوان نمی‌توانند در یک اتاق باشند، زیرا حضور دو نامحرم در محیط خلوت، موجب جاذبه‌های شیطانی می‌شود، اگر چه آن دو با یکدیگر نسبت نزدیکی داشته باشند. دین مقدس اسلام در این گونه موارد وسواس زیادی به خرج می‌دهد و حتی در بیانات معصومان(ع) سفارش شده است که وقتی فرزندان در یک خانه به سن ده سالگی برسند، باید رختخواب هایشان از یکدیگر جدا شود.(۱) در این روایت حداکثر سن مجاز تا ده سالگی و در بعضی روایت‌ها تا شش سالگی آمده است که بستگی به نظر و تشخیص والدین و رفتار فرزندان دارد.

احادیث مربوط اشاره به داخل منزل و افراد محرم چون برادر و خواهر دارد. پس اگر از این سن گذشته و وارد مرحله نوجوانی و جوانی شده‌اند، پیش‌گیری‌های وسیع‌تری باید انجام شود و مثلاً برادر و خواهری که نوجوان یا جوان هستند، نمی‌بایست در یک اتاق خلوت و به دور از حضور پدر و مادر به استراحت بپردازند. پس تربیت نقش اساسی و پرهیز دهنده‌ای در تمام شئون زندگی دارد. علما و فقها در باب اجتناب از ارتباط با نامحرم و حضور در محل خاص مثل اتاق دربسته و یا مکان‌های خلوت می‌فرمایند: "بودن مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود، حرام است، چه به ذکر خدا مشغول باشند یا به صحبت. خواب باشند یا بیدار. نمازشان هم در آن جا صحیح نیست، ولی اگر طولی باشد که شخص دیگری بتواند وارد شود یا بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد، در آن جا باشد، اشکالی ندارد.("۲) پس اگر می‌بینید بزرگترها مثل پدر و مادر، دایی، عمو و پدر بزرگ در رفتار شما با فرزندانشان حساسیت نشان می‌دهند، این مسئله را به فال نیک بگیرید و حساسیت آن‌ها را مذهبی و غیرت دینی بدانید. افرادی چون پسر عمو و پسر دایی و پسر عمه و پسر خاله مثل بقیه نامحرم‌ها هستند. اگر چه در بعضی موارد خاص می‌شود مثلاً در حضور افراد دیگر به بحث‌های علمی با آنها پرداخت و اگر چیزی می‌دانند از آنها یاد گرفت. و سعی کنید چنین ارتباط هایی در محل خلوت و بدون حضور دیگران نباشد. چنین دیدارهایی می‌بایست با رعایت حجاب کامل و پرهیز از شوخی و مزاح و خنده بلند انجام گیرد. ان شاءالله در آینده نزدیک وقتی به مراحل بالاتر زندگی رسیدید، تجربه‌های بهتری را کسب خواهید کرد.

من تا قبل از نامزدیم بسیار با حجاب بودم. البته با مانتو بیرون می رفتم، ولی از وقتی که نامزد گرفتم، نامزدم از من می خواهد در کوچه و خیابان آرایش کرده و کمی از موهایم را از روسری بیرون بگذارم. خیلی هم به او می گویم که این کار را درخواست نکند ولی او دوست د

پرسش

من تا قبل از نامزدیم بسیار با حجاب بودم. البته با مانتو بیرون می رفتم، ولی از وقتی که نامزد گرفتم، نامزدم از من می خواهد در کوچه و خیابان آرایش کرده و کمی از موهایم را از روسری بیرون بگذارم. خیلی هم به او می گویم که این کار را درخواست نکند ولی او دوست دارد. در این صورت آیا من گناهکار هستم؟ باید چکار بکنم؟

پاسخ

خواهر عزیز! ضمن احترام به شوهرتان و رعایت ادب به ایشان باید به وظیفهٔ شرعی خود عمل کنید. البته او چون جوان است، هویَ و هوس هایی دارد. شما با اخلاق و رفتار پسندیده و با خنده رویی طوری او را به خود جلب کنید که شیفته و شیدای شما بشود. وقتی که محبت او را به خود جلب کردید، حرف ها و نصیحت های شما برای او مؤثر تر خواهد شد. در عین حال دلبستگی او به شما بیشتر و مستحکم تر خواهد شد. او فعلاً نمی داند اگر شما با چهره ای آراسته در کوچه و خیابان ظاهر شوید، برای شما خطر آفرین است. چه بسا دخترانی که تازه ازدواج کردند و با ظاهری آرایش کرده، از خانه بیرون آمدند و در دام صیادان افتادند و بعد از آن ها خبری نشد . در برخی از موارد تازه داماد همراه با عروس خانم بزک کرده، سوار بر ماشین شدند و رانندهٔ هوسباز با ترفندهای گوناگون تازه داماد بی تجربه را به دامی انداخت و عروس را برد. اگر آمار این گونه مسائل را شوهر شما بداند، هرگز از شما درخواست نمی کند این گونه از خانه بیرون آیید. بدانید دام صیادان برای امثال شما گسترده است. باید حواستان جمع باشد. با زبان نرم از نامزدتان بخواهید که از درخواست خود صرف نظر کند. بدانید که حجاب محافظ مردان و زنان است، مخصوصاً کسانی که مانند شما تازه داماد و عروس هستند. ضمناً مسائل دینداری شوخی نیست . همسر نمی تواند شما را به گناه وا دارد . باید دید

انگیزهٔ ایشان از این کار چیست؟ مایل است زیبایی همسرش را به همهٔ مردم نشان دهد که این علامت بی غیرتی است اگر می خواهد حسرت دیگران را بر انگیزاند بگویند عجب شانسی دارد که این نشانهٔ کم عقلی و احساس حقارت است.در هر صورت شما به عنوان یک زن مسلمان قرص و محکم ایستادگی کنید و بفرمایید بنده هرگز به خاطر رضای شوهر، غضب پروردگار را نمی خرم . اگر بخواهی پافشاری کنی از تو جدا می شوم . البته او هرگز به فکر جدایی نمی افتد . اگر مانعی نبود با تلفن مستقیمبا مسئول واحد ،آقای شریعتی سبزواری صحبت کرده و گوشی را به دست شوهر بدهید تا ایشان را با منطق قانع نمایند.

مردم در مراسم عزاداری کمتر از مراسم جنش ها شرکت می کنند . علّت چیست؟

پرسش

مردم در مراسم عزاداری کمتر از مراسم جنش ها شرکت می کنند . علّت چیست؟

پاسخ

انسان طبیعتاً با شادی ها بیشتر مأنوس است. همهٔ انسان ها این چنین هستند. البته اگر مراسم عزاداری از جذّابیّت بیشتری برخوردار باشد و از مدّاحان خوش صوت و از منبری های معروف دعوت شود، مردم بیشتر شرکت می کنند.

گاهی انسان به افرادی کمک می‌کند که نه تنها تشکر نمی‌کنند، بلکه طلب کار هم می‌شوند و خیال می‌کنند وظیفه ما است که کمک کنیم. آیا به چنین افرادی باز کمک نماییم؟

پرسش

گاهی انسان به افرادی کمک می کند که نه تنها تشکر نمی کنند، بلکه طلب کار هم می‌شوند و خیال می کنند وظیفه ما است که کمک کنیم. آیا به چنین افرادی باز کمک نماییم؟

پاسخ

نیکی به دیگران و احسان به آنان و برآوردن نیاز بندگان الهی از صفات بسیار پسندیده و مفید به حال انسان است. قرآن حدود چهل بار از نیکو کاران یاد کرده و در حد بالاـ آن‌ها را مورد ستایش قرار داده است ":خدا با نیکوکاران است[۱ "]و "خداوند نیکوکاران را دوست دارد[۲. "]یکی در محضر امام حسین علیه‌السلام گفت: اگر به نا اهل نیکی شود، به هدر رفته است. حضرت فرمود ":چنین نیست. نیکی و احسان بایستی مانند باران سیل آسا باشد که هر نیک و بدی را شامل گردد[۳. "]پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ":کار خیر را دربارهٔ هیچ‌کسچه نیک و چه بد، شایسته و ناشایست، دریغ مدار که اگر وی شایستهٔ نیکی نبود، تو خود به این کار شایسته خواهی بود[۴. "]امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود ":هرگز ناسپاسی ناسپاسان تو را از احسان و نیکی، بی رغبت و دل سرد نسازد. چه بسا کسی از تو قدردانی کند که به وی احسانی ننموده باشی. [به علاوه] خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد[۵. "]حضرت در حدیث دیگر فرمود ":هر کس که با بد کار نیکی کند، به حقیقت همهٔ ابعاد فضیلت را دارا شده است[۶. "]همان گونه که آن بزرگوار از شیری که برایش آوردند، به ابن ملجم داد. اصولاً سیرهٔ اهل بیت این بود که به بدگویان و دشمنان شان نیکی می کردند. امام زین العابدین علیه‌السلام پسر عموی مستمند داشت. حضرت شب هنگام چنان که وی او را

نشناسد، نزدش رفت و چند دینار به او بخشید. پسر عمو گفت: علی ابن الحسین رعایت خویشاوندی را نمی‌کند. خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را شنید و شکیبایی و بردباری کرد، و خود را به پسر عمویش نشناساند. وقتی حضرت شهید شد و آن احسان قطع شد، آن وقت فهمید مرد نیکوکار امام زین العابدین (ع) بود.۱[۷] تو نیکی می‌کن و در دجله انداز

چگونه می توان به فنّ بیان عالی دست یافت؟

پرسش

چگونه می توان به فنّ بیان عالی دست یافت؟

پاسخ

سخنوران معتقدند که خطابه همچون فنون و علوم بشری، اصول و ضوابطی دارد که هرکس بتواند با دقّت کافی اصول و قواعد فنّ خطابه را به کار بگیرد، خطیب ماهری می شود. می گویند: ارسطو واضع فنّ خطابه بود ولی خودش خطیب و سخنور نبود. سخنور کسی است که اسلوب خطابه را در سخنرانی هایش مراعات کند. رسیدن به مقصد اصلی و اعلا در سخنوری به سادگی امکان پذیر نیست بلکه به تمرین بسیار و اطلاعات وسیع و استقامت نیاز دارد. راه های دست یابی به این هدف عالی را می توان در چند موضوع خلاصه کرد: الف) استعداد ذاتی: خطیب موفق کسی است که به طور طبیعی، آهنگی جالب، بیانی فصیح و حنجره ای گرم وگیرا داشته باشد. مخارج حروف را صحیح ادا کند. گرفتار لکنت زبان و سردی بیان نشود. دلی پرسوز و سر پر شور و قلب پاک داشته باشد. به زیبایی منظر و حضور ذهن قوی و هوش سرشار آراسته باشد. چنین فردی با تمرین می تواند به قلّه بلند خطابه دست بیابد. ب) مطالعهٔ سخنان ادیبان. سخنران نخست باید گفتار ادیبان و سخنوران زبردست را مطالعه نماید تا اسرار فصاحت و بلاغت را در کلام آن ها بیابد و تعبیرات زیبا و نغز را دریابد و شیوهٔ به کارگیری الفاظ و روش خوب و زیبای آن را بشناسد. بسیاری از گویندگان معروف، در آغاز از سخنرانی های مکتوب دیگران بهره می جستند تا زمینهٔ ذهنی خود را برای تدوین سخنرانی آماده سازند. ج) تسلط بر نفس: خطیب باید خود را برای تحمل شداید آماده سازد و در مقابل اشکالات و اعتراضات و احیاناً تمسخر ها صبور و بردبار باشد و از سخنرانی دلسر نشود. د) ریاضت و تمریم مداوم: دیده نشده است که سخنرانی در شروع امر عیوب زیادی نداشته باشد؛ از لکنت زبان گرفته تا نارسایی بیان و فقدان الفاظ و جملات. تمامی سخنرانان این گونه عیوب را داشته اند ولی کم کم برطرف شده است. ۵) جرأت و اعتماد به نفس: ترس و دلهره و عدم اعتماد به نفس از عوامل بازدارنده از سخنور شدن است. اگر کسی بخواهد سخنور خوبی بشود، باید با تمرین و سخن گفتن در برابر مردم و در اجتماعات، ترس و دلهره را از خود بزداید. و) معلومات و محفوظات لازم: سخنران باید هر چه می تواند بر محفوظات خود بیافزاید. اشعار زیبا و مناسب، سخنان نغز و شیوا از بزرگانی مانند سعدی و حفظ احادیث و ایات مناسب با موضوع بحث را در حافظه داشته باشد تا سخنرانی او از جذّابیّت خاصّی برخوردار باشد.[۲۲] [۲۲] محمد باقر شریعتی سبزواری، دربارهٔ سخن و سخنوری، ص ۶۲ به بعد، با تلخیص.

خواهران با حجاب و با تقوا که در جامعه رفت و آمد می کنند، چگونه از شرّ جوانان بزهکار در امان باشند؟

پرسش

خواهران با حجاب و با تقوا که در جامعه رفت و آمد می کنند، چگونه از شرّ جوانان بزهکار در امان باشند؟

پاسخ

عامل مهمی که در شرایط ناسالم، فرد را از آلوده شدن به گناه باز می دارد، شرم و حیا است. هر چه حیا بیش تر باشد، نیروی بازدارنده قوی تر خواهد بود. امام علی(ع) می فرماید": عفت و پاکدامنی به اندازهٔ شرم و حیای انسان است.["۱۸] پیشوایان دین به منظور حفظ عفت عمومی و امان بودن از تیررس نگاه های آلودهٔ صیادانِ هوس ران به زنان توصیه کرده اند جز به ضرورت از خانه خارج نشوند. امام علی(ع) می فرماید": آن ها را در پردهٔ حجاب قرار داده تا نامحرمان را ننگرند، زیرا سخت گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است.["۱۹] اگر از منزل خارج شدند، با متانت و وقار سخن بگویند و رفت و آمد داشته باشند. قرآن مجید به زنان پیغمبر دستور می دهد که به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند.[۲۰] تجربه نشان داده است که مراعات حجاب و حیا توسط دختران موجب حراست و سلامت روحی آن ها می شود. جوانان بزهکار معمولاً سراغ افرادی می روند که چراغ سبزی از آن ها ببینند اما اگر با افرادی متین و با وقار و با شخصیت مواجه شوند، ممکن است ابتدا سخنی ناپسند بگویند اما قطعاً وقتی با عکس العمل سخن طرف رو به رو شوند، از ادامه و تکرار آن جلوگیری می کنند. [۱۸] غررالحکم، ج ۴، ص ۳۱۲. [۱۹] نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱. [۲۰] احزاب (۳۳) آیهٔ ۳۲.

این که پیامبر اسلام از سؤال و خواهش از دیگران نهی نموده آیا فقط در خصوص مسائل مالی و اقتصادی است یا شامل مسائل علمی و سائر مسائل نیز می‌شود؟

پرسش

این که پیامبر اسلام از سؤال و خواهش از دیگران نهی نموده آیا فقط در خصوص مسائل مالی و اقتصادی است یا شامل مسائل علمی و سائر مسائل نیز می‌شود؟

پاسخ

سؤال و پرسش‌های علمی از اهل علم و متخصّصان لازم و ضروری است قرآن می‌فرماید ": فاسئلوا أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون ؛ [۱۵] اگر نمی‌دانید از متخصصان سؤال کنید. " امیرالمؤمنین ع فرمود ": القلوب أقفال مفتاحها السؤال ؛[۱۶] قلبها قفل زده شده کلید آن سؤال است. " پیامبر(ص فرمود ": العلم خزائن و مفتاحها السؤال فاسئلوا یرحمکم اللّه فانّه یوجر فیه اربعه السائل والمعلّم و المستمع و المسامع والمحبّ لهم ؛[۱۷] کلید خزینه‌های علم سؤال است پس بپرسید تا مورد رحم الهی قرار گیرید. دربارهٔ سؤال چهار دسته اجر می‌برند: سؤال کننده و معلّم و شنونده و دوستداران علم و عالم. " باز پیامبر (ص فرمود ": السؤال نصف العلم ؛[۱۸] سؤال نیمی از علم است. " بنابراین سؤال کردن در باب مسائل علمی نه تنها مذموم نیست بلکه خوب است البته در این باب باید سؤال‌های علمی مفید و به قصد یادگیری باشد، نه به قصد مفتضح کردن دیگری یا سؤال‌های بی فائده همان طور که در روایات به آن‌ها اشاره شده است قرآن می‌فرماید ": فقیرانی که مؤمن هستند، از دیگران سؤال نمی‌کنند. هر کس آنان را نشناسد، می‌پندارد که غنی هستند، چون ظاهر خود را طوری نشان می‌دهند که آبروی خود را حفظ کنند.[" ۱۹] پیامبر(ص به ابوذر فرمود ": از سؤال و درخواست از دیگران پرهیز کن چون باعث ذلّت و خواری است و حساب طولانیِ روز قیامت گردنگیر سائل خواهد شد.[" ۲۰] امیرالمؤمنین ع فرمود ": سؤال کردن طوق مذلّت و خواری است که عزیز را ذلیل می‌نماید و حسب و نسب را زائل می‌کند.[" ۲۱] امام صادق ع فرمود ": شیعیان ما حتی اگر از گرسنگی بمیرند، دست گدایی به سوی کسی دراز نمی‌کنند.[" ۲۲] پیامبر (ص فرمود:

"اگر کسی باب سؤال را روی خود باز کند، بابی از فقر به سوی او باز می‌شود.[" ۲۳] [۱۵] نحل ۱۶) آیهٔ ۴۳. [۱۶] میزان الحکمه عنوان ۱۷۰۲. [۱۷] همان [۱۸] همان [۱۹] مضمون آیهٔ ۲۷۲ بقره [۲۰] میزان الحکمه عنوان ۱۷۰۸ [۲۱] همان [۲۲] همان [۲۳] همان عنوان ۱۷۱۱.

همسرم دوست ندارد هیچ کس حتی دشمن از او ناراحت شود. آیا این فکر و روش صحیح است

پرسش

همسرم دوست ندارد هیچ کس حتی دشمن از او ناراحت شود. آیا این فکر و روش صحیح است

پاسخ

دوست داشتن مردم صفت پسندیده‌ای است که در اولیای الهی دیده می‌شود. قرآن مجید پیامبر اسلام ص) را" رحمهٔ للعالمین معرفی می‌کند و می‌فرماید": تو نفرستادیم مگر این که برای جهانیان مهر و رحمت باشی[" ۱] حضرت سمبل عشق و محبت انسانی بود و به همه چیز مهر می‌ورزید، حتی حیوانات و جمادات در تاریخ آمده است وقتی از کنار کوه احد می‌گذشت با چشمان پرفروغ و نگاه محبت‌آمیز اُحد را مورد عنایت قرار داد و گفت " جبل یحبّنا و نحبّه ؛ کوهی است که ما را دوست دارد و ما آن را دوست داریم[" ۲] استاد مطهری می‌گوید: معنای محبت آن نیست که با هر کسی مطابق میل و خوشایند او عمل کنیم با او طوری رفتار کنیم‌که او خوشش بیاید و به سوی ما کشیده شود. این محبت نیست بلکه نفاق و دورویی است [۳] علاوه بر این" محبت تنها داروی علاج بشریت نیست در مذاق‌ها و مزاج‌هایی خشونت نیز ضرورت دارد و مبارزه و دفع و طرد لازم است اسلام هم دین جذب و محبت است و هم دین دفع و نقمت [۴] انسان کامل هم جابه ذارد و هم دافعه نمونه‌اش شخصیت جامع امام علی(ع) است که به قول استاد مطهری مردی دشمن ساز و ناراضی ساز بود.[۵] علی در راه خدا از کسی ملاحظه نداشت بلکه اگر به کسی عنایت می‌ورزید و از کسی ملاحظه می‌کرد، به خاطر خدا بود. این حالت دشمن ساز است و روح‌های پرطمع و پرآرزو را رنجیده می‌کند و به درد می‌آورد". در میان اصحاب پیغمبر هیچ کس مانند علی دوستانی فداکار نداشت هم چنان که هیچ کس مانند او دشمنانی این چنین جسور و خطرناک نداشت مردی بود که حتی بعد از مرگ ،جنازه‌اش مورد هجوم دشمنان واقع گشت .[۶] تولی و تبری یعنی دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا، که از موضوعات مهم مکتب اسلام است تا جایی که جزء فروع دین و در کنار نماز و روزه است پاورقی: ۱ – انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۷. ۲ – بحارالانوار ج۲۱، ص ۲۴۸. ۳ – استاد مطهری، جاذبه و دافعه، ص ۱۴. ۴ – همان، ص ۱۶. ۵ – همان، ص ۱۰۸. ۶ – همان، ص ۱۰۹.

چه جاذبه‌ای در رهبر وجود دارد که به قلبهای مردم اثر عمیق و پایدار می‌گذارد؟

پرسش

چه جاذبه‌ای در رهبر وجود دارد که به قلبهای مردم اثر عمیق و پایدار می‌گذارد؟

پاسخ

قبل از هر چیز توجه شما را به دو نکته جلب می‌نمایم. نخست آنکه رهبری در جامعه دینی از یک جایگاه خاص، ویژه و والایی

برخوردار است که در وهله اول، حاکمیت از آن خداوند، سپس انبیا (ع) و ائمه هدی (ع) است و در زمان غیبت امام معصوم (عج)؛ رهبری برعهده فقیه یا فقیهان جامع الشرائط است. بنابراین در جامعه اسلامی شیعه، رهبری فقیه، یعنی استمرار رهبری انبیا و اولیا، در قالب و مرحله‌ی نازل تر، که امروزه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان ولی فقیه تجلی و اشتهار یافت. نکته دوم اینکه همان طور که از آیات و احادیث استفاده می‌شود؛ رهبرانی چون انبیا و ائمه هدی (ع) می‌بایست مصون از هرگونه عیب و نقص پنهانی و آشکار باشند و علاوه بر عصمت در گفتار و کردار، عصمت در اندیشه نیز داشته باشند؛ و ا ز لحاظ علمی، اخلاقی، اجتماعی، فردی و... سرآمد افراد جامعه باشند و به عبارت دیگر جامع همه خوبی‌ها و مبرا از هرگونه عیب باشند تا در نزد مردم جایگاه لازم را بدست آورده و در نتیجه محبوب دلها گشته و کلامشان در جان ناس و مردم نافذ افتد. (اگر چه ما قصد مقایسه کسی را با ائمه هدی نداریم چون احدی را مقایسه با آنان نسزد) ولی بسیاری از این ویژگی‌ها - به غیر از عصمت به معنای خاص خودش، علم غیب و... - در مرحله نازلتر نیز می‌بایست در فردی که رهبری جامعه دینی را در زمان غیبت امام معصوم به عنوان رهبر و ولی فقیه به عهده می گیرد؛ یافت شود؛ تا هم نزد عده‌ای از خرده گیران مغرض و کوته نظر که حتی بر پیامبر (ص) ایراد می گرفتند که چرا غذا می‌خورد، در بازار راه می‌رود و... مورد طعنه قرار نگیرد و هم نزد آحاد مردم، به جایگاه محبوبیت و نفوذ کلام نائل آید؛ و بتواند همچون ناخدایی با درایت و ماهر، سکان داری امین برای کشتی در حال حرکت جامعه اسلامی باشد و آن را به ساحل سعادت، پیشرفت و تکامل مادی و معنوی رهنمون گردد. مخاطب گرامی! اگر چه سؤال شما کلی است ولی از آنجا که به نظر می‌رسد مقصود شما رهبر معظم انقلاب حضرت آیة الله خامنه‌ای ادام الله ظله علی رئوس المسلمین باشد؛ به طور اختصار درحد بضاعت اندک خویش نکاتی را به قلم می‌آوریم: ۱ - اخلاص: اگر کسی سعی کند در تمامی مراحل زندگی، برای خداوند متعال زندگی کند و زندگی اش را صبغه‌ی الهی ببخشد یقیناً کلام او، شخصیت او و حتی نام او به خاطر همین رنگ الهی، محبوب بندگان مخلص خداوند خواهد شد. و رهبری از جمله کسانی است که از دوران طلبگی، دوران مبارزات، دوران تبعید و غربت، دوران ریاست جمهوری و عزت و دوران کنونی، چرخه‌ی زندگی و مراحل یاد شده را بر محور اخلاص خدایی بودن به چرخش درآورد. ۲ - ساده زیستن: به طور کلی مردم شخصیتها و چهره‌های علمی و مذهبی جامعه را که دارای زندگی ساده و دور از تجملات و پرزرق و برق باشد را دوست می‌دارند. و گفتار او را با عمل او صادق دانسته و نسبت بدان‌ها، شنوا خواهند بود. و طبق اظهارات افراد مطلع، زندگی معظم له از همان ابتدا ساده بود و به خصوص در دوران رهبری که چه بسا نقل برخی خصوصیات و ویژگی‌های زندگی زاهدانه ایشان برای بسیاری قابل باور نباشد. ۳ - مظلومیت: همواره مردم، فرد مظلوم را دوست می‌داشتند به خصوص مظلومی که خود در رأس حکومت قرار داشته باشد. به یاد سخنی از امام علی (ع) که فرمود: تاکنون می‌پنداشتم! این حکومت‌هایند که به مردم خویش ستم می‌دارند اما اکنون دریافتم که حکومت و رهبری هم ممکن است مظلوم واقع شود. باور بفرمایید که رهبری انقلاب نیز از سوی برخی دوست نماها و یا دوستان ناآگاه مورد ظلم قرار گرفتند. که فرمود: اگر فردای قیامت اجازه یابم خواهم گفت! ۴ - تسامح و تساهل: گذشت و اغماض نسبت به آن چه که مربوط به حقوق شخصی باشد. ۵ - قاطعیت در برابر حقوق جامعه و ارزش‌های اسلامی و دینی ۶ - ابهت و صلابت در برابر دشمنان؛ ۷ - تواضع و مهربانی در برابر مؤمنان و دوستان؛ ۸ - شرح صدر و دریادلی، در جهت تحمل مخالفان؛ ۹ - عملکرد فراجناحی؛ ۱۰ - غمخواری دلسوزی محرومان و صاحبان اصلی انقلاب؛ ۱۱ - دارا بودن مدال افتخار جانبازی؛ ۱۲ - افتخار سیادت و کسوت روحانیت ؛ ۱۳ - تدبیر و کاردانی در امور داخلی و خارجی و عبور دادن کشور و جامعه از بحرانی‌ترین حوادث؛ ۱۴ - اطاعت، همراهی و پیروی از خط امام خمینی (ره)؛ ۱۵ - حسن خلق؛ ۱۶ - و... همه‌ی این‌ها از عواملی است که موجب محبوبیت و نفوذ کلام رهبری در جامعه اسلامی است.

چرا خوبی کردن سخت است؟

پرسش

چرا خوبی کردن سخت است؟

پاسخ

خوبی کردن سخت است. واقعیتی است که در بسیاری از انسان‌ها و بلکه اغلب آن‌ها وجود دارد: جهت شفافیت مطلب به مقدمه ذیل توجه کنید": انسان در بدو تولد حیوان بالفعل و انسان بالقوه است، یعنی بُعد حیوانی انسان که متضمن حفظ و اراده حیات او است، به صورت بالفعل موجود است. تمامی غرایزی که با هدف حفظ و بقای حیات در انسان وجود دارند از قبیل خوردن، خوابیدن، میل جنسی (و هوس گرایی و دنیاطلبی) همگی از بُعد حیوانی او سرچشمه می گیرند. بر خلاف بُعد حیوانی که در بدو تولد به صورت بالفعل موجود است، بُعد انسانی او در این هنگام به صورت بالقوه است، یعنی به مثابه بذرهایی است که در درون او پاشیده شده و در صورت پرورش صحیح به صورت آن چه که ارزش‌های والای انسانی یا فطرت انسانی نامیده می‌شود، درخواهد آمد. هم چنان که اگر این بذرها در درون انسان در زیر خروارها غفلت و فراموشی دفن گردد یا به دست خود انسان ضایع شود، وی از مرز حیوانیت تجاوز نکرده و احیاناً به مراحلی پست‌تر از حیوانات Ġ.....می‌نماید.("۱) به دیگر بیان: نیکی گرایی و فضیلت‌طلبی که از ابعاد فطرت انسانی است و به صورت بذرهایی در درون آدمی نهفته می‌باشد، نیازمند تربیت صحیح و محیط پرورشی مساعد است. اگر همان گونه که دانه‌های گندم استعداد رشد و نمو دارد، داخل گونی و در انبار بماند یا در زمین شوره زار و هوای نامساعد افشانده شود، به خوشه و مزرعه گندم تبدیل نمی‌شود، ابعاد فطرت آدمی (مثل نیکی گرایی که منشأ خوبی کردن است) تا در فضای تربیتی سالم و محیط پرورشی مناسب قرار نمی گیرد و از غفلت و فراموشی بیرون نیاید، به مقام انسانیت نمی‌رسد. در این صورت اگر چه به ظاهر انسان است اما در درون یک موجود مسخ شده و منقلب از حقیقت خود و ماهیت انسانی خویش است. از این رو تمایلی به کمالات انسانی از جمله گرایش به خوبی نخواهد داشت. البته باید توجه داشت که اگر چه نیروهای غریزی در انسان‌ها بالفعل و گرایش به نیکی‌ها و ارزش‌های انسانی به صورت فطری در انسان قرار دارد، اما خداوند برای تأیید و تقویت نیروهای فطری و شکوفایی استعدادهای عالی انسانیت و ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، عقل را به صورت رسول باطنی در انسان قرار داده و پیامبران و رسولان ظاهری را نیز فرستاده است. از این جهت انسان‌ها دچار کمبود و نقصان نیستند. رابطه معرفت و گرایش به نیکی ها همان گونه که غفلت و توجه بیش از حد به غرایز و تمایلات حیوانی و کم بها دادن به جنبه‌های انسانی و فطرت خدا جو و کمال طلب انسان، او را از رسیدن به مقام انسانیت محروم می کند، در نتیجه یا گرایش به سوی خوبی‌ها نخواهد داشت و یا با سختی و بی میلی کارهای خوب را انجام می‌دهد، شکوفایی و ظهور هماهنگ ابعاد فطرتِ کمال جو و گرایش‌های عالی انسانی نیز، انجام دادن مطلق کارهای خوب را شیرین و لذّت بخش خواهد کرد. میزان سهولت و شیرینی انجام کارهای خوب (اگر چه سنگین و ذاتاً سخت باشد) به میزان" عشق و علاقه "فرد بستگی دارد. کمیّت عشق و علاقه نیز به میزان شکوفایی فطرت و بروز استعدادهای بالقوه و گرایش‌های عالی و خداجوی انسان وابسته است. چنان که میزان شکوفایی فطرت به میزان معرفت و آگاهی است. هر چه معرفت و شناخت بیشتر باشد، جنبه قُدسی و معنوی و خشوع و تسلیم پذیری در برابر فرمان خدا بیشتر است": إنّما یخشی اللّه مِن عباده العلماء.("۲) چون کارهای خوب را فرمان محبوبش (خدا) می‌داند و انجام آن را وسیله نزدیکی و تقرب به معشوق می‌شناسد، عشق به انجامش در وی پدیدار می گردد". صفات و ملکات فاضله اخلاقی از طریق تکرار اعمال مناسب با آن‌ها در درون انسان به وجود می‌آیند. طبیعی است تا عملی در سایه تکرار به صورت صفت ثابت و مَلَکه در نیامده، انجامش مشکل و غالباً همراه با زحمت و مشقّت است.("۳) باید کارهای خوب را آن قدر تکرار کرد تا به صورت کرامت

اخلاقی و ملکه درونی در آید. پی نوشت‌ها: ۱. اخلاق اسلامی(درس مشترک کلیه رشته‌ها) سال اوّل مراکز تربیت معلم، کد ۱۰۲۰، ص ۱۵. ۲. فاطر (۳۵) آیه ۲۸. ۳. اخلاق اسلامی، درس مشترک کلیه رشته‌ها، سال اوّل مراکز تربیت معلم، کد ۱۰۲۰، ص ۲۰۶.

می گویند انسان ها نسبت به چیزی که از آن منع می شوند، حریص تر می گردند، پس چرا اسلام بر پوشش و عدم روابط زن و مرد تأکید دارد؟

پرسش

می گویند انسان ها نسبت به چیزی که از آن منع می شوند، حریص تر می گردند، پس چرا اسلام بر پوشش و عدم روابط زن و مرد تأکید دارد؟

پاسخ

طرفداران اخلاق جنسی معتقدند: آتش میل و رغبت بشر در اثر منع و محدودیت فزونی می گیرد و مشتعل تر می گردد اما در اثر ارضا و اشباع، کاهش می یابد و آرام می گیرد. برای این که بشر را از توجه دائم به امور جنسی و عوارض ناشی از آن منصرف کنیم، یگانه راه صحیح آن است که هر گونه قید و ممنوعیتی را از جلوی پایش برداریم و به او آزادی بدهیم.(۱) فروید و پیروان وی بر این اساس معتقد به آزادی غریزهٔ جنسی شده اند اما استاد مطهری می گوید": اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع بی حد و حصر آن ها است. این ها فقط متوجه محدودیت ها و ممنوعیت ها و عواقب سوء آن ها شده اند. طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این غریزه باید به آن آزادی مطلق داد. این ها چون یک طرف قضیه را خوانده اند، توجه نکرده اند همان طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات در آوردن، آن را دیوانه می سازد و چون این امکان وجود ندارد که هر خواسته ای برای هر فردی برآورده شود، بلکه امکان ندارد همهٔ خواسته های بی پایان یک فرد برآورده شود، غریزه بدتر سرکوب می شود و عقدهٔ روحی به وجود می آید.(۲") به نظر استاد مطهری برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: ارضای غریزه در حد نیاز طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن.(۳) اما این که می گویند: انسان نسبت به چیزی که از آن منع شود حریص است، مطلب صحیحی است، ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود. به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند اما او را ممنوع سازند. اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کم تر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کم تر خواهد بود.(۴") فروید "که طرفدار سرسخت آزادی غریزهٔ جنسی بود، متوجه شد خطا رفته است، از این رو پیشنهاد کرد باید آن را از راه خاص خودش به مسیر دیگری منحرف کرد". راسل "نیز که به آزادی جنسی معتقد است، اعتراف کرده که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آن چه با ارضا تسکین می یابد، حرارت جسمی است، نه عطش روحی. یعنی روح انسان سیری ناپذیر است و اگر چه شاید از نظر حرارت جسمی در زمانی ارضا شود، اما چون انسان روح سیری ناپذیر دارد، به آن حد قناعت نمی کند و می خواهد از آن هم بالاتر رود. پس باید گفت: آزادی در روابط زن و مرد و یا بی توجهی به حجاب، از حرص و ولع نسبت به شهوت، پیشگیری نمی کند، بلکه سبب شعله ور شدن شهوات می گردد. آمار موجود در جهان گویای این واقعیت است. ره آورد آزادی جنسی در عصر حاضر، رفتارهای خشونت آمیز در روابط جنسی و استفاده قهر آمیز از زنان و آزار جنسی در محل کار و بیماری های مقاربتی از جمله ایدز است. در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دورهٔ زندگی شغلی خود به مدت طولانی دچار آزار جنسی می گردند. در مورد تجاوز جنسی نیز بررسی ها در لندن آشکار

ساخت که از هر شش تن یک تن مورد تجاوز قرار گرفته بود.(۶) بر این اطلاعات باید آمار همجنس بازی ها و کشانده شدن به راه های دیگر را اضافه کنیم که همه نشان از آن دارد که عطش روحی هیچ گاه سیری پذیری نیست. اگر آزادی جنسی و روابط آزاد زن و مرد، حرص و ولع را کاهش می دهد، پس اتفاقات در غرب ناشی از چیست؟ بهتر است بگوییم آن قدر پیامدهای بد زیاد است که نسبت به آن بی اهمیت شده اند، نه آن که دیگر تجاوزات و راه های انحراف مانند همجنس بازی دیگر وجود ندارد. مانند این که کسی به خانه ای وارد می شود و می بیند بچه های خانه دیوار را خراب کرده، فرش ها را پاره کرده و ظرف ها را شکسته، آن وقت می بیند مادر خانه اصلاً ناراحت نیست یا توجه نمی کند. عدم توجه مادر، نشان آن نیست که وضع خانه به هم ریخته و خراب نیست، بلکه ناشی از بی توجهی مادر به وضعیت است. اسلام نه به صورت مطلق، غریزهٔ جنسی را محدود و سرکوب کرده و نه آن را به طور مطلق آزاد گذارده است. به نظر می رسد راه میانه ای را مطرح کرده است و آن عبارت است از: ارضای غریزهٔ جنسی به صورت طبیعی و قانونمند با حفظ کرامت انسانی و امنیت روانی جامعه؛ پرهیز از تحریک و تهییج غریزهٔ جنسی و تأکید بر آسان گیری در ازدواج. فلسفهٔ اصلی پوشش، حیا و عفت است که خصلت بشری است و تمامی انسان ها آن را پذیرفته اند. البته نتایج دیگری نیز بر پوشش مترتّب است، مانند سلامت جامعه و حفظ اصالت خانواده. جهت مطالعهٔ بیشتر، کتاب مسئلهٔ حجاب از استاد مطهری، کتاب زن از مهدی مهریزی را معرفی می نماییم. پی نوشت ها: ۱. استاد مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ص ۲۶. ۲. همان، مسئلهٔ حجاب، ص ۱۳۰ ـ ۱۴۰. ۳. همان، ص ۱۰۴. ۴. همان، ص ۱۰۵. ۵. همان، ص ۹۸. ۶. مجلّه کتاب نقد، ش ۱۷، ص ۲۷۵.

چرا انسان اجتماعی زندگی کردن را دوست دارد؟

پرسش

چرا انسان اجتماعی زندگی کردن را دوست دارد؟

پاسخ

آیا انسان تنها زندگی کردن را دوست دارد؟ آیا می تواند احتیاجاتش را به تنهایی برآورد؟ آیا می تواند جدا از جامعه قرار گیرد؟! روشن است که به تنهایی قادر نیست زندگیش را اداره کند. به چرخش درآورد، بلکه در این امر نیاز به دیگران دارد و با کمک و همیاری آنها می تواند به زندگی ادامه دهد. تاریخ این مسئله را به خوبی نشان می دهد که انسان ها به طور اجتماعی و دسته جمعی زندگی کرده اند و بنیان آفرینش بر اساس "اجتماعی بودن انسان "نهاده شده است. خدا در قرآن می فرماید": ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و به صورت ملت ها و قبیله ها درآوردیم که یکدیگر را بشناسید.("۱") و" هر یک از شما وابسته به دیگری است.("۲") و " مردم جز یک امت نبودند که بعداً پراکنده شدند.("۳") پس می توان نتیجه گرفت که" اجتماعی بودن انسان "اصل است، زیرا هر فرد فطرتاً اجتماعی است.(۴) و از تنهایی و تنها زندگی کردن خوشش نیامده، بلکه آن را بد می داند، چرا که رشد و تکامل انسان در اجتماع است، به همین دلیل اسلام همه احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماع را تا آخرین حد ممکن در انسان دمیده است.("۵") از این رو انسان دوست دارد اجتماعی باشد و در جامعه زندگی کند. البته این نظریه مطابق با نظریه" مدنی بالطبع بودن "انسان است که درباره اجتماعی بودن آدمی بیان شده است. اما نظریه دیگر این است که در انسان میلی است که او را به انزوا و زندگی فردی می راند و او دوست دارد همواره در خود فرو رود و تجرد پیشه کند، اما از آن جا که زیستن در انزوا مخاطره آمیز است و انسان نمی تواند به تنهایی نیازهای خود را تأمین کند، مجبور است در اجتماع به سر برد.

مطابق این دیدگاه انسان منزوی بالطبع و مدنی بالجبر "است؛ (۶) یعنی به اضطرار و اجبار زندگی اجتماعی را برگزیده ، زیرا با خود حساب کرده که جز در زندگی اجتماعی نمی تواند به خواسته ها و نیازهای خود دست یابد، به همین خاطر زندگی اجتماعی را به رغم تمام مشکلات و محدودیت هایی که برای انسان ایجاد می کند، برگزیده است. پی نوشت ها : ۱ – حجرات (۴۹) آیه ۱۳. ۲ – آل عمران (۳) آیه ۱۹۵. ۳ – یونس (۱۰) آیه ۱۹. ۴ – علامه طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۵. ۵ – همان، ص ۱۱. ۶ – محمد اسفندیاری، بعد اجتماعی اسلام، ص ۱۶.

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پرسش

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پاسخ

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد. شخصی که طلبه می‌شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس ، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند. البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده‌اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا ناآگاهانه موجب بد گمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی‌شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می‌آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می‌شود ، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می‌بایست‌در این راه قاطعانه‌تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی‌های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند. نیز باید یادآوری کرد افراد و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می‌پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری. پس به خاطر حرف دیگران نباید از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسلام و یاد خدا و آخرت می‌باشد. در این شرایط که زخم زبان‌ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می‌شود که اگر برای خدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می‌توان از دین اسلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی‌تواند مورد قبول باشد. از مهم ترین آفات این تفکر، جدایی انداختن بین دین و روحانیت است واین فکر اشتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می‌آموزند.

چرا هر چه میزان سواد دانشگاهی افراد اضافه می شود، به تنهایی آن ها نیز افزوده می گردد؟

پرسش

چرا هر چه میزان سواد دانشگاهی افراد اضافه می شود، به تنهایی آن ها نیز افزوده می گردد؟

پاسخ

این جمله و مفهوم نمی تواند کلی باشد و در مورد همه صادق باشد. در مورد انسان ها ، می تواند نتایج متفاوت داشته باشد. در طرف عکس آن نیز به گونهٔ کلی، نمی تواند درست باشد. در هر حال یکی از عوامل احساس تنهایی، غفلت از یاد خدا است و در این جهت فرقی نیست بین این که شخصی سواد دانشگاهی داشته باشد یا در این سطح نباشد. البته هر چه به علم انسان افزوده می شود، آسیب پذیری او نیز بیش تر می گردد، زیرا غرور علمی باعث می شود برای خود شأن و منزلتی قائل باشد. در این صورت زمینهٔ غفلت و فراموشی خدا فراهم می گردد. قرآن مجید تنها عامل آرام بخش دل ها را یاد خدا می داند" : ألا بذکر الله تطمئن القلوب؛ یاد خدا موجب آرامش دل ها است."(۱) کسی که خدا را فراموش کرده و دنیا را به جای آن برگزیده است، همواره از بابت آن چه دارد، در بیم و نگرانی می باشد و از بابت آن چه ندارد، در حسرت و اندوه به سر می برد. قرآن مجید یکی از آثار روگردانی از یاد خدا را تنگی زندگانی دنیوی معرفی کرده است. (۲) اما کسی که به خدا توجه دارد، برای خود تکیه گاهی مطمئن یافته است و با شدید ترین طوفان ها به تلاطم نمی افتد. او با خود می گوید که اگر تنها ترین هم باشم ، باز او با من است ، چرا که او همه جا هست و از رگ گردن به انسان نزدیک تر است. یکی از مظاهر غرور علمی به خصوص میان قشر تحصیل کردهٔ ما دین گریزی است، زیرا کسی که دچار این حالت شد، روح خضوع را از دست می دهد و نمی تواند با تذلل اظهار بندگی نماید، از این رو اسلام در کنار علم ، تهذیب نفس را مطرح کرده است، زیرا علم اگر با تقوا همراه نباشد، حجاب و مانع خداپرستی خواهد شد. پی نوشت ها : ۱ – رعد (۱۳) آیه ۲۸. ۲ – طه (۲۰) آیه ۱۲۴.

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

پرسش

اساس زندگی اجتماعی در اسلام چیست ؟

پاسخ

هدف نظام های اجتماعی مادی و غیر الهی , بهره مندی از مزایای زندگی دنیا و به عبارتی سعادت دنیایی است . از این رو آنها اساس زندگی اجتماعی را قوانین موردپذیرش و قراردادی میان اعضای اجتماع می دانند . اما اسلام از آنجا که برای انسان سعادت اخروی نیز قایل است و می داند که نیل به این سعادت ممکن نیست مگر از طریق معارف الهی که جمله آنها به توحید برمی گردند . اساس اجتماع را دین توحیدی قرارداده است و بر اساس همین دین توحیدی است که قوانین گوناگون جعل کرده است . ضمان اجرای این قوانین را نیز اولا به دست حکومت اسلامی سپرده و سپس بر عهده جامعه اسلامی قرار داده است .

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پاسخ

از آیات کریمهٔ قرآن استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. در سورهٔ مبارکهٔ حجرات آیهٔ ۱۳ می‌فرماید: «یا أَیُّهَا النّاسُ إنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ اُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا إنَّ إکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ إتْقیکُمْ». [ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملّتها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند متّقی‌ترین شماست.] انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروههای مختلف ملّی و قبیله‌ای درآمده است؛ با انتساب به ملّیتها و قبیله‌ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می‌گیرد؛ یعنی اگر این انتسابها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسانها با یکدیگر است امکان‌پذیر نبود. انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده‌اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خدمت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطّبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینهٔ زندگیِ به هم پیوستهٔ اجتماعی را فراهم نموده است.

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پاسخ

از آیات کریمهٔ قرآن استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. در سورهٔ مبارکهٔ حجرات آیهٔ ۱۳ می‌فرماید: «یا أَیُّهَا النّاسُ إنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ اُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا إنَّ إکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ إتْقیکُمْ». [ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملّتها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند متّقی‌ترین شماست.] انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروههای مختلف ملّی و قبیله‌ای درآمده است؛ با انتساب به ملّیتها و قبیله‌ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می‌گیرد؛ یعنی اگر این انتسابها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسانها با یکدیگر است امکان‌پذیر نبود. انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده‌اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خدمت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطّبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینهٔ زندگیِ به هم پیوستهٔ اجتماعی را فراهم نموده است.

از نظر قرآن آیا امت‌ها حیات مستقل دارند؟

پرسش

از نظر قرآن آیا امت‌ها حیات مستقل دارند؟

پاسخ

قرآن برای «امّت‌ها» (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامهٔ عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قایل است (رجوع شود به المیزان،۴/۱۰۲) بدیهی است که «امّت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است، که حیات جمعی و اجتماعی است. جامعه‌ها از آن جهت که در شمار موجودات زنده و شاعر و مکلّف و قابل تخاطب هستند و اراده و اختیار دارند، نامهٔ عمل دارند و به سوی نامهٔ عمل خود خوانده می‌شوند. یک امّت، شعور واحد، معیارهای خاص، طرز تفکّر خاص پیدا می‌کند و فهم و شعور و ادراک هر امتی مخصوص خود آن است؛ هر امتی با معیارهای خاصّی قضاوت می‌کند (لااقل در مسائل مربوط به ادراکات عملی)؛ هر امّتی ذوق و ذائقهٔ ادراکی خاص دارد؛ بسا کارها که در دیدهٔ امّتی زیبا و در دیدهٔ امّتی دیگر نازیباست؛ جوّ اجتماعی امت است که ذائقهٔ ادراکی افراد خود را اینچنین می‌سازد.

اسلام شرایط و موانع پذیرش دعوت را چه می‌داند؟

پرسش

اسلام شرایط و موانع پذیرش دعوت را چه می‌داند؟

پاسخ

در اسلام شرایط و موانع غالباً و یا همیشه در حول فطرت دور می‌زند. اسلام شرط پذیرش دعوت خود را پاک بودن، دغدغه و نگرانی و احساس مسؤولیّت در برابر آفرینش داشتن و زنده به حیات فطری بودن می‌داند. متقابلاً در موانع، از فساد روحی و اخلاقی، اثم قلب (بقره / ۲۸۳.)، رین (زنگار) قلب (مطفّفین / ۱۴.)، مختوم شدن دلها (بقره / ۷.)، نابینا شدن چشم بصیرت (حج / ۴۶.)، ناشنوا شدن گوش دل (حم سجده / ۴۴.)، تحریف شدن کتاب نفس (شمس / ۱۰.)، پیروی از عادات پدران (زخرف / ۲۳.)، پیروی از کُبَرا و شخصیّتها (احزاب / ۶۷.)، پیروی از ظنّ و گمان (انعام / ۱۱۶.) و امثال این امور یاد می‌کند. اسراف و ترف و تنعّم‌زدگی را نیز از آن جهت مانع تلقّی می‌کند که خویهای حیوانی را تقویت و آدمی را تبدیل به یک بهیمه و یا یک درنده می‌نماید. این امور از نظر قرآن مانع حرکت و جنبش در جهت خیر و صلاح و تکامل جامعه است. از نظر تعلیمات اسلامی، جوانان از کهنسالان و درویشان از ثروتمندان آمادگی بیشتری برای پذیرش دارند.

شرط رفتن جامعه به سوی فلاح از نظر علامه طباطبائی چیست؟

پرسش

شرط رفتن جامعه به سوی فلاح از نظر علامه طباطبائی چیست؟

پاسخ

جامعه ـ به تعبیر استاد, علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) ـ در صورتی به سمت فلاح حرکت می کند که از سه عامل برخوردار باشد: ۱ – محققانی باشند که معارف الهی را بین مردم گسترش بدهند, و جامعه را به اندیشه های عمیق دینی آگاه کنند. ۲– وعاظی باشند که دلهای مردم را از راه پند و اندرز نرم کنند. ۳ – دل های افراد جامعه پذیرا و رئوف باشد. اگر جامعه ای عالم و محقق نداشت که مسائل اعتقادی را عالمانه تحلیل و بازگو کند, یا دانشمندانی محقق داشت؛ ولی واعظ نداشت که با پند و اندرز در بین مردم روحیه پذیرش ایجاد کند, یا دل های مردم پذیرای معارف نبود, هرگز آن جامعه به سمت کمال حرکت نمی کند و راهی مسیر تقوا نخواهد شد و در نتیجه حقیقتی برای آن مکشوف نمی گردد. قرآن کریم ملتی را می ستاید که هم علما و محقق دارند, هم وعاظ و نصیحتگر و هم دل های افراد آن جامعه رقیق و مهربان است. جامعه ای که دل های افراد آن نرم و پذیرای حق نباشد, هرگز روی فلاح را نمی بیند, نظیر اسرائیل. که قرآن کریم آنها را گرفتار قساوت قلب می داند, لذا نه سخن حقی در آنها نفوذ می کند نه خیرشان به کسی می رسد. اهمیت قلب خاشع همان است که حضرت رسول اکرم صلی لله علیه و آله در مقام نیایش می فرمود: «أللهم إنی وأعوذ بک ... و من قلب لا یخشع» (بحارالانوار ۱۶/۶۳ح ۱۰؛ مفاتیح الجنان, تعقیب نماز عصر.) قلبی که نیت خالص دارد و مبدأ پیدایش عمل صالح است, خاشع است و قلبی که خشوع ندارد, قسی است.

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

پرسش

محدوده عواطف اجتماعی در قرآن تا چه اندازه می باشد؟

پاسخ

خداوند عواطف اجتماعی را بر محور ایمان و تقوا و بر اساس دین الهی، کنترل و محدود کرده و اجازه تجاوز از این حدود را نمی دهد. مخالفت قرآن با عواطف و دوستی هایی که از چارچوب ملاک نامبرده تجاوز کرده باشد، شدید است و با تعابیر تند، در آیه های بسیاری، مسلمانان را از آن منع می کند. در این جا نمونه ای از این آیه ها را می آوریم: (لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شئ الا ان تتقوا منهم تقاة یحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر) . ((مؤمنین نباید کافران را دوست خود گیرند و هر کس چنین کند, از سوی خدا چیزی به حساب نمی آید (و رابطه اش با خدا قطع می شود) مگر آن که بخواهد برای حفظ خود از شر آنها تقیه کند. خداوند شما را از عقاب خود می ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.)) شاید بتون گفت که این آیه از صریح ترین و گویا ترین آیه ها در این زمینه است که با لحنی تند، مؤمنان را از برقراری روابط دوستانه با کفار بر حذر می دارد.

(اختلاف امتی رحمه) مصادیق این اختلاف چه چیزهایی می باشد؟

پرسش

(اختلاف امتی رحمه) مصادیق این اختلاف چه چیزهایی می باشد؟

پاسخ

مقصود از ((اختلاف)) رفت و آمد و نشست و برخاست می باشد نه تضاد و درگیری ؛ مانند کلمه ((اختلاف)) در آیه شریفه : ((ان فی خلق السموات والارض و اختلاف اللیل والنهار لایات لاولی الالباب)) (آل عمران آیه ۱۹) که به معنای رفت و آمد شب و روز می باشد .و تفاوت آرا را از این رو اختلاف می گویند که گاه نظریه جدیدی می آید و نظر دیگر رخت بر می بندد .

اشتغال

مادری هستم دارای چهار فرزند پسر و بی سرپرست . از شوهرم طلاق گرفته ام . مدت (نُه سال و سه ما) در بهداری خدمت کردم و بعد به اصرارشوهر باز خرید شدم . بعد از طلاق با مشکلاتی روبه رو و دوباره در شبکهء بهداشت و درمان خدمتکار هستم . می خواستم ترتیبی بدهید ادارهء

پرسش

مادری هستم دارای چهار فرزند پسر و بی سرپرست . از شوهرم طلاق گرفته ام . مدت (نُه سال و سه ما) در بهداری خدمت کردم و بعد به اصرارشوهر باز خرید شدم . بعد از طلاق با مشکلاتی روبه رو و دوباره در شبکهء بهداشت و درمان خدمتکار هستم . می خواستم ترتیبی بدهید ادارهء بهداری آن نُه سال را جزءخدمت بنده محسوب کند, تا مشکلات من حل شود.

پاسخ

خواهر گرامی ! به علت این که جناب عالی بازخرید خدمت شده ایدبه نظر نمی رسد که سوابق نه ساله خدمت را برای شما مجدداً منظور کنند. اگر غیراز این باشد می توانید از کارگزینی ادارهء مربوطه سؤال بفرمایید. در هر حال این واحد در مسائل اجرایی دخالت نمی کند و وظیفهء پاسخ گویی به سؤالات مذهبی , اعتقادی , خانوادگی و... را بر عهده دارد. شما می توانید با مسئول واحد حاج آقای شریعتی سبزواری با شماره تلفن ۷۴۳۱۸۳تماس بگیرید.

بر اساس پیشنهادی که داده بودید که مرا به کمیته امداد معرفی کنید, تقاضا دارم به خاطر عائله مندی و کمبود فراوانی که دارم سفارش مرا به آن جابنمایید.

پرسش

بر اساس پیشنهادی که داده بودید که مرا به کمیته امداد معرفی کنید, تقاضا دارم به خاطر عائله مندی و کمبود فراوانی که دارم سفارش مرا به آن جابنمایید.

پاسخ

برادر عزیز وگرامی ! از خداوند منان می خواهیم با دست بی منّت خود به شما عنایاتش را مبذول دارد. امید است با تلاش و

مقاومت و صبر در مقابل مشکلات , همان طور که دیگران به درجات عالیه رسیده اند, شما هم نایل شوید. ماسفارش شما را به کمیتهء امداد امام خمینی شهرتان می نماییم . امیدواریم آنان کمک خود را دریغ ندارند. البته سعی کنید به نماز جماعت حاضر شوید و بعد از نمازهادعا کنید که خداوند وسعت رزق به شما عنایت فرماید. برای شما آرزوی موفقیت داریم .

فعالیت افرادی که در نقاط مختلف به عنوان دعا نویس مشغول اند چگونه است ؟ بعضاًمشاهده می شود که افرادی که به آن ها مراجعه می کنند نتیجه می گیرند و راضی اند ;نظر اسلام چیست ؟

پرسش

فعالیت افرادی که در نقاط مختلف به عنوان دعا نویس مشغول اند چگونه است ؟ بعضاًمشاهده می شود که افرادی که به آن ها مراجعه می کنند نتیجه می گیرند و راضی اند ;نظر اسلام چیست ؟

پاسخ

شکی نیست که یکی از عوامل مؤثر در عالم اسباب و مسببات , دعا است , همان طور که صله ءرحم باعث طول عمر, یا صدقه , سبب برطرف شدن بلاها می شود, و این ها از سنّت های الهی هستند, دعا هم یکی از این سنّت ها است . یکی از شرایط استجابت دعا این است که شخصی که دعا می کند یا دعا می نویسد, انسان پاک و با تقوایی باشد, چنان که نمونه هایی در بین مردم و علما داشته ایم که دعاهایشان بی جواب نمی مانده است ; بنابراین , اگردعانویس آدم خوبی بوده و دارای تقوا و نفس پاکی باشد, دعایش مستجاب می شود, اما کسانی هم پیدامی شوند که دعانویسی را وسیله امرار معاش خود قرار داده و مردم را از این راه فریب می دهند, در این صورت نمی توان به آنان اعتماد کرد و مراجعه به آنان جایز نیست . البته پولی را که به دعانویس ها هدیه می شود, اشکالی ندارد.(۱) (پاورقی ۱.آیت اللّه فاضل لنکرانی , جامع المسائل , ج ۱ ص ۶۲۹

شغل آینده را چگونه انتخاب کنیم ؟

پرسش

شغل آینده را چگونه انتخاب کنیم ؟

پاسخ

انتخاب شغل و این که چه کاری برای انسان مفید است و آیندهء او را تأمین می کند, کار بسیارمشکلی است . چند نکته در مورد تصمیم گیری راجع به شغل مهم است : ۱ ذوق و سلیقه : چه بسا افرادی که در امور فنی , ذوق و سلیقه ای ندارند و مدتی خود را معطل می کنند وبالاءخره از این کار سرخورده و ناتوان می شوند و یا افرادی دست به کاسبی می زنند و حال آن که توانایی آن کار راندارند و بعد از مدتی شکست می خورند ;بنابراین هر کس مخصوصاً جوانان باید ذوق و سلیقهء خود را نسبت به شغل آینده شان بسنجند و ببینند چه کاری به مذاقشان می خورد. ۲ مشورت کردن با پدر یا بزرگان مخصوصاً با صاحبان حرفه و فن و آگاهی از کم و کیف آن شغل ها, بسیارمهم است هر شغلی را که علاقه دارید یا ذوقتان به آن می خورد, با افراد خوش سلیقه و صاحب همان فن مشورت کنید و از آنان بپرسید: آیا این کار لازم و مفید است ؟ آیا در این شهر یا روستا ظرفیت این شغل وجوددارد؟

گاهی انسان در محلّی سرمایه ای را برای شغلی به کار می زند, ولی آن جا ظرفیت آن شغل را ندارد, درنتیجه با شکست روبه رو می شود. مکانِ شغل بسیار مهم است . ۳ پس از انتخاب شغل , انصاف و صداقت و درستکای و حُسن خلق و برخورد خوب با مشتریان بسیار مهم است . ۴ توکل بر خدا و این که رزق و روزی به دست خدا است و او وسایل را فراهم می کند, از نکات مهم انتخاب شغل به حساب می آید.

به نظر خودم بدشانس هستم و کار پیدا نمی کنم , ولی امیدوارم با توکل به خدا این مشکل حل گردد, هم چنین پدرم سال ها کارگری کرده , ولی چون با صاحب کار دوست قدیمی هستیم نمی توانیم از اوشکایت کنیم و پدرم مجبور شده است شخصاً خود را بیمه کند. لطفاً ما را در این مور

پرسش

به نظر خودم بدشانس هستم و کار پیدا نمی کنم , ولی امیدوارم با توکل به خدا این مشکل حل گردد, هم چنین پدرم سال ها کارگری کرده , ولی چون با صاحب کار دوست قدیمی هستیم نمی توانیم از اوشکایت کنیم و پدرم مجبور شده است شخصاً خود را بیمه کند. لطفاً ما را در این مورد راهنمایی کنید.

پاسخ

قبل از هر چیز خاطرنشان کنیم اعتقاد به بدشانسی را از ذهنتان حذف کنید, زیرا یک نوع تلقین ناپسند است , که اگر کسی گرفتار آن شد, تا آخر عمر از آن رها نمی شود و در هر جا که زمینه نبود یا کوتاهی شد ویا مانعی وجود داشت , تقصیر را به گردن بدشانسی می اندازد و اگر احیاناً در جایی امکان موفقیت بود, وقتی بااین روحیه گام بر می دارد, چون متزلزل است و از پیش قضاوت می کند که حتماً موفق نخواهد شد, موفق نمی شود و فرصت ها را از دست می دهد.]تو چون خود کنی اختر خویش را بدمدار از فلک چشم نیک اختری را]وقتی خودت را بدون دلیل بدشانس معرفی می کنی , باید تسلیم شوی و شیطان همین را می خواهد. وقتی انسان مأیوس و ناامید شد, دیگر حرکتی به سوی بهروزی و خوش وقتی نمی کند و به دنبال نیک بختی نیست . چنین انسانی که روحیهء کفر در وجودش هست , رفته رفته نا امید و افسرده می گردد و نعمت ها و خوبی ها وتوانایی ها را نادیده می گیرد و رفته رفته به یک انسان ناامید تبدیل می گردد که دیگر امیدی به او نیست . هرگز فال بد نزنید و خود را بدشانس ندانید که عاقبت خوبی ندارد. انسان وظیفه دارد حرکت کند و دنبال کار برود و تلاش کند و امیدوار باشد و اعتماد به نفس را از کسانی یادبگیرد که بدون داشتن امکانات کافی , خود را به آب و آتش می زنند و مطلوب و مقصود خود را به دست می آورند. سعی کنید نعمت های خدادادی و توانایی هایتان را شماره کنید. آن وقت است که به حرکت درمی آیید, ولی اگر نگاهتان به ناتوانایی ها باشد, جز ناتوانی به دست نخواهید آورد.]برو کارگر باش و امیدوارکه از یأس جز مرگ ناید به بار]در مورد پدرتان و صاحب کار او لازم نیست از راه شکایت وارد شوید. پیشنهاد می کنیم از راه مسالمت آمیزو دوستی وارد شوید, مثلاً یک نفر بزرگ تر, یک ریش سفید یا کسی که مورد احترام صاحب کار است و حرف اورا می شنود, پیدا کنید و مسئله را با او در میان بگذارید و از او کمک بخواهید, که در این امر خیر پادرمیانی کند وبا صاحب کار صحبت کند و بگوید: چه خوب است در حق فلانی که سال ها کارگر تو و نیازمند است , کارخیری انجام دهی یا او را بیمه کنی یا حق بیمه او را بدهی و یا هر طور که می دانی , به او کمک کنی ; بدانی که این کارخیلی به جا و مناسب و گذشت و جوانمردی است . اگر چنین کسی یافت نمی شود یا زمینهء چنین اقدامی نیست , با موافقت پدرتان نامه ای محترمانه خطاب به صاحب کار بنویسید و با تمجید و تکریم از وی درخواست کنید پدرتان را

بیمه کنـد یا مخارج بیمه اش را بپردازدو یا از هر راه دیگری صـلاح می داند, به شـما کمک کنید. در ضـمن گرفتاری های معیشتی خود را بنویسـید وبگوییـد: این یـک پیشـنهاد دوسـتانه است که در عمل به آن آزاد است . در خاتمه خوش حالیم به درس خوانـدن علاقه پیدا کرده اید. کمی بیش تر دربارهء فواید درس و با سواد شدن و مدرک داشـتن فکر کن و آینده را در نظر بگیر. امید اسـت علاـقه و تحرک بیش تری پیـدا کنی . بی کـاری برای روح و روان و جسم بسیار زیـان بار است و خمودی و افسـردگی را به دنبال دارد. از همین حالا به فکر برنامه های تابستان باشد و در کارها نظم و انضباط را رعایت کن . امیدوایم .

علاـقهء فراوانی به قرآن دارم . از سال ۷۴ ـ ۷۹در طرح تابسـتانی ارشاد اسـلامی , سـپاه و سازمان تبلیغات اسلامی در پایهء ابتدایی و راهنمایی سابقه تدریس دارم . با توجه به این آیا ممکن است در جایی به عنوان مربّی قرآن یا مربی پرورشی استخدام شوم ؟

پرسش

علاـقهء فراوانی به قرآن دارم . از سـال ۷۴ـ ۷۹در طرح تابسـتانی ارشاد اسـلامی , سپاه و سازمان تبلیغات اسلامی در پایهء ابتدایی و راهنمایی سابقه تدریس دارم . با توجه به این آیا ممکن است در جایی به عنوان مربّی قرآن یا مربی پرورشی استخدام شوم ؟

پاسخ

خواهر گرامی ! علاـقه به قرآن و کلاـم اللّه مجیـد بسـیار خوب و ارزنـده است و یکی از سـعادت هـای بزرگ آدمی آن است که با قرآن انس داشـته باشـد.. حتماً کسانی مثل شـما که سابقهء تـدریس چند ساله داشـته باشـند, برای اسـتخدام در آموزش و پرورش و جاهای دیگر, اولویت دارند. برای آگاهی بیش تر به آموزش وپرورش یا سازمان تبلیغات و یا بسـیج مساجد شهرسـتان خود مراجعه فرماییـد. در پایان بایـد یادآوری کرد که غرض ما از نامه قبلی این بود که اگر تلفن و نامه بـدون مشورت پـدر و مادرصورت گیرد, درست نیست و هم چنین موارد دیگری که ذکر کردیـد همه به صورت کلی و نصیحت گونه بود وگرنه مـا نسـبت به پاکی و پاک دامنی افرادی چون شـما که بی ریـا مشـکلات خود را با ما در میان می گذاریـد, شک وتردیـدی نـداریم . برای شـما در همهء امور آرزوی موفقیت داریم .

اینجانب دارای مـدرک دیپلم , مدت دو سال است که بیکار هسـتم و هر کجا برای کار می روم , کاری برایم میسّـر نمی شود, در صورتی که مهارت هایی در زمینه های خطاطی , نویسـندگی , مدّاحی , فیلمنامه نویسـی ومهارت در مدیریت دارم . خواهشـمندم اگر می توانید کار آبرومندی برایم

پرسش

اینجـانب دارای مـدرک دیپلم , مـدت دو سال است که بیکار هسـتم و هر کجا برای کار می روم , کاری برایم میسّـر نمی شود, در صورتی که مهارت هایی در زمینه های خطاطی , نویسندگی , مدّاحی , فیلمنامه نویسی ومهارت در مدیریت دارم . خواهشمندم اگر می توانید کار آبرومندی برایم میسّر نمایید.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! مشـکل شـما دامنگیر بسـیاری از جوانـان این کشور بلکه بیشتر کشورهـا است .متقاضـی کار فراوان است , اما

زمینهء شغل و کار کم است . در نتیجه دسترسی به شغل مطلوب مشکل است , ولی خوشبختانه جنابعالی از هنرها و توانایی هایی برخوردار هستید و می توانید در رشته های مختلف شغلی دست به کارشوید و ضمن این که اقدام به پیدا کردن شغل مناسب می کنید, در زمینه های یاد شده فعالیت کنید. سعی کنید به شغل های آزاد رو بیآورید و منتظر ننشینید. فعالیّت ها و شغل های خصوصی و آزاد از درآمد بیشتر و بهتری برخوردار است و نیز از آزادی بیشتری بهره مند هستید. مطلب دیگر در مورد شغل یابی این است که به روستا و شهر خودتان اکتفا نکنید و در صورت توان به شهرهای مجاور یا مناطق دیگر برای شغل یابی حرکت کنید. از رحمت خدا نا امید نشوید. امید به خدا باعث گشایش در کارها است . در ضمن بعد از نمازهایتان دست به دعا بردارید و از خداوند استمدادکنید. از پدر پیرتان هم درخواست دعا کنید, زیرا دعای پدر در حق فرزند مستجاب است .

اینجانب ۱۹ ساله، دانشجوی سال اول رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم‌ها هستم. در خصوص معرفی این رشته و آینده شغلی و منابع و مطالب مربوط به آن مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

اینجانب ۱۹ ساله، دانشجوی سال اول رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم‌ها هستم. در خصوص معرفی این رشته و آینده شغلی و منابع و مطالب مربوط به آن مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

رشته مهندسی صنایع گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم‌ها، رشته‌ای است که به خاطر آینده شغلی در منصب‌های مدیریتی صنایع زمینه اشتغال دارد و همین طور در خصوص راه اندازی و گسترش و کنترل خط تولید کارخانه‌ها یا به اصطلاح گلوگاه های کارخانه‌ها از جمله کارهای تخصصی مربوط به رشته شما است. از این رو شما فرصت‌های شغلی متنوعی را مانند صنایع فولاد، ماشین سازی و... فراروی خود خواهید داشت. در مورد کتاب‌ها و منابع این رشته گفتنی است که بهتر است در دوران تحصیل دانشگاهی درس‌های اصلی خود را خوب بخوانید اگر از توان علمی بالایی برخوردار بودید، می‌توانید با مشورت و مساعدت اساتید خود، از منابع دیگر هم استفاده کنید، امّا آن چه در آینده شغلی شما مهم است، بالا بودن توان علمیتان است و این که بتوانید بعد از اتمام تحصیل یک مهندس با سواد و . شرط اولیه آن نیز جدیت در تحصیل و تلاش و کوشش مستمر است. ما برای شما آرزوی موفقیت در عرصه علم و دانش داریم.

منبع در آمد افغانی ها ی مقیم کشورهای خارجی مثل ایران چیست ؟

پرسش

منبع در آمد افغانی ها ی مقیم کشورهای خارجی مثل ایران چیست ؟

پاسخ

از آن هایی که مردم مسلمان افغانستان بسیار سخت کوش و پرتلاش هستند و از کارهای سخت وبا زحمت هم به هیچ وجه شانه خالی نمی کنند, درهر کشوری که باشند به خوبی از عهدهء اداره زندگی برمی آیند, به عنوان نمونه الآن در شهر مقدس قم اکثر

جوانان محلی بیکارند, اما برادران افغانی مقیم قم تقریباًهمه شان مشغول کار هستن البته ممکن است شخص به علل خاصی مدتی بیکار نماند واین ربطی به تابعیت اوندارد

آیا می‌توان با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان شد؟

پرسش

آیا می‌توان با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان شد؟

پاسخ

امکان این که شخص با داشتن شغل مهندسی کامپیوتر، خلبان باشد وجود دارد، ولی با تخصصی شدن علوم، امروزه شاهدهستیم هر شخص برای موفقیت بیشتر در عرصه تخصص مورد نظر خود باید بسیار کوشا و جدی باشد تا بتواند ماهر و متخصص شود. جمع بین مشاغل امکان دارد، اما افرادی که مشاغل متعددی دارند، در عرصه هر شغل معمولاً از مهارت و تخصص افراد ماهر در آن رشته برخوردار نیستند. از این رو انسان باید سعی کند در یک رشته صاحبنظر و متبحر گردد و بتواند منشأ خدمات مفید و مؤثری شود. البته این امکان برای معدودی از انسان‌های بسیار مستعد و قوی مهیا است که در ابعاد مختلف کار کنند، ولی این مطلب عمومیت ندارد و برای عموم مردم بهتر است در یک زمینه تخصص پیدا کرده و اشتغال به کار داشته باشند.

اکنون که شرایط جامعه طوری است که چند میلیون جوان بیکار وجود دارد شما برای جوانان بیکار چه پیشنهاد می نمایید؟ پیشنهاد شما برای دولت و خانواده در برابر جوانان بیکار چیست؟

پرسش

اکنون که شرایط جامعه طوری است که چند میلیون جوان بیکار وجود دارد شما برای جوانان بیکار چه پیشنهاد می نمایید؟ پیشنهاد شما برای دولت و خانواده در برابر جوانان بیکار چیست؟

پاسخ

بیکاری یک معضل مهم جامعهٔ کنونی ما است که برای حل آن عوامل مختلفی دخیل است که از سوی کارشناسانِ مسائل اقتصادی و اجتماعی مطرح می شود. به نظر ما مهم ترین امر، به وجود آوردن فرهنگ کار در جامعه است. در این جهت والدین و مسئولان وظیفهٔ خطیری دارند. متأسفانه درحال حاضر فرهنگ کار جای خود را به مدرک گرایی و مصرف گرایی داده و همین امر باعث شده است بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاه در جامعه بیکار باشند و شغل مناسبی را پیدا نکنند. وظیفهٔ نهادهای فرهنگی و صدا و سیما آن است که ایجاد فرهنگ کار و تلاش و فعالیت و اصالت دادن به آموزش های فنی حرفه ای و بها دادن به افراد خلاق و کار آفرین و توجه به قشر کارگر و کشاورز را دستور کار خود قرار دهند، تا جوانان به این باور برسند که کار نه تنها عیب نیست بلکه افتخارات. این توقع که همه پشت میز بنشینند و کارهای اداری را انجام دهند هرگز برآورده نمی شود. اسلام یکی از وظایف پدران را تعلیم حرفه و کار مناسب به فرزندان می داند. رسول خدا(ص) می فرماید": حق فرزند بر پدرش آن است که برای وی نام خوب انتخاب کند و در تربیتش بکوشد واو را به کار شایسته ای بگمارد.[۱۴"] نکتهٔ دیگر توجه به پروژه های زود بازده و اشتغال زا به

خصوص در بخش کشاورزی است. دولت باید همگان را در امر تولید تشویق نمایدو تسهیلاتی را فراهم کند مانند وام های دراز مدت. نیز مراکز آموزشی فنی حرفه ای را در سطح کشور فعال نماید تا جوانان بتوانند به سرعت مهارت های لازم را به دست آورند و صادرات تولیدات داخلی را آسان سازد.

از نظر اسلام برای احراز مشاغل اجتماعی، سید و یا روحانی بودن شرط است؟

پرسش

از نظر اسلام برای احراز مشاغل اجتماعی، سید و یا روحانی بودن شرط است؟

پاسخ

از نظر اسلام ملاک احراز پست ها و مسئولیت های اجتماعی، تقوا و توانایی انجام مسئولیت است. همان چیزی که امروزه از آن به عنوان تعهد و تخصص یاد می شود. علی(ع) خطاب به مالک اشتر می فرماید": در امور کارگزارانت ژرف بنگر، و بر مبنای ارزیابی درست به کارشان بگمار، نه به انگیزهٔ گرایش های شخصی و نه بر مبنای خود کامگی، که این دو شاخه های جَور و خیانت را ریشه اند.[۲"] در قانون اساسی آمده که مسئولیت ها باید طبق شایستگی افراد و دارا بودن شرایط احراز آن مسئولیت محوّل شود. سید یا روحانی بودن را در هیچ یک از مشاغل و پست ها به عنوان شرط ذکر نکرده اند. [۲]نهج البلاغه (فیض الاسلام) نامهٔ ۵۳، ص ۱۰۰۲.

علت اصلی بیکاری و گرانی چیست؟ چرا جوانان به آینده خود امیدوار نیستند و از هر چیز متنفّرند؟

پرسش

علت اصلی بیکاری و گرانی چیست؟ چرا جوانان به آینده خود امیدوار نیستند و از هر چیز متنفّرند؟

پاسخ

در هر جامعه‌ای، افزایش بی تناسب مقدار پول در گردش یا افزایش بی تناسب اعتبارات، نسبت به احتیاجات اقتصادی، تورم را به همراه دارد. نتیجه آن است که ارزش پول پایین می‌آید و مردم می‌کوشند پول خود را به کالا ـ تبدیل نمایند.(۱) و قیمت کالاها افزایش می‌یابد. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها موجب عدم توازن در توزیع می‌شود، زیرا افرادی که دارای دارایی‌های ثابت از قبیل مسکن، اتومبیل، انبارهای کالا ـ و یا سایر ثروت‌های حقیقی اند، از تورّم بهره‌مند می‌گردند. به این دلیل، قیمت دارایی‌های ثابت افزایش می‌یابد، در مقابل، اقشاری که فاقد این نوع دارایی‌ها هستند، برای دسترسی به آن‌ها همیشه با مشکلاتی بیش از پیش مواجه می‌شوند. همچنین در آمدهای متغیر با نرخ تورم هماهنگ می‌گردند، ولی درآمدهای ثابت و نیمه ثابت مانندحقوق و دستمزد و باید بار سنگین تورم را به دوش بکشند، مالیات غیر مستقیم، قیمت برخی از کالاها را افزایش می‌دهد و یا عوامل فصلی و طبیعی موجب افزایش قیمت گروهی از کالاهای شود. آنچه نامطلوب است، رشد مدام سطح عمومی قیمت‌ها در مدت زمان نسبتاً طولانی است که اگر به صورت مستمر افزایش قیمت و گرانی وجود داشته باشد، تورم محسوب می‌شود. در جوامعی که نرخ رشد جمعیت درصد بالایی دارد و در این جوامع میزان اشتغال زایی در هر سال با روند رو به رشد جمعیت آن کشور هماهنگی ندارد، به تدریج

بر میزان بیکاران افزوده می‌شود امّا بر عکس در جوامعی که از رونق اقتصادی برخوردار است و نرخ رشد جمعیت بالا نیست، میزان اشتغال زایی بالا است و زمینه‌های اشتغال برای نسلی که می‌خواهد وارد عرصه اجتماع شود، فراهم است.(۲) به جهت افزایش میزان اشتغال در مرحله فعلی، نیاز به استراتژی توسعه صنعتی است که در کشورهای جهان سوم مطرح می‌باشد. توسعه صنعتی به جهت رقابت با جهان پیشرفته نمی‌باشد، بلکه نیاز به تأمین اشتغال در سطح کشور است تا این که تکنولوژی مدرن و پیشرفته در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود و میزان اشتغال در مسیر رو به رشدی قرار گیرد. اگر در جامعه‌ای برنامه ریزی اقتصادی در مسیری باشد که پاسخگوی خواسته‌های جامعه و متناسب با اقشار گوناگون جامعه باشد، نیز در مسیر ضد تورمی و در مسیر اشتغال زایی تدوین و تنظیم شود، می‌تواند در حدّ مطلوبی نیازهای جامعه را برطرف کند. عوامل مهم بیکاری و گرانی، از یک طرف به تئوری پردازان و سیاست گذاران وابسته است و از طرف دیگر به اقشار جامعه. در عین حال می‌تواند عوامل بسیاری در ان نقش داشته باشد. در خصوص مورد دوّم سؤال، جوانان را باید افرادی نامید که سرا پای امید و عشق به آینده و خوبی‌ها هستند. این گروه از جامعه نقش خلّاق و سازنده‌ای در هر جامعه‌ای ایفا می‌کنند. اگر این نسل به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود پی ببرد، می‌تواند جامعه را در یک حرکت رو به جلو پیش ببرد و نشاط و شادابی را در جامعه ایجاد کند. جامعه جوان جامعه‌ای است که نا امیدی و یأس را به گوشه افکنده و همواره امیدواری و شوق به آینده‌ای روشن را به همراه دارد. امّا در این مسیر جوان باید اوّلاً خود را بشناسد و قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را بداند. ثانیاً اراده و عزم را به طور جدی در مسیری قرار دهد تا بتواند بر اساس قابلیت‌هایی که دارد در جامعه شخص مؤثر و مفیدی باشد. نکته مهم و اساسی که در همه حال جوان باید فراموش نکند، یاد خدا و دل به او سپردن است. عشق به خدا، عشق به همه خوبی‌ها و کلید موفقیت انسان است. در این صورت هیچ گاه انسان به سوی ناامیدی و تنفر رهنمون نمی‌شود. امروزه جوانانی هستند که در عرصه‌های علم، ورزش و زندگی به قلّه‌های رفیع موفقیت می‌رسند. عوامل تنفّر و بدبینی جوان نسبت به زندگی و آینده می‌تواند در چند چیز باشد: ۱- عدم عشق و امید و ایمان به پروردگار قادر و حکیم. ۲- عدم تلاش و مجاهده برای زندگی سالم و خو کردن به راحتی و تنبلی. ۳- بی اعتمادی نسبت به دیگران و حتی کشور و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند. ۴- عدم فهم معنای واقعی خوشبختی و راه رسیدن به آن. ۵- تبلیغات نامطلوب فرهنگی از طرف دیگران و کشانده شدن به راه‌های ناپسند و بعضاً مواد مخدّر. عوامل بسیاری دیگر نیز می‌توانند در این جهت نقش داشته باشند که یک جوان مسلمان با شناخت آن‌ها و با شناخت هویّت خود و با استمداد از خدا می‌تواند از مشکلات فکری و عملی نجات یافته و آینده‌ای روشن و امید بخش برای خود ترسیم نماید. پی نوشت‌ها: ۱. غلامحسین مصاحب، دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۶۸۶. ۲. مجله معرفت، شماره ۲۳، ص ۴۰ و ۴۱، با تلخیص.

در حالی که ائمه((علیهم السلام)) برای امرار معاش کار می کردند چرا روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

پرسش

در حالی که ائمه((علیهم السلام)) برای امرار معاش کار می کردند چرا روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

پاسخ

این صحیح است که امامان ما((علیهم السلام)) کار می کرده اند ;ولی باید توجّه داشت که اگر روحانیون بخواهند به تحصیل و اشتغالات علمی و دینی بپردازند امکان اینکه بتوانند به کارهای اقتصادی نیز اشتغال داشته باشند وجود ندارد. امامان چون از علوم لدنّی برخوردار بوده اند و برای علوم خویش به تحصیل نیاز نداشته اند می توانستند به کار اشتغال داشته باشند. توجّه به این نکته نیز

لازم است، که به عنوان مثال امام علی((علیه السلام)) زمانی به کار پرداخت و زمین را شخم زد که از کار کردن بر روی استعداد انسان ها، که کار اصلی پیامبران((علیهم السلام)) و پیروان سیره آنهاست، ممنوع و محروم شده بود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲ـ

آیا مدّاحی برای اهل بیت((علیهم السلام)) شغل پسندیده ای است؟

پرسش

آیا مدّاحی برای اهل بیت((علیهم السلام)) شغل پسندیده ای است؟

پاسخ

مدّاحی برای اهل بیت((علیهم السلام)) بسیار ارزشمند و دارای قداست است. گریاندن دوستان اهل بیت((علیهم السلام)) و ذکر مصایب آنان دارای ثواب است. توجّه به این نکته لازم است که مدّاح باید به مسئولیّت مهمّ خویش توجّه کند و سعی کند اشعاری را انتخاب کند که دارای مضامینی صحیح باشد، نه مضامین نادرستی که موجب هتک حرمت اهل بیت((علیهم السلام)) شود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۶۱۹ـ

چرا دروضعیّت اشتغال جوانان بهبود حاصل نمی گردد ؟

پرسش

چرا دروضعیّت اشتغال جوانان بهبود حاصل نمی گردد ؟

پاسخ

در پاسخ باید جهات مختلفی مورد بررسی قرار گیرد که ما به اهم آن اشاره می کنیم . یک مسئله جریان طبیعی وعادی ایجاد اشتغال در گذشته وحال است . این جریان به این صورت است که انسانها در زندگی اجتماعی به هم نیازمند هستند از این رو اگر کسی نانوا ودیگری کشاورز است در این تعامل ورابطه متقابل افراد و اجتماع ، معاملاتی صورت گرفته است. در قرون اولیه معاملات کالا به کالا بوده و بعد که پول جایگزین شد نیز این جریان طبیعی ادامه یافت . هر چه نیازهای افراد بیشتر شود احتیاج به همکاری افراد با هم نیز زیاد می شود . هر جا کار موجود بود نیازها وبهره هایی به هم می رسانده اند . هیچگاه قابل تصور نیست که این اقتضاء طبیعی از بین برود و مشکلی به نام بیکاری به وجود آیدو نیازی به کار نباشد . پس باید به دنبال علت پدیده بیکاری گشت ، از اسباب و علل اساسی این مطلب این است که افراد به دنبال آن عامل اساسی مذکور که نیاز به کار را دائمی می کند ، نروند و به تولیدی که نیاز اصلی است نپردازند و بیشتر به سراغ کارهای دلالی و غیر تولیدی بروند ، این مسیر طبیعی را بر هم می زند . یا کارها متناسب با نیازهای جامعه پیگیری نمی شود بلکه همه در یک رشته خاصی مثل طبابت مشغول می شوند که در مرحله کار ، نیاز به امکاناتی دارد . در این رشته خاص ، امکانات موجود قدرت جذب معدودی را خواهد داشت و بقیه بیکار می شوند . اگر کارها مطابق نیازها انتخاب شود و تراکم در یک کار نشود انسانها همیشه به هم نیازمند هستند که البته در این عامل دوم هم مردم و هم برنامه ریزان دولت و مملکت در این انتخاب ناصحیح نقش دارند که بدون پیش بینی های صحیح ، جوانان را به رشته های تحصیلی جذب می کنند اما در ایجاداشتغال عملاً ناتوان هستند . مطلب دیگر اینکه ، ارزش گذاری و تعیین قیمت

کارهـای مختلف یکی از علـل بحران بیکـاری است . مثلاً ـ در کشـاورزی وقتی که به کار کشاورزان ومحصول آنها کم اعتنایی می شود و بهای انـدکی در مقابل محصول آنها پرداخت می شود ، کشاورزی بی رونق می شود. در حالی که مملکت نیازمنـد گنـدم و وارد کننده آن است و لی مردم به این کار رو نمی آورند و این نتیجه سیاستهای غلط توزیع ثروت در یک مصداق جزئی است . در مقابـل ، بهـای بسیار زیـادی به کارهای غیر تولیـدی مثل دلالیها و سایر کارهایی از این قبیل داده می شود . یعنی عملاً مانع اشـتغال مردم به کارهایی می شونـد که نیاز مردم درآن است . وحال آنکه زمین عامل عمـده بر طرف کننـده نیازهای مردم است واگر بهای لازم به این کارهـا داده شود و قیمت محصولاـت آن را بالاـ ببرنـد ، مردم به این کـار رو می آورنـد و کم نیست زمینهای بایری که منتظر نیروهای کار است که مشـکل بیکاری معنی ومفهوم نـدارد و نیز عواملی دیگر از جمله : روحیه ثروت اندوزی در مقابل کمال طلبی ومهـارت یـابی و غیر آن هم وجود دارد که قابـل توجه است . مقـام معظم رهبری در این رابطه می فرماینـد ": صـدا وسـیما و روزنـامه هـا نبایـد همـواره برای جـوان الگـوی یـک جـوان اشـرافی بی درد تـن به راحت داده ی عیـاش را مطرح کننـد . بعضـی از مطبوعات نبایـد در فلسـفه بافیهای خود طوری حرف بزنند که جوان خیال کند همه هدف انسان این است که از هر راهی شد ، یک مشت پـول به دست آورد . اگر تـوانست یـک گـواهی علمی برای خـودش فراهم کنـد ، وسـیله ای برای پول در آوردن در دسـتش هست ، اگر نشد، هر راه دیگری که شد ، ولو قاچاق ، ولو تن دادن به ذلت و خفت و اهانت ، ولو با دستبرد زدن به این و آن ! نباید پـول را عمـده کرد ، پول ارزش نیست، هـدف ، در آوردن پول نیست ، پول یـک وسـیله برای گذرانـدن زنـدگی است . پول خیلی کوچکتر از این است که هدف انسان بشود . برای جوان ، الگو را یک الگوی غلط قرار ندهند تا او احساس کندکه به جای استعداد و ابتکار و تلاش فراوان و کسب تخصـص وعلم ، باید سـراغ پول رفت . با این پول اگر بشود بیکار و عیاش و مصـرف کننده محض بود ، بـازهم از نظر او مـانعی نـدارد ! آیـا این طرز فکر درست است ؟ این طرز فکر غلط ترین طرز فکرها است . بنابراین رسانه های جمعی هم متعهد و مسـئو لند (" .۱) امـا پاسـخ اصـلی سؤال این است که علتهای واقعی اگر اینها هسـتند هم مردم مخصوصاً جوانان مسـئولند که بایـد در انتخاب خود تجدید نظر کنند و هم مسـئو لان و برنامه ریزان . همچنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند " : اگر به برنامه ریزی لازم فکر نکنند و برای نسـلی که دارد از راه می رسد ، در جامعه جا باز نکنند ، چه پیش می آید ؟ یک لشگر بیکار و بی توان روی دست ملت می مانـد ؟ نه احساس امیدی ، نه احساس شوق و شوری ، نه آینده یی ، نه زبانی برای ابراز غرور نسبت به میهن خـود ، ونه اصـلاً غروری . البته این کمـترینش است که گفتم ، از این بـدتر هم فرضـهایی وجـود دارد . همه مسؤو لنـد ، هم برنـامه ریزان ، هم مجریـان وهم‌متصـدیان‌رسانه‌ها،صـدا وسـیما هم مسؤول است ، روزنامه ها هم مسـئولند (" . ۲) و تـا زمانیکه این تغییرات صورت نپـذیرد بر مشـکلات افزوده خواهـد شد و به طور کلی این انتظار نا بجااست که کسـی دیگر بیاید و مشـکلات ما را حل بکنـد . دولت و ملت هر کـدام به نوبه خود باید در این سازندگی جدّیت کنند . مقام معظم رهبری دراین خصوص فرمودند" : به نظر من ، مشـکل اقتصـاد کشور ، قابل حل است و برنامه های قابل قبولی هم در این زمینه فراهم شـده است . سال گذشـته ، آقای رئیس جمهور به کمـک جماعتی ، بعـد از تلاش زیاد برنامه یی را فراهم کردنـد که به نام (برنامه ی سامانـدهی اقتصادی) معروف شد (" .۳) ۱) پرسش وپاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶ ، ۲۲۵ . ۲) پرسش وپاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶ ، ۲۲۵ . ۳) پرسش وپاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ص ۳۷۲ ، ۲۲۶ ، ۲۲۵ .

چرا دبیرانی که پیرو و فرسوده می شوند، بازنشسته نمی کنند و جوانهای پرانرژی را جای آنها بگیرند و حق التدریس که چند سال کار کردند با برج ۱۲۵ هزار یا ۲۵ هزار کار کردند استخدام کنند، می گویند خواهیم گرفت ولی اول اقدام آموزش و پرورشهاست، کسی مطمئن نظارت کند؟

پرسش

چرا دبیرانی که پیرو و فرسوده می شونـد، بازنشسـته نمی کنند و جوانهای پرانرژی را جای آنها بگیرند و حق التدریس که چند سال کار کردند با برج ۱۲۵ هزار یا ۲۵ هزار کار کردند استخدام کنند، می گویند خواهیم گرفت ولی اول اقدام آموزش و پرورشهاست، کسی مطمئن نظارت کند؟

پاسخ

درک و بینش خوب و مسؤلانـه شـما نسـبت به مسایل اجتماعی و اشـتغال نسل جوان قابل تحسـین و تقـدیر و خرسـندی است. ما نیز همانند شـما معتقدیم اشتغال جوانان می تواند به فعالیّت ها و کارهای گوناگون جامعه تحرک و پویایی ببخشد. البته مشکل بیکاری فقـط بـا اسـتخدام در بخشـهای اداری و آموزشـی قابل حل نیست. بیکاری یکی از معضـلات عمـده و مهم کشور ماست که بایـد از جنبه‌هـای گوناگون مورد بررسـی قرار گیرد و با توجه به افزایش جمعیت ایران در دهه ۶۰، در حال حاضر بحران بیکاری در جامعه نمود و بروز یافته است که برای مقابله با آن همه دسـتگاههای اداری و غیر اداری دولتی وخصوصـی ونیز همه مسـئولان و مردم باید همت و تلاش کنند تا انشاءا... بر این معضل فایق آیند، که یکی از روشـها همانطور که شـما پیشـنهاد کرده اید بازنشسته کردن افراد مسن و اسـتخدام نیروهـای جدیـد است که البته با دسـتورات ابلاغ شـده، این طرح حتی قبل از اتمام خـدمت (۳۰ سـال) صورت می گیرد. آموزش و پرورش مخصوصـاً اعلام کرده است هر کس در هر مقطعی از سال که ۳۰ سالش تمام شد، باید بازنشت شود، ولی برای کادر آموزشـی فقط یک اسـتثناء قایل شـده است و اعلام کرده اگر در بین سال تحصـیلی ۳۰ سال خـدمتش تمام شد، تا پایان سال تحصیلی ادامه فعالیت بدهد و از سال تحصیلی جدید بازنشسته شود.

در رشـته زراعت و اصـلاح نباتات مشغول تحصیلم و نسبت به نبود بازار کار از آینده بسیار مایوس و از ادامه تحصیل ناامید گشته ام راه چاره چیست ؟

پرسش

در رشـته زراعت و اصـلاح نباتات مشغول تحصیلم و نسبت به نبود بازار کار از آینده بسیار مایوس و از ادامه تحصیل ناامید گشته ام راه چاره چیست ؟

پاسخ

در سـنین جوانی انسان دائما با تغییر نظریه و حال و هوای خود روبه روست .بنابراین قـدری از حالات شـما طبیعیاست و نبایـد خوف داشـته باشید. اما با مرور زمان انسان در هر کاری که با حکم عقل سازگار و بدان علاقه داشته و انجامداده است مواجه شود پشیمان نمی‌شود. بنـابراین اگر کسـی مطابق علاقه‌اش عمل کرد لـذت می برد و لو آنکه سودمادی بعـدا عائـد او نشود. بر خلاف اینکه اگر عمری را با بی علاقگی و تحسین دیگران و درآمد خوب بگذراند باز هملذت نمی‌برد و همیشه یکنوع پشیمانی دارد. پیشنهاد ما این است که شـما به هر کاری که واقعا علاقه دارید (درس یا کار) ادامه دهید و از تذبذب و تغییر پیاپیپرهیزید. با عزم جدی مشـکلات راه کم‌کم بیشتر هویـدا و راه حـل آنهـا نیز به دنبـالش یافت می شود و عاقلانه‌ترمی‌توانیـد تصـمیم بگیریـد. خـدا هم به شـرط علاقه داشتن و زحمت کشیدن روزی را می‌رساند.}J

الآن شانس کار زنان در جامعه بیشتر از مردان است چرا؟ و چرا در کشور مازنان را ترجیح می دهند تا مردان؟

پرسش

الآن شانس کار زنان در جامعه بیشتر از مردان است چرا؟ و چرا در کشور مازنان را ترجیح می دهند تا مردان؟

پاسخ

یکی از مسایل مطرح در سطح جهان مسأله حقوق زنان است. تاریخ بشریت گواه این مطلب است که در طول دوره های مختلف تاریخ به استثنای مواردی جزئی، زنان مورد ظلم و تعدی و تجاوز و بیرحمی قرار گرفته اند. حتی در ردیف انسان‌ها به حساب نیامده اند یا انسان درجه ۲ تلقی شده ا ند. از دوره های متمایز تاریخ که می توان مطرح کرد عصر رسول گرامی اسلام(و دوران انقلاب اسلامی ایران است. در این دو دوره زنان به نسبت سایر دوره ها بسیار دارای قرب و منزلت بوده و هستند ولی در دنیا به لحاظ ظلم و تعدی مضاعفی که بر زنان روا داشته شده است امروزه نهضت فمینیستی راه افتاده است. این نهضت عکس العمل بی مهری هایی است که به زنان شده و می شود. در غرب با همه شعارهای بشر دوستانه‌ای که سر می دهد هنوز که هنوز است زن به طفیل مرد انسان است لذا زنان پس از ازدواج اسمشان عوض می‌شود و به نام شوهرشان نامگذاری شده و شناخته می شوند. در ایران پس از انقلاب اسلامی به زنان توجه ویژه ای شده است، و زنان بسیاری از حقوق و آزادی های دینی و مدنی را به برکت این انقلاب مقدس بازیافته اند ولی هنوز هم در مناطق مختف کشور شاهد ظلم و بی عدالتی نسبت به این قشر خدوم و ارزشمند که به تعبیر حضرت امام خمینی(پرورش دهنده مردان جامعه هستند، می باشیم و امیدواریم روزی فرا رسد که هیچ زنی به خاطر زن بودن و هیچ مردی به خاطر مرد بودن مورد ظلم و تعدی و یا توجه و محبت قرار نگیرد. باتوجه به آنچه اشاره شد بخشی از احساسی که در جامعه در مورد ترجیح بیشتر زنان بر مردان وجود دارد در واقع ترجیح نیست بلکه حق و حقوقی است که در گذشته از آن محروم بوده اند و در عصر حاضر آنرا کسب کرده اند و چون در گذشته وجود نداشته چنین احساس می کنیم که آنها بیشتر مورد توجه هستند و حال آنکه چنین نیست، و هنوز هم زنان از بسیاری از حقوق انسانی و الهی خویش محروم هستند. بنابراین آنچه امروز زنان در جامعه ما کسب کرده اند در بسیاری از موارد هنوز با شرع مقدس فاصله دارد و البته بسیاری از زنان نیز از حدود الهی و انسانی خارج شده و از آزادی‌های داده شده و احترامی که بر ایشان در جامعه بوجود آمده به خوبی استفاده نکرده و بعضاً از آن سوءاستفاده کرده اند. نکته دیگری که در بحث اشتغال زنان قابل توجه است این است که متأسفانه بسیاری از کارفرمایان در بخش خصوصی بدلیل تراکم نیروی کار و وجود معضل بیکاری در کشور، از وجود زنان سوء استفاده کرده و آنان را با قیمت های بسیار پایین تر از مردان به کار می گمارند و زنان نیز به دلیل رقابت شدید بازار کار و مشکلات موجود خانوادگی و رسیدن به حداقلی حتی جزئی از درآمد وکسب استقلال نسبی معیشتی واقتصادی با نرخهای بسیار کم تن به کار می‌دهند. آنان مجبور به پرداخت هزینه زندگی نیستند بنابراین هر چند درآمد کمی داشته باشند همان درآمد کم هم از نداشتن درآمد برایشان بهتر است و احساس می کنند می توانند بخشی از مشکلاتشان را حل کنند و به خانوادهٔ شان یا خرید جهیزیه و تأمین مایحتاج اولیه و ضروری خودشان کمک نمایند. از سوی دیگر افزایش سن ازدواج، بالارفتن هزینه های زندگی و خرید جهیزیه وتب وتاب حقوق زنان نیز باعث می‌شود زنان(دختران) بیشتر به دنبال شغل باشند. امروزه وقتی یک دختری تحصیلات متوسطه را به پایان می رساند بلافاصله وارد زندگی مشترک نمی شود بلکه ممکن است چند سالی در خانه بماند واین بیکاری در منزل غیر قابل تحمل است، لذا یکی از راههای سرگرمی و خلاصی از بیکاری و نشستن در منزل، کار کردن در خارج از منزل است. لذا به جستجوی کار می پردازد تا هم از بیکاری خلاص شود و هم اندکی به معیشت خود و خانواده اش کمک برساند. مضافاً بر اینکه به دلیل بالارفتن هزینه های زندگی، بسیاری از پسران در ازدواج دختران (زنان) شاغل را بر بیکار ترجیح می دهند، زیرا چنین استنباط می کنند که در شرایط

کنونی بـا درآمـد مرد به تنهایی قادر به ادامه زنـدگی نیستند. این انگیزه و باور مردان (پسـران) نیز موجب می گردد زنان (دختران) برای افزایش شـانس ازدواج به دنبـال کـار برونـد. نکته آخری که در بـاب اشـتغال زنـان(دختران) یـادآور می شویم این است که با کمـال تـأسف برخی از کارفرمایـان در بخش خصوصـی (مغـازه هـا، مطب های پزشـکان و ...) برای جلب و جـذب بیشتر مشتری از کارکنان زن جوان اسـتفاده می کننـد و در حقیقت از جسم آنان سوء اسـتفاده می کنند، لذا مشاهده می کنید که اغلب منشـی ها در مراکز مختلف، فروشـنده های بسـیاری از فروشـگاههای بزرگ و ... را زنان جوانی که خود را بزک کرده اند تشکیل می دهند ولی خودشان شایـد غافل اند که ابزار و وسـیله ای در دست طماعان پول پرست شده اند! در پایان به این نکته اشاره می کنیم که نگرانی شمـا در مواردی بیجـا می باشـد و مـا نیز معتقـدیم که در میـدان اقتصـادی به مردان نیز بایـد توجه بیشتری شود چرا که مردان محور درآمـد خـانواده و جامعه هسـتند اما این توجه نبایـد به قیمت بی‌توجهی و نادیـده گرفتن نیازهای زنان به کار باشـد، زیرا بسـیاری از زنـان شاغـل در واقع نان آور خانه نیز هسـتند. جهت اطلاع بیشتر مراجعه کنیـد به : ۱- نظام حقوق زن دراسـلام،استاد شهید مرتضی مطهری ۲- جایگاه زن در اندیشه امام خمینی ۳- زن از دیدگاه مقام معظم رهبری ۴- عشق در نگاه دوم(مقایسه وضعیت زنان ایران و غرب)،سونیا لندگراف

انسجام اجتماعی

رمز شکست و فنای ملتها در چیست ؟

پرسش

رمز شکست و فنای ملتها در چیست ؟

پاسخ

قرآن شکست را در اثر پدید آمدن کشمکشها و جنگهای داخلی می داند , ملتی که دربرابر هم صف آرایی کنند و سنگ تفرقه در میانشـان انـداخته شود و به جـای کمـک به یکـدیگر به جان هم بیفتنـد و در پـی تـصـرف اموال و سـرزمین های هم برآینـد و برای ریختن خون یکـدیگر آستین ها را بالا زننـد و هر دسـته برای آواره ساختن و تصـرف اموال دیگری قـد برافرازد دیر یا زود نابود می گردند . همچنین یکی دیگر از عوامل سقوط ملتها همان تبعیض در اجرای قوانین است که هر قانونی حافظ منافع شخصی شان باشد اجرا کنند و آنچه به سود جامعه است فراموش نمایند .

سرانجام جامعه‌ها، از نظر احادیث اسلامی‌چیست؟

پرسش

سرانجام جامعه‌ها، از نظر احادیث اسلامی‌چیست؟

پاسخ

۱. تکامـل عقول و خردهـا مرور زمان و تجارب تلـخ و شـیرین، مایه شـکوفایی عقل انسانی می‌گردد و بشـر در پرتو الطاف الهی در

می‌یابد که: دیگر، سازمانهای بشری و تدابیر انسانی قادر به حل تضادها و مشکلات نیست، از این جهت بی درنگ به ندای حضرت قائم پاسخ می گوید و انسانها با رضایت خاطر، به انقلاب امام می‌پیوندند. امام باقر(ع) در این مورد می‌فرماید: «إذا قام قائِمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به أحلامهم» (کافی/۱) [آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند دست لطف و رحمت خود را بر سر بندگان خود می گذارد و از این طریق، به عقول آنان وحدت می‌بخشد و به وسیله او خردهای آنان تکامل پیدا می کند.] ۲. تکامل صنایع یک انقلاب جهانی، بدون تکامل صنایع امکان پذیر نیست، رهبر انقلاب که می‌خواهد صدای خود را به آخرین نقطه جهان برساند، بدون تکامل تکنیک، امکان پذیر نمی‌باشد، از این جهت احادیث اسلامی‌نوید می‌دهد که در عصر ظهور امام، صنایع به حدی تکامل پیدا می کند که جهان حکم یک شهر را پیدا می کند و افرادی که در خاور زندگی می کنند، کسانی را که در باختر زندگی می کنند، می‌بینند و سخنان آنان را می‌شنوند. چنان که امام در این مورد می‌فرماید: «انّ المؤمن فی زَمان القائم و هو بالمَشرق لَیری أَخاه بالمَغرب و کَذا الذَی فی المَغرب یَری أخَاه الذی بِالمَشرق» [در زمان قائم، فرد با ایمان که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را که در مغرب زندگی می کند می‌بیند.] در حدیث دیگر مطلب به طور روشن تر بیان شده است و آن این است که: «انّ قائمنا إذا قام مدّ الله لشیعتنا فی أسماعهم و أبصارهم حتی لا یکون بینهم و بین القائم یرید یکلمهم فیسمعون، وینظرون إلیه وهو مکانه». (منتخب الأثر/۴۸۳) [آنگاه که قائم ما قیام می کند خدا به دیدگان و گوشهای پیروان او قدرت می‌بخشد تا آنجا که میان آنان و رهبر خود، حائلی باقی نمی‌ماند او با آنان سخن می گوید، و سخنان او را می‌شنوند و به او می‌نگرند در حالی که او در جای خود قرار دارد. (تکامل وسایل ارتباطی)] ۳. جهانیان در پوشش اسلام در می‌آیند احادیث اسلامی‌نویدهای قرآنی را درباره جهانی گشتن آیین اسلام، بر ظهور امام قائم تطبیق می‌دهد، آنجا که امام باقر(ع) می‌فرماید: «یَبلغ سُلطانه المَشرق و المَغرب و یُظهر الله عزّوجلّ بِه دینَه علی الدین کلّه و لَو کَرِه المُشرِکون» (منتخب الأثر/۲۹۲) [قدرت و تسلط او شرق و غرب را فرا می گیرد و خدا بوسیله او، دین خود را بر تمام ادیان پیروز می گرداند هر چند مشرکان دوست نداشته باشند.] ۴. تکامل اخلاقی احادیث اسلامی‌از تکامل اخلاقی در عصر ظهور امام دوازدهم گزارش می‌دهد، آنجا که همه محدثان اسلامی‌این جمله را از پیامبر نقل می کنند که یکی از ویژگیهای حکومت امام قائم، گسترش عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و ستمگری است و جمله «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً» بیانگر این تکامل اخلاقی است. ۵. ترمیم خرابی ها احادیث اسلامی‌از آبادی جهان و تسلط بشر بر گنجینه‌های نهفته در دل زمین در زمان ظهور امام به روشنی گزارش می‌دهد و جمله یاد شده در زیر در روایات ما وارد شده است. «وتظْهر له الکنوزُ ولا یبقی فی الأرضِ خراب إلّا یُعمره» (منتخب الاثر/۴۸۲) [گنجینه‌های نهفته در دل زمین در اختیار امام قرار می گیرد و او با نفوذ و قدرت مادی و معنوی که دارد، تمام ویرانی های موروث از تسلط ظلم و جور را آباد می کند.] نتیجه این که آنچه را که محاسبات عقلی و اجتماعی درباره سرانجام جامعه‌ها نشان می‌دهد، مورد تصدیق قرآن و احادیث اسلامی‌است، چیزی که هست، احادیث اسلامی، زمان و وقت این تکامل ها را به روشنی تعیین می کند و ظهور امام قائم را همگام با این تحولات می‌داند.

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پرسش

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پاسخ

اصلاح و افساد از ریشه صلاح و فساد اشتقاق یافته اند و در مواردی به کار می روند که موجودی، کمال مناسب با نوع خود و آن چه که از او انتظار می رود را به دست آورد یا از دست بدهد. هر موجودی که در این جهان در مسیر حرکت و دگرگونی است، می تواند در شرایط خاصی به کمالاتی متناسب با نوع خود، دست پیدا کند که اگر به آن کمال دست پیدا کرد، از این وضع، مفهوم صلاح انتزاع می شود و اگر عواملی او را از وصول به کمال لایق خود، باز داشت، یا پس از وصول به آن، تداوم آن کمال را ناممکن ساخت، در این صورت، مفهوم فساد از آن انتزاع می شود.

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پرسش

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پاسخ

علائم و شرایط جامعه صالح را می توان به چند دسته تقسیم کرد: شرط نخست، این است که افراد و اجزای جامعه بتوانند بی اضطراب و دغدغه در آن، به زندگی خود ادامه دهند و زندگی و سلامتی آنان تهدید نشود و جان همه در امان بماند. جامعه ای که اعضایش امنیت جانی نداشته باشند، بی شک جامعه فاسدی است. شرط دوم، آن است که اعضای جامعه، امنیت مالی داشته باشند. اگر در جامعه، اموال مردم را نابود کنند، بمب بریزند و خانه هایشان را ویران کنند، کشتزارهایشان را به آتش بکشند، یا آفتی برای باغها و مزارعشان ایجاد کنند که بازده کامل را نداشته باشد و یا به هر شکل دیگر، زیان مالی به اعضای جامعه وارد شود، این هم نوعی فساد اجتماعی است و کسانی که دست به این گونه خیانت ها بزنند و این کارها را بکنند، مفسد هستند. آیه شریفه ((یهلک الحرث و النسل)) به همه این موارد نظر دارد. شرط سوم، حفظ آبرو و حیثیت افراد در جامعه است. اعضای جامعه، انتظار دارند عرض، آبرو، شخصیت و حرمتشان، در جامعه محفوظ بماند، اگر در جامعه ای شخصیت افراد مصونیت ندارد، کسانی به ناحق ترور شخصیت می شوند، افراد بی گناه متهم می گردند و آبرویشان تهدید می شود، چنین جامعه ای نیز آلوده به یک نوع فساد اجتماعی است. شرط چهارم، وحدت، همدلی و عواطف متقابل است که باید در بین افراد جامعه حاکم باشد. در یک جامعه صالح باید بین افراد و گروههای جامعه روابط صحیح برقرار باشد؛ چنان که در زندگی خانوادگی، بین زن و شوهر، پدر و فرزند، مادر و فرزند، خواهر و برادر و ... وجود دارد. شرط پنجم، حفظ حیثیت معنوی اعضای جامعه است. البته ((حیثیت معنوی)) مفهوم وسیعی دارد و به یک معنی موضوع شخصیت و عرض و آبرو را هم می توان حیثیت معنوی تلقی کرد، اما منظور ما از حیثیت معنوی در این جا، صرف ابعاد مربوط به عقل و روان انسان است؛ مثل عقاید و افکار که مربوط به مسائل عقلی و نظری است و اخلاق که مربوط به مسائل روانی است.

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و ...نمی شود؟

پرسش

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و ...نمی شود؟

پاسخ

هر چندتعطیلات بیش از اندازه را می توان یکی از عوامل موثر درعقب ماندگی رکود اقتصادی و صنعتی و ...دانست . اما با بررسی دقیق می توان به این نتیجه دست یافت که وجودتعطیلات رسمی به این اندازه (مثلا- "۲۵ روز) نمی تواند عامل مهمی در وجودمشکلات وعقب ماندگی های جامعه تلقی شود به دلایل ذیل : اولا، "در بسیاری ازکشورهای پیشرفته ، تقریبا "مشابه این تعطیلات به صورت رسمی وجود داردمثلا "در آلمان در حدود ۱۹ روز تعطیل رسمی می باشد که در حدود ۷۶درصد آن تعطیل مذهبی می باشد (حدد ۱۵ روز) ، (فرامرز رفیع پور، توسیعه و تضاد، ص ۳۰۷) بنابراین نفس این مقدار تعطیلات نمی تواند مانع عمده ای در توسعه باشد .ثانیا، "اهمیت دادن به اعیاد مذهبی (مانند عید قربان ، فطر،غدیرخم و ...) و عزاداری ، سالروز، رحلت یا شهادت بزرگان دین (مانندرحلت رسول اکرم (ص) ، عاشورا و ...) نقش بسیار زیادی در گسترش فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی دارد و خود از تعظیم شعایر بوده که درقرآن کریم خداوند بر آن توصیه فرموده است (حج ، آیه ۳۲) و ایمه معصومین (ع) نیز بر آن تاکید نموده اند .امام باقر (ع) در زمینه برپایی عزا برای امام حسین (ع) دستور می فرمایند : ((که برای امام حسین (ع) ندبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانه خود دستور دهد که بر او بگریند و مراسم عزاداری برپا کنند)) ، (کامل الزیارات ، ص ۱۷۵) . و همچنین از ایمه اطهار (ع) وارد شده است که شیعیان ما در عزای ما محزون و در شادی ما شادمی باشند .برای این روزها در کتب روایی اعمال و آداب مخصوص وارد شده (مانند نماز در روزهای عید و ..) که نشانگر اهتمام ایمه اطهار به این روزهامی باشد، بنابراین اگر چه از لحاظ اقتصادی در روزهای تعطیل ، جامعه درظاهر پیشرفتی ندارد، ولی از لحاظ معنوی و فرهنگی تاثیر بسیاری درپیشرفت و ترقی جامعه دارد که غیرمستقیم می تواند اثرات آن به بخش های مادی جامعه از قبیل اقتصادی ، صنعتی و ...نیز سرایت کرده و باعث شکوفایی و پیشرفت آنها می شود .به عنوان نمونه بیشترین مشکل دربخش های اداری و دولتی ما نبود وجدان کاری می باشد که باعث ایجاد یک نظام اداری غیرکارآمد همراه با بازدهی خیلی پایین و سایر مشکلات شده است . در صورتی که دستگاه های فرهنگی و رسانه های عمومی بتوانند بر اثرآموزه هایی که در بزرگداشت مراسم مذهبی و ...به افراد می آموزند، باعث تقویت ایمان ، تقوا، تعهد و ...افراد جامعه شوند، بسیاری از مشکلات اداری ، اقتصادی و ...جامعه حل خواهد شد و در تقویت انگیزه و میزان کارآیی نیروهای تولیدی و ...بسیار موثر خواهد بود، لذا در کشورهای پیشرفته به نقش مذهب برای کارکرد بخش های دیگر جامعه و نهایتا "نظام اجتماعی بسیار توجه می شود و بسیاری از روزهای مهم و اعیاد مذهبی خود را به صورت تعطیل رسمی درآورده اند، (فرامرز رفیع پور، توسعه وتضاد، ص ۳۰۷) . ثالثا، "چرا وقتی سخن از کثرت تعطیلات می آید بلافاصله تعطیلات مذهبی را نشانه رویم . مگر تعطیلات باستانی نوروزی را نمی توان کاهش داد .یکی از سیاست های دولت شهید رجایی همین مساله بود، ولی متاسفانه حتی برای یک سال هم نشد که تعطیلات سیزده روز نوروزی را درمراکز آموزشی به ۵ روز تقلیل دهند; .

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پرسش

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پاسخ

علت اساسی تمام نابسامانیها را می توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می کند که جامعه ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آمسانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی تواند سعادتمند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیدی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده ی آن را در اصلاح جامعه ی انسانی نادیه می گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می گیرد نتیجه ای به دست نمی آید، بر نابسامانیها افزوده می شود و هیچ جنبه ای از جنبه های فساد و تباهی اصلاح نمی شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می کند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۵۱ـ

اصل محاکات چیست؟

پرسش

اصل محاکات چیست؟

پاسخ

محاکات در لغت به معنای حکایت و بازگور کردن و مانند چیزی را به وسیله کردار یا گفتار آوردن است. محاکات در اصطلاح یعنی همرنگ شدن با دیگران. اصولا ترقی فرد و جامعه به واسطه همین اصل است. کودک براساس همین اصل، حرف زدن، راه رفتن و امور دیگر را یاد می گید. آموزش نوآموز و یادگرفتن مطالب از آموزگار به واسطه ی همین اصل صورت می گیرد. بنابراین، محاکات همان تقلید از دیگران است. نکته ی قابل توجّه اینکه تقلید انسان از دیگران چنانچه با فکر و تعقل همراه باشد، بسیار مفید و موجب ترقی فرد و جامعه است. اسلام نیز آن را ستوده و بدان تشویق کرده است. اما اگر بدون فکر و به اصطلاح طوطی وار تقلید نماید، بسیار بد و مذموم است و موجب بدبختی فرد و جامعه است. بهترین گواه زنده تقلید کورکورانه ی مسلمانان از غرب ـ۱۸۰۹ـ است، که بدون توجّه و به طور ناخودآگاه در اعتیادهای خطرناک، شهوت رانی و غیره از آنها تقلید می کنند. قرآن مجید می فرماید:«فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه؛ای پیامبر مژده ده بندگان مرا، کسانی که گفتارها را می شنوند، اما خوبهایش را پیروی می کنند». (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۸۱۰ـ

آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پرسش

آیا اختلاف در جامعه اوّلیه انسانی مولود ابزار تولید بود یا خیر؟

پاسخ

آنچه که از منابع دینی به دست می آید این است که اختلاف در جامعه ابتدایی انسانی به خاطر ترکیب انسان داشتن اختیار به وجود آمده است. اوّلین اختلاف در بین انسان ها، اختلاف هابیل و قابیل، فرزندان آدم((علیه السلام)) بود که در اثر امری معنوی و نه در

اثر ابزار تولید به وجود آمد. در قرآن کریم در این باره آمده است: «اذا قرّباقرباناً منقبّل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنّک;آنگاه که آن دو قربانی کردند و قربانی یکی از آن دو(هابیل) قبول شد و قربانی دیگری(قابیل) پذیرفته نشد. پس او(قابیل) گفت هر آینه تو را خواهم کشت». (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۶ـ

خواهشاً در مورد جو سیاسی و فرهنگی اجتماع یک دیدگاه کلی که به عنوان یک مداوا باشد راهنمایی کنید؟ که از این بدبینی که در جامعه وجود دارد تا حدودی شفافیتی نشان دهد.

پرسش

خواهشاً در مورد جو سیاسی و فرهنگی اجتماع یک دیدگاه کلی که به عنوان یک مداوا باشد راهنمایی کنید؟ که از این بدبینی که در جامعه وجود دارد تا حدودی شفافیتی نشان دهد.

پاسخ

باید دید عوامل بدبینی چیست؟ یا عدم شناخت کافی است، یا سوء ظن است یاپیش فرض‌هایی است که انسان دارد و ممکن است بعضی از بدبینیها بر اساس یکسری واقعیت‌ها باشد. در عین حال یک نظام سیاسی از دو حال خارج نیست یا حق است یا باطل اگر، اصل نظام را نظام حق می دانیم کاستیها در آن مشاهده می شود باید به اندازهٔ توان در صدد رفع آن کاستیها برآئیم. نکته اساسی در قضاوتها به ملاک مطلوبیت یک نظام در نظر افراد باز می گردد که می تواند رفاه مادی عموم طبقات باشد و نیز می تواند ملاکهای ارزشی مانند استقلال و برپایی حکومت دینی و انتخاب آزادانه مردم و جهت‌گیری برنامه‌های نظام برای اجراء قوانین اسلام باشد. طبیعی است برای افرادی که شاخص مطلوبیت در نزد آنها رفاه مادی است ارتفاع و نزول قیمتها تعیین کننده مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت است انصاف حکم می کند که در بخش اقتصادی نیز با توجه به محاصرهٔ اقتصادی و دشمنیهای استکبار و فرمولهای پیچیدهٔ مبارزهٔ اقتصادی آنها و دهها عامل مهم دیگر به این حقیقت باور داشته باشیم که جهت‌گیری قوانین مجلس و اهتمام برنامه‌های کلان اقتصادی در جهت محرومیت زدائی است و دلایل و نشانه‌های صدق این ادعا خدمات قابل توجه به مناطق محروم و روستاها است که نسبت به تمام دورهٔ حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. شرایط حاکم بر اوضاع اقتصادی جامعه را می توان به اوضاع فردی تشبیه نمود که طوفانی سخت همهٔ اساس البیت او را در صحرا پراکنده ساخته است و او می خواهد در ضمن وزش چنین طوفانی اموال متفرق خود را گردآوری کند، هرچه را جمع کرده کنار هم می چیند و به آن نظم می بخشد دوباره طوفان برهم می زند و اگر قسمتی را اصلاح می کند قسمت دیگری از هم می پاشد. در شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه ترورهای اقتصادی و دشمنیهای استکبار به منزلهٔ همین طوفان عمل می کند که قرار و آرام را گرفته اوضاع بسیار سختی ایجاد می نماید ولی غالباً این دشمنیها و عوامل، پنهان از دید عامهٔ مردم است. رقمهای کلان بودجه‌هایی که دولت آمریکا در ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران تصویب می نماید و طرفندهای سیاسی پنهانی که به کار می گیرد قدرت تشخیص علت نابسامانیها اقتصادی و حل آن را دشوار می سازد و اما در دیدکسانی که شاخص‌های مطلوبیت نظام نفس جدیت و کوشش در راه دستیابی به ارزشهای متعالی اسلام است فرق نمی‌کند که در کشاکش مبارزه چه اوضاع و شرایطی پیش آید مهم آن است که به تکلیف الهی عمل شود و در مقابل دشمنیها سر تسلیم فرود آورده نشود. اگر ارادهٔ خدای متعال تعلق گرفت پیروزی و غلبه نصیب گردد و یا شهادت و جانبازی در راه اسلام، در منظر چنین کسانی تا وقتی که این جهاد مقدس برپا است و رهبران فداکار و صادقی دارد باید با همهٔ وجود از انقلاب دفاع نمود و خوشبینی و امید با هیچ حادثه‌ای از دست نخواهد رفت.

قرآن ویژگیهای یک جامعه ایدهآل و خوب را چه میداند؟

پرسش

قرآن ویژگیهای یک جامعه ایدهآل و خوب را چه میداند؟

پاسخ

جامعه ایـدهآل قرآنی به نحو کامل و اتم در زمان ظهور حضـرت مهـدیغ تحقق مییابد و آرزوی دیرینه بشـریت جامعه عمل میپوشد. برخی از مؤلّفهها و ویژگیهـای جـامعه آرمانی از دیـدگاه قرآن: جامعه دینی از دیـدگاه قرآن ایـدهآل و مطلوب است که ضـمن تن دادن به حکومت و داوری دین، این مؤلفههـا را نیز داراست. ۱. حق مـداری، اولین مؤلفه جامعه دینی، پیروی از حق در فکر و عمل است در حوزه فکری، حـاکمیت عقل و انـدیشه و تبعیت از حق و حق مـداری را توصـیه و ترغیب میکنـد و کسانی که از این نعمت خدائی استفاده نمیکنند را مذمت مینماید و میفرماید" أَفَلاَ تَعْقِلُونَ(; بقره،۴۴) چرا تعقل نمیکنید ".در حوزه عملی نیز توصیه به حق محوری مینماید و میفرماید حق مدار باشید و لو به ضرر خودتان یا بستگانتان باشد". یَـأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ کُونُواْ قَوَّ مِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَیَ أَنفُسِـکُمْ أَوِ الْوَ لِـدَیْنِ وَالاْ ـ قْرَبِین(;نسأ،۱۳۵) ای کسـانی که ایمان آوردهایـد به عـدالت قیام و عمل کنیـد و برای خـدا شهادت دهید گرچه به زیان شـما یا نزدیکانتان باشد ".لذا جامعه دینی پیرو حق است و لو اکثریت با آن سرناسازگاری داشته باشند. ۲. عـدالت محوری دومین شـاخصه جـامعه مطلوب، عـدالت محوری است که هـدف اجتمـاعی بعثت پیامبران نیز همین اقامه قسط و عـدل بوده است لـذا تحقق بخشـیدن به این هـدف محوری بایـد در سـرلوحه جـامعه ایـدهآل قرآنی قرار بگیرد". لَقَـدْ أَرْسَـلْنَا رُسُـلَنَا بِالْبَیِّنَـتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَـبَ وَ الْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْط(;حدید،۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند ".رعایت عدالت اجتماعی در عرصه اقتصاد، حقوق و... نیز از رعایت عدالت در منابع و منافع از شاخصـههای جامعه ایدهآل قرآنی است. ۳. قـانونگرایی جامعه ایـدهآل قرآنی، قانونگر است و از هرج و مرج پرهیز دارد. ضمن آن که قانونی جز قانون الهی را نمیپـذیرد و وحی و تعالیم انبیا را منبع قانونگـذاری در جامعه میداند و خود را پایبند این قانون میداند". اسـلام چون دامنه حیات انسانی را منحصـر به همین زندگی دنیا ندانسـته و حیات واقعی را حیات آخرت میداند قانون را بر این اساس و بر اساس توحیـد وضع کرده است و در مرحله قانونگـذاری، تنها به تعدیل ارادهها در اعمال و افعال مردم بسـنده نکرده بلکه آن را بـا یـک سلسـله وظـایف عبادی و معارف حقه و اخلاق فاضـله تکمیل کرده است. بر خلاف تمـدن امروز که قانون را بر اسـاس بهرهمنـدی از لذائـذ مـادی وضع میکنـد.(المیزان، علامـه طباطبایی، ;ج ۴، ص ۱۲ـ۱۱۱.) ۴. حکـــومت دینی یکی دیگر از مؤلفههـای جـامعه ایـدهآل قرآنی، برپـایی حکـومت دینی است که بـدون شـکلگیری حکـومت دینی، احکـام و اهـداف دین محقق نخواهـد شـد. و حکومت دینی در سـایه زمامـدار دینی میسـر است و تفسـیرهای ناصواب از حکومت دینی منهای زمامـدار دینی در حقیقت، رد و طرح اصـل حکومت دینی است. قرآن مجیـد میفرمایـد": إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُو وَالَّذِینَ ءَامَنُواْ الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَوَةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَوَةَ وَهُمْ رَ کِعُونَ(; مائده،۵۵) سـرپرست و رهبر شـما تنها خداست و پیامبر او و مؤمنانی که نماز به پا میدارند و در حال رکوع زکات میپردازند ".آیت اللّه مکارم میگوید: روشن است که منظور از ولی در آیه فوق به معنای سرپرستی و تصرف و رهبری مادی و معنوی است.(تفسـیر نمونه، آیت اللّه مکارم شـیرازی و دیگران، ج ۴، ص ۴۲۴، دارالکتب الاسـلامیة.) اینها نگاهی گذرا به شاخصـهها و ویژگیهای کلی جامعه ایـده آل از منظر قرآن بود شاخصـههای دیگری نیز وجود دارد که در صورت تمایل میتوانیـد به کتاب جامعه برین نوشته میرمدرس مراجعه فرمایید.

فروپاشی اجتماعی چه آثاری بر جامعه دارد؟

پرسش

فروپاشی اجتماعی چه آثاری بر جامعه دارد؟

پاسخ

پرسشگر گرامی قرآن کریم فروپاشی و نابودی اجتماعی جوامع را نتیجهٔ گناه و نافرمانی از دستورهای خداوند متعال می‌داند و می‌فرماید": وَ إِذَآ أَرَدْنَآ أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَهَا تَدْمِيرًا (; اسرأ، ۱۶) و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم اوامر خود را برای" مترفین آن‌ها]ثروتمندان مست شهوت بیان می‌داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آن‌ها را به شدت در هم می‌کوبیم هنگامی که اجتماعی بر اثر عوامل مختلف از جمله گناه و نافرمانی مردم آن اجتماع از دستورهای خداوند متعال فروپاشید دیگر جامعه‌ای باقی نمی‌ماند که آثارش بر آن مترتب شود.(ر.ک تفسیر نمونه آیهٔ الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۵۸ـ۶۱، دارالکتب الاسلامیهٔ تهران) پرسشگر محترم اگر از تأثیر فروپاشی اجتماعی در جامعه تصور و منظور دیگری دارید، در مکاتبات بعدی توضیح دهید.

چرا علما و اسلام شناسان در مورد مشکلات اجتماعی و فکری راه حل ارائه نمی دهند

پرسش

چرا علما و اسلام شناسان در مورد مشکلات اجتماعی و فکری راه حل ارائه نمی دهند

پاسخ

گرچه به دلیل تراکم کار، از پاسخ مشروح به نامه دردمندانه شما عذر می‌خواهیم؛ ولی به اجمال، نامه شما را درچند محور مورد بحث قرار می‌دهیم: ۱- علت عدم ارائه روشی برای مسائل فکری از سوی علمای اسلام، ۲- ارائه راه حل در تمامی علوم انسانی از سوی دانشمندان، ۳- مسائل مستحدثه، ۴- مشکلات جامعه در حال حاضر و احساس دوگانگی جوانان، ۵- استفاده از راه‌های علمی و شیوه آزمون و خطا، ۶- عدم ارائه مقاله و کتاب‌های انبوه، ۷- محافظه کاری و مصلحت اندیشی. در برخی از زمینه‌های یاد شده، ما نیز با شما هم‌داستانیم؛ ولی در مواردی نیز جای نقد و گفت‌وگو وجوددارد. ۱- دانشمندان اسلامی از قرن‌ها پیش تاکنون، در مسائل فکری مورد نیاز بشریت گام برداشته‌اند. آنان بسیاری از نیازها راشناخته و در پرتو وحی به آن پاسخ داده‌اند. گسترش منطق، فلسفه، ریاضیات، نجوم، طب، اصول زبان‌شناسی، فقه،علوم قرآن و ده‌ها رشته خرد و کلان از علوم و معارف بشری، ثمره این تلاش تاریخی است. البته اگر ما با آنها آشنا نباشیم، نباید تصور کنیم که کسی به آنها نپرداخته است. فلسفه و کلام اسلامی، لبریز از پاسخ به نیازهای فکری است. علاوه بر این، فرزانگانی در هر عصر به نقد و بررسیافکار پرداخته و آن را در اختیار همگان قرار داده‌اند. هم‌چنین علامه طباطبایی(ره)، شهید مطهری(ره)، علامه حسنزاده آملی و... با آثار خود در زمینه‌های مختلف، گام‌های بلندی در این عصر برداشته‌اند. البته کسی هرگز نباید ادعا کند که آنچه گفته شده، پایان راه است. علم همواره باید رو به کمال باشد؛ ولی منکر شدنانبوه گران‌سنگ تراث اسلامی، نشان از بی‌اطلاعی شخص دارد. ۲- بسیاری از رشته‌های علوم انسانی در قرن حاضر، به صورت

ویژه و به شکل رشته خاصی از دانش درآمدهاست. جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و رشته‌های مختلف آنها از آن جمله است. البته در گذشته نیز موضوعات و مسایل اینعلوم مطرح بوده است؛ مثلاً ـ ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود، درباره «علم الاجتماع و فلسفه تاریخ» نظریاتی را مطرح کرده است، به گونه‌ای که وی را طرّاح دانش جامعه‌شناسی می‌دانند. در آثار فارابی، ابن سینا و ده‌ها دانشمند دیگر نیزمقولاـتی پیرامون روان‌شناسی و دیگر رشته‌ها وجود دارد. متأسفانه در یکی دو قرن گذشته، به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی - که شرح آن مجالی وسیع می‌طلبد -مسلمانان از تراث خود بیگانه شده و به جای ابتکار و خلاقیت، تنها به نشخوار کردن آموزه‌های بیگانگان پرداختند؛ که خود آنان با جدیتی تمام در این عرصه وارد شده بودند. از همین‌رو از تولید کننده فکر، به مصرف کننده آن تبدیل شدند. فشارهایی که در آن دوران بر حوزه‌های علمیه - که وارثان دانش پیشینیان بودند - وارد شد، آنان را چنان در تنگناقرار داد که به ناچار در حفظ میراث علمی گذشتگان و توسعه آن، تنها در محدوده‌ای اندک به تلاش پرداختند. بقیه نیزیا در لابه‌لای سطور کتاب‌ها باقی ماند و یا توسط بیگانگان تاراج شد و یا از بین رفت. مجال کوتاه پس از انقلاب نیز - که به راستی در برابر عمر دانش لحظه‌ای نیز به حساب نمی‌آید - بنا به دلایل مختلف، این اجازه را نداد که دانشمندان، به طور کامل به شناخت کامل میراث گذشته و دانش روز بپردازند و درتوسعه بایسته آن بکوشند. در حقیقت گویا حوزه‌های علمیه و متفکران اسلامی، از خوابی گران بیدار شدند؛ ولی باانبوهی از موضوعات تحقیق نشده روبه‌رو گشتند، که می‌بایست در آنها به ابداع و نوآوری می‌پرداختند. حال با توجهبه این که حرکت دانش و علم، دارای حرکتی بسیار کند است و به سال‌ها و دهه‌ها و حتی قرن‌ها زمان نیاز دارد، چگونه می‌توان در عرض یکی دو دهه به تمامی این مسائل پرداخت و در آنها اظهار نظر نمود؟ البته با همه آنچه که گفته شد، متفکرانی در این عرصه گام‌های بلندی برداشته و برمی‌دارند؛ ولی انتظار حل یک شبه همه مسائل رؤیایی بیش نیست. ۳- اما درباره مسائل مستحدثه؛ اگر مقصود مسائل فقهی است که در این زمینه فقهای بزرگ گام‌هایی بلند برداشته‌اند ومتناسب با نیازها نظرات خویش را اعلام کرده و می‌کنند؛ ولی اگر مقصود موضوعات علوم و دانش‌ها است، که درقسمت قبل مورد گفت‌وگو قرار گرفت. ۴- بلی، یکی از عوامل احساس دوگانگی جوانان، مطرح نشدن راه حل‌های مناسب و صریح در موارد گوناگون است. ولی نباید این را، تنها عامل به حساب آورد؛ بلکه عوامل مختلف فرهنگی و سیاسی در این زمینه دارای نقش است که بایستی در جای خود به تحلیل آن پرداخت. از سوی دیگر، موانع اجتماعی و اقتصادی از جمله عوامل بازدارنده دراین زمینه است؛ مثلاً نکاح موقت از احکام قطعی فقه شیعه است؛ ولی پیاده سازی آن با موانع عظیم اجتماعی وفرهنگی روبه‌رو است و... . ۵- مسلما در حل مشکلات، باید از راه حل‌های علمی بهره برد. تاکنون نیز در موضوع برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان کشور،از وجود متخصصان رشته‌های مختلف - که در سازمان‌ها و ارگان‌ها حضور دارند - بهره برده می‌شود؛ ولی تصور اینکه تنها با تکیه بر این نظریات همه مشکلات قابل حل است، قضاوتی ساده اندیشانه است. موضوع آزمون و خطا نیز،در بسیاری از مسائل مورد عمل قرار گرفته است؛ از جمله در مسائل اقتصادی و بعضی از مسائل فرهنگی. ۶- در این زمینه انتقاد شما را تا حدودی وارد می‌دانیم. با توجه به انبوه تبلیغات غرب و بلندگوهای نیرومند آنها، برای حفظ فرهنگ و استقلال کشور، باید سرمایه‌گذاری‌های عظیمی صورت گیرد؛ ولی متأسفانه به دلایل اقتصادی وتنگناهای دیگر، این کار انجام نگرفته است؛ چه گام‌های بلندی نیز در این عرصه برداشته شده است. ۷- کاش می‌دانستیم مقصود شما از محافظه کاری و مصلحت‌اندیشی، مربوط به کدام موضوع است، تا بهتر می‌توانستیم درباره آن گفت‌وگو کنیم!

معنای جامعه پیشرفته و وارسته چیست ؟

پرسش

معنای جامعه پیشرفته و وارسته چیست ؟

پاسخ

خلاصه ویژگی‌های جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و اسلام: ۱- گذر کرده از خود پرستی به خدا پرستی و عبودیت در برابر او، ۲- آکنده از عدل و قسط در همه ابعاد، ۳- متحد و یکپارچه در برابر دشمنان، ۴- مهربان و با عطوفت در داخل جامعه، ۵- آمر به معروف و ناهی از منکر، ۶- قدرتمند و موفق در عرصه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی - سیاسی، ۷- دارای نظم و ترتیب و برنامه در همه امور.

آیا تا بحال فکری برای مساءله طلاق که در کشور ما آمار بالایی دارد شده است ؟

پرسش

آیا تا بحال فکری برای مساءله طلاق که در کشور ما آمار بالایی دارد شده است ؟

پاسخ

ارائه هر گونه راه حلّی برای پیشگیری و مقابله با مسئله طلاق، نیازمند بررسی ریشه‌ای و دقیق و عوامل جامعه شناختن آن می‌باشد که به اختصار به بیان مهمترین آنها می‌پردازیم: ۱. طبق آمار موجود در مجتمع‌های قضایی خانواده، یکی از مهمترین عوامل طلاق در کشور ناشی از معضل شوم اعتیاد و عواقب ناشی از آن از قبیل بیکاری، فقر، اختلافات خانوادگی و... می‌باشد. که البته خود این عامل و اعتیاد متأثر از عوامل دیگری است که در ادامه بررسیمی‌شود. ۲. معضلات اقتصادی و اجتماعی از قبیل، بیکاری و عدم اشتغال، سطح پایین در آمدها، مشکل مسکن و امکانات رفاهی و... یکی از عوامل می‌باشد که زمینه‌های طلاق و جدایی را فراهم می‌آورند. ۳. تغییر ارزش‌های حاکم بر جامعه از سال ۱۳۶۸ به بعد: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و ناهنجاریهای متعدد گردید به گونه‌ای که توسعه نتایجی ازقبیل تغییر ارزشهای اجتماعی از سنتی به سوی مدرن، از ساده‌زیستی به تجمل، از کمک و همیاری و ایثار و گذشت برای جامعه و حتی خانواده به سودجوئی فردی، و از ارزش قناعت به ارزش ثروت و از انسجام به فردگرایی و از ارزش دین و خدا به ارزش پول و دنیا، را در پی داشت.یکی از عواقب شوم تغییر ارزشها، سست شدن بنیاد و کانون خانواده و گسترش طلاق می‌باشد. ۴. تهاجم فرهنگی: هجوم شوم فرهنگی افسار گسیخته و سراپا مبتذل و بی بندوباری غرب، تمامی ارکان جامعه از جمله خانواده را مورد تهدید قرار داده است، فرهنگ غرب که ریشه در فردگرایی اصالت لذت و... دارد همانطور که موجب انحطاط اخلاق و فروپاشی کانونخانواده در غرب شده این تأثیران را برای سایر جوامعی که در معرض هجوم این فرهنگ قرار دارند نیز به ارمغان آورده است. خلاصه آنکه زمانی که مشکلات و معضلات اقتصادی اکثریت خانوادهها را در فشار قرار داده باشد و از طرف دیگر ارزش‌های اسلامی و تعهدات اخلاقی از قبیل ایمان، توکل، قناعت و صبر احساس مسئولیت به اعضای خانواده و... نیز در اثر تغییر جوّ و ارزشهای حاکم درجامعه و همچنین تهاجم فرهنگی، دگرگون شده باشد، جامعه با سست شدن ارکان خانواده و بروز طلاق مواجه می‌شود. اما در مودر اینکه آیا این مسأله قابل پیشگیری می‌باشد و اقداماتی انجام شده است یا نه؟ باید گفت که از آنجا که معضل طلاق بصورت مستقیم یا غیر مستقیم نای ازعوامل فوق می‌باشد، بنابراین مسئولین در

برنامه‌ریزی‌های خود سعی در حل اساسی و ریشه‌ای این معضل داشته و اقدامات متعددی را نیز به انجام رسانیده‌اند. مثلاً برای مبارزه با اعتیاد و جلوگیری از عواقب شوم آن از قبل سست شدن ارکان خانواده، اقداماتی از قبیل: اشتغال‌زایی و حل مشکل بیکاری، گسترش امکانات تفریحی، ورزشی، مبارزه قاطع با پخش مواد مخدر و همچنین در جهت مقابله با مشکلات و معضلات اقتصادی،توجه به وضعیت حقوقی و معیشتی اقشار مستضعف و آسیب‌پذیر جامعه مبارزه با مفاسد اقتصادی به منظور بسط عدالت اجتماعی توجه به بخش مسکن اشتغل مولّد و... و همچنین در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی، بالا بردن تولیدات فرهنگی داخلی هم از لحاظ کمی و کیفی در جهترویج، تثبیت و نهادینه نمودن ارزش‌های اسلامی و تقویت روحیه ایمان و تلاش برای حل مشکلات احساس مسئولیت و وفاداری به کانون خانواده و... چه از طریق صدا و سیما و چه از طریق مطبوعات، اقدامات بسیار مفید و متعددی صورت گرفته است. علاوه بر اقدامات فوق که بصورت غیر مستقیم و زیربنای موجب حل مشکلات طلاق می‌شود، ایجاد و گسترش مراکز مشاوره برای حل مشکلات و اختلافات خانوادگی و برخی اقدامات دیگر در مجتمعهای قضایی خانواده برای پیشگیری از جدایی خانواده‌ها، قابل توجهمی‌باشد. انشاءالله امید می‌روزد با حل عوامل طلاق که در منابع اسلامی به عنوان مبغوفترین حلال خداوند نام برده شده، و آثار و پیامدهای منفی بسیار زیادی بر جامعه دارد، به هیچ وجه شاهد چنین معضلی در جامعه اسلامی نباشیم.}J

منظور از آیات اجتماعی قرآن کریم چیست آیا مجموعه‌ای در این باره گردآوری شده است

پرسش

منظور از آیات اجتماعی قرآن کریم چیست آیا مجموعه‌ای در این باره گردآوری شده است

پاسخ

پیش از پرداختن به آیات اجتماعی لازم است ابتدا مفهوم "علوم اجتماعی روشن شود تا از رهگذر آن بتوانیم حوزهٔ آیات اجتماعی را به درستی شناخته و آیات آن را پی بگیریم اصطلاح "علوم اجتماعی در معانی گوناگونی به کار رفته است گاه به معنای مترادف با "علوم انسانی (تاریخ اقتصاد، روان‌شناسی و حقوق گرفته می‌شود و گاه آن را تنهابر بخشی از علوم انسانی که ناظر به امور و شؤون اجتماعی انسان است تطبیق می‌کنند و گاه معنا را تنگ‌تر کرده تنها به علوم انسانی که ناظر به امور و شؤون اجتماعی بوده و جنبهٔ توصیفی داشته باشد (و نه دستوری اطلاق می‌کنند (علم توصیفی در پی کشف تکوینیات و واقعیت‌های زندگی اجتماعی انسان است و علم دستوری یا هنجاری و یا ارزش بیان کنندهٔ تشریفات و ارزش‌های زندگی اجتماعی انسان است (برای آگاهی بیشتر ر.ک جامعه و تاریخ از دیدگاه امام خمینی ، محمد تقی مصباح یزدی ص ۱۶ و ۱۷، سازمان تبلیغات اسلامی بنابراین با توجه به هر یک از تعریف‌های یاد شده بخشی از آیات قرآن را می‌توان مورد مطالعه قرار داد. ولی از آن جا که همهٔ آیات قرآن گاه به جنبه‌های گوناگونی پرداخته است و هر مفسّری در حوزهٔ فکری و تفسیری خود، به گوشه‌هایی از آن می‌پردازد، نمی‌توان آیات را در یک تقسیم‌بندی کلی به اجتماعی و غیر آن تقسیم کرد، مگر آن که جداسازی آیات اجتماعی تنها به ملاحظه جهت‌های اجتماعی آن‌ها باشد ;به عبارت دیگر یک آیه می‌تواند هم در دستهٔ آیات اجتماعی قرار گیرد و هم در دستهٔ آیات مربوط احکام فردی آیات اجتماعی با توجه به معانی وسیع آن بسیار متنوع و فراوان است و شاید بتوان بیشترین آیات قرآن را در این حوزه مطرح کرد ;مانند احکام پیروی از ولی امر، قصاص دفاع خمس و زکات نمازهای مسجد و جماعت حج معاملات و... و نیز آیات مربوط به چگونگی معاشرت با دیگران احکام زناشویی و... آیات اجتماعی متناسب با شاخه‌ها و عناصر علوم اجتماعی در زیر

مجموعه‌هایی مستقل جای می گیرند ;برای مثال آیات اقتصادی نظامی سیاسی فرهنگی روانشناس و... هر یک در مجموعه‌هایی مستقل بحث می‌شوند. ـ دربارهٔ آیات اجتماعی تفسیرها و تک‌نگاری‌های فراوانی ارائه شده است حتی دربارهٔ برخی از شاخه‌های علوم اجتماعی فرهنگ‌هایی مستقل‌تر را تدوین گردیده مانند" الکشاف الاقتصادی لآیات القرآن الکریم اثر محیی الدین عطیّه الدار العالمیهٔ للکتاب الاسلامی والمعهد العالمی للفکر الاسلامی برخی از منابع آیات اجتماعی عبارت است از": جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن ، استاد محمد تقی مصباح یزدی" حقوق و سیاست در قرآن ، استاد محمد تقی مصباح یزدی انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی" ; اسلام و جامعه (چهار جلد)، جمعی از نویسندگان مرکز جهانی علوم اسلامی" زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام ، دکتر احمد شبلی ترجمهٔ دکتر سید محمود اسد اللهی آستان قدس رضوی" نقش قرآن در جهان معاصر "محمد غزالی ترجمهٔ محمد صدیق خالق پناه" بعد اجتماعی اسلام ; محمد اسفندیاری و...

مسایل اجتماعی و سیر آن‌ها در قرآن را توضیح دهید؟

پرسش

مسایل اجتماعی و سیر آن‌ها در قرآن را توضیح دهید؟

پاسخ

مسائل اجتماعی در تعالیم اسلام و قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارند و قرآن کریم همواره بر اصلاح و هدایت جامعه و اجتماع تأکید می‌کند، در این جا به برخی از مواردی که به مناسبت قرآن کریم درباره مسائل اجتماعی بحث کرده است اشاره می‌شود: ۱. اهمیّت روابط زندگی اجتماعی چنان که خداوند متعال می‌فرماید": یَـأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ(;آل عمران ۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید ".آیه مذکور در بردارندهٔ یک برنامهٔ جامع چهار ماده‌ای برای عموم مسلمانان است الف صبر و ایستادگی در برابر حوادث و مشکلات ب صبر و مقاومت در برابر مقاومت دیگران ج دستور آماده باش در برابر دشمنان و مراقبت دائم از مرزهای کشور و سرزمین‌های اسلامی د. پرهیزگار باشید.(ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۲۳۴ و ۲۳۵، دارالکتب الاسلامیهٔ) ۲. عوامل نابسامانی‌های اجتماعی مثل خیانت دراموال یتیمان آمیختن مال حلال با حرام و خوردن مال شبهه‌ناک و...(نسأ،۲) ۳. راهکار دادن در حل برخی مسائل اجتماعی و برداشتن عوامل اختلاف در اجتماع مثل تعیین سهم ارث هر کدام از بازماندگان و....(نسأ،۱۱ و ۱۲) ۴. آزادی‌های اجتماعی و محدوده آن و دفاع از حقوق زنان (نسأ،۱۹)، (هود،۸۸) ۵. عوامل پایداری گروه‌های اجتماعی (انفال ۶۶) ۶. ویژگی‌های مراکز دینی و اجتماعی (توبه ۱۰۷) ۷. عوامل تحکیم و ایجاد امنیت و پیوندهای اجتماعی (حجرات ۱۲) ۸. رعایت حقوق افراد جامعه مثل نهی از غیبت مسخره نکردن دیگران اجتناب از سوءظن (حجرات ۱۱و۱۲) ۹. مشورت و تعاون و همکاری در امور(;شوری ۳۸)، (مائده ۲) ۱۰. اخوت و برادری و اتحاد میان مسلمانان (حجرات ۱۰) ۱۱. عدالت اجتماعی (نسأ،۱۳۵)،(حدید،۲۵) و... قرآن کریم می‌فرماید": إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الإِحْسَـنِ وَ إِیتَآیِ ذِی الْقُرْبَىَ وَ یَنْهَىَ عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنکَرِ وَ الْبَغْىِ یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ(;نحل ۹۰) خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد ;و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند ;خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید "!در این آیهٔ شریفه به مسائل اجتماعی انسانی اخلاقی در شش اصل مهم بیان شده است ۱ـ عدل که قانون وسیع‌تر، گیراتر و جامع‌تر از آن تصور نمی‌شود. ۲ـ احسان در طول زندگی انسان‌ها مواقع حساس پیش می‌آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان‌پذیر نیست

بلکه نیـاز به ایثـار و گـذشت و فـداکاری دارد، که بـا اسـتفاده از اصـل" احسـان بایـد تحقـق یابـد. ۳ـ نیکی به نزدیکـان" ایتـای ذی‌القربی، "که بخشـی از مسـأله احسـان است با این تفاوت که احسان مربوط به کل جامعه است و" ایتایِ ذی‌القربیَ "در خصوص خویشاونـدان و بسـتگان است که جـامعه کوچـک محسوب می‌شود، و بـا توجه به این‌که جـامعه بزرگ از جامعه کوچک‌تر، (یعنی جامعه فامیلی ترکیب شده هرگاه این واحدهای کوچک‌تر از انسـجام بیشتری برخوردار گردند، اثر آن در کل جامعه ظاهر می‌شود; افزون بر آن مسـأله کمـک به جامعه‌هـای کوچک یعنی بسـتگان و خویشاونـدان از آن نظر که پشـتوانه عاطفی نیرومنـدی برخوردار است از ضـمانت اجرایی بیشتری بهره‌مند خواهد بود. ۴، ۵، ۶ـ دوری از" فحشا"، "منکر "و" بغی . برخی از مفسـران در توضیح این قسمت از آیه فرموده‌اند": فحشا، "اشاره به گناهان پنهانی" منکر، "اشاره به گناهان آشکار، و" بغی هرگونه تجاوز از حق خویش و ظلم و خود برتربینی نسبت به دیگران است احیـای اصول سه گـانه عـدل و احسـان و ایتـایِ ذی‌القربی و مبـارزهٔ با انحرافات سه‌گانه فحشأ، منکر و بغی در سـطح جهانی کافی است که دنیای آباد و آرام و خالی از هرگونه بـدبختی و فساد بسازد، به همین خاطر این آیه شـریفه را می‌توان از جامع‌ترین آیات قرآن در مورد مسائل اجتماعی شـمرد.(ر.ک تفسیر نمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۳۶۶ـ۳۷۲، دارالکتب الاسلامیهٔ)

در ایام فاطمیه و ایام دیگر که از حضـــرت فاطمه(س) سخن می‌گویند و ظلم‌هایی که بر او شده گفته‌می‌شود، چرا نامی از ظلم کننده‌ها بر او عمر و...) برده نمی‌شود، تا در ذهن مردم و بچه‌ها بماند؟

پرسش

در ایـام فـاطمیه و ایـام دیگر که از حضـرت فـاطمه(س) سـخن می‌گوینـد و ظلم‌هـایی که بر او شـده گفته‌می‌شود، چرا نـامی از ظلم کننده‌ها بر او عمر و...) برده نمی‌شود، تا در ذهن مردم و بچه‌ها بماند؟

پاسخ

ایـن هـم یکی از ابعـاد مظلـومیت آن حضـرت اسـت یکی از افرادی کـه بعـد از رسـول خـدا مـورد ظلم‌فراوان قرار گرفت، حضـرت زهرا(س) بود، ولی امیرالمؤمنین علی(ع) و بسـیار از شـیعیان در آن زمان به خاطرحفظ اسـلام و تفرقه نیافتادن بین مسلمانان، سکوت کردنـد و در عین مظلومیّت، صبر نمودنـد امیرالمؤمنین(ع فرمود: صبرتُ و فی العین قذی و فی الحلق شـجی أری تراثی نهباً[۲]؛ صبر کردم، در حـالی که خـاری درچشـمم و اسـتخوانی در گلویم بود. می‌دیـدم که ارث مرا به غـارت بردنـد. "در زمان ما هم هنوز آن مظلومیّت ادامه دارد. خانـدان عصـمت و طهارت در عین عظمت و بلندی و کمال‌معنویت همواره مظلوم بوده‌اند و هنوز به خاطر این که برادران اهل سنّت از ما شـیعیان آزرده خاطر نشوند و ما راخارج از اسـلام ندانند، مجبوریم کوتاه بیائیم. ([۲] نهج البلاغه، خطبه ۳.

در شهر ما چهار نفر روحانی زندگی می‌کنند و همیشه مردم را به وحدت و یکدلی دعوت می‌کنند اما تاکنون یک بار کسی ندیده خودشان یک جا جمع شوند، وقتی چهار نفر روحانی نتوانند با هم توافق کنند، از مردم چه انتظاری دارند؟!

پرسش

در شـهر ما چهار نفر روحانی زندگی می‌کنند و همیشه مردم را به وحدت و یکدلی دعوت می‌کنند اما تاکنون یک بار کسی ندیده

خودشان یک جا جمع شوند، وقتی چهار نفر روحانی نتوانند با هم توافق کنند، از مردم چه انتظاری دارند؟!

پاسخ

تردیدی نیست که دین مقدس اسلام آیین وحدت و یگانگی است و از هر گونه نفاق و تفرقه و پراکندگی بیزار است. توحید نه تنها یکی از اصول دین است، بلکه تمام اصول و فروع اسلام و همه برنامه‌های آن بر محور توحید دور می‌زند. توحید روحی است در کالبد همه تعلیمات اسلام وجانی است که در پیکر اسلام است.(۱) اتحاد و یکپارچگی اثر اعجازآمیزی در پیشرفت اهداف اجتماعی دارد. امرز سدهای عظیمی در جها بر پا شده که مبدء تولید بزرگترین نیرو است و سرزمین‌های وسیعی را زیر پوشش آب یا روشنایی قرار داده است. اگر دسرت فکر کنیم می‌بینیم این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه پیوستن قدرت‌های ناچیز دانه‌های باران نیست. آن گاه بهاهملت اتحاد انسان‌ها واقف می‌شویم. رسول خدا(ص) فرمود": مثل افراد مؤمن در دوستی و نیکی به یکدیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید، اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود.("۲) برادر عزیر، اگر روحانیون شهرتان همان طوری باشند که شما نوشتید، اما شما وقتل فهمیدید اتحاد و توافق اثر فوق‌العاده‌ای دارد، باید طبق آنعمل کنید، خواه گویندگان عمل بکنند و خواه ترک نمایند. ولی فکر نمی‌کنیم روحانیون شهرتان چنان باشند و حتماً با هم تماس دارند و با هم تبادل نظر می‌کنند و از علم یکدیگر بهره‌مند می‌شوند، اما ممکن است شما ندیده باشید. البته بهتر است تجمع آنان گاهی در انظار مردم باشد تا خدای ناکرده ایجاد تفرقه در دیگران نکند. پی نوشت‌ها: ۱ - تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۵۰. ۲ - تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۲، ص ۴۵۰، طبق نقل نمونه، ج ۳، ص ۳۳.

قرآن برای فراهم شدن زمینهٔ هم زیستی مسالمت آمیز جهان مسلمانان و اهل کتاب، چه راه حلی را پیشنهاد می‌کند؟

پرسش

قرآن برای فراهم شدن زمینهٔ هم زیستی مسالمت آمیز جهان مسلمانان و اهل کتاب، چه راه حلی را پیشنهاد می‌کند؟

پاسخ

قرآن، اهل کتاب را مخاطب ساخته و به پافشاری به موارد اشتراک که اصل توحید و شاخه‌های آن است، دعوت می‌کند، می‌فرماید [بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را جز خداوند یگانه به خدایی نپذیرند] «قُلْ یا اَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا اِلی کَلِمَةٍ سَواء بَیْننا وَ بَیْنَکُمْ اَنْ لا نَعْبُدَ اِلّا اللهَ وَ لانُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَلا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً اَرْباباً مِنْ دونِ اللهِ». آل عمران/۶۴ و در پایان می‌افزاید [هر گاه از این دعوت سرپیچی کنند بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم] (و بر خطّ توحید پیش می‌رویم). دعوت به سوی قدر مشترک،بهترین راه برای همزیستی دو مذهب مختلف است، چرا که غالباً نمی‌توان از یک گروه بخواهیم تمام عقاید خود را رها کند و تابع دیگری گردد و اگر هم منطقی باشد، عملی نیست، پس بهتر این است که اگر پیروان ادیان دیگر، بعد از شنیدن دلایل مختلف به اسلام نگرویدند، آنها را در عقاید خاصّ خودشان رها کنیم و در قدر مشترک همکاری نماییم و بهترین قدر مشترک بین همهٔ ادیان آسمانی، همان اصل توحید و یگانگی خدا در ذات و صفات است. در واقع این دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز و تکیه بر جنبه‌های مشترک، یکی از مصداقهای روشن «مجادلهٔ بالّتی هی احسن» است و به خوبی نشان می‌دهد که اسلام هرگز نمی خواهد با توسل به زور، پیروان

مـذاهب دیگر را به آیین اسـلام بکشانـد. جالب اینکه در سال هفتم هجرت (بعـد از فتح حدیبیّه) که پیامبر اسـلام (ص) نامه‌هایی به سران حکومتهای بزرگ جهان مانند «مقوقس» زمامدار مصـر و «هرقل» پادشاه روم و «کسری» پادشاه ایران، نوشت و آنها را به سوی اسـلام دعوت نمود، در ذیل بسیاری از این نامه‌ها به آیـهٔ فوق اشاره فرمود، یعنی حـدّاقل بیاییـد در آن اصل مهمی که حلقـهٔ اتصال همـهٔ ادیان آسـمانی است، اصل توحید، با یکدیگر همکاری و سـپس همزیستی کنیم. این خود، بهترین نشانه برای روح صـلح طلبی اسـلام و آمـادگی برای همزیسـتی مسـالمت آمیز بـا پیروان سـایر ادیـان آسـمانی اسـت، کـه ریشـه در عصـر پیـامبر(ص) دارد.

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون هم زیستی با پیروان دیگر مذاهب چیست؟

پرسش

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون هم زیستی با پیروان دیگر مذاهب چیست؟

پاسخ

در روایـات اسـلامی نکـات زیـادی در این زمینه به چشم می‌خورد از جمله ۱ـ امـام علی در فرمان معروف مالک اشتر می‌فرمایـد «وَ اَشْـعِرْ قَلْبَکَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِیَّهِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لاتَکُونَنَّ عَلَیْهِمْ سَبُعاً ضاریاً تَغْتَنِمُ اَکْلَهُمْ، فَاِنَّهُمْ صِنْفانِ، اِمّا اَخٌ لَکَ فِی الدِّینِ اَوْ نَظیر لَکَ فِی الْخَلْقِ» [قلب خود را نسبت به ملّت خویش، سرشار از رحمت و محبّت و لطف کن و همچون حیوان درّنده‌ای مباش که خوردن آنـان را غنیمت بـدانی، زیرا آنها دو گروهنـد یا برادر دینی توانـد و یا انسانی هماننـد تو!] تعبیری از این گویاتر و رساتر دربـارهٔ همزیستی محبّت‌آمیز نسـبت به غیر مسـلمانان پیـدا نمی شود و بـا توجّه به اینکه علی(ع) در این فرمـان این محبّت و مـدارا و رحمت و لطف را وظیفه رئیس حکومت اسـلامی می‌شـناسد، تکلیف افراد یک جامعه در مقابل یکـدیگر کاملاً روشن می‌شود. ۲ ـ در حدیث دیگری از امام صادق(ع) می‌خوانیم که علی(ع) با یک کافر ذمّی همسـفر بود، ذمّی از آن حضرت پرسید شما عازم کجا هستیـد؟ فرمود کوفه، هنگامی که آن مرد ذمّی سر دو راهی از علی (ع) جدا شد، امیرمؤمنان نیز همراه او آمد، مرد ذمّی گفت مگر نفرمودی که شـما عازم کوفه هستی؟! فرمود آری چنین است، عرض کرد پس چرا راه کوفه را رها کردی؟ فرمود دانسته این کار را کردم!، عرض کرد پس چرا با این که می‌دانستی چنین کردی؟ فرمود «هـذا مِنْ تَمامِ حُسْنِ الصُّحْبَـةِ اَنْ یُشَـیِّعَ الرَّجُلُ صاحِبَهُ هُنَیْئَةً اِذا فارَقَهُ، وَ کَذلِکَ اَمَرنا نَبِیُّنا» (بحارالانوار ۴۱/۵۳) [این ازکمال حسن معاشـرت است که انسان هنگامی که همسـفرش از او جـدا شد، کمی او را بدرقه کند، این گونه پیامبر به ما دسـتور داده است.] مرد ذمّی از روی تعجّب پرسـید راستی چنین است؟ امام فرمود آری مرد ذمّی گفت بنـابراین کسـانی که از او پیروی می‌کننـد به خـاطر همین اعمال بزرگوارانـهٔ اوست، و من گواهی می‌دهم که به دین توام!» ۳ـ در حـدیثی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم «مَنْ ظَلَمَ مُعاهِـداً وَ کَلَّفَهُ فَوْقَ طاقَتِهِ فَاَنا حَجیجُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ» (فتوح البلـدان/۱۶۷) [هر کس بر غیر مسـلمانی که پیمان (دوستی و همزیستی) با مسـلمانان دارد سـتم کند، یا به او بیش از توان و قدرتش تکلیف نماید، در روز قیـامت، من خودم طرف حسـاب او هسـتم و حقّ او را مطالبه می‌کنم!] ۴ـ در حـدیث دیگری که در کتاب خراج ابو یوسـف آمـده است می‌خوانیم «حکیم بن حزام» مشاهـده کرد که «عیـاض بن غنم» جمعی از اهـل ذمّه را در آفتاب نگهداشـته به خاطر اینکه «جزیه» خود را نپرداخته بودنـد (و از این طریق می‌خواست آنهـا را تحت فشـار قرار دهـد) «حکیم» گفت ای عیـاض! این چه کـاری است می‌کنی؟ مـن از رسـول خـدا (ص) شـنیدم که فرمـود «اِنَّ الَّذینَ یُعَـذِّبُونَ النَّاسَ فِی الـدُّنْیا یُعَـذِّبُونَ فِی الْاخِرَهِ» (الخـداج/۱۲۴) [کسـانی که مردم را در دنیا آزار می‌دهنـد، خداونـد آنها را در آخرت مجازات خواهـد کرد.] این مسأله به قـدری در میان مسـلمین

معروف بود که از «عمر بن عبدالعزیز» نقل می کنند که یکی از فرماندارانش به نام «علی بن ارطاه» به او نوشت گروهی نزد ما هستند که خراجشان را بدون اینکه آنها را آزار دهند و ایذاء کنند نمی‌پردازند، عمر بن عبدالعزیز به او نوشت «راستی بسیار عجیب است که تو از من اجازه می‌خواهی انسانی را شکنجه کنی! گویی من سپر تو در مقابل عذاب الهی هستم و گویی اجازه و رضایت من تو را از عذاب الهی رهایی می‌بخشد (اگر چنین فکر می کنی، سخت اشتباه کرده‌ای) هنگامی که نامهٔ من به تو می‌رسد هر کس خراج خود را با میل خود بپردازد مشکلی ندارد و الّا او را سوگند بده (که توانایی ندارد و به همین سوگند قناعت کن) سپس افزود به خدا سوگند من روز قیامت، خدا را در حالی ملاقات کنم که آنان جنایت کرده‌اند (و حق بیت المال را نپرداخته‌اند) نزد من محبوبتر است از این که خدا را ملاقات کنم درحالی که آنها را شکنجه یا آزار کرده‌باشم!»

اجتماع بشری که منبع همه پیشرفتها و موفّقیتهای علمی و اجتماعی است به چه صورتی می تواند به هدف مطلوب خود برسد؟

پرسش

اجتماع بشری که منبع همه پیشرفتها و موفّقیتهای علمی و اجتماعی است به چه صورتی می تواند به هدف مطلوب خود برسد؟

پاسخ

در صورتی می تواند، به هدف مطلوب خود برسد که محکمترین پیوند را داشته باشد وگرنه تبدیل به جهنم سوزانی می شود، که زحمات و مشکلات اجتماع را دارد، بی آنکه از برکات آن بهره مند گردد. از یک سو بر وحدت عمومی جهان بشریت به عنوان اعضای یک خانواده و برادرانی که از یک پدر و مادر متولد شده اند تأکید می نهد. و از سوی دیگر مؤمنان را عضو یک پیکر، صرف نظر از اختلاف زبان و نژاد می شمرد و می گوید «بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ» [شما همگی هم نوعید و همجنس یکدیگر و عضو یک پیکر.] آل عمران/ ۱۹۵ و در جای دیگر می فرماید «وَالْمُؤْمِنونَ وَالمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ اَوْلیاءُ بَعْضٍ» [مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند.] توبه/ ۷۱ به این نیز قناعت نمی کند و علاوه بر پیوند بشریت و پیوند ایمان نسبت به پیوندهای خویشاوندی، که در دایره فشرده تر و نزدیکتری است نیز توصیه و تأکید می کند و شکستن این پیمان را گناهی بزرگ می شمرد و می فرماید «اَلَّذینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللهِ مِنْ بَعْدِ میثاقِهِ وَیَقْطَعونَ ما اَمَرَ اللهُ بِهِ اَنْ یُوصَلَ وَیُفْسِدوُنَ فِی الْاَرْضِ اُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُون» [فاسقان آنها هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم ساختند می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع می نمایند و در جهان فساد می کنند اینها زیانکارانند.] بقره/ ۲۷ و در سوره محمد (ص) آیه ۲۲ و ۲۳ می خوانیم «فَهَلْ عَسَیْتُمْ اِنْ تَوَلَّیْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِی الْاَرْضِ وَتُقَطِّعُوا اَرْحامَکُمْ ـ اُولئِکَ الَّذینَ لَعَنَهُمُ اللهُ فَاَصَمَّهُمْ وَاَعْمی اَبْصارَهُمْ» [اما اگر روی گردان شوید، آیا جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی را قطع کنید ـ چنین افراد کسانی هستند که خداوند آنها را از رحمتش دور ساخته، گوشهایشان را کر، و چشمهایشان را کور کرده است.] و به این ترتیب قطع این پیوندها را همردیف فساد در زمین و مایه کوری و کری چشم و گوش باطن می داند. اهمیت این پیوندها در اسلام تا آنجاست که هر چیزی که کمک به تحکیم پیوندهای اجتماعی کند، مطلوب شمرده شده حتی دورغی که بدترین گناه است برای اصلاح ذات البین مجاز می باشد. و به عکس، هر چیزی که مایه از هم گسستگی پیوندها گردد منفور و مردود شمرده شده، تحت هر عنوان و هر نامی که باشد.

قرآن برای ایجاد «پیوند» و «روح اجتماعی» از چه وسائلی استفاده کرده است؟

پرسش

قرآن برای ایجاد «پیوند» و «روح اجتماعی» از چه وسائلی استفاده کرده است؟

پاسخ

دقت در تعبیرات قرآن نشان میدهد که برای ایجاد این رابطه، نزدیک‌ترین راه را پیموده، و اخوت و برادری را که نزدیک‌ترین و عمیقترین رابطهٔ دو انسان با یکدیگر بر اساس مساوات و احترام متقابل است، اصل اساسی پیوند اجتماعی انسان‌ها شمرده است. و این اخوت را، هم از نظر جسمانی ـ بخاطر بازگشت همهٔ انسانها به یک پدر و مادر ـ و هم از نظر روحانی، بخاطر پیروی از یک مبدأ واحد فکری، یعنی ایمان به خداوند یگانه و آئین و قانون واحد، معتبر شناخته است. قرآن روی کلمهٔ «رفیق» یا «همنوع» و مانند اینها که در دنیای امروز بعنوان یک شعار مهم اجتماعی روی آنها تکیه میشود، تکیه نکرده، بلکه همه جا سخن از «برادری» به میان آورده است، آیات زیر شاهد گویای این مدعاست ۱. «اِنَّمَا الْمُؤمِنُونَ اِخوَةٌ فَاصْلِحُوا بَیْنَ اَخَوَیْکُمْ» حجرات/۱۰ [مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین در میان برادرانتان صلح و صفا ایجاد کنید.] ۲. «وَاذْکُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَیْکُم اِذْ کُنْتُمْ اَعداءً فَاَلَفَّ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْواناً» آل عمران/۱۰۳ [بخاطر بیاورید نعمت خداوند را بر خود، هنگامیکه دشمن یکدیگر بودید، خداوند در میان دلهای شما الفت ایجاد کرد و به لطف و نعمت الهی برادر یکدیگر شدید.] ۳. «وان تخالطوهم فاخوانکم» بقره ـ ۲۱۹ [اگر با یتیمان آمیزش داشته باشید آنها برادران شما هستند.] ۴. «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَلِاِخْوانِنَا الَّذینَ سَبَقُونا بِالْایمان حشر ـ ۱۰ [پروردگارا ما و برادرانمان را که پیش از ما ایمان آوردند ببخشا.] ۵. قرآن یکی از صفات برجسته بهشتیان را همین «اخوت» شمرده آنجا که می‌گوید «وَنَزَعْنا ما فی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍ اِخْواناً عَلی سُرُرٍ مُتَقابِلینَ» حجر ـ ۴۷ [ما تمام کینه‌ها را از درون سینه‌های آنها برمی‌کنیم، در حالی که احساس برادری می‌کنند، روی تختها در برابر یکدیگر قرار خواهند داشت] (هم برادرند و هم برابر و این دو میتوانند بهشت را در همین دنیا نیز بوجود آورند.)

دیدگاه قرآن دربارهٔ فیض حضور مؤمنان در صحنه‌های اجتماعی چیست؟

پرسش

دیدگاه قرآن دربارهٔ فیض حضور مؤمنان در صحنه‌های اجتماعی چیست؟

پاسخ

خدای سبحان در بیان بخشی از وظایف مؤمنان، نسبت به رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «انما المُؤمنون الَذین امنوا بالله و رَسوله و اذا کان مَعَه عَلی أمر جامع لَم یَذهبوا حتی یستأذنوه ان الذین یستأذنوک أولئک الذین یؤمنون بالله و رسوله فَاِذا اسَتأذنوک لِبعض شَأنهم فَأذن لِمن شِئت منهم و استغفر لهم الله ان الله غفور رحیم» نور/۶۲؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیامبر ایمان آورده، در امور اجتماعی که حضور همگان در صحنه لازم است، هرگز پیامبر را تنها نمی‌گذارند و بدون اجازه پیامبر از صحنه خارج نمی‌شوند. البته استیذان از پیامبر، ناشی از قصور است، زیرا فرد استیذان کننده موفق به فوز عظیم همراهی با رسول گرامی(ص) نشده و بر اثر ناکامی به او ترخیص داده شده تا با اذن قبلی از محضر پیامبر بیرون رود. آنگاه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد تا برای چنین معذوری طلب آمرزش کند، زیرا گرچه او معذور است لیکن بر اثر این قصور از فیضی بزرگ محروم شده است و تنها به پاس

استیذانش، پیامبر برای او استغفار می‌کند تا نقص او جبران شود. بنابر این از آن جا که مراد، اعم از شخصیت حقیقی و حقوقی پیامبر است، این آیه برای همیشه زنده است و هم اکنون نیز در امور اجتماعی، کسی بدون اجازه قرآن و عترت حق ترک صحنه را ندارد ولی در صورت مأذون بودن نیز ولیّ عصر (ارواحنا فداه) برای وی آمرزش می‌خواهد و به یقین دعا و استغفار پیامبر و وصی او مستجاب است و گرنه دستور به استغفار لغو خواهد بود. شاهد استجابت دعایشان، آیه ۶۴ سوره نساء است که در باره کسانی که به خود ستم روا داشته‌اند، می‌فرماید: اگر توبه کنند و پیامبر برایشان طلب آمرزش کند خداوند تو به آنها و استغفار پیامبر را می‌پذیرد: «لَوَجدوا الله تواباً رحیماً» نساء/۶۴. گرچه در آیه محل بحث، توبه خودِ تبهکار قید نشد، ولی متمّم پذیرش توبه و آمرزش گناه او، طلب آمرزش رسول گرامی قرار داده شد.

نشانه‌های وحدت نوعی انسان چیست؟

پرسش

نشانه‌های وحدت نوعی انسان چیست؟

پاسخ

۱ ـ تبادل آرا و رسیدن به نظر واحد تمام نسلها در همه عصرها و مصرها به تبادل آرا، تضارب اندیشهها، تعامل فرهنگ و تعاهد حقوقها... مبادرت میورزند. در هر کشور، شرقی یا غربی، شمالی یا جنوبی، حوزه یا دانشگاه تأسیس شود و علوم متنوعی در آن تدریس گردد طالب شرقی در جوار طالب غربی مینشیند و دانشجوی غربی در کنار دانشجوی شرقی میآرمد، همگان با داشتن آداب، رسوم، سنن، و عادات مختلف از رشتههای گونهگون علوم بهره میبرند و از استاد شرقی یا غربی، شمالی یا جنوبی دانش میآموزند، این هماهنگی گسترده در تمام دانشهای بشری نشان میدهد که انسان به منزله جنس نیست که دارای انواع متعدد باشد، بلکه نوع و حقیقت واحدی است که اصناف گوناگون دارد. ۲ ـ انتظار همگانی وحدت و صلح جهان شمول وحدت نوعی انسان را با شواهد تجربی دیگر میتوان کاملاً روشن کرد و در تأیید آن میتوان گفت که همه انسانها در انتظار روزی به سر میبرند که وحدتی فراگیر و جهان شمول حاکم گردد، همه منتظر روزی هستند که صلح جهانی حاکم شده و مصلح جهانی، حضرت بقیهٔ الله ظهور کند. بنابراین، معلوم میشود، انسانیت دارای یک نوع است؛ زیرا اگر انسانها انواع گوناگون بودند، خواستههای آنها گوناگون میشد و اگر خواستهها گوناگون بود، راهها گوناگون میشد و اگر راهها گوناگون بود اهداف گوناگون میشد و با تعدد هدف و راه و رونده، هماهنگی و اتحاد محال بود. این که میبینیم، همگان میکوشند، تا انسانها را با قانون واحد هماهنگ کنند، برای آن است که همه پذیرفتهاند که انسانیت نوع واحد است، نه این که انسانیت جنس باشد و اگر اختلافی هست، در صنف یا شخص باشد؛ یعنی انسانها ذاتاً مختلف نیستند بلکه اختلاف خارج از حقیقت انسانی و حریم ذات اوست. البته بعضی انسانها، از باب خطای در تطبیق، فکر میکنند بدون وحی میتوان وحدت جهان شمول را تحصیل کرد، ولی همین مقدار کافی است که بگوییم: انسان نوع واحد است و با دین و وحی جهان شمول، میتوان او را متحد ساخت. ۳ ـ تکامل اجتماعی اگر انسانیت به منزله جنس بوده و دارای حقایق متباینه باشد، نه به منزلهٔ نوع، هرگز تکامل انسانها میسّر نخواهد بود؛ زیرا اگر انسان پیشین و انسان فعلی و آینده، انواع گوناگون بودند، هرگز با تجارب یک نوع، زمینه رشد نوع دیگر فراهم نمیشد. و در نتیجه نوع فعلی زمینه تکامل نوع آینده را فراهم نمیکرد؛ زیرا نوع گذشته با همه پیشرفتهایش مسیر تکاملی خاص خودش را طی کرده و نوع جدید فعالیت تازه خود را شروع میکند. اگر مشاهده میشود، تجارب نسل گذشته، زیر بنای رشد نسل فعلی و تکامل عصر حاضر، زمینه تعالی عصر آینده قرار میگیرد، دلیل آن است که

انسانیت در همه امصار و اعصار یک نوع است. انسان هم از نظر بعد زمانی و هم از نظر بعد مکانی، نوع واحد است و گرنه تبادل فرهنگ و مناظره و گفتگو و مناقشه و استدلال ممکن و معقول نبود. این که مشاهده میشود که تمام انسانها، خواه کسانی که همزمان زندگی میکنند و خواه آنها که در عصرهای متعدد به سر میبرند، هم تبادل فرهنگی دارند و هم زمینه رشد بعدی را فراهم میسازند و هم درباره گذشتگان اظهار نظر میکنند که آنها درست فکر کردند یا نادرست، برای آن است که انسانیت نوع واحد است و اگر انسان نوع واحد بود، ناگزیر دارای یک راه و یک هدف خواهد بود که آن راه واحد، اسلام است و آن هدف واحد، لقاء الله. براساس این شواهد، انسانیت نوع واحد است و لذا قرآن میفرماید: «فَطَر الناس علیها» نه این که انسان انواع گوناگون بوده، فطرتهای متعدد داشته باشد و در نتیجه اهداف فراوان و راههای جداگانه برای او تصویر شود، بلکه فقط به سمت خدا متوجه است چنانکه از نزد خدا آمده و به سمت خدا میرود و به سمت خدا رفتن، راه مشخص میطلبد. هدف اصیل آفرینش انسان نیل به مقام شامخ لقاء الله است و اگر از سعادتهای دیگر یاد میشود، در واقع اهداف متوسط و مقاصد میانه است و راه مطلوب فطرت که با پیمودن آن انسان به هدف میرسد اسلام است.

عناصر تقریب مسلمانان چیست؟

پرسش

عناصر تقریب مسلمانان چیست؟

پاسخ

عناصر و مایه هایی که میتواند امت اسلامی را در نقطه واحدی گرد آورد، دو گونه است: الف: «عقیدتی و آرمانی». ب: «کرداری و رفتاری». درباره عنصر نخست، باید بگوییم که قرآن مجید بر یگانگی صراط تاکید می ورزد و می گوید برای پیمودن راه رستگاری بیش از یک راه وجود ندارد و دیگر راه ها همگی انحراف از آن صراط است. چنان که می فرماید: «و اَنَّ هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لاـ تتبعوا السبل فَتَفرق بکم عن سَبیله ذلکم وَصّیاکم به لعلکم تتقون». اعراف/۱۵۳ [آگاه باشید که این است راه راست، از آن پیروی کنید و از راه های دیگر که شما را از آن راه پراکنده می سازد نروید، اینها است که خدا شما را به آن سفارش کرده تا به تقوا بگرایید.] برای رسیدن به کمال از طریق عقیده و عمل، یک صراط بیش نیست و هر نوع راهی برخلاف آن، کژ راهی است که انسان را از پیمودن راه سعادت باز میدارد. تصور نشود که این صراط واحد، مربوط به پیامبر عظیم الشان اسلام است، بلکه تمام پیامبران مردم را به پیمودن یک راه دعوت کرده اند و آن تسلیم در برابر خداوند است. آنچه که امروزه از آن به «صراط ها» یاد میشود، درست نقطه مقابل وحی الهی است که همواره بر «وحدت صراط» تاکید داشته و دارد. بخاطر همین وحدت صراط است که قرآن و حدیث در تمام موارد از «دین واحد» سخن بمیان می آورد نه از «ادیان» و تنها در یک روایت و آن از امام هشتم(ع) است که لفظ «دین» به صورت جمع آمده و احتمال میرود که حدیث نقل به معنا شده است. اصرار قرآن بر لفظ « دین » به صورت مفرد، برای این است که اصول عقیدتی و قوانین کلی در مسائل عملی، در تمام ادوار یکسان بوده و خداوند یک دین بیش نداشته و نخواهد داشت، چنان که می فرماید: «ان الدین عند الله الاسلام». آل عمران/۱۹ و همه شرایع در جوهر دین و قوانین سعادت، مانند حرمت شراب و قمار، اختلاف ندارند. اکنون «تبیین عناصر وحدت ساز در قلمرو عقیده و آرمان» ۱. یکتا پرستی و یکتا گرایی «توحید» در جلوه های مختلف، رابطه ای است که میتواند همه مسلمانان را در نقطه واحدی گرد آورد. مسلمانان جهان به خدای یکتا، خالق و آفریدگار یکتا و مدبر و گرداننده یکتا اعتقاد و باور دارند و آیات قرآن و همچنین دلایل عقلی، بر توحید در

ذات و توحید در خالقیت و توحید در تدبیر گواهی می دهند. در زیر آسمان خدا، مسلمانی پیدا نمی شود که ثنویت در ذات را بپذیرد و به خالقی جز خدا و یا مدبری جز او بیندیشد مگر این که از صراط مستقیم منحرف گردد. یکی از مراتب توحید، توحید در عبادت است که همگان به آن معتقدیم و در نماز پیوسته می گوییم: «ایاک نعبد و ایاک نستعین». حمد/۵ اعتقاد به اصل توحید در عبادت، برای یک مسلمان کافی است، دیگر لازم نیست در فروع آن به بحث و گفتگو پردازد. از توحید که بگذریم، نبوت عامه و نبوت خاتم رسولان، عنصر وحدت ساز است و همه مسلمانان در این اصل یک صدا هستند و یک نظریه دارند. مساله «خاتمیت» اصل مستحکمی است که همه مسلمانان در آن وحدت نظریه دارند و معتقدند که با آمدن پیامبر خاتم، باب نبوت لاک و مهر گردید و دیگر این باب به روی کسی باز نخواهد شد. از این اصل که بگذریم اصل سومی به نام « معاد» مطرح است و همه مسلمانان معتقدند که خداوند بزرگ روزی همه را زنده می کند و نیکوکاران را پاداش و بدکاران راکیفر میدهد. قال سبحانه: «کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم الی یوم القیامه» انعام/۱۲ [خداوند رحمت و بخشش را بر خویش واجب گردانید و به یقین شما را در روز قیامت که در آن شکی نیست، گرد خواهد آورد.] این اصول سه گانه که از آن بعنوان «عقیده و آرمان» تعبیر میشود، عناصری است که یک میلیارد مسلمان در آن وحدت نظریه دارند و اختلاف در جزئیات، جزو مسائل کلامی است و نباید مایهٔ اختلاف شود. اعتراف به این اصول سه گانه، مایه ایمان، و انحراف از آن مایه کفر است، بنابراین نباید گروهی گروه دیگر را، که هر دو در این اصول وحدت نظریه دارند، تکفیر کنند. ۲. یگانگی شریعت و آیین مقصود از شریعت و آیین، همان احکامی است که رفتار و کردار ما را از نظر فعل و ترک، محدود می سازد، برخی را واجب و برخی دیگر را مستحب و مواردی را مکروه و... معرفی می کند. سر چشمه شریعت، کتاب خدا و سنت پیامبر است و همه مسلمانان در حجیت این دو اصل اختلافی ندارند و خوشبختانه امیر مؤمنان علی(ع) هم نگهبان قرائت قرآن و هم حافظ سنت پیامبر است و در روزگاری که نگارش سنت بدعت بود، او سنت پیامبر را در کتابی که بعدها به نام «کتاب علی» معروف شد، گرد آورد و تا عصر حضرت صادق (ع) در اختیار عترت بوده است. ۳. وحدت رهبری از عناصر سازنده « تقریب »، اتفاق مسلمانان بر وحدت رهبری است و این که رهبری را از آن خدا و رسول وی، و اولی الامر می دانند و همگان این اصل را از وحی الهی برگرفته اند، آنجا که می فرماید: «...اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم....» نساء/۵۹ [از خدا اطاعت کنید و از رسول و صاحبان فرمان از خودتان نیز اطاعت کنید.] رهبری این گروه، در مسائل خاص سیاسی خلاصه نمی شود، بلکه همه جوانب زندگی جامعه اسلامی را فرا میگیرد. از این جهت باید در گروه سوم، شرایطی مانند تقوا و علم و دانش برتر وجود داشته باشد که صلاحیت آنان را برای امر رهبری بیمه کند. ۴. وحدت درهدف وحدت:وحدت در هدف نیز از عوامل سازنده وحدت است. امت اسلامی معتقد است که باید جامعه را به سوی خوبی ها و نیکی ها و فضیلت و مکرمت سوق داد، چنان که می فرماید: «کنتم خیر امه اُخرجت لِلناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله و لو آمن اهل الکتاب لکان خیراً لهم منهم المومنون و اکثرهم الفاسقون» آل عمران/۱۱۰ [شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید، به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند، قطعا؛ برایشان بهتر بود، برخی از آنان مؤمنند ولی بیشترشان نافرمانند.] یکی از اهداف رسالت پیامبر که همه مسلمانان باید در تحقق آن کوشا باشند، محو شرک و بت پرستی در جهان و جایگزین ساختن توحید به جای آن است و این هدف بزرگ به وسیله مسلمانان در جهان تحقق خواهد پذیرفت و از شرک و بت پرستی اثری باقی نخواهد ماند چنان که می فرماید: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» توبه/۳۳ [او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند] بنابراین، امت اسلامی در عقیده و شریعت، در امر قیادت و رهبری و در غرض و هدف، وحدت نظریه دارند و باید در مجامع جهانی با هم همکاری کنند، نه این که به تکفیر و تفسیق یکدیگر بپردازند.

موانع تقریب مسلمانان چیست؟

پرسش

موانع تقریب مسلمانان چیست؟

پاسخ

۱. اختلافات کلامی و فقهی پس از گذشت سه قرن از آغاز اختلافات کلامی، اهل سنت سرانجام در اصول عقاید مقلد یکی از دو امام گردیده اند و آنان عبارتند از: «اشعری» و «ماتریدی». اما معتزله که از نظر ما شاخه ای از اهل سنت هستند – هر چند از نظر اهل سنت جزو آنان نمی باشند – برای خود مکتب خاصی دارند و به مرور زمان نابود شده و از آنان اثری جز چند کتاب باقی نیست. شیعه در مسائل کلامی به سه گروه تقسیم میشوند: «اثنی عشری»، «زیدی» و «اسماعیلی» ولی اگر حقیقت این مذاهب کلامی، چه در سنی و چه در شیعه، شکافته شود خواهیم دید اختلاف در مسائلی است که ارتباطی به ایمان و اسلام ندارد و اگر مسلمان درباره آنها سخن نگوید مشکلی نخواهد داشت، مسائلی مانند: الف: صفات خدا عین ذات اوست یا زاید بر آن؟ ب: قرآن کریم قدیم است یا حادث؟

یک طلبه و دانشجو چگونه باید آرمان های انقلاب اسلامی را با همدیگر مستحکم کنند؟

پرسش

یک طلبه و دانشجو چگونه باید آرمان های انقلاب اسلامی را با همدیگر مستحکم کنند؟

پاسخ

همانگونه که پیروزی انقلاب اسلامی دستاورد همدلی و همکاری طلاب و دانشجویان بوده ، دستیابی به آرمان های انقلاب و استحکام آن نیز به رعایت نکات ذیل بستگی دارد : ۱–همدلی و همکاری این دو قشر که می تواند در ابعاد بسیار متنوعی مطرحباشد، مثلا "در بعد فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، پژوهشی . همکاری سیستماتیک علمی و عملی این دو قشر می تواند تولید کننده فکر وهدف گذاری و تامین کننده نیازهای عمیق اندیشه و عمل برای دستیابی واستحکام آرمان های انقلاب اسلامی باشد .۲– جدیت و تلاش برای انجام مسوولیت ها و وظایف شخصی و اجتماعی مانند : تحصیل ، مطالعه ،خودسازی و انجام واجبات ، دوری از محرمات ، حساسیت نسبت به مسایل عمومی و سیاسی و حضور فعال و در جایی که لازم به مشارکت می باشد و...۳– پرهیز از تفرقه و مبارزه با تفرقه افکنی میان طلبه و دانشجو و خنثی نمودن توطیه های دشمن در دستیابی به این مهم ، زیرا دشمن از طریق تهاجم فرهنگی ، این دو قشر را نشانه گرفته تا بتواند این دو را که برای جامعه به منزله روح و جسم هستند از یکدیگر جدا کند .۴– آگاهی بخشیدن به مردم درمورد اهداف و آرمان های انقلاب ، مشکلات راه و گوشزد نمودن توطیه های دشمنان و ...۵– حرکت در خط امام و رهبری که یگانه راه سعادت جامعه واستحکام آرمان های انقلاب می باشد .برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱– رسالت حوزه و دانشگاه سید عباس صالحی ۲– مجله حوزه شماره ۱۸ و ۳۵؛

بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟

پرسش

بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی ، مانند دانشگاه چیست ؟

پاسخ

برای حفظ و استحکام وحدت باید از طرح مسایل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسایل مشترک به تحقیق و مطالعه و مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه ها را متوجه دشمنان مشترک نمود; .

چگونه میشود بین روایات وارده راجع به مودت اهل بیت و دوستی با دوستانشان و دشمنی بادشمنانشان ، وسیله وحدت و برابری بین شیعه و سنی جمع کرد؟

پرسش

چگونه میشود بین روایات وارده راجع به مودت اهل بیت و دوستی با دوستانشان و دشمنی بادشمنانشان ، وسیله وحدت و برابری بین شیعه و سنی جمع کرد؟

پاسخ

مساله دوستی با دوستان اهل بیت (ع) و دشمنی با دشمنان آنان منافاتی با وحدت اسلامی بین شیعه و سنی ندارد؛ زیرا چنان نیست که اهل تسنن از دشمنان اهل بیت (ع) باشند× بلکه بسیاری از آنان به حکم آیه شریفه ((قل لااسیلکم علیه اجرا الاالموده فی القربی - شوری ۲۳)) دوستی و مودت اهل بیت (ع) را واجب می شمارند .بنابراین دستور فوق تنها شامل کسانی می شودکه با اهل بیت (ع) از سرناسازگاری در آمده و با آنان به مقابله برخاستند؛ مانند حاکمان ستمگر و یاوران آنها .افزون بر آن سر منع دوستی با دشمنان اهل بیت قرارگرفتن در خط و جریان انحرافی آنهاست . از این رو پیوندهایی که در این راستا قرار نگیرد چندان اشکالی ندارد .البته این نکته نیز لازم به تذکر است که دوستی با خاندان عصمت و طهارت مراتبی دارد ولیکن از امتیازات شیعه آن است که با تمام ابعاد به این دستور الهی جامه عمل پوشانده است . بنابراین اگر دوست شما از کسانی نباشد که نسبت به ایمه اطهار (ع) اظهار عداوت کند دوستی با او اشکالی ندارد; .

آیا مسلمانان با مذاهب مختلف می توانند با هم متحد باشند؟

پرسش

آیا مسلمانان با مذاهب مختلف می توانند با هم متحد باشند؟

پاسخ

مسلمانان با اینکه مذاهب مختلفی دارند امّا با وجود اختلاف در مذاهب چون در اصل اسلام با هم متفقند، باید در راه مبارزه علیه

کفر و استکبار جهان، با هم متّحد شوند و اختلافات مذهبی آنان، مانع پیکار آنان، علیه کفر جهانی نمی شود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۰۴ـ

وحدت شیعه و اهل سنت به چه معنی است؟

پرسش

وحدت شیعه و اهل سنت به چه معنی است؟

پاسخ

بی تردید در حال حاضر، ملت مسلمان ما بیش از هر چیز دیگر نیاز به وحدت داد، ولی توجّه به یک نکته لازم است که معنای وحدت این نیست که شیعه مسائل اعتقادی اساسی خویش را نادیده بگیرد، یا اهل سنت از مسائل اساسی اعتقادی خود دست بردارد، بلکه معنای وحدت آن است که مسلمانان با حفظ آنچه بدان عقیده دارند، به این نکته توجّه داشته باشند که دشمن مشترکی دارند که برای مقابله با آن، باید هر چه بیشتر با یکدیگر همکاری و وحدت داشته و درگیری و نزاع نداشته باشند، بنابراین وحدت با بحث و گتگو درباره مسائل مذهبی با تفاهم و صمیمیت منافات ندارد ;آری، طرح این مسائل نباید به گونه ای اختلاف برانگیز باشد، تا باعث برخورد و خصومت شود ;بلکه بیان مطالب تنها باید به انگیزه روشن شدن حقیقت باشد، همچنین باید سعی کرد که توطئه گران و دشمنان اسلام، از این امر سوءاستفاده نکنند و چنانچه زمینه برای چنین سوءاستفاده هایی باشد، مسائل مذکور را نیز نباید طرح کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۶۸ـ

چرا با وجود اینکه در این زمان نیاز به اتحاد وجود دارد، از مطالبی که درباره اختلاف مذاهب است سخن گفته می شود؟

پرسش

چرا با وجود اینکه در این زمان نیاز به اتحاد وجود دارد، از مطالبی که درباره اختلاف مذاهب است سخن گفته می شود؟

پاسخ

اتحاد بین مسلمانان به این معنی است که مسلمانان در برابر دشمنان خویش، به طور مشترک مبارزه کرده و با یکدیگر اختلاف و تفرقه نداشته باشند. در برابر دشمنانشان ست نگشته، ناتوان گردند ;ولی این بدان معنی نیست که بحث های علمی و منطقی را کنار بگذارند، یا یکی از دو طرف تسلیم معتقدات دیگری شود و درصدد تحقیق و بررسی درباره اعتقادات خویش نباشد. بدیهی است، مسائلی که به اتحاد اسلامی ضربه وارد می سازد، مسائلی است که اختلاف و نزاع و کینه توزی را به دنبال دارد، ولی بحث علمی و استدلالی برای روشن شدن حق است و برای شخص بی طرف و منصف، منشاء هیچ گونه اختلاف و کینه توزی و دشمنی نخواهد بود. ـ۱۲۸۰ـ امروز، دستهای مرموزی در گوشه و کنار، برای دورساختن مردم، بویژه جوانان، از حریم دین و رهبران راستین شیعه، به فعالیت هایی دست زده اند وشبهات و اشکالاتی در این زمینه در میان آنان منتشر می سازند که اگر جوانان ما در معتقدات مذهبی خویش، با دلیل و برهان آشنائی نداشته باشند، تحت تاثیر واقع شده، بتدریج، اعتقادات خویش را از دست می دهند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۸۱ـ

چه کسانی از تفرقه میان شیعیان و اهل سنت سود می برند؟

پرسش

چه کسانی از تفرقه میان شیعیان و اهل سنت سود می برند؟

پاسخ

تفرقه افکنی میان شیعه و سنی یکی از نقشه ها و توطئه های شوم استعمار است ;زیرا استعمار برای غارت منابع مادی و معنوی ملتها، از هر راه ممکن وارد می شود. یکی از نقشه های کارساز و ابزارهایی که استعمار، در سایه آن می تواند بخوبی به اهداف پلید خود شود، ایجاد تفرقه میان مسلمانان است ;وقتی نیروها در اثرتفرقه به ضعف گرایید، استعمار به مقصد خویش می رسد. البته باید توجّه داشت که اگر شیعه و سنی به این معنی نیست که شیعه از اعتقادات مذهبی خویش دست بردارد ;بلکه منظور این است که از موضع گیری خصمانه نسبت به یکدیگر احترام کرد، علیه دشمن مشترک متّحد شوند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۹۶ـ

با اینکه شیعه باید اهل سنت را امر به معروف و نهی از منکر کند، وحدت با آنان چگونه میسّر است؟

پرسش

با اینکه شیعه باید اهل سنت را امر به معروف و نهی از منکر کند، وحدت با آنان چگونه میسّر است؟

پاسخ

معنای وحدت این نیست که شیعه از اعتقاد خویش دست بردارد و به مذهب آنان گرایش پیدا کند ;بلکه به این معناست که مشترکاتی در بین مسلمانان وجود دارد، مانند این که همه مسلمانان به خدا و قرآن و پیامبران الهی و معاد معتقدند. ضمن اینکه دشمنان مشترکی نیز دارند و برای ما وجود دارند، برای مقابله و رویارویی با دشمنان باید متحد شوند و با دشمنان مقابله کنند. در نتیجه اتحاد، منافاتی با بحث در باره مسائل مذهبی ، براساس ادله و براهین ندارد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۹۷ـ

ایجاد وحدت حقیقی بین مسلمانان امکان پذیر است؟

پرسش

ایجاد وحدت حقیقی بین مسلمانان امکان پذیر است؟

پاسخ

لازم است مسلمانان وحدت خویش را در مقابل دشمنانشان حفظ کنند و نباید اختلافات مذهبی آنان، مانع از مقابله و در صورت لزوم نبود با دشمن به طور دسته جمعی نگردد ;اما این بدان معنی نیست که هر یک ، دست از اعتقادات مذهبی خویش بردارد. اساساً، باید توجّه داشت که در این باره مطلب وجود دارد که نباید با یکدیگر خلط شوند ;یکی بحث درباره این که پس از

درگـذشت پیامبر، جانشـین وی که بوده است، که این بحثی اعتقادی و علمی است و بحث و اسـتدلال در باره آن نباید به اختلافات ظاهری کشـیده شود. دیگر این که هر دو گروه، دشـمنان مشترکی، مانند صهیونیسم و الحاد غرب دارند و بر هر دو گروه لازم است مبارزه مشترک، این نیست که هر دو، ویژگی ها و اعتقادات مـذهبی خویش را رها کننـد و تنها به جنبه های اشتراکی توجّه نماینـد; بلکه بایـد به آنچه اسـتدلالی و منطقی است تن بدهنـد، تـا اختلاف اعتقادی و عملی باعث کینه توزی و دشـمنی نگردد و آنان را از مبارزه علیه دشمن مشترک باز ندارد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۳۰۱ـ

راه اساسی از میان برداشتن تفرقه و نفاق در اجتماعی چیست؟

پرسش

راه اساسی از میان برداشتن تفرقه و نفاق در اجتماعی چیست؟

پاسخ

بهترین راه برای از بین بردن دشـمنی هـا و اختلافهـا، تقویت روح ایمان در افراد است. در این صورت روح گـذشت و فـداکاری در میـان افراد جـامعه زنـده می شـودو اختلافـات جزئی بـاعث تفرقه و دشـمنی و کینه توزی نمی گردد. قرآن مجیـد مسـلمانان را مورد خطاب قرارداده، می فرماید.«واعتصـمو بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا وادکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالّف بین قلوبکم فاصـبحتم بنعمته اخوانا ;همگی به ریسـمان خـدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا برخودتان را یاد بیاورید، آن هنگام که با یکدیگر دشـمن بودیـد، خـدا بین دلهـای شـما الفت داد در نتیجه در اثر نعمت خـدا]نعمت ایمان[با یکـدیگر برادر شدیـد.» (بخش پاسـخ به سؤالات) ـــــــــــــــ (۱)۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳. ـ۱۲۱۸ـ

وحدت مسلمین حول چه محوری باید صورت گیرد؟

پرسش

وحدت مسلمین حول چه محوری باید صورت گیرد؟

پاسخ

آنچه افراد باید در آن وحدت داشته باشند خط اسلام راستین است که در خط امام متبلور است و اگر افراد اسلام را معیار قرار دهند به هیـچ وجه درگیری بوجود نمی آید و اختلاف باقی نمی ماند و اختلاف سـلیقه ای بزودی حل می شود و ضـرری ایجاد نمی کند بر این اساس بایـد توجه داشت که افراد تا چه مقـدار معیارهای اسـلامی را در نظر بگیرند و تاچه اندازه به اهداف گروهی توجه می کنند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۳۶ـ

آیا وجود اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان با حقانیت اسلام منافات ندارد؟

پرسش

آیا وجود اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان با حقانیت اسلام منافات ندارد؟

پاسخ

این استدلال که اگر دین یا نظریه ای درست بود مردم درباره آن اختلاف پیدا نمی کردند صحیح نیست چه بسیار حقایق و واقعیتهایی که هر انسان با انصاف و حقیقت جویی می تواند درستی آنها را به خوبی درک کند و به صحت آن اذعان نماید ;ولی عوامل گوناگون عده ی زیادی را از درک حقیقت باز می دارد و آنها را در مورد آن دچار شک و تردید می سازد. وجود اختلاف در حقایق دینی و نیز حقایق علمی موجب آن نشده است که انسانهای آزاده و حق جو لحظه ای از تلاش و کوشش برای درک حقیقت و واقعیت باز ایستند، بلکه درباره هر دین و نظریه ای به تحقیق و کاوش خود ادامه می دهند تا با دلیلهای روشن حقایق را درک کنند اسلام نیز یکی از همان حقایق است که اختلافهایی که در باره آن پیدا شده است. هیچ انسان منطقی را از تحقیق و کاوش درباره ی آن باز نمی دارد ;زیرا که با وجود اختلافهای مذهبی و فرقه ای اصولی ثابت و مورد اتفاق وجود دارد که از راه آنها می توان حقیقت را درک کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۳۹ـ

آیا عاشورا می تواند به عنوان یک محور اتحاد ملی مطرح شود؟

پرسش

آیا عاشورا می تواند به عنوان یک محور اتحاد ملی مطرح شود؟

پاسخ

قیام سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدا...الحسین(منبع الهام بخشی است برای به ثمر رساندن حق و عدالت در هر عصر و زمانی. حسین (دارای چنان ایمان و بصیرت و همت و استقامتی است که برای اقامه و اعتلای حق و عدل از همه چیز خود می گذرد. سخنان و رجزهای مردانه و سرشار از روح ایمان او در روز عاشورا، سراسر درس زندگی است. آنجا که در سخنانش خطاب به لشکر دشمن می فرماید" : ای مردم، رسول خدا(فرمود : هر کس درجامعه ببیند حاکمی بر سر کار است که ظلم می کند، حرام خدا را حلال می شمارد، حکم خدا را کنار می گذارد و عمل نمی کند، و با سنّت رسول خدا(مخالت می کند، در میان مردم با ظلم و ستم و دشمنی عمل می کند، و سپس (این فرد) با زبان و عمل علیه او اقدام نکند، خداوند در قیامت این ساکتِ بی تفاوتِ بی عمل را به همان سرنوشتی دچار می کند که آن ظالم را دچار کرده است("۱.) این سخن بیانگر ایجاد یک حرکت است در انسانهای خمود و افسرده و بی تحرک و زبون و راضی به هر ظلم و ستمی، به سوی یک وحدت و همدلی برای نابودی ستم. و آن زمان که در صحنهٔ جنگ و درگیری امام فریاد بر می آورد که" : هل من ناصر ینصرنی. آیا کسی هست که مرا یاری کند "یعنی آیا هیچ انسان شرافتمندی پیدا می شود که از حریم مقدس رسول خدا(پاسداری کند، در واقع دعوت به اتحاد و همبستگی برای حفاظت و صیانت از مقدسات الهی است. امام با قیام خود به بشریت آموخت، ملتی که اسیر و در بند است، ملتی که دچار فساد سران است، ملتی که دشمنان دین بر او حکومت می کنند و زندگی و سرنوشت او را بدست گرفته اند، باید بداند که تکلیفش چیست، و نهضت حسینی تکلیف تک تک افراد را از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد را مشخص کرده و آن تکلیف این است که اگر موطن اصلی ما لقاء پروردگار است، باید چون حسین(و یارانش آهنگ سفر کرد. در طول تاریخ، درهر زمانی، یک

جبهه و خصم جهانی اسلام و مسلمین را تهدید کرده و می کند، لذا باید این جبهه را شناخت و زمان را از دست نداد، و برای مقابله با آن متحد شد و تا پای جان و قربانی کردن همه چیز، دست از مبارزه برنداشت، این پیامی است که عاشورا به ما می دهد، شناخت باطل، دانستن تکلیف در برابر او، آنگاه وحدت و اتحاد در براندازی باطل. امروز با موج تبلیغاتی گسترده ای که دشمن استکباری از هر سو و به هر طریقی علیه اسلام و مسلمین به راه انداخته، بر آحاد مسلمانان واجب است که با درس گرفتن از نهضت حسین(و یارانش، برای مقابله با این دشمنیهای آشکار، وحدت نظر و وحدت عمل را بدست آورند، تا پرده های ظلمات را که سالیان سال است آنان را فرا گرفته و تفرقه و جدایی را میان آنان دامن زده، شکافته و علیه دشمن مشترک به مبارزه پردازند. البته این امر مقدس سختیها و مرارتهای فراوانی دارد؛ و نیاز به همتی والا و استقامتی مثال زدنی، آنگونه که در امام حسین(و اصحاب بزرگوارش بود، دارد. امری است مشکل، ولی شدنی. نمونه عینی این اتحاد و ایمان واستقامت در انقلاب اسلامی سال ۵۷ به وضوح لمس است. آنچه در بهمن ۵۷ اتفاق افتاد، نتیجه درسی است که مردم متدین و شجاع ایران از قیام حسین(گرفتند. با یک وحدت نظری و عملی، باطل را شناختند و تکلیف خود را در برابر او دانستند، آنگاه در یک جبهه واحد و با یک اتحاد ملی، تیشه بر ریشهٔ حکومت ۲۵۰۰ ساله ظلم و بیداد زدند و آن را از بیخ و بن درآورده و این نتیجه همان عشق به حسین (و آرمانهای والای او بود، الهام از همان درس ایمان و استقامت و شهادتی بود که او به پیروانش داد. چیزی که تمام ملل مسلمان شدیداً به آن نیازمند و در عین حال غافل از آن هستند. ـــــــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : ۱. بحارالانوار، ج۴۴،ص۳۸۲ * حماسه خمینی، شهید مطهری امانتداران عاشورا، بیانات مقام معظم رهبری

اگر هدف ما این هست که مسلمانان به وحدت برسند و باید سعی کنیم که فاصله میان شیعه وسنی از بین برود پس چرا اشتباه گذشته ها را ما تکرار می کنیم این سؤال اهل سنت هست فرضاً گذشتگان ما (خلفاء سه گانه) دچار اشتباه شده اند چرا شیعیان هر روز و شب آن را به رخ اهل سن

پرسش

اگر هدف ما این هست که مسلمانان به وحدت برسند و باید سعی کنیم که فاصله میان شیعه وسنی از بین برود پس چرا اشتباه گذشته ها را ما تکرار می کنیم این سؤال اهل سنت هست فرضاً گذشتگان ما (خلفاء سه گانه) دچار اشتباه شده اند چرا شیعیان هر روز و شب آن را به رخ اهل سنت می کشند و این باعث فاصله و کینه بیشتر مسلمین می شود و چطور انتظار دارند که اهل سنت گفته شیعیان را قبول می کنند در صورتیکه پدران ما را فحش می‌دهند. اگر کسی پدر و اجداد شما را فحش بدهد آیا شما حاضر هستید که حتی گفته های او را اگر به نفع شما باشد گوش دهید؟

پاسخ

در خصوص سؤال شما باید عرض کرد که هیچ یک از اهل تشیع خصوصاً علمای شیعه، نه با اهل تسنن و علمای آنها، دعوا دارند و نه به آنها فحش می دهند مگر اینکه فردی یا افرادی ساده لوح و جاهل و فریب خورده باشند که دست به چنین کاری بزنند و گرنه هیچ یک از عقلا و علمای شیعه دست به چنین اعمالی نزده و نمی زنند. ولی از آن طرف بارها این مسأله رعایت نشده است و در کتابهای شیعه و سنی مدارک زیادی را می توان از بی انصافی بعضی از علمای سنی نسبت به شیعه بدست آورد. به علاوه اینکه وحدت میان شیعه و سنی هیچ منافاتی با اختلاف نظر و عقیده ندارد بلکه آن چیزی که وحدت را از بین می برد دعوا کردن و فحش دادن و توهین کردن است که از هر دو طرف قبیح و حرام است و این یکی از همان حربه های مهمی است که استعمار گران،

بارها توانسته اند به توسط آن، منابع آنها را غارت و ممالک آنها را استعمار و مردم مسلمان را ذلیل کنند. اصل (فَرِّقْ تَسُدْ) [تفرقه بینداز، آقایی کن]، از اصول مهم استعمارگری و چپاول است که هنوز هم به وضوح شواهد آن را می توان در عراق و شهرهای سنی نشین ایران و مناطق دیگر مشاهده کرد. برای مطالعه بیشتر می توانید به اوائل کتاب شبهای پیشاور مراجعه بفرمایید که برای شما بسیار مفید و آموزنده خواهد بود و همچنین کتاب دستهای ناپیدا (خاطرات مستر همفر) را اگر مطالعه ننموده اید حتماً رجوع نموده و استفاده کنید. قسمتی از کتاب شبهای پیشاور آمده (... آقایان محترمی که می گویند تحریک احساسات نباید نمود آیا نظری به کتابها و مقالات و حملات بعضی نویسندگان سنی نما نمی نمایند تا ببینند آن قلمها احساسات می نماید نه دفاعهایی که علماء و دانشمندان شیعه می نمایند)(۱) در پایان این نکته نیز قابل توجه است که اگر اهل تسنن واقعاً به اشتباه خلفاء سه گانه پی برده اند و فهمیده اند که تمام مصائب امت اسلام به خاطر اشتباهات آنها در غصب خلافت و خانه نشین کردن امیرالمؤمنین علی (ع) است، پس نباید همچنان از آنان دفاع کنند. پس اصل این شبهه ای که بیان فرموده اید (و این شبهه از مکاید استعماری است) فقط برای خلع سلاح کردن تشیع است نه برای حفظ وحدت مسلمین. منابع و مآخذ : ۱. شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی(رحمه ا...)، ص۱۳

مصلحت جهان اسلام ــ و از طرفی حق‌گرایی شیعه و تعصب برادران اهل سنت با توجه به همهٔ این‌ها ;چرا نباید به تفکر و منطق شیعه گردش نکنند؟ چرا ما با آن‌ها سازش نکنیم مگر نه این که برادران اهل سنت مأمور به خطاب" لا تفرقوا "و... می‌باشند؟

پرسش

مصلحت جهان اسلام ـ و از طرفی حق‌گرایی شیعه و تعصب برادران اهل سنت با توجه به همهٔ این‌ها ;چرا نباید به تفکر و منطق شیعه گردش نکنند؟ چرا ما با آن‌ها سازش نکنیم مگر نه این که برادران اهل سنت مأمور به خطاب" لا تفرقوا "و... می‌باشند؟

پاسخ

آری قرآن همهٔ مسلمانان را به وحدت وعدم تفرقه فراخوانده می‌فرماید": همگی به ریسمان خدا]قرآن اسلام و هر گونه وسیلهٔ وحدت ، چنگ زنید، و پراکنده نشوید("آل‌عمران ۱۰۳) امّا وحدت شیعه و سنی به معنای سازش با اهل سنت و دست کشیدن از مذهب حق اهل‌بیت نیست چنان که وحدت به معنای شیعه شدن اهل سنت نیست معنای صحیح وحدت این است که ۱. همدیگر را مسلمان بدانیم به یکدیگر نسبت کفر ندهیم چرا که همهٔ ما معتقد به خدای یگانه نبوت پیامبر اکرم۶ بوده قبله و کتاب آسمانیمان یکی است ۲. از نزاع ودرگیری با یکدیگر پرهیز کنیم و به حکم مسلمان بودن مدافع یکدیگر باشیم چرا که نزاع و درگیری باعث ضعف مسلمانان و ضربه وارد شدن به اصل اسلام و قرآن‌خواهد شد": وَلاَ تَنَزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُم (انفال ۴۶) نزاع و کشمکش نکنید، که سست شوید، و قدرت وشوکت شما از بین برود ".۳. با تأکید بر مشترکات دست به دست هم دهیم و در مقابل دشمنان مشترک که کمر به نابودی اسلام و قرآن بسته‌اند ایستادگی نماییم ۴. یکدیگر را تحمل کنیم و در موارد اختلافی با یکدیگر برخورد منطقی داشته باشیم به این معنا که افراد غیرمتخصص از وارد شدن در بحث‌ها و گفتگوهای بی ثمر پرهیز نموده و افرادی که شایستگی بیان مسائل دینی را دارند، در جای مناسب و با شیوهٔ مناسب مسائل اسلامی را بیان نمایند تا حقیقت برای حقیقت جویان روشن شود. چنان که در این زمینه قدم‌های مثبتی برداشته شده است به عنوان نمونه الان هر ساله درمناطق اهل سنت ایران (بیشتر در سیستان و بلوچستان ، همایش‌های علمی ـ تحقیقی برگزار می‌شود و علما و دانشمندان شیعه و سنی دربارهٔ موضوعات مطرح شده مقاله می‌نویسند و به بحث و گفتگو می‌پردازند، در پایان نتیجهٔ آن هم اعلام و به صورت کتاب چاپ و

منتشر می‌شود.(ر.ک به سوی تفاهم مجموعه مقالات همایش‌های علمی ـ تحقیقی دیدگاه‌های مذاهب اسلامی / ره‌آورد گفتمان دستاورد ۲۹ کمیسیون علمی ـ تحقیقی علمای تشیع و تسنن / هم اندیشی مذاهب اسلامی مجموعه مقالات همایش علمی تحقیقی مذاهب اسلامی این کتاب توسط مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی مذاهب اسلامی قم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان گردآوری و منتشر شده است) بنابراین آن چه وظیفهٔ ماست این است که با حفظ مذهب و پرهیز از نزاع و درگیری حق و حقیقت را در جای خود و با شیوهٔ مناسب بیان کنیم" وَ مَا عَلَيْنَآ إِلاَ الْبَلَـغُ الْمُبِينُ(; یس ۱۷) و بر عهدهٔ ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست . و" إِنَّكَ لاَ تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَـكِنَّ اللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ(; قصص ۵۶) تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند ;و او به هدایت یافتگان آگاه‌تر است در پایان لازم به یادآوری است که برادران اهل سنت همه متعصّب نیستند، بلکه در بین آنان افراد حقیقت جو و طالب حق نیز وجود دارد.

چرا با تاکیدی که مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وحدت حوزه و دانشگاه دارند به حوزه ها کمتر رسیدگی می شود؟

پرسش

چرا با تاکیدی که مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وحدت حوزه و دانشگاه دارند به حوزه ها کمتر رسیدگی می شود؟

پاسخ

حوزه‌های علمیه شیعه پیوسته درطول تاریخ برآن بوده‌اند که با وجود مشکلات فراوان دست نیاز به سوی دولت هادراز نکنند و همین امر موجب وجود روح آزادی و حریت و ضامن استقلال حوزه‌ها از دخالت حکام بوده است. درزمان کنونی نیز هرچند نظام حاکم اسلامی و برخاسته از حوزه است ولی همچنان این اصل باقی است و ضامنسلامت حوزه‌ها از وابستگی می‌باشد. لذا هر چند ممکن است بی‌مهری‌هایی توسط برخی نسبت به حوزه انجام گیردو در اصل این انتخابی است از سوی حوزویان که حتی الامکان مشکلات را با امکانات محدود داخلی برطرف سازندو از سرازیر شدن سیل امکانات دولتی که سرانجامی نه چندان شایسته دارد خودداری کنند.{J

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

پرسش

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

پاسخ

مسأله وحدت حوزه و دانشگاه نه تنها ممکن بلکه یک ضرورت حیاتی برای جامعه ماست. جدایی این دو گروهعلمی-فکری در جامعه ما نقش تخریبی بسیار زیانباری دارد و مملکت را به بدنی شبیه می‌سازد که دارای دو مغزاست. این دو مغز اگر به همفکری بشتابند فعالیت‌ها و کنش‌های بدن رابهتر و حساب شده‌تر می‌سازند ولی اگر بیگانهاز یکدیگر باشند هرج و مرجی وصف ناپذیر پدید می‌آورند. البته در رابطه با این که «تعریف این وحدت چیست وچگونه وحدتی بین این دو نهاد مقدس مطلوب و شدنی است»

بررسی‌های انجام شده کافی نیست و از سوی هر دوگروه باید بررسی‌ها و کاوش‌های عمیق‌تری به عمل آید. تاکنون از دو سو شیوه‌های متعددی پیشنهاد گردیده؛ از جمله:الف) وحدت اخلاقی، ب) وحدت معرفتی، ج) وحدت ایدئولوژیک در معرفت بشری، د) وحدتسازمانی(ارگانیک)، ه) وحدت عملی (پراگماتیک)، و) وحدت سیاسی، ز) وحدت استراتژیک. مهمترین شیوه از موارد بالا وحدت استراتژیک است.{J

بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی , مانند دانشگاه چیست ؟

پرسش

بهترین راه ایجاد وحدت ویکپارچگی بیشتر بین تشیع وتسنن در محیط علمی , مانند دانشگاه چیست ؟

پاسخ

برای حفظ و استحکام وحدت باید از طرح مسائل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسائل مشترک بهتحقیق و مطالعه و مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه‌ها را متوجه دشمنانمشترک نمود.{J

برای ازبین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی درپی دارد چه راههائی را پیشنهاد می نمائید ؟

پرسش

برای ازبین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی درپی دارد چه راههائی را پیشنهاد می نمائید ؟

پاسخ

وجود تعصبات واختلافات ذکر شده در نامه جنابعالی علل و زمینه‌های متعدد فرهنگی تاریخی و ... داشته و درجامعه مورد نظر نهادینه شده و به صورت فرهنگ عام درآمده است طبیعی است مبارزه با چنین پدیده شومی تاحدودی دشوار و نیازمند زمانی طولانی و در عین حال بسیار ضروری و حیاتی است بهترین شیوه تغییر این کیفیتخط دهی از مجاری فرهنگی و نفوذ در عناصر فرهنگ‌پذیر است به نظر می‌رسد با توجه به اینکه جنابعالی در آینده بهوظیفه مقدس دبیری اشتغال خواهید یافت موقعیت بسیار ارزنده‌ای در جهت تصحیح و تنویر افکار نوجوانان آن خطهخواهید یافت و می‌توانید نقش موثری در دگرگون‌سازی تدریجی وضعیت فوق در نسل جوان داشته باشید همچنینمشارکت و همکاری در دیگر کانونهای فعالیت فرهنگی و دینی مانند مساجد و ... زمینه خوبی برای افکار صحیحاسلامی در این زمینه است.{J

مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست و در زمینه اصلاح حوزه ها چه اقداماتی انجام گرفته است ؟

پرسش

مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه چیست و در زمینه اصلاح حوزه ها چه اقداماتی انجام گرفته است ؟

پاسخ

وحدت حوزه و دانشگاه، یکی از ره‌آوردهای عظیم و پربرکت انقلاب اسلامی است. بدون شک تداوم انقلاب وبنیان‌گذاری تمدن نوین اسلامی و رشد و توسعه فراگیر آن، جز در پرتو وحدت و پیوند گسست ناپذیر این دو نهادمقدس امکان‌پذیر نیست. آنچه در این روند، بایسته و اجتناب ناپذیر است، در درجه اول شناخت ماهیت این دوپایگاه عظیم، توانمندی‌ها و کاستی‌های هر یک و سپس داشتن الگویی مناسب جهت پیوند و وحدت آن دواست. در رابطه با ماهیت حوزه و دانشگاه، تردیدی نیست که وجه مشترکشان این است که هر دو نهادهایی علمی وپرورش دهنده شخصیت‌های علمی و فکری هستند. در عین حال هر یک خاستگاهی ویژه و ساختار و روش خاصخود و تاریخچه و کارنامه‌ای جداگانه دارند. - خاستگاه اساسی حوزه‌های علمیه، شور و اشتیاق زاید الوصف دینی و علاقه به ژرفکاوی در معارف سعادتبخش وهدایت آفرین الهی و کنجکاوی در دستورات جامع و زندگی ساز اسلام و شناخت جهان بر اساس رهنمودهای وحیانیو آموختن هنجارهای دینی در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان است. این انگیزه باعث پیدایش حوزه‌هایبزرگ علمیه در طول تاریخ و پرورش چهره‌های علمی درخشانی شده است که علاوه بر علوم خاص دینی در دیگررشته‌ها مانند: فلسفه، ریاضیات، هیئت، طب و ... نیز سرآمد روزگار خویش بوده و افزون بر خدمات علمی، دارایفعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بسیار ارزنده‌ای نیز بوده‌اند. در این حیات می‌توان از چهره‌هایی چون: بوعلی سینا،شیخ طوسی، شیخ بهایی، ملا صدرا، علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیت اللّه حسن زاده، حضرت امام خمینی و ...نام برد. بر اساس آنچه در دستور رضا خان جهت تأسیس دانشگاه تهران - که اولین دانشگاه ایرانی به سبک جدید درایران است - بیان شده در رابطه با خاستگاه دانشگاه‌های جدید در ایران دو نکته بیان شده است: ۱- آشنایی با علم وتکنولوژی غرب، ۲- تربیت کادر نظام. این دو نکته در دستور رضا شاه برای تأسیس دانشگاه تهران به چشم می‌خورد. در این رابطه اولاً توجه به غنایداخلی و رشد و توسعه علمی با تکیه بر امکانات بالقوه و فرهنگ داخلی، فراموش گردیده و این تلقی را در ضمن خوددارد که در راستای رشد علمی همواره باید مصرف کننده تولیدات غرب باشد. ثانیا در تربیت کادر نظام با توجه بهوابستگی کل نظام به سلطه‌های غربی، شیوه‌ای را می‌طلبید که در آن افرادی وابسته و مقلد غرب پرورش یابند. ثمراتاین حرکت به گونه‌ای شد که ناگهان فریاد شریعتی‌ها بلند شد و پرده از خیانت‌های پرورش یافتگان نظام تربیتی غربیبرداشته شد و کسانی چون شریعتی‌ها بانگ بر آوردند که پای هر قرارداد استعماری، امضای یکی از تربیت یافتگاندانشگاه‌ها دیده می‌شود، در حالی که هیچ روحانی حوزه رفته‌ای در این امور مشارکت ندارد. البته این به معنای آننیست که همه دانشگاهیان این گونه تربیت می‌شدند، بلکه مقصود آن است که یکی از اهداف بنیان گذاران دانشگاهجدید این بوده است، لیکن دانشگاهیان به دو دسته انسانهای شریف و مستقل و انسان‌های با گرایش‌های غربی بدونشک نقش فعال و گسترده گروه اول - بویژه پس از انقلاب اسلامی - بسیار حایز اهمیت و چشمگیر است. البته در این بین یک واقعیت نیز قابل انکار نیست و آن این است که حوزه‌های علمیه در عین آن که در طول تاریخفعالیت خود، علاوه بر آثار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و شخصیت‌های بزرگی که در خود پرورش داده‌اند، به دلیلفشارهای سیاسی و اجتماعی و نیز برخی نگرش‌ها و بینش‌های درونی خود، در یکی دو قرن اخیر دچار تضیقاتشدیدی شده و از همین‌رو دچار ضعف‌هایی نیز گشته است. از جمله آن که به دلیل فشارهای مختلف به خصوص درعهد رضا خان، بسیاری از رشته‌های علمی کنار گذاشته شد و به حداقل اکتفا گردید؛ مثل رشته‌های پزشکی، نجوم،هندسه، علوم طبیعی و ... . علاوه بر این شرایط موج غربگرایی و خود باختگی در برابر آن و نیز شعار غربی جدایی دین از سیاست نیز، بیش ازپیش حوزه‌ها را دچار اختلاف و محدودیت نمود. اکنون نیز این باور در بسیاری از اذهان وجود دارد که بایستی دین و رجال دین از سیاست جدا باشند که این نیز ازارمغان‌های تفکر غربی است. پیشنهاد نویسنده عزیز نامه در مورد مرتبط شدن حوزه‌ها با علوم دانشگاهی در همین راستا نکته‌ای قابل توجهاست؛ ولی نبایستی از وحدت

برداشتی فیزیکی داشت. اگر امام راحل «ره» و نیز شخصیت‌های بارز فرهنگی دیگربرای دفاع از کیان فرهنگ، اسلام و استقلال فکری شعار وحدت حوزه و دانشگاه را سر داده‌اند بدان معنا نیست کهباید از نظر فیزیکی و اداری در یک چارچوب قرار بگیرند – که چنین وحدتی نه ممکن است و نه مفید – وحدت،وحدت در اهداف و اصول و راهبردها و راهکارهاست، نه وحدت صوری و فیزیکی. در نوشته دوست عزیز درباره تفکر آزاد نیز بحث شد و ادعا شده که در دانشگاه تفکر آزاد وجود دارد و نه در حوزهندارد. اگر مقصود آن است که در حوزه شبهات مورد بحث و نقد قرار نمی‌گیرد که سخنی برخلاف واقع است از گذشته‌هابسیار دور بزرگ‌ترین شبهات ملحدین و پیروان ادیان و مذاهب دیگر، در حوزه‌ها مطرح و بدان پاسخ داده می‌شده‌است. البته حوزه‌ها بنا بر رسالت خویش وظیفه تبلیغ و گسترش فرهنگ دینی و آنچه را که حق می‌دانند بر عهده دارند وکسانی نیز که در این سلک وارد می‌شوند به همین انگیزه در این راه گام می‌نهند. از این رو علی الاصول نمی‌توانند ونبایستی که در مسیری جز آن گام بردارند. ولی این بدان معنا نیست که فکر خود را نیز سانسور کنند و در مسائل اساسی نیندیشیده و به بررسی و نقدنپردازند. در مورد مشکل حاکمیت کشور به اقتضای قانون اساسی و نیز ضرورت‌های انقلاب در حال حاضر، چنین وضعیتیپیش آمده است ولی باید توجه داشت که امام راحل «ره» از آغاز نظرشان آن بود که کلیه مناصب اجرایی به غیرروحانی واگذار گردد؛ ولی شرایط ویژه و حساس پس از انقلاب و چند تجربه ناموفق از شخصیت‌های غیر روحانی آنزمان، این ضرورت را اقتضا کرد که برای مدتی تا پرورش نسل‌های نو و دارای ویژگی‌های لازم برای حفظ استقلالفکری و سیاسی مملکت، شخصیت‌های روحانی قدرت را در دست داشته باشند. امید است شرایط به گونه‌ای پیشبرود که نیازی به وجود و حضور روحانی در پست‌های اجرایی نباشد. مقتضای تفکر آزاد آن است که بیندیشیم در شرایط بحرانی پس از انقلاب و جنگ تحمیلی، کدام سیستم و روشمی‌توانست کارا باشد؟ به هر صورت تحلیل گذشته‌ها خود عرصه‌ای وسیع می‌طلبد. درباره پیشنهادهای دوست عزیزمان چند نکته را به اختصار یاد آور می‌شویم: ۱– چنان که گفته شد مقصود از وحدت، وحدت فیزیکی حوزه و دانشگاه نیست؛ بلکه وحدت مسیر و هدف است.علاوه بر آن که یکسان شدن محیط آموزشی حوزه و دانشگاه به دولتی شدن حوزه‌ها منجر می‌شود و دولتی شدنحوزه، خطر بزرگی است که همواره حوزه‌ها از آن پرهیز می‌کرده‌اند. اگر حوزه‌ها توانسته‌اند در شرایط مختلفی همانند انقلاب مشروطه انقلاب ضد انگلیسی در عراق و ... و بالاخرهانقلاب اسلامی نقشی ایفا نمایند به دلیل استقلال خود از حکومت بوده است؛ همان خبری که دوست عزیزمان برایآن نگران هستند ولی در پیشنهاد خود عملاً آنچه را از آن می‌گریخته‌اند به عنوان راه حل ارائه نموده‌اند. ۲– پیش از انقلاب بنا به دلایلی – که برخی از آنها اشاره شد – حوزه‌ها حداقل شرایط را در جذب و گزینش مدّ نظرقرار داده می‌شد؛ ولی پس از انقلاب گزینش و ورودی‌ها بر اساس صلاحیت‌ها انجام گرفت و در مواد درسی و سیستمآموزشی نیز تحولاتی به وجود آمد، گرچه هنوز جای اصلاح فراوان باقی مانده است. البته شاید با فرمول خاصی مشروط بر آن که منجر به دولتی شدن حوزه نشود از طریق کنکور نیز طلبه پذیرش نمود؛ولی بنا بر همین نکته (دولتی شدن) تاکنون حوزه رغبتی به این امر نشان نداده است. در عین حال پیشنهاد دوستعزیزمان مبنی ر این که از استعدادهای خوب و برتر برای حوزه استفاده شود پیشنهادی بسیار مغتنم و با ارزش است کهباید راهی برای انجام آن یافت (البته ما نیز متصدی حوزه هستیم). ۳– آزادی تفکر در حوزه وجود دارد و دلیل آن وجود صدها دانشمند، نویسنده و متفکر با سلایق و اندیشه‌هایگوناگون و هم چنین وجود هزاران کتاب، مقاله، تحقیق و ... که هر کس آزادانه نظر و بینش خود را ارائه می‌دهد و هیچمنعی تا بحال در این زمینه مشاهده نشده است و این خود بارزترین نشانه بر وجود آزادی تفکر است. البته معیار وچارچوبی در این زمینه وجود دارد و آن قرآن و روایات ائمه معصومین(ع) است که همه خود را موظف می‌دانند در اینچارچوب حرکت و فعالیت کنند. ۴– درباره شغل نبودن تبلیغ دین؛ این سخنی اساسی است و هرگز نیز مبلّغ دین نبایستی آن را شغلی همانند مشاغلدیگر بداند. ولی نکته‌ای در این جا قابل بحث است و آن این که با توجه به تخصصی شدن دانش‌ها و نیاز عظیم جامعهاسلامی و جهان، آیا این امکان وجود دارد که شخص در رشته‌ای که نیاز به بیست الی سی سال تحصیل

دارد متخصصشود در عین حال شغل دیگری هم داشته باشد؟ در شرایط فعلی حتی کسب اطلاعات و آموزش‌های عمومی و پایه‌ای با این فرض قابل تحقق نیست مگر بهصورت تیم بند و غیر اصولی. بنابراین همان گونه که دانش‌های دیگر منجر به شغل می‌شوند، این رشته نیز باید منجر به شغل شود.

راه وحدت بیشتر بین حوزه و دانشگاهها چیست

پرسش

راه وحدت بیشتر بین حوزه و دانشگاهها چیست

پاسخ

در این زمینه تلاش بسیاری صورت می گیرد، البته باید اذعان نمود که تلاش‌های موجود کافی نیست. از طرف دیگرعوامل خنثی کننده‌ای نیز هست که سعی در دور نگه‌داشتن این دو نهاد علمی از هم دارند؛ لیکن مهم این است که حوزویان و دانشگاهیان، هر دو در این زمینه مسؤولیت دارند و باید با تمام وجود و با به کارگیری بهترین طرح‌ها وامکانات در نزدیک شدن و روابط و تفاهم با هم ، تلاش کنند.

در برخورد با یک سنی چه رفتاری داشته باشیم و آیا لازم است در جهت شیعه شدن او تلاش کنیم ؟

پرسش

در برخورد با یک سنی چه رفتاری داشته باشیم و آیا لازم است در جهت شیعه شدن او تلاش کنیم ؟

پاسخ

چگونگی رابطه با اهل سنت در محیط ها و شرایط مختلف متفاوت است. در هر صورت اصل اخوت و برادری اسلامی راباید محفوظ داشت. اما دعوت شخص یا اشخاصی از آنان به تشیع بستگی به توانایی‌های فکری و استدلالی دعوت کننده و روحیات و قابلیت‌های دعوت شونده دارد و کار نسبتا دشواری است. و در صورتی که پیش‌بینی نتیجه سودمندی نسبت به مورد اشاره شده نمی‌کنید لازم نیست با ایشان وارد گفت‌وگو در این مقولاتشوید. جهت آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- امامت و رهبری شهید مطهری ۲- شیعه و تهمت‌های ناروا سید جواد شری ۳- رهبری امام علی(ع) در قرآن، ترجمه المراجعات، ترجمه سیاهپوش {J

چرا وحدت حوزه و دانشگاه هنوز تحقق پیدا نکرده است

پرسش

چرا وحدت حوزه و دانشگاه هنوز تحقق پیدا نکرده است

پاسخ

بحث وحدت حوزه و دانشگاه از اندیشه‌های بزرگ امام خمینی و بسیاری از مصلحان و متفکران جامعه ما بوده وهست ولی در آغاز باید تعریف صحیحی از آن نموده سپس به بررسی امکان یا عدم امکان آن پرداخت. وحدت حوزه و دانشگاه نه به معنای ادغام فیزیکی است و نه ادغام محتوایی. چه این که هم اکنون نیز حوزه و دانشگاه در بسیاری ازرشته‌ها با یکدیگر تشابه و هم گونی دارند مانند رشته‌های: الهیات، ادبیات، حقوق، فقه، تفسیر و... بلکه محور این وحدت اتحادی استراتژیکی برای نیل به آرمان‌های انقلاب و اعتلای کشور و فرهنگ جامعه است. جامعه ما و بلکه تمامی جوامع اسلامی بارها طعم تلخ جدایی این دو طیف از یکدیگر را چشیده‌اند. زمانی هجوم و سیطره غربزدگی جایی برای طرح اندیشه‌های حوزه و تقارب افکار باقی نگذاشته بود. در نقطه مقابل برخی حوزویان نیز دانشگاهیان رابه هیچ می‌انگاشتند و راه خویش را در تضاد با آن می‌دیدند. در حقیقت جدایی آرمانی این دو از یکدیگر بهترین راه نفوذ برای بیگانگان و ایادی آنه است. این وحدتی است که امام، حوزویان و دانشگاهیان را به آن فرا می‌خواندند. ولی اینکه آنان از نظر رشته‌ها متحد شوند و یا... نه امری عملی است و نه مفید. بنابراین آنان که می گویند این وحدت ممکن نیست اگر وحدت قسم اول را می گویند سخت در اشتباهند؛ ولی اگر مراد آنها قسم دوم است ما نیز برآن مهر تاییدمی‌زنیم. وحدت حوزه و دانشگاه در کلام امام؛ یعنی وحدت آرمانی و همنوایی برای ساختن کشور و اعتلای فرهنگ وتمدن و رشد آن از جنبه‌های گوناگون.

آیا برای وحدت بین مسلمانان بهتر نیست از شعارهایی که موجب اختلاف است دست برداریم

پرسش

آیا برای وحدت بین مسلمانان بهتر نیست از شعارهایی که موجب اختلاف است دست برداریم

پاسخ

لازم نیست از عقاید خود دست بکشیم. البته اگر بر بعضی از شعارها تأکید نشود مطلوب است. البته در صورتی که همه مذاهب چنین رویه‌ای را در پیش گیرند، نه این که یک مذهب از بعضی مشخصه‌ها و شعارهای خود دست بردارد و بقیه کما کان به آن ادامه دهند.

دوست دشمن علی؛ دشمن علی است، چرا اهل تسنن که دوست دشمن علی هستند را برادران اهل تسنن می خوانیم؟

پرسش

دوست دشمن علی؛ دشمن علی است، چرا اهل تسنن که دوست دشمن علی هستند را برادران اهل تسنن می خوانیم؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که فرمودید نکات زیر قابل توجه است : ۱.روایاتی موجود است که بیان کننده این مطلب می باشند. که دشمن علی، کافر، منافق و مبغوض خدا و رسول (است. ۲- منتها باید به این نکته مهم توجه داشت، که به چند دلیل ما آنها را برادر می خوانیم : الف : اکثر اهل تسنن، و خصوصاً عوام الناس آنها، به خاطر تبلیغات زیاد و مسمومی که وجود داشته، این اعتقاد را پیدا کرده‌اند. و خیلی از آنها واقعاً معذورند. و مسأله چند سنّی متعصّب و وهّابی مسلک، از این گروه جداست. ب : همانطور که تاریخ

گواه خوبی بر این مطلب است، بزرگترین حربه و نقشهٔ استعمارگران برای محو و نابودی اسلام، همین ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسلمین بوده است. به جرأت می توان گفت که استعمارگران منافعی را که به سبب تفرقه به دست آوردند، به هیچ سبب دیگر نمی توانستند به دست بیاورند. زیرا وقتی گروههای مسلمان اتحاد نداشته باشند، و از همدیگر بیزاری بجویند، و یکدیگر را فحش دهند و لعن کنند، دشمن می تواند به راحتی اهداف استعماری خود را پیاده کرده، بر ممالک اسلامی تسلط بیابد. قرآن کریم می فرماید : "ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم("۱) ، یعنی (نزاع و اختلاف نکنید، به سبب اختلاف آراء و عقیده ها؛ که اگر چنین کنید، بد دل می شوید و آبروی شما می رود.) ج ـ مسأله دل و درون، با مسأله ظاهر فرق می کند. زیرا توریه، تقیّه و ... ، چیزهایی است که در اسلام، مورد سفارض اکید واقع شده؛ که در مواقع آن، حتماً از آنها استفاده شده است. چه بسا یک فرد شیعه در دل دشمن سرسخت و اهل تسنن متعصب است، که آگاهانه دشمنان حضرت علی(را دوست می دارند؛ اما در ظاهر تقیّه می کند، و به زبان این دشمنی را اظهار نمی کند. زیرا این قبیل کارها در اسلام بسیار سفارش شده است. خداوند متعال همهٔ ما را از شیعیان واقعی معصومین (قرار بدهد. ان شاءا... منابع و مآخذ : ۱. سوره مبارکهٔ انفال/آیه۴۸ شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی"رحمهٔ ا... علیه ، "ص۷۸۲و۷۸۳و۱۰۰۳و۱۰۰۵

مشکلات ارتباط با حوزه بین دانشگاه چیست؟

پرسش

مشکلات ارتباط با حوزه بین دانشگاه چیست؟

پاسخ

شاید اولین گام و اساسی ترین قدم در پیوند بین این دو مراکز (حوزه و دانشگاه)، همین احساس نیاز و ضرورت باشد، که شما به این مسأله مهم و حیاتی عنایت داشته اید. اگر این توجه و تأمّل در میان حوزویان و دانشگاهیان گسترش یابد، و به صورت امری عمومی و همگانی درآید، و قاطبهٔ عناصر واعضای این دو مرکز، برای محقّق ساختن آن تفکر و تدبّر کنند، و آنرا از افراد مسؤول و مافوق خودشان مطالبه کنند، پیوند بین حوزه و دانشگاه، جنبهٔ عملی به خودش خواهد گرفت. ولی تا زمانی که فقط شعار تعداد اندکی از افراد در دو مرکز باشد، شمار کثیری از اعضای شاغل در حوزه و دانشگاه، به این امر نیندیشند ..فکر نکنند، و تنها تعداد اندکی در سالروز شهادت استاد شهید دکتر مفتح، به برپایی مراسمی محدود و سمبلیک اکتفا کنند، مراسمی که حتی قاطبه دانشگاهیان و حوزویان نیز از آن مطلع نشوند، تا زمانی که بخش اعظمی از روحانیان و استادان مراکز آموزش، ممکن است حتی از سالروز شهادت شهید مفتح و روز وحدت حوزه و دانشگاه بی خبر باشند، و بمانند، چه رسد به این که برای تحقق آن فکر و اندیشه کنند، وحدت بین حوزه و دانشگاه عملی نخواهد شد. بنابراین عمده ترین مانع و مشکل به نظر ما، این است که صاحبان خرد و اندیشه، و حاملان کتاب و فن در این دو مرکز، ضرورت و اهمیّت وحدت حوزه و دانشگاه را به روشنی درک و فهم نکرده اند. اگر این درک و نیاز توأمان در دو قشر بوجود آید، طبعاً نشستها و تجمّعها و رایزنی ها، منجر به پیدا کردن راهها و روشهای وحدت، و شناسایی موانع و مشکلات، خواهد شد. علاوه بر آنچه ذکر شد، که مهم ترین مشکل است، می توان مواردی از قبیل سیستم متفاوت آموزشی حوزه و دانشگاه، مدارک اخذ شده متفاوت، تفاوت اعتبار مدارک، و تفاوت دروس و سرفصل دروس، و... از مسایلی است که به عدم وحدت دامن می زند. ولی اگر روزی دو مرکز از یک اعتبار و جایگاه، و دارای مدارک معتبر و شناخته شده، متون آموزشی مورد قبول طرفین، سیستم مورد قبول دو مرکز، و ... برخوردار شوند، و به این صورت راه اندازی شود،

شاید در کانون فوق (حوزه و دانشگاه) احساس جدایی بین خودشان نکنند. ولی تا زمانی که حوزویان احساس کنند آنها هستند که اسلام شناس تربیت می کنند، و در مسایل مهم فلسفه و عرفان و کلام و .... صاحب نظرند، و دانشگاهها در این رشته ها غنا ندارند، و متقابلاً دانشگاهها نیز احساس کنند در این رشته ها از غنای بیشتری از حوزه برخوردارند. تا زمانی که حوزه، سیستم آموزشی خودش را بهترین سیستم و دانشگاه، سیستم خودش را بهتر بداند، تا زمانی که حوزه احساس کند بهترین متون آموزشی ـ با همه تفاوتهایی که در مراکز مختلف وجود دارد، و در سطح کشور از یکنواختی برخوردار نیست ـ را دارد، و دانشگاه نیز چنین احساس متقابلی داشته باشد، تا زمانی که هر کدام از مراکز فوق به انکار دیگری بپردازد، حوزه، دانشگاهها را مرکز پرورش افراد بی دین و لامذهب بشمارد، و دانشگاه، حوزه را به نحو دیگری متهم نماید، تا زمانی که هر کدام خود را از دیگری برتر بداند، و ... ، وحدت بین حوزه و دانشگاه امری محال و ناشدنی است. بنابراین در ابتدا باید یک باور عمیق در ضرورت وحدت بین افراد این دوکانون دین و دانش، برقرار گردد، و در مراحل بعد از انکار و تخریب یکدیگر بپرهیزند، و هر کدام مؤید و مکمل دیگری بشود، و... ؛ در این صورت، حوزه و دانشگاه نه تنها به هم نزدیک، بلکه یکی خواهد شد.

آیا تا کنون علمای شیعه و اهل سنّت میزگردی در خصوص مسایل مورد اختلاف داشته اند؟

پرسش

آیا تا کنون علمای شیعه و اهل سنّت میزگردی در خصوص مسایل مورد اختلاف داشته اند؟

پاسخ

علمای شیعه و سنی در حیات فرهنگی شان بارها با هم نشستند و در خصوص مسائل مورد اختلاف با یکدیگر مباحثه و رایزنی کردند. در عصر حاضر عالمانی همانند" علامهٔ امینی"، "سید عبدالحسین شرف الدین "و" سلطان الواعظین شیرازی "در این امر قدم های خوبی برداشتند که حاصل این تلاش ها در چند کتاب پر ارزش همانند" المراجعات"، "گروه رستگاران یا فرقهٔ ناجیه،" "شب های پیشاور "و" الغدیر "مندرج است. آیت الله بروجردی و رئیس دانشگاه الازهر، شیخ شلتوت در پی تقریب بین مذاهب اسلامی بر آمدند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به دستور امام خمینی" مجمع جهانی تقریب بین مذاهب تشکیل شد. علمای شیعه و سنّی در هر سال در آستانهٔ سالروز ولادت پیامبر اسلام(ص) و هفتهٔ وحدت دور هم جمع می شوند و مسایل را با هدف تقریب و تفاهم با هم در میان می گذارند. در همین باره دکتر بی آزار شیرازی کتابی تحت عنوان" همبستگی "تدوین نموده است. برای توضیح بیش تر می توان به این کتاب مراجعه نمود.

منظور از امت واحد اسلامی با وجود اختلاف میان شیعه و سنّی، چه می باشد؟

پرسش

منظور از امت واحد اسلامی با وجود اختلاف میان شیعه و سنّی، چه می باشد؟

پاسخ

منظور از امت واحد اسلامی این است که در برابر بیگانگان همهٔ مسلمانان از هر گروه و مذهبی که هستند، متحد باشند. اختلافات

جغرافیایی، سیاسی، مذهبی و مانند این ها نباید مانع وحدت در استراتژی مسلمانان گردد. شهید مطهری دربارهٔ مفهوم وحدود وحدت اسلامی در آغاز سه احتمال را ذکر می کند و می گوید: ۱ ـ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی تنها یک مذهب انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ ۲ ـ آیا مقصود این است که مشترکات همهٔ مذاهب گرفته شود و همهٔ غیر مشترکات کنار گذاشته شود و از این مشترکات یک مذهب جدیدی ساخته شود که با همهٔ مذاهب موجود فرق داشته باشد؟ ۴- آیا مراد از وحدت اسلامی این است که مسلمانان اعم از شیعه و سنی در برابر بیگانگان متحد باشند؟ شهید مطهری می افزاید: مقصود از اتحاد مسلمانان، اتحاد پیروان مذاهب مختلف است. این ها در عین داشتن اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان متحد و در صف واحد باشند. بدیهی است منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذهب و طرد مفترقات آنها نیست، بلکه مراد معنای سوم است.[۱۷]

گفته اند مسلمانان به خاطر به وجود آمدن اتحاد رو به قبله نماز می خوانند، در حالی که این فائده در عمل وجود ندارد، پس چگونه این اتحاد به وجود می آید؟

پرسش

گفته اند مسلمانان به خاطر به وجود آمدن اتحاد رو به قبله نماز می خوانند، در حالی که این فائده در عمل وجود ندارد، پس چگونه این اتحاد به وجود می آید؟

پاسخ

فلسفهٔ قبله تنها دست یابی به اتحاد و وحدت اسلامی نیست، هر چند می تواند یکی از حکمت های آن باشد، زیرا توجه تمام مسلمانان هنگام نماز به سمت و سویی خاص به معنای قرار گرفتن و ایستادن به یک جهت خاص است که در همدلی امت اسلامی بسیار مؤثر است، ولی تنها این امر کافی نیست. همسویی در صورتی مفید است که در کنار آن، عواملی چون: وحدت رویه، پرهیز از عوامل تنش زا، عمل به قرآن و دستورهای دین، تعامل و همکاری دولت های اسلامی، مقابله با تبلیغات گسترده دشمن و خنثی سازی توطئه های آنان به کار گرفته شود. اگر می بینیم مسلمانان با وجود قبله مشترک، به وحدت کامل نرسیده اند، دلیلش فاصله گرفتن از اسلام و دامن زدن به اختلافات نژادی و جغرافیایی وغافل ماندن از ترفند شیطانی دشمنان می باشد.

برای این که بین شیعه و سنی رابطه برقرار کنیم ، و بین آنان وحدت ایجاد نماییم، چه باید کنیم؟

پرسش

برای این که بین شیعه و سنی رابطه برقرار کنیم ، و بین آنان وحدت ایجاد نماییم، چه باید کنیم؟

پاسخ

برای ایجاد وحدت اسلامی راهکارهای متعددی وجود دارد که به بعضی اشاره می شود: ۱) گفتگو (دیالوگ) اولین و مهم ترین راهکار جهت همگرایی مسلمانان، گفتمان علمی است، بدین معنا که نظریه پردازان و عالمان دینی فرقه های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، گفتگوهای علمی انجام دهند. در این گفتگوها بر مسایل مشترک تأکید شده و عالمان اسلامی از مبانی یکدیگر آشنا

شوند؛ زیرا خیلی از مسایل اختلافی بین مسلمانان ناشی از آن است که فرقه های اسلامی از بعضی اصول و مبانی یکدیگر آشنایی کامل ندارند . عدم آشنایی کامل آنها از اصول یکدیگر موجب شده که مسلمانان که برداشت های نادرستی از هم داشته و نسبت به یکدیگر بدبین گردند، حتی حکم تکفیر یکدیگر را صادر نموده و زمینه های برخوردهای فیزیکی فراهم گردد. بیشتر تعصبات مذهبی و قومی نیز ریشه در عدم آگاهی از مبانی گروه های اسلامی دارد. عدم آشنایی مذاهب از عقاید یکدیگر موجب می شود دشمنان اسلام و آنها که از تفرقه ها میان فرقه های اسلامی سود می برند . به واسطه جهل و ناآگاهی مردم، موارد اختلاف برانگیز را پررنگ تر کرده و مواردی را که موجب اتحاد بین مسلمانان می شود، نادیده گیرند. علامه شرف الدین یکی از اندیشمندان شیعی است که به گفتمان علمی پرداخته و بین او و شیخ سلیم بشری (از علمای اهل سنت) سؤال و جواب هایی مطرح شده است که نتیجه آن کتاب" المراجعات "است که نقش بنیادی در زمینه و فرهنگ سازی برای وحدت اسلامی دارد. ۲ – توجه به نقاط مشترک و دشمن مشترک: یکی از عوامل مهمی که در جهان معاصر می تواند موجب وحدت بین دو گروه بزرگ اسلام شود، توجه به نقاط مشترک بین این دو مذهب است. مطمئناً مسائل مورد اتفاق میان این دو مذهب بسیار فراتر از موارد اختلاف می باشداما غالباً مسائل مورد اختلاف مورد توجه قرار گرفته و مسائل و اعتقادات مشترک نادیده نگاشته می شود، که یکی از عوامل ایجاد اختلاف و دوری هر چه بیشتر مسلمانان از یکدیگر است. هم چنین توجه به دشمن مشترکی که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را مورد مذمت قرار داده است، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می تواند می باشد. اگر به صدر اسلام نیز نگاه کنیم، علت اساسی سکوت امیرمؤمنان و ائمه معصومین (ع) و همراهی با مخالفان فکری و عقیدتی در جهان اسلام، توجه به دشمن مشترک و مورد تهدید قرار گرفتن مرزهای اسلامی به وسیله دشمنان اسلام بوده است. ۳ – تدوین آثار فرشت های علمی یکی از شیوه های کاربردی در ایجاد وحدت اسلامی تدوین اثار علمی در قالب کتاب ، مجله و روزنامه ، نیز برگزاری نشست های علمی و تبادل افکار و نظریات است . در آثار علمی باید به عوامل وحدت و عوامل اختلاف پرداخته شده و مشکلات جهان اسلام بررسی گردد. تدوین فقه مقارن و عقاید تطبیقی و مقایسه ای نیز باید از محورهای مهم آثار علمی باشند . کتاب هایی مانند" الفصول المهمه "تألیف علامه شرف الدین و انتشار مجله ای مانند" رسالةالتقریب "نقش بنیادی در زمینه سازی وحدت اسلامی داشتند. از سوی دیگر با تدوین سریال ها و نمایش نامه ها نیز می توان جهت ایجاد وحدت اسلامی زمینه سازی نمود. بهتر است این دست از آثار به زبان های مختلف ترجمه شوند و در اختیار مسلمانان قرار گیرند. ۴ – صدور فتواهای همگرایی بی تردید صدور فتوای مجتهدان فرقه های اسلامی نقش بنیادی در وحدت اسلامی دارد، همان گونه که نقش اساسی در اختلافات مسلمانان دارد. اگر مجتهدان فتاوایی مانند جواز شرکت نمودن مسلمانان در مراسم عبادی همدیگر را صادر نمایند، زمینه های همسویی مسلمانان را فراهم می کند. بعضی از مجتهدان و عالمان اهل سنت و تشیع در این خصوص پیشگام بوده اند. شیخ محمود شلتوت ، رئیس دانشگاه الازهر مصر در زمان جمال عبدالناصر یکی از کسانی است که در فتوای معروف خود، مذهب جعفری و فقه شیعه را به عنوان یک مذهب رسمی و فقهی تأیید کرد.(۱) فتوای معروف او در زمان خود در نزدیکی اهل سنت به شیعه تأثیر به سزایی داشت. ۵ – آشنایی با معارف اسلامی یکی از راهکارهای وحدت اسلامی، آشنایی مسلمانان با آموزه های دینی است. در آیات متعدد مسلمانان به همگرایی دعوت شده اند.(۲) در برخی از آیات همه مسلمانان برادران دینی خوانده شده و مرزهای جغرافیایی و ملی نادیده گرفته شده است" :انما المؤمنون اخوة("...۳") واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرّقوا.("...۴) در روایات اسلامی نیز همه مسلمانان به همبستگی و اتحاد اسلامی سفارش شده است. (۵) چرا مسلمانان وحدت ندارند؟ یکی از عوامل مهم آن فاصله گیری از معارف و آموزه های دینی است. شخصیت هایی مانند امام راحل و علامه شرف الدین بر این باور بودند که جهت "ایجاد وحدت اسلامی "آشنایی کامل مسلمانان با معارف اسلامی لازم است. نکتهٔ قابل دقت آن است که یکی از موارد قانون اساسی" جماعة التقریب بین المذاهب الاسلامیة "که در قاهره تشکیل شده ، آن بود که مسلمانان با معارف اسلامی

آشنایی پیدا کنند. ۶ – شناسایی عوامل اختلاف برای ایجاد وحدت اسلامی، همان گونه که شناخت عوامل و زمینه های همگرایی ضرورت دارد، شناخت عوامل و زمینه های اختلاف نیز بایسته است. بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی، باید عوامل اختلاف همانند تعصبات قومی، قدرت گرایی و پیروی از هواهای نفسانی، شناسایی و با آنها مبارزه گردد. دشمنان خارجی نیز نقش بنیادی در ایجاد اختلاف داشته و دارند استعمارگران با شعار" اختلاف بینداز و حکومت کن "بین مسلمانان اختلاف ایجاد کرده اند. داده های تاریخی نشان از آن دارد که استعمارگران در حوادث ناگواری که در جهان اسلام به وجود آمدند، نقش اساسی داشتند. آنان با ایجاد اختلاف جنگ های داخلی را به وجود آوردند. حتی می توان عامل اساسی و ریشه ای ایجاد و پیدایش بعضی از فرقه ها میان اهل سنت و شیعه را استعمارگران دانست و دست های مرموز آنها را پیدا کرد. بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی ، شناخت عوامل داخلی و خارجی اختلاف ضرورت دارد. مرحوم آیت الله بروجردی در آخرین لحظات عمر خویش یکی از راه های ایجاد وحدت اسلامی را شناسایی عوامل اختلاف دانست وی می گوید" : من برای ایجاد حسن تفاهم میان مسلمانان آرزوهای بسیار داشتم و درصدد بودم در نامه ای به شیخ محمود شلتوت بنویسم و به ایشان یادآور شوم که موجبات رفع اختلاف را فراهم سازند.("۶) ۷ – اتخاذ سیاست های مشترک یکی از شیوه های ایجاد وحدت اسلامی ، اتخاذ سیاست مشترک توسط کشورهای اسلامی است. این سیاست ها می توانند در روابط بین المللی و سیاست های اقتصادی و تشکیل بازارهای مشترک اقتصادی شکل گیرد هم چنین می توان در صحنه های سیاسی در برابر دشمنان مسلمانان سیاست های راهبردی اتخاذ نموده و به حمایت از مظلومان و آسیب دیدگان جهان اسلام پرداخت. پی نوشت ها : ۱ – عبدالکریم بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی . ص ۳۱۰ – ۳۱۱. ۲ – آل عمران، آیه ۱۰۳؛ تفسیر نمونه، ج۳، ص ۴۳. ۳ – حجرات، (۴۹) آیه ۱۰. ۴ – آل عمران، آیه ۱۳. ۵ – تفسیر نمونه، ج۳، ص ۴۶. ۶ – عبدالکریم شیرازی، پیشین، ۱۱۵.

آیا مسلمانان نتیجه اختلاف را دیده اند ؟ علت دعوت آنها به آن چیست (اختلاف امتی رحمه) ؟ و جمع آن با دعوت قرآن به وحدت چگونه ممکن است ؟

پرسش

آیا مسلمانان نتیجه اختلاف را دیده اند ؟ علت دعوت آنها به آن چیست (اختلاف امتی رحمه) ؟ و جمع آن با دعوت قرآن به وحدت چگونه ممکن است ؟

پاسخ

وجود اختلاف نه تنها برای بشر ضروری است بلکه ضروری طبیعت هم هست , یعنی در عالم از نظر شب و روز , سرما و گرما , تابستان و زمستان , مرض و صحت , و امثال آن اختلاف وجود دارد , و در حقیقت اختلاف آراء موجب حفظ نظام عالم و تکامل و پیشرفت بشر است و اینکه بشر در فکر کردن و انتخاب رای و نظر آزاد باشد از مواهب ونعمتهای بزرگ الهی می باشد , و مسلم است که اختلاف آراء و مذاهب موجب دشمنی و بغض و کنیه نمی باشد . و اما وحدتی که قرآن داعی به آن است وحدت در آراء نیست چون آن وحدت بحسب طبیعت بشر محال است , بلکه مراد وحدت اخلاقی و ایمانی است و قرآن انسانها را به سوی برادری و مودت دعوت می کند , که این وحدت با وجود اختلاف آراء هم میسر است چون اتحاد در اصول و اختلاف در فروع می باشد . گذشته از آنکه حدیث نبوی در معانی الاخبار به گونه ای دیگر تفسیر شده است . امام صادق (ع) آن را به آمد و شد از شهرهای دور برای آموختن دین معنا کرده اند(معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۵۷) .

چه عاملی باعث شده بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی از خود نشان دهد؟

پرسش

چه عاملی باعث شده بود که حضرت آیه الله العظمی بروجردی علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی از خود نشان دهد؟

پاسخ

حضرت آیت‌الله بروجردی چون به تاریخ و مذاهب اسلامی آشنا بود، می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است، وهم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می‌زنند، وهم توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فرق، سبب شده که آنها شیعه را نشناسند و درباره آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهات، بسیار علاقهمند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنّی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند معرفی شود. از حسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم له که هنوز ایشان در بروجرد بودند «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شد. معظم له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه کمک و همکاری کرد. برای اولین بار بعد از چندین صد سال بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنّی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت، مفتی مصر و رئیس جامع ازهر روابط دوستانهای برقرار شد و نامهها مبادله گردید. قطعاً طرز تفکر معظم له و حسن تفاهمی که بین ایشان و شیخ شلتوت بود موثر بود در این که آن فتوای تاریخی معروف را در مورد به رسمیت شناختن مذهب شیعه بدهد. معظم له را نباید گفت نسبت به این مسئله علاقه مند بود ، بلکه باید گفت عاشق و دلباخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می‌زد. عجیب این است که از دو منبع موثق شنیدم که در حادثه قلبی که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اول که عارض شد و مدتی بیهوش بوده اند و بعد به هوش آمدند، قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می کنند و می گویند من آرزوها در این زمینه داشتم .

دیدگاه اسلام در مورد تعصبات قوی و نژادی چیست؟

پرسش

دیدگاه اسلام در مورد تعصبات قوی و نژادی چیست؟

پاسخ

اسلام نه تنها به این احساسات تعصب آمیز توجهی نکرد، بلکه با شدت با آنان مبارزه کرد. قرآن کریم در کمال صراحت فرمود: «یا اَیُّهـا النّـاسُ اِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ اُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ اَتْقیکُمْ» حجرات/۱۳ [ای مردم، ما همهٔ شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را گروهها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بشناسید، گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.] این آیه و بیانات و تأکید رسول اکرم(ص) و طرز رفتار آن حضرت با غیر اعراب و نیز قبایل

مختلف عرب، راه اسلام را کاملاً مشخص کرد. به اعتراف همهٔ مورخین، حضرت رسول اکرم(ص) در مواقع زیاد این جمله را تذکر می‌داد: «اَیُّهَا النّاسُ کُلُّکُمْ لِاٰدَمَ وَ ادَمُ مِنْ تُرابٍ، لافَضْلَ لِعَرَبِیٍّ عَلی عَجَمِیٍّ اِلاّ بِالتَّقْوی» تحف العقول/۳۴ [همهٔ شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است، عرب نمی‌تواند بر غیر عرب دعوی برتری کند مگر به پرهیزکاری.] پیغمبر اکرم(ص) در روایتی افتخار به اقوام گذشته را یک چیز گندناک می‌خواند و مردمی را که بدین گونه کارها خود را مشغول می‌کنند به «جُعِل» [سوسک] تشبیه می‌کند. اصل روایت چنین است: «لِیَدَعْنَ رِجالٌ فَخْرَهُمْ بِأَقْوامٍ، اِنَّما هُمْ فَحْمٌ من فحم جَهَنَّمَ اَوْ لَیَکونُنَّ اَهْوَنَ عَلَی اللهِ مِنَ الْجِعْلانِ الَّتی تَدْفَعُ بِاَنْفِهَا النَّتَنَ» (سنن ابی‌داود،۲/۶۲۴) [آنان که به قومیت خود تفاخر می‌کنند، این کار را رها کنند و بدانند که آن مایه‌های افتخار جز زغال جهنم نیستند و اگر آنان دست از این کار نکشند، نزد خدا از جعلهایی که کثافت را با بینی خود حمل می‌کنند پست‌تر خواهند بود.] پیغمبر اکرم(ص) سلمان ایرانی و بلال حبشی را همانگونه با آغوش باز می‌پذیرفت که فی‌المثل ابوذر غفاری و مقداد بن اسود کِنْدی و عمار یاسر را ، و چون سلمان فارسی توانسته بود گوی سبقت را از دیگران برباید به شرف «سَلْمانَ مِنّا اَهْلَ الْبَیْتِ» (سفینه البحار، مادهٔ «سلم») نائل شد. رسول اکرم(ص) همواره مراقبت می‌کرد که در میان مسلمین پای تعصبات قومی به میان نیاید. در جنگ احد یک جوانی ایرانی در میان مسلمین بود. این جوان مسلمان ایرانی پس از آنکه ضربتی به یکی از افراد دشمن وارد آورد، از روی غرور گفت: «خُذْها وَ اَنَا الْغُلامَ الْفارِسِیّ» [یعنی این ضربت را از من تحویل بگیر که منم یک جوان ایرانی.] پیغمبر اکرم(ص) احساس کرد که هم‌اکنون این سخن تعصبات دیگران را برخواهد انگیخت؛ فوراً به آن جوان فرمود که چرا نگفتی منم یک جوان انصاری؛ (سنن ابی داود،۲/۶۲۵.) یعنی چرا به چیزی که به آیین و مسلکت مربوط است افتخار نکردی و پای تفاخر قومی و نژادی را به میان کشیدی؟

آثار وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

پرسش

آثار وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

پاسخ

مهم ترین آثار وحدت اجتماعی, عبارتند از ۱ـ عزت ملی. ۲ـ اقتدار ملی. ۳ـ امنیت. ۴ـ حاکمیت بر دنیا. امیر مؤ منان آن گاه که دربارهٔ گذشتگان سخن گفته اند, به آثار یاد شده تصریح کرده اند؛ چنان که در خطبه ۱۹۲ از نهج البلاغه می‌خوانیم از کیفرهایی که در اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت های پیشین واقع شده است, برحذر باشید و حالات آن ها را در خوبی ها و سختی ها همواره به یاد آرید؛ نکند شما مانند آنان باشید! پس, آن گاه که در تفاوت حال آنان به هنگامی‌که در خوبی بودند و زمانی که در شر و بدی قرار داشتند اندیشه نمودید, به سراغ کارهایی روید که موجب عزت و اقتدار آنان شد و دشمنان را از آنان دور نموده , عافیت و سلامت به آن‌ها روی آورد و نعمت را در اختیارشان قرار داد و کرامت و شخصیت باعث پیوند اجتماعی آنان شد؛ یعنی از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدند و بر الفت و هم گامی‌همت گماشتند و یک دیگر را به آن توصیه و تحریض نمودند. از هر کاری که ستون فقرات آن ها را در هم شکست و قدرت شان را سست کرد اجتناب ورزید؛ یعنی از کینه های درونی , بخل و حسادت و پشت کردن به هم و ایجاد فتور و سستی بین جامعه دوری گزینید در شرح حال مؤمنان پیشین تدبر کنید که چگونه در حال آزمایش و امتحان بودند! آیا بیش از همه, مردم در شدت و زحمت نبودند؟ آیا از همه جهانیان درتنگنای بیشتری قرار نداشتند؟ فرعون ها آنان را برده خویش ساخته بودند و همواره در بدترین شکنجه‌ها قرار داشتند. تلخی های روزگار را به آن ها

چشاندند و این همچنان باذلت هلاکت ومقهوریت ادامه داشت؛ نه راهی داشتند که از این وضع سر باز زنند و نه طریقی برای دفاع از خود می‌یافتند؛ تا آن گاه که خداوند؛ جدیت و استقامت و صبر در برابر ناملایمات به خاطر محبتش و تحمل ناراحتی ها از خوف وخشیتش را در آن ها یافت؛ در این موقع از درون حلقه های تنگ بلا, راه نجاتی برایشان گشود و ذلت را به عزت و ترس را به امنیت تبدیل کرد؛ یعنی آن ها را حاکم؛ زمامدار و پیشوا گردانید. آن قدر کرامت و احترام از ناحیه خداوند به آنان رسید که حتی خیال آن را هم در سر نمی‌پروراندند. بنگرید آن ها چگونه بودند؛هنگامی که جمعیت هاشان متحد, خواسته‌ها متفق, قلب ها واندیشه ها معتدل, دست ها پشتیبان هم, شمشیر ها یاری کننده یک دیگر , دیدها نافذ و عزم ها و مقصود ها شان همه یکی بودند. آیا آن ها مالک و سرپرت اقطار زمین نگردیدند؟ آیا زمامدار ورئیس همهٔ جهانیان نشدند؟

محورهای وحدت در حوزه ادیان توحیدی, چیست ؟

پرسش

محورهای وحدت در حوزه ادیان توحیدی, چیست ؟

پاسخ

خدای سبحان در آیهٔ «قل یاآهل الکتاب تعالوا...» آل عمران / ۶۴ سه محور اتحاد بین موحدان عالَم را بیان کرده است ۱ـ پرستش خدا اولین محور اتحاد در حوزهٔ پیروان ادیان توحیدی, توحید در عبادت (اتفاق بر پرستش خدای سبحان) است (ألّا نعبد الّا الله). بر پایه آیات قرآن کریم, همه پیامبران الاهی, مأمور به توحید عبادی بودند و نیز انسانها را به توحید عبادی فراخوانده‌اند «وما أَرسلنا مِن قَبلک مِن رَسول إِلّا نُوحی إِلیه أنّه لا إله إلّاأنا فاعبدونِ» انبیاء /۲۵ «... یا قوم اعبُدوا الله ما لَکم من إِله غیره...» اعراف /۶۵ گرچه لسان «اعبدوا الله» در آیه دوم زبان حصر نیست, لیکن جملهٔ (ما لکم من إله غیره) بیان گر حصر عبادت, در خدای سبحان و مفسر گویای کلمهٔ ((لا إله إلّا الله)) است. ۲ـ نفی شرک دومین محور اتحاد در حوزه پیروان ادیان توحیدی, نفی شرک ذاتی است «ولا نُشرک به شیئاً». در قرآن کریم هر جا سخن از عبادت ناب و نفی شرک عملی است, میان این دو (عبادت و نفی شرک) «واو» عطف نیامده است؛ مانند «یعبدوننی لایُشرکون بی شیئاً» نور / ۵۵ زیرا عبادت ناب و خالص, باشرک عملی سازگار نیست. از این رو, اگر گاهی بین عبادت و نفی شرک, «واو» عطف آمده است ـ مانند آیه «قُل یا أهل الِکتاب تعالوا...» آل عمران / ۶۴ ـ در این گونه موارد, مراد نفی شرک ذاتی است؛ زیرا ممکن است کسی در عبارت موحد باشد, ولی در ذات مشرک؛ مانند یهودیان که «عُزَیر» را پسر خدا می‌دانند یا مسیحیان که به حلول معتقدند. بنابراین, برای آن که هر یک از شرک عملی و ذاتی,به طور مجزا به مخاطب تفهیم شود, یک بار مستقل وبار دیگر با «واو» عطف ذکر می‌شود, تا یکی درباره توحید عملی و دیگری برای نفی شرک ذاتی باشد. ۳ـ نفی سلطه بر یک دیگر محور سوم در حوزه پیروان ادیان توحیدی, نفی سلطه است «ولا یتّخذ بَعضنا بعضُاً أَرباباً من دوُن الله» در بیان این محور , به دو نکته اشاره می کنیم یک. افراد جامعه, اَبعاض یک حقیقت و شریک و شبیه یک دیگرند و از نظر روابط اجتماعی, کسی را بر دیگری برتری نیست. پس , کسی نمی‌تواند اراده اش را بر دیگری تحمیل کند؛ مگر أن که معادل آن را از دیگران تحمّل کند. دو. ربوبیت, از مختصات اُلوهیت است و این دو, با یک دیگر هماهنگ و متلازمند. بنابراین, اولّا دلیل وجود ندارد که بعضی انسان ها که شریک و شبیه یک دیگرند, ربوبیت دیگران رابه عهده بگیرند. ثانیاً ربوبیت از ویژگیهای الوهیت است و تنها خداست که شایستگی ربوبیت انسان و جهان را داراست.

قرآن چگونه به مسأله وحدت در حوزه پیروان ادیان توحیدی پرداخته است؟

پرسش

قرآن چگونه به مسأله وحدت در حوزه پیروان ادیان توحیدی پرداخته است؟

پاسخ

در این باره به دو آیه از قرآن کریم اشاره می‌کنیم و درباره آن دو مطالبی بیان می‌نماییم. آیه‌ایمان به همه پیامبران و کتب آنان «امَن الرَّسول بِما أُنزل إِلیه مِن رَبّه والمؤُمنون کلٌّ امَن بِالله و مَلائِکته وکُتبه و رُسُله لانُفرّق بَین أَحد مِن رُسُله...» بقره / ۲۸۵ [پیامبر (ص) بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده, ایمان آورده است و مؤمنان, همگی به خدا وفرشتگان و کتاب معاد و فرستادگانش ایمان آورده اند [و گفتند]میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم... .] آیه مزبور, همه موحدان عالم را به اتحاد دعوت می‌کند و ما باید در دو جبهه اتحاد تلاش و کوشش کنیم یکی اتحاد در داخله مسلمین, که بیش از یک میلیارد مسلمان به عنوان امت اسلام در صف واحد باشند و دیگر آن که پس از تحصیل وحدت اسلامی, باید پای را فراتر نهاده, برای تأمین وحدت موحدان عالم اقدام کنیم تا همه مسلمانان با همه کسانی که دارای کتاب أسمانی اند متحد شده, بتوانند بر ضد ملحدان جهان قیام کنند؛ زیرا الحاد و انکار ماورای طبیعت و حصر موجود, در ماده و انکار وحی و رسالت و قیامت و معاد و نبوت و معجزه و سایر معارف غیبی, پیامدهای تلخ و سوانح سنگین غیر قابل تحمل را به دنبال دارد. لذا, خدای سبحان گذشته از دعوت مسلمانان به اتحاد, موحدان عالم را هم دعوت به اتحاد می‌کند. اکنون در دنیای پیشرفته از نظر علوم و صنایع بسیاری از مردم به ذلّت بت پرستی تن داده اند؛ بت پرستی مرامی‌نیست که در شرایط کنونی بتواند باقی بماند اگر موحدان عالم, جبهه واحدی تشکیل دهند و از فرهنگ الاهی و توحیدی طرفی ببندند, می‌توانند بت پرستان عالم را از فرو مایگی رهایی بخشند؛ وگرنه بت پرستان را خطر اِلحاد تهدید می‌کند که قابل جبران نیست؛ گرچه الحادو بی دینی مورد قبول فطرت نیست و دوام نمی‌یابد و بت پرستان خود را بر ملحدان ترجیح می‌دهند. اتحاد دینی موحدان, سهم به سزایی در رهایی جوامع بشری از ذلت به عزت دارد. لذا خدای سبحان هم به رسول اکرم (ص) دستور داد «قُل یا أَهل الکِتاب تَعالَو إِلی کَلِمهٔ سَواء بَیننا وبَینکم...» آل عمران / ۶۴ و هم به مسلمین آموخت که با همه موحدان عالم از راه جدال اَحسن مجادله کرده, بگویند خدای همه ما یکی است و به آنچه نازل کرده‌ایمان داریم؛ مگر گروهی که در کسوت اهل کتاب, اهل شرک و الحاد ونفاقند و امید به هدایت آنها نیست «وقُولوا امنّا بِالّذی أُنزل إِلینا وأُنزل إِلیکم وإِلهنا وإِلهکم واحد وَنَحن لَه مُسلمون»؛ عنکبوت / ۴۶ [خدای ما وشما یکی است و ما در برابر خدای یگانه و یکتا مسلِم و متقادیم و شما نیز چنین باشید.] این مکتب می‌تواند تمامی‌موحدان عالم را, که اکثریت قاطع انسان های عصر حاضر را تشکیل می‌دهند و در برابر ملحدان اقلیتی بیش نیستند, در صف واحد قرار دهد. آیه دعوت اهل کتاب به وحدت «قُل یا أَهل الکِتاب تَعالوا اِلی کلمهٔ سواء بیننا وبینکم أَلّا نَعبد إِلّا الله ولا نُشرک بِه شَیئاً ولا یَتّخذ بُعضنا بَعضاً أَرباباً من دون الله فَإِن تَولّوا فَقولوا اشْهِدوا بِأَنّا مُسلمون» أل عمران /۶۴ [بگو ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمهٔ حق که میان ما و شما یکسان است, پیروی کنیم و آن کلمه‌این است که جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی, برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم.] پس, اگر آن ها از حق روی گردانند, بگوئید شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم.گرچه دین, نزد خدای سبحان یکی است «إنّ الدّین عندالله الإسلام ... » آل عمران / ۶۴ لیکن آنچه رایج است, ادیانی مانند یهودیت, مسیحیت و اسلام است که دارای اصول مشترک فراوانند که اگر همه موحدان عالم حول آن اصول مشترک گرد آیند, بسیاری از عقاید شرک آلود؛ مانند تثلیث, و ثنیت و رفتارهای

ظالمانه اجتماعی رخت بر خواهد بست. از این رو, قران کریم, نه تنها همه مسلمانان را به اتحاد حول محور حبل الله دعوت می کند «واعتَصموا بِحَبل الله جَمیعاً ولا تَفرقوا...» آل عمران / ۱۰۳ بلکه همه موحدان عالم را به اتحاد دعوت می کند؛ چنان که می‌فرماید «قُل یا اهل الکِتاب تَعالَوا إلی کَلمهٔ سواءِ بیننا و بینکم آلّا نعبد إلّا الله ولا نشرک به شیئاً ولایَتخذ بَعضنا بعضاً آرباباً مِن دون الله فإن تولّوا فَقولوا اشْهدوا بأنّا مسلمون» آل عمران / ۱۰۳ گفتنی است «کلمهٔ» در آیه یاد شده, به معنای حقیقتی است که در قلب جای می گیرد و در عمل ظهور می کند و در محاوره‌ها نیز بیان می‌شود و از آن به «حرف» و «قول» نیز تعبیر شده است. بنابراین, «قول», «حرف» و «کلمه» برآن معانی ومعارفی اطلاق می‌شود که هم در قلب ریشه دارد, هم در عمل ظهور می کند و هم بر زبان جاری می‌شود. همچنین خطاب با کلمه «یا آهل الکتاب» همانند خطاب با کلمهٔ «یا أهل القرآن» به مسلمانان, زیباترین خطاب به یهودیان و مسیحیان است که جاذبه‌ای ویژه دارد.

نظر قرآن در مورد وحدت میان همه جوامع بشری چیست ؟

پرسش

نظر قرآن در مورد وحدت میان همه جوامع بشری چیست ؟

پاسخ

این اتحاد, یک اتحاد و وحدت جهان شمول است.قران کریم در این زمینه می‌فرماید کافران و مشرکانی که با شما کاری ندارند و به جامعه اسلامی‌ضرری نمی‌رسانند و توطئه‌ای بر ضد مسلمانان نکرده‌اند, گرچه دین و اعتقادشان مبغوض شماست, ولی خدای سبحان شما را نهی نمی کند که با آنان رابطهٔ مسالمت آمیز و نیکی و عدالت داشته باشید؛ چون خداوند, عدالت گران را دوست دارد «لا یَنهاکم الله عَن الَذِین لَم یُقاتِلوکم فی الدّین ولم یُخرجوکم مِن دیارکم أن تَبرّوهم وتقَسطوا إلیهم إنَّ اللهُ یُحبّ المُقسطین». ممتحنه/۸ همچنین قرآن در جای دیگر, صلح و سازش بین دولت اسلامی‌و دولت کفر را مطرح کرده, می‌فرماید چنانچه کافران به شما پیشنهاد صلح و سازش دادند, اظهار تمایل نشان بدهید «وإن جنحوا للسَّلم فاجْنح لها...» انفال/۶۱ لیکن این پذیرش صلح, در صورتی است که آنان به شما تهاجم و حمله‌ای نداشته باشند؛ زیرا اگر آنان حمله کرده, بعضی از شما را کشتند و اموالتان را به غارت بردند, وظیفه تان مبارزه است؛ نه صلح. هرگز وهن وسستی به خود راه ندهید و آنان را به سوی صلح و سازش فرا نخوانید؛ چون شما برترید و خدا با شماست و هرگز اعمال شما را بی نتیجه نمی گذارد؛ بلکه وقتی مبارزه کردید و شهید یا جان باز یا اسیر دادید, اعمالتان را به هدف می‌رساند و مشفوع نتیجه قرار میدهد.

محور اتحاد انسانی چیست؟

پرسش

محور اتحاد انسانی چیست؟

پاسخ

انسان از آن جهت که به جامعه نیازمند است و بی‌هماهنگی بادیگران, خطوط اصیل سعادت او ترسیم نمی‌شود, باید باهمنوعان

خویش متحد باشد و چون انسان, موجودی عینی و تکوینی است؛ نه ذهنی یا اعتباری و نیز سعادت او همسان با هستی او, حقیقتی عینی است؛ نه امری ذهنی یا قراردادی, پیوند او با دیگران نیز باید بر محورهای عینی و تکوینی باشد؛ نه اعتباری همانند قراردادهای تجاری, صناعی و زراعی که تحت عناوین بیع , اجاره, صلح, مضارعه ومانند آن منعقد و با تغییر اوضاع فسخ می گردد و قرارداد جدیدی منعقد می‌شود. پیوند و اتحاد انسان با همنوعان خود, در عینِ آن که ربطی عینی و تکوینی است و نه قراردادی و ذهنی, باید سهمی‌از جاودانگی وابدیت داشته باشد؛ به طوری که در هر زمان و زمینی و در هر عصر ومصر و نسلی قابل اجرا باشد و ا ز دگرگونی های جغرافیایی و تاریخی محفوظ بماند. پیداست چیزی که در دسترس تطاول حوادث واقع نمی‌شود و با تحول زمان, عوض نمی گردد, جنبه جسمانی و مادّی بشر نیست؛ زیرا جسم او از خاک و گل معیّن و در زمان و شرایط خاص واقع است وناجار رنگ آن ها را به همراه دارد و با فرهنگِ نشأت گرفته از خواص مادی قرین خواهد بود. ویژگی مزبور , منشأ اختلاف قومی, نژادی و زبانی, و مبدأ تفاوت در سنن, آداب , رسوم و نظایر آن هاست که در عین سودمندی , اصالت ندارد و در ساختار گوهر جاوید آدمی‌سهم مؤثری نخواهد داشت؛ زیرا از هر سرزمین و در میان هر نژاد و قوم و از میان مردم هر عصر و مصر, فرد صالح یا طالح پرورش می‌یابد. از این رو, خدای سبحان به‌این گونه امور که جنبهٔ مادی دارد و مایهٔ کثرت است, اصالت نمی‌بخشد؛ یعنی هم تعدّد ناشی از آن ها را امضا می کند و هم به عدم تأثیر آن ها در تکامل اصیل انسان اشاره می کند «یا أیها الناس انّا خلقناکم مِن ذَکر وأُنثی وجَعلناکم شُعوباً و قبائِل لِتعارفوا إنَّ أَکرمکم عندالله أتقیکم...» حجرات / ۱۳ بر اساس این آیه, تعدد نژاد در شناسایی یک دیگر, به اندازهٔ شناسنامه طبیعی اثر دارد؛ وگرنه در نظام ارزشی اسلام, هیچ مؤثر نیست. هرچند همین کثرت مادی, به نوبهٔ خود, می‌تواند همانند سایر اختلاف ها وتعددها نشانهٔ قدرت خداوند سبحان باشد, لیکن امتیاز ارزشی به همراه ندارد «ومِن ایاته خَلْق السّموات والأَرض واختلافَ آلسنِتکم وآلوانِکم إنّ فی ذلک لَایات للعالَمین». روم / ۲۲ بنابراین, مصوبات سازمان ملل ـ بر فرض سداد و صلاح آن ـ و نیز آئین نامه های نژادی و قومی‌و ملّی, تنها اموری قراردادی است که توان تأمین سعادت تکوینی جوامع بشری را ندارد؛ زیرا حقیقت تکوینی انسان, برتر از قرارداد اعتباری است, و ابدیت او والاتر از امور مادی ناپایدار. فطرت توحیدی, سرمایهٔ وحدت جهانی خدای سبحان سرمایهٔ سعادت همه جانبه و وحدت گسترده با همه جوامع بشری را به عنوان اصلی «ثابت», «همسان», «همگانی» و «همیشگی» در نهاد انسان گذارده است؛ به طوری که هیچ فرد درهیچ عصر و مصر و نسلی فاقد آن نیست. این دست مایهٔ تکامل تکوینی, همان زبان فطرت توحیدی است که بدون نیاز به هرگونه اعتبار و قرار داد و تصویب, توان پیوند انسانها را دارد «فَأقِم وَجهک لِلدّین حَنیفاً فِطرت الله الَتی فَطر الناسَ عَلیها لاتَبدیل لِخَلق الله ذلک الدِّین القَیّم ولکنّ أَکثر الناس لایَعلمون» روم / ۳۰ راز عدم تبدیل فطرت توحیدی انسان این است که نه خداوند أن را تغییر می‌دهد ـ چون وی را به «احسن تقویم» ساخت و هیچ نقص و عیبی در نهان توحیدی او نیست تا تبدیل شود ـ و نه هیچ کس جز خداوند, توان تأثیر در نظام آفرینش انسان را دارد. از این رو, به عنوان نفی محض فرمود «لا تبدیل لخلق الله». تنها محور وحدت انسان ها و اتحاد جوامع بشری, فطرت توحیدی آنان است که امری عینی و تکوینی و نیز جاودانه و پایدار است؛ زیرا فطرت؛ نه از خصوصیت اقلیمی‌نشأت گرفته است تابا تغییر آن دگرگون گردد و نه در زمانهٔ مخصوص محصور است تا با گذشت آن سپری شود و نه در معرض حوادث دیگر واقع می‌شود تا با تحول رخدادها فرسوده گردد؛ بلکه هم چنان مشرف بر هر زمین و محیط بر هر زمان و حاکم بر هر سنت و رسم قومی‌و نژادی و مانند آن است؛ زیرا روح انسان, مجرد است و فطرت توحیدی که با هستی او عجین شده, منزّه از ماده و مبرّای از قوانین حاکم بر طبیعت تاریخ است. از این رو, نه در محدودهٔ «نفی و دفع» پیرو قواعد و مبانی مادی است و نه در اثبات و جذب تابع آن هاست, زیرا اولاً روح ملکوتی و مجرد, سنخیت با ماده ندارد وثانیاً کامل تر از آن است وبه‌این دو جهت, ازقلمرو تأثیر مستقیم و اصیل ماده دور است. از این رو, خدای سبحان فرمود فقط خداوند است که دل ها ی آنان را همسو وهماهنگ قرار داد و تو ای پیامبر! اگر همهٔ منابع مادی زمین و هر آنچه را که در آن است, هزینه می کردی تا دلهای آن ها را پیوند دهی, توان آن را نداشتی؛

لیکن خدای سبحان آنان را متحد و قلوب آن ها را تألیف کرد «وَألّفَ بَین قُلوبهم لَو أَنفقتَ ما فی الأَرض جَمیعاً ماأَلّفت بَین قلوبهم ولکن الله أَلّف بینَهم إِنّه عَزیز حَکیم». (سوره انفال, آیه ۶۳) در این پیوند قلوب و اُلفت دل ها, دو نام از اسمای حسنای خداوند یعنی عزیز و حکیم سهم به سزایی دارد. از این رو, دل های عزیزان و حکیمان باهم متحد است. حاصل آن که «وحدت جهانی», بدون پیوند تکوینی و همگانی میسّر نخواهد بود و هرگونه پیوندی که با سرشت توحیدی انسان ها مطابق نباشد, اعتباری و زوال پذیر است.

قرآن,چگونه به مسأله اختلاف مقدس و نامقدس پرداخته است؟ پرسش

اشاره

قرآن,چگونه به مسأله اختلاف مقدس و نامقدس پرداخته است؟

پاسخ

در فرهنگ قرآن, اختلاف, گاهی ممدوح و مقدّس است که ار آن به «اختلاف قبل از علم» تعبیر می‌شود و گاهی اختلاف مذموم و نامقدّس است که از آن به «اختلاف بعد از علم» یاد می‌شود. اختلاف مقدّس اختلافی که برای ظهور حق و واقعیّت, در بین افراد گوناگون پدید می‌آید, اختلاف مقدس است؛ مانند اختلاف صاحب نظران برای روشن شدنِ حقّ. این افراد به بحث و گفت و گو می‌نشینند و تبادل نظر می‌کنند تا در سایهٔ آن, حقیقت آشکار شود. این اختلاف, چون زمینهٔرشدو کمال را فراهم می‌سازد و انسان ها را به قلّهٔ اتحاد و هماهنگی می‌رساند, ممدوح و مقدّس است. اختلاف قبل از علم, انسان را محقّق بار می‌آورد؛ چون تا چیزی برای او معلوم نشده است, نباید آن را بپذیرد . روح تحقیق و پژوهش, مایهٔ ترقّی انسان هاست؛ زیرا اگر بین آنان اختلاف نظر و تضارب آراء نبود, بلکه از اندیشه یکسان بهره مند بودند, علم و صنعت هرگز پیشرفت نمی‌کرد و زمینهٔ حلّ مسائل پیچیده فراهم نمی‌شد. این اختلاف, هیچ گونه منافاتی با «امّت بودن» و «وحدت هدف» ندارد؛ چون هر دو طرف اختلاف, مقصد و هدف واحدی را که همان ظهور حقّ و واقع است, دنبال می‌کنند؛ همانند دو کفّهٔ مختلف ترازو که هدف واحدی را دنبال می‌کنند؛ در اثر عدم تطابق کفّهٔ وزن با کفّهٔ کالا و سبک بودن یکی و سنگینی دیگری اختلاف پدید می‌آید. اگر کفهٔ وزنْ سنگین تر باشد, با اعتراض می‌گوید باید مقداری بر کالا بیفزایی و آن را معادل من قرار دهی تا با هم حرکت کنیم و اگر کفّه کالا و موزون سنگین‌تر باشد, او نیز اعتراض می‌کند که چرا وزن, معادل من نیست. دو کفّهٔ ترازو باید هماهنگ و همپای هم حرکت کنند تا اختلاف پایان یابد. بنابراین, نزاع و اختلاف دو کفهٔ ترازو برای رسیدن به مقصد و هدف واحد، یعنی همان برقراری قسط و عدل است. اختلاف نامقدس این اختلاف, پس از ظهور حق و واقع است و بر اثر ظلم و هوای نفس پدید می‌آید. دو صاحب نظر, اگر پس از تبادل نظر و روشن شدن حق برای آنان, خواه به وسیله عقل یا وحی, پیروی شیطان و هوای نفس کرده, در برابر حقّ ایستادند واختلاف کردند, اختلافشان مذموم و برای از بین بردن حق و اِحقاق باطل است؛ نظیر آن که کسی بخواهد پس از هماهنگی دوکفّهٔ ترازو با «تطفیف» و کم فروشی, نیرنگ بزند و بین دو کفه اختلاف ایجاد کند. خدای سبحان مسلمانان را از این اختلاف مذموم نهی کرده, می‌فرماید شما مانند آنان نباشید که پس از روشن شدن حق, در دین و متن کتاب اختلاف کردند «ولا تکونوا کاللذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ماجاءهم البیّنات...» آل عمران / ۱۰۵ قرآن و اختلاف مقدّس و نامقدّس قرآن کریم در آیه «کان الناس أُمّهٔ واحدهٔ فَبَعث الله النَّبیّین مُبشّرین ومُنذرین وأَنزل مَعهم الکِتاب بِالحقّ لیَحکم بین الناس فیما اختَلفوا فیه وَما اختَلف فیه إِلّا الَذین أُوُتوه مِن بَعدما جاءتهم البیِّنات بَغیاً بَینهم...» بقره / ۲۱۳ اختلاف ممدوح را تلویحاً و اختلاف مذموم را تصرحاً ذکر کرده است. خدای سبحان

در آغاز این آیه می‌فرماید مردم گروه واحدی بودند وزندگی ساده وبسیطی داشتند. سپس بر اثر پیشرفت علم وصنعت, در تشخیص حقّ و باطل و تبیین مصالح و مفاسد, اختلاف کردند. این اختلاف تلویحی, چون پیش ازآمدنِ انبیا و کتاب بوده, ممدوح است. سپس خدای سبحان پیامبران را مبعوث کرد و کتاب الاهی را به همراه آنان نازل کرد تا به اختلافات آنان پایان دهند «... فَبَعث اللهُ النَّبیّین مُبشّرین ومُنذرین وأَنزل مَعهم الکِتاب بِالحقّ لِیحکم بَین النّاس فَیما اختَلفوا...». از این تعبیر استفاده می‌شود که وزان آیه چنین بوده است «کان الناس أمّةً واحدةً ثمّ اختلفود فبعث...»؛ چنان که قرینه داخلی و خارجی نیز این برداشت قرآنی را تأیید می کند. شاهد داخلی جملهٔ «لِیَحکم بین الناس فیما اختلفوا» است؛ چون اگر وحدت انسان های اوّلی محفوظ می‌ماند و در جهان بینی, ملکات نفسانی و امور فردی و اجتماعی اختلاف نمی کردند, اوّلاً آوردن این جمله لغو بود؛ چون اختلافی نداشتند. ثانیاً نیاز به نزول مجموعهٔ قوانین به نام کتاب نبود. پس, باید اختلافی بین آنان باشد تا زمینه بعثت انبیا و نزول کتاب فراهم آمده باشد. شاهد خارجی آیهٔ «وما کان الناس إلّا أُمّةً واحدةً فَاختَلفوا و لولا کَلِمةٌ سَبقت مِن رَبّک لَقُضی بَینهم فیما فیه یختلفون» یونس / ۱۹ است که تصریح به اختلاف قبل از وحی دارد. این اختلاف اوّل, ممدوح و مقدّس است؛ مگر آن که به ظهور حق منتهی نشود که در آن صورت مذموم است. آن گاه خدای سبحان به دنبال آیه, به اختلاف مذموم تصریح نموده, می‌فرماید مردم در برابر نزول وحی و ابلاغ آن توسّط پیامبران, دو دسته شدند؛ عدّه‌ای دستورات آنان را پذیرفتند وتسلیم حق شدند و گروهی از عالمانِ دین و حاملانِ وحی, با وجود آن همه بیّنات و معجزات الاهی و ظهور حق, از روی بغی و حسد و سرکشی حق را نپذیرفتند و زمینهٔ اختلاف در دین را فراهم کردند «... وَما اختَلف فِیه إلّا الّذین أُوتوه مِن بعد ما جاءَتهم البَیّنات بَغیاً بینَهم...». بقره / ۲۱۳ شاید برخی برای توجیه «اختلاف نامقدس» بگویند این اختلاف نیز نوعی اختلاف نظر است و عالمانِ دینی, نظر شخصی خود را در برابر انبیا ارائه داده‌اند؛ لیکن این سخن نادرست است ؛ زیرا اوّلاً ـ پایهٔ اختلاف مذموم را هوا و هوس و بغی و سرکشی تشکیل می‌دهد «بغیاً بینهم» بقره /۲۱۳. ثانیاً خدای سبحان برای حلّ اختلاف نظر راه هایی را نشان داده است که پیروی عالمانِ دینی از یک دیگر جایز است؛ مگر آن که به علم وجدانی ثابت شده باشد که طرف مقابل خطا رفته است و وجود علم وجدانی در مسایل فقهی, بسیار اندک است.

محورهای اختلاف مقدس چیست؟ پرسش

اشاره

محورهای اختلاف مقدس چیست؟

پاسخ

اختلاف مقدس که پیش از نزول وحی رخ می‌دهد و انبیا برای رفع آن آمده اند, محورهای گوناگونی دارد که به آن ها اشاره می کنیم الف اختلاف در بارهٔ آداب زندگی و وظایف فردی؛مانند اختلاف در کیفیّت و مقدار تغذیه و چگونگی خواب و استراحت . گرچه‌این اختلاف موجب هرج ومرج در جامعه نمی‌شود, لیکن باید معلوم شود که حق با کیست؟ ب اختلاف در رمینه مسایل اجتماعی و روابط عمومی؛ مانند اختلاف در قوانین تجاری و غیر تجاری. این اختلاف اگر حل نشود, موجب هرج و مرج در جامعه است.

اختلاف نامقدس در دین و منشاء آن چیست؟ پرسش

اشاره

اختلاف نامقدس در دین و منشاء آن چیست؟

پاسخ

مردم در برابر دعوا و دعوت پیامبران الاهی دو گروهند گروهی که می‌پذیرند و برخی که انکار می‌کنند . آنان که نبوّتِ انبیا و وحی الهی را نپذیرفتند و آن را اسطوره یا افسانه پنداشتند, کافر نام دارند واز دایره بحث بیرونند؛ امّا کسانی که نبوّتِ انبیا را پذیرفته, معجزه را نشانهٔ صِدق دعوای آنان دانستند, دربارهٔ دین و متن کتاب, دو دسته شدند گروهی که به وحی الاهی ایمان آوردند و به برکت دستورات حیات بخش انبیا (ع) مشمول هدایت پاداشی خداوند شدند وبه اذن الاهی, حق و وحی را شناخته, در پرتو آن فهمیدند که چگونه در مسایل فردی و اجتماعی و کیفیت بهره برداری از مواهب طبیعی,در کمال صلح و آرامش زندگی کنند «... فَهَدی اللهُ الَذِین امنوا لِمَا اختلفوا فیه مِن الحَقّ بِإذنه...» بقره / ۲۱۳ ولی گروهی فرصت طلب نیز دین را وسیله دنیا قرار دادند و از روی بغی وسرکشی و سوء برداشت, در دین الهی اختلاف کردند. این اختلاف چون اختلاف بعد از علم و نامقدّس است راه علاج و درمانی جز عذاب الاهی به وسیله شمشیر یا آتش دوزخ ندارد. منشأ اختلاف نامقدس دردین اختلاف در دین, خطر بزرگی است که موجب پیدایی مذاهب گوناگون شده است. این اختلاف, ناشی از ابهام در دین خدا یاسخن انبیا نیست؛ چون دین و پیام انبیا, نه تنها بیّن و روشن است, بلکه «بیّنه» و «بیّنات» است و هیچ ابهامی‌در آن نیست «... مِن بعد ماجاءتهم البیّنات...» بقره /۲۱۳ همچنین منشأ اختلاف در دین, جهل, نسیان یاغفلت اختلاف کنندگان نیست؛چون این عناوین, قابل عفو و اغماض است و موجب وعیدالاهی نیست. تنها منشأ اختلاف در دین, ظلم, حسد و ریاست طلبی برخی از منسوبان به دین, مانند عالمان سوء است؛ چنان که قرآن می‌فرماید «... وَما اختلف فیه إلّا الذین أُوتوه مِن بَعد ما جاءتهم البیّنات بَغیاً بینَهم...»بقره / ۲۱۳ از این آیه بر می‌آید که اختلاف در دین, ریشهٔ فطری ندارد؛ بلکه مستند به بغی وتعدّی از حدود و مقرّرات فطرت است؛ زیرا دین الاهی مطابق فطرت است وهرگز از ناحیه دستگاه آفرینش, تغییر واختلافی در آن را ه پیدا نمی‌کند «فَأقِم وَجهک لِلدّین حَنیفاً فِطرت الله التی فَطر الناسَ عَلیها لا تَبدیل لِخلق الله ذلک الدّین القَیّم...» روم / ۳۰ . خدای سبحان در آیات دیگر نیز منشأ اختلاف در دین رابغی و سرکشی و خود محوری برخی ازعالمانِ دینی دانسته است؛ مانند «... ولا تتفرّقوا فیه...* وما تفرقوا إلّا مِن بعد ما جاءُ هم العلم بغیاً بینَهم...» شوری /۳ـ ۱۴[هرگز در دین تفرقه و اختلاف مکنید... و مردم در دین, راه تفرقه و اختلاف نپیمودند؛ مگر پس از آن که علم و برهان از جانب حق برآن ها آمده؛ آن هم به صرف حسادت و برتری جویی میان یک دیگر.]

پی آمدهای تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟ پرسش

اشاره

پی آمدهای تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

پاسخ

در این جا به سه موضوع اساسی اشاره می‌نماییم. ۱ـ زوال قدرت و شوکت قرآن کریم دربارهٔ تنازع میان مسلمانان و آثار شوم آن می‌فرماید با یک دیگر نزاع نکنید؛ چون تنازع موجب ضعف و سستی شما می‌شود و با آمدن «فَشل» و ضعف, عزّت وشکوهتان از بین می‌رود. بنابراین, گرچه حفظ وحدت و تفرقه شکنی کار بسیار دشواری است, لیکن شما این دشواری را تحمل کنید؛ چون خدا

با صابران است و سرانجام در سایهٔ صبر و استقامت, موفق خواهید شد «و أَطیعُوا الله وَ رسوُله ولا تَنازعوا فتَفشلوا وتَذهب ریحکم واصْبروا إنّ الله مَع الصابرین» انفال/۴۶ نزاعی که پس از روشن شدن حق از باطل است و از هوای نفس سرچشمه می گیرد, عامل مهمی‌برای نابودی افراد و جامعه است؛ زیرا نزاع, جدای از آن که اختلاف است, اتحادی نیز در آن نهفته است. سرّ تأثیر نزاع و ویران گری آن نیز همان اتفاق است؛ چون اختلاف کنندگان, خواه دو فرد یا دو گروه, نتیجه تلاششان دو چیز است از بین بردن قدرت طرف مقابل و هدر دادن توان خود برای مقابله با قدرت طرف مخالف. بنابراین, اختلاف گران بر نابودی قدرت یک دیگر اتفاق دارند و همین امر, موجب زوال قدرت و شوکت جامعه خواهد شد. از این رو, قرآن کریم می‌فرماید «...لا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم...». انفال / ۴۶ ۲ـ ذلّت و بردگی حضرت علی (ع) پس از جنگ با ناکثین و مارقین و قاسطین, تقریباً در اواخر عمر مبارک خود, مقاطع تاریخی را ترسیم می کند و هشدار میدهد ومی‌فرماید مردم! من سه حلقهٔ تاریخ پیامبر زادگان را برای شما شرح بدهم تا شما خیال نکنید که خداوند, اهل سهل انگاری است و اگر این تجربهٔ تلخ را یک بار چشیدید و به ذلّت افتادید, بار دیگر تلخ کام نشوید. حلقهٔ اوّلِ تاریخ این سلسله, مرحله قیام خلیل حق, ابراهیم (ع) است که به برکت آن , فرزندان ایشان به عنوان انبیای ابراهیمی‌و امامزادگان و پیامبرزادگان و به تعبیر قرآن کریم, «ملوک» بر مردم شدند «... وَجعلکم مُلوکاً واتاکم ما لم یؤتِ أحداً من العالَمین» مائده / ۲۰. در این مقطع,شما به برکت خلیل حق (ع) به اوج عظمت رسیدید واین, همان حلقهٔ اول از تاریخ این سلسله است. آن گاه در تبیین حلقهٔ دوم از تاریخ این سلسله فرمود شما سرگذشت پیامبرزادگان و امامزادگانی چون فرزندان اسماعیل و اسحاق و یعقوب (اسرائیل) (ع) را شنیده‌اید «فَاعتَبِروا بِحال وَلد إسماعیل و بَنی إسحاق و بَنی إسرائیل (ع) فَما أشَدّ اعتدال الأَحوال و أَقرب اشتباهَ الأمثال» (نهج البلاغه, خطبه۱۹۲, بند۹۳). آنان, انسان های شریف از تبار ابراهیم و پیامبر زاده و امامزاده بودند؛ ببینند چه روزگاری را گذراندند «تأمّلوا أمرَهم فی حال تَشتّتهم وتَفرّقهم لَیالی کانت الأکاسِرة والقیاصِرة أَرباباً لَهم یَحتازونُهم عَن ریف الافاق و بَحر العِراق و خُضرةِ الدنیا الی منابِت الشَیح و مَها فِی الریح و نَکَدِ المعَاش فَترکوُهم عالهٔ مَساکین إخوانَ دَبَرٍ و وبَرٍ...» (نهج البلاغه, خطبه ۱۹۲, بند ۹۳). [آیا ندیدید تبه کاران, با امامزادگان و پیامبرزادگان چه کردند؟! از یک سو کسراهای ایران و از سوی دیگر قیصرهای روم , بر امامزادگان حکومت کردند و آنان را به بردگی و گدایی کشاندند. کسراهای ایران و قیصرهای روم, نه تنها ربّ این امامزادگان بودند, بلکه آنان را «حیازت» کردند؛ آنان را جزء موات می‌دانستند. آیا ندیدند که مناطق سرسبز و خرم را از تصرّف آنان خارج کردند و سرزمین های خوش آب و هوا را از دست آنان گرفتند و آنان را به مناطق بد آب و هوا تبعید کرده, در آن جا اسکان دادند و معادن و منابع و ذخایر آنان را غارت نمودند؟ «ونَکَد المَعاشِ».] آیا به یاد ندارید که قلمرو سلطنت کسراهای ایران, منطقه نفوذ امامزادگان و پیامبرزادگان را زیر پوشش داشت ومنطقهٔ نفوذ سلطنت قیاصرهٔ روم, آنان را در بر گرفت تا جایی که آنان گدایان ایران و روم شدند؟ آیا شما فکر می کردید که پیامبر زادگان, روزی «چارپادار» شوند؟! این حکایت تاریخ است که نوادگان ابراهیم (ع)، نوادگان اسماعیل (ع) و نوادگان اسحاق (ع), «اصحاب دَبَر و وَبَر» شدند و کسراها و قیصرها آنان را یک مُشت گدا کردند. مبادا فراموش کنید که چرا پیامبرزادگان ابراهیم (ع) به گدایی افتادند واصحاب دَبَرْ و وَبَرْ شدند؛ آنچه مایه ذلّت این سلسله گشت, چیزی جز «ترک دین» و «دامن زدن به اختلاف» نبود. بنابراین, برای این که به آن مقطع ذلّت بار باز نگردید, اوّلاً دین دار و دین باور باشید و ثانیاً هماهنگ و متّحد. این,سرگذشت مقطع دوم از زندگی امامزادگان و پیامبرزادگان است؛ تا پیش از ظهور اسلام. آن گاه در مقطع سوم از تاریخ این سلسله , به برکت حضرت رسول اکرم (ص) اسلام ظهور کرد و با ظهور خود, «توحید کلمه» و «کلمه توحید» را به ارمغان آورد و فکر آنان را احیا نمود؛ به آنان دین داد و آنان را از باز تشتّت و تفرّق رهایی بخشید و در نهایت, ازادی و آبادی را به‌ایشان اهدا کرد؛ چنان که در پرتو اسلام, همین چارپاداران به جایی رسیدند که فرمانروا شدند «فَهُم حُکّامٌ عَلی العالَمین ومُلوک فِی أَطراف الأَرضین یَملکون الأُمور عَلی مَن کان یَملکها عَلیهم و یُمضُون الأَحکام فیمن کان یُمضیها فیهم لاتُغمز لهم قناهٔ ولا تُقرَعُ لهم صَفاهٔ». (نهج البلاغه, خطبه۱۹۲, بند ۱۰۱) در سایه همین اسلام ـ که

مجد فراموش شده را به آنان بازگرداند ـ همهٔ حاکمان, محکوم گشتند و این اصحاب دَبَر و وَبَر, بر قیاصرهٔ روم و اَکاسرهایران سلطه یافتند و غنایم جنگی شرق و غرب را به حجاز آورده, حکّام و ملوک شدند. این مقطع, مقطع سوّم از تاریخ این سلسله است. امیر المؤمنین (ع) پس از تبیین حلقات سه گانه یاد شده و تحلیل ادوار تاریخی سلسله امامزادگان و پیامبر زادگان, شرایط اجتماعی عصر خود را تشریح می کند و چنین می‌فرماید ای کسانی که با من نساختید و از اطاعت من سرباز زدید! آیا می‌خواهید به آن مقطع ذلّت بار که اکاسره و قیاصره شما را حیازت می کردند و اربابتان بودند برگردید یا به مقطع شکوه مندی که در تحت رهبری قرآن و عترت حرکت می کردید «أَلاوإِنّکم قَد نَفَضّتم أَیدیکم مِن حَبل الطّاعهٔ و ثلمْتُم حِصنَ الله المضروب عَلیکم بِأحکام الجاهلیّه ...» (نهج البلاغه, خطبه۱۹۲, بند ۱۰۳) [شما طناب اطاعت را از دست خود رها کردید و این قلعه مستحکم را سوراخ نمودید و مرا تنها گذاشتید.] آن گاه فرمود «فَإنّ الله سبحانه قَد امتَن عَلی جَماعهٔ هذه الأُمّهٔ فِیما عَقد بینَهم مِن حبلِ هذه الأُلفهٔ الّتی یَنتقلون فی ظِلّها و یَأوون إِلی کنِفها بِنِعمهٔ لایعرف أحدٌ من المَخلوقین لها قیمهٔ لأنّها أرجحُ من کُلّ ثَمَنٍ وأجلُّ من کُلّ خطرٍ». (نهج البلاغه, خطبه ۱۹۲, بند ۱۰۳) [خداوند سبحان منّتی بر این مردم نهاد که آنان را در سایه «حبل الله» متحد کرد و نعمتی به آنان داد که احدی نمی‌تواند آن نعمت را حق شناسی کند؛ زیرا قیمت آن را نمی‌داند. این نعمت, از هر کالای پر بهایی گران تر و از هر چیز ارزش‌مندی قیمتی‌تر و از هر امر خطیری خطیرتر است و شما به‌این مقطع والا رسیدید.] اکنون اگر در نظام اسلامی‌از وحدت الاهی خود حراست نکنید و از عترت اطاعت ننمایید, همان مقطع اوّل دامنگیر شما خواهد شد. ۳ـ دشمنی و قضاوت ناحق دشمنی های ناصحیح که از اختلاف های نامقدس سرچشمه می گیرد, در نظر دهی و قضاوت انسان تأثیر به سزایی دارد؛ تا آن جا که موجب کوری و کری در برابر حقایق و واقعیّت ها می‌شود؛ چنان که دوستی ها گاهی این گونه است «حبّک للشیئ یُعمی‌و یصم» (بحار, ۷۴/۱۶۵). انسان اگر چیزی یا کسی را دوست داشته باشد, عیوب و نقاط ضعفش را نمی‌بیند و نمی‌شنود و نیز اگر واقعاً از چیزی یا کسی بدش بیاید و با او دشمنی داشته باشد, زیبایی ها و نقاط قوّتش را نادیده ونشنیده می گیرد. «اختلاف» از گناهانی است که حد و مرزی ندارد؛ لیکن شیطان روان کاوانه کار می کند که انسان به کارهای خود صبغه دینی بدهد و کارهای رقیب خود را کفر آلود ببیند؛ با این وصف, هر روز دامنه اختلافات گسترده تر وعمق کینه و عداوت بیشتر خواهد شد.

مبدأ فاعلی تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

پرسش

مبدأ فاعلی تفرقه و اختلاف نامقدس چیست؟

پاسخ

خدای سبحان, پس از آن که مؤمنان را در حوزهٔ ایمانی و اسلامی‌به انقیاد واتحاد همگانی ـ که همان راه انبیاست ـ دعوت کرد, آنان را از پیروی گام های شیطان نهی فرمود؛ زیرا شیطان, دشمن آشکار است و قدم های او برای افراد زیان بار است «یا أَیُّها الَذِین امَنوا ادخُلوا فِی السِّلم کافّهً ولاتَتَّبعوا خُطوات الشَّیطان إِنّه لکم عَدوٌّ مبین» بقره / ۲۰۸ از تقابل صدر و ذیل این آیه استفاده می‌شود که اختلاف وتفرقه, یکی از راه‌های شیطان است؛ زیرا از این که صدر آیه, مؤمنان را به اتحاد و انقیاد همگانی دعوت می کند و ذیل آیه, از پیروی راه های شیطان, نهی می کند, معلوم می‌شود که تفرقه, راه شیطان است؛ چنان که صلح و اتحاد, راه انبیاست. بنابراین, فکر اختلاف در هر کسی پیدا شد, باید بداند که‌این فکر را شیطان آورده است؛ چون اولاً راه شیطان, در برابر صراط مستقیم و وحی و برهان است «وأنّ هذا صراطی مستقیماً فاتَّبعوه ولا تَتَّبعوا السُّبل فَتَفرّق بکم عن سبیله...» انعام / ۱۵۳. ثانیاً فکر و

انـدیشه, یک امر وجودی است و خود به خود پیـدا نمی‌شود؛ بلکه سـبب فاعلی می‌خواهـد. ثالثاً ایجاد کننـدهٔ اندیشه نمی‌تواند خود ذهن باشـد؛ زیرا ذهن, قبول کننـدهٔ انـدیشه است؛ نه سازنـدهٔ آن. پس, برای آن که بفهمیم آیـا سـبب فـاعلی افکار تازه, از الهامات فرشتگان است «تَتَنَزّل عَلیهم المَلائکهٔ» فصلت / ۳۰ یا از القائات شیاطین «... وإنّ الشَیاطین لَیوحُون إلی أولیائهم لِیجادلوکم...» انعام / ۱۲۱ بایـد از میزان وحی و عقل سالم بهره ببریم؛ یعنی هر آنچه در مقام نظر و اندیشه یا در مقام عمل و انگیزه, مطابق با میزان الاهی ـ عقل و وحی ـ نبود, القا و وسوسه شـیطان است. قرآن کریم, بارها مؤمنان را از پیروی گامهای شـیطان, در مسائل فردی و اجتماعی , نهی کرده است؛ چون دشـمنی شـیطان, آشـکار است وکار دشـمن جز ضرر و زیان زدن نیست «ولاتتَّبعوا خُطوات الشَّیطان إنّه لکم عَـدوٌ مبین» بقره / ۲۰۸ و سـیاست شـیطان نیز گام به گام است. او آهسـته و پیوسـته می‌آیـد و وسوسه می‌کند تا گوهر تابناک ایمان مؤمن را بزداید و او را بی‌آبرو نماید و در نهایت, او را کافر وگمراه کند «کَمثَل الشَّیطان إذ قال لِلإنسان اکفُر فَلمّا کفَر قال إنّی بَریءٌ مِنک إنّی أَخاف الله رَبّ العالَمین» حشر/ ۱۶

راههای مبارزه با تفرقه و اختلاف نامقدس از نظر قرآن چیست؟

پرسش

راههای مبارزه با تفرقه و اختلاف نامقدس از نظر قرآن چیست؟

پاسخ

۱ـ اقامهٔ برهان قرآن کریم دربارهٔ تشـریح اختلافات می‌فرماید علل اختلاف و این که گروهی خود را برتر از دیگران دانسته, سایرین را طرد می‌کننـد به امور طبیعی یـا به امور اعتبـاری یـا به برداشت های علمی و فقهی برمی‌گردد. این ها گرچه مایه اختلاف هسـتند, ولی هیـچ کـدام ایجـاد امتیـاز و برتری نمی‌کننـد. امتیـاز نبودن تفـاوت هـای طبیعی قرآن کریم دربـاره عوامل طبیعی اختلاف, مانند قومیّت هـا و نژادهـای گوناگون و لهجه ها و زبان های مختلف, می‌فرمایـد این ها شناسـنامه طبیعی شـناخت افراد است و هرگز مایه افتخـار نیست؛ چون تقوا مـایه امتیـاز و برتری افراد است و تقوا زمینه وحـدت را ایجـاد می‌کنـد «یا أیها الناس إنّا خَلقناکم مِن ذَکرٍ و اُنـثی وجَعلنـاکم شُـعوباً وقَبائِـل لِتعـارَفوا إنّ أَکرمکم عِنـدالله أَتقیکم إنّ الله عَلیم خَـبیر» حجرات / ۱۳. در عصـر جاهلیت, بسـیاری از اختلاـف هـا ونزاع هـا ناشـی از تفاخر به نژاد و قبیله بود. از این رو, قرآن کریم و شـخص رسول اکرم (ص) اهتمام زیادی به زدودن این سـبب اختلاف داشـتند. پیامبر اکرم (ص) در مکه در خطبه‌ای به مردم فرمود ای مردم! خداونـد ازشـما ننگ جاهلیت و تفاخر به پدران و نیکان را زدود. پس, مردم دو گروه بیش نیستند انسان نیکوکار و با تقوا و ارزش مند نزد خدا و انسان بدکار و شقاوت مند در پیشـگاه حق. همه مردم, فرزنـد آدمنـد و خداونـد آدم را از خاک آفریـد؛ آن گاه آن حضـرت, آیهٔ شـریفه پیش گفته را قراءت فرمود. (تفسیر قرطبی, ۸/ ۳۰۹) آن حضـرت (ص) در همین زمینه می‌فرماید ای مردم! بدانید خدای شما یکی است و پدرتان یکی؛ نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب و نه سیاه پـوست بر گنـدمگون و نه گنـدمگون بر سیاه پوست مگر به تقوا. آیـا من دسـتور الاهی را ابلاغ کردم؟ همه گفتنـد آری. فرمود این سـخن را حاضـران به غایبان برسانند. (تفسـیر قرطبی,۸/۳۰۹) هنچنین در حـدیث دیگر چنین فرمود خداوند به وضع خانوادگی, نسب, اجسام و اموال شـما نگاه نمی‌کند؛ ولی نگاه به دل های شـما می‌کند؛ کسـی که قلب صالحی دارد, خـدابه او لطف و محبت می‌کند. شـما همگی فرزندان آدمید و محبوب ترین شـما نزد خدا باتقواترین شماست (تفسـیر قرطبی, ۸ /۳۰۹) بنـابراین اسـلام بـا عصبیت جـاهلی اعم از نژاد و رنگ و قبیله و هرشـکلی دیگر آن مبارزه کرد تا مسـلمانان جهان را از هر نژاد و قوم و قبیله, زیر پرچم واحـدی جمع آوری کنـد. امتیاز نبودن علل اعتباری قرآن کریم درباره عوامل

اعتباری مانند مال و منال و مقام می‌فرماید این امور اعتباری را برای آزمایش به افراد می‌دهیم و هرگز مایه تفاخر و برتری افراد نخواهد بود. پس هر فرد یا اُمّتی که بخواهد با این امور اعتباری, خود را برتر از دیگران ببیند و از برتری جویی لذّت ببرد, بداند که لذّت کاذبی است؛ مانند لذتی که معتاد از موادّ مخدّر دارد و وقتی لذّت و برجستگی او کاذب شد, رنج وکوچکی وی صادق است؛ چون ممکن نیست که دو طرف نقیض, صادق یا کاذب باشد. او به خیال لذّت بردن, درحقیقت, درد را زیر پوشش لذّت تحمّل می‌کند. بنابراین کسی که می‌داند امور طبیعی و اعتباری, دلیل افتخار و امتیاز نیست, ولی به دنبال آن می‌رود, راه شیطان را می‌پیماید و شیطنت, با عقل سازگار نیست. تعیین مرجع برای برداشت های علمی قرآن کریم دربارهٔ برداشت های علمی‌وفقهی می‌فرماید گرچه‌اینها می‌توانند زمینهٔ اختلاف را فراهم کند, لیکن اگر به کتاب و سنّت مراجعه کنید, این اختلافات حل می‌شود «... فَإِن تَنازعتم فی شیءٍ فَرُدّوه إِلی الله والرّسَول ...» نساء/۵۹ (به شرط آن که رجوع به محضر قرآن و سنّت, با پیش داوری و تحمیل فهم نادرست و منحرف خود به آن ها نباشد؛ بلکه خود و اختلافات را به قرآن و سنّت عرضه کنند تا مشکلشان حلّ شود. اگر با مراجعه به کتاب وسنّت, اختلاف نظرهای علمی‌و فقهی حلّ نشد, نباید زمینه تفرقه را فراهم کند؛ چون این اختلاف نظرها آن قدر مقدّس و محمود است که اوّلاً مایه کشف وپدیدار شدن نظریه صحیح و حقیقی است؛ چنان که امیر المؤمنین (ع) فرمود «إِضربوا بعَض الرأَس بِبعَض یَتولّد مِنه الصَواب» (غررالحکم آمدی, ۲, /۲۶۶) ثانیا بزرگان فقهی, در بحث اجتهاد و تقلید, به‌این مطلب رسیده‌اند که اختلاف نظرها مانع اقتدای یکی از آنان به دیگری در نماز نمی‌باشد؛ گر چه اختلافشان در حدّ اجتهاد و فتوا باشد, مگر موردی که جزم و علم وجدانی به بطلان نماز او داشته باشد که‌این مورد بسیار نادر است؛ چون فتواها نوعاً استظهار از ادلّه است که یقین آور نیست.افزون بر آن, ممکن نیست کسی که با قلب پاک و اراده اصلاح به محکمه قرآن و سنّت برود و اختلاف او حل نشود. ۲ـ موعظه حسنه قرآن کریم, ریشه همه اختلافات عملی را هوای نفسانی و دوستی ها و دشمنی های نابه جا و شیطانی می‌داند. از این رو, همراه ریشه یابی, تلاش فراوان دارد که انسان ها را از نظر اخلاقی به کمال نفس برساند تا از چاه شهوت و غضب بیرون آمده, به اوج وکمال حکمت و معرفت نایل آیند. خدای سبحان, درباره اوصاف بهشتیان می‌فرماید ما هرگونه کینه و دشمنی را از دل‌های آنان زدودیم «ونَزعَنا ما فی صُدورهم مِن غِلٍّ ...» اعراف / ۴۳ مؤمنان صدر اسلام (مهاجر و أنصار) نیز همین صفت وارسته و مقام بلند را در دعاهایشان از خدا مسألت می‌کردند «... یَقولون رَبّنا اغْفِر لَنا ولِإِخواننا الّذین سَبقونا بالإِیمان ولَا تجَعل فی قُلوبنا غِلًّا لّلذین امنوا...» حشر /۱۰ [خدایا! ما و برادران ایمانی مان را بیامرز و در دل های ما هیچ گونه کینه و عداوتی نسبت به آنان قرار مده.] یعنی دیگران با مردن و دیدن برزخ و تحمّل مشکلاتِ آن و پاک شدن به بهشت می‌روند وبه‌این صفت وارسته می‌رسند که بینشان اختلافی و کینه‌ای نیست؛ لیکن مردان الاهی, این نعمت بزرگ بهشتیان را در دنیا از خداوند طلب می‌کنند؛ چون زیبا ترین و لذّت بخش ترین زندگی در پرتو وحدت و اتحاد, امکان پذیر است. بنابراین, اگر جامعه, حکیم و عاقل باشند, همیشه در بهشت به سر می‌برند؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) حکمت را به بهشت تفسیر نمودند «أنا مدینهٔ الحکمهٔ ـ وهی الجنّهٔ ـ وأنت یاعلی (ع) بابها ...» (بحار, ۴۰ ,/۲۰۰)؛ [من شهر حکمتم که بهشت است و تو ای علی, دَرآن شهر هستی.] ۳ـ جلوگیری از مغالطه و اشتباه قرآن کریم همراه دستور به وحدت و اتحاد, هرگونه دستاویزی را از دست بهانه جویان می‌گیرد؛ چون شیطان از هر راهی که بتواند جلوی اجرای احکام دین را می‌گیرد؛ گاهی درمسائل علمی و نظری مغالطه می‌کند وگاهی در مسائل عملی , انسان را به هوا و هوس می‌اندازد؛ در تحلیل مسائل علمی, القای شبهه در ذهن می‌کند و از این راه, ایجاد تفرقه می‌کند و در مسائل عملی با وسوسه و تحریک هواهای نفسانی, زمینه اختلاف را فراهم می‌کند. از این رو, خدای سبحان در این آیه فرمود «... ولا تَتّبعوا خُطوات الشَیطان إِنّه لَکم عَدوٌّ مُبین» بقره / ۲۰۸ [از گام های شیطان پیروی نکنید؛ چون او دشمن آشکار شماست.] قرآن کریم, پس از تبیین ادلّه ضرورت اتحاد و بطلان اختلاف, می‌فرماید نباید دعوت به سِلم و اتحاد همگانی, بهانه و زمینه‌ای برای بی‌تفاوتی, به مداهنه کاری و تسامح و تساهل نابجا و ترک امر به معروف و نهی از منکر باشد چون امر به معروف و نهی از منکر جایگاه خود را دارد. معروف,

همان چیزی است که عقل وقرآن و روایات آن را به رسمیت می‌شناسد. و منکر, امری است که برخلاف عقل و قرآن باشد. امر به معروف و نهی از منکر و تلاش در جهت قلع ریشه های فساد و گناه, از بهترین زمینه های ایجاد وحدت و ألفت در جامعه اسلامی‌است, زیرا فطرت انسان هماهنگ با معروف و مخالف با منکر است وتعامل بر طبق منکر, جز تفرقه به همراه ندارد. از این رو خداوند از یک سو در این آیه می‌فرماید «یا أَیها الذَینَ امنوا ادخُلوا فِي السِّلم کافَّة...» بقره / ۲۰۸ [ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید! همگی به اطاعت خدا در آیید وگام های شیطان را دنبال مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.] و از سوی دیگر می‌فرماید باید امّت و گروهی از شما, همیشه مردم را به سوی خیر ونیکی دعوت کند وامر به معروف و نهی از منکر نمایند «وَلْتَکن مِنکم أُمّة یَدعوُن إِلی الخیر ویَأْمرون بالمعروف وینهون عَن المُنکر وأولئک هم المُفلحون» آل عمران / ۱۰۴«کُنتم خیر اُمّة أُخرجت لِلنّاس تَأمرُون بالمعُروف وتَنهون عَن المنکر...»؛ [شما بهترین اُمّتی هستید که برای مردم پایدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید از کار ناپسند باز می‌دارید] (آل عمران/ ۱۱۰. بنابراین , اتحاد و برادری به معنای دست بر داشتن از امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ بلکه اگر با داشتن «حجّت بالغة», موعظه کردید و دین و معارف را به طرف مقابل رساندید و آن شخص, باز هم تعدّی و تجاوز کرد,باید او را امر به معروف و نهی از منکر کنید تا آن جاکه شخص با إذن ولیّ مسلمین, می‌تواند به وسیله ضرب و قتل ـ که آخرین مرحلهٔ نهی از منکر است ـ جلوی فساد او را بگیرد واگر پنهانی مرتکب آن شده, به وسیله حدّ و تعذیر, جلوی او را سدّ کند/<. html/> <body>

اهمیت وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

پرسش

اهمیت وحدت از دیدگاه علی (ع) چیست؟

پاسخ

امیرمؤ منان (ع) وحدت را منّت بزرگ خدای سبحان بر مردم دانسته است؛ آن جا که فرمود «فَإِنّ الله سبحانه قَد اِمتَنّ علی جَماعة هذه الأُمة فیما عَقد بَینهم مِن حَبل هذه الأُلفة الّتی یَنتقلون فی ظِلّها ویأوون إلی کَنفَها بِنعمة لا یعَرف أَحَد من المَخلوقین لَها قِیمة لِأَنّها أَرجح مِن کُل ثَمَنَ وأَجلَّ مِن کُلِّ خَطر». (نهج البلاغه خطبه ۱۹۲) [خداوند بر این اُمّت, منّت گذارده و بین آنان الفت و اتحاد ایجاد کرده است که در سایه آن زندگی کنند و به کنف حمایت آن پناهنده شوند؛ این نعمتی است که احدی نمی‌تواند بهایی برایش بگذارد؛ زیرا از هر بهایی گران قدرتر و از هر چیز پرارزشی, با ارزش‌تر است.] تعبیر منّت اِلاهی از وحدت , بیان گر اهمیّت این موضوع است؛ زیرا به نعمت عظیم , منّت گفته می‌شود؛ چنان که خدای سبحان از بعثت پیامبر (ص) به عنوان منّت یاد کرده است «لَقد مَنَّ اللهُ عَلی المؤمُنین إِذ بَعث فیهم رَسولاً مِن أنفسهم». آل عمران,/ ۱۶۴ حضرت علی (ع) به همراهی با جماعت و کناره گیری از جدایی فرمان داده, می‌فرماید «ألزَموا الجَماعة وَاجتَنِبوا الفَرقة». (شرح غرر الحک,۲/ ۲۴۰) نیز می‌فرماید «وَ إیّاک وَ الفَرقة فَإِنّ الشاذ مِن النِاس لِلشَیطان»؛ [از جدایی دوری کن؛ زیرا نادر از مردم, از آن شیطان است.] (شرح غرر الحکم ۲/ ۳۰۵) وحدت, آن قدر مهم است که حضرت علی (ع) با وجود مصایب سنگین, به شدت, حافظ اتحاد جامعه اسلامی‌بود. آن حضرت در نامه‌ای به ابو موسی اشعری می‌فرماید «و لَیس رَجل ـ فَاعلم ـ أَحرص عَلی جَماعة أُمة محمد (ص) و أُلفتها مِنّی أبتغی بِذلک حُسن الثّواب وکَرَم الماب» (نهج البلاغه, نامه ۷۸)؛[بدان, هیچ کس نیست که نسبت به وحدت و اتحاد امّت محمد (ص) از من حریص تر و اُنسش به آن از من بیشتر باشد. من در این کار, پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم.] صبر آن حضرت (ع) نیز برای حفظ

وحدت بود؛ صبری که درباره‌اش فرمود «فَرأیت أنّ اَلصّبر علی هاتا أَحجی فَصبَرتُ وفِی العَین قَذَی وفِی الحَلق شَجاً» (نهج البلاغه, خطبه ۳)؛[عاقبت دیدم که بردباری و صبر به عقل و خرد نزدیک تر است و شکیبایی ورزیدم, ولی به کسی می‌ماندم که خاشاک چشمش را پرکرده است واستخوان راه گلویش را گرفته است.] آن حضرت (ع) دربارهٔ دلیل سکوت خود فرمود «وأیم اللهِ لَولا مَخافَةِ الفُرقةَ بَین المُسلمینَ وَ أن یَعود الکُفر وَ یَبور الدین لَکُنّا عَلی غَیر ما کُنّا لَهم عَلیه».(بحار ۳۲/۶۱) [به خدا سوگند! اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود رفتار ما با آنان به گونه‌ای دیگر بود.] (بحار۳۲ /۶۱) حضرت علی (ع) پس از انتخاب عثمان برای خلافت مسلمانان فرمود «لَقد عَلِمتم أَنّی أَحقُّ الناس بِها مِن غَیری وَ واللهِ لأُسلِّمنّ ما سَلِمت أُمور المُسلمین ولَم یَکن فیها جَور إلّا عَلیَّ خاصّة». [شما می‌دانید که من از همه برای خلافت شایسته ترم. به خدا سوگند ! مادامی‌که کار مسلمانان رو به راه نباشد و تنها بر من جفا شده باشد, مخالفتی نخواهم نکرد.] این سخنان نشان می‌دهد که وحدت از اهمیت ویژه‌ای بر خوردار است و حضرت علی (ع) از هیچ کوششی برای ایجاد و حفظ وحدت دریغ نورزید.

از دیدگاه علی (ع) آیا هر اتحادی نیکو و مقدس است؟ پرسش

اشاره

از دیدگاه علی (ع) آیا هر اتحادی نیکو و مقدس است؟

پاسخ

اگر اتحاد و اجتماع بر مدار اجرای حقّ نباشد, برضلالت و گمراهی خواهد بود و چنین اتحادی نمی‌تواند مقدّس و مطلوب باشد. حضرت امیر المؤمنین (ع) دربارهٔ جامعهٔ پیش از اسلام که جامعه‌ای مجتمع بر محور شرک و جاهلیّت بوده است, می‌فرماید «ولَقد کُنّا مَع الرسول الله (ص) نقَتُل اباؤَنا وأَبناؤنَا وإِخوانَنا وأعمامَنا, ما یَزیدنا ذلک إلّا أیماناً و تسلیماً... فلمّا رأی الله صِدقنا أنزل بِعدُوّنا الکَبْتَ وأنزل عَلینا النَصر...» .(نهج البلاغه,خطبه۵۶) [ما در رکاب رسول خدا (ص) بودیم و با پدران, فرزندان, برادران و عموهای خود جنگ می‌کردیم و این مبارزه, بر ایمان و تسلیم ما می‌افزود... پس , آن گاه که خدا راستی و اخلاص ما را دید, خواری و ذلّت را بر دشمنان ما و پیروزی را برما نازل کرد.] همچنین آن حضرت دربارهٔ اتحاد بر تفرقه که امری زیان بخش است و نیز پراکندگی و اختلاف بر محور اتّحاد می‌فرماید «... فَاجتَمع القَوم عَلی الفُرقهٔ وافَترقَوا علی الجَماعهٔ کَأنّهم أَئِمهٔ الِکتاب و لَیس الکِتاب إمامَهم فَلَم یَبق عِندهم مِنه إلّا إسمه وَ لا یَعرفون إلّا خَطّه وزبْره...» (نهج البلاغه, خطبه۱۴۷) [مردم در آن روز بر تفرقه و پراکندگی اتحاد می‌کنند و در اتحاد و یگانگی, پراکندگی دارند؛ گویا این مردم, پیشوایان قرآنند و قرآن پیشوای آنان نیست. در این هنگام جز نامی‌از قرآن نزدشان باقی نماند و جز خطوط آن چیزی نشناسد... .] پس, هر اتحادی مطلوب نیست؛ بلکه باید محور و هدف اتحاد مورد دقت قرار گیرد و با توجه به آن ,حق یا باطل بودن اتحاد و مرتبه آن تعیین گردد و به سخن دیگر, حسن اتحاد ذاتی نیست؛ بلکه اتحاد, اقتضای حسن یا قبح را دارد؛ اگر بر محور حق بود, نیکو است و همگان باید تلاش کنند آن را به وجود آورند و پس از ایجاد نیز در حفظ آن کوشا باشند و اگر اتحاد بر محور باطل بود, قبیح است و نابود کردن چنین اتحادی بر همگان لازم است. به دیگر سخن, می‌توان با توجه به محور و هدف اتحاد, آن را به احکام خمسهٔ وجوب, حرمت, استحباب, کراهت و مباح تقسیم کرد؛ اگر گروهی بر امر باطلی اتحاد کردند, چنین اجتماعی مقدس نیست؛ مانند اتحاد قریشیان بر ضد حضرت علی (ع) «فَإنّهم قَد أَجمعوا علی حَربی کَإجماعهم عَلی حَرب رسول الله قَبلی». (نهج البلاغه, نامه۳۶). و مانند اتحاد شامیان بر امر باطل خود که امیر مؤمنان (ع) درباره اش فرمود «وإنّی وَالله لَأظَنّ هؤلاء القَوم سیُدالون مِنکم بِإجتماعهم عَلی باطِلهم» (نهج البلاغه خطبه۲۵)و

نیز مانند اتحاد مردم اوباش که حضرت علی (ع) درباره اش فرمود «هُم الذَین إذ اجتَمعوا غَلبوا وَ إذا تفَرّقَوا لَم یعرفوا ... هُم الذَین إذا اجتَمعوا ضَرّوا و إذا تفَرّقَوا نفَعوا» (نهج البلاغه حکمت ۱۹۹) کهاین گونه اتحادها را باید از بین برد.

وحدت صحیح, چگونه حاصل می‌شود؟

پرسش

وحدت صحیح, چگونه حاصل می‌شود؟

پاسخ

انسان از یک عامل «کثرت» به نام طبیعت و یک عامل «وحدت» به نام روح ماورای طبیعی, تشکیل یافته است. حال اگر او جنبهٔ طبیعی خود را فربه کند, جز اختلاف و نزاع چیزی نمی‌یابد؛ ولی اگر جنبهٔ ماورای طبیعی خویش را تزکیه کند, از گزند هر گونه درگیری مصون و به شهد مسالمت و صفا کامیاب می گردد. خدای سبحان, آفرینش پیکر آدمی‌را به «تراب», «طین», «حمأمسنون» و «صلصال» نسبت داد که از نشأهٔ کثرت و همواره سبب نزاع است «وَالله خَلقَکم من تُراب... » فاطر/ ۱۱ « . . . إنّی خالق بَشراً مِن طین» ص/ ۷۱ «... إنّی خالق بَشراً مِن صَلصال مِن حَمإمسَنون» حجر/ ۲۸ و آفرینش روح انسانی را به خود نسبت داد که عین وحدت و همواره سبب اتحاد و رآفت و مایهٔ التیام و محبت است «فَإذا سَوّیتُه ونَفخَت فیه مِن روُحی...» حجر / ۲۹ «ثُم سَوّاه و نَفخَ فیه من روُحی...» سجده/ ۹ سرّ کثرت طبیعت و ماده را باید در ضیق هستی آن جست جو کرد؛ زیرا هر موجود مادی, شرایط خاصی دارد که نه در دیگری است و نه پذیرای غیر خود. راز وحدت ماورای طبیعت را نیز باید در سعهٔ وجودی آن یافت؛ زیرا هر موجود مجرد, نه در حضور دیگری محجوب است و نه از شهود غیر خود, محروم. از این رو, نه بهشتیان, کینه و نزاع دارند «ونَزَعنا ما فی صُدور هم مِن غلٍّ» اعراف / ۴۳ و نه در دل های مردان با ایمان که با ماورای طبیعت ارتباط دارند وبه دستورهای وحی آسمانی عمل می کنند , نسبت به یک دیگر عداوت و بغض است «... رَبّنَا اغفِر لَنا و لِإخواننا الذَین سَبقونا بِالإیمان و لا تَجعل فی قُلوبِنا غِلّاً لِلذَین امنوا رَبّنَا إنّک رَءُوف رحیم» حشر / ۱۰.

چرا دین, محور وحدت است؟

پرسش

چرا دین, محور وحدت است؟

پاسخ

دین الاهی, محور وحدت مسلمانان جهان است؛ چنان که علی (ع) هنگام نکوهش کوفیان ـ که در برابر عامل معاویه یعنی نعمان بن بشیر بی‌تفاوت بودند ـ فرمود «... لاأَباً لَکم! ما تَنتظرون بِنَصرکم رَبّکم؟ أَما دین یَجمعکم و لا حَمیّهٔ تُحمِشکم...» [ای بی اصل ها! در یاری پروردگارتان منتظر چه چیزی هستید؟ آیا دینی ندارید که شما را گرد آورد؟ یا غیرتی که شما را به خشم آورد؟] (نهج البلاغه, خطبه۳۹) امیر مؤمنان (ع) در این خطبه, به وحدت آفرینی دین تصریح می کند؛ لیکن چون دین , در قرآن و سنّت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) متبلور می‌شود, باید این سه محور را بررسی نماییم. محوریت رسول اکرم (ص) امیر مؤمنان (ع) در بارهٔ

وجود پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید به برکت وجودش خداوند کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنی ها را با او خاموش ساخت و به واسطهٔ وجود او در میان دل‌ها اُلفت افکند «دَفن الله بِهِ الضَّغائن وَ أَطفأ بِهِ الثّوائر, أَلّف بِهِ إِخواناً...». (نهج البلاغه, خطبه ۹۶) انسان سالک إلی الله, همواره نیازمند اُسوه و الگوست تا عقاید و اخلاق و رفتار خود را بر عقیده و خلق و کردار او منطبق کند و چون رسول اکرم (ص) از لحاظ علمی و عملی سرآمد همه راهیان به سوی حق است, اُسوهٔ همگان قرار می گیرد و قلمرو اُسوه بودن او همسان منطقه رسالت او, جهانی خواهد بود. خدای سبحان حضرت رسول (ص) را ابتدا به آداب خاص متأدّب ساخت, سپس او را اُسوهٔ دیگران قرار داد و تمام جوامع بشری را به اقتدای به وحی امر کرد. همهٔ اوامر علمی و عملی أن حضرت خواه در معراج و خواه در غیر معراج و خواه به صورت وحی قرآنی و خواه به صورت الهام و حدیث قدسی, به عنوان تعلیم کتاب و حکمت وتأدیب به آداب الاهی است. رسول اکرم نیز در قبول آن مواهب غیبی, قابلیت تمام داشت و همه فیض هایی را که از مبدأ «تام الفاعلیه» تنزّل یافت, دریافت کرد؛ مانند «خذ العفْو وَأْمُر بالعُرف وأَعرض عَن الجاهلین» اعراف /۱۹۹ «وَمِن الّیل فَتَهجّد بِهِ نافِلهً لَک عسی أن یَبعَثک رَبُّک مَقاماً مَحموداً». إسراء / ۷۹ همچنین آیاتی که کمال های علمی‌و عملی را در بردارند؛ مانند «شرح صدر», «تلقی قرآن از نزد خداوند به عنوان أُم الکتاب», «استقامت در برابر هر سانحهٔ سنگین و رویداد دردناک», «هجرت و جهاد», «اجتهاد», «قیام به قسط و عدل و انصاف و...», همگی نشانهٔ کمال انسانی حضرت رسول اکرم (ص) است. آن گاه خدای سبحان به تخلق آن حضرت به خُلق عظیم الاهی اشاره کرد و فرمود «وإنّک لَعلی خُلُقٍ عظیم» (سوره قلم, آیه ۴) گرچه این آیه, قبل از بسیاری از آیات دیگر که شارحِ اخلاقِ برجسته آن حضرت است, نازل شده است؛ ولی سیر طولی بحث و نظم صناعی آن, همین است که قبلاً اصل اتصاف به کمال حاصل شود, سپس تصدیق به خلق عظیم محقّق گردد. چون رسول اکرم (ص) دارای خلق عظیم است, سنت و سیرت و همه شوؤن زندگی آن حضرت (ص) اُسوهٔ همه سالکان است؛ مگر آن که دلیلی بر اختصاص در مورد وصف یا فعل معین اقام گردد «لَقد کان لَکم فی رَسول الله أُسوهٔ حَسنه لِمن کان یَرجوا الله والیَوم الاخر و ذَکر الله کَثیراً» احزاب / ۲۱ «... و ما اتاکم الرَسول فَخُذوه ومانَهاکم عَنه فانتَهوا واتّقوا الله إنّ اللّه شدید العِقاب» حشر / ۷ سرّ آن که باید همه اوامر و نواهی ان حضرت را امتثال کرد, این است که طبق آیهٔ «اَلّذین یَتّبِعون الرَّسول النَّبیّ الأُمی الّذی یَجدونه مَکتوباً عِندهم فِی التّوراهٔ والإنجیل یَأمرهم بِالمَعروف و یَنها هم عَن المُنکر ویُحلّ لَهم الطَّیّبات و یّحرّم عَلیهم الخَبائث ویَضع عنهم إِصرهم وَالأَغلال اَلّتی کانت عَلیهم فالّذین امنوا به وعَزّروه ونَصروه واتّبعوا النُّور الّذی أُنزل مَعه أولئک هُم المُفلحون» اعراف / ۱۵۷ همه رهنمودهای آنحضرت, بر اساس مصالح وحکمت های الاهی است که ضامن کمال همه انسان ها در همه ابعاد و جهات علمی‌و عملی خواهد بود. قرآن کریم به صراحت از پیامبر (ص) به عنوان محور و حدت و رفع اختلاف امت یاد کرده است «... فَإِن تَنازعتم فی شَیءٍ فَرُدّوه إِلی الله والرَّسول...» نساء / ۵۹ هچنین امیرمؤمنان (ع) دربارهٔ محوریت پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید «من تقدّمها مَرق و من تخلّف عنها زهَق ومن لزِمها لَحِق»؛(نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰) [هر کسی که از آن پیشی گیرد, از دین خارج شود و آن کسی که از آن عقب بماند, هلاک گردد و هر کسی که از آن جدا نشود, به او رسد.] محوریت قرآن و عترت (حبل الله) سیر تکاملی انسان به سوی خداوند, سیر صعودی است. از این رو, قرآن کریم می‌فرماید که به حبل و ریسمان الاهی چنگ بزنید «واعتَصِموا بِحَبل الله جَمیعاً ولا تَفرقوا...»؛ آل عمران / ۱۰۳.چنان که کوه نوردان برای صعود بر صخره های بلند, نیازمند طناب و دستگیره‌اند تا سقوط نکنند. قرآن کریم در آیه دیگر, اعتصام به الله را مطرح کرده, می‌فرماید «...وَمَن یَعتَصم بِالله فَقد هُدی إِلی صِراط مستقیم»؛ (سوره آل عمران, آیه ۱۰۱) [هرکس به خداوند اعتصام کند, قطعاً به صراط مستقیم هدایت شده است.] حبل الله, همان دین خداست که مشتمل بر عقاید, اخلاق واحکام است و اعتصام به حبل الله, اعتصام به الله است. دین, حقیقت واحدی است که در قرآن و عترت ظهور کرده است و قرآن و عترت, بیان تفصیلی رسول اکرم (ص) هستند. پس, برای نجات خود, راهی جز تمسک به قرآن نداریم و چون حقیقت قرآن در عقاید, اخلاق و اعمال عترت پاک رسول الله (ع) ظهور کرده است, عترت نیز حبل خدایند؛ چنان که در ادعیه, اهل بیت (ع) را با عبارت «حبل الله

المتین» و «العروة الوثقی» (مفاتیح الجنان, زیارت امیرالمؤمنین (ع)) می‌خوانیم و آنان نیز قرآن را با این وصف معرفی می کنند؛نظیر این که امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید «عَلیکم بِکتاب الله فَإنّه الحَبل المَتین...»؛(نهج البلاغه، ۸۵۶، بند ۷) [بر شما باد عمل به قرآن زیرا آن ریسمان محکم الاهی است... .]

آیا قرآن برای وحدت مسلمانان, کافی است یا عترت هم, عامل لازم وحدت است؟ پرسش

اشاره

آیا قرآن برای وحدت مسلمانان, کافی است یا عترت هم, عامل لازم وحدت است؟

پاسخ

قرآن و عترت, دو حبل مجزا و مستقل و متکثر نیستند؛ زیرا در آن صورت, باید از همدیگر قابل تفکیک باشند؛ حال آن که رسول اکرم (ص) در حدیث ثقلین فرمودند این ها هرگز از یک دیگر جدا نخواهند شد «لَن یَفترقا حَتی یَردا عَلیّ الحَوض» (بحار ۱۵۴/,۲۳). از این رو, نباید گفت که قرآن کافی است؛ چنان که برخی گفتند «حسبنا کتاب الله» و همچنان نمی‌توان گفت «حسبنا العترة» و نمی‌توان با اخذ یکی و ترک دیگری, اهل نجات بود. قرآن بدون امام معصوم, نه تنها مایه اتحاد نیست, بلکه موجب اختلاف است؛ زیرا دل های مریض با عرضه افکار خود بر آن , مذهب سازی و فرقه سازی می کنند؛ چنان که قرآن می‌فرماید «هُو الَذی أَنزل عَلیک الکِتاب مِنهایات مُحکمات هُنّ أُمّ الکِتاب وأُخرَ متشابهات فَأَمّا الَذِین فِی قُلوبهم زَیغ فَیتّبعون ما تَشابه مِنه ابتغاءَ الفتنة...» آل عمران / ۷ برخی نیز به قراءت آن اکتفا می کنند و مفاهیم و اصول و رهنمودهای آن را نادیده می گیرند. از این رو , به تشتت و اختلاف گرفتار می‌شوند؛ چنان که حضرت امیر (ع) می‌فرماید «فَاجتَمع القَوم عَلی الفُرقة واَفترقوا عَلی الجَماعة کَأنّهم أَئمة الکِتاب وَلَیس الکِتاب إِمامهم فَلم یبقَ عِندهم مِنه إلّا إسمه وَلا یَعرفون إلّا خَطّه و زِبره». (نهج البلاغه , خطبه ۱۴۷) امام علی بن الحسین (ع) فرمود معصوم کسی است که به حبل اللهی اعتصام می کند و حبل الله همان قرآن است. معصوم و قرآن, تا روز قیامت, از یک دیگر جدا نخواهند شد و امام به قرآن هدایت می کند و قرآن به امام و این است معنای سخن خدای تبارک و تعالی که فرمود «إنّ هذا القرآن یَهدی لِلّتی هِی أَقوم» اسراء / ۹. «... فقال (ع) هُو مُعتصم بِحَبل الله و حَبل الله هو القرآن لایفترقان إلی یَوم القیامة والإمام یَهدی إلی القُران و القُران یَهدی إلی الإمام وَذلک قَول الله عزوجل «إنّ هذا القران یَهدی لِلّتی هِی اقوم». (نورالثقلین, ۱/۳۷۷) امام باقر (ع) درباره آیة «... ولا تفرّقوا» فرمود «انّ الله تَبارک و تعالی عَلم آَنّهم سَیفترقون بَعد نَبیّهم و یَختلفون فَنَهاهم عَن التّفرق کَما نَهی مَن کان قَبلهم فَأَمرهم أن یَجتمعوا عَلی وِلایة ال محمد (ص) وَلا یتفرقوا»؛ [خداوند می‌دانست که مردم,پس از رحلت رسول اکرم (ص) متفرق خواهند شد. پس, آنان را همانند امت‌های پیشین از تفرقه نهی فرمود و به آنان امر کرد که بر ولایت آل محمد (ص) اجتماع کنند و متفرق نشوند. (نورالثقلین, ۱/۳۷۸) بنابراین, امام همان قطبی است که آسیاب جامعه بی آن راکد است و جامعهٔ راکد, گرفتار تشتت و سیر قهقرایی خواهد بود. گفته شد که عترت پیامبر (ص), مصداق حبل الله هستند.اکنون به روایاتی در این زمینه اشاره می کنیم ۱ـ امام کاظم (ع) در پاسخ به پرسشی درباره آیة «واعتَصِموا بِحَبل الله جَمیعاً» آل عمران / ۱۰۳ فرمود «علیّ بن أبی طالب (ع) حبل الله المتین». (نوالثقلین, ۱ /۳۷۷) ۲ـ امام باقر (ع) فرمود «ال محمد (ص) هم حبل الله الذی أمر بالإعتصام به فقال «واعتَصموا بِحبل الله جَمیعاً...»؛ [آل محمد (ص) همان حبل الله هستند که خداوند فرمان اعتصام به آنان را داده است.]پس ازآن فرمود «واعتصموا...» (نورالثقلین, ۱ /۳۷۷) ۳ـ حضرت امام صادق (ع) درباره آیه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً» فرمود «نحن الحبل» (نورالثقلین۱/۳۷۷)

زمینه های پیدایی وحدت اسلامی کدامند؟ پرسش

اشاره

زمینه های پیدایی وحدت اسلامی کدامند؟

پاسخ

زمینه های پیدایی وحدت, عبارت است از ۱ـ دادن هدف مشترک. ۲ـ ارائه اصول و مبانی خط مشی مشترک . ۳ـ راهنمایی خط مشی مشترک. ۴ـ تعلیم فروغ جزئی زیر پوشش خط مشی کلّی. ۵ـ پیروی از راهنمای واحد و رهبر مشترک. عناوین کلی زمینه های پیدایی وحدت را می‌توان در سخن حضرت علی (ع) یافت؛ آن جا که فرمود «تَرد عَلی أَحدهم القَضیهٔ فی حُکم مِن الأَحکام فَیحکم فیها بِرأیه ثُمّ ترد تِلک القَضیهٔ بِعینها عَلی غَیره فَیحکم فیها بِخلاف قوله ثُمّ یَجتمع القُضاهٔ بِذلک عِند الإمام الَذی استَقضاهم فیُصوّب اراءهم جمیعاً وإِلههُم واحد! وبنبیُّهم واحد و کتابهم واحد آفآمرَهم الله سُبحانه بالإختلاف فَآطاعوه! أم نَهاهم عَنه فَعَصوه!» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸) [گاهی دعوایی مطرح می‌شود و قاضی به رأی خود حکم می کند. پس از آن, همین دعوا نزد قاضی دیگری عنوان می گردد, او بر خلاف قاضی اول نظر می‌دهد. سپس همه نزد پیشوایشان که آنها را نصب کرده می‌آیند و او رأی همه را تصدیق می کند! در صورتی که خدای آن ها یکی! و پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است!] سخن ان حضرت به خوبی نشان می‌دهد که هدف و اعتقادات مشترک «إلههم واحد» و رهبری واحد «نبیّهم واحد» و برنامه و خط مشی مشترک «وکتابهم واحد», وحدت آفرین است. بنابراین, مسلمانان باید از این عوامل وحدت زابه خوبی پاسداری کنند تا به وحدت جوامع اسلامی آسیبی وارد نشود؛ آن گونه که در زمان حضرت علی (ع) واقع شد. آن حضرت در این باره می‌فرماید «فَلقد کُنّا مَع رسول الله(ص) وَإِنّ القَتل لَیدور عَلی الاباء والأَبناء والإِخوان والقرابات فَما نَزداد عَلی کُلّ مُصیبهٔ و شِدّهٔ إلّا إیماناً و مُضیّاً عَلی الحَق و تَسلیماً لِلأمر وصَبراً عَلی مُضض الجِراح ولکِنّا إنّما أَصبحنا نُقاتل إِخوانَنا فِی الإِسلام عَلی ما دَخل فیه مِن الزَیغ و الإِعوجاج والشُّبهۀ والتّأویل فَإِذا طَمِعنا فَی خِصلهٔ یلُم الله بِها شَعثنا ونَتدانی بِها اِلی البقیّهٔ فیما بَیننا رغَبنا فیها و أمسکنا عمّا سواها!». یعنی [در زمان پیامبر (ص) ما با پیامبر بودیم و قتل و کشتار گرداگرد پدران, فرزندان, برادران, و خویشان دور می‌زد و با وارد شدن هر مصیبتی بر ایمان ما افزوده می‌شد و شکیبا و مصمّم بودیم؛ اما امروز با پیدایش زنگارها در دین و ظهور کژی ها و نفوذ شبهه ها در افکار و تفسیر و تأویل دروغین در دین, با برادران مسلمان خود به جنگ خونین کشانده شدیم. پس, هر گاه احساس کنیم چیزی باعث وحدت ماست و به وسیلهٔ آن به یکدیگر نزدیک می‌شویم و شکاف ها را پر و باقیماندهٔ پیوندها را محکم می کنیم, به آن تمایل نشان می‌دهیم و آن را گرفته و دیگر راه جنگ را ترک می کنیم.] امیر مؤمنان (ع) در جای دیگر نیز به وحدت آفرینی اعتقاد به نبوّت و پیروی از رهبری الاهی, اشاره کرده است «فَانظُروا إِلی مَواقع نِعم الله عَلیهم حین بَعث إِلیهم رَسولاً ـ فَعقد بِملّته طاعَتهم و جَمع عَلی دَعوته أُلفتهم...»؛(نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۹۸) [حال به نعمت های بزرگی بنگرید که خداوند به هنگام بعثت پیامبر اسلام به آنان ارزانی داشت که اطاعت آنان را با آیین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را متحد ساخت... .] نیز در جای دیگر می‌فرماید «فَصَدع بِما أُمر به وبلّغ رِسالات رَبّه فَلمّ الله بِه الصَّدع و رَتق به الفَتق وأَلّف به الشِمل بَین ذوِی الأرحام بَعد العَداوهٔ الواغرهٔ فی الصّدور و الضّغائِن القادِحهٔ فی القلوب».(نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱) [پیامبر برای انجام فرمان خدا قیام کرد و رسالت های پروردگارش را ابلاغ کرد و خداوند به وسیلهٔ او شکاف های اجتماعی را پر کرد وفاصله ها را پیوستگی بخشید و بین خویشاوندان یگانگی برقرار ساخت؛ پس از آن که آتش دشمنی در سینه ها و کینه های برافروخته در دل ها جایگزین شده بود.]

نقش اجتماعی

تـاریخ جنگهای مذهبی فراوانی را بخاطر دارد و خونهای زیادی که در این راه ریخته شده بنابراین ادیان و مذاهب موجب تفرقه و نفاق میان افراد بشر شده اند ؟

پرسش

تـاریـخ جنگهای مـذهبی فراوانی را بخاطر دارد و خونهای زیادی که در این راه ریخته شـده بنابراین ادیان و مذاهب موجب تفرقه و نفاق میان افراد بشر شده اند ؟

پاسخ

اولاـ : اختـلافـات در حـقـیـقت میان پیروان راستین و حقیقی مـذاهب نبوده بلکه میان پیروان و مـخالفان مـذهب صورت گرفته , و این نه به خـاطر تعلیمـات مـذهبی آنها بوده بلکه بخاطر تحریف مـذاهـب و تـعـصـبهای ناروا و آمیختن مـذاهب آسـمانی با خرافات صورت گرفته است ثانیا : امروز مـذهب یا لااقل تاثیر مذهب از قسـمتی از جوامع بشـری برچیده شده در حالی که جنگها به صورت وحـشـتناکتری گسترش یافته است و این افرادسـرکش هسـتند که گناهکارند و آتش جنگها را به بـهـانه های گوناگون شعله ور می سازندثالثا : مذاهب آسـمانی مخصوصا اسـلام بر اثر خاصیت ضد نـژاد پـر... ... əو مـلـیت پرستی سـبب شدند که بسیاری از مرزهای نژادی و جغرافیایی و ...ę...ṣای برچیـده شود و به این ترتیب جنگها در پرتو مذهب از تاریخ زندگی بشـر حذف شد . رابعا : یکی از رسالتهای مذاهب آسمانی آزاد ساختن طبقات محروم و رنجدیده بوده است به همین دلـیل جنگهایی در میان پیامبران و پیروان آنها بـا سـتمگران و اسـتعمار کننـدگان همچون فرعونها ونـمـرودهـا درمـی گـرفـتـه اسـت و ایـن جـنـگـهـا کـه در حقیقت جهاد آزادی بخش انسانها محسوب می شدند نه تنها برای مذاهب عیب نبودند بلکه نقطه قوت آنها به حساب می آیند .

معنای این سخن که انسان سازنده محیط خودش چیست؟

پرسش

معنای این سخن که انسان سازنده محیط خودش چیست؟

پاسخ

این جمله در برابر کسانی گفته می شود که می گوینـد انسان بایـد همرنگ با جماعت شود و با رفتار و کردار آنان هماهنگی کنـد. انسان بایـد سازنده محیط خود باشد یعنی اینکه تحت تأثیر افکار و اعمال حاکم و بر محیط قرار نگیرد و با اسـتواری اراده و تصـمیم کاری کند که در دیگران اثر بگذارد ;تحت تأثیر محیط قرار نگیرد، بلکه محیط را تحت تأثیر عقاید و فضایل اخلاقی و اعمال نیک خویش قرار دهد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۷۵ـ

چرا سکوت می‌کنیم یا سکوت می‌کنند قشر فعال جامعه به خاطر اینکه کارشان ریا نشود و خود را از صحنه کنار می‌گذارند؟

پرسش

چرا سکوت می‌کنیم یا سکوت می‌کنند قشر فعال جامعه به خاطر اینکه کارشان ریا نشود و خود را از صحنه کنار می‌گذارند؟

پاسخ

یکی از مشکلاتی که جامعه اسلامی بدان مبتلی است متاسفانه همان نکته ای است که شما نوشته‌اید و حضرت امام خمینی (هم در نامه‌ای که به فرزند خود نوشته از چنین کاری او را پرهیز داده‌اند و می‌فرمایند": آنچه گفتم بدان معنی نیست که خود را از خدمت به جامعه کنار بکشی و گوشه گیر وکل بر خلق الله باشی که این از صفات جاهلان متنسک است یا درویشان دکان دار، سیره انبیاء عظام (و ائمه اطهار (که سر آمد عارفان بالله و رستگاران از هر قید و بند و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قوی علیه حکومتهای طاغوتی و فرعونهای زمان بوده و در اجراء عدالت در جهان رنجها برده و کوششها کرده‌اند به ما درس می‌دهد و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم راه گشایمان خواهد بود" من اصبح و لم یتهم بامور المسلمین فلیس بمسلم("۱) و اینکه علت چنین امری چیست؟ باید گفت گاه برداشت غلط از مبانی دینی و اینکه برخی فکر می‌کنند اگر گوشه گیری کنند نشان پیوستن انسان بخدا و عدم توجه به دنیا است و حال آنکه ملاک انگیزه و قصد آدم است، و گاه راحت طلبی است. چون آدمی هر چه بدور از صحنهٔ اجتماع باشد و دردها را ندبیده و به درمان آن نپردازد راحت‌تر خواهد بود، این راحت طلبی هم چون آفتی بسیاری را دور نگه داشته و البته توجیهاتی هم برای خویش درست خواهند نمود. ــــــــــــــــــــــــــــ(۱) تفصیل فرمایشان امام (را می‌توانید در کتاب ره عشق صفحه ۱۳ مطالعه فرمایید.

چه کنیم تا محیط از ما تاثیر پذیر باشد نه ما از محیط

پرسش

چه کنیم تا محیط از ما تاثیر پذیر باشد نه ما از محیط

پاسخ

برای تاثیر گذاری در محیط، راه‌کارهای زیر توجه کنید و متناسب با روحیات خود و محیط پیرامون، عمل به آنها را در راس برنامه‌های خود قرار دهید: ۱. به گفتارها و کردارهای خود، یقین و اعتقاد داشته باشید و هیچ وقت از روی اجبار و یا ظاهر سازی عمل نکنید ;۲. به آنچه می‌گویید، عامل باشید و قبل از بیان مطلب یا نصیحت و سفارشی، خود به آن عمل کنید. ۳. خوش برخورد و عطوف باشید و در برخوردهایتان هیچ وقت نقطه ضعفی از خود بروز ندهید. ۴. دیگران را دوست داشته باشید و همواره به آنان احترام بگذارید. ۵. رفتار و برخوردهای پیامبر(ص)، امامان معصوم، اولیای الهی و عالمان دین را الگو و اسوهٔ خود قرار دهید (و لکم فی رسول الله اسوه حسنه). ۶. در کارهای خوب خود، هیچ وقت منت نگذارید و آن را برای خدا انجام دهید. ۷. در محافل مذهبی (نمازهای جماعت، جلسات دعا، جشن‌های مذهبی، کارهای خیر و...) شرکت کرده و پیشقدم باشید. ۸. راستگویی، صداقت و درستکاری را در راس کارهای خود قرار دهید.

علت بیکاری در ایران چیست ؟

پرسش

علت بیکاری در ایران چیست ؟

پاسخ

این مسأله علل مختلفی دارد و یک مسأله جهانی است. ۱) یکی از علل عمده این مسأله در سطح بین المللی رشد تکنولوژی و امکان تولید ماشینی است زیرا یک دستگاه واحد ممکن است جای صدها کارگر را بگیرد. ۲) عامل دیگر آن به ویژه در کشور ما کمبود سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی و اشتغال‌زا است. ۳) عامل دیگر فرهنگ کار در جامعه است. متأسفانه این مشکل از دوران پهلوی در ایران پدید آمد که بسیاری از افراد به ویژه عناصر تحصیل‌کردهدر جستجوی مشاغل اداری و به اصطلاح (پشت میزنشینی) هستند و به هر کاری تن نمی‌دهند. این مسأله پس از انقلاب با گسترش کمی آموزش عالی شدیدتر می‌شود زیرا به طور طبیعی فارغ التحصیلان این مرحله آموزشی انتظارات شغلی خاص خود را دارند در حالی که جامعه توان پاسخ‌گویی به این نیاز را ندارد از این رو افراد ناچار می‌شوند به خاطر کاریابی هم سوابق علمی خود را نادیده بگیرند و به کارهای دیگری روی آورند.

آیا مسئولان حکومتی در قبال اوقات تلف شده ء سربازان مسوءول نیستند؟

پرسش

آیا مسئولان حکومتی در قبال اوقات تلف شده ء سربازان مسوءول نیستند؟

پاسخ

اصل نظام وظیفه یکی از نیازهای جامعه است و بدون آن آمادگی دفاعی لازم از دست خواهد رفت. در تمام دنیا این اصل وجود دارد که پرسنل نظامی – اعم از کادر و وظیفه – مدت‌های مدید ممکن است معطل بمانند؛ اما وجود آنها نوعی آماده باش رزمی برای واکنش سریع در شرایط خطر اجتماعی است. بنابراین رسالت آنها همین حفظ آمادگی است و اگر کار عینی خاصی نیز در شرایط صلح نداشته باشند به معنای هدر دادن وقت نیست.

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

پرسش

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

پاسخ

اعتقاد به وحدانیّت خداوند عالی‌ترین نقش را در اجتماع دارد بدین لحاظ که یکی از ابعاد توحید یگانه دانستن خداوند از جهت عبادت است و همانگونه که باید تنها خدا را پرستید تنها باید از خدا اطاعت کرد و اگر از رهبران الهی مانند پیامبر و امام اطاعت می‌شود از این لحاظ است که اطاعت آنها به خداوند برمی‌گردد بر این اساس کسی که معتقد به یگانگی خدا است تنها از فرمان خداوند الهام می‌گیرد و زیر بار اطاعت و بندگی طاغوتها که به زور بر مردم فرمانروایی می‌کنند نمی‌رود.

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

پرسش

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

پاسخ

اولین شرط برای یک نفر مبلغ شناسایی خود مکتب است، شناسایی ماهیت پیام است؛ یعنی کسی که می خواهد پیامی را به جامعه برساند باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد، باید فهمیده باشد که هدف این مکتب، اصول و پایه‌های این مکتب و راه این مکتب چیست و به کجا می رسد، اخلاق و اقتصاد و سیاست این مکتب چیست، معارف این مکتب ، توحید و معاد این مکتب، احکام و مقررات این مکتب چیست. آخر مگر کسی می تواند پیامی را به مردم برساند بدون آنکه خودش آن پیام را شناخته و درک کرده باشد؟! این مثل این است که بگوییم یک نفر مرجع تقلید باشد اما فقه نخوانده باشد. چطور می‌شود کسی مرجع تقلید باشد و بخواهد بر اساس فقه فتوا بدهد و فقه نخوانده باشد؟! و یا مثل این است که یک نفر می خواهد طبیب باشد اما پزشکی نخوانده باشد. از اینجا معلوم می شود که برای یک نفر مبلغ تا چه اندازه وسعت اطلاعات علمی و شناخت اسلام، آنهم به صورت یک مکتب لازم است دومین شرط برای کسی که حامل یک پیام است اولا مهارت در به کار بردن وسایل تبلیغ و ثانیا شناسایی آنهاست؛ یعنی باید بداند چه ابزاری را مورد استفاده قرار بدهد و چه ابزاری را مورد استفاده قرار ندهد و بلکه خودش از نظر ابزارهای طبیعی، چه ابزاری را داشته باشد و چه ابزاری را نداشته باشد. داستان بعثت موسی بن عمران به رسالت را حتماً شنیده‌اید. بعد از ده سال که دوباره می خواهد به مصر برگردد، با همسرش حرکت می‌کند. شبی تاریک و بارانی است. زن حامله اش را درد زایمان می‌گیرد. هوا هم سرد است و باید زنش را گرم کند ولی وسیله گرم کردن هم ندارد. ناگهان در نقطه ای از آن بیابان نوری را می بیند (در وادی طور، وادی سینا). فکر می کند آتش است. می رود آنجا، معلوم می شود که آتش نیست؛ جریان، جریان دیگری است. در همان جا موسی بن عمران مبعوث می شود؛ ندا می‌رسد که از این به بعد رسول ما هستی یعنی مبلغ خدا هستی، پیام ما را باید به فرعون و فرعونیان برسانی. موسی می فهمد که یک مبلغ شرایطی دارد. پیغمبری خودش را کافی نمی داند، تقاضاهایی دارد: «رَبِّ اشْرَح لی صَدری» خدایا به من حوصله فراوان بده، شرح صدر بده آنچنان که عصبانی نشوم، ناراحت نشوم، به تنگ نیایم، دریادلم کن که کار تبلیغ دریادلی می‌خواهد، «وَ یَسِّر لی امری» طه/۲۵ و ۲۶ این مأموریت سنگین را بر من آسان گردان (ببینید کار تبلیغ را ما چقدر کوچک می شماریم و موسی بن عمران چقدر بزرگ می شمارد). مؤید این مطلب مطلبی است راجع به پیغمبر اکرم. قرآن کریم به پیغمبر اکرم راجع به مأموریتش یعنی تبلیغ اسلام و هدایت مردم می‌فرماید: «اِنّا سَنُلقی عَلَیکَ قَولاً ثَقیلاً» مزمل /۵ عن قریب یک بار سنگین به دوش تو خواهیم گذاشت. باری است که به دوش پیغمبر سنگینی می کند، به دوش پیغمبران سنگینی می‌کند! چه می‌گوییم ما؟! موسی(ع) در ادامه تقاضاهای خود گفت: «وَ احلُل عُقدَةً من لسانی» خدایا گره را از زبان من باز کن، به من بیانی رسا و گوارا بده، قدرت سخنوری و ناطقه بده، «یَفقَهوا قَولی» طه/۲۷، ۲۸ به من قدرت تفهیم بده که آن حقیقتی را که به من وحی می کنی به مردم القاء کنم و مردم بفهمند، درک کنند؛ رابطه ای بین من و مردم برقرار کن که مردم مطلب را عینا آن طوری که تو می خواهی از من بگیرند نه اینکه من چیزی بگویم و آنها پیش خود چیز دیگری خیال کنند و من نتوانم آنچه را که دارم بیان کنم. قدرت و قوه بیان یک امر طبیعی است (البته مقداری از آن اکتسابی است) ولی امور طبیعی باید با تمرین و اکتساب تقویت بشوند، مثل کارهای ورزشی که شخص باید یک استعدادی داشته باشد و این استعداد در اثر

تمرینهای ورزشی تکمیل می شود.

انتظار از یک مجموعه فرهنگی در دانشگاه چیست ؟

پرسش

انتظار از یک مجموعه فرهنگی در دانشگاه چیست ؟

پاسخ

انتظار اساسی از آنهااین است که : ۱- وضعیت فرهنگی و نقاط ضعف و قوت آن را به خوبی بازشناسند و همواره به ارتقای سطح بینش خود در جریان شناسی فرهنگی بپردازند؛ ۲- برای اصلاح نقصان های فرهنگی برنامه های خوب ، جذاب ومتنوع داشته باشند؛ ۳- در فعالیت های فرهنگی بنا را بر همکاری و تفاهم ، نه رویا رویی و با یکدیگر بگذارند؛.

وظیفه یک دانشجوی بسیجی جانباز، در این مقطع انقلاب چیست ؟

پرسش

وظیفه یک دانشجوی بسیجی جانباز، در این مقطع انقلاب چیست ؟

پاسخ

در این مقطع انقلاب هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر وپردامنه روبه روست : ۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه های مختلف و شناخت ودرک درست مسایل سیاسی و اجتماعی . ۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا ، قرآن وپیشوایان دین . ۳- جهاد اجتماعی ؛ یعنی ، تلاش در جهت گستراندن نورمعنویت در محیط دانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی در دانشگاهیان؛ .

چگونه می توان در زندگی اجتماعی مسالمت آمیز و راحت زندگی کرد؟

پرسش

چگونه می توان در زندگی اجتماعی مسالمت آمیز و راحت زندگی کرد؟

پاسخ

انسان ها در زندگی اجتماعی از حوق متقابلی نسبت به یکدیگر برخوردارند که در صورت آشنائی با آن حقوق و بکار بستن آن، روابط اجتماعی باموازنه انجام خواهد شد. پس وظیفه ما در مرحله نخست، آشنایی با این حقوق، و در مرحله بعد، به کار گرفتن آن

می باشد. و اگر در جامعه تصادم و تزاحمی هست، از کمبود در یکی از این مراحل است ;یعنی یا حقوق و موازین را نمی شناسیم و یا آن ها را درست بکار نمی گیریم. با رعایت موازین و حقوق اجتماعی، به طور قطع انسان ها زندگی راحتی را کنار هم خواهند داشت، اما از آنجا که تصور کامل امینت و راحتی به سادگی ممکن نیست، اندیشه دینی به انسان بینش و ظرفیتی را می بخشد که توقع راحتی مطلق را در دنیا نداشته باشد، در دعای روز سه شنبه می خوانیم: «واصلح امر آخرتی فانها دار مقرّی و الیها من ـ۱۹۰۹ـ مجاوره اللئام مفرّی(۱ ;)خدایا! امر آخرتم را سامان بخش، چون آنجا خانه پایدار من است و همان جا گریزگاه من از آدمهای پست است». (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــــ ۱ - مفاتیح الجنان، دعای روزها، سه شنبه. ـ۱۹۱۰ـ اخلاق و تربیت فضائل اخلاقی توکل

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

پرسش

توحید چه نقش اجتماعی دارد؟

پاسخ

اعتقاد به وحدانیّت خداوند عالیترین نقش را در اجتماع دارد بدین لحاظ که یکی از ابعاد توحید یگانه دانستن خداوند از جهت عبادت است و همانگونه که باید تنها خدا را پرستید تنها باید از خدا اطاعت کرد و اگر از رهبران الهی مانند پیامب رو امام اطاعت می شود از این لحاظ است ک اطاعت آنها به خداوند برمی گردد براین اساس کسی که معتقد به یگانگی خدا است تنها از فرمان خداوند الهام می گردد و زیر بار اطاعت و بندگی طاغوتها که به زور بر مردم فرمانروائی می کنند نمی رود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۲ـ آفریدگار خداشناسی انگیزه های انکار خدا

یک فرد مسلمان، رفتارش چگونه باید باشد؟

پرسش

یک فرد مسلمان، رفتارش چگونه باید باشد؟

پاسخ

مسلمانی که بخواهد خدا و مردم از وی راضی باشند، باید به دستوراتی که در رابطه با خداست مانند احکام عقیدتی و عبادی اسلام و نیز به دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام که در رابطه با دیگران است، عمل کند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳۳ـ

وظیفه هر مسلمان، در جمهوری اسلامی چیست؟

پرسش

وظیفه هر مسلمان، در جمهوری اسلامی چیست؟

پاسخ

وظیفه دینی و الهی ما که شهدای اسلام هم براساس همین وظایف جان باخته اند، این است که برای اجرای احکام اسلام تلاش کنیم و جهت پیشرفت انقلاب تا جایی که می توانیم فعّالیّت نماییم. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۱۶۶ـ

چگونه میتوانیم در جامعه، جاذبهٔ اجتماعی داشته باشیم؟

پرسش

چگونه میتوانیم در جامعه، جاذبهٔ اجتماعی داشته باشیم؟

پاسخ

از دیدگاه قرآن کریم، آنچه که میزان فضیلت انسان و سبب ایجاد محبت در دل دیگران است، باعث جاذبهٔ انسان در اجتماع خواهد بود ؛برخی از آن فضیلتها عبارتاند از: ۱. تقوا: قرآن کریم، اصالت و واقعیت را به مسألهٔ تقوا و پرهیزکاری و خداترسی داده و دربارهٔ آن میفرماید": إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَغکُم(؛حجرات،۱۳) به درستی گرامیترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است". آری! تقوای الهی و احساس مسئولیت درونی و ایستادگی در برابر شهوات و پایبند بودن به راستی، درستی، پاکی، حق و عدالت، تنها معیار ارزش انسان و برتری او در بین افراد دیگر است. ۲. علم: از نظر قرآن کریم، عالمان، از عظمت و مقام ویژهای در برابر جاهلان برخوردار هستند": قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لاَ یَعْلَمُون(؛زمر،۹) بگو: آیا کسانی که میدانند، با کسانی که نمیدانند یکسانند. "؟امام امیرالمؤمنین علیدربارهٔ ارزش علم میفرماید: مردم، به سبب]کسب[علوم]مختلف[و عقلهایشان، به هم برتری میبابند، نه به سبب اموال و اصل و ریشه و نسبشان(".میزان الحکمهٔ، محمدی ری شهری، ج ۳، ص ۲۰۶۲، ح ۱۳۶۳۱، دارالحدیث.) ۳. ایمان: اظهار خضوع، قبول شریعت در آن چه نبی اکرمآورده و انجام واجبات و ترک محرمات، از صفات شخص مؤمن است. قرآن کریم دربارهٔ فضیلت مؤمن و ارزش ایمان به سایرین میفرماید": یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ مِنکُمْ وَ الَّذِینَ أُوتُواْ الْعِلْمَ دَرَجَت(؛مجادله،۱۱) خداوند آنها را که ایمان آوردهاند و کسانی را که از علم بهره دارند، درجات عظیمی میبخشد ".۴. حب و دوستی با خداوند: کسی که مدّعی حبّ پروردگار است، باید آثار علاقهٔ قلبی خود را در عمل نسبت به خداوند منعکس نماید. نخستین نشانهٔ آن، این است که از پیامبر۶ و فرستادهٔ او پیروی کند": قُلْ إِن کُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّه(؛...آلعمران،۳۱) بگو: اگر خدا را دوست میدارید، از من پیروی کنید، تا خدا]هم[شما را دوست بدارد ".به ناچار، کسی که مورد علاقهٔ خداوند واقع شود، مورد علاقه مردم نیز قرار میگیرد و... .(ر.ک: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۹، ص ۳۹۶ ؛ج ۲، ص ۳۸۶ ؛ج ۲۳، ص ۴۴۲، دارالکتب الاسلامیهٔ.)

وظایف یک طلبه در حال حاضر براساس قرآن کریم چیست

پرسش

وظایف یک طلبه در حال حاضر براساس قرآن کریم چیست

پاسخ

یک طلبه از جهت این که یک مسلمان است تمام وظایف یک مسلمان را بر عهده دارد و باید انجام دهد، و از جهت این که طلبه است وظایف ویژه‌ای بر عهده دارد. ۱. تفقه در دین و دین‌شناسی... " فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن کُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّیَتَفَقَّهُواْ فِی الدِّین(; ..توبه ۱۲۲)...چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند، تا در دین]و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند... ۲. تبلیغ احکام و معارف اسلامی... " وَ لِیُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوَّاْ إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُون(; توبه ۱۲۲)...و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنان را بیم دهند، شاید]از مخالفت پروردگار[بترسند و خودداری کنند. ۳. شب زنده‌داری از آن جا که مسئولیت یک طلبه سنگین است باید برای به سر منزل رساندن این بار سنگین از شب زنده‌داری و نماز شب کمک بگیرد. از همین روست که خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد": یَـأَیُّهَا الْمُزَّمِّل قُمِ الَّیْلَ إِلآَ قَلِیلاً نِّصْفَهُوَّ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِیلاً أَوْ زِدْ عَلَیْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْءَانَ تَرْتِیلاً(; مزمل ۱ـ۴) ای جامه به خود پیچیده شب را، جز کمی بپا خیز، نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن یا بر نصف آن بیفزا و قرآن را با دقت و تأمّل بخوان "۴. آگاهی از مسائل سیاسی و پیدا کردن بینش سیاسی

بنده به عنوان دانشجوی سال دوم الهیات چگونه می توانم بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهم ؟

پرسش

بنده به عنوان دانشجوی سال دوم الهیات چگونه می توانم بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهم ؟

پاسخ

طبیعی است هر اندازه درک و آگاهی خود را نسبت به مسائل اجتماعی شرایط ویژه انقلاب خطرات و زیان‌هایی کهممکن است بر انقلاب وارد شود و ... بالا ببرید در برابر آن نیز می‌توانید راه حل‌هایی بیندیشید و خدماتی را ارائهدهید. بنابراین بهتر است به چند توصیه عمل کنید: الف) اولا بکوشید همواره روح خدمت‌گزاری و عشق به خدمت به جامعه و انقلاب را در خود زنده نگهدارید ومسائل و منافع شخصی شما را از این آرمان باز ندارید. ب) آگاهی‌های دینی سیاسی و اجتماعی خود را پیوسته افزایش دهید. ج) ارتباط خود را با جوانان و نوجوانان حفظ کنید و حتی الامکان بکوشید در برابر کژی‌ها و ناهنجاری‌هایی که درمیان آنان رخ می‌دهد و رشد می‌نماید نقش سازنده ارشادی و بازداشتن از انحراف داشته باشید. د) در صحنه‌های مسائل سیاسی و اجتماعی مانند راهپیمایی‌هاو ... حضور فعال داشته باشید. ه) در آثار گفته‌ها و پیام‌های حضرت امام سیری بکنید و همواره در جهت حفظ راه و آرمان امام(ره) جدیباشید.{J

از نظر شرعی آیا حوزه نیز در گسیل نکردن روحانیان خبره به مناطق محروم مسئول نیست ؟ چه کسی باید پاسخگوی سؤالات و شبهات فراوان جوانان و هدایت صحیح آنان باشد؟

پرسش

از نظر شرعی آیا حوزه نیز در گسیل نکردن روحانیان خبره به مناطق محروم مسئول نیست ؟ چه کسی باید پاسخگوی سؤالات و شبهات فراوان جوانان و هدایت صحیح آنان باشد؟

پاسخ

همهء ارگان ها و همهء مسلمانان وظیفه دارند در صورت توانایی به اصلاح امور مسلمانان و هموطنان خود به ویژه ساکنان مناطق محروم بپردازند. در این میان وظیفهء حوزه های علمیه در اصلاح امور معنوی و فکری جوانان به خصوص در سرزمین های دور افتاده و محروم , بسیار سنگین است و اولین مسئولیت متوجه آنان است .امیدواریم با توجه به اظهارات اخیر مقام رهبری خطاب به حوزه ها و به ویژه حوزهء علمیهء قم , زمینهء اجرای این مسئولیت آماده شود و نتیجهء مطلوب به بار آید. در ضمن جوانان باید خود پیشقدم شوند و با فرستادن نامه و طومار به دفتر مقام رهبری و حوزه های علمیه خواهان حضور فردی جامع و کامل و اسلام شناس در شهر خود باشند تا مسایل و مشکلات فکری و مذهبی خود رابا او در میان بگذارند. به امید موفقیت شما.

آیا نمی‌توان گفت: زندگی بازی است و ما خود صحنه می‌سازیم تا بازیگر بازی‌های خویشتن باشیم؟

پرسش

آیا نمی‌توان گفت: زندگی بازی است و ما خود صحنه می‌سازیم تا بازیگر بازی‌های خویشتن باشیم؟

پاسخ

هنگامی که فضای تیره و آلوده به انواع گناهان و ظلم‌ها و تبعیض‌ها مشاهده می‌شود و در عرصه جهانی، واژه‌های مقدس مانند حق، عدالت، حقوق بشر و... حقیقت خود را از دست می‌دهند ممکن است گروهی بپندارند که زندگی یازی است! اما این دیدی سطحی و ابتدایی است. لحظاتی به جای" بصر "از" بصیرت "مدد جوییم و به عمق و باطن هستی بیندیشیم. خدا را می‌بینیم. خدای مهربان، رؤوف، بخشنده، کریم، لطیف و خطاپوشی که عیب‌های بندگانش را از دیگران مخفی و مستور می‌سازد. عذر گناه را زود می‌پذیرد و توبه را قبول می‌کند و با لطافت و شفقت به گناهکاران می‌گوید: بنده گنه کارم! کجا می‌روی؟ فرار نکن! بیا به سوی من، خوشبختی و سعادت و هر چه می‌خواهی، نزد من است. با همه گناهانت باز تو را دوست دارم.(۱) اگر خدا و جهان و انسانی را که او آفریده می‌شناختیم، جهان را مجموعه‌ای هماهنگ هدفدار و رهسپار به سوی" هدف آفرینش "می‌دانستیم و با عشقی گدازنده و سر از پا نشناخته، برای فتح قله‌های آن به حرکت در می‌آمدیم. اما انسانی که قرآن او را" ظلوم و جهول ("۲) نامیده است، به خاطر کثرت نادانیش، به گناه و فساد و نافرمانی رو می‌آورد. آیا هر چیزی و هر کسی" نفس "می‌کشد، حرکت می‌کند، می‌خورد و می‌آشامد و ارضای شهوت می‌کند، تعامل و تنازع دارد، می‌توان گفت او زنده است و زندگی می‌کند؟ اگر زندگی معنایش همین است، آیا نمی‌توان گفت: گاوان و خران باربردار به ز آدمیان مردم آزار خواهر! زندگی بازی نیست، بلکه این بازیگران آدم نما و میمون صفت، مظلوم و جهول هستند که عرصه زندگی را به صحنه بازی تبدیل نموده‌اند. زنده کسی است که "حیاتش "را با حیات آفرین مرتبط ساخته است. جامعه‌ای که با حیات آفرین پیوند و ارتباط داشته باشد، صفا و صمیمیت، یکی رنگی و همدلی، مهر و محبت در آن خواهد بود و زندگی جهت و معنی و حقیقت خواهد داشت. در غیر این صورت بازی بیش نیست. چنان که قرآن می‌فرماید": انما الحیاه الدنیا لعب و لهو؛(۳) زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است به بیان دیگر": اگر ایمان و تقوا نباشد، زندگی پوچ و بی هدف و بازی و سرگرمی است. به انتظار روزی در تلاش و تکاپوییم که خورشید منتظر بیاید و زمان و زمین تفتیده و جامعه مرده انسان نما را حیاتی الهی بخشد و سراسر گیتی را با ندای توحیدی خویش به سوی وحدت و یگانگی سوق دهد و به انسانیت و زندگی، حیات حقیقی هدیه نماید. پی نوشت‌ها: ۱ - لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لما

تواشوقا؛ اگر پشت کنندگان به خدا می‌دانستند، چقدر خدا مشتاق آنان است، از شوق و ذوق می‌مردنند، ر. ک: تذکره المتقین، شیخ محمد بهاری همدانی، ص ۱۰۱. ۲ – احزاب (۳۳) آیه ۷۲. ۳ – محمد(۴۷) آیه ۳۶. به آیات ۳۲ سوره انعام و ۶۴ عنکبوب و ۲۰ حدید مراجعه شود.

بسیجی کیست؟

پرسش

بسیجی کیست؟

پاسخ

بسیج در لغت به معنای ساختگی کارها، کارسازی ها و ساخته شدن و آماده گردیدن است.[۵۰] در اصطلاح عبارت است از وجود نیروهای مردمی به منظوز حفظ نظام و تأمین امنیت. بعد از پیروزی انقلاب به دستور امام بسیج تشکیل شد و نقش بنیادی در حفظ نظام و هشت سال دفاع مقدس داشت. روحیهٔ ایثار گری، دین مداری و اخلاص بسیجیان موجب شد که امام خمینی(س) از بسیجیان ستایش کند و آرزو نماید بسیجی باشد. از سوی دیگر از بسیج به عنوان مدرسه عشق یاد نمود. [۱] لرداویری خوشی های زندگی، ص ۶۷. [۲] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۷؛ غررالحکم، ج۲ ص ۱۲۳؛ نهج البلاغه صبحی صالح، نامهٔ۳۱. [۳] غررالحکم، ج ۳، ص ۴۲۶. [۴] بحارالأنوار، ج ۱۵، ص ۵۱ و همان، ج ۷۸، ص ۲۵۱ (چ ایران). [۵] تصنیف غررالحکم، ص ۴۱۴، ج ۹۴۵۵. [۶] توبه( ) آیهٔ ۱۱۹. [۷] نهج البلاغه، کلمات قصار، شمارهٔ ۳۸. [۸] نهج البلاغه کلمات قصار، شمارهٔ ۳۸. [۹] نساء( ) آیهٔ ۶۹. [۱۰] هود( ) آیهٔ ۴۶؛ تفسیر نمونه ج ۹، ص ۱۱۴ به بعد. [۱۱] فرقان( ) آیهٔ ۲۸. [۱۲] صافی گلپایگانی منتخب الاثر، ص ۵۷۷ – ۵۷۹. [۱۳] هود( ) آیهٔ۸۸. [۱۴] منتخب الاثر، ص ۴۶۸؛ محمد نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۷. [۱۵] صافی گلپایگانی ، منتخب الاثر ، ص ۵۸۰. [۱۶] مهدی موعود، ص ۱۰۷۴. [۱۷] منتخب الاثر، ص ۴۶۹. [۱۸] مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔامام زمان، ص ۳۰۸ ، ۳۰۹. [۱۹] میزان الحکمه، ج۱، ص ۲۹۲. [۲۰] هاشم بحرانی البرهان، ج ۲، ص ۴۰۱۲۱؛ کنزالعمال، ج ۱۴ ص ۲۶۴. [۲۱] قمر( ) آیهٔ ۱. [۲۲] المیزان (مترجم)، ج ۱۹، ص ۱۱۵. [۲۳] تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۸– ۹. [۲۴] المیزان (مترجم)، ج ۱۹، ص ۱۱۶ – ۱۱۸. [۲۵] تفسیر نمونه، ج۲۳، ص ۱۳ – ۱۶. [۲۶] بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۹. [۲۷] همان، ج ۷۳، ص ۲۹۷؛ سفینه البحار، ج۱، ص ۴۱۰؛ اصول کافی ج ۲ ص ۱۲۲. [۲۸] قلم ( ) آیهٔ۴. [۲۹] مشکوه الانوار، ج ۱۷۹. [۳۰] فرقان( ) آیهٔ ۶۳. [۳۱] نهج البلاغهٔ صبحی صالح، خطبهٔ ۱۹۳. [۳۲] مستدرک الوسایل، ج۲، ص ۳۰۵. [۳۳] امالی طوسی، ص ۵. [۳۴] محدث نوری، دار السلام، ج ۲، ص ۱۷۲. [۳۵] نساء آیهٔ۸۶ و ابراهیم آیه ۲۳. [۳۶] بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱. [۳۷] حجرات (آیهٔ ۱۲؛ وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۸؛ جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۰۴؛ محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۵۱. [۳۸] جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۰۵؛ انوارالنعمانیه، ص ۲۵۹. [۳۹] اصول کافی، ج۲، ص ۳۵۷. [۴۰] کشف الریبه، ص ۶. [۴۱] کشف الریبه، ص ۷؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۳۳. [۴۲] من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۳. [۴۳] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۲. [۴۴] زمر( ) آیهٔ ۹. [۴۵] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲. [۴۶] الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۲. [۴۷] نساء ( ) آیهٔ۹۵. [۴۸] عین الله خادمی، مطالعه روشمند، ص ۷۰. [۴۹] جواد محدثی روش ها، ص ۱۸ – ۱۹؛ عین الله خادمی، پشین، ص ۷۲. [۵۰] علی اکبر دهخدا، لغت نامهٔدهخدا، واژهٔ بسیج؛ محمد معین، فرهنگ معین، واژهٔ بسیج.

وظیفه و مسئولیت ما در برابر خدا، دین، پیامبر، ائمه، جامعه، انقلاب و خانواده و خودمان چیست؟

پرسش

وظیفه و مسئولیت ما در برابر خدا، دین، پیامبر، ائمه، جامعه، انقلاب و خانواده و خودمان چیست؟

پاسخ

یکی از یاران امام سجاد(ع) نامه ای خدمت حضرت نوشت و از حقوقی که یک انسان بر عهده دارد و وظایف و مسئولیت های مختلفی که بر گردن او است، سؤال کرد. امام چهارم(ع) در پاسخ نامه ای نگاشت که به رسالهٔ حقوق معروف است. این حقوق یا شرح وظایف و مسئولیت های انسان در زمینه های فردی و خانوادگی و اجتماعی است و شامل پنجاه و یک حق است. از جملهٔآن ها است: حق خداوند بر بندگان، حق خویشتن بر خود، حق کسانی که بر ما ولایت دارند و عهده دار امور دنیوی ما هستند، حقوق عامهٔ مردم و مسئولیت هایی که در برابر جامعه داریم حقوق غیر مسلمانانی که در کشور اسلامی زندگی می کنند، حقوق پدر و مادر، همسر، فرزند، برادر، معلم، شاگردان، زیردستان و آنان که عهده دار امور آنان هستیم، حقوق همسایه، همراه و هم سفر، همکار، هم منزل، بزرگ تر ها و کوچک تر و ... . کتاب های بسیاری در شرح و توضیح نامه چهارمیت امام شیعه، تحت عناوین مختلف از جمله" رسالهٔ حقوق "نوشته شده است. آیت الله جوادی آملی قسمت هایی از آن نامه را در کتاب" فلسفهٔ حقوق بشر" آورده است. آقای علی غفوری همهٔ آن رساله را با عنوان" راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد(ع ")با نثری روان و آزاد ترجمه نموده است. می توانید این کتاب را تهیه کنید و با مطالعهٔ دقیق پاسخ بسیاری از سؤالات خویش را، در زمینهٔ وظایف و مسئولیت های انسان در عرصه های مختلف دریافت دارید. به یک نمونه از آن اشاره می شود: حق خداوند بر بندگان: نخستین تکلیف و مسئولیّتی که بر عهدهٔ انسان وجود دارد و امام سجاد (ع) بر فراز حقوق دیگر از آن یاد کرده، حق خداوند است. اولی حقی که خدا بر انسان دارد این است که او را بشناسد": بدان – خدایت رحمت کند که همانا خدا بر تو حقوقی دارد که آن حقوق برخاسته از نعمت های بی شمار او است که در هر حال و در هر موقعیت و منزلتی که باشی، چه در حال حرکت و چه در سکون بر تو احاطه دارد. بعضی از این حقوق از بعضی دیگر بزرگ تر است و بزرگ ترین آن ها همان است که برای نَفْس خویش بر تو واجب ساخته و ریشه و اساس پیدایش حقوق دیگر است. آن گاه نوبت به حقوقی می رسد که برای نفس خودت بر تو واجب ساخته، حقوقی نیز برای همهٔ اعضای بدنت از سر تا قدم است. امّا حق بزرگ تری که خدا بر تو دارد این است که فقط او را بپرستی و به او شرک نورزی و کسی یا چیزی را جز او در سرنوشت خویش مؤثر ندانی. پس هر گاه با اخلاص، این گونه و این حق را بگزاری خدا به عهده گرفته که در امر دنیا و آخرت تو را بی نیاز گرداند و کارهای این جهان و آن جهان تو را به خوبی اصلاح نماید. "برای فهم وظایف خویش در برابر انقلاب باید دید مردم به رهبری امام خمینی(ره) برای احیای چه ارزش هایی انقلاب کردند؛ شهدا برای پاسداری از کدامین ارزش ها جان عزیز خویش را تقدیم کردند، این حقیقت، را با خواندن وصیت نامه های آنان به آسانی می توان به دست آورد. در دنیای پر آشوبی که سیاست بازان دغل کار ایجاد کرده اند، تنها با اطاعت از ولی فقیه و پیروی از رهبری حضرت آیت الله خامنه ای می توان از ارزش های انقلاب و خون شهدا پاسداری نمود. جهت آگاهی در این زمینه کتاب های : ۱_نهضت های صد سالهٔاخیر. ۲ _پیرامون انقلاب اسلامی. ۳ _پیرامون جمهوری اسلامی ، هر سه از شهید مطهری را مطالعه کنید.

دختران و پسرانی که نیاز به ازدواج داشتند خدمت پیامبر اسلام(ص) می رسیدند، خود را معرفی و نیاز خود را مطرح می کردند و آن حضرت زمینهٔ ازدواج آنان را فراهم می کرد. چرا هم اکنون روحانیون این کار را انجام می دهند؟

پرسش

دختران و پسرانی که نیاز به ازدواج داشتند خدمت پیامبر اسلام(ص) می رسیدند، خود را معرفی و نیاز خود را مطرح می کردند و آن حضرت زمینهٔ ازدواج آنان را فراهم می کرد. چرا هم اکنون روحانیون این کار را انجام می دهند؟

پاسخ

وساطت و میانجیگری در امر ازدواج و تهیهٔ مقدمات، امری مستحب و پسندیده است. امام هفتم (ع) فرمود": سه کس روز قیامت که جز پناه عرش سایه ای نیست، در پناه عرش الهی قرار دارند. "...اولین فردی را که حضرت نام برد، کسی است که مقدمات ازدواج برادر و خواهر مسلمانی را فراهم می سازد.[۳] خداوند متعال می فرماید": زنان و مردان مجرد وغلام و کنیزهای شایسته تان را همسر دهید (مقدمات ازدواج آن ها را فراهم سازید). اگر فقیر باشند، خدا از فضل خود بی نیازشان گرداند. خداوند بخشنده و دانا است.["۴] پیامبر اکرم(ص) فرمود": یکی از نشانه های بخت بلند و خوشبختی مسلمان این است که زمینهٔ ازدواج دختران و زنان بی شوهر را فراهم سازد و با وساطت خود آنان را به خانهٔ شوهر فرستد.["۵] سیرهٔ عملی منقول از پیامبر اکرم(ص) و برخی از امامان نیز بر استحباب و پسندیده بودن این عمل دلالت دارد. بنابراین پیشنهاد شما قابل بررسی و تأمل است و به صورت جزئی توسط برخی از روحانیون در زمان ما نیز انجام می گیرد. طرح گسترده و وسیع آن در اوایل پیروزی انقلاب توسط یکی از بزرگان مطرح شد، لیکن با توجه به توسعهٔ جوامع بشری و اختلاط فرهنگ ها و آداب و رسوم ها از یک سو، و تنوع گرایی افراطی و تعدّد دام ها و کیدهای شیطان صفتانِ آدم نما و فرصت طلبانی که با توجه به دگرگونی اوضاع جامعه، لباس و چهره عوض می کنند ضرورت تأمل و تدبّر بیشتر و برنامه ریزی جامع و دقیق تری را می طلبد، عمومیت دادن به طرح و اجرای پروژه های گسترده ای مثل "همسریابی "که راهکار مجرّب و آزمایش شده ای ندارند دور از عقلانیت و خردورزی است. پروژه های مهمی که به افکار یا حیثیت خانواده ها و عفت عمومی جامعه بستگی دارد، باید در آغاز در محیط کوچکی، با رعایت احتیاط لازم، شروع گردد و حساسیت ها امتحان شود. نیز نقاط ضعف و قوّت آن توسط کارشناسان مسایل دینی واجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد. در صورت موفقیت آمیز بودن طرح، می توان با نظارت و ارزیابی مستمر و آسیب شناسی و آسیب زدایی طرح را توسعه داد و فراگیر نمود. مدتی است که این امر در سطحی محدود در قم شروع شده است. می توانید با نشانی زیر مکاتبه کنید: قم، خیابان انقلاب (چهار مردان)، چهار راه سجادیه، بنیاد حضرت فاطمهٔ زهرا(س). [۳] شیخ الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ۲۷، چاپ بیروت تصحیح و تحقیق آیت الله ربانی شیرازی. [۴] نور ( ) آیهٔ ۲۳. [۵] علی مشکینی، ازدواج در اسلام، باب اوّل، فصل اوّل، حدیث شمارهٔ ۱، ص ۱۱.

آیا افرادی که دعاهایی مثل زیارت عاشورا یا کمیل را یم خوانند و فیلم مدیر کل را می بینند، می توانند مدعی اعمال دینی باشند؟

پرسش

آیا افرادی که دعاهایی مثل زیارت عاشورا یا کمیل را یم خوانند و فیلم مدیر کل را می بینند، می توانند مدعی اعمال دینی باشند؟

پاسخ

دیدن این فیلم و نظائر آن که زنان بی حجاب در آن ایفای نقش می کنند، برای همهٔ افراد حکم واحدی ندارد. حضرت امام

خمینی(ره) در پاسخ به سؤال، حکم نگاه کردن به فیلم‌های تلویزیونی که گاهی زن های بی حجاب نیز دارد "فرموده اند: نظر به فیلم اجنبیه (زن نامحرم) که صاحبش را نمی شناسد و ریبه و فساد در آن نیست، اشکال ندارد.[۷] بنابراین اگر کسی فیلم مذکور را با این شرایط دیده باشد، گناهی مرتکب نشده و منافاتی با دیانت ندارد، ولی اگر کسی أن را به قصد لذت و شهوت ببیند، گناه کرده و او را نمی توان دیندار واقعی دانست. انسان نمی تواند از قصد و نیت افراد اطلاع داشته باشد و یا دربارهٔ آن ها حکم کند که با قصد شهوت نگاه می کردند. بنابراین انسان از لحاظ دینی باید متوجه قضاوت کردن در مورد دیگران باشد.

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

پرسش

مسئولیت فرد از نظر اجتماعی در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در اسلام مسآله ای وجود دارد که در ملتهای دیگر امروز دنیا به صورت یک قانون دینی وجود ندارد (البته نمیگوئیم پیغمبران سلف نداشته اند) و آن این است که اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسؤول و متعهد میداند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسؤول و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسؤول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسؤولیت و تعهد داری. آیا می توان گفت چنین دینی دین قضا و قدری است؟ البته قضا و قدری به مفهومی که آنها می گویند که کارها را خدا باید انجام دهد و بشر از این جریان و مسیر خارج است و مسؤولیتی ندارد، آنچنان قضا و قدری که از بشر نفی و سلب آزادی و مسؤولیت و تعهد می کند. قرآن چنین قضا و قدری را نمی پذیرد. آیا شما در این زمینه جمله ای بالاتر از آن آیه کوچک ـ که با تفاوت مختصری در دو جای قرآن آمده است ـ پیدا میکنید: «اِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِاَنفُسِهِم» رعد/۱۱ این آیه آب بسیار صاف و پاکی است که بر سر منتظرها، آنهایی که به انتظار هستند که همیشه خدا از یک راه غیر عادی کارها را درست کند، می ریزد. انتظار بیهوده نکشید. «اِنَّ» یعنی تحقیقا مطلب این است. تحقق و واقعیت این است که هرگز خداوند اوضاع و احوال را به سود مردم عوض نمیکند «حَتّی یُغَیِّروا ما بِاَنْفُسِهِم» مگر وقتی که خود آن مردم آنچه مربوط به خودشان است، آنچه که در خودشان هست: اخلاق، روحیه، ملکات، جهت، نیات و بالآخره خودشان را عوض کنند. آیا شما می توانید صریحتر از این، مسؤولیت پیدا کنید؟ آنهم مسؤولیت در برابر یک اجتماع، یعنی اجتماع را برای مسؤولیت مخاطب قرار بدهد.

چگونه میتوان بین درس خواندن و فعالیت در تشکل های اسلامی راجمع کرد؟

پرسش

چگونه میتوان بین درس خواندن و فعالیت در تشکل های اسلامی راجمع کرد؟

پاسخ

تعهد و احساس مسؤولیت شما در قبال مسائل فرهنگی در خور تحسین است. امید است این روحیه هم چنان درشما زنده بماند.

مشکلی را که در مورد ندانستن وظیفه مطرح کرده‌اید به نظر می‌رسد بیشتر در مورد طرح‌های عملی و برنامه‌ایباشد، زیرا اصل وظیفه معلوم و مشخص است. اگر دانشجو در حین تحصیل بی‌تفاوت باشد بازگشت او به تعهد پس از ایام تحصیل امری غریب می‌نماید. بنابراین جوش و خروش داشتن در ایام تحصیل نیز جزئی از زندگی هدفدار و مکتبی فرد است. این نکته نیز روشناست که درس خواندن و پیشرفت علمی نیز جدای از این وظیفه نیست. حال چگونه باید بین این دو جمعکرد؟ این جاست که ضرورت برنامه‌ریزی و کار گروهی و جذب افراد متعهد مطرح می‌شود. یعنی باید به نحوی تقسیمکار صورت پذیرد تا از یک سو افراد مختلف جذب تشکل‌ها شوند و از سوی دیگر با تقسیم کارها و تنوع آن، جاذبه‌هاافزایش یابد و نیز فرصت بیشتری برای هر یک از افراد باقی بماند تا به جنبه درسی و تحصیلی آنان لطمه‌ای واردنیاید. تردیدی نیست که در این صحنه دانشجویان متعهد می‌بایستی از فرصت‌های آسودن خود سرمایه گذاریکنند. بنابراین می‌توان با برنامه‌ریزی حساب شده - جذب افراد - تقسیم کار هم به درس‌ها رسیدگی کرد و هم درتشکل‌ها فعالیت داشت. مشورت با دیگر تشکل‌ها در دانشگاه‌های مختلف نیز می‌تواند راهکارهایی را به شما نشاندهد. گنجاندن برنامه‌های درسی و مباحثات علمی در کار تشکل‌ها نیز می‌تواند به این امر کمک نماید.}J

روش های جلب اعتماد مردم چگونه است

پرسش

روش های جلب اعتماد مردم چگونه است

پاسخ

جلب اعتماد دیگران، مرهون ارزش واقعی شخصیت هر فرد است. به هر اندازه شخصیت فرد، ثبات و ارتقای بیشتری داشته باشد، به همان مقدار اعتماد دیگران به او افزایش خواهد یافت. اما چگونه می‌توان ارزش خود را بالا برد و به ثبات شخصیت رسید؟ پیش از هر چیز از این که به فکر ارتقای کمالات و دستیابی به ثبات شخصیت خود هستید، اظهار خوشوقتی می‌کنیم؛ چرا که اولین مرحله هر کمال، «بیداری»است؛ بیداری و آگاهی نسبت به نواقص و سعی برای جبران آنها. بنابراین، این کشمکش‌های فکری و روحی را، بایدروندی سازنده و مثبت تلقی کرد. حضرت عیسی(ع) فرموده است: «مریض کسی نیست که دردی دارد؛ بلکه مریض واقعی کسی است که بیمار است، ولی خود را سالم می‌پندارد». اما ثبات شخصیت؛ ثبات شخصیت (نوع مثبت آن) گوهری گران‌سنگ است که آسان به کف نمی‌آید و به سرعت حاصل نمی‌شود. «ثبات شخصیت»، در مرحله اول رهین معرفت است. تا آدمی معرفت خویش را نسبت به هستی وآفریننده آن و جایگاه خود در هستی و نیز وظایفی که برای او ترسیم می‌گردد بالا- نبرد و به سطح مناسبی از کمال نرساند، همواره دستخوش بی‌ثباتی خواهد بود و هر روز تحت تأثیر موج‌ها به این سو و آن سو خواهد رفت. اگر کشتی لنگری نداشته باشد، امواج دریا، آن را به هر طرف خواهند کشید و چه بسا در این کشاکش، آسیب سختی هم ببیند و یا منهدم گردد. لنگر آدمی در اقیانوس بی‌کران هستی، همان «معرفت» است؛ معرفتی منطقی و عقلانی درباره حیات و آن‌گاه به مقتضای معرفت، عمل کردن. قرآن مجید به زیبایی هر چه تمام‌تر این حقیقت را بدین‌گونه بیان فرموده است: «آدمی ناپایدار و بی‌ثبات آفریده شده است؛ زمانی که ناگواری به او رو کند، ناله سرمی‌دهد و زمانی که خیر به او رسد، بخل می‌ورزد، مگر نمازگزاران؛آنانی که بر نماز خود مداومت می‌کنند و کسانی که در اموالشان حقی معلوم برای سائل و محروم است (حق فقرا و نیازمندان را پرداخت می‌کنند) و کسانی که روز جزا را تصدیق می‌کنند و از عذاب پروردگارشان ترسان هستند... و کسانی که خود را از نامحرمان باز می‌دارند... و کسانی که به امانت و عهد خویش وفامی‌کنند و کسانی که [در جای لازم خود [شهادت‌های

خود را ادا می کنند و بدان استوارند و کسانی که بر نماز خودمحافظت دارند...»، (سوره معارج، آیه ۱۹ به بعد). عصبانیت و کم‌ظرفیتی نیز ناشی از بی‌ثباتی است. انسان فهمیده و دارای معرفت، هرگز عنان اختیار خویش را، به دست نفس سرکش نمی‌سپارد؛ زیرا نفس بد اندیش را دشمن می‌دارد و می‌داند که اگر مهار نشود، آدمی را به ورطه سقوط خواهد کشاند. بنابراین او به کنترل نفس خویش می‌پردازد و هنگام هیجان نه سخنی می گوید و نه تصمیمی عجولانه می گیرد.

شرکت در تظاهراتهایی که انجام می شود مثل روز قدس یا روز ۲۲ بهمن و .. چه حکمی دارد؟در صورتی که شرایط شرکت را نداشته باشیم مثلا کاری پیش بیاید یا امتحان داشته باشیم و ظیفه ما چیست؟

پرسش

شرکت در تظاهراتهایی که انجام می شود مثل روز قدس یا روز ۲۲ بهمن و .. چه حکمی دارد؟در صورتی که شرایط شرکت را نداشته باشیم مثلا کاری پیش بیاید یا امتحان داشته باشیم و ظیفه ما چیست؟

پاسخ

دفاع از اسلام و مستضعفین وظیفه هر مسلمان است. گاهی این دفاع فقط در حد راهپیمایی است در نتیجه آن راهپیمایی واجب می‌شود. بله، اگر برای شخصی عذر موجهی پیش آید، مسلما معذور خواهد بود.

چرا باید حوزویان و طلاب ما از جامعه جدا باشند و در بطن مسایل قرار نگیرند ؟یک طلبه شنبه تا پنجشنبه به حوزه میرود و درس می خواند و فردا که آخوند گردید در قسمتی از جامعه مشغول به کار می شود یک آخوند باید یک ساعت در حوزه باشد و پنج ساعت فعالیت اجتماعی داشته ب

پرسش

چرا باید حوزویان و طلاب ما از جامعه جدا باشند و در بطن مسایل قرار نگیرند ؟یک طلبه شنبه تا پنجشنبه به حوزه میرود و درس می خواند و فردا که آخوند گردید در قسمتی از جامعه مشغول به کار می شود یک آخوند باید یک ساعت در حوزه باشد و پنج ساعت فعالیت اجتماعی داشته باشد . آیا این علتی مهم برای جدایی روحانیت و اجتماع نمی باشد؟

پاسخ

همه افراد از آن حیث که عضوی از جامعه هستند باید به نوبه خود فعالیت اجتماعی داشته باشند. سهم مشارکت هر فرد در امور اجتماعی را هم، منزلت اجتماعی وی تعیین می کند. حال افرادی که به نوعی عهده دار نهاد فرهنگی کشور می باشند، سهم بیشتری را دارا هستند. از آن جمله می توان به روحانیون در نهاد دینی کشور اشاره کرد. روحانیون به عنوان اعضاء نهاد دینی نیز ملزم به شرکت در چنان فعالیت هایی هستند. پس تا به حال به بحث در مورد ضرورت فعالیت اجتماعی پرداخته شد. اما مسأله دیگر تعیین مصداق برای شکل فعالیت اجتماعی هر فرد است. آیا همان طور که یک کارمند اداره فعالیت اجتماعی یک استاد دانشگاه هم باید به همان شکل و به همان اندازه فعالیت داشته باشد؟ به عنوان مثال محققی که در منزل خویش تنها با کتاب سر و کار دارد، فعالیت اجتماعی ندارد؟ بالاخره اجتماع به نوعی از محصولات فکری اوست که منتفع می گردد. در حوزه علمیه نیز به طور خاص

روحانیونی که وظیفه و هدف تحقیق دارند اهتمام اجتماعی ایشان در مورد مقولات فکری و ذهنی است. اما آن دسته که هدفشان تبلیغ است به ناچار باید با مردم و مخاطبین خویش تعامل داشته باشند. نتیجه: در هر قشر از اقشار جامعه بسته به نوع اهداف و وظایف معین شده برای آنها باید فعالیت اجتماعی متناسب با آن را تعریف کرد. البته این به معنای عمل کردن تمام روحانیون به وظایف خویش نیست. البته ممکن است در قشر حوزوی نیز افرادی بدون درک حساسیت زمانی و موقعیت خطیر روحانیت آنچنان که شما عزیزان و جامعه انقلابی ما توقع دارید، در عرصه فعالیت های اجتماعی حضور نداشته باشند و یا کنج انزوا اختیار کنند که این مسأله از نظر ما و جامعه روحانیت قابل قبول نیست ولی تفکر و عمل عام حوزه و حوزویان چنین نیست.

چه عواملی باعث کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی شده است ؟

پرسش

چه عواملی باعث کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی شده است ؟

پاسخ

این مسأله دارای دلایل متعددی می‌باشد که در ذیل به صورت مختصر مهمترین آنها را در دو بخش عوامل داخلی وعوامل خارجی مورد بررسی قرار می‌دهیم. الف) بررسی عوامل داخلی کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی: منظور از عوامل داخلی، مجموعه کارکردها واعمال و رفتار این اقشار می‌باشد که مسأله فوق را به وجود آورده است که عبارتند از: ۱- برخی رفتاره او اقدامات ناشایسته بعضی از مدیران، کزارگزاران و مأموران دستگاه‌ها و نهادهای دولتی وحکومتی، موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشت. مردم انتظار داشتند که نهتنها در رده‌های سطح اول مسؤولان نظام، که در سایر رده‌ها و به خصوص در بدنه نظام اداره کننده کشور، شاهدصداقت، درستکاری، امانت‌داری و گرایش خدمت به مردم و حل مشکلات باشد، ولی رفتار برخی دست‌اندرکاراندر جهت توجیه و ترجیح منافع شخصی و خانوادگی، تظاهر و ریاکاری، بی‌اعتنایی به اقشار ضعیف و محروم جامعهو... موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به افارد مذهبی و روحانیون و کاسته شدن از وجهه آنانگردید. ۲- اختلاف و تفرقه میان جناح‌ها و گروه‌های متشکل از روحانیون و افراد مذهبی و تضعیف افراد هر جناح توسطجناح مقابل و در نتیجه ایجاد بدبینی در بین مردم نسبت به همه افراد دو جناح. ۳- کوتاهی و کم‌کاری حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی کشور در شناساندن صحیح معارف و تاریخ اسلام و ارائهعمل اسلام به جهان معاصر و شناخت صحیح مقتضیات زمان و مکان و استفاده کارآمد از روش‌های نوین و وسایلارتباطاتی مدرن، برای شناساندن احکام و ارزش‌های اصیل اسلام به مردم از جمله جوانان و تقویت هویت دینی ومذهبی و ملی در آنان. ب) بررسی عوامل خارجی کاهش وجهه روحانیت و افراد مذهبی: ۱- مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... ناشی از وقوع جنگ و پیامدهای آن، محاصره‌های سیاسی، اقتصادی و...سبب می‌شود که مردم وقتی تحت فشار مادی و فقر و مشکلات بیکاری، مسکن و... قرار گیرند کم و بیش و دیر یا زودتمایل آنها نسبت به مسببین این فشارها و کسانی که از نظر آنها با این مشکلات مستقیما یا به طور غیرمستقیم دررابطه‌اند کم خواهد شد. ۲- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفتهشد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص‌های مطلوب گردید، به گونه‌ای کهتوسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله‌ها را تشدید نمود. ۳- تحول نسل در جامعه و به صحنه آمدن نسل جدید که باورها و یافته‌های آنان با نسل انقلاب تا حدی متفاوتاست، فقدان برنامه‌های جامع و همه‌جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آن و نیز بی‌توجهی به ایجاد تغییرات اساسیو ریشه‌ای در نگرش

خانواده‌ها به اصول و آداب تربیت نسل جوان، موجب بروز شکاف در دیدگاه‌های دو نسل کنونیو پیشین گشته و اصول و شاخص‌های ارزشی نسل نو را متفاوت با اصول و شاخص‌های انقلاب نموده است و این امراز یک طرف موجبات فاصله گرفتن از افراد مذهبی و از طرف دیگر استقبال از الگوهای و ارزش‌های غربی شده‌است. ۴- سازماندهی تهاجم فرهنگی توسط دشمنان اسلام به خصوص آمریکا با استفاده از ابزارهای جدید اطلاع‌رسانیو تبلیغات گسترده و نیروهای سکولار، روشنفکران غربزده و مزدوران اجیر شده در داخل و با سوء استفاده ازنارسایی‌ها، معضلات و ضعف‌های مدیریتی و اجرایی برای حمله و هجوم به ماهیت اسلام و قوانین الهی و ایجادروحیه یأس و ناامیدی در مردم، به ویژه در نسل جوان، با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش‌های والای الهی درجامعه و ناکارآمد بودن تئوری حکومت دینی و در نتیجه ایجاد شکاف میان نسل جوان جامعه با مدیران حکومتی کهعموما از افراد روحانی و مذهبی می‌باشند و ایجاد بدبینی نسبت به آنها و شک و تردید در توان مدیریتی افرادمذهبیبرای رفع مشکلات و پیشبرد جامعه در ابعاد مختلف لازم است بدانید که حداقل یک قرن است که جهان استکباری باتمام توان و با بکارگیری همه ایادی خود برای کوبیدن روحانیت تلاش می‌کند، زیرا روحانیت را محکم‌ترین سد دربرابر سلطه استعماری خود می‌بیند. ۵- اصولاً قدرت در دست هر کس باشد مردم به طور طبیعی مقداری از آنها فاصله می‌گیرند (من ملکاستأثر). مجموعه این عوامل سبب شده تا مقداری از وجهه روحانیون و افراد مذهبی در بین پاره‌ای از افراد کاسته شده وبخشی از نسل جوان به طرف الگوهای خارجی متمایل گردند. البته نکته‌ای که قابل توجه می‌باشد این است کهعلیرغم این مسأله به واسطه بالا بودن سطح بینش و آگاهی‌های سیاسی، مردم و اقشار جوان بین روحانی و فرد مذهبیمتعهد، دلسوز و فعال با افراد غیر متعهد تفاوت قائل می‌باشند و نسبت به افراد مذهبی و روحانیون متعهد و دلسوزعلاقه‌مند می‌باشند و یا با مختصر برخوردی به شدت جذب شده و بدبینی ایجاد می‌شود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- انقلاب و ارزش‌ها علی زوعلم ۲- ایران و آمریکا حسن واعظی ۳- توسعه و تضاد فرامرز رفیع‌پور

مهمترین وظایف جوان دانشجو به عنوان قشر تحصیل کرده در شرایط کنونی چیست؟

پرسش

مهمترین وظایف جوان دانشجو به عنوان قشر تحصیل کرده در شرایط کنونی چیست؟

پاسخ

مهمترین وظایف جوان دانشجو عبارتند از: ۱- قدردانی از جوانی: مهمترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این ناآلودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان استفاده کنید و خودتان را در زمینه های تزکیه و اخلاق پیش ببرید. این انشاءالله ذخیره همه زندگی شما خواهد شد. راهش هم رعایت دو نکته است: ذکر و توبه. ذکر یعنی یاد، یاد در مقابل غفلت است. غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از آن هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت عالم بعد از عبور از جسمانیت و محاسبه بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت، اینها یاد است... نکته دیگر توبه است ممکن است کسی بگوید ما که جوانیم و هنوز عمری از ما نگذشته است که مثل شما ها گناه زیادی کرده باشیم و محتاج توبه باشیم. نه این درست نیست. توبه وظیفه همیشگی انسان است. پاکترین انسانها هم باید توبه کنند. توبه یعنی برگشت به خدا.(پرسمان، سال دوم، شماره دهم، تیر، ص۲) ۲- جدی گرفتن علم و تحقیق: شما باید در محیط دانشگاه مسئله علم و تحقیق را جدی بگیرید ... بدون پیشرفت علم نمی شود کشور را پیش برد. امروز حتی دشمنان بشریت از علم استفاده می کنند. ما برای آرمانهای والا برای ارزشهای حقیقی برای

فضایل انسانی و گسترش آنها ناگزیریم از علم و شرافت ذاتی علم استفاده کنیم.(همان، ص۸؛ پاسخ و پرسش رهبر معظم انقلاب با دانشجویان) ۳- در مقابل جریانهای سیاسی از اندیشه ناب اسلامی بگوید و به فرموده رهبری «درست فکر کردن، درست تحلیل کردن، تحلیل درست را به دیگران منتقل کردن، سعی در روشن و آگاه کردن کسی که فکر می کنید ناآگاه است وظیفه دانشجوی آگاه و آماده است.» ۴- هر دانشجوی مسلمانی علاوه بر تحصیل علم و نگهبانی از صفای درونی خویش باید از وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چشم پوشی نکند و با محبت و مهربانی به اصلاح دیگران بپردازد.

چرا لباس روحانیون و مبلغان ما به این شکل است؟مگر نه اینکه در زمان پیامبر وقتی کسی وارد مسجد می شد و پیامبر را نمی شناخت نمی توانست تشخیص دهد پیامبر خدا آن هم با این عظمتش کدام است در حالی که روحانی الان ما از کیلومترها قابل تشخیص است؟

پرسش

چرا لباس روحانیون و مبلغان ما به این شکل است؟مگر نه اینکه در زمان پیامبر وقتی کسی وارد مسجد می شد و پیامبر را نمی شناخت نمی توانست تشخیص دهد پیامبر خدا آن هم با این عظمتش کدام است در حالی که روحانی الان ما از کیلومترها قابل تشخیص است؟

پاسخ

درباره قسمت اول سؤال (لباس روحانیان) نکات ذیل قابل توجه می‌باشد: یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می‌پوشیدند. دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا(ع) می‌فرمایند: «حضرت رسول(ص) عمّامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو وطرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت رسول(ص) با دست خود بر سر حضرت علی(ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸). سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می‌باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثه الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار(ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می‌باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می‌باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن‌ها در مواقع نیاز آسان‌تر باشد. و یا مثلا در موقع نماز جماعت تأکید شده که امام جماعت دارای لباس خاصی روحانیت باشد چنان که امام صادق(ع) فرمود: «شایسته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشد» (وسایل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱). چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیتهای وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش‌هایاسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می‌باشد و در حفظ و گسترش ارزش‌های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش‌های بیگانه، بسیار مؤثر است. خصوصا در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد. اما در مورد قسمت دوم سؤال گفتنی است آنچه از سیره پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) برداشت

می شود این است که منظور از چنین رفتارهایی نشان دادن نهایت تواضع رهبر جامعه اسلامی و مساوات آن با سایر مردم است نه این که منظور عدم شناسایی آنان توسط مردم باشد. به عبارت دیگر مشخص نبودن آن بزرگواران اصالتا و بالذات هدف آنان نبوده است، بلکه پیامدی طبیعی و ناشی از دو موضوع است: ۱. رعایت تواضع و مساوات آنان با مردم در همه زمینه ها حتی در نشستن. ۲. یک دست بودن لباس همه. اما در زمان ما موضوع یک دست بودن لباس - به دلیل این که جامعه به غیر از علماء لباس سنتی را کنار گذاشته اند - منتفی است. می ماند مسأله رعایت تواضع و مساوات با مردم که از دیدگاه اسلام یک اصل و ارزش بسیار مهمی است که همه خصوصا رهبران و پیشوایان مذهبی، مکلف به رعایت آن می باشند. هر چند این موضوع نیز گاهی مواقع به تناسب مقتضیات زمان می تواند اشکال مختلفی داشته باشد. در هر صورت آنچه که از سیره امامان معصوم(ع) و پیامبر اکرم(ص) برداشت می شود اصل رعایت تواضع، مساوات و برابری با مردم است که بحمدالله علماء و بزرگان دینی در طول تاریخ تاکنون نسبت به رعایت آن پای بند بوده و می باشند و مسأله لباس آنها، نه تنها با اصل تواضع و مساوات با دیگران منافات نداشته بلکه خود نقش مهمی در تبلیغ ارزش های اسلامی و تعظیم شعائر الهی و انجام وظایف و کار ویژه های صنفی روحانیت و مقابله با تهاجم فرهنگی ایفا می نماید. آنچه که باید به آن زیاد توجه کرد این است که در زمان‌های قدیم عمامه، عبا و قبا، مختص گروه خاصی از مؤمنان نبود بلکه در آن زمان‌ها رسم این بود که افراد صالح و متدین این لباس‌ها را می‌پوشیدند و بعدها به تدریج تنها علمای دینی در این لباس ماندند و این لباس بعنوان علامت و نشانه علمای اسلام به حساب آمد. در حال حاضر هم یکی از شرایط پوشیدن عمامه، قبا و عبا داشتن صلاحیت لازم است و اگر کسی دارای آن شرایط نباشد اگر بپوشد، کار نادرست انجام داده است و مانند کسی می‌ماند که لباس پزشکی بپوشد در حالی که شرایطپزشک را ندارد. در زمان‌های قدیم برای پوشیدن این لباس، تنها صلاحیت اخلاقی کافی بود به همین جهت بسیاری از تاجران و پزشکان هم این لباس را می‌پوشیدند ولی در عصرهای اخیر یکی از شرایط این لباس، کسب علوم اسلامی و تبلیغ دین شد و در حقیقت باید به عنوان یک انیفروم ولباس کار و اعلام آمادگی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های اندیشه دینی، به آن نگاه شود. نه یک امتیاز اجتماعی و از سوء استفاده احتمالی برخی در این لباس باید جلوگیری کرد.

آیا مراجع تقلید و مبلغان دین اسلام توانسته اند اسلام ناب را به مردم معرفی کنند و آن شور و شوق لازم را برای رواج اسلام در مردم ایجاد کنند؟

پرسش

آیا مراجع تقلید و مبلغان دین اسلام توانسته اند اسلام ناب را به مردم معرفی کنند و آن شور و شوق لازم را برای رواج اسلام در مردم ایجاد کنند؟

پاسخ

در باب وظایف اقشار مختلف جامعه از ۲ حیث می توان بحث کرد: هست ها و بایدها. یعنی آنچه اقشار و طبقات جامعه در حال انجام آن هستند و آنچه باید به آن عمل کنند. یکی از اقشار جامعه ما نیز طبقه روحانیون هستند. این قشر نیز به عنوان عضوی از جامعه، وظیفه خدمت رسانی به دیگر افراد جامعه را دارد (یعنی در قبال استفاده از امکانات جامعه باید سودی نیز برساند). حال در بحث از بایدها و نبایدهای مربوط به وظایف این طبقه باید گفت: خدمت رسانی ایشان از قبیل خدمات معنوی و فرهنگی در یک جامعه است. زیرا ایشان متولیان نهاد دینی در جامعه می باشند از وظایف اصلی ایشان آشنا کردن دیگر اقشار مردم با دین حقیقی

است. ایشان وظیفه دارند تا غبار خرافات و اوهامی که به دور دین بسته شده را بزدایند و دین اصلی و بدون پرده را به مردم بنمایانند. همچنین وظیفه دارند تا مردم را برای طی این مسیر تشویق و تحریض کنند. اما از بعد هست ها و این که اکنون شاهد چه نوع عملکردی هستیم باید گفت: همانند دیگر اقشار جامعه شاهد عمل کردن مشفقانه و مخلصانه برخی از این گروه به وظایفشان هستیم. (لازم به ذکر نام نیست و برای همگان آشنایی دارند) اما برخی نیز در ایفای وظایف خود کوتاهی می نمایند. مطلبی که مسأله را خطیر می کند، رسالت سنگینی است که بر دوش این طبقه بوده و با تشکیل حکومت اسلامی بیش از پیش برایشان به وجود آمده. توصیه می شود در این خصوص به مباحث مقام معظم رهبری در کتاب «حوزه و روحانیت» مراجعه گردد. بنابراین روحانیت و مراجع تقلید با ایفاء نقش تاریخی خود نه تنها اسلام را در ایران معرفی کردند به طوری که کودکان نیز امروز با آموزه هایی آشنا هستند که در سابق حتی بزرگسالان نیز با بسیاری از آنها آشنا نبودند جز در خانواده های متدین و... بلکه صدای اسلام به گوش جهانیان نیز رسیده است و امروز اسلام گراها رشد عجیبی در غرب دارد. اما در عین حال هم کاستی های فراوانی داریم و هم پس از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی در مسیر آن توقعات و زمینه های زیادی برای تبلیغ دین اسلام ایجاد شده است. ضمنا از یاد نبریم با توجه به عمق نداشتن ایمان بسیاری از مردم، عملکردهای نادرست حکومت اسلامی یا کارگزاران و سایر افراد مسلمان تا حد زیادی تبلیغات را خنثی می کند بلکه به لحاظ مغایرت عمل با حرف، تأثیر معکوس دارد.

چرا علمای ما هم در مسائل علمی و هم فقهی بارز نیستند و فقط در مسائل فقهی تامل و تدبر می کنند مگر پیامبر ما که الگوی آنهاست به هر دو مساله توجه نداشتند.

پرسش

چرا علمای ما هم در مسائل علمی و هم فقهی بارز نیستند و فقط در مسائل فقهی تامل و تدبر می کنند مگر پیامبر ما که الگوی آنهاست به هر دو مساله توجه نداشتند.

پاسخ

در پاسخ به سؤال فوق گفتنی است: اولا، باید مشخص شود منظور شما از علم چیست. اگر علوم تجربی است که طبیعی است حوزه چنین علومی جدا بوده و موضوعا با تخصص فقها و کار ویژه آنان متفاوت است اما اگر مطلق علم منظور است در این صورت مسائل فقهی قطعا مسائلی علمی می باشند. نظیر علم حقوق و... ثانیا، تعبیر علمای ما (اسلام) فقط منحصر به فقه نیست، بلکه علومی نظیر فلسفه اسلامی، تفسیر، کلام و الهیات، منطق، رجال و درایه، حدیث وحتی اگر علومی را که در حوزه های فرهنگی اسلامی رشد و نما یافته اند، مانند علم نجوم [برای آشنایی با این علوم ر.ک: کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب] و... را هم از علوم اسلامی بدانیم، باز هم در حوزه تخصص علمای اسلامی می باشند. به عنوان نمونه ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، بوعلی سینا، ملاصدرا، شیخ بهایی و... از علمای اسلام می باشند. ثالثا، سیره فقها در گذشته فراگیری علوم مختلف بوده است و هنوز نیز فقیهان بزرگواری وجود دارند که علاوه بر تخصص در علم فقه در علوم دیگری مانند ریاضیات، هندسه، نجوم، طب و... تخصص دارند. اما باید به این نکته مهم توجه داشت همچنان که پیشرفت جوامع بشری و گسترش موضوعات، باعث تفکیک و استقلال بسیاری از علوم در مجامع آکادمیک و دانشگاهی دنیا شد و در هر علم و رشته ای متخصصان ویژه ای به خود اختصاص داد، در علوم اسلامی نیز تکامل و گسترش این علوم تفکیک و استقلال آنها را به دنبال داشت، لذا مشاهده می نماییم که در زمان حاضر علمای اسلامی برخلاف گذشته، دیگر به دنبال تخصص در علومی نظیر طب، نجوم، ریاضیات و... نیستند. به عبارت دیگر به وجود آمدن مجامع

دانشگاهی که متکفل تعلیم و تعلم این علوم اند، این بار را از عهده علمای اسلامی برداشته تا آنان بهتر و بیشتر بتوانند در حوزه علوم اختصاصی خویش به تحقیق، تفحص و نوآوری بپردازند. رابعا، هر چند داشتن تخصص در علوم جدید برای علماء امری ضروری نیست، اما این مسأله به معنای بی نیازی علوم اسلامی و علماء از آشنایی با علوم جدید نمی باشد. به عنوان نمونه فقیه قبل از تشخیص حکم باید موضوع را بشناسد تا بتواند حکم آن را صادر نماید و از طرف دیگر احکام شرعی شامل جمیع شؤونات زندگی و در نتیجه شامل همه موضوعات موجود در جهان می باشد، بنابراین تشخیص حکم شرعی در گرو شناخت همه موضوعات و داشتن حد لازم و ضروری از علوم روز به تناسب موضوعات احکام است (ر.ک: مرجعیت، سید هدایت الله طالقانی، تهران، نشر ارغنون، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶). بنابراین اطلاع فقها و علمای اسلامی از برخی مسائل و ابعاد علوم جدید لازم است. از این رو مراجع، فقها و علمای اسلامی در مسائل و موضوعات مبتلابه در حد نیاز و ضرورت و حتی بیش از آن از علوم جدید مطلع و آگاهند و حتی در مواقع نیاز با متخصصان این علوم به مشورت پرداخته توضیحات و اطلاعات لازم را کسب می نمایند.

چطور شده که در دانشگاه های ما قباحت کارهای زشت و وجاهت کارهای خوب رخت بربسته و دانشگاه ها به جای مراکز علم و دانش به مراکز تجمع عشاق تبدیل شده و چه طور می شه که وضع اسلامی برگرده و دانشجویان حق دانشگاه و جامعه را بر دوش خودشان حس کنند که کارشان درس خواندن

پرسش

چطور شده که در دانشگاه های ما قباحت کارهای زشت و وجاهت کارهای خوب رخت بربسته و دانشگاه ها به جای مراکز علم و دانش به مراکز تجمع عشاق تبدیل شده و چه طور می شه که وضع اسلامی برگرده و دانشجویان حق دانشگاه و جامعه را بر دوش خودشان حس کنند که کارشان درس خواندن است به ازاء استفاده از خوابگاه و سلف و نوارخانه و ... باید درس بخوانند و باید این حق را اداء کنند و الا حق الناس را اداء نکرده اند ،وظیفه مسولان و دانشجویان چیست و تا وضع درست می شود چه کنیم که افراد بیشتری از راه به بیراهه نروند و بتوانند خودشان را حفظ کنند.

پاسخ

چگونگی احیاء ارزش های اسلامی در جامعه همه مراکز فرهنگی از جمله حوزه علمیه قم، وزارتخانه های دولتی، مخصوصا اداره ارشاد و صدا و سیما و... و در دانشگاه ها در درجه اول عبارتند از: - دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها - مدیر فرهنگی دانشگاه ها - تشکل های اسلامی دانشجویی مخصوصا بسیج - تشکل های اسلامی اساتید دانشگاه ها از جمله بسیج اساتید دانشگاه ها اما واقعیت این است که براساس حدیث شریف نبوی «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته» همه ما درا ین زمینه مسؤول هستیم و حتی اگر عده ای شانه از زیر مسؤولیت های خود خالی کنند نه تنها بهانه ای برای ترک وظیفه ما نخواهد بود، بلکه بار مسؤولیت آنها را نیز باید به دوش بکشیم و از این طریق ادامه دهندگان راه شهدا و پرچمداران حق باشیم. ضمنا به منظور تکمیل این پاسخ و نیز راهکار عملی برای پاسخ سؤال شماره ۲ و ۳ نکات ذیل را یادآوری می کنیم: در این زمینه خوب است به منابع زیر که چندان مفصل نیستند مراجعه فرمایید: مجله پرسمان، چرایی پوشش بانوان، آقای حسینی مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسر، آقای احمدی تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران شش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است: اولا، آگاهی دقیق و عمیق برادران و خواهران متعهد و حزب اللهی در دانشگاه ها نسبت به موارد و مصادیق معروف و منکر. ثانیا، کار تشکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل های اسلامی بسیج و سایر تشکل های مذهبی و متعهد و نیز با

همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها در ضمن از این طریق می توانید: ۱- کلاس های آشنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید. ۲- در شورای فرهنگی دانشگاه و سایر مراکز فرهنگی دانشگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید. ۳- گاهی برخورد با بعضی از منکرات به لحاظ حساسیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشکل منسجم نیروهای خودی در این راستا، کارآیی خوبی می تواند داشته باشد. ثالثا، کار مطبوعاتی و نشریاتی و درج مقالات علمی و نه تهاجمی تند و بی منطق و پر از شعار. رابعا، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام شما با حرکت های بی منطق و تند نابه جا و غیرمنطقی، سوء استفاده نشود بهتر است این اقدام در قالب کار تشکیلاتی مذکور صورت پذیرد. خامسا، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصیحت پذیرای سخن شما نیستند، در اردوها، در کلاس ها، در اوقات فراغت. چه این که نصیحت به معنای خیرخواهی است باید راه کار عملی ساختن نصیحت را جستجو نمود. قطعا محبت یکی از بهترین شیوه های ممکن است. سادسا، مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسؤولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد: ۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند, فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد ;از جمله : اولا: "فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است , به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا," احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا, "شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده , اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا, "در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر, مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر, جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت , روی بر گرداندن و.. از او, ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه ی دوم امر و نهی زبانی , موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن , گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه ی سوم , مرحله ی اقدامات عملی است . اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت , واجب است از اعمال قدرت استفاده کند, (تحریرالوسیله , امام خمینی , ج ۲, ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور, موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند,(استفتاآت آیت الله خامنه ای , ترجمه ی فارسی , ج ۱, ص ۲۳۱). ۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی , قوه قضائیه , دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی , ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر, ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون , نسبت به انجام مسئولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است , ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات , مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است . راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی , اشتغال , مسکن , ازدواج , تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی , اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر, فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده ی سلامت جامعه , مطلوب است . در مورد محیط و اطرافیان :

مسلما حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای موئمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت : خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش . حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست . هنر آن است که در تندباد ضد ارزش ها ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. از مطالعه قرآن و توجه به معانی آن و همچنین کتاب های سودمند دیگر و شرکت در مجالس وعظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنید. باید بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شما قرار داده است , لیکن با عزم و همتی سترگ باید به مبارزه با گناه برخیزید و همواره کوشش کنید که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید, آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است , اما اگر در حال عبور از کوچه و بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا مچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد. برخی از کارهای فرهنگی که در دانشگاه ها می توانید انجام دهید و در برخورد با فساد از زاویه کارهای فرهنگی عمل نمایید عبارتند از: الف) برگزاری جلسات دینی اعم از کلاس، سمینار، فوق برنامه و... ب) برگزاری مسابقات جهت دار که به روشنگری و اشاعه افکار ناب اسلامی و انقلابی بپردازد. یکی از بهترین مسابقات، مسابقات قرآنی، نهج البلاغه، کتب مذهبی و سیاسی خوب مانند پرسش ها و پاسخ های آیت الله مصباح یزدی است. البته باید طرح این مسابقات با یک کار کارشناسی، از حالت کلیشه ای و قالب خشک درآید تا با جذابیت خوب برگزار گردد. ج) نشریات دیواری، هفتگی، ماهیانه و یا فصلنامه و یا گاهنامه با مطالب مفید و متنوع و جذاب. د) خنثی کردن تبلیغات سوء افراد جاهل یا مفرض به طرق مختلف از جمله پاسخ گویی به شبهات در سخنرانی ها، نشریات، بردها و... و) برگزاری اردوهای مفید به دور از اختلاط و اجرای برنامه های اطلاع رسانی (جلسه گفتگوی صمیمانه با حضور برخی صاحب نظران فرهنگی اسلامی) و... ناگفته نماند که کار فرهنگی یک تعریف مشخص و معینی ندارد و ما به برخی از مصادیق و نیز راهکارهای اجرایی آنها بود. ما چند وظیفه در قبال مشکلات جامعه داریم: ۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسؤلیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید. ۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید. ۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی‌دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشتهباشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه‌ای که می‌توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است. ۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت‌های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی‌ها می‌شوند را پر نمایید. ۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی‌ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا درکناردیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام‌های مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید. جهت انجام فعالیت های فرهنگی در دانشگاه نکاتی را باید رعایت نمود تا فعالیت فرهنگی از نظر کمی و کیفی نتیجه مطلوب را داشته باشد. برخی از آن نکات عبارتند از: ۱. درست شناختن کاری که در پی انجام آن هستیم – تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند – باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید. ۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید – کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگاری آشنایی

کافی را دارنـد. ۳. از افراط و تفریـط پرهیز نماییـد. ۴. اهل مـدارا و گـذشت و ملاطفت باشـید زیرا کار فرهنگی با زور و سـر نیزه و تنگ نظری نمی شود. ۵. صـبور باشـید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال مانـدگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مـدت هـا زمان می برد. ۶. از افراد بـا انگیزه ای به عنوان همکـار کمک بگیریـد. پرانگیزه باشـید و صـرفا برای وقت گـذرانی یا کسب درآمد به آن کار نپرداخته اند. ۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بازرسی و دیدن و ارزیابی قرار دهیـد و از تجربیـات دیگران همـواره اسـتفاده نماییـد. ۸. هیـچ گـاه از شـکست و نتیجه نـدادن کارها نهراسـید. ۹. هر کـاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود.

چرا از آموزه‌های ثابت قرآن، در دروس دانشگاهی و عرصه‌های علمی استفاده نمی‌کنیم؟

پرسش

چرا از آموزه‌های ثابت قرآن، در دروس دانشگاهی و عرصه‌های علمی استفاده نمی‌کنیم؟

پاسخ

اسـلام بـا ظهور خود، فرهنـگ نوینی را به بشـریت عرضه داشت و بـا طرح مفـاهیم جدیـد، بینش انسان‌هـا را دگرگون سـاخت. این مفـاهیم که از مجرای وحی و سـنت رسول خـدا(ص) - که ترجمـان حقیقی وحی بود - نـازل شـد و با عمل و رفتار مؤمنان در شـبه جزیره عربسـتان بسـط یـافت؛ بنیان‌هـای تکـوین یـک «امـت واحـد جهـانی» را فراهـم آورد. قرآن شـریف، سـفارش‌های مکرری به اندیشـیدن و تمیز درست از نـادرست دارد و این رهنمودها کاملاً منطقی است. این کتاب عظیم همان‌طور که عقل را راهنمای انسان می‌دانـد، از افراد بشـر می‌خواهـد تـا حکمت و رشـد خود را گسترش دهنـد. در این بـاب نگا: عباس محمود عقاد، تفکر از دیـدگاه اسـلام، ترجمه محمدرضا عطائی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: چاپ اول ۱۳۷۱ ش، صص ۹-۲۶. همچنین در این کتاب بی‌نظیر، آموزه‌هایی وجود دارد که سـمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است. آموزه‌هایی در باب اخلاق، خداشناسـی، انسان‌شناسـی، جهان‌شناسـی، تاریخ و.... حضـرت رسول(ص) با سیره عملی و گفتار زبانی و بعد از او ائمه(ع)، کوشـش کردنـد تا این آموزه‌ها را به طور صـحیح و درست برای ما تفسـیر کننـد؛ هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود، به بشـریت ارزانی دارند. اما باید به این نکته توجه داشت که هدف اصـلی و اولی قرآن شریف، کدام یک از این آموزه‌ها بوده است؟ آیـا علاـوه بر طرح مسـائلی چـون خداشناسـی، انسان‌شناسـی، راهنماشناسـی و اخلاـق؛ مواردی چون جهان‌شناسـی به معنـای شناخت جهان و طبیعت (مانند فیزیک، گیاه‌شناسـی، زمین‌شناسی، ستاره‌شناسی) و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشـته باشـیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟! قرآن، کتاب انسان‌سازی است تاآنچه را که بشـر در راه تکامل حقیقی؛ یعنی، تقرب به خدای متعال نیاز دارد، به او بیاموزد. بر این اساس، آموزه‌هایی که در ارتباط مسـتقیم با این مسأله بوده‌اند مورد اهتمام آیات قرآن‌اند؛ یعنی، در باب خداشناسـی، انسان‌شناسی، معادشناسی، راهنماشناسی، اخلاق و احکام عبادی. اما درباره جهان، طبیعت و مسائل فیزیکی و جسـمانیِ بـدن، قرآن به طور اجمالی و اسـتطرادی، بحث کرده‌است و شایـد هیـچ آیه‌ای را نیابیم که مسـتقلاً و مسـتقیماً، به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان‌ها و زمین پرداخته باشد. در برخی موارد، گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریـده‌ها، برای آگاهانیـدن انسان و رهنمونی او به عظمت الهی و سترگی حکمت‌هایی است که خداونـد در آفرینش به کـار برده است. در پاره‌ای مواضع، نعمت‌های خـدا در آسـمان و زمین، به تفصـیل یادآوری شـده است تا انگیزه‌ای برای

شکر و حق‌شناسی باشد. و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که انسان، با نگرش به عالم - از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر او است - «معرفت فطری» و «شناخت حضوری» خود را شکوفا کند و به آن شدت و نیروی بیشتری بخشد. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، مؤسسه در راه حق، قم: چاپ اول ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۲۲۵. با توجه به این نکته، در پاسخ به این پرسش خاطرنشان می‌شویم که اگر مقصود از «نظریات قرآن» در باب آموزه‌هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است؛ بله در این جهت ما باید کوشش کنیم تا آموزه‌های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سود جوییم. به راستی ما در انسان‌شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی، هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که با استخراج و انتظام منطقی آنها، می‌توانیم مسائل جدیدی را در این ساحت‌ها، به جهان بشری عرضه کنیم. اما اگر منظور، آموزه‌هایی در ساحت دانش تجربی باشد - که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکر کلیاتی اکتفا شده است - به نظر ما نباید تلاش بیهوده‌ای را آغاز کنیم؛ همان گونه که برخی چون رشید رضا در تفسیر «المنار» و طنطاوی در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» کوشش کرده‌اند که بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهند. این آیات از آن جا که جنبه غیراصلی و استطرادی دارد، در هیچ زمینه، هیچ‌گاه به بحث‌های تفصیلی در این باب نپرداخته است؛ بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می‌شده، بسنده کرده است. به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالباً دارای ابهام‌هایی است و کمتر می‌توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: همان، صص ۲۲۸ - ۲۳۲. در این جا تذکر چند نکته لازم و ضروری است: ۱. هر چند قرآن به دانش تجربی - چنان که توضیحش گذشت - نپرداخته است؛ ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باره به کند و کاو و جست و جو و کشف عالم طبیعت بپردازد. (نگا: اعراف، آیه ۱۸۵؛ غاشیه، آیه ۲۰ - ۱۷ ؛ بقره، آیه ۱۶۴ و...) ۲. خداوند، عقل را به عنوان «حجت باطنی» برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن، بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن، مجهولات جهان طبیعت را کشف کند. در حقیقت، این موضوع به انسان واگذار شده است؛ از این رو در این باره باید از عقول دیگران و تجارب آنان، سود جوید. ۳. علوم اسلامی، همچون تفسیر، فقه، اصول، حدیث، نحو، بلاغت، تاریخ، اخلاق، فلسفه و کلام، هر چند در پرتو هدایت‌های رسول خدا(ص) و پایه‌گذاری حضرت علی(ع) پدید آمده است؛ ولی بسط و تسدید آن به وسیله‌ی انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود، آن را توسعه بخشید. بنابراین علوم غیراسلامی نیز می‌تواند با خود آدمی، رشد و بالندگی خود را به دست آورد. در این باب نگا: علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، ظهور شیعه، انتشارات فقیه، تهران: چاپ اول، ۱۳۶۰ ش، ص ۳۳ و ۳۴. ۴. طفیلی و استطرادی بودن بعضی از آموزه‌های قرآنی درباره‌ی «دانش تجربی»، به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی‌اند که برای ارائه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند. هرگز چنین نیست! گزارش‌های «وحی» از خلقت آسمان و زمین، کلام آن خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است. قرآن، در پی تبیین چنین آموزه‌هایی نبوده است و از این رو این سلسله آیات، با ابهام مطرح شده است. در واقع با این سلسله آیات، خداوند آدمی را تحریک، تشویق و ترغیب کرده است تا با استمداد از عقل خود، به کشف رازهای مجهول آن نایل آید. ۵. ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ، از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است؛ زیرا قرآن، همراه با طرح این مسائل، به «علت فاعلی و غایی» حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجّه نشان می‌دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال «هو الاول» و «هوالاخر» تا اوج‌گاه «مبدأ» و «معاد» پرواز می‌دهد. آیت اللّه عبداللّه جوادی آملی، شریعت در آیینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۱۶۴ - ۱۶۶. به هر حال ما باید در بعضی از آموزه‌های قرآنی - که اهتمام اولی به آن شده است - نظریات آن را استخراج کرده، به جهانیان عرضه نماییم؛ ولی در بعضی از دانش‌ها (چون دانش تجربی و تاریخی) باید با استمداد از عقل بشری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان، در کشف مجهولات خویش استفاده کنیم.

چرا ارتباط طلاب با جوانان کم شده و روحانیت وظیفه خود را درست اداء نمی کند؟

پرسش

چرا ارتباط طلاب با جوانان کم شده و روحانیت وظیفه خود را درست اداء نمی کند؟

پاسخ

روحانیت عظیم الشأن در جهان تشیع، از عظمت و قداست بسیار بالا و والایی برخوردار بوده، و پرچمدار نهضت ها و مبارزات ضدّ استکباری و ضدّ استبدادی در دوره های مختلف تاریخ بوده است. نگاهی کوتاه و اجمالی به سابقهٔ درخشان روحانیت، نشانگر این حقیقت است. نهضت مشروطه، ملّی شدن صنعت نفت، نهضت تنباکو، مبارزات سیدجمال الدین اسدآبادی، و بالاخص انقلاب‌اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(، حاصل و نتیجه فعالیت مبارزاتی و هدایتگر روحانیت است. اما به نظر می رسد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به چند دلیل عمده روحانیت آنگونه که باید، نتوانسته است پاسخگوی جامعه، بخصوص نسل جوان باشد : ۱.با پیروزی انقلاب اسلامی، و تشکیل حکومت اسلامی، و حاکمیت اسلام و مقررات بر شؤون کشور، بسیاری از رسانه ها از جمله صدا و سیما، روزنامه، مجلات، و ... ، فعالیت های فرهنگی و تبلیغی را که قبل از انقلاب به عهده روحانیت بود، در برنامه کاری خودشان قرار دادند. لذا بخشی از اعضای جامعه، با بهره برداری از این رسانه ها، خود را بی نیاز از برقراری ارتباط با روحانیت دیدند، و کمتر در مجالس و محافل حضور یافتند، و مساجد کم رونق شد. از سوی دیگر برادران روحانی نیز که با عدم استقبال مردمی مواجه شدند، برای برقراری ارتباطی دوستانه تلاش نکردند، و چنین احساسی در آنها نیز بوجود نیامد. شاید ضرورتی نمی‌دیدند که همانند گذشته فعّال و پرتلاش باشند، چون احساس می کردند که سایر دستگاهها کار آنان را انجام می دهند. مباحثی که در سطح رسانه ها مطرح می شد، با توجه به این که از استادان عالیرتبه و مجتهدان والامقام دعوت می شد، تا به وعظ و خطابه و نگارش مقاله بپردازند، طبعاً گیرایی و استحکام سخن و کلام و قلم آنها، بیش از طلاب جوانی بود که در یک محلّه و از یک مسجد، به وعظ و خطابه می پرداختند. ۲. متأسفانه برادران عزیز و روحانی، که انتظار داشتند مردم و جوانان به سوی آنان بروند (همانند قبل از انقلاب)، چون احساس کردند جوانان نمی آیند، آنها نیز برای برقراری ارتباط دوستانه و صمیمی ضرورتی احساس نکردند. و نیز در ارائهٔ مواعظ و سخنرانی‌ها، به مطالعه عمیق نپرداختند، تا مراجعان و جوانانی که پای صحبت آنان می نشینند، احساس کنند مطالب نویی می‌شنوند. در اکثر موارد، مسائل و مطالب تکراری که از رسانه ها شنیده بودند، در مساجد طرح شده، موجب زدگی مردم شده است. ۳. برادران عزیز روحانی، متناسب با پیشرفت و تحول جامعه، متحول نشده اند. و حال آنکه یکی از شرایط واعظ و مبلغ، درک زمانه است. ولی این اتفاق حاصل نشده، و موجب بی اقبالی جوانان به مجالس و محافل گردیده است. ۴. اشتغالات سیاسی، فرهنگی و اداری برخی از روحانیون، و احتمالاً ـ خطاها و اشتباهات آنان، یا حداقل برآورده نساختن خواسته های مردم، ـ به حق یا به ناحق ـ موجب شده که چهره بسیاری از افراد خدوم و با تقوای روحانی، نیز خدشه دار شود، و از اقبال مردم به آنان بکاهد. در پایان توصیه می کنم مصاحبه استاد شهید مرتضی مطهری را، در خصوص وظایف روحانیت بعد از انقلاب، که قبل از شهادتشان صورت گرفته است، و کتاب نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر را، بطور دقیق مطالعه بفرمایید.(۱)

یک فرد در خانوادهٔ خود، چه جایگاهی دارد و به انجام چه کارهایی ملزم است ؟

پرسش

یک فرد در خانوادهٔ خود، چه جایگاهی دارد و به انجام چه کارهایی ملزم است ؟

پاسخ

هر فرد در خانواده با توجه به جایگاهی که دارد، نقش و مسئولیت مخصوصی که هر کدام با دیگری متفاوت است ; برای مثال مسئولیت پدر و مادر، با مسئولیت فرزندان و جایگاه آنان فرق دارد که در این‌جا به گوشه‌ای از آن‌ها از دیدگاه قرآن اشاره می‌شود: الف ـ جایگاه و مسئولیت مشترک پدر و مادر ۱. ایجاد آرامش و امنیّت و حفاظت از انحراف یک‌دیگر": اُحِلَّ لَکُم لَیلَةَ الصِّیامِ الرَّفَثُ اِلی نِساکُم هُنَّ لِباسٌ لَکُم وَاَنتُم لِباسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللّهُ اَنَّکُم کُنتُم تَختانونَ اَنفُسَکُم فَتابَ عَلَیکُم وعَفا عَنکُم فالـ? نَ بـَشِـروهُنَّ وابتَغوا ما کَتَبَ اللّهُ لَکُم وکُلوا واشرَبوا حَتّی یَتَبَیَّنَ لَکُمُ الخَیطُ الاَبیَضُ مِنَ الخَیطِ الاَسوَدِ مِنَ الفَجرِ ثُمَّ اَتِمّوا الصِّیامَ اِلَی الَّیلِ ولا تُبـَشِـروهُنَّ وَاَنتُم عـاکِفونَ فِی المَسـجِدِ تِلکَ حُـدودُ اللّهِ فَلا تَقرَبوها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ ءایـَتِهِ لِلنّاسِ لَعَلَّهُم یَتَّقون (بقره ۱۸۷) آن‌ها]=زنان لباس شما هستند و شما]=مردان لباس آن‌ها هستید ".لباس افزون بر جهت امنیتی ـ از سرما و گرما و... عیوب را می‌پوشاند و زینت محسوب می‌شود. دو همسر، یک‌دیگر را از انحرافات حفظ می‌کنند و عیوب یک‌دیگر را می‌پوشانند و وسیلهٔ راحتی و آرامش یک‌دیگرند، و هر یک زینت دیگری محسوب می‌شود.(تفسیرنمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ص نشر دارالکتب‌الاسلامیه) ۲. تولید نسل و تربیت فرزندان صالح" نِساؤُکُم حَرثٌ لَکُم فَأتوا حَرثَکُم اَنّی شِئتُم وقَدِّموا لِاَنفُسِکُم واتَّقوا اللّهَ واعلَموا اَنَّکُم مُلَقوهُ وبَشِّرِ المُؤمِنین (بقره ۲۲۳)زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند ;پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید. و]سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته با پرورش فرزندان صالح اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید ".در روایتی از پیامبر۹ وارد شده است که فرمود ":وقتی که انسان می‌میرد، امید او جز از سه چیز قطع می‌شود: ۱.صدقات جاریه ۲.علمی که از آن سود می‌برند ;۳. فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند(".همان ج ص ۱۴۱ـ۱۴۲.) ب ـ مسئولیّت سرپرست خانواده ۱. تربیت صحیح همسر و فرزندان خداوند در سورهٔ فرقان این ویژگی را از صفات مؤمنان راستین بر می‌شمارد و می‌فرماید": والَّذینَ یَقولونَ رَبَّنا هَب لَنا مِن اَزوَجِنا وذُرِّیّـَتِنا قُرَّةَ اَعیُنٍ واجعَلنا لِلمُتَّقینَ اِماما(;فرقان ۷۴)آن‌ها]=مؤمنان راستین کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا!از همسران و فرزندان ما، مایهٔ روشنی چشم ما قرار ده " بدیهی است که منظور این نیست که فقط در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند، بلکه دعا، علامت شوق درونی و رمز تلاش و کوشش است (همان ج ۱۵،ص ۱۶۷.) ۲. امر به معروف و نهی از منکر همسر و فرزندان" یـَأَیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا قوا اَنفُسَکُم واَهلیکُم نارًا وقودُهَا النّاسُ والحِجارَةُ عَلَیها مَلـئِکَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا یَعصونَ اللّهَ ما اَمَرَهُم ویَفعَلونَ ما یُؤمَرون (تحریم ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!خود و خانواده خویش را از آتش که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگاه دارید ".هنگام نزول این آیه شخصی از پیامبر۹ پرسید:چگونه خانوادهٔ خود را از آتش دوزخ حفظ کنم پیامبر۹ فرمود": آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کن اگر از تو پذیرفتند، آن‌ها را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند، وظیفهٔ خود را انجام داده‌ای " ج ـ مسئولیت مادر از جهت مادری و همسری ۱. رازداری" واذ اَسَرَّ النَّبیُّ اِلی بَعضِ اَزوَجِهِ حَدیثًا فَلَمّا نَبَّاَت بِهِ واَظهَرَهُ اللّهُ عَلَیهِ عَرَّفَ بَعضَهُ واَعرَضَ عَن بَعضٍ فَلَمّا نَبَّاَها بِهِ قالَت مَن اَنبَاَکَ هـذا قالَ نَبَّاَنِیَ العَلیمُ الخَبیر(;تحریم ۳) به خاطر بیاورید هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود ".از مجموع آیه به دست می‌آید که همسر انسان بایستی رازدار اسرار شوهر خود باشد. ۲. رسیدگی به امور خانه مانند نظافت غذا و"...: والوَلِدَتُ یُرضِعنَ اَولـدَهُنَّ حَولَینِ کامِلَینِ(;بقره ۲۳۳) مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند ".د ـ مسئولیت فرزندان ۱. اطاعت از پدر و مادر: در اسلام اطاعت از پدر و مادر لازم شمرده شده است مگر آن که انسان را به گناه و یا به ترک واجب امر کنند، که در این صورت اطاعت آنان لازم بلکه جایز نیست (عنکبوت ۸) ۲. احسان و نیکی به آن‌ها": ووصَّینَا الاِنسـنَ بِوَلِدَیهِ حُسنًا وان جَهَداکَ

لِتُشرِکَ بی ما لَیسَ لَکَ بِهِ عِلمٌ فَلاتُطِعهُما اِلَیَّ مَرجِعُکُم فَاُنَبِّئُکُم بِما کُنتُم تَعمَلون (عنکبوت ۸) ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند ".۳. تشکر و قدردانی از آن‌ها": ووصَّینَا الاِنسـَنَ بِوَلِدَیهِ حَمَلَتهُ اُمُّهُ وَهنًا عَلیَ وَهنٍ وفِصـَلُهُ فی عامَینِ اَنِ اشکُر لی ولِوَلِدَیکَ اِلَیَّ المَصیر(;لقمان ۱۴)]آری به او توصیه کردم که شکر برای من و برای پدر و مادرت به جا آور ".۴. رفتار شایسته با آنان" وان جـَهَداکَ عَلیَ اَن تُشرِکَ بی ما لَیسَ لَکَ بِهِ عِلمٌ فَلا تُطِعهُما وصاحِبهُما فِی الدُّنیا مَعروفًا واتَّبع سَبیلَ مَن اَنابَ اِلَیَّ ثُمَّ اِلَیَّ مَرجِعُکُم فَاُنَبِّئُکُم بِما کُنتُم تَعمَلون (لقمان ۱۵) و با آن‌ها در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن"

برای یک دانشجو درس مقدم است یا فعالیت های فرهنگی ؟

پرسش

برای یک دانشجو درس مقدم است یا فعالیت های فرهنگی ؟

پاسخ

وظیفه دانشجو در درجه اول خوب درس خواندن است. البته انجام فعالیت‌های فرهنگی نیز وظیفه بزرگی است؛ ولی نباید درس را به خاطر آنها فدا کرد. بنابراین در حد امکان طریق اعتدال و میانه‌روی را پیش گیرید.{J

تفاوت بین یک طلبه و دانشجو چیست ؟

پرسش

تفاوت بین یک طلبه و دانشجو چیست ؟

پاسخ

مهمترین تفاوتی را که می توان میان یک دانشجو با یک طلبه برشمرد, تفاوت در نوع مسئولیت و وظیفه هر کدام می باشد که خود برخواسته از هویت صنفی و شغلی است . به عبارت دیگر در جایگاه و نقشی که هر کدام از ان ها در جامعه دارند وظایف و کارکردها و اهدافی مورد انتظار می باشد که هر کدام برای تحقق آن پرورش یافته اند. مثلا "مهمترین مسئولیت یک طلبه تلاش و کوشش در جهت فراگیری احکام و معارف اسلامی برای تبلیغ و عرضه آنها به جامعه و تحقق عملی آنها در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی می باشد و مسئولیت یک دانشجو خوب درس خواندن و کسب تخصص در رشته تحصیلی خود برای پیشرفت و توسعه کشور است . ضمن این که هر دو گروه باید با یکدیگر تعامل داشته و علاوه برخودسازی دست در دست یکدیگر برای اعتلای فرهنگی و علمی و استقلال و سربلندی جامعه کوشا باشند.

اخلاق و کردار و رفتار و گفتار بسیجی نمونه را شرح دهید.

پرسش

اخلاق و کردار و رفتار و گفتار بسیجی نمونه را شرح دهید.

پاسخ

یک بسیجی نمونه به نظر ما دارای صفات و ویژگی هایی است که او را از سایرین ممتاز می سازد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از: اول، نقش الگویی: یک بسیجی نمونه یعنی یک الگوی اخلاقی و رفتاری، یک انسان ارزشی، یک مسلمان و مؤمن واقعی. در جامعه اسلامی کنونی ایران که اکثریت افراد آن را جوانان تشکیل می دهند، بسیجی ها می توانند الگوی مناسبی برای ایمان، اخلاق و رفتار سایرین، خصوصا جوانان باشند. مردم نیز به آنها به دیده یک انسان خود ساخته نظر می کنند کاری که یک بسیجی انجام می دهد به هر کیفیت که باشد به پای اسلام و نظام اسلامی نوشته می شود و مردم به هیچ وجه از یک بسیجی توقع رفتار یا گفتار نامناسب را ندارند. بسیجی یعنی یک انسان موفق، کسی که هم در تحصیل علم و شناخت زمین و زمان موفق می باشد و هم اهل آسمان و معنویت است و در تحصیل ایمان و اخلاق موفق می باشد. بسیجی از این منظر یعنی ارزش های نهادینه شده در یک انسان والاـ دوم. عشق و اطاعت از رهبری: یکی از ویژگی های یک بسیجی نمونه عشق او نسبت به رهبر و مقتدای خویش است. بسیج مدرسه عشق است و بسیجی یعنی عاشق؛ یعنی مطیع رهبر یعنی یک مخلص، یک مرد خدا. بسیجی ولایت فقیه را می شناسد و به آن اعتقاد دارد و تنها فقیه عادل را شایسته رهبری امت و حکومت بر جامعه اسلامی می داند. بسیجی اطاعت از رهبر را واجب می شمارد، نیرویی است که به اشاره رهبر حرکت می کند و بازوی توانمند رهبری در حفظ نظام اسلامی است. ۳. روحیه ایثار و فداکاری: بسیجی یعنی یک انسان هدفدار. هدفی که فراتر از اهداف مادی و زمین است. هدف بسیجی اعتلای کلمه الله در زمین است و در مسیر تحقق این مقصد، از هیچ فداکاری دریغ نمی کند. بسیجی یعنی یک فدایی راه خدا و یک قربانی راه ایمان. کسی که از خودش گذشته، برای خودش هیچ نمی خواهد و منیت و خودخواهی خویش را فدای خواست و رضایت خداوند ساخته است. بسیجی یعنی یک انسان آماده شهادت، کسی که حاضر است برای رسیدن به آرمان الهی خویش جانش را نثار کند. این حالت اصلی ترین مشخصه یک بسیجی نمونه و واقعی است. هنگامی که آدمی احساس می کند در هر لحظه حاضر است از مال و جان خویش در راه رضایت خداوند بگذرد یک بسیجی واقعی است. ۴. حضور در صحنه: یکی ازخصوصیات بسیجی نمونه حضور در صحنه است بسیجی در هر شرایطی که احساس کند آرمانش و موجودیت ارزش ها و اهداف انقلاب اش در خطر است، در صحنه حضور مؤثر دارد. بسیجی هم در صحنه های دفاع حضور دارد و هم در صحنه های سازندگی کشور هم در عرصه های دفاع و سازندگی فرهنگی حاضر می شود و هم در میدان های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. بسیجی یعنی یک نیروی آماده است، یک امداد الهی، کسی که در هر لحظه آماده دفاع و تأمین منافع اسلام و انقلاب است و در هر کجا که کشور به او نیاز دارد، حضور دارد. یک نیروی منتظر. یک منتظر واقعی امام زمان(عج) و کسی که معتقد است، تنها با جهاد و اجتهاد زمینه ظهور حضرت(ع) فراهم می شود. ۵. روحیه عدالت خواهی و ستم ستیزی: یکی از ابعاد مهم کار بسیجی، عدالت خواهی و ستم ستیزی در سطح جامعه است. بسیجی یعنی کسی که تحمل ستم را ندارد و برای اجرای عدالت واقعی تلاش می کند. اساسی ترین اصل در سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی، تأمین و گسترش عدالت در سطح جامعه بشری است آرمانی که تمامی انبیاء و اولیاء الهی برای تحقق آن کوشیده اند و عدالت، یعنی (اعطاء کل ذی حق حقه) هر کس به حق و حقوق خویش برسد، هر کس در جای خویش بنشیند و هر کاری به موقع انجام شود. یکی از آرمان های بزرگ یک بسیجی نمونه احقاق حقوق و توزیع عادلانه ثروت و قدرت در سطح جامعه است و برای این منظور تلاش می کند. و بالاخره بسیجی نمونه ، یعنی یک شیعه واقعی، کسی که در اخلاق و عمل به مولا و امیر مؤمنان علی و اولاد طاهرینش(ع) اقتدا می کند و پیرو آنها است.

کسی که دوستدار ولی فقیه است , چه وظیفه ای دارد؟

پرسش

کسی که دوستدار ولی فقیه است , چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ

انجام وظایف و تلاش و جدیت برای تحصیل و پیشرفت علمی، غافل نبودن از شرایط زمان و داشتن بینش سیاسی والزام به احکام دین مهمترین پایه‌هایی است که رضایت خدا و رضایت امام زمان و نایب ایشان را در پی دارد.

چرا سخنرانان فقط در یک زمینه – مثلا اخلاقی – سخنرانی می کنند* آیا بحث دشمن شناسی ضرورت ندارد؟

پرسش

چرا سخنرانان فقط در یک زمینه – مثلا اخلاقی – سخنرانی می کنند* آیا بحث دشمن شناسی ضرورت ندارد؟

پاسخ

وظیفه سخنران مذهبی و کسانی که مسوئولیت خطیر تبلیغ را بر عهده دارند این است که همه مسائل اسلامی اعم از اخلاقی و اعتقادی , احکام و سیاسی را بیان کنند و مردم را به شناخت دشمنان و وظایف آنها در قبال فرد وجامعه متوجه سازند و مطابق شائن مخاطبین سخن بگویند و در صورتی که سخنرانی افراط در یک جهت دارد می توانید با او با آرامی سخن بگوییم و با مطرح کردن نیاز مخاطبان سعی کنید مجلس پربارتر و مفیدتر گردد. {J

وظیفه ما در اجتماع کنونی چیست؟

پرسش

وظیفه ما در اجتماع کنونی چیست؟

پاسخ

هر انسان متعهد و مسؤول دارای دو وظیفه است: یک وظیفه فردی و یک وظیفه اجتماعی: وظیفه فردی نسبت به شخص خود، آن است که با اراده‌ای قوی و عزمی راسخ و ایمانی راستین، خویشتن را از عوامل گناه و فساد بر کنار دارد و دامن خویش را از ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها پاکیزه نگه دارد و این مطلب، نیاز شدیدی به خودسازی و تقویّت روح و اراده و ایمان دارد. کسی که اراده وی در مسیر خواسته‌های عادّی و معمولی در جریان است و در کارهای زندگی هم رنگ جماعت است و آزادی و استقلال اراده ندارد، نمی‌تواند خویشتن را از انحراف نجات دهد. و امّا وظیفه اجتماعی، آن است که تا می‌تواند با راهنمایی و دلسوزی و امر به معروف، دیگران را به فضیلت و پاکی رهنمون گردد. « بخش پاسخ به سؤالات »

عدالت اجتماعی

تساوی مثبت و منفی یعنی چه؟

پرسش

تساوی مثبت و منفی یعنی چه؟

پاسخ

تساوی منفی، یعنی به حساب نیاوردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برقراری برابری؛ تساوی مثبت، یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلّق مکتسبات هر فرد به خویش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه. تساوی منفی از قبیل تساوی‌ای است که در داستانها آورده‌اند که جبّاری در کوهستانی زندگی می‌کرد و از عابرانی که از آنجا می‌گذشتند به عنوان مهمان پذیرایی می‌نمود. هنگام خواب، مهمان باید روی تختخواب معیّنی بخوابد. غلامان میزبان، مهمان را روی تختخواب می‌خوابانیدند. اگر اتفاقاً اندام مهمان از تخت نه کوتاه‌تر بود و نه بلندتر، اجازه داده می‌شد که بخوابد، اما وای به حال مهمان نگونبخت اگر اندامش با تخت مساوی نبود. اگر اندامش بلندتر بود، از طرف پا یا سر با ارّه مساوی می‌کردند و اگر کوتاهتر بود، آنقدر از دو طرف می‌کشیدند تا برابر شود و به هر حال پایان کارش معلوم بود. اما تساوی مثبت از نوع بی‌نظری یک معلّم مهربان دلسوز است که به همهٔ شاگردان با یک چشم نگاه می‌کند؛ در صورت تساوی جوابها نمرهٔ مساوی می‌دهد و در صورت اختلاف در جوابها به هر کس همان نمره را می‌دهد که استحقاق دارد.

قرآن چه اصلی را به عنوان زیربنای همهٔ قوانین اجتماعی پذیرفته است؟ ۱ ـ قرآن اصل «عدالت» را بعنوان زیربنای همهٔ قوانین اجتماعی پذیرفته و می‌گوید حکومت و قضاوت حتماً باید بر پایه عدالت باشد «وَاِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النّاسِ اَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدلِ»

پرسش

قرآن چه اصلی را به عنوان زیربنای همهٔ قوانین اجتماعی پذیرفته است؟ ۱ ـ قرآن اصل «عدالت» را بعنوان زیربنای همهٔ قوانین اجتماعی پذیرفته و می گوید حکومت و قضاوت حتماً باید بر پایه عدالت باشد «وَاِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النّاسِ اَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدلِ» نساء/ ۵۸ [هنگامی که میان مردم قضاوت و حکومت میکنید به عدالت حکم کنید.] ـ سخن حتی در غیر دایره دادرسی و حکومت باید از روی عدالت باشد، و حب و بغضهای ناشی از دوستی و خویشاوندی، یا بیگانگی و عداوت، نباید مانع از این امر باشد «وَاِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ کانَ ذَاقُرْبی» انعام/۱۵۲ [هنگامیکه سخن می گوئید عدالت را رعایت کنید اگرچه در مورد خویشاوندان باشد.] ـ سرچشمه ظلم و بیدادگری هوا پرستی است، و ظلم باید همچون هواپرستی محکوم گردد «فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوی اَنْ تَعْدِلُوا» نساء/۱۳۵ [پیروی از هوی شما را از عدالت باز ندارد.] ـ مبادلات اقتصادی همه باید روی «عدل و داد» صورت گیرد «اَوْفُوا الْکَیْلَ وَالْمیزانَ بِالْقِسْطِ» انعام/۱۵۲ [پیمانه و وزن را با عدالت وفا کنید.] ـ سرپرستی یتیمان باید از روی عدالت باشد «وَاَنْ تَقومُوا لِلْیَتامی بِالْقِسْطِ» نساء/۱۲۷ [درباره یتیمان قیام به عدالت کنید.] ـ خلاصه همه چیز باید بر پایهٔ عدالت، و از آن بالاتر نیکوکاری و گذشت باشد «اِنَّ اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسانِ وَایتاءِ ذِی‌الْقُربی وَیُنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْکَرِ وَالْبَغْیِ» نحل/۹۰ [خداوند به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان میدهد، و از اعمال زشت و ناپسند، و ستم، نهی می کند.] ـ همانطور که هواپرستی بطور مطلق و علاقهٔ بی‌حساب به بستگان و نزدیکان از اجرای عدل بازمی‌دارد، دشمنی و خصومت با افراد نیز ممکن است مانع از این کار گردد «وَ لا یَجْرِ مَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلی اَلّا تَعْدِلُوا اِعدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقوی» مائده/۸ بنابراین باید به شدت از این خطراتی که اصل عدالت را تهدید میکند

برحذر بود، همچنین از اینکه علاقهٔ بخود یا پدر و مادر و سایر نزدیکان و یا ملاحظه ترحم و عواطف کاذب، مانع از اجرای عدالت گردد باید برحذر بود «یا اَیُّهَا الَذینَ آمَنُوا کوُنوُا قَوّامینَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلّهِ وَلَوْ عَلی اَنْفُسِکُمْ اَوِالْوالِدَیْنِ وَالْاَقْرَبینَ اِنْ یَکُنْ غَنیاً اَوْ فَقیر اَفَاللّهُ اَوْلی بِهِما» نساء/۱۳۴ [ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره بعدل و داد قیام کنید و برای خدا شهادت به حق دهید، گرچه به زیان شما یا پدران و مادران و بستگانتان باشد، اگر آنها غنی یا فقیر باشند خداوند نسبت به آنها (و کمک به ایشان) شایسته‌تر است.] با توجه به کلمه «قوّامین» روشن می‌شود که قرآن تنها قیام به عدالت را کافی نمی‌داند، بلکه روی کلمهٔ «قوّام» که صیغه مبالغه است و دلالت بر تأکید و شدت و تکرار و ادامه دارد، تکیه نموده است. ۲ ـ قرآن اصل عدالت را به عنوان «هدف نهائی بعثت پیامبران» پذیرفته و می گوید «لَقَدْ اَرْسَلْنا بِالْبَیِّناتِ وَاَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَالْمیزانَ لِیَقوُمَ النّاسُ بِالْقِسْطِ» حدید / ۲۵ [پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و بهمراه آنها کتاب آسمانی و قانون نازل گردانیدیم تا مردم (جهان) عدالت را برپا دارند] و به این ترتیب نقش اساسی پیامبران از نظر اجتماعی، همان اقامهٔ اصول عدل و داد می‌باشد. ۳ ـ قرآن «قتل آمران به عدل و داد» را در ردیف کفر نسبت به خدا و قتل پیامبران دانسته و می گوید «اِنَّ الَّذینَ یَکْفُروُنَ بِآیاتِ اللهِ وَیَقْتُلوُنَ النَّبیینَ بِغَیْرِ حَقٍ وَیُقْتُلُونَ الَّذینَ یَأْمُروُنَ بِالْقِسْطِ مِنَ النّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ اَلیم» آل عمران/۲۱ [کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را بدون دلیل بقتل میرسانند و آمران بعدل و داد را، می کشند، به آنها بشارت ده که عذاب دردناکی در انتظارشان است.] ۴ ـ در آیات متعددی از قرآن به این مطلب تصریح شده که اجرا کنندگان اصول عدالت محبوب پروردگار عالمند «اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطینُ» مائده/۴۲ ـ حجرات/۹ ـ ممتحنه/۸ [خداوند عادلان را دوست می دارد.] لذا این اصل بعنوان «روح» در بزرگترین و کوچکترین مقررات اجتماعی اسلامی حلول کرده، تا آنجا که به دادرسان دستور داده شده که نه تنها در اجرای حکم میان دادخواهان کمترین انحرافی از اصل عدالت پیدا نکنند، بلکه در تشریفات جلسات دادرسی، و حتی در سلام و تعارف، نشستن و ایستادن و سخن گفتن عادی و معمولی در میان طرفین دعوا، رعایت عدالت و مساوات و برابری را فراموش ننمایند.

پاسخ

مساوات در اسلام چگونه است؟

پرسش

مساوات در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در اسلام، ارزش های موهومی که معیّار برای فضیلت و برتری انسانها شمرده شده، نفی شده است و تنها ارزش بر مبنای تقوی و علم و مجاهد است. بنابراین ملیّت و رنگ و نژاد و ثروت و امثال اینها، معیار فضیلت نیست و هیچ ملّتی از این جهات بر ملّت دیگر فضیلت و برتری ندارد و بنابر فرمایش حضرت رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) «لافضل لعربی علی عجمی و لعجمی علی عربی و لا لابیض علی اسود و لا لاسود علی ابیض الآ بالتقوی ;هیچ عربی بر عجم و هیچ عجمی بر عرب و هیچ سفیدی بر سیاه و هیچ سیاهی بر سفید برتری ندارد جز به تقوی»(۱). از نظر حقوق نیز افراد از حقوق مساوی برخوردار هستند و قوانین اسلامی براساس قسط و عدل استوار شده است، یادآوری یک نکته لازم است و آن اینکه تساوی به گونه ای که برخی از گروه ها تحت عنوان جامعه ای طبقه مطرح می کنند و می گویند باید تساوی مطلق و از تمام جهات در جامعه حکومت کند، صحیح نیست. زیرا تساوی

به این معنی، موجب ظلم بر بسیاری از افراد می شود. برخی افراد هستند که تلاش و کار بیشتری انجام می دهند ;اگر حقوق اینان به اندازه افرادی باشد که کار کمتر انجام می دهند، این ظلم است. بنابراین وقتی گفته می شود انسان ها از حقوق مساوی برخوردار هستند، اندازه استحقاقها و کارها نیز ملحوظ است و در این گونه موارد تعبیر صحیح تر این است که به جای «تساوی» از «قسط» و «عدل» استفاده شود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ - ـ۳۵ـ

چرا در جوامع ما این اندازه فقر وجود دارد؟

پرسش

چرا در جوامع ما این اندازه فقر وجود دارد؟

پاسخ

اگر رفتار مسئولین در یک جامعه براساس عدالت باشد و متمکنین نیز حقوق مالی خویش را بپردازند نه بر فقرا ظلم می‌شود و نه عده‌ای رشد مادی غیرمعقول خواهند داشت لذا در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی آنگونه که در روایات آمده است فقیر پیدا نخواهد شد به گونه‌ای که زکات را از شهری به شهر دیگر می‌برند تا فقیری پیدا کنند. اما حکومت اسلامی ما گرچه در راستای تحقق برنامه‌های اسلام است لکن تا رسیدن به این آرمان فاصله زیادی دارد.

خداوند متعال در قرآن کریم، در مورد" فقر "چه میفرماید و در این باره چه وظیفهای را برعهده مسئولان نهاده است؟

پرسش

خداوند متعال در قرآن کریم، در مورد" فقر "چه میفرماید و در این باره چه وظیفهای را برعهده مسئولان نهاده است؟

پاسخ

در قرآن کریم، فقر به طور کلی به دو معنا آمده است: الف ـ فقر ذاتی ;که این نوع فقر برای همه موجودات عالم است. که همان احتیاج و نیاز همهٔ موجودات است به خداوند متعال در اصل وجودشان، میفرماید": یَـأَیُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَآءُ إِلَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِید(; فاطر،۱۵) ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید، تنها خداوند است که بینیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است". که این آیه در واقع" برهان فقر و غنی "است که یکی از دلائل توحید خداوند به شمار میآید.(رجوع کنید به: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۸، ص ۲۲۰ ;ج ۲۲ ص ۵۲۵، دارالکتب الاسلامیهٔ.) ب ـ فقر نسبی ;که همان فقر مادی است که بعضی از افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر دارند، که از این نوع فقر میتوان به" فقر عارضی "تعبیر کرد. این نوع فقر در قرآن به چند شکل مطرح شده: ۱. قرآن کریم از این نوع فقر گاهی به عنوان نقمت و عذاب الهی یاد کرده و میفرماید": خداوند (برای آنان که کفران نعمت میکنند،) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا میرسید، امّا به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام میدادند، لباس گرسنگی و ترس را براندامشان پوشانید("نحل، ۱۱۲)(رجوع کنید به: آل عمران، ۱۱۲ ;ابراهیم، ۲۸.) ۲. و گاهی فقر مادی افراد به سبب آزمایش الهی است که در واقع سنت خداوند میباشد که در این مورد میفرماید": وَلَنَبْلُوَنَّکُم بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَ لِ وَ الْأَنفُسِ وَ الثَّمَرَ تِ وَبَشِّرِ

الصَّبِرِينَ(; بقره،۱۵۵) قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش میکنیم ;و بشارت ده به استقامت کنندگان ".که در واقع این نوع فقر هم آزمایشی است از برای فقرأ و هم امتحان و آزمونی است برای ثروتمندان جامعه. ۳. نوع دیگر فقر مادی که قرآن کریم از آن یاد میکند ;فقری است که جهادگران در راه خدا دچار آن گشتهاند، کسانی که جهادشان به آنان اجازه تجارت و کسب را برای تأمین هزینه زندگیشان نمیدهد ;میفرماید(": انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفتهاند (;و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته، و شرکت در میدان جهاد به آنها اجازه نمیدهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتی بزنند) ;نمیتوانند مسافرتی کنند (و سرمایهای به دست آورند) ;و از شدت خویشتن داری، افراد ناآگاه آنها را بینیاز میپندارند ;امّا آنها را از چهرههایشان میشناسی، و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمیخواهند(".بقره، ۲۷۳) امّا وظیفه مسئولان در قبال فقر: بیگمان فقر، بیش از آنکه یک مشکل فردی باشد معضل اجتماعی محسوب شده و همه افراد جامعه در قبال آن مسئولند، به همین جهت خداوند متعال در آیات فراوانی از قرآن کریم، همه مؤمنان را تشویق به" صدقه "میکند و حتی به انفاق مال در راه خداوند، از برای فقرأ و مساکین، امر میفرماید.(رجوع کنید به: بقره، ۲۶۱ ـ ۲۷۴.) و در این میان وظیفه مضاعفی را بر دوش مسئولان نهاده و در تقسیم" زکات "و" خمس "که در واقع یک نوع مالیات اسلامی است، از فقرأ و مساکین، به عنوان اولین گروهی که باید مورد حمایت مالی دولت اسلامی از این بودجه قرار گیرند یاد کرده و میفرماید": زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت میکشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام میشود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه، این یک فریضهٔ (مهمّ) الهی است(".توبه، ۶۰)(رجوع کنید به: انفال، ۴۱ ;حشر، ۷ ;ذاریات، ۱۹ ;معارج، ۲۵.) البته پرداختن بخشی از زکات و خمس و فیء، تنها عمل به حداقل وظیفه درا ین مورد است و اِلّا وظایف دیگری نیز مسئولین در این زمینه برعهده دارند که به اختصار عبارتند از: اجرای عدالت اقتصادی، مراقبت از بازار، تأمین مایحتاج اساسی عامه مردم، جلوگیری از ریخت و پاش در اموال عمومی و... که در این مورد روایات فراوانی داریم. خلاصهٔ وظیفه مهم دولت مردان در ریشه کنی فقر از نظر قرآن کریم، این است که چارهای اندیشه کنند تا ثروت فقط در دست اغنیأ و ثروتمندان و ثروت اندوزان گردش نکند ;میفرماید": آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش باز گرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است" ;کَیْ لاَ یَکُونَ دُولَةً بَیْنَ الاْ َغْنِیَآءِ مِنکُم(;حشر، ۷) تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد(".برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: التنمیهٔ الأقتصادیهٔ فی الکتاب و السنهٔ، محمد ری شهری، ص ۲۵۷، دارالحدیث / الأخلاق، آیت اللّه سید عبداللّه شبّر، ص ۱۸۸، منشورات مکتبهٔ بصیرتی.)

چرا در جامعه ما این قدر تضاد طبقاتی به چشم می خورد؟

پرسش

چرا در جامعه ما این قدر تضاد طبقاتی به چشم می خورد؟

پاسخ

آنچه در جامعه وجود دارد سطوح مختلف طبقاتی است نه تضاد طبقاتی و علت وجود آن هم یکی دو تا نیست. بهعلاوه جود طبقات در تمام جوامع بشری هست وحتی در نظامهای مارکسیستی نیز نتوانستهاند آن را ریشهکن سازند.بلکه چنین چیزی شدنی نیست. آنچه میتوان و باید در پی آن بود ایجاد عدالت و مناسبات صحیح انسانی و تبعیضزدایی در میان طبقات مختلف اجتماعی

است.{J

در فقر و بدبختی و گرسنگی و برهنگی و زندگی کرده ایم حال اینکه عده ای در از و نعمت به سر می برند آیا مملکتی که منادی عدالت است باید چنین باشد

پرسش

در فقر و بدبختی و گرسنگی و برهنگی و زندگی کرده ایم حال اینکه عده ای در از و نعمت به سر می برند آیا مملکتی که منادی عدالت است باید چنین باشد

پاسخ

با تشکر از اینکه مسائل خود را با ما درمیان گذاشته‌اید و ضمن تبریک به شما بدان جهت که توانسته‌اید در شرایطیدشوار و طاقت‌فرسا به تحصیلات عالیه، در رشته‌ای ممتاز بپردازید. مناسب دیدیم، که با شما صحبت بیشتری داشتهباشیم. شما و خانواده‌اتان، در شرایطی دشوار بوده وهستید، لیکن همواره می‌دانیم که بسیاری از مردان بزرگ تاریخ،در زمینه‌های مختلف، علمی، هنری و... در شرایط دشوار و سخت قرار داشته‌اند. درست است که شما رنج می‌برید وملالت می‌کشید، ولی همین سختی‌هاست که شخصیت آدمی را پرورش و همت‌های بلند را شکل می‌دهد. شرایطیکه شما در آن قرار گرفته‌اید، بهترین انگیزه برای تلاش بیشتر و کوشش جدی تر شماست. بحمدالله مسیر شما مشخصاست. بسیاری از افراد با داشتن بهترین امکانات، از موقعیت فردی چون شما برخوردار نیستند و چه بسا آرزو می‌کنندهیچ نداشتند ولی دانشجوی رشته پزشکی و دارای استعدادی مثل شما بودند. این شرایط می‌تواند احساسات انسانیو روحی رأفت و رحمت نسبت به بینوایان و بیچارگان را در شما پرورش دهد، تا انشاءالله در آینده بتوانید از آناندستگیری کنید و درد آنها را حس نمایید. افزون بر این در این جا نکته دیگری نیز مطرح است و آن این که ارزش آدمیبه چیست؟ آیا کسی که مال و منال و وضعیت بهتری دارد، از ارزش بیشتری نیز برخوردار است؟ در دید اهل دنیا چنیناست، ولی نزد خدا ارزش به چیست؟ آیا نزد خدا که حق و حقیقت جهان است، سرمایه‌داران بزرگ دنیا بیشتر ارزشدارند یا همان پدر ومادر شما که با وجودبیماری و کهولت سن، با فداکاری سعی در آن دارد که فرزندشان را به جاییبرساند؟ و با وجود احتیاج از لقمه نان خویش می‌گذرد تا گرسنه‌ای را سیر نماید. پیامبر خدا(ص) فرمود: «الفقرفخری». «بی چیزی افتخار من است». باید روی ارزش های حقیقی بیشتر تکیه کرد و حقایق را از اعتبارات عرفی جدانمود. آری روی پای خود بایستید و به فقر خود افتخار کنید. چرا که شما با چنین زمینه‌هایی به این جا رسیده‌اید. البتهنه آن که اظهار فقر کنید بلکه عزت خود را حفظ کنید. واز تنگدستی خود احساس کمبود و کوچکی نکنید. شما ارزشدارید یا آن کس که با وجود شرایط نسبتا خوب و آماده برای تحصیل، همیشه بهانه می‌گیرد و به جای استفاده از شرایطدر مقابل خدا وخلق خدا ناسپاس است؟ شما وقتی لیوانی آب سرد می‌نوشید وبه فکر خانواده اشک می‌ریزید،بهترین صفات انسانی در شما تجلی یافته است و امید آن می‌رود که این احساس تبدیل به درکی عمیق از مشکلاتهمه محرومان و مستضعفان گردد و در آینده‌ای نه چندان دور، با پیمودن مدارج عالیه تحصیلی، خدمتگزاری صادق ولایق برای جامعه و خواهران و برادران ایمانی خود باشید. مشکلات با توکل به خدا و عنایات الهی قابل حل است و باقدری پایداری بیشتر رفع خواهد شد. تردیدی نیست که شما مشکلات و سختی‌های فراوانی را تحمل کرده و با آندست به گریبان بوده‌اید ومشکلات زیاد فشار روانی مضاعفی را بر شما وارد کرده است.. ولی در عین حال وضعیتشما در مقایسه با افراد بسیاری نسبتا روشن‌تر و بهتر است. نمونه‌های فراوانی وجود دارد (انبوه نامه‌های ما شاهد آناست) که برخی در وضعیتی صدها بار اسفبارتر و دردناک‌تر زندگی

می‌کنند. نمونه‌های رنج و سختی فراوان است کهسخن گفتن از آن عمر نوح می‌خواهد و هفتاد هزار تن کاغذ نه مثنوی هفتاد من. برادر من. از اینها که بگذریم، درستاست که سختی‌های شما جانکاه و کمرشکن بوده و هست، ولی می‌دانید که سختی‌ها خود سکوی ترقی و رشد وکمال انسانی است؛ مگر نه این است که اکثریت قریب به اتفاق شخصیت‌های بزرگ علمی، هنری، اجتماعی، سیاسیو ... از کوره سختی‌ها بیرون آمده‌اند. کسانی که با سختی‌ها دست و پنجه نرم نکرده و هیچ گاه طعم نداری و محرومیترا نچشیده‌اند، احساسات متعالی را نیز کمتر در وجود خود می‌یابند، گرچه الان از ما و شما بهتران در ناز و نعمتند ولیآنها کجا می‌توانند احساس شما و امثال شما را در مورد محرومیت، جهل و ... داشته باشند. می‌دانید که مرتاضان، چهرنج‌ها بر خود هموار می‌کنند تا بتوانند به قدرت روح دسترسی پیدا کنند. شما سختی‌ها را پشت سرگذاشته‌اید، از آنیرو بگیرید نه اینکه آنها را در راه تخریب شخصیت خود به کار گیرید. آیا شما که این همه بار گران غم و اندوه را پشتسر گذاشته‌اید، باید از خود بی‌زار و متنفر باشید یا آنانی که اگر کمترین دشواری ببینند فریادشان به آسمان بلندمی‌شود. قدر خود را بدان، که کوهی از صبر، استقامت و احساس‌های متعالی هستی و این ویژگی‌ها آسان و ارزان به دست نیامده است. آینده‌ای را برای خود ترسیم کن که با موقعیت مناسب شغلی بتوانی دست افتادگان را بگیری و بهخانواده خود رسیدگی کنی و مرهمی بر زخم‌ها و دردهای آنان باشی. <Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD >دنیا و هر چه در اوست هیچ است و تو همه/< E >TD> <TD>چیز تا چند ای همه چیز غم بهر هیچ خوری/< TD></TR></Table >اهدافی بلند، زندگانی آبرومند، شخصیتی ممتاز و به تمام معنا انسان و دلسوز، و همسری مناسب مهربان و ... اینهارا در نظر بگیر و با توکل بر خداوند عزم خود را برای رسیدن به آن جزم کن، بدون کمترین تردید به آنها خواهی رسید.واقعیت خود را بشناس و به آن ایمان داشته باش و خود را دست‌کم نگیر. تو همان هستی که کوه رنج و سختی را بردوش داشته‌ای و به این جا رسیده‌ای استقامت کن.. نیرویت را به جای تلف کردن برای گذشته در اهداف آتیه خویشمتمرکز کن. از گذشته فقط درس‌های آن را به یاد داشته باش. برخیز، بکوش، دگرگون شو، دگرگون کن، بشتاب، همتکن، و شکر خداوند مهربان بگذار که ترا از گردنه‌های بلند حوادث، سالم عبورداد وهم از او مدد بجوی که همواره‌یاورو پشتیبانت خواهد بود.. و بالاخره بگذار که بازبان حافظ شیرازی حرف را به آخر برسانیم< . Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD >یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم مخور/< E >TD> <TD>کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور/< TD></TR> <TR align=Center><TD >ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن/< E >TD> <TD>وین سر شوریده بازآید به سامان غم مخور/< TD> <TD> >دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت/< TD></TR> <TR align=Center><TD >هان مشو نومید چون واقف Eدائما یکسان نباشد حال دوران غم مخور/< TD></TR> <TR align=Center><TD >ضمنا درموقع نیی از سر غیب/< E >TD> <TD>باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور/< TD></TR></Table >اندوهاین ذکر راتکرار کن. لا اله‌الا انت سبحانک‌انی‌کنت من‌الظالمین در کتاب «تهذیب» (ج ۶ ، ص ۱۷۰) از امام صادق(ع) روایت شده است که ذکر فوق برای رفع اندوه است و چون بنده آن را بگوید خداوندمی‌فرماید: فاستجبناله ونجیناه من الغم و کذالک ننج المومنین . ضمنا نامه شما را بدون نام و آدرس به مسؤولین منعکس خواهیم کرد.

بیعدالتی هایی که در جامعه مشاهده می کنم مرا نسبت به آینده و ادامه تحصیلات مایوس کرده است اینها را چگونه توجیه می کنید؟

پرسش

بیعدالتی هایی که در جامعه مشاهده می کنم مرا نسبت به آینده و ادامه تحصیلات مایوس کرده است اینها را چگونه توجیه می

کنید؟

پاسخ

در اینکه مقید به عبادت و سایر جهات شرعی هستید، جای بسی خوشوقتی است. امید است این راه را، همیشه وتوأم با معرفت و معنویت ادامه دهید و به درجات و مراحل کمال دست یابید. در جواب این سؤال که در جامعه چه می گذرد و چرا برخی باید ماشین چهل میلیونی سوار شوند و برخی درمشکلات اوّلیه زندگی گرفتار باشند؟ می گوییم: درست است که جامعه ما نباید چنین باشد ولی این دلیل نمی‌شود کهشما خود را نگران ساخته و نسبت به آینده خویش بدبین باشید. چون نفس این افکار و تخیلات، منجر به تضعیف وعقب ماندگی شما خواهد شد. البته همگی باید در مورد بی‌عدالتی، حساس باشیم؛ چرا که عدالت از ارزشمندترینآرمان‌های انسانی است، ولی در نحوه برخورد با این مسأله، باید دقیق بود و به دور از شتابزدگی عمل نمود؛ زیرابرخوردهای احساسی و شتابزده با این موضوع، عوارض نامطلوبی از خود به جا خواهد گذاشت. پس درس را با جدیت بخوانید، چون در سایه علم و کسب دانش است که انسان به مدارج عالی کمال نائل می‌شود.علاوه بر اینکه همین تحصیلات، مایه اشتغال بهتر و حل مشکلات مادی نیز خواهد شد. اگر افراد درست درس بخوانند و از منفی گرایی برحذر باشند و با شادی و جدّیت وظایف دانشجویی خویش راانجام دهند، مطمئن باشید آینده خوش و سرنوشت درخشانی خواهند داشت. کسی باید از آینده خویش نگران باشدکه دچار سستی، کسالت، منفی گرایی و به بیراهه رفتن است. بلی افراد تنبل، لاابالی و هوسران باید از آینده خویشنگران باشند، ولی افراد جدی، پرکار، صالح و پرهیزگار، نباید نگران بیکاری آینده باشند. آن همه دانشجو پس ازفراغت از تحصیل، به هر حال جذب بازار کار می‌شوند. به شما توصیه می کنیم که کتاب‌هایی را که تحت عناوین رازموفقیت و... نوشته شده مطالعه کنید که حتما در روحیه شما مؤثرخواهد بود. شگفتا که شما نگران این هستید که آیا درآینده کاری پیدا می کنید یا با مشکل بیکاری روبه رو خواهید شد، در حالی که باید در فکر ابتکار، خلاقیت و طرحنوینی در سطح کشور بلکه در سطح جهان باشید، «فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم». ما به شما اطمینانخاطر می‌دهیم که اگر: الف) به درستی و با جدیت درس بخوانید، ب) تقوا و تعهد الهی را شعار و پیشه خود گردانید، ج) از منفی گرایی بر حذر باشید، آینده درخشانی را در پیش روی خواهید داشت. بنابر این بدبینی نسبت به آینده را کنار بگذارید، البته منظور از این حرف، داشتن یک خوش‌بینی کاذب نیست، بلکهمقصود این است که اوّلاً بدانید بدبینی، موجب دلسردی، یأس و همان ناراحتی‌هایی می‌شود که از آن رنج می‌برید.دوم اینکه انسان هدف‌دار و آرمان‌خواه، باید از هیچ مشکلی باک نداشته باشد و از مشکلات و سختی‌ها به گرمیاستقبال کند و با دست و پنجه نرم کردن با ناملایمات، راه را به سوی هدف هموار نماید. تاریخ بشریت نشان می‌دهدکه انسان‌های مرفه و کام‌جو، در هیچ زمینه‌ای برجستگی و فرزانگی نیافته‌اند و بنیانگذاران کاخ رفیع رشد و تکاملبشری در همه امور، انسان‌هایی بوده‌اند که از کوره‌راه و تنگناهای سخت و طاقت فرسای زندگی، عبور کرده و درراستای اهداف بلند خویش اندکی از پای ننشسته‌اند. دیگر آنکه مطمئن باشید اگر شما در درس‌های خود، فردی کوشاو موفق باشید و برای آینده کشور از نظر علمی، فردی توانا و برازنده باشید، لازم نیست دنبال کار بروید؛ بلکه کار بهدنبال شما خواهد آمد و از هر سو دیگران در جست وجوی شما خواهند بود. بنابر این کوشش خود را با عشق وعلاقه‌مندی و با صلابت و استواری، هم‌چنین با اخلاص و با اتکا به خداوند متعال صد چندان کنید. بدون شکعنایات ربانی یار و مددکار شما خواهد بود.{J

چرا در جامعه ما, ثروتمندان و افراد بی دین در آسایش و مستضعفین در رنج و زحمت اند؟

پرسش

چرا در جامعه ما, ثروتمندان و افراد بی دین در آسایش و مستضعفین در رنج و زحمت اند؟

پاسخ

اقتصاد سالم به این معنا نیست که افراد جامعه به هیچ وجه از نظر مالی با هم تفاوت نداشته باشند و همه با هممساوی باشند، بلکه اقتصاد سالم اقتصادی است که هر کس به ازای زحمت و فعالیت اقتصادی خویش به نتیجه برسدو این طور نباشد که بعضی با زحمات طاقت‌فرسا مستضعف باشند و در مقابل گروهی از ثروت‌های بادآورده، بهره‌مند گردند، اما در این که جامعه فعلی ما دارای نواقص و مشکلاتی است، شکی نیست و این نواقص علّت‌های مختلفیمی‌تواند داشته باشد، از قبیل: بیماری نظام اقتصادی کشور، عدم تقیّد گروهی از مردم و مسؤولان به احکام و موازینشرع که منجر به رعایت ننمودن حقوق دیگران می‌شود و عدم عزم همگانی برای رفع این مشکل. امید است با عملبه دستورهای علمی و عملی اسلام و پیروی از نصایح دلسوزان انقلاب، جامعه به جایگاه مطلوب برسد.

در جامعه کنونی ما که یک جامعه اسلامی و دینی می باشد باید این همه تضاد طبقاتی وجود داشته باشد به طوریکه دقیقا مردم از نظر مادی به دو گروه تقسیم شده اند چه کسی پاسخگوی وضعیت بوجود آمده است؟

پرسش

در جامعه کنونی ما که یک جامعه اسلامی و دینی می باشد باید این همه تضاد طبقاتی وجود داشته باشد به طوریکه دقیقا مردم از نظر مادی به دو گروه تقسیم شده اند چه کسی پاسخگوی وضعیت بوجود آمده است؟

پاسخ

سؤال دامنه وسیع و گسترده‌ای دارد، ولی ما تلاش می‌کنیم که با رعایت اختصار چند نکته را بررسی نماییم: الف) در این که هم‌اکنون در جامعه اسلامی ما فاصله طبقاتی رنج آوری وجود دارد جای بحث نیست. البته ممکن است گفته شود شکاف طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری به مراتب وسیع‌تر و عمیق‌تر از ایران اسلامی ماست ولی بدون تردید جامعه ما نیز به نوبه خود به این بلیّه جانکاه مبتلا است. ب) اما این که چه عواملی منجر به فاصله طبقاتی گشته است طبیعی است که عوامل گوناگونی دخیل است. ۱- آنچه از فاصله طبقاتی هم‌اکنون در ایران می‌گذرد مسأله نوظهوری نیست، بلکه میراث شومی است که از گذشته به ما رسیده است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. ۲- استعداد ذاتی افراد رانباید از نظر دور داشت، برخی تواناتر و برخی کندتر هستند و برخی دچار معلولیت‌های جسمی و ذهنی بوده و در نتیجه عقب می‌مانند، ۳- مسأله تکنولوژی و صنعت نیز نقش مؤثری را ایفا می‌کند. به عنوان مثال: دیروز محیط کارگری محدود به کارگاه‌های کوچک می‌شد و تفاوت فاحشی بین حقوق کارگر و کارفرما احساس نمی‌شد ولی «غول صنعت» ناگهان سر برآورد و کارگاه کوچک مبدل به کارخانه عظیمی شد و با افزایش تولید ثروت سرمایه‌داران به طور تصاعدی افزونی گرفت درحالی که حقوق کارگر تقریبا ثابت ماند؛ (همین نکته را در کشاورزی و سایر ابعاد تولید و درآمد مقایسه کنید)، ۴- نظام اقتصادی غلط و بیمارگونه، ۵- طفره رفتن از پرداخت حقوق قانونی (مالیات) و حقوق شرعی (خمس و زکات)، ۶- احتکار و گران‌فروشی، ۷- رباخواری، ۸- خیانت به بیت‌المال و اموال دولتی، ۹- کلاهبرداری وخیانت به دیگران، ۱۰- احیانا و به ندرت حوادث غیرمترقبه هم دخیل است. نظیر این که تاجری مقدار زیادی از یک جنس را خریده و

ناگهان بر اثر پیشامدی قیمت آن چند برابر شده است یا فرض بفرمایید کسی چند هکتار زمین زراعی داشته و بر اثر موقعیت غیرمترقبی که آن زمین پیدا کرده، قیمت آن به چندین برابر افزایش یافته است و...، ۱۱- ضعف مدیریت کارگزاران اقتصادی، ۱۲- نقش واسطه‌ها و دلال‌ها در اجحاف به طبقه ضعیف، ۱۳- اسراف و ریخت و پاش‌های کلان که در نهایت به دوش فقرا و قشر آسیب‌پذیر بار می‌شود، ۱۴- فشار و دخالت عوامل خارجی، ۱۵- نبود کار و اشتغال نیز عقب‌ماندگی و فلاکت را در پی خواهد داشت. ج) اما چگونه می‌توان از پیشرفت این فاصله جلوگیری کرد؟ راه‌کارهای گوناگونی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد: ۱- در درجه اول باید این نظام اقتصادی بیمار را جراحی و معالجه کرد، ۲- پرورش مدیران کارآمد و با تجربه، ۳- جدی گرفتن پرداخت مالیات‌های قانونی و هم‌چنین گرفتن اخماس و زکوات و پرداخت آن در مصالح عامه‌ای که شرع مقدس تعیین فرموده است، ۴- زمینه کار و تولید را به طور عادلانه برای همه اقشار فراهم ساختن، ۵- تا آنجا که امکان دارد به مقابله با فشارهای خارجی پرداختن و کوتاه کردن دست‌های مرئی و نامرئی عوامل خارجی، ۶- جلوگیری از اسراف و حیف و میل و با صرفه‌جویی زمینه رفاه عامه مردم فراهم کردن، ۷- همان‌گونه که اسلام اخطار شدید فرموده (سوره توبه، آیه ۳۴) با زر اندوزی و انباشتن ثروت، قاطعانه برخورد کردن، ۸- برخورد جدی با افراد خائن و اختلاس‌گر در بیت‌المال، ۹- سیاست تربیتی نظام به گونه‌ای باشد که مردم از دوران ابتدایی تا مراحل عالی، مملکت را خانه خود و سایر افراد را همچون اعضاء یک خانواده احساس کنند و رهیافت هر کس تنها به منافع شخصی نباشد. ۱۰- حقوق کارگر منصفانه ادا گردد و از بیمه و سهام و سایر مزایا برخوردار شوند و در جمع از میزان سود کارخانه‌دار کاسته و به میزان حقوق کارگز افزودن، ۱۱- به طوری که ملاحظه می شود پدیده تورم و تبعیض ناشی از عوامل و آسیب های متعددی است و نمی توان این ضعف را ناشی از یک شخص یا سازمان و وزارتخانه دانست. برای حل این مشکل مکانیسم نظام و دولت بسیار سرنوشت‌ساز خواهد بود و صدا و سیما باید در ترویج الگوی مصرف سالم کمک کند و آحاد مردم باید با نظارت عمومی و همیاری این مشکل را به حداقل برسانند. البته با روشن بینی مردم و دل زدگی از افراطیون سیاسی، امید حضور بیشتر نیروهای ارزشی، کم توقع و پر کار در عرصه های مختلف جامعه می رود. در خاتمه این قسمت، جهت اطلاع بیشتر مطالعه چند کتاب پیشنهاد می‌گردد: ۱- اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۵۳ و ج ۲، ص ۳۰۳، سید محمد باقر صدر ۲- اسلام و اجتماع، ص ۳۸ و ص ۹۲، علامه طباطبایی ۳- مسائل عصر ما، ص ۱۰۳، شهید هاشمی نژاد ۴- نابرابری اجتماعی، ادوارد ج. کرب، ترجمه: محمد سیاهپوش ۵- جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌ها، گروهی از نویسندگان ۶- اسلام و نظام طبقاتی، ص ۱۲۳، محمد قطب ۷- شناخت اسلام، ۵۰۶، شهید بهشتی و باهنر و علی گلزاده غفوری

موضوع ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت

اشاره

ـ نقش نسل نوجوان و جوان کشور درتحقق این آرمانها چیست؟

پرسش

موضوع ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت ـ نقش نسل نوجوان و جوان کشور درتحقق این آرمانها چیست؟

پاسخ

طبیعی است از جوانی با درایت و درک شما، جز این انتظار نمی رود. این که فقط انسان از دیگران انتقاد و گلایه داشته باشد ولی به نقد خودش نپردازند و در شناخت وظیفه خویش و تکلیف خودش در شرایط گوناگون سیاسی و اجتماعی همّت نگمارد، نباید انتظار داشته باشد تحوّلی در جامعه اش صورت بگیرد، ولی اگر همزمان به ادای تکلیف و وظیفه دینی، ملّی، اجتماعی و صنفی خویش همّت بگمارد و انجام وظیفه را از دیگران نیز مطالبه کند و این تفکر و اندیشه به عنوان یک فرهنگ عمومیت پیدا کند، بسیاری از معضلات اجتماعی و نابسامانیها مرتفع خواهد شد. در سؤال قبلی توضیح داده شد که در اسلام تساوی در حقوق وجود ندارد و بلکه عدالت مطرح است. آنچه می توان عنوان کرد، این است که در شرایط کاملاً مساوی، افراد از حقوق مشابه و همانندی برخوردارند؛ البته چنین تشابه و تساوی محقق شد! و نیز در همان سؤال، به وظایف جوانان و نوجوانان اشاره شد. در تکمیل آن نکاتی بیان می شود. امید آن که شما جوان عزیز و باصفا و پرانرژی، با همّت والا و همسو نمودن دیگر دوستانت، بتوانی طرح نو دراندازی و رونق و پیشرفتی مضاعف در امور حاصل شود. امام خمینی(می فرماید" : راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. دست استعمار توی فرهنگ ما کارهای بزرگ می کند، نمی گذارد جوانهای ما مستقل بار بیایند، نمی گذارند در دانشگاه جوانهای ما درست رشد بکنند. اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می شود، برای اینکه از فرهنگ است که در وزارتخانه ها می‌رود، از فرهنگ است که در مجلس می رود، از فرهنگ است که کارمند درست می شود ("۱.) برادر عزیز، مشاهده می کنی که آن امام فقید، اصلاح فرهنگ (اعتقادات و باورها و ارزشها و سیستم آموزشی و آداب و رسوم و ...) را شرط اصلاح جامعه می داند. اگر نسل جوان اصلاح بشود، جامعه در آیندهٔ نزدیک اصلاح خواهد شد و اگر جوان به فساد کشیده شوند، جامعه در منجلاب تباهی فروخواهد غلطید. باید مراکز آموزشی (مدارس و دانشگاهها)، محیطی باشد که انسانهای مهذّب بپرورانند و اصلاح این محیطها تا حدود بسیار زیادی به فعالیّت و تلاش جوانان پرشور و نشاط حاضر در آن محیطها بستگی دارد. اگر خود جوانان انگیزه برای پیشرفت و تعالی نداشته باشند، معلم کاری از او ساخته نیست؛ البته معلم می تواند نقش ایفا کند ولی برای دانش آموزی که پذیرفته باشد حضورش در مدرسه و عمل به سخنان معلم، موجب سعادت است؛ ولی اگر جوان در کلاس احساس کند برای فرار از خانه یا دل خوشی پدر و مادر یا این که بیسواد نباشد تا مردم مسخره اش کنند و یا رسیدن به مقام و منصب، سرکلاس حاضر باشد و درس را نه به عنوان یک تکلیف، بلکه به عنوان یک وظیفه زوری و جبری بخواند، پیشرفتی حاصل نمی‌شود. امام خمینی(، در خصوص چگونگی اصلاح فرهنگی، می فرماید : باید در فرهنگ توجه به آن داشته باشید و کوشش بشود که خودتان را پیدا کنید. گم کرده ایم خودمان را. تمام مفاخر شرقی را گذاشته ایم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب؛ آن هم نه آنی که آنها دارند، آنی که به ما می دهند.(۲) ملاحظه می کنی که امام راه اصلاح فرهنگ را، اصلاح خویش و رسیدن به خودباوری و دوری از خودباختگی می داند. باید گذشتهٔ خودمان را بشناسیم، مفاخر را بشناسیم و باور کنیم که ما هم می‌توانیم مثل آنان بشویم، اگر بخواهیم. اخلاق فردی و اجتماعی یکی از مسائل عمده ای است که در اصلاح فرهنگ تأثیر بسزایی دارد. مثلاً اگر افراد یک جامعه وقت شناس باشند، سرنوشت فوق العاده ای پیدا می کنند. اگر وجدان کاری و انضباط کاری داشته باشند، پیشرفت و سعادت فوق العاده ای نصیب آنها می شود. اگر خطرپذیر باشند و عافیت طلبی نکنند و دنبال راحتی خودشان نباشند و حاضر باشند در میدانهای سخت وارد بشوند، مسلّماً پیشرفت خواهند کرد و ... آرزو می کنم شما جوانان عزیز، با همّت والا در جهت اصلاح فرهنگ جامعه تلاش کنید؛ با فراگیری علم و دانش عمل به آن، اصلاح اخلاق فردی و اجتماعی و روحیهٔ کار و تلاش و پشتکار و جدّیت روزافزون و دوری از تنبلی و سستی و رکود و رخوت. علاج مشکلات کشور اصلاح فرهنگی است و اصلاح فرهنگ نیز جز با همّت و پشتکار و جدّیت بی وقفه و تحرک و پویایی و آگاهی و فضیلت خواهی نسل

جوان، محقق نمی شود. موفق و سربلند باشی. ـــــــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : ۱. ۱۹/۱۰/۱۳۵۶ ۲۲/۶/۱۳۵۸

آیا فقیر و غنی همیشه وجود خواهد داشت یا ممکن است روزی کاملاً از بین برود ؟چگونه، لطفاً توضیح دهید.

پرسش

آیا فقیر و غنی همیشه وجود خواهد داشت یا ممکن است روزی کاملاً از بین برود ؟چگونه، لطفاً توضیح دهید.

پاسخ

دوست خوبم سلام ؛سؤال شما مرا به یاد مدینه فاضله موعود انداخت .همان مدینه که در قرآن وروایات وعده تحقق آن داده شده است. اگر مروری کوتاه بر تاریخ بشریت داشته باشیم به وضوح در می یابیم که فقیر و غنی در طول تاریخ وجود داشته است . اگر چه فقر و ثروت وسیله آزمایش الهی است اما از این نکته نباید غافل بود که نا برابری طبقاتی و وجود فقیر و غنی در همه جوامع از یک سو به خود افراد بستگی دارد که به دنبال کار و تلاش بروند یا نه از سوی دیگر به عدالت اجتماعی وتوزیع عادلانه ثروتها وابسته است. آرزوی بهتر زیستن و داشتن زندگی آرام با زندگی بشر عجین شده است.محرومیّت روز افزون طبقه ضعیف ،استمداد گرسنگان جهان وگسترش فقر و بیکاری ، وجدانهای زنده و حسّ اس را پریشان نموده است. در این میان مسلمانان آگاه به ویژه شیعیان از یأس و نومیدی دوری گزیده ومنتظر روز موعود اسلام ومدینه فاضله آن هستند. در عصر ظهور ، مدینه فاضله اسلامی،در حقیقت آرمان شهر و آسایش همگانی . رفاه تنعم به گونه ای خواهد بود که دیگر نیازمندی در سطح جامعه یافت نمی شود ،چون توزیع عادلانه منابع و ثروت جایی برای فقر و طبقه ضعیف باقی نمی گذارد در این جامعه دیگر مانند جوامع امروزی عمل نمی شود . امروزه بیش از ۸۰٪ ثروت در دست کمتر از بیست در صد و ۲۰٪ ثروت دیگر در دست هشتاد در صد مردم است ودر جامعه مهدوی چنین نخواهد بود .به علاوه در این عصر به جهت اجرای عدالت ،آسمان برکات خود را از مردم دریغ نمی کند. و زمین هر چه دارد در اختیار بشر قرار می دهد . بنابر این در شهر عدالت رفاه و آسایش عمومی خواهد بود. حقوق افراد، آنقدر بالا می رود که در هیچ جامعه ای فقیری پیدا نمی شود وهمه به سرحدخودکفائی می رسند. رسول خدا ? می فرمایند:زمین در آن عصر قطعات کبد خود رابرای او بیرون میفرستد و او ثروت بدون شماره خود را در میان مردم پخش می کند. و در حدیثی دیگر میفرمایند:شمارا به ظهور حضرت مهدی ? بشارت می دهم که زمین را پرازعدالت می کند ، همان جورکه پراز جور ستم شده است. ساکنان آسمانها و زمین از او راضی می شوند واموال وثروتها را به طور صحیح تقسیم می کند. شخصی پرسید:تقسیم صحیح ثروت چیست ؟فرمود: به طور مساوی درمیان مردم تقسیم شود ودلهای پیروان محمدرا پراز بی نیازی کند و عدالتش همه را فرا گیرد ، تا آنجا که دستور دهد کسی با صدای بلند صدا زندکه هرکس نیازمالی دارد ، برخیزد. هیچ کس جز یک نفر بر نمی خیزد،سپس امام دستور می دهد مال قابل ملاحظه ای به او بدهند ، امّا اوبه زودی پشیمان میشودکه چرا آنقدر حریص بوده و مال را بر می گرداند. پس هموطن گرامی روزی خواهد رسید که فقیر و غنی در جامعه وجود نداشته باشندبلکه همه افرادی غنی وبی نیازباشند . بیائیدبااعمال خودوبادعازمینه ظهورمهدی ? رامهیّا کنیم انشاءالله بزودی شاهد عدالت مهدوی در مدینه فاضله باشیم.

جنبش عدالت خواهی چیست؟ابتدا کجا مطرح شد ؟ راهکارهای عملی کردن آن در سطح جامعه و دانشگاه توسط دانشجویان چیست.

پرسش

جنبش عـدالت خواهی چیست؟ابتـدا کجـا مطرح شـد ؟ راهکارهای عملی کردن آن در سـطح جامعه و دانشـگاه توسط دانشـجویان چیست.

پاسخ

: عـدالت اجتمـاعی از آرمانهـای مقـدس اسـلام و همـه مصـلحان می باشـد و در ایـن میـان آنچه مهم است , راه رسـیدن به عـدالت اجتماعی است . تقسیم بالسویه امکانات در جامعه اسلامی , از جمله پایه های اجرای عدالت است ; ولی باید توجه داشت که تقسیم بـالسویه امکانـات , الزامـا مسـاوی با کار یکسان و دسـتمزد یکسان نیست. به عبارت دیگر امکان رشـد و بالنـدگی و برخورداری از مواهب اجتماعی برای همه طبقات و اقشار بـدون تبعیض فراهم باشـد و عده ای خاص به دلیل برخورداری از قدرت یا نفوذ و ثروت و... رانت خواری نکننـد و بدون اسـتحقاق از بیت المال یا امتیازات اجتماعی، اسـتفاده نکنند. بنا بر این بین معنای مساوات و عدالت نبایـد خلط شود چون که مساوات دو معنی می توانـد داشـته باشد. اگر مقصود عدم توجه به اسـتحقاق افراد باشد بی شک با عدالت اجتماعی (رعایت حقوق) منافات دارد و در واقع عین ظلم است . مثلا "اگر کسـی دو برابر دیگری از جهت کمی و کیفی کار کند ولی به هر دو مزد یکسـان داده شـود (در حـالی که یکی اسـتحقاق بیشـتری از دیگری داشـته) چنین عملی بی شـک ظلم است . اما مساوات معنای دیگری دارد که در تعابیر عرفی نیز بسیار به کار می رود و آن به معنای عدم تبعیض و برخورد یکسان با افراد اسـت که در واقع به این معنا است که اگر دو نفر اسـتحقاق یکسان دارند بین آنان تفاوت و تبعیض گذاشـته نشود, چنین معنایی بی شـک همـان عـدالت اجتمـاعی است و عـدم رعـایت مساوات (در این معنا) ظلم است . مثل آن که یکی را صـرفا "به دلیل قرابت فامیلی یا قدرت و نفوذ سیاسـی یا مالی بر دیگری ترجیح دهند در حالی که هر دو از اسـتحقاق یکسان برخوردارند و بلکه شاید شـخص طرد شده استحقاق بیشتری داشته است . در واقع پارتی بازی و بحث استفاده از رانت و امثال آن که در دوران ما مطرح است نقض چنین معنـایی است , (ر.ک : عـدل الهی , شـهید مطهری , ص ۵۶). متأسـفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقـدس اسـلام و بزرگان الهی بر رعـایت عـدالت اجتمـاعی در تمامی عرصه های جامعه , و تأکیـدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص , هنوز در جامعه اسـلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشـیم که به هیچ وجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده , و نظام اسـلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشـکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی بـا بی عـدالتی هـای موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل به صورت مختص بیان نمود: الف – توجه جـدی به رعایت عـدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسـعه و سازنـدگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسـعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شـد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشـی و فاصـله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردیـد. به گونه ای که توسـعه نتایـج عکس خود را ظـاهر سـاخت و فاصـله هـا را تشدیـد نمود. این عامـل در برخی از تحلیل ها و تحقیقات به عمل آمده , عامل اصـلی افول ارزشـها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسـته شده است . حضـرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این رونـد, می فرماینـد: ((در این مرحله از انقلاب , هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن , رفاه مادی هم راه بـا عـدالت اجتمـاعی و توأم بـا روحیه و آرمان انقلابی , با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسـلام , تأمین شود. هر یک از این چهـار رکن اصـلی ضـعیف یـا مورد غفلت باشـد, بقـای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهـد شـد))، (حـدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۶ و ۲۸۷). و در جای دیگر می فرماینـد: ((در نظام جمهوری اسـلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عـدالت باشـد زیرا قسـط و عـدل از همه آرمـان هـا و اهـداف نظـام اسـلامی والاـتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شـکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصـلی هم نیست , بلکه رشـد اقتصـادی جزئی از هـدف ماست و رکن دیگر عبارت از عـدالت است ... هر برنامه اقتصادی آن وقتی

معتبر است که یا خودش به تنهایی , یا در مجموع برنامه ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند, و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند, فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست))، (روزنامه رسالت , ۹/۳/۱۳۷۲). ب - برخورد فیزیکی , مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده : امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند: ۱- مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲- احیا سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال . حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم , جمع شود...))، (حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۷). و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر, عزم , همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد. ج - پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه , جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از: ۱- اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران : امام علی (ع) می فرمایند: ((ان الله تعالی فرض علی ائمه الحق ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس , کیلا یتبیغ بالفقیر فقره ; خداوند بر امامان حق فرض و واجب فرموده , خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند. تا تنگدستی فقیر, او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد))، (نهج البلاغه , خطبه ۲۰۹, ص ۳۲۵) ۲- زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان : حضرت علی (ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر, در این زمینه می فرمایند ((والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد, کمتر حاضر به رعایت انصافند, وظیفه تو, آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی))، (نهج البلاغه , نامه ۵۳, ص ۴۴۱). ۳- بازرسی , نظارت , حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران : حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان , نظارت بر کار آنان نیز ضروری است , چون مقام و قدرت , غالبا "اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد, بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان , از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود, ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند...))، (فجر انقلاب در بهار قرآن , ص ۲۰۳ و ۲۰۵). د - بالا بردن میزان آگاهی مردم : با بالا رفتن میزان آگاهی مردم , درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحا مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایش می یابد. ه - توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه : زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان , تقوا, تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید ((اعدلوا هو اقرب للتقوی))، (مائده / ۸) امام علی (ع) نیز می فرماید: ((قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ; هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند))، (نهج البلاغه , خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه , تحقق باوری عمیق , درونی ریشه دارد, عقلای و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , و انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده , ایفا می کنند, لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱- رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی , تبلور و تجلی یابد. و - فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات , اشتغال , مسکن ; رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور می باشد. توجه: برای پیدا کردن راهکارهای

عملی آن در سطح جامعه و دانشگاه مراجعه و کار پژوهشی عمیق نسبت به فرمان حکومتی امام علی(ع) به مالک اشتر که در نهج البلاغه نامه ۵۳ (فیض الاسلام) بسیار ضروری و مفید است برای مثال دستگاه نظارتی قوی و سالم که به طور پنهانی بر عملکرد کارگزاران (وزراء و همه مسؤولین حکومت) نظارت کننده، گزارش بازرسی را برای رؤسای حکومت ارسال دارند. ولی مشکل این است که «هر چه بگندد نمکش می زنند وای به روزی که بگندد نمک». لذا علی(ع) مکانیسم نظارت را به گونه ای مطرح می کنند که از زد و بند آنها با دیگر دست اندرکاران حکومت و رانت خواری آنها جلوگیری کند. آیا اگر سازمان بازرسی کشور ما درست عمل می کرد و قوه قضائیه با قاطعیت علی گونه عمل می کرد و برخی از مسؤولین رده بالای مملکت به جای تأیید مبارزه با فساد، به خاطر اشخاص یا جریانات خاص با آن مقابله نمی کردند کار به جایی می رسید که به گفته وزیر اطلاعات برخی از شرکت ها حتی یک درصد آن مالیاتی را که باید پرداخت کنند، پرداخت نمی کنند، می رسید؟! وظیفه همه آحاد مردم مخصوصا دانشجویان و روشنفکران جامعه این است که عدالت خواهی را با فریاد خود در تریبون ها، رسانه ها و... همگانی و همه جایی و تبدیل به یک فرهنگ عمومی کنند به طوری که از مطالبات درجه اول مردم باشد که حکومت خود را بدان ملزم بداند و پاسخگو باشد. به امید آن روز. برای آگاهی بیشتر ر.ک : فصلنامه حکومت اسلامی , شماره ۱۷, ص ۴۸ فصلنامه حکومت اسلامی , شماره ۱۸, ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور, ارزشها و توسعه , ص ۱۹۶ علی ذو علم , انقلاب و ارزشها, ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴ دکتر فرامرز رفیع پور, آناتومی جامعه , ص ۴۸۰

آیا نحوه تخصیص اعتبارات، صنایع، دانشگاهها، مدارس، خدمات شهری و ... به استانهای کشور با توجه به اینکه همه استانها مال یک کشورند مردم همه مسلمان یا بهتر بگویم مخلوق خدا هستند با عدالت سازگاری دارد با تبعیض است.

پرسش

آیا نحوه تخصیص اعتبارات، صنایع، دانشگاهها، مدارس، خدمات شهری و ... به استانهای کشور با توجه به اینکه همه استانها مال یک کشورند مردم همه مسلمان یا بهتر بگویم مخلوق خدا هستند با عدالت سازگاری دارد با تبعیض است.

پاسخ

قبل از پرداختن به سؤال باید به تفکیک تفاوت های منطقی با مواردی که واقعا تبعیض محسوب می گردد توجه داشت زیرا در مواردی به دلیل شرایط خاص جغرافیایی آن استان و یا سایر شرایط ها سیاستگذاری خاصی اعمال می گردد که چه بسا در مورد سایر مناطق نتوان آن کار را کرد. گذشته از این، متأسفانه علی رغم تأکید اصول متعدد قانون اساسی بر رفع تبعیض و بی عدالتی در عرصه های مختلف جامعه و اهتمام ویژه ای که مقام معظم رهبری به این امر دارند به دلایل متعددی هنوز در بخش هایی از جامعه شاهد تبعیضاتی چه در مرحله سیاستگذاری ها و چه در مرحله اجرا می باشیم. در یک بررسی اجمالی می توان دلایل این موضوع را از یک سو در مشکلات ساختاری و غیرساختاری و نیازهای تمامی بخش های کشور و کمبود امکانات موجود – در حدی که بتوان به صورت همزمان به تمامی بخشها توجه نمود – دانست و مهمتر از آن نوع نگاه و رویکرد حاکم بر بخش هایی از مجموعه مؤثر بر قانونگذاری و اجرا در بدنه نظام – خصوصا از دوران سازندگی تاکنون – است که به دلیل فاصله گرفتن از ارزش های انقلابی و اسلامی، در توجه به مهمترین هدف نظام اسلامی یعنی اجرای قسط و عدالت، وقفه هایی به وجود آورد و این دقیقا یکی از دغدغه های اصلی نظام اسلامی و مقام معظم رهبری است تا جایی که به شدت بر زدودن این نگرش ها تأکید جدی داشته اند و مجموعه نظام را به اتخاذ سیاست ها و راهکارهای اساسی برای حل این قبیل مشکلات رهنمون ساخته اند. نگاهی به چشم انداز بیست ساله و

برنـامه چهـارم توسـعه که در اصول و مواد متعـددی از آنها بر رفع تبعیض در بخش های مختلف جامعه تأکیـد شـده است، مبین این واقعیت می باشـد. کافی است در جهت اثبات این موضوع که نظام اسـلامی به رفع تبعیض در بخش های مختلف جامعه خصوصا از اقشـار و اسـتان هـای محروم اهتمـام ویژه ای دارد، به این مسـأله توجه شود که هم مقـام معظم رهبری و هم ریاست محترم جمهور و سـایر مسؤولین عـالی رتبه همواره در مسـافرت هـای خویش به اسـتان هـای محروم، اعتبـارات قابـل توجهی – علاـوه بر بودجه های مصوب – در جهت حـل مشـکلات این منـاطق اختصاص داده و بر اجرای طرح های عمرانی و... در این مناطق پیگیری و نظارت می نماینـد که بحمدالله نتایج بسـیار مطلوبی در پی داشـته است هر چند به دلیل نیازهای متعدد و مشـکلات ساختاری در این اسـتانها، تا دستیابی به وضعیت مطلوب راه طولانی مانده است.

آیا در این زمان یک مسـئول می تواند مطابق دسـتورهای اسـلام عمل کند ;؟زیرا در صورت اجرای حق و عدالت افرادی که پذیرش عدل برایشان سخت است , از دور و برش پراکنده می شوند و او را تنها می گذارند ;درنتیجه از انجام مسئولیت باز می ماند ;پس تکلیف چیست ؟

پرسش

آیا در این زمان یک مسـئول می تواند مطابق دستورهای اسلام عمل کند ;؟زیرا در صورت اجرای حق و عدالت افرادی که پذیرش عـدل برایشان سـخت است , از دور و برش پراکنده می شوند و او را تنها می گذارند ;درنتیجه از انجام مسـئولیت باز می ماند ;پس تکلیف چیست ؟

پاسخ

توجه به این نکته ضروری است که دستورهای مدیریتی اسلام ازقاطعیت برخوردار است و بر اساس مدارا با مردم استوار شده است . بنابراین اگرمسـئولی درست به وظیفه عمل کند و همهء دسـتورهای اجرایی رابا رعایت شرایط و توأم با عواطف انسانی به کار بندد, موفق خواهـد شـد. در این صورت برفرض اگر کسـانی از اجرای عـدالت نـاراحت شدنـد, بـاکی نیست و نگرانی وجودنـدارد, چون نگرانی جایی است که بی عـدالتی و تبعیض در اجرای قانون , مایه ءدلسـردی افراد شود. مطالعهء کتاب هایی که در زمینهء مدیریت اسـلامی نوشـته شده است , می تواند در این زمینه برای شما راهنما و راهگشا باشد, مانند که به قلم چند تن از علما شرح شده است و نیز کتاب به قلم آیۀالله مکارم شیرازی .

مشکلات اداری ـ مشکل مسکن و تبعیض در جامعه .

پرسش

مشکلات اداری ـ مشکل مسکن و تبعیض در جامعه .

پاسخ

این واحـد از پاسـخ گویی به مسائـل اداری و اجرایی معـذور است و تنهـا به مسائـل فکری از فلسـفی و کلامی و تاریخی و غیره می پردازد. البته ما قبول داریم در هر مؤسـسه و اداره یا نهادی ممکن است تخلفاتی انجام گیرد و مشـکلات قشر زحمت کش کارمند با توجه به تورم و گرانی بر کسـی پوشـیده نیست . این نکته را بایـددر نظر داشـته باشـید که این واحـد تازه تأسـیس نشده است , بلکه

سابقهء ده ساله دارد و معضلات فکری مردم , به ویژه نسل جوان را با استفاده از کلام بزرگان برطرف کرده است . رسالت ما تنها گفتن مستحبات و مکروهات مانند گذاشتن پای چپ یا راست در موقع توالت رفتن نیست , چون این گونه مسائل جزئی اهمیتی ندارد. برای رفع مشکلات و حل معضلات اداری و رفع تبعیض باید از راه های قانونی وارد شوید. اگر واحد حراست آن اداره را قبول ندارید, با مدیر کل حراست یا حتی وزارت اطلاعات یا مجلس شورای اسلامی ـ کمسیون مربوطه ـ و یا نهاد ریاست جمهوری و غیره موضوع را در میان بگذارید. در مورد مسئله ای که سؤال کردید, باید عرض کنیم اگر بدون رضایت شما از حقوقتان پول برداشته اند و با آن فرش خریداری کرده اند, این کار خلاف شرع وحرام است و نماز خواندن با آن فرش جایز نیست . برای کاهش مشکلات زندگی شغل دومی را در نظر بگیرید تا از این طریق کمکی به مخارج سنگین زندگی باشد. ما تعجب می کنیم چطور در مدت ۲۵سال خدمت برای منزل مسکونی خود اقدامی نکرده اید. درسال های اوایل انقلاب که مسکن گران نبود و وضع مساعدتری فراهم بود, باید اقدام می کردید. امیدواریم گشایشی فراهم شود و با استفاده از تسهیلات بانکی یا تعاونی مسکن مشکل شما حل شود.

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

پرسش

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

عدالت از اصول مهم و از تعالیم و اهداف عمده دعوت اسلام است که آیات قرآن مجید و احادیث شریف با کمال تأکید و صراحت، همه را به آن مأمور و متعهد اجرای آن ساخته است. از جمله در سورهٔ مائده می‌فرماید: «اعْدِلُو هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی» مائده/۸ [عدالت ورزید که عدل به تقوی نزدیکتر است.] و در سوره انعام می‌فرماید: «وَ اذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» انعام/۱۵۲ [وقتی سخن گفتید، به عدالت سخن بگوئید.] و در سوره نحل می فرماید: «اِنَّ اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْاِحْسانِ» نحل/۹۰ [خداوند متعالال امر می فرماید به عدل و احسان.] در نهج البلاغه حکمت ۳۷۴، پس از آنکه امر به معروف و نهی از منکر را فرموده است، می‌فرماید: «وَ أَفْضَلُ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ کَلِمَهُ عَدْلٍ عِنْدَ اِمامٍ جائِرٍ» (نهج البلاغه فیض الاسلام، ۱۰۲۱، نامهٔ ۵۳) [برتر از امر به معروف و نهی از منکر، سخن عدل است که در حضور پیشوا و زمامدار ستمکار گفته شود.] و نیز حضرت امیر المؤمنین (ع) در آغاز خلافت ظاهری ـ چنانکه در نهج البلاغه است ـ روش صریح خود را در اجرای عدالت چنین اعلام می‌نماید: آگاه باشید هر زمینی که عثمان (از اموال متعلق به حکومت اسلامی که باید عوائد آن صرف مصالح مسلمین و رفع حوائج نیازمندان گردد) به کسی بخشیده باشد و هر مالی را از مال خدا اعطا کرده باشد، به بیت المال برگردانده می‌شود، برای اینکه حق قدیم است (یعنی با اساس و با ریشه و سابقه است) و چیزی حق را باطل نمی‌کند. اگر بیابم آن اموال عمومی را (که عثمان بخشیده است) در حالی که مهر زنان کرده باشند، یا کنیزان را با آن خریده باشند، آن را به بیت المال بر می‌گردانم که در عدل، وسعت و گشایش است و آن کس که عدل بر او تنگ باشد، ظلم بر او تنگ‌تر خواهد بود. از آن حضرت روایت است که رسول خدا(ص) فرمود: «لَنْ تُقَدَّسُ اُمَّهٌ لا یُؤْخَذُ لِلضَّعیفِ فیها حَقُّهُ مِنَ الْقَوِیِّ غَیْرَ مُتَتَعْتَعٍ» [هرگز پا ک و مقدس نشود امت و مردمی که در آنها حق ضعیف از قوی بدون ترس گرفته نشود] برای درک و فهم ابعاد این عدالت اجتماعی مطالعه سیره و روش رسول اکرم(ص) و حضرت(ع) را باید راهنما قرار داد.

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

پرسش

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

پاسخ

اولاً: قوانین صحیح، روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها را با حکومت، بر اساس عدل و حق و منزه از استکبار و استضعاف مقرر می‌دارد و به تمام افراد، حق نظارت بر اجرای قوانین داده می‌شود که طبق: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» توبه/۷۱ [مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند، مردم را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند.] امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بلکه مسؤول و متعهد باشند که این نظارت را انجام دهند. علاوه با یکدیگر در روی کار آمدن و روی کار بودن نظام صالح همکاری داشته باشند. ثانیاً: افراد، به پیروی از قانون و ندای ایمان و وجدان مکلف هستند که تمام مقررات عدل و قسط را در رشته های مختلف، نسبت به خود و دیگران رعایت نمایند که جامعه و افراد، از جانب هر فردی امنیّت داشته باشند و حسن ظن و حمل بر صحت در هر مورد، خیال هر کس را راحت سازد و خیانت و غش و تقلب در جامعه مطرود و معدوم یا بسیار نادر و کم زمینه گردد. ثالثاً: حکومت هم باید در این امور مشارکت کند و برنامه‌هائی اجرا نماید و وضع سلوک و استقبالش را از مردم متواضعانه و به نحوی قرار دهد که مردم، در نظارت بر امور تشویق و تقدیر شوند. چنانکه باید تعلیم و تربیت و ارشاد نیز در اینجا با نقش مهم و سازنده، افراد را رشید و زنده و آگاه بسازد که خود را مسؤول و متعهد حسن جریان امور بشناسند و از تجاوز به حق و سهم دیگری و جنایت، پرهیز نمایند. علاوه بر این ابعاد، ابعاد دیگر نیز هست، مثل : عدل در تعلیم و تربیت که علم و دانش و آموزش و پرورش برای همگان باشد نه فقط قانون، انحصاری بودن آن را لغو کرده باشد، بلکه عملاً نیز به نحوی باشد که افراد مستعد بتوانند ترقی علمی داشته و تا آنجا که امکان دارد برابر امثال و اقران خود جلو بروند. باید از استعدادها که مواهب خدا به همهٔ خلق است استفاده شود و تعلیم و تعلّم، کار و شغل ، مقدّس، و عبادت خدا تلقی شود و تأسیس مدارس و دانشگاهها برای کسب و جلب منافع مادی نباشد. بالأخره تمام ابعاد مختلفی که عدل دارد باید تأمین شود تا عدل مطلق مستقر و برقرار شود. و از همه مهم‌تر عدل فکری و اعتقادی که به منزلهٔ زیر بنا است، باید تأمین شود تا عدل مطلق، مستقر و برقرار شود.

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

پرسش

بعد اجتماعی قسط و عدل چیست؟

پاسخ

اولاً: قوانین صحیح، روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها را با حکومت، بر اساس عدل و حق و منزه از استکبار و استضعاف مقرر می‌دارد و به تمام افراد، حق نظارت بر اجرای قوانین داده می‌شود که طبق: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ

يَالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَر» توبه/۷۱ [مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند، مردم را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند.] امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بلکه مسؤول و متعهد باشند که این نظارت را انجام دهند. علاوه با یکدیگر در روی کار آمدن و روی کار بودن نظام صالح همکاری داشته باشند. ثانیاً: افراد، به پیروی از قانون و ندای ایمان و وجدان مکلف هستند که تمام مقررات عدل و قسط را در رشته های مختلف، نسبت به خود و دیگران رعایت نمایند که جامعه و افراد، از جانب هر فردی امنیّت داشته باشند و حسن ظن و حمل بر صحت در هر مورد، خیال هر کس را راحت سازد و خیانت و غش و تقلب در جامعه مطرود و معدوم یا بسیار نادر و کم زمینه گردد. ثالثاً: حکومت هم باید در این امور مشارکت کند و برنامه‌هائی اجرا نماید و وضع سلوک و استقبالش را از مردم متواضعانه و به نحوی قرار دهد که مردم، در نظارت بر امور تشویق و تقدیر شوند. چنانکه باید تعلیم و تربیت و ارشاد نیز در اینجا با نقش مهم و سازنده، افراد را رشید و زنده و آگاه بسازد که خود را مسؤول و متعهد حسن جریان امور بشناسند و از تجاوز به حق و سهم دیگری و جنایت، پرهیز نمایند. علاوه بر این ابعاد، ابعاد دیگر نیز هست، مثل : عدل در تعلیم و تربیت که علم و دانش و آموزش و پرورش برای همگان باشد نه فقط قانون، انحصاری بودن آن را لغو کرده باشد، بلکه عملاً نیز به نحوی باشد که افراد مستعد بتوانند ترقی علمی داشته و تا آنجا که امکان دارد برابر امثال و اقران خود جلو بروند. باید از استعدادها که مواهب خدا به همهٔ خلق است استفاده شود و تعلیم و تعلّم، کار و شغل ، مقدّس، و عبادت خدا تلقی شود و تأسیس مدارس و دانشگاهها برای کسب و جلب منافع مادی نباشد. بالأخره تمام ابعاد مختلفی که عدل دارد باید تأمین شود تا عدل مطلق مستقر و برقرار شود. و از همه مهم‌تر عدل فکری و اعتقادی که به منزلهٔ زیر بنا است، باید تأمین شود تا عدل مطلق، مستقر و برقرار شود.

عدالت به چه معناست؟

پرسش

عدالت به چه معناست؟

پاسخ

عدالت نقطه مقابل ظلم است، نقطهٔ مقابل تبعیض است و به عبارت دیگر: افراد بشر در دنیا به حسب خلقت خودشان و به حسب فعالیتهایی که میکنند و استعدادهایی که از خود نشان میدهند، استحقاقهایی پیدا میکنند؛ عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود؛ نقطهٔ مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند.

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

پرسش

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

پاسخ

در قرآن مجموعاً به چهار عامل مؤثّر در اعتلاها و انحطاطها برمی‌خوریم. الف. عدالت و بی‌عدالتی: قرآن این مطلب را در آیات بسیاری منعکس کرده است، از آن جمله است چهارمین آیه از سورهٔ قصص. در این آیهٔ کریمه پس از آنکه از برتری‌جویی فرعون که ادّعای ربوبیّت اعلی داشت و دیگران را به منزلهٔ بندگان خود می‌دانست، و از تفرقه افکنی میان مردم که به عناوین گوناگون میان آنها تبعیض قائل می‌شد و آنها را در برابر یکدیگر قرار می‌داد، و از ذلیل ساختن گروه خاصی از مردم کشور خود و کشتن پسران آنها و نگه داشتن زنانشان (به منظور خدمت فرعون و فرعونیان) یاد می‌کند، او را به عنوان یکی از تباهگران نام می‌برد. بدیهی است که جملهٔ «إِنَّهُ كانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» اشاره است به اینکه این گونه مظالم اجتماعی، جامعه را از بیخ و بن برمی‌کند. ب. اتّحاد و تفرّق: در سورهٔ آل عمران آیهٔ ۱۰۳ دستور صریح می‌دهد که بر مبنای ایمان و گرایش به ریسمان الهی متّحد و متّفق باشید و از تفرّق و تشتّت بپرهیزید. در سورهٔ انفال آیه ۴۶ می‌فرماید: [با یکدیگر نزاع نکنید که نزاع داخلی سستی می‌آورد و سستی، شما را زایل می‌کند.] ج. اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر: آیه ۷۹ از سورهٔ مائده، یکی از علل دور افتادن کافران بنی‌اسرائیل از رحمت خدا را، بازنداشتن یکدیگر از منکرات، یعنی ترک نهی از منکر ذکر کرده است. د. فسق و فجور و فساد اخلاق: هر فسق و فجور و هر خروج از مسیر درست انسانیّت، ظلم است. ظلم در قرآن در حقیقت مفهوم اعمّی دارد که هم شامل ظلم به غیر می‌گردد و هم شامل فسق و فجور و کارهای ضدّ اخلاقی. غالباً مورد استعمال این کلمه مصداق دوم است. آیاتی از قرآن که ظلم به معنی اعمّ را علت هلاک یک قوم شمرده بسیار زیاد است.

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

پرسش

از نظر قرآن علل انحطاط و اعتلای جوامع چیست؟

پاسخ

در قرآن مجموعاً به چهار عامل مؤثّر در اعتلاها و انحطاطها برمی‌خوریم. الف. عدالت و بی‌عدالتی: قرآن این مطلب را در آیات بسیاری منعکس کرده است، از آن جمله است چهارمین آیه از سورهٔ قصص. در این آیهٔ کریمه پس از آنکه از برتری‌جویی فرعون که ادّعای ربوبیّت اعلی داشت و دیگران را به منزلهٔ بندگان خود می‌دانست، و از تفرقه افکنی میان مردم که به عناوین گوناگون میان آنها تبعیض قائل می‌شد و آنها را در برابر یکدیگر قرار می‌داد، و از ذلیل ساختن گروه خاصی از مردم کشور خود و کشتن پسران آنها و نگه داشتن زنانشان (به منظور خدمت فرعون و فرعونیان) یاد می‌کند، او را به عنوان یکی از تباهگران نام می‌برد. بدیهی است که جملهٔ «إِنَّهُ كانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» اشاره است به اینکه این گونه مظالم اجتماعی، جامعه را از بیخ و بن برمی‌کند. ب. اتّحاد و تفرّق: در سورهٔ آل عمران آیهٔ ۱۰۳ دستور صریح می‌دهد که بر مبنای ایمان و گرایش به ریسمان الهی متّحد و متّفق باشید و از تفرّق و تشتّت بپرهیزید. در سورهٔ انفال آیه ۴۶ می‌فرماید: [با یکدیگر نزاع نکنید که نزاع داخلی سستی می‌آورد و سستی، شما را زایل می‌کند.] ج. اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر: آیه ۷۹ از سورهٔ مائده، یکی از علل دور افتادن کافران بنی‌اسرائیل از رحمت خدا را، بازنداشتن یکدیگر از منکرات، یعنی ترک نهی از منکر ذکر کرده است. د. فسق و فجور و فساد اخلاق: هر فسق و فجور و هر خروج از مسیر درست انسانیّت، ظلم است. ظلم در قرآن در حقیقت مفهوم اعمّی دارد که هم شامل ظلم به غیر

می‌گردد و هم شامل فسق و فجور و کارهای ضدّ اخلاقی. غالباً مورد استعمال این کلمه مصداق دوم است. آیاتی از قرآن که ظلم به معنی اعمّ را علت هلاک یک قوم شمرده بسیار زیاد است.

عدالت به چه معناست؟

پرسش

عدالت به چه معناست؟

پاسخ

عدالت نقطه مقابل ظلم است، نقطهٔ مقابل تبعیض است و به عبارت دیگر: افراد بشر در دنیا به حسب خلقت خودشان و به حسب فعالیتهایی که میکنند و استعدادهایی که از خود نشان میدهند، استحقاقهایی پیدا میکنند؛ عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود؛ نقطهٔ مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند.

منظور از عدالت در فقه اصغر، حکمت و عرفان چیست؟

پرسش

منظور از عدالت در فقه اصغر، حکمت و عرفان چیست؟

پاسخ

عدالتی که در فقه اصغر ـ فقه اصطلاحی ـ مطرح است، عدالتی است که در اثر التزام به واجبات و ملحقات آن و ترک محرمات و ملحقات آن حاصل می‌شود و کاری با سایر صفات و ملکات انسان ندارد. اگر چنین عدالتی برای کسی حاصل شد، احکام فقهی آن نیز برای او ثابت می‌شود. یعنی اقتدای به او جایز، شهادت او در محکمه قضا مسموع است و می‌تواند شاهد بر ایقاع طلاق باشد و ... این مرتبه، مرتبه نازله عدالت است که از آن به حداقلّ بر تکلیف یاد می‌شود. بنابراین، شخص افزون‌طلبی که از مرز عدالت تجاوز نمی‌کند به نظر فقه اصغر عادل است، در حالی که در حکمت و فقه اوسط عادل کسی است که علاوه بر التزام به واجبات و ترک محرمات، ملکات خود را نیز تعدیل کند و آنها را در هسته مرکزی عدل قرار دهد. توضیح این‌که: حکما می‌گویند: قوای اداره کننده آدمی سه چیز است: فاهمه، شهویه و غضبیّه. عادل کسی است که بتواند هر یک از این سه قوه را مهار کند و آنها را در هسته مرکزی آنها، که حالت اعتدال آنهاست، حفظ کند. قوّه فاهمه و درّاکه انسان که که حالت اعتدال و هسته مرکزی آن «حکمت» نامیده می‌شود، گاهی حالت افراط دارد و آن زمانی است که وقتی استدلال و برهان برای او اقامه می‌شود، قبل از بررسی نهایی و دقیق برهان، از این شاخه به آن شاخه می‌پرد، اشکالات و نقض‌های بی‌ربط وارد می‌کند و زیر بار مطالب مبرهن و مستدلّ نمی‌رود. از این حالت نفسانی به «جربزه» تعبیر می‌شود. چنانکه در مقابل ممکن است اهل تفریط باشد که هر چه استاد می‌خواهد با اقامه برهان و استدلال، مطلبی را به او تفهیم کند، قدرت درک و فهم مطالب استاد را ندارد. از این حالت به «بلاهت و کودنی»

تعبیر می‌شود. قوه شهویّه ـ که برای جذب منفعت و امور پسندیده و ملائم با طبع است و حالت اعتدال و هسته مرکزی آن «عفّت» و سخاوت نامیده می‌شود ـ نیز گاهی در حدّ افراط است که به مقدار لازم و نیاز خود اکتفا نمی‌کند بلکه همواره افزون طلب است و سیری‌ناپذیر (البته در محدوده حلال و نه حرام) این حالت را «شره» می‌گویند. و گاهی در حدّ تفریط است و قادر به برخورداری و جذب مقدار لازم و مورد نیاز خود هم نیست که به آن «خمود» می‌گویند. نیز قوّه غضبیه ـ که برای دفع ناملایمات و ناگواری‌هاست و حالت اعتدال و هسته مرکزی آن «شجاعت» نامیده می‌شود ـ حالت زیاده‌روی و افراطی دارد که آن را «تهوّر» می‌نامند و این همان است که انسان را به انتقامجویی و کینه‌توزی زاید وادار می‌کند. و حالت تفریط آن «جُبن» است که انسان در آن حالت از اِعمال غضب در جای خودش و دفاع از خودش عاجز می‌ماند. اگر کسی توانست قوه فاهمه و قوه شهویّه و قوّه غضبیّه را در هسته مرکزی و حالت اعتدال‌شان نگه دارد، یعنی حالت حکمت، عفت و سخاوت و شجاعت را حفظ کند، در نظر حکما و فقه اوسط عادل است. طبق این معیار، کسی که با کوشش برای تولید بیشتر در صدد حلّ مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی بر می‌آید، البته در حال عبادت است، لیکن اگر اهل وجود و سخا و دارای روح قناعت نباشد و بخواهد از راه حلال بر ارقام ثروت خود بیفزاید و مال حلال بیشتری به دست آورد (هر چند که همه حقوق واجب را بپردازد و از کسب مال حرام بپرهیزد) از عدالت وسطی بی‌نصیب خواهد بود. چنانکه اگر از نظر اِعمال غرایز، نتواند خود را به حدّاقلّ استفاده از حلالْ قانع کند و در بهره‌مندی از حلال اِفراط نماید یا انسان ترسویی باشد و از شجاعت برخوردار نگردد، محروم از این قسم از عدالت است؛ هر چند که هیچ‌یک از این امور به عدالت صغرای مطرح در فقه اصغر لطمه‌ای نمی‌زند. بنابراین، اگر کسی همه این مراحل را پشت‌سر گذاشت یعنی هم قوای ادراکی و هم قوای تحریکی او به اعتدال رسید، خوش فهم و نیکوکار شد، ملکات فاضله‌ای چون سخاوت، قناعت، عفّت، شجاعت، جود و بخشش را تحصیل کرد؛ در حکمت و فلسفه الهی به مقام عدالت می‌رسد و حکیمانْ او را عادل می‌خوانند (فلسفه حقوق بشر، ص۲۰۶ ـ ۲۰۳). لیکن هنوز عُرَفا او را عادل نمی‌دانند؛ زیرا قلمرو شهود عارفْ، بسیار وسیع‌تر از منطقه فهم حکیم و متکلّم است. در نظر عارف، عادل کسی است که مظهر همه اسمای حسنای الهی باشد و در هر وقت به اسمی از اسمای حسنای الهی که مناسب همان وقت است، ظهور کرده آن را در جای خود اجرا کند. بنابراین، در بینش عارفانه، عدالت وصف کسی است که مظهریتش نسبت به همه اسمای حسنی همتا و همسان باشد و خود در هسته مرکزی آن قرار گیرد و اختلاف موضعی آنها را برطرف کند.

ارکان تضمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین در جوامع فعلی چه چیزهایی هستند؟

پرسش

ارکان تضمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین در جوامع فعلی چه چیزهایی هستند؟

پاسخ

ضمانت اجرایی در نظامات کنونی بشر، از دو عامل ترکیب یافته است: ۱- نیروی بازدارنده از گناه یا قوای انتظامی. ۲- مجازات متخلفان از طریق قوه مجریه. نیروهای بازدارنده گناه، خلاف را در نطفه خفه می‌کند و نمی‌گذارد خلاف در اجتماع پدید آید و از این جهت شایسته است نام چنین قدرتی را «نیروی انتظامی» بنامیم. مجازات و کیفر دادن متخلفان، مربوط به کسانی است که گناه را مرتکب شده‌اند و اکنون باید قانون درباره انان به وسیله قوه مجریه اجرا گردد. این دو عامل هر چند تأثیر مشترکی دارند زیرا اجرای قانون درباره گنهکاران، خود نیز یکنوع عامل بازدارنده است نسبت به دیگران، ولی در عین حال، دو نوع تأثیر مختلف نیز دارند اینکه بحثی فشرده درباره عامل نخست: وجود نیروی انتظامی در معابر و مراکز، خود نیروی بازدارنده اجتماع از ارتکاب گناه است.

زیرا برخی از مردم در غیاب دیدگاه پلیس، آماده قانون شکنی هستند و با خود چنین می‌اندیشند که در این فرصت می‌توانند به مقصد برسند و در چنگال قانون گرفتار نشوند و با وجود مشاهده پلیس حاضر به خلاف نمی‌باشند برای چنین گروه، نیروهای انتظامی، بهترین عامل بازدارنده از گناه و قانون شکنی است. هیچ حکومتی حتی حکومت اسلامی از چنین قوایی بی نیاز نیست و اصولا هیچ حکومتی در جهان نمی‌تواند بدون چنین نیرویی پایدار باشد. قوای انتظامی در حکومت اسلامی جزئی از گروه امر به معروف است که باید آن را نظارت خصوصی نام نهاد و قرآن آن را با جمله زیر بیان کرده است آنجا که می‌فرماید: «و لتکن منکم امه یدعون إلی الخیر یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» آل عمران/۱۰۴ [باید از شما گروهی باشند که نیکی‌ها را در میان مردم اشاعه دهند و از بدیها باز دارند]. به طور مسلم امر به معروف دارای مراتب مختلف و گوناگونی است و هر مرتبه‌ای برای خود، مأمور و مسئول مشخصی دارد و مجریان تمام قوانین در تمام مراحل حتی مراقبان مواد غذایی جزو آمران معروفند که ستونی از حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهند. اسلام برای تأمین این اهدف و بازداری مردم از گناه از دو راه دیگر نیز وارد شده است و با تأسیس نظارت عمومی و پرورش ایمان و اعتقاد به خدا و روز رستاخیز توانسته است قوانین خود را در سطوح مختلف اجرا سازد. بیان این دو قسمت: الف: نظارت عمومی نظارت عمومی این است که تمام افراد می‌توانند بر اجرای قوانین نظارت کنند التبه این نوع نظارت از حدود نصیحت و اندرز و آگاه ساختن مراجع صلاحیتدار از جرمها و مجرمها، خارج نیست و یک چنین نظارت به عنوان یک وظیفه مهم مذهبی است که تخلف از آن گناه و مایه دوری از رحمت حق است. یک چنین نظارت عمومی که همه جامعه را نسبت به یکدیگر سراپا گوش وچشم، قرار می‌دهد، نقش مهم در اجرای قوانین دارد. چه بسا در پرتو نظارت عمومی، گناه و جرم در همین مراحل خنثی می گردد و نوبت به مراحل دیگر نمی‌رسد، هدف آیاتی که همه افراد جامعه را موظف می‌سازد که باید امر به معروف کنند، نظارت عمومی است و وظیفه این گروه از قوه مجریه که ما آن را نظارت خصوصی می‌نامیم کاملا جدا است. ب: ایمان به خدا و اعتقاد به سرای دیگر این نوع اجرا در مناطقی می‌تواند فعالیت کند که از کنترل مأموران نظارت خصوصی و عمومی بیرون باشد و اجرای قوانین برای آنان در آن مراحل ممکن نباشد. تأثیر ایمان به خدا و کیفرهای الهی در بازداری انسان از گناه، آنچنان روشن است که ما خود را از هر نوع توضیحی بی‌نیاز می‌دانیم و در این مورد به طور فشرده به یک واقعه تاریخی اشاره می کنیم: جرمهای مکتوم و پنهانی در خلوتخانه‌ها و تاریکخانه‌ها ضامن اجرایی جز ایمان ندارد و از این جهت قوانین اسلام از نظر وسعت ضامن اجرا، جلوه خاصی دارد و عظمت خود را در برابر دیگر قوانین و نظامات مادی که فاقد این نوع ضمانت اجرایی هستند نشان می‌دهد. این حقیقت را دادستان دیوانعالی ایالات متحده «ماربرت هوگوت جاکسون» در مقدمه کتاب «حقوق در اسلام» به خوبی درک کرده است و پس از گفتاری چنین می‌نویسد: «قانون در امریکا فقط یک تماس محدودی با اجرای وظایف اخلاقی دارد در حقیقت یک شخص امریکایی در همان حال که ممکن است یک فرد مطیع قانون باشد، ممکن است یک فرد پست و فاسدی هم از حیث اخلاق باشد. ولی به عکس آن، در قوانین اسلامی سرچشمه و منبع قانون اراده خدا است، اراده‌ای که به رسول او «محمد» مکشوف و عیان گردیده است، این قانون و این اراده الهی، تمام مؤمنان را جامعه واحدی می‌شناسد گرچه از قبایل و عشایر گوناگون تشکیل یافته در مواضع و محلهای دور و مجزای از یکدیگر واقع شده باشند، در این جا مذهب، نیروی صحیح و سالم التصاق دهنده جماعت می‌باشد، نه ملیت و حدود جغرافیایی. در اینجا خود دولت هم مطیع و فرمانبردار قرآن است و مجالی برای قانونگذار دیگری باقی نمی گذارد تا چه رسد به این که اجازه انتقاد و شقاق و نفاق بدهد. به نظر مؤمن این جهان دهلیزی است به جهان دیگر که جهان بهتر باشد و قرآن قواعد و قوانین و طرز سلوک افراد را نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع آنها معین می کند تا آن تحول سالم را از این عالم به عالم دیگر نماید. غیر ممکن است تئوریها و نظریات سیای.....قضایی را از تعلیمات پیامبر تفکیک نمود؛ تعلیماتی که طرز رفتار را نسبت به اصول مذهبی و طرز زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی همه را تعیین می کند. دین تعلیمات بیشتر و وظیفه و تکلیف برای انسان تعیین می کند تا حقوق، یعنی تعهدات اخلاقی که فرد، ملزم به

اجرای آن می‌باشد مطرح است و هیچ مقامی در روی زمین نمی‌تواند فرد را از انجام آن معاف بدارد و اگر از اطاعت سرپیچی کند حیات آینده خود را به مخاطره انداخته است». از آنجا که آمریکاییها اساس مذهبی و یا فلسفی قوانین اسلامی را قبول ندارند اینطور فکر می‌کنند که هر چیز بر اساس مذهب مبتنی گردیده نمی‌تواند نظر و توجه ما را جلب کند. ولی حقیقت این است که همین سیستمی که غیر عملی قلمداد می‌شود اعمال بزرگی را توانسته است به طرز حیرت انگیزی انجام دهد بگونه ای که نیروی حیاتبخش و التصاق دهنده آیین محمدی را قادر ساخت تا بر سواحل آفریقایی مدیترانه‌ای، استیلاء یابد. (مقدمه حقوق در اسلام به قلم هوگون جاکسون، ترجمهٔ زین‌العابدین رهنما) عامل دوم مجازات متخلفان مجازات و کیفرهای دنیوی دومین رکن تأمین کننده عدالت اجتماعی و اجرای قوانین است و در حقیقت نمی‌توان موضوع مجازات متخلفان را رکن جداگانه‌ای شمرد بلکه مجازات به ضمیمه عامل پیشین، عامل واحدی است که می‌تواند اجرای قوانین را در سطوحی تضمین کند ولی اسلام در مسئله مجازات و کیفرها راه خاصی دارد که می‌تواند مسئله اجرای قوانین را به صورت کاملتری درآورد. اولا: اسلام مخالفان و متمردان را تنها به کیفرهای دنیوی مانند قتل و زندان و تبعید و تنبیه‌های بدنی تهدید نکرده است بلکه برای مجرم دو نوع کیفر قرار داده است: ۱- کیفرهای دنیوی: که باید به وسیله قوه مجریه اجرا گردد از قبیل بریدن دست دزد، قصاص قاتل و شلاق زدن. ۲-کیفرهای اخروی: شاهکار قوانین الهی در همین نقطه است که به کیفرهای دنیوی اکتفا نکرده و برای گناه، کیفر اخروی که چاره و فراری از آن نیست قائل شده است. ممکن است مجرم به عناوینی بتواند از چنگال کیفرهای دنیوی خود را برهاند اما کیفرهای اخروی آنچنان در کمین گنهکار نشسته است که چاره‌ای از آن نیست چه بسا برخی از این کیفرها لازمه عمل و صورت واقعی گناه است و به این معنی که گناه در روز رستاخیز به آتشی تبدیل می‌گردد. راستی اگر فردی به مفاد آیه زیر که درباره زر اندوزان وارد شده است مؤمن باشد، ممکن نیست دور گناه بگردد. «وَ الذینَ یکنِزوُنَ الذَّهَبَ وَ الفِضَّةَ وَ لا یُنفِقُونَها فِی سَبیلِ اللهِ فَبَشِّرهُم بِعَذاب أَلیم - یَومَ یُحمی عَلَیها فی نارَ جَهَنَّمَ فَتُکوی بِها جِباهُهُم و جُنوبُهُم وَ ظُهورُهُم هذا ما کَنَزتُم لِانفُسِکُم فَذُوقُوا ما کُنتُم تکِنزوُنَ» توبه/۳۵و۳۴ [گروهی را که طلا و نقره را گنج می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌نمایند، به عذاب دردناک بشارت بده روزی همان طلاها در آتش دوزخ سرخ می‌گردند و پیشانی و پشت آنها داغ زده می‌شود [به آنان گفته می‌شود] که این آتشها همان گنجها است پس عذاب دردناک را بچشید.] همچنین اگر گنهکار از کیفرهای الهی درباره قتل مؤمن و رباخوار و ... آگاه گردد به طور مسلم از میزان جرایم به وضع روشنی کاسته می‌شود. از نظر یک فرد با ایمان جهان سراسر چشم و گوش است و دستگاههای گیرنده و منعکس کننده، کلیه افعال و کارهای انسان را ضبط نموده، و منعکس می نمایند و روزی فرا می‌رسد که تمام این اسناد در برابر محکمه عدل الهی قرار گرفته مطابق این اسناد قطعی کیفر می بیند قرآن این حقیقت را در آیات زیر بیان می‌کند. «هذا کِتابُنا یَنطِقُ عَلَیکُم بِالحَقِّ إنا کُنا نَستَنسِخُ ما کُنتُم تَعمَلونَ». جاثیه/۲۹ [این نوشته‌های ما است که به حق سخن می‌گوید ما آنچه را عمل می‌کردیم می‌نوشتیم.] «ما یَلفِظَ مِن قَول إلا لَدَیهِ رَقیبُ عَتِیدُ» ق/۱۸ [سخن نمی‌گوید مگر اینکه مراقبی برای ضبط آن آماده است.] پاداش‌ها ثانیا: اسلام علاوه بر تعدد کیفر، به شرحی که بیان گردید به موضوع پاداش توجه کرده و در پرتو آن به موضوع اجرای قوانین کمک شایان تقدیری نموده است. در قوانین امروز برای عاملِ به قانون، پاداشی در نظر گرفته نشده است. زیرا قانونگذار تصور می‌کند که عمل به قانون وظیفه انسانی و اجتماعی است که برای تأمین عدالت اجتماعی که سود آن عاید عامل می‌گردد و این مطلب منطقی است ولی آیا تمام افراد این منطق را درک می کنند؟ و آیا توده مردم که اکثر قوانین متوجه آنها است خلاف آن را انتظار ندارند؟ آنان با خود می گویند همان طور که تخلف کیفر دارد باید عامل به قانون نیز پاداشی داشته باشد. اسلام با تعیین پاداشها توانسته است این خلأ را در ذهن توده‌ها پر کند، تا آنان به طور خودکار از گناهان دوری جویند و به اطاعت و پیروی از قوانین بگرایند. در مضمون آیه زیر دقت بفرمایید که چگونه در افراد، روح آزادگی و گذشت از جان و مال را در برابر گسترش آیین خدا پرورش می‌دهد: «إنَّ اللهَ اشتَری مِنَ المؤمِنینَ أَنفُسَهُم وَ أَموالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الجَنَّةَ وَ یُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللهِ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقتَلُونَ»

توبه/۱۱۱ [خداونـد جان و مال افراد با ایمان را در برابر بهشت خریـداری نموده است، آنان در راه خـدا جهاد می‌کننـد، می‌کشـند و کشـته می‌شونـد.] انگیزه بسیاری از افراد با ایمان برای رعایت قوانین اعم از فرایض و نوافل همین پاداشـها است که آنان را به سوی هدف اعزام می‌کند و هرگز نباید از یک چنین عامل مؤثر غفلت نمود. اسلام برای نفوذ قانون در دل اجتماع، هرگز کیفر متخلف را بـا پاداش مطیع یکسان نگرفته است بلکه به خاطر رعایت عـدالت، کیفر را معادل جرم قرار داده در حالی که پاداش بر عمل نیک را ده برابر معرفی کرده چنانکه می‌فرماید: «مَن جاءَ بِالحَسَـنَةِ فَلَهُ عَشـرُ أَمثالِها وَ مَن جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجزى إِلا مِثلَها» انعام/۱۶۰. [هر کس یک کار نیک انجام دهد ده برابر پاداش دارد و هر کس گناهی انجام دهد به مقدار تخلف، کیفر می‌بیند.]

برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

پرسش

برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه ، چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

پاسخ

متاسـفانه علیرغـم اهتمـام فراوان دین مقـدس اسـلام و بزرگـان الهی بر رعـایت عـدالت اجتمـاعی در تمـامی عرصه هـای جـامعه ، و تاکیدات فراوان امام راحل (ره) ومقام معظم رهبری در این خصوص ، هنوز در جامعه اسـلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی هـا می باشـیم که به هیـچ وجه زیبنـده حکومت و جـامعه اسـلامی نبوده ، ونظـام اسـلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشـکال بی عـدالتی در جامعه می باشدبر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود درجامعه را می توان در موارد ذیل بصورت مختص بیان نمود : الف – توجه جـدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسـعه و سازندگی کشور : پس از دوران دفاع مقـدس و آغاز دوران بازسازی کشور مـدل برای توسـعه اقتصادی و اجتماعی درپیش گرفته شـد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشـی و فاصـله گرفتن جامعه ازشاخصهای مطلوب گردید .به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصـله ها را تشدیـد نمود .این عامل در برخی از تحلیلها و تحقیقات به عمل آمـده ،عامل اصـلی افول ارزشـها و ایجاد نابرابری در جـامعه دانسـته شـده است . حضـرت آیت الله خامنه ای ضـمن انتقاد از این رونـد، می فرماینـد : ((در این مرحله از انقلاب ،هـدف عمـده عبـارت است از سـاختن کشور نمونه که در آن ، رفـاه مـادی هم راه باعـدالت اجتمـاعی و توام با روحیه و آرمان انقلابی ، با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسـلام ، تامین شود .هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهـد شـد)) ، (حدیث ولایت ، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷) . و در جای دیگر می فرماینـد : ((در نظام جمهوری اسـلامی ایران اساس همه فعالیت ها بایـد مبتنی بر عـدالت باشـد زیرا قسط و عـدل ازهمه آرمان ها و اهداف نظام اسـلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق وشـکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشـمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عـدل در جامعه باشـد .رشـد اقتصادی در جامعه ما هـدف اصـلی هم نیست ،بلکه رشد اقتصادی جزیی از هدف ماست و جز دیگر عبارت از عدالت است ... هربرنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی ، یا در مجموع برنامه هاما را به هدف عـدالت نزدیک کنـد، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست)) ، (روزنـامه رسالت ،۹/۳/۱۳۷۲) . ب – برخـورد فیزیکی ، مصـادره و بـازپس گیری امـوال غاصـبان وصاحبـان ثروتهـای نامشـروع و بـادآورده : امـام علی (ع) دو اقـدام مهم و انقلابی راسـرلوحه اقـدامات حکومت عـدل خویش قرار دادنـد : ۱– مصـادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲– احیـا سـنت برابری و مسـاوات در بهره منـدی از بیت المـال . حضـرت آیت الله خـامنه ای در این زمینه می

فرماینـد : ((... بـا قوانین لازم و تـامین امنیت قضـایی در کشور بسـاط تجـاوز و تعـدی به حقوق مظلومان و دست انـدازی به حیطه مشـروعزندگی مردم ، جمع شود ...)) ، (حدیث ولایت ، ج ۱، ص ۲۸۷) . و در فرمـان مبارزه بافساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سـران سه قوه صادر فرمودنـد براین امر مهم تاکیـد نمودنـد که خود بیانگر، عزم ، همدلی و همکاری قوای سه گانه بابرنـامه ریزی هـای دقیق و حساب شـده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عـدالت اجتماعی می باشـد .ج - پیشـگیری از پیـدایش ثروتهـا و ثروتمنـدان نامشـروع جدیـد : یکی دیگر از راههـای مبـارزه بـا وجود بی عـدالتی در جـامعه ، جلوگیری از روی آوردن و دلبـاختگی والیـان و کـاپردازان حکومـتی بـه انـدوختن ثروت و افزودن بر حجـم دارایی خـویش اسـت در ایـن راسـتا اهـم اقـدامات پیشگیرانه عبارتند از : ۱- اسوه ونمونه بودن مسوولان حکومت برای دیگر کارگزاران : امام علی (ع) می فرماینـد : ((ان الله تعالی فرض علی ایمه العدل ان یقدروا انفسـهم بضعفه الناس ، کیلا یتبیغ بالفقیرفقره ؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده ، خود را بـا اقشار ناتوان ومحروم جامعه انـدازه گیری کننـد و زنـدگی خود را با آنان برابر نهنـد .تا تنگـدستی فقیر،او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد)) ، (نهـج البلاغه ، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵) ۲- زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان : حضرت علی (ع) درفرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می فرمایند ((والی را نزدیکان وخویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و سـتد، کمترحاضر به رعایت انصافند، وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی)) ، (نهـج البلاغه ، نامه ۵۳، ص ۴۴۱) . ۳- بازرسـی ، نظارت ، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران : حضـرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرماینـد : ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان ، نظـارت بر کار آنان نیز ضـروری است ، چون مقام و قـدرت ، غالبا"اخلاق و رفتار مسوولان را تغییر می دهـد، بنابراین اگر بعـد از گزینش حتی افراد پارسـاو کـاردان ، از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریـج تغییررویه داده و به سـبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسـبت به دسـتگاه حکومت اسـلامی شونـد ...)) ، (فجر انقلاب در بهار قرآن ، ص ۲۰۳ و ۲۰۵) . د- بالا ـ بردن میزان آگـاهی مردم : بـا بالا ـ رفتن میزان آگـاهی مردم ، درک آنها از حقوقشان افزایش می یابـد و بی عـدالتی را نمی پذیرنـد و به انحـا مختلـف برای دستیـابی به حقوقشـان می کوشـند از این طریـق قشـر متوسـط گسـترش و نقش آنها درتصـمیمگیریهای سیاسـی افزایش می یابد .ه - توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشـهای اسلامی در جامعه : زیرا وجود ارزشهای اسـلامی ماننـد ایمان ، تقوا، تعهـدو ...موجب ایجاد و اجرای عـدالت در سـطح جامعه می شود قرآن کریم می فرمایـد ((اعدلوا هو اقرب للتقوی)) ، (مایده / ۸) امام علی (ع) نیز می فرمایـد : ((قـد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ؛ هر که می خواهد به حلیه عدل و دادآراسـته شود می بایست هوا و هوسـهای گوناگون را از خود دور کند)) ، (نهج البلاغه ،خطبه ۸۷) . لـذا برای مبارزه با بی عـدالتی در جامعه ، تحقق باوری عمیق ، درونی ریشه دارد، عقلای و مبتنی بر نظام ارزشـی اسـلام در مـدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی ، اجرایی ، قضایی ، نظامی ، و انتظامی ، آموزشی ،فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی موثر جامعه نقش تعیین کننده ، ایفا می کنند، لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱-رفتار حقیقی و حقوقی مدیران ، ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی ، تبلورو تجلی یابد .و - فراهم نمودن امکانات و شـرایط و فرصـتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصـیلات ، اشـتغال ، مسکن ؛ رفاه و ...که در اصول متعددی ازقانون اساسـی ج . ا .ا .متبلور می باشد .برای آگاهی بیشتر ر.ک : فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره ۱۷، ص ۴۸ فصلنامه حکومت اسلامی ، شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور، ارزشـها و توسعه ، ص ۱۹۶ علی ذو علم ، انقلاب و ارزشـها،ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴ دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه ، ص ۴۸۰;

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد. مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیّت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد ;استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقّی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد ;حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم، به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم: - در سوره فاطر(۴۱) می فرماید: «انْ اللَه یمسک السموات و الارض ان تزولا ;»خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید. - در سوره فرقان(۲) می فرماید: «و خلق کل شیی فقدره تقدیراً ;»خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرّر فرمود. - در سوره آل عمران(۱۸) می فرماید: «شهدالله انه لااله الاهو والملائکه واولوالعلم قائما بالقسط ;»خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است. - در سوره فاطر(۴۳) می فرماید: ـ۵۳۱ـ «فلن تجد لسنهٔ الله تبدیلاولن تجد لسنهٔ الله تحویلا ;»هرگز در سنّت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت. از این چهار آیه می فهمیم که اولاً: یک قدرت بر تمام جهان مسلّط است که هر موجود را به جای خود و همه جهان را مجموعاً نگهداری می کند. ثانیاً: هر موجودی به اندازه معینی و دارای استعداد خاصّی آفریده شده است ;ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنّت خدا نامیده می شود ;رابعاً: سنّت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد. این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند. جهان هستی به قدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند. در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند. در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن تخلف کند، نابود می شود. برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را نشناسد و یا ـ۵۳۲ـ بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود. (بخش پرسش و پاسخ) ـ۵۳۳ـ

دیدگاه مرحوم مطهری درباه ارتباط عدالت و استحقاق چیست؟

پرسش

دیدگاه مرحوم مطهری درباه ارتباط عدالت و استحقاق چیست؟

پاسخ

شما توضیح مطلبی از کتاب عدل الهی نوشته مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری بود در پاسخ یادآور می شویم همانگونه که خود ایشان توضیح داده اند" استحقاق "این است که یک انسان بطور طبیعی یا اکتسابی دارای حقی باشد که مراعات حق او در این صورت عدالت خواهد بود مثلاً ـ اگر انسان با کارگری قرار داد کرد که یک روز برای انسان کار کند و در مقابل ۲۰۰۰ تومان دریافت دارد این کارگر در برابر ار یک روز استحقاق دریافت ۲۰۰۰ تومان درا دارد و اگر این استحقاق مراعات نشود و از این ۲۰۰۰ تومان چیزی به او کم داده شود عدالت مراعات نشد و باور ستم شده است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۷۵ـ

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست. اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد. آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلا سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است واندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی ـ۴۸۳ـ و حکومت الهی آنان میسّر است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۸۴ـ

با اینکه در اسلام تبعیض نژادی نیست پس این جمله روایت چه معنی دارد؟ «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود»؟

پرسش

با اینکه در اسلام تبعیض نژادی نیست پس این جمله روایت چه معنی دارد؟ «علیکم بالوجوه الملاح و الحدق السود»؟

پاسخ

انکار تبعیض نژادی در اسلام معنایش این نیست که واقعیّات زندگی هم نادیده گرفته شود، شکی نیست که سلامتی و شادابی جسم در سلامتی روح اثر دارد و افراد زیبا صورت و خوش قدم و قامت قطعاً بر اثر داشتن بنیه ای نیرومندتر از نظر جسمی در شئون اجتماعی و معاشرتی خوش برخوردتر و با نشاط ترند و این مطلب مسلم است که طبع هر انسانی به کامل هر چیزی تمایل بیشتری دارد تا به ناقص آن و اصولاـ انسانی که از نظر زیبائی و ملاحت بهره یی کافی دارد جاذبه ی بیشتری خواهد داشت. و روایت هم گویا در مقام ارشاد به همین واقعیّت است که هر انسانی قطرتاً به آن تمایل دارد و اصلا در مقام بیان برتری افراد از نظر جنبه های ایمانی نیست تا گفته شود برنامه اسلام در مقام بربری فقط زیبائیهای ظاهری و جسمی توجّه ندارد بلکه مسلّم ـ۱۱۱۰ـ است که زیباترین افراد هم اگر از نظر معنویت فاسد باشد دارای ایمان و تقوی نباشد از زشت ترین فردی که با ایان و تقوی باشد پست تر است، همان که خود پیامبر گرامی اسلام((صلی الله علیه وآله)) برخی از افراد زشت و سیاه که دلشان مملو از نور خدا و ایمان بود بر ثروتمندترین و زیباترین افراد غیر مسلمان و مسلمانان کم تقوی ترجیح می داد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۱۱۱ـ

مساوات در اسلام چگونه است؟

پرسش

مساوات در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در اسلام، ارزش های موهومی که معیّار برای فضیلت و برتری انسانها شمرده شده، نفی شده است و تنها ارزش بر مبنای تقوی و علم و مجاده است. بنابراین ملیّت و رنگ و نژاد و ثروت و امثال اینها، معیار فضیلت نیست و هیچ ملّتی از این جهات بر ملّت دیگر فضیلت و برتری ندارد و بنابر فرمایش حضرت رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) «لافضل لعربی علی عجمی و لعجمی علی عربی و لاـ لاـبیض علی اسود و لاـ لاـسود علی ابیض الآ بالتقوی ;هیچ عربی بر عجم و هیچ عجمی بر عرب و هیچ سفیدی بر سیاه و هیچ سیاهی بر سفید برتری ندارد جز به تقوی»(۱). از نظر حقوق نیز افراد از حقوق مساوی برخوردار هستند و قوانین اسلامی براساس قسط و عدل استوار شده است، یادآوری یک نکته لازم است و آن اینکه تساوی به ـــــــــــــــ ۱ - ـ۱۱۹۵ـ گونه ای که برخی از گروه ها تحت عنوان جامعه یی طبقه مطرح می کنند و می گویند باید تساوی مطلق و از تمام جهات در جامعه حکومت کند، صحیح نیست. زیرا تساوی به این معنی، موجب ظلم بر بسیاری از افراد می شود. برخی افراد هستند که تلاش و کار بیشتری انجام می دهند ;اگر حقوق اینان به اندازه افرادی باشد که کار کمتر انجام می دهند، این ظلم است. بنابراین وقتی گفته می شود انسان ها از حقوق مساوی برخوردار هستند، اندازه استحقاقها و کارها نیز ملحوظ است و در این گونه موارد تعبیر صحیح تر این است که به جای «تساوی» از «قسط» و «عدل» استفاده شود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۱۹۶ـ

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عـدالت اجتماعی، پی آمـد اعتقاد به توحیـد شـمرده می شود، آیا بـدون چنین اعتقادی نمی توان به عـدالت اجتماعی دسـت یافت؟

پاسخ

منظور از عـدالتی که از پی آمـدهای توحیـد به حساب آمـده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می توانـد وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسـمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسـلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهـانی تحت لوای حکومت عـدل واحـد میسّـر و عملی نیست. اساسـاً در جامعه ای، عـدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشـد و چنین اتحادی محور می خواهـد و ملاک شایسـته این وحـدت، همان عقیـده به توحیـد است، تا اتحاد مانـدگار باشد. آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شـهرت دارد و بر پایه آن، مثلا سـرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابـل نقـد اسـت زیرا عـدالت به معنـای تسـاوی نیست. بکه عـدالت به معنـای این است که هر فردی را به حـق و انـدازه اسـتحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مسـاوی بیـان آنـان تقسـیم کننـد. بـدیهی است که آن امر سـتم محسوب به شـمار می آیـد. و چون عـدالت، رعـایت انـدازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و عادلانه ای وضع کنـد، بکه این کار تنها بایـد به دست خداونـد که آفریدگار همه است واندازه اسـتحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی ـ۱۳۱ـ و حکومت الهی آنان میسّر است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۳۲ـ اسـلام مسلمین و انحطاط

آیا ظلم بالسویه عدل محسوب می شود؟

پرسش

آیا ظلم بالسویه عدل محسوب می شود؟

پاسخ

ظلم بـالسویه ظلم عمومی است زیرا معنای آن این است که حق همه بطور مساوی پایمال می شود و پایمال کردن حقوق عموم مردم ظلم و تجاوز عمومی نام خواهد داشت همچنانکه نسبت به بعضی از افراد ظلم کردن ظلم خصوصی است و ظلم با عدالت نمی سازد زیرا عـدالت به معنـای آن است که حق هر شـخص به صاحبش داده شود بنابراین اگر جمعیتی باشـد و هر کـدام حقی داشـته باشـند عدالت آن است که بدون اینکه بین آنان فرق قائل شوند حق هر کسـی را باو بدهند و اگر بخواهند حق یکنفر را بدهند و دیگری را ندهند ظلم است همچنین اگر حق هیچکس را ندهند باز ظلم است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۴۷ـ

چرا تبعیضات نژادی از نظر اسلام مردود است و چرا باید فقیر و ثروتمند باهم برابر

پرسش

چرا تبعیضات نژادی از نظر اسلام مردود است و چرا باید فقیر و ثروتمند باهم برابر ـ۴۶۱ـ باشند؟

پاسخ

علت اینکه اسلام تبعیضات نژادی و تبعیض بین طبقات مختلف اجتماع را مردود و محکوم می داند این است که اصولاً دید اسلام نسبت به انسان یک دید وسیع و عمیق است و انسان از نظر اسلام یک حقیقت واحد وداری خواستهای و نیازهای اساسی واحدی است و همه ی افراد نوع انسانی از این لحاظ یکسان می باشند و نژاد و رنگ و سایر خصوصیات، حقیقت انسانی را تغییر نمی دهد بنابراین دلیلی ندارد که سفیدپوست" مثلاً "خود را برتر از سیاهپوست بداند و برای خود حقوق بیشتری قابل باشد با آنکه هر دو در حقیقت انسانیت با هم مساویند، مساوات بین فقیر و غنی از نظر حقوق و قوانین نیز از همین جا سرچشمه گرفته است زیرا که فقیر یعنی شخصی که از نظر مالی متمکن نیست با ثروتمند از نظر انسانیت و سایر شؤن مربوط به آفرینش مساوی است لذا باید به هر دو حقوق اجتماعی واحدی داده شود و نداشتن ثروت نباید ارزش واقعی او را کم کند. ـ۴۶۲ـ اسلام ملاک فضیلت و برتری ر روی پایه های معنوی استوار کرده و صریحاً می گوید ان اکرمکم عندالله اتقیکم گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. آن کسی که در راه انجام دستورات دینی و اوامر الهی تسلیم محض باشد وروح پاک خود رابه گناه آلوده نکند او برتر از دیگرانست خواه سیاه باشد یا سفید غنی باشدیا فقیر، شئونات مادی از نظر اسلام ابداً ملاک فضیلت و برتری نیست. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۶۳ـ

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست. اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد. آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلا سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و

عادلانه ای وضع کنـد، بکه این کار تنها بایـد به دست خداونـد که آفریدگار همه است واندازه اسـتحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی و حکومت الهی آنان میسّر است. (بخش پاسخ به سؤالات) آفریـدگار، خداشناسـی راههای شـناخت خدا آفاتی عقلی

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنـامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد. مفهوم حقیقی عـدالت اجتمـاعی حاکمیّت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سـایه چنین قوانینی، هر صـاحب حقی بحقش برسـد ;استعدادها پرورش یابـد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقّی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسـی سـتم نبیند. جامعه بشـری به عنوان بخشـی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش هماننـد و همسو باشـد ;حـال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، اسـتنساخ کنیم، به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم: – در سوره فاطر(۴۱) می فرماید: «انْ اللّه یمسک السموات و الارض ان تزولا ;»خداوند، آسـمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرمایـد. – در سوره فرقان(۲) می فرمایـد: «و خلق کل شـیی فقدره تقدیراً ;»خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرّر فرمود. – در سوره آل عمران(۱۸) می فرماید: «شهدالله انه لااله الاهو والملائکه واولوالعلم قائما بالقسط ;»خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشـتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است. – در سوره فاطر(۴۳) می فرمایـد: ـ۲ـ «فلن تجـد لسـنهٔ الله تبـدیلاولن تجـد لسـنهٔ الله تحویلا ;»هرگز در سـنّت خـدا تغییر و تبدیلی نخواهد یـافت. از این چهـار آیه می فهمیم که اولاـ یـک قـدرت بر تمـام جهـان مسـلّط است که هر موجود را به جـای خود و همه جهان را مجموعاً نگهـداری می کنـد. ثانیاً: هر موجودی به اندازه معینی و دارای اسـتعداد خاصّـی آفریده شده است ;ثالثاً: میان موجودات از کوچـک و بزرگ به قـانون عـدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشـته که از مجموع آنهـا واحـدی به نـام جهان تشـکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنّت خدا نامیده می شود ;رابعاً: سنّت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد. این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشـر نیز هم جزئی از این جهاننـد و ناچار محکوم این قوانین هسـتند. جهان هستی به قـدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که بایـد در جایگاه شایسـته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند. در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشـی نگهـداری کنـد و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسـی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند. در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن تخلف کند، نابود می شود. ـ۳ـ برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را نشـناسد و یا بشناسد و از آن پیروی

نکند، روبه فنا می رود. (بخش پرسش و پاسخ) ـ۴ـ

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی آمد اعتقاد به توحید شمرده می شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عدالتی که از پی آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه پرستی است که می تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست. اساساً در جامعه ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد. آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلا سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و عادلانه ای وضع کند، بکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است واندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی ـ۴۸۳ـ و حکومت الهی آنان میسّر است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۸۴ـ

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می خورد. مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیّت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد ;استعدادها پرورش یابد و عقل ها بارور شود. به گونه ای که هیچ حقّی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه

آفرینش همانند و همسو باشد ;حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم، به چهار آیه از قرآن کریم می نگریم: - در سوره فاطر(۴۱) می فرماید: «انْ اللّه یمسک السموات و الارض ان تزولا ;»خداوند، آسمان ها و زمین را از نابودی حفظ می فرماید. - در سوره فرقان(۲) می فرماید: «و خلق کل شیی فقدره تقدیراً ;»خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرّر فرمود. - در سوره آل عمران(۱۸) می فرماید: «شهدالله انه لااله الاهو والملائکه واولوالعلم قائما بالقسط ;»خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است. - در سوره فاطر(۴۳) می فرماید: ـ۵۳۱ـ «فلن تجد لسنهٔ الله تبدیلاولن تجد لسنهٔ الله تحویلا ;»هرگز در سنّت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت. از این چهار آیه می فهمیم که اولاـ یک قدرت بر تمام جهان مسلّط است که هر موجود را به جای خود و همه جهان را مجموعاً نگهداری می کند. ثانیاً: هر موجودی به اندازه معینی و دارای استعداد خاصّی آفریده شده است ;ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنّت خدا نامیده می شود ;رابعاً: سنّت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی دهد. این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می فهمیم. افراد بشر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند. جهان هستی به قدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسته قرار می دهد و همه را به کمال لایق خود می رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می ماند. در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند. در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن تخلف کند، نابود می شود. برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه ای آن قوانین را نشناسد و یا ـ۵۳۲ـ بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می رود. (بخش پرسش و پاسخ) ـ۵۳۳ـ

چرا در خیابانهای شهر ما یعنی دومین کلانشهر مذهبی دنیا، هر مرد شهوت رانی می تواند با صرف تنها چند دقیقه خانم بدکاری را به خدمت بگیرد؟ چرا اینچنین آزادیهایی را از مردم سلب نمی‌نمائید؟

پرسش

چرا در خیابانهای شهر ما یعنی دومین کلانشهر مذهبی دنیا، هر مرد شهوت رانی می تواند با صرف تنها چند دقیقه خانم بدکاری را به خدمت بگیرد؟ چرا اینچنین آزادیهایی را از مردم سلب نمی‌نمائید؟

پاسخ

می دانیم که موضوع مورد اشاره یکی از پدیده‌های شوم اجتماعی است و عوامل متعددی در آن نقش دارند که به بعضی از آنها اشاره می کنیم. ۱. بوجود آمدن فاصلهٔ طبقاتی (فقر نابجا و ثروت نابجا فساد به دنبال دارد) ۲. افزایش آمار اعتیاد و پایین آمدن سن اعتیاد و به تبع آن از هم پاشیدن بنیان خانواده. ۳. عدم تأمین هزینهٔ عائله‌مندی توسط سرپرست خانواده که به اعتیاد کشیده شده‌اند. ۴. افزایش آمار طلاق، (آنگونه که در اخبار عنوان شد ایران مقام چهارم از نظر طلاق بعد از آمریکا، کانادا و مصر را دارد) در شهر بزرگی مثل تهران از هر ۴ ازدواج یک ازدواج منجر به طلاق می شود و بیش از ۶۰٪ طلاقهای انجام گرفته در اثر اعتیاد همسران

بوده است. نتیجهٔچنین طلاقهایی، بوجود آمدن کودکان خیابانی، بی‌سرپرست و فرار دختران و پسران از منزل را به دنبال دارد. ۵. افزایش افسار گسیختهٔ شهر نشینی بویژه در شهرهای بزرگ و بالتبع بالارفتن هزینهٔ زندگی خانواده. ۶. نقص قوانین در برخورد با چنین معضلاتی. ۷. کمبود امکانات دولتی برای تربیت و تحت پوشش قراردادن چنین افرادی. ۸. ضعف‌عمل‌کردن دستگاه انتظامی بخاطر و به محاکمه‌کشیدن‌فرماندهی نیرو در شهر بزرگی‌مثل تهران و برکناری‌فرماندهی. ۹. نقص دستگاه قضایی البته با توجه به پیچیده بودن مسائل اجتماعی به همین میزان عوامل و پیش زمینه‌ها نیز پیچیده می باشند همهٔ عوامل نامبرده شده به ترک نمودن آن اساسی باز می گردد که اسلام بر آن تأکید نموده است و آن چیزی جز امر به معروف و نهی از منکر نیست و همهٔ مردم به نوعی در تعطیلی آن نقش داشته‌اند فلذا مسیر انحراف و فحشا اگر برای آن چاره ای اساسی نشود به سویی پیش می رود که پیامبر اسلام (فرموده اند": لاتزال امتی بخیرما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و تعاونوا علی البر فاذا لم یفعلوا ذلک نزعت منهم البرکات و سلط بعضهم علی بعض ولم یکن لهم ناصرفی الارض ولافی السماء"

چگونه می توان عدالت را در زوایای زندگی خودمان و جامعه برقرار کرد؟

پرسش

چگونه می توان عدالت را در زوایای زندگی خودمان و جامعه برقرار کرد؟

پاسخ

از آنجائیکه عدالت جز تعدیل قوا و توان نفسانی وگزینش میانه‌روی و اقتصاد در امور نیست با پرهیز از افراط و تفریط، تندروی و کندروی و تنظیم زندگی در ابعاد فردی و اجتماعی برآن اساس می توان به عدالت که سرمنزل مقصود سیر تکامل است دست یازید. آنچه در این راستا از اهمیت ویژه برخوردار است شناخت نقطهٔ افراط و تفریط، تندروی و کندروی و شفاف نمودن موضع اعتدال و میانه و اقتصاد است که علم فقه و دانش اخلاق هریک بگونه‌ای در صدد نشان دادن آن موضع که همان تکلیف بشر است می باشند. بر این اساس عمل به بایدها و نبایدهای الهی که همان تکلیف عادلانه و معتدلانه است را سرمشق قراردادن و درگام اول ترک محرمات و عمل به واجبات و اصلاح اخلاقیات که مشتمل بر تحصیل فضایل اخلاقی و ترک رذایل آن و نیز عقاید که مشتمل بر زدودن جهل و تحصیل معارف می باشد حرکت در مسیر اعتدال در قوای ادراکی و تحریکی به تعبیر امام رضوان الله تعالی علیه می باشد که نمودار مختصر آن از کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل ص۱۴۹ چنین می باشد: عقل نظری که اعتدال آن = حکمت قوهٔ ادراکعقل عملی که اعتدال آن= عدالت قوای نفسدفع (غضب) که اعتدال آن= شجاعت قوهٔ تحریکجذب (شهوت) که اعتدال آن= عفت

آیا در جامعه ما عدل به معنای واقعی برقرار است؟

پرسش

آیا در جامعه ما عدل به معنای واقعی برقرار است؟

پاسخ

از آنجائیکه عدل قراردادن هر چیز بجای خود و انجام شایسته هر کاری است و هرگونه جابجائی خلاف عدالت و ملازم با ظلم می باشد بنابراین رعایت دقیق عدالت در جامعه ملازم با شناخت دقیق همهٔ هستی و همهٔ نیازهای واقعی بشر و تأمین آن بطور شایسته آن است چنین معرفتی از گسترهٔ اندیشه‌های بشر خارج، و فکر بشر ناتوان از دستیابی به آن است از این رهگذر برای اجرای عدالت واقعی چاره‌ای جز تنظیم عملکردها بر اساس وحی و مقررات الهی نیست مقرراتی از سوی دردآشنای حقیقی و مهندس توانای هستی و بشر، با دانشی نامحدود و محبت و مهر فوق تصور نسبت به انسان و وارسته از هر نیاز به غیر و امداد از دیگران. بنابراین اساس میزان موفقیت در اجرای بایدها و نبایدها الهی در زندگی فردی و اجتماعی ضریب دستیازی به عدالت واقعی خواهد بود. و بین توفیق اجرای احکام الهی و گسترش عدالت رابطهٔ مستقیم است. در جامعهٔ ما احدی مدعی اجرای کامل احکام الهی نمی‌باشد ولی راه برای رسیدن به آن همواره باز است و روندگان آن مورد تشویق خداینـد که حکومت اسلامی ایران بسوی آن در حرکت است.

انقلاب شد بر علیه طاغوت و ظلم و بیدادگری اکنون از گذشت ۲۵ سال: دنیاگرائی مسئولین، تبعیض و فاصله طبقاتی، فساد ادرای و پارتی بازی، خفه شدن و زیر پارفتن فقراء، گفتار شیرین مسئولین و خالی از عمل، در سال ۷۹ اینجانب ور شکست کردم و کلاه مرا برداشتند دو سال در دا

پرسش

انقلاب شد بر علیه طاغوت و ظلم و بیدادگری اکنون از گذشت ۲۵ سال: دنیاگرائی مسئولین، تبعیض و فاصله طبقاتی، فساد ادرای و پارتی بازی، خفه شدن و زیر پارفتن فقراء، گفتار شیرین مسئولین و خالی از عمل، در سال ۷۹ اینجانب ور شکست کردم و کلاه مرا برداشتند دو سال در دادگستری مشهد دویدم ولی به علت نداشتن امکانات و پول نتوانستم وکیل بگیرم حقم ضایع شد.

پاسخ

از این که با ما ارتباط برقرار کرده‌ای و درد دل نموده‌ای خوشحال و سپاسگزاریم. امید است سنگ صبور خوبی برایت باشیم. با تو اظهار همدردی نموده و از این که با مشکل مواجه شده‌ای بی‌نهایت نگران و ناراحت شدیم ولی می‌دانی که دنیای کنونی پر است از مشکلات و اصولاً دنیا زندان صاحبان خرد اندیشه و فضیلت است. ما نیز همانند تو از دنیا طلبی برخی مسئولان کشور در سطوح مختلف کشور استان و شهرستانها بشدت رنج می‌بریم و آنرا خطری بزرگ برای آینده و سرنوشت کشور و نظام می‌دانیم. دنیاطلبی و چسبیدن به مادیات صرف برای همه مضّر است وسم مهلکی است که همانند خوره جان افراد را می‌خورد مال و ثروت دنیا و تجارت و باغ و ملک و خانه و ... خوب است مشروط بر این که در خدمت جامعه و محرومان باشد و دردی از دردهای جانکاه دردمندان برطرف سازد. تاریخ نشان می‌دهد هرگاه مسئولان کشوری به دنیاطلبی و تجمل گرایی و عیش و عشرت اشتغال ورزیده‌اند جامعه به سرعت به سوی سقوط و انحطاط سیاسی، اخلاقی و اجتماعی فقر و فلاکت پیش رفته است. ثروت اندوزی بی‌حد و حصر برای همه افراد و اعضای جامعه مضّر و کشنده است و برای مسئولان یک کشور فاجعه آمیز و خطرناک است. تبعیض و بیعدالتی و اختلاف طبقاتی، پارتی بازی، پایمال شدن حقوق ضعیفان و ... همه و همه ریشه در ثروت اندوزی و ریاست طلبی مسئولان دارد به گونه‌ای که حتی موجب نابودی و از بین رفتن فضیلت‌ها و ارزشهای انسانی می‌شود و انسانهای خدوم، عدالت گستر و والا مقامی همانند امیرالمؤمنین علی (را با شمشیر جهالت و تعصّب به شهادت می‌رساند. لذا گفته‌اند علی (در محراب عبادت به شهادت رسید زیرا بشدت عدالت می ورزید و می‌فرمود: حقوق افراد را به صاحبان آن باز می گردانم حتی اگر به

کابین زنان رفته باشـد. دنیا طلبی و ثروت اندوزی و حب ریاست و مقام نه تنها بیعدالتی و تبعیض و ... را به دنبال دارد بلکه ارزشـها و فضایل انسانی و سـمبل‌های فضیلت را به کام نیستی و نابودی می‌کشاند تا در مسیر چپاول و غارت، مانعی برای خود نبیند. دوست عزیز و بزرگوار آنچه شـما بیـان کرده‌ای یـک واقعیت تلـخ است که روزانه انسانهـای مختلفی با آن مواجه هسـتند و بسـیاری از این موارد را من و شـما از آن بی‌اطلاع هستیم. چه بسـا افرادی که به دلیـل مشـکلاتی مشـابه مشـکل شـما از هستی ساقـط شده‌انـد. چه خانواده‌هایی که متلاشـی شده‌انـد. چه انسانهای بیگناهی که به مجازات و زنـدان و ... گرفتار شدنـد و می‌شوند و ... اما همه ما باید این حقیقت را به روشـنی بیابیم و درک کنیم که حق چیزی است که بایـد آن را گرفت. در راه توسعه عـدالت بایـد تلاش و مبارزه کرد. به افشـاگری و بیـان حقیقت پرداخت. به افراد مختلـف و مسـئولان عـالی رتبه کشور گوشـزد کرد اگر اعـتراض و انتقـاد و نقد منصـفانه عملکرد مسـئولان بصورت فرهنگی همگانی درآید یقیناً بسیاری از صاحبان مناصب از ترس فشار افکار عمومی از بسیاری از کارهای ناشایست و خلاف حق و عـدالت و وجـدان بشـری خودداری خواهنـد ورزید ولی اگر در جامعه هرکس فقط به فکراین باشد که گلیم خویش را از آب بکشد و به دیگری کار نداشته باشد حق مظلومین و دردمندان پایمال خواهد شد. برادر عزیز، دنیا پر از افکار و انـدیشه‌ها و اعمال ناشایست و نادرست است مهم این است که ما مراقب باشـیم اولاً به آن آلوده نشویم و ثانیاً برای مقابله و مبارزه و اصـلاح جامعه از تباهی‌ها و بدبختی‌ها تلاش خستگی ناپذیر و همگانی را آغاز کنیم و با مشورت با افراد زبده و خبره در راه احقـاق حق و عـدالت بـا جـدّیت بکوشیم. شـما نیز بـا مشورت با بعضـی از افراد نیکوکار و صاحب رأی و انـدیشه در این جهاد مقـدس سـهیم شویـد. امیـد آن که با تلاش همه جانبه و فراگیرشاهد جامعه‌ای نسـبتاً سالم و عاری از مفاسد کلان و گسترده باشـیم. امید است در راه اعتلای کلمه حق و حاکمیت عدالت و حقیقت خداوند پشتیبان و یاورت باشد.

چرابايد هميشه مردم گناباد مورد تبعيض قرار گيرند(اين سؤالی است که خواهش دارم رهبر يا رئيس جمهور پاسخ بدهند) چرا بايد مردم اين شهر به طور وحشـتناکی مهاجرت کننـد ، چرا اگر تبعيض وجود ندارد (از طرف شـما آقايان) امکانات و تجهيزاتی که به اين شـهر و مردم اختصاص داد

پرسش

چرابايد هميشه مردم گناباد مورد تبعيض قرار گيرند(اين سؤالی است که خواهش دارم رهبر يا رئيس جمهور پاسخ بدهند) چرا بايد مردم اين شـهر به طور وحشـتناکی مهاجرت کننـد ، چرا اگر تبعيض وجود ندارد (از طرف شـما آقايان) امکانات و تجهيزاتی که به اين شـهر و مردم اختصاص داده شده بودند از اين شهر هنوز نرسيده رخت بربستند و چرا امکانات وعده داده شده به اين مردم خيلی ضعيف ترتيب اثر داده نمی‌شود چرا چرا ؟؟؟

پاسخ

مسـئولان و مردم در یک جامعه جلوه و نمود یکدیگر هسـتند وقتی مسـئولان به سمت مسأله‌ای خاص توجه نمایند مردم نیز اکثریت آنها به همان مسأله توجه عمـده‌ای پیـدا می‌کنند. اگر امروز شاهد رفاه طلبی و تجمل گرایی و بی عدالتی هستیم و مردم هر کدام به زور خودشان سـعی می‌کننـد از نظر مادی خودشان را ارتقاء بخشـند و وضـعیت برتر و بالاتری پیـدا کننـد نشان دهنـده این است که مسـئولان و کارگزاران کشور نیز در سالهای گذشـته و حاضر دارای چنین روحیه‌ای هستند ، طبیعی است که مردم بیشتر بدین جهت سوق پیدا کنند . برادر عزیز یکی از راه‌های مقابله با این بیعدالتی و تبعیض‌های ناروا و تجمل گرایی و رفاه گرایی‌ها افزیش آگاهی و بینش مردم است تا از طریق رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب مسـئولان را مورد مؤاخـذه و بازخواست قرار دهند قطعاً و مسـلماً این

مؤاخذه‌ها اگر جنبه عمومی و گسترده پیدا کند مسؤلان را به تجدید نظر در مشی و روش خود وادار خواهد کرد و نیز از ترس افکار عمومی بسیاری از کارهای خلاف و ناشایست را انجام نخواهند داد ولی اگر تعداد اندکی از مردم آنهم بصورت علنی بلکه از راه نق زدن فقط در جمع‌های خانوادگی و . . . به گلایه و شکوه از مسئولان بپردازند بلاشک تأثیری در اصطلاح روند موجود نخواهد داشت . ولی اگر بجای نق زدن در جمع‌های خودمانی ، گلایه‌ها و شکوه‌ها و خلاف‌ها و اشتباهات مسئولان به رسانه‌های گروهی کشیده بشود و از آنان حق و حقوق جامعه و افراد مطالبه بشود ناگزیر خواهند شد به افکار عمومی پاسخ بگویند و از بسیاری از خلاف‌ها و احجاف و تعدی‌ها دست بر خواهند داشت شما جوانان برومند کشور باید با این انگیزه و نیت، نه برای تخریب و تضعیف بلکه برای اصلاح روند امور به نقد و ارزیابی عملکرد مسئولان با دلایل روشن ومتقن همت بگمارید . روش دیگر گسترش عدالت و کاهش تبعیض و بیعدالتی نظارت بر عملکرد دستگاهها و مسئولان از طریق نمایندگان منتخب مردم است. نماینده هر شهرستان نه تنها بر روند جاری امور در شهر و منطقه خودش باید نظارت بکند بلکه بر جریان کل امور کشور می‌تواند نظارت بکند و عملکرد مسئولان را به بوته نقد بگذارد، احزاب ، جمعیت‌ها ، سازمانها و مؤسسات غیر دولتی نیز می‌توانند با نقد عملکرد مسئولان بر درستی و صحت روند جریانات امور نظارت کنند و از بسیاری از تخلفات جلوگیری نمایند ، بنابراین برای آنچه دغدغه شما و تمامی جوانان خوب و با فضیلت کشور و شهر شماست باید افکار عمومی بر عملکرد مسئولان نظارت همگانی داشته باشند، دستگاهها و نمایندگان منتخب مردم نیز یکی از وظایف مهم‌شان نظارت بر درستی عملکرد است. امید است همواره انشاء ا... عدالت گستر و عدالت خواه باشید.

چرا این قدر اجناس گران است؟

پرسش

چرا این قدر اجناس گران است؟

پاسخ

تورم و گرانی یکی از معضلات و گرفتاریهای اجتماعی جامعه امروزی است که بسیاری از جوامع انسانی با آن دست به گریبان هستند و بر اثر فشار تورم شانه‌های بسیاری از مردم خم شده است. گرانی علل و عوامل گوناگونی دارد که برخی از آنها از حیطه قدرت داخلی، خارج است و بخشی از تورم کشور ما ناشی از تورم جهانی و نوسانات قیمت‌ها در سطح جهان است. اگر گفته می‌شود جهان امروز دهکده جهانی است یعنی آنقدر ارتباطات و وابستگی‌ها زیاد شده است که هرگونه تغییر و تحول در بخشی از کره خاک می‌تواند سایر بلاد و نقاط را تحت تأثیر قرار دهد. نوسانات قیمت‌ها، افزایش درآمدها، کاهش درآمدها و قیمت‌ها در برخی کالاها و خدمات به دلیل وابستگی‌های جهانی در هر منطقه‌ای از جهان بوقوع بپیوندد سایر مناطق را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال وقتی در عراق بحران بوجود می‌آید و احتمال کاهش یا قطع نفت صادراتی این کشور مطرح می‌شود قیمت نفت افزایش می‌یابد طبیعتاً افزایش قیمت نفت برای کشورهای صادر کننده افزایش درآمد را در پی دارد ولی برای کشورهای مصرف کننده افزایش هزینه‌ها را به دنبال خواهد داشت. طبیعی است که اگر این افزایش استمرار یابد موجب افزایش کالاها و خدمات در کشورهای مصرف کننده خواهد شد لذا تمامی کسانی که مصرف کننده کالاها و خدمات آن کشورها هستند با افزایش قیمت کالاها و خدمات مواجه خواهند شد. بنابراین برخی از افزایش یا کاهش قیمت‌ها متأثر از شرایط جهانی و تورم جهانی است که چاره‌ای جز تحمل آنرا نداریم و نمی‌توان مانع افزایش قیمت‌ها شد بلکه می‌توان برای مقابله با آثار و عواقب آن تدبیر و

اندیشه کرد زیرا مهار آن از قدرت ما خارج است. بنابراین اگر تورم ناشی از شرایط جهانی باشد باید تدبیرهای خاصی برای کاهش اثرات آن توسط مسئولان عالی رتبه دولتی اتخاذ گردد. بخشی دیگری از عوامل تورم داخلی است که مهم‌ترین آن کاهش تولید یا ممکن است ناشی از افزایش قیمت مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده کالاها و خدمات باشد در این صورت تولید کننده ناگزیر است کالای تولیدی خودش را با قیمت بیشتری ارایه نماید. در این صورت نیز مسئولان باید با تدابیر خاص و ویژه به مردم افزایش می‌یابد افراد برای خرید به بازار هجوم می‌برند و طبعاً وقتی تقاضا برای خرید یک یا چند کالا افزایش پیدا کند ولی تولید و عرضه با تقاضا تناسب نداشته باشد قیمت‌ها افزایش خواهد یافت و کمبود کالا، احتکار و گران‌فروشی گسترش خواهد یافت. در این صورت مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران دولتی می‌توانند با اعمال سیاستهای پولی نقدینگی موجود در جامعه را کاهش دهند و برای تثبیت، کاهش و یا متعادل ساختن قیمت‌ها اقدام کنند. عامل دیگری که به افزایش قیمت‌ها و تورم کمک می‌کند عامل روانی است. شایعه در ایجاد نیاز کاذب در جامعه و هجوم افراد جامعه برای خرید کالا یا کالاهایی خاص نقش مهمی دارد. افراد سودجو با استفاده از این حربه در مدت زمان کوتاهی موفق می‌شوند تعداد زیادی کالهای خود را با قیمت‌های گزاف و چند برابر به جامعه عرضه کنند و از قبل به ثروت‌های باد آورده‌ای دست یابند. علل و عوامل دیگری نیز می‌توان بر شمرد که مجال بحث آن نیست.

آیا در جامعه باید تبعیض وجود داشته باشد؟

پرسش

آیا در جامعه باید تبعیض وجود داشته باشد؟

پاسخ

خیر، تبعیض از نظر عقل و شرع امری قبیح و نامطلوب است و این مسئله نیز مانند آفات دیگر اجتماعی زاییدهٔ فقر فرهنگی و دینی است که ریشه‌کن کردن آن نیاز به کار فرهنگی زیاد و اصلاح جامعه دارد، که البته اصلاح جامعه از اصلاح افراد آن آغاز می‌شود. پس باید از خود شروع کنیم ولی این نکته نیز قابل توجه است که تشخیص موردی که واقعاً چنین تبعیض است از مواردی که تبعیض‌نما می‌باشد ـ یعنی از نظر ما تبعیض است ولی در واقع چنین نیست ـ نیاز به دقت و سنجش همه‌جانبه دارد.

راه اجرای عدالت اجتماعی در جامعه از نظر قرآن چیست و چرا در کشور ما این امر هنوز به خوبی اجرا نمی‌شود؟

پرسش

راه اجرای عدالت اجتماعی در جامعه از نظر قرآن چیست و چرا در کشور ما این امر هنوز به خوبی اجرا نمی‌شود؟

پاسخ

می‌دانیم عدل به معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود قرار بگیرد ;بنابراین هرگونه انحراف افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است یک انسان سالم کسی است که تمام دستگاه‌های بدن او، هر یک کار خودش را بی‌کم و زیاد انجام دهد. جامعه انسانی نیز همانند بدن یک انسان است که بدون رعایت اصل عدالت بیمار خواهد بود:

"إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الإِحْسَانِ (نحل ۹۰) خداوند، فرمان به عدل و احسان می‌دهد ";.از این‌رو، در اسلام عدالت اجتماعی (عبارت است از مساوات بزرگ انسانی که تعادل همهٔ ارزش‌ها، از جمله ارزش اقتصادی را در نظر دارد ;پس در اسلام نه تنها عدالت یک دستور صریح است بلکه روش و سلوک خاصی را به عنوان قصد یا راه میانه و حد وسط، معین نموده است که در همهٔ موارد، خطوط روشن عدالت را مشخص می‌نماید ;برای نمونه قرآن می‌فرماید": خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید (".نسأ، ۵۸" ;)عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است (" مائده ۸" ;)به هنگام اظهار نظر، هر چند در مورد نزدیکان باشد، به عدالت سخن گویید (".انعام ۱۵۲" ;)خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید (".نحل ۹۰) از آیات فوق استفاده می‌شود که اسلام برای رسیدن به عدالت اجتماعی راه کارهای آن را هم مشخص نموده و به این مطلب اشاره دارد که عدالت اجتماعی با معنویت (پرهیزگاری و تذکر) هم مرتبط است از سوی دیگر، اسلام افزون بر تأکید بر دادگری و دادخواهی راه‌های اجرای عدالت و استقامت در دادگری را در نمودهای اخلاقی و تربیتی خود نشان داده است به گونه‌ای که در موارد متعدد، از حرص و آز نهی نموده و پی آمدهای بد و خطرات ناشی از آن را به صراحت توضیح داده است قرآن در این باره می‌فرماید": و کسانی که به آن چه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن]بخل برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است (" آل عمران ۱۸۰) و همین‌طور، قرآن از اسراف و تبذیر نهی کرده و به مفاسد آن‌ها اشاره فرموده است مانند": اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد (".انعام ۱۴۱" ;)چرا که تبذیر کنندگان برادران شیطانند ("اسرأ، ۲۷" ;)هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن و بسیار]هم گشاده‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی (" اسرأ، ۲۹) خداوند در برخورد با حوادث و مصائب به صبر و تحمل مشکلات امر فرموده است و افراد شکیبا را بر صبرشان ستوده و به آن‌ها نوید پاداش عظیم داده است (زمر، ۱۰) با این حال دست مظلوم را در مقابل ظالم نبسته و به او اجازه داده است به اندازه‌ای که مورد تجاوز قرار گرفته آن را جبران نماید تا ریشهٔ فساد را براندازد، و بنیاد عدالت اجتماعی بر قرار گردد. (بقره ۱۹۴ ;اسرأ، ۳۳) از این آیات نیز بر می‌آید که راه اجرای عدالت اجتماعی در مسائل کیفری مراعات امور اخلاقی و ارزشی در موضوعات اقتصادی دوری از اسراف و رسیدگی به فقرا، و در مقوله‌های دفاعی استفاده از قدرت و استقامت در آن است این در حالی است که در آیات بسیاری مردم را به طلب علم فرا خوانده و در عین حال برای آن‌ها لذت‌های زندگی دنیا را حلال قرار داده اعراف ۳۲) و راه‌های دنیایی را هم در رابطه با مردم به روی آن‌ها گشوده است مانند: خرید و فروش وفاداری به پیمان و ازدواج و رفتار شایسته با همسر و پدر و مادر. این آیات عبارت است از: بقره ۲۷۵ ;مائده ۱ ;نور، ۳۲ و نسأ، ۱۹و۳۶ ;هم‌چنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید": و هرگز در زمین در جست‌وجوی فساد مباش که خدا مفسدان را دوست ندارد (".قصص ۷۷) این آیات روشن‌کنندهٔ این امر است که اوامر قرآن تنها به امور آخرت محدود نمی‌شود ;به همین دلیل می‌توان گفت قرآن یک کتاب عدالت اجتماعی است که متکفل صلاح دنیا و آخرت است زیرا" قسط "که اساس عدالت اجتماعی و صریح در آن است و فلسفهٔ بعثت انبیا را نیز تشکیل می‌دهد، در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است" لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ(;حدید،۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب]آسمانی و میزان]شناسایی حق از باطل و قوانین عادله نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند ";.بنابراین اسلام در تحقق عدالت اجتماعی با دو اصل بزرگ ۱. وحدت همهٔ جانبه متناسب و متعادل ۲. تکامل و تضامن عمومی بین افراد و اجتماعات پیش می‌رود. و علت عدم تحقق این امر در جامعهٔ ما به صورت واقعی کمبود معنویت و تقوا، رعایت نکرده امور اخلاقی و اعتنا نکردن به امر به معروف و نهی از منکر است (برای اطلاع بیشتر ر.ک عدالت اجتماعی در اسلام سیدجمال‌الدین موسوی ص ؟، نشر مؤسسهٔ فرهنگی دانش و اندیشهٔ معاصر / عدالت اجتماعی در اسلام سید قطب ص ؟، نشر شروق)

علت اصلی انحراف مسلمین از عدل اسلامی چیست

پرسش

علت اصلی انحراف مسلمین از عدل اسلامی چیست

پاسخ

هر چند برخی از مسلمانان به قوانین و دستورات اسلام آن گونه که هست در تمام نقاط دنیا به صورت کامل و صحیح عمل نمی‌کنند، ولی این بدان معنا نیست که بگوییم همهٔ مسلمانان به این قوانین عمل نمی‌کنند و مسلمانان از عدل اسلامی عدول کرده‌اند. آری دنیای غرب و مسیحیت چنین تبلیغاتی را بر ضد اسلام دارند که در واقع تهمت و افترا به مسلمانان است و می‌خواهند، از طریق این گونه تبلیغات حقیقت را بپوشانند و کاری کنند که مردم دنیا آهنگ حقانیت اسلام را نشنوند. ایشان در تبلیغات مسموم خود چنین تبلیغ می‌کنند که اسلام سر راه پیشرفت و ترقی مسلمانان را گرفته و برای آن‌ها مشکلات فراوان ایجاد کرده است ،فقر، ظلم نبود قانون محروم ماندن ملل مسلمان از تحول و انقلابی که در شؤون مختلف مردم دنیا به وجود آمده است وغیره از جمله مشکلاتی است که معول عقاید مذهبی و پیروی آن‌ها از دستورات دینی است !!. هر چند، برخی از عوامل فوق در بعضی از کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد، ولی علت آن را باید در ادعای اسلام و ادعای پایبند بودن مسلمانان این کشورها به تعلیمات دینی انبیأ: بررسی نمود. با کمال تأسف امروز اصول تعلیمات اسلام و پیامبران خدا در بسیاری ازجوامع اسلامی متروک یا نیمه متروک مانده است و چهرهٔ این جوامع چهرهٔ مسلمانان راستین نیست اگراسلام به صورت کامل و صحیح پیاده شود، صلح و امنیت همهٔ انسان‌ها را فرا می‌گیرد و تمام انسان‌ها، به سعادت واقعی خود نائل می‌شوند و به آخرین حد رفاه و آسایش و عزت و سربلندی و بی نیازی و اخلاق نیک می‌رسند و دیگر در دنیا، ستم از ریشه قطع خواهد شد و محبت و برادری و احترام به قانون در بین همهٔ انسان‌ها، رعایت خواهد شد و فقر و تهیدستی و فلاکت از صفحهٔ روزگار برچیده می‌شود. در حقیقت اوضاع اسفناک و شرم‌آور در بین این کشورهای اسلامی از همان اول و به سبب عمل نکردن به روح و دستورات واقعی اسلام در بین مسلمانان به وجود آمده است و علت عقب افتادگی و بی عدالتی و ظلم و ستم‌ها، دوری از تعلیم اسلام و سبک شمردن قوانین آن است (ر.ک مسائل اعتقادی از دیدگاه تشیع شیخ محمد رضا مظفر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی ص ۶۷ـ۶۴، اسلام و سیمای تمدن غرب سید مجتبی موسوی لاری ص ۴۹، دفتر انتشارات اسلامی)

یکی از اصول مذهب ما عدل است یعنی خدا عادل است و ظالم نیست ما انسان‌ها، که خلیفهٔ خدا در روی زمین هستیم چقدر می‌توانیم در زمینهٔ عدالت کار کنیم ملاک عدل و ظلم چیست از کجا می‌توانیم تشخیص دهیم کاری که در جامعه انجام می‌دهیم عین عدالت است و همهٔ ا

پرسش

یکی از اصول مذهب ما عدل است یعنی خدا عادل است و ظالم نیست ما انسان‌ها، که خلیفهٔ خدا در روی زمین هستیم چقدر می‌توانیم در زمینهٔ عدالت کار کنیم ملاک عدل و ظلم چیست از کجا می‌توانیم تشخیص دهیم کاری که در جامعه انجام می‌دهیم عین عدالت است و همهٔ افراد جامعه از آن بهره‌مند شده‌اند؟

پاسخ

برای ایجاد عـدالت و رفتار عادلانه بایـد عـدالت و معیارهای تشـخیص آن را شـناخت عدالت یعنی هر چیزی در جای خودش باشد، پس هرگونه انحراف افراط، تفریط، تجاوز از حد و تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است برای تشـخیص مصادیق عدل بایـد از عقل و شـریعت کمک گرفت عقل انسان به حسن و نیکویی عـدل و قبـح و زشتی ظلم حکم می کند و مصادیق کلی عدل و ظلم را تشخیص می‌دهد. مثلاً عقل هر انسانی کشتن کودکان بی گناه را ظلم می‌داند و زشت می‌شمارد. بسیاری از مصادیق جزئی را نمی‌توان از راه عقل تشـخیص داد و باید برای تشـخیص آن‌ها به شریعت رجوع کرد ;زیرا تمام احکام دین بر پایهٔ عدل استوار است "اِنَّ اللّه یَأمُرُ بِالعَدلِ ("...نحل ۹۰) حضـرت امیرالمؤمنین‌در مورد قرآن کریم می‌فرمایـد: قرآن سرچشـمهٔ عـدالت و نهر جاری عدل است (نهـج البلاـغه ترجمه محمـد دشتی ص ۴۱۹، خطبه ۱۹۸، انتشـارات زهـد.) بنـابراین از طریق عقـل و قرآن و روایات می‌توان عدالت را تشـخیص داد. عدالت در سه زمینه مطرح می‌شود: ۱. عـدالت در اعتقاد ;عدالت در اعتقاد در صورتی تحقق می‌یابد که به آنچه حق است ایمان بیاوریم ۲. عدالت در صفات و رفتارهای شخصی عدالت در این مورد، متوقف بر این که آنچه موجب سعادت انسان انجام دهیم و از آنچه مایه شقاوت است دوری نماییم ۳. عدالت در جامعه عدالت در این مورد، در صورتی تحقق می‌یابد که هر چیزی را در جای خودش قرار داده هر کسـی که از نظر عقل یا شـرع مسـتحق پاداش است پاداش داده شود، و اگر مسـتحق کیفر است کیفر داده شود، و هر حقی به مستحق آن داده شود. اگر رفتارهای انسان در این سه زمینه با معیارهای تشخیص عدالت سازگار بود، رفتـاری عادلاـنه خواهـد بود.(ر.ک المیزان علاـمه طباطبایی ج ۱۲، ص ۳۳۱، دفتر انتشـارات اسـلامی / تفسـیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۳۶۶.)

تکلیف این همه دروغ ریـا، بی عـدالتی و...، در یک جامعه‌ای که به نام جامعـهٔ اسـلامی است چیست آیا همین رفتار نادرست عاملی برای تروریسم خواندن مسلمانان (که دارای بهترین دین هستند) نیست لطفاً بفرمایید تکلیف ما در این باره چیست

پرسش

تکلیف این همه دروغ ریا، بی عـدالتی و...، در یک جامعه‌ای که به نام جامعهٔ اسـلامی است چیست آیا همین رفتار نادرست عاملی برای تروریسم خواندن مسلمانان (که دارای بهترین دین هستند) نیست لطفاً بفرمایید تکلیف ما در این باره چیست

پاسخ

نکته هایی دربارهٔ مطالب بالا شایان یاد است ۱. امور ضدّ ارزشـی از قبیل کفر، شرک بی‌عدالتی دروغ ریا، فساد، ظلم و... در جوامع دیگر به ویژه در دنیای غرب در مقایسه با جامعهٔ ما بیش‌تر است ۲. وجود امور منفی و ضدّ ارزشی مانند: دروغ ریا، بی عدالتی و...، در جامعهٔ اسـلامی انکارناپذیر است و رواج آن حتی اگر کم باشد، سـبب تأسف است و برای ریشه کن کردن آن بسیج همگانی را می‌طلبـد. برخی امور به تک تک افراد جامعه باز می گردد برای مثال این فرد است که نبایـد دروغ بگویـد، یا نبایـد ریا کند، یا نباید ارزش‌های منفی در وجودش راه دهـد ;اما بعضـی مسائل دربارهٔ حکومت و مـدیریت است دولت مردان می‌تواننـد با قوانین خوب و اجرای خوب بخش عمـده‌ای از بی عـدالتی‌ها و... را از بین ببرنـد ;از این رو، برای از بین بردن ضـدّ ارزش‌هـا، هم ملت و هم دولت باید با جدّیت کامل برخورد کنند، و این مهم تنها در سایهٔ ایمان و تقوا، محقق می‌شود ": یَـأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوَّاْ إِن تَتَّقُواْ اللَّهَ یَجْعَل لَّکُمْ فُرْقَانًا وَیُکَفِّرْ عَنکُمْ سَیِّـَاتِکُمْ وَیَغْفِرْ لَکُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْـلِ الْعَظِیمِ(; انفـال ۲۹) ای کسـانی که ایمـان آورده‌ایـد! اگر از] مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شـما وسـیله‌ای برای جدایی حق از باطل قرار می‌دهد]و روشن بینی خاصی که در پرتو آن حق را از باطل خواهیـد شـناخت و گناهان شـما را می‌پوشاند و شـما را می‌آمرزد و خداوند فضل و بخشـش عظیم دارد ".بدیهی است راه نجات از

بدهی‌های اخلاقی و عملی تقوا است پیامبر اکرم‌در این باره می‌فرماید": من آیه‌ای را می‌شناسم که اگر تمام انسان‌ها دست به دامن آن زنند، برای حل آن مشکل‌ها کافی است سپس آیهٔ ۲ سورهٔ طلاق که دربارهٔ تقوا است را تلاوت فرمود و بارها آن را تکرار کرد("بحارالانوار، مجلسی ، ج ۶۷، ص ۲۸۱، مؤسسه الوفأ.) هم چنین امام علی‌در این باره می‌فرماید": انسان هیچ گاه طعم ایمان را نمی‌چشد تا دروغ را ترک گوید، خواه شوخی یا جدّی باشد("کافی کلینی، ; ج ۳، ص ۳۴۰، دار الکتب الاسلامیهٔ) از این آیات و روایات استفاده می‌شود، بهترین راهِ از بین بردن بدی‌ها در جامعه تقویت ایمان و تقوا در تک تک افراد است معارف و احکام اسلام همه‌اش خیر، برکت معنویت عدالت برابری صفا، صمیمیت محبت ایثار، یاری کردن هم نوع پرهیز از صفات ناپسند، مانند: دروغ ظلم و... است این که مسلمانان به بخشی از دستورها عمل نموده به بخش‌های دیگر آن عمل نمی‌کنند و چهرهٔ اسلام را بد جلوه می‌دهند، حساب دیگری دارد و اسلام از این گونه افراد ضربه‌های بسیار دیده است اصل در اسلام رحمت و بخشش است مگر آن که در جایی ظلم فساد و بی عدالتی باشد که با آن مبارزه می‌کند ;اما برخی اعمال از سوی بعضی مسلمانان مانند: طالبان در افغانستان بن لادن و القاعده که که از تربیت‌یافتگان دست استکبار هستند و با تفکرهای خشک و متحجرانه و اعمال خشن خود، اسلام را دینِ خشونت معرفی می‌کنند و باعث می‌شوند مسلمانان را تروریسم بخوانند، به اسلام ناب محمدی‌ربطی ندارد و صدافسوس که اسلام عزیز، همواره این گونه انحراف‌ها را در کنار خود تحمل کرده است به تعبیر دیگر، عنوان خشونت‌طلبی به مسلمانان دادن یا مسلمانان را به تروریسم متهم کردن نه به خاطر این است که بن‌لادن یا طالبان یا صدام و... مرتکب پاره‌ای کارها شده یا می‌شوند، بلکه این اتهامات به عنوان یک دکترین و شیوه‌ای است که استکبار جهت مقابله با اسلام واقعی به کار گرفته است تا اسلام خواهی ملل مسلمان و غیرمسلمان که روز به روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رشد و بالندگی بیش‌تری می‌یابد به رکود و ایستادگی وادارد.(ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۴، ص ۲۳۶ – ۲۳۸، دار الکتب الاسلامیهٔ / همان ج ۱۱، ص ۴۱۴ – ۴۱۵.)

چرا در جامعه عدالت اجرا نمی شود بین درآمدها تفاوت فاحش وجود دارد

پرسش

چرا در جامعه عدالت اجرا نمی شود بین درآمدها تفاوت فاحش وجود دارد

پاسخ

عدالت اجتماعی از آرمانهای مقدس اسلام و همه مصلحان می‌باشد و در این میان آنچه مهم است، راه رسیدن به عدالت اجتماعی است. تقسیم بالسویه امکانات در جامعه اسلامی، از جمله پایه‌های اجرای عدالت است؛ ولی باید توجه داشت که تقسیم بالسویه امکانات، الزاماً مساوی با کار یکسان و دستمزد یکسان نیست. پزشکی که حدود دو دهه از بهترین ایام عمر خود را وقف تحصیل می‌کند و پس از آن با یک دهه کار و تلاش، تجربه کافی کسب می‌کند و بالاخره یک طبیب حاذق می‌شود، اگر بنا باشد باکسی که زحمتی به خود نداده و به ساده‌ترینکارها اشتغال ورزیده یکسان باشد، آیا عدالت است؟ پس نتیجه سی سال کار علمی پزشکی کی و کجا باید محاسبه شود؟ بنابراین امکانات باید بالسویه تقسیم شود؛ یعنی همگان از حق تحصیل و امکانات عمومی آن بهره‌مند باشند وهرکس نیز به مقدار زحمت و تلاشی که درمجموع انجام می‌دهد، بایستی از موهبت‌های الهی بهره‌مند گردد. در مورد مدرک‌گرایی نیز گفتنی است گرچه مدرک برای برخی، صرفاً ممر درآمد است و آن چیزی که فراموش شده علم و هنراست، ولی باید توجه داشت که ارزش دادن به مدرک، درمجموع موجب رونق علم و دانش می‌گردد و رونق علم و دانش، موجب بالا-رفتن

سطح آگاهی‌های جامعه و رشد و بالندگی آن خواهد شد. در حقیقت مدرک، عاملیاست برای برانگیختگی مردم جهت تحصیل علم. و درنتیجه باید گفت که تفاوت‌ها یک ضرورت اجتماعی است؛ ولی تبعیض هرگز روا نیست. در این جا ذکر یک تجربه تاریخی نیز مفید است و آن این که درزمان تسلط کمونیستها بر بلوک شرق، آنان مدتی سعی کردند که دستمزد مساوی برای همه مشاغل برقرار نمایند؛ ولی این کار عملاً به متوقف شدن چرخه اقتصادی جامعه منجر گردید تا آن جا که مجبور به اصلاح آن شدند. و این کار موجب آن گردید که بلوک شرق، از نظر صنعت وپیشرفت در رشته‌های مختلف باز بمانند و نهایتاً نیز موجب از هم گسیختگی نظام آنان شد.

نظر شما درباره حیف و میل بودجه کشور و فاصله طبقاتی چیست ؟

پرسش

نظر شما درباره حیف و میل بودجه کشور و فاصله طبقاتی چیست ؟

پاسخ

در این باره ما نمی‌توانیم همه آنچه را که در جامعه می گذرد تأیید کنیم، در عین حال باید توجه داشت که صرف بالابودن حقوق در برخی از مشاغل یا داشتن تلفن همراه و یا اتومبیل‌های پیشرفته را نمی‌توان تبعیض و خلاف عدالتبرشمرد. در مثل بالا بودن حقوق و مزایای نمایندگان مجلس با توجه به مخارج سنگینی که برای دفاتر و مراجعاتخود دارند توجیه‌پذیر است. داشتن تلفن همراه نیز برای مسؤولان بالای کشور یک امتیاز نیست؛ بلکه نوعی ضرورتبرای امکان دسترسی به آنان در هر زمان و مکان است و در حال حاضر استفاده از تلفن همراه تا رده مدیر کل‌ها قطعشده و فقط در مسؤولیت‌های بالاتر قابل استفاده است. در عین حال مسؤولان نظام همواره باید سیره امام‌علی(ع) رامد نظر داشته و از امکانات بیت‌المال تنها در حد ضرورت استفاده کنند و به طور جدی از حیف و میل اموال جلوگیرینمایند.{

به نظر شما فاصله طبقاتی موجود در جامعه به چه عواملی بستگی دارد؟

پرسش

به نظر شما فاصله طبقاتی موجود در جامعه به چه عواملی بستگی دارد؟

پاسخ

گرچه مورد سؤال دامنه وسیع و گسترده‌ای دارد، ولی ما تلاش می‌کنیم که با رعایت اختصار چند نکته را بررسینماییم: الف) در این که هم‌اکنون در جامعه اسلامی ما فاصله طبقاتی رنج آوری وجود دارد جای بحث نیست. البته ممکناست گفته شود شکاف طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری به مراتب وسیع‌تر و عمیق‌تر از ایران اسلامی ماست ولیبدون تردید جامعه ما نیز به نوبه خود به این بلیّه جانکاه مبتلا است. ب) اما این که چه عواملی منجر به فاصله طبقاتی گشته است طبیعی است که عوامل گوناگونی دخیل است. ۱- آنچه از فاصله طبقاتی هم‌اکنون در ایران می گذرد مسأله نوظهوری نیست، بلکه میراث شومی است که از گذشته به ما رسیده است، ۲- استعداد ذاتی افراد رانباید از نظر دور داشت، برخی تواناتر و برخی کندتر هستند و برخی دچار معلولیت‌های جسمی و ذهنی

بوده و در نتیجهعقب می‌مانند، ۳- مسأله تکنولوژی و صنعت نیز نقش مؤثری را ایفا می‌کند. به عنوان مثال: دیروز محیط کارگری محدود به کارگاه‌های کوچک می‌شد و تفاوتفاحشی بین حقوق کارگر و کارفرما احساس نمی‌شد ولی «غول صنعت» ناگهان سر برآورد و کارگاه کوچک مبدل به کارخانه عظیمی شد و باافزایش تولید ثروت سرمایه‌داران به طور تصاعدی افزونی گرفت درحالی که حقوق کارگر تقریبا ثابت ماند؛ (همین نکته را در کشاورزی و سایرابعاد تولید و درآمد مقایسه کنید)، ۴- نظام اقتصادی غلط و بیمارگونه، ۵- طفره رفتن از پرداخت حقوق قانونی (مالیات) و حقوق شرعی (خمس و زکات)، ۶- احتکار و گران‌فروشی، ۷- رباخواری، ۸- خیانت به بیت‌المال و اموال دولتی، ۹- کلاهبرداری وخیانت به دیگران، ۱۰- احیانا و به ندرت حوادث غیرمترقبه هم دخیل است. نظیر این که تاجری مقدار زیادی از یک جنس را خریده و ناگهان بر اثر پیشامدی قیمتآن چند برابر شده است یا فرض بفرمایید کسی چند هکتار زمین زراعی داشته و بر اثر موقعیت غیرمترقبی که آن زمین پیدا کرده، قیمت آن بهچندین برابر افزایش یافته است و...، ۱۱- ضعف مدیریت کارگزاران اقتصادی، ۱۲- نقش واسطه‌ها و دلال‌ها در اجحاف به طبقه ضعیف، ۱۳- اسراف و ریخت و پاش‌های کلان که در نهایت به دوش فقرا و قشر آسیب‌پذیر بار می‌شود، ۱۴- فشار و دخالت عوامل خارجی، ۱۵- نبود کار و اشتغال نیز عقب‌ماندگی و فلاکت را در پی خواهد داشت. ج) اما چگونه می‌توان از پیشرفت این فاصله جلوگیری کرد؟ راه‌کارهای گوناگونی وجود دارد که باید مورد توجهقرار گیرد: ۱- در درجه اول باید این نظام اقتصادی بیمار را جراحی و معالجه کرد، ۲- پرورش مدیران کارآمد و با تجربه، ۳- جدی گرفتن پرداخت مالیات‌های قانونی و هم‌چنین گرفتن اخماس و زکوات و پرداخت آن در مصالح عامه‌ای که شرع مقدس تعیین فرمودهاست، ۴- زمینه کار و تولید را به طور عادلانه برای همه اقشار فراهم ساختن، ۵- تا آنجا که امکان دارد به مقابله با فشارهای خارجی پرداختن و کوتاه کردن دست‌های مرئی و نامرئی عوامل خارجی، ۶- جلوگیری از اسراف و حیف و میل و با صرفه‌جویی زمینه رفاه عامه مردم فراهم کردن، ۷- همان‌گونه که اسلام اخطار شدید فرموده (سوره توبه، آیه ۳۴) با زر اندوزی و انباشتن ثروت، قاطعانه برخورد کردن، ۸- برخورد جدی با افراد خائن و اختلاس‌گر در بیت‌المال، ۹- سیاست تربیتی نظام به گونه‌ای باشد که مردم از دوران ابتدایی تا مراحل عالی، مملکت را خانه خود و سایر افراد را همچون اعضاء یک خانوادهاحساس کنند و رهیافت هر کس تنها به منافع شخصی نباشد؛ زیرا وقتی کشتی صحیح و سالم بود همه را با خود به ساحل نجات می‌رساند ولیاگر کشتی آسیب دید همه را غرقاب هلاکت خواهد ساخت. ۱۰- حقوق کارگر منصفانه ادا گردد و از بیمه و سهام و سایر مزایا برخوردار شوند و در جمع از میزان سود کارخانه‌دار کاسته و به میزان حقوق کارگرافزودن، ۱۱- در همه مواردی که ذکر شد، مکانیسم نظام و دولت بسیار سرنوشت‌ساز خواهد بود. در خاتمه این قسمت، جهت اطلاع بیشتر مطالعه چند کتاب پیشنهاد می‌گردد: ۱- اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۵۳ و ج ۲، ص ۳۰۳ سید محمد باقر صدر ۲- اسلام و اجتماع، ص ۳۸ و ص ۹۲ علامه طباطبایی ۳- مسائل عصر ما، ص ۱۰۳ شهید هاشمی نژاد ۴- نابرابری اجتماعی ادوارد ج. کرب، ترجمه: محمد سیاهپوش ۵- جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌ها گروهی از نویسندگان ۶- اسلام و نظام طبقاتی، ص ۱۲۳ محمد قطب ۷- شناخت اسلام، ۵۰۶ شهید بهشتی و باهنر و علی گلزاده غفوری

چرا مسئولان ما مثل ائمه (ع) ساده زیست نیستند؟

پرسش

چرا مسئولان ما مثل ائمه (ع) ساده زیست نیستند؟

پاسخ

}ساده زیستی زمامداران و پیشوایان جامعه توصیه اکید اسلام و تعالیم آن است. سیره پیامبر(ص) و حضرتعلی(ع) نیز چنین بوده واین روش از سازنده‌ترین برنامه‌ها برای حفظ مسؤولان از لغزش‌های مختلف است؛ چرا که بااین کار اولاً از زندگی محرومان جامعه و حداقل‌ها فاصله نمی‌گیرند و واقعیت‌ها را درک می‌کنند وثانیا در معرضفتنه‌های اربابان زر قرار نمی‌گیرند و... . حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نیز در عمل و گفتار این رویه را مورد تأکید قرار داده و همواره مسؤولان را بهآن توصیه کرده‌اند. زندگی شخصی مسؤولان نظام گواه روشنی بر این مطلب است؛ گرچه گاه، در رده‌های دیگر از اینخط روشن فاصله گرفته می‌شود. در هر صورت حساسیت جامعه در برابر این موضوع، بسیار به جا است؛ زیرا که این حساسیت خود زمینه ایجادانحراف را تنگ‌تر می‌کند. ضمنا هرگونه رفت و آمد و به اصطلاح «برو و بیا» را نیز نمی‌توان دلیل عدم ساده‌زیستیدانست؛ چرا که گاه اقتضای ذات کار چنین است نه این که مسؤولی این چنین بخواهد؛ مثلاًـ طبیعی است که وقتیرئیس جمهور به یک شهر وارد می‌شود، تمامی دانشگاه‌ها و بسیاری از مردم به دلایل کاری مراجعاتی دارند که دربرخی موارد شمایی از آنچه که نوشته‌اید ترسیم می‌کند. در هر صورت هیچ مصلحتی نمی‌تواند و نباید این توصیه مهمو اکید اسلام را تحت تأثیر قرار دهد.{

با سلام

اشاره

همان طور که استحضار دارید مظاهر تمدن و تکنولوژی به محض شکل گیری قبل از هر چیز در اختیار سرمایه دار و مرفه قرار دارد و اگر چیزی باقی بماند قشر مستضعف جامعه از آن بهره مند می گردد . با این اوصاف هر گونه تلاش در جهت ارتقاء سطح زندگی انسانها منجر به

پرسش

با سلام همان طور که استحضار دارید مظاهر تمدن و تکنولوژی به محض شکل گیری قبل از هر چیز در اختیار سرمایه دار و مرفه قرار دارد و اگر چیزی باقی بماند قشر مستضعف جامعه از آن بهره مند می گردد . با این اوصاف هر گونه تلاش در جهت ارتقاء سطح زندگی انسانها منجر به ازدیاد راحتی و آسایش مرفهین (در درجه اول)می گردد . حال اگر انگیزه تحصیل ما دانشجویان خدمت به فقرا و مستمندان جامعه اسلامی باشد .این چنین تلاش هایی چه لطفی می تواند داشته باشد ؟

پاسخ

باید توجه داشت که خود انگیزه و نیت انسان بر طبق آیات و روایات فراوان دارای اهمیت به سزایی است و نباید نیت ها و انگیزه ها را کوچک و بی ارزش دانست. در روایت داریم که انسان با نیت خود همراه است و نیز آمده است: نیت مؤمن بهتر از عمل او و نیت کافر بدتر از عمل اوست. بنابراین همین نیت درس خواندن به قصد خدمت به بینوایان و فتوا در جامعه اسلامی، دارای ارزش فراوانی است که منشأ و سرچشمه بسیاری از اعمال خوب و کارهای شایسته است. از طرف دیگر درس نخواندن و تحصیل نکردن شما به این دلیل که ثمره آن در درجه اول به مرفهین بی درد و سرمایه داران طمعکار می رسد مشکلی را حل نمی کند، چون به هر حال شما هم درس نخوانید و در پیشبرد تکنولوژی سهمی نداشته باشید، این امور مشتری فراوان دارد و کسانی دیگر که اصلا تعهد و انگیزه انسانی و الهی ندارند به جای شما در کلاس درس حاضر می شوند و همان بهره کمی هم که به فقرا و مستمندان با وجود

افرادی خوش نیت همانند شما می رسید دیگر به آنها نمی رسد و این فاصله بین ثروتمند و فقراء بیشتر و عمیق تر می گردد. از زاویه دیگر درس خواندن شما و کسب افتخار در علم و نوآوری و خلاقیت و پیشبرد سطح علمی کشور، در درجه اول افتخاری برای اسلام و مسلمانان و جامعه اسلامی است که باعث می شود موقعیت جهانی آنها در برابر اردوگاه شرک و استکبار تقویت گردد و وابستگی علمی و صنعتی آنها به استکبار جهانی کمتر گردد و این خود ارزش والاو نکته مهمی است. در ضمن باید توجه داشت که اگر این پیشرفت های علمی و فن آوری نبود، حال و روز فقرا نیز بهتر از این نبود چون به هر حال هر چند کم و مختصر آنها نیز ازمواهب این پیشرفت ها استفاده می کنند و این خود در بهبود وضع زندگی آنها مؤثر است. نکته پایانی این است که به هر حال وضع عالم دنیا به گونه ای است که بهره مندی هایی و شایسته با بهره مندی های نابجای آن در هم آمیخته است و این خود انسانها هستند که باید با درایت و تعقل و اندیشه و آینده نگری از هر چیز بهره شایسته و در راستای سعادت دنیا و آخرت خود بردارند. مثلا نمی شود گفت چون اینترنت مورد استفاده ناشایست قرار می گیرد، پس انسان نباید آن را اختراع می کرد و یا چون تلویزیون و ویدیو، مورد استفاده غیر اخلاقی هم قرار می گیرد. پس اصل بودنش درست نیست، خیر به هر حال عالم آفرینش، محل آزمایش الهی و امتحان است و هر کسی باید مورد آزمایش قرار گیرد.

برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه , چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

پرسش

برای مبارزه با بی عدالتی موجود در جامعه , چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

پاسخ

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه‌های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی‌ها می‌باشیم که به هیچوجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می‌باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی‌های موجود در جامعه را می‌توان در موارد ذیل بصورت مختص بیان نمود: الف ـ توجه جدّی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه ازشاخصهای مطلوب گردید. به گونه‌ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله‌ها را تشدید نمود. این عامل در برخی از تحلیلها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه‌ای ضمن انتقاد از اینروند، می‌فرمایند: «در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی هم راه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد»، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷). و در جای دیگر می‌فرمایند: «در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت‌ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آنمبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر

برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه‌ها ما را به هدفِ عدالتنزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست»، (روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲). ب ـ برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس‌گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده: امام علی(ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدلِ خویش قرار دادند: ۱ـ مصادره و باز پس‌گیری اموال غاصبان ۲ـ احیاء سنت برابری و مساوات در بهره‌مندی از بیت المال. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند: «... با قوانین لازم و تأمینامنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدّی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروعِ زندگی مردم، جمع شود...»، (حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۷). و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعیمی‌باشد. ج ـ پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کاپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقداماتپیشگیرانه عبارتند از: ۱ـ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی(ع) می‌فرمایند: ان الله تعالی فرض علی ائمهٔ العدل ان یقدّروا انفسهم بضعفهٔ الناس، کیلا یتبیَّغَبالفقیر فقره ؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه‌گیری کنند و زندگی خود را با آنانبرابر نهند. تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد{M، (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵) ۲ـ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی(ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می‌فرمایند «والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری‌طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند، وظیفه تو، آن است کهریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی»، (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱). ۳ـ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند: «باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینشِ خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالبااخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می‌دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان، از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند...»،(فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵). د ـ بالا بردن میزان آگاهی مردم: با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می‌یابد و بی عدالتی را نمی‌پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می‌کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایشمی‌یابد. ه ـ توجه جدّی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان، تقوا، تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می‌شود قرآن کریم می‌فرماید اعدلوا هو اقرب للتقوی ، (مائده / ۸) امام علی(ع) نیز می‌فرماید: قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ؛ هر که می‌خواهد به حُلیه عدل و دادآراسته شود می‌بایست هوا و هوسهای گوناگون رـاز خود دور کند{M، (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد، عقلای ومبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه ـ به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می‌کنند، لازم و ضروری می‌باشد و باید اینظام ارزشی در ۱ـ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ـ ساختار کلان کشور ۳ـ برنامه‌های اجرایی، تبلور و تجلّی یابد. و ـ فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن؛ رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی ج. ا. ا. متبلور می‌باشد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶

محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶ علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴ دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰}J

علت تجمل گرایی و اسراف بیت المال و فساد اداری در بین مسئولان دولتی چیست ؟

پرسش

علت تجمل گرایی و اسراف بیت المال و فساد اداری در بین مسئولان دولتی چیست ؟

پاسخ

ضمن تشکر از مکاتبه با این واحد و سؤالات خوب و مهمی که نگاشته‌اید در آغاز ذکر این نکته لازم است که مسؤولیت و وظیفه این مرکز ارائه نظریات مشورتی، حل شبهات و پاسخ به سؤالات دانشجویان عزیز است و هیچ گونه مسؤولیت اجرایی ندارد. بنابراین نباید از اینرو، انتظار برخورد با بعضی از مشکلات موجود در جامعه را داشت. نکته دیگر این که این مرکز هیچ گونه ارتباطی با دفتر مقام معظّم رهبری ندارد. شما می‌توانید مطالب و نظرات خود را به دفتر ایشان در تهران ارسال نمایید. متأسفانه مسأله اشرافی گری، نادیده گرفتن بیت‌المال، اسراف و تجمل گرایی، فساد اداری و برخوردهای غیراسلامی با ارباب رجوع در ادارات و پارتی‌بازی و رشوه‌خواری یکی از مشکلات کشور و مانع تحقق عدالت اجتماعی بوده و همواره یکی از دغدغه‌های مسؤولین نظامخصوصا مقام معظم رهبری می‌باشد. معظم له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از مولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده‌اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می‌باشدازاین‌رو می‌فرمایند: «در نظام اسلامی، رابطه اخلاق با مردم، رابطه مخصوصی است، مردم را در همه کارها و صاحب امر دانستن یک مُراجِع را مزاحم ندانستن حقیقتا مردم ولی نعمت ما و کارگزاران این نظام هستند» (آیت الله خامنه‌ای، حدیث ولایت ج ۶ ص ۴۸). در جای دیگریایشان به کارگزاران نظام اسلامی می‌فرمایند: «شما چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم در خرج کردن بیت المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم مگر حدی که دردسر قضایی درستبکند و هرچه توانستیم خرج کردیم مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟». اما در مورد چرایی وجود این پدیده شوم و ارایه پاسخی مناسب و منطقی و واقع‌بینانه لازم است. از منظر جامعه‌شناختی باید این مسأله را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. مهمترین دلایل وجود این موضوع عبارتند از: ۱- ادامه و بقای فرهنگ فاسد و منحوس ۲۵۰۰ ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه‌خواری، پارتی، روابط را مقدم بر ضوابط دانستن، استبداد رأی جاه‌پرستی و سلطه‌پذیری و... . ۲- عدم تثبیت ارزش‌های اسلامی و قانون گرایی و پایبندی به ضوابط در حدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بداند نه سوار بر مردم و... که این خود ناشی از عوامل مختلفی از قبیل: فقدان برنامه‌ای جامع و همه جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آنان، کمکاری یا بعضا عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور، سردر گمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی، فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می‌باشد. ۳- عدم تصفیه کامل افراد در سطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک سو و رعایت ننمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل: لیاقت و شایستگی، تعهد و تقوا، تجربه و مهارت و تخصص و... در گزینشها چنانچه حضرت علی (ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختیارا و لاتولهم محاباة و اثرة فانهما جماع من شعب الجور و الخیانة و توخّ منهم اهل التجربةو الحیاء من اهل البیوتات الصالحة والقدم فی الاسلام المتقدمه... ؛ در امور و کارهای کارمندان و کارگزاران خود دقت

کن و پس ازاینکه آنها را امتحان نمودی به کار بگمار و در تعیین آنان چنین کن: قبل از این که آنها را به کاری بگماری آنانرا مورد آزمایش و امتحان قرار بده بهخاطر تمایل خاص به شخصی کسی را به کاری منصوب مکن خود سرانه و بدون مشورت و یا استبداد رأی آنها را به کار مگمار زیرا اینگونه انتخاب ومنصوب نمودن یعنی از روی تمایل شخصی و بدون مشورت و آزمایش خود ستمگری و ظلم و خیانت است و برای انتخاب کارمندان و کارگزاراندولت اینگونه افراد را انتخاب نما افرادی که اهل تجربه هستند و در کشاکش کارها ساخته و پرداخته شدهاند اهل شرم و حیاء و عفت هستند از خاندانهاپاک دامن و صالح باشند سابقه و حسن سابقه آنها در اسلام بیش از دیگران باشد...{M، (نهجالبلاغه، نامه ۵۳) و از طرف دیگر ضعف در بازرسی نظارت، حراست و مراقبتدولتی، حضرت آیت الله خامنهای میفرمایند: «باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان نظارت بر کار آنان نیز ضرورت است چون مقام و قدرت غالبا اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر میدهد بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا وکاردان از بالاـ بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه، موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند. لذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسؤولانـ باید نظارت مستمر به کارآنان داشته باشد.» (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳و ص ۲۰۵). ۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول شهرت، مدرک گرایی، رفاهطلبی، و تجمل پرستی و... . ۵- اجرا نشدن امر به معروف ونهی از منکر یا نظارت ملی و همگانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه و اجزاء اداری و... میباشد حضرت علی(ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسین(ع) چنین سفارش مینمایند «امر به معروف و نهیاز منکر را ترک نکنید که در این صورت اشرار شما بر شما حاکم میشوند سپس شما برای دفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمیشود»، (نهجالبلاغه، نامه ۴۷) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصل هشتم در سهقسم مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم ومردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی در جامعه تبیین و اجرا نشده است. ۶- ضعت دستگاههای نظارتی و قوه قضاییه در برخورد قاطع با متخلفین. ۷- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخصهای مطلوب گردید. به گونهای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت وفاصلهها را تشدید نمود و باعث تغییر ارزشها و با ارزش شدن پول و ثروت در نزد افراد جامعه گردید. با توجه به عوامل فوق و عوامل دیگری از این قبیل میتوان به این نتیجه رسید که: تحت شرایط کنونی ایران، وقتی که پول و ثروت با ارزش شود و از طرف دیگر ارزشهای اسلامی، ایمان و تقوا و سیستم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیستم کنترل بیرونی (نظارت دستگاههایمربوطه، امر به معروف و نهی از منکر) ضعیف باشد، آنها برای ارضاء امیال نفسانی خود به راههای نامشروع از قبیل رشوهخواری، پارتیبازی، اشرافی گری و ریخت و پاش بیتالمال روی میآورند، بنابراین همچنانکه ملاحظه مینمایید این چنین نیست که علت مفاسد اداری فقط بهخاطر عدم نظارت مسؤولین حکومتی و فقدان برخورد قاطع آنان باشد، بلکه مسأله بسیار ریشهایتر و حل کامل آن نیز راهکارهای مناسب و بسیار دقیق، آن هم در طولانیمدت میطلبد، اما ما با شما موافقیم که باید با متخلفین برخورد بشود و این کار هم به کرّات توسط دادگاهها بامتخلفین شده و میشود ولی در هر صورت باید به ریشههای آن پرداخت و امید میرود انشاءالله با انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، اداری و... به هیچ وجه شاهد این گونه ناهنجاریها و تخلفات در جامعه اسلامی نباشیم. نکته مهم قابل توجه این که در این گونه قضاوتها بایدجایگاه و مسؤولیت رهبری و انتظاراتی را که از ایشان میتوان داشت در نظر گرفت. قانون اساسی رهبر را در رأس هرم قدرت حاکمیت قرار داده است. اعمال قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه را تحت نظر رهبری گذاشته و تعیین سیاستهای کلی نظام و نظارت بر حسن اجرایسیاستهای کلی نظام از وظایف رهبری شمرده شده است، (اصل یکصد و دهم قانون اساسی).{J

آیا جامعه ما واقعا اسلامی است یا به زور داریم نام مقدس اسلام را به یدک میکشیم آیا عدالت در این جامعه حکم فرماست آیا تا کنون سعی شده حق مردم مستضعف را نگذارند پایمال شود ایا آنهایی که دم از اصلاحات میزنند کمی هم به فکر مردم فقیر هستند چرا من فارغ التحصیل ب

پرسش

آیا جامعه ما واقعا اسلامی است یا به زور داریم نام مقدس اسلام را به یدک میکشیم آیا عدالت در این جامعه حکم فرماست آیا تا کنون سعی شده حق مردم مستضعف را نگذارند پایمال شود ایا آنهایی که دم از اصلاحات میزنند کمی هم به فکر مردم فقیر هستند چرا من فارغ التحصیل بعد از اتمام درس با کوهی از مشکلات روبرو هستم واقعا چه کسی باید جوابگوی این مشکلات باشد آخر این چه جامعه ای است که حرف اول و احر آن را پول میزند به درس عشق می ورزم ملی با این شرایط امکان ارامه تحصیل وجود ندارد توضیح دهید؟

پاسخ

نامه‌ی شما حاوی موضوعات و مطالب مختلفی است. اما کلیدی‌ترین تکیه‌گاه آن، وجود مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر مفاسد اقتصادی، تبعیض، عدم اجرای کامل عدالت اجتماعی و... در سطح جامعه‌ی اسلامی است که به هیچ وجه زیبنده‌ی نظام اسلامی نیست. در این موضوع ما نیز با شما موافق هستیم. اما در مورد این که آیا با وجود این قبیل مشکلات می‌توان به جامعه‌ی ما جامعه‌ی اسلامی گفت یا نه؟ نیازمند شناخت دقیق جامعه‌ی اسلامی، ویژگی‌های آن و تطبیق آن بر جامعه‌ی کنونی ماست: الف) تعریف جامعه‌ی اسلامی و ویژگی‌های آن: جامع‌ترین تعریفی که از جامعه‌ی دینی وجود دارد این است: جامعه‌ی دینی، جامعه‌ای است «دین‌باور»، «دین مدار»، «دین‌داور» و «مطلوب دین»(جامعه‌ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰).. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه‌ی دینی دغدغه‌ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه‌ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه‌ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰). بر این اساس ویژگی‌های جامعه‌ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). : ۱ـ دین‌باوری و اعتقاد به آموزه‌های دینی. ۲ـ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت‌مداری). ۳ـ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی‌تابد(نظام دینی). ۴ـ در جامعه‌ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین‌داوری). ۵ـ چنین جامعه‌ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین). جامعه‌ای که بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق شکل گرفته باشد، جامعه‌ای دینی است. بر این اساس می‌توان دو معیار اصلی برای جامعه‌ی اسلامی نام برد: ۱ـ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند. ۲ـ کلیه نظام‌های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد. نکته‌ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه‌ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه‌ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می‌رود. ب) بررسی اسلامی بودن جامعه‌ی کنونی ایران: با نگاهی به واقعیات جامعه‌ی کنونی ایران مشخص می‌شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه‌ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً

اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه‌ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه‌های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه‌های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه‌های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت‌ها و سنت‌های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است. حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم‌تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج‌ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می‌شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است. جنگ‌های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت‌ها و سنت‌های فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه‌ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی(ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه‌رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته‌ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی‌ها هیچ‌گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی‌کند. حال آیا می‌توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می‌توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم‌ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از: ۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امۀٍ رسولاً ـ ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...»نحل، آیه ۳۶). روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی ـ اجتماعی است. ۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان‌ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمۀ و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲). ۳. آزادسازی و رهایی توده‌های مردم و انسان‌های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷). ۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵). ۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..). پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت

اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه‌های کمال انسان‌ها را فراهم نموده، زمینه‌های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه‌ها و بسترسازی‌ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می‌توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱). بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان‌ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می‌شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی ـ که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش‌ها و معارف اسلامی به وجود آمده ـ استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده‌اند و تمام شرایط و زمینه‌های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناختِ عمیق ـ نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد. به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف‌اند زمینه‌های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد. در هر صورت مسأله مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش‌ها و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه‌های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است. معظم‌له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده‌اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می‌باشد. بنابر آن چه که گذشت مشخص می‌شود که در جامعه‌ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیّت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی‌توان همه‌ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسئولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه‌ها تلاش جدّی نمایند، می‌توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت. اما در مورد کسانی که دم از اصلاحات می‌زنند... باید گفت که اینان دو دسته‌اند: عده‌ای اصلاح‌طلبان دروغین هستند که از دیدگاه ابزاری به مردم نگاه می‌کنند؛ رأی مردم را وسیله‌ای جهت دستیابی به منافع فردی یا حزبی خود می‌دانند، نه خدمت به مردم و جامعه. و بر این اساس ژست اصلاح‌طلبی و دفاع از حقوق مردم را به خود گرفته‌اند و برخی دیگر از اینان نیز نه تنها هدف خدمت به مردم هم ندارند، بلکه مقصودشان از اصلاحات، انجام اصلاحات آمریکایی در ایران به منظور نابودی نظام اسلامی است که با خواست و جانفشانی مردم شکل گرفته است. مسلماً این دسته اصلاً به فکر مردم نیستند. تنها به منافع شخصی، حزبی، یا اربابان خویش می‌اندیشند. و به فرموده قرآن کریم و اذا قیل لهم لاتفسدوا فی الارض قالوا انّما نحن مصلحون. الا انهم هم المفسدون و لکن لایشعرون چون به آنان گفته می‌شود که در زمین فساد نکنید، می‌گویند: ما مصلحانیم، آگاه باشید که اینان خود تبهکارانند و نمی‌دانند {M(بقره، آیه‌ی ۱۱ و ۱۲). اما دسته‌ی دوم، اصلاح‌طبان راستین هستند. آنان که بدون هیچ گونه ادعایی در راه خدمت به مردم و جامعه‌ی اسلامی و سعادت و تعالی آن، صادقانه از تمام هستی خویش گذشته‌اند و تمامی اهانت‌ها را در این راه به جان خریده‌اند و جهت دفاع از حقوق مردم از هیچ گونه تلاشی فروگذار نکرده‌اند. اما همچنان که گذشت اصلاح کامل جامعه نیازمند عوامل متعددی است که تا

همه آن‌ها به صورت کامل محقق نشود، این مهم نیز تحقق نخواهد پذیرفت. امام علی(ع) می‌فرماید: فلیست تصلح الرعیّة الا بصلاح الولاة و لاتصلح الولاة الا باستقامة الرعیّة مردمان اصلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند مگر به درستی مردم {M(نهج‌البلاغه، ۶۸۳). در این فرمایش هم بر نقش مسؤولین و هم بر نقش مردم تأکید می‌شود. با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین‌تر می‌شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ‌تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسّل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه‌ی هر فرد در چنین شرایطی است. و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه‌ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می‌شود و هم راه‌های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می‌گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته‌ی تحصیلی مورد علاقه‌ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده‌ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدیّنهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه‌ی ۶۹). مشاوران این مرکز به خوبی به وجود این قبیل مشکلات در جامعه که بسیاری از جوانان و دانشجویان ما با آن دست به گریبانند، واقف بوده، اما ارائه راهنمایی‌های دقیق و اساسی مبتنی بر ارائه اطلاعات دقیق از سوی شما عزیزان است، لذا مناسب است در مکاتبات بعدی به صورت دقیق به رشته‌ی تحصیلی خود، موانع ادامه‌ی تحصیل خود (از قبیل مشکلات ذهنی، روحی، اقتصادی و..). اشاره نمایید.

چرا معیارهای ساده زیستی به مرور در طول عمر انقلاب شکوهمند بالا رفت ،یعنی مثلا در سالهای اولیه انقلاب مسئولان در دفتر کار خودشان میز و مبل آنچنانی نداشتند و لباسهای ساده می پوشیدند و با اتومبیل های معمولی رفت و آمد می کردند اما اکنون دیگر خیلی ساده زیستی ا

پرسش

چرا معیارهای ساده زیستی به مرور در طول عمر انقلاب شکوهمند بالا رفت ،یعنی مثلا در سالهای اولیه انقلاب مسئولان در دفتر کار خودشان میز و مبل آنچنانی نداشتند و لباسهای ساده می پوشیدند و با اتومبیل های معمولی رفت و آمد می کردند اما اکنون دیگر خیلی ساده زیستی اگر باشد اتومبیل پیکان با قیمت چند میلیون زیر پای یک مسئول جزئی ملاک ساده زیستی است (با چند میلیون تومان چند جوان می توانند ازدواج کنند)اگر بخواهیم بیشتر توضیح دهیم می توانم اشاره به آن جریانی بکنم که از یکی از ائمه سؤال شد چرا لباسهای فاخر پوشیده اند در صورتی که مولی علی لباسهای ساده می پوشیدند و آن امام همام در جواب گفته بودند که زمان فرق کرده است وسطح زندگی مردم با زمان حضرت علی تفاوت دارد.می خواهم بدانم ایا زمان حال با زمان اول انقلاب و جنگ تحمیلی خیلی تفاوت دارد مگر الان فقیرانی نداریم که در اتاقی کوچک با غذایی اگر باشد اندک و لباسهای فرسوده و در شرایط بسیار سخت زندگی می کنند.

پاسخ

ما نیز با شما هم عقیده هستیم و مقام معظم رهبری بارها بر ساده زیستی مسؤولان تأکید ورزیده اند، لذا سؤالات شما را بدون هرگونه دخل و تصرف به دفتر ریاست جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و توضیحاتی برای برخی از سؤال های شما ارسال می گردد. در بررسی این گونه مسائل باید با دیدی واقع بینانه و با در نظر گرفتن مجموعه عوامل و شرایط محیطی به قضاوت پرداخت. واقعیت این است که: ۱. بررسی واقعیات کنونی در بعد مدیریت کلان جامعه، طرح چنین ادعایی را به صورت کلی و فراگیر خصوصا نسبت به مسؤولان عالی رتبه نظام، زیر سؤال می برد. زیرا مسؤولان عالی رتبه نظام و بسیاری از مدیران

سطوح دیگر بحمدالله افرادی معتقد، متعهد و ملتزم به ارزش های انقلاب و اسلام هستند. مسلما کسانی که از نزدیک با زندگی آنان ارتباط و آشنایی کامل دارند، ساده زیستی و رعایت کامل بیت المال را در زندگی این مسؤولین، تصدیق می نمایند. حتی برخی از این افراد علی رغم استحقاق بسیاری از حقوق و مزایای قانونی و به خاطر رعایت ساده زیستی و همدردی با اقشار کم درآمد جامعه، دارای زندگی سطح پایین و با حداقل امکانات هستند (ر.ک، ضمیمه «گفتگو با حجت الاسلام محمدی گلپایگانی، روزنامه اطلاعات، ۹ دی ۱۳۷۷). و به خوبی به این موضوع مهم واقفند که یکی از آسیب ها و آفت های تهدید کننده انقلاب اسلامی رواج روحیه اشرافی گری در جامعه و به خصوص در مسؤولین جامعه است. جامعه اسلامی، مظهر عدالت، تقوا، انضباط، ... و دوری از مظاهر مادی پرستی و پول محوری است. از این رو اگر طبقه اشراف و مترف در آن به وجود آید، علامت خطری جدی برای تداوم انقلاب و نظام اسلامی است، لذا مقام معظم رهبری بارها بر لزوم ساده زیستی مسؤولین و مبارزه با اشرافی گری اشاره کرده و فرموده اند: «امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی گری می رود، بلا شک این یک انحراف است؛ برو و برگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. نمی گوییم همه زهدهای آن چنانی که متعلق به اولیاء الله است؛ نه مسؤولان درجه یک، مسؤولان درجه دو تا آن مسؤولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند؛ بعد هم به عامه مردم می رسد... این وضع زندگی های تجمل آمیز، این روز به روز افزودن بر ظواهر تجملاتی، در زندگی های شخصی غلط است» (حدیث ولایت، مجموعه سخنان آیت الله خامنه ای، ج ۷، ص ۵۲). و در جایی دیگر در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام می فرمایند: «برادران، نمی شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلی شان از اولیات زندگی محرومند،... من و شما، همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. اما حالا مثل عروسی اشرافی، عروسی بگیریم؟ مثل خانه اشراف، خانه درست کنیم... نه ما هم مترفین می شویم. والله در جامعه اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه شریفه «و اذا اردنا ان نهلک قریه امرنا متفریها ففسقوا فیها» (اسراء، آیه ۱۶) بترسیم، ترف، فسق هم دنبال خودش می آورد. از این رو نظام اسلامی مبارزه با این آفت را یکی از وظایف اصلی خود می داند و «اجازه هیچ گونه انحراف و فسادی را به مسؤولان نمی دهد و بر مبنای ارزش های اسلامی با رخنه هرگونه فساد در مجموعه مدیریتی کشور برخورد می کند» (حدیث ولایت، پیشین، ص ۲۶۰ و ۲۶۱). اما متأسفانه علیرغم تأکیدات مقام معظم رهبری و اهتمام عملی بسیاری از مسؤولین حکومتی، عملکرد و رفتار تعداد محدودی از مسؤولین و افراد روحانی که در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشته و این امر موجبات بدبینی به تمامی مسؤولین نظام روحانیت را فراهم آورده است . مردم انتظار دارند که نه تنها در رده های سطح اول مسؤولان نظام , بلکه در سایر رده ها نیز شاهد صداقت , درست کاری , امانت داری , گرایش به خدمت به مردم , بی توجهی به تجملات و زخارف دنیا و... باشند ;ولی رفتار عده انگشت شماری از آنان موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به روحانیت شده است . ۲. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور, مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی , تجمل پرستی , مدرک گرایی و... شد. و برخی از مسؤولین از این خطر در امان نماندند. ۳. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از مسؤولین داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون , و چه در شیوه های سلوک فردی و اجتماعی نیز صحیح نمی باشد. مثلا اگر ما از مسؤولین توقع داشته باشیم که حتی با یک پیکان هم رفت و آمد نکنند، این دیگر با هیچ منطقی سازگار نیست، آیا در زمان امام علی(ع)، شخص ایشان یا زمامدارانشان از داشتن مرکب مناسب آن زمان (اسب، شتر و...) محروم بودند و آیا می توان توقع داشت که در زمان کنونی با این همه پیچیدگی و گستردگی جامعه و لوازم اداره آن، از حد معمول امکانات استفاده نکرد. اگر مشکل هست در استفاده های بی جا و یا خارج از حد متعارف و نیاز برخی مسؤولین باید جستجو نمود. در هر صورت تمامی امکانات بیت

المال باید در جهت اداره صحیح جامعه پیشرفت و تکامل آن و خدمت به محرومین باشد. ۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت، چنانچه اگر شخصی از یک فردروحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است . مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض , فساد, معضلات اجتماعی , بیکاری به ستوه آمده بودند را, فراهم آورد. اما در مورد راهکارهای حل این معضل , هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود: الف . راهکارهایی که خود مسؤولین و روحانیت باید انجام دهد از قبیل , دقت در گزینش ها خصوصا "افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و... ب . اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا بردن درک و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی , توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... مسؤولین عالی رتبه نظام از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و کارشناسانه بوسیله مطبوعات و رسانه های ملی و آشنا نمودن مردم باجزئیات زندگی مسؤولین عالی رتبه و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری و روحانیت و سایر مسؤولین متعهد و دلسوز نظام حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از انقلاب . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱. علی ذو علم , انقلاب و ارزشها. ۲. امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, روحانیت , اجتهاد و دولت . ۳. فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد.

ضمن ارادتی که به رهبر انقلاب دارم اما چند سئوال در مورد زندگی ایشان دارم آیا ایشان ساده زیستی مطلوب یک حاکم اسلامی را دارند مگر حضرت امام خمینی نبودند که اجازه نداده بودند دیوارها را گچ کنند و در آن فضای ساده جماران سخنرانی می کردند اما می بینیم که آیت ال

پرسش

ضمن ارادتی که به رهبر انقلاب دارم اما چند سئوال در مورد زندگی ایشان دارم آیا ایشان ساده زیستی مطلوب یک حاکم اسلامی را دارند مگر حضرت امام خمینی نبودند که اجازه نداده بودند دیوارها را گچ کنند و در آن فضای ساده جماران سخنرانی می کردند اما می بینیم که آیت الله خامنه ای در حسینه امام خمینی که با اجر نما مزین شده سخنرانی می کنند و چرا ایشان در در مجالس که عده زیادی دور ایشان نشسته اند روی مبل و صندلی می نشیند مگر پیامبر اسلام به صورت حلقه ای در جلسه نمی نشستند شاید بگویید ایشان در زندگی شخصی ساده اند اما شکل همین جاست که آن کارگری که از صبح تا شب کار کرده و سیاه وسوخته و خسته شده وشب تلویزیون را روشن می کند همان حسینیه را می بیند شما تصور کنید که اگر در یک محل ساده مانند جماران ایشان سخنرانی می کردند روی آن فرد مستضعف چه تاثیری داشت شاید بگویید زمان الان با زمان جنگ و اول انقلاب فرق کرده است اما من می گویم نه . چرا اجازه نمی دهند زندگی ساده مسئولان انعکاس داشته باشد صحنه های کوتاه از زندگی شهید رجایی که در تلویزیون نشان داده می شود می دانید چه تاثیری بر مردم دارد.

پاسخ

کسانی که از نزدیک با زندگی مقام معظم رهبری ارتباط داشته و در جریان امورات شخصی ایشان می باشند، به سرآمد بودن ساده زیستی ایشان در زمان کنونی آن هم در حد پایین ترین طبقات جامعه اذعان دارند. جهت آشنایی شما با گوشه هایی از این موضوع، دو کتاب «در سایه خورشید، هادی قطبی، انتشارات معبود، ۱۳۸۱(به پیوست ارسال می گردد)» و «آب، آینه، آفتاب،

مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲» را مطالعه فرمایید.

اینجانب سؤالی داشتم در ارتباط با امور اجتماعی جامعه خودتان از شما خواهش می کنم بدون در نظر گرفتن وجه سیاسی خاصی به سؤال اینجانب جواب دهید. چرا که من احساس می کنم وقتی یکسری سؤالات بااین محتوا به ذهن می رسد و مطرح می شود فکر می کنند طرف مال فلان جناح خاص ا

پرسش

اینجانب سؤالی داشتم در ارتباط با امور اجتماعی جامعه خودتان از شما خواهش می کنم بدون در نظر گرفتن وجه سیاسی خاصی به سؤال اینجانب جواب دهید. چرا که من احساس می کنم وقتی یکسری سؤالات بااین محتوا به ذهن می رسد و مطرح می شود فکر می کنند طرف مال فلان جناح خاص است یا قصد ضربه زدن به نظام را دارد. من هیچ گونه قصد و غرض خاصی ندارم. و فقط می خواهم جواب سؤال خود را بیابم. می دانیم که حکومت حاکم بر جامعه ما اسلامی است . با توجه به دستورات اسلام و بررسی اهداف آن حکومت اسلامی می بایستی دارای یکسری ویژگی ها باشد. ولی متأسفانه در جامعه ما یکسری مسائلی مطرح است که بر خلاف این اهداف است. چرا در جامعه ما فاصله طبقاتی جامعه بسیار زیاد است ـ چرا بیشتر مردم در فشارهای اقتصادی و مالی به سر می برند. چرا در جامعه ماسن ازدواج در میان جوانان بالا رفته است ـ چرا اکثر جوانان بیکار هستند ـ در حکومت علی(ع) کسی گرسنه در بستر نمی خوابید ولی حالا هزاران نفر شب ها نه تنها گرسنه می خوابند بلکه با چشمانی غرق از اشک سر بر بستر می نهند و مشکلات دیگر. حالا ممکن است مطرح شود که در چنین اوضاعی باید بر خدا توکل کرد و اوست که رزاق و علیم است و اینها همه از علائم ظهور حضرت مهدی(عج) است ولی حال اگر کسی که پایه اعتقادی مذهبی قوی ندارد این سؤالات را مطرح کند چه جوابی باید به او داد. من این سؤال را از خیلی ها شنیدم که مطرح می کنند اگر حکومت اسلامی است چرا چنین و چونان است؟

پاسخ

اگر بخواهیم جانب انصاف را رعایت نماییم و واقعیات جامعه را در نظر بگیرم، باید بگوییم که انقلاب اسلامی ایران با هدف اجرای احکام و ارزش‌های الهی، دفاع از حقوق مظلومان، رعایت عدالت اجتماعی، نفی تبعیض و... شکل گرفت و به پیروزی رسید. از اوّل انقلاب اسلامی تا کنون، مسؤولان عالی رتبه نظام – چه در گفتار و ارائه خط مشی و اصول کلی نظام و تدوین برنامه‌های دولت و چه در عمل – همیشه بر این اصول تأکید و پافشاری داشته و برای بهبود سطح معیشتی، رفاه و... این اقشار اقدامات متعددی انجام داده‌اند؛ اما این که در بعضی جاها تبعیض و بی‌عدالتی وجود دارد و یا حقّی پایمال می‌شود، ما هم در این مقدار با شما موافقیم و مسؤولین عالی رتبه نظام نیز ضمن اذعان به آن همیشه دغدغه و نگرانی خود را از این وضع اعلام داشته و به مسئولین مربوطه تذکرات و توصیه‌های لازم را ارائه نموده‌اند. در اینجا ابتدا به بررسی ریشه‌ای و پرداختن به علل و عوامل این قبیل مشکلات و نارسایی‌ها – که حتی مقدار کم آن نیز زیبنده جامعه اسلامی نمی‌باشد – نیاز به بررسی دقیق علل و عوامل جامعه شناختی آن دارد که به اختصار مهم‌ترین آن‌ها را بیان می‌کنیم و سپس به ارائه راه‌کارهای حل این مشکلات می‌پردازیم: ۱– ادامه و بقای فرهنگ فاسد و منحوس ۲۵۰۰ ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه‌خواری، پارتی، روابط را مقدم بر ضوابط دانستن، استبداد رأی جاه‌پرستی و سلطه‌پذیری و تقدم منافع شخصی بر منافع اجتماعی و قانون، بی‌اعتنایی به حقوق محرومان و... ۲– عدم تثبیت ارزش‌های اسلامی و قانون گرایی و پایبندی به ضوابط در حدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بداند نه سوار بر

مردم و... که این خود ناشی از عوامل مختلفی از قبیل: فقدان برنامه‌ای جامع و همه جانبه برای تربیت، آموزش و توجیه آنان، کم کاری یا بعضاً عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور، سردر گمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی، فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می‌باشد. ۳- عدم تصفیه کامل افراد در سطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک سو و رعایت ننمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل: لیاقت و شایستگی، تعهد و تقوا، تجربه و مهارت و تخصص و... در گزینش ها. ۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول، شهرت، مدرک گرایی، رفاه‌طلبی، و تجمل پرستی و منفعت‌طلبی و بی‌توجهی به ارزش‌های اسلامی. ۵- اجرا نشدن امر به معروف ونهی از منکر یا نظارت ملی و همگانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه و اجزاء اداری و... می‌باشد حضرت علی(ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسین(ع) چنین سفارش می‌نمایند «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در این صورت اشرار شما بر شما حاکم می‌شوند سپس شما برای رفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمی‌شود»، (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصل هشتم در سه قسم مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم ومردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی در جامعه تبیین و اجرا نشده است. بنابراین، تا حسّاسیت قابل توجهی که منجر به عزم ملّی برای برخورد با این معضلات (تبعیض و بی‌عدالتی، مفاسد اقتصادی و...) به وجود نیاید، قطعاً این معضل همچنان باقی می‌ماند، هر چند بقیه عوامل نیز اصلاح بشوند؛ قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند»، (سوره رعد، آیه ۱۱). در اندیشه سیاسی اسلام، انسان قادر به تغییر سرنوشت خویش و سمت دهی آن در جهت خواست خود و نیز اصلاح ساختار اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود می‌باشد. در خاتمه پاسخ را در یک جمله خلاصه می کنیم و آن این که اگر مسؤولی هم در این زمینه بد عمل می کند او از متن همین جامعه برخواسته و تا فرهنگ عدالت طلبی و وجدان کاری و انضباط اجتماعی بر جامعه حاکم نشود و مردم اصلاح نشوند هیچ حاکمی نمی تواند این مشکل را حل کند همان طور که حضرت علی نتوانست چون مردم عملا نخواستند.

در زمان گذشته روحانیان خیلی بهتر بودند. اما اکنون می بینیم که روحانیت درد جامعه را حس نمی کند.

اشاره

چرا در زمانی که جامعه نمی پذیرد یک روحانی ماشین مدل بالا سوار شود. خیلی از روحانیون سوار می شوند؟ چرا در حالی که حکومت در دست روحانیان است. وضع جامعه و اقتصاد

پرسش

در زمان گذشته روحانیان خیلی بهتر بودند. اما اکنون می بینیم که روحانیت درد جامعه را حس نمی کند. چرا در زمانی که جامعه نمی پذیرد یک روحانی ماشین مدل بالا- سوار شود. خیلی از روحانیون سوار می شوند؟ چرا در حالی که حکومت در دست روحانیان است. وضع جامعه و اقتصاد ما و ... به شکلی است که خیلی از مردم به دیده نفرت به آنان نگاه می کنند؟

پاسخ

هر چند این مسأله در بدبینی عده ای از مردم به روحانیون مؤثر است، ولی باید با دیدی واقع بینانه مجموعه عوامل مؤثر و میزان تأثیر هر کدام را مورد بررسی قرار داد. واقعیت اینست که: ۱. عملکرد و رفتار تعداد محدودی از افراد روحانی که در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشته و این امر موجبات بدبینی به تمامی روحانیت را فراهم آورده است . مردم انتظار دارند که نه تنها در رده های سطح اول مسؤولان نظام , بلکه در سایر رده ها نیز شاهد صداقت , درست کاری , امانت داری , گرایش به خدمت به مردم , بی توجهی به تجملات و زخارف دنیا و... باشند ;ولی رفتار عده انگشت شماری از آنان موجب بدگمانی و بدبینی اقشاری از مردم نسبت به روحانیت شده است . ۲. برخی افراط و تفریط, رفتارها و برخوردهای ناصحیح در بیان احکام شرع و... موجبات بدبینی عده ای از افراد را فراهم آورده است . ۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی , سیاسی , اجتماعی و... باعث افت جایگاه و منزلت روحانیت در دیدگاه مردم شده است . ۴. از دیگر علل آن , حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات , عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی , مبارزه با مظاهر فساد و...) و تحلیل نادرست مردم (یعنی مشکلات را همواره از چشم روحانیت دیدن) است . ۵. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور, مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی , تجمل پرستی , مدرک گرایی و... شد. و برخی از روحانیان از این خطر در امان نماندند. ۶. تهاجم شدید و گسترده فرهنگی غرب علیه ارزشهای اسلامی با استفاده از تمامی امکانات نرم افزاری و سخت افزاری , تکنولوژی های پیشرفته , عناصر وابسته داخلی و مطبوعات وابسته و... برای ضربه زدن به مهمترین رکن انقلاب اسلامی یعنی ولایت فقیه و حوزه های علمیه و روحانیت با ناکارآمد خواندن مدیریت فقهی و فراهم آوردن موجبات بدبینی مردم نسبت به این گروه شد. ۷. به فرموده امام علی (ع) (من ملك استأثر) قدرت در دست هر کسی باشد مردم به طور طبیعی از آنها فاصله می گیرند. ۸. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از روحانیت داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون , و چه در شیوه های سلوك فردی و اجتماعی . ۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت، چنانچه اگر شخصی از یک فردروحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است . مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض , فساد, معضلات اجتماعی , بیکاری به ستوه آمده بودند را, فراهم آورد. اما در مورد راهکارهای حل این معضل , هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود: الف . راهکارهایی که خود قشر روحانیت باید انجام دهد از قبیل , دقت در گزینش ها خصوصا "افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و... ب . اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا بردن درك و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی , توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و کارشناسانه بوسیله مطبوعات و رسانه های ملی و... و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری و روحانیت حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از انقلاب . برای آگاهی بیشتر ر.ك : ۱. علی ذو علم , انقلاب و ارزشها. ۲. امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, روحانیت , اجتهاد و دولت . ۳. فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد.

عدالت را تعریف کرده و چگونگی عمل به آن را در اجتماع امروز توضیح دهید ؟

پرسش

عدالت را تعریف کرده و چگونگی عمل به آن را در اجتماع امروز توضیح دهید ؟

پاسخ

عدالت اجتماعی از آرمانهای مقدس اسلام و همه مصلحان می باشد و در این میان آنچه مهم است , راه رسیدن به عدالت اجتماعی است . تقسیم بالسویه امکانات در جامعه اسلامی , از جمله پایه های اجرای عدالت است ; ولی باید توجه داشت که تقسیم بالسویه امکانات , الزاما مساوی با کار یکسان و دستمزد یکسان نیست. بنا بر این بین معنای مساوات و عدالت نباید خلط شود چون که مساوات دو معنی می تواند داشته باشد. اگر مقصود عدم توجه به استحقاق افراد باشد بی شک با عدالت اجتماعی (رعایت حقوق) منافات دارد و در واقع عین ظلم است . مثلا "اگر کسی دو برابر دیگری از جهت کمی و کیفی کار کند ولی به هر دو مزد یکسان داده شود (در حالی که یکی استحقاق بیشتری از دیگری داشته) چنین عملی بی شک ظلم است . اما مساوات معنای دیگری دارد که در تعابیر عرفی نیز بسیار به کار می رود و آن به معنای عدم تبعیض و برخورد یکسان با افراد است که در واقع به این معنا است که اگر دو نفر استحقاق یکسان دارند بین آنان تفاوت و تبعیض گذاشته نشود, چنین معنایی بی شک همان عدالت اجتماعی است و عدم رعایت مساوات (در این معنا) ظلم است . مثل آن که یکی را صرفا "به دلیل قرابت فامیلی یا قدرت و نفوذ سیاسی یا مالی بر دیگری ترجیح دهند در حالی که هر دو از استحقاق یکسان برخوردارند و بلکه شاید شخص طرد شده استحقاق بیشتری داشته است . در واقع پارتی بازی و بحث استفاده از رانت و امثال آن که در دوران ما مطرح است نقض چنین معنایی است , (ر.ک : عدل الهی , شهید مطهری , ص ۵۶). متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه های جامعه , و تأکیدات فراوان امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص , هنوز در جامعه اسلامی ما شاهد وجود برخی از بی عدالتی ها می باشیم که به هیچ وجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده , و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی اشکال بی عدالتی در جامعه می باشد بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی های موجود در جامعه را می توان در موارد ذیل به صورت مختص بیان نمود: الف – توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزیهای توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور مدل برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخصهای مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود. این عامل در برخی از تحلیلها و تحقیقات به عمل آمده , عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است . حضرت آیت الله خامنه ای ضمن انتقاد از این روند, می فرمایند: ((در این مرحله از انقلاب , هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن , رفاه مادی هم راه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی , با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام , تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد, بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد))، (حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۶ و ۲۸۷). و در جای دیگر می فرمایند: ((در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمان ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست , بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و رکن دیگر عبارت از عدالت است ... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی , یا در مجموع برنامه ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند, و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند, فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست))، (روزنامه رسالت , ۹/۳/۱۳۷۲). ب – برخورد فیزیکی , مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروتهای نامشروع و بادآورده : امام علی (ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدل خویش قرار دادند: ۱–

مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲- احیا سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال . حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((... با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم , جمع شود...))، (حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۷). و در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر, عزم , همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می باشد. ج - پیشگیری از پیدایش ثروتها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راههای مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه , جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کارپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است در این راستا اهم اقدامات پیشگیرانه عبارتند از: ۱- اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران : امام علی (ع) می فرمایند: ((ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس , کیلا یتبیذغ بالفقیر فقره ; خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده , خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند. تا تنگدستی فقیر, او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد))، (نهج البلاغه , خطبه ۲۰۹, ص ۳۲۵) ۲- زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان : حضرت علی (ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر, در این زمینه می فرمایند ((والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد, کمتر حاضر به رعایت انصافند, وظیفه تو, آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی))، (نهج البلاغه , نامه ۵۳, ص ۴۴۱). ۳- بازرسی , نظارت , حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران : حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان , نظارت بر کار آنان نیز ضروری است , چون مقام و قدرت , غالبا "اخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می دهد, بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان , از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود, ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند...))، (فجر انقلاب در بهار قرآن , ص ۲۰۳ و ۲۰۵). د - بالا بردن میزان آگاهی مردم : با بالا رفتن میزان آگاهی مردم , درک آنها از حقوقشان افزایش می یابد و بی عدالتی را نمی پذیرند و به انحا مختلف برای دستیابی به حقوقشان می کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیمگیریهای سیاسی افزایش می یابد. ه - توجه جدی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه : زیرا وجود ارزشهای اسلامی مانند ایمان , تقوا, تعهد و... موجب ایجاد و اجرای عدالت در سطح جامعه می شود قرآن کریم می فرماید ((اعدلوا هو اقرب للتقوی))، (مائده / ۸) امام علی (ع) نیز می فرماید: ((قد الزم نفسه العدل فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه ; هر که می خواهد به حلیه عدل و داد آراسته شود می بایست هوا و هوسهای گوناگون را از خود دور کند))، (نهج البلاغه , خطبه ۸۷). لذا برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه , تحقق باوری عمیق , درونی ریشه دارد, عقلای و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه - به معنی کسانی که در دستگاههای رسمی تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , و انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاهها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده , ایفا می کنند, لازم و ضروری می باشد و باید این نظام ارزشی در ۱- رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ۲- ساختار کلان کشور ۳- برنامه های اجرایی , تبلور و تجلی یابد. و - فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصتهای مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات , اشتغال , مسکن ; رفاه و... که در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور می باشد. برای آگاهی بیشتر ر.ک : فصلنامه حکومت اسلامی , شماره ۱۷, ص ۴۸ فصلنامه حکومت اسلامی , شماره ۱۸, ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور, ارزشها و توسعه , ص ۱۹۶ علی ذو علم , انقلاب و ارزشها, ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴ دکتر فرامرز رفیع پور, آناتومی جامعه , ص ۴۸۰

چرا مرجعیت در مقابل این همه ظلم و ستم و ارتشاء و بی عدالتی جامعه سکوت کرده اند و هیچ کار عملی نمی کنند. مگر فقط تذکر دادن

کافی است. آیا واقعا این جامعه را اسلامی می دانید.

پرسش

چرا مرجعیت در مقابل این همه ظلم و ستم و ارتشاء و بی عدالتی جامعه سکوت کرده اند و هیچ کار عملی نمی کنند. مگر فقط تذکر دادن کافی است. آیا واقعا این جامعه را اسلامی می دانید.

پاسخ(قسمت اول)

گذشته از میزان و عوامل معضلاتی که نام بردید و در ادامه به آن می پردازیم، درباره قسمت اول سؤال گفتنی است: بررسی عمل‌کرد و اقدامات مراجع عظام تقلید، در مقابل مشکلات و معضلاتی که متأسفانه گریبانگیر جامعه اسلامی شده و به هیچ وجه زیبنده نظام اسلامی نیست؛ این واقعیت را آشکار می‌سازد که این موضوع یکی از دغدغه‌های اصلی آنان بوده و به کرات ـ به صورت مستقیم و غیرمستقیم ـ به مسؤولان تذکرات لازم را داده و نارضایتی خود را از وضعیت موجود اعلام کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از تحصن و اجتماع اعتراض‌آمیز علما و طلاب حوزه علمیه قم در قبال اوضاع اسفناک فرهنگی جامعه اشاره کرده این اقدام با حضور تعدادی از مراجع همراه بود و منجر به استعفا و کناره‌گیری وزیر فرهنگ و ارشاد وقت شد یا اخیرا آیت الله مکارم، آیت الله فاضل و... در مورد مشکلات و معضلات جامعه به مسؤولین هشدار داده اند. موارد متعدد دیگری هم هست که معمولاً از طریق رسانه‌ها به اطلاع عموم می‌رسد. بنابراین مراجع عظام تقلید تا آنجا که احساس وظیفه کرده و انجام برخی اقدامات را در راستای بهبود معضلات و مشکلات جامعه مفید ارزیابی نموده، کوتاهی نکرده‌اند هر چند ما نیز منکر این مطلب نیستیم که نهاد «مرجعیت» با اتخاذ ساز و کارها و تدابیر مناسب‌تری، می‌تواند وظایف و کار ویژه‌های خود را به نحو بسیار مؤثری انجام دهد. درباره چرایی عدم اتخاذ اقدامات شدیدتر از سوی مراجع و تلاش بر علیه وضع موجود گفتنی است که می‌توان دو کار ویژه مهم و اساسی را برای مراجع در قبال مشکلات و معضلات جامعه در نظر گرفت: یکم. نظارت بر عملکرد مسؤولان انتقاد و ارشاد نسبت به عملکرد آنان و مشکلات و معضلات؛ این کار ویژه محدوده وسیع و گسترده‌ای داشته و تمامی زمان‌ها را در برمی‌گیرد؛ یعنی هم در زمان تشکیل حکومت اسلامی از سوی حاکم اسلامی (مانند ولی‌فقیه واجدالشرایط در زمان غیبت) و هم در حکومت‌های جور (البته تا آن‌جا که شرایط اجازه بدهد). مراجع عظام شیعه در عمل نیز ـ چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن ـ به این وظیفه مهم مبادرت ورزیده‌اند. دوم. قیام و تلاش برای تغییر سیستم سیاسی حاکم، این کار ویژه، محدوده خاص و شرایط ویژه‌ای دارد و مسلماًاز آنجا که قیام علیه حاکم مسأله مهم و سرنوشت‌سازی بوده و تأثیرات و نتایج مهمی را به دنبال دارد، دارای شرایط و ویژگی‌های خاصی نیز است. مهم‌ترین آن این است که سیستم حکومتی حاکم حکومتی نامشروع بوده و علت و عامل اصلی این معضلات و ناهنجاری‌ها باشد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «من رأی سلطانا جائرا مستحلاً لحرام الله، ناکثا عهده، مخالفا لسنة رسول‌الله، یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان...» از این رو می‌بینیم که امام حسین(ع) علیه یزید، و امام راحل(ره) علیه حکومت طاغوتی شاه، قیام کردند. بنابراین شرط اصلی برای قیام، این است که ثابت شود کسی که خلافت و حکومت را در دست دارد، علّت اصلی این همه جور و فساد است. اما اگر این شرط وجود نداشته باشد؛ بلکه برعکس سیستم سیاسی حاکم، حکومتی کاملاً مشروع و قانونی بوده و در رأس آن «ولی فقیهی» واجدالشرائط و مورد قبول و اعتماد اکثریت مردم قرار دارد و خود ضمن اعلام نارضایتی از این معضلات، بیشترین سعی و کوشش خود را در جهت بسیج قوای سه‌گانه و امکانات کشور، برای مقابله و مبارزه با مفاسد سیاسی و اقتصادی و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی دارد؛ در این‌جا نه تنها قیام علیه چنین حاکمی مخالف اصول و

اهداف اسلامی است، بلکه به پاخاستن و قیام مراجع در کنار او برای مبارزه با مفاسد جامعه، امری واجب و بایسته است. همانگونه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مراجع عظام تقلید با تمام توان در کنار ولی فقیه ایستاده و از مسؤولین اجرایی، قانونگذار، نظارتی، خواهان حل اساسی مشکلات و معضلات جامعه می باشند. اما در مورد قسمت دوم سؤال و این که آیا علی رغم وجود معضلات نامبرده، باز هم جامعه ما اسلامی است یا نه، در ابتدا لازم است به مسأله فساد و معضلات با دیدی واقع بینانه برخورد شود و از هرگونه تغافل یا بزرگ نمایی - که هر دو مضر برای پیشرفت و تکامل جامعه اسلامی است - پرهیز شود. در این که در بخش هایی از بدنه نظام یا جامعه مفاسد و معضلات وجود دارد شکی نیست و مسؤولین عالی رتبه نظام ضمن اعتراف به آن، شدیدا به دنبال حل اساسی آن هستند که این خود نیازمند بررسی و مطالعات دقیق و وسیع و برنامه های طولانی مدت همراه با همکاری و جدیت تمامی بخش های دولت است. اما کلیدی‌ترین تکیه‌گاه آن، وجود مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر مفاسد اقتصادی، تبعیض، عدم اجرای کامل عدالت اجتماعی و... در سطح جامعه‌ی اسلامی است که به هیچ وجه زیبنده‌ی نظام اسلامی نیست. در این موضوع ما نیز با شما موافق هستیم. اما در مورد این که آیا با وجود این قبیل مشکلات می‌توان به جامعه‌ی ما جامعه‌ی اسلامی گفت یا نه؟ نیازمند شناخت دقیق جامعه‌ی اسلامی، ویژگی‌های آن و تطبیق آن بر جامعه‌ی کنونی ماست: الف) تعریف جامعه‌ی اسلامی و ویژگی‌های آن: جامع‌ترین تعریفی که از جامعه‌ی دینی وجود دارد این است: جامعه‌ی دینی، جامعه‌ای است «دین‌باور»، «دین مدار»، «دین‌داور» و «مطلوب دین»(جامعه‌ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰).. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه‌ی دینی دغدغه‌ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه‌ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه‌ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰). بر این اساس ویژگی‌های جامعه‌ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). : ۱ـ دین‌باوری و اعتقاد به آموزه‌های دینی. ۲ـ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت‌مداری). ۳ـ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی‌تابد(نظام دینی). ۴ـ در جامعه‌ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین‌داوری). ۵ـ چنین جامعه‌ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین). جامعه‌ای که بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق شکل گرفته باشد، جامعه‌ای دینی است. بر این اساس می‌توان دو معیار اصلی برای جامعه‌ی اسلامی نام برد: ۱ـ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند. ۲ـ کلیه نظام‌های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد. نکته‌ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه‌ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه‌ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می‌رود. ب) بررسی اسلامی بودن جامعه‌ی کنونی ایران: با نگاهی به واقعیات جامعه‌ی کنونی ایران مشخص می‌شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه‌ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه‌ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه‌های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه‌های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت

تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه‌های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت‌ها و سنت‌های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است. حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم‌تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج‌ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می‌شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است.

پاسخ(قسمت دوم)

جنگ‌های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت‌ها و سنت‌های فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه‌ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی(ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه‌رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته‌ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی‌ها هیچ‌گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی‌کند. حال آیا می‌توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می‌توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم‌ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از: ۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امةٍ رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...»نحل، آیه ۳۶). روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی ـ اجتماعی است. ۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان‌ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲). ۳. آزادسازی و رهایی توده‌های مردم و انسان‌های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷). ۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵). ۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..). پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه‌های کمال انسان‌ها را فراهم نموده، زمینه‌های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه‌ها و بسترسازی‌ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً ـ اسلامی خواهد شد، در جواب می‌توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا ـ یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛

خداونـد هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱). بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان‌هـا و اصـلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصـلاح می‌شونـد که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتواننـد از شـرایط محیطی ـ که به برکت حاکمانی عـادل و الهی، قوانین به احکـام و ارزش‌هـا و معـارف اسـلامی به وجود آمـده ـ اسـتفاده کننـد و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرنـد. بنـابراین وجود حاکمـانی الهی و سـایر شـرایط محیطی (قوانین اسـلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چنـد در روند تکاملی و اصـلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده‌اند و تمام شـرایط و زمینه‌های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شـناختِ عمیق ـ نرسـیده بودنـد، که اصـلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشـد. به علاوه، همان طور که پیشوایـان معصوم مـا، هرگز مـدعی اصـلاح کامـل جـامعه نبودنـد؛ هیـچ یک از مسؤولان جامعه اسـلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارنـد و نخواهنـد داشت. البته آنان موظف‌اند زمینه‌های اصـلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکننـد، این برنـامه عملی نخواهـد شـد. در هر صورت مسـأله مفاسـد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عـدم رعـایت عـدالت اجتمـاعی، به هیـچ وجه منطبق بـا تعـالیم دینی مقـدس اسـلام و اصول و ارزش‌ها و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه‌های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است. معظم‌له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشـته و از متولیان امر خواسـتار رسـیدگی جـدی برای حل این معضل شده‌اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسـلامی نیز وابسـته به اصـلاح ساختارهـای اجتمـاعی، اقتصـادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیونـد، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننـده نظام می‌باشـد. به عنوان نمونه معظم له در دیـدار با نماینـدگان مجلس هفتم، در تأکیـد با مسأله فساد و اهتمام نظـام به این مسـأله و راهکارهـای اجرای آن می فرمایـد: از جمله ی مهمترین کارها، مبارزه ی با فساد است. مبارزه ی با فساد، یک جنبه ی اخلاقیِ محض نیست؛ اداره ی کشـور متوقف به مبـارزه ی بـا فسـاد است. بنـده دو سه سـال پیش که آن نـامه را دربـاره ی مبارزه ی با فساد به مسؤولان کشور نوشتم، به دنبال یک کار طولانی و یک بررسی و مطالعه ی وسیع و همه جانبه بود. از هر طرف می رویم، می بینیم اگر بـا فساد مبارزه نشود، همه ی کارها لنگ خواهـد مانـد. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می گیرد – کارهایی که انجام گرفته، کم نیست – اما وجود فساد، بعضـی از آنها را خنثی می کنـد. اسـتخری را در نظر بگیریـد که از چنـد چاه عمیق با لوله های چند اینچی مرتب در آن آب ریخته می شود، اما اسـتخر پُر نمی شود. وقتی نگاه می کنید، می بینید بدنه ی استخر ترک خـورده و تـه آن سـوراخ است؛ هرچه از این طرف آب می ریزیـد، از آن طرف بیرون می رود؛ به کانالهـایی که شـما در نظر گرفته ایـد آبیاری کنیـد، اصـلاً آب نمی رسـد.فساد در جامعه، این طوری است. فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سـرطان است؛ باید با آن مبـارزه کرد. البته نبایـد بزرگنمایی کرد. بعضـی ها جنجال و بزرگنمایی می کننـد و طوری حرف می زننـد که کانّه این سـرطان همـه جـا را گرفتـه؛ نخیر، ایـن طـوری نیست. این همه مـا دسـتهای پـاکیزه، چهره هـای پـاکیزه و انسانهـای پـاکیزه در دسـتگاه هـای گوناگون از بالا تا پایین داریم؛ اکثریت هم با اینهاست؛ منتها یک نقطه ی فساد، همه ی بدن را آلوده می کند. وقتی یک جای بدن بیمار می شود و درد می گیرد – مثلاً وقتی دنـدان فاسد می شود – انسان شب خوابش نمی برد. قلب، سالم؛ معده، سالم؛ ریه، سالم؛ جریـان خون، سـالم؛ امـا یک دنـدانِ ناسالم خواب را از انسان می گیرد. فساد، این طوری است؛ بایـد با فساد مبارزه ی جـدی کرد. یک پایه ی مبارزه، شـمایید. آن روزی که بنـده مسأله ی مبارزه ی با فساد را گفتم، توقعم این بود که مجلس شورای اسـلامی سـینه سپر کنـد و جلو بیایـد و در این میـدان حرکت کنـد تـا مـا دیگر احتیـاج نداشـته باشـیم دنبال کنیم؛ اما متأسـفانه این طور نشـد. آنها نکردند، شـما بکنید. البته به قول برادر ظریف و نکته سنج مان، با دسـتمال کثیف نمی شود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با

فساد مبارزه کنـد، بایـد در درجه ی اول مراقب باشـد که فساد دامن خودش را نگیرد. داخل خودتان و درون مجلس مراقب باشـید. دست پاک، دامن پاک، زبان پاک و چشم پاک خواهد توانست در حوزه ی اقتدار وسیعی که شما دارید، همه چیز را پاک کند. به دنبال این توصیه، این را هم عرض کنم که از لغزشگاه ها بترسید. امام سجاد (علیه الصّلاةوالسّلام) در دعای صحیفه ی سجادیه، وقتی برای سربازان اسلام دعا می کننـد، از جمله ی چیزهایی که روی آن تکیه می کنند، این است که خدایا! یاد و محبت و علاقه ی به «المـال الفتون» - مال فتنه انگیز - را از دل اینها بگیر. مال و پول، خیلی خطرناک و فتنه انگیز است و خیلی ها را می لغزانـد. ما آدمهای درشتی را در تاریخ دیدیم که وقتی پایشان به این جا رسید، لغزید؛ بنابراین خیلی باید مراقب باشید. در شرع مقدس، اسم این مراقبت چیست؟ تقوا. این که در قرآن از اول تـا آخر این همه به تقـوا توصیه شـده، معنـایش همین مراقبت و مـواظبت از خـود است. نفس انسان، زیاده خواه است. من وقتی در مطبوعات خواندم که شـماها تصمیم گرفته اید در بعضی از مسائل مجلس و برخی از برخورداری های بیخودی تجدیـدنظر کنیـد، حقیقتاً خوشـحال شـدم و به بانیان این کار دعا کردم. مثلاً فرض بفرمایید آدمی خانه دارد، باز خانه می خواهـد؛ امتیاز دارد، باز امتیاز می خواهـد. واقعاً من تشـکر می کنم از این که شـما در این راه وارد شدید و همت گماشتیـد. این راه را ادامه دهید و بر سر این کارها پای بفشـرید. هرچه می توانید، منطقی و صـحیح رفتار کنید. البته ما توصیه نمی کنیم و توقع هم نـداریم که مثلاً در مجلس، نمایندگان گشـنگی و تشـنگی بکشـند و زهد به خرج دهند - نه ما این طوریم، نه شـما این گونه اید - ما می گوییم زیاده روی و اسـراف نشود و کارهای بی قاعده و خرجهای بیخودی انجام نگیرد. ممکن است سـرجمع همه ی این خرجهـا مبلغ خیلی کلانـی هم در مجلس نشود؛ اما وقتی شـما این راه را قطع کردیـد، دست مردم و دسـتگاه ها الگو می دهیـد و راه و جهت را مشـخص می کنیـد. کـار شـما خیلی ارزش دارد و بسیار خوب است؛ این را دنبال کنیـد. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسـلامی در دیـدار نمایندگان مجلس شورای اسـلامی۲۷ / ۰۳ / ۱۳۸۳). بنـابر آن چه که گـذشت مشـخص می‌شود که در جـامعه‌ی اسـلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامـداران و کارگزاران، همه مسؤولنـد و به نسـبت مسؤولیّت خویش پاسـخگو هسـتند. بنابر این نمی‌توان همه‌ی مشـکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسـلماً زمانی که همه مردم و مسـئولین جامعه به دین باور داشـته باشـند و در راه اجرای آن در تمام عرصه‌ها تلاش جـدّی نمایند، می‌توان انتظار زدودن مظاهر غیراسـلامی از جامعه را داشت. در پایان تذکر این مسأله لازم است که شبیه چنین سؤالی را قبلا در نامه ۹۸۳۳ مطرح نموده بودیـد، منـاسب بود در صورتی که از پاسـخ ارسـالی این مرکز ایراد و انتقادی داشتیـد، آن را به صورت دقیق بیان می کردید، تا در راستای نقطه نظرات شما پاسخ جدید را ارسال می داشتیم.

نابسامانی های اجتماع عدم وجود امنیت به خصوص برای زنان جامعه- عدم وجود عدالت اقتصادی - وضـعیت قشـر جوان دارد مرا دیوانه می کنـد . نمی دانم که چه کار کنم نمی توانم توجیهی برای اینگونه مسایل در کشور اسـلامی و حکومت اسـلامی پیدا نمایم حرف و سـخن اطرافیان نیز که مزی

پرسش

نابسامانی های اجتماع عـدم وجود امنیت به خصوص برای زنان جامعه- عدم وجود عدالت اقتصادی - وضـعیت قشـر جوان دارد مرا دیوانه می کند . نمی دانم که چه کار کنم نمی توانم توجیهی برای اینگونه مسایل در کشور اسـلامی و حکومت اسـلامی پیدا نمایم حرف و سخن اطرافیان نیز که مزید علت است!!! لطفا مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

آن گونه که از سؤال شما برداشت می شود وجود برخی مشکلات و معضلات در جامعه نظیر بی عدالتی، فقر، فساد و ... موجب شبهاتی برای شما و برخی جوانان شده است و بین وضعیت موجود با باورها، اعتقادات و انتظاراتی که از یک حکومت اسلامی ایده آل داشته اید، ناهمخوانی و دوگانگی، به وجود آورده. رفع این گونه شبهات و ابهامات در گرو توجه به امور ذیل است: اولا، اصل وجود این قبیل مشکلات در جامعه امری مسلم و غیر قابل انکار است اما نکته اساسی قضاوت و ارزیابی صحیح پیرامون میزان این امور و علل یا عوامل اصلی آن است: باید اقدامات مثبت و سازنده ای که برای زنان و یا قشر جوان انجام شده آنها را نیز در نظر گرفت و بعلاوه توجه کرد که بزرگ نمایی مشکلات و معضلات ... آیا منصفانه و منطبق بر واقعیات موجود است؟! درصد اسلامیت جامعه ما و دستاوردهای نظام اسلامی در مقایسه با زمان قبل از انقلاب و یا سایر کشورهای مسلمان، به چه میزان است؟ چه معیارها و ملاک هایی را باید برای شناخت نظام اسلامی و کارآمدی آن در نظر گرفت و ... ؟ آیا واقعا آن چنان که دشمنان تبلیغ می کنند اکثریت جامعه ما از انقلاب اسلامی ناراضی اند؟! اگر چنین است پس با حضور میلیونی مردم در انتخابات متعدد و راهپیمایی ها و سایر مراسم انقلابی و... که بیانگر حمایت مردم از نظام اسلامی است، چگونه قابل جمع است؟! افزون بر این، آیا از وجود برخی مشکلات در جامعه، می توان هرگونه نتیجه ای را گرفت؟ آیا به خاطر برخی مشکلات باید منکر تمامی جهات مثبت نظام و منطبق بر تعالیم اصیل اسلامی شد؟ یا این که برعکس باید با بها دادن به این جهات و دستاوردهای مثبت، در صدد رفع کاستی ها و نقاط ضعف برآمد؟ آیا می توان دستاوردهای عظیم نظام اسلامی را در اسلامی کردن و اصلاح جامعه حفظ استقلال، تمامیت ارضی، عزت جهان اسلام، رشد و شکوفایی در عرصه های مختلف و... نادیده گرفت؟ آیا منصفانه است که تلاش های خالصانه رهبری و مسؤولین نظام را در جهت مقابله با مفاسد و مشکلات و نتایج مثبت آن را نادیده گرفت؟ ثانیا، اگر بخواهیم قضاوت صحیح در مورد میزان اسلامیت جامعه و نظام سیاسی خویش داشته باشیم ابتدا باید به شناختی دقیق از جامعه و نظام اسلامی و ویژگی های آن رسیده و سپس با وضعیت کنونی جامعه مقایسه نماییم: الف) تعریف جامعه‌ی اسلامی و ویژگی‌های آن: جامع‌ترین تعریفی که از جامعه‌ی دینی وجود دارد این است: جامعه‌ی دینی، جامعه‌ای است «دین‌باور»، «دین مدار»، «دین‌داور» و «مطلوب دین»(جامعه‌ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰).. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه‌ی دینی دغدغه‌ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه‌ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه‌ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰). بر این اساس ویژگی‌های جامعه‌ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). : ۱ـ دین‌باوری و اعتقاد به آموزه‌های دینی. ۲ـ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت‌مداری). ۳ـ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی‌تابد(نظام دینی). ۴ـ در جامعه‌ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین‌داوری). ۵ـ چنین جامعه‌ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین). جامعه‌ای که بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق شکل گرفته باشد، جامعه‌ای دینی است. بر این اساس می‌توان دو معیار اصلی برای جامعه‌ی اسلامی نام برد: ۱ـ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند. ۲ـ کلیه نظام‌های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد. نکته‌ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه‌ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه‌ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می‌رود. ب) بررسی اسلامی بودن جامعه‌ی کنونی ایران: با نگاهی به واقعیات جامعه‌ی کنونی ایران

مشخص می‌شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه‌ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه‌ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه‌های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه‌های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه‌های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت‌ها و سنت‌های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است. حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم‌تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج‌ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می‌شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است. جنگ‌های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت‌ها و سنت‌های فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه‌ای از مشکلات موجود در برابر حکومت عدل امام علی(ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه‌رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته‌ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی‌ها هیچ‌گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی‌کند. حال آیا می‌توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می‌توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم‌ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از: ۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امۀٍ رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...» (نحل، آیه ۳۶). روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی ـ اجتماعی است. ۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان‌ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمۀ و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین» (جمعه، آیه ۲). ۳. آزادسازی و رهایی توده‌های مردم و انسان‌های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...» (اعراف، آیه ۱۵۷). ۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...» (حدید، آیه ۲۵). ۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..). پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل

انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه‌های کمال انسان‌ها را فراهم نموده، زمینه‌های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه‌ها و بسترسازی‌ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می‌توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم... خداوند هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱). بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان‌ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می‌شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی ـ که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش‌ها و معارف اسلامی به وجود آمده ـ استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده‌اند و تمام شرایط و زمینه‌های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناختِ عمیق ـ نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد. به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف‌اند زمینه‌های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد. در هر صورت مسأله مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش‌ها و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه‌های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است. معظم‌له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده‌اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می‌باشد. بنابر آن چه گذشت، مشخص می‌شود که در جامعه‌ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی‌توان همه‌ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسؤولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه‌ها تلاش جدی نمایند، می‌توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت. امام علی(ع) می‌فرماید: «فلیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه و لاتصلح الولاه الا باستقامه الرعیه؛ مردمان اصلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند مگر به درستی مردم(نهج‌البلاغه، ۶۸۳). در این فرمایش هم بر نقش مسؤولین و هم بر نقش مردم تأکید می‌شود. با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین‌تر می‌شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ‌تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه‌ی هر فرد در چنین شرایطی است. «و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه‌ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می‌شود و هم راه‌های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می‌گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته‌ی تحصیلی مورد علاقه‌ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده‌ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه‌ی ۶۹). ثالثا و نکته آخر این که، در ریشه یابی مشکلات جامعه می توان از رهیافت های متعددی استفاده نمود. از

قبیل رهیافت تک عاملی که ریشه همه مشکلات را ناشی از یک عامل مثلا اقتصاد یا مدیریت کشور می داند و یا رهیافت چند عامل که به صورت واقع بینانه و با ارائه آمار، شواهد و شاخص های مورد نیاز و به دور از هیاهوهای سیاسی و... به بررسی میزان دخالت و تأثیر عوامل مختلف در ایجاد یک پدیده پرداخته و نقش هر کدام را مشخص می نماید. به نظر می رسد از میان این دو رهیافت، رهیافت تک عاملی، خصوصا درباره جامعه کنونی ما نه روش علمی و نه منطبق با واقعیات است لذا باید سراغ رهیافت دوم رفت و در بررسی علمی و محققانه این موضوع، زمینه ها و شرایط و ابعاد مختلف آن، موانع تاریخی، داخلی، بین المللی، امکانات و توانایی ها و... را به صورت واقع بینانه بررسی و ارزیابی نماییم. مسلما طبیعی است جامعه ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظیمی که از نظر ساختار اقتصادی [تک محصولی بودن آن وضعیت وخیم صنعت، کشاورزی و...] و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب به ما منتقل شده و چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ و خسارات عظیم آن [بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار، معادل هزینه ۷۰ سال کشور] و محاصره های بین المللی، تورم بین المللی و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جهت مشکلات ناشی از آن و... معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و رواج فرهنگ مصرف گرایی، تجمل پرستی و... ماهیتا دارای مشکل می باشد. البته هر چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد و عاری از سوء استفاده و فساد در بخشهای مختلف آن می تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازمندی های اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، ولی با توجه به دخالت متغیرهای دیگر به هیچ وجه نباید انتظار معجزه داشته باشیم، بنابراین حل مشکلات اساسی کشور نیازمند عوامل متعددی علاوه بر مدیریت کارآمد و ... می باشد. و مسلما مجموعه این عوامل می تواند با همیاری و همدلی همه مسؤولین، جناح های سیاسی، مردم و جوانان متعهد ما مهیا شود و روند توسعه، پیشرفت و تکامل در جهت حل مشکلات و دست یابی به سعادت دنیوی و رشد و فضایل معنوی، بیش از پیش ادامه یابد.

به نام خدا باتوجه به اینکه پیامبر در فرمایشاتشان تاکید کرده اند که حاکم حکومت اسلامی باید هم سطح با پایین ترین قشر مردم زندگی کنند چرا در مملکت ما این موضوع اصلا رعایت نمی شود ?اگر پاسخ شما این است که رهبر به محلی برای اجتماع عمومی احتیاج دارند باید بگویم

پرسش

به نام خدا باتوجه به اینکه پیامبر در فرمایشاتشان تاکید کرده اند که حاکم حکومت اسلامی باید هم سطح با پایین ترین قشر مردم زندگی کنند چرا در مملکت ما این موضوع اصلا رعایت نمی شود ?اگر پاسخ شما این است که رهبر به محلی برای اجتماع عمومی احتیاج دارند باید بگویم که مساجد برای این منظور بسیار مناسب هستند اگر اینگونه از مساجد استفاده می کردیم هم مساجد ما رونق بیشتری می گرفت و هم نماز بیشتر از این ترویج پیدا میکرد .اصلامی توانستیم به جای این همه ساختمانهای مجلل اداراجات از مساجدمان که از رونق آنها کاسته می شود استفاده میکردیم ما مسلمانیم اسراف حرام است ان هم در شرایطی که در سرزمینمان بسیاری از مردم به غذا شبانه شان محتاج اند.

پاسخ

سؤال شما از جنبه های مختلف قابل بررسی و تحلیل می باشد که به اختصار پیرامون هر کدام مطالبی را بیان می نماییم: اولا، همانگونه که بیان نمودید در آموزه های مبین اسلامی تأکیدات بسیار زیادی بر ساده زیستی حاکم و مسؤولین نظام اسلامی و هم سطح بودن آنان با پایین ترین اقشار مردم شده است و سیره عملی حکومت پیامبر اکرم(ص)، امام علی(ع) و سایر بزرگان دینی مؤید آن می باشد. اما نکته مهمی که حتما باید بدان توجه شود شناخت نوع و ماهیت این ساده زیستی و زندگی در سطح اقشار

مستضعف جامعه است؛ به عبارت دیگر این آموزه گهربار دو نوع قابل تحلیل و تبیین است: حالت اول این که بگوییم مراد از این آموزه، زندگی شخصی فرد حاکم یا مسؤول و خواسته ها انتفاعاتی است که یک صاحب منصب در دوران عهده داری یک مسؤولیت در نظام اسلامی می تواند داشته باشد. اما حالت دوم این است که منظور از آن، پایین آوردن سطح وسایل، ابزار و شیوه های حکومت داری باشد. از میان این دو حالت قطعا حالت اول منظور و مراد آموزه های دینی است و از پشتوانه های منطقی و عقلی بسیار متعددی برخوردار می باشد، اما حالت دوم به هیچ وجه منظور این آموزه ها نیست و نه تنها پشتوانه منطقی و عقلی ندارد بلکه آموزه های اسلام، سیره حکومتی پیامبر اکرم(ص) و سایر بزرگان اسلام مخالف آن می باشد. توضیح این که: دین مبین اسلام همانگونه که بر ساده زیستی جنبه های شخصی حاکم و مسؤولین تأکید دارد در طرف مقابل بر استفاده حکومت از پیشرفته ترین، منطقی ترین ابزار و شیوه های لازم حکومتی براساس مقتضیات زمان و مکان اهمیت بسیار ویژه ای قائل است، کافی است برای اثبات این موضوع نگاهی به سیره حکومتی پیامبر اکرم(ص) داشته باشیم: الف – اقدامات اداری: یکی از اولین اقدامات آن بزرگوار در بدو ورود به مدینه ارائه برنامه ای برای هر چه اداره بهتر وکارآمدتر آن شهر و در نظر گرفتن ساز وکارهای لازم برای این موضوع بود: «شهر مدینه به چندین ناحیه یا بخش تقسیم می شد، به طوری که جمعیت هر قبیله در یک محل با یکدیگر و به دور از دیگران زندگی می کردند. در هر ناحیه یا بخشی یک رئیس (نقیب) چندین نایب رئیس (عریف) و یک محل اجتماع (سقیفه) نیز وجود داشت. پیامبر(ص) برای اداره کل نقبا رئیسی تعیین کردند که به او «نقیب النقباء» گفته می شد. به این ترتیب مجموعه شورای سیاسی دولت مدینه از ۴۹ نفر تشکیل می یافت. هر نقیب دارای سه عریف بود که بر امور مالی، اجتماعی و اطلاعاتی رسیدگی می کردند. شخص پیامبر(ص) در رأس قدرت قرار گرفته بود و تمامی مسائل اجتماعی در نهایت با تصمیم گیری شخص حضرت محمد(ص) حل می شد» (ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی، سید محمد ثقفی، انتشارات هجرت، ۱۳۷۶، ص ۹۱). اقدامات بسیار متعدد دیگری نظیر تدوین قانون اساسی دولت مدینه، نصب فرمانروایان و استانداران، تشکیل دیوان رسایل، صدور بخشنامه های دولتی برای فرمانروایان و... در این راستا قابل تحلیل و ارزیابی است. ب – اقدامات فرهنگی: پیامبر(ص) برای گسترش اسلام و آموزش قرآن در مدینه خانه مخرمه بن نوفل را به عنوان «دارالقراء» (خانه قاریان) و مرکز اعزام معلم قرار دادند و از این مرکز معلمان قرآن را به خارج از مدینه و به دیگر شهرها اعزام می کردند و یا این که برای گسترش سطح فرهنگی و انتقال آموزه های اسلامی به سایر ملل به برخی افراد نظیر زید بن ثابت دستور دادند که زبان عبری و سریانی را بیاموزد و... (همان، ص ۱۵۳ – ۱۵۱). د – در زمینه اقتصادی: بیشتر درآمدهای مالی دولت اسلامی در حکومت پیامبر اکرم(ص) از راه جزیه، خمس غنایم، زکات، صدقات واجبه و خراج یا مالیات بر زمین ها تأمین می شد. پیامبر(ص) برای تنظیم «عایدات مالی» یک سازمان مالی تشکیل داد که مرکب از عاملان صدقات، نگهبانان، نویسندگان اموال و... بود (همان، ص ۱۸۸). و مرکزی برای جمع آوری این اموال به نام بیت المال یا «خانه صدقات» با مسؤولیت شخص معینی به وجود می آید و حتی آن بزرگوار در خارج مدینه برای نگهداری اسب های مسلمانان، از انصار و مهاجر، چراگاه مخصوصی ساخته بود و... (احکام السلطانیه، ماوردی، ص ۲۳۳). ج – در زمینه قضایی: پیامبر اسلام(ص) علاوه بر این که شخصا به اختلافات رسیدگی و حکم صادر می کرد تشکیلاتی برای اجرای حدود، داشت و حتی برای زنان مجرم، زمان خاصی داشتند (التراتب الاداریه، عبدالحمی الکتانی، ج ۱، ص ۲۹۴ و ۳۰۰). و یا تشکیل نظامی به نام «حسبه» و «محتسب» برای بازرسی و نظارت بر روابط اجتماعی و اقتصادی و... د – در زمینه نظامی و امنیتی و سیاست خارجی: پیامبر اکرم(ص) تشکیلات و نظام اداری خاصی داشتند فرماندهان سپاه را انتخاب و به بالا بردن نظم و انضباط و سطح قدرت نظامیان و تعلیم آنان و داشتن نقشه ها و طرح ها و تاکتیک های جنگی و اعزام مأموران اطلاعاتی و تحقیقاتی، اعزام سفیر و عقد پیمان های سیاسی و... همت می گماردند. همانگونه که از نمونه های فوق مشخص می شود، پیامبر(ص) در آن جامعه ساده (در مقابل جوامع پیچیده کنونی) تشکیلاتی پیشرفته و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی آن

روز به وجود آورده بود و همچنین حکومت امام علی(ع) نیز بر مبنای همین اصل جریان داشت و حتی در موارد زیادی از تشکیلاتی پیشرفته تر استفاده می نمودند مانند تأسیس مکان خاصی به نام زندان و یا استفاده از مرکزی خاص به نام دارالحکومه و... بنابراین منظور از ساده زیستی و در سطح پایین زندگی کردن ارتباطی با شیوه های حکومتی و استفاده از امکانات لازم برای اداره جامعه ندارد. بله، حاکم و مسؤولین نظام اسلامی باید در ضمن این که از شیوه ها و راه کارهای مطلوب برای اداره جامعه بهره می جویند، از هرگونه استفاده غیر ضروری از امکانات دولتی و حیف و میل بیت المال خودداری نمایند. ثانیا، در زمان ما قطعا اداره جامعه نسبت به زمان پیامبر اکرم(ص) بسیار پیچیده تر شده و ابزارها و امکانات پیشرفته تر و حتی متفاوتی نسبت به آن زمان می طلبد و با توجه به گسترش جامعه بشری و تنوع نیازهای آن دیگر نمی شود از یک مسجد یا یک دارالحکومه و امثال آن به اداره جامعه پرداخت. همانگونه که پیامبر(ص) و امام علی(ع) در آن زمان تنها به مسجد اکتفا نکردند و تشکیلات مورد نیاز آن روز را به وجود آوردند، در این زمان به طریق اولی چنین کار ویژه ای از مساجد ساخته نیست و به هیچ وجه نمی توان به آن اکتفا کرد. البته این موضوع به معنای نادیده گرفتن اهمیت و جایگاه مهم مسجد و مکان های مذهبی در نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه برعکس نظام اسلامی ایران به دلیل ماهیت مذهبی خویش همواره به کانون های مذهبی و مساجد وابسته و وامدار می باشد، جرقه های انقلاب اسلامی از مساجد برخواست و به تمامی سطوح جامعه منتشر شد. قطعا تداوم آن نیز باید با تکیه بر نقش مسجد و کانون های مذهبی باشد، البته هر جایگاه و نهادی کار ویژه ای دارد که کار ویژه مسجد فرهنگ سازی، تبلیغ و گسترش آموزه ها و ارزش های اسلامی در سایر ابعاد مختلف جامعه و امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی و... می باشد - چنان که مقام معظم رهبری از حسینیه امام خمینی بسیاری از سیاستگذاری های کلان نظام و هدایت های لازم برای جامعه را بیان می نماید و بر این اساس مسؤولین نظام اسلامی می توانند با اهمیت دادن به این موضوع و جلب افکار جوانان به این کانون های نورانی گام های اساسی در راه اصلاح و تکامل مادی و معنوی جامعه بردارند. البته متولیان مساجد هم باید با برنامه های مفید و جذاب و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، جاذبه های لازم را برای رویکرد گسترده و مجدد طبقات مختلف جامعه به سوی مساجد را فراهم آورند. ثالثا، مقام معظم رهبری در زندگی شخصی خویش همواره و در طی تمام مسؤولیت هایی که در دوران انقلاب داشته اند به اصل مهم ساده زیستی و زندگی در سطح اقشار مستضعف جامعه، پای بند بوده و هستند و حتی از امکانات قانونی و شرعی هم در حد بسیار کم استفاده می نمایند (پرتوی از خورشید، علی شیرازی، بوستان کتاب قم ۱۳۸۲). در مسائل رهبری علیرغم گستردگی وظایف با ابتدایی ترین و کمترین وسایل و امکانات مورد نیاز به انجام مسؤولیت خویش می پردازند و نهادها و بخش های وابسته به ایشان عموما در این سطح هستند و اگر تخلفی مشاهده شود به شدت برخورد می نمایند و همانگونه که بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسؤولین نظارتی کشور بارها اعلام کرده اند، این مجموعه از سالم ترین و کم هزینه ترین بخش های نظام جمهوری اسلامی است. اما متأسفانه علی رغم تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری و اهتمام ویژه ایشان بر ساده زیستی مسؤولین و پرهیز از تجملات و ریخت و پاش های دولتی خصوصا در شرایط کنونی که بسیاری از اقشار جامعه با مشکلات اقتصادی مواجه هستند، در بخش های دولتی و برخی وزارت خانه ها مواردی مشاهده می شود که به هیچ وجه زیبنده نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی آنها را بر نمی تابد. از این رو برخورد اساسی با این پدیده که خطر اساسی برای مشروعیت و تداوم نظام اسلامی محسوب می گردد، در دستور کار جدی مجموعه کلان نظام قرار دارد که امید می رود با همکاری و همیاری تمامی بخش های نظام و قوای سه گانه و دور شدن از آفات جناحی، دیگر شاهد این قبیل تجاوزات به اموال عمومی نباشیم و بودجه های دولتی به سمت رفع مشکلات مردم و پیشرفت جامعه سوق داده شود، انشاءالله.

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پرسش

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پاسخ

واژه عدالت، درباره انسان دو گونه کاربرد دارد: ۱. گاه درباره فعل انسان نسبت به خویش استعمال می‌شود که در این صورت، عادل به کسی گفته می‌شود که آنچه موجب سعادت اوست به جا آورد و از کارهایی که برای سعادتش زیان‌بار است، دوری گزیند؛ ۲. گاه واژه عدالت، درباره فعل انسان نسبت به دیگری به کار می‌رود؛ بدین معنا که انسان با هر فرد از افراد جامعه، آن چنان که حق اوست، رفتار می‌نماید و هر کس را در جای مناسب خود قرار می‌دهد. وقتی معنای اخیر عدالت درباره همه شخصیت‌های حقیقی و حقوقی یک جامعه، اعم از مردم و دولت، در نظر گرفته شود، مفهوم عدالت اجتماعی پدید می‌آید. بر این اساس، «عدالت اجتماعی» بدین معنا است که در جامعه حقوق همگان رعایت شود. در مقابل عدالت اجتماعی، ظلم اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است. امیر مؤمنان علی(ع) را شهید عدالت نامیده‌اند. روشن است عدالتی که زمینه‌ساز شهادت حضرت شد، عدالت در بُعد اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است. در واقع عدالتی که سبب شهادت آن امام همام گردید، عدالت در بُعد اجتماعی و نوع تفکر مخصوصی بود که آن حضرت درباره عدالت اجتماعی داشت؛ تفکری که نه تنها بارها و بارها در ضمن سخنان خویش بر آن تأکید می‌ورزید، بلکه در طول عمر مبارک خویش، بویژه در دوران کوتاه حکومتش، در عمل بدان پایبند بود و در این راه هیچ مسامحه و انعطافی را روا نمی‌دانست تا آن جا که این شیوه قاطع را حتی نسبت به نزدیک‌ترین کسان خویش نیز آن را اجرا می‌کرد؛ چنان‌که این شیوه در داستان برخورد آن حضرت با برادرش عقیل به خوبی مشهود است. شخصی از آن حضرت پرسید: «أَیُّهُما أَفضَل؟ العَدلُ أَمِ الجُودُ»؛ عدل برتر است یا جود؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «العَدلُ یَضَعُ الأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الجُودُ یُخْرُجُها مِن جَهَتِها{؛»۱} عدل بهتر است؛ زیرا عدل هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد و هر حقی را به ذی‌حق واقعی خود می‌رساند، اما جود و بخشش، امور را از محل و مدار خود خارج می‌سازد{؛»۲} سپس فرمود: «وَ العَدلُ سَائِسٌ عامٌّ و الجُودُ عارِضٌ خاص{؛»۳} عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالیکه بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود. عدالت، اداره کننده عموم است و پایه و مبنای زندگی عمومی است، اما جود و بخشش حالتی استثنایی است که در موقعیتی خاص به کسی عطا می‌شود. جود و ایثار را نمی‌توان مبنای اصلی زندگی عمومی قرار داد و بر اساس آن مقررات و قانون وضع کرد؛ زیرا در این صورت دیگر جود و بخشش نام نمی‌گیرد. ایثار وجود، زمانی ایثار وجود است که هیچ قانون و مقررات حتمی و لازم الاجرا نداشته باشد و آدمی تنها از روی کرم و بزرگواری و گذشت و نوع دوستی جود و ایثار کند؛ از این‌روی اگر در جامعه‌ای جود نباشد، آن قدر مشکل پیش نمی‌آید که در صورت عدم وجود عدالت پیش می‌آید. پاسخ آن حضرت که عدل را از جود بالاتر می‌داند به روشنی نشان می‌دهد که آن حضرت با نظر به بعد اجتماعی عدالت این سخن را فرموده‌اند؛ زیرا افزون بر این که از نظر فردی و اخلاقی جود بالاتر از عدل است، کسی که تفکر اجتماعی ندارد و با مقیاس‌های فردی محاسبه می‌کند، هیچ گاه عدل را از جود بالاتر نمی‌داند. شخص عادل کسی است که در آن حد از کمال انسانی است که به حق دیگران تجاوز نمی‌کند، اما آن که جود می‌کند و ایثار می‌نماید، نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند، بلکه از دسترنج و حق خویشتن می‌گذرد و آن را به دیگران می‌بخشد. بنابراین از دیدگاه فردی و اخلاقی جود از عدل بالاتر است. اما از دیدگاه اجتماعی درست به عکس است؛ زیرا عدل در اجتماع به منزله پایه‌های ساختمان است و جود و احسان به منزله رنگ‌آمیزی و نقاشی و زینت ساختمان. اول باید پایه درست باشد تا آن گاه نوبت به زینت و رنگ‌آمیزی برسد. اگر خانه‌ای از پای بست ویران باشد، دیگر چه

فایده که خواجه در بند نقش ایوان باشد؟ اما اگر پایه محکم باشد، در ساختمان بی‌زینت هم می‌توان زندگی کرد. ممکن است ساختمانی از نظر زینت و رنگ‌آمیزی فوق‌العاده خواب باشد، اما چون پایه‌اش سست است، با یک باران بر سر اهلش خراب شود. این پرسش و پاسخ به روشنی نشان می‌دهد که آن حضرت عدالت را از بعد اجتماعی می‌نگریسته و همین نگرش‌ها در سیره حکومتی خویش اجرا فرموده است تا آن جا که می‌توان گفت: عدالت برای آن حضرت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مطرح بود و آن حضرت عدالت اجتماعی را از هر چیز دیگری بالاتر می‌دانست و سیاست خود را بر مبنای همین اصل تأسیس کرد و در این راه هیچ منظور و هدف دیگری نتوانسته آن حضرت را از اجرای عدالت باز دارد، هر چند همین مسأله مشکلات فراوانی را برای آن حضرت در طول دوران حکومتش ایجاد کرد. در پایان سخن، تنها به ذکر چند نمونه از سیره حکومتی آن حضرت که به خوبی جایگاه عدالت اجتماعی در آن روشن می‌شود، بسنده می‌کنیم: ۱. درباره قطایع عثمان (اراضی‌ای که متعلق به همه مسلمانان بود و خلیفه سوم آنها را در اختیار اشخاصی خاص قرار داده بود)، فرمود: «وَ اللهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تُزُوِّجَ بِهِ النِّساءُ وَ مُلِكَ بِهِ الإِماءُ لَرَدَدتُهُ، فَإِنَّ فِي العدلِ سَعَةً{؛}۴» به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده و یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است/ ۲. عمرو عاص در نامه‌ای به معاویه نوشت: «ما كُنتَ صانِعاً فَاصنَع، إِذا قَشَّرَكَ ابنُ أبی طالِبٍ مِن كُلِّ مالٍ تَملِكُهُ كَما تَقَشَّرَ عَنِ العَصا لَحاها{؛}۵» هر کاری از تو ساخته است بکن که پسر ابوطالب هر چه را در این مدت جمع کرده‌ای از تو باز پس خواهد گرفت، آن گونه که پوست عصای دستی را از آن جدا می‌کنند. ۳. عبدالله بن زمعه{۶} که یکی از یاران آن حضرت بود، در زمان خلافت آن حضرت نزد وی آمد و درخواست کرد که از بیت‌المال مالی به او ببخشد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «إِنَّ هَذا المَالَ لَيسَ لِي وَلاَلَكَ وَ إِنَّما هُوَ فَيْءٌ للمسلمين، جَلَبُ أَسيافِهِمْ، فَإِنْ شَرِكتَهُم فَی حربِهِم، كان لَكَ مِثلُ حَظِّهِمْ{؛}۷» این اموال که می‌بینی نه مال من و نه از آن توست، بلکه غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آورده‌اند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی. به هر حال نمود عدالت آن خورشید فروزان عالم هستی چنان است که نویسنده‌ای مسیحی درباره آن حضرت کتابی می‌نویسد و عنوان آن را «علی، صدای رسای عدالت انسانی» قرار می‌دهد.{۸} [۱].نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷/ [۲].لازم به یادآوری است که این کلام به معنای مذمت جود نیست؛ چنان‌که توضیح داده خواهد شد/ [۳].نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۳۷/ [۴].نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۵/ [۵].شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷۰، (چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی)/ [۶].عبدالله بن زمعه کسی است که پدر و عمو و برادرش در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شدند. جد او أسود، رسول خدا را فراوان آزار می‌داد، اما او از یاران امام علی(ع) شد و فکر می‌کرد در تقسیم بیت‌المال به او بیش‌تر توجه می‌شود، اما پاسخ قاطع امام او را بیدار کرد. [۷].نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۳۲/ [۸].ر.ک: علی و حقوق بشر، جورج جرداق، ترجمه عطامحمد سردارنیا، (مؤسسه انتشارات فراهانی، تهران)/

برای چه در ادارات پارتی بازی می کنند ؟

پرسش

برای چه در ادارات پارتی بازی می کنند ؟

پاسخ

در پاسخ به سوال خوب شما دوست عزیز ابتدا پارتی بازی را معنا می کنیم" : پارتی بازی زمانی صورت می گیرد که کسی باعث

شود تا فرصت موجود در یک اداره یا سازمان که متعلق به همه مردم یا گروه معینی (مثلاً واجدین مدرک لیسانس) است به فرد یا گروه خاصی داده شود بدون اینکه ملاکهای تدوین شده آن اداره را داشته باشد. " حال با توجه به معنای پارتی بازی معرفی کردن و راهنمایی کردن افراد یا حتی آشنایان جهت دادن آزمون ورودی و استفاده از فرصتهای موجود پارتی بازی نیست البته به شرطی که حق دیگران در ارتباط با اطلاع یافتن از این موضوع ضایع نشود . اما اگر کسی باعث شود که حق قانونی عموم مردم زیر پا گذاشته شود و به هر نحوی در اختیار افراد غیر شایسته و نالایق قرار بگیرد این پارتی بازی است و متاسفانه افرادی که از این طریق نادرست به استخدام ادارات و نهادها در می آیند کم نیستند . برای حل این مشکل از دو راه می توان وارد شد : یکی برنامه ریزی و عملکرد قاطعانه مسئولین کشور در کنترل ادارات و سازمانها و دیگری نظارت عمومی مردم بر وضعیت جامعه . در توضیح مورد دوم باید گفت : اگر فردی زشتی پارتی بازی را متوجه شد در مرحله اول خود از این شیوه استفاده نمی کند و در مرحله دوم نسبت به آشنایان یا افراد جامعه تذکر داده و به طور جدی و با توضیح ضررهای استخدام چنین فردی مانع انجام این امر می شود و در صورت عدم توجه به تذکر دوستانه اش باز هم از تلاش دست بر نداشته مسئولین ذیربط و نهادهای مراقب و برخورد کننده با تخلفات در هر نهاد و اداره را در جریان امر قرار داده و از این طریق مسئولیت خود را در قبال جامعه ادا می کند زیرا همه ما مسئول حفظ و نگهداری یکدیگر هستیم همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند : کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته . البته باید گفت این دو امر در کنار هم نتیجه مطلوب را خواهد داد و گرنه در صورتیکه برنامه ریزی مسئولین باشد اما مردم همکاری نکرده و اقدامی در جهت بهبود وضعیت موجود نکنند و فقط عیب کار را در عدم کنترل شایسته مسئولین ببینند و یا مسئولین ، برنامه ریزی قاطعانه ای در این زمینه نداشته و فقط عدم همکاری و رفتار نادرست مردم را مسؤول وضعیت نامناسب موجود ببینند کاربه جایی نخواهد رسید و با اداره سازمانها توسط افراد نالایق جامعه روی ترقی و پیشرفت را نخواهد دید. در این زمینه مولوی مثل جالبی آورده، می گوید" : چهار مرد به مسجدی رفتند و مشغول نماز شدند در این هنگام مؤذن وارد مسجدشد یکی از آنها به او گفت : اذان نشده بود که اذان گفتی؟ مرد دوم به اولی گفت تو در نماز سخن گفتی و نمازت باطل شد، مرد سوم به دومی گفت : برای چه به رفیقت طعنه می زنی نماز خودت باطل شد. چهارمی گفت : خدا را شکر که من مانند شما سه نفر سخن نگفتم و نمازم باطل نشد وبه این ترتیب نماز هر چهار نفر باطل شد. پس نماز هر چهاران شد تباهعیب گویان بیشتر گم کرده راه ای خنک جائی که عیب خویش دیدهر که عیبی گفت آن برخود خرید چون که بر سر مرترا ده ریش هستمرهمی برخویش باید کار بست

چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است ؟

پرسش

چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است ؟

پاسخ

در پاسخ سوال شما دوست گرامی درابتدا برای واضح تر شدن مفهوم عدالت و تبعیض مقدمه ای عرض می شود : استاد مطهری (ره) در کتاب بیست گفتار در توضیح مفهوم عدالت می گوید : آیا هر نوع تفاوت که در جامعه بین افراد باشد تبعیض و مخالف عدالت است و لازمه عدالت مساوات مطلق است ؟ یا عدالت مستلزم مساوات مطلق نیست و گاهی عدالت ایجاب می کند که تفاوت و امتیاز گذاشته شود اما این تفاوت بی جا و بلا استحقاق نباشد مسلماً تعریف صحیح عدالت تعریف دوم است . به بیان دیگر مقتضای عدالت مساوات است در شرایط حقوقی مساوی نه در شرایط نامساوی یعنی نباید میان شرکت کنندگان در یک

مسابقه علمی یا در یک مسابقه قهرمانی در غیر آنچه مربوط به استعداد و هنر و لیاقت است فرق گذاشته شود مثلاً یکی اشراف زاده است و یکی فرضاً فرزند یک فقیر یکی توصیه و پارتی دارد و دیگری ندارد و.... آنچه نباید ملاک قرار بگیرد این امور است که مربوط به لیاقت و استعداد و یا فعالیت و مجاهدت افراد نیست و عدالت هنگامی تحقق می یابد که هیچ ملاحظه شخصی و تبعیض و تفاوت و تقدمی غیر از مبنای فضیلت و تقوی و عمل و لیاقت در کار باشد اما تقدمهایی مبنی بر فضیلت و تقوی و عمل باید وجود داشته باشد قران کریم نیز امتیازات مبتنی بر فضایل را به رسمیت می شناسد و می فرماید " : فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً " یعنی خداوند مجاهدان بر خانه نشینان را بر اجر عظیمی برتری داده است . بنابراین با توجه به مطالب فوق با مشاهده هر نوع امتیاز و تقدم در جامعه نمی توانیم آنرا از مصادیق تبعیض به شمار آوریم بلکه تبعیض موقعی تحقق پیدا می کند که تقدم و امتیاز در مورد شخصی بکار گرفته شود که شایسته و لایق آن نباشد . پس از روشن شدن معنای عدالت و تبعیض در پاسخ به سوال شما که فرموده بودید چرا در جامعه ما تبعیض زیاد است عرض می شود که پیدا شدن تبعیض و فاصله طبقاتی در جامعه از نظر اقتصادی به دلیل اختلاف سطح در آمدها و اختلاف ارزش خدمات که افراد جامعه ارائه می دهند و به دلیل اختلاف سطح علمی و مهارتهای فنی افراد با یکدیگر امر طبیعی است قران کریم در سوره مبارکه زخرف می فرماید " : ما هستیم که مایه معیشت و استعدادهای گوناگون را در میان مردم تقسیم کرده ایم تا در نتیجه ، اختلاف طبیعی در میان آنها پیدا شود و همین اختلاف و تفاوتها سبب می شود که بعضی افراد مسخر بعضی دیگر قرار گیرند و نظام اجتماعی زندگی بشر استوار شود " و این امر در همه جوامع بشری بدون استثناء وجود داشته و دارد اما آنچه مهم است وجود برنامه ریزی صحیح برای کم کردن این فاصله هاست تا این فاصله طبقاتی به حد متعادل و منطقی و عادلانه خود برسد و تبعیضات ناروا برطرف گردد که در این زمینه علیرغم وجود برنامه های مفید و موثر در مکتب اقتصادی اسلام و اجرا شدن بخشهایی از آن در جامعه به دلیل عملی نشدن بسیاری از این برنامه ها و گاه دامن زدن به این تبعیضات ناروا توسط بخش خصوصی و دستگاههای حکومتی شاهد نارساییهای موجود هستیم .و ریشه همه این تبعیضها فقدان فرهنگ عدالت و عدالت پذیری است و اگر این فرهنگ ایجاد شود برای رفع تبعیض نیاز به هیچ لایحه و مصوبه ای نداریم . بلکه مصوبه مجلس وجدان انسانها محکمترین مصوبه با ضمانت اجرایی ۱۰۰٪ می باشد . اما در حال حاضر برای حل مشکلات جامعه از جمله موارد فوق می توان از دو راه وارد شد : ۱- برنامه ریزی و عملکرد قاطعانه مسئولین کشور با توجه به تاکیدات فراوان و راه حلها و راه کارها توسط مقام معظم رهبری ۲- نظارت عمومی مردم بر وضعیت جامعه که در هر کجا فساد اداری ، تبعیض ، و مانند اینها دیدند نسبت به آنها بی تفاوت نبوده و از تذکر زبانی به افراد متخلّف کرفته تا گزارش و خبر گزاری پنهانی یا آشکار به مسئولین ذیربط و نهادی مراقب و برخورد کننده با تخلفات در هر نهاد و اداره . البته باید گفت این دو امر در کنار هم نتیجه مطلوب را خواهد داد و گرنه در صورتیکه برنامه ریزی مسئولین باشد اما مردم همکاری نکرده و اقدامی در جهت بهبود وضعیت موجود نکنند و فقط عیب کار را در عدم کنترل شایسته مسئولان ببینند و یا مسئولین برنامه ریزی قاطعانه ای در این زمینه نداشته و فقط عدم همکاری مردم را مسئول وضعیت نا مناسب موجود ببینند به جایی نخواهند رسید و مشکلات به قوت خود باقی خواهد ماند . با تشکر از شما دوست عزیز که وقت خود را صرف مطالعه این اوراق نمودید امیدواریم مطالب فوق تا حدی راهگشای مشکل شما بوده باشد .

در وضعیت کنونی که اقتصاد مملکت وضعیت بسیار بدی دارد و به نقل روایتی از پیامبر(که فرمودند " : از هردری که فقر وارد شود ازدر دیگر ایمان خارج می شود "مردم در فقر بسیار زیادی به سرمی برند واین باعث بدبین شدن افراد نسبت به دولت شده است،دراین باره توضیح دهید.

پرسش

در وضـیعت کنونی که اقتصاد مملکت وضـعیت بسـیار بـدی دارد و به نقل روایتی از پیامبر(که فرمودنـد " : از هردری که فقر وارد شود ازدر دیگر ایمان خارج می شود "مردم در فقر بسیار زیادی به سـرمی برنـد واین باعث بـدبین شدن افراد نسـبت به دولت شده است،دراین باره توضیح دهید.

پاسخ

اقتصاد کشور وضـعیت چنـدان بـدی ندارد. مشـکلات موجود بدلیل نابسامانی درامور اقتصادی است توزیع ناعادلانه ثروت، تبعیض اقتصـادی، رانت خـواری و ثروتهـای بـاد آورده برای عـده ای بـاعث شـده است که گروهـایی از مردم در فقر بسـر برده ومشـکلات معیشتی سختی داشته باشند. علیرغم تأکیدات مقام معظم رهبری درخصوص رسیدگی جدی به وضعیت اقتصادی مردم بویژه خدمت رسـانی به مردم در سـال ۸۲ متأسـفانه بخش هـایی از دولت و نیز اکثریت نماینـدگان مجلس بجای توجه به مشـکلات اصـلی مردم، گرفتار سـیاست زدگی وباندبازی شده و فرصت های طلایی را از دست داده اند وگرنه کشور ما دارای منابع غنی اقتصادی است که اگر بطور صـحیح اسـتفاده شود و درآمدها نیز عادلانه توزیع شود ونیز نظارت وبازرسی اساسی و دقیق بر روند استخراج منابع، تولید ومصـرف صورت بگیرد امید است که فاصله طبقاتی فقیر وغنی کم شود وقشر آسیب پذیرجامعه از فقر نجات یابند. در مورد بدبینی که حضـرتعالی فرمودید که مردم به دولت بدبین می شوند تا حدودی صحیح است اما دربعضی بخشها هم مردم حامی دولت ونظام و طرفـدارآن هسـتند چراکه مردم جامعه ما انسانهای فهیم وآگاهی هسـتند و می داننـد نبایـد تمام مشـکلات را به گردن تمام دولت نهاد. بخشـهایی از دولت ضـعیف عمل می کننـد وموجب نابسامانیهایی شـده اند که انتقاد مردم هم متوجه همان بخشـهاست نه همه دولت ونظام.

۱- چرا قانون گذاری به نفع آحاد مردم فراموش شده است؟

اشاره

۲- چرا تورم و بیکـاری مهـار نمی شود؟ ۳- و ۴- چرا جرم وجنـایت وفساد و رشوه خواری وسـرگردانی مردم در ادارات زیاد شـده است؟ چرا پارتی و تبعیض زیاد شده است؟

پرسش

۱- چرا قـانون گـذاری به نفع آحاد مردم فراموش شـده است؟ ۲- چرا تورم و بیکـاری مهـار نمی شود؟ ۳- و ۴- چرا جرم وجنایت وفساد و رشوه خواری وسرگردانی مردم در ادارات زیاد شده است؟ چرا پارتی و تبعیض زیاد شده است؟

پاسخ

۱- مرجع قانوگـذاری در کشور مجلس شورای اسـلامی است که با رأی مسـتقیم مردم انتخاب می شونـد و عمدتاً قوانین مصوب در مجلس بدنبال رفع مشـکلات و تأمین منافع مردم می باشد، آنچه می تواند مورد نقد باشد متأسـفانه عدم اولویت بندی درست درامر قانونگـذاری و تـأمین منافع مردم است که بعضاً بخاطر بازیهای سیاسـی بین احزاب و گروهها و رقابتهای بانـدی و حزبی صورت می گیرد بگـونه ای که این رقابتهـای ناسـالم خـدمات واقعی راهم زیر سـؤال می برد بهرحـال نماینـدگان مجلس ونوع نگاهشـان به امر

قانونگذاری امری است وبه قولی آشی است که در پختن آن آراء هر یک از افراد جامعه نقش دارد، وبایستی در هنگام انتخابات درست توجه کنیم که چه کسی را با آراء خود به مجلس می فرستیم. قبل از هر چیز لازم است بدانیم که این مشکل خاص جمهوری اسلامی نیست و مشکل تورم و بیکاری حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی به عنوان یک مسأله و معضل مورد توجه است رشد صنعت و زندگی مصرفی و انتظار رفاه هر چه بیشتر عمدهٔ زندگی ها را با انتظارات فزاینده روبرو کرده و از طرفی محدودیتهای اقتصاد کشور و جوان بودن جمعیت کشور که هر سال جمع زیادی را به متقاضیان کار می افزاید از مشکلاتی است که هر چه تلاش صورت می گیرد باز ورود افراد جدید به جمع متقاضیان کار در حقیقت مشکل همچنان باقی می ماند. کنترل جمعیت از مواردی بوده است که متأسفانه در کشور ما جدی گرفته نشده است و لذا نتیجه آن شده است که در طول ۲۵ سال پس از انقلاب، جمعیت کشور، دو برابر شده که تورم و بیکاری یکی از پی آمدهای امروز آن است . ۳- و ۴- مواردی مانند رشوه خواری و پارتی بازی و تبعیض و فساد اداری دارای ریشه ها و عوامل مختلفی است از مشکلات فرهنگی گرفته تا مشکلات اقتصادی و ناتوانی های مدیریتی و قضائی و... که هر یک می تواند بصورت جداگانه علت این مسائل باشد. متأسفانه در دوران پس از جنگ که برنامه های دولت در جهت توسعه اقتصادی و بازسازی اقتصادی کشور شد لازمهٔ این شرایط وارد شدن سرمایه به جامعه و دنبال سرمایه رفتن بود و رفته رفته بجای ارزشهای انقلاب آنچه که در جامعه تبلیغ شد و می شود مصرف زدگی و رفاه زدگی به جای زندگی سالم و ارزشی است زیرا تولید زیاد نیازمند مصرف کننده است و چون شرایط اقتصادی کشور پاسخگوی نیازهای عمومی نیست. عده ای برای رسیدن به رفاه هر چه بیشتر آلودهٔ به مفاسد اداری و رشوه خواری شده وعده ای بدلیل ناتوانی از رسیدن به این امکانات است به جرم و جنایت می زنند و این از مشکلاتی است که بارها مقام معظم رهبری به مسؤولین امر توصیه کرده اند و امسال را نیز به نام سال خدمات رسانی به مردم نامگذاری کردند و در هفته دولت نیز یکی از مطالباتی که ایشان از دولت مطرح فرمودند رسیدگی به همین امور بود.

برای ایستادگی درمقابل آمریکا، انسجام و وحدت ملی لازم است که مهمترین زمینه ایجاد آن عدالت اجتماعی است، ولی عملاً جز تبعیض وبی عدالتی نمی بینیم که نتیجه آن ناهنجاری فحشا وسرکشی وبیهودگی است واز بین رفتن انگیزه برای منافع ملی پس در چه راهی می شود درمقابل د

پرسش

برای ایستادگی درمقابل آمریکا، انسجام و وحدت ملی لازم است که مهمترین زمینه ایجاد آن عدالت اجتماعی است، ولی عملاً جز تبعیض وبی عدالتی نمی بینیم که نتیجه آن ناهنجاری فحشا وسرکشی وبیهودگی است واز بین رفتن انگیزه برای منافع ملی پس در چه راهی می شود درمقابل دشمن ایستاد؟

پاسخ

همانطور که مقام معظم رهبری درسخنرانی های اخیر خودشان دروارمین و دیدار با نمایندگان مجلس وغیره مکرراً تأکید فرمودند حقیقت مطلب همین است که بهترین وضروری ترین کار وبرنامه برای ایستادن دربرابر توطئه ها وتهدیدات آمریکا، همین است که ملت ایران انسجام ویکپارچگی خود و وحدت کلمه را حفظ کنند ومسؤلین ودولتمردان برای راضی نگه داشن این مردم و حفظ پایگاه مردمی نظام، واقعاً به مردم صبور وغیرتمند ومسلمان ایران خدمت نمایند. وقتی دولتمردان ومسؤلین نظام درکنار مردم باشند وهمه با هم اتحاد داشته باشند هیچ جای نگرانی وجود ندارد.

نقش جامعه در قبال بعضی مسئولین که با سوء استفاده از مسئولیت از رانت های ویژۀ اقتصادی استفاده می نمایند که بعضاً زیر نظر مقام معظم رهبری می باشند چه می باشد؟آیا برخورد با این رانت خواری ها موجب دلگرم شدن مردم نسبت به نظام می باشد؟

پرسش

نقش جامعه در قبال بعضی مسئولین که با سوء استفاده از مسئولیت از رانت های ویژۀ اقتصادی استفاده می نمایند که بعضاً زیر نظر مقام معظم رهبری می باشند چه می باشد؟آیا برخورد با این رانت خواری ها موجب دلگرم شدن مردم نسبت به نظام می باشد؟

پاسخ

بر خلاف گفته های بعضی از گروه ها، نهادهایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند به دلیل اهمیت مسأله بیشتر تحت نظارت هستند. علاوه بر نظارت سازمانهای نظارتی دولت، مجلس و قوۀ قضائیه، از طرف واحد بازرسی دفتر مقام معظم رهبری هم مورد بازرسی قرار می گیرند و تأکید ایشان این است که بدون ملاحظه با افرادی که از موقعیت خویش سوءاستفاده می کنند برخورد شود. مثلاً در جریان پروندۀ شهرام جزایری که بعضی افراد متهم بودند به مقام معظم رهبری نامه نوشتند که ایشان کاری بکنند، قبول نکردند و فرمودند بایستی طبق قانون پی گیری شود. در نهایت باید گفت : نظارت مردم بر عملکرد مسئولین وظیفه فرد فرد مردم است و برای پیشرفت جامعه ضروری و لازم است.

نگرانی شما و ما در رابطه با انتخابات مجلس هفتم بیشتر ریشه درعملکرد مسئولین دارد که در چند ساله اخیر برملا شده (فساد اقتصادی، جریان آقازاده ها و...) آیا برای اصلاح مسئولین و پاسخگویی روش آنها، فکری شده است؟

پرسش

نگرانی شما و ما در رابطه با انتخابات مجلس هفتم بیشتر ریشه درعملکرد مسئولین دارد که در چند ساله اخیر برملا شده (فساد اقتصادی، جریان آقازاده ها و...) آیا برای اصلاح مسئولین و پاسخگویی روش آنها، فکری شده است؟

پاسخ

بر خلاف گفته های بعضی از گروه ها، نهادهایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند به دلیل اهمیت مسأله بیشتر تحت نظارت هستند. علاوه بر نظارت سازمانهای نظارتی دولت، مجلس و قوۀ قضائیه، از طرف واحد بازرسی دفتر مقام معظم رهبری هم مورد بازرسی قرار می گیرند و تأکید ایشان این است که بدون ملاحظه با افرادی که از موقعیت خویش سوءاستفاده می کنند برخورد شود. مثلاً در جریان پروندۀ شهرام جزایری که بعضی افراد متهم بودند به مقام معظم رهبری نامه نوشتند که ایشان کاری بکنند، قبول نکردند و فرمودند بایستی طبق قانون پی گیری شود. در نهایت باید گفت : نظارت مردم بر عملکرد مسئولین وظیفه فرد فرد مردم است و برای پیشرفت جامعه ضروری و لازم است.

چرا استعدادهایی که در این مملکت هستند حمایت نمی کنید و آنها را می کشید و خفه می کنید؟ ما نخبگانی داریم که می توانند این مملکت را به اوج اعلاء برسانند ولی حمایت نمی شوند، به همین دلیل است که بیشترین آمار فرار مغزها را در جهان، ایران دارد.

پرسش

چرا استعدادهایی که در این مملکت هستند حمایت نمی کنید و آنها را می کشید و خفه می کنید؟ ما نخبگانی داریم که می توانند این مملکت را به اوج اعلاء برسانند ولی حمایت نمی شوند، به همین دلیل است که بیشترین آمار فرار مغزها را در جهان، ایران دارد.

پاسخ

آنچه عقل و منطق و بویژه شرع مقدس ما را به آن توصیه می کند آن است که در قضاوتهای خود در مورد موضوعات مختلف منصفانه و عادلانه قضاوت کنیم. طرح سئوا ل با این عبارات نشانه نوعی پیش داوری عجولانه و قضاوتی غیر منطقی است. بخش اول عبارت را که مدعی عدم حمایت از استعدادها و حتی کشتن و خفه کردن استعدادهاست جالب توجه است چون صرفاً یک ادعا است و سئوال کنندهٔ محترم بایستی دلیلی بر صحت مدعای خود بیاورند اما پاسخی که می توان در رد این ادعا ارائه داد حداقل این است که یک مقایسه ای بین وضعیت امروز جامعه با گذشته داشته باشند در تمامی زمینه ها جمهوری اسلامی زمینهٔ بروز استعدادها و شکوفائی آنها را فراهم کرده است. کشوری که قبل از پیروزی انقلاب وحتی پس از پیروزی انقلاب حتی در شهرستانها و مراکز استان از پزشکهای عمومی هندی و پاکستانی و...برای تأمین کادر پزشکی بیمارستانها استفاده می کرد امروز در دورترین روستاها از پزشکان ایرانی استفاده کرده و حتی مشکل ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلان این رشته را دارد و به مرکزی قابل اعتبار برای عملهای جراحی مهم در سطح منطقه تبدیل شده است. کشوری که حتی آسفالت جاده هایش را بایستی ایتالیایی ها و یا کشورهای خارجی دیگر انجام می دادند امروز به لحاظ فن آوری توسط مهندسین خود بزرگترین اتوبهانهای کشور، خطوط راه آهن، شهرهای بزرگ، پالایشگاهها و نیروگاههای برق و...را توسط متخصصان داخلی خود به بهره برداری می رساند و کشوری که در ابتدای جنگ حتی برای سیم خاردار ، گلوله آرپی جی خود محتاج خارج بود امروز به حدی از خودکفائی رسیده است که موشکهای شهاب۳ آن خواب را از چشم صهیونیستها ربوده است و امروز در علوم هسته ای به جایگاهی رسیده است که این توانایی به عنوان یک عامل مهم اختلاف بین ایران و قدرتهای اتمی بویژه آمریکا شده است وهمه این پیشرفتها در شرایطی صورت گرفته است که همیشه در معرض تهاجم خارجی و محاصره اقتصادی و فشارهای گوناگون داخلی و خارجی از سوی آمریکا و نوکران منطقه ایش بوده ایم. در سال ۷۱ تورگرت اوزال رئیس جمهور وقت ترکیه در یک مؤسسه تحقیقاتی درآمریکا در پاسخ به سؤالی پیرامون خطر صدور انقلاب ایران به ترکیه مطلب جالبی را در رد این خطر بیان کرد که قابل توجه است او گفت : در سال ۵۶ ایران سالانه ۲۵ میلیارد دلار درآمد نفتی و حدود ۳۵ میلیون جمعیت داشت، امروز که من (تورگرت اوزال) با شما صحبت می کنم ایران ۵/۱۲ میلیارد دلار درآمد نفتی و حدود شصت میلیون جمعیت دارد یعنی درآمدش نصف وجمعیتش دو برابر شده است مضاف بر اینکه از جنگی فارغ شده است که به ادعای ایران هزار میلیارد دلار خسارت و به ادعای سازمان ملل صد میلیارد خسارت وارد شده و امروز دشمنان بزرگی چون آمریکا و اسرائیل دارد که قبل از انقلاب حامی ایران بودند با این وضعیت که ایران دارد نمی تواند خطری برای ترکیه داشته باشد به لحاظ صدور انقلاب، اگر چه پیروزی اسلامگرایان در سالهای بعد در ترکیه با طل بودن این تحلیل را ثابت کرد اما صحبت وی از این جهت قابل توجه است که اگر منصفانه قضاوت کنیم کشوری که امروز با حدود هفتاد میلیون جمعیت و درآمد نفتی حدود ۱۷ میلیاد دلار (با توجه به تورم جهانی که ارزش دلار با ۲۵ سال قبل بسیار متفاوت است و پایین تر آمده است) همهٔ این پیشرفتها درعلم و صنعت و کشاورزی و...ناشی از بروز استعدادها و کمک گرفتن ازآنها در ادارهٔ کشور بوده است اگر چه باید پذیرفت که به علل مختلف فرهنگی واقتصادی و بعضاً تصمیمات غلط مدیریتی مشکلاتی پیش آمده است که بهتر از این می شد از استعدادها استفاده کرد.

چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوق گزافی می گیرند درحالی که این همه مردم فقیر وگرسنه هستند؟چه قانونی است؟آیا اسلام اجازه می دهد؟

پرسش

چرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوق گزافی می گیرند درحالی که این همه مردم فقیر وگرسنه هستند؟چه قانونی است؟آیا اسلام اجازه می دهد؟

پاسخ

آنچه از منابع اسلامی استفاده می شود، مخصوصاً سیرهٔ عملی پیامبر اکرم"ص "وامیر المؤمنین علی"ع "در زمان خلافت وحکومت اسلامی خودشان با کمترین امکانات مادی زندگی می کردند تا با محروم ترین افراد جامعه همدردی کرده باشند وفقرآنها آزارشان ندهد و برایشان بهتر قابل تحمل باشد. این نظر اسلام است. البته در میزان حقوق عوامل حکومتی درهمین منابع اسلامی سفارشاتی شده است که حساسیت مشاغل ملاحظه شود تا افراد خدای نکرده بخاطر تأمین نشدن زندگیشان آلوده به رشوه وتخلفات مالی نشوند. (مانند قضات نیروهای مسلح و...).در مجموع باید عرض کرد در بین همین نمایندگان افرادی هم هستند که این موضوع را فوق العاده رعایت می کنند وبخاطر اینکه از منابع دیگر هزینه زندگیشان تأمین می شود از حقوق مجلس استفاده نمی کنند(مانند آقای دکتر حداد عادل و چند نفر دیگر). ودرنهایت استفاده از حقوق بیت المال حتی الامکان باید به مقدار ضرورت و اقتضای کار و حساسیت و اهمیت شغل کارگزاران ومطابق قوانین اسلامی وجاری کشور باشد والا قابل توجیه نیست. آنچه دراینجا قابل ذکر است این است که انجام وظائف خطیرنمایندگی مردم مستلزم مقدماتی است که گاهی وصول به این اهداف همراه با هزینه ها ومخارجی است. بطور مثال یک نمایندهٔ مجلس برای سکونت در تهران واياب و ذهاب به شهرستان محل انتخاب خود وایجاد دفتر برای سهولت ارتباط با مردم متحمل هزینه هایی می شود که اگر مساعدت مالی صورت نگیرد حقیقتاً انجام این وظائف درمخاطره قرار می گیرد. تاکنون از سوی مراجع قانونی و سازمان بازرسی کل کشور تخلف قابل توجهی در این خصوص گزارش نشده است.

با توجه به قدرت نفوذ پول سرمایه داران چطور می شود از بوجود آمدن برخی معضلات اجتماعی وتشنج علیه نظام جلوگیری نمود؟

پرسش

با توجه به قدرت نفوذ پول سرمایه داران چطور می شود از بوجود آمدن برخی معضلات اجتماعی وتشنج علیه نظام جلوگیری نمود؟

پاسخ

ذکر این مطلب ضروری است که وجود چنین دغدغه هایی دربین جوانان قابل تقدیر است , مفاسد اقتصادی غده های چرکینی دراندام جامعه اند که باید هر عضوی ازاعضای جامعه نسبت به آنها احساسی نظیر شما داشته باشد . د رپاسخ نکاتی چند به عرض می رسد . همه ما شاهد تاکیدات مکرر مقام معظم رهبری دررابطه با مبارزه اساسی با فقر وفساد و تبعیض بوده و هستیم . اما متاسفانه ثمرات عملی کار مطابق با انتظار وواقع نبوده است .گویا اندامی مجری این فرامین اساسی است که خود دچار ضعف و

سستی است . این امر حکایت از نفوذ عناصری د رپیکر تشکیلات نظام مقدس ما می کند که جز به خود ومنافع خود نمی اندیشند . واین عناصر به نحوی جریان این مبارزه را یا کند می کند یا خدای ناکرده با مانع مواجه می نماید . از این روی به نظر می رسد ازطریق راههای ذیل این مبارزه تشدید گردد . ۱- تقویت ابوذرهای زمان , کسانی که بادید روشن وروحیه ای مخلصانه و پاک به افشاگری نسبت به اشخاص وجریان های مفسد از لحاظ اقتصادی واجتماعی می پردازند . ۲- گسترش جریان فوق , یا تقویت آنها از طریق روزنامه ها یا لااقل برخی از آنها , روزنامه ها که حلقه ارتباطی عموم با مسائل هستند هم درشناسایی هم درافشاء مفاسد وهم مراحل بعدی بایستی جدی تر وارد عمل شوند . ۳- نهضتی مردمی درمقابله با مفاسد اجتماعی واقتصادی که این امر می تواند با شروع از جریانات دانشجویی , بومی و... آغاز گردد . منتهی مطالبه اصلی دراین جریانات مبارزه وتشدید آن با مفاسد است , درمرحل تکمیلی رسیدن محتوای این مبارزه درراهپیماییهای ملی وانقلابی نظیر راه پیمایی ۲۲ بهمن و... است به گونه ای که حرکت مردم لرزه به پیکر مسامحه کاران بیاندازد وبا این جریان خودجوش , تحقق فرامین رهبر معظم انقلاب جامه عمل به خود بپوشاند. البته دراین میان نکته دیگری نیزهست وآن اینکه قدرت خدای متعال وتقدیراو بی تردیدازحرکت پاک انقلاب اسلامی حمایت کرده وبه هر شکلی که صلاح حضرت حق باشد این جریان که درحال حاضر مانع اصلی اشائه معنویت درعالم است سرکوب خواهند شد .چرا که این انقلاب با خون شهدای بسیاری بیمه شده است وبا خود , دعای صالحان واولیاء خدا را دارد .

چرا دولت شغل برای جوانان ایجاد نمی کند من که در کارهای خیر هستم می بینم ازدواج برای جوانها کم شد و فحشاء زیاد، شما را به خدا به مسئولین بگویید برای جوانها شغل ایجاد کنند تا جوانها نترستند و ازدواج کنند؟

پرسش

چرا دولت شغل برای جوانان ایجاد نمی کند من که در کارهای خیر هستم می بینم ازدواج برای جوانها کم شد و فحشاء زیاد، شما را به خدا به مسئولین بگویید برای جوانها شغل ایجاد کنند تا جوانها نترستند و ازدواج کنند؟

پاسخ

مشکل بیکاری که یکی از معضلات جامعه جوان کشورمان است، بارها رهبر بزرگوار انقلاب ودیگر مسئولان نظام بر حل آن تأکید داشته اند و در برنامه های توسعه اقتصادی کشور و طرح ضربتی اشتغال که اخیراً مطرح شده است به دنبال ارائه کار کارشناسی برای حل این مشکل هستند چنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند" : اگر به برنامه ریزی لازم فکر کنند و برای نسلی که دارد از راه می رسد، در جامعه جا باز نکنند، چه پیش می آید؟ یک لشگر بیکار وبی توان روی دست ملت می ماند نه احساس امیدی، نه احساس شوق وشوری، نه آینده یی نه زبانی برای ابراز غرور نسبت به میهن خود، ونه اصلاً غروری البته این کمترینش است که گفتیم از این بدتر هم فرضهایی وجود دارد. همه مسئولند، هم برنامه ریزان هم مجریان وهم متصدیان رسانه ها، صدا وسیما هم مسئول است، روزنامه ها هم مسئولند" ".۱ "بنابراین همانطور که مشاهده می کنید رهبر معظم انقلاب به این مشکل واقف بوده و در موارد مختلف تأکید بر حل این مشکل داشته اند اما برای اینکه توصیه های رهبری به ظهور برسد ملت، دولت، مجلس و طبق سخن مقام معظم رهبری همه مسئولند و باید در این راه جدیت و تلاش کنند. مردم باید با انتخاب افراد لایق و شایسته بعنوان نماینده مجلس اعضای شورای شهر و رئیس جمهور در این راه قدم بردارند و از طرف دیگر نمایندگان مجلس، رئیس جمهور و وزراء انتخابی ایشان و بطور کلی مسئولین نظام در تحقق توصیه های رهبری قدمهای عملی بردارند. سؤال کننده محترم، وظیفه من وشما و سایر مردم این است که وظایف نهادهای مربوطه در این امر را به آنان گوشزد کنیم واگر نواقصی به چشم می

خورد تذکر دهیم و در واقع آنچه مصوب مجلس است و وظیفهٔ نهادهای دولتی مطالبه نماییم البته به چشم اصلاح بین و زبان خیرخواه تا خدای ناکرده خود این وظیفهٔ مردمی تبدیل به یک معضل و مشکل جدید برای نظام و مردم نشود. البته باید عرض کنیم طبق بیان رهبر عزیزمان" مشکل اقتصاد کشور قابل حل است و برنامه های قابل قبولی هم در این زمینه فراهم شده است" ".۲ "و طبق آماری که ستاد اشتغال اعلام کرده اند تعداد شغلهای زیادی در کشور ایجاد شده و کارهای خوبی نیز در دست اجرا می باشد. اما در خصوص ازدواج نکردن جوانان بایدگفت بخشی از این مشکل بر اثر بیکاری است اما این مشکل علتهای دیگری دارد که از آن جمله ضعف اعتقاد دیدگاههای غلط درباب ازدواج و تجمل گرایی می باشد. امام خمینی"ره "در این رابطه می فرمایند : "سزاوارنیست که فقر و احتیاج مانع از ازدواج باشد، بعد از آنکه خدای عزوجل وعده فرموده که غنی می کند وگشایش در زندگی می بخشد به قول خودش"اگر فقیرباشند خداوند ایشان را از فضلش غنی می کند" "ان یکونوا فقراءً و یغنهم الله من فضله" (سوره نور/۳۲) پس از پیغمبر(است که" : کسی که ازدواج را به خاطر ترس از احتیاج ترک نماید تحقیقاً بدگمان به خدای عزوجل شده است" ".۳ "بنابراین ترس از ازدواج ریشه در اعتقاد شخصی افراد دارد و همچنین موانعی که خود خانواده ها بر سر راه ازدواج جوانان ایجاد می کنند، مثل مخارج سنگین جشن ازدواج، تجمل گرایی، اسرافها، مهریه های بالا که این موانع با ایجاد فرهنگ صحیح قابل حل می باشد، بنابراین ایجاد اشتغال تنها کافی برای ترغیب جوانان به ازدواج نمی باشد. در سؤالتان اشاره به فحشاء کرده بودید و خواسته بودید با ایجاد اشتغال و ازدواج جوانان این مشکل حل شود قابل ذکر است. ازدواج یکی از راههای کنترل فحشاء است. عمدهٔجلوگیری از فحشاء در جامعه، رعایت عفت واخلاق جنسی است که اگر این مسأله رعایت نشود فحشاء دامن افراد متأهل را نیز گرفته به کام خود فرود می برد کما اینکه در جامعه مشکلات زیادی از جانب افرادی است که ازدواج کرده اند اما بدلیل رعایت نکردن حجاب و عفت و نداشتن اخلاق جنسی و همچنین عدم تربیت صحیح فرزندانشان از لحاظ جنسی مشکلات زیادی در جامعه ایجاد شده است. (۱) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب،ص ۳۷۲و۲۲۶و۲۲۵ (۲) پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب،ص ۳۷۲و۲۲۶و۲۲۵ تحریرالوسیله امام خمینی"ره"،"ج۳،ص ۴۲۰

۱- چرا وقتی که ازآدمهای(نسبتاً) فهمیده می پرسیم ثبت نام درحوزه علمیه به نظر شما چه طوری است، تعداد زیادی ازآنها جوابشان منفی است واز سخت بودن درسها وبه تضعیف کردن فرد می پردازند وروحیه فرد را نسبت به آن تضعیف می کنند به نظر شماگفته های ایشان قابل قبول است

پرسش

۱- چرا وقتی که ازآدمهای(نسبتاً) فهمیده می پرسیم ثبت نام درحوزه علمیه به نظر شما چه طوری است، تعداد زیادی ازآنها جوابشان منفی است واز سخت بودن درسها وبه تضعیف کردن فرد می پردازند وروحیه فرد را نسبت به آن تضعیف می کنند به نظر شماگفته های ایشان قابل قبول است؟ ۲- مردم سلحشور ما انقلاب کردند که مردم جامعه از کارگر و رئیس همه از نظر احترام و ثروت نسبتاً با هم برابر باشند اما برعکس تضاد طبقاتی و بی حجابی درجامعه امروزی بسیار زیاد شده وکسی نیست به آنها کوچکترین اعتراضی بکند ۳- آیا نگاه کردن تلویزیون حرام است یا خیر؟

پاسخ

۱)درمورد سوال اول شما باید عرض کرد که این گفته های انسانهای بزرگوار درمورد حوزه، تماماً یا اکثر آنها قابل قبول است، زیرا که این بزرگواران این راه را رفته وتا حدود زیادی به سختیهای آن واقفند وفرموده های این عزیزان به هیچ وجه برای تضعیف افراد

ونهـاد حوزه نیست، بلکه برای این است که روحیه داوطلبان حوزه را قوی نماینـد وبرای مشـکلات بی‌شـماری که در این راه ممکن است پیش بیایـد مهیا باشد ـ حرمت آن را نگه دارد وبا تمام وجود از آن تبعیت کند حتی جانش را دراین راه بدهد. واقعاً مسـئولیت روحانیت بسـیار دشوار است به خاطر اینکه خدای عزوجل این مسـئولیت خطیر را برعهده آنان گذاشته و وظیفهٔ رساندن دینش را به آنـان سپرده است، پس بایـد به وظیفـهٔ خود بـا تمـام وجود عمـل کننـد و گرنه خیـانت درامـانت کرده انـد" ان ا...یأمرکم أن تؤدوا الأمانـات الی أهلها""۱ "روحـانی به عنوان عـالم دین وحامـل امانت انبیاء(علیهم السـلام) مسـئول هـدایت مردم است، وظیفه ای که پیامبران وائمه اطهار(علیهم السـلام)داشتند، درزمان غیبت برعهدهٔ روحانیت است ویک فرد روحانی نباید از این امر شانه خالی کند. روحانی پاسدار ولایت وحریم ارزشـهاست، روحانی وارث انبیاست"العلماء ورثه الانبیاء" "...۲"این نعمت با عظمت را خدای متعال فقط به آنان ارزانی داشـته است . حال با این وجود بایـدگفت : دوست عزیز! هر چند که این راه شـریفترین وعاشـقانه ترین مسـلک است، اما هرکسـی نبایـد وارد این سـلک شود، بایـد کسـی وارد شود که عاشق این لباس وعاشق خدمت به مردم وامام زمان ارواحنا فـداه باشـد که تمام جوانب این کار را درنظر گرفته وخود را برای تمام سـختیهایش آماده کرده باشد، خلاصه باید کسـی وارد شود که بـا تمـام وجود حرمت این لباس را نگه دارد، وگرنه هم خود زیان کار می‌شود وهم گروهی راگمراه وزیانکار خواهـد کرد".۳" ۲) در مورد سؤال دوم شما نکات زیر قابل توجه می باشد : الف ـ اینکه فرمودید کسی نیست که به آنها کوچکترین اعتراضی بکند، قابل قبول نمی باشـد، زیرا بسـیاری از بزرگان و فضـلاء، خصوصاً پرچمـدار انقلاب اسـلامی مقام معظم رهبری(حفظه ا...) درمقاطع مختلف به این مسائـل و مشـکلات اشـاره کرده وبارهـا به گوش مردم خصوصاً مسـئولین، این مشـکلات را رسانـده انـد ودرباره آن هشـدار داده انـد . بطور مثـال مقـام معظم رهبری در چنـد سـخنرانی مهم به این امور اشاره کرده نـد از جمله : ا)در دیـدار جمعی از جوانـان با مقام معظم رهبری (حفظه ا...) ۱۳/۱۱/۷۷، ۲)دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان ۷/۲/۷۷ ، ۳) روز عید غدیردراجتماع زائران حضرت امام رضا(ع)۶/۱/۷۹، ۴) دیدار با بسیجیان استان خراسان ۱۰/۶/۷۸ ۵) دیدار کنندگان و معلمان ۱۴/۲/۷۹ ، ۶) دیدار ازدانشـگاه صنعتی شریف ۱/۹/۷۸ ، ۷)کتـاب شـریف حـدیث ولایـت و... ب ـ بـا قبول اینکه درجـامعه فساد وتضاد طبقاتی و رانت خواری وبی حجابی و... وجود دارد، نباید آنرا طوری وانمود کرد که حالت یأس وناامیدی حاکم شود باید با تذکروبه حکم سازندهٔ امربه معروف ونهی ازمنکر ازمفاسـد پیشـگیری نمود. درمورد عوامـل ترویـج انحراف می توان به دلائـل ذیـل اشـاره کرد : ۱.تهاجم فرهنگی، با تمام وسائل ممکن وپیشـرفته درجهت ناکارآمـد نشان دادن انقلاب ۲. فساد مالی وسوءاسـتفاده های مالی ورانت خواری بعضی افراد واحزاب ۳. سوءتدبیر در بعضی از عملکردهای مسئولین ۴. رواج سیاست زدگی درابعاد جامعه وفراموش کردن طبقات محروم ومستضعف و پابرهنه ۵. اشرافیگری بعضی افراد وفاصلهٔ عمیق طبقاتی"۴ "امیدواریم باتلاش مسئولین دلسوز ومردم علاقمند به نظـام وتوجه به فرمایشـات حکیمـانه رهبر معظم انقلاب(حفظه‌ا...) وهمچنین تلاش پیگیر قشـر تحصـیل کرده خصوصاً روحانیون ودانشجویان، کشورما براین مشکلات فائق آید، انشاءا... ۳) درمورد سؤال سوم شما باید گفت که نگاه کردن به تلویزیون جمهوری اسـلامی ایران فی نفسه اشکالی ندارد مگر اینکه مفسده ای برآن مترتب شود".۵ "تفصیل آنرامی توان درکتب فقهی جستجو نمود. (۱) نساء/۵۸ (۲) وسائل الشیعه، ج۲۷، باب ۸، ص ۷۸ (۳) با استفاده از کتاب مباحثی دربارهٔ حوزه آیت ا... مصباح یزدی(حفظه ا...) ص۶۶و۶۷ (۴) با اسـتفاده ازکتاب پرسـش وپاسـخ ازمحضـر رهبر معظم انقلاب اسـلامی (حفظه ا...) موسسه فرهنگی قدر ولایت با استفاده از کتاب احکام روابط زن ومرد، سید مسعود معصومی، ص ۷۵ به بعد

چرا کسی به فکر ازدواج جوانان نیست؟ حتی همین وام اندک ازدواج را هم کسی که پارتی ندارد نمی تواند بگیرد. برای گرفتن وام چه باید کرد؟

پرسش

چرا کسی به فکر ازدواج جوانان نیست؟ حتی همین وام انـدک ازدواج را هم کسـی که پارتی ندارد نمی تواند بگیرد. برای گرفتن وام چه باید کرد؟

پاسخ

پیامبر بزرگوار اسـلام، حضـرت رسول اکرم(فرمود" : سه چیز نشانهٔ سعادت انسان است، زن پارسا، مرکب راهوار و خانهٔ وسیع("۱) ویل دورانت، فیلسوف مشـهور فرانسوی می گوید" : تشـکیل خانواده راهی برای جاودان ماندن انسان است، از این رو در میان بشر، خانواده اساسـی ترین بنیان است ("۲.) دوست عزیز، امر عظیم ازدواج از دیربـاز از دیـدگاه ادیان و مکاتب و جوامع مختلف، دارای اهمیت و ارزش فوق العاده ای بوده است؛ و یکی از مهم ترین انتخاب های انسان در دوران حیات بشمار می رفته است. این امر مهم امروزه بـا دشواری هـای مضـاعفی روبرو گشـته است. تبـدیل جامعه کشاورزی به صـنعتی، و زنـدگی ایلی و روسـتایی به شـهری، و افزایش تجملات و هزینه های جانبی و غیرضـروری زنـدگی و ازدواج، پیـدا کردن شـغل و درآمد مناسب، ادامه تحصـیل و ...، همه مسایلی است که در این انتخاب سرنوشت ساز انسانی مؤثر است. دوست گرامی، اگر چه وام ازدواج تا حدود اندکی می تواند برای جوانان رهگشا باشد، ولی باید دانست که تنها مشـکل بر سـرراه ازدواج جوانان فقط وام نیست، مشـکلات عمده دیگری وجود دارد کـه این انتخـاب مقـدس را دچـار نوسـان و بحران سـاخته است. افزایش جمعیت نامتعـادل ایران در سالهـای پس از پیروزی انقلاب اسـلامی، در شـرایط کنونی فشار مضاعفی بر پیکره دولت و جامعه وارد می سازد. کودکان سالهای پس از پیروزی انقلاب اسـلامی هم اکنون جوانان برومندی شده اند، که به انتظار شغل و مسکن و ازدواج نشده اند، و مشکلات مسکن و شغل و ازدواج برای اولیاء و مسؤولاـن کشـور هم حـالت بحرانی به خـود گرفته است. جـوانی که صـاحب درآمـد نشـده است، و از شـغلی که بتوانـد زنـدگی متوسـطی را اداره کنـد برخوردار نیست، چگونه می توانـد تن به ازدواج بدهد؟ گیرم مشـکل وام ازدواج حل بشود، اگر وام گیرنده صاحب درآمـد نباشـد تا بتواند اقساط وام را بازپرداخت نماید، چه اتفاقی خواهد افتاد مشـکل عمده دیگری که برای برخی جوانان مانع از تشـکیل خانواده است، نداشـتن مسکن مناسب است؛ هر چند اگر مشکل اولیه (داشتن شغل) برطرف شود، شاید بتوان مشکل مسکن را با اجاره حل کرد. و مشکل دیگری که بر سر راه جوانان در امر ازدواج جلوه گر است، رقابت های سنگین و کمرشکن در تعیین مهریه، و برگزاری مجالس پرخرج و پرهزینه ای است، که بسـیاری از آنها هیچ نفعی به حال زوجین جوان ندارد، و چیزی جز چشم و هم چشـمی نیست. بنابراین برای حل مشـکل ازدواج به نظر ما قبل از هر چیز بایـد جوان شـغل مناسب با درآمـد مُکْفی برای خودش دست و پـا کنـد، اگر این امر محقق شود، می توانـد اقـدام به ازدواج نمایـد؛ و بـا توکل بر ذات حق که ارتزاق بنـدگانش را متعهد شده است، بقیه مشـکلات هم انشاءا... به مرور مرتفع می شود. در خصوص وام نیز درست است که شرایط سخت است، ـ که امیـدواریم سازمان ملی جوانان بتوانـد چاره اندیشـی نمایـد ـ ولی راه آن این است که پس از ثبت ازدواج، با ارایه مـدرک (فتوکپی قباله) به یکی از بانک ها درخواست وام داده بشود تا در نوبت اخـذ وام قرار گیریـد. البته این درخواست باید سـریع صورت گیرد و بین زمان ازدواج و درخواست وام فاصـله زیادی نباشد. نکته دیگری که درباره ساده کردن و سـهل نمودن ازدواج می توان پیشنهاد کرد، این است که دختر یا پسـر پس از این که احساس کردند نیازمند به ازدواج هسـتند، حتی اگر سایر شرایط مثل مسکن و شغل و ...فراهم نبود، اقـدام به ازدواج نماینـد، تا به صورت رسـمی زن و شوهر بشونـد ولی زندگی مشترک خودشان را پس از فراهم شدن حـداقل هـای لاـزم آغـاز کننـد، و تـا آن زمـان هر دو در منزل والـدین خودشـان باشـند (اسـتمرار دوران عقـد تـا عروسـی).

منابع و مآخذ : ۱. راهنمای انسانیت،(ترجمه موضوعی نهج البلاغه)،فرید تنکابنی،ص۳۸۱ تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی،ص۴۳۷

چرا اینقدر گدا کنار خیابان و کوچه ها است؟

پرسش

چرا اینقدر گدا کنار خیابان و کوچه ها است؟

پاسخ

اما اصولاً ـ فقر و ناداری ما علل و عوامل متعدد و مختلفی دارد، که یکی از عوامل مهم آن وجود شکاف طبقاتی در جامعه است. وقتی زمینه و شرایط جامعه به گونه ای باشد که عدّه ای اندک با لطایف الحیل، به ثروتهای کلان و محیرالعقولی دست یابند، و ره صد ساله را یک شبه بپیمایند، عدّه ای دیگر نیز دچار فقر و ناداری خواهند شد، چه آنها که ثروتمند شده اند، حق دیگران را خورده‌اند؛ و گرنه در شرایط طبیعی و در شرایطی که افراد به حقوق انسانی و شرعی واجتماعی خود پای بند باشند و به آن عمل کنند، و حقوق دیگران و بیت المال را پرداخت کنند، و به دروغ و تزویر و نیرنگ و دزدی و احتکار و قاچاق و گران فروشی متوسل نشوند، هرگز شکاف و تضاد طبقاتی پیدا نخواهد شد. اگر احکام نورانی اسلام در بُعد مسایل اقتصادی و اجتماعی عمل بشود، دچار چنین پدیده و معضل زشتی که شما اشاره کرده ای، نخواهیم شد. اما از منشأ و علّت پیدایش آن که بگذریم، متأسفانه در جامعه ما عامل دیگری نیز برای وجود این پدیده مشاهده می شود و آن گدا صفتی برخی افراد و دلسوزی نابجای بعضی مردم است. عدّه ای متأسفانه گدایی راشغل خودشان قرار داده اند و از این راه به کنز و جمع آوری ثروت پرداخته اند، و گرنه کمیتهٔ امداد امام خمینی(و مؤسسات خیریه، اگر واقعاً کسی نیازمند باشد، او را تأمین می کنند و تحت پوشش قرار می دهند ولی متأسفانه بسیاری از این افراد حرفه ای هستند و مردم هم حوصله ندارند تحقیق کنند که گدای مورد نظر واقعاً گداست و یا حرفه ای است. ولی اگر مردم به آنها بی اعتنا بشوند و بگویند به کمیتهٔ امداد برو و به آنها کمک نکنند، یا مثلاً می گوید در راه مانده ام، او را ببرد و بلیط برایش تهیه کند و سوار اتوبوس نماید، دیگر در راه ماندن، وسیله ای برای گدایی نخواهد. برادری می گفت : خانمی آمده بود درمانگاه و می گفت : می خواهم بروم دکتر، پول ندارم، شماره بگیرم، بیمه هم نیستم، من رفتم برایش ویزیت پزشک بگیرم. ویزیتور گفت : این خانم الآن شماره خودش را پس داد. معلوم شد قبل از من کس دیگری برایش شماره گرفته بود و او پس داده بود و مجدد می خواست پول بگیرد، یا شماره بگیرد و مجدد پس بدهد و پولش را بگیرد. بله واقعاً برخی گدایی را وسیلهٔ ثروت اندوزی قرار داده اند. و گدایی برایشان پست نیست، عادت کرده اند. مردم نباید به اینها کمک کنند و یا مثل آن برادر که می رود و شماره می گیرد، اقدام کنند. مواردی نیز وجود دارد که مراجعه کنند و اظهار می‌دارند در راه مانده اند و پولشان را زده اند و مثلاً برای رفتن به زابل ۵۰۰۰ تومان کرایه اتوبوس لازم دارند. برخی افراد دلسوز نیز بلافاصله پول می دهند، ولی اگر بگوییم بیا برویم برایت بلیط بگیرم، پیش می کشند. یا ممکن است حتی بعد بلیط را پس بدهند. اگر افرادی وقت صرف کنند و این افراد را از عمل خودشان باز دارند، کم کم این عمل از رواج خواهد افتاد. بنابراین گدا صفتی و وجود گدا در خیابانها و کوچه ها منشأ اقتصادی و اجتماعی دارد : فقر و ناداری و تضاد طبقاتی و گدا صفتی برخی افراد و دلسوزی مردم. امید است روزی شاهد جمع آوری این افراد، توسط سازمانهای مسؤول باشیم، که البته وظیفه دارند، ولی گاهی اغماض می کنند و اقدام به جمع آوری نمی کنند و گاهی نیز متوجه و خبردار نمی شوند که مردم باید همکاری کنند و این افراد گدا صفت را به عوامل و نیروهای مربوطه (عوامل انتظامی) تحویل دهند. به امید برچیده شدن پدیده گدایی، از صفحه و صحنهٔ جامعهٔ عزیزمان، انشاءا...

برای چه اینقدر گرانی است؟ اصلاً گرانی از چه چیزی می آید؟

پرسش

برای چه اینقدر گرانی است؟ اصلاً گرانی از چه چیزی می آید؟

پاسخ

گرانی و تورم علل و عوامل مختلف و گوناگونی دارد، که می باید در کتابها و مقالات مربوط به اقتصاد و تورم،مطالعه کنی و در جوامع گوناگون و شرایط متفاوت، این عوامل نیز متفاوت است. یکی از عوامل عمده وجود گرانی، کاهش عرضه و تولید است. وقتی عرضه کالا افزایش یابد، خود به خود قیمتها کاهش پیدا می کند و قیمتها سیر نزولی می یابد؛ ولی وقتی عرضه کم است ولی تقاضا زیاد، خواه ناخواه قیمتها سیر صعودی پیدا می کند. از عوامل مهم دیگر، شکاف طبقاتی است که در جامعه وجود دارد. آنهایی که از وضع اقتصادی خوبی برخوردارند، توانایی و تمکن برای خرید کالا با قیمتهای بالا را دارند؛ نه تنها توانایی تأمین را دارند، بلکه بیش از مصرف خودشان هم مصرف می کنند و به تعبیر دیگر، اسراف می کنند و کالاها را دور می ریزند. عامل دیگری که در افزایش قیمتها نقش دارد، چشم و هم چشمی هاست. طبقه مرفّه همیشه می خواهند یک سروگردن بالاتر از دیگران باشند و طبقات دیگر نیز همیشه می خواهند مثل آنها بشوند، لذا می بینید که طبقه اشراف مرتب در دکور منزل و معماری ساختمان و مبلمان و لباس پوشیدن و آداب مسافرت و مهمانیها و ... بطور مرتب تغییر ایجاد می کنند، تا نسبت به دیگر افراد جامعه، از برجستگی برخوردار باشند و به قول معروف، تک باشند. وقتی آنها چیز جدیدی را مُد می کنند، به مرور دیگران هم می خواهند مثل آنها تک باشند، لذا از مُد پیروی می کنند و به مرور زمان، مُد جدید یک حالت عمومی پیدا می کند و دیگر مُد به حساب نمی‌آید، بلکه عادت و رسم جامعه می شود. طبقه مرفه و اشراف می بینند دیگران هم مثل آنها شدند، لذا دوباره سعی می کنند مُدهای جدیدی وارد کنند و این سیر همیشه ادامه دارد و جامعه را دچار مشکل می کند و به قول معروف عوام، برجهای زندگی بیش از خرجهای آن می شود. برادر عزیز، لحظه ای به زندگی خود و دیگران فکر کن، ببین چقدر از موارد رایج در زندگی می توانی پیدا کنی، که نبودنش هیچ لطمه ای به ادامهٔ حیات زندگی انسان وارد نمی کند. این که مثلاً انسان حتماً فلان فرش را داشته باشد، حتماً قالی داشته باشد، اگر موکت باشد، نمی توان زندگی کرد و زندگی مختل می شود، یا می گویند چرا این آدم موکت دارد یا صاحب خانه خودش در برابر میهمانان خجات می کشد. اگر منزل مبلمان نداشته باشد، آیا روی زمین نمی توان نشست؟ ولی می‌گویند مبلمان بخریم. می گوییم چرا؟ می گویند رسم است. اگر رسومات اجرا بشود، مانعی ندارد، ولی بشرطی که انسان دچار مشکل نشود شب نشینی ها و رفت و آمدهای خانوادگی و دوستانه این چشم و هم چشمی ها را زیاد می کند. عده ای اگر رفت و آمد نکنند، متهم به انزوا می شوند و اصولاً ـ انسان نیازمند و محتاج به معاشرت است ولی قاعدتاً معاشرت باید با افراد هم‌سطح یا پایین تر از نظر اقتصادی صورت گیرد، تا انسان از زندگی موجود خودش راضی باشد. ولی اگر با انسانهایی که از نظر اقتصادی و تجملات زندگی در سطح بالاتری قرار دارند، دچار خجلت و سرافکندگی می گردد و گاهی نیز ممکن است مورد سرزنش خانواده و فرزندان قرار گیرد و خود را با آنها مقایسه کند، این چشم و هم چشمی ها تقاضاها را افزایش می دهد و وقتی تقاضا افزایش پیدا کرد، قیمتها نیز افزایش می یابد. عامل دیگری که در افزایش قیمتها مؤثر است، تنبلی و بیکاری است، که خود باعث کاهش تولید و در نتیجه افزایش قیمتها می گردد. میزان تولید در هر جامعه ای تعیین کننده ثروت آن جامعه است. توجه به تولید و رشد آن و مبارزه با موانع رشد، در اسلام بسیار حائز اهمیّت است. امیرالمؤمنین حضرت علی(در مورد اموالش وصیت می فرماید" : با کسی که سرپرستی اموال را عهده دار شده است، شرط می کنم که اصل اموال مرا باقی بگذارد و فقط عواید آن را به طریقی که دستور داده شده است، انفاق کند وشرط می کنم که جوانه های نخل های این ده نیز فروخته نشود، تا در این زمینه نخلها

شاخه درهم فرو برده و بر بینندگان مشکل شود.(۱) ملاحظه می کنی که امام(سفارش می فرماید سرمایه اش به عنوان مبانی تولید محفوظ بماند و انفاق نشود، بلکه سود و عایدی آن انفاق شود، تا مراتب تولید ادامه پیدا کند، ولی اگر اصل آن انفاق شود، تولید مختل می شود. ولی متأسفانه در جامعه ما کارهای دلّالی و تجاری، رونق دارد، نه تولید، برخی از بنگاه های معاملات، خودشان منازل را می خرند و با قیمت بالاتری به دیگران می فروشند و از این خرید و فروش، علاوه بر حقوق بنگاهی که فروشنده و خریدار می گیرند یک سودی هم می برند. و نیز خرید و فروش تلفن همراه و ... با کمال تأسف بجای این که سرمایه های سرمایه داران کشور در امور تولیدی و زیربنایی مصرف بشود، در دلال بازی مصرف می شود و اجناس تا زمانی که از تولید کننده به مصرف کننده می رسد، چندین واسطه غیرضروری را پشت سر می گذارد و همهٔ این واسطه ها نیز می خواهند سود ببرند. تولید کننده که به تعبیر این آقایان حماقت کرده، سودی نمی برد و به مرور دلسرد می شود و کارش را رها می کند و تولیدش متوقف می شود و ورشکست و ...و مصرف کننده بیچاره نیز کالاها را با دهها برابر قیمت، باید بخرد و ... اقتصاد کشور ما بیمار است و مردم و مسؤولان ما هم متأسفانه سوء تدبیر داشته اند و آن گونه که باید، در تولید و افزایش آن همّت نکرده اند : امید می رود نسل جوان کشور با مطالعه عمیق و شناسایی ریشه ها و موانع، موفق شوند این اقتصاد بیمار را نجات دهند و در آینده شاهد شکوفایی اقتصادی باشیم. انشاءا... موفق و پیروز باشی. ـــــــــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۲۴

با توجه به این که اسلام مخالف نظام طبقاتی و برتری قومی و قبیله‌ای است پس چرا سادات بر دیگران برتری دارند؟

پرسش

با توجه به این که اسلام مخالف نظام طبقاتی و برتری قومی و قبیله‌ای است پس چرا سادات بر دیگران برتری دارند؟

پاسخ

علت برتری سادات بر غیر سادات را می‌توان در برخی زمینه‌ها مورد بررسی قرار داد: ۱. در زمینهٔ برتری مالی با توجه به نکات ذیل اختصاص نیمی از سهم خمس به بنی هاشم با روح عدالت اجتماعی اسلام هیچ گونه منافاتی ندارد: اولاً ;سهمی که در خمس برای سادات معین شده فقط به نیازمندان آن‌ها اختصاص می‌یابد، آن هم به اندازهٔ نیاز یک سال آن‌ها، بنابراین تنها از کار افتادگان بیماران کودکان یتیم و یا افراد دیگری که به علّتی مشکل مادی از نظر هزینه زندگی پیدا کرده‌اند، حق استفاده از آن را دارند. ثانیاً ;مستمندان و نیازمندان سادات حق ندارند، چیزی از زکات مصرف نمایند. ثالثاً ;اگر سهم سادات از نیازمندی سادات موجود بیشتر باشد، باید آن را به بیت المال ریخت و در مصارف دیگر مصرف نمود. حال با توجه به نکات فوق روشن است که در حقیقت هیچ گونه تفاوت و امتیازی از نظر مادّی بین سادات و غیر سادات گذارده نشده است زیرا نیازمندان غیر سادات می‌توانند مخارج سال خود را از محل زکات بگیرند، ولی از خمس محرومند، و نیازمندان سادات نیز تنها می‌توانند از محل خمس استفاده کنند، اما حق استفاده از زکات را ندارند ;زیرا محروم بودن سادات از دست یابی به اموال عمومی (زکات در حقیقت برای دور نگهداشتن خویشاوندان پیامبر۹ از این سهم است تا بهانه‌ای به دست مخالفان نیفتد که پیامبر۹ خویشان خود را بر اموال عمومی مسلط کرده است از طرف دیگر، خداوند متعال می‌خواهد، سادات به خاطر نزدیکی که به پیامبر۹ دارند، منزه و محترم باشند. و به چرک (زکات اموال مردم محتاج نباشند، لذا خمس را تا حدی که رفع نیازشان بکند، برای آنان قرار داد تا به ذلت و خواری نیفتند، بدیهی است این احترام معنوی که خداوند نسبت به سادات مقرر فرموده است یک نوع احترام نسبت به شخص پیامبر۹ و احترام به زحمات بی‌پایان او در راه هدایت مردم است به دیگر سخن باید پذیرفت که اهل بیت و سادات محترم و مکرمند، لکن نه به عنوان

یک قوم یا نژاد، بلکه به اعتبار اینکه ذریهٔ پیامبر۹ هستند، تجلیل از آن‌ها، تجلیل از پیامبر۹ و تکریم از ارزش ها، توحید، عدالت و... است (ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۸۲ ;ج ۲۰، ص ۴۰۲، دارالکتب الاسلامیهٔ / تفسیر المیزان علامه طباطبایی ، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی ج ۹، ص ۱۵۷ ;ج ۱۶، ص ۴۸۱، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی / پرسشها و پاسخهای مذهبی آیت اللّه مکارم شیرازی و جعفر سبحانی ص ۱۶۸ ـ ۱۷۲، انتشارات نسل جوان) قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید": قُل لآ ۤ أسْ ٔ?لُکُم عَلَیهِ أَجرًا إلآ ۤ الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی(;شوری ۲۳) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم " از روایات متعدد، استفاده می‌شود، منظور از محبت به نزدیکان محبت علی و فاطمه و فرزندان آن دو: می‌باشد. آثار این محبت نیز، احترام و قیام به ادأ حقوق آنان می‌باشد. ۲. در امور و مناصب اجتماعی هر چند اهل‌بیت پیامبر۹ و امامان معصوم در مورد منصب امامت از همه برتری دارند، زیرا یک منصب الهی و خدادادی است که تمام شئون والا ـ و فضایل را در بردارد و جز بر امامان معصوم بر فرد دیگری تعلق نمی‌گیرد، برای رسیدن به این مقام و منصب صلاحیت و قابلیت ذاتی لازم است کسی که می‌خواهد به مقام امامت نایل گردد، باید دارای کمالات نفسانی و شرایط مخصوص باشد، از عهدهٔ امتحانات الهی برآید، بر نفس خویش کاملاً مسلط باشد، مرتکب گناه نگردد، در مورد معاصی صبر داشته باشد و خودداری کند و در مورد انجام واجبات بردبار باشد و آن‌ها را به جای آورد. ولی در مورد مناصب دیگر اجتماعی فرقی بین سادات و غیر سادات نیست هرکس متعهد و متخصص به حرفه یا رشته‌ای باشد. او از دیگران به آن منصب لایق‌تر است ۳. در فضایل و پاداش اخروی اهل‌بیت ، به جهت سطح بالای معرفت علم و تقوا و قابلیت‌ها و شایستگی‌ها و لیاقت‌های فردی انتساب به پیامبراکرم از جهت فضیلت و پاداش اخروی بر دیگران ارجحیت دارند، امّا غیر از معصومین دیگران چه سادات و چه غیر سادات در کسب فضایل و ثواب اخروی از یک درجه برخوردار هستند، حتی منتسب بودن به اهل‌بیت ، دلیل بر فضیلت و برتری آنان نیست بلکه معیار تقوا و ایمان آن‌ها است البته انتساب به این خاندان پاداش و کیفرشان را دوچندان می‌کند، زیرا مسئولیت آنان در حفظ حرمت و پاسداری از حریم این خاندان سنگین‌تر است قرآن کریم دربارهٔ زنان پیامبر۹ می‌فرماید": یَنِسَآءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَآءِ إنِ اتَّقَیْتُنَّ(;...احزاب ۳۲) ای همسران پیامبر: شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید، "...آیهٔ فوق بر برابر نبودن زنان پیامبر۹ بر سایر زنان اشاره دارد، واجب است بر آنان که در امتثال تکالیف الهی کوشش و رعایت بیشتری داشته باشند و بیشتر از زنان دیگر در دین خدا احتیاط به خرج دهند.(ر.ک بررسی مسائل کلی امامت ابراهیم امینی ص ۵۵، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلام / پیام قرآن آیت ..مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۹۴، ج ۹، ص ۲۷، دارالکتب الاسلامیهٔ)

نظر قرآن و روایات در بارهٔ عدالت اجتماعی داشتن جامعه خوب و رابطهٔ مردم در اجتماع چیست

پرسش

نظر قرآن و روایات در بارهٔ عدالت اجتماعی داشتن جامعه خوب و رابطهٔ مردم در اجتماع چیست

پاسخ

از امتیازات بزرگ اسلام توجّه شدیدی است که به موضوع عدالت دارد، تا آن‌جا که عدل یکی از پایه‌های مهّم اسلام به شمار می‌آید. اسلام برای ایجاد جامعه‌ای سالم که در آن برادری و برابری مهر و محبت صفا، و صمیمیت عشق و دوستی حاکم باشد، از همهٔ پیروان خود خواسته که در تمام مراحل زندگی عدالت را رعایت کنند، و هرگز از مسیر عدل خارج نشوند. در سوره نسأ می‌خوانیم " یَـأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ کُونُواْ قَوَّ مِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَیَ ٓ أَنفُسِکُم أَوِ الْوَ لِدَیْنِ وَالأَ ٔ?قْرَبِین (نسأ،۱۳۵) ای مؤمنین

نگه‌دار عدالت باشید و برای خدا]موافق حکم خدا[گواهی دهید، هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد ".اسلام برای تأمین عدالت اجتماعی هر نوع تبعیض و محرومیت را منع کرده و همهٔ مؤمنان را برادر هم دیگر می‌داند": إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ(;حجرات ۱۰) همانا مؤمنین با هم‌دیگر برادرند. اسلام به این مطلب عنایت فراوانی دارد که روابط اجتماعی براساس عدل باشد ;از این رو، حقوقی برای همهٔ افراد وضع کرده است که حق خدا، پدر و مادر، فرزند، همسر، همسایه یتیم فقیر و جامعه را شامل می‌شود. امام‌سجّاد۷ در رسالهٔ حقوق برای هر فردی پنجاه حق مشخّص کرده‌اند. بدیهی است اگر مسلمانان به این حقوق عمل می‌کردند، رفاه و آسایش صفا و صمیمیت در جامعه برقرار می‌شد، و زندگی برای انسان بسیار شیرین و لذّت بخش می‌گشت اسلام همهٔ افراد را در برابر قانون مساوی می‌داند، و هرگز فرقی بین ثروتمند و فقیر، شهری و روستایی زن و مرد، نمی‌گذارد. از دیدگاه اسلام همه انسان‌ها از یک پدر و مادرند": يَـأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَـكُم مِّن ذَكَرٍ وَ أُنثَى(;حجرات ۱۳) ای مردم ما همهٔ شما را از مرد و زنی آفریدیم " اهمیّت اصل تساوی همهٔ انسان‌ها در برابر قانون به اندازه‌ای است که قرآن اطاعت و تسلیم در برابر قانون را، از شرایط تحقق ایمان می‌داند.(نسأ، آیهٔ ۶۵.) اسلام برنامهٔ اقتصادی خود را براساس عدالت وضع کرده است و بر حاکم اسلامی واجب نموده که عدالت را در تمام زمینه‌های اقتصادی و با تمام وسایل ممکن گسترش دهد. و از هر نوع ظلم و تجاوز اقتصادی مانند ربا، اِحتکار، کم فروشی منع کرده با وضع قوانین جزایی دستور مجازات متخلفان را صادر نموده است (ر.ک مبانی‌حکومت‌اسلامی جعفرسبحانی ص ۳۸۹.) قرآن مجید، برای ایجاد عدالت اجتماعی به مسلمانان دستور می‌دهد که اگر بین دو طایفه اختلافی شد و جنگی درگرفت وظیفه دیگران است که میان آن‌ها، صلح و آشتی برقرار سازند": و اِن طَاغِفَتَانِ مِنَ الْمُؤمِنِينَ اقتَتَلوا فَاَصلِحوا بَينَهُما فَاِن بَغَت اِحدغهُما عَلَى الاُخرىَ فَقَتِلوا الَّتى تَبغى حَتّىَ تَفىءَ اِلىَ اَمرِ اللّه (حجرات ۹) اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند، البته شما مؤمنان بین آن‌ها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آن‌ها بر دیگری ظلم کرد، با آن ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید ".در احادیثی که از امامان معصوم دربارهٔ حقوق مؤمنان و رابطهٔ مردم در اجتماع آمده چند نمونه بیان می‌شود: امام‌صادق‌فرمود": مسلمان برادر مسلمان است به منزله چشم اوست]خوبی‌ها و بدی‌هایش به او می‌نمایاند.[همانند آینه او است]زشتی‌ها و زیبایی‌هایش را نشان می‌دهد.[راهنمای او است هرگز شخص مسلمان به برادر خود خیانت نمی‌کند، به او ستم روا نمی‌دارد، در کارش نیرنگ و خدعه به کار نمی‌برد، به او دروغ نمی‌گوید، و عیب‌جویی و غیبت او را جایز نمی‌شمارد(".اصول کافی شیخ کلینی ج ص ۱۶۶ و ۱۷۴.) هم چنین آن حضرت در حدیث دیگری فرمود": مسلمان برادر مسلمان است به او ظلم نمی‌کند، او را خوار و کوچک نمی‌شمرد، به او خیانت نمی‌کند، و سزاوار است بر مسلمین که سعی و کوشش کنند در هم‌کاری نمودن و مساعدت و یاری هم‌دیگر و کمک به کسانی که نیازمند هستند و عنایت و توجّه نمایند بعضی بر بعضی دیگر، تا آن که چنان باشند که خداوند بدان امر کرده(" همان") رُحَمَآءُ بَيْنَهُم اشاره به آیهٔ ۲۹ سوره فتح است که می‌فرماید: "محمد فرستادهٔ خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوّی دل و سخت و با یک دیگر بسیار مشفق و مهربانند ".باز آن حضرت در روایت دیگری امام‌صادق‌فرموده‌اند": برای برادر مسلمانت دوست بدار، آن‌چه را برای خودت دوست داری اگر به چیزی احتیاج پیدا کردی از او بخواه و اگر او به چیزی احتیاج پیدا کرد، از او مضایقه مکن از خدمت و احسان در حق او خودداری و اظهار ملال مکن و او هم نسبت به تو از نیکی‌ها، خودداری نکند. پشتیبان او باش که او نیز پشتیبان تو است وقتی غایب است آبرویش را حفظ کن چون او از سفر برگردد، به دیدنش برو. او را تجلیل کن و گرامی بدار. او از تو و تو از او هستی(" همان ص ۱۷۰.)

۴- چرا در جامعه دزدی رواج یافته است ؟

پرسش

۴- چرا در جامعه دزدی رواج یافته است ؟

پاسخ

ج۴- رواج ودزدی در جوامع به عوامل مختلفی بستگی دارد و جامعه ما هم مستثنی از این عوامل نیست . ۱-ضعف ایمان. ۲-فقر . ۳-بیکاری. ۱- ضعف ایمان : ضعف ایمان ناشی از کم توکلی است , کسی که کم توکل است تمام عوامل و پدیده ها را از نگاه مادی می نگرد . ممکن است فردی در فقر زندگی کند. اما با قدرت ایمان و توکل به خداوند بر آن غالب شود و دست تبعدی به حقوق دیگران دراز نکند . ۲- فقر : امام صادق علیه السلام » می فرمایند : {کاد الفقر ان یکون کفرا } ایشان مرز کفر وفقر را بسیار نزدیک به هم معرفی می کنند . شکاف بین فقیر و غنی باعث می شود که فقر دامنه اش درجامعه گسترش یاید و دزدی و تعدی به اموال دیگران زیاد شود . ۳- بیکاری : این خصیصه را می توان زیر مجموعه فقر قرار دارد. یعنی: وقتی کسی شغلی نداشته باشد و برای امرار معاش خود دچار مشکل باشد دست به دزدی می زند . به هر صورت هر یک از عوامل فوق به اندازه ای بر رواج دزدی در جامعه تأثیر دارد و نمی توان منشأ همه دزدی ها را به یکی از عوامل فوق وابسته دانست در جامعه ما هم متأسفانه زمینه هر سه عامل فوق وجود دارد .

عکس العمل مقام معظم رهبری نسبت به تخلفات و مصرف نابجای بیت المال چیست ؟

پرسش

عکس العمل مقام معظم رهبری نسبت به تخلفات و مصرف نابجای بیت المال چیست ؟

پاسخ

ایشان بارها فرموده‌اند من به طور خصوصی تذکرات فراوانی به برخی از مسؤولان می‌دهم و قاطعیت‌های به جایی نیز اعمال می‌دارند؛ ولی صلاح نیست همه چیز از رادیو و تلویزیون پخش شود. پخش بسیاری از این موارد ممکن است اثر عکس داشته باشد؛ مگر این که شرایط خاص دیگری پیش آید که مصلحت در اعلام عمومی باشد. علاوه این که همه مشکلات با قاطعیت یک مسؤول حل نمی‌گردد و نیاز به تدبیر، سیاست و برنامه‌ریزی دارد. آنچه اهمیت دارد، اصلاح آحاد جامعه است؛ در غیر این صورت اگر همه کارمندهای یک اداره متخلف باشند، از دست رئیس اداره چه کاری ساخته است؟ نکته دیگر این که وظیفه مهم رهبری ترسیم سیاست‌های کلی نظام است و اگر یک مسؤول تراز اول در مسائل گوناگون و جزئی دخالت کند، از وظایف اصلی و مهم خود باز می‌ماند.{J

آیا ظلم نیست که عده ای در خوشی زندگی می کنند و گروهی در فلاکت و بدبختی ؟

پرسش

آیا ظلم نیست که عده ای در خوشی زندگی می کنند و گروهی در فلاکت و بدبختی ؟

پاسخ

افراد بشر هم از نظر استعداد و هم از نظر شرایط اقتصادی و سیاسی در وضعیت‌های مختلفی قرار دارند. این تفاوت به دلیل اهداف و فلسفه خاصی است که بر جریان آفرینش انسان حاکم است.[PRG] شما دنیایی را فرض کنید که همه انسان‌های موجود در آن از نظر شرایط فکری، اقتصادی و... یکسان بودند و هیچ تفاوت و تغییری نیز در آن حاصل نبود، آن گاه شکل زندگی و حیات اجتماعی به چه صورتی در می‌آمد؟ آیا در این صورت کارخانه‌ای به گردش در می‌آمد و زمینی کاشته می‌شد؟ مسلما نه! چرا که کسی به کس دیگر نیازی ندارد و همه یکسان فرض شده‌اند. هم چنین هیچ تحرّکی در آنان مشاهده نمی‌شد؛ چون هیچ کس از دیگری عقبنیست تا بخواهد به او برسد. می‌بینیم که نظام انسانی در این طبیعت، بنا به سلسله علل و اهداف آفرینش، به گونه‌ای خاص تنظیم شده است. لذا روزی روم و ایران دو ابر قدرت جهان و منبع ثروت و قدرت بودند و روز دیگر اروپا چنین می‌شود و سپس رو به زوال می‌گذارد. تمدّن‌ها، قدرت‌ها و ... به وجود می‌آیند و با درگیر شدن با شرایط خاصی، متلاشی شده و از بین می‌روند و از خاکستر آنها تمدّن جدیدی پا به عرصه وجود می‌گذارد.[PRG] فلسفه همه این حرکت‌ها، در تفاوت‌ها و اختلاف‌هاست؛ چنان که قرآن می‌فرماید: و من آیاته خلق السماوات والارض و اختلاف السنتکم والوانکم از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست{M، (روم، آیه ۲۲).[PRG] اگر از زاویه‌ای دیگر به بحث نگاه کنیم، خواهیم دید که بسیاری از ارزش‌ها در پرتو همین اختلافات شکل می‌گیرد. عدالت وقتی معنا پیدا می‌کند که ظلمی نیز مشهود و ملموس باشد و عدالت‌خواه نیز وقتی منصور است که ستمگری در کار باشد. در تقابل فقر و غنا نیز همین نکات وجود دارد. بسیاری از احساسات عمیق و ارزشمند انسانی در این تقابل‌ها شکل می‌گیرد. کتاب بینوایان که حاکی از احساسات متعالی درباره پدیده فقر است، از کجا نشأتگرفته است؟[PRG] نکته دیگر در این باب آن است که تکالیف خداوند و بازخواست او از بندگان در قیامت، متناسب با امکاناتی است که در اختیار آنان قرار دارد.[PRG] حساب و بازخواست از اغنیا در قیامت و نیز مسؤولیت آنان در دنیا، با حساب فقرا و مسؤولیتشان برابر نیست. بنابراین روزی عدالت به طور کامل برقرار خواهد شد، اگر چه در دنیا و بر حسب ظاهر تفاوت‌ها به چشم بیایند. مسأله مهم دیگر، امتحان نمودن اقشار مختلف مردم است که فقیر و غنی به فقر و غنایشان مورد امتحان قرار گیرند.[PRG] علاوه بر آنچه گفته شد نباید ظلم ستمگران و تبهکاری دنیا طلبان را به حساب ناعدالتی خداوند گذاشت. چنان که معاویه در هنگام گفت و گو با ابوذر درباره کاخ سبز خودش استدلال کرد. خدا خواسته که من این چنین در رفاه باشم و شما در فقر باشید. ابوذر در مقابل گفت: خداوند رزقش را برای همگان نازل کرده است ولی تو در این میان رهزنی کرده و مانع شده‌ای.[PRG] علاوه بر آنچه گفته شد نباید ظلم ستمگران و تبهکاری دنیاطلبان را به حساب ناعدالتی خداوند گذاشت. چنان که معاویه در هنگام گفت و گو با ابوذر درباره کاخ سبز خودش استدلال کرد، خدا خواسته که من این چنین در رفاه باشم و شما در فقر باشید. ابوذر در مقابل گفت: خداوند رزقش را برای همگان نازل کرده است ولی تو در این میان رهزنی کرده و مانع شده‌ای.برای آگاهی بیشتر در این مورد به کتاب «عدل الهی» (شهید مطهری) مراجعه فرمایید.{J

نظر شما در مورد فساد اداری حاکم در دستگاه های اجرایی چیست ؟

پرسش

نظر شما در مورد فساد اداری حاکم در دستگاه های اجرایی چیست ؟

پاسخ

ما نیز در موضوع فساد اداری و لزوم مبارزه قاطع، با شما هم نظر هستیم و متأسفانه بسیاری از این امور به اسم اسلام تمام می‌شود.

آیا این عدالت است که در جامعه ما یک فردی ۵۰ هزار تومان و فرد دیگری پانصد هزار تومان حقوق دریافت کنند؟

پرسش

آیا این عدالت است که در جامعه ما یک فردی ۵۰ هزار تومان و فرد دیگری پانصد هزار تومان حقوق دریافت کنند؟

پاسخ

یکی از مشخصه‌های اقتصاد سالم، این است که هر کس با توجه به ارزش کاری که انجام می‌دهد، مزد دریافت کند.اگر این قاعده به شکل صحیح اجرا شود، اختلاف دستمزد حتما وجود خواهد داشت؛ ولی نه به اندازه‌ای که ذکرکرده‌اید. آن هم به شکل وسیع. بلی، ممکن است اشخاص نادری با توجه به مهارت‌ها و تخصص‌هایی که دارند،درآمد بسیار زیادی را کسب کنند؛ ولی مسلما این نمی‌تواند مسأله‌ای عمومی و وسیع باشد و در دستگاه‌های اجرایی ودولتی هم قابل توجیه نیست و موجب تحقق فاصله طبقاتی می گردد.{J

چرا در کشور ما پارتی بازی و تبعیض وجود دارد؟

پرسش

چرا در کشور ما پارتی بازی و تبعیض وجود دارد؟

پاسخ

تبعیض و پارتی‌بازی و بی‌قانونی از بدترین آفت‌هایی است که می‌تواند ارکان یک جامعه را متزلزل نماید که متأسفانه همان‌گونه که نوشته‌اید در برخی جاها دیده می‌شود. وظیفه همه مسؤولین و مردم رفع این ناهنجاری‌ها است. ضمنا اگر موارد مستندی سراغ دارید می‌توانید به مسؤولین مربوطه رجوع نمایید.

چرا با این که از بسیاری جهات خودکفا هستیم هنوز هم افراد بسیاری در شهرستان ها و روستاها از گرسنگی و فقر رنج می برند؟

پرسش

چرا با این که از بسیاری جهات خودکفا هستیم هنوز هم افراد بسیاری در شهرستان ها و روستاها از گرسنگی و فقر رنج می برند؟

پاسخ

هر چند بررسی عوامل مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور نیازمند تحقیقاتی عمیق است اما به صورت مختصر می توان عوامل آن را به دو دسته (عوامل ارادی و غیر ارادی فقر) تقسیم کرد. گاهی فقر به سبب عواملی که خود فرد در ایجاد آن نقش داشته پدید

می آید و گاهی فرد آگاهانه یا ناآگاهانه کاری می کند که نتیجه ای جز فقر ندارد این عوامل عبارت است از: ۱- تنبلی و استقامت نداشتن ; بسیاری از فقرها در تنبلی و پشتکار نداشتن افرا...ریشه دارد حضرت علی (ع) می فرماید هر کس بر رنج (ناشی از کار) بردباری نورزد باید فقر را تحمل کند.(الحیاه ج , ۴, ص ۳۱۸) ۲- بی برنامگی ; رمز موفقیت هر فرد داشتن برنامه ای متناسب با موقعیت خود و جامعه و تنظیم مخارج زندگی است در سطح کلان نیز کشورها با تنظیم برنامه های کوتاه و بلند مدت به سامان دهی وضعیت اقتصادی خود می پردازند. بنابراین بی برنامگی و یا برنامه ریزی نادرست به پیدایش فقر می انجامد به همین جهت امام علی (ع) نداشتن برنامه در زندگی و سوئ تدبیر را عامل فقر دانس...Ə.....(ه.Ř...Ơ, ص ۳۲۱) بعضی از روایات نیز اسراف را سبب زوال نعمت دانسته اند. ۳- امامان معصوم (ع) گناه را سبب کم شدن روزی انسان و از عوامل فقر می دانند دسته ای از این روایات از گناهان خاص مانند دروغ , خیانت , گسستن پیوندهای خویشاوندی , اسراف و ستم نام برده اند. (میزان الحمکه , ج ۲, ص ۹۹۶) و بعضی دیگر به طور کلی گناه را موجب زوال نعمت دانسته اند.(همان , ص ۹۹۴) در مقابل بسیاری از روایت ها نعمت خداوند و وسعت روزی را به ایمان و تقوا و کردار نیکی چون خوش اخلاقی , امانت داری , دعا و صدقه وابسته ساخته اند. ۴- تکدی و اظهار نیاز ; افرادی که خود را بدین کار می آلایند از تلاش دست برمی دارند و به درمان اساسی مشکل خود نمی اندیشند و حاضر نمی شوند دشواری آن را تحمل کنند در نتیجه روز به روز بر دامنه فقرشان افزوده می شود. ۵- دیدگاه غلط نسبت به دنیا و آخرت ; گروهی چنان می پندارند که نیک بختی دنیا و آخرت , جمع شدنی نیست و اگر بخواهند در جهان دیگر کامیاب شوند باید در دنیا در فقر و بیچارگی به سر برند. اینان به سبب برداشت های نادرست از مفاهیمی پر ارزش مانند زهد تقدیر و تصورد نقش داشتن فرد در سرنوشت خویش تلاش اقتصادی ندارند و دچار تنگدستی می شوند اما در مقابل گاهی افراد در فقر خود نقش ندارند, بلکه این پدیده بر آنها تحمیل شده است و آنان ناگزیرند با آن دست و پنجه نرم کنند. مهمترین عوامل آن عبارت است از: الف) عوامل طبیعی : گاه حوادثی رخ می دهد که شیرازه زندگی ها را فرو می پاشد و زمینه ساز فقری جانکاه می شود, مهمترین عوامل آن عبارت است از حوادثی مانند زلزله , آتش سوزی , سرقت , خشکسالی , جنگ و... البته برخی از آیات و روایات نشان می دهد که بخشی از این حوادث نتیجه کردار انسان هاست و بخشی دیگر برای آزمون و ایجاد زمینه ارتقای معنوی آن ها طراحی می شود. (شوری , ۳۰ روم , ۴۱, میزان الحکمه ج ۱, ص ۳۰۰و ۳۰۳و ۳۰۹) ب) عوامل اقتصادی : مهترین عوامل پیدایش فقر تحمیلی را باید در عرصه اقتصاد جست و جو کرد و عامل اصلی در بین این عوامل نوع روابط اقتصادی حاکم بر جامعه است روابط ناسالم اقتصادی بر بسیاری از مردم تاثیر می نهد شکاف طبقاتی میان اقلیت پر درآمد و اکثریت تهیدست را فزونی می بخشد و ممکن است سرانجام اقتصاد کشور را فلج کند برای مثال اجرای اقتصاد سرمایه داری در کشورها توسعه نیافته می تواند پی آمدهای زیانبار درپی داشته باشد پی آمدهایی که هر یک از عوامل مهم ایجاد و گسترش فقر به شمار می آید بخشی از این آثار عبارت است از: ۱- توزیع ناعادلانه ثروت : در جوامعی که ثروت ها و منابع طبیعی که براساس آیات قرآن کریم برای بهره برداری فقر فراگیر می شود و به تدریج فاصله طبقاتی روز افزون می گردد. امام صادق (ع) می فرماید: آنچه بر سر فقرا, نیازمندان , گرسنگان و برهنگان می آید همه در اثر گناه توانگران است . (الحیاه , ج ۴, ص ۳۲۹) و در روایتی دیگر آمده : هر گاه میان مردم به عدالت رفتار می شد بی نیاز می شدند. (اصول کافی , ج ۱, ص ۵۴۲) این سخن میزان تاثیر بی عدالتی در تنگدستی جوامع را نشان می دهد. ۲- افزایش بی رویه قیمت ها: یکی از ویژگیهای اقتصاد سالم ثبات نسبی قیمت هاست تورم های لجام گسیخته آثار سوئ فراوانی در ابعاد مختلف اقتصاد بر جای می نهد بخشی از این آثار در توزیع درآمدها, پس انداز ,تولید, بودجه دولت و موازنه تراز پرداخت ها قابل مشاهده است که هر یک به نحوی در پدیده فقر تاثیر می نهد. ۳- فقدان امکانات شغلی : بی کاری بلای اجتماعی , اقتصادی شناخته شده ای است که موجب از دست دادن حیثیت و کاهش تولید و پس انداز می انجامد و از عوامل مهم پیدایش و تشدید فقر شمرده می شود. ۴- ضعف مدیریت و تخصص نیروی انسانی : یکی از علل عمده فقر کشورها, فقدان

مـدیریت متخصـص و کـاردان در امور اقتصـادی است آیـات و روایـات بسیاری , موئمنـان را از سپردن کارها به غیر متخصـصان و ناآگاهان باز داشته است در قرآن کریم می خوانیم ((; ولاتوتوا السفهائ اموالکم التی جعل الله لکم قیاما ";یعنی اموالتان را که خدا مایه سامان یابی زنـدگی شـما قرار داده است , در اختیار کم خردان قرار ندهید))، (نسائ, آیه ۵). ۵- بازدهی پایین و عدم کارآیی در تخصیص منابع : بیش تر اقتصاددانان اقتصاد را به معنای استفاده بهیمه از منابع کمیاب می دانند هر کشوری که از منابع خود بهتر استفاده کند در توسعه موفق تر خواهد بود یکی از اشکال نادرست استفاده از این منابع که بسیاری از کشورهای جهان سوم از جمله ایران بـا آن دست به گریبانند, فروش منـابع طبیعی به صورت خـام است . کشورهـای ثروتمنـد و اسـتعمارگران این منابع را به بهای ارزان می خرنـد و پس از انجـام تغییراتی به بهای گزاف به صاحبان اولیه آن ها می فروشـند و حتی گاهی از نیروی ارزان و نیز پس انـداز همین کشورها در بانک های کشورهای توسـعه یافته برای تبدیل این منابع اسـتفاده می شود. ج) عوامل فرهنگی - اجتماعی : ۱- خودباختگی : گروهی از مردم کشورهای جهان سوم در اثر تبلیغات مسموم کشورهای ثروتمند, دچار باورهای غلط شده اند که نتیجه ای جز عقب مانـدگی و فقر نـدارد خود باختگـان چنین می پندارنـد که کشورهـای جهان سوم از نوآوری اسـتعداد و نبوغ بی بهره انـد و همیشه بایـد منتظر بماننـد تا نظریه های علمی و اختراع ها و اکتشافات از سـرزمین های توسـعه یافته به سـمت جهان سوم سرازیر شود. ۲- انحصـاری بودن دانش و فن آوری : کشورهـای توسـعه یافته اغلب به جهت خوی اسـتعمارگرانه شان از انتقال این ابزارهـا به جهـان سوم جلوگیری می کننـد یکی دیگر از نقشه های اسـتعمار در جهان سوم فراهم ساختن زمینه برای فرار مغزهاسـت نتیجه این فعالیتهـا عقب مانـدگی و فقر بیش تر این کشورهـاست . ۳- اعتیاد, مفاسـد اجتماعی و...: ترویج اعتیاد در سـطح جامعه از دیگر عوامـل اجتمـاعی فقر است . افکنـدن جوانـان در دام اعتیـاد, آسـان ترین و موثرترین روش برای از بین بردن روحیه انقلابی و تلاش و فعالیت در یک کشور است و دشـمنان برای رسـیدن به اهـداف خود از آن بهره می گیرنـد. د) سایر عوامل از قبیل : الف) انتخاب مدلی برای توسعه که به عدالت اجتماعی و ارزشـهای اسـلامی و ملی توجه نشده بود. ب) محاصره های اقتصادی , سیاسی و... ج) مشـکلات ناشـی از بازسازی . د) خسارتهای ناشی از جنگ تحمیلی . ه) 'کاهش فاحش قیمت نفت پس از پیروزی انقلاب آن هم بـا توجه به تـک محصولی بودن اقتصاد ایران که از سیاسـتهای اسـتعماری حاکم بر ایران بوده است . و) تاثیر تورم جهانی بر اقتصـاد داخلی . ز) رشـد و افزایش بی رویه جمعیت . ح) تغییر الگوی مصـرف در جـامعه و پدیـدار شـدن یک سـری نیازها که در گذشـته نبـوده و... مجمـوعه این عوامـل سـبب شـده که متائسـفانه علیرغم گـذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسـلامی هنـوز مـا در بخشهایی از کشور شاهد مشکلات اقتصادی و فقر و... باشیم البته این مطلب بدین معنا نمی باشد که نظام جمهوری اسلامی ایران به این وضـعیت راضـی بوده و یا هیـچ اقـدامی را در جهت حل این مشـکلات انجام نداده باشد بلکه بر عکس مسوئلین عالی رتبه نظام اسـلامی خصوصـا "مقام معظم رهبری همواره نگرانی شدیـد خود را از وضـعیت بـد اقتصادی و مشـکلات معیشتی طبقات محروم و مستضـعف جـامعه اظهار داشـته انـد و در این زمینه ضـمن هشـدار به مسوئلین می فرماینـد: (در وضـعیت کنونی ثروت در کشور می جوشد و کسانی هستند که می توانند ثروت های زیادی را به دست آورند و بسیار مجذوب آن می شوند و از یاد می برند که هدف آنها از قیام و مبارزه چه بوده است لذا در این برهه حساس که خطر فراموشی نیز وجود دارد توجه و مراقبت دولت مردان یک مسئله مهم و اساسـی است) و در جای دیگر ضـمن تائکیـد لزوم رعایت بر عدالت اجتماعی در جامعه می فرمایند: (تمتع قشـرهای مختلف مردم از امکانات مشارکت در امور باید متعادل باشد و به گونه ای عمل نشود که برخی افراد زرنگ حتی با استفاده از قوانین بتوانند در سایه مسـئله مشارکت در امور ثروت های باد آورده جمع کنند لازمه وجود ثروت های کلان و باد آورده برخی ها, اسـتمرار فقر و محرومیت برخی از فشـرهاست و تا وقتی این وضعیت ادامه یابد فقر ریشه کن نمی شود) (روزنامه ایران , ۱۰ / ۶ / ۱۳۷۵)و در راه فقرزدایی و تحقق عدالت اجتماعی و بهبود بخشـیدن به مشکلات اقتصادی اقشار آسیب پذیر جامعه از اوائل انقلاب تاکنون اقدامات اساسـی و زیر بنایی زیادی توسط ارگانها و نهادهای انقلاب اسـلامی ماننـد جهاد سازنـدگی , کمیته امداد و... صورت گرفته اسـت

ولی برطرف نمودن آن شکل کامل نیازمند حل اساسی زمینه ها و عوامل فقر و بسیج تمامی دستگاهها و امکانات دولتی و بالابردن سطح فرهنگ کار و تولید در جامعه و... می باشد. برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- سعید فراهانی خرد, نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام , ص ۳۹ ۲- دکتر فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد, ص ۱۸۳

چرا در ایران اسلامی معضلاتی چون فقر, بی عدالتی , تبعیض , پارتی بازی , رشوه و مفاسد اداری وجود دارد؟

پرسش

چرا در ایران اسلامی معضلاتی چون فقر, بی عدالتی , تبعیض , پارتی بازی , رشوه و مفاسد اداری وجود دارد؟

پاسخ

اگر بخواهیم جانب انصاف را رعایت نماییم و واقعیات جامعه را در نظر بگیرم , باید بگوییم که انقلاب اسلامی ایران با هدف اجرای احکام و ارزش های الهی , دفاع از حقوق مظلومان , رعایت عدالت اجتماعی , نفی تبعیض و... شکل گرفت و به پیروزی رسید. از اول انقلاب اسلامی تا کنون , مسؤولان عالی رتبه نظام - چه در گفتار و ارائه خط مشی و اصول کلی نظام و تدوین برنامه های دولت و چه در عمل - همیشه بر این اصول تأکید و پافشاری داشته و برای بهبود سطح معیشتی , رفاه و... این اقشار اقداماتی انجام داده اند ;بنابراین ما با شما در کلیت مواردی را که ذکر نمودید موافق نیستیم , زیرا بسیاری از مردم که قبل از انقلاب از وضعیت مناسب اقتصادی برخوردار نبودند, به برکت انقلاب اسلامی و برنامه های دولت از اقشار مستضعف , وضعیت مناسب تری دارند. و این با مراجعه به آمار, کاملا "قابل اثبات می باشد ;مثلا "مواردی که برای معافیت از سربازی در قانون وجود دارد, از قبیل تک فرزندی , نواقص جسمی , طرح معافیت فرزندان شهدا و جانبازان و آزادگان و اقوام درجه اول آن ها, طرح دوبرادری (عنایت رهبری), خرید سربازی و... همه برای تمامی افراد جامعه اعم از ثروتمند یا مستضعف که شامل این قوانین بشوند, یکسان است . هم چنین تحصیل در دانشگاه های دولتی , بدون هیچ گونه تبعیضی و بر اساس ضوابط و مقررات مربوط صورت می پذیرد. اما اگر منظورتان این است که در بعضی جاها تبعیض وجود دارد و یا حقی پایمال می شود, ما هم در این مقدار با شما موافقیم و مسؤولین عالی رتبه نظام نیز ضمن اذعان به آن همیشه دغدغه و نگرانی خود را از این وضع اعلام داشته و به مسئولین مربوطه تذکرات و توصیه های لازم را ارائه نموده اند ;در فرمان مبارزه با فساد و تبعیض که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ به سران سه قوه ابلاغ گردید, شاهد آن بودیم . بررسی ریشه ای و پرداختن به علل و عوامل این قبیل مشکلات و نارسایی ها - که حتی مقدار کم آن نیز زیبنده جامعه اسلامی نمی باشد - نیاز به بررسی دقیق علل و عوامل جامعه شناختی آن دارد که به اختصار مهم ترین آن ها را بیان می کنیم . ۱. وجود فقر در کشور تا حدودی ناشی از ساختار اقتصادی کشور, وابستگی به صادرات نفت , جمعیت زیاد, عدم رشد صنایع مادر, وابستگی در بسیاری از مواد صنعتی به خارج از کشور, مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی , محاصره اقتصادی و سیاسی و... است . شاید بتوان مهم ترین عامل آن را عدم اجرای کامل عدالت اجتماعی در کشور دانست ; چنان که مقام معظم رهبری می فرمایند: ((... در وضعیت کنونی , ثروت در کشور می جوشد و کسانی هستند که می توانند ثروت های زیادی را به دست آورند.... عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخوردارهای نا به حق و محرومیت ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگام که همواره مطمئن ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند, احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می گیرد...)), (آیت الله خامنه ای : حدیث ولایت , ج ۱, ص ۲۸۷). ۲. درباره برخی از مسائلی که ذکر کرده اید (خریدن سربازی , تحصیل در دانشگاه های آزاد و...) حتی کسانی که این قوانین را تصویب نموده اند, این دغدغه ها را نیز داشته

انـد ;از همین رو این مسئله مورد مخـالفت هـای زیـاد و با فراز و نشیب بوده و هم اکنون نیز مورد مخالفت است . ۳. معضل پارتی بازی , رشوه , مفاسد اداری و... از منظر جامعه شناختی و روان شناختی دارای عوامل متعددی می باشد که مهم ترین آن ها عبارتند از: ۱- ادامه و بقای فرهنگ فاسد و منحوس ۲۵۰۰ ساله پادشاهی در ایران از قبیل رشوه خواری , پارتی , روابط را مقـدم بر ضوابط دانسـتن , اسـتبداد رأی جاه پرستی و سلطه پذیری و... . ۲- عـدم تثبیت ارزش های اسـلامی و قانون گرایی و پایبنـدی به ضوابط در حـدی که مسؤول یا مدیر اداره خودش را خدمتگزار بداند نه سوار بر مردم و... که این خود ناشـی از عوامل مختلفی از قبیل : فقدان برنـامه ای جـامع و همه جـانبه برای تربیت , آموزش و توجیه آنـان , کم کاری یا بعضا "عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی کشور, سردر گمی مسؤولان امور فرهنگی و عدم ارائه برنامه منسجم فرهنگی , فقدان اجماع نظر دولتمردان در کیفیت برخورد با این مسأله و... می باشد. ۳- عدم تصـفیه کامل افراد در سـطوح پایین بعد از وقوع انقلاب از یک سو و رعایت ننمودن مسائل اصیل اسلامی از قبیل : لیاقت و شایسـتگی , تعهد و تقوا, تجربه و مهارت و تخصـص و... در گزینشـها چنانچه حضرت علی (ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر می فرماید: ((ثم انظر فی امور عمالک فاسـتعملهم اختیارا "و لاتولهم محاباه و اثره فانهما جماع من شعب الجور و الخیانه و تـوخ منهـم اهـل التجربـه و الحیـاء من اهـل البیوتـات الصـالحه والقـدم فی الاسـلام المتقـدمه ; ...در امـور و کارهـای کارمنـدان و کـارگزاران خود دقت کن و پس از اینکه آنهـا را امتحـان نمودی به کار بگمار و در تعیین آنان چنین کن : قبل از این که آنها را به کاری بگماری آنانرا مورد آزمایش و امتحان قرار بده به خاطر تمایل خاص به شخصـی کسـی را به کاری منصوب مکن خود سرانه و بدون مشورت و یا اسـتبداد رأی آنها را به کار مگمار زیرا اینگونه انتخاب و منصوب نمودن یعنی از روی تمایل شخصـی و بدون مشورت و آزمـایش خود سـتمگری و ظلم و خیـانت است و برای انتخاب کارمنـدان و کارگزاران دولت اینگونه افراد را انتخاب نما افرادی که اهـل تجربه هسـتند و در کشاکش کارها ساخته و پرداخته شـده انـد اهل شـرم و حیاء و عفت هسـتند از خانـدانهای پاک دامن و صالـح باشـند سابقه و حسن سابقه آنها در اسـلام بیش از دیگران باشد...))، (نهج البلاغه , نامه ۵۳) و از طرف دیگر ضعف در بازرسـی نظـارت , حراست و مراقبت دولتی , حضـرت آیت الله خامنه ای می فرماینـد: ((بایـد در گزینش کارمنـدان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبـال گزینش خوبـان نظـارت بر کـار آنـان نیز ضـرورت است چون مقـام و قـدرت غالبـا "اخلاق و رفتـار مسؤولان را تغییر می دهـد بنابراین اگر بعـد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه , موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند. لـذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسؤولان باید نظارت مسـتمر به کار آنان داشـته باشد.)) (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳و ص ۲۰۵). ۴- تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشـها پس از دوران دفاع مقدس مانند با ارزش شدن پول شـهرت , مـدرک گرایی , رفـاه طلبی , و تجمـل پرستی و... . ۵- اجرا نشـدن امر بـه معروف ونهی از منکر یـا نظـارت ملی و همگـانی که در روایات متعدد ضامن حفظ و سـلامت جامعه و اجزاء اداری و... می باشد حضـرت علی (ع) در بستر شهادت به فرزندان خویش امام حسن و امام حسـین (ع) چنین سـفارش می نماینـد ((امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنیـد که در این صورت اشـرار شـما بر شما حاکم می شوند سپس شما برای رفع آنها دعا کنید اما دعای شما اجابت نمی شود))، (نهج البلاغه , نامه ۴۷) و در قانون اساسی جمهوری اسـلامی ایران نیز این فریضه الهی در اصل هشـتم در سه قسم مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم ومردم نسبت به دولت در نظر گرفته شده هر چند متأسفانه راهکارها عملی شده این فریضه مهم و اساسی در جامعه تبیین و اجرا نشده است . بنابراین , تـا حساسـیت قابـل توجهی که منجر به عزم ملی برای برخورد بـا این معضـلات (رشوه خواری , پـارتی بـازی و...) به وجود نیایـد, قطعا "این معضل همچنان باقی می ماند, هر چند بقیه عوامل نیز اصـلاح بشوند ;قرآن کریم می فرماید: ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا مـا بانفسـهم ; خداونـد سـرنوشت هیـچ قومی را تغییر نمی دهـد مگر آن که آنـان آن چه را در خودشـان است تغییر دهنـد))، (سوره رعد, آیه ۱۱). در اندیشه سیاسی اسلام , انسان قادر به تغییر سرنوشت خویش و سمت دهی آن در جهت خواست خود و نیز

اصلاح ساختار اجتماعی اقتصادی , سیاسی و فرهنگی خود می باشد. ۶- وجود مشکلات و نارسایی های اقتصادی , ناکافی بودن درآمدها, وجود تورم و خلاصه عدم تأمین نیازهای معیشتی و رفاهی کارمندان . ۷- پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور, مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که این مدل موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از شاخص های مطلوب گردید. به گونه ای که توسعه نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله ها را تشدید نمود و باعث تغییر ارزش ها و با ارزش شدن پول و ثروت در نزد افراد جامعه گردید. با توجه به عوامل فوق و عوامل دیگری از این قبیل می توان به این نتیجه رسید که : تحت شرایط کنونی ایران , وقتی که پول و ثروت با ارزش شود و از یک طرف در انسان ها نیاز به انواع کالا- به وجود آید و هم زمان درآمدشان کاهش یابد و در نتیجه انسان ها نیاز شدید به پول داشته باشند و از طرف دیگر امکانات برایشان فراهم نباشد و همه راه های مشروع بسته باشد و سیسم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیستم کنترل بیرونی (نظارت دستگاه های مربوطه , امر به معروف و نهی از منکر) ضعیف باشد, آنها برای ارضاء نیازهایشان به راه های نامشروع از قبیل رشوه خواری , پارتی بازی و... روی می آورند, بنابراین هم چنان که ملاحظه می نمایید این چنین نیست که علت مفاسد اداری فقط به خاطر عدم نظارت مسؤولین حکومتی و فقدان برخورد قاطع آنان باشد, بلکه مسأله بسیار ریشه ای تر و حل کامل آن نیز راه کارهای مناسب و بسیار دقیق , آن هم در طولانی مدت می طلبد, اما ما با شما موافقیم که باید با متخلفین برخورد بشود و این کار هم به کرات توسط دادگاه ها با متخلفین شده و می شود ولی در هر صورت باید به ریشه های آن پرداخت و امید می رود ان شاءالله با انجام اصلاحات اقتصادی , اجتماعی , اداری و... به هیچ وجه شاهد این گونه ناهنجاری ها و تخلفات در جامعه اسلامی نباشیم . این نکته در خور توجه است که هم چنان که مسؤولان عالی رتبه نظام به کرات اعلام کرده اند که ما این انقلاب را برای تحقق احکام و ارزش های اسلامی شروع کرده و به پیش می رویم و تا دستیابی کامل به این هدف فاصله زیادی مانده است ; بنابراین صرف وجود کشور اسلامی , علت تامه برای برطرف شدن این گونه مفاسد اداری نمی باشد بلکه عوامل دیگری نیز دخیل می باشند که با فقدان آنها, عنصر مدیریتی ایده آل نیز در رسیدن به هدف تأثیر عمده ای نمی تواند داشته باشد. این عوامل عبارتند از: ۱- حاکم شدن ارزش های الهی خصوصا "در سایر مراتب و رده بندی های بدنه اجرایی نظام از مسؤولین گرفته تا رده های پایین (نظارت درونی). ۲- حل شدن مشکلات اقتصادی و معیشتی کارکنان و... ۳- نظارت دقیق و قاطع نسبت به عملکردهای کارکنان و مأموران و... (نظارت بیرونی) و برخورد با متخلفین . ۴- همکاری مردم با مسؤولین و به وجود آمدن یک نوع عزم ملی در مبارزه با مفاسد اداری از قبیل رشوه خواری , پارتی بازی و... با ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و برخورد با افراد متخلف . ۵- وحدت و همدلی میان جناح های سیاسی و مسؤولان قوای سه گانه و سایر دستگاه های دولتی و بسیج کلیه امکانات برای برخورد با این گونه مسائل و حل ریشه ای آنان . و در آخر ذکر این نکته لازم است که با وجود تمامی این مشکلات نظام اداری ما نسبت به سال های قبل از انقلاب و سایر کشورهایی که در وضعیت مشابهی با کشور ما بوده و دوران گذار و سازندگی و... را پشت سر می گذارند در وضعیت بسیار مناسب تری قرار دارد هر چند تا رسیدن به حکومت عدل الهی و تحقق خواسته های مشروع مردم عزیزمان راه طولانی در پیش داریم . اما درباره مقایسه اوایل انقلاب با وضع فعلی باید بگوییم که اهتمام جدی و بیش تر جامعه و نظام اداری به رعایت ارزش های اسلامی و پرهیز از سوء استفاده , تبعیض , پارتی بازی , رشوه خواری و... در اوایل انقلاب نسبت به زمان کنونی , ناشی از عوالم مختلفی می باشد که به صورت مختصر عبارتند از: ۱. در دهه اول انقلاب جامعه تحت تأثیر فضای معنوی ناشی از وقوع انقلاب , دفاع مقدس و... بود که باعث تقویت همدلی , همرنگی , پرهیز از مادیات و منافع شخصی , و به طور کلی ارزش های اسلامی در جامعه گردید ;بنابراین تحت تأثیر این فضای حاکم , مفاسد اداری و اجتماعی کم تر مجال بروز پیدا می کرد ;اما به دلایل متعددی , از جمله : ۱. کم کاری مسؤولین و دستگاه های فرهنگی در تعمیق و تثبیت ارزش ها در جامعه ;۲. رفتارها و اقدامات ناشایست بعضی از مدیران و کارگزاران نهادهای دولتی و نادیده گرفتن ارزش های اسلامی ; ۳. تغییر ارزش

ها پس از دوران دفاع مقدس ; مانند با ارزش شدن پول , شهرت , مدرک گرای , رفاه طلبی , تجمل پرستی و... به بهانه توسعه اقتصادی و اجتماعی و بر اثر تهاجم فرهنگی علیه ارزش های اسلامی و ملی ; ۴. به صحنه آمدن نسل جدیدی که باورها و یافته های آنان با نسل انقلاب متفاوت بود و فقدان برنامه ای جامع برای تربیت و توجیه آنان نسبت به ارزش های اسلامی . در روایات متعددی وجود فقر در جامعه اسلامی نکوهش شده و آثار مخرب اقتصادی , فرهنگی (ضعف عقیدتی و علمی , اضطراب و ناراحتی های روحی و...) و اجتماعی و سیاسی آن بیان شده است . پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ((اگر رحمت پروردگارم بر فقرا نبود, نزدیک بود فقر به کفر بینجامد))، (الحیاه , ج ۴, ص ۳۰۹). امام صادق (ع) می فرماید: ((چند چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد, زندگی اش دچار کاستی و عقلش پریشان و ذهنش مشوش است : سلامتی , امنیت , وسعت روزی .))، (الحیاه , ج ۴, ص ۳۰۳). باید توجه داشت که هرگز فقر به تنهایی نمی تواند دنیا و آخرت انسان را به تباهی کشاند. چه بسیارند انسان هایی که با وجود فقر, توانسته اند دین و ایمان خود را حفظ کنند. البته چنان که پیش تر گفتیم , خداوند هیچ فرد یا ملتی را تکوینا "محکوم به فقر نکرده است ; بلکه در نظام اقتصادی اسلام - بر خلاف نظام سرمایه داری و مارکسیسم - فقر از کمبود منابع طبیعی یا نهاد مالکیت خصوصی بر نمی خیزد. هرگاه نظام اقتصادی مورد قبول اسلام در جامعه محقق گردد و از پیدایش عوامل فقر جلوگیری شود, این پدیده به طور کلی رخت بر می بندد ;زیرا بر اساس نصوص دینی , منابع اولیه مورد نیاز همه انسان ها در طبیعت وجود دارد: ((وآتیکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ;هر چه از او خواستید, به شما عطا کرد و اگرنعمت خدا را شماره کنید, نمی توانید آن را به شمارش آورید))، (سوره ابراهیم , آیه ۳۴). بنابراین , بسیاری از عوامل فقر, انتخابی و ارادی می باشد ;مانند: تنبلی و عدم استقامت , بی برنامگی , ارتکاب گناه , دیدگاه غلط نسبت به دنیا و آخرت , توزیع ناعادلانه ثروت , ضعف مدیریت و تخصص نیروی انسان , خودباختگی , انحصاری بودن دانش و فن آوری , اعتیاد و...، که حل آن نیز به همت و کوشش انسان ها بستگی دارد. اما این که غنی , هم دنیا را در رفاه و هم آخرتش آباد باشد, در صورتی است که هم در کسب ثروت و هم در مصرف آن , از راه های مشروع و طبق موازین شرعی عمل بکند و بتواند از این ثروت در راه رضای خداوند و خدمت به بندگانش استفاده نماید و الا چه بسیار ثروتمندانی که ثروت آنها وزر و وبال دنیا و آخرت می شود. برای مطالعه بیشتر ر.ک : فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد فرامرز رفیع پور, آناتومی جامعه علی ذو علم , انقلاب و ارزش ها سعید فراهانی فرد, نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام

عدل و میزان به چه معنا هستند؟

پرسش

عدل و میزان به چه معنا هستند؟

پاسخ

عدل و عدالت دارای مفهوم روشنی هستند عدل این است که انسان حق هر ذی حقی را بطور کامل بدهد ولی میزان وسیله‌ی سنجش است مثلاً کسی که فروشنده است و جنس را بوسیله‌ی ترازو می‌کشد و در اختیار مشتری قرار می‌دهد پرداخت جنس بهمان اندازه که مشتری استحقاق آن را داشته عدل است و ترازو میزان و وسیله‌ی سنجش و تشخیص اندازه‌ی استحقاق مشتری است. « بخش پاسخ به سؤالات »

چه بسا عدالت اجتماعی، پی‌آمد اعتقاد به توحید شمرده می‌شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پرسش

چه بسا عدالت اجتماعی، پی‌آمد اعتقاد به توحید شمرده می‌شود، آیا بدون چنین اعتقادی نمی‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

پاسخ

منظور از عدالتی که از پی‌آمدهای توحید به حساب آمده، عدالت جهانی و همگانی است. بدین معنی که تنها اعتقاد به توحید و یگانه‌پرستی است که می‌تواند وحدت و هم آهنگی راستین ایجاد کند به طوری که همگان تحت یک حکومت الهی درآیند و از یک برنامه که برنامه آسمانی است، در زندگی الهام بگیرند مسلماً با تشتت در عقیده و پراگندگی در ایده‌ئولوژی استقرار عدالت جهانی تحت لوای حکومت عدل واحد میسّر و عملی نیست. اساساً در جامعه‌ای، عدالت قابل اجرا است که بین افراد آن، اتحاد برقرار باشد و چنین اتحادی محور می‌خواهد و ملاک شایسته این وحدت، همان عقیده به توحید است، تا اتحاد ماندگار باشد. آنچه در جوامع غیردینی به عنوان عدالت اجتماعی شهرت دارد و بر پایه آن، مثلاً سرمایه به طور مساوی، بین افراد تقسیم می‌شود، قابل نقد است زیرا عدالت به معنای تساوی نیست. بلکه عدالت به معنای این است که هر فردی را به حق و اندازه استحقاق او برسانیم. گاهی تساوی، ستم است، مانند اینکه دو نفر را که یکی استحقاق بیشتری دارد و یکی کمتر به یک دید بنگرند، و ثروت را به طور مساوی بیان آنان تقسیم کنند. بدیهی است که آن امر ستم محسوب به شمار می‌آید. و چون عدالت، رعایت اندازه شایستگی و استحقاق است، بنابراین بشر نمی‌تواند اندازه استحقاق افراد را در زمینه‌های مختلف به طور دقیق بفهمد و قانون ثابت و عادلانه‌ای وضع کند، بلکه این کار تنها باید به دست خداوند که آفریدگار همه است و اندازه استحقاق هر موجودی را به درستی می‌داند، صورت گیرد. بدین لحاظ استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز عدالت در زمینه‌های دیگر، تنها از راه اعزام پیامبران و رهبران الهی و حکومت‌الهی آنان میسّر است. « بخش پاسخ به سؤالات »

تفاوت میان عدالت و ظلم چیست؟

پرسش

تفاوت میان عدالت و ظلم چیست؟

پاسخ

عدالت به معنای این است که حقّ هر کس را ارج نهند و با او به اندازه جایگاه و شایستگی‌اش رفتار کنند و ظلم در برابر آن عبارت است از ارج ننهادن به حقوق دیگران و در نظر گرفتن حدود اشخاص. بنابراین، ظلم دارای مفهومی گسترده است و شامل انواع تجاوز افراد به حقوق یکدیگر و نافرمانی انسان از خدا و بلکه شامل رفتار ناشایست و زیان رسانیدن انسان به خویش نیز می‌شود. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پرسش

آیا عدالت اجتماعی برای سلامت و سعادت جامعه بشری ضروری است؟

پاسخ

امروزه، عدالت اجتماعی همانند آزادی و دموکراسی و بعضی کلمات دیگر، ظاهری جالب و فریبنده دارد و برای همین است که در سرلوحه برنامه هر مکتب و حزبی این جمله به چشم می‌خورد. مفهوم حقیقی عدالت اجتماعی حاکمیّت قوانین عادلانه در اجتماع است که در زیر سایه چنین قوانینی، هر صاحب حقی بحقش برسد؛ استعدادها پرورش یابد و عقل‌ها بارور شود. به گونه‌ای که هیچ حقّی نادیده گرفته نشود و از این رهگذر، کسی ستم نبیند. جامعه بشری به عنوان بخشی از جهان هستی، باید با نظام عادلانه آفرینش همانند و همسو باشد؛ حال برای اینکه بقوانین عادلانه جهان هستی بهتر پی ببریم، تا قوانین اجتماعی بر پایه آن، استنساخ کنیم، به چهار آیه از قرآن کریم می‌نگریم: ۱ – در سوره فاطر(۴۱) می‌فرماید: «انْ اللَّهَ یمسک السموات و الارض ان تزولا»؛ خداوند، آسمان‌ها و زمین را از نابودی حفظ می‌فرماید. ۲ – در سوره فرقان(۲) می‌فرماید: «و خلق کل شیی فقدره تقدیراً»؛ خدا هر چیز را آفریده و برای آن اندازه خاص مقرّر فرمود. ۳ – در سوره آل عمران(۱۸) می‌فرماید: «شهداللَّه انه لااله الاهو والملائکه واولوالعلم قائما بالقسط»؛ خدا آگاه است که جز خودش خدایی نیست و فرشتگان نیز گواهند در حالی که جهان را به عدالت برپاداشته است. ۴ – در سوره فاطر(۴۳) می‌فرماید: «فلن تجد لسنهٔ اللَّه تبدیلاولن تجد لسنهٔ اللَّه تحویلا»؛ هرگز در سنّت خدا تغییر و تبدیلی نخواهد یافت. از این چهار آیه می‌فهمیم که اولاً: یک قدرت بر تمام جهان مسلّط است که هر موجود را به جای خود و همه جهان را مجموعاً نگهداری می‌کند. ثانیاً: هر موجودی به اندازه معینی و دارای استعداد خاصّی آفریده شده است؛ ثالثاً: میان موجودات از کوچک و بزرگ به قانون عدالت توازن و هم آهنگی برقرار گشته که از مجموع آنها واحدی به نام جهان تشکیل یافته و همه دارای یک نظم و یک روشند که همان قانون جهان یا سنّت خدا نامیده می‌شود؛ رابعاً: سنّت خدا که قوانین عالم باشد ثابت است و هرگز در آنها تغییر و تبدیلی رخ نمی‌دهد. این مطالب را هم از آیات قرآن و هم از راه عقل و مشاهده احوال موجودات می‌فهمیم. افراد بشر نیز هم جزئی از این جهانند و ناچار محکوم این قوانین هستند. جهان هستی به قدرت و عدالت برپاست. قدرت است که هر جسم را در جای خود نگاه می‌دارد و آن را از متلاشی شدن حفظ می‌کند. و عدالت تکوینی است که هر موجودی را آن گونه که باید در جایگاه شایسته قرار می‌دهد و همه را به کمال لایق خود می‌رساند. و در نتیجه این قدرت و عدالت است که هیچ چیز از حد خود تجاوز نمی‌کند و حد هر چیزی برای خودش محفوظ می‌ماند. در جامعه بشری نیز باید قدرتی باشد که آن جامعه را از فروپاشی نگهداری کند و عدالتی باشد که هر طبقه و فرد را در حد خود قرار دهد و حد او را برایش حفظ کند تا نه کسی از حد خود تجاوز کند و نه کسی از حد خود محروم بماند. در جهان قوانینی ثابت حکم فرماست که هر موجودی از آن تخلف کند، نابود می‌شود. برای بقاء نظام اجتماعی نیز به قوانین ثابتی نیاز است که هر جامعه‌ای آن قوانین را نشناسد و یا بشناسد و از آن پیروی نکند، روبه فنا می‌رود. « بخش پرسش و پاسخ »

علّت این که فساد سراسر کشورهای اسلامی را گرفته است چیست آیا علّت این نیست که دین ضامن اجرایی ندارد؟

پرسش

علّت این که فساد سراسر کشورهای اسلامی را گرفته است چیست آیا علّت این نیست که دین ضامن اجرایی ندارد؟

پاسخ

۱. کسی که این اشکال را می‌کند باید نخست کشورهای غربی را در نظر بگیرد و بالا بودن ارقام جنایات و جرایم و انحرافات گسترده که زندگی را در آن منطقه‌ها در ذائقه افراد تلخ نموده است مشاهده کند و با ممالک شرقی که نسبتاً تحت حکومت دین قرار دارند بسنجد تا معلوم شود تا چه اندازه ایمان و دین می‌تواند در برکناری انسانها از فساد و انحراف مؤثّر باشد. ۲. بهترین و عالی‌ترین ضامن اجراء برای عمل به قانون عبارت از ایمان است و این حقیقتی است که با اندک تأمل قابل تصدیق می‌باشد زیرا اگر نفوذ ایمان و دین نباشد افراد تا آنجا که تحت سیطره قانون می‌باشند پیروی از قانون را تحمّل می‌کنند ولی در مواردی که از قلمرو حکومت قانون خارج شدند مانند گوشه‌های مخفی که هیچ کس از آنها آگاهی ندارد از قانون تخلف می‌نمایند. امّا ایمان و دین هر جا انسان باشد همراه انسان است و در اندیشه و فکر انسان را کنترل می‌کند و از تجاوز و ستم به طور کلّی باز می‌دارد و علّت وجود فساد و انحراف در کشورهای اسلامی عمل نکردن مسلمان به طور کامل به تعلیمات دینی است و این را باید به حساب تقصیر آنان گذارد نه به حساب نقص قوانین اسلام. اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ما است. ۳. در تجربه حکومت اسلامی نشان داده شد که احکام اسلام، باید همراه قدرت نیز باشد و نظام برای کنترل اوضاع دخالت نماید. به همین دلیل است که امام«رحمه الله» فقه را فلسفه عملی حکومت می‌داند. یعنی دستورات دین در بستر حکومت به نتیجه می‌رسند. برای جلوگیری فساد باید هم جنبه ایجابی یعنی قدرت، تبلیغ و امکانات ارشادی و هم جنبه سلبیی باز دارندگی از حرکات مفسدانه انجام گیرد. ۴. در کشورهای اسلامی غیر از جمهوری اسلامی هم فقط نام اسلامی یدک کشیده می‌شود وگرنه نظامها و دولتها هرگز اسلامی نیستند. با این وجود مقایسه مفاسد و گرفتاریهای غرب و آنجا که دین حضور حتّی کمرنگ دارد قابل مقایسه نیست. « بخش پاسخ به سؤالات »

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پرسش

عدالت اجتماعی در سیره امام علی(ع) چگونه بود؟

پاسخ

واژه عدالت، در مورد انسان دو گونه کاربرد دارد: ۱. گاه در مورد فعل انسان نسبت به خویش استعمال می‌شود؛ در این صورت، عادل به کسی گفته می‌شود که آنچه موجب سعادت اوست به جا می‌آورد و از کارهایی که برای سعادتش زیان‌بار است، دوری می‌گزیند/ ۲. گاه واژه عدالت، در مورد فعل انسان نسبت به دیگری به کار می‌رود؛ بدین معنا که انسان با هر فرد از افراد جامعه، آن‌چنان که حق اوست، رفتار می‌نماید و هر کس را در جای مناسب خود قرار می‌دهد. وقتی معنای اخیر عدالت در مورد همه شخصیت‌های حقیقی و حقوقی یک جامعه اعم از مردم و دولت، در نظر گرفته شود، مفهوم عدالت اجتماعی پدید می‌آید. بر این اساس می‌توان گفت: «عدالت اجتماعی» آن است که در جامعه، حقوق همگان رعایت شود. در مقابل عدالت اجتماعی ظلم اجتماعی قرار دارد که به معنای پایمال کردن حقوق دیگران است. امیر مؤمنان علی(ع) را شهید عدالت نامیده‌اند. روشن است عدالتی که زمینه‌ساز به شهادت رسیدن آن حضرت شد، عدالت در بعد اخلاقی و فردی نبود، - هر چند عدالت فردی به معنای صحیح آن از عدالت اجتماعی انفکاک‌پذیر نیست - / در واقع، عدالتی که سبب به شهادت رسیدن آن امام همام گردید، عدالت در

بعد اجتماعی و نوع تفکر مخصوصی بود که آن حضرت درباره عدالت اجتماعی داشت، تفکری که نه تنها بارها و بارها در ضمن سخنان خویش بر آن تأکید می‌ورزید، بلکه در طول عمر مبارک خویش بویژه در دوران کوتاه حکومتش در عمل به شدت بدان پایبند بود و اندکی در این راه مسامحه و انعطاف را روا نمی‌دانست تا آنجا که نسبت به نزدیک‌ترین کسان خویش نیز آن را اجرا می‌کرد، که در این مورد داستان برخورد آن حضرت با برادرش عقیل مشهور است. شخصی از آن حضرت پرسید: «ایهما افضل؟ العدل ام الجود»، عدل برتر است یا جود؟ فقال(ع): «العدل یضع الامور مواضعها و الجود یخرجها من جهتها{;«۱} حضرت در پاسخ فرمود: عدل بهتر است زیرا عدل هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد و هر حقی را به ذی‌حق واقعی خود می‌رساند، اما جود و بخشش، امور را از محل و مدار خود خارج می‌سازند،{۲} سپس فرمود: «و العدل سائسٌ عامٌّ و الجود عارضٌ خاص{;«۳} عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود. عدالت سائس و اداره کننده عموم است و پایه و مبنای زندگی عمومی است اما جود و بخشش حالتی استثنایی است که در موقع خاص کسی به کسی می‌بخشد و ایثار می‌کند/ جود و ایثار را نمی‌توان مبنای اصلی زندگی عمومی قرار داد و بر اساس آن مقررات و قانون وضع کرد. زیرا در این صورت دیگر جود و بخشش نام نمی‌گیرد زیرا ایثار و جود زمانی ایثار و جود است که هیچ قانون و مقررات حتمی و لازم الاجرا نداشته باشد و آدمی تنها از روی کرم و بزرگواری و گذشت و نوعدوستی جود و ایثار کند؛ لذا اگر در جامعه جود نباشد آن قدر مشکل پیش نمی‌آید که در صورت عدم وجود عدالت پیش می‌آید. پاسخ آن حضرت که عدل را از جود بالاتر می‌داند به روشنی نشان می‌دهد که آن حضرت با نظر به بعد اجتماعی عدالت این سخن را فرموده‌اند زیرا افزون بر این که از نظر فردی جود بالاتر از عدل است - و علمای اخلاق نیز به این مطلب اذعان دارند - کسی که تفکر اجتماعی ندارد و با مقیاس‌های فردی محاسبه می‌کند، هیچ گاه عدل را از جود بالاتر نمی‌داند چرا که شخص عادل کسی است که در آن حد از کمال انسانی است که به حق دیگران تجاوز نمی‌کند اما آن که جود می‌کند و ایثار می‌نماید نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند بلکه از مال و دسترنج خود و از حق خویشتن گذشته و آن را به دیگران می‌بخشد، بنابراین از دیدگاه فردی جود از عدل بالاتر است. اما از دیدگاه اجتماعی درست به عکس است، زیرا عدل در اجتماع به منزله پایه‌های ساختمان است و جود و احسان به منزله رنگ‌آمیز و نقاشی و زینت ساختمان، اول باید پایه درست باشد تا آنگاه نوبت به زینت و رنگ‌آمیزی برسد. اگر خانه از پای‌بست ویران باشد، دیگر چه فایده که خواجه در بند نقش ایوان باشد؟ اما اگر پایه محکم باشد، در ساختمان بی‌زینت هم می‌توان زندگی کرد، ممکن است ساختمان فوق‌العاده از نظر زینت و رنگ‌آمیزی خوب باشد اما چون پایه‌اش سست است با یک باران بر سر اهلش خراب می‌شود. این پرسش و پاسخ به روشنی نشان می‌دهد که آن حضرت عدالت را از بعد اجتماعی می‌نگریسته و همین مسأله است که در سیره حکومتی آن حضرت نمود یافته تا آنجا که می‌توان گفت: عدالت برای آن حضرت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مطرح بوده و آن حضرت عدالت اجتماعی را از هر چیز دیگری بالاتر می‌دانسته و سیاست خود را بر مبنای همین اصل تأسیس کرده بود و می‌بینیم که در این راه هیچ منظور و هدف دیگری نمی‌توانست آن حضرت را از اجرای عدالت باز دارد و در واقع همین مسأله بود که مشکلات زیادی برای او در طول دوران حکومتش ایجاد کرد. در پایان سخن، تنها به ذکر چند نمونه از سیره حکومتی آن حضرت که به خوبی جایگاه عدالت اجتماعی در آن روشن می‌شود، بسنده می‌کنیم: ۱. درباره قطایع عثمان - یعنی اراضی که متعلق به همه مسلمانان بود و خلیفه سوم آنها را در اختیار اشخاصی خاص قرار داده بود - فرمود: «و الله لو وجدته قد تزوج به النسأُ و ملکَ به الاماُ لرددته، فان فی العدل سع{;«۴} بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است/ ۲. عمرو عاص در نامه‌ای به معاویه نوشت: «ما کنت صانعا فاصنع، اذا قشرک ابن ابی‌طالب من کل مال تملکه کما تقشر عن العصالحاها{;«۵} هر کاری از تو ساخته است بکن که پسر ابی‌طالب هر چه داری در این مدت جمع کرده‌ای از تو باز پس خواهد گرفت، و از تو جدا خواهد کرد، آن گونه که پوست عصای دستی را از آن جدا می‌کنند.

۳. عبدالله بن زمعه {۶} که یکی از یاران آن حضرت بود، در زمان خلافت آن حضرت نزد وی آمده و درخواست کرد که از بیت‌المال، مالی به او ببخشد، آن حضرت در پاسخ فرمود: «ان هذا المال لیس لی ولالک و انما هو فی للمسلمین، جلب اسیافهم، فان شرکتهم فی حربهم، کان لک مثل حظهم {۷}» این اموال که می‌بینی نه مال من و نه از آن تواست، غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند، اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی همچون سهم آنان داشتی/ به هر حال نمود عدالت آن خورشید فروزان عالم هستی چنان است که نویسنده‌ای مسیحی درباره آن حضرت کتابی می‌نویسد و عنوان آن را علی صدای رسای عدالت انسانی قرار می‌دهد.{۸} [۱].نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷/ [۲].لازم به یادآوری است که این کلام به معنای مذمت جود نیست؛ چنان‌که توضیح داده خواهد شد/ [۳].نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۳۷/ [۴].نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۵/ [۵].شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷۰، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی/ [۶].عبدالله بن زمعه کسی است که پدر و عمو و برادرش در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شدند، جد او أسود، رسول خدا را فراوان آزار می‌داد، اما او از یاران امام علی(ع) شد و فکر می‌کرد، در تقسیم بیت‌المال به او بیشتر توجه می‌شود، اما پاسخ قاطع امام او را بیدار کرد/ [۷].نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۳۲/ [۸].علی و حقوق بشر، جورج جرداق، ترجمه عطامحمد سردارپناه، مؤسسه انتشارات فراهانی تهران/

چرا کسی به فکر وضع معیشتی مردم نیست ؟ چرا عده ای خانه و ماشین آن چنانی دارند؟ وعده ای به زحمت می توانند نان شبشان را تهیه کنند؟ چرا در یک مملکت اسلامی کسی به فکر تهیدستان نیست .

پرسش

چرا کسی به فکر وضع معیشتی مردم نیست ؟ چرا عده ای خانه و ماشین آن چنانی دارند؟ وعده ای به زحمت می توانند نان شبشان را تهیه کنند؟ چرا در یک مملکت اسلامی کسی به فکر تهیدستان نیست .

پاسخ

خوشبختانه در این روزها شاهدیم مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس ششم , دررهنمودهای خود, مهم ترین مسئله ای را که مطرح کردند, وضع معیشتی مردم بود. همهء مسئولان جمهوری اسلامی ایران از این مسئله رنج می برند و منتظرند به تدریج وضع اقتصادی مردم بهبود یابد. همان طور که شمااشاره کردید, این وضع بسیار تأسف بار و رقت آمیز است که عده ای این همه اموال باد آورده را جمع و ذخیره واسراف کنند و عده ای به نان شب خود محتاج باشند! برای تعدیل ثروت ها و کمک به خانواده های مستضعف وآسب پذیر باید فکری جدّی کرد. نباید منتظر اقدامات آینده و وعدهء سرخرمن شویم . باید همهء ملت مسلمان دست در دست یک دیگر و با بسیج عمومی به یاری تهیدستان بشتابند و حال که مسئولان و دولتمردان نمی توانند کاری اصلاحی برای مردم انجام دهند, کسانی که وضع نسبتاً خوبی دارند, گذشت و فداکاری کنند وبه یاری نیازمندان بشتابند.

در شهری که بنده زندگی می کنم , تبعیض هایی در سطح ادارات به چشم می خورد. یک عده که وضع مالی خوبی دارند و شاید چند جا خانه داشته باشند, در بهترین نقطهء شهر به آنان زمین واگذار می شود, ولی به افرادی که نه خانه دارند و نه امکاناتی , در جاهای پست با هزار مشکلا

پرسش

در شـهری که بنده زندگی می کنم , تبعیض هایی در سطح ادارات به چشم می خورد. یک عده که وضع مالی خوبی دارند و شاید چند جا خانه داشته باشند, در بهترین نقطهء شهر به آنان زمین واگذار می شود, ولی به افرادی که نه خانه دارند و نه امکاناتی , در جاهای پست با هزار مشکلات پس از مدت ها یک قطعه زمین می دهند! تقاضامی کنم این مطلب را به مسئولان متذکر شوید.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از جنابعالی تشکر می کنیم . مشکلی که مطرح کرده اید, متأسفانه فراگیر است .شاید در بیشتر مواضع و در بخش های مختلف , این تبعیض ها وجود دارد و این ناشی از فساد اداری است که بایدتحوّلی جدّی در نظام ادارات کشور به وجود آید. اگر با این گونه تبعیض ها که فراوان است , مبارزهء جدّی بشود,بسیاری از بدبینی ها و ناهنجاری های جامعه افول پیدا می کند. ما سعی می کنیم مشکل شما را به مسئولان و درصورت توان به فرماندار سراوان ابلاغ کنیم و نامه ای به فرماندار می نویسیم تا بداند این تبعیض ها به گوش مقامات می رسد.

چرا مسـئولان کشور از فرماندار و شهردار یک شهر کوچک تا استانداران، وزرا و نمایندگان مجلس و رؤسای سه قوه مانند اکثر مردم زندگی نمی‌کنند، بلکه از بهترین امکانات زندگی، ساختمان‌ها و اتومبیل‌ها برخوردارند در حالی که اکثر مردم از ابتدایی‌ترین امکانات بی بهره‌اند

پرسش

چرا مسئولان کشور از فرماندار و شهردار یک شهر کوچک تا استانداران، وزرا و نمایندگان مجلس و رؤسای سه قوه مانند اکثر مردم زندگی نمی‌کنند، بلکه از بهترین امکانات زندگی، ساختمان‌ها و اتومبیل‌ها برخوردارند در حالی که اکثر مردم از ابتدایی‌ترین امکانات بی بهره‌اند و در فقر و فلاکت دست و پا می‌زنند؟!

پاسخ

برادر گرامی، غصه‌ها و درد دل‌های شماما را به یاد داستانی انداخت که می‌گویند: روزی حضرت امیرالمؤمنین از راهی می‌گذشت. صدای گریه‌ای شنید. به سوی او رفت و از وی دلجویی کرد. سپس پرسید ای بنده خدا چرا گریه می‌کنی؟ آیا گرسنه‌ای، تشنه‌ای یا بیماری تا به شما کمک کنم؟ آن شخص گفت: نه، به من ظلم شده است. من مظلوم واقع شده‌ام. حضرت فرمود: پس بیا با هم گریه کنیم. با هم فریاد بزنیم که من هم مثل تو مظلومم. چه کسی همانند من ظلم شده است؟ قسمتی از غصه‌ها و ناراحتی‌های‌ما از قلم شما بیان شده است. اگر چه نمی‌خواهیم بگوییم هیچ صاحب منصبی نیست که به درد دل‌های مردم محروم و مستضعف توجه کند، چرا هستند، اما این گونه افراد دلسوز که بخواهند همانند اکثر مردم زندگی کنند، در میان صاحب منصبان آن قدر کم اند که تحت الشعاع و دور از انظار عمومی مردم قرار گرفته‌اند. قبول داریم که هر چه از زمان صدر انقلاب فاصله می‌گیریم، فاصله شیوه زندگی برخی از صاحب منصبان با اکثر مردم بیشتر می‌شود، اما تذکر سه نکته را لازم می‌بینیم: ۱ - آیا شیوه زندگی همه صاحب منصبان و دولت مردان حکومت حضرت علی(ع) مثل خود آن حضرت زاهدانه و هم سطح زندگی آحاد مردم بود؟ برای این که واقعیات موجود آن عصر را بهتر متوجه شویم، لازم است خطبه‌ها و نامه‌های حضرت را در نهج االبلاغه مطالعه کنیم. مخصوصاً نامه‌های زیر را که به اشخاص مختلف نوشته شده است وما شماره آن‌ها را از روی نهج البلاغه با ترجمه فیض الاسلام ذکر کرده‌ایم: ۱ - نامه ۴۵، خطاب به عثمان بن حنیف، استاندار بصره؛ ۲ - نامه ۴۳؛ به مصقله، والی بلادی از فارس؛ ۳ - نامه ۴۱؛ ۴ - درد دل‌های جان سوز آن حضرت را در نامه ۳۵ که به عبدالله بن عباس نوشته است بخوانید. ۵ - نامه‌های شماره ۲۰ و ۴۴ را که

برای زیـاد بن ابیه، معـاون و جانشـین عبـدالله بن عبـاس که اسـتاندار بصـره و اهواز و فـارس و کرمان بود، با دقت مطالعه کنیـد. ۶ – بالاـخره نـامه شـماره سه را به" شـریح بن الحارث "که منصب قضاوت کوفه را در زمان حضـرت و خلیفه اول و دوم داشت، مطالعه نمایید که حضـرت با شریح قاضی به خاطر خرید خانه مجلل چگونه خشمگینانه برخورد می‌کند. ۲ – رهبریت انقلاب، چه در زمان حضـرت امام خمینی (ره) و چه در عصـر حضرت آیت الله خامنه‌ای حفظ الله تعالی نه تنها پیوسته آحاد مردم مخصوصاً دولت مردان و صاحب منصـبان را به ساده زیستی و قناعت و پرهیز از اسراف و همانند توده مردم زندگی کردن توصیه کرده‌اند، بلکه در زندگی شخصـی هیچ گه از بیت المال اسـتفاده نمی‌کنند و بسـیار ساده و زاهدانه زندگی می‌کنند. خانه شخصی رهبر انقلاب حضرت آیت الله خـامنه‌ای هم اکنـون بـا یـک فرش که متعلـق به جهیزه خـانمش است، همراه بـا چنـد قطعه موکت مفروش شـده است. فردی که مسـئولیت خریـد وسـایـل خـانه رهبری را به عهـده دارد، می‌گویـد: روزی رهبری چنـد قطعه" قطیفه و حوله "قـدیمی را به من داد و فرمود: این‌ها را ببر بفروش. گفتم: شـما دختر عزب دارید. بگذارید برای جهیزیه دخترتان. فرمود: این ماه برای مخارج منزل کسـری آوردم. این حوله‌ها را سال‌ها پیش از انقلاب از مال خودم خریده بودم. ببر بفروش، فعلاً به پول آن نیاز داریم. آیا این گونه زندگی کردن رهبر انقلاب شـباهتی به زندگی حضـرت علی(ع) ندارد؟ اگر چه کسـی نمی‌تواند عیناً مثل آن حضرت زندگی کند و به قول خود حضـرت": لا یقاس بآل محمـد صـلی الله علیه و آله من هـذه الامـهٔ أحـد و لا یسوی بهم من جرت نعمتهم علیه ابـداً، هم اساس الـدین، و عمـاد الیقین. الیهم یفیء الغـالی و بهم یلحق التـالی و لهم خصـایص حق الولاـیه و فیهم الوصـیهٔ و الوراثـهٔ؛ هیـچ کسـی را نمی‌توان با آل محمـد(ص) مقایسه کرد. آنان که از هر جهت از آل محمـد بهره‌مندنـد، با آن‌ها برابر نیسـتند. آل محمد(ص) اساس دین و ارکان یقیننـد. هر آن که غلو کرده باید به سوی آنان بازگردد و هر که عقب گرد نموده. باید به آنان ملحق شود ویژگی‌ها و اختصاصـات ولاـیت و زعـامت و حکومت از آن آنان است و وصایت وراثت پیامبر(ص) نیز در میان آنان است."(۱) ۳ – نبی مکرم اسـلام (ص) خطاب به همه امت اسـلام فرمود": کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته، همه شما (نسبت به دیین و جامعه) نگهبانید و همه شـما نسـبت به آن چه که نگهبانیـد، مسـئولیت داریـد. "نگهبانی از قوانین و ارزش‌های دین و پاسداری از حدود و ثغور احکام الهی، وظیفه قشر و صنف خاصی نیست، بلکه همه آحاد امت در پیشگاه حق تعالی باید پاسخگو باشند، آن روزی که خداوند فرمان دهد": وقفوهم انهم مسـئولون."(۲) هر کسـی در هر مقـامی است، موظف می‌باشـد به انـدازه سـعی و توان خود در عمل و گفتار به توسـعه و تحکیم مبـانی احکـام و قوانین و حکومت اسـلامی بپردازد و قرآن را در عرصه عمـل، از" مجوریت "خـارج سازیم وگرنه اولین کسـی که در قیامت در پیشـگاه حق تعالی ازما شکایت خواهد کرد.(۳) پیامبر است. آری بر اساس" حـدیث ثقلین."(۴) تمام بدبختی بشریت به خاطر دور شدن از فرهنگ قرآن و فاصله گرفتن از تعالیم حیات بخش اهل بیت است. آن دو تا قیامت از هم جدا شدنی نیسـتند. پی نوشت‌ها: ۱ – فیض الاسـلام، نهج البلاغه، خطبه۲. ۲ – صافات(۳۷) آیه ۲۴. ۳" – –یا رب ان قومی اتخـذوا هذا القرآن مجهوراً "فرقان(۲۵) آیه ۳۰. ۴ – شـیعه و سـنی از پیامبر نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود": انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی،ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابداً، و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض."

مدتی است دولت جمهوری اسلامی , خدمت سربازی را میفروشد و پول دارها می خرند و بی پول هاباید اجباراً به خدمت سربازی بروند. آیا این عمل از عدالت اسلامی است ؟

پرسش

مدتی است دولت جمهوری اسـلامی , خدمت سربازی را میفروشد و پول دارها می خرند و بی پول هاباید اجباراً به خدمت سربازی بروند. آیا این عمل از عدالت اسلامی است ؟

پاسخ

خدمت سربازی وظیفهء همهء مسلمانان است و بر همه واجب است که آمادگی نظامی داشته باشیم تا درمواقع نیاز بتوانیم از اسلام و کشور عزیزمان دفاع کنیم . بر پول دارها هم واجب است که به خدمت سربازی بروند,ولی در برهه ای از زمان به جهت مشکلات اقتصادی مجبور شدند که خدمت سربازی را بفروشند.

آیا ارفاق کردن به طور مساوی به همهٔ دانش آموزان صحیح است یا باید مثلاً به دانش آموز زرنگ مثلاً ۲ نمره اضاف داد و به ضعیف انمره؟ عدالت کدام است؟

پرسش

آیا ارفاق کردن به طور مساوی به همهٔ دانش آموزان صحیح است یا باید مثلاً به دانش آموز زرنگ مثلاً ۲ نمره اضاف داد و به ضعیف ۱نمره؟ عدالت کدام است؟

پاسخ

عدالت این است که به هیچ کدام از دانش آموزان نمرهٔ اضافی و ارفاقی داده نشود و به هر دانش آموز به همان اندازه که استحقاق دارد نمره داده شود. حال اگر معلمی خواست که نمرهٔ ارفاقی بدهد باید به هر دانش آموز بر اساس مزایای انظباطی و اخلاقی نمرهٔ اضافی بدهد و به آنان بفهماند که این نمره بر اساس انظباط و اخلاق است.

وقتی که به مردم و جامعهٔ خودمان نگاه می کنم احساس می کنم که به شدت جامعهٔ ما طبقاتی شده است . جامعهٔ روستایی و شهری و طبقات مختلف شهری وقتی این چیزها را می بینم ناراحت می شوم به طوری که حتی نسبت به دین و معنویت بی تفاوت می شوم علّت این مسئله چیست؟

پرسش

وقتی که به مردم و جامعهٔ خودمان نگاه می کنم احساس می کنم که به شدت جامعهٔ ما طبقاتی شده است . جامعهٔ روستایی و شهری و طبقات مختلف شهری وقتی این چیزها را می بینم ناراحت می شوم به طوری که حتی نسبت به دین و معنویت بی تفاوت می شوم علّت این مسئله چیست؟

پاسخ

برادر عزیز و دانشجوی گرامی! با درود و سلام خدمت شما امیدواریم در پناه خداوند متعال در تمامی مراحل زندگی . در مورد سؤال شما باید عرض شود که جامعهٔ ایران از قدیم یک جامعهٔ طبقاتی بوده و حتی گوی سبقت از برخی از کشورها می ربود در زمان های قبل از انقلاب که ما شاهد آن بودیم کأنّ روستائیان، خدمتکار شهرنشینان بودند . بایستی امکانات غذایی از قبیل شیر و ماست و پنیر و تخم مرغ و میوه را برای شهرنشینان تهیه بکنند و تحت فشار زندگی همراه با کمبودهای فراوان زندگی سختی را بگذرانند حتی اگر زنی از روستائیان می‌خواست زایمان کند یک وسیله نقلیه پیدا نمی شد او را به شهر برساند در همان روستا یا در بین راه از بین می‌رفت در روستاها نه بهداشتی در کار بود، نه جاده ای ، نه تلفن، نه برق، نه مخابرات، نه پزشک و درمانگاه.

انقلاب اسلامی به وجود آمد. در حالی که شاه و دارو دستهٔ او بسیاری از امکانات کشور را به خارج منتقل کردند و اموال زیادی را در کشورها و بانک های خارجی ذخیره کردند که هنوز هم فرزندان شاه معدوم و خاندان او از آن ها استفاده می کنند به اضافهٔ پول های فراوان و تجهیزات هواپیماهای جنگی و غیر جنگی که از آمریکا خریداری شده بود به ایران انتقال ندادند و اموال فراوانی در کشورهای غربی و آمریکا مصادره شد. در همین حال جنگی فرسایشی بر ایران تحمیل کردند و بیشتر شهر ها و امکانات کشور را از بین بردند و اگر رشادت و جوانمردی مردم و به خصوص جوانان مؤمن این کشور نبود الآن هیچ برای ایران باقی نمی گذاشتند نه عزّت و آبرویی نه امکاناتی. بعد از جنگ دوران سازندگی شروع شد در مدت کوتاهی تمامی شهرهای تخریب شده ساخته شد . کارخانه ها به کار افتاد راه ها ساخته شد حتی به روستاهای دور افتاده راه و برق و تلفن و حتی گاز رسانده شد دانشگاه های فراوانی ساخته و به راه انداخته شد و کشوری که قبل از انقلاب پر از پزشک های هندی و پاکستانی بود الآن آنقدر پزشک دارد که می تواند به کشورهای دیگر صادر بکند قبل از انقلاب مهندسان ما اجازه نداشتند حتی یک پیچ هواپیما را به دون اجازهٔ مستشاران آمریکایی باز کنند الآن نه تنها انواع ماشین ها در داخل به دست متخصصان داخلی ساخته می شود بلکه صنعت هواپیماسازی و کشتی‌سازی شروع شده است. بحمدالله الآن زمینهٔ رشد و تکامل در تمامی زمینه ها برای تمامی افراد مملکت فراهم است. باید همه همّت کنند در این راه قدم های مثبتی بردارند. در این راستا طبیعی است که برخی از افراد با زرنگی ها و تدبیرها از برخی از امکانات سوء استفاده کنند و برای خود و خاندان خود امکانات ویژه ای را به جیب بزنند . دولت باید جلوی باند بازی ها و زد و بند ها و رشوه خواری ها را بگیرد و نگذارد دزدان شب و غارتگران روز از این فرصت ها سوء استفاده کنند. بد عمل کردن برخی از افراد دلیل نمی شود که ما نسبت به اصل نظام و نسبت به اسلام بدبین بشویم. اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ما ست

پارتی بازی در مسائل اجتماعی را توضیح دهید.

پرسش

پارتی بازی در مسائل اجتماعی را توضیح دهید.

پاسخ

پارتی بازی ربودن حق دیگران است. تضییع حق دیگران بدون رضایت آنان حرام است. افرادی که در جامعه زندگی می کنند باید حقوق مدنی خود و دیگران را مراعات کنند. از این رو در اسلام حق همسایگی کنار حق مسلمانی، برادری و خویشاوندی قرار گرفته است. ضایع کردن حقوق دیگران باعث هرج و مرج اجتماعی و قانون شکنی می شود. رعایت قانون از بدیهیات جامعهٔ سالم انسانی است. در اسلام بر رعایت حق حیوانات تأکید فراوان شده، بنابراین پارتی بازی اوّلاً رعایت نکردن قوانین اجتماعی است، ثانیاً پایمال کردن حق دیگران است، ثالثاً در بعضی موارد باعث رواج عادت بد رشوه خواری بین کارمندان یا افراد دیگر می شود. در این صورت آنان که توانایی دادن رشوه ندارند با مشکلات رو به رو خواهند شد. ۱ آیت الله فاضل، جامع المسائل ج ۱، ص ۱۷۹، ص ۶۸۶. ۲ توضیح المسائل مراجع، ج۱، مسئلهٔ ۲۷. ۳ توضیح المسائل مراجع، ج۱، مسئلهٔ ۱۷۰. ۴ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئلهٔ ۲۷. ۵ مستفاد از مکاسب محرمهٔ امام خمینی، ج۱، ص ۲۸۵. ۶ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۲، ص ۹۶۸. ۷ همان، ج۱ ص ۳۸۵. ۸ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۴۸۵. ۹ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸. ۱۰ آیت الله تبریزی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۴۰۳.

آیا گرانی تمام می‌شود، یعنی تا کی می‌خواهد ادامه پیداکند؟

پرسش

آیا گرانی تمام می‌شود، یعنی تا کی می‌خواهد ادامه پیداکند؟

پاسخ

اقتصاد دانان و مجریان امور اقتصادی می گویند: چون اقتصاد ایران از پایه و اساس خراب بوده و همه‌اش بر پایهٔ نفت و ذخائر ارضی استوار بوده است برای بیرون رفتن از این وضع باید برنامه‌های طولانی مدت پنج سالهٔ اول و دوم و سوم و... اجرا شود تا کم کم اقتصاد کشور سر و سامان بگیرد و روال و و جریان طبیعی خود را بیابد. در این مدت طبیعی است که فشارهای زیادی بر مردم وارد می‌شود. برای این که این فشار کم‌تر بر مردم اثر بگذارد، دادن سوبسید برای ارزاق عمومی و برخی از اقلام دیگر این فشار را کم‌تر می کند. در هر صورت اقتصاد کشوری اگر بیمار باشد، مانند مریضی است که در بیمارستان بستری شده است باید بعضی از دردها را تحمل کند تا کم کم بهبودی حاصل شود. در این مدت با تنش‌ها و کمبودها و دردها همراه است و بخش‌ها را باید تحمل می کند. مسئولان اقتصادی کشور می گویند: همان طور که در زمان جنگ باید مردم شدائد و مصیبت‌ها و کمبودها را تحمل کنند، برای برون رفت از وضع بد اقتصادی باید مدتی تحمل و صبر و استقامت داشته باشند. البته گرانی عوامل دیگر نیز دارد: ۱ ـ بیجا مصرف شدن برخی از هزینه‌ها و تکرار کاری‌ها و ناهماهنگی بین ارگان‌های دولتی مثلاً ادارهٔ گاز و سازمان آب و شهرداری در برخی از مواقع هماهنگی نیست یک سازمان خیابان را می کند، پس از مدتی آن را آسفالت می کنند، دوباره ادارهٔ دیگر می کند. تکرار کارها و ناهماهنگی‌ها باعث هزینه‌های سرسام آور می‌شود. از خرج‌های بیهوده وجود روزنامه‌های متعدد است در حالی که تمامی مطالب آن‌ها تکراری و همنواخت است ۲ ـ وجود تبعیض و عدم نظارت بر استفادهٔ صحیح از هزینه‌ها و مخارج باعث می‌شود که هزینه‌ها به برخی جاها می‌رسد و به برخی نمی‌رسد، مثل این که بودجه به برخی از مناطق شهر بیش‌تر می‌رسد و در برخی مناطق کم‌تر هزینه می‌شود. در هر صورت تا عوامل گرانی برطرف نشود و تولید زیاد نشود و نظارت صحیح و قاطع در کار نباشد و جلوی اسراف کاری‌ها گرفته نشود، اقتصاد بیمار دیرتر بهبودی حاصل خواهد کرد. البته دست دشمنان خارجی و تحریم‌های خارجی نیز در این زمینه‌ها دخالت دارد.

آیا اختلاف طبقاتی در جامعه باید باشد) اگر نه، پس چه کسی کارهای سطح پایین جامعه را انجام دهد؟ اگر آری، پس عدالت اجتماعی چه می‌شود؟

پرسش

آیا اختلاف طبقاتی در جامعه باید باشد) اگر نه، پس چه کسی کارهای سطح پایین جامعه را انجام دهد؟ اگر آری، پس عدالت اجتماعی چه می‌شود؟

پاسخ

عدالت اجتماعی این است که روابط مردم با یکدیگر براساس عدالت و حفظ حقوق و عدم تجاوز به حقوق یک دیگر باشد و

کسی به دیگری ظلم و تجاوز نکند و زمامداران و سردمداران حکومت حق مردم را رعایت نمایند و درباره آنان ستم نکنند. مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص ۴۹؛ مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۲۹۱، ماده عدالت. بنابراین عدالت اجتماعی بدین معنا است که مردم اعم از زمامداران و اقشار مختلف جامعه حقوق یکدیگر را رعایت کنند و نسبت به همدیگر ستم روا ندارند. نه به این معنا که همه افراد جامعه رئیس جمهور باشند، یا رئیس مجلس باشند، یا استاد دانشگاه چون این مسئله، نشدنی است. اصولاً ـ فلسفه زندگی اجتماعی بشر این است که انسان نیازهای گوناگون دارد و به تنهایی قادر نیست همه آن‌ها را برآورده کند. از این رو زندگی اجتماعی تشکیل داد تا با تعاون و همکاری یک دیگر به ضرورت‌های زندگی دست یابد. پس عدالت اجتماعی وجود شغل‌ها و پست‌های مختلف در جامعه منافات ندارد. اگر در هر جامعه‌ای که ضرورتاً دارای افراد مختلف و پست‌های متعدد و شغل‌های متفاوت است، مردم حقوق متقابل را رعایت نمایند، عدالت اجتماعی برقرار است و اگر رعایت نکردند، عدالت اجتماعی لگدمال شده است. پست‌ها و شغل‌های دولتی هم اگر طبق شایستگی افراد تقسیم شود و در هر مسندی فرد لایق گذاشته شود، مطابق عدالت اجتماعی است و اما اگر براساس پول یا پارتی یا رشوه و یا ملاک‌های دیگری غیر از لیاقت اشخاص تقسیم کار نشود، برخلاف عدالت اجتماعی است.

علّت این که در جامعه اسلامی، فساد و تباهی وجود دارد چیست؟

پرسش

علّت این که در جامعه اسلامی، فساد و تباهی وجود دارد چیست؟

پاسخ

علت فساد و تباهی در جامعه به دو گروه بر می‌گردد: گروهی که عامل به این امور هستند و به فساد و تباهی دامن زده و یا آن را گسترش می‌دهند و گروهی که نظاره گر این امور هستند. آنان که عامل فسادند و خودشان در آن غوطه ورند، عوامل متعدّد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌توانند علّت آن باشد. در بخش اقتصادی، کسانی که صرفاً به فکر منافع خود و تأمین هر چه بیشتر خواسته و شهوات هستند و اشتهای سیری‌ناپذیر در جمع ثروت به هر طریق و تکاثر و زیاده خواهی دارند و در این راه در پایمال کردن حقوق دیگران و استفاده از هر ابزار و شیوه‌ای دریغ نمی‌کنند. در بخش فرهنگی که محسوس‌تر است، انواع و اقسام رسانه‌های ارتباطی با شیوه‌های مختلف تبلیغاتی و با وقت گذاشتن روی نیازهای غریزی انسان‌ها عمل می‌کنند. جهان غرب به خاطر شهوت پرستی و زیاده خواهی و به جهت منافع اقتصادی و برای سلطه سیاسی و فرهنگی از هیچ کوششی در این مسیر فروگذاری نمی‌کند. با صرف نظر از علل ایجاد کننده فساد و تباهی و عاملین به آن‌ها، بخشی از این همه فساد مربوط به خود ما است که نظاره گریم. اگر در جامعه اسلامی شاهد انواع فسادها می‌باشیم، به دلیل عمل نکردن به اسلام و دستورهای دین است. از قرآن مجید و روایات معصومین استفاده می‌شود که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت به حق و مبارزه با فساد ممکن نیست. از آیه" کنتم خیر امت أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون باللّه.("۱) بر می‌آید که مسلمانان تا زمانی یک امت ممتاز محسوب می‌شوند که امر به معروف و نهی از منکر نمایند و هرگاه این دو را ترک کنند، نه بهترین امت‌اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود. امام باقر(ع) در این باره می‌فرماید": امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آن‌ها بر پا می‌شوند و به وسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود. حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن کارها سر و سامان می‌گیرد.("۲) بنابراین اگر خواهان

اصلاحات در بخش‌های مختلف اجتماع اعم از بخش‌های اداری، اقتصادی، قضایی، سیاسی و غیره می‌باشیم، باید فرهنگ نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه حاکم سازیم. پی نوشت‌ها: ۱. آل عمران (۳) آیه ۱۱۰. ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

چرا در جامعه اسلامی شاهد این همه ظلم و ستم می باشیم، در حالی که خدا ناظر بر عمل ما است؟

پرسش

چرا در جامعه اسلامی شاهد این همه ظلم و ستم می باشیم، در حالی که خدا ناظر بر عمل ما است؟

پاسخ

اگر منظور، ظلم آحاد جامعه و عدم رعایت حقوق یکدیگراست، بدیهی است که یکی از علل اصلی آن را باید در ضعف ایمان و باورهای مذهبی جستجو کرد، زیرا علت و انگیزهٔ ستم به فرمایش امام علی(ع) حرص، خودکامگی، جاه طلبی، خشم و کینه توزی است. همه این عوامل حاکی از فراموشی خدا و سست بودن عنصر ارزشمند ایمان به خدا است. کسی که خدا را در نظر داشته باشد و از حساب روز جزا بترسد، هرگز حقوق دیگران را پایمال نمی کند، بلکه از ستم هراس دارد، چنان که امام علی(ع) می فرماید: "به خدا سوگند! اگر شب ها را بر بستر خارهای سعدان به صبح آورم و دست و پایم به غُل و زنجیر کشیده شود، تحملش برایم بسی دلپذیر تر از آن است که در قیامت خدا و رسولش را در حالتی ملاقات کنم که به بنده ای از بندگانش ستم روا داشته یا از دنیا چیزی به ناحق برگرفته باشم."(۱) اما اگر منظور از سؤال ظلمی باشد که از سوی دستگاه های اجرائی بر مردم صورت می گیرد، باید آن را معلول عوامل زیر دانست: بی کفایتی بعضی از مسئولان، عدم اجرای صحیح قانون، کوتاهی دستگاه های قضایی، فقدان قانون جامعه که جلو بی عدالتی ها را بگیرد، اتخاذ تصمیم های عجولانه و ناپخته، عدم اطلاع کافی مسئولان از واقعیت های جامعه و یا نفوذ عناصر وابسته به اجانب و غیر متعهد. بر این باوریم که اگر به اسلام عمل شود و مجریان قانون اوّلاً به احکام اسلام آشنا باشند، ثانیاً در اجرای آن خود را متعهد بدانند، ثالثاً از تجربیات کشورهای موفق بهره مند گردند، رابعاً خود را از مردم بدانند و دردهای آنان را حس نمایند و خامساً عنصر دنیاپرستی و هواپرستی را از خود دور کنند، دیگر شاهد ظلم و ستم در جامعه نخواهیم بود. امیدواریم این امر هر چه زودتر محقق گردد. البته باید اذعان کرد که با وجود کاستی ها، نظام اسلامی در مقایسه با نظام های دیگر، نقاط قوّت بسیاری دارد و در مواردی در جهت تحقیق عدالت اجتماعی موفق بوده است مانند: گسترش خدمات عمومی مانند برق و گاز و تلفن و توسعه مراکز آموزشی و دانشگاهی و خودکفایی در بخش هایی از امور کشاورزی و صنعتی و قطع وابستگی ها و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود. پی نوشت ها: ۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵ فیض الاسلام.

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پرسش

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پاسخ

حقیقت آن است که نباید همهٔ رهبران حکومت اسلامی را زیر سؤال برده و آنان را متهم به ثروت اندوزی و دنیا گرایی نمود. رهبران حکومت اسلامی را می توان به سه گروه تقسیم نمود: ۱) عده ای از رهبران جامعه اسلامی، زهد و ساده زیستی را رعایت کرده و مانند توده مردم زندگی می کنند. نمونه بارز آن امام راحل(س) است که یکی از زاهدترین انسان ها بود. امروزه جهانیان وی را به عنوان رهبر موفق قبول داشته و ساده زیستی وی جهانیان را شگفت زده نموده است. امام نه تنها ساده زیست می نمود که همهٔ رهبران و مسئولان حکومت را به ساده زیستی فرا می خواند. در حوزه های علمیه نیز مراجع و رهبران دینی، ساده زیستی را رعایت نموده و ساده زندگی نمودن آن ها می تواند الگوی خوبی برای دیگران باشد. ۲) برخی از رهبران هستند که مانند گروه اوّل نیستند، ولی زندگی آنان به گونه ای است که در شأن یک رهبر جامعه اسلامی است و افکار عمومی نیز آنان را متهم به دنیا گرایی نمی کند؛ یعنی زندگی آنان قابل قبول بوده و تا اندازه ای درد و مشکلات مردم را درک می کنند. آنان کسانی هستند که در مسیر زندگی خود درد و رنج فقر را چشیده و یا در جامعه با فقیران و محرومان، در ارتباط هستند؛ مضافاً بر این که برخی از این گروه به رغم آن که امکانات در اختیار دارند، به گونه ای زندگی می کنند که بین آن ها و مردم فاصلهٔ چندانی نباشد. ۳) گروهی از رهبران جامعه ـ همان گونه که اشاره کرده اید ـ کسانی هستند که ساده زیستی را رعایت نکرده و چگونگی زندگی آنان با شاخصه های جامعهٔ دینی همسویی ندارد. اینان کسانی هستند که باید در رفتار خود تجدید نظر کنند. یکی از آسیب های جدی نظام جمهوری اسلامی ایران، عدم رعایت ساده زیستی می باشد که بارها حضرت امام(ره) به آنها هشدار داده است. اینان باید بیشتر از همه سفارش امام علی(ع) را مورد توجه قرار دهند، آن جا که رهبران جامعه را به زهد فرا می خواند و یکی از علل آن را همدردی با فقیران می داند. امام علی(ع) یکی از علل زهد گرایی خود را همدردی با فقرا خوانده و فرمود": چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی بهترین خوراک ها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا" یمامه "افرادی یافت شوند که امید یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است؟! آیا سزاوار است شب را صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد."(؟!۲) یکی از علت های اساسی که حضرت امیر(ع) این شیوه را در زندگی خود بر گزیده، قرار گرفتن در رأس حکومت و رهبری جامعهٔ اسلامی است. وظیفهٔ رهبران و مسئولان جامعهٔ اسلامی از این جهت بیشتر است. یکی از علت های آن آشنا شدن بهتر با دردها و مشکلات انسان ها و چگونگی زندگی آن ها است تا زمانی که انسان با مشکلات و سختی ها زندگی نکند، نمی تواند مشکلات و سختی های دیگران و تودهٔ مردم را درک نماید. حضرت علی(ع) صراحتاً آن را در نامه خود به عثمان بن حنیف و خطبه ها و نامه های دیگر بیان داشته، در کلمات و سخنان امام(ره) و حضرت آیت الله خامنه ای نیز به آن اشاره شده است. پی نوشت ها: ۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۰۷. ۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۷ ـ ۲۲۸.

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

پرسش

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

پاسخ

معنای اسلامی بودن یک کشور و مسلمان بودن افراد، این نیست که در آن جامعه همه شاخصه های عدالت رعایت شود. در جامعه ای که در صدد تشکیل جامعهٔ آرمانی است و رهبر آن را انسان های غیر معصوم بر عهده دارند، نباید انتظار داشت که در آن حقوق همهٔ انسان ها به صورت کامل و تمام رعایت شود و هیچ ظلمی در آن وجود نداشته باشد؛ زیرا برای از بین بردن ظلم و ایجاد عدالت ـ در ابعاد گسترده آن، باید زمینه ها به وجود آمده و موانع رفع گردد. همه انبیا و رهبران الهی در صدد تشکیل مدینه فاضله بودند، ولی عملاً موفق نشدند، زیرا عدالت ستیزان نگذاشتند که قسط و عدالت به وجود آید. از سوی دیگر مردم نیز از نظر فکری به آن حد نرسیده بودند که خود به گسترش عدالت پرداخته و با ستمگران و ناهنجاری ها مبارزهٔ همه جانبه داشته باشند. بی تردید امام علی(ع) طلایه دار و منادی عدالت بود، ولی وی نیز نتوانست عدالت همه جانبه را به وجود بیاورد؛ زیرا افکار عمومی آمادگی پذیرش عدالت امام را نداشته و سیاست های عادلانه امام را دشمنان وی و حتی مردم عادی و در برخی موارد یاران او بر نمی تابیدند. البته این مطلب را نباید از نظر دور داشت که در جامعه اسلامی ایران باید عدالت بیشتر از این رعایت شود و جامعه ما بهتر از این که است، باید باشد، زیرا در جامعه ای که بر اساس قانون اسلامی اداره می شود و مردم آن را مسلمانان تشکیل می دهند، انتظار می رود که در آن عدالت بیشتر رعایت شود. بر اساس ضرورت حاکمیت عدالت است که بارها مقام معظم رهبری، مسئولان نظام را به برقراری عدالت و تبعیض زدایی فرا خواند. رسیدن به مهم ترین و اصلی ترین نیاز جامعه و انسان ها یا حتی نزدیک شدن به آن (که هدف از بعثت پیامبران در قرآن برقراری قسط و عدل شناخته شده) تلاش همه جانبه ای را هم از طرف مردم مسلمان و هم از طرف مسئولان و حاکمان می طلبد. دولتمردان باید سعی کنند که در تصمیم گیری ها و تعریف سیاست ها به گونه ای عمل کنند که زمینه های بی عدالتی از بین برود. مردم نیز باید با رعایت حقوق یکدیگر و پرهیز از زیاده خواهی و زیاده طلبی با عوامل بی عدالتی مبارزه کرده و عوامل و زمینه های گسترش عدالت را فراهم نمایند؛ زیرا حکومت و مردم مکمل یکدیگر در ایجاد و گسترش عدالت هستند.

۱–چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

اشاره

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه‌های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه

پرسش

چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟ متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه‌های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه اسلامی، شاهد وجود برخی از بی عدالتی‌ها می‌باشیم که به هیچوجه زیبنده حکومت و جامعه اسلامی نبوده، و نظام اسلامی موظف به مبارزه و محو تمامی گونه های بی عدالتی در جامعه می‌باشد. بر این اساس راهکارهای اقدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی‌های موجود در جامعه را می‌توان در موارد زیر به صورت مختصر بیان کرد: الف ـ توجه جدّی به رعایت عدالت اجتماعی در برنامه ریزی های توسعه و سازندگی کشور: پس از دوران دفاع مقدس و آغاز دوران بازسازی کشور، مدلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه ازشاخص های مطلوب گردید. به گونه‌ای که توسعه، نتایج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصله‌ها را تشدید نمود. این عامل در

برخی از تحلیل ها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه‌ای ضمن انتقاد از این روند، می‌فرمایند": در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد، ("۱). در جای دیگر می‌فرمایند": در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت‌ها باید مبتنی بر عدالت باشد، زیرا قسط و عدل از همه آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عدل در جامعه باشد. رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی هم نیست، بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه‌ها ما را به هدفِ عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست،("۲). ب) برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروت های نامشروع و بادآورده: امام علی(ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدلِ خویش قرار دادند: ۱ـ مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲ ـ احیای سنت برابری و مساوات در بهره‌مندی از بیت المال. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند...": با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدّی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروعِ زندگی مردم، جمع شود، ("...۳). در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد. ج) پیشگیری از پیدایش ثروت ها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راه های مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کارپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است. در این راستا مهم ترین اقدامات پیشگیرانه عبارتند از: ۱ـ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی(ع) می‌فرمایند: ان الله تعالی فرض علی ائمهٔ العدل ان یقدّروا انفسهم بضعفهٔ الناس، کیلا یتبغ َبالفقیر فقره؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه‌گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد.("۴) ۲ـ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی(ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می‌فرمایند": والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری‌طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند. وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی، ("۵). ۳ـ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند": باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینشِ خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالبااخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می‌دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان، از بالاـ بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند،("...۶). د) بالاـ بردن میزان آگاهی مردم: با بالاـ رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می‌یابد و بی عدالتی را نمی‌پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می‌کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیم گیری های سیاسی افزایش می‌یابد. ه) توجه جدّی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: وجود ارزش های اسلامی مانند ایمان، تقوا و تعهد موجب اجرای عدالت در سطح جامعه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید ": اعدلوا هو اقرب للتقوی،("۷)امام علی(ع) نیز می‌فرماید ":من قد الزم نفسه العدل فکان اوّل عدله نفی الهوی عن نفسه؛ هر که می‌خواهد به حُلیه عدل و دادآراسته شود، می‌بایست هوا و هوس های گوناگون را از خود دور کند،(

۸). برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد عقلایی ومبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه لازم است، به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاه ها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می کنند. باید این نظام ارزشی در ۱ـ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ـ ساختار کلان کشور ۳ـ برنامه‌های اجرایی، تبلور و تجلّی یابد. و) فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصت های مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن و رفاه که در اصول متعددی از قانون اساسی ج. ا. ا. متبلور می‌باشد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸ شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶ علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴ دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۴۸۰ پی نوشت ها : ۱ – حدیث ولایت، ج۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷. ۲ – روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲. ۳ – حدیث ولایت، ج۱، ص ۲۸۷. ۴ – نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵. ۵ – نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱. ۶ – فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵. ۷ – مائده (۵) آیه ۸. ۸ – نهج البلاغه، خطبه ۸۷. پرسش: بعضی از خطیبان جماعت که در ماه های رمضان یا محرم به روستاها می فرستید، بر چه اصولی تعیین می گردند؟ بعضی از آنها حتی از سواد اولیه برای ارشاد مردم برخوردار نیستند و فقط بلدند برای مردم مصیبت تکراری بخوانند!

پاسخ

تبلیغ به معنای رسانیدن پیغام می باشد و در اصطلاح تبلیغ دینی به معنای رسانیدن و انتقال پیام دینی می باشد، آیات و روایات توصیه به تبلیغ و نشر فرهنگ دینی کرده اند، قرآن کریم می فرماید": الذین یبلّغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الاّ الله و کفی بالله حسیبا؛ آنان که پیام های خدا را (به خلق خدا) می رسانند و از او بیم دارند و جز از خدا از کسی دیگر نمی ترسند و (همان) خدا در مراقبت و نظارت بر اعمال بس است. "در ایام تبلیغ مبلغان و مروّجان احکام الهی جهت اقامه وعظ و ارشاد مردم به نقاط مختلف کشور می روند مناطق مختلف را با فرهنگ اصیل اسلامی و دینی خدا آشنا نمایند. در این راستا سعی شده از مبلغان و روحانیون در راستای توانایی های علمی و قدرت سخنوری استفاده شود. در این عرصه ممکن است نقیصه و کمبودی مشاهده شود یا شخصی از توان علمی لازم یا قدرت سخنوری شایسته برخوردار نباشد. اما در هر حال سعی می شود توزیع مبلغان در سطح کشور براساس توانایی مبلغ و میزان استقبال مردم از او به عمل آید و مبلغان با استفاده از ابزارهای تبلیغی و آشنایی با علم روز در جهت پاسخگویی به مشکلات دینی مردم موفق تر می باشند. اما در هر حال حرکت حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مقدسه قم براین اساس است که روحانیون و مبلغان حوزه ها، افرادی عالم و آگاه به مسایل علمی و مباحث روز باشند و با این ویژگی برای تبلیغ اعزام شوند و در دورترین نقطه ایران منشأ اثر و مروّج دین باشند . حال ممکن است در این حرکت عظیم و گسترده تبلیغی کمبودی مشاهده شود یا مبلغی در انجام وظایف تبلیغی خود موفق نباشد که امید است با بررسی و بازبینی مجدد عملکرد افراد، این مشکل برطرف شود. البته این بخش از دفتر تبلیغات اسلامی ، مسؤلیتی در مو رد مبلّغان اعزامی ندارد، بلکه صرفاً به منظور پاسخگویی به سؤالات اعتقادی، فقهی، تاریخی، اخلاقی و... تأسیس شده است.

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پرسش

زندگی پیامبر(ص) در سطح پایین ترین افراد جامعه بود، اما بسیاری از بزرگان کشور در سطح بسیار بالا و مرفه زندگی می کنند، آیا واقعاً آن ها می توانند وضعیت انسان های سطح پایین جامعه را بفهمند و مشکلات آنان را درک کنند؟

پاسخ

حقیقت آن است که نباید همهٔ رهبران حکومت اسلامی را زیر سؤال برده و آنان را متهم به ثروت اندوزی و دنیا گرایی نمود. رهبران حکومت اسلامی را می توان به سه گروه تقسیم نمود: ۱) عده ای از رهبران جامعه اسلامی، زهد و ساده زیستی را رعایت کرده و مانند توده مردم زندگی می کنند. نمونه بارز آن امام راحل(س) است که یکی از زاهدترین انسان ها بود. امروزه جهانیان وی را به عنوان رهبر موفق قبول داشته و ساده زیستی وی جهانیان را شگفت زده نموده است. امام نه تنها ساده زیست می نمود که همهٔ رهبران و مسئولان حکومت را به ساده زیستی فرا می خواند. در حوزه های علمیه نیز مراجع و رهبران دینی، ساده زیستی را رعایت نموده و ساده زندگی نمودن آن ها می تواند الگوی خوبی برای دیگران باشد. ۲) برخی از رهبران هستند که مانند گروه اوّل نیستند، ولی زندگی آنان به گونه ای است که در شأن یک رهبر جامعه اسلامی است و افکار عمومی نیز آنان را متهم به دنیا گرایی نمی کند؛ یعنی زندگی آنان قابل قبول بوده و تا اندازه ای درد و مشکلات مردم را درک می کنند. آنان کسانی هستند که در مسیر زندگی خود درد و رنج فقر را چشیده و یا در جامعه با فقیران و محرومان، در ارتباط هستند؛ مضافاً بر این که برخی از این گروه به رغم آن که امکانات در اختیار دارند، به گونه ای زندگی می کنند که بین آن ها و مردم فاصلهٔ چندانی نباشد. ۳) گروهی از رهبران جامعه ـ همان گونه که اشاره کرده اید ـ کسانی هستند که ساده زیستی را رعایت نکرده و چگونگی زندگی آنان با شاخصه های جامعهٔ دینی همسویی ندارد. اینان کسانی هستند که باید در رفتار خود تجدید نظر کنند. یکی از آسیب های جدی نظام جمهوری اسلامی ایران، عدم رعایت ساده زیستی می باشد که بارها حضرت امام(ره) به آنها هشدار داده است. اینان باید بیشتر از همه سفارش امام علی(ع) را مورد توجه قرار دهند، آن جا که رهبران جامعه را به زهد فرا می خواند و یکی از علل آن را همدردی با فقیران می داند. امام علی(ع) یکی از علل زهد گرایی خود را همدردی با فقرا خوانده و فرمود": چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی بهترین خوراک ها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا" یمامه "افرادی یافت شوند که امید یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است؟! آیا سزاوار است شب را صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد."(؟!۲) یکی از علت های اساسی که حضرت امیر(ع) این شیوه را در زندگی خود بر گزیده، قرار گرفتن در رأس حکومت و رهبری جامعهٔ اسلامی است. وظیفهٔ رهبران و مسئولان جامعهٔ اسلامی از این جهت بیشتر است. یکی از علت های آن آشنا شدن بهتر با دردها و مشکلات انسان ها و چگونگی زندگی آن ها است تا زمانی که انسان با مشکلات و سختی ها زندگی نکند، نمی تواند مشکلات و سختی های دیگران و تودهٔ مردم را درک نماید. حضرت علی(ع) صراحتاً آن را در نامه خود به عثمان بن حنیف و خطبه ها و نامه های دیگر بیان داشته، در کلمات و سخنان امام(ره) و حضرت آیت الله خامنه ای نیز به آن اشاره شده است. پی نوشت ها: ۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۰۷. ۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۷ ـ ۲۲۸.

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

پرسش

در کشور اسلامی ما چرا این قدر بی عدالتی وجود دارد؟ مگر اسلام دین عدالت نیست و اکثر مردم کشور ما مسلمان نیستند؟

پاسخ

معنای اسلامی بودن یک کشور و مسلمان بودن افراد، این نیست که در آن جامعه همه شاخصه های عدالت رعایت شود. در جامعه ای که در صدد تشکیل جامعهٔ آرمانی است و رهبر آن را انسان های غیر معصوم بر عهده دارند، نباید انتظار داشت که در آن حقوق همهٔ انسان ها به صورت کامل و تمام رعایت شود و هیچ ظلمی در آن وجود نداشته باشد؛ زیرا برای از بین بردن ظلم و ایجاد عدالت ـ در ابعاد گسترده آن، باید زمینه ها به وجود آمده و موانع رفع گردد. همه انبیا و رهبران الهی در صدد تشکیل مدینه فاضله بودند، ولی عملاً موفق نشدند، زیرا عدالت ستیزان نگذاشتند که قسط و عدالت به وجود آید. از سوی دیگر مردم نیز از نظر فکری به آن حد نرسیده بودند که خود به گسترش عدالت پرداخته و با ستمگران و ناهنجاری ها مبارزهٔ همه جانبه داشته باشند. بی تردید امام علی(ع) طلایه دار و منادی عدالت بود، ولی وی نیز نتوانست عدالت همه جانبه را به وجود بیاورد؛ زیرا افکار عمومی آمادگی پذیرش عدالت امام را نداشته و سیاست های عادلانه امام را دشمنان وی و حتی مردم عادی و در برخی موارد یاران او بر نمی تابیدند. البته این مطلب را نباید از نظر دور داشت که در جامعه اسلامی ایران باید عدالت بیشتر از این رعایت شود و جامعه ما بهتر از این که است، باید باشد، زیرا در جامعه ای که بر اساس قانون اسلامی اداره می شود و مردم آن را مسلمانان تشکیل می دهند، انتظار می رود که در آن عدالت بیشتر رعایت شود. بر اساس ضرورت حاکمیت عدالت است که بارها مقام معظم رهبری، مسئولان نظام را به برقراری عدالت و تبعیض زدایی فرا خواند. رسیدن به مهم ترین و اصلی ترین نیاز جامعه و انسان ها یا حتی نزدیک شدن به آن (که هدف از بعثت پیامبران در قرآن برقراری قسط و عدل شناخته شده) تلاش همه جانبه ای را هم از طرف مردم مسلمان و هم از طرف مسئولان و حاکمان می طلبد. دولتمردان باید سعی کنند که در تصمیم گیری ها و تعریف سیاست ها به گونه ای عمل کنند که زمینه های بی عدالتی از بین برود. مردم نیز باید با رعایت حقوق یکدیگر و پرهیز از زیاده خواهی و زیاده طلبی با عوامل بی عدالتی مبارزه کرده و عوامل و زمینه های گسترش عدالت را فراهم نمایند؛ زیرا حکومت و مردم مکمل یکدیگر در ایجاد و گسترش عدالت هستند.

۱– چرا حق انسان ها (عدالت)همیشه به درستی ادا نمی شود و انسان ها با هم برابری نمی کنند؟

پرسش

چرا حق انسان ها (عدالت)همیشه به درستی ادا نمی شود و انسان ها با هم برابری نمی کنند؟

پاسخ

آنچه در پاسخ به این پرسش و سؤالات مشابه در ابتدا باید توجه داشت، آن است که تمام مواردی که در آفرینش انسان ها و موجودات دیگر به عنوان نابرابری لحاظ می شود ، تفاوت‌هایی است که در جهان وجود دارد، نه تبعیض‌ها. فرق تفاوت و تبعیض آن است که در فرض تبعیض، چند موجود قرار دارند که همه شایستگی و حق یکسان دارندو به یکی داده می‌شود و به دیگری داده نمی‌شود یا کم تر داده می‌شود، اما در صورت تفاوت در آفرینش اصلاً حقی مطرح نیست یا دارای قابلیت های متفاوت هستند و به همان شکل داده می‌شود. در مورد آفرینش انسان، از ابتدا انسانی نبوده تا حقی مطرح باشد. بنابر این این تصور که از طرف خداوند حق انسان ها ادا نمی شود تصور صحیحی نیست. از طرف دیگر دلیلی وجود ندارد که خداوند بین آفریده ها تبعیض قائل شود یا ظلمی بر کسی روا ندارد. چون تبعیض و ظلم یا ناشی از جهل است یا کمبود و نیاز ویا...در حالی که همه آفریده گان نسبت

مساوی با خداوند داشته و همه آفریده او هستند و او از هر عیب و نقصی مبرا است. اگر هم نابرابری ها در جامعه انسانی و مربوط به خود ا...ها باشد این بحث مستقل و جدا گانه ای است. اما این که راز تفاوت های انسان ها برای چیست باید گفت : اشیا از نظر خوبی و بدی اگر تنها و منفرد و مستقل از اشیای دیگر در نظر گرفته شوند، یک حکم دارند و اگر جزء یک نظام و به عنوان عضوی از اندام در نظر گرفته شوند، حکم دیگری پیدا می کنند، مثلاً اگر از ما بپرسند که خط راست بهتر است یا خط کج، ممکن است بگوییم خط راست بهتر از خط کج است، ولی اگر خط مورد سؤال جزئی از یک مجموعه شد، در یک مجموعه به طور مطلق، نه خط مستقیم پسندیده است و نه خط منحنی. وقتی که جهان را جمعاً مورد نظر قرار می‌دهیم، ناچاریم بپذیریم که در نظام کل و در توازن عمومی، وجود پستی‌ها و بلندی‌ها، فراز و نشیب‌ها، تاریکی و روشنایی‌ها، همه لازم است. جهان چون چشم و خط و خال و ابروست که هر چیزش به جای خویش نیکو است اگر اختلاف و تفاوت وجود نداشته باشد، دیگر مجموعه و نظام مفهومی ندارد. شکوه و زیبایی جهان در تنوع و اختلاف‌های رنگارنگ آن است. قرآن کریم وجود اختلاف‌ها را از آیات و نشانه‌های قدرت الهی می‌شمرد. زشتی‌ها، نه تنها از این نظر ضروری می‌باشند که جزئی از مجموعه جهانند و نظام کل به وجود آن‌ها بستگی دارد، بلکه از نظر نمایان ساختن و جلوه داده به زیبایی‌ها نیز وجود آن‌ها لازم است. اگر در جهان زشتی نبود، زیبایی هم نبود. اگر همه مردم زیبا بودند، هیچ کس زیبا نبود، همان طوری که اگر همه مردم زشت بودند، هیچ کس زشت نبود.(۱) ممکن است این سؤال پیش آید: چرا زشت زیبا نشد و بالعکس؟ در پاسخ استاد مطهری می گوید": خداوند متعال به هر موجودی همان وجود و همان اندازه از کمال و زیبایی را می‌دهد که می‌تواند بپذیرد. نقصانات از ناحیه ذات خود آن‌ها است، نه از ناحیه فیض باری تعالی، نظیر خواص اَشکال هندسی که ذاتی موجودات است، مثلاً خاصیت مثلث این است که مجموعه زاویه هایش برابر با دو قائمه است و خاصیت مربع این است که مجموع زوایایش برابر با چهار قائمه است. معنایش این نیست که به آن، خاصیت دو قائمه و به این خاصیت چهار قائمه داشتن را اعطا کرده‌اند تا گفته شود چرا به مثلث ستم کرده‌اند. تفاوت موجودات جهان همین طور است. بوعلی سینا گفته است: خدا زردآلو را زردآلو نکرده بلکه زردآلو را ایجاد کرده است. زردآلو از باب مثال است، منظور همه موجودات است، خدا اشیا را آفریده و آن‌ها ذاتاً اختلاف دارند. قرآن مجید این مطلب را با یک تمثیل بیان کرده و فرموده است": خدا از آسمان آبی فرود آورد و هر رودخانه‌ای به قدر ظرفیت خودش سیلان یافت.(۲") یعنی رحمت فیض پروردگار هیچ موجود مستعدی را محروم نمی‌سازد و برای همه یکسان است، ولی استعداد و ظرفیت موجودات یکسان نیست. استعداها مختلف است. هر ظرفی به قدری که گنجایش دارد، از رحمت خدا لبریز می گردد. پس هر موجودی، حق خود را که امکان داشته دریافت دارد، دریافت کرده است (۳".) نباید تصور کرد که خداوند یکی را که ممکن بود زیبا باشد، زشت قرار داد و دیگری را که ممکن بود زشت باشد، زیبا قرار داد و با قید قرعه و یا یک اراده تبعیض‌آمیز هر یک از آن‌ها را انتخاب کرد، بلکه هر جزء از اجزای جهان تنها به همین جور که هست، امکان وجود داشته و خدا همان آفرینش را به آن داده است. اگر بخواهیم از دیدگاه علمی سخن گوییم، این گونه نمی‌توان گفت که هر ماده با توجه به ویژگی و شرایط خود از وجود و کمالات وجود برخوردار می‌شود. تفاوت هایی که در جهان مادی و طبیعی وجود دارد، براساس تفاوت در عناصر مادی است، مثلاً کسی که از نظر زیبایی یا زشتی، شکل و وضعی خاص دارد، بر اثر تفاوت ژنتیکی و عوامل محیطی و مادی وراثت و... است که هزاران مورد شناخته شده و یا ناشناخته در طبیعت در آن‌ها دخالت دارد و یا حتی امور غیر مادی مانند نحوه آمیزش یا مواد و غذاهایی که پدر و مادر قبل از آمیزش، یا مادر بعد از آن در دوران جنینی تغذیه می کنند یا مانند تأثیر الکل و مواد اعتیادزا در شکل و حالت و وضع و سلامت و بهره هوشی و استعداد کودک که امروزه بدون تردید شناخته شده است. طبق این سخن فیض الهی از ناحیه خدا تمام است و او در حق هیچ موجودی تبعیض روا نمی‌دارد، بلکه موجودات هستند که به فراخور شأن و جایگاه و مرتبه خود و عوامل دیگر قبول فیض می کنند و به اندازه استحقاق، در مرتبه‌ای از عالم هستی جا می‌دارند. در جهان خلقت آنچه که وجود دارد تبعیض نیست، بلکه تفاوت است،

همـان طور که ظرف یـک لیتری نسبت به ظرف پنـج لیتری مقـدار کمتری آب در خود جـای می‌دهـد. آری هر موجودی در نظـام هستی به میزان ظرفیت خود دریافت فیض می‌کنـد. در عین حال آنچه در پایان می‌تواند مکمل این پاسخ باشد و هرگونه اشـکالی را برطرف کنـد، آن است که: نبایـد نگاهمان را فقط معطوف به دنیا و زنـدگی دنیا نماییم و همچنان این اشـکال برای ما وجود داشـته باشـد که تفاوت‌ها ربط به انسان نـدارد. درست است که تفاوت‌های ایجاد شـده به سـبب وراثت و محیط و... انسان نقشـی در آن‌ها نـدارد، اما زندگی انسان که منحصـر به این عالم نیست، بلکه این عالم تنها بخش کوچکی از حیات است و در مقابل حیات جاودانه و حقیقی بسـیار نـاچیز است. در این نگـاه هر چه بیشتر از نعمت‌هـای دنیـا و کمالاـت هستی داده شـده باشـد، به همان انـدازه دارای مسـئولیت بیشتر بایـد باشـد و در مقابـل هر یـک از نعمت‌های الهی از او سؤال شود که آیا حق آن را به جا آورده است؟ اما آن که کمتر به او داده شـده، سـبک‌بارتر است. از طرف دیگر با توجه به روایات به دست می‌آیـد که خداوند بعضـی از کاستی‌های دنیا را در عالم دیگر جبران می‌نمایـد و به هیـچ بنده‌ای ظلم روا نمی‌شود. پی‌نوشت‌ها: ۱ - اسـتاد مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۶۷ - ۱۶۶، با تلخیص. ۲ - رعد (۱۳) آیه ۱۷. ۳ - استاد مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۷۲ - ۱۷۱، با تلخیص.

چرا در مملکت ما دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسد اجتماعی فراوان شده است؟

اشاره

متأسفانه علیرغم اهتمام فراوان دین مقدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه‌های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جامعه

پرسش

چرا در مملکت مـا دروغ، دزدی، رشوه خواری و مفاسـد اجتمـاعی فراوان شـده است؟ متأسـفانه علیرغم اهتمـام فراوان دین مقـدس اسلام و بزرگان الهی بر رعایت عدالت اجتماعی در تمامی عرصه‌های جامعه، و تأکیدات فراوان امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری در این خصوص، هنوز در جـامعه اسـلامی، شاهـد وجود برخی از بی عـدالتی‌ها می‌باشـیم که به هیچوجه زیبنـده حکومت و جـامعه اسـلامی نبوده، و نظـام اسـلامی موظف به مبـارزه و محو تمامی گونه های بی عـدالتی در جامعه می‌باشـد. بر این اساس راهکارهای اقـدامات مبارزه اصولی با بی عدالتی‌های موجود در جامعه را می‌توان در موارد زیر به صورت مختصـر بیان کرد: الف ـ توجه جدّی به رعـایت عـدالت اجتمـاعی در برنـامه ریزی هـای توسـعه و سازنـدگی کشور: پس از دوران دفـاع مقـدس و آغاز دوران بازسازی کشـور، مـدلی برای توسـعه اقتصـادی و اجتمـاعی در پیش گرفتـه شـد کـه مـوجب بروز تضادهـای ارزشـی و فاصـله گرفتن جـامعه ازشـاخص های مطلوب گردیـد. به گونه‌ای که توسـعه، نتایـج عکس خود را ظاهر ساخت و فاصـله‌ها را تشدیـد نمود. این عامل در برخی از تحلیل ها و تحقیقات به عمل آمده، عامل اصلی افول ارزشها و ایجاد نابرابری در جامعه دانسته شده است. حضرت آیت الله خامنه‌ای ضـمن انتقاد از این رونـد، می‌فرماینـد": در این مرحله از انقلاب، هـدف عمـده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن، رفـاه مادی همراه با عـدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسـلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از مراحل گوناگون آن ممکن نخواهد شد، ("۱). در جای دیگر می‌فرماینـد": در نظام جمهوری اسـلامی ایران اساس همه فعالیت‌ها بایـد مبتنی بر عـدالت باشـد، زیرا قسط و عـدل از همه آرمان‌ها و اهداف نظام اسـلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر اقامه قسط و عـدل در جامعه باشـد. رشـد اقتصادی در جامعه ما هـدف اصـلی هم نیست، بلکه رشـد اقتصادی

جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است... هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که یا خودش به تنهایی، یا در مجموع برنامه‌ها ما را به هدفِ عدالت نزدیک کند، و الا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند، فرض بر این که به رشد اقتصادی منتهی بشود کافی نیست،("۲). ب) برخورد فیزیکی، مصادره و بازپس گیری اموال غاصبان و صاحبان ثروت های نامشروع و بادآورده: امام علی(ع) دو اقدام مهم و انقلابی را سرلوحه اقدامات حکومت عدلِ خویش قرار دادند: ۱ـ مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان ۲ ـ احیای سنت برابری و مساوات در بهره‌مندی از بیت المال. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند...": با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور بساط تجاوز و تعدّی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروعِ زندگی مردم، جمع شود، ("...۳). در فرمان مبارزه با فساد که در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خطاب به سران سه قوه صادر فرمودند بر این امر مهم تأکید نمودند که خود بیانگر، عزم، همدلی و همکاری قوای سه گانه با برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شده برای ریشه کن کردن فساد و تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد. ج) پیشگیری از پیدایش ثروت ها و ثروتمندان نامشروع جدید: یکی دیگر از راه های مبارزه با وجود بی عدالتی در جامعه، جلوگیری از روی آوردن و دلباختگی والیان و کارپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است. در این راستا مهم ترین اقدامات پیشگیرانه عبارتند از: ۱ـ اسوه و نمونه بودن مسؤولان حکومت برای دیگر کارگزاران: امام علی(ع) می‌فرمایند: ان الله تعالی فرض علی ائمهٔ العدل ان یقدّروا انفسهم بضعفهٔ الناس، کیلا یتبغ َبالفقیر فقره؛ خداوند بر امامان عدل فرض و واجب فرموده، خود را با اقشار ناتوان و محروم جامعه اندازه‌گیری کنند و زندگی خود را با آنان برابر نهند تا تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و موجب هلاکت و نابودی او نگردد.("۴) ۲ـ زیر نظر گرفتن رفتار اقتصادی نزدیکان: حضرت علی(ع) در فرازی از عهدنامه مالک اشتر، در این زمینه می‌فرمایند": والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری‌طلبی و گردن فرازی دارند و در داد و ستد، کمتر حاضر به رعایت انصافند. وظیفه تو، آن است که ریشه ستم چنین افرادی را قطع نمایی، ("۵). ۳ـ بازرسی، نظارت، حراست و مراقبت دولتی و نظارت بر دارایی کارگزاران: حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند": باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینشِ خوبان، نظارت بر کار آنان نیز ضروری است، چون مقام و قدرت، غالبااخلاق و رفتار مسؤولان را تغییر می‌دهد، بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان، از بالاـ بر عمل کرد آنان نظارت دقیقی نشود، ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند،("...۶). د) بالاـ بردن میزان آگاهی مردم: با بالاـ رفتن میزان آگاهی مردم، درک آنها از حقوقشان افزایش می‌یابد و بی عدالتی را نمی‌پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می‌کوشند از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آنها در تصمیم گیری های سیاسی افزایش می‌یابد. ه) توجه جدّی به گسترش و تثبیت ارزشهای اسلامی در جامعه: وجود ارزش های اسلامی مانند ایمان، تقوا و تعهد موجب اجرای عدالت در سطح جامعه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید ": اعدلوا هو اقرب للتقوی،("۷)امام علی(ع) نیز می‌فرماید ":من قد الزم نفسه العدل فکان اوّل عدله نفی الهوی عن نفسه؛ هر که می‌خواهد به حُلیه عدل و دادآراسته شود، می‌بایست هوا و هوس های گوناگون را از خود دور کند،(۸). برای مبارزه با بی عدالتی در جامعه، تحقق باوری عمیق، درونی ریشه دارد عقلایی ومبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه لازم است، به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، و انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و نیز دستگاه ها و نهادهای غیر رسمی ولی مؤثر جامعه نقش تعیین کننده، ایفا می‌کنند. باید این نظام ارزشی در ۱ـ رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ۲ـ ساختار کلان کشور ۳ـ برنامه‌های اجرایی، تبلور و تجلّی یابد. و) فراهم نمودن امکانات و شرایط و فرصت های مساوی برای همه افراد جامعه از لحاظ تحصیلات، اشتغال، مسکن و رفاه که در اصول متعددی از قانون اساسی ج. ا. ا. متبلور می‌باشد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۸ شماره ۱۸، ص ۲۶ و ص ۵۶ محمدنقی نظرپور، ارزشها و توسعه، ص ۱۹۶ علی ذو علم، انقلاب و ارزشها، ص ۲۵۶ و ص ۲۶۴ دکتر فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، ص

۴۸۰ پی نوشت ها : ۱ – حدیث ولایت، ج۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷. ۲ – روزنامه رسالت، ۹/۳/۱۳۷۲. ۳ – حدیث ولایت، ج۱، ص ۲۸۷. ۴ – نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵. ۵ – نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۱. ۶ – فجر انقلاب در بهار قرآن، ص ۲۰۳ و ۲۰۵. ۷ – مائده (۵) آیه ۸. ۸ – نهج البلاغه، خطبه ۸۷. پرسش: بعضی از خطیبان جماعت که در ماه های رمضان یا محرم به روستاها می فرستید، بر چه اصولی تعیین می گردند؟ بعضی از آنها حتی از سواد اولیه برای ارشاد مردم برخوردار نیستند و فقط بلدند برای مردم مصیبت تکراری بخوانند!

پاسخ

تبلیغ به معنای رسانیدن پیغام می باشد و در اصطلاح تبلیغ دینی به معنای رسانیدن و انتقال پیام دینی می باشد، آیات و روایات توصیه به تبلیغ و نشر فرهنگ دینی کرده اند، قرآن کریم می فرماید": الذین یبلّغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الاّ الله و کفی بالله حسیبا؛ آنان که پیام های خدا را (به خلق خدا) می رسانند و از او بیم دارند و جز از خدا از کسی دیگر نمی ترسند و (همان) خدا در مراقبت و نظارت بر اعمال بس است. "در ایام تبلیغ مبلغان و مروّجان احکام الهی جهت اقامه وعظ و ارشاد مردم به نقاط مختلف کشور می روند مناطق مختلف را با فرهنگ اصیل اسلامی و دینی خدا آشنا نمایند. در این راستا سعی شده از مبلغان و روحانیون در راستای توانایی های علمی و قدرت سخنوری استفاده شود. در این عرصه ممکن است نقیصه و کمبودی مشاهده شود یا شخصی از توان علمی لازم یا قدرت سخنوری شایسته برخوردار نباشد. اما در هر حال سعی می شود توزیع مبلغان در سطح کشور براساس توانایی مبلغ و میزان استقبال مردم از او به عمل آید و مبلغان با استفاده از ابزارهای تبلیغی و آشنایی با علم روز در جهت پاسخگویی به مشکلات دینی مردم موفق تر می باشند. اما در هر حال حرکت حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مقدسه قم براین اساس است که روحانیون و مبلغان حوزه ها، افرادی عالم و آگاه به مسایل علمی و مباحث روز باشند و با این ویژگی برای تبلیغ اعزام شوند و در دورترین نقطه ایران منشأ اثر و مروّج دین باشند . حال ممکن است در این حرکت عظیم و گسترده تبلیغی کمبودی مشاهده شود یا مبلغی در انجام وظایف تبلیغی خود موفق نباشد که امید است با بررسی و بازبینی مجدد عملکرد افراد، این مشکل برطرف شود. البته این بخش از دفتر تبلیغات اسلامی ، مسؤلیتی در مو رد مبلّغان اعزامی ندارد، بلکه صرفاً به منظور پاسخگویی به سؤالات اعتقادی، فقهی، تاریخی، اخلاقی و... تأسیس شده است.

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

پرسش

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

پاسخ

عدالت کلمه ای زیبا و خوشایند همهٔ انسان ها است ، ولی دلنشین تر و شادی بخش تر از آن پیاده شدن عدالت در جامعه است که بسیار سخت و سنگین است. قرآن کریم بیش از همه بر اقامه قسط و عدل تأکید دارد و به همهٔ انسان ها دستور می دهد که رعایت عدالت در تمام شئون فردی و اجتماعی را لازم دانسته و آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. قرآن می فرماید": ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملا قیام به عدالت کنید.("۱) پس قرآن و اسلام با تأکیدهای فراوان از مسلمانان خواسته عدالت را در مورد

خود، خانواده و جامعه بر پا کننـد، لیکن عمل به این اصل اساسـی به عهده همه افراد جامعه است، نه فقط به عهده دولت؛ بلی دولت نقش مـؤثرتری در اجرای عـدالت دارد. دولـت باحمـایت از روسـتائیان و کشـاورزان و بردن آب و برق و تلفن و جـاده آسـفالت به روسـتاها و تخصـیص بودجه به مناطق محروم، در پی اجرای عدالت اجتماعی است، گرچه این فعالیت ها در حدی نیست که انقلاب اسـلامی می طلبـد و منـابع مالی کشور توانایی پیاده کردنش را دارد. در مورد رشوه خواری و پارتی بازی ، دولت و ملت مقصـرند. دولت از این جهت که در بازرسی و دستگیری و مجازات متخلفان خیلی جدی نیست و مردم از جهت اینکه بسیاری از آنان اقدام به پـارتی بازی و رشوه دهی می کننـد و با اقـدام خود به رشوه خواری و پارتی بازی رسـمیت می بخشـند. مسـئولی که پشت میز اداره نشسـته ، انسان است و جایز الخطا می باشد. اگر به او پیشـنهاد رشوه شود، ممکن است قبول کند، ولی رشوه دهنده نباید بدهد، زیرا همـان گونه که بـا رشوه گرفتن و بـا پـارتی بـازی، حقی را نـاحق کردن گناه است، رشوه دادن و به وسـیلهٔ رشوه و پارتی بازی حق کسـی را ضـایع کردن، حرام است و موجب آتش جهنم می شود. برای از بین بردن رشوه خواری و پـارتی بـازی، فرهنـگ سـازی و عزم ملی لاـزم است. دولت موظف است زمینه رشوه خواری و پارتی بازی را از بین ببرد و مردم حاضـر به اسـتفاده از رشوه و پارتی برای انجـام کارشان نشونـد. اگر کارشان انجام نگرفت، به مسـئولان بالاتر مراجعه نماینـد و حق شان را بگیرنـد. عوامل بسـیاری می تواند در مشـکلات جامعه دخالت داشـته باشد، مانند مشـکلات اداری و کاغذ بازی و مشـکلات اقتصادی ، نیز مشکلات فرهنگی و فکری افراد و ضـعف اعتقاد و باورهای دینی و... به امید روزی که عدالت اجتماعی در کشورمان به نحو احسن برقرار گردد و رشوه خواری و پارتی بازی برچیده شود. پی نوشت ها : ۱ – نساء (۴) ، آیه ۱۳۵.

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

پرسش

با توجه به تأکید قرآن به عدالت چرا در کشور ما این قدر بی عدالتی ، رشوه خواری و رابطه بازی وجود دارد؟

پاسخ

عـدالت کلمه ای زیبا و خوشایند همهٔ انسان ها است ، ولی دلنشـین تر و شادی بخش تر از آن پیاده شدن عدالت در جامعه است که بسـیار سـخت و سنگین است. قرآن کریم بیش از همه بر اقامه قسط و عدل تأکید دارد و به همهٔ انسان ها دستور می دهد که رعایت عـدالت در تمام شـئون فردی و اجتماعی را لازم دانسـته و آن را سـرلوحه زندگی خود قرار دهند. قرآن می فرماید": ای کسانی که ایمان آورده ایـد، کاملا قیام به عـدالت کنید.(۱") پس قرآن و اسـلام با تأکیـدهای فراوان از مسـلمانان خواسـته عدالت را در مورد خود، خانواده و جامعه بر پا کننـد، لیکن عمل به این اصل اساسـی به عهده همه افراد جامعه است، نه فقط به عهده دولت؛ بلی دولت نقش مـؤثرتری در اجرای عـدالت دارد. دولـت باحمـایت از روسـتائیان و کشـاورزان و بردن آب و برق و تلفن و جـاده آسـفالت به روسـتاها و تخصـیص بودجه به مناطق محروم، در پی اجرای عدالت اجتماعی است، گرچه این فعالیت ها در حدی نیست که انقلاب اسـلامی می طلبـد و منـابع مالی کشور توانایی پیاده کردنش را دارد. در مورد رشوه خواری و پارتی بازی ، دولت و ملت مقصـرند. دولت از این جهت که در بازرسی و دستگیری و مجازات متخلفان خیلی جدی نیست و مردم از جهت اینکه بسیاری از آنان اقدام به پـارتی بازی و رشوه دهی می کننـد و با اقـدام خود به رشوه خواری و پارتی بازی رسـمیت می بخشـند. مسـئولی که پشت میز اداره نشسـته ، انسان است و جایز الخطا می باشد. اگر به او پیشـنهاد رشوه شود، ممکن است قبول کند، ولی رشوه دهنده نباید بدهد، زیرا همـان گونه که بـا رشوه گرفتن و بـا پـارتی بـازی، حقی را نـاحق کردن گناه است، رشوه دادن و به وسـیلهٔ رشوه و پارتی بازی حق

کسی را ضایع کردن، حرام است و موجب آتش جهنم می شود. برای از بین بردن رشوه خواری و پارتی بازی، فرهنگ سازی و عزم ملی لازم است. دولت موظف است زمینه رشوه خواری و پارتی بازی را از بین ببرد و مردم حاضر به استفاده از رشوه و پارتی برای انجام کارشان نشوند. اگر کارشان انجام نگرفت، به مسئولان بالاتر مراجعه نمایند و حق شان را بگیرند. عوامل بسیاری می تواند در مشکلات جامعه دخالت داشته باشد، مانند مشکلات اداری و کاغذ بازی و مشکلات اقتصادی ، نیز مشکلات فرهنگی و فکری افراد و ضعف اعتقاد و باورهای دینی و... به امید روزی که عدالت اجتماعی در کشورمان به نحو احسن برقرار گردد و رشوه خواری و پارتی بازی برچیده شود. پی نوشت ها : ۱ - نساء (۴) ، آیه ۱۳۵.

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

پرسش

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

پاسخ

هنگامی که انقلابی در محیطی روی می دهد مسلما منافع گروهی غارتگر و ظالم و خودکامه به خطر می افتد , آنها نخست با تمسخر و استهزاء و سپس با استفاده از نیروی مسلح , فشار اقتصادی , تبلیغات مستمر اجتماعی , سعی می کنند انقلاب را در هم بشکنند اینها که به خاطر داشتن دو چهره مختلف , منافق نامیده می شوند خطرناکترین دشمنان انقلابند و در یک کلام : بروز نفاق در یک اجتماع معمولا- معلول یکی از دوچیز است : نخست پیروزی و قدرت آیین انقلاب موجود و تسلط آن بر اجتماع و دیگرضعف روحیه و فقدان شخصیت و شهامت کافی برای رویارویی با حوادث سخت .

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

پرسش

ریشه پیدایش نفاق و منافق در جامعه چیست ؟

پاسخ

هنگامی که انقلابی در محیطی روی می دهد مسلما منافع گروهی غارتگر و ظالم و خودکامه به خطر می افتد , آنها نخست با تمسخر و استهزاء و سپس با استفاده از نیروی مسلح , فشار اقتصادی , تبلیغات مستمر اجتماعی , سعی می کنند انقلاب را در هم بشکنند اینها که به خاطر داشتن دو چهره مختلف , منافق نامیده می شوند خطرناکترین دشمنان انقلابند و در یک کلام : بروز نفاق در یک اجتماع معمولا- معلول یکی از دوچیز است : نخست پیروزی و قدرت آیین انقلاب موجود و تسلط آن بر اجتماع و دیگرضعف روحیه و فقدان شخصیت و شهامت کافی برای رویارویی با حوادث سخت .

مقصود از جامعهٔ بی‌امتیاز توحیدی چیست؟

پرسش

مقصود از جامعهٔ بی‌امتیاز توحیدی چیست؟

پاسخ

مقصود از جامعهٔ بی‌امتیاز توحیدی، جامعه‌ای است که افراد در برابر حق و قانون، مساوی و برابر باشند و قانون نسبت به همه، از مرد و زن، کوچک و بزرگ، توانگر و نیازمند، عالم و جاهل و سیاه و سفید، یکسان اجرا شود و تفاوتهای طبقاتی موجب نشود که قانون در حق بعضی اجرا شود و در حق بعضی دیگر اجرا نشود. و یا هر یک از این تفاوتها که به صلاحیّت افراد ارتباط ندارد، موجب شود که برای بعضی به علت این تفاوتها امتیازی قائل شوند، و مثلاً آنها را در کارها بیشتر مداخله بدهند یا بیشتر احترام کنند، که بدیهی است این حرفها در اسلام نیست، و حتی در احادیث است که: «مَنْ تَواضَعَ لِغَنیٍّ لِغِناهُ ذَهَبَ ثُلُثا دِینِه» [هر کس برای توانگری برای توانگریش فروتنی کند، دو ثلث دین او می‌رود.] اما نظام بی طبقهٔ توحیدی که بعضی چپ گرایان و گرایشمندان به مارکسیسم و اصالت اقتصاد، آن را شعار خود ساخته‌اند، و با کلمهٔ «نظام بی طبقهٔ توحیدی» ساده‌دلان مسلمان را می‌فریبند و دعوت شعار خود را اسلامی جلوه می‌دهند، با برنامه‌های اسلام و آیات قرآن مجید و احادیث شریف، سازگار نیست؛ و وقوع آن در خارج، امکان پذیر نمی‌باشد، و همانگونه که در عالم تکوین تفاوت و تفاضل وجود داد و همه در برخورداری از نعمتها و مواهب مادی و معنوی یکسان نیستند، در عالم گیاهان و درختان، و انسان و حیوان نیز، همه جا تفاوت به چشم می‌خورد و این یکی از سنّت‌های الهیّه است که حتّی می گویند: در عالم تکوین تکرار نیست. میزان بهره‌گیری یک درخت از آب و زمین و هوا با درخت دیگر یکسان نیست، میزان استفاده دو دانش آموز در یک کلاس از یک آموزگار مساوی نیست و استعدادات آنها برابر نیست. آنانکه در مناطق معتدل زندگی می کنند، یک نوع آمادگیهائی برای بترقّی دارند که اهل مناطق دیگر ندارند. این مسائل در عالم تکوینی با توحید منافی نیست و قابل تغییر نمی‌باشد. در امور غیر تکوینی نیز همین‌طور است، جامعه، طبقات مختلف دارد، به حسب استعداداتی که دارند و موجبات و حوادث قهری و اتّفاقی یا کسبی و ارادی، استفاده آنها از نعمتها و مواهب، مختلف می‌شود؛ چنانکه مشاغل و نقشهای آنها نیز تفاوت پیدا می کند، و بالأخره با اینکه امکانات همه برابر نیست، نمی‌توان از فعالیت آن کسانی که استعداد بیشتر در استخراج و تصاحب مواهب طبیعی یا نیل به مقامات اجتماعی دارند، یا کوشش بیشتر می کنند جلوگیری کرد. دنیا جائی است که همه باید در میدان کار و کوشش عرض وجود نمایند. می‌توان برای هر کس به قدر امکاناتی که دارد وسیلهٔ استفاده و بهره‌برداری فراهم کرد و امکانات اختیاری را، برای همه یکسان قرار داد. مثلاً ـ می‌توان برای همه امکان تحصیل فراهم نمود، اما نمی‌توان ترقّی همه را در تحصیل، یک نواخت ساخت. و بالأخره باید بگوئیم نظام بی‌طبقه‌ای، در حدّی با مدنیّت بشر ناسازگار است. زیرا نظام زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بشر، بدون طبقه‌ای بودن مشاغل و کارها، که قهراً بازده آنها و موضع صاحبان آنها در اجتماع متفاوت است، امکان پذیر نیست، بنای مدنیّت بر این است که اصناف و طبقات باشند. دسته‌ای مستقیماً در کار تولید وارد باشند، دسته‌ای ابزار تولید بسازند، دسته‌ای بهداشت تولید کنندگان را متعهّد شوند و دسته‌ای تبدیل و مبادله اشیای تولید شده و توزیع و رساندن آن را به دیگران عهده‌دار باشند، دسته‌ای برقراری عدالت و نظم و امنیت را، و دسته‌ای هدایتهای اخلاقی و تربیتی و آموزش را به عهده بگیرند.

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

پرسش

عدالت در آیین اسلام چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

عدالت از اصول مهم و از تعالیم و اهداف عمده دعوت اسلام است که آیات قرآن مجید و احادیث شریف با کمال تأکید و صراحت، همه را به آن مأمور و متعهد اجرای آن ساخته است. از جمله در سورهٔ مائده می‌فرماید: «اعْدِلُو هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی» مائده/۸ [عدالت ورزید که عدل به تقوی نزدیکتر است.] و در سوره انعام می‌فرماید: «وَ اذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» انعام/۱۵۲ [وقتی سخن گفتید، به عدالت سخن بگوئید.] و در سوره نحل می فرماید: «اِنَّ اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْاِحْسانِ» نحل/۹۰ [خداوند متعالال امر می فرماید به عدل و احسان.] در نهج البلاغه حکمت ۳۷۴، پس از آنکه امر به معروف و نهی از منکر را فرموده است، می‌فرماید: «وَ أَفْضَلُ مِنْ ذلِکَ کُلِّهِ کَلِمَهُ عَدْلٍ عِنْدَ اِمامٍ جائِرٍ» (نهج البلاغه فیض الاسلام، ۱۰۲۱، نامهٔ ۵۳) [برتر از امر به معروف و نهی از منکر، سخن عدل است که در حضور پیشوا و زمامدار ستمکار گفته شود.] و نیز حضرت امیر المؤمنین (ع) در آغاز خلافت ظاهری ـ چنانکه در نهج البلاغه است ـ روش صریح خود را در اجرای عدالت چنین اعلام می‌نماید: آگاه باشید هر زمینی که عثمان (از اموال متعلق به حکومت اسلامی که باید عوائد آن صرف مصالح مسلمین و رفع حوائج نیازمندان گردد) به کسی بخشیده باشد و هر مالی را از مال خدا اعطا کرده باشد، به بیت المال برگردانده می‌شود، برای اینکه حق قدیم است (یعنی با اساس و با ریشه و سابقه است) و چیزی حق را باطل نمی‌کند. اگر بیابم آن اموال عمومی را (که عثمان بخشیده است) در حالی که مهر زنان کرده باشند، یا کنیزان را با آن خریده باشند، آن را به بیت المال بر می‌گردانم که در عدل، وسعت و گشایش است و آن کس که عدل بر او تنگ باشد، ظلم بر او تنگ‌تر خواهد بود. از آن حضرت روایت است که رسول خدا(ص) فرمود: «لَنْ تُقَدَّسُ اُمَّهٌ لا یُؤْخَذُ لِلضَّعیفِ فیها حَقُّهُ مِنَ الْقَوِیِّ غَیْرَ مُتَتَعْتَعٍ» [هرگز پا ک و مقدس نشود امت و مردمی که در آنها حق ضعیف از قوی بدون ترس گرفته نشود] برای درک و فهم ابعاد این عدالت اجتماعی مطالعه سیره و روش رسول اکرم(ص) و حضرت(ع) را باید راهنما قرار داد.

کلیات

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پرسش

از نظر قرآن کریم اجتماعی بودن انسان طبیعی است، اضطراری است یا انتخابی؟

پاسخ

از آیات کریمهٔ قرآن استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان، در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. در سورهٔ مبارکهٔ حجرات آیهٔ ۱۳ می‌فرماید: «یا أَیُّهَا النّاسُ إنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ اُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا إنَّ إکْرَمَکُمْ عِنْدَاللهِ إتْقیکُمْ». [ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملّتها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید). همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند متّقی‌ترین شماست.] انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروههای مختلف ملّی و قبیله‌ای درآمده است؛ با انتساب به ملّیتها و قبیله‌ها، بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می گیرد؛ یعنی اگر این انتسابها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی

ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که بر اساس روابط انسانها با یکدیگر است امکان‌پذیر نبود. انسانها از نظر امکانات و استعدادها یکسان و همانند آفریده نشده‌اند، که اگر چنین آفریده شده بودند، هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و طبعاً نیاز متقابلی و پیوندی و خدمت متبادلی در کار نبود. خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است؛ بعضی را در بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احیاناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعضی دیگر از مواهب برتری داده است و به این وسیله همه را بالطّبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینهٔ زندگیِ به هم پیوستهٔ اجتماعی را فراهم نموده است.

رابطهٔ فرد، جامعه و مهاجرت چگونه است؟

پرسش

رابطهٔ فرد، جامعه و مهاجرت چگونه است؟

پاسخ

قرآن کریم در عین اینکه برای جامعه، طبیعت و شخصیّت و عینیّت و نیرو و حیات و مرگ و اجل و وجدان و طاعت و عصیان قائل است، صریحاً فرد را از نظر امکان سرپیچی از فرمان جامعه توانا می‌داند. تکیهٔ قرآن بر آن چیزی است که آن را «فطره الله» می‌نامد و می‌خواند. در سورهٔ نساء آیهٔ ۹۷ دربارهٔ گروهی که خود را «مستضعفین» و ناتوانان در جامعهٔ مکّه می‌نامیدند و استضعاف خود را عذری برای ترک مسئوولیّتهای فطری خود می‌شمردند، و در واقع، خود را در برابر جامعهٔ خود مجبور قلمداد می‌کردند، می‌فرماید: به هیچ عذر آنها پذیرفته نیست، زیرا حدّاقل، امکان مهاجرت از آن جوّ اجتماعی و رساندن خود به جوّ اجتماعی دیگر بود.

واژهٔ (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟

پرسش

واژهٔ (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟

پاسخ

کلمهٔ (ملت) کلمهای عربی است و به معنای راه وروش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنا آمده است. این کلمه [پانزده] بار (در۱۵ آیه) درقرآن کریم آمده است، ولی مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد با مفهومی که امروز مصطلح فارسی زبانان است و از آن کلمه «ملیت» را مشتق کردهاند متفاوت است. «ملت دراصطلاح قرآن به معنی راه وروش و طریقهایست که ازطرف یک رهبر الهی برمردم عرضه شده است؛ مثلاً می‌فرماید «مِلَّهَ اَبیکُم اِبراهیمَ» حج/۷۸ [یعنی راه وروش پدر شما ابراهیم]، یا میفرماید: «مِلَّهَ اِبراهیمَ حَنیفا» انعام/۱۶۱ راغب اصفهانی در کتاب مفردات القرآن میگوید: «ملت و املال که همان املاء است از یک ریشه است». «فَلیُمِلِل وَلِیُّهُ بِالعَدلِ» بقره/۲۸۲ [یعنی ولی او را از روی عدالت املاکند.] راغب می گوید: «علت اینکه یک طریقهٔ الهی «ملت» نامیده شده است این است که ازطرف خداوند املاء ودیکته شده است». پس، از نظر قرآن یک مجموعهٔ فکری و علمی ویک روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند، ملت نامیده می‌شود؛ بنابراین، ملت با دین یک معنا دارد با این تفاوت که یک چیز

به اعتباری دین وبه اعتبار دیگری ملت نامیده میشود، به آن اعتبار ملت نامیده می‌شود که آن چیز از طرف خدا به پیامبری املاء می‌شود که به مردم ابلاغ نماید و مردم را بر اساس آن رهبری نماید. علمای فقه اللغه میگویند: یک تفاوت میان کلمهٔ «دین» و کلمهٔ «ملت» این است که کلمه «دین» را به خدا می‌توان اضافه کرد و مثلاً گفت «دین الله» یعنی دین خدا، و همچنین به فرد پیرو نیز اضافه میشود؛ مثلاً گفته می‌شود «دین زید، دین عمرو». ولی کلمه «ملت نه به خدا اضافه میشود و نه به فرد پیرو، گفته نمیشود: ملت خدا یا ملت زید یا ملت عمرو، بلکه به آن رهبری که از طرف خدا مأمور رهبری مردم بر طبق طریقه خاصی است اضافه می‌شود، مثلاً گفته میشود: «ملت ابراهیم» یا «ملت عیسی» یا «ملت محمد(ص)». مثل این است که در مفهوم این کلمه رهبری گنجانده شده است. از این نظر می‌توان گفت کلمه «ملت» نزدیک است با کلمه «مکتب» در اصطلاح جدید. کلمه «مکتب» نیز معمولاً به رهبر یک روش و مسلک اضافه می‌شود. اگر این جهت را که در کلمه «ملت» نیز مانند کلمه «مکتب» املاء و دیکته کردن گنجانیده شده است مورد توجه قرار دهیم، شباهت و نزدیکی این دو کلمه بیشتر روشن می‌شود.

واژهٔ (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟

پرسش

واژهٔ (ملت) در زبان عربی چه معنائی دارد؟

پاسخ

کلمهٔ (ملت) کلمهای عربی است و به معنای راه وروش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنا آمده است. این کلمه [پانزده] بار (در۱۵ آیه) درقرآن کریم آمده است، ولی مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد با مفهومی که امروز مصطلح فارسی زبانان است و از آن کلمه «ملیت» را مشتق کردهاند متفاوت است. «ملت دراصطلاح قرآن به معنی راه وروش و طریقهایست که ازطرف یک رهبر الهی برمردم عرضه شده است؛ مثلاً می‌فرماید «مِلَّهَ اَبیکُم اِبراهیمَ» حج/۷۸ [یعنی راه وروش پدر شما ابراهیم]، یا میفرماید: «مِلَّهَ اِبراهیمَ حَنیفا» انعام/۱۶۱ راغب اصفهانی در کتاب مفردات القرآن میگوید: «ملت و املال که همان املاء است از یک ریشه است». «فَلیُملِل وَلِیُّهُ بِالعَدلِ» بقره/۲۸۲ [یعنی ولی او را از روی عدالت املاکند.] راغب می گوید: «علت اینکه یک طریقهٔ الهی «ملت» نامیده شده است این است که ازطرف خداوند املاء ودیکته شده است». پس، از نظر قرآن یک مجموعهٔ فکری و علمی ویک روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند، ملت نامیده می‌شود؛ بنابراین، ملت با دین یک معنا دارد با این تفاوت که یک چیز

به اعتباری دین وبه اعتبار دیگری ملت نامیده میشود، به آن اعتبار ملت نامیده می‌شود که آن چیز از طرف خدا به پیامبری املاء می‌شود که به مردم ابلاغ نماید و مردم را بر اساس آن رهبری نماید. علمای فقه اللغه میگویند: یک تفاوت میان کلمهٔ «دین» و کلمهٔ «ملت» این است که کلمه «دین» را به خدا می‌توان اضافه کرد و مثلاً گفت «دین الله» یعنی دین خدا، و همچنین به فرد پیرو نیز اضافه میشود؛ مثلاً گفته می‌شود «دین زید، دین عمرو». ولی کلمه «ملت نه به خدا اضافه میشود و نه به فرد پیرو، گفته نمیشود: ملت خدا یا ملت زید یا ملت عمرو، بلکه به آن رهبری که از طرف خدا مأمور رهبری مردم بر طبق طریقه خاصی است اضافه می‌شود، مثلاً گفته میشود: «ملت ابراهیم» یا «ملت عیسی» یا «ملت محمد(ص)». مثل این است که در مفهوم این کلمه رهبری گنجانده شده است. از این نظر می‌توان گفت کلمه «ملت» نزدیک است با کلمه «مکتب» در اصطلاح جدید. کلمه «مکتب» نیز معمولاً به رهبر یک روش و مسلک اضافه می‌شود. اگر این جهت را که در کلمه «ملت» نیز مانند کلمه «مکتب» املاء و دیکته کردن گنجانیده شده است مورد توجه قرار دهیم، شباهت و نزدیکی این دو کلمه بیشتر روشن می‌شود.

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پرسش

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پاسخ

اسلام زندگی اجتماعی انسانها را از جنبه‌های گوناگون آن مورد توجّه قرار داده است. بخش عمده‌ای از احکان و نظامهای اسلام، اجتماعی است؛ از قبیل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد و مانند اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی‌تواند به سعادت برسد، همان گونه که انسان در زندگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه‌ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد. « بخش پاسخ به سؤالات »

با توجه به گستردگی علوم اسلامی چگونه می‌توانیم همه را بخوانیم؟

پرسش

با توجه به گستردگی علوم اسلامی چگونه می‌توانیم همه را بخوانیم؟

پاسخ

اولاً همان طوری که نوشتید دامنه علوم و معارف اسلامی بسیار گسترده است که برای یک فرد معمولی" غیر نابغه "ممکن نیست در تمام رشته‌های آن" صرف و نحو، معانی و بیان، فقه، اصول، منطق، فلسفه، کلام، تفسیر، علم رجال، علم الحدیث و "...تخصص پیدا کند. ثانیاً لازم نیست که فرد مسلمان از همه علوم اسلامی آگاهی داشتهب اشد بلکه تنها یاد گرفتن مسائل مورد نیاز و مبتلا به کافی است. مثلاً ـ در مسائل نماز، روزه، خمس، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر، عقاید و... فقط آن هائی را که مبتلا می‌باشد یاد بگیرد کافی است. دیگر لازم نیست حتماً تفسیر، فلسفه، کلام و دیگر علوم را نیز بداند و بالاخره اگر واجبات را عمل، و محرمات را ترک نموده و بقیه ساعات در فکر رفع مشکلات زندگی باشد فردای قیامت مسئولیتی نخواهد داشت. ثالثاً اگر به خاطر علاقه بخواهد از همه علوم اسلامی به اندازه نیاز آگاهی داشته باشد باید درس بخواند و زحمت بکشد و بیش از اندازه مطالعه نماید.

برای موفقیت در درس و زندگی چه باید کرد؟

پرسش

برای موفقیت در درس و زندگی چه باید کرد؟

پاسخ

خواهر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید و خواست های خودرا از ما مطالبه کردید سپاس گزاریم . موفقیت در کار و زندگی از جمله در درس رموزی دارد که به برخی اشاره می شود: ۱ رشته و کار باید مطابق ذوق و سلیقهء فکری باشد ;دستگاه آفرینش همه را یک نواخت نیافریده و در همهء افراد بشر توانایی هرکاری را به ودیعت ننهاده است . بلکه افراد با ذوق و سلیقه های مخصوصی آفریده شده اند, بر این اساس باید هر کسی رشته و کاری را دنبال کند که استعدادو ذوق آن را دارد. پارهای از شکست ها معلول انحراف از این اصل مسلّم است که گاهی بر اثرتبلیغات غلط و تربیت های نادرست کاری را تعقیب می کنند که استعداد آن راندارند. از ادیسون پرسیدند چرا اغلب جوان ها موفق نمی شوند؟ گفت : برای این که راه خود را نمی شناسند و در جاده دیگری گام بر می دارند.(۱) تمایلات درونی ما همانند آهن ربایی است که شبیه خود را جذب کرده و درمخزنی به نام انبار می کند و در موقعیت های مناسب از آن بهره برداری می نماید. اگر آن چه می آموزیم مطابق ذوق و میل درونی و تمایلات باشد به آسانی وارد مخزن شده و تا مدتی قرار خود را حفظ می کند و اگر کاری را پی بگیریم که ذوق آن را نداشته باشیم در اندک زمانی از حافظه فرار می کند و درنتیجه موفّقیّت کم می شود. ۲ کار و کوشش ; یکی از عوامل پیروزی کار و تلاش است . عدم پیروزی جوان ها عللی دارد از جمله این که روح کارکردن در بعضی از آنان مرده است . هجوم اکثر جوانها به ادارات و اشغال کرسی های دولتی گواه روشنی است که عشق به کارهای سنگین کم تر شده است , این دسته جوان ها به جای این که مولّد ثروت باشند مصرف کنندهء آن هستند. زندگی مردان موفق نشان می دهد که مرد کار و زحمت بوده اند. الکساندر هامیلتن , نابغهء عصر خود می گوید: مردم می گویند: تو نابغه هستی , اما من از نبوغ خبر ندارم فقط می توانم بگویم : که شخص زحمت کشی هستم . در شرح حال حضرت آیت الله شیخ محمد حسن نجفی , صاحب کتاب نفیس که یکی از مدارک مهم فقه اسلامی است , می نویسند:فرزند ارشد و دانشمندش می میرد موقعی مراسم غسلش به پایان رسید که هواتاریک شده بود. به همین دلیل تصمیم گرفتند جسدش را در یکی از مقبره های صحن مطهّر حضرت علی ۷بگذارند و فردا دفن کنند. مقرر شد خودش آن شب در کنار بدن فرزندش بماند. این مرد بزرگ با این که داغدار بود با این وصف همان شب با کمال صبر و استقامت به مطالعه و نوشتن صفحاتی از کتاب جواهرپرداخت .(۲) ۳ ایمان به هدف ; از جمله عوامل موفقیت ایمان به هدف است . ایمان به هدف محرک درونی است که خواه نا خواه انسان را به سوی هدف می کشاند. درپرتو ایمان به هدف انسان تمام سختی ها و مرارت ها را تحمل می کند و گاهی نیزبرای عشق به هدف از هستی ساقط شده و جان و مال خود را فدای آن کرده و باچهره بشّاش به استقبال مرگ می روند. در جنگ بدر تعداد سیصد و سیزده نفرمسلمان که از ابزار جنگی و دفاعی تجهیز کافی نداشتند در مقابل ارتش مجهز وقدرتمند و تا دندان مسلّح قریش ایستادند و در ظرف چند ساعت همه را تار ومار کردند. علّت کام یابی این اقلیت تنها همان ایمان به هدف بود که مرگ و شهادت رابرای آنان آسان کرده بود.]نشان مرد مؤمن با تو گویم اگر مرگش رسد خندان بمیرد]۴ استقامت و ثبات قدم ; از جمله عوامل پیروزی صبر و استقامت است .صبر و شکیبایی از شیوه مردان بزرگ است . برخی این صفت ارزش مند وفضیلت عالی انسانی را با یک رذیله اخلاقی به نام سستی و دست روی دست گذاشتن و زیر بار هر نوع ظلم و ستم اشتباه می گیرند و خیال می کنند صبر وبردباری یعنی در مقابل ظلم و جور خاموش بودن و زیر بار ظلم و ستم رفتن است . در صورتی که شکیبایی و ثبات قدم ضامن سعادت است و بی حالی و تن پروری موجب تیره روزی و سیه بختی . ممکن است کسی بگوید: این عامل چهارم < کار و کوشش > یکی است . اما در پاسخ می توان گفت : این طور نیست که هردو یکی باشد, چون ممکن است کسی در آغاز روحیه کار و کوشش را داشته باشد, ولی وقتی مواجه با سختی ها می شود فوق العاده ناتوان شده و آن روحیه را از دست می دهد, لذا باید بردباری را پشتوانه کار و کوشش دانست نه عین آن . یکی از سخن وران بزرگ جهان در فن خطابه و

سخن وری پی درپی شکست می خورد, لکنت پیدا می کرد, زبانش می گرفت نمی توانست خوب صحبت بکند, اما هرگز روحیه خود را از دست نداد, در زیرزمین به تمرین می پرداخت . برای این که ثبات قدمش از بین نرود گاهی نصف سر و صورتش رامی تراشید و قیافه خنده آوری پیدا می کرد و به همین دلیل مجبور می شدهفته ها و ماه ها در خانه بماند و مشغول تمرین خطابه گردد.]پافشاری و استقامت میخ سزد عبرت بشر گردد بر سر هر چه بیش تر کوبی پافشاریش بیش تر گردد]۵ تمرکز فکر ;یکی دیگر از عوامل پیروزی تمرکز فکر است , تمرکز دادن فکر در یک نقطه و یک موضوع و یک کار معیّن باعث می شود که فشار در همان نقطه متوجه شده و هر گونه مانع را از جلو پای خود بردارد. نقش تمرکز فکر مثل نقش یک اهرم در فیزیک است , اهرم همهء نیروها را دریک جا جمع می کند و سپس با یک فشار متناسب جسم سنگینی را بلند می کند. قوای عقلی در حل مشکلات به سان اشعهء خورشید است که اگر به وسیله ذره بین در نقطه ای متمرکز شود آن شیء را می سوزاند. اشعهء فکر انسانی نیز تادر یک نقطه معیّنی نتابد موانع را برطرف نکرده و جوانب موضوع را روشن نمی کند. اصولاً یکی از وسایل عقب ماندگی گروهی از افراد این است که بنا بر عللی گرفتار تلوّن مزاج می شوند, هنوز کاری را انجام نداده و آن را پایان نرسانده دست به کار دیگری می زنند و از این شاخه به آن شاخه می پرند, چنین افرادی غالباً و بلکه هیچ وقت در کار موفق نمی شوند. اگر نهالی را چند بار جا به جا کنید سرانجام پژمرده می شود, ولی نهال های ثابت همیشه خرم و شاداب است . ۶ نظم و انظباط ; عامل دیگر موفقیت نظم داشتن در کار است , کاخ بلندآفرینش روی نظم استوار است . اگر منظومه شمسی برقرار است و سیارات دور آن می گردند و کوچک ترین خللی در طی قرون در آن رخ نداده است به این دلیل است که بنیاد آفرینش آن رانظم و محاسبه تشکیل داده است . قرآن می فرماید: وضع المیزان ; و آسمان را برافراشت و میزان وقانون در آن قرار داد.(۳) حضرت امیرمؤمنان ۷در آخرین لحظات عمر خویش (بعد از ضربت خوردن) نخستین سفارشش به فرزندان گرامیش این بود که .(۴) حضرت علی ۷می فرماید: (۵) از وزیر لایقی که به همه همکاران خود به طور دقیق رسیدگی می کردپرسیدند چطور به این همه کار می رسی ؟ گفت : آن چه را امروز می توانم بکنم به فردا نمی اندازم و هیچ وقت تأخیر درکاری را روا نمی دارم . ۷ شروع کار از جای کوچک ; یکی دیگر از عوامل موفقیت این است که کاررا از جای کوچک شروع کنیم . مقصود این است که برای رسیدن به هدف اول بادقت و همت عالی نقشه رسیدن به هدف به طور وسیع طراحی شده و همه ءجوانب و شرایط و امکانات و مقدمات آن بررسی شود, ولی هنگام شروع واقدام به کار همهء نقشه را یک جا پیاده نکنیم , بلکه پله به پله به مقصود بزرگ جامع عمل بپوشانیم . ناصرالدین شاه در مسافرتی که به اروپا کرده بود در بازدید از انگلیس درلندن با ملکه انگلستان ملاقات کرد پس از تعارفات از ملکه پرسید رمز موفقیت مردم مغرب زمین در امور مادی مخصوصاً در اقتصاد چیست ؟ ملکه گفت : ملت ما هرگز اسرار پیروزی خود را به ملل بیگانه اظهارنمی کنند, اما من به پاس احترام شما نکته ای را متذکر می شوم : ما مردم مغرب زمین همواره کار را از جای کوچک شروع می کنیم تا اگر سودی نبردیم راه بازگشت داشته باشیم و با دادن ضرر ناچیز نقشه را دگرگون کنیم و اگر سودی بردیم فوراً وضع را توسعه داده و قدم بعدی را بر می داریم , ولی شما شرقی ها برخلاف ما کار را از جای بزرگ شروع کرده و همه نقشه را یکباره پیاده می کنید ودر صورت مواجه شدن با ضرر راه بازگشت ندارید به ناچار با دادن خسارات زیاد نقشه را پیاده کرده و خود را به زحمت به هدف می رسانید. ۸ تقلید و دنباله روی کورکورانه ; از عوامل دیگر پیروزی تقلید و پیروزی نسنجیده است ; غرور و حسادت و یا کم درایتی گاهی سبب می شود که ازکارهای نابخردانهء دیگران تقلید کنیم . مولای متقیان به کمیل فرمود: (۶) اقبال لاهوری می گوید:]خلق را تقلیدشان بر باد دادای دو صد لعنت بر این تقلید باد]هم چنین می گوید:]چون ز تلّی بر جهد یک گوسفندگله گله گوسفندان می جهند]۹ شور و مشاوره و تبادل نظر با خبرگان ; یکی دیگر از عوامل موفقیت مشورت کردن با صاحب نظران است . از مشاوره و تقابل دو اندیشه نور می جهدکه گاهی پیش پای انسان را و گاهی نیز افق وسیعی را روشن می سازد. چنان که ازاصطکاک دو سیم مثبت و منفی برق به وجود می آید. مشاوره یکی از تعالیم اسلامی است , خدای بزرگ به پیامبرش که عقل

کل است دستور میدهد در کارها با مردم مشورت کن .(۷) ۱۰ مطالعه سرگذشت افراد پیروزمند ;با خواندن سرگذشت آنان متوجه خواهد شد که آن ها که بودند و چگونه در کار خود موفق شدند؟ قرآن می فرماید:.(۸) ۱۱ استفاده از فرصت ; یکی از عوامل پیروزی این که از فرصت به دست آمده کمال استفاده را بنماید. یک انسان موفق کسی است که کار امروز را به فردانیندازد. از ابومسلم خراسانی پرسیدند راز موفقیت شما چه بود؟ گفت هرگز کارامروز را به فردا نیفکندم .]سعدیا دی رفت و فردا هم چنان موجود نیست در میان این و آن فرصت شما امروز را]در شعر منسوب به حضرت علی ۷آمده است :]مافات مضی و ما سیأتیک فاین قم فاغتنم الفرصهٔ بین العدمین]آن چه از دست رفته گذشت . آینده هم هنوز نرسیده است برخیز لحظه این عدم را (یعنی الاءن را) غنیمت بشمار. ۱۲ قاطعیت و تصمیم ; عامل دیگر موفقیت قاطعیت است ; یعنی وقتی سود و زیان کاری را سنجیدیم و عقل آن را پسندید و فهمیدیم در مجموع به نفع انسان است باید با قاطعیت و بدون هیچگونه تردیدی آن را تعقیب کنیم وبدانیم هر کاری به اندازه سختی هایش ارادهء راسخ لازم دارد. گویند: تیمور لنگ و نادر که از نوابغ نظامی جهان اند, دیر تصمیم می گرفتند,لیکن از تصمیم خود بر نمی گشتند. در جنگ جمل حضرت علی ۷پرچم را به دست فرزندش محمد حنفیه داد و برای تقویت اراده پسرش فرمود: اگر کوه های اطراف بصره از جا کنده شود توهرگز از جای خود تکان نخور. دندان های خود را روی هم بگذار و فشار ده .(۹) در بیان دیگر فرمود: واللّه لو تظاهرت العرب علی قتالی لما و لیّت عنها ;به خداسوگند اگر همه عرب بر ضد من بسیج شوند هرگز به آن ها پشت نخواهم کرد.(۱۰) ۱۳ آشنایی به اوضاع زمان ; یکی از عوامل پیروزی آشنایی به شرایط ومقتضیات زمان است , اگر دانش آموز و محصل است قبل از انتخاب رشته بایددقت کند مملکت به چه نوع رشته ای نیازمند است . پزشکی , مهندسی ,کشاورزی , معلّمی ,... این طور نباشد که به دلخواه رشته ای را برگزیند و بعد ازپایان کار متوجه شود که مملکت به چنین رشته ای خیلی نیاز نداشته است , اگربازاری است باید اصناف را تشخیص بدهد و بداند چه صنفی بیش از دیگران پررونق ترند و اگر کشاورز است باید دقت کند چه نوع کشتی پر محصول تر و پرمتقاضی تر است . امام صادق ۷می فرماید: (۱۱) برای اطلاع بیشتر به کتاب رمز پیروزی مردان بزرگ نوشته استاد جعفرسبحانی رجوع کنید. (پاورقی ۱.جعفر سبحانی , رمز پیروزی , ص ۱۰ـ ۱۲ (پاورقی ۲.همان , ص ۱۸ـ ۲۱ (پاورقی ۳.همان , آیه ۷ (پاورقی ۴.نهج البلاغه , نامهء ۴۷ (پاورقی ۵.نهج البلاغهٔ, کلمات قصار, شمارهء ۳۹۰ (پاورقی ۶.نهج البلاغه , حکمت شمارهء ۱۴۷ (پاورقی ۷.آل عمران (۳ آیهء ۱۵۹ (پاورقی ۸.روم (۳۰ آیه ۹ (پاورقی ۹له .نهج البلاغه صبحی صالح , خطبه ۱۱ (پاورقی ۱۰.همان , ص ۴۵ (پاورقی ۱۱.علامه محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۶۸ ص ۳۰۷

مشکل اصلی کشور چیست؟

پرسش

مشکل اصلی کشور چیست؟

پاسخ

هر کشوری در ادارهٔ امور داخلی خود، و در جهت رسیدن به آرمانها و اهداف خود، مشکلاتی را نیز در پیش رو دارد.کشور ما هم از این قاعدهٔ کلّی مستثنی نیست. مخصوصاً با توجه به مشکلات فراوانی که دشمنان این کشور و ملّت برای ما ایجاد کرده اند. به هر حال اگر بخواهیم مطلبی را به عنوان مشکل اصلی کشور مطرح نماییم، بهتر است به موارد زیر اشاره شود : ۱.برنامه ریزی وسیع و حساب شده، همراه با سرمایه گذاری کافی، برای حفظ و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی، و مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن، در

تمام قالبها و اشکال مختلف آن. ۲. شناختن گِرههای اقتصادی، و باز کردن آنها. ۳. رسیدگی فوری و حساب شده به وضع معیشتی و زندگی روزمرّهٔ مردم کم درآمد و محروم جامعه. ۴. ادامه و گسترش فعالیّتهای علمی و صنعتی. ۵. کنترل و نظارت جامع بر دستگاههای اجرائی و مدیریّتی کشور. برای اطّلاع بیشتر نسبت به این موضوع، می توانید به خطبهٔ نماز جمعهٔ مقام معظم رهبری، در مورد اصلاحات، که محورهای مورد نیاز اصلاحات را در کشور ما بیان فرمودند، مراجعه نمایید.

چگونه جامعه ای سالم با جوانان سالم داشته باشیم؟

پرسش

چگونه جامعه ای سالم با جوانان سالم داشته باشیم؟

پاسخ

به جهت آنکه از منبع وحی وامام سرچشمه گرفته، و ریشه در علم نامتناهی خالق هستی دارد، و از تمام زوایای درونی و بیرونی انسان آگاه است، برای همهٔ دوره های گذشته و حال و آینده بشر مفید است. زیرا خالق سبحان، علاوه بر علم نامتناهی از اصول درونی و بیرونی انسانها، نسبت به مصلحتها و مفسده های حقیقی انسان، نیز آگاه است. هیچ کس و هیچ مکتب و هیچ فرهنگ و هیچ تمدن دیگری، جز خالق هستی، از چنین علم و آگاهی و احاطه به تمام شؤون بشری و مصالح و مفاسد آنها، آگاه نیست. در میان ادیان آسمانی، کامل ترین دین، دین اسلام است. اسلام چگونه زیستن، و راههای صحیح زندگی را، حتی در اجزاء اعمال و رفتار، و حتی در افکار نیّتها بیان کرده است، و اگر افراد جامعه اسلامی به احکام و دستورات به درستی عمل کنند، از یک زندگی خوب و متعال برخوردار خواهند شد. احکام و دستورات اسلام، علاوه بر این که از همهٔ ادیان دیگر کاملتر و وسیعتر است، تعالیم اصلیش از دستبرد تحریف و تغییر، نیز در امان مانده است. بنابراین تنها دین اسلام، و بخصوص مذهب مترقی شیعه است، که دسترسی به تمام اصول و ارکان زندگی صحیح، و آگاهی از راه و رسم بهتر زندگی کردن، و سلامت جامعه، داشته است؛ و هیچ دینی در حدّ اسلام نیست. آیین اسلام بهترین آیین زندگی است، و پاسخگوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی، دنیوی و اخروی و ظاهری و باطنی است. و برای تمام مسائل زندگی، دستورات محکم، منطقی و روشنی دارد، و الگوهای برتری از دیگر ادیان دارد. دختر عزیزم، ستاره خانم صادقی، اگر بکوشیم که احکام و دستورات نورانی اسلام به درستی توسط افراد جامعه عمل بشود، و از تندروی و کندروی اجتناب کنند، و جامعه ای معتدل، که جامعه ای قرآنی است، ساخته بشود، چنین جامعه ای، جامعه ای سالم است. بنابراین برای ایجاد جامعه ای سالم، به نظر ما باید بکوشیم که اسلام و مقررات و قوانین و قواعد و دستورالعملهایش را، بصورت درست و صحیح و به دور از برداشتهای سطحی و فردی، از طریق اسلام شناسان حقیقی بشناسیم؛ و در مرحلهٔ بعد، به آن عمل نماییم. سالم ترین جامعه را بر پا خواهیم کرد. برای تحقق چنین جامعه ای، همه باید همّت کنند، و تمام نیرو و توان خود را، برای شناخت و معرفی و شناساندن اسلام و دستورات آن، و پیاده کردن آنها، بکار گیرند. در این مسیر، بیشترین نقش را می توانند نوجوانان و جوانان عهده دار شوند. و در بین نوجوانان و جوانان، دختران نوجوان، بیش از پسران می توانند ایفای نقش کنند. که بدون شک، تو دختر خوب و عزیزم، یکی از آنان هستی، که از روحیه ات چنین ایده‌ای و منشی، استنباط می شود. پس بکوش و بکوشید و بکوشیم که احکام نورانی و مترقی اسلام را بشناسیم و بشناسانیم، و خالصانه به آن عمل کنیم، و عمل به آن را، به روشهای معقول و منطقی، از دیگران مطالبه کنیم. توفیق روز افزون برای تو و دیگر جوانان فداکار و سلیم النفس این آب و خاک، آرزو می کنم.

دربارهٔ یک موضوع اجتماعی در چه مکان‌هایی می‌توان قضاوت کرد؟

پرسش

دربارهٔ یک موضوع اجتماعی در چه مکان‌هایی می‌توان قضاوت کرد؟

پاسخ

رسیدگی و قضاوت دربارهٔ موضوعات اجتماعی از نظر زمانی و مکانی باید به گونه‌ای باشد که به تأمین آثار مثبت اجتماعیِ آن قضاوت کمک کند ;به همین جهت به نظر می‌رسد که دربارهٔ هر موضوعی باید مکان مناسب آن موضوع را در نظر گرفت برای مثال اگر می‌خواهیم دربارهٔ مسئله‌ای که صبغهٔ فرهنگی و دانشگاهی دارد، به قضاوت و بررسی بپردازیم بهترین و مناسب‌ترین مکان برای این کار، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی هستند، و اگر دربارهٔ مسائل شهر و آبادی آن اظهار نظر کنیم بهتر است در شهرداری‌ها انجام شود، و دربارهٔ ادارهٔ شهر در فرمانداری‌ها و... . البته مسجد از جمله مکان‌هایی بوده که از صدر اسلام محلّ طرح و بررسی موضوعات اجتماعی بوده است به گونه‌ای که از طرح مسائل دینی گرفته تا مسائل بین المللی ـ مانند پذیرایی از سفرا و نامه به دولت‌ها... ـ در مسجد انجام می‌شده است البته امروزه نیز بهترین مکان برای بررسی برخی مسائل همان مساجد است ولی این فقط منحصر به مسائلی است که مربوط به اصل اسلام و مصالح کلّی نظام اسلامی می‌شود که جنبهٔ اجتماعی پیدا کرده باشد و امام مسلمانان لازم بداند در حضور مردم به بررسی آن بپردازد. شبیه آن را می‌توان در قسمتی از خطبه‌های نماز جمعه مشاهده کرد که چگونه امام جمعه به بررسی برخی امور دینی ـ اجتماعیِ مردم می‌پردازد، ولی نمی‌توان گفت مسجد ـ امروزه ـ جایگاه طرح هر مسئلهٔ اجتماعی است زیرا مسجد جایگاه عبادت و طهارت می‌باشد و در حدّ امکان باید به همین منظور از آن استفاده شود ;چنان که قرآن می‌فرماید": لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُوا(;توبه ۱۰۸) آن مسجدی که از روز نخست بر پایهٔ تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن]به عبادت بایستی در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند ".تذکراین نکته لازم است که اگر می‌بینیم در صدر اسلام از مسجد، به عنوان محلّ طرح همهٔ مسائل استفاده می‌شده است جهتش این بوده که هنوز ارگان‌های نظام اسلامی نهادینه نشده بودند ;تا امکان آن باشد که هر کدام در محل و مکان مناسب خود، به کار بپردازند ;مانند آن که ما در اوّل انقلاب از مساجد، انواع بهره‌برداری‌ها را ـ از اقامهٔ نماز تا آموزش نظامی ـ می‌کردیم ولی امروزه برای نظام یافتن امور و اختصاص مکان‌های مناسب برای هر یک از کاری نیازی به این امر نیست خلاصه آن که بررسی هر امری باید در مکانی که با آن امر، تناسب دارد انجام بگیرد.

۳درباره بسیج توضیح دهید ؟

پرسش

۳درباره بسیج توضیح دهید ؟

پاسخ

ج۳- در باره بسیج حضرت امام خمینی«ره » که همیشه بر نقش مردم و اهمیت حیاتی آن در تأمین سلامت و موفقیت نظام تأکید می

کردنـد بـا درایت خاصـی در آذرمـاه ۱۳۵۸ طی بیانـات مبـارکی , ضـرورت تشـکیل مـدرسه ای عمـومی و کـار بردی بنـام بسـیج مستضـعفین را اعلام نمودنـد . درسـخنان امام« ره» سابقه بسـیج به بیـداری قوم بنی اسـرا ئیل و قیام آن برضـد ظلم فرعونی و به زمان حضـرت موسـی(ع) بر می گردد و بسـیج اصـحاب پا برهنه و فقیر صدر اسـلام در مقابل بت پرستان مکه در نظر می آید. مراد امام حضـرت امام خمینی« ره» از بسـیج فراتر از معانی کلمه مذکور در لغتنامه ها و یا ذهنیت مرد ماست در اندیشه امام به عنوان موسئس یک چنین نهادی بنا شدن سازمانی اجتماعی است با ابعاد متعدد و با مشارکت تمام اقشار جامعه در راه رشد و آزادی . سابقه بسـیج درنظر امام گویای این مطلب است :که ملت ها در قرون و اعصار به دعوت رهبران الهی بسـیج شـده اند تا ضـمن دست یابی به دین الهی به رشـد و آزادی و اسـتقلال مطلوب برسـند بعـد از پیروزی انقلاب امام فرمان دادنـد تا برای دفاع از ممکلتی که آن موقع ۲۰ میلیون جوان داشت بیسـج ۲۰ میلیونی تشـکیل شود . بنظر امام این اسـلام است که به سوی رشـد و آزادی حقیقی نـدا میدهـد و هم اسـلام است که همه قشـر ها را در یک جامعه به هم می پیوند و می تواند فعالیتی نو در جامعه بپا کند . بسـیج عمومی یعنی: همین . اما چرا مساجد به عنوان پایگاه ها انتخاب شد ؟ ریشه اسـلامی و وحدت گرایانه و سادگی و دور از تشـریفات که از مختصات پیش بینی شده برای این نهاد بود . بهترین مکان را در آغاز انقلاب مساجد دید چون از صدر اسـلام همواره مسجد به عنوان یک سنگر و مکـان جمعی در حکـومت اسـلامی مطرح بـوده اسـت. امـام خمینی حـتی جهـان اسـلام را فرا می خوانـد . ایشـان می فرماینـد : من پیشـنهادی کردم که اگر عمـل کننـد إن شاء الله تمام مستضـعفین جهان چه مسـلمان و چه غیر مسـلمان با یک حزب جهانی با حزب مستضعفین که همان حزب الله است اینهمه مشکل را در عالم رفع کنند و هیچ قدرتی نمی تواند با این قدرت های الهی مقابله کند (۳/۶/۵۸)روز قـدس که از سوی امـام به عنوان یـک روز جهـانی در آخرین جمعه هر مـاه مبارک رمضان تعیین شـد قـدس در همین راسـتا بود . بسیج خود یاری برای محرومیت زدایی یکی از ابعاد همگانی این طرح بزرگ ملی است . امام حسابی به شماره ۱۰۰ در تمـام شـعب بـانکی افتتـاح کردنـد, و از تمـام کسـانی که توانـایی داشـتند . دعوت نمودنـد که برای مشـارکت در خـانه سازی برای محرومـان به این حساب پول واریز کننـد . بسـیج سواد آموزی یکی دیگر از ابعاد این طرح است . نهضت سواد آموزی ایران امروزه به عنوان یک الگو از طرف سازمان ملل متحد کشورها درحال توسـعه و جهانی سوم معرفی می شود .بسـیج در امر سازندگی وخود کفائی بویژه در امر کشاورزی منجربه تشـکیل جهاد سازندگی شد .در دانشگاه ها نهادی بنام جهاد دانشگاهی تأسیس شد که امروز واقعـا طرح هـای بزرگ علمی و صـنعتی را به پیش می برد . آری جایگـاه بسـیج در آن موقعیتی که مردم تصور دارنـد نیست. بلکه نهضتی است برای رشد و آزادی و ادامه استقلال بر اساس اسلام و در تمام جنبه های زندگی . برای اطلاع بیشتر می توانید به کتاب بسیج در اندیشه امام خمینی« ره » , آثار موضوعی دفتر ۲۹ مراجعه کنید .

۱ ـ یک جامعه چگونه باید تربیت شود راههای آن را لطفا بگویید ؟

پرسش

۱ ـ یک جامعه چگونه باید تربیت شود راههای آن را لطفا بگویید ؟

پاسخ

ج ۱ ـ ازآنجـا که جـامعه را افراد تشـکیل می دهنـد پس لازم است ابتـدا افراد تربیت شونـد ، تابتواننـد جامعه ای سـعادتمند متکامل ومتفرقی بوجود آورنـد ، اگر انسانها مباحث تربیتی را بشناسـند وهدف آن رابدانند وبا روشـهای صـحیح تربیت آشـنایی پیداکنند و اصـلاح نماینـد وبه سوی خوبی ها وارزشـهای اخلاقی سوق پیـدا کننـد, همواره به سوی تکامل وترقی در حرکتنـد وعقب مانـدگی

وشکست ذلت وخواری ومفاسد اخلاقی و اجتماعی دامن گیرشان نخواهد شد, که از نظر قرآن کریم ونهج البلاغه هدف اساسی همه أنبیا وپیامبران الهی تحقق این آرمان ارزنده است ومی دانیم که مکتب اسلام کامل ترین مکتب تربیتی است که دستورات وقوائد وروشهای تربیتی آن از چشمه سار همیشه جاری, وحی الهی گرفته شده وبا رهنمودهای مداوم امامان معصوم « علیهم السلام » درتئوری وعمل لباس حقیقت پوشیده است اکنون این سؤال مطرح می شود که آیا اصلا تربیت ممکن است ، آیا موانع تربیت را می شود ازمیان برداشت ، روشهای تربیتی کدامند ، چگونه باید فرد وجامعه را تربیت کرد از آنجاکه نهج البلاغه بهترین و گویا ترین زبان قرآن و تبیین کننده مباحث تربیتی اسلامی است گوش جان به کلمات گوهر بار مولا علی « علیه السلام »می سپاریم : از دیدگاه نهج البلاغه تربیت ممکن وروشهای تربیتی مشخص وروشن است وبهترین روشهای مقابله با موانع وآفات تربیت نیز مورد ارزیابی قرارگرفته است . علی « علیه السلام »می فرماید : زنهار ! زنهار! در تربیت وسازندگی خویشتن تلاش کن ، زیرا خداوند راهی را که باید بروی ، برایت روشن ساخته است وآینده رفتن تو را مشخص وتبیین فرموده است وسپس امیدواری می دهد که اگر از راه روشن الهی بروید و در تربیت خود ودیگران بکوشید حتما پیروز شده وبه سرچشمه سعادت خواهید رسید . نکته دوم : تربیت پذیری انسان است ، انسان با برخورداری ازعقل وتدبیر وعواطف انسانی تربیت پذیر تر از دیگر موجودات است ومی شود انسان راتربیت کرد. ودرخودسازی وجامعه سازی موفق نمود . علی « علیه السلام »می فرماید : از کسانی نباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی بخشد مگر آنکه سخت درتوبیخ آنها مبالغه شود زیرا انسانهای عاقل با اندرز وآداب پند می پذیرند اما چهارپایان با زدن. (۲) با توجه به پندپذیری انسان امام « علیه السلام »سفارش می کنند که در تربیت کودک ، درتربیت نفس و درتربیت افراد جامعه باید شتاب نمود و تربیت را برهرکار دیگر مقدم داشت ، زیرا ممکن است آداب وروشهای زشت وناروا دلهای پاک را آلوده سازد وتربیت وسازندگی را ناممکن . لذا در نامه ۳۱ خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی« علیه السلام »می فرماید : من درتعلیم وتربیت تو پیش از آنکه قلبت سخت شود وعقل و فکرت به امور دیگر مشغول گردد مبادرت ورزیدم ، تا با تصمیم جدی به استقبال کارهایی بشتابی که اندیشمندان واهل تجربه زحمت آزمون آن را کشیده اند. نکته سوم ارزش وجایگاه تربیت است ، که امام « علیه السلام »آن را بالاترین میراث معرفی می نماید. (هیچ ثروتی مثل عقل نیست هیچ فقری چون جهل نمی باشدوهیچ میراثی چون ادب وتربیت وجود ندارد.)(۳) نکته چهارم : هدفداری تربیت می باشد زیرا امکان تربیت وضرورت خودسازی وبازپروی جامعه را بسیاری ازمکتب ها پذیرفتند. اما می پرسند چرا خود راتربیت کنیم ورنج فراوان خودسازی برخود هموارکنیم واز لذتها وخوشی ها بگذریم ؟ اما آنچه اسلام رادربرابر دیگر مکاتب توحیدی ممتاز میکند هدفداری انسان وتربیت اوست بدیهی است تا مبانی اعتقادی قرآن ونهج البلاغه را نپذیریم به هدفداری انسان و حرکت تکاملی بشر به سوی قیامت وبهشت جاویدان را باور نکنیم تربیت ومقررات واحکام تربیتی بدون پشتوانه اخلاقی واجرایی است. پس ابتدا باید مبانی اعتقادی قوی ومحکم بوجود آورد تا افراد باور کنند که دراین دنیا برای هدفی آمده اند وبیهوده آفریده نشده اند پس ازآن با شناخت عوامل تربیت وتقویت آنها وسازندگی فرد وجامعه پرداخت ازجمله عوامل تربیت : ۱- پدر ومادر آموزشگاه آغازین هر فردی خانه وخانواده می باشند وپدر ومادر ودیگر افراد خانواده می توانند مربی لایق وموفق فرزندان باشند یا عامل اساسی انحراف آنها ۲- خانواده : فرزندان وکودکان از اعضای خانوده الگو می گیرند ازاین رو امام « علیه السلام » سفارش می کند با خانواده خوب وصالح روابط دوستانه برقرارکنید. ۳- استاد وآموزگار : لذا دردستورات دینی به هم نشینی با علما ودانشمندان توصیه شده است. ۴- جامعه ومحیط زندگی : پس درانتخاب مکان زندگی ومحیط اجتماعی باید دقت نمود. ۵- دوستان : امام « علیه السلام »می فرماید بر حذر باش ازدوستی با احمق که می خواهد به تو نفع برساند ولی زیان می رساند. (۴) ۶- علما ونصیحت کنندگان : علما از عوامل مهم تربیت به شمار می آیند که باید به آنان احترام گذاشت وگوش دل به سخنانشان سپرد . ۷- حکومت ورهبری : که هم مسؤلیت تربیت فرد وجامعه را دارد و هم به عنوان یکی از الگوهای تربیتی مطرح است. ۸- الگوهای موفق تربیت شده. ۹- قرآن وتعالیم انسان ساز آن. ۱۰- همسایه

وهمسایگان زیرا بدون روابط با همسایگان نمی شود به زندگی اجتماعی تداوم بخشید لذا باید درخرید منزل وانتخاب همسایه دقت نمود. ۱۱- تبلیغات : که گاهی به شکل وعظ وخطابه یا نصیحت واندرز وزمانی به عنوان امربه معروف ونهی ازمنکر درجامعه اسلامی مطرح می شود. ۱۲- سنن وآداب صحیح اجتماعی. ۱۳- تاریخ گذشتگان وعبرت گرفتن ازآن. ۱۴- انقلاب و قیام وحرکت موفق یک امت : بهترین وارزنده ترین مربی وآموزگار دلهای آماده تربیت است. نعمت انقلاب ازبزرگترین عوامل تربیتی است امید است انشاءالله انقلاب ما به انقلاب مهدی موعود« علیه السلام » متصل گردد. منابع : ۱- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, نامه ۳۰/۳ ۲- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, نامه ۳۱/۱۰۸ ۳- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه, حکمت ۵۴ ۴- المعجم المقهرس الالفاظ نهج البلاغه ,حکمت ۳۸/۲ تربیت درنهج البلاغه, مؤلف دفترنشرامام علی « علیه السلام » انتشارات ضریح آفتاب.

آینده ایران و اسلام را چگونه می بینید؟

پرسش

آینده ایران و اسلام را چگونه می بینید؟

پاسخ

با استفاده از آیات و روایات بسیار متعددی که وعده پیروزی , گسترش و جهانگیر شدن اسلام را داده از قبیل : ((و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین))، (قصص / ۵) ((الاسلام یعلو و لا یعلی علیه)) و...، آینده بسیار درخشانی برای دین مبین اسلام وجود دارد و این از وعده های حتمی و تخلف ناپذیر خداوند می باشد. البته زمان تحقق آن را فقط خداوند می داند. ولی می توان علائم و زمینه های تحقق آنرا با توجه به حوادثی از قبیل وقوع انقلاب اسلامی ایران و تأثیراتی که این انقلاب در بیداری مسلمانان و گسترش اسلام در بسیاری از نقاط دنیا داشته است , مشاهده نمود. مطالعه حوادث تاریخی که در حوزه اسلام و مسلمانان روی داده است این واقعیت را نشان می دهد که علیرغم اینکه روند گسترش اسلام در جهان در مجموع یک روند صعودی می باشد, ولی دارای یکسری فراز و نشیب هایی بوده وقفه های طولانی در این خط سیر بوجود آورده , و برخی از دولتهای اسلامی نابود شده اند, همه این حوادث بیانگر این اصل مهم قرآنی می باشد که ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ; خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند))، (رعد / ۱۱). در این آیه مبارکه ((ما بقوم)) رو بنا و ((ما بانفسهم)) زیر بنا است . بنابراین بقاء و دوام هر تحولی و انقلابی , همانند اصل هر گونه تغییر و تحول و انقلاب در جوامع بشری و سرنوشت آنان , بستگی به خودشان دارد. بر این اساس با توجه به در نظر گرفتن واقعیاتی از قبیل تهاجم همه جانبه غرب در مقابل گسترش اسلام , وجود حکومتهای وابسته به غرب , در کشورهای اسلامی وجود اسرائیل به عنوان دشمن اصلی اسلام در قلب جهان اسلام , و... که همه تهدید کننده ماهیت اسلام می باشد, و وجود و استمرار مؤلفه های ذیل می تواند در تداوم و بهبود وضعیت مسلمانان , و گسترش اسلام خواهی در جهان مؤثر باشد: ۱- تداوم انقلاب اسلامی ایران به عنوان ام القری کشورهای اسلامی , به عنوان کانون امید بخش و حامی نهضتهای اسلامی و آزادیبخش در سراسر جهان . ۲- وحدت و همدلی تمامی مذاهب اسلامی , تکیه بر نقاط مشترک و پرهیز از تفرقه . ۳- تلاش مجدانه مسلمانان برای پیشرفت در زمینه های مختلف علمی , صنعتی , تکنولوژیکی و... و رها شدن از عقب ماندگی و وابستگی به غرب در اقتصاد, صنعت , دانش و فن آوری و... ۴- عمل به تعالیم و ارزشهای والای اسلامی و... اما در مورد آینده ایران اسلامی باید گفت: انقلاب پدیده‌ای اجتماعی است و به مثابه موجودی زنده در دریای حوادث به حیات خویش ادامه می‌دهد و چه بسا با موانع و آفاتی روبرو

شود، شناخت آفات و دشمنان انقلاب عامل مهم در تحقق یافتن آرمان های انقلاب، حفظ دستاوردها، تنظیم سیاستهای کل نظام، حل مشکلات و حفظ مشروعیت حکومت محسوب شده و آینده هر انقلابی را رقم می‌زند. استاد مطهری(ره) پس از پیروزی انقلاب فرمود: «امروز نیز ما درست در وضعی قرار داریم نظیر اوضاع ایام آخر عمر پیامبر(ص)... اکنون باد از خود ترس داشته باشید. از منحرف شدن نهضت و انقلاب است که باید ترس داشته باشید. اگر با واقع بینی و دقت کامل با مسایل فعلی انقلاب مواجه نشویم، و در آن تعصبات و خودخواهی‌ها را دخالت دهیم، شکست انقلابمان بر اساس قاعده «واخشون» و بر اساس قاعده ان الله لا یغیّر حتمی الوقوع خواهد بود. درست به همانگونه که نهضت صدر اسلام نیز بر همین اساس با شکست روبرو شد.»، (مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، صص ۲۷ ـ ۲۸). مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با ضرورت و اهمیت آسیب‌شناسی انقلاب می‌فرمایند: «میکرب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می‌یابد، نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمانها، دنیاطلبی،اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه‌هایی از تأثیر میکرب ارتجاع و عقب گرد است. پرداختن به مال و مال اندوزی دچار شدن به فسادهای اخلاقی ـ مالی و فساد اداری، درگیر شدن در اختلافات داخلی که خود یک فساد بسیار خطرناک است، و نیز جاه‌طلبی‌های غلط و نامشروع، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می کند.»، (کیهان، ۱۷/۱۰/۱۳۷۳) امام راحل در وصیت نامه سیاسی ـ الهی خود رمز تداوم انقلاب را چنین معرفی می کنند: «بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می‌باشد.» امام علی(ع) مهمترین موانع انقلاب و اسباب شکست نهضت‌ها را کینه توزی، تفرقه، پشت کردن به یکدیگر و ترک یاری معرفی می‌نمایند: «ما نظروا الهی ما صاروا الیه فی آخر امورهم حین وقعت الفرقه و تشتت الالفه» ؛ (شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۸۵). بر این اساس آینده ایران اسلامی بستگی به این دارد که آیا نظام اسلامی با همکاری مردم می‌تواند آسیب‌های متعددی که این انقلاب نوپا را تهدید می کند پشت سر گذاشته و با موفقیت از آنها بیرون آیند یا نه: این آسیبها را می‌توان در چند دسته خلاصه نمود: الف ـ آسیبهای فرهنگی ـ اجتماعی عبارتند از: ۱ـ نفوذ اندیشه‌های بیگانه. ۲ـ تغییر جهت دادن اندیشه‌ها از اهداف و نیات خدایی به اهداف و نیّات غیر خدایی. ۳ـ تجدد گرایی افراطی یا التقاط و زهدگرایی منفی. ۴ـ جدا کردن دین از علم و سیاست و تفرقه بین حوزه و دانشگاه. ۵ـ بوروکراسی مفرط و فساد اداری و اجتماعی. ۶ـ دنیاطلبی و اشتغال به زینتهای دنیوی. ۷ـ اشائه فحشاء و مراکز فساد و تأثیر پذیری از جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن. ۸ـ تغییر ارزشهای انقلاب. ب ـ آسیب‌های سیاسی عبارتند از: ۱ـ ناتمام گذاشتن تحقق آرمانهای نهضت از قبیل، آرمانهای جهانی انقلاب اسلامی، مبارزه با ظلم و اقامه قسط و عدل در سراسر جهان و اتحاد امت اسلامی. ۲ـ رخنه فرصت طلبان: استاد مطهری در این باره می‌فرمایند: «... هر چه از دشواریها کاسته می‌شود و موعد چیدن ثمر نزدیک تر می گردد، فرصت طلبان محکم تر و پرشورتر پای علم نهضت سینه می‌زنند، تا آنجا که تدریجا انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به در می کنند...»، (مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۲). ۳ـ تفرقه و درگیر شدن در گرداب اختلافات داخلی و استفاده نکردن از نیروهای بالقوه مردمی. ۴ـ بی تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت اجتماعی خویش و غیر سیاسی شدن دانشگاهها. ۵ـ ایجاد تردید نسبت به آرمانهای انقلاب. ۶ـ جاه‌طلبی‌های غلط و نامشروع. ۷ـ تحت الشعاع قرار گرفتن استقلال و آزادی. ۸ـ بازگشت استعمار به طریق آشکار و نهان و وابستگی نظامی و سیاسی به ابر قدرتها و... ج ـ آسیب‌های اقتصادی انقلاب اسلامی: امام علی(ع) علل سقوط اقتصادی ـ سیاسی حکومتها را چنین بیان می کند: «یستدل الادبار باربع: سوء التدبیر، و قبح التبذیر و قله الاعتبار و کثره الاعتذار ؛ می‌توان چهار علت برای زوال دول برشمرد: سوء تدبیر و ضعف مدیریت تبذیر ناروا و هزینه‌های زیانبار اقتصادی عبرت نگرفتن از تجارب سودمند عذرخواهی مکرر به جای جبران

خطاهای گذشته» (غرر و درر، ص ۳۵۴) مهمترین آسیب های اقتصادی انقلاب اسلامی را می‌توان در موارد ذیل برشمرد: ۱ـ وابستگی اقتصادی به ابرقدرتها، بالاخص آمریکا ۲ـ تحت الشعاع قرار گرفتن توسعه اقتصادی یا عدم توجه به بحرانهای ناشی از توسعه اقتصادی ۳ـ وابستگی به نفت به عنوان مهمترین اقلام صادرات و منبع ارزی کشور. ۴ـ عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی ۵ـ جدا شدن مردم از برنامه‌های دولت در طرح‌های سازندگی ۶ـ مال اندوزی و تکاثر ثروت اندوزان ۷ـ تحت الشعاع قرار گرفتن عدالت اجتماعی و زیاد شدن فاصله فقیر و غنی. ۸ـ بی توجهی به مستضعفین و ولی نعمتان انقلاب و عنایت علیحده به اغنیاء؛ ۹ـ بی توجهی به خواسته‌های مشروع نسل جوان (از قبیل اشتغال ـ مسکن، ازدواج و...) که آینده سازان انقلاب و ایران اسلامی بوده، و عدم شکل گیری روند کامل و صحیح جامعه‌پذیری در انتقال ارزش‌های انقلاب و اسلام به نسل جوان در جهت تقویت هویت اسلامی و ملّی آنان و جلوگیری از آفات مخرب تهاجم فرهنگی و... اما علیرغم آسیبهای فوق که انقلاب اسلامی را تهدید می نماید و آینده ای تاریک و مبهم را برای ما ترسیم می نماید نگاهی به موفقیتها و دستاوردهای مثبت و ارزنده انقلاب اسلامی در حل مشکلات و بحرانهای متعدد, وجود مردمی با ایمان و پایبند به ارزشهای اسلامی , خط امام و رهبری , وجود مسئولان آگاه , دلسوز, و متعهد و عزم جدی آنها برای حل مشکلات و تلاش در جهت پیشرفت مادی و معنوی جامعه و ارتقاء سطح علمی , فرهنگی , صنعتی , تکنولوژیکی و... می توان به آینده ای کاملا "درخشان برای ایران اسلامی امیدوار بود انشاء الله .

چه راهکارهایی را می توان برای بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت عملی به تئوریک پیشنهاد می کنید؟

پرسش

چه راهکارهایی را می توان برای بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به صورت عملی به تئوریک پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

ضمن تشکر از جناب عالی هم به خاظر دغدغه تان نسبت به رشد و تعالی و پیشرفت وضع جامعه و هم به خاطر ارتباط با ما، در پاسخ به پرسش شما نکات ذیل را خاطر نشان می سازیم: اولاً: راهکارهای عملی نه تنها از تئوری جدا نیستند بلکه مبتنی بر آن است، از این رو در پاسخ به همین سؤال هر کس با دیدگاه نظری خود راهکارهائی عملی را ترسیم خواهد نمود. ثانیاً: با مبنای تئوریک ما دین عامل سعادت دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی بشر است، و دین اسلام جامع ترین ادیان الهی و شریعت محمدی(ص)، شریعت خاتم است، موارد ذیل به نظر می رسد که در بهتر شدن وضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه به عنوان راهکارهای عملی مفید و مؤثر باشد: ۱- اجرای صحیح و تمام عیار و بی مسامحه، بی توجیه، بی شائبه و بی واهمه احکام اسلامی بر اساس دستورات دینی مفسد فی الارض، حکمش اعدام است، متعدی و متعرض به ناموس مسلمین و اهانت کنندگان به شعایر دینی باید تعزیر شوند، دست دزد قطع گردد، اما آیا ما به ندای رهبر عظیم الشأن انقلاب در این زمینه عمل کردیم؟! آیا مسئولین محترم نظام، آنچنان که بایسته و شایسته بود در راستای مبارزه با فساد اجتماعی و اقتصادی اقدام نمودند. جناح بندی و سیاسی کاری، وا همه از نظرات مدعیان حقوق بشر، تبعیض در بین افراد و جریانات در مقام اجرا و نیز برخی فرصت طلب ها و منفعت طلبان از جمله موانع این راه هستند که باید برطرف شود. ۲- عدالت اجتماعی و اقتصادی شکاف طبقاتی، تبعیض و بهره مندی وافر عده ای و محرومیت مطلق عده ای دیگر ظلم است که بنیان های یک اجتماع را سست و متزلزل می کند. باید با

وضع قوانین مناسب، ترتیبی اتخاذ شود که از فرصت های کاری، همه یا اکثر مردم به حسب تخصص و توانمندی های خود بهره مند گردند، نه این که یک عده از چندین شغل رسمی و غیر رسمی بهره مند باشند و دیگران آه بکشند. در وضع مالیات ها هم، در موقع قانون گذاری باید دقت شود و هم در هنگام أخذ که متأسفانه در بسیاری از موارد هم در وضع قانون، به نحو غیر کارشناسانه است و هم در مقام گرفتن مالیات با دست و دلبازی های برخی و تبعیض و اهمال برخی دیگر مواجه می شویم. ۳. بازرسی از همه نهادهای حکومتی به گونه ای که علی(ع) به مالک اشتر فرمودند: یا مالک تو باید در دولت خود جاسوس داشته باشی اما نه جاسوس برای مردم و ایجاد محدودیت و سلب آزادی از آنان بلکه جاسوس برای کارگزاران و عمال خودت تا درست کار کنند. چه نهادی در مجلس، قوه قضائیه، مجریه، شرکت ها و مؤسسات دولتی و ... این مسئولیت را به عهده دارد؟ چه گونه عمل می کنند؟ اگر به گونه صحیح عمل می شد آیا ما شاهد این همه پارتی بازی، رشوه گیری ها و مفاسد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بودیم؟! آیا همه استانداران خود را موظف به این فرمان می دانند؟ آیا اصولاً بر اساس اعتقاد به این اصول منصوب می شوند؟ ۴. قاطعیت در برخورد با حیف و میل کنندگان بیت المال، متصدیان به حقوق عمومی ۵. تشدید روحیه استبکار ستیزی و معامله نکردن ارزش ها با مصالح سیاسی ۶. امر به معروف و نهی از منکر و حضور جدی مردم در افشاء انحرافات، برخورد با انحرافات، پشتیبانی از مقام ولایت.

مهم ترین نیاز جامعهء اسلامی در عصر کنونی چیست ؟

پرسش

مهم ترین نیاز جامعهء اسلامی در عصر کنونی چیست ؟

پاسخ

پاسخ جامع به این سؤال , نیازمند ترسیم ویژگی های مسلمانان عصر کنونی است ; یعنی بدانیم آنان ازلحاظ فکری و فرهنگی و اخلاقی و سیاسی و اجتماعی و نیز از جهات علمی و صنعتی و کشاورزی و استقلال وخودکفایی , در چه موقعیتی قرار دارند و در گذشته چه موقعیتی داشته اند؟ پس از مقایسهء وضع حاضر و گذشته , علل پیدایش وضعیت متفاوت , مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گیرد. این گونه نقد و بررسی و تجزیه و تجلیل به عهده ء است و از حوصله و ظرفیت این گفتار بیرون است , اما جهت آگاهی و هشدار اشاره ای می کنیم تا ازخواب های پریشانی که فتنه انگیزان خود باخته و فرهنگ فروشان بیگانه پرست در یکی ـ دو قرن اخیر, مخصوصاً اززمان پهلوی تا کنون برای امت اسلامی به خصوص جوانان غیرتمند شیعهء علوی دیده اند, بیداری حاصل گردد. به اعتراف دوست و دشمن هنوز از تولد اسلام نیم قرن نگذشته بود که قسمت عمدهء آباد کرهء زمین از آسیا تاآفریقا و از آن جا تا اروپا, در سیطرهء نفوذ نظامی و علمی و فرهنگی و اخلاقی و سیاسی و سازندگی اسلام قرارگرفت . مسلمانان هر کجا را فتح می کردند, به آبادانی آن و تبلیغ و تدریس فرهنگ و علوم می پرداختند و به تأسیس مسجد و مدرسه اقدام می نمودند و بر خوردشان با جامعهء مغلوب و افکار و عقاید آنان به گونه ای بود که می گوید: و در آه و حسرت خویش می سوخت و می گفت : پروردگارا! ای کاش همهء ملت های اروپا, روش مسلمانان را سرمشق خود قرار می دادند.(۱) اما در عصر کنونی ورق برگشت و مسلمانان پوستین پیشرفت و ترقی را وارونه به تن کردند و دوران انحطاط وعقب ماندگی را طی می کنند و دنیای غرب , اگر چه در بُعد اخلاقی و انسانی از مرحلهء فاجعه گذشته و به سقوطسرازیر گشته , لکن از جنبه های علمی و فنی پیشرفت نموده اند. آیا جوانان که طلایه داران آیندهء جامعه و امت اسلامی هستند, نباید علل پیشرفت عظیم مسلمانان و پس رفت و انحطاط ذلت آمیز

کنونی را مورد بررسی قرار دهیم تا ریشه های عزت و ذلت را شناسایی نماییم ؟ جهت آشنایی با تاریخ درخشان اسلام و خدمتی که دین الهی و پیروانش به فرهنگ و تمدن بشریت در تمامی رشته های علمی و فنی نموده اند, چند کتاب زیر را جهت مطالعه معرفی می کنیم و به اختصار سؤال شما را پاسخ می دهیم : ۱ دانش مسلمین , محمد رضا حکیمی . ۲ خدمات متقابل اسلام و ایران , شهید مطهری . ۳ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی , زین العابدین قربانی . ۴ علل پیشرفت و انحطاط مسلمین , زین العابدین قربانی . برادر عزیز, نیاز اساسی امت اسلامی در همهء اعصار و قرون , شناخت قرآن و پیروی از آن است . به عبارت دیگر,اقتدار و عظمت مسلمانان و بازگشت قدرت و شوکت ممتاز آنان در سایهء دو امر نهفته است , که یکی اصل و دیگری فرع آن است . ۱ بازگشت به زندگی قرآنی و آن را تابلوی راهنمای زندگی خویش در همهء عرصه های زندگی فردی واجتماعی قرار دادن . ۲ اتحاد همهء امت اسلام و فرقه ها در زیر پرچم قرآن . بازگشت به قرآن نیازمند رو آوردن به شناخت و معرفت صحیح آن است و این را باید از اهل البیت و ائمه : که قرآنِ ناطق و مفسران حقیقی قرآن هستند, اخذ نمود. وقتی قرآن , راهنمای عمل انسان قرار گرفت , اتحاد و وحدت محقق می گردد, زیرا قرآن از یک سو می گوید: زنید و پراکنده نشوید.(<۲) این امر مهم را مکرر تذکر می دهد و می فرماید دشمنان نه تنها در صددند میان مسلمانان اختلاف ایجاد کنند,بلکه می خواهند در محتوای دین هم نفوذ کنند, زیرا آن ها حیات و هستی و منافع خود را در اختلاف و تفرقه میان مسلمانان می بینند, چنان که با تفرقه و تبعیض میان انبیا در صدد تضعیف دین و ارزش های آن برآمدند: پیامبرانش جدایی افکنند. >قرآن در سوره انعام یکی دیگر از طرح های توطئه آمیز آنان را برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان افشا می کند ومی فرماید: . گرچه برای خداشناسی راه های مختلفی ـ و به تعبیر امام خمینی , به شمار انسان ها ـ وجود دارد, ولی دین و راه حق , یکی بیش نیست . راه حق (صراط) را مفرد ذکر کرده , اما راه انحرافی را که جمیع سبیل است , ذکر نموده است . قرآن با دل سوزی , آثار و نتایج خسارت بار و جبران ناپذیر اختلافات , نزاع ها و کشمکش های داخلی میان مسلمانان را گوشزد می کند و می فرماید: محور وفاق و وحدت باید اطاعت از دستورهای خدا و پیروی از فرامین رهبری باشد: . سید جمال الدین اسد آبادی می گوید: .(۳) از سویی دیگر قرآن می فرماید: .(۴) چرا قرآن می گوید: بیایید دعوت قرآن را بپذیرید تا شما را زنده کند؟ مگر مخاطبان قرآن , مردگان قبرستان بودندیا انسان های فعال و متحرک در دنیا؟ از دیدگاه قرآن فرد یا جامعه ای که در جهل و نادانی به سر می برد و محبت و مهربانی و تعاون و دستگیری ازضعفا و همدلی و اتحاد, جای خود را به انتقام جویی و اختلاف و تفرقه و دشمنی و تجاوز داده است , آن ها, مرده های متحرکی هستند که به جای قرار گرفتن در زیر خاک , روی زمین راه می روند و لذا خداوند به پیامبر می گوید: و یا می فرماید: القبور(;۵) تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گورها خفته اند برسانی. > هر مرده ای را داخل قبر می گذارند, اما کسی که روح حیات و زندگی در او مرده است , در قبرهای مختلفی مدفون است . قبر شهوت , قدرت , ثروت , ملیت وقومیت , تحزّب و جناح گرایی , بلکه جناح پرستی و... شاید تعبیر به در آیهء شریفه به همین نکته اشاره داشته باشد. اقبال لاهوری می گوید:امروز روح اسلامی در مسلمانان مرده است (چون قرآن را از صحنهء زندگی خود کنارگذاشته اند) از تاریخ مردن تفکر اسلامی پانصد سال می گذرد.(۶) شیخ محمد عبده مصری می گوید: .(۷) (پاورقی ۱.محمد رضا حکیمی , دانش مسلمین , ص ۱۰۵ (پاورقی ۲.آل عمران (۳ آیه ۱۰۳ (پاورقی ۳.حسن عاشوری لنگرودی , بررسی علل پیشرفت و عقب ماندگی در جهان اسلام و راه حل ها, ص ۵۱ (پاورقی ۴.انفال (۸ آیهء ۲۴ (پاورقی ۵.فاطر (۳۵ آیهء ۲۲ (پاورقی ۶.مرتضی مطهری , احیای تفکر اسلامی , ص ۸۴ با تلخیص . (پاورقی ۷.جمعی از نویسندگان , محمد خاتم پیامبران , ج ۱ مقدمه , ص ۱۹

برای سعادت مند شدن چه نکاتی قابل توجه است ؟

پرسش

برای سعادت مند شدن چه نکاتی قابل توجه است ؟

پاسخ

سعادت به حسب ریشهء لغوی , متضمن مفهوم عون و کمک است . عرب از آن جهت به کسی رااطلاق کرده است که علل و اسباب به کمک و معاونت او آمده باشد, اما به حسب عرف , معنی سرور و خوشی وآسایش را می دهد.(۱) در واقع سعادت به معنای لذت بردن و خوش بودن و نیل به آرزوها نیست , چون سعادت , همه جانبه است . استاد مطهری می گوید: طرح و تنظیم برنامهء سعادت , فرع بر این است که انسان با تمام استعدادهای مکتومی که دارد, شناخته شود, زیرا سعادت از شکفته شدن استعدادها و بروز و ظهور و فعلیت یافتن قوه ها پیدامی شود. سعادت حقیقی وقتی حاصل می شود که تمام استعدادهای انسانی , بالاخص استعدادهای عالیِ وجود وی ,از قوّه به فعلیت برسد. انسان با همهء استعدادهایش باید شناخته شود, تا طرح و تنظیم چنین برنامه ای ممکن و میسر گردد. از طرف دیگر با توجه به این که با همهء پیشرفت های عظیمی که نصیب بشر در علم و صنعت شده و با همهء کشفیات شگفت آوری که در دنیای جمادات و نباتات و جانداران صورت گرفته , انسان هنوز موجودی ناشناخته است; پس بایدقبول کرد هنوز علم بشر نتوانسته است مدعی شود می تواند طرح سعادت بشر را تنظیم کند.(۲) بر این اساس برای شناخت عوامل سعادت و خوش بختی باید به سراغ قرآن و عترت برویم . اسلام بشر را از جنبهء جسم و جان و ازجهت معنوی و مادی مورد توجه قرار داده است و سعادت انسان را در برخورداری از کمالات روحی و استفاده ءصحیح از تمایلات مادی می داند ;از این رو عواملی مادی و معنوی را در تحصیل سعادت مؤثر می داند, که عبارتنداز: ۱ ایمان به خدا ;قرآن مجید در سورهء عصر, افرادی را از خسران مستثنی کرده است و آن افراد مؤمن ونیکوکارند. آن ها به فلاح و رستگار نائل می شوند. ۲ تقوا و خودسازی ; قرآن مجید پس از یازده سوگند به صراحت می فرماید: .(۳) استاد مطهری می گوید: پیغمبران الهی آمده اند که به ما راه زندگی و درِ ورودی زندگی و خوش بختی را نشان دهند. آمده اند به بشر بفهمانند بدی , بدکاری , هوس بازی , دروغ , خیانت , منفعت پرستی , کینه توزی و خود پرستی ,راه ورودی زندگی و طریق رسیدن به سعادت و آرامش و رضایت خاطر نیست . درِ ورودی زندگی و خوش بختی ,نیکی و نیکوکاری , راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی است . تنها ایمان و اعتقاد به معنویات و سپس نیکوکاری بر اساس آن اعتقادات مقدس است که قلب را آرام و رضایت خاطر را تأمین می کند وسعادت را میسر می سازد.(۴) ۳ یاد خدا ;قرآن مجید مهم ترین عامل و وسیله برای خوشی و آرامش روح را یاد خدا می داند و می فرماید: ,(۵) و روی گرداندن از یاد خدا را عامل سیه روزی می داند و می فرماید: گرداند, زندگی اش تنگ می شود.(۵<) ۴ عمل صالح ; قرآن کریم اموری همانند جهاد در راه خدا, امر به معروف , نهی از منکر, شکر نعمت های الهی وتوبه را مایهء حیات و سعادت انسان می شناسد. ۵ هم نشینی با بزرگان ; پیامبراکرم ۶می فرماید: .(۶) ۶ همسر, فرزند و منزل شایسته ; در روایتی رسول خدا۶می فرماید: .(۷) ۷ پند پذیری ; امام علی ۷می فرماید: .(۸) ۸ عاقبت به خیری ; امام صادق ۷از امام علی ۷نقل می کند: .(۹) در مورد مفهوم گستردهء سعادت , از مطالعهء کتاب کودک از نظر وراثت و تربیت , ج اول بهره مند شوید. (پاورقی ۱.استاد مطهری , مقالات فلسفی , ج ۲ ص ۶۰ (پاورقی ۲.استاد مطهری , مقالات فلسفی , ج ۲ ص ۹۶ (پاورقی ۳.شمس (۹۱ آیهء ۹ (پاورقی ۴.حکمت ها و اندرزها, ص ۴۰ـ ۴۱ با تلخیص . (پاورقی ۵.طه (۲۰ آیهء ۱۲۴ (پاورقی ۶.بحارالانوار, ج ۷۴ ص ۱۸۵ (پاورقی ۷.بحارالانوار, ج ۱۰۴ ص ۹۸ (پاورقی ۸.نهج البلاغهء فیض الاسلام , خطبه ۸۵ (پاورقی ۹.تفسیر نمونه , ج ۹ ص ۲۵۰

بسیج یعنی چه ؟

پرسش

بسیج یعنی چه ؟

پاسخ

بسیج یعنی آمادگی و مجهّز بودن .() بسیج مشتضعفان برای حفظ و حراست از دست آوردهای انقلاب (پاورقی ۱.فرهنگ معین : ماده ء: بسیج . و خنثی سازی توطئه های دشمنان داخلی و خارجی انقلابِ شکوهمند اسلامی ایران به فرمان حضرت امام خمینی ره که تمام سعی و کوشش خود را برای اعتلای کلمهء اسلام و عزت و شرافت ملت ایران صرف کرد, در ۱۳۵۸/۹/۵شکیل شد. امام خمینی فرمود: . پس از تشکیل بسیج مستضعفان جوانان عزیز با مراجعه به محل های اعلام شده از طرف سپاه پاسداران در همه ءشهرهای میهن اسلامی , شروع به فراگرفتن تعلیمات نظامی کردند. بسیجیان قهرمان در دوران دفاع مقدس درجبهه های حق علیه باطل حماسه های به یادماندنی آفریدند و با حضور عاشقانه در رزمگاه های سخت و خطوطمقدم جبهه , قلب مولای خود امام زمان ۷و نایب بر حقش حضرت امام خمینی را شاد و دشمن را ناکام نمودند. باحضور بسیجیان در جبهه , نیروهای نظامی اعم از سپاه و ارتش , قوّت روح و قدرت بازوی بیش تر احساس می کردندو حملات مؤثر علیه دشمن بعثی انجام دادند. امروز هم هراس اصلی دشمنان انقلاب از حضور بسیجیان جان بر کف و مردم مؤمن در صحنه می باشد. مناطق دلاوری های بسیجیان و سایر نیروهای نظامی در میدان های رزم , همه ساله زیارتگاه عاشقان و دلسوختگان و مردم عزیز کشورمان می باشد. در دیدگاه امام خمینی ره بسیجیان از چنان ارزشی برخوردار بودند که فرمود: . خداوندا! به احترام اولیائت , روحیهء بسیجی رابرای جوانان عزیز کشور در همهء دوران عنایت فرما.

یک فرد مسلمان باید چه خصوصیاتی اعم از سیاسی و اجتماعی داشته باشد؟

پرسش

یک فرد مسلمان باید چه خصوصیاتی اعم از سیاسی و اجتماعی داشته باشد؟

پاسخ

یک مسلمان اسلام را به عنوان یک ایدهء برتر پذیرفته است و باید به آن پای بند و متعهد باشد و نسبت به قوانین اسلام و اجرای آن ها در جامعه کوشا باشد و نگذارد که فساد و گناه جامعه را فرا بگیرد و از مفسدان وغوغاسالاران حمایت نکند و چون در کشور عزیز ما حکومتی به عنوان اسلام بر پا شده است که با چپاولگران داخلی و خارجی سر سازش ندارد و آمریکا را شیطان بزرگ می داند و تمام مفاسدی که در دنیای اسلام به وجود می آیدنقش آمریکا و دیگر قدرتهای استعمارگر را مشاهده می کند آمریکا که با انقلاب اسلامی و با شعار اللّه اکبر و باجانفشانی هزاران مرد و زن و جوان و کودک این مرز و بوم از این کشور رانده شد, سعی می کند از پنجره وارد شود وپس از بیست سال مبارزه دوباره به سرخانهء اول برگردد و متأسفانه عده ای غربزده و بی هویت با انواع ترفندها سعی در این کار دارند ولی شما جوانان عزیز با اطاعت از ولایت فقیه که رکن اصلی انقلاب اسلامی است اجازه نخواهیدداد که آمریکا و اسرائیل دوباره بر این کشور مسلط شود و سیاستهای خود را به مسئولان کشور دیکته کند.امام خمینی (ره) فرمود: همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به انقلاب شما آسیبی نرسد. نکتهء دوم این که باید جوانان با شیطنت هایی که فرهنگ

غربی از آسمان و زمین بر این کشور وارد می کند مبارزه کند. فرهنگ غربی که غیرت و عفت و مردانگی و شرافت و کرامت انسانی را از انسان می گیرد و انسان را از هویت خود تهی می کند و سیل وار به کشور ما هجوم برده و نسل جوان انقلاب را با ماهواره و اینترنت و عکس ها و فیلم ها ونوارهای مبتذل به خود جذب می کند. جوانان ما باید بادقت و بینش از ترفندهای دشمن و به تعبیر رهبر معظم انقلاب از شبیخون فرهنگی خود را سالم نگه دارد. نکتهء سوم : با مطالعهء قرآن و نهج البلاغه و راز و نیاز با خدا و اهمیت دادن به نماز مخصوصاً با حضور در مساجد ونمازهای جمعه بُعد دینی و اسلامی خود را تقویت کنیم و بر آگاهی های اسلامی و معرفتی خود بیافزاییم ان شاءاللّه شما جوانان عزیز در سایهء محبّت های حضرت بقیه اللّه الاعظم ۷از گزند حوادث مصون و محفوظ بمانید و باعث روشنی چشم آن حضرت باشید.

به نظر شما مشکل اصلی جامعهٔ ما و سایر جوامع بشری چیست؟

پرسش

به نظر شما مشکل اصلی جامعهٔ ما و سایر جوامع بشری چیست؟

پاسخ

به نظر ما مشکل تمام جوامع بشری از ابتدا تا کنون کمبود اخلاق و تهذیب نفس است. بیشترین دردی که دامنگیر جوامع بشری شده از ناحیهٔ این کمبود است. اگر همهٔ انسان ها مهذّب و متخلّق به اخلاق اسلامی به تمام معنا باشند جهان گلستان بلکه بهشت می شود که همه در کنار هم بدون هیچ ظلم و تجاوزی زندگی می کنند. این همه جنایات در دنیا به خاطر این است که انسان ها دنبال تهذیب نفس نیستند. از زبان ها ، قلمها، اسلحه ها، قدرتها و مقام ها ، مفاسدی در جهان بروز می کنه که بشریت را زیر سؤال می برد . بی جهت نبود که وقتی خداوند می خواست انسان را بیآفریند ملائکه گفتند: أتجعل فیها من یُفسد فیها و یسفک الدّماء و نحن نسبّح بحمدک و نقدس لک.[۵] آیا می خواهی موجودی بیآفرینی که در روی زمین فساد کند و خونریزی کند . ما ملائکه تو را تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم. امّا در بین انسان ها ، افراد پاک مهذّبی نیز هستند که از جانب آنان هیچگونه ظلم و جنایتی به افراد دیگر وارد نمی شود. ۱[۵] بقره(۲) آیهٔ ۳۰.

بهترین نوع تحصیل در چه رشته ای است، در حوزه یا در دانشگاه؟

پرسش

بهترین نوع تحصیل در چه رشته ای است، در حوزه یا در دانشگاه؟

پاسخ

یکی از رموز کامیابی این است که جوان رشته ای را تعقیب کند که مطابق ذوق و سلیقه و توانایی روحی و فکری او باشد. دستگاه آفرینش همه را یکنواخت نیافریده و در همهٔ افراد بشر توانایی همهٔ کار را به ودیعت ننهاده است، بلکه برای گردش چرخ های اجتماع، افراد را با ذوق و استعداد های مخصوصی آفریده است. تا هر یک رشته ای را دنبال کند که ذوق آن را دارد، و کاری را انجام دهد که از عشق باطن و نیروی فطری او سرچشمه می گیرد. پاره ای از شکت ها و ناکامی های جوانان، معلول انحراف از این

اصل مسلّم است که در هر سری شوری است. خوش بخت کسی است که ذوقش را دریابد. بنابراین اگر شما در هر رشته ای که مورد علاقه تان است تحصیل نمایید، موفقیتش بیشتر است. البته چنان چه به دورس حوزوی علاقه مند باشید و استعدادش را داشته باشید و آینده اش را از نظر مادی و معنوی در نظر داشته باشید و با ملاحظهٔ همهٔ جوانب باز علاقه داشته باشید بهتر است که علوم حوزوی را انتخاب نمایید.

عامل تحرک تاریخ و تطور اجتماعی چیست؟

پرسش

عامل تحرک تاریخ و تطور اجتماعی چیست؟

پاسخ

دربارهٔ این مسأله نظریّاتی به این شکل طرح می‌شود: ۱. نظریّهٔ نژادی: طبق این نظریّه، عامل اساسی پیش برندهٔ تاریخ، برخی نژادها هستند. بعضی نژادها استعداد تمدّن آفرینی و فرهنگ آفرینی دارند و بعضی دیگر ندارند. «کنت گوبینو» فیلسوف معروف فرانسوی طرفدار این نظریّه است. ۲. نظریّهٔ جغرافیایی: طبق این نظریه، عامل سازندهٔ تمدّن و به وجودآورندهٔ فرهنگ و تولیدکنندهٔ صنعت، محیط طبیعی است. این اقلیمهای خاص و منطقه‌های خاص می‌باشند که پیش برنده و نوآفرین می‌باشند. منتسکیو دانشمند جامعه‌شناس فرانسوی قرن هفدهم، در کتاب معروف روح‌القوانین طرفدار این نظریّه است. ۳. نظریّهٔ قهرمانان: طبق این نظریه اکثریّت افراد بشر فاقد ابتکارند، دنباله روند، مصرف کنندهٔ اندیشه و صنعت دیگران‌اند؛ اما همواره کم و بیش در هر جامعه‌ای یک اقلیّت مبتکر، ابداعگر، پیشرو و پیشتاز، تولیدکنندهٔ اندیشه و آفرینندهٔ صنعت وجود دارد و آنان هستند که تاریخ را به جلو می‌رانند و وارد مرحلهٔ جدیدی می‌کنند. «کارلایل» فیلسوف انگلیسی چنین نظریه‌ای دارد. ۴. نظریهٔ اقتصادی: کارل و مارکس طرفدار این نظریه است. ۵. نظریّهٔ الهی: تحوّلات و تطوّرات تاریخ، جلوگاه مشیّت حکیمانه و حکمت بالغهٔ الهی است. پس آنچه تاریخ را جلو می‌برد و دگرگون می‌سازد ارادهٔ خداوند است. «بوسوئه» مورّخ و اسقف معروف، طرفدار این نظریّه است. اینها نظریّاتی است که معمولاً در کتب فلسفهٔ تاریخ به عنوان علل محرّکهٔ تاریخ طرح می‌شود، از نظر ما غالباً این نظریات به علت محرّکهٔ تاریخ که در پی کشف آن هستیم مربوط نمی‌شود. مثلاً ـ نظریّهٔ نژادیک نظریه جامعه شناسانه است و از این جهت قابل طرح است، اما راز فلسفهٔ تاریخ همچنان مهجول می‌ماند. اینکه عامل، یک نژاد باشد یا همهٔ نژادها راز تحرّک تاریخ را نمی‌گشاید. همچنین نظریّهٔ جغرافیایی. این نظریّه نیز به نوبهٔ خود مربوط به یک مسألهٔ جامعه شناسی مفیدی است. اما پرسش اصلی سر جای خود باقی است. از اینها بی‌ربط‌تر نظریّهٔ الهی است. مگر تنها تاریخ است که جلوه‌گاه مشیّت الهی است؟ همهٔ عالم، از آغاز تا انجام با همهٔ اسباب و علل و موجبات و موانع، جلوه‌گاه مشیّت الهی است. نسبت مشیّت الهی با همهٔ اسباب و علل جهان علی‌السّویّه است. همچنانکه زندگی متحوّل و متطوّر انسان جلوه‌گاه مشیّت الهی است، زندگی ثابت و یکنواخت زنبور عسل هم جلوه‌گاه مشیّت الهی است. نظریّهٔ اقتصادی تاریخ نیز فاقد جنبهٔ فنّی و اصولی است. نظریهٔ اقتصادی تاریخ به این صورت که طرح شده، فقط ماهیّت و هویّت تاریخ را روشن می‌کند که مادّی و اقتصادی است و همهٔ شؤون دیگر به منزلهٔ اَعراض این جوهر تاریخی است. نظریّهٔ قهرمانان، اعمّ از اینکه درست باشد یا نادرست، مستقیماً به فلسفهٔ تاریخ، یعنی به عامل محرّک تاریخ مربوط می‌شود.

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پرسش

علائم و شرایط جامعه صالح را نام ببرید.

پاسخ

علائم و شرایط جامعه صالح را می توان به چند دسته تقسیم کرد: شرط نخست، این است که افراد و اجزای جامعه بتوانند بی اضطراب و دغدغه در آن، به زندگی خود ادامه دهند و زندگی و سلامتی آنان تهدید نشود و جان همه در امان بماند. جامعه ای که اعضایش امنیت جانی نداشته باشند، بی شک جامعه فاسدی است. شرط دوم، آن است که اعضای جامعه، امنیت مالی داشته باشند. اگر در جامعه، اموال مردم را نابود کنند، بمب بریزند و خانه هایشان را ویران کنند، کشتزارهایشان را به آتش بکشند، یا آفتی برای باغها و مزارعشان ایجاد کنند که بازده کامل را نداشته باشد و یا به هر شکل دیگر، زیان مالی به اعضای جامعه وارد شود، این هم نوعی فساد اجتماعی است و کسانی که دست به این گونه خیانت ها بزنند و این کارها را بکنند، مفسد هستند. آیه شریفه ((یهلک الحرث و النسل)) به همه این موارد نظر دارد. شرط سوم، حفظ آبرو و حیثیت افراد در جامعه است. اعضای جامعه، انتظار دارند عرض، آبرو، شخصیت و حرمتشان، در جامعه محفوظ بماند، اگر در جامعه ای شخصیت افراد مصونیت ندارد، کسانی به ناحق ترور شخصیت می شوند، افراد بی گناه متهم می گردند و آبرویشان تهدید می شود، چنین جامعه ای نیز آلوده به یک نوع فساد اجتماعی است. شرط چهارم، وحدت، همدلی و عواطف متقابل است که باید در بین افراد جامعه حاکم باشد. در یک جامعه صالح باید بین افراد و گروههای جامعه روابط صحیح برقرار باشد؛ چنان که در زندگی خانوادگی، بین زن و شوهر، پدر و فرزند، مادر و فرزند، خواهر و برادر و ... وجود دارد. شرط پنجم، حفظ حیثیت معنوی اعضای جامعه است. البته ((حیثیت معنوی)) مفهوم وسیعی دارد و به یک معنی موضوع شخصیت و عرض و آبرو را هم می توان حیثیت معنوی تلقی کرد، اما منظور ما از حیثیت معنوی در این جا، صرف ابعاد مربوط به عقل و روان انسان است؛ مثل عقاید و افکار که مربوط به مسائل عقلی و نظری است و اخلاق که مربوط به مسائل روانی است.

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پرسش

بُعد اجتماعی نظامها و قوانین اسلامی چگونه است؟

پاسخ

اسلام زندگی اجتماعی انسانها را از جنبه های گوناگون آن مورد توجّه قرار داده است. بخش عمده ای از احکان و نظامهای اسلام، اجتماعی است ;از قبیل تعیین امام و رهبر، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مربوط به اقتصاد و مانند اینها. وجود چنین نظامها و احکامی در اسلام بدان جهت است که انسان بدون اجتماع و همکاری با یکدیگر نمی تواند به سعادت برسد، همان گونه که انسان در زندگی فردی خویش نیاز به راهنمایی الهی دارد در زمینه ی زندگی اجتماعی نیز نیاز به وحی الهی دارد. (بخش پاسخ به سؤالات)

چگونه مسلمانان می توانند به سعادت دست یابند؟

پرسش

چگونه مسلمانان می توانند به سعادت دست یابند؟

پاسخ

مسلمانان در صورتی می توانند سعادت و عظمت را کسب کنند که دارای حکومتهای مستقل و غیر متکی باشند ;زیرا تا وقتی که ملتها تحت اسارت کشورهای بزرگ استعماری و حکومتهای مزدور و دست نشانده هستند، نمی توانند رشد علمی و عظمت و سعادت داشته باشند و ناگزیز بازاری برای کشورهای مترقی خواهند بود. امید است با الهام گرفتن ملتها از انقلاب اسلامی ایران با کوتاه کردن دست ابرقدرتها بتوانند در پرتو تعلیمات مترقی اسلام تعالی و عظمت یابند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۴۱ـ

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پرسش

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پاسخ

علت اساسی تمام نابسامانیها را می توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می کند که جامعه ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آسمانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی تواند سعادتمند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیدی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده ی آن را در اصلاح جامعه ی انسانی نادیه می گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می گیرد نتیجه ای به دست نمی آید، بر نابسامانیها افزوده می شود و هیچ جنبه ای از جنبه های فساد و تباهی اصلاح نمی شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می کند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۵۱ـ

قرآن کریم، جامعهٔ ایده آل را چگونه معرفی میکند؟

پرسش

قرآن کریم، جامعهٔ ایده آل را چگونه معرفی میکند؟

پاسخ

جامعه ایدهآل، از نظر قرآن کریم، جامعهای است که: ۱. قانون آن، حکم خداست ;هنگامی که بپذیریم سراسر عالم آفرینش مخلوق خداست، باید قبول کنیم که" ملک تام "اوست و طبیعی است که" حاکمیت مطلق "بر چنین جهانی قبل از هر کس و هر چیز از آن او خواهد بود": إِنِ الْحُکْمُ إِلاّ ـ لِلَّه(;انعام،۵۷) حاکمیت و فرمان تنها از آن خداست، حکومت در درجه اول مخصوص ذات پاک خداوند است، سپس برای هر کس که او حکومت را به او عطا کند، خواهد بود. ۲. رهبری آن، پیامبران الهی و امامان و جانشینان پیامبراکرماست ;اطاعت همهٔ پیامبران الهیو امامان معصوم: واجب است": یَـأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوَاْ أَطِیعُواْ اللَّهَ وَأَطِیعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِی الاْ َمْرِ مِنکُم(;...نسأ،۵۹) ای کسانی که ایمان آوردهاید! اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را. "...۳. در این جامعه، امنیت، قسط و عدل، تعلیم و تربیت و... حاکم است" ;هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الاْ ـ ُمِّیِّینَ رَسُولاً ـ مِّنْهُمْ یَتْلُواْ عَلَیْهِمْ ءَایَـتِهِی وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَـبَ(;...جمعه،۲) او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت، تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت بیاموزد، "...در آیهای دیگر به یکی از اهداف مهم بعثت انبیأ: اشاره کرده و میفرماید": لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَیِّنَـتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَـبَ وَ الْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ(;حدید، ۲۵) رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب]آسمانی[و میزان]شناسایی حق و قوانین عادلانه[نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند ".۴. مردم در این حکومت مؤمن هستند و از قوانین اسلامی تبعیت میکنند ;مردم بر اساس حق داوری کرده و از تبعیّت هوا و هوس دوری میورزند، اقامهٔ نماز، ایتأ زکات، امر به معروف و نهی از منکر از برنامههای این مردم است": الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیمُونَ الصَّلَوَهَ(;...بقره،۳) آنان که به غیب ایمان میآورند و نماز را بر پا میدارند و "...و آیهٔ ۴۱ سورهٔ حج.(ر.ک: ولایت فقیه، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجأ / پیام قرآن، آیتالله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۰، ص ۳۵ـ۱۱۱، دارالکتب الاسلامیهٔ / حقوق و سیاست در قرآن، استاد محمد تقی مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.);

استقلال فردی اجتماعی و شیوههایی که قرآن برای کسب آنها بیان کرده چیست

پرسش

استقلال فردی اجتماعی و شیوههایی که قرآن برای کسب آنها بیان کرده چیست

پاسخ

انسانها بر حسب طبع مدنی هستند و هرگز از زندگی دسته جمعی بی نیاز نیستند.(ر.ک المیزان علامه طباطبایی ، ترجمهٔ موسوی همدانی ج ۲، ص ۱۷۵ـ۱۷۶، دفتر انتشارات اسلامی / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۳، ص ۳۸۹، دارالکتب الاسلامیهٔ) لذا برای ادامهٔ حیات به یکدیگر نیازمندند. استقلال انسانها و جوامع به معنای بی نیازی کامل و صد در صد از یکدیگر نیست زیرا هیچ انسانی به تنهایی نمیتواند همهٔ نیازهایش را پاسخ گو باشد. استقلال یعنی وابسته نبودن و برای برطرف شدن نیازها، اطاعت بی چون و چرا نکردن از دیگران اگر فرد یا جامعهای به این مرحله برسد که برای رسیدن به خواستهها و نیازهایش هر چه دیگران می گویند اطاعت کند، گرچه بر خلاف عزّت و شرف انسانی و عقل و دستورات الهی باشد، چنین فرد یا جامعه از خود استقلال ندارد. برخی از راه هی بدست آوردن استقلال فردی و اجماعی عبارت است از: ۱. توکل و تکیه بر خداوند و از منبع فناناپذیر قدرت الهی کمک طلبیدن یکی از چیزهایی که ممکن است به استقلال ضربه بزند، مشکلات و حوادث سخت زندگی است توکل بر خدا، سبب میشود تا مقاوت انسان در برابر مشکلات افزایش یابد...". وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُون(; ابراهیم ۱۲)... و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند ".از مجموع آیات قرآن استفاده میشود که منظور از توکل این است که در برابر

عظمت مشکلات انسان احساس حقارت و ضعف نکنند ،بلکه با اتّکا بر قدرت بی پایان خدا، خود را پیروز بداند. بنابراین توکل امید آفرین نیروبخش و سبب فزونی مقاومت است توکل بر خدا آدمی را از وابستگی‌ها که سرچشمهٔ ذلت و بردگی است نجات می‌دهد و به او استقلال و آزادگی می‌بخشد. ۲. تلاش و فعالیت در تمام ابعاد زندگی" وَ أَن لَّيْسَ لِلْاَ? نسَنِ إِلاَّ مَا سَعَى(; نجم ۳۹) و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست" " وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ(;...انفال ۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو بسیج کنید" "...هُوَ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ الاُ? رْضَ ذَلُولاً فَامْشُواْ فِى مَنَاكِبِهَا وَ كُلُواْ مِن رِّزْقِه(; ..ملك ۱۵) اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی خدا بخورید "...این آیات و مانند آن مسلمانان را به تلاش و فعالیت ترغیب می‌کند. ۳. اعتماد به نفس و در برابر بیگانه احساس حقارت نکردن و خود را کوچک‌تر از آنان ندیدن و توانایی خود را کم‌تر از آنان ندانستن ۴. اتحاد مسلمانان تفرقه و اختلاف سبب به هدر رفتن امکانات و نیروها و زمینه‌ساز وابستگی است "وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُوا(;...آل عمران ۱۰۳) و همگی به رسیمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید" ";...وَأَطِيعُواْ اللَّهَ وَرَسُولَهُو وَلاَ تَنَزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُم(; ..انفال ۴۶) و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شویدو مهابت شما از بین برود "...۵. صبر و استقامت در برابر مشکلات فردی و اجتماعی و پایداری بر اصول اسلامی" وَ أَلَّوِ اسْتَقَمُواْ عَلَى الطَّرِيقَةِ لاَ? سْقَيْنَهُم مَّآءً غَدَقًا(; جن ۱۶) و اگر مردم در راه راست پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم(" ر.ك المیزان علامه طباطبایی ج ۴، ص ۶۵ ;ج ۱۹، ص ۳۵۷ ;ج ۹، ص ۱۱۴ـ۱۱۵، ۹۵ ;ج ۲۰، ص ۴۶، مؤسسهٔ اسماعیلیان / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۰، ص ۲۹۶ـ۲۹۸ ;ج ۱۲، ص ۲۳۳ و ۲۴۶ ;ج ۱۹، ص ۴۲۶ ;ج ۲۰، ص ۱۴۹ ;ج ۲۳، ص ۳۰۷، دارالکتب الاسلامیهٔ)

مهمترین مولفه های دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا کارهایی جهت اسلامی کردن دانشگاهها انجام شده است ؟

پرسش

مهمترین مولفه های دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا کارهایی جهت اسلامی کردن دانشگاهها انجام شده است ؟

پاسخ

مؤلفه‌های مهم دانشگاه اسلامی - که باید در پی تحقق آنها بود - عبارت است از : ۱- علم و تخصص ۲- معارف دینی ۳- اخلاق و تهذیب ۴- خودباوری و اعتماد به نفس ۴- استقلال و اتکای ذاتیدر عین استفاده از یافته‌ها و تجارب دیگران ۶- جامع‌نگری و بینش اجتماعی و سیاسی ۷- آرمان‌گرایی و هدفداری۸- تعهد و دلسوزی در راستای اصلاح و سامان بخشیدن به امور جامعه. بنابراین تعهد و تخصّص، دو مؤلفه لازم و همراه در دانشگاه اسلامی هستند. در رابطه با اسلامی کردن دانشگاه‌ها، مسلما تلاش‌هایی صورت گرفته؛ لیکن تا رسیدن به مقصد و مطلوب نهایی،همچنان راه درازی در پیش است و مشارکت جدی همگان را می‌طلبد.{J

ویژگی های یک دانشگاه اسلامی چیست.و ما دانشجویان برای تحقق آن چه وظیفه ای داریم.

پرسش

ویژگی های یک دانشگاه اسلامی چیست.و ما دانشجویان برای تحقق آن چه وظیفه ای داریم.

پاسخ

ویژگی های دانشگاه اسلامی فراوان و متعدد است: مهمترین ویژگی آن است که باید روح حاکم بر دانشگاه و سیاست ها و مدیریت ها و برنامه ریزی ها سرچشمه گرفته از تعالیم عالیه اسلامی باشد. مسؤولان و اساتید و دانشجویان با مبانی فکری و عقیدتی اسلام عمیقا آشنا بوده و از نظر روش و عملکرد، میزان و ملاک آموزه های دینی باشد. چنین دانشگاه باید سرشار از نشاط و پویایی نشأت گرفته از ایمان و اخلاص باشد و هدف و انگیزه همگی تعالی و تکامل خود و اجتماع و نظام اسلامی و پیشی گرفتن در علم و دستاوردهای علمی و ترقی کمی و کیفی آن باشد. رفع نیازهای نظام اسلامی و قطع وابستگی های علمی و فنی آن و جبران عقب ماندگی ها و فاصله از دیگر کشورها از هدف های مهم دانشگاه اسلامی است. نوآوری و خلاقیت و ابداع و به کار گرفتن تمام نیرو و فکر و اندیشه در راه تولید علم از ویژگی های دانشگاه اسلامی و دانشجوی مسلمان متعهد است. هر دانشجو می تواند به نسبت خود در رسیدن به دانشگاه ایده آل اسلامی سهم مهمی بر عهده داشته باشد. با مطالعه عمیق مبانی دینی و اسلامی و سعی در آراسته شدن به فضایل اخلاقی و الهی و ایجاد ارتباط با دیگر دانشجویان همفکر و انتقال افکار و اندیشه های خود به یکدیگر و داشتن اتحاد و در صف واحد بودن و موضع گیری های مناسب و عقلایی در موارد ضروری و مهم و از همه مهمتر با تلاش پیگیر علمی و تحصیلی و فتح قله های علم و دانش در تحقق این مهم می توان نقش مؤثری ایفا نمود.

مهمترین معضلات و مشکلات جامعه ما چیست.

پرسش

مهمترین معضلات و مشکلات جامعه ما چیست.

پاسخ

عبارتند از: ۱. بحران هویت در جوانان ناشی از تهاجم فرهنگی دشمنان و نفوذ برخی نامحرمان و نا اهلان در ارکان کشور. ۲. مشکلات اقتصادی ناشی از عدم کمبود اشتغال، شکاف طبقاتی و... ۳. مفاسد اداری ناشی از رشوه گرفتن، پارتی بازی، عدم نظارت صحیح و... ۴. سیاسی کاری و باندبازی که آثار مخرب در همه سطوح. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: - آسیب شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، نشر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۹ - توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۷ - آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ - شیوه های درمانی مفاسد اجتماعی، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱ - ۲۵ گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، نشر هماهنگ، ۱۳۸۲

یک گروه تحقیقاتی از کانون دانش آموختگان دوره های طرح ولایت برای بخش نظر سنجی این کانون قصد انجام تحقیقات میدانی در دو زمینه اجتماعی فرهنگی را دارند به نظر کارشناسان محترم از کجا باید شروع کرد؟ چه چیزهایی در اولویت قرار دارند؟ گستره فعالیت را چگونه در نظر

پرسش

یک گروه تحقیقاتی از کانون دانش آموختگان دوره های طرح ولایت برای بخش نظر سنجی این کانون قصد انجام تحقیقات میدانی در دو زمینه اجتماعی فرهنگی را دارند به نظر کارشناسان محترم از کجا باید شروع کرد؟ چه چیزهایی در اولویت قرار

دارند؟ گستره فعالیت را چگونه در نظر بگیرند؟

پاسخ

کاربرد روش تحقیقات میدانی آنهم در زمینه های اجتماعی و فرهنگی، یکی از نیازها و ضرورت های اساسی جامعه ماست که متاسفانه به دلایلی به این موضوع مهم، توجه جدی نشده است. از اینرو اقدام شما عزیزان مورد تقدیر و تحسین است. اما اینکه از کجا باید شروع کرد و چه چیزهایی در اولویت قرار دارد؟ و دامنه و گستره تحقیق چه مقدار باشد؟ به موضوعاتی نظیر میزان امکانات، زمان و انگیزه و دغدغه اصلی شما از انجام این تحقیقات ، باز می گردد، که باید با محاسبه صحیح و واقع بینانه، به تشخیص آن بپردازید. در گام اول باید یک پرسش نامه تنظیم گردد که نیازها و گرایش های جوانان از نتایج آن قابل استحصال باشد. و در این باره می توانید با برخی مراکز نظرسنجی و استادان جامعه شناسی ارتباط برقرار کرده و نمونه گیری کنید.

تا چه مقدار وضع جامعه را سالم می بینید؟

پرسش

تا چه مقدار وضع جامعه را سالم می بینید؟

پاسخ

در ابتدا باید به این موضوع بپردازیم که منظور از جامعه سالم چیست؟ و چه تعریف و شاخص هایی از جامعه سالم داریم؟ مسلما پاسخ این سوال نسبت به نوع جهان بینی و دیدگاه های افراد متفاوت است؛ دیدگاهی که بر جهان بینی مادی و منقطع از ماوراء استوار است، به ظواهر جامعه و شاخصه های ویژه ای (نظیر نظم، بهداشت، امنیت و ...) که بر این اساس ترسیم شده است، اکتفا می کند، اما دیدگاهی که مبتنی بر جهان بینی الهی است و با دیدی واقع بینانه به تمام ابعاد وجودی انسان نظر دارد، هرگز به چنین تعریفی از جامعه سالم اکتفا نمی کند. بلکه جامعه ای را سالم می داند که علاوه بر این شاخصه های مادی، به ابعاد معنوی و روحی انسان در راستای تکامل فرد و جامعه توجه داشته و آنها را در نظر بگیرد. بر این اساس از دیدگاه توحیدی جامعه سالم در واقع همان جامعه اسلامی و جامعه مبتنی بر دین است. در هر صورت پی بردن به اینکه آیا جامعه ما جامعه ای سالم است نیازمند شناخت دقیق جامعه‌ی اسلامی، ویژگی‌های آن و تطبیق آن بر جامعه‌ی کنونی ماست: الف) تعریف جامعه‌ی اسلامی و ویژگی‌های آن: جامع‌ترین تعریفی که از جامعه‌ی دینی وجود دارد این است: جامعه‌ی دینی، جامعه‌ای است «دین‌باور»، «دین مدار»، «دین‌داور» و «مطلوب دین»(جامعه‌ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰).. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه‌ی دینی دغدغه‌ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه‌ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه‌ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰). بر این اساس ویژگی‌های جامعه‌ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). : ۱ـ دین‌باوری و اعتقاد

به آموزه‌های دینی. ۲ـ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت‌مداری). ۳ـ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی‌تابد(نظام دینی). ۴ـ در جامعه‌ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین‌داوری). ۵ـ چنین جامعه‌ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین). جامعه‌ای که بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق شکل گرفته باشد، جامعه‌ای دینی است. بر این اساس می‌توان دو معیار اصلی برای جامعه‌ی اسلامی نام برد: ۱ـ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند. ۲ـ کلیه نظام‌های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد. نکته‌ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه‌ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه‌ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می‌رود. ب) بررسی اسلامی بودن جامعه‌ی کنونی ایران: با نگاهی به واقعیات جامعه‌ی کنونی ایران مشخص می‌شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه‌ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه‌ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه‌های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه‌های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه‌های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت‌ها و سنت‌های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است. حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم‌تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج‌ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می‌شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است. جنگ‌های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت‌ها و سنت‌های فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه‌ای از مشکلات ایجاد شده در حکومت عدل امام علی(ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه‌رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته‌ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی‌ها هیچ‌گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی‌کند. حال آیا می‌توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می‌توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم‌ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از: ۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم

از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امةٍ رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...»نحل، آیه ۳۶). روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی ـ اجتماعی است. ۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان‌ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲). ۳. آزادسازی و رهایی توده‌های مردم و انسان‌های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷). ۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵). ۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..). پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه‌های کمال انسان‌ها را فراهم نموده، زمینه‌های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه‌ها و بسترسازی‌ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می‌توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱). بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان‌ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می‌شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی ـ که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش‌ها و معارف اسلامی به وجود آمده ـ استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده‌اند و تمام شرایط و زمینه‌های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه، به چنان درک و شناختِ عمیق ـ نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد. به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف‌اند زمینه‌های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد. در هر صورت باید بدانیم که مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی در جامعه ما، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش‌ها و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه‌های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است. معظم‌له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده‌اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می‌باشد. نکته دیگر آنکه در جامعه‌ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیّت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی‌توان همه‌ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسئولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه‌ها تلاش جدّی نمایند، می‌توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت. بر این اساس وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین‌تر می‌شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و

اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ‌تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسّل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه‌ی هر فرد در چنین شرایطی است. و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه‌ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می‌شود و هم راه‌های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می‌گشاید. و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده‌ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدیّنهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه‌ی ۶۹).

راه های بقای یک مجموعه فرهنگی مذهبی که علاقه دارند تا آخر عمر به اسلام خدمت کنند چیست؟

پرسش

راه های بقای یک مجموعه فرهنگی مذهبی که علاقه دارند تا آخر عمر به اسلام خدمت کنند چیست؟

پاسخ

هر خرده گروهی در ابتدا باید هدف وجودی خود را تعیین و تبیین کند، بالاخص اگر بدنبال اهداف فرهنگی هم باشد. یعنی باید قبل از بکارگیری وسایل، هدف نهایی را مشخص نموده، سپس وسایل مشروع را برای رسیدن به آن هدف بکار بست. شما نیز که مایل به دوام گروه فرهنگی خود هستید در ابتدا باید چارتی مشخص را بدور از هر گونه کلی گویی شعار ریخته سپس آنرا با توانائی ها و وسائل خویش بسنجید (سعی کنید در این زمینه به افراط و تفریط نیفتید) سپس در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکنید. معمولا در ابتدای تشکیل، گروهها بخاطر عدم آگاهی از سختی راه اعلام آمادگی کرده ولی در ادامه مسیر آمادگی کمتری نشان می دهند. پس در قدم اول باید هدف تشکیل گروه خود را در چارت و سازماندهی مشخص متناسب با نیازهای جامعه و توانائی های خویش ترسیم کنید. سپس باید با استقامت به آن جامه عمل بپوشانید. در آخر باید نکته ای را متذکر شد و آن اینکه: علت عدم استمرار بسیاری از گروه های فرهنگی _ دانشجویی که حتی سازماندهی هم شده است آن است که خود را از لحاظ تخصص علمی بالا نیاورده به تولید علمی دست نمی زنند. به انجام برخی کارهای سطحی و تکراری بسنده کرده در حالیکه نیاز اصلی کشور ما در حال حاضر داشتن تخصص علمی و تولید فکری است (آنهم متناسب با نیازهای اسلامی). شما نیز اگر برای رسیدن به چنین هدفی برنامه ریزی و سازماندهی دقیق درسی و فرهنگی داشته باشید، ان شاء الله موفق خواهید بود. برای اطلاعات بیشتر به سخنان مقام معظم رهبری_ حفظه الله _خطاب به دانشجویان دانشگاه تهران در رابطه با تولید فکری و نهضت نرم افزاری مراجعه کنید.

ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر یا ستاد بسیج در این چند سال: ۱- چه طرحی داشته اند ۲-موفق یا ناموفق بودند ۳- مخاطبانشان که هستند ۴- به هدف رسیده اند ۵- چه ترکیبی . سنی. جنسی . درآمدی .شغلی . تحصیلاتی رادربردارند ۶- چه آداب ورسومی را دنبال می کنند ۷- چ

پرسش

ستاد احیا امر به معروف و نهی از منکر یا ستاد بسیج در این چند سال: ۱- چه طرحی داشته اند ۲-موفق یا ناموفق بودند ۳- مخاطبانشان که هستند ۴- به هدف رسیده اند ۵- چه ترکیبی . سنی. جنسی . درآمدی .شغلی . تحصیلاتی رادربردارند ۶- چه

آداب ورسومی را دنبال می کنند ۷- چه رسانه ای را برای تبلیغش انتخاب کرده ۸- اجرا و باز خوردش چه بوده ??? معذرت می خواهم اگر تعداده سوالات زیاد بود .....

پاسخ

ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر نسبتا تشکیلات نوپایی است که علاوه بر اینکه اطلاع رسانی دقیق پیرامون ان صورت نپذیرفته، از نظر جایگاه قانونی و حوزه وظایف و اختیارات ان نیز برخی ابهامات و جود دارد، از این رو در راستای پاسخ گویی به ابعاد مختلف سوال شما ابتدا گفتگوی یکی از نشریات با دبیر کل این ستاد اورده می شود و سپس جدیدترین تصمیم گیری پیرامون این ستاد از سوی قوه قضاییه مطالبی اورده می شود الف. گفتگو با دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر سوال:اصلا ایده تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از کی بوجود آمد و هدف تشکیلش چه بود؟ امر به معروف و نهی از منکر با تعریف صحیح آن یک چیز جدیدی نیست که ما آورده باشیم یا حتی اسلام آن را آورده باشد، در طول تاریخ امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته. این مساله اختصاص به یک دوره و زمان خاص یا حتی اختصاص به یک دین خاص ندارد، در تمام ادیان الهی و حتی غیر الهی وجود داشته است و اسلام تنها این فرضیه را تایید و تاکید کرده است. اما این تعریف صحیحی که از این مسئله باید بشود و اسلام آن را تایید می کند و عقلی و فطری هم هست ، این است که این مساله به معنای نظارت همگانی است ، نه اینکه یک گروه باشند که دایم به دیگران امر ونهی کنند. باید یک نظارت همگانی در جامعه شکل بگیرد. اگر آن نظارت همگانی وجود داشته باشد، زمینه احیای کارهای خوب فراهم می شود و جلوی بسیاری از مفاسد هم گرفته می شود. احیای امر به معروف و نهی از منکر، یعنی اینکه ما این فرهنگ نظارت همگانی را زنده کنیم. اما در مورد تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، این کار بر مبنای نظر مقام رهبری صورت گرفت. ایشان فرمودند همانطوری که در مورد نماز و روزه کار شده است ، در مورد این فریضه هم کار بشود. این طور بود که تعدادی از افراد متدین و مذهبی تصمیم گرفتند تا در این مورد در یک مجموعه و محور مشترک کار کنند و تمامی فعالیتهایشان را در این زمینه متمرکز کنند. ما چند بار به این دلیل خدمت مقام رهبری رفتیم و گفتیم که نظرمان این است که ستاد امر به معروف و نهی از منکر را تشکیل بدهیم. حتی برخی از این هم جلوتر رفتند و گفتند «ستاد اجرای امر به معروف و نهی از منکر» را می خواهیم پایه گذاری کنیم. اما ایشان روی این مسأله تأکید کردند که اگر می خواهید کار کنید باید ستاد «احیا»ی امر به معروف ونهی ازمنکر باشد نه ستاد اجرای آن. مگر با ۲۰ یا ۳۰ نفر می شود کاری به این بزرگی را انجام داد؟ نظر ایشان این بود که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر باید در میان مردم بوجود بیاید نه اینکه ما خودمان برویم مستقیما این کار را انجام دهیم. ایشان معتقد بودند که باید آنقدر کار فرهنگی انجام بدهیم که این فرهنگ در میان مردم جا بیفتد که همانطوری که نماز و روزه واجب است ، این کار هم واجب است. بر اساس رهنمودهای ایشان کار ما از همان اول به صورت یک کار کاملا فرهنگی تعریف شد. سؤال: اما ذهنیت بعضی مردم این است که شما کار اجرایی می کنید. نمونه ای هم که مد نظر آنهاست برخی برخوردهایی است که در سطح شهر شاهد آن بوده اند؟ ما به هیچ وجه کار اجرایی نمی کنیم. کار ما فرهنگ سازی است. ما در زمینه اجرایی وارد نشده ایم. به اعتقاد ما برخوردهای انتظامی و قضایی صرف درست نیست ، نمی شود که تمام کارها را با برخورد یا دستگیری حل کرد و یا برای احیای معروفها به فشار متوسل شد. انسان به این نوع برخورد به طور طبیعی عکس العمل نشان می دهد و مقاومت می کند. اما اگر با این دید نگاه کنیم که مردم وظیفه دارند برای امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند، همانطوری که برای نماز و روزه وظیفه دارند، خیلی از مسایل و مشکلات حل می شود. روی این اصل ما در تمام معاونتهای ستاد، یعنی معاونتهای فرهنگی ، تشکلهای مردمی ، سازمانهای اجرایی ، معاونت ادارات و کارخانجات خودمان تنها این کار را انجام می دهیم که گروهها و تشکلهای درون سازمانی و مردمی را و حتی خانواده های آنها را برای امر به معروف و نهی

از منکر فعال کنیم. آنچه که در اولویت اول ما قرار دارد این است که نظارت همگانی مردم فرهنگ بشود که اگر این انجام شود خیلی از معضلات را نخواهیم داشت. سوال: فکر می کنید این کار چقدر زمان و انرژی می برد؟ هدف خیلی بزرگی نیست؟ ببینید یک مثال ساده ای که در مورد هدف خودمان می توانم بزنم این است که من خودم شاهد بودم که در آن زمانی که مقررات تردد پلاکهای زوج و فرد برای تردد ماشینها در روزهای مختلف اجرا می شد، ماشینی که در روز تردد ماشینهای زوج با پلاک فرد به خیابان آمده بود، همه مردم بهش نگاهش می کردند و این می شد که خود فرد دایم در عذاب بود و سرش را می انداخت پایین وزیر چشمی نگاه می کرد و این باعث می شد تا دفعه بعد این مساله را تکرار نکند و اگر هم کرد سرش را بیندازد پایین و این آنقدر تکرار بشود تا او این کار را دیگر نکند. این همان چیزی است که ما از احیای امر به معروف ونهی از منکر دنبال آن هستیم. این که امر به معروف و نهی از منکر فرهنگ شود. این فرهنگ که ۱۰ تا چشم به فرد خاطی جوری نگاه کند که او سرش را بیندازد پایین و دیگر آن کار را تکرار نکند. ما معتقدیم کدام پیامبر تا به مردم چیزی گفت حرفش را فورا گوش دادند که حرف ما را گوش بدهند؟ نوح (ع) ۹۵۰سال گفت فقط یک عده کمی شنیدند. اما اگر این فرهنگ در میان خود مردم بوجود بیاید که به فرد خاطی فشار اجتماعی بیاورند که او عمل ناپسندش را ترک کند یا به عمل صالح و معروف تشویق شود، آن وقت است که فعالیت ما مثمر ثمر بوده است. سوال:طبیعتا شما برای ایجاد این فرهنگ و فرهنگ سازی ، پیش از همه با ذهنیتهای نامناسب موجود در این زمینه مواجهید. در این زمینه چه کارهایی انجام داده اید؟ متاسفانه ذهنیتهای نامناسب قبلی در این مورد مشکل بزرگی است که ما به آن مواجه ایم ، اصلا سختی کار ما همین است. ما نه تنها در زمینه آموزش نیروهایمان با دشواری های زیادی مواجه هستیم ، بلکه ذهنیت منفی و حداقل نادرستی که نسبت به این ستاد و حتی این فریضه در جامعه ایجاد شده است نیز به ما به ارث رسیده است. متاسفانه در اوایل انقلاب عده ای با احساس وظیفه نسبت به اقامه این فریضه وارد کار شدند. بالاخره آنها دغدغه این کار را داشتند، نظرشان ادای تکلیف بود، دیده و شنیده بودند که باید امر به معروف و نهی از منکر بشود، اما درست نفهمیده بودند، آموزش ندیده بودند، فکر می کردند که وظیفه آنها زدودن کامل منکرهاست ، درگیر می شدند و مشکلاتی را بوجود می آوردند. در حالی که وظیفه امر به معروف ، گفتن و رفتن است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب نه اینکه یک نفر ۱۰دفعه بگوید، بلکه ۱۰ نفر یک دفعه بگویند. آنها نمی دانستند که کار آمر به معروف و نهی از منکر مبارزه با مفاسد و زدودن آنها نیست ، آن کار نیروی انتظامی و ضابطان است.برخورد هم با قوه قضاییه است ، آن هم تحت ضوابط قانونی و مشخص. متاسفانه این فرهنگ در آنجا بوجود نیامده بود و باعث بوجود آمدن ذهنیت منفی شد، اما ما در سالهای گذشته با آموزشهایی که شروع کرده ایم سعی کرده ایم تا این آموزشها را به افراد بدهیم که معنا و مفهوم صحیح امر به معروف و نهی از منکر چیست. سوال:مثلا چه آموزشهایی؟ ببینید علاوه بر آموزش و یاد گرفتن مسایل مذهبی و اعتقادی ، خود شیوه امر به معروف و نهی از منکر هم آموزش می خواهد. نماز را یک بار یاد می گیرید، تا همان آخر همین است. شرایطش یکسان است ، روزه هم همین طور، اما امر به معروف این طوری نیست که تا آخر به یک صورت باشد. فرد باید با توجه به زمان و مکان خودش این وظیفه را انجام دهد، هر جا و موقعیتی شرایط خاص خودش را دارد. ما باید علاوه بر آموزش احکام به افراد، به آنها نحوه بیان احکام را هم یاد بدهیم. یک آدم یک جا می تواند امر به معروف کند و نتیجه بگیرد و در همان جا با شرایط دیگر یک فرد دیگر امر به معروف می کند و نتیجه عکس می دهد، چرا که نه تنها شرایط را در نظر نمی گیرد که حتی نحوه بیان صحیح را هم نمی داند. شرایط مکان و زمان روی این مسأله تأثیر می گذارد. توی کوچه یک جور باید امر به معروف کرد و توی خانه یک جور دیگر. طرف می گوید در خانه میهمان بودیم ، ۵۰ نفر دیگر هم بودند، دیدم منکر انجام می شود، با صاحبخانه برخورد کردم ، اما در اینجا باید به او گفت تو ممکنست که منکر شرعی را بتوانی تشخیص بدهی ، اما آموزش ندیده ای ، نمی دانی اینجا که در خانه مردم نمی شود درگیر شد. اگر با اخم شد، که شد وگرنه تو پاشو برو. این را اسلام می گوید، من نمی گویم. پاشو برو، با اخم هم برو، اگر تو رفتی و ۱۰ یا ۱۵ نفر دیگر هم این کار

را کردند، طرف می فهمد، این واقعا اثر می گذارد. این باید اساس کار ما باشد، این یک نمونه از آموزشهای ریز وظریفی است که ما باید به اعضایمان که تمام مردم هستند بدهیم. ظاهرا هنوز هم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر چارچوب خاصی وجود ندارد و این می شود که در بسیاری از موارد اعمال سلیقه می شود. سوال: از جمله اینکه در برخی از موارد با مسایلی برخورد می شود که از دید جامعه و عرف ممکنست منکر و تخلف نباشد یا اینکه لااقل در آن شرایط نباشد؟ همانطوری که گفتم ما در این زمینه با مشکل مواجهیم ، آموزش ندیده ایم. ببینید ما حرام اجتماعی و واجب اجتماعی داریم ، حرام عرفی ، شرعی و فردی داریم. نمی شود که یک حرام عرفی را یک نفر بگوید که حرام شرعی است. اگر ما می گوییم امر به معروف و نهی از منکر کنید، منظورمان حرام بین (آشکار) است. نمی خواهیم برویم دنبال آن چیزهایی که شک در موردشان وجود دارد. یکی از مسایل امر به معروف این است که بداند که این قطعا و شرعا منکر است و اگر شک دارد نباید وارد عمل بشود، ما کاری به شبهات نداریم. خیلی وقتها که می گوییم چرا این مسئله بوجود آمد، می گویند که مردم منکر را نمی شناسند و درگیری ایجاد می شود. منظورما از منکر بین (آشکار) آن حرامی است که وقتی خود فرد هم انجام می دهد هم خودش و هم جامعه بدانند که مطمئنا این مساله حرام است. کاری که فرد وقتی کرد و به او انتقاد کردی سرش را بیندازد پایین. کاری که اگر فرد کرد تمام مردم نگاهش کنند. تفکر اساسی که ما به دنبال آن هستیم این نگاههای انتقادی مردمی است. امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم احساس کنند که چشمهایی آنها را نگاه می کنند و آنهایی که اشتباه کردند مردم نگاهشان می کنند. در این صورت اگر فرد اشتباه کرد پیش خودش ناراحت می شود. اما شاید بعضی مردم به این خاطر کمتر به این فریضه توجه می کنند که خیلی از منکرها را کسانی انجام می دهند که در ساختار قدرت هستند. به این ها نمی شود چیزی گفت ، نمی پذیرند و ممکن است برای کسی که دارد وظیفه اش را انجام می دهد مشکل پیدا شود. خودتان بهتر می دانید که منکر فقط بدحجابی و این حرف ها نیست. سوء استفاده از منصب و مقام و اموال عمومی هم منکر بزرگی است... خب البته مشکل امر به معروف ونهی از منکر همین است. مثل نماز و روزه نیست که طرف خداوند بخشنده باشد. طرف انسانی است که ممکن است قدرتمند باشد.این است که امام علی وقتی بین تمام خوبی ها و جهاد قضاوت می کند، می گوید جهاد از همه برتر است ، اما وقتی بین تمام خوبی ها باضافه جهاد با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه می کند، می گوید امر به معروف و نهی از منکر. سوال:بله این مشکل وجود دارد که طرف عکس العمل نشان بدهد، در این شرایط انتقاد وحتی تشویق سخت می شود. بعضی وقتها هست که شما به خاطر یک کار خوب هم از طرف تشکر می کنی و تشویقش می کنی و طرف می گوید به تو چه؟ مگر برای تو کردم؟ اصلا تو چه کاره ای؟ کار امر به معروف این دشواری را دارد. یعنی هم انتقاد کنده و آمر به معروف و ناهی از منکر و هم کسی که به او انتقاد می شود باید آموزش ببینند. این کار مهمی است. ما باید این را جا بیندازیم که در جامعه فرد تنها نیست ، او در یک اجتماع زندگی می کند که یک سری شرایطی را دارد. یک سری امر و نهی هایی دارد، اینها باید جا بیفتد. اما من به این مساله فرهنگ سازی خوش بینم. تا چند سال قبل ، خیلی از مردم از گلهای پارک می کندند و می بردند خانه شان. اما حالا این فرهنگ جا افتاده است که این گلها مال پارک است و نه تنها بقیه افراد آن را درست نمی دانند که فردهم خودش از این کار معذب است ، خب حالا ـ دیگر این یک فرهنگ شده است ، یک فرهنگ عمومی. این فرهنگ انتقاد کردن و انتقاد پذیری هم فرهنگی است که کم کم جا می افتد. البته ممکن است به خاطر ذهنیتهای قبلی کمی مشکل باشد. متاسفانه جایگاه این فریضه در میان مردم روشن نیست. خیلی از مردم متدین در مورد وجوب فریضه نماز، روزه ، حج ، وهیچ تردیدی ندارند. اما در مورد امر به معروف و نهی از منکر این طوری نیست ، واقعا جا نیفتاده است. هنوز هم خیلی از مردم حتی متدیینین وقتی کار منکر و خلافی را می بینند ممکنست با خودشان بگویند به ما چه ربطی دارد، در صورتیکه در مورد سایر فرایض خیلی دقیق هستند. این دقت را باید همگانی کرد. (روزنامه جام جم، ۸ اسفندماه ۱۳۸۲) ب. مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه گفت: فلسفه تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی، تامین و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان و جلوگیری از

تعرض‌های نابجا به زنان، دختران، پسران و جوانان است. سیداحسان قاضی‌زاده درباره هدف تشکیل این ستاد که اخیرا طی بخشنامه‌ای از سوی رییس قوه قضاییه به رؤسای کل دادگستری‌های سراسر کشور نیز ابلاغ شده است، به ایسنا گفت: در جامعه ما بخش اندکی از جرایم از سوی ضابطان قضایی کشف می‌شود و در واقع قسمت عمده‌ای از جرایم، آسیب‌های اجتماعی و سوءرفتارهای اجتماعی که نتیجه آن منتج به وقوع جرم می‌شود، بدون کشف باقی می‌ماند. مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه در پاسخ به اینکه آیا «تشکیل این ستاد منجر به افزایش حدود اختیارات ضابطان قضایی نخواهد شد؟»، گفت: ملاک برخورد با جرایم، قانون است نه تشخیص ضابط؛ بر همین اساس هر فعل یا ترک فعلی که قانون برای آن عنوان مجرمانه و مجازات در نظرگرفته باشد جرم محسوب می‌شود و ضابط نمی‌تواند به تشخیص خود عمل کند. قاضی‌زاده با بیان اینکه برخورد خودسرانه ضابطان قضایی آموزش‌ندیده، به بی‌نظمی در اجتماع منجر می‌شود، اظهار داشت: هدف این بخشنامه ایجاد محدودیت اجتماعی و یا گسترش حیطه اختیارات ضابطان نیست، بلکه قوه قضاییه با این بخشنامه درصدد تشکیل یکی از بزرگترین مجموعه‌های مردمی است تا در کشف جرایم به قوه قضاییه و خصوصا دادسرا کمک شود. مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه با بیان اینکه جامعه ما از نظر امنیتی و سلامت اجتماعی دچار بحران است، گفت: وقتی نمی‌توانیم سلامت اجتماعی و امنیت عمومی پایدار را به صورت کامل در جامعه حاکم کنیم باید از کانال دیگری این سلامت و امنیت را ایجاد کنیم، که تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی و کنترل اجتماعی نیز در این راستا است. از قاضی‌زاده درباره احتمال اقدامات موازی این ستاد با ستاد امر به معروف نهی از منکر سؤال شد. وی پاسخ داد: ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و یا نهادهای دیگری که در این راستا حرکت می‌کنند از حمایت لازم قضایی و قانونی برخوردار نیستند، برای رفع این مشکلات قوه قضاییه با چاره‌اندیشی در این باره، این تشکیلات را بوجود آورده است. وی با بیان اینکه مدیریت، هدایت و کنترل ستاد حفاظت اجتماعی بر عهده قوه قضاییه است، اظهار داشت: بسیاری از جوانان متدین و انقلابی بنا به احساس وظیفه شرعی‌شان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند که قوه قضاییه درصدد است با تشکیل این ستاد ضمن آموزش به این افراد، این اشخاص را تحت کنترل و هدایت خود قرار دهد تا در این راستا از فعالیت‌های غیرقانونی جلوگیری شود تا تمامی فعالیت‌ها تحت کنترل قانون و دستگاه قضایی صورت گیرد. مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه با تاکید بر اینکه قوه قضاییه درصدد است تا از هر اقدام خودسرانه‌ای جلوگیری کند، به اصل ۱۵۶ قانون اساسی و وظایف این قوه برای پیشگیری از وقوع جرم اشاره کرد و اظهار داشت: این قوه برای اینکه بتواند از هر اقدام خودسرانه، غیرقانونی و خلاف قانون جلوگیری کند، اقدام به ساماندهی علاقمندانی که دارای شرایط لازم هستند، می‌کند. وی تاکید کرد: افراد فعال در این ستاد، ضابط قوه قضاییه محسوب نمی‌شوند، اما تحت پوشش قانونی و قضایی، به عنوان نیروهای مردمی تحت حمایت دادسراها هستند. وی رکن قضایی ستاد حفاظت اجتماعی را دادسراها و دادستان و رکن اجرایی این ستاد را معاونت اجرایی قوه قضاییه عنوان کرد. قاضی‌زاده در پاسخ به این سؤال مبنی بر اینکه آیا قوه قضاییه با تشکیل این ستاد درصدد ایجاد سازمانی جدید و جذب و استخدام افراد جدیدی است، گفت: دستگاه قضایی با تشکیل این ستاد درصدد جذب و استخدام افراد رسمی نیست، مجموعه ستاد حفاظت اجتماعی یک مجموعه غیرانتفاعی است و شبیه‌ترین نهاد به شوراهای حل اختلاف است. (به نقل از: سایت بازتاب، ۱۷/۸/۸۳)

به نظر شما، جوانان ما در شیعه چه چیزی نمی‌بینند که شیفته مکتب‌های بیگانه می‌شوند؟

پرسش

به نظر شما، جوانان ما در شیعه چه چیزی نمی‌بینند که شیفته مکتب‌های بیگانه می‌شوند؟

پاسخ

سؤال کننده محترم توجه دارد که «ندیدن» با نبودن، متفاوت است، به چشم نیامدن عنصری خاص در یک فرهنگ علل مختلف دارد. شماری از این علت‌ها عبارت است از: ۱. عدم مطالعه کافی گاه مطالعه کافی در فرهنگ موردنظر نه در سطح و نه در عمق صورت نمی‌گیرد. اقبال می‌گوید: مسلمانان آنگاه که از فرهنگ خود بیگانه شدند، جذب فرهنگ بیگانه گردیدند. در این موقعیت، حتی باید دشمنی با فرهنگ خودی را نیز محتمل می‌دانست؛ چنان که امام علی(ع) در حکمت ۱۷۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «الناس اعداء ما جهلوا؛مردم دشمنان آنچه نمی‌دانند هستند». به قول مولانا: آدمی مر خویش را ارزان فروخت بود اطلس خویش را بر دلق دوخت هر که دو ارزان خرد ارزان دهد گوهری طفلی به قرص نان دهد اقبال لاهوری در این باره می‌گوید: آه از قومی که چشم از خویش بست دل به غیر الله داد از خود گسست تا خودی در سینه ملت بمُرد کوه کاهی کرد و باد او را ببرد۱ به نظر می‌رسد، اگر به فرهنگ شیعی چنان که باید، معرفت پیدا شود بسیاری از نادیده‌ها دیده می‌شود. چنان‌که از ائمه اطهار(ع) رسیده است: «علم جز از نزد اهل بیت(ع) بیرون نمی‌آید.»امام باقر(ع) به سلمهٔ بن کُهَیل و حکم بن عَتَیبه۲ می‌فرماید: «به مشرق بروید یا به مغرب علم درست به دست نیاورید جز آنچه از نزد ما خاندان بیرون آمده است».۳ ۲. کردار حاملان فرهنگ سبب دیگر به چشم نیامدن چیزی در فرهنگ شیعی، عمل پیروان و حاملان آن است. معمولاً کردار و رفتار مربیان وحاملان یک فرهنگ عامل‌داوری دیگران در مورد محتوای فرهنگ شمرده می‌شود. این عامل به مسلمانان منحصر نیست. در گزارش‌هایی که از بی‌اعتقادی و تمسخر دین‌داری در اروپای قرن هیجدهم رسیده، جنگ‌های فرقه‌ای و نزاع‌های گروهی مسیحیان عامل اصلی تمسخر دین و دین‌داری در اروپا۴ شمرده شده است و در واقع مذهب مسیحی را بانی واقعی جنگ‌ها و خصوصاً جنگ‌های مذهبی سی ساله در قرن ۱۷م دانسته‌اند.۵ مارکی در آرژانسون هوشمند در ۱۷۵۳م بر خطای کشیشان انگشت گذاشته، می‌نویسد: «عامل نابودی دین را نه در نفوذ فلسفه انگلستان که جز صد فیلسوف پاریسی کسی با آن آشنایی ندارد بلکه باید در خشم و نفرت مردم از کشیشان جست و جو کرد. خشم و نفرتی که اکنون به اوج شدت خود رسیده است.»۶ ۳. تولید علوم و فنون در فرهنگ بیگانه وجود توانایی‌های فرهنگ بیگانه در تولید علوم و فنون و صنایع در مقابل محروم بودن کشورهای اسلامی از هر پیشرفتی در سده‌های اخیر از عوامل مهم جذب شدن به فرهنگ بیگانه است. حضرت علی(ع) توصیه می‌فرماید:« والله الله فی القرآن ان لایسبقکم بالعمل به غیرکم ؛۷ خدا را، خدا را درباره قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به دستورهایش از شما پیشی گیرند». چنان که ملاحظه می‌شود، فرهنگ جدیت و تلاش، استقلال و خود اتکایی، نشاط و شادابی، وجدان کاری و تحمل سختی‌ها و عزم و اراده مصمم که ساخت یک تمدن مرهون آن است، بخشی از آموزه‌های اصیل قرآن و سنت به شمار می‌آید. متأسفانه این امر در کشورهای اسلامی مورد غفلت قرار می‌گیرد و حتی دست‌هایی خائن علیه دست‌آوردهای خودی و کوچک و یا ناچیز نمایاندن فعالیت هایی که برای پیشرفت انجام می‌شود، تلاش می‌کنند.۸ در نتیجه امروز دنیای اسلام به جایی می‌رسد که در تولید علوم نقش بسیار ناچیز دارد و جوانانش که احیاناً قدرت تحلیل علل عقب افتادگی‌ها را ندارند، به فرهنگ بیگانه روی می‌آورند. البته جوانان فراوانی نیز وجود دارند که علوم و فنون را از فرهنگ بیگانه به دست آورده، جذب فرهنگ بیگانه نشده‌اند و در جهت رفع کاستی‌ها و عقب ماندگی‌ها می‌کوشند. ۴. عدم پاسخ به دغدغه‌ها و سؤالات جوانان مرحوم استاد مطهری که خود اسوه و شهید راه تعلیم و تربیت است در موضوع رهبری نسل جوان به ضرورت جنبه طرح جامع دین به این سه نسل اشاره کرده، سر تفوق و جاذبه مکاتب ماتریالیستی در میان این نسل را ارائه و طرح جامع مکتب و پاسخ گویی به تمام نیازهای فکری آن‌ها می‌داند. وی در کتاب ده گفتار آورده است: «اتفاقاً دیگران از راه شناختن درد این نسل آن‌ها را منحرف کرده‌اند و از آن‌ها استفاده کرده‌اند. مکتب‌های ماتریالیستی که در همین کشور به وجود آمد و اشخاص فداکار درست کرد برای مقاصد الحادی، از چه راه کرد؟ از همین راه! می‌دانست که این نسل احتیاج دارد به یک مکتب

فکری که به سؤالاتش پاسخ دهد، یک مکتب فکری؛ و او عرضه کرد. می‌دانست که این نسل یک سلسله آرمان‌های اجتماعی بزرگی دارد و درصدد تحقق دادن به آن‌ها است، خود را با آن آرمان‌ها هماهنگ نشان داده در نتیجه افراد زیادی را دور خودجمع کرد با چه فداکاری و صمیمیتی... . روح هم اگر به حدی رسید که تشنه یک مکتب فکری شد که روی اصول معین و مشخص به سؤالاتش پاسخ دهد و همه مسائل جهانی و اجتماعی را یکنواخت برایش حل کند و جلویش بگذارد، اهمیت نمی‌دهد که منطقاً قوی است یا نیست. بشر آن قدرها هم دنبال حرف محکم و منطقی نیست دنبال یک فکر منظم و آماده است که یکنواخت در مقابل هر سؤالی جوابی بگذارد.۸ هر فرهنگی هر چند ریا کارانه دغدغه‌ها را رفع کند و خود را پاسخگوی خواسته‌ها و نیازها و سؤالات بداند از جاذبه بیش‌تری برخوردار است. به دلایل تاریخی و خصوصاً پس از قرن‌های اولیه ظهور اسلام، به تدریج رهبران فکری، سیاسی و اجتماعی امور حاشیه‌ای را بر امور اصلی ترجیح دادند. در نتیجه بسیاری از سؤالات بی‌پاسخ ماند. ۵. پیروزی باید توجه داشت که نفس پیروزی یک جریان گاه عامل تبعیت و مجذوب شدن دیگران است. فرهنگ‌های پیروز و موفق زمینه جذب بسیار بالایی دارند. پیروزی یک فرهنگ، هر چند همه جانبه نباشد، چنان چشم‌ها را خیره می‌کند که فرصت مقایسه بین فرهنگ‌ها و سنجش مجموعه توانایی‌ها را از بین می‌برد. در این موقعیت، فرهنگ مغلوب هر چند ظرفیت‌های بالایی در ابعاد دیگر داشته باشد تا مدت‌ها در محاق فرو می‌رود. بنابراین یا باید نقص خود را جبران کند و یا باید منتظر سرخوردگی شیفتگان فرهنگ دیگر و بازگشت آن‌ها به سوی خویش باشد؛ چنان که امروز شاهد بازگشت غرب به معنویت و خیزش روز افزون بشریت به سمت ارزش‌ها و اوامر اساسی اسلامی هستیم؛ بلکه در جهان اسلام نیز حرکت به سمت عقلانیت گسترش یافته و بازگشت به ارزش‌های فرهنگ شیعی شتاب گرفته است. از سوی دیگر شکست یک فرهنگ و عدم توان آن در تأمین اهداف و برنامه‌های اعلام شده نیز سبب گریز مردم از آن می‌شود که نمونه روشن آن در مارکسیسم مشاهده شد. خلاصه آن که روی آوردن به یک فرهنگ و بریدن از فرهنگ دیگر در عوامل متعدد ریشه دارد. امروز باید همه دنیای اسلام، خصوصاً مذهب تشیع، از فرصتی که در پرتو انقلاب اسلامی ایجاد شده و بیداری و معنویت خواهی گسترده‌ای که در جهان پدیده آمده، بهره گیرد؛ از میان برهای موجود به علوم و فنون دست یابد و خود را در قافله تمدن تثبیت کند؛ به عبارت دیگر، وظیفه، آن است که فرهنگ تشیع را متجلی سازیم و جامعیت اسلام را به اثبات رسانیم؛ سیر پرافتخار پیروزی دین را که امام خمینی آغاز کرد، ادامه دهیم و با وحدت و همدلی و سخت کوشی و صبوری و تحمل مشقات و مشکلات در جهت شکوفایی فرهنگ تشیع بکوشیم. پی‌نوشت: ۱. کلیات اقبال، ص۲۱۸ . ۲. مجلسی(ره): این دو نفر از فقهای اهل سنت هستند. ۳. اصول کافی، ج۲، ص۳۳۱، حدیث۳. ۴. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج۸، ص۱۰۸. ۵. همان، ج۷، ص۶۶۸. ۶. همان، ج۹، ص ۶۸۰. ۷. نهج البلاغه، نامه ۴۷. ۸. وصیت نامه الاهی و سیاسی امام خمینی(ره). ۹. ده گفتار، ص۲۱۷Ù۲۱۸.

آیا الزام‌ها وضرورت‌های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح وعدالت سوق می‌دهد؟

پرسش

آیا الزام‌ها وضرورت‌های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح وعدالت سوق می‌دهد؟

پاسخ

مقصود از "الزام اجتماعی "آن است که وضع زندگی اجتماعی بشر به چنان مرحله‌ای برسد که احساس نیاز به مطلبی کند وآن را به عنوان یک ضرورت بپذیرد. ولی مهم آن است که یک نیاز واقعی جامعه آن قدر آشکار گردد که ضرورت بودنش را همه یا

حدّاقل متفکّران ورهبران جامعه بپذیرند، واین در درجه اوّل، بستگی به بالا؛ب)ع رفتن سطح آگاهی وشعور اجتماعی مردم دارد، وسپس با آشکار شدن نتایج نامطلوب وضع موجود جامعه وعدم امکان ادامه راه، ارتباط پیدا می کند. شاید بسیاری از مردم در قرون ۱۷ و۱۸ با مشاهده پیشرفت‌های چشمگیر صنعتی، ترسیمی که از قرن بیستم داشتند، ترسیم یک بهشت برین بود، ولی باور نمی کردند که انسان صنعتی وماشینی، زندگی مرفه‌تری نخواهد داشت، بلکه پا به پای پیشرفت تکنولوژی، نابسامانی‌های تازه ومشکلات جدیدتری پدید خواهد آمد. عفریت جنگ‌های جهانی سایه وحشتناک خود را بر کانون‌های ماشین وصنعت خواهند افکند. تازه می‌فهمند که چقدر زندگی آنها خطرناک شده است. کم کم می‌فهمند برای حفظ وضع موجود وپیروزی‌های بزرگ صنعتی وتمدّن، مقررات گذشته هرگز کافی نیستند، وباید تن به مقررات تازه‌ای داد. زمانی فرا می‌رسد که وجود حکومت واحد جهانی برای پایان دادن به مسابقه کمرشکن تسلیحاتی و پایان دادن به کشمکش‌های روز افزون قدرت‌های بزرگ و کنار زدن دنیا از لب پرتگاه جنگ، به عنوان یک ضرورت وواقعیت اجتناب‌ناپذیر احساس می گردد که باید سرانجام این مرزهای ساختگی ودردسرساز برچیده شود وهمه مردم جهان زیر یک پرچم وبا یک قانون زندگی کنند. بنابر قانون" الزام اجتماعی "عامل مؤثر دیگری وجود دارد که با کاربرد نیرومند خود، مردم جهان را خواه‌ناخواه به سوی یک زندگی آمیخته با صلح وعدالت پیش می‌برد وپایه‌های یک حکومت جهانی را براساس طرح تازه‌ای مستحکم می‌سازد.

آیا برای ایجاد تحوّل در جامعه احتیاج به اصلاحات تدریجی است یا انقلاب بنیادی؟

پرسش

آیا برای ایجاد تحوّل در جامعه احتیاج به اصلاحات تدریجی است یا انقلاب بنیادی؟

پاسخ

در مورد اینکه اصلاحات اجتماعی باید از چه راه انجام پذیرد عقیده واحدی وجود ندارد، بلکه جمعی طرفدار اصلاحات تدریجی هستند که به آنها" رفورمیست "می گویند. وگروهی دیگر" انقلابیون "هستند که هیچ دگرگونی اساسی را در وضع جوامع انسانی بدون انقلاب ممکن نمی‌دانند و برخی دیگر می گویند: درجه فساد در اجتماعات متفاوت است، آنجا که فساد به صورت همه گیر وهمه جانبه در نیامده، اصلاحات تدریجی می‌تواند اساس برنامه‌های اصلاحی را تشکیل دهد، امّا آنجا که فساد همه جا را فرا گرفت ویا در بیشتر سازمان‌های اجتماعی نفوذ کرد، جز با یک انقلاب بنیادی نمی‌توان بر نابسامانی‌ها چیره گشت. شواهد زیادی مؤیّد نظر سوم است: ۱ – اصلاحات تدریجی همیشه بر شالوده‌ها وضوابط والگوهای سالم بنا می‌شود ودر غیر این صورت باید به سراغ الگوها وضوابط جدید رفت ومسائل زیربنایی را در مسیر دگرگونی قرار داد. ۲ – اصلاحات تدریجی غالباً از طریق مسالمت‌آمیز صورت می گیرد، واین در صورتی اثر دارد که آمادگی فکری وزمینه اجتماعی وجود داشته باشد. ولی آنجا که این زمینه‌ها وجود ندارد باید از منطق انقلاب که منطق قدرت است استفاده کرد. ۳ – در جامعه‌ای که فساد به ریشه‌ها نفوذ کرده، عناصر قدرتمند ضدّ اصلاح، تمام مراکز حسّاس اجتماع را در دست دارند وبه آسانی می‌توانند هر طرح تدریجی را از کار بیندازند، مگر آنکه با یک حمله انقلابی غافلگیر شوند. ۴ – نیروهای عظیم اصلاحی وانقلابی را معمولاً نمی‌توان برای مدّت زیادی پرحرارت وپرجوش نگاه داشت واگر به موقع از آنها استفاده نشود ممکن است با گذشت زمان کارآیی خود را از دست بدهند. ۵ – با مراجعه به تاریخ به دست می‌آید که اجتماعاتی که فساد در آنها بنیادی شده، خردمندان آن جوامع خصوصاً انبیا واولیا ومردان اصلاح‌طلب همواره روش انقلابی را در پیش گرفته‌اند. در مورد اصلاح وضع عمومی جهان وبرچیده شدن نظام کنونی که بر اساس ظلم

وتبعیض بنا شده و احتیاج به جانشین شدن یک نظام عادلانه است، به طور حتم پدید آمدن یک انقلاب ودگرگونی عظیم را می‌طلبد، انقلابی وسیع ودر همه زمینه‌ها.

چرا درجهت رفع ابهامات جوانان اقداماتی ریشه ای انجام نمی شود؟

پرسش

چرا درجهت رفع ابهامات جوانان اقداماتی ریشه ای انجام نمی شود؟

پاسخ

از این که می بینیم نوجوانان و جوانان برومند ایران زمین در برابر فرهنگ ارزشهای اسلامی احساس مسؤلیت می کنند وابهامات وسؤالات بوجود آمده و بدون پاسخ، آنان را رنج وآزار می دهد احساس غرور می کنیم وامیدواریم این احساس جوانان با بازخواست ومطالبه از مسئولان و دست اندرکاران امور فرهنگی، روحانیون بزرگوار، معلمان واستادان ومؤسسات فرهنگی پاسخ ابهامات وسؤالات خود را دریافت کنند ونه تنها به این امر قانع نباشند بلکه با مطالعه وتحقیق قدرت یابند پاسخ دیگران را بدهند واما چرا تاکنون اقدام اساسی صورت نگرفته است دلایلی دارد که برخی از آنها بدین شرح است : ۱- کسانی که وظیفه انتقال مفاهیم فرهنگی را به نسل امروز دارند، بسیاری از مفاهیم بر ایشان واضح و روشن است لذا تصور می کنند جوانان نیز چنین هستند بنابراین درجهت استحکام بخشی به آن مفاهیم تلاشی صورت نمی گیرد. ۲- متولیان امور فرهنگی شبهات و پرسشهای مهم دینی را که امروز نسل جوان با آن مواجه هستند شناسایی نکرده‌اند؟ و درمرحله بعد دلیل دفاعی دربرابر چالش بوجود آمده نساخته اند. نسل جوان باید از اصول عقایدبصورت عقلانی دفاع کند باید ابتدا با استدلال ومنطق خدا رابپذیرد وسپس بفهمد که اگر ایمان به خدا داشته باشد چه حالات روحی و روانی خواهد داشت. البته این بدان معنا نیست که مخاطبان نسل جوان امروز خدا را قبول ندارند. بلکه مطالعات تجربی نشان می دهد ۹۹٪ مخاطبان قبول دارند خدا هست ویکی است. پیامبری را که از طرف او آمده است قبول دارند. ولی سؤال های دیگری دارند مثلاً- به بعضی احکام دین ایراد وارد می کنند و چون خدا و پیامبر را قبول دارند می گویند این سخن، سخن خدا نیست. او دین خدا را قبول دارد ولی نقل گویندگان را قبول نمی کند. وقتی سند و مدرک ارائه می شود چون با فهم وزبان او تطابق ندارد برایش قابل فهم نیست. متولیان باید دقت کنند وگام به گام او را به پیش ببرند وبه او بفهمانند دین چیست. در طول تاریخ دین بزرگان از دین دفاع عقلانی کرده اند وعلم کلام را بوجود آورده اند تا ازدین دفاع عقلانی بکند. اگر شبهه فلسفی بوجود آمده پاسخ متناسب داده شده است و... - وجود سازمانها ونهادهای متعدد فرهنگی یکی از علل نابسامانیهای فرهنگی است.نظیر وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، مراکز وابسته به حوزه های علمیه، مؤسسات، بنیادها، کانونهای فرهنگی، مساجد، مراکز فرهنگی وابسته به دانشگاهها، وزارتخانه ها وسازمانهای دولتی ، نیروهای مسلح و... البته وجود مراکز متعدد در بخشهای مختلف می تواند جنبه مثبت داشته باشد مشروط به این که بر اساس اهداف راهبردها وخط مشی مشخصی همگی در جهت تکمیل فعالیت ها وتحقق اهداف تلاش کنند و از موازی کاری وتکرار برنامه های کم محتوا وکم اثر و...اجتناب ورزند. بنابراین اگر این مراکز بتوانند با یک برنامه ریزی مدون ومشخص، بین خودشان تقسم کار نمایند واهداف نیز دقیقاً تعریف شده باشد و برنامه ها نیز متناسب با نیازها طراحی شده وبا استفاده از ابزار و شیوه های مناسب تأثیر گذار اجراشود تحول عظیمی در وضعیت فرهنگی کشور پیش خواهد آمد. ۴- مجهز نبون مبلغان و مروجان فرهنگی به ابزار وسازوکار مناسب روز و فقدان آگاهی از شیوه های تبلیغ وتأثیر گذاری وعدم بهره مندی از ابزار و رسانه های مختلف یکی

دیگر از عوامل نابسامانی فرهنگی کشور است. ۵- تهاجم وشبیخون فرهنگی و جنگ رسانه ای استکبار وعوامل آن که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و درسالهای اخیر بشدت افزایش یافته است ونیز غفلت و خواب آلودگی برخی متولیان و دست اندرکاران در نهادهای مسؤول به دلیل اشتغالات فراوان وعدیده سیاسی و... از معضلات ومشکلات دیگری است که فرهنگ کشور با آن مواجه است. با توجه به آنچه ذکر شد مسئولان و متولیان امور دینی در حوزه ودانشگاه و مؤسسات ومراکز مختلف باید با انسجام و وحدت و اجتناب از موازی کار و هدر دادن انرژی انسانی و مادی خود در موارد زیر بصورت یکپارچه اقدام نمایند : ۱. باید هیأتهایی مشخص شودتا دائماً مسایل وسؤالات وابهامات را بیابند وبا کتاب و ...پاسخ بدهند. ۲. در جامعه در حال تحول عمر کتابها دو سال بیشتر نیست باید مرتب کتابهای نو با زبان روز نگاشته شود. ۳. استادان دروس معارف، روحانیان بزرگوار ومبلغان عرصه تبلیغ و وعظ باید چالش ها را کشف، ومهیا برای پاسخگویی به سؤالات باشند. ۴. پاسخگویی به سؤالات دراسرع وقت در یک سیستم فعال باید صورت بگیرد. کندی در پاسخگویی موجب می گردد پاسخها در زمانی عرضه شود که سؤال از میان رفته و سؤالات جدیدی بوجود آمده باشد. ۵. مروجان ومبلغان واستادان باید درمیان مخاطبانشان زندگی کنند، چالش های آنها را کشف و پاسخ دهند. ۶. مراکز مختلف در سطح کشور باید با یکدیگر در ارتباط بوده و ضمن ارائه پاسخ های متمرکز و متین، ازیک مرکز قوی علمی دریافت کنند. ما وشما باید از همه متولیان امر فرهنگ، روحانیون معزز، استادان دانشگاه، معلمان بزرگوار، مسؤلان سازمانها ومراکز فرهنگی باید بخواهیم مساعی جمیله خویش را در این امر مهم مصروف سازند.

انحرافات

انحرافات فردی و گروهی

چرا در جامعه ما دست دزد قطع نمی شود تا عبرت دیگران شود

پرسش

چرا در جامعه ما دست دزد قطع نمی شود تا عبرت دیگران شود

پاسخ

اولاً، قطع دست دزد حدود بیست شرط دارد که کمتر محقق می‌شود. ثانیاً، اجرای حد نیز باید در شرایط مناسبصورت بگیرد. در حال حاضر شرایط تبلیغاتی اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.{J

چرا در کشور ما با مجرمان و قاچاقچیان برخورد جدی نمی شود؟

پرسش

چرا در کشور ما با مجرمان و قاچاقچیان برخورد جدی نمی شود؟

پاسخ

برخورد با مفسدان و کسانی که سلامت جامعه را به خطر می‌اندازند، باید بسیار جدّی و شدید باشد. قوانین جمهوری اسلامی نیز در برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر، بسیار قاطع است. تاکنون در میان کشورهای مختلف، ایران قاطعانه‌ترین برخوردها را با این عناصر داشته و دارد. آمار کسانی که به همین جهت تاکنون اعدام شده‌اند، گواه این ادعا است. به هر حال اگر در جایی نیز سهل‌انگاری و تسامحی برخلاف قانون صورت گیرد، باید آن را با ذکر موارد به مراجع ذی‌صلاح ارائه نمود تا در جهت اصلاح آن اقدام کنند.

چرا با وجود نسل های جدید کشور ما رو به فساد است؟

پرسش

چرا با وجود نسل های جدید کشور ما رو به فساد است؟

پاسخ

آلوده شدن جامعه به گناه و فساد، عوامل متعدد و زیادی دارد، که از آن جمله می توان به فقر و ناداری، و تأمین نشدن مایحتاج عمومی، و وجود فاصله طبقاتی بین فقرا و نیازمندان با اغنیاء و ثروتمندان، و تفاوت زندگی مسؤولان و رهبران جامعه با زندگی عامّه مردم، و گرایش و توجه اکثریّت مردم به تجمل گرایی و رفاه زدگی و رواج زندگیهای تجمّلاتی، و ارزش پیدا کردن مادّیات و کالاهای لوکس و اشرافی، و نیز دارایی و ثروت و اجرا نشدن عدالت و رواج بیعدالتی، و تهاجم سهمگین و بی پروای فرهنگی جبههٔ استکبار و دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی در قالب رسانه های گروهی و اینترنت و ماهواره، مجله و ... ، اشاره کرد. همه اینها از جمله عواملی است که موجب ترویج فساد و تباهی در جامعه می گردد، و نسل جوان را که از شور و نشاط و انرژی بسیار متراکمی برخوردار است، و هنوز بیّنه های علمی و دینیش از استحکام کافی و لازم برخوردار نیست، به کام تباهی و ضلالت فرو می برد. در قبال هجوم وسیع و بی حدّ و حساب رسانه های بیگانه، برای تخریب اخلاق و مبتلا ساختن نسل جوان ما، استعداد و توانایی ما در برابر آنها اگر چه ناچیز و ناکافی است، ولی اگر به خوبی از آن استفاده شود، بیگانگان و اجانب در مأموریت شیطانی خویش، و به فساد کشاندن جامعه، ناکام خواهند ماند. همانطور که شما مشاهده کردی، درانتخابات اخیر، تمام رسانه های خارجی، مردم را از رأی دادن منع کردند، پارلمان و کنگره آمریکا ۲ تا ۳ قانون بر ضدّ انتخابات ایران تصویب کرد. اتحادیهٔ اروپا مردم ایران را از شرکت در انتخابات منع کرد. بسیاری از رادیوها مثل رادیو بی بی سی، آمریکا، اسرائیل، و... ، القاء می کردند که انتخابات ایران آزاد نیست، غیر قانونی است و ... . و از مردم درخواست می کردند در انتخابات شرکت نکنند. برخی حرکتها نیز در داخل کشور به این هدف کمک می کرد. ولی مردم بر خلاف خواستهٔ آمریکا و جهان غرب، پرشور و با نشاط در میدان مبارزه، پای صندوق‌های اخذ رأی حضور یافتند. و آمریکا اعلام کرد" : انتخابات ایران، ما را مأیوس کرد ".دختر خوبم، ستاره خانم، نسل جدید خود به خود نه اصلاح می شود، و نه فاسد؛ بلکه عوامل گوناگونی ممکن است به اصلاح و پیشرفت و سعادت این نسل، یا خدای ناکرده، به فساد و تباهی آنها کمک کند. نسل جدید را نمی توان تشویق و توبیخ کرد بلکه اگر بخواهیم تشویق یا توبیخ کنیم، باید نسلی را که این نسلها راتربیت می کند و می سازد، تشویق یا توبیخ کنیم. اگر بتوانند نسلی تربیت کنند و بسازند، که

بتواند در مقابل سیلها و طوفانهای بنیان برافکن دشمنان غدّار ایستادگی و مقاومت کند، و دشمن عنود را زمین‌گیر و منکوب کند، باید به مربّیان این نسل احسنت و آفرین گفت. و اگر در تربیت نسل جدید اهمال و سستی کنند، مستحقّ توبیخ و تنبیه هستند. ستاره خانم عزیزم، جامعه از تو و امثال تو، که با وجود کمی سنّ، از درک و فهم خوبی برخورداری، و از روحیه و عشق و امید و نشاط و انرژی و تحرک و پویایی جوانی و عطوفت و مهربانی زنانه و نوجوانانه برخورداری، انتظار دارد که در هدایت و رهبری و کمک به دوستان خودتان، برای حرکت سریعتر، بادوام تر، با نشاط تر، و پویاتر، با همهٔ تلاش و توان وارد شوید. متأسفانه یکی از اشکالات جامعه ما اینست که همه به همدیگر اشکال می کنند، و دیگران را مقصّر می دانند، و گناه را به گردن دیگران می اندازند. و کمتر کسی می توان یافت که بگوید مثلاً من کم کاری کردم، و یا اشتباه کردم، اگر هر کس هر آنچه می داند عمل کند، و در مرحلهٔ بعد تلاش کند دیگران را تا جایی که برایش مقدور است به راه درست و صحیح هدایت کند، و اشکالات را برطرف کند، و برای اصلاح جامعه هر آنچه در توان دارد به کار بندد، باور کن دنیا بهشت می شود. ولی افسوس که حرف زدن بیشتر ازعمل است؛ و اگر عملی باشد، برای اصلاح دیگران، از روشهای درست و صحیح استفاده نمی‌کند. و گاهی نیز برخی از عزیزان بر اثر ناآگاهی، به جای این که افراد را جذب کنند، با برخوردهای نادرست و غیرمعقول، نسل حسّاس و جوان را دفع می کنند. ستاره خانم، دختر خوب و باصفا، هر چند سالهاست عوامل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه ای استکبار جهانی، برای انهدام پایه های اخلاق و ایمان نسل امروز، در تلاش و تکاپور هستند. و دست‌اندرکاران امور فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه، نیز آن گونه که باید برای اقناع و تأمین نسل جدید تلاش و مجاهدت نورزیده اند، ولی خوشبختانه اکثریت نسل امروز دانشجویان و دانش آموزان، به خوبی قادر به تشخیص مصالح عالیه کشور و نظام و فضایل و کرامات انسانی هستند، و در تحقیقات متعدد نشان داده شده که به اسلام و نظام وفادارند؛ اگر چه برخی ظواهر را رعایت نمی کنند، و تحت تأثیر جریانات فرهنگی و هجمه های متعدد قرار دارند، ولی گرایش به عرفان و معنویّت در این نسل رو به افزایش است، و این از نشانه های امیدواری است. آرزو می کنم شما دخترکم، و سایر دختران نوجوان و با محبت، در همهٔ دوره ها و صحنه های زندگی، بخصوص درحفظ اصول و مبانی دینی، و غیرت و پاکی و ترویج فضیلتها و خوبیها و ناپاکیها، و گسترش اخلاق و معنویّت و دوستیها، و کاهش دشمنیها و نزاعها، و گرم شدن روابط دوستانه، با تأسی از مکتب عظیم عاشورا، و رابطهٔ محبت آمیز وصف ناپذیر ابوالفضل‌العباس و زینب کبری و سیدالشهداء، بیش از پیش موفق و مؤیّد باشی. به خدای لایزال و قادر متعال می سپارمت.

چرا در زمانهای قدیم مردم لوطی صفت و با معرفت تر بودند و با این وجود که در آن زمان دین اسلام زیاد محکم و استوار نبود ولی در این زمان آدم نمی تواند به همسایه خود اطمینان کند و با این وجود که در این زمان دین اسلام محکم تر و استوارتر است؟ چرا؟

پرسش

چرا در زمانهای قدیم مردم لوطی صفت و با معرفت تر بودند و با این وجود که در آن زمان دین اسلام زیاد محکم و استوار نبود ولی در این زمان آدم نمی تواند به همسایه خود اطمینان کند و با این وجود که در این زمان دین اسلام محکم تر و استوارتر است؟ چرا؟

پاسخ

همین که شما دوست و برادر عزیز احساس می کنی معرفت در گذشته بیشتر بوده و امروزه کمتر شده، و معضلات افزایش یافته

است، نشان از این است که هنوز هم معرفت هست و اسلام استحکام دارد و در گذشته نیز استحکام داشته، وگرنه به ما نمی رسید. ولی تفاوت آن درگذشته و حال در این است که استحکام گذشته اش نسبت به همان زمان بوده است و استحکام فعلیش نسبت به زمان فعلی اگر اسلام همانند ۱۶ سال قبل از استحکام برخوردار بود، امروزه در برابر هجمه ها دوام نمی آورد، ولی در آن روزها نسبت به هجوم همان زمان، از استحکام برخوردار بوده و باقی و پایدار مانده است و در آینده نیز استحکامش نسبت به الآن بیشتر خواهد بود، چرا که مخالفتها و هجمه ها شدیدتر و قوی تر خواهد بود. اگر بپذیریم که اسلام در گذشته ضعیف تر بوده و محکم و استوار نبوده و امروز استوار شده، ولی مردم از نظر دینی ضعیفتر شده‌اند و ایمانشان را دارند از دست می دهند، فکر نمی کنید به نبوت و امامت و اصل رهبری در اسلام خدشه وارد می شود. خداوند متعال پیامبران و رهبران الهی را برای هدایت بشر فرستاده است" : هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم(" ...۱) پیامبر آمده است تا مردم راتربیت کند. امامان نیز چنین رسالتی دارند. سایر رهبران دینی در همهٔ دوره های تاریخ نیز چنین مسؤولیتی داشته و دارند. حال اگر مردم روز به روز بدتر می شوند، پس نعوذبالله انبیاء و پیامبران و امامان و رهبران الهی و دینی، در مأموریت تربیت جامعه و مردم، موفق نبوده اند. اگر این حرف درست باشد، پس می توان گفت آمدن و بودن آنها هم ضرورت نداشته است و حال آنکه اینطور نیست. جامعه انسانی بطور مرتب به سوی کمال و سعادت حقیقی در حرکت است و این سیری است که خدای عزوجل برای آن ترسیم فرموده است. و آنچه ما می گوییم واحساس می کنیم، واقعیت خارجی ندارد، احساس است نه حقیقت؛ اگر قرار باشد شرارت در جامعه افزایش یابد و نیکی ها و خیرات کاهش یابد، پس هدایت چه نقشی داشته و دارد؟ آنچه مسلم است این است که روزبروز نیکیها و خوبیها افزایش می یابد و جبهه حق و حقیقت از دوام و بقاء و استحکام بیشتری برخوردار می گردد. به همان نسبت که قدرت حق افزایش می یابد، قدرت باطل نیز افزایش می یابد و چون ما قدرت او را با گذشته مقایسه می کنیم، احساس می کنیم جبهه حق تضعیف شده و باطل تقویت شده، ایمانها ضعیف شده و بی دینی ها افزایش یافته است و حال آن که در مجموع این گونه نیست. در شرایط کنونی جامعه، به دلیل گسترش ارتباطات و رسانه ها، شرارتها و بدیها، به سرعت توزیع و پخش می شود و اصولاً انسانها در نقل قول بدیها بیشتر همّت می گمارند تا خوبیها. کسانی که کار خوب انجام می دهند، به دلایل مختلف، از جمله به این جهت که به ریا و خودنمایی متهم نشوند، از ابراز آن خودداری می ورزند و از سوی دیگر، افراد جامعه هم وقتی کار نیکی ببینند و یا بشنوند، برای دیگران با آب و تاب نقل نمی کنند، ولی اگر یک فرد کار بدی انجام دهد، وقتی افراد به یکدیگر می رسند، اولین چیزی که مطرح می کنند، همان کار است : - خبر داری فلانی را گرفتند؟- چرا؟ - برای این که فلان ... و... نکته دیگری که حایز اهمیت است، این است که هر چقدر جامعه گسترش پیدا کند و جمعیت زیادتر بشود، تعداد متخلفان نیز بطور طبیعی زیاد می شوند. همچنانکه افراد نیک نیز با افزایش جمعیت، زیاد می شوند. در یک شهر پرجمعیت، تعداد افراد شرور به مراتب از یک شهر کم جمعیت بیشتر است، لذا مردم احساس می کنند چقدر افراد ناباب زیاد شده اند، ولی متوجه نیستند که بخشی از این افزایش افراد نابکار مربوط به افزایش جمعیت است. عامل دیگری که به تشدید و گسترش مفاسد می‌انجامد زندگی، ماشینی و افزایش اوقات فراغت و بیکاری و کاهش ارتباطات عاطفی و تغییر زندگی سنتی به زندگی مدرن و ماشینی است. نوع زندگی، شهرنشینی و ... نیز به گسترش مفاسد کمک می کند. فقر و ناداری و تضاد طبقاتی نیز موجب ضعف و گاهی حتی نابودی ایمان می شود. توجه بیش ازحد به زندگی مادی و رواج زندگی های تجملاتی و ارزش یافتن آنها نیز خود از دلایل گسترش مفاسد است. افزایش بیکاری و پرسه زدن جوانان بیکار در کوچه و بازار و خیابان، و عدم تأمین معیشتی، افزایش سنّ ازدواج و عدم امکان ازدواج در شرایط و زمان مناسب برای جوانان، افزایش هزینه های غیرضروری زندگی و ازدواج و رواج زندگی اشرافی و ... نیز از عوامل لوطی صفت نبودن برخی از مردم امروزه است. عدم تخلیه نیرو و انرژی جوانان و نوجوانان به روشها و طریقه های صحیح و عدم ارضاء نیازهای جوان در ابعاد گوناگون و نبود فضای کافی برای تفریح و بازی و ... موجب می شود به جای اینکه انرژی و نیروی خودش را در راه

تولید و افزایش سرمایه به کار گیرد در هرزگی و عیاشی و ... مصرف نماید و ... امید است جوانان رشیدی مثل شما همت کنند با فکر و اندیشه و عمل و سازمان یافتن، بتوانند بخشی از نابسامانیها را تقلیل دهند. انشاءا...

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پرسش

علت نابسامانیهای جامعه انسانی چیست؟

پاسخ

علت اساسی تمام نابسامانیها را می‌توان پایبند نبودن به یک مذهب صحیح دانست، زیرا تجربیات تاریخی ملل پیشین ثابت می‌کند که جامعه‌ی انسانی بدون پایبندی به یک مکتب آسمانی، که عقل و وجدان انسان را راضی کند، نمی‌تواند سعادتمند شود. هیچگاه قوانین انسانی نمی‌تواند جایگزین ایمان و عقیده دینی گردد. تا زا طریق ایمان در افراد جامعه انگیزه‌ی خیر و نیکی و دوری از زشتی و پلیدی ایجاد نشود، با هیچ نیرویی نمی‌توان جامعه را به سوی کمال و سعادت سوق داد. بزرگ‌ترین اشتباه تمدن کنونی همین است که برای اصلاح نابسامانیها به هر چیزی جز به دین و مذهب فکر می‌کند و نیروی عظیم ایمان و عقیده را به حساب نیاورده، نقش عمده‌ی آن را در اصلاح جامعه‌ی انسانی نادیه می‌گیرد. به همین علت از کوششهای فراوانی که انجام می‌گیرد نتیجه‌ای به دست نمی‌آید، بر نابسامانیها افزوده می‌شود و هیچ جنبه‌ای از جنبه‌های فساد و تباهی اصلاح نمی‌شود مگر آنکه آن مشکل از گوشه‌ای دیگر و در شکلی دیگر بروز می‌کند. « بخش پاسخ به سؤالات »

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی‌یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی‌نماید؟

پرسش

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی‌یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی‌نماید؟

پاسخ

اوّلاً؛ باید توجّه داشت کسانی که گرایش به فساد و انحراف دارند و جز هرزگی و بی‌بندوباری و نشاندن هوسهای خویش ایده و اندیشه‌ای ندارند رفتن به مراکز فساد آنان را از تجاوز باز نمی‌دارد دلیل آن وقوع این گونه حوادث و جنایات با وجود مراکز مذکور است. ثانیاً؛ زنان فاسدی که در آن مراکز بسر می‌برند مگر انسان نیستند؟ مگر آنان از احساسات و عواطف انسانی برخوردار نمی‌باشند مگر آنها دوست ندارند که در یک کانون خانواده از زندگی خانوادگی برخوردار باشند؟ چه عاملی آنان را به آنجا کشانده است؟ چرا باید یک دختر جوان پس از اینکه در اثر لحظه‌ای غلفت و اشتباه اغفال گردید برای همیشه از زندگی انسانی

محروم باشد و هر ساعتی برای خاموش ساختن هوس افراد هرزه خویشتن را آماده سازد؟ آیا وجود این مراکز به سیه‌روزی و ت...Љ... بختی آنان کمک نمی‌کند؟ بر این اساس وجود مراکز فحشاء را باید در کنار صدها مفاسد دیگر دانست که باید با همه آنها مبارزه کرد و تمام آنها معلول پایین بودن سطح ایمان و اخلاق در جامعه است. در ضمن زنانی که در آن مراکز هستند از کجا تأمین شوند؟ آیا این هم مثل اجناس و ارادتی، وارد می‌شود؟ یا باید عدّه‌ای را فاسد کنیم. برای آنجا بفرستیم؟ این ساختن لجن و به روی خود مالیدن است. آن وقت مانند ابلهی خواهیم بود که چوب را در لجن فرو کرده و روی دیوار تمیز می‌نویسد لطفاً نظافت را رعایت کنید!!. « بخش پاسخ به سؤ.....E...»

موارد چهـار گانه تحقیق و پژوهش در مورد اعتیاد (نقش دوسـتان نایاب، عوامل زمینه ساز اعتیاد، مضـرّات جسـمانی، اخلاقی، اجتماعی و روش‌های کاربردی ترک اعتیاد) را بیان کنید؟

پرسش

موارد چهار گانه تحقیق و پژوهش در مورد اعتیاد (نقش دوستان نایاب، عوامل زمینه ساز اعتیاد، مضرّات جسمانی، اخلاقی، اجتماعی و روش‌های کاربردی ترک اعتیاد) را بیان کنید؟

پاسخ

راجع به عناوین چهارگانه برای تحقیق و پژوهش ":۱- نقش دوستان ناباب و تأثیر سیگار در گرایش به اعتیاد. ۲- عوامل زمینه ساز اعتیاد جوانان و نوجوانان. ۳- مضرّات جسمانی، روانی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی اعتیاد. ۴- روش کاربردی برای ترک اعتیاد و احساس تنفر نسبت به این پدیده شوم "...به نظر ما بهترین منبع و مرجع، کتاب‌ها و جزوه هایی است که از ستاد مبارزه با مواد مخدر انتشار یافته است. از جمله کتاب‌های بررسی مواد مخدر در متون اسلامی و کتاب اضرار به نفس، و ویژه نامه‌ای درباره وضعیت مواد مخدر در جهان و ایران و... اطلاعات عمومی و ویژه نامه‌ای درباره ملاقات‌ها و مذاکرات جناب آقای فلاح دبیر ستاد مبارزه با حضرات مراجع عظام تقلید در قم ۱۳۷۵ می‌باشد. حتماً آن‌ها را تهیه کرده و مواد مقالات خود را از آن‌ها آماده نمایید.

علت گرایش بعضی از جوانان به مواد مخدر و الکل چیست ؟

پرسش

علت گرایش بعضی از جوانان به مواد مخدر و الکل چیست ؟

پاسخ

این گونه پرسش نشانهء پاکی روح و صداقت بیان وصافی قلب و از همه مهم تر عزم و ارادهء والای شما برای شناخت راه های دست یابی به سعادت و خوشبختی و رشد و کمال انسانی است . آدمی نمی تواند به آرمان ها و اندیشه های بلند انسانی الهی نائل

گردد. مگر این که موانع یا عواملی را که سدّ راه رشد و ترقی اوهستند و شیاطین شوم خوشبختی نامیده می شوند, بشناسد و این دو را شما در سؤالات خود گنجانده اید. امیدواریم با چشمانی باز و بصیرتی نافذ و معرفتی ره گشا, با مطالعهء کتب اخلاقی و اسلامی مخصوصاً درزمینهء علوم و معارف قرآنی , حقیقت ناب زندگی انسانی الهی را بر محور خداشناسی و توحید یافته و از پیچ وخم های زندگی اجتماعی امروز به سلامت به منزل مقصود و هدف آفرینش نائل گردی . پرسش سوم شما را در دو قسمت پاسخ می دهیم : الف) علل گرایش نوجوانان و جوانان به انحرافات و عبور از مرز اعتدال ; ب) در بیان علل گرایش به مشروبات الکلی . الف) علل گرایش نوجوانان و جوانان به انحرافات : ۱ بیکاری : جوان پر از انرژی و موتور محرّکه و چرخ های جامعه است . اگر این انرژی و محرک در مسیرصحیح برای اعتلای فرهنگ و تمدّن جامعه و برطرف کردن فقر و نیازهای اقتصادی و پرکردن خلاءهای گوناگون اجتماعی به کار گرفته نشود, مانند آب جاری حیات بخشی که راکد بماند, به هرز خواهد رفت و در شوره زارهاو لجنزارهای شیطان دام گستر فرو خواهد رفت و به جای زندگی ساز شدن , زندگی اجتماعی در معرض خطرقرار خواهد داد. علی ۷فرمود: (۱) پیامبر اکرم ۶در مذمت بیکاری وانسان بیکار فرمود: دشمن می دارد >زیرا نتیجهء بیکاری و نداشتن کار مفید, غلبهء احساس بیهودگی و بی هدفی بر روان و اندیشه ءانسان است که به تدریج او را به پوچگرایی (نیهیلیسم) در مود نظام هستی سوق می دهد. علی ۷می فرماید(;: ۲) زیرا کار علاوه بر این که وسیله ای برای تأمین معاش است , طریقی جهت ایجاد نشاط روحی و از میان رفتن افسردگی و رخوت و مخصوصاً زدودن احساس بیهودگی و پوچی و بروز بحران هویت است . می گوید: .(۳) ۲ فقر اقتصادی : تا فقر وجود دارد, فساد اختلاقی هست , تا فقر مسدود نگردد, انحطاط فکری و ضعف فرهنگی و عقیدتی و کفر و شرک ریشه کن نمی شود, چه این که همسایه دیوار به دیوارند. علی ۷فرمود: .(۴) و در حدیث دیگر از آن حضرت نقل شده : . (۵) ۳ فقر علمی و فرهنگی : فقر فرهنگی و جهل و نادانی , انسان را به فساد اخلاقی و اجتماعی , از جمله مواردمخدر و انواع پلیدی های دیگر می کشاند. علی ۷فرمود: جهل موجب تباهی آخرت و معاد است. > گروهی از دانشمندان علم و کلام و اخلاق معتقدند: .(۶) اگر چه این عقیده را ما به طور دربست و صددرصد نمی پذیریم , امّا شکی نیست که این اعتقاد یکی از علل عمده است . ۴ ساده اندیشی و سطحی نگری : جوانان به خاطر صافی قلبشان و عدم تجربهء کافی در زندگی اجتماعی ,گاهی از ترفند و دام هایی که شیادان سودجو و منفعت طلب و یا خیانت پیشهء وابسته به استثمارگران اقتصادی و استعمارگران سیاسی در مسیر زندگی شان گسترده اند, غافلند و طعمهء دام های غیر انسانی آنان می گردند و اسیر و گرفتار می شوند. ۵ انحراف در تنوع طلبی یا بحران هویت : طبیعت نوجوان و جوان , تنوّع و تجدّد طلب و نوگرا است . این روحیه موجب رشد و تکامل اندیشه و علم و تمدّن و فرهنگ می گردد. از طرفی شخصیت طلبی و استقلال گرایی و ابراز وجود و هویت ریشه در سرشت و فطرت آنان دارد. این دو نوع میل فطری و طبعی بالقوهء درونی , گاهی به علت عدم آگاهی و بصیرت و فقدان تجربهء کافی , به جای سوق دادن فرد یا جامعه در مسیر تکامل و ترقی , آنان را در جادهء پر پیچ و خم , سرگردان و رها می سازد. تداوم این تحیّر و استمرار غفلت , گاهی چنان در تار و پود فرد یا جامعه ریشه می دواند که آنان را از هویت انسانی خویش در تمامی ابعاد تهی می سازد. بحران هویت حاصله به جای استقلال . وابستگی همه جانبه را به تدریج نصیب آنان می سازد. رو آوردن جوانان به سیگار و مشروبات الکلی و انواع مواد مخدّر و مُدگرایی و حتی انتخاب اسم های خراجی برای اشخاص و اماکن و لباس ها و خیابان ها و جاده ها و تغییر یافتن طرز معاشرت از حالت ملّی ومذهبی , از نمودهای بارز یا پیدایش انحراف در تنوع طلبی است . ۶ خودفریبی : همان گونه که تکوین و شکل گیری رشد و تکامل جسمی و فکری و علمی و اجتماعی تدریجی است خروج از خط اعتدال و انسانیت نیز دفعی و یکباره نخواهد بود, بلکه از امور ساده و ابتدایی شروع می شود و قدم به قدم تا مرز یا اعتیاد کشیده می شود. جوان می پندارد با یک یا چند بارمصروف کردن , معتاد خواهد شد و قدرت ارادهء خویش را از دست نمی دهد. ۷ رفاقت و مصاحبت با افراد مبتلا: از جنبهء علمی و عملی ثابت شده انسان از دوست و هم نشین , تحت تأثیر قرار می گیرد. آیات و روایات کثیری مؤید

این سخن است . رسول اکرم ۶فرمود ;: یعنی تأثیر گذاری افکار و روحیات دوست بر ذهنیات و(۷) روحیات , به اندازه است که هر کس را می توان از دوستان او شناخت . امیرالمؤمنین ۷فرمود: .(۸) اگر چه یکی از نیازهای روحی و عاطفی انسان , داشتن دوست است , اما تنهایی بسی بهتر از دوستی باافراد فاسد و ناباب است .(۹) ۸ محیط یا اجتماع آلوده : همان گونه که ـ محل ریختن زباله ها ـ موجب پیدایش ویروس و عمل رشد میکرب است , محیط و اجتماع فاسد نیز موجب گسترش افکار و عقاید و عملکردهای فاسد می گردد. محیط خانه و مدرسه و دانشگاه و حوزهء علمیه و فرهنگ عمومی جامعه و اداره و بیمارستان و مجلس و یارسانه هایی که رسالت اطلاع رسانی جامعه را به عهده دارند, اعم از رادیو و تلویزیون و روزنامه ها, اگر در مسیرهجوم ویروس های اعتقادی و اخلاقی قرار گیرند و پادزهرهای مناسب در آن جامعه به موقع تولید نگردد وآفت زدایی انجام نشود, به تدریج فساد به فضا و فرهنگ عمومی جامعه سرایت می کند و همه را مبتلامی سازد, مگر آن دسته از خواص که حامل پادزهرهای درونی قوی هستند. عوامل دیگری از قبیل تلقین و تقلید و التقاط و تحریف و جوّ زدگی یا عوام زدگی و تحقیر شخصیت جوانان , زمینه ساز گرایش به انواع فسادهای اخلاقی و اجتماعی اند. ب) علل گرایش به مشروبات الکلی : برخی از عوامل که در گسترش شراب خواری به طور ویژه , تأثیر به سزایی دارد, عبارتند از: ۱ تقدیس شراب به نام عیسی ۷ پس از استیلای فاسدان و ناصالحان بر مصلحان کشورهای اروپایی وامریکایی , برای این که قبح اعمال زشت از جمله شراب خواری و مضرات آن را از انظار عمومی مخفی نگه دارند, به تعمیم تولید و مصرف شراب خواری با عنوان پرداختند و این اقدام شیطانی را به یک پیشوای مقدس ربّانی نسبت دادند. امروزه در کلیساها علناً شراب پخش می کنند و به نام حضرت عیسی ۷برّک می گردانند, در حالی که در آداب و اصول دین مسیحیت , چنین بدعتی زشت و مضر وجود نداشته و نامعقول است . پرفسور پل پرن , استاد طب اجتماعی دانشکده پزشکی نانت فرانسه , در نامه ای به یکی از کشیش های مسیحی می نویسد: (۱۰) در اثر قرن ها تبلیغ کلیسا, نه تنها شراب مایعی مقدس جلوه داده شد. بلکه حتی انگور که مادهء اولیه به شمار می رود. در نظر برخی از فرق های مسیحی مقدس گردید, تا آن جا که در کشور اسلامی ایران نیز را با آداب و رسوم ظاهراً مذهبی خاص برگزار می کنند و از جمله اعیاد رسمی و جشن های مذهبی کلیساهای ارامنه است . ۲ سود اقتصادی : امروزه حکومت ها از فروش مشروبات الکلی همانند فروش سیگار سودهای کلانی می برند. از طرفی مصالحه و سازش محرمانه بین کمپانی ها و صاحبان صنایع مشروب سازی و محافل مسئول اجتماعی در کشورهای غربی موجب شده است علی رغم گسترش فسادهای اخلاقی و بزهکاری های اجتماعی و ناهنجاری های عصبی , از مضرات و عواقب خطرناک میگساری ها کم تر سخن بگویند و وجودشراب را در سر سفره های خود به عنوان تلقّی و تلقین نمایند. ۳ لاقیدی و بی بندوباری و دادن آزادی عمل نامحدود به نوجوانان , قبل از رشد فکری و بلوغ عقلیِ کافی ,به تصور یک امتیاز و تفوق انسانی , سفره را برای سودجویان استثمارگر جهت گسترش فرهنگ میگساری پهن ترنمود. ۴ استعمار سیاسی , جهت شکست حرمت و قداست قوانین اسلامی و تضعیف اعتقادات دینی و پایین آوردن میزان تقیّدات مذهبی , به توسعه شراب خواری به عنوان یک ژست روشنفکری و نشانهء تمدّن وپیشرفت پرداخت تا بدین وسیله جوانان کشورهای اسلامی را از تحصیلات بالا و انجام فعالیت های مفیدعلمی و اجتماعی , به سمت عیاشی و خوشگذارانی سوق دهد و اندیشه و ارادهء سیاسی آنان برای حفظ وحراست از استقلال و ارزش های ملی و مذهبی شان را محو و نابود سازد. جهت حُسن ختام , کلام و مقال را با روایتی از امیرالمؤمنین ۷تزیین می کنیم : نفس آدمی به مقتضای طبیعت سرکش خویش در صحنه های اجتماعی , به مخالفت با فضایل اخلاقی می پردازد, اما بندهء درستکار الهی کوشش می کند مسیر او را از آرزوهای ناروا تغییر دهد. کسانی که افسار نفس سرکش خود را رها کنند و در ارضای تمایلات نادرست , آزادش بگذارند, به تباهی و فساد و هلاکت نفس خویش کمک کرده اند.(۱۱) (پاورقی ۱.بینش اسلامی سال اول دبیرستان , (نظام جدید), ص ۷۹ (پاورقی ۲.همان , ص ۷۸ (پاورقی ۳.در جستجوی خوشبختی , ص ۲۲ به نقل از هاشم رسولی محلاتی , کیفر گناه . (پاورقی ۴.حسین نوری , اقتصاد اسلامی , ج ۲ ص ۵۸ (پاورقی ۵.همان . (پاورقی

۶.زین العابدین قربانی , تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی , ص ۳۴ (پاورقی ۷.محسن قرائتی , گناه شناسی , ص ۱۶۶ (پاورقی ۸.شرح نهج البلاغهء ابن ابی الحدید, ج ۲ کلمهء ۱۴۷ (پاورقی ۹.غررالحکم , ص ۶۹۵ (پاورقی ۱۰.صبور اردوبادی , بررسی فرآورده های الکل , ص ۱۵۱ با تلخیص . (پاورقی ۱۱.محمد تقی فلسفی , در مکتب اهل بیت :, ص ۱۱۰

اگر بخواهیم ریشه های فساد را در جامعه نام ببریم و به اصطلاح از لحاظ آسیب شناسی فرهنگی بخوهیم بحث کنیم , عوامل و ریشه های فساد چیست ؟

پرسش

اگر بخواهیم ریشه های فساد را در جامعه نام ببریم و به اصطلاح از لحاظ آسیب شناسی فرهنگی بخوهیم بحث کنیم , عوامل و ریشه های فساد چیست ؟

پاسخ

عوامل و ریشه های فساد مختلف است . برخی ریشهء فرهنگی دارد, برخی ریشه در فقر و غنا دارد وبرخی ریشهء سیاسی دارد ممکن است چند عامل موجب فساد در جامعه بشود. دربارهء هر کدام مقداری بحث می کنیم : ۱ فقدان بینش صحیح سیاسی ـ اجتماعی . بی اطلاعی از ماهیت و اهداف واقعی جریان های موجود در جامعه و اکتفا کردن به مسموعات و شایعاتِ رایج وتحت تأثیر شعارهای میان تهی قرار گرفتن , یکی از عوامل فساد در جامعه است . چه بسا جوانانی که چشم و گوش بسته تحت تأثیر جریان های خطرناک قرار می گیرند, در حالی که هیچ اطلاع صحیحی از واقعیت قضایا ندارند. ناآگاهی دردی است بزرگ و در شمار بزرگ ترین دردهای بشریت است که مایه ءتباهی همهء امور, از جمله تباهی حیات ابدی آدمی است . بسیاری از لغزش ها, انحرافات و دشمنی ها میوه های گندیده ای هستند که از درخت پر آفت ناآگاهی و بی بصیرتی می رویند. چند روایت در این زمینه ذکر می شود: .(۱) بی اطلاعی از نفوذ فرهنگ ها و مکاتب بیگانه که از کانال های مختلف علمی به نهان خانهء اندیشه و اعتقاد افراد,سیَلان و سریان می یابد, خواسته یا ناخواسته انسان تحت تأثیر آن ها قرار می گیرد. چه بسا به خاطر بی اطلاعی ,انحرافات فکری بزرگی در عقیده و بینش اسلامی مردم پدید آید و مفاسد بزرگ اجتماعی و بزه کاری های فروانی ازبیگانه , به جامعه و افراد آن القا کند. بی اطلاعی و جهل باعث بازیچه شدن دست جاه طلبان فاسد و منافقان زیرک می شود. ناآگاهی و بی اطلاعی باعث شیوع خرافات و رسومات غلط در قالب های مقدّس مآبانه می شود. بی خبری و ناآگاهی سبب نفوذ و جاذبه یافتن شعارهای عوام فریبانه و دروغین خیانت پیشگان و سیاست بازان می گردد. بی خبری و ناآگاهی مردم سبب می شود اندیشه ها و مکتب های بیگانه , با عظمت و پر جاذبه قلمداد شود ومعارف و اندیشه های بلند دینی , کم ارج به نظر آید. بی خبری و ناآگاهی مردم باعث می شود امام حسین ۷کشته شود و امام علی ۷مظلومانه تنها و بی یاور گرددو وقتی آنان از دست رفتند, مردم به هوش آیند, در حالی که کار از کار گذشته است . شیطنت ها و مکر و نیرنگ های امثال عمرو عاص و معاویه در فروپاشی حکومت علی ۷به واسطهء ناآگاهی مردم صورت گرفت . شخصیت های فاسد یک جامعه برای این که خوب به مطامع خود نایل گردند, دو کار می کنند: از طرفی هوس هاو غرائز نفسانی مردم را تحریک می کنند تا مردم همانند آنان شوند و همدل و همراه آنان گردند و از طرف دیگر بامشغول ساختن مردم به مسائل سطحی و کم اهمیّت , در تخدیر و غفلت و بی خبری مردم می کوشند و مسیر صحیح وحقیقی را عوض می کنند.(۲) ۲ فقر و نداری : یکی از عوامل مهم بزهکاری ها و مفاسد اجتماعی , فقر مردم است . مشکلات

اقتصادی علّت عمـدهء آسیب های اجتماعی است . بعضـی از جامعه شـناسان با مطالعاتی که انجام داده انـد, منشأ عمـدهء انحرافات اجتماعی در سطح پایین جامعه را در عوامل اقتصادی اعلام کرده اند و در تبیین علل پیدایش بزهکاری جرم و الکلیسم و روسپیگری وامراض روانی , بیش تر به عوامل اقتصادی اشاره کرده اند.(۳) بدیهی است که جوان و نوجوانی که در خانه ای پر از کمبود و فقر بزرگ می شود, برای فرار از آن خانه لحظه شـماری می کنـد و خود را به آب و آتش می زند. چون موقع ازدواج اش می رسد, نه هزینهء ازدواج را دارد و نه خـانه ومحـل زنـدگی , که خواه ناخواه به دنبال مفاسـد اجتماعی می رود یا به دزدی و چپاول مال مردم دست می زنـد یـا به موادمخـدّر رو می آورد. از رسـول گرامی اسـلام ۶نقـل شـده است : . البته بایـد بگوییم فقر تنهـا عامل و علّت انحرافات اجتماعی نیست , بلکه می توانـد یکی از عوامل مؤثر باشد. ۳ غنا و ثروت انـدروزی : یکی از عوامل مهم مفاسد اجتماعی در سطح بالای جامعه , غنا و توانمندی اقتصادی است . بیش تر انحرافات جنسی و اعتیاد به الکل و مشروبات و مواد مخدّر, ناشی از اسـتغنا و ثروتمندی است , قرآن نیز این حقیقت را بیان کرده است : (۴). (پـاورقی ۱.غررالحکم . (پـاورقی ۲.غلامعلی نعیم آبادی , آسیب شناسی خواص . (پـاورقی ۳.دکتر محمد حسین فرجاد, آسیب شناسی اجتماعی . (پـاورقی ۴.علق (۹۶ آیهء ۶

اگر گدایی را ببینیم و به او کمک نکنیم , اشـکال دارد؟ به بودن این افراد شک داریم و فکر می کنیم درصـندوق صدقات بیندازیم بهتر است . بعضی از این افراد کمک های کم را رد می کنند.

پرسش

اگر گدایی را ببینیم و به او کمک نکنیم , اشکال دارد؟ به بودن این افراد شک داریم و فکر می کنیم درصندوق صدقات بیندازیم بهتر است . بعضی از این افراد کمک های کم را رد می کنند.

پاسخ

یکی از مشکلات جامعهء ما گدا پروری است . بعضی افراد گدایی را شغل خود قرار داده و از این راه به سرمایه های هنگفتی دست می یابنـد. برای این که چنین افرادی در جامعه رشـد نکنند, بایستی مردم به آنها کمک نکنندو در صورتی که افرادی را در خانواده و فامیـل و یـا در همسایگی خود می شناسـند که نیازمندنـد, به طور شایسـته و باحفظ آبروی آنها از راه های مختلف به آنان کمک کننـد. اگر کسـی را نمی شناسـند, همـان بهتر که صـدقات و کمـک های خود را در صـندوق های مورد اعتماد ماننـد کمیته امـداد بریزنـد. از این که گـدایی را ببینید و به او کمک نکنید, ترس نداشـته باشـید ,مگر این که احساس کنید واقعاً نیازمند است . در این صورت صدقه و کمک شـما قابل پذیرش است ,زیرا نیّت شـما کمک به نیازمند بوده است . گداهایی که کمک های کم را رد می کنند, قابل ترحم نیستند و نبایستی به آنها کمک کرد. .

چرا در مورد مسائل انحرافی و لغزش های اخلاقی فقط دخترها آسیب می بینند؟ (مثلا دخترهایی که گول مردهای پست را می خورند و عفت خود را از دست می دهند و یک عمر باید با سرشکستگی و بدبختی زندگی کنند)؟

پرسش

چرا در مورد مسائل انحرافی و لغزش های اخلاقی فقط دخترها آسیب می بینند؟ (مثلا دخترهایی که گول مردهای پست را می خورند و عفت خود را از دست می دهند و یک عمر باید با سرشکستگی و بدبختی زندگی کنند)؟

پاسخ

خوانده می شود,ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گرفته و جوان را از جادهء مستقیم کمال , منحرف سازد. عشق , نوعی وجاذبه ای نیرومند است که بین انسان و یک موجود خارجی , برای رسیدن به یک هدف , ایجاد می گردد. اگر منشأآگاهانه و مبدئی الهی داشته باشد, یکی از عالی ترین تجلیات روحی انسان و از پرشکوه ترین جلوه های آفرینش به شمار می رود. اما اگر به همین جاذبه تنها ریشه ای غریزی و شهوانی داشته باشد و منشأ شیطانی پیدا کند, ازمظاهر نفس اماره بوده و در این حالت , عقل و ایمان را در وجود آدمی تضعیف می کند, به طوری که فرد عاشق ,دیوانه وار برای رسیدن به معشوق خود, به هر کار نامشروعی دست می زند تا به کام خود برسد, حتّی اگر در نظر مردم هم رسوایی هایی به بار آورد. دختران جوان باید مراقب این دام های خطرناک و گوناگون باشند که با نام دروغین بر سر راه آنان قرار می گیرد. دام هایی که پس از افتادن در آن , غالباً رهایی از آن بسیار دشوار است وکفارهء لحظه ای غفلت و خوش بینی بیجا و تسلیم شدن دربرابر الفاظ ریاکارانه و توخالی را گاهی در یک عمرنمی توان پرداخت . دخترانی که از نظر کمبودهایی داشته و در محرومیّت به سر برده باشند, خیلی زودتسلیم این اظهار عشق ها و محبت های ظاهری دروغین شده و به دام افراد منحرف و حرفه ای می افتند که با کمال تأسف موجب ارتباطهای نامشروع – به صورت نامه , تلفن و ملاقات در کوچه و خیابان – می شود که عشق های دروغین و هوس های زودگذری بیش نخواهد بود و نقطه پایانی آن ارضای کام جویی های گناه آلود و بی قید و شرطاست و پس از آن با فرو نشستن آتش هوس و شهوت از یکدیگر جدا شده و بعد از اندکی همه چیز فراموش می گرددو مبدّل به حالت پشیمانی و غم و اندوه و بی آبرویی و سردرگمی , در آغاز زندگی خواهد شد و این خود اختلال ها و ناسازگاری های مراحل بعدی زندگی را به دنبال خواهد داشت . میدان ندادن به عقل و بازگذاردن عرصهء شهوت , چشم و گوش انسان را کور و کر می کند, به طوری که عواقب وخیم و خطرناک آن را تنها پس ازارتکاب عمل می فهمد ;زیرا قبل از عمل , رسوایی کار ناپیدا و پوشیده است . به تعبیر حضرت علی : ربّ شهرهٔ ساعهٔتورث حزناً طویلاً یعنی چه بسا یک ساعت شهوت رانی اندوهی طولانی ببار آورد.(۱) اما علل پیدایش انحراف جنسی : مساعد نبودن شرایط خانوادگی و محیط زندگی . ـ رعایت نکردن حریم بین زن و مرد. ـ عدم توجه والدین به احکام دینی زناشویی دربارهء یکدیگر. ـ بی توجهی در مجالست ها و همنشینی با افراد بی بندوبار و لاابالی وخانواده های منحرف فامیل . ـ برنامه نداشتن در اوقات فراغت و بیکار بودن . رفت و آمد در محیطهای آلوده و چشم چرانی . ـ گوش دادن به گفت وگوهای افراد منحرف و آلوده دربارهء مسائل جنسی و کسب اطلاع نادرست و نامناسب و نداشتن آگاهی صحیح به مسائل بلوغ . ـ نارسایی های ذهنی و عدم کسب موفقیت های تحصیلی و درسی . ـخیال پردازی های انحراف آمیز در هنگام تنهایی و خلوت گزینی . ـ تحریک های جنسی از طریق عکس ها وتصویرها. ـ ضعف ایمان و نداشتن تربیت صحیح دینی ـ همنشینی با دوست و رفیق منحرف . اگر بخواهیم همهء این عوامل را در یک کلام خلاصه کنیم , باید ـ بگوئیم که رعایت نکردن راه و روش زندگی و سنت های اسلامی در محیطخانوادگی و اجتماعی , چه در زمان کار و یا در ایام فراغت ـ موجبات پدید آمدن این انحرافات را فراهم خواهدساخت . هشدار: باید دانست که خطرناکتر از پیدایش حالت انحراف جنسی برای جوان , پس از آگاهی به پی آمدهای شوم آن ,یأس و ناامیدی است که در راه مبارزه با این عادت به خود راه می دهد. پس جوان به جای هرگونه سستی و یأس واضطراب بی فایده , باید با اعتماد کامل به نصرت الهی , اقدام به ترک آن کند و بداند که اگر واقعاً قصد ترک آن را داشته باشد, قطعاً موفق خواهد شد. بازگشت : جوان مبتلا به انحراف

جنسی با قدری همّت و یاری خواستن از خدا, به زودی می تواند از این رفتار نابهنجار ـ که ویرانگر سلامتی و سرمایهء جوانی اوست ـ دست بردارد و خود را از چنگال این عادت شوم نجات دهد و به زندگی عادی و پاک خویش بازگردد.(۲) در خاتمه باید گفت از آن جا که دخترها از عاطفه و لطافت خاصّی برخوردارند و خیلی زود تسلیم الفاظ یا کارانه و توخالی را می خورند, زودتر در دامهای بر سر راهشان می افتند و آسیب پذیرترندو این به آن معنا نیست که پسرها آسیب اخلاقی ببینند, بلکه پسرها نیز آسیب بزرگی از حیث ایمان و اخلاق و حتّی در صورت آشکار شدن این مسئله از حیث اجتماع می بینند, که موجب آبروریزی و هتک شخصیت آن ها است که قطعاً در آینده هر دختر نجیبی حاضر نخواهد شد با او ازدواج نماید. در پایان توصیه های برادرانه را به شما گوشزدمی نمائیم توصیه ها و مراقبت های لازم دختران جوان : دختر جوان باید خود را از محیطها و موقعیت های تحریک آمیز دور نگه دارد و از گوش دادن به موزیک های محرک و دیدن فیلم های فاسد اجتناب ورزد. ـ از پوشیدن لباس های تنگ و چسبنده , حتی در مقابل برادر وخویشان محرم خود هم خودداری می کند. ـ خود را از محیطی که مورد نگاه نامحرم است , دور نگاه دارد. ـ تخیلات و تفکرات خود را کنترل کند و بداند هر چه که به ذهن و اندیشه اش می گذرد, خداوند بر آن آگاه است . ـ بیکاری منشأتمام انحراف ها است , دختر جوان باید با یادگرفتن آشپزی , زمینهء موفقیّت آیندهء خود را فراهم سازد. ـ در جلسه های فرهنگی و مذهبی شرکت نماید و پرسش هایی که برایش پیش می آید مطرح کرده و پاسخ آن ها را بیابد ـ توجه داشته باشد که در ایام عادت ماهانه از ورزش های سخت و کارهای دشوار خودداری و از آب سرد و شنا در آن بپرهیزد ـ با دوستان مؤمن و خوب رفت و آمد و مجالست داشته باشد, حتّی المقدور سعی کند نمازها را در اوّل وقت به جا آورد. ـ قبل از خوابیدن حتماً وضو بگیرد و هنگام خواب سوره های (معوّذتین) و آیهٔالکرسی را با حضور قلب بخواند. ـ حتّی المقدور هفته ای یکبار روزه بگیرد, این عمل در تقویت اراده اش نقش بسزایی دارد. ـ از پرخوری وتغذیه مداوم از مواد مقوّی و گرم , بپرهیز, زیرا علاوه بر اختلال های جسمی , این نیروی اضافی محرّک میل جنسی است . ـ دختر جوان باید حریم محرم و نامحرم را حفظ نماید و از توقّف در محلّ خلوت با فرد نامحرم جداً دوری گزیند. ـ از شوخی و خندهء با نامحرمان خودداری کرده و در صحبت کردن با آنان مراعات جدّی بودن کلام را بنمایدوحالت و صدا را طوری نازک و ظریف نکند که موجب انحراف پسر جوان شود چنان چه قرآن مجید در آیه ۳۲سوره ءاحزاب به این مسأله اشاره کرده است . ـ جوان باید تمایلات و افکار خود را از توجّه به روابط نامشروع به روابطصحیح و مشروع و به سوی ازدواج و زندگی آینده معطوف سازد و بداند که دیر یا زود این ایام سپری خواهد شد و اودر آینده ای نه چندان دور باید به انتخاب همسری پاک بپردازد و در خود آمادگی های لازم را برای چنین زندگی سعادتمندانه ای که نیاز به سلامتی جسمی و روانی دارد, فراهم سازد.(۳) (پاورقی ۱.میزان الحکمهٔ, ج ۱ ص ۳۸۱ (پاورقی ۲.رضا فرهادیان , آنچه یک جوان باید بداند (ویژه دختران) ص ۷۱ـ ۷۷ (پاورقی ۳.رضا فرهادیان , آنچه یک جوان باید بداند (ویژه دختران) ص ۷ص ۸۲

چرا بعضی پسر ها و دخترها امروز عاشق کسی هستند و فردا عاشق کس دیگر؟

پرسش

چرا بعضی پسر ها و دخترها امروز عاشق کسی هستند و فردا عاشق کس دیگر؟

پاسخ

در پاسخ سؤال اوّل گفتیم که یکی از خصوصیّات دورهٔجوانی رسیدن انسان به بلوغ عشق ورزیدن، محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن است. عشق ورزیدن اولین گام در ایجاد ارتباطات اجتماعی و سپس تشکیل خانواده است. از این رو عاشقی کردن بسیاری از موانع در کنار جوانی کردن آمن است: سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد منتها باید توجه داشت که عشق ورزیدن در کنار نیاز به محبّت و نیاز به برطرف ساختن نیروی جنسی است و نباید در آن ها افراط کرد. متأسفانه بسیاری از عشق های امروزی از عنصر" هوس "نشأت می گیرند و هوس چیزی نیست جز غلبهٔ میل به ارضای شهوات بر میل دوست داشتن و عشق. از این رو، دختران و پسران امروز به جای توجه عمیق به مسایل مهم زندگی خویش، تنها در لایه ای سطحی از زندگی به تکاپو می پردازند و با مراودات و ایجاد ارتباطات متنوع، موقّت و بدون ظابطه به رواج بی بند و باری دامن می زنند. از سویی، از آنجا که این روابط در تعالی روح وجان ایشان تأثیر به سزایی ندارد و حتی گاهی اوقات به تخریب روانی می انجامد، دائماً شاهد گسسته شدن این روابط و تشکیل یک سری روابط دیگر هستیم. در این جا دوست داریم نظر شما را به این نکته جلب کنیم که مفهوم بی بند و باری و فساد تنها در" اعمال منافی عفت "خلاصه نمی شود. این را از آن جهت آوردیم که امروزه در جامعهٔ ما سخن از محسّنات" عشق آزاد "با عناوینی چون" عشق پاک"، "روابط خواهر برادری، "دوستی های مسالمت آمیز"، "روابط افلاطونی"، "ارتباط روحی "و ... گفته می شود و عدهٔ بسیاری این سؤال را دادند که مگر چه عیبی دارد ما این گونه با هم رابطه داشته باشیم؟ ما که گناهی نمی کنیم؟ یا مثلاً می نویسند که" دوست پسر من اهل نماز و روزه و هیئت و ... است و به خاطر همین مذهبی بودنش با او رابطه دارم!؟ ، این ها تمام از جنسِ لباس حق بر پیکر باطل پوشاندن است. فقط الفاظ با تربیت تر و کلیدی تر شده اند وگرنه تمامی آن ها تحت عنوان" روابط بدون ضابطه "می گنجد. البته شاید شما را این کلام ما خوش نیاید و گمان کنید که ما از سر تعصّب و تزیّد این کلمات را می گوییم، ولی می توانید مطمئن باشید که چنین نیست. علت این امر را در دو مثال و با دو بیان عرض می کنیم: ۱- بیان اوّل سؤالی است از شما و آن این که آیا دوست داری همسر فرضی آیندهٔ شما از این نوع عشق های افلاطونی و معاشرت های مسالمت آمیز با دیگری غیر از شما داشته باشد؟ همسر فرضی شما چطور؟ آیا او می پسندد از این عشق های پاک با دیگری داشته باشید؟ از این مثال می خواهیم این نتیجه را بگیریم که در جایی که فطرت و غیرت آدمی از کاری کراهت دارد و حاضر به تحمل آن نیست، چگونه می توان آن را در جامعه توصیه کرد و با هر عنوان زیبا یا زشتی و به هر بهانه ای به آن اقدام کرد؟! ۲- مسئلهٔ دوم: چرا این روابط پنهان است؟ اگر احیاناً آشکار باشد، از آن به" دریدگی "و" بی آبرویی "تعبیر می شود؟ اصولاً- مگر فرق میان ازدواج و این نوع روابط چیست؟ به نظر ما فرق این است که ازدواج به صورت آشکار و با ظابطه است و قانونی دارد که طبق آن مرد و زن دارای حقوقی مشخص می گردند و مسئولیت هایی نسبت به هم پیدا می کنند. در حدیثی زیبا از رسول خدا می خوانیم که" فرق میان زنا و نکاح در آشکار بودن آن است. "در کدام یک از این روابط خیلی پاک، حقوق عاطفی (بگذریم از مادی) دختران و پسران جوان رعایت می شود؟ مگر عاطفه، روح، علایق و اصلاً خود انسان لباس است که بپوشیم و اگر خوشمان نیامد دورش بیاندازیم و پی نفری دیگر برویم؟! در اطراف مشکلات روحی و روانی این گونه روابط سخن بسیار می توان گفت که مجال آن نیست. متأسفانه امروزه بسیاری از جوانان گمان می کنند که دستورهای اسلام کهنه شده و عمل به آن ارتجاع، کهنه پرستی و مقدس بازی است. در حالی که اسلام در قلمرو دستورها و تعالیم خود، سلامت روانی جامعه، سلامت روانی افراد و حقوق اجتماع را در نظر گرفته و اهتمام ویژه بر عدم تضییع این هرسه دارد. علت بسیاری از این روابط آزاد و متنوع که در جامعه می بینیم، عدم توجه افراد به پیامد ها و زمینه های افزایش این گونه روابط و عدم توجه شان به تضییع حقوق متقابل است. نتیجهٔ آن همین است که ما و شما در سطح جامعه مشاهده می کنیم.

چرا بعضی از مردم بد کارند؟

پرسش

چرا بعضی از مردم بد کارند؟

پاسخ

عوامل مختلف در فساد افراد دخالت دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱ – محیط ناسالم خانواده: اولین محیطی که زمینه انحراف را در فرد به وجود می‌آورد، خانواده است. تحقیقات و شواهد زیادی گویای این واقعیت است که بسیاری از منحرفان به خانواده هایی تعلق دارند که از نظر تربیتی ضعیف می‌باشند و مادر یا پدر منحرفی داشته‌اند. از پدر مشروبخوار و مادر بدکار فرزندان صالح کمتر بار می‌آد. یا در خانواده‌ای بوده که از محبت و تفاهم چندان خبری نبوده و یا از نعمت پدر محرم بوده است و یا مادرش طلاق گرفته و همواره شاهد درگیری و زاع‌های پدر ومادر بوده است. ۲ – محیط ناسالم مدرسه و محل زندگی: دوستان و اطرفیان نقش مؤثری در شکل گیری شخصیت انسان دارند. رفاقت با افراد منحفرف خواه ناخواه در گرایش آدمی به زشتی‌ها و پلیدی‌های اخلاقی وعملی مؤثر است . امام صادق(ع) می‌فرماید": آن که با دوست ناباب رفاقت داشته باشد، حتما آلوده می‌شود.("۱) ۳ – بیکاری: آن چه بیش‌تر جوانان را به انحراف می کشاند، بیکاری است، امام علی(ع) می‌فرماید... ": فراغت زیاد باعث تباهی می‌شود.("۲) ۴ – فقر: یکی از عوامل انحراف و بدکاری، فقر و تهیدستی است. امام علی(ع) می‌فرماید": فقر باعث نقصان دین، سراسیمگی عقل و برانگیختن خشم می‌شود.("۳) ۵ – ضعف ایمان: بسیاری از مفاسد اجتماعی ریشه در عدم التزام به اصول اسلامی دارد. کسی که ایمان واقعی نداشته باشد، به راحتی دست به جنایت و ظلم و تضییع حقوق دیگران می‌زند. پی نوشت‌ها: ۱ – بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۰. ۲ – ارشاد مفید، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۲۹۷. ۳ – نهج البلاغه، فیض الاسلام، قصار ۳۱۱.

علت خودکشی در جوانان چیست؟

پرسش

علت خودکشی در جوانان چیست؟

پاسخ

خودکشی امری ناپسند، مردود و زشت است. انسان عاقل حتی در بدترین وضع، با جان خود معامله نمی کندو آن را به بازی نمی گیرد، بلکه با صبر و متانت و توکّل به خدا از چنین مهلکه ای می گریزد. نداشتن هدف، تضعیف پایه های اعتقادی ناکامی و شکست در رسیدن به بعضی از خاسته ها، از دست دادن انگیزه، افسردگی بیش از حدّ و مزمن، نبود امید و توقعات بیش از حدّ از عوامل جدّی زمینه ساز برای خودکشی است. انسان های ضعیف النفس خودکشی را راه چاره می دانند. اینان دنیا را برای خود مکانی دائمی می پندارند و در صورت ناکامی و بروز مشکل، همه چیز را تمام شده پنداشته و برای فرار از آن به خودکشی روی می آورند واز این نکته غافلند که بعد از خودکشی در پیشگاه خدا با گناهی بزرگ و غیر قابل بخشش حاضر و به عذابی بزرگ

دچـار می شونـد و راه هر گونه بـازگشت و جبران را به روی خود بسـته می بیننـد. تقویت ایمـان و باورهای دینی و مطالعه در مورد قیامت و معاد می توانـد در جلوگیری از پوچ گرایی و تصـمیم های غلط، مؤثر باشـد. محققان معتقدند که ۸۳ درصد از جوانانی که فکر خودکشـی دارنـد، دچار افسـردگی هسـتند. با این حال اکثر جوانان افسـرده اقـدام به خودکشـی نمی کننـد. آشـکارترین دلایل خودکشـی نوجوانان، احساسات منفی و ناامیدی و از دست دادن کنترل خود است. احساس گناه شدید، احساس تنهایی و بی کسـی و بی پنـاهی، فقـدان حمـایت، ضـعف روانی برای تأثیر کام روایی، ناتوانی در کنترل فشارهای وارده، ناتوانی در کنترل احساسات و رشد نیافتگی و عدم آمادگی برای مقابله با مشـکلاتی که پیش روی نوجوان قرار می گیرد، مهم ترین دلایلی است که ممکن اسـت او را به فکر یا عمل خودکشـی وادار کند. ناامیدی و بی پناهی نوجوان ممکن است ناشی از وضع خانواده، مدرسه، همسالان و حتی شکست در عشق باشد.[۴] [۴] روزنامهٔ انتخاب، شمارهٔ ۹۶۳، تاریخ ۵/۶/۸۱.

با توجه به این که چپاول گران و سودجویان در شـهرها قیمت زمین‌ها و مصالـح ساختمانی را بالا می‌برنـد و جوانان نمی‌تواننـد برای خود سرپناهی داشته باشد، حال چه باید کرد؟ چرا علمای حوزه در این مورد کاری نکرده و نمی‌کنند؟

پرسش

با توجه به این که چپاول گران و سودجویان در شـهرها قیمت زمین‌ها و مصالـح ساختمانی را بالا می‌برنـد و جوانان نمی‌تواننـد برای خود سرپناهی داشته باشد، حال چه باید کرد؟ چرا علمای حوزه در این مورد کاری نکرده و نمی‌کنند؟

پاسخ

در خصوص جلوگیری از فعالیت‌هـای سودجویـان اقتصـادی، زمینه‌ها و راه کارهایی متعـددی وجود دارد که بایـد همه آنها مـد نظر قرار گیرد. ۱ - نظـارت عالمـان دینی یکی از راهکارهـای مهم، تـذکر و هشـدارهای عالمـان دینی است که هم بایـد به سود جویان اقتصـادی صورت گیرد و هم به مسـئولان نظام. به نظر می‌رسـد حوزه علمیه و عالمان دینی در انجام وظایف خود مبنی بر هـدایت و اندرز سودجویان تا اندازه‌ای موفق بوده‌اند، زیرا بارها حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید، مسـئولان نظام را به رفع مشـکلات اقتصدی و اتخاذ سیاست‌های راهبردی در خصوص جلوگیری از فعالیت برخی از سودجویان فراخوانده‌اند، به برخی از سودجویان اقتصادی نیز با بیان احکام الهی و صـدور فتواها، هشـدار داده‌اند. همچنین عالمان دینی به مسـئولان نظام در خصوص گران شدن زمین و اشـتغال جوانان تـذکر داده‌انـد و برخی از موارد، راهکارها را نیز ارائه نموده‌اند. ۲ - سـیاست‌های درست اقتصادی جلوگیری از گران شدن زمین و مصالح ساختمانی نیاز به سـیاست‌های اقتصادی مفید و تصـمیم‌گیری کلان دارد و تنها با تذکر عالمان دینی این مشـکل حل نمی‌شود. بایـد مسـئولان نظام سـعی کننـد با بهره‌گیری از هـدایت و مبانی عالمان دینی و سازکارهای مفیـد و کارآمد، جلو افزایش قیمت زمین و مصالـح ساختمـانی و تورم را بگیرنـد، البته دولتمردان جمهوری اسـلامی ایران در خصوص رفع مشـکلات اقتصادی و جلوگیر از فعـالیت سودجویـان، از برخی اهرم‌ها و استراتژی‌ها بهره گرفته‌انـد، ولی امیـد است هم عالمان دینی و هم دولتمردان نظام در خصوص مشکل مردم - بویژه جوانان فعالیت‌های بیشتری انجام دهند.

چرا برخی از افراد با وجود داشـتن زن و فرزنـد به دنبال ناموس مردم می‌روند، درحالی که پیامبر فرمود: ازدواج کنید تا به فساد کشـیده نشوید؟

پرسش

چرا برخی از افراد بـا وجود داشـتن زن و فرزنـد به دنبـال نـاموس مردم می‌رونـد، درحـالی که پیـامبر فرمود: ازدواج کنیـد تا به فساد کشیده نشوید؟

پاسخ

ازدواج سـهم بزرگی در کنـترل غریزه جنسـی و پیشـگیری از فسـاد در جـامعه دارد. رسول اکرم(ص) حفـظ نیمی از دین را در گرو ازدواج دانسته‌اند،(۱) ولی این سخن به معنای آن نیست که با ازدواج، فساد از جامعه رخت بر می‌بندد، زیرا فساد و بی بند و باری و گناه، معلول عوامل مختلفی است. ازدواج زمینه عفت عمومی و پاکـدامنی را فراهم می‌کنـد، ولی علت تمام و کافی برای آن نیست. اگر کسـی با وجود داشـتن همسـر و فرزند باز به فکر شـهوت رانی است و به دنبال ناموس مردم است، علت آن را باید در شخصیت فرد و طرز تربیت خـانوادگی و محیـط اجتمـاعی و دوسـتان نـا اهـل وی جسـتجو کرد. چه بسـا افرادی به عادت ناپسـند چشم چرانی خـوگرفته و آن گنـاه بـه صـورت ملکـه (عـادت) درآمـده اسـت و خـواه نـاخواه به نـاموس دیگران نگـاه می‌کننـد، بـا آن که غریزه جنسـی‌شان ارضا شـده است، یا افرادی اراده ضـعیفی دارنـد و نمی‌توانند نگاه خود را کنترل نمایند، یا این که زیاده خواهی و هوای نفس و شـهوت در او قوی بوده و نتوانسـته آن را کنترل نماید و یا خانواده و دوسـتان او را به این سـمت و سو کشانده‌اند. در بعضی موارد مرد از نظر جنسـی تـأمین نشـده و به خواسـته‌های خود نرسـیده و بـا نگـاه به نـامحرم خود را ارضـا می‌کنـد. پی‌نوشت‌هـا: ۱ - سفینةالبحار، ج۱، ص ۶۵۱.

راه مبارزه با علل انحراف چیست ؟

پرسش

راه مبارزه با علل انحراف چیست ؟

پاسخ

بـا توجه به تنوع و گونه گونی علـل و عوامـل انحراف , روشن می شود که مبارزه وبرخورد با هر یک از آنها شـیوه خاص و محل و شرایـط ویژه ای می طلبـد مثلاـ علـل روانی واخلاـقی را بایـد بوسـیله تربیـت صـحیح و تـوجه بـه ضـررهای مـترتب بر آنهـا , و برای جلوگیری از تـاثیر سوء عوامـل اجتمـاعی علاـوه بر جلـوگیـری عـملی از بروز چنین عواملی , می بـایست فرق بین نـادرستی دین با نادرستی رفتار دیـنداران را روشـن سـاخـت و نـیـز برای جلوگیری از تاثیرات سوء عوامل فکری باید شیوه های مـتـنـاسـبـی را اتخاذ کرد از جمله اینکه عقاید انحرافی را از عقاید صـحیح تفکیک کرد وو از بکار گـرفـتن اسـتدلالات ضعیف و غیر منطقی برای اثبات عقاید دینی اجتناب ورزید و نیز باید روشن کرد که ضعف دلیل نشانه نادرستی مدعی نیست .

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

پرسش

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد، افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

پاسخ

مشکل اعتیاد بلای خانمان سوزی است که ناشی از فقر فرهنگی و بیکاری است . ما و شما بایدتلاش کنیم که با آگاه کردن جوانان و خانواده های آنها پوچی و بی هدفی ولاابالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشنا سازیم . شمامی توانید با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صحیح با آنها وراه اندازی مکان های فرهنگی - تفریحی و مذهبی خوب و جذاب و برگزارنمودن مجالس مذهبی و دعوت اهالی ، جوانان را جذب کرده و خلاهای فکری و فرهنگی آنها را پر نموده آنها را به فکر اشتغال مناسب و مفید و فعال بودن در جامعه بیاندازیم و از بیکاری و بیهودگی و هدر رفتن وقت آنهاجلوگیری کنیم و از طرف دیگر با شناسایی افراد فاسد و سودجو وجنایتکار که جوانان رامنحرف می کنند و معرفی آنها به نیروهای انتظامی ومراکز قضایی و ضابطین آنها جلوی گسترش فساد را بگیریم و زمینه را برای پاک بودن جوانان فراهم سازیم . به هر حال ؛ ارایه الگوهای صحیح، گسترش فرهنگ دینی ، هدفمند کردن جوانان در زندگی ، فراهم کردن اشتغال مناسب ، ایجاد ارتباط و دوستی صمیمانه و صحیح، فراهم کردن امکان مطالعه و پیشرفت و تفریحات سالم ، سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیادنجات بخشد .شما باید خود در حد توان و امکاناتی که در اختیار دارید بابکارگیری راه های فوق الذکر به این هدف ایده آل دست یابید و بدانید که این کار فعالیتی بس مشکل و در عین حال سرشار از ثواب و پاداش است ودنیا و آخرت شما و دیگران را آباد می سازد .لازم است با ذوق و سلیقه وپشتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارایه شده استفاده کنیدو هرگز احساس خستگی و ناتوانی نکنید .به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوید و آنها را جذب کنید تا جذب مراکز فساد نشوند .لذا ایثار و ازخود گذشتگی تنها سرمایه این کار است که می تواند شما را به هدف برساند .در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشی مدبرانه شما عزیز دانشجوتقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار خطیر موفق باشید.

چه راه هایی برای جلوگیری از منکرات اخلاقی و اجتماعی یک فرد پیشنهاد می کنید؟

پرسش

چه راه هایی برای جلوگیری از منکرات اخلاقی و اجتماعی یک فرد پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

مساله ای را که مطرح فرمودید بسیار تاثر برانگیز و موجب تاسف فراوان است . از اینکه احساس مسیولیت نموده و به فکر راه حل

مناسبی برای آن هستید خوشحالیم . انشا الله خداوند شما و همهً کسانی که قصد خدمت به دین و نهادهای مقدس دینی و انقلابی را دارند موید فرماید .در امور پنهانی ومخفی اولین قدم آن است که باید علم و یقین به مساله پیدا کنید و به صرف احتمال و سو ظن اکتفا کنید (اگر چه اینگونه مسایل در ارتباط با بسیج و مسجد که مکانهای مقدسی هستند از چنان حساسیتی برخوردار است که حتی با احتمال در معرض اتهام بودن فرد نیز باید از آن جلوگیری کرد ومانع حضور چنین افرادی گردید لیکن نه با آبروریزی و اتهام بلکه با روشی مناسب و محترمانه) بلکه باید شواهد قطعی و یقینی برای آن داشته باشید .چنانچه در این حد نمی توانید شواهد قطعی ارایه کنید لازم است بامسوولین بالاتر بسیج که احتمال همدستی با ایشان را ندارند مساله را ابتدابه صورت غیر حضوری یعنی به صورت نامه یا تلفن مطرح کنید و کار تحقیق در این زمینه را با خود آنها واگذار نمایید تا خودشان اقدام کنند .اگر دیدیدنتیجه نداد و ایشان به فسق خویش ادامه می دهند باید با تدارک اسنادقطعی و شواهد یقینی و جمع آوری شاهدان عینی به مراجع ذی صلاح از ایشان شکایت کرده و به هر نحو ممکن جلوی این منکر و فساد را بگیرید و نوجوانان بی پناه را از افتادن در این دام نجات دهید .باز هم تذکر می دهم چنانکه بر اساس حرف دیگران و بدون شواهد عینی به این نتیجه رسیده اید لازم است ابتدا دربارهً قضیه خوب تحقیق کنید .چه بسا ممکن است این مسایل شایعاتی باشد که افراد مغرض برای بد نام کردن بسیج به آن دامن می زنند .اما اگر خود عینا "شاهد قضیه بوده اید و یا شواهد و قراین کافی برای آن دارید وظیفه شرعی شما آن است که از طریق صحیح و کم مفسده ترجلوی این منکر زشت و نا پسند را بگیرید و راه آن هم جمع آوری اسناد گویامانند شهادت افرادی که به وقوع دقیق جرم شهادت می دهند (ضبط آنها) تهیه عکس و یا فیلم – اقرار افرادی که مورد استفاده قرار گرفته اند (ضبطحرفهای آنها بصورت مفصل و تشریح شده) ، در مرحله بعد گزارش ابتدایی بصورت تلفنی ، نامه به مسیولین رده بالاتر و در صورت ترتیت اثر ندادن ارسال نامه به رده بالا و بالاتر و ارسال عکس و یا فیلم به مسوولین) . درعین حال در صورتی که نسبت به مساله یقین دارید و می توانید نام و آدرس پایگاه را همراه با نام و مشخصات دقیق مسوول یاد شده به این واحد ارسال کنید، تا به طور محرمانه مساله پیگیری شد .در پایان مجددا "توفیقات روزافزون شما را از درگاه حضرت حق خواستار و به دقت نظر و خیرخواهی شماآفرین می گوییم امید داریم که حساسیت دینی شما با دقت و تدبیرعقلایی ؟؟؟؟؟ همراه باشد؛.

علّت گرایش شدید به فساد و بی بندوباری در کشورهای صنعتی و پیشرفته چیست؟

پرسش

علّت گرایش شدید به فساد و بی بندوباری در کشورهای صنعتی و پیشرفته چیست؟

پاسخ

فروید در کتابی گفته بود سرنوشت آدمی تابع تشریح اوست. این کلام فروید در عین خوبی یک اشکال اساسی داشت. او باید می گفت سرنوشت آدمی تابع تشریح صحیح اوست. آنها انسان را ناقص و محدود تشریح کردند. همین فروید نابهنجاریهای رفتاری را در انسان فقط معلول سرکوبی میل جنسی دانست و به همین دلیل آزادی آن را توصیه کرد. همانطور که افراط در محرومیّت در تاریخ اخلاقی غرب محکوم بود. این توصیه بیمارگونه نیز باعث از هم گسیختگی روابط اخلاقی و عفت عمومی شد. چنانکه یکی از جامعه شناسان غربی گفته است. برای تثبیت عقیده فروید بیست سال کوشش شد. امّا برای جمع آوری آثار مخرب آن دویست

سال کار لازم است. انسان ابعاد وسیع و ناشناخته ای دارد که تنها تأمین کننده جامع آن دین و آموزش های انبیاست. و تحلیل صحیح نیز از خالق و آفریننده او صادر می شود. ۲. آن بینش غلط، جهت گیری اجتماعی و سیاسی غلط دیگری را شکل داد که نظامهای حاکم اخلاق در سیاست را کنار نهادند و در نتیجه در برنامه ریزی آنان مبانی اخلاقی ضعیف شمرده شد. ۳. نقش فرقه صهیونیست که عقاید ویژه آنان سیاست ناپاکی را نتیجه می دهد قابل تأمّل و مطالعه است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲ـ

اگر کسی باعث انحراف دیگری شد، راه جبران آن چیست؟

پرسش

اگر کسی باعث انحراف دیگری شد، راه جبران آن چیست؟

پاسخ

شخصی که باعث انحراف شخص دیگری شده، ابتدا باید توبه کند که دیگر مرتکب آن انحراف نشود. سپس بر او لازم است که شخص منحرف شده را چنانچه زنده است و دسترسی به او دارد، باید به او آگاهی دهد و او را از آن انحراف باز دارد. پس از آنکه آن شخص آگاهی به انحراف پیدا کرد و فهمید که ارتکاب آن گناه است، وظیفه انسان انجام شده است. این آیه قرآنی بر این وظیفه دلالت دارد که: «الا الذین تابوا و اصلحوا(؛۱) کسانی که توبه کرده و کاستیهای گذشته و خطاها را اصلاح کنند، توبه شان مورد قبول واقع می شود». (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ - سوره بقره، آیه ۱۶۰. ـ۴ـ

چرا در جامعه ما بی حجابی گسترش یافته است ؟

پرسش

چرا در جامعه ما بی حجابی گسترش یافته است ؟

پاسخ

در خصوص سؤال شما دوست عزیز باید عرض کنیم آنچه بیشتر جامعه ما مبتلا ـ به آن است بد حجابی است نه بی حجابی با این تصحیح کوچک در سؤال شما ، باید گفت که مسأله بد حجابی از معضلات کنونی جامعه است. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه های تاریخی مسأله که بگذریم ، متأسفانه خود باختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را در جامعه دیده اید . البته با وجود آنچه نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات، نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام

کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد . ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی . هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات بسیاری از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است ، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب ، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. نکته دیگر این که متأسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی کشور در زیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قرار دارند و لغزیدن به سمت شهوت و بی بند و باری نیز کار آسانی است ؛ چرا که حرکت در سراشیبی سقوط است ، ولی بالا رفتن از قله و کمال یابی ، کاری دشوار است. از سوی دیگر در حال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند و این نیز خود مزید بر علت شده است. این نکته را هم فراموش نکنیم که بد حجابی از میوه های شجره خبیثه فساد و بی بند و باری است ، اگر مسئولین امور نیز مدتی به صورت قهری و جبری با این مقوله برخورد کنند گرچه برای دوره ای کوتاه افراد شئونات اسلامی و اجتماعی را رعایت می کنند اما این حالت پایداری نیست و بعد از مدتی دوباره این گونه هنجارهای رفتاری به شکل دیگری در جامعه ظهور و بروز می کند . مانند بیماری که برای معالجه غده سرطانی خود نیاز به اطاق عمل و جراحی داشته باشد ، اما پزشک او مرتب به جای برداشتن غده و علت دردش برایش مسکّن تجویز کند. بهترین درمان برای معالجه مرض بدحجابی در جامعه مبارزه با عوامل و ریشه های این جریان است که آن تهاجم فرهنگی غرب به سر کردگی آمریکا _ سنبل و نماد استکبار جهانی_ است. امید است غیرت و حمیّت اسلامی ، در افراد متدیّن فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راهکاری مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند و باری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم. برادر عزیز ! زندگی در جامعه سالم و مدینه ای فاضله آرزو و آرمان همه بندگان خداست ؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوا پیشگان همواره در چه شرایطی سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه بر نداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار ، یعنی مبارزه با فساد وتباهی و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابر این به جای یأس و نومیدی و گوشه گیری از فعالیتهای جمعی در مساجد ، از خون شهیدان پیام بگیریم وبا تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری بپردازیم . و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشیم. در این صورت خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهیم شد. (ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم). علاوه بر موارد و عوامل فوق ، بی توجهی نسبت به مفاسد اجتماعی ، دلایل مختلفی می تواند داشته باشد . از جمله طبیعی شدن موضوع به خاطر کثرت آن مانند همین پدیده بد حجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم بر خورد قاطع ارگانهای مسؤول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفاسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن خود افراد و ضعف ایمان، در هر حال برای مؤمنین در هر شرایطی امر به معروف و نهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راستا باید از اطلاعات کافی در شناخت معروف و منکر و نحوه انجام آن برخوردار باشد. به فرمایش شهید مطهری (ره) امر به معروف و نهی از منکر از پند شروع می شود و به بند ختم می شود ولی فاصله پند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت آنها مؤثر واقع نشد باید از بند استفاده کرد اما متأسفانه عده ای فکر می کنند اولین وسیله برای برخورد وامر به معروف و نهی از منکر توسل و استفاده از بند است. ۱ * برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها www.nahad.net

چرا اینقدر آمار معتادین بالا رفته است؟

پرسش

چرا اینقدر آمار معتادین بالا رفته است؟

پاسخ

سوز و گداز و دلسوزی شما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می کنند و آنرا یادآوری می‌شوند. بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسیار پیچیده و گسترده است. متأسفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می کند. مسئولان کشور در مراحل و تقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده‌اند و تاکنون سرمایه‌های زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدیده زشت مواد مخدر از بین رفته است. چه بسیار انسانهای خدومی که در مقابله با اشرار مسلح و قاچاقچیان حرفه‌ای بین المللی به شهادت رسیده‌اند، چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شده ولی تولید و انتقال مواد و پیچیدگی موضوع و ابعاد بین المللی آن آنقدر زیاد و گسترده و حجیم بوده است که این تلاشها و زحمات و خدمات نمود و بروز جدی و چندانی نداشته است ولی تصور کنید اگر این اقدامها صورت نمی گرفت آیا حالا می‌توانستیم حتی با ذره‌بین هم افراد غیر معتادی پیدا کنیم، بعید بود! مواد مخدر تأمین کننده دنیای بسیاری از افراد دوست با درآمد کلان آن کشور افغانستان اداره شود. این مواد خانمانسوز یکی از ابزار مهم و عمده استعمار و استکبار برای مقابله نسل جوان مسلمان و ایرانی است. دشمنان با استفاده از آلوده کردن جوانان و مردم کشور ما می‌خواهند جامعه ما را به تباهی و نابودی بکشانند ولی با همه هجوم گسترده و بین المللی بسیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته‌اند خوشبختانه نتوانسته‌اند به اهداف پلید خودشان نایل آیند. با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه‌ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانمان‌برانداز را کاهش بدهیم. البته مقابله با اعتیاد و مواد مخدر تنها با یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست. حل مشکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه‌ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم بروند و آن چنان قبح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباحت و زشتی بکنند. قبیح بودن مصرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می‌شود وگرنه از عهده یک یا چند دستگاه ساخته نیست.

دلیل ابتلای جوانان به اعتیاد چیست ؟

پرسش

دلیل ابتلای جوانان به اعتیاد چیست ؟

پاسخ

اعتیاد دارای زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی است؛ از جمله: ۱ـ تقلید کورکورانه از افراد معتاد؛ ۲ـ تخیل بزرگی و رشد؛ ۳ـ رفت

و آمد با افراد ناباب و معتاد؛ ۴ـ سرخوردگی‌ها و مشکلات روحی.{]

چرا ما مردم مسلمان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

پرسش

چرا ما مردم مسلمان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

پاسخ

در این پرسش چند موضوع دقیق نهفته است ۱. یکی از علتهای ایجاد این پرسش، تصور ناصحیحی است که از اخلاق غریبان داده شده دروغ نمی گویند و... در حالی که حقیقت این نیست . نظام حاکم بر آن جامعه و نظارت های الکترونیکی در خیابانها، فروشگاهها و محل کار، اخلاق امانتدارانه را تحمیل می کند و هیچکس نمی تواند به راحتی خطا کند چنانکه اگر کسی در خیابانها از چراغ قرمز رد شده و یا تخلفی دیگر انجام شود به چشمهای الکترونیکی کنترل و ضبط شده و خلافکار تنبیه می شود. پس این اخلاق زیربنای صحیحی ندارد و از ارزش اخلاقی که با اراده . تصمیم و انتخاب شخص مشخص می شود، برخوردار نیست. دلیل روشن آن دریکی دو دهه گذشته دو ساعت برق در نیویورک می رود و بدترین دزدیها و تجاوزها انجام می شود که جریان مستند است . البته هیچگاه رفتارهای خوبی را که آنان دارند منکر نیستیم ۲. در ضمن آنکه به بدی بسیاری رفتارهای ؟؟؟ اعتراف داریم اما باید توجه کنیم فرهنگ اسلامی عقاید زیربنای متین و محکمی را به مسلمان ارائه می دهد که بر اساس آن زیباترین جلوه های راستی و صداقت شکل می گیرد. اما شیطان که دشمنی قسم خورده انسان مؤمن است برای تخریب عقیده ها اقدام می کند وقتی نتوانست ریشه را بزند سراغ اعمال می رود سراغ میوه ها می رود و ؟؟؟ را فاسد می کند. در حالی که آن فرد بی اعتقاد و با فساد عقیده در ؟؟؟ خود شیطان است. دلیلی برای وسوسه او نیست. ؟؟؟ این مسئله را زمانی شاهد می شویم که تصمیم بر اصلاح خویش می گیریم . در آن زمان ـ۳۸ـ هجوم شیطان و وسوسه ها گسترده تر می گردند. ۳. اگر برای اصلاح رفتار انسان از مکانیزم مکتبی کمک نگیریم و کنترل و نظارتها مثل امر به معروف و نهی از منکر ترک بشود، چنین فجایع اخلاقی گسترده تر می شود. در حالی که اگر غربی این ساختار دفاعی را ندارد، کنترل و نظارت الکترونیکی و قانونی را اعمال می کند. ۴. فراموش نکنیم در همین جامعه ای که ما از آن شاکی هستیم بسیاری مشکلات اخلاقی هست که باید دقت کرد و دید. و از فسادهای گسترده پنهان و پیدای غرب نیز نباید غافل شد. گزارش های خارجی چیزهای دیگری می گویند. ۵. راه نجات همانا گسترش و تقویت ایمان و اعتقاد و نظارت های مکتبی و قانونی می باشد که به قاطعیت محتاج است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳۹ـ

برای چه اینقدر جامعه خراب است؟ به خاطر این پسرهای ابله نمی توان به تنهایی جایی رفت؟

پرسش

برای چه اینقدر جامعه خراب است؟ به خاطر این پسرهای ابله نمی توان به تنهایی جایی رفت؟

پاسخ

ازنوع‌سؤالی‌که مطرح‌کرده ایی، معلوم می شود که اگر چه جوان هستی، ولی همانند برخی از دختران، تمایلات جوانی و حیوانی برای تو اصل قرار ندارد، بلکه به معنویت وعفت و پاکی و کرامت زن می اندیشی. درود بر تو دختر عزیز و آزاده و پاک و عفیف. دختر نازنیم، آزاده خانم، توصیه می کنم با مطالعه برخی کتابها، سطح آگاهی و دانش خودت را افزایش بده، تا نسبت به این مباحث و علل و عوامل پیدایش آن آگاهی پیدا کنی، در پایان پاسخ، چند نمونه کتاب برایت معرفی شده است. تغییر جوامع از سنتی به مدرنیته، تغییرات اجتماعی و رفتاری خاصی را به دنبال آورده است. در جوامع سنتی روابط خانواده ها و افراد، نوع معاشرتها، نوع زندگیها، خورد و خوراک، مسکن و پوشاک، بکلی با جامعه مدرن متفاوت بود. منازل به شکل خاصی ساخته می شد، که حتی اگر درب منزل هم باز بود، و اعضای خانه بدون پوشش مناسب بودند، هیچ کس نمی توانست آنها را ببیند. ولی مسکنهای امروز به نحوی است که اگر پرده جلو درب منزل یا پنجره ها کنار برود، از خیابان و کوچه هر آنچه درون خانه است، مشاهده می شود. به تعبیر فیلسوف شهیر فرانسوی، ویل دورانت، خانه ها تبدیل به زندان (آپارتمان) شده است. اعضای خانواده که همگی به نحوی مشغول کار و تلاش بودند، از دایرهٔ فعالیت و کار کنار ماندند، و پدر به تنهایی مشغول به کار شد، و بقیه مصرف کردند. مادران که اوقاتشان بیشتر صرف رسیدگی به فرزندان و خانه می شد، به کارخانه و اداره رفتند، و بچه ها به کودکستان، و ... . و در نهایت شرایط سیاسی، اجتماعی، معاشرتها، آداب و رسوم و ... ، با تشکیل شهرها و ایجاد شغل های جدید تغییر کرد، و متناسب با تغییرات و تحولات جدید، ساز وکارهای متناسب معنوی در جوامع ایجاد نشد، و از سوی دیگر، کشورهای غربی با راه اندازی رنسانس انقلاب علمی و صنعتی، تلاش کردند برخی مفاهیم را در جامعه پیاده کنند، و پایه های اخلاق، انسانیت، معنویت و تمایلات فطری و ... را متزلزل سازند. تا جامعه ای سکولار و مبتنی بر اخلاق سودانگارانه بسازند. بنابراین بخشی از مشکلاتی که امروزه گریبانگیر آن هستیم، محصول تمدن جدید و زندگی مدرن غربی است، که با جامعه مذهبی ما ناسازگار است. بسیاری از اموری که از دیدگاه ما قبیح و زشت است، در جوامع غربی هیچ قباحت و زشتی ندارد. اگر جوامع شرقی و اسلامی و حکومتهایش می توانستند تمدن جدید غربی را متناسب با شرایط مذهبی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه خودشان بازسازی کنند، امروزه کمتر دچار معضلاتی بودیم که امثال شما دختران جوان و خوب و نیک سیرت جامعه از وجود آن رنج می برید. نکتهٔ دیگر این است که نزاع بین حق و باطل، پاکی و آلودگی و نور و ظلمت در همهٔ دوره های تاریخ وجود داشته و خواهد داشت. حتی در عصر رسول اکرم(نیز وجود داشته، و در عصر امام زمان(نیز وجود خواهد داشت. آنچه ممکن است تفاوت داشته باشد، میزان و مقدار آن است. در برخی دوره ها ممکن است حتی غلبه و جلوه بیشتری داشته باشد، و در برخی دوره ها و زمانها جلوه اش کمتر باشد. دختر خوبم، نگرانی شما بجا و حق است، ولی حتماً به این نکته نیز توجه داری که افراد مبتذل و پست فطرت، همیشه در جوامع وجود داشته و خواهند داشت. وحتی کسانی که افراد خوبی هستند، ممکن است فریب شیطان را بخورند.در عصر پیامبر(، آن حضرت فردی را برای مراقبت از ناموس مجاهدان، در مدینه گمارد. آن فرد شبانگاه تصمیم گرفت از بام منزل یکی از صحابه، به منزل او برود. وسوسه شیطان نزدیک بود او را به بزرگترین گناه آلوده کند (خیانت به برادر دینی خودش، و بی عفتی و بی حرمتی به ناموس برادر مؤمن خودش، که او را امین می دانست.) در عصر ما هم افراد رذل و پست هستند. آنچه ضرورت دارد این است که همهٔ مسؤولان و متولّیان امرتأمین امنیت، و همهٔ صاحبان قلم و اندیشه و تریبون و رسانه ها، موظفند برای افزایش ضریب امنیتی شهروندان، تلاش و مجاهدت نمایند. عامل دیگر ابله شدن پسران نیز متأسفانه بی عفتی برخی از دختران نوجوان است، که از مسیر پاکی و صداقت و طهارت نفس خارج شده، زمینه تعرض پسران بدکاره را به دختران(اعم از خوب وبد) فراهم می سازند. دختران خوب و نیک همانند شما باید با همنوعان خودتان، با روشهای درست و صحیح و با ترویج ارزشهای والا، این عروسکها را به مسیر

صحیح و درست راهنمایی کنند. یادآوری این نکته نیز ضروت دارد که تنها با برخورد فیزیکی و استفاده از اهرم زور و قدرت، نمی توان معضلات فرهنگی و اجتماعی را از میان برد، و یا میزان آن را کاهش داد، بلکه تلطیف فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه، فقط و فقط با شیوه ها و ابزارهای درست فرهنگی و اجتماعی، و با استفاده از تکنیکها و یافته های علمی میسر است. امیدواریم شما عزیز گرانقدر، در ایفای نقش و رسالت فرهنگی و اجتماعی خویش، بیش از پیش موفق باشی. و سایر دوستانت را نیز به این مسیر بکشانی. البته گام زدن در این مسیر، نیازمند همت و تلاش مجدانه و فراگیر، روش ها و آگاهیهای متنوع در شناخت انسان و ویژگیهای او، و نیز روشهای تربیت و تأثیرگذاری است. به عنوان نمونه چند کتاب زیر را جهت مطالعهٔ شما دختر خوبم معرفی می کنم : ۱. تعلیم و تربیت اسلامی، شهید مطهری ۲. لذات فلسفه، ویل دورانت ۳. گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات ۴. اخلاق جنسی، شهید مطهری ۵. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری ۶. آیین بهزیستی اسلام(۴جلد)، دکتر صبور اردوباری فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، حدّاد عادل

چند وقتی است نسبت به اعتقادات و اصول دچار شک و تردید شده ام مانند اینکه چرا خدا رامی پرستیم و نماز می خوانیم و بسیاری مسائل دیگر دلیل این شک و تردید ها چست. و راه حل آن کدام است.

پرسش

چند وقتی است نسبت به اعتقادات و اصول دچار شک و تردید شده ام مانند اینکه چرا خدا رامی پرستیم و نماز می خوانیم و بسیاری مسائل دیگر دلیل این شک و تردید ها چست. و راه حل آن کدام است.

پاسخ

مهم‌ترین محورهای مطرح شده در نامه شما، عبارت است از: ۱ـ شک و تردید در همه چیز: توحید و... ، ۲ـ دلتنگی و اضطراب و اندوه مداوم، قبل از پرداختن به موضوعات، لازم است این نکته را یادآور شویم که «شک و تردید مقدمه‌ای برای رشد و کمال فکری است». بنابراین از بروز آن نباید نگران بود. شک و تردید انگیزه‌ای است که موجب تلاش فکری می‌شود و آدمی را از نقاط تاریک، به وادی نور و روشنایی سوق می‌دهد. پس باید از این انگیزه استقبال کرد و در جست و جوی راه کارهای مناسب جهت حل مشکلات بود. البته اگر آدمی تسلیم تردیدها بشود و برای رسیدن به حقیقت تلاش نکند، بدیهی است که در گرداب اوهام و تردیدهای خویش غرق خواهد شد. بنابراین از بروز این حالت ـ که تقریبا مسأله‌ای متناسب با سن شماست ـ نگران نباشید و با برنامه‌ای منظم و حساب شده، به رفع تردیدها و کشف حقیقت بپردازید. ریشه اضطراب و دلتنگی شما را نیز در همین حیطه باید جست و جو کرد. می‌دانید که فطرت آدمی حقیقت طلب است و تا آن را نیابد، آرام نمی گیرد. به گفته مولوی : کز نیستان تا مرا ببریده‌اند از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش آدمی آن روز آرام می گیرد که جرعه‌ای از زلال حقیقت بچشد و حلاوت آن را در دل خویش احساس کند. حال چگونه باید حرکت کرد تا این تردیدها برطرف شده و جای خود را به اطمینان بدهد. به گفته بزرگان برای کشف حقیقت و وصول به آن، دو کار لازم است: ۱ـ سیر فکری و عقلانی، ۲ـ تهذیب نفس و صفای باطن. در مقوله اول باید به تفکر منظم و مطالعه مناسب روی آورد. شما بهتر است دفتری را به مجموعه عقاید خود اختصاص داده و هر فصل را پس از تحقیق و تأمل و نتیجه گیری، به اتمام رسانده و به فصل دیگر بپردازید. از هر کجا که می‌خواهید شروع کنید، ولی بهترین شروع از

خداست. آیا می‌توان درباره قدرتی بزرگ و شعوری لایزال ـ که جهان بر محور آن در حرکت است ـ تردید نمود؟ و اگر خدایی هست چرا یکی باشد؟ آیا نظم و هماهنگی شگفت‌انگیز هستی تردیدی در یگانگی طراح و خلاق این عالم باقی می‌گذارد؟ این مختصر گنجایش بیان همه آنچه که در باب خداشناسی است را ندارد لذا توصیه می‌کنیم در این زمینه با تعمّق و تفکّر منظم، به مطالعه کتاب‌های زیر بپردازید: ۱ـ اثبات وجود خدا احمد آرام ۲ـ بهترین راه شناخت خدا محمدی ری شهری ۳ـ اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵ شهید مطهری ۴ـ خدا در قرآن شهید بهشتی ۵ـ آفریدگار و آفریده ناصر مکارم ۶ـ راه خداشناسی جعفر سبحانی مطالعه دقیق و منظم این کتاب‌ها و بیش از همه تفکر درباره هستی و پدیده‌های آن، شما را به این نتیجه خواهد رساند که جهان خدا دارد و اگر دارد یکی بیش نیست. البته نباید انتظار داشته باشید که پس از این مرحله، یقین کامل برای شما حاصل شود؛ زیرا تحصیل یقین راهی دشوار در پیش دارد که پس از طی آن، می‌توان به درجاتی از آن نائل آمد؛ ولی در این مرحله «اطمینان» قابل حصول است. پس از این مرحله، باید قلب و دل را صفا داد تا نور حق در آن تجلی یابد. تخلق به اخلاق کریمه، پرهیز از رذایل و مراقبت از نفس، زمینه را برای اشراق نور حق فراهم خواهد ساخت. ایمان و اطمینانی که از این طریق به دست می‌آید، به مراتب بالاتر از آن حدی است که در سیر عقلانی و فکری حاصل می‌گردد. برای اثبات تلازم فطری بودن و صدق یک چیز راههای مختلفی وجود دارد یکی از آن روشها که برهان زیست شناختی نامیده می‌شود این است که گرایشات درونی و ذاتی انسان ربط دهنده درون و عواطف انسان با جهان خارج و واقعیات عینی است یعنی اگر مثلا کسی احساس تشنگی و اشتیاق به آب می‌کند در متن واقع آبی وجود دارد که شبیه جذبه مغناطیسی از درون انسان را به سمت خود فرا می‌خواند از این طریق می‌توان قیاسی اینچنین ترتیب داد: ۱) خداشناسی و خداجویی فطری و طبیعی است. ۲) در برابر هر امر ذاتی طبیعی واقعیتی در خارج هست. ۳) خدایی واقعی وجود دارد. شبیه چنین استدلالی از نظر فلسفی نیز وجود دارد زیرا گرایش و کشش از امور تعلقی و ذات اضافه طرفینی است و حقایق اضافی و نسبی تقومشان به طرفین نسبت و تعلق است و بدون آنها امکان وجود ندارند. در عرفان نیز استدلال مشابهی وجود دارد و گویند « عشق فعلی بدون معشوق فعلی محال است » سیر این استدلال همان ماهیت امور اضافی است که بدون وجود عاشق و معشوق محال است. برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- خدا در فلسفه (ترجمه الهیات دایرةالمعارف فلسفی پل‌ادواردز)، بهاءالدین خرمشاهی ۲- دروس کلام جدید، مصطفی ملکیان همین احساس دوری از خداوند خود از الطاف آن رب مهربان است و حکایت می‌کند که رشته ارتباط بین بنده و پروردگارش بریده نشده و هنوز شعاعی از انوار الهی در آینه دل می‌تابد و این خود بشارتی است: گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد قلب انسان آینه انوار الهی است و گاهی در اثر غفلت‌ها و غرق شدن در روزمره‌گی و اشتغال بیش از حد نیاز به امور دنیا این آینه خدای نما زنگار می‌گیرد و آن ارتباط مستحکم و ازلی سستی و نقصان می‌پذیرد و در چنین حالی طبیبان روحانی و غمگساران دلسوز و الهی یعنی انبیا و اولیا(ع) راه معالجه و داروی این بیماری را در توبه و ذکر حق و اقبال به درگاه خداوندی دانسته تا در سایه این ذکر و توجه و استغفار از خطاها و تقصیرها زنگار دل پاک گردد و انوار الهی در قلب انسان بتابد و بین بنده و خالقش صلح و آتشی برقرار گردد. تلاوت آیات نورانی قرآن نماز با حضور قلب دعای با توجه و از سر اخلاص و همنشینی با دوستان شایسته و صالحی که دیدنشان خداوند را به یاد انسان آورد و مطالعه زندگی مردان خدا و پاکان درگاه اله برای ایجاد ارتباط و کم کردن فاصله بین بنده و خدایش اثری به سزا دارند. - در این باره دو جهاد علمی و عملی لازم است؛ یعنی تلاش پیوسته در جهت معرفت هر چه بیشتر نسبت به خدا. و در عمل نیز ایجاد ارتباط و انس دائمی با او و تطبیق رفتار با خواست و رضای خدا. می‌بایست انسان عزم خود را جزم کرده و تصمیم قاطع بگیرد همیشه تابع خواست خداوند بوده و همواره در صدد انجام تکالیف الهی باشد. چه در اموری عبادی و چه در امور اجتماعی و دیگر ابعاد زندگی. هر قدمی که بر می‌دارد و هر سخنی که می‌گوید و هر برنامه‌ای که دارد نخست ببیند آیا رضای خداوند در آن می‌باشد یا نه والا از آن صرف نظر نماید. در حدیثی آمده است: «کمال در این است که انسان خواسته‌هایش را در مسیر الهی قرار

دهد ونیرویش را در جهت رضایت حضرتش صرف کند. در مرحله اول باید انسان خود را مقید به انجام واجبات و ترک محرمات نماید و پس از مدتی که بدین کار عادت کرد و انجام آن برایش آسان شده خود را مقید به انجام مستحبات و ترک مکروهات نماید و گرنه چنین تقیدی در قدم‌های اولیه آثار سوئی به دنبال خواهد داشت. به هر حال رعایت تقوا و انجام تکالیف الهی در هر مرحله‌ای خود زمینه ساز درک بیشتر و توفیق افزون‌تر و توجه و تقرب والاتری به ذات باری تعالی خواهد بود. چنانکه در سوره «انفال آیه ۲۹» آمده است: «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوالله یجعل لکم فرقانا و یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم و الله ذوالفضل العظیم؛ ای اهل ایمان! اگر پرهیزگار بوده و تقوای الهی پیشه کنید خداوند برای شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار داده و بدی‌های شما را پوشانده و شما را بیامرزد و خداوند دارای فضل و رحمت بزرگ است». آری اگر قدم‌های اولیه برداشته شود زمینه‌ای برای دریافت برنامه ادامه مسیر فراهم می‌شود. به قول شاعر: گر مرد رهی میان خون باید رفت از پای فتاده سرنگون باید رفت تو پای در راه نه و هیچ مترس خود راه بگویدت که چون باید رفت و به تعبیر خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم: «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا؛ کسانی که در راه ما تلاش نمایند ما ایشان را به راه‌های خویش هدایت می‌کنیم». برای تقویت این حرکت و رشد آن توجه به چند نکته لازم است: ۱- پرهیز از مجالست و همنشینی با اهل دنیا و دور از معنویت. چه آنکه از رسول اکرم(ص) نقل شده است که فرمود: «به خاطر برخورد با اهل دنیا قلبم زنگار گرفته و مکدر می‌شود و برای جبران آن روزی هفتاد مرتبه استغفار می‌کنم». خداوند نیز در سوره «نجم آیه ۲۹» می‌فرماید: «فاعرض عن من تولی عن ذکرنا ولم یردالا الحیوه الدنیا . پس از کسانی که از یاد ما روی گرداندند و جز زندگی دنیا را نخواستند اعراض کن و روی بگردان». ۲- محاسبه نفس که هر شب یا هر هفته و یا لااقل هر ماه گذشته خود را بررسی نماید و به تعبیری به خود نمره بدهد. اگر کار شایسته‌ای انجام داده سپاسگزار بوده و از خداوند ادامه توفیق را بخواهد و اگر مرتکب خلافی شده استغفار نموده و تصمیم بر ترک آن بگیرد. ۳- بهره‌گیری از ثقل اکبر و قرآن کریم و انس با آن. چه این که هم تلاوت و حفظ قرآن به انسان نورانیت بخشیده و معنویت می‌دهد و هم آشنایی با معارف آن (هرکسی در حد خودش حتی در حد ترجمه) موجب رشد روحی می‌باشد. زیرا معارف قرآن و آیاتش نسخه‌هایی است برای درمان دردها و مشکلات. گرچه در برداشت از آیات متشابه باید جانب احتیاط را پیشه کرد و آن را به اهلش واگذار نمود و گرنه ممکن است خود آن موجب گرفتاری گردد. بهره‌گیری از ثقل اصغر و ائمه هدی(ع) و توسل به ایشان در این باره بسیار مهم است. باید توجه داشت که توسل به حضرات معصومین(ع) هم خود توجه به حق تعالی و عالم ملکوت است و هم زمینه‌ساز بهره‌گیری بیشتر از فیض ربوبی و کسب توفیقات بیشتر. بنابراین نمی‌توان چنین پنداشت که به ائمه(ع) توسل داشته‌ایم ولی جوابی نگرفته‌ایم. زیرا همان توفیق توسل خود توجه به حق بوده است و مایه دوری از غفلت. پس خود جواب بوده است و چه بسا که همین روحیه کمال خواهی و به دنبال معنویت بودن از آثار و برکات همان توسلات باشد که باید ادامه یابد. چه بسیارند کسانی که از غفلت خود نیز غافلند و یا پس از توجه در صدد درمان بر نمی‌آیند. از این رو باید سپاسگزار نعمت‌ها و معنویات به دست آمده بود و درخواست استمرار و افزایش آن را از خداوند داشت. نیز تقویت ایمان و اعتقاد قلبی و عشق الهی بر آیند تقوا و پرهیزگاری است. هم چنان که در بهاران نهال ناخشکیده شکوفه می‌زند تقوای الهی انجام واجبات ترک محرمات و تهذیب نفس نیز بوستان دل را خرم و سرسبز نگه می‌دارد و جوانه عشق الهی را در آن شکوفا می‌سازد. بنابراین درگام اول باید بر انجام واجبات و ترک گناهان استواری نمود و در گام دوم به پالودن نفس از رذایل و آراستن به فضایل پرداخت و حب دنیا و تعلقات دنیوی را از ژرفای ضمیر بیرون راند آن گاه دل کانون عشق خدا می‌شود و با اخراج شیطان نفسانیت و دنیا پرستی که خانه دل را غصب نموده صاحب خانه در آن لانه می‌گزیند. ناگفته نماند برای بسیاری از جوانان که دارای جولان فکری هستند و پیگیر حالات معنوی خود می‌باشند و به سالم‌سازی فضای فکری خود می‌اندیشند. این گونه فراز و نشیب‌های روحی پیش می‌آید. اوج این شک و تردیدها و هجوم «چرا»ها و «چگونه»ها در سال‌های نوجوانی و جوانی رخ می‌نمایاند. زیرا که جوانی از یک سو هنگامه «نگاه نو» به سنت‌های گذشته و

عادت‌های بزرگان است و از سوی دیگر هنگام پی‌ریزی بنیان فکری و ترسیم آینده زندگی است. از جهت روحی و عاطفی نیز، از یک سو «وابستگی» به خانه پدر و مادر کم می‌شود و از سوی دیگر هنوز «دلبستگی» به کانون گرم دیگر حاصل نشده است. در میانه این خلاء عاطفی هجوم افکار فزونی می‌یابد. اما باید دانست دیری نمی‌پاید که کشتی در میانه امواج دریا به ساحت نجات لنگر می‌اندازد و اگر در هنگامه طوفان آدمی به یاد خداوند دل خویش را آرام سازد و خود را در سفینه نجات اهل‌بیت قرار دهد به طور یقین، بحران‌ها به آرامش می‌رسد و شک‌ها به یقین تبدیل می‌گردد. این که ما انسانها با خود می اندیشیم که خداوند چگونه ماهیتی دارد به خاطر آن است که ما در دنیای خود همواره با ماهیات سر و کار داریم. از همین‌رو ذهنمان عادت کرده است که هر چیز را در قالب ماهیتی بنگریم و چون سخن از خدا به میان می‌آید بلافاصله به دنبال قالبی ماهوی می‌گردیم تا خدا را بدان سان و در آن شکل و قالب تصور نماییم. البته این ویژگی ذهن ناورزیده و نا آشنا به حقایق فلسفی و وجود شناختی است ولی خرد ورزی فلسفی بر این رهبرد خط بطلان می‌کشد و اعلام می‌دارد که این گونه خداانگاری از اساس نادرست است. زیرا خداوند وجود و هستیمحض و مطلق است و دارای ماهیت و چیستی نیست تا از چگونگی او سؤال شود. بنا براین خداوند وجود صرف و دارای جمله کمالات وجودی است. عین بلکه آنهاست و چند و چونی برایش متصور نیست. فکر و اندیشه بشر, به ذات غیبی او راه ندارد و به جز تحیر و سرگردانی یا انحراف و ضلال , بهره دیگری نخواهد داشت . ذات حق که از آن به «هویت غیبیه»، «غیب ذات»، «مقام ذات»، «مرتبه ذات» و گاهی هم به الفاظ دیگر (مانند «عنقاء» و «غیب الغیوب») تعبیر می شود, وجود صرف است ; هیچ گونه حدی ندارد ;از جمیع تعینات - چه مفهومی , و چه مصداقی - مبراست ; نه نامی دارد و نه نشانی ; نه اسمی دارد, و نه رسم و صفتی ; نه با اسم یا صفتی مقید است و نه با عدم آن اسم یا صفت ; نه با تعین خاصی متعین است و نه با عدم همان تعین . حتی با «اطلاق» و «عدم تعین» هم مقید نیست ; زیرا «اطلاق» و «عدم تعین» نیز به جای خود, نوعی تعین و قید است و مقام ذات از آن هم منزه و مبرا است . اما تعینات اسمی و وصفی (اسما و صفات حق) همه از مقام ذات متأثر بوده و در مقام تجلی به ظهور می رسند. از این رو به مقام ذات خداوند راهی نیست ; نه فکر بدان مقام راه دارد و نه عقل و نه وهم و کشف ارباب شهود. همهء اینها از این مقام قاصر و در این میدان کاملا "عاجزاند. اگر قدم پیش بگذارند, حیران می گردند و یا به راه ضلالت و خطا می روند, علاوه بر نرسیدن , از آن دورتر هم می شوند: «یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون به علما», (طه, آیه ۱۱۰). ادراک بشر, به آنچه متعین است راه دارد ;نه به ذاتی که از همهء تعین ها بالاتر است و تعین ها همه متأخر از آن , بعد از آن و مخلوق آن هستند. اشاره نیز بدان مقام راه ندارد ;چه اشارهء حسی باشد و چه اشاره ذهنی, عقلی و وهمی . چگونه می توان به ذاتی که تعین ندارد, اشاره نمود؟ به همین جهت از فکر در «ذات حق» نهی شده است . امام علی بن موسی الرضا(ع) می فرماید: «... فلیس الله عرف من عرف بالتشبیه ذاته , و لا ایاه و حد من اکتنهه , و لا حقیقته اصاب من مثله , و لابه صدق من نهاه , و لا صمد صمده من اشار الیه ; پس , خدای را نشناخته , آن کس که ذات او را به چیزی تشبیه کرده است و به توحید او نایل نگشته , آن کس که خواسته است به کنه ذات او برسد, و به حقیقت او نرسیده , آن کس که ذات او را تصویر ذهنی نموده است و به او تصدیق نکرده است آن کس که ذات او را حدی قائل شده و به جانب او روی نیاورده است ; آن کس که به ذات او اشاره نموده است ...», (کتاب التوحید صدوق , باب التوحید و نفی التشبیه , ص ۳۴). حتی اگر عقل و عشق همگام باشند و با بلند پروازی های خود بخواهند, به سوی مقام ذات اوج بگیرند, راه به جایی نبرده، به حیرت خواهند افتاد، و بر عجز و قصور خود در این میدان با کمال شرمساری اعتراف خواهند کرد. ناگفته نماند برای قانع ساختن ذهن درباره حقایقی که فراتر از حس و قالب مادی هستند می توان از روش مقایسه ای و فرض عکس و برهان عقلی محض استفاده کرد. مثلا وقتی می گوییم خداوند از چه به وجود آمده، باز سؤال را نسبت به آن چیز قبلی ادامه بدهیم، تا آنجا که از نظر برهان عقلی به این نتیجه می رسیم که تسلسل باطل است و باید به سرچشمه هستی معتقد شد و به تسلسل سؤال ها پایان داد و یا از فرض عکس استفاده کنیم که بر فرض که نتوانیم تصوری از خدا داشته باشیم آیا می توانیم نبود خدا را اثبات کنیم؟ آیا

حتی از نظر مادی ما به تمام منظومه ها و کهکشان ها دسترسی پیدا کرده ایم؟ و آیا از نظر عقلی اگر سرچشمه هستی فراتر از ماده نباشد آیا می شود که ماده خود به خود به وجود آید؟ و یا ازطریق مقایسه ای می توانیم خودمان را قانع کنیم که حقیقت بسیاری از واقعیت ها را به طور کامل درک نمی کنیم اما مطمئن هستیم وجود دارند. به طور مثال آیا حقیقت روح و گستره فعالیت های آن برای انسان به طور کامل آشکار است؟ اما با وجود کم اطلاعی ما نسبت به روح، وجود آن را به عنوان یک واقعیت می پذیریم و برخی آثار آن برای ما مشهود است. نسبت به خداوند نیز بهترین روش تفکر در آثار و آیات اوست و روش روشن تر، رابطه محبتی و کشف شهودی با خداست که در حدیث قدسی آمده است «قلب المؤمن عرش الرحمن» (مجلسی، محمد باقر، بحار، ج ۵۵، ص ۳۹). برای آگاهی به صفات خدا و قانع ساختن ذهن خود می توانیم تصوری از صفات خدا در ذهن داشته باشیم و سپس «او» را از هر آنچه که در محدوده آمده منزه و پاک بدانیم تا به توحید ناب دست بیابیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، ص ۱۳۸.

علت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور چیست ؟

پرسش

علت مهاجرت نخبگان به خارج از کشور چیست ؟

پاسخ

بررسی ریشه ای و پرداختن به علل و عوامل ایجاد و بقائ مشکلاتی از این قبیل واقعا "نیاز به کارشناسی دقیق و جامعه شناختی داردکه از حوصله یک نامه خارج است و نظرات متفاوت و گوناگون وجود دارد اما به عنوان مثال می توان یکی از عوامل مهاجرت به خارج را این چنین مورد تحلیل قرارداد به واسطه مجموعه کارکردهای تهاجم فرهنگی که یکی از نتایج آن بر جسته تر شدن نقش تائمین نیازهای مادی و جسمی انسان ها از ره گذر نشان دادن نمودهای جامعه پیشرفته غربی است معمولا "در جوامعی که تهاجم فرهنگی آثار خود را تثبیت نموده جامعه موجود به رشته های تحصیلی که پاسخ دهنده نیازهای جسمی و مادی است پاداش بیش تری می دهد و لذا استعدادهای درخشان بیش از اندازه لازم به سمت رشته های فنی و مهندسی و پزشکی هدایت می شوند این پدیده در همه کشورهای جهان سوم آسیب وارد می کند و چون این جوامع مسیر توسعه منطق خود را نمی توانند حل کنند استعدادهای درخشان امکان جذب در جامعه را پیدا نکرده و زمینه برای مهاجرت آنها به کشورهای توسعه یافته فراهم می گردد (ر.ک : کتاب آسیب شناسی انقلاب اسلامی مهندس حسن بنیانیان ص ۱۵۷ علی ذوعلم انقلاب و ارزشها). ضمنا "شما می توانید سوئالات خود را (در صورت جا نشدن در یک برگ) در برگه های معمولی نوشته و همه را در داخل یکی از این اوراق مخصوص و یا فتوکپی آن قرار دهید و ارسال نمایید

علّت گرایش به فحشاء پنهان چیست؟

پرسش

علّت گرایش به فحشاء پنهان چیست؟

پاسخ

علّت آلودگی به فحشاء پنهان، ایمان ضعیف و معرفت اندک است و روشن است که در جامعه اسلامی وقتی تظاهر به فساد جرم محسوب می‌شود. مجرمین این جریان را مخفی می کنند. این موضوع در کلیت خویش اشکالی بر نظام اسلامی نیست. زیرا حکومت مأمور است که مظاهر آشکار فساد را جمع نماید. امّا افراد با آزادی و اختیار خود فساد پنهان دارند. البته نظام باید با برنامه‌ریزی جامع، علّت و اسباب ایجاد را حتی‌الامکان کمتر نماید. از آنجا که در دین بخشی از پرونده انسان مربوط به آن جهان است. مأمور به تجسس در امور خصوصی افراد نیستیم، مگر دست به شیوع فساد بزنند. « بخش پاسخ به سؤالات »

علل انحرافات

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟

پرسش

تجربه نشان داده است اگر مراکز فحشا وجود داشته باشند فساد و جنایت توسعه نمی یابند! آیا به این دلیل وجودشان ضروری نمی نماید؟

پاسخ

اوّلا ;باید توجّه داشت کسانی که گرایش به فساد و انحراف دارند و جز هرزگی و بی بندوباری و نشاندن هوسهای خویش ایده و اندیشه ای ندارند رفتن به مراکز فساد آنان را از تجاوز باز نمی دارد دلیل آن وقوع این گونه حوادث و جنایات با وجود مراکز مذکور است. ثانیاً ;زنان فاسدی که در آن مراکز بسر می برند مگر انسان نیستند؟ مگر آنان از احساسات و عواطف انسانی برخوردار نمی باشند مگر آنها دوست ندارند که در یک کانون خانواده از زندگی خانوادگی برخوردار باشند؟ چه عاملی آنان را به آنجا کشانده است؟ چرا باید یک دختر جوان پس از اینکه در اثر لحظه ای غلفت و اشتباه اغفال گردید برای همیشه از زندگی انسانی محروم باشد و هر ساعتی برای خاموش ساختن هوس افراد هرزه خویشتن را آماده سازد؟ آیا وجود این مراکز به سیه روزی و تیره بختی آنان کمک نمی کند؟ بر این اساس وجود مراکز فحشاء را باید در کنار صدها مفاسد دیگر دانست که باید با همه آنها مبارزه کرد و تمام آنها معلول پایین بودن سطح ایمان و اخلاق در جامعه است. در ضمن زنانی که در آن مراکز هستند از کجا تأمین شوند؟ آیا این هم مثل اجناس و ارادتی، وارد می شود؟ یا باید عدّه ای را فاسد کنیم. برای آنجا بفرستیم؟ این ساختن لجن ـ۲ـ و به روی خود مالیدن است. آن وقت مانند ابلهی خواهیم بود که چوب را در لجن فرو کرده و روی دیوار تمیز می نویسد لطفاً نظافت را رعایت کنید!!. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳ـ

با توجه به اهمیت روحانیت در تشکیل فرهنگ اسلامی آیا شما مسؤول مفاسد جامعه را وزارت ارشاد می‌دانید یا این قشر محترم؟

پرسش

با توجه به اهمیت روحانیت در تشکیل فرهنگ اسلامی آیا شما مسؤول مفاسد جامعه را وزارت ارشاد می‌دانید یا این قشر محترم؟

پاسخ

مفاسد اجتماعی همچون دیگر پدیده‌ها و حوادث معلول علل مختلف و نارسائیها و کوتاهی‌های افراد و گروههای مختلف می‌تواند باشد که برخی از آنها عبارتند از: ۱. حاکمان، و دولتمردان، و مدیران جامعه ۲. سازمانها، نهادهای دست اندرکار و مسئول فرهنگ و ارشاد و هدایت جامعه ۳. روحانیت قویترین عناصر تأثیرگذارند در تعالی و تنزل ارزشهای اسلامی و انسانی ۴. معلمان و مربیان مؤثرترین الگوهای ساختار شخصیت افرادند در صعود و سقوط ۵. پدر و مادر به عنوان اولین و مؤثرترین عامل تربیت و شکوفاسازی استعدادهای فرزندان چنانکه سرنوشت‌سازترین علت رشد و تکاملند در صورت کوتاهی و نارسایی موثرترین علت مفاسد و چالشهای اجتماعی‌اند. ۶. آحاد و تک تک افراد جامعه که می‌توانند عامل چالشهای اجتماعی باشند زیرا از توان و استعدادهای الهی خود آنچنان که باید بهره‌برداری نکرده و کوتاهی و سستی و تنبلی بسترساز مناسبی برای مفاسد اجتماعی‌اند. بنابراین، حقیقت مسئولیت داشتن همه متناسب با نقش خود در جامعه می‌باشد". کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته "لکن ترتیب ذکر شده بر اساس شماره حکایتگر نقش بیشتر قشرهای تأثیر گذار در جامعه می‌باشد. در پایان نقش دشمنان در وجود ناهنجاریهای موجود را نباید از نظر دور داشت.

رغم پیش رفتن علم، آمار طلاق بالا است. نتایج منفی طلاق برای خانواده وبچه ها را بنویسید.

پرسش

رغم پیش رفتن علم، آمار طلاق بالا است. نتایج منفی طلاق برای خانواده وبچه ها را بنویسید.

پاسخ

طلاق علل گوناگونی دارد از جمله: ۱ـ ناسازگاری زن یا شوهر و یا هر دو. ۲ـ اختلاف در ذوق و سلیقه. ۳ـ فزون طلبی. ۴ـ تنوّع جویی. ۵ـ عدم رعایت وظایف محوله و ... طلاق به هر علتی باشد، باعث ویرانی ارکان زندگی و پدید آمدن رنج و عذاب برای فرزندان می شود. طلاق، برای فرزندان همانند بریدن عضوی از بدن است که طاقت فرسا است. آنان خانهٔ بی مادر را تاریک می بینند و فکر می کنند در آن جا دیگر نمی توان انس و محبت پیدا کرد، و حتی اگر جوان تحصیل کرده باشند، مفارقت پدر و مادر را نمی توانند تحمل کنند. طلاق موجب تغییر رفتار فرزندان می شود. بسیاری از آن ها ، حالت تهاجم به خود گرفته و راه ناسازگاری و سخت گیری را پیش می گیرند. هم چنین عده ای بهانه گیر شده و در فکر خود هستند و احساس ناامنی و کوچکی می کنند و گاهی تصمیم بر فرار از خانه می گیرند.گروهی دچار اضطراب شده و گرفتار بیماری های روانی می شوند. بی نظمی ، اختلال در اخلاق، هوس بازی ، لجاجت و پر توقعی از جمله آثار طلاق است. زندگی توأم با درگیری و ناله و نفرین ، که سرانجام

آن طلاق باشد، درس بد آموزی برای فرزندان است. دختری که می بیند مادرش مورد ظلم و ستم قرار گرفته، به زندگی آینده و شوهر داری بدبین می شود. به نظر او همه مثل پدرش هستند و پسری که شاهد نق زدن و سخت گیری های مادر است و پدرش را مظلوم می‌داند، از آینده هراسناک است و رغبتی به ازدواج ندارد، چون فکر می کند همهٔ زن ها این گونه هستند.(۱) ۱. دکتر قائمی ، خانواده و مسایل نوجوان وجوان ، ص ۵۷ ـ ۶۰.

چرا در جامعه، آمار هم جنس بازی و استمنا این قدر بالا رفته است؟ آیا با مسائل خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ربطی دارد؟ چرا در مناطق محروم و روستایی این انحراف بیش‌تر است؟

پرسش

چرا در جامعه، آمار هم جنس بازی و استمنا این قدر بالا رفته است؟ آیا با مسائل خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ربطی دارد؟ چرا در مناطق محروم و روستایی این انحراف بیش‌تر است؟

پاسخ

در پیدایش انحراف جنسی به طور کلی و استمنا به طور ویژه، علل مختلفی مؤثر است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت اند از: ۱ – تحولّات بلوغ": به دلیل تحولاتی که در دوره بلوغ در فرد به وجود می‌آید، فرد تمایل درونی به جنس مخالف در خود احساس می‌کند، ولی چون تماس بدنی با جنس مخالف برایش امکان ندارد، برای رهایی از تنش ناشی از این تمایلات درونی به این عمل روی می‌آورد. "محمود محمدیان، بلوغ تولدی دیگر، ص ۴۰. ۲ – عوامل تحریک زا: عواملی چون نگاه شهوت‌آمیز، تخیلات تحریک کننده، تماس با اجنبی و گفتگو با نامحرم، صحبت کردن در مورد چیزهایی که موجب تحریک جنسی می‌شود و دیدن فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل، افراد را به سوی انحراف جنسی سوق می‌دهد. متأسفانه عوامل تحریک زا در روستاها بیش‌تر است، مثلاً بچه روستایی، همه روزه شاهد جفت‌گیری حیوانات هستند و در مواردی مشکل جغرافیایی روستا و آداب و رسوم خاص آن محل، تحریک پذیری را بیش‌تر کرده است. ۳ – عقده حقارت": به اعتقاد بسیاری از روان شناسان، استمناء ناشی از کمبود توجه و محبت و عقده حقارت است. "یعنی یکی از عوامل مهم آن، همین است. محمود محدیان، بلوغ تولدی دیگر، ص ۴۰. ۴ – مساعد نبودن محیط خانواده: ریشه بسیاری از انحرافات جنسی را باید در محیط خانواده و شرایط زندگی افراد جست و جو کرد. مراعات نکردن اصل مهم حیا و طرز لباس پوشیدن و به کارگیری الفاظ نا مناسب و تماس بدنی با کودکان و عدم کنترل بر روابط کودکان، جدا نکردن محل خواب، فرزندان، زمینه انحراف جنسی در دوران بلوغ را فراهم می‌کند حتی" خانواده هایی که به علت اختلاف و ناسازگاری میان پدر و مادر و بدرفتاری والدین با فرزندان، فرزندان را بیش‌تر در معرض انحراف جنسی قرار می‌دهند. "محمد علی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۱، ص ۹۳. ۵ – معاشرت با منحرفان: آلودگی و انحراف، به سرعت از طریق دوستان نا اهل به افراد پاک سرایت می‌کند. ۶ – ضعف ایمان: غفلت از خدا، زمینه وسوسه شیطان را فراهم می‌کند و افراد را در منجلاب گناه و انحرافات جنسی غوطه ور می‌سازد.

علت شکاف بین خانواده ها و رشد طلاق بین آن ها در چیست؟

پرسش

علت شکاف بین خانواده ها و رشد طلاق بین آن ها در چیست؟

پاسخ

جستجوی علل پیدایش و افزایش بحران ها و جدایی ها در کانون خانواده از منظر دانش های متفاوتی می تواند پیگیری شود. هر گروه از دانشمندان رشته های مختلفی که پیگیر کشف علل این مشکل اجتماعی هستند، از نگاه خود دلایل محکم و همخوان با واقعیت ها ارائه می دهند. به ذکر برخی علل بسنده می کنیم: ۱ – آشنا نبودن با وظایف خانوادگی کسی که در اندیشه تشکیل کانون خانوادگی است، نخ...Əباید بدن...که سازمان خانواده مانند هر سازمان اجتماعی دیگر دارای اصولی است که تنها در سایهٔ شناخت اصول و انجام وظایف می تواند به هدف های مقدس ازدواج دست یابد ناآگاهی از اصول سبب می شود آسیب های جبران ناپذیری بر پیکر خانواده وارد آید و زن و شوهر نتوانند خوشبختی خود و فرزندان شان را در پیوند زناشویی تضمین کنند. برخی زوج های جوان بدون آمادگی قبلی و بی آن که با وظایف و مسئولیت های خود و حقوق شریک زندگی اش به درستی آشنا شوند و راه و روش سلوک در زندگی خانوادگی را بیاموزند، به تشکیل خانواده اقدام می کنند و پس از گذشت مدت زمانی در می یابند چه اشتباه بزرگی را مرتکب شده اند ۲ – عدم شناخت زوجین از یکدیگر: کسی که در اندیشه ازدواج است ، پس از آشنایی با وظایف و مسئولیت های خود و حقوق شریک زندگی اش باید بداند با چه کسی ازدواج می کند. نیز معیارهای مهمی که از دید صاحب نظران ، از شرایط ازدواج موفق بیان شده، تا چه میزان وجود دارد . شناخت زن و شوهر از وضعیت اخلاقی و معنوی و تفکر اجتماعی و بینش اقتصادی و میزان پای بندی به آداب و رسوم یا گرایش به مدرنیسم ، قبل از ازدواج امری لازم است. اسلام اجازه داده است هنگانی که زن و مرد قصد ازدواج دارند، همدیگر را ببینند ، با هم گفتگو کنند، به شرطی که این کار از روی هوسرانی نباشد. باید توجه داشت که تحقیق ، با معاشرت ها و انتخاب دوست غیر همجنس که منشأ آن هوس های زودگذر است ، تفاوت دارد ۳ – سست شدن مبانی اعتقادی و عدم پایبندی و عدم پایبندی به مقررات دینی: اگر با نگاه جستجوگرانه وضع خانواده هایی را که متلاشی شده اند، مورد مطالعه قرار دهیم، درمی یابیم که مهم ترین عامل آن ضعف اصول اخلاقی می باشد. تجربه نشان می دهد کسانی که فاقد تعهدات ایمانی هستند و حتی اگر قبل از ازدواج مدت ها با هم آشنایی داشته باشند، پس از تشکیل زندگی مشترک به دلیل نداشتن ارزش های ثابت و یکسان و نداشتن پشتوانهٔ درونی، با کوچک ترین آسیب، پیوندشان سست شده، چه بسا از هم می گسلد.(۱) غرق شدن در مادیات و لذت جویی ها و روی گردانی عملی از دین (اگر چه در ذهن معتقد باشد) هیچ نقطهٔ مشترک و عاملی برای وحدت باقی نمی گذارد تا موجب استمرار صمیمیت استواری بنیان خانواده گردد. ۴ – گرایش به فرهنگ مصرف غرب و گسترش فساد و بی بند و باری های جنسی و آزادی های افسارگسیخته: تفکری حاکم بر جامعه امریکا است، مبنی بر این که" خوشی و لذت مقدّم بر استواری و نگهداری کانون خانوادگی است. "ترویج این اندیشه در جوامع دیگر از جمله ایران یکی از عوامل گسترش جدایی ها و سست شدن بنیان خانواده است. شهید مطهری در این مورد می گوید": در هر جا که آداب و رسوم جدید غربی بیشتر نفوذ کرده است، آمار طلاق هم افزایش یافته است . آمار طلاق ها در شهرها بیشتر از روستاها و شهرهای بزرگ تری که آداب غربی را بیشتر پذیرفته اند، زیادتر است، مثلا بیش از یک چهارم طلاق های ثبت شده سراسر کشور (یعنی ۲۷ درصد) مربوط به تهران است، در حالی که نسبت جمعیت تهران به جمعیت سراسر کشور تقریبا ده درصد می باشد.("۲) ۵ – ازدیاد اعتیاد: اعتیاد به مواد مخدر، قاچاق، الکل، قمار و سایر مفاسد باعث اختلال در سلامت جسمی،

روحی و شخصیت خانوادگی و اجتماعی شده، در نتیجه آمار طلاق را بالا برده است. ۶ - بالا- بودن میزان مهریه ها: یکی از علل طلاق بالا- بودن میزان مهریه ها و هوس گرایی زنان جهت دریافت مهریه ها و ازدواج مجدد با مردی دیگر و اخذ مهریه ای دیگر است. ۷ - قرار گرفتن طلاق به بهانه های مختلف در دست زنان: یکی از احکام اسلام این است که طلاق را در دست مرد قرار داده است، علاوه بر قرآن که در آیاتی چند نظیر۴۹ احزاب و ۲۳۱ بقره، روایات (۳) معتبر زیادی ، قرار گرفتن طلاق به دست مردان را بحث کرده است. جهت روش شدن ارزش اینحکم ، و این که یکی از عوامل شکاف بین خانواده ها ، انحراف از این قانون به بهانه های متفاوت است، به گزارش زیرتوجه کنید". طلاق های ثبت شده در دادگاه های فرانسه نشان می دهد که بیش از هفتاد درصد طلاق ها به درخواست زنان بوده است.("۴) لوسون د انشمند امریکایی ، ضمن بیان آمارهای هولناک طلاق در امریکا می نویسد ":قابل توجه این که هشتاد درصد طلاق ها به تقاضای زنان واقع شده است. "خانم مونیکا ، نویسندهٔ انگلیسی ، ضمن اظهار تأسف شدید از آمارهای وحشت افزای طلاق در آن کشور می نویسد": دوام و استحکام هر ازدواجی در درجهٔ اول به درایت و سبکسر نبودن زنان بسته است و با توجه به این حقیقت تلخ اعتراف می کنم که آمارها و پرونده های دادگاه ها در انگلیس نشان می دهد که از هر صد ازدواجی که به طلاق منجر می شود، در نود و نه درصد آنان زنان مقصرند.("۵) این وضعیت به بهانه های مختلف در سال های بعد از انقلاب در ایران افزایش یافته است. ۸ - صنعتی و ماشینی شدن زندگی زنان و مردان صنعتی شدن زندگی و زنان و مردان موجب بالا رفتن سطح توقعات بانوان و زیاده طلبی و تنوع خواهی مردان گشته و زمینه را برای بروز اختلاف و جدایی ها فراهم ساخته است. نویسنده کتاب" طلاق یا فاجعه انحلال "می نویسد" : طبق آمار ، زن و شوهرهای تهرانی ماهانه دو هزار دادخواست طلاق به دادگستری می دهند. یکی از قضات در این باره اظهار می دارد که : اکثر دادخواست های طلاق از طرف زنان به دادگستری داده می شود. اختلافات این زن و شوهر ها بیشتر در نتیجه ماشینی شدن زندگی و بیشتر شدن توقعات زنان و زیاده طلبی و تنوع خواهی مردان است.("۶) دکتر آذرمان روانپزشک می گوید": بخشی از مشکلات خانواده های جدید، ریشه در تغییر و تحول روحی زنان مدرن دارد. همان گونه که مشکلات مردان جدید هم شکل عوض کرده و چهرهٔ تازه تری را به رخ می کشد، اما این مشکل خاص یعنی تحمل ناپذیری برخی از زنان به خصوص قشر فرهیخته، به دیل تغییر مشکل جامعه است. در واقع جامعه ما به سرعت از جامعهٔ سنتی به سوی صنعتی شدن پیش می رود، طبیعی است که در این مسیر زنانی بیشتر درگیر تحول می شوند که در جریان مستقیم این تغییرات قرار دارند.("۷) ۹ - ناهماهنگی زن و شوهر از جهت وضعیت اقتصادی ، علمی و سطح تحصیلات: اسلام توصیه کرده است با کسی ازدواج کنید که" هم کفو "شما باشد، یعنی از جهت اعتقادی ، فکری ، سطح علمی و موقعیت مالی، به هم نزدیک باشید تا بتوانید همدیگر را درک کنید و به احساسات یکدیگر پاسخ مناسبی بدهید. نادیده گرفتن این اصل ، یکی دیگر از علل جدایی ها و ناسازگارهای زن و شوهر ها می باشد، به خصوص اگر زن از جهت سطح تحصیلات یا موقعیت مالی فراهم شده از طریق خانواده ، ارث یا شغل و درآمد ، وضعیت برتری نسبت به شوهر داشته باشد، زمینه برای تنش و اختلاف سریع تر فراهم می شود. ناهماهنگی قدرت علمی، اقتصادی و فکری موجب متفاوت شدن انتظارات می شود و زمینه را برای بروز ناسازگاری فراهم می سازد. عوامل دیگری نیز در گسترش جدایی ها دخالت دارند، مانند برق دیدگاه ها و مبانی نظری در مسئله طلاق . جهت آگاهی بیشتر به کتاب نظام حقوق زن در اسلام، نوشته شهید مطهری ، از ص ۲۶۳ به بعد مراجعه شود. پی نوشت ها : ۱ - بینش اسلامی پیش دانشگاهی ، ص ۹۳. ۲ - حقوق زن در اسلام، ص ۲۶۱. ۳ - وسایل الشیعه، ج۷، ص ۳۴۰، باب الطلاق بیدالرجل دون المرأه. ۴ - طلاق یا فاجعه انحلال خانواده، حسین حقانی زنجانی، ص ۸۶. ۵ - همان، ص ۹۹. ۶ - ص ۹۴. ۷ - روزنامه کیهان، شماره ۱۷۸۵۶ ، شنبه ۲۰ دی ۱۳۸۲، ص ۵.

راه مبارزه با علل انحراف و بی دینی چیست ؟

پرسش

راه مبارزه با علل انحراف و بی دینی چیست ؟

پاسخ

بـا توجه به تنوع و گونه گونی علل و عوامل انحراف ، مبارزه و برخورد با هر یک از آنها شـیوه خاصِ و محل و شـرایط ویژه ای می طلبد مثلاً «علل روانی و اخلاقی » را باید به وسیله تربیت صحیح و توجه به ضررهای مترتب بر آنها ، و برای جلوگیری از تأثیر سوء « علـل اجتمـاعی » علاوه بر جلوگیری عملی از بروز چنین عواملی ، می بـایست فرق بین نـادرستی دین بـا نادرستی رفتار دینـداران را روشن ساخت و همچنین برای جلوگیری از تاثیرات سوء « عوامل فکری » باید شـیوه های متناسبی را اتخاذ کرد از جمله اینکه عقاید انحرافی را از عقاید صـحیح تفکیک کرد و از بکار گرفتن استدلالات ضعیف و غیر منطقی برای اثبات عقاید دینی اجتناب ورزید و نیز باید روشن کرد که ضعف دلیل ، نشانه نادرستی مدعی نیست و ...

باوجود اینکه هر کس نیک و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد چرا عده ای منحرف می شوند؟

پرسش

باوجود اینکه هر کس نیک و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد چرا عده ای منحرف می شوند؟

پاسخ

تنها نیروی عقل و وجدان اخلاقی که انسان با آن نیک را از بد تشـخیص می دهد نمی تواند از انحرافات بشر جلوگیری بعمل آورد و گر چـه ایـن مطلب انکارناپـذیر است که عقـل و وجـدان اخلاقی در سـعادت و رسـتگاری آدمی سـهم بسـزایی دارنـد و بسـیاری انحرافات، از نادانی و نشـناختن راه صـحیح ناشی می شود ولی موضوع قابل توجه این است که تنها وجود عقل و وجدان نمی توانند صد در صد سعادت انسان را تأمین کنند از این رو که غرائز سرکشی در انسان وجود دارد که نمی توان به آسانی آنها را مهار کرده وتعدیل نمود. ـ۲۴۷۷ـ اما چیزی که در هر حال می تواند انسان را کنترل نموده و از فساد و انحراف نگهدارد اراده ی قوی و تصـمیم قاطع او است وآن هم در سایه ی ایمان به مبدأ و معاد بوجود می آید. یک نفر مؤمن که معتقد است جزئیات کارهای وی ضبط می شود و نسبت به اعمال وی محاسـبه ی دقیق صورت می گیرد و در برابر هر یک از کارهای نیک و بـد پاداش مناسب به او داده می شود این ایمان وی را از اقـدام به اعمال ضد انسانی ودینی که باشـرف و شخصـیت او نیز سازگار نیست و از نظر دین گناه محسوب می گردد کاملاً ـ جلوگیری می کنـد، شاهـد زنـده ی این موضوع این است که در تمـام ممالـک مترقی علاوه بر وضع وقوانین برای متخلفین از قـانون مجـازات و کیفرهـایی قرارداده می شود تا ترس از ـ۲۴۷۸ـ کیفر و مجـازات بـاعث شود که در مقابل قانون احترام گذاشـته و تخلف از آن ننماینـد. از مجموعه گفتار می توان چنین نتیجه گرفت که وجـدان (یعنی نیروی دریافت خوب از بد) تحت تـأثیر محیط، غریزه، و عادت قرار می گیرد مگر آن که تحت تربیت دینی بارور گردد. البته فراموش نکنیم که انحراف از جادّه حق،

گاهی حاصل آزادی و انتخاب آدمی است. در قرآن می خوانیم و حجدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و علواً(؛۱)...و این بخاطر ظلم و برتری طلبی آنان بود. که همان توان آدمی در انتخاب است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ - سورع نمل آیه ۱۴ ـ۲۴۷۹ـ جوانان ، نوجوانی و بلوغ مسائل دوران بلوغ تحوّل ها در اخلاق

مهم ترین عاملی که جوانان ما را در حال حاضر به فساد می کشاند چیست؟

پرسش

مهم ترین عاملی که جوانان ما را در حال حاضر به فساد می کشاند چیست؟

پاسخ

در معرض فساد بودن، ویژه جوان نیست. با مطالعه کمی درباره انسان می بینیم فساد و صلاح دو نتیجه حتمی است که از انتخاب او سرچشمه می گیرد. و این انتخاب در همه شرایط موجود است فقط گاهی عوامل فساد و صلاح تقویت و تضعیف می شوند آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این انسان و قابلیت های شگفت انگیز اوست که می تواند در هر شرایطی راه فساد و صلاح را دنبال کند. می بینید اکنون که انقلاب در جامعه شده و مظاهر دینی به لطف خدا آشکارتر و مهیاتر است باز عده ای شیفته فسادند و برعکس در غرب فاسد، دلباخته های حق و حقیقت با عطش به اسلام روی می آورند که نمونه هایش را شاهد هستید. اما آنچه شما خواسته اید که نمونه اصلی فساد را به شما معرفی کنیم و نمره بزرگ را به تهاجم فرهنگی یا مطبوعات نامناسب داخلی، یا فسادهای جنسی از طریق فیلمها را بدهیم، نمی توانیم. آنچه عامل مهم به نظر می رسد همانا غافل ماندن از ارزش خویش و به ویژه در دوران جوانیست. چون ما بر فرض عوامل خارجی را هم کم یا نابود کنیم، عاملی مثل نفس و شیطان را در درون خود داریم که کمر به گمراهی ما بسته است. این غفلت که آدمی همه ارزش ها را جوابگویی به هیجانها و انعکاسات جسم و تمایلات بدهد و تحت تأثیر این فکر قرار گیرد مهم ترین خطر است و آنچه بر این فکر حظ می دهد مهم ترین عامل انحراف و همچنین آن چیزهایی که جوان را از راه سعادت یعنی انتخاب آگاهانه مکتب اصیل اسلام و تشیع باز می دارد. همانکه توجه بی قید و شرط به معیارهای غربی می دهد در میان همین موانع رشد است. چقدر زیبا فرمود امام ((علیه السلام))که مَنْ کرمت علیه توسر هانت علیه شهواته - نهج البلاغه - آنکه برای نفس خویش ـ۸ـ ارزش و قیمتی شناخت، از تسلیم در برابر شهوات سرباز می زند و آلوده نمی شود. انسان آمیز شهوات می شود نه اسیر. اما راه حل، گفته اند که جوانی یک شعبه از مستی و مدهوشی است . همانطور که شراب مستی می آورد. اما این حالت ویژه کسی است که از دیگر ویژگیهای انسانی غافل بماند پس در این دوره بهترین کار خود یابی، الگویی مثبت، و مکتب را آگاهانه برگزیدن است. ما مذهب را سنتی و عاطفی برگزیده ایم این است که با موجها از پا می افتیم مذهب اصیل با تفکر شروع می شود که در قرآن واژه عقل و فکر صدبار تکرار شده خود و دیگران و جوانان را به چنین انتخابی دعوت کنید. نکته آخر آنکه از تأمین نیازهای مشروع جوان اگر غفلت شد، ضربه مهمی به انحراف او زده می شود این کار به عهده همه ما و مسئولین امر است که باید انجام می شود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۹ـ

علّت پیدایش جرائم و گناهان و مبداء خلافکاریها در انسان چیست؟

پرسش

علّت پیدایش جرائم و گناهان و مبداء خلافکاریها در انسان چیست؟

پاسخ

یکی از موجوداتی که از دیر زمان افکار دانشمندان را به خود جلب نموده و آنان را به مطالعه و بررسی وا داشته است انسان است انسان معجونی است که از نیروها و قوای مختلفی ترکیب یافته و غرایز بسیاری در نهاد وی آفریده شده است. در روان آدمی استعدادهای شگرف و قابل ملاحظه ای وجود دارد تا در پرتو بکار انداختن آنها مدارج عالی کمال را به پیماید، سرانجام به سعادت و خوشبختی واقعی که هدف از آفرینش وی بوده است نائل گردد. یکی از مسایل مهم روانی عبارت از تأثیر و پذیرش روح انسان است که عوامل خارجی از بیرون و عوامل درونی یعنی افکار و اندیشه های وی در درون او اثر می گذارد ولی در عین حال اثر گرفتن روح انسان هم می تواند بر اساس اختیار صورت گیرد. چه اینکه تربیت و پرورش صحیح روح انسان را نیرومند می کند و می تواند در سایه رهبری خود و راهنمائی انبیاء و جانشینان آنان راه صحیحی را انتخاب نموده و در آن گام بردارد و اجتماع طوری نیست که بتواند اختیار را از انسان سلب کرده و او را بی اختیار در دامن فساد و انحراف محیط افکنده و ناخود آگاه انسان را آلوده و گناهکار سازد و همچنین وسوسه های شیطان به اختیار انسان ضربه ای وارد نمی کند بلکه وسوسه شیطان در واقع پیشنهاد و دادن طرحی بیش نیست این انسان است که می تواند با بکار انداختن تصمیم قاطع و اراده آهنین و عزم خلل ناپذیر خود در سایه رهبری عقل و دین با همه عوامل فساد مبارزه کرده و با عمل کردن به دستورات و تعالیم دینی به سعادت و رستگاری جاودانی نائل گردد. شاهد زنده وجود برخی از افراد است که در محیط های فاسد و ناپاک خویشتن را نگاه داشتند و علیرغم آلودگی محیط سلامت خویش را حفظ کردند و نه تنها از محیط رنگ نگرفتند بلکه تا سر حدّ امکان محیط را از فساد و انحراف پاک کردند. پس عوامل انحراف در دو مورد کلّی خلاصه می شوند: ۱. بیرونی ;۲. درونی. عوامل بیرونی: طاغوت ها، تشویق های آدمها و حرفها و جلوه های دنیا ;عوامل درونی: شیطان و وسوسه های نفس. امّا همانطور که ذکر شد عوامل قوی مثبت نیز در درون (مثل اراده و ایمان، شناخت) و عوامل بیرونی مثل هدایت انبیاء و قانونها و تربیت آدمی را کنترل می کنند و اگر عوامل منفی نبود انتخاب منفی نبود انتخاب راه خیر و نیکی معنی و ارزش نداشت. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳ـ

چرا مردم از ارزش های اسلامی و روحانیت فاصله گرفته اند

پرسش

چرا مردم از ارزش های اسلامی و روحانیت فاصله گرفته اند

پاسخ

اندک نه بلکه بسیار. مسأله فاصله گرفتن برخی از اقشار با روحانیت، نیازمند بررسی جامعه‌شناختی از موضوع استکه در این مجال

نمی گنجد؛ ولی علل اجمالی آن به شرح زیر است : الف) مشکلات انقلاب و جنگ تحمیلی ب) بالا رفتن سطح توقع و انتظار مردم به واسطه شعارهای انقلاب ج) تبلیغات جهانی علیه انقلاب و رهبران آن د) عملکرد روحانیت ه) قدرت در دست هر کس باشد مردم به طور طبیعی مقداری از آنها فاصله می گیرند (من ملک استأثر) {J

۲- چرا صیغه در جامعه اسلامی جای خود را به زنا ولواط داده است ؟

پرسش

۲- چرا صیغه در جامعه اسلامی جای خود را به زنا ولواط داده است ؟

پاسخ

ج۲- ابتدا ضمن پذیرش وجود انحرافات ونابسامانیها درمسائل مختلف ازجمله انحرافات جنسی بی حجابی کم توجهی به نماز وغیره اما باید عرض شود تعداد افراد مقید به مسائل دینی هم درجامعه فراوان ودر یک دیدگاه متعادل خواهیم دید که جمعیت بسیاری را در برمیگیرد در هرصورت برای پاسخ دادن به این سوال ابتدا انگیزه رفتن به سوی انحرافات را مورد توجه قرارمی دهیم هر انسانی دارای غریضه شهوت (میل به سوی خوردن وآشامیدن ومسائل جنسی) است وسرکوب کردن آن دربرخی مسائل غیر ممکن ودرمواردی هم بسیار مشکل است. ودرهرصورت پاسخ متناسب ومثبت به این خواسته ها امری لازم وبرطبق فطرت وعقل است اما این که چرا عده ای در پاسخگویی به این غریضه راه غلط را انتخاب می کنند علل متفاوتی دارد . ۱ - فرهنگ عمومی که در خصوص متعه (صیغه) غیرت بیجا به خرج داده و آن را ناپسند می شمارند که برفرمایش علی (ع) اگر خلیفه دوم متعه را حرام نمی کرد (فرهنگ غلط ایجاد نمی کرد) هیچ مومن غیرتمندی زنا نمی کرد (۴). ۲ - ترویج فرهنگ غیراسلامی وتخریب منادیان دعوت به دینداری. ۳ - نا آگاهی نسبت به آثار مثبت اعمال مشروع و آثار منفی اعمال نامشروع. ۴ سوء استفاده عده ای ازاین عمل مشروع (متعه) وتبدیل آن به یک نوع هوسرانی ۵ - ندانستن کیفیت برقراری یک رابطه مشروع. جهت اطلاع بیشتر دراین زمینه به کتاب نظام حقوق زن در اسلام اثر استاد شهید مطهری, بخش دوم ازدواج موقت مراجعه کنید. منابع: (۱) نهج البلاغه, ترجمه علامه جعفری, ص ۱۰۴۳, کلمات قصار کلمه ۳۱. (۲) توضیح المسائل مراجع, ج ۲ ,ص ۶۲۴, مسله ۲۸۲۶ تا ۲۸۳۷ (۳)منتهی الآمال, زندگی امام صادق« علیه السلام » ومعجزات امام صادق(ع). (۴) رساله متعه, مرحوم شیخ مفید .

علل به انحراف کشیده شدن جوانان چیست ؟

پرسش

علل به انحراف کشیده شدن جوانان چیست ؟

پاسخ

در این باره باید به چند نکته توجه نمود: اولاً: این مسأله کلیت ندارد و در کنار افرادی که گرفتار برخی از انحرافات شده‌اند، جوانان بسیاری نیز در پناه انقلاب رشد معنوی و هدایت یافته‌اند، به گونه‌ای که وضع جوانان در انقلاب و پیش از انقلاب تفاوتهای چشمگیری دارد. ثانیا: بروز انحراف در میان برخی از جوانان علل مختلفی دارد، البته یکی از این عوامل نیز ممکن است کم کاری برخی از حوزویان باشد، لیکن این نه در مورد همگان صادق است، نه تمام علت مسأله می‌باشد. بنابراین به جای یکسونگری، و انداختن تقصیر به عهده یک عده خاص باید با نگاه دقیق علمی از منظر جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی به این پدیده نگریست و عوامل گوناگون، میزان تأثیر هر یک و راه اصلاح را بازشناسی کرد.

من فکر می‌کنم عامل انحراف قشر تحصیل کرده این نیست که مثلاً اصول عقایدشان درست نیست، بلکه عامل مهم آن، این است که می‌بیند عملکرد کسانی که به اصول عقاید واقفند برخلاف آن اصول است، می‌بیند معتقدین به دین، اعمالی مرتکب می‌شوند که با آن عقاید سازگار نیست و چون

پرسش

من فکر می‌کنم عامل انحراف قشر تحصیل کرده این نیست که مثلاً اصول عقایدشان درست نیست، بلکه عامل مهم آن، این است که می‌بیند عملکرد کسانی که به اصول عقاید واقفند برخلاف آن اصول است، می‌بیند معتقدین به دین، اعمالی مرتکب می‌شوند که با آن عقاید سازگار نیست و چون نوع تحصیل کرده‌ها تازه کارند، با دیدن این ناسازگاری پس می‌زنند. وقتی ما مدعی اسلام هستیم، آیا نباید احکام آن را تا آنجا که در حد توانمان هست پیاده کنیم؟

پاسخ

این سؤال یکی از دو انگیزه زیرا را می‌تواند داشته باشد: ۱. اینکه صاحب سؤال خواسته باشد قشر تحصیل کرده را از این راه تبرئه کند و بگوید که اگر این قشر در صدد تحصیل عقاید حقه از راه استدلال برنمی‌آید، بخاطر رفتاری است که از بسیاری از افراد بظاهر متدین می‌بیند/ ۲. اینکه بخواهد ازعلت انحراف این قشر (یعنی طبقه متدین) سر درآورد/ اگر منظور از سؤال تبرئه کردن قشر تحصیل کرده است، در پاسخ می‌گوییم علت و ریشه هر گناهی جهل به مقام پروردگار و نداشتن شناخت به مقام و شرافت انسانیت است و جاهل به این دو مقام، دو نوع است یکی آن جاهلی که در جهلش تقصیری ندارد و دیگری آن جاهلی که در جهلش مقصر است/ آنکه جاهل قاصر است، عذر موجه دارد و خدای تعالی او را مورد مؤاخذه قرار نمی‌دهد و ما حق نداریم که او را مورد مؤاخذه قرار داده، عملکرد او را معیار کار خود قرار دهیم و آنکه جاهل مقصر است (یعنی می‌تواند جهل را از خود برطرف سازد ولی کوتاهی می‌کند) هر چند که در گناهش مؤاخذه می‌شود لیکن گناه او از گناه فرد تحصیل کرده که در جاده علم است خفیف‌تر است/ پس قشر تحصیل کرده نمی‌تواند در درگاه خدای عزوجل این طور بهانه بیاورد که من دیدم قشر متدین که گفتیم بیشتر جاهل قاصر و مقصرند - اعمالی مرتکب می‌شد که با عقاید دینی او سازگار نبود، لذا پس زدم و از تحصیل عقاید درست و تشخیص دین صحیح از راه استدلال بیزار شدم، زیرا در تشخیص حق از باطل عملکرد افراد معیار نیست، حق حق است هر چند که همه مردم خلاف آن را بگویند و برخلاف آن عمل کنند و باطل هم باطل است هر چند که همه مردم طرفدار آن باشند و بر طبق آ عمل کنند/ و اگر انگیزه سؤال، پی بردن به علت انحراف باشد می‌گوییم: تأثیر رفتار ناپسند این طبقه و مخصوصاً آنهایی که تظاهر بیشتری به دینداری می‌کنند، در افراد ساده لوح قابل انکار نیست و ما اگر بخواهیم این تأثیر را انکار کنیم، همان اشکال بالا به خود

ما متوجه می‌شود یعنی قشر متدین را به ناحق تبرئه کرده‌ایم، زیرا عمل زشت، زشت است و سخن باطل، باطل است هر چند که در قشر متدین دیده شود، لیکن اگر به نظر انصاف مسأله را مورد دقت قرار دهیم می‌بینیم که حداقل ده درصد خلاف کاریهایی که در قشر متدین دیده می‌شود، به وسیله افرادی ارتکاب می‌شود که جاهل قاصرند و بیش از پنجاه درصد آن به وسیله افرادی ارتکاب می‌شود که متدین نیستند یعنی در دل، عقیده راسخی به اصول عقاید اسلامی ندارند و اگر تظاهر به دینداری می کنند، برای این است که می‌خواهند مردم را به دام خود بیندازند و در حقیقت با زبان شکار حرف می‌زنند؛ در سابق نیز گفتیم یک شکارچی ماهر وقتی می‌خواهد مثلاً ـ خرس را شکار کند، برای اینکه در تیررس خود قرارش دهد، صدای خرس در می‌آورد، افراد منافق در هر جمعیتی چه در بین مسلمین و چه مسیحیان و چه جمعیتهای دیگر اگر تظاهر به دینداری می کنند بخاطر همین است که در چشم‌ها عزیز و بزرگ آیند و دلها را صید نموده، آنگاه در سایه این اعتماد، اغراض شوم خود را به دست آورند/ و اگر چهل درصد باقی مانده از خلافکاریها را دقیقاً مورد نظر قرار دهیم خواهیم دید که بیش از سی درصد آن گناهانی است که افراد متدین واقعی مرتکب می‌شوند که بینش دینی آنان و چشم عقلشان از دید افتاده یعنی کورانی از خشم، یا شهوت، و یا کینه و یا کورانهایی دگیر در دلهایشان بپا خاسته و در آن حال مرتکب خلافی شده‌اند، گناه در این حال، معیار دینداری و بی‌دینی افراد نیست/ در بحث عدالت می گویند اگر عادلی که مردم دنبال او به نماز می‌ایستند، در حال خشم غیبتی کرد و یا فحش داد باید ببینیم بعد از برطرف شدن خشمش چه وضعی دارد اگر دیدیم که شدیداً اندوهگین شد که چرا من جلو خشم خود را نگرفتم و در حال خشم فحش دادم و به درگاه خدا گریه و زاری می کند که خدایا از تقصیرم در گذر – و – در مثل – حالتی در او دیدیم نظیر حالت کسی که در حضور جمعی از افراد محترم حرکت بی‌ادیانه‌ای بکند که هر وقت به یاد آن رفتار ناهنجار می‌افتد، از خجالت عرق می کند چنین کسی باز هم عادل است و ما می‌توانیم در نماز جماعت به او اقتدا کنیم، و خدای تعالی هم از گناه او درگذشته است، چون توبه همان حالت شرمندگی است که پس از گناه به انسان متدین دست می‌دهد و وقتی که خدای تعالی او را مؤاخذه نمی کند، ما حق نداریم از او انتقاد کنیم و اگر احیاناً خود ما از او خلافی دیدیم، باید رفتارش را حمل بر صحت نموده بگوییم در حالی انجام داده که بینش درستی نداشته است/ بنابراین از درصد گناهانی که از قشر بظاهر متدین دیده می‌شود علت نود درصد آن معلوم شد باقی می‌ماند درصد که صدور آن از قشر متدین برای ما و شما معلوم نیست یعنی شایعه است و اگر در مقام تحقیق برآییم خواهیم دید که تهمتی بیش نیست و این مطلب قابل انکار نیست که در زندگی خود، به بسیاری از این موارد برخورده‌ایم که درباره شخصی چیزی شنیده‌ایم که بعداً نادرستیش مسلم شده است/

نظارت اجتماعی

نظارت اجتماعی رسمی

چرا علما و مراجع تقلید در مقابل تسلیمه ءنسرین که کتابی شبیه آیات شیطانی نوشت عکس العملی نشان ندادند؟

پرسش

چرا علما و مراجع تقلید در مقابل تسلیمه ءنسرین که کتابی شبیه آیات شیطانی نوشت عکس العملی نشان ندادند؟

پاسخ

حکم کسانی که مسلمان بوده و مرتد شده‌اند، از نظر فقهی کاملاً روشن است. علاوه بر آن که توهین به مقدسات نیز،خود از نظر فقهی دارای احکام معین و مشخص است. ولی اگر بنا باشد در کلیه این موارد، همانند قضیه سلمانرشدی، از سوی مراجع و یا مسؤولین حکمی صادر گردد، به نظر می‌رسد در هر چند روز بایستی یک چنین احکامیصادر گردد و این موضوع در شرایط فعلی نمی‌تواند چندان معتبر باشد. اما مسأله سلمان رشدی دارای ویژگی خاصی بود و آن حمایت استکبار جهانی از او و تلاش برای گسترش افکارشیطانی وی بود. این موضوع، امام را بر آن داشت تا موضعی قوی و نیرومند در برابر آن اتخاذ نمایند تا هم درسی برای دیگران باشدو هم آن که استکبار جهانی و صهیونیسم، از آن بهره‌ای نبرند. ولی این بدان معنا نیست که برای هر مرتدی بایداطلاعیه‌ای صادر کرد. در این صورت چه بسا که نتیجه معکوس دهد و باعث اشاعه آن بشود. خواهید گفت حکم الهی چه می‌شود؟ احکام الهی در صورتی به اجرا درمی‌آیند که قدرت بر انجام آن باشد.بسیاری دیگر از احکام الهی هست که ما قادر نیستیم آن را در جهان پیاده کنیم؛ آیا باید بر سر آنها هر روز سر و صداییبه پا کنیم؟ پس بایستی شرایط زمان و مکان، کاملاً سنجیده شود و آن گاه حکم صادر گردد و جنبه اجرایی پیدا کند.}J

برای شهر فردوس چون امام جمعه ندارد از مسئولین درخواست امام جمعه نمائید.

پرسش

برای شهر فردوس چون امام جمعه ندارد از مسئولین درخواست امام جمعه نمائید.

پاسخ

جهت تعیین امام جمعه برای شهر فردوس از طریق شورای سیاست گذاری ائمه جمعه استان و مرکز باید اقدام کرد. مردم مؤمن و متدین شهرستان فردوس می‌توانند با نوشتن طومار و نامه درخواست امام جمعه کنند البته زمانی که ما برای شما این مطلب را می‌نویسیم به نظر می‌رسد امام جمعه جدید به شهر فردوس منصوب شده باشند و برای ایشان آرزوی موفقیت داریم و برای حل مشکلات می‌توانید با امام جمعه در تماس باشید.

چرا وزارت ارشاد اجازهء پخش نوارهای غیر اسلامی را می دهد؟

پرسش

چرا وزارت ارشاد اجازهء پخش نوارهای غیر اسلامی را می دهد؟

پاسخ

این موضوع شایعه ای بیش نیست . اگر می توانید چند نوع از این گونه نوارها را نام برده , دلایل غیراسلامی بودن آن را بنویسید و برای ما ارسال نمایید, تا ما به وزارت ارشاد ارسال کنیم و علّت پخش آن را جویاشویم . عده ای در این مملکت کارشان شایعه

سازی است .

آیا روشهای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و جامعه با روشهای تربیتی قرآن هم خوانی دارد؟

پرسش

آیا روشهای تعلیم و تربیت دینی در مدارس و جامعه با روشهای تربیتی قرآن هم خوانی دارد؟

پاسخ

.۱. پاسخ جامع به سؤال شما نیازمند تحقیق در دو امر است. اول؛ هدف و روشهای تعلیم و تربیت در قرآن چیست؟ دوم؛ هدف و روشهای تعلیم و تربیت در جامعه چگونه است؟ بعد از معلوم شدن این دو مطلب پاسخ سؤال شما آشکار می گردد. ۲. بدیهی است پاسخ جامع به این دو سؤال نیازمند زمان و بررسی میدانی در این خصوص است اما بطور اجمال اشاره می‌کنم که : هدف قرآن کریم از تعلیم و تربیت، در یک کلام به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان و رشد اوست و روشهای متفاوتی را نیز در قرآن کریم به این منظور ارایه نموده است از آن جمله : ۱) آموزش به وسیلهٔ عمل ۲) آموزش همراه با ترغیب و تهدید و مانند آن(۱) در این آموزش فراگیری، ممزوج با تزکیه است و به گونه ای صورت می گیرد که فرد، حقیقت مورد نظر را می یابد یا به اصطلاح "وجدان "می کند. یعنی نه تنها از نظر عقلی می فهمد بلکه با تمام وجود آن را می یابد.قرآن بدنبال یاد دادن معلومات نیست بلکه به دنبال ایجاد معرفت و شناخت است. ۳. در این که آیا چنین روشهایی در جامعه پیاده می شود به طور اجمال می توان گفت بخشی از این آموزشها در مدارس و مؤسسات فرهنگی مختلف مورد توجه قرار می گیرد و استفاده می شود اما آنچه که مد نظر قرآن است عملاً کمتر تحقق پیدا می‌کند چرا که یکی از شرایط تربیت قرآنی، مربی پاک است. یعنی علاوه بر معارف بلندی که دارد، کسی که آن را منتقل می کند نیز باید پاک وطاهر باشد. لذا گرچه اقدامهای نسبتاً خوبی در این باره صورت گرفته اما تا تحقق کامل تعالیم قرآن راهی بس طولانی را در پیش داریم. تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل و پویایی کارماست. منابع و مآخذ : ۱. دانشنامهٔ قرآن، ج۱، ص۵۱۲، ذیل تربیت از دیدگاه قرآن

بفرمایید جلوی این همه بیحجابی و بد حجابیها را چه کسی باید بگیرد؟

پرسش

بفرمایید جلوی این همه بیحجابی و بد حجابیها را چه کسی باید بگیرد؟

پاسخ

احساس مسئولیت شما در قبال حجاب و پوشش زنان جامعه قابل تقدیر و تحسین است و اما در خصوص جلوگیری از بدحجابی و بی حجابی در جامعه لازم می‌دانیم نکاتی را یادآور شویم . در خصوص وضعیت موجود اولین نکته‌ای که باید مورد توجه همگان

اعم از مسئولان حکومتی فرهنگی، امامان جمعه و جماعت، مدیران مراکز آموزش (مدارس و دانشگاهها) و حوزه‌های مقدسه علمیه و عموم گویندگان و خطیبان و رهبران فکری جامعه که وظیفه هدایت جامعه را بر عهده دارند،قرار گیرد این است که علل و عوامل بی حجابی و بدحجابی را موشکافی و ریشه‌یابی و کالبد شکافی کنند و در مرحله بعد راهکارهایی برای مقابله روند موجود طراحی و برنامه‌ریزی نمایند. در عصر حاضر و در جهان کنونی قدر مسلم آن است که با روش‌ها و شیوه‌های سنتی گذشته و امر و نهی صرف و بدون توجیه و تبیین و تفسیر و اقناع افکار عمومی نمی‌توان با پدیده‌ای مقابله و مبارزه کرد و آنرا از میان برد. اگر بدون شناسایی علل و عوامل پیدایش پدیده‌های اجتماعی همانند بدحجابی و بی حجابی به ممانعت از نوعی پوشش و اجبار به پوشش خاص بپردازیم نه تنها آثار مثبتی به دنبال ندارد بلکه افراد را به عکس‌العمل متقابل وادار می‌سازد و از روی لج بازی پرچم مقابله و مبارزه برخواهند افراشت. به عنوان مثال در یکی از مراکز آموزشی در سال ۱۳۷۲ از دختران دانشجو بصورت غیر مستقیم و بدون این که اسم خودشان را ذکر بکنند سؤال کرده بودند آیا داشتن حجاب را برای کرامت انسانی لازم می‌دانید؟ ۹۵ درصد جواب مثبت داده بودند ولی در بررسی ظاهری در محیط و فضای دانشگاه متوجه شدند تنها ۳۵ درصد رعایت حجاب شرعی را می‌نمایند. حال اگر به این دختران دانشجو گفته شود حجاب خودتان را حفظ کنید یا تحت فشاری قرار گیرند تا حجاب را حفظ کنند آیا فکر می‌کنید نتایج مثبتی در پی داشته باشد. قطعاً خیر. تا زمانی که بترسد رعایت خواهد کرد ولی همین که از درب دانشگاه خارج شد چادرش را بر خواهد داشت و ... و گاهی برای انتقام‌جویی به برخی کارهای ناشایست اقدام خواهد کرد. نمونه‌های فراوانی در جامعه که نتیجه عکس العمل تند بوده است مشاهده شده است. زن باید ایمان و اعتقاد قلبی داشته باشد تا حجاب را رعایت کند. به زور و اجبار نمی‌توان حجاب و پوشش را ترویج کرد: لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی .... در دین زور و اجباری نیست، ایمان امری فردی و اختیاری و آگاهانه است که هرکس خودش باید خداوند را بپذیرد نه به زور واکراه و اجبار. حجاب نیز که از ضروریات اسلام است از این امر مستثنی نیست. مادر گرامی و ارجمند برای مقابله با بدحجابی و بی‌حجابی همگان باید تلاش کنند، مسئولان کشوری و بخصوص روحانیان، فرهنگیان، دانشگاهیان، صدا و سیما، روزنامه‌ها و تمام مردم در این زمینه مسئولیت دارند و همه باید با هم هماهنگ عمل کنند. حال تصور کنید خانواده به فرزندانش اصرار می‌ورزد چادر بپوشد و فرزندان ،زنان و دختران دیگر را در جامعه و تلویزیون با وضعیت دیگری مشاهده می‌کنند می‌پرسند مگر سیمای جمهوری اسلامی سیمای اسلامی نیست اگر این پوشش که خانواده اصرار می‌ورزد اسلامی است چرا در تلویزیون و دانشگاهها و بازار و کوچه و ... رعایت نمی‌شود، بخصوص اگر مورد تحقیر و تمسخر قرار گیرد خیلی زود ممکن است تغییر پیدا کند. اگر مسئولان دم از اسلام بزنند و خودشان به دستورات اسلامی عمل نکنند، رشوه بگیرند، کار مردم را راه نیندازند، به وعده‌های خودشان عمل نکنند و ... و از طرف دیگر فریاد وا اسلاما سر دهند که اسلام از بین رفت آیا فکر می‌کنید اثر مثبت دارد . وقتی فقر و بیعدالتی، پارتی‌بازی، رشوه و ... در جامعه رواج پیدا کند. مفاسد اجتماعی و بی‌حجابی و بدحجابی نیز در جامعه گسترش پیدا می‌کند و وقتی عدالت اسلامی توسعه یابد،مسئولان خادم و خدمتگذار باشند و رفتار و گفتارشان با هم یکسان باشد و ... جامعه به سوی صلاح پیش خواهد رفت. وقتی اعضای جامعه خود را مقید به رعایت مسایل دینی و اسلامی بکنند خود به خود جامعه اصلاح می‌شود و حجاب و پوشش اسلامی رواج می‌یابد. عمل به اسلام وظیفه همگانی است و مقابله با تخلفات نیز.

چرا بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد هنوز هم بحث اعتیاد و سیگار و حشیش و مشروبات الکلی در جامعه ما زیاد شده است؟ شاید سؤال من خنده‌دار باشد ولی خیر منشاء همه اعتیادها جامعه که جوانان ما را به تباهی کشانده بله حرف اصلی بنده این است که چرا آیت ا...

پرسش

چرا بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی می گذرد هنوز هم بحث اعتیاد و سیگار و حشیش و مشروبات الکلی در جامعه ما زیاد شده است؟ شاید سؤال من خنده‌دار باشد ولی خیر منشاء همه اعتیادها جامعه که جوانان ما را به تباهی کشانده بله حرف اصلی بنده این است که چرا آیت ا... میرزا شیرازی جرأت داشت حرام کند یعنی فتوا داد و مردم انجام دادند ولی نه حضرت امام (این کار را انجام داد و نه مقام معظم رهبری چرا؟ اگر در جامعه‌ای سیگار وجود نداشته باشد جوانان ما به ورطه نابودی کشانده نمی‌شوند منشاء تمام اعتیادها مخدر از سیگار شروع می‌شود حتی قیمت این وسیله‌ها آنقدر ارزان است که به سادگی بدست همه پیدا می‌شود مثال یک شیشه الکل در داروخانه‌ها ۳۰۰ تومان است اگر بکند ۳۰۰۰۰ تومان هیچ موقع جوان به طرف نابودی نمی‌رود توضیح دهید؟

پاسخ

سوز و گداز و دلسوزی شما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می کنند و آنرا یادآوری می‌شوند. بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسیار پیچیده و گسترده است. متأسفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می کند. مسئولان کشور در مراحل و مقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده‌اند و تاکنون سرمایه‌های زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدید زشت مواد مخدر از بین رفته است. چه بسیار انسانهای خدومی که در مقابله با اشرار مسلح و قاچاقچیان حرفه‌ای بین المللی به شهادت رسیده‌اند چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شده ولی حجیم تولید و انتقال مواد و پیچیدگی موضوع و ابعاد بین المللی آن آنقدر زیاد و گسترده و حجیم بوده است که این تلاشها و زحمات و خدمات نمود و بروز جدی و چندانی نداشته است ولی تصور کنید اگر این اقدامها صورت نمی گرفت آیا حالا می‌توانستیم حتی با ذره‌بینی هم افراد غیر معتادی پیدا کنیم. بعید بوده. مواد مخدر تأمین کننده گسترده و بین المللی بسیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته‌اند خوشبختانه نتوانسته‌اند به اهداف پلید خودتان نایل آیند. با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه‌ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانمان‌برانداز را کاهش بدهیم. البته مقابله با اعتیاد و مواد مخدر تنها با یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست. مقایسه زمان کنونی با عصر میرزای شیرازی نیز درست و صحیح به نظر نمی‌رسد قدرت و اقتدار دستگاه مرجعیت و روحانیت و تدبر و اطاعت‌پذیری مردم در حال حاضر با آن زمان نیز قابل مقایسه نیست. چنانچه میزان آگاهی و بینش مردم نیز متفاوت است. از طرف دیگر فتوای میرزای شیرازی جنبه سیاسی و مبارزه با حکومت و قرارداد ننگین دستگاه حکومت ایران با اجانب بود نه منع مصرف تنباکو. صرف مصرف نبود بلکه خرید و فروش و مصرف و ... به عنوان کمک به اجانب و اسارت ملت تلقی می‌شد. ولی امروز اگر چه بحث مواد مخدر بعد استعمار و استکباری دارد ولی برای آحاد جامعه و افراد به عنوان یک معضل اجتماعی فردی مطرح است نه کمک به اجانب و بیگانگان. حل مشکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه‌ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم بروند و آن چنان قبیح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباحت و زشتی بکنند. قبیح بودن مصرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می‌شود وگرنه از عهده یک یا چند دستگاه ساخته نیست. از شما می‌پرسم آیا تعدد همسر بوسیله مقامات مسئول منع شده است در

حالی که از نظر اسلام داشتن چند زن جایز است ولی چرا جامعه نمی‌پذیرد و ازدواج مجدد قبیح و زشت شده، چون فرهنگ شده است.

نظام جمهوری اسلامی ایران چه تمهید و تعبیراتی در خصوص تربیت دختران و پسران چه در خانواده های مذهبی و غیر مذهبی که متأسفانه هیچ تقید و پایبندی به تربیت دینی فرزندان وجود ندارد و نظر به جذابیت های کاذبی که در راستای انحراف فرزندان از اصول دینی و معرفتی وجود

پرسش

نظام جمهوری اسلامی ایران چه تمهید و تعبیراتی در خصوص تربیت دختران و پسران چه در خانواده های مذهبی و غیر مذهبی که متأسفانه هیچ تقید و پایبندی به تربیت دینی فرزندان وجود ندارد و نظر به جذابیت های کاذبی که در راستای انحراف فرزندان از اصول دینی و معرفتی وجود دارد و نصایح پدر و مادر و تبلیغات دینی را تحت شعاع قرار داده اندیشیده است و برای به راه آوردن این نسل آینده ساز چه کاری می بایست کرد؟

پاسخ

تربیت امری فراگیر و همه جانبه است و یک فرد یا دستگاه در برابر آن مسؤول نیستند. همه اعضای جامعه، خانواده، مدرسه، حکومت ودستگاههای گوناگون برای تعلیم و تربیت فرزندان جامعه مسؤولیت دارند. همه و همه باید برای رشد تعالی نسل جوان با تلاش و جدیت بیشتر اقدام کنند. این که افراد یکدیگر را مسؤول بدانند یا دولت را مسؤول بشمارند و خود هیچ گونه اقدامی نکنند، نوعی فرار از مسؤولیت است، نوعی شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت سنگینی است که بر عهده دارند. متأسفانه پس از انقلاب اسلامی همهٔ نابسامانی ها را به دولت ربط می دهیم و همه چیز را از دولت می خواهیم و غافل هستیم از اینکه دولت ما هستیم و ما دولتیم. همه و همه مسؤولیم" کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته "در مرحله اول برای تربیت فرزندان پدر و مادر و خانواده مسؤول هستند در مرحله بعد مدرسه و مربیان و کادر آموزشی و سپس دانشگاه ها و نهادهای مسؤول و کل جامعه برای تربیت نسلی فهیم و با شرافت و فضیلت مسؤولیت دارند. ما باید به دیگران مسؤولیت خطیرشان را مرتب یادآور شویم و متذکر شویم که مدرسه و دانشگاه و سازمانهای فرهنگی و آموزشی و وزارت خانه ها و نهادهای مختلف و مسؤولان عالیرتبه کشوری چه مسؤولیت های خطیر و حساسی برای تربیت نسل امروز بر عهده دارند. باید به آنان یادآور شویم که در قبال این نسل باید پاسخگو باشند و همه جدّ و جهد خویش را بکار گیرند تا نسلی پویا، با نشاط، پر تحرک، عالم، اندیشمند و با فضیلت بارآورند و البته همزمان با این یادآوری نباید از مسؤولیت خودمان غفلت کنیم ما و شما که احساس می کنیم نسل امروز در برابر سیل و طوفان سهمگین تهاجم فرهنگی و انواع انحرافات گوناگون قرار دارد در برابر این نسل مسؤولیت بسیار خطیری داریم. آیا اگر دیگران به وظیفه شان عمل نکردند ما نیز نباید آنچه از دستمان ساخته است انجام بدهیم. آیا ما قادر نیستیم حتی یک نفر را هدایت کنیم. تصور کنید هر کدام از ما که چنین احساسی داریم همزمان با اینکه به دیگران مسؤولیت شان را یادآور می شویم خود نیز دست به کار شویم و برای هدایت و تربیت نسل فعلی آنچه از دستمان ساخته است انجام دهیم، چه خواهد شد، اگر هر کدام از ما حداقل یک نفر را هدایت کنیم و از خطا و گناه حفظ کنیم بخش وسیعی از جوانان هدایت می یابند ولی افسوس که همه یاد گرفته ایم انتقاد کنیم که البته انتقاد خوب است ولی کافی نیست. باید هم انتقاد کنیم و هم خودمان به وظیفه خویش عمل کنیم و تا جایی که

برای ما مقدور است از توان و امکان خود و بستگان و دستگاهها برای هدایت نسل جوان استفاده کنیم. تربیت جز با تلاش همگانی و تفکر مقدور نیست. پس پیش بسوی این ایده.

به چه دلیل جلو بی حجابی گرفته نمی شود و روز به روز بر تعـداد آنها افزوده می شود. و پوشـش این افراد کمتر می شود آیا ما می توانیم صبر کنیم تا زمانی که فرهنگ این افراد درست شود که خودشان حجاب را رعایت نماینـد. به چه دلیل ما اگر فردی اسـلحه به دست بگیرد و خواسته

پرسش

به چه دلیل جلو بی حجابی گرفته نمی شود و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود. و پوشش این افراد کمتر می شود آیا ما می توانیم صبر کنیم تا زمانی که فرهنگ این افراد درست شود که خودشان حجاب را رعایت نمایند. به چه دلیل ما اگر فردی اسلحه به دست بگیرد و خواسته باشد کسی را بکشد همه جلو او را می گیرند ولی این افراد بی حجاب روح مسلمین را نشانه گرفته اند و متأسفانه مسئولین در این زمینه اقدامی نمی کنند و به قدری روی این افراد بی حجاب زیاد شده اند که کسی جرأت نمی کند آنها را امر به معروف بکند چون نتیجهٔ عکس می گیریم آیا اسلام و جمهوری اسلامی در این زمینه فکری کرده است یا خیر؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته‌ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت‌پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه‌هایی از آن را ارائه کرده‌اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته‌اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم‌ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد: الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه‌های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی. هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه‌های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز کرده است. امید است با برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت‌های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. بهبود وضعیت حجاب نیاز به برنامه ریزی وسیع فرهنگی و اجتماعی دارد. در این راستا علاوه بر تکالیف فردی، در جهت ارشاد دیگران بایستی با برنامه‌های کلان تلاش کرد. عوامل بد حجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه‌هایی است که در به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است: الف)- از نظر انسان‌شناختی و روان‌شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را و قرآن می‌فرماید: إِنا هَدَیْناهُ اَلسَّبِیلَ إِمَّا شاکِراً وَ إِمَّا کَفُوراً(۱) بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی ما- که بسیاری از احکام، ارزش‌ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و

جای هیچ گونه عذر و بهانه‌ای نیست- بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از طرف برخی افراد نادیده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصر روان‌شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و ... می‌باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، برخی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. یکی از راه‌های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم فرماید: إِنَّ اَللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ. خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.(۲) ب)- ریشه‌های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعد برهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی‌حجابی را در خانواده‌ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند رو این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد ولی به دلایل متعددی، رگه‌ها و ریشه‌های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد. ج)- کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش‌ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی، محاصره‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه‌های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه‌کار و برنامه‌هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش‌ها و احکام اسلامی مبذول نگردد. د)- بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست‌های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش‌های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل‌پرستی و... گردید ه)- عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه‌های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال‌های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه‌ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. و)- برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت‌آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید. ز)- اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام‌مند از طرف احاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است. ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش‌های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژی- اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش‌ها و مظاهر تمدن غرب مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه‌های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش‌بینی می‌باشد الف)- راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد. ب)- کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است.

زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه‌ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه‌های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می‌تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاههای فرهنگی نیز بهتر می‌توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند. برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب. منابع و مآخذ: ۱) انسان، آیه ۳ ۲) رعد، آیه ۱۱

یکی از بزرگترین بدبختی های جامعه ما مواد مخدر و دخانیات می باشد پس چرا دولت دم از ترک آن می زند و آن را خطر بزرگ می داند و اعتیاد مرگ تدریجی می گویند. چرا خود دولت دخانیات تولید می کند و چرا مقام معظم رهبری آن را حرام نمی کنند مثل آیت الله شیرازی؟

پرسش

یکی از بزرگترین بدبختی های جامعه ما مواد مخدر و دخانیات می باشد پس چرا دولت دم از ترک آن می زند و آن را خطر بزرگ می داند و اعتیاد مرگ تدریجی می گویند. چرا خود دولت دخانیات تولید می کند و چرا مقام معظم رهبری آن را حرام نمی کنند مثل آیت الله شیرازی؟

پاسخ

حضرت آیت الله خامنه ای: استعمال سیگار حرام است در صورت داشتن ضرر متشابه. حضرت آیت الله مکام شیرازی: کشیدن سیگار و انواع دخانیات اگر به تصدیق اهل اطلاع ضرر مهمی داشته باشد حرام است. حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: چنانچه موجب اعتیاد شود جایز نیست و معتاد به آن در صورت عدم ضرر آن را ترک کند. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: برای هر کس ضرر متعدّبه داشته باشد جایز نیست. حضر آیت الله تبریزی: کار خوبی نیست بهتر آن است ترک شود. حضرت آیت الله سیستانی: کسی که می داند سیگار برای او ضرر مهمی مانند بیماری های مهلک دارد جایز نیست بکشد و سیگار کشیدن در جمع اگر کسی حاضر باشد که برای او ضرر مهمی دارد مانند بیماران ریوی جایز نیست. سوز و گداز و دلسوزی شما نسبت به آینده جامعه و نسل جوان و آینده ساز کشور قابل تحسین و تقدیر است. تشخیص شما نیز در خصوص معضل بزرگ اعتیاد و خطرات ناشی از آن نیز بسیار قابل توجه و ارزشمند است. خوشحالیم که افرادی متعهد، مسئول و دلسوز در جامعه وجود دارند و مشکلات را به خوبی درک می‌کنند و آنرا یادآوری می‌شوند. بحث مواد مخدر و علل و عوامل گسترش آن بسیار پیچیده و گسترده است. متأسفانه کشور ما در مسیر ترانزیت مواد مخدر و در همسایگی افغانستان قرار گرفته که بیش از ۹۰ درصد مواد مصرف شده کل دنیا را تولید می‌کند. مسئولان کشور در مراحل و تقاطع گوناگون با این پدیده شوم همیشه مبارزه کرده‌اند و تاکنون سرمایه‌های

زیاد انسانی و غیر انسانی، در راه مقابله و مبارزه با پدیده زشت مواد مخدر از بین رفته است. چه بسیار انسانهای خدومی که در مقابله با اشرار مسلح و قاچاقچیان حرفه‌ای بین المللی به شهادت رسیده‌اند چه امکانات فراوان و زیادی که در راه مقابله با آن بکار گرفته شده ولی حجم تولید و انتقال مواد و پیچیدگی موضوع و ابعاد بین المللی آن آنقدر زیاد و گسترده و حجیم بوده است که این تلاشها و زحمات و خدمات نمود و بروز جدی و چندانی نداشته است ولی تصور کنید اگر این اقدامها صورت نمی گرفت آیا حالا می‌توانستیم حتی با ذره‌بینی هم افراد غیر معتادی پیدا کنیم. بعید بود مواد مخدر تأمین کننده دنیای بسیاری از افراد است و باید با درآمد کلان آن، کشور افغانستان اداره می‌شود. این مواد خانمانسوز یکی از ابزار مهم و عمده استعمار و استکبار برای مقابله با نسل جوان مسلمان و ایرانی است. دشمنان با استفاده از آلوده کردن جوانان و مردم کشور ما می‌خواهند جامعه ما را به تباهی و نابودی بکشانند ولی با همه هجوم گسترده و بین المللی بسیار پیچیده و خطرناکی که تا بحال داشته‌اند خوشبختانه نتوانسته‌اند به اهداف پلید خودشان نایل آیند. با تدابیر جدید عوامل انتظامی و برنامه‌ریزان اجتماعی خوشبختانه ترک اعتیاد در کشور رو به افزایش است و امیدواریم بتوانیم این معضل خانمان‌برانداز را کاهش بدهیم. البته مقابله با اعتیاد و مواد مخدر تنها با یک فتوا و فرمان قابل اجرا نیست. مقایسه زمان کنونی با عصر میرزای شیرازی نیز درست و صحیح به نظر نمی‌رسد قدرت و اقتدار دستگاه مرجعیت و روحانیت و تدبر و اطاعت‌پذیری مردم در حال حاضر با آن زمان نیز قابل مقایسه نیست. چنانچه میزان آگاهی و بینش مردم نیز متفاوت است. از طرف دیگر فتوای میرزای شیرازی جنبه سیاسی و مبارزه با حکومت و قرارداد ننگین دستگاه حکومت ایران با اجانب بود نه منع مصرف تنباکو. صرف مصرف نبود بلکه خرید و فروش و مصرف و ... به عنوان کمک به اجانب و اسارت ملت تلقی می‌شد. ولی امروز اگر چه بحث مواد مخدر بُعد استعمار و استکباری دارد ولی برای آحاد جامعه و افراد به عنوان یک معضل اجتماعی فردی مطرح است نه کمک به اجانب و بیگانگان. حل مشکل اعتیاد نیازمند بسیج همگانی و عزمی ملی است. باید به گونه‌ای افراد دلسوز و نسل جوان و فهیم و ... به مقابله با این پدیده شوم بروند و آن چنان قبح و زشتی برای آن در فرهنگ عمومی مطرح شود که افراد از مصرف آن احساس قباحت و زشتی بکنند. قبیح بودن مصرف مواد باید فرهنگ عمومی بشود. اگر چنین شد موفقیت حاصل می‌شود وگرنه از عهده یک یا چند دستگاه ساخته نیست. از شما می‌پرسم آیا تعدد همسر بوسیله مقامات مسئول منع شده است در حالی که از نظر اسلام داشتن چند زن جایز است ولی چرا جامعه نمی‌پذیرد و ازدواج مجدد قبیح و زشت شده، چون فرهنگ شده است. منابع و مآخذ: مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۱، ص۱۴۷ـ۱۴۸، سید محسن محمودی

چرا در جامعه اسلامی ما با توجه به ارزش حجاب و امور معنوی فیلمهایی در سینما و تلویزیون پخش می‌شود که اسباب هتک حرمت زن را فراهم کرده و پاکی و معنویت جامعه را خدشه‌دار می‌سازد؟ چه کسی مسئول است

پرسش

چرا در جامعه اسلامی ما با توجه به ارزش حجاب و امور معنوی فیلمهایی در سینما و تلویزیون پخش می‌شود که اسباب هتک حرمت زن را فراهم کرده و پاکی و معنویت جامعه را خدشه‌دار می‌سازد؟ چه کسی مسئول است

پاسخ

دوست عزیز، متأسفانه یکی از معضلات اجتماعی ما فیلمها و نشریاتی است که با صحنه‌های زشت و به دور از شئونات اسلامی در سطح جامعه پخش می‌شود که این باعث خون دل خوردن قشر مذهبی و دلسوز جامعه گردیده است اما از آنجا که این امور در

حیطهٔ مسئولیت وزارت ارشاد اسلامی است خیرخواهان باید به آن مقامات تذکر دهند.

با این که اصل حجاب در قرآن آمده، چرا در برنامههای تلویزیونی حجاب رعایت نمیشود؟ و چرا رهبر و دیگر مراجع تذکر نمیدهند؟

پرسش

با این که اصل حجاب در قرآن آمده، چرا در برنامههای تلویزیونی حجاب رعایت نمیشود؟ و چرا رهبر و دیگر مراجع تذکر نمیدهند؟

پاسخ

انحرافات اجتماعی و ترویج فساد، فحشا و بدحجابی در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش انسان بوده و هست و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با این افراد درگیر بودهاند. قطعاً افراد بد حجات و مفسد از مرام، فکر و خواستهای اولیا و شهدا فرسنگها دورند. در مقطع کنونی، مقابله با این مظاهر فساد، کار فرهنگی و جدی و ریشهداری میطلبد که باید مردم و مسئولان به آن همت گمارند. برای مقابله و پیشگیری از بدحجابی و فساد ـ به عنوان یک وظیفه برای فرد فرد مسلمانان ـ به چند راه کار اشاره میشود: ۱. تقویت باورهای دینی: اگر کسی به این مرحلهٔ از باور برسد که خداوند را همیشه حاضر و ناظر بر کارهایش بداند دیگر سعی میکند گناه نکند. ۲. احیای فرهنگ اصیل اسلامی و شناساندن حجاب به عنوان یک ارزش: ۳. امر به معروف و نهی از منکر: بهترین روش مبارزه با ضد ارزشها امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن درباره یاوران]دین[الهی میفرماید" ;همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز بر پا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده وا میدارند و از کارهای ناپسند باز میدارند و فرجام همه کارها از آن خداست. ("حج، ۴۱) ۴. شناساندن الگوهای والا: امروز یکی از تأسفهای جدی این است که زن مسلمان آن چنان که بایسته و شایسته است با چهرههای بلند تاریخ اسلام آشنا نیست ;زندگانی حضرت زهرا۳ و فرزند برومندش پیامآور عاشورا حضرت زینبو دیگر چهرههای والای تاریخ گذشته و معاصر باید برای زن مؤمن نشان داده شود تا بنگرد چه سان با حفظ هویت، شخصیت، وقار و متانت میتواند در جامعه حضور پیدا کند و ایفای نقش نماید ;"قل إن کنتم تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی (;آلعمران، ۳۱) (ای پیامبر) بگو: اگر خداوند را دوست میدارید، از من پیروی کنید("..ر.ک: حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتحیه فتاحی زاده، ص ۱۸۰ ـ ۱۸۹، دفتر تبلیغات اسلامی.) اگر در برخی از برنامههای سیمای جمهوری اسلامی، حجاب رعایت نمیشود، این یک منکر است و همهٔ مردم مکلّفند، تذکر دهند و نهی از منکر نمایند، رهبر و مراجع تقلید هم، بارها تذکّر دادهاند. اگر همهٔ مؤمنان همگام با رهبر و مراجع، تذکّر دهند، از منکرات کاسته شده و صدا و سیما به اهداف دینی نزدیکتر خواهد شد. در ضمن هر کس مسئول کار خودش است. اگر در برخی از مراکز دولتی، منکری صورت گیرد، کسانی که مسئول آن مرکز هستند، مسئول میباشند.

چرا مسؤولان رده بالای کشوری به مسأله تهاجم فرهنگی اعتنایی ندارند، البته حرفش را میزنند و نصیحتهای خوب و تأثیر گذاری میکنند ولی به گفتههای خود جامهٔ عمل نمیپوشانند (که شاید مشکل اصلی نظارت نادرست باشد)؟

پرسش

چرا مسؤولان رده بالای کشوری به مسأله تهاجم فرهنگی اعتنایی ندارند، البته حرفش را میزنند و نصیحتهای خوب و تأثیر گذاری میکنند ولی به گفتههای خود جامهٔ عمل نمیپوشانند (که شاید مشکل اصلی نظارت نادرست باشد)؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی از جمله ابزارها و روشهای دینستیزی و مبارزه با خداپرستی است که همواره از سوی دشمنان خداپرستی به کار گرفته شده است ;نمونههایی از آن را در داستانهایی که قرآن از امتهای پیشین مطرح میکند، به خوبی مشاهده میکنیم. (طه، ۸۵ و...) دشمنان اسلام نیز با استفاده از پیشرفتهترین ابزارهای تبلیغاتی، همواره سعی در منحرف کردن مسلمین داشتهاند که نمونه آن را در فریبکاریهای معاویه و یزید که منجر به شهادت علیو امام حسینشد در تاریخ ملاحظه میکنیم. اسلام و قرآن برنامهای جامع و عملی جهت مقابله و پیشگیری از این تهاجم را از قبل پیشبینی نموده از جمله: توصیه به پرستش خدا به جای اطاعت از شیطان (یس، ۶۰ـ۶۱)، حفظ روحیه دشمنستیزی (فتح، ۲۹)، تقویت و تعمیق باورهای دینی (انعام، ۷۱ و اسرأ، ۳۶)، اقامه و احیای فرهنگ نماز در جامعه (عنکبوت، ۴۵)، احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (آلعمران، ۱۰۴) عبرتآموزی از امتهای گذشته (یوسف، ۱۱۱ و حشر، ۲) و... امّا آنچه موجب ساخته شدن سد محکم در مقابل دشمن شده و از نفوذ او جلوگیری میکند، عمل کردن به این دستورها است و از آنجا که خداوند انسان را آزاد و با اختیار خلق کرده تا خود مسیر صحیح را انتخاب کند. در مقام انتخاب، عدهای لذتهای دنیوی را بر آخرت ترجیح میدهند. (آلعمران، ۱۵۲ و نسأ، ۲۷ ;)چرا که نفس آدمی سرکش بوده (یوسف، ۵۳) و اگر آن را در حال افسارگسیختگی رها کنند، همه عمر را به فسق و فجور میگذراند. (قیامت، ۵)، بنابراین اگر مسلمین از اسلام فاصله بگیرند و به دستورهای قرآن جامه عمل نپوشانند، چنین سدّی هرگز ساخته نخواهد شد. البته بخشی از کار بر عهده دولتها و مسئولین اجرایی و قضایی جامعه اسلامی است ولی بخش عمده آن بر عهده ملت و فرد فرد مسلمین میباشد، به عنوان نمونه، جمعآوری آنتنهای ماهوارهای امری است که به وسیله دولت صورت میگیرد ;امّا این خود فرد است که میبایست به گونهای تربیت شود تا در برابر هر ندای انحرافی مصون بماند.(ر.ک: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید / تهاجم فرهنگی، آیت الله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سخنان مقام معظم رهبری / تاریخ تهاجم فرهنگی غرب و رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی و ستیز / تهاجم فرهنگی غرب و... .) بدیهی است که در مقابله با تهاجم فرهنگی، شیوههای فرهنگی مؤثرتر از شیوههای نظامی و زورمدارانه است و نمیتوان سدّی آهنین بین ایران و سایر کشورها ساخت که فیلم و ماهواره و... وارد نشود. بلکه ما باید نخست خودمان را تربیت اسلامی و قرآنی کنیم و سپس به تربیت سایر جوانان همت گماریم البته دولت هم باید وظیفه خودش را انجام دهد. امّا وظیفهٔ ما، در برابر تهاجم فرهنگی و گناهان، در وهلهٔ اول، آن است که خود و اطرافیانمان را از این آسیبها حفظ کنیم": یـَاَیُّهَاالَّذینَ ءامَنوا قُوا اَنفُسَکُموَاَهلیکُم نارًا(;تحریم،۶) ای کسانی که ایمان آوردهاید! خود و خانوادهٔ خویش را از آتشی]که...[نگه دارید ".ما اگر با وضع امروز دنیا بخواهیم، بر زنانی که با حجاب کامل در جامعه ظاهر نمیشوند، و یا بر کسانی که به اسلام و قرآن و ائمّهٔ اطهار: اهانت میکنند، و یا در مقابل جمهوری اسلامی قد علم میکنند، سخت بگیریم ;شیاطین دنیا ساکت ننشسته، و با توسّل به عناوینی، مانند آزادی، حقوق بشر، حقوق زن، آزادی بیان و... که مورد قبول مردم دنیا است، به ما حملهور شده و ما را به عنوان ضدّ آزادی و امنیّت، قلمداد میکنند ;در این صورت است که به خاطر رعایت مسائل جزئی ـ گر چه در جای خود بسیار اهمیّت دارند ـ مانند بدحجابی، موسیقی و... اصل کیان اسلام به خطر میافتد، و با بهانههای واهی که به دنبال آن هستند، ما را با توسّل قوانین بین المللی، منزوی کرده، سپس نابود میکنند. گاهی مصلحت اسلام اقتضا میکند که مسلمان به قاعدهٔ" دفع

افسد به فاسد "تمسّک کند. گاهی مصلحت و ناچاری، اقتضا میکند که انسان به قاعدهٔ" اضطرار "تمسّک کند. خلاصه آن که اجرای دقیق و کامل احکام اسلام ـ برای فرد یا جامعه ـ زمانی میسّر است که انسان یا جامعه، مزاحمی نداشته باشد ;به طوری که اجرای آن حکم، از گردن انسان یا جامعه ساقط شود. به هر حال، وظیفه عمومی" امر به معروف و نهی از منکر "را همه باید به بهترین وجه انجام دهند.

مدت ۲۱ سال است که در شهر سقز در مسجد حضرت علیو در مساجد دیگر کلاس‌های روخوانی روان‌خوانی و تجوید برقرار است اما یک رسمی و یک مربی رسمی حقوق بگیر در این مساجد نداریم علاوه من و پدرم ۸ سال است برای ارتقأ سطح فکری و بالا بردن فهم قرآنی دانش‌آموزان و د

پرسش

مدت ۲۱ سال است که در شهر سقز در مسجد حضرت علیو در مساجد دیگر کلاس‌های روخوانی روان‌خوانی و تجوید برقرار است اما یک رسمی و یک مربی رسمی حقوق بگیر در این مساجد نداریم علاوه من و پدرم ۸ سال است برای ارتقأ سطح فکری و بالاـ بردن فهم قرآنی دانش‌آموزان و دانش‌جویان کلاس تفسیر داریم ولی هیچ گونه خدمتی جهت بارور کردن این کلاس‌ها از سوی مسئولان به ما نشده است اولاً: چرا مسئولان بی‌توجه هستند و کمتر ارزش قائلند؟ ثانیاً: تقاضا می‌شود امکاناتی از قبیل فیلم یا سی دی قرآنی و مذهبی در اختیار ما بگذارند تا به این وسیله خدمت بیشتری به جوانان و جلوگیری از فحشا و منکرات آنان بشود.

پاسخ

نکاتی چند توصیه می‌شود: ۱. بخشی از پاسخ این پرسش در پاسخ قبل بیان شد. ۲. خداوند متعال می‌فرماید": لاَ یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاّ وُسْعَهَا(;بقره ۲۸۶)، خداوند هیچ کسی را، جز به اندازهٔ تواناییش تکلیف نمی‌کند ".لذا ضمن آرزوی موفقیت و مقبولیت تلاش‌هایتان در احیای معارف قرآن و ضمن این که توصیه می‌کنیم تمام تلاش‌تان را برای گرفتن امکانات از مسئولان و ارگان‌های مربوطهٔ شهر خودتان]ولو با رفت و آمدهای مکرر داشته باشید[امّا بدانید خداوند متعال هر کس را به اندازهٔ امکاناتی که دارد تکلیف می‌خواهد. ۳. این مرکز چون یک مرکز دولتی نیست به خاطر نبود هزینهٔ لازم از کمک مالی و مادی به شما عزیزان معذور است اما می‌تواند شما را در اموری که مربوط به تفسیر و علوم قرآنی است یاری دهد. ضمناً در صورت اجرای طرح خادمان قرآن انشأ الله از همکاری شما مرکز برخوردار خواهد شد.

چرا وسایل و ابزار تبلیغاتی در زمینهٔ قرآن و علوم قرآنی به صورت انبوه و رایگان در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد؟ برای نمونه بنده یک قرآن به خط مصباح زاده دارم که نسبت به خط عثمان طه خیلی سطح آن پایین است

پرسش

چرا وسایل و ابزار تبلیغاتی در زمینهٔ قرآن و علوم قرآنی به صورت انبوه و رایگان در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد؟ برای نمونه بنده یک قرآن به خط مصباح زاده دارم که نسبت به خط عثمان طه خیلی سطح آن پایین است

پاسخ

بسیاری از کتاب‌هایی که در زمینهٔ قرآن و علوم قرآنی نوشته شده است کتاب‌های تخصصی است و برای همگان قابل استفاده نیست لذا نمی‌توان آن‌ها را در تیراژ انبوه چاپ و منتشر نمود. قرآن کریم به خط عثمان طه بدون ترجمه و با ترجمه‌های مختلف در قطعه‌های متفاوت به صورت فراوان چاپ و منتشر شده و در دست رس همگان قرار دارد. چاپ و انتشار انبوه قرآن و کتاب‌های پیرامون قرآن که برای عموم مردم قابل استفاده است و اهدای رایگان آن به طالبان آن‌ها، مربوط به مراکز تبلیغات دینی مانند سازمان تبلیغات اسلامی وزارت ارشاد و... است شما می‌توانید، پیشنهادتان را به آن مراکز اطلاع دهید. این مرکز، امکانات انجام چنین کاری را ندارد.

اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت درمقابل دشمن وتهاجم فرهنگی غرب چیست ؟

پرسش

اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت درمقابل دشمن وتهاجم فرهنگی غرب چیست ؟

پاسخ

در رابطه با مقابله با شبیخون فرهنگی دشمنان وظایفی بر عهده دولت و وظایفی بر دوش مردم بویژه جواناناست: الف) وظایف دولت: ۱) اصلاح برنامه‌های رادیو و تلویزیون. ۲) احیای مساجد و کانون های دینی فرهنگی و تربیتی. ۳) سرمایه‌گذاری جدی در اصلاح وضعیت مدارس و دانشگاه ها. ۴) جدیت در برخورد با منکرات اجتماعی. ۵) آگاهی بخشیدن به جامعه از ترفندهای دشمن و خطرات آن و راه‌های پیشگیری و مقابله و... ۶) ایجاد سرگرمی‌های سالم و مفید و جاذب که مانع بزرگ از توجه مردم به برنامه‌های مبتذل دشمن گردد. ب) وظایف مردم: ۱) حضور هر چه بیشتر در مراسم دینی. ۲) کیفیت و غنا بخشیدن به برنامه‌های مذهبی. ۳) بالا بردن سطح معلومات و تعمیق آگاهی‌های دینی و استحکام بخشیدن به ایمان و اعتقادات مذهبی. ۴) احیای هر چه بهتر امر به معروف و نهی از منکر.

می گویند هرکس پول و پارتی دارد همه چیز دارد و این درست است چون مصادیقش در جامعه زیاد است این ضعف از کجا ناشی می شود؟

پرسش

می گویند هرکس پول و پارتی دارد همه چیز دارد و این درست است چون مصادیقش در جامعه زیاد است این ضعف از کجا ناشی می شود؟

پاسخ

متأسفانه پول و پارتی در کشور ما تا حدی وجود دارد ولی نه باآن شدت که در نامه ذکر شده است. زیرا در بسیاری ازموارد افراد پول و پارتی دار هم از چنگ قانون نتوانسته‌اند فرار کنند. البته همین مقداری هم که هست نباید باشد و دررفع آن باید با جدیت و قاطعیت تمام گام برداشت. اما این که در این زمینه ضعف از مردم است یا دستگاه‌های اجراییو قضایی کشور باید گفت بخش عظیمی مربوط به خود مردم است و بخشی نیز به عهده دستگاه‌هاست. زیرا از طرفیخود مردم ابتدا برای اصلاح سریع و یا خارج از مراحل قانونی کارهای خود پیشنهاد رشوه می‌دهند و کم‌کم آن را بهصورت فرهنگ در می‌آورند و نیروهای اجرایی را به این سمت سوق و عادت می‌دهند و در صورت گسترش بیش ازحد آن دیگر دستگاه‌های قضایی نیز از برخورد با آن عاجز می‌شوند. به هر حال در وضعیت کنونی کشور هنوز به آنحد نرسیده‌ایم و لازم است مردم و دستگاه‌های قضایی و اجرایی جهت ریشه‌کن کردن این گونه مفاسد دست به دستیکدیگر دهند تا شاهد جامعه‌ای از هر جهت سالم و اسلامی باشیم.{J

کاهش تدریجی گرایش های دینی درجامعه اسلامی –بویژه دربین جوانان –معلول چه عواملی است وآیاتاکنون دولت برای حل مشکلات دینی واقتصادی واجتماعی چه قدمی برداشته ؟

پرسش

کاهش تدریجی گرایش های دینی درجامعه اسلامی –بویژه دربین جوانان –معلول چه عواملی است وآیاتاکنون دولت برای حل مشکلات دینی واقتصادی واجتماعی چه قدمی برداشته ؟

پاسخ

کاهش تدریجی گرایشات دینی و معنوی عوامل متعددی دارد؛ از جمله: تغییر سریع و بدون الگوی بافت اجتماعیکاستی در برنامه ریزی‌های فرهنگی نارسایی برخی از تبلیغات دینی و تهاجم و شبیخون فرهنگی غرب. در برابر چنینموج خطرناکی دولت و اقشار مختلف جامعه بویژه فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی رسالت سنگینی دارند و آناحیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان و با عمق و ژرفایی و بینش و برنامه‌ریزی دقیق. به صورت انفرادینیز هرکس باید آگاهی‌های دینی خویش را وسعت بخشد و در برخورد با پدیده‌های انحرافی با جذاب‌ترین شیوهممکن دیگران را مورد ارشاد و راهنمایی قرار دهد. درکنار این جریان دستگاه‌های تبلیغاتی کشور؛ مانند صدا و سیما واهرمهای قانونی مانند قوه قضائیه نیز باید دارای نقش سازنده و فعالی باشند.{J

طلبه هایی که به دانشگاه می آیند, در جواب دادن به مشکلات دینی ضعیف هستند, چرا حوزه برای تربیت این افراد برنامه ای ندارد؟

پرسش

طلبه هایی که به دانشگاه می آیند, در جواب دادن به مشکلات دینی ضعیف هستند, چرا حوزه برای تربیت این افراد برنامه ای ندارد؟

پاسخ

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها بنا دارد از طلاب فاضل و مناسب با محیط دانشگاهی برای ارتقایبینش‌های دینی و ویژگی‌هایی اخلاقی و معنوی استفاده کند. چنان که در مواردی برخی از روحانیون مورد استفاده دردانشگاه را از این جهت ضعیف یافتید با ذکر دلایل به نهاد نمایندگی آن دانشگاه گزارش نمایید و در صورت عدمترتیب اثر این واحد را مطلع سازید.{J

حوزه برای احیای ارزش های اسلامی در دانشگاه ها چه کارها کرده است , لطفا فهرست وار بیان کنید؟

پرسش

حوزه برای احیای ارزش های اسلامی در دانشگاه ها چه کارها کرده است , لطفا فهرست وار بیان کنید؟

پاسخ

فعالیت‌های حوزویان که بعضا با همکاری‌های برادران دانشگاهی توأم بوده است ابعاد مختلفی دارد. برخی از آنهاعبارتند از: (۱) تلاش گسترده جهت تنظیم متون دروس تخصصی مربوط به علوم انسانی و اجتماعی و الهیات (۲) گنجاندن برخی از دروس دینی و سیاسی در همه رشته‌ها مانند معارف اسلامی و ... (۳) اعزام مبلغ جهت بازسازی اندیشه دینی و شخصیت معنوی و اخلاقی دانشجویان (۴) هدایت فکری و معنوی دانشگاهها و همکاری با تشکلات اسلامی دانشجویی از طریق نهادهای نمایندگی مقاممعظم رهبری و... .{J

در گرایش جوانان به مدهای غربی آیا آنان مقصرند یا تولید کنندگان و اگر تولید کنندگان چرا دولت ممانعت نمی کند؟

پرسش

در گرایش جوانان به مدهای غربی آیا آنان مقصرند یا تولید کنندگان و اگر تولید کنندگان چرا دولت ممانعت نمی کند؟

پاسخ

در این موارد مقصر تنها یک طرف نیست و هر کدام به نوبه خود در این رابطه سهیمند مسوءولین نیز در صورتی کهچیزی واقعا برخلاف ارزش‌های اسلامی و انقلاب باشد باید با هوشیاری و مراقبت کامل برخوردی در خور و شایستهداشته باشند.{J

یک موقع استفاده از ماهواره آزاد شد ولی بعدا آن را ممنوع کردند چرا؟

پرسش

یک موقع استفاده از ماهواره آزاد شد ولی بعدا آن را ممنوع کردند چرا؟

پاسخ

مساله ماهواره‌ها از آغاز مورد بحث بود. برخی معتقد به امکان استفاده علمی از آن بودند ولی با بررسی‌ها وتحقیقات انجام شده به دست آمد که میزان آموزش علمی آن در برابر تخریب و ویرانگری فرهنگی آن بسیار ناچیزاست.{J

اقدامات حکومت اسلامی ایران را برای مهار کردن تهاجم فرهنگی توضیح دهید؟

پرسش

اقدامات حکومت اسلامی ایران را برای مهار کردن تهاجم فرهنگی توضیح دهید؟

پاسخ

۱- ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در برنامه‌های صدا و سیما و افزایش برنامه‌های سازنده و معنوی. ۲- اجرا و تقویت برنامه‌های دینی و تربیتی در مدارس دانشگاه‌ها ادارات و ... مانند طرح نماز و .... ۳- کنترل مرزها و جلوگیری از ورود مواد مخدر و ابزارها و وسایل فساد انگیز. ۴- کشف شبکه‌های گسترش فساد و انهدام آنها. ۵- ارائه آموزشهایی در سطح مدیران مدارس جهت آشنایی با شیوه‌های تهاجم فرهنگی در مدارس و راه‌های برخوردبا آنها. ۶- ایجاد و ممنوعیت و محدودیت استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای. ۷- کوشش‌های فوق و اقدامات دیگر در سطح وسیعی انجام گردیده و با توجه به گستردگی بسیار بالای توطئهدشمنان نتایج درخشانی نیز به بار آمده ولی هرگز نباید پنداشت که این امور کافی است و با این تلاش‌ها توطئه تهاجمفرهنگی ریشه کن می‌شود. بلکه هر یک از عوامل فوق تأثیری در حد خود و در زمینه خاصی دارد و بدون همکاریجدی و بی وقفه مردم و مسوءولین مصونیت از گزند تهاجم فرهنگی ممکن نیست.{J

چرا مسئولین از حضور هنرپیشه هایی که مسائل مذهبی را رعایت نمی کنند جلوگیری نمی کنند؟

پرسش

چرا مسئولین از حضور هنرپیشه هایی که مسائل مذهبی را رعایت نمی کنند جلوگیری نمی کنند؟

پاسخ

در این رابطه اقداماتی انجام گرفته است ولی برخورد بیشتر و جدی‌تری نیز لازم است و راه عملی آن همکاری همهجانبه مردم و مسوءولین می‌باشد.{J

با توجه به تهاجم فرهنگی مسئولین نظام جمهوری اسلامی چه تدابیری را برای استفاده از کالاهای خارجی اندیشیده اند ؟

پرسش

با توجه به تهاجم فرهنگی مسئولین نظام جمهوری اسلامی چه تدابیری را برای استفاده از کالاهای خارجی اندیشیده اند ؟

پاسخ

دراین رابطه محدودیتهایی از سوی دولت جمهوری اسلامی وضع گردیده ازجمله : الف : ممنوعیت وبعضامحدود سازی ورود بعضی کالاها ب : ایجاد تغییراتی در جنبه های مخرب برخی از کالاهای وارداتی {J

آیا نظارت بر فعالیت های فرهنگی انجمن های اسلامی دانشگاه انجام می گیردیانه واگر صورت می گیرد چرا در دانشگاه اصفهان این نظارت نیست ؟

پرسش

آیا نظارت بر فعالیت های فرهنگی انجمن های اسلامی دانشگاه انجام می گیردیانه واگر صورت می گیرد چرا در دانشگاه اصفهان این نظارت نیست ؟

پاسخ

نظارت دوگونه است: ۱ کمی ۲ کیفی. آنچه در نوشته شما پیرامون دفتر انجمن اسلامی دانشگاه اقتصاد آمده مربوطبه نوع اول است که نسبت به آن کاری صورت نمی گیرد؛ زیرا انجمن اسلامی و دیگر تشکلات دانشجویی نهادهاییخودجوشند که حدود فعالیتشان وابسته به میزان تحرک اعضاست.{J

در مقابل تهاجم فرهنگی از راه فیلم های سینمائی چرا اقدام نمی شود؟

پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی از راه فیلم های سینمائی چرا اقدام نمی شود؟

پاسخ

احساس وظیفه و تعهد شما در قبال مسائل فرهنگی کشور قابل تقدیر است. امید است همچنان این روحیه وتیزبینی در شما زنده و تقویت گردد. چنان که مرقوم کرده‌اید در برخی از فیلم‌های پخش شده، صحنه‌هایی ناسازگار با احکام و ضوابط شرعی وجوددارد. البته دیدگاه‌هایی نیز وجود دارد که در حرمت برخی از این موارد تردید می‌کند؛ چرا که احکام نظر و نگاه را محدودبه موجود زنده دانسته و تصاویر را از این حکم مستثنی می‌دانند. برخی نیز این گونه رویارویی با فیلم‌های غربی را چاره‌ای موقت برای جلوگیری از بسط فرهنگ غربیمی‌دانند. در هر صورت نمی‌توان آثار مخرب این گونه فیلم‌ها را انکار کرد. امید است با تولید فیلم‌های سازنده وعاری از عوارض نامطلوب، بتوان فضای جدیدی در فرهنگ کشور ایجادنمود.{J

چرا در سیمای ایران فیلمهایی نشان داده می شود که زیرگردن و بیخ گوش زنها پیداست

پرسش

چرا در سیمای ایران فیلمهایی نشان داده می شود که زیرگردن و بیخ گوش زنها پیداست

پاسخ

انتقاد شما از سر دلسوزی و تعهد نسبت به احکام اسلام است، ولی بالاخره با توجه به آن که برنامه‌های مناسبجایگزین وجود ندارد و خطر فرو رفتن کشور در کام تبلیغات زهراگین جهانی وجود دارد، چه باید کرد؟ البته شعار دادنکار آسانی است، ولی تولید یک فیلم مناسب که بتواند تأثیر گذار و فاقد هر گونه جنبه منفی باشد، بسیار مشکل طاقتفرسایی است. اشکال اصلی در این است که سرمایه‌گذاری کافی بر روی این بخش انجام نشده است.{J

چرا دولت و مسئولین در مورد بی حجابی اقدامات جدی به عمل نمی آورند؟

پرسش

چرا دولت و مسئولین در مورد بی حجابی اقدامات جدی به عمل نمی آورند؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوسپهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته‌ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها وشهوت‌پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه‌هایی از آن را ارائه کرده‌اید. البته با وجود همه آنچهکه نوشته‌اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تاحدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم‌ها ومجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می‌گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدامکرد: الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن

در دهه‌های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی. هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونهخواهد شد. در زمینه‌های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکمتبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه‌ریزی‌های دقیق وحساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت‌های بیشتری در این زمینه حاصل گردد.

دانشگاه ما انجمن اسلامی ندارد و اجازه تشکیل آنرا به ما نمی دهند چرا

پرسش

دانشگاه ما انجمن اسلامی ندارد و اجازه تشکیل آنرا به ما نمی دهند چرا

پاسخ

دایر نمودن جامعه یا انجمن اسلامی، تنها با همت دانشجویان میسّر است و منع از ایجاد آن، حرکتی غیر قانونیاست. بنابر این دانشجویان متدین و متعهد باید با جدیت، همدلی و پشتکار، به ایجاد تشکل‌های سالم اسلامیپرداخته و آنها را فعال سازند و از تهدیدات توخالی و بی‌اساس نهراسند.

چرا حوزه علمیه جواب شبهات مطرح شده را نمی دهد

پرسش

چرا حوزه علمیه جواب شبهات مطرح شده را نمی دهد

پاسخ

در رابطه با اقدامات عالمان حوزوی، چنان نیست که دست روی دست گذاشته، مسایل را بدون پاسخ رها کردهباشند. البته چه بسا اقدامات انجام شده، کافی نباشد و در این رابطه از هیچ گونه تلاش و کوششی نباید دریغ کرد. درعین حال تلاش و پیشنهادهای شما جوانان عزیز و دلسوز نیز، به نوبه خود می‌تواند راهگشا و کارساز و باشد.

چرا در دانشگاهها وضع حجاب ضعیف است

پرسش

چرا در دانشگاهها وضع حجاب ضعیف است

پاسخ

البته در مجموع وضعیت حجاب در دانشگاه‌ها در حد مطلوبی قرار دارد؛ گرچه در برخی از شهرها بنا به دلایل محیطی و فرهنگی، مواردی از بدحجابی دیده می‌شود. این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود، به فرهنگ عمومی جامعه و نیز نفوذ سبک‌های غربی مرتبط است. اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه‌های درازمدت و دقیق فرهنگی است؛ چرا که تنها وضع قوانین نمی‌تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد.

چرا نیروی انتظامی با بدحجابی برخورد جدی نمی کند؟

پرسش

چرا نیروی انتظامی با بدحجابی برخورد جدی نمی کند؟

پاسخ

اسلام دینی است که همراه با ملایمت است و می‌خواهد افراد خودشان با فکر و توجه و از روی اختیار راه شرع راانتخاب کنند و در مسائل فردی (مثل نماز، روزه، حج، خمس، رعایت حجاب و...) افراد را مجبور به انجام اینهانمی‌کند و هر مسلمانی اگر واقعا معتقد به مبانی دین باشد و بداند روزی به عنوان معاد و جزا در پیش دارد که از ریز ودرشت اعمالش بازجویی می‌شود و در مقابل تخلفات باید عذاب سنگینی را تحمل نماید، خود به خود اوامر ونواهی الهی را رعایت خواهد کرد. اما اگر نفع و یا ضرر مسأله‌ای متوجه جامعه شود (مثل کشتن افراد، سرقت و...) البتهدر این‌جا حکومت اسلامی وظیفه دارد که فرد نامبرده را مجازات نماید. بنابراین در رابطه با حجاب وظیفه حکومت وهمه ما این است که این افراد را آگاه کنیم و مضرّات عدم رعایت حجاب را برای آنان توضیح دهیم؛ چون خیلی از اینافراد نسبت به حکم مسأله اطلاعی ندارند و وقتی برای آنها توضیح داده شود، به آن عمل می‌کنند.{

چرا گروه های امر به معروف , نسبت به این همه بی حجابی و فساد جوانان , عکس العمل نشان نمی دهند؟

پرسش

چرا گروه های امر به معروف , نسبت به این همه بی حجابی و فساد جوانان , عکس العمل نشان نمی دهند؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال به اختصار باید گفت که این مسأله دارای دلایل متعددی است. تنها بخشی از آن مربوط به کوتاهی و کم‌کاری گروه‌های امر به معروف می‌باشد. به دیگر سخن، رواج و گسترش مفاسد اخلاقی و اجتماعی و مظاهر تمدن غرب در جامعه معلول

عوامل تاریخی،فرهنگی، اقتصادی، روان‌شناختی، تهاجم‌فرهنگی و عدم اجرای کامل فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. برای حل این معضلات تکیه بر یک عامل، ما را به نتیجه غایی و اصلاح جامعه نمی‌رساند. فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی می‌تواند مؤثر واقع شودکه اجرای آن به صورت یک فرهنگ و ارزش در تمامی سطوح جامعه عملی شود. تشکیل گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر، هر چند اقدامی لازم و شایسته است، اما نمی‌توان از آن‌ها انتظار اصلاح و مبارزه با تمامی مظاهر فساد را داشت؛ زیرا چنین کاری نه در توان آنها است و نه می‌تواند مؤثر واقع شود. در هر صورت مبارزه با انواع مفاسد اجتماعی واخلاقی، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان فرهنگی و اقتصادی و استفاده از کارشناسان و متخصصان متعهد دارد که امید است مسؤولین محترم با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از تمام امکانات معنوی و مردمی و شیوه‌های کارآمد تبلیغی و رسانه‌های جمعی، جامعه اسلامی را از ناپاکی‌ها ومفاسد پیراسته دارند و کشورمان را شایسته توجه حضرت ولی‌عصر(عج) بنمایند، ان‌شاءالله.}J

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی , بر عهده ء چه ارگان هایی است ؟

پرسش

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی , بر عهده ء چه ارگان هایی است ؟

پاسخ

مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری‌های موجود در جامعه را می‌توان در دو بخش انجام داد: ۱. تک تک آحاد جامعه موظف‌اند با هر گونه منکر و مفسده‌ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می‌باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ ازجمله: اولاً- فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده‌ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا، در امر و نهی او مفسده‌ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پایین‌تر، جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدّی کند. در مرتبه اوّل ناراحتی قلبی و تنفّر خود را از فعلمنکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدّت به خرج دهد. مرتبه سوم، مرحلهاقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلّفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسّل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی‌ربط درنیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت‌الله خامنه‌ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱). ۲. سازمان‌ها و ارگان‌های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد

مخدّر و...) موظّف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت‌های خودکوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی‌تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه‌یابی عواملبروز این قبیل مفاسد و ارائه راه‌کارهای منطقی و واقع‌بینانه و مناسب با آن است. راه‌کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش‌های اسلامی، اجرا شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکاناتتفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش‌های اسلامی و تهدید کننده سلامت جامعه، مطلوب است.}J

چرا کنترلی بر بعضی برنامه های صدا و سیما وجود ندارد؟

پرسش

چرا کنترلی ...Sبعضی برنامه های صدا و سیما وجود ندارد؟

پاسخ

مسلما کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه‌ها خالی از عیب و نقص نمی‌باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش‌های جامعه و وظایف سنگینی که این رسانه ملی خصوصا بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیتارزش‌های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه‌های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان‌سازی نامبرد از اولویت بسزایی برخوردار می‌باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام .....Sjباید گفت: علیرغم وجود برخی مشکلات و معضلاتی که به هیچ وجه زیبنده رسانه ملی نظام اسلامی ایران نمی‌باشد، صدا و سیمای جمهوری اسلامی دستاوردها و برنامه‌های بسیار مفید و مثبت و سازندهفراوانی داشته و دارد و این چنین نیست که کارش فقط تبلیغ بدحجابی، مدگرایی، تجمل‌گرایی و... باشد. گذشته از برخی مظاهر نامناسب با ارزش‌های اسلامی، اکثریت برنامه‌های صدا و سیما برنامه‌هایی آموزنده و در راستای تأمین نیازهای متنوع اقشار مختلف جامعه می‌باشد که البته به واسطه برخی عوامل، هنوز مشکلات و معضلات و نواقص در دستیابی به نقطه مطلوب وبرآوردن انتظارات مسؤولین نظام اسلامی و مردم عالیقدر وجود دارد که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می‌باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می‌باشد. اما در مورد اول باید گفت که هم در زمان امام که این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه اداره می‌شد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری می‌باشد و شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه بر سازمان نظارت دارند، خود این بزرگواران انتقاداتزیادی به برخی از برنامه‌های این رسانه داشته، تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی آن داده‌اند. معظم‌له در ۲۴ آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار یا کم‌تر، اعتراض می‌کنم و پیغام تند می‌دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده است. برنامه‌های

هنری،اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...» بنابراین چنین نیست که مقام معظم رهبری هیچ‌گونه نظارت و کنترل بر این رسانه نداشته باشند بلکه برعکس با توجه به جایگاه و وظایف آن نسبت به این رسانه حساس بوده و اهتمام جدی دارند. اما نکته‌ای که باید توجه شوداین است که نظارت و کنترل مقام معظم رهبری به تنهایی نمی‌تواند علت تامه برای حل مشکلات و معضلات جامعه و سازمان‌ها و نهادها از جمله صدا و سیما باشد بلکه حل اساسی آنان نیازمند ریشه‌یابی دقیق مشکلات و انجام اقدامات اصولی و صحیح برای برطرف کردن آنمشکلات می‌باشد که عبارتند از: ۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه‌ها در صدا و سیما و استفاده از هنرمندان متعهد و انقلابی. ۲- کنارگذاشتن افراد منحرف و غیرقابل اصلاح از رادیو و تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسته به درون صدا و سیما. ۳- نظارت همه‌جانبه بر پخش رادیو و تلویزیون با استفاده از متخصصین و کارشناسان متعهد و نظارت دقیق بر فیلم‌سازان و محتوای فیلم‌ها. ۴- برخورد با مسؤولان پخش مطالب توهین‌آمیز یا منافی ارزش‌های اسلامی. ۵- صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی و مرکز ترویج ارزش‌های اسلامی باید از تقلید برنامه‌های خارجی بدون مطابقت با آیین اسلام و بسط فرهنگ تجمل‌گرایی و... در تهیه برنامه‌های خود، دست برداشته و زمینه هدایت جامعه را فراهم آورد. حال با توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه‌های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه‌مدت قابل حل نباشد بینندگان و مخاطبان نیز باید یکسری نکات را مد نظر داشته و رعایت نمایند: اولاً: هر چند برخی از فیلم‌ها یا سریال‌های خارجی که از صدا و سیما پخش می‌شود از نظر شرعی نتوان مشکل ذاتی برای آنها نام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده‌ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیمایجمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی‌شود. ثانیا: وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص‌ها و مهارت‌های گوناگون، مضاعف می‌نماید زیرا پاره‌ای از عوامل این نارسائی‌ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی‌گردد. ثالثا: با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن‌آوری پیشرفته به حدی که در آینده‌ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت، مطمئن‌ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه، تقویت ایمان وتقوای الهی (کنترل درونی)می‌باشد که البته این موضوع به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه‌های صدا و سیما نمی‌باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می‌باشد.

اگر واقعا اختلاط دختر و پسر اشکال دارد چرا دانشگاهها را بصورت جدا در نمی آورید؟

پرسش

اگر واقعا اختلاط دختر و پسر اشکال دارد چرا دانشگاهها را بصورت جدا در نمی آورید؟

پاسخ

به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئونات اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری‌های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیبنده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی‌باشد، اختلاط پسر و دختر در دانشگاهها مضرات و آفتهایی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقاً هنجارهای شرعی رعایت گردد. اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه شناختی و نظر

سنجی‌های آماری و... می‌باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن‌ها می‌پردازیم: الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می‌آید مبتنی بر پیش فرضهایی می‌باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش‌های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسؤلان دانشگاه و... مهم‌ترین آثار اختلاط عبارتند از: ۱- بوجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئونات اسلامی از قبیل حجاب کامل و... ۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و... ۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع. ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک پیش فرض می‌باشد و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از آن می‌باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می‌باشد عبارتند از: ۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه‌ها و بودجه‌ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه و... ۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره. ۳- شناخت روحیات جنسی مخالف و کسب تجربه های علمی و عملی. ۴- پیدا نمودن شریک زندگی کفو و هم شأن. ج) بررسی وظایف راهکارهای مقابله با مشکلات ناشی از اختلاط پسر و دختر در دانشگاه: به طور مختصر می‌توان وظایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد: ۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشجو باید در درجه نخست ارزش‌ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهادینه سازد رهبر معظم انقلاب در این خصوصی می‌فرمایند: «آن چه برای دانشجوها در دانشگاهها مهم است رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن‌ها و دل‌های آنان است و مسأله رشد و روحیه تعبد در آنان تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلائی با اعتقاد به علم و فعالیت‌های علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد و حقیقتاً برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در ایام‌البیض ماه رجب در مسجد دانشگاه تهران دانشجوها اعتکاف بکنند این خیلی چیز مهمی است» رسالت دانشجوی مسلمان رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با تشکل‌های دانشجویی و در درجه دوم پای‌بندی در عمل به ارزش‌ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموردی که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می‌باشد. ۲- وظایف و راه کارهای اجتماعی: اگر دانشجویان دغدغه صیانت از خود را داشته باشند نمی‌توانند نسبت به محیط واطرافیان خود بی تفاوت باشند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می‌باشد لذا دانشجویان باید نسبت به تهذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصاً در جامعه عموماً داشته باشند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب‌ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه‌های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می‌زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسؤلین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند.

چرا در جامعه امروزی ما میل و رغبت جوانان نسبت به مسایل عقیدتی و مذهبی کم رنگ شده است .آیا در جامعه این گونه فسادها و آزادیها را نمی توان گرفت یا اینکه این یک سیاست است ؟

پرسش

چرا در جامعه امروزی ما میل و رغبت جوانان نسبت به مسایل عقیدتی و مذهبی کم رنگ شده است .آیا در جامعه این گونه فسادها و آزادیها را نمی توان گرفت یا اینکه این یک سیاست است ؟

پاسخ

این که جوانان کشور به اسلام , مسائل معنوی بی رغبت شده اند, تعبیری درست و مطابق با واقع نیست و بحمداله جوانان زیادی در محیطهای علمی و دانشگاهی و... عملا "به اسلام و ظواهر دین پایبند هستند و آمار و ارقام نیز این موضوع را تائییـد می کنـد. از طرفی مایه های تشکیل دهنده هویت فرهنگی جامعه اسلامی ما, از استحکام و توانایی زیادی برخوردار است و جوانان کشور در برابر آسیب ها و خطرات فراوان در طول تاریخ – حداقل در طول بیست و چند سال گذشته – مقاومت کرده اند و هر موقع به فداکاری , ایثار و حضور آنان نیاز بوده , از ارزش های دینی و اخلاقی دفاع کرده اند. لیکن باید توجه داشت که همواره آفاتی جوانان ما را تهدید می کند و گاهی انسان به سبب اختیاری که دارد, تحت تاثیر عوامل شیطانی مختلف , گاهی به این سو و آن سو کشیده می شود و شیطان های ظاهری و باطنی نیز همیشه و در طول تاریخ , به دنبال به انحراف کشاندن اهل ایمان بوده اند; ولی در عین حال می توان به بعضی عواملی که باعث کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی از جوانان به مسائل معنوی و ارزشی شده , اشاره کرد. ۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه , ۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیرخودی در عرصه مطبوعات کشور, ۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد, ۴- تلاقی با فرهنگ بیگانه در پرتو توسعه و تاثیرگذاری آن بر عناصر داخلی , ۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از سوی برخی از عناصر داخلی , حتی در سطح برخی از مسوئولیت های اجرایی و فرهنگی کشور.

موزیکهایی که از صدا و سیما پخش می شود به خصوص تلویزیون شباهت بسیار زیادی با آن ترانه ها دارد و نوارهایی که به اصطلاح مجوز از وزارت ارشاد دارند مگر اینها زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت نمی کنند و مگر رهبر خودشان بارها در سـخنرانی ها نفرموده اند که جلوی اشتب

پرسش

موزیکهایی که از صدا و سیما پخش می شود به خصوص تلویزیون شباهت بسیار زیادی با آن ترانه ها دارد و نوارهایی که به اصطلاح مجوز از وزارت ارشاد دارند مگر اینها زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت نمی کنند و مگر رهبر خودشان بارها در سخنرانی ها نفرموده اند که جلوی اشتباه کاری ها را می گیرند؟ این مسأله برای من و جوانان بسیار زیادی سؤال شده است؟

پاسخ

واقعیت آن است که همان طور که شما بیان کردید متأسفانه برخی از موزیک ها و موسیقی هائی که از صدا و سیما پخش می شوند تفاوت ماهوی با ترانه های غیر مجاز و حرام ندارند. ضمن اعتراف به این واقعیت، آنچه که در پاسخ سوال شما می توان گفت آن است که : اولا مقام معظم رهبری بر همه قوای حاکم و دستگاههای حکومتی از جمله صدا و سیما نظارت دارند، لیکن به دلیل گستردگی تمامی ارکان حکومت و شعاع کارها و فعالیت های آنان، نمقام معظم رهبری به طور طبیعی نمی توانند در تمام

جزئیات آن فعالیت ها نظارت نمایند. بلکه عمده نظارت ها در بخش سیاست گزاری هاست که دستگاههای حکومتی در مسیر صحیح حرکت کنند اما در مصداق ها احیانا اشتباه کمتر به طور طبیعی خارج از دید مقام رهبری قرار می گیرد. علاوه بر آن که مشی رهبری با توجه به ضرورت قانونمند شدن فعالیت های جامعه و نهادینه شدن مسئولیت و پاسخ گوئی قوای حاکم در برابر ملت، مقام معظم رهبری حتی الامکان نظارت می کنند نه دخالت مگر آن که مسئله بسیار حاد باشد که ناچار به مداخله گردند مانند طرح مطبوعات در مجلس ششم. این نکته هم مغفول نماند که مقام معظم رهبری در بسیار موارد به مسئولین تذکر می دهند ولی لازم نیست این تذکرات علنی بوده باعث تضعیف آنان گردد. ثانیا گرچه تشخیص ها سلیقه ای است و همان چیزی را که من و شما مثل ترانه می پنداریم از دید مسئولین پخش یا عده ای دیگر، عادی و متمایز از ترانه باشد، ولی مع ذلک اصل این مسئله قابل کتمان نیست. علاوه بر آن که به طور طبیعی همیشه در مرحله عمل و تشخیص مصداق در مرحله ارزیابی خطاها و اشتباهاتی رخ می دهد، اما یک توجیه دیگر از سوی برخی دست اندرکاران ف هنگ مطرح می شود و آن دفع افسد به فاسد است. با این استدلال اگر ما این برنامه های شاد را نگذاریم، بسیاری از مخاطبین به سراغ برنامه های بدتر از قبیل برنامه های ماهواره ای می روند و این خطرش بیشتر است. پس برای پرهیز از زیان بیشتر به زیان کمتر تن در دهیم. البته به نظر می رسد این معیار قابل تأمل و مورد مناقشه جدی باشد چون این امر حد یقینی ندارد یعنی معلوم نیست مرز این گونه تسلیم شدن در مقابل فساد ها به بهانه دفع افسد تا کجاست و آیا نقطه پایانی دارد یا نه؟

امروزه فساد اخلاقی زیاد شده است و برخی از مجازات های مفاسد اخلاقی به پرداخت جریمه مبدل گشته است و تساهل و تسامح مسئولین هم در این امر مزید بر علت شده است .آیا این امر باعث رواج فساد اخلاقی در جامعه نمی شود ؟

پرسش

امروزه فساد اخلاقی زیاد شده است و برخی از مجازات های مفاسد اخلاقی به پرداخت جریمه مبدل گشته است و تساهل و تسامح مسئولین هم در این امر مزید بر علت شده است .آیا این امر باعث رواج فساد اخلاقی در جامعه نمی شود ؟

پاسخ

رشد فساد و بی‌بند و باری در جامعه ما معلول سه عامل است: ۱- حرکت گسترده و توطئه وسیع استکبار جهانی در جهت نابودی اسلام و انقلاب. ۲- کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور. ۳- عدم اهتمام جدی به امر به معروف و نهی از منکر در سطح عمومی. مبارزه با این پدیده نیز حرکت جدی و سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده گسترده‌ای با مشارکت دولت و مردم می‌طلبد. برای موفقیت در این باره باید فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به طور زبانی در جامعه احیا شود و افراد متدین با رفتار شایسته و موفقیت های علمی و کاری، الگوی مناسبی ارائه دهند تا بی بند و بارها به بهانه نقطه ضعف افراد متدین توجیهی برای کار خود نداشته باشند. افراد متدین به طور دسته جمعی و گروهی حرکت های نمادین در عرصه های مختلف جامعه بدون تنش و درگیری داشته باشند. مثلا- کوه نوردی دسته جمعی و علاوه بر حرکت های مردمی، پشتیبانی مسؤولین را نیز باید جلب کرد تا به توفیق الهی رفته رفته این مشکل به حداقل برسد. ناگفته نماند بسیاری از ناهنجاری ها معلول وضعیت اقتصادی و نابسامانی آینده جوانان می باشد که نیاز به برنامه ریزی و پیگیری جدی دارد.

چرا جلوی سینماهای افتضاح ایران را نمی گیرند؟

پرسش

چرا جلوی سینماهای افتضاح ایران را نمی گیرند؟

پاسخ

با تشکر از اهتمام شما به ارزش های دینی، توجه شما را به نکات ذیل جلب می کنیم: ۱- واقعیت آن است که چون تاکنون یک نظام اسلامی براساس تفکرات شیعه قبل از جمهوری اسلامی ایران تحقق نیافته بوده، به دلیل بی تجربگی، برخی از مشکلات در مرحله عمل رخ خواهد داد و گریزی از آن نیست. علاوه بر آن که به دلیل سابقه بد سینماها و عرصه های هنری در قبل از انقلاب، معمولا افراد متدین دراین عرصه حضور پیدا نمی کنند، از این رو با تراکم حضور افراد نه چندان معتقد و احیانا معاند، مشکلات بیشتر خواهد شد. ۲- متأسفانه برخی از مسؤولین مربوطه خود عامل این افتضاح هستند، چه این که تفکرات آنها مقتضی تأیید این برنامه ها هست کافی است در این خصوص به عملکرد وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی نظری بیفکنید که مقام معظم رهبری با صراحت تمام در حضور اعضای شورای انقلاب فرهنگی از جمله آقای خاتمی فرمودند: ایشان در طول این مدت، یک کار برای اسلام نکردند بلکه برخی از کارهای صد در صد ضد اسلامی انجام دادند. تأسف آنگاه بیشتر می شود که علی رغم تذکر ایشان و نیز هشدارها و تذکرات صریح مراجع معظم تقلید در قم، کسی به این اعتراضات ترتیب اثر ندادند بلکه ایشان تا یک سال دیگر در این سمت ماندند و بعد از استعفا نیز به ریاست مرکز گفتگوی تمدن ها منصوب شدند. ۳- ما و شما و همه مردم موظف هستیم با بصیرت و هوشیاری و آگاهی لازم و کافی در انتخابات شرکت نماییم تا با کارگزاران شایسته، زمینه را برای تحقق ارزش های اسلامی آماده کنیم نه آن که حتی رهبری نیز خاری در چشم و استخوانی در گلو داشته باشند. سرعت پاسخ‌دهی از انتظارات پرسشگران است. خواهشمند است با اولویت‌بندی و پیرایش سؤالات، ما را یاری کنید. بدیهی است با ارتباط مکرر، پاسخ گوی دیگر پرسش‌های شما خواهیم بود

برخورد منطقی و مؤثر با کسانی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی کنند بر عهده چه ارگانها و نهادهایی است؟

پرسش

برخورد منطقی و مؤثر با کسانی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی کنند بر عهده چه ارگانها و نهادهایی است؟

پاسخ

اولاـ با توجه به نهاد مقدس «امر به معروف و نهی از منکر» در شریعت اسلامی، این امر وظیفه ای است همگانی، لکن در سطوح مختلف مسئولیت آن متفاوت می گردد. امر به معروف و نهی از منکر با زبان وظیفه آحاد مردم است. البته باید با توجه به شیوه های صحیح تبلیغ و روانشناسی به نحوی که بیشترین تاثیر و کارائی را داشته باشد ولی در سطوح بالاتر فعلا وظیفه دستگاههای دولتی

اعم از وزارت کشور، وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات، نهادهای نمایندگی رهبری در دانشگاهها، قوه قضائیه و ... است. بلکه اگر چنانچه قصور یا تقصیر این دستگاهها به قدری بود که رهبری تشخیص دادند یا اجازه دادند مانند ۲۳ تیر ۷۸ مردم خود وارد صحنه شوند آنگاه رفع مانع می شود. لابد توجه دارید که منطقی بودن به معنای چشم پوشی کردن نیست، بلکه به معنای معقول، متناسب با روحیات، با شناخت و احترام به طرف مقابل و ... است. توجه به نکات زیر می تواند توضیح مناسبی باشد: ۱- اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر: یکی از آموزه های حساس و کارآمد در مجموعه قوانین اسلامی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که در منطق وحی بر هر زن و مرد مسلمان واجب است و ترک آن موجب گناه و معصیت خداوند و باعث غرق شدن جامعه در گرداب فساد و گمراهی خواهد شد. اسلام به موجب این فریضه (واجب) به پیروان خود واجب کرده است که کارهای نیک را در جامعه نشر وگسترش بدهند و از کارهای زشت جلوگیری نمایند. در این باره از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: یک فرد تبهکار در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار بر کشتی شود، وقتی کشتی در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن محلی که در آن نشسته است بپردازد. هرگاه افراد دیگر به کار او اعتراض کنند در جواب گوید که من در نقطه ای که نشسته ام تصرف می کنم. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند طولی نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یک باره همگی در دریا غرق شوند.(شیخ ابوالفتوح رازی، روض الجنان، به نقل از جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه داود الهامی، قم، موسسه علمی و فرهنگی سید الشهدا، پائیز ۱۳۷۰، ص۲۷۷) ۲- شرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر اگرچه نسبت به قوانین بشری از گستره و شمول بیشتری (با توجه به جریان آن در دو حوزه فردی و اجتماعی) برخوردار است، اما از آنجا که هر قانونی به دلایلی و حداقل به دلیل حسن تأثیر آن با محدودیت ها و شرایطی روبرو است، لذا این دو فریضه هم دارای شرایط و مراحلی هستند. اما شرایط آن عبارتند از: الف) علم؛ آمر به معروف و ناهی از منکر باید معروف و منکر را بشناسد. ب) احتمال تأثیر؛ آمر و ناهی احتمال بدهد که امر به معروف و نهی از منکر تأثیر دارد. البته لازم نیست احتمال تأثیر حتما با همین گفتار و بالفعل باشد بلکه اگر من بگویم، شما بگوئید، دیگری نیز بگوید و در همین گفتن ما احتمال تأثیر بدهیم بر همه واجب است اقدام کنیم. ج) تکرار مرتکب؛ ترک کننده معروف و عامل به منکر، بر ادامه رفتار خویش اصرار داشته باشد. د) عدم مفسده؛ امر به معروف و نهی از منکر در گناهان کوچک موجب خسارت سنگین جانی، آبروئی و مالی نشود (البته در منکرات بزرگ و ریشه بر انداز و نیز در دفاع، شرط اخیر مطرح نخواهد بود چرا که مصداق دو امر مقدس به نام جهاد و دفاع می شود.) و مراحل و مراتب آن دو واجب عبارتند از: ترک معاشرت، ارشاد زبانی، اتمام حجت و اقدام عملی. با توجه به نکات پیش گفته و به طور خلاصه می توان گفت که امر به معروف موجب تحکیم و استحکام هنجارهای قانونی و شرعی در جامعه و با هدف استقرار نظم و امنیت در جامعه است. همین طور نهی از منکر نیز مبارزه با هنجار شکنی و هنجار شکنان با همان هدف می باشد. بنابراین باید در مراحل اجرای این دو فریضه الهی با استفاده از دانش دینی و تجربی به گونه ای اقدام کرد که علاوه بر توفیق انجام یک وظیفه دینی، خسارتی به ارکان نظم و امنیت جامعه وارد نشود. بر این اساس، نهی از منکر، مبارزه ای است که در دو سطح قابل طرح است: ۱- مبارزه ابتدائی و غیر فیزیکی با هنجار شکنی و هنجار شکنان: در این مبارزه همه مسلمانان مسئولند و باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، یعنی همه شهروندان باید با ابزارهای لازم اعم از انکار قلبی و انزجار قلبی نسبت به گناه و ارشاد زبانی و رعایت ادب و اخلاق و تکریم انسانیت، به جنگ موارد منکر بروند (به شرطی که به برخورد فیزیکی کشیده نشود، چرا که این برخورد با هر کس، هر کجا و هر زمان خود عامل نا امنی و هنجار شکنی خواهد بود.) ۲- مبارزه جدی و برخورد فیزیکی با هنجار شکنان: در این مرحله که مرحله بسیار حساسی است، شهروندان وظیفه ای در این زمینه ندارند بلکه همه شرایط را برای نهادهای مسئول که دارای امکانات می باشند فراهم کنند. گرچه متأسفانه برخی از دستگاههای حکومتی به جای انجام فریضه الهی «امر به معروف و نهی از منکر» با همه چیز حتی رعایت مقدسات با دید تساهل و تسامح می

نگرند، و این امر نگران کننده است.

به چه دلیل بازی بیلیارد را با اینکه مجتهدین آن را حرام کرده اند ولی این گونه در کشور ما رواج پیدا کرده است؟

پرسش

به چه دلیل بازی بیلیارد را با اینکه مجتهدین آن را حرام کرده اند ولی این گونه در کشور ما رواج پیدا کرده است؟

پاسخ

این مسأله می تواند عوامل مختلفی داشته باشد: عامل اول؛ مربوط به حکم شرعی آن است. حرمت بازی بیلیارد در زمان حاضر براساس نظر کارشناسی برخی از مراجع مانند مقام معظم رهبری و آیت الله فاضل لنکرانی مطلق نبوده، بلکه با قیود و شرایطی است که اگر این قیود و شرایط نباشند، از دیدگاه برخی مراجع اشکالی ندارد. به عنوان نمونه «بیلیارد اگر از آلت قمار باشد، بازی با آن مطلقا حرام است، اما اگر از آلات قمار نباشد بدون شرط بندی و برد و باخت اشکال ندارد»(استفتا از دفتر آیت الله فاضل لنکرانی – استفتاآت جدید امام خمینی، ج ۲، ص ۹ – اجوبه الاستفتاآت، ص ۲۴۶ و ۲۴۷). بنابراین طبیعی است که این چنین مواردی که تشخیص موضوع آن به عهده عرف است و با رعایت برخی قیود (در صورتی که عرفا از آلات قمار محسوب نگردد) مشکل شرعی آن نیز مرتفع می گردد، در جامعه شیوع پیدا کند. عامل دوم؛ نوع افرادی که به این بازی مبادرت می کنند باز می گردد. متأسفانه، به غیر از تعداد کمی ازعلاقه مندان به این بازی که دارای علاقه و پای بندی به احکام مذهبی بوده، اکثریت آنان و یا کسانی که کلا- سراغ بازی های حرام و یا شبهه ناک می روند، اصلا به احکام الهی و حلال و حرام آن کار ندارند و این ناشی از ضعف باورهای دینی آنان و نهادینه نشدن فرهنگ و ارزش های اسلامی در آنان است که عوامل متعددی نظیر سوء اختیار و پیروی از هواها و هوس های نفسانی، عدم تربیت صحیح خانوادگی و مسائل محیطی می تواند در بروز این پدیده مؤثر باشد. عامل سوم؛ نقش مهم تهاجم فرهنگی است که با استفاده از تکنولوژی ها و وسایل پیشرفته ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، ماهواره، اینترنت و...، ارزش های مخرب و سبک های زندگی خود را در درون سایر جوامع می گسترانند. بی اعتنایی به دین و ارزش های دینی یکی از پیامدهای این مسأله است. عامل چهارم؛ تغییر ارزش های جامعه ما است. متأسفانه به دلیل برخی سیاست هایی که در دوران پس از جنگ در زمینه توسعه اقتصادی انجام شد، ارزش های حاکم در جامعه از ارزش های مادی به ارزش های معنوی تغییر یافت و توجه به ابعاد معنوی و احکام الهی کم رنگ گردیده و این مسأله به شکل بسیار فزاینده ای در سال های اخیر استمرار یافت بلکه تسهیلات لازم برای آن ایجاد شد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم ۲. توسعه و تضاد، فرامز رفیع پور نتیجه عوامل فوق بی اعتنایی برخی از افراد جامعه به احکام الهی و پیروی از خواسته ها و هواهای نفسانی خویش است و حل آن نیز با کار فرهنگی مستمر و دقیق، توسط مسؤولین و دستگاه های فرهنگی کشور و سایر نهادها و مراجعی است که در زمینه فرهنگ سازی جامعه نقش ایفا می نمایند.

آیا در دنیایی که کلیه مکاتب و مذاهب و حتی کلوپ های شبانه برای جذب همفکر و عضو با تمام امکانات و آدرس های پستی و الکترونیکی به صورت رایگان فیلم و سی دی و مجله و کتاب به صورت آبونمان مادام العمر دست به تبلیغات انبوه زده است اشاعه معقول و حداقل در زمینه افکا

پرسش

آیا در دنیایی که کلیه مکاتب و مذاهب و حتی کلوپ های شبانه برای جذب همفکر و عضو با تمام امکانات و آدرس های پستی و الکترونیکی به صورت رایگان فیلم و سی دی و مجله و کتاب به صورت آبونمان مادام العمر دست به تبلیغات انبوه زده است اشاعه معقول و حداقل در زمینه افکار اسلامی نیاز به مبالغ بسیار ناچیز آبونمان مجلات و کتب مذهبی دارد؟و آیا امکان پذیر نیست این هزینه از محل پرداخت وجوهات مردمی به بزرگان دینی ما پرداخت گردد؟آیا با هزینه بسیار اندک نمی توان کلیه امکانات پرسش و پاسخ در مورد قرآن و نهج البلاغه و کلیه کتب مرجع را در سی دی های تبلیغاتی جای داد و به صورت رایگان در اختیار مردم قرار داد؟مگر زبان تبلیغ فقط مختص پیامبر بوده است؟ آیا می دانید نسبت افراد مثبت و منفی اجتماع ما در صورتی که تبلیغات در دست گروههای مخالف خارج از کشور است و اعمال تشویقو تنبیه در دست گروههای داخل کشور به چه میزان است ؟آیا وقت آن نرسیده تبلیغات و تشویق و تنبیه را با هم موازنه کنیم ؟آیا تبلیغ فقط مختص دانشجویان است ؟ آیا با لیلی به لالایی دانشجویان گذاردن مشکلاتی نظیر کوی دانشگاه به وجود نیامده است؟

پاسخ

به علت پراکندگی حوزه های مورد سؤال، در ۴ قسمت اختصارا جواب داده می شود: - قسمت اول: در ضرورت تبلیغات صحیح در دنیای امروز هیچ مشکلی نیست. مخصوصا اگر کسی دغدغه اشاعه تفکرات اسلامی داشته باشد باید بتواند با استفاده از ابزارهای تبلیغی مؤثر و جذاب، تفکرات خود راعرضه کند و ما از دغدغه شما ستایش می کنیم بلکه براساس روایات خود این دلسوزی ها در پیشگاه الهی ثواب زیاد دارد. اما ۲ نکته قابل توجه در این مقوله عبارتند از: ۱. جامعه جهانی کنونی به یک جامعه تک صدایی تبدیل شده و نباید انتظار داشت که سایر صداها نیز در کنار آن صدای برتر نیز قابل شنیدن باشد اکنون تبلیغات ضد فرهنگ غربی، هر چه قدر که قوی هم باشد باز در کنار بوق بزرگ تبلیغاتی آنها گم می شود. پس متصدیان امر باید بر خطیر بودن مسؤولیت خویش واقف شده بر کوشش و تلاش خویش در این عرصه بیفزایند. ۲. برای عرضه تفکرات نوین اسلامی باید به تولید فکر دست یازید. یعنی نرم افزار فکری باید به عنوان جریان اصلی پژوهشی و آموزشی در کشور درآید. باید متفکران و دانشمندان در عرصه های مختلف به تولید فکر پرداخته و تفکرات خود را بر مبنای پیش فرض های غربیان استوار نسازند. این امر هم، خود نیاز به فعالیت همه جانبه ای از سوی همه اساتید و دانشجویان و طلاب دارد. - قسمت دوم: درمورد امکان پرداخت هزینه تبلیغات از وجوهات مردمی باید گفت: در متن احادیث وارد شده در زمینه مصرف وجوهات، راه های آن مشخص گردیده که از جمله مصرف وجوهات همین موضوعی که شما اشاره فرمودید می باشد و نیز فراتر از آن برای جذب قلوب کفار و معاندین به دین اسلام است. - قسمت سوم: نکته اساسی در ترویج تفکرات اسلامی، تنها نیازهای مادی و پولی نیست بلکه نیاز اصلی نبود فکر جدید مطابق با فضای جامعه کنونی است. مشکل اصلی را نباید در فقدان ابزارهای تبلیغاتی (همچون سی دی، فیلم و...) جستجو کرد، بلکه مشکل اساسی فقدان تولید فکری در عرصه های مختلف است. البته باید ضمن اعتراف به لزوم هماهنگی همه مراجع و مراکز دینی غیر دولتی، بر تفریط برخی از مسؤولین دولتی مربوطه از جمله وزارت ارشاد و صدا و سیما و سازمان تبلیغات اسلامی اظهار تأسف کرد. یکی از کار ویژه دولت اسلامی، تلاش بر نشر فضایل اخلاقی و ترویج شعائر دینی است. متأسفانه به پروژه های سیاسی (بلکه سیاسی کاری) یارانه هایی پرداخت می شود که عشر آن نیز به این مسائل فرهنگی بنیادین اختصاص پیدا نمی کند. چه کتب و مجلات و روزنامه های غیر لازم بلکه مضر و مروج ابتذال و بی دینی که از یارانه های دولت اسلامی بودجه دریافت می کنند ولی

برعکس آن نه؟ چه بسیار برنامه ها و فیلم های بی محتوا با هزینه های سرسام آور از بیت المال ساخته می شود ولی بر عکس نه؟... – قسمت چهارم: بحث تشویق و تنبیه دانشجویان و موازنه کردن آنها، باید طبق آمار و داده های دقیق و رسمی صورت گیرد. علل ایجاد مسائلی نظیر کوی دانشگاه نیز ریشه دارتر از بحث لیلی به لالای دانشجویان گذاردن است. البته باید اعتراف کرد متأسفانه برخی از مسؤولین یا گروه های سیاسی این بی عدالتی فاحش را بنیان نهاده به آن دامن می زنند در نظام اسلامی فرقی بین طلبه و دانشجو و نظامی و کارمند و کارگر و کشاورز نیست، اما متأسفانه طوری شده است که حتی با قطعی شدن اقدامات براندازی (به اعتراف برخی از متهمین در غائله اخیر) به همین بهانه، نه تنها از اجرای احکام با اعمال فشارها جلوگیری می شود بلکه موجب تجری و جسور شدن بیشتر آنها می گردند. البته باید دو نکته را از نظر دور نداشت: اولا، ما هم قبول داریم که برخورد با جوانان به ویژه قشر فرهیخته و دانشگاهی باید با ظرافت ویژه ای صورت پذیرد. ثانیا، هدف از طرح شعار دانشجو به وسیله گروه های سیاسی مزبور، صادقانه نیست بلکه استفاده ابزاری از این عزیزان است. نتیجه: مهم در بحث ابزارهای تبلیغاتی، در کشور ما، محتوای فکری است که قرار است توسط آن ابزارها عرضه شود. در کشور ما الان چنین متفکرانی با چنان تفکراتی بسیار کم یافت می شود. حال اگر خوراک فکری لازم برای تغذیه ابزارهای تبلیغاتی موجود شد، بحث ثانوی روی تهیه ابزارهای تبلیغاتی متناسب با آن است. ابزارهای تبلیغاتی تنها جنبه پیام رسانی دارند. در حالی که محتوای آن را باید با جریان نرم افزار فکری در کلیه رشته ها تأمین کرد. تأکید مقام معظم رهبری نیز بر عرصه تولید نرم افزار فکری در بین دانشجویان، به خاطر همین امر است.

در دین مبارک ما آمده که زن نباید با صدای بلند در بین نامحرم بخندد و بهتر است که نامحرم صدای او را نشنود.تا شیطان بین آنها وسوسه ایجاد نکند در این صورت در رسانه ها و تلویزیون به شدت عکس این مطلب مشاهده می شود توضیح دهید.

پرسش

در دین مبارک ما آمده که زن نباید با صدای بلند در بین نامحرم بخندد و بهتر است که نامحرم صدای او را نشنود.تا شیطان بین آنها وسوسه ایجاد نکند در این صورت در رسانه ها و تلویزیون به شدت عکس این مطلب مشاهده می شود توضیح دهید.

پاسخ

مسأله حضور و عدم حضور زن در اجتماع و چگونگی آن، یکی از مسایل بسیار حساس و ظریف است که کم دقتی درباره آن، پیامدهای نامطلوبی را به دنبال دارد. به قول استاد شهید مطهری: «صراط مستقیم باریک است، کمی از این طرف برویم، پرت می شویم، کمی از آن طرف برویم هم پرت می شویم، اندکی به نام عفت، عصمت و پاکی، زن را بکشانیم به گوشه صندوق خانه ها، پرت شده ایم. یک ذره به نام دخالت خانم ها در اجتماعات و فعالیت ها حریم را بشکنیم نیز از آن طرف افتاده ایم»(باقری، مجید، ۱۱۰ سؤال از استاد مطهری، سازمان بسیج دانشجویی، ص ۸۶). با پذیرش مذموم بودن برخورد افراطی و تفریطی در مورد حضور زن در اجتماع بر این باوریم که تعادل در این زمینه بهترین گزینه است، منتهی همین قسم نیز دارای مراتب گوناگونی است. حداقل انتظار آن است که زن با حضور خود واجبات و محرمات اسلام را مانند حجاب، صحبت با عشوه و ناز و... زیر پا نگذارد و حداکثر انتظار آن است که زنی که در صحنه اجتماع حاضر می شود، همه احکام والای اسلامی، مانند وقار، متانت، عفت را رعایت کند. آنچه که در تلویزیون مشاهده می شود، حداقل انتظار و البته در برخی موارد خلاف انتظار از نحوه حضور زن در جامعه است. هر چند حضور زن در برخی رسانه ها، همراه با زیر پا گذاشتن احکام مترقی اسلام است که ما نیز با آن مخالفیم. خلاصه این که

بسیاری از واقعیت های تلخ را باید اعتراف کرد و برای رفع آن چاره ای اندیشید. هرگاه ارزش های اسلامی بر جامعه بیشتر حاکمیت یابد، این ناهنجاری ها کاهش می یابد.

در نظام اسلامی اِعمال نفوذ و قدرت ارزشهای مذهبی ،چگونه در جامعه عملی می شود ارزشهای مذهبی به چه قدرتی باید وارد جامعه شود تا بتواند نفوذ کامل بر افراد داشته باشد.

پرسش

در نظام اسلامی اِعمال نفوذ و قدرت ارزشهای مذهبی ،چگونه در جامعه عملی می شود ارزشهای مذهبی به چه قدرتی باید وارد جامعه شود تا بتواند نفوذ کامل بر افراد داشته باشد.

پاسخ

وظایف و امکانات این مرکز مشاوره، در راستای پاسخگویی به شبهات و سؤالات مهم و اساسی دانشجویان در زمینه هایی نظیر کلام و اعتقادات مذهبی، احکام، اندیشه سیاسی و مسائل مربوط به حکومت دینی و موضوعات کلان نظام و جامعه اسلامی می باشد، از این رو به دلیل محدودیت امکانات از یک سو و گسترده بودن سرالات دانشجویان، لذا در پاسخ سؤالات شما چند منبع را برای مطالعه معرفی می نماییم: ۱. توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، تهران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۹ ۲. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ ۳. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹ ۴. جامعه سازی قرآن، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ۵. اندیشه های فقهی – سیاسی امام خمینی، کاظم قاضی زاده، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری

لطفا در زمینه ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراکز اجرایی آنها و دامنه اختیاراتی که این مرکز دارند توضیح دهید؟

پرسش

لطفا در زمینه ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراکز اجرایی آنها و دامنه اختیاراتی که این مرکز دارند توضیح دهید؟

پاسخ

جهت آشنایی بیشتر با چگونگی شکل گیری این ستاد، وظایف و چگونگی فعالیت های آن، گفتگویی توسط یکی از نشریات با دبیر آن انجام شده است که در ذیل می آید. گفتگو با دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر سوال:اصلا ایده تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از کی بوجود آمد و هدف تشکیلش چه بود؟ امر به معروف و نهی از منکر با تعریف صحیح آن یک چیز جدیدی نیست که ما آورده باشیم یا حتی اسلام آن را آورده باشد، در طول تاریخ امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته. این مساله اختصاص به یک دوره و زمان خاص یا حتی اختصاص به یک دین خاص ندارد، در تمام ادیان الهی و حتی غیر

الهی وجود داشته است و اسلام تنها این فرضیه را تایید و تاکید کرده است. اما این تعریف صحیحی که از این مسئله باید بشود و اسلام آن را تایید می کند و عقلی و فطری هم هست ، این است که این مساله به معنای نظارت همگانی است ، نه اینکه یک گروه باشند که دایم به دیگران امر ونهی کنند. باید یک نظارت همگانی در جامعه شکل بگیرد. اگر آن نظارت همگانی وجود داشته باشد، زمینه احیای کارهای خوب فراهم می شود و جلوی بسیاری از مفاسد هم گرفته می شود. احیای امر به معروف و نهی از منکر، یعنی اینکه ما این فرهنگ نظارت همگانی را زنده کنیم. اما در مورد تشکیل ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، این کار بر مبنای نظر مقام رهبری صورت گرفت. ایشان فرمودند همانطوری که در مورد نماز و روزه کار شده است ، در مورد این فریضه هم کار بشود. این طور بود که تعدادی از افراد متدین و مذهبی تصمیم گرفتند تا در این مورد در یک مجموعه و محور مشترک کار کنند و تمامی فعالیتهایشان را در این زمینه متمرکز کنند. ما چند بار به این دلیل خدمت مقام رهبری رفتیم و گفتیم که نظرمان این است که ستاد امر به معروف و نهی از منکر را تشکیل بدهیم. حتی برخی از این هم جلوتر رفتند و گفتند «ستاد اجرای امر به معروف و نهی از منکر» را می خواهیم پایه گذاری کنیم. اما ایشان روی این مسأله تأکید کردند که اگر می خواهید کار کنید باید ستاد «احیا»ی امر به معروف ونهی ازمنکر باشد نه ستاد اجرای آن. مگر با ۲۰ یا ۳۰ نفر می شود کاری به این بزرگی را انجام داد؟ نظر ایشان این بود که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر باید در میان مردم بوجود بیاید نه اینکه ما خودمان برویم مستقیما این کار را انجام دهیم. ایشان معتقد بودند که باید آنقدر کار فرهنگی انجام بدهیم که این فرهنگ در میان مردم جا بیفتد که همانطوری که نماز و روزه واجب است ، این کار هم واجب است. بر اساس رهنمودهای ایشان کار ما از همان اول به صورت یک کار کاملا فرهنگی تعریف شد. سؤال: اما ذهنیت بعضی مردم این است که شما کار اجرایی می کنید. نمونه ای هم که مد نظر آنهاست برخی برخوردهایی است که در سطح شهر شاهد آن بوده اند؟ ما به هیچ وجه کار اجرایی نمی کنیم. کار ما فرهنگ سازی است. ما در زمینه اجرایی وارد نشده ایم. به اعتقاد ما برخوردهای انتظامی و قضایی صرف درست نیست ، نمی شود که تمام کارها را با برخورد یا دستگیری حل کرد و یا برای احیای معروفها به فشار متوسل شد. انسان به این نوع برخورد به طور طبیعی عکس العمل نشان می دهد و مقاومت می کند. اما اگر با این دید نگاه کنیم که مردم وظیفه دارند برای امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند، همانطوری که برای نماز و روزه وظیفه دارند، خیلی از مسایل و مشکلات حل می شود. روی این اصل ما در تمام معاونتهای ستاد، یعنی معاونتهای فرهنگی ، تشکلهای مردمی ، سازمانهای اجرایی ، معاونت ادارات و کارخانجات خودمان تنها این کار را انجام می دهیم که گروهها و تشکلهای درون سازمانی و مردمی را و حتی خانواده های آنها را برای امر به معروف و نهی از منکر فعال کنیم. آنچه که در اولویت اول ما قرار دارد این است که نظارت همگانی مردم فرهنگ بشود که اگر این انجام شود خیلی از معضلات را نخواهیم داشت. سوال: فکر می کنید این کار چقدر زمان و انرژی می برد؟ هدف خیلی بزرگی نیست؟ ببینید یک مثال ساده ای که در مورد هدف خودمان می توانم بزنم این است که من خودم شاهد بودم که در آن زمانی که مقررات تردد پلاکهای زوج و فرد برای تردد ماشینها در روزهای مختلف اجرا می شد، ماشینی که در روز تردد ماشینهای زوج با پلاک فرد به خیابان آمده بود، همه مردم بهش نگاهش می کردند و این می شد که خود فرد دایم در عذاب بود و سرش را می انداخت پایین وزیر چشمی نگاه می کرد و این باعث می شد تا دفعه بعد این مساله را تکرار نکند و اگر هم کرد سرش را بیندازد پایین و این آنقدر تکرار بشود تا او این کار را دیگر نکند. این همان چیزی است که ما از احیای امر به معروف ونهی از منکر دنبال آن هستیم. این که امر به معروف و نهی از منکر فرهنگ شود. این فرهنگ که ۱۰ تا چشم به فرد خاطی جوری نگاه کند که او سرش را بیندازد پایین و دیگر آن کار را تکرار نکند. ما معتقدیم کدام پیامبر تا به مردم چیزی گفت حرفش را فورا گوش دادند که حرف ما را گوش بدهند؟ نوح (ع) ۹۵۰سال گفت فقط یک عده کمی شنیدند. اما اگر این فرهنگ در میان خود مردم بوجود بیایید که به فرد خاطی فشار اجتماعی بیاورند که او عمل ناپسندش را ترک کند یا به عمل صالح و معروف تشویق شود، آن وقت است که فعالیت ما مثمر ثمر بوده است.

سوال:طبیعتا شما برای ایجاد این فرهنگ و فرهنگ سازی ، پیش از همه با ذهنیتهای نامناسب موجود در این زمینه مواجهید. در این زمینه چه کارهایی انجام داده اید؟ متاسفانه ذهنیتهای نامناسب قبلی در این مورد مشکل بزرگی است که ما به آن مواجه ایم ، اصلا سختی کار ما همین است. ما نه تنها در زمینه آموزش نیروهایمان با دشواری های زیادی مواجه هستیم ، بلکه ذهنیت منفی و حداقل نادرستی که نسبت به این ستاد و حتی این فریضه در جامعه ایجاد شده است نیز به ما به ارث رسیده است. متاسفانه در اوایل انقلاب عده ای با احساس وظیفه نسبت به اقامه این فریضه وارد کار شدند. بالاخره آنها دغدغه این کار را داشتند، نظرشان ادای تکلیف بود، دیده و شنیده بودند که باید امر به معروف و نهی از منکر بشود، اما درست نفهمیده بودند، آموزش ندیده بودند، فکر می کردند که وظیفه آنها زدودن کامل منکرهاست ، درگیر می شدند و مشکلاتی را بوجود می آوردند. در حالی که وظیفه امر به معروف ، گفتن و رفتن است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب نه اینکه یک نفر ۱۰دفعه بگوید، بلکه ۱۰ نفر یک دفعه بگویند. آنها نمی دانستند که کار آمر به معروف و نهی از منکر مبارزه با مفاسد و زدودن آنها نیست ، آن کار نیروی انتظامی و ضابطان است.برخورد هم با قوه قضاییه است ، آن هم تحت ضوابط قانونی و مشخص. متاسفانه این فرهنگ در آنجا بوجود نیامده بود و باعث بوجود آمدن ذهنیت منفی شد، اما ما در سالهای گذشته با آموزشهایی که شروع کرده ایم سعی کرده ایم تا این آموزشها را به افراد بدهیم که معنا و مفهوم صحیح امر به معروف و نهی از منکر چیست. سوال:مثلا- چه آموزشهایی؟ ببینید علاوه بر آموزش و یاد گرفتن مسایل مذهبی و اعتقادی ، خود شیوه امر به معروف و نهی از منکر هم آموزش می خواهد. نماز را یک بار یاد می گیرید، تا همان آخر همین است. شرایطش یکسان است ، روزه هم همین طور، اما امر به معروف این طوری نیست که تا آخر به یک صورت باشد. فرد باید با توجه به زمان و مکان خودش این وظیفه را انجام دهد، هر جا و موقعیتی شرایط خاص خودش را دارد. ما باید علاوه بر آموزش احکام به افراد، به آنها نحوه بیان احکام را هم یاد بدهیم. یک آدم یک جا می تواند امر به معروف کند و نتیجه بگیرد و در همان جا با شرایط دیگر یک فرد دیگر امر به معروف می کند و نتیجه عکس می دهد، چرا که نه تنها شرایط را در نظر نمی گیرد که حتی نحوه بیان صحیح را هم نمی داند. شرایط مکان و زمان روی این مسأله تأثیر می گذارد. توی کوچه یک جور باید امر به معروف کرد و توی خانه یک جور دیگر. طرف می گوید در خانه میهمان بودیم ، ۵۰ نفر دیگر هم بودند، دیدم منکر انجام می شود، با صاحبخانه برخورد کردم ، اما در اینجا باید به او گفت تو ممکنست که منکر شرعی را بتوانی تشخیص بدهی ، اما آموزش ندیده ای ، نمی دانی اینجا که در خانه مردم نمی شود درگیر شد. اگر با اخم شد، که شد وگرنه تو پاشو برو. این را اسلام می گوید، من نمی گویم. پاشو برو، با اخم هم برو، اگر تو رفتی و ۱۰ یا ۱۵ نفر دیگر هم این کار را کردند، طرف می فهمد، این واقعا اثر می گذارد. این باید اساس کار ما باشد، این یک نمونه از آموزشهای ریز وظریفی است که ما باید به اعضایمان که تمام مردم هستند بدهیم. ظاهرا هنوز هم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر چارچوب خاصی وجود ندارد و این می شود که در بسیاری از موارد اعمال سلیقه می شود. سوال: از جمله اینکه در برخی از موارد با مسایلی برخورد می شود که از دید جامعه و عرف ممکنست منکر و تخلف نباشد یا اینکه لااقل در آن شرایط نباشد؟ همانطوری که گفتم ما در این زمینه با مشکل مواجهیم ، آموزش ندیده ایم. ببینید ما حرام اجتماعی و واجب اجتماعی داریم ، حرام عرفی ، شرعی و فردی داریم. نمی شود که یک حرام عرفی را یک نفر بگوید که حرام شرعی است. اگر ما می گوییم امر به معروف و نهی از منکر کنید، منظورمان حرام بین (آشکار) است. نمی خواهیم برویم دنبال آن چیزهایی که شک در موردشان وجود دارد. یکی از مسایل امر به معروف این است که بداند که این قطعا و شرعا منکر است و اگر شک دارد نباید وارد عمل بشود، ما کاری به شبهات نداریم. خیلی وقتها که می گوییم چرا این مسئله بوجود آمد، می گویند که مردم منکر را نمی شناسند و درگیری ایجاد می شود. منظورما از منکر بین (آشکار) آن حرامی است که وقتی خود فرد هم انجام می دهد هم خودش و هم جامعه بدانند که مطمئنا این مساله حرام است. کاری که فرد وقتی کرد و به او انتقاد کردی سرش را بیندازد پایین. کاری که اگر فرد کرد تمام مردم نگاهش کنند. تفکر اساسی که ما به دنبال آن هستیم این

نگاههای انتقادی مردمی است. امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم احساس کنند که چشمهایی آنها را نگاه می کنند و آنهایی که اشتباه کردند مردم نگاهشان می کنند. در این صورت اگر فرد اشتباه کرد پیش خودش ناراحت می شود. اما شاید بعضی مردم به این خاطر کمتر به این فریضه توجه می کنند که خیلی از منکرها را کسانی انجام می دهند که در ساختار قدرت هستند. به این ها نمی شود چیزی گفت ، نمی پذیرند و ممکن است برای کسی که دارد وظیفه اش را انجام می دهد مشکل پیدا شود. خودتان بهتر می دانید که منکر فقط بدحجابی و این حرف ها نیست. سوء استفاده از منصب و مقام و اموال عمومی هم منکر بزرگی است... خب البته مشکل امر به معروف ونهی از منکر همین است. مثل نماز و روزه نیست که طرفت خداوند بخشنده باشد. طرفت انسانی است که ممکن است قدرتمند باشد.این است که امام علی وقتی بین تمام خوبی ها و جهاد قضاوت می کند، می گوید جهاد از همه برتر است ، اما وقتی بین تمام خوبی ها باضافه جهاد با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه می کند، می گوید امر به معروف و نهی از منکر. سوال:بله این مشکل وجود دارد که طرف عکس العمل نشان بدهد، در این شرایط انتقاد وحتی تشویق سخت می شود. بعضی وقتها هست که شما به خاطر یک کار خوب هم از طرف تشکر می کنی و تشویقش می کنی و طرف می گوید به تو چه؟ مگر برای تو کردم؟ اصلا تو چه کاره ای؟ کار امر به معروف این دشواری را دارد. یعنی هم انتقاد کنده و آمر به معروف و ناهی از منکر و هم کسی که به او انتقاد می شود باید آموزش ببینند. این کار مهمی است. ما باید این را جا بیندازیم که در جامعه فرد تنها نیست ، او در یک اجتماع زندگی می کند که یک سری شرایطی را دارد. یک سری امر و نهی هایی دارد، اینها باید جا بیفتد. اما من به این مساله فرهنگ سازی خوش بینم. تا چند سال قبل ، خیلی از مردم از گلهای پارک می کندند و می بردند خانه شان. اما حالا این فرهنگ جا افتاده است که این گلها مال پارک است و نه تنها بقیه افراد آن را درست نمی دانند که فردهم خودش از این کار معذب است ، خب حالا ـ دیگر این یک فرهنگ شده است ، یک فرهنگ عمومی. این فرهنگ انتقاد کردن و انتقاد پذیری هم فرهنگی است که کم کم جا می افتد. البته ممکن است به خاطر ذهنیتهای قبلی کمی مشکل باشد. متاسفانه جایگاه این فریضه در میان مردم روشن نیست. خیلی از مردم متدین در مورد وجوب فریضه نماز، روزه ، حج ، وهیچ تردیدی ندارند. اما در مورد امر به معروف و نهی از منکر این طوری نیست ، واقعا جا نیفتاده است. هنوز هم خیلی از مردم حتی متدیینین وقتی کار منکر و خلافی را می بینند ممکنست با خودشان بگویند به ما چه ربطی دارد، در صورتیکه در مورد سایر فرایض خیلی دقیق هستند. این دقت را باید همگانی کرد. (روزنامه جام جم، ۸ اسفندماه ۱۳۸۲)

با سلام چرا با توجه به فساد گسترده اداری و ناکارآمدی مدیران و همچنین فساد ایشان در زمینه برخورد با آنان اقدام موثر به عمل نمی آید. نهادهای نظارتی ما که شامل دادگستری وسازمان بازرسی کل کشور و وزارت اطلاعات و دیوان محاسبات مجلس خود دچار فسادی خانمان بر اندا

پرسش

با سلام چرا با توجه به فساد گسترده اداری و ناکارآمدی مدیران و همچنین فساد ایشان در زمینه برخورد با آنان اقدام موثر به عمل نمی آید. نهادهای نظارتی ما که شامل دادگستری وسازمان بازرسی کل کشور و وزارت اطلاعات و دیوان محاسبات مجلس خود دچار فسادی خانمان بر انداز میباشند .رشوه گیری که در اسلام از ۷۰ بار زنا با محارم در خانه خدا قبیح تر میباشد قبح ان ریخته است در حالیکه هم اکنون مدیرانی وجود دارد که رشما اقدام به ارتشا نموده سازمانهای نظارتی هم در جریان میباشند لیکن با کمال تاسف همچنان به عنوان مدیر جمهوری اسلامی در حال کار میباشند چنانچه نمونه و مورد خاصی مد نظر باشد نمونه های فراوانی ذکر خواهد گردید.حال سوال اینست ایا شیوه امیرالمومنین هم اینگونه بود؟ یا اینکه باید به فکر مصلحت بود .آیا اگر مدیر

ارشد فاسد نباشد مدیر زیر دست میتواند فاسد باشد؟

پاسخ

سوال شما از جهات متعدد قابل تامل و بررسی است:ً۱. اینکه بگوییم عملکرد قوی یا ضعیف جامعه و یا وجود برخی ضعفها در سیستم اداری کشور به مدیر ارشد برمی گردد, استنتاج کلی و قاعده قابل اثباتی نیست هرچند در حیطه عملکردها و وظایف و با در نظر گرفتن امکانات و اختیارات آن مدیر ارشد چنین امری مصداق می‌تواند داشته باشد ولی به عنوان یک قاعده کلی نمی‌توان آن را اثبات کرد. چه اینکه هدایت نشدن قوم نوح را نمی‌توان به عملکرد حضرت نوح(ع) نسبت داد و یا عدالت گریزی و انحطاط فکری مسلمین صدر اسلام در زمان حضرت علی(ع) و یا وجود برخی کارگزاران فاسد در دستگاه اداری ایشان را نمی‌توان به آن حضرت تسری داده و مسؤولیت آن را بر دوش ایشان گذاشت، اساساً خداوند رهبران الهی و دینی را موظف به تذکر و انذار به جوامع و اجرای احکام الهی می‌نماید و آنان نیز به تناسب توانمندی و وسع خویش نسبت به اجرای فرامین خداوند مسئولند, حال اینکه چه مقدار در تحقق عینی جامعه دینی و هدایت مردم توفیق حاصل کنند. بستگی زیادی به خواست عمومی و درک افراد و نخبگان جوامع از مقوله فوق و تمکین در برابر آن دارد درباره وجود فساد هم در سیستم اداری ما نیز چنین است؛ آنچه که از مدیران الهی شایسته و سزاوار است، سعی و اهتمام به انتخاب مدیران و کارگزاران صالح و در نظر گرفتن ساز و کارهای نظارتی برای جلوگیری از خطاهای آنان است؛ حال اگر مدیری صالح با اعمال این قبیل مسائل اهتمام به ایجاد تشکیلاتی سالم داشت و تمام سعی و تلاش خود را برای مقابله با آفت ها و مفاسد کرد، دیگر با وجود نمونه هایی از فساد نمی شود آن رهبر یا مدیر ارشد را به کوتاهی و قصور متهم نمود. و یا ادعا کرد که فساد از او نشات می گیرد!!! اکنون با توجه به این موضوع درباره وجود برخی مفاسد در دستگاه های اداری کشور بهتر است به دو مقوله اساسی با عنایت به آنچه در بالا گفته شد توجه کرد. اولاً قانون اساسی اختیارات مشخصی را به عهده رهبری به عنوان یکی از مدیران گذاشته و اختیار عزل و نصب افراد و شخصیت‌های خاص را به رهبری داده که ایشان نیز با در نظر گرفتن توانمندی‌ها و امکانات در کنار نیازها و اولویت‌های کشور نسبت به انتصاب و یا عزل افراد در سمت‌های مدیریتی کشور اقدام می‌نماید و به طور اصولی ایشان در عزل و نصب سایر مدیریت‌های کشور در بدنه قوای سه گانه دخالتی نمی کند مگر اینکه حضور فرد یا افرادی را بر خلاف مصالح اسلام و انقلاب و کلیت نظام احساس کند که مقوله فوق امری مستثنی است. ثانیاً تعبیر رهبری از مدیریت مفسد و یا بی‌اعتنا به حقوق مردم مطمئناً بر یک سری چارچوب‌ها و اصول عقلائی و قابل اثبات استوار است که در صورت اثبات فاسد بودن بخشهایی از مدیریت کشور در برابر آن موضعگیری خواهند کرد که چنین امری مسبوق به سابقه هم است و مسلماً ایشان نمی‌تواند بر اساس یافته‌های مطبوعاتی و حدس و گمان و داده‌های غیر قابل اثبات در رابطه با عملکرد مدیریت‌های زیر نظرشان قضاوت کنند. متأسفانه به رغم تأکیدات و اهتمام زیاد مقام رهبری برای مقابله با مفاسد اقتصادی، و نیز برخی اقدامات عملی قوای سه گانه و سایر نهادها و دستگاههای حکومتی، برای مقابله با این پدیده، هنوز دستاوردهای مثبت آن، آشکار نشده و کما کان اقشار محروم و مستضعف جامع از اثرات زیان بار مفاسد اقتصادی رنج می برند. مقام معظم رهبری به سؤالی در مورد اقدامات قوای سه گانه در این خصوص، می فرمایند: «من خصوص به شما عرض می کنم: نه! واقعاً من از آنچه که اتفاق افتاده راضی باشم؟ نه؛ یعنی کمتر از آن حدی است که بنده را خشنود و راضی کند؛ اما انصافاً تلاش کردند. در همین جلسه یی که اخیراً با مسئولان قوای سه گانه داشتیم، به آنها گفتم دو سال گذشت. قوه ی قضائیه و مجریه گزارش فعالیتهایی را که کرده اند، آوردند که حکم فعالیتها خوب است؛ در این تردیدی نمی شود داشت. ستادی هم تشکیل داده اند که نسبتاً فعال است، و لیکن نه، آن مقداری که بنده را راضی کند، نیست.»، (دیدار یار، بیانات مقام معظم رهبری در پاسخ به پرسشهای

دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۵۵) بنابراین اقدامات مناسبی ـ علیرغم عدم کفایت آن ـ انجام و در حال پی گیری است . اما در مورد ناکافی بودن مشهود نبودن این اقدامات و یا طولانی شدن رسیدگی به پرونده های متهمین و ... باید گفت که این موضوع به مسائلی از قبیل سیاست دولت در اجرای کامل عدالت و حقوق متهمین و حفظ آبروی و حیثیت آنان و ... باز می گردد؛ مقام معظم رهبری در این زمینه چنین بیان می دارند: «با آن کسانی که قاطع برخورد نمی کنند چگونه برخورد کنیم؛ برخورد همین است که تذکر و هشدار بدهیم و به آنها بگوییم؛ برخورد لازم در این جا این است؛ اما شفافیت لازم در این مورد برای مردم صورت نمی گیرد. یک وقت انتظار هست که مرتب اعلامیه داده شود و بگویند فلان کس را گرفتیم، پدر فلان کس را درآوردیم، فلان کس این فساد را کرده، این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شده ی ماست؛ ما گفتیم اصلاً نگویید. در آن مواردی هم که اعلام و جنجال شد، بنده با آن وضعیت موافق نبودم. این تصمیم گیری است که بر اساس یک محاسبه یی کردیم و این محاسبه هم محاسبه یی حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لا پوشی و پنهان نگه داشته شود؛ ابداً بنده نمی خواهم ملاحظه ی کسی را بکنم، منتها فکر نمی کنم که تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و رویش قضاوتی نیست، باید سرزبانها بیفتد و مطرح شود. هر کس این کار را بکند، بنده موافق نیستیم؛ چه مطبوعاتیها، چه رادیو تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمار کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض بکنم؛ یک نفر جرمی می کند. آدم خیلی بدی هم هست، بایست هم مجازات بشود؛ اما اگر اسم او را ما اعلام کردیم، این پسر یا دخترش در دانشگاه، خانه، محله؛ می دانید با این اعلان چند نفر مجازات می شوند؟ چه لزومی دارد؟ بگذارید او زندان برود و فی الجمله هم گفته شود که این کار انجام گرفته، دیگر چه لزومی دارد که ما بچه های دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی اش را هم ـ که هیچ گناهی ندارد ـ مجازات کنیم؟ مگر وقتی که اجبار باشد: یعنی زمانی که وضعیت به گونه ایی است که غیر از این امکان ندارد، آن جا، چاره یی نیست؛ اما تا مادامی که می شود، خیلی با این طور کارها موافق نیستم.»، (همان، صص ۵۶ـ ۵۷) مسلما بررسی ریشه‌ای مفاسد اقتصادی و علل عدم موفقیت کامل اقدامات دولت در این خصوص، نیازمند ارائه تحقیقات گسترده و مفصّلی است که خارج از ظرفیت یک نامه است. آنچه که به صورت مختصر می‌توان از بررسی نظرات کارشناسان مسائل اقتصادی و سیاسی، به دست آورد، این است که: مفاسد و تخلّفات اقتصادی، محصول ساختار معیوب اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روند شکل‌گیری تدریجی آن است. از بین بردن آن نیز جز با تغییر و اصلاح این ساختارها ـ آن هم با اقداماتی اساسی و در دراز مدت ـ ممکن نیست. مفاسد و تخلفات اقتصادی، رانت‌خواری، فعالیت‌های اقتصادی پنهان و معلول زمینه‌ها و شرایط متعددی است؛ از جمله: ۱. ساختار اقتصادی: اتکا به نفت، به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمدهای دولت و تأمین هزینه‌های جاری آن از طریق فروش منابع طبیعی، زمینه‌های گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی را تسهیل می‌کند. در نتیجه حاکمان را از مشارکت شهروندان، در تأمین هزینه‌های جاری بی‌نیاز می‌سازد؛ نظام مالیاتی را تضعیف می‌کند؛ رانت‌های گسترده‌ای فراهم می‌آورد؛ زمینه‌های رانت خواری را ترویج می‌کند؛ عدم پاسخ‌گویی را موجب می‌شود؛ نابرابری‌های عظیم در توزیع ثروت را پدید می‌آورد و وابستگی را تعمیق می‌بخشد. ۲. وجود بعضی از ضعفها و سوء مدیریت‌ها در ساختار سیاسی و حقوقی (از قبیل دولتی بودن امور جامعه، فقدان سیاست مشخص اقتصادی) و یا بعضی از پیامدهای منفی سیاست خصوصی‌سازی در فرایند انتقال دارایی‌ها به مالکان خصوصی ـ که به دلیل فقدان نهادهای ناظر مردمی، پاسخگو نبودن صاحب منصبان در استفاده از قدرت وجود بعضی نارسایی‌ها در دستگاه‌های قضایی و نظارتی، رواج و غلبه روابط بر ضوابط، فقدان قوانین دقیق و تعریف شده و... ـ از عوامل مهم در شکل‌گیری این پدیده‌ی مخرب اقتصادی می‌باشند. ۳. تغییر جو ارزشی جامعه به سوی پول و ثروت و مصرفگرایی؛ بی‌اعتقادی و ضعف مبانی دینی و مذهبی افراد، بی‌اعتنایی برخی از مسؤولان و افراد نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، از دیگر عوامل این مسأله است. علاوه بر مسائل یاد شده، عواملی از قبیل حمایت‌های جناحی و عدم برخورد با هم طیفها، اعمال نفوذ برای

ممانعت از نظارت یا کیفردهی، سوء مدیریت‌ها و... بر عمق و پیچیدگی موضوع افزوده است. بنابراین تا زمانی که بسترهای فراوان و مستعدی در جامعه‌ی ما وجود دارد، نمی‌توان انتظار سریع و قاطع رفع این مشکل را داشت و پیامد این بسترها را از میان برداشت. رشد نظام ارزشی مردم، اطلاع رسانی دقیق درباره‌ی پیامدهای وجود این پدیده‌ی مخرب، و آگاه کردن مردم از حقوقشان، با گسترش دستگاه‌های نظارتی و قضایی و بازگذاشتن دست این نهادها در برخورد عادلانه و بی‌طرفانه، رفع بعضی از دخالت‌های بی‌جای دولت در امر اقتصادی، ممنوعیت قانونی تجارت برای سیاست مداران و حتی اطرافیان نزدیک آنان، دخالت جدی‌تر نهادهای آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای در امر جامعه‌پذیری و تشریح ابعاد گوناگون این مسأله برای مردم، رفع بسیاری ممنوعیت‌های بی‌دلیل بازرگانی خارجی و... در کوتاه مدت در کاهش این مفسده مؤثر خواهد بود؛ لیکن تا عبور قطعی از دوران گذار و رسیدن به توسعه اقتصادی ـ سیاسی مطلوب و موافق با ارزش‌های انقلاب اسلامی، ایجاد ثبات اقتصادی و امنیت شغلی ـ که به ما امکان کنار نهادن راهبرد توسعه‌ی درون‌گرا و کوچک کردن محدوده‌ی دخالت‌های اقتصادی دولت را می‌دهد و تعیین تکلیف وضع الگوهای ما در بلند مدت، حل قطعی مسأله و رساندن آن به اندازه‌های مقبول میسّر نخواهد شد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. آسیب‌شناسی فساد مالی در ایران، سارا فقیری، پگاه حوزه، خرداد ۱۳۸۱، ش ۵۲، ص ۲. ۲. ریشه و سرآغاز مفاسد اقتصادی در یک جامعه‌ی اسلامی، گفتگو با صاحب نظران و اساتید دانشگاه، پگاه حوزه، اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۱۲، ص ۲۲

با توجه به دستور حضرت عالی جهت برخورد بارشوه خواری واسراف در بیت المال چراهمچنان در جامعه شاهد این رویداد زشت هستیم.

پرسش

با توجه به دستور حضرت عالی جهت برخورد بارشوه خواری واسراف در بیت المال چراهمچنان در جامعه شاهد این رویداد زشت هستیم.

پاسخ

به نظر می رسد علت اصلی چنین مشکلاتی را نمی توان بصورت جزئی بررسی کرد. این قبیل ناهنجاری ها در سیستم سازمانی کشور را باید بصورت ساختاری مورد بررسی قرار داد و تا ساختار اصلاح نیابد این مشکل همچنان گریبانگیر جامعه خواهد بود. برخی گمان می کنند صرفا با بیان کردن برخی روایات و احادیث شریفه می توانند جلوی این معضل اجتماعی را بگیرند، در صورتی که اگر به آن احادیث و روایات در بعد ساختاری و کلان عمل نشود نتیجه محصلی نخواهد داشت. اما برای توضیح معضلات ساختاری از قبیل رشوه باید به شیوه‌ء تبادل در ساختار و قدرت و ثروت کشور عطف توجه نمود. در کشور ما نباید با تحمیل کار بر طبقات پائین دست، ارزش کار ایشان را به سود طبقات ثروتمندان وابسته به قدرت بهره برداری کرد. (کارش را شخص دیگری کرده، سودش را کس دیگری ببرد). طبقات پائین دست و متوسط هم که اکثر بدنه نظام را تشکیل می دهند با دیدن این روند خود به فکر اندوختن بیشتر افتاده و اخلاق زراندوزی در ایشان تقویت می شود. بهمین دلیل دچار ناهنجاری هایی از قبیل رشوه و ... می شوند. همانطور که مقام معظم رهبری_ حفظه الله _نیز بارها بر مسؤولین همین امر را خطاب فرموده اند که مسؤولین نباید سطح و شیوه‌ء عمل زندگی فردی و اجتماعی خود را فراتر از حد متوسط جامعه ببینند و به فکر رفاه عمومی طبقه متوسط و پائین نباشند. زیرا این امر ۲ مفسده ایجاد خواهد کرد: اولا) مردم پائین دست وقتی از طریق قانونی نتوانستند کسب سود و رفاه کنند

از طریق نامشروع به آن دست می یازند. ثانیا) روحیه رفاه طلبی بیش از حد بخاطر نگاه به بالادستی ها در بینشان افزایش خواهد یافت. ان شاء الله روزی با عمل به اوامر مقام معظم رهبری_ حفظه الله _که برگرفته از شیوهء حکومت علوی(علیه السلام) است، در تصحیح اساسی و ساختاری این قبیل معضلات برآیند.

برای من سوال است که چرا در یک کشور اسلامی سایتهای اینترنتی سکسی به راحتی در دسترس تمام جوانان است . تورم اقتصادی – عدم امکان ازدواج برای بیشتر جوانان – فساد اجتماعی و اعتیادو... واقعا نقش مسئولین در این رابطه چیست؟ شاید اینها همه برنامه ریزی تعیین شده است

پرسش

برای من سوال است که چرا در یک کشور اسلامی سایتهای اینترنتی سکسی به راحتی در دسترس تمام جوانان است . تورم اقتصادی – عدم امکان ازدواج برای بیشتر جوانان – فساد اجتماعی و اعتیادو... واقعا نقش مسئولین در این رابطه چیست؟ شاید اینها همه برنامه ریزی تعیین شده است که الان در حال اجراست؟

پاسخ

متأسفانه تا مدتی قبل، در زمینه فیلترگذاری و کنترل سایت‌های ضداخلاقی و حاوی موضوعات مستهجن و ضد ارزشهای دینی، اهمال و کوتاهی‌هایی از سوی مسئولینی مربوطه وجود داشت و این خود جای تعجب و تأسف برای بسیاری از دلسوزان نظام و جامعه بود، اما خوشبختانه از مدتی قبل، با اجرای برنامه فیلترگذاری از سوی مخابرات، تا حدود زیادی از دسترسی سریع و راحت به این سایتها جلوگیری می‌شود، هر چند مسئولینی مربوطه باید مکانیزمهای دقیق‌تر و مطمئن‌تری را در این زمینه بکار بگیرند. اما با این همه باید به این موضوع مهم توجه شود که حفظ سلامت فکری، روحی و روانی جوانان علاوه بر کنترل‌های فیزیکی، نیازمند گامهای اساسی‌تری از سوی فحشا و مراکز فرهنگی کشور است تا جوانان را در مقابل تهدیدهای گوناگون تهاجم فرهنگی که در برخی موارد امکان کنترل فیزیکی هم به لختی وجود دارد، واکسینه نمایند. اما در مورد قسمت دوم سوال باید گفت عمدتاً مسئولین عالی رتبه نظام از وجود مشکلات و معضلاتی که جامعه ما خصوصاً نسل جوان با آن دست به گریبانند، نگران بوده و در پی حل این قبیل مشکلات بوده و می‌باشند و انصافاً تلاش‌های آنان دستاوردهای بسیار مثبتی برای جامعه به دنبال داشته است. نگاهی واقع بینانه به سیاستهای کل نظام از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، چشم انداز ۲۰ ساله، جهت‌گیری برنامه‌های دولت و عملکردهای آن، همه مبین اهتمام شدید نظام اسلامی به امور اساسی جامع و جوانان می‌باشد. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد همراه با برنامه‌های صحیح و منطبق با نیازها و شرایط عینی جامعه، می‌تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازهای اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، اما در این فرایند متغیرهای اساسی دیگری نیز وجود دارد که به هیچ وجه نمی‌توان از آنان غفلت نموده، به عبارت دیگر نظام اسلامی در صورتی می‌تواند در اجرای کامل تعالیم و ارزشهای اسلامی در سطوح مختلف جامعه و حل نیازهای اساسی آن و زدودن معضلات، موفق باشد که سایر شرایط و زمینه‌های لازم از قبیل منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیران صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و... مهیاد بوده وبه علاوه موانع و مشکلات ناشی از تعهدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت‌ها و سنت‌های غلط، دنیاگرایی و.. وجود نداشته باشد. و حال آنتک انقلاب اسلامی علی رغم بسیاری امتیازات و توانایی‌ها با مشکلات و مانعی

روبرو بوده که کارکردهای نظام را در زمینه تأمین نیازهای اساسی جامع و حل معضلات آن با کندی مواجه کرده است؛ مسلماً طبیعی است که جامعه‌ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظمی که از نظر ساختار اقتصادی (تک محصول بودن آن، وضعیت وخیم صنعت و کشاورزی...) و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب، به ما منتقل شده و چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ تحمیلی و خسارت عظیم آن (بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار معادل هزینه ۷۰ سال کشور) و محاصره‌های بین المللی (که تاوان اسلام گرایی و استقلال خواهی ملت ما می‌باشد) تورم بین المللی و پایین بودن درآمدهای نفتی و کاهش قدرت خرید دلار و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جمعیت و مشکلات ناشی از آن و معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری و رقابت‌های غیر قانونمند جناحها (که هزینه‌های زیادی بر منافع، امنیت و کارآیی نظام برجای می گذارد)، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و مشکلات ناشی از آن و... دارای مشکل باشد. در هر صورت ضمن در نظر گرفتن متغیرهای فوق باید جایگاه و نقش هر مسئول را بر اساس میزان کارآمدی آن در حل مشکلات مردم، تعهد و تخصص، مبارزه با تبعیض و بی عدالتی، دغدغه خدمت به مردم و داشتن کارنامه درخشان در این زمینه، دوری از سیاست زدگی و تعصب حزبی و جناح زدگی سنجید. و آخرین نکته اینکه خوشبختانه تمامی بخشهخای اجرایی و قانون گذاری کشور چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، منتخب مردم بوده و با آراء مردم جریان امور کشور را در دست گرفته‌اند. از اینرو اگر مردم مشاهده می‌نمایند در بخشهایی ناکارآمدی وجود دارد باید در انتخاب‌های بعدی خود دقت بیشتری مبذول داشته تا انشاءالله مجموعه نظام اسلامی بتواند با سرعت بیشتر وبدون اتلاف انرژی و وقت، روند پیشرفت و توسعه کشور در ابعاد مختلف را ادامه داده و نیازهای اسلاسی جامعه و جوانان را برطرف و مظاهر بی عدالتی، تبعیض، فقر و.... را از جامعه اسلامی بزدایند.

چرا عقاید وهابیت در جامعه ما براحتی گسترش می یابد و هیچ مسئولی یا ارگانی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت ان نمیکند؟

پرسش

چرا عقاید وهابیت در جامعه ما براحتی گسترش می یابد و هیچ مسئولی یا ارگانی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت ان نمیکند؟

پاسخ

چند عامل را می توان در ارتباط با این موضوع نام برد: ۱. تشدید فعالیت های تبلیغاتی و فرهنگی وهابیت در داخل ایران و حوزه های مسلمان نشین خارجی (نظیر حوزه قفقاز، بالکان و سایر کشورهای مجاور ایران) که آمادگی برای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران مشاهده می شود، وهابیت به عنوان جریانی انحرافی در جهان اسلام و و ابسته به استعمارگران، وظیفه جلوگیری از تداوم و گسترش جریان اسلام گرایی اصیل _ که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در سطح جهانی در حال پیشرفت است _را بر عهده داشته و از اینرو تخریب و ایجاد تزلزل در مبانی فکری و اعتقادی شیعیان به عنوان محور اصلی این جریان را دنبال می نماید. از این رو در سالهای اخیر در جهت همسویی با تهاجم فرهنگی و نظامی آمریکا علیه کشورهای اسلامی و به خصوص ایران، فعالیت های تبلیغی خود را در ایران توسعه بخشیده است. البته در مقابل این تهاجم حوزه های علمیه و نظام اسلامی، اقدامات و تدابیر امنیتی و فرهنگی مناسبی_ هر چند ناکافی _اعمال نموده اند. ۲. متأسفانه علی رغم اقدامات فوق، آنگونه که شایسته است به این مسأله توجه جدی خصوصا از سوی دستگاه های فرهنگی کشور داده نشده است و علاوه بر ناهماهنگی هایی که بین این مراکز با حوزه

های علمیه مشاهده می شود به رواج اختلافات جناحی و حزبی و سیاسی شدن مسائل و غفلت از مسائل اساسی فضای مساعد، را برای سوء استفاده دشمنان فراهم ساخته است. ۳. وجود مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خصوصا در مناطق اهل تسنن باعث بهره برداری وهابیت و ترویج عقاید موهوم خود با استفاده از امکانات مالی فراوان شده است. مسلما هرگونه برخوردی در جهت مقابله با این جریان باید ضمن توجه اساسی به زمینه های فوق و کوشش دولت در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه، اولویت را به راهکارهای فکری و فرهنگی داده و با تقویت مبانی فکری و اعتقادی جوانان شیعه آنها را در برابر شبهات فکری و عقیدتی وهابیت، واکسینه نماید. البته دستگاه های امنیتی و انتظامی نیز می توانند با زیرنظر داشتن کلیه تحرکات وهابیت و جلوگیری از اقدامات مرموزانه آنان، به انجام هر چه بهتر وظایف خود همت بگمارند.

با سلام و احترام بنده نه دانشجو هستم و نه بیسواد و از مسائل سیاسی هم زیاد سر در نمی یارم . ولی می خوام بدونم که با وجود این همه فقر که منجر به هزاران فحشا می شود چرا شما ساکت نشسته اید و همینطور فقط به این همه بی عدالتی که خودتون بهتر از همه می دونید که د

پرسش

با سلام و احترام بنده نه دانشجو هستم و نه بیسواد و از مسائل سیاسی هم زیاد سر در نمی یارم . ولی می خوام بدونم که با وجود این همه فقر که منجر به هزاران فحشا می شود چرا شما ساکت نشسته اید و همینطور فقط به این همه بی عدالتی که خودتون بهتر از همه می دونید که در دستگاه دولتی شما داره انجام می شه فقط سکوت می کنید . درحالیکه شما اسم این سال رو سال پاسخگویی گذاشته اید چرا خود شما به مردم پاسخ نمی دید که چرا وقتی می دونید چه کسانی در چه پستهایی دارند از بیت المال مسلمین می دزدند و آن را از مملکت خارج می کنند هیچ عکس العملی نشون نمی دید . حتما می خواهید بگویید که تنها هستید . نه اصلا این طور نیست شما فقط کافیست که اعلام کنید که چه کسانی این کارها رو می کنند . ببینید خود این مردم چه می کنند و اثری از آنها باقی نمی گذارند . پس خودتون باید به همه پاسخ بدید قبل از دیگران که چرا؟

پاسخ

ضمن عرض ادب و احترام به جایگاه علمی و شخصیتی شما دوست گرامی، از آنجا که یکی از محورهای اساسی سؤال ما مسأله پاسخگویی است ابتدا به تبیین این مسأله از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و سپس سایر محورهای سؤال را بررسی می نماییم: الف. پاسخگویی از دیدگاه مقام معظم رهبری: «سال پاسخگویی هم که ما مطرح کردیم، باید به آن توجه شود؛ منتها یکی دو نکته ی ظریف در این جا وجود دارد که باید به آن توجه شود: اولاً وقتی شما سؤال می کنید و پاسخ می خواهید، باید سؤالی بکنید که پاسخ آن - از سوی هر کسی - قابل تشخیص و ارزیابی کمّی باشد؛ والاّ این که شما بگویید «آیا می دانید که از قِبل بیکاری چه مشکلاتی پیش می آید؟»، جوابش این است که بله، می دانیم. «چه کار می کنید؟» همین کارهایی که می بینید داریم می کنیم. این طور طرح پرسش، چیزی عاید نخواهد کرد. یا از قوه ی قضاییه بپرسید «شما برای رفع این ویرانه در پنج سال گذشته چه کار کردید؟» آنها چند صفحه به شما آمار خواهند داد که این کارها را کرده ایم. پاسخگویی مقوله ی بسیار حساسی است. چیزی که شما باید به آن اهتمام داشته باشید، خواست است. خواست عدالت و رفع فساد، بسیار مهم است. این خواستها باید وجود داشته باشد. در کنار این خواستها، این طور هم نباشد که همه ی کارهایی را که مسؤولان کرده اند، انسان زیر سؤال ببرد و مورد تردید

قرار دهـد؛ نه، واقعـاً در همین زمینه هـایی که شـما مطرح کردیـد، کارهـای خوب و زیـادی صورت گرفته؛ منتهـا اداره ی کشور در مقطع امروز کار بسیار مشـکلی است. می دانیـد امروز ما در یک چالش عظیم قرار داریم با مراکز قدرتی که فکر آنها این است که اگر این نظام کارآمدی خود را به طور کامل اثبات کند، عرصه برای آنها تنگ خواهد شد؛ کمااین که همین الان هم آنها می بینند در مقابل نظام جمهوری اسـلامی کم کاری کرده اند که نظام ما توانسـته به پیشـرفتهایی که دوسـتان اشاره کردند، نایل آید. البته به شما عرض بکنم؛ پیشـرفتها در بخشهای مختلف، بیش از اینهاست. گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و - همان طور هم که چنـد روز پیش در جلسه یی مطرح کردم - همه چیز مـاست. منهای آن، جمهوری اسـلامی هیـچ حرفی برای گفتن نخواهـد داشت؛ باید آن را داشـته باشـیم. این گفتمان را باید همه گیر کنید؛ به گونه یی که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیایـد، خودش را نـاگزیر ببینـد که تسـلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عـدالت تلاش کنـد و مجبور شود پرچم عـدالت را بر دسـت بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است. اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه وار و معترض. بالاخره کارهای زیادی انجام گرفته، احیاناً کوتاهی هایی هم شده؛ اما باید مشـکل را حل کرد. نباید نتیجه ی قهری نحوه ی بیان این باشـد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه بشدت معترض است؛ نه، شـما برای موفقیت کل مجموعه داریـد تلاـش می کنیـد؛ اصـلاً همـه ی تلاشـتان ایـن است که نظـام را پیش ببریـد. هرچه می توانیـد، جزئیـات را تکمیـل کنیـد. در بخشـهایی که خلأ وجود دارد، هرچه می توانیـد، کمک کنید تا خلأ برطرف شود. هرچه می توانید، شـعار اصـلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه ی فکری آن کار کنید - اینها لازم است - اما کاری نکنید که مخالفان شـما این تردید را دامن بزنند که آیا نظام اسـلامی می تواند؟ آیا نظامی اسلامی توانسته؟ البته که می تواند؛ البته که توانسـته! مدعی دستگاه های مختلف از لحاظ کارآمدی، خودِ بنده هستم. من دائماً نسبت به کارآمدی، از اینها سؤال و مطالبه می کنم؛ اما بنده اعتقادم این است که نظام اسـلامی از همه ی دولتهایی که در دوران اسـتعمار و دوران نزدیک به اسـتعمار در کشور مـا وجود داشـته، قوی تر عمل کرده است. بـدون تردیـد نظام جمهوری اسـلامی در همه ی بخشـها قوی عمل کرده است. عناصـر مؤمن و کارآمـد در نظام وجود داشـته انـد؛ پشـتوانه ی مردمی هم به آنها کمک کرده است. در بخشـهایی ما با قدرت وارد میدان شده ایم که فکرش را نمی توانستیم بکنیم. در همه ی بخشها این طور است. الان جای توضیح و بیان آمار نیست. البته اقتضای این دوره ی از نظـام جمهوری اسـلامی، اقتضای کار بیشتر، انقلابی تر، مؤمنانه تر و همه ی امکانات را بیش از این به میـدان آوردن است؛ این را قبول داریم. البته کم کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد؛ بین اینها باید تفکیک قائل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام اسلامی کارایی دارد. یک نشانه ی کاراییِ نظام، وجود شماست. جوان دانشجوی مؤمن و معتقد به نظام می تواند حرف و انگیزه ی خودش را قوی در فضـای جـامعه مطرح کنـد. حرف شـما فردا در تمـام فضای جامعه منتشـر می شود؛ این نکته ی خیلی مهمی است؛ این خودش کارآمـدیِ این نظـام است. کارآمـدی نظـام غیر از کارآمـدی این دسـتگاه یا آن دسـتگاه است؛ نظام، نظام کارآمـدی است. البته کارآمـدی نظام، مجموعه ی عملکرد مثبت و منفی یی است که دسـتگاه های نظام دارند؛ اما این برآیند مثبت است». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسـلامی در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۰/ ۰۸/ ۱۳۸۳) «رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیـدار رئیس جمهور و هیـات وزیران، بـا اشـاره به بخش هایی از نامه حضـرت امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر و تأکیـد ایشان بر لزوم آبـادانی جـامعه و ایجـاد رفـاه برای مردم و بهره گیری از توانایی ها و نشاط آنان، خاطرنشان کردنـد: حضـرت علی (ع) شـرط آبادانی دنیا و جامعه را کنترل و مراقبت مسـئولان و مـدیران می دانـد، زیرا امور کشور و مردم به دست آنان است. ایشان همچنین با اشـاره به نـام گـذاری سال جاری به عنوان سال پاسـخگویی و تأثیر پاسـخگویی مسـئولان در آگاهی مردم از نقاط قوت و ضـعف و افزایش امیـد آنان به آینـده، بر لزوم همکاری متقابل دسـتگاه ها و سازمان های مسـئول و رسانه ها به ویژه صـدا و سـیما برای تحقق جدی و عملی پاسـخگویی مسـئولان تأکید کردند». (روزنامه همشـهری ۲۱ آبان ۱۳۸۳) ب. ریشه یابی مشـکلات جامعه و اقـدامات

نظام اسلامی در مقابل آن: یکم. البته اصل وجود برخی مفاسد و معضلات نظیر تبعیض، بی عدالتی، مفاسد اداری، رانت خواری و ...، در گوشه هایی از جامعه و یا سازمان مدیریتی کشور، امری غیر قابل انکار است. ولی نباید این موضوع را به کل جامعه و نظام تسری داد. زیرا: اولاً: علیرغم وجود برخی مفاسد، اکثریت جامعه اسلامی و نظام دینی ما از الودگی به این معضلات و مفاسد بری می باشد. ثانیاً: نظام اسلامی بیشترین سعی خود را در اصلاح معضلات و مشکلات جامعه و برخورد با مفاسد گذاشته است. و اقدامات اساسی نظیر حل مشکل اشتغال مولد، مسکن و ...، جهت بسط عدالت اجتماعی و زدودن فقرو مفاسد اجتماعی از یکسو و برخورد با افراد سودجو و رانت خوار، در هر پست و موقعیت به عمل آورده و یا در دست اجرا دارد. دوم. اینکه بگوییم عملکرد قوی یا ضعیف جامعه و یا وجود برخی ضعفها در سیستم اداری کشور به مدیر ارشد برمی گردد, استنتاج کلی و قاعده قابل اثباتی نیست هرچند در حیطه عملکردها و وظایف و با در نظر گرفتن امکانات و اختیارات آن مدیر ارشد چنین امری مصداق می تواند داشته باشد ولی به عنوان یک قاعده کلی نمی‌توان آن را اثبات کرد. چه اینکه هدایت نشدن قوم نوح را نمی‌توان به عملکرد حضرت نوح(ع) نسبت داد و یا عدالت گریزی و انحطاط فکری مسلمین صدر اسلام در زمان حضرت علی(ع) و یا وجود برخی کارگزاران فاسد در دستگاه اداری ایشان را نمی‌توان به آن حضرت تسری داده و مسؤولیت آن را بر دوش ایشان گذاشت، اساساً خداوند رهبران الهی و دینی را موظف به تذکر و انذار به جوامع و اجرای احکام الهی می‌نماید و آنان نیز به تناسب توانمندی و وسع خویش نسبت به اجرای فرامین خداوند مسئولند, حال اینکه چه مقدار در تحقق عینی جامعه دینی و هدایت مردم توفیق حاصل کنند. بستگی زیادی به خواست عمومی و درک افراد و نخبگان جوامع از مقوله فوق و تمکین در برابر آن دارد. درباره وجود فساد هم در سیستم اداری ما نیز چنین است؛ آنچه که از مدیران الهی شایسته و سزاوار است، سعی و اهتمام به انتخاب مدیران و کارگزاران صالح و در نظر گرفتن ساز و کارهای نظارتی برای جلوگیری از خطاهای آنان است؛ حال اگر مدیری صالح با اعمال این قبیل مسائل اهتمام به ایجاد تشکیلاتی سالم داشت و تمام سعی و تلاش خود را برای مقابله با آفت ها و مفاسد کرد، دیگر با وجود نمونه هایی از فساد نمی شود آن رهبر یا مدیر ارشد را به کوتاهی و قصور متهم نمود. و یا ادعا کرد که فساد از او نشات می گیرد!!! اکنون با توجه به این موضوع درباره وجود برخی مفاسد در دستگاه های اداری کشور بهتر است به دو مقوله اساسی با عنایت به آنچه در بالا- گفته شد توجه کرد. اولاً- قانون اساسی اختیارات مشخصی را به عهده رهبری به عنوان یکی از مدیران گذاشته و اختیار عزل و نصب افراد و شخصیت‌های خاص را به رهبری داده که ایشان نیز با در نظر گرفتن توانمندی‌ها و امکانات در کنار نیازها و اولویت‌های کشور نسبت به انتصاب و یا عزل افراد در سمت‌های مدیریتی کشور اقدام می‌نماید و به طور اصولی ایشان در عزل و نصب سایر مدیریت‌های کشور در بدنه قوای سه گانه دخالتی نمی‌کند مگر اینکه حضور فرد یا افرادی را بر خلاف مصالح اسلام و انقلاب و کلیت نظام احساس کند که مقوله فوق امری مستثنی است. ثانیاً تعبیر رهبری از مدیریت مفسد و یا بی‌اعتنا به حقوق مردم مطمئناً بر یک سری چارچوب‌ها و اصول عقلائی و قابل اثبات استوار است که در صورت اثبات فاسد بودن بخشهایی از مدیریت کشور در برابر آن موضعگیری خواهند کرد که چنین امری مسبوق به سابقه هم است و مسلماً ایشان نمی‌تواند بر اساس یافته‌های مطبوعاتی و حدس و گمان و داده‌های غیر قابل اثبات در رابطه با عملکرد مدیریت‌های زیر نظرشان قضاوت کنند. چنانکه ایشان در پاسخ به سؤال در این زمینه می فرماید: «نسبت به مسؤولان اغماض نمی شود اما باید جرم و میزان آن را به طور دقیق شناخت ضمن آنکه اگر یقین کنیم فسادی در مسؤولین وجود دارد و مسائل مطرح شده شایعه نیست، قطعا برخورد می کنیم». (دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، روزنامه کیهان،۲۳/۲/۸۲) متأسفانه به رغم تأکیدات و اهتمام زیاد مقام رهبری برای مقابله با مفاسد اقتصادی، و نیز برخی اقدامات عملی قوای سه گانه و سایر نهادها و دستگاههای حکومتی، برای مقابله با این پدیده، هنوز دستاوردهای مثبت آن، آشکار نشده و کما کان اقشار محروم و مستضعف جامع از اثرات زیان بار مفاسد اقتصادی رنج می برند. مقام معظم رهبری به سؤالی در مورد اقدامات قوای سه گانه در این خصوص، می فرمایند: «من خصوص به شما عرض می

کنم: نه! واقعاً من از آنچه که اتفاق افتاده راضی باشم؟ نه؛ یعنی کمتر از آن حدی است که بنده را خشنود و راضی کند؛ اما انصافاً تلاش کردند. در همین جلسه یی که اخیراً با مسئولان قوای سه گانه داشتیم، به آنها گفتم دو سال گذشت. قوه ی قضائیه و مجریه گزارش فعالیتهایی را که کرده اند، آوردند که حکم فعالیتها خوب است؛ در این تردیدی نمی شود داشت. ستادی هم تشکیل داده اند که نسبتاً فعال است، و لیکن نه، آن مقداری که بنده را راضی کند، نیست.»، (دیدار یار، بیانات مقام معظم رهبری در پاسخ به پرسشهای دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۵۵) بنابراین اقدامات مناسبی ـ علیرغم عدم کفایت آن ـ انجام و در حال پی گیری است . اما در مورد ناکافی بودن مشهود نبودن این اقدامات و یا طولانی شدن رسیدگی به پرونده های متهمین و ... باید گفت که این موضوع به مسائلی از قبیل سیاست دولت در اجرای کامل عدالت و حقوق متهمین و حفظ آبروی و حیثیت آنان و ... باز می گردد؛ مقام معظم رهبری در این زمینه چنین بیان می دارند: «با آن کسانی که قاطع برخورد نمی کنند چگونه برخورد کنیم؛ برخورد همین است که تذکر و هشدار بدهیم و به آنها بگوییم؛ برخورد لازم در این جا این است؛ اما شفافیت لازم در این مورد برای مردم صورت نمی گیرد. یک وقت انتظار هست که مرتب اعلامیه داده شود و بگویند فلان کس را گرفتیم، پدر فلان کس را درآوردیم، فلان کس این فساد را کرده، این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شده ی ماست؛ ما گفتیم اصلاً نگویید. در آن مواردی هم که اعلام و جنجال شد، بنده با آن وضعیت موافق نبودم. این تصمیم گیری است که بر اساس یک محاسبه یی کردیم و این محاسبه هم محاسبه یی حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لا پوشی و پنهان نگه داشته شود؛ ابداً بنده نمی خواهم ملاحظه ی کسی را بکنم، منتها فکر نمی کنم که تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و رویش قضاوتی نیست، باید سرزبانها بیفتد و مطرح شود. هر کس این کار را بکند، بنده موافق نیستیم؛ چه مطبوعاتیها، چه رادیو تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمار کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض بکنم؛ یک نفر جرمی می کند. آدم خیلی بدی هم هست، بایست هم مجازات بشود؛ اما اگر اسم او را ما اعلام کردیم، این پسر یا دخترش در دانشگاه، خانه، محله؛ می دانید با این اعلان چند نفر مجازات می شوند؟ چه لزومی دارد؟ بگذارید او زندان برود و فی الجمله هم گفته شود که این کار انجام گرفته، دیگر چه لزومی دارد که ما بچه های دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی اش را هم ـ که هیچ گناهی ندارد ـ مجازات کنیم؟ مگر وقتی که اجبار باشد: یعنی زمانی که وضعیت به گونه ایی است که غیر از این امکان ندارد، آن جا، چاره یی نیست؛ اما تا مادامی که می شود، خیلی با این طور کارها موافق نیستم.»، (همان، صص ۵۶ـ ۵۷) مسلما بررسی ریشه‌ای مفاسد اقتصادی و علل عدم موفقیت کامل اقدامات دولت در این خصوص، نیازمند ارائه تحقیقات گسترده و مفصّلی است که خارج از ظرفیت یک نامه است. آنچه که به صورت مختصر می‌توان از بررسی نظرات کارشناسان مسائل اقتصادی و سیاسی، به دست آورد، این است که: مفاسد و تخلّفات اقتصادی، محصول ساختار معیوب اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روند شکل‌گیری تدریجی آن است. از بین بردن آن نیز جز با تغییر و اصلاح این ساختارها ـ آن هم با اقداماتی اساسی و در دراز مدت ـ ممکن نیست. سوم. مفاسد و تخلفات اقتصادی، رانت‌خواری، فعالیت‌های اقتصادی پنهان و معلول زمینه‌ها و شرایط متعددی است؛ از جمله: ۱. ساختار اقتصادی: اتکا به نفت، به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمدهای دولت و تأمین هزینه‌های جاری آن از طریق فروش منابع طبیعی، زمینه‌های گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی را تسهیل می‌کند. در نتیجه حاکمان را از مشارکت شهروندان، در تأمین هزینه‌های جاری بی‌نیاز می‌سازد؛ نظام مالیاتی را تضعیف می‌کند؛ رانت‌های گسترده‌ای فراهم می‌آورد؛ زمینه‌های رانت خواری را ترویج می‌کند؛ عدم پاسخ‌گویی را موجب می‌شود؛ نابرابری‌های عظیم در توزیع ثروت را پدید می‌آورد و وابستگی را تعمیق می‌بخشد. ۲. وجود بعضی از ضعفها و سوء مدیریت‌ها در ساختار سیاسی و حقوقی (از قبیل دولتی بودن امور جامعه، فقدان سیاست مشخص اقتصادی) و یا بعضی از پیامدهای منفی سیاست خصوصی‌سازی در فرایند انتقال دارایی‌ها به مالکان خصوصی ـ که به دلیل فقدان نهادهای ناظر مردمی، پاسخگو نبودن صاحب

منصبان در استفاده از قدرت وجود بعضی نارسایی‌ها در دستگاه‌های قضایی و نظارتی، رواج و غلبه روابط بر ضوابط، فقدان قوانین دقیق و تعریف شده و... ـ از عوامل مهم در شکل‌گیری این پدیده‌ی مخرب اقتصادی می‌باشند. ۳. تغییر جو ارزشی جامعه به سوی پول و ثروت و مصرفگرایی؛ بی‌اعتقادی و ضعف مبانی دینی و مذهبی افراد، بی‌اعتنایی برخی از مسؤولان و افراد نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، از دیگر عوامل این مسأله است. علاوه بر مسائل یاد شده، عواملی از قبیل حمایت‌های جناحی و عدم برخورد با هم طیفها، اعمال نفوذ برای ممانعت از نظارت یا کیفردهی، سوء مدیریت‌ها و... بر عمق و پیچیدگی موضوع افزوده است. بنابراین تا زمانی که بسترهای فراوان و مستعدی در جامعه‌ی ما وجود دارد، نمی‌توان انتظار سریع و قاطع رفع این مشکل را داشت و پیامد این بسترها را از میان برداشت. رشد نظام ارزشی مردم، اطلاع رسانی دقیق درباره‌ی پیامدهای وجود این پدیده‌ی مخرب، و آگاه کردن مردم از حقوقشان، با گسترش دستگاه‌های نظارتی و قضایی و بازگذاشتن دست این نهادها در برخورد عادلانه و بی‌طرفانه، رفع بعضی از دخالت‌های بی‌جای دولت در امر اقتصادی، ممنوعیت قانونی تجارت برای سیاست مداران و حتی اطرافیان نزدیک آنان، دخالت جدی‌تر نهادهای آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای در امر جامعه‌پذیری و تشریح ابعاد گوناگون این مسأله برای مردم، رفع بسیاری ممنوعیت‌های بی‌دلیل بازرگانی خارجی و... در کوتاه مدت در کاهش این مفسده مؤثر خواهد بود؛ لیکن تا عبور قطعی از دوران گذار و رسیدن به توسعه اقتصادی ـ سیاسی مطلوب و موافق با ارزش‌های انقلاب اسلامی، ایجاد ثبات اقتصادی و امنیت شغلی ـ که به ما امکان کنار نهادن راهبرد توسعه‌ی درون‌گرا و کوچک کردن محدوده‌ی دخالت‌های اقتصادی دولت را می‌دهد و تعیین تکلیف وضع الگوهای ما در بلند مدت، حل قطعی مسأله و رساندن آن به اندازه‌های مقبول میسّر نخواهد شد. خوب است در پایان این نکته را یادآوری کنیم که مجموعه نظراتی که در پاسخ این نامه آمد، نظرات محققین و کارشناسان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها است که در صددند در حوزه سؤالات سیاسی با توجه به اصول و مبنای نظام اسلامی و جهت گیری های مقام معظم رهبری، با دانشجو همفکری نموده و شبهات و مشکلات آنان را پاسخ گویند. اما اگر نظر شخص مقام معظم رهبری را می خواهید لازم است با دفتر ایشان به نشانی تهران، خ پاستور، دفتر مقام معظم رهبری، ص پ ۱۶۵۵/۱۳۱۸۵ مکاتبه نمایید. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. آسیب‌شناسی فساد مالی در ایران، سارا فقیری، پگاه□_□Şخرداد ۱۳۸۱، ش ۵۲، ص ۲. ۲. ریشه و سرآغاز مفاسد اقتصادی در یک جامعه‌ی اسلامی، گفتگو با صاحب نظران و اساتید دانشگاه، پگاه حوزه، اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۱۲، ص ۲۲

۱– چرا درمقطع پیش دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه به درس قرآن اهمیت زیادی نمی دهند ویااصلاً تدریس نمی شود ؟با توجه به اینکه جوانان دراین مقطع بیشتر به قرآن وداستانهای اهلبیت نیاز دارند ؟

اشاره

۲– چرا درتجملات وتشریفات مسئولین کشوری اسراف می شود؟البته ناگفته نماند که

پرسش

۱– چرا درمقطع پیش دانشگاهی و خصوصاً دانشگاه به درس قرآن اهمیت زیادی نمی دهند ویااصلاً تدریس نمی شود ؟با توجه به اینکه جوانان دراین مقطع بیشتر به قرآن وداستانهای اهلبیت نیاز دارند ؟ ۲– چرا درتجملات وتشریفات مسئولین کشوری اسراف می شود؟البته ناگفته نماند که بنده هم باتشریفات موافقم ولی تاحدی , نه اینقدر که درکشور ما هست ؟ ۳– وظیفه یک مسلمان دربرابر

ظالم چیست ؟ ۴- آیا ساعت و انگشتر طلا برای مردحرام است ؟ ۵- تا ظهور آقا امام زمان (عج) چقدر مانده است ؟

پاسخ

ج س ۱ : پس از تعطیلی موقت دانشگاهها ومطرح شدن انقلاب فرهنگی , واسلامی شدن دانشگاهها , اولیاء امور برنامهایی برای مطرح شدن مسائل دینی درقشر دانشجو تدوین نمودند . که متاسفانه هم ازنظر کمیت و مقدار متون وواحد درسی محدودیت دارد , وهم ازنظر کیفی وموضوعات انتخاب شده که بسیای از موضوعات ضروری ومهم از جمله آشنایی باقرآن و اهلبیت (ع) مورد کم توجهی قرار گرفته اند . وبسیار بجا و ضروری است که مسئولین امر در زمینه تهیه متون درسی هم دردانشگاه و هم پیش دانشگاهی وسایر مقاطع تحصیلی با تجدید نظر و ارتقاء کمی و کیفی متون معارف اسلامی روح تازه ای به پیکره آن بدهند . ج س ۲ : همانطور که جنابعالی هم فرمودید واحتمالاً ـ منظور شما همین است که برای رفت وآمدهای دیپلماتیک وروابط خارجی باسایر کشورها , به منظور رعایت شئونات حکومتی و احترام به مهمان وعمل به عرف بین المللی داشتن و استفاده از برخی امکانات ووسائل لازم است . اما مسلماً زیاده روی و تبذیر و اتلاف بیت المال به هیچ وجه قابل تائید نیست . ج س ۳ : ا) شناخت ظلم و ظالم و مظلوم به نحو صحیح عمیق ۲) کمک و یاری رساندن به مظلوم و خصومت با ظالم . امیرا لمومنین حضرت علی (ع) دراین باره چنین می فرماید : کُونا لِلظّالم خَصْماً ولِلْمظلومِ عوناً .(۳) یعنی : دشمن ظالم ویاور ستمدیده باشید . ۳) درمجموع رعایت مراتب امر به معروف و نهی ازمنکر (ازقبیل احتمال تاثیر وپرهیز از مفسده و ...) مد نظر قرار دادن رهنمودهای ولی امر دراین زمینه لازم است . ج س ۴ : زینت کردن به طلا ـ مانند آویختن زنجیر طلا ـ به سینه وانگشتر طلابه دست کردن وبستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام ونماز خواندن با آنها باطل است .ولی زینت کردن به طلا برای زن درنماز و غیر نماز اشکال ندارد.(۲) ج س ۵ : ۱) وقت ظهور آن حضرت رافقط خدا می داند .واز تعیین وقت برای ظهور امام زمان (عج) درمتون ومنابع اسلامی به شدت نهی شده است . امام باقر (ع) در پاسخ به وقت ظهور حضرت مهدی (عج) فرموده اند : کذب الوقاتون . یعنی کسانی که برای ظهور آنحضرت وقت معین می کنند دروغ می گویند .(۱) ۲) هر شیعه ای می تواند با تقویت اعتقادات وزیاد کردن اعمال صالح خود , سرباز خوب و شایسته ا ی برای آقا امام زمان(عج) باشد وبا تخلق به اخلاق حسنه والهی خودش را به آنحضرت نزدیک گرداند , هر چند شرایط ظهور امام زمان(عج) را درک نکند وموفق به دیدار ایشان نشود . ۳) مسلماً یکی از برترین اعمال صالح و بهترین علامت صداقت در اطاعت ومحبت به امام زمان (عج) , محبت واطاعت نسبت به نایب ایشان مقام معظم رهبری حضرت ایت ا... العظمی خامنه ای می باشد .

قبل از روی کار آمدن آقای خاتمی، کمیته منکرات وجود داشت چرا بعد از ایشان این کمیته فعالیتی ندارد؟

پرسش

قبل از روی کار آمدن آقای خاتمی، کمیته منکرات وجود داشت چرا بعد از ایشان این کمیته فعالیتی ندارد؟

پاسخ

در مجموع به دلیل سیاستهای باز فرهنگی وافراط در میدان دادن به عناصر غیر ارزشی توسط مراکز دولتی و ایجاد محدودیت برای نهادهای مسئول در امر مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی، به تدریج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه کمرنگ شد و متأسفانه این فریضه مهم اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، و ابتذال، بدحجابی و بی بندوباری ناشی از سیاستهای باز فرهنگی توسط مراکز فرهنگی و اجتماعی دولتی است. یک تفکر در بعضی از دولتمردان وجود دارد که امر به معروف و نهی ازمنکر را دخالت در زندگی دیگران می دانند. هر چند این تفکر درست نیست، ولی باعث ابتذال شده است. البته نباید فعالیت بعضی نهادهای ارزشی را در این امر نادیده گرفت. نیروهای امر به معروف و نهی از منکر بسیج در برنامه های منظم به این فریضه عمل کرده اند و می کنند. امیدواریم با همت مردم و پشتیبانی انسانهای مؤمنی چون شما فضای مناسب برای عمل به این فریضه مهم ایجاد شود.

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پرسش

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پاسخ(قسمت اول)

شما درقالب یک سوال خواسته اید علل گسترش تهاجم فرهنگی، علت عدم جلوگیری وعدم ورود قطعی مقام معظم رهبری را جویا شدیم پاسخ به سوال جنابعالی دامنه ای بسیار گسترده دارد ولی سعی می کنیم به هر سه جنبه آن بصورت اختصار بپردازیم. ازآنجا که شما از ذهنی خلاق، پویا وجوان برخوردار هستید، تأمل، تدبیر وتعمق درآنچه ذکر می شود مبانی اندیشه شمارا سامان خواهد بخشید. تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپذیر است.تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیرشد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود . بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان وحشتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت.باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان ا زهجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد . هر چند باید تلاش کردتا از این تلاقی وقرار گرفتن بدن درفضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد وآسیب پذیر داشته وقوای دفاعی شان به تحلیل رفته وقدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند. بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که : چرا جامعه سلطه پذیر می شود؟چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را برفرهنگ خودی ترجیح می‌دهند؟ ویا بطور کلی باید ازدست دو سوال زیر را پاسخ داد : ۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟ ۲- چرا جامعه آسیب پذیر می

شود ؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد وجامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد : ۱-احساس حقارت و کهتری : نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی ویا به علت مسایل ودشواری های خانوادگی، شکست‌ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگرداان، ویا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها ویاداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا ازدست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام امورناتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است".۱ "۲-عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسیم می شود"۲ "ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل ومشکلاتی رابرای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش وناآرامی می کند واین تنش باعث ایجاد بی قراری وعدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و"...۳. "به عنوان مثال دخترجوانی که نتواند زیبایی خویش را درمدرسه ودر بین همسالان به نمایش بگذارد بااستفاده از مکانیزم دفاعی"جابجایی "در خیابان و وخارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را درمدرسه از معلم دریافت کند با بهره‌گیری ازرفتار جبرانی"خودمداری "به پوشیدن لباسهای مبتذل وآرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیردو... ۳- عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران اورا دوست داشته و محبوب بدارند . این نیاز درکودکان و نوجوانان گستره تر وعمیق تر است و درجوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی وسن بلوغ، سن غرور وخود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته ومورد احترام وتکریم دیگران قرارگیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده ونیازی به کنترل و تسلط دیگران ـ به ویژه پدرومادر ـ ندارد .جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد وخودش برای خود تصمیم بگیردواستقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص دربین همسالان است . اگراین نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد واختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم واخلاقیات حاکم برجامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید ـ حضور فعال آنان درصحنه ها وجریانات مخالف وضع موجود ـ رد وبدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار ومجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است. ۴-فشاردوستان وهمسالان : یکی ازویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است . نوجوان وجوان نیازدارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند ودریک ارتباط عاطفی وصمیمی به همانند سازی برسد ".هراس از گمنامی وتنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خودرا درارتباط باگروه همسالان قراردهد .... درمواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها وگروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی وعدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید" " .۴ "از عوامل مهم انحرافات نوجوانان وتسلیم پذیری آنان دربرابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب وفاسداست که زمینه اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند . ترس واضطراب ازانجام اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند .ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طردآنها درصورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد . تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی

هـای گروهی، گردشـهای دسـته جمعی، مسافرتهـا و... اگر بـدون نظـارت وهمـاهنگی بزرگترهـا صورت گیرد می توانـد زمینه سـاز آلودگی هـای فرهنگی، اجتماعی واخلاقی باشـد. ۵- بی هـدفی وبی ثمری : زنـدگی بـدون هـدف پوچ و فاقـد معناست، وهرکس نیـازدارد که فعالیت های خود رامتوجه هـدف یا هـدفهای مشـخص نمایـد. هـدف هر چه بزرگتر و مقـدس تر باشـد، انگیزه حرکت بیشـتر، وقوی‌تراست. داشـتن هـدف درزنـدگی به فرد، احسـاس رضـایت و تحرک بیشتر می دهـد . انسانهـای بی هـدف، انسانهـای خودگم کرده هسـتند که ثبات شخصـیت وسـلامت روانی خود راازدست می دهند . جوانانی که درزندگی هدف مشخصـی ندارند ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسربرده ودچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند. ۶-احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری وفقر) : صـرف انرژی جوان دراوقات فراغت داشتن شغل ودرآمد برای او اهمیت دارد . معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصـیلات به شـغل آینـده خود فکر می کننـد . داشـتن کاری مناسب وشـغلی مفیـد و پردرآمد دراین دوره باعث بی نیازی وعزت نفس و اعتمـاد بـه نفس آنهـا می شـود وبرعکس بیکـاری ـ بخصـوص درسـنین جـوانی ـ منشـاء بسـیاری ا زضـعفها ومفاسـد وآلودگیها می باشـد وامنیت روانی فرد را به خطر می انـدازد براساس تحقیقات، بسـیاری ازموارد شدید بزهکاری، ناشـی ا زبیکاری واحسـاس پوچی وبیهودگی درجوانـان است" .۵ "۷-خلاء فرهنگی جـامعه : یکی از مهمترین ریشه هـای تهاجم فرهنگی، پیـدایش خلاء فرهنگی درجامعه است. هیـچ جامعه ای تا آمادگی نداشـته باشـد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پـذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی وناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند . البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت درهر زمان آرام و سامان یـافته باشـد ولی گـاهی بی‌آرامی و بی سامـانی جامعه شـدت می گیرد وسازمان اجتماعی را به خطر می انـدازد. جامعه دراین گونه موار ناگزیر است با تدابیری بی آرامی وبی سازمانی مفرط را ازبین ببرد".۶ "بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد . اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری وفرهنگی افراد جامعه بویژه نسـل جـوان وتحصـیل کرده وتشـنه حقیقت وانسـانیت را پاسـخ دهـد، خلاء حاصـله میـدان را برای مـوفقیت هجـوم فکری وتبلیغی غرب ومکاتب آن باز می کند وعطش نسل جوان با سراب بیگانه وآبهای آلوده غربیان سیراب می شود. ۸-تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از اسـتقلال وامنیت ملی وتمامیت ارضـی و پاسـداری از بقاء و رشـد و رفاه ملت رابه عهـده دارد. هرچه نهاددولت قویتر و توانمنـدتر باشد آسـیب پذیری آن دربرابر تهاجم دشـمنان کمتراست. همچنانکه درتهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم وقبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری ا زحریم هویت ملی وفرهنگ خودی راندارند . دولتهـای ضـعیف ونـاتوان مرعوب توانمنـدی واقتـدار دولتهای سـلطه گر شـده وخواسـته یا ناخواسـته سـیاست، فرهنگ وراه آنان را الگـوی خـود قرارمی دهنـد . نهـاد دولت برا ی ایفـای نقش ووظـایف خویش نیـاز به قـدرت واقتـدار داردکه این اقتـدار نه از طریق اسـتبداد وحکومت جبارانه، بلکه ازطریق وفاق، مشارکت وپشتیبانی مردم بایـد بوجود آیدتا زمینه رشد وتوسـعه و اسـتقلال کشور را فراهـم آورد. ۹-ضـعف وناهمـاهنگی نهادهـای اجتمـاعی : اگر هریـک از نهادهـای اجتمـاعی وظـایف خویش را به خوبی وبـادقت درراسـتای اهـداف نهـایی جـامعه انجـام داده وبا هماهنگی سایر نهادها در حفظ وحراست از فرهنگ خودی وهویت اسـلامی و ملی کوشا باشـند، تهاجم فرهنگی دشـمنان آسـیبی نخواهـد رسانـد. آسـیب پـذیری زمانی آغاز می شو دکه هر یک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهند ویا همسو وهم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت ننمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند. اگر درجـامعه انقلابی واسـلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتواننـد آرمانها وباورهای اسـلامی و انقلابی را درزندگی فردی وخانوادگی واجتماعی خویش پیاده نمایند درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود.رسانه هـای گروهی اگر همسو بـا رهـبری ودولت درپاسـداری از آرمانهـای مکتب اسـلام وهویت ملی حرکت نکننـد خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

پاسخ(قسمت دوم)

۱۰-گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر دربرابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب ومقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم درمقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشا رمختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه راآسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مرد م را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند واگرمردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف ومستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل وکاهل ولایق بدبختی ببینند واگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز،حیله گر وستمگر بدانند، اگر تحصیل کرده ها توده مرد م را قبول نداشته باشند واگر مردم عادی روشنفکران وتحصیل کرده های خود را ا زخودندانند واگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است وتهاجم دشمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشی سازد. همچنین اگر قبایل، نژادهاو اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر واستهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود وپیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم وازسوی نظام نسبت به مردم واز سوی مردم نسبت به هم ، برهم اثر متقابل داشته ورفته رفته به مراحل سهمگین وخطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید وخشم وانزجار ملت وسقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت . درچنین شرایطی هرنهاد وهر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را دردرون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود وهویت خودرا در فرهنگ واندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند . ۱۱-عدم عدالت اجتماعی : جامعه آسیب پذیر دربرابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که ازدرون پوسیده و سست گردیده وقدرت مقابله باتهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی درآن جوامع است . عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است. ستون انقلاب ورکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم وانقلابگر باآن سروکاردارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود" : العدل حیاه الاحکام "سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا درمیان مردم عدالت است" .۷ "تهاجم فرهنگی وآسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی وحرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد . هر چه عملکرد های اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسب پذیری کمتر می شود وجامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته دربرابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر درجامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست وجامعه قرآنی جامعه قائم به قسط وعامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود واین پدیده هردونفی کننده زمینه اعتقاد وعمل به احکام الهی اند . ۱۲- فقر و توسعه نایافتگی : صیانت از فرهنگ اسلامی وهویت ملی ودستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی دربستری از توسعه ورشد یافتگی وکسب قدرت مادی ومعنوی امکان پذیراست . حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است . استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هرگونه عمل، سیاست ویاحرکت داخلی وخارجی درابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برمبنای تشخیص منافع ومصالح خود می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسی وعلمی واستحکام وانسجام اجتماعی وظرفیت

فرهنگی یک ملت بیشتر ودرمقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتراست . بنابراین بیشتر وبهتر می تواند از فرهنگ واندیشه وباورهای خود دفاع نماید . فقر، نیازمندی می آفریند ونیازمندی، وابستگی به وجود می آورد . درفرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده وپیامبر اکرم(ص) وائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند ": کاد الفقران یکون کفرا" "۸ "قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر وسپس به فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء"...۹("شیطان شما رابه سوی فقرفرامی خواند وبه فحشاء فرمان می دهد) درشرایطی که فقر وتوسعه نایافتگی برکشور حاکم است ورود کالا وتکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ وایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی وتوسعه براساس ارزشها ومعیارهای خودی ومنبعث با منابع وامکانات خودی، ارزشمند وقابل تحقق است وتوسعه مبتنی برالگوها وارزشهای بیگانه واستوار برپایه منابع وامکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده وموجبات توسعه د رتوسعه نیافتگی را فراهم می آورد. ۱۳-مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت وجنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخوردفرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند . یکی از جالب‌ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد".۱۰ "مهاجرت وکوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت درتاریخ بشری بوده وزمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن درشرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجاروبازرگانان با انتقال کالا، تکنولوژی وخدمات درواقع فرهنگ کشورها رابه هم منتقل می کنند" . کالاها وابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت ودر طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند" " .۱۱ "۱۴-گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات ومتلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج ومرج سوق داده وآنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد ومنکرات بویژه روابط جنسی وشهواتی می باشد . جامعه آلوده به کژیها وزشتیها، جامعه ی بیماری است که دربرابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع ازخویش رانخواهدداشت .به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته وبرنامه ریزی شده درجامعه انقلابی ما درسرلوحه فعالیتهای مهاجمان فرهنگی قراردارد . درتعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی درقانونمندی الهی مطرح شده است . ودرآیات زیادی امتها واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی دربرابر معاصی، دربین آنان مطرح شده است . گسترش رشوه ـ فساد اداری ـ باند بازی ـ تقلب ـ قانون شکنی ـ دزدی ـ طلاق ـ فرارازخانه ـ خودکشی ـ ونیز رواج منکرات واعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه راازپای درمی آورند وآن راآسیب‌پذیر می کنند .برادر ارجمند و بزرگوار اکنون که برخی از علل وعوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم .حتماً دریافته‌اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها وباورها واعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی وعقاید عقلانی ومبتنی برفطرت و بصیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ راپدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد" مصونیت "ا زارزشها وفرهنگ خودی دفاع کرد.درررویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل وعوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد ومصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود : ۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصلی ترین ومهم ترین نیازهای نسل امروز است وبازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفشی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن ومستدلی بیابند : - غایت ومقصود زندگی چیست؟ - جایگاه من درحیات معقول چیست؟ - چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را درنظام هستی، توجیه وتبیین می کند؟ - آیا جوانان

درنظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزدپروردگار دارد،مطمئن نموده واورا از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند . ۲- درک هویت فرهنگی : شناخت یک فرهنگ، درحقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها وبرتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست .نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی وملی خویش، آشنا باشد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد .تاریخ تحلیلی وفرهنگ خودی ومطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر وبه ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که برمعادلات سیاسی واجتماعی جهان معاصر داشته اشت، جوانان را دربرابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند . وبا این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود . ۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن وجوهر حقیقی این فرهنگ است . جوانان، چون غالباً ظاهرگراهستند به باطن ودرون چندان معطوف نیستند . شناخت عمیق ومستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند وبه درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی وتهی شدن می کند . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد وفلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. وبه گفته نیچه"کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بودبا هر" چگونه ای"بسازد".۱۲ "گمان می کنم با این توضیحات ارایه شده پاسخ بخش سوم سوال خود را دریافت کرده باشید . مقام معظم رهبری درسال ۱۳۶۹ با همه توان ووجود وارد میدان مبارزه با تهاجم فرهنگی شدند ودرآنزمان آنراشبیخون فرهنگ نامیدند ولی انصاف قضیه این است که ایستادگی ومقاومت دربرابر تهاجم فرهنگ نیازمند عزم ملی است . (۱) خدایاری فرد، محمد :مسایل جوانان وجوانان (انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۷۲)ص ۶۸ (۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شودبه : دکترشعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴ (۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان (انتشارات ابتکار۱۳۶۲)ص ۱۲۸ (۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان(انتشارات تربیت،۱۳۷۰)ص ۳۰۶ (۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان ص ۱۱۷ (۶) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی ـ تهران) ص ۳۰۷ (۷) غررالحکم ودررالکلم ،ص ۳۰ (۸) حکیمی محمد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸ (۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸ (۱۰) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲ (۱۱) همان ص ۳۰۶ دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی،ص ۶۸

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پرسش

۱- چرا تهاجم فرهنگی روز به روز درجامعه زیاد می شود ولی کسی جلو آن رانمی گیرد با اینکه می توانند جلو فساد رابگیرند وچرا مقام معظم رهبری به طور قطعی وارد عمل نمی شوند؟

پاسخ(قسمت اول)

ازآنجا که شما از ذهنی خلاق، پویا وجوان برخوردار هستید، تأمل، تدبیر وتعمق درآنچه ذکر می شود مبانی اندیشه شمارا سامان خواهد بخشید. تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپذیر است.تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در

پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیرشد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود . بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان وحشتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت.باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان ا زهجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد . هر چند باید تلاش کردتا از این تلاقی وقرار گرفتن بدن درفضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد وآسیب پذیر داشته وقوای دفاعی شان به تحلیل رفته وقدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند. بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که : چرا جامعه سلطه پذیر می شود؟چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را ازدست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را برفرهنگ خودی ترجیح می‌دهند؟ ویا بطور کلی باید دو سوال زیر را پاسخ داد : ۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟ ۲- چرا جامعه آسیب پذیر می شود ؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد وجامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد : ۱-احساس حقارت و کهتری : نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی ویا به علت مسایل ودشواری های خانوادگی، شکست‌ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگرداان، ویا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها ویاداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا ازدست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام امورناتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است".۱ "۲-عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسیم می شود"۲ "ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل ومشکلاتی رابرای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش وناآرامی می کند واین تنش باعث ایجاد بی قراری وعدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و"...۳. "به عنوان مثال دخترجوانی که نتواند زیبایی خویش را درمدرسه ودر بین همسالان به نمایش بگذارد بااستفاده از مکانیزم دفاعی"جابجایی "در خیابان و وخارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را درمدرسه از معلم دریافت کند با بهره‌گیری ازرفتار جبرانی"خودمداری "به پوشیدن لباسهای مبتذل وآرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیردو... ۳- عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران اورا دوست داشته و محبوب بدارند . این نیاز درکودکان و نوجوانان گستره تر وعمیق تر است و درجوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی وسن بلوغ، سن غرور وخود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته ومورد احترام وتکریم دیگران قرارگیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده ونیازی به کنترل و تسلط دیگران ـ به ویژه پدرو مادر ـ ندارد .جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد وخودش برای خود تصمیم بگیردواستقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص دربین همسالان است .

اگراین نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد واختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم واخلاقیات حاکم برجامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید ـ حضور فعال آنان درصحنه ها وجریانات مخالف وضع موجود ـ رد وبدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار ومجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است. ۴-فشاردوستان وهمسالان : یکی ازویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است . نوجوان وجوان نیازدارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند ودریک ارتباط عاطفی وصمیمی به همانند سازی برسد ".هراس از گمنامی وتنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خودرا درارتباط باگروه همسالان قراردهد .... درمواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها وگروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی وعدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید" " ۴. "از عوامل مهم انحرافات نوجوانان وتسلیم پذیری آنان دربرابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب وفاسداست که زمینه اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند . ترس واضطراب ازانجام اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند .ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طردآنها درصورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد . تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت وهماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی واخلاقی باشد. ۵- بی هدفی وبی ثمری : زندگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، وهرکس نیازدارد که فعالیت های خود رامتوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی‌تراست. داشتن هدف درزندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد . انسانهای بی هدف، انسانهای خودگم کرده هستند که ثبات شخصیت وسلامت روانی خود راازدست می دهند . جوانانی که درزندگی هدف مشخصی ندارند ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسربرده ودچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند. ۶-احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری وفقر) : صرف انرژی جوان دراوقات فراغت داشتن شغل ودرآمد برای او اهمیت دارد . معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند . داشتن کاری مناسب وشغلی مفید و پردرآمد دراین دوره باعث بی نیازی وعزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود وبرعکس بیکاری ـ بخصوص درسنین جوانی ـ منشاء بسیاری ا زضعفها ومفاسد وآلودگیها می باشد وامنیت روانی فرد را به خطر می اندازد براساس تحقیقات، بسیاری ازموارد شدید بزهکاری، ناشی ا زبیکاری واحساس پوچی وبیهودگی درجوانان است" .۵ "۷-خلاء فرهنگی جامعه : یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی درجامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی وناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند . البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت درهر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی‌آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد وسازمان اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه دراین گونه موار ناگزیر است با تدابیری بی آرامی وبی سازمانی مفرط را ازبین ببرد".۶ "بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد . اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری وفرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان وتحصیل کرده وتشنه حقیقت وانسانیت را پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری وتبلیغی غرب ومکاتب آن باز می کند وعطش نسل جوان با سراب بیگانه وآبهای آلوده غربیان سیراب می شود. ۸-تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از استقلال وامنیت ملی وتمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت رابه عهده دارد. هرچه نهاددولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن دربرابر تهاجم دشمنان کمتراست. همچنانکه درتهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم وقبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری ا زحریم هویت ملی وفرهنگ خودی راندارند .

دولتهای ضعیف وناتوان مرعوب توانمندی واقتدار دولتهای سلطه گر شده وخواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ وراه آنان را الگوی خود قرارمی دهند . نهاد دولت برا ی ایفای نقش ووظایف خویش نیاز به قدرت واقتدار داردکه این اقتدار نه از طریق استبداد وحکومت جبارانه، بلکه ازطریق وفاق، مشارکت وپشتیبانی مردم باید بوجود آیدتا زمینه رشد وتوسعه و استقلال کشور را فراهم آورد. ۹-ضعف وناهماهنگی نهادهای اجتماعی : اگر هریک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی وبادقت درراستای اهداف نهایی جامعه انجام داده وبا هماهنگی سایر نهادها در حفظ وحراست از فرهنگ خودی وهویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز می شو دکه هر یک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهند ویا همسو وهم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت ننمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند. اگر درجامعه انقلابی واسلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها وباورهای اسلامی و انقلابی را درزندگی فردی وخانوادگی واجتماعی خویش پیاده نمایند درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود.رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری ودولت درپاسداری از آرمانهای مکتب اسلام وهویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

پاسخ(قسمت دوم)

۱۰-گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر دربرابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب ومقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم درمقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشا رمختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه راآسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مرد م را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند واگرمردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف ومستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل وکاهل ولایق بدبختی ببینند واگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز،حیله گر وستمگر بدانند، اگر تحصیل کرده ها توده مرد م را قبول نداشته باشند واگر مردم عادی روشنفکران وتحصیل کرده های خود را ا زخودندانند واگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است وتهاجم دشمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشی سازد. همچنین اگر قبایل، نژادهاو اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر واستهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود وپیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم وازسوی نظام نسبت به مردم واز سوی مردم نسبت به هم ، برهم اثر متقابل داشته ورفته رفته به مراحل سهمگین وخطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید وخشم وانزجار ملت وسقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت . درچنین شرایطی هرنهاد وهر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را دردرون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود وهویت خودرا در فرهنگ واندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند . ۱۱-عدم عدالت اجتماعی : جامعه آسیب پذیر دربرابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که ازدرون پوسیده و سست گردیده وقدرت مقابله باتهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی درآن جوامع است . عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است. ستون انقلاب ورکن اساسی

حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم وانقلابگر باآن سروکاردارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود" : العدل حیاه الاحکام "سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا درمیان مردم عدالت است" .۷ "تهاجم فرهنگی وآسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی وحرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد . هر چه عملکرد های اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسب پذیری کمتر می شود وجامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته دربرابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر درجامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست وجامعه قرآنی جامعه قائم به قسط وعامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود واین پدیده هردونفی کننده زمینه اعتقاد وعمل به احکام الهی اند . ۱۲- فقر و توسعه نایافتگی : صیانت از فرهنگ اسلامی وهویت ملی ودستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی دربستری از توسعه ورشد یافتگی وکسب قدرت مادی ومعنوی امکان پذیراست . حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است . استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هرگونه عمل، سیاست ویاحرکت داخلی وخارجی درابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برمبنای تشخیص منافع ومصالح خود می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسی وعلمی واستحکام وانسجام اجتماعی وظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر ودرمقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتراست . بنابراین بیشتر وبهتر می تواند از فرهنگ واندیشه وباورهای خود دفاع نماید . فقر، نیازمندی می آفریند ونیازمندی، وابستگی به وجود می آورد . درفرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده وپیامبر اکرم(ص) وائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند ": کاد الفقران یکون کفرا" "۸ "قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر وسپس به فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء"...۹("شیطان شما رابه سوی فقرفرامی خواند وبه فحشاء فرمان می دهد) درشرایطی که فقر وتوسعه نایافتگی برکشور حاکم است ورود کالا وتکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ وایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی وتوسعه براساس ارزشها ومعیارهای خودی ومنبعث با منابع وامکانات خودی، ارزشمند وقابل تحقق است وتوسعه مبتنی برالگوها وارزشهای بیگانه واستوار برپایه منابع وامکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده وموجبات توسعه د رتوسعه نیافتگی را فراهم می آورد. ۱۳-مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت وجنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخوردفرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند . یکی از جالب‌ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد".۱۰ "مهاجرت وکوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت درتاریخ بشری بوده وزمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن درشرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجاروبازرگانان با انتقال کالا، تکنولوژی وخدمات درواقع فرهنگ کشورها رابه هم منتقل می کنند" . کالاها وابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت ودر طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند" " .۱۱ "۱۴-گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات ومتلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج ومرج سوق داده وآنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد ومنکرات بویژه روابط جنسی وشهواتی می باشد . جامعه آلوده به کژیها وزشتیها، جامعه ی بیماری است که دربرابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع ازخویش رانخواهدداشت .به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته وبرنامه ریزی شده درجامعه انقلابی ما درسرلوحه فعالیتهای مهاجمان فرهنگی قراردارد . درتعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی درقانونمندی الهی مطرح شده است . ودرآیات زیادی امتها واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی دربرابر معاصی، دربین آنان مطرح شده است . گسترش رشوه ـ فساد اداری ـ باند

بـازی ـ تقلب ـ قـانون شـکنی ـ دزدی ـ طلاـق ـ فرارازخانه ـ خودکشـی ـ ونیز رواج منکرات واعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای اسـتوار جامعه راازپای درمی آورنـد وآن راآسـیب‌پذیر می کنند .برادر ارجمند و بزرگوار اکنون که برخی از علل وعوامل موفقیت روزافزون تهـاجم فرهنگ را بیان کردیم .حتماً دریافته‌ایـد که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شـد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت به تنهایی نمی تواند صـحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنـگ بـا انـدیشه ها وباورها واعتقادات مردم سـروکار دارد که این امر زورپـذیر نیست بلکه بایـد با مبانی وعقایـد عقلانی ومبتنی برفطرت و بصـیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ راپدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشـا باشـد بلکه بایـد بـا ایجـاد" مصونیت "ا زارزشـها وفرهنـگ خودی دفاع کرد.درررویارویی با فرهنگ مهاجم بایـد علل وعوامل ساعد کننـده تهاجم را از بین برد ومصونیت سازی راه کارهای اسـتوار و مطمئنی می طلبـد که به برخی از آنها اشاره می شود : ۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصـلی ترین ومهم ترین نیازهای نسل امروز است وبازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفشی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن ومستدلی بیابند : - غایت ومقصود زندگی چیست؟ - جایگـاه من درحیـات معقول چیست؟ - چه عـاملی فلسـفه وجودی جوانـان را درنظـام هستی، توجیه وتبیین می کنـد؟ - آیـا جوانان درنظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟پاسخ به این پرسشـها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزدپروردگار دارد،مطمئن نموده واورا از رنـج درون تهی بودن و آسـیب پذیری می رهاند . ۲- درک هویت فرهنگی : شـناخت یـک فرهنگ، درحقیقت معرفت به ویژگیهـا، مشـاهیر، ارزشـها وبرتریهـای آن فرهنگ نسـبت به سایر فرهنگهاست .نسل جوان، بایـد به امتیازات فرهنگ اسـلامی وملی خویش، آشـنا باشـد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد .تاریخ تحلیلی وفرهنگ خودی ومطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصـر وبه ویژه بررسـی ماهیت انقلاب اسـلامی و تأثیری که برمعادلات سیاسی واجتماعی جهان معاصر داشته اشت، جوانـان را دربرابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می‌کنـد . وبا این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پـذیر خواهـد بود . ۳- غرب شناسـی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیـده ای، ابتـدا بایـد شـناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیـا کرد . غرب شناسـی به مفهوم شـناخت مـاهیت، عملکرد، بـاطن وجوهر حقیقی این فرهنـگ است . جوانان، چون غالباً ظاهرگراهسـتند به باطن ودرون چندان معطوف نیسـتند . شناخت عمیق ومستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنـده آن، پرده برگیرنـد وبه درون آن راه یابنـد، مغرب زمین، از درون به شـدت احساس تزلزل، روزمرگی وتهی شـدن می کنـد . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیسـتن ببخشـد وفلسـفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نمایـد. وبه گفته نیچه"کسـی که ندانـد برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بودبا هر" چگونه ای"بسازد".۱۲ "گمان می کنم با این توضیحات ارایه شده پاسخ بخش سوم سوال خود را دریافت کرده باشـید . مقام معظم رهبری درسال ۱۳۶۹ با همه توان ووجود وارد میـدان مبـارزه بـا تهـاجم فرهنگی شدنـد ودرآنزمـان آنراشبیخون فرهنـگ نامیدنـد ولی انصاف قضـیه این است که ایسـتادگی ومقاومت دربرابر تهاجم فرهنگ نیازمنـد عزم ملی است . (۱) خـدایاری فرد، محمد :مسایل جوانان وجوانان (انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۷۲)ص ۶۸ (۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شودبه : دکترشـعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴ (۳) دکتر نوابی نژاد، شـکوه، رفتارهـای بهنجـار وناهنجـار درکودکان ونوجوانان (انتشارات ابتکار۱۳۶۲)ص ۱۲۸ (۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان(انتشارات تربیت،۱۳۷۰)ص ۳۰۶ (۵) دکتر نوابی نژاد، شـکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان ص ۱۱۷ (۶) بـارنفروبکر، تاریـخ انـدیشه اجتمـاعی، ترجمـه جـواد یوسـفیان (جلـد اول نشـرنی ـ تهران) ص ۳۰۷ (۷) غررالحکم ودررالکلم ،ص ۳۰ (۸) حکیمی محمـد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸ (۹) قرآن کریم سـوره بقره آیه ۲۶۸ (۱۰) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲ (۱۱) همان ص ۳۰۶ دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی،ص ۶۸

چرا با مسأله بدحجابی در جامعه برخورد جدی صورت نمی گیرد؟آیا کوتاهی مسؤلین وسکوت آنها علتی دارد؟

پرسش

چرا با مسأله بدحجابی در جامعه برخورد جدی صورت نمی گیرد؟آیا کوتاهی مسؤلین وسکوت آنها علتی دارد؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه درحدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی ونیز تبلیغات غرب دارد . از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، وتقلید کورکورانه ازآنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما ازنظر حجاب وحفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است وتا حدود زیادی مراعات وجود دارد . ولی دراثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله تحصولات فرهنگی مانند فیلمها ومجلات توعی تمایل به اینگونه رفتارها درسطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن دردهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی وکنترل رفتار فیزیکی . هر یک از دو طریق از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود ونهایتاً منجر به شکست وتاثیر وارونه خواهد شد.که البته در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت ومسؤلین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق وحساب شده فرهنگی و قانونی درآینده موفقیت های بیشتری دراین زمینه حاصل گردد. نکته دیگر این که متاسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی درزیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قراردارند و لغزیدن به سمت شهوات و بی بند وباری نیز کار آسانی است؛ چراکه حرکت درسراشیبی سقوط است، ولی بالا-رفتن از قله وکمال یابی، کاری دشوار است. از سوی دیگر درحال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند واین نیز خود مزید بر علت شده است . ولی این که وضعیت از زمان طاغوت بدتر باشد واقعیت ندارد؛ چرا که ماهم آن زمان را دیده‌ایم وهم حال را. امید است غیرت و حمیت اسلامی، درافراد متدین فراموش نشود وآنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند وقانون نیز با راه‌کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند وباری بردارد وهمگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم . برادر عزیز! زندگی درجامعه ای سالم آرمان همه بندگان خدا است؛ ولی می دانیم که پاکان و تقواپیشگان همواره در چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را د راین راه داده اند . پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار ومعنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، ازخون شهیدان پیام بگیرید وباتشکیل هسته های فرهنگی وگسترش آن درسطح جامعه به روشنگری بپردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید . در این صورت خداوند شما را یاری خواهد کرد وبه اهداف خود نایل خواهید شد".ان ینصروا...ینصرکم ویثبت اقدامکم "موفق باشید . * برگرفته از سایت پرسش وپاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه www.nahad.net

با نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه کمرنگ شده و با آنکه دراحادیث ودرکتاب آسمانی به آن خیلی تأکید شده، چرا ازآن توسط مقامات بالا حمایت نمی شودو چرا توسط مقام معظم رهبری این امر مهم حمایت خاصی نمی شود؟

پرسش

با نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه کمرنگ شده و با آنکه دراحادیث ودرکتاب آسمانی به آن خیلی تأکید شده، چرا ازآن توسط مقامات بالا حمایت نمی شودو چرا توسط مقام معظم رهبری این امر مهم حمایت خاصی نمی شود؟

پاسخ

این حق وعدالت خواهی اگر چه درهنگام بحث و گفتگو با هر انسان حق طلب و عدالت جوئی مورد قبول او می باشد ولی درهنگام عمل چنین مقبولیتی از همه دیده نمی شود زیرا انسانهای زیادی هستند که عدالت ودین حق را تا موقعی می‌خواهند که کامشان را تلخ نکند ازطرف دیگر مصالح و ارزشهای اسلام همگی به یک اندازه اهمیت و ارزش ندارند و بعضی ازآنها، بربعضی دیگر حق اولویت دارند، وبالاخره، افراد با توجه به موقعیتهای خاصی که هر کدام در اجتماع دارند، از نظر تکالیف و وظایفشان یکسان نیستند وافراد ضمن آنکه به عنوان مکلف وظایفی در برابر جلوگیری از انحرافات دارند به خاطر موقعیت اجتماعی آنها نیز وظایف سنگینی بر دوش آنهاست، فلذا دراجرا کردن امر به معروف ونهی ازمنکر شرایط خاصی مطرح می شود وهرکسی باید طبق موقعیت خاصی که دارد از ارزشهای اسلامی دفاع بنماید ودیگران را از انحرافات نهی بنماید. بنابراین آن چیزی که برای همه افراد، خصوصاً رهبران و عالمان دینی بالاترین اهمیت را دارد، حفظ اصل واساس و کیان اسلام است. ومقام معظم رهبری و بزرگان و مسؤلان هرگاه احساس کنند که خطری متوجه اصل اسلام و احکام نورانی اسلام می باشد، نه تنها سکوت نمی کنند بلکه اعلام خطر خواهند کرد. باید توجه داشت که وظیفه مقام معظم رهبری این نیست که برای تک تک انحرافات، سخنرانی کرده ومردم را ازآن نهی نماید ویا به تک تک کارهای خیر امر نماید، بلکه ایشان عهده دار پایه گذاری سیاستهای کلان حکومت هستند وبعد از توضیح و تشریح آن سیاستها مسؤلان را موظف می کند که آنها را انجام دهند وخود نیز بر آنها نظارت می نماید وهمه مسؤلان ملزم به اطاعت واجرای اوامر او هستند. با این وجود یک مشکل همیشگی رهبران دینی چگونگی برخورد با کسانی است که از نظر فکر دینی کاستیهائی دارند وعمل آنها مطابق اسلام نیست، اما به خاطر اینکه مهمترین مسأله برای رهبران دینی و مسؤلان آن حفظ اصل نظام است گاهی مواقع باید درمقابل بعضی انحرافات فقط به تذکر اکتفا نمایند و گاهی مواقع هم حفظ اساس نظام اقتضا می کند که سکوت کنند و موضع گیری صریح وتندی، نگیرند تا باعث تضعیف نظام نشود. البته باید توجه داشت که این نوع سکوت وحمایت نکردن هرگز به معنای تساهل و تسامح نیست بلکه از خون دل خوردن و حفظ نظام و اسلام حکایت می کند، می توان شکل حاد موفقیت رهبران دینی درمقابل انحرافات و کجرویهای مردم خصوصاً مسؤلان را در این سخن امیرمؤمنان علی"ع "دید که فرمودند" : فصبرت وفی العین قذی وفی الحلق شجاً""۱(..."لذا شکیبایی ورزیدم ولی به کسی می ماندم که خاشاک چشمش را پر کرده واستخوان راه گلویش را گرفته) در آخر به این مطلب اشاره می نمائیم که عوامل دیگری علاوه بر اطلاع رهبری از برخی نواقص و معایب و منکرات در بدنه اجرائی کشور اهتمام ایشان بر اصلاح آن وجود دارد که با نبود آنها، اصلاحات اسلامی وامربه معروف و نهی ازمنکر تأثیر عمده ای نخواهد داشت وباعث کمرنگ شدن این حکم الهی خواهد شد : ۱. حاکم شدن ارزشهای الهی خصوصاً در سایر مراتب ورده بندی های بدنهٔ اجرائی نظام ازمسؤلین گرفته تا ردههای پائین (نظارت درونی) ۲. حل مشکلات اقتصادی و معیشتی کارکنان و... ۳. نظارت دقیق وقاطع نسبت به عملکردهای کارکنان و مأموران و....(نظارت بیرونی) و برخورد با متخلفین. ۴. همکاری مردم با مسؤلین وبه وجود آمدن یک نوع عزم ملی درمبارزه با مفاسد اداری از قبیل رشوه خواری ، پارتی بازی و....با ارشاد وامربه معروف ونهی ازمنکر وبرخورد با افراد متخلف ۵. وحدت وهمدلی میان جناحهای سیاسی ومسؤلان قوای

سه گـانه و سایر دسـتگاههای دولتی وبسـیج کلیه امکانات برای برخورد با این گونه مسائل وحل ریشه های آن. نکته قابل توجه این که در زمـان امـام خمینی"ره "نیز بـا توجه به فضـای معنوی جـامعه ناشـی از حضور مردم درانقلاب وپیروزی انقلاب اسـلامی، دفاع مقـدس و... تخلفات متعـددی صورت می گرفت ولی به لحاظ وجود جنگ تحمیلی و توجه تام به آن، در جامعه این تخلفات خیلی منعکس نمی شـد، به علاـوه شـرایط محیطی نیز بسـیار متفـاوت بود؛ زیرا : اولاًـ هنوز ارزشـهای اسـلام هم برمردم وهم بر مسوولین حاکم بود. ثانیاً، اثرات بی رویه رشـد جمعیت مانند نیاز به بازار کار، تحصـیل، مسـکن، ازدواج و ... خودش رانشان نداده بود. ثالثاً، بسیاری از مشـکلات و عوارض ناشـی از جنگ مانند بازسازی و... خودش را بعد از سال های جنگ نشان و هزینه های بالایی را به خود اختصـاص داد. رابعاً، درشـرایط عادی که فضای ناشـی از انقلاب وجنگ فروکش کرده و مردم به فکر مسایل دنیوی و... افتاده وارزش هـا براثر تهـاجم فرهنگی و ... تغییر کرده انـد وبسـیاری ا زاختلافـات سیاسـی بـروز نموده انـد و... جـامعـه را اداره ورهبـری نمودن کـاری بـس مشـکـل اسـت که بحـمـد ا... بـا رهبـری قـاطع ودرایـت مقـام معظم رهـبری این امر به بهترین صورت علیرغم تمـامی مشـکلات درحـال اجرا می باشـد. برای آگـاهی بیشتر ر .ک : توسـعه و تضـاد، فرامرز رفیع پور آنـاتومی جامعه، علی ذوعلم انقلاـب وارزش هـا.) نهـج البلاـغه خطبه سوم‹ شقشـقیه› ص۶۵ * بـا اسـتفاده از کتاب پرسشـها وپاسـخ ها،ج۳،ص۸۶به بعـد آیت ا...مصباح یزدی * برگرفته از سایت مقام معظم رهبری دردانشگاه www.nahad.net

چرا کنترل کامل بر روی مواردی که باعث انحراف جوانان می شود وجود ندارد؟مثلاً در آدرس زیر فروشنده های دوره‌گر به راحتی در میان جمع کثیری ازمردم راه می روند و CD وعکس ها و پاسورهای غیرمجاز و خلاف شـرع به جوانان می فروشند و درحالی که هیچ کس جلوی آنها را نمی گیر

پرسش

چرا کنـترل کامـل بر روی مواردی که بـاعث انحراف جوانـان می شود وجود نـدارد؟مثلاًـ در آدرس زیر فروشـنده هـای دوره‌گر به راحـتی در میـان جمع کثیری ازمردم راه می رونـد و CD وعکس هـا و پاسورهای غیرمجاز و خلاف شـرع به جوانان می فروشـند و درحالی که هیچ کس جلوی آنها را نمی گیرد.(مشهد،پنجراه،میدان عدالت،خیابان روبروی حرم مطهر امام رضا"ع)"

پاسخ

همانگونه که در سؤال شماهم آمده است کنترل کامل صورت نمی گیرد یعنی کنترل هست اما به صورت صددرصد نیست. این امر دغـدغه ای است که همـهٔ مسؤولان و دلسوزان انقلاب دارنـد اما برخورد با این موارد تنها راه علاج واقعه نیست بکله باید زمینه‌های آن را نیز مورد توجه قرار داد زمینه هایی ماننـد مشـکلات اقتصادی ومسائل ناشـی ازآن نظیر فقر وبیکاری واز طرفی تهاجم فرهنگی دشمن برای از بین بردن فرهنگ مقاومت در بین جوانان از طریق اشاعه فساد وفحشا با سرمایه گذاری و ترویج وسائل وابزارهای آن نظیر CD و عکس و...واز طرفی امربـه معروف ونهی ازمنکر و جلـوگیری از فسـاد در نظـام اسـلامی و فرهنـگ اسـلام تنهـا وظیفه حکومت نیست بلکه وظیفه آحاد مردم است که هر کس در حد توان خود با مصادیق منکر مبارزه و آمر به معروف باشد به هر حال گزارش این امـور به مراکز مربـوطه قطعـاً مـورد توجه قرار می گیرد به ویژه اگرهمه مردم برای مقـابله بـا این امور احسـاس مسؤولیت کرده و از مسؤولین مقابله با این ناهنجاریها مکرراً درخواست مقابله را داشـته باشـند قطعاً آثار بسـیار خوبی را بدنبال خواهد داشـت باید باور داشـته باشـیم که فقط انتقاد مشـکل راحل نمی کند بایستی برای حل هر مشکل راه کار آن را پیدا کرد وخود رانیز در رفع

آن مشکل مسئول دانست.

چرا مسئولین مانع از روابط بعضاً نامشروع واختلاطهای آزادانه دختران و پسران در جامعه نمی شوند؟

پرسش

چرا مسئولین مانع از روابط بعضاً نامشروع واختلاطهای آزادانه دختران و پسران در جامعه نمی شوند؟

پاسخ

مسائل فرهنگی واجتماعی چیزی نیست که با تهدید وارعاب وبرخوردهای خشن بتوان آنرا ریشه کن ساخت بلکه برای توسعه فرهنگی واصلاح ساختار اجتماعی وکاهش نابهنجاریهای اجتماعی بایستی نگرش‌ها وباورها اصلاح ودگرگون شودوگرنه برخورد فیزیکی وارعاب نه تنها کارساز نیست بلکه در بسیاری از موارد نتیجه عکس می دهد. در میان روشهای تربیتی واصلاحی آخرین روش تنبیه ومجازات است وحال آنکه متأسفانه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله به کار برده ایم. اصلاح جامعه وروابط حاکم برآن از جمله روابط دختران و پسران نیازمند بستر سازی مناسب وکارهای تأثیر گذار فرهنگی است لابد می دانید تا زمانی که امری برای کسی قبح وزشتی پیدا نکند از آن اجتناب نخواهد ورزید واگر کسی یا کسانی مانع از انجام آن امر بشوند وقوع آن امر صورت مخفی وغیرعلنی پیدا خواهد کرد و درخفا گسترش خواهد یافت وبه مرور درصحنه اجتماع بروز ونمود خواهد یافت وچون از گستردگی برخوردار گردد عملاً ممانعت و مخالفت عملی با آن میسر نخواهد بود. نکته دیگری که حائز اهمیت است اینکه متأسفانه همه ما عادت کرده ایم، همه چیز را از مسئولان بخواهیم. سالهاست که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای بر فریضه بسیار مهم امر به معروف و نهی ازمنکر بصورت لسانی تأکید ورزیدند ولی متولیان بجای امر ونهی لسانی به امر ونهی عملی وبرخورد فیزیکی پرداختند وبجای اصلاح امور، به تشدید آن کمک کردند. ما نیز همانند شما از مسئولان انتظار داریم راهکارهای عملی وتأثیر گذاری دراین امر حیاتی ارائه ودنبال کنند. همهٔ ما باید از مسئولان در درجه اول واز یکدیگر در مرحله بعدی بخواهیم برای اصلاح این امر تلاش کنیم . وآخرین نکته ای که یادآور می شویم این است که برادر عزیز درشرایطی که دشمنان با همه وجود و توان بطور همه جانبه علیه نظام مقدس اسلامی، اقدام به تجاوز نموده اند گسترش بخشی از ناهنجاریهای اجتماعی و مفاسد وروابط غیر مشروع از این تجاوزات ریشه می گیرد. لذا با توجه به آنچه ذکر شد همه ما باید کمر همت را بربندیم وهرآنچه در توان داریم برای اصلاح امور بکار گیریم واگر هر کدام از ما که احساس دلسوزی نسبت به نظام می کنیم تنها یک نفر ازکسانی که احساس می کنیم در مسیر باطل وگناه قرار گرفته اصلاح کنیم کاربزرگی صورت خواهد گرفت ونیز با انتقاد سازنده وارائه راه حل به مسئولان نیز می توانیم به اصلاح امور کمک نماییم ".کلهم راع وکلهم مسوول عن رعیته "مسئولان عالیرتبه فرهنگی متولیان امور جامعه نیز با درایت وتدبیر وبا بهره مندی از اصول علمی وروانشناسی باید با جدیت در این راه تلاش کنند. و ما نیز بصورت دسته جمعی و همگانی از مسئولان امر باید تحقق این مهم را مطالبه نماییم.توصیه می کنیم کتاب حماسه حسینی شهید مطهری بخش عنصر امر به معروف ونهی ازمنکر در نهضت حسینی را مطالعه بفرمایید.

چرا دولت نمی تواند جلوی بد حجابی را بگیرد؟

پرسش

چرا دولت نمی تواند جلوی بد حجابی را بگیرد؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه درحدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی ونیز تبلیغات غرب دارد . البته وضعیت عمومی جامعه ما ازنظر حجاب وحفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است وتا حدود زیادی مراعات وجود دارد . ولی دراثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلمها ومجلات نوعی تمایل به اینگونه رفتارها درسطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن دردهه های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی وکنترل رفتار فیزیکی . هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود ونهایتاً منجر به شکست وتاثیر وارونه خواهد شد.که البته در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت ومسؤلین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. و برخورد فیزیکی و ارعاب در اینگونه موارد نه تنها کارساز نیست بلکه در بسیاری موارد نتیجه عکس می دهد و از لحاظ روانشناسی نیز روش تنبیه و مجازات آخرین حربه تربیتی می باشد حال آنکه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله بکار بردیم و با آنکه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت ا...خامنه ای بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت لسانی تأکید ورزیدند اما متولیان امر به جای امر ونهی زبانی به امر ونهی عملی و برخورد فیزیکی پرداختند و به جای اصلاح امور به تشدید آن کمک کردند. بنابراین بهترین راه برای کاهش ناهنجاریهای اجتماعی و از آن جمله مسأله بدحجابی کار بنیادی فرهنگی و اصلاح و دگرگونی نگرشها و باورهاست. اصلاح ساختار اجتماعی و کاهش ناهنجاری بدحجابی نیازمند بستر سازی مناسب و کارهای تأثیر گذار فرهنگی است . لابد می دانید تا زمانیکه زشتی امری برای فردی آشکار نشود از آن اجتناب نخواهدکرد و اگر شخص یا اشخاصی مانع از انجام آن امر شوند وقوع آن امر صورت مخفی و غیر علنی پیدا کرده و در خفا گسترش می یابد و به مررو در صحنه اجتماع بروز و نمو خواهد یافت و چون از گستردگی برخوردار گردد ممانعت و مخالفت عملی با آن به آسانی میسر نخواهد بود. امید است غیرت و حمیت اسلامی، درافراد متدین فراموش نشود وآنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند وقانون نیز با راه‌کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند وباری بردارد وهمگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم . برادر عزیز! زندگی درجامعه ای سالم آرمان همه بندگان خدا است؛ ولی می دانیم که پاکان و تقواپیشگان همواره در چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را د راین راه داده اند . پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار ومعنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، ازخون شهیدان پیام بگیرید وباتشکیل هسته های فرهنگی وگسترش آن درسطح جامعه به روشنگری بپردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید . در این صورت خداوند شما را یاری خواهد کرد وبه اهداف خود نایل خواهید شد".ان تنصروا...ینصرکم ویثبت اقدامکم "برگرفته از سایت پرسش وپاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه www.nahad.net

چرا جامعه امروزی در قبال این همه بی بند و باری و فساد کاری انجام نمی دهد در حالیکه مأموران انتظامی در گوشه وکنار سطح مشهد پراکنده هستند؟

پرسش

چرا جامعه امروزی در قبال این همه بی بند و باری و فساد کاری انجام نمی دهد در حالیکه مأموران انتظامی در گوشه وکنار سطح مشهد پراکنده هستند؟

پاسخ(قسمت اول)

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپذیر است.تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیرشد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود . بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان وحشتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت.باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان ا زهجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد . هر چند باید تلاش کردتا از این تلاقی وقرار گرفتن بدن درفضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد وآسیب پذیر داشته وقوای دفاعی شان به تحلیل رفته وقدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند. بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که : چرا جامعه سلطه پذیر می شود؟چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را ازدست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را برفرهنگ خودی ترجیح می‌دهند؟ ویا بطور کلی باید دو سوال زیر را پاسخ داد : ۱- چرا فرد آسیب پذیر می شود؟ ۲- چرا جامعه آسیب پذیر می شود ؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد وجامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد : ۱-احساس حقارت و کهتری : نوجوانانوجوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی ویا به علت مسایل ودشواری های خانوادگی، شکست‌ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگرداان، ویا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها ویاداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا ازدست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام امورناتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است".۱ "۲-عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسیم می شود"۲ "ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل ومشکلاتی رابرای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش وناآرامی می کند واین تنش باعث ایجاد بی قراری وعدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی،

خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و"...۳. "به عنوان مثال دخترجوانی که نتواند زیبایی خویش را درمدرسه ودر بین همسالان به نمایش بگذارد بااستفاده از مکانیزم دفاعی"جابجایی "در خیابان و وخارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را درمدرسه از معلم دریافت کند با بهره گیری ازرفتار جبرانی"خودمداری "به پوشیدن لباسهای مبتذل وآرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیردو... ۳- عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران اورا دوست داشته و محبوب بدارند . این نیاز درکودکان و نوجوانان گستره تر وعمیق تر است و درجوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی وسن بلوغ، سن غرور وخود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته ومورد احترام وتکریم دیگران قرارگیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده ونیازی به کنترل و تسلط دیگران ـ به ویژه پدر و مادر ـ ندارد .جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد وخودش برای خود تصمیم بگیردواستقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص دربین همسالان است . اگراین نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد واختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم واخلاقیات حاکم برجامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید ـ حضور فعال آنان درصحنه ها وجریانات مخالف وضع موجود ـ رد وبدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار ومجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است. ۴-فشاردوستان وهمسالان : یکی ازویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است . نوجوان وجوان نیازدارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند ودریک ارتباط عاطفی وصمیمی به همانند سازی برسد ".هراس از گمنامی وتنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خودرا درارتباط باگروه همسالان قراردهد .... درمواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها وگروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی وعدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید" " ۴. "از عوامل مهم انحرافات نوجوانان وتسلیم پذیری آنان دربرابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب وفاسداست که زمینه اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند . ترس واضطراب ازانجام اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند .ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طردآنها درصورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد . تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت وهماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی واخلاقی باشد. ۵- بی هدفی وبی ثمری : زندگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، وهرکس نیازدارد که فعالیت های خود رامتوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی‌تراست. داشتن هدف درزندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد . انسانهای بی هدف، انسانهای خودگم کرده هستند که ثبات شخصیت وسلامت روانی خود راازدست می دهند . جوانانی که درزندگی هدف مشخصی ندارند ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسربرده ودچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند. ۶-احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری وفقر) : صرف انرژی جوان دراوقات فراغت داشتن شغل ودرآمد برای او اهمیت دارد . معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند . داشتن کاری مناسب وشغلی مفید و پردرآمد دراین دوره باعث بی نیازی وعزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود وبرعکس بیکاری ـ بخصوص درسنین جوانی ـ منشاء بسیاری ا زضعفها ومفاسد وآلودگیها می باشد وامنیت روانی فرد را به خطر می اندازد براساس تحقیقات، بسیاری ازموارد شدید بزهکاری، ناشی ا زبیکاری واحساس پوچی وبیهودگی درجوانان است" .۵ "۷-خلاء فرهنگی جامعه : یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی درجامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی وناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند . البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت درهر زمان آرام و سامان

یـافته باشـد ولی گـاهی بی‌آرامی و بی سامـانی جامعه شـدت می گیرد وسازمان اجتماعی را به خطر می انـدازد. جامعه دراین گونه موار ناگزیر است با تدابیری بی آرامی وبی سازمانی مفرط را ازبین ببرد".۶ "بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد . اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری وفرهنگی افراد جامعه بویژه نسـل جـوان وتحصـیل کرده وتشـنه حقیقت وانسـانیت را پاسـخ دهـد، خلاء حاصـله میـدان را برای مـوفقیت هجـوم فکری وتبلیغی غرب ومکاتب آن باز می کند وعطش نسل جوان با سراب بیگانه وآبهای آلوده غربیان سیراب می شود. ۸-تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از اسـتقلال وامنیت ملی وتمامیت ارضـی و پاسـداری از بقاء و رشـد و رفاه ملت رابه عهـده دارد. هرچه نهاددولت قویتر و توانمنـدتر باشد آسـیب پذیری آن دربرابر تهاجم دشـمنان کمتراست. همچنانکه درتهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم وقبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری ا زحریم هویت ملی وفرهنگ خودی راندارند . دولتهـای ضـعیف ونـاتوان مرعوب توانمنـدی واقتـدار دولتهای سـلطه گر شـده وخواسـته یا ناخواسـته سـیاست، فرهنگ وراه آنان را الگـوی خـود قرارمی دهنـد . نهـاد دولت برا ی ایفـای نقش ووظـایف خویش نیـاز به قـدرت واقتـدار داردکه این اقتـدار نه از طریق اسـتبداد وحکومت جبارانه، بلکه ازطریق وفاق، مشارکت وپشتیبانی مردم بایـد بوجود آیدتا زمینه رشد وتوسـعه و اسـتقلال کشور را فراهـم آورد. ۹-ضـعف وناهمـاهنگی نهادهـای اجتمـاعی : اگر هریـک از نهادهـای اجتمـاعی وظـایف خویش را به خوبی وبـادقت درراسـتای اهـداف نهـایی جـامعه انجـام داده وبا هماهنگی سایر نهادها در حفظ وحراست از فرهنگ خودی وهویت اسـلامی و ملی کوشا باشـند، تهاجم فرهنگی دشـمنان آسـیبی نخواهـد رسانـد. آسـیب پـذیری زمانی آغاز می شو دکه هر یک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهند ویا همسو وهم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت ننمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند. اگر درجـامعه انقلابی واسـلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتواننـد آرمانها وباورهای اسـلامی و انقلابی را درزندگی فردی وخانوادگی واجتماعی خویش پیاده نمایند درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود.رسانه هـای گروهی اگر همسو بـا رهـبری ودولت درپاسـداری از آرمانهـای مکتب اسـلام وهویت ملی حرکت نکننـد خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد .

پاسخ(قسمت دوم)

۱۰-گسستگی عواطف و پیونـدهای اجتمـاعی : جامعه یکپارچه و آسـیب ناپـذیر دربرابر تهاجمات دشـمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسـست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب ومقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم درمقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسـلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشا رمختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شـنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه راآسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مرد م را نابـالغ، ناآگـاه، متخلف، نیازمنـد سـرپرستی و... انگارنـد واگرمردم حکومت کننـدگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارنـد، اگر توانمنـدان مردم ضـعیف ومسـتمند را بی خرد، بی تـدبیر، تنبل وکاهل ولایق بدبختی ببینند واگر فقراء ثروتمنـدان را مال اندوز، متجاوز،حیله گر وسـتمگر بدانند، اگرتحصـیل کرده ها توده مرد م را قبول نداشـته باشـند واگر مردم عادی روشـنفکران وتحصـیل کرده های خود را ا زخودندانند واگر... درچنین شـرایطی که عواطف و پیونـدهای اجتماعی به حـداقل خود رسـیده است، جامعه به شدت آسـیب پذیر است وتهاجم دشـمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشـی سازد. همچنین

اگر قبایل، نژادهاو اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر واستهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود وپیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم وازسوی نظام نسبت به مردم واز سوی مردم نسبت به هم ، برهم اثر متقابل داشته ورفته رفته به مراحل سهمگین وخطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید وخشم وانزجار ملت وسقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت . درچنین شرایطی هرنهاد وهر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را دردرون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود وهویت خودرا در فرهنگ واندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند . ۱۱-عدم عدالت اجتماعی : جامعه آسیب پذیر دربرابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که ازدرون پوسیده و سست گردیده وقدرت مقابله باتهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی درآن جوامع است . عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است. ستون انقلاب ورکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم وانقلابگر باآن سروکاردارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود" : العدل حیاه الاحکام "سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا درمیان مردم عدالت است" .۷ "تهاجم فرهنگی وآسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی وحرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد . هر چه عملکرد های اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسب پذیری کمتر می شود وجامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته دربرابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر درجامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست وجامعه قرآنی جامعه قائم به قسط وعامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود واین پدیده هردونفی کننده زمینه اعتقاد وعمل به احکام الهی اند . ۱۲- فقر و توسعه نایافتگی : صیانت از فرهنگ اسلامی وهویت ملی ودستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی دربستری از توسعه ورشد یافتگی وکسب قدرت مادی ومعنوی امکان پذیراست . حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه است . استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هرگونه عمل، سیاست وياحرکت داخلی وخارجی درابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برمبنای تشخیص منافع ومصالح خود می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسی وعلمی واستحکام وانسجام اجتماعی وظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر ودرمقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتراست . بنابراین بیشتر وبهتر می تواند از فرهنگ واندیشه وباورهای خود دفاع نماید . فقر، نیازمندی می آفریند ونیازمندی، وابستگی به وجود می آورد . درفرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده وپیامبر اکرم(ص) وائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند ": کاد الفقران یکون کفرا" "۸ "قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر وسپس به فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء"...۹("شیطان شما رابه سوی فقرفرامی خواند وبه فحشاء فرمان می دهد) درشرایطی که فقر وتوسعه نایافتگی برکشور حاکم است ورود کالا وتکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ وایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی وتوسعه براساس ارزشها ومعیارهای خودی ومنبعث با منابع وامکانات خودی، ارزشمند وقابل تحقق است وتوسعه مبتنی برالگوها وارزشهای بیگانه واستوار برپایه منابع وامکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده وموجبات توسعه د رتوسعه نیافتگی را فراهم می آورد. ۱۳-مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت وجنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخوردفرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند . یکی از جالب‌ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد".۱۰ "مهاجرت وکوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت درتاریخ بشری بوده وزمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن درشرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجاروبازرگانان با انتقال کالا،

تکنولوژی وخدمات درواقع فرهنگ کشورها رابه هم منتقل می کنند" . کالاها وابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت ودر طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند" " .۱۱ "۱۴-گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات ومتلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج ومرج سوق داده وآنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد ومنکرات بویژه روابط جنسی وشهواتی می باشد . جامعه آلوده به کژیها وزشتیها، جامعه ی بیماری است که دربرابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع ازخویش رانخواهدداشت .به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته وبرنامه ریزی شده درجامعه انقلابی ما درسرلوحه فعالیتهای مهاجمان فرهنگی قراردارد . درتعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی درقانونمندی الهی مطرح شده است . ودرآیات زیادی امتها واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی دربرابر معاصی، دربین آنان مطرح شده است . گسترش رشوه ـ فساد اداری ـ باند بازی ـ تقلب ـ قانون شکنی ـ دزدی ـ طلاق ـ فرارازخانه ـ خودکشی ـ ونیز رواج منکرات واعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه راازپای درمی آورند وآن راآسیب‌پذیر می کنند . برادر ارجمند و بزرگوار، اکنون که برخی از علل وعوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم .حتماً دریافته‌اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت و نیروی انتظامی به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها وباورها واعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی وعقاید عقلانی ومبتنی برفطرت و بصیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ راپدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد" مصونیت "ا زارزشها وفرهنگ خودی دفاع کرد.درررویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل وعوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد ومصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود : ۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصلی ترین ومهم ترین نیازهای نسل امروز است وبازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفشی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن ومستدلی بیابند : - غایت ومقصود زندگی چیست؟ - جایگاه من درحیات معقول چیست؟ - چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را درنظام هستی، توجیه وتبیین می کند؟ - آیا جوانان درنظام هستی، ا...کرامت و منزلتی برخوردارند؟پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزدپروردگار دارد،مطمئن نموده واورا از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند . ۲- درک هویت فرهنگی : شناخت یک فرهنگ، درحقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها وبرتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست .نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی وملی خویش، آشنا باشد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد .تاریخ تحلیلی وفرهنگ خودی ومطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر وبه ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که برمعادلات سیاسی واجتماعی جهان معاصر دا...جوانان را دربرابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می‌کند . وبا این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود . ۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن وجوهر حقیقی این فرهنگ است . جوانان، چون غالباً ظاهرگراهستند به باطن ودرون چندان معطوف نیستند . شناخت عمیق ومستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند وبه درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی وتهی شدن می کند . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد وفلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. وبه گفته نیچه"کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بودبا هر" چگونه ای"بسازد".۱۲ ("۱) خدایاری فرد، محمد :مسایل جوانان وجوانان (انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۷۲)ص ۶۸ (۲) برای اطلاع

بیشتر رجوع شودبه : دکترشعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴ (۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان (انتشارات ابتکار۱۳۶۲)ص ۱۲۸ (۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان(انتشارات تربیت، ۱۳۷۰) ص ۳۰۶ (۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان ص ۱۱۷ (۶) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی ـ تهران) ص ۳۰۷ (۷) غررالحکم ودررالکلم ،ص ۳۰ (۸) حکیمی محمد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸ (۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸ (۱۰) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲ (۱۱) همان ص ۳۰۶ دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی،ص ۶۸

چنانچه موزیک در اسلام حرام می باشد به چه علت در کشوری اسلامی روزبروز در حال توسعه است؟ چه مرجعی باید پاسخگو و بازدارنده باشد؟

پرسش

چنانچه موزیک در اسلام حرام می باشد به چه علت در کشوری اسلامی روزبروز در حال توسعه است؟ چه مرجعی باید پاسخگو و بازدارنده باشد؟

پاسخ

در ارتباط با موسیقی، مطابق با استفتائاتی که از حضرت امام خمینی(و مقام معظم رهبری گردیده است، بطور کلی موسیقی به دو قسم تقسیم می شود : ۱.موسیقی هایی که مطرب و مناسب مجالس لهو و لعب است، که نواختن و گوش دادن به آنهاحرام می باشد. ۲.موسیقی هایی که ویژگی های قسم اول را ندارد. نواختن و گوش دادن به آنها اشکال ندارد. بنابراین نمی توان گفت که موسیقی بطور کلی حرام است. بلکه مطابق با همان توضیحی که در بالا آمد، به دو دسته تقسیم می‌شود. و اما علت توسعه آن در کشورهای اسلامی، اینست که استفاده از این وسیله و ابزار برای مصارف مختلف هنری، نمایشی، جنگی، سرگرمی، تفریحی و غیر آن، طرفداران و علاقه مندان زیادی در بین مردم دارد. و به عبارت دیگر طبق قانون عرضه و تقاضا، هر چه موسیقی خواهان بیشتری در جامعه بشری پیدا می کند، زمینه گسترش و ترویج آن هم بیشتر فراهم می گردد. البته با توجه به نقش مخرّب و ویرانگر موسیقی های مطرب و حرام، لازم است که مسؤولین کشورهای اسلامی، بین استفاده صحیح و مخرّب از این وسیله فرق قایل شوند؛ و از ترویج موسیقی های مبتذل جلوگیری بعمل آورند. و مرجع پاسخگو در حقیقت دستگاههای دولتی و غیردولتی هستند، که صادرکنندهٔ مجوّز برای این موارد می باشند. و باید در این امر سختگیری و دقت بیشتری به خرج داده شود. البته برخوردهای مناسب همهٔ مؤمنین در جهت امر به معروف و نهی از منکر، و همچنین برخوردهای قانونی نیروهای انتظامی و قضائی در این راستا نیز، مسلماً مؤثر می باشد.

چرا حکومت به جمع آوری عکس های مبتذل و غیرمجاز و سی دی ها و ...اقدام نمی‌کند؟

پرسش

چرا حکومت به جمع آوری عکس های مبتذل و غیرمجاز و سی دی ها و ...اقدام نمی کند؟

پاسخ

۱. در حال حاضر، پخش عکس و فیلم و سی دی های مبتذل آنقدر گسترش یافته، که باید به دنبال شناسایی و جمع آوری مراکز تهیه و تکثیر آنها همّت کنند. و دیگر کنترل مغازه های فروش سی دی، کار مشکلی شده است. ۲. راه اساسی مبارزه با گسترش فرهنگ ابتذال در جامعه، کار فرهنگی صحیح و اسلامی، با استفاده از روشهای جدید و امکانات پیشرفته است. یعنی با تهیه و توزیع سی دی و فیلم و نوار خوب و مشروع و سازنده، باید به جنگ و مبارزه با آنها رفت. و فقط جمع آوری و برخورد قضائی کفایت نمی کند. و متأسفانه در این زمینه خوب سرمایه گذاری نمی شود. ۳. با همهٔ مطالب فوق، باز هم وجود افراد دلسوز و حزب اللهی و با مسؤولیّت، در بین نیروهای انتظامی و قضائی، مایهٔ امیدواری است. و اگر مورد خاصّی سراغ دارید، می توانید به ۱۱۰ و مراکز ذیربط، اطّلاع دهید.

با توجه به وضعیت بد و دلخراش حجاب زنان در جامعه علت آن را بیان کرده و در ضمن، رسیدگی این وضع به عهدهٔ کدام نهاد و سازمان می باشد؟

پرسش

با توجه به وضعیت بد و دلخراش حجاب زنان در جامعه علت آن را بیان کرده و در ضمن، رسیدگی این وضع به عهدهٔ کدام نهاد و سازمان می باشد؟

پاسخ

احساس مسؤولیت جنابعالی در برابر وضعیت نامساعد حجاب و پوشش زنان و دختران در جامعه، قابل تحسین و تقدیر است. و اگر آحاد جوانان (دختران و پسران) به این مهم توجه کنند، و دربارهٔ آن اندیشه کنند، بدون شک وضعیت بهبود می یابد. ما نیز همانند شما از وضعیت موجود نگران و ناراضی هستیم، و با شما همنوا و همصدا می شویم، و شما و دیگر جوانان فهیم کشور را به تأمل و تفکر، و مطالعه و تحقیق در این خصوص فرا می خوانیم. قبل از آنکه دربارهٔ علت و علل این امر سخن بگوییم، لازم می دانیم توضیحاتی در خصوص حجاب و پوشش عرض کنیم. دوست عزیز، پوشش و لباس و زینت های هر جامعه، اساسی ترین و مشخص ترین شکل یک جامعه است، که بلافاصله به چشم می‌آید؛ و به عنوان سمبل و نشانه آن جامعه شناخته می شود. با توجه به لباس و پوشش و آرایش و پیرایش افراد جامعه، می توان نوع جامعه را تشخیص داد. مثلاً چادر نشانهٔ جامعه اسلامی است، که به محض مشاهده می توان فهمید افراد این جامعه مسلمان هستند. ولی اگر بخواهیم از عوامل دیگری مثل روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان، نوع جامعه را تشخیص دهیم، به سرعت نمی توان اسلامی بودن جامعه را تشخیص داد؛ چرا که در وهلهٔ اول نمود و بروز نمی یابد. به همین جهت قدرتهای استعماری نیز برای غلبه و سلطه پیدا کردن بر جوامع مسلمان، تلاش می کنند از طریق تسلط بر زنان مسلمان، و برداشتن حجاب و پوشش اسلامی بر جامعه سلطه پیدا کنند. استعمارگران فرانسه برای تسلط بر جامعهٔ الجزایر، مسأله زنان را در ردیف اول اهمیت قرار دادند، و برکشف حجاب زن الجزایری حرص داشتند، و برای مقابله با چادر تلاشهای فراوانی انجام

دادنـد. آنـان تلاش کردنـد با تحقیر زنان مسـلمان فقیر و گرسـنه، و کمک به آنان، و بردن آنان به مجالس جشن و...، چادر را از او بگیرند؛ و سـپس با چهره ای مکشوف و عریان او را به بازار و خیابان بکشانند، و به عنوان جلوه ای از اروپا عرضه کنند. یک ضرب المثل قـدیمی اروپایی می گویـد" : زنها را در دست بگیریم، همه چیز به دنبال آن خواهـد آمد ("۱.) برادرعزیز،عامل عمده و مهم در وضـعیت بد و نابهنجار حجاب و پوشـش زنان، در وهلهٔ اول مربوط به توطئه سـنگین اسـتعمار است. استعمار بخوبی دریافته است که تسلط بر جوامع، تنها از طریق زنان امکان پذیر است. و تسلط بر زنان نیز از طریق نابودی پوشش و کشف حجاب است؛ همانطور که رضاخـان این امر را در برنـامه خویش قرار داد. امروزه نیز کشف حجاب و کمرنگ شـدن و بی اهمیت شـدن آن، و از بین بردن قبح و زشتی بی حجابی، از اهداف و برنامه های اسـتعماری است که به شدت برای آن برنامه ریزی کرده اند. اسـتعمار می خواهد با حذف پوشـش اسلامی، زنان مسلمان را از هویت دینی خودشان تهی سازد. زن بی حجاب زن بی هویت و مسخ شده است، و سلطه بر او براحتی امکـان پـذیر خواهـد بود؛ وسـلطه بر زنان به منزله سـلطه بر جامعه است. همچنانکه صـلاح و اصـلاح زنان نیز صـلاح و سعادت جامعه را به دنبال دارد. استاد شهید مرتضی مطهری می گوید" : انقلاب ۱۵ خرداد به دلیل عدم همراهی زنان به ثمر نرسید؛ و قیام منتهی به ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسـید، چون زنان در آن حضور داشتند ("۲.) زنان در اصـلاح و فساد جامعه به مراتب بیش از مردان نقش دارنـد. از یـک طرف خودشـان در مسایل جامعه مشارکت و همراهی می کننـد، و یا مخالفت می ورزنـد، و از سوی دیگر در به میدان آوردن مردان و برادران و فرزندان خود به صـحنه، یا خارج کردن آنها از صحنه، نقش اساسی دارند. حفظ جامعه با اصـلاح زنان محقق می شود، و صالـح ماندن زنان با حفظ حجاب و پوشـش. فساد جامعه نیز با فاسد شدن زنان عملی می شود، و فاسد شدن زنان با برداشـتن حجاب و پوشـش. لذا سـرمایه گذاری برای مقابله با حجاب اسـلامی و ترویج بی حجابی، از برنامه های کلان استعمار است. و عامل عمده در وضعیت نابسامان فعلی، تهاجم فرهنگی همه جانبه غرب است. عامل دیگری که از نظر داخلی در وضـعیت نامساعد حجاب و پوشـش زنان در جامعه مؤثر است، روشـهای نادرست برخورد مسؤولان و دست اندرکاران جامعه، با این معضـل اجتمـاعی است. اصولاً ـ برخوردها صـحیح، درست و اصولی، حساب شـده، عمیق و علمی، و مبتنی بر آمیزه های دینی و تعالیم حیات بخش وحی و فطرت نیست. روشـهای مقابله تاکنون کمتر اثر داشته، و گاهی نیز آثار منفی و عکس داشته است؛ و تنها به مقـابله فیزیکی بـا افراد پرداخته شـده است، و کمتر به صورت ریشه ای، علـل و عوامـل و آثـار مخرّب و زیان بخش آن ترسـیم و تصویر شـده است. مقـابله بـا این وضع یک وظیفه همگانی است، و تنها با برخورد انتظامی، نظامی و قضایی، این معضل حل شـدنی نیست. تا زمانی که معضل محـدود باشـد، می توان با روشـهای زورمدارانه با آن مقابله کرد؛ ولی وقتی گسترش یافت، امکان مقابله فیزیکی سـلب می شود؛ بنابراین سالم سازی فضای جامعه و احیاء پوشـش مقدس اسـلامی، نیازمند همتی جمعی و همگانی است؛ تا به مرور کشف حجاب قبیـح و زشت تلقی شود. منابع و مآخـذ : ۱. جهت اطلاع بیشتر ر ک : بررسـی جامعه شناسـی یک انقلاب یا سال پنجم انقلاب الجزایر،نوشـته فرانتس فانون،ترجمه تابنده،ص۴۷-۳۳ رجوع کنیـد به" : پیرامون انقلاب اسـلامی، "مطلب" نقش زنان ایران در دوره معاصر ؛ "و نیز" زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، حضرت آیت ا... خامنه ای"

در مناطق محروم روحانی باسواد وباتجربه کمتر وجود دارد چرا دولت جمهوری اسلامی دراین خصوص سرمایه گزاری نمی کند برخلاف بلاد کفر واینکه چرا دولت به روحانیون پول نمی دهد تا از مردم چیزی نطلبند؟

پرسش

در منـاطق محروم روحانی باسواد وباتجربه کمتر وجود دارد چرا دولت جمهوری اسـلامی دراین خصوص سـرمایه گزاری نمی کند برخلاف بلاد کفر واینکه چرا دولت به روحانیون پول نمی دهد تا از مردم چیزی نطلبند؟

پاسخ

نهاد روحانیت (شیعه) وحوزه های علمیه از هیچ دولتی حتی دولت جمهوری اسلامی هزینه اش را تأمین نمی کند مراجع وعلمای حوزه از دولت درخواست هزینه نکرده وردیف بودجه ای درمجلس ندارند. البته محاسنی هم دارد ومعایبی اما اینکه چرا آنها کمک نمی کند از مسؤلین دولتی ومحلی خودتان سؤال کنید ومکاتبه با آنها کنید (سازمان تبلیغات اسلامی ، دفتر تبلیغات ، دفتر امام جمعه) اما کمک کردن ما به هزینه های طلاب محترم اگر آنها هم درخواست نکنند وظیفه ما است که تأمین زندگی آنها را بکنیم چون راهی جز این نیست چه گذشته وچه الآن . همیشه هزینه های حوزه ها از توده های مؤمن وعلاقمند به دین تأمین می شده است . نکته : ۱- مراجعه به علما و روحانیون محلی خود شما چه درشهر خودتان وچه در مراکز علمی مثل قم ومشهد حضور دارند جهت اعزام روحانیون به شهرها و روستاها ۲-مراجعه خود شما به مسئولین دولتی محلی برای تأمین بعضی از امکانات مخصوصاً مسکن مناسب ، البته با همکاری مردم ممکن است از مشکلات کاسته شود (انشاءالله) نکته دیگر اینکه هیچگاه روحانیون از مردم چیزی طلب نکرده ونخواهند کرد . این را بدانید مردم بخاطر امورات دینی خود محتاج به روحانیون هستند نه برعکس . چون یک انسان مؤمن از هنگام تولد تا لحظه مرگ پیوسته با روحانیون سروکار دارد واگر مردم به روحانیون کمک کرده اند از طریق وظیفه شرعی خودشان بوده که همان پرداخت خمس بوده است انجام شده که یک پنجم مال تقسیم بر دو می شود یک سهم مربوط به سیدهای فقیر ویک سهم مربوط به امام زمان (ع) است که صرف حوزه های علمیه می شود ودر اختیار روحانیون قرار می گیرد.

۱ـ چرا با این که حکومت اسلامی است در جامعه فساد زیاد است با وجود آن که شما به خودتان خیلی مغرور هستید؟

پرسش

۱ـ چرا با این که حکومت اسلامی است در جامعه فساد زیاد است با وجود آن که شما به خودتان خیلی مغرور هستید؟

پاسخ

ما دقیقاً متوجه نشدیم که چه رابطه ای است بین غرور خطیب و فساد اجتماعی وجود دارد. اما نکته ای عرض می کنم تلاش در راه برقراری صلح و رفع فساد شخصی و تبعیض اجتماعی و بیان مواعظ الهی از بزرگترین تکالیف الهی است و شما هم به عنوان یک انسان مسلمان علاقمند به فضیلتها باید تلاش کنید و این وظیفه همگانی است در همه زمانها و از همه افراد و اقشار جامعه نسبت به توان و اقتضای فردی، اصولاًـ جامعه مثل یک ماشین است که برای حرکت صحیح آن باید تمام اجزاء کوچک و بزرگ از مهره چرخ گرفته تا جعبه دنده باید سالم باشد، وقتی یک جامعه صالح و پاکیزه می شود که همه افراد آن از من و شما که یک فرد عادی جامعه هستیم تا بالاترین سطح مدیران و کارگزاران صالح باشند آیا شخص حضرتعالی که انشاءالله شخصی عدالت خواه و مؤمنی هستید اگر همسایه شما و یا یکی از رفقای شما بد باشد، که خود یک نوع فساد اجتماعی و فردی است اگر در رفع بدی او کوتاهی کنید و حداقل تذکر ندهید مسئولیت ندارید؟ که حتما دارید. برادر عزیز به تصریح قرآن از اول خلقت هابیل و قابیل که

کوچکترین خانواده جهان بودند فساد هم شکل گرفت و تا الآن هم که هنوز موجود است و در آینده هم خواهد بود اما رسالت من و شما و تمام بشر رها کردن خود در جامعه نیست وظیفه همگانی است که با تمام قدرت و توان در رفع مشکلات آن کوشا باشیم و حتی ممکن است به تماماً نتوانیم مگر در زمان انبیاء دیگر مثل عیسی و ابراهیم(ع) فساد نبود، مگر زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم مشکلات و فساد نبود، حتما تاریخ را مطالعه کنید. لکن وظیفه ما رها کردن نیست. آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید ثانیاً: شما چشم بر خوبیها نبندید همیشه انصاف داشته باشیم و خوبیها و بدیها را کنار هم بگذاریم مگر شما در بین دوستانتان و در خانواده و در برادر و خواهر خودتان و در محل کار یا تحصیل همه چیز را صد درصد صالح و بی اشکال می دانید و اگر اشکال دارد باید به طور کلی به آنها بد بین باشی و فقط خارها را ببینید. ثالثاً: هرچیزی را به ضدخود آن چیز بشناس آیا واقعا در حکومت وابسته شاه که اگر یک آمریکایی با ناموس ملت تجاوز می کرد و یا در خیابان تصادف می کرد حق محاکمه او را در ایران نداشتید آیا ذلت از این بالاتر و با حضور چندین هزار مستشار اجنبی آیا نباید به روح امام و شهداء بخاطر این عزتی که به ما دادند و اینکه لباس ذلت و بردگی آمریکا را از تن ما بیرون آوردند درود بفرستیم و هزاران نکته مثبت دیگر که مجال بیان نیست و گفتگو کنیم. حتی جرأت تعمیر یک هواپیما را نداشتیم از کوچکترین وسایل تا بزرگترین آنها با آختیار آنها وارد می شد. وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محض. به بیگانگان بودیم. مگر در طول سالهای حکومت طاغوت چقدر فضائل مادی و معنوی وجود داشت در طول ۲۵ سال انقلاب ۸ سال جنگ تمام عیار آیا قابل مقایسه است با صدها سال حکومت بیگانگان و البته صد البته که هنوز مشکلات و فساد وجود دارد و فاصله با مدینه فاضله زیاد است که انشاءالله به یاری خداوند و تلاش و مجاهدت علمی و عملی انسانها دلسوز و میهن دوست و آزاده در تمام اقشار به پیش خواهیم رفت. رابعاً برادر عزیز: مگر مسئولین و مدیران جامعه را واعظان و خطیبان و یا روحانیون تعیین می کنند، که البته در میان مدیران کشور همه گونه افراد خوب و بد هستند کما اینکه دوران حکومت پیامبر و علی(ع) هم انسانها و افراد نالایق بودند که در نهج البلاغه آنها را توبیخ کرده است. اگر مایل باشید حضوری خدمتتان برسیم به آدرس ذکر شده تشریف بیاورید تا از نزدیک با شما گفتگو نماییم .

چرا اساساً برنامه هایی در خصوص جلوگیری از فساد و عدم گسترش آن آنطور که باید تدوین نمی شود ؟ لطفاً توضیح دهید؟

پرسش

چرا اساساً برنامه هایی در خصوص جلوگیری از فساد و عدم گسترش آن آنطور که باید تدوین نمی شود ؟ لطفاً توضیح دهید؟

پاسخ

فساد که نقطه مقابل آن صلاح است به هر گونه تخریب و ویرانگری گفته می شود تمام نابسامانیهائی که در کارها ایجاد می گردد و همه افراطها و تفریطها در کل مسائل فردی و اجتماعی مصداق فساد است . در قرآن کریم آیات متعددی در مقابله با فساد و مفسده فی الارض که مجازات سنگینی چون اعدام و قطع دست و پا و ...برایش در نظر گرفته است . در سوره رعد آیه ۲۵ می خوانیم : «ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنهٔ و لهم سؤا لّدار » ترجمه : و آنانکه عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور بر قراری آن را داده قطع می کنند و در روی زمین فساد می نمایند لعنت برای آنهاست و بدی و مجازات آنان برای آخرت است . آیه می گوید : پیمان شکنان و مفسدان فی الا رض تنها به زندگی دنیا خشنودند در حالیکه

زنـدگی دنیـا در برابر آخرت متـاعی نـاچیز بیش نیست . در آیات دیگر بحث فساد و افساد و گناهان دیگری که بزرگتر است و آن جنگ با خدا و رسول و جانشین او و ولّی امر مسلمین که همان پیمان شکنان هستند صحبت به میان آورده وعده عذاب در دنیا و آخرت داده است . واز مجموع آیـات کریمه قرآن در سوره هـای مختلف به خوبی می توان اسـتفاده کرد که فساد فی الارض معنی گسـترده و وسـیعی دارد ماننـد جنـایت فرعـون مروجین فحشـا و منکرات دایر کننـده مجـالس لهـو و لعب بـد حجـابی ، بی حجـابی کمفروشـی و صدها مصداق دیگر که می توان نام برد که یک مرتبه شـما اشاره فرمودید و باید قبول کرد که فساد در زمین و إفساد یک واقعیتی است در زندگی اجتماعی انسانها که متأسـفانه موضـعی نیست و در یکجا متوقف نمی شود بلکه در سطح اجتماع و در روی زمین گسترش پیـدا میکنـد و از یـک گروه ماننـد میکروب مسـری و خطرنـاک زود گسترش پیـدا کرده و همه گیر می شود و جامعه را آلوده می سازد پس بایـد برای ریشه کن کردن مفاسد اجتماعی و اخلاقی به هر وسـیلهٔ ممکن متوسل شد و جلوی فساد را گرفت و به توزیع شـرایط امر به معروف ونهی از منکر را اجرا نمود . اول به زبـان خوش امر به معروف ونهی از منکر که از واجبات ترک شده است ! و نصـیحت و پند و اندرز و ارتقاء سطح فکری و فرهنگی و ... که آخرین درجه شدت عمل به جنگ متوسل شد . و از آیـات قرآن ایـن اسـتفاده هـم می شـود کـه : یکی از اهـداف بزرگ بعثت پیـامبران پایـان دادن به فسـاد در روی زمین بمعنی وسیعش بوده است آنجا که از قول شعیب پدر زن موسی (ع) می گوید : إن ارید الا صلاح مااستطعت شعیب در برابر فساد آن قوم سر کش می گویـد « تنهـا هـدف من این است که تـا آنجـا که در قـدرت دارم به مبـارزه با فساد برخیزم و اصـلاح کنم . پس قرآن وظیفه همه را روشن نموده است که باید در حّد توان از خود شروع کرد و سپس خانواده و اقوام و محله و جامعه را از هر گونه فساد جلوگیری نموده امر به معروف و نهی از منکر و شـرائط آن که مذکور شدانجام دهیم تا در مقابل خون شـهداء و ائمه اطهار شرمنده نگردیم . بنابراین زمینه و پـذیرش یک جامعه در روند اصـلاحات فکری و اخلاقی و اجتماعی یک جامعه موثر است و اصـلاح کار همگانی دولت و ملت فرد و اجتماع است البته برای بستر سازی آن نهاد فرهنگی و فرهیختگان بایـد بیشتر تلاش کننـد . ضـمن اینکه در مرحله اول برای رفع موانع فساد باید از خود شـروع کنیم قوا انفسـکم و اهلیکم نارا از خودتان و کسانیکه تحت تکفل و در حیطه وسعت و اثر پذیری شماست شروع کنید هر کسی در هر جا باشد خود را اصلاح کند جامعه اصلاح می شود . امام خمینی

با چه کارهایی می توان از تعداد سوداگران مرگ کاست ؟

پرسش

با چه کارهایی می توان از تعداد سوداگران مرگ کاست ؟

پاسخ

این کار نیز مبارزه دولت و مردم را می‌طلبـد. از نظر دولتی نیروی انتظامی، فعالیتهای چشـمگیری را انجام داده است. وظیفه مردم نیز این است که به محض آگاهی یافتن از وجود چنین اشخاصـی، مسؤولان مربوطه را در جریان بگذارنـد. بـدیهی است اطلاع دادن به موقع در تقویت و تسریع برخورد با آنان بسیار مؤثر است.

الان مواد مخدر در میان جوانان جامعه بسیار شایع است آیا دولت برای مبارزه با آن برنامه ای ندارد؟

پرسش

الان مواد مخدر در میان جوانان جامعه بسیار شایع است آیا دولت برای مبارزه با آن برنامه ای ندارد؟

پاسخ

احساس پاک شما نسبت به هم نوعان موجب خوشحالی ما گردید؛ اما همان طور که اشاره کرده‌اید این یک مشکل اجتماعی است که متأسفانه دامن‌گیر جامعه ما شده و مبارزه طولانی و دراز مدت را می‌طلبد. البته دولت برای ریشه کنی آن تلاش‌های خوبی داشته؛ لکن ابعاد این مشکل بسیار گسترده‌تر از آن است که این مقدار فعالیت‌ها بتواند جلوی آن را بگیرد. از این رو نیاز به یک عزم جدی و تلاش همه جانبه مردم دارد هر فردی در این زمینه بهاندازه توانایی خود مسؤول است. از این رو بهتر است مواردی را که شخصا سراغ دارید، پی‌گیری کرده و با مسؤولان مربوطه درمیان بگذارید تا قدمی برای رفع آن برداشته باشید.

چرا از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند عملا هیچ حمایتی نمی شود؟

پرسش

چرا از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند عملا هیچ حمایتی نمی شود؟

پاسخ

مسائله امر به معروف و نهی از منکر علی رغم تائکیدات فراوانی که در قرآن و احادیث و روایات در اهمیت آن وارد شده و نسبت به عواقب وخیم ناشی از ترک آنها هشدارهای متعددی داده شده , متائسفانه در جامعه ما مورد بی مهری می باشد و این فریضه الهی با این که به عنوان یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد, ولی هنوز راه کارهای قانونی برای عملی شدن آن در سطوح مختلف جامعه تبیین نشده است و این خود از مهم ترین دلایل عدم حمایت از آمرین به معروف می باشد. البته عوامل دیگری از جمله , تغییر ارزش ها و گرایش جامعه به سوی مادیات و تجملات , تهاجم فرهنگی در جهت کنارگذاشتن ارزش ها و احکام اسلامی , کم کاری دستگاه های فرهنگی در ترویج احکام و ارزش های اسلامی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و... عامل مهم دیگری که نقش عمده ای در این مسائله دارد, حاکم شدن جریانات جناحی و درگیر ساختن دستگاه های اجرایی نسبت به آنها و برچسب دولت ستیزی به طرفداران حفظ ارزش ها و در نتیجه حمایت نکردن و تضعیف آنها است به گونه ای که متائسفانه حمایت از امر به معروف و نهی از منکر و سایر ارزشها خود نوعی ناهنجاری تلقی می شود. در هر صورت با وجود تمامی این مشکلات , وظایف فردی و اجتماعی ما در قبال جامعه و مسائل آن ساقط نشده و ما موظفیم برای حفظ نظام و دستاوردهای آن این فریضه الهی را در بدترین شرایط انجام دهیم و از اصول و ارزش های اسلامی عقب نشینی ننماییم . }J

چرا در دانشگاه ها با تجاوز به حریم عفت عمومی،برخورد نمی شود؟

پرسش

چرا در دانشگاه ها با تجاوز به حریم عفت عمومی،برخورد نمی شود؟

پاسخ

مسأله‌ای را که شما مطرح نموده‌اید از دو جهت می‌توان مد نظر قرار داد. یکی از جهت اصلاح فردی که عمل حرام را مرتکب می‌شود و دیگری از جهت پاک نگه‌داشتن فضای جامعه. قوانین و مجازات اسلامی به هر دو جهت نظر دارد. البته اصلاح یک فرد تنها با مجازات امکان‌پذیر نیست و اقدامات مناسب تربیتی بیشتری را می‌طلبد. از طرف دیگر برخی گناهان در خفا صورت می‌گیرد و خداوند از آن‌جا که ستارالعیوب است و بنا بر پرده‌دری ندارد به فرد مهلت پشیمانی و توبه می‌دهد. اما اگر گناهی به حسب طبیعت آشکار بود و یا در انظار عمومی گناهی صورت گرفت و یا به دلایلی آشکار شد گناهانی این چنین یا تجاوز به حریم اشخاص است و یا تجاوز به حریم عمومی است به عنوان مثال قتل تجاوز به حق حیات معقول است اما گناهانی نظیر بدحجابی و یا اعمالی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌سازد تجاوز به فرهنگ و هنجارهای اجتماعی و شکستن حریم عمومی است که رعایت حرمت آن بر آحاد جامعه لازم است. با یک نگاه اجمالی به قانون مجازات اسلامی مشخص می‌شود که این قبیل جرایم از دید قانون‌گذار مخفی نمانده. به عبارت دیگر ما در این رابطه خلاء قانونی نداریم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسین کریمی، جرم‌ها و مجازات‌ها، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۴، ۲۶، ۳۷، ۴۴ و ۵۵ به ترتیب عناوین بی‌حجابی، پوشیدن و آرایش خلاف شرع و خلاف عفت عمومی، تظاهر به عمل حرام، جریحه‌دار نمودن عفت عمومی، رابطه نامشروع). به علاوه نسبت به برخی از محیط‌ها نظیر محیط‌های آموزشی ما بخش‌نامه و مقررات ویژه داریم. حتما شما دانشجوی عزیز تابلوی «رعایت حجاب اسلامی الزامی است» و تعابیری از این نوع را بر در و دیوار انتظامات دانشگاه مشاهده کرده‌اید. از همین‌جا می‌توان پی برد که افراد و یا نهادی که متولی اجرای این قوانین و مقررات هستند در انجام وظایف خویش کوتاهی می‌کنند. به نظر می‌رسد ما به عنوان افراد مسؤول در برخورد با این منکرات (چه بسا مواردی که ما با آن روبرو می‌شویم اما در واقع از مصادیق منکر نیست) در صورت وجود زمینه مناسب برای امر به معروف و نهی از منکر باید روش مناسب برای انجام این فریضه را به کار ببریم. اما برخورد اصولی این است که در دانشگاه مرجع مسؤول حفظ حریم عفت عمومی را شناسایی کنیم و از آن بخواهیم تا نسبت به وظایف خویش پاسخ‌گو باشد مثلاً کمیته انضباطی و حراست دانشگاه و نهادهای فرهنگی در این زمینه‌ها باید فعال باشند و وظیفه قانونی خود را انجام دهند. در صورتی که در دانشگاهی به این وظایف قانونی عمل نشود افراد می‌توانند و وظیفه دارند به نهادها و مسؤولین بالاتر شکایت کنند.

نظر شما در مورد مختلط بودن کلاسها و دانشکده چیست. چه فایده هایی دارد؟ اگر ندارد پس چرا هست؟

پرسش

نظر شما در مورد مختلط بودن کلاسها و دانشکده چیست. چه فایده هایی دارد؟ اگر ندارد پس چرا هست؟

پاسخ

به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئونات اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری‌های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیبنده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی‌باشد، اختلاط پسر و دختر در دانشگاهها مضرات و آفتهایی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقاً هنجارهای شرعی رعایت گردد. اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه شناختی و نظر سنجی‌های آماری و... می‌باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن‌ها می‌پردازیم: الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می‌آید مبتنی بر پیش فرضهایی می‌باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش‌های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسؤلان دانشگاه و... مهم‌ترین آثار اختلاط عبارتند از: ۱- بوجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئونات اسلامی از قبیل حجاب کامل و... ۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و... ۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع. ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک پیش فرض می‌باشد و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از آن می‌باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می‌باشد عبارتند از: ۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه‌ها و بودجه‌ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه و... ۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره. ۳- شناخت روحیات جنسی مخالف و کسب تجربه های علمی و عملی. ۴- پیدا نمودن شریک زندگی کفو و هم شأن. ج) بررسی وظایف راهکارهای مقابله با مشکلات ناشی از اختلاط پسر و دختر در دانشگاه: به طور مختصر می‌توان وظایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد: ۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشجو باید در درجه نخست ارزش‌ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهادینه سازد رهبر معظم انقلاب در این خصوصی می‌فرمایند: «آن چه برای دانشجوها در دانشگاهها مهم است رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن‌ها و دل‌های آنان است و مسأله رشد و روحیه تعبد در آنان تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلائی با اعتقاد به علم و فعالیت‌های علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد و حقیقتاً برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در ایام‌البیض ماه رجب در مسجد دانشگاه تهران دانشجوها اعتکاف بکنند این خیلی چیز مهمی است» رسالت دانشجوی مسلمان رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با تشکل‌های دانشجویی و در درجه دوم پای‌بندی در عمل به ارزش‌ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموردی که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می‌باشد. ۲- وظایف و راه کارهای اجتماعی: اگر دانشجویان دغدغه صیانت از خود را داشته باشند نمی‌توانند نسبت به محیط واطرافیان خود بی تفاوت باشند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می‌باشد لذا دانشجویان باید نسبت به تهذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصاً در جامعه عموماً داشته باشند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب‌ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه‌های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می‌زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسؤلین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند.

چرا دولت اسـلامی راجع به ازدواج (دائم و موقت) جوانان توجه چندانی ندارد و برای اجرای صـحیح آن در جامعه اقدام نمی کند؟ بنده برای بهبودی این وضعیت پیشنهادهایی ارائه داده ام .

پرسش

چرا دولت اسلامی راجع به ازدواج (دائم و موقت) جوانان توجه چندانی ندارد و برای اجرای صحیح آن در جامعه اقدام نمی کند؟ بنده برای بهبودی این وضعیت پیشنهادهایی ارائه داده ام .

پاسخ

دولت اسلامی برنامه هایی در مورد جوانان و ازدواج آنان دارد. کمک های مالی به صورت وامهای ازدواج دارد, امّا همهء این مسئله مربوط به دولت نمی شود. در جامعهء ما عرضه و تقاضا موجود است ; پس هم دخترفراوان است و هم پسر و هیچ مانعی برای ازدواج وجود ندارد, نه از طرف دوست و نه از طرف دیگران , بلکه پدران ومادران و جوانان هستند که باید اقدام کنند. ممکن است بگویید مشکلات مالی مانع سر راه ازدواج است . جواب این است که بیش تر این مشکلات و تجمّلات را خود مردم درست کرده اند, نه دولت و اسلام . آنچه در یک ازدواج سالم لازم است , انتخاب درست و دقیق یک جوان در مورد همسر آیندهء خود و خواستگاری و برگزاری یک مجلس جشن مختصر و عادی است . پیشنهادها و طرح ها و برنامه های شما بسیار خوب و مورد تأیید ما است , امّا در جامعهء ما تنها دطرح دادن مشکل را حّل نمی کند, بلکه طرح های خوب باید پشتوانه اجرایی خوبی نیز داشته باشد. مشکل در اجرای آن هااست . باز از جنابعالی تشکر می کنیم و امیدواریم خداوند متعالبر توفیقات شما بیافزاید تا در سایهء تحصیل و تعلّم وبندگی به کمالات معنوی و بالاتری دست بیابید. باز از نظریات شما استفاده خواهیم کرد.

اصولاً وقتی جامعه به پستی می گراید, برکات و رحمات خداوند بر آن هاتنگ تر می شود. جامعه ءکنونی ما چنین وضعی دارد. جوانان فاسق و پیران ریاکـار و عالمان بی عمل و ظاهرسازی در تمام رسانه های گروهی و عوامل دیگر به چشم می خورد, که باعث تأسف است . این گونه امور در

پرسش

اصولاً ـ وقتی جامعه به پستی می گراید, برکات و رحمات خداوند بر آن هاتنگ تر می شود. جامعه ءکنونی ما چنین وضعی دارد. جوانان فاسق و پیران ریاکار و عالمان بی عمل و ظاهرسازی در تمام رسانه های گروهی و عوامل دیگر به چشم می خورد, که باعث تأسف است . این گونه امور در جامعه چگونه قابل توجیه است ؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که شما را فردی واقع گرا و دلسوز جامعه یافتیم , بسیار خوشحالیم . ایده ءهمهء ما و شما این است که هیچ فردی در جامعه فاسد یا فاسق یا ریاکار و یا ظاهر فریب نباشد. دوست داریم هرفردی از هر قشری متعهد و متدین و متعبّد و

مخلص و پـاک و بـا تقوا باشـد, ولی چه می شود کرد! آیـا از ابتـدای خلقت زمـانی را یـافته ایـد که افراد جـامعه همان طور که می خواهیـد, باشـند؟ همیشه خوب و بـد بوده وخواهـد بود و این اختصاص به زمان ما ندارد. تاریخ زمان هایی را سـراغ دارد که ظلم و بیداد بیشتر از این زمان ها بود.در حملهء مغول ها حتّی به گربه ها رحم نکردند و جنگ و قتل و غارت و نا امنی همه جا فراگیر شد. در حملهء حاکمان عباسـی وضـعیت شـیعیان آن چنان وخیم شد و ظلم و جور نسبت به شیعیان و سادات آن چنان بود که تاریخ نقل کرده است دختران سادات وقتی می خواسـتند نماز بخواننـد, لباس به انـدازهء کافی نداشـتند. یکی نماز می خوانـد و بعد لباسـش را بیرون می آورد و به دیگری می داد تا او هم نماز بخوانـد. در حکومت ظالمان بر کشورها مخصوصاً بر کشورهای اسـلامی حتی در زمان ما ظلم و جور فراوان است . درکشور عراق شیعیان قتل عام می شوند. در افغانستان شیعیان از خانه و کاشانهء خود رانده شده و خانه هاشان را خراب می کنند. در کشورهای غیر اسلامی نیز مفاسد فراوان است . در هر صورت این که بعضی مسائل را مشاهد می کنید,اختصاص به زمان ما ندارد. بلکه همیشه بوده است . اسـلام برای جلوگیری از مفاسد, تهذیب نفس و اخلاق اسلامی راپیشنهاد کرده است . اگر مردم از هر صـنف و قشـر و از هر نوع و قـبیله ای و از هر جـا و مکـانی , برنـامه هـای تهـذیب نفس رااجرا و عملی سازنـد, مشـکلات و مفاسـد به حـداقل می رسـد, ولی هواهـای نفسـانی و مطـامع دنیوی و شـیطان دست به دست هم داده انـد نمی گذارند تزکیه شود.

روحانی ای با سـماجت از مردم گوسـفند و بزغاله به عنوان خمس و زکات می گیرد و در همان محل سر می برد و گوشتش را برای خانوادهء خود می برد, یا در منبر می گویـد: عیالوارم . به من بیشتر کمک کنید و پولی که بابت تبلیغ به من می دهید, از مزد یک کارگر بیش تر نیست . وظیفه

پرسش

روحانی ای با سـماجت از مردم گوسفند و بزغاله به عنوان خمس و زکات می گیرد و در همان محل سر می برد و گوشتش را برای خـانوادهء خود می برد, یا در منبر می گویـد: عیالوارم . به من بیشتر کمک کنیـد و پولی که بابت تبلیغ به من می دهیـد, از مزد یک کارگر بیش تر نیست . وظیفهء مردم در برابر این دسته روحانی ها چیست ؟

پاسخ

چگونه می توان بـاور کرد یـک نفر روحـانی واقعی و آبرومنـد و متـدیّن و عاقـل , مرتکب چنین عمل زشت و ناپسـندی شود؟! می گویند: به مرحوم حاج شـیخ عبدالکریم حایری یزدی , مؤسّـس حوزهء علمیهء قم رساندندکه فلان طلبه دزدی کرده است , با او چه کنیم ؟ مرحوم حاج شـیخ عکس العملی از خود نشان نداد و به کارش ادامه داد. گزارشگران خیال کردن آقا متوجه نشد, لذا حرف خود را تکرار کردنـد, اما در کمال ناباوری دیدند مرحوم حاج شـیخ باز عکس العملی بروز نداد. وقتی بار سوم تکرار کردند, حاج شـیخ فرمود: چرا می گویید طلبه دزدی کرده ؟! چرا نمی گویید دزد طلبه شده است ؟! مگر طلبهء حقیقی دزدی می کند؟! مگر می شود طلبه ای گوسـفند یـا بزغاله را به عنوان خمس از مردم بگیرد و در همان محل بکشـد و اسـتفادهء شخصـی نمایـد؟! ثانیاً: از امام جمعهء محترم شـهر خود یـا یکی از روحـانیون بزرگوار اسـتمداد کرده و از آنان راه حل بخواهیـد وشـخصاً دخالت نکنیـد. ثالثاً: در صورت امکان , مشـخصات کامل او را نوشته و به شورای عالی مدیریت حوزهء علمیهء قم , قسمت بازرسی ارسال نموده تا اقدامات لازم را مبذول نمایند.

مسـئولان جامعه نسبت به پوشیدن بعضی از لباس‌ها از نظر مدل و رنگ و... به دختران ایراد می‌گیرند. اگر پوشیدن این گونه لباس‌ها اشکال دارد، چرا تولید می‌شود و یا به کشور وارد می‌شود؟ آیا تولید و وارد کردن این لباس‌ها به کشور اسلامی دلیل بر جائز بودن پوشیدن آن‌ها

پرسش

مسئولان جامعه نسبت به پوشیدن بعضی از لباس‌ها از نظر مدل و رنگ و... به دختران ایراد می گیرند. اگر پوشیدن این گونه لباس‌ها اشکال دارد، چرا تولید می‌شود و یا به کشور وارد می‌شود؟ آیا تولید و وارد کردن این لباس‌ها به کشور اسلامی دلیل بر جائز بودن پوشیدن آن‌ها نیست؟

پاسخ

دولت اسلامی نمی‌تواند برای تک تک افراد مأمور بگذارد تا از وارد کردن و تولید این گونه لباس‌ها جلوگیری نماید. باید فرهنگ جامعه، اسلامی بشود و مردم ما و بعضی از مسئولان، از غرب زدگی و خودباختگی نسبت به مظاهر غربی دست بردارند. این گونه مدها بخشی از توطئه آمریکا و غرب است که ناآگاهان با بی توجهی به هدف دشمن، برای از بین بردن ماهیت انقلاب اسلامی بدان دست می‌زنند. آنان نمی‌دانند تمام ارزش‌ها در اسلام و استقلال کشور و تقوا و ایمان است. هجوم فرهنگ غربی به کشور ما نوعی جنگ علیه ملت مسلمان ایران است. خداوند مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کند.

آیا نهادهای دینی مربوط به امور مساجد, وظیفهء خود را در مورد جذب جوانان به مسجد انجام داده اند؟

پرسش

آیا نهادهای دینی مربوط به امور مساجد, وظیفهء خود را در مورد جذب جوانان به مسجد انجام داده اند؟

پاسخ

نهادهای دینی مربوط به امور مساجد, برای جلب و جذب جوانان به مسجد تلاش نموده اند سنجش این که نهادهای مزبور وظیفهء خود را به خوبی انجام داده اند یا نه , برای ما میسور نیست . می توانید با امور مساجدکشور مکاتبه کنی دو در این خصوص اطلاعات و آمار مورد نظر خود را کسب نمایید. ظاهراً چنان که بایسته و شایسته است , نتوانسته اند وظیفهء خود را ادا نمایند. امری که در خصوص نهادهای دینی مربوط به امور مساجد باید مورد عنایت قرار گیرد, کافی نبودن کارهایی است که تا کنون انجام شده است . به جهت جوان بودن جمعیت کشور باید سرمایه گذاری کلان و برنامه ریزی فراگیرتری به عمل آید تا نیازهای معنوی وروحی این قشر جوان , با لطافت و مهربانی و با هدایت صحیح تأمین شود و مسجد تبدیل به پایگاه اساسی و یک سنگر مهم برای نسل جوان شود.

آیا ماهواره آزاد است؟ اگر نیست، چرا آنتن‌های آن در تهران و دیگر شهرها وجود دارد؟ چرا دولت آن‌ها را جمع آوری نمی‌کند؟

پرسش

آیا ماهواره آزاد است؟ اگر نیست، چرا آنتن‌های آن در تهران و دیگر شهرها وجود دارد؟ چرا دولت آن‌ها را جمع آوری نمی‌کند؟

پاسخ

حتماً توجه دارید که ماهواره وسیله خوبی است که می‌شود از آن بهترین استفاده را نمود. به عنوان مثال در کوتاه‌ترین زمان می‌شود از حوادث و تحوّلاتی که در دورترین نقطه جهان رخ می‌دهد، چه علمی و چه طبیعی و چه سیاسی - اجتماعی اطلاعات تصویری به دست آورد. اما به خاطر سوء استفاده‌های غلط و نامشروعی که امروزه از آن می‌شود، مثل پخش فیلم‌های گمراه کننده و سکسی و ضد ارزشی و نیز پخش و تعلیم برنامه‌های تحریک‌آمیز و ضد امنیّت ملی، از نظر اسلام حرام و نامشروع است و کسی حق ندارد از آن استفاده علنی کند. این که چرا دولت آن‌ها را جمع آورد نمی‌کند، باید از خودشان پرسید. ما اطلاع نداریم، اما برای جمع آوری آن اقداماتی صورت گرفته است.

عکسی را که به پیوست ارسال کرده ام , نمونه ای از همان چیزی بود که مدت ها می ترسیدیم . سرانجام به وقوع پیوست و باردیگر دست هایی مرموز برای کمرنگ کردن مسائل مذهبی و روح معنوی اقدام کرده اند. این عکس از یکی از مجلات مجاز داخل ایران است . مجلهء خانوادهء سبز (ش

پرسش

عکسی را که به پیوست ارسال کرده ام , نمونه ای از همان چیزی بود که مدت ها می ترسیدیم . سرانجام به وقوع پیوست و باردیگر دست هایی مرموز برای کمرنگ کردن مسائل مذهبی و روح معنوی اقدام کرده اند. این عکس از یکی از مجلات مجاز داخل ایران است . مجلهء خانوادهء سبز (شماره ۵۳ سال سوم , آبان ۱۳۸۰ تهران). آیااز لحاظ شرعی چاپ این گونه تصاویر بر روی مجلّات حرام نمی باشد؟

پاسخ

برادر گرامی ! این گونه تصاویر یک نمونه از صدها نمونه از تهاجم فرهنگی است که مدت ها است عالمان متعهّد و مخصوصاً رهبر معظم انقلاب به آن هشدار داده اند, ولی کسی توجه نکرد و توطئه گران به کار خودادامه داده و می دهند. این توطئه ها برای از بین بردن غیرت دینی جامعهء اسلامی ایران , تهیه دیده شده تا بتوانند روح دینی و مذهبی که منشأ زنده بودن و پویایی مردم است و انقلاب اسلامی به برکت آن به وجود آمد, تضعیف کنند ودوباره اسلام را به گوشهء خانه ها و داخل مسجدها محصور کنند و افراد لاابالی بر مسند قدرت تکیه زنند و راه را برروی غرب و فرهنگ منحطّ غربی باز کنند. گردانندگان این صحنه ها نزد خدا عذابی الیم خواهند داشت . آنان که بابرنامه های خود, انقلاب اسلامی را که ثمرهء خون هزاران شهید راه خدا است , تضعیف می کنند و

از درون آن را منحرف یـا مضـمحل می گردانـنـد. در این راسـتا کمک های مادی امریکا و قـدرت های غربی و پخش انواع ابتـذال فرهنگی وطراحی انواع فتنه های زیرکانهء داخلی و ایجاد تفرقه ملّت مسـلمان و طرح جدایی دین از سیاست و ایجاد شک وشبهه در اذهـان نـاپخته و نـاتوان و خوشـحالی و تأییـد موج سوارانی که از دیر بـاز در کنـار انقلاب بوده انـد, همه دست به دست هم داده و معجونی به وجود می آورد که نتایجش همین است که شـما به آن توجه نموده ایـد. باید با ارشاد وهدایت مردم مخصوصاً جوانان و با صبر و متانت و با برنامه ریزی و با دعا و انابه به درگاه خدا از انقلاب اسلامی وارزش های دینی حراست نماییم .

آیا در این مملکت جایی یا کســی را می شناسید که درد دل های انسان ها را گوش کند؟ جلو ده هاکورتاژ را بگیرد و بدون پارتی بازی عرق فروشان و باند های مواد مخدر را نابودکرده و خانه های فساد را بســته و دلالان فروش ناموس را دســتگیر کند؟! مستدعی است ننویسید در خصوص م

پرسش

آیا در این مملکت جایی یا کسـی را می شناسـید که درد دل های انسان ها را گوش کند؟ جلو ده هاکورتاژ را بگیرد و بدون پارتی بازی عرق فروشان و باند های مواد مخدر را نابودکرده و خانه های فساد را بسته و دلالان فروش ناموس را دستگیر کند؟! مستدعی است ننویسید در خصوص مواد مخدر، با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرید، چون همچون چیزی واقعیت ندارد.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! از این که بـا مـا مکاتبه کرده و پرسـش های خود را مطرح ساختیـد سپاسـگزاریم. به نظر ما بی اعتمای یا عـدم اعتقـاد شـما به دسـتگاه هـا و نهادهای رسـمی کشور مثل دادگستری، دادگاه انقلاب ، پلیس نیروی انتظامی درست نیست. در مراکز مذکور کم کاری و ضـعف وجود دارد، اما نه در آن حدی که اصـلاً نتواند مشکل را بر طرف کنند و مراکز فساد را متلاشی سازند. آیا حضـرت عالی در زمینهٔ این مسایل با دائرهٔ مبارزه با منکرات تماس گرفته اید؟ می توانید شـماره های دادگاه انقلاب یا اطلاعات را بگیریـد و مشـکل را در میـان بگذاریـد. غیر از موارد مـذکور جایی برای پاسـخ عملی و مبارزه نیست. برای شـنیدن درد دل ها ما همواره آمادگی داریم. حداقل می توانیم بگوییم بدبینی شـما بیش از حد است. حضرت عالی اگر نشانی آن مراکز را بازگو نمایید، در صورتی که مراکز ذیربط رسـیدگی نکردنـد، واحد در خدمت شـما است. ما نمیگوییم مفاسد نیست. هم اکنون نظام پزشـکی در سراسـر کشور آمادهٔ شـنیدن تخلفات پزشـکی است، چون می دانیـد کورتاژ جرم است. هر دکتری چنین کاری بکند، محکوم به دیه می شود. تا آن جا که می دانیم بدون مجوّز کسی نمی تواند چنین عملی را انجام بدهد.

آیــا تــا کنون دولت به فکر کمک به مساجــد افتاده است یا از هیأت امنای مساجــد دعوت به عمل آورده تا از آنان گزارش کار بخواهــد یا رهنمودها و تبادل نظر صورت گیرد؟

پرسش

آیـا تـا کنون دولت به فکر کمـک به مساجـد افتـاده است یـا از هیـأت امنـای مساجـد دعوت به عمـل آورده تا از آنان گزارش کار

بخواهد یا رهنمودها و تبادل نظر صورت گیرد؟

پاسخ

یکی از غریب ترین مراکزی که باید بیشتر بدان توجه شود، مساجد است. در ایران اسلامی چند مرکز برای مساجد تصمیم گیری هایی دارند: سازمان تبلیغات اسلامی و مرکز رسیدگی به امور مساجد از این جمله هستند، ولی این دو مرکز کارایی چندانی در رسیدگی به مساجد نداشته اند. مساجد مانند سابق توسط مردم اداره می شود. بزرگان و ریش سفیدان و فرهنگیان هر محلّی باید گروهی در محلّ تشکیل دهند و از مردم اعانات و کمک هایی جمع آوری کنند و مساجد را آباد کنند". انّما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر. "ساختن و آباد کردن مساجد باید توسط مؤمنان صورت گیرد. خدمت گزاری به مساجد از توفیقات الهی است که به هر کس داده نمی شود.

چرا مسئولان اجازه می‌دهند مباحث تخصصی درباره دین و احکام در دست عوام افتاده و باعث خلجان فکر شود؟

پرسش

چرا مسئولان اجازه می‌دهند مباحث تخصصی درباره دین و احکام در دست عوام افتاده و باعث خلجان فکر شود؟

پاسخ

اگر مرادتان مطالبی است که اخیرا در روزنامه‌ها و هفته نامه‌ها و ماه نامه‌ها یا در بعضی از کتاب‌ها است، این سؤالی است که باید از وزارت ارشاد پرسیده شود. آن‌ها هستند که مجوز انتشار می‌دهند. شایداین مطلب بخشی از توطئه‌های غیر مستقیمی باشد که دشمن با دست خودمان اجرا می‌کند. این افکار انحرافی برای تضعیف روحیه ایمانی مردم مخصوصا جوانان نشر و پخش می‌شود. وقتی که روحیه ایمانی و دینی مردم سست شد، دیگر مقاومتی در برابر آمریکا و غرب صورت نمی‌گیرد و آنان به راحتی می‌توانند بر گرده مردم سوار شوند و بدتر از آن چه که قبل از انقلاب بی ارن مملکت وارد شد، وارد می‌شود. ما این برنامه‌ها را جزئی از توطئه‌های دشمن می‌دانیم. در حوزه مسائل دینی و اعتقادی راه بحث و مجادله باز است. اما این گونه مباحث باید با اندیشمندان و عامان دینی در محیطهای بسته صورت گیرد، سپس نتایج آن در معرض افکار عمومی گذارده شود. عجیب ایناست که کوشش می‌شود پفک و شکلات استاندارد باشد، اما در مورد این گونه مسائل بسیار مهم هیچ گونه کنترلی نیست و هر کس هر چه دلش خواست، می‌نویسد، در حالی که از نظر علمی و مبنای هیچ گونه صلاحیتی برای طرح این گونه مسائل ندارند.

چرا مسئولاتن محترم با مفاسد اجتماعی مبارزه جدی نمی‌کنند و مراجع عظام و علمای اعلام در این مورد اعتراض نمی‌فرمایند؟

پرسش

چرا مسئولاتن محترم با مفاسد اجتماعی مبارزه جدی نمی‌کنند و مراجع عظام و علمای اعلام در این مورد اعتراض نمی‌فرمایند؟

پاسخ

سیاست مسئولان محترم نظام خصوصا رهبری و مراجع معظم تقلید و علمای اعلام، مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی است، چرا که امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین است. اگر این فریضه انجام شود، فرائض و واجبات دیگر به وسیله آن پا بر جا و پایدار می گردند، و گر نه فریضه‌های دیگر فراموش می گردند. در روایتی از امام باقر(ع) می‌خوانیم": ان الامر با لمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضه عظیمه بهاتقام الفرائض، تأمن المذاهب و تحل المکاسب. ("۱) این هشدارها را از زبان مسئولان بلند پایه نظام اسلامی و مرجاع معظم و علماياعلام و ائمه محترم جمعه شنیده و یا مطالعه می کنیم. اگر مسئولی و یا اشخاصی در راه‌های پایین‌تر و یا در مسندهای اجرایی کوتاهی می کنند، کار آن‌ها را نباید به حساب مسئولان کل نظام و یا علمای اعلام بگذاریم. امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه همگانی است، یعنی اگر شرایز آن محقق شود، باید انجامش داد، آن هم بااوضاع جامعه ما، که دشمنان می‌خواهند و با نقشه‌ها و ترفندهای زیرکانه خود و از راه ترویج فساد و بی بند و باری و تهاجم فرهنگی، به اهداف شوم خود برسند. باید با مسئولان ومجریان این وظیفه شرعی و قانونی همکاری داشت، تا جامعه به سمت اصلاح پیش رود. همه باید کمک کنیم و دست به دست هم بدهیم تاهجمه فرهنگی و نقشه حساب شده دشمن خصوصا در ارتباط با جوانان و آن‌ها را از مرزهای اعتقاد و ایمان و جوانان که سرمایه‌های اصلی کشورند عقب برانیم. وظایف مسئولان سنگین‌تر است، امیدواریم متوجه وظیفه سنگین خود شده و جدی‌تر با این معظل اجتماعی برخورد کنند. شما هم در شهر و دیارتان تذکر دهید تا ان شاء اللّه کار ساز شود. به امید ظهورمصلح کل حضرت بقیهٔ اللّه(عج)، که در زمان ایشان عدالت سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت و فساد و ظلم رخت خواهد بست. پی نوشت‌ها: ۱ - کافی، ج ۵، ص ۵۶، حدیث اول و میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۴۳، حدیث ۱۲۷۱۳.

آیا بزرگان کشور، نمی توانند جلوی فسادی را که از نحوهٔ لباس پوشیدن جوانان در جامعه مطرح است بگیرند؟ توضیح دهید.

پرسش

آیا بزرگان کشور، نمی توانند جلوی فسادی را که از نحوهٔ لباس پوشیدن جوانان در جامعه مطرح است بگیرند؟ توضیح دهید.

پاسخ

برای مقابله با منکرات، باید زمینه های فساد در جامعه ریشه کن شود و اصلاح لباس ظاهری چندان ریشه ای نمی باشد و لجاجت یک عده را تحریک خواهد کرد. در کوتاه مدت تصویب قانون و اعمال مجازات قضایی، تا حدی می تواند از اشاعهٔ فساد در جامعه جلوگیری نماید و این کار از دستگاه های قانون گذاری و اجرایی بر می آید اما این راه و روش در دراز مدت کارایی ندارد و چه بسا اثر معکوس دارد. ما به تجربه این موضوع را پس از انقلاب دیده ایم. راه درست و منطقی، مبارزه با علت ها و تولید فکر و ارائهٔ خدمات فرهنگی و حفظ هویت ملی و اسلامی می باشد. فرض کنیم قانونِ ناظر بر کتاب و فیلم و مطبوعات با قاطعیت اجرا شود و با مفاسد اجتماعی برخورد فیزیکی صورت گیرد. همهٔ این ها در حکم مسکّن است که اثر مقطعی دارد. اگر درمان دائمی و اساسی فراهم نشود، مسکّن جز مخدّری برای فراموش کردن و به تأخیر انداختن مداوا و معالجهٔ اساسی، در نتیجه عمیق تر و پنهان تر

شدن عفونت نخواهد بود. البته به وجود آوردن جریان های وسیع فکری کار آسانی نیست و در یک ماه و یک سال پدید نمی آید. انسان بی فرهنگ انسان مجهول الهویه است. انسانی که هویت فرهنگی نـدارد، یتیم است، و خواه ناخواه چنین فردی، شـکاری برای همه و صـیدی برای هر صـیادی است. پس بایـد با کاری ریشه ای و حساب شـده فرهنگ سازی کرد که در آن صورت حالت الزان باطنی و فشار درونی دارد. راه حل های قانونی و قضایی به جای خودش لازم و مفید است ولی هر جامعه ای برای حراست از هویت خود هیـچ راهی جز ارتقا و اعتلای آگاهی و معرفت و علم نـدارد. باید جوانان را چنان بار آوریم که با هر بانگی از راه به در نروند و با هر موج و نوایی، اختیار عقل و اندیشهٔ خود را از دست ندهند و این کار بسیار بزرگی است که باید با همکاری اولیا و مربیان از مهد کودک تا دانشگاه و با برنامه ریزی دقیق و مدوّن و راهنمایی علما و روشنفکران و جهت دهی رسانه های گروهی مانند صدا و سیما و جرائد انجام گیرد که امیدواریم چنین شود.

چرا علمای دین و مسئولان نظام اسلامی در مورد موسیقی و احکامی از این قبیل موضع گیری محکمی نمی کنند و به اصطلاح تکلیف را روشن نمی کنند تا عده ای از این موضوع سوء استفاده نکنند؟

پرسش

چرا علمـای دین و مسـئولان نظـام اسـلامی در مورد موسـیقی و احکامی از این قبیل موضع گیری محکمی نمی کننـد و به اصـطلاح تکلیف را روشن نمی کنند تا عده ای از این موضوع سوء استفاده نکنند؟

پاسخ

علمای دین در مورد موسیقی و خوانندگی حکم شرعی را بیان کرده اند و گفته اند که اگر موسیقی مناسب مجالس عیاشی و لهو و لعب باشـد حرام و آوازه خوانی هم علاوه بر ملاـک فوق چنـانکه محتوای باطـل و فسـادانگیز داشـته باشـد حرام است. در این میان بعضـی از مصادیق موسیقی و آواز قطعاً از مصادیق حرام هستند و ملاک فوق برای حرمت آن‌ها وجود دارد که این قسم را کمتر در برنامه های صدا و سـیما می توان دید و برخی موارد حالتی دو گنانه و مشـتبه دارند که به واسطه معلوم نبودن وضعیت آن‌ها و بعضاً به جهت اختلاـف فتـوای فقهـا و مراجع (ماننـد برخی از مسائـل که اختلاـف فتوائی در آن‌هـا به طور طـبیعی وجود دارد.) نمی توان صراحتـاً حکم به حرمت آن‌ها داد که حجم این قسم در برنامه های صـدا و سـیما بیشتر است که به خاطر مشـکوک بودن موضوع و تعـدّد این موارد نمی توان به طور قطعی حکمی برای آن‌ها صادر کرد. اما به نظر می‌رسـد سؤال اصـلی شـما در مورد موسـیقی ها و آوازهایی است که در بازار وجود دارد که بسیاری از آن‌ها به لحاظ حکم قطعاً از مصادیق حرام هستند و حکم آن‌ها را علما روشن کرده اند، ولی متأسـفانه برخی از مسئولان اجرایی، به طور قاطع با این موارد برخورد نمی کنند. به عبارت دیگر در این موارد گرچه حکم روشن است، اما به لحاظ اجرایی کوتاهی وجود دارد. نظیر بسـیاری از کتاب های گمراه کنند که به فتوای همهٔ مراجع چاپ و انتشار آن‌ها حرام است، ولی می بینیم که دستگاه های اجرایی به طور کامل از انتشار و توزیع آن‌ها جلوگیری نمی کنند.

چرا برای جلوگیری از اعتیاد، تبلیغات دینی و مذهبی به طور گسترده صورت نمی گیرد؟

پرسش

چرا برای جلوگیری از اعتیاد، تبلیغات دینی و مذهبی به طور گسترده صورت نمی گیرد؟

پاسخ

غرق کردن یک ملت خصوصاً نسل جوان در درهٔ هولناک اعتیاد به مواد مخدر، یک ساعت بیان شده توسط استعمار و استکبار است. انسان اگر جایگاه وجودی خود را بشناسد، هرگز با مواد مخدر ارتباط برقرار نمی کند، برای این که اعتیاد مستلزم خروج از انسانیت است بدین خاطر علمای اسلام و مراجع معظم تقلید، اعتیاد به مواد مخدر را تحریم نموده اند.[۱۳] برای ریشه کن کردن یا به حداقل رساندن اعتیاد به مواد مخدر، تبلیغات و کارهای فرهنگی همه جانبه و گسترده از طرف نهادها و سازمان های فرهنگی و رسانه های گروهی لازم و ضروری است و این را همگان می دانند و تا حدود زیادی کار انجام گرفته است. مراجع معظم تقلید فتوا به تحریم، مصرف مواد مخدر داده اند و روحانیون در مواردی که احتمال تأثیر داده اند، حرمت و مفاسد مواد مخدر را توضیح می دهند. سازمان های دیگر با ابزاری که در دست دارند، مانند چاپ پوستر و نصب آن در مکان های عمومی یا بیان مضرات استعمال مواد مخدر از طریق رادیو و تلویزیون، کارهای تبلیغی انجام می دهند، لیکن به علت تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان اسلام علیه جامعهٔ ایران که هر روز مشکل و جوّ تازه ای بر ضد ایران درست می کنند، فرصت کار تبلیغی بیشتر در مورد مواد مخدر باقی نمی ماند. یکی از عوامل عدم تبلیغ گسترده در مورد با این وجود باید پذیرفت که تا کنون، در حد و اندازهٔ تهاجم دشمن، ظاهر نشده ایم. شاید یکی از دلائل آن تعدّد مراکز تصمیم گیری در حوزه فرهنگی و عدم تمرکز در یک نهاد مسئول و عدم اختصاص بودجه لازم باشد که امیدواریم این معضل بر طرف گردد. [۱۳] ویژه نامهٔ مواد مخدر، ص ۱۹ و ۲۴.

چه عاملی باعث شده جلوی بی حجابی که به طور وسیعی جامعه را فرا گرفته و به فرهنگ منحط غرب نزدیک می شویم، گرفته نشود و این قدر نیروهای انتظامی در برابر آن بی خیال باشند؟

پرسش

چه عاملی باعث شده جلوی بی حجابی که به طور وسیعی جامعه را فرا گرفته و به فرهنگ منحط غرب نزدیک می شویم، گرفته نشود و این قدر نیروهای انتظامی در برابر آن بی خیال باشند؟

پاسخ

اصل اولیه در برخورد با هر مسئله‌ای آن است که با ابزارها و شیوه های متناسب برخورد شود، مثلاً مشکل اقتصادی تورم در یک جامعه را نمی‌توان با ساختن جنگ افزارها برطرف کرد یا مشکل و شبهه اعتقادی را با اعلام کردن بر طرف کرد. بنابراین یکی از مسائلی امروزه جامعه ما با آن روبرو شده، بی حجابی و گسترش فرهنگ منحط غربی است که این مسئله عوامل متعدد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... دارد. مهم ترین عامل گسترش فرهنگ غربی، عامل اولی یعنی مسئله فرهنگی است. امروز جامعهٔ ما با حجم وسیع تهاجم فرهنگی به خصوص از طرف جهان غرب روبرو است. بدیهی است که با این مسئله نمی توان صرفاً با نیروی انتظامی و با ابزار قدرت برخورد کرد. وقتی قشری از جامعه از لحاظ تفکر و عقیده، اعتقاد به بی بند و باری و آزادی ارتباط دارند،

وقتی انواع و اقسام نوشتارها یا فیلم ها از راه‌های مختلف در دست جوانان قرار می گیرد که راهی برای جلوگیری آن ها وجود ندارد (مانند اینترنت) طبعاً برخورد از موضع قدرت و انتظامی نمی تواند کارساز باشد یا مثلاً مشکلات اقتصادی برای ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج را نمی توان با نیروی انتظامی برطرف کرد. بنابراین با شناخت عوامل مختلف ایجاد بی حجابی و از بین بردن زمینه های هر یک و برطرف کردن مشکلات مربوط به آن ها از لحاظ فرهنگی و سیاسی و ... می‌توان گام بعدی را برداشت که استفاده از نیروهای انتظامی است؛ زیرا اگر چه عوامل مخرب در یک جامعه ضعیف شده و یا از بین می رود، اما در هر حال عدّه معدودی هستند که نمی توان به هر صورت آن ها را مطیع قانون و فرهنگ دینی جامعه کرد. در این جا باید از ابزارهای قدرت استفاده کرد. مسئلهٔ دیگر: نسل کنونی که در جامعه زندگی می کنند، غالباً جوان هستند و با آن نسل اولیه که انقلاب کرده و با مشکلات و ماهیت رژیم گذشته آشنا هستند و فساد فرهنگی گذشته را دیده‌اند، تفاوت دارند. بنابراین اگاهی بخشی در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است. مسئله تعمیق بخشیدن اعتقادات و ایمان دینی و رفع موانع و شبهاتی که باعث تزلزل در ایمان و اعتقادات دینی می شود، نیز یکی از عوامل مهم در برخورد با فرهنگ منحط غربی است. هماهنگ عمل نمودن نیرو و ابزار قدرت یعنی نیروی انتظامی با مسایل فرهنگی جامعه و دستگاه ها و سازمان هایی که متولی مسائل فرهنگی و مشکلات زن هستند، دیگر سازمان ها که به نوعی با این مسئله ارتباط دارند، می توانند بسیار مؤثر باشند. هم چنین مشکل کشورهای غربی و صاحبان قدرت که کشور ایران را در مسایل مختلف مانند مسئله حقوق بشر و آزادی بیان تحت فشار قرار می دهند و هر روز بر حجم تبلیغات و فشار های خود می افزایند، نباید از نظر دور داشت، در هر حال، هر انسان آگاه و صاحب درد در جامعه به سهم خود در مقابل این مسئله، مسئولیت دارد. با شناخت و آگاهی از شرایط امر به معروف و با آگاهی بیشتر نسبت به مسایل دینی و عوامل ایجاد کننده فرهنگ بی حجابی نیز آشنایی با مشکلاتی که این مسایل برای جامعه و برای زندگی انسان ها ایجاد می کند مانند تزلزل بنیان خانواده، رواج بی‌اعتمادی، تنهایی و افسردگی می تواند در زدودن ریشه های فساد و بی بند و باری، نقش مهمی داشته باشد.

نیروی انتظامی که مسئول نظم کشور است، آیا نباید با زنان کم حجاب برخورد کند؟ اگر این نیرو نمی‌تواند، پس چه نیرویی و یا چه کسی می‌تواند جلوی این کار را بگیرد؟

پرسش

نیروی انتظامی که مسئول نظم کشور است، آیا نباید با زنان کم حجاب برخورد کند؟ اگر این نیرو نمی‌تواند، پس چه نیرویی و یا چه کسی می‌تواند جلوی این کار را بگیرد؟

پاسخ

در ابتدا توجه شما را به این نکته جلب نموده و تأکید می‌کنیم که مسئله بی حجابی یا بدحجابی یک مسئله فرهنگی است و برخورد با آن بیش از آن که مربوط به نیروی انتظامی باشد، بر عهده مسئولان فرهنگی و اصلاح فرهنگ عمومی جامعه است. هم چنین برخورد با پدیده شوم بی حجابی، وظیفه آحاد جامعه در راستای عمل کردن به امر به معروف و نهی از منکر است. البته در کشور ما افراد خاصی مانند دایره مبارزه با منکرات نیروی انتظامی در این باره مسئولیت ویژه دارند که طبق قانون باید به این موضوع بپردازند، ولی از آن جا که به دلیل تهاجم فرهنگی دشمن و عوامل خانوادگی و اجتماعی دیگر، این مسئله شیوع پیدا کرده، برخورد فیزیکی نمی‌تواند جوابگو باشد. از طرفی بعضی معتقدند به جای مبارزه با معلول باید با علت‌ها مبارزه کرد. از این رو اگر

می‌خواهیم در جامعه شاهد بدحجابی نباشیم، باید آموزش در خانواده و مدارس را جدی بگیریم و حجاب را به عنوان یک فرهنگ در آوریم. البته برای حفظ عفت عمومی، نمی‌توان از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر غافل بود. اگر از ناحیه نیروی انتظامی، غفلت یا قصوری می‌بینید، باید به مقامات مسئول گزارش دهید. قطعاً پیگیری و مطالبه مردم اثر خود را خواهد گذاشت.

آیا نباید مسئولان صدا و سیما از تولید فیلم‌ها با زنان کم حجاب جلوگیری و برخورد کنند؟

پرسش

آیا نباید مسئولان صدا و سیما از تولید فیلم‌ها با زنان کم حجاب جلوگیری و برخورد کنند؟

پاسخ

برای جا افتادن فرهنگ حجاب، بستر سازی لازم است و صدا و سیما به عنوان رسانه ملّی در این باره، وظیفه و رسالت مهمّی بر عهده دارد. یکی از راهکارها این است که از هنرمندان و هنر پیشه هایی استفاده شود که ظاهر و رفتارشان بد آموزی نداشته باشد. البته در این جهت سرمایه گذاری شده و تا حدی هم رعایت می‌شود اما تا رسیدن به هدف مطلوب فاصله زیادی است. این واقعیت را باید پذیرفت که در عرصه هنر، عناصر ارزشی کم‌تر حضور می‌یابند و همین امرک زمینه ورود دیگران را فراهم می‌کند و به ناچار نقش بازیگران به عهده آن‌ها گذاشته می‌شود. در عین حال کاستی و کمبودها را باید منعکس کرد و به گوش مسئولان رساند. اگر نیروهای مذهبی با روابط عمومی صدا و سیما در ارتباط باشند و انتقادات و پیشنهادهای خود را مطرح کنند، قطعاً در برنامه ریزی مسئولان تأثیر خواهد گذاشت.

چند سالی است بی حجای و بد حجابی در خیابان‌ها عادی شده است. اگر این گونه اعمال از نظر اسلام صحیح نیست، چرا جلوی آن در جامعه اسلامی گرفته نمی‌شود؟ چرا در فیلم‌های سینمایی، فرهنگ غرب را ترویج می‌کنند؟ چرا مراجع تقلید اقدام نمی‌کنند و... تکلیف من در خیابان و

پرسش

چند سالی است بی حجای و بد حجابی در خیابان‌ها عادی شده است. اگر این گونه اعمال از نظر اسلام صحیح نیست، چرا جلوی آن در جامعه اسلامی گرفته نمی‌شود؟ چرا در فیلم‌های سینمایی، فرهنگ غرب را ترویج می‌کنند؟ چرا مراجع تقلید اقدام نمی‌کنند و... تکلیف من در خیابان و دانشگاه چیست؟

پاسخ

تألمات خاطری که از مشاهده فرهنگ ابتذال در جامعه پیدا کرده‌اید، نشانه احساسات پاک و غیرت دینی و شکوفایی فطرت قدسی و مذهبی شما است و شایسته تقدیر می‌باشد. بر هر فرد مسلمانی، در هر موقعیت علمی و اجتماعی و دینی باشد، به خصوص

شخصیت‌های مؤثر و دولت که ابزار لازم جلوگیری را در اختیار دارند، لازم است از بروز انواع فساد و گسترش فرهنگ ابتذال و هر فرهنگ و مُدی که زمینه ساز فساد اخلاقی است، مانند بد حجابی یا بی حجابی جلوگیری کنند. بر دیگران نیز لازم است با رعایت مراتب، امر به معروف و نهی از منکر کنند. وظیفه مردم به خصوص جوانان حزب اللهی در قبال فساد اجتماعی از دیدگاه امام خمینی(ره) جلوگیری از آزادی‌های افسار گسیخته، و اموری که خلاف عفت عمومی و مصالح امت اسلامی است، وظیفه همه مسلمانان است، اگر چه برخی از زنان به خاطر داشتن نفوذ و تأثیر گذاری بیشتر، مسئولیت زیادتری دارند. امام خمینی در ص ۲۸ وصیت نامه الهی سیاسی خویش، تکلیف و وظیفه همه طبقات را در این زمینه روشن نموده است. برای شفاف شدن تکلیف شما و همه اقشار ملت، قسمتی از آن را نقل می‌کنیم": اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده، و رئیس جمهور و رؤسای جمهوری بعد، و به شورای نگهبان، و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلاتِ برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آن‌ها واجب است، و از آزادی‌های غرب باید جلوگیری شود... و مردم و جوانان حزب اللّهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلّف به جلوگیری هستند. "جنابعالی در قسمتی از نامه تان نوشته‌اید: از نظر من کسی می‌تواند مرجع تقلید باشد که این مشکل را حل کند وگرنه مرجع تقلید بودن یک عده پیرمرد و پیرزن بودن هنر نیست. علما و مراجع تقلید به تعبیر روایات، امنا و خلفا و جانشینان انبیا و ائمه(ع) می‌باشند. آنان شریعت واحکام الهی را از طریق وحی دریافت می‌کردند و به مردم ابلاغ می‌نمودند. علما و فقها هنرشان شناخت کارشناسانه و مجتهدانه اصول و فروع گسترده اسلام از روی آیات و روایات، و تطبیق کلیات بر جزئیات و مصادیق، و موضوعات نوظهور و ارائه پاسخ آن به جامعه است. آنان ندای قرآن و پیامبر اسلام و ائمه معصومین(ع) را در مواقع مختلف و از راه‌های متفاوت (اعم از سخنرانی، کتاب، رساله عملیه، اطلاعیه‌ها و اعزام مبلّغ و بالاخره مستقیم و غیر مستقیم) به گوش مردم می‌رسانند. البته در این میان می‌توانند عده‌ای نیز باشند که به وظیفه اساسی خود عمل نکنند و دچار هوای نفس و یا دنیا زدگی شوند. مطمئناً چنین کسانی اساس این طبقه و مطابق با فلسفه وجودی روحانیت نیستند. در عین حال مسئله مهمّی مانند این مسئله که یک معظل پیچیده فرهنگی است، تنها یک عامل یا حتی یکسری عوامل کاملاً شناخته شده ندارد تا با دادن فتاوا و یا سخنرانی‌ها بتوان جلوی آن را گرفت و یا حتّی مانع گسترش آن شد. هنگامی که بخشی از امور فرهنگی جامعه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ترویج این وضعیت کمک می‌کند، هنگامی که رواج بی بند و باری تئوریزه می‌شود، هنگامی که هر از چند گاهی، کشور ایران و حکومت آن به خاطر نقض حقوق بشر و منع آزادی‌های فردی محکوم می‌شود، هنگامی که مشکلات اقتصادی و فرهنگی و فکری و اعتقادی موجب افزایش سن ازدواج می‌شود، هنگامی که آزادی جنسی به عنوان یک حق بشری با ابزارهای مختلف و پیچیده تبلیغ شده و محق جلوه داده می‌شود، هنگامی که مشکلات سیاسی و اقتصادی و بازی‌های سیاسی، مسئولان و مدیران فرهنگی جامعه را به خود مشغول داشته و هنگامی که... . حال چه مقدار می‌تواند سخن مراجع و هشدارهای آنان و حتی فتوا مؤثر باشد؟! گاه بعضاً حتی تأثیر منفی نخواهد داشت؟ آیا اگر اجتهاد دقیق و فتاوای عمیق در این مسائل داده شود و سخن‌های بسیار زیبا و دلنشین هم بیان شود، اما دیگران گوش فرا ندهند و عمل نکنند، باز تقصیر را باید متوجه مراجع دانست؟ در هر حال شما به عنوان یک مسلمان که وظیفه امر به معروف را انجام می‌دهید، باید هر چه بیشتر سعی در حفظ و مراقبت از خویش ننمایید. تا حدّ امکان باید سعی در حفظ نگاه خویش از نامحرمان داشته باشید. البته در صورت سهوی بودن نگاه بر شما گناهی نیست، اما نگاه‌های بعدی را که در اختیار خودتان است، حفظ کنید. می‌توانید زمینه‌های نگاه سهوی را نیز برطرف کنید، به این صورت که از معاشرت یا مکانی که نامحرمان تجمع دارند و یا از صحبت کردن دوری نمایید. اگر چه در

شرایطی که زمینه گناه بیشتر وجود داشته باشد، خودداری و مراقبت از خویشتن مشکل‌تر است، اما مطمئناً اجر و پاداش بیشتری داشته و انسان را به کمالات اخلاقی بالاتری می‌رساند. البته کمک خواستن و راز و نیاز به درگاه الهی، پشتوانه محکمی برای انسان در این راه پر خطر است.

این همه تشریفات که برای ورود بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، منع شرعی ندارد؟

پرسش

این همه تشریفات که برای ورود بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی صورت می گیرد، منع شرعی ندارد؟

پاسخ

اگر تشریفات برای مسئولان نظام موجب اسراف، تبذیر و از بین بردن بیت المال شده و با شأن و موقعیت جمهوری اسلامی همسویی نداشته باشد، حرام بوده و جایز نیست. بر این اساس باید مسئولان نظام ساده زیست بوده و بیت المال را رعایت کنند، زیرا یکی از ویژگی‌های حکومت دینی در ساده زیستی و دوری از تشریفات ظهور می کند. امام علی(ع) ساده زیست بوده(۱) و مدیران حکومتی خویش را به ساده زیستی فرا می‌خواند.(۲) ساده زیستی موجب می‌شود که مسئولان نظام بیشتر مشکلات اقتصادی مردم را درک کرده و در تصمیم گیری‌های آن‌ها مشکلات مردم تأثیرگزار باشند، از همین رو است که امام علی(ع) یکی از علل ساده زیستی خویش را همدردی با فقیران دانست.(۳) امام راحل(س) بارها مسئولان نظام را به ساده زیستی و دوری از هر گونه تشریفات دعوت نمود که متأسفانه برخی از مسئولان این مسئله را نادیده می گیرند. در عین حال باید این مطلب را مدّ نظر قرار داد که ساده زیستی به گونه‌ای باشد که اسلام و حکومتی دینی متهم به دنیا گریزی نشود. اگر مسئولان نظام در استقبال از رهبران جهان به گونه‌ای رفتار نمایند که تصور شود اسلام با پیشرفت‌های علمی مخالف بوده و هنوز مانند انسان‌های عقب مانده زندگی می کنند، این رویکرد قابل قبول نیست. بر این اساس مسئولان نظام باید در بهره گیری از بیت المال به گونه‌ای بهره گیرند که از تشریفات پرهیز شده و آموزه‌های دین درباره دنیا نیز زیر سؤال نرفته و شأن مقام جمهوری اسلامی در تمام ابعاد حفظ گردد. پی نوشت‌ها: ۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۸ به بعد. ۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵. ۳. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۴ به بعد؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۱؛ دانشنامه امام علی(ع) ج ۴، ص ۱۸۵.

چرا بعضی از مقامات دولتی برخی از تکالیف شرعی به ظاهر ریز را رعایت نمی‌کنند؟ چرا این افراد انتخاب می شوند؟

پرسش

چرا بعضی از مقامات دولتی برخی از تکالیف شرعی به ظاهر ریز را رعایت نمی کنند؟ چرا این افراد انتخاب می شوند؟

پاسخ

عدم التزام به تکالیف شرعی ناشی از عدم شناخت صحیح از مسائل شرعی، یا عدم اعتقاد راسخ به مبانی دینی و یا وسوسه مقام و ثروت و فریب نفس شیطانی است. در این راستا، نقش خانواده محیط و تربیت بسیار تعیین کننده است. در این جهت فرقی بین کارگزاران نظام و دیگران نیست. چه بسا بعضی از مقامات دولتی مسائل اولیه را (که ظواهر اسلامی باشد) رعایت نکنند! این اشکال به نظام اداری و نحوه گزینش بر می گردد و به این حقیقت می توان پی برد که به جای شایسته سالاری و انتخاب اصلح، منافع فرد و گروه مورد توجه قرار گرفته است. باید دستگاه‌های نظارتی، فعالیت خود را بیشتر نمایند و نظام اداری به جا مانده از فرهنگ منحط طاغوتی متحوّل گردد. در این امر همه افراد جامعه سهیم و دخیل اند. البته بسیاری از افراد قبل از انتخاب شدن شاید این گونه نیستند یا حداقل معلوم نیست که افراد شایسته نباشند، اما پس از رسیدن به موقعیت اجتماعی و در دست گرفتن مسئولیت و مقام دچار انحراف می شوند و گاهی نه تنها مسایل شرعی به ظاهر کوچک، بلکه مسایل مهم شرعی را نیز نادیده می گیرند. تغییر چنین افرادی مشکلات خود را دارد.

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پرسش

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پاسخ

هر چند قانون منع استفاده از ماهواره، راه حل نهایی و اصولی برای کنترل جوانان نیست، ولی با توجه به حجم گستردهٔ تبلیغات دشمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم ها (یی که با فرهنگ و هویّت ملّی و اسلامی همخوانی ندارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی و دینی می شود) آزاد گذاشتن آن نیز به صلاح نمی باشد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کنند. این سخن مانند آن است که بگوییم مغازه های شرابخواری یا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگذاریم و به مردم بگوییم خودتان از رفتن به آن اماکن دوری کنید! بدیهی است گناه لذت و جاذبه ای دارد که بسیاری از جوانان را به سوی خود می کشاند. از طرفی از نظر اسلام موظفیم زمینهٔ گناه را از بین ببریم. ماهواره هرگز با ویدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویدئو را رها کردند، دلیلش آن نبود که ویدئو آزاد شد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویدئو، استفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشتند فراهم شد. از طرف دیگر صدا و سیما با ارائهٔ فیلم ها و برنامه های ورزشی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کند و به سوی خود جذب نماید. در ضمن تهیهٔ فیلم های خاص ویدئوئی با مشکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیاز به صرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهد آماده، مانند ماهواره نیست. در ضمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاصه نمی شود؛ برنامه های هنری و تبلیغاتی و سیاسی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یک نوع فرهنگ و تفکّری هم از جهت ظاهر و هم از جهت درونی القا می کند. هر کشور و هر نظامی بالاخره به زبان خودش حلال وحرامی دارد؛ مجاز و ممنوعی دارد؛ فرهنگ خاص خود را دارد. در آمریکا هم شرابخواری علنی در معابر عمومی قانوناً ممنوع است و این ممنوعیت را ضد آزادی نمی دانند. البته کار سلبی به برکت کار ایجابی است که مؤثر است، یعنی علاوه بر

ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یک دریای عمیق، جریان ها و موج ها را در دل خود حل می کند، پس باید به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیم و درخشان تاریخی است. چنین فرهنگی مصونیت دارد.(۱) پی نوشت ها: ۱. جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

با این که در روایات ما شطرنج مذمت شده است ، چرا در کشور اسلامی اینقدرشطرنج رایج شده است ؟

پرسش

با این که در روایات ما شطرنج مذمت شده است ، چرا در کشور اسلامی اینقدرشطرنج رایج شده است ؟

پاسخ

در رابطه با سوال شما باید عرض کنیم که حکم خدا یعنی حلال و حرام او تا روز قیامت قابل تغییر نیست و هیچ کس اعم از فقیه و غیرفقیه نمی تواند آن را تغییر دهد که از جمله مسیله قمار است که شطرنج یکی ازمصادیق آن می باشدو بنابر اصل شرع و فتوای همه مراجع حرام است و شطرنج از این قبیل است و همانگونه که در زمان رسول خدا (ص) و ایمه حرام بوده اکنون نیز حکم شطرنج در صورتی که آلت قمار باشد همان است و آنچه اخیرا"از بعضی مراجع بزرگوار مثل امام (ره) و یا آیت الله فاضل و مقام رهبری شنیده اید آن است که می فرمایند تا وقتی که شطرنج در عرف متدین جامعه عنوان آلت قمار را دارد بازی با آن اگر چه بدون برد وباخت باشد حرام است اما اگر در جامعه طوری شد که شطرنج عنوان آلت قمار بودنش را ازدست داد و هیچکس آن را آلت قمار به حساب نیاورد بلکه به عنوان یک ورزش فکری تلقی شد در این صورت دیگر موضوع عوض شد و در واقع دیگرقمار نیست بلکه مانند فوتبال است که اگر برد و باخت و شرط بندی درآن نباشد حلال است بنابراین حکم اصلی یعنی حرمت قمار در جای خودمحفوظ است و کسی آن را عوض نکرده و نخواهد کرد اما اگر موضوع عوض شدمانند همان شرابی که تبدیل به سرکه می شود حکمش نیز عوض خواهد شد و این یک قاعده کلی است که فقها از روایات استنباط کرده اند و چیزی نیست که از خودشان بگویند .البته بعضی از فقها بازی بدون برد و باخت با آن را هم جایز نمی دانند;.

آیا ایراد ضرب افراد توسط نیروهای امنیتی مثل برادران بسیجی یا نیروهای انتظامی (حتی اگر کسی تخلفی بکند) درست و صحیح است؟ اگر جواب منفی است پس چرا روزانه ما شاهد این قضیه به کرات هستیم؟

پرسش

آیا ایراد ضرب افراد توسط نیروهای امنیتی مثل برادران بسیجی یا نیروهای انتظامی (حتی اگر کسی تخلفی بکند) درست و صحیح است؟ اگر جواب منفی است پس چرا روزانه ما شاهد این قضیه به کرات هستیم؟

پاسخ

به: فرماندهی محترم نیروی مقاوت بسیج با احترام و آرزوی موفقیت به پیوسته پرسش یکی از دانشجویان جهت بررسی و پاسخ تقدیم می گردد: با تشکر رونوشت: نویسنده پرسش نظیر همین نامه به فرماندهی نیروی انتظامی تحریر گردد. پرسشگر گرامی پرسش شما به فرماندهی محترم نیروی مقاومت و نیروی انتظامی جهت بررسی و پاسخ ارسال شد در صورت دریافت پاسخ در اولین فرصت انشاءالله تقدیم خواهیم نمود.

چرا علی رغم وجود کمیتهٔ انظباطی دانشگاه و نصب پوسترهای مختلف مبنی بر رعایت شؤونات اسلامی هیچ‌کس جلو این بی‌بندباری‌ها را نمی‌گیرد و از بسیج دانشجویی که در این مسائل که دستش بازتر است خواهش می کنیم به کمیتهٔ انضباطی اطلاع داده و بخواهد واقعاً جلو این آرایش

پرسش

چرا علی رغم وجود کمیتهٔ انظباطی دانشگاه و نصب پوسترهای مختلف مبنی بر رعایت شؤونات اسلامی هیچ‌کس جلو این بی‌بندباری‌ها را نمی‌گیرد و از بسیج دانشجویی که در این مسائل که دستش بازتر است خواهش می کنیم به کمیتهٔ انضباطی اطلاع داده و بخواهد واقعاً جلو این آرایش‌ها و لباس‌های مبتذل را بگیرد.

پاسخ

از آنجائیکه پاسخ سؤال جنابعالی در حیطه وظائف نیروی مقاومت بسیج می باشد عین نامه حضرتعالی را به فرماندهی آن نیرو ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

نظارت اجتما عی غیر رسمی

امربه معروف و نهی از منکر

چگونه می توان دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کرد که ناراحت نشوند؟

پرسش

چگونه می توان دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کرد که ناراحت نشوند؟

پاسخ

حتماً می دانید وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرایطی داردو از جمله : ۱ خود آمر و ناهی از آن چه می خواهد نهی کند و یا ارشاد کند آگاهی داشته باشد ;۲ بداند حرفش اثر دارد ;۳ این که برای خودش و خانواده و بستگانش ضرر جانی و مالی و آبرویی

و... نداشته باشد. در صورت وجود چنین شرایطی ـ اولاً: در میان جمع و افرادی طرف پیش آن ها آبرو و حیثیت دارد نباشد ـ ثانیاً: با زبان نرم و لطیف با او برخورد کند. وقتی حضرت موسی به مقام نبوت رسید از طرف خداوند مأموریت پیدا کرد به اتفاق برادرش هارون پیش فرعون بروند و او را امر به معروف و نهی از منکر کنندخداوند به آن ها فرمود: وقتی پیش او رفتید با خشونت برخورد نکنید با زبان خوش و شیرین به او متذکر شوید. اذهبا الی فرعون انه طغی و قولا له قولاً لیناً.(۱) و ثالثاً: ابتدا به صورت کنایه و غیر مستقیم به او متذکر شوید. امام حسن مجتبی و امام حسین ۸در حال طفولیت مردی را می بینند که وضوی کامل نمی گیرد و وضوئش عیب دارد برای این که امر به معروف کنند. ازاین طریق وارد شدند که جناب آقا من و برادرم بر سر وضوی صحیح با هم اختلاف داریم . آمدیم پیش شما داوری کنید, هر دو وضو می گیریم بفرماییدوضوی کدام یک از ما صحیح است . وضوی صحیح گرفتند. پیرمرد متوجه شدند. هر دو را بوسیدند و گفتند: جانم به قربان شما بسیار از راهنمایی شمامتشکرم . (پاورقی ۱.طه (۱۶ آیهء ۴۳

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

پرسش

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

پاسخ

در مورد سؤال، وظیفه شما برخورد با گناه است. چون امر به معروف و نهی از منکر در صورت شرایط واجب است، ولی اگر امر و نهی شما تأثیری ندارد، چیزی بر عهدهٔ شما نیست و از جمع ایشان فاصله بگیرید. صبر تفسیر دیگری دارد و آن صبر در برابر گناهی که برای خود او پیش آمده و در مصیبت و سختی طاعت خدا است. صبر به معنای بی اعتنایی و سکوت و رضایت از گناه نیست.

اگر ما مثلاً فرد یا افرادی را درحال ارتکاب گناه، نهی ازمنکر کنیم آیا رفتار ما درست است؟یا باخشونت؟

پرسش

اگر ما مثلاً فرد یا افرادی را درحال ارتکاب گناه، نهی ازمنکر کنیم آیا رفتار ما درست است؟یا باخشونت؟

پاسخ

درخصوص سؤال شما تفصیلاً به عرض می رسانیم که امر به معروف ونهی از منکر درمیدان گفتار وتذکر زبانی دارای شرایط ذیل است : ۱. شناخت واجب ترک شده توسط متخلف وشناخت منکر وحرام انجام شده توسط او ۲. احتمال تأثیر تذکر وامر ونهی ۳. علم به تکرار تخلف توسط متخلف ۴. عدم وجود مفسده درامر به معروف ونهی ازمنکر بنابراین امر به معروف با شرایط فوق واجب و لازم ودرصورت فقدان شرایط مذکور واجب نخواهد بود یعنی با شرایط ذیل واجب نیست : ۱. نداند آنچه انجام شده حرام است

وترک واجب ۲. بداند یا احتمال دهد عدم تأثیر گفتار وامر ونهیش را ۳. بداند یا احتمال دهد مفسده وضرری را مگر درموارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین ومذهب، حفظ قرآن و آرمانهای آن وعقاید واحکام ضروری اسلام که درآن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید. لازم به یادآوری است با فقدان شرایط امر به معروف ونهی ازمنکر حکم وجوب گفتاری وتذکر کلامی برداشته خواهد شد ولی امر به معروف عملی درحذف بسترهای گناه ومنکرات واستفاده از ابزار بازدارنده وظیفه دیگری است که فعلاً به عهده قوۀ قضائیه ونیروی انتظامی است. حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای"مدظله العالی "دراین باره فرموده اند" : با توجه به اینکه درزمان حاکمیت واقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف ونهی ازمنکر را که بعد از مرحله امر ونهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی(پلیس) وقوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف دراموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر وحبس او و مانند آن نیست، درچنین زمانی با حاکمیت واقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین درامر به معروف ونهی از منکر به امر ونهی زبانی اکتفا کنند، و درصورت نیاز با توسل به زور، موضوع را به مسؤلین ذیربط درنیروی انتظامی و قوۀ قضائیه ارجاع دهند واین منافاتی با فتاوای امام راحل"ره "دراین رابطه ندارد. ولی درزمان ومکانی که حاکمیت واقتدار حکومت اسلامی نیست، برکلفین واجب است درصورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف ونهی ازمنکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند ".برای پژوهش بیشتر به رسالۀ توضیح المسائل حضرت امام"ره "رجوع کنید. (۱) اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری،ج۲،ص ۳۳۱،ص۱۰۸۸

اگر درمجلسی بنشینی که گناه می کنند(مانند خانه خاله، نوارترانه گذاشته اند ونمی توانی بگویی خاموش کن چون آبروی تو جلوی جمع می رود ومثلاً رفیق ها دارند غیبت می کنند ونمی توان گفت ساکت شوو...)این چه اشکالی دارد خیلی توضیح دهید.

پرسش

اگر درمجلسی بنشینی که گناه می کنند(مانند خانه خاله، نوارترانه گذاشته اند ونمی توانی بگویی خاموش کن چون آبروی تو جلوی جمع می رود ومثلاً رفیق ها دارند غیبت می کنند ونمی توان گفت ساکت شوو...)این چه اشکالی دارد خیلی توضیح دهید.

پاسخ

درمورد حضوردرمجلسی که درآن مجلس یقیناً گناه ومعصیت خدا صورت می گیرد بدون شک باید شماتکلیف خودتان را مشخص کنید. انجام وظیفه شرعی و دینی خجالت وحیا بردار نیست. اگر کسی به دلیل خجالت وامثال آن ازادای تکلیف سرباز زند مسلماً برخلاف دستورات شرعی ودینی عمل کرده است. اگر می توانید مانع ادامه گناه ومعصیت شوید جلوگیری ازآن برشما لازم و واجب است. واگر نمی توانید، و یا کلام وبیان شماتأثیری ندارد باید درآن مجالس شرکت نکنید.البته اگر بتوانید با تدبیر و اظهار محبت وعلاقه بحث را عوض کرده ومسیرصحبت را تغییر بدهید بسیار خوب است. درباره چگونگی عمل دراین موارد نمی توان یک نسخه عمومی پیچید تاهمگان اجرا کنند چراکه روحیات افراد، فرهنگ و آداب ورسوم واخلاق و سلیقه های مردم با یکدیگر متفاوت است بنابراین متناسب با موقعیت زمانی ومکانی وافراد مورد خطاب باید اقدام اصلاح گرایانه انجام داد. مثلاً با توجه به شناختی که از مجالسی شبیه آنچه ذکر کرده اید، قبلاً نوارهای موسیقی وآهنگ هایی مجاز ومتناسب با مجلس تهیه کنید وقبل از آنکه دیگران نوار بگذارند، شما آن نوار یا نوارها را برای پخش ببرید ودروصف آن توضیح دهید .ممکن است موفق شوید مسیر را عوض کنید. اگر مقاومت کردند وحاضر نبودند به گفته شما عمل بکنند با مهربانی وعطوفت وبیان مضرات وآثار مخرب موسیقی

غنایی وعـذرخواهی مجلس را ترک کنیـد. سـعی کنیـد زیاد مقـدس مآبی درنیاورید چنانکه تمام آهنگها را غیر مجاز بشـمارید واز سوی دیگر دربرابر آهنگ‌هـا وموسـیقی هـای نامشـروع بی تفاوت نباشـید. درمورد مجلس غیبت نیز تکلیف این است که درصورت امکـان مـانع از غیبت شویم که البته شایـد بهـترین روش عوض کردن موضوع بحث باشـد به گونه ای که حاضـران نیز متوجه نشوند شما قصـد داریـد بحث را عوض کنید بلکه القاء کنید که واقعاً خواهان بحث ومناظره دریک موضوع خاص هستید. این کار نیازمند برنـامه‌ریزی وفکر وتأمـل قبلی است. اگربا این روش نتوانستیـد مانع انجام گناه ومعصـیت (غیبت) شویـد با بیان آثار مخرب غیبت به حاضـران تنبه بدهید".۱"درصـورتی که متقاعـد نشدنـد، باکمـال احـترام وادب وبـدون هیچگونه توهین واهـانت حـتی به کنـایه وبا عذرخواهی مجلس را ترک کنید. البته نه اینکه قهر کنید واز آن پس دیگر باآن افراد رابطه نداشـته باشید بلکه باید القاء کنید که از عمل آنها ناراحت بودیـد نه شـخص خودشان. اگر محبت وعلاقه منـدی شـما رانسـبت به خودشان احساس کننـد متنبه شده واز کار خلاف دست خواهند کشـید ویا به احترام شـما ازآن اجتناب خواهند ورزید.مهم این است که شـما با نهایت عزت و احترام وکرامت انسانی رفتار کنیـد دراین صورت هم از محبوبیت برخوردار خواهیـد شد وهم قادرخواهید بود درجامعه تأثیر گذار وهدایتگر باشـید. یـک راه دیگر برای دوری از محیـط گنـاه این است که از مجلس به بهـانه کـاری خـارج شویـد ویـا اینکه به بهانه کمک به متولیان وهمکاری درتـدارک کارهای بیرونی محیط را ترک کنیـد. خلاصه این که دینـداری هزینه هایی دارد که شـخص دینـدار باید آنرا بپردازد".بهشت را به بهـا می دهنـدته به بهانه" "۲ (۱") از جمله این آیه قرآن را می توانیـد ذکر کنیـد که می فرمایـد" : ولایـغتب بعضـکم بعضا ایحب احدکم ان تأکل لحم اخیه میتاً فکرهتموه ("غیبت همدیگر را نکنید زیرا مثل خوردن گوشت مردار برادر دینی است که ازآن کراهت داریدو...) شهید مظلوم آیت ا...دکتر بهشتی

فردی که دوست دارد بنده واقعی خداوند باشد و همهٔ دستورهای اسلام را عملی کند، لکن اطرافیان و دوستانی دارد که به رعایت دستورهای الهی پای‌بند نیسـتند ;در این مورد وظیفه چیست گاهی انسان در مجلسـی حاضر می‌شود که بعضی غیبت می‌کنند و اگر آن‌ها را نهی از منکر کند،

پرسش

فردی که دوست دارد بنده واقعی خداوند باشد و همهٔ دسـتورهای اسـلام را عملی کند، لکن اطرافیان و دوستانی دارد که به رعایت دسـتورهای الهی پای‌بند نیسـتند ;در این مورد وظیفه چیست گاهی انسان در مجلسـی حاضر می‌شود که بعضی غیبت می‌کنند و اگر آن‌ها را نهی از منکر کند، اعتنا نمی‌کنند ;در این مورد چه باید کرد؟

پاسخ

تصـمیم و ارادهٔ نیک و ارزش منـدی که شـما در راه رسـیدن به سـعادت و کمال گرفته‌اید، قابل سـتایش است امید است توفیق الهی شامل حال شـما شود که بتوانید همه دسـتورهای اسـلام را عملی کنید، و بندهٔ واقعی خدا باشـید. یکی از شرایط مهم برای رسیدن به این هدف دوری از افرادی است که ضـعف اخلاق و ایمان دارند، و به دسـتورهای دینی بی‌توجهی می‌کنند. آرزو و تصـمیم گرفتن فرد برای نایل شدن به کمال و رسـیدن به درجه بالای تقوا، با معاشـرت کردن با افرادی که ایمان ضعیف دارند، سازگار نیست مگر این که شـما بتوانید در آن‌ها اثر گذارید، و آنان را به رعایت دستورهای اسلام وادار سازید ;در غیر این صورت باید از آن‌ها دوری کنید. تأثیر معاشـرت در خوش‌بختی و سـعادت و یا بدبختی و شـقاوت امری انکارناپذیر است قرآن مجید، ضمن یک آیه سرنوشت افرادی که در اثر معاشـرت به انحراف کشـیده شده‌انـد، بـازگو می‌فرمایـد": ویَومَ یَعَضُّ الظّالِمُ عَلیَ یَدَیهِ یَقولُ یـلَیتَنِی اتَّخَذتُ مَعَ

الرَّسولِ سَبیلا یـوَیلَتیَ لَیتَنی لَم اَتَّخِذ فُلانـًا خَلیلا لَقَد اَضَـلَّنی عَنِ الذِّکرِ بَعدَ اِذ جأنی وکانَ الشَّیطـَنُ لِلاِنسـَنِ خَذولا(فرقان ۲۷ـ۲۹)و به خاطر بیاور روزی که ظالم دست خویش را از شـدت حسرت به دنـدان می گزد و می گوید:ای کاش با رسول خدا۹ راهی برگزیده بودم ای وای بر من کـاش ـ فلاـن]شـخص گمراه را دوست خود انتخاب نکرده بودم او مرا ا...یاد حق گمراه ساخت بعـد از آن که آگاهی به سراغ من آمده بود ".امّا اگر انسان در مجلسی شرکت کند که عده‌ای در حال غیبت کردن هستند، چنان چه نهی از منکر وی در آنـان اثر نکنـد، بایـد از مجلس خـارج شـود و گـوش دادن بـه غیبت ماننـد خـود غیبت کردن حرام است و غیبت از گناهـان کبیره‌ای است که قرآن بـا تشبیه بی‌سـابقه‌ای از آن نهی فرموده است" یـاَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا اجتَنِبوا کَثیرًا مِنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعضَ الظَّنِّ اِثمٌ ولا تَجَسَّسوا ولا یَغتَب بَّعضُکُم بَعضـًا اَیُحِبُّ اَحَدُکُم اَن یَأکُلَ لَحمَ اَخیهِ مَیتـًا فَکَرِهتُموهُ واتَّقوا اللّه اِنَّ اللّه تَوّابٌ رَحیم (حجرات ۱۲) هیچ یک از شـما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد.]به یقین همه شما از این امر کراهت داریـد ".عرفا و بزرگان اخلاق در انجام وظایف دینی و ترک محرّمات خیلی جدّی بودند. در مجلس مرحوم میرزاجواد آقا ملکی که از علمـای بزرگ اخلاـق و عرفـان بودنـد، روزی یکی از حاضـران غیبـتی کرده بـود، این عـالم بزرگ به شـدت نـاراحت می‌شودو به وی خطاب می کند":چهل روز مرا به زحمت انداختی (رساله‌لقأالله، میرزاجوادآقا،ملکی‌تبریزی ص) غیبتی که بی‌اختیار یک عالم بزرگ می‌شود، برای این که اثر این غیبت را در روح خود از بین ببرد، به چهل روز عبادت و بندگی بیش‌تر در برابر ذات الهی نیاز پیدا می کند ;بنابراین برای اصـلاح نفس و رسیدن به کمال باید به طور کامل مراقب بود که هیچ‌گونه کار حرامی از انسان سر نزنـد. بدیهی است هر فردی با اراده جدّی و ایجاد شـرایط لازم می‌تواند به مطلوب و خواست خود نایل شود و برای توفیق در هر امر، باید از ذات الهی و امامان کمک گرفت قرآن در این باره می‌فرماید":والَّذینَ جـَهَدوا فینا لَنَهدِیَنَّهُم سُـبُلَنا واِنَّ اللّه لَمَعَ المُحسِنین (عنکبوت ۶۹) کسـانی کـه در راه مـا جهـد و کوشـش کردنـد، محققـاً آن‌هـا را بـه راه خـوبش هـدایت می کنیـم و خـدا همیشـه با نیکوکاران است"

هنگامیکه شـخص درصورت انجام فریضه امر به معروف ونهی از منکر بااینکه توانایی هم دارد مورد تمسـخر قرار می گیرد باید چگونه وظیفه اش را انجام دهد بطوریکه هم رضایت خداوند جلب شود وهم نهایت راهنمایی را درقبال مردم مسلمان به انجام رساند؟

پرسش

هنگـامیکه شـخص درصـورت انجـام فریضه امر به معروف ونهی از منکر بـااینکه توانـایی هم دارد مورد تمسـخر قرار می گیرد بـاید چگونه وظیفه اش را انجـام دهـد بطوریکه هم رضـایت خداونـد جلب شود وهم نهـایت راهنمـایی را درقبـال مردم مسـلمان به انجام رساند؟

پاسخ

مسـأله امر بـه معروف ونهی از منکر یکی از بزرگـترین فرائض و واجبـات الهی اسـت کـه بـه تعـبیر روایت «بهـا تقـام الفرائض »قـوام واجبـات دیگر الهی بسـتگی به اقـامه این فریضه بزرگ دارد ولی این واجب بزرگ همراه بـا شـرائطی است که درصورت وجود آن شرائـط واجب می شود برهرکس که توان آن را دارد. که از جمله آن شـرائط احتمـال تأثیر است . اگر انسان می دانـد که تأثیر نمی کند واجب نیست ویکی دیگر از شرائط این است که موجب ضرر جانی یا آبرویی برای آمر به معروف یا برای دیگران نشود ودیگر اینکه بـدانیم آن فرد قصـد تکرار وادامه آن گنـاه را دارد پس بـابودن شـرائط لاـزم این فریضه بزرگ واجب می شـود ومجرد اینکه مورد استهزاء وتمسخر قرار گرفت مجوز برای ترک نیست . نهایت امر این است که مراحل امر به معروف کاملاً رعایت شود. ونحوه

برخورد وزمـان برخورد مکان برخورد همه کاملاً به دقت مورد توجه قرار گیرد وکسـی که تصـمیم بر اقامه این فریضه بزرگ گرفته کاملاً-به موارد وریزه کاریهای آن آشـنا باشـد چه بسا این فریضه با یک ترک معاشـرت ویا انجام آن ویا اخم کردن ویا با روی باز برخـورد کردن انجـام شـود واین نسـبت به افراد و روحیـات فرق می کنـد پس اگر در موردی که بایـد بـا زبـان خوش برخورد کند باتنـدی وخشونت برخورد کرد ویـا برعکس قطعاً اثر لازم را نخواهـد داشت. پس این فریضه بزرگ از مهمترین فرائض الهی اسـت ولی برای انجامش زمان ومکان وشـرائط خاص می طلبد که در صورت وجود آن شرائط برمکلف واجد شرائط واجب می شود ودر این صورت .صـرف تمسـخر کردن دلیل بر ترک آن نخواهد بود مگر اینکه منجر به ریختن آبروی خود فرد ویا دیگری شود وگرنه درهر عصـر وزمانی عده ای از شیاطین انسی هستند که روش اهل حق را به تمسخر می گیرند وتمام تلاششان عدم پیاده شدن برنامه هـای الهی در جـامعه است ودر بسـیاری از موارد هم بـا برخورد سـنجیده وحساب شـده ای که انجام می شود همین افراد تحت تأثیر واقع می شوند واز کرده خود پشیمان می شوند.

بسـیار علاقه مندم که طعم شیرین طاعت و بندگی خدا و معارف الهی راکه به فضل خدا تا حدودی به من چشانده شده است و حقانیت آنها را درک کرده ام به سایر دوستان و هم سن و سال های خودم تذکر دهم لازمه حرکت در مسیر الی الله تقید به احکام شرعی و در اولین قدم آن داشتن مر

پرسش

بسیار علاقه منـدم که طعم شـیرین طاعت و بنـدگی خـدا و معارف الهی راکه به فضل خـدا تا حـدودی به من چشانـده شده است و حقانیت آنها را درک کرده ام به سایر دوستان و هم سن و سال های خودم تذکر دهم لازمه حرکت در مسیر الی الله تقید به احکام شرعی و در اولین قدم آن داشتن مرجع تقلید است اما در بحث با دیگران و به تعبیری کار فرهنگی انجام دادن ،طرف مقابل بحث به رفتار و کردار برخی حاملان فرهنگ اسـلام(برخی روحانیون) بحث را منحرف می کننـد و اساسا به دلیل عملکرد بعضـی ها دیگر حرف اسـلام و قرآن و اهل بیت را هم نمی شنوندو به نوعی همه حرف هایی را که در کتب معارف مدرسه هم خوانده ایم تکذیب می کند و می گوید اینها (روحانیون)به ما دروغ گفته اند .در شرایط فعلی وظیفه ما در قالب امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

درباره چگونگی امر به معروف، نخست باید انگیزه کسانی که سـستی می ورزند شـناخته شود چنان که در قرآن مجید انگیزه برخی منکران معاد را هوسـرانی دانسـته است «بل یرید الانسان لیفجر امامه؛ [انسان برهان برخلاف معاد ندارد] بلکه او می خواهد رها باشد و جلو خود را [برای گنـاه] باز کنـد» (قیامت، آیه ۵). بنابراین برای کسانی که آمادگی گفت و گو دارنـد بایـد توجیه شود که نقطه ضعف برخی روحانیان نباید موجب عدم التزام به احکام شـرعی باشد، زیرا احکام شرعی مربوط به اصل دین است و از سوی مراجع تقلیدی است که به طور عموم انسان های وارسـته و عالم می باشند، لذا به آنها گفته شود که اصول اعتقادی نیاز به تقلید ندارد بلکه خودشان با تفکر و تحقیق بایـد توحیـد و نبوت و امامت و معاد را باور کننـد. و درباره مسائل ضـروری دین ماننـد اصل نماز و روزه و... بـاز هم نیـاز به تقلیـد نیست اما هر مسـلماین بایـد علاوه بر رعایت ارزش های انسانی صـداقت و امانت و پاکی از گناه، بایـد به احکام شـریعت اسلام نیز پایبند باشد اگر خود او تحصیلات لازم برای به دست آوردن احکام را دارد نیازی به تقلید ندارد و در غیر این صورت از حاصل تلاش های مرجع تقلید می تواند استفاده کند و مسؤولیت حکم الهی را به عهده او بگذارد. بنابراین در هنگام گفت و گو بـا دیگران بایـد انگیزه مخـالفت آنـان ریشه یـابی شود و متنـاسب بـا هر کـدام به رفع آن پرداخت. در ادامه به برخی از

شرایط امر به معروف به طور کلی اشاره می شود. مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت : ۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیارایید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد. ۴- عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند: گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند. گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند. گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما "در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما "اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم : ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید. ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد. ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید. ۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید. ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید. ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید. ۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید. ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید. ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید. ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴). شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است: الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار. ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند. ج. احتمال تأثیر بدهد. د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد. مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

با رفقایی که در برخوردها و صحبتهایشان مراعات ادب نمی کنند و حرف های رکیک می زنند چه برخوردی داشته باشیم

پرسش

با رفقایی که در برخوردها و صحبتهایشان مراعات ادب نمی کنند و حرف های رکیک می زنند چه برخوردی داشته باشیم

پاسخ

اگر احتمال می‌دهید که امر به معروف و نهی از منکر در آنها تأثیر داشته باشد، لازم است که آنها را ارشاد نمایید، ولیاگر امیدی به اصلاح آنها ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با آنها در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوءداشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با آنان خودداری کنید. شرط‌های بی‌جا نیز گر چه چیزلغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست.

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به حرمت مهمان می‌توان او را نهی نکرد؟

پرسش

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به حرمت مهمان می‌توان او را نهی نکرد؟

پاسخ

کسی که غیبت می‌کند چه در منزل خود انسان باشد و چه در منزل دیگر باید انسان به وظیفه‌اش عمل کند و امر به معروف و نهی از منکر را با شرایطی که دارد در مورد او انجام دهد. چه بسا حق و حرمت مهمان، شایسته انسان باشد که از گناه محفوظ ماند. « بخش پاسخ به سؤالات »

یک مسلمان در برابر رفتار غیر اخلاقی دیگران چه وظیفه ای دارد؟

پرسش

یک مسلمان در برابر رفتار غیر اخلاقی دیگران چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ

در پاسخ باید گفت: در این جا ما با دو ارزش متقابل و متزاحم، رو به رو هستیم که رعایت هر دو با هم ممکن نیست؛ چرا که از یک سو، ما نباید در مورد رفتار دیگران بی تفاوت باشیم و در یک نظام اسلامی، همه اعضای جامعه، باید بر رفتار یکدیگر نظارت داشته باشند؛ زیرا در نظام اسلامی وظایفی به عهده مسلمانان گذارده شده است؛ مانند لزوم ارشاد مردم و دعوت انسان ها به انجام کارهای خیر، توصیه یکدیگر به حق و امر به معروف و نهی از منکر، که این با بی تفاوتی و گذشتن از هر گونه کاری که دیگران انجام دهند، سازش ندارد. و از سوی دیگر، کار غیر اخلاقی ای که او مرتکب می شود، پنهان و دور از دید دیگران است و هیچگاه مایل نیست کسی از این کار او آگاه شود. بنا بر این، رعایت کرامت انسان و حفظ عرض و آبروی او مطرح است و خدای متعال هیچ گاه راضی نیست که آبروی انسانی ریخته شود، هر چند که او انسان گنهکاری باشد. بنا بر این، از یک سو، نباید راز او کشف

شود و از سوی دیگر، باید او را درمان کرد و از مهلکه نجات داد. حال اگر این دو ارزش، قابل جمع باشند و بتوان کاری کرد که بدون آبرو ریزی او، حتی نزد شخص ارشاد کننده، به خود آید و دست از آن کار زشت بردارد، در این صورت، اشکالی پیش نمی آید؛ مانند آن که ارشاد کننده، شخص گنهکار را به خواندن یک کتاب توصیه کند و یا به صورت کلی او را نصیحت و موعظه کند و بدون آن که او متوجه شود که از کار زشتش با خبر است، زیان های آن کار را به وی گوشزد کند تا بدین وسیله، هم آبرویش حفظ شود و هم به کار زشت خویش متنبه گردد. ولی با کمال تأسف باید بگوییم که غالباً، این کار میسر نیست و جمع این دو ارزش، عملاً امکان ندارد. اگر انسان بخواهد شخص گنهکار را ارشاد کند، خواه و نا خواه، او در می یابد که او از گناهش آگاه شده است. بنا بر این، بدون شک، نباید کاری کنیم که شخص ثالثی از کار مخفیانه شخص گنهکار، آگاه گردد و سر او نزد دیگران فاش شود. پرسش دیگر این است که با فرض این که کتمان سر و ارشاد گنهکار، هر دو با هم میسر نیست، آیا شایسته است برای ارشاد او در مورد گناه مخفی وی اظهار اطلاع کند یا به شکلی با وی سخن بگوید که بفهمد رازش نزد او فاش شده است؟ در پاسخ می توان گفت: اگر راه اصلاح وی منحصر به چنین اظهار اطلاع یا گفتار و رفتاری که نشانه آگاهی او است، باشد، مصلحت نجات او مقدم بر حفظ اسرار او خواهد بود؛ چون اگر هیچ نگوید، به گناه خود ادامه خواهد داد و تداوم گناه، سبب هلاکت او می شود. بنا بر این، در چنین فرضی باید دست او را گرفت و از سقوط نجاتش داد؛ ولی به گونه ای که تا آن جا که ممکن است آبرویش حفظ شود و موجب شرمساری و رسوایی او نشود که در غیر این صورت، خود ارشاد کننده نیز مرتکب گناه دیگری شده و نیاز به ارشاد دیگران خواهد داشت.

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

پرسش

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

پاسخ

به نظر امام خمینی((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود ;بلکه باز هم باید آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم « ;و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشش نمودند که در آن چیزی که تو به آن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد.(۱) (بخش پاسخ به سؤالات)

_____ ۱ - سوره عنکبوت، آیه ۷. ـ۳ـ

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگـذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسـته از عجب و خودپسـندی باشد. این گونه افراد گمـان می کننـد تنها آنها هسـتند که وظیفه خود را انجام داده انـد و دیگران گناهکارنـد. انسان با داشـتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسـید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سـعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با این که از گنـاه آنـان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خـدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کنـد تا از گناه منصـرف شونـد راه خـدا را پیش گیرنـد. درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیهٔ الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲۹ـ

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگـذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسـته از عجب و خودپسـندی باشد. این گونه افراد گمـان می کننـد تنها آنها هسـتند که وظیفه خود را انجام داده انـد و دیگران گناهکارنـد. انسان با داشـتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسـید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سـعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداونـد گرفتـار نشویم. این بینش بـاعث می شود بـا نگـاهی عطوفت آمیز به گناهکـاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کنـد تا از گناه منصـرف شونـد و راه خدا را پیش گیرند. درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲ـ

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پاسخ

کسـانی کـه تن به اصـلاح و درسـتی نمی دهنـد، نـاگزیر بایـد به ذلت و خـواری و بیچـارگی و زبـونی بگراینـد و انتظـار رسـیدن به

رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند. اما تحرک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف. کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳ـ

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

پرسش

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدی تر لازم است؟

پاسخ

به نظر امام خمینی((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود ;بلکه باز هم باید آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم « ;و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشش نمودند که در آن چیزی که تو به آن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد.(۱) (بخش پاسخ به سؤالات)

_____ ۱ - سوره عنکبوت، آیه ۷. ـ۳ـ

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با این

که از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند راه خدا را پیش گیرند. درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیهٔ الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲۹ـ

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند. درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲ـ

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند. اما تحرک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف. کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳ـ

وظیفهٔ کسی که دائم در محل کار و سکونت غیبت و تهمت می‌شنود، چیست

پرسش

وظیفهٔ کسی که دائم در محل کار و سکونت غیبت و تهمت می‌شنود، چیست

پاسخ

خواهر عزیز، پاسخ شما را با یک مثال ساده بیان می‌کنیم اگر روزی به شما خبر بدهند که در محیط کار و حتی احیاناً در محل سکونتتان ویروسی خطرناک و کشنده وجود دارد، شما چه می‌کنید؟ از دو راه می‌توانید وارد عمل شوید: یا محیط آلوده را ترک کرده راه فرار را انتخاب می‌کنید یا با آن ویروس مبارزه می‌نمائید که این راه مؤثرتر است مخصوصاً اگر روش و ابزار مبارزه را در اختیار داشته باشید. اگر فرار چارهٔ کار شما باشد به هر وسیله متوسل می‌شوید تا فرار کنید حتی اگر محتاج نانِ شب باشید و یا سرپناهی به جز محل سکونتتان نداشته باشید. اما در این صورت هم شما می‌توانید مطمئن باشید که با فرار، از خطر این ویروس در امان هستید! چرا که ممکن است این ویروس در مکانهای دیگر هم باشد مخصوصاً اگر از نوع سرایت کننده نیز باشد. پس مفیدترین و عاقلانه‌ترین راه مبارزه و از بین بردن آن است حال در مورد غیبت در این مورد نیز دو راه پیش رو دارید. مسلماً فرار، همیشه راه نجات نیست به خصوص که نمی‌توانید مطمئن باشید که در هیچ محل دیگری غیبت نمی‌شود. بنابراین مفیدترین و عاقلانه‌ترین راه مبارزه و از بین بردن آن است تا نه تنها شما، بلکه افراد دیگر جامعه نیز در امان باشند. در نتیجه اگر کسی در حضور شما از فردی غیبت کرد، شما باید هم او را منع و هم از غیبت شونده دفاع کنید و چنانچه زمینهٔ امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، این کار واجب است حتی اگر غیبت کننده تذکر شما را نپذیرد، نباید راضی شوید، بلکه باید اظهار نارضایتی کرده و از غیبت شونده دفاع و در بعضی موارد مجلس را ترک کنید. در هر صورت برای غیبت شونده نیز طلب مغفرت نمائید. در مورد تهمت نیز همین امر حاکم است در هر صورت شما نباید در برابر این دو گناه کبیره که موجبات عذاب الهی را فراهم می‌سازد، بی‌تفاوت بوده یا خدای ناکرده دیگران را در این کار همراهی نمائید. امیدواریم با توکل به خداوند متعال و عزمِ خود، به سالم‌سازی محیط کار و سکونتِ خود پرداخته در این امر عنایت الهی نیز شامل حالتان شود.

همیشه دیگران را امر به معروف می‌کنم اما در مجالس گناه مانند مجالس غیبت قدرت جلوگیری از منکر را ندارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

همیشه دیگران را امر به معروف می‌کنم اما در مجالس گناه مانند مجالس غیبت قدرت جلوگیری از منکر را ندارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

خواهر گرامی امر به معروف و نهی از منکر بر تک تک ما، واجب است اما با وجود این اگر احساس می‌کنید که قدرت جلوگیری از منکری را ندارید، وظیفه شما این است که به عنوان اعتراض به انجام معصیت محل را ترک کنید. و این خود به نوعی جلوگیری از گناه است و اگر امکان ترک محل نیست به هر صورتی که می‌توانید، از وضع موجود، اظهار ناراحتی نمایید، گر چه به صورت

بی‌اعتنایی و گوش ندادن به صحبت طرف مقابل باشد. و در صورتی که هیچ یک از این راهها برای شما ممکن نباشد برای شخصی که غیبت او را شنیده‌اید، طلب استغفار نمایید.

لطفاً وظیفه و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر را درباره رانندگان و همسایگانی که اقدام به پخش موسیقی می‌کنند یا برخی افرادی که در مجالس عروسی می‌رقصند و به ارشادات ما گوش نمی‌دهند، بیان کنید؟

پرسش

لطفاً وظیفه و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر را درباره رانندگان و همسایگانی که اقدام به پخش موسیقی می‌کنند یا برخی افرادی که در مجالس عروسی می‌رقصند و به ارشادات ما گوش نمی‌دهند، بیان کنید؟

پاسخ

در قرآن کریم آیات متعددی دربارهٔ امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که شماری از آن‌ها عبارتند از: آیاتو ۱۱۴ آل‌عمران ۷۱ و ۱۱۲ توبه ۱۷لقمان و ۴۱حج خدای متعال در آیهٔ ۱۱۰ سورهٔ آل‌عمران می‌فرماید": شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید ;به کار پسندیده فرمان می‌دهید"، تأمرون بالمعروف و از کار ناپسند باز می‌دارید"، و تنهون عن المنکر "و به خدا ایمان دارید. "...در آیهٔ ۱۱۲ توبه آمده است(" آن مؤمنان همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه‌داران رکوع‌کنندگان سجده‌کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند، و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده "در آیهٔ ۱۷ سورهٔ لقمان آمده است لقمان پسر خود را نصیحت می‌کند و می‌گوید": ای پسر کوچک من نماز را به پادار و به کار پسندیده وادار، و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش]حاکی از عزم]و ارادهٔ تو در[امور است " خدای بزرگ در آیهٔ ۳۴ سورهٔ نسأ، شیوهٔ امر به معروف را بیان می‌فرماید: در این آیه سلسله مراتبی در امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است که ابتدا از پند و نصیحت شروع می‌شود و به صورت بی‌اعتنایی تنبیه ابتدایی و... تا مراحلی دشوار پیش می‌رود. به عبارت دیگر، از آسان‌ترین مرحله شروع می‌شود و چناچه لازم باشد تا سخت‌ترین مرحلهٔ مجاز ادامه می‌یابد ;البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این که آسان‌ترین مرحله و شیوه‌های برخورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد در قرآن کریم در این باره آیاتی وجود دارد، از جمله ۱. خیرخواهی خداوند متعال می‌فرماید: "پیغام‌ها و رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت شونده باشد. ۲. جدال احسن خداوند متعال می‌فرماید": ادْعُ إِلَىَ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَن(;...نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره نما "...حکمت به معنای دانش و منطق و استدلال و موعظه نیکو، استفاده از عواطف انسان‌هاست جدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود. ۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد. ۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می‌فرماید": آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خودتان را فراموش می‌کنید]خود آن را ترک می‌کنید ("[...بقره ۴۴) پس قول و فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد. ۵. رهنمودهای روان‌شناسی روان‌شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده‌اند که آگاهی از آن‌ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می‌توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد ;آن‌گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در

رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و...(ر.ک تفسیر نمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵ـ۴۸ و ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیة) از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان ـ بر اساس شرایط و ضوابط آن ـ واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد: ۱. شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲. احتمال تأثیر ۳. عدم مفسدهٔ جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴. تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ک رسائل توضیح‌المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ـ ۲۸۲۵.) در این‌باره مطالعه کتاب امر به معروف و نهی از منکر، اثر حجهٔ الاسلام قرائتی بسیار مفید است

اگر در محلی مردم یا جمعی از دوستانمان از مسائل دینی بد می‌گویند، آیا باید آن‌ها را نصیحت کرد یا باید آن جا را ترک کنیم

پرسش

اگر در محلی مردم یا جمعی از دوستانمان از مسائل دینی بد می گویند، آیا باید آن‌ها را نصیحت کرد یا باید آن جا را ترک کنیم

پاسخ

پرسش گر گرامی اگر می‌دانید که توضیحات شما دربارهٔ مسائل دینی و تشریح اهداف و حکمت و فلسفه احکام دینی و معارف اسلامی برای هدایت آن‌ها مؤثر است اقدام به توضیح و تشریح حکمت و فواید احکام و معارف اسلامی کنید و آن جمع را امر به معروف و نهی از منکر نمایید ;چنان که قرآن کریم می‌فرماید": وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(; آل عمران ۱۰۴) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند ".و در صورتی که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر نیز منتفی است شما باید آن جمع و گروه را ترک کنی و از میان آن‌ها فاصله بگیری (برای آگاهی بیشتر، ر.ک توضیح المسائل مراجع سیدمحمد حسن بنی هاشمی خمینی ج ۲، ص ۶۱۸ـ۶۲۴، مسأله ۲۷۸۶ تا ۲۸۲۴، فتاوای حضرت امام خمینی ، انتشارات اسلامی قم) پرسشگر گرامی مرکز فرهنگ و معارف قرآن طرحی را در دست تهیه و تدوین دارد با عنوان" طرح خادمان قرآن کریم که انشأاللّه به زودی تکمیل و فعالیت خود را آغاز می کند در این طرح تمام پرسشگران محترم می‌توانند به عضویت آن دربیایند، با این مرکز قرآنی در ارتباط باشید، و جزئیات آن را در مکاتبات بعدی جویا شوید.

الف ــ آیا این حدیث درست است که خداوند افراد خوب قوم حضرت موسی‌ع را به علت امر به معروف و نهی از منکر نکردن و به خاطر سکوت در برابر گناه دیگران همراه با آن‌ها عذاب کرد؟ ب ــ آیا از نظر خداوند و امام زمان‌ع درست است که در جامعه دختران و زنان با مانتوهای

پرسش

الف ـ آیا این حدیث درست است که خداوند افراد خوب قوم حضرت موسی‌ع را به علت امر به معروف و نهی از منکر نکردن و به خاطر سکوت در برابر گناه دیگران همراه با آن‌ها عذاب کرد؟ ب ـ آیا از نظر خداوند و امام زمان‌ع درست است که در جامعه دختران و زنان با مانتوهای تنگ و آرایش به خیابان‌ها بیایند که اگر این وضع ادامه یابد، بی‌حجابی رواج پیدا می کند؟ آیا حوزهٔ

علمیه در سامان دهی این گونه امور، وظیفه‌ای ندارد؟

پاسخ

الف ـ آن چه در بخش نخست پرسش مطرح کرده‌اید، هم در قرآن کریم و هم در روایات بیان شده است داستان از این قرار است بعضی از بنی اسرائیل که در کنار دریا زندگی می‌کردند، در مقابل فرمان خداوند سرپیچی کردند و دیگر افراد آن قبیله در برابر این نافرمانی دو گروه شدند: نخست کسانی که در برابر این نافرمانی امر به معروف و نهی از منکر کرده و به وظیفهٔ خود عمل نمودند، اما افراد دیگری که از خوبان نیز به حساب می‌آمدند، سکوت اختیار کردند و حتی به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند، اعتراض نموده می‌گفتند چرا این کار را می‌کنید، خوب است چیزی نگویید. از آیات ۱۶۳ ـ ۱۶۶ سورهٔ مبارک اعراف استفاده می‌شود، گناه کاران و آن‌ها که در برابر این گناه سکوت اختیار کردند، هر دو عذاب شدند ;هر چند عذاب گناه کاران سنگین‌تر بود": فَلَمّا نَسوا ما ذُکِّروا بِهِ اَنجَینا الَّذینَ یَنهَونَ عَنِ السّوءِ واَخَذنَا الَّذینَ ظَلَموا بِعَذابٍ بَ‌ِ? بِما کانوا یَفسُقون (اعراف ۱۶۵) اما هنگامی که تذکراتی را که به آن‌ها داده شده بود فراموش کردند، نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و آن‌ها را که ستم کردند، به عذاب شدیدی به خاطر نافرمانی‌شان گرفتار ساختیم " این که در آیه آمده است نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم معنایش این است که دو گروه دیگر]گناه کاران و سکوت کنندگان را عذاب دادیم (ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۶، ص ۴۱۷ ـ ۴۲۴، دارالکتب الاسلامیهٔ) ب ـ به یقین رعایت حجاب برای همه به ویژه زنان و بیرون نیامدن بانوان در حال زینت و با لباس تنگ امری واجب است و آیات ۳۱ ـ ۳۳ سورهٔ نور، به این مطالب اشاره فرموده است حوزهٔ علمیّه و همهٔ افراد جامعه وظیفه دارند با رعایت مراحل امر به معروف و نهی از منکر، جلوی آن را بگیرند، هم چنان که کم و بیش به این تکلیف عمل می‌شود و به یقین اگر افراد سکوت کنند، نه تنها بی‌حجابی رواج می‌یابد، بلکه برای سکوت کنندگان عذاب الهی خواهد بود و خداوند و امام زمانغ به این امر راضی نیستند. امید آن که همه در هر جا به وظایف الهی خود عمل کنند تا جامعه شاهد این گونه نابسامانی‌ها نباشد ;البته در به وجود آمدن این گونه شرایط، عواملی دخالت دارند که ریشه یابی آن عوامل از حوصلهٔ این پاسخ نامه خارج است

با همسایگانی که نوار ترانه گوش می دهند و صدای نوارهای آنها ما را اذیت می کند چگونه برخورد کنیم ؟

پرسش

با همسایگانی که نوار ترانه گوش می دهند و صدای نوارهای آنها ما را اذیت می کند چگونه برخورد کنیم ؟

پاسخ

چگونه می‌توان افراد را از ارتکاب محرمات باز داشت

پرسش

چگونه می‌توان افراد را از ارتکاب محرمات باز داشت

پاسخ

بایـد با شـیوه صـحیح آنها را امر به معروف و نهی از منکر نمود، لـذا شایسـته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شـرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیـات و ویژگی‌هـای روانی طرف مقابـل. طـبیعی است بـا هر کسـی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی‌الامکـان از منطقی‌ترین و بهترین زبـان اسـتفاده شود. بهتر است ابتـدا امتیـازات و خوبیهای افراد به آنان گوشـزد شود و سـپس تـدریجا به بیـان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سـعی شود اول یک مسـئله مطرح شود و پس از اصـلاح تشویق گردد و سـپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائـل پرداخته شود. د) حتی‌الامکان بایـد به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تـذکر داده می‌شود از سـر خیرخواهی و مفیـد به حـال خود آنها است. ه) 'ضـمن توجه به نکات فوق نبایـد انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بـدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صـحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاسـت ولی این که بپذیرنـد یا نه و خوشـشان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس‌در بند این مباش که نشـنید یا شـنید کس و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شـرح شـیوه‌های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شـیوه‌ای موثرتر باشـید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا دیگران ناراحت نند و آیا شترک ان به علت ناراحتی دیگران جایز

پرسش

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا دیگران ناراحت نند و آیا شترک ان به علت ناراحتی دیگران جایز

پاسخ

در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شـرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسـی به زبان خاصـی باید سـخن گفته شود و چه بسـا لازم است برخی را به طور غیر مسـتقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی‌ترین و بهترین زبان اسـتفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سـعی شود اول یـک مسـئله مطرح شود و پس از اصـلاح تشویق گردد و سـپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائـل پرداخته شود. د)حتی الامکـان بایـد به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تـذکر داده می‌شودازسـر خیرخواهی ومفیـد به حال خود آنها است. ه) 'ضـمن توجه به نکات فوق نبایـد انتظار داشت که بهیچوجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بـدشان نیایـد. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صـحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و خوشـشان آید یا بـدشان آیـد خیلی دسـت مـا نیسـت و نبایـد از آن خـوفی بـه دل داشت. حافـظ وظیفه تـو دعـا گفتن است و بس در بنـد این مبـاش که‌نشنیدیاشـنیدکس و) جـدولی برای خود تنظیم کنید وشـرح شـیوه‌های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه‌ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

با راننده ای که نوار غیر مجاز پخش می کند چگونه برخورد نماییم؟

پرسش

با راننده ای که نوار غیر مجاز پخش می کند چگونه برخورد نماییم؟

پاسخ

باید با شیوه صحیح آنها را امر به معروف و نهی از منکر نمود، لذا شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیات و ویژگی‌های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی‌الامکان از منطقی‌ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شود و سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د) حتی‌الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می‌شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است. ه) 'ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه‌های کاربردی خود را با میزان تأثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه‌ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

بهترین وظیفه ما در مقابل افرادی که موسیقی غیرمجاز گوش می دهند چیست؟ اگر این افراد مثلا هم اتاقیهای ما در خوابگاه باشند چطور؟

پرسش

بهترین وظیفه ما در مقابل افرادی که موسیقی غیرمجاز گوش می دهند چیست؟ اگر این افراد مثلا هم اتاقیهای ما در خوابگاه باشند چطور؟

پاسخ

افرادی که در یک مکان با هم زندگی می کنند شایسته است به آداب و شرایطی که بر زمان و مکان حاکم است احترام بگذارند تا با مراعات آن آداب، محیطی مطلوب برای ایشان مهیا شود. انسان آزاده و فرهیخته، حرمت و ادب حضور دیگران را نگه می دارد و از آنچه موجب رنجش هم نوع شود می پرهیزد بر همین اساس اگر به امور دینی هم نگاه کنیم حرمت ها و مرزها کاملا حفظ شده است برای مثال اگر چه مسجد محل عبادت است ولی صدای بلندگوی مسجد نبایستی موجب آزار همسایگان شود. یا فردی که مایل است قرآن را با صوت بلند و خوش تلاوت کند شایسته است مکان خلوتی را برای خود برگزیند و ... هر کس در امور مربوط به خود آزادی هایی نسبی دارد و در عین حال تا جائی که آزادی دیگران خدشه دار نشود، از نعمت آزادی عمل برخوردار است.

هر کجا آزادی عمل شخص با آزادی دیگران تنافر و تناقض ایجاد کند، باید شخص حدود و اندازه های خود را بشناسد و سپس در حفظ حریم دیگران بکوشد همان طور که خود نیز دوست دارد تا حرمتش محفوظ بماند در خصوص افرادی که از موسیقی غیر مجاز و حتی مجاز استفاده می کنند همین قاعده جاری است که افراد باید قوانین و ضوابط و اخلاق فردی و اجتماعی را مراعات کنند مخصوصا در محیط خوابگاه یا خانه جمعی که اخلاق و آداب خاصی دارد و لازم است این آداب بصورت یک فهرست مکتوب در اتاق ها نصب شود تا با استناد به آن آداب هر فرد خود را موظف به پایبند بودن به آنها نماید. علاوه بر این مواردی که برخلاف عرف و شرع رخ می دهد باید با فرد خاطی از سر خیرخواهی و مصلحت اندیشی، گفتگو شود و با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه مواجهه صورت گیرد تا انشاءالله متنبه شود و یا حداقل خود را متعهد سازد در اندازه ای که دیگران حتی متوجه نشوند و مزاحمتی برای دیگران ایجاد نشود آزادی عمل داشته باشد. اگر گروه غالب در خوابگاه مرتکب چنین عملی می شوند باز باید در جهت آگاه سازی ایشان اقدام کرد و چنانچه مؤثر نشد خود شما با یک برنامه زمان بندی شده سعی کنید کمترین زمان را در جمع آنها باشید و در زمان های دیگر از مکانهایی که از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار است استفاده کنید تا انشاءالله ایشان از روش خود باز گردند به هر جهت برای اینکه دچار تأثیر وضعی اصوات نامشروع نشوید سعی کنید محل اسکان خود را تغییر دهید و حتی اگر هزینه ای در بر دارد آنرا تحمل نمائید تا از آثار سوء موسیقی غیر مجاز در امان بمانید. و در صورتی که ناچار از بودن در جمع آنها هستید با عملکرد خوب انسانی و الهی با ایشان رفتار نمائید تا به تدریج بتوانید در آنها تأثیر بگذارید و به کار های خود مشغول باشید و به اصوات نامشروع گوش نکنید. و چنانچه عمدا گوش نکنید و ناچار از ماندن در آن مکان باشید در این صورت خوردن صدای آن به گوش شما اشکال ندارد.

چرا مردم از امربه معروف و نهی از منکر ناراحت می شوند؟

پرسش

چرا مردم از امربه معروف و نهی از منکر ناراحت می شوند؟

پاسخ

انسان‌ها در برخورد با حق، چند گونه‌اند: ۱- انسان‌های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند، نه تنها ناراحت نمی‌شوند، بلکه بسیارخرسند و شادمان می‌شوند. ۲- انسان‌های بی‌تفاوت در مقابل حقیقت. چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد، استقبالنمی‌کنند. ۳- انسان‌های حق ستیز. این گونه افراد مسلماً در برابر حرف حق، واکنش منفی نشان می‌دهند. البته این گروهاندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است. مسلماً اگر آمر به مروف، با درکدرستی از طرف مقابل و ویژگی‌های روحی، اخلاقی و تربیتی او، شیوه‌ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند،عکس‌العمل مثبت طرف مقابل، بسیار بالا خواهد بود.

برای برخورد با افرادی که در خوابگاه ها تمایل به هم جنس بازی دارند چه باید کرد؟

پرسش

برای برخورد با افرادی که در خوابگاه ها تمایل به هم جنس بازی دارند چه باید کرد؟

پاسخ

در راستای این سؤال، چند پیشنهاد به نظر می‌رسد که امید است مؤثر واقع شود: ۱ـ نهی از منکر از طریق ارشاد و گوشزد نمودن مفاسد این رفتار (البته در کمال ملایمت و آرامش). ۲ـ جداسازی این افراد از یکدیگر و قرار دادن آنها در مجاورت افراد سالم. ۳ـ از طرف کمیته انضباطی یا دفتر نهاد نمایندگی و یا ارگان مربوطه دیگری، برای آنها اخطار کتبی فرستاده شود.البته این کار بسیار ظریفی است، فلذا دو نکته را باید رعایت کرد: الف) ممکن است علیه ارگان و یا کسانی که چنین اخطاری را برای آنها می‌فرستند، دست به جوّ سازی بزنند، بنابراین باید مجهول ونامشخص باشد. ب) ممکن است بفهمند که چه کسی راجع به آنها گزارش داده است و در نتیجه علیه خود او جوّ سازی کنند، که باید به گونه‌ایعمل نمود که چنین مشکلی ایجاد نشد. ۴- به اساتید معارف و اخلاق گوشزد شود که در وقت متناسبی، این عمل را به طور کلی و سربسته متذکرشوند. ۵ـ خودتان شخصا سعی کنید از این محیط و این گونه افراد فاصله بگیرید. ۶ـ می‌توان در این زمینه، جزوه‌ای تهیه نمود و مفسده این عمل را یادآور شد؛ لکن خود این مسأله ظریفی است کهباید به گونه‌ای عمل نکرد که موجب اشاعه فحشا شود و تازه افرادی هم که مبتلاـ نیستند، حساس شوند. ۷ـ سرگرمی‌های سالم و اشغال وقت فراغت به فعالیت‌های متنوع نیز بی‌تأثیر نیست؛ گرچه مرقوم فرموده‌اید کهبی‌فایده است؛ ولی به اعتقاد ما اگر به نحو مدبّرانه‌ای عمل شود، در جلوگیری از این رفتار، بی‌تأثیر نخواهد بود.{J

لطفا در مورد امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب آن و منابعی که می توانم از آن استفاده کنم برایم بگویید؟

پرسش

لطفا در مورد امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتب آن و منابعی که می توانم از آن استفاده کنم برایم بگویید؟

پاسخ

در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن. امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی از منکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتند از: ۱ـ آمر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد ۲ـ کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد ۳ـ مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود مثلاً اگر با آرامش می‌توان نهی کرد از پرخاش خودداری شود. ۴ـ احتمال تأثیر داده شود. ۵ـ برای آمر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی‌ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می‌شودازسر خیرخواهی ومفید به حال خود آنها است. ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و

Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR> نبایـــد از آن خـــوفی بـــه دل داشـــت<. align=Center><TD >حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس/< TD> <TD >در بند این مباش که نشنید یا شنید کس /< Table></TR> <TD >و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه‌های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه‌ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید. مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی: ۱- امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد: قلبی، زبانی و عملی که به ترتیب باید اجرا شود، چنانچه مخالفت قلبی سودی نبخشید باید با زبان به نهی پرداخت و چنانچه با زبان نیز مؤثر نبود عملاً شخص را از کار بد باید بازداشت. ۲- اظهار ناراحتی قلبی در برابر بدی‌ها عبارت است از چهره درهم کشیدن، روی گرداندن، دوری گزیدن و ترک رفت و آمد و مانند آن به طوری که به طرف بفهماند که او کار بدی می‌کند و از او می‌خواهد که دست از آن بردارد. ۳- راضی بودن به ارتکاب گناه خود حرام است(رساله نوین، ج ۴، ص ۱۵۵). در مجموع امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین وظایف است و والاترین و مؤثرترین و دلنشین‌ترین آن در قلب‌ها، وقتی است که عهده‌دار امر به معروف و نهی از منکر، خود آراسته به نیکی‌ها چه واجب و چه مستحب بوده، از بدی‌ها حتی از مکروهات بر کنار و اخلاقی پیامبرگونه و روحانی داشته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا منزه بوده تا جایی که با عمل و رفتارش مردم را به نیکی‌ها ترغیب و از بدی‌ها بازدارد و مردم از وی پیروی کنند. برای کسب آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- رساله نوین، ج ۴، مسائل سیاسی و حقوقی، امام خمینی ۲- امر به معروف و نهی از منکر، آیت‌الله حسین نوری ۳- دو فریضه بزرگ، سید جعفر میرعظیمی ۴- امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی

رفتار ما با کسانی که اعتنایی به انقلاب و روحانیت ندارند چگونه باید باشد؟

پرسش

رفتار ما با کسانی که اعتنایی به انقلاب و روحانیت ندارند چگونه باید باشد؟

پاسخ

}بایستی با روش صحیح و عمل درست، آنها را نسبت به مسائل حقیقی اسلام و انقلاب آشنا کنید و از بدبینی و سوءبرداشت آنان جلوگیری نمایید.{

روش برخورد با افرادی که از نظر دینی و اعتقادی مشکل دارند چگونه باشد؟

پرسش

روش برخورد با افرادی که از نظر دینی و اعتقادی مشکل دارند چگونه باشد؟

پاسخ

این سؤال شما بسیار کلی و چند پهلو است، چرا که امور اعتقادی جملگی اهمیت یکسان ندارند و همگی در یک سطح نیستند؛ مثلاً یکی از اعتقادات ما مسلمانان، «اعتقاد به وجود خداوند متعالی» است و دیگری «اعتقاد به رجعت»؛ در حالی که اهمیّت و تأثیر

آنها دررفتار و پیامدهای این دو اعتقاد، یکسان نیست. از طرف دیگر شخص منکر چگونه شخصیتی دارد و انکار او بر چه اساس است؛ خود موضوع دیگری است که باید بدان اهتمام داشت؛ چه بسا منکری که انکارش برخاسته از سؤال ذهنی باشد و یا منکری انکارش ناشی از لجاجت و یاناتوانی فکری و یا بی صبری و عدم ظرفیت روحی است که بی تردید شکل بخورد با هر یک از این منکران نیز متفاوت است. افزون بر آن چه بیان شد، مهم‌ترین نکته دیدگاه برخورد با این گروه افراد است که آیا از زاویه حقوقی می‌خواهید با این انکار مواجه شوید و یا از دریچهتربیتی، فقهی، اجتماعی اصلاح گری یا روشنگری فکری در صدد علاج آن هستید، به هر حال سؤال شما جوانب متعدد دارد که در این میان به بعضی از روی‌کردهای مهم آن می‌پردازیم: یکم - از دریچه تربیتی و اخلاقی: اگر خواسته باشید از این زاویه با این گونه افراد برخورد کنید، لازم است به اصول اخلاقی سخت پایبند بوده و در برابر حرکات ناپسند و اظهار نظرهای نسنجیده آنان عکس العمل نشاندهید و به گونه‌ای ارتباط خود را حفظ کرده تا با حفظ ارتباط، بتوانید از نسیم وارونه (روش غیر مستقیم)، بهره جسته و او را هدایت کنید. روشن است که اگر او را از دست بدهید و ارتباط خود را با او قطع کنید و یا او را فراری دهید، دیگر زمینه هر تأثیر مثبت و یا منفی را از دستداده، راه اصلاح را به روی خود سدّ خواهید کرد. در این موقعیت باید با حفظ ارتباط، به اتخاذ تدابیر بعدی روی آورید. انکارها کمتر به کفر منتهی می‌شود و یا اگر هم به کفر منتهی شود، تا به یقین برسیم و تکلیف دیگری داشته باشیم بهتر است ارتباط دوستانه همراه با ارشاد خود راحفظ کنیم تا زمینه انجام وظیفه را از کف ندهیم. در صورت حفظ ارتباط قبلی، می‌توانید راه کارهای زیر را برای هدایت او به کار بگیرید: ۱. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با بیان علمی سطحی؛ ۲. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با پیام‌های پندآمیز و موعظه گری؛ ۳. ارشاد مستقیم به وسیله خودتان با استدلال علمی که شرح سخن در بند (۲) خواهد آمد؛ ۴. ارشاد غیر مستقیم با کمک گرفتن از افرادی که دارای نفوذ کلام هستند و آن شخص منکر نیز به آنها ارادت قبلی و اعتقاد اخلاقی دارد. ۵. ارشاد غیر مستقیم با بیان پیامدهای انکار حق و یا دست کشیدن از حق، هر چند واقعیت همان چیزی باشد که او معتقد است. ۶. ارشاد غیر مستقیم با بردن او به مسافرت‌های زیارتی و سیاحتی و ملاقات با افراد صاحب نفس قدسی؛ ۷. ارشاد غیر مستقیم با شرکت دادن فرد مورد نظر در مجالس موعظه، پند و یا در اختیار نهادن کتاب‌های دینی با محتوای وعظ و روشنگری ضمیر مانند مجموعه کتب شهید دستغیب و کتب اخلاقی حضرت امام(ره) و یا برخی کتاب‌های عرفانی سطحیابین. ۸. ارشاد غیر مستقیم با بیان عواقب منکران در زمان‌های قدیم و افراد پیشین؛ ۹. ارشاد غیر مستقیم با بیان تأثیرات، معجزات و کرامات شخص و یا شی مورد انکار واقع شده. دوم - برخورد از زاویه روشنگری علمی: اگر شما در صدد هستید که با شخص منکر، برخورد علمی داشته باشید باید به نکات زیر اهتمام داشته باشید: ۱. از نظر توانمندی علمی خود را همسنگ و یا برتر از آن بیابید و او نیز چنین عقیده‌ای داشته باشد، ۲. شخص منکر نیز در صدد شناخت باشد، نه آن که به رغم انکار و انحراف خود را بی نیاز از روشنگری بداند و بر حرف خود اصرار و لجاجت و از پذیرفتن حق عناد داشته باشد. ۳. موضوع مورد نظر (انکار) کاملاً دقیق معین شده و مکتوب گردد و با بهتر ادعای هر یک از شما و ایشان به صورت شناخت و به دور از الفاظ مبهم نوشته شود. ۴. بعد از مشخص شدن ادعا و انکار هر یک باید بر موضوع منکر شده یا ادعا شده احاطه علمی لازم را داشته باشید و برای اثبات سخن خود دلیل آورید. توجه داشته باشید که دلیل، باید با مدعا کاملاً مطابقت داشته باشید؛ نه فراتر و نه کوتاه‌تر از مدعا باشد؛ مثلاً اگرشخص منکر عصمت است، باید مفاد دلیل او عدم ضرورت عصمت باشد و یا دلیل بر عصمت غیر معصومین ارائه کند، نه این که به لوازم غیر قابل درک و تردیدپذیر عصمت استناد کند و اصل عصمت را زیر سؤال ببرد. ۵. در حین بحث از مباحث پراکنده و شاخه به شاخه پریدن اجتناب کنید و صرفا در اطراف همانچه موضوع سخن است سخن بگویید. بشنوید. ۶. به دلیل استناد کنید نه به گفته‌ها و شنیده‌ها؛ روشن است که باید هر سخنی را به عقل محک بزنید؛ نه این که فلانی چنین گفته و یا فلان نشریه یا فلان کتاب چنین نوشته است. ۷. قبل از ورود به سخن و یا پاسخ به انکار منکر، خود را به دانش مورد نیاز مسلّح سازید و اگر چنین توانایی ندارید وارد بحث نشوید و بدانید که ورود به این شکل

ضرری بیشتر از سود دارد ۸. گاهی اوقات برای جواب دادن به برخی از این منکران، کافی است به معرفی کتاب اکتفا کنید و از بحث خودداری ورزید. البته در صورتی که خودتان اطمینان دارید که آن کتاب پاسخ وی را خواهد داد. ۹. بگو مگوی علمی را به الفاظ، حرکات خلاف اخلاق آلوده نسازید، همان گونه که نباید به جهت‌ورزی افراطی روی آورید. ۱۰. اشخاص شرکت کننده در بحث باید محدود و معین باشند، نه این که عده‌ای گرد هم نشسته و هر کسی از هر چه به ذهنش، رسد بگوید و بپرسد، دیگران باید با سکوت و شنیدن بحث را هدایت کنند. نه شرکت کننده و نه تحریک و تهیج کنندهباشند. در پایان این بخش متذکر می گردد که شما می‌توانید برای برخورد با این گروه افراد، هر دو دیدگاه را به کار بگیرید، یعنی، هم برخورد اخلاقی داشته و هم برخورد روشنگرانه. بی تردید اجرای هر دو خوب است؛ مشروط به آن که شرایط انجام برخورد علمی فراهم باشد؛یعنی، منکر ظرفیت علمی داشته باشد و در صدد روشن شدن حقیقت باشد و در صدد عناد و لجاجت نباشد. سوم - برخورد حقوقی: برخودر حقوقی با منکرین - در هر سطحی که باشد - فراتر از مسؤولیت قانونی و شرعی ما و شما است، چرا که برخورد حقیقی وظیفه مسؤولان نظام است و در مرحله اول تکلیف حکومتی است؛ مگرآن که خود حکومت آن را به مردم واگذار کرده باشد (مانند برخورد با سلمان رشدی). و از جانب دیگر اگر هر شخصی بخواهد خود برخورد حقوقی نماید، موجب هرج و مرج شده و بی نظمی و اغتشاش اجتماعی را در پی خواهد داشت. لذا نباید به صورت خودسرانه و مطابقتشخیص شخصی وارد عمل شد و عمل کرد. امیدواریم با رعایت اصول کلی بیان شده مقصود حاصل گردد. البته پاسخ جزئی‌تر و مشخص‌تر نیازمند سؤال روشن‌تر با تعیین جوانب بیان شده است که اگر در صدد آن هستید، باید به صورت روشن و با تعیین جوانب بر شمرده شده، سؤال خود را مطرح نمایید. اما درمورد معرفی کتاب نیز باید به عرض برسانیم که باز چون موضوع خاصی را تعیین نفرموده‌اید، حوزه کتاب‌های مورد نظر برای ما مبهم است و نمی‌توانیم به صورت تخصّصی‌تر و کاملاً دقیق ارائه خدمت نماییم. اما (به صورت کلی مسلّح شدن بهدانش مورد نیاز در سطح عمومی با مطالعه کتاب‌های شهید مطهری(ره) مطابق جزوه «صراط اندیشه» فراهم می گردد. افزون بر آن در زمینه تقویتاصول اعتقادی، می‌توانید از کتاب‌های آموزش «عقاید؛ نوشته آقای مصباح؛ «آموزش فلسفه»، بحث خداشناسی، ج ۲، نوشته آقای مصباح؛ «آموزشدین*، نوشته علامه طباطبایی؛ «آموزش اصولی عقاید» نوشته میرباقری و آقای غرویان بهره بگیرید. و در حوزه پاسخ به برخی نیازهای فکری روزمره به کتاب «پرسش و پاسخ»، ج ۱، تا ج ۴، از انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امامخمینی(ره) و «جستارها و پاسخها» نوشته آقای هادوی؛ «معارف قرآن»، خداشناسی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی) نوشته آقای مصباح؛ «آموزش کلاماسلامی» نوشته آقای سعیدی‌مهر، مراجعه نمایید.{J

تعریف امربه معروف و نهی از منکر

آیا در زمان کنونی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای داریم ، یا وظیفهء دولت وحکومت اسلامی است ؟ چرا قوانینی که در قرآن آمده مانند قطع دست دزد اجرا نمی شود؟

پرسش

آیا در زمان کنونی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای داریم ، یا وظیفهء دولت وحکومت اسلامی است ؟ چرا قوانینی که در قرآن آمده مانند قطع دست دزد اجرا نمی شود؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر از تکـالیف مهم هر مسـلمان است . مسـلمان وظیفه دارد مسائلی را که در اطراف او واقع می شود تأیید یـا تکـذیب کنـد و واکنش نشـان دهـد. بی اعتنایی نسـبت به وقوع حوادث و گناهان آثار نامطلوبی برای فرد و جامعه دارد، درسـت ماننـد این که اگر شخصـی بفهمـد در نزدیکی خانه ای یا کارخانه ای آتش گرفته و فریاد نزنـد و دیگران را به یاری دعوت نکند و سکوت کند تا آتش فراگیر شود,سرانجام آتش دامن او را هم می گیرد. گناه در جامعه مانند این مثال است ... امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است : ۱ قلبی ; ۲ زبانی ; ۳ عملی و جوارحی . در مرحلهء اول همهء مردم موظّف انـد از انجام گناه ناراضـی باشـند و از خوبی ها شاد و راضـی باشـند. در مرحلهء دوّم آنان که می تواننـد و حرفشان مؤثّر است بایـد در مقابل گناه بایستند و با زبانشـان امر به معروف ونهی از منکر کننـد. در مرحلهء سوّم آنـان که بـا گفتارشـان نمی تواننـد جلوی فسـاد را بگیرنـد, در صورت توانایی بایـد در دسـتگیری مجرم و تأدیب و کتک زدن تا جایی که موجب دیه نشود اقدام کنند, ولی اگر به مرحلهء شدیدتری نیاز است , وظیفه ءحاکم اسـلامی است , مثل شـلاق یا اعـدام یا جاری کردن حـد. این کارها وظیفهء تک تک افراد جامعه نیست . این مرحله از امر به معروف باید زیر نظر حاکم اسـلامی که در زمان غیبت فقیه می باشد, اجرا شود. در این جا دو مسئله از تحریرالوسیله نقل می کنیم , امام می فرمایـد: اگر نمی توانـد امر به معروف بکنـد مگر با کتک زدن و اذیت کردن، ظاهراً جایز است . البته مقدار لازم و ضروری را مراعات بکند و خوب است از حاکم شرع اجازه بگیرد. اگر نهی از منکر موجب جرح و یا قتل باشد بدون اجازهء امـام (ع) جـایز نیست در زمان ما فقیه جامع الشـرایط جانشـین امام(ع) می باشـد. (۱) نقش مردم در این مرحله به عنـوان یـار و یـاور دولت اسـلامی، در شـناسایی مجرمان و دسـتگیری آنان بسـیار لازم و ضـروری است . اجرای حدود الهی از وظایف دولت اسـلامی است و آن چه را که در قرآن وقانون است باید اجرا کند. دولت اسلامی بعضی حدود از قبیل شلاق , اعدام و قطع دست را اجرا می کنـد, امـا اجرای حـدود دیگر, چـون شـرایط زیـاد دارد، کـم تر برای حـاکم محرز می شـود تـا حکم قطعی را در آن مـورد جـاری کنـد,مثلاً قطع دست دزد، متجاوز از بیست شـرط دارد، از این رو کمتر اتفاق می افتـد که شـرایطحدّی مانند قطع دست محقق شود. پاورقی: ۱ - تحریرالوسیله، ج۱، ص ۴۸۱، مسئله ۱۰ و ۱۱.

در مورد راننده هایی که در ماشینشان نوارهای مبتذل روشن می کنند یا در مورد افراد بی حجاب , باید نهی از منکر کنیم ؟

پرسش

در مورد راننده هایی که در ماشینشان نوارهای مبتذل روشن می کنند یا در مورد افراد بی حجاب , باید نهی از منکر کنیم ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر با شـرایطی واجب است . در روایات آمده : دو واجب بسـیار مهم , امر به معروف و نهی از منکر اسـت که بسـیاری از مردم از آن ها غافل اند. امر به معروف و نهی از منکر, بی اثر نیست . ممکن است از گفتن یک نفر, آن شخص متأثر نشـود, امـا اگر دومی وسـومی و چهـارمی و... امر به معروف و نهی از منکر کردنـد, تـأثیر خـوبی خواهـد داشت و در این امر نبـاید کوتاهی کرد. قرآن از صـفات مؤمنان , امر به معروف و نهی از منکر را بر می شـمارد: می کننـد و امر به معروف و نهی از منکر می کنند.>

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش

اشاره

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟

پاسخ

خیر، زیرا اسلام دخالت در زندگی خصوصی دیگران و تجسس در این امور را حرام می‌شمرد و قرآن مجید ناطق به آن است (سورهٔ حجرات). ولی محدودهٔ امر به معروف و نهی از منکر، ناهنجاریهای آشکار اجتماعی است که در سرنوشت جامعه دخالت دارد و سرنوشتها در آن جا به هم گره خورده است و تخلف و انحراف در هر یک از افراد، در کل جامعه اثر می‌گذارد. بنابراین هیچ کس حق ندارد در این گونه مسائل به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند بگوید به شما چه مربوط است؟! پاسخش این است که به همهٔ ما مربوط است، زیرا سرنوشت ما به یکدیگر پیوسته است. آیا در برابر هجوم بیماریهای واگیردار، هنگامی که دولت مأموران خود را برای زدن واکسن بسیج می‌کند، کسی حق دارد بگوید به شما چه مربوط است؟ من بیمار می‌شوم و جان من به خطر می‌افتد، بگذارید بیفتد، چرا در زندگی شخصی من دخالت می‌کنید؟! همه به او جواب می‌دهند سلامت تو از سلامت دیگران جدا نیست و بیماری تو سبب بیماری دیگران می‌شود و به همین دلیل به ما مربوط است و به همه مربوط است، بنابراین باید قبول کرد انجام این دو وظیفه، از آثار زندگی گروهی انسانها و از حقوق و واجبات اجتماعی محسوب می‌شود.

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفهٔ بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

اشاره

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفهٔ بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

در روایات اسلامی، تأکیدهای فوق‌العاده‌ای دربارهٔ این دو وظیفهٔ مهم دیده می‌شود و آن را ضامن اجرای تمام فرایض الهی و سبب امنیّت و آبادی و سبب گسترش عدالت می‌شمرد. ۱ـ در حدیثی از پیغمبر اکرم(ص) می‌خوانیم «مَنْ اَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهی عَنِ الْمُنْکَرِ فَهُوَ خَلیفَةُ اللهِ فی اَرْضِهِ، وَ خَلیفَةُ رَسُولِ اللهِ، وَ خَلیفَةُ کِتابِهِ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین، و جانشین پیامبر(ص) و کتاب اوست.] یعنی دقیقاً کار آنها را انجام می‌دهد. ۲ـ درحدیث دیگری از آن حضرت، تعبیر گویاتری دیده می‌شود که پیامبر (ص) بر منبر بود، مردی عرض کرد ای رسول خدا! مَنْ خَیْرِ النّاسِ؟ (چه کسی از همهٔ مردم بهتر است؟!) فرمود «آمَرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اَتْقاهُمْ لِلّهِ، وَ اَرْضاهُمْ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که از همه بیشتر امربه معروف و نهی از منکر کند و از همه با تقواتر و خشنودتر به رضای الهی باشد.] ۳ـ در حدیث دیگری از پیامبر اکرم(ص) می‌خوانیم «لَتَأْمُرُونَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْکَرِ اَوْ لَیَعُمَنَّکُمْ عَذابُ اللهِ» (وسائل الشیعه ۱۱/۴۰۷) [به یقین، همگی باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه به طور قطع عذاب الهی شما را فرا می‌گیرد.] ۴ـ در حدیث معروفی، نیز از علی(ع) می‌خوانیم که فرمود «وَ ما اَعْمالُ الْبِرِّ کُلُّها وَ الْجِهادُ فی سَبیلِ اللهِ عِندَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهی عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَةٍ فی بَحْرٍ لُجّیٍ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۴) [تمام اعمال نیک و حتّی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون آب دهان است در برابر یک دریای پهناور.]

فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

اشاره

فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

امام باقر (ع) در یک بیان کوتاه و گویا، فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر را چنین بیان فرموده است «اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهیَ عَنِ الْمُنْکَرِ فَرِیضَهٔ عَظِیمَهٔ بِها تُقامُ الْفَرائِضُ وَ تَأْمَنَ الْمَذاهِبُ وَ تُحَلُّ الْمَکاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظالِمُ وَ تَعْمُرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَ یَسْتَقِیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه ۱/۳۹۵) در این عبارت کوتاه به هفت فلسفه از فلسفه‌های این دو فریضهٔ عظیم الهی اشاره شده است، می‌فرماید [امر به معروف و نهی از منکر فریضهٔ بزرگ الهی است که بقیّهٔ فرایض به وسیلهٔ آن بر پا می‌شود، به وسیلهٔ این دو، راهها امن و امان می‌گردد، کسب و کارها حلال می‌شود، حقوق مظلومان به آنها می‌رسد، زمینها آباد می‌گردد، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها رو به راه می‌گردد.]

چه عواملی در دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد؟ پرسش

اشاره

چه عواملی در دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد؟

پاسخ

تمام رسانه‌های گروهی و تمام تبلیغهای سمعی و بصری که به نحوی برای بالا بردن سطح آگاهی مردم و توجّه آنها به نیکیها و پاکیها و اخلاق انسانی و اصول فضیلت و بیزاری از فساد سر و کار دارند، همهٔ آنها در دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر، جای می‌گیرند و حتّی مراکز آموزش و پرورش و علوم عالی که نوجوانان و جوانان را با اصول اعتقادی صحیح و موازین انسانی و قوانین و آداب اجتماعی، آشنا می‌سازد و در تعلیم و تربیت آنها گام بر می‌دارد نیز در این دایره جای دارد، چرا که همهٔ این امور می‌توانند در امر به معروف و نهی از منکر سهیم باشند، بنابراین نقش این مراکز در پیاده کردن این دو اصل مهمّ اجتماعی روشن می‌شود. این نکته نیز حائز اهمیّت است که معمولاً امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو بخش از فروع دین شمرده می‌شود، ولی از یک نظر دامنهٔ آن چنان گسترده است که بخش عظیمی از اصول اعتقادات را در بر می‌گیرد، چرا که همهٔ آنها در این مسیر مؤثّر و کارسازند و از طریق تحکیم پایه‌های عقاید، با مفاسد مبارزه می‌شود، همچنین عبادات نیز مقدّمه‌ای برای آن است.

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ پرسش

اشاره

آیا امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟

پاسخ

خیر، زیرا اسلام دخالت در زندگی خصوصی دیگران و تجسس در این امور را حرام می‌شمرد و قرآن مجید ناطق به آن است

(سورهٔ حجرات). ولی محدودهٔ امر به معروف و نهی از منکر، ناهنجاریهای آشکار اجتماعی است که در سرنوشت جامعه دخالت دارد و سرنوشتها در آن جا به هم گره خورده است و تخلف و انحراف در هر یک از افراد، در کل جامعه اثر می گذارد. بنابراین هیچ کس حق ندارد در این گونه مسائل به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند بگوید به شما چه مربوط است؟! پاسخش این است که به همهٔ ما مربوط است، زیرا سرنوشت ما به یکدیگر پیوسته است. آیا در برابر هجوم بیماریهای واگیردار، هنگامی که دولت مأموران خود را برای زدن واکسن بسیج می کند، کسی حق دارد بگوید به شما چه مربوط است؟ من بیمار می‌شوم و جان من به خطر می‌افتد، بگذارید بیفتد، چرا در زندگی شخصی من دخالت می کنید؟! همه به او جواب می‌دهند سلامت تو از سلامت دیگران جدا نیست و بیماری تو سبب بیماری دیگران می‌شود و به همین دلیل به ما مربوط است و به همه مربوط است، بنابراین باید قبول کرد انجام این دو وظیفه، از آثار زندگی گروهی انسانها و از حقوق و واجبات اجتماعی محسوب می‌شود.

نظر علی(ع) در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پرسش

نظر علی(ع) در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: جهاد چهار شعبه و پایه دارد: یکی از آنها امر به معروف است و دیگری نهی از منکر... کسی که امر به معروف می کند پشت مؤمنان را گرم و محکم می کند. همان طور که نهی از منکر بینی کافران و منافقان را به خاک می‌مالد؛ «والجهاد منْها عَلی أَرْبع شُعب: عَلی الأمر بالمعروف والنَّهی عن المنکر... فَمن أَمر بالمعرُوف شدّ ظَهور المؤمنین و مَن نهی عن المُنکر أَرغم أُنوف الکافرین(المنافقین).» (نهج‌البلاغه، حکمت۳۱، بند ۸-۹) و در تشریح فلسفه این واجب بزرگ الهی فرمود: «فَرض‌الله... الأَمر بالمعروف مَصلحةً لِلعوام والنَّهی عَن المنکر رِدعاً للسُّفهاء»؛ (همان، حکمت ۲۵۲، بند ۲) [امر به معروف را برای اصلاح جامعه مسلمین واجب کرد و نهی از منکر را جهت باز داشتن نابخردان از اَعمال و کردار زشت.] در وصیت نامه خود امر به معروف و نهی از منکر را مانع تسلّط اشرار معرفی کرد و فرمود: «لا تَترکوا الأَمر بالمعروف والنَّهی عن المُنکر فَیُولّی عَلیکم شِرارکم ثُمّ تَدعون فلا یُسْتجاب لکم»؛ (همان، نامه ۴۷). امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید و گرنه اشرار جامعه بر شما مسلط می‌شوند. آن گاه هر چه دعا کنید به اجابت نمی‌رسد. در بیانی دیگر در ارائه مسیر صحیح اِعمال خشم و غضب، افراد جامعه را به چند گروه تقسیم کرد و فرمود: عدّه‌ای در سه مرحله عملی، زبانی و قلبی نهی از منکر می کنند. اینها کسانی هستند که همه خصال خیر را در خود جمع کرده‌اند. عدّه‌ای نهی از منکر زبانی و قلبی دارند، ولی نهی از منکر عملی را رها کرده‌اند. اینها کسانی هستند که یکی از خصلتهای خیر را رها کرده و به دوتای آن تمسک جسته‌اند. گروه سوم کسانی هستند که فقط نهی از منکر قلبی دارند و فقط در درون دلشان از زشتی‌ها متنفّرند اما با دست و زبانشان اقدامی نمی کنند. اینها دو خصلت از خصلتهای سه‌گانه مزبور را از دست داده و فقط به یکی از آنها دست یافته‌اند. گروه چهارم کسانی هستند که مراحل سه‌گانه آن را رها کرده و به هیچ نحوی از منکر، نهی نمی کنند. اینها مرده‌های متحرکی هستند که از آثار حیات انسانی برخوردار نیستند و فقط به خور و خواب و استهلاک امکانات معیشتی ـ که از آثار حیات حیوانی بشر است ـ اکتفا می کنند. آن گاه درباره جایگاه امر به معروف و نهی از منکر فرمود: جمیع اعمال نیک بندگان خدا حتی جهاد و پیکار در راه او در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره‌ای از اقیانوس پهناور است. امر به معروف و نهی از منکر نه پایان زندگی و اجل کسی را نزدیک می کند و نه مایه کاهش روزی کسی می گردد.

در پایان می‌فرماید: از همه اینها بالاتر، کلمه حقّی است که در برابر پیشوایی ستمگر بیان می‌شود. البته این نیز یکی از موارد و مصادیق نهی از منکر است. این کلام در بیان دیگری از آن حضرت بدین صورت آمده است: «أیّهَا المُؤمنون إنّهُ مَن رَأی عُدواناً یُعْملُ بِهِ ومُنکَراً یُدعی إلیه فَأنکَره بقلْبِهِ فَقد سَلِم وبَرِیءَ ومَن أنکَرهُ بلِسانِه فَقَد اُجِرَ وهو أفضَل مِن صاحِبِهِ ومَنْ أنکَرهُ بالسَّیفِ لِتکونَ کَلِمهُ اللهِ هِیَ العُلیا و کَلِمهُ الظّالِمینَ هِیَ السِّفْلی فَذلِکَ الَّذی أصابَ سَبیلَ الهُدی وَقامَ عَلَی الطَّریقَ ونَوَّرَ فی قَلْبِهِ الیَقین»؛ (همان، حکمت ۳۷۳) [اگر کسی قلباً از ظلم و منکر اظهار انزجار کند، خودش سالم می‌ماند. و اگر علاوه بر انزجار قلبی با زبان خود نیز نهی از منکر نماید اجر بیشتری می‌برد و از اوّلی بالاتر است. و اگر علاوه بر انزجار قلبی و نهی از منکر زبانی با شمشیر نیز جلوی ظلم را بگیرد تا نام خدا گرامی و نام ظالمان سرنگون گردد، اوست که در راه هدایت به مقصد رسیده، در متن راه راست قرار گرفته، نور دین در قلب او تابیده و قلبش نورانی شده است.] بنابراین، از نظر امیرالمؤمنین(ع) کسی که با شمشیر جلوی ظلم را بگیرد و اهل جهاد و مبارزه باشد بنده‌ای است که خدا قلب او را روشن کرده است.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می‌شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن. امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه‌اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد. اثر امربه‌معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می‌رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است. انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند. انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند. انسانی که می‌کوشد وظایف اجتماعیش را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می‌کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می‌شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن. امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه‌اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد. اثر امربه‌معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می‌رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است. انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند. انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند. انسانی که می‌کوشد وظایف اجتماعیش را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می‌کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی چیست؟

پاسخ

فرق بین امر به معروف و نهی از منکر با حفظ حدود الهی آن است که، در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می‌شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند؛ زیرا امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای واجب وادار نمودن و نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای حرام بازداشتن. امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. اولین مرتبه نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه‌اش، ضرب و جرح. مراتب عملی آن باید به اذن ولی مسلمین باشد. اثر امربه‌معروف و نهی از منکر آن است که معصیت واقع نشود. اما اگر کسی تحت تأثیر قرار نگرفت و مرتکب گناه شد، نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می‌رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است. به عبارت دیگر: امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است، اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است. انسان هدایت یافته کسی است که بعد از اصلاح خود از جهات گوناگون به اصلاح جامعه قیام کند، یعنی برای دفع و رفع گناه بکوشد و نگذارد خلاف شرع واقع شود، و اگر واقع شد، کوشش کند تا متخلف را از راه قانون الهی با حد و تعزیر، تنبیه کند. انسان مهتدی کسی است که هم در وظایف فردی کوشا بوده و هم در ارشاد و هدایت دیگران سعی بلیغ داشته باشد و هم در حفظ حدود الهی دریغ نکند. انسانی که می‌کوشد وظایف اجتماعیش را همانند وظایف فردی انجام بدهد، در حقیقت می‌کوشد که خواسته درونی خود را، که همان دین خداست اجرا کند. و این همان است که خدا فرمود: «علیکم أنفسکم» یعنی جانتان را رها نکنید، در منازل روحتان سفر نمایید و

اوصاف کمال جانتان را یکی پس از دیگری تحصیل کنید تا به مرحله لقاءالله برسید.

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پرسش

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پاسخ

نصوص معتبر دینی باصراحت و قاطعیت مسوولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند .در چشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسوولیت همگانی ناممکن است . البته در این راستا مسوولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایطویژه ای که در آن قرار دارد مسوول است . مساله بدحجابی ازمعضلات کنونی جامعه ماست . این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریانات داخلی دارد .از گذشته ها و ریشه تاریخی مساله که بگذریم ، متاسفانه خودباختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه ازآنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شماگوشه هایی از آن را ارایه کرده اید .اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهرگردد .ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی . هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تاثیر وارونه خواهد شد .در این رابطه نکات چندی رایادآور می شویم : الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکرنکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ماپیش آمده نیز بیندیشید .اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را بادوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهید داشت . ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کندی کار و سد راه تکامل شما خواهد بود .نبی اکرم (ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدم ایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تااین که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید : ((طه ماانزلنا علیك القرآن لتشقی ؛ پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی)) ، (طه ، آیه ۱) و نیز می فرماید : ((لعلك باخع نفسك الاـ یکونوامومنین ؛ ای رسول ، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاك کنی)) ، (شعرا، آیه ۲۳) . ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم (ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذرداشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی (ع) در این راستا حایز اهمیت است که می فرماید : ((الهم نصف الهرم ؛ هم وغم نصف پیری را تشکیل می دهد)) ، (نهج البلاغه قصار ۱۴۳) ؛ یعنی ، غصه و اندوه انسان رامی شکند و زود از پا در می آورد .با این نگرش ، گرچه ما به احساس پاك شما ارج می نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچاراندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید .ج) و اماچه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس مامسوولیتی در ازای این رویدادها نداریم ؛ بلکه به پیشنهادی چند،نیك بیندیشید .۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امربه معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید .۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید .۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعال وکوشا در این راه گام بردارید و مطمین باشید که خدای کریم در صددارشاد چنین فرزانگانی است . و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت . چند از این الفاظ واضمار و مجازسوزخواهم سوز با آن سوز ساز;

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند. درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲ـ

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با این که از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند راه خدا را پیش گیرند. درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیهٔ الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲۹ـ

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پرسش

آیا می توان به گناه دیگران بی اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خدS...گرفتار نشویم. این بینش باعث می شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند. درباره خطرات عُجب و غرور می توان به کتاب آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۹۱۴ـ

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

پرسش

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

پاسخ

در جوابی سؤالی که مطرح کردید باید تصدیق کرد که موضوع امر به معروف و نهی از منکر اختصاصی به مسأله بدحجابی ندارد و همه منکرات را شامل می شود، مانند احتکار،کم کاری ،گران فروشی و صدها عنوان دیگر و لیکن برخی از منکرات، در اسلام مهم‌تر شمرده شده‌اند و دلیل آن هم ایجاد جّو غیر اسلامی و حاکمیت فضای غیر دینی در جامعه می باشد، چه آنکه منکرات تا زمانیکه علنی و آشکار نگشته اند آثار تخریبی کمتری دارند نسبت به زمانی که فضای حاکم بر اجتماع مسلمین فحشاء و منکرات علنی و ظاهری باشد که در این صورت اثرات تخریبی آن قابل محاسبه نیست از جمله مسأله بدحجابی، که فهرست برخی از آثار آن را می توان چنین شمارش نمود : ۱- زنان بی تقوا و بی حجاب بهترین دام برای شیطان‌اند ۲- زنی که بد حجاب است و خود را برای خارج از منزل معطر می‌کند زناکار است. ۳- زن بی حجاب و بد حجاب ، ننگ و آتش جهنم است. ۴- زنان بی حجاب و بد حجاب بدترین فتنه اند. ۵- زن بد حجاب به شوهرش خیانت می‌کند. ۶ـ زن بد حجاب بر قلب شوهرش تسلّط ندارد. ۷ـ زن بدحجاب و بی حجاب بجای آرامش اضطراب دارد. ۸ـ فساد و گناه و سقط جنین در بین زنان بی‌حجاب و بد حجاب بیشتر است. ۹ـ آثار مخرّب بدحجابی در فرزندان. ۱۰ـ ضرر بدحجابی از لحاظ اقتصادی ۱۱ـ اثر بدحجابی در ضعف اعصاب ۱۲ـ بدحجابی و فرهنگ مبتذل غرب زمینه‌ای برای مجذوب کفر شدن. ۱۳ـ بدحجابی سبب سرد مزاجی در مردان می‌شود. ۱۴ـ زن بدحجاب دل دشمنان اسلام بویژه آمریکا را شاد می‌کند! ـــــــــــــــــــ ۱ـ برگرفته از کتاب آنچه یک زن باید بداند، اسد الله محمدی نیا

اگر عمل حرامی را ببینیم و سکوت کنیم چه حکمی دارد چنانچه این فرد یک فرد عادی باشد؟ چنانچه یک فرد مسئول اجتماع باشد؟

پرسش

اگر عمل حرامی را ببینیم و سکوت کنیم چه حکمی دارد چنانچه این فرد یک فرد عادی باشد؟ چنانچه یک فرد مسئول اجتماع باشد؟

پاسخ

اگر سکوت شما (نسبت به فرد عادی جامعه)، به معنای بی توجهی، و یا کوتاه آمدن نسبت به عمل این شخص باشد، قطعاً حرام است. اما اگر بهترین راه را برای امر به معروف و نهی از منکر، در مورد خاصّی، سکوت می‌بینید، که دارای اثر است، یعنی با سکوت شما، شخص دست از عمل حرام می کشد، یا سراغ آن نمی رود، وظیفه شما در این موقعیت، سکوت است. ولی اگرعمل حرامی از مسؤولی، برای شما ثابت شود، دو صورت دارد : ۱.در صورتی که آن عمل، مربوط به زندگی خصوصی آن مسؤول است، و ارتباطی با مسائل کاری مسؤول ندارد، وظیفه شما در صورت جمع بودن شرایط، این است که به شیوه مناسبی، مسؤول را به صورت خصوصی، امر به معروف کنید. ۲. اما اگر در مورد ضایع کردن حقوق مردم، در حوزه تحت سرپرستی آن مسؤول باشد، در صورت جمع بودن شرایط، به شیوهٔ مناسبی امر به معروف کنید. و در صورت ناتوانی از امر به معروف، بنا به توصیهٔ مقام معظم رهبری عمل کنید" : با وجود حکومت اسلامی، که اهتمام به این فریضهٔ الهی (امربه معروف و نهی ازمنکر) دارد، کسی که خود از امر به معروف و نهی‌از منکر عاجز است، برایش لازمست که دستگاه مخصوص این کار را، که از طرف دولت مأمور است، مطلع سازد. و پیگیری موضوع، تا ریشه کن نمودن فاسد و مفسد، ادامه یابد("۱.) منابع و مآخذ: ۱ـ استفتائات مقام معظم رهبری، ج۱،ص۳۱۱

وظیفه دانشجو در برابر هم اتاقهایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست ؟

پرسش

وظیفه دانشجو در برابر هم اتاقهایی که از ترانه و موسیقی و پاسور استفاده می کنند چیست ؟

پاسخ

وظیفه اصلی او نهی از منکر با زبانی منطقی و سازنده است و اگر موثر واقع نشد در صورت امکان از آنان جدا شود؛ولی اگر ترک آن اتاق ممکن نیست بر او گناهی نمی‌باشد.

با این وضعیت دانشگاهها, آیا فریضه ء امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است ؟

پرسش

با این وضعیت دانشگاهها, آیا فریضه ء امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است ؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال توجه به نکات ذیل حایز اهمیت می‌باشد: اولاً: نگاهی گذرا به احادیث و روایاتی که در زمینه فلسفه امر به معروف و نهی از منکر وارد شده این نکته مهم را مشخص می‌سازد که یکی از مهمترین عوامل تداوم و شکوفایی و پیشرفت و تعالی جوامع بشری و همین‌طور انحطاط و سقوط آن در گرو عمل به این فریضه مهم والهی می‌باشد. چنانچه پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند: اذا لم یأمروا بمعروف و لم ینهوا عن منکر و لم یتبعوا الاخیار من اهل بیتی، سلط الله علیهم شرارهمفیدعوا عند ذلک خیارهم فلا یستجاب لهم ؛ هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر ننمایند و از خوبان اهل‌بیت من پیروی نکنند،خداوند بدان را بر آنان مسلط خواهد کرد. در آن شرایط خوبان آنها دعا می‌کنند اجابت نمی‌شود{M، (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۲). در روایت

دیگر نیز فرموده‌انـد: لتأمرن بالمعروف و لتنهن عن المنکر او لیعمنکم عذاب الله ؛ باید امر به معروف و نهی از منکر کنید یا عذابخدا همه شـما را فرا می گیرد{M، (وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷). شـهید مطهری در بحث تعـالی و انحطـاط جوامـع که می‌توان آن را تعبیر دیگر عوامل تـداوم و سـقوط انقلاب‌ها دانست و براساس قرآن چهار عامل عـدالت و بی‌عدالتی، اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر، اتحاد و تفرق، فسق و فجور و فساد یا صـلاح اخلاق، را مؤثر در اعتلاو انحطاط جوامع می‌داند، (شهید مطهری، جامعه و تاریـخ، ص ۲۰۵). دکتر علی شـریعتی نیز در مقـاله اجتهـاد و نظریه انقلاب دائمی می گویـد: در اعتقاد اسـلام، بر مبنای سه اصل، می‌توان انقلاب را دائمی کرد و سپس اجتهاد و امر به معروف و نهی از منکر و هجرت را عوامل انقلاب دائمی می‌دانـد، (اجتهاد و نظریه دائمیانقلاب، ص ۲۲ تا ۲۵). ثانیا: وجود و گسترش برخی از مفاسـد فردی و اجتماعی و ناهنجاری‌ها که در اثر عواملی از قبیل تغییر ارزش‌ها و توجه به مادیات و تهاجم فرهنگی و... به وجود آمـده و خطر عمده‌ای برای نظام اسـلامی محسوب می‌شود، توجه به عملی شـدن و اجرا این فریضه الهی را درتمـامی سـطوح مورد تأکیـد قرار می‌دهـد واز آنجـا که یکی از مهمـترین راه مقـابله بـا این مفاسد انحرافات کار بنیادی فرهنگی می‌باشد، دانشـجویان به عنوان قشـری تحصیل کرده، نقش بسزایی را بر عهده دارند. ثالثا: امر به معروف و نهی از منکر بر تمام افراد عاقل و بالغ از هر قشـر و گروهی در صورتی که شـرایط ذیل موجود باشـد واجب می‌باشـد: ۱- کسـی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یا ترک کار واجبی است. ۲- احتمال دهـد که امر و نهی او اثر دارد، خواه اثر فوری داشـته باشـد یا غیرفوری، کامل یا ناقص، بنابراین اگر بداند هیچ اثر نمی‌کند واجب نیست. ۳- در امر و نهی او مفسده و ضـرری نباشد، پس اگر بداند یا بترسد که امر یانهی او ضـرر جانی یا عرضی و آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه برای او یا بعضی از مؤمنین داردواجب نیست.}J

وظیفه در مورد افرادی با وضع غیرقابل قبولی در دانشـگاه رفت و آمـد می کنند (مخصوصا خواهران) چیست؟ آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر کرد یا خیر؟

پرسش

وظیفه در مورد افرادی بـا وضع غیرقابـل قبولی در دانشـگاه رفت و آمـد می کننـد (مخصوصـا خواهران) چیست؟ آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر کرد یا خیر؟

پاسخ

در این زمینه خوب است به منابع زیر که چنـدان مفصل نیسـتند مراجعه فرمایید: مجله پرسـمان، چرایی پوشـش بانوان، آقای حسـینی مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسـر، آقای احمدی تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران شـش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است: اولاـ آگـاهی دقیـق و عمیـق برادران و خواهران متعهـد و حزب اللهی در دانشـگاه هـا نسـبت به موارد و مصـادیق معروف و منکر. ثانیا، کار تشکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل های اسلامی، بسیج و سایر تشـکل های مذهبی و متعهد و نیز با همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در ضمن از این طریق می توانید: ۱- کلاس های آشـنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید. ۲- در شـورای فرهنگی دانشـگاه و سـایر مراکز فرهنگی دانشـگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضـمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید. ۳- گـاهی برخورد بـا بعضـی از منکرات به لحاظ حساسـیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشـکل منجسـم نیروهـای خودی در این راسـتا، کـارآیی خوبی می توانـد داشـته باشـد. ثالثـا، کـار مطبوعـاتی و نشـریاتی و درج مقالاـت علمی و نه تهاجمی تند و بی منطق و پر از شعار. رابعا، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام

شما با حرکت های بی منطق و تند نابه جا و غیرمنطقی، سوء استفاده نشود بهتر است این اقدام در قالب کار تشکیلاتی مذکور صورت پذیرد. خامسا، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصیحت پذیرای سخن شما نیستند، در اردوها، در کلاس ها، در اوقات فراغت. چه این که نصیحت به معنای خیرخواهی است باید راه کار عملی ساختن نصیحت را جستجو نمود. قطعا محبت یکی از بهترین شیوه های ممکن است. سادسا، مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری های موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسؤولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد: ۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند, فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد ;از جمله : اولا: "فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است , به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا, "احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا, "شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده , اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا, "در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر, مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر, جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت , روی بر گرداندن و.. از او, ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه ی دوم امر و نهی زبانی , موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن , گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه ی سوم , مرحله ی اقدامات عملی است . اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت , واجب است از اعمال قدرت استفاده کند, (تحریرالوسیله , امام خمینی , ج ۲, ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور, موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند,(استفتاآت آیت الله خامنه ای , ترجمه ی فارسی , ج ۱, ص ۲۳۱). ۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی , قوه قضائیه , دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی , ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر, ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون , نسبت به انجام مسوئولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است , ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات , مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است . راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی , اشتغال , مسکن , ازدواج , تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی , اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر, فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده ی سلامت جامعه , مطلوب است . در مورد محیط و اطرافیان : مسلما حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای مؤمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت : خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش . حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست . هنر آن است که در تندباد ضد ارزش ها ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. از مطالعه قرآن و توجه به

معانی آن و همچنین کتاب های سودمند دیگر و شرکت در مجالس وعظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنید. باید بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شما قرار داده است , لیکن با عزم و همتی سترگ باید به مبارزه با گناه برخیزید و همواره کوشش کنید که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید, آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است , اما اگر در حال عبور از کوچه و بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا مچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد.

آیه و لا تزر وازرأ وزر اخری که در چند سوره از قرآن آمده است، هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد،

اشاره

چطور در یک جامعه گذشته از مسئله عرف که می گویند آتشی که گرفت خشک و تر می سوزد منظور باز شدن عرفی آن نیست و این ضرب المثل نیست بلکه باز شدن شرعی آن است چطو

پرسش

آیه و لا تزر وازرأ وزر اخری که در چند سوره از قرآن آمده است، هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد، چطور در یک جامعه گذشته از مسئله عرف که می گویند آتشی که گرفت خشک و تر می سوزد منظور باز شدن عرفی آن نیست و این ضرب المثل نیست بلکه باز شدن شرعی آن است چطور مسئولیم در قبال دیگران و رابطه امر به معروف و نهی از منکر با این آیه و امثال این آیه چیست؟ حتی در محیط خانواده، ممکن است یک فردی خطائی را مرتکب شود و به علت خطای همان یک نفر، تمام افراد خانواده تا آخر عمر باید چوب خطای او را بخورند هر چند بگوییم در عرف اینطور است ولی ممکن است این عرف لطمات زیادی به شرع بزند، رابطه اش را برایم تشریح کنید.

پاسخ

آیه یاد شده که در چندین سوره آمده است، در واقع جوابی است به افرادی که ملامت گناه خویش را به گردن دیگران می‌اندازند و می گویند کسی در آن جا نبود که مرا هدایت کند یا این که حکومت و جامعه فاسد مرا گمراه کرد و... این آیات گوشزد می کنند که چنین نیست. خداوند به هر کس قدرت کشف حقیقت و راه‌یابی را عنایت کرده است و فرصت را برای هدایت او فراهم آورده است ولی انسان گناه‌کار به جهت پیروی از هوای نفس خویش راهی را که آسان‌تر و نزدیک‌تر به طبیعت جاهلی خویش است انتخاب می کند، بنابراین هر کسی همان‌گونه که مسؤول گمراهی خویش است مسؤول اعمال خود نیز هست و خود باید آن را به دوش بکشد. این مفهوم، با آیاتی که انسان را به امر به معروف و نهی منکر تشویق می کنند منافی نیست، زیرا در آیه «وزره» انسان را مسؤول اعمال خویش پس از ارتکاب آن می‌داند ولی آیات امر به معروف و نهی از منکر وظیفه انسان را نسبت به دیگران و جامعه مشخص می کند. وظیفه هر فردی در جامعه، دور نگه‌داشتن دیگران از منکرات است تا منکرات در جامعه گسترش نیابند، چرا که جرم در جامعه قابل سرایت است. یک خلاف از یک فرد، در همه جامعه اثر می گذارد، برای مثال، یک نفر سیگاری هوای همه محیط را آلوده می کند، یک دروغ نیز همه ارتباطات را به هم می‌ریزد. چنان که پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «گناه مخفیانه تنها به گناهکار ضربه می‌زند ولی اگر از گناه علنی نهی نشود، به همه مردم ضربه خواهد زد»(میزان‌الحکمه، ری‌شهری، ح ۱۲۴۴۴). حال اگر مسلمانی این مسؤولیت را به خوبی انجام ندهد، چون علت و سبب گسترش منکرات در جامعه است، مستحق

عقوبت خواهـد بود. به همین جهت است که در آیات و روایاتی که از تارکان امر به معروف و نهی از منکر انتقاد شده، تأکید روی سکوت افراد، رضـایت آنـان به گسترش فحشـاء و... است. در حـدیثی می‌خوانیم: «اگر گنـاه مخفیـانه انجـام شود، خطری برای همه مردم ندارد ولی اگر افراد خاصـی گناه را آشکار انجام دهند و سایر مردم قدرت تغییر دادن داشته باشند ولی ساکت بمانند، خداوند همه مردم را بـا هم مورد قهر و عـذاب خود قرار می‌دهـد»(همـان، ۱۲۴۴۷). خـالصه اگر فردی مرتکب گناهی شـد، خودش مسؤول گمراهی و عمـل خویش است و در جرم آن دیگری شـریک نیست ولی اگر دیگران او را به گنـاه ترغیب یـا در مقابل گناه علنی او سکوت کنند، چون سـبب و علت گناه او و سـرایت آن به جامعه می‌شوند مستحق عقوبت خواهند بود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۱۵ سوره اسراء ۲- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران، ذیل آیه ۱۶ سوره انعام ۳- امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی

دوستی داشـتم که بنابر تصادف چند ترمی با هم دوست بودیم. کم کم متوجه برخی رفتارهای زشت وی می شوم. تا اینک یک شب بی ادبی را از حد گذرانید و از هم جدا شدیم؛ دیگر حاضـر نیسـتم با وی صحبت کنم _ با شناختی که از افکار و رفتارش دارم _ و طبعاً صد برابر او این چنین می خ

پرسش

دوستی داشتم که بنـابر تصـادف چنـد ترمی بـا هم دوست بودیم. کم کم متوجه برخی رفتارهـای زشت وی می شوم. تا اینک یک شب بی ادبی را از حد گذرانید و از هم جدا شدیم؛ دیگر حاضـر نیستم با وی صحبت کنم _ با شناختی که از افکار و رفتارش دارم _و طبعاً صـد برابر او این چنین می خواهـد فکر کنم اصـلاً احساس گناه نمی کنـد _ از رفتارهایش _ سؤال من این است وظیفه ی من الان چیست؟ آیا گناهکارم؟

پاسخ

شما گناهکار نیستید و اگر گناهی هم مرتکب شده باشید پشیمانی دلیل بر توبه و آمرزش شماست و در صورتی که می توانید در او اثر بگذاریـد, معاشـرت و رفت و آمـد با او را ترک نکنید ;ولی چنانچه می بینید رفتارش در شـما تأثیر می گذارد و شـما هیچ گونه اثری نمی توانید داشته باشید، حتما معاشرت خود را با او کم کنید.

امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی و از جانب حاکمان در امر حکومت تا چه اندازه قابل پذیرش است؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در حکومت دینی و از جانب حاکمان در امر حکومت تا چه اندازه قابل پذیرش است؟

پاسخ

در این باره بایـد دو نکته را از یکـدیگر تفکیک کرده، جـداگانه مورد بررسـی قرار داد: یک. حاکمان و کارگزاران حکومت دینی بایـد چه موضـعی در برابر «امر به معروف و نهی از منکر» اتخاذ کنند؟ دو. افراد یاد شده در عمل، چه می‌کنند و واقعیت‌های موجود در حکومت‌های دینی چه وضـعیتی را نشان می‌دهد؟ حاکمان دین بایستی امور زیر را رعایت کنند: ۱. بستری در جامعه فراهم کنند کـه افراد، بتواننـد بـه خـوبی بر رفتـار آنـان نظـارت کرده، صـحیح را از نـادرست بـاز شناسـند و بـه هنگـام لزوم، بتواننـد به راحـتی،

رهنمودهای لازم را به مسؤولان ارائه کنند. ۲. رهنمودها و امر به معروف و نهی از منکر مردم را بدون هیچ گونه پیش داوری و با تقوای لازم، مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. آنان اگر پس از بررسی‌های لازم، سخن مردم را درست یافتند، با شهامت و شجاعت آن را بپذیرند و تسلیم آن گردند و اگر آن را بر خطا یافتند، با منطقی استوار و بیانی نرم پاسخ دهند، و یا کریمانه از آن درگذرند. اما اینکه حاکمان در حکومت دینی، تا چه اندازه نسبت به امر به معروف و نهی ازمنکر پذیرش دارند، باید گفت: کلمه «حاکمان»، تعبیری کلی و تا حدودی ابهام آمیز است؛ یعنی، دقیقاً مشخص نیست چه کسانی و تا چه رده‌هایی مورد نظر است. افراد بسیار متفاوتند و نمی‌توان پاسخ قاطعی - که شامل همگان شود - ارائه داد. اما باید حاکمان، از شایسته‌ترین افراد جامعه و حدالامکان افرادی حقیقت‌پذیر و واقع نگر انتخاب شوند. هر اندازه در انتخاب این افراد، دقت نظر بیشتری به عمل آید؛ میزان پذیرش امر به معروف و نهی از منکر بیشتر خواهد بود. اما اینکه حکومت دینی در طول تاریخ، چه تجربه‌ای را نشان داده است؛ باید گفت: نمونه‌های برجسته و عینی حکومت دینی، حکومت پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) بوده است. رسول اکرم(ص) در دوران حکومت الهی خود، چنان مردمی رفتار می کرد و فضایی پدید آورده بود که با وجود عصمت آن حضرت؛ هر کسی می‌توانست به راحتی، در حوزه مسائل اجتماعی و رفتاری پیامبر(ص) اظهار نظر کند. جانشین حقیقی آن حضرت، امیرالمؤمنین(ع) نیز همین گونه رفتار می کرد. برخوردهای امیرالمؤمنین(ع) نشانگر این واقعیت است که آن حضرت، خواستار تربیت جامعه به نحوی بودند که هرگز بین خود و مسؤولان جدایی احساس نکنند و به راحتی سخنان خود را با آنان مطرح نمایند. یکی از سخنان ارزشمند آن حضرت - که به زیباترین شکلی از چنین رابطه‌ای پرده برمی‌دارد - این است: «خوش ندارم گمان کنید که دوست دارم مرا بستایید و ثنا گویید ... پس با من آن‌گونه که با گردن‌کشان سخن گویند، سخن مگویید ... نمی‌خواهم مرا بزرگ انگارید ... پس از گفتن حق یا رای زدن در عدالت باز نایستید ...». «و قد کرهت ان یکون جال فی ظنّکم انی احب الاطراء و استماع الثّناء ... فلا تکلّمونی بما تُکلَّم به الجبابرة ... و لا التماس اعظامٍ لنفسی ... فلا تکفّوا عن مقالة بحقٍ او مشورةٍ بعدلٍ»؛ نهج‌البلاغه، خ ۲۱۶. چنین برخوردی، به جامعه «شخصیت» می‌دهد و آنان را برای اظهار نظر و انتقاد و امر به معروف و نهی از منکر، تا بالاترین سطوح اجتماعی، آماده می‌سازد. شبیه همین روش در سیره امام خمینی(ره) نیز مشاهده می‌شود. ایشان می‌فرماید: «همه ملت موظفند که نظارت کنند بر امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است بگوید پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن». ر.ک: امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۷، صص ۳۱ - ۳۵. نیز می‌فرماید: «باید مسلمان این طور باشد که اگر هر که می‌خواهد باشد، خلیفه مسلمین و هر که باشد اگر دید پایش را کج گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایش را راست بگذارد». همان، ص ۳۴. کتابنامه قرآن کریم نهج‌البلاغه انجیل لوقا انجیل یوحنا ۱- آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴ . ۲- ابراهیمی ورکیانی، محمد، اسلام و آزادی، بی‌نا، بی‌تا. ۳- ابن‌حجر، هیثمی مکی، الصواعق المحرقه، دار الطباعة المحمّدیه، قاهره، و ط ۱۴۰۳ ه. ۴- ابن طاووس، کشف المحجة لثمرة المهجة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۰. ۵- ابن کثیر، عماد الدین اسماعیل دمشقی، البدایة و النهایة، تحقیق لجنة من العلماء، دار الکتب علمیه بیروت. ۶- ابن‌منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۵. ۷- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری، سیره ابن هشام، مصر مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۵۵ ه. ۸- ابو عبدالرحمن، احمد بن شعیب، سنن نسائی، دار احیاء التراث العربی، بیروت. ۹- ارسطا، محمدجواد، قدرت سیاسی در اسلام، درآمدی بر اندیشه سیاسی‌اسلام، ویراستار سید صادق حقیقت، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۸ . ۱۰- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، قاهره، مکتبة عبدالحمید احمد حنفی، ۱۳۱۴ ه. ۱۱- برگر، پیترال، افول سکولاریزم، ترجمه افشار امیری، نشر پنگان، ۱۳۸۰. ۱۲- بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، ۱۳۷۴. ۱۳- بهروز لک، غلامرضا، زبان سیاسی اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۸. ۱۴- پیشوایی، مهدی، سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، قم: دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۵. ۱۵- - ، سیره پیشوایان، قم: توحید، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۱.

۱۶- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت، قم؛ نشر اسراء، ۱۳۷۸. ۱۷- -، نسبت دین و دنیا، قم؛ نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۱۸- جوینی خراسانی، فرائد السمطین، بیروت مؤسسهٔ المحمودی، ۱۴۰۰ ه. ۱۹- الحر العاملی، محمد بن الحسین، وسائل الشیعه، المکتبهٔ الاسلامیهٔ، الطبعهٔ السادسهٔ، ۱۳۶۷. ۲۰- الحسین الحائری، سید کاظم، ولایهٔ الامر فی عصر الغیبهٔ، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعهٔ الاولی، ۱۴۱۴ ه. ۲۱- حقیقت، سید صادق، درآمدی بر اندیشه سیاسی اسلام (مجموعه مقالات)، انتشارات بین المللی الجدی، چاپ اول، ۱۳۷۸. ۲۲- الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، العلمانیهٔ، المکتب الطیّب، القاهرهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ، ۱۴۲۰ ه . ۲۳- دانش‌پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). ۲۴- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴، گروه مترجمان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳. ۲۵- ربانی گلپایگانی، علی، دین و دولت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۲۶- - ، سکولاریسم، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۷۴. ۲۷- - ، جامعیت و کمال دین، کانون اندیشه جوان. ۲۸- رحیمی برجردی، علیرضا، سیر تحول تفکر جدید در اروپا، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۰. ۲۹- رهنمایی، سید احمد، غرب‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۹. ۳۰- سبحانی، جعفر، حکومت اسلامی، ترجمه داود الهامی، انتشارات توحید، ۱۳۷۰. ۳۱- - ، معالم الحکومهٔ الاسلامیه، به قلم جعفر الهادی، مکتبهٔ امیرالمؤمنین، اصفهان، ۱۴۰۱ ق. ۳۲- سروش، محمد، دین و دولت در اندیشه اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۸. ۳۳- سیوطی، جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، تاریخ الخلفاء، مطبعهٔالسعادهٔ، مصر، ۱۳۷۱ ق، چاپ اول. ۳۴- شاکرین، حمیدرضا، سکولاریسم، کانون اندیشه جوان. ۳۵- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۳. ۳۶- صدر، سید محمد باقر، اقتصاد ما، ترجمه اسپهبدی، ج ۱ و ۲، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶. ۳۷- صرامی، سیف‌اله، عقل قطعی منبع استنباط قوانین جامعه و حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۸۰. ۳۸- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۷۹. ۳۹- عبدالرزاق، علی، الاسلام و اصول الحکم، القاهره، ۱۹۲۵ م. ۴۰- عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه البعثه، ۱۴۰۵ ه. ۴۱- علیخانی، علی اکبر، مشارکت سیاسی، نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۷۸. ۴۲- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی اسلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۳. ۴۳- فتحعلی، محمود، تساهل و تسامح، مؤسسه طه، چاپ اول، ۱۳۷۸. ۴۴- قدردان قراملکی، محمدحسن، سکولاریسم در مسیحست و اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. ۴۵- - ، تقابل مشی ائمه با سکولاریسم، مجله معرفت، ش ۱۹. ۴۶- القشیری، مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ ق، چاپ دوّم. ۴۷- قوامی، سید صمصام الدین، ساختار حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره اول. ۴۸- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت(ع)، بی‌تا. ۴۹- کواکبیان، مصطفی، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، انتشارت عروج، ۱۳۷۸. ۵۰- گلباغی ماسوله، سید علی جبّار، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) ۵۱- گیب، هامیلتون، آ.ر، مذهب و سیاست، ترجمه مهدی قائنی، انتشارات دارالفکر. ۵۲- لاریجانی، محمدجواد، نقد دینداری و مدرنیسم، نشر اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۶. ۵۳- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن و الاقول و الافعال، ط . بیروت. ۵۴- - ، منتخب کنز العمال، ط. بیروت. ۵۵- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، نشر دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۶. ۵۶- محمدی ری‌شهری، محمد، منتخب میزان الحکمهٔ، ج ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۱. ۵۷- محمودی، سید علی، عدالت و آزادی، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۶ . ۵۸- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۴ ، ۱۳۵۷ . ۵۹- مصباح یزدی، محمدتقی، پرسشها و پاسخها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷ . ۶۰- - ، حکومت و مشروعیت، کتاب نقد، شماره ۷، تابستان ۱۳۷۷. ۶۱- - ، نظریه سیاسی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸. ۶۲- مطهرنیا، مهدی، «قدرت، انسان، حکومت»، نشر رستمخانی، چاپ اول،

۱۳۷۸ . ۶۳- مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ . ۶۴- - ، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: صدرا، ۱۳۶۹ . ۶۵- - ، ختم نبوت، قم؛ صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۴ . ۶۶- - ، سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، قم: صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۴ . ۶۷- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم، انتشارات التمهید، ۱۳۷۷ . ۶۸- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۷ . ۶۹- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، فلسفه سیاست، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷ . ۷۰- موسوی خمینی(ره)، روح الله، ولایت فقیه، انتشارات مرکز تنظیم و نشر آثار امام(ره). ۷۱- - ، کتاب‌البیع، انتشارات اسماعیلیان، چاپ‌سوم، ۱۳۶۳ . ۷۲- - ، صحیفه‌ی نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ . ۷۳- منصوری، خلیل رضا، دراسة موضوعیة حول نظریة العرف و دورها فی عملیة الاستنباط. ۷۴- میرمدرس، سید موسی، جامعه‌ی برین، بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ . ۷۵- نبوی، سید عباس، فلسفه قدرت، پژوهشگاه، حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹ . ۷۶- - ، مردم سالاری در حاکمیت اسلامی، مؤسسه تمدن و توسعه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ . ۷۷- نصری، عبدالله، انتظار بشر از دین، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹ . ۷۸- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، مؤسسه آل البیت، بیروت ۱۴۰۸ ه. ۷۹- نوروزی، محمدجواد، نظام سیاسی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۹ . ۸۰- نووی، شرح صحیح مسلم، بینا، بیتا. ۸۱- واعظی، احمد، حکومت دینی، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸ . ۸۲- - ، «جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مدنی» پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ . ۸۳- وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه منوچهری، ترابی نژاد، عمادزاده، انتشارات مولوی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ . ۸۴- ویلم، ژان پل، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، انتشارات تبیان، ۱۳۷۷ . ۸۵- وینسنت، اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۷۶ . ۸۶- هادوی‌تهرانی، مهدی، ولایت و دیانت، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ دوم، ۱۳۸۰ . ۸۷- - ، باورها و پرسش‌ها، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول، ۱۳۷۸ . منابع انگلیسی ۱- Arendt, Hannah on Violence: chapter۲. Penguin Books Itd. London, ۰۱۹۱. ۲- John Locke, A Letter Concerning Toleration.ed. P.Romanell,)New York: the Bobbs _ Merrill, ۵۵۹۱, J. ۳- Poulantzas, Nicos; Potitical Power and Social Classes; translation editor Timotony O'hagan, London, newleft, ۳۷۹۱. ۴- Russel Bertrand; Power; Unwin Books, George, Allen and Unwin Ltd, Roskin House Street. London, ۷۶۹۱. ۵- Robert A.Dahl; Modern Politcal Analysis Shrid. ۶- Weber Max, Economy and Society. مجلات: ۱- اندیشه حوزه، سال پنجم، شماره اول و دوم، ۱۳۷۸، انتشارات آستان قدس رضوی. ۲- پیام زن، سال پنجم، شماره اول، فروردین ۱۳۷۵ . ۳- فصلنامه حکومت اسلامی سال ششم شماره ۲ و ۴، ۱۳۸۰ . ۴- مجله کیان، ش ۲۸. ۵- مجله معرفت، ش ۱۹ و ش ۲۹.

آقای ایکس در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کند او متوجه می شود که برادرش رفت و آمدهای مشکوکی دارد و با افراد بی نماز و صاحب گناهان کبیره دوست است آقای ایکس متوجه می شود که برادرش در استعمال مواد مخدر ،تماشای فیلم های مستهجن و غیره با آنها شرکت دارد او بعد از

پرسش

آقای ایکس در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کند او متوجه می شود که برادرش رفت و آمدهای مشکوکی دارد و با افراد بی نماز و صاحب گناهان کبیره دوست است آقای ایکس متوجه می شود که برادرش در استعمال مواد مخدر ،تماشای فیلم های مستهجن و غیره با آنها شرکت دارد او بعد از اینکه با زبان امر به معروف و نهی از منکر می کند و سود نمی بخشد تصمیم می گیرد با برادرش سخن نگوید این کار ممکن است سالها طول بکشد آیا از نظر اسلام چنین رفتاری پسندیده است. آیا به عنوان امر

به معروف و نهی از منکر پذیرفته می شود.

پاسخ

در ابتدا باید دلسوزی و احساس مسؤولیت در مقابل برادرتان را بستاییم. مطمئنا خداوند در این مسیر به شما کمک خواهد کرد باید تا آنجا که ممکن است تلاش کرد تا به او کمک کرد و برای او خیرخواهی نمود و از هرگونه تلاش دریغ نکرد. بنابراین برای اصلاح و نجات وی از خطراتی که وی را تهدید کرده و می کند از روی دلسوزی تلاش کرد اما از آنجا که این تلاش ها و دلسوزی ها باید متناسب با اصول خاص خود باشد تا بتوانید تأثیر مناسب را داشته باشید ما کلیاتی را در زمینه چگونگی تأثیرگذاری و راهکارهای آن خدمتتان عرض می کنیم و امیدواریم با بهره گرفتن از آن اصول و راهکارها بتوانند به برادر خود کمک کند. مسأله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان‌ها و قابلیت‌های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم‌ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارند ویژگی‌های روحی از قبیل اراده استوار، اخلاق نیکو، حسن معاشرت و آگاهی‌ها و توانهای علمی بالا ـ است. تأثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت‌طلبی شخص ارتباط دارد و تاثیر پذیری‌های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می‌باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون‌سازی آگاهی‌ها ودانش‌های خود به ویژه در زمینه مسایل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجا توان تاثیرگذاری بیشتری خواهید یافت. بنابراین تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می‌شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می‌شود. باید دانست که از شرایط امر به معروف انتخاب روشی است که احتمال تأثیر بدهید بنابراین اگر روگردانی و صحبت نکردن مؤثر نیست و احتمال دارد سال ها طول بکشد. به امر به معروف عمل نشده است و باید از طریق دیگری اقدام کند مگر این که راهی برای او نمانده باشد و ارتباط با مرتکب خلاف موجب تأثیر سوء بر خودش یا خانواده اش می شود. مثلا در صورت امکان از فرد یا افراد دیگری در بین فامیل و اقوام یا دوستان کمک بگیرد تا از راه های مختلف وی را کنترل کنند و گمان نشود که وی تنها فردی است که می تواند تأثیرگذار باشد. چه بسا آنها بهتر بتوانند نقش امر به معروف و نهی از منکر را ایفا کنند. زیرا گاهی اوقات با تذکردادن فقط یک نفر به کسی که مرتکب خلاف می شود، دست از خلاف برنمی دارد ولی اگر افراد مختلف و با روش های متفاوت وی را از عمل خاصی بازدارند ممکن است تأثیرگذار باشد. پس چه بهتر که تعدادی از اعضاء خانواده و یا فامیل دور هم جمع شوند و هر کدام با زبان خاص خودشان با این فرد گفتگو کنند و او را از آن عمل نهی کنند. گفتنی است که در این گونه موارد، دوستان فرد خلاف کار نقش عمده ای در به انحراف کشاندن فرد دارند چه خوب و شایسته است که دوستانش را از وی دور کنند و به جای آنها از برخی هم سن و سال های شایسته و دوستان خوب بخواهید که دور او جمع شوند و با ایجاد ارتباط دوستانه و صمیمانه اجازه ندهند با افراد ناشایست ودوستان ناباب ارتباط برقرار کند. خلاصه آن که همت جمعی اعضا خانواده و فامیل و دوستان را می طلبد. امید است با تلاش دسته جمعی آنها در اصلاح وی مؤثر باشد.

اگر افرادی از مساله ای غافل باشند،آیا وظیفه داریم آنان را آگاه کنیم؟

پرسش

اگر افرادی از مساله ای غافل باشند،آیا وظیفه داریم آنان را آگاه کنیم؟

پاسخ

در صورتی که شرایط امر به معروف جمع باشد و احتمال تأثیر داده شود، لازم است آنها را امر به معروف نمایند و الا مسؤولیتی نسبت به آنها ندارند و اگر حکم شرعی چیزی را نمی‌دانند از باب ارشاد جاهل به آنها تذکر داده شود.

با توجه به کاهش حجاب اسلامی در دختران در دانشگاهها ،آیا یک پسر حق دارد دختران بی حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کند یا نه؟ چگونه؟

پرسش

با توجه به کاهش حجاب اسلامی در دختران در دانشگاهها ،آیا یک پسر حق دارد دختران بی حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کند یا نه؟ چگونه؟

پاسخ

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت : ۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیارایند و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳- بهتر است امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد. ۴- عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند: گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند. گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند. گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما "در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما "اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم : ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید. ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد. ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید. ۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید. ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید. ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید. ۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید. ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید. ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵).

ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید. ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴). شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است: الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار. ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند. ج. احتمال تأثیر بدهد. د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد. مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت». ضمنا برای برخورد منطقی و مبتنی بر عقلانیت شناخت ریشه های این معضل بسیار مفید بلکه ضروری است. از این رو در این زمینه نکاتی را یادآوری می کنیم: در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حساب شده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه‌هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. از نظر انسان‌شناختی و روان‌شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳). بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی ما ـ که بسیاری از احکام، ارزش‌ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه‌ای نیست ـ بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصر روان‌شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می‌باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد. یکی از راه‌های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقومٍ حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییرنمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱). این عامل درونی اختصاص به جامعه ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدید کننده یا کنترل کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه های تاریخی آن اشاره می کنیم. ۲. ریشه‌های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی‌حجابی را در خانواده‌ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه‌ها و ریشه‌های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور

و بروز پیدا کرد. ۳. کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش‌ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه‌های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه‌کارها و برنامه‌هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش‌ها و احکام اسلامی مبذول نگردد. ۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست‌های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش‌های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک‌گرایی، تجمل پرستی و...گردید. ۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه‌های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال‌های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه‌ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. ۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت‌آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید. ۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام‌مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است. ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش‌های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژی ـاعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش‌ها و مظاهر تمدن غرب. مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه‌های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش‌بینی می‌باشد: ۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد. ۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلما برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه‌ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه‌های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می‌تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه‌های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه‌ها نیز بهتر می‌توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه‌کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش‌های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها باشیم، ان‌شاءالله. ناگفته نماند بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره

خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱ـ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

آیا می‌توان به گناه دیگران بی‌اعتنا بود؟

پرسش

آیا می‌توان به گناه دیگران بی‌اعتنا بود؟

پاسخ

این احساس که: «بگذار گناهکاران جزای خود را ببینند و به جهنّم بروند»، ممکن است برخاسته از عجب و خودپسندی باشد. این گونه افراد گمان می‌کنند تنها آنها هستند که وظیفه خود را انجام داده‌اند و دیگران گناهکارند. انسان با داشتن این احساس به کمال نمی‌رسد. برای از بین بردن این احساس باید از خود پرسید: از کجا معلوم که گناهکاران توبه نکنند و سعادتمند نشوند و ما خود به کیفر غرور به خشم خداوند گرفتار نشویم. این بینش باعث می‌شود با نگاهی عطوفت آمیز به گناهکاران نگاه کنیم و با اینکه از گناه آنان شادمان نیستیم و به این دلیل به آنان روی خوش نشان نمی‌دهیم، امّا قلباً از خدا بخواهیم که آنان را به توبه موفّق کند تا از گناه منصرف شوند و راه خدا را پیش گیرند. درباره خطرات عُجب و غرور می‌توان به کتاب آیین زندگی و درس‌های اخلاق اسلامی، نوشته حضرت آیت اللّه میرزا جواد آقا تهرانی مراجعه کرد. « بخش پاسخ به سؤالات »

در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست ؟

پرسش

در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست ؟

پاسخ

در صورتی های ذیل امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست : ۱ در صورتی که شخص آمر یا ناهی , خود شناختی از معروف و منکر نداشته باشد. ۲ اگر بداند که امر و نهی او تأثیر نمی کند. ۳ اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که شخص معصیت کار, معصیت خود را تکرار نمی کند. ۴ اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند, ضرر جانی یا عِرضی و آبرویی یا مالیِ قابل توجهی به او می رسد.اگر احتمال صحیح بدهد از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند, واجب نیست , بلکه اگر بترسد ضرری متوجه متعلقان او می شود, واجب نیست . با احتمال وقوع ضرر جانی یا عِرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنان نیز واجب نمی شود, بلکه در بسیاری موارد حرام است .۱() (پاورقی ۱.توضیح المسائل مراجع , ج ۲ مسئلهء ۲۷۹۱

آیاامر به معروف و نهی از منکر برای همه واجب است , حتی اگر بیم جان رود و انسان بترسد, و یاخود انسان همان نقص را داشته باشد؟

پرسش

آیاامر به معروف و نهی از منکر برای همه واجب است , حتی اگر بیم جان رود و انسان بترسد, و یاخود انسان همان نقص را داشته باشد؟

پاسخ

سؤال شما در سه قسمت پاسخ داده می شود: الف) شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر بر تمام افراد عاقل و بالغ , با شرایطزیر واجب است : ۱ کسی که می خواهد امر و نهی کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یاترک واجبی است ; ۲ احتمال دهد که امر و نهی او اثر دارد. خواه اثر فوری داشته باشد یا غیر فوری , کامل یا ناقص .بنابراین , اگر بداند هیچ اثر نمی کند واجب نیست ; ۳ در امر و نهی او مفسده و ضرری نباشد. پس اگر بداند یا خوف این باشد که امر یا نهی او, ضرر جانی یا عِرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه نسبت به او یا بعضی از مؤمنین می رساند, واجب نیست . ولی اگر معروف و منکر از اموری باشد که شارع مقدس اسلام اهمیت زیادی به آن می دهدمانند حفظ اسلام و قرآن و استقلال ممالک اسلامی , یا حفظ احکام ضروری اسلام , باید اعتنا به ضرر نکند و با بذل جان و مال در حفظ آن ها بکوشد. ب) بنابراین صرف ضرر جانی یا مالی یا عدم تأثیر فوری باعث نمی شود که امر به معروف و نهی از منکر واجب نباشد. چنان که امیرالمؤمنین ۷جنگ صفین را با هدف اعلام فرموده و اباعبدالله الحسین ۷نیز قیام علیه یزید, و نهضت عاشورا را به عنوان امر به معروف و نهی از منکر آغاز نمود با این که می دانست خود و اصحابش کشته می شوند و قیام او تأثیری فوری در یزید, عبیداله ... ندارد. پس باید دید معروف متروک و منکری که انجام می گیرد از ضروریات دین یا مقدمه ای برای تضعیف اسلام وقرآن ... است یا خیر؟ البته امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که بعضی از این مراتب , به اجازهء حاکم شرع احتیاج ندارد و بعضی دارد. اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گرددر این صورت هیچ کس بدون اجازهء حاکم شرع حق اقدام ندارد. ج) اگر منظور از جملهء شما این باشد که احکام و مسائل مربوط به واجب و حرام رابه خوبی نمی شناسد و آگاه نیست , باید یاد بگیرد و تا زمانی که خود معروف و منکر را نشناخته بر او واجب نیست واگر منظور این است که خودش گاهی اوقات آن معروف را ترک یا منکر را انجام می دهد, آیا با این وصف باز واجب است ؟ چون در این جا دو تکلیف جدا از هم وجود دارد, اگر شرایط وجود (که در قسمت الف بیان شد) محقق باشد,واجب است .

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را توضیح دهید.

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را توضیح دهید.

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام است . اصلی است که در قرآن کریم با صراحت و تاکید آمده و در اخبار نبوی و آثار ائمه طاهرین درباره آن بسیار سخن گفته شد. قرآن کریم می فرماید: مسلمانان بهترین امتی هستید (یا بودید) که خدا برای مردم جهان نمایان فرمود, زیرا شما امر به معروف و نهی از منکر می کنید و ایمان به خدا دارید. <با بودن چهار شرط, امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود: ۱ علم به معروف و منکر ۲ احتمال فایده و اثربر امر و نهی باشد ۳ کسی که معروف را ترک

کرده یا منکر را مرتکب شده , در ترک واجب یا فعل حرام مصر و مستمرباشد ۴ مفسده و ضرری بر امر و نهی نباشد. امر به معروف و نهی از منکر دارای سه درجه و مرحله است : ۱ مرتبه قلب ۲ـ مرتبه زبان ۳ مرتبه دست و عمل فقهاء هم این سه مرحله را تشریح کرده و تفصیل داده اند وگفته اند در درجه اول مسلمانب اید در قلب خود نسبت به خلافکاری ها و ترک واجبات الهی تنفری احساس نماید وکمترین مظهری که از این تنفر قلبی می تواند داشته باشد, یک عمل منفی است یعنی اعتراض و ترک معاشرت وترشرویی است . در مرتبه زبان هم باید اول از طریق پند و نصیحت و نرمی وارد شود و اگر فایده ای نکرد سخنانی درشت به کار برده شود. برای مرتبه دست و علم هم مراتبی ذکر کرده اند و غالباً متوجه این ضیه شده اند که گاهی احتیاج می افتد به این که برخورد عملی شود که چه بسا صدماتی را به همراه داشته باشد, فقها در این جا توقف می کنند و می گویند این دیگر وظیفه عامه مردم نیست و این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حاکم شرعی است و دولت اسلامی است . اگر به عموم مردم اجازه این کارها داده شود مستلزم هرج و مرج در اجتماع می شود.(۱) (پاورقی ۱.استاد شهید مرتضی مطهری , مجموعه گفتارها, ص ۳۶

امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه ؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است . اگر این اصل نباشد,اسلامی نیست . امر یعنی فرمان , معروف یعنی هر کار خیر و نیکی , چه در معاملات و چه در عبادات و اخلاقیات ومحیط خانوادگی . نهی یعنی بازداشتن . منکر یعنی هر کار زشت و ناپسند, مانند شرک و فسق و غیبت و دروغ و سخن چینی و تفرقه اندازی و ریا و ربا.(۱) (پاورقی ۱.مرتضی مطهری , مجموعه آثار, ج ۱۷ ص ۲۳۶

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

پرسش

در اکثر کتاب ها و منابع دینی توصیه به صبر شده است که : هر کسی صبر کند، خدا در عوض به او احسان و نیکی می کند و روزی می دهد. آیا در مکانی که جوانان فساد و گناه می کنند، باید صبر کرد و چیزی نگفت؟

پاسخ

در مورد سؤال، وظیفه شما برخورد با گناه است. چون امر به معروف و نهی از منکر در صورت شرایط واجب است، ولی اگر امر و نهی شما تأثیری ندارد، چیزی بر عهدهٔ شما نیست و از جمع ایشان فاصله بگیرید. صبر تفسیر دیگری دارد و آن صبر در برابر گناهی که برای خود او پیش آمده و در مصیبت و سختی طاعت خدا است. صبر به معنای بی اعتنایی و سکوت و رضایت از گناه نیست.

آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی است ؟

پرسش

آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی است ؟

پاسخ

از آنجا که در زندگی اجتماعی سرنوشت افراد به هم مربوط است , و به اصطلاح افراداجتماع در سرنوشت یکدیگر اثر دارند حق نظارت در اعمال دیگران حق طبیعی و خاصیت زندگی دست جمعی است بنابراین انجام این فریضه نه تنها با آزادیهای فردی مخالف نیست , بلکه وظیفه ای است که افراد در مقابل یکدیگر دارند .

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ,چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد با

پرسش

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ,چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد باز بدارند ؟ آیا اجرای دو اصل امر به معروف و نهی از منکر , مایه سلب آزادی از انسانها و افراد جامعه نیست ؟گذشته از این , اگر همه مردم به چنین وظیفه ای قیام کنند نظامات اجتماعی دچاراختلال و هرج و مرج نمی شود ؟

پاسخ

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دو رکن بزرگ اجتماعی اسلام به شمارمی روند , همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و بازداشتن آنان از کارهای زشت و مبارزه با انواع انحرافهای اجتماعی و اخلاقی است . پیش از همه , باید دید که آیا اجرای این دو اصل در اجتماعی که افراد آن معمولاهمه با هم همبستگی کامل دارند و سرنوشت همه را یک چیز تشکیل می دهد , به سودجامعه هست یا نه ؟ هرگاه اجرای چنین اصلی به نفع اجتماع باشد , باید در این صورت به خاطر فواید مهم آن از آزادی فردی کاست و آزادی افراد را در چهارچوب این اصل محدود ساخت . شیوه زندگی انسان در اعصار کهن به شکل اجتماعات بسیار کوچکی در درون غارها وشکاف کوهها و داخل جنگلها بود و تقریبا همبستگی و تشریک مساعی و ارتباط و تعاون اجتماعی بر اجتماعات آنان حکومت نمی کرد . در چنین زندگی که سرنوشت افراد به یکدیگر چندان بستگی ندارد , شاید مبارزه بافساد و جلوگیری از انحراف ضروری به نظر نرسد . ولی در شیوه زندگی دسته جمعی با سرنوشت مشترک , مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک , یک وظیفه خطیر اجتناب ناپذیر است . زیرا در این نوع زندگی , همه افراد یک اجتماع به صورت اعضای یک خانواده درمی آیند و پیوند وحدت و ارتباط آنچنان در میان آنان محکم و استوار می گردد که هیچ فردی نمی تواند برای خود حساب جداگانه ای باز کند و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران جدا فرض کند . در چنین اجتماعی تمام افراد , در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملا ـ شرک و سهیم بوده و نتیجه عمل یک فرد دامنگیر همه افراد می شود . اینجاست که هیچ فردی – هر چه هم خود را دور از اجتماع تصور کند – نمی تواند تماشاگر صحنه زندگی گردد و خود را ازسود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد ; روی همین پیوند و ارتباط است که اگربر اثر خلافکاری

برخی , ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر پیکر اجتماعی وارد شد , دودآن به چشم همه رفته و همه در برابر آن متاثر خواهند شد . انحرافهای اخلاقی , بسان بیماریهای واگیرداری است که - خواه ناخواه - دامن دیگران را نیز می گیرد هرگاه میکروب التور در نقطه ای پیدا شد , فورا باید مبارزه پیگیری بر ضد آن آغاز نمود و دیگران را از معاشرت با آن بیمار بازداشت و در غیراین صورت , همه کشور و یا کشورها را فرا می گیرد . همچنین , انحراف اخلاقی و اجتماعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی - بسان بیماری جسمی - برق آسا در دل اجتماع رسوخ نموده و همه اجتماع را فرا می گیرد . فرض کنید به یک نفر خانه خود را به صورت لانه فساد درآورد و پای افراد لاابالی به آنجاز باز شود , آیا می توان تصور نمود که دختران و پسران آن نقطه که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هستند مصون و پاک بمانند , یااین که آنان نیز به مقتضای طغیان شهوت , به آن نقطه کشیده می شوند و روز به روزدایره فساد گسترش پیدا کرده و بازار آن داغ تر می گردد . اینجاست که می توان گفت اجرای پیگیر اصل مبارزه با انحرافهای اخلاقی واجتماعی ضامن سعادت اجتماعی است که افراد آن در کنار یکدیگر زندگی می کنند; و سکوت در برابر گناه و مفاسد , غلط و گناهی بزرگ است و هرگز نمی توان حساب فردرا از حساب جامعه جدا ساخت . در حقیقت یک فرد مبارز , از حقوق خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند دفاع می نماید و هرگز نباید اصل آزادی افراد بهانه شود که ما از این وظیفه انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشته باشیم که آزادی افراد تا آنجا محترم است که سلب آزادی از دیگران نکند و مصالح جامعه را به خطر نیفکند . قرآن مجید با واقع بینی خاصی که از ویژگیهای این کتاب آسمانی است به این حقیقت اشاره کرده و می فرماید : و اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه و از فتنه ای بپرهیزید که تنهابه ستمکاران شما نمی رسد (بلکه همه را فرا خواهد گرفت ; چرا که دیگران سکوت اختیار کردند) . (۱)عین این سوال را یکی از یاران پیامبر اکرم از حضرتش پرسید , پیامبر در پاسخ او مثلی را مطرح کرد که خلاصه آن این است :اجتماع ما بسان کشتی بزرگی است که در آن کالاهای تجارتی حمل شده و سرنشینانی نیزهمراه دارد . هر فردی از سرنشینان در طی راه مختار و آزاد می باشد , ولی او هرگزنمی تواند زیر پوشش آزادی فردی بدنه کشتی و یا زیر پای خود را سوراخ کند ودر مقام پاسخ بگوید : من نقطه ای از کشتی را مورد تصرف قرار می دهم که زیر پای من قرار گرفته است , در صورتی که چنین جوابی از این فرد پذیرفته نیست ; زیراتنها سلامت خویشتن را به خطر نمی افکند , بلکه او با این عمل سرنوشت همه سرنشینان و کالاهای تجارتی را به خطر افکنده و همه را به سوی نابودی و نیستی سوق می دهد . جامعه ما نیز بسان کشتی است ; افراد جامعه سرنشینان این کشتی می باشند ; آنان در ضرر و نفع یکدیگر شریک و سهیمند و هرگز نمی توان حساب فرد را از اجتماع جدانمود . روش اسلام درباره محترم شمردن آزادیهای فردی با روش مکتبهای امروز جهان یک تفاوت حقیقی دارد , در جهان امروز آزادی تا آنجا محترم است که از ناحیه فرد ,ضرری متوجه اجتماع نگردد و منافع دیگران به خطر نفتد - هر چند به ضرر خود آن شخص تمام گردد و بر سعادت او لطمه جبران ناپذیر وارد سازد . ولی در اسلام آزادی فردی تا آنجا محترم است که مزاحم دیگران نباشد و سقوط وآلودگی اجتماع را فراهم نسازد ; همچنین به سعادت خودش نیز لطمه ای وارد نکند وکاری انجام ندهد که موجب بدبختی او گردد . مثلا- در جهان امروز گرایش به بت پرستی و پرستش انواع موجودات رایج و آزاد است و جهان غرب در پوشش آزادی فردی این عمل را تخطئه نمی کند , ولی اسلام چنین عملی را که مایه انحطاط فرد و سقوط پرستش کننده است سخت تخطئه کرده و با فشار هر چه بیشتر مانع از انجام چنین اعمالی می گردد امر به معروف و نهی از منکر و دعوت مردم به کارهای نیک و بازداشتن آنان ازکارهای زشت , دارای درجات و مراتبی است . آنچه مربوط به توده مردم است این است که با زبان نرم و بیان دلنشین برادران دینی خود را پند و اندرز دهند و آنان رااز عواقب بد گناه باز دارند و اگر احتمال تاثیر دهند حتی می توانند روابطدوستانه خود را با آنان قطع کنند . این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هرج و مرج نمی کند , اما درجات بالاتر از این (مانند اجرای مجازات و کیفرها و حدود الهی درباره افرادگناهکار) باید زیر نظر حکومت اسلامی و مانند زمان پیامبر

انجام گیرد و هیچ فردعادی حق ندارد در اجرای نظارت عمومی خودسرانه اقدام نماید .

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آبا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به

پرسش

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آبا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی ازبی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

پاسخ

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آبا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به

پرسش

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟آبا توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تولید نمی شود بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده وفاقد تحریک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می گردد . هرج و مرج ناشی ازبی تفاوتی آحاد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر است .

پاسخ

آیه ۴۷ سوره آل عمران می گوید : در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دووظیفه بزرگ اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) را انجام دهند اینکه می گوید از میان آنها باید امتی باشند بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد نه همه آنها را و به این ترتیب

پرسش

آیه ۴۷ سوره آل عمران می گوید : در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دووظیفه بزرگ اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) را انجام دهند اینکه می گوید از میان آنها باید امتی باشند بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد نه همه آنها را و به این ترتیب این وظیفه جنبه عمومی نخواهد داشت بلکه وظیفه طائفه خاصی است اما از آیه ۱۱۰ همین سوره و همچنین از سوره والعصر برمی آید که این دووظیفه جنبه عمومی دارد

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد : یکی مرحله فردی که هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله دسته جمعی که امتی موظفند برای پایان دادن به نابسامانیهای اجتماعی دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند . قسمت اول وظیفه عموم مردم است و چون جنبه فردی دارد طبعا شعاع آن محدود به توانایی فرد است اما

قسمت دوم شکل واجب کفایی به خود می گیرد و چون جنبه دسته جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع , طبعا از شوون حکومت اسلامی محسوب می شود , این دو شکل از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق , از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می گردد .

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ,چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد با

پرسش

از افتخارات انسان این است که دستگاه آفرینش او را آزاد آفریده و دست او را درانتخاب راه و شیوه زندگی , کاملا باز گذارده است . با در نظر گرفتن چنین اصلی ,چگونه اسلام دستور می دهد که افراد با ایمان همدیگر را به کارهای نیک دعوت کنند واز کارهای بد باز بدارند ؟ آیا اجرای دو اصل امر به معروف و نهی از منکر , مایه سلب آزادی از انسانها و افراد جامعه نیست ؟گذشته از این , اگر همه مردم به چنین وظیفه ای قیام کنند نظامات اجتماعی دچاراختلال و هرج و مرج نمی شود ؟

پاسخ

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دو رکن بزرگ اجتماعی اسلام به شمارمی روند , همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و بازداشتن آنان از کارهای زشت و مبارزه با انواع انحرافهای اجتماعی و اخلاقی است . پیش از همه , باید دید که آیا اجرای این دو اصل در اجتماعی که افراد آن معمولاهمه با هم همبستگی کامل دارند و سرنوشت همه را یک چیز تشکیل می دهد , به سودجامعه هست یا نه ؟ هرگاه اجرای چنین اصلی به نفع اجتماع باشد , باید در این صورت به خاطر فواید مهم آن از آزادی فردی کاست و آزادی افراد را در چهارچوب این اصل محدود ساخت . شیوه زندگی انسان در اعصار کهن به شکل اجتماعات بسیار کوچکی در درون غارها وشکاف کوهها و داخل جنگلها بود و تقریبا همبستگی و تشریک مساعی و ارتباط و تعاون اجتماعی بر اجتماعات آنان حکومت نمی کرد . در چنین زندگی که سرنوشت افراد به یکدیگر چندان بستگی ندارد , شاید مبارزه بافساد و جلوگیری از انحراف ضروری به نظر نرسد . ولی در شیوه زندگی دسته جمعی با سرنوشت مشترک , مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک , یک وظیفه خطیر اجتناب ناپذیر است . زیرا در این نوع زندگی , همه افراد یک اجتماع به صورت اعضای یک خانواده درمی آیند و پیوند وحدت و ارتباط آنچنان در میان آنان محکم و استوار می گردد که هیچ فردی نمی تواند برای خود حساب جداگانه ای باز کند و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران جدا فرض کند . در چنین اجتماعی تمام افراد , در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملا ـ شرک و سهیم بوده و نتیجه عمل یک فرد دامنگیر همه افراد می شود . اینجاست که هیچ فردی – هر چه هم خود را دور از اجتماع تصور کند – نمی تواند تماشاگر صحنه زندگی گردد و خود را ازسود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد ; روی همین پیوند و ارتباط است که اگربر اثر خلافکاری برخی , ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر پیکر اجتماعی وارد شد , دودآن به چشم همه رفته و همه در برابر آن متاثر خواهند شد . انحرافهای اخلاقی , بسان بیماریهای واگیرداری است که – خواه ناخواه – دامن دیگران را نیز می گیرد هرگاه میکروب التور در نقطه ای پیدا شد , فورا باید مبارزه پیگیری بر ضد آن آغاز نمود و دیگران را از معاشرت با آن بیمار بازداشت و در غیراین صورت , همه کشور و یا کشورها را فرا می گیرد . همچنین , انحراف اخلاقی و اجتماعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی – بسان بیماری جسمی – برق آسا در دل اجتماع رسوخ نموده و همه اجتماع را فرا می گیرد . فرض کنید به یک نفر خانه خود را به صورت لانه

فساد درآورد و پای افراد لاابالی به آنجاز باز شود , آیا می توان تصور نمود که دختران و پسران آن نقطه که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هستند مصون و پاک بمانند , یااین که آنان نیز به مقتضای طغیان شهوت , به آن نقطه کشیده می شوند و روز به روزدایره فساد گسترش پیدا کرده و بازار آن داغ تر می گردد . اینجاست که می توان گفت اجرای پیگیر اصل مبارزه با انحرافهای اخلاقی واجتماعی ضامن سعادت اجتماعی است که افراد آن در کنار یکدیگر زندگی می کنند; و سکوت در برابر گناه و مفاسد , غلط و گناهی بزرگ است و هرگز نمی توان حساب فردرا از حساب جامعه جدا ساخت . در حقیقت یک فرد مبارز , از حقوق خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند دفاع می نماید و هرگز نباید اصل آزادی افراد بهانه شود که ما از این وظیفه انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشته باشیم که آزادی افراد تا آنجا محترم است که سلب آزادی از دیگران نکند و مصالح جامعه را به خطر نیفکند . قرآن مجید با واقع بینی خاصی که از ویژگیهای این کتاب آسمانی است به این حقیقت اشاره کرده و می فرماید : و اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه و از فتنه ای بپرهیزید که تنهابه ستمکاران شما نمی رسد (بلکه همه را فرا خواهد گرفت ; چرا که دیگران سکوت اختیار کردند) . (۱)عین این سوال را یکی از یاران پیامبر اکرم از حضرتش پرسید , پیامبر در پاسخ او مثلی را مطرح کرد که خلاصه آن این است :اجتماع ما بسان کشتی بزرگی است که در آن کالاهای تجارتی حمل شده و سرنشینانی نیزهمراه دارد . هر فردی از سرنشینان در طی راه مختار و آزاد می باشد , ولی او هرگزنمی تواند زیر پوشش آزادی فردی بدنه کشتی و یا زیر پای خود را سوراخ کند ودر مقام پاسخ بگوید : من نقطه ای از کشتی را مورد تصرف قرار می دهم که زیر پای من قرار گرفته است , در صورتی که چنین جوابی از این فرد پذیرفته نیست ; زیراتنها سلامت خویشتن را به خطر نمی افکند , بلکه او با این عمل سرنوشت همه سرنشینان و کالاهای تجارتی را به خطر افکنده و همه را به سوی نابودی و نیستی سوق می دهد . جامعه ما نیز بسان کشتی است ; افراد جامعه سرنشینان این کشتی می باشند ; آنان در ضرر و نفع یکدیگر شریک و سهیمند و هرگز نمی توان حساب فرد را از اجتماع جدانمود . روش اسلام درباره محترم شمردن آزادیهای فردی با روش مکتبهای امروز جهان یک تفاوت حقیقی دارد , در جهان امروز آزادی تا آنجا محترم است که از ناحیه فرد ,ضرری متوجه اجتماع نگردد و منافع دیگران به خطر نفتد - هر چند به ضرر خود آن شخص تمام گردد و بر سعادت او لطمه جبران ناپذیر وارد سازد . ولی در اسلام آزادی فردی تا آنجا محترم است که مزاحم دیگران نباشد و سقوط وآلودگی اجتماع را فراهم نسازد ; همچنین به سعادت خودش نیز لطمه ای وارد نکند وکاری انجام ندهد که موجب بدبختی او گردد . مثلا- در جهان امروز گرایش به بت پرستی و پرستش انواع موجودات رایج و آزاد است و جهان غرب در پوشش آزادی فردی این عمل را تخطئه نمی کند , ولی اسلام چنین عملی را که مایه انحطاط فرد و سقوط پرستش کننده است سخت تخطئه کرده و با فشار هر چه بیشتر مانع از انجام چنین اعمالی می گردد امر به معروف و نهی از منکر و دعوت مردم به کارهای نیک و بازداشتن آنان ازکارهای زشت , دارای درجات و مراتبی است . آنچه مربوط به توده مردم است این است که با زبان نرم و بیان دلنشین برادران دینی خود را پند و اندرز دهند و آنان رااز عواقب بد گناه باز دارند و اگر احتمال تاثیر دهند حتی می توانند روابطدوستانه خود را با آنان قطع کنند . این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هرج و مرج نمی کند , اما درجات بالاتر از این (مانند اجرای مجازات و کیفرها و حدود الهی درباره افرادگناهکار) باید زیر نظر حکومت اسلامی و مانند زمان پیامبر انجام گیرد و هیچ فردعادی حق ندارد در اجرای نظارت عمومی خودسرانه اقدام نماید .

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج ومرج نمی کند ؟

توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک نه تنها هرج و مرج در اجتماع تول

پرسش

سوال :آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند ؟ــــــ

نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلویش را بگیرد.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پاسخ

تبلیغ» که در قرآن آمده است و «امر به معروف و نهی از منکر» که آن هم در قرآن آمده است، دو مسألهٔ جداگانهاند؛ البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسألهٔ هستند. تبلیغ، مرحلهٔ شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحلهٔ شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحلهٔ اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفهٔ عمومی برای همهٔ مسلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفهٔ عمومی است. وظیفهای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبهٔ خودش حامل پیام اسلام است. اما وظیفهای که هر مسلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارد این است که باید این احساس در او باشد که مجری و جزء قوّهٔ مجریهٔ این پیام است که باید آن را در جامعه به مرحلهٔ عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

مسئولیت مردم در مقابل تحریفاتی که در مجالس روضهخوانی میشود چیست؟

پرسش

مسئولیت مردم در مقابل تحریفاتی که در مجالس روضهخوانی میشود چیست؟

پاسخ

دو مسؤولیت بزرگ، مردم دارند. یک مسؤولیت این است که نهی از منکر بر همه واجب است. وقتی که میفهمید و میدانید ـ و مردم اغلب هم میدانند ـ که دروغ است، نباید در آن مجلس بنشینید، که حرام است، بلکه باید مبارزه کنید و دیگر این تمایلی است که صاحب مجلسها و مستمعین به گیراندن مجلس دارند، مجلس باید بگیرد، باید کربلا بشود. فلان روضهخوان کربلا میکند. کربلا میکند یعنی چه؟! شما باید روضهٔ راست را بشنوید و معارف و سطح فکرتان بالا بیاید، به طوری که اگر در یک کلمه روحتان اهتزاز پیدا کرد، یعنی با روح حسینبن علی هماهنگی کرد، و اشکی ولو ذرهای، ولو به قدر بال مگس [جاری شد،] اگر یک چنین اشکی در حالت هماهنگی روح شما با حسین بن علی از چشم شما بیرون بیاید، واقعاً مقام بزرگی برای شماست. اما اشکی که از راه قصّابی کردن بخواهد از چشم شما بیاید، اگر یک دریا هم باشد ارزش ندارد.

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پرسش

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پاسخ

ایـن اصـل دایر مـدار ایـن است که موضـوع امر به معروف و نهی از منکر چیست، یـک وقت موضـوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع کوچکی است. مثلاً کسـی که کوچه را کثیف میکند، پوست خربزه را میاندازد در کوچه، نباید بیندازد. شما اینجا باید نهی از منکر کنیـد، بایـد او را ارشاد و هـدایت کنیـد، بایـد به او بگویید این کار را نکن، درست نیست. حالا اگر شـما برای نهی از منکر کردن در چنین مسألهای، به خاطر پوست خربزه در کوچه انداختن، بدانید او یک فحش ناموسـی به شما میدهد، در این صورت این کار آنقدر ارزش ندارد که شـما یک فحش ناموسی بشنوید. یکوقت هم هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسـلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. میبینیـد قرآن به خطر افتاده است، تمام دسیسـهبازیها برای این است که بـا قرآن مبـارزه شود، وضـعیت در سـر حـدّ به خطر افتـادن قرآن و اصول قرآن نیست، در سـر حـدّ به خطر افتادن عـدالت است. یا آنجا که مسألهای نظیر وحدت اسـلامی در خطر است، که اسـلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسـیت دارد و به وحدت مسلمین اهمیت میدهد، دست دشمن را میبینی، دسیسهٔ دشمن را میبینی که دائماً میان مسلمین تفرقهاندازی میکند؛ آیـا در اینجـا میگویی امر به معروف نکن، حرف نزن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر اسـت، اجتمـاع نمیپسـندد. بنـابراین، امر بـه معروف و نهی از منکر در مسائـل بزرگ مرز نمیشـناسد. هیـچ چیزی، هیـچ امر محـترمی نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلویش را بگیرد.

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پرسش

مرز امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟

پاسخ

ایـن اصـل دایر مـدار ایـن است که موضـوع امر به معروف و نهی از منکر چیست، یـک وقت موضـوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع کوچکی است. مثلاً کسـی که کوچه را کثیف میکند، پوست خربزه را میاندازد در کوچه، نباید بیندازد. شما اینجا باید نهی از منکر کنیـد، بایـد او را ارشاد و هـدایت کنیـد، بایـد به او بگویید این کار را نکن، درست نیست. حالا اگر شـما برای نهی از منکر کردن در چنین مسألهای، به خاطر پوست خربزه در کوچه انداختن، بدانید او یک فحش ناموسـی به شما میدهد، در این صورت این کار آنقدر ارزش ندارد که شـما یک فحش ناموسی بشنوید. یکوقت هم هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسـلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. میبینیـد قرآن به خطر افتاده است، تمام دسیسـهبازیها برای این است که بـا قرآن مبـارزه شود، وضـعیت در سـر حـدّ به خطر افتـادن قرآن و اصول قرآن نیست، در سـر حـدّ به خطر افتادن عـدالت است. یا آنجا که مسألهای نظیر وحدت اسـلامی در خطر است، که اسـلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسـیت دارد و به وحدت مسلمین اهمیت میدهد، دست دشمن را میبینی، دسیسهٔ دشمن را میبینی که دائماً میان مسلمین تفرقهاندازی میکند؛ آیـا در اینجـا میگویی امر به معروف نکن، حرف نزن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر اسـت، اجتمـاع نمیپسـندد. بنـابراین، امر بـه معروف و نهی از منکر در مسائـل بزرگ مرز نمیشـناسد. هیـچ چیزی، هیـچ امر محـترمی نمیتواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند، نمیتواند جلویش را بگیرد

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پاسخ

تبلیغ» کـه در قرآن آمـده اسـت و «امر بـه معروف و نهی از منکر» کـه آن هـم در قرآن آمـده است، دو مسألـۀ جداگانهانـد؛ البته با یکدیگر پیوسـتگی دارند، ولی دو مسألۀ هستند. تبلیغ، مرحلۀ شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحلۀ شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحلۀ اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفۀ عمومی برای همۀ مسـلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفـۀ عمومی است. وظیفهای که هر مسـلمان از نظر تبلیغ دارد این است که بایـد این احساس در او پیـدا بشود که به نوبـۀ خودش حامـل پیـام اسـلام است. اما وظیفهای که هر مسـلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارد این است که بایـد این احسـاس در او باشـد که مجری و جزء قوّۀ مجریـۀ این پیـام است که بایـد آن را در جامعه به مرحلـۀ عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پرسش

فرق امر به معروف و نهی از منکر با تبلیغ چیست؟

پاسخ

تبلیغ» کـه در قرآن آمـده اسـت و «امر بـه معروف و نهی از منکر» کـه آن هـم در قرآن آمـده است، دو مسألـۀ جداگانهانـد؛ البته با یکدیگر پیوسـتگی دارند، ولی دو مسألۀ هستند. تبلیغ، مرحلۀ شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحلۀ شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحلۀ اجرا و عمل است. تبلیغ، خودش یک وظیفۀ عمومی برای همۀ مسـلمین است، همچنانکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفـۀ عمومی است. وظیفهای که هر مسـلمان از نظر تبلیغ دارد این است که بایـد این احساس در او پیـدا بشود که به نوبـۀ خودش حامـل پیـام اسـلام است. اما وظیفهای که هر مسـلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارد این است که بایـد این احسـاس در او باشـد که مجری و جزء قوّۀ مجریـۀ این پیـام است که بایـد آن را در جامعه به مرحلـۀ عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ مطلب دیگر.

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرمودهاند؟

پرسش

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرمودهاند؟

پاسخ

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: «بِها تُقامُ الْفَرائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتَحِلُّ الْمَکاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ

الْاَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَيَسْتَقيمُ الْاَمْرُ» (فروع کافی، ۵/ ۵۶) [به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می شود، راهها امن می گردد، کسبها حلال می شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود، کارها رو به راه می شود.]

دیدگاه روایات اسلامی پیرامون دو وظیفهٔ بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

اشاره

دیدگاه در دین اسلامی پس دو وظیفهٔ بزرگ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

در روایات اسلامی، تأکیدهای فوق‌العاده‌ای دربارهٔ این دو وظیفهٔ مهم دیده می‌شود و آن را ضامن اجرای تمام فرایض الهی و سبب امنیّت و آبادی و سبب گسترش عدالت می‌شمرد. ۱ـ در حدیثی از پیغمبر اکرم(ص) می‌خوانیم «مَنْ اَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهی عَنِ الْمُنْکَرِ فَهُوَ خَليفَةُ اللهِ فی اَرْضِهِ، وَ خَليفَةُ رَسُولِ اللهِ، وَ خَليفَةُ کِتابِهِ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین، و جانشین پیامبر(ص) و کتاب اوست.] یعنی دقیقاً کار آنها را انجام می‌دهد. ۲ـ درحدیث دیگری از آن حضرت، تعبیر گویاتری دیده می‌شود که پیامبر (ص) بر منبر بود، مردی عرض کرد ای رسول خدا! مَنْ خَيْرِ النّاسِ؟ (چه کسی از همهٔ مردم بهتر است؟!) فرمود «آمَرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اَتْقاهُمْ لِلّهِ، وَ اَرْضاهُمْ» (مجمع البیان ۲/۴۸۴) [کسی که از همه بیشتر امربه معروف و نهی از منکر کند و از همه با تقواتر و خشنودتر به رضای الهی باشد.] ۳ـ در حدیث دیگری از پیامبر اکرم(ص) می‌خوانیم «لَتَأْمُرُونَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْکَرِ اَوْ لَيَعُمَنَّکُمْ عَذابُ اللهِ» (وسائل الشیعه ۱۱/۴۰۷) [به یقین، همگی باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه به طور قطع عذاب الهی شما را فرا می گیرد.] ۴ـ در حدیث معروفی، نیز از علی(ع) می‌خوانیم که فرمود «وَ ما اَعْمالُ الْبِرِّ کُلُّها وَ الْجِهادُ فی سَبيلِ اللهِ عِندَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهی عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَةٍ فی بَحْرٍ لُجّیٍ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۴) [تمام اعمال نیک و حتّی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون آب دهان است در برابر یک دریای پهناور.]

فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ پرسش

اشاره

فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

امام باقر (ع) در یک بیان کوتاه و گویا، فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر را چنین بیان فرموده است «اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهیَ عَنِ الْمُنْکَرِ فَريضَةٌ عَظيمَةٌ بِها تُقامُ الْفَرائِضُ وَ تَأْمَنَ الْمَذاهِبُ وَ تُحَلُّ الْمَکاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظالِمُ وَ تَعْمُرُ الْاَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَ يَسْتَقيمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه ۱/۳۹۵) در این عبارت کوتاه به هفت فلسفه از فلسفه‌های این دو فریضهٔ عظیم الهی اشاره شده است، می‌فرماید [امر به معروف و نهی از منکر فریضهٔ بزرگ الهی است که بقیّهٔ فرایض به وسیلهٔ آن بر پا می‌شود، به وسیلهٔ این دو، راهها امن و امان می گردد، کسب و کارها حلال می‌شود، حقوق مظلومان به آنها می‌رسد، زمینها آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته

می‌شود و کارها رو به راه می گردد.]

چه عواملی در دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد؟ پرسش

اشاره

چه عواملی در دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؟

پاسخ

تمام رسانه‌های گروهی و تمام تبلیغهای سمعی و بصری که به نحوی برای بالا بردن سطح آگاهی مردم و توجّه آنها به نیکیها و پاکیها و اخلاق انسانی و اصول فضیلت و بیزاری از فساد سر و کار دارند، همهٔ آنها در دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر، جای می گیرند و حتّی مراکز آموزش و پرورش و علوم عالی که نوجوانان و جوانان را با اصول اعتقادی صحیح و موازین انسانی و قوانین و آداب اجتماعی، آشنا می‌سازد و در تعلیم و تربیت آنها گام بر می‌دارد نیز در این دایره جای دارد، چرا که همهٔ این امور می‌توانند در امر به معروف و نهی از منکر سهیم باشند، بنابراین نقش این مراکز در پیاده کردن این دو اصل مهمّ اجتماعی روشن می‌شود. این نکته نیز حائز اهمیّت است که معمولاً امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو بخش از فروع دین شمرده می‌شود، ولی از یک نظر دامنهٔ آن چنان گسترده است که بخش عظیمی از اصول اعتقادات را در بر می گیرد، چرا که همهٔ آنها در این مسیر مؤثّر و کارسازند و از طریق تحکیم پایه‌های عقاید، با مفاسد مبارزه می‌شود، همچنین عبادات نیز مقدّمه‌ای برای آن است.

آیهٔ" وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ "...به چه معناست

پرسش

آیهٔ" وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ "...به چه معناست

پاسخ

این آیهٔ دربارهٔ امر به معروف و نهی از منکر است می‌فرماید": وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ ;...باید از میان شما، گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند "...در این آیه شریفه و آیات دیگر قرآن کریم به این دو وظیفه مهم الهی اشاره شده است" معروف به معنای کار شناخته شده و مراد از آن (در قرآن کارهای پسندیده اعم از واجب و مستحب است و منکر، به معنای" ناشناخته و در قرآن کریم به معنای" گناه است دین مبین اسلام از تمامی مسلمانان خواسته که جهت حفظ جامعه از انحرافات و مفاسد اجتماعی آن و حیات جامعه اسلامی به این دو وظیفه عمل کنند. از آیه یاد شده و آیات دیگر به‌دست می‌آید که این دو، بر عموم مسلمانان واجب است (ر.ک المیزان علامه طباطبایی ، ج ۳، ص ۳۷۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم و دیگران ج ۳ ، ص ۳۴ ، دارالکتب الاسلامیه / قاموس قرآن قرشی ج ۷، ص ۱۱۰، دارالکتب الاسلامیه)

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

چرا با اینکه ما جزء کشورهای عقب مانده صـنعتی و اصطلاحاً جهان سوم هستیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

پرسش

چرا بـا اینکه مـا جزء کشورهـای عقب مانـده صـنعتی و اصـطلاحاً جهـان سوم هسـتیم هر وقت موضوع امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود فقط به مسأله حجاب پرداخته می شود ؟ (مسأله مهم تری وجود ندارد؟)

پاسخ

در جوابی سؤالی که مطرح کردید باید تصدیق کرد که موضوع امر به معروف و نهی از منکر اختصاصی به مسأله بدحجابی ندارد و همه منکرات را شامـل می شود، ماننـد احتکـار،کم کـاری ،گران فروشـی و صـدها عنوان دیگر و لیکن برخی از منکرات، در اسـلام مهم‌تر شـمرده شده‌انـد و دلیـل آن هم ایجـاد جّو غیر اسـلامی و حاکمیت فضای غیر دینی در جامعه می باشـد، چه آنکه منکرات تا زمانیکه علنی و آشـکار نگشـته اند آثار تخریبی کمتری دارند نسبت به زمانی که فضای حاکم بر اجتماع مسلمین فحشاء و منکرات علنی و ظـاهری باشـد که در این صورت اثرات تخریبی آن قابل محاسـبه نیست از جمله مسأله بـدحجابی، که فهرست برخی از آثار آن را می توان چنین شمارش نمود : ۱- زنان بی تقوا و بی حجاب بهترین دام برای شیطان‌اند ۲- زنی که بد حجاب است و خود را برای خارج از منزل معطر می‌کند زناکار است. ۳- زن بی حجاب و بـد حجاب ، ننگ و آتش جهنم است. ۴- زنان بی حجاب و بد حجاب بـدترین فتنه انـد. ۵- زن بـد حجـاب به شوهرش خیـانت می‌کنـد. ۶ـ زن بـد حجـاب بر قلب شـوهرش تسـلّط نـدارد. ۷ـ زن بدحجاب و بی حجاب بجای آرامش اضطراب دارد. ۸ـ فساد و گناه و سقط جنین در بین زنان بی‌حجاب و بد حجاب بیشتر است. ۹ـ آثار مخرّب بـدحجابی در فرزنـدان. ۱۰ـ ضـرر بـدحجابی از لحاظ اقتصادی ۱۱ـ اثر بـدحجابی در ضـعف اعصاب ۱۲ـ بدحجابی و فرهنگ مبتـذل غرب زمینه‌ای برای مجـذوب کفر شدن. ۱۳ـ بدحجابی سـبب سـرد مزاجی در مردان می‌شود. ۱۴ـ زن بدحجاب دل دشمنان اسلام بویژه آمریکا را شاد می‌کند! ـــــــــــــــــــــ ۱ـ برگرفته از کتاب آنچه یک زن باید بداند، اسد الله محمدی نیا

ارزش امر به معروف و نهی از منکر تا چه حدّ است که امام حسین ۷در این راه به شهادت رسید؟

پرسش

ارزش امر به معروف و نهی از منکر تا چه حدّ است که امام حسین ۷در این راه به شهادت رسید؟

پاسخ

چنان که در پاسـخ سؤال ۳۶گفـتیم , امر به معروف و نهی از منکر یگـانه اصـلی است که ضـامن بقـای اسـلام است . اگر این اصـل نباشـد, اسـلامی وجود نخواهـد داشت . همان گونه که یک کارخانه بـدون بازرس و رسـیدگی دائمی مهنـدسان پابرجا نمی ماند و جامعه بدون پزشک متخصص نمی تواند برقرار باشد, یک جامعه هم نمی تواندبدون بازرس به راه خود ادامه دهد و حتماً باید یک بازرس و هشدار دهنده باشد و مردم از خطر افکار پوچ و غلط وخلاف اسـلام برحذر کند تا بقا داشـته باشد.(۱) (پـاورقی ۱.مرتضی مطهری , مجموعه آثار, ج ۱۷ ص ۲۳۵

جوانان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی دارند؟

پرسش

جوانان در ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه نقشی دارند؟

پاسخ

واضح است که نوعاً جوانان جنبهء احساسات و شور و هیجان شان بر جنبهء عقل و اندیشه شان برتری دارد و توجه شان به امیال مادی فزون تر از جنبه های معنوی می باشد. به همین دلیل بیش از سایر اقشار در معرض هجوم افکار نادرست قرار دارند. و چون ریشهء اعتقادی مذهبی آن ها محکم نیست , زودتر تحت تأثیر واقع می شوند.بر این اساس اگر جوانی , معروف و منکر را بشناسد و به آن عمل کند و دیگران را امر و نهی کند, اثر مهمی در هم سالان خود خواهد داشت .

آیا کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر حکم شهید را دارد؟

پرسش

آیا کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر حکم شهید را دارد؟

پاسخ

کشته شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که طبق شرایط عمل کرده باشد، شهید است یا مظلوم. در هر دو صورت دارای اجر عظیم است. امیرالمؤمنین (ع) فرمود ": هر کس در مقابل زشتی ها و منکرات با قلب و زبان و دستش ایستادگی نکند و از آن جلوگیری ننماید، مرده ای است بین زندگان.["۱۰] ۲[۱۰] جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۵۳.

امروزه فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته است. در روایت آمده است که گروهی را به جهنم می برند، در حالی که در اطاعت خدا بودند، ولی علت دچار شدن به عذاب الهی به خاطر عدم انجام فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر بود. لطفاً توضیح دهید؟

پرسش

امروزه فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته است. در روایت آمده است که گروهی را به جهنم می برند، در حالی که در اطاعت خدا بودند، ولی علت دچار شدن به عذاب الهی به خاطر عدم انجام فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر بود. لطفاً توضیح دهید؟

پاسخ

از جمله فروع دین که از اهمیت فراوانی برخوردار است، فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر می باشد. فریضه ای که اگر همگانی و فراگیر شود و تمام آحاد جامعه خود را نسبت بدان مسئول بدانند، تظاهر به گناه از جامعه برچیده خواهد شد. در هر حال این فریضهٔ مهم جزء واجبات کفایی است که شخص یا گروهی آن را انجام دادند از بقیه ساقط می شود. اما همان گونه که هر واجبی در دین اسلام با وجود شرایط آن محقق می شود، این واجب نیز با تحقق شرط قابل اجرا و پی گیری خواهد بود. علما و مراجع بزرگ شرط های امر به معروف و نهی از منکر را به شرح ذیل بیان کرده اند: ۱ـ آن که می خواهد امر و نهی کند، بداند آن چه شخص به جا نمی آورد واجب است، و آن چه به جا می آورد ، باید ترک کند. بر کسی که معروف و منکر را نمی داند، واجب

نیست. دوم: احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می کند. اگر بداند اثر نمی کند، واجب نیست. سوّم: بداند معصیتکار بنا دارد معصیت خود را تکرار کند. اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد تکار نمی کند، واجب نیست. چهارم: در امر و نهی مفسده ای نباشد. اگر بداند یا گمان کند اگر امر یا نهی کند، ضرر جانی یا آبرویی یا مالیِ قابل توجه به او می رسد، واجب نیست، بلکه اگر احتمال صحیح بدهد و ترص ضرر های مذکور را پیدا کند، واجب نیست. اگر بترسد ضرری متوجه متعلقان او می شود واجب نیست بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا آبرویی یا مالی که موجب حرج بر مؤمنان می شود، واجب نمی شود بلکه در بسیاری از موارد حرام است.۱ متأسفانه در جامعۀامروزی نه تنها امر به معروف و نهی از منکر غبار گرفته، بلکه بسیاری از واجبات نیز مورد تردید و یا بی احترامی و بی اعتنایی است. در چنین مواقعی وظیفۀ افراد، حفظ و پاسداری از حریم دین می باشد. اگر فضایی برای اجرای این فریضه وجود نداشته باشد، کسی در قیامت مورد سؤال واقع نمی شود و به این خاطر به جهنم نمی رود. ۱ توضیح المسائل مراجع، ج ۲ ص ۶۱۸ مسئلۀ ۲۷۹۱.

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ دربارهاش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعۀ اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینیاز باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد ۰یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند. حسینبن علی(ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرّق است، دنبالش تفکّک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکند و میگوید اینها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود.

قرآن چه شرطی را برای اینکه مسلمانان بهترین ملتها شوند بیان می کند؟

پرسش

قرآن چه شرطی را برای اینکه مسلمانان بهترین ملتها شوند بیان می کند؟

پاسخ

جواب این سؤال را قرآن مجید داده است: کُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ» شما بهترین امتها و ملتها هستید، اما با یک شرط: «تَأْمُرونَ

بِالْمَعْروفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» می خواهی به خودت ارزش بـدهی؟ می خواهی در نزد پیغمبر خـدا ارزش پیـدا کنی؟ با عمل کردن به این اصـل در نزد خـدا و پیغمبر ارزش پیـدا کن. اگر می خواهی در نزد ملـل جهـان ارزش پیـدا کنی که هم بلوک شـرق روی تو حساب کنـد و هم بلوک غرب، سـرنوشت تو را او در اختیار نگیرد و او برای تو تصـمیم نگیرد، امر به معروف و نهی از منکر داشـته باش، همبستگی و همدردی داشته باش، اخوّت و برادری اسلامی را زنده کن، از بی خبری پرهیز کن، از ضعف پرهیز کن.

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پرسش

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پاسخ

حـدیثی داریم که امام رضا علیه السـلام از پیغمبر اکرم نقل می کنـد و آن این است: «اذا تَواکَلَتِ النّاسُ الاَمرَ بِالمَعروفِ وَ النَّهیَ عَنِ المُنکَرِ» هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهـده همدیگر بگذارند (یعنی هر کس سـکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کنـد و در نتیجه هیچ کس قیام نکند) «فَلیَأذَنوا بِوِقاعٍ مِنَ اللهِ» (فروع کافی، ۵/۵۹) پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشـند. چه عذابی؟ سـنگ از آسمان بیاید؟ نه، عذاب الهی در آیه قرآن چنین تفسیر شده است: «قُلْ هُوَ القادِرُ عَلی اَن یَبعثَ عَلشـیکُم عَذاباً مِن فَوقِکُم اَو مِن تَحتِ ارجُلِکُم اَو یَلبِسَـکُم شِـیَعاً وَ یُذیقَ بَعضَکُم بَأسَ بَعضٍ.» انعام/۶۵ (از عذاب خدا بترسید) بگو خدا قادر است که از بالای سر شـما بر شـما عذاب بفرسـتد یا از زیر پای شـما عذاب را بجوشاند یا شـما را دسـته دسته کند، یا اینکه زیـان خود شـما را به خود شـما برسانـد (یعنی خودتان را به جان یکـدیگر بینـدازد). اهل بیت در روایات خود چنین معنی می کنند: عذاب بالای سر یعنی شما از مافوقها عذاب می بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می بینید. پیغمبر اکرم فرمود: وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، منتظر و مطمئن باشـند که پشت سر آن عذاب الهی می آید. حدیث دیگری از پیغمبر اکرم است که آن را، هم علمـای شـیعه در کتب معتبر خود مثل اصول کافی روایت کرده انـد و هم علمای اهل تسـنن. غزالی این حـدیث را در احیاء العلوم نقل می کنـد و سـند آن در کتب حدیث اهل تسـنن هست: «لَتَأمُرُونَّ بِالمَعروفِ وَ لَتَنَهُنَّ عَنِ المُنکَرِ اَو یُسَـلِّطَنَّ اللهُ عَلَیکُم شِـرارَکُم فَیَدعوا خِیارُکُم فَلا یُستَجابُ لَهُم» (فروع کافی، ۴/۵۶) یعنی بایـد امر به معروف و نهی از منکر را داشـته باشـید، این دو باید وجود داشته باشـند وگرنه بَدان شـما بر شـما مسـلط می شوند، بعد خوبان شـما می خوانند و به آنها جوابی داده نمیشود. اکثر این طور معنی میکننـد که بعـد از آنکه بَدان شـما بر شـما مسـلط شدند، نیکان شـما به درگاه الهی می نالند و خداوند دعای آنها را مسـتجاب نمی کند. یعنی قومی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، خاصیتشان این است که خداوند رحمت خود را از آنها می گیرد؛ هر قدر خدا را بخوانند دعای آنها به موجب این گناه مستجاب نمی شود. ولی غزالی معنی لطیفی برای این آیه کرده استبا اینکه مرد به اصطلاح درویشی است و در مسائل اجتماعی دیده نمی شودمی گوید معنی این جمله «فَیَدعُوا خِیارُکُمْ فَلا یُستَجابُ لَهُم» این نیست که خـدا را می خواننـد و خـدا دعـای آنهـا را مسـتجاب نمی کنـد. معنـایش این است: وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کننـد آنقـدر پست می شوند، آنقدر رعبشان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می رونـد، هر چه ندا می کنند به آنها اعتنا نمی شود. یعنی پیغمبر فرمود: اگر می خواهید عزت داشـته باشـید و دیگران روی شـما حساب کنند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. اگر امر به معروف و نهی از منکر نداشـته باشـید اولین خاصیت آن ضعف شماست، پستی و ذلت شماست، دشمن هم روی شما حساب نمیکند.

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پرسش

پیامبر اکرم (ص) در مورد عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پاسخ

حدیثی داریم که امام رضا علیه السلام از پیغمبر اکرم نقل می کند و آن این است: «اذا تَواکَلَتِ النّاسُ الاَمرَ بِالمَعروفِ وَ النَّهیَ عَنِ المُنکَرِ» هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند (یعنی هر کس سکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کند و در نتیجه هیچ کس قیام نکند) «فَلیَأذَنوا بِوِقاعٍ مِنَ اللهِ» (فروع کافی، ۵/۵۹) پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند. چه عذابی؟ سنگ از آسمان بیاید؟ نه، عذاب الهی در آیه قرآن چنین تفسیر شده است: «قُلْ هُوَ القادِرُ عَلی اَن یَبعثَ عَلَیکُم عَذاباً مِن فَوقِکُم اَو مِن تَحتِ ارجُلِکُم اَو یَلبِسَکُم شِیَعاً وَ یُذیقَ بَعضَکُم بَأسَ بَعضٍ.» انعام/۶۵ (از عذاب خدا بترسید) بگو خدا قادر است که از بالای سر شما بر شما عذاب بفرستد یا از زیر پای شما عذاب را بجوشاند یا شما را دسته دسته کند، یا اینکه زیان خود شما را به خود شما برساند (یعنی خودتان را به جان یکدیگر بیندازد). اهل بیت در روایات خود چنین معنی می کنند: عذاب بالای سر یعنی شما از مافوقها عذاب می بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می بینید. پیغمبر اکرم فرمود: وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، منتظر و مطمئن باشند که پشت سر آن عذاب الهی می آید. حدیث دیگری از پیغمبر اکرم است که آن را، هم علمای شیعه در کتب معتبر خود مثل اصول کافی روایت کرده اند و هم علمای اهل تسنن. غزالی این حدیث را در احیاء العلوم نقل می کند و سند آن در کتب حدیث اهل تسنن هست: «لَتَأمُرُونَّ بِالمَعروفِ وَ لَتَنهُنَّ عَنِ المُنکَرِ اَو یُسَلِّطَنَّ اللهُ عَلَیکُم شِرارَکُم فَیَدعوا خِیارُکُم فَلا یُستَجابُ لَهُم» (فروع کافی، ۴/۵۶) یعنی باید امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشید، این دو باید وجود داشته باشند وگرنه بَدان شما بر شما مسلط می شوند، بعد خوبان شما می خوانند و به آنها جوابی داده نمیشود. اکثر این طور معنی میکنند که بعد از آنکه بَدان شما بر شما مسلط شدند، نیکان شما به درگاه الهی می نالند و خداوند دعای آنها را مستجاب نمی کند. یعنی قومی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، خاصیتشان این است که خداوند رحمت خود را از آنها می گیرد؛ هر قدر خدا را بخوانند دعای آنها به موجب این گناه مستجاب نمی شود. ولی غزالی معنی لطیفی برای این آیه کرده استبا اینکه مرد به اصطلاح درویشی است و در مسائل اجتماعی دیده نمی شودمی گوید معنی این جمله «فَیَدعُوا خِیارُکُمْ فَلا یُستَجابُ لَهُم» این نیست که خدا را می خوانند و خدا دعای آنها را مستجاب نمی کند. معنایش این است: وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند آنقدر پست می شوند، آنقدر رعبشان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می روند، هر چه ندا می کنند به آنها اعتنا نمی شود. یعنی پیغمبر فرمود: اگر می خواهید عزت داشته باشید و دیگران روی شما حساب کنند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. اگر امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشید اولین خاصیت آن ضعف شماست، پستی و ذلت شماست، دشمن هم روی شما حساب نمیکند.

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ دربارهاش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعهٔ اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینیاز باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد ۰یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند. حسینبن علی(ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرّق است، دنبالش تفکّک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکند و میگوید اینها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود.

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در بقای اسلام چه نقشی دارد؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ آیا ممکن است یک سازمان همینطور به حال خود باشد، هیچ دربارهاش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه همچنین است. یک جامعهٔ اسلامی اینطور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر. شما کدام انسان را پیدا میکنید که از پزشک بینیاز باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد ۰یا باید دیگران پزشک باشند و او را معالجه کنند. حسینبن علی(ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسیترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرّق است، دنبالش تفکّک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد. آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد میکند و میگوید اینها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند، میفرماید: به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پرسش

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر چه فرموده اند؟

پاسخ

امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: «بِها تُقامُ الْفَرائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتَحِلُّ الْمَکاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْاَرْضُ وَیُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَیَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (فروع کافی، ۵/ ۵۶) [به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می شود، راهها امن می گردد، کسبها حلال می شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود، کارها رو به راه می شود.]

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟

پاسخ

تأثیر دو وظیفهٔ الهی«امربه معروف» و «نهی از منکر» در تأمین عدالت اجتماعی و اجرای قوانین و مبارزه با منکرات و کم شدن جنایات و زندانیان و کمک به پیشرفت فرهنگ اجتماعی، غیر قابل انکار است و تجربه نشان داده است جامعه‌ای که این دو وظیفه را به طور صریح و آگاهانه انجام دهد بسیار پاک و امن و امان خواهد بود و آنها که این دو را به فراموشی بسپرند و دربرابر تخلّفات و نابسامانیها و گناهان، بی‌تفاوت بمانند، گرفتار عواقب شومی می‌شوند و فساد حتّی به داخل خانه و کاشانه آنها کشیده می‌شود و در چنین اجتماعی هیچ کس در امنیّت نخواهد بود و درست همان گونه که در حدیث پیغمبر اکرم(ص) آمده، بلا و عذاب الهی دامان آنها را خواهد گرفت، و به گفتهٔ امیر مؤمنان علی(ع) در این حال دعای نیکانشان نیز، برای حلّ مشکلات و دفع بلاها به اجابت نخواهد رسید. «فَبِیَدِهِ وَلّی عَلَیْکُمْ شِرارُکُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا یُسْتَجابُ لَکُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟ پرسش

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری در مبارزه با مفاسد اجتماعی دارد؟

پاسخ

تأثیر دو وظیفهٔ الهی«امربه معروف» و «نهی از منکر» در تأمین عدالت اجتماعی و اجرای قوانین و مبارزه با منکرات و کم شدن جنایات و زندانیان و کمک به پیشرفت فرهنگ اجتماعی، غیر قابل انکار است و تجربه نشان داده است جامعه‌ای که این دو وظیفه را به طور صریح و آگاهانه انجام دهد بسیار پاک و امن و امان خواهد بود و آنها که این دو را به فراموشی بسپرند و دربرابر تخلّفات و نابسامانیها و گناهان، بی‌تفاوت بمانند، گرفتار عواقب شومی می‌شوند و فساد حتّی به داخل خانه و کاشانه آنها کشیده می‌شود و در چنین اجتماعی هیچ کس در امنیّت نخواهد بود و درست همان گونه که در حدیث پیغمبر اکرم(ص) آمده، بلا و عذاب الهی دامان آنها را خواهد گرفت، و به گفتهٔ امیر مؤمنان علی(ع) در این حال دعای نیکانشان نیز، برای حلّ مشکلات و دفع بلاها به اجابت نخواهد رسید. «فَبِیَدِهِ وَلّی عَلَیْکُمْ شِرارُکُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا یُسْتَجابُ لَکُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

علی(ع) در مورد تارکان امر به معروف و نهی از منکر چه می فرماید؟

پرسش

علی(ع) در مورد تارکان امر به معروف و نهی از منکر چه می فرماید؟

پاسخ

او درباره تارکان امر به معروف و نهی از منکر فرمود: «أوَّلُ ما تُغْلبونَ عَليهِ مِن الجِهادِ ألجِهاد بأيْديكُم ثُمَّ بِألْسِنتكُم ثُمَّ بِقُلوبِكُم فَمنْ لَم يَعرِفْ بِقلبِهِ مَعروفاً ولَم يُنكرُ مُنكَراً قُلِبَ فَجُعِلَ أعْلاهُ أسْفلُه وأسفَلُه أعْلاه»؛ (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۵). [اوّلین مرحله‌ای که در جهاد شکست می‌خورید و مغلوب می‌شوید جهاد عملی و پیکار با شمشیر است، سپس در جهاد با زبان مغلوب می گردید و بعد از آن در جهاد با قلب و دلتان. پس کسی که به طور کلی دست از جهاد بکشد و حتی با قلب خود حمایت از نیکی‌ها و امور پسندیده نکند و به مبارزه با زشتی‌ها و ناپسندیها برنخیزد، قلبش واژگون است.]

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پرسش

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در میان ملتهای زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می‌تواند از این حق بهره برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی‌کنند، مثلا اگر گوینده و یا نویسنده ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می‌تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی‌کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند. اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید.] اسلام به‌اندازه ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده ننمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْاَحْياءِ» (وسائل الشیعه۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی‌کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می‌نماید. ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد ک از آن عمل گرفته می‌شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا- به بیماری «آپاندیست» را نجات می‌دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله‌های آتش، آهنی را

جوش می‌دهد، و یا درو پنجره می‌سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می‌شود، نیست ـ مع الوصف ـ ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می‌نماید و رنج می کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می‌نماید و رنج می کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می‌سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می کند. عین این تفاوت درامر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است. به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل اعمال به حکم عقل و نقل، همان ایمان به خداوند و پرستش (نماز) او است ولی نتیجه ایمان فقط و فقط مربوط به خود شخص ایمان آورنده است و شخص مؤمن در پرتو ایمان ، سعادتمند و اصلاح می‌شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج، موجی در اجتماع از نظر اصلاح ایجاد می‌نماید اما موجی بسیار کوچک که از حدود یک فرد یا کمی‌بیشتر تجاوز نمی‌نماید. از این نظر باید گفت: ایمان به خداوند از نظر اعمال فردی با فضیلت ترین عمل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فداکاری در طریق اصلاح جامعه، موجی بسیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می‌آورد، گاهی یک جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می‌بخشد. گاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند. گاهی یک رهبر سیاسی، یک راهنمای مذهبی، یک دلسوز نوعدوست، با نظارتهای پی گیر، مبارزه‌های ریشه دار، و دعوتها و راهنمائیهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه روزی و تیره بختی، نجات می‌دهد. شاهد گفتار ما آزادیهائی است که ملل استعمارزده و زجر دیده افریقا، پاکستان و هندوستان در سایه فداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده‌اند. روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی برد، امام می‌فرماید: «وَما اَعْمالُ البرِّ کُلُّها عِنْدَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَةٍ فی بَحْرٍ لُجّی» (نهج البلاغه عبده کلمات قصار شماره /۳۷۴) یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی‌است در برابر دریای مواج و بزرگ.] هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست. روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، ـ لذا ـ دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده‌اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته‌اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است. امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می‌شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی گردد. امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است : «اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْی عَنِ الْمُنکَرِ سَبیلُ الْاَنْبیاء وَمَنْهاجُ الصُّلَحاءِ فَریضَةٌ عَظیمَةٌ بِها تُقامُ الْمَذاهِبُ وَتَاْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَکاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَیَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می گیرد و مردم ملزم می‌شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع وکسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور سایه می‌افکند.] اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف، با تمام مراحل گوناگون که دارد، از راهنمائی زبانی گرفته تا برسد به اجرای حدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهم برهمی، وحشت و اضطراب در تمام شئون مردم رخنه کرده و لذت زندگی از بین می‌رود/>. <body
<</html

آیا این ادعای قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر صحیح است که می‌گوید: «در میان امت کسی با وجوب آن مخالف نیست، جز گروه امامیه»؟

پرسش

آیا این ادعای قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر صحیح است که می گوید: «در میان امت کسی با وجوب آن مخالف نیست، جز گروه امامیه»؟

پاسخ

متأسفانه او در این نسبت راه خطا پیموده و علت آن این است که به کتب امامیه مراجعه نکرده و با دانشمندان آنان در این مورد سخن نگفته است، در حالی که کتابهای فقهی و کلامی‌امامیه بر وجوب آن گواهی می‌دهند. امام باقر(ع) دربارهٔ این دو عامل اصلاح جامعه چنین می‌فرماید: «إنّ الأَمر بالمعروف والنَهی عن المُنکر، سَبیل الأنبیاء و مِنهاج الصُلحا، فَریضهٔ عَظیمهٔ تُقام بها الفرائض، وتُؤمّن المذاهب، وتَحلّ المکاسب و تَردُّ المَظالم و تُعمّر الأرض، و یَنتصفُ من الأَعداء و یَستقیم الأمر». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ ۱۱ /باب دوازدهم از باب جهاد/حدیث ۱) [امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران، طریقهٔ صالحان است، فریضهٔ بزرگی هستند که به وسیلهٔ این دو، واجبات تحقق می‌پذیرد و راهها امن و کسبها حلال و اموال به صاحبانشان پس داده می‌شود و زمین آباد و دشمنان قصاص می‌شوند و امور مسلمانان اصلاح می‌پذیرد.] انسان از مسامحهٔ قاضی و امثال او در شگفت است که چگونه چنین اندیشهٔ باطلی را به امامیه که پیوسته یک سوم مسلمین را تشکیل می‌دهند نسبت می‌دهد، در حالی که معاصر او شیخ مفید استاد کلام شیعه، در کتابهای کلامی‌خود بر وجوب آن تصریح می کند و می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر به وسیلهٔ زبان ـ در صورت نیاز ـ بر همه واجب کفایی است، تا حجت بر جاهل تمام شود». (اوائل المقالات/۹۸) خواجه در تجرید می گوید: «والأمر بالمعروف واجب وکذا النهی عن المنکر، و بالمندوب مندوب». [امر به معروف و نهی از منکر واجب است و امر به مستحب، بسان خود او مستحب است] (نصیر الدین /متن تجرید در کشف المراد/ ۲۷۱) شاید چیزی که مایهٔ اشتباه قاضی شده است، مسألهٔ وجوب جهاد ابتدایی با کافران است که در سخنان امام هشتم، چنین وارد شده است: «جهاد همراه با امام عادل واجب است، آن کس که در این جهاد در راه جان و مال خود کشته شود، شهید است» (حر عاملی، وسائل الشیعهٔ ۱۱/باب ۱۲/ حدیث ۱۰) آیا مقصود از امام عادل، امام معصوم است یا مطلق پیشوای عادل؟ گروهی از محققان آن را به پیشوای عادل زمان هر چند امام معصوم نباشد تفسیر می کنند و فرمان او را در وجوب جهاد کافی می‌دانند. (جواهر الکلام ۲۱/۱۳) قاضی عبد الجبار، امامیه را به قول به عدم وجوب امر به معروف متهم کرده، ولی از عقیدهٔ اشاعره در مورد پیروی از دستور سلطان ستمگر سخنی به میان نیاورده است، در حالی که آنان اطاعت او را واجب و خروج بر او را حرام و اطاعت او را مادامی‌که امر به حرام نکند، اطاعت خدا می‌انگارند. آیا یک چنین تسلیم در برابر ظالم و ستمگر با وجوب امر به معروف سازگار است، در حالی که احادیث مروی از پیامبر بر خلاف آن دلالت دارند. پیامبر گرامی ص) فرمود: «بزرگترین جهاد، گفتار عادلانه است نزد حاکم ستمگر». (ترمذی، سنن /۴) و نیز فرمود: «هرگاه مردم ستمگر رابینند و او را از کار خودباز ندارند، ممکن است عذاب همگان را فرا گیرد» (ترمذی، سنن/۴)

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پرسش

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در میان ملتهای زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می‌تواند از این حق بهره برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی‌کنند، مثلا اگر گوینده و یا نویسنده ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می‌تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی‌کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند. اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید.] اسلام به‌اندازه ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده ننمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْاَحْياءِ» (وسائل الشیعه۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی‌کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می‌نماید. ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد ک از آن عمل گرفته می‌شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا- به بیماری «آپاندیست» را نجات می‌دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله‌های آتش، آهنی را جوش می‌دهد، و یا درو پنجره می‌سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می‌شود، نیست ـ مع الوصف ـ ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می‌نماید و رنج می‌کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می‌نماید و رنج می‌کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می‌سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می‌کند. عین این تفاوت درامر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است. به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل اعمال به حکم عقل و نقل، همان ایمان به خداوند و پرستش (نماز) او است ولی نتیجه ایمان فقط و فقط مربوط به خود شخص ایمان آورنده است و شخص مؤمن در پرتو ایمان ، سعادتمند و اصلاح می‌شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج، موجی در اجتماع از نظر اصلاح ایجاد می‌نماید اما موجی بسیار کوچک که از حدود یک فرد یا کمی‌بیشتر تجاوز نمی‌نماید. از این نظر باید گفت: ایمان به خداوند از نظر اعمال فردی با فضیلت ترین عمل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فداکاری در طریق اصلاح جامعه، موجی بسیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می‌آورد، گاهی یک جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می‌بخشد. گاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند. گاهی یک رهبر سیاسی، یک راهنمای مذهبی، یک دلسوز نوعدوست، با نظارتهای پی گیر، مبارزه‌های ریشه دار، و دعوتها و راهنمائیهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه روزی و تیره بختی، نجات می‌دهد. شاهد گفتار ما آزادیهائی است که ملل استعمارزده و زجر دیده افریقا، پاکستان و هندوستان در سایه فداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده‌اند. روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از

منکر پی برد، امام می‌فرماید: «وَما اَعْمالُ البرِّ کُلُّها عِنْدَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَةٍ فی بَحْرٍ لُجّی» (نهج البلاغه عبده کلمات قصار شماره /۳۷۴) یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی‌است در برابر دریای مواج و بزرگ.] هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست. روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، ـ لذا ـ دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده‌اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته‌اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است. امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می‌شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی گردد. امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است : «اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْی عَنِ الْمُنکَرِ سَبیلُ الْاَنْبیاء وَمَنْهاجُ الصُّلَحاءِ فَریضَةٌ عَظیمَةٌ بِها تُقامُ الْمَذاهِبُ وَتَاْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَکاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَیَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می گیرد و مردم ملزم می‌شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع وکسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور سایه می‌افکند.] اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف، با تمام مراحل گوناگون که دارد، از راهنمائی زبانی گرفته تا برسد به اجرای حدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهم برهمی، وحشت و اضطراب در تمام شئون مردم رخنه کرده و لذت زندگی از بین می‌رود/<. <body
<</html

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پرسش

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چگونه است؟

پاسخ

در میان ملتهای زنده جهان امروز نظارت یک امر مشروع است، هر فردی می‌تواند از این حق بهره برداری نماید، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد، او را مجازات نمی کنند، مثلا اگر گوینده و یا نویسنده ای در امور اجتماعی، انحرافی را دید می‌تواند با گفتن و نوشتن، از حق مشروع خود استفاده نماید، ولی اگر نکرد او را محاکمه نمی کنند اما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر بصورت یک اصل لازم و واجب وارد شده و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند، و مهر خاموشی بر دهان بزند. اسلام به قدری به این مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است ملتی که در اجرای قوانین، دقت کامل به عمل آورده در برابر گناه و طغیان یک فرد و یا یک جمعیت سکوت اختیار نکند. قرآن این حقیقت (شخصیت از آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است. «کُنْتُمْ خَیْرَاُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ» آل عمران/۱۱۰ [شما در میان ملت ها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت باز دارید.] اسلام به‌اندازه ای به این مسأله حیاتی اهمیت داده است که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در اثر سستی و تنبلی و یا علل دیگر، استفاده ننمایند مردگان زنده نما خوانده است و چنین فرموده: «فَهُوَ مَیِّتٌ بَیْنَ الْاَحْیاءِ» (وسائل الشیعه۱۱/۴۰۴) [آنان مردگان زنده نما هستند]، زیرا یک چنین فرد یا جمعیت بسان مرده، از حق مسلم

فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمی‌کند، و در برابر عصیان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت، سکوت می‌نماید. ارزش هر عمل بستگی به نتیجه ای دارد ک از آن عمل گرفته می‌شود. ارزش عمل جراحی که مبتلا- به بیماری «آپاندیست» را نجات می‌دهد به مراتب بالاتر از ارزش استادکاری است که در برابر شعله‌های آتش، آهنی را جوش می‌دهد، و یا درو پنجره می‌سازد. در صورتی که رنج بدنی و مقدار وقتی که کار دوم لازم دارد قابل قیاس با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل می‌شود، نیست - مع الوصف - ارزش عمل جراح کجا، و ارزش کار یک استاد کار کجا. و نکته این تفاوت، در بزرگی و کوچکی نتیجه ایست که عائد طرف می‌گردد، جراح یک ساعت وقت صرف می‌نماید و رنج می‌کشد، و در نتیجه یک شخص مشرف به مرگ را نجات میدهد. آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف می‌نماید و رنج می‌کشد، در آخر کار، در و پنجره و یا چکشی را می‌سازد. از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق روشن پیدا می‌کند. عین این تفاوت درامر به معروف نهی از منکر و باصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی، با سائر کارهای شرعی و عرفی موجود است. به طور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی به پایه امر به معروف نخواهد رسید، چون هر کار مشروع به جز از امر به معروف، نتیجه آن، جزئی و عائد خود انسان است زیرا افضل اعمال به حکم عقل و نقل، همان ایمان به خداوند و پرستش (نماز) او است ولی نتیجه ایمان فقط و فقط مربوط به خود شخص ایمان آورنده است و شخص مؤمن در پرتو ایمان ، سعادتمند و اصلاح می‌شود، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج، موجی در اجتماع از نظر اصلاح ایجاد می‌نماید اما موجی بسیار کوچک که از حدود یک فرد یا کمی‌بیشتر تجاوز نمی‌نماید. از این نظر باید گفت: ایمان به خداوند از نظر اعمال فردی با فضیلت ترین عمل است نه از نظرهای دیگر. ولی امر به معروف و مبارزه با گناه، و فداکاری در طریق اصلاح جامعه، موجی بسیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود می‌آورد، گاهی یک جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می‌بخشد. گاهی در سایه نظارت ملی یک فرد، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضررهای معنوی مستخلص میشوند. گاهی یک رهبر سیاسی، یک راهنمای مذهبی، یک دلسوز نوعدوست، با نظارتهای پی گیر، مبارزه‌های ریشه دار، و دعوتها و راهنمائیهای سودمند، یک ملت چند میلیونی را از ناکامیها و محرومیتها، از سیه روزی و تیره بختی، نجات می‌دهد. شاهد گفتار ما آزادیهائی است که ملل استعمارزده و زجر دیده افریقا، پاکستان و هندوستان در سایه فداکاری یک اقلیت ناچیز به دست آورده‌اند. روی این مبنا میتوان به عظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی برد، امام می‌فرماید: «وَما اَعْمالُ البرِّ کُلُّها عِنْدَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ اِلّا کَنَفْثَةٍ فی بَحْرٍ لُجّی» (نهج البلاغه عبده کلمات قصار شماره /۳۷۴) یعنی [کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به امر به معروف و نهی از منکر بسان قطره و یا دمی‌است در برابر دریای مواج و بزرگ.] هرگز قطره آب یا دم انسانی در برابر قطرات بی پایان آب های دریا قابل سنجش نیست. روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نمود، مسائل جامعه شناسی مطرح نبود، - لذا - دانشمندانی که کلمات آن حضرت را شرح کرده‌اند در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید با یک نظر تعجب آمیز گذشته‌اند ولی امروز جامعه شناسی، و جریانهای زندگی ملل به پاخاسته، این مطلب را آفتابی نموده است. امر به معروف ضامن اجرای کلیه قوانین است کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجرای محکمی پشت آن نباشد، هرگز اجرا نخواهد شد، در حقیقت در سایه امر به معروف و نظارت ملی، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی و غیره اجرا می‌شود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد، تمام دستورات به حالت تعطیل در آمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمی‌گردد. امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است : «اِنَّ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْی عَنِ الْمُنکَرِ سَبیلُ الْاَنْبیاء وَمَنْهاجُ الصُّلَحاءِ فَریضَةٌ عَظیمَةٌ بِها تُقامُ الْمَذاهِبُ وَتَاْمَنُ الْمَذاهِبُ وَتُحَلُّ الْمَکاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظالِمُ وَتُعْمَرُ الْاَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْاَعْداءِ وَیَسْتَقیمُ الْاَمْرُ» (وسائل الشیعه۱۱/۳۹۵) [در مسأله نظارت مردم، فرائض و تکالیف انجام می‌گیرد و مردم ملزم می‌شوند از حرام بپرهیزند. و از طرق مشروع وکسب حلال ارتزاق کنند، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد، تمام راههای کشور امن می‌گردد، و امنیت بر اثر اجرای حدود و کیفر دادن جنایتکاران، در سرتاسر کشور سایه می‌افکند.] اگر این قدرت، یعنی قدرت امر به معروف،

بـا تمـام مراحـل گوناگون که دارد، از راهنمائی زبانی گرفته تا برسـد به اجرای حـدود و قوانین جزایی، از جامعه گرفته شود هرج و مرج، بی نظمی، درهـم برهمی، وحشـت و اضـطراب در تمـام شـئون مردم رخنه کرده و لـذت زنـدگی از بین می‌رود/<. body>
<</html

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پرسش

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پاسخ

امر بـه معروف ، عمـل خیرخواهـانه و مفیـد بـه حـال فرد و جـامعه اسـت و از نظر عقلی ، بسیارپسـندیده اسـت . قرآن مجیـد یکی از امتیازات امت اسـلامی بر دیگر امت ها رااجرای همین اصل می دانـد؛ زیرا این نوعی نظارت و احساس مسوولیت همگانی در جهت سعادت فرد و جامعه در تمام سـطوح می باشـد .جالب این است که یکی از ابزارهای مهم کنترل قـدرت و نظارت عمومی بر رهبران ،اجرای همین اصل است . از همین رو پیامبر اکرم (ص) فرمودنـد : ((اگر امر به معروف ترک شود، بدترین افراد بر جامعه مسـلط می شونـد)) . بنـابراین ؛ این مهم ، فوایـد بیشـماری دارد .اما این که آن را دخالت در امور دیگران تلقی کنیم ، ناشـی از چنـد چیز است : ۱- شـیوه هـای غلط امر به معروف وتجسـس های بی جا در امور داخلی افراد، ۲- گرایش پنهان به انـدیشه های فردگرایانه (Individ Ualism) غربی و آزادی های بیش از حد فردی ، که با منطق دینی سازگاری ندارد; .

از نظر قرآن امر به معروف و نهی از منکر وظیفهٔ همهٔ مسلمانان است یا وظیفهٔ عده‌ای یا گروهی خاص‌ّ است

پرسش

از نظر قرآن امر به معروف و نهی از منکر وظیفهٔ همهٔ مسلمانان است یا وظیفهٔ عده‌ای یا گروهی خاص‌ّ است

پاسخ

در آیهٔ ۱۰۴ از آل‌عمران آمـده است" وَلتکن مِنکُم أُمّـهٔ یَدعُون إِلَی الخَیْرِ وَ یَأمُرُون بِالمَعرُوفِ وَ یَنهَون عَنِ المُنکَر ;...و باید از میان شما، گروهی باشـند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند "...در این آیه شـریفه و آیات دیگر قرآن کریم (اعراف ۱۵۷ ;حج ۴۱ ;لقمان ۱۷ و...) به دو وظیفهٔ مهم و بزرگ اجتماعی اشاره شده است" معروف که در لغت به معنی کار شناخته شده و مراد از آن در قرآن کریم کارهای پسـندیده اعم از واجب و مستحب است و" منکر "که در مقابلِ معنی معروف و به معنی" ناشـناخته است و مراد از آن در قرآن کریم گناه است دین مبین اسـلام از تمامی مسـلمانان خواسته که جهت حفظ اجتماع از افراد شـرور و انحرافات و مفاسـد اجتماعیِ آنان و همچنین تـداوم و بقا و حیات جامعه اسـلامی برای زنـده کردن این دو وظیفه مهم قیام کنند. آنچه از این آیه به انضـمام آیات دیگر، مثل آیهٔ ۱۱۰ همین سوره و آیهٔ" و تواصوا بالحق سورهٔ والعصر به دست می‌آید، این است که این دو وظیفه بر عموم مسـلمانان واجب است یعنی فردفرد افراد اجتمـاع برای به پا داشـتن و اقامـهٔ آن با نظارت عمومی خودشان بایـد به آن عمل کننـد. در روایات معتبر نیز بر اهمیت اجرای این دو فریضهٔ مهم تأکید شده که بعضـی از آن روایات چنین است ۱. امام باقر۷ می‌فرمایـد": ان الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضـهٔ عظیمهٔ بها تقام الفرائض امر به معروف و نهی از منکر،

دو فریضهٔ بزرگ الهی است که بقیهٔ فریضه‌ها با آنها برپا می‌شوند ".۲. پیغمبراکرم‌می‌فرماید": مَن اَمَرَ بالمعروف وَ نَهیَ عَنِ المُنکر فهو خلیفهٔ الله فی أرضِهِ و خلیفهٔ رسول الله و خلیفهٔ کتابه کسی که به معروف امر و از منکر نهی کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر و کتاب اوست " روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که بر اهمیت فوق‌العاده این دو فریضهٔ بزرگ اشاره کرده‌اند. از آیات قرآن استفاده می‌شود که" امر به معروف و نهی از منکر "دو مرحله دارد: ۱. مرحلهٔ فردی ۲. مرحلهٔ دسته جمعی مرحلهٔ اول وظیفهٔ همهٔ مردم است مرحلهٔ دوم از شئون حکومت اسلامی است لذا در حکومت اسلامی تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمان‌های حکومتی لازم است و نیز باید توجه داشت که یکی از مراحل امر به معروف و نهی از منکر، ضرب و جرح و قتل است این مرحله باید به دستور حاکم اسلامی صورت گیرد.(۰مستدرک الوسائل محدث نوری ج ۴، ص ۲۴۷، مؤسسهٔ آل‌البیت)

آیا انسان در اصلاح جامعه خود مسؤول است ؟

پرسش

آیا انسان در اصلاح جامعه خود مسؤول است ؟

پاسخ

نصوص معتبر دینی با صراحت و قاطعیت مسؤولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته‌اند. درچشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسؤولیت همگانی ناممکن است. البته در این راستا مسؤولیتافراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی‌ها دانش‌ها و شرایط ویژه‌ای که در آن قرار دارد مسؤول است.}J

آیا می توان به خاطر کمرویی و همچنین یقین به عدم ترتب اثر امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه را ترک کرد؟ اینجانب خیلی وقتها فکر می کنم کسی که گناه می کند حرام انجام داده و او که امر به معروف نمی کند ترک واجب نموده است پس آیا این دو نزد حضرت حق جایگاه نز

پرسش

آیا می توان به خاطر کمرویی و همچنین یقین به عدم ترتب اثر امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه را ترک کرد؟ اینجانب خیلی وقتها فکر می کنم کسی که گناه می کند حرام انجام داده و او که امر به معروف نمی کند ترک واجب نموده است پس آیا این دو نزد حضرت حق جایگاه نزدیک به هم ندارند؟

پاسخ

اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، امر به معروف واجب می گردد. باید عنایت داشته باشید که یکی از شرایط امر به معروف احتمال تأثیر است. بنابراین هر کجا احتمال تأثیر می دهید وظیفه دارید و در صورتی که احتمال تأثیر نمی دهید و یا خطری برای جان و مال شما داشته باشد امر به معروف واجب نیست.

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پرسش

درباره اهمیت امر به معروف و زیان های ترک آن توضیح دهید.

پاسخ

امر به معروف، عمل خیرخواهانه و مفید به حال فرد و جامعه است و از نظر عقلی، بسیار پسندیده است. قرآنمجید یکی از امتیازات امت اسلامی بر دیگر امت‌ها را اجرای همین اصل می‌داند؛ زیرا این نوعی نظارت و احساسمسؤولیت همگانی در جهت سعادت فرد و جامعه در تمام سطوح می‌باشد. جالب این است که یکی از ابزارهای مهمکنترل قدرت و نظارت عمومی بر رهبران، اجرای همین اصل است. از همین‌رو پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اگر امر بهمعروف ترک شود، بدترین افراد بر جامعه مسلط می‌شوند». بنابراین؛ این مهم، فواید بیشماری دارد. اما این که آن رادخالت در امور دیگران تلقی کنیم، ناشی از چند چیز است: ۱ـ شیوه‌های غلط امر به معروف و تجسس‌های بی‌جا در امور داخلی افراد، ۲ـ گرایش پنهان به اندیشه‌های فرد گرایانه (Individ Ualism) غربی و آزادی‌های بیش از حد فردی، که با منطق دینی سازگاریندارد. {J

در باره تفسیر آیه (لایکلف الله نفسا الا وسعها) و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید؟

پرسش

در باره تفسیر آیه (لایکلف الله نفسا الا وسعها) و ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید؟

پاسخ

وسع هرکس مقدار توانایی‌ای است که برای انجام کاری دارد. در واقع مفاد این آیه این است که خداوند انسان راافزون برتوان (اعم ازتوان جسمی مالی علمی اعتبار اجتماعی و...) مکلف نمی‌کند. درضمن وسع فقط جنبه فردیندارد بلکه اعم از حیثیت فردی و اجتماعی است. بنابراین ممکن است شخصی بتنهایی توانایی انجام کاری را نداشتهباشد ولی به همراه دیگران و با یک تشکل و جمع بتواند آن را انجام دهد دراین صورت باید در راستای انجام آنرسالت الهی به جمع لازم بپیوندد مانند جنگ وجهاد. درمورد امر به معروف و نهی از منکر نیز امروزه لازم استجوانان متدین کانونهای دینی قدرتمندی تشکیل دهند و بافراگیری هنجارهای دقیق اسلامی به این وظیفه مهم به طورگروهی عمل نمایند.{J

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

ما در روستایی زندگی می کنیم که برای کار و کشاورزی هم باهم به طور دسته جمعی کار می کنیم و چون گناه و غیبت و غیره صورت می گیرد و از طرفی بنده نمی توانم امر به معروف کنم، چون تأثیری ندارد، آیا می توانم از آنجا به جای دیگر هجرت کنم؟

پرسش

ما در روستایی زندگی می کنیم که برای کار و کشاورزی هم باهم به طور دسته جمعی کار می کنیم و چون گناه و غیبت و غیره صورت می گیرد و از طرفی بنده نمی توانم امر به معروف کنم، چون تأثیری ندارد، آیا می توانم از آنجا به جای دیگر هجرت کنم؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! با تشکر و قدردانی از شما. امیدواریم همواره مورد تأیید خداوند متعال باشید. در مورد امر به معروف اگر تأثیر ندارد، بر شما واجب نیست. جدا شدن و هجرت به جای دیگر اگر با توافق پدر و مادرتان صورت بگیرد، اشکالی ندارد، ولی اگر آنان صلاح بدانند که با آنان زندگی کنید، بهتر است همان جا بمانید و با آنان زندگی کنید. فقط مواظب اعمال و رفتار خود باشید و به گناه دیگران راضی نباشید. انسان در محیط های آلوده هم می تواند به قرب الهی برسد. از خداوند متعال بخواهید که جامعه از گناه و آلودگی ها پاک شود.

هنگامی که در مسجد برق قطع می شود، بعضی افراد شرور شن بر سر مردم می‌پاشند. آیا معرفی آنان به نیروی انتظامی کار درستی است؟

پرسش

هنگامی که در مسجد برق قطع می شود، بعضی افراد شرور شن بر سر مردم می‌پاشند. آیا معرفی آنان به نیروی انتظامی کار درستی است؟

پاسخ

بزرگان محلّ آنان را نصیحت کنند. با اخلاق خوب و رفتار پسندیده بهتر می توان جلوی شرارت ها را گرفت.

وظیفه انسان در مجلسی که شخصی غیبت می کند، چیست؟

پرسش

وظیفه انسان در مجلسی که شخصی غیبت می کند، چیست؟

پاسخ

از آنجا که در حدیث آمده که شنونده غیبت هم یکی از غیبت کنندگان حساب می شود، شنیدن غیبت به طور مطلق جایز نیست. در احادیث متعددی داریم که اگر کسی از برادر مؤمنش دفاع و رد غیبت نکند، عقاب می شود، و اگر دفاع کرد، خداوند هزار در شرّ و بدی را بر او می بندد. البته استثنائاتی برای این حکم وجود دارد. برای مثال شخصی که مظلوم واقع شده و مظلومیت خویش را بیان می کند یا کسی که با شخص مناسبی مشورت می کند و به خاطر آن ناچار به بیان حقایق درباره کسی یا شنیدن آن است. برای شناخت تفصیلی موارد استثنا می توان به کتابهای اخلاقی، مثل« گناهان کبیره» تألیف مرحوم دستغیب و «معراج السعاده» تألیف مرحوم نراقی مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴ـ

اگر در مجلس گناه بودیم، و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم، وظیفهٔ ما چیست؟

پرسش

اگر در مجلس گناه بودیم، و نمی توانستیم آن مجلس را ترک کنیم، وظیفهٔ ما چیست؟

پاسخ

"می توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب، نهی از منکر نمایید، اگر اثر نکرد حرکت نمایید(مجلس را ترک کنید) در این صورت مأجور هستید ("حضرت آیت ا...تبریزی، مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج۱،ص۱۴۲") با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او اینگونه عمل می شود، مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهرهٔ عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند ("آموزش فقه، ۷۲ درس احکام، ص۲۸۲) در هر حال، اگر نتوانست مجلس گناه راترک کند در دل به استغفار مشغول باشد، تا گناه دیگران شامل او نشود. و فکر کردن به موضوعات مشروع نیز مفید است، و در همان مجلس گناه هم باید مکانی را انتخاب کند که اثرپذیری از مجلس به حداقل برسد، مثلاً درمجلس عروسی که همراه با گناه و معصیت است، می تواند به مکانی برود که صحنه های رقص را نبیند و صدای موسیقی کمتر و ضعیف تر به گوش برسد، مثلاً اگر از بستگان نزدیک است، برای خوش آمدگویی بیرون خانه بایستد یا در آشپزخانه کمک کند و ... _____ منابع و مآخذ : * مسائل جدید از دیدگاه علماء ج۱،گردآوری سید محسن محمودی" * آموزش فقه "۷۲ درس احکام، از آقای فلاح زاده

اگر در مجلس گناه بودیم و نمی‌توانستیم آن مجلس را ترک کنیم وظیفهٔ ما چیست؟

پرسش

اگر در مجلس گناه بودیم و نمی‌توانستیم آن مجلس را ترک کنیم وظیفهٔ ما چیست؟

پاسخ

می‌توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب، نهی از منکر نمایید، اگر اثر نکرد حرکت نمایید(مجلس را ترک کنید) در این صورت مأجور هستید.(حضرت آیت ا...تبریزی، مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج۱،ص۱۴۲) (۱) با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او اینگونه عمل می‌شود، مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهرهٔ عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند. (آموزش فقه، ۷۲ درس احکام، ص۲۸۲) (۲) در هر حال، اگر نتوانست مجلس گناه را ترک کند در دل به استغفار مشغول باشد، تا گناه دیگران شامل او نشود. و فکر کردن به موضوعات مشروع نیز مفید است، و در همان مجلس گناه هم باید مکانی را انتخاب کند که اثرپذیری از مجلس به حداقل برسد، مثلاً ـ درمجلس عروسی که همراه با گناه و معصیت است، می‌تواند به مکانی برود که صحنه‌های رقص را نبیند و صدای موسیقی کمتر و ضعیف تر به گوش برسد، مثلاً ـ اگر از بستگان نزدیک است، برای خوش آمدگویی بیرون خانه بایستد یا در آشپزخانه کمک کند و ... منابع و مآخذ: ۱) مسائل جدید از دیدگاه علماء، ج۱،گردآوری سید محسن محمودی ۲)آموزش فقه "۷۲ درس احکام، از آقای فلاح زاده

آیا این که ما بسیجی باشیم و یا ضابط امر به معروف و نهی از منکر تا دیدم کسی در کوچه و بازار اعمال ضد اخلاقی می‌کند مانند متکل گفتن به دختران و با مزاحمتهای دیگر یا برقراری رابطه نامشروع در ملآ عام ما می توانیم بدون حکم قاضی اینها را دست و پا بسته مورد ضرب

پرسش

آیا این که ما بسیجی باشیم و یا ضابط امر به معروف و نهی از منکر تا دیدم کسی در کوچه و بازار اعمال ضد اخلاقی می کند مانند متکل گفتن به دختران و با مزاحمتهای دیگر یا برقراری رابطه نامشروع در ملآ عام ما می توانیم بدون حکم قاضی اینها را دست و پا بسته مورد ضرب و شتم قرار داده و یا فحاشی کنیم؟

پاسخ

دوست گرامی در پاسخ به سؤال شما نکات چندی را به شما تقدیم می کنم: از دغدغهٔ شما در این باره و پرسشگری شما سپاسگزاری می کنم. اسلام دین اعتدال، فطرت و عقل است و هر کاری که انجام می‌دهیم: این توان برای ما وجود دارد که آن کار را در نظر خود مورد محاسبه قرار دهیم و ببینیم آیا فطرت ما آن را می پذیرد و با عقل سازگاری دارد یا خیر؟ قرآن کریم تصریح نموده است که" و لتکُن مِنکُم اُمَّهٔ یَدْعُون اِلی الخَیر و یَأمُرون بالمعروفِ و یَنْهَوْنَ عَن المنکر("۱) و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند. ما نباید به اسم نهی از منکر، دچار منکر شویم. اما اصل امر بمعروف و نهی از منکر باید صورت بپذ یرد. امروزه سیستمهای حراست، نظارت و ارزیابی، مهندسی ارزش و ... در سازمانها و تشکیلات دولتی و خصوصی همین وظایف را بعهده دارند و در سرتاسر دنیا این مطلب محقّق است. این امر بمعروف چند حا لت دارد که مقداری از آن در قالب نظارت عملی می‌شودکه عبارتست از: الف- نظارت مردم بر مردم ب- نظارت مردم بر دولت از طریق مجلس و مانند آن ج- نظارت دولت بر مردم د- نظارت هر کس بر خودش که اصطلاحاً به آن خود کنترلی یا مراقبه و محاسبهٔ نفس گفته میشود. آنچه شما فرمودید در مورد دستگیری یا ضرب و شتم در محدودهٔ نظارت دولت بر مردم می‌باشد و طبق قواعدی به هنگام ایجاد شورش، تنش، فساد عمومی و مانند آن و با حکم انتظامی، قضایی محقق می شود و مردم حق دخالت در این امور را ندارند و مراتب ابتدایی امر به معروف نظیر قطع ارتباط با فرد مذکور، بی اعتنایی، تذکر زبانی و ... نه فقط بعهدهٔ بسیجیان بلکه بعهدهٔ همهٔ مردم می‌باشد و هر کسی موظف است در این باره نقشی ایفا کند و در هر صورت فحاشی حرام است. آنچه شما فرمودید مراحل بالایی در امر به معروف و نهی از منکر نیست و فسادهای اقتصادی، اعتقادی فراوانی وجود دارد و خلاصه کردن امر بمعروف در بد حجابی و مانند آن، کار نادرستی است. چند استفتاء از رهبر انقلاب را نیز در پایان به شما تقدیم میکنم. مسأله ۱۰۸۱ـ ... مراتب امر به معروف و نهی از منکر اگر متوقف بر نفس و مال فاعل منکر نباشد احتیاج به اذن کسی ندارد، بلکه این از وظایف همگانی بود و بر تمامی مکلفین واجب است. و اما مواردی که در آن امر به معروف و نهی از منکر به مؤونه بیشتر از نهی لسانی متوقف بود، اگر در کشوری باشد که تحت حکومت و نظام اسلامی قرار دارد، و دولت اهتمام به این فرضیه اسلامی دارد، در آن صورت کار موکول به اذن حاکم و مسؤولین ذی ربط آن و پلیس محلّی و محاکم صالحه، می‌باشد. مسأله ۱۰۸۹- اقدامات فردی در اموری که از صلاحیت نیروی امنیتی و قضایی است، جایز نیست، و لکن این مانع از اقدامات مردم در امر به معروف و نهی از منکر با مراعات حدود و شرایط آن نمی‌باشد.(۲) ـــــــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : ۱. سوره مبارکه آل عمران / آیه۱۰۴ رسالهٔ اجوبهٔ الاستفتائات، مقام معظم رهبری، ج۱، ص۳۰۱تا۳۱۲

وظیفه طلبه‌های علوم دینی در قبال افرادی که به آسانی گناه می‌کنند و گناه برای آنان عادی می باشد، چیست

پرسش

وظیفه طلبه‌های علوم دینی در قبال افرادی که به آسانی گناه می کنند و گناه برای آنان عادی می باشد، چیست

پاسخ

خواهر عزیز ;این وظیفه باید در دو بُعد انجام شود: ۱) تعمیق و تقویت اعتقادات و معارف دینی افراد: باید دانست که مردم از سر لجبازی با دین گناه نمی کنند، و اگر شیرینی گناه در ذائقهٔ آنها مزه می کند و جذب گناه می‌شوند به دلیل عدم آگاهی و معرفت و عدم توجه به مضرات آن است امام رضاv می‌فرمایند: «... انّ الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتّبعونا(۵ ;)اگر مردم خوبی‌های کلام ما

را (کلام زیبای ما را) می‌دانستند از ما تبعیت و پیروی می‌کردند». انسان دارای فطرتی خداجوست و عادات و آداب غلط و آموزش‌های انحرافی است که چون غباری روی صفحه دل را می‌گیرد و باعث کشش به سوی گناه می‌شود، که باید با توجه به توبه گردگیری شود. بنابراین باید در اولین گام با آگاهی بخشیدن و توجه دادن به عظمت خالق و با یادآوری نعمت‌های الهی دل را به نور معرفت روشن نمود، و در این صورت است که گناه هر چند جاذب باشد، جلوه‌ای نخواهد داشت ۲) امر به معروف و نهی از منکر: از دیدگاه اسلام بر همهٔ مردم واجب است با دل و زبان و با قدرت در برابر گناه‌کار عکس‌العمل نشان دهند و نهی از منکر نمایند. در روایات اسلامی در رابطه با چگونگی برخورد با گناه‌کار مطالب بسیار آمده است از جمله حضرت علی۷ می‌فرمایند: «پایین‌ترین درجه نهی از منکر آن است که انسان با گنهکار با چهرهٔ گرفته و خشم‌آلود برخورد کند و...» از طرفی در فقه اسلامی و دستورالعمل‌های اسلام در برخورد با گناه و جلوگیری از آن دستورات بسیار دقیق دیده می‌شود که خاصیت بازدارندگی از گناه دارند، مانند احکام حدود، قصاص و...، که اگر به درستی و به طور کامل اجرا شوند، اهرم بسیار نیرومند برای براندازی گناه خواهند بود. در واقع دستورات عملی اسلامی بیانگر برخوردهای اسلام با فرد گناه‌کار است که هر کدام به نحوی نقش بازدارندگی و کنترل گناه را در فرد و جامعه دارد.(۶) البته باید امر به معروف و نهی از منکر، مطابق آنچه که در رساله‌های فقهای عظام آمده با حفظ مراتب و درجات و آگاهی و تسلط به مبانی دینی انجام شود. برای اطلاع بیشتر از شرایط امر به معروف و نهی از منکر و مراحل آن می‌توانید به تحریرالوسیله حضرت امام ، جلد ۱ مراجعه نمایید. پاورقی: -۵ معانی الاخبار، ص ۱۸۰ و بحارالانوار، چاپ بیروت ج ۲، ص ۳۰. -۶ محسن قرائتی گناه شناسی نشر پیام آزادی چاپ ششم ص ۲۸۰-۲۷۶ (با تلخیص .

وظیفهٔ ما، در مقابل کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، چیست چگونه می‌توان از نظر قانونی و رسمی قدرت پیدا کنیم تا بتوانیم در مقابل آن‌ها ایستادگی نماییم

پرسش

وظیفهٔ ما، در مقابل کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، چیست چگونه می‌توان از نظر قانونی و رسمی قدرت پیدا کنیم تا بتوانیم در مقابل آن‌ها ایستادگی نماییم

پاسخ

انسان در این سؤال دو وظیفه جدای از هم دارد یکی متوجه شخص خود اوست و دیگری وظیفه‌اش در مقابل دیگران و جامعه وظیفه خود او ترک گناه است و نباید گناه را انجام دهد وظیفه‌اش در قبال دیگران نهی از منکر است آنچه که مشهور است که کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند خود باید پاک از آن گناه باشد این شرط کمال و تأثیرگذاری است نه شرط واجب شدن نهی از منکر. قرآن مجید در سوره بقره ۴۴ می‌فرماید": أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَكُم آیا مردم را به کار خیر سفارش می‌کنید امّا خود فراموش می‌کنید ".کمال در این است که خود پاک باشد و از گناهان نهی نماید و به تعبیر دیگر خود با عمل خویش الگوی دیگران باشد و به تعبیر روایات مردم را با عمل خود تبلیغ و نهی از منکر نماید و دعوت عملی او قوی‌تر از دعوت قولی او باشد.(تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم ج ۱، ص ۲۱۵.) امّا اگر شخص وظیفه فردی خویش را انجام نداد باعث نمی‌شود وظیفه اجتماعی خویش یعنی نهی از منکر را نیز انجام ندهد. برای قانونی نمودن این وظیفه اجتماعی می‌توان در سازمان‌هایی مانند ستاد امر به معروف و نهی از منکر، یا انجمن ناصحان و غیره عضو شد و به این امر خطیر همّت گماشت

همسر من با ترانه وموسیقی میانه خوبی دارد اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر همسرم اصلاح نشد می توانم برخورد جدی کنم یا نه ؟

پرسش

همسر من با ترانه وموسیقی میانه خوبی دارد اگر بعد از امر به معروف و نهی از منکر همسرم اصلاح نشد می توانم برخورد جدی کنم یا نه ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد روشنگریو روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست. باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد خانواده و توضیحاینکه ترانه‌های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی‌کند و نیز سایر تأثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می‌گذاردآنان را برای پذیرش احکام الهی آماده نمایید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد.{J

آیا این شیوه امر به معروف است که سرجوانی را بتراشند و او را جریمه کنند؟ آیا بدین وسیله به طرف اسلام برمی گردد یا از آن روی گردان می شود؟

پرسش

آیا این شیوه امر به معروف است که سرجوانی را بتراشند و او را جریمه کنند؟ آیا بدین وسیله به طرف اسلام برمی گردد یا از آن روی گردان می شود؟

پاسخ

شیوه‌ای که ذکر فرموده‌اید باترسیمی که در مکتوب جناب عالی است مسلما مورد تأیید نیست و تا آن جا که مااطلاع داریم چنان شیوه‌ای در دستور کار نظام جمهوری اسلامی قرار ندارد.{J

اگر بخواهیم فردی را که درآمدش از راه حرام است امر به معروف نماییم شیوه صحیح این کار چیست؟

پرسش

اگر بخواهیم فردی را که درآمدش از راه حرام است امر به معروف نماییم شیوه صحیح این کار چیست؟

پاسخ

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما، به آگاهی می‌رساند که مسأله امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. مرتبه اول آن – که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد – به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت: ۱– جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲– آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی‌الامکان از شیوه‌های رفتاری آموزنده و خلّاق استفاده کند. ۳– بهتراست امربه معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش‌های لازم انجام گیرد. ۴– عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵– حتی‌الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. ب) حسن

اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله: ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد. ۲) شناخت ویژگی‌های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن. ۳) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن. ۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می‌شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست. ۵) دوری از تندروی ها و سلیقه‌ها و تعصبات عامیانه. ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس

در مورد افرادی که به مسائل دینی معتقد هستند ولی در مساله موسیقی محدودیتی برای خود قائل نمی شوند چه باید کرد؟

پرسش

در مورد افرادی که به مسائل دینی معتقد هستند ولی در مساله موسیقی محدودیتی برای خود قائل نمی شوند چه باید کرد؟

پاسخ

باید به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نمود، و با رعایت شرایط و مراحل تدریجی آن، یعنی تذکر دادن و رابطه را سرد و سست کردن و در مرحله بعد قهر کردن به منظور متوجه کردن آن‌ها، این وظیفه را ادا نمود و البته این در صورتی است که احتمال تأثیر در فرد مورد نظر را بدهیم ولی اگر بدانیم هیچ گونه اثری ندارد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نمی‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر باید با شرایط و احکام این دو واجب آشنا باشد و با حوصله و شکیبایی از مراحل پایین که همان تذکر صمیمانه و همراه با لطف و مهربانی است، شروع کند و اگر فرد نکته‌سنج و تیزبینی باشد معمولاً می‌تواند در همان مراحل پایین، در آن فرد اثر بگذارد ولی اگر از همان ابتدا خشونت، سختگیری بی‌مورد به خرج دهد و مراتب را رعایت نکند، معمولاً ـ به لجبازی آن فرد و پافشاری او بر اعمال خلافش منجر می گردد و نیز باید مطمئن باشد که این موسیقی، موسیقی حرام است و اگر صرفا احتمال می‌دهد، وظیفه‌ای ندارد باید با مطالعه‌ی کتاب‌هایی که درباره موسیقی نوشته شده و تشخیص حرام از جایز آن و نیز بیان آثار زیانبار موسیقی حرام در روح و جان انسان با بیانی شیوا و مستدلّ آن فرد را قانع نماید و این اولین گام است که اگر به خوبی و پخته برداشته شود شاید نیازی به گام‌های دیگر نباشد.

امر به معروف ونهی از منکر در خصوص کسانی که به احتمال زیاد در آنها تاثیر ندارد چگونه است یعنی اگر انسان احتمال قوی بدهد که اگر کسی را نهی از منکر کند در وی تاثیر نخواهد داشت و نیز انسان این احتمال را بدهد که حتی با نهی از منکر کردن آن شخص ،آن شخص صورت بدی

پرسش

امر به معروف ونهی از منکر در خصوص کسانی که به احتمال زیاد در آنها تاثیر ندارد چگونه است یعنی اگر انسان احتمال قوی بدهد که اگر کسی را نهی از منکر کند در وی تاثیر نخواهد داشت و نیز انسان این احتمال را بدهد که حتی با نهی از منکر کردن آن شخص ،آن شخص صورت بدی از دین اسلام را تجسم کند و ار دین اسلام بدش بیاید آیا باز هم واجب است که انسان آنگونه اشخاص را امر به معروف کند .

پاسخ

بر فرض این که احتمال تأثیر نمی دهید امر و نهی واجب نیست اما باید توجه داشته باشید که اگر کسی اسلام را آن طور که هست بفهمد و با زبان لین و اخلاق اسلامی آن را به دیگران بفهماند نه تنها از اسلام تنفر پیدا نمی کنند بلکه علاقمند هم می شوند چه این که در خیلی موارد تجربه نشان داده است.

مهمان به خانه ما می‌آید، ولی غیبت می کند. از این کار متنفرم، از این رو آن جا را ترک می کنم. آیا این کار من گناه است؟

پرسش

مهمان به خانه ما می‌آید، ولی غیبت می کند. از این کار متنفرم، از این رو آن جا را ترک می کنم. آیا این کار من گناه است؟

پاسخ

غیبت از گناهان بزرگ است. اگر در مجلسی حضور دارید که درآن گناه صورت می گیرد خصوصاً غیبت، لازم است جهت حفظ آبروی مسلمان جلو این کار را بگیرید. اگر بتوانید با تذکر امر به معروف و نهی از منکر پیامبر گرامی(ص) فرمود": کسی که در مجلسی، غیبت برادر خود را بشنود و در مقام ردّ آن برآید و از او دفاع کند، خداوند هزار نوع از شر در دنیا و آخرت را از او دور خواهد کرد اما کسی که رد نکند، مانند کسی است که غیبت کرده است.("۱) اگر نهی از منکر فایده ای نبخشید، برای آن که شریک گناه نشوید، آن جا را ترک کنید! این کار گناه نیست مگر این که ترک جلسه بی احترامی حساب شود. می‌توانید سخنان را به موضوعات دیگر بکشانید. در عین حال اگر نمی توانید از مجلس خارج شوید، سعی کنید به غیبت گوش ندهید. تنفّر قلبی کفایت می کند. پی نوشت: ۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۲ ص ۲۹۲.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیهٔ دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحلهٔ عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زندهٔ به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پرسش

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پاسخ

امر به معروف یـا لفظی است یـا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسـان بـا بیانْ حقایق را برای مردم بگویـد، خوبیها را برای مردم تشـریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست. امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قنـاعت کنـد، گفتن کـافی نیست. میتوانیم بگوییم یکی از بیماریهـای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از انـدازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشـد، روشن کردن نباشـد، نوشـتن و تشـریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد. مـا میخواهیم فقـط بـا قـدرت لفـظ و بیـان وارد شویم و حـال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شـرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

پرسش

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

پاسخ

هر یک از امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است: مسـتقیم و غیر مستقیم. گاهی که می خواهید امر به معروف و نهی از منکر کنیـد، مسـتقیم وارد می شویـد، حرف را مسـتقیم می زنیـد؛ یعنی اگر می خواهیـد کسـی را وادار به کاری کنیـد می گوییـد: من از جنابعالی خواهش می کنم فلان کار را انجام دهیـد. ولی یک وقت هم به طور غیر مسـتقیم به او تفهیم می کنیـد، که البته مؤثرتر و مفیـدتر است؛ یعنی بـدون آنکه او بفهمـد که شـما داریـد بـا او حرف می زنیـد، از کسـی که فلان کار را کرده اسـت تعریف می کنیـد، کار او را توجیه و تشـریح می کنیـد، می گویید: فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده، و... تا او بداند و بفهمد. این،بهتر در او اثر می گذارد کما اینکه عمل هم به طور غیرمستقیم مؤثرتر است.

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

پرسش

امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام میشود؟

پاسخ

هر یک از امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است: مسـتقیم و غیر مستقیم. گاهی که می خواهید امر به معروف و نهی از منکر کنیـد، مسـتقیم وارد می شویـد، حرف را مسـتقیم می زنیـد؛ یعنی اگر می خواهیـد کسـی را وادار به کاری کنیـد می گوییـد: من از جنابعالی خواهش می کنم فلان کار را انجام دهیـد. ولی یک وقت هم به طور غیر مسـتقیم به او تفهیم می کنیـد، که البته مؤثرتر و مفیـدتر است؛ یعنی بـدون آنکه او بفهمـد که شـما داریـد بـا او حرف می زنیـد، از کسـی که فلان کار را کرده اسـت

تعریف می کنید، کار او را توجیه و تشریح می کنید، می گویید: فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده، و... تا او بداند و بفهمد. این،بهتر در او اثر می گذارد کما اینکه عمل هم به طور غیرمستقیم مؤثرتر است.

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی ابتلاـ دارد و ما می توانیم با منطقی روشنگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم.

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی ابتلاـ دارد و ما می توانیم با منطقی روشنگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم.

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پرسش

پس از «هجر و اعراض» دومین مرحله در نهی از منکر چیست؟

پاسخ

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی ابتلاـ دارد و ما می توانیم با منطقی روشنگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می گذارد و نه میتوانیم با منطق و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، میتوانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی گویم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است. علی(ع) درباره پیغمبر اکرم اینطور تعبیر می کند: «طبیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهجالبلاغه، خطبه ۱۰۷) میفرماید: او طبیب بود؛ پزشکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکند که اطباء، هم مرهم می نهند و هم جراحی می کنند و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دوکاره بود: پزشکی بود مرهم نِه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل پیغمبر، مهربانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کند، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد. هم مرهمهای خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید: درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است میگوید: هم درشتی بایدباشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می گذارد و نه میتوانیم با منطق و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، میتوانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی گویم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است. علی(ع) درباره پیغمبر اکرم اینطور تعبیر می کند: «طبیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهجالبلاغه، خطبه ۱۰۷) میفرماید: او طبیب بود؛ پزشکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکند که اطباء، هم مرهم می نهند و هم جراحی می کنند و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دوکاره بود: پزشکی بود مرهم نِه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل پیغمبر، مهربانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کند، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد. هم مرهمهای خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید: درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است میگوید: هم درشتی بایدباشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پرسش

آخرین مرحله نهی از منکر چیست؟

پاسخ

آخرین مرحله مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می گذارد و نه میتوانیم با منطق و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، میتوانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی گویم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حد است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی کند و از کار زشت باز نمی دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سختگیری و خشونت است.

علی(ع) دربـاره پیغمـبر اکرم اینطور تعبیر می کنـد: «طبیب دوار بطبه، قـد احکم مراهمه و احمی مواسـمه» (نهجالبلاـغه، خطبه ۱۰۷) میفرمایـد: او طبیب بود؛ پزشـکی بود که بیمارها و بیماریها را معالجه میکرد. بعد به اعمال اطباء تشبیه میکند که اطباء، هم مرهم می نهنـد و هم جراحی می کننـد و احیاناً داغ می کنند. میگوید پیغمبر دوکاره بود: پزشـکی بود مرهم نِه و هم جراح و داغ کن. مقصود این است که پیغمبر دو گونه عمـل می کرد. یـک نوع عمـل پیغمبر، مهربـانی و لطف بود. اول هم «احکم مراهمه» را ذکر می کنـد، یعنی عمل اول پیغمبر همیشه لطف و مهربانی بود. ابتـدا از راه لطف و مهربانی معالجه می کرد، با منکرات و مفاسد مبارزه می کرد، اما اگر به مرحله ای می رسـید که دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید، آنها را به حال خود نمی گذاشت. اینجا بود که وارد عمـل جراحی و داغ کردن می شـد. هم مرهمهـای خود را بسـیار محکم و مؤثر انتخاب می کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می نمود. سعدی ما هم این مطلب را می گوید ولی بدون آنکه حق تقدمی برای مهربانی قائل شده باشد. میگوید: درشتی و نرمی بهم در به استچو رگزن که جراح و مرهم نه است میگوید: هم درشتی بایدباشد و هم مهربانی، مثل رگزن که هم جراحی می کند و هم مرهم می نهد.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امـام علی فرمود: مردم در مواجهه بـا منکرات چنـد طبقهانـد. بعضـی وقتی که منکرات را میبیننـد در ناحیـهٔ دل متأثر میشونـد، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحلهٔ عمل میشونـد، با هر نوع عملی که شـده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسـیله ببیننـد برای اینکه با آن منکر مبارزه کننـد انجام میدهنـد. فرمود: این یک زنـدهٔ به تمام زنده است. بعضـی دیگر وقتی که منکرات را میبیننـد دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، اسـتغاثه میکنند، نصـیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امـام علی فرمود: مردم در مواجهه بـا منکرات چنـد طبقهانـد. بعضـی وقتی که منکرات را میبیننـد در ناحیـهٔ دل متأثر میشونـد، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحلهٔ عمل میشونـد، با هر نوع عملی که شـده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را

که وسیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زندهٔ به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیهٔ دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحلهٔ عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را

که وسیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زندهٔ به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می‌کند؟

پرسش

امام علی(ع) مردم را در مواجهه با «منکرات» به چند گروه تقسیم می کند؟

پاسخ

امام علی فرمود: مردم در مواجهه با منکرات چند طبقهاند. بعضی وقتی که منکرات را میبینند در ناحیهٔ دل متأثر میشوند، تا مغز استخوانشان میسوزد، زبانشان به سخن در میآید، انتقاد میکنند، میگویند، ارشاد میکنند؛ به این مرحله هم قانع نشده وارد مرحلهٔ عمل میشوند، با هر نوع عملی که شده است، با مهربانی باشد، با خشونت باشد، با زدن باشد، با کتک خوردن باشد، بالأخره هر عملی را که وسیله ببینند برای اینکه با آن منکر مبارزه کنند انجام میدهند. فرمود: این یک زندهٔ به تمام زنده است. بعضی دیگر وقتی که منکرات را میبینند دلشان آتش میگیرد، به زبان میگویند، داد و فریاد میکنند، استغاثه میکنند، نصیحت میکنند، موعظه میکنند ولی پای عمل که در میان میآید، دیگر مرد عمل نیستند. فرمود: این هم دو سه خصلت از حیات را داراست ولی یک خصلت از حیات را ندارد. صنف سوم دلش آتش میگیرد اما فقط جوش میزند، فقط ناراحت میشود.

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پرسش

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پاسخ

امر به معروف یـا لفظی است یـا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسـان بـا بیانْ حقایق را برای مردم بگویـد، خوبیها را برای مردم تشـریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست. امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قنـاعت کنـد، گفتن کـافی نیست. میتوانیم بگوییم یکی از بیماریهـای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از انـدازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشـد، روشن کردن نباشـد، نوشـتن و تشـریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد. مـا میخواهیم فقـط بـا قـدرت لفـظ و بیـان وارد شویم و حـال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شـرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پرسش

اقسام مختلف امر به معروف کدام است؟

پاسخ

امر به معروف یـا لفظی است یـا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسـان بـا بیانْ حقایق را برای مردم بگویـد، خوبیها را برای مردم تشـریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست. امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قنـاعت کنـد، گفتن کـافی نیست. میتوانیم بگوییم یکی از بیماریهـای اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از انـدازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد تا گفتن نباشـد، روشن کردن نباشـد، نوشـتن و تشـریح حقایق نباشد، کاری نمیشود کرد. مـا میخواهیم فقـط بـا قـدرت لفـظ و بیـان وارد شویم و حـال اینکه مطلب این جور نیست. گفتن، شـرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد.

از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

پرسش

از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

پاسخ

در اخبـار وارد شـده کـه امر بـه معروف و نهی از منکر سـه مرحلـه و سه مقـام دارد: مرحله قلب، مرحله زبـان، مرحله یـد و عمـل. ما معمولاً ـ از مرحلـه قلـب بـه جـای آنکـه اخلاـص و حسـن نیـت و علاـقه بـه سـرنوشت مسـلمانان را درک کنیـم، جـوش و خروش و عصبانیتهای بیجا می فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیانهای روشن کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می فرماید: «اُدْعُ اِلی سَبیلِ رَبِّکَ بَالْحِکْمَةِ وَالْموْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» نحل/۱۲۵ [بخوان به سوی راه پروردگـارت با حکمت (دلائل عقلی و قابل پـذیرش) و پنـد نیکو.]

موعظه ها وپندهای تحکم آمیز می فهمیم؛ واز مرحله ید و عمل هم به جای اینکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی یفهمیم ، تنها این مطلب رافهمیده ایم که باید اعمال زور کرد .روی هم رفته ما برای گفتن و نوشتن و خطا و مقاله زیاده از حد، اعجاز قائل هستیم؛ خیال می کنیم با گفتن و زبان کار درست می شود، در صورتی که: سعدیا گرچه سخندان و مصالح گوییبه عمل کار برآید به سخندانی نیست در حدیث است: «کونوا دُعاةً لِلنّاسِ بِغَیْرِ اَلْسِنَتِکُمْ» (اصول کافی، ۲/ ۷۸، باب ورع) مردم را به دین حق و صلاح دعوت کنید اما با ابزاری غیر از زبان، یعنی با ابزار عمل. درحدیث دیگری است – که معمولآ مورد استناد فقها در باب امر به معروف و نهی از منکراست ـ که: «ما جَعَلَ اللهُ بَسْطَ اللّسانِ وَکَفَّ الْیَدِ وَاِنَّما جَعَلَهُما یَبْسُطانِ مَعآ وَیَکُفّانِ مَعاً» (فروع کافی، ۳/۵۵) یعنی چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها زبان باز باشد ولی دست بسته باشد، بلکه اگر باز است هر دو باید باز باشد و اگر می خواهد بسته باشد هر دو بسته باشد، یعنی اگر عمل در کار نباشد خوب است زبان هم بسته باشد.

از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

پرسش

از دیدگاه روایات امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد؟ مهمترین مرحله آن کدام است؟

پاسخ

در اخبار وارد شده که امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلب، مرحله زبان، مرحله ید و عمل. ما معمولآ ـ از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیتهای بیجا می فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیانهای روشن کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می فرماید: «اُدْعُ اِلی سَبیلِ رَبِّکَ بَالْحِکْمَةِ وَالْموْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» نحل/۱۲۵ [بخوان به سوی راه پروردگارت با حکمت (دلائل عقلی و قابل پذیرش) و پند نیکو.] موعظه ها وپندهای تحکم آمیز می فهمیم؛ واز مرحله ید و عمل هم به جای اینکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی یفهمیم ، تنها این مطلب رافهمیده ایم که باید اعمال زور کرد .روی هم رفته ما برای گفتن و نوشتن و خطا و مقاله زیاده از حد، اعجاز قائل هستیم؛ خیال می کنیم با گفتن و زبان کار درست می شود، در صورتی که: سعدیا گرچه سخندان و مصالح گوییبه عمل کار برآید به سخندانی نیست در حدیث است: «کونوا دُعاةً لِلنّاسِ بِغَیْرِ اَلْسِنَتِکُمْ» (اصول کافی، ۲/ ۷۸، باب ورع) مردم را به دین حق و صلاح دعوت کنید اما با ابزاری غیر از زبان، یعنی با ابزار عمل. درحدیث دیگری است – که معمولآ مورد استناد فقها در باب امر به معروف و نهی از منکراست ـ که: «ما جَعَلَ اللهُ بَسْطَ اللّسانِ وَکَفَّ الْیَدِ وَاِنَّما جَعَلَهُما یَبْسُطانِ مَعآ وَیَکُفّانِ مَعاً» (فروع کافی، ۳/۵۵) یعنی چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها زبان باز باشد ولی دست بسته باشد، بلکه اگر باز است هر دو باید باز باشد و اگر می خواهد بسته باشد هر دو بسته باشد، یعنی اگر عمل در کار نباشد خوب است زبان هم بسته باشد.

کدام قسم از اقسام امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عموم مردم است؟ پرسش

اشاره

کدام قسم از اقسام امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عموم مردم است؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر بـا قلب، یعنی دردل، از بـدیها بیزار و نسبت به خوبیهـا علاقمنـد باشـد (بعضـی گفته‌انـد منظـور از این مرحله آن است که آثار انزجار یا علاقهٔ قلبی خود را در چهره یا در عمل به صورت قهر و آشتی ظاهر کند) این وظیفهٔ همهٔ مردم در مقابـل ترک واجبات و انجام محرّمات است. امر به معروف و نهی از منکر با زبان که ابتـدا با کلمات نرم و ملایم و محبّت‌آمیز و پند و انـدرز شـروع می‌شـود و سـپس بـا کلمـات تنـدتر و خشـن تر ادامـه می‌یابـد (ایـن نیز وظیفـهٔ عامّـهٔ مردم اسـت)

دلیل وجوب امر به معروف عقلی است یا شرعی؟

پرسش

دلیل وجوب امر به معروف عقلی است یا شرعی؟

پاسخ

تردید در وجوب عقلی این دو عامل سعادت بخش، نوعی شک در امور بدیهی است. آنان که در وجوب عقلی آن تردید می‌کنند، به زنـدگی افراد از دیـدگاه فردی می‌نگرنـد که هر فردی برای خود زنـدگی مستقلی دارد، ولی اگر به زنـدگی انسانها از دیـدگاه اجتماعی بنگرند و اینکه سعادت انسانها کاملاً به یکدیگر بستگی دارد واگر در جامعه کار خوبی صورت گیرد، همگان از آن بهره منـد می‌شونـد و اگر کار بـدی تحقق پـذیرد، دامن همه را می‌گیرد، قطعاً در گفتار خود تجدید نظر می‌کنند. به خاطر چنین بستگی است که آزادیهـای فردی تـا آنجـا محترم است که به صـلاح و سـعادت جامعه لطمه وارد نسازد، در غیر این صورت کاملاً محـدود شـده و ممنوع اعلام می‌گردد، بنـابر این جهـل و نـادانی انسان نسبت به احکام و یا آلودگی او در گناه، اثر مستقیمی‌در سرنوشت دیگران دارد، از این جهت ولـو به خـاطر سـعادت خویش باشـد، بایـد به وظیفـهٔ امر به معروف قیـام کنیم و او را از چنگـال جهـل و آلودگی برهـانیم. پیامبر گرامی‌درتبیین کیفیت وحـدت سـرنوشت یک جامعه، مَثَل بسیار ارزنـده‌ای دارد که ترجمـهٔ آزاد آن چنین است: «مثـل یـک جـامعه بسان سرنشـینان کشتی واحـدی است که دارای طبقاتی باشـد، برخی در قسـمت بالا و برخی دیگر درطبقهٔ پایین جای گرفته باشـند، هرگاه سرنشینان طبقهٔ پایین، ـ به هر علتی ـ در صدد سوراخ کردن کشتی باشند و عمل خود را چنین مدلل سازنـد که جایگـاه خود را سوراخ می‌کنیم و با جایگاه شـما کاری نـداریم، بایـد آنان را از این کار باز داشت و گر نه همگی نابود می‌شوند ، زیرا سـرنوشت همگان به هم بسته است و نفوذ آب در طبقهٔ پایین، مستلزم غرق شدن تمام کشتی است». (بخاری، صحیح ۳/ بـاب «هل یقرع فی القسـمهٔ»/۱۳۹) امـام صـادق(ع) از پیـامبر گرامی ص) حـدیثی را نقـل می‌کنـد که بیانگر همین حقیقت است. رسول گرامی ص) فرمود: «هرگـاه انسـان در خفـا مرتکب گنـاهی گردد، فقط به خود ضـرر می‌رسانـد و اگر آشـکارا انجام دهـد و کسـی از او انتقاد نکند، سـعادت عموم را در خطر می‌افکند». امام پس از نقل حدیث پیامبر می‌فرماید: «او با عمل ناهنجار خود، دین خـدا را موهون سـاخته و دشـمنان خـدا را به پیروی از خود دعوت می‌نمایـد». (حر عاملی، وسائل الشـیعهٔ ۱۱/ب ۴/ح ۱) از این بیان روشن می‌گردد که عقـل و خرد برای حفـظ سـعادت اجتمـاع که ضامن سـعادت فرد نیز هست، بر لزوم امر به معروف و باز داری از منکر به طور اجمال حکم می‌کند؛ یعنی آنجا که اگر سـهل انگاری شود، سـعادت جامعه و خود انسان دستخوش اختلال می‌گردد و چون تشخیص موارد آن به صورت دقیق روشن نیست، از باب مقدمه در همه جا باید در اجرای این دو اصل کوشش کرد، تا غرض اصلی تحقق پذیرد. لطف محصِّل مطلقاً واجب و لطف مقرّب نیز در شرایطی واجب می‌باشد. مسألهٔ امر به معروف و نهی از منکر، به طور کلی از اقسـام لطف مقرّب است که اگر در آن مسـامحه شود، نوع مردم نسـبت به واجبات بی تفاوت بوده و یا در آلودگی فرو می‌رونـد. بـا وجود این دو دلیـل روشن، ابو هـاشم از معتزله و خواجه از امـامیه، وجوب آن را فقـط سـمعی دانسـته‌اند و انتظـار ما از

خواجه غیر این بوده و او در تجرید الإعتقاد، بر عدم وجوب امر به معروف از نظر عقل استدلال نموده که کاملاً ناتوان است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پرسش

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پاسخ

در بعضی از روایات آمده است که امر به معروف و نهی از منکر درجات و مراتب مختلفی دارد: مرتبه اول آن، از دل آغاز می شود و هر کس ارتکاب منکری ، یا ترک معروفی را دید، به مقتضای ایمانش باید در دل خود، از آن کار منکر و این ترک معروف منزجر باشد. نخستین آثار انزجار و ناراحتی قلبی در چهره انسان آشکار می شود؛ یعنی مؤمن با دیدن عمل منکر و ترک معروف، در دل ناراحت می شود و قیافه اش را در هم می کشد و رویش را ترش می کند. در روایات، از این کار به (اکفهرار وجه) تعبیر شده است و نیز در روایات آمده است: کسی که برای خدا با دیدن عمل منکر و ترک معروف چهره اش را در هم نکشد، جهنم چهره او را در هم خواهد کشید. مرتبه دوم به زبان مربوط می شود، یعنی در مرحله دوم، شخص مؤمن باید با زبان، ناراحتی خود را از عامل به منکر و تارک معروف، آشکار کند و او را امر به معروف و نهی از منکر نماید و یا نصیحت و موعظه کند و یا ارشاد و هدایت نماید و به هر حال، وی را به راه راست بکشاند. مرتبه سوم به عمل مربوط می شود. در مرحله سوم، شخص مؤمن، عملاً با قدرت و به طور فیزیکی، جلو منکرات را می گیرد. این مضمون، در روایات بسیاری آمده است و در باره اش بحث هایی و پرسش‌هایی مطرح می شود مانند این که آیا هر سه مرتبه قلبی، زبانی و عملی، بر همه مکلفان واجب است و یا بعضی مراتب آن، مانند مرتبه عملی و پیشگیری از منکرات، با قدرت، و حکومت مربوط می شود و اختصاص به قوه قهریه دولت دارد و دیگر مردم معمولی، نباید برای جلوگیری از منکرات، به قهر و خشونت متوسل شوند؟ شاید بتوان گفت که در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر، به صورت عملی، موجب اخلال در نظم اجتماعی شود، باید با اجازه حاکمان دولت اسلامی، انجام گیرد و در صورت مبسوط الید نبودن حاکم عدل، با اجازه فقیه جامع و شرایط و آگاه به مصالح جامعه، اجرا شود.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پرسش

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پاسخ

در بعضی از روایات آمده است که امر به معروف و نهی از منکر درجات و مراتب مختلفی دارد: مرتبه اول آن، از دل آغاز می شود و هر کس ارتکاب منکری ، یا ترک معروفی را دید، به مقتضای ایمانش باید در دل خود، از آن کار منکر و این ترک معروف منزجر باشد. نخستین آثار انزجار و ناراحتی قلبی در چهره انسان آشکار می شود؛ یعنی مؤمن با دیدن عمل منکر و ترک معروف، در دل ناراحت می شود و قیافه اش را در هم می کشد و رویش را ترش می کند. در روایات، از این کار به (اکفهرار وجه) تعبیر شده است و نیز در روایات آمده است: کسی که برای خدا با دیدن عمل منکر و ترک معروف چهره اش را در هم نکشد، جهنم

چهره او را در هم خواهد کشید. مرتبه دوم به زبان مربوط می شود، یعنی در مرحله دوم، شخص مؤمن باید با زبان، ناراحتی خود را از عامل به منکر و تارک معروف، آشکار کند و او را امر به معروف و نهی از منکر نماید و یا نصیحت و موعظه کند و یا ارشاد و هدایت نماید و به هر حال، وی را به راه راست بکشاند. مرتبه سوم به عمل مربوط می شود. در مرحله سوم، شخص مؤمن، عملاً با قدرت و به طور فیزیکی، جلو منکرات را می گیرد. این مضمون، در روایات بسیاری آمده است و در باره اش بحث هایی و پرسش‌هایی مطرح می شود مانند این که آیا هر سه مرتبه قلبی، زبانی و عملی، بر همه مکلفان واجب است و یا بعضی مراتب آن، مانند مرتبه عملی و پیشگیری از منکرات، با قدرت، و حکومت مربوط می شود و اختصاص به قوه قهریه دولت دارد و دیگر مردم معمولی، نباید برای جلوگیری از منکرات، به قهر و خشونت متوسل شوند؟ شاید بتوان گفت که در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر، به صورت عملی، موجب اخلال در نظم اجتماعی شود، باید با اجازه حاکمان دولت اسلامی، انجام گیرد و در صورت مبسوط الید نبودن حاکم عدل، با اجازه فقیه جامع و شرایط و آگاه به مصالح جامعه، اجرا شود.

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی دهند چه باید کرد؟

پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود، نداشته باشند. اما تحرک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف. کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ امامان((علیهم السلام)) و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳ـ

شرایط امر به معروف ونهی از منکر

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می‌گیرند که چرا بی‌حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می‌کند؟

پرسش

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می‌گیرند که چرا بی‌حجاب هستی و دهها چرای دیگر؛ خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می‌کند؟

پاسخ

مسلمان حقیقی کسی است که به وظائف دینی خود کاملاً عمل نماید و یکی از وظایف او امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی مثلاً یک خانم مسلمان، خودش باید با حجاب باشد و بانوان دیگر را هم به حجاب و عفّت، دعوت نماید؛ دروغ نگوید و دیگران را نیز از دروغگویی باز دارد؛ خودش نماز بخواند و دیگران را هم به خواندن نماز ترغیب کند. ولی اگر کسی خودش مثلاً بی‌حجاب بود و دیگران را به حجاب و عفّت دعوت کرد، حرف او اثر نخواهد داشت و خود را هم مسلمان کاملی نیست. البتّه امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی دارد که یکی از آنها این است که در مرحله اول با زبان خوش و دلسوزی و مهربانی و نصیحت، افراد را به کار خوب دعوت کند و از کار زشت باز دارد. « بخش پاسخ به سؤالات »

دست دادن افراد نامحرم که با هم فامیل می باشند ، چه حکمی دارد؟

اشاره

شرایط امر به معروف چیست؟

پرسش

دست دادن افراد نامحرم که با هم فامیل می باشند ، چه حکمی دارد؟ شرایط امر به معروف چیست؟

پاسخ

از مرجع بزرگواری پرسیدند: در برخی از شهرها به خصوص روستاییان مسئله محرم و نامحرم چندان مورد اهمیّت نیست، مثلاً زن، خود را از برادر شوهر حفظ نمی‌کند و او را به منزله برادر واقعی می‌داند. برادر شوهر هم زن داداش خود را خواهر به حساب می‌آورد. ای بسا با هم دست می دهند، یا دختر دایی، دختر عمو با پسر خاله و پسر عمو با هم مصافحه می‌کنند. این عمل چون از روی سادگی و بدون قصد ریبه می‌باشد آیا اشکال دارد؟ ایشان در جواب فرمودند: هیچ یک از موارد فوق جایز نیست" یعنی حرام است.("۱) البته تکلیف همان است که گفتیم، اما پیاده کردن و اعمال آن باید به گونه‌ای باشد که احساس برانگیز نباشد، مایه بدبینی و بی رغبتی مردم به اسلام نگردد، موجب بی ارزشی و پستی مکلّف نشود، مثلاً ـ امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه از فرایض اسلامی است و به عنوان واجب کفایی بر هر فردی واجب است، اما اسلام برای پیاده کردنش شرایطی تعیین کرده که با فقدان آن نه تنها واجب نسیت، بلکه گاهی حرام می‌شود. از جمله شرایط این که آمر و ناهی بدانند آن چه شخص مکلّف ترک کرده واجب است به جا آورد و آن چه انجام می‌دهد واجب است ترک کند و اگر چنین علمی نداشته باشد واجب نیست. دیگر این که بداند و احتمال بدهد امر و نهی او مؤثر است، ولی اگر احتمال بدهد که اثر ندارد واجب نمی‌شود. شرط سوم این که مفسده‌ای نداشته باشد پس اگر احتمال وقوع ضرر جانی، عرضی، آبرویی و مالی که موجب حرج بر بعضی مؤمنین می‌شود، بدهد واجب نیست.(۲) حدود حجاب چقدر است؟ از نظر اسلام زن باید غیر از گردی صورت و مچ دست‌ها تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند، اما این معنایش این نیست که با کسی حرف نزند و در خانه خود با پسر عمو و پسر خاله و دیگران صحبت نکند و یا در مجالس جشن و عروسی شرکت نکند. می‌شود هم حجاب اسلامی و آداب شرعی را رعایت نمود و هم در اجتماع زندگی کرد بدون این که مورد توهین و تمسخر دیگران قرار بگیرد. در عروسی شرکت کنید منتها هر وقت دیدید بر خلاف شرع کاری صورت می‌گیرد می‌توانید به بهانه ای به اطاق دیگر بروید، گذشته از این که رقص زن برای زن به فتوای آیت اللّه فاضل لنکرانی اشکالی

نـدارد ولی اگر نوار حرامی باشـد از مجلس خارج شویـد. وقتی مجلس به حالت عادی برگشت مجـدداً مراجعه کنید. حتماً مردم در مجـالس جشن و عروسـی در تمـام ساعات مرتکب گناه و معصـیت نمی شونـد. یا هر موقع اقوام و خویشاونـدان وارد منزل می‌شوند می‌توانیـد بـا حفـظ حجاب، مثل دیگران با آن‌ها برخورد کنیـد و حرف بزنیـد و سـلام و علیک کنیـد بـدون این که شـما را متهم به افراطی کننـد. کوتـاه سـخن این که تـا آن جـایی که ممکن است حجـاب اسـلامی و آداب شـرعی را رعـایت کنیـد و از زخم زبـان دیگران نگران نشوید، امّا در عین حال کاری نکنید که در محل انگشت نما شوید و همه از شـما و در نهایت از اسـلام متنفّر گردند. صحبت کردن حرام نیست. اگر در خلوت می‌ترسـید به گناه بیفتید اگر پسـر عمو یا پسر دایی آمد می‌توانید بروید و دختر همسایه را به خـانه بیاوریـد تـا خلوت با اجنبی صورت نگیرد. حتما در جلسات عروسـی شـرکت کنیـد و شـرکت نکردن ممکن است توهین به اقوام باشد. پی نوشت‌ها: ۱. آیت اللّه فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ج ۱، ص ۴۸۲. ۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۱۸.

به خاطر ترس از آزار جســمی و روحی دیگران , از انجام وظیفهء امر به معروف و نهی از منکرخودداری کرده و آن را ترک می کنم . چگونه می توان بر این ترس غلبه نمود؟

پرسش

بـه خـاطر ترس از آزار جسـمی و روحی دیگران , از انجـام وظیفـهء امر به معروف و نهی از منکرخـودداری کرده و آن را ترک می کنم . چگونه می توان بر این ترس غلبه نمود؟

پاسخ

اگر کسـی بدانـد یا گمان کنـد اگر امر به معروف و نهی از منکر کنـد, ضـرر جانی یا ناموسـی یا آبرویی و یا مالی قابل ملاحظه ای متوجه او خواهـد شـد, انجـام این فریضه بر او واجب نیست , بلکه اگر احتمال بدهدضـررهای مـذکور برایش به وجود می آیـد, باز واجب نیست ; حتی اگر بترسد ضـرر متوجه متعلقات و بستگان اوشود, واجب نیست امر به معروف و نهی از منکر کند.(۱) البته اگر معروف یـا منکر از امـوری باشـد کـه از دیـدگاه اسـلام خیلی مهم است , ماننـد اصـول دین و مـذهبی وحفـظ قرآن و حفـظ عقـاید مسـلمانان و یا حفظ احکام ضـروری اسـلام , با مجرد احتمال ضرر نمی شود آن را ترک نمود, بلکه باید ضررها مقایسه شوند و هر کدام مهم تر بود, اقدام شود.(۲) گاهی امر به معروف و نهی از منکر آن قدر مهم است که مسلمان باید همه چیز خود را در این راه فدا نماید, مثل اباعبداللّه الحسین ۷ ثانیاً غلبه بر ترس در این گونه موارد راه هایی دارد که در ذیل به بعضی اشاره می کنیم : ۱ امر به معروف و نهی از منکر یکی از ابزار رسـیدن به هـدف آفرینش انسـان است . همـان طـوری که می دانیم بر حسب اعتقـاد مـا هـدف اصـلی خلقت انسان , رسـیدن به کمال مطلق و قرب الهی است . رسـیدن به آن مقام ازطریق عمل به دسـتورهای اسـلام و واجبات و ترک محرّمات امکان پـذیر خواهد بود. یکی از دسـتورهای اسـلام ,امر به معروف و نهی از منکر می باشد. اگر مسـلمان مطلب فوق رابداند, هیچ گاه ترس و دلهره نمی تواند جلورسیدن به کمال او را بگیرد. ۲ بهترین اعمال , سخت ترین آن ها است . . وقتی انسان بدانـد اعمـال و کارهـای او آن گاه ارزش بیش تری دارد که در طریق انجام آن متحمّل سـختی ها و رنـج ها بشود و ارکان او وقتی زیبنـده است که در حفـظ و نگه داری آن , ضـررها و خسارات جانی و مالی متوجه او شـده باشـد, هرگز ترس از آزار و دیگران او رااز انجـام وظیفـهء الهی بـاز نمی دارد. ۳ تفکر و انـدیشه و مطـالعهء سـرگذشت رهـبران دینی ; اگر بدانـد رسول خـدا۶و حضرت امیرالمؤمنین ۷ صـدیقهء طاهره زهرا۳و ائمهء اطهار به خصوص حضـرت اباعبـدالله ۷برای پیاده کردن دسـتور زندهء اسـلامی (امر به معروف و نهی از منکر) چه ضـررها و خسارات و رنـج ها و آلام روحی و جانی را به جان خریدند و در راه خدا صبر نمودند, دیگر ترس و دلهره پیدا نخواهد کرد. (پـاورقی ۱.توضیح السمائل مراجع , ج ۲ ص ۶۱۹ (پـاورقی ۲.همان , ص ۶۱۹ مسئله ۲۷۹۲

یکی از شرایط عمومی تکالیف شرعی، داشتن قدرت است و در روایات اهل بیت عصمت و طهارت، بیان شده است که این فریضه صرفاً بر عهده کسانی است که قدرت بر این کار داشته باشند؛ در حالی که در نهضت حسینی(ع)، آن حضرت به دلیل جهالت یا سست عنصری یا عافیت‌طلبی مردم و یا به ا

پرسش

یکی از شرایط عمومی تکالیف شرعی، داشتن قدرت است و در روایات اهل بیت عصمت و طهارت، بیان شده است که این فریضه صرفاً بر عهده کسانی است که قدرت بر این کار داشته باشند؛ در حالی که در نهضت حسینی(ع)، آن حضرت به دلیل جهالت یا سست عنصری یا عافیت‌طلبی مردم و یا به انگیزه‌های دیگر، از پشتیبانی مردم محروم بود و توانایی براندازی یک حکومت سفّاک تا دندان مسلح را نداشت! پس چگونه آن حضرت قیام مسلحانه کرد و آن را امر به معروف و نهی از منکر اعلام نمود؟

پاسخ

استاد مطهری در این باره می‌فرماید: شرط دیگری برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده به نام «قدرت» «إنما یجب علی القوی المطلع» ؛ (امر به معروف و نهی از منکر) فقط بر انسان قدرتمند و آگاه واجب است (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۹). یعنی، شخص ناتوان نباید امر به معروف و نهی از منکر کند. این یعنی نیروی خود را حفظ کن و نتیجه بگیر، اما آنجا که ناتوانی و نیرویت هدر می‌رود، اقدام نکن. اینجا هم یک اشتباه بزرگ برای بعضی پیدا شده که می گویند: من که قدرت ندارم فلان کار را انجام دهم، اسلام هم گفته اگر قدرت نداری انجام نده؛ پس تکلیف از من ساقط است! در جواب باید گفت: خیر! اسلام می گوید: برو و قدرت به دست بیاور؛ این «شرط وجود» است، نه «شرط وجوب»؛ یعنی تا ناتوانی، دست به کاری نزن؛ ولی باید بروی قدرت و توانایی کسب کنی تا به نتیجه برسی. تحصیل قدرت برای این اصل به قدری مهم است که گاهی کار حرام واجب می‌شود؛ - مثلاً پست و مقام گرفتن از خلفای جور و ظلم و خدمت در حکومت آنها - اما اگر می‌بینی این مقام تو وسیله‌ای می‌شود که بر امر به معروف و نهی از منکر قدرت پیدا کنی، حتماً این کار را انجام بده. در تاریخ اسلام داریم که اشخاص به دستور ائمه(ع) به دربار خلفا وارد می‌شدند. در پاسخ به این عقیده که اگر قدرت تصادفاً پیدا شد، امر به معروف و نهی از منکر واجب است و اگر نه، واجب نیست؛ باید ببینیم اسلام چه ارزشی به این اصل داده است؟ ارزش این اصل تا آنجا است که آن را ضامن بقای اسلام دانسته‌اند و به خاطر آن امام حسین(ع) و یارانش شهید می‌شوند و اهل بیت آن حضرت، به اسارت می‌روند. در روایتی در نکوهش برخی از مردم آخرالزمان آمده است: «لایوجبون أمراً بالمعروف و نهیاً عن المنکر إلّا إذا أمنوا الضرر» ؛ امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی‌دانند، مگر وقتی که از ضرر آن در امان باشند. (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵).. در حدیث دیگر از امام باقر(ع) آمده است: «إن الأمر بالمعروف و النهی عن‌المنکر سبیل الأنبیاء منهاج الصلحاء بها تقام الفرایض و تأمن المذاهب و تعمر الارض‌وی نتصف من الاعداء» ؛ امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه نیکان است. به وسیله این اصل واجبات برپا می گردد، راه‌ها امن و سرزمینها آباد می‌شود و از دشمنان (حقوق ضایع شده) باز ستانده می گردد. (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵).. فریضه‌ای که چنین ارزشی دارد، آیا ممکن است درباره آن بگویند: اگر یک روز اتفاقاً و تصادفاً نیرویی داشتی انجامش بده؛ وگرنه تکلیف ساقط است. این بدان معنا است که بگویند: اگر تصادفاً دیدی می‌توانی اسلام را نگه داری، نگه دار و اگر دیدی نمی‌توانی، دیگر لازم نیست! در مورد احتمال تأثیر هم همین طور است؛ یعنی، نمی‌توانیم بگوییم: چون احتمال تأثیر وجود ندارد، پس تکلیف ساقط است».حماسه حسینی، ج ۱، صص ۳۱۲-۳۰۴. نمونه‌ای از عملکرد صحیح در مسأله احتمال تأثیر را در واقعه عاشورا می‌بینیم که اهل بیت، حتی کشته شدن امام حسین(ع) را هم پایان کار و وظیفه خود ندانستند و حتی در دربار یزید و ابن زیاد دنبال همان هدف

حسینی بودند. شهید شدن امام(ع) از یک نظر برای آنان آغاز کار بود، نه پایان کار.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پرسش

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چهار مورد می‌باشد. که عبارتند از: ۱. امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر خودش به موارد امر و نهی آگاه باشد؛ ۲. احتمال تأثیر در شنونده بدهد؛ ۳. عمل کننده به منکر و ترک کننده معروف قصد ادامه گناه و یا ترک واجبات را داشته باشد؛ ۴. مفصده‌ای برای امر کننده به معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد. تفصیل و توضیح بیشتر در کتاب توضیح‌المسائل و رساله مراجع تقلید آمده است. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که تحت تأثیر واقع نمی شوند و با انسان برخوردناشایستی انجام می دهند, واجب است ؟

پرسش

آیا امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که تحت تأثیر واقع نمی شوند و با انسان برخوردناشایستی انجام می دهند, واجب است ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی است که ترک آن ها آثار و عواقب بدی برای افراد وجامعه دارد. از پیامبر۶ نقل شده است : .(۱) مرحوم آیت اللّه طالقانی در این زمینه گفته است : حقیقت جهاد اسلامی هم یک نوع امر به معروف و نهی از منکر مسلّحانه است .(۲) امام خمینی (ره) می فرماید: ۱ آن کسی که می خواهد امر و نهی بکند, بداند که آن چه آن شخص مکلف به جا نمی آورد, واجب است به جاآورد و آن چه به جا می آورد, باید ترک کند ;یعنی باید معروف و منکر را بشناسد. ۲ احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می کند. ۳ بداند که شخص معصیتکار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند. ۴ در امر و نهی کردن مفسده ای نباشد. پس اگر بداند که ضرر مالی یا جانی یا آبرویی به او متوجه می شود, امر ونهی واجب نیست و در بعضی موارد حرام است . ولی اگر معروف یا منکر از اموری باشد که اسلام به آن اهمیت زیاد می دهد, مانند اصول دین یامذهب و حفظکردن قرآن کریم و حفظ و نگهداری عقاید اسلامی یا احکام ضروری اسلام , باید ملاحظهء اهمیت شود و مجرّد ضرراین وظیفهء الهی را از گردن انسان بر نمی دارد. در این صورت ها باید امر به معروف و نهی از منکر انجام داد ولو نیاز به بذل جان و مال و آبرو باشد.(۳<) در هر صورت در موارد معمولی تا آن جا که ممکن است باید امر به معروف و نهی از منکر کرد و حتماً تأثیر ـحتی فی الجمله ـ دارد, به طوری که اگر غیر شما دیگران نیز آن را پیگیری کنند, تأثیر مثبتی خواهد داشت , مگرموردی باشد که به انسان وارد شود. (پاورقی ۱.وسائل الشیعه , ج ۱۱ ص ۳۹۸ (پاورقی ۲.محمد عابدی , پیکار با منکر در سیرهء ابرار, دفتر اوّل , ص ۱۹۱ (پاورقی ۳.توضیح المسائل مراجع , ج ۲ ص ۶۱۸

شرایط آمر به معروف و ناهی از منکر چیست ؟

پرسش

شرایط آمر به معروف و ناهی از منکر چیست ؟

پاسخ

چند چیز شرط است : ۱ آمر و ناهی بداند آن چه شخصی مکلّف به جا نمی آورد, واجب است و آن به جا می آورد, باید ترک کند ;یعنی معروف و منکر را بشناسد. ۲ احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر دارد. ۳ بداند معصیت کار بنا دارد معصیت راتکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند و یا احتمال صحیح بدهد تکرارنخواهد کرد, واجب نیست نهی کند. ۴ در امر و نهی مفسده ای نباشد. بنابراین اگر کسی بداند یا گمان کند در صورت امر و نهی , ضرر جانی یا آبرویی و یا مالیِ قابل توجّهی به او یا متعلقان او, بلکه بر بعضی مؤمنان وارد می شود, واجب نیست , امر یا نهی کند.(۱) گفتنی است اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس اهمیّت زیادی به آن می دهد, مثل اصول دین , یامذهب و حفظ قرآن و حفظ و عقاید مسلمانان و یا احکام ضروریه مثل نماز و روزه و حج و حجاب , باید ملاحظه ءاهمیّت شود و مجرّد ضرر موجب واجب نبودن نمی شود. پس اگر حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه ءاسلام , بر بذل جان و مال توقف داشته باشد, بذل آن واجب است . هم چنین اگر بدعتی در اسلام پیدا شود, اظهار حق به هر نحوِ ممکن واجب است , اگر چه بدانند تأثیر نمی کند ونیز اگر احتمال صحیح داده شود, که سکوت موجب می شود معروفی , منکر و منکری , معروف شود, باید اظهار نمود وسکوت جایز نیست .(۲) (پاورقی ۱.توضیح المسائل مراجع , ج ۲ ص ۶۱۸ـ ۶۱۹ (پاورقی ۲.برداشت از توضیح المسائل مراجع , ج ۲ ص ۶۱۹ـ ۶۲۰

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاکِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْآمِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْکَرِ» اینها هستند که در راه اشاعهٔ خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همهٔ آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللهُ الْآمِرینَ بِالْمَعْروفِ التّارِکینَ لَهُ، وَ النّاهینَ عَنِ الْمُنْکَرِ الْعامِلینَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاکِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت کند

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاکِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْآمِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْکَرِ» اینها هستند که در راه اشاعهٔ خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همهٔ آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللهُ الْآمِرینَ بِالْمَعْروفِ التّارِکینَ لَهُ، وَ النّاهینَ عَنِ الْمُنْکَرِ الْعامِلینَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاکِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت کند.

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاکِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْآمِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْکَرِ» اینها هستند که در راه اشاعهٔ خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همهٔ آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللهُ الْآمِرینَ بِالْمَعْروفِ التّارِکینَ لَهُ، وَ النّاهینَ عَنِ الْمُنْکَرِ الْعامِلینَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند،

«اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاکِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت کند.

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاکِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْآمِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْکَرِ» اینها هستند که در راه اشاعهٔ خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همهٔ آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللهُ الْآمِرینَ بِالْمَعْروفِ التّارِکینَ لَهُ، وَ النّاهینَ عَنِ الْمُنْکَرِ الْعامِلینَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاکِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت کند.

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می‌کند؟

پرسش

از دیدگاه قرآن شخص پس از طی چه مراحلی قابلیت امر به معروف و نهی از منکر را پیدا می کند؟

پاسخ

قرآن بعد از آنکه میگوید: «اَلتّائِبونَ الْعابِدونَ الْحامِدونَ السّائِحونَ الرّاکِعونَ السّاجِدونَ» میگوید: «اَلْآمِرونَ بِالْمَعْروفِ وَ النّاهونَ عَنِ الْمُنْکَرِ» اینها هستند که در راه اشاعهٔ خیر قدم بر میدارند، در راه مبارزه با شر و فساد قدم بر میدارند، و اینها هستند تنها کسانی که چنین صلاحیتی را دارند. «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ» در اینجا به مؤمنین نوید و بشارت بده که اگر تائب، عابد، سائح، راکع و ساجد شدند و پس از آن آمر به معروف و ناهی از منکر شدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همهٔ آنها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند، به جایی نخواهند رسید. اگر امر به معروف و نهی از منکر را داشتند اما آمرین به معروف و ناهین از منکر، خودشان آلوده بودند و توبه فرمایان خود توبه کمتر کردند باز هم به جایی نخواهند رسید. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین فرمود: «لَعَنَ اللهُ الْآمِرینَ بِالْمَعْروفِ التّارِکینَ لَهُ، وَ النّاهینَ عَنِ الْمُنْکَرِ الْعامِلینَ بِهِ» خدا لعنت کند آن مردمی را که امر به معروف میکنند

خودشان بر خلاف آن معروف عمل میکنند و آن مردمی را که نهی از منکر میکنند و خودشان همان منکراتی را که نهی میکنند مرتکب میشوند. یعنی آن آمرین به معروف و ناهون عن المنکری که «اَلتّائِبون» نیستند، «اَلْعابِدون» نیستند، «اَلْحامِدون» نیستند، «اَلسّائِحون» نیستند، «اَلرّاکِعون» نیستند، «اَلسّاجِدون» نیستند، هنوز این مراحل و منازل را طی نکرده میخواهند آمر به معروف و ناهی از منکر باشند خدا چنین مردمی را لعنت کند

شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پرسش

شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.

پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی ازمنکر دارای شرایطی است از جمله : ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد .۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن . ۳) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن . ۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می شود در رابطه با مصالح خود اوو به نفع اوست . ۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر .۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه . ۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر .یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است . یعنی باید این مسیله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی درجامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوولند .زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد .همچنین با انحراف یک نفر وگسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت؛ .

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟

پرسش

شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟

پاسخ

در مساله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود : الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف وشرایط وجوب و مراتب آن . امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی ازمنکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتنداز : ۱- آمر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد ۲- کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد ۳- مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود مثلا "اگر با آرامش می توان نهی کرد از پرخاش خودداری شود .۴- احتمال تاثیر داده شود .۵-برای آمر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد .ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل . طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم

است برخی را به طور غیرمستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود .ج) حتی الامکان ازمنطقی ترین و بهترین زبان استفاده شود .بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود .در این زمینه هم سعی شود اول یک مسیله مطرح شود و پس از اصلاحتشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسایل پرداخته شود .د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می شودازسر خیرخواهی ومفید به حال خود آنها است . ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی ازمنکر بدشان نیاید .بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی درتذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت . حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس ==در بند این مباش که نشنید یا شنید کس == و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه ای موثرتر باشید .ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید; .

معاشرت با افراد منحرف آنگاه که قصد راهنمایی در بین باشد دارای چه ضوابطی است؟

پرسش

معاشرت با افراد منحرف آنگاه که قصد راهنمایی در بین باشد دارای چه ضوابطی است؟

پاسخ

۱. این اهتمام دلسوزی، برخاسته از درد دینداری و قابل تقدیر است. حقیقت این است که انسان منحرف به دنیا نمی آید. نقص تربیت، عدم شناخت، ضعف در برخوردها و عوامل گوناگون دیگر، افراد را به انحراف می کشاند. ۲. قدم اول بنابر روش هدایت قرآنی برداشتن موانع از طریق شناخت نیازی که آنان را به فساد کشانده، می باشد ;زیرا قرآن از روش پیامبر((صلی الله علیه وآله)) چنین حکایت می کند:«یضع عنهم امرهم و الاغلال التی کانت علیهم(;۱)سنگینیها و زنجیرهای آنان را بر می داشت». گاه می تواند ازدواج، ایجاد صمیمیت، مقبولیت و شخصیت دادن زمینه ساز تغییرهای اساسی باشد. ۳. پرسشهای جواب داده نشده، پاسخ یابد. ۴. انسان، خود ثابت قدم باشد. چنان نباشد که آنها با شیطنت او را منفعل کنند. فرد گمراه از داشتن همراه بیشتر، راحت تر به کار ادامه می دهد. ۵. مطالعه کتب تربیتی بسیار لازم است. ۶. بررسی مراتب امر به معروف و نهی از منکر در کتاب رساله عملیه لازم است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ -سوره اعراف، آیه ۱۵۷. ـ۱۰ـ

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر ;خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

پرسش

آیا کسانی که همیشه به این و آن اشکال می گیرند که چرا بی حجاب هستی و دهها چرای دیگر ;خودشان مسلمان هستند یا به مسلمانی تظاهر می کند؟

پاسخ

مسلمان حقیقی کسی است که به وظائف دینی خود کاملا عمل نماید و یکی از وظایف او امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی

مثلا یک خانم مسلمان، خودش باید با حجاب باشد و بانوان دیگر را هم به حجاب و عفّت، دعوت نماید ;دروغ نگوید و دیگران را نیز از دروغگویی باز دارد ;خودش نماز بخواند و دیگران را هم به خواندن نماز ترغیب کند. ولی اگر کسی خودش مثلا بی حجاب بود و دیگران را به حجاب و عفّت دعوت کرد، حرف او اثر نخواهد داشت و خود را هم مسلمان کاملی نیست. البتّه امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی دارد که یکی از آنها این است که در مرحله اول با زبان خوش و دلسوزی و مهربانی و نصیحت، افراد را به کار خوب دعوت کند و از کار زشت باز دارد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۱ـ

ما چه موقع باید (واجب است) که امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟ چه مواقعی نباید دست به امر به معروف و نهی از منکر بزنیم ؟

پرسش

ما چه موقع باید (واجب است) که امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟ چه مواقعی نباید دست به امر به معروف و نهی از منکر بزنیم ؟

پاسخ

امر به معروف ونهی از منکر در میدان گفتار و تذکر زبان دارای شرایط ذیل است : ۱ـ شناخت واجب ترک شده توسط متخلف و شناخت منکر و حرام انجام شده توسط او. ۲ـ احتمال تاثیر تذکر و امر ونهی. ۳ـ علم به تکرار تخلف توسط متخلف. ۴ـ عدم وجود مفسده د رامر به معروف و نهی ازمنکر. بنابراین امر به معروف با شرایط فوق واجب و لازم و در صورت فقدان شرایط مذکور واجب نخواهد بود یعنی با شرایط ذیل واجب نیست: ۱ـ ندانند آنچه انجام شده حرام است و ترک واجب. ۲ـ بداند یا احتمال دهد عدم تاثیر گفتار و امر و نهیش را. ۳ـ بداند یا احتمال دهد مفسده و ضرری را مگر در موارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین و مذهب ، حفظ قرآن و آرمانهای آن و عقاید و احکام ضروری اسلام که در آن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید. لازم به یاد آوری است با فقدان شرایط امر به معروف و نهی از منکر حکم وجوب گفتاری و تذکر کلامی برداشته خواهد شد ولی امر به معروف عملی در حذف بسترهای گناه و منکرات و استفاده از ابزار بازدارنده وظیفه دیگری است که فعلا بعهده قوه قضائیه و نیروی انتظامی و اجرائی است . حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در این باره فرموده‌اند: مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند . برگرفته از : ۱ـ معاد، استاد مطهری (ره) برای پژوهش بیشتر به رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره) رجوع کنید ". با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی‌که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوای امام راحل (در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است در صورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند ".برای پژوهش بیشتر به رسالهٔ توضیح المسائل حضرت امام (رجوع کنید. ـــــــــــــــــ ۱ـ اوجوبهٔ الاستفتائات، مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۳۳۱، س ۱۰۸۸

لطفاً بفرمایید آیا امر به معروف و نهی از منکر برای افرادی که به وضو، نماز و... اهمیت نمی‌دهند و در خیابان‌ها با ظاهری ناهنجار ظاهر

می‌شوند واجب است چنانچه واجب است بهترین روش کدام است

پرسش

لطفاً بفرماییـد آیا امر به معروف و نهی از منکر برای افرادی که به وضو، نماز و... اهمیت نمی‌دهنـد و در خیابان‌ها با ظاهری ناهنجار ظاهر می‌شوند واجب است چنانچه واجب است بهترین روش کدام است

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر با فراهم بودن شـرایط آن در هر کجا و برای هر کسی واجب است" وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(; آل عمران ۱۰۴) و باید از میان شـما، گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند "...مراجع تقلید معمولاً چهار شرط برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر می‌کنند: ۱. شـناخت معروف و منکر از کسـی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند ;۲. احتمال تأثیر ;۳. عدم مفسدهٔ جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنان ۴. تصـمیم گناهکار بر اصرار بر گناه در صورت تحقق شرایط فوق ما موظفیم به این واجب اقدام کنیم امر به معروف از آسان‌ترین مرحله شـروع شده و چنانچه لازم باشد تا سخت‌ترین مرحلهٔ مجاز ادامه می‌یابد. وظیفه افرادی عـادی ـ غیر از دسـتگاه‌های مسـئول در مرحله اول انزجـار قلبی از منکر است و پس از آن امر و نهی زبـانی بـا ملاطفت و نرمی و در برخی موارد با درشتی است در این مرحله لازم است از راه خیرخواهی و جدال احسن وارد شویم تا مخاطب ما را دشـمن خود فرض نکنـد ;بلکه خیرخواه خود بدانـد"، پیغام‌هـا و رسالت‌هـای پروردگـارم را به شـما ابلاغ می‌کنم و همانا برای شـما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) در این بـاره مطـالعه کتـاب امر به معروف و نهی از منکر، آقای قرائتی مفیـد است (ر.ک امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی)

امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است ؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر دارای چه شرایطی است ؟

پاسخ

در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی درنظر گرفته شود: الف احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل طبیعی است با هر کسـی به‌زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیرمستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی‌ترین و بهترین زبان اسـتفاده شود. بهتر است‌ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشـزد شودو سپس تدریجا به بیان‌ایرادات وارد بر آنها پرداخته شـود. در این زمینه هم سـعی شـود اول یـک مسـئله مطرح شود و پس از اصـلاح تشویق گردد و سـپس به همین‌ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د) حتی الامکان بایـد به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تـذکر داده‌می‌شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنها است ه) ضـمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد ازامر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیایـد. بلکه وظیفه ما رعایت اصول‌صـحیح اخلاقی و انسانی در تـذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرنـد یا نه وخوشـشان آیـد یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل‌داشت حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس‌در بند این مباش که نشـنید یا شنید

کس و) جدولی برای خود تنظیم کنید و شرح شیوه‌های کاربردی خود را بامیزان تأثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه‌ای مؤثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

وظیفه ما در برابر فیلم های مبتذل چیست ؟

پرسش

وظیفه ما در برابر فیلم های مبتذل چیست ؟

پاسخ

در این موارد لازم است با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و معرفی عوامل توزیع‌کننده به مقاماتمسئول انجام گیرد.{J

حسن اجرای امربه معروف و نهی ازمنکر دارای چه شرایطی است ؟

پرسش

حسن اجرای امربه معروف و نهی ازمنکر دارای چه شرایطی است ؟

پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله: ۱) آمر به‌معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد. ۲) شناخت ویژگی‌های روحی و روانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن. ۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن. ۴) با زبان منطقی‌و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می‌شود در رابطه با مصالح خود و و به نفعاوست. ۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر. ۶) دوری از تندروی‌ها و سلیقه‌ها و تعصبات عامیانه. ۷) احیای فرهنگ امربه‌معروف نهی‌ازمنکر. یکی از ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی)است. یعنی‌باید این مسئله در جامعه و بویژه دانشجویان جا بازکند که بر خلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعهاسلامی همه نسبت به یکدیگر مسئولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یککشتی‌اند که اگر در گوشه‌ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین باانحراف یک نفر وگسترش آنسرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن‌جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدودساخت.{J

چگو نه می توان صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورد؟

پرسش

چگو نه می توان صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورد؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر شرائطی دارد که هر کس واجد آنها باشد صلاحیت برای امر و نهی دارد. و آن شرائط عبارتند از: الف. کسی که امر و نهی می کند عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چه چیز در اسلام واجب و باید انجام داد و چه کار حرام

است و باید ترک شود. ب. احتمال تأثیر بدهد پس در صورتی که انسان می داند سخن او تأثیری در دیگری ندارد بر او لازم نیست امر به معروف و نهی از منکر نماید. ج. آن شخصی که مرتکب کار خلاف است اصرار بر ترک واجب یا انجام دادن معصیت داشته باشد. پس اگر بداند که آن شخص توبه کرده و یا نشانه های پشیمانی در او دیده شود امر و نهی واجب نیست. د. مفسده مهم نداشته باشد یعنی ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجهی برای امر کننده و نهی کننده نداشته باشد. با وجود این شرائط صلاحیت برای امر به معروف و نهی از منکر هست و الا نه. (توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۲۹)

آیا کسی که خود عمل به معروف نمیکند می تواند امر به معروف کند یا خیر ?به عنوان مثال کسی را که سیگار میکشد میتواند ما را به نهی از سیگار کشیدن کند یا مثلا کسی که خود بی حجاب است یا بد حجاب امکانش است که خود ما را امر به معروف و نهی از منکر کند ? آیا این آیه

پرسش

آیا کسی که خود عمل به معروف نمیکند می تواند امر به معروف کند یا خیر ?به عنوان مثال کسی را که سیگار میکشد میتواند ما را به نهی از سیگار کشیدن کند یا مثلا کسی که خود بی حجاب است یا بد حجاب امکانش است که خود ما را امر به معروف و نهی از منکر کند ? آیا این آیه مبارکه ۴۴ سوره بقره در این مورد است که اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم...ممکن است کسی بگوید که من ضررات این معضل را چشیدم و نمی خواهم تو نیز گرفتار این معضل شوی...ولی متقابلا- اولین سوالی که به ذهن مخاطب میآید این که چرا خود آمر و یا ناهی خود به گفته خود عمل نمیکند و او هم در جواب میگوید که همه نمیتوانند مثل ایمه معصوم باشند?چه باید گفت به این افراد...من یک زمانی خیلی به اتاق چت میرفتم دلیلش این بود که برادرم که خود به این اتاق ها میرفت مرا از این عمل منع میکرد و من هم به عکس خیلی علاقه پیدا کرده بودم که مداومت کنم بر چت...تا این که یک سفر آمد ایران و من یک ماه تمام چت میکردم و بعد از آنکه از ایران آمد دیگر گفت مانعی نیست که وارد چت شوی...اتفاقا من دیگر بی اعتنا شدم به چت ... من دلیل را در این میدیدم که اوو چون به گفته ی خویش عمل نمیکرد من حریص میشدم علی ما منعت...به هرحال او همیشه حرفش همان مثال سیگاری است که بالا ذکر کردم و من هم مثال همان بد حجاب...نظر و اندیشه شما چیست ?او میگوید من از آیت الله العظمی از تلیوزیون دیدیم که ایشون گفتند که مانعی نیست در حالی که من یکی از شرایط را همین عمل به آن میدانم...او میگوید بهتر(مرحله ایده آل) آنست که عمل هم بکنی لیک میتوانی هم به زبان بسنده کنی و خود خلاف آنرا عمل کنی با مغلطه آوردن مثال سیگار که حتی من شنیدم علمای بزرگ ما اتفاقا سیگار هم میکشند ...امام راحل-علامه طباطبایی-آیت الله سیستانی...مقام عظمای ولایت را نمیدانم به هر حال...من میگویم که خود امام علی لعنت میکند کسی را که به امر و نهی خود عمل نکند ...او میگوید که این مرحله ایده آل است و جز معصوم توانایی آن را ندارد...امیدوارم مرا با ارشادات خود راهنمایی کنین..

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر شرائطی دارد که هر کس واجد آنها باشد صلاحیت برای امر و نهی دارد. و آن شرائط عبارتند از: الف. کسی که امر و نهی می کند عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چه چیز در اسلام واجب و باید انجام داد و چه کار حرام است و باید ترک شود. ب. احتمال تأثیر بدهد پس در صورتی که انسان می داند سخن او تأثیری در دیگری ندارد بر او لازم نیست امر به معروف و نهی از منکر نماید. ج. آن شخصی که مرتکب کار خلاف است اصرار بر ترک واجب یا انجام دادن معصیت داشته باشد. پس اگر بداند که آن شخص توبه کرده و یا نشانه های پشیمانی در او دیده شود امر و نهی واجب نیست. د. مفسده مهم

نداشته باشد یعنی ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجهی برای امر کننده و نهی کننده نداشته باشد. با وجود این شرائط صلاحیت برای امر به معروف و نهی از منکر هست و الا نه. (توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۲۹) در این باره چند نکته قابل توجه است: ۱. از شرایط امر به معروف، احتمال تأثیر است بنابراین اگر روابط به گونه ای شد که امر به معروف نتیجه عکس می دهد، برای مدتی نباید اقدام کرد. تا شرایط مساعد فراهم شود. ۲. از نظر اخلاقی، امر کننده به معروف اگر خود عمل کننده به آن باشند تأثیر بیشتر دارد اما از نظر فقهی، کسی که خود عمل کننده نیست در صورتی که شرایط موجود باشد لازم است امر به معروف وکند. و چه بسا وجوب فقهی به خاطر این باشد که واجبات هم چنان به عنوان ارزش و کاری که باید رعایت بشود در جامعه مطرح شود و به نسل های بعد برسد لذا اگر چه خود امر کننده، عمل کننده نیست، حداقل نسل جدید به واجبات آگاه شود. در نتیجه جامعه از حالت بی تفاوتی خارج می شود. اما اگر امر به معروف ترک شود رفته رفته گناهان عادی و فراگیر می شوند. علاوه بر اینکه چه بسا رفته رفته، امر به معروف بر خود گوینده نیز اثر بگذارد و خودش نیز ترک کند.

درجایی دوم خردادی های زیادی نشسته اند وازرهبر بد می‌گویند (مثلاً درمدرسه)خوب ما اگر از رهبر دفاع کنیم با ما بدشده ودعوا راه می اندازند ومدیرهم ما را دعوا می کند واگر ساکت باشیم هم خوب نیست وظیفه چیست؟توضیح دهید؟

پرسش

درجایی دوم خردادی های زیادی نشسته اند وازرهبر بد می‌گویند (مثلاً درمدرسه)خوب ما اگر از رهبر دفاع کنیم با ما بدشده ودعوا راه می اندازند ومدیرهم ما را دعوا می کند واگر ساکت باشیم هم خوب نیست وظیفه چیست؟توضیح دهید؟

پاسخ

۱- امر به معروف ونهی ازمنکر مراتب و شرایطی داردکه احتمال تأثیر ونیز مفسده نداشتن ازآن شرایط است"۱ "بنابراین اگر احتمال ضررجانی، مالی، آبرویی وجود داشته باشد امر به معروف ونهی ازمنکر واجب نیست. جز آنکه آن فکر از اموری باشدکه حیات جامعه اسلامی را درمعرض خطر قرار دهد . ۲- سعی کنید تقابل وتعارض بین خودتان وکسانی که ازنظر دیدگاه سیاسی با شما مخالف هستند ایجاد نکنید وتضاد بین خودتان را افزایش ندهید. بطور دوستانه وصمیمی باآنها ارتباط برقرار کنید واگر خواستید بحث کنید ضمن احترام به آنان وعقیده هاشان بصورت استدلالی ومنطقی وبدون کوچکترین توهینی واهانت وحتی به صورت کنایه به بحث ومناظره با آنان بنشینید .سعی کنید ارتباط دوستانه خودتان را باکسانی که دیدگاه شما را قبول ندارندحفظ کنید. هدف این نیست که فقط با افراد همفکر ارتباط داشته باشیم بلکه با سایر افراد نیز باید ارتباط برقرار کنیم واگر احساس می کنیم به خطا می روند بصورت غیر مستقیم بدون اینکه اظهار کنیم آنها منحرف هستند به راهنمایی آنها بپردازیم . توجه داشته باشید انتقاد کردن حتی از رهبر خلاف نیست آنچه خلاف است توهین است، اگر آنهایی که شمااسم برده اید توهین هتاکی می کنند، به آنان یادآور شوید که توهین جرم است ومجازات دارد،ولی حتی الامکان سعی کنید ا زنزاع ودرگیری اجتناب ورزید واگر انتقاد هر چند تند وشدید دارند سعی کنید با مباحث دوستانه به انتقادات آنان پاسخ دهید واز انتقاد کردن نهراسید. امام خمینی می فرمایند : "انتقاد ها باید باشد، زیرا یک جامعه تا انتقاد نشود اصلاح نمی شود عیب هم درهمین جاست چون سرتا پای ما عیب است وباید این عیب ها را انتقاد کرد تا جامعه اصلاح بشود. ونیز حضرت آیت ا...خامنه ای می فرمایند" : انتقاد پذیرفتن و گوش کردن به انتقاد کافی نیست، چیزی که واقعاً لازم است، انتقاد خواستن ودنبال انتقاد دویدن است"."۳ "بنابراین اگر انتقاد آنان را درست نمی دانید آنها را آگاه کنید واگر پاسخی به انتقاد آنان ندارید آنرا با مسؤلان درمیان بگذارید وازآنها توضیح بخواهید تا پاسخ شما را بدهند وبا آگاهی بتوانید پاسخگوی انتقادات، باشید واگر انتقادات را بجا دانستید می توانید به دفتر مقام معظم رهبری ارسال

فرمایید وپاسخ دریافت کنید. ۴- سعی نکنید به گونه ای رفتار کنید تا سبب خشم وغضب آنان را فراهم سازید دراین صورت کسی است توهین نمایند . بدون شک در چنین شرایطی شما نیز مسوول خواهید بود. ۵- جهت اطلاع بیشتر ر . ک : رساله امام خمینی (ره) مسأله ۲۷۹۱ رساله اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی آیت ا...خامنه ای مسأله ۱۰۸۱و ۱۰۸۲، توضیح المسائل آیت ا...العظمی گلپایگانی مسأله ۲۸۶۲ ، رساله آیت ا...العظمی لنکرانی مسأله ۲۳۱۵ بهداروند، محمد محمدی، اخلاق از دیدگاه امام خمینی(ره) (تهران انتشارات پیام آزادی،۱۳۷۶)ص ۱۱۲

۱. برای اینکه جوانان به معظلات اجتماعی روی نیاورند برای امر به معروف ونهی ازمنکر چه اقداماتی را باید انجام داد؟(درضمن بنده معلم هستم وبیشتر با جوانهای دبیرستانی تماس دارم)

پرسش

۱. برای اینکه جوانان به معظلات اجتماعی روی نیاورند برای امر به معروف ونهی ازمنکر چه اقداماتی را باید انجام داد؟(درضمن بنده معلم هستم وبیشتر با جوانهای دبیرستانی تماس دارم)

پاسخ

احساس تعهد، مسئولیت پذیری و دغدغه شمادرهدایت نسل جوان بسوی رستگاری وباز داشتن آنها از ورود به فساد وتباهی را ارج می نهیم وجهت استحضار شما شرایط امر به معروف ونهی ازمنکر و چگونگی برخورد با جوانان را یادآورم می شویم : امر به معروف ونهی ازمنکر به عنوان اصل نظارت همگانی در جامعه اسلامی یکی از ویژگیهای نظام تربیتی اسلام است، باید اندیشه وتفکر در جامعه رواج یابد که درجامعه اسلامی برخلاف جوامع غربی همه افراد نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند زیرا هر جامعه وامت دارای سرنوشتی مشترک است و اعضای جامعه همانند مسافران یک کشتی هستند که اگر درگوشه ای از آن یک فرد سوراخی ایجاد کند همه غرق خواهند شد. انحراف و آلودگی افراد جامعه ایجاد سوراخ در کشتی متلاطم و خروشان زندگی است که می تواند به سعادت و رستگاری جامعه لطمه وارد سازد. البته باید توجه داشت که اجرای این حکم الهی زمانی ضرورت اجرایی دار دکه شرایط آن تحقق پیدا کند در غیر این صورت نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه ضرر هم خواهد داشت . مراجع بزرگوار در رساله های عملیه خویش به این شرایط اشاره کرده اند. امام خمینی (رضوان ا...تعالی علیه) چند شرط را در واجب بودن امر به معروف ونهی از منکر ذکرکرده اند" :۱ "۱- کسی که می خواهد امر ونهی کند، بداند که آنچه شخص مکلف به جا نمی آورد واجب است بجا آورد، وآنچه بجا می آورد باید ترک کند. وبرکسی که معروف ومنکر را نمی داند واجب نیست . ۲- آنکه احتمال بدهد امرونهی اوتأثیرمی کند، پس اگر بداند اثر نمی کند واجب نیست. ۴- آنکه بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند واجب نیست . آنکه درامرونهی مفسده ای نباشد،پس اگربداند یاگمان کند، که اگر امر یا نهی کند ضررجانی یا عرضی وآبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست. بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا می کند واجب نیست.بلکه اگر بترسد ضرری متوجه متعلقان او می شود واجب نیست، بلکه با احتمال وقوع ضررجانی یا عرضی وآبرویی یا مالی موجب حرج بربعضی مؤمنین، واجب نمی شود بلکه دربسیاری از موارد حرام است. خواهر گرامی امر به معروف ونهی از منکر درصورت تحقق شرایط چهارگانه مذکور حکم وجوب پیدا می کند، درغیر این صورت واجب نخواهد بود لذا لازم است این شروط را دائماً درذهن داشته باشید وچنانچه با مراعات آنها احاس تکلیف و وظیفه نمودید سعی کنید دربرخورد با جوانان اصول زیررا رعایت کنید : ۱- از طرف مقابل خود شناخت نسبی پیدا کنید وبا توجه به روحیات، علائق، سلیقه ها وباورهای او بهترین روش را برای امر ونهی برگزینید. ۲-

حتی الامکان سعی کنید از موعظه و نصیحت مستقیم پرهیز کنیدوبصورت غیر مستقیم سعی کنیداو را به راه راست هدایت کنید. ۳- باز بان استدلالی ومنطقی توأم با عاطفه واحساس ومحبت (بخصوص دختران جوان) برخورد کنید . ۴- سعی کنید بصورت غیر مستقیم آنهارا، با مصالح یا مفاسد اعمال آشنا کنید . ۵- از تندروی وتعصب خشک بی منطق و خارج از چاچوب اخلاق انسانی واسلامی بشدت اجتناب ورزید. ۶- با آنان ارتباط دوستانه وعاطفی برقرار کنید و دررفع مشکلات و گرفتاریها آنها راکمک کنید واگر توان حل مشکل راندارید سنگ صبورشان باشید . ۷- درصورت انحراف جوان، ابتدا دربرابر او موضع نگیرید، مقداری با او همراهی و همسویی کنید ودر نیمه راه به گونه ای که احساس نکند جهت را عوض کنید . ۸- مخاطب خودرا شنونده ای منفعل بحساب نیاورید، بلکه سعی کنید به او استقلال رأی ونظربدهید وقوه تعقل واندیشه اورا بکار اندازید تا خود پاسخ وراه صحیح را بیابد واحساس نکند به او دیکته شده است . ۹- هرگز سعی نکنید شخصیت آنان را زیرسؤال ببرید، رسول اکرم(ص) می فرمایند : "هر کسم سلمانی را گرامی بدارد خدای والا- مرتبه راگرامی داشته است" ".۲ "شخصیت هر فرد (بخصوص جوان) محبوبترین پدیده مورد علاقه اوست . غریزه حب ذات که براساس حکمت الهی دروجود انسان قرارداده شده است، آدمی را برمی انگیزد تا برمبنای"خوددوستی "ا زمخاطرات وناملایمات، خود رامصون نگاه داشته وبقای عمر وزندگیش را تدبیر نماید . این غریزه انسان را وادار می کند دربرابر هر عملی که شخصیت اورا تهدید می کند، به دفاع ا زشخصیتش بپردازد.با تحقیر شخصیت، بیشترین مقاومت را درفرد علیه خود به وجود می آوریم وبا تکریم شخصیت او موجبات گناه ستیزی را در وجودش تقویت می کنیم. امیرا لمومنین علی ـ علیه السلام ـ می فرماید " : من کرمت علیه نفسه، هانت علیه شهواته ("کسی که نفسش برایش محترم باشد، شهوات مادی درنظرش پست وبی ارزش می گردد".) ۳ "۱۰- درانتها توصیه می کنیم کتابهای تربیتی مربوط به جوانان را مطالعه فرموده تا با رموز ارتباط با جوانان بیشتر آشناشوید . کتاب گفتار فلسفی جوان از نظر عقل واحساسات اثری بسیار ارزشمند است که شما را با ابعاد وجودی جوان آشنا می کند . منابع: (۱) ک : رساله عملیه امام خمینی رحمه ا... علیه مسأله ۲۷۹۱ (۲) فرید تنکابنی، راهنمای انسانیت (سیری دیگر درنهج الفصاحه)، ص۵۹۹ شرفی محمد رضا، جوان ونیروی چهارم زندگی،ص ۵۰

نهی از منکر به چه کسی و چه کسانی واجب است؟ لطفاً توضیح دهید.

پرسش

نهی از منکر به چه کسی و چه کسانی واجب است؟ لطفاً توضیح دهید.

پاسخ

دین مقدس اسلام، برای سلامت افراد جامعه و اجرای صحیح و دقیق‌تر فرمانهای الهی، تمام افراد جامعه را موظّف نموده که بر اعمال یکدیگر در جامعه نظارت داشته باشند، و بدون هیچ گونه رودربایستی، ترس و ... جلو تخلّفات را بگیرند. که نام این نظارت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر می باشد.(۱) امر به معروف و نهی از منکر، یک بسیج عمومی و همگانی، برای ریشه کن کردن فساد، و ایجاد جامعه ای سالم است، که اگر این بسیج همگانی درست انجام شود، در عالم، عدالت اجتماعی و مدینهٔ فاضله، درست خواهد شد. (۲) هر چیزی که از نظر عقل و شرع واجب است، امر به آن واجب، و هر چیزی که از نظر عقل و یا شرع قبیح و حرام باشد،نهی از آن واجب می شود. این فریضه امری است که بر همهٔ انسانها واجب است، و از نوع واجب کفایی است. بدین ترتیب که اگر گروهی در جامعه به این امر قیام نمایند، و عمل آنها کفایت کند، از دیگران ساقط می شود.

_____ منابع و مآخذ : ۱. امام علی" : ?قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر، و برپاداشتن حدود(الهی) است ".میزان الحکمه، ج۸، ص۳۶۹۹ ۲. امام باقر"(: فرمان دادن به خوبی، و بازداشتن از زشتی، راه پیامبران است، و

شیوهٔ نیکوکاران. فریضه بزرگی است که دیگر فرایض، به واسطهٔ آن بر پا می شود، و راه و روش ها امن می گردد، و درآمدها حلال می شود، و حقوق و اموال به زور گرفته شده، به صاحبانش برمی گردد، و زمین آباد می شود، و "... میزان الحکمه، ج۸، ص۳۷۰۵ * تحریرالوسیله، امام خمینی(، ج۱،کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر القول فی اقسامها، مسأله ۲

آیا امر به معروف فردی را که تا اندازه‌ای احکام شرعی را رعایت می‌کند می‌توان پذیرفت تجربه‌های اشخاص دربارهٔ معروف و منکر، تا چه اندازه در قبول امر و نهی آنان اعتبار دارد؟

پرسش

آیا امر به معروف فردی را که تا اندازه‌ای احکام شرعی را رعایت می کند می توان پذیرفت تجربه‌های اشخاص دربارهٔ معروف و منکر، تا چه اندازه در قبول امر و نهی آنان اعتبار دارد؟

پاسخ

امور شرعی یا به اصول دین مربوط است که انسان خود باید به آن‌ها یقین و اعتقاد پیدا کند و نمی‌تواند فقط به گفتهٔ کسی که مورد اعتماد اوست اکتفا نماید، و یا دربارهٔ فروع دین است که در این زمینه سخن هیچ کس جز مجتهد جامع الشرایط معتبر نیست و در این مورد فقط باید سخن آنان را پذیرفت و به آن عمل کرد و گفته‌های اشخاص دیگر، هرچند هم مورد اعتماد و پای‌بند به احکام شرعی باشند، اعتبار ندارد، مگر آن که مطلبی را از مجتهد یا توضیح المسائل او نقل کند که در این صورت اگر مورد اطمینان و اهل مسئله باشد، مانعی ندارد. اما دربارهٔ امر به معروف و نهی از منکر باید گفت ۱. در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر کننده خود به آن چه امر می کند عمل کند و یا خود مرتکب چیزی که از آن نهی می کند، نشده باشد ;البته خداوند این گونه اشخاص را ـ که دیگران را امر و نهی کرده خود را فراموش می کنند ـ مذمّت می کند و می‌فرماید": أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَكُم (بقره ۴۴) آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می کنید "؟ولی در عین حال این آیهٔ شریف نمی‌خواهد بفرماید که چنین کسی نباید امر به معروف کند و یا در امر به معروف شرط است که خود امر کننده به آن عمل کند، بلکه به خودخواهی و خودپرستی این گونه افراد اشاره دارد که توقع دارند مردم خوب باشند، در حالی که خود هر چه می‌خواهند انجام می‌دهند. ۲. امر به معروف و نهی از منکر از مقولهٔ" پذیرش نیست یعنی آن چه لازم است این است که شخصی که معروف را ترک کرده آن را انجام دهد و شخصی که منکر را انجام می‌دهد آن را ترک کند ;بله البته گاهی کاری را ترک کرده‌ایم و شخصی به ما امر می کند که آن کار را انجام دهیم ولی در واقع ما نمی‌دانیم که آن کار معروف است یا منکر ;در این صورت اگر شخصی هم که ما را به انجام آن امر می کند، خود مسئله را نداند و معروف و منکر را تشخیص ندهد، لازم نیست به سخن وی توجّه کنیم برای مثال اگر شخصی که آگاه به مسئله است به ما بگوید فلان معامله‌ای که انجام می‌دهی رباخواری است و باید آن را ترک کنی در این جا هر چند من از مسئله اطلاع ندارم ولی باید از شخصی که از مسئله اطلاع دارد، قبول کنم امّا اگر در همین مورد شخصی که نهی می کند، خود، ربا را از غیر ربا تشخیص نمی‌دهد، واجب نیست که سخن او را بپذیریم مسئلهٔ دیگری که باقی می‌ماند استفاده از تجارب دیگران در معروف‌ها و منکرهای دینی است باید توجه داشت که این مسئله بسیار اهمیّت دارد، زیرا همهٔ نتایج رعایت احکام شرعی و تقوای الهی در دنیا ظاهر نمی‌شود تا انسان بتواند آن‌ها را تجربه کند ;برای مثال ممکن است شخصی سال‌ها نماز بخواند، ولی در فقر و فلاکت و پریشانی زندگی کند و اگر در ظاهر از او بپرسند از این همه نماز چه نتیجه‌ای گرفته‌ای جوابی برای گفتن نداشته باشد، زیرا نتیجهٔ واقعی نماز در آخرت ظهور می کند که روز ظهور باطن انسان‌ها و اعمال و سریرت‌هاست" یَوْمَ تُبْلَى السَّرَآغِرُ(; طارق ۹) در آن روز که اسرار نهان آشکار می‌شود ".این مطلب درست است که نماز دارای

آثار دنیوی هم هست ولی به این سادگی نمی‌شود آثار مخصوصی را به نماز نسبت داد، زیرا شما هر اثری را که بیان کنید ممکن است مشابه آن را ـ هر چند ظاهری ـ در افراد بی نماز هم نشان دهند ;البته در برخی موارد، نقل تجربه‌های دینی اثر مثبت دارد، ولی اعمال دینی همواره دو سویه هستند ;یعنی هم می‌شود آثار بد و هم آثار خوب را به آن‌ها نسبت داد ;برای مثال شخص با ایمان که خمس مال خود را می‌دهد، هیچ گاه فقر یا شکست در زندگی را به خمس یا زکات دادن نسبت نمی‌دهد، بلکه به گناهان و یا مقدرات الهی منسوب می‌کند، ولی شخصی که ایمان چندانی ندارد، اگر یک بار خمس و یا صدقه بدهد و پس از آن اُفت اقتصادی پیدا کند، آن را به خمس و صدقه نسبت می‌دهد.

امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست ؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست ؟

پاسخ

وظیفه در مواردی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر جمع باشد همان امر به معروف است و شرایط آن به طورخلاصه عبارت است از: الف) کسی که می‌خواهد امر و نهی کند بداند آنچه شخص مکلف به جا نمی‌آورد واجب است به جا آورد (مثل نماز) وآنچه به جا می‌آورد باید ترک کند (مثل قمار) و به عبارت دیگر کسی که امر و نهی می‌کند باید عالم به معروف و منکرباشد. ب) احتمال بدهد که امر و نهی او در آن شخص تأثیر می‌کند پس اگر بداند تأثیر نمی‌کند. امر و نهی واجب نیست. ج) بداند شخص معصیت‌کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهدکه تکرار نمی‌کند واجب نیست او را نهی نماید. د) در امر و نهی مفسده‌ای نباشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد واجب نیست امر به معروف نماید ولی اگر احتمال صحیح بدهد که چنین ضررهایی به او می‌رسدواجب نیست بلکه اگر امر و نهی موجب ضررهای مذکور به یکی از متعلقان او یا یکی از موءمنین بشود باز هم امر و نهی واجب نیست، (توضیح‌المسائل مراجع ج ۲ ص ۶۱۹ و استفتا از دفتر آیت الله سیستانی)

آیا برای تاثیر بیشتر ابتدا می شود از نهی از منکر چشم پوشی کرد؟

پرسش

آیا برای تاثیر بیشتر ابتدا می شود از نهی از منکر چشم پوشی کرد؟

پاسخ

در جواب به چند امر توجه داشته باشید: الف) امر و نهی دارای مراحل و مراتبی است که باید رعایت شود؛ چون منظور از آن، وادار ساختن افراد به انجاموظا... ` و ...Ş‌حذر داشتن آن.....از گناهان است. بنابراین اگر در راستای نهی از منکر، لازم شد که قدری مماشات به عملآید، باید از بیان و تصریح به زشتی کار شخص، چشم‌پوشی نمود و در صورت امکان با اشاره و کنایه با او برخورد کرد ودر صورت اصرار شخص بر ادامه آن کار، باید موضوع را با صراحت و مهارت با وی در میان گذاشت. ب) مراقب باشید که مجالست با چنین افرادی و مماشات با آنها، باعث نشود که انسان خودش نیز نسبت به آنگناهان دلش نرم شده و تمایل پیدا کند؛

نظیر کسی که می‌رود تا غریقی را نجات دهد، ولی بر اثر نداشتن استعداد ومهارت کافی خودش نیز گرفتار امواج می‌شود. ج) مبادا به بهانه مماشات و وسوسه‌های خفی شیطان، به طور کلی نهی از منکر مورد غفلت و فراموشی قراربگیرد.{J

شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پرسش

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پاسخ

نصوص معتبر دینی باصراحت و قاطعیت مسوولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته اند .در چشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسوولیت همگانی ناممکن است . البته در این راستا مسوولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی ها دانش ها و شرایطویژه ای که در آن قرار دارد مسوول است . مساله بدحجابی ازمعضلات کنونی جامعه ماست . این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریانات داخلی دارد .از گذشته ها و ریشه تاریخی مساله که بگذریم ، متاسفانه خودباختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه ازآنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شماگوشه هایی از آن را ارایه کرده اید .اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهرگردد .ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی . هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تاثیر وارونه خواهد شد .در این رابطه نکات چندی رایادآور می شویم : الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکرنکنید، بلکه به جنبه های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ماپیش آمده نیز بیندیشید .اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را بادوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهید داشت . ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کندی کار و سد راه تکامل شما خواهد بود .نبی اکرم (ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدم ایمان مردم به شدت ناراحت می شدند تااین که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می فرماید : ((طه ماانزلنا علیک القرآن لتشقی ؛ پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی)) ، (طه ، آیه ۱) و نیز می فرماید : ((لعلک باخع نفسک الاـ یکونوامومنین ؛ ای رسول ، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی ایمانی این مردم خود را هلاک کنی)) ، (شعرا، آیه ۲۳) . ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم (ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذرداشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی (ع) در این راستا حایز اهمیت است که می فرماید : ((الهم نصف الهرم ؛ هم وغم نصف پیری را تشکیل می دهد)) ، (نهج البلاغه قصار ۱۴۳) ؛ یعنی ، غصه و اندوه انسان رامی شکند و زود از پا در می آورد .با این نگرش ، گرچه ما به احساس پاک شما ارج می نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچاراندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید .ج) و اماچه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس مامسوولیتی در ازای این رویدادها نداریم ؛ بلکه به پیشنهادی چند،نیک بیندیشید .۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امربه معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید .۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده

و تشکل داشته باشید .۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعال وکوشا در این راه گام بردارید و مطمین باشید که خدای کریم در صددارشاد چنین فرزانگانی است . و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت . چند از این الفاظ واضمار و مجازسوزخواهم سوز با آن سوز ساز;

اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

پرسش

اگر با افراد بی ایمان برخورد کردیم وظیفه ما چیست؟

پاسخ

به سه نکته اشاره می کنم. ۱. ایمان حقیقتی است قلبی که ما نمی توانیم در مورد وجود، عدم یا مراتب آن در دیگران به صورت مطلق قضاوت کنیم. هر کدام از ما انسانها ممکن است در بعضی دستورات دین کوتاهی کنیم. ممکن است کسی پوشش مناسبی نداشته باشد ولی هیچگاه نماز صبح او قضا نشود ولی من پوشش اسلامی کامل داشته باشم اما در ماه چندین بار نماز صبح را از دست بدهم. آنچه در نزد مردم مشاهده می شود ظاهر من است در نتیجه براساس همان ظاهر قضاوت می کنند، البته به یقین، ما در مورد دیدگاهی که مردم دربارهٔ ما پیدا می کنند مسؤول هستیم، اما آنچه مقصود من است این که : از ظاهر افراد نمی توان میزان ایمان و بی ایمانی آنها را کشف کرد. بلکه حداکثر می توانیم بگوییم در مورد این موضوع خاص، این فرد کوتاهی یا گناه کرده است. ۲. میزان وظیفهٔ ما بستگی به میزان توانایی ما و عوامل فرعی دیگری مانند خویشاوندی است، که با فرد مورد نظر داریم. بنابر فتوای آیات عظام اراکی، گلپاگانی و امام" (در نگاه، حتی اگر خوف به فساد افتادن باشد، حرام است(".۱) و" رفتن به مجالسی که انسان می داند در آن مجلس مرتکب حرام خواهد شد جایز نیست(".۲) پس اگر فرد، توان عملی امر به معروف و نهی از منکر را در خود نمی بیند و احتمال تأثیر منفی را در خود احساس می کند وظیفه ای در مقابل اینگونه افراد ندارد اما اگر نوع خطا و گناه در او تأثیری ندارد و یا از نظر اراده، علم و تقوا در حدّ بالایی است و یا فرد مورد نظر از بستگان نزدیک اوست و احساس مسؤولیت می‌کند، در حدّ توان وظیفه دارد با رفتار اسلامی و عبارتهای محترمانه و مؤدبانه او را متوجه اشتباهش کند. ۳. حضرت امام(می فرمایند" : هر کس رحمتش و عنایت و لطفش به بندگان خدا بیشتر باشد از اِعْوِجاج و شقاوت آنها بیشتر اذیّت می‌شود(".۳) بنابراین اصل ناراحت شدن فردی از معصیت دیگران نشان دهندهٔ رحمت وجودی او و سلامت نفس اوست. که امیدوارم این روحیه را در خود حفظ و تقویت کنید. توضیحات تفضیلی در مورد امربه معروف و نهی از منکر، حدود و شرایط آن را در صورت تمایل می توانید به کتاب رسالهٔ توضیح المسائل مقام معظم رهبری به نام" اجوبهٔ الاستفتائات "از صفحه ۳۰۱ تا ۳۱۲ مراجعه کنید.

منابع و مآخذ : ۱و۲ . احکام روابط زن و مرد، تهیه سید مسعود معصومی، ص۳۶ و ص۱۱۶ ۳. اربعین حدیث، امام خمینی(، ص۲۴۶

اگر با افراد بی‌ایمان برخورد کردیم وظیفهٔ ما چیست؟

پرسش

اگر با افراد بی‌ایمان برخورد کردیم وظیفهٔ ما چیست؟

پاسخ

دوست عزیز در مورد سؤال شما به سه نکته اشاره می‌کنم. الف)- ایمان حقیقتی است قلبی که ما نمی‌توانیم در مورد وجود، عدم یا مراتب آن در دیگران به صورت مطلق قضاوت کنیم. هر کدام از ما انسانها ممکن است در بعضی دستورات دین کوتاهی کنیم. ممکن است کسی پوشش مناسبی نداشته باشد ولی هیچگاه نماز صبح او قضا نشود ولی من پوشش اسلامی کامل داشته باشم اما در ماه چندین بار نماز صبح را از دست بدهم. آنچه در نزد مردم مشاهده می‌شود ظاهر من است در نتیجه براساس همان ظاهر قضاوت می کنند، البته به یقین، ما در مورد دیدگاهی که مردم دربارهٔ ما پیدا می کنند مسؤول هستیم، اما آنچه مقصود من است این که: از ظاهر افراد نمی توان میزان ایمان و بی‌ایمانی آنها را کشف کرد بلکه حداکثر می توانیم بگوییم در مورد این موضوع خاص، این فرد کوتاهی یا گناه کرده است. ب)- میزان وظیفهٔ ما بستگی به میزان توانایی ما و عوامل فرعی دیگری مانند خویشاوندی است، که با فرد مورد نظر داریم. بنابر فتوای آیات عظام اراکی، گلپاگانی و امام]ره[در نگاه، حتی اگر خوف به فساد افتادن باشد، حرام است (۱) و" رفتن به مجالسی که انسان می داند در آن مجلس مرتکب حرام خواهد شد جایز نیست (۲) پس اگر فرد، توان عملی امر به معروف و نهی از منکر را در خود نمی بیند و احتمال تأثیر منفی را در خود احساس می کند وظیفه‌ای در مقابل اینگونه افراد ندارد اما اگر نوع خطا و گناه در او تأثیری ندارد و یا از نظر اراده، علم و تقوا در حدّ بالایی است و یا فرد مورد نظر از بستگان نزدیک اوست و احساس مسؤولیت می کند، در حدّ توان وظیفه دارد با رفتار اسلامی و عبارتهای محترمانه و مؤدبانه او را متوجه اشتباهش کند. ج)- حضرت امام]ره[می فرمایند" : هر کس رحمتش و عنایت و لطفش به بندگان خدا بیشتر باشد از اِعْوِجاج و شقاوت آنها بیشتر اذیّت می‌شود(۳) بنابراین اصل ناراحت شدن فردی از معصیت دیگران نشان دهندهٔ رحمت وجودی او و سلامت نفس اوست. که امیدوارم این روحیه را در خود حفظ و تقویت کنید. توضیحات تفضیلی در مورد امربه معروف و نهی از منکر، حدود و شرایط آن را در صورت تمایل می‌توانید به کتاب رسالهٔ توضیح المسائل مقام معظم رهبری به نام" اجوبهٔ الاستفتائات "از صفحه ۳۰۱ تا ۳۱۲ مراجعه کنید. منابع و مآخذ: ۱) و۲) احکام روابط زن و مرد، تهیه سید مسعود معصومی، ص۳۶ و ص۱۱۶ ۳) اربعین حدیث، امام خمینی (ره)، ص۲۴۶

در جامعه الآن که آزادی وجود دارد، چگونه می توان حجاب را به طور صحیح رعایت کرد؟ و با افرادی که بی حجابند، چطور باید برخورد کرد؟

پرسش

در جامعه الآن که آزادی وجود دارد، چگونه می توان حجاب را به طور صحیح رعایت کرد؟ و با افرادی که بی حجابند، چطور باید برخورد کرد؟

پاسخ

۱. خداوند انسانها را مختار آفریده و آفرینش و تداوم حیات و ثواب و عقاب بر این اصل استوار است. پس هر کس باید با ارادهٔ خود مسیر زندگیش را تشخیص دهد و از فطرت، عقل و تجربهٔ افراد متعهد که در رأس آنها انبیاء، اولیاء و پدر و مادر هستند استفاده کند. ۲. چه بسا مسیرمان را انتخاب کرده ایم، ولی جوّ جامعه به گونه ای است که ارادهٔ ما توان مقابله با آن را ندارد، در این حال ضمن طلب یاری از خداوند باید : الف ـ انس خود را با قرآن بیشتر کنیم. ب ـ در اجتماعات دینی و افرادی که مانند ما فکر می‌کنند حضور چشمگیر داشته باشیم، ودوستانی برای خود انتخاب کنیم که این معیارها را دارند. ج ـ عوامل تحریک شهوات و

ایجاد مفاسد را از زندگی خود دور کنیم. د ـ با تفکر و مطالعهٔ اعتقادی و اخلاقی، سطح آگاهیهای فردی و اجتماعی خود را افزون کنیم. در مورد سؤال دوم نیز نکاتی را تقدیم می کنم : ۱.در ایران بی حجاب نداریم و آنچه مشاهده می شود بدحجابی یا به تعبیر دقیقتر حجاب غیر کامل است. ۲. در مواجهه با این افراد طبق فتوای مراجع، باید در صورت علم و توانایی و با شرایط در نظر گرفته شده، امر به معروف کنیم که دارای مراتبی است، نظیر قطع ارتباط، پاسخ کلامی و جلوگیری و منع، که این یکی توسط دستگاههای مسؤول صورت می گیرد نه مردم عادی، اما در صورتی که فرد مطمئن است که به مفاسد آلوده نمی شود و توان تأثیرگذاری بر مرد یا زن بدحجاب را دارد، می تواند با تداوم ارتباط و نشان دادن رفتار صحیح اسلامی به او، در بلند مدت او را به فطرت اولیهٔ خود بازگرداند، که این کار از هر کسی ساخته نیست و برای عموم توصیه نمی شود.(۱) منابع و مآخذ : ۱. مراجعه کنید به : اجوبهٔ الاستفتائات مقام معظم رهبری، ج۱، ص۳۰۱تا۳۱۲

چه فعالیّتهایی در حوزه علمیه صورت گرفته است تا ارتباط بیشتری با مردم داشته باشند؟ و مطالعات و تحقیقات آنها مطابق نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان باشد؟

پرسش

چه فعالیّتهایی در حوزه علمیه صورت گرفته است تا ارتباط بیشتری با مردم داشته باشند؟ و مطالعات و تحقیقات آنها مطابق نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان باشد؟

پاسخ

از چندین سال پیش با عنایات خاصّ و توجّهات مقام معظم رهبری، و توصیه های ایشان، مسؤولین حوزه علمیه در قم، خراسان و اصفهان برنامه هایی تدوین نموده اند تا سیستم درس و مطالعاتی حوزه مناسب پاسخگویی به مردم در جهات اعتقادی، احکام و اخلاقی باشد. بعنوان مثال : مؤسسات تحقیقاتی خوبی در قم تأسیس شده اند و تدریس بعضی دروس که بیشتر جوابگوی مردم بویژه نسل جوان کشور می باشد در حوزه های علمیه قوّت گرفته است. در زمینه تبلیغ نیز سعی شده تا ضمن حفظ شیوه های سنّتی تبلیغ که از معنویت خاصی برخوردار است این امر مهم سازماندهی شود و تبلیغ معارف دینی، بیشتر مناسب با نیازهای معنوی و فکری جامعه باشد. همچنین دوره های آموزشی ویژه روحانیون مبلغ تشکیل شده است تا تخصّص های لازم در بیان مطالب و نحوهٔ برخورد با مردم در ایام تبلیغ را کسب نمایند. در بُعد اجتماعی و فرهنگی حوزه های علمیه، نیز اقداماتی در قالب کلاسها و جلسات اخلاقی منظم در مدارس علمیه صورت گرفته است تا فرهنگ برخورد و معاشرت با مردم منطبق بر ملاک ها و معیارهای اسلامی تقویت شود. در خصوص اصل ارتباط بیشتر حوزه های علمیه با مردم نیز باید گفت از قدیم این ارتباط در حدّ مطلوب بوده است و مردم در مسجد و مجالس مذهبی از حضور روحانیون و طلّاب علوم دینی بهره مند شده اند، ولی آنچه امروزه مهم است این است که با توجه به موقعیّت زمان حاضر و توطئه های دشمنان بخصوص در حوزهٔ فرهنگ و دین، این ارتباط باید مستحکمتر شود و فعالیّت مساجد، کانون های فرهنگی و مجالس مذهبی در جهت مبارزات فرهنگی بیشتر شود و اقداماتی هم در این زمینه صورت گرفته است که امیدواریم روز به روز بیشتر و بهتر شود. البته علاوه بر آنچه ذکر شد نباید از کمبودها و نقصها نیز غفلت کرد و شاید بهترین اقدامی که باید در حوزه های علمیه صورت گیرد این است که حسّ پرسیدن را در جامعه پرورش دهند تا با سؤالات مکرّر و متعدّد مردم اولاً ـ نیازهای فکری و معنوی مردم مشخص شود، ثانیاً فعالیّت های تخصّصی حوزه های علمیه در جهت رفع همین شبهات و ابهامات شکل بگیرد که این امر بر برنامه ریزی در حوزه های علمیه، همّت و پشتکار مردم را نیز می طلبد. در پایان از خداوند متعال استدعا می کنیم همه توان ما و شما را در جهت خدمت به نشر معارف الهی و تقویت دین اسلام قرار دهد. قَوِّ علی

خدمتک جوارحی (۱) ۱. فرازی از دعای شریف کمیل

رفتار ما با کسانی که به رهبر و یا دیگر مسؤولین نظر سوئی دارند و بدگویی می کنند چگونه باید باشد؟

پرسش

رفتار ما با کسانی که به رهبر و یا دیگر مسؤولین نظر سوئی دارند و بدگویی می کنند چگونه باید باشد؟

پاسخ

۱.عدم اعتقاد ـ از لحاظ اجتهاد یا تقلید ـ به ولایت مطلقهٔ فقیه در زمان غیبت حضرت حجّت ارواحنا فداه، موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی گردد.(۱) ۲. ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و ادارهٔ مسایل اجتماعی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه اثنی عشری است که ریشه هایی در اصل امامت دارد. کسانیکه بر اساس استدلال و اقامهٔ برهان به آن اعتقاد ندارند معذورند ولکن ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای آنها جایز نیست.(۲) ۳. دفاع از انقلاب اسلامی برای عموم مسلمانان واجب می باشد(۳) و اگر کسی از انقلاب یا رهبری آن بدگویی می کند باید محترمانه و منطقی به او تذکر دهیم و امربه معروف و نهی از منکر کنیم و در صورتی که انسانی پرده در و هتّاک بود از ادامه صحبت با او پرهیز کنیم، اما معمولاً عموم افراد در صورت برخورد محترمانه و کریمانه پاسخ مناسبی از خود نشان می دهند. در هر صورت شرایط امربه معروف و نهی از منکر به ترتیب باید مورد توجه و اجرا قرار گیرد.(۴) ۴. هیچ کس منکر این نیست که در کشور نقایص و عیوبی وجود دارد. کما اینکه در تمامی کشورهای دنیا چنین مشکلاتی نظیر گرانی و عدم اشتغال هست، و اینکه رهبر انقلاب دستور مبارزه با فقر، فساد و تبعیض را صادر نمودند از سویی نشان دهندهٔ وجود چنین نقایصی است و از سوی دیگر نشان دهندهٔ عزم و تلاش ایشان و مسؤولان برای رفع این مشکلات است. بنابراین انتقاد سازنده مناسب است و نشانهٔ دلسوزی فرد، اما نباید تبدیل به بدگویی یا مانند آن شود. منابع و مآخذ : ۱. اجوبهٔ الاستفتائات رهبر انقلاب، ج۱، ص۲۴، سؤال۶۲ ۲. همان، سؤال۶۴ ۳. وصیتنامهٔ سیاسی الهی امام خمینی، ص ۴. رساله اجوبهٔ، ج۱، ص۳۰۱ تا ۳۱۲

وظیفه ما در مقابل افرادی که ادعا می‌کنند مستجاب الدعوه بوده و می‌توانند با اهل بیت : و به خصوص امام زمان «عجل‌اللهتعالی فرجه‌الشریف ارتباط برقرار کنند و حتی دیگران را به حضور ائمه : شرفیاب کنند و آنان را موفق به دیدار ائمه کنند، و یا بیماران را با ادعیه

پرسش

وظیفه ما در مقابل افرادی که ادعا می‌کنند مستجاب الدعوه بوده و می‌توانند با اهل بیت : و به خصوص امام زمان «عجل‌اللهتعالی فرجه‌الشریف ارتباط برقرار کنند و حتی دیگران را به حضور ائمه : شرفیاب کنند و آنان را موفق به دیدار ائمه کنند، و یا بیماران را با ادعیه و مواد خاصی شفا دهند و.... چیست آیا این افراد در ادعای خود صادق هستند؟! و یا افرادی شیاد بوده که قصدِ اغفال مردم ساده‌لوح را دارند؟ چه برخوردی باید با آنها نمود؟

پاسخ

هر کس نسبت به شئونات مختلفی که بر عهده دارد وظایف معینی نیز دارد. از جمله شئونات انسان شأن خانوادگی شغلی ملی و شأن علمی و اجتماعی می‌باشد. که هر یک از این شأن‌ها آداب و شرایطی دارد که هر فردی سعی می‌کند آداب مناسب آن شأن را

رعایت کند. ولی آیا ما شأن دیگری نداریم چرا، ما مسلمانان شأنی به نام دین و عقیده داریم و آن اسلام و تشیع است و از آنجایی که عقیدهٔ هر کس سازندهٔ شخصیت و شاکلهٔ اوست اساسی‌ترین شأن او نیز می‌باشد. به فرمودهٔ قرآن کریم «هر فردی بر اساس شاکله‌اش عمل می‌کند.» و بنابراین محوری‌ترین شأن شأن عقیدتی انسان است حال باید دید ما نسبت به شأن دینی خود که تشیع است چه شرایطی باید داشته باشیم و چه وظایفی بر عهده داریم به طور قطع شناخت اسکلت اصلی دین یعنی اصول دین اولین وظیفه یک شیعه است یعنی باید ابتدا به دنبال تحصیل شناختی صحیح دقیق منطقی و مستدل از اصول اعتقادی اسلام (توحید، معاد، نبوت عدل و امامت باشیم و بعد از کسب چنین شناختی است که می‌توانیم برای سؤالهایی که در حاشیه هر یک از این مباحث مطرح می‌شود، پاسخی منطقی بیابیم به عنوان نمونه وقتی جایگاه امام را از طریق عقلی نقلی و عرفانی دریافتیم جایگاه شفادادن جواب دادن ائمه (:) به نیازهای ما، ارزش رؤیت ائمه اطهار(:) و کاربرد این رؤیت و..... نیز برای ما روشن می‌شود. ولی اگر به جای شناخت ریشه دین به اجزأ و میوه‌های آن ریشه بپردازیم به جایگاه و خواص واقعی آنها پی نخواهیم برد. مثل این که فردی خانه ندارد و شناختی از ابزارهای خانه نیز ندارد اما تعدادی تابلو، آینه میخ و....به او بدهند و او نداند که این وسایل به چه کار او می‌آید و فقط با آنها اطراف خود را شلوغ می‌کند. بنابراین شما فکر کنید که این سؤالها چه مشکلی از شما را حل می‌کند؟ آیا از طریق آنها می‌خواهید بفهمید که ائمه :) قدرت شفا دارند؟ و یا قدرت حل مسایل را دارند؟ و... اگر از این راه می‌خواهید صدق وجود آنها را متوجه شوید راه غلطی است بلکه شما باید در بحث معارف دریابید که شفادادن ، حضور داشتن و.... در قدرت خدا و ائمه (:) است و اگر می‌خواهید بفهمید این مدعیان راست می‌گویند یا دروغ بازهم به چه دردتان می‌خورد؟ چه بسا بعضی از این افراد در ادعای خود کاذب و بعضی صادق می‌باشند که تشخیص آن به اهل فن برمی‌گردد و به طور قطع شما در این باره وظیفه‌ای ندارید. بنابراین سعی کنید ذهن و فکر خود را از این موضوعات بیرون آورید و با این گونه مجالس و افراد ارتباط نداشته باشید که نه تنها حقیقتی را روشن نمی‌کند بلکه شما را گرفتار اوهام و خیالات می‌کند. باز هم تذکر می‌دهیم که باید راه دین را از طریق و مجرای صحیح آن شناخت و بهترین راه شناخت دین که وظیفهٔ اصلی و محوری هر انسان است دریافت و فهم اصول اعتقادی از طریق قرآن و سنت است و علمأ و فقهأ دین بازگویان قرآن و سنت می‌باشند. پس توصیه می‌کنیم که با مطالعه کتابهای اعتقادی از علمأ بزرگ همچون امام (:) و استاد شهید مطهری (:)، آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مظاهری (حفظهم‌الله) مبانی اعتقادی خود را تحکیم بخشید. و از صرف انرژی فکری خود در مسایل غلط و ناروا و ادعاهای نامشخص پرهیز کنید. در این راستا می‌توانید از برنامه‌های شبکهٔ رادیو معارف نیز بهره‌مند شوید. خلاصهٔ کلام این که بر فرض که همهٔ این ادعاها راست باشد (که نیست ، اگر صِرف دیدن معصوم (۷) فایده‌ای داشت پس چرا بسیاری از کسانی که پیامبر و ائمه (:) را دیدند و در زمان آن بزرگواران حضور داشتند، به صراط مستقیم هدایت نشدند؟!! پس باید نسبت به مقام آنان معرفت داشت لذا شما تلاش کنید با تقویت بنیهٔ علمی اعتقادی و عمل صالح موجبات کسب معارف و قرب الهی را فراهم کنید تا در پرتو آن به رشد معنوی برسید. خواهر محترم آنچه بیان شد وظیفه فردی شما در مقابل این مسأله می‌باشد. اما وظیفه اجتماعی شما ایجاب می‌کند که این موارد را به ستاد خبری ۱۱۳ و یا سپاه و بسیج منطقه خود اطلاع دهید تا از مجرای قانون با این جریان برخورد لازم انجام شود.

چرا درمقابل غیبت و تهمت مثل بی حجابی شدت عمل به خرج داده نمی شود

پرسش

چرا درمقابل غیبت و تهمت مثل بی حجابی شدت عمل به خرج داده نمی شود

پاسخ

غیبت و تهمت از گناهانی است که معمولاً به طور آشکار و علنی در حد حجاب نیست. از این رو جلوی این گونهگناهانرا گرفتن بسیمشکل تر است؛ ولیدر رابطه با حجاب که به طور علنی و آشکار است، بیشتر می توان اقدامکرد.{J

چگونه می توان یک فرد بدبین را به نظام و انقلاب خوشبین کرد

پرسش

چگونه می توان یک فرد بدبین را به نظام و انقلاب خوشبین کرد

پاسخ

این مسأله بستگی به میزان ارتباط با طرف و کیفیت تأثیر پذیری وی و توانایی تأثیر گذارنده دارد و نمیتوان برای آنفرمول مشخصی داد. لیکن نکته مهم این است که اولاًـباید درست طرف مقابل را شناخت، سپس با زبانی جذاب ومنطقی متناسب با روحیاتش او را جذب نمود و ارشاد کرد.{J

با مخالفین نظام چگونه برخورد کنیم

پرسش

با مخالفین نظام چگونه برخورد کنیم

پاسخ

حتی الامکان باید با منطقی درست و برخوردی جذاب آنان را متنبه و متقاعد ساخت.{J

اگر بخواهید در قالب یک نامه ی دوستانه شخصی را امر به محجبه بودن و نهی از بی حجابی بکنید چه نامه ای می نویسید. خواهشمندم در رابطه با این سؤال یک نمونه ی نامه بنویسید.

پرسش

اگر بخواهید در قالب یک نامه ی دوستانه شخصی را امر به محجبه بودن و نهی از بی حجابی بکنید چه نامه ای می نویسید. خواهشمندم در رابطه با این سؤال یک نمونه ی نامه بنویسید.

پاسخ

در مورد حجاب خود قرآن دستور اکید به آن داده و از بدحجابی منع کرده است، از جمله در سوره احزاب آیه ۵۹ خداوند میفرماید «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساءالمؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن...»؛ ای پیامبر! همسران و دخترانت و زنان مؤمنین را بگو که خویشتن را با]چادر یا مقنعههای بلند[فرو پوشند... اما فلسفه حجاب: اولا: چون ما درعقاید خویش برای وحی جایگاهی ویژه قائل هستیم آنچه را که از این طریق به ما برسد با منت میپذیریم؛ زیرا میدانیم که خداوند جز به مصلحت بندگان خویش فرمان نمیراند. ثانیا: بسیاری از حکمت ها و فلسفههای حجاب امروزه روشن شده است: الف) پوشش امری غریزی و فطری برای بشر است کاوش های باستان شناسی نشان میدهد که از دیر زمان بشر در حد امکان نسبت به مساله پوشش اهتمام ورزیده

است وهمه صاحبان ادیان نیز آن را سرلوحه عمل قرار داده‌اند. ب) مستور بودن زیباییها و جذبه‌های جنسی زن و مرد آنها را از معرض دید و طمع ورزی شهوت پرستان هرزه محافظت می کند و امنیت و بهداشت روانی جسمی آنان را تامین می‌نماید. ج) برهنگی راهبر به سوی بی‌بند و باری و لجام گسیختگی جنسی است که عواقب شوم و زیانباری دارد؛ از جمله: ۱- گسترش فساد و ناهنجاری های اجتماعی. ۲- شیوع بیماری‌هایی چون سفلیس سوزاک ایدز و... ۳- سست شدن پیمان مقدس خانواده گسترش آمار طلاق و بالا گرفتن عقده‌های روحی در کودکان. ۴- زیاد شدن فرزندان نامشروع. اینها و ده‌ها مشکل اجتماعی دیگر عواقب شومی است که جهان غرب را سخت برآشفته و ستاره تمدنش را به افول می کشاند تا آن جا که حتی فریاد متفکرین ماتریالیستی چون راسل را برآورده و جهان را سخت بر آنان تنگ کرده است. ولی مکتب گرانقدر اسلام در پرتو هدایت‌های نورانی‌اش همچون حجاب از اساس با این جریان ویرانگر به مبارزه برخاسته و حجاب را دژی استوار برای صیانت فرد وجامعه از آسیب‌های بیشمار قرار داده است. از همین روست که استعمارگران برای تخدیر جوانان در بند کشیدن آنان وگسترش اهداف ظالمانه خویش از بی‌حجابی و برهنگی به عنوان ابزاری قوی سود می‌جویند. به طور خلاصه: رعایت حجاب و پوشش، آثار زیر را به دنبال دارد: ۱- آرامش روانی، ۲- استحکام پیوند خانوادگی، ۳- استواری و فعال بودن بیشتر اجتماع، ۴- حفظ ارزش و احترام زن. چون زن هر اندازه متین تر و باوقارتر باشد و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می گردد و باید به این واقعیت عمیق اشاره کرد که: آلوده ترین پسران در هنگام ازدواج به دنبال پاک ترین دختران می گردند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: «فلسفه حجاب» شهید مرتضی‌مطهری

در مقابل افرادی که از نظام بد می گویند ولایت را سرزنش می کنند چگونه بایستم حتی اگر بزرگتر من باشند و حتی اگر جوان و نامحرم باشند چگونه به آنها بفهمانم که همه یک طور نیستند برای نظام ومسئولین که واقع خوب هستند احترام بگذارم و در مقابل مسئولین دیگر را راهنم

پرسش

در مقابل افرادی که از نظام بد می گویند ولایت را سرزنش می کنند چگونه بایستم حتی اگر بزرگتر من باشند و حتی اگر جوان و نامحرم باشند چگونه به آنها بفهمانم که همه یک طور نیستند برای نظام ومسئولین که واقع خوب هستند احترام بگذارم و در مقابل مسئولین دیگر را راهنمایی کنم مگر نه این که ما در مقابل اعمال مسئولین حکومت هم وظیفه داریم پس ادارات و رؤسای ما چگونه به کار بد خود برسند اگر ما آنها را به کار بدشان آگاه نکنیم اما چگونه وقتی یک دختر باشی بی پناه و بدون حمایت کنند؟! اصلاً از کجا بفهمی که چه کسی راست می گوید؟

پاسخ

راجع به این مسئله انسان باید موقعیت شناس باشد. گاهی شخصی بعلت نادانی یا سادگی و در اثر القای شبهات و شایعات دست به چنین کارهایی می زند، در این صورت اگر احتمال بدهیم با نصیحت و بحث منطقی امکان قانع شدنش وجود دارد پس شایسته است در مقابل این گونه افراد با بهترین و ملایم ترین شیوه واقعیات را بیان نموده از حقیقت دفاع کنیم. اما گاهی بعضی اشخاص به علل گوناگون نمی توانند قضاوت درستی از امور داشته باشند طوری که در گفتار و کردار از محور حق خارج شده با اندک بهانه ای ره به افراط و تفریط می برند. بعضی هم از روی عناد و کینه توزی حقایق را نادیده گرفته و از هر فرصتی برای سرزنش و بدگویی استفاده می کنند. حتی کار را به جائی می رسانند که با دیدن افراد متعهد و دلسوز نسبت به نظام اسلامی، بد گوئی را شدیدتر می کنند. در برخورد با این قبیل افراد (چون احتمال هدایت ایشان کم است) بهتر است یا سکوت اختیار کنیم یا به

زیباترین شیوه از ایشان روگردان شویم. متانت، استواری و رفتار شایسته در این موارد، علاوه بر این که سلامت و آرامش روحی و روانی ما را حفظ خواهد کرد بلکه از ایجاد نفرت در مخاطب نیز جلوگیری خواهد نمود. اما در اصل این موضوع که باید بعضی مسئولین را نسبت به عملکرد نابجایشان ارشاد کنیم شکی نیست. همه این وظیفه را دارند اما رعایت شرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر بسیار ضروری است. مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر، موسسه فرهنگی قدر ولایت، تابستان ۱۳۷۵

چگونه می توان جوانان را به سوی معنویت دعوت کرد؟

پرسش

چگونه می توان جوانان را به سوی معنویت دعوت کرد؟

پاسخ

{ساختن یک فرد زمینه‌های فراوانی لازم دارد، از جمله بینش دادن به فرد در مورد ضرورت تخلّق به اخلاق و آدابو سپس رهنمودهای نظری. مؤثرترین شیوه در این زمینه، آموزش عملی است. اگر شما می‌خواهید به کسی اخلاق آموزش دهید خود اخلاقیباشید. به فرموده امام صادق(ع) : کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم ؛ مردم را با غیر زبان‌هایتان (با عمل) دعوت به خیر کنید {M». }

چگونه باید با منتقدان نظام و ولایت فقیه برخورد کرد؟

پرسش

چگونه باید با منتقدان نظام و ولایت فقیه برخورد کرد؟

پاسخ

مخالفان و یا منتقدان نظام، بر چند دسته‌اند: برخی به خاطر بی‌دینی با نظام مخالف‌اند و برخی دیگر نیز با وجود آن که از زمره متدینین هستند، نسبت به نظام دیدگاه خاصی دارند. این گروه نیز یکسان نیستند؛ برخی به خاطر دیدگاه‌های خاص خود مسأله‌دار هستند که در این موارد بایستی با ریشه‌یابی، علت را دریافت و با منطق و حسن برخورد، سعی در رفع شبهه از اذهان آنان نمود و در برخی از موارد نیز با قبول اشکالات، از کلیت نظام و اهداف و خدمات آن دفاع کرد. اگر احتمال می‌دهید که امر به معروف و نهی از منکر در وی تأثیر داشته باشد، لازم است که وی را ارشاد نمایید، ولی اگر امیدی به اصلاح ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با ایشان در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوء داشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با وی خودداری کنید. صحبت‌های بی‌جا نیز گر چه چیز لغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست. {

فرزند شهیدی بعلت مسائل اجتماعی از شهادت پدرش ناراضی است * چگونه وی را آگاه سازیم ؟

پرسش

فرزند شهیدی بعلت مسائل اجتماعی از شهادت پدرش ناراضی است * چگونه وی را آگاه سازیم ؟

پاسخ

به منظور پاسخ دادن بهذهنیت فردی که با شهادت پدرش در کشاکش به سر می‌برد دو مسیر را می‌توان طی نمود: ۱- پرداختن به سؤالات و ابهام‌هایی که ذهن آن شخص را پر کرده ا ست، لذا در این مورد ابتدا باید از او بپرسید که چرا ناراضی است؟ چرا مخالف است؟ و چرا... بعد از دریافت استدلال‌های وی باید به مقابله با هر یک از چراهای او پرداخت و به هر یک به صورت مستقلپاسخ داد. حال با عنایت به این که ما از محتوای ذهن این شخص و سؤالات او به صورت خاص اطلاع نداریم نمی‌توانیم به جواب مستقیم بپردازیم و چنانچه شما تمایل دارید به صورت خاص به سؤالات وی پاسخ دهیم، باید سؤالات ذهنی و تشویش‌های فکری او را در مورد شهادتپدرش به صورت مستقل در مکاتبه‌ای دیگر برای ما بنویسید تا زمینه خدمت‌گزاری فراهم آید. ۲- راه دوم برای مقابله و برطرف کردن این ذهنیت آن است که بدون توجه به سؤالات ریز و کوچک آن شخص، آن سؤالات را به صورت یک موضوع کلی در نظر گرفته به ارائه مطالبی مطابق با آن بپردازید. مثلاً لازم است وی را با فلسفه شهادت در معارف اسلامی و درزندگی انسانی ما آدمیان آگاه سازید و همین‌طور باید وی را با مقام شهید و ارزش از خود و جان خون گذشتن آشنا سازید و مهم‌تر از تمام این مباحث، تبیین جایگاه و ارزش زندگی دنیوی و ارتباط آن با زندگی اخروی از جمله مباحث ضروری است که باید به آن پرداخته شود تا آنجوان بداند که این زندگی چه خوب و چه بد محل گذر است و همگی آن روز چشم به دست شهیدان دوخته و در آخرت در محضر حق حاضر خواهیم شد و آن زندگی زندگی جاودانه است و فنا در آن راه ندارد و شهدا از جمله افرادی هستند که می‌توانند در آن دنیا موجبات شفاعتبرای ما را نزد خداوند فراهم سازند. باید به گونه‌ای برای آن جوان مسأله جهاد و شهادت را در معارف اسلام و در نزد تمام اقوام و ملل بیان کنید که این مقام را برای خود یک ارزش تلقی کند و ما محرومین از آن تلقی گردیم. چون شهادت بالاترین مقامی است که خداوند برای خوبان در نظر می‌گیرد و هر کسی رالیاقت آن نیست، لذا خوب است او را با کتب زیر آشنا و از این طریق بینش او را نسبت به شهید و شهادت اصلاح کنید که شهادت نفله شدن نیست. ۱- شهید و شهادت، استاد مطهری، ۲- فلسفه شهادت، مدرسی دومین شکل مواجه در این زمینه بیان روی دیگر سکه است که اگر به فرض - پدرتان به جبهه نمی‌رفت و... آیا ضمانت وجود او بود. آیا دیگران که جبهه نرفتند جملگی به سلامت هستند. هزاران نفر به جبهه نرفتند و یا رفتند و سالم برگشتند ولی اکنون از این دنیا کوچ کرده‌اندو فرزندان خود را بی‌پدر رها ساخته‌اند و... بنابراین در یک کلام باید با ارائه کتاب و مطالبی از معارف اسلامی، جایگاه انسان و دنیا و فلسفه مرگ و شهادت را در ذهن دوستتان کاملاً دقیق و واضح روشن فرمایید و از این روش وی را به حق رهنمون گردید تا پی به مقام و منزلتخویش ببرد و خود را کم بها نپندارد.{J

آیا با افرادی که توهین به نظام جمهوری اسلامی یا ولایت فقیه یا روحانیون می کنند می توانیم برخورد کنیم و وظیفه ما در این مورد چیست؟

پرسش

آیا با افرادی که توهین به نظام جمهوری اسلامی یا ولایت فقیه یا روحانیون می کنند می توانیم برخورد کنیم و وظیفه ما در این مورد چیست؟

پاسخ

هر فرد ایرانی خصوصا دانشجویان عزیز که خود را نسبت به حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌های الهی متعهد و

مسئول می‌بیند و دغدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولاً، درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد، اطلاعات و معلومات در حدّ کافی داشته باشد، تاریخ و تئوریها و رهیافتهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در مورد انقلاب اسلامی، حوادث مهم دوران انقلاب و بعد از آن، شخصیت‌ها و گروه‌های فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاسی کشور، افکار و عقاید آنان و... را به خوبی بشناسد تا بتواند در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مدرک به صورت مستدل از انقلاب دفاع نماید. و این کار نیازمند مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه‌ها نوشته شده، می‌باشد. ثانیا: علاوه بر آمادگی‌های علمی، هر وقت شبهه یا مسأله‌ای را کسی مطرح کرد که مورد قبول و پسند شما نبود، هیچ وقت عصبانی نشوید بلکه در کمال خونسردی و خوشرویی از طرف مقابل مدرک و مستند ادعایش را بخواهید و سعی کنید طرف مقابل را کاملاً حلاّجی کرده و به سؤال بکشانید که منظور شما چیست؟ و بالفرض چنین باشد چه هدفی را دارید؟؟؟ و... زیرا اکثر شبهاتی، که در جامعه مطرح می‌شود ناشی از عدم فهم دقیق آن مسأله برای گوینده آن می‌باشد یعنی آن فرد بر اساس برداشتهای ذهنی خود شبهه را مطرح می‌کند. که با کمی سؤال خود او نیز در ادعایش سست می‌شود. مخالفان و یا منتقدان نظام، بر چند دسته‌اند: برخی به خاطر بی‌دینی با نظام مخالف‌اند و برخی دیگر نیز با وجود آن که از زمره متدینین هستند، نسبت به نظام دیدگاه خاصی دارند. این گروه نیز یکسان نیستند؛ برخی به خاطر دیدگاه‌های خاص خود مسأله‌دار هستند که در این موارد بایستی با ریشه‌یابی، علت را دریافت و با منطق و حسن برخورد، سعی در رفع شبهه از اذهان آنان نمود و در برخی از موارد نیز با قبول اشکالات، از کلیت نظام و اهداف و خدمات آن دفاع کرد. اگر احتمال می‌دهید که امر به معروف و نهی از منکر در وی تأثیر داشته باشد، لازم است که وی را ارشاد نمایید، ولی اگر امیدی به اصلاح ندارید و ترس داشته باشید که رفت و آمد و همنشینی با ایشان در اخلاق و رفتار شما تأثیر سوء داشته باشد، سزاوار است که از ادامه مجالست و همنشینی با وی خودداری کنید. صحبت‌های بی‌جا نیز گر چه چیز لغوی است، ولی تا وقتی که همراه با غیبت، دروغ، توهین، تمسخر و فحش نباشد حرام نیست. ثالثا: ایجاد درگیری میان طرفداران گروه‌های سیاسی و نیروهای انقلاب و بسیج و اهانت به مقدسات و شخصیت‌های نظام یکی از اهداف دشمنان نظام اسلامی می‌باشد که باید با کمال خونسردی در دام دشمن نیافتاد. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «اگر یک چیزی که خون شما را به جوش می‌آورد مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند، باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس من را هم آتش زدند و یا پاره کردند باید سکوت کنید. نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب‌اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد حفظ کنید»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ تیر ۷۸، ص ۲). همچنین معظم‌له در جای دیگری می‌فرمایند: «بعضی‌ها گفته‌اند که ما اقدام می‌کنیم، مجازات می‌کنیم؛ ابدا در جمهوری اسلامی، این کار به مسؤولان مربوط است... اگر کسی احساساتی هم دارد، آن احساسات پیش خدای متعال قطعا اجر خواهد داشت؛ اما اگر عمل و اقدامی برخلاف موازین باشد - از آحاد مردم - یقینا پیش خدا هم اجری ندارد. من هم که حالا نهی کردم غیر از حرمت قانونی، حرمت شرعی نیز پیدا کرد، مراقب باشید... کسی حق ندارد یک وقت کار نسنجیده‌ای انجام بدهد»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ مهر ۷۸، ص ۱۳). رابعا: قبل از دست زدن به هر کاری و یا ارائه هر پاسخ عجولانه‌ای، ابتدا خداوند متعال را در نظر گرفته و از او استعانت بجویید و خوب بیاندیشید که مبادا با مسلط شدن خشم و غضب بر شما، ناخواسته آب در آسیاب دشمنان ریخته و مسأله‌ای را که می‌شد با خوشرویی و پاسخ‌های منطقی حل کرده و به تقویت نظام اسلامی و وحدت دانشجویان کمک نمود را به ضد آن مبدل کرد.

مبسوط

پرسش

مبسوط

پاسخ

ضمن تقدیر و تحسین بخاطر احساس مسئولیتی که نسبت به دوست همکارتان دارید برای حل مشکل مطرح شده نکات زیر را مورد توجه قرار دهید: ۱. از آنجا که وی فردی است اهل مطالعه چه بهتر است قبل از هر چیز بینش وی را تصحیح فرمایید و با معرفی کتابهایی که در زمینه نماز و اهمیت و ارزش آن نوشته شده است و یا هدیه آن برای او و یا در دسترس قرار دادن آن کتابها، وی را به مطالعه آنها ترغیب و تشویق کنید زیرا همانطور که گفتید هنوز فلسفه نماز و لزوم انجام آن و تأثیر نماز و عبادت در زندگی برای وی ترمیم و ملموس نشده است . و یا حداقل اینکه نگرش صحیحی از این مسأله حیاتی ندارند. ۲. به نظر می رسد وی به خاطر عملکرد غلط برخی از نمازگزاران و رفتار به قول ایشان منافقانه آنها ، گمان می کند این صفت و ویژگی از تمام نمازگزاران است بنابراین چه خوب است زندگی نامه عرفا، صلحا و علمایی که در پرتو نماز به سعادت و خوشبختی رسیده اند به وی معرفی شود تا با مطالعه آنها این نگرش منفی به تدریج از ذهن وی خارج شود. ۳. رفتار مناسب دوستانه صحیح و دلسوزانه شما نیز اگر به همین شکل ادامه پیدا کند و به تدریج احساس کند نماز انسان را به کار نیک تشویق می کند و در مسیر صحیح حفظ و نگهداری می کند چه بسا تأثیر مثبت بیشتری بگذارد و به وی تفهیم شود که رفتار غلط افراد ناشی از شخصیت و روش و منش آنها است نه ناشی از نماز خواندن و اهل نماز بودن آنها پس در تعامل و برخورد با وی همچون گذشته دقت به عمل آورید و همانطور که خودتان نیز فرمودید تا حدودی حداقل برای مدت اندکی تأثیر مثبت خود را خواهد گذاشت لذا ناامید نباشید. ۴. به خاطر تأثیر و تأثری که معمولا بین زن و شوهر وجود دارد و لطافت و حساسیت روح زن نیز اهرم خوبی برای تأثیرگذاری هست ، پیشنهاد شما را تأیید می کنیم و در صورتی که مفسده ای به بار نیاورد از همسرشان بخواهید در این باره با وی گفتگو کند و وی را به نماز تشویق و ترغیب کند. مطمئنا وی بهتر می تواند در این مساله نقش آفرین باشد. ۵. نوارهای مذهبی افرادی که مورد اعتماد وی است و صدای دلنشین و نفس گرمی دارند در این تأثیر گذاری به شما کمک خواهد کرد. بنابراین ببینید به چه فردی از سخنرانان معروف یا غیر معروف که ویژگیهای لازم فوق را دارند اعتماد دارد و مورد پذیرش وی می باشد تا با گوش دادن یا تماشای فیلم یاCD های وی به طور غیر مستقیم اهمیت این مسأله برای وی روشن شود. ۶. برای تأثیرگذاری لازم است به این نکته توجه کنید که هرگز او را مورد شماتت سرزنش و تمسخر قرار ندهید. زیرا به جای تأثیرپذیری از شما بیشتر دورتر خواهد شد. به نکات فوق توجه و عمل کنید و نتیجه را در مکاتبه بعدی برایمان گزارش کنید امید است تأثیرگذار باشد.

در پاسخ به افرادی که ضدروحانیت و ضد انقلاب اسلامی سخن می گویند و حرف از گرانی می زنند چه بگوییم؟

پرسش

در پاسخ به افرادی که ضدروحانیت و ضد انقلاب اسلامی سخن می گویند و حرف از گرانی می زنند چه بگوییم؟

پاسخ

افراد مورد اشاره به دو گروه تقسیم می شوند نخست گروهی که از روی ناآگاهی موضعگیری می کنند که با دلیل و منطق می توان با آنها صحبت کرد و شبهه آنها را بر طرف کرد و گروه دیگر کسانی که معاند هستند و از روی عناد و دشمنی به ایجاد شبهه و انتقاد می پردازند که این گروه افراد مانندکسی هستند که خود را به خواب زده و شمابه هیچ وجه نمی توانید او را بیدار کنید وبه فرمایش قرآن کریم" ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون""بقره/۶ "به هر حال چون گروه اول که لازم است با آنها وارد بحث شد ممکن است درمورد انقلاب اسلامی و روحانیت انتقادات و شبهات مختلفی داشته باشند دراینجا نمی

توان پاسخ آنها را داد آما آنچه مسلم است انقلاب اسلامی ایران به پرچمداری روحانیت این کشور را از زیر یوغ و سلطهٔ آمریکا وانگلیس نجات داده ودست رژیم وابسته و استبدادی پهلوی را از سر ملت کوتاه کرده است و عزت اسلامی را در دنیا برای کشور ما به ارمغان آورده و زمینه ساز بیداری اسلامی در جهان اسلام شده است و قطعاً رسیدن به چنین اهداف بزرگی بدون تحمل مشکلات و سختی ها ممکن نبوده است ویکی از این مشکلات مشکل گرانی است که محاصرهٔ اقتصادی و جنگ تحمیلی و جبران عقب ماندگیهای کشور ورشد وتوسعهٔ اقتصادی کشور عوامل دخیل در این امر هستند اگر چه در مجموع سطح رفاه عمومی و وضعیت اقتصادی کشور با وجود همهٔ موانع ومشکلاتی که بوده نسبت به قبل از انقلاب بسیار بهتر شده است واز طرفی مشکل تورم وگرانی از مشکلات رایج در اکثر کشورها بویژه کشورهای درحال توسعه می باشد.

در گشتهای شب وقتی افرادی را می گیریم که به سؤالها جواب نمی دهند گاهی اوقات آنها را می زنیم، آیا به نظر شما و شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟

پرسش

در گشتهای شب وقتی افرادی را می گیریم که به سؤالها جواب نمی دهند گاهی اوقات آنها را می زنیم، آیا به نظر شما و شرع مقدس اسلام اشکال دارد؟

پاسخ

قابل ذکر است که امر به معروف و نهی از منکر، یکی از واجبات الهی است. مانند سایر واجبات دیگر، مثل نماز و روزه. بنابراین همانطور که وظیفه هر شخص مکلف است که احکامی را که با آن سرو کار دارد بداند، در خصوص با امر به معروف و نهی ازمنکر نیز، چنین می باشد. با توجه به مقدمه ای که عرض شد، بر شما برادر عزیز که در پایگاه مشغول فعّالیّت هستید، و در غالب گشتها به وظیفه بسیار مهم و خطیر امر به معروف و نهی از منکر می پردازید، حتم و لازم است که از احکام مربوط به این بخش، کاملاً مطلع باشید. اگر گشتهایی که انجام می دهید، در قالب امر به معروف و نهی از منکر است، باید بدانید که مقام معظم رهبری بعنوان مرجع تقلید، و همچنین ولی فقیه زمان، می فرمایند" : با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی، می توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیت داخلی (پلیس) و قوهٔ قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت، چاره ای جز اعمال قدرت، از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام را انجام می دهد، با تعزیز و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر، به امر و نهی زبانی اکفتا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوهٔ قضائیه، ارجاع دهند ("۱.) اما اگر گشتهای شما با دستور قاضی و با مجوز قوهٔ قضائیه، در خصوص با مورد خاصی باشد، باز هم شما مجری اجرای حدود شرعی نیستید. بلکه وظیفه شما دستگیری فرد مورد نظر، و تحویل آن به مراجع قضایی می باشد. و اجرای حدود و تعزیر و از این قبیل موارد اعمال قدرت، بر عهدهٔ قوهٔ قضائیه و حکمی که قاضی صادر می کند، می باشد. قابل ذکر است که اعتراف گرفتن از مجرم به زور، طبق قانون ممنوع می باشد؛ و هیچ اعتباری ندارد. منابع و مآخذ : ۱. رساله اجوبهٔ الاستفتائات، مقام معظم رهبری،ج۱،ص۳۳۱

آیا این صحیح است که ما برای ارشاد دیگران باید خود را الگو قرار دهیم

پرسش

آیا این صحیح است که ما برای ارشاد دیگران باید خود را الگو قرار دهیم

پاسخ

هر کسی در درجه اول باید به فکر این باشد که خود را به احسن وجه بسازد، از طرف دیگر ما بخواهیم یا نخواهیماعمالمان در دیگران تأثیر خواهد گذارد و برخی از ما الگو برداری می کنند، البته الگوگیری از افراد به تناسب ابعادشخصیتیشان متفاوت است، بنابر این لازم است از هر جهت الگوی خوبی باشیم تا دیگران از ما راه نیک راپرتوگیری کنند.{J

در مورد اینکه هم اکنون در محیط دانشگاه و خارج از آن عده ای هستند که به قشر روحانیت توهین می کنند وظیفه ما در برابر این اشخاص چیست.سکوت یا برخورد؟

پرسش

در مورد اینکه هم اکنون در محیط دانشگاه و خارج از آن عده ای هستند که به قشر روحانیت توهین می کنند وظیفه ما در برابر این اشخاص چیست.سکوت یا برخورد؟

پاسخ

نخست باید دانست واکنشهای تنفر زا یا محبت آمیز ، ریشه های متعددی دارد. برخی واقعی و عقلانی است و برخی احساسی و بدون دلیل منطقی است. همچنین خاستگاه برخی تنفر ها و محبت ها گاهی جنبه شخصی دارد و گاهی جنبه های درونی اجتماعی داردو گاهی از توطئه های دشمنان برون مرزی و یا دگراندیشان داخلی منشأ می گیرد. علاقه و یا تنفر از روحانیون نیز از آنچه گفته شد جدا نیست لذا باید دلیل آن ریشه یابی شود و اگر از فرایند چند عامل به وجود آمده، از ابعاد مختلف بررسی گردد. با توجه به گستردگی موضوع و ره یافتهای حل معضل ، در ادامه تنها به یکی ازعوامل پرداخته می شوند و چند راهکار توصیه می گردد. دوست عزیز؛ در جامعه شیعی ما واژه روحانی همواره یک شخصیت بی نیاز را ترسیم می نموده و با وقوع انقلاب اسلامی در ایران روحانی و دین، گویی لازم و ملزم هم گردیده اند. شما وقتی به روزهای اول انقلاب برگردید به وضوح به این امر پی خواهید برد. در آن روزهایی که ارزش های دینی، مذهبی و فرهنگی چون ایثار، فداکاری، محبت به دیگران و... ملاک اصلی در فرد و جامعه رقم خورده و شکل می گرفت در این وقت افرادی (روحانیون) که به این امور معنوی توصیه می نمودند، از آنجا که این ارزش ها را توصیه و متذکر می شدند در بین مردم و از خود مردم بوده و موانست با آنها دارای اهمیت بود که در واقع توجه و نگاه مردم به آن ارزش ها و ملاک ها بود. همین گونه در مسأله توجه و روی آوردن مردم به اهل بیت در مراسم های مذهبی محرم و صفر و یا ایام فاطمیه و... که هر چه نگاه و اهتمام مردم به آن اصول باشد دیگر به این روحانی یا آن روحانی نگاه نمی کنند بلکه به ارزش ها توجه می کنند. دو نکته در مطلب فوق قابل توجه است اول آن که آن مردم و روحانی در کنار هم و با هم بوده و به نوعی از وضع اجتماعی و جایگاه اجتماعی همدیگر مطلع بودند یا به تعبیری امروزی همدیگر را درک و از جایگاه هم آگاهی داشتند. مردم به مراکز تحصیلی و تدریس حوزویان و... رفت و آمد می کردند، در حالی که بسیاری از این افراد غرض ورز و یا... از این حداقل مسأله آگاه نبوده و چه بسا مطالب گفته خود را از افراد مغرض و یا بیگانه نسبت به دین اسلام اخذ می کنند، در این حال معلوم خواهد شد که آن افراد چه نوع بیان و تعبیری خواهند داشت. نکته دوم و مهمتر این که آنچه برای آن مردم مهم می نمود سخن از ارزش های معنوی و دینی بود حال این ارزش را هر کسی آنگونه که در اسلام و روایات اهل بیت(ع) آمده نقل کند محترم دانسته

و لازم نبود که روحانی باشد چرا که آن چه برای آن فرد مهم و ملاک است ارزش های دینی است نه فرد و شخص. البته که در جامعه انقلابی و اسلامی ما هر چه این ارزش ها کمرنگ و یا بیهوده گردد و نگاه اصلی جامعه منافع فردی و شخصی شود این همان آفت انقلاب اسلامی و در واقع دین گریزی و بازگشت به وضعیت سابق می شود و در این حالت انتظاری جز از توهین و ... نمی رود. حال اگر از نوع مطالب اهانت آمیز این افراد، برای شما معلوم شد که آن فرد به چه علتی این کار را نموده است او را به واقعیات توجیه کنید. در صورت امکان سعی کنید در موقعیتی مانند زیارت مسجد جمکران و یا در سفر به حرم امام رضا(ع) اگر از قم گذشتید به مدرسه فیضیه و یا مراکز درسی حوزه در قم دیدن نموده ولو اندک زمانی با برخی از علماء مجالست و با آنها موانست داشته باشید تا حقیقت امر بر آن دوست شما تا حدی معلوم شود. همچنین او را به ارزش های دینی اسلامی راهنمایی کنید. ثمرات جاری بودن این ارزش ها در جامعه، این که همه این ارزش ها تلاش بر هویت بخشی و کرامت انسانها دارد (برگرفته از کتاب توسعه و تضاد، ص ۳۰۰ - ۳۶۰ - انقلاب اسلامی، زیمنه ها و پیامدها).

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است و این وضعیت در نهضت موجود نبود؛ چه اینکه معلوم بود یزید و پیروانش نه از حکومت کنار می‌روند و نه از روش خود دست برمی‌دارند! پس امام حسین(ع) با چه منطق و حجت شرعی به این کار اقدام کرده و این امر

پرسش

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است و این وضعیت در نهضت موجود نبود؛ چه اینکه معلوم بود یزید و پیروانش نه از حکومت کنار می‌روند و نه از روش خود دست برمی‌دارند! پس امام حسین(ع) با چه منطق و حجت شرعی به این کار اقدام کرده و این امر را یک وظیفه واجب و مقدس می‌دانست؟

پاسخ

چنان که پیش‌تر گذشت ما شرایط احکام و خصوصیات و فروع امر به معروف را باید از امام حسین(ع) استفاده کنیم و استوارترین دلیل بر جواز شرعی هر عمل، این است که امام حسین(ع) آن را انجام داده باشد. به عبارت دیگر گفتار و رفتار آن حضرت از ادلّه احکام شرعی است. از طرفی احتمال تأثیر بر دو نوع است: گاهی شخصی را که اکنون آماده یا مشغول معصیتی است، می‌خواهیم نهی از منکر کنیم. اگر احتمال تأثیر ندهیم، نهی از منکر واجب نیست و گاهی نهی از منکر می‌کنیم و بالفعل احتمال تأثیر نمی‌دهیم؛ ولی می‌دانیم در آینده مؤثر واقع می‌شود. در این صورت نهی از منکر واجب است و با صورت احتمال تأثیر فعلی فرق ندارد. مثل آنکه احتمال بدهیم اگر با فرقه‌های ضاله یا مؤسسات فساد مبارزه کنیم و معایب و مفاسد و مقاصد سوء آنها را به مردم بگوییم و اعلام خطر کنیم؛ پس از مدتی دستگاه‌شان برچیده شده و اثر آنها در فساد اجتماع کمتر خواهد شد و یا حداقل از گسترش بیشتر تبلیغات و فسادشان جلوگیری به عمل خواهد آمد و چنانچه کارگردانان آنها دست از خیانت برندارند، در اثر نهی از منکر، تبلیغات سوء آنها باعث گمراهی نخواهد شد. در این مورد امر به معروف و نهی از منکر با احتمال تأثیر آن در آینده، واجب است. در دنیای معاصر هم بیشتر مللی که توانسته‌اند بندهای اسارت خویش را پاره کنند و به آزادی و استقلال برسند؛ همین راه را انتخاب کرده‌اند. آنان با فداکاری و تحمل ناملایمات و تهییج احساسات، دشمنان خود را در افکار عمومی محکوم و پایه‌های تسلط و نفوذ آنان را متزلزل و به تدریج ساقط می‌سازند و در این مبارزات آن افرادی که پرچم را به دست می‌گیرند؛ پیروز شده و خون‌های‌شان بهای آزادی جامعه و برافتادن نفوذ بیگانه است. آنان این پیکار را - اگر چه نتیجه‌اش در آینده ظاهر می‌شود - موفقیت‌آمیز و افتخار می‌شمارند؛ زیرا هدف‌شان ریاست و حکومت نیست؛ بلکه اصلاح و نجات جمعیت است. مردان خدا نیز برای

هدف‌های عالی انسانی و الهی خود، گاهی چنین مبارزاتی دارند؛ یعنی، با اینکه می‌دانند دشمنان خدا، خون‌شان را می‌ریزند و سرشان را بالای نیزه می‌کنند؛ ولی باز هم برای نجات اسلام و توحید، پیکار و جهاد می‌کنند تا عکس‌العمل قیام آنها به تدریج مردم را بیدار و مسیر تاریخ را عوض کند. با وضعی که پیش آمده بود، خطرات شدیدی احکام قرآن و موجودیت اسلام را تهدید می‌کرد و آینده اسلام را تاریک و مبهم می‌نمود. حتّی معلوم بود که در آینده نزدیک، خورشید نورانی اسلام غروب و دوران شرک و جاهلیت بازگشت خواهد کرد! در این صورت امام حسین(ع) نمی‌توانست با در نظر گرفتن احتمال یا قطع به ضرر، دست روی دست بگذارد و در خانه بنشیند و ناظر این مصیبت‌ها برای عالم اسلام شود. گذشته از اینکه شرط احتمال تأثیر هم موجود بود؛ بلکه امام حسین(ع) یقین به تأثیر داشت و می‌دانست که نهضت و قیام او، اسلام را حفظ کرده و حرکت او ضامن بقای دین خواهد بود. آن حضرت می‌دانست که اگر بنی‌امیه او را - که نوه پیغمبر و مرکز تحقّق آمال معنوی و اسلامی مردم، و شریف‌ترین و گرامی‌ترین خلق و محبوب‌ترین افراد در قلب جامعه است - بکشند؛ دیگر قدرت‌شان درهم شکسته می‌شود و چنان سیل خشم و نفرت مردم به سوی‌شان سرازیر می‌گردد که باید برای حفظ موقعیت خود، حالت دفاعی به خود گیرند تا بتوانند چند صباحی پایه‌های لرزان حکومت کثیف خود را از سقوط شدن نگاه دارند! سیدالشهدا(ع) می‌دانست که شهادت او و اسارت اهل بیت، ماهیت بنی‌امیه و عداوت‌های آنها را با اسلام و شخص پیغمبر آشکار می‌سازد و عکس‌العمل قتل او، ریشه‌های اسلام را در دل‌ها استوار کرده و حس تمرّد و سرپیچی از اوامر امویان را در همه ایجاد می‌کند و احساسات اسلامی و شعور دینی مردم را بیدار و زنده می‌سازد. اباعبدالله(ع) می‌دانست که وقتی بنی‌امیه او را شهید کنند؛ دستگاه خلافت رسوا خواهد شد و مردم به مسیر نادرست حکومت پی خواهند برد و معلوم است حکومتی که دشمن دین و خاندان رسالت شناخته شده باشد؛ هر چند مدت کوتاهی به ظاهر، بر مردم فرمانروایی کند، اما نخواهد توانست ادعای خلافت اسلامی را داشته باشد و به حکومت خود ادامه دهد. فاجعه کربلا دنیای اسلام را تکان داد و مثل آن بود که شخص پیغمبر شهید شده باشد. در تمام شهرها احساسات خشم‌آگین مردم نسبت به بنی‌امیه به جوش آمد و حرکت‌های ضد امویان یکی پس از دیگری شروع شد؛ تا آنکه حکومتی که به اسم اسلام، ترویج شرک و کفر می‌کرد، ساقط شد و آن خون‌های پاک اهل بیت(ع)، بهای نجات اسلام و شور و هیجان دینی مردم علیه بنی‌امیه گردید. پس معلوم شد که امر به معروف و نهی از منکر امام حسین(ع) از نظر قواعد عمومی و فقهی نیز لازم و از واجبات بوده است و آن حضرت در راه ادای این تکلیف، از جان خود و عزیزترین و لایق‌ترین جوانان، برادران و یارانش چشم پوشید و همه را فدای مقاصد بزرگ و عالی اسلامی کرد، و با اینکه سیل مصیبت‌ها به سوی او هجوم آورد، ثابت و پایدار ایستاد و از دین و هدف خود دفاع نمود. مناسب است اینجا به سخن علامه شهید استاد مطهری اشاره شود؛ وی می‌نویسد: «شرط دیگر امر به معروف و نهی از منکر «احتمال تأثیر» است؛ یعنی، این فریضه، مثل نماز و روزه «تعبدی محض» نیست. به ما گفته‌اند: شما در هر حال باید نماز بخوانید و نباید سؤال کرد که آیا این نماز خواندن اثر دارد یا ندارد؛ ولی امر به معروف و نهی از منکر را باید با تدبیر و اندیشه انجام داد؛ یعنی، شخصی روی نتیجه حساب کند و باید سودی که به دست می‌آید، بیش از سرمایه مصرفی باشد. این نظر در مقابل منطق خوارج است که می‌گفتند: حتی اگر کوچک‌ترین تأثیری هم محتمل نباشد، باز باید امر به معروف و نهی از منکر نمود. عده‌ای علت انقراض خوارج را همین امر دانسته‌اند. «تقیه» نیز که در شیعه مطرح است؛ یعنی، به کار بردن تاکتیک در امر به معروف و نهی از منکر. تقیه؛ یعنی، استفاده از سلاح دفاعی؛ یعنی، در مبارزه ضربه بزن؛ ولی کوشش کن آسیب نبینی». معنای احتمال تأثیر این نیست که در خانه‌ات بنشینی و بگویی: من احتمال اثر می‌دهم یا نمی‌دهم؛ بلکه باید بروی و حداکثر تحقیق را انجام دهی تا ببینی که آیا به نتیجه می‌رسد یا نه. کسی که بی اطلاع است و به دنبال تحقیق هم نمی‌رود، نمی‌تواند چنین عذری بیاورد.

راه مسلمان کردن یک غیر مسلمان چگونه می باشد؟

پرسش

راه مسلمان کردن یک غیر مسلمان چگونه می باشد؟

پاسخ

توجه به چند نکته مفید است: ۱- به هیچ وجه تحت فشار قرار نگیرد تا شوقش به شناخت اسلام از بین نرود. ۲- در ابتدا به عقاید یهودیت حمله نشود. ۳- سطح توانایی و استعداد او در درک معارف دینی، مورد توجه بوده و براساس آن کتاب‌هایی معرفی شود. ۴- به میل و ذوق او در مباحث توجه شود و متناسب با آن کتاب‌هایی پیشنهاد شود. مثلاً میل او به مباحث عقلی است. از کتاب‌های استدلالی مثل کتاب‌های شهید مطهری و استاد مصباح استفاده شود و اگر به مباحث معنوی عرفانی و اخلاقی علاقه دارد کتاب‌های متناسب با آن معرفی گردد. ۵- آشنایی با معارف اصیل اسلامی از طریق قرآن و روایات اهل بیت یکی از بهترین راه‌های دعوت به اسلام می‌باشد. لذا با توجه به آگاهی شخص، او را با معارف قرآن و روایات به خصوص نهج‌البلاغه و مضامین عالی دعاها آشنایش کنید. با توجه به تذکرات بالا کتاب‌های زیر معرفی می گردد: ۱- علامه سید محمد حسین طباطبایی، آموزش عقاید و دستورهای دینی، انتشارات بنیاد جانبازان تهران (این کتاب با بیانی ساده معارف اسلامی را توضیح داده است). ۲- شهید مطهری، مجموعه مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، انتشارات صدرا تهران (این کتاب مباحث را در سطح وسیع‌تر از کتاب قبل طرح نموده است). ۳- مصباح یزدی، آموزش عقاید، سازمان تبلیغات اسلامی کتاب‌های دیگر شهید مطهری و استاد مصباح به خصوص معارف قرآن استاد مصباح یزدی در سطح عالی‌تر بسیار مناسب است. جهت آشنایی بیشتر در مورد حقانیت و برتری دین اسلام و خصوصا مذهب تشیع به مطالب زیر توجه فرمایید تا بتوانید در زمینه گرایش افراد غیر مسلمان به دین اسلام موفقیت بیشتری کسب نمایید. در این رابطه از دو راه کلی (عقل و آیات قرآن کریم)، مسأله را پی می گیریم. یک. راه عقل برای داوری در مورد حقانیت یک دین و مقایسه آن با ادیان دیگر، باید ابتدا با اصول عقاید و آموزه‌های ادیان آشنا شد و آن‌گاه آن را به وسیله عقل - که حجت درونی انسان است - محک زد. ما در چنین مراجعه‌ای، اصول عقاید و معارف دین اسلام را مبتنی بر ادله و براهین متقن و یقینی عقلی می‌یابیم؛ یعنی، یکایک این اصول به وسیله براهین متعدد یقینی اثبات می گردد. با وجود براهینی که درباره اصل توحید اقامه می‌شود، ادیان و مکاتب غیرتوحیدی - که اعتقاد به ثنویت (دوخدایی)، تثلیث (سه خدایی) یا چند خدایی از ارکان اعتقادی آنها محسوب می‌شود - ابطال می گردد. در همین زمینه، آنچه که از ادله یقینی عقلی بر نفی جسمیت یا رؤیت خداوند اقامه می‌شود، مکاتب و مذاهبی را که مبتنی بر چنین عقایدی هستند، رد می کند. در خصوص دو دین بزرگ یهودیت و مسیحیت، نیز با همین حجت درونی؛ یعنی، احکام و براهین یقینی عقل، اگر به بررسی آموزه‌های این دو دین بنشینیم، به نتیجه مشابه سایر مکاتب خواهیم رسید. در خصوص ادیان الهی و آسمانی باید گفت که حقیقت و گوهر همه آنان، دعوت به انقیاد و تسلیم در برابر خداوند متعال است، لکن دستور العمل‌های مربوط به چگونگی تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان، که در اصطلاح از آن به «شریعت» یاد می‌شود، متفاوت است؛ یعنی، با توجه به اختلاف زمان و مکان و مخاطب این دستورالعمل‌ها، مراحل مختلفی را گذرانده و متناسب با آن رو به تکامل بوده است. علاوه بر این، اصول عقاید و گوهر ادیان نیز در مقام بیان و تبیین از عمق و تفصیل بیشتری برخوردار گردیده است. در حقیقت، دین توحیدی واحد است و شرایع متعدد است: «ان الدین عند الله الاسلام؛ به درستی که دین در نزد خدا اسلام (تسلیم در برابر حق) است» (آل عمران (۳)، آیه ۱۹.) با ظهور هر پیامبری شریعت قبلی پالایش یافته و در شکل کامل‌تری عرضه شده است. از این رو پیامبران همه مبلغ دین واحد بودند، و به همین جهت، یکی پس از دیگری مژده آمدن پیامبر جدید را می‌دادند و به این مطلب در کتاب مقدس یهودیت و مسیحیت تصریح شده است. (تورات، کتاب هوشیع نبی.) بنابراین پیروی صحیح از آیین یهود، با آمدن حضرت عیسی، در تبعیت از ایشان خواهد بود و پیروی صحیح از آیین مسیح با ظهور پیامبر اسلام،

در تبعیت از حضرت نبی اکرم خواهد بود. در نتیجه، تفاوت شرایع آسمانی به معنای درجات متکامل از یک راه و یک حقیقت است. با توجه به این بیان عقل، با قطع نظر از مسأله تحریف در شرایع گذشته، حکم به لزوم پیروی از جامع‌ترین و کامل‌ترین پیام و دستورالعمل الهی که در آخرین شریعت (اسلام) متجلی شده است، می‌نماید. همچنین عقل، در بررسی آموزه‌هایی که توسط یهودیت و مسیحیت امروزی تبیین می‌شود، آنها را مخالف با براهین یقینی خود می‌یابد. اعتقاد به تثلیث (رساله اول به قرنتیان ۶:۸ و انجیل یوحنا: ۲۰.) تجسم و رؤیت (همان و سفر پیدایش.) اموری است که براهین عقلی آن را از هیچ مکتب و مذهبی نمی‌پذیرد؛ بلکه آن را نشانه عدم حقانیت و در واقع تحریف آنها می‌داند. به پاره‌ای دیگر از تحریفات صورت گرفته در این دو دین بزرگ اشاره‌ای گذرا می‌کنیم تا بر اساس حکم عقل، خود داوری کنید: تحریفات مسیحیت و یهود ۱. اتهامات ناروا به پیامبران؛ علاوه بر رسوخ تحریفات بنیادی و اعتقادی در کتاب مقدس، پاره‌ای اتهامات ناروا و غیراخلاقی به بعضی از پیامبران نسبت داده شده است که قلم از بیان آن شرم دارد، براهین عقلی لزوم عصمت پیامبران را اثبات می‌کند. ۲. وجود افسانه‌ها؛ وجود افسانه‌های بی‌پایه در کتاب مقدس، یکی دیگر از جنبه‌های تحریف آن است؛ از جمله می‌توان به کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه‌ای او بر خدا، اشاره کرد (سفر پیدایش، ۴۳/۲۳۳۰.) ۳. گناه فطری؛ مسیحیان معتقدند، آدم در بهشت به گناه آلوده شد و این گناه به همه فرزندان او نیز منتقل می‌شود؛ یعنی، انسان بالفطرهٔ گناه‌کار است و هرگونه تلاش و عمل انسان در رهایی از این خطا، سودی نخواهد بخشید و تصلیب و به دار کشیده شدن حضرت عیسی(ع)، کفاره گناه فطری انسان است. ۴. تقویت ظلم؛ یکی دیگر از آموزه‌های نامعقول کتاب مقدس، توجیه ظلم و ستم و دعوت به سکوت در برابر حاکمان ظالم، به بهانه این است که آنان حاکم و سایه خدا در زمین‌اند. (انجیل متی، ۳۸:۵ و اکثر نامه‌های پولس به رومیان.) وجود این گونه آموزه‌های غیرعقلانی در کنار طرح مسأله تثلیث و تجسیم و وجود تناقضات متعدد در متن کتاب مقدس، (در کتاب «انیس‌الاعلام»، ج۲، ۱۲۵ مورد تناقض موجود در کتاب مقدس مورد بررسی قرار گرفته است.) دلیل بر عدم حقانیت مسیحیت و یهودیت امروزی است. خلاصه سخن اینکه راه شناخت حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان و شرایع، مراجعه به آموزه‌های آنها و داوری است. اگر کسی مراجعه کند، خواهد یافت که اسلام در سه وادی «عقاید»، «اخلاق و فضایل» و «احکام فردی و اجتماعی»، نه تنها کامل‌تر از سایر ادیان؛ بلکه قابل مقایسه و طرف نسبت با آنها نیست و در تمام دوره زندگی بشر، عقاید و شریعتی به اینجامعیت و عمق و اتقان و استواری بر بنیان عقل، وجود ندارد. امام خمینی(ره) در این زمینه، در کتاب چهل حدیث می‌نویسد: «اثبات حقانیت دین اسلام، احتیاج به هیچ مقدمه ندارد جز نظر کردن به خود آن و مقایسه بین آن و سایر ادیان و شرایع». (خمینی، روح‌الله، چهل حدیث، شرح حدیث دوازدهم، ص ۲۰۱.) در پایان این بخش، به این نکته اشاره می‌کنیم که داوری عقل و سنجش و حکم عقل به حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان، خود دلیلی بر نفی پلورالیزم است. دو. راه آیات آیات قرآنی علاوه بر دلالت بر انحصار دین حق در اسلام و در نتیجه نفی پلورالیسم و تکثرگرایی دینی، به صراحت با برخی از اصول و مبانی پلورالیسم مخالف است و آن را ابطال می‌کند. مجموع آیات در این زمینه را در سه بخش قرار می‌دهیم: ۱. آیاتی که بر صراحت، تنها اسلام را دین حق و صراط مستقیم معرفی می‌کند و عقاید پیروان سایر ادیان را باطل معرفی کرده و آنان را به پیروی از اسلام دعوت می‌کند: الف. «و من یبتغ غیرالاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین». (آل‌عمران (۳)، آیه ۸۵.) ب. «و لن ترضی عنک الیهود و لا النصاری حتی تتّبع ملّتهم، قل انّ هدی الله هو الهدی و لئن اتّبعت اهوائهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من الله من ولیّ و لا نصیر». (بقره (۲)، آیه ۱۲۰.) ج. «و قالت الیهود عُزیر ابن الله و قالت النصاری المسیح ابن الله ذلک قولهم بافواههم یضاهئون قول الّذین کفروا من قبل قاتلهم الله انّی یؤفکون». (توبه (۹)، آیه ۳۰.) و آیات فراوان دیگر که شما را به قرآن کریم ارجاع می‌دهیم: سوره آل‌عمران(۳)، آیه ۶۱ (مباهله با مسیحیان)؛ سوره توبه (۹)، آیه ۳۲ و ۳۱؛ سوره نساء(۴)، آیه ۱۵۷و ۱۷۱؛ سوره مائده(۵)، آیه ۵۱ و ۷۳؛ سوره فتح (۴۸)، آیه ۲۸؛ سوره صف (۶۱)، آیه۹؛ سوره مریم(۱۹)، آیات ۹۱ ۸۸؛ سوره بقره (۲)، آیه ۷۹. ۲. آیاتی که با مبنای شکاکیت و نسبیت‌گرایی و

عـدم امکـان دستیابی به حقیقت - که از مبانی و پیش‌فرض‌های پلورالیزم دینی است - در تضاد و تقابل است و نشان می‌دهـد که از دیدگاه قرآن، به هیچ وجه شـکاکیت و نسبیّت مورد پذیرش نیست و رسیدن به حقیقت امکان‌پذیر است. این آیات عبارت است از: الف. آیاتی که شـکاکان را مورد سرزنش قرار می‌دهد. (نحل (۱۶)، آیه ۶۶؛ جاثیه (۴۵)، آیه ۳۲.) ب. آیاتی که ادله انبیا را روشن و آشـکار، و شـکّ شـکاکان را بی‌وجه معرفی می‌کنـد. (ابراهیم (۱۴)، آیه ۹ و ۱۰.) ج. آیـاتی کـه امر بـه تبعیـت از علم و یقین و اجتناب از پیروی از ظن و گمان و شک دارد. (اسـراء (۱۷)، آیه ۳۶؛ یونس (۱۰)، آیه ۳۶؛ نجم (۵۳)، آیه ۲۸.) ۳. پلورالیزم دینی، بر اساس برخی از مبانی جدیـد هرمنوتیک اسـتوار است که می‌پندارد، عبارات و متون دینی صامت، یعنی، خالی از معانی‌اند و قهرا هر نوع شـناختی از دین، کاملاً ـ شخصـی می‌باشـد. آیات و روایات بسـیاری با این مبنا به صـراحت مخالفت دارنـد: الف. «و انزلنا معهم الکتـاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط؛ کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم به قسط و عـدل قیام کننـد» (حدیـد (۵۷)، آیه ۲۵.)++؛ اگر هر کسـی بر اساس صامت بودن قرآن، برداشتی از آن داشـته باشد، معیار تمییز بین عدالت و ظلم در قرآن وجود نخواهد داشت و به تبع اقامه عـدل بر اساس آن معیار واحـد در جامعه، ممکن نخواهـد شـد. ب. «و نزّلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شـیء؛ این کتاب (قرآن) را بر تو فرسـتادیم تا حقیقت هر چیز را بیان کنـد» (نحل (۱۶)، آیه ۸۹.) ج. «و تلک حدود الله یبینها لقوم یعلمون؛ این اسـت احکام خدا، بیان می‌کند آن را برای قومی که دانا هسـتند» (بقره (۲)، آیه ۲۳۰.) د. «لا اکراه فی الـدین قد تبین الرشد من الغی؛ هیچ اکراهی در دین نیست به درستی که راه هـدایت از گمراهی، روشن گردید» (همان، آیه ۲۵۶.) آیات بالا، قرآن کریم را بیان کننده راه راست از گمراهی و نشـانگر حـدود الهی و بیـانگر هر چیز، معرفی می‌کنـد و این بـا مبنـای هرمنوتیک جدیـد، یعنی، خالی بودن عبارات و متون از بار معنایی و تأثیرپذیری از دانش‌های بشری و در نتیجه شخصی بودن برداشت‌ها از عبارت (و نه معرفتی بودن این برداشت‌هـا) ناسازگـار و درسـت در نقطـه مقابـل اسـت. حاصـل سـخن بـا مراجعـه به حکم عقـل و آیـات قرآن کریم، به هیـچ وجه پلورالیسم و کثرت‌گرایی دینی، به معنای حقانیت همه ادیان، قابل پذیرش نیست؛ لکن توجه به این نکته ضـروری است که دین حق و صـراط مسـتقیم واحـد است؛ ولی معـذّر و حجت متعـدد است. بایـد مسأله حقانیت را از معـذّریت و حجت جدا کرد. پیروان سایر ادیان، خارج از شـریعت حق و مطلوب الهی هسـتند؛ اما در صورت وجود دو شـرط: (۱. جهل به اسلام، ۲. پای‌بندی به آیین خود) دارای حجت و مسـتمسک خواهنـد بود و راهشان هر چند «صـراط مسـتقیم» و دین حق نیست؛ اما قابل اعتذار است و در روز قیامت نزد خداونـد معذورانـد. قرآن از ایـن گروه بـه «مستضـعف» یـاد کرده اسـت. این گروه ضـمن معـذور بـودن، در صـورت تحقـق آن روش‌هـا، بهره‌ای از سـعادت خواهنـد برد و به درجه‌ای از سـعادت نایـل خواهنـد شـد. نکته دیگر آنکه حقیقت دین یـک چیز بیش نیست؛ ولی وحـدت آن، از سـنخ وحدت عددی نیست،؛ بلکه از قبیل وحدت تشـکیکی است؛ یعنی، دارای مراتب است که قرآن از این مراتب به «سبل» تعبیر کرده است. صراط مستقیم واحد است؛ اما سبل به تعدد و اختلاف سالکان و متعبدان متعدد است: «والذین جاهـدوا فینا لنهدینّهم سـبلنا». (عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.) صـراط مسـتقیم همان شاهراه هـدایت است که سـبل امن الهی به آن منتهی می‌شود و هر کس به همان مقـدار که از سـبل امن الهی پیروی کند، از صـراط مسـتقیم نیز بهره‌مند خواهد شد و هر کس همه سـبل امن الهی را طی کنـد، از صـراط مسـتقیم به طور کامل بهره‌منـد خواهند شد: «... قد جائکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتّبع رضوانه سـبل السـلام و یخرجهم من الظلمـات الی النور بإذنه و یهـدیهم الی صـراط مسـتقیم». (مائـده (۵)، آیـه ۱۵و۱۶. ر.ک: المیزان، ج ۱، ذیل آیه ۶و۷ سوره حمـد، (بحث صـراط و سبیـل)). برای آشـنایی بیشتر منابع زیر معرفی می‌گردد: الف. کتاب نقـد، شمـاره ۴، ص ۲۴۲، مقـاله «نگـاهی درون دینی بـه پلـورالیزم دینی، عبدالحسـین خسـروپناه»؛ ب. قـدردان قراملکی، محمـدحسن، سویه‌های پلورالیزم؛ پ. قدردان قراملکی، محمدحسن، قرآن و پلورالیزم.

برخورد با رباخوار چگونه باید باشد؟

پرسش

برخورد با رباخوار چگونه باید باشد؟

پاسخ

اول باید معلوم باشد که ربا خوارند، چون بعضی از پول استفاده می‌کنند به نحوی که در برخورد با ربا خوار باید احتیاط کنید و تا آنجاکه ممکن است آنان را نصیحت کنید و راضی به کار آنان نباشید. همچنین در برخورد با دنیا پرستان از دوستی با آنان حذر کنید. و برخورد شما برخورد ناصحانه باشد و از غیبت کردن افراد خودداری کنید بله اگر واقعاً رباخوار باشند و معلوم باشد نزد مردم که ایشان ربا خوارند، می‌توان غیبت کرد، یعنی گناهی را که مرتکب می‌شوند بازگو کرد، نه عیبت‌ها و گناهان پنهان او را.

چگونه می توان کسی را به معروف و نهی از منکر کرد و او را به اسلام و نماز خواندن دعوت نمود بدون این که احساس ناراحتی کند؟

پرسش

چگونه می توان کسی را به معروف و نهی از منکر کرد و او را به اسلام و نماز خواندن دعوت نمود بدون این که احساس ناراحتی کند؟

پاسخ

روش ها و شیوه های گوناگونی وجود دارد که در ذیل به برخی اشاره می شود: ۱ آمر و ناهی باید دقیقاً معروف و منکر را بشناسد و در فرصت مناسب بتواند کاملاً آن را تبیین و تشریح کند. ۲ خودش عامل باشد ;یعنی قبل از هر چیز در حضور طرف , به معروف عمل کند و از منکر اجتناب نماید. ۳ با کمال احتیاط و با زبان نرم سخن بگوید, مثلاً: فلانی ! شما الحمدلله بزرگوار و آبرومندید; مردم به شماو خانواده محترمتان با دید احترام نگاه می کنند ;فلان عمل از قدر و منزلت شما می کاهد و موجب هتک حرمتتان می شود ;اگر آن را ترک کنید و به جایش عمل نیک انجام بدهید, بسیار مفید خواهد بود. ۴ یا بگوید: اگر کسی مثلاً یک شاخهء گل یا یک شیشهء عطر و یا جعبهء شیرینی به شما بدهد و یا اگر دکتری بیماری شما یا پدر و مادر و یا یکی از اقوامتان را درمان کند, هر وقت آن ها را ببینید, اظهار محبت می کنید وخود را مدیون آنان می دانید. حال آیا شایسته نیست از خداوند بزرگواری که این همه نعمت به شما ارزانی داشته و به شما گوش و چشم و قلب و عقل و دست و پا و پدر و مادر و هزاران نعمت دیگر عطا فرموده , تشکر و سپاسگزاری کنید؟پیامبر۶فرمود <:بهترین روش تشکر از خدا, نماز خواندن است. > ۵ و می توانید بگویید: حتماً می دانید قلباً به شما علاقه مند و برای شما ارزش قائلم . متقابلاً شما هم برای اینجانب آبرو و حیثیت قائل هستید. از طرفی توجه دارید اگر کارهای ناروا و ناشایست از شما سر بزند و بامسجد و نماز و روزه کارهای خوب سروکار نداشته باشید, ضمن این که شخصیت جنابعالی مخدوش می شود,به خاطر رفاقت با شما شخصیت من نیز زیر سؤال می رود و آبروی من مورد تهدید قرار می گیرد ;آیا بهتر نیست برای حفظ شخصیت خود و حیثیت دوستان اعمال ناروا را کنار گذاشته و به کارهای خوب و پسندیده بپردازید؟

چگونه می‌توانم در خود اراده انجام امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد و یا تقویت کنم؟

پرسش

چگونه می‌توانم در خود اراده انجام امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد و یا تقویت کنم؟

پاسخ

انجام امر به معروف و نهی از منکر مستلزم اعتقاد و ایمان به آن، به عنوان یک وظیفه اسلامی است. در نتیجه اوّل باید تلاش کنید این اعتقاد و باور را در خود ایجاد کنید. دوّم مستلزم شناخت کامل "معروف "و" منکر "است، یعنی انسان بداند چه کارهایی منکر شناخته شده‌اند و چه کارهایی معروف. مثلاً- آیا امر به مستحبات و نهی از مکروهات هم در زمره امر به معروف و نهی از منکر است؟ سوم مستلزم آگاهی و شناخت درست از شرایط امر و نهی و آداب آن و زمینه پیدایش وجوب آن است. این که امر به معروف و نهی از منکر چه مراحلی دارد، علم به تأثیر آن در شخص یا عدم تأثیر آن نقشی در وجوب یا اسقاط تکلیف دارد یا خیر؟ متأسفانه عده‌ای از عاملان امر به معروف و نهی از منکر با عدم آگاهی کافی از آنچه بیان شد، اقدام به آن می‌کنند که نتیجه منفی آن بسیار بیشتر از نتایج مثبتش می‌باشد. امیدواریم این کوتاه انگیزه کافی برای مطالعه و تحقیق بیشتر در این زمینه را برای شما فراهم کرده باشد.

مادرم غیبت زیاد می‌کند.دوری از وی امکان ندارد و نهی از منکر هم در او تأثیر ندارد. چه رفتاری می‌توان باوی داشت؟

پرسش

مادرم غیبت زیاد می‌کند.دوری از وی امکان ندارد و نهی از منکر هم در او تأثیر ندارد. چه رفتاری می‌توان باوی داشت؟

پاسخ

نهی از منکر مراحل و مراتبی دارد، تفهیم منکر و ارائه شناخت و آگاهی صحیح با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های متناسب با اخلاق و روحیات و موقعیت اشخاص، از مراتب نخستین آن است. مادرت اجمالاً می‌دانند که غیبت گناه است اما شاید حرف‌های خود را غیبت نمی‌دانند، یا از مصادیق غیبت حرام و معصیت نمی‌شمارد و یا از آثار و عواقب غیبت در دنیا و کیفر و عذاب آن در آخرت آگاهی لازم را ندارد. لازم است در هر یک از سه مورد مذکور تذکر و آگاهی لازم به وی داده شود. حال که از شما نمی‌پذیرد، اگر به مسجد یا مجالس روضه خوانی یا بیان احکام و اخلاق می‌رود، - بدون آن که مادرت و کسی دیگر بفهمد - از امام جماعت یا سخنران جلسات، یا فردی از اقوام و خویشان که حرفش در مادرت تأثیر داد، بخواهید در ارتباط با غیبت صحبت کند. اگر باز اثر نکرد، هنگام غیبت خود را به کاری مشغول کن یا سعی کن حرف‌های او را به مسیرهای دیگر که برای مادرتان جذاب باشد، منحرف کن و از چیزهای دیگر سخن بگو، یا از محضر او بلند شو و بیرون برو. اگر این کار هم تأثیر ندارد، به علاوه موجب رنجش خاطر می‌شود، دیگر تکلیف و مسئولیتی در این مورد ندارید.

اگر برای ارشاد شخصی، به شخصیت فرد دیگر توهین کنم تا مخاطب بفهمد کارش اشتباه است، گناه محسوب می‌شود؟ اگر گناه است، چرا پیامبر شخصی را که تند نماز می‌خواند، به کلاغی تشبیه کرد که به زمین نوک می‌زند؟

پرسش

اگر برای ارشاد شخصی، به شخصیت فرد دیگر توهین کنم تا مخاطب بفهمد کارش اشتباه است، گناه محسوب می‌شود؟ اگر گناه است، چرا پیامبر شخصی را که تند نماز می‌خواند، به کلاغی تشبیه کرد که به زمین نوک می‌زند؟

پاسخ

اسلام توهین به شخصیت هیچ فردی را روا نمی‌داند و این موضوع استثنا ندارد، زیرا برای رسیدن به هدف هر چند خوب و عالی باید از وسیله مشروع و خوب استفاده کرد و هرگز هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند اما مثالی که مطرح کردید یعنی در مورد کسی که آدامس می‌جوید، بگویید مثل شتری است که علف می‌جود، این تهمت نیست، ولی غیبت می‌تواند باشد. البته اگر در حضور جمع این کار را می‌کند، غیبت او اشکالی ندارد و برخورد پیامبر(ص) به همین علت بوده است؛ یعنی نمازگزار در حضور جمع در مسجد با شتاب نماز خواند و حضرت این کار را به نوک زدن کلاغ تشبیه کرد. سخن پیامبر(ص) نه تهمت است و نه غیبت، چون به قصد تحقیر او گفته نشد و از طرفی در حضور جمع این کار را کرد. پیامبر(ص) با این تشبیه می‌خواهد تند خوانی و بی نشاطی در نماز را نکوهش کند. در روایتی دیگر امیرالمؤمنین(ع) به شخصی که با سرعت نماز می‌خواند فرمود": مَثَل تو پیش خدا مَثَل کلاغی است که با سرعت از زمین دانه می‌چیند.("۱) پی نوشت‌ها: ۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴.

وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پرسش

وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پاسخ

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجهٔ خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد. اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند. اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند(که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامهٔ ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

در صورتی که در خانهٔ ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

پرسش

در صورتی که در خانهٔ ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

پاسخ

اگر قدرت دارید، باید از پخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند، امر به معروف و نهی از منکر کنید. اگر

قدرت ندارید، یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند، وظیفه ای ندارید و فقط باید در آن محل که موسیقی حرام پخش می شود، مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید، با کمک خداوند متعال مؤثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت باز دارد.

وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پرسش

وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پاسخ

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجهٔ خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد. اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند. اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند(که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامهٔ ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

در صورتی که در خانهٔ ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

پرسش

در صورتی که در خانهٔ ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود، چه کار باید کنیم؟

پاسخ

اگر قدرت دارید، باید از پخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند، امر به معروف و نهی از منکر کنید. اگر قدرت ندارید، یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند، وظیفه ای ندارید و فقط باید در آن محل که موسیقی حرام پخش می شود، مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید، با کمک خداوند متعال مؤثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت باز دارد.

وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پرسش

وظیفهٔ ما نوجوانان در مجلس یا مدرسهٔ جدیدی که شئون اسلامی رعایت نمی شود چیست؟ چه کنیم تا هم دوستی ما برقرار باشد و هم از راه خود بر نگردیم؟

پاسخ

یکی از مهم ترین وظایف افراد هنگام روبرو شدن با منکرات، امر به معروف و نهی از منکر است. این گونه برخوردها اگر با رعایت ادب اسلامی و تواضع و فروتنی همراه شود، نیز افراد نصیحت کننده، خود به آن چه می گویند، پایبند باشند، با نتیجهٔ خوبی همراه خواهد شد. در این موارد باید توجه داشت که شرایط امر به معروف وجود داشته باشد، مثلاً شخص احتمال تأثیر بدهد. اما چه کنیم تا با چنین افرادی هم دوست باشیم و هم از آسیب های احتمالی در امان باشیم؟ پاسخ: اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند. اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند(که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامهٔ ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند .برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

پرسش

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند .برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

پاسخ

بدین منظور از راه کارهای زیر استفاده کنید : ۱- قبل از هر چیز اعتماد آنها را به خود جلب کنید تا تذکرات و سخنان تان تاثیر بیشتری داشته باشد .۲-ضررها و آثار سو روحی و روانی تماشای چنین فیلم هایی را به آنها متذکرشوید .۳- اهمیت و ارزش وقت به خصوص در دوران تحصیل را به آنهایادآوری کنید و آنها را به مطالعه و تحقیق تشویق نمایید .۴- توصیه کنید به جای تماشای چنین فیلم هایی ، اوقات فراغتشان را با ورزش و سرگرمی های شاد دیگر پر کنند و ضمن بیان فواید و آثار مثبت ورزش (مثل کوهنوردی ،شنا، فوتبال و ورزش های دسته جمعی دیگر) با یک برنامه ریزی منظم ،ترتیبی بدهید که فرصت کافی برای تماشای آن فیلم ها پیدا نکنند .۵- به کمک بعضی تشکل های دانشجویی دانشگاه و خوابگاه برای پر کردن اوقات فراغت جوانان به تشکیل و راه اندازی مسابقات فرهنگی ، ورزشی و یااردوهای علمی ، تفریحی و ...اقدام نمایید و یا از فیلم های جذاب علمی ودر ارتباط با رشته تحصیلی آنها استفاده کرده و به نمایش بگذارید; .

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

پرسش

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

پاسخ

برای انجام امور دینی توجه به راهکارهای زیر ضروری است : ۱- اعتقاد به این که تنها راه سعادت مند شدن عمل به احکام دینی و تقویت ایمان است . ۲- سعی کنید با ایجاد ارتباط بادوستانی مومن و جداشدن از دوستان ناباب (در صورتی که با چنین افرادی ارتباط دارید) زمینه انجام احکام الهی را در خود تقویت کنید .۳- سعی کنیدبرای انجام امور عبادی و دینی بیشتر به مراکز مذهبی مثل مسجد، حسینیه هاو ...بروید .۴- در انجام کارهای عبادی سعی کن افراط و زیاده روی نکنیدسعی نمایید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات اکتفا کنید .۵- کارهایی که واجب است انجام دهید و همچنین کارهایی که انجام آن حرام است فهرست کنید و هر روز ان فهرست را مرور کنید ..۶- سعی کنید مشغول هرکاری که هستید هنگام نماز دست از کار بردارید و نماز را در اول وقت انجام دهید .۷- با خودتان شرط کنید که اگر واجبی را ترک کردم یا به موقع انجام ندادم مقداری پول باید به عنوان جریمه صدقه بدهم یا یک روز روزه بگیرم. ۸- هر گاه موفق شدید وظیفه دینی خود را انجام دهید سر به سجده شکربگذارید و از خداوند تشکر کنید که توفیق انجام تکلیف را به شما عطا کرده واز او بخواهید که همیشه خداوند توفیق انجام وظیفه را به شما عطا کند .۹-به خودتان تلقین کنید که می توانم در انجام وظایف دینی ام موفق شوم . ۱۰-اگر گهگاهی موفق نشدید مایوس نشوید دوباره اقدام کنید .اما این که فرمودید چگونه همه را از خودم راضی کنم البته اینکه انسان بتواند به گونه ای رفتار کند که جلب توجه دیگران شود و دیگران از او راضی باشندبسیار خوب است ولی واقعیت اینست که ما نمی توانیم همه افراد را ازخودمان راضی کنیم بنابراین بهترین راه اینست که سعی کنیم خداوند را ازخودمان راضی کنیم و هیچ گاه رضایت دیگران را بر رضایت خداوند ترجیحندهیم ممکن است بعضی افراد از ما راضی شوند که ما مرتکب گناه شویم یااینکه واجبات دینی را انجام ندهیم و اگر خدای ناکرده ما چنین افرادی راراضی کنیم به قیمت خشم و غضب الهی به ما تمام خواهد شد و چنین کاری هرگز شایسته نیست اما در عین حال انجام راهکارهای در جلب علاقه دیگران به شما موثر است : ۱- در مقابل دیگران متواضع باشید و به آنهااحترام بگذارید .۲- در سلام کردن سعی کنید زودتر سلام کنید .۳- اگرمشلکی برای آنها پیش آمد به آنها کمک کنید و در صورت عدم توانایی حداقل ابراز همدردی کنید .۴- از خطای دیگران چشم پوشی کنید و آنها راببخشید .۵- اگر توانایی دارید هدیه ای ولو کوچک برای آنها تهیه کنید .۶- بادیگران با گشاده رویی برخورد کنید .۷- از برخوردهای تند و عصبی اجتناب کنید .۸- نسبت به دیگران دلسوز و مهربان باشید .۹- در کارهای اجتماعی و همچنین کارهای منزل مشارکت داشته باشید .۱۰- از تکبر ودوری از دیگران و همچنین از گوشه گیری و انزواطلبی جدا "پرهیز کنید;" .

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا – که تاثیر در باطن وروح افراددداشته باشد – بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید .

پرسش

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا – که تاثیر در باطن وروح افراددداشته باشد – بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید .

پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله : ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد .۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن . ۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن . ۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی

تـذکر داده می شود در رابطه با مصالـح خود او و به نفع اوست . ۵) تشـکیلاتی و هماهنـگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر .۶) دوری از تندروی ها و سلیقه ها و تعصبات عامیانه . ۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر .یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسـلام اصل (نظارت همگانی) است × یعنی باید این مسیله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسـیخته غربی درجامعه اسـلامی همه نسبت به یکدیگر مسوولند× زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و ماننـد مسافران یک کشتی اند که اگر در گوشه ای کسـی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد .همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سـرنوشت کـل جامعه اسـلامی دگرگون خوا.....شـد و آن جـا که آزادی فرد مضـر به سـعادت جامعه باشـد بایـد آن را محدود ساخت؛ .

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

پرسش

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر درصـورت احتمـال تـاثیر واجب است ، ولی در مـورد شـما آنچه ضـرورت دارد، روشـنگری و روشـن ساختن فلسـفه احکام برای آنهاست . بایدسعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضیح اینکه ترانه های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی کنـد و نیز سایر تاثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می گـذارد، آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده کنیـد .خداونـد در ایـن راه یـار و مـددکار شـما باشـد .در امر بـه معروف و نهی از منکر بایـد مراتـب امر بـه مع ЛЪŞ` و .....از منکررعای...شود .در ابتدا باید با گفتار و نصیحت و ارشاد راهنمایی کرد واگر این راه ها موثر واقع نشد، چنان چه کم کردن ارتباط و یا قطع آن موثر باشـد، از آن راه اقـدام شود و چنان چه هیـچ یک موثر واقع نشـد،می توانیـد مراتب را به مقامات مسوول دانشـگاه اطلاع دهید تاخودشان جلوگیری کنند و اگر هیچ یک از این امور ممکن نبود،تکلیف از شما ساقط می شود؛.

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسیولین ، اگر فایده نداشته باشد چطور؟

پرسش

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد، نصیحت یا گزارش به مسیولین ، اگر فایده نداشته باشد چطور؟

پاسخ

در صورت احتمـال تـاثیر نهی از منکر واجب است در غیر این صورت چنـان چه بطور غیر مسـتقیم (مثلاـ از طریق خـانواده) بتوانید نقش ارشادی در این موارد ایفا کنید بهتر است . مسایل حادی که قابل پیگیری است می توانید گزارش کنید؛ .

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به خاطر حفظ حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟

پرسش

اگر کسی در منزل انسان غیبت کند، به خاطر حفظ حرمت مهمان می توان او را نهی نکرد؟

پاسخ

انسان باید به وظیفه خود در برابر کسی که غیبت می کند، چه در منزل خود انسان باشد و چه در منزل دیگر، عمل کرده، امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت شرایط آن، انجام دهد. چه بسا حق و حرمت مهمان، شایسته این باشد که از گناه محفوظ بماند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲۰۵۰ـ اخلاق و تربیت رذائل اخلاقی غیبت

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدیتر لازم است؟

پرسش

آیا در صورتی که اعضای خانواده رفتارهای خلاف شرع داشته باشند و با ارشاد نیز دست از اعمال خود نکشند، برخورد جدیتر لازم است؟

پاسخ

به نظر امام خمینی((رحمه الله)) در صورتی که ترسی از فتنه و فساد نباشد، لازم نیست با خانواده - بخصوص مادر و پدر- قطع رابطه شود ;بلکه باز هم باید آنان را نصیحت و ارشاد نمود و با خشونت با آنان برخورد نکرد آری باید سعی کنیم که تحت تأثیر دعوت آنان به مطالب خلاف شرع قرار نگیریم. در آیه ای از قرآن چنین می خوانیم « ;و ما به انسان توصیه نمودیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنان کوشش نمودند که در آن چیزی که تو بهآن دانش نداری به من (خداوند) شرک بورزی اطاعت نکن. بازگشت شما به سوی من است پس شما را از آنچه عمل می کنید، با خبر خواهم کرد.(۱) ـــــــــــــــ ۱ - سوره عنکبوت، آیه ۷. ـ۲۳۶۰ـ (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲۳۶۱ـ

بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پرسش

بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ

حضرت امام خمینی (ره) در همین رابطه می فرمایند ": از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و دقیق ترین و شدید ترین آنها از نظر تأثیر و دلنشین ترین آنها بویژه اگر آمر و ناهی از علمای دین و سران مذهب باشد، آن امر به معروف و نهی از منکری است که از شخص صادر شود که خود لباس معروف چه واجب و چه مستحب را به تن کرده باشد، و از منکر بلکه از مکروه دور باشد (یعنی خود عامل به معروف و تارک منکر باشد) و کسی باشد که به اخلاق انبیاء و اهل معرفت آراسته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا بدور باشد تا با عمل و روش و اخلاقش آمر و ناهی باشد و مردم به او اقتدا کنند("...۱) با توجه به آنچه در این عبارت بود می توان بهترین شیوه را از حیث تأثیر جمع بین تذکر قولی و عملی دانست که ضمن اینکه عمل معروفها را انجام می دهیم با زبان نیز به کمک همان عمل آنرا گسترش دهیم و با رعایت شرائط تذکر از اخلاق و برخورد مناسب و غیره. برای توضیح بیشتر ضرورت دارد به مبحث امر به معروف و نهی از منکر به کتاب شریف تحریر الوسیله مراجعه شود.

۱) تبیان ، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره) ، ص ۲۴۰

چگونگی انجام فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر و تفاوتهای نحوهٔ عمل به این فریضه در محیط اجتماع و دانشگاه را بیان فرمایید.

پرسش

چگونگی انجام فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر و تفاوتهای نحوهٔ عمل به این فریضه در محیط اجتماع و دانشگاه را بیان فرمایید.

پاسخ

فقهاء بزرگوار در نحوهٔ امر به معروف و نهی از منکر مراتبی را قائل شده‌اند که این مراتب کلی است و فرقی بین مکانهای مختلف از این جهت نیست ولکن به اعتبار شرایط خاص ممکن است یک مرتبه تأثیر بیشتری داشته باشد و یا شیوهٔ خاصی مؤثرتر واقع شود، رهبر معظم انقلاب در پاسخ به سؤال اینکه بهترین شیوهٔ بر خورد با منکرات چیست می فرمایند": بستگی به این دارد که چه کسی بخواهد برخورد کند، اگر شما بخواهید برخورد کنید" زبان "است ـ تعجب نکنید تأثیر امر به معروف و نهی از منکر زبانی است ـ اگر انجام بگیرد ـ از تأثیرات مثبت پولادین حکومت‌ها بیشتر است. من چند سال است که گفته‌ام امر به معروف و نهی ازمنکر. البته عده ای این کار را می کنند؛ اما همه نمی‌کنند. همه تجربه نمی‌کنند، می گویند آقا چرا اثر نمی‌کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر سخنرانی بکنید؛ یک کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگوید، نفر سوم بگوید، نفر دهم بگوید، نفر پنجاهم بگوید؛ کی می تواند منکر را ادامه بدهد؟ البته به شما بگویم عزیزان من! منکر را باید بشناسید. چیزهایی ممکن است به نظر بعضی منکر بیاید؛ در حالی که منکر نباشد. باید معروف و منکر را بشناسید. واقعاً باید بدانید این منکر است بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر و جود داشته باشد. من می گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت‌های قلدر، قدرتمندها و سلاطین. آنها یند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید" زبان "است ".حضرت امام خمینی(هم تأکید بر آن داشته و می فرمایند": از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و دقیقترین و شدیدترین آنها از نظر تأثیر و دلنشین‌ترین آنها ـ آن امر به معروف و نهی از منکری است که از شخصی صادر شود که خود لباس معروف چه واجب و چه مستحب را به تن کرده باشد و از منکر بلکه مکروه دور باشد (یعنی خود، عامل به معروف و تارک منکر باشد) وکسی باشد که به اخلاق انبیاء و اهل معنویت آراسته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا بدور باشد تا با عمل و روش و اخلاقش آمر و ناهی باشد و مردم به او اقتدا کنند".

امر به معروف و نهی از منکر در جامعهٔ امروزی چگونه است؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در جامعهٔ امروزی چگونه است؟

پاسخ

امربه معروف و نهی از منکر از مهمترین فروعات اسلام است و سرلوحهٔ مصلحان بزرگی چون انبیا و امامان بوده است در جامعهٔ امروز به صورت فردی و جزئی اجرا می‌شود اما توفیق در این مهم منوط به فراگیر کردن این واجب توسط همهٔ مردم است که ابتدا باید مصادیق آن را بشناسند و سپس اقدام به این واجب کنند. در رساله های عملیه واجبات وارکان امر به معروف ونهی از منکر به تفصیل آمده است از جمله اینکه : باید معروف ومنکر شناخته شود . پس برای همگانی کردن آن یک بحث تعلیم وآموزش معروف ومنکر را داریم . امّا در اقدام به آن از جمله کسانی که می توانند در این آموزشها مؤثر باشند روحانیون هستند وآموزش وپرورش با قرار دادن آن در دروس رسمی ، نمازجمعه ها ،مساجد ، رسانه ها وهمه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند . بطور کلی دشمن هرچه پنهان تر باشد قوی تر شده وشکست آن سخت تر می شود . لذا باید دشمن را معرفی کرد . یک سری از دشمنی ها با انقلاب صورت می پذیرد که مردم در تشخیص آنها نیازمند همین آموزشها هستند . ودر اجرای این فریضه باید یک هماهنگی میان قوای سه گانه با مردم وجود داشته باشد . در مسئله جنگ این هماهنگی بود . مشکل عمده بعد از معرفی منکر ومعروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل بعضی منکرات ، صورت پذیرفت ، جایگاه مشخصی داشته باشد واز آن حمایت شود . نیاز به یک سری آموزشهایی است که وقتی مردم به میدان دعوت می شوند نیروهای مسئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشند . اگر استقبال مناسب نباشد ونیروها یکدیگر را خنثی کرده یا در مسئولیت خود اهمال کنند موفق نمی شوند . برای شرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند وبعد از آن مجموعه ها ی بزرگتری اقدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشته باشد واول کسانی که آمادگی دارند ونیروهای پیشتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد . البته این اشکال بیشتر متوجه مسئولین اجرایی است زیرا مردم وقتی دعوت رهبر خود را به این امر مهّم می بینند در صحنه حاضر می شوند . مقام معظم رهبری د راین زمینه می فرمایند " : وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف ونهی از منکر می کنند ، این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است همه آحاد یک ملت آمر به معروف وخیر وناهی از منکر باشد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشته باشند . همه باید به کارهای جامعه کار داشته باشند واهتمام بورزند . همه باید آگاه باشند . همه باید معروف شناس ومنکر شناس باشند . این به معنای نظارت ، حضور وهمکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالا در همه است . امر به معروف به این معناست . والاّ اگر ما امر به معروف را دریک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم ودشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهای بد حجاب اینجور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام همه چیز به اوست ، بیاورند در یک دایره محدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه ؟ خیر ، قضیه بالاتر از این حرفها ست . تخلفها یک اندازه ویکجور نیست . تخلفها تنها تخلفهای فردی‌نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها وجرائمی است که پایه های نظام را سست می کند . نا امیدکردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع واحوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی وپیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است . امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس (نه آنجورکه شما در خیابان ببینید وبفهمید ومشاهده کنید) به شکلهای گروهکی وبا هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد وبی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرات، هم اخلاقی ، هم سیاسی وهم اقتصادی است . همه جا هم جای نهی از منکر است . یک دانشجو هم می تواند در محیط درس وعلم نهی از منکر کند . یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک هنرمند هم

بـا وسایـل هنری خـود می توانـد نهی از منکر کنـد . روحـانیون در محیطهـای مختلف یکی از مهمـترین عوامـل نهی از منکر وامر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد . این کار،کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عـده خاصـی مثـل نیروهـای مسـلح یـا نیروهـای دیگر باشـد ، کـارهمه است . البته هر کسـی وظیفه ای دارد . من در پیـام تشـکری که منتشـر شـد عرض کردم که قشـرهای مختلف بایـد جایگاه خود را در امر به معروف ونهی از منکر پیـدا کنند . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا باید نهی از منکر بکنید ودر مقابل کدام منکر می توانید مقاومت بکنید وبایستید وکدام را می شناسـید ، مهم است . کـار ، کار مردمی است . البته علمای دین بایـد مردم راهـدایت وراهنمایی کننـد . کیفیت نهی از منکر را برای مردم بیان کنند ومنکر را برای آنها شرح بدهند (" . ۱) ـــــــــــــــــــــــــــــــ ۱) کوثر ولایت ، مقام معظم رهبری ، ص ۲۷ – ۲۶ امّا اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصیرچه کسی است ؟ باید اعتراف کرد که موانعی برای عملی شدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط وجناحهای مختلف است که در روشـهای اصـلاح جامعه نظرهای مختلف ارائه می کنند وهر کدام برداشتی را از پیش خود ارائه می کننـد وآن تبعیت از رهـبری که بایـد در همه مسـئولین باشـد ، نیست . یکی از نتایـج بسـیار نـامطلوب این جنـاح بندیها که فقط جنبه سیاسی هم ندارد مثل بحث آزادی و ... آنقدر اختلاف آراء ونظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسـی اجرایی این فریضه است . این مـانع وقتی به مسـئولین دولتی سـرایت می کنـد وآنهـا در اسـاس این فریضه واجرای آن تردید می کنند یا بعضـی از آنها خود به بسـیاری منکرات مبتلا هستند این سبب برزمین ماندن این فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشـتن از تشـتت آراء واختلافـات سیاسـی وگـوش به فرمـان رهـبری بودن واجرای اوامر ایشـان وحفـظ وحـدت رویّه و وحدت ملّی است .

وظیفه آحاد مردم در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چگونه است؟

پرسش

وظیفه آحاد مردم در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چگونه است؟

پاسخ

امربه معروف و نهی از منکر از مهمترین فروعـات اسـلام است و سـرلوحهٔ مصـلحان بزرگی چون انبیـا و امامـان بوده است در جامعهٔ امروز به صورت فردی و جزئی اجرا می‌شود اما توفیق در این مهم منوط به فراگیر کردن این واجب توسط همـهٔ مردم است که ابتـدا باید مصادیق آن را بشناسـند و سـپس اقدام به این واجب کنند. در رساله های عملیه واجبات وارکان امر به معروف ونهی از منکر به تفصـیل آمـده اسـت از جملـه اینکـه : بایـد معروف ومنکر شـناخته شـود . پس برای همگـانی کردن آن یـک بحث تعلیم وآمـوزش معروف ومنکر را داریم . امّا در اقـدام به آن از جمله کسانی که می توانند در این آموزشـها مؤثر باشـند روحانیون هسـتند وآموزش وپرورش با قرار دادن آن در دروس رسمی ، نمازجمعه ها ،مساجد ، رسانه ها وهمه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می تواننـد نقش مؤثری داشـته باشـند . بطور کلی دشـمن هرچه پنهان تر باشـد قوی تر شـده وشـکست آن سـخت تر می شود . لذا باید دشمن را معرفی کرد . یک سری از دشمنی ها با انقلاب صورت می پذیرد که مردم در تشخیص آنها نیازمند همین آموزشها هستند . ودر اجرای این فریضه بایـد یـک همـاهنگی میـان قوای سه گـانه با مردم وجود داشـته باشـد . در مسـئله جنگ این هماهنگی بود . مشکل عمده بعد از معرفی منکر ومعروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل بعضی منکرات ، صورت پذیرفت ، جایگاه مشخصـی داشـته باشد واز آن حمایت شود . نیاز به یک سـری آموزشهایی است که وقتی مردم به میدان دعوت می شوند نیروهای مسـئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشـند . اگر استقبال مناسب نباشد ونیروها یکدیگر را خنثی

کرده یا در مسئولیت خود اهمال کنند موفق نمی شوند . برای شرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند وبعد از آن مجموعه ها ی بزرگتری اقدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشته باشد واول کسانی که آمادگی دارند ونیروهای پیشتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد . البته این اشکال بیشتر متوجه مسئولین اجرایی است زیرا مردم وقتی دعوت رهبر خود را به این امر مهّم می بینند در صحنه حاضر می شوند . مقام معظم رهبری د راین زمینه می فرمایند " : وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف ونهی از منکر می کنند، این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است همه آحاد یک ملت آمر به معروف وخیر وناهی از منکر باشد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشته باشند . همه باید به کارهای جامعه کار داشته باشند واهتمام بورزند . همه باید آگاه باشند . همه باید معروف شناس ومنکر شناس باشند . این به معنای نظارت ، حضور وهمکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالا در همه است . امر به معروف به این معناست . والاّ اگر ما امر به معروف را دریک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم ودشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهای بد حجاب اینجور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام همه چیز به اوست ، بیاورند در یک دایره محدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه ؟ خیر ، قضیه بالاتر از این حرفها ست . تخلفها یک اندازه ویکجور نیست . تخلفها تنها تخلفهای فردی‌نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها وجرائمی است که پایه های نظام را سست می کند . نا امیدکردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع واحوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی وپیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است . امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس (نه آنجورکه شما در خیابان ببینید وبفهمید ومشاهده کنید) به شکلهای گروهکی وبا هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد وبی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرات، هم اخلاقی ، هم سیاسی وهم اقتصادی است . همه جا هم جای نهی از منکر است . یک دانشجو هم می تواند در محیط درس وعلم نهی از منکر کند . یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند . روحانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر وامر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد . این کار،کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عده خاصی مثل نیروهای مسلح یا نیروهای دیگر باشد ، کارهمه است . البته هر کسی وظیفه ای دارد . من در پیام تشکری که منتشر شد عرض کردم که قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در امر به معروف ونهی از منکر پیدا کنند . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا باید نهی از منکر بکنید ودر مقابل کدام منکر می توانید مقاومت بکنید وبایستید وکدام را می شناسید ، مهم است . کار ، کار مردمی است . البته علمای دین باید مردم راهدایت وراهنمایی کنند . کیفیت نهی از منکر را برای مردم بیان کنند ومنکر را برای آنها شرح بدهند.»(۱) امّا اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصیرچه کسی است ؟ باید اعتراف کرد که موانعی برای عملی شدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط وجناحهای مختلف است که در روشهای اصلاح جامعه نظرهای مختلف ارائه می کنند وهر کدام برداشتی را از پیش خود ارائه می کنند وآن تبعیت از رهبری که باید در همه مسئولین باشد ، نیست . یکی از نتایج بسیار نامطلوب این جناح بندیها که فقط جنبه سیاسی هم ندارد مثل بحث آزادی و ... آنقدر اختلاف آراء ونظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسی اجرایی این فریضه است . این مانع وقتی به مسئولین دولتی سرایت می کند وآنها در اساس این فریضه واجرای آن تردید می کنند یا بعضی از آنها خود به بسیاری منکرات مبتلا هستند این سبب برزمین ماندن این

فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشتن از تشتت آراء واختلافات سیاسی وگوش به فرمان رهبری بودن واجرای اوامر ایشان وحفظ وحدت رویّه و وحدت ملّی است .

در امر به معروف و نهی از منکر خواهرانی که خود میل به کارهای خراب دارند و با برادران گفتگوی غیر مجاز و بیش از حد شرم آور دارند چگونه باید عمل کرد؟ یا به چه مکان‌ها و شماره تلفنی تماس گرفت که سریعتر عمل کنند؟

پرسش

در امر به معروف و نهی از منکر خواهرانی که خود میل به کارهای خراب دارند و با برادران گفتگوی غیر مجاز و بیش از حد شرم آور دارند چگونه باید عمل کرد؟ یا به چه مکان‌ها و شماره تلفنی تماس گرفت که سریعتر عمل کنند؟

پاسخ

بحث امر به معروف و نهی از منکر متأسفانه آنگونه که شایسته و بایسته است در جامعه ما تبیین نشده و افراط و تفریط‌های زیادی صورت گرفته است عده‌ای بسیار سخت‌گیری کرده‌اند و موجبات عصیان جوانان را فراهم ساخته و عده‌ای دیگر نیز با آزادی غیر معقول و غیر مشروع به طور عملی به دفاع و حمایت از بعضی منکرات پرداخته‌اند. امر به معروف و نهی از منکر آداب، شرایط، مقدمات، ملزوماتی دارند که در کتاب‌های مربوط و رساله‌های علمیه مراجع بزرگوار تقلید به آن اشاره شده است. (۱) اگر امر معروف و نهی از منکر و ارشاد جامعه با شرایط خودش انجام گیرد بهترین و بیشترین تأثیر را خواهد داشت ولی متأسفانه برخی آنرا چماق می‌کنند و گروهی آنرا تخطئه می‌سازند و امر به معروف و نهی از منکر با شرایط برای افراد عادی در حد تذکر زبانی و لسانی جنبه وجوب دارد و در مرحله عملی فقط باید توسط حاکم و عوامل حکومت صورت بگیرد و از هرگونه درگیری و تنش باید اجتناب کرد و اگر تذکر و نصیحت مفید نباشد و می‌توان به عوامل حکومتی اطلاع داد که ستاد اجرایی امر به معروف و نهی از منکر و پاسگاه‌های انتظامی و نیروی انتظامی و یا ۱۱۳ ادارات اطلاعات شهرستان‌ها اطلاع داد. البته برخورد قضایی و انتظامی آخرین مرحله است و اگر بتواند از طریق نصیحت و ارشاد دوستانه و صمیمانه افراد خاطی را هدایت کرد بسیار تأثیرگذارتر خواهد بود چه برخورد فیزیکی افراد را عاصی می‌کند و نه تنها بسیاری از موانع سازنده نیست بلکه آثار تخریبی منفی دارد. باید ریشه‌ها و عوامل را شناسایی کرد و در رفع و نابودی آنها تلاش کرد. این روش بسیار موفق‌تر و کارسازتر است تا برخورد فیزیکی و دستگیری و بازداشت و زندان و شلاق و ... منابع و مآخذ: ۱ـ از جمله می‌توانید به کتاب حماسه حسینی شهید مطهری مبحث عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی مراجعه کنید.

اگر از شما بخواهند چند جوان که شاید ظاهر نادرستی از لحاظ پوشش داشته باشند منظور این که مثلا فردی که فرضاً موهای خود را بسته و لباس چسبیده به تن دارد را به گونه‌ای ارشاد کنید که به نماز جماعت بیایند که خودتان نیز پیش نماز باشید چگونه برخورد می کنید آیا ممک

پرسش

اگر از شما بخواهند چند جوان که شاید ظاهر نادرستی از لحاظ پوشش داشته باشند منظور این که مثلا فردی که فرضاً موهای خود را بسته و لباس چسبیده به تن دارد را به گونه‌ای ارشاد کنید که به نماز جماعت بیایند که خودتان نیز پیش نماز باشید چگونه برخورد می کنید آیا ممکن است شما نیز برای این کار حاضر باشید لباس مقدس خودتان را بیرون بیاورید؟

پاسخ

از این که شما برادر عزیز و بزرگوار به این نکته مهم توجه دارید بسیار سپاس گذار و خداوند را شاکریم. این که شما عزیز گرامی به جلب و جذب جوانان می اندیشید که به زعم دیگران در مسیری جدای از مسیر متدینان گام بر می دارید بسیار خوشوقتیم و از خداوند والا مرتبه استمداد می طلبیم و نیز شما از درگاه با عظمتش بخواهید در این مسیر یار و یاور و راهنما و هادی شما باشد. برادر عزیز که احتمالا در کسوت مقدس اقامه جماعت هستی لابد حتما حد پوشش و لباس را در منابع فقهی و دینی خوانده‌ای و می دانی که حد پوشش برای مرد چقدر است و تا چه میزان واجب است و بسیاری از سختگیریها که در جامعه ما نسبت به پوشش پسران می شود وجوب شرعی ندارد عرف آنرا نمی پذیرد و چون خلاف عرف است با آن مقابله می شود. همچنین بلندی مو و بستن آن نیز حرام و گناه نیست همچنان که کوتاه کردن موی سر نیز واجب نیست بنابرین در این مرحله باید بدان که فرد مورد نظر گناهکار نیست کوتاه کردن موی سر نیز واجب نیست. بنابرین در این مرحله باید بدان که فرد مورد نظر گناهکار نیست فقط عرف جامعه را رعایت نکرده است بنابرین شما در مواجه اولیه با او حق نداری به آنچه که خلاف شرع و دین نیست توجه کنی و به گونه ای القا کنی که کارش خلاف جلوه و در همان ابتدا او را طرد کنی. این مشکلی است که در قالب متدینان و دوستان عزیز ائمه جماعت و مبلغان و ... مشاهد می شود و به جای اینکه به مسایل عمده و زیر بنایی و واجبات و محرمات اسلام توجه کنند به ظاهر به افراد و مسایل جزیی که گاهی اصلا گناه نیست و گاهی ممکن است گناه صغیره باشد توجه می کنند و از امهات مسایل غفلت می کنند. برادر عزیز! شاید بهترین راهکار برای جذب و جلب جوانان دوستی و رفاقت و برخورد خوش و شیرین باشد. سلام کردن به آنان، گرم گرفتن و احوال پرسی صمیمانه و سوال کردن از وضعیت درسی و... و کمک کردن به آنان اگر متوجه نیازی شدید و... باید با جوانان رفیق شد. درددل های آنان را گوش کرد. به آنان احترام گذاشت. آنان را مورد تکریم قرار داد و آنها را صاحب درک و فهم و خرد دانست و با آنان به مشورت پرداخت و از نظرات متقن و محکم آنها استقبال کرد و در جمع اعلام کرد و تشویقشان کرد. نباید به دلیل این که موهایش بلند است به دیدگاه و نظرات او بی اعتنا شد بلکه تعمداً باید دنبال موقعیتی بود تا او را مطرح کنیم و به عنوان فردی با کمال و فضیلت طرح شود. اگر بتوانیم با جوانان رابطه دوستانه و صمیمانه و صادقانه برقرار کنیم تا آنان احساس کنند دوستشان داریم و قصد نداریم عقایدمان را بر آنان تحمیل کنیم به مرور زمان نا خداگاه همانند سازی پیدا خواهد شد و سعی خواهد کرد مثل ما بشود البته در این ارتباط دوستانه ضرورتی وجود ندارد انسان اصول و معیارهای خودش را کنار بگذارد. مثلاً لباس مقدس روحانیت را کنار بگذارد تا به زعم خودش جوانا ن با او ارتباط برقرار کنند. بلکه برعکس جوان با این فرد با دیده فردی بی‌پایه و اساس نگاه خواهد کرد ممکن است با او دوست بشود ولی او را به عنوان رهبر نخواهد پذیرفت. طلبه باید طلبگی خودش را حفظ کند ولی با جوانان درست باشد و اگر مثلاً قرار شد با آنان فوتبال بازی کند لباسش را درآورد و بازی کند ولی پس از آن مجدداً به کسوت اصلی خودش باز گردد و لباس خودش را بپوشد. این نشان دهنده ثبات شخصیتی او خواهد بود و جوان به او تکیه و اعتماد می کند.

در حال حاضر که اینقدر نوارهای موسیقی چه صوتی و چه تصویری رواج پیدا کرده است و ما در هر زمانی شاهد اینگونه ماجرا هستیم و نمی شود علم آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد و آیا در چنین مواقعی شنیدن اینگونه مبتذلها و دیدن نوارها و سی دی های تحریک کننده چه

پرسش

در حال حاضر که اینقدر نوارهای موسیقی چه صوتی و چه تصویری رواج پیدا کرده است و ما در هر زمانی شاهد اینگونه ماجرا هستیم و نمی شود علم آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد و آیا در چنین مواقعی شنیدن اینگونه مبتذلها و دیدن نوارها و سی دی های تحریک کننده چه حکمی دارد و برای جلوگیری از این گونه مسائل چه باید کرد؟

پاسخ

وظیفه دولت و مردم در برابر انحرافات" قسم به کسی که جانم در دست اوست، برخی از امتم در قیامت به صورت خوک و میمون محشور می شوند، بخاطر مدارا کردن آنها در برابر معاصی و خودداری از نهی از منکر در حالی که قدرت آن را دارند ("۱) پیامبر اکرم (ص") کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، خلیفهٔ خدا و رسول در روی زمین است ("۲) پیامبر اکرم (ص") آیا شما را خبر دهم به اقوامی که پیامبرو شهید نیستند، ولی در قیامت انبیاء و شهدا بر آنها غبطه می خورند؟ آنان کسانی هستند که بندگان خدا را دوست دارند و در روی زمین خیر خواه آنان هستند، آنها را به آنچه خداوند را دوست دارد امر و از آنچه اکراه دارد نهی می کنند ("۳) پیامبر اکرم (ص) حضرت امام خمینی (ره): امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است، یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد بر دیگری نه، همهٔ ما مکلفیم که همان طور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، ملکف هستیم دیگران را همین طور دعوت کنیم. هر مقداری که می توانیم، شما نباید بگویید که خوب، من که خطیب نیستم، من که اهل منبر نیستم، من که اهل محراب نیستم، شما اهل این هستید که در خانواده‌تان، با آن پسرتان و با آن دخترتان و با اولیائتان، با آن کسی که رفیق شما هست، می توانی حرف بزنید، همین مقدار شما مکلفید، اگر انسان دید معصیت خدا می شود، باید جلویش را بگیرد، نگذارد، معصیت خدا بشود. (صحیفه نور، ج۱۱، ص۸۴) امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است، فقط من و شما به عنوان مسؤولان کشور وظیفه مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین تر است. باید از شیوه ها ووسائل مناسب استفاده کنیم؛ اما آحاد مردم هم وظیفه دارند. با چهار تا مقاله در فلان روزنامه، واجب امر به معروف نه از وجوب می افتد، نه ارزش تأثیرگذاریش ساقط می شود. قوام و رشد و کمال و صلاح، وابستهٔ به امر به معروف و نهی از منکر است؛ این هاست که نظام را همیشه جوان نگه می دارد. چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفهٔ خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی همیشه تر و تازه و با طراوت و شادب می ماند. طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقهٔ عامهٔ مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه این که از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ اینکار یا این حرف درست نیست. امر و نهی باید با حالت استعلا ء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیأن بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی شود گفت که خواهش می کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می کنی؟ طرف، هر کسی هست ـ حالا بنده که طلبهٔ حقیری هستم ـ از بنده مهمتر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. (۴) حضرت آیت الله بهجت: امر به معروف و نهی از منکر با شرایط آن واجب است. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: تکلیف همه بدون استثناء رعایت احکام شرع و حلال و حرام دین است و هر کسی بر طبق توان خود امر به معروف و نهی از منکر نماید تا خدای ناخواسته تدریجاً معروف، منکر نشود و منکر عنوان معروف پیدا نکند. حضرت آیت الله تبریزی: چنانچه دولت بخواهد مشروعیت داشته باشد باید از مظاهر فساد جلوگیری کند و وظیفهٔ مردم حتی المقدور نصیحت و راهنمایی دیگران و حفظ اهل و عیال خود می باشد. حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: امر به معروف و نهی از منکر طبق شرایط و مراحل آن باید انجام شود. حضرت آیت الله مکارم شیرازی: همه موظف به احیای فریضهٔ مهم امر به معروف و نهی از منکر هستند. حضرت آیت الله سیستانی: تکلیف، امر به معروف و نهی از منکر است". شنیدن و استماع موسیقی قساوت قلب می آورد ("۵) پیامبر اکرم (ص") هیچ گناهی را کوچک مشمارید که انسان وقتی در قیامت به گناهان خود می‌نگرد، دیدگانش چرک می گرید ("۶) پیامبر اکرم (ص") به کوچکی گناه ننگرید، به کسی که جرأت مخالفت با او کرده اید نگاه کنید ("۷)

دوستی دارم که هر وقت به خانه آنها می روم برایم نوار ترانه و شو می گذارد ولی من دوست ندارم نگاه کنم و از طرفی خجالت می کشم که

به او بگویم. البته جو خانه آنها همینطور است ولی دوستم را از نظر اخلاقی، معرفتی و دینی خیلی دوست دارم او اهل نماز روزه و دعا هم هست

پرسش

دوستی دارم که هر وقت به خانه آنها می روم برایم نوار ترانه و شو می گذارد ولی من دوست ندارم نگاه کنم و از طرفی خجالت می کشم که به او بگویم. البته جو خانه آنها همینطور است ولی دوستم را از نظر اخلاقی، معرفتی و دینی خیلی دوست دارم او اهل نماز روزه و دعا هم هست و مدت ۱۸ ماه است با او دوست هستم. شما بگویید که چه کاری به صلاح ام است؟

پاسخ

همانگونه که خودت ابراز نموده ای از موارد خلاف متنفر هستی و از گناه کردن اجتناب می ورزی ولی در مواجه با دوستت خجالت و کم رویی مانع از این می شود که از ارتکاب خلاف خودداری ورزی ولی باید بدانی که در امور فوق خجالت مفهومی ندارد و حاکی از عقل و اندیشه نیست. تو باید به نحوی از ابتلاـ به آن کارها خودداری ورزی. شما می توانی در خارج از منزل وقتی با یکدیگر تنها هستید با بیان مضرات و دلایل متقن و محکم و عواقب موارد فوق به آن دوست خودت تفهیم کنی که اشتغال به آن کارها مضر است و انسان را از مسیر اصلی زندگی حیات بخش و سعادت آفرین ممکن است منحرف سازد و البته می توانید بجای آنها از موسیقی و نوارهای شاد و جذاب و مجاز استفاده کنید نه این که فقط مخالفت بورزی بلکه با بیان مضرات و عواقب سوء آن سعی کنید هر دوی تان از اجتناب به آن ارتکاب ورزید و برای اقناع حس و روحیهٔ زیبایی طلبی خویش از موسیقی جذاب شاد و مجاز بهره مند شوید. می توانید کتاب ها و آثار مربوط به مضرات و آثار سوء مربوط به موسیقی مخرب را مطالعه کنید تا هم خودتان به صورت علمی دلایل تحریم و حرمت موسیقی و غنا را بشناسید و هم بتوانید دیگران را آگاه سازید. شما دوست عزیز حتما باید قبل از رفتن به منزل آن دوست خودت این مسئله را بسیار دوستانه و صمیمی مطرح کنی و بگویی که بسیار او را دوست داری ولی از آن مسئله ناراحت هستی و تا به حال هم به همین دلیل علی رغم ناراحتی خودت آنرا مطرح نکرده ای و او را نیز قبول داری و یادآور بشوی که اعمال خوب و نماز و روزه ها از آن طریق تباه شده یا خواهد شد و یا در معرض تباهی قرار دارد. و نیز متذکر شوی که می توانید به طور مشترک به موسیقی های مجاز گوش کنید و خود را اغنا کنید و مانعی برای پیشرفت علمی و عملی خودتان فراهم نسازید. و نیز یادآور شوید که اگر این امر ادامه پیدا کند با کمال تأسف و حسرت در منزلشان حضور نخواهی یافت. خجالت و کم رویی در این موارد را کنار بگذار و در یک فرصت مناسب در پارک یا... آنرا مطرح کن. امیدوارم موفق به هدایت آن دوست بشوی.

اگر ما در مجلس عروسی حاضر گردیم و آن مجلس از موسیقی مبتذل استفاده نموده آن موسیقی به گوش برسد چه کار کنیم اگر هم عروسی را ترک کنیم صاحب خانه ناراحت می شود باز هم باید از آنجا برویم؟ راهنمایی کنید؟

پرسش

اگر ما در مجلس عروسی حاضر گردیم و آن مجلس از موسیقی مبتذل استفاده نموده آن موسیقی به گوش برسد چه کار کنیم اگر هم عروسی را ترک کنیم صاحب خانه ناراحت می شود باز هم باید از آنجا برویم؟ راهنمایی کنید؟

پاسخ

توجه شما را به پاسخ استفتائات ذیل از مراجع عظام جلب می‌کنیم: پاسخ از آیت الله صافی گلپایگانی: ما دو خواهر ۱۹ ساله هستیم، با توجه به اینکه مجالس عقد و عروسی و از این قبیل که در آنها از نوارهای موسیقی و رقص زنان برای زنان به کار برده می شود و این مورد حرام است، از شرکت در این مجالس خودداری می کنیم. این مسأله تا اندازه ای باعث مخالفت پدر و مادر و اطرافیان شده است و حتی بسیاری از آنان با گفتن مواردی مثل کناره گیری از مردم یا دوری از اجتماع و مسخره کردن ما و این که به ما می گویند: شما همیشه نمی توانید این طور ادامه دهید، و با توجه به این که ما مجرد هستیم و در تمامی مجالس دعوت شده موارد فوق وجود دارد از نظر اجتماعی با مشکلاتی روبرو شده‌ایم، با این وجود نمی خواهیم به هیچ عنوان بر خلاف اسلام عمل کنیم و به ما پیشنهاد می شود که راه تقیه را پیش بگیرید یا اینکه شما در این مجالس بیایید و نظری ندهید و گوشه ای بنشینید این نظرها برای ما قابل قبول نیست چون دلیلی بر تأیید آنان نمی دانیم و در ضمن روبرو با صداها و لهو و لعب های آنان هستیم و فکر می کنیم شرکت در این مجالس باعث عادی شدن این گناه می شود. خواهشمندیم در این مورد ما را راهنمایی فرمایید. پاسخ: شرکت در مجلس معصیت جایز نیست و مورد سؤال از موارد تقیه محسوب نمی شود. خداوند به شما توفیق بدهد؛ شما در این گونه مجالس شرکت نکنید تا دیگران از استقامت شما در این امر پند بگیرند. (۱) حضرت آیت الله خامنه ای: شرکت کردن در مجالس حرام در هر صورت جایز نیست و امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است. حضرت آیت الله بهجت: این نوع بها نه ها باعث حلال شدن حرام الهی نمی شود. حضرت آیت الله صافی گلپایگا نی: شرکت در مجالس معصیت جایز نیست. حضرت آیت الله مکارم شیرازی: در صورتی که نتوانید آنها را نهی از منکر کنید نباید شرکت کنید. حضرت آیت الله تبریزی: می توانید شرکت کنید ولی هنگام شروع لهو و لعب نهی از منکر نمایید اگر اثر نکرد حرکت نمایید در این صورت مأجور هستید. حضرت آیت الله سیستانی: اگر مبتلاـ به حرام می شود جایز نیست. حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: شرکت در مجالسی که در آن عمل حرام و گناه صورت می گیرد و انسان نمی تواند نهی از منکر کند صحیح نیست و اگر علت عدم شرکت را بدانند دشمنی و خصومت نمی کنند. آیت الله العظمی اراکی(ره): موسیقی مطرب و ملهی و ترانه های مبتذل حرام است و نیز شرکت در مجالس حرام. موسیقی از اموری است که البته هر کس به حسب طبع خوشش می آید لیکن انسان را از جدیت بیرون می برد و به یک موجود هزل و بیهوده می کشاند، موسیقی فکر انسان را طوری می کند که دیگر نتواند در غیر محیط موسیقی و شهوات و اموری که مربوط به موسیقی است فکر بکند".سخنرانی حضرت امام خمینی، ۳۰/۴/۸۳ "منابع و مآخذ: ۱ـ جامع الاحکام، ج۱، ص۱۰۱۱ برگرفته از کتاب مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ج۱، سید محسن محمودی، ص۱۴۴،۱۴۳

اگر فردی به مجلس عروسی دعوت شود و پس از ورود با میهمانان که مشغول رقص و پایکوبی هستند روبرو شود و بر فرض آنکه با ترک مجلس، امر به معروف و نهی از منکر نیز محقق نشود وظیفه فرد چیست؟ ماندن در آن مجلس چه حکمی دارد؟

پرسش

اگر فردی به مجلس عروسی دعوت شود و پس از ورود با میهمانان که مشغول رقص و پایکوبی هستند روبرو شود و بر فرض آنکه با ترک مجلس، امر به معروف و نهی از منکر نیز محقق نشود وظیفه فرد چیست؟ ماندن در آن مجلس چه حکمی دارد؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما نظرتان را به استفتائی از آیت الله خامنه ای در همین رابطه جلب می نماییم. س: ۱ـ شرکت در جشنهایی که زنان و مردان در آنها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی بطور جداگانه می کنند چه حکمی دارد؟ ۲ـ آیا شرکت در عروسی هایی که در آنها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی می شود، جایز است؟ ۳ـ آیا نهی از منکر در مجالسی که در آنها رقص انجام می

شود، در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر در شرکت کنندگان تأثیری نداشته باشد، واجب است؟ ۴ـ رقص مختلط زن و مرد چه حکمی دارد؟ ج: بطور کلی اکر رقص باعث تهییج شهوت شود یا همراه با عمل حرام و یا مستلزم آن بوده و یا به صورت مختلط بین زنان و مردان اجنبی باشد، جایز نیست و فرقی نمی کند بین اینکه در جشنهای عروسی باشد یا غیر آن و شرکت در مجلس معصیت هم اگر مستلزم ارتکاب حرام مانند گوش دادن به موسیقی مطرب و لهوی مناسی با مجالس لهو و گناه باشد و یا حضور در آنها تأیید گناه محسوب شود، جایز نیست و اما تکلیف امر به معروف و نهی از منکر با عدم احتمال تأثیر ساقط است. منابع و مآخذ: رسالهٔ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، ج۲، ص۱۱۹

وقتی روزانه در خیابان محرمات زیادی صورت می‌گیرد وظیفهٔ افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر چیست

پرسش

وقتی روزانه در خیابان محرمات زیادی صورت می گیرد وظیفهٔ افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر چیست

پاسخ

همان طور که می‌دانید، امر به معروف و نهی از منکر با رعایت تمام شرایط که در رساله‌های عملیه ذکر شده است بر همه مردم واجب است لذا وظیفه ما این است که این فریضه مهم را به شیوه‌ای صحیح مشفقانه و ناصحانه انجام دهیم تا بتوانیم تارک معروف و عامل منکری را که مغرض نیستند، ارشاد کنیم و اگر هم مغرض هستند ;فرصت انجام دادن اعمال زشت را از آنان بگیریم

هم‌اکنون در جامعه بی‌بندوباری روابط نامشروع فساد، قاچاق مواد مخدر، بی‌اعتنایی به شعائر مذهبی نشر فرهنگ بیگانه زیر پا گذاشتن حرمت حجاب دهن‌کجی به اسلام روی کار آمدن مطرب‌ها و رقاص‌ها، رمالی دعانویسی جادوگری جرأت پیدا کردن اراذل و اوباش

پرسش

هم‌اکنون در جامعه بی‌بندوباری روابط نامشروع فساد، قاچاق مواد مخدر، بی‌اعتنایی به شعائر مذهبی نشر فرهنگ بیگانه زیر پا گذاشتن حرمت حجاب دهن‌کجی به اسلام روی کار آمدن مطرب‌ها و رقاص‌ها، رمالی دعانویسی جادوگری جرأت پیدا کردن اراذل و اوباش و... شیوع پیدا کرده است انجام وظیفه آمران به معروف و ناهیان از منکر با سکوت مسئولان بی‌اثر یا کم‌اثر است لطفاً بفرمایید: ما با این دهن‌کجی‌ها و بی‌احترامی‌ها چه کنیم و دادمان را کجا ببریم

پاسخ

مسئله انحرافات اجتماعی و ترویج فساد و فحشا و فسق و فجور در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش انسان وجود داشته و دارد و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با فاسدان زمان خود درگیر بوده‌اند. بعد از رسالتِ خاتمِ پیامبران حضرت محمد۹، دشمنان اسلام نیز در محیطهای مختلف و با استفاده از پیشرفته‌ترین ابزارهای تبلیغی همواره سعی در منحرف کردن مسلمانان داشته‌اند که نمونهٔ روشن آن فریب‌کاری‌های معاویه و یزید است که به شهادت حضرت علی‌و امام‌حسین‌منجر شد. قرآن کریم برای مبارزه و مقابله و پیشگیری از این تهاجم برنامه‌های جامع و عملی را ارائه داده که نمونه‌ای از آن چنین است ۱. شناخت خدا و اطاعت از او ;چنان‌که قرآن می‌فرماید": وَ أَنِ اعْبُدُونِی هَذَا صِرَ طٌ مُّسْتَقِیم (یس ۶۱) و این‌که مرا بپرستید. این راه راست است " ۲. تقویت باورهای دینی قرآن می‌فرماید": قُلْ أَنَدْعُواْ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لاَ یَنفَعُنَا وَلاَ یَضُرُّنَا(;انعام ۷۱)

بگو: آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می‌رساند و نه زیانی " بنابراین به هیچ بهایی نباید در باورهای دینی‌مان تردید کنیم و از آن‌ها دست برداریم ۳. به پا داشتن نماز و احیای این فرهنگ در جامعه و مراقبت در اوقات نمازهای پنجگانه چنان‌که قرآن می‌فرماید": إِنَّ الصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنكَرِ(;عنکبوت ۴۵) نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد. "۴. اجرای فرهنگ" امر به معروف و نهی از منکر "و احیای آن در جامعه و فضای جامعه قرآن می‌فرماید": وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُون (آل‌عمران ۱۰۴)]مردم را[به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند("..ر.ک فرهنگ و مقاومت فرهنگی مهدی نوید / تهاجم فرهنگی آیةالله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی سخنان مقام معظم رهبری ـ دامت‌برکاته ـ) ۵. ترویج فرهنگ ازدواج و تسهیل آن چنان‌چه در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره نور آمده است و پیامبرگرامی اسلام‌فرمود": من تزوّج فقد احرز نصف دینه هر کس ازدواج کند به درستی که نیمی از دین خود را پاسداری کرده است .(برای دیدن برخی روایات در این‌باره ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹ ـ ۲۲۰.) آن‌چه مهم است انجام وظیفه است و خداوند بیش از حد توان تکلیفی نخواسته است" لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا(;بقره ۲۸۶) خداوند هیچ کس را، جز به اندازهٔ توانائیش تکلیف نمی‌کند ".لذا، انسان متعهد، تا توان دارد خوب است انجام وظیفه کند، ولی نتیجه را به خداوند واگذار کند ;زیرا، خود خداوند می‌فرماید": وَ قَالَ مُوسَىٰ إِن تَكْفُرُوٓاْ أَنتُمْ وَ مَن فِى الاْرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِىٌّ حَمِيد(;ابراهیم ۸) و موسی‌ع (به بنی‌اسرائیل گفت اگر شما و همهٔ مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد، چرا که خداوند، بی‌نیاز و شایستهٔ ستایش است " به هر حال اقدام مقتضی در حد توان در تمامی جهات و ابعاد، امر به معروف و نهی از منکر با شرایط و ضوابطی که دارد، دعا و توسل برای بهبودی وضع جامعه هماهنگ شدن با مقام معظم رهبری به عنوان ولی‌فقیه و... از جمله اموری است که شایسته است به آن توجه شود.

اگر بخواهیم شخصی را که به نوار ترانه و حرام گوش می‌دهد، از آن بازداریم باید چه کنیم

پرسش

اگر بخواهیم شخصی را که به نوار ترانه و حرام گوش می‌دهد، از آن بازداریم باید چه کنیم

پاسخ

یکی از فروعات دین اسلام که مانند نماز و روزه واجب است" امر به معروف و نهی از منکر "است یعنی اگر مسلمانی مشاهده کند که مسلمان دیگر ترک معروف ـ یعنی ترک واجب ـ می‌کند باید او را به انجام معروف امر کند. و هم‌چنین اگر مشاهده کند مسلمانی منکری ـ یعنی حرامی ـ را انجام می‌دهد، باید او را از انجام منکر نهی کند. امّا هم‌چنان که واجبات دیگر ما، مانند نماز، روزه خمس حج جهاد و غیره هر کدام شرایطی دارند که باید آن‌ها را با رعایت تمام شرائط و ضوابط انجام شوند، امر به معروف و نهی از منکر هم همین طور هستند و شرائط و مراحلی دارد که لازم است مراعات شود. در ابتدا بایستی با برخوردهایی بسیار آرام و دوستانه و از روی دلسوزی و مهربانی شروع شود. حتی خداوند وقتی حضرت موسی‌ع و برادرش هارون را به سوی فرعون می‌فرستد. به آنان دستور می‌دهد که ابتدا برخورد ملایم داشته باشید": فَقولا لَهُ قَولاً لَيِّناً لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ اَو يَخشى(;طه ۴۴) امّا به نرمی با او سخن بگویید ;شاید متذکر شود، یا]از خدا[بترسد ".اگر در این مرحله تأثیری ندیدید شما انزجار و تنفر خود را از عمل او به او نشان دهید آن مقدار که بفهمد که عمل او گناه است و مورد تنفّر شماست البته ممکن است این عمل زمان ببرد و طول بکشد لذا شما باید صبر داشته باشید و از میدان خارج و ناامید نشوید در هر صورت اگر موفق به هدایت او شدید که اجر شما نزد خدا محفوظ است و اگر هم نشدید شما وظیفهٔ خود را انجام داده‌اید و تا وقتی که احتمال می‌دهید نهی از منکر شما مؤثر باشد به همین

صورت که گفته شد نهی از منکر خود را ادامه می‌دهید.(ر.ک تحریر الوسیله امام‌خمینی ، ج ۱، ص ۴۲۷ و ۴۲۸، نشر جامعه مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم)

در برخورد با زنان بدحجاب در جامعه چه وظیفه ای داریم

پرسش

در برخورد با زنان بدحجاب در جامعه چه وظیفه ای داریم

پاسخ

انسان دو وظیفه دارد: ۱. وظیفه شخصی؛ ۲. وظیفه اجتماعی ۱. وظیفه شخصی او این است که اگر زن باشد، هنگام خروج از منزل آرایش نکند و لباسی نپوشد تا باعث جلب توجه دیگران شود. در راه رفتن طوری باشد که راه رفتن او باعث جلب توجه دیگران نشود. مردان هم از نگاه به او با قصد لذت و شهوت بپرهیزند. چنانچه آیه ۳۱ از سوره نور دلالت بر این مطالب دارد": به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود رااز نگاه هوس آلوده فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را (جز آن مقدار که نمایان است) آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیش‌شان یا کنیزانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود. و همگی به سوی خدا؛ ** باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید. "۲. وظیفه اجتماعی افراد، امر به معروف و نهی از منکر است و آیات و روایات زیادی در خصوص این وظیفه وجود دارد. در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی‌ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د)حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می‌شودازسر خیرخواهی ومفید به حال خود آنها است. ه) 'ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که بهیچوجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که‌نشنیدیاشنیدکس و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه‌های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه‌ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.

پدر و مادری که دچار منکر شده اند, چگونه می توان , آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد, اگر نصیحت تاثیر نکرد, می توان به آنها اخم یا تندی کرد؟

پرسش

پدر و مادری که دچار منکر شده اند, چگونه می توان , آنها را امر به معروف و نهی از منکر کرد, اگر نصیحت تاثیر نکرد, می توان به آنها اخم یا تندی کرد؟

پاسخ

امر به معروف ونهی از منکر در مورد هر کسی واجب است. ولی باید با شرایط خاص خود انجام گیرد. فرزند بارعایت احترام رفتاری جذاب و زبانی سازنده و منطقی می‌تواند والدین خود را نصیحت کند. در مورد اخم کردن نیزمساءله تحت قاعده اهم و مهم قرار می گیرد.{J

وظیفه زن در قبال شوهری که ریش می تراشد و در مجالس عروسی شرکت می کند و خیلی طبق احکام رفتار نمی کند, چیست ؟

پرسش

وظیفه زن در قبال شوهری که ریش می تراشد و در مجالس عروسی شرکت می کند و خیلی طبق احکام رفتار نمی کند, چیست ؟

پاسخ

به فتوای آیه الله مکارم احتیاط واجب در نتراشیدن صورت است. شما در صورتی که می‌توانید با مهربانی وعطوفت ایشان را ارشاد کنید.{J

وظیفه مادرقبال دختردانشجویی که ازدواج کرده ,ولی بایک دکترمتخصص ارتباط پیدا کرده وقصدداردازشوهرخودطلاق بگیرد,درحالی که شوهرش ازاین امرمطلع نیست ,چیست ؟

پرسش

وظیفه مادرقبال دختردانشجویی که ازدواج کرده ,ولی بایک دکترمتخصص ارتباط پیدا کرده وقصدداردازشوهرخودطلاق بگیرد,درحالی که شوهرش ازاین امرمطلع نیست ,چیست ؟

پاسخ

لازم است یکی از خواهرانی که از آگاهی‌های دینی و متانت بیشتری برخوردار است به طور خصوصی او را نصیحتکند و به او بفهماند که چنین کاری دام خطرناک شیطانی و گناهی بسیار بزرگ است و مسلما عواقب سوئی دارد. از نظرشرعی نیز زنی که شوهر دارد جایز نیست با شخص دیگری طرح دوستی یا ازدواج بریزد. در صورتی که نصیحت‌هایمشفقانه سودی نبخشید مجددا مکاتبه فرمایید. هم چنین در صورت امکان او را تشویق کنید که در مورد مسأله خود بااین واحد مکاتبه و مشورت نماید.{J

می خواهیم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر گروهی به نام ناصحین تشکیل دهیم ما را راهنمایی کنید.

پرسش

می خواهیم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر گروهی به نام ناصحین تشکیل دهیم ما را راهنمایی کنید.

پاسخ

موفقیت روز افزون شما عزیزان را در راستای پیشبرد اهداف مقدس اسلامی و آرمان‌های انقلابی از خداوند بزرگخواستاریم. اقدام خردمندانه شما مبنی بر تشکیل گروه ناصحین بسیار ارزنده و در خور تقدیر است. در این راستا لازماست نکاتی چند را در نظر گیرد: الف) در گزینش افراد برای همکاری رعایت برخی از امور ضروری است: ۱- ناصحین باید نسبت به احکام دینی آگاهی کافی داشته و خود نسبت به آنها ملزم و پایبند باشند. بنابراین از عناصربد سابقه و دارای برخی از کجروی‌ها باید بپرهیزید. ۲- در روند نصیحت و امر به معروف درایت ملایمت ملاطفت و پختگی نقش بسیار سازنده‌ای دارد. از همین روعناصر تندرو خشن و افراطی برای این کار چندان مطلوب نیستند. البته از آنان می‌توان در برخی ابعاد کمک گرفت ولیبرای مباشرت هرگز. ۳- عناصری که به هر شکل گرفتار خود بزرگ بینی شده حتی اگر به سبب امتیازات واقعی باشد و دیگران را به خاطراندک خلافی هیچ و پوچ می‌انگارند برای این کار مناسب نیستند. برعکس شما باید از کسانی استفاده کنید که نسبت بهدیگران دلسوز واقعی بوده و با دیگران با رعایت شوءون و شخصیت‌شان سخن می گویند و تحمل و بردباری در برابرناهنجاری‌های آنان را دارند. ۴- از تشکلات مختلف دانشجویی می‌توانید در این زمینه مدد جویید ولی هر فردی باید این تعهد را داشته باشد که درروند نصیحت و ارشاد مصالح خاص گروهی و تشکیلاتی خود را در نظر نگیرد. بل همگان باید متعهد به یک وظیفهناب و خالص الهی اسلامی و انقلابی باشند. ب) علاوه بر این نکاتی چند را در روند نصحیت و امر به معروف و نهی از منکر باید رعایت کنید: ۱- مقررات مربوط به امر به معروف و شرایط و ابعاد آن را دقیقا به نیروهای خود آموزش دهید. در این زمینه می‌توانیداز روحانیون در دسترس و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری مدد جویید. ۲- در برخوردهای مستقیم از پخته‌ترین عناصر خود استفاده کنید و حتی می‌توانید نسبت به شخصیت کسانی که باآنان برخورد می‌کنید در بین افراد خود نیرو گزینی کنید. مثلا اگر قرار است نکته‌ای را به یکی از اساتید خود تذکر دهیدحتی الامکان از نیرویی استفاده کنید که برای آن فرد قابل پذیرش باشد. بنابراین نوعی طبقه‌بندی بر اساس تیپشناسی محیط در پیشبرد فعالیت‌هایتان مفید است. ۳- در برنامه‌های خود اصل را بر سازندگی قرار دهید نه تخریب. به عبارت دیگر باید جاذبه‌ای در حد اعلا و دافعه‌ای در حد ضرورت داشته باشید. بسیاری از کسانی که امروز بهخوبی گرفتار آلودگی شده و می‌شوند زمینه‌های بسیاری جهت اصلاح دارند و برنامه‌ریزی‌های مفید و سازنده و چهبسا کوشش در جهت حل برخی از مشکلات آنان می‌تواند مسیر زندگیشان را دگرگون سازد. در پایان ضمن آرزوی مجدد توفیق شما عزیزان کتاب‌های نصیحت و ناصحین و امر به معروف و نهی از منکر چاپجامعه اسلامی ناصحین قم تقدیم می گردد.{J

وظیفه داماد در مقابل منکراتی که در جشن ازدواج انجام می شود چیست ؟

پرسش

وظیفه داماد در مقابل منکراتی که در جشن ازدواج انجام می شود چیست ؟

پاسخ

- اگر داماد خود زمینه منکر را فراهم نکرده باشد و وظیفه ارشادی خود را نیز انجام دهد، گناهی بر او نیست؛ ولی چنانچه تدابیر لازم را انجام ندهد و خود زمینه را برای منکر فراهم سازد، او نیز شریک در گناه خواهد بود. مجلس عقد و عروسی مورد نظر اسلام باید بدین‌گونه باشد: ۱ـ زن و مرد از یکدیگر مجزا باشند. ۲ـ از موسیقی‌های لهوی و حرام استفاده نشود. البته این دو مورد از مهم‌ترین منکراتی است که در برخی از مجالس به چشم می‌خورد. برای رونق این گونه مجالس، راه‌های ذیل پیشنهاد می گردد: -

استفاده از مداحانی که قادرند با اشعار مناسب و شاد مجلس را سرگرم کنند. - استفاده از شعبده‌بازی و تردستی. - استفاده از کسانی که با گفتن لطیفه‌ها و شیرین‌کاری، دل‌ها را شاد می‌کنند. - استفاده از وسیله‌ای غیر از آلات مختص غنا (مانند ظروف و دبه‌ها) برای ریتم و کف زدن. - دعوت از سخنران مناسب که با سخنان شیرین و جذاب مجلس را گرم نماید. - در کارت دعوت می‌توانند این جمله را نیز بیفزایند: «مراعات احکام شرعی دل ما را شاد می‌کند».

آیا تند روی در اجرای احکام اسلامی در دانشگاه ها درست است ؟

پرسش

آیا تند روی در اجرای احکام اسلامی در دانشگاه ها درست است ؟

پاسخ

تندروی و افراط در ایجاد محدودیت حتی نسبت به مباحات شرعی همان‌گونه که فرموده‌اید درست نیست و نتایجخوبی ندارد ولی تشخیص بعضی از موارد به عهده کارشناسان فرهنگی است.{J

با توجه به اینکه در اکثر خانوادها نوارهای غیرمجاز گوش می دهند ما چه کنیم که منزوی نشویم ؟

پرسش

با توجه به اینکه در اکثر خانوادها نوارهای غیرمجاز گوش می دهند ما چه کنیم که منزوی نشویم ؟

پاسخ

خودداری از شنیدن چنین نوارهایی موجب انزوا نیست ما نیز نباید در برابر گوش دهندگان آنها حالت ضعف وانفعالی داشته باشیم؛ بلکه باید با صراحت و قاطعیت از موضع خود دفاع نموده و مهمتر ازاین با وجود شرایط آنان رانهی از منکر نموده و به وظایف شرعیشان آشنا سازیم.{J

وظیفه من به عنوان یک دانشجوی مذهبی در امور امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه است؟

پرسش

وظیفه من به عنوان یک دانشجوی مذهبی در امور امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه است؟

پاسخ

وظیفه هر مسلمانی در صورتی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر جمع باشد همان امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. البته در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن. امر بمعروف در مورد ترک واجبات و نهی از منکر در مورد انجام محرمات است و شرایطی دارد که بعضی از آن عبارتند از: ۱ـ آمر به معروف و ناهی از منکر واجبات و محرمات را بشناسد ۲ـ کسی که مرتکب معصیت شده قصد تکرار آن را داشته باشد ۳ـ مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آسان به شدید رعایت شود مثلاً اگر با آرامش می‌توان نهی کرد

از پرخاش خودداری شود. ۴ـ احتمال تأثیر داده شود. ۵ـ برای آمر به معروف ضرر جانی یا مالی قابل توجهی نداشته باشد. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسا لازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی‌ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزد شودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شود و پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د) حتی الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می‌شودازسر خیرخواهی ومفید به حال خود آنها است. ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که به هیچ وجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکه وظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی این که بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشان آید به ما مربوط نمی شود و نباید از آن خوفی به دل داشت. حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند این مباش که نشنید یا شنید کس و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه‌های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پی بکارگیری شیوه‌ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید. مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی: ۱- امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد: قلبی، زبانی و عملی که به ترتیب باید اجرا شود، چنانچه مخالفت قلبی سودی نبخشید باید با زبان به نهی پرداخت و چنانچه با زبان نیز مؤثر نبود عملاً شخص را از کار بد باید بازداشت. ۲- اظهار ناراحتی قلبی در برابر بدی‌ها عبارت است از چهره درهم کشیدن، روی گرداندن، دوری گزیدن و ترک رفت و آمد و مانند آن به طوری که به طرف بفهماند که او کار بدی می کند و از او می‌خواهد که دست از آن بردارد. ۳- راضی بودن به ارتکاب گناه خود حرام است(رساله نوین، ج ۴، ص ۱۵۵). در مجموع امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین وظایف است و والاترین و مؤثرترین و دلنشین‌ترین آن در قلب‌ها، وقتی است که عهده‌دار امر به معروف و نهی از منکر، خود آراسته به نیکی‌ها چه واجب و چه مستحب بوده، از بدی‌ها حتی از مکروهات بر کنار و اخلاقی پیامبرگونه و روحانی داشته باشد و از اخلاق نادانان و اهل دنیا منزه بوده تا جایی که با عمل و رفتارش مردم را به نیکی‌ها ترغیب و از بدی‌ها بازدارد و مردم از وی پیروی کنند. برای کسب آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- رساله نوین، ج ۴، مسائل سیاسی و حقوقی، امام خمینی ۲- امر به معروف و نهی از منکر، آیت‌الله حسین نوری ۳- دو فریضه بزرگ، سید جعفر میرعظیمی ۴- امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی

پدرم نماز نمی خواند چگونه او را به نماز خواندن ترغیب و تشویق نمایم

پرسش

پدرم نماز نمی خواند چگونه او را به نماز خواندن ترغیب و تشویق نمایم

پاسخ

از این که دلسوز پدر خویش بوده و در صدد ارشاد ایشان هستید خوشوقت شدیم و انصافاً این تلاش شما شایستهتقدیر است. با توجه به ویژگی‌های پدرتان، پیشنهاد ما به شما در راهنمایی ایشان چند چیز است که ان‌شاءالله و بادقت، سعی در انجام آن داشته باشید: الف) سعی کنید افرادی که صحبت آنها بر روی پدرتان نافذ است، پیدا کنید و از آنان بخواهید که با مهارت و شگردشایسته‌ای، با پدرتان درباره نماز صحبت کنند. این کار را می‌توان از طریق جلسه میهمانی یا در طول مسافرت به انجامرساند. ب) با عمل خویش انگیزش خواندن نماز را در او ایجاد کنید. سعی کنید شما، مادر، برادر و دیگر اعضای خانواده، نمازتانرا هنگام حضور پدر در خانه برگزار کنید و شور اشتیاق خود به نماز و راز و نیاز با خدا را هر چه بهتر به منصه ظهوربرسانید. ج) فلسفه نماز

را در فرصت‌های مناسب بیان کنید؛ مثلاً سؤال و جواب‌هایی که قبلاً تهیه دیده‌اید، بین شما و برادرتان و یاهر کس دیگری مطرح و جواب داده شود. البته لازمه‌اش مطالعه و پیش بینی قبلی است. به عنوان نمونه در اینجا بهچند جمله اشاره می‌شود: فطرت انسان خواهان تشکر از ولی نعمت است. جبلّت القلوب علی حبِّ من احسنالیها ؛ قلب‌ها بر اساس دوستی و محبت کسی که به انسان احسان کند، آفریده شده است{M و از آنجا که در اصل خدای سبحانخالق و هستی بخش ماست و از سویی همه نعمت‌ها و برکاتی که در زندگی ما وجود دارد از آن اوست. بنابر این لازماست به اقتضای تکلیف فطری خودمان از قادر منّان تشکر کنیم. حال این تشکر باید به چه شکل و کیفیتی باشد؟انبیای الهی روشنگر این حقیقت بوده‌اند و نبیّ مکرّم اسلام نیز به نوبه خویش نماز را با این شکل و هیئت خاص به مامعرفی فرموده‌اند. بنابر این همان گونه که پروردگار مهربان هر شب و روز، ما را رهین الطاف و برکات خویش گردانیده‌هاست، ما بندگان نیز موظّفیم هر چند ساعت یک بار در برابر محبوب قلب و عزیز دلمان بایستیم و از او نهایتسپاسگزاری و تشکر را بنماییم. نماز تشکر است، تواضع است، تجدید عهد با خداست، ابراز نیاز در برابر بی‌نیاز مطلقاست. نماز زنده نگاه داشتن یاد خدا در دل است. نماز انسان را به خدا نزدیک و با او مأنوس می‌کند و اصولاً اگر نماز باتوجه و خشوع و حضور قلب ادا شود، به یقین در روح و جان ما اثر گذاشته و انسان را از زشتی‌ها و گناهان مصونیّتمی‌بخشد. د) پیشنهاد دیگر اینکه تلاش کنید به هر کیفیت و طریقی شده، ایشان را به نماز جمعه و جماعت ببرید که با دیدن عبادتو نماز دیگران تحت تأثیر قرار گیرد. و) تلاش کنید از نماز بزرگان و شخصیت‌ها در نزد ایشان صحبت کنید؛ مثلاً حضرت علی(ع) با همه شخصیت وگرفتاری‌هایی که داشتند، چگونه و با چه اشتیاقی به اقامه نماز می‌پرداختند. همچنین گرایش رجال بزرگ سیاسی،علمی و... به نماز را، به ایشان گوشزد کنید. ه) سفرهای زیارتی ـ همان گونه که اشاره کرده‌اید ـ نظیر سفر مشهد، سوریه و حج می‌تواند در ایشان نقش مؤثری داشتهباشد. بنابر این سعی کنید ایشان را به این گونه مسافرت‌ها تشویق نموده و انگیزش دهید. در خاتمه توصیه ما به شمااین است که با توضیحی که راجع به پدر خود داده‌اید، مشخص است که زمینه اصلاح و ارشاد در ایشان زیاد است وبدون اینکه ناامید باشید با حوصله و به تدریج به تلاش خود ادامه دهید. انشاءاللّه نتیجه جالبی در این زمینه خواهیدگرفت. در ضمن مطالعه کتاب‌های ذیل در این زمینه مفید است: ۱- راز نماز محسن قرائتی ۲- پاداش‌های نمازگزاران ۳- داستانها و حکایت‌های نماز (۱) ۴- یکصد و چهارده نکته درباره نماز{J

در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء و اختلاس چه باید کرد؟

پرسش

در مورد تخلفاتی نظیر ارتشاء و اختلاس چه باید کرد؟

پاسخ

در مورد تخلفاتی نظیر ارتشا، اختلاس و... اگر در حدّی است که جای اغماض وجود دارد و چه بسا طرف خودش بهتخلف و زشتی رفتار خود پی ببرد، بهتر است نادیده گرفته شود. و اگر طرف بر این تخلف خود اصرار ورزید، دیگرجای اغماض هم نیست. در صورت امکان باید به امر و نهی او پرداخت و او را متنبه رفتار زشت خویش ساخت. البتهدر این هنگام باید مراتب امر و نهی کاملاً مراعات شود. اگر هیچ یک امکان نداشت یا کارگر نیفتاد، در این صورت نوبت به مرحله سوم می‌رسد که باید به مسؤول رده بالاترگزارش داد؛ آنهم حتی‌الامکان به گونه‌ای ظریف و با مهارت بدون آن که کسی بو ببرد. برای پنهان ماندن این موضوع،می‌توان از صندوق انتقادات و پیشنهادات استفاده کرد. به هر حال این گونه برخوردها، باید در کمال دقت و ظرافتانجام گیرد تا نتیجه مطلوب به دست آید.{J

اصـلاً راه و روش امر به معروف کردن را بلد نیستم در اتوبوس، در سطح شهر، در دانشگاه به دوستانم هم حتی نمی توانم تذکر بدهم که مثلاً حجابتان را رعایت کنید و ... لطفاً کمکم کنید.

پرسش

اصلاً راه و روش امر به معروف کردن را بلد نیستم در اتوبوس، در سطح شهر، در دانشگاه به دوستانم هم حتی نمی توانم تذکر بدهم که مثلاً حجابتان را رعایت کنید و ... لطفاً کمکم کنید.

پاسخ

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما، به آگاهی می‌رساند که مسأله امر به معروف و نهی ازمنکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و ازهمین‌رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می‌شود به عهده نیروهای انتظامی وقضایی نهاده‌اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت: ۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲- آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیارایید و حتی‌الامکان از شیوه‌های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش‌های لازم انجام گیرد. ۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵- حتی‌الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. ب) حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله: ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد. ۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن. ۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن. ۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می‌شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست. ۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر. ۶) دوری از تندروی ها و سلیقه‌ها و تعصبات عامیانه. ۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. یکی از ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است. یعنی باید این مسئله در جامعه و به ویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی درجامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسؤولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی‌اند که اگر در گوشه‌ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.

امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه باید باشد؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه چگونه باید باشد؟

پاسخ

همه مراجع امر به معروف و نهی از منکر را واجب می دانند ; لکن با در نظر گرفتن شرایط و مراتب آن و با مهربانی و ملایمت . هم چنین باید در نظر داشت که نظم دانشگاه ها و جامعه به هم نخورد.

در مقابل کسانی که جوانان نامحرم هستند و گناه می کنند چگونه برخود کنم اگر آنها را راهنمایی کنم در واقع با آنها حرف بزنم آنها برداشت بد کرده مرا مورد آزار قرار دهند چه؟ و با آن مردان نامحرم حرف بزنم چه؟ آنان که از نیت من خبر ندارند می ترسم که گناه باشد پس س

پرسش

در مقابل کسانی که جوانان نامحرم هستند و گناه می کنند چگونه برخود کنم اگر آنها را راهنمایی کنم در واقع با آنها حرف بزنم آنها برداشت بد کرده مرا مورد آزار قرار دهند چه؟ و با آن مردان نامحرم حرف بزنم چه؟ آنان که از نیت من خبر ندارند می ترسم که گناه باشد پس سکوت می کنم؟!

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است که انسان باید به خوبی از آنها آگاه باشد. از جمله شرط های وجوب امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیراست. اگر کسی بداند امر و نهی او هیچ گونه اثری در طرف مقابل ندارد و امری بی فایده و غیر مفید است وظیفه ای در این مورد ندارد. از شرایط دیگر بی ضرر بودن و بی خطر بودن آن است، یعنی اگر امر به معروف و نهی از منکر ضرری جسمی یا روحی یا آبروئی برای انسان در پی داشته باشد وجوب آن برداشته می شود و مسئولیتی متوجه انسان نمی باشد. بنابراین اگر راهنمائی و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر انسان را در معرض تهمت و آزار قرار دهد و ضرر و زیانی را متوجه انسان سازد واجب نمی باشد. بهترین راه امر به معروف و نهی از منکر این است که خود انسان در آغاز معروف و منکر را بشناسد و سعی کند خود عامل به معروف و دوری کننده از منکرات باشد. چنین فردی عملش نه حرفش، نمونه بارز امر به معروف و نهی از منکر است و با کردار و رفتار واعمالش دیگران را به معروف و نیکی و خوبی دعوت می کند و از بدی و زشتی باز می دارد در این حال است که سخنش نیز مفید و موثر است و می تواند امر کننده به معروف و بازدارنده از منکرات و بدی ها باشد.

بنده دو سال پیش خواهرم را بخاطر علاقه زیادی که به هنر سینما داشت به تهران برده و وارد یک مؤسسه آموزشی سینمایی نمودم و پس از آن پدرم با رغبت کامل بقیه مقدمات را اعم از تأمین مسکن، خوراک و تأمین خرج تحصیل و ... را خودش بر عهده گرفت. همانطور که مستحضرید در چ

پرسش

بنده دو سال پیش خواهرم را بخاطر علاقه زیادی که به هنر سینما داشت به تهران برده و وارد یک مؤسسه آموزشی سینمایی نمودم و پس از آن پدرم با رغبت کامل بقیه مقدمات را اعم از تأمین مسکن، خوراک و تأمین خرج تحصیل و ... را خودش بر عهده گرفت. همانطور که مستحضرید در چنین مؤسساتی آن چنان که باید و شاید شؤونات اسلامی رعایت نمی شود و ایشان نیز تحت تأثیر محیط آن طور که باید حجاب اسلامی را رعایت نکرده و روزانه با افراد مختلف و از جمله مردان نامحرم سر و کله می زند و این در حالی است که ایشان قبل از رفتن به آنجا بخاطر عدم علاقه به درس دچار افسردگی شده بود و این برای پدر و مادرم زجر آور بود و من هدفم از این کار اولاً خوشنودی والدینم و دوم رسیدن خواهرم به آنچه علاقه داشته بوده است. حال سؤال بنده این است اگر بخواهم ایشان را بعد از دو سال بخاطر عدم رعایت بعضی شؤونات از جمله دست دادن با افراد نامحرم که آنرا نشانه روشنفکری می دانند ـ و در حالیکه پدرم به رعات این محرمات زیاد اعتقادی ندارد ـ بخواهم ترک تحصیلش دهم اولاً موجبات

رنجش خاطر پـدر و مادرم را از طرف خودم فراهم می نمایم و دوماً باعث بازماندن خواهرم از هدفش و افسـردگی شدید ایشان می شوم پس اینکـار را نکردم آیـا حقی و دینی بر گردن من است یا خیر و آیا روز قیامت مؤاخـذه خواهم شـد؟ لطفاً بنـده را راهنمایی نمایید.

پاسخ

در مواردی ممکن است انسان با نیت خیر دست به کاری اشـتباه و نادرست بزنـد. در این موارد تنها خیر بودن نیت کافی نیست بلکه انتخاب راه درست و خداپسـند و هماهنگ با شـرع و عقل نیز لازم و ضـروری است. کاری که شـما کرده ایـد هر چند ممکن اسـت پریشانی و افسـردگی را از خواهرتان دور کند ولی سـعادت حقیقی و انسانیت او را در معرض آسیب و آفت قرار داده اید و در واقع زمینه هـدایت را از دست او گرفته و بستر گمراهی را برای او فراهم کرده ایـد هر چند بندگان شایسـته خداوند را در هر جا می توان یافت و قضاوت درباره افراد و سـعادت و شـقاوت آنها کار آسانی نیست ولی در عین حال زمینه سازی و بستر سازی برای هدایت و یا گمراهی از مسایل اساسی و کلیدی است و در سعادت و شقاوت انسان نقشی اساسی دارد. کسب رضایت و خشنودی پدر و مادر هر چنـد دارای ارزش فراوانی است ولی سـعادت حقیقی انسان و رضای الهی بر آن مقدم است و باید خشـنودی پدر و مادر هر چند دارای ارزش فراوانی است ولی سـعادت حقیقی انسان و رضای الهی بر آن مقدم است و باید خشنودی پدر و مادر با کارهایی تأمین گردد که مورد رضای خداونـد است. به هر حال کاری است که شـده و بایـد در این باره فکری عاقلانه و درست نمود و نبایـد برای جبران اشـتباه گذشـته دچار اشـتباهی بزرگتر شد و کار را از این که هست بدتر و وخیم تر نمود. باید با ایجاد رابطه ای صمیمی تر و عمیق تر بـا خواهرتـان و زیـادتر کردن ارتبـاط بـا او، از او مواظبت نموده و او را تحت مراقبت و نظارت غیر مسـتقیم و غیر محسوس داشت و بـا ظرافت و عمـل آگاهـانه و عاقلانـه راه و رشـته و کـار دیگری را جانشـین رشـته و کـار فعلی او نمـود به گـونه ای که به رویـارویی بـا او و یـا پـدر و مادرتان منجر نگردد و کار از این که هست بـدتر نگردد و اگر منصـرف کردن او ممکن نباشـد بایـد با ملایمت و ظرافت وظایف الهی و شرعی و بیان آثار ناگوار بعضی برخوردها و رابطه ها از انحراف و روابط ناسالم او جلوگیری کرد و با این کار انشاءالله اشتباه شما جبران گردد و راه خیر و سعادت به روی خواهرتان گشوده گردد. اگر موفق به تغییر رشته خواهرتان نشدیـد در صورت امکان او را در مؤسـسه ای سـینمایی که دارای مـدیرانی متعهـد و متـدین می باشد و افراد شاغل در آنجا موازین شرعی را بیشتر رعـایت می کننـد وارد کنیـد تـا هم به رشـته مورد علاقه اش مشـغول باشـد و هم محیـط کارشـان سـالم و به دور از انحراف باشد.

وظیفه ما در مجالسی مثل جشن عقد و عروسی که زن در مقابل مرد می رقصد چیست ؟

پرسش

وظیفه ما در مجالسی مثل جشن عقد و عروسی که زن در مقابل مرد می رقصد چیست ؟

پاسخ

در صورتی که می تواننـد باید نهی از منکر و جلوگیری نمایند.وگرنه وظیفه ترک این مجالس است. ضـمنا رقص زن در مقابل مرد نامحرم به هیچ وجه جایز نیست .

با شخصی که نماز نمی خواند و حرف های بد می زند, چگونه باید برخورد کرد؟

پرسش

با شخصی که نماز نمی خواند و حرف های بد می زند, چگونه باید برخورد کرد؟

پاسخ

}در این مورد باید با توجه به روان‌شناسی او، راه‌های نفوذ یا اشخاص ذی‌نفوذ در او را شناسایی و به تدریج نسبتبه زشتی و عواقب سوء رفتارش، وی را آگاه کنید. هم‌چنین نسبت به اهمیت نماز و عقوبت ترک آن، وی را آگاه ساختهو با روشی عاطفی او را به نماز علاقه‌مند سازید.{

مادرم فرد بسیار خوبی بود اما نماز نمی خواند الان چه کاری باید من انجام دهم تا در آن دنیا مورد موءاخذه قرار نگیرد؟

پرسش

مادرم فرد بسیار خوبی بود اما نماز نمی خواند الان چه کاری باید من انجام دهم تا در آن دنیا مورد موءاخذه قرار نگیرد؟

پاسخ

ان شاء الله خداوند بزرگ قادر شما را در جوار رحمت واسعه خودش قرار دهد. درباره این که مادر محترمتان به علت نداشتن سواد، نماز را نمی‌خوانده و الان تکلیف چیست گفتنی است که: نماز و روزه از واجباتی است که به هیچ وجه از مکلف ساقط نمی‌شود و هر فرد مسلمان وظیفه دارد حقوق خداوند و حقوق مردم را در طول زندگی ادا نماید. نماز و روزه از حق اللّه است و در زمان حیات باید به جا آورده شود. امّا اگر به دلیل عدم علم، جهل به حکم، تنبلی، سستی و یا مریضی نتوانست به جا آورد طبق فتوای حضرت امام خمینی(ره) بر پسر بزرگ‌تر واجب است که نمار و روزه قضا شده پدر و مادر را به جا آورد. اما طبق فتوای برخی از مراجع دیگر، اگر پدر و مادر عمدا نماز و روزه را ترک کردند، قضای آنها بر پسر بزرگ‌تر واجب نیست. فقط در صورتی که عذر داشته‌اند (مثلاً به علت مریضی، بیهوشی و یا...) نتوانسته‌اند فرایض خود را انجام دهند، آن وقت بر پسر بزرگتر واجب است که آنها را به جای آورد. و شما باید تحقیق کنید که مادرتان مقلد کدام یک از مراجع بود تا تکلیف شاید به عهده پسر بزرگ‌تر بیفتد. اگر پسر بزرگ‌تر نداشت، بر بقیه فرزندان واجب نیست. اما فرزندان دیگر می‌توانند نماز و روزه مادر را بین خودشان تقسیم کنند و مقداری را که والده مکرم شما نماز نخوانده به نیابت از او بخوانند، تا بدهکاری او به خداوند جبران شود. یا این که کسی یا کسانی را اجیر کنید که نمازهای قضا شده مادرتان را بخواند و روزه‌های او را نیز به جا آورد. در هر صورت مادرتان نماز نخوانده و خود را به خداوند بدهکار کرده است و مورد سؤال و بازخواست قرار خواهد گرفت. پس اگر وضع مالی شما مناسب است می‌توانید برای نمازهای مادر اجیر بگیرید یا خودتان به جای او نماز بخوانید و روزه بگیرید تا روح والده شما شاد گردد.

با کسی که علاقه مند به دیدن فیلم های شبکه های خارجی است چه باید کرد؟

پرسش

با کسی که علاقه مند به دیدن فیلم های شبکه های خارجی است چه باید کرد؟

پاسخ

برای ریشه‌یابی و فهمیدن علت به وجود آمدن این گونه عادت‌ها روایت زیر قابل توجه است: روزی جابربن عبدالله انصاری از رسول خدا(ص) سؤال کرد: یا رسول الله! دانستیم که خود را چگونه از آتش جهنم نگه‌داریم؛ اما نمی‌دانیم فرزندان و خانواده خود را چگونه از آتشجهنم نگه‌داریم؟ پیغمبر اکرم(ص) در جواب چهار راه کار بیان فرمودند: ۱- اعمَلوا الخیر ؛] خودتان] عامل به خیر باشید{M یعنی، نمی‌شود که پدر و مادر نسبت به نماز سهل‌انگار باشند، آنگاه توقع داشته باشند که فرزندشان نماز را در اول وقت بخواند! نمی‌شود خانمِخودش بی‌حجاب یا بدحجاب باشد؛ ولی توقع داشته باشد دخترش محجبه از کار درآید! خودشان به نوارهای مبتذل گوش دهند و یا فیلم‌های شبکه خارجی (ماهواره) ببینند، اما فرزندان آنها این کار را نکنند! بنابراین، بزرگ‌ترهای خانواده باید اولین قدم و گام را برای درمان و از بینبردن چنین عادت‌هایی در فرزندان بردارند. ۲- وذَکروهم بالله ؛ یاد و ذکر خدا را [در دل‌های فرزندانتان] زنده کنید{M یعنی، پدر و مادر به جای آوردن فیلم‌های مستهجن به منزل و یا از آن بدتر، خریدن و آوردن ماهوارهبه خانه و دایر کردن مجالس مختلط دوستانه با سر و وضع تحریک‌آمیز و...، باید یاد خدا را در دل فرزندانشان زنده کنند تا زمینه کار خیر در آنان فراهم گردد. باید این واقعیت تلخ را بپذیریم که اغلب فرزندان نابهنجار در جامعه، از خانواده‌هایی برخاسته‌اند که والدین آنان، از ایفاینقش خود، غافل و یا عاجز بوده‌اند. غالب چنین افرادی از دامن پدر و مادرهای بی‌تفاوت روانه جامعه گردیده‌اند. تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که دیدن فیلم‌های مبتذل و مشاهده رفتارهای ضداخلاقی، اعمال غیراخلاقی را در پی دارد. به همین دلیل رابرت مردوخ (مالک شبکهماهواره‌ای تی.وی.استار آمریکا) در مصاحبه‌ای در هندوستان گفت: من هرگز به بچه‌هایم اجازه تماشای این برنامه‌ها را نمی‌دهم، (روزنامه اطلاعات، مورخه ۲۵/۵/۱۳۷۳). بنابراین توصیه می‌شود اگر شبکه ماهواره دارید، آن را از خانه‌تانخارج کنید؛ زیرا این شبکه، مرکز و عامل فساد است. سعی کنید با تشویق آنها به تفریحات سالم و ورزش کردن، مطالعه کتاب‌های علمی، سرگرمی‌های مفید، دیدن فیلم‌های آموزنده و... و حتی دادن جایزه به آنان، زمینه را برای از بین بردن عادت‌های ناشایست و بد آنها فراهمنمایید. ۳ و ۴- وامرهم بالمعروف وانهیهم عن المنکر ، (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵)؛ یعنی، این طور نباشد که تمام همّ و غمّ پدر و مادر فقط خوراک و پوشاک فرزند باشد. البتهخوراک و پوشاک حق فرزند است؛ ولی در مقابل آن، خوراک روح و جان فرزند، حق بزرگ‌تری است که باید والدین در ادای آن حساس‌تر باشند. پدر و مادر با استفاده از تجربیاتی که در طول سالیان متمادی به دست آورده‌اند باید راه چگونه زیستن را به فرزندانشان بیاموزند. به آنانفرایض و وظایف دینی و اجتماعی را یاد دهند تا از این طریق آنها را به سوی کردارهای پسندیده سوق دهند و با نهی از منکر، جلوی فرزندان را از فرو رفتن در گناه و معصیت و انجام دادن رفتارهای نابهنجار اجتماعی، بگیرند. بنابراین، بالا بردن سطح فرهنگ دینی خانواده، عاملمؤثری در ایفای نقش خانواده می‌گردد تا از این طریق جلو خیلی از عادت‌های بد فرزندان گرفته شود. خانواده‌ها نمی‌توانند به بهانه اشتغال به کار و عدم فرصت کافی، از رسیدگی به امور فرزندان باز بمانند. از همین‌رو رسول گرامی اسلام از پدر و مادری که در ادای این وظیفه خطیر،کوتاهی کنند، برائت و دوری جسته است.{J

در خیابانها دیده می شود که دختر و پسر با هم ارتباط دارند و کارهای خلافی را انجام می دهند, وظیفه چیست ؟

پرسش

در خیابانها دیده می شود که دختر و پسر با هم ارتباط دارند و کارهای خلافی را انجام می دهند, وظیفه چیست ؟

پاسخ

با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما عزیزان به آگاهی می‌رساند که مسأله امر به معروف و نهی از منکر از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین‌رو رهبر معظم انقلاب مراتب

دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می‌شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده‌اند. لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت: ۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲- آمر به معروف و ناهی از منکر خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی‌الامکان از شیوه‌های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش‌های لازم انجام گیرد. ۴- عدم تأثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵- حتی‌الامکان باید کوشید تافرهنگ وپذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد.

با برادرم که مرتکب کار خلاف شرع می شود و خواهرم که از او متاءثر شده , چگونه رفتار کنم ؟

پرسش

با برادرم که مرتکب کار خلاف شرع می شود و خواهرم که از او متاءثر شده , چگونه رفتار کنم ؟

پاسخ

در مورد موضوع مشاوره ابتدا معروض می‌داریم که ارائه خدمات برادرتان را باید، از مشاوره در مورد خواهران، تفکیک نموده لذا ما نیز در مورد هر یک به صورت مجزا به جواب می‌پردازیم: الف. اصلاح رفتار برادرتان: برادر محترم درباره شیوه برخورد با برادرتان و هدایت و راهنمایی وی نکاتی در زیر بیان می‌شود که با رعایت و بکارگیری دقیق آنها می‌توان به مقصود رسید. ان شاء الله پر واضح است که عدم رعایت آنها و یا رعایت فارغ از دقت و نظم و ترتیب تأثیری نخواهد گذاشت و چهبسا تأثیر منفی داشته باشد لذا دقت، نظم و رعایت ادب نباید فراموش گردد. ۱. ارتباط برقرار کنید. اولین قدم و ضروری‌ترین کاری که باید انجام پذیرد برقرار نمودن ارتباط است. تا ارتباط برقرار نشود انتقال هیچ گونه پیامی مقدور نخواهد بود لذا سعی کنید با او ارتباط برقرار کنید تا ارتباط برقرار نشده است، اقدام به توصیه و انتقال پیام نکنید که وی را در لاک دفاعی فروبرد. و حرف شما بی تأثیر می‌شود. بنابراین بدون اعمال هیچ شرطی با او دوست شوید در مجالس او شرکت کنید از او بخواهید با شما ارتباط داشته باشد و وقتی را به گفتگو و صحبت با هم بپردازید باید توجه داشته باشید که در روزها و یا حتی هفته‌های اول ارتباط هرگز سخن ازاصلاح و تربیت نزنید بلکه شما با او همراهی کنید بدون این که در اعمال خلاف او شرکت داشته باشید بهرحال باید به قدری با او ارتباط برقرار کنید که صمیمیت برقرار شده و اعتماد او را جلب کنید. بنابر ۱ـ ارتباط ۲ـ ایجاد صمیمیت ۳ـ جلب اعتماد زمینه ساز هر نوع فعالیت انسانیو تربیتی است. امّا شیوه ارتباط با تن دادن به خواسته‌های او (بدون ارتکاب عمل خلاف)، همراهی بدون قید و شرط. ابراز محبت و ارائه خدمت بی چون و چرا و... می‌باشد. این ارتباط به شما آگاهی داده و از جانب دیگر شما را با شیوه برخورد با وی آشنا می‌سازد. ۲. تغییر بینش و نگرش دومین قدم بعد از برقراری ارتباط و بدست آوردن صمیمیت و جلب اعتماد، تغییر بینش است. یعنی با دادن اطلاع دقیق و صحیح از منابع علمی و اسلامی و دینی ضررهای اعمال خلاف را گوشزد کنید و او را از پیامدهای منفی اعمال ناشایست خود آگاه سازید چه اگر آدمی ازپیامد زشت و خطرناک رفتار خود آگاهی داشته باشد و آنها را قبول کند و خود را در تیر رس این عواقب ناگوار ببیند یقینا حساب خود را رسیدگی و دامن خود را پاک می‌سازد. در دادن اطلاعات باید از روحیه خیرخواهی و حتی بیان غیر مستقیم بهره بگیرید تا طرف به سخن شماگوش دهد. مثلاً لازم نیست خودتان گوینده خوبیها و ضررهای اعمال نابجا باشید می‌توانید از زبان دیگران استفاده کنید، کتب مربوطه را در اختیار او قرار دهید و یا او را به محلهائی که افراد نا به کار گرفتار آن شده‌اند ببرید تا با مشاهده آنها عبرت بگیرد. به هر حال با تدبیر و سلیقه وذوق خود باید شیوه مناسبی را

برگزینید تا به هدف برسید. ۳. ارتباط غیر مستقیم و ارائه آگاهی در صورتی که برقراری ارتباط ممکن نشد و با برقراری ارتباط مستلزم انجام برخی اعمال خلاف بود باید از وجود افرادی که ارتباط دارند استفاده نمود یعنی از بین افرادی که برادر شما از آنها حرف شنوی دارد و با آنها ارتباط دارند فرد و یا افرادی مورد اطمینان را انتخابکرده و اهداف و اغراض خود را با او در میان بگذارید و از او بخواهید که مسؤولیت شما را عهده بگیرد و آنچه در بند (۱) و (۲) گفته شد را او انجام دهد. معمولاً برای افرادی که ارتباط با آنها ممکن نیست و یا به لجاجت و عناد روی آوردهاند بهره گرفتن از فرد ثالث خیلی مفید است.البته توصیه ابتدای ما آن است که علی رغم نوشته خودتان، شما خود مستقیم به برقراری ارتباط اقدام کنید و در صورت امکان هم خود اقدام کنید و هم از کمک دوستان و رفقای برادران بهرهمند گردید. ۴. شیوه اعمال نظر و تربیت و اصلاح: چه خود در صدد اجرای اهداف بودید و چه فرد دیگر در هر صورت همیشه از شیوه توصیه و نصیحت استفاده نکنید بلکه چه خودتان و چه دیگران متولی ارشاد شدید باید به تناسب روحیه برادرتان و زمانها شیوههای بشارت، انذار، ترغیب به خوبیها، تهدید، موقعیت سازی(وارد کردن وی در محیطهای مذهبی مانند به زیارت رفتن، شرکت در مراسم عبادی، اردوهای تربیتی و...) و تخویف از عذاب و... را به کار بگیرید و راههائی چون احادیث، روایات، کتب اخلاقی مانند کتابهای شهید دستغیب به ویژه کتاب گناهان کبیره، سرای دیگر، معاد و شرکت درمجالس سخنرانی و در اختیار قرار دادن نوارهای مربوطه و خواندن سخنان بزرگان (به خصوص افرادی که مورد توجه برادرتان هستند) را طی کنید تا به نتیجه برسید. ۵. نکات کارکردی: چند نکته مهم باید همیشه مد نظرتان باشد ـ صبر و حوصله داشته باشید و خیلی زود احساس خستگی نکنید. ـ در رسیدن به هدف عجله نکنید باید منتظر تأثیر باشید. ـ در تمام مراحل کار، از حضرات اهل بیت(ع) استعانت بجوئید و قبل از آن با دعا و التجاء به درگاه خداوند از او یاری بجوئید. ـ هرگز در برخورد با او رعایت ادب، ابراز محبت و صمیمیت را فراموش نکنید توجه داشته باشید که تنها کنار کشیدن خودتان از صحنه، نشانه ادب و صمیمیت نیست بلکه باید آن خصائص اخلاقی را در رفتار خود ابراز کنید. ـ شاید به این روش که از او بپرسید من چگونه میتوانم به شما خدمت کنم و چه کار کنم که شما دوستم داشته باشید و به تعبیر دیگر حتی با شیوه منت کشیدن و خود را کمتر دیدن و تواضع نمودن زمینه شکستن دیوار عاطفی و رابطه سرد را فراهم سازد لذا یقینا از اینراهکارها بهره بگیرید. ـ سعی کنید به شیوهای راه نفوذ در شخصیّت او و بدست آوردن دل او را پیدا کنید و با راه یافتن در دل و قلب دیگران مجاGبرای هر فعالیتی باز م...شود و یا از افرادی که در دل برادرتان جایگاهی دارند استفاده کنید. ـ اصرار و پافشاری بی مورد و حساسیتهای نابجا را کاملاً کنار بگذارید. ـ تمام روحیات و رفتارهایی که موجب ناخرسندی او میشود را رها کنید مگر آنکه دین آن را بر شما واجب کرده باشد تا بدین وسیله ارتباط شما به شکلی مطلوب سوق یابد. ـ افرادی را که آشنای شما هستند و مورد اطمینان به عنوان باز نمودن باب دوستی نزد وی بفرستید با رعایت اصول اخلاق و سرّ نگهداری تا زمینه هدایت او را از طریق دوستی فراهم سازید. ـ به صورت غیر مستقیم (به کمک افراد دیگری که برادرتان آنها را نمیشناسد) دوستان ناباب او را از اطراف او برانید و حتی در صورت لزوم از چوب قانون بهره بگیرید البته با رعایت حفظ آبروی برادرتان و خانواده و بدون آنکه برادرتان از طرح شما مطلع شوند و بفهمند کهصحنه از کجا شکل گرفته است. طرح راندن دوستان ناباب و نابکار باید خیلی حساب شده باشد. ـ هرگز خود را از اینکه در کنار برادران و خواهرانتان باشید کنار نکشید و بدانید که کنار کشیدن نه تنها رفتار شایستهای نیست و خلاف وظیفه شرعی و اخلاقی شماست بلکه همیشه و در همه حال، حتی در صورت مشاهده خلاف و همزمان با انجام آن، در صورتی کنارکشیدن و یا روی ترش کردن پسندیده است که این دو راهکار آنها را از رفتارشان باز دارد ولی چون این تأثیر را ندارد خواهشمند است همیشه در صدد برقراری ارتباطی دوستانه و صمیمانه با آنها باشد تا زمینه برقراری ارتباط و آنگاه هدایت فراهم گردد توجه داشته باشید که با کنارکشیدن خود راه هدایت و اصلاح را سد کرده و مجال را برای خلافهای بیشتر باز میکنید و آنها چه بسا همین رفتار را میخواهند امّا اگر دوست باشید همیشه به عنوان رفتار دوستانه (نه مخالفت ورزی) میتوانید مواظب آنها باشید تا حداقل آنها کمی حساب رفتار خود را

بنماینـد و شـماهم بتوانید همیشه (و حداقل به هنگام ضـرورت) در جمع آنها باشـید و اهداف خود را دنبال کنید. پس کنار کشـیدن درست نیست. ب) شیوه برخورد با خواهرانتان بی تردید ارتباط شما با خواهرتان همانند ارتباط با برادرتان نیست و از طرفی انحرافی که برادرتان به آن مبتلاست (به شـکر خداوند) در خواهرتان دیده نمی‌شود و لذا با عنایت به این دو خصوصیت باید شیوه تناسب را برگزیـد که در زیر به چند راهکار اشاره می کنیم بدان امیدکه رعایت دقیق آنها به هدف عالی و ایده‌ال خود نائل آئید. ۱ـ همیشه به خواهرتـان احترام بگذاریـد و هرگز بی تفـاوت با آنها برخورد نکنیـد بلکه بایـد خمیر مایه رفتاری شـما با آنها محبت، عرض ارادت باشـد لـذا به حرف آنها گوش دهیـد. در انجام خـدماتی که می‌خواهنـد کوتاهی نکرده و اسـتقبال کنید و به هر بهانه‌ای برای آنها و مادرتانهـدیه تهیه کنیـد و... مبادا، مبادا به هر بهانه‌ای آنها را از خود برانیـد و طرد کنید به هر حال با جنس مؤنث از طریق محبت بی قیـد و شـرط می‌توان دل آنها را به دست آورد و آنگاه اهداف خود را که هدایت آنهاست تعقیب نمود حتی اگر رابطه شـما با آنها خوب باشد آنها به صورت خود بهخود در صدد به دست آوردن دل شما بر می‌آیند و به عقاید شما اح

برای بازداشتن نزدیکان از دوستان ناباب و مجالس گناه وظیفه عقلی و شرعی و اجتماعی ما چیست ؟

پرسش

برای بازداشتن نزدیکان از دوستان ناباب و مجالس گناه وظیفه عقلی و شرعی و اجتماعی ما چیست ؟

پاسخ

دانشـجوی گرامی قبل از پرداختن به جواب لازم است به حسن تدبیر و تعهد اخلاقی و احساسات پاک شما صد آفرین بگوئیم و این احساس مسـئولیت و دلسوزی عاقلانه را از عمق وجودمان تحسـین کنیم و از خداوند سـبحان توفیق روز افزون شما را مسئلتمی کنیم. عزیز دانشـجو برای حفـظ طهـارت دل و پـاکی اعمـال و رفتـار و در نهایت رسـیدن به جامعه‌ای عاری از فساد لازم است سه راهکار اساسـی زیر بکار گرفته شود؛ ۱) آشـنایی با معارف دین و شـناخت صـحیح احکام شریعت و پیامدهای مثبت و منفی اعمال خوب و بد. از این رو باید راه کار زیر را انجام دهید: الف. وی را با اعمال و رفتاری که از نظر اسـلام گناه و معصیت شمرده می‌شوند، آگاه سازید. چه بسا جوانانی که به خاطر بی‌اطلاعی از گناه بودن عملی، به آن آلوده شدند و آثار منفی آن آنها را آلوده ساخت و دیگر نتواننـد خود را از آن دور سازنـد. لـذا وی را به مطالعهتوضـیح المسائل مرجع تقلیدشان تشویق کنید و کتابهای گناه‌شناسـی، نوشـته آقای محلاتی، گناهان کبیره نوشـته شهید دستغیب و... را نیز مورد مطالعه قرار دهند. ب. همیشه پیامدهای منفی گناهان و پیامدهای مثبت حفظ پاکی و طهارت را بصورت غیر مسـتقیم گوشـزد کنیـد. و او را از محیط‌های آلوده برحـذر دارید. ۲) در تقویت بینانهای اعتقـاد و ایمـان وی اقـدام کنیـد. توجه داریم که ایمـان به خـدا و توکـل به او و تمسک به تقوای الهی و توسل به اهل بیت(ع) آثار مثبت فراوانی دارد و یـک مانع درونی از ارتکاب گناه و آلوده شـدن به معصیت است. پر واضـح است که همیشه انگیزه‌هایـدرونی مؤثرتر عمل می کننـد تا اهرمهای بیرونی. برای رسـیدن به این هـدف راه کار زیر را مؤثر است. الف. وی را به مطالعه کتب اعتقادی ماننـد جهان‌بینی اسـلامی نوشـته شـهید مطهری. اصول عقاید نوشـته آقای مصـباح و آشـنائی با اصول عقاید نوشـته آقای میرباقری و غرویان ترغیب کنید. ب. از او بخواهید به اعمال عبادی و عبادت الهی به ویژه نماز و روزه اهتمام جدی داشـته باشـند که در تقویت اراده و نـورانیت دل دور شـدن فکر و ذهن از گنـاه و جلـوگیری از اعمـال نـاروا بسـیار مـؤثر و مفیـد است. چرا که ان الصـلاة تنهی عنالفحشـا و المنکر . ج. به منظـور زنـده نگه داشـتن روحیه خداترسـی و تقـویت ایمـان و آرامش روحی و روانی، او را به مـوعظه و پنـدهای اخلاقی و عرفـانی دعوت کنیـد. چه خودتان و چه دیگران در پنـد دهی و موعظه نمودن کوتاهی نکنیـد و در این مسیر از کتب شـهید دسـتغب مانند کتاب‌هایمعاد – سرای دیگر – قلب سلیم و... که روح ایمان و خداترسی را در وجود او زنده نگه می‌دارد

نیز کمک بگیرید. به ویژه این کتابها را در اختیار او قرار دهید تا مطالعه کند. د. وی را به شرکت در جلسات مذهبی و دینی اعم از جلسات معارف دین مانند شرکت در کنفرانسهای علمی و میزگردها و مناظره‌ها و سخنرانی دانشمندان دین و یا جلسات موعظه و شرکت در مراسم دعا و زیارت. نمازهای جمعه و جماعت و محافل دوستی مذهبی...دینی ترغیب کنید و حتی او را همراه خود به این جلسات ببرید. ۳. بعد از دادن اطلاعات (مفاد بند ۱) و ایجاد انگیزه و دادن روحیه و ترغیب به عمل (مفاد بند ۲) نوبت به مراقبت‌های رفتاری می‌رسد. یعنی مطابق با سن وی باید به او آگاهی داد و وی را ترغیب نمود و نسبت به او کنترل داشت. حال چنانچه فرد مورد نظر یک جواناست با روش کنترل از راه دور و حفظ احترام و ارج نهادن به مقام و منزلت فردی و اجتماعی او و همین طور رعایت اطمینان به او اعمال او را از دور کنترل کنید که مبادا علی رغم آگاهی و انگیزه بالا برای یک بار هم که شده فریب شیطان را خورده و به گناه آلوده گردد لذا مواظبورود او به محیطهای آلوده و همراهی با افرادی که احتمال آلوده بودن آنها می‌رود باشید البته نه به این صورت که همیشه همراه او حرکت کنید بلکه تذکر دهید و گاه به پیامدهای شرکت در این محیطها در او دقت کنید مانند دیر آمدن - بی‌خوابی‌ها و بدخوابی‌ها، تغییر رژیم غذایی،تغییر خلق و خوی و بهانه‌گیری و... بهترین شیوه کنترل جوانان کنترل در دوست‌گزینی آنها و توجه و مراقبت به دوستان آنهاست. لذا ابتدا سعی کنید در انتخاب دوست به او کمک کنید و اگر دوست ناباب و نامناسب دارد او را از نامناسب بودن آنها با ارائه دلیل آگاه ساخته و از اوبخواهید سطح دوستی با آنها را کاهش دهد و خود در انتخاب دوست مناسب به او کمک کنید. بعد از کنترل از طریق دوستان بهترین شیوه کنترل جوانان آن است که با مشورت خود آنها تمام اوقات فراغت او را پر کنید و برای زندگی او برنامه‌ریزی کنید البته بدون این که او احساس کنداین برنامه تحمیلی است. و این که برنامه مورد علاقه او نیست باید اقدام کنید. مبادا برنامه تحمیلی و یا مورد علاقه او نباشد. اگر جوانان ما با بزرگترهای خود رابطه دوستی داشتند و برنامه‌ای برای زندگی خود ترسیم می‌نمودند هرگز محیط آلوده نمی‌شد تا زمینه تهاجم فرهنگی فراهمگردد چرا که تمام اعضای آن جامعه مصونیت درونی دارند. در پایان به برخی از پیامدهای منفی گناهی که به آن اشاره کردید می‌پردازیم. نوشیدن مشروبات الکلی موجب سست شدن اراده و از بین رفتن رغبت به عبادت و کارهای شایسته شده و انجام هر کار پست و خلافی را برای آدمی سهل و آسان می‌نماید و در یک کلام غیرت دینی و اخلاقی فرد را از او سلب و هدایت فردی و شخصیت فرد را از اونابود می‌کند و لذا از انجام هر کار زشت و ناروائی ابایی ندارد و حتی نسبت به نزدیکان خود احساس غیرت و جوانمردی نمی‌کند. خوش بودن تنها مرام و مسلک او می‌شود و برای رسیدن به این هدف از هزینه نمودن هر ارزش اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی و... دریغنمی‌کند و ارزان آنها را از کف می‌دهد. بنابراین با آگاه نمودن فرد مورد نظر از این پیامدها و تعمیق نمودن این اطلاعات - با تکرار و مطالعه کتب معرفی شده - او را از درون بر علیه این فساد و انحراف برانگیزید تا خود به مبارزه با این مفسده حرکت کند. دوست عزیز بی تردید با تکیهبه عنایت حضرت حق و عمل به راهکارهای ارائه شده به هدف الهی خود خواهید رسید و امیدواریم خداوند سبحان شما را در راه خدمت به بندگانش یاری دهد و توفیقات روز افزون خود را روزی شما گرداند.}]

با فساد و ناهنجاری دانشجویان چگونه برخورد کنم * در این میان چگونه می توانم همسر خوب انتخاب کنم ؟

پرسش

با فساد و ناهنجاری دانشجویان چگونه برخورد کنم * در این میان چگونه می توانم همسر خوب انتخاب کنم ؟

پاسخ

برادر دانشجو بعد از عرض سلام و ابراز ارادت خالصانه از نامه پرشور و سراسر شکوه شما که نشان از غیرت و جوانمردی دارد بی

نهایت سپاس و تشکر می‌کنیم و امیدواریم بتوانیم پاسخ لازم و متناسب با حق و حقیقت که راه‌گشای مشکل شماست ارائه کنیم و لذا در همیناستا توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم: ۱. عزیز دلسوز ما نیز این حساسیت دینی وغیرت انسانی شما را می‌ستایم و ذره‌ای از آن را بـه تمـام دنیـا نمی‌دهیم و در برابر دنیـا خریـداریم امـا بکـارگیری این حساسیت در حـوزه رفتارهـای جمعی و در خصوص رفتار دیگران که از این سطح حساسیت برخوردار نیستند سخت بیمورد و گاه خطرآفرین می‌دانیم لذا از شما – همان گونه که تاکنون چنین بوده است – انتظار داریم بر اساس همین غیرت و حساسیت، رفتارهای شخصـی خود را شـکل داده و عمل کنید و ذرّه‌ای از آن کوتـاه نیامـده و احسـاس خسـتگی نیز به خـود راه مدهیـد امـا از دیگران و به ویژه در سـطحاجتماع بایـد کمی بـا دقت حوصـله و تکیه بر شـناخت و درک اجتماعی حرکت کرد چرا که اگر شـناخت لازم برای انجام یک عمل فراهم نباشد آدمی هرگز آن کـار را انجـام نمی‌دهـد و به زور و فشار هم نمی‌توان وی را به انجام آن عمل وادار کرد و اگر چنین کنیم چه بسا نتیجه‌ای دیگر عائدگردد و از طرف دیگر میزان حساسیت دینی و غیرت انسانی آدمیان هم یکسان نیست تا از همه بر اساس همان میزان حساسیت و... یک سطح از عمل را انتظار داشته باشیم. بنابراین باید به دنبال علاج عاقلانه، پایدار و کارساز واقعه بود. ۲. دومین نکته – قبل از بیـان راهکارها – علاوه بر آنکه نبایـد انتظاری فراتر از سـطح آگاهی و احساس مسـئولیت داشت، آن است که نبایـد بر اساس میزان آگاهی و احساس خود در مورد دیگران قضاوت کنیم. مثلاً درست است که شـکل روابط در فضای دانشگاه آلوده است و هرانسان در سـطح آگاهی و حساسیت شما را بر می‌انگیزد تا رفتار و روابط خود را کنترل کند اما این کلام به این معنا نیست که هر شخصی که رفتـاری غیر از رفتـار ما را داشت قابل اعتماد نیست، آلوده است و... اگر ما اینگونه قضاوت کنیم چگونه می‌توانیم با آنها ارتباط برقرار کرده و آنهـارا به راه راست هـدایت کنیم!؟! چرا بایـد ارتبـاط خود را از بین برده و زمینه هر تأثیر مثبت و هـدایتی را نیز نابود سازیم؟؟! قضاوت کردن در مورد دیگران در حالی که هنوز آن عمل خاص مشاهـده نشـده و بلکه مقـدمات آن دیـده شـده سـخت است و چه بسـا همین روش و قضـاوت باعثشود گناهان آنها را به دوش کشـید و خود به واسـطه تهمت و افتراء به گناه دیگری مبتلا گردیم. خود می‌دانیـد که گنـاه غیبت، تهمت و افتراء کمتر از برخی روابـط نابجـا نیست. بنـابراین در حـالی که به این تفکر با بینش شما آفرین می‌گوئیم ولی این نکته را متذکر می‌شویم که بر اساس همانحساسیت دینی در مورد عملکرد دیگران قضاوت نکنیم تا به رانـدن آنهـا از نزد خود و سپردن آنهـا به دست منحرفین و بسـتن راه اصـلاح و... منتهی نگردد. بویژه که شـما آنچنـان تمام دختران دانشـگاه را متهم می‌سازیـد که گویـا یـک نفر آدم سـالم در بین آنهـا نیست لـذا کمی در قضـاوت نمودنو اظهار نظر کردن خویش سنجیـده‌تر و با ملاک و مدرک سـخن بگوئید که آخرت در نزد حضـرت حق دلیلی بر گفته خود داشـته باشـید. نمی‌خواهم آنها را تطهیر کنم ولی نمی‌خـواهم به شـما هم اجـازه قضـاوت و سـریع وصـریح را بـدهیم بگونه‌ای که تمـام آنهـا را نابکـار بشـمارید و بر اساسـهمین قضـاوت بـا آنهـا برخورد کنیـد پس کمی با دقت، تفکر و عاقلانه‌تر... ۳. امـا بـا آنها چه بایـد کرد؟ آیا بایـد آنها را رها سـاخت تا دیگران را به کیش خود بخواننـد و در نهایت جامعه‌ای را...؟ همان گونه که گـذشت بایـد در کنار حفظ پاکی و طهارت خود و رعایت احکام شـرعی ارتباط خود را با آنها بویژه با پسـران حفظ کرد تا در پرتو حفظ ارتباط،هـدایت آنها ممکن گردد والاّ اگر ارتبـاط قطع گردد دیگر زمینه تـأثیر گـذاردن از بین می‌رود و راهی برای هـدایت باقی نمی‌مانـد. پس با حفظ ارتباط لازم برای هـدایت – نـه همراهی – در پی دو راهکـار باشـید: الـف. افزایش سـطح شـناخت و آگـاهی ب. افزایش احسـاس مسـئولیت و سـطح حساسیت به کمک تقویت پایه‌های ایمان و سـطح انگیزش. پر واضـح است که بدون این دو راهکار هیچ اصـلاحی ممکن نخواهد شد ولی اگر این دو عنصـر فراهم گردد به تمام اهداف می‌توان رسـید. اما اینکه چگونه می‌توان این دو عنصر را فراهم آورد بسته به موقعیت، سـطح معلومـات افراد، رفتـار مورد نظر که در صـدد اصـلاح آن هستیـدو... متفـاوت می‌گردد بی گمـان تشـریح رفتارهای صحیح و احکام و شـرائط آن و پاسخ دادن به سؤالات مورد نظر در هر زمینه بصورت اختصاصی می‌توان در اصلاح افراد و عملکرد آن تأثیر بگذارد بخصوص اگر در این مسیر محبت و صـمیمیت و یک‌رنگی چاشنی کار شود بسیار مؤثراست. البته راهکارهای ریز

و دقیق‌تر را بایـد رفتار هدف و مورد نظر بیان نمود. ۴. در مورد رفتار خودتان بایـد به عرض برسانیم که همچنان با همان حساسیت رفتارهای شخصی خود را دنبال کنید ولی بر اساس آن از دیگران انتظار نداشته باشید و بر اساس آن قضاوت نیز نکنید. و در کنار این دو نکته موارد زیر را نیز مد نظر داشته باشید: ـ سطح شناخت خود را از احکام و وظائف شرعی بیش از پیش گسترش داده و بیشتر با واقعیت آشنا شوید. ـ از انجام اعمالی که تنش آفرین و حساسیت‌زا است اجتناب کنید تا دیگران را از خود دور نسازید و صرفا در محدوده آنچه خداوند خواسته عمل و قضاوت کنید. ـ بین ذهنیّت خود و آنچه در خارج به چشم می‌بینید کاملاً تفکیک قائل شوید و این دو حوره را از یکدیگر متأثر نسازید و بر اساس یکی در مورد دیگری تصمیم نگیرید مثلاً بر اساس ذهنیت خود در مورد عملکرد دیگران قضاوت نکنید. ـ رفتار خود را مطابق آنچه شارع مقدّس خواسته هست تنظیم کرده و شکل دهید لذا نه بر خود سخت بگیرد و نه خود را رها و یله سازید. ـ برای ازدواج تنها یک صفت [که حساسیت شما را برانگیخته است تا دیگر ویژگیهای اساسی را نزد شما بی اهمیت و یا فراموش شده وانمود گردد] اکتفاء نکنید برای اطلاع از صفات همسر نمونه مانند ایمان، اخلاق، طهارت مولد و... به دو کتاب جوانان و ازدواج همسرنوشته آقای مظاهری و خانواده متعادل نوشته آقای شرفی مراجعه کنید. برای شما جوانان مسلمان متعصب خیلی پسندیده نیست که تنها بر باکره بودن و بلند قدبودن و... تکیه کنید هزاران دختر باکره هستند که آدمی از خواستگاری رفتن آنها روی می‌تابد این نشان می‌دهد که شمانسبت به روابط داخل دانشگاه و اعمال آنها بیش از حد حساسیت نشان می‌دهید و لذا گوشه‌ای زندگی را برای شما بزرگ وانمود کرده و مانند بادکنکی است که از یک طرف باد شده است بنابراین در رفتار خود حساس باشید ولی از حساسیت در رفتار دیگران سخت پرهیزکنید. ابتدا از شرایط لازم برای همسر مورد نظر خود اطلاع پیدا کنید و بعد در پی شخصی که این ویژگی‌ها و شرایط را داراست برآید و... و شما برخی شرایط سطحی را بزرگ و برجسته نسازید و از شرایط اساسی غفلت کنید.{J

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا – که تاثیر در باطن وروح افراد داشته باشد – بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید.

پرسش

بهترین روش امر به معروف ونهی از منکررا – که تاثیر در باطن وروح افراد داشته باشد – بخصوص در دانشگاه ها توضیح دهید.

پاسخ

حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله: ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد. ۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن. ۳) به دست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن. ۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می‌شود در رابطه با مصالح خود او و به نفعاوست. ۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر. ۶) دوری از تندروی‌ها و سلیقه‌ها و تعصبات عامیانه. ۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام اصل(نظارت همگانی)است . یعنی باید این مسئله در جامعه و بویژهدانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی درجامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگرمسوءولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی‌اند که اگر در گوشه‌ای کسیآن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامیدگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.{J

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد, نصیحت یا گزارش به مسئولین , اگر فایده نداشته باشد چطور؟

پرسش

در صورت دیدن گناه از یک شخص چه کار باید کرد, نصیحت یا گزارش به مسئولین , اگر فایده نداشته باشد چطور؟

پاسخ

در صورت احتمال تاثیر نهی از منکر واجب است در غیر این صورت چنان چه بطور غیر مستقیم (مثلا از طریقخانواده) بتوانید نقش ارشادی در این موارد ایفا کنید بهتر است. مسائل حادی که قابل پیگیری است می‌توانید گزارشکنید.{J

لطفا نحوه برخورد با افراد بی حجاب و مفسد را بیان کنید؟

پرسش

لطفا نحوه برخورد با افراد بی حجاب و مفسد را بیان کنید؟

پاسخ

معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی باید ریشه‌یابی شده و راه‌حل مناسب برای آن‌ها ارائه شود. شکل‌گیری یک آسیب و رخدادِ یک معضل، زمینه‌های خانوادگی، اجتماعی خاصی را می‌طلبد و با یک بررسی دقیق پی خواهیم برد که هر کس برای کارهای حتّی خلاف، خود توجیه‌ها و دلیل‌های - اگر چه نادرست - دارد در واقع ابتدا باید دید یک معضل چرا به وجود آمده است و سپس بر اساس چرایی و علّت این آسیب، یک نسخه برای درمان آن داد و متأسفانه این کار علمی نشده و ما یک الگوی صحیح برای برنامه‌ریزی جهت ریشه‌یابی و پیشگیری معضلات اجتماعی در دست نداریم. پس جدای از سایر شرایط (زمینه‌های خانوادگی، اجتماعی و شخصیتی) نمی‌توانیم به سراغ یک معضل اجتماعی برویم؛ باید مراکز علمی مخصوصاً دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیّه، رسانه‌های ارتباط جمعی و مسئولین فرهنگی و تربیتی در مسائل درگیر شوند و می‌بایست با یک دید علمی به مسائل و رخدادهای اجتماعی نگریسته شود و راه‌کارها نیز می‌بایست خارج از چارچوب «تحکّم» باشند تا کار پیشرفت نماید. حال در برخود با معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی اصولی باید حفظ و مراعات شود تا اولاً- وفاق و همبستگی اجتماعی حفظ شده و مردم خود را در سرنوشت افراد و جامعه مسئول بشناسند. از این رو روح و محتوای فرهنگ دینی ما از یک جهت بر پایه ارتباط، صمیمیت، تعاون، همدردی، خوش‌رویی و محبت استوار است و از سوی دیگر بر شناخت و رعایت حقوق و مسؤولیت‌های هر فرد تکیه دارد. بی‌تردید، داشتن اجتماعی سالم و متعالی، بدون پایبندی به این دو جهت امکان‌پذیر نیست. فرهنگ اسلامی، معیارهای اخلاقی - انسانی و ضوابط حقوق پیشرفته‌ای دارد که در راه رسیدن به هدف یاد شده، می‌توان از آن‌ها بهره جست. همان طور که ذکر شد یکی از اهداف مهم دین وفاق و اتحاد ملی است. سرزنش، تعییر و عیبجویی چه در حضور و چه در غیاب با وفاق ملی و دینی سازگار نیست. لذا نتیجه می‌گیریم: ۱. جامعه باید با احترام متقابل زندگی کند. ۲. افراد جامعه موظف‌اند با تعلیم و تربیت نگذراند کسی مبتلا- و آلوده به فسادی شود. ۳. اگر کسی غفلت کرد و خطائی مرتکب شد، راهکار تربیتی چنین فردی اول تنبّه (بیدارسازی)، دوّم غفلت‌زدایی و بعد موعظه می‌باشد. موعظه آن است که واعظ، که خود از یک مقام علمی و عملی، روحی و معنوی برخوردار است جامعه و افراد را دگرگون سازد. ۴. آن گاه اگر فرد خطاکار به صراط مستقیم بازنگشت نوبت به امر به معروف و نهی از منکر می‌رسد.

متاسفانه در مورد مسائل اساسی دینی نیز وقتی که کسی را به معروفی چون نماز توصیه و تذکر داده می شود به شدت برخورد می کنند و می

گویند به شـما ربطی ندارد در مقابل این افراد چه باید کرد آیا باید به حال رها شوند و یا روشـی بهتر برای مطرح کردن و نتیجه گرفتن می توان

پرسش

متاسـفانه در مورد مسائل اساسـی دینی نیز وقتی که کسی را به معروفی چون نماز توصیه و تذکر داده می شود به شدت برخورد می کنند و می گویند به شما ربطی ندارد در مقابل این افراد چه باید کرد آیا باید به حال رها شوند و یا روشی بهتر برای مطرح کردن و نتیجه گرفتن می توانیم در پیش رو بگیریم؟

پاسخ

امر بـه معروف و نهی از منکر از مهم‌تریـن و عـالی‌ترین واجبـات اسـلامی اسـت که در احـادیث به عنـوان روش پیـامبران و شـیوه‌ی صالحـان و دو فریضه بزرگ الهی که موجب احیـاء دیگر واجبـات می‌شود یاد شـده است. در عین حال همچون دیگر واجبات الهی دارای شـرایط و مراتبی است و در صورت وجود شـرایط واجب و الاّـ تکلیفی بر انسان نیست. الف) شـرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر: ۱. کسی که آمر یا ناهی است، باید معروف و منکر (عمل نیک و زشت) را از نظر اسلام بشناسد. ۲. احتمال بدهید که امر یـا نهی او اثر دارد. ۳. شـخص گنهکار اصرار بر ادامه کار خود داشته باشد. ۴. امر و نهی، سـبب ضرر جانی، مالی، آبرویی قابل توجه به خودش یا نزدیکانش و یا سایر مؤمنین نشود. ب) آداب امر به معروف و نهی از منکر: سـزاوار است کسی که به معروف امر می‌کنـد و از منکر جلوگیری می‌کند: ۱. اخلاق و آداب اسـلامی را مراعات و با روی خوش برخورد کنـد و هماننـد طبیبی دلسوز و پـدری مهربان رفتار نماید. ۲. فقـط برای رضـای خـدا و به دور از هرگونه خودخواهی و برتری‌جویی اقـدام نمایـد. ۳. از تجسـس و پرده‌دری خودداری و کاملاً صـبورانه عمل کند. ج) مراتب یا مراحل امر به معروف و نهی از منکر: ۱. مرحله انکار قلبی: یعنی اظهار خشـنودی از معروف و اظهـار نارضـایتی از منکر، به عبـارت دیگر. حـداقل انتظـاری که از یـک مسـلمان می‌رود این است که به هر شکـل ممکن علاقه‌منـدی قلبی خود را به معروف و نفرت خود را از منکر نشـان دهـد. که می‌توان بـا جلوه‌هـای گوناگون مثل: نوع نگاه، سکوت معنی‌دار، سر به زیر انداختن، روی گرداندن، اخم کردن و... خشنودی یا ناخشنودی خود را از آن عمل بروز دهد. در این مرتبه همه ظرافت‌ها و نکات روانشـناختی را بایـد به کار برد تا حیثیت و شخصـیت افراد خـدشه‌دار نشود. ۲. مرحله انکار زبانی: یعنی از تـارک معروف و عامـل به منکر بخواهیم از این رفتـارش دست بردارد. نوع بیـان در این مرحله درجـاتی دارد. مثـل سربسـته سخن گفتن، پند دادن، سـخن ملایم گفتن، به صـراحت سـخن گفتن و شاید در مراحلی خشونت لفظی و درشـتگویی ضرورت پیدا کند که همه این درجات با توجه به مخاطب و از مرحله آرام می‌بایست شـروع شود. ۳. مرحله انکار (اقدام) عملی: گاه ممکن است منکر چنـان ریشه‌دار باشـد که با مراحل اول و دوم امکان ریشه‌کن کردن آن وجود نداشـته باشـد که نوبت به مرحله سوم برسـد که منظور هر گونه فعـالیت هدفـدار مشـروعی است که زمینه را برای ریشه‌کنی فسـاد و رشـد معروف فراهم می‌سـازد و تـا زمانی که به ضرب و شـتم کشـیده نشـده انسان می‌توانـد ادامه دهـد. اما چنانچه نیاز به ضـرب و شـتم باشـد می‌بایست از ولی امر مسـلمین اجازه گرفت و یا به مراجع قانونی و ذیصـلاح واگذار شود. بنابر این در انجام امر به معروف و نهی از منکر، شـرایط، آداب و مراتب آن با درجـاتی خـاص که برای هر یـک ذکر شـد، می‌بایست مـد نظر قرار گیرد و سـپس دست به اقـدام زد و در صورتی که فرد گنهکار تعمـد به ترویـج فساد وانجام عمل گناه نداشـته باشـد، گناه را ترک می‌کنـد. اما اگر تعمـد در کار است، وظیفه چیز دیگری است و می‌بـایست از طریـق مرکز قـدرت و قـوه قهریه بـا اینگـونه افراد برخورد شود. امـا در هر صورت، کلیه سازمان‌هـا و مراکز فرهنگی و فرهنگ‌سـاز کشـور وظیفه دارنـد بـا برنـامه‌ریزی درست و ارائه راه‌حل‌هـای منـاسب و کـاربردی به گـونه‌ای که کمـترین هزینه‌هـای

سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی را برای کشور داشته باشد چهره جامعه اسلامی و به ویژه دانشگاه‌های کشور را از غبار غمبار گناه و ناهنجاری‌های اجتماعی دور کنند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: ۱. امر به معروف و نهی از منکر، سید حسن اسلامی ۲. امر به معروف و نهی از منکر، آیةالله حسین نوری

به چه شکلی امر به معروف ونهی از منکر کنیم که موجب ناراحتی طرف مقابل نشود

پرسش

به چه شکلی امر به معروف ونهی از منکر کنیم که موجب ناراحتی طرف مقابل نشود

پاسخ

در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شایسته است جهات متعددی در نظر گرفته شود: الف) احکام شرعی مربوط به امر به معروف و شرایط وجوب و مراتب آن. ب) روحیات و ویژگی های روانی طرف مقابل. طبیعی است با هر کسی به زبان خاصی باید سخن گفته شود و چه بسالازم است برخی را به طور غیر مستقیم و از طریق برخی وسایط ارشاد نمود. ج) حتی الامکان از منطقی‌ترین و بهترین زبان استفاده شود. بهتر است ابتدا امتیازات و خوبیهای افراد به آنان گوشزدشودو سپس تدریجا به بیان ایرادات وارد بر آنها پرداخته شود. در این زمینه هم سعی شود اول یک مسئله مطرح شودو پس از اصلاح تشویق گردد و سپس به همین ترتیب یکی یکی به دیگر مسائل پرداخته شود. د) حتی‌الامکان باید به افراد تفهیم نمود که آنچه به ایشان تذکر داده می‌شود از سر خیرخواهی و مفید به حال خود آنهااست. ه) ضمن توجه به نکات فوق نباید انتظار داشت که بهیچوجه افراد از امر به معروف یا نهی از منکر بدشان نیاید. بلکهوظیفه ما رعایت اصول صحیح اخلاقی و انسانی در تذکر به آنهاست ولی اینکه بپذیرند یا نه و خوششان آید یا بدشانآید خیلی دست ما نیست و نباید از آن خوفی به دل داشت<. <Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس/< E >TD> <TD>در بند این مباش که نشنید یا شنید کس/< Table>/TR></TD>و) جدولی برای خود تنظیم کنید وشرح شیوه‌های کاربردی خود را با میزان تاثیر آن ثبت نمایید و همواره در پیبکارگیری شیوه‌ای موثرتر باشید. ز) اخلاص در نیت را حفظ نموده و از خداوند توفیق بخواهید.{J

روش برخورد با اساتیدی که در کلاس مسائل غیر اخلاقی را مطرح می کنند چگونه باید باشد؟

پرسش

روش برخورد با اساتیدی که در کلاس مسائل غیر اخلاقی را مطرح می کنند چگونه باید باشد؟

پاسخ

وجود این قبیل مسائل که به هیچ وجه زیبنده‌ی نظام آموزش عالی کشور اسلامی و فضای علمی دانشگاه‌ها نیست، از عوامل متعددی مانند مسأله غربزدگی و عدم تعهد برخی از اساتید به ارزش‌های اسلامی و غفلت و سهل‌انگاری مسئولین مربوطه دانشگاه‌ها، نشأت می گیرد و حل اساسی آن نیز در گِرو اعمال دقیق گزینش اساتید و نظارت مستمر بر عملکرد آن‌ها و اتخاذ تصمیمات و تذکرات مناسب و قاطع از سوی مسئولین مربوطه با متخلفین است. در این میان وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که احتمال تأثیر و سایر شرایط آن وجود دارد. برای دانشجویان با رعایت ادب و اخلاق اسلامی، همچنان پابرجاست.

علاوه بر این، انتقال موضوع به مسئولین دانشگاه و پیگری آن، جائز اهمیت می‌باشد. در هر صورت دانشجویان عزیز باید روحیه تعهد و حساسیت خود را در مقابل این قبیل مسائل حفظ نمایند و از حالت انفعال و بی‌تفاوتی بپرهیزند زیرا وقتی بی‌تفاوتی فراگیر شد همه این اشکال‌ها زمینه بروز و ظهور پیدا می‌کنند. از این رو حفظ روحیه تعهد و سعی در بسط آن به خصوص در دانشجویان می‌تواند مانعی بر سر راه آفات باشد. امید است خسته نشوید و بی‌امان به تلاش خود برای استواری ارزش‌های حقیقی همت گمارید. «قل انّما اعظکم بواحد ان تقوموا لله مثنی و فرادی»سبأ، آیه‌ی ۴۶. (.

با احترام به استحضار می رساند اینجانب دانشجوی سال آخر رشته ریاضی مرکز آموزش عالی ایرانشهر هستم از بهمن ۷۶ وارد این مرکز شده و چون به علت مشکلات موجود و همچنین این موضوع که مسئولین اجرایی (مدیریت) و مسئولین فرهنگی مرکز از برادران اهل سنت بودند هیچ گونه برن

پرسش

با احترام به استحضار می رساند اینجانب دانشجوی سال آخر رشته ریاضی مرکز آموزش عالی ایرانشهر هستم از بهمن ۷۶ وارد این مرکز شده و چون به علت مشکلات موجود و همچنین این موضوع که مسئولین اجرایی (مدیریت) و مسئولین فرهنگی مرکز از برادران اهل سنت بودند هیچ گونه برنامه ای جهت اجرای برنامه های مذهبی نداشتند. و چون به عنوان یک بچه شیعه و مسلمان بر خود واجب می دانستم تا برای برگزاری مراسمات و جلسات مذهبی اقدام نمایم الحمدلله و با یاری ائمه اطهار رضایت بخش بوده است اما مشکلات فراوانی برای اینجانب ایجاد نمودند و با آن که مسئولین را در جریان قرار می دادم اما هر کس مشغول کار خود بود و می گفتند نباید تفرقه ایجاد کرد تا آنجا که در دو سال گذشته در یکی از شب های ماه رمضان گروهی از خواهران دانشجوی شیعه را جهت انتخاب خوش صداترین جهت راه اندازی گروه کر تست می نمودند اینجانب و گروهی از دانشجویان بسیجی اعتراض نمودیم که این مورد ما بحث فرا خواندن این حقیر به کمیته انضباطی شد و مسائلی از این قبیل فراوان به وجود آمده است تا جایی که روابط دختر و پسر به شدت افزایش یافته و به حد عادی شدن مسئله رسیده است در بسیاری از خوابگاههای برادران و حتی خواهران مواد مخدر مصرف می شود و زمانی که شخصاً در یکی از خوابگاهها مواد مخدر از دست هم اتاقی خود گرفتم و به مسئولین تحویل دادم مسئولین در حضور آن دانشجو با اینجانب برخورد نمودند مفاسد اخلاقی رواج عجیبی پیدا کرده است به نحوی که دختران دانشجو به رابطه داشتن با پسران به دیده افتخار نگاه می کنند و مسئولین هم حمایت می نمایند (نه تنها جلوگیری و چاره اندیشی نمی کنند) اجرای تئاتر دانشجویی با بازی دختر و پسر در نقش زن و مرد با تمرین های هفتگی بدون نظارت رواج یافته و ارزش گذاری به هنر قلمداد می شود تا جائیکه یکی از دانشجویان پسر بدون اطلاع خواهر دانشجویی لباس او را می پوشد و در یک تئاتر و جنگ شادی نقش یک عروسی آرایش کرده و سوسول را که با شوهرش به شهر رفته اند را بازی می نماید و هیچ کس هیچ گونه اعتراض نمی نماید چرا که اعتراض کردن فایده ای ندارد و مسئولین حتی مسئولین (؟) کاری انجام نداده حتی در یک مورد برای خود اینجانب که منباب امر به معروف و نهی از منکر به خواهر دانشجویی از جهت داشتن روابط متعدد با چند نفر از آقایان تذکر دادم و آن خانم به مسئولین اعتراض کرده بنده را متهم به داشتن و زدن حرف های ضد اخلاقی نمودند و وقتی از آنان خواستم تا موضوع را اثبات نمایند بنده را به سکوت دعوت نموده و گفتند که شما باید ثابت کنید؟ خواهشمند است اینجانب را راهنمایی کنید در ضمن علاوه بر وظیفه شرعی برای امر به معروف مسئولیت نیز داشته ام.

پاسخ

از نعمت غیرت دینی که خداوند به شما داده همیشه شاکر و سپاسگذار باشید. اشکال و درد دل شما راجع به وضع فرهنگی دانشگاه

ها و جامعه وارد می باشد. باید دانست که وضع فرهنگی یک جامعه به امور مختلفی وابسته است از قبیل: وضع اقتصاد جامعه، اوضاع سیاسی جامعه، خط سیاسی حاکمیت جامعه، آگاهی های عمومی آحاد جامعه و... همین امور موجب می شود در برخی از مواقع و مقطع های زمانی به آمر به معروف بگویند کار تو ایجاد تفرقه است یا از خوش صداترین دختران دانشگاه گروه کر تشکیل دهند یا همایش دختر نمونه سال برگزار نمایند و همچنین در مقابل مواد مخدر حساسیتی وجود نداشته باشد. ولی باید توجه داشت که همه این مسائل یا حتی بدتر از آن هم نمی تواند عذر موجهی برای ترک امر به معروف و نهی از منکر باشند. ما در هر زمان و شرایطی مأمور به انجام تکالیف الهی هستیم ولی آن چه مهم است کیفیت و شیوه های انجام این واجب است. گاهی وظیفه تذکر شفاهی مستقیم به اشخاص مرتکب گناه است و گاهی باید با مسؤولین مربوطه مذاکره نمود یا با مسؤولینی که شرایط محیط های غیردینی را فراهم می نمایند برخورد نمود و... ما اموری را به شما توصیه می کنیم: ۱- اشخاص متدین و انقلابی را شناسایی کنید و با آنها دوست شوید. ۲- اگر می توانید اقدام به تأسیس یک تشکل مذهبی یا هیأت دینی نمایید. زیرا کار انفرادی یا نتیجه نمی دهد یا دیر به نتیجه می رسد. ۳- با اقشار مختلف دانشگاه و خوابگاه با محبت و لطف و بزرگواری برخورد کنید و تا حد امکان از تندی و بداخلاقی بپرهیزید تا تذکرات دینی و اخلاقی شما مؤثر واقع شود. ۴- اگر تذکر زبانی و شفاهی اثر نبخشید به دنبال ریشه منکرات باشید - گاهی کوتاهی یا خیانت یک مسؤول موجب زمینه سازی گناه در جامعه شده - لذا با پیدا نمودن آن ریشه تذکرات خود را متوجه آنجا نمایید و اگر اثر نبخشید مراتب را به مقامات بالاتر اطلاع دهید. ۵- همیشه سعی کنید افکار عمومی جامعه را به سهم خود روشن و آگاه نمایید تا جلو گناه ها و تخلف های آینده گرفته شود. ۶- هیچ گاه نسبت به آینده کار خود مأیوس نباشید. امید به خدا بزرگترین سرمایه این راه است. در پایان خوب است بدانیم که اسلام با همین سختی ها و خون دل ها به ما و شما رسیده و اصولا بنده خدا گشتن و بهشتی شدن کار سختی است و آدمی دوست دارد پیرو هواهای نفس خویش باشد و در نهایت کسانی پیروز شوند که با هوای نفس و شیطان مبارزه نمایند.

وظیفه در مورد مسؤولینی که ترویج فساد را می کنند مثلا به دانشجویان سال ۸۱ می گویند شما برای خودتان دوستانی انتخاب کنید که از دخترهای ورودی ۸۱ باشند تا بین شما و سال ۸۰ ها دعوا نشود چیست؟

پرسش

وظیفه در مورد مسؤولینی که ترویج فساد را می کنند مثلا- به دانشجویان سال ۸۱ می گویند شما برای خودتان دوستانی انتخاب کنید که از دخترهای ورودی ۸۱ باشند تا بین شما و سال ۸۰ ها دعوا نشود چیست؟

پاسخ

چند کار مفید و مؤثر (البته با توجه به شرایط خاص آن دانشگاه و نیز مورد خاص آن استاد) پیشنهاد می شود: ۱- انتقال مطلب (کتبا) به مسؤول دفتر نهاد و تذکر مقتدرانه البته با حفظ محبت و احترام آن استاد. ۲- تذکر به رئیس دانشگاه و یادآوری این نکته که اگر این اساتید به رفتارشان ادامه دهند و دانشگاه با آنها برخوردی نکند ما به عنوان یک مسلمان با آنان برخورد نموده، از طریق مراجع ذی صلاح اقدام می نماییم. ۳- در میان گذاشتن این مطلب با سایر برادران و خواهران متعهد و یافتن یک راه کار و حتی یک شخص موجه و منطقی و به دور از احساسات تند با رعایت ادب البته با اقتدار تمام. ۴- انتقال مطلب (کتبا) به حراست دانشگاه و یادآوری این نکته که اگر این واحد اقدام لازم را به عمل نیاورد، دانشجویان متعهد رأسا از طرق مراجع ذی صلاح اقدام خواهند نمود. ۵- انتقال مطلب (کتبا) به اداره اطلاعات شهرستان. سه نکته زیر را در نظر داشته باشید: ۱- اگر از طریق محبت و جذب و ... قابل اصلاح است این راه را مقدم بدارید. ۲- انتقال مطلب باعث توجه به سوء سابقه ایشان در آینده و نیز احتمال افزایش احتمال

اقدام مسؤولین و اهتمام به آن تأثیر زیادی دارد. ۳- انتقال مطلب، در صورتی که احتمال مواجه شدن با مشکلات را بدهید، لازم نیست با اسم و امضای رسمی خودتان باشد، لیکن زمان دقیق چنین ابراز نظر و احتمالا سایر شواهد در این امر را بازگو کنید.

وظیفه نسبت به رفتارهای نادرست دیگران چیست ؟

پرسش

وظیفه نسبت به رفتارهای نادرست دیگران چیست ؟

پاسخ

در قرآن آمده است: ولا تستوی الحسنة ولا السیئة، ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوة کانه ولی حمیم نیکی و کژی یکسان نیستند؛ [بدی را] به نیکوترین وجه برگردان، آن گاه آن که با تو دشمنی دارد چون دوستی صمیم خواهد شد{M»، (فصلت، آیه ۳۴). شیوه و رفتار پیشوایان دین سراسر خوبی و نیکی در برابر رفتارهای نادرست دیگران بوده و همین رمز بزرگی برای موفقیت آنان بوده است. به قول خواجه عبداللّه انصاری: نیکی را نیکی کردن خرکاری است؛ بدی را بدی کردن سگساری است؛ بدی را نیکی کردن کار خواجه عبداللّه انصاری است. البته این روش مادامی است که موجب سوء استفاده طرف مقابل و تقویت ظالم نشود.{J

دوستم برای نماز نخواندن می گوید بسیاری از نماز خوانان به گناه می افتند او را چگونه راهنمائی نمایم ؟

پرسش

دوستم برای نماز نخواندن می گوید بسیاری از نماز خوانان به گناه می افتند او را چگونه راهنمائی نمایم ؟

پاسخ

استدلال دوست شما برای نماز نخواندن به حدی ضعیف است که اگر شما فقط کاری کنید که او را به تفکر منصفانه وادارید، او پاسخ خود را خواهد یافت. آیا درست است مریض بگوید: چون برخی از بیماران مشابه من دارو نمی‌خورند یا به پزشک مراجعه نمی‌کنند، من هم به درمان خود نمی‌پردازم؟! آیا این سخن منطقی است که چون برخی از اشخاص خود را به دام اعتیاد انداخته‌اند من هم‌چنین کنم و...؟! کسانی که نماز می‌خوانند چند دسته‌اند؛ زیرانمازهایی که انسان‌ها به جا می‌آورند، بر طبق معرفت و آگاهی و عرفان آنان است. نماز برای برخی معراج الی اللّه است و برای عده‌ای داروی معنوی و برای گروه دیگر حکم مسکّن را دارد و برای اشخاصی هم کم‌اثرتر از حتیّ مسکّن است و این عیب مربوط به نماز نیست؛ بلکه مربوط به استفاده نمازگزار از این فریضه الهی است. کسی که فقط می‌خواهد به عنوان رفع بهانه، نماز بخواند و دیگر کاری با شرایط صحت و قبولی آن ندارد، مسلما نمازش او را از گناهباز نخواهد داشت. به عنوان مثال آب غسل و وضو باید مباح و حلال باشد و کسی که همین یک شرط را بخواهد رعایت کند، باید بی‌اجازه در ملک اشخاص تصرف نکند و در شغل خود کم‌کاری ننماید و هرگونه خیانت روا ندارد تا حقوق و درآمدش حلال باشد و بتواند با پول حلال قبض آب منزلش را پرداخت نماید. حال قضاوت کنید شخصی که این وجدان کاری و انضباط اجتماعی را رعایت کند، تا چه حد از گناهان محفوظ خواهد ماند؟! مطلب دیگر در اهمیت نماز، اُنس با خدا است. به دوست خود بگویید دوستان معمولی هر چند خوب باشند؛ اما دارای نواقص و کاستی‌هایی هستند و ممکن است در مواقع

حساس و ضروری، انسان را تنها گذارند یا توان یاری انسان را نداشته باشند. ولی اگر کسی با خدای خود به وسیله نماز رابطه داشته باشد، هیچ‌گاه در خود احساس بی‌کسی و ضعف و تنهایی نخواهد کرد و خود را سعادتمندتر و شاداب‌تر از همه خواهد دید.{J

در دانشگاهها دخترها و پسرها با هم ارتباط صحیحی ندارند, برای راهنمایی آنها چه کارهایی را باید انجام دهیم ؟

پرسش

در دانشگاهها دخترها و پسرها با هم ارتباط صحیحی ندارند, برای راهنمایی آنها چه کارهایی را باید انجام دهیم ؟

پاسخ

در این موارد اقدامات گوناگونی متناسب با وضعیت فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی افراد باید انجام داد. آنچه به طور کلی می‌توان در این جا یادآور شد اقدام به نکات زیر است: الف) تلاش در جهت ایجاد فضای معنوی و سالم در محیط جامعه و دانشگاه، به گونه‌ای که زمینه پیدایش این روابط را به حداقل ممکن برساند. ب) انجام نصیحت مشفقانه و امر به معروف و نهی از منکر به گونه‌ای جذّاب و مؤثر. ج) در جریان قراردادن خانواده‌های این افراد؛ البته با رعایت مصالح آنان و دقت در این که این مسأله به آبروریزی و مفسده بزرگ‌ترنیانجامد. د) در صورت نصیحت ناپذیری فرد و گسترش روابط نادرست، باید وی را به کمیته انضباطی معرفی کرد البته این مسأله در مورد کسانی است که قصد اصلاح و توبه نداشته و محیط را آلوده می‌سازند. ه) مهم‌ترین راه حل، ازدواج و ایجاد شرایط آن است که نیازمند برنامه‌ریزی‌های کلان برای جوانان جامعه می‌باشد.

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا موثر واقع شود؟

پرسش

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا موثر واقع شود؟

پاسخ

الف) با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما، به آگاهی می‌رساند که مسأله امر به معروف و نهی ازمنکر، از وظایف مهم دینی هر مسلمان است. البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و ازهمین‌رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می‌شود به عهده نیروهای انتظامی وقضایی نهاده‌اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. درعین حال در اینرابطه باید چند نکته را درنظر داشت: ۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیتاجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲- آمر به معروف و ناهی از منکر، خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیاراید و حتی‌الامکان از شیوه‌های رفتاری آموزنده و خلّاق استفادهکند. ۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر، به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش‌های لازم انجام گیرد. ۴- عدم تأثیر آنی و فوری، نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵- حتی‌الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا- برد. ب) حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله: ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد. ۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن. ۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن. ۴) با

زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می‌شود در رابطه با مصالح خود او و به نفعاوست. ۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر. ۶) دوری از تندروی ها و سلیقه‌ها و تعصبات عامیانه. ۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. یکی از ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است.یعنی باید این مسئله در جامعه و بویژه دانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی درجامعهاسلامی همه نسبت به یکدیگر مسوءولند. زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یککشتی‌اند که اگر در گوشه‌ای کسی آن را سوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آنسرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدودساخت.

با افرادی که نماز را سبک می شمارند و ما را به انجام منکرات دعوت می کنند چگونه برخورد نماییم ؟

پرسش

با افرادی که نماز را سبک می شمارند و ما را به انجام منکرات دعوت می کنند چگونه برخورد نماییم ؟

پاسخ

آن چه که مسلم است و در آیات قرآن نیز به آن اشاره بلکه تصریح شده است برخورد مناسب وخوب از راه هایبسیار سازنده در تبلیغ دین است . حضرت موسی(ع) در مقابل فرعون مامور به گفتاری نرم می‌شود (قولا له قولا لینا) وپیامبر (ص) نیز در برابر مردم (فبما رحمه من الله لنت لهم) به واسطه فیض رحمت الهی برخوردی نرم و عاطفیداشته‌اند. بنابراین روی گشاده داشتن و با مهربانی درصدد هدایت دیگران بودن رسالتی پیامبر گونه‌است .این مسأله باحدیثی که از امام صادق (ع) در مورد دوستی نکردن با کسی که به نماز اهمیت نمی‌دهد منافات ندارد. زیرا مسألهدوستی و مؤانست و هم راز شدن موضوعی بالاتر از روابط متعارف است .اگر بناست انسان دوستی صمیمی داشتهباشد ولی به نماز اهمیت ندهد روشن است که در اغلب موارد بر دوست خود تأثیر سوء خواهد گذاشت و او را نیز بهراه خود خواهد کشید. بنابراین خوش برخورد بودن و حتی مهربانی با مردم منافاتی با آن ندارد که اگر بناست دوستیبرای خود برگزینیم از بین کسانی باشد که به نماز اهتمام می‌ورزند. در مورد دوستانتان اگر می‌دانید که حفظ رابطه با اوممکن است در اصلاح او مؤثر باشد رابطه را حفظ نمایید واگر احتمال می‌دهید که نتیجه معکوس باشد رابطه دوستانهخود را قطع کنید گرچه در برخوردها با او گرم بوده و به او محبت نمائید. حسن اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است از جمله: ۱) آمر به معروف و ناهی از منکر دارای شخصیت علمی و عملی باشد. ۲) شناخت ویژگی های روحی وروانی طرف مقابل و به تناسب آنها با وی برخورد نمودن. ۳) بدست آوردن خصوصیات مثبت طرف مقابل و از راه آنها او را جذب کردن. ۴) با زبان منطقی و عاطفی به شخص فهماندن که آنچه به وی تذکر داده می‌شود در رابطه با مصالح خود او و به نفع اوست. ۵) تشکیلاتی و هماهنگ عمل کردن در امر به معروف و نهی از منکر. ۶) دوری از تندروی‌ها و سلیقه‌ها و تعصبات عامیانه. ۷) احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. یکی از ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام اصل (نظارت همگانی) است. یعنی باید این مسأله در جامعه و بویژهدانشجویان جا باز کند که برخلاف تفکر آزادی لجام گسیخته غربی در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر مسؤولند.زیرا هر جامعه و امتی دارای سرنوشت مشترک است و مانند مسافران یک کشتی‌اند که اگر در گوشه‌ای کسی آن راسوراخ کند همه غرق خواهند شد. همچنین با انحراف یک نفر و گسترش آن سرنوشت کل جامعه اسلامی دگرگونخواهد شد و آن جا که آزادی فرد مضر به سعادت جامعه باشد باید آن را محدود ساخت.

وظیفه فرزند نسبت به پدری که سوء ظن به افراد دارد و گاهی هم دروغ می گوید چیست ؟

پرسش

وظیفه فرزند نسبت به پدری که سوء ظن به افراد دارد و گاهی هم دروغ می گوید چیست ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت امکان تأثیر لازم است. البته در امر و نهی شرایط ویژه‌ای حاکم است که بایدرعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام(ره) مراجعه فرماییدولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می‌کنیم: ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید، ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد، ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید، ۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تتبّه ایشان بپردازید، ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید، ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام پدر در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید، ۷- اگر زمینه مساعدی می‌بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه‌ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامیپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید، ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید، ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی‌تأثیر نخواهد بود. و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین ، (ذاریات، آیه ۵۵). ازاین‌رو تا آنجاکه احتمال تأثیر می‌دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید، ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید، شما وظیفه خویش را به انجام رسانده‌اید که و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ؛پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد{M}، (نور، آیه ۵۴). در خاتمه رهنمود مجدد ما این است که با وضعی که راجع به پدر خود مرقوم فرموده‌اید حرمت ایشان را کاملاًمراعات فرمایید.

متوجه شدم پسری با خواهرم ارتباط دارد چه برخوردی داشته باشم ؟

پرسش

متوجه شدم پسری با خواهرم ارتباط دارد چه برخوردی داشته باشم ؟

پاسخ

در این مورد باید بر غیرت دینی و حساسیت وجدانی شما آفرین بگوییم. برخورد شما با خواهر محترمه‌تان باید دقیق و ظریف باشد به گونه‌ای که موجب آزار و اذیت وی نشود، وی را ازشما فراری ندهد، تأثیر سخن شما را دچار تزلزل نکند و خیرخواهی شما را مخدوش نسازد. باید به شکلی با ویصحبت کنید که شما را خیرخواه و تکیه‌گاه خود بداند. نباید با لحن و کلمات اهانت‌آمیز - که موجب اذیت وی گردد -با وی سخن گویید؛ در این صورت راهنمایی شما مفید نخواهد شد و به دست خویش وی را از خانه و از خودتاندلسرد خواهید کرد و بسا موجب اشتباهات بیش‌تر وی گردد. باید ابتدا به اصل وجود این ارتباط یقین داشته باشید و ماجرا را پنهان نگه‌دارید. این عمل شما باعث جلباطمینان و اعتماد وی به شما می‌گردد. نکته مهم دیگر آن است که از ابتدا به صورت مستقیم برخورد نکنید، بلکه با زبان خوش، ناصحانه، دلسوزانه و بهصورت غیرمستقیم وارد شوید. مثلاً بگویید شنیدم که دختری با پسری ارتباط داشته حال فاش شده و بعدا کم کم وارداصل ماجرا شوید. نگویید «تو چرا این کار را کردی» بگویید «نکند شما این

کـار را بکنیـد، مواظب باشـید». لازم نیست اقرار و اعتراف کنیـد. همین که سـکوت کنـد و سـخن شـما را گوش دهـد، کافی است. روش‌هـای برخوردتـدریجی بـا این مسأله را می‌توان چنین جمع‌بنـدی کرد: ۱- او را از پیامـدهای اجتمـاعی زشـت این عمـل آگـاه سازید؛ مانند از بین رفتن حیثیت و آبرو و سلب اطمینانعمومی و... (البته به صورت غیرمستقیم). ۲- از احادیث و روایاتی که عقاب و عـذاب این گروه افراد را بیـان می‌کنـد برایش بخوانیـد؛ البته به صورتی که اومخـاطب شـما نباشـد، بلکه بگوییـد این گروه افراد در آخرت... ۳- راه‌هـای جلـوگیری از ادامـه ایـن ارتبـاط و قطع ارتبـاط را بیـان کنیـد. ۴- دوسـت منـاسب را برایش تعریـف کرده، ویژگی‌های وی را برایش تبیین کنیـد و حتی در صورت امکان در انتخابـدوست به او کمک کنید. ۵- از فرد ثالث (شخصی غیر از خواهرتـان و خودتـان) کمک بگیریـد، تا وی آن جوان را اقـدام به این ارتباط نموده، بانصیحت از این عمل بازدارد. در پایان به او گوشـزد کنیـد که دیگر در صـدد ارتباط با خواهر شـما برنیایـد و او را تهدیـد کنیـد که ماجرا را به خانوادهدختر و آن پسـر خواهد گفت. ۶- در صورتی که آن جوان لایق و مناسب همسری خواهرتان باشد، از طریق همین فرد واسطه در این مسیر گامبردارد، بدون این که خود آن جوان متوجه این طرح بشود.{J

در دانشـگاه ما روابط پسـر و دختر در راهروهای دانشگاه غوغا می کند. لذا خواهشمند است راه های نهی از منکر (فرهنگی و عقیدتی) که مورد توجه و اصلاح خاطیان باشد و همچنین این راهکارها مطابق شرع و نسبت به مقتضیات زمان تازه و جوان پسند و دانشجوپسند باشد؟

پرسش

در دانشـگاه مـا روابـط پسـر و دختر در راهروهـای دانشـگاه غوغـا می کنـد. لـذا خواهشـمند است راه های نهی از منکر (فرهنگی و عقیدتی) که مورد توجه و اصـلاح خاطیان باشد و همچنین این راهکارها مطابق شرع و نسبت به مقتضیات زمان تازه و جوان پسند و دانشجوپسند باشد؟

پاسخ

در این زمینه خوب است به منابع زیر که چنـدان مفصل نیسـتند مراجعه فرمایید: مجله پرسـمان، چرایی پوشـش بانوان، آقای حسـینی مجله پرسمان، ش ۸، روابط دختر و پسـر، آقای احمدی تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران شـش نکته مهم که توجه بدانها ضروری تر است: اولاً آگـاهی دقیـق و عمیـق برادران و خواهران متعهـد و حزب اللهی در دانشـگاه هـا نسـبت به موارد و مصـادیق معروف و منکر. ثانیا، کار تشـکیلاتی با انسجام همه نیروهای معتقد به مبانی دینی و انقلابی اعم از تشکل های اسلامی بسیج و سایر تشـکل های مذهبی و متعهد و نیز با همکاری و ارشاد و اقدام جدی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در ضمن از این طریق می توانید: ۱- کلاس های آشـنایی بیشتر با مبحث امر به معروف و نهی از منکر و راه کارهای اجرایی آن برگزار کنید. ۲- در شـورای فرهنگی دانشـگاه و سـایر مراکز فرهنگی دانشـگاه در تصویب مقررات خوب و نیز تضـمین اجرای آن نقش خوبی را ایفا کنید. ۳- گـاهی برخورد بـا بعضـی از منکرات به لحاظ حساسـیت یا ویژگی خاص، نیاز به جریان سازی دارد، تشـکل منجسـم نیروهـای خودی در این راسـتا، کـارآیی خوبی می توانـد داشـته باشـد. ثالثـا، کـار مطبوعـاتی و نشـریاتی و درج مقالاـت علمی و نه تهاجمی تند و بی منطق و پر از شعار. رابعا، تشکیل یک هسته امر به معروف و نهی از منکر دانشجویی. البته با نهایت دقت که به نام شمـا بـا حرکت هـای بی منطق و تنـد نـابه جا و غیرمنطقی، سوء اسـتفاده نشود بهتر است این اقـدام در قالب کار تشـکیلاتی مـذکور صورت پـذیرد. خامسـا، دوستی و محبت و نفوذ در دل خاطیان و همان کسانی که با زبان نصـیحت پـذیرای سـخن شـما نیسـتند، در اردوهـا، در کلاـس هـا، در اوقـات فراغت. چه این که نصـیحت به معنـای خیرخواهی است بایـد راه کـار عملی سـاختن نصـیحت را جسـتجو نمود. قطعـا محبت یکی از بهترین شـیوه هـای ممکن است. سادسـا، مبـارزه با منکرات و مفاسـد اجتماعی و ناهنجاری های

موجود در جامعه یک واجب قطعی بر عهده یکایک دانشجویان و همه مسؤولین و مدیران دانشگاه ها و کل جامعه است، لیکن این امر مهم را می توان در دو بخش انجام داد: ۱. تک تک آحاد جامعه موظف اند با هر گونه منکر و مفسده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می باشند, فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد ;از جمله : اولا: "فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است , به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا, "احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا, "شخصی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده , اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا, "در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر, مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر, جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعدی کند. در مرتبه ی اول ناراحتی قلبی و تنفر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت , روی بر گرداندن و.. از او, ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه ی دوم امر و نهی زبانی , موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن , گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه ی سوم , مرحله ی اقدامات عملی است . اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت , واجب است از اعمال قدرت استفاده کند, (تحریرالوسیله , امام خمینی , ج ۲, ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور, موضوع را به مسؤولان ذی ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند,(استفتاآت آیت الله خامنه ای , ترجمه ی فارسی , ج ۱, ص ۲۳۱). ۲. سازمان ها و ارگان های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی , قوه قضائیه , دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی , ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر, ستاد مبارزه با مواد مخدر و...) موظف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون , نسبت به انجام مسؤولیت های خود کوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است , ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات , مبتنی بر شناخت و ریشه یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه کارهای منطقی و واقع بینانه و مناسب با آن است . راه کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی , اشتغال , مسکن , ازدواج , تقویت و تثبیت ارزش های اسلامی , اجرا شدن فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر, فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاه های مربوطه با افراد شرور و مخل به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش های اسلامی و تهدید کننده ی سلامت جامعه , مطلوب است . در مورد محیط و اطرافیان : مسلما حفظ ایمان و ارزش های آن در محیط نامساعد بسی دشوار است ولی ارزش افزون تری دارد. خداوند در سوره ((تحریم)) آیه ۱۱ نمونه ای را برای این گونه افراد یادآوری می نماید. خداوند برای مؤمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت : خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم و تو خانه ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش . حفظ ارزش ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست . هنر آن است که در تندباد ضد ارزش ها ارزش ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین و ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. از مطالعه قرآن و توجه به معانی آن و همچنین کتاب های سودمند دیگر و شرکت در مجالس وعظ و دیگر محافل دینی غفلت نکنید. باید بدانید که خداوند قدرت و توان مقابله با گناه را در وجود شما قرار داده است , لیکن با عزم و همتی سترگ باید به مبارزه با گناه برخیزید و همواره کوشش کنید که برای اولین بار که میل به گناه آمد با جدیت تمام در برابر آن مقاومت کنید, آن گاه به تدریج مبارزه آسان خواهد شد. در هر صورت نگاه کردن عمدی و یا خیره شدن به نامحرم از روی لذت حرام است , اما اگر در حال عبور از کوچه و

بازار و... چشم انسان به نامحرم افتاد اشکال ندارد. البته نگاه کردن به صورت و دست های زنان نامحرم تا مچ اگر به قصد لذت و شهوت نباشد اشکال ندارد.

با توجه به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر بخواهیم یک دختری را که از لحاظ حجاب وضع درستی نـدارد را امر به معروف و نهی از منکر کنیم با توجه به این که ممکن است دیگران این عمل انسان را چیز دیگری تلقی کرده و برداشت نادرستی از انسان داشـته باشند چگونه

پرسش

با توجه به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر بخواهیم یک دختری را که از لحاظ حجاب وضع درستی ندارد را امر به معروف و نهی از منکر کنیم با توجه به این که ممکن است دیگران این عمل انسان را چیز دیگری تلقی کرده و برداشت نادرستی از انسان داشته باشند چگونه باید عمل کنیم؟

پاسخ

به طور کلی، این مجموه ای از بایدها و نبایدها است که مؤمنان باید در چارچوب آن حرکت کنند و بکوشند بایدها را عمل کنند و از نبایدها دوری کنند، به این معنا که هر دینی از پیروانش می خواهد به هنجارهایی تن در دهند و از ناهنجاری هایی دوری کنند، این هنجارها در قالب واجبات الهی و ناهنجاری در دسته محرمات الهی قرار می گیرند. یکی از آموزه های مؤثر و کارآمد در دین رهایی بخش الام و از جمله احکام و هنجارهای واجب آن، فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده که بر هر زن و مرد مسلمان با وجود شرایط آن واجب است. به هر حال، امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین ابزارهای نظارتی در بعد فردی و اجتماعی است و هدف از آن، احیای معروف و میراندن منکر در جامعه اسلامی می باشد. تعبیر «امر به معروف و نهی از منکر، از تعبیرات کلیدی در قرآن کریم و سخنان حکیمانه پیشوایان راستین اسلام بوده و از جایگاه و اهمیت بسیار بالایی در چارچوب آموزه ها و مقررات فردی و اجتماعی در اسلام برخوردار می باشد. امام باقر(ع) در این باره چنین می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، واجب بسیار بزرگی است که در پرتو آن دیگر واجبات اقامه (به پا داشته) می شود ...»، (کافی: ۵/۵۶/۱، به نقل از: ترجمه میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۸، ص ۳۷۰۴). یعنی این واجب (در صورت اجرای درست آن) به تنهایی، ضامن اجرای سایر احکام و دستورات الهی و اسلامی است. لیکن، امر به معروف و نهی از منکر، با توجه به تأثیرات بالای خود، دارای زمینه ها، شرایط مراتب و آداب مهمی می باشد که اگر همه آنان به خوبی به اجرا درآید، می تواند یک پروژه بی عیب و نقص و در عین حال در کاهش جرم و پیشگیری از آن، بسیار تأثیرگذار و دارای نقش باشد. بنابراین، شناخت اصل این پروژه اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و تربیتی برای اجرایی کردن آن و دسترسی به اهداف آن، بسیار مهم است. یکی از شرایط مسلم «امر به معروف و نهی از منکر» آن است که اجرای آن مفسده ای در پی نداشته باشد. بدین معنا که هدف از امر و نهی، دعوت به خیر و صلاح و باز داشتن از شر و فساد است، اما اگر زمانی، اجرای آن نتیجه معکوسی به بار آورد، ترک آن درست تر بلکه واجب می باشد. بنابراین، اجرای این فریضه، نباید موجب مفسده و ضرر جانی، مالی و آبرویی باشد (البته در منکراتی که جزیی و فردی است، اما در جایی که اساس دین در خطر باشد، مسأله فرق می کند). بدیهی است که اگر شرایط امر و نهی فراهم نباشد اصلاً واجب نخواهد بود و نیز اگر در مقام اجرا، مراحل و شرائط آن، به درستی پیاده نشود، چه بسا ممکن است تأثیرات منفی و مخربی از خویش بر جای گذارده و احیاناً زمینه دین گریزی را به همراه داشته باشد. بنابراین، همانگونه که اهتمام به امر و نهی، واجب بوده، اجرای صحیح آن نیز لازم می باشد به این ترتیب باید مراقب بود تا در مقام عمل به این تکلیف سیاسی ـ اجتماعی در اسلام، و انگیزه بالا برای بستن پرونده

گناه، پرونده گناه دیگری (در اثر بد عملی)، گشوده نشود، چه اینکه بی عملی و بد عملی (در صورت تقصیر) هر دو، گناه بزرگی، به شمار می آید. با تأکید بر مباحث پیش گفته و حساسیت این واجب پر اهمیت، باید گفت که امر و نهی باید شفاف و بدون ابهام باشد و الاـ ممکن است زمینه سوء تفاهم و حتی تهمت فراهم شود که باید از کلی گویی، مبهم گویی و ... اجتناب کرد. امیرالمؤمنین علی(ع) در این باره می فرماید: «کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی را که به او گمان بد برد، سرزنش کند»، (بحارالانوار، ۷۵/۹۰/۴ و ص ، به نقل از ترجمه میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۳۲). در مورد سؤال یاد شده می توان گفت، در صورتی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر آماده است، لازم است امر و نهی نماییم، اما اگر مورد از مواردی است (مثلاًـ یک زن است) که در معرض تهمت قرار می گیرید (در صورتی آمر و ناهی یک مرد باشد) باید از مکانیسم های دیگر استفاده کنید از جمله اینکه به صورت جمعی به این واجب اقدام نمائید و همچنین با مراجعه به نهادهای مسؤول و با استفاده از خواهران مسؤول و متعهد، به این واجب بسیار کارآمد، اهتمام داشته باشید. در پایان نکته قابل توجه این است که در همه مراحل امر به معروف و نهی از منکر، تلاش نماییم. با به کارگیری هوش و درایت و روش های روانشناسانه و نیز با بهره گیری از اخلاق اسلامی و ادب دینی و صبر و حوصله و بدون درگیری لفظی و فیزیکی (با توجه به مراحل ابتدایی آن)، اقدام شود تا با کم ترین هزینه، بیشترین استفاده را ببرید. بنابراین، با افراد مختلف و سلیقه های متفاوت برخوردهای متنوع باید داشت تا موفقیت بیشتری کسب نمایید.

نمی دانم وظیفه ام در زمان فعلی چیست و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر اوقات از نتیجه آن می ترسم و خود را کنار می کشم.

پرسش

نمی دانم وظیفه ام در زمان فعلی چیست و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر اوقات از نتیجه آن می ترسم و خود را کنار می کشم.

پاسخ

با تقدیر و تشکر از احساس پاک و عواطف دینی شما عزیزان , به آگاهی می رساند که مسائله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن – که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد – به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت : ۱– جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲– آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیارایید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳– بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد. ۴– عدم تاثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵– حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند: ۱– انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند. ۲– انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند. ۳– انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما "در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و

غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما "اگر آمر به مروف , با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم : ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید, ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد, ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید, ۴- گاهی مطلب را به صورت سوئال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید, ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه ی مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید, ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید, ۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سوئال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوئ چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید, ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید, ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تاثیر نخواهد بود.((و ذکر فان الذکری تنفع الموئمنین))، (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تاثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مائیوس نباشید, ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که ((و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد))، (نور, آیه ۵۴).

چون خودم در دوران راهنمایی و دبیرستان خیلی گناه آلوده بودم الان دوست دارم برادر کوچکترم که ۱۷ سال سن دارد را راهنمایی کنم. یعنی از قبل از بلوغش تصمیم به این کار گرفتم اما نتوانستم به زبان خودش با وی صحبت کنم و علی رغم اینکه گاهی نصیحت می کردم اعصابم خرد م

پرسش

چون خودم در دوران راهنمایی و دبیرستان خیلی گناه آلوده بودم الان دوست دارم برادر کوچکترم که ۱۷ سال سن دارد را راهنمایی کنم. یعنی از قبل از بلوغش تصمیم به این کار گرفتم اما نتوانستم به زبان خودش با وی صحبت کنم و علی رغم اینکه گاهی نصیحت می کردم اعصابم خرد می شد و بهش بد و بیراه می گفتم. البته یکی از داداش های دیگرم با زبان کتک با او حرف می زد که متأسفان الان همون که ۱۷ سال داشت سیگاری شده، درس را هم کنار گذاشت و می ره تعمیرکار ماشین بشه، گاهی اوقات می دونم که یعنی حدس ۹۰٪ می زنم که با پسرخاله یا پسر دائی ام می ره لواط اما تا حالا نتوانستم درست بهش بگم که این کار را نکند چون تا حالا ندیدم و می ترسم به او هم تهمت بزنم. و خلاصه نگرانش هستم و دوست ندارم وقتی به سن من رسید اینقدر گناه کرده باشد. به نظر شما چطوری راهنمائیش کنم.

پاسخ

از دلسوزی و تدبیر مشفقانه شما نسبت به برادر کوچکترتان تقدیر و تشکر می کنیم و توفیق روز افزون شما را از خداوند سبحان مسألت می نماییم. اما در مورد موضوع مشاوره توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم و همانگونه که خود متذکر شده اید راهکارهای ارائه شده باید عملیاتی گردد و به کار گرفته شوند تا در رسیدن به هدف مؤثر افتند و الا صرف آشنایی با آنها کارساز نیست و نخواهد بود. پس با امید به یاری خداوند و انتظار عمل از شما به سراغ راهکار می رویم: ۱- راهکار اصلی هدایت و راهنمایی یک نوجوان، برقراری ارتباط صمیمانه و دوستانه با وی می باشد. دوران نوجوانی دوران برقراری روابط نزدیک با

همسالان به جای والـدین و بزرگسالان است. روابط والدینی جای خود را به رابطه همسالان می دهد لذا اگر در صدد ارائه راهنما و هـدایت وی هستیـد بـدون برقراری ارتبـاط و از راه دور و به شـیوه آمرانه ممکن نمی شود بایـد در قـالب دوستی، همبازی بودن، بر عهده گرفتن نقش رفیق شفیق با او ارتباط برقرار کنید تا در فضای رفاقت و صمیمیت او تمام احساسات و افکار و تصمیمات خودش را با شـما در میان گذارد و شما هم در پرتو روابط دوستانه و رفاقت او را هدایت و به زندگی او خط دهید. توجه داشته باشید تا وی احساس صـمیمیت نکند حرف خود را با شـما در میان نمی گذارد و از حرف شـما فرمان نمی پذیرد و ارائه دستورات هدایت گرانه در قالب بیانات بزرگسالانه، آمرانه، سـرزنش گرانه کمتر مؤثر خواهد بود تا چه رسد به رفتارهای تنبیهی و مجازات گرانه. اگر شـما با زبان سـرزنش و عتاب با وی برخورد کنید وی نیز در جبهه لجاجت و خودسری سنگر می سازد و اگر از مقام برتری طلبی و تفوق خواهی وی را خطاب کرده و هـدایت کنیـد او خود را در فضای غرور و نخوت فرض کرده و پاسـخ شـما را می دهـد که هیچ یک ازاین شـیوه راه مناسبی نیست و شـما را به هـدفتان نمی رسانـد. ۲- راهکـار دیگری که شـما را به هـدفتان نائل می گردانـد انتخاب دوست برای برادرتـان و یـا کمـک به وی در انتخـاب دوست منـاسب است. البته این دخـالت در انتخـاب دوست نبایـد یک دخالت مستقیم باشد که او احساس سـلب آزادی و تحمیلی و کنترل نماید. شـما از طریق دوسـتان برادرتان می توانید وی را به همان سمتی کـه دوسـت داریـد و می پسـندید هـدایت کنیـد و به شـکل غیرمسـتقیم او را کنـترل نماییـد. البته این دوست برادرتـان که برگزیـده شماست و یا حاضـر به همکاری با شـما شده است باید با شـما رابطه ای صـمیمانه داشـته باشد و سیاست شما را افشا نسازد و قبل از تمام این امور، کاملا مورد وثوقتان باشد و اخلاق و رفتار و طرز تفکر او را پسـندیده و پذیرفته باشـید و او نیز با تمام وجود حاضر به همکاری با شما باشد. پس راه رسیدن به هدف آن است که یا خود دوست برادرتان باشید و یا برای او دوستان خاصی برگزینید. اما محتوای این رفتار دوسـتانه و صـمیمانه بایـد هماننـد محتوای رفتار دوران نوجوانی خودتان باشـد؛ یعنی با مراجعه و یادآوری علائق، احساسـات، طرز تفکر خود در دوران نوجوانی اینـک بـا برادرتـان نیز در همـان سـطح از عواطف و احساسات و علائق و... برخورد نماییـد و از او انتظار داشـته باشـید هرگز انتظار نداشـته باشـید او هماننـد یک آدم پخته و رشـید رفتار کند و یا عواطف و احساسات انسـان هـای بزرگسـال را داشـته باشـد. به هر حـال از او در سـطح خودش انتظار داشـته باشـید، لـذا: ۱- بر رفتارهـای اصـلاحی وی سرسختی و پافشاری نداشته باشید. ۲- خطا و اشـتباه نمودن را انتظار داشته و بپذیرید و بعد آن را فراموش کنید. ۳- در جمع وی را امر و نهی نکنید. ۴- تمام انتظارات و دستورات خود را در قالب محبت و دوستی بیان کنید. ۵- به شخصیت او و به خصوص در جمع دوستان احترام بگذارید. ۶- به آنچه که خود عمل نمی کنید او را امر و نهی نکنید و در واقع به رفتار نیک و پسـندیده خود او را به سمت خوبی هـا دعوت کنیـد نه با زبان و دسـتورات خشک. ۷- توان روحی و جسـمی و روانی او را در عمـل به خوبی هـا و ترک بدی ها مد نظر داشته باشید و فراتر از توانش از او انتظار نداشته باشید. ۸- او را به جمع دوستانه خود دعوت کنید و همراهی خود را با او افزایش دهیـد. ۹- اعمال کنترل بر او را به شـکل غیرمسـتقیم اعمال نماییـد. ۱۰- اگر تصـمیم قطعی گرفتـه است که پیش یک استاد کار تعمیرگاه برود و شاگردی کند، سعی کنید استادکار متدین و مورد اعتمادی را شناسایی کنید و به برادرتان معرفی کنید تا وی بتواند برخی رفتارهای ناصـحیح وی را کنترل نموده و در او تأثیر گذاشته و مانع رفتارهای نامطلوب وی شود. استاد کاری که تا حدودی توانایی کافی در این زمینه داشته باشد.

ما چگونه برادر و خواهر کوچکتر خود را از دیدن این فیلمها که مصداق واقعی کلمه «لهو و لعب» اند دور سازیم؟

پرسش

ما چگونه برادر و خواهر کوچکتر خود را از دیدن این فیلمها که مصداق واقعی کلمه «لهو و لعب» اند دور سازیم؟

پاسخ

برای تأثیرگذاری بر آنها به کارگیری راهکارهای زیر مناسب است: ۱- آنها را به خاطر این عملی که انجام می دهند تحقیر و طرد نکنید. ۲- رابطه دوستی با آنها برقرار کنید به گونه ای که به شما اعتماد کنند و احساس کنند شما دلسوز آنها هستید. ۳- اوقات فراغت آنها را با برنامه های مفید مانند ورزش و کارهای هنری مورد علاقه آنها و همچنین تهیه نوارها و سی دی های سالم و در عین حال جذاب پر کنید. ۴- مراقب دوستان آنها باشید با چه کسانی رابطه دوستی دارند اگر دوستان نامناسبی دارند سعی کنید با برقراری ارتباط با خانواده های سالم دوستان سالمی را جایگزین کنید. ۵- اگر در سنین نوجوانی هستند از برخورد دیکتاتور مأبانه با آنها اجتناب کنید. به آنها دستور ندهید بلکه بیشتر با آنها مشورت کنید هم در مورد کارهای خودتان و هم در مورد کارهای مربوط به خانواده و همچنین کارهای مربوط به خود آنها. ۶- در مشورت ها به نظرات آنها اهمیت بدهید. ۷- از تهدید و تنبیه آنها اجتناب کنید. ۸- اگر رفتارهای نامناسبی دارند سعی کنید با برخود شایسته به آنها بگویید ما شما را دوست داریم ولی این رفتار شما را نمی پسندیم زیرا این رفتار در شأن شما نیست. خلاصه این که از راه رفاقت و دوستی با آنها می توانید رفتار آنها را اصلاح کنید.

اقوام درجه ۱ مادر من یعنی خاله، دایی و ... وقتی دور هم جمع می شوند اکثراً ترجیح می دهند فقط صحبت کنند و بخندند و من مدت زیادی نمی توانم این وضعیت آنها را تحمل کنم. ضمناً بعضی از آنها زیاد اهمیتی به حجاب و ... نمی دهند یعنی تقریباً فقط گذران عمر. من چگونه

پرسش

اقوام درجه ۱ مادر من یعنی خاله، دایی و ... وقتی دور هم جمع می شوند اکثراً ترجیح می دهند فقط صحبت کنند و بخندند و من مدت زیادی نمی توانم این وضعیت آنها را تحمل کنم. ضمناً بعضی از آنها زیاد اهمیتی به حجاب و ... نمی دهند یعنی تقریباً فقط گذران عمر. من چگونه باید برخورد کنم هم احساس می کنم وقتم هدر می رود و هم بالاخره خویشاوند هستند.

پاسخ

از این که در مقابل برخی از مسائل ارزشی مانند حفظ حجاب، احساس مسؤولیت می کنید بسیار خرسندیم همچنین حساسیت شما نسبت به اتلاف وقت و گذران بیهوده عمر که با هیچ چیز دیگری نمی توان جبران کرد قابل ستایش است. به نظر می رسد توجه به چند نکته در پاسخ سؤال شما ضروری است: ۱. بعضی از روابط به ویژه روابط صمیمی میان اقوام مانند عمو، دایی، خاله، عمه و... از ضروریات است و اسلام نیز به این روابط تحت عنوان صله رحم توجه خاص دارد و حتی حفظ این روابط را واجب کرده است و قطع آن را حرام نموده است و قطعا اصل این روابط خویشاوند بدون تردید در حفظ سلامت روانی و بهداشت روان اثر مثبت دارد علاوه بر این که از جهات دیگر نیز حفظ و استمرار این روابط مفید است که در اینجا مجال طرح نیست. ۲. جو غالب بر این روابط باید یک جو عاطفی باشد و الا امیدی به استمرار آن نیست زیرا انسان ها کنار هم قرار می گیرند تا در درجه اول تبادل عاطفی کنید و بعد از آن آثار دیگری نیز می تواند بر این روابط مترتب شود اما تبادل عواطف هدف اصلی و درجه اول روابط خانوادگی و فامیلی تشکیل می دهد. ۳. انسان ها همه در یک سطح نیستند. بعضی از نظر علمی و فهم و درک اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند برخی در سطح پایین، باید توجه داشت که در روابط خانوادگی و فامیلی این سطوح را نباید لحاظ کرد بنابراین اگر خاله شما یا عمه شما از نظر علمی در سطح پایینی قرار دارد نباید این گونه تلقی کنید که من اگر نیم ساعت یا یک ساعت کنار آنها بنشینم

ضرر می کنم زیرا هیچ ارزش علمی برای من ندارد این نشست در واقع تأمین کننده نیازهای عاطفی و انسانی است که از هیچ راه دیگری نمی توان آن را به دست آورد در حالی که علم را از هر فردی که دارای آن علم باشد می تواند یاد گرفت. بنابراین باید نگرش خود را نسبت به این نشست ها فامیلی تغییر دهید و از یک منظر دیگری به آن نگاه کنید و آن نگاه عاطفی است و مطمئن باشید این نشست ها در سلامتی انسان بسیار تأثیر دارد و قطع آن موجب انواع بیماری های روانی می شود که امروزه متأسفانه این مشکل رو به افزایش است و یکی از دلایل آن کم رنگ شدن روابط خانوادگی است و جایگزین کردن چیزهای مصنوعی دیگر از قبیل برنامه های تلویزیون، فیلم، سینما و حتی پارک رفتن ها در حالی که اینها هیچ کدام نمی تواند جای آن روابط گرم و صمیمی خانوادگی را پر کند. ۴. خنده و گریه دو عالم بسیار مهم برای تخلیه هیجانات است و هر دو برای سلامتی انسان مفید لذا در هیجانات ناخوشایند باید گریه کرد و در هیجانات خوشایند باید خندید و هیچ اشکال شرعی و عقلی نیز ندارد اما بعضی مسائل باید رعایت شود که مبادا این نشست ها به گونه ای برگزار شود که در مسیر اصلی خود خارج شود و تبدیل به جلسات گناه و اتلاف عمر شود: الف. اولا باید حدود شرعی رعایت شود به مسأله محرم و نامحرم خیلی باید اهمیت داده شود که این جلسات تبدیل به جلسه گناه نشود البته اگر همه افراد جلسه به نحوی با یکدیگر محرم هستند این مشکل منتفی است. ب. از طرح مسائلی که از نظر شرعی گناه است و حرام تلقی می شود مثل غیبت کردن، تهمت زدن، دروغ گفتن مسخره کردن دیگران، استفاده از آلات موسیقی حرام و تبدیل جلسه به جلسه لهو و لعب باید جدا خودداری شود. ج. وظیفه ما در مورد دو بند فوق در مرحله اول جلوی از گناه یعنی نهی از منکر و تبدیل جلسه به یک جلسه مفید و مؤثر یعنی امر به معروف می باشد. البته امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد و نحوه انجام آن نیز بسیار ظریف و دقیق است که باید در این زمینه به کتاب هایی که نوشته شده مراجعه کرد. د. در صورت عدم توانایی و یا موجود نبودن شرایط مساعد برای امر به معروف و نهی از منکر حداقل وظیفه ای که ما داریم ترک آن جلسات می باشد. ه. این جلسات باید از نظر زمانی خیلی طولانی نباشد که موجب اتلاف وقت شود این که از نظر زمانی چه قدر باید باشد بستگی به زمان، مکان و نوع افرادی که در آن جلسه هستند دارد لذا نمی توان وقت معینی را تعیین کرد. نتیجه این که این گونه نشست ها و جلسات مفید و ضروری است و از سخت گیری هایی که اصلا منشأ شرعی و عقلی ندارد و صرفا سلیقه ای است باید اجتناب کرد شما نیز باید در این جلسات حاضر شوید و نقش فعال داشته باشید و جلوی بعضی از اشتباهات را نیز تا آنجایی که امکان دارد بگیرید و حتی این جلسات ارزش این را دارد که انسان از قبل روی محتوای آن فکر کند و برنامه ریزی کند تا محتوای آن را غنی کند و جلوی برخی اشتباهات را نیز بدون هیچ گونه تنشی بگیرد. ۵- سعی کنید با افراد جلسه قطع نظر از هر چیزی روابط گرم، صمیمی و عاطفی داشته باشید، اگر اشتباهی مرتکب شدند خیلی سریع به آنها پرخاش و ترشرویی نشان ندهید و در یک فرصت دیگر فقط به خود او اشتباهش را تذکر دهید. ۶- برای این که بیشتر تأثیرگذار باشید در این جلسات سعی کنید به بقیه افراد خدمت کنید، احترام بگذارید اگر چیزی نیاز داشتند مثل، آب، چای و یا... شما در تهیه آن پیش قدم باشید اعم از این که این جلسه در خانه شما باشد یا در خانه خاله یا عمه یا دایی شما. ۷- همواره تبسم بر لب ها داشته باشید و از اخم کردن به آنها اجتناب کنید (البته تبسم فقط نسبت به محارم یعنی کسانی که به شما محرم هستند).

گاهی اوقات در محیط دانشجویی مواردی پیش می آید که کارهایی خلاف شرع و شئون اسلامی انجام می گیرد از جمله پخش موسیقی های مستهجن و بازی با پاسور و ... گاهی اوقات امکان ترک مکان نیست و یا ترک مکان به موجب ناراحتی و دشمنی با دیگران می شود تکلیف در این گونه مواقع

پرسش

گاهی اوقات در محیط دانشجویی مواردی پیش می آید که کارهایی خلاف شرع و شئون اسلامی انجام می گیرد از جمله پخش

موسیقی های مستهجن و بازی با پاسور و ... گاهی اوقات امکان ترک مکان نیست و یا ترک مکان به موجب ناراحتی و دشمنی با دیگران می شود تکلیف در این گونه مواقع چیست؟

پاسخ

اولین وظیفه شخص در برابر پخش موسیقی و گناه، نهی از منکر با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه و منطق است. در صورت احتمال عدم تأثیر نهی از منکر چنانچه شخص مجبور باشد در آن مکان بماند برایش گناهی نیست. خودتان را به کاری مشغول نمایید و گوش نکنید. خوردن صدای آن به گوش، اگر قلبا مایل به شنیدن نباشد اشکال ندارد و تا آنجا که ممکن است هنگام پخش موسیقی از آن محل خارج شود.

برخورد ما با کسانی که فحاشی می کنند یا دروغ می گویند و گاهی گناهی که با زبان انجام می دهند چگونه باید باشد.

پرسش

برخورد ما با کسانی که فحاشی می کنند یا دروغ می گویند و گاهی گناهی که با زبان انجام می دهند چگونه باید باشد.

پاسخ

کسانی که فحاشی می کنند و دروغ می گویند یا هر گناه زبانی دیگری را انجام می دهند، در زمره جاهلینی هستند که در آیه شریفه ۶۳ سوره مبارکه «فرقان» از ایشان یاد شده. در این آیه خداوند یکی از اوصاف مؤمنین و بندگان شایسته خود را چنین بیان می کند: «و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» به توصیف آیه شریفه مؤمنین هنگامی که نادان ها ایشان را طرف خطاب قرار دهند با ملایمت و نرمی پاسخ می گویند. خداوند همواره در دستوراتی که برای ابناء بشر ابلاغ نموده سعی در حفظ سلامت نظام اجتماعی آنها داشته و از این رو جواب جاهلین را ملایمت و نرمی می داند. (البته نه ملایمتی که در دین مسیح از حد اعتدال خارج شده و می گوید اگر کسی در صورتت زد آن طرف صورتت را نیز به طرفش برگردان). از سویی دیگر با کنکاش در آثار و احوالات پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) می توان به روش صحیح در برخود اجتماعی با چنین افرادی دست یافت. پیامبر اکرم(ص) چه در زمانی که از قدرت ظاهری زیادی برخوردار نبودند (ایامی که در مکه سپری کردند) و چه زمانی که به ریاست حکومت جامعه دست یافتند (زمانی که در مدینه بودند) در مقابل برخوردهای تند و جسارت های زبانی اعراب با ملاطفت و نرمی برخورد کرده، ایشان را از آن طریق به راه راست هدایت می کردند. در زندگانی ائمه معصومین(ع) و بزرگان دینی نیز این روش استمرار داشت. شاید داستان مالک اشتر - سردار حکومت حضرت علی(ع) - را به خاطر داشته باشید که در مقابل توهینی که به وی شد به مسجد رفته برای وی طلب استغفار کردند. بسیار مناسب است توجه شما را به متن کامل و ترجمه حدیث عنوان بصری از امام صادق(ع) از کتاب «میزان الحکمه، ج ۸، باب ۲۸۷۵، روایت ۱۳۹۱۱» جلب کنیم: «علامه مجلسی می نویسد: دستخطی از استادمان شیخ بهایی دیدم که عین آن این است: شیخ شمس الدین محمد بن مکی گفت: از دستخط شیخ احمد فراهانی از قول عنوان بصری - که پیر سالخورده نود و چهار ساله ای بود -نقل کردم که گفت: من سال ها به محضر درس مالک بن انس آمد و شد می کردم. اما وقتی جعفر صادق(ع) به مدینه آمد به مجلس درس ایشان رفتم و دوست داشتم همچنان که از مالک بهره گرفتم از ایشان نیز بهره مند شوم. روزی به من فرمود: من آدم گرفتاری هستم (ارباب رجوع زیاد دارم) و با این حال، در هر ساعتی از ساعت شب و روز برای خودم اوراد و ادعیه ای دارم؛ مرا از دعا خواندن باز ندار. از همان مالک علم بیاموز و همچون گذشته پیش او برو. من از این سخن غمگین شدم و آن حضرت را ترک کردم و با خود گفتم: اگر در

من حسنی می دید، مرا از آمد و رفت پیش خود و فرا گرفتن دانش از خویش نمی راند. پس به مسجد رسول(ص) رفتم و به آن حضرت سلام دادم و فردای آن روز به روضه (حرم رسول خدا(ص)) برگشتم و دو رکعت نماز خواندم و گفتم: خدایا! خداوندا! از تو می خواهم که دل جعفر را به من متمایل و مهربان گردانی و از دانش او آن روزیم فرمایی، که در پرتو آن به راه راست تو رهنمون شوم. غمزده به خانه ام برگشتم و چون دلم از عشق و محبت جعفر پر شده بود، دیگر به درس مالك بن انس نرفتم. از خانه ام فقط برای خواندن نماز واجب بیرون می رفتم، تا آن که سرانجام صبرم تمام شد و حوصله ام سر آمد. بعد از آن که نماز عصر را خواندم، کفش هایم را پوشیدم و ردایم را بر تن کردم و به طرف خانه جعفر رفتم. چون به در منزل او رسیدم در زدم، خدمتکارش بیرون آمد و گفت: چه می خواهی؟ گفتم بر آن مرد شریف سلامی کنم. خدمتکار گفت: ایشان در حال خواندن نمازند. من مقابل در نشستم. دیری نگذشت که خدمتکار بیرون آمد و گفت: به امید خدا، وارد شو. من داخل خانه رفتم و به حضرت سلام کردم. جواب سلامم را داد و فرمود: بنشین، خدا تو را بیامرزد. من نشستم. حضرت مدتی سر به زیر افکند و آن گاه سرش را بلند کرد و فرمود: کنیه ات چیست؟ گفتم: ابو عبدالله. فرمود: خداوند کنیه ات را استوار بدارد و تو را توفیق دهد. ای ابو عبدالله! چه می خواهی؟ با خودم گفتم: اگر از دیدار او و سلام گفتن برای من بهره ای جز همین دعا نباشد، باز هم بهره زیادی برده ام. حضرت دوباره سرش را بلند کرد و فرمود: چه می خواهی؟ گفتم من از خداوند خواستم که دل تو را نسبت به من متمایل و مهربان گرداند و از دانش تو روزیم فرماید و امیدوارم که خدای تعالی خواهشی را که از او درباره این مرد شریف کردم اجابت کرده باشد. حضرت فرمود: ای ابو عبدالله! دانش به آموختن نیست بلکه نوری است که در دل هر کس که خداوند تبارك و تعالی خواهان هدایتش باشد، می افتد. بنابراین اگر خواهان دانش هستی پیش از هر چیز حقیقت عبودیت را در جان خودت جستجو کن و علم را با به کار بستن آن بجوی و از خداوند فهم بخواه تا به تو بفهماند. گفتم: ای بزرگوار! فرمود: بگو، ای ابو عبدالله. گفتم: ای ابو عبدالله! حقیقت عبودیت چیست؟ گفت: سه چیز: اول این که بنده در آنچه خداوند به او عطا فرموده است، برای خود مالکیتی قائل نباشد؛ زیرا بندگان و غلامان مالك چیزی نیستند، مال را مال خدا می دانند و آن را در هر جا که خداوند فرموده است به مصرف می رسانند. دوم این که بنده برای خود تدبیر و چاره اندیشی نکند. سوم این که: همه سرگرمی و اشتغالش به چیزی باشد که خدای تعالی او را به انجام آن فرمان داده یا از ارتکابش نهی فرموده است؛ زیرا هرگاه بنده در آنچه خدای تعالی به او داده است، برای خود مالکیتی قائل نباشد، انفاق کردن آنها در مواردی که خداوند فرمان به انفاق داده است، برایش آسان می شود و هرگاه بنده تدبیر و چاره گری کار خود را به مدبر خویش واگذارد، مصائب و گرفتاری های دنیا بر وی آسان گردد و هرگاه بنده به اوامر و نواهی خدا سرگرم شود، دیگر فرصتی برای ستیزه گری و فخر فروشی با مردم پیدا نمی کند. پس، هرگاه خداوند بنده را با این سه خصلت بنوازد، مشکل دنیا و شیطان و مردم بر او آسان شود و دنیا را برای فزونخواهی و فخر فروشی نجوید و چشمش دنبال جاه و جلال مردم نباشد و روزگار خویش را بیهوده نگذراند. این نخستین پلکان پرهیزگاری است. خدای تبارك و تعالی فرموده است: «این سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواهان برتری و تبهکاری در زمین نیستند و فرجام (نیك) از آن پرهیزگاران است». گفتم: ای ابو عبدالله! به من سفارشی بفرما. فرمود: تو را به نه چیز سفارش می کنم که اینها سفارش من به طالبان راه خدای تعالی است و از خداوند می خواهم که تو را در به کار بستن آنها توفیق دهد. سه چیز از این نه چیز به ریاضت نفس مربوط می شود و سه چیز به بردباری و سه چیز دیگر به دانش. اینها را حفظ کن و زنهار که ناچیزشان شماری. عنوان می گوید: دلم را به کلی به آن حضرت سپردم. حضرت فرمود: آن سه چیز که به ریاضت مربوط می شود اینهاست: از خوردن آنچه که میل و اشتها بدان نداری، خودداری کن؛ زیرا این کار حماقت و کودنی به بار می آورد. دیگر آن که تا گرسنه نشده ای غذا نخور و هرگاه غذا خوردی، حلال بخور و نام خدا بگو و این حدیث رسول خدا(ص) را به یاد آر که: آدمی هیچ ظرفی بدتر از شکم خویش پر نکرد. اما چون چاره ای از خوردن نیست، پس یك سوم معده را به غذا اختصاص ده، یك سوم دیگرش را به آب و نوشیدنی و یك سوم

را هم به نفس آن. آن سه چیز که به بردباری مربوط می شود اینهاست: چنانچه کسی به تو گفت: اگر یکی بگویی ده تا می شنوی، در پاسخش بگو: اگر ده تا بگوی...یکی هŠنخواهی شنید. اگر کسی به تو ناسزا گفت، به او بگو: اگر آنچه می گویی راست باشد، از خداوند می خواهم که مرا بیامرزد و اگر دروغ باشد، از خداوند می خواهم که تو را بیامرزد. (سوم این که) اگر کسی به تو سخن زشتی گفت، تو او را نصیحت و ارشاد کن. آن سه چیز که به دانش مربوط می شود، اینهاست: آنچه می دانی از دانشمندان بپرس و زنهار که به قصد مجادله و آزمودن از ایشان سؤالی کنی. زنهار که براساس رأی خود کاری کنی و در کارها تا جایی که راه دارد، به احتیاط عمل کن. از فتوا دادن بگریز چنان که از شیر می گریزی و گردن خود را پلی برای مردم قرار مده. اینک؛ ای ابو عبدالله تو را نصیحت و راهنمایی کردم. برخیز و مرا تنها بگذار و ورد و دعایم را بر من خراب مکن؛ زیرا من مردی هستم که نسبت به نفس خود بخل و مضایقه می ورزم و درود بر کسی که از راه هدایت پیروی کند».

این سؤالی که مطرح می کنم مربوط به کسی است که خیلی برایم عزیز است و دوست دارم و وظیفه خودم می دانم که کمکش کنم و آن این است او دختری ۱۴ ساله است ولی با این سن با توجه که بسیار زیرک است اما بسیار ساده لوح و بی آلایش است یعنی هر چه در دل داشته باشد می گوید و

پرسش

این سؤالی که مطرح می کنم مربوط به کسی است که خیلی برایم عزیز است و دوست دارم و وظیفه خودم می دانم که کمکش کنم و آن این است او دختری ۱۴ ساله است ولی با این سن با توجه که بسیار زیرک است اما بسیار ساده لوح و بی آلایش است یعنی هر چه در دل داشته باشد می گوید و به قول خودش نمی تواند حرفی را با احساسی که دارد در دل نگهدارد و بازگو نکند در این زمینه خیلی با او صحبت کردم اما می دانم که در این سن نصیحت هیچ تأثیری ندارد بنابراین دنبال راهکار دیگری می گردم با توجه به اینکه تا حدی از قوه شهوت بالایی برخوردار است گاهی دچار توهماتی می شود بطوریکه می گوید می ترسم کسی با من کار بدی کرده باشد که من مطمئنم و با کمال یقین می گویم که تا به حال همچین اتفاقی نیافتده و خیلی از این مسئله هراس دارد. با توجه به علاقه ای که به جنس مخالف دارد می گوید دلم می خواهد با یک پسر دوست شوم و با توجه به اینکه از زیبایی بسیار زیادی نیز برخوردار است در هر جمعی جلب توجه می کند از نظر خانوادگی در خانواده ای است که تا حدی بسیار زیاد مقید و پایبند به مسائل دینی و شرعی هستند و خانواده کم جمعیت و تا حدی بسیار زیاد مراقب فرزندان چه از نظر درسی و اخلاقی چه از نظر سایر جوانب. نمی دانم دارای شخصیت بسیار حساس است یعنی نمی داند با توجه به سن خودش چه رفتاری از خود بروز دهد گاهی بسیار بزرگانه و گاهی بسیار حرکات بچه گانه ای دارد یعنی افراط و تفریط از آینده اش هراس دارم می ترسم با توجه به علاقه و حرف شنوی که از من دارد می دانم می توانم کمکش کنم. می ترسم که در دست هوسبازان مکار و بی حیا بیفتد روحش جریحه دار شود با توجه به اینکه خیلی حساس و احساساتی است و خیلی سریع گول می خورد از وضع این جامعه و بازی هایش خبر ندارد و همه چیز را در ظاهر انسانها می بیند. در ضمن او فردی است که تجزیه و تحلیل خوبی به نسبت سن خود دارد و تا حد بسیاری زیادی پایبند موازین شرعی است از آینده اش می ترسم مرا راهنمایی کنید تا بتوانم کمکش کنم لطفاً هر چه سریعتر جواب را برایم بفرستید.

پاسخ

ضمن ستودن احساس وظیفه و خیراندیشی پاک و بی شائبه شما، درباره موضوع مورد نظر توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم: آنچه بیان فرمودید گوشه ای است از ویژگی های روحی و خصائص شخصیتی یک جوان که روشی خاص از برخورد و رفتار به

آنها را می طلبد از این رو باید براساس همین ویژگی ها با وی رفتار کرد، به هدف رسید و الا هدف و جوان هر دو از دست می روند لذا: ۱. بهترین شیوه هدایت یک جوان نظارت بر رفتار اوست و این نظارت نباید از نزدیک و با دستور انجام پذیرد بلکه این هدایت، هدایت از راه دور و بر پایه انتقال ارزش ها و واقعیت ها است و از نظر عملیاتی راه هدایت در دوستی با آنها نهفته است پس سعی کنید خود با وی دوست باشید و در فضای دوستی و ارتباط های صمیمانه بتوانید اهداف خود را برآورید. ۲. اگر خود نمی توانید دوست باشید و یا در کنار روش اول شما در انتخاب دوست به وی کمک کنید و با یاری دوست برگزیده ارزش ها و واقعیت ها را به او منتقل کنید چون تعهد جوانان به قوانین گروه های هم سن و سال بیشتر است لذا از دوستان خود بیشتر حرف شنوی دارند و شما می توانید از این ویژگی استفاده کرده و از طریق دوستان و یا انتخاب دوستان خوب و پسندیده اهداف خود را تعقیب نمایید. ۳. از سرزنش کردن، دستورات آمرانه صادر نمودن، امر و نهی کردن در برابر دیگران سخت پرهیز کنید که این نوع رفتارها (تا چه رسد به رفتارهای زشت و نابجا) باعث بریده شدن ریسمان ارتباط می گردد و وقتی ارتباط قطع شد دیگر راهی برای اصلاح و انتقال پیام نخواهد ماند. ۴. از آنجا که جوانان توصیه مستقیم را نمی پذیرند در اختیار نهادن کتب مورد نظر به شکل غیرمستقیم و یا نقل داستان عبرت آموز و... می تواند راهی برای انتقال پیام شما باشد. مثلا درباره ارتباط با جنس مخالف و داشتن دوست پسر، کتابی به نام «دختران، دوستی ها و عبرت ها» را معرفی یا در اختیارش قرار دهید تا مطالعه کند. ۵. در حالی که مبالغه گویی را کنار گذارده برخی پیامدهای ارتباط های اجتماعی نابجا مانند دوست پسر داشتن، فریب دوستان خیابانی را خوردن و... را برای او بازگو کنید لذا خود با بینش از آنها پرهیز می کند و اگر روزی شما نیز حضور نداشته باشید او از درون از آنها انزجار پیدا می کند و متنفر می شود. ۶. توانایی های او همانند احساسات پاک، تخیلات بی شائبه او را به مسیر خوب هدایت کنید مثلا اجازه بدهید احساسات خود را در مسیر موجود برتر عالم هستی حضرت بقیه الله (عج) بنویسد و یا در مورد یک گل، پدر و مادر و ... بیان کند نباید این احساسات و تخیلات را سرکوب کرد همانگونه که نباید اجازه داده به انحراف کشیده شوند پس موضوع و فرصت را شما ایجاد کنید تا او خود را به این شکل رها سازد. ۷. برای او سرگرمی مورد علاقه، پر کننده اوقات فراغت، برطرف کننده نیازهای امروز و آینده زندگی او است فراهم آورد به خصوص از حرفه آموز و هنرآموزی در این مورد غفلت نورزید اگر جوانان نیروی جوانی خود را در مسیر سالم هدایت نکند غوغا به پا می کند.

آیا با وجود این همه گناههای آشکار مثلا بی حجابی دختران ،آرایش کردن آنها و... باز امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است چون تعداد افراد زیاد است که ما همه را امر به معروف و نهی از منکر کنیم و نیز برخورد مردم تند و خجالت آور شده است.

پرسش

آیا با وجود این همه گناههای آشکار مثلا بی حجابی دختران ،آرایش کردن آنها و... باز امر به معروف و نهی از منکر بر ما واجب است چون تعداد افراد زیاد است که ما همه را امر به معروف و نهی از منکر کنیم و نیز برخورد مردم تند و خجالت آور شده است.

پاسخ

در صورت وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر واجب است اما اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر نیست امر به معروف و نهی از منکر هم واجب نیست و فرقی بین مرتکبین گناه چه زیاد باشند یا کم نیست. شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است: الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار. ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند. ج. احتمال تأثیر بدهد. د.

ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد. مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت».

معمولا در اکثر جشن ها این حرمت شکنی ها مشاهده می شود وظیفه ما در قبال این موارد چیست؟

پرسش

معمولا در اکثر جشن ها این حرمت شکنی ها مشاهده می شود وظیفه ما در قبال این موارد چیست؟

پاسخ

وظیفه شما نهی از منکر است و باید احکام را برای آنها با بیانی ظریف بیان کرد و نباید مراتب نهی از منکر فراموش شود.

چگونه یک فرد را می توانیم به دین نزدیک کنیم و نور ایمان را در دلش بتابانیم البته شخصی که در خانواده ای معتقد است و خود هم اعتقاداتی دارد اما در عمل به آنها تنبلی کرده و یا بی تفاوتی نشان می دهد.

پرسش

چگونه یک فرد را می توانیم به دین نزدیک کنیم و نور ایمان را در دلش بتابانیم البته شخصی که در خانواده ای معتقد است و خود هم اعتقاداتی دارد اما در عمل به آنها تنبلی کرده و یا بی تفاوتی نشان می دهد.

پاسخ

تلاش و کوشش جهت هدایت و تشویق افراد به طرف خدا و تقویت ایمان آنها کاری بس ارزشمند است . دعوت مردم به آشنایی با دین و عبادت خداوند از برجسته ترین و متعالی ترین امور است. چنانچه در روایتی رسول خدا(ص) فرمود: هر کس بتواند یک نفر را هدایت کند و به طرف دین جذب نماید، ارزش آن برتر از تمام چیزهایی است که خورشید بر آنها می تابد. برای ترغیب و تشویق به انجام فرائض دینی ، ابتدا باید زیربناهای فکری افراد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و ... اموری است که نتیجه مستقیم بر ایمان فرد دارد . تقویت و اصلاح این مبانی تأثیر زیادی بر ایمان انسان می گذارد. قدم بعدی چشیدن و مزه کردن ایمان است. اگر کسی شیرینی و لذت ایمان به خدا را حس کند و از انجام کارهای دینی لذت ببرد ، هرگز نسبت به آنها بی تفاوتی نشان نمی دهد. به همین جهت در دعاها آمده است: «اللهم اذقنی حلاوه ذکرک : خدایا شیرینی یاد خودت را به من بچشان». قدم سوم پرهیز از اموری است که انسان را از توجه به خدا غافل می کنند. گر چه یاد خدا و ارتباط عاشقانه با او بسیار لذت بخش است و هیچ لذتی به پای آن نمی رسد ، ولی اگر لذت های مادی و شیطانی که رسیدن به آنها بسیار آسان است و روز به روز متنوع تر و گسترده تر می شود، در زندگی فرد وارد شود، کم کم او را از توجه به خدا باز می دارد و ایمان او را ضعیف می کند. حال با توجه به این سه مطلب، راهکارهای زیر را جهت تقویت ایمان فرد و نزدیک کردن او به دین پیشنهاد می کنیم، اما قبل از آن این نکته را یادآوری می کنیم که هدایت و ارشاد دیگران به طرف خدا امری تدریجی است که لازمه آن صبر و بردباری و تلاش دائمی است و نمی توان انتظار داشت یک مرتبه افراد به همه چیز برسند. باید سعی کنیم قدم به قدم پیش رویم. این راهکارها عبارتند از: ۱. او را به مطالعه کتاب های مفید در زمینه های مذهبی تشویق کنید . گاهی هم کتاب های جالب را که برای او مناسب است خودتان مطالعه کنید و خلاصه آن را برایش بگویید، به این صورت

که اگر می توانید با او قرار بگذارید و در یک زمان مناسب این کار را بکنید. شما می توانید این کار را به بهانه اینکه می خواهید از او کمک بگیرید تا اشتباهات شما را اصلاح کند ، انجام دهید. زیرا در غیر اینصورت ممکن است زیر بار این کار نرود. ۲. نصیحت و تذکر مستقیم سودی ندارد. سعی کنید مطالبتان را غیر مستقیم به او بگویید. ۳. قبل از اینکه بخواهید تذکری به او بدهید بهتر است نکات مثبت او را برجسته کنید. و او را به عنوان فردی موفق جلوه دهید و طوری وانمود کنید که تذکرات شما برای بهتر شدن وضعیت او است. ۴. داشتن روابط صمیمی و دوستانه تأثیر سخن شما را چند برابر می کند پس سعی کنید دائما او را مورد محبت و نوازش قرار دهید و او را از بهترین دوستان خود معرفی کنید. ۵. گاه گاهی از او بخواهید اشتباهاتتان را به شما تذکر دهد تا احساس کند نظرات او را قبول دارید و به آن احترام می گذارید. ۶. سعی کنید وی را به شرکت فعال در تشکلهای مذهبی دانشگاه تشویق کنید و از اعضای آنها بخواهید به او توجه و احترام لازم داشته باشند. ۷. او را به شرکت در مراسم جذاب مذهب مثل زیارت عاشورا ، دعای توسل و مانند آن تشویق کنید و روحیه توبه و انابه و مناجات با خدا را در او به وجود آورید. ۸. تا جایی که ممکن است ارتباط او را با لذایذ حرام مثل نوارها و سی دی های غیر مجاز و شرکت در مجالس آلوده ، رابطه با جنس مخالف و مانند آن قطع یا محدود کنید، زیرا اینگونه برنامه ها در تخریب ایمان جوانان بسیار مؤثر است. ۹. آینده نگری، احساس مسئولیت و توجه به عالم آخرت را در او ایجاد کنید. ۱۰. از صمیم قلب برای موفقیت خودتان و برای هدایت او دعا کنید و بدانید که اگر در کارتان جدیت و اخلاص داشته باشید ، حتما موفق می شوید، اگر هم موفق نشدید اجرتان پیش خدا محفوظ است و از این جهت جای نگرانی نیست. ۱۱. سعی کنید با رفتارتان او را دعوت به دین و ارزشهای دینی کنید «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم» پیامبر فرمود مردم را با غیر زبان به دین دعوت کنید. زیرا مشاهده رفتار دیگران در تأثیر پذیری انسان بسیار مؤثر است. این کار هم به نفع شماست یعنی عملا خود شما کمال پیدا می کنید و هم باعث تشویق و تحریض ایشان برای عمل کردن به احکام و ارزشهای دنیوی می شوید.

من دوستی دارم که به خاطر مسائل دینی و مذهبی خیلی به او نزدیک شدم تا بتوانم رویش تاثیر گذارم (شاید با گفتن مشکل سؤال قبل این حرفم خنده دار باشد) اما خیلی کم موثر بودم حال می بینم که دو بار است او از روی شوخی به امام حسین و حضرت فاطمه توهین می کند البته من

پرسش

من دوستی دارم که به خاطر مسائل دینی و مذهبی خیلی به او نزدیک شدم تا بتوانم رویش تاثیر گذارم (شاید با گفتن مشکل سؤال قبل این حرفم خنده دار باشد) اما خیلی کم موثر بودم حال می بینم که دو بار است او از روی شوخی به امام حسین و حضرت فاطمه توهین می کند البته من سریعا عکس العمل نشان می دهم و ا و را سرزنش کردم حال شما بفرمایید ما با او چه کنم.

پاسخ

دانشجو گرامی: گر چه احساس مسئولیت شما نسبت به دوستتان جای تقدیر و تشکر دارد و نشان دهنده حسن نیت، مسئولیت پذیری و همنوع دوستی شما ست اما تأثیرگذاری نیاز به مقدمات شرایط و عواملی چند است که به برخی از آنها اشاره می کنیم. ۱. یکی از چیزهایی که برای تأثیرگذاری لازم است توانایی، مهارت و شناخت کافی نسبت به موضوعی که مورد بحث شماست به عنوان مثال اگر شما می خواهد دوستتان را نسبت به مسائل دینی آگاه کنید و او را جذب دین و معارف دینی کنید باید خودتان اطلاعات لازم را نسبت به معارف دین داشته باشید و الا به خوبی نمی توانید معارف دین و فواید دینداری را برای او توضیح دهید و او تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت. ۲. عمل به احکام دینی یکی از مهمترین شرایط تأثیرگذاری است . پیامبر (ص) در این باره

فرمود اگر می خواهید دیگران را به دین دعوت کنید سعی کنید نه با زبان بلکه با عملتان آنها را به دین دعوت کنید و قرآن نیز می فرماید: «اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم افلا تعقلون» (بقره ، آیه ۲۵) آیا شما مردم را به نیکی امر می کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده اید آیا فکر نمی کنید؟» بنابراین رفتار شما به آموزه های دینی در تأثیرگذاری نقش بسیار مهمی دارد. ۳. در معرفی دین به دیگران علاوه بر شناخت کافی نسبت به آموزه های دینی باید سعی کنید دین را خوب برای او تبیین کنید با بیانی مستدل و با منطقی قوی و در عین حال با برخورد خوب و زبان شیرین. ۴. اگر خودتان شرایط لازم علمی و تبلیغی را ندارید از بحث کردن با او اجتناب کنید و سعی کنید از افرادی که شرایط فوق را دارا هستند کمک بگیرید. ۵. یکی دیگر از شرایط تأثیر گذاری اینست که اعتماد او را به خودتان جلب کنید. برای جلب اعتماداو ، رابطه عاطفی و محبت آمیز با او داشته باشید و از طرح کردن بحث های جدلی با او اجتناب کنید. ۶. در صدد محکوم کردن او نباشید بلکه در صدد راهنمایی و هدایت او باشید. زیرا اگر بخواهید او را محکوم کنید و بگویید تو اشتباه می کنی در مقابل شما حالت دفاعی می گیرد و مقاومت می کند و حتی از روی لجبازی هم که شده حرف شما را نمی پذیرد بلکه ممکن است کاری کند یا حرفی بزند تا روحیه شما را جریحه دار کند مانند همان برخوردهای توهین آمیزی که خودتان به آن اشاره کردید. ۷. اگر احساس می کنید بحث کردن شما با او فایده ای ندارد بلکه باعث می شود او نسبت به دین و بزرگان دین بی ادبی کند و لو از روی شوخی از بحث کردن با او خودداری کنید.

مغازه ای رابه فردی اجاره داده ام اوازاین مغازه درجهت اشاعه فحشا استفاده میکند مراراهنمایی کنید

پرسش

مغازه ای رابه فردی اجاره داده ام اوازاین مغازه درجهت اشاعه فحشا استفاده میکند مراراهنمایی کنید

پاسخ

ضمن تقدیر و تشکر از شما که نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی شهر و محله تان حساسیت و دلسوزی به خرج می دهید. نکاتی را در پاسخ به سؤالات شما به عرضتان می رسانیم: ۱. در صورتی که مغازه شما که اجاره داده اید، به مرکز فساد تبدیل شده است و یا در اشاعه گناه و مظاهر فساد به گونه ای کمک می کند، قرار دادتان را در سال جدید تمدید نکنید، زیرا این کار شما مرتبه ای از مراتب امر به معروف و نهی از منکر است و اگر توان و امکان جلوگیری از گناه و فسادهای اجتماعی را دارید، باید از آن قدرت، استفاده کنید و در حد توان خودتان به اقامه حدود الهی کمک نمایید. مطمئن باشید خداوند به شما که نیت خالص و پاک دارید و در صدد پاس داشتن و حرمت گذاری نسبت به وظایف اخلاقی و دینی در بعد اجتماعی هستید، کمک خواهد کرد و جبران کننده ضرر احتمالی مالی تان نیز خواهد بود. ۲. در صورت امکان وی را تشویق کنید که از چنین اقداماتی که وضعیت فرهنگی خیابان را به سود افراد بی فرهنگ و فعالیت های ابتذالی جهت داده است دست بردارد حتی اگر ممکن است به وی قول دهید که در صورت اجتناب از این فعالیت ها، اجاره مغازه را کاهش می دهید یا دیگر اضافه نمی کنید و از این نوع تسهیلات که آن جوان برای رسیدن به سود مادی بیشتری هم که شده فعالیت های غیر مجازش را کنترل یا حذف کند. ۳. در صورتی که سخن گفتن و یا کوتاه آمدن و یا تشویق کردن وی تأثیری ندارد پس از اتمام رسیدن مدت اجاره نامه را تمدید نکنید.

فردی را می شناسم که چون جوان است و در پارک ها بطور رایگان دیگران به او تریاک می دهند و او این مواد را به افراد معتاد می دهد و از آنها دخترشان را برای مدتی کرایه می کند. پیش آ پیش تشکر می کنم.

پرسش

فردی را می شناسم که چون جوان است و در پارک ها بطور رایگان دیگران به او تریاک می دهند و او این مواد را به افراد معتاد می دهد و از آنها دخترشان را برای مدتی کرایه می کند. پیش آ پیش تشکر می کنم.

پاسخ

با اعتراف به وجود چنین وقایع تلخ و ناشایسته برای جامعه اسلامی، بر غیرت دینی و شرف انسانی همه مؤمنین و انسان های غیور ایرانی (ما و شما و همه کسانی که در جریان این ناملایمات اخلاقی قرار می گیرند) اقتضاء می کند از طریق نیروهای مسئول مخصوصا نیروی انتظامی یا اداره اطلاعات مانع خیانت عده ای بشوند که شرف انسانی و ایمانی خود را با شهوات یا پول معامله می کنند و به ناموس مردم تعرض می کنند. چند نکته: ۱ ـ ما قبول داریم که مبارزه واقعی اصیل و پایدار، ریشه کن کردن علل شکل گیری این حوادث و وقایع تلخ یعنی فقر مالی، فقر فرهنگی، بی عدالتی و تبعیض و شکاف طبقاتی و بی کاری و ... است. ۲ ـ با معضل اعتیاد متأسفانه برخوردهای سلیقه ای، چندان جواب نداده است بلکه با تهاجم دشمنان از این طریق که هزینه ککم و برداشت زیاد دارد، متأسفانه آمار و ارقام ناراحت کننده شنیده می شود. ۳ ـ مبارزه ریشه ای نبید به معنای نفی مبارزه فوری و مقطعی گردد. ۴ ـ وظیفه مسئولین حکومت، به معنا یا مستلزم عدم مسئولیت ما در امر به معروف و نهی از منکر نمی گردد بلکه هر انسان با غیرتی در مقابل این مفاسد، احساسات پاک انسانی و ایمانی خود را بروز می دهد. ۵ ـ امر به معروف و نهی از منکر فقط در قالب سخن و کلام نیست، بلکه به مقتضای «ولتکن منکم امه تدعون الی الخیر و تنهون عن المنکر ...» باید هم مؤمنین با هم و هم با نیروهای مسئول حکومتی همکاری نمایند و در قالب طرح و برنامه ای جدا ریشه این مفاسد را بخشکانند و حتی اگر برخی از نیروهای حکومتی برای مثال برخی مأمورین نیروهای انتظامی از انجام وظیفه خود سر باز زد و یا از وظیفه خود تخلف کرد به جای یأس، باید به طریق دیگر مثلا رجوع به مقامات بالاتر درصدد دفع این مفسده باشیم. ۶ ـ ما نیز آمادگی همکاری و پی گیری مشکل هستیم چنانچه از دست ما کاری بر می آید بی درنگ ما را مطلع سازید البته با ارائه شواهد و مستند).

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات مثلا در نماز جماعت میبینم که افرادی که حتی سن انها بالا است اشکالاتی در نمازشان است و من خجالت میکشم با توجه به سنشان به انها توضیح دهم ایا دین شرعی به گردن من میبا

پرسش

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات مثلا در نماز جماعت میبینم که افرادی که حتی سن انها بالا ـ است اشکالاتی در نمازشان است و من خجالت میکشم با توجه به سنشان به انها توضیح دهم ایا دین شرعی به گردن من میباشد و بهترین راه برای این مسله چیست با تشکر

پاسخ

اگر مسائل نماز را نمی دانند و با گفتن خود احتمال اثر می دهید؛ بصورت محترمانه تذکر دهید و می توانید با طرح سوالی ایشان را متوجه اشتباهشان نمایید. اصولا خجالت کشیدن عذر ترک وظیفه نمی گردد مگر اینکه در اثر شرایط خاص هیچ گونه احتمال اثر داده نشود.

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات که در تاکسی و یا شخصیهای مسافربر که

هستم انها از نوارهای مبتذل استفاده میکنند که من بسیار ناراحت میشوم اما نمیخواهم با یک فرد سطح پایین جامعه بحث کنم و البته کمی هم

پرسش

با سلام و عرض خسته نباشید سوال من در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر است من گاهی اوقات که در تاکسی و یا شخصیهای مسافربر که هستم انها از نوارهای مبتذل استفاده میکنند که من بسیار ناراحت میشوم اما نمیخواهم با یک فرد سطح پایین جامعه بحث کنم و البته کمی هم خجالت میکشم و تقیه میکنم ایا دین شرعی به گردن من میباشد و بهترین راه برای این مسله چیست با تشکر؟

پاسخ

با تحقق شرایط نهی از منکر، که از جمله آن احتمال تأثیر است بر شما بیشتر از نهی از منکر چیزی واجب نیست و در صورتی که مؤثر واقع نشود، واجب است که از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کنید و اگر مجبور به بودن در آن مکان (مثل ماشین) باشید گناه ندارد و اگر به طور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش شما برسد، چیزی بر شما نیست (ترجمه اجوبه الاستفتاآت مقام معظم رهبری، ص ۲۸۲، مسأله ۱۰۶۵ و ۱۱۳۹).

باســلام وتسلیت متاسفانه اخیرا در خوابگاههای دانشجویی عمدتا شایعه گرایش برخی از دانشجویان به آیین مسیحیت به وفور مشاهده میشود لذا لازم است نهاد محترم قدری به این مسئله با جدیت بیشتری پاسخگو باشند .وهمچنین راه کار برخورد (علمی) را برای بنده بیان فرمایید. با

پرسش

باسلام وتسلیت متاسفانه اخیرا در خوابگاههای دانشجویی عمدتا شایعه گرایش برخی از دانشجویان به آیین مسیحیت به وفور مشاهده میشود لذا لازم است نهاد محترم قدری به این مسئله با جدیت بیشتری پاسخگو باشند .وهمچنین راه کار برخورد (علمی) را برای بنده بیان فرمایید. با تشکر

پاسخ

با تشکر از توجه شما و تذکرتان به برادرانتان در نهاد مقام معظم رهبری؛ درباره برخورد علمی بهترین راه نشان دادن نقاط ضعف فراوان مسیحیت و تحریفات فراوان کتاب مقدس است. ما دو کتاب معرفی می کنیم و مختصری هم در این مورد سخن می گوییم. برای داوری در مورد حقانیت یک دین و عدم حقانیت ادیان دیگر، باید ابتدا با اصول عقاید و آموزه‌های ادیان آشنا شد و آن‌گاه آن را به وسیله عقل_ که حجت درونی انسان است _محک زد. ما در چنین مراجعه‌ای، اصول عقاید و معارف دین اسلام را مبتنی بر ادله و براهین متقن و یقینی عقلی می‌یابیم؛ یعنی، یکایک این اصول به وسیله براهین متعدد یقینی اثبات می‌گردد. با وجود براهینی که درباره اصل توحید اقامه می‌شود، ادیان و مکاتب غیرتوحیدی_ که اعتقاد به ثنویت (دوخدایی)، تثلیث (سه خدایی) یا چند خدایی از ارکان اعتقادی آنها محسوب می‌شود _ابطال می‌گردد. در همین زمینه، آنچه از ادله یقینی عقلی بر نفی جسمیت یا رؤیت خداوند اقامه می‌شود، مکاتب و مذاهبی را که مبتنی بر چنین عقایدی هستند، رد می‌کند. در خصوص دو دین بزرگ یهودیت و مسیحیت، نیز با همین حجت درونی؛ یعنی، احکام و براهین یقینی عقل، اگر به بررسی آموزه‌های این دو دین بنشینیم، به نتیجه مشابه سایر مکاتب خواهیم رسید. عقل، در بررسی آموزه‌هایی که مسیحیت تبیین می‌شود، آنها را مخالف با براهین یقینی

خود می‌یابد. اعتقاد به تثلیث،رساله اول به قرنتیان ۸:۶ و انجیل یوحنا: ۵/۲۰ تجسم و رؤیت،همان و سفر پیدایش، ۳۲:۲۴ ـ ۳۰)... اموری است که براهین عقلی آن را از هیچ مکتب و مذهبی نمی‌پذیرد؛ بلکه آن را نشانه عدم حقانیت و در واقع تحریف آنها می‌داند. به پاره‌ای دیگر از تحریفات صورت گرفته در این دین اشاره‌ای گذرا می‌کنیم تا بر اساس حکم عقل، خود داوری کنید: تحریفات مسیحیت و یهود ۱. اتهامات ناروا به پیامبران؛ علاوه بر رسوخ تحریفات بنیادی و اعتقادی در کتاب مقدس، پاره‌ای اتهامات ناروا و غیراخلاقی به بعضی از پیامبران نسبت داده شده است که قلم از بیان آن شرم دارد، ر.ک: انجیل یوحنا، ۲:۱ـ۱۱، سفر تکوین، ۱۹:۳۰ ـ ۳۸ و برای آشنایی بیشتر ر.ک: انیس الاعلام، ج ۳ و بشارات عهدین، محمد صادقی، ص ۷۳ و ۱۷۷؛ در حالی که براهین عقلی لزوم عصمت پیامبران را اثبات می‌کند. ۲. وجود افسانه‌ها؛ وجود افسانه‌های بی‌پایه در کتاب مقدس، یکی دیگر از جنبه‌های تحریف آن است؛ از جمله می‌توان به کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه‌ای او بر خدا، اشاره کرد.سفر پیدایش، ۳۲:۳۴ـ۳۰ ۳. گناه فطری؛ مسیحیان معتقدند، آدم در بهشت به گناه آلوده شد و این گناه به همه فرزندان او نیز منتقل می‌شود؛ یعنی، انسان بالفطرهٔ گناه‌کار است و هرگونه تلاش و عمل انسان در رهایی از این خطا، سودی نخواهد بخشید و تصلیب و به دار کشیده شدن حضرت عیسی(ع)، کفاره گناه فطری انسان است. ۴. تقویت ظلم؛ یکی دیگر از آموزه‌های نامعقول کتاب مقدس، توجیه ظلم و ستم و دعوت به سکوت در برابر حاکمان ظالم، به بهانه این است که آنان حاکم و سایه خدا در زمین‌اند.انجیل متی، ۵:۳۸ و اکثر نامه‌های پولس به رومیان. وجود این گونه آموزه‌های غیرعقلانی در کنار طرح مسأله تثلیث و تجسیم و وجود تناقضات متعدد در متن کتاب مقدس، در کتاب «انیس الاعلام»، ج ۲، ۱۲۵ مورد تناقض موجود در کتاب مقدس مورد بررسی قرار گرفته است. دلیل بر عدم حقانیت مسیحیت و یهودیت امروزی است. خلاصه سخن اینکه راه شناخت حقانیت دین اسلام و عدم حقانیت سایر ادیان و شرایع، مراجعه به آموزه‌های آنها و داوری است. اگر کسی مراجعه کند، خواهد یافت که اسلام در سه وادی «عقاید»، «اخلاق و فضایل» و «احکام فردی و اجتماعی»، نه تنها کامل‌تر از سایر ادیان بلکه قابل مقایسه و طرف نسبت با آنها نیست و در تمام دوره زندگی بشر، عقاید و شریعتی به این جامعیت و عمق و اتقان و استواری بر بنیان عقل، وجود ندارد. امام خمینی(ره) در این زمینه، در کتاب چهل حدیث می‌نویسد: «اثبات حقانیت دین اسلام، احتیاج به هیچ مقدمه ندارد جز نظر کردن به خود آن و مقایسه بین آن و سایر ادیان و شرایع».چهل حدیث، امام خمینی، شرح حدیث دوازدهم، ص ۲۰۱. در پایان دو کتاب جهت مطالعه بیشتر معرفی می شود: ۱ – زیبائی نژاد؛ محمد رضا؛ درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت؛ انتشارات اشراق چاپ اول ۱۳۷۵؛ قم. ۲ – سلیمانی اردستانی عبدالرحیم؛ پسر خدا در عهدین و قرآن؛ انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی چاپ اول ۱۳۷۸؛ قم

الان در بسیج پستی را قبول کردم که با مشکلات عدیده ای مواجه شدم به نظر شما از چه الگوهای رفتاری برای برخورد و صحبت کردن استفاده کنم خواهشمندم مرا راهنمایی کنید و از این برزخ مرا بیرون بیاورید؟

پرسش

الان در بسیج پستی را قبول کردم که با مشکلات عدیده ای مواجه شدم به نظر شما از چه الگوهای رفتاری برای برخورد و صحبت کردن استفاده کنم خواهشمندم مرا راهنمایی کنید و از این برزخ مرا بیرون بیاورید؟

پاسخ

این روحیه شما قابل تحسین است زیرا در حفظ حریم و دوری از حرام باید جدی بود. چنان که حضرت موسی(ع) هنگامی که با دو دختر شعیب به سوی شهر می رفتند جلوتر راه می رفت تا آن دو دختر در مقابل نگاهش نباشند و یا امام علی(ع) با وجود عصمت و پاکی فوق العاده، از سلام کردن به خانم های جوان خودداری می کرد. بنابراین حفظ حریم باید به عنوان یک ارزش در جامعه

حاکم شود و در صورتی که از نظر درسی و آراستگی نقطه ضعفی نباشد، رفته رفته به عنوان یک الگو برای دیگران قابل طرح است. با توجه به شرایط خاص دوران جوانی , طولانی بودن دوران تجرد غالب دانشجویان و خطرات جدی تمایلات آشکار و پنهان غرائز نفسانی , لازم است برادران و خواهران دانشجو روابط خود را از نظر کمی و کیفی تحت کنترل قرار دهند و در سطح ضرورت حفظ کنند. بنابراین , توصیه اکید ما این است که : اولا, "اگر ضرورتی ایجاب نمی کند حتی الامکان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود. اینکه در احکام شرعی می فرمایند در غیر ضرورت مثلا "مکروه است مرد با زن هم صحبت شود, مخصوصا "مرد و زن جوان , به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدن ها, غرایز جنسی افراد را تحریک کند و یک الفت و محبت شهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای غوطه ور شدن در انحراف و فاسد شود. در هر حال انسان باید دقیقا "درون خود را بکاود و باطنش را عمیقا "مطالعه کند که مثلا "صحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد. ثانیا: "در صورت ناچاری و ضرورت , روابط با نامحرم تا آنجا که به شکستن حریم احکام الهی منجر نشود, اشکالی ندارد. بنابراین , گفتگو و نگاه های متعارف بدون قصد لذت و ریبه , اشکالی ندارد. اما با این حال , حتی الامکان لازم است در کلاسها به گونه ای باشند که کمترین اختلاط پدید آید و در برخورد و گفتگو, هنجارهای شرعی زیر رعایت شود: ۱- از گفتگوهای تحریک کننده پرهیز شود. ۲- از نگاه های آلوده و شهوانی خودداری شود. ۳- حجاب شرعی رعایت شود. ۴- قصد تلذذ و ریبه در کار نباشد. ۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته , تنها نمانند. بنابراین , سعی کنید خود را عادت دهید که : ۱- در صحبت با نامحرم به او نگاه نکنید و به هیچ قسمتی از بدن او خیره نشوید و قسمت های باز و پوشیده برایتان کاملا "مساوی فرض شوند, این مسأله را با تکرار و تلقین باید ادامه دهید. ۲- در همه حال , خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بدانید و عفت و حیا را فراموش نکنید. لذا با توجه به شرایط خاص دوران جوانی , طولانی بودن دوران تجرد غالب دانشجویان و خطرات جدی تمایلات آشکار و پنهان غرائز نفسانی , لازم است برادران و خواهران دانشجو روابط خود را از نظر کمی و کیفی تحت کنترل قرار دهند و در سطح ضرورت حفظ کنند. بنابراین , توصیه اکید ما این است که : اولا, "اگر ضرورتی ایجاب نمی کند حتی الامکان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود و خواهران دانشجو در مقابل افراد نا محرم , رفتاری متکبرانه داشته باشند نه رفتاری صمیمانه. اینکه در احکام شرعی می فرمایند در غیر ضرورت مثلا" مکروه است مرد با زن هم صحبت شود, مخصوصا "مرد و زن جوان, به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدن ها, غرایز جنسی افراد را تحریک کند و یک الفت و محبت شهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای غوطه ور شدن در انحراف و فاسد شود. در هر حال انسان باید دقیقا "درون خود را بکاود و باطنش را عمیقا "مطالعه کند که مثلا "صحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد. ثانیا: "در صورت ناچاری و ضرورت , روابط با نامحرم تا آنجا که به شکستن حریم احکام الهی منجر نشود, اشکالی ندارد. بنابراین , گفتگو و نگاه های متعارف بدون قصد لذت و ریبه , اشکالی ندارد. اما با این حال , حتی الامکان لازم است در فعالیت ها به گونه ای باشند که کمترین اختلاط پدید آید و در برخورد و گفتگو, هنجارهای شرعی زیر رعایت شود: ۱- از گفتگوهای تحریک کننده پرهیز شود. ۲- از نگاه های آلوده و شهوانی خودداری شود. ۳- حجاب شرعی رعایت شود. ۴- قصد تلذذ و ریبه در کار نباشد. ۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته , تنها نمانند. با توجه به آنچه گفته شد خوب است برای توجیه خواهران از یک نفر به عنوان رابط استفاده کنید. که سعی کنید از نظر سن و ویژگی های ظاهری جذابیت کمتری برای شما داشته باشد. و در هنگام صحبت با خواهران بدون اینکه در صورت آنها نگاه کنید. مطالب و دستورات لازم را به آنها منتقل کنید. و اما درباره رعایت دیگر ویژگی های مسؤول توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم: ۱. حضرت علی(ع) می فرمایند: «آله الریاسه سعه الصدر» یعنی وسیله و ابزار ضروری برای مدیریت، داشتن سعه صدر است بنابراین به تقویت قدرت تحمل و صبر در مقابل ناملایمات رفتاری دیگران و نقص و ضعف و کمبودهای امکانات بپردازید تا بو تحمل شنیدن نقطه نظرات، انتقادات و اعتراضات دیگران را هم در خودتان ایجاد و هم آن را تقویت کنید و خیلی زود از نداشتن امکانات یا ضعف ها و یا

شکست در رسیدن به اهداف و برنامه های طراحی شده، عصبانی و رنجیده خاطر نشوید. هر چند باید پی گیری کنید و در تلاش های مجدد سعی کنید به هدفتان دسترسی پیدا کنید. بنابراین اولین توصیه ها داشتن سعه صدر است. ۲. در تصمیم گیری ها بخصوص تصمیمات مهم هرگز عجله نکنید و شتاب زده تصمیم نگیرید بلکه خوب درباره آن بیاندیشید و با دیگران به مشورت بپردازید و در یک جمع بندی کلی و پس از شنیدن نظرات دیگران تصمیم گیری کنید. ۳. از تعدادی دوستان مورد اعتماد و با تجربه تر بخواهید هسته را تحت عنوان هسته مشاوره تشکیل داده و از طراحی و برنامه ریزی ای کوتاه مدت و بلند مدت آنها بهره بگیرید. اما درباره نحوه رفتار با دیگران و تعامل اجتماعی با آنها توجهتان را به مطلب زیر جلب می کنیم: بهترین روش رفتار با دیگران و جلب محبت را می‌توان از کلام رسول اکرم(ص) آموخت که فرمود: هیچ یک از شما مؤمن نیست مگر اینکه برای دیگری آن را بخواهد که برای خود می‌خواهد» بنابراین اگر روشی را دوست دارید که مردم آنگونه با شما رفتار کنند، به همان روش با دیگران برخورد کنید. هر چه را برای دیگران پیشنهاد می‌کنید همان بهترین روش است و شما نیز بر اساس آن با آنان رفتار کنید. زیرا انسان جز انتظار خوش رفتاری از مردم ندارد، کمترین اهانتی را از سوی آنان نمی‌پذیرد راضی نیست که کسی به او تهمت زند، و نمی‌پسندد که کسی از معایب او پیش دیگران سخن بگوید هر چند آن عیوب را واقعا داشته باشد. در اینجا ما به بعضی از فنون اساسی در رفتار با دیگران اشاره می‌کنیم: ۱ـ اگر خواستید شخصی را نسبت به موضوعی متقاعد سازید سعی نکنید پیرامون آنچه شما می‌خواهید با او به جر و بحث بپردازید بلکه اول از خواسته خود کوتاه بیایید و خواسته او را در نظر بگیرید آنگاه نظر خودتان را مطرح کنید. ۲ـ در روابط اجتماعی با دیگران سعی کنید از انتقاد، سرزنش و گلایه خودداری کنید. ۳ـ سعی کنید نکات مثبت در رفتار و شخصیت دیگران را شناسایی کرده و آنها را به خاطر آن ویژگی ها و رفتارها، تحسین صادقانه داشته باشید نه آنکه روی نکات منفی وی انگشت گذاشته او را مذمت کنید. ۴ـ سعی کنید شنونده خوبی برای دیگران باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود با شما حرف بزنند. ۵ـ به دیگران احترام بگذارید و کاری کنید که احساس کنند مهم و با ارزش هستند و این کار را صمیمانه انجام دهید. ۶ـ در برخورد با دیگران با چهره‌ای گشاده و لبخند سخن را آغاز کنید. ۷ـ به جای اینکه مستقیما به دیگران دستور دهید کاری برای شما انجام دهند، خواسته خویش را به شکل سؤال طرح کنید و به طور غیرمستقیم از آنها بخواهید خواسته‌تان را عملی کنند. ۸ـ اگر دیگران کاری برای شما انجام دادند، آنها را به هر طریقی که ممکن است خوشحال کنید و از آنها تشکر و قدردانی کنید. ضمنا لازم است از حقوق دینی و اخلاقی ـ اجتماعی ای که دیگران بر انسان دارند شناخت بیشتری پیدا نمود تا در اداء آن حقوق تلاش کرد.

یکی از خانه های اطراف منزل ما مواد مخدر توزیع می کند. با توجه به بی اعتنایی سایر همسایه ها وحتی مامورین نیروی انتظامی شهر خودمان (که با تماس های گرفته شده کاری از پیش نبرده اند) و با توجه به مخالفت های زیاد پدر و مادر و اینکه اگر آنها دستگیر شوند به اولین

پرسش

یکی از خانه های اطراف منزل ما مواد مخدر توزیع می کند. با توجه به بی اعتنایی سایر همسایه ها وحتی مامورین نیروی انتظامی شهر خودمان (که با تماس های گرفته شده کاری از پیش نبرده اند) و با توجه به مخالفت های زیاد پدر و مادر و اینکه اگر آنها دستگیر شوند به اولین کسانی که مشکوک می شوند ما هستند و ممکن است مشکلاتی را برای ما به وجود آورند مرا در مورد چگونگی برخورد با آنها راهنمایی کنید؟ با تشکر

پاسخ

برادر عزیز و گرامی قبل از پرداختن به پاسخ لازم است از حسن اعتمادتان به این دفتر و کارشناسان مربوطه تقدیر و تشکر کنیم و به این احساس مسئولیت و تعهد ایمانی شما آفرین بگوییم. اگر در جامعه ایرانی و اسلامی ما ۲۰ درصد مردم این چنین احساس مسئولیت می نمودند هرگز منکری رخ نمی داد و معروفی ترک نمی شد اما افسوس ولی امیدواریم که افراد مانند شما که بسیار اندک هستند کاری کارستان نمایند چه هر یک نفر آنها برابر با صدها و هزارها نفر از افراد عادی مفید و اصلاح گر هستند. دوست عزیز سؤال شما از دو زاویه قابل بررسی و پاسخ است یکی از دیدگاه فقهی و حکم تکلیفی الهی و دیگری از رهگذر تأثیرات تربیتی و اخلاقی. از دیدگاه نخست یعنی وظیفه دینی و فقهی با توجه به عدم تأثیرپذیری متخلفین و فراهم نبودن شرائط دیگر همانند تأمین جانی و خانوادگی و حتی نهی و مخالفت والدین [که تأمین رضایت آنها بسیار مهم می باشد] انجام این امر به معروف و نهی از منکر بر شما لازم و واجب نیست. یعنی لازم نیست با خود آنها موجه شده و آنها را از منکر مبتلا شده باز دارید. اما از نظر تربیتی و اخلاقی شما تکلیف و وظیفه دیگری دارید: الف. بدون توجه به مقررات و وظائف نیروهای انتظامی جریان را با یک پیر مرد خوش برخورد و وجیه در میان بگذارید و از او بخواهید تا این افراد را ارشاد کند (هر چند که خود می دانید امر به معروف و نهی از منکر اثر ندارد و حتی مضر است) و آنها با پیامدهای شخصی و اجتماعی این گونه اعمال آشنا سازد. البته این پیرمرد باید از این محله نباشد و از طرفی ارتباط شما را با ایشان به افراد خاطی گزارش ندهد و مخفی نگهدارد و بر ملاء نسازد که از کجا متوجه شده است فقط چند بار به صورت دوستانه و خیرخواهانه خطر این نوع خلافکاری ها را گوشزد کند و به آنها تذکر دهد. و این کار را بدون تهدید و صرفا با زبانی دوستانه و خیرخواهانه بیان کند بعد از مدتی که این شکل برخورد را ادامه داد در آخرین برخورد با آنها بگوید که من خیرخواهتان بودم و بعد از این دیگر خودتان می دانید اگر خدای ناکرده حادثه ناگواری رخ داد من وظیفه خیرخواهی خود را انجام دادم [یعنی تهدید نکند ولی هشدار بدهد که بعد از این دیگر من خیر خواهتان نیستم نه آنکه دشمن شما هستم و شما را لو می دهم] البته این شخص نباید آدرس و نشانی به آنها بدهد. آنگاه که مأموریت پیرمرد به پایان رسید شما از طریق دائره عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی و حتی ارائه گزارش به مأمورین نیرو در سطح استان نسبت به لو دادن آنها اقدام کنید. و در این مدت رفتار خود را با این افراد تغییر ندهید تا به شما مشکوک شوند. منتهی از گزارش دادن به طرق مختلف (تلفن، گزارش کتبی ، زدن ایمیل و ...) هرگز کوتاهی نکنید و در یک بمباران اطلاعاتی توسط افراد متهد و از کانال های مختلف اقدام کنید. در این مدت زندگی و ارتباط طبیعی و قبلی خود را ادامه دهید. بعد از این شما به وظیفه تربیتی خود نیز عمل کرده اید. اگر کارگر واقع نشد تماس مجدد بگیرید تا اقدامات بعدی بیان شود.

بسمه تعالی اللهم عجل لولیک الفرج با عرض سلام و خسته نباشید سوال من در مورد چگونگی هدایت جوانان است امیدوارم که جوابی کاملاً کاربردی به سوال من داده شود حتماً در مورد تهاجم فرهنگی از طریق اینترنت اطلاعات کافی دارید و اینکه چه مطالب و عکس های مستهجنی در آن

پرسش

بسمه تعالی اللهم عجل لولیک الفرج با عرض سلام و خسته نباشید سوال من در مورد چگونگی هدایت جوانان است امیدوارم که جوابی کاملاً- کاربردی به سوال من داده شود حتماً در مورد تهاجم فرهنگی از طریق اینترنت اطلاعات کافی دارید و اینکه چه مطالب و عکس های مستهجنی در آن وجود دارد و اینکه چه اثرات مخربی بر روح و جان جوانان ما دارد و من فکر می کنم این اثر مخرب بر پسران خیلی بیشتر از دختران خواهد بود این سوال در مورد یکی از اقوام من که پسری است که اهل نماز و مسجد است و دوستانش هم فکر نمی کنم از افراد بدی باشند، می باشد ابتدا چندین ماه قبل در یادداشت هایش به نام چند سایت که سایت های خوبی نبود پی بردم آن آدرس ها را جمع کردم و بعد از مدتی که به گم شدن آن سایتها پی برد به دنبال انها گشت و

بعد از آن موضوع را با او در میان گذاشتم و به او گفتم که با این کارها فقط به روح خود ضربه می زند البته او رفتن به این سایتها را انکار کرد البته آنها در خانه هم اینترنت دارند ولی در استفاده از اینترنت در خانه برای او محدودیت وجود دارد و به راحتی نمی تواند از آن استفاده کند مگر در زمینه های درسی. البته من هروقت از کامپیوتر آنها استفاده می کنم سایتهایی را که افراد داخل ان شده اند مورد بررسی قرار می دهم تا مدتی اثری از سایت بدی ندیدم تا اینکه امروز وارد سایتی شدم که داشتم دق می کردم آخر چرا پسر مسجدی و نماز خوان ما باید به این را ه ها کشیده شود .. . واقعاً دیگر نمی دانم چه کنم هر چه فکر کردم کسی را نیافتم که از او راهنمایی بخواهم . خواستم بروم و با او صحبت کنم اما با خود گفتم اگر این روش و این حرف زدن ها تا الان درست می بود باید اثر خود را می کرد. خواهشمندم یک روش واقعاً عملی برای رفع مشکل این جوان جلوی پای من قرار دهید چون هر روز که این جوان ها وارد اجتماع می شوند کنترلشان سخت تر و لغزشهایشان بیشتر خواهد بود با تشکر و خسته نباشد

پاسخ

دوست گرامی ابتدا از احساس تعهد و مسئولیت پذیری شما بسیار تقدیر و تشکر می کنیم و به این روحیه آفرین می گوییم و سپس در مورد موضوع مد نظر نکاتی را تقدیم می داریم همانگونه که خود می دانید گناه نکردن و بندگی کردن دو روی یک سکه هستند و هر یک در دیگری اثر دارد و از آن اثر می پذیرد اگر گناه رخ دهد دیگر نماز نمی چسبد و از کیفیت می افتد و اگر نماز از کیفیت لازم خود کاهش یافت مسیر گناه کردن هم هموار می شود. لذا شما برای برخورد با اینگونه پدیده ها باید بر روی هر دو روی قضیه کار کنید موجبات انجام تکالیف را در سطح بالا فراهم آورید و وی را به انجام امور عبادی و مشغول شدن به فعالیتهای مطلوب و خیر سرگرم سازید و هم از سوی دیگر از ارتکاب اعمال نابجا بازدارید. بعداز این باید دید که علت کارگر نبودن تذکرات قبلی چه بوده؟ چه بسا او حرف شما را قبول دارد اما در گیر و دار بین خوب و بد به ناچار از شیطان فریب خورده و مغلوب او می شود. در اینجا باید پیامدهای زشت این اعمال را به او هشدار دهید. او را تنها نگذارید. برای او کار مطلوب و رفتار جایگزین صحیح انتخاب کنیدو به او بگویید آیا قبول دارد این اعمال را و رجوع به این سایت ها و استفاده از این دست اطلاعات و برنامه ها زشت، مهلک و خانمانسوز و ایمان برانداز هست یانه؟ اگر این امور و پیامدها را قبول ندارد باید از نظر شناختی و افزایش قدرت تشخیص خوب از بد با وی کار کنید ولی اگر قبول دارد و در عمل مغلوب حیطه شیطان می شود سطح انگیزه و کنترل بر اعمال او را با اجازه خودش بالا ببرید. مانند اینکه کسی می داند گوش دادن به نوارهای ... حرام و باعث تخریب ایمان و ... می شود اما نمی تواند از آنها دل بکند.او در یک لحظه تمام آن را می شکند و با یک اقدام عملیاتی خود را از وسوسه شیطان رها می سازد حال در مورد دوستان نیز باید از این تدابیر عملی بهره بگیرید. با اجازه او تمام و سائل و کانالهای ارتباط غیر صحیح را از بین ببرید تا تحت یک استرس و جنگ مستمر دچار شکست نشوید. آنچه گفته شد راهکارهای کلی بود ارائه راهکارهای جزیی و کوچک نیازمند اطلاعاتی بیشتر از آنچه بیان نمودید می باشد که باید در اختیار بگذارید تا در خدمتتان باشیم در ضمن دقت کنید که: ۱ـاو از شما زده نشود و به چیزی کاری روی نیاورد. ۲ـاز سرزنش، تحقیر،و اهانت (به خصوص در جمع) جدا اجتناب کنید. ۳ـاو را به همراه خود ب محیط ها و اعمال پاک بکشانید و با این عمل به صورت غیر مستقیم وی را تحت کنترل در آورید. ۴ـبرای این رفتار زشت یک رفتار خوب جایگزین باید مورد علاقه او و سهل الوصول باشد. ۵ـاز طریق دیگران به خصوص دوستان دیگر او را به سمت خوبیها بیاورید. ۶ـاصرار و سماجت نداشته باشید زمینه انجام اعمال نیک را برای او فراهم آورید ۷ـاو را با پیامدهای ناگوار این نوع اعمال بصورت شفاف آگاه سازید و این سخنان را در قالب های مختلف به او بگویید. ۸ـاجازه ندهید او ارتباطش را با شما قطع کند که زمینه هرگونه تاثیر گذاری از بین می رود ۹ـهرگز اجازه ندهید او نماز خود را ترک کند هر چند با خجالت زدگی او را به نماز وا دارید و در محیطهای دینی بیشتر وارد شوید ۱۰ـدر تمام اعمال و قبل از همه دو رکعت

نماز بخوانید و با هدیه کردن به پیشگاه اهل بیت(علیهم السلام) از آنها مدد بگیرید.

در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین وضع جامعه بسیار مشکل دارم –با انکه شرایط آن را می دانم وقتی با شرایطی مواجه می شوم که احتمال تاثیر می دهم (زیرا دلیلی نمی بینم که تاثیر نداشته باشد)یک حس بسیار بدی به من دست می دهد با خود کمی ور می روم چیزی به

پرسش

در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین وضع جامعه بسیار مشکل دارم –با انکه شرایط آن را می دانم وقتی با شرایطی مواجه می شوم که احتمال تاثیر می دهم (زیرا دلیلی نمی بینم که تاثیر نداشته باشد)یک حس بسیار بدی به من دست می دهد با خود کمی ور می روم چیزی به من می گوید برو و چیزی مخالفت می کند .تشویش فکری بدی می گیرم از خودم نا امید می گردم . نمی دانم که آیا این تشویش هم جزو مفسده محسوب می شود یا خیر .البته در انتها وظیفه ام را انجام می دهم و احساس می کنم که راحت شدم .اما درک می کنم که نیروی زیادی را هدر داده ام .این حالت طوری شده که من حتی قبل سوار شدن به تاکسی حالت دلهره به من دست می دهد و مرا بسیار اذیت می کند. شیرهایی که چکه می کند توجهم را جلب می کند و مرا وا می دارد به مسول مغازه با آن حالت دلهره که گفتم تذکر دهم .یا خیلی به چراغ های روشن توجه می کنم و مرا وا می دارد به مسول مغازه با آن حالت دلهره که گفتم تذکر دهم. لطفا مرا در مورد این مشکل کمک کنید و آیا این تشویش فکری خود مفسده ای هست یا خیر؟

پاسخ

برادر گرامی از ارتباط شما که زمینه ساز ارائه خدمت می باشد تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم در انجام این مسئولیت الهی_به دعای خیرتان _موفق باشیم. اما در مورد موضوع مد نظرتان یعنی تشویش فکری و کلنجار شناختی توجه شما را به راهکارهای زیر جلب می کنیم . توجه دارید عمل به راهکارهای ارائه شده_به یاری خداوند _مشکل گشاست و صرف آگاهی از آنها جز ناامیدی تاثیری نخواهد داشت. لذا باید به آنچه بیان می شود عمل کنید تا اندک اندک مقصود بدست آید و تشویش دل به آرامش خاطر بدل شود. دوست عزیز خوب بود توضیح می دادید این تشویش بیشتر درمورد چه موضوعاتی است؟ آیا بیشتر در مسائل شرعی است یا مسائل اجتماعی؟ ترس و دلهره از انجام تکالیف شرعی دارید یا از قضاوت مردم و یا عدم رعایت یافته های علمی آلودگیهای میکروبی و...؟ بهر حال به امور زیر حداقل برای مدت ۲۰ روز عمل کنید و گزارشی بفرستید و به سئوالات بالا به صورت مشروح پاسخ دهید تا دوره درمان را به لطف خداوند کامل کنیم: ۱. مدت زمان تردید را طولانی نکنید بر اساس یک تصمیم قطعی هر چند به کمک شیر یا خط کردن و یا گل یا پوچ نمودن سریع یک طرف قضیه را انتخاب و به همان عمل کنید. ۲. بعد از عمل به آنچه برگزیده اید دیگر به طرف دیگر و خوب و بد بودن تصمیم خود فکر نکنید و مسیر زندگی عادی و اعمال بعدی را پی بگیرید. ۳. چنانچه در فضای ذهنتان سؤالات متعددی بروز می کند سریع آن را یادداشت کنید و از دامن زدن به سؤالات و ابهامهای ذهنی پرهیزکنید . ۴. به سوالهای یادداشت شده پاسخ دهید و جواب آن را نیز بنویسید و اگر جواب آن را نمی دانید از کسانیکه آگاهی دارند بپرسید و پاسخ را مجددا بخوانید. ۵. بعد از یادداشت سؤال دیگر به آن فکر نکنید چون خودتان پاسخش را نمی دانید_و این موجب دامن زدن به تشویش ذهنی شما می شود. ۶. مسائل کوچک و جزیی و پیش پا افتاده که دانستن و ندانستن تأثیری ندارد مانند چکه کردن یا نکردن شیر آب، دلهره به هنگام تاکسی و... توجه نکنید. راه عدم توجه این است که فکر جایگزین برای ذهن خود داشته باشید و به اموری ذهن خود را مشغول سازید که اهمیت و تأثیر دارد. ۷. مطالعه را

فراموش نکنید . در مباحث و مسائلی که ذهن شما را مشغول کرده و می کند مطالعه علمی و دقیق انجام دهید و اگر در مسئله ای این گونه منابع در اختیارتان نیست و یا ندارد معلوم می شود که اهمیت ندارد و نباید خودتان را سرگرم آن سازید. ۸. به این سخن بیشتر از این بیندیشید شما برتر از آن و بهتر از آن هستید که سرمایه عمر خود را صرف امور پیش پا افتاده نمائید لذا تفکر کنید توجه سماجت گونه همراه با دل مشغولی طولانی به این امور آیا ارزش دارد؟ آیا در خور یک انسان جویای کمال و پیشرفت معنوی هست؟ آیا راه تکامل از این مسیر می گذرد و یا اینها مانع حرکت شما هستند؟ ۹. در مورد امر به معروف و نهی از منکر و تعیین تکلیف شرعی خود در دیگر مسائل شرعی فقط به رساله مرجع خودتان مراجعه کنید و بعد از مطالعه مطابق آنچه او گفته عمل کنید مثلا ببینید آیا شما موظف هستید به مغازه داری در مورد اسراف ها و روشنایی لامپها و... تذکر دهید؟ پس مردم باید دائم در حال تذکر دادن باشند و زندگی عادی خود را رها کنند، ذهن و فکر خود را به صورت صحیح با تکالیفتان آشنا سازید و آنگاه اقدام نمایید، براساس تصور ذهنی خودتان عمل نکنید و بر پایه تشخیص خودتان، خودتان را موظف و مکلف ندانید. ۱۰. ورزش شنا، کوهنوردی، پیاده روی و دو را فراموش نکنید یقینا به یکی از آنها بصورت متناوب مشغول باشید. ۱۱. طی روز با حفظ اشعار حافظ، حفظ قرآن و حدیث، فکر کردن در مورد مسائل تحصیلی و علمی خود را سرگرم امور عالی نمایید و اجازه ندهید دیگران و حوادث روزمره برایتان محتوای ذهنی تعیین کنند.

چه کار کنیم که بتوانیم زنان بد حجاب را امر به معروف ونهی ازمنکر کنیم؟

پرسش

چه کار کنیم که بتوانیم زنان بد حجاب را امر به معروف ونهی ازمنکر کنیم؟

پاسخ

عنصر امربه معروف ونهی ازمنکر که از مهمات فروع دین اسلام است حافظ ارزشهای اسلامی است. درخصوص پاسخ شما بایدگفت : هرچند در سالهای اخیر فریضه امر به معروف ونهی ازمنکر بدلیل سیاست های باز فرهنگی تقریباً رنگ باخته و مطبوعات دگر اندیش د رتضعیف آن نقش زیادی داشته اند. منتهی اینها وظیفهٔ ما را سنگین تر می کند، نهی کردن افراد ازهر فعل منکر مانند بدحجابی در حد تذکر لسانی است و مراحل بعدی آن بعهده حکومت است. مراحل مختلف امر به معروف ونهی ازمنکر که در فتاوای مراجع عظام تقلید آمده است، در حکومت اسلامی بین مردم ومسئولین تقسیم شده است آنچه مربوط به ما وشما بعنوان شهروندان حکومت اسلامی می باشد تذکر زبانی است والبته در بعضی موارد بایدمأمورین انتظامی را در جریان قرار داد تا از طرف قانون برخورد شود وجامعه به هرج ومرج کشانده نشود(درحد تذکر لسانی.) اگر همه افراد مدام به بدحجابان تذکر بدهند واین را یک وظیفه بدانند قطعاً آنها مجبور خواهند شد در جامعه حجاب رارعایت کنند واین مهم، مستلزم فراگیرشدن فریضه امربه معروف ونهی ازمنکر است. در پایان این نکته قابل توجه است که اگر زن بدحجاب با ما نسبت فامیلی داشته باشد امربه معروف ونهی ازمنکر او با دیگران فرق می کند وفراتر از تذکر زبانی می شود با توجه به موقعیت و شخصیت او باید با او قطع رابطه کرد البته اگر این قطع رابطه مؤثر باشد. به هر حال امر به معروف ونهی ازمنکر فریضه ای بسیار حساس ومهم است که برای انجام این فریضه بایدبسیار مطالعه کرد وحتی آموزش دید.

چگونگی امر به معروف ونهی از منکر در دورهٔ آخر الزمان با توجه به کاهش یافتن آن در این دوره از زمان؟

پرسش

چگونگی امر به معروف ونهی از منکر در دورهٔ آخر الزمان با توجه به کاهش یافتن آن در این دوره از زمان؟

پاسخ

شرایط امر به معروف ونهی از منکر، همان است که در رساله های عملیه ذکر شده است و اگر احیاناً اوضاع جامعه آشفته است و منکرات به صورت چشمگیری نمودار است، احکام امر به معروف و نهی از منکر تفاوتی نمی کندبلکه در شرایط کنونی باید به این فریضه الهی اهمیت بیشتری داد و با شناخت حساسیت ها و موقعیت ها و دردها، به درمان بیماری های معنوی جامعه پرداخت و در این موقعیت ویژه و حساس اگر شرایط امر به معروف ونهی از منکر را خوب بدانیم وبه موقع و جای خود، به نهی از منکر و امر به معروف بپردازیم و موجب تأثیر مثبتی در جامعه باشیم برای تحقق اسلام ناب و فرج مولایمان حضرت مهدی"عج "شرایط را بهتر و بیشتر مهیا نموده و انشاء ا... از توجهات آن حضرت بهره مند خواهیم بود. امر به معروف ونهی از منکر مثل طبابت کردن است، گاهی طبابت آنقدر حساس و ظریف است که برای یک بیماری در دو نفر دو نوع دارو باید تجویز کرد و اگر همان دارویی که برای یکی درمان کننده است برای دیگری نیز تجویز شود ممکن است به شدت بیماری بیفزاید یعنی باید شرایط و روحیات افراد را به خوبی در نظر گرفت تا خدای ناکرده امر به معروف ونهی از منکر، منجر به ترک معروف و انجام منکر نشود. به هر حال چه دیگران امر به معروف و نهی از منکر بنمایند یا آن را ترک کنند چه منکرات بیشتر شده باشد نسبت به گذشته و چه نباشد نمی توان نهی از منکر و امر به معروف را کنار گذاشت و یا مراتب امر به معروف را رعایت نکرد این عمل درست مثل آن است که بگوییم چون بیماری سرطان تمام پای یک نفر را فراگرفته و نسبت به گذشته رشد زیادی داشته یا چون بیماریهای جامعه متنوع و گسترده شده و یا درمان بیماریها مشکلتر شده یا کار طبابت رونقی ندارد پس ما نیز به عنوان پزشک، اقدام به درمان . بیماریها ننماییم. در پایان یک بار دیگر شرایط امر به معروف ونهی از منکر را متذکر می شویم تا با آگاهی بیشتر و با بینش وسیعتر به این فریضه الهی عمل شود. امر به معروف ونهی از منکر درمیدان گفتار وتذکر زبانی دارای شرایط ذیل است : ۱. شناخت واجب ترک شده توسط متخلف وشناخت منکر وحرام انجام شده توسط او ۲. احتمال تأثیر تذکر وامر ونهی ۳. علم به تکرار تخلف توسط متخلف ۴. عدم وجود مفسده درامر به معروف ونهی ازمنکر بنابراین امر به معروف با شرایط فوق واجب و لازم ودرصورت فقدان شرایط مذکور واجب نخواهد بود یعنی با شرایط ذیل واجب نیست : ۱. ندانند آنچه انجام شده حرام است وترک واجب ۲. بداند یا احتمال دهد عدم تأثیر گفتار وامر ونهیش را ۳. بداند یا احتمال دهد مفسده وضرری را مگر درموارد مسائل پر اهمیتی مثل اصول دین ومذهب، حفظ قرآن و آرمانهای آن وعقاید واحکام ضروری اسلام که درآن صورت شرط سوم حذف خواهد گردید. لازم به یادآوری است با فقدان شرایط امر به معروف ونهی ازمنکر حکم وجوب گفتاری وتذکر کلامی برداشته خواهد شد ولی امر به معروف عملی درحذف بسترهای گناه ومنکرات واستفاده از ابزار بازدارنده وظیفه دیگری است که فعلاً به عهده قوهٔ قضائیه ونیروی انتظامی است. حضرت آیت ا...العظمی خامنه ای"مدظله العالی "دراین باره فرموده اند" : با توجه به اینکه درزمان حاکمیت واقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب دیگر امر به معروف ونهی ازمنکر را که بعد از مرحله امر ونهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی(پلیس) وقوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف دراموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر وحبس او و مانند آن نیست، درچنین زمانی با حاکمیت واقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین درامر به معروف ونهی از منکر به امر ونهی زبانی اکتفا کنند، و درصورت نیاز با توسل به زور، موضوع را به مسؤلین ذیربط درنیروی انتظامی و قوهٔ قضائیه ارجاع دهند واین منافاتی با فتاوای امام راحل"ره "دراین رابطه ندارد. ولی درزمان ومکانی که حاکمیت واقتدار حکومت اسلامی نیست، برمکلفین واجب است درصورت وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف ونهی ازمنکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند ".برای پژوهش بیشتر به رسالهٔ توضیح

المسائل حضرت امام"ره "رجوع کنید.

به نظرشما واکنش مانسبت به اوضاع موجود درجامعه باید چطور باشد؟(منظور اوضاع به هم ریخته است)

پرسش

به نظرشما واکنش مانسبت به اوضاع موجود درجامعه باید چطور باشد؟(منظور اوضاع به هم ریخته است)

پاسخ

حقیقت مطلب اینست که واکنش های مردم ومسؤلین دربرابر فساد اخلاقی وبی بندوباری ها وبرخی ناهنجاریها وحوادث دیگر متفاوت است، بعضی دراین قضیه زیاده روی کرده وعلیرغم اینکه مقام معظم رهبری بارها فرموده اند درشرایط فعلی از مراحل امر به معروف ونهی ازمنکر مرحلهٔ زبانی کافی است ونیاز به اقدام عملی ندارد وبا زدوخورد وبرهم زدن مجالس وتعرض به دیگران مخالفت نموده اند بازهم افرادی با عنوان انصارحزب ا...وغیرآن، دست به چنین اقداماتی می زنند که البته کاردرستی نیست. واما ازطرف دیگر عده ای هم دراین قضایا بی تفاوت بوده از امر به معروف زبانی هم دریغ می کنند ویا خدای نکرده با افراد متخلف همخوانی دارند که این هم موجب تقویت فساد است. به هرحال بهترین روش اینست که ضمن امر به معروف ونهی ازمنکر زبانی، کاربرخورد عملی را به نهادهای انتظامی وقضائی واگذار کرد. وهرگاه نیازبه حضور مردم درصحنه باشد رهبر معظم اعلام خواهند نمود، ودرمواقعی که ازسوی دولتمردان ومسؤلین کوتاهی درانجام وظیفه مشاهده شودباید مردم ازآنها بخواهند ومطالبه نمایند ومراتب را به مسؤلین بالاتر آن منتقل کنند.

وظیفه بسیجیان درحال حاضر نسبت به اوضاع جامعه چیست؟(گرانی و فساد در جامعه)

پرسش

وظیفه بسیجیان درحال حاضر نسبت به اوضاع جامعه چیست؟(گرانی و فساد در جامعه)

پاسخ

درابتدا باید عرض کنیم بسیج یعنی مجموعه ای که در عرصه مجاهدت انقلابی حضور پیدا کرده و غایب نیست. در کلمه بسیج معنای حضور وآمادگی آن هم درحد فداکاری هست بسیج یعنی نیرویی که داوطلبانه وارد میدان شده ودرحال اعلان آمادگی است. بسیج یعنی حضور همه جانبه در عرصه های جهد ومبارزه درهمهٔ ابعاد مورد نیاز جامعهٔ اسلامی. در خصوص مسأله گرانی وفساد جامعه، همهٔ اقشار جامعه مسئولیت دارند دراین میان وظیفه بسیجیان بعنوان نیروهایی که آماده و حاضر برای مقابله با تهاجمات ودفاع از انقلاب هستند سنگین تر و مهم تر می باشد در قبال فساد فرهنگی جامعه که یکی از دلایل آن تهاجم فرهنگی دشمن است در مرتبه نخست هر یک از بسیجیان باید خود را در قبال این موج تهاجم حفظ نمایند وبه تقویت باورها واعتقادات خویش بپردازند و درعرصهٔ تزکیه وتهذیب نفس نیز باید قدم برداشته به تهذیب اخلاق خود بپردازند. بسیجیان حاضر درصحنهٔ دفاع از ارزشهای انقلاب باید گوش بزنگ رهنمودهای مقام معظم رهبری وسایر مسؤلان دلسوز نظام اسلامی باشند.مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود با بسیجیان و جوانان اهوازی خودسازی علمی وعملی را بعنوان راهی برای مقابله با دشمنان وحرکت کشور به سمت ترقی و تعالی دانستند وفرمودند : هرحرکت علمی واخلاقی به منزله شلیک تیری به سمت دشمن می باشد. برای آگاهی بیشتر

توجه شما را به گوشه هایی از این رهنمودهای ارزنده جلب می کنیم : مقام معظم رهبری وظایف جوانان را تلاش درجهت تحصیل و تهذیب و ورزش نام برده اند که در این صحنه ها بسیجیان باید قدرتمندانه و با شور بیشتر نسبت به جوانان دیگر حاضر شوند وبدرخشند. ایشان می فرمایند" : جوانهای عزیز من! فرزندان من! دنبال تقلید نباشید، بر روی شیوه و راهی که درآن ذهن واراده وایمان شما قوی می شود واخلاق شما پاک وآراسته می گردد، فکر کنید، آنگاه شما عنصری خواهید بود که مثل یک ستون، سقف مدنیت این کشور وتمدن حقیقی این ملت بر روی آن قرار می گیرد. همین الآن بلاشک ما گرفتاریها ومشکلاتی در زمینه ی اقتصادی وغیره داریم واینها یک روز تمام خواهد شد، اما آن عامل تمام شدن این گرفتاریها، جز همین روحیه ی معنوی وتمسک به اسلام و انقلاب، چیز دیگری نخواهد بود. باز هم همین دختر وپسر جوانند که کشور را نجات خواهند داد. من بارها گفته ام که نسل جوان گره گشای دروه های سخت و محنتهای بزرگ است، و وقتی وارد میدان می شود، که الحمد الله امروز هم در میدان است، گرههای ریز و سخت گشوده خواهد شد. جوانان ما، مؤمن و متدین وعلاقه مند به کشورشان و علاقه مند به اسلام هستند وبا سلطه آمریکا و با سلطه بیگانه مخالفند، همین کارساز خواهدبود. در خاتمه نکته ای را هم یادآور می شوم : این کارهایی که جوانان می کنند، اینها کوچک نیست، همین درس خواندنی که من می گویم همین کار تحقیق، همین کار هنری، همین کار ورزشی، اینها کارهای کوچک نیست. من خواهش می‌کنم کسی که این کارها را انجام میدهد، تصور نکند که کارش کوچک است؛ نه همین کار در مجموعه ی کلان کشور، به یک عنصر تعیین کننده تبدیل می شود....شما کارتان را که خوب انجام دادید، اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند همان اعتلای عظیم وهمان کار بزرگ اتفاق خواهد افتاد ".همچنین مقابله با تهاجم فرهنگی نیاز به برنامه ریزی دارد و بسیجیان می توانند دراین میدان با ارائه الگوهای فرهنگی درجهت تغییرزندگی مردم ودرعین حال با ایجاد نظام فرهنگی و کار فرهنگی به هدایت عمومی جامعه بپردازند. مقام‌معظم رهبری در مقابله با تهاجم فرهنگی توصیه به کار سلب وایجابی می کنند و می فرمایند" : کار سلبی مقابله با آنها وجلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب، منبرخوب، موعظه مردم و توجیه فکری آنها، این روزنامه های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسئولان که مرتب در این جا وآنجا درمسجدها و پشت تریبونها واین شهر وآن شهر حرف می زنند حرف اصلیشان این باشد" "۱" از این رو بسیجیان می توانند با ایجاد کانون های فرهنگی و با دعوت ا زافراد شایسته و اساتید مجرب و اصحاب فکر به توجیه فکری جامعه در راستای توصیه های رهبری قدم بردارند. ۱) پرسش وپاسخ از محضر مقام معظم رهبری، ص۲۵۵و ۲۵۶و۲۳۳...

۱- اگر درمجالس اهل بیت عصمت وطهارت" علیهم السلام "ازنام سگ و....استفاده کنیم ودست بزنیم اشکالی ندارد؟

اشاره

۲- اگر دریک مجلسی نشسته بودیم ویک نفر داشت غیبت میکرد وظیفه ما چیست؟ ۳- اگر درخانه ای آهنگ یا موسیقی غیر مجاز پخش می شد ما در آنجا چه وظیفه ای داریم؟

پرسش

۱- اگر درمجالس اهل بیت عصمت وطهارت" علیهم السلام "ازنام سگ و....استفاده کنیم ودست بزنیم اشکالی ندارد؟ ۲- اگر دریک مجلسی نشسته بودیم ویک نفر داشت غیبت میکرد وظیفه ما چیست؟ ۳- اگر درخانه ای آهنگ یا موسیقی غیر مجاز پخش می شد ما در آنجا چه وظیفه ای داریم؟ ۴- اگر پدرومادرما را برای نمازصبح بیدار نکنند وظیفه ما چیست؟

پاسخ

۱) برگزاری مجالس بزرگداشت اهل بیت عصمت وطهارت سلام ا...علیهم اجمعین باید بگونه ای باشد که دشمنان ومخالفان شیعیان هیچ بهانه ای بدست نیاورند بنابراین باید ازهرگونه حرکتی که موجب وهن شیعه واز بین رفتن حرمت و قداست آنان می شود بشدت پرهیز کرد.مجالس بزرگان شیعه وعلمای برجسته مذهب حقه جعفری سرمشق بسیار خوبی است برای مجالس ما، نحوه عزاداری مراجع بزرگ تقلید وشیوهٔ برگزاری جشن وسرور آنان درمولودیها واعیاد یک الگوی جامع ویک نمونهٔ ممتازی است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد. آنچه نوشته اید در سیرهٔ علمای بزرگ شیعه دیده نمی شود ودر احوالات بزرگان مذهب ذکر نشده. شعرای بزرگ وسرایندگان نام آوری همچون(فرزدق، سید حمیری، دعبل خزاعی و...) درمراثی و مناقب اهل بیت" علیهم السلام "اشعار بلند وسروده های جاودانه ای از خود بر جای گذاشته اند بعضی از این سروده ها در حضور امام معصوم خوانده شده وتأیید اهل بیت را با خود همراه دارد وجالب توجه این است که درهیچ یک ازاین اشعار، تعابیر زشت وسخنان وهن آمیز مشاهده نمی شود واین درمکتب اهل بیت"علیهم السلام "یک درس ماندگار است که شخصیت مؤمن وشخصیت شیعه همواره باید محترم ومکرم وعزیز باشد"محبوبه فی ارضک وسمائک" "۱ ("وتحت هیچ شرایطی نباید این عزت واحترام شکسته واز بین برود.) ۲) درموردسؤال دوم شما باید عرض کرد که اولاً باید گناه را دقیقاً شناخت، چه بسا یک چیزی ممکن است در آن مجلس پیش بیاید ولکن غیبت نباشد، پس شناختن اصل گناه خیلی مهم می باشد. ثانیاً درصورت وجود شرایط آن،نهی ازمنکرافراد واجب می باشد".۲ "ثالثاً درصورتی که شرائط نهی ازمنکروجود نداشت ویا وجودداشت، اما نهی ازمنکر اثری نداشت، باید آن مجلس راترک کرد، زیرا غیبت هم برای گوینده وهم برای شنونده حرام می باشد"۳ "۳) درمورد سؤال سوم شما نکات زیر قابل توجه می باشد : الف) همان نکته ای که دراول جواب برای سؤال دوم شما وآن اینکه باید گناه را کاملاً ـ شناخت، خصوصاً موسیقی که دربارهٔ آن تعاریف زیادی شده است. ب) اگر این پخش کردن باعث استماع دیگران وآزار واذیت همسایگان می شود، باید با بودن شرایط نهی ازمنکر، نهی ازمنکر کرد واگر اثرنکرد چون این مسأله بر میگردد به مسائل اجتماعی وحرمت دین ومقدسات، باید به نهادهای ذی ربط گزارش داد تا او را وادار کنند به رعایت قانون، البته باید به این نکته توجه داشت که نباید درمسائل شخصی وپنهانی مردم دخالت شود".۴ "۴) درمورد سؤال چهارم شما باید گفت که بیدار کردن برای نماز صبح از وظائف پدرومادر نیست، بلکه باید خود فرزند بیدارشود وبه ارزش آن واقف شود، اصل این است اما اگر هم بیدار کردند مانعی ندارد، فردی که به سن تکلیف می رسد باید نهایت دقت ومراقبت را نسبت به واجبات دینی وفرائض مذهبی داشته باشد"۵. ("۱) زیارت امین الله (۲) اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری(حفظه ا...)،ج۲،ص۱۲۱ (۳) استفتائات امام خمینی(ره) ج۲،ص۶۱۸ (۴) با استفاده ازکتاب پرسشها وپاسخها،ج۴،ص۲۰ نظام خانواده دراسلام،ص ۴۶۲ به بعد

۱– چرا با وجود سربازان امام زمان و پایگاههای مردمی درمساجد ودرقالب قانون و پوشش نیروی انتظامی واینکه شهر مشهدشهرمذهبی وباوجود مقام ولایت امام رضا(این قدرگناه ومعصیت می شودجلوی آنرا نمی گیرند ؟

اشاره

۲– ازاینکه نمی توانم امر به معروف کنم رنج می برم چگونه می ت

پرسش

۱– چرا با وجود سربازان امام زمان و پایگاههای مردمی درمساجد ودرقالب قانون و پوشش نیروی انتظامی واینکه شهر مشهدشهرمذهبی وباوجود مقام ولایت امام رضا(این قدرگناه ومعصیت می شودجلوی آنرا نمی گیرند ؟ ۲– ازاینکه نمی توانم امر به معروف کنم رنج می برم چگونه می توانم از این مسئولیت خطیر روسفید شوم ؟ ۳– چطور می توانم فرزندان خود راکه د رمقطع

تحصیلی دبیرستان قرار گرفته اند وبا یک دنیا خطرات روبرو هستند راهنمائی کنم ؟

پاسخ

در رابطه بـا سوال اول بایـدگفت : گنـاه علل متعـددی دارد که عمـده آن بعـد ناسوتی و مادی انسان است , اگر انسان را از این بعد مورد بررسی قرار دهیم می بینیم از گناه ومعصیت لذت می برد واز این بعد شقاوت در ذات او نهفته است که قرآن کریم می فرماید ": ان النفس لامـاره بـالسوء الامارحم ربی (" ۱) این نفس امـاره همان بعـد حیوانی انسان است که امر کننـده به بـدی وگناه است , بنـابراین مجموعه تمایلات و غرائز که برگرفته از این بعـد انسـان است دلیـل عمـده گناه و معصـیت بوده وبه این مورد وسوسه های شیطان و تلاش دشـمنان درتهاجم فرهنگی به جامعه ما را اضافه نماینـد وراه اصـلی ترک وریشه کن کردن گناه , تلاش ومجاهـدت علمی وعملی د رتحصـیل معرفت به مبـدا و معـاد ورسوخ دادن این حقـایق به قلب از طریق تکرار وتمرین و تفهیم به قلب درهنگـام عبادات ورسـیدن به سـر منزل یقین وایمان قوی است که مسلماً بازدارنده انسان از ارتکاب معاصی است ولیکن بایدتوجه داشت قبل از آنکه عقل وایمان به قدرت کافی درمهار کردن نفس سـرکش برسد لازم است انسان درخانواده و محیط اجتماع درشـرایطی قرار گیرد که براحتی بتواند خود را کنترل نماید واین با اجرای صـحیح و دقیق امر بمعروف ونهی ازمنکر وتشویق و تذکر مناسب توسـط افرادآگاه ممکن خواهد بود . واما اینکه چرا نیروی انتظامی جلوی گناه را نمی گیرد ؟ ضمن اینکه این سوال را باید مسئولان محترم آن نیرو پاسـخگو باشـند ولیکن آنقدرکه ما مطلع هستیم برنامه های متعددی را برای کنترل فساد درجامعه داشته ودارند ولی وسعت وگسترش شـهرها و جمعیت ونیروی جوان کشور از یکطرف و تلاـش دشـمنان قسم خورده نظام و سـرمایه گـذاری گسترده آنها در رابطه با ترویـج ابا حیلگری و لا ابالی دربین نسل جوان از طرف دیگر تاثیر آن مقـدار فعالیت را کم نموده وهمانطور که شـما اشاره کردید گویا اصـلاً کاری نمی شود . واما درارتباط با سـئوال دوم : ضـمن ارج نهادن به این روحیه شما که خوداولین مرتبه ازمراحل امر بـه معـروف ونهـی ازمنکـر یعنـی مرحلـه قلبی است , تـوجه به شـرائط امر به معروف ونهی از منکر بسـیار مهم است تـاثیر مثبت یامنفی بسـیاری از امور وابسته به شرائط انجام دادن آنهاست , یعنی یک عمل درموقعیت ویژه ای ممکن است تاثیر مثبت فوق العاده مهمی داشـته باشـد ولی درموقعیت دیگر تـاثیری بسـیار کمرنـگ تر و کم ارزش تر پدیـد آورده , حتی به عاملی منفی وضـد ارزش تبدیل شود . برای مثال دارویی با توجه به خصوصـیات ویژه یک بیمار شـفابخش ودرمانگر است ولی در شـخص دیگر و با شرائطی خاص دردزا وتباه کننده است . بنابراین درهر عملی باید به شرائط ویژه اش توجه کرد تا بهره مثبت از آن بدست آید . امر بمعروف ونهی از منکر فریضه ای است که اگر با توجه به شرائط خاص , لازم وصحیح آن انجام گیرد داروی دردهای فردی واجتماعی است امـا اگر به شـرائط آن توجه نشود , گـاه بجـای هـدایت وسازنـدگی , تخریب و گمراهی به بار می آورد , شـناخت معروف ومنکر , احتمال تاثیر , نداشـتن پیامـدهای ناروا ازشـرائط امر بمعروف ونهی از منکر است , درصورت جمع شـدن این شـرائط همه مسـلمانان موظف به امر بمعروف و نهی ازمنکر هسـتند که البته_ متاسفانه _درجامعه ما اکثر افراد در این زمینه انگیزه خود را ازدست داده اند که عوامـل آن درجـای خود قابـل بررسـی است . واما سـئوال سوم : درک جوان ونیازهای او مباحث مهم ودارای گستردگی خاص خود است , اهتمام به امور دینی درتربیت فرزنـدان و همراه شـدن آن با انـدکی لطافت و ظرافت تاثیر بسـزایی دررشد وتکامل جوان خواهـد داشت . فرزنـدان مـا اگر کانون خانواده را سـرشار از محبت وتوجه به خود ونیازهای جسـمی و معنوی خویش ببیننـد , خانه وخـانواده را مـاوی و پناهگـاه خود قرار داده وآنگـاه انس والفتی بین فرزنـدان ووالـدین ایجاد می شود که گام اول درارتباط همین نکته است , سـپس توجه به نیازهای جوان و پاسخ مناسب پیدانمودن برای سـئوالات و شبهات او وارتباط دادن او با جمبهای مذهبی و دوسـتان ارزشـی , گامهای بعدی درهدایت و راهنمایی او برداشـته خواهد شد . حضرت سجاد (می فرمایند : ((حق فرزندانت بتو اینسـتکه بـدانی او از تو بوجودآمـده ودرنیک و بـد زندگی وابسـته بتو است وبدانی که تو مسـئول ادب و تربیت صـحیح او هستی ,

مسئولی که او را بخداوند بزرگ راهنمایی کنی ودراطاعت از اوامرحق یاریش کنی باید رفتار تو درتربیت فرزندت توام با احساس مسئولیت باشد , رفتار کسی که بداند درحسن تربیت فرزند ما جور است ودرسوء رفتارش استحقاق عقاب وکیفر است)) . (۲) درک اهمیت تربیت فرزند خصوصاً در مباحث دینی انگیزه لازم را به پدر و مادرخواهد داد که باحوصله و برنامه ریزی واستفاده ازدستورات اسلامی وتجربه دیگران دراین راه موفق باشند , جهت آشنایی بیشتر با نیازهای جوان وراههای تامین آن نیازها به کتاب جوان از سری کتب گفتار فلسفی مراجعه کنید . (۱) یوسف /۵۳ (۲) تحف العقول

یکی از بستگان نزدیک من تقریباً تمامی مبانی و اصول دین اسلام را قبول دارد، اما نماز نمی خواند، و از طرفی بچه های او در سنی هستند که باید شروع به خواندن نماز کنند و مادر خانه از این بابت بسیار ناراحت و دل نگران است. می خواستم بپرسم آیا این شخص کافر است یا

پرسش

یکی از بستگان نزدیک من تقریباً تمامی مبانی و اصول دین اسلام را قبول دارد، اما نماز نمی خواند، و از طرفی بچه های او در سنی هستند که باید شروع به خواندن نماز کنند و مادر خانه از این بابت بسیار ناراحت و دل نگران است. می خواستم بپرسم آیا این شخص کافر است یا فقط تارک الصلاة است و برای ارشاد او باید چه کرد؟ اگر بخواهید بگویید همسرش در مقابل او نماز بخواند یا به نماز اهمیت دهد، تمام این کارها شده، اما او همچنان نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد. به نظر شما باید چه کرد؟ اما شخص دیگری نیز هست که نماز نمی خواند، به حلال و حرام البته فقط در منزل بهایی نمی‌دهد، و از نظر سایراعتقادات او نیز اطلاع دقیقی نداریم، چون بازگو نکرده ما نیز سؤالی نپرسیدیم. البته ناگفته نماند که این شخص هنوز مجرد می باشد و در ضمن این شخص اصلاً مسؤولیت‌پذیر نیست. به نظر شما چه باید کرد؟ خواهشمندم ما را راهنمایی فرمایید.

پاسخ

احساس مسؤولیت و تعهد شما در قبال دیگر اقوام و بستگان، قابل تحسین و تجلیل است. خدا را سپاسگزاریم که مردان و زنان با ایمان و مؤمن و متعهدی در جامعه وجود دارند، که به برکت وجود و حضور آگاهانه و مسؤولانه آنان در صحنه های گوناگون، احکام و دستورات نورانی و حیات بخش دین مبین اسلام، رواج و رونق می گیرد. در خصوص سؤال مفصل شما و جنبه های گوناگون آن، نکاتی را به عرض شما خواهر عزیز و گرامی و فهیم می رسانیم. اولاً، بر اساس بیان علمای اسلام، کافر کسی است که به انکار خدا و رسول و ... ، یا انکار یکی از ضروریان بپردازد. بنابراین کسی که نماز نمی خواند، ولی به انکار آن، به عنوان یکی از ضروریات دین، نمی پردازد، حکم کفر بر او صدق نمی کند. بلکه ایمان و باور او ضعیف و ناقص است. ثانیاً، در برابر کسانی که نماز نمی خوانند، اگر مطمئن بشویم، که هیچ یک از ما موظف نیستیم دقیق بشویم در حالات افراد و ببینیم نماز می خوانند یا نه، ولی اگر به هر طریقی اطمینان حاصل کردیم که فردی نماز نمی خواند، ما در برابر او فقط وظیفه امربه‌معروف و نهی از منکر داریم. وحتماً می دانید امر به معروف و نهی از منکر نیز شرایط، ضوابط و مقررات خاصی دارد، که در کتب مربوطه آمده است؛ و از مهم ترین شرایط آن، که در رساله های عملیه مراجع بزرگوار تقلید نیز عنوان شده، این است که امربه‌معروف و نهی از منکر زمانی حکم وجوب پیدا می کند که احتمال تأثیر داده بشود، و برای آمر و ناهی هم مفسده ای نداشته باشد. ولی اگر آمر و ناهی می داند امر و نهی تأثیری ندارد، یا برایش مفسده ای به دنبال خواهد داشت، حکم وجوب از انسان برداشته می شود. ثالثاً، همسرش نه به دلیل توجه دادن او به نماز، نماز بخواند بلکه وظیفه خودش را انجام دهد، و تظاهر به این که می‌خواهد او را وادار به نماز بکند هم نکند، و به گونه ای رفتار نکند که شوهرش احساس کند همسرش قصد دارد او را به نماز وادار کند بلکه نماز و عبادات خودش را به خوبی انجام دهد، و در کنار انجام عبادات، در وظایف همسری خودش هم هیچگونه کوتاهی نکند. به گونه

ای به انجام وظایف مادری و همسری بپردازد، و به شوهرش بفهماند که به عنوان یک وظیفه و تکلیف خدایی و شرعی به همسرش خدمت می کند. اگر بتواند عشق و علاقه شوهرش را نسبت به خدا و پیامبر(و ائمه (افزایش بدهد، درمقاطع بعدی احتمال دارد شوهرش خودبخود به نماز و عبادت گرایش پیدا بکند. متأسفانه در دهه های اخیر، همانند نیم قرن پیش، در گام اول برای ترویج اسلام، یاد دادن احکام اسلام مطرح می شود، و حال آنکه اگر ابتدا تاریخ اسلام و زندگی پیامبر(و امامان(و جلوه های زیبای آن، بیان شود، و افراد عاشق این شخصیّتهای بزرگ بشوند، در مرحله بعد، فراگیری احکام و عمل به آن، بسیار راحتتر خواهد بود. اگر ابتدا مفاهیمی چون حرمت و زشتی دروغ، ظلم، بدقولی، بدرفتاری، کم فروشی، کلاه برداری، سخن چینی غیبت و سایر بدیها از سیرهٔ پیامبر(و ائمه(بیان بشود، و زیباییهایی مثل ایثار و فداکاری، خدمت به همنوعان، تقوی و پاکی و ... ، از سیره آن بزرگواران بیان و تبیین بشود، و سپس جنبه های عرفانی و سیر و سلوک ائمه(، و مناجات و عبادات آنان تشریح بشود، بطور ناخودآگاه افراد به اسلام گرایش خواهند یافت. در تأثیر گذاری بر افراد، الگو نقش بسیار مهمی دارد. اگر بتوان برای افراد، شخصیتهایی از تاریخ و عصر حاضر به عنوان الگو معرفی کرد، و افراد الگوهای دینی را به عنوان الگوی فردی خودشان بپذیرند، خواهناخواه با آنان همرنگ و همسو خواهند شد. اما بیان حرمت و وجوب، به تنهایی برای گرایش به دین کافی نیست. بیان حرمت و وجوب زمانی کارساز است، که فرد ایمان و باور به دین داشته باشد، و بخواهد فردی دیندار بشود؛ در این صورت، مشتاق بیان احکام، و وجوب و حرمت خواهد بود. بنابراین دوستان نزدیک او خیلی می توانند در تحول معنوی او نقش ایفا کنند. یا دوستی با افراد درستکار را می توان بصورت غیرمستقیم در برنامه ارتباطی خانواده قرار داد، تا به مرور زمان به آن سو هدایت شود. رابعاً برای وادار کردن فرزندان به نماز و عبادت، بهترین راه و روش، کانون مدرسه و اولیاء تربیتی مدرسه هستند. معلمان می توانند به طور شایسته و بسیار خوب، دانش آموزان را به این امر مقدس و با ارزش ترغیب و تحریض کنند. می توانید از طریق مدرسه و مربّی تربیتی وارد شده، از او بخواهید با توجه ویژه به آن دانش آموزان، عبادت و نماز را به نحو مقتضی، و با استفاده از روشهای تربیت، در آنان نهادینه کند. در مورد شخص دیگری که نوشته اید نیز اگر اطمینان به تارک الصلاة بودن او دارید، از طریق ابراز محبت همسرش، و نیز مواردی که ذکر شد، اقدام نمایید. امید است در این راه موفق و سربلند باشید. با آرزوی موفقیت و کامیابی، و توفیق نشر و ترویج ارزشهای متعالی دین. التماس دعا ـــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : ۱. رساله های عملیه، مراجع بزرگوار تقلید، فصل دفاع و امر به معروف و نهی از منکر ۲. کتب تربیتی(بحث روشهای تربیت) عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی، شهید مطهری

چگونه می‌توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ برای فردی که امر به معروف در او تأثیری ندارد بیان کنید؟

پرسش

چگونه می‌توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ برای فردی که امر به معروف در او تأثیری ندارد بیان کنید؟

پاسخ

امر به معروف از آسان‌ترین مرحله شروع می‌شود و چنان‌چه لازم باشد تا سخت‌ترین مرحلهٔ مجاز ادامه می‌یابد ;البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این‌که آسان‌ترین مرحله و شیوه‌های برخورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد، در قرآن کریم در این‌باره آیاتی وجود دارد، از جمله ۱. خیرخواهی خداوند متعال می‌فرماید": پیغام‌ها و رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت شونده باشد. ۲. جدال احسن خداوند متعال می‌فرماید": ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ (;...نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره

نما "...حکمت به معنای دانش و منطق و استدلال و موعظه نیکو، استفاده از عواطف انسان‌هاست جدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود. ۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد. ۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می‌فرماید": آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید]خود آن را ترک می کنید ("[...بقره ۴۴) پس قول و فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد. ۵. رهنمودهای روان‌شناسی روان‌شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده‌اند که آگاهی از آن‌ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می‌توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد ;آن‌گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و...(ر.ک تفسیر نمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵ـ۴۸ و ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیة) از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان ـ بر اساس شرایط و ضوابط آن ـ واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد: ۱ـ شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲ـ احتمال تأثیر ۳ـ عدم مفسدهٔ جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴ـ تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ک رسائل توضیح‌المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ـ ۲۸۲۵.)

وظیفهٔ ما نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر کردیم ولی اعتنایی نمی‌کند چیست

پرسش

وظیفهٔ ما نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر کردیم ولی اعتنایی نمی کند چیست

پاسخ

امر به معروف از آسان‌ترین مرحله شروع می‌شود و چنان‌چه لازم باشد تا سخت‌ترین مرحلهٔ مجاز ادامه می‌یابد ;البته این سیر کلی در امر به معروف و نهی از منکر است ولی این‌که آسان‌ترین مرحله و شیوه‌های برخورد اولیه چیست و چگونه و تحت چه ضوابطی این کار را باید شروع کرد، در قرآن کریم در این‌باره آیاتی وجود دارد، از جمله ۱. خیرخواهی خداوند متعال می‌فرماید": پیغام‌ها و رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و همانا برای شما خیرخواهی امینم . (اعراف ۶۸) آمر و ناهی باید خیرخواه شخص نصیحت شونده باشد. ۲. جدال احسن خداوند متعال می‌فرماید": ادْعُ إِلَیَ سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ ("...نحل ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره نما "...حکمت به معنای دانش و منطق و استدلال و موعظه نیکو، استفاده از عواطف انسان‌هاست جدال احسن در صورتی است که حق عدالت امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه جسارت توهین تحقیر و... پرهیز شود. ۳. صلابت در سخن آمر و ناهی باید در سخن خود قاطع باشد. ۴. تطابق قول و فعل قرآن کریم می‌فرماید": آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید]خود آن را ترک می کنید ("[...بقره ۴۴) پس قول و فعل آمر و ناهی باید مطابق هم باشد. ۵. رهنمودهای روان‌شناسی روان‌شناسان با استفاده از تجربه به نکاتی در زمینه هدایت و پرورش و چگونگی و راهبردهای آن رسیده‌اند که آگاهی از آن‌ها در پیشبرد تکریم شخصیت مخاطب مؤثر است قبل از برخورد و نصیحت می‌توان نکات مثبتی از اخلاق درس ورزش و... را از مخاطب به زبان آورد و وی را به خاطر آن تمجید کرد ;آن‌گاه تذکر داد که چنین شخصیتی (مثلاً در رتبه علمی و یا سطح ورزشی شایسته نیست چنین کار ناپسندی را مرتکب شود و...(ر.ک تفسیر نمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۳۵ـ۴۸ و

ج ۴، ص ۳۷، دارالکتب الاسلامیهٔ) از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر در انجام امور واجب و ترک محرمات بر همه مسلمانان ـ بر اساس شرایط و ضوابط آن ـ واجب است و در انجام امور مستحب و ترک مکروهات مستحب است ضمناً وجوب امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد: ۱ـ شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲ـ احتمال تأثیر، بنابراین اگر می‌دانی که طرف اعتنایی به سخن تو نمی‌کند و در او هیچ تأثیری ندارد، در این صورت واجب نخواهد بود. ۳ـ عدم مفسدهٔ جانی عرضی و مالی برای آمر و دیگر مؤمنین ۴ـ تصمیم گناهکار بر اصرار بر گناه ر.ک رسائل توضیح‌المسائل امام خمینی مسئله ۲۷۸۶ ـ ۲۸۲۵.)

همان گونه که خوانده‌ام و شنیده‌ام در خانه‌ای که نوارهای ترانه و آهنگ‌های مبتذل باشد، امامان به آن خانه‌ها کاری ندارند. اگر کسی در محیطی زندگی می‌کند که هیچ علاقه‌ای به این مسائل ندارد، ولی یکی از اهل خانواده اهل ترانه گوش کردن است و امر به معروف و نهی ا

پرسش

همان گونه که خوانده‌ام و شنیده‌ام در خانه‌ای که نوارهای ترانه و آهنگ‌های مبتذل باشد، امامان به آن خانه‌ها کاری ندارند. اگر کسی در محیطی زندگی می‌کند که هیچ علاقه‌ای به این مسائل ندارد، ولی یکی از اهل خانواده اهل ترانه گوش کردن است و امر به معروف و نهی از منکر هم اثر ندارد ;لطفاً بفرمایید وظیفهٔ فردی که در چنین خانواده‌ای زندگی می‌کند چیست

پاسخ

دربارهٔ" خانه در روایات ائمه حقایق جالبی گفته شده است به ویژه از این جهت که در خانه گناه باشد و یا یاد الهی دربرخی روایات خانه‌ای که در آن یاد خدا نشود، مرده و خانه‌ای که در آن یاد خدا بشود، زنده معرفی شده است (مکارم الاخلاق طبرسی ص ۳۱۱، نشر منشورات شریف رضی) این روایت نشان می‌دهد که خانه‌ها هم نزد خدا مرده و زنده دارند و ملائک حیات و زندگی در آن‌ها یاد خداست در روایت دیگری نیز آمده است" خانه‌ای که در آن" نماز شب خوانده می‌شود، برای اهل آسمان می‌درخشد، مانند آن که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند(".عوالی اللئالی ابن ابی جمهور احسائی ج ۱، ص ۱۳۶، نشر مطبعهٔ سید الشهدأ.) و در روایت دیگری به جای نماز شب هر" معروفی وارد شده است خلاصه ملاک و معیار دوری و نزدیکی یک خانه از عنایات و توجهات الهی و ائمه معصومین و فرشتگان و اهل آسمان گناه و اطاعت الهی است یعنی خانه‌ای که در ان گناه باشد، از چشم می‌افتد و خانه‌ای که در آن یاد خدا باشد، مورد عنایت واقع می‌شود ;البته دوری و نزدیکی انسان از خداوند متعال بر اساس رفتارهای شخصی خودش رقم می‌خورد ;هر چند انسان موظف است با امر به معروف و نهی از منکر، به اصلاح محیط خود، اعم از خانه مدرسه اداره و... اقدام کند، ولی ما از آیات الهی قرآن کریم می‌فهمیم که نسبت به نزدیکان خود، مسئولیت ویژه‌ای داریم "يَـَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوَّاْ أَنفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ (تحریم ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانوادهٔ خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید ".این مسئولیّت غیر از وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکری است که همگانی است و اختصاصی به نزدیکان ندارد ;گویا در مورد نزدیکان می‌فرماید تلاش کنید آن‌ها را از آتش جهنّم حفظ کنید ;حال چه با امر به معروف و نهی از منکر و یا با هر وسیلهٔ صحیح دیگری پس شما دربارهٔ نزدیکان و اهل خانوادهٔ خود باید نهایت سعی و تلاش خود را، هر چند با نصیحت و التماس و احسان و غیره به کار گیرید و به آن‌ها کمک کنید تا از ورطهٔ گناه بیرون آیند، ولی سرانجام اگر توفیق اصلاح محیط خود را پیدا نکردید و محیط به هر جهت اصلاح نشد، حساب شما از دیگران ـ نزد خداوند متعال ـ جدا می‌شود، مانند بسیاری از پیامبران الهی که با یاران اندک خود در محیطهایی زندگی کردند که ساکنان آن هرگز تن به اصلاح ندادند.

بـاتوجه به وضـعیت تهاجم فرهنگی وشـرایط سیاسـی واجتماعی چه کنیم تاهم امر به معروف ونهی از منکر نماییم وهم این عمل ما موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نسازد؟

پرسش

باتوجه به وضعیت تهاجم فرهنگی وشرایط سیاسی واجتماعی چه کنیم تاهم امر به معروف ونهی از منکر نماییم وهم این عمل ما موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نسازد؟

پاسخ

مردم در جامعه مانند جماعتی هستند که در کشتی نشسته اگر کسی بخواهد جای خود را در کشتی سوراخ کند وادعا نماید که من به دیگران کاری نـدارم وفقط جای خود را سوراخ می کنم آیا دیگران می توانند ساکت بنشینند وتماشا کنند ؟ از آنجایی که آثار سوء یک خلاف اجتماعی تنها به خود افراد محدود نمی شود ونباید از این نظارت ملی که همان امر به معروف ونهی از منکر است غافل شد ، بدون تردید امربه معروف ونهی از منکر یکی از واجبات است وانجام آن هم مستلزم پرداخت یک سری هزینه هایی است که برای سایر واجبات دیگر انجام می گیرد وبنا بر آیات و روایات رسیده ا.....jآن بلحاظ کارکرد اجتماعی در بعضی از مواقع به مراتب از بقیه واجبات بیشتر است به حدی که امام حسین (ع) برای احیای این فریضه جان عزیزش را در طبق اخلاص خدا می کند. اما آنچه مهم است که بدانیم انجام این واجب دارای شرایط ویژه ای است که در شرع مقدس همچون شناخت معروف از منکر ، احتمال تأثیر احتمال تکرارآن از سوی شخص خاطی ، نبود ضرر وزیان جانی ومالی در برخی موارد ۰۰۰ بیان گردیده است. حال پس از فراهم بودن شرایط ، نباید از خاطر دور داشت که زدودن برخی از مفاسد اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی نیازمند تشکیلات منسجم و قوی است که از حیطه فرد خارج است واین حکومت است که با ساز وکار مناسب که به همین منظور بوجود آمده اند جلوی مفاسد را بگیرد. وچنانچه چنین تشکیلات منسجم وخوبی نباشد باید از طریق مذاکره ومکاتبه با دفتر رهبر معظم انقلاب ، بسیج و تشکیلات دلسوز جهت ریشه کن کردن آن اقدام نمود . پیوند با مسجد ، امام جماعت محل و مراجع تقلید نیز از بهترین ومناسبترین پایگاههای مقابله با مفاسد اجتماعی است اما برخی از مظاهر منکر ومفاسد هم که درحد محدوده شخصی افراد است بدون شک با رعایت شرایط آن وبا انتخاب اصلح ترین روش وتاکتیک باید به ادای این فریضه پرداخت. آنچه مهم است نحوه بیان وتذکر است که می تواند نقش مؤثری داشته باشدواولین گام هم در انجام این واجب تذکر لسانی و زبانی است وهمین که افراد خطاکار ، غافل ولاابالی بدانند که چهره انسان یک چهره متذکر و هشدار دهنده وخیرخواه است سعی می کنند جهت مصون ماندن از چنین تذکراتی رعایت معروف را بنمایند واگر امر به معروف ونهی از منکر باقصد دلسوزی وبه بهترین شیوه انجام شود بدون شک هم تأثیر خواهد داشت وهم نگرانی افراد وناراحتی انان چندان مهم نخواهد بود ودیر یا زود خواهند فهمید که آمر به معروف وناهی از منکر جز خیر چنین افرادی را مدنظر نداشته اند. شرایط امر به معروف ونهی از منکر باید مرحله مرحله انجام پذیرد: ۱-تنفر قلبی از کار زشت ۲-بابیان خوش و گفتار دلسوزانه به این نحو که اول نقاط قوت شخصی خلافکار را گفته وسپس نقاط ضعف آن را جوری بیان کنیم که منظورمان این است که نقطه ضعف از بین برود وتبدیل به قوت گردد. ۳-ومسائل منکر را با لطائف الحیل از او دور کنیم و مرحله سوم قهر کردن وچهارم با کلمات تند وگاهی به تهدید و۰۰۰ درضمن متذکر می شویم که امر به معروف ونهی از منکر معمولاً ـ طرف مقابل ناراحت میشود . اما شما نباید ناراحت شوید وحتی اگر دشنام ویا کتک هم خوردید باید خوشحال بود که واجب وامر الهی اطاعت وانجام گرفته است. برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه نمایید: نظارت ملی یا امر به معروف ونهی ازمنکر نوشته ابوالقاسم علی زاده حسن آبادی ، تابستان ۱۳۷۱ ، دفتر تبلیغات اسلامی.

لطفاً بفرماییـــد روش مناسب جهت نهی از منکر دخترانی که با آرایش و بـــد حجاب در کوچه و بازار مشاهـــده مینماییم چیست و ما چه وظیفهٔ شرعی داریم ؟

اشاره

لطفاً بفرمایید در برخورد با پسرانیکه دور و بر دختران مشغول متلک گوئی هستند به چه روش عمل نمایم ؟

پرسش

لطفاً بفرمایید روش مناسب جهت نهی از منکر دخترانی که با آرایش و بد حجاب در کوچه و بازار مشاهده مینماییم چیست و ما چه وظیفهٔ شرعی داریم ؟ لطفاً بفرمایید در برخورد با پسرانیکه دور و بر دختران مشغول متلک گوئی هستند به چه روش عمل نمایم ؟

پاسخ

این نوع رفتارها غالباً درس نوجوانی اوائل بلوغ مثل مقطع دبیرستان است لذا خیلی ظریف و حساس است و کمتر حین ارتکاب عمل اثر دارد ، البته ممکن است بـا شـرائط خاصـی و طریقـهٔ مخصوص بـا لحـاظ جوانب روحی و رفتـار ی طرف اثر کنـد ولی اغلب این موارد باید در شرایط رفاقت و آرامش به امور آنها را متذکر کرد . ۱–قبح و زشتی این ا عمال را به آنها گوشزد کرد . ۲– مسئو لیت انسان و شرافت گوهر وجودی او را به او یاد آوری کرد . ۳– از راه تحریک عاطفه و تشویق به حفظ حرمت و کرامت نوامیس مردم کرد . تـذکر: البته اگر با شـرایط مناسب بود و تذکر دادی حتی اثر عملی هم نکرد برای آمر به معروف خیر و برکات معنوی را دارد و خود ا مر و نهی چنـد شـرط دارد . ۱–موارد و مصـادیق امر و نهی را بشـناسد . ۲– احتمال اثر بـد هی ۳– خطر یا مفسـده برای آمر نداشـته باشد (البته بسـتگی به مورد منکر و مقدار خطر دارد) لکنتم خیر امهً اخرجت النّاس لتأ مرون با لمعروف و تنهون عن المنکر شما بهترین امتی هستید که برای اصلاح بشر قیام کردید

با منافقین چگونه باید رفتار کرد.

پرسش

با منافقین چگونه باید رفتار کرد.

پاسخ

در قبـال هر گنـاه و گنهکـاری وظیفه یـک مؤمن امر به معروف و نهی از منکر است در قبال شـخص منافق نیز بایـد امر به معروف و نهی از منکر را بـا رعایت شـرایط آن اجرا نمود که عبارتنـد از: ۱. شـناساندن معروف و منکر: اول باید سـعی کنیم حق را به شخص گنهکار بشـناسانیم – ممکن است شخص منافق از حقیقت کار خود بی اطلاع باشد. ۲. تبیین قبـح و بدی نفاق: اگر منافق زشتی کار خود را بفهمد ممکن است به راحتی از این عمل زشت دست بردارد. ۳. تحویل نگرفتن و صمیمی نشدن با او. ۴. ناراحت شدن از او و ابراز این نـاراحتی. ۵. طرد او از جـامعه مسـلمین و مؤمنین. و اگر در هر مرحله آن شـخص اصـلاح شـد مجاز به اجرای مرحله بعد نیستیم.

در خـــانه ما مرد سالاری حاکم است پـــدرم بشـــدت مادرمان را با زورگوئی اش تحت فشار قرار داده * لطفا بگوییـــد چگونه می توان او را راهنمایی کرد؟

پرسش

در خانه ما مرد سالاری حاکم است پدرم بشدت مادرمان را با زورگوئی اش تحت فشار قرار داده * لطفا بگویید چگونه می توان او را راهنمایی کرد؟

پاسخ

قضاوت در مورد زندگی خانوادگی شما و نقش پدر و مادرتان از راه دور کار آسانی نیست؛ چه بسا که هر طرف برای کار خود دلایلی داشته باشد. ولی در هر صورت روش مادر شما (صبر و بردباری) روش پسندیده‌ای است چرا که اگر دو طرف بر مواضع خود اصرار ورزند، نه تنها مشکلی حل نمی‌شود بلکه معضلات و ناآرامی زندگی افزون‌تر خواهد شد. شما نیز روش مادر را در پیش گیرید. البته سعی کنید از راه مناسب و توسط اشخاصی که روی پدر نفوذ دارند موارد لازم را به او تذکر دهید. نقش شما در حال حاضر بایستی نقش آرامش‌بخش به خانواده باشد. توصیه‌های زیر را نیز مد نظر داشته باشید: ۱- پیش از هر چیز، به خداوند بزرگ توکل نموده و پیوسته از او در حل مشکل مدد جویید. ۲- همواره بکوشید در برابر ناهنجاری‌های ذکر شده صبر، متانت و برخوردی پرمهر و عاطفه و منطقی داشته باشید و دیگر اعضای خانواده را نیز به چنین شیوه‌ای تشویق نمایید، به ویژه مادر شما اگر در برابر هر خشونتی عکس العملی محبت‌آمیز داشته باشد به تدریج، البته در مدت طولانی، روش تند و خشن پدرتان را تغییر خواهد داد. ۳- کوشش کنید عواملی که در خانه موجب ناراحتی و عصبانیت پدرتان می شود، از بین برود؛ مثلاً- اگر از بی‌نظمی‌های خانه، سر و صدا یا برخی خواسته‌ها ناراحت می‌شود، حتی الامکان آنها را از بین ببرید و محیط خانه را برای او جایگاهی آرام‌بخش و دوست داشتنی کنید. ۴- بررسی کنید که دخالت‌های دیگران در چه زمینه‌هایی است، سپس بکوشید آن زمینه ها را از بین ببرید. ۵- در صورتی که افراد بزرگ و فهمیده‌ای در نزدیکان، بستگان یا دوستان پدرتان وجود دارد که توصیه‌هایش به پدر شما مفید می‌افتد مشکلات را با او در میان نهاده و بخواهید که با حفظ امانت و شیوه‌ای حکیمانه، در موارد مقتضی اندرزها و رهنمودهای لازم را به پدر شما بدهد و به کارها و اقدامات ناپسند خود آگاه نماید. به هر حال او پدر شماست و شما باید دید خود را نسبت به او عوض کنید. شما با اخلاق و نیک‌رفتاری خود، می‌توانید الگوی مناسبیبرای تغییر رفتار پدرتان باشید. البته لازم به ذکر است اسلام هیچ‌گاه نگفته مرد هر چه بخواهد در زندگی می‌تواند انجام دهد. در صورت تمایل نتیجه کار را با ما مکاتبه کنید.

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

پرسش

وظیفه انسان در برابر منکرات در دانشگاه چیست ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است، ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد،روشنگری و روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست. باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضیح این که ترانه‌های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی‌کند و نیز سایر تأثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می‌گذارد،آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده کنید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد. در امر به معروف و نهی از منکر باید مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت

شود. در ابتدا باید با گفتار ونصیحت و ارشاد راهنمایی کرد و اگر این راه‌ها مؤثر واقع نشد، چنان چه کم کردن ارتباط و یا قطع آن مؤثر باشد، از آنراه اقدام شود و چنان چه هیچ یک مؤثر واقع نشد، می‌توانید مراتب را به مقامات مسؤول دانشگاه اطلاع دهید تاخودشان جلوگیری کنند و اگر هیچ یک از این امور ممکن نبود، تکلیف از شما ساقط می‌شود.

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پرسش

در برابر انحرافات اجتماعی چه وظیفه ای داریم ؟

پاسخ

نصوص معتبر دینی با صراحت و قاطعیت مسؤولیت افراد را نسبت به انحرافات اجتماعی مطرح ساخته‌اند. درچشم انداز اسلامی پیدایش و بقای جامعه سالم بدون مسؤولیت همگانی ناممکن است. البته در این راستا مسؤولیت افراد متفاوت است و هر کس به تناسب توانایی‌ها دانش‌ها و شرایط ویژه‌ای که در آن قرار دارد مسؤول است. مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب و همسویی برخی از جریانات داخلی دارد. از گذشته‌ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها وشهوت‌پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه‌هایی از آن را ارائه کرده‌اید. اکنون باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد: الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه‌های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی. هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در این رابطه نکات چندی را یادآور می‌شویم: الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکر نکنید، بلکه به جنبه‌های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ماپیش آمده نیز بیندیشید. اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را با دوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهیدداشت. ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه‌ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کندی کار و سدّ راه تکامل شما خواهد بود. نبی اکرم(ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدمایمان مردم به شدت ناراحت می‌شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می‌فرماید: « طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی »؛ پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی(طه، آیه ۱) و نیز می‌فرماید: « لعلّک باخع نفسک الّا یکونوا مؤمنین »؛ ای رسول، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی‌ایمانی این مردم خود را هلاک کنی(شعراء، آیه ۲۳). ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم(ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیرحکیمانه علی(ع) در این راستا حائز اهمیت است که می‌فرماید: « الهمّ نصف الهَرَمِ »؛ همّ وغمّ نصف پیری را تشکیل می‌دهد (نهج‌البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و اندوه انسان را می‌شکند و زود از پا در می‌آورد. با این نگرش، گرچهما به احساس پاک شما ارج می‌نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید. ج) و اما چه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس ما مسؤولیتی در ازای این رویدادها نداریم؛ بلکه به پیشنهادی چند، نیک بیندیشید. ۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید. ۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید. ۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می‌دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری ازدانشجویان به طور فعّال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانگانی است. و امیدوار باشیدکه

در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت. چند از این الفاظ واضمار و مجاز سوز خواهم سوز با آن سوز ساز

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

پرسش

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

پاسخ

در این باره لازم است اصول و ضوابطی که به آن اعتقاد داریم مراجعه کنیم از جمله: ۱- حفظ ایمان و اعتقاد خودمان از همه چیز مهمتر است نباید عملی انجام دهیم که به دینداری ما صدمهزند. ۲- تقویت بچههای مذهبی از نظر روحی و روانی لازم است و مذهبیها نباید تضعیف شوند اگر هم به آنان انتقادیداریم بیان انتقاد نباید به تضعیف آنان بیانجامد. ۳- امر به معروف و نهی از منکر مصادیق و انواع گوناگون دارد، گاه با رفاقت و دوستی میتوان این کار را انجام دادگاه با کنار کشیدن و به کار خود مشغول بودن گاه با بیاعتنایی و گاه... با توجه به این اصول و ضوابط اگر برقراری روابطو رفات با آنان با این اصول سازگار است اشکال ندارد. در عین حال برخوردهای نسنجیده و ناگهانی و بدون زمینه و مقدمه و بدون طرح و برنامه صحیح نیست.{J

افرادی را می شناسیم که هرزه و لاابالی هستند ولی نوحه خوانی امام حسین (ع) می کندر با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم ؟

پرسش

افرادی را می شناسیم که هرزه و لاابالی هستند ولی نوحه خوانی امام حسین (ع) می کندر با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم ؟

پاسخ

باید به چنین افرادی با زبانی ملایم تذکر داد که شما که در مقام مدّاح و نوحهخوان حضرت اباعبداللّه ع) هستید، شایسته است که سایر اعمال و رفتارت نیز مورد قبول امامحسین(ع) باشد.

ضمنا در مورد سوال سوم نامه قبلی ۱۲۰۰۸ که در مورد امر به معروف و نهی از منکر است برایم مبهم بود من در مورد ترک این مهم از طرف خودم نگرانم ولی بیشتر اوقات که آن را ترک می کنم به دلیل این است که نمی دانم چگونه موضوع را مطرح کنم که وضع طرف مقابل بدتر نشود.

پرسش

ضمنا در مورد سوال سوم نامه قبلی ۱۲۰۰۸ که در مورد امر به معروف و نهی از منکر است برایم مبهم بود من در مورد ترک این مهم از طرف خودم نگرانم ولی بیشتر اوقات که آن را ترک می کنم به دلیل این است که نمی دانم چگونه موضوع را مطرح کنم که وضع طرف مقابل بدتر نشود.

پاسخ

در نامه قبلی وظایف و حدود و احکام فردی که می خواهد آمر به معروف و ناهی از منکر باشد به خوبی و به صورت مفید و

مختصر بیان گردید. مشکل شما در واقع پیاده کردن این برنامه ها و عمل به آنها در موارد مختلف است. البته این مطلبی بسیار ظریف و حساس است و باید همه جوانب و اطراف آن به خوبی مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد. یعنی تشخیص این که این مورد خاص جای عمل کردن به کدام مرحله از امر به معروف و نهی از منکر است مهم و اساسی است. انتخاب قالب مناسب برای عمل به امر به معروف و نهی از منکر دارای نقش اساسی است. مثلا اگر راننده اتوبوس از نوار غیر مجاز و غیر مناسب که حرمت آن مسلم و قطعی است استفاده می کند در اینجا دو نوع عکس العمل در راستای امر به معروف و نهی از منکر می توان انجام داد. یکی این که با شدت و خشونت از او بخواهیم صدای آن را خاموش کند و دیگر این که با ملایمت و به کار بردن کلماتی مثل «ببخشید، معذرت می خواهم» از او بخواهیم که صدای نوار را کم کند به حدی که فقط خود او بشنود. راه اول معمولا مفید و مؤثر نمی باشد و گاه وضع را بدتر می کند و او رادر خلافش جری تر و جسورتر می سازد و گاه منجر به درگیری می گردد. ولی راه دوم معمولا مؤثرتر و اثربخش تر است و علاوه بر تحقق این دو واجب آثاری مخربی در پی ندارد. در همین مورد جو مسافرین حاضر در اتوبوس و چگونگی اعتقاد و باور و عکس العمل آنها نیز نقش مؤثری دارد. اگر تعداد متدینین و مؤمنین زیاد باشد، راحت تر می توان این کار را انجام داد چون وجود آنها به منزله پشتوانه و حمایت است. در همین مثال اگر شرایط به گونه ای باشد که تنها شما معترض به کار راننده هستید با توجه به خانم بودن شما و نداشتن پشتیبان کافی است که شما به آن نوار مبتذل گوش ندهید و همین ناراحتی و نارضایتی درونی و قلبی شما خود نوعی امر به معروف و نهی از منکر است چون گفته اند حداقل مرتبه امر به معروف و نهی از منکر نارضایتی قلبی است. بررسی روحیات فردی که می خواهیم او را امر به معروف و یا نهی از منکر نماییم بسیار مهم است. گاه ممکن است فردی بدزبان و بی ادب باشد و باعث آبروریزی و هتک حرمت گردد و فسادی بالاتر به بار آورد. مثلا اگر فردی از افراد خانواده، نماز نمی خواند، نحوه برخورد با او و در پیش گرفتن راهی مناسب برای راهنمایی و هدایت او، بستگی مستقیم با روحیات و اخلاق او دارد. ممکن است او فردی باشد که با کمی سرسنگینی از طرف شما و بی اعتنایی به او، به خود بیاید و متوجه شود شما به خاطر ترک نماز چنین با او برخورد می کنید. ولی گاه ممکن است این نوع رفتار تأثیری منفی و برخلاف داشته باشد و او را در ادامه راه غلط خود لجوج تر و مصرتر گرداند. یعنی کنار آمدن با او و گرم گرفتن او و در موارد مناسب با عمل و حرف به او تذکر دادن و نصیحت کردن در مورد این فرد بهتر جواب می دهد. مثال دیگر مجالس عروسی و جشن است که معمولا- رعایت حدود شرعی در آنها نمی شود ومسائلی مانند نوار حرام و رقص و اختلاط محرم و نامحرم در این گونه مجالس معمول است. در اینجا اگر تشخیص فرد شرکت کننده در این مجالس این است که ممکن است آلوده به حرام گردد نباید در این مجالس شرکت کند. حال اگر مجبور و مضطر به شرکت در این مجالس گردید، اگر می تواند باید مانع ادامه این برنامه گردد و اگر نمی تواند باید از این مجلس خارج گردد و اگر خروج او به هر دلیل ممکن نبود باید به گونه ای رفتار نماید که دیگران ناراحتی و نارضایتی او را در این مورد متوجه شوند و این خود نوعی امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به این مثال ها می توانید در موارد دیگر نیز اقدامات لازم و مناسب را انجام دهید و از نظر وجدانی و شرعی خشنود باشید که به وظیفه خود در این مورد به اندازه توانایی و وسع خود عمل نموده اید موفق و پیروز باشید. و باید دانست که در برخورد با هر منکری کار متناسب با آن ضروری است و آنچه از روش ها گفته می شود ممکن است در هر موردی جواب ندهد و نیاز به راهکار متناسب برای رسیدن به هدف است.

وظیفه شخص در خوابگاه دانشجویی , هنگام شنیدن موسیقی حرام چیست ؟

پرسش

وظیفه شخص در خوابگاه دانشجویی , هنگام شنیدن موسیقی حرام چیست ؟

پاسخ

چنان که گفته شد، اگر امر به معروف مؤثر نیست و شما مایل به شنیدن نباشید و مجبورا صدا به گوش شما می‌رسد، شرعا برای شما اشکال ندارد و اگر می‌توانید تغییر مکان بدهید، لازم است از آن مکان بیرون بروید. شنیدن نوارها و صداهای مشکوک که - نمی‌توانید حرمت آنها را تشخیص بدهید - اشکال ندارد.

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

پرسش

بیشتر جوانان به فیلم های مبتذل رو می آورند. برای نهی از منکر آنها چه باید کرد؟

پاسخ

بدین منظور از راه کارهای زیر استفاده کنید: ۱- قبل از هر چیز اعتماد آنها را به خود جلب کنید تا تذکرات و سخنان تان تاثیر بیشتری داشته باشد. ۲- ضررها و آثار سوئ روحی و روانی تماشای چنین فیلم هایی را به آنها متذکر شوید. ۳- اهمیت و ارزش وقت به خصوص در دوران تحصیل را به آنها یادآوری کنید و آنها را به مطالعه و تحقیق تشویق نمایید. ۴- توصیه کنید به جای تماشای چنین فیلم هایی , اوقات فراغتشان را با ورزش و سرگرمی های شاد دیگر پر کنند و ضمن بیان فواید و آثار مثبت ورزش (مثل کوهنوردی , شنا, فوتبال و ورزش های دسته جمعی دیگر) با یک برنامه ریزی منظم , ترتیبی بدهید که فرصت کافی برای تماشای آن فیلم ها پیدا نکنند. ۵- به کمک بعضی تشکل های دانشجویی دانشگاه و خوابگاه برای پر کردن اوقات فراغت جوانان به تشکیل و راه اندازی مسابقات فرهنگی , ورزشی و یا اردوهای علمی , تفریحی و... اقدام نمایید و یا از فیلم های جذاب علمی و در ارتباط با رشته تحصیلی آنها استفاده کرده و به نمایش بگذارید.

چگونه برادرم را که با دروغ گفتن به پدر و مادر کارهای خلاف می کند هدایت کنم ؟

پرسش

چگونه برادرم را که با دروغ گفتن به پدر و مادر کارهای خلاف می کند هدایت کنم ؟

پاسخ

یکی از چیزهایی که امروزه در روانشناسی روی آن تأکید می‌شود، نقش و تأثیر عوامل محیطی و از جمله نقش گروه‌های هم‌سال (دوستان)، بر افراد است. طبق نظر روان‌شناسان، یادگیری اجتماعی و رفتار انسان، محصول تعامل مداوم متغیرهای شخصی و محیطی است. شرایطمحیطی، از طریق یادگیری، به رفتار شخص شکل می‌دهد. تأثیری که دیگران بر فرد دارند، نقش زیادی در رفتار او دارد. بعضی از الگوهای رفتاری نیز از راه تجربه مستقیم یاد گرفته می‌شود؛ لکن بسیاری از رفتارهای انسان از راه مشاهده (یادگیری از راه مشاهده) به دست می‌آید. حالاگر ما با افرادی رفت و آمد داشته باشیم که انسان‌های با شخصیت و خوبی هستند، مشاهده رفتار خوب آنان تأثیر مثبتی در ما ایجاد می‌کند. در نتیجه ما نیز همان‌گونه رفتار می‌کنیم. اما اگر خدای ناکرده با افراد بی‌شخصیت، لاابالی و ناباب سر و کار داشته باشیم، مشاهده رفتار زشتآنان، ناخودآگاه بر رفتار و افکار ما تأثیر منفی خواهد داشت و ما را نیز به

انحراف خواهـد کشانـد. قرآن هـم تـا حـدودی، تـأثیر عوامـل محیطی - از جملـه نقش دوسـتان - را در هـدایت و گمراهی افراد، می‌پذیرد (مثل نقش دوستان پسر نوح پیغمبر در انحراف او و نهایتا غرق و نابود شدن وی). شما با یادآوری این نکته که پسر پیغمبر خـدا، با افراد بـد و ناباب، رفت و آمـد کرد و گوش به حرف پـدرش نـداد؛ در نتیجه به فساد و انحراف کشـیده شـد و غرق و نابود گشت؛ چه رسد به افراد عادی مثل ما. این حرف‌ها، در صورتی اثر خواهد داشت که برادر شما از شما حرفشنوی داشته باشد؛ اما در غیر این صورت، می‌توانید از اعضای دیگر خانواده و یا از یکی از دوستان و آشنایان با تجربه، دلسوز و قابل اعتماد کمک بگیرید تا از این طریق، مسأله به خیر و خوشی حل شود.{J

با توجه به رواج بد حجابی در جامعه علت آن چیست و روش راهنمایی این افراد در جامعه چه می باشد؟

پرسش

با توجه به رواج بد حجابی در جامعه علت آن چیست و روش راهنمایی این افراد در جامعه چه می باشد؟

پاسخ

مسأله بـدحجابی از معضـلات کنونی جـامعه مـاست. این گونه رفتار ریشه در حـدود نیم قرن حکومت سلسـله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشـته‌ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شـهوت‌پرستی مجموعاً وضـعیتی را پدید آورده است که شـما گوشه‌هایی از آن را ارائه کرده‌اید. البته با وجود آنچه که نوشـته‌اید وضـعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغـات سـنگین غرب به وسـیله محصولاـت فرهنگی ماننـد فیلم‌هـا و مجلاـت نوعی تمایـل به آن گونه رفتارها در سطـوحی از جـامعه مشاهـده می‌گردد که بایـد از دو طریـق به اصـلاح آن اقـدام کرد: الـف) کـار بنیـادی فرهنگی که نتایـج آن در دهه‌های بعـد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی. هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شـکست و تأثیر وارونه خواهـد شد. در زمینه‌های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسـئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننـده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امیـد است با برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شـده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت‌های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. آنچه که مربوط به شـما می‌شود در صورتی که شرائط برای امر به معروف و نهی از منکر مهیّا است لازم است نهی از منکر نمائید در صورتی که احتمال تأثیر نمی‌دهید بر شـما چیزی نیست ضـمنا نگاههـای اتفـاقی بـدون اختیار اشـکال نـدارد. در عین حال گاهی اوقات افراد اطلاع و شـناخت کافی از اهمیت حجـاب و آثـار مثبت آن ندارنـد و از طرف دیگر عوارض سوء بـدحجابی را نمی‌داننـد بنابراین نسـبت به این گونه افراد باید پنهانی و با زبان مناسب و ایجاد ارتباط عاطفی به روشـنگری پرداخت چه بسا با همین تذکرات پنهانی خود را اصلاح کنند ولی اگر علنا و بـدون پرده تـذکر داده شود بیشتر جری‌تر می‌شونـد. مطمئن باشـید اگر چندین نفر و به طور مکرر با این افراد برخورد اخلاقی مناسب صورت گیرد تحت تـأثیر قرار گرفته و خود را اصـلاح خواهنـد کرد. آری در صورتی که فردی می‌خواهـد در یـک جمع و فضای خصوص از روی عمد و قصد می‌خواهد با برخی رفتارهای زشت و ضد اخلاقی، به مقدسات و ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی مردم دهن کجی کنـد بایـد به طور علنی به او هشـدار داد. ولی این گونه موارد بسیار کم اتفـاق می‌افتـد. پس چه بهتر است با افراد جاهلی که اطلاع کافی در این زمینه ندارنـد با احترام و سـعه صـدر لازم به روشـنگری پرداخت و به طور خصوصـی و انفرادی مسائـل قابـل طرح را گوشـزد نمود. البته نبایـد غفلت شود اخلاـق کـارگزاران و عملکرد آنـان تأثیر مثبت یا منفی در رفتار اجتماعی شهرونـدان دارد چنـانکه فسـاد سیاسـی، اداری و اقتصادی مردم به ویژه جوانان را مأیوس ساخته، از شادابی، نشاط و معنویت باز می

دارد و طبیعی است که باعث بسیاری از ناهنجاری های اخلاقی همین سرخوردگی های اجتماعی است و امر به معروف و نهی از منکر به طور ریشه ای باید ضمن آن که در خصوص بد حجابی یا ناحجابی مطرح می شود قبل از آن باید نسبت به ریشه های پیدایش آن صورت گیرد.

امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اشخاصی که نوارهای موسیقی گوش می دهند چگونه است ؟

پرسش

امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اشخاصی که نوارهای موسیقی گوش می دهند چگونه است ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر واجب است، ولی در مورد شما آنچه ضرورت دارد،روشنگری و روشن ساختن فلسفه احکام برای آنهاست. باید سعی کنید با کار زیربنایی و فردی بر روی افراد، و توضیحاینکه ترانه‌های مبتذل آدمی را به خیر دعوت نمی‌کند و نیز سایر تأثیراتی که در روان و اخلاق و بینش آدمی می‌گذارد،آنان را برای پذیرش احکام الهی آماده کنید. خداوند در این راه یار و مددکار شما باشد.{J

اگر محیط و موقعیت ایجاب کند که خواسته یا ناخواسته با فردی بدحجاب روبرو شویم چه روشی را پیش بگیریم تا مرتکب هیچ گناهی نشویم و تا چه حد مسئول اصلاح این امر هستیم.

پرسش

اگر محیط و موقعیت ایجاب کند که خواسته یا ناخواسته با فردی بدحجاب روبرو شویم چه روشی را پیش بگیریم تا مرتکب هیچ گناهی نشویم و تا چه حد مسئول اصلاح این امر هستیم.

پاسخ

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن – که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد – به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت : ۱– جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲– آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیارایید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳– بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد. ۴– عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵– حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند: گونه اول– انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند. گونه دوم– انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند. گونه سوم – انسان های حق ستیز. این گونه افراد

مسلما "در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما "اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم : ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید. ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد. ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید. ۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید. ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید. ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید. ۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید. ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید. ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید. ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴). شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است: الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار. ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند. ج. احتمال تأثیر بدهد. د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد. مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت». با توجه به آنچه در بالا گفته شد معلوم می شود: اولا، اگر از محیط و موقعیتی که در آن واقع می شوید اطلاع دارید و می توانید با تدبیری ساده از واقع شدن در آن اجتناب کنید، کاری کنید که در چنین موقعیتی قرار نگیرید تا موجب ارتکاب گناه شوید. اما اگر ناخواسته وارد چنین محیطی شدید و نمی توانید (با توجه به شرایط بالا) تأثیرگذار باشید یا تغییری ایجاد کنید باید هر چه سریع تر آن محل را ترک نمایید. ثانیا، اگر مفسده و ضرری که با وارد شدن در آن محیط ها متوجه شما می شود بیشتر از مصلحت نهی از منکر، باز هم در چنین موقعیتی باید رعایت حال مفسده را بکنید و از آن اجتناب کنید. ثالثا، شکی نیست که برای اجرای حق و حفظ و نگهداری خود از هرگونه خلاف و گناهی نیازمند تلاش زیاد و هزینه کافی است و با تقویت اراده خود، در مقابل چنین موقعیت هایی ثابت قدم بود و در واقع این موقعیت ها آزمایشگاهی است برای ساخته شدن انسان و مبارزه با نیروی وسوسه گر شیطان که هر لحظه و آنی به سراغ انسان می آید. لازم به ذکر است انسان مؤمن کسی نیست که هیچ گناهی نکند بلکه مؤمن کسی است که اگر ناخواسته مرتکب گناهی شد بلافاصله توبه کندو از عملکرد خود پشیمان شود و در صدد جبران آن برآید. بنابراین خسته نشوید و در راه اجرای حق و هدایت دیگران و حفظ و نگهداری خود از هرگونه انحراف و کژی تلاش کنید و از خداوند متعال نیز استعانت جویید. ما نیز دعاگوی شما هستیم و به وجود شما عزیزان دانشجو با این سیره پاک و ارزشمند افتخار می کنیم.

در جامعه امروزی که وضعیت حجاب بسیار نامناسب است و عده ای از دانشجویان دختر پا را فراتر گذاشته و از حجاب اسلامی تجاوز کرده اند وظیفه ما و امثال ما در برابر این افراد هم از نظر احکام و هم از نظر امر به معروف چیست و باید چه اقدامی انجام داد چون باید در مسائل

پرسش

در جامعه امروزی که وضعیت حجاب بسیار نامناسب است و عده ای از دانشجویان دختر پا را فراتر گذاشته و از حجاب اسلامی تجاوز کرده اند وظیفه ما و امثال ما در برابر این افراد هم از نظر احکام و هم از نظر امر به معروف چیست و باید چه اقدامی انجام داد چون باید در مسائل درسی با آنها رابطه ای داشت توضیح دهید.

پاسخ

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت : ۱- جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲- آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیارایید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳- بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد. ۴- عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند: گونه اول- انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند. گونه دوم- انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند. گونه سوم - انسان های حق ستیز. این گونه افراد مسلما "در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما "اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم : ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید. ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد. ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید. ۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید. ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید. ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید. ۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید. ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید. ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید. ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴). شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است: الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور

چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار. ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند. ج. احتمال تأثیر بدهد. د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد. مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت». در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه‌هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. از نظر انسان‌شناختی و روان‌شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳). بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی ما ـ که بسیاری از احکام، ارزش‌ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه‌ای نیست ـ بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصر روان‌شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می‌باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد. یکی از راه‌های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقومٍ حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییرنمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱). این عامل درونی اختصاص به جامعه ای خاص یا پیروان دین مخصوصی ندارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدید کننده یا کنترل کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه های تاریخی آن اشاره می کنیم. ۲. ریشه‌های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی‌حجابی را در خانواده‌ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه‌ها و ریشه‌های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد. ۳. کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش‌ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه‌های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه‌کارها و برنامه‌هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش‌ها و احکام اسلامی مبذول نگردد. ۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست‌های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در

رونـد توسعه و رشـد اقتصـادی، صـنعت و... انجـام گرفت، ناخواسـته مـوجب تغییر ارزش‌هـای جـامعه، به سـوی هنجارهـای مـادی، مـدرک‌گرایی، تجمل پرستی و...گردیـد. ۵. عملکرد منفی و نـامطلوب برخی از دسـتگاه‌های فرهنگی (از جملـه وزارت ارشـاد و مطبوعات وابسته در سال‌های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مـادی و معنوی وزارت ارشـاد و فضـای بـاز و بـدون نظـارت جـامعه، موجبـات نشـر و ترویـج فرهنـگ فاسـد منحط دوران پهلوی و ارزشـهای حـاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضـاع فرهنگی کشور را به شـدت مسـموم و آلوده نمودنـد به گونه‌ای که مقـام معظم رهبری هشـدارهای شدیـد به مسـئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. ۶. برخی از افراط و تفریطهـایی که در سالهـای اولیه انقلاب و بعـد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجـابی شـد از قبیـل اسـتفاده روشـهای خشـونت‌آمیز و فیزیکی و... بـاعث بوجـود آمـدن تنفر و انزجـار و بـدبینی به این حکم الهی گردید. ۷. اجرا نشـدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام‌مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است. ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهـاجم فرهنگی گسـترده و همه جـانبه غرب به ارزش‌هـای اسـلامی و ملّی مـا، برای بی هـویت نمودن نسـل جوان، تضـعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شـکست نظام اسـلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژی ـاعم از نرم‌افزاری و سـخت‌افزاری، عناصـر وابسـته داخـل در عرصه‌هـای فرهنگی و اقتصـادی و... در جهت حـاکم نمودن فرهنـگ و ارزش‌ها و مظاهر تمدن غرب. مجموعه عوامل فوق سـبب گردیده که متأسـفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسـلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسـلامی ما وجود داشـته باشد. اما در مورد راه‌های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش‌بینی می‌باشد: ۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قـدرت با متخلفین البته این برخورد بایـد حساب شـده و هنجارمنـد باشـد. ۲. کار بنیادی فرهنگی. مسـلما برخورد با این پدیـده به صورت فیزیکی و از طریق دسـتگاههای دولتی، بسـیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسـئله لباس و پوشـش اسـلامی صـرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجـاب و... را بـا کـار فرهنگی مسـتمر عمیق و ریشه‌ای بـا اسـتفاده از دسـتگاههای فرهنگی و رسانه‌هـای جمعی و مطبوعـات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسـفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسـلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می‌تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشـجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شـرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه‌های فرهنگی و مراکز موجود در دانشـگاه‌ها نیز بهتر می‌توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسـلامی، راه‌کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش‌های اسـلامی در بین دانشـجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشـجویان شاهد محیطی سـرشار از پاکیو صـفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش‌های اسـلامی در دانشـگاه‌ها باشـیم، ان‌شـاءالله. نـاگفته نمانـد بسـیاری از ناهنجارهـای اجتماعی از جمله بـدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضـل بیکـاری، تورم و... مولـد بسـیاری از مفاسـد اجتماعی هسـتند که ظهور و بروزهای آن در شـکل های مختلف صورت می پـذیرد. از این رو نظام اسـلامی و همه علاقه منـدان به این نظام مقـدس بایـد در جهت کارآمـدی نظام و حل معضـلات اقتصـادی و اجتمـاعی تلاش جـدی انجام دهنـد. فرمایشـات و رهنمودهـای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسـد اقتصادی و اجتمـاعی به شـکل قـاطع و نیز نهضت خـدمت رسـانی به مردم، در این راسـتا ارزیـابی می شود. برای آگـاهی بیشتر ر.ک: ۱ـ حداد عـادل، فرهنـگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضـاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشـها ۴. شهید مطهری،

مسأله حجاب اما اینکه در پایان سوالاتان فرموده اید، باید در مسائل درسی با آنها رابطه ای داشته باشیم به نظر می رسد حرف مقرون به صحت نباشد . به عبارتی دیگر می توان در چنین محیط های حضور داشت و بدون ارتباط گناه آلودی، پاکی و پاکدامنی خود را حفظ کرد. هر چند مشکل هست و ما نیز می پذیریم ولی ناشدنی نیست و ما نیز نمونه های بسیار فراوانی از بین خود شما دانشجویان پاک سرشت و پاکدامن نامه های فراوان داریم که حکایت از همین پاکی درون و رفتار سالم شان می کند که جای بیان آن نیست. علاوه بر این مگر چه ضرورت دارد برای مسائل درسی با جنس مخالف ارتباط ایجاد کرد. مگر نمی توان دانشجویان هم جنس در این گونه مسائل به گفتگو و حل مشکلات و ... بپردازند. ما معتقدیم اگر اراده کنید امری است شدنی. ثانیا اگر هم در برخی شرائط و موقعیت ها و مواردی نادر هم ضرورتی ایجاب کند. می توان به حداقل اکتفا کرد و در همان حداقل نیز رعایت شئونات اخلاقی و شرعی را کرد و خود را کنترل نمود. هم چش و گوش و دیگر حواس خود را به کنترل عقل درآورد و هم ذهن و اشتغالات ذهنی رااز این گونه مسائل برحذر داشت. گر چه قبول داریم نیازمند اراده ای قوی و عزمی راسخ دارد. ولی گوهر پاکی و پاکدامنی و حفظ خود را از گناه و خلاف بدون تلاش بدست نمی آید.و همانطور که گفته اند: هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد. در پایان لازم است دقت و حساسیتان را نسبت به مسائل فرهنگی و ارزشی و اخلاقی و لزوم حفظ آن برای محیط دانشگاه و دانشجویان می ستاییم و امیدواریم با تلاشهای عزیزانی همچون شما ، به یک محیط سالم هرچه نزدیک تر شویم.

هر زمان که می خواهم با افراد بی نماز و بی دین صحبتی کنم و آنهارا روشن کنم نمی توانم و در برابر آن ها کم می آورم و گاهی صحبت های آنها باعث شک در من می شود و ترس باعث می شود که دیگر صحبت با انان را دنبال نکنم چه کنم تا این گونه نباشم.

پرسش

هر زمان که می خواهم با افراد بی نماز و بی دین صحبتی کنم و آنهارا روشن کنم نمی توانم و در برابر آن ها کم می آورم و گاهی صحبت های آنها باعث شک در من می شود و ترس باعث می شود که دیگر صحبت با انان را دنبال نکنم چه کنم تا این گونه نباشم.

پاسخ

تلاش شما برای آشنا ساختن دوست خود با نماز، کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از برجسته‌ترین و متعالی‌ترین امور است. برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید. خلأ عمده‌ای که موجب ترک نماز از سوی دیگران شده است مشکل فکری است. ظاهرا آنها در فلسفه نماز دچار اشتباه شده و آن گاه نتیجه نادرستی می گیرند. بنابراین راه اصلاح وی نیز تصحیح اندیشه آنها است که البته کار آسانی هم نیست و نیازمند فرصتی طولانی و نیز استفاده از روش‌های اصولی و تدابیر خردمندانه است. لازم به ذکر است باید خودتان با مطالعه در این زمینه سعی کنید آمادگی بیشتری برای مقابله با چنین افکاری در خود پدید آورید کتابهای زیر در مورد نماز توصیه می‌شود. راز نماز محسن قرائتی راز نماز بی‌آزار شیرازی پرواز در ملکوت امام خمینی از ژرفای نماز آیت‌الله خامنه‌ای این است نقش عبادات محمد باقر صدر رفتار شما با وی نیز باید به گونه‌ای باشد که تحت تأثیر اخلاق، عواطف و نحوه برخوردتان قرار گیرد به افکار و اندیشه‌های شما - به عنوان یک فرد نماز خوان مذهبی - علاقه‌مند شود و با نفوذ در قلب و دل او، بتوانید تغییری در فکر واندیشه وی ایجاد کنید. هشدار آن که ارتباط و گفتگوی شما با چنین افرادی در صورتی است که شما بتوانید با روش‌های مناسب در آنها تأثیر بگذارید فکر و اندیشه آنها را اصلاح نمایید ولی اگر

نمی‌توانید و یا خدای نکرده ممکن است تحت تأثیر افکار و اعمال بی توجهی آنها به نماز شما نیز سست عقیده و بی‌مبالات به نماز شوید، در روابط صمیمی و نزدیک خود با آنها فاصله ایجاد کنید و در حفظ باورهای دینی و اعمال عبادی خود کوشا باشید. در این قسمت از پاسخ توجه تان را به مطلبی جلب می کنیم که درباره چگونگی تأثیرگذاری تهیه و تدوین شده است. امید است با به کار بستن راهکارهای ارائه شده در نیت خیرتان موفق باشید. مهم آن است که برای انجام چنین مسؤولیتی قبل از هر چیز باید اعتماد آنها را به خود جلب کنید به عبارت دیگر آنها باید به شما به عنوان فردی امین، دلسوز، صمیمی اعتماد کند و لازمه این که این اعتماد به وجود بیاید باید از راهکارهایی مناسب استفاده نمایید تا میزان تأثیرگذاری شما بیشتر شود. ۱. برای جلب اعتماد ابتدا باید رابطه عاطفی خود را با آنها تقویت کنید. برای این که این ارتباط عاطفی به وجود بیاید باید نسبت به آنها همدلی نمایید. برای این که بتوانید همدلی کنید باید شرایط روحی و دغدغه هایی که دارند را درک کنید از آنجا که آنها در سنین جوانی یا نوجوانی هستند کمی باید به آنها بیشتر نزدیک شوید تا متوجه شوید که چه دغدغه هایی دارند و شما تا چه اندازه می توانی در حل مشکلات آنها به آنها کمک کنید بنابراین همدلی کردن با آنها مستلزم درک کردن آنهاست. در مرحله بعد برای ایجاد ارتباط عاطفی با آنها باید پذیرش بدون شرط نسبت به آنها داشته باشید. این طور نباشد که آنها را هنگامی تحویل بگیرید و پذیرای آنها باشید که کارهای مورد علاقه شما را انجام دهند ولو این که آنها رفتارهای غلطی هم داشته باشند ولی شما بدون شرط آنها را بپذیرید. این نحوه برخورد باعث می شود که ارتباط عاطفی آنها با شما محکمتر شود علاوه بر این دلسوزی و صمیمیت خود را نیز عملا باید نسبت به آنها نشان دهید به گونه ای که همواره احساس کنند شما دلسوز آنها هستید. بنابراین اگر همدلی، پذیرش بدون شرط و دلسوزی نسبت به آنها داشته باشید ارتباط عاطفی شما به آنها محکم می شود. یکی از عوامل ایجاد اعتماد آنها نسبت به شما حاصل می شود. ۲. توجه به انگیزه های آنها؛ انسان ها معمولا دارای انگیزه ها و نیازهایی هستند، توجه به نیازها و انگیزه های افراد بسیار مهم است. یکی از مهمترین نیازهای انسان، نیاز به معنویت است. اگر این نیاز به نحو صحیح ارضاء نشود، رقص و موسیقی و اعتیاد و مشکلات اخلاقی جایگزین آن می شود. در هر حال توجه به انگیزه های افراد و تلاش در جهت دست یابی آنها به این انگیزه ها باعث ایجاد اعتماد می شود. ۳. عنصری که در اعتمادسازی نقش مؤثری دارد عنصر شناخت است؛ یعنی سطح شناختی و درک افراد را باید در نظر گرفت و براساس میزان درک و شناخت آنها با آنها صحبت کرد. توجه به این سه عنصر عاطفی، شناختی و انگیزشی در افراد موجب ایجاد اعتماد در آنها نسبت به خود می شود. وقتی که شما این اعتماد را در آنها نسبت به خود ایجاد کردید آنگاه می توانید تأثیرگذار باشید و امر و نهی شما یا نصیحت شما و یا پیشنهاد شما مؤثر واقع می شود. سعی کنید برای ارشاد آنها بیشتر از الگوی مشاوره استفاده کنید تا از موضع یک فردی که امر و نهی می کند یا حکم می کند که این کار خلاف است پس نباید انجام داد. نکته دیگری که در تأثیرگذاری شما نقش مهمی دارد رفتار شماست یعنی هر چه شما با زبان رفتار و عمل با آنها سخن بگویید مؤثرتر است یعنی اگر ظهر می شود و صدای اذان بلند می شود اقدام به اقامه نماز نمایید. یا وقتی با نامحرم مواجه می شود رعایت حدود الهی را بکنید این بهترین شیوه برای تأثیرگذاری است. در مرحله بعد از باب امر به معروف و نهی از منکر رعایت حدود الهی را به آنها گوشزد کنید (البته به شرط این که احساس کنید این اقدام شما تأثیر مثبت دارد و الا بیشتر از همان راهکارهای اول و دوم استفاده کنید). در مجموع می توان گفت: تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می‌شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می‌شود. با رعایت اصول و نکات زیر می‌توان میزان تأثیرگذاری را افزایش داد: ۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید. ۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی‌گیری نمائید. ۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیما از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار

ندهید. ۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید. ۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند. ۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید. ۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند. ۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می‌خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید. ۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید. ۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده‌اش را بر آنان تحمیل کند نمی‌پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی‌ورزند و به او اعتماد نمی‌کنند. در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی ۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی ۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

من دانشجوی ۲۴ ساله هستم و ساکن خوابگاه و از شهری محروم و شهید پرور به اینجا آمده ام . در خانواده ای مذهبی و پایبند به اسلام بزرگ شده ام و در اینجا با مشکل عمده ای روبرو شده ام هم اتاقی های من دست به کارهایی می زنند که خلاف موازین دینی است که از بیان آنها

پرسش

من دانشجوی ۲۴ ساله هستم و ساکن خوابگاه و از شهری محروم و شهید پرور به اینجا آمده ام . در خانواده ای مذهبی و پایبند به اسلام بزرگ شده ام و در اینجا با مشکل عمده ای روبرو شده ام هم اتاقی های من دست به کارهایی می زنند که خلاف موازین دینی است که از بیان آنها معذورم لیکن با وجود اینکه می توانم به اتاق دیگری بروم ولی با خود می گویم بمانم و آنها را با عملم شرمنده کنم .مرا راهنمایی کنید که بمانم و پایداری کنم با تمام سختی ها یا بروم و آنها را به امان خدا رها کنم؟ این جوانمردی است ؟یکی از آنها پسر خیلی خوبی است و حالا شرایط او را به ورطه هولناکی انداخته است.

پاسخ

دانشجو، دانشگاه و خوابگاه، سه مفهوم نام‌آشنا در پروسه‌ی تعلیم و تربیت در مقطع آموزش عالی بوده که هر یک در عین تعامل با یکدیگر، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد هستند. ۱ـ دانشگاه: محیطی است که مجموعه‌ای از انسان‌های دوستدار دانش در قالب استاد و دانشجو گرد هم آمده و تحت ضوابط و قوانین خاصّی، پروسه آموزش و فراگیری دانش را معنی می‌بخشند. از ویژگی‌های بارز این تعامل علمی، تفاوت سطح سنّ و دانش دو گروه استاد و دانشجو است که کار ارتباط همه جانبه بین آنان را دشوار می‌کند. گر چه ارتباط علمی میسّر است، اما به دلیل اختلاف سن و نیز قبول رابطه‌ی محدود بین استاد و شاگرد، وجود ارتباط تنگاتنگ، برابر و آزاد در همه ابعاد روحی، فراهم نیست و حداقل همراه با ملاحظات ویژه‌ای است. ۲ـ دانشجو: گروهی که از نظر سنّی عمدتاً از امتیازات دوره‌ی جوانی برخوردار بوده و به دنبال کسب دانش، راه دانشگاه را برگزیدند. اما مهم‌ترین ویژگی آنان، برخورداری از انرژی متراکم، تحرّک، جنب و جوش، خلاقیت، نوآوری، شور و نشاط و روحیه انتقادی است، به طوری که برای خویش «حدّ یقف» و محدودیتی قایل نیستند. ۳ـ خوابگاه: محلّی که ده‌ها بلکه صدها تن از دانشجویان جوان و پر انرژی، بعد از فراغ از درس و بحث و ارتباطات معمول دانشگاهی، ساعت استراحت خویش را در این محلّ گردهم می‌آیند و چه بسا هر دانشجویی، از فرهنگ و اخلاقی متفاوت با دیگر دانشجویان، برخوردار است که گاه همین مسأله موجب عدم تعامل و ناسازگاری بین آنان می‌شود. امّا محیط خوابگاه، برخلاف آن چه که از اسمش پیداست، تنها محلّی برای خواب نیست (برخلاف دانشگاه که صرفاً برای کسب دانش است) بلکه دارای خدمات و عملکردهای دیگری نیز هست، چرا که از یک طرف به دلیل پیگری مباحث کلاس و آمادگی

برای انجام تکالیف درسی، ادامه‌ی دانشگاه به حساب می‌آید و از دیگر طرف محلّی برای تهیه‌ی خوراک، بهداشت تن و لباس، عبادت و گعده‌های سیاسی - اجتماعی و تأمین سایر نیازهای روحی است. در عین حال، اساسی‌ترین ویژگی خوابگاه دانشجویی آن است که نه چتر حمایت عاطفی (بی‌حساب) خانواده را بر سر دارد و نه قوانین متصلّب و خشک همراه با نظارت استاد در کلاس را. بنابر این، ترکیب اموری همچون گروه همسال، انرژی متراکم دوره‌ی جوانی و احساس آزادی بیشتر از حدّ معمول و به دور از نظارت خانواده، دانشگاه و استاد و وجود سلیقه‌های متفاوت و گاهی متضاد بین دانشجویان و نیز فشار روانی ناشی از دوری از خانواده و خلأ عاطفی و دغدغه‌ی ازدواج به همراه نگرانی‌های مربوط به اشتغال و مسکن، عواملی هستند که محیط خوابگاه را به طور معمول از کنترل عادی خارج می‌سازند. البته، وجود چنین فضایی در خوابگاه با آن ویژگی‌هایش (که با هر مجتمع دیگر تفاوت دارد)، تا حدّی طبیعی است. اما درباره عدم رعایت مسائل مذهبی و اخلاقی باید گفت که، هیچ پدیده ضد اخلاقی چه در غرب و چه در شرق، چه در زنان و چه در مردان، یک شبه روی نمی‌دهد و اگر پدیده‌ای زشت و ناهنجار باشد، زشتی آن در آغازش به اندازه‌ی نقطه انجامش نیست. به عنوان مثال: کسی که از راه مستقیم منحرف می‌شود، انحرافش در نقطه‌ی آغاز یک قدم است و در نقطه‌ی انجام آن قدر زیاد می‌شود که دیگر صدای راهدار را که بانگ می‌زند: «راه این جاست و آن که تو پیش گرفته‌ای بی‌راهه است» به گوش او نمی‌رسد. بنابر این، برای برون‌رفت از چنین وضعیتی و ارشاد این دسته از افراد، راه‌کارهای زیر پیشنهاد می‌شود: ۱ـ امر به معروف و نهی از منکر: از امتیازات اسلام آن است که همه‌ی مردم را ولی و سرپرست همدیگر می‌داند به هیچ کس اجازه نمی‌دهد که (البته در صورت جمع بودن شرایط) راضی به گناه دیگران شده و آنان را باز ندارد. بلکه به مسلمانان دستور داده که امر به معروف و نهی از منکر کنند و با امر به معروف، جوّ جامعه (خوابگاه) را برای رشد خوب‌ها و خوبی‌ها، آماده سازند و با نهی از مکر هم جو جامعه را برای رشد زشتی‌ها نامساعد و تنگ کنند و در نتیجه گناهان، انحراف‌ها و پلیدی‌ها نتوانند در محیط اسلامی رشد کرده و ریشه بدوانند. و این فرصت (امر به معروف و نهی از منکر) پالایشگاه معنوی بزرگی است که می‌تواند جامعه را حداقل از غرق شدن در فساد بیشتر، حفظ کند. به نظر می‌رسد اگر از امر به معروف و نهی از منکر به طور اصولی و منطقی بهره بگیریم تا حد زیادی تأثیر خواهد گذاشت و البته همیشه عده‌ی اندکی پیدا می‌شوند که هیچ هنجاری را برنمی‌تابند که اسلام در برخورد با چنین افرادی علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر، عناوین دیگری هم دارد. نظیر: وجوب قطع رابطه با اهل منکر و بزه‌کار و حرمت همنشینی با آنان و وجوب دوستی با اطاعت‌کاران و افراد صالح و بهنجار و احترام و تشویق آنان. البته همه‌ی موارد امر به معروف و نهی از منکر (غیر از مواردی که به حکومت برمی‌گردد و با قاطعیت همراه است) می‌تواند با چاشنی محبت همراه باشد. ۲ـ با چنین افرادی به عنوان یک بیمار، برخوردی آکنده از مهر داشته باشیم. همچون برخورد یک پزشک حاذق و مهربان با بیمار خویش. ۳ـ با رفتار شایسته‌مان به آنان بفهمانیم که این رفتار و اخلاق نیکو، ثمره‌ی ایمان به خدا و ترس از اوست تا بدین وسیله حساسیت‌های موجود را نه در حد یک سلیقه‌ی شخصی و خشکه مقدسی، بلکه ناشی از رفتارهای منطبق با عقل و شرع معرفی کرده و آنان را به سوی مکتب متمایل سازیم. یعنی رفتار ما باید اسلامی باشد، چرا که اگر ما از اسلام فقط چند چیز از جمله نماز و روزه آن را رعایت کنیم و این اعمال در رفتار ما تأثیر نداشته باشد، نه تنها نمی‌توانیم آنان را تحت تأثیر خویش قرار داده و ارشاد کنیم، بلکه آنان را از اسلام منزجر کرده و دور می‌کنیم. ۴ـ با دلیل و برهانی قانع کننده، مفاسد کارهای غیراخلاقی، و برون‌دینی را برای چنین افرادی تشریح کرده و با ارائه نمونه‌هایی از عواقب چنین رفتارهایی در عملکرد جوامع و انسان‌های سرخورده، از انحرافات آنان جلوگیری کنیم. احکام نورانی اسلام از پشتوانه‌ی منطقی بالایی برخوردار است. بنابر این هیچ حکمی از احکام اسلام تحمیلی نیست (تحمیل به معنای آن است که چیزی که مخالف عقل و مصلحت است با منطق سرنیزه بر انسان‌ها تحمیل کنند). بلکه بر اساس حکم عقل و توأم با مصلحت است و اگر هم جایی باشد که ما به اَسرار آن حکم واقف نباشیم لااقل مخالف با حکم عقل نیست. ۵- در صورتی که قطع رابطه شما با آنها باعث متنبه شدن آنها می شود از این اهرم به طور موقت

استفاده نماییـد و بگوییـد من دوست نـدارم با کسانی که مرتکب حرام می شونـد هم سـخن شوم و یا به حداقل ارتباط با آنها اکتفا کنید. ۶- اگر به سـخنان شـما چندان اهمیت نمی دهند از فرد قابل اعتمادی بخواهید با دلسوزی کامل آنها را از این عمل باز دارد و پیامـدهای عملشان را به آنها متـذکر شود تا شایـد متنبه شوند. ۷- از همـدلی و دلسوزی کردن نسبت به آنها دریغ نورزید و ضـمن احـترام گذاشـتن و اظهـار علاقه به آنهـا, آنهـا را از این عمـل بازداریـد نه این که آنهـا را طرد کرده از پیش خود برانیـد. ۸ـ ترویج قانونمندی و قانون‌پذیری و رعایت دقیق قانون در خوابگاه، دعوت از دانشجویان در سالن اجتماعات و گفتگو با آنان پیرامون قوانین حـاکم بر خوابگـاه و اهمیـت رعـایت قـوانین برای جلـوگیری از هرج و مرج در محیـط خوابگـاه. چرا که اگر یکی بخواهـد صـدای موسـیقی را بلند کرده و دیگری صدای نوار مداحی و آن دیگر هم بر دیگ و قابلمه بکوبد، وضع به گونه‌ای خواهد شد که چه بسا لازم باشد اسم خوابگاه را به.....تغییر دارد. افرادی که در یک مکان با هم زندگی می کنند شایسته است به آداب و شرایطی که بر زمـان و مکـان حـاکم است احترام بگذارنـد تـا بـا مراعات آن آداب، محیطی مطلوب برای ایشان مهیا شود. انسان آزاده و فرهیخته، حرمت و ادب حضـور دیگران را نگه می دارد و از آنچه مـوجب رنجش هم نـوع شود می پرهیزد بر همین اسـاس اگر به امور دینی هم نگـاه کنیم حرمت هـا و مرزهـا کاملا حفظ شـده است هر کس در امور مربوط به خود آزادی هایی نسبی دارد و در عین حال تا جـائی که آزادی دیگران خـدشه دار نشود، از نعمت آزادی عمـل برخوردار است. هر کجـا آزادی عمـل شـخص با آزادی دیگران تنافر و تناقض ایجاد کنـد، بایـد شـخص حدود و اندازه های خود را بشـناسد و سپس در حفظ حریم دیگران بکوشد همان طور که خود نیز دوست دارد تا حرمتش محفوظ بمانـد. در خصوص افرادی که رعایت احکام و مسائل مذهبی و اخلاقی را نمی کنند همین قاعـده جـاری است که افراد بایـد قوانین و ضوابـط و اخلاـق فردی و اجتماعی را مراعات کننـد مخصوصا در محیط خوابگاه یا خانه جمعی که اخلاق و آداب خاصی دارد و لازم است این آداب بصورت یک فهرست مکتوب در اتاق ها نصب شود تا با استناد به آن آداب هر فرد خود را موظف به پایبنـد بودن به آنها نمایـد. علاوه بر این مواردی که برخلاف عرف و شـرع رخ می دهـد باید با فرد خاطی از سـر خیرخواهی و مصـلحت اندیشی، گفتگو شود و با بیان متین و بهترین و مؤثرترین شیوه مواجهه صورت گیرد تا انشاءالله متنبه شود. اگر گروه غالب در خوابگاه رعایت آداب و مسائل اخلاقی را نمی کنند باز باید در جهت آگاه سازی ایشان اقدام کرد و چنانچه مؤثر نشـد خود شـما با یک برنامه زمان بندی شده سـعی کنید کمترین زمان را در جمع آنها باشـید و در زمان های دیگر از مکانهایی که از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار هستیـد اسـتفاده کنید تا انشاءالله ایشان از روش خود باز گردند به هر جهت برای اینکه دچار تأثیر وضـعی این گونه رفتارها نشوید سـعی کنید محل اسـکان خود را تغییر دهید و حتی اگر هزینه ای در بر دارد آن را تحمل نمائیـد تا از آثار سوء اعمال آنها در امان بمانیـد. در پایان تأکیـد می شود در صورتی مانـدن در آن اتاق و پایداری در مقابل تمـام سـختی هـا، نیکو و پسـندیده است که خودتـان در آنها هضم نشویـد و برای نجات آنها یا یکی از آنها، خودتان گرفتار نشوید زیرا اگر از توان علمی و عملی قوی و قدرتمندی برخوردار نباشید چه بسا گرفتار همان ورطه ای شوید که یکی از آنها شده است و به قول خودتان پسر خیلی خوبی بوده و هست ول یشرایط و فضای فرهنگی و رفتاری اتاق او را به ورطه هولناکی انداخته است. البته در اینجا لازم است دلسوزی و همدردی تان را و نیز احساس مسؤولیت و جوانمردی در برابر ناملایمات موجود می سـتاییم و تحسـن کرده و به وجود جوانان نیک سـرشت و پاک نهادی همچون شـما افتخار می کنیم ولی این زنگ خطر را نیز بایـد به صدا درآوریم که گاهی ممکن است برای حفظ و مراقبت از دیگران و یا نجات آنها، خود دچار مشـکل می شود و یا حـداقل نمی توان تأثیرگذار بـود و از طرف دیگر خودتـان از فعـالیت هـای علمی و یـا رشـد و کمـال بـاز خواهیـد مانـد. پس در چنین صـورتی نمی توان گفت جوانمردی آن است که در چنین فضـایی و اتاقی بمانیـد بلکه عقل حکم می کنـد برای نجات خود آنها را فراموش کرد و چه بسا از بیرون و بـا حفـظ خود از هرگونه آلودگی و یـا احتمـال آلودگی، به تأثیرگـذاری روی آنها پرداخت و یا آن فرد مورد نظرتان را به گونه ای نجات داد. مجددا تلاش خالصانه و دلسوزانه و جوانمردانه شما را می ستاییم و برایتان آرزوی موفقیت می کنیم.

دوستی دارم که از زمانی که وارد دانشـگاه شد یک سـری رفتارهایی انجام می دهد که مناسب شأن خانوادگی شان نیست مثل اصلاح سر و صورت و آرایش آن البته خانواده اش هم می خواهنـد به او بفهماننـد که اینها در شأن خانواده شان نیست و البته خودم می خواهم نامه ای برایش بنویسم

پرسش

دوستی دارم که از زمـانی که وارد دانشـگاه شـد یـک سـری رفتارهـایی انجـام می دهـد که مناسب شأن خانوادگی شان نیست مثل اصـلاح سر و صورت و آرایش آن البته خانواده اش هم می خواهند به او بفهمانند که اینها در شأن خانواده شان نیست و البته خودم می خواهم نـامه ای برایش بنویسم نه اینکه بگویم خودم خیلی خوبم بلکه از اصـالت و اینکه چرا تو نتوانی بـا این همه خوبی هـایت آنان را جذب کنی و چرا آنان از تو تاثیر نگیرند کمک کنید تا بدانم آیا نوشـتن نامه صـحیح است و در نامه چه چیزی باید بنویسم البته زیاد نمی خواهم جنبه نصیحت داشته باشد.

پاسخ

قبـل از هر چیز بایـد از این احساس مسؤولیتی که نسـبت به دوست تان داریـد تقـدیر و تشـکر کنیم و این که شـما دارای این روحیه عالی هستید به شـما تبریک بگوییم. مطمئنا خوب می دانید زمانی تلاش شما در این زمینه تأثیرگذار خواهد بود که شما پیش وی از اعتماد کافی برخوردار باشـید و شـما را فردی دلسوز، قابل اعتماد، صـمیمی و امین بدانـد. پس در مرحله اول در صـدد جلب اعتماد بیشتر وی باشـید. ثانیا، از راهکارهای مختلفی که تأثیرگذاری شـما مؤثر است بهره بگیرید در اینجا نکاتی را متذکر می شویم. شـما خوب می دانیـد که مسأله تأثیرپـذیری یـا تأثیرگـذاری در حـدود کیفیت آن بسـتگی به توان‌ها و قابلیت‌های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم‌تریـن امـوری کـه در تاثیرگـذاری دخـالت دارنـد ویژگی‌هـای روحی از قبیـل اراده اسـتواراخلاق نیکـو حسن معاشـرت و آگاهی‌هـا و توانهـای علمی بالاـ است. تأثیرگـذاری یـک مهارت است تأثیرگـذار و تأثیر گیرنـده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائـط کـافی بایـد برخوردار باشـد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسـی پیـدا می‌شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می‌توانـد میزان تأثیرگـذاریخویش را افزایش دهد. ۱. کار خود را با تحسـین و قـدردانی صـمیمانه از طرف مقابل شـروع کنید. ۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی‌گیری نمائید. ۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیما از او گلایه نکنیـد و وی را مورد انتقاد مسـتقیم و سـرزنش خود قرار ندهید. ۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشـتباهات خود حرف بزنید. ۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند. ۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید. ۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند. ۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می‌خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید. ۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار داریـد همان را با ایشان در پیش گیریـد. ۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سـخن کسی را که بخواهد عقیده‌اش را بر آنان تحمیل کند نمی‌پذیرنـد و با کسـی که همچون یک سـرپرست با ایشان رفتار کنـد دوستی نمی‌ورزند و به او اعتماد نمی‌کنند. در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی ۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی ۳. دوستی در قرآن، محمـدی ری شـهری بـا توجه به آنچه در زمینه چگونگی تأثیرگـذاری بیان شـد اگر احساس می کنیـد به طور غیر مسـتقیم و یا در قالب نوشـتن نامه بتوانید طرز تفکر وی را تغییر دهید. همین کار را انجام دهید و در نامه خود به فلسفه حجاب میزان

پوشش و نکات ضروری درباره اختلاط و ارتباط دختر و پسر و سوء استفاده های افراد مشکوک و بوالهوس اشاره نمایید. در عین حال به نظر می رسد در گفتگوهای دوستانه تان و به طور غیر مستقیم می توانید به برخی از آنها اشاره کنید و یا با در اختیار گذاشتن برخی مجلات، مقالات و کتاب هایی که از جذابیت کافی برای وی برخوردار است، به ارتقاء سطح معرفتی وی بپردازید آنچه نقش اساسی تر در اصلاح وی می تواند داشته باشد رفتار و عمل شماست. همانطور که گفته شده است «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم» به وسیله غیر زبان خود مردم را بر کارهای خیر و صحیح دعوت کنید. رفتار و منش شخصیتی و اعمال شما بیشتر از هر چیز دیگری در ذهن دیگری ماندگار است. ضمنا رابطه دوستانه تان را با وی قطع نکنید بلکه با تقویت این رابطه علاقه باطنی خودتان را به وی نشان دهید.

یکی از روحانیون در یکی از مساجد هنگام سخنرانی طی مراسم ترحیم یکی از آشنایان در بالای منبر حرکتی ناشایست انجام داد که توجه همگان به آن جلب گردید با توجه به آن که ایشان ملبس به لباس مقدس اسلام بوده و مروجین دین مبین اسلام هستند آیا این برخورد تبلیغ منفی علی

پرسش

یکی از روحانیون در یکی از مساجد هنگام سخنرانی طی مراسم ترحیم یکی از آشنایان در بالای منبر حرکتی ناشایست انجام داد که توجه همگان به آن جلب گردید با توجه به آن که ایشان ملبس به لباس مقدس اسلام بوده و مروجین دین مبین اسلام هستند آیا این برخورد تبلیغ منفی علیه دین نیست ؟ آیا به صرف اینکه این فرد روحانی است نباید به او تذکر داد ؟ تذکر به چه طریق و نحوی باشد که به لباس مقدس و جایگاه حساس روحانیت خدشه ای وارد نگردد ؟ روال معمول در این موارد چیست ؟مراجع رسیدگی کننده را توضیح دهید تا اگر خدای نکرده در آینده مشاهده شد به عنوان یک مسلمان به وظیفه خود عمل کنم آیا این عمل (تذکر دادن) واجب عینی است یا کفایی ؟

پاسخ

اگر شما به آن حرکت ناشایست اشاره ای کرده بودید بهتر می توانستیم در این باره قضاوت کنیم. در هر صورت حرکات نامناسب از هر فرد مسلمان که سر بزند، غیر قابل قبول و مخالف با آموزه های اخلاقی و تربیتی دین مبین است به ویژه اگر چنین فردی موقعیتی حساس و جایگاهی ویژه در اجتماع داشته باشد. نصیحت و خیرخواهی و تذکر در مورد عیب ها و کاستی ها و صفات ناروا از وظایف همه مسلمانان و نشانه احساس مسؤولیت و تعهد اخلاقی و وجدانی است. هر فردی در هیچ موقعیتی از تذکر و نصیحت بی نیاز نمی باشد. کسانی که به فضایل نفسانی و اخلاقی و کمالات روحی بیشتری آراسته هستند معمولا خود را به نصیحت و تذکر محتاج تر می بینند. بنابراین تذکر دادن در این مورد نه تنها بی اشکال است بلکه لازم و ضروری است؛ چون ممکن است این روحانی محترم ناخواسته یا بدون توجه این کار نامناسب را انجام داده باشد و خودش توجهی به این کارش نداشته است و با یادآوری و تذکر شما متوجه گردد و از این کار شما خوشحال و خشنود گردد و از یادآوری شما تشکر نماید. تذکر دادن اگر به گونه ای باشد که تنها از طرف شما انجام می گیرد و کسی دیگر این کار را انجام نداده است در این صورت واجب عینی است و اگر دیگران نیز به این کار اقدام کرده اند واجب کفایی است یعنی اگر آنها کوتاهی کردند بر عهده شما است ولی اگر آنها اقدام به تذکر کردند از گردن شما ساقط است. برای تذکر چنین مواردی می توانید به دفتر ائمه جماعات و یا مراکزی مانند آن مراجعه نمایید. البته قبل از آن بهتر است مستقیما به خود این فرد روحانی و یا کسانی که ارتباط بیشتری با او دارند مسأله را در میان بگذارید، شاید سوء تفاهمی اتفاق افتاده باشد و قضاوت شما نادرست یا احساسی بوده باشد.

در مورد وضعیت های بد پوشش، امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ در صورتی که احتمال زیاد می دهیم که بی اثر است. همچنین در مورد نوارهای غیر مجاز بخصوص در تاکسی های شهری؟ لطفا دقیق پاسخ دهید.

پرسش

در مورد وضعیت های بد پوشش، امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ در صورتی که احتمال زیاد می دهیم که بی اثر است. همچنین در مورد نوارهای غیر مجاز بخصوص در تاکسی های شهری؟ لطفا دقیق پاسخ دهید.

پاسخ

یکی از شرایط آن است که احتمال تاثیر داده شود لیکن در مواردی که احتمال تاثیر نرود تکلیف ساقط است. در هرصورت بهتر است حتی‌الامکان به این فریضه مهم جامه عمل بپوشانید ولی به گونه‌ای برخورد نمایید که موجب جدال و کشمکش نشود. در مورد نوارهای غیرمجاز نیز اگر با امر به معروف احتمال تأثیر نمی دهند در صورتی که ممکن است از آن ماشین پیاده شوند و اگر ممکن نیست و موجب مشقت زیاد است در صورتی که قلبا مایل به شنیدن موسیقی حرام نباشند و فقط صدا به گوش آنها بخورد اشکال ندارد.

من مدتی است که در دانشگاه آزاد کار می کنم و مسئول خوابگاه می باشم تعدادی از دانشجویان هستند که رعایت حجاب نمی کنند و هر چه به آنها تذکر داده می شود موثر نمی باشد. به نظر شما ما باید چگونه عمل کنم که اثر داشته باشد و مثمر ثمر باشد و دیگر اینکه تذکر دادن ما

پرسش

من مدتی است که در دانشگاه آزاد کار می کنم و مسئول خوابگاه می باشم تعدادی از دانشجویان هستند که رعایت حجاب نمی کنند و هر چه به آنها تذکر داده می شود موثر نمی باشد. به نظر شما ما باید چگونه عمل کنم که اثر داشته باشد و مثمر ثمر باشد و دیگر اینکه تذکر دادن ما آیا با این وجود باز هم لازم هست که ادامه داشته باشد.

پاسخ

مسأله امر به معروف و نهی از منکر, از وظایف مهم دینی هر مسلمان است . البته برخی از مراتب امربه معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعا منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند, لیکن مرتبه اول آن – که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد – به دوش همگان است . درعین حال در این رابطه باید چند نکته را درنظر داشت : ۱– جوانان عزیز باید به دقت احکام شرعی مربوط به امربه معروف و نهی از منکر, موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرند. ۲– آمر به معروف و ناهی از منکر, خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیارایید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۳– بهتراست امربه معروف و نهی از منکر, به طور متشکل و گروهی همراه با آموزش های لازم انجام گیرد. ۴– عدم تأثیر آنی و فوری , نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد. ۵– حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. انسان ها در برخورد با حق , چند گونه اند: گونه اول– انسان های حق گرا. چنین افرادی در صورتی که اشتباه خود را دریابند, نه تنها ناراحت نمی شوند, بلکه بسیار خرسند و شادمان می شوند. گونه دوم– انسان های بی تفاوت در مقابل حقیقت . چنین افرادی از اینکه کسی روی اشتباهاتشان انگشت بگذارد, استقبال نمی کنند. گونه سوم – انسان های حق ستیز. این گونه افراد

مسلما "در برابر حرف حق , واکنش منفی نشان می دهند. البته این گروه اندکند و غالب افراد جزو گروه اول و دوم هستند. در اینجا یک نکته اساسی وجود دارد و آن نحوه امر به معروف و نهی از منکر است . مسلما "اگر آمر به معروف، با درک درستی از طرف مقابل و ویژگی های روحی , اخلاقی و تربیتی او, شیوه ای کارساز و جذاب در امر به معروف برگزیند, عکس العمل مثبت طرف مقابل , بسیار بالا خواهد بود. در امر و نهی شرایط ویژه ای حاکم است که باید رعایت گردد و چقدر به جا است که در این زمینه به تحریرالوسیله یا ترجمه آن از حضرت امام (ره) مراجعه فرمایید ولی در عین حال به برخی از شرایط اشاره می کنیم : ۱- نسبت به حرمت موضوعی که در نظر دارید یقین داشته باشید. ۲- تذکر و یادآوری شما باید به تدریج و با مقدمات باشد. ۳- حتی الامکان از صراحت اجتناب نموده و با کنایه واشاره گوشزد کنید. ۴- گاهی مطلب را به صورت سؤال درآورده و در لباس شاگردی به تنبه ایشان بپردازید. ۵- خودتان در پیرامون موضوع مایه مطالعاتی داشته باشید که به مناسبت بتوانید از بازده شوم آن گناه سخن بگویید. ۶- از تندی و خشونت به شدت پرهیز کنید و با حفظ احترام در این رهگذر ملایمت را شعار خود سازید. ۷- اگر زمینه ی مساعدی می بینید پیشنهاد کنید موضوع را به صورت سؤال درآورده و در همین نامه ها از فتوای مرجع و عواقب سوء چنین حرامی بپرسید و پاسخ را به ایشان ارائه دهید. ۸- اگر اهل مطالعه هستند کتابی مربوط به حرمت آن موضوع و آثار شوم گناه را در دسترس ایشان قرار دهید. ۹- مطمئن باشید که یادآوری و تذکر بی تأثیر نخواهد بود. «فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین», (ذاریات , آیه ۵۵). ازاین رو تا آنجا که احتمال تأثیر می دهید از وظیفه خود دست نکشید و مأیوس نباشید. ۱۰- و در نهایت اگر به فرض نتیجه نگرفتید, شما وظیفه خویش را به انجام رسانده اید که «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین ; پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد»، (نور, آیه ۵۴). شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه این است: الف. کسی که امر یا نهی می کند خودش عالم به معروف و منکر باشد یعنی بداند چیزی که طرف مقابل ترک کرده شرعا واجب است انجام دهد مانند نماز و همین طور چیزی که فرضا انجام می دهد شرعا حرام است مانند قمار. ب. شخص گناهکار اصرار بر گناه خود داشته باشد یا احتمال بدهد که قصد دارد کار خود را تکرار کند. ج. احتمال تأثیر بدهد. د. ضرر مهم جانی یا مالی برای امر کننده یا نهی کننده در کار نباشد. مطالعه کنید: حکایت های امر به معروف و نهی از منکر «مؤسسه فرهنگی قدر ولایت». در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه‌هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. از نظر انسان‌شناختی و روان‌شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳). بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی ما ـ که بسیاری از احکام، ارزش‌ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچگونه عذر و بهانه‌ای نیست ـ بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصر روان‌شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می‌باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه

هـای عـالی و معرفت صـحیح از حیـات طیبه دارد. چنین انسـانی برای خود رسـالتی عظیم را قایـل است که به رفتارهای او جهت می دهـد. یکی از راه‌هـای اصـلاح جـامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شـناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقومٍ حتی یغیروا ما بأنفسـهم...» خداونـد سـرنوشت هیـچ قومی را تغییرنمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان اسـت تغییر دهنـد، (رعد، آیه ۱۱). این عامـل درونی اختصـاص به جـامعه ای خـاص یا پیروان دین مخصوصـی نـدارد اما در هر جامعه ای عوامـل تشدیـد کننـده یـا کنترل کننـده وجود دارد که بایـد پیشـینه تاریخی و وضـعیت فرهنگی را بررسـی کرد. در خصوص جامعه ایرانی به ریشه هـای تاریخی آن اشاره می کنیم. ۲. ریشه‌هـای تاریخی این مسأله که به اقـدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌بنـد و بـاری و کشف حجـاب بر می گردد، که توانست بخشـی از جامعه ما را دچار این انحراف کنـد و بی‌حجابی را در خانواده‌ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقـدس، تا حـد زیادی کنترل شـد؛ ولی به دلایل متعـددی، رگه‌ها و ریشه‌های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشـی جامعه و فاصـله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقـدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد. ۳. کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولاـن فرهنگی کشور در تثبیت ارزش‌ها و احکام اسـلامی و تعمیق بخشـیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بـدحجابی است. گفتنی اسـت کـه به علت وجـود مشـکلات ناشـی از تثـبیت انقلاـب اسـلامی، جنـگ تحمیلی، فشارهـای خـارجی محاصـره‌های گوناگون اقتصادی، سیاسـی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه‌های دولتی به این امور صرف شود و توجه چنـدانی به مسائـل فرهنگی جـامعه و اجرای راه‌کارهـا و برنامه‌هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش‌ها و احکام اسـلامی مبذول نگردد. ۴. بعضـی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست‌های پولی و ارزی و...) که به منظور تسـریع در رونـد توسـعه و رشـد اقتصـادی، صـنعت و... انجـام گرفت، ناخواسـته مـوجب تغییر ارزش‌هـای جـامعه، به سـوی هنجارهـای مـادی، مـدرک‌گرایی، تجمل پرستی و...گردیـد. ۵. عملکرد منفی و نـامطلوب برخی از دسـتگاه‌های فرهنگی (از جملـه وزارت ارشـاد و مطبوعات وابسته در سال‌های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مـادی و معنوی وزارت ارشـاد و فضـای بـاز و بـدون نظـارت جـامعه، موجبـات نشـر و ترویـج فرهنـگ فاسـد منحط دوران پهلوی و ارزشـهای حـاکم بر جوامـع غرب را فراهم و اوضـاع فرهنگی کشور را به شـدت مسـموم و آلوده نمودنـد به گونه‌ای که مقـام معظم رهبری هشـدارهای شدیـد به مسـئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. ۶. برخی از افراط و تفریطهـایی که در سالهـای اولیه انقلاـب و بعـد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجـابی شـد از قبیـل اسـتفاده روشـهای خشـونت‌آمیز و فیزیکی و... بـاعث بوجـود آمـدن تنفر و انزجـار و بـدبینی به این حکم الهی گردید. ۷. اجرا نشـدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام‌مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است. ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهـاجم فرهنگی گسـترده و همه جـانبه غرب به ارزش‌هـای اسـلامی و ملّی مـا، برای بی هـویت نمودن نسـل جوان، تضـعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شـکست نظام اسـلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژی ـاعم از نرم‌افزاری و سـخت‌افزاری، عناصـر وابسـته داخـل در عرصه‌هـای فرهنگی و اقتصـادی و... در جهت حـاکم نمودن فرهنـگ و ارزش‌ها و مظاهر تمدن غرب. مجموعه عوامل فوق سـبب گردیده که متأسـفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسـلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسـلامی ما وجود داشـته باشد. اما در مورد راه‌های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش‌بینی می‌باشد: ۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قـدرت با متخلفین البته این برخورد بایـد حساب شـده و هنجارمنـد باشـد. ۲. کار بنیادی فرهنگی. مسـلما برخورد با این پدیـده به صورت فیزیکی و از طریق دسـتگاههای دولتی، بسـیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا

اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه‌ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه‌های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می‌تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگ...جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه‌های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه‌ها نیز بهتر می‌توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه‌کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش‌های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها باشیم، ان‌شاءالله. ناگفته نماند بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱ـ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

. از جمله شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ایمن بودن از خطر و ضرر است، این شرط نه تنها موجود نبود بلکه با پیشینه و عملکرد یزید و حکومت بنی‌امیه – با آن وضعیت استبدادی و کشتار بی‌رحمانه انسان‌های بی‌گناه – روشن بود که چنین موقعیتی پیش نمی‌آید و اقدام

پرسش

. از جمله شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ایمن بودن از خطر و ضرر است، این شرط نه تنها موجود نبود بلکه با پیشینه و عملکرد یزید و حکومت بنی‌امیه – با آن وضعیت استبدادی و کشتار بی‌رحمانه انسان‌های بی‌گناه – روشن بود که چنین موقعیتی پیش نمی‌آید و اقدام امام حسین(ع) یا هر کس دیگر، با مخاطرات جدی روبه رو است! پس چگونه آن حضرت با این وضعیت اقدام به نهضت و امر به معروف و نهی از منکر نمود؟

پاسخ

ما شرایط احکام و خصوصیات و فروع آن را باید از روش امامان(ع) فرا بگیریم و دلیل بر جواز شرعی هر عمل این است که به وسیله امامان(ع) انجام گرفته باشد. به عبارت دیگر گفتار و رفتار آن بزرگواران از ادلّه احکام شرعی است. پس فرضاً اگر دلیلی که دلالت بر مشروط بودن امر به معروف به احتمال تأثیر و امن از ضرر دارد، به عموم یا اطلاق شامل این مورد هم بشود؛ اقدام امام حسین(ع) مخصِّص یا مقیِّد آن خواهد بود و می‌فهمیم که اگر مصلحت مهم‌تری در کار بود، این دو شرط در وجوب دخالت ندارد و باید امر به معروف و نهی از منکر نمود؛ هر چند احتمال ضرر و خطر داده شود. از این رو باید اهمیت مصلحت امر به معروف و

نهی از منکر را با ضرر و مفسده احتمالی آن، سنجید؛ اگر مصلحت آن اهمّ و شرعاً لازم الاستیفا باشد، (مثل بقای دین)، تحمل ضرر لازم است و ترک امر به معروف جایز نیست. به بیان دیگر: فرق است بین امر به معروف و نهی از منکرهای عادی و معمولی - که غرض بازداری اشخاص از معصیت و مخالفت و وادار کردن آنها به اطاعت و انجام وظیفه است - و بین امر به معروف و نهی از منکری که جنبه عمومی و کلی دارد و احیای دین و بقای احکام و شعائر، به آن وابسته باشد و ترک آن موجب خسارت‌ها و مصایب جبران‌ناپذیری بر مسلمانان شود. درست مانند آنکه در عصر حکومت یزید، ملیّت جامعه اسلام در خطر تغییر و تبدیل به ملیّت کفر واقع شده بود و اوضاع و احوال نشان می‌داد که به زودی دین از اثر و رسمیت افتاده و فاتحه اسلام خوانده می‌شود. در صورت اول امر به معروف و نهی از منکر مشروط به امن از ضرر است و در صورت دوم وجوب آن، مشروط به امن از ضرر نیست و باید دین را یاری کرد و خطر را از اسلام دفع نمود؛ اگر چه به فداکردن مال و جان باشد. امام حسین(ع) کاملاً از خطری که متوجه دین شده بود، آگاه بود؛ از این رو در همان آغاز کار - که مروان در مدینه به آن حضرت توصیه کرد که با یزید بیعت کند - فرمود: «انّا للّه و انّا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامّة براع مثل یزید» ؛ «... باید با اسلام وداع کرد؛ زیرا امت به راعی و شبانی مانند یزید مبتلا شده است»؛ یعنی، وقتی یزید زمامدار مسلمین شود، معلوم است که اسلام به چه سرنوشتی گرفتار می‌شود! آنجا که یزید است اسلام نیست و آنجا که اسلام است، یزید نیست. در مقابل چنین خطر و منکری، امام حسین(ع) باید به پا خیزد و دفاع کند و سنگر اسلام را خالی نگذارد؛ هر چند خودش و عزیزانش را بکشند خواهران و دخترانش را اسیر کنند؛ زیرا آن حضرت بقای اسلام و بقای احکام اسلام را از بقای خودش مهم‌تر می‌دانست؛ پس جان خود را فدای اسلام کرد و با آنکه اطفال و خاندانش در سختی و گرفتاری شدید بودند از برنامه خود و انجام وظیفه منصرف نشد. آری قیام سیدالشهدا(ع) امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم، ستم، کفر و ارتجاع واقعی بود. اما تاریخ چنین امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و کفر، به خود ندیده است؛ که یک نفر مانند امام حسین(ع) همراه با خاندان خود در احاطه لشکری ستمگر باشد، اما در عین حال عزت و کرامت نفس خود را حفظ کرده و به وظیفه خود وفادار مانده باشد. این اباعبدالله(ع) بود که در راه امر به معروف و نهی از منکر، چنان قوت قلب و شجاعتی در روز عاشورا اظهار کرد که از عهده آن همه امتحانات بزرگ برآمد و در بین شهیدان راه حق، رتبه اول را حائز شد. در اینجا بسیار مناسب است به بیان لطیفی از استاد شهید علامه مطهری اشاره شود: «وجوب امر به معروف و نهی از منکر را تا زمانی که ضرری بر آن مترتب نیست همه قبول دارند. اما وقتی که پای ضرر پیش می‌آید، بعضی می‌گویند: مرز آن اصل تا همین‌جا هست؛ یعنی، وجوب آن، تا جایی است که خطری در کار نباشد و ضرری به آبرو و جان و حتی به مال شخص آمر و ناهی، وارد نیاید. اینها ارزش این اصل را پایین آورده‌اند؛ اما بعضی می‌گویند: ارزش امر به معروف و نهی از منکر بالاتر از اینها است؛ اگر موضوع معروف و منکر مسأله ساده و کوچکی باشد، با احتمال ضرر، وجوب آن منتفی خواهد بود؛ ولی اگر در مواردی، مثلاً قرآن به خطر بیفتد، عدالت به خطر بیفتد، وحدت اسلامی به خطر بیفتد، دیگر نمی‌توان گفت: امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنم؛ زیرا اگر حرفی بزنم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است و یا اجتماع نمی‌پسندد». از این رو، اصل امر به معروف در مسائل بزرگ، مرز نمی‌شناسد و حتی با وجود ضرر و خطرهای بزرگ، واجب خواهد بود. این است که می‌گوییم: نهضت حسینی، ارزش امر به معروف و نهی از منکر را - در مقام اثبات - بالا برد؛ زیرا او نه تنها جان و مال خود، که جان عزیزانش را هم در این راه فدا کرد و حتی به اسارت اهل بیتش هم برای اقامه این اصل، راضی شد. با این کار امام(ع)، دیگر جای شک نیست که در مسائل مهم، امر به معروف و نهی از منکر با وجود هر گونه خطری واجب خواهد بود و در راه آن هر ضرری را باید به جان خرید.

تکلیف ما درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاضر در جامعه چیست. با توجه به اینکه همیشه موارد فراوان از نادیده گرفتن شئونات اسلامی و حفظ حجاب و ارزشهای دینی مشاهده می شود تکلیف ما چیست.و چطور می توان در این زمینه امر به معروف و نهی از منکر نمود آیا اصلا

تکلیفی

پرسش

تکلیف ما درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاضر در جامعه چیست. با توجه به اینکه همیشه موارد فراوان از نادیده گرفتن شئونات اسلامی و حفظ حجاب و ارزشهای دینی مشاهده می شود تکلیف ما چیست.و چطور می توان در این زمینه امر به معروف و نهی از منکر نمود آیا اصلا تکلیفی در این زمینه داریم یا نه؟

پاسخ

تک تک آحاد جامعه موظف انـد با هر گونه منکر و مفسـده ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شـکست حریمهای ارزشـی و احکام اسلامی می باشند, فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه ی عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد ;از جمله: اولا: "فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است , به خوبی معروف و منکر را بشـناسد. ثانیا," احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا, "شخصـی که مرتکب منکر یا مفسده ای شده , اصـرار بر اسـتمرار آن داشـته باشد. رابعا, "در امر و نهی او مفسده ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر, مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه ی پایین تر, جایز نیست که به مرتبه ی بالاتر تعـدی کند. و در صورتی که شـرایط امر به معروف و نهی از منکر فراهم نباشد تکلیف ساقـط است و بایـد دانست که در زمانی که حکومت اسـلامی هر نوع اقـدام عملی از سوی شـخص جایز نیست و بایـد این مرحله از نهی از منکر را به نیروهای امنیتی و قوه قضائیه واگذار کرد.

متأسفانه برخی از اساتید از نظر روابط اجتماعی بالاخص در نگاه و گفتار درست عمل نمی کنند و می خواهم بدانم که آیا صرف اینکه نمره ما در دست آنهاست ما مجبور به سکوت و مراعات هستیم و آیا تکلیف شرعی ما تحمل آنهاست. چون برخی از درس ها تنها به یک استاد ارائه می شود

پرسش

متأسـفانه برخی از اساتید از نظر روابط اجتماعی بالاخص در نگاه و گفتار درست عمل نمی کنند و می خواهم بدانم که آیا صـرف اینکه نمره مـا در دست آنهاست ما مجبور به سـکوت و مراعات هستیم و آیا تکلیف شـرعی ما تحمل آنهاست. چون برخی از درس هـا تنها به یک اسـتاد ارائه می شود و ما مجبور می شویم با آنها کلاس برداریم و امر به معروف و نهی از منکر هم مسـلما بی فایـده است.

پاسخ

شما دو وظیفه داریـد؛ یکی، رعایت پوشـش بـدن (به جز صورت و دست ها تا مچ) مگر آن که خوف فساد و تلذذ در کار باشد که در این صورت بایـد خودتان را بیشتر بپوشانیـد. دوم، این که اگر اسـتاد با قصد لذت به شـما نگاه می کند با زبان نرم امر به معروف نماییـد (اگر شـرایط هم فراهم باشـد) و اگر تأثیر نکرد وظیفه ای ندارید. در عین حال توجه به نکات زیر مناسب و شایسـته است: ۱. حتی المقـدور نگاهتـان را در برخورد با وی در کلاس درس یا خارج کلاس کنترل کرده و از نگاه مسـتقیم و رودر رو به وی پرهیز کنید. ۲. رفتارتان با همه دانشـجویان پسـر و نامحرم ها و به خصوص با فرد مورد نظرتان متکبرانه و دارای جـدیت بیشتری باشـد واز

هرگونه شوخی و خنده اجتناب کنید و هرگز با وی گرم نگیرید. ضمن این که احترام وی را به عنوان استاد کاملا رعایت کنید. ۳. در برخوردها و روابط اجتماعی تان محجوب تر، با وقارتر باشید و زمینه گفتگوهای غیردرسی را به صورت انفرادی با وی را فراهم نکنید.

برای کسانی که تن به اصلاح نمی‌دهند چه باید کرد؟

پرسش

برای کسانی که تن به اصلاح نمی‌دهند چه باید کرد؟

پاسخ

کسانی که تن به اصلاح و درستی نمی‌دهند، ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می‌شود، نداشته باشند. اما تحرک جامعه به سوی اصلاح عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها.۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در راه این اهداف. کسانی که تحرک جامعه‌ی را می‌خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند را از آنچه می‌توانند باشند نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده، انتظار چای نمی‌تواند داشته باشد در قرآن کریم اهتمام بسیاری به سازندگی وجود دارد. با این وجود یونس«علیه السلام» را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می‌دهد. در تاریخ امامان«علیهم السلام» و احادیث آنان نیز چگونگی دعوت و پایداری در راه آن و طبقه‌بندی افراد، فرهنگ تحرک و اصلاح بیان شده است. « بخش پاسخ به سؤالات »

انتقاد صحیح کدام است و چه ضوابطی دارد؟

پرسش

انتقاد صحیح کدام است و چه ضوابطی دارد؟

پاسخ

انتقاد از مادّه نقد به معنی وارسی کردن، جدا کردن است انتقاد جدا سازی خوب از بد می‌باشد. اساساً همه ما و به ویژه کسانی که در جایگاه مدیریتی هستند باید انتقاد پذیر باشند. و برخوردمان طوری باشد که دیگران جرات داشته باشند عیوب را متذکّر شوند امّا این حرکت مشروط به شرایطی است: ۱. منتقد باید حق را بشناسد و از ناحق تمیز دهد. عیب را از صحت تشخیص دهد. ۲. انتقاد به گونه‌ای باشد که آبرو و شخصیّت طرف انتقاد مصون بماند. ۳. ذکر عیوب و ایرادات اگر آشکار نبوده، در خلوت و حتی‌الامکان از صراحت بپرهیزد. ۴. انتقاد از روی خیرخواهی باشد نه انتقام و برتری جویی این چنین انتقادی، آثاری چون فزونی عقل، کمال فکر عاقبت خیر، نجات از سرزنش، دوستی، انصاف، پیشرفت در کارها و... را خواهد داشت. در حدیث می‌خوانیم علامت ناصح چهار چیز است: حکم به حق می‌کند؛ انصاف دارد؛ آنچه برای خود می‌پسندد برای مردم هم خشنود است؛ تجاوز به حدود کسی نمی‌کند(۲). « بخش پاسخ به سؤالات » ۲) پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله»، تحف‌العقول، ص ۲۱.

با دوستانی که پای‌بند به مسائل اسلامی نیستند، چه برخوردی مناسب است؟

پرسش

با دوستانی که پای‌بند به مسائل اسلامی نیستند، چه برخوردی مناسب است؟

پاسخ

۱. انسان در صورتی مسئول است که توانائی تأثیر داشته باشید. ولی اگر خودمان هم در اثر معاشرت ضرر ببینید، باید دوری کنید. ۲. انسان زمانی تکلیف را می‌پذیرد که به دستور دهنده، عشق و ارادت داشته باشد و عشق و فرمانبری هم از شناخت مایه می گیرد. دوستان خویش را به محبت‌ها و نعمتهای خداوند متوجه کنیم . در این باره کتابهایی هست که می‌توان آنها را آگاه کرد. ۳. به ایشان یادآور شویم اگر زندگی خوردن و خوابیدن و خوش بودن بود (لاابالی گری) همان غریزه‌های حیوانی کافی بود. اما مجهز بودن فکر و عقل و وجدان ملامتگر و این استعدادهای شگفت نشانه هدفی بلند در آفرینش است و حیف است که انسان پالایشگاه کود باقی بماند. ۴. کتابهایی در معادشناسی بسیار مؤثر است. ۵. در این سیر صبر و حوصله لازم است. « بخش پاسخ به سؤالات »

بنده دانشجوی رشتهء رایانه می باشم . دوستی کوچک تر از خودم دارم که با افراد نابابی معاشرت دارد و به دلیل کم تجربگی دست به بعضی کارهای خلاف شرع و عقل می زند. او می گوید انسان باید همه چیز راتجربه کند! چه کار کنم او را از مهلکه نجات دهم ؟

پرسش

بنده دانشجوی رشتهء رایانه می باشم . دوستی کوچک تر از خودم دارم که با افراد نابابی معاشرت دارد و به دلیل کم تجربگی دست به بعضی کارهای خلاف شرع و عقل می زند. او می گوید انسان باید همه چیز راتجربه کند! چه کار کنم او را از مهلکه نجات دهم ؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که دوست دارید راهنمای خوبی برای دوستتان باشید و برای آن هادلسوزی کنید خوشحالیم . خداوند امثال شما را زیاد بگرداند. اگر همهء نوجوانان , دوستان خوبی مانند شما داشتند,کم تر به دام شیطان می افتادند. با دقت بررسی کنید چه عاملی باعث جذب ایشان به آنان شده است و عامل جذّابیّت آنان چیست که توانسته اند او را به طرف خود بکشانند. عوامل مختلفی می تواند باعث انحراف نوجوانان بشود, ازجمله : ۱ ضعف بنیهء اخلاقی و اعتقادی ; معمولاً بزهکاری و جذب شدن به کارهای خلاف به خاطر این است که الگوی درست رفتاری نداشته اند و در مدتی که در خانه نزد پدر و مادر, دوران کودکی و نوجوانی را گذرانده یا در مدرسه باافراد گوناگون برخورد داشته اند, از نظر اخلاقی و اعتقادی به نحو مطلوب تربیت نشده اند ;از این رو جذب افرادبزهکار می شوند. ۲ طغیان غرائز جنسی در نوجوانی , عامل دیگری برای تسریع جذب نوجوانان به بزهکاری است . ۳ جذابیت افرادی که نوجوانان را به طرف خود کشانند, با شوخی و خنده و گرم گرفتن و کمک های مادی ومیهمان کردن (خرید بستی و ساندویج و غذا و اظهار دلسوزی و رفاقت و به گردش و پارک رفتن). اما روش هایی که می تواند در جلوگیری و ممانعت نوجوانان مؤثر باشد: ۱ گفت گو ;شیرین زبانی و مزاح های پسندیده و معقول می تواند نقش مؤثری در جذب نوجوانان به سوی حق وحقیقت باشد. ۲ کار ;بسیاری از نوجوانان چون از کودکی تا جوانی دست به کاری نمی زنند و لباس و غذایشان آماده است وحتی رختخوابشان را پدر و مادر پهن می کنند و دست به سیاه و سفید نمی زنند, احساس تعهد و مسئولیتی ندارند ودارای توقعات بیش از حد هستند, حتی اگر پدر یا مادر و یا دیگران از آنان کاری را درخواست کنند, عصبانی و ازخانه گریزان می شوند

و وقتی امیدشان به خانه و پدر و مادر نبود, خواه ناخواه جذب هر جا و هر شخصی که محبت نشان دهد, می شوند. اگر پدر و مادر و جامعه , بچه ها را از کودکی با فرهنگ کار و زحمت بار بیاورند و آنان را بابرخی مهارت ها آشنا سازند, در نوجوانی و جوانی عاطل و باطل نمی مانند و می توانند به کار مناسبی اشتغال ورزند. ۳ تشویق و ترغیب نوجوانان و جوانان و امید دادن به آنان و برخورد خوب و بردنشان به مکان های مذهبی وزیارتی و آشنا کردنشان به مضامین آیات و روایات مناسب و پر کردن اوقات فراغت آنان می تواند از عوامل پیشگیری مفاسد اجتماعی و بزهکاری باشد. ۴ معرفی ماهیت زشت افرادی که رفیق شما را جذب کرده اند, عامل مؤثری , در ارشاد او می باشد. سعی کنیدچهرهء واقعی رفقای او را که باعث انحرافش شده اند, معرفی کنید. می توانید از نمونه هایی که در صفحات حوادث روزنامه ها هست , برایش بگویید و عواقب رفاقت با افراد نابکار را هشدار دهید. خداوند تمامی جوانان و نوجوانان را از خطرات و لغزش ها مصون بدارد.

مادرم کارهای ناروایی می کند و چون او را نهی کرده ام , قصد جانم را کرده است . کمکم کنید.

پرسش

مادرم کارهای ناروایی می کند و چون او را نهی کرده ام , قصد جانم را کرده است . کمکم کنید.

پاسخ

از نظر اسلامی فرزند در برابر پدر و مادر, کاملاً مطیع و تسلیم است و امر به معروف و نهی از منکر بیش از یک بارجایز نیست . شما به مادرتان کاری نداشته باشید. او اگر رابطهء نامشروع دارد, در دنیا و آخرت مکافات خواهد دید واگر پدرت مطیع مادرتان است و چیزی نمی گوید, از بی غیرتی نیست . او می فهمد طلاق دادن زن چه مشکلاتی دارد.مگر پدرت به سادگی می تواند زن بگیرد؟ وانگهی رفت و شد مادرتان را تعقیب کند, بهتر است . صلاح این است بابخش منکراتِ نیروی انتظامی همکاری کنید تا مادرت با آن شخص پلید دستگیر شود. فعلاً مصلحت این است بامادرتان حرف بزنید و رفتار عادی داشته باشید و از غذایی که همگی می خورند, استفاده نمایید. وقتی برخورددرست نشان دهید, قطعاً مادرتان کاری با شما نخواهد داشت و مزاحمتان نمی شود, تا ترم را بگذرانید و بتوانید دردانشگاه قبول شوید یا به سربازی بروید. بالاخره هر چه باشد, مادر است و فرزندان نمی توانند با مادر و پدر دعواکنند یا نهی از منکر نمایند. به خصوص اگر احتمال اثر نمی دهند. رسوایی مادرتان باعث سرشکستی شما است . فرداکه می خواهید ازدواج کنید, وقتی مادرتان به بزهکاری معروف باشد, کسی با شما ازدواج نخواهد کرد. بهتر است گناه مادر را بپوشانید و حرف او را باور کنید. غیرت یا بی غیرتی پدر به شما ارتباطی ندارد. بهتر است محیط خانواده رامتشنج نسازید و راه محبت و مهربانی با مادر را در پیش بگیرید. شاید از این طریق بتوانید او را هدایت کنید. اگر پدرو مادر کافر یا مشرک باشند, وظیفهء اولاد احترام و احسان به آن ها است . البته اگر به گناه دعوت کردند, اطاعت آن هالازم نیست . قرآن می فرماید: . نباید برخوردی با آن ها انجام دهید. صبر کنید و برای هدایت آن ها دعا کنید. متأسفانه نمی توانیم در مورد جا ومکان به شما کمک کنیم , چون امکاناتی نداریم . بهتر است با افراد فامیل صحبت کنید, تا آن ها واسطه شوند و موضوع را حل کنند. اگر احساس امنیت نمی کنید و راه حل دیگری به ذهنتان نمی رسد, می توانید دفترچهء آماده به خدمت بگیرید و به سربازی بروید و بهصورت متفرقه درس را ادامه دهید. در این وضع , این امر بر تحصیل مقدم است .فرصت برای تحصیل باقی است و می توانید در آینده جبران کنید.

چگونه می‌توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ این مورد را برای فردی که امر به معروف و نهی از منکر در او هیچ اثری ندارد، بیان

کنید.

پرسش

چگونه می‌توان فردی را از کارهای حرام نهی کرد؟ این مورد را برای فردی که امر به معروف و نهی از منکر در او هیچ اثری ندارد، بیان کنید.

پاسخ

به نظر می‌رسد که سؤال قدری تناقض داشته باشد، زیرا اگر شیوه امر به معروف در کسی اثری نداشته باشد، پس نمی‌توان به هیچ طریقی او را از عمل ناپسند و کارهای حرام بازداشت، اما شاید در مورد چنین شخصی شیوه صحیح امر به معروف و نهی از منکر به کار نمی‌رود. در بیشتر اوقات چون توصیه و نصیحت‌های ما، آگاهانه و از روی اصول تربیتی انجام نمی‌گیرد، نتیجه مطلوبی به دست نمی‌دهد. از این رو به طور اجمال شیوه‌های برخورد با افراد خطاکار خدمتتان پیشنهاد می‌شود : اول: دادن شخصیت؛ در برخورد با یک فرد خطاکار نباید از طریق توهین به شخصیت وی لطمه وارد ساخت. به عنوان مثال: مدیر دبیرستان وقتی بخواهد دانش آموزی را در مورد لغزشی که انجام داده، نصیحت کند و او را باز دارد، شایسته است در دفتر کار خود بدون اطلاع دیگران این کار را انجام دهد. این نوع برخورد اثر زیادی دارد. اصولاً هر چه قدر بتوان با خطاکار برخورد ملایم و مؤدبانه و مخفیانه داشته باشیم، شخصیت او را لکه دار نکرده‌ایم ،زیرا طبیعت بشر به گونه‌ای است که اگر شخصیتش مورد اهانت و توهین قرار گیرد، واکنش نشان می‌دهد. دوم: جلب اعتماد؛ امام علی علیه‌السلام می‌فرماید": قلوب الرجال وحشیهٔ فمن تألفها، اقبلت علیه؛ دل‌های (۱) مردم وحشی است، پس هر کسی که دل‌ها را جذب کند، به او روی خواهند آورد. "امام علی به ما روش معاشرت را یاد می‌دهد. منظور حضرت این است که دل‌های انسان‌ها نسبت به یکدیگر متمایز است. اگر کسی در جذب آنها مهارت داشته باشد، به آن شخص روی آورده و او را پذیرا می‌شوند، به همین جهت پس از جلب اعتماد می‌توانند در آنها نفوذ کرد. یکی از راه‌های جلب، احسان و محبت است. در حدیث است": الأنسان عبیدالأحسان "طبیعت آدمی به گونه‌ای است که در برابر نیکی‌ها فروتنی نشان (۲) می‌دهد. وقتی خضوع پیدا کرد و اعتمادش جلب شد، آن موقع می‌توان او را ارشاد کرد. البته او خواهد پذیرفت، ولی متأسفانه ما دل افراد را با عمل و محبت جذب نمی‌کنیم. حتی رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله اگر اعتماد مردم را به خود جلب نمی‌کردند و در زندگی آن صداقت و امانت داری را نداشتند، مردم هیچ گاه سخنان ایشان را با جان دل گوش نمی‌دادند و انسان‌ها را نمی‌توانست چنین پاک و شجاع تربیت نماید. سوم: باز زبان طرف و به اندازه فهم مخاطب؛ قرآن مجید درباره شیوه برخورد می‌فرماید": ادع الی سبیل ربک بالحکمهٔ و الموعظهٔ الحسنهٔ و جادلهم بالتی هی احسن ای رسول، خلق را به حکمت و برهان و موعظه ۳) نیکو به راه خدا دعوت کن و به بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن. "خداوند در این آیه می‌فرماید که با یک دسته از مردم باید با حکمت و استدلال صحبت کرد؛ با گروه دیگر باید با موعظه و نصیحت سخن گفت، بنابراین لازم است میزان درک مخاطب را فهمید و دید که چه قدر می‌فهمد و با چه زبانی متوجه می‌شود. این قاعده در باب مسئله امر به معروف و تربیت بسیار مهم است که متأسفانه کمتر رعایت می‌شود و غالباً ما با ملامت و سرزنش با خطاکار صحبت می‌کنیم به هر حال با زبان مخاطب صحبت کردن و ساده گفتن بسیار مؤثر است. چهارم: در نظر گرفتن وضعیت روحی و روانی؛ امام علی‌علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند": همانا قلب‌ها برای پذیرفتن نصیحت، گاه روی می‌آورد و گاه نمی‌پذیرد. پس در مواقع پذیرش، آنها را دریابید، زیرا اگر دل‌ها نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد کور بوده و چیزی را نمی‌بینند. "در این حدیث امام ۴) می‌فرماید: باید موقعیت معصیت کار را در نظر گرفت و زمان آمادگی پند و اندرز را فهمید. در غیر این صورت ممکن است اصلاً چیزی را قبول

نکند. اگر جوانی مشغول بازی فوتبال است یا کسی را که مشغول کار خلاف است، در همان وقت نمی‌توان امر به معروف و نهی از منکر کرد. نیز در حال عصبانیت نمی‌توان او را نصیحت کرد، زیرا پذیرش ندارد. پنجم: ارشاد باید از نکات مورد اتفاق شروع شود؛ در برخورد خطاکار لازم است نقاط مشترکی را که همه قبول دارند گفت تا سرانجام به نقاط اختلاف برسند. در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شاید بهترین روش، روش سقراطی (قابله‌ای) باشد، یعنی همان طور که قابله بچه را از شکم مادر بیرون می‌کشد، باید پاسخ سؤالات را از افراد عاصی بیرون کشید، مثلاً در برخورد با خانم خطاکار می‌توان این صورت صحبت کرد: آیا شما قبول دارید که انسان هستیم، آیا قبول دارید که نظام انسانی قانون و ضوابط اخلاقی لازم دارد، آیا انسان با عفت ارزش دارد یا بی عفت، آیا دختران عفیف بیشتر خریدار دارند یا غیر عفیف؟ مسلّماً جواب همه پرسش‌ها را مثبت می‌دهد. سپس باید روی این اقرارها تأکید کرد و اما از این جا به بعد به نقاط اختلاف بپردازیم و نسبت به اصلاح آن اقدام نماییم. ششم: توجه دادن شخص به آثار و نتایج نامطلوبی که از عمل ناشایست و کارهای حرام ایجاد می‌شود؛ بعضی به نتایج کارهایی که می‌کنند، توجه ندارند. نتایج سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، انسانی و خانوادگی. نیم می‌دانند گناه نسبت به قلب و دل و دل انسان چه می‌کند. روابط انسانی را میان آدم‌ها تیره می‌کند و نتایج نامطلوب به بار می‌آورد. توجه دادن به این اقرار با در نظر گرفتن نکات قبلی می‌تواند مفید باشد. در صورتی که روش‌های مزبور فایده‌ای نداشت و فرد خاطی آگاه نشد و ترک گناه نکرد، از شیوه‌های غیر مستقیم استفاده شود: ۱ – از بین بردن زمینه گناه و معصیت مانند: ایجاد کار و ازدواج؛ ۲ – برقراری ارتباط دوستانه وی با افراد صالح؛ ۳ – اهدای کتاب و تشویق به خواندن آن‌ها؛ ۴ – تشویق به ورزش؛ ۵ – کمک گرفتن از مربیان و معلمان با نفوذ؛ در نهایت با روبرگرداندن و اظهار ناراحتی می‌توانید او را نسبت به عمل ناپسند آگاه کنید؛ البته اگر اظهار ناراحتی شما برای او مهم باشد و تاثیر مثبت داشته باشد. در غیر این صورت حداقل از نظر درونی و قلبی نسبت به عمل ناپسند او ناراحت باشند و اظهار تنفر کنید. {۱ – نهج البلاغه، کلمات قصار، ح ۴۷. ۲} {P – میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱، چاپ جدید. ۳} {P – نحل (۱۶) آیه ۱۲۵. ۴} {P – نهج البلاغه، کلمات قصار، حدیث ۱۸۴. P}

آیا نحوهء برخورد, با منکرات اجتماعی , مثلاً زدن افراد صحیح است ؟

پرسش

آیا نحوهء برخورد, با منکرات اجتماعی , مثلاً زدن افراد صحیح است ؟

پاسخ

برای مبارزه با منکر و اشاعه هر معروفی , باید منکر و معروف را شناخت و دانست چرا فلان کار منکراست یا معروف . مسلماً اسلام روابط آزاد و بی ضابطهء دختران و پسران را قبول ندارد و از آن نهی کرده است , اما برای مبارزه با این منکر راه هایی را پیش پای مسلمانان نهاده است , تا منکرات شیوع پیدا نکنند و معروف ها از بین نرود. متاسفانه در جامعه , از بُعد شناخت معروف و منکر و راه های امر به معروف و نهی از منکر دچار مشکل هستیم واز این رو, نه منکرات رخت بر می بندد و نه معروف ها رشد می کنند! هم رابطهء غیر مشروع دختر و پسر ـ حتی اگر قصد ازدواج با هم داشته باشند ـ اشتباه است و هم کار کسانی که برای پاسداری از عفّت عمومی , آن ها را باز خواست می کنند و احیاناً کتک می زنند! گاه این بازداشت ها با آبرو ریزی و گرفتن اعتراف به زور و پرونده سازی و پاره کردن لباس و شلوار و یا زدن موهای پسران همراه است که چون هیچ کدام حکم حاکم شرع را ندارد, اشتباه و مستلزم پرداخت دیه و قصاص است . بهترین کار در این گونه موارد امر به معروف و نهی از منکر, با توجه به احکام آن که در رساله های عملیه آمده است , می باشد. در صورت تکرار معصیت , باید آنان را تحویل مراجع قضایی داد تا با عدالت اسلامی و

قانون الهی با آنان برخورد شود. آمران و ناهیان باید توجه داشته باشند آبروی مسلمانان محترم است و نباید به هر بهانه ای آن را ریخت و نبایدبرای برقراری حقوق الهی , حق دیگران را زیر پا گذارد. برای اطلاع بیش تر به احکام امر به معروف و نهی از منکر و احکام دیات و قصاص در رساله های عملیه مراجعه کنید.

یکی از اعضای خانوادهء من که از من بزرگتر است مشروب می خورد و تقریباً برای او عادت شده است . من بارها ناراحتی خود را نشان داده ام و اتاق را ترک کرده ام , صحبت ها و راهنمایی های من اثری نداشته است چه کنم که او را وادار به ترک کنم ؟

پرسش

یکی از اعضای خانوادهء من که از من بزرگتر است مشروب می خورد و تقریباً برای او عادت شده است . من بارها ناراحتی خود را نشان داده ام و اتاق را ترک کرده ام , صحبت ها و راهنمایی های من اثری نداشته است چه کنم که او را وادار به ترک کنم ؟

پاسخ

همین مقدار که اظهار ناراحتی می کنید از نظر وظیفهء شرعی کافی است . سعی کنید ارتباط عاطفی خودرا بیشتر کنید و از این راه او را به کم کردن و به تدریج , ترک وادار کنید. این مسئله نبایستی باعث کدورت شدید و به قطع رابطه منجر گردد, هر چند نبایستی زشتی این عمل اندک نگاشته شود و او فکر کند کار خیلی بدی انجام نمی دهد. اگر زمینه وجود دارد مطالبی که دربارهء زیان های مشروب برای شما می فرستیم در اختیار ایشان قرار دهید.تا تأثیر منفی مشروبات را دریافت نمایید. حداقل به خاطر نسل آینده هم شده دست از این عمل پلید بردارد.

یک روش مناسب برای امر به معروف خانم های بی حجاب پیشنهاد کنید

پرسش

یک روش مناسب برای امر به معروف خانم های بی حجاب پیشنهاد کنید

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عقلی و از دستورهای الهی و وظیفهء همهء کسانی است که به جامعهء انسانی و ارزش های معنوی می اندیشند و برای ترقی و پیشرفت جامعه می کوشند, زیرا در جامعه ای که فسادحاکم باشد, انسان به تعالی نمی رسد. البته امر به معروف و نهی از منکر از ظرافت خاصی برخوردار است که هر کس نمی تواند بدون آموزش و زیرکی و توانمندی آن را انجام دهد. چه بسا سخنی یا عملی به عنوان امر به معروف و نهی ازمنکر نتیجهء معکوس می دهد و عوض این که شخصی را از ضلالت نجات دهد, او را به گناه و معصیّت جری تر وجسورتر می کند. بنابراین آمر به معروف و ناهی از منکر باید روحیه و روان شخصی گناهکار را بداند تا بتواند با شیوه و نحوهء مناسب وظیفهء امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد. پس نکتهء اوّل , آشنایی با خصوصیات اخلاقی و روانی فرد خاطی است . نکتهء دوم , آگاه و علم به این که معروف چیست و منکر چیست . نکتهء سوم , دلسوزی و ملاطفت و هدایت است , نه انتقامجویی و مفتضح کردن فرد خطاکار. در مورد حجاب و جلوگیری از بدحجابی , آقایان و خانم ها می توانند اقدام کنند, امّا خانم ها بهتر می توانند اقدام کنند. برای این مهم پیشنهاد ما این است که آیات و روایاتی را در زمینهء حجاب بیآموزند و حفظ داشته باشند و ازداستان ها و حوادثی که بر اثر بدحجابی و مفاسدی که به جهت آن در جامعه

و روزنامه ها گزارش شده است , آگاهی داشته باشند و از راه بیان آن ها برای افراد بی حجاب و بدحجاب , آنان را ارشاد کنند.

در مورد کسانی که دچار فساد و شهوترانی شده اند, راهنمایی کنید که چگونه آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟

پرسش

در مورد کسانی که دچار فساد و شهوترانی شده اند, راهنمایی کنید که چگونه آن ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم ؟

پاسخ

وظیفهء همگان است که امر به معروف و نهی از منکر کنند. در مورد شهوترانی جزوه ای ارسال می شودتا به ایشان بدهید و سفارش کنید مطالعه کند. اگر شما می خواهید ایشان را هدایت و ارشاد کنید, باید کتاب هایی راکه در مورد مذکور نوشته شده است مطالعه کنید تا با اطلاعات وسیع و روش صحیح با ایشان صحبت کنید. برای مطالعه کتاب از مرحوم شهید دستغیب را مطالعه کنید و نیز کتاب کیفر گناه و کیفر کردار و همین طورکتاب هایی که در مورد جوانان و آسیب هایی که ممکن است دامنگیر آنان شود, نوشته شده است , از قبیل , , ,, , . اگرتوانستید به آنان نیز برای مطالعه بدهید.

با راننده ای که در ماشین نوار مبتذل روشن می کند, چگونه برخورد کنیم ؟

پرسش

با راننده ای که در ماشین نوار مبتذل روشن می کند, چگونه برخورد کنیم ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یکی از فوع دین و جزء واجبات است , چنین روحیه ای در شماتحسین برانگیز است . بسیاری از نادانان و یا مغرضین و یا افراد ترسو و مسامحه کار از این واجب الهی صرف نظرکرده و حتی به دلایل واهی , دیگران را از این مهم منع می کنند ;مثلاً آن گونه که ذکر کردید, می گویند: راننده نوارگذاشته تا خوابش نبرد و یا از نارحتی بیرون آید ;اگر چنین چیزی بود پی می بایست شرع مقدس اسلام مطابق باروحیات و سلیقه های افراد متغیر می شد ;فلانی چون می خواهد مراسم عروسی به پا کند از ساز و آواز ومطرب استفاده کند یا فلان شخص چون غمکین است می تواند موسیقی حرام گوش کند ;چون دین بازیچه ای در دست افراد سست انگار و سطحی نگر می شود. پس باید به راننده اتومبیلی که می خواهد در هنگام مسافرکشی کار حرامی انجام دهد و از نوارهای غیر مجاز استفاده کند. تذکر داد و امر به معروف و نهی از منکر کرد. امانکته در این مسئله رعایت نکات لازم و ضروری است ; مثلاً برای افرادی چون شما که زن هستید و قدرت مقابله فیزیکی بافرد مختلف را ندارید, اگر آن فرد با تذکر شما متنبه شد که هیچ والا می توانید از ماشین پیاده شوید, نه آن که در صورت اختیار, وضعیت موجود را تحمل کنید و دست روی دست بگذارید. البته اگروضعیت به گونه این بود که از عهده شما خارج بود و یا احتمال تأثیر نمی دهید وظیفه از دوش شما ساقط است و در این صورت از ماشین پیاده می شوید به هر روی دلیلی را که برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر ذکرکردید متین و محکم است , چون اگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر, این واجب بزرگ الیه فراموش یا ترک شود, گناهان مانند قارچ از همه جا سر بردن می آورند و جامعه را به فساد و تباهی می کشانند.

درخانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود. من چه بایدبکنم ؟

پرسش

درخانه ما موسیقی حرام (ترانه) پخش می شود. من چه بایدبکنم ؟

پاسخ

اگر قدرت دارید ,باید از بخش آن جلوگیری کنید و آنان را که به این کار دست می زنند, امر به معروف و نهر ازمنکر کنید. اگر قدرت ندارید ,یا این که به حرف شما ترتیب اثر نمی دهند, وظیفه ای ندارید وفقط باید در آن محل که موسیقی حراق پخش می شود, مستدل و با زبانی نرم آنان را نصیحت کنید, با کمک خداوند متعال موثر واقع خواهد شد. اعمال و رفتار خوب و شایسته شما می تواند آنان را از این کار زشت بازدارد.

امروزه در تعداد زیادی از وسائل حمل و نقل مسافر درون شهری یا برون شهری، نوار موسیقی مبتذل روشن می‌کنند. وقتی که به راننده‌ها تذکر می‌دهیم، ناراحت می‌شوند و گاهی مسافران با ما مقابله می‌کنند و از راننده می‌خواهند نوار روشن بماند، به طوری که معمولاً سبب نارا

پرسش

امروزه در تعداد زیادی از وسائل حمل و نقل مسافر درون شهری یا برون شهری، نوار موسیقی مبتذل روشن می‌کنند. وقتی که به راننده‌ها تذکر می‌دهیم، ناراحت می‌شوند و گاهی مسافران با ما مقابله می‌کنند و از راننده می‌خواهند نوار روشن بماند، به طوری که معمولاً سبب ناراحتی ما می‌شود و سفرها را بر ما سخت نموده است. در این وضع تکلیف ما چیست؟

پاسخ

مسلّماً امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب بزرگ الهی هستند که وظیفه هر فرد مسلمان است. البته انجام این دو وظیفه شرایطی دارد، از جمله این که امر و نهی تأثیر داشته باشد و فایده‌ای بر آن مترتب شود. شرط دیگر این که ضرری به شما وارد نشود. اگر این دو شرط باشد، امر به معروف و نهی از منکر واجب است. به نظر می‌رسد گفتن و تذکر دادن شما و امثال شما به راننده بی تأثیر نباشد و ضرری به شما وارد نمی‌شود. بنابراین تا آن جا که ممکن است، به این وظیفه مهمّ اقدام کنید. بر فرض در موردی با برخورد خوبی مواجه نشدید، می‌توانید با اخلاق خوب و سخن زیبا آنان را توجیه و روشن بکنید. خداوند برهانی قاطع و زبانی گویا و دلی مطمئن به شما عنایت فرماید.

پدرم به اعتیاد رو آورده است . برادرم افزون بر آن به مشروبات الکلی و به مقدسات بد می گویند و بااین وجود متعصبند و ظاهر سازی می کنند, این ها مرا رنج می دهد, لطفاً راهنمائیم کنید.

پرسش

پدرم به اعتیاد رو آورده است . برادرم افزون بر آن به مشروبات الکلی و به مقدسات بد می گویند و بااین وجود متعصبند و ظاهر سازی می کنند, این ها مرا رنج می دهد, لطفاً راهنمائیم کنید.

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر با شرایط خاص خود بر همه واجب است , اما این که چگونه می توان اعضای خانواده را از منکرات , اعتیاد و مشروبات الکلی بازداشت , در این باره یک نسخهء شفا بخش کلّی وجودندارد, بلکه هر فردی یک سری خصوصیات , ضعف ها و قوت ها دارد, اعضای خانواده یکدیگر را بهتر از دیگران می شناسند و به ضعف ها و قوت های یکدیگر آگاهند, باید با توجه به ضعف ها و قوت های افراد در پی علاج برآمد,مثلاً فرض کنید پدر فردی عاطفی است باید از دریچهء عاطفه وارد شد, برادر فردی اجتماعی است و بُعد اجتماعی وآبرو داری برای او بسیار اهمیت دارد, باید از همین زاویه وارد شد و... . حال برخی از افراد با وجودی که خودشان ضعف دارند, لیکن نمی خواهند اعضای خانوادهء شان ضعف داشته باشند, خود این خلاف متعارف نیست , شما از این بابت اظهار نارضایتی نموده اید. من از شما خواهرمحترم می پرسم اگر فردی در پی بدی ها حرکت کند و خانوادهء خویش را هم به بدی ها سوق دهد و یا بی تفاوت باشد, و فرد دیگری خودش در بدی ها غوطه ور باشد, ولی نسبت به خانواده اش حساس باشد که مبادا در بدی ها گرفتار شود, به نظر شمافرد اول ترجیح دارد یا دومی ؟ طبیعی است که فردی که نسبت به خانواده بی تفاوت نیست و در پی آن است که خانواده اش از بدی ها مصون باشد, خود این ارزشمند است , گرچه خودش پایبند به آن نباشد. این فرد نسبت به فردی دیگری که بیان شد, یک قدم به راه حق نزدیکتر است . بنابراین , ناراحتی ندارد که پدر و یا برادر در دین داری و حفظشئونات دینی خانواده با حساسیت و غیرت واکنش نشان می دهند. شما خواهر گرامی همّت خویش را به زدودن منکرات از اعضای خانواده معطوف دارید, نه این که از جهت تظاهر به دین داری و غیرت دین داری آنان .

بعضی از دوستانم مرتکب کارهای زشت می‌شوند، مانده‌ام که با آن‌ها چه کار کنم! اگرقطع رابطه نکنم می‌ترسم آلوده شوم و اگر قطع رابطه بکنم، مشکل دیگری پیش می‌آید. کمکم کنید که چه کار کنم؟

پرسش

بعضی از دوستانم مرتکب کارهای زشت می‌شوند، مانده‌ام که با آن‌ها چه کار کنم! اگرقطع رابطه نکنم می‌ترسم آلوده شوم و اگر قطع رابطه بکنم، مشکل دیگری پیش می‌آید. کمکم کنید که چه کار کنم؟

پاسخ

در بین فرزندان بشر در تمام ادوار زندگی، از ایام کودکی و جوانی تا روزگار کهولت همواره نیازمند رفاقت دیگران هستند، شبهه‌ای نیست. همان طور که آدمی از داشتن رفیق موافق احساس مسرت می‌کند و از مصاحبتش خشنود می‌گردد، هم چنین از تنهایی رنج می‌برد و از نداشتن هم صحبت شایسته، آزرده خاطر می‌شود. امام علی(ع) فرمود": کسی که دوست خو را که برای خدا با او دست شده، از دست بدهد، مثل این که شریف‌ترین اعضای خود را از کف داده است."(۱) در این جهت هم که هر دوستی به مقیاس درجه رفاقت در امورمادی و معنوی رفیق خود نفوذ می‌کند و هر یک دانسته یا ندانته روی عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار دیگری اثر می‌گذارد، حرفی نیست. به گونه‌ای که رسول خدا(ص) فرمود":المرء علی دین خلیله و قرینه؛ روش آدمی طبق مذهب و سیره دوست دلبندش خواهد بود."(۲) و امام علی(ع) فرمود": از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمال شان ناپسند است، برحذر باش، چه آدمی به روش رفیقش خو گرفته و به افکار و اعمال وی عادت می‌کند."(۳) رفاقت با افراد ناباب وآلوده آثار سوء خطرناکی دارد. از جمله امام صادق(ع) فرمود": کسیکه با رفیق بد هم نشینی کند، سالم نمی‌ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده می‌شود."(۴) در حد امکان از طریق امر به معروف و نهی از منکر برای صلاح دوستان بکوشید. و بگویید حیثیت و شرافت شما و خانواده محترم‌تان در معرض خطر قرار گرفته است یا می‌گیرد. به او بگویید: باورکنید از دست دادن رفیق شفیقی مثل شما سخت مرا رنج می‌دهد، اما چه کنم که آبروی من دارد لطمه می‌خورد. شما را به خدا برای دوستی هم که شده از اعمال بد

بپرهیزید. پی‌نوشت‌ها: ۱ - غررالحکم، ج۵، ص ۷۴۲، چاپ دانشگاه. ۲ - شیخ حرعاملی، وسایل الشیعه، ج۸، ص ۴۳۰. ۳ - نهج البلاغه، نامه شماره ۶۹. ۴ - محدث نوری، مستدرک، ج۲، ص ۶۵، چاپ قدیم.

در یک مدرسه شبانه روزی مربی بودم. یکی از سرپرست‌های مدرسه نسبت به نماز بی اهمیت بود و با یک پسر دوست بود. وقتی مسئولان اداره از من جویا شدند، من واقعیت را گفتم و آنان او را از سرپرستی مدرسه برکنار کردند. حالا احساس گناه می‌کنم. آیا لازم است از او حلالیّت

پرسش

در یک مدرسه شبانه روزی مربی بودم. یکی از سرپرست‌های مدرسه نسبت به نماز بی اهمیت بود و با یک پسر دوست بود. وقتی مسئولان اداره از من جویا شدند، من واقعیت را گفتم و آنان او را از سرپرستی مدرسه برکنار کردند. حالا احساس گناه می‌کنم. آیا لازم است از او حلالیّت بطلبم؟

پاسخ

شما به وظیفه خود عمل کرده‌اید و خلاف و خطایی انجام نداده‌اید که احساس گناه داشته باشید. شما نه تنها گناهی نکرده‌اید، بلکه ثواب هم دارید، چون واقعیت را گفته‌اید و جامعه مدرسه را از افراد ناپاک مصونیت بخشیده‌اید. بنابراین هیچ نگران نباشید و لزومی ندارد از او حلالیت بطلبید. چون در چارچوب مسئولیت گام برداشته‌اید. با توجه به مربیگری اگراول به خود سرپرست تذکر می‌دادید که این عمل در مجموعه بدآموزی دارد و قبل از این که مسئولان بفهمند، بهتر است از این عمل دست بردارید، شاید بهتر شود.

در این دوره و زمان وظیفه ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ وقتی که ما می دانیم که نمی‌توانیم امر به معروف کنیم و یا اگر امر به معروف کردیم به ما بگویند: (به تو مربوط نیست) وظیفه ما چیست؟

پرسش

در این دوره و زمان وظیفه ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ وقتی که ما می دانیم که نمی‌توانیم امر به معروف کنیم و یا اگر امر به معروف کردیم به ما بگویند: (به تو مربوط نیست) وظیفه ما چیست؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عقلی و شرعی است و هر مسلمان با احراز شرایط باید اقدام کند. شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر چند چیز است: ۱- کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر نماید باید معروف و منکر را بشناسد یعنی بداند که معروف و کارهای خوب چیست و منکر و کارهای زشت چیست و نیز بداند این کاری که از آن فرد سر می زند و به نظر منکر است باید بداند که یقیناً منکر و کار زشت است. در بعضی از موارد مشاهده شده که افراد ظاهر الصلاحی کارهایی انجام می دهند یا حرف‌هایی می زنند و انسان پندار می کند که آن کارها زشت است یا آن حرف‌ها غیبت است، ولی در واقع و با دقت اگر ملاحظه شود آن کارها، کار زشت محسوب نمی‌شود. بنابراین شرط اوّل این است که هم از نظر مفهوم و هم از نظر مصداق مشخص و یقینی باشد که آن کار، زشت و منکر است. ۲- شرط دیگر این است که بداند حرف او تأثیری در آن شخص خطا کار دارد ولو تأثیر کم باشد. بنابراین اگر بداند که حرف او هیچ تأثیری ندارد امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست. ۳- در امر و

نهی مفسده‌ای نباشد پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد، واجب نیست.(۱) در امر به معروف و نهی از منکر نباید کوتاهی کرد و باید با زبان نرم و اخلاق پسندیده و در موقع مناسب این وظیفه را انجام داد و نباید آبروی طرف را ریخت مگر در مواردی خاصّ، و به صرف این که به انسان گفتند (به تو مربوط نیست) نباید دست از وظیفه الهی کشید.

اگر به مطالب توهین‌آمیز و خلاف مقررات برخورد نمودیم، آن را با ذکر منبع نوشته و به مراجع قانونی ارسال کرده و منتظر اقدام آنان می‌باشیم. به هر حال شخصاً نباید به مقابله پرداخت که موجب هرج و مرج خواهد شد.

اشاره

یکی از بستگان مجردم در اثر رفاقت با افراد ناباب و م

پرسش

اگر به مطالب توهین‌آمیز و خلاف مقررات برخورد نمودیم، آن را با ذکر منبع نوشته و به مراجع قانونی ارسال کرده و منتظر اقدام آنان می‌باشیم. به هر حال شخصاً نباید به مقابله پرداخت که موجب هرج و مرج خواهد شد. یکی از بستگان مجردم در اثر رفاقت با افراد ناباب و مفسد، دست به کارهای زشت و قبیح مانند ضبط برنامه‌های غیر اسلامی و آموزش‌های جنسی می‌زند. به پند و نصایح بستگان دلسوز گوش نمی‌دهد. به همین دلیل امید به آینده ندارد. از خانواده بریده و از ازدواج و پیدا کردن شغل مناسب تنفر دارد. پدرش روحانی و ساکن قم است. لطفاً بگویید تکلیف من و سایر بستگان نزدیک ازد یدگاه شرع مقدس چیست؟

پاسخ

تکلیف و وظیفه شرعی در مقابل این گونه افراد به این قرار است: اولاً: اگر علم داشته باشد که امر به معروف و نهی از منکر اثر ندارد، در این صورت امر و نهی واجب نیست و تکلیفی ندارد. ثانیاً: اگر بداند اثر دارد، منتهی بترسد ضرر جانی یا مالی و یا عرضی داشته باشد، باز واجب نیست. گفتنی است: اگر معروف و منکر امر مهمی باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیادی می‌دهد، مثل اصول دین و مذهب و حفظ قرآن و ارزش‌های اسلامی باید ملاحظه اهمیت را بکند و یا صرف اتمال ضرر و خوف نمی‌شود آن را ترک کرد، منتهی در این خصوص مراحلی وجود دارد که باید مراعات شود: اول به نحوی به او تفهیم کنید که از رفتارتان خوشم نمی‌آید، مثلاً چهره عبوس کنید یا هنگام صحبت رو برگردانید و... دوم از او با حفظ سلسله مراتب اعراض کنید؛ یعنی اول با او حرف نزنید، مرحله دوم رو ترش کنید و در مرحله بعدی ترک معاشرت کنید. اگر با این ترفندها هم نتوانید کاری بکنید، باید از طریق زبان اقدام نمایید.(۱) در این مرحله هم باید سلسله مراتب رعایت شود: ابتدا باید با زبان نرم و روی گشاده با او برخورد شود. خداوند متعال آن گاه که به حضرت موسی و برادرش هارون مأمورت داد که با فرعون صحبت کنند و او را ارشاد نمایند فرمود: "به سوی فرعون بروید، چون طاغی شده منتهی با ملاطفت و نرمی با او سخن بگویید."(۲) امام صادق(ع) می‌فرماید": بعد از رایض دینی هیچ یک از اعمال فرد مؤمن در نزد خدا محبوب‌تر از آن نیست که با تمام مردم به گشاده رویی و حسن خلق برخورد نماید و از خشونت بپرهیزد."(۳) اگر زبان خوش و ملاطفت مؤثر نشد، تهدیدش کنید و اگر باز مؤثر نیفتاد، به مراجع قانونی مراجعه کرده و آنان در جریان امر قرار دهید تا قانونی با او برخورد نمایند. گفتنی است: اگر از بستگان شنوایی ندارد، می‌توانید از افراد ذی نفوذی که از آنان شنوایی دارد، استمداد کنید. پی‌نوشت‌ها: ۱ - توضیح المسائل مراجع، ج۲، از ص ۶۱۸ - ۶۲۴، با تلخیص. ۲ - ث (۲۰) آیه ۴۳ و ۴۴. ۳ - اصول کافی، ج۲، طبق نقل جوان، فلسفی، ج۲، ص ۸.

در امر به معروف و نهی از منکر موفق نیستم . چه کار کنم ؟

پرسش

در امر به معروف و نهی از منکر موفق نیستم . چه کار کنم ؟

پاسخ

امر به معروف و نهی از منکر یک فریضه و وظیفهء مهم الهی است که در دین مبین اسلام جایگاه ویژه دارد و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است . آثار و برکات آن به حدی است که از نظر پیشوایان الهی و امامان معصوم : انجام سایر واجبات الهی کاملاً بستگی به اقامهء امر به معروف و نهی از منکر دارد. امام باقر۷می فرماید:.(۱) انسان وقتی فکر می کند, به خوبی در می یابد اگر امر به معروف و نهی از منکر در تمام سطوح جامعه به خوبی اعمال شود, جامعه به راه رشد و تعالی خود ادامه می دهد. ترک این واجب بزرگ الهی به قدری زیان بخش است که امام باقر۷فرمود: .(۲) امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد: ۱ کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند, معروف و منکر را خوب بشناسد ;یعنی مثلاًـ بداند کاری راکه طرف مرتکب می شود, کار بد و حرامی است . ۲ تارک طاعت و مرتکب معصیت , بر کار خویش پافشاری داشته باشد, چون اگر کسی خلافی مرتکب شد وسپس ندامت حاصل شد و توبه کرد, جایی برای امر به معروف و نهی از منکر نمی ماند. ۳ آمر و ناهی احتمال تأثیر بدهد. ۴ این کار موجب مفسده نباشد ;یعنی ضرر و زیان بر جان و مال و آبروی آمر و ناهی یا مسلمان دیگر مترتب نباشد.(۳) پس از آن که این چهار شرط فراهم شد, باید مراحل امر به معروف و نهی از منکر پله پله پیاده گردد. بدین سان که ابتدا اظهار رنجش و کراهت شود. اگر اثر نکرد, با سخن نرم گوشزد شود. اگر مفید نشد, به گفتار خشن و پس از این مرحله , به عهدهء حکومت است . انجام امر به معروف و نهی از منکر یک واجب وظیفه است که اگر انجام گیرد, وظیفه ادا شده و انسان مأجور است و خود این موفقیت است . چنانچه با رعایت شرایط این کار را بکند, به وظیفهء خود عمل کرده اید و موفق هستید. (پاورقی ۱.شیخ حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۱ ص ۳۹۵ حدیث ۶ (پاورقی ۲.مصطفی حسینی دشتی , معارف و معاریف , ج ۲ ص ۴۲۸ ماده ء: امر به معروف و نهی از منکر. (پاورقی ۳.امام خمینی , تحریر الوسیله , ج ۱ ص ۴۶۵ـ ۴۷۲

این روزها مراسم جشن و عروسی و تولد اغلب آمیخته با گناه و غنا و رقص و... است . برای جلوگیری از این امر چه می توانیم بکنیم ؟

پرسش

این روزها مراسم جشن و عروسی و تولد اغلب آمیخته با گناه و غنا و رقص و... است . برای جلوگیری از این امر چه می توانیم بکنیم ؟

پاسخ

باید امر به معروف و نهی از منکر بکنیم و یا به پلیس خبر بدهیم . مسئولیت این گناهان و مسئولیت جلوگیری از این گونه مفاسد بر عهدهء دولت است .

با کسانی که روی پشت بام می آیند و به حیاط همسایگان سرک می کشند, چگونه باید برخورد کرد؟!

پرسش

با کسانی که روی پشت بام می آیند و به حیاط همسایگان سرک می کشند, چگونه باید برخورد کرد؟!

پاسخ

شخص نامحرم حق نـدارد حریم افراد جامعه را مورد تهدیـد قرار دهد. اگر این مسـئله ثابت و تکرار شد,لازم است جهت برخورد با این پدیـدهء زشت به نیروی انتظـامی اطلاع داد تا مسـئله از راه قانونی پیگیری شود. لازم است خواهران مسـلمان هنگامی که از اتاق خارج شده و به فضای بازی چون حیاط قدم می گذارند, ازپوشـش مناسب و لباس بلند و روسـری یا مقنعه اسـتفاده کنند تا احیاناً از دید افراد لاابالی و چشم چران مصون ومحفوظ بمانند.

با فردی که نماز نمی خواند حجابش را رعایت نمی کند و با آرایش در کوه و خیابان ظاهر می شود,باید چگونه برخورد کرد؟ اگر او بزرگ تر یا همسن و یا کوچکتر از ما باشد, چگونه باید بر خورد شود؟

پرسش

با فردی که نماز نمی خواند حجابش را رعایت نمی کند و با آرایش در کوه و خیابان ظاهر می شود,باید چگونه برخورد کرد؟ اگر او بزرگ تر یا همسن و یا کوچکتر از ما باشد, چگونه باید بر خورد شود؟

پاسخ

اسـلام برای مبارزه با منکرات , وظیفهء امر به معروف و نهی از منکر را از برنامه های اساسی و مهم دانسته و به آن دستور داده است : مردان و زنان باایمان ولیّ و سـرپرست یکدیگرنـد. امر به معروف و نهی از منکر می کنند. <این آیه امر به معروف و نهی از منکر را وظیفهء هر مسـلمانی دانسـته است . اگر با مفاسـدی که در جامعه ظهور و بروزمی کنـد, مبارزه نکنیم , کم کم گسترش پیـدا می کند, مانند ویروس بیماری های واگیردار که باید با آن ها به طور جدی مبارزه کرد. در امر به معروف و نهی از منکر باید با رعایت شرایط و برخورد مناسب قـدم گـذاشت . برخوردهای غیر معقولانه تأثیر منفی به جا می گـذارد. به نظر ما در این زمان در برخورد با افرادی که اهل نماز نیسـتند یا بد حجاب هسـتند, ابتدابا اخلاق نیکو و با گفت و گو بیان مفاسد و ضـررهای این کار, آنان را توجیه کرد. مسـلّماً گفتگو و تـذکّر در آنان تأثیرمی گذارد. اگر چند نفر به آنان تذکر بدهند, بهتر تأثیر خواهد داشت . البته بخش بزرگی از این وظیفه بر دوش دولتمردان است که بایـد زمینهء منکرات را فراهم ننماینـد و از گسترش و نفوذ فرهنگ بیگانه جلوگیری کنند. فعلاًوظیفهء مردم این است که با برخورد زیبا و منطقی و با جـدال أحسن و گفت گو مانع گسترش فساد در جامعه شوند. دربرخورد بـا بزرگ ترهـا و هم سن هـا این گفت گو, همراه بـا زبان نرمتر و ملایمتر باشـد. در برخورد با گناهکاران اگر توان گفتگوی زبانی نباشد و یا شـرایط موجود نباشد, باید قلباً از کردار آنان ناراحت باشیم و راضی به کارهای زشت آنان نباشیم . امیرالمؤمنین ۷فرمود: به کارهـای دیگران راضـی باشـد, ماننـد این است که خود نیز آن کارهـا را انجام می دهـد. <در مورد افراد بی نماز یا بـدحجاب , آیات و روایات و داسـتان ها و آفات مربوط به آن ها را بـدانیم تا با مطرح کردن دلیل و شواهد, تأثیر و نفوذ بیشتری در آنان داشـته باشیم .

دوست دارم سخنور باشم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. متأسفانه می‌ترسم و خجالتی هستم و نمی‌توانم از عهده این کار برآیم. لطفاً برای موفقیت در این کار کمکم کنید. چنانچه کتابی در این خصوص وجود دارد، معرفی نمایید.

پرسش

دوست دارم سخنور باشم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. متأسفانه می‌ترسم و خجالتی هستم و نمی‌توانم از عهده این کار برآیم. لطفاً برای موفقیت در این کار کمکم کنید. چنانچه کتابی در این خصوص وجود دارد، معرفی نمایید.

پاسخ

فرا گرفتن صفات حمیده و پسندیده، یکر از شرائط اساسی اظهار وجود و اثبات شخصیت اجتماعی است. جوانی که دارای سجایای اخلاقی است، هر چند کوچک و کم سن باشد، در جامعه عزیز و محبوب است. او به سادگی می‌تواند با مردم بیامیزد و در اجتماع پیروز گردد. اما جوانی که دچار سوء اخلاق و مکات ناپسند است، هر قدر بزرگ باشد، نمی‌تواند خود را با جامعه تطبیق دهد و شخصیت شایسته را احراز کند. امام علی(ع) می‌فرماید": خلق بد، دوست و خویشاوندان را می‌راند، و غیر فامیل را به بی اعتنایی وا می‌دارد.(".۱) اخلاق در زندگی بشر به قدری مهم است که خدا در قرآن تغییر اوضاع و احوال فردی و اجتماعی مردم را به تغییر خلقیات و ملکات نفسانی مرتبط نموده است": خدا اوضاع هیچ مردمی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که خودشان صفات نفسانی و ملکات روحی خود را دگرگون سازند.("۲) بدون تردید صفات ناپسند اخلاقی در شکست اجتماعی نقش مؤثری دارد. ممکن است خلق ناپسند و مذموم مانند ترس و عدم اعتماد به نفس، جوان را از رفتار اجتماعی و احراز شخصیت باز دارد، خوب است بدانیم نگرانی اضطراب و ترس، همه جا و در هر صورت ناپسند نیست، بلکه ترس‌های به جا و عاقلانه که ناشی از احساس خطر و حاکی از دور اندیشی است، پسندیده است. ترس‌های به جاو پسندیده در روان بشر همانند دردهای عضوی در جسم است. همان طوری که احساس درد جسمی از عارضه بیماری خبر می‌دهد و آدمی را به درمان عضو دردناک وا می‌دارد. ترس‌های به جای روحی، به منزله اعلام خطر است که صاحبش را به چاره اندیشی وا می‌دارد. امام علی(ع) می‌فرماید": چه بسا مرد خائفی که خوفش او را در منزل آرامش و ایمنی مستقر سازد.("۱) ترس از مجازات و کیفرهای الهی موجب می‌شود نفس از ارتکاب معاصی خودداری کند، در نتیجه متسحق پاداش الهی گردد، اما ترس مذموم و ناپسند ترسی است که سدّ راه سعادت انسان بوده و مانع پیشرفته و تکامل است. ترس زیان آور ترسی است که از ضعیف و زبونی سرچشمه گرفته و اراده آدمی را متزلزل می‌کند. ترس‌های ناپسند علاوه بر آن که محرک عمل مفید نیست، مضرّ و مزاحم است و پیوسته جسم و جان صاحبش را می‌کاهد و او را به سقوط و تباهی سوق می‌دهد. عواملی در ایجاد ترس‌های مذموم و زیان آور نقش دارند که به پاره‌ای اشاره می‌شود: ۱ – فال بد، چه بسیارند مردمی که عدد سیزده، صدای کلاغ و جغد را شوم می‌دانند! ۲ – گروهی، خانه و مرکب و سواری و زن را شوم می‌دانند! در صورتی از نظر اسلام، شوم بودن زن در مهر سنگین و شومی خانه در کوچکی و تنگی آن و شومی مرکب سواری در چموشی و سوء خلق آن است. ۳ – برخی از ترس‌های بد از نقایص و عیوب اعضا ناشی می‌شود. کودکی که با چشم پیچیده یا کور، یا دست و پای کج به دنیا می‌آید، وقتی بزرگ می‌شود، همواره احساس حقارت می‌کند، و هر چه جلوتر می‌شود، این احساس شدیدتر می‌گردد و به جایی می‌رسد که از ورود به اجتماع و صحبت کردن با مردم می‌ترسد و نگران است به او بخندند و مسخره‌اش کنند! اگر بخواهند ترس را ازخود دور کنند، چاره‌اش این است که: اولاـ استعدادهای عقلی یا بدنی خود را بشناسند و لیاقت خود را تشخیص دهند، سپس به کاری که شایستگی و توانایی‌اش را دارند، دست بزنند و تمام نیروی خود را صرف آن نمایند. ثانیا: در برخوردهای اجتماعی سعی کنند عیب‌های خود را فراموش کنند و به جای توجه به نقص عضو، در نقص اعضای کسانی که عیب بزرگ‌تری دارند بیندیشند. دنباله معرفی عوامل ایجاد ترس: ۴ – سوء تربیت. بخر از ترس‌های ناپسند ناشی از تربیت‌های نادرست دوران کودکی است. خشونت و سخت‌گیری‌های بی مورد و یا نوازش و احتام فوق العاده پدران و مادران به فرزندان، سبب

ترس‌های مذمومی می‌شود. جوانی که بر اثر سوء تربیت دچار عقده حقارت شده و اعتماد به نفس ندارد، همیشه گرفتار حالت انفعالی ترس است. او خوشتن را کوچک تر از این می‌پندارد که با جامعه بیامیزد و اظهار وجود کند. به همین دلیل هنگام مواجهه با مردم، خود را گم می‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید": من هاب خاب؛ هر که بترسد، زیان می‌بیند.("۲) راهکارهای درمان ترس الف) باید بداند تا وقتی علت ترس جانش ریشه کن نشود ،اعتماد به نفس ندارد و نمی‌تواند به خوبی با مردم سخن بگوید. ب) باید با دقت به حساب خویش رسیدگی کند و حالت روانی خود را به درستی تجزیه و تحلیل کند تا به منشأ اساسی ترس رسیده، به نفع آن بپردازد. امام علی(ع) می‌فرماید": من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر؛ هر کس به حساب خویش برسد، سود می‌برد و هر کس از این وظیفه، غفلت کند، زیان می‌بیند.("۳) اگر به حساب نفس خود رسیدگی کنید و متوجه شوید منشأ ترس شما چیست، حتماً در صدد رفع آن برخواهید آمد و خواهید گفت: من الان مردی هستم و دیگران از من برتری ندارند، همه از ابتدا مثل من بودند و به مرور زمان خوب شدند، مردم کاری با من ندارند و اگر خوب صحبت کنم، به من توجه خواهند کرد. پ) پس از محاسبه نفس و امید به پیروزی برای ان که در معاشرت و مکالمه با مردم جرئت پیدا کنید، باید در اولین برخوردهای اجتماعی از ساده‌ترین روش‌های اخلاقی که مایه جلب محبت است ، استفاده کنید، مثلا در برخورد با هر کسی ابتدا سلام کند و نگذارد کسی بر او در سلام سبقت بگیرد، دوم این که با چهره متبسّم و بشّاش با مردم روبرو شود. امام علی(ع) می‌فرماید": هر تازه واردی در محیط نامأنوس، حیرت زده می‌شود، برای آرامش خاطر، سخن خود را با سلام آغاز کند.(۴) نیز می‌فرماید": گشاده رویی ریسمان مهر و محبت است.("۵) ت) تمرین، مثلاً روبه روی آینه بایستد و مطلب مورد نظر خود را بیان نماید. گاهی خبرهای داغ و دست اول را از روزنامه‌ها، کتاب‌ها، رادیو و تلویزیون بگیرد و آن را با آب و تاب برای اعضای خانواده و دوستان صمیمی مطرح نماید. ث) اعتماد به نفس، به خود تلقین کند مگر از دیگران چه کم دارم؟ چرا دیگران بتوانند و من چنان نباشم؟ پی نوشت‌ها: ۱ – غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۵۴، چاپ دانشگاه. ۲ – همان، ج ۵، ص ۱۴۷. ۳ – همان، ص ۲۱۱. ۴ – همان، ص ۱۰. ۵ – مسعود بن ابی فراس حلّی، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۱.

با توجه به مشکلاتی که در رابطه با برخورد خود با خواهر و برادرم برایتان نوشته‌ام لطفا در مورد روش‌های صحیح و اصولی انتقاد کردن از دیگران بخصوص نوجوانان و جوانان توضیح دهید؟

پرسش

با توجه به مشکلاتی که در رابطه با برخورد خود با خواهر و برادرم برایتان نوشته‌ام لطفا در مورد روش‌های صحیح و اصولی انتقاد کردن از دیگران بخصوص نوجوانان و جوانان توضیح دهید؟

پاسخ

پاسخ سؤال شما را به گونه‌ای می‌آوریم که شامل نحوه برخورد شما با اعضای خانواده نیز باشد. اصولا برای انجام هر نوع کار اصلاحی یا انتقادی باید سه چیز را در نظر بگیریم: ۱ – ریشه یابی مشکل. ۲ – شناخت مشکل و شناخت راه‌های خروج از آن. ۳ – نوع برخورد با افراد. بنابر این در برخورد با نسل نوجوان و جوان باید بسیاری از نکات را در رابطه با اینموارد در ذهن داشته باشید تا هم بتوانید باسخنان خود مثمر ثمر باشید و هم خدای نکرده تأثیرات منفی‌ای نداشته باشید. این نکات عبارتند از: – در نظر داشتن محیط زیست، وضعیت خانوادگی، محل تربیت و زیمنه‌های مساعد برای تعلیم و تربیت. مسلما کسی که دارای زمینه‌های مساعدی از این نوع نیست، نمیتواند با معیارهای خاص این چنینی مورد ارزیابی قرر گیرد. از این رو توجه داشته باشید که در برخورد با افراد، این زمینه‌ها را مد نظر داشته باشید؛ زیرا در بسیاری از محیطها، انحراف صورت عمومی و اپیدمی دارد و از این رو کسی به انحراف

بودن و ناپسند بودن کار خودش یا توجهی ندارد یا آن راچندان عیب بزرگی نمی‌شمارد. مسلما برخورد با این افراد کاملا با برخود با کسی که در محیطی کاملا متضاد رشد کرده متفاوت است. - شناخت ریشه‌ها و عوامل بنیادی سوق یافتن افراد به انحرافات هم بسیار مهم‌اند؛ همان طور که گفتیم محیط آلوده مثل محله بد، مدرسه بد، دوستان و آشنایان بد و... نقش بسیار مهمی در انواع انحرافات دارند. در این گونه اماکن، انواع و اقسام انحرافات به همراه امکان دسترسی آسان جمع شده‌اند؛ انواع عکس‌ها، فیلم‌ها، کتاب‌های داستان، نامه‌های عاشقانه، منحرفان خیابانی با جلوه‌های خاص خود، گفتگوهای طولانی و امکان سخن گفتن در مورد انواع انحرافات و از همه بدتر غرور ناشی از انجام آن‌ها که به نوعی بزرگ شدن تفسیر می‌گردد، ریشه‌های فساد در جوانان ما هستند. از نقش پدر و مادر هم نباید چشم پوشی کرد، رابطه زناشویی آزاد در نزد فرزندان و بدون مراقبت‌های لازم تا فرزندان از چند و چون قضایا مطلع نگردند و به اصطلاح حس خفته شان بیدار نگردد؛ عدم اعتقاد و پایبندی به مسائل دینی و فرایض آن مثل نماز خواندن، روزه گرفتن، شرکت در مساجد، حسینیه‌ها و اجتماعات مذهبی، گوش دادن به نوارهای مبتذل، آوردن فیلم‌های مبتذل به منزل، دشنام دادن‌ها و الفاظ رکیک به کار بردن، نداشتن پوشش درست در منزل - مثلا بسیاری از مادرها و دخترها در منزل با لباس زیر و خیلی مکشوفه و یا آرایش می‌گردند و گمان می‌کنند محرم بودن جواز این کارها است در حالی که همین کارها موجب آسیب روانی بر ذهن فرزندان می‌گردد و چیزهایی از این قبیل جزء عوامل اصلی و ریشه‌های انحراف در جوانان است. - از سوی دیگر تعصب و تقید شدید به مذهب و پافشاری بی منطق بر مبانی دینی و ارزشی نیز می‌تواند سبب گریز فرزندان از حریم دین و ورود به ناهنجاری‌های دیگر شود. - عدم آرامش در منزل هم سبب ایجاد ناهنجاری و پذیرش انحرافات می‌گردد، دعواهای خانوادگی و فامیلی جزء مهم‌ترین برهم زننده‌های تعادل در خانواه‌اند. - شناخت اصل انحراف و راه‌های دوری از آن با توجه به زمینه‌های پیدایش آن نیز جزء مهم‌ترین نکات است؛ زیرا سبب می‌شود که ما در برخورد با یک ناهنجاری ابتدا در از میان بردن ریشه‌های آن کوشاباشیم، سپس با توجه به روحیه افراد به مدد آنان برخیزیم و نوع برخورد خود را با توجه کامل به روحیات آنان تنظیم کنیم. و نیز با عدم تشخیص اشتباه در نوع انحراف از یاد دادن سایر انحرافات نیز پرهیز کنیم. حال با توجه به آن چه که برای شما نوشته‌ایم امیدواریم که به عمق کاری که در پیش دارید واقف گشته باشید و دانسته باشید که اصلاح یک انحراف حتی خیلی کوچک، کار بسیار مهم و اساسی است. به گمان ما طرح مسائل خانواده با پدر و مادر خانواده در خفا (در صورتی که می‌بینید زمینه مناسب است) می‌تواند کمک مؤثری باشد. در مورد خودتان هم باید بگوییم که بهتر است فعلا با خوشرویی و محبت با اعضاء خانواده تان برخورد کنید و سعی کنید با اخلاق پسندیده و محبت وافر فضای تازه‌ای را در منزل ایجاد کنید. لطف کنید از تظاهر به دینداری، تقدس، خوب بودن و چیزهایی از این قبیل که گهگاه بر انسان عارض می‌شود پرهیز کنید، امید است خداوند شما و خانواده‌تان را مشمول رحمت و عنایت خویش قرار دهد. در صورتی که سؤال دیگری داشتید می‌توانید بر همکاری و دوستی واحد ما حساب کنید. در انتظار مکتوبی دیگر از شما هستیم. خدا نگهدارتان باد!

خواهر ۱۶ ساله‌ای دارم که در دبیرستان تحصیل می‌کند او دختر با حجابی است، ولی اخیراً از خاطراتش فهمیدم که عاشق پسری شده است او را چگونه راهنمایی کنم؟

پرسش

خواهر ۱۶ ساله‌ای دارم که در دبیرستان تحصیل می‌کند او دختر با حجابی است، ولی اخیراً از خاطراتش فهمیدم که عاشق پسری شده است او را چگونه راهنمایی کنم؟

پاسخ

هر چند مطالعه خاطرات خواهرتان کار پسندیده‌ای نبوده است، ولی به هر صورت وظیفه شما در این شرایط آگاهی دادن به ایشان است، ولی باید بسیار با دقت و ظرافت کاملی این کار را انجام دهید. از موعظه و تذکّر مستقیم خودداری کنید. با توجه به این که ایشان دختر منطقی و با حجابی می‌باشد زمینه پند پذیری در او بسیار مساعد است. باید بر نقاط قوت خواهرتان تأکید ورزید و هرگز خطاها و لغزش‌های ایشان را به رخ نکشانید و به طور غیر مستقیم با ذکر سرنوشت افراد که به انحراف کشیده شده و یا فریب شیادان را خوردند و مراقبت بیشتر از ایشان و زیر نظر گرفتن او به طوری که او نفهمد و با ارائه کتاب‌های مفید و نشریه‌ها یا مجلات سودمند می‌توانید به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایید و در صورت توان رابطه ایشان با دوستش را که رابطه با آن پسر را فراهم کرده، قطع نمایید.

دوستم با این که چادری با شخصیتی است، ولی نسبت به شهدا، امام خمینی و مقام معظم رهبری بدگویی می کند هر قدر نصیحتش می کنم بی فایده است؟ برای راهنمایی او چه کنم؟

پرسش

دوستم با این که چادری با شخصیتی است، ولی نسبت به شهدا، امام خمینی و مقام معظم رهبری بدگویی می کند هر قدر نصیحتش می کنم بی فایده است؟ برای راهنمایی او چه کنم؟

پاسخ

خواهر گرامی! احساس مسئولیت شما در امور دینی و اجتماعی و روحیهٔ امر به معروف و نهی از منکر و دل سوزی و شفقت شما نسبت به دوستان شایسته تقدیر و تحسین است، موفقیت روز افزون شما را در شناخت و معرفت بیشتر اسلام و عمل به آن را از خداوند مسئلت داریم. خواهر! در روزگار فتنه های فرهنگی و اجتماعی و هجوم های دین ستیزی و دین گریزی، بر سر گذاشتن چادر که نماد حجاب برتر اسلامی است. زینت و افتخاری برای آن خانم است و این پیام را به دنبال دارد که اعتقادات مذهبی و دینی در عمق جان شان ریشه دارد. اگر چه ممکن است در سایر ابواب و اصول و فروع دین شناخت و معرفتی سطحی و بر پایهٔ شنیده ها و گفته ها داشته باشد. بدبینی ها و بدگویی های این گونه افراد باید علت یابی گردد تا متناسب با ریشه های برخوردی مناسب داشت و به تعبیر قرآن با روش... " حادلهم بالّتی هی احسن "با آن ها مذاکره و گفتگو کرد؛ زیرا این گونه افراد ممکن است به علت وضعیت معیشتی و اقتصادی نامطلوب و بیکاری یا برخورد نادرس برخی ادارات، شخصیت های دولتی و مذهبی با آن ها چنین روحیه ای پیدا کرده باشند و یا از حرف ها و تبلیغات دیگران اعم از دوستان و خانواده و درگیری ها ، روزنامه ها و مطبوعات و رادیوهای بیگانه ذهنیت نادرستی برایشان ایجاد شده و یا شکست هایی در زندگی آنان مانند عدم توان ادامه تحصیل یا پیدا نشدن شغل یا همسر مناسب، عقده های روانی ناخواسته و نا آگاهانه ای را در آنان پدید آورده باشد که همه علل ذکر شده ناشی از سطحی نگری و ضعف معرفت دینی و بنیه علمی و فکری است. جهت تغییر و اصلاح بینش دینی و اجتماعی این گونه افراد باید از شیوهٔ آموزش و تأثیر گذاری غیر مستقیم بهره جست. مرحله اول معرفی کردن یا هدیده دادن کتاب های اخلاقی مانند: قلب سلیم، نفس مطمئنه، گناهان کبیره(هرسه از شهید دستغیب)، اخلاق عملی آیت الله مهدوی کنی، وصیت نامه هشدا و علما و از جمله امام خمینی ره. بنابراین در قدم اول باید علت مخالفت و بدگویی ایشان را به دست آورید. شاید معاشر بدی دارد و یا علت دیگری، پس از کشف علت یا علل به درمان او بپردازید. برای راهنمایی بیشتر با مسئول واحد تماس بگیرید. تلفن:› ۷۷۴۳۱۸۳-۰۲۵۱

وظیفهٔ من در مقابل دوستان بد حجابم چیست؟

پرسش

وظیفهٔ من در مقابل دوستان بد حجابم چیست؟

پاسخ

وظیفهٔ اصلی و اساسی شما نهی از منکر است، ولی این مسئولیت باید به طور شایسته و صحیح انجام گیرد تا نتیجهٔ مطلوب حاصل شود. در انجام این وظیفه، احکام و شرایطی را که در این زمینه بیان شده، بدانید و فرا گیرید، زیرا چه بسا انسان بی اطلاع کارهایی انجام می‌دهد که ضرر آن بیشتر از نفع است. این احکام و شرایط در رسالهٔ امام خمینی(ره) و بعضی از کتاب‌ها و جزوه ها بیان شده است. به دختر جوانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کند، نمی توان به زور مقنعه و چادر پوشاند، بلکه باید او با رغبت و میل باطنی حجاب را بپذیرد و به آن باور درونی پیدا نماید. وقتی برای خانمی، زیبایی و فضیلت و فواید و آثار حجاب جا نیفتاده باشد، طبیعی است که آن را نمی پذیرد و فشار و تحمیل خارجی اثر دراز مدت ندارد. در این راستا لازم است کتاب هایی را که دربارهٔ حجاب است، در اختیار ایشان قرار دهید. در برخورد با دوستتان نکاتی را حتماً مورد نظر داشته باشید: ۱ـ اعطای شخصیت: هرگز به خاطر بدحجابی نسبت به ایشان بی احترامی نکنید و آمرانه و قلدرمآبانه برخورد ننمایید، بلکه خواهرانه و دوستانه برخورد کنید و با گفتن جملاتی مانند: این عمل در شأن شما نیست یا شأن شما بالاتر از این ها است، او را راهنمایی کنید. به طور کلی به صورت پیشنهادی باشد، نه دستوری. ۲ـ جلب اعتماد: نهی از منکر وقتی تأثیر دارد که اعتماد طرف مقابل جلب گردد. بنابراین قبل از آموزش باید جذب صورت گیرد. امام علی(ع) می‌فرماید": قلوب الرجال وحشیهٔ فمن تألّفها أقبلت علیه؛ دل های مردم وحشی است. پس هر کسی آن قلوب را جذب کند، به او روی خواهند آورد.[۱]" سعی کنید با رفاقت با ایشان دلشان را به دست آورید. ۳ـ در نظر گرفتن وضع روحی و روانی: در نهی از منکر باید به این نکته روان شناختی توجه داشت که حرف در زمانی که احتمال تأثیر آن می رود، زده شود. بدیهی است انسان همیشه حال و حوصلهٔ سخن گوش دادن را ندارد. امام علی(ع) می‌فرماید": دل ها برای قبول نصیحت اقبال (روی آوردن) و ادبار (نپذیرفتن) دارند؛ پس در مواقع پذیرش، آن‌ها را دریابید، زیرا اگر دل نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد کور بوده، چیزی را نمی‌بینند.[۲]" ۴ـ رعایت نزاکت و ادب: قرآن مجید دربارهٔ نحوهٔ برخورد می‌فرماید": ادفع بالّتی هی أحسن السیئهٔ؛ ای رسول ما تو آزار و بدی های امت را به آن چه نیکوتر است، دفع کن.[۳]"۱ انسان در مقابل خشونت و یا ملایمت، واکنش مناسب با اوضاع را بروز خواهد داد. اگر به یک نفر با عصبانیت بگویید: حجابت را رعایت کن، ممکن است در جواب بگوید: چرا، چنین کنم؟! اگر با احترام از او چنین تقاضایی داشته باشید، قبول می کند. ۵ـ محترم شمردن عقاید افراد: خانمی که با بدحجابی وارد جامعه می‌شود و آن را نشانهٔ عظمت و تمدن می داند، این ها را ارزش تلقی می کند و نشانهٔ شخصیت می پندارد. واضح است که هیچ گونه اهانت و تحقیری را نسبت به فکر خود نمی پذیرد. در برخورد با این افراد باید به آن‌ها فهماند که به عقیده و نظرشان احترام می گذارید، ولی این انتخاب را صحیح نمی دانید. ۶ـ پافشاری بر نکات مثبت: از ابتدا نباید کار خلاف دیگران را مطرح کرد، زیرا زمینهٔ پذیرش وجود ندارد و چه بسا واکنش نشان داده می‌شود. در آغاز باید طرف مقابل را به خاطر صفات مثبت ستود تا از این طریق احساس کرامت کند و در مقام تلافی و ستیزه جویی بر نیاید. ۷ـ برخورد با علل: برای رفع ناهنجاری ها باید علل را بازشناسی کرد. بی حجابی یا بد حجابی دختران قطعاً علل مختلفی دارد، مانند عدم تربیت صحیح، بی محبتی پدر و مادر، معاشرت با نااهلان و اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی. با ریشه‌یابی و عکس العمل مناسب با آن می توان با این پدیدهٔ ناپسند مبارزه کرد. [۱]نهج البلاغه، قصار ۴۷. [۲]همان، قصار ۱۸۴. [۳]مؤمنون (۲۳) آیهٔ ۹۶.

برای این که دیگران را به اخلاق نیک دعوت کنیم چه آیاتی برای آن‌ها بخوانیم

پرسش

برای این که دیگران را به اخلاق نیک دعوت کنیم چه آیاتی برای آن‌ها بخوانیم

پاسخ

با توجه به این که اخلاق نیک و تزکیهٔ نفس اساس و زیر بنای سعادت انسان را تشکیل می‌دهد، بسیاری از آیات قرآن مجید، مستقیم یا غیرمستقیم با اخلاق و فضایل نفسانی ارتباط دارد، در این پاسخ به برخی از آیاتی که انسان را به مکارم اخلاق دعوت فرموده و نمونه‌ای دیگر از آیات که انسان را از رذایل اخلاقی باز می‌دارد، اشاره می‌کنیم ۱. قرآن مجید یکی از عوامل پیشرفت پیامبراکرم۹ و موفقیت او در گسترش اسلام را، اخلاق نیک آن حضرت می‌داند، در آیهٔ ۱۵۹ سورهٔ آل عمران آمده" به برکت رحمت الهی در برابر آنان]مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند ".۲. حلم و بردباری و فرونشاندن خشم" وَالْكَـظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ(; آل عمران ۱۳۴) کسانی که خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم در می گذرند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد ".و نیز آیهٔ ۶۳ فرقان و ۱۹۹ اعراف ۳. ادا کردن امانت" إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّواْ الاَمَـنَـتِ إِلَىَ أَهْلِهَا(;... نسأ،۵۸) خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید ".و نیز آیهٔ ۸ مؤمنون و ۲۸۳ بقره ۴. فروتنی" وَ عِبَادُ الرَّحْمَـنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الاَرْضِ هَوْنًا(; فرقان ۶۳) بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند ".۵. وفای به عهد و ادای امانت خداوند مهربان در سوره آل‌عمران آیه ۷۶، مردم را به رعایت کردن عهد و پیمان‌هایشان با دیگران دعوت می کند و می‌فرماید": آری هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی‌تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد ".و نیز آیات مؤمنون ۸ ; اسرأ، ۳۴ ; نحل ۹۱. ۶. صبر و شکیبایی" ای کسانی که ایمان آورده‌اید ;از صبر و شکیبایی و نماز یاری جویید ;زیرا خدا با شکیبایان است . (بقره ۱۵۳) هم چنین در مورد دعوت دیگران به دوری از کارهای بد و اخلاق ناپسند به چند نمونه از آیات اشاره می‌شود. ۱. ترک خیانت" يَـأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تَخُونُواْ اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوَاْ أَمَـنَـتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ(; انفال ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خداو پیامبر خیانت نکنید و نیز در امانت‌های خود خیانت روا مدارید، در حالی که می‌دانید]این کار، گناه بزرگی است " [۲. پرهیز از دروغ" إِنَّمَا يَفْتَرِى الْكَذِبَ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِ ءَايَـتِ اللَّهِ وَأُوْلَـئِكَ هُمُ الْكَـذِبُونَ(; نحل ۱۰۵) تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند،]آری دروغ گویان واقعی آنها هستند ".و نیز آیات زمر، ۳ ;غافر، ۲۸. ۳. دوری از غیبت" وَ لاَ يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ(;حجرات ۱۲) هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما که دوست دارد که گوشت برادر مردهٔ خود را بخورد؟]به یقین همهٔ شما از این امر کراهت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر است ".۴. دوری از سخن چینی و سرزنش دیگران" وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ(; همزه ۱) وای بر عیب جوی مسخره کننده " و نیز آیات قلم ۱۰ ـ ۱۳.

فرهنگ

رسانه ها

نقش ارتباطات در جامعه چیست ؟

پرسش

نقش ارتباطات در جامعه چیست ؟

پاسخ

ارتباطات مانند رادیو, تلویزیون , تلفن , تلکس , فاکس , ماهواره , روزنامه ها, مجلات , و... پدیده ءبسیار مهمی است که در دنیای کنونی بیشترین نقش را در پیشرفت بخش های مختلف جامعه عهده دار می باشد و تاآن جا پیش رفته که می تون ارتباطات را کلید دهکدهء جهانی فرض کرد. بر اثر ارتباطات می توان جامعه را به وحدت ,مشارکت و یکپارچگی و تعالی و ترقی رساند و نیز می توان به خاطر تبلیغات سوء از ارتباطات جامعه را به تفرقه وپراکندنی و فحشا و منکر و انحطاط کشاند.(۱) (پاورقی ۱.همان .

چرا اینقدر در فیلمهای تلویزیون ازدواج را تبلیغ میکنند.این در بعضی موارد باعث اختلاف بین جوانان میشود.

پرسش

چرا اینقدر در فیلمهای تلویزیون ازدواج را تبلیغ میکنند.این در بعضی موارد باعث اختلاف بین جوانان میشود.

پاسخ

ازدواج از جایگاه ارزشی بسیار بالایی در دین اسلام برخوردار بوده و تاثیرات بسیار زیادی در رشد و تکامل فرد و اجتماع دارد؛ پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره اهمیت ازدواج می فرمایند: «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله_ عزوجل _و اعز من التزویج» ؛ (بحارالانوار, ج ۱۰۳, ص ۲۲۲) یعنی هیچ کانونی در اسلام بر پا شنده است که نزد خداوند محبوب تر و عزیزتر از کانون ازدواج باشد. و امام علی(ع) می فرماید: «هیچ یک از یاران رسول خدا ازدواج نمی کند, مگر اینکه پیامبر اکرم درباره او می فرمود: (دینش کامل شد)» (مکارم الاخلاق، ص ۹۹) بنابراین ازدوا از ارزش های مهم دین مبین اسلام بوده که تبلیغ و ترویج آن امری مثبت و ضروری تلقی می شود. و از سوی دیگر ازدواج یکی از موضوعات مهم و حیاتی جامعه کنونی ماست که اکثریت جوان می باشند؛ لذا لازم است توسط دستگاه های فرهنگی و رسانه های ملی توجه جدی به آن شود، متأسفانه بالارفتن سن ازدواج از یک سو و هجوم فرهنگ غرب و آموزه های فردگرایی، لذت طلبی و عدم پذیرش مسؤولیت و ... همچنین مشکلات و نارسایی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در این زمینه وجود دارد، سبب شده تا درصد قابل توجهی از جوانان اقبال کمتری به این مسأله مهم داشته باشند به عنوان نمونه بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۶۴ هزار ازدواج به ثبت رسیده است که نسبت به سال ۱۳۷۴، دو درصد کاهش نشان می دهد، از سال ۱۳۶۷ به بعد، به ازای هر سال، شش ماه به میانگین سن ازدواج افزوده شده است، آمارهای موجود نشان می دهد که میزان جدایی ها (طلاق) افزایش و ازدواجها کاهش یافته است. (جوانان و ازدواج، اسماعیل بیابانگرد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۳) ویل دورانت، دانشمند معروف، درباره ترغیب جوانان به ازدواج می گوید: «اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سالهای طبیعی انجام گیرد، فساد و انحرافهای جنسی، تنهایی و عزلت ناپسند و برخی امراض روانی، به میزان زیادی کاهش خواهد یافت، ... عشق جنسی جوانان، زودتر از توانایی اقتصادی شان فرا می رسد. ما نباید از این پیشامد حذر کنیم و بگذریم آن عشق افسرده شود و بمیرد. ازدواجی که برپایه عشق تازه و نمرده دختر و پسر انجام شود، در طی سالهای طولانی، زندگی آن ها را معطر و خوشبو می کند و گرنه عمیق، فرمال و ایده ال نخواهد بود» (لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، خویی، نشر اندیشه، ۱۳۷۵، ص ۱۷۴) از این رو با توجه به عوامل فوق به نظر می رسد اصل تبلیغ و

ترویج فرهنگ ازدواج، اقدامی مثبت و در راستای نیازهای جامعه جوان ما باشد، هر چند حل اساسی مشکل ازدواج نیازمند بهبود نسبی عوامل اقتصادی – معیشتی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است که در این بخشها نیز تلیغات و فرهنگ سازی صحیح توسط رسانه های عمومی می تواند نقش مؤثری ایفا نماید. و نکته آخر اینکه، تمام مطالب فوق درباره اصل مسأله ازدواج و تبلیغ آن توسط تلویزیون می باشد، اما اینکه روشها و الگودهی های برنامه های تلویزیون تا چه اندازه صحیح و مطابق ارزش های اسلامی و مقتضیات جامعه اسلامی ماست، نیازمند بررسی دقیق است که از عهده این مرکز خارج بوده و باید پاسخ آن را از مسؤولین آن رسانه جویا شد.

نظر شما در مورد فیلم مارمولک و نکات مثبت و منفی آن چیست؟

پرسش

نظر شما در مورد فیلم مارمولک و نکات مثبت و منفی آن چیست؟

پاسخ

به طور کلی نظر کارشناسی درباره فیلم از ابعاد مختلف هنری و محتوایی قابل بررسی است و آثار مستقیم و غیرمستقیم بر بینندگان را باید در یک نظرسنجی و تحقیق میدانی به نتیجه گیری رساند. لذا اگر چه این فیلم چه بسا با انگیزه های غیر مغرضانه تهیه شده باشد ولی با توجه به برداشت بینندگان ، معلوم می شود پیامدهای منفی آن بیشتر بوده است. برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم: فیلم مارمولک ساخته کمال تبریزی در نظر اهل فرهنگ ، بازتاب های مختلفی در پی داشته ، عده ای آن را نمی پسندند و معتقدند باید این فیلم توقیف شود و عده ای دیگر آن را در نوع خود بی نظیر می دانند که هر دو از دغدغه های پیروی می کنند گروه اول نگران اهانت به نیروی انتظامی ، مردم، جوانان ، روحانیت هستند و از آن بیم می رود که سر آغاز اهانت های بعدی باشد. گروه دوم که تهیه کنندگان و کارگردان و کسانی که با نگاه سازندگی و اطلاع رسانی و نگاه مثبت تحلیل می کنند نگران آنند که تکثیر خط قرمز ها و ایجاد محدودیت ها ممکن است در رشد فرهنگی و هنری جامعه ، توقف ایجاد شود. تحلیل گروه دوم بطور خلاصه این چنین است: موافقان اکران فیلم ۱. کمال تبریزی نیز صاحب دغدغه ای از همان جنس است و او با این فیلم، هرگز نخواسته است تصویری نامطلوب از روحانیت به نمایش بگذارد بلکه کوشیده است تا بیننده به بلوغ تمایز برسد. ایشان به گفته منوچهر محمدی «تهیه کننده» می گوید: مضمون این فیلم تا حد آشکاری تأکید بر نزدیکی مردم و روحانیت دارد. به عبارتی فیلم با هدف اصلاح ارتباط مردم و روحانیون ساخته شده است و از طرف دیگر سازندگان فیلم در همه گفتارها و اعلام نظرات خود بر این نکته تأکید می کنند که فیلم، در همه مراحل تولید از نگارش فیلنامه تا نمایش آن با همفکری صاحب نظران غیر سینمایی در حیطه های گوناگون انجام گرفته است. (روزنامه شرق، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت) وی معتقد است که فیلم مارمولک نه تنها در جهت توهین به روحانیت و قداست زدایی از آن نیست بلکه درست در جهت قداست بخشیدن مضاعف به آنها است. اما نقد و نظریه گروه اول و مخالفان اکران فیلم در این فیلم چند گروه مورد اهانت و تمسخر قرار گرفته اند به طور خلاصه عبارتند از: ۱. نیروی انتظامی و مأموران زندان و نیز افسر نیروی انتظامی در قطار و افسر راهنمایی رانندگی که این فیلم در صدد القا این است که نیروهای انتظامی و مأموران راهنمایی و رانندگی خادم مردم نیستند بلکه حافظ منافع روحانیت هستند. ۲. در تمام فیلم به شدت و پر رنگتر از خط استهزا، روحانیت است. کارگردان کاراکتر خوبی از روحانیت ساخته که باید ضد قانون و روشنفکر باشد. ویژگی خوب را در یک آخوند قلابی گذاشته که نمی توانند دیگر ویژگیها را داشته باشد. که به راحتی می توان به او خندید. ۳. گروه

مدیران کشور است از جمله مدیر قطار که این صحنه تأیید دیگری است که مدیران مشتی چاپلوسان نسبت به رژیم هستند در حالی که این طوری نیست. ۴. جریان دیگر که در این فیلم مسخره می شود توده مردم و القا نفهمی به عموم است در صورتی که مردم ما آگاه هوشیار و زیرک اند و افراد باسواد و کم سواد را به خوبی تشخیص می دهند. ۵. گروه دیگر جوانان هستند که با روحانیت گره خورده اند و این قضیه از نقاط انحرافی است و در حقیقت گسستن پیوند جوانان با روحانیت است . ۶. مهمترین چیزی که در فیلم یاد شده – از دید کارشناسی و هنرشناسی – قابل بررسی و دقت نظر است آن که با تکیه بر برخی موارد منفی که ممکن است از بعضی افراد روحانی نما سر زده باشد آن را به شکل عمومی به نام همه روحانیت مطرح می کند بی آن که مسأله را تفکیک کرده باشد فقط در یک جا آن هم آخر فیلم و خیلی ساده و کم رنگ به جایگاه روحانیت اصیل اشاره دارد ولی به هر حال از انتخاب اسم فیلم (مارمولک) تا نحوه بازیگری آقای پرستویی با لباس روحانی، سراسر دید ناصحیح و مسخره آمیز از لباس روحانیت و مردم مؤمن را به نمایش گذاشته است.

یکی از رسالت های صداوسیما تلاش در بهبود وضع فرهنگی جامعه است و یک راه آن تقویت موسیقی سنتی است .ما دانشجویان از شما می خواهیم که به صداوسیما گوشزد کنیدکه این قدر از رهبری مایه نگذارد مگر رهبری موافق موسیقی پاپ و جاز است ? چرا آقای علی معلم دامغانی و آقای

پرسش

یکی از رسالت های صداوسیما تلاش در بهبود وضع فرهنگی جامعه است و یک راه آن تقویت موسیقی سنتی است .ما دانشجویان از شما می خواهیم که به صداوسیما گوشزد کنیدکه این قدر از رهبری مایه نگذارد مگر رهبری موافق موسیقی پاپ و جاز است? چرا آقای علی معلم دامغانی و آقای ضرغامی دروغ می گویند ? ما از شما خواهش می کنیم که به استدلال های این دو نگاه کنید که چقدر دروغ و خنده آور است . لطفا پاسختان را به ایمیل ما بدهید . در ضمن از صداوسیما بخواهید که اول از خودش درباره ی پاسخگوئی شروع کند .

پاسخ

با تشکر از حسن اعتماد شما و ستایش دغدغه شما نسبت به بهبود وضعیت فرهنگی, به اطلاع می رساند متن نامه شما به روابط عمومی صداوسیما ارسال شد. و اما در خصوص نیاز به موسیقی و ملاک حرمت و یا مجوز استفاده از آن توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم: وجود هر گرایش طبیعی و درونی، نیاز پاسخگویی را می‌طلبد. جذابیت سمفونی از این قاعده مستثنی نیست. اما باید دانست چگونگی پاسخگویی به غرایز ابتدایی و نیازهای پس از رشد یافتگی، تا میزانی مشترک میان تمامی اقوام و فرهنگ‌ها و پیروان ادیان است. مانند آن که استفاده از «آب» برای رفع تشنگی نزد همگان مشترک است. تفاوت از آنجا آغاز می‌شود که برای رفع این نیاز اصلی در پی آماده‌سازی و پیشنهاد نوشیدنی‌های متنوع باشیم. اینجاست که نظریه‌های انسان‌شناختی و فاکتورهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی رخ می‌نماید و کنش‌ها و واکنش‌ها بروز می‌کند. پیچیدگی‌ها و ابهام آنگاه فزونی می‌یابد که در عصر ارتباطات، تنوع پاسخگویی به نیازها بسیار فراوان می‌شود و از میان آن همه «انتخاب پاسخگو» به نیاز اصیل و طبیعی «بدون عوارض»، کاری بس دشوار می‌باشد و تلاش همگانی را برای انتخاب صحیح و یا پیدا کردن جایگزین می‌طلبد. جهت شفاف سازی درباره خصوص موسیقی متذکر می‌شویم: موسیقی به طور کلی دارای دو نوع است: ۱- موسیقی غنائی: هرگونه آهنگی است که به لحاظ شکل یا محتوا موجب تحریک شهوت و متناسب با مجالس گناه است. این‌گونه موسیقی، گاهی آرامش تخدیرگونه

برای اعصاب دارد و گاهی هیجانات ناهنجار برای روان در پی دارد و غفلت از یاد خدا، پرده‌پوشی عقل از آثار نمایان آن است.
۲- موسیقی غیرغنایی: شامل صوت قرآن، موسیقی عرفانی، مارش عزا، مارش نظامی، آواز حُدی (برای تحریک حیوانات و دام) و حتی موسیقی مناسب برای رشد گیاهان، می‌شود. این نوع موسیقی میتواند پاسخگوی نیاز انسان به زیبایی‌های سمفونی و موسیقی باشد و با اجراهای متنوع می‌تواند جایگزین موسیقی غنایی باشد. قرآن کریم دارای نثری آهنگ‌پذیر است و این خاصیت خود یکی از معجزات این کتاب مقدس است. از آهنگ‌پذیری قرآن کریم و تشویقی که نسبت به آهنگین و نیکو خواندن آن وجود دارد، نتیجه می‌گیریم که انسان در طی مسیر کمال و به منظور تحصیل آرامش روانی و صفای دل، صوت دلنشین قرآن نیاز دارد به همین جهت، تلاوت آن با صدای نیکو، مستحب و محبوب خدای متعال است. غزلیات و اشعار عرفانی دارای سمفونی پرجاذبه‌ای است که شنیدن و زمزمه آن با صدای خوش بسیار آرامش‌بخش و آگاهی‌ساز است و می‌تواند جایگزین مناسبی برای موسیقی غنایی باشد. از بوعلی سینا آورده شده: آهنگ خوش آن مقدار که حکمت لازم می‌شمارد؛ جوهر نفس آدمی را تقویت می‌کند و قوای باطنی او را تمرکز می‌بخشد؛ نه آن آهنگی که امور شهوانی را در انسان تحریک می‌کند. (جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۲۷۸) افلاطون حکیم می‌گوید: آن کس که همه عمر را به ترنّم نغمات حظّ از زیبایی صوت می.....Иj.....همان طور که آهن در اثر آتش نرم می‌شود، عنصر «غیرت» در نفس وی ملایم می‌گردد و طولی نخواهد کشید که «شجاعت» وی نیز تحلیل رود. (جمهوری افلاطون، ص ۶ـ۱۹۴) به امید آن که با هم‌فکری و خویشتن‌داری به بالندگی معنوی خود و جامعه کمک کنیم. بررسی متون دینی و آراء عالمان دین نشان می‌دهد که موسیقی از نظر اسلام در چند صورت حرام می‌باشد: ۱) موسیقی مطرب یعنی آهنگهایی که موجب تحریکات غیر ارادی در شنونده شود و انسان را از یاد خدا غافل می‌سازد. منظور از محرک بودن نیز نوعی و شأنی است؛ یعنی، به طور معمول چنین اثری را دارا باشد نه فقط نسبت به شخص خاص. ۲) موسیقی همراه با مضامین لهوی یعنی آهنگهایی که در کنار آن اشعار و سرودهایی قرائت می‌شوند که به گونه‌ای موجب فساد اخلاق و انحراف اذهان است مانند ترانه‌های عاشقانه و اشعاری که در وصف زن، شراب و غیره است و از همین قسم است اشعاری که به هر نحو موجب ترویج باطل و مخالفت با حق باشد مانند اشعاری که بر علیه اسلام و مقدسات آن همچون قرآن، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) یا نظام و حکومت اسلامی بوده و یا در جهت تایید کفر و شرک و نظامهای فاسد و سردمداران آن باشد. ۳) موسیقی در مجلس گناه و لهوولعب مانند آهنگهایی که در حال رقص یا نوشیدن شراب و غیره نواخته می‌شوند. در هر صورت معیار در حرمت موسیقی مناسب بودن آن با مجالس لهو و داشتن مضامین فساد انگیز و اغوا کننده است. موسیقی طرب‌انگیز که شایسته مجالس لهو و باطل است حرام است. فرق نمی‌کند که از صداو سیما باشد یا غیر آن . تاثیر برفرد داشته باشد ویا نداشته باشد. اصیل باشد و یا غیر اصیل . ایرانی باشد و یا غیر ایرانی ولی موسیقی که مناسب مجالس لهو نباشدو ملاک‌های حرمت را نداشه باشد حرام نیست.

از جنابعالی تقاضا دارم توضیح دهید که چرا مسائل مربوط به اغتشاشات دانشجویان و مردمی هیچ گاه بطور شفاف و واضح در رسانه های گروهی بخصوص درتلویزیون به نمایش گزارده نمی شود؟

پرسش

از جنابعالی تقاضا دارم توضیح دهید که چرا مسائل مربوط به اغتشاشات دانشجویان و مردمی هیچ گاه بطور شفاف و واضح در رسانه های گروهی بخصوص درتلویزیون به نمایش گزارده نمی شود؟

پاسخ

درحد لازم برای روشن شدن افکار عمومی صحنه ها وتصاویر آن از تلویزیون پخش می شود منتهی نشان دادن همه وقایع موجب بزرگنمایی موضوع و التهاب جامعه شده و نگرانیهای مردم را افزایش خواهد داد، از طرفی مطبوعات غیر خودی این اغتشاشات را از زاویه دیدگاه خودشان مطرح کرده وبا بزرگنمایی آن درافکار عمومی شبهه ایجاد نموده و واقعیت ها را پنهان می نمایند.

چرا در جامعه ای مثل کشور ما که یک جامعه اسلامی است از طرق مختلف سازمان های مختلف باعث بدآموزی کودکان معصوم وبی گناه می شوند؟ مثلا با پخش فیلم های خارجی به حساب خودشان دوبله شده باعث می شوند که چشم نوجوانان حالتی پیدا کند که تنها دنبال فیلم های خارجی باشد

پرسش

چرا در جامعه ای مثل کشور ما که یک جامعه اسلامی است از طرق مختلف سازمان های مختلف باعث بدآموزی کودکان معصوم وبی گناه می شوند؟ مثلا با پخش فیلم های خارجی به حساب خودشان دوبله شده باعث می شوند که چشم نوجوانان حالتی پیدا کند که تنها دنبال فیلم های خارجی باشد ودیگر نسبت به فیلم های ایرانی دل سرد شوند که این باعث از بین رفتن مرز اسلام می شود.

پاسخ

درود وصلوات الهی برشما نوجوان فهیم ودوست داشتنی که علی رغم سن خویش مفاهیم عمیق را درک می کنید و در مقام مطالبه از مسئولان برمی آیید آفرین برشما وامثال شما، خدا را شاکر و سپاسگزاریم که با چنین نوجوانان فهمیده ومتعهد ومسئول سروکار داریم. دوست عزیز مانیز همانند شما فکر می کنیم ونسبت به بسیاری از برنامه های فرهنگی و هنری اجرا شده دررسانه ها منتقد هستیم وآرزو می کنیم روزی برسد که برنامه های فرهنگی و هنری ما ، از چنان جاذبه وجذابیتی برخوردار گردد که نه تنها جوانان ونوجوانان کشور خودمان بلکه نوجوانان وجوانان سایر کشورها وبلاد اسلامی را نیز به خودش جلب و جذب نماید. این از آرزوها وآمال ما و شما وهم دلسوزان به اسلام ونظام اسلامی است که امیدواریم روزی تحقق آنرا ببینیم. البته ذکر این نکته نیز شایان توجه است که دست یافتن به چنین امری اگر چه محال نیست ولی سهل و ساده هم نیست ولی اگر جوانانی همانند شماکه چنین احساس مسئولیتی دارند در کنار مطالبه ومؤاخذه مسئولان مصمم بشوند وارد عرصه هنر بشوند با توکل واتکال به خداوند وهمت وجدیت و پشتکار ونیز فراگیری فنون عملی وهنری وتبلیغی قادرند برنامه های هنری و فرهنگی تولید وعرضه نمایند که نه تنها جامعه خودمان بلکه سایر جوامع رانیز تحت تأثیر قرار می دهد همچنانکه گاهی شاهد چنین برنامه هایی هستیم. جوانان ایران زمین استعداد و توانایی خلق آثار مختلف فرهنگی وهنری را دارند مشروط بر اینکه همت گمارند وبا توکل به خدا به سوی اهداف متعالی گام بردارند. تحولی که هنرمند شهید سید مرتضی آوینی درعرصه هنر ونمایش و ... بوجود آورد تحول کمی نبود، ما می توانیم با تکیه بر استعدادهای نوجوانانی همانند شما که احساس دردمندی وتعهد را توأمان با یکدیگر دارید آوینی های زیادی درعرصه هنر وسینما و...بپردازیم. مهم باور واتکاء به نفس است که امیدواریم این مهم محقق شود همچنانکه درمسابقات علمی و بین المللی جوانان ایرانی نشان داده اند قادرند غول های علمی دنیا را پشت سر گذارند وبرکرسی موفقیت و پیروزی در عرصه های جهانی تکیه زنند. دوست عزیز نوجوان، بازخواست ومؤاخذه مسئولان کاری است لازم وضروری ولی کافی نیست. همه باید همت کنیم با منع تماشای فیلم خارجی یا عدم پخش آن مشکل حل نخواهد شد اگر فیلم خارجی پخش نشود فیلم های غیر مجاز شیوع و رواج خواهد یافت. اگر فیلم های ایرانی جذابیت لازم را داشته باشد بصورت خودکار نسل جوان بسوی آنها خواهند رفت ولی اگر

ازاین جـذابیت برخوردار نباشـد بسوی فیلم هـای خـارجی واحیاناً غیر مجاز کشـیده خواهنـد شـد. پس پیش بسوی تحقق این آرمان مقـدس وتبلیغ وترویـج والقاء حس خودباوری وتوانمندی در نسل جوان ونوجوان وبا امید به آرزوی روزی که هنر وسـینمایی بالنده ومطرح درسطح جهانی داشته باشیم. ان شاءا...

۱–چرا اگر داشتن مرجع تقلید برای افراد ضروری است متولیان فرهنگی بخصوص صدا وسیما اهمیت آن را تبلیغ نمیکند ؟

اشاره

۲– اگر یک مسلمانی مرجع تقلید نداشته باشد چه حکمی دارد ؟

پرسش

۱–چرا اگر داشـتن مرجع تقلید برای افراد ضـروری است متولیان فرهنگی بخصوص صدا وسیما اهمیت آن را تبلیغ نمیکند ؟ ۲– اگر یک مسلمانی مرجع تقلید نداشته باشد چه حکمی دارد ؟

پاسخ

بایـد قصور از ناحیه متولیان فرهنگی را در زمینه مـذکور پذیرفت ولی این به معنای آن نیست که کاری در این زمینه صورت نگرفته از باب مثال شـبکه معرف پاسـخگوی بسـیاری از مسائل اعتقادی و همچنین احکام است و در طول شـبانه روز پاسـخگوی شبهات و سؤالاـت وارده در زمینـه مـذکور است و در شـبکه هـای دیگر هم به مناسـبت شخصـیتها ی علمی و غیر علمی به این امر مهم اشـاره داشتند و می کنند . مسأله تقلید یک مسألۀ عقلی است و هر عقل سلیمی تقلید از مجتهد را لازم میداند چون مجتهد همان کارشناس مسائـل فقهی و احکـام دین است که پس از سالها تلاش بی وقفه و از دست دادن سـرمایه عمر به این مقام ارجمنـد نائل و در مسائل فقهی و دین صـاحب نظر است عقل هر کس حکم می کنـد که در هر امری از امور زنـدگی چه مسائل شخصـی انسان و چه مسائل اجتمـاعی و چه مسائـل مـادی و یـا مسائـل جسـمی و روحی به صـاحب نظر در آن امر مراجعه شود . و به حکم اینکه ما مسـلمانیم و بـدون شک در دین مقدس اسـلام احکام و آداب خاصـی متوجه مکلفین وکسانی که به بلوغ شـرعی رسـیدند هست و از طرفی این احکام و تکالیف د راختیار همه نیست و لوازم و ابزار استفاده از آن برای همگان میسر نیست لذا باید از کسانی که این لوازم و ابزار را در اختیار دارند و در این زمینه کار لازم انجام دادند پیروی کرد تقلید همان پیروی از متخصـص است و این ضروری عقل است . ایا تا به حال اتفاق افتاده که ما برای ناراحتیهای جسـمی و روحیمان به یک بقال و یا حتی یک مهندس الکترونیک مراجعه کنیم که در این صورت مضحکه عقل و مردم شویم و یااگر برای ناراحتی جسمی به پزشک حاذق مراجعه کردیم و بر طبق تشخیص خودش نسـخه ای پیچیـد آیا سؤال می کنیم که فلان دارو را نوشتی یا فلان دارو را ننوشتی چون ما اطلاعات در زمینۀ پزشـکی نداریم و در این امر تسـلیم محض پزشک می شویم و اگر بخواهیم بهبودی کامل جسـمی حاصل شود موبه مو نسخه اش را عمل می کنیم ما در مسائـل هم یقین داریم که فلان نسـخه را عمل نکنیم از نظر روحی مریض می شویم و عـذاب اخروی هم داریم و یقین داریم ذمه ما به تکـالیفی مشـغول امـا اینکه این تکـالیف به چه مقـدار و به چه نحو است علم نـداریم و می دانیم احکـام دینی فوق العاده گسترده است و فروع و جزئیات فراوانی دارد که هر کس که مجتهـد نیست می فهمد که قادر به فهم تمام آنها نیست لذا باید یقین پیدا کنیم کـه به وظیفه خـود دررابطه بـا احکـام الهی و حلاـل و حرام خداونـد عمـل کردیم و برای رسـیدگی به اینچنین یقین هیـچ راهی جز

پیروی از کارشناسی فقیهی نیست و این همان تقلید است پس بناراین عقل حکم می کند اگر اعمالی را که انسان انجام داده و می دهد مطابق با فتوی مجتهدی که وظیفه انسان تقلید از اوست باشد اعمال انسان درست است و گرنه باطل است و دراین جهت مقصر است .

۱- نظر شما در باره فیلم «مارمولک» و طرفداران آن چیست ؟

پرسش

۱- نظر شما در باره فیلم «مارمولک» و طرفداران آن چیست ؟

پاسخ

ج ۱- نظر بنده نسبت به این فیلم مثبت نیست. به این دلیل که برداشت افراد از آن متفاوت است برخی مغرضانه و بدون شناخت , فیلم را بررسی می کنند کما اینکه بعد از اکران فیلم « به نمایش گذاشتن » شاهد هتک حرمت و ناهنجاریهایی نسبت به روحانیت از طرف این افراد بودیم و عده ای ساده لوحانه متأثر از القائات صورت گرفته در فیلم و جو حاکم برآن و با توجه به اسم منفی فیلم و القاء این اسم که نوعی توهین به مقام روحانیت محسوب می شود . ممکن است در اعتقادشان سستی ایجاد شود , بنابراین هتک حرمت به لباس روحانیت در هر شکل اقدامی ضد تبلیغی محسوب میشود, در حالی که نفس پوشیدن لباس روحانیت برای طلبه علوم دینی نوعی تبلیغ دین است . منابع : ۱-فرهنگ عمید ۲-صحیفه نور , ج ۴ , ص ۱۸۰ ۳-صحیفه نور , ج ۱۶ , ص ۲۱۱

نظر شما درباره ء انتقاداتی که نسبت به صدا و سیما وجود دارد, چیست و برای رفع آنها چه اقداماتی لازم است ؟

پرسش

نظر شما درباره ء انتقاداتی که نسبت به صدا و سیما وجود دارد, چیست و برای رفع آنها چه اقداماتی لازم است ؟

پاسخ

مسلما "کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه ها خالی از عیب و نقص نمی باشد, اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تاثیرگذار آن بر افکار عمومی , عقاید و نگرش های جامعه و وظایف سنگینی که این رسانه ملی خصوصا "بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد, رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه های آن , آن هم در حدی که زیبنده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می توان گفت که بخشی از اینها مربوط به صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می باشد. اما در مورد اول باید گفت که هم در زمان امام که این رسانه ها زیر نظر مشترک قوای سه گانه اداره می شد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری می باشد و شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه بر سازمان نظارت دارند, خود این بزرگواران انتقادات زیادی به برخی از برنامه های این رسانه داشته , تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی ان داده اند ولی به جهت عواملی متعدد که در جای خود قابل بررسی می باشد, هنوز مشکلات فراوانی وجود دارد که برای رفع

آنها انجام اقدامات ذیل مطلوب می نماید: ۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه ها در صدا و سیما و استفاده از هنرمندان متعهد و انقلابی . ۲- کنارگذاشتن افراد منحرف و غیرقابل اصلاح از رادیو و تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسته به درون صدا و سیما. ۳- نظارت همه جانبه بر پخش رادیو و تلویزیون با استفاده از متخصصین و کارشناسان متعهد و نظارت دقیق بر فیلم سازان و محتوای فیلم ها. ۴- برخورد با مسوئولان پخش مطالب توهین آمیز یا منافی ارزش های اسلامی . ۵- صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی و مرکز ترویج ارزش های اسلامی باید از تقلید برنامه های خارجی بدون مطابقت با آیین اسلام و بسط فرهنگ تجمل گرایی و... در تهیه برنامه های خود, دست برداشته و زمینه هدایت جامعه را فراهم آورد. حال با توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه مدت قابل حل نباشد بینندگان و مخاطبان نیز باید یکسری نکات را مد نظر داشته و رعایت نمایند: اولا: "هر چند برخی از فیلم ها یا سریال های خارجی که از صدا و سیما پخش می شود از نظر شرعی نتوان مشکل فی نفسه ای برای آنها نام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی شود. ثانیا: "وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص ها و مهارت های گوناگون , مضاعف می نماید زیرا پاره ای از عوامل این نارسائی ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی گردد. ثالثا: "با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن آوری پیشرفته به حدی که در آینده ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت , مطمئن ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه , تقویت ایمان و تقوای الهی (کنترل درونی) می باشد که البته این موضوع به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه های صدا و سیما نمی باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می باشد.

آیا نوشتن و گفتن فسادهای موجود در مملکت در مطبوعات،منافاتی با آیه ۱۹ سوره ((نور))ندارد؟

پرسش

آیا نوشتن و گفتن فسادهای موجود در مملکت در مطبوعات،منافاتی با آیه ۱۹ سوره ((نور))ندارد؟

پاسخ

توجه به نکات زیر می‌تواند در زدودن ابهامات موجود، راهگشا باشد: ۱. اهمیت مطبوعات: نقش مطبوعات به طور عام و روزنامه به طور خاص در زندگی سیاسی و تنویر افکار عمومی بسیار مهم است: چرا که اصولاً، روزنامه، بازتاب مزاج عمومی و رواج آگاهی بین مردم است. برای نشان دادن اهمیت سیاسی مطبوعات بود که بر آن «رکن چهارم» [دموکراسی] نهادند. به طور کلی، روزنامه منبعی است که مردم به وسیله آن واقعیت‌ها را در می‌یابند و در جریان رخدادهای جاری کشور و جهان قرار می گیرند. همچنین روزنامه‌ها حکومت را قادر می کنند تماس با مردم را حفظ کرده و با انعکاس نظرات شهروندان، انتقادها و پیشنهادهایی برای بهبود امور ارائه دهند. البته مطبوعات و به ویژه روزنامه‌ها، نه تنها شکایت‌های عمومی را از صافی می گذرانند بلکه می کوشند احساسات و نظریات مردم را آن طور که می‌فهمند، منعکس کنند. با در نظر گرفتن نقش مهم آنها در شکل گیری افکار عمومی، لازم است مراقبت بشود تا این رسانه جمعی (ارتباط و تبلیغاتی) را اشخاص سودجو و صاحبان قدرت (سیاسی، اقتصادی و...) به انحصار خویش در نیاورند. به طور کلی، این نظر موافق نیز وجود دارد که مطبوعات آزاد و بی طرف برای موفقیت حکومت‌های مردمی ضروری است، مهم آنست که خیرها باید به درستی ارائه شود تا شهروندان را به ارزیابی و قضاوتی سالم، توانا کند، اما متأسفانه در

عمل برای رسیدن به این هدف مطلوب، راه کار مشخصی ارائه نشده است زیرا بسیار به منافع آگهی دهندگان وابسته‌اند. ۲. انتقاد نه انتقام: همانطور که اشاره شد، مطبوعات و روزنامه‌های مفید و سازنده، آن دسته از مطبوعات هستند که همواره در صدد اطلاع‌رسانی شفّاف به مردم و نردبان ترقّی ضعیفترین شهروندان و منعکس کننده دیدگاه‌های اصولی مردم بوده و در نقد و بررسی عملکرد صاحبان قدرت بدون تمایلات گروهی و حزبی، از هیچ کوششی دریغ نورزند. اما اگر بخواهیم با نگاه آسیب شناسانه به مطبوعات و روزنامه‌ها نگاه کنیم، خواهیم دید که برخی از آنان با شیوه انعکاس خبرها و با تحریفی که در آنها ایجاد می‌کنند و نیز با بحث درباره رخدادها و سیاست‌های گروه‌های مختلف سیاسی، در تلاش برای نفوذ گذاری بر افکار عمومی (نه به نفع عموم بلکه در جهت منافع حزبی و گروهی) هستند. چنین فرایندی، ممکن است در اشکال مختلف از جمله در شکل شایعه‌سازی و جنگ روانی آزار دهنده و با انگیزه انتقام جویی، تصفیه حساب‌های شخصی، تخریب اعتماد عمومی، لکه دار ساختن پرستیز و شخصیّت افراد بزرگ (حقیقی و حقوقی) و منحرف ساختن افکار عمومی از مسایل اساسی تحقّق یابد که با عدم کنترل دقیق آن، ممکن است به متزلزل شدن یا از بین رفتن امنیت و وفاق ملّی بیانجامد. البته چنین روندی در همه حکومت‌ها، حرکتی نابهنجار به شمار می‌آید و در بعضی شرایط حتی موجب برخورد با آنان می‌شود. ۳. عدم تفاوت بین گفتار، نوشتار و...: باید به این نکته توجه کرد که سخنرانی، مطبوعات، کتاب و رسانه‌های نویسا و نیز فیلم، تئاتر اینترنت و... همه مصادیقی از بیان هستند. چه اینکه انسان می‌تواند افکار خویش را هم به وسیله زبان و گفتار مطرح کند، و هم به وسیله نوشتن و علائم و حرکات. بنابراین، اگر کسی حق ندارد با زبان خود به دیگری ناسزا گوید یا تهمت بزند، با قلم، عکس، فیلم و... هم حق ندارد چنین اعمالی را انجام دهد. بر این اساس، نوشتار با گفتار از جهت احکام و قانون فرقی ندارد و هر چه گفتنش در شرع و قانون ممنوع و حرام است نوشتنش نیز چنین است، و هر چه گفتنش لازم و واجب است ـ مثل موارد امر به معروف و نهی از منکر ـ نوشتنش نیز چنان است. اما در کشور ما مثل بسیاری از کشورهای آزاد جهان، برای مطبوعات و روزنامه‌ها قوانین ویژه‌ای قرار دادند به طوری که متخلفین مطبوعاتی در دادگاه مطبوعات و با حضور هیئت منصفه و با تسهیلات ویژه‌ای محاکمه می‌شوند. همه این تسهیلات، به خاطر این است که قانون، مطبوعات را در مسیر منافع و مصالح عمومی ارزیابی کرده و از آن حمایت می‌کند. بنابراین ارباب جراید و مطبوعات نیز باید نگهبانان خوبی برای منافع و مصالح و دیدگاه‌های مردم باشند. با توجه به مباحث یاد شده، نتیجه می‌گیریم که، نوشتن و گفتن فسادهای موجود در کشور و سانسور یا کوچک و بزرگ کردن مطالب مورد نظر خود و نقد و بررسی مشکلات کشور در سخنرانی‌ها، رسانه‌های عمومی و به ویژه در رسانه‌های نوشتاری با قصد اشاعه فساد، فحشاء و منکر و تضعیف نظام اسلامی و متزلزل کردن اعتقادات مردم و از بین بردن امنیت، وحدت و وفاق ملّی، چه بسا از مصادیق بارز آیه شریفه A{ان الذین یحبّون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم}A، به شمار آید و از مصادیق گناهان کبیره است. نکته قابل توجه، این است که اسلام برای جامعه با ایمان، امنیت‌های چهارگانه را به رسمیت شناخته است: ۱. امنیت جانی،۲. امنیت مالی، ۳. امنیت حیثیتی و آبرویی، ۴. امنیت شخصیت انسان در فکر و ذهن دیگران (نهی از سوء ظن به دیگران). پیامبر اکرم(ص) در یکی از سخنان خود اینچنین به امنیت‌های چهارگانه، اشاره فرموده است: H{انّ الله حرّم علی المسلم دمه و اله و عرضه و ان یظنّ به سوء الظّن}H خداوند، تجاوز به خون، مال و آبروی مسلمانان را حرام نموده و هرگز اجازه نداده است که کسی به یک فرد مسلمان بدگمان شود و حتی در ذهن و فکر خود، به او نسبت ناروا بدهد}M ولی طرح این مسایل به منظور آسیب‌شناسی وضعیت موجود و درمان آن و طرّاحی وضعیت مطلوب و آرمانی و آناتومی و کالبد شکافی مفاسد اجتماعی به منظور دست‌یابی به صراط مستقیم و رشد و توسعه کشور و بهبود وضعیت شهروندان با استفاده از روش‌های معقول و مناسب، منافاتی با آیه ندارد، زیرا این آیه می‌فرماید، کسانی که دوست دارند فحشاء و منکرات در میان مؤمنان گسترش یابد از عذاب دردناک برخوردار خواهند شد در حالی که انتقاد کننده منطقی، نه تنها دوست ندارد که فحشاء و منکرات در میان مؤمنان و جامعه اسلامی، گسترش یابد بلکه سعی می‌کند که با انتقاد از آن و نشان دادن

گونه‌های فساد و فحشاء و ارائه راه حل آن، از اشاعه آن جلوگیری می کنـد. به همین جهت در عهدنامه حضـرت امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر می خوانیم: «نزدیکترین افراد به تو باید کسانی باشـند که با اسـتفاده از اصول و روش‌های صـحیح، کاستی‌های وضـعیت موجود را بهتر نقد می‌نمایند

آیا با توجه به وجود برخی فیلم های مساله دار ،سینمای ایران نجیب ترین سینماست؟

پرسش

آیا با توجه به وجود برخی فیلم های مساله دار ،سینمای ایران نجیب ترین سینماست؟

پاسخ

در پاسـخ شـما بایـد عرض کنیم که به مسائـل از دو جهت می‌توان نگریست. یـک بـار مـا مسائـل را بـا توجه به اعتقـادات، باورهـا، ارزش‌ها و هنجارهای خود به عنوان یک جامعه اسـلامی که دارای نظامی اسـلامی است مـد نظر قرار می‌دهیم. اما گاهی به مسائل با نگـاهی فراتر می‌نگریم این نگـاه فراملّی ممکن است منطقه‌ای، قاره‌ای و یا جهانی باشـد. در نگاه اول که نگاه ملی است، آنچه برای مـا به عنوان ساکنـان ایران‌زمین که اکثریت آن را مسـلمان تشـکیل می‌دهـد به عنوان معیار و ملاک مطرح می‌باشـد نقطه ایـده‌آل و آرمـانی است که براساس الگوهای دینی انتظار داریم. مقایسه مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسـی کشور اگر همواره غالبا ما را به این نتیجه رهنمون خواهـد ساخت که با نقطه ایده‌آل فاصـله بسـیاری داریم. این فاصـله به دلیل بستر متغیر مسائل اجتماعی و انسـانی همیشه در حـال نوسـان است. از این دیـدگاه آنچه اهمیت دارد این است که برنامه‌ها، اجرا و نظارت آنها ما را به آن الگوی ایده‌آل نزدیک‌تر سازد. مسـلما از این دیدگاه سـینمای ما از وضع رضایت‌بخشی برخوردار نیست. این فاصله آرمانی فقط منحصر به سینما نیست؛ خیابان، بازار، منزل، اداره، مدرسه، دانشگاه و حتی مساجد ما با آن نقطه ایده‌آل فاصله دارد. پس آنچه ضروری به نظر می‌رسد این است که ما در مسـیر اصـلاح امور برای دست‌یابی به الگوی آرمانی باشیم. در دیدگاه دوم یعنی از منظر فراملّی، ما قطع نظر از الگوی آرمانی خویش خود را با سایرین قیاس می کنیم. البته شایـد چنین به نظر رسـد که به دلیل تفاوت الگوهای آرمانی در سطح ملی، این قیـاس نابجـا است. اما اگر ما یک حـداقلی را در نظر بگیریم که بشـر امروز در کل جهان بر سـر آن توافق دارد و یا لااقل اکثریت مردم جهان بـدان معتقدند، ما می‌توانیم به یک الگوی آرمانی جهانی دست یابیم. در مورد سـینما باید عرض کنیم که رعایت مسائل اخلاقی و عفت عمومی اگر مورد اجماع جامعه جهانی نباشـد، دست‌کم اکثریت آن را لازم می‌داننـد. در این صورت ادعای آقای خاتمی مبنی بر این که سـینمای ایران نجیب‌ترین سـینما در جهان است چندان گزاف به نظر نمی‌آید. البته در یک نگاه کلی به محصولاـت سـینمای ایران وگرنه بـا نگـاه جزئی فرضـا به فیلمی خـاص ماننـد «کاغـذ بی‌خـط» (البته این فیلم را مـا ملاـحظه نکرده‌ایم) از نظر شـما، این ادعا چه بسا بی‌پایه و اساس باشـد. در پایان مجددا تکرار می کنیم که آنچه به عنوان وظیفه‌ای اسـلامی و ملی بر عهده همه مسؤولین و آحاد شـهروندان ما سـنگینی می کند این است که با امید به آینده در مسیر اصلاح خویش و جامعه در زمینه‌هـای مختلف حرکت کنیم تـا فاصـله خود را با نقطه آرمانی نزدیک‌تر سازیم. همان‌گونه که قرآن از زبان حضـرت شـعیب(ع) نقل می کند و اباعبداللّه‌الحسین(ع) در وصیت‌نامه خویش تکرار کردند H{ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه تـوکلت و الیه انیبH}{M}من قصـدی جز اصـلاح جـامعه تـا آنجا که بتوانم نـدارم و توفیق من جز به یاری خـدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می گردم{M}.

چرا صدا و سیما به خاطر یک عدهء معدود, فیلم های زشت و زننده پخش می کند و در نتیجه عده ای جوان خراب می شوند و تصمیم به گناه می گیرند؟

پرسش

چرا صدا و سیما به خاطر یک عدهء معدود, فیلم های زشت و زننده پخش می کند و در نتیجه عده ای جوان خراب می شوند و تصمیم به گناه می گیرند؟

پاسخ

در مورد پخش فیلم های غیر مفید و گاه زیان بخش , تذکر داده شده و اعتراض شما وارد است .امیدواریم هنرمندان ایرانی بتوانند فیلم های خود را جایگزین فیلم های خارجی و بدون فایده و گاه منحرف ,کنند تا نسل جوان در اوقات فراغت , سرگرمی داشته باشد و از برنامه های خارجی بی نیاز گردد. از آن جا که ریاست صدا و سیما از سوی رهبر معظم انقلاب تعیین می شود, شما می توانید شکواییه ای به دفتر مقام رهبری در تهران بنویسید.

مدتی است در تلویزیون فیلم هایی پخش می شود که برتری زنان را به مردان در خانه نشان می دهد. چرا به صدا و سیما اعتراض نمی کنید که با این کار زشتشان زندگی عده ای را تباه می کنند؟

پرسش

مدتی است در تلویزیون فیلم هایی پخش می شود که برتری زنان را به مردان در خانه نشان می دهد. چرا به صدا و سیما اعتراض نمی کنید که با این کار زشتشان زندگی عده ای را تباه می کنند؟

پاسخ

برخی فیلم ها که در تلویزیون پخش می شود, معمولاً مبالغه آمیز است و هر وقت بخواهند به زن بها دهند, معمولاً زیاده روی می کنند و از آن طرف وقتی می خواهند از زنان عیب بگیرند, مبالغه و زیاده روی می کنند, به طوری که زنان خیلی ناراحت می شوند و اعتراض می کنند. متأسفانه وقتی تلویزیون می خواهد به زن اعتبار و شخصیت بدهد, برتری مطلق او را نشان می دهد. این کنش به خاطر اشکال عمومی است که دربرنامه های تلویزیون وجود دارد, که زیاده روی در نشان دادن خوبی ها و بدی ها و مشکلات است , در حالی که نباید افراط و تفریط کرد, بلکه باید همواره در گفتار و کردار و نمایش فیلم ها و برنامه های آموزشی , میانه روی وعدالت را به کار گیریم . در این صورت است که اثر بهتری در مردم خواهد داشت . امیدواریم این موضوع که خواست عمومی است , عملی گردد. اگر انتقاد از صدا و سیما را به دفتر مقام معظم رهبری بنویسید, کارساز خواهد بود.

چرا می گویند حجاب را رعایت کنید و از طرف دیگر در این جا و آن جا خانم ها با وضع نامناسبی درمجلات و روزنامه ها ظاهر می شوند؟ این ها اصلاً با هم هم خوانی ندارد. البته من تحت تأثیر قرار نمی گیرم , بلکه برعکس عمل می کنم .

پرسش

چرا می گویند حجاب را رعایت کنید و از طرف دیگر در این جا و آن جا خانم ها با وضع نامناسبی درمجلات و روزنامه ها ظاهر می شوند؟ این ها اصلاً با هم هم خوانی ندارد. البته من تحت تأثیر قرار نمی گیرم , بلکه برعکس عمل می کنم .

پاسخ

رعایت حجاب و حفظ شئون انسانی و اسلامی شما را می ستاییم . شخصیت مستقل و کامل شما رامی ستاییم که تحت تأثیر تصاویر تبلیغاتی قرار نمی گیرد و می دانید در پشت این گونه تصاویر و تبلیغات چیست . ماهم قبول داریم که برخلاف گفته ها و توصیه هایی که مسئولان نظام دارند, دست اندرکاران مطبوعات و تلویزیون ودیگر رسانه ها از زن و از تصویرهای فریبنده استفاده های نامشروع می کنند و با این کار خود نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال می برند. همان طور که گفته اید اینها اصلاً هم خوانی ندارد و باعث بدبینی افراد مذهبی و سالم می شود وبرایشان سؤال پیش می آید که چرا برخلاف گفته ها عمل می شود و هیچ کس جلوی آن را نمی گیرد. به هر حال جای خوشوقتی است که برخی افراد آگاه همانند شما تحت تأثیر قرار نمی گیرند, بکله روز به روز با دیدن این صحنه های ضد فرهنگی , رفتار و کردار خویش را با ارزش های معنوی بیشتر وفق می دهند. خداوند شما را در این راه پایداربدارد.

نظر اسلام راجع به ماهواره، ویدئو، سینما و... چیست؟

پرسش

نظر اسلام راجع به ماهواره، ویدئو، سینما و... چیست؟

پاسخ

اسلام با پدیده‌های صنعتی و تکنولوژیکی مخالفتی ندارد، زیرا این وسائل می‌تواند بر سطح معلومات بشر بیافزاید و زندگی راحتی را برایشان فراهم کند و مشکلات زندگی را کمتر کند. آن چه که اسلام با آن مخالفت می‌کند، استفاده ناصحیح از این وسائل است. اسلام با فساد اخلاق مخالف است. هم چنین با مزاحمت دیگران مخالف می‌باشد. اگر این وسائل پیشرفته و مدرن، باعث از بین رفتن روحیه تقوا و خارج کردن انسان از مسیر عبودیت که همان صراط مستقیم است باشد، استفاده از آن‌ها جیاز نیست. قرآن از قول حضرت عیسی نقل می‌کند": ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم.("۱) باید راه و رسم عبودیت، خط اصلی هر انسانی باشد و هر چه که انسان را از این خط منحرف می‌کند، باید از آن دوری کرد. پی‌نوشت‌ها: ۱ - وسائل الشیعه، ج۳، ص ۲۹۹، ص ۳۰۰.

آیا پخش فیلمی مانند" مدیر کل "به جز فساد و رواج بی حجابی ره آورد دیگری دارد؟

پرسش

آیا پخش فیلمی مانند" مدیر کل "به جز فساد و رواج بی حجابی ره آورد دیگری دارد؟

پاسخ

فیلم مذکور که ساخته کشور سوری است و از سیما پخش شود، مانند فیلم های دیگر از نقاط ضعف و قوّت برخوردار است. نقطهٔ ضعف آن عدم پوشش اسلامی بانوان و آرایش غلیظ خانم ها است که در نامه ذکر شده، ولی قطعاً نقطهٔ قوّتی نیز داشته است، مانند نشان دادن گوشه ای از فساد نظام اداری، حاکمیت روابط به جای ضوابط و یا پارتی بازی در اداره ها و توجه به قاطعیت در مدیریت، معرفی مدیر موفق و غیره. به نظر می رسد اگر تنها به نقاط ضعف آن بپردازیم و نقاط قوّت را نادیده بگیریم، از انصاف دور شده ایم. البته ما نیز معتقدیم در صورت امکان باید از فیلم هایی استفاده کرد که بدآموزی نداشته باشد. [۷] استفتائات، ج ۲، ص ۱۸.

آیا این همه تبلیغات که در رسانه‌های عمومی خصوصاً تلویزیون انجام و روز به روز بر تعداد آن افزوده می‌شود، توجیه شرعی دارد؟

پرسش

آیا این همه تبلیغات که در رسانه‌های عمومی خصوصاً تلویزیون انجام و روز به روز بر تعداد آن افزوده می‌شود، توجیه شرعی دارد؟

پاسخ

رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، رسانه‌های عمومی هستند. طبیعی است در چنین رسانه هایی علاوه بر بیان اخبار، گزارش‌های مختلف از دست آوردهای علمی فرهنگی، نیز تبلیغ کالاهای مصرفی برای جلب نظر مشتری شود. بدیهی است آن چه غیر لازم و حتی خلاف به نظر می‌رسد، افراط در تبلیغ بعضی کالاها است که با توجه به شرایط سخت اقتصادی در جامعه امروز چنین کاری اگر خلاف شرعی نباشد، یک کار غیر اخلاقی و سودجویانه است و هیچ عقل سلیمی آن را نمی‌پذیرد، مثلاً در تلویزیون از کالایی لوکس تبلیغ شود که نوع مردم از خرید آن عاجز باشد، یا از مواد خوراکی تبلیغ شود که ارزش غذایی نداشته و حتی برای سلامتی مضر باشد، مثل تبلیغ از پفک و چیپس و تنقلات خاص. اگر مراد از تبلیغات، تبلیغات دینی و مذهبی است، باید عرض کنیم که نسبت به تبلیغات دیگر، این مقدار تبلیغات دینی زیاد نیست و فایده تبلیغات دینی و تاثیر آنها در روح و روان و زندگی فردی اجتماعی بر کسی مخفی نیست. اگر افراد جامعه دیندار باشند، بسیاری از اشکالات و تنش‌های اجتماعی و سیاسی حل می‌شود.

آیاپخش سریال مدیر کل، آقای دغل و سواران باد همسویی با فرهنگ غرب نیست؟

پرسش

آیاپخش سریال مدیر کل، آقای دغل و سواران باد همسویی با فرهنگ غرب نیست؟

پاسخ

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کارشناسان ومتخصصانی وجود دارند که به نقد و بررسی فیلم‌ها و سریال‌ها می‌پردازند، و بر برنامه‌های کلان صدا و سیما نظارت می‌کنند. این نظارت بدان جهت است که از سیمای جمهوری اسلامی ایران فیلم‌ها و سریال‌هایی که بد آموزی و بار منفی دارند، پخش نشود، از این رو خیلی از فیلم‌ها و سریال‌هایی که در خارج از کشور از

تلویزیون‌ها پخش می‌شود، از سیمای ایران پخش نمی‌شود، حتی برخی از سریال‌های خارجی که بر اساس معیارهای اسلامی گزینش می‌شود، نخست نقد و بررسی می‌شود و بخشی از قسمت‌های آن‌ها که بد آموزی زیادی دارند، حذف می‌شوند. اگر سریال‌های مدیر کل، آقای دغل و سواران باد، بد آموزی‌های زیاد داشتند و همسو با فرهنگ غرب بودند، از سیمای جمهوری اسلامی پخش نمی‌شوند این گونه سریال‌ها به رغم آن که برخی از آثار منفی و بد آموزی‌هایی مانند حضور زنان بی حجاب، نوعی لباس‌ها و آرایش هایی که استفاده شده است و... دارند ولی آثار مثبت مهم نیز دارند که این آثار مهم موجب شده است برخی از آثار منفی آنها نادیده گرفته شده و از پخش آن‌ها جلوگیری نشود، مثلاً در سریال" مدیر کل"نحوه نظارت یک مسئول بر فعالیت کارمندان یک اداره و یا وزارت‌خانه و چگونه رفتار کارمندان با ارباب رجوع و جلوگیری از سوء استفاده مالی و... به نمایش گذاشته شده است. آثار مثبت این گونه سریال‌ها به مراتب بیشتر از بار منفی آن‌ها است. همسویی این سریال‌ها با فرهنگ غرب در حدی نبوده است که از پخش آن‌ها جلوگیری شود از سوی دیگر برداشت انسان‌ها از سریال‌ها متفاوت است اگر چه پخش این سریال‌ها بعضاً آثار منفی دارد، اما کشانده شدن جوانان به فیلم‌های خیلی بدتر نیز مورد لحاظ قرار می‌گیرند، یعنی برای دفع افسد به فاسد، آن‌ها را نمایش می‌دهند. بنابر این اگر کسی می‌داند که سریال‌های مذکور بار منفی دارند و فرهنگ غرب را تداعی می‌کنند و دارای آثار منفی هستند و یا آثار منفی آن‌ها بیشتر از نکات مثبت آن‌ها است می‌تواند این گونه سریال‌ها را نگاه نکنند.

برنامه‌های تلویزیون از نظر شما شرعی هستند؟

پرسش

برنامه‌های تلویزیون از نظر شما شرعی هستند؟

پاسخ

برنامه هایی که از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، به طور کلی، با صرف نظر از موارد آن از نظر شرعی به عنوان این که از رسانه نظام مقدس جمهوری اسلامی پخش می‌شود، اشکالی ندارد. تلویزیون برنامه‌های مختلفی پخش می‌کند که بعضی از آنها دارای محتوای اسلامی و بدون اشکال است، مثل برنامه‌های قرآنی و اذان و اخلاقیات و سخنرانی‌های مذهبی که اشخاص شناخته شده مورد اعتماد ایراد می‌نمایند. برنامه‌هایی که در چارچوب تعالیم اسلامی موجب تقویت وجدان دینی و معرفت و آگاهی افراد به جریان‌های سیاسی و دام‌های شیطانی و انحرافی دشمنان اسلام باشد، هم چنین سبب شناخت بیشتر انسان نسبت به دین و زندگی سالم و آزاد و ترقی دنیا و آخرت گردد، نیز استقلال اسلامی و ایستادگی در برابر کفار و مستکبران را تقویت نماید، خوب است. اما در مورد برنامه‌های دیگر مانند فیلم، جواب نسبت به افراد، مختلف است. اصل دیدن فیلم‌ها و بازیگران زن و مرد اشکال ندارد. اما اگر برای کسی بدآموزی داشته باشد و یا برای جوانی موجب تحریک شهوت شود، اشکال دارد و باید از دیدن آن اجتناب کند. ملاک و معیار در این که فیلمی شرعاً مجاز باشد، این است که در نظر مکلّف موجب فشاد و گناه نباشد. در این جا نظر شخصی فرد برای خودش باید مورد پیروی قرار گیرد و ملاک نوعی یا همگانی نمی‌باشد، (۱) یعنی بیننده باید از نگاه کردن به فیلم و عکسی که باعث تهییج شهوت باشد، خودداری کند، اگر چه دیگران به این فیلم نگاه بکنند، برایشان شهوت‌انگیز نباشد

پی‌نوشت‌ها: ۱ - اجوبةالاستفتاءات، ص ۲۶۴، س ۱۲۰۷.

آیا مؤسسه ای وجود دارد که کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را تهیه و توزیع کند؟ آیا این مطلب واقعیت دارد که ایشان برای هر سخنرانی مبلغ هنگفتی پول دریافت می کند؟

پرسش

آیا مؤسسه ای وجود دارد که کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را تهیه و توزیع کند؟ آیا این مطلب واقعیت دارد که ایشان برای هر سخنرانی مبلغ هنگفتی پول دریافت می کند؟

پاسخ

۱) به نظر می رسد مؤسسهٔ سروش، وابسته به سازمان صدا و سیما کاست های سخنرانی آقای الهی قمشه ای را داشته باشد. بیشتر سخنرانی های ایشان از تلویزیون و رادیو پخش می شود. معمولاً صدا و سیما سخنرانی ها و برنامه هایی را که از آن مرکز پخش می شود به صورت کاست، CD و نوار ویدئویی در اختیار متقاضیان قرار می دهد. ۲) این واحد در جریان گرفتن مقدار پول توسط آقای قمشه ای نیست. اصولاً ـ وظیفه و رسالت این واحد پاسخگویی به این گونه مسایل نیست. بهتر است فکرتان را به این مسایل مشغول نکرده و به مسایل مهم تری بپردازید.

کار مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات چیست و چه کمکی به ما می تواند بکند؟ مراکز دیگری که می توانند پاسخگو باشند، کدام است؟ چگونه با دفتر مراجع ارتباط داشته باشیم؟

پرسش

کار مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات چیست و چه کمکی به ما می تواند بکند؟ مراکز دیگری که می توانند پاسخگو باشند، کدام است؟ چگونه با دفتر مراجع ارتباط داشته باشیم؟

پاسخ

مرکز پاسخگویی به سؤالات دفتر تبلیغات یکی از واحدهای مختلف مربوط به بخش تحقیقات می باشد. دفتر تبلیغات اسلامی از سه بخش: آموزش، تبلیغات و تحقیقات تشکیل شده است. در این واحد به سؤالات دریافت شده در موضوعات مختلف اعتقادی، تاریخی، مشاوره، احکام و ... از سراسر کشور به صورت کتبی و تلفنی پاسخ داده می شود. چند برگ از اطلاعیه ضمیمه شده است. مراکز دیگری نیز در قم در امر پاسخگویی فعال هستند که مراکز زیر از آن جمله اند: ۱ـ قم، چهار راه بیمارستان، مؤسسه در راه حق، پاسخ به سؤالات، صندوق پستی ۱۳۷ ـ ۳۷۱۸۵. ۲ـ قم، صندوق پستی ۴۴۶۶ ـ ۳۷۱۸۵، تلفن ۷۷۴۵۸۳۰، پاسخ به سؤالات مرکز حوزهٔ علمیهٔ قم. به همراه پاسخ های ارسالی، چند جزوه فرستاده می شود. می توانید برای جلب حمایت فرهنگی برای فعالیت کانون به دفتر سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان و یا دفتر امام جمعه مراجعه نمایید تا کمک های لازم برای فعالیت فرهنگی و ادامهٔ کار را دریافت کنید. در مورد دریافت رساله های نیز به سازمان تبلیغات مراجعه نمایید و یا از دفتر مراجع در شهرستان خود دریافت کنید. برای مکاتبه با دفتر مراجع در قم می توانید نامهٔ خود را به دفتر مراجع مورد نظر ارسال نمایید، مثلاً بنویسید: قم، دفتر آیت الله فاضل لنکرانی یا دفتر رهبری. زندگی نامه مراجع نیز مربوط به دفتر مراجع می شود. امیدواریم ارتباط خود را با این مرکز استمرار بخشید. یکی از فعالیت هایی که می توانید انجام دهید برقراری ارتباط با افراد غیر عضو کانون و معرفی افراد و همکاران گرامی تان و افراد

دیگر برای ایجاد ارتباط و پرسش به طور مستقیم از این مرکز و دریافت پاسخ می باشد. در مکاتبات بعدی، سؤالات اساسی خود را در مورد اعتقادات طرح نماید تا پاسخ داده یا جزوات لازم ارسال شود.

تبلیغ به چه معناست؟ و شرایط موفقیت در ابلاغ یک پیام چیست؟

پرسش

تبلیغ به چه معناست؟ و شرایط موفقیت در ابلاغ یک پیام چیست؟

پاسخ

تبلیغ به معنای رساندن و شناساندن یک پیام، آگاه ساختن مردم، معتقد کردن، متمایل نمودن و جلب کردن نظرهای آنها به یک پیام است. شرایط موفقیت یک پیام چهار چیز است که اگر در یک جا جمع بشود موفقیت آن پیام قطعی است چهار شرط لازم عبارت است از ۱ ـ ماهیت پیام (حقانیت و غنی بودن محتوای آن) ۲ ـ شخصیّت خاص پیام رسان ۳ ـ ابزار پیامرسان ۴ ـ کیفیت و متد و اسلوب رساندن پیام.

نظر شما در مورد فیلم مارمولک چیست؟ و از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

پرسش

نظر شما در مورد فیلم مارمولک چیست؟ و از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

پاسخ

فیلم مارمولک با توجه به تنش های اجتماعی که به وجود آورد و باعث ایجاد جنجال و برخورد گردید در حال حاضر به سالنهای سینما به نمایش گذاشته نمی شود و خود دست اندرکارا ن تولید و پخش فیلم مذکور در حال حاضر به این نتیجه رسیده اند که از نمایش آن خوداری نمایند لذا نمایش آن در سطح کشور متوقف شده است. در مورد فیلم های نامناسب، مقام معظم رهبری (آقای خامنه ای) می فرمایند" : هر گونه فیلمی که در ساخت آن ضوابط شرعی اهمال (سستی) شود و یا مفاسدی بر آن مترتب باشد اشکال دارد بلکه ساختن، نمایش و تماشای آن جایز نیست("۱.) سایر مراجع نیز عقیده دارند در این گونه موارد از خرید آنها اجتناب کنید تا هم خود شما آلوده نشوید و هم آن موارد (فیلم یا نشریات منحرف) تقویت نشوند(۲) حال شما دوست عزیز ببینید که نگاه کردن به این فیلم برایتان ضرورت و پیام مثبت دارد یا نه؟ پس اگر تماشای آن برایتان می تواند بازدهی مثبت داشته باشد بهتر است که آن را امانت گرفته و تماشا کنید و اگر تماشای آن تضعیف روحانیت می باشد (نه تضعیف روحانی نماها) بهتر است که از تماشای آن خودداری کرده و به این طریق آقا امام زمان(را خوشحال سازید. البته در فتوای مراجع عظام این نکته نیز قابل توجه است که اموری که در دولت جمهوری اسلامی از نظر قانون منع شده است از نظر شرع نیز ممنوع می باشند. تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل و پویایی کارماست. منابع و مآخذ : ۱. رساله آموزشی، مسایل جدید ازدیدگاه علماء و مراجع تقلید، نوشته و گردآوری سید محسن محمودی،ص۹۱ ـ (و نشریه نصیحت، شماره۵۶) ۲. همان، ص۳۹

برای فیلم مارمولک چه اقداماتی انجام شده است، ما را در جریان بگذارید؟

پرسش

برای فیلم مارمولک چه اقداماتی انجام شده است، ما را در جریان بگذارید؟

پاسخ

فیلم مارمولک با توجه به تنش های اجتماعی که به وجود آورد و باعث ایجاد جنجال و برخورد گردید در حال حاضر به سالنهای سینما به نمایش گذاشته نمی شود و خود دست اندرکارا ن تولید و پخش فیلم مذکور در حال حاضر به این نتیجه رسیده اند که از نمایش آن خوداری نمایند لذا نمایش آن در سطح کشور متوقف شده است.

لطفاً در مورد فیلم" خانه‌ای بر روی آب که می‌گویند فیلمی قرآنی است توضیح دهید؟

پرسش

لطفاً در مورد فیلم" خانه‌ای بر روی آب که می‌گویند فیلمی قرآنی است توضیح دهید؟

پاسخ

فیلم" خانه‌ای بر روی آب به کارگردانی بهمن فرمان آرا که سالیان درازی در خارج از کشور به سر می‌برده ساخته شده است قهرمانان داستان فیلم دو نفرند: یکی مردی (رضا کیانیان به عنوان پزشک متخصص زنان و زایمان که فردی عیاش مشروب خوار، ثروتمند و...است و همسرش را چندین سال است که طلاق داده و تنها پسرش در خارج از کشور می‌باشد. دیگری پسر نه ساله‌ای که حافظ کل قرآن است آشنایی این دو به آن جا بر می‌گردد که حافظ قرآن بر اثر بیماری و کُما به بیمارستان برده می‌شود و به علت نبود جا در بخش زنان بستری می‌شود. در این فیلم صحنه‌ها و گفتگوهایی وجود دارد که حاکی از آن است که پدر حافظ قرآن توجهی به بهبودی فرزندش ندارد و تنها به برج‌سازی مشغول است اما در عوض از سوی شخصیت‌ها توصیه‌های فراوانی برای معالجه این حافظ می‌شود. در بخشی از فیلم حافظ قرآن علت بیماری خود را سوء استفاده پدر و مادر از او و بردن او به مجالس در قبال دریافت پول می‌داند. وی از این عمل ناراضی بوده و اظهار می‌دارد من از قهر خدا ترسیدم و از ترس نبودن خدا با من بی‌هوش شدم در صحنه‌ای از فیلم دست دکتر، که به زخمی ناعلاج دچار شده است به مدد حافظ قرآن و به طور معجزه آسایی بهبود می‌یابد و در پایان فیلم عده‌ای دکتر را در خانه‌اش به شدت مجروح می‌کنند. در این لحظه حافظ قرآن که به همراه وی به خانه‌اش رفته است خود را بالای سر دکتر می‌رساند و به او می‌گوید: نترس من با تو هستم دکتر در آخرین لحظه نام خدا را بر زبان می‌راند و هر دو در فضایی پاک به آسمان و بهشت پر می‌کنند. در فیلم صحنه‌ها و گفتگوهای دیگری وجود دارد که بیشتر پیرامون فحشا و انحرافات جنسی (مانند رابطه دکتر با منشی خود) است ممکن است در ابتدا به نظر برسد، کارگردان از قداست قرآن و اعجاز و کرامات حافظان قرآن در برابر مفاسد پیرامونی آن سخن گفته اما این فیلم به ویژه پیش از حذف برخی از صحنه‌ها و گفتگوها، فیلمی ضد قرآنی و اسلامی بوده و از سوی شخصیت‌ها و مراکز قرآنی مورد اعتراض قرار گرفته است برخی از انتقاداتی که به این فیلم وارد است عبارتند از: ۱.تلقی نادرست از مفاهیم قرآنی و بکارگیری آن ۲.القای فضای تیره و مغشوش جامعه و سرنوشت

حتمی و غیر قابـل تغییر آن ۳. نشـان دادن تفکر تظـاهر و ریاکـاری حکومت دینی ۴. نشـان دادن مظلومیت زنـان جامعه ۵. کنایه و اهانت به نهادهای انقلابی ۶. وجود نکـات زننـده و غیر اخلاقی در فیلم شایان ذکر است با توجه به محتوای ضـد قرآنی این فیلم در ابتـدا از اکران آن جلوگیری شـد ;امـا متاسـفانه پس از کش و قوس‌هـای فراوان و تساهـل کـاری وزارت فرهنگ و ارشاد با حـذف برخی از صـحنه‌ها و گفتگوها اجازه اکران یافت و در حال حاضـر در چند سـینمای تهران روی پرده است به احتمال زیاد این فیلم تا چند وقت دیگر به سینماهای شهرستان‌ها و سپس کلوپ‌هایی ویدیویی راه خواهد یافت

چرا بعضی از فیلم ها را که در سینما نمایش می دهند سانسور نمی کنند ولی وقتی آن را در سیما به نمایش می گذارند سانسور می کنند؟

پرسش

چرا بعضی از فیلم ها را که در سینما نمایش می دهند سانسور نمی کنند ولی وقتی آن را در سیما به نمایش می گذارند سانسور می کنند؟

پاسخ

صدا و سیما رسانه‌ای همگانی است و طبیعتا ایجاب می‌کند که آنچه در آن پخش می‌شود از دهلیزهای دقیق‌تریعبور کند.{J

اگر نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام است چرا صداوسیمای ایران تصاویر ورزشکاران را نمایش می دهد

پرسش

اگر نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام است چرا صداوسیمای ایران تصاویر ورزشکاران را نمایش می دهد

پاسخ

نگاه به تصویر نامحرم، حرام نیست؛ مگر آن که با لـذت و ریبه همراه باشـد. به نظر می‌رسـد دیـدگاه‌های افراطی در اینگونه مسائل، خسارتی کمتر از برخی مصـلحت اندیشـی‌ها نداشته باشد. ما بایستی اندیشه خود را درباره اسلام و نگاهکلی به موضوعات مختلف، اصلاح کنیم و سپس به داوری بنشینیم.{J

چرا صداوسیما در حالیکه زیر نظر رهبری است موسیقی های مبتذل و برنامه های غیر اسلامی پخش می کند

پرسش

چرا صداوسیما در حالیکه زیر نظر رهبری است موسیقی های مبتذل و برنامه های غیر اسلامی پخش می کند

پاسخ

آنچه مسـلم است این است که موسـیقی‌ای که انسان را از خـدا دور کنـد و مناسب با مجاس لهو و لعب باشد حراماست خواه اصـیل

باشد و خواه غیر اصیل (ایرانی یا غیر ایرانی)، ولی موسیقی‌ای که مناسب مجالس لهو نباشد بهفتوای حضرت امام «ره» مجاز و آنچه که مشکوک است نیز بلا مانع می‌باشد. صداو سیما هم موظف به پیروی ازنظرات رهبری انقلاب است و چنان که معظم له انحرافی مشاهده کند در مواقع لزوم رهنمودهای لازم را ارائه می‌دهند.در عین حال این موجب این نیست که راه نقد پژوهشگرانه بر برنامه‌های رادیو و تلویزیون به کلی مسدود باشد وپنداشته شود که در برنامه‌های آن هیچ اشتباهی از جهت تطبیق با موازین اسلامی صورت نمی گیرد.

چرا فیلم های خارجی تحریک آمیز از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود؟

پرسش

چرا فیلم های خارجی تحریک آمیز از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود؟

پاسخ

قابل انکار نیست که برخی از برنامه‌های تلویزیونی تحریک‌آمیز است، ولی درعین حال با زمان طاغوت تفاوت بسیاری دارد. برادر عزیز! سن شما اقتضا نمی کند که تصویری از تلویزیون زمان طاغوت در ذهن داشته باشید؛ ولی ما که آن زمان را درک کرده‌ایم در می‌یابیم که تفاوت از کجا تا کجا است. در زمان طاغوت، تلویزیون و رادیو صد در صد در خدمت ترویج فساد و فحشا و هرزگی بود: از تصاویر کذایی تا پخش رقص‌ها و... . آنچه اکنون وجود دارد، اساسا با آنچه که در آن زمان وجود داشت قابل قیاس نیست. اما چرا همین مقدار اندک وغیرقابل مقایسه نیز وجود دارد؟ چرا برخی از فیلم‌های خارجی نمایش داده می‌شود و برخی آهنگ‌های کذایی پخش می‌شود؟ در جواب گفتنی است که وضعیت جهانی تبلیغات و وسعت آن، به اندازه‌ای است که واقعا کشور ما و هرکشوری که بخواهد خود را در برابر این هجوم حفظ کند در محاصره‌ای همه جانبه قرار دارد. کشورهای هم‌مرز ایران بافرستنده‌های تصویری خود مرزهای کشور ما را در می‌نوردند و هزاران نفر را زیر چتر تبلیغاتی خود با فیلم‌ها وتصویرهای آن‌چنانی قرار می‌دهند. شبکه‌های ارتباطی بین‌المللی مانند اینترنت و ماهواره و نیز فیلم‌های ویدیویی و صدها کانال رادیویی، هر چه هست و نیست را برای مردم پخش می کنند. در این میان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با امکانات و فرصتی محدود می‌خواهد در برابر همه اینها بایستد. از سویی باید مخاطب جلب کند و از سویی بایستی آرمان‌ها را حفظ نماید. تولید فیلم و سریال مناسب نیز کاری بس پرهزینه و طولانی است. حال باید چه کرد؟ آیا باید شبانه‌روز رادیو وتلویزیون فقط دعا و یا سخنرانی و... پخش کنند (مانند رادیو قرآن و رادیو معارف)؟ این راه حلی بسیار ساده است؛ولی نتیجه آن از دست دادن میلیون‌ها بیننده و رفتن آنها – متأسفانه – به سوی کانال‌های دیگر است. در حقیقت با چنین کاری خود را در برابر دشمن خلع سلاح کرده‌ایم. بلی اگر برنامه‌های جذاب و صد در صد سالم وجود داشته باشد، معنا ندارد که به برنامه‌های تلقینی روی آورده شود؛ ولی کو آن برنامه‌ها؟!

بهترین راه جهت آشنایی با مسایل اجتماعی چیست ؟

پرسش

بهترین راه جهت آشنایی با مسایل اجتماعی چیست ؟

پاسخ

}گوش دادن به اخبار، مطالعه روزنامه‌های معتبر و شرکت در جلسات بحث و سخنرانی از جمله راه‌های آشنا شدن بامسائل اجتماعی است.{

چرا صدا و سیما ارزش های منفی را ترویج می دهد؟

پرسش

چرا صدا و سیما ارزش های منفی را ترویج می دهد؟

پاسخ

متأسفانه علیرغم هشدارها و توصیه‌های شدید مقام معظم رهبری و بزرگان حوزه به مسؤولان نسبت به اوضاع وخیم و اسفناک فرهنگی جامعه و روند تغییر ارزش‌های اسلامی که جلوه‌های بارز آن در برخی تولیدات و محصولات هنری و سینمایی به وضوح قابل مشاهدهمی‌باشد و برخی اقدامات صورت گرفته در این خصوص مانند استعفای وزیر پیشین وزارت ارشاد، جلوگیری از پخش و اکران برخی فیلم‌ها و...، همچنان ما شاهد گسترش این روند در جامعه می‌باشیم که این خود نیازمند بررسی و شناخت دقیق عوامل و زمینه‌های به وجود آورنده آنو ارائه راه‌کارهای اصولی و مناسب می‌باشد. در هر صورت آنچه در پاسخ این سؤال می‌توان گفت این است که برخی از این قبیل معضلات مربوط به عملکرد دستگاه‌های فرهنگی نظام می‌باشد. وزارت ارشاد بود و برخی به صدا و سیما. در مورد اقدامات مربوط به وزارت ارشاد باید گفت که متأسفانه عملکرد این وزارت خانه ـ خصوصا در سال‌های اخیر ـ به هیچ وجه مطلوب نبوده و مقام معظم رهبری به کرّات نارضایتی خود را از آن اعلام نموده‌اند که منجر به تعویض وزیر آن وزارتخانه گردید. ایشان در ۲۴آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... سؤال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت فکری اسلامی و انقلاب ساخته است؟ الان مرتب در سالن‌های وابسته به ارشاد نمایش داده می‌شود، بعضی‌هاصد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می‌ساختند که این مبلّغ اسلام است، من اعتراض نمی‌کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است فاسدترین رمان‌هاالان منتشر می‌شود و...». اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته‌اند. ایشان در این باره فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار یا کم‌تر، اعتراض می‌کنم و پیغام تند می‌دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده است. برنامه‌هایهنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...»،ولی در هر صورت کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه‌ها خالی از عیب و نقص نمی‌باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش‌های جامعه و وظایف سنگینیکه این رسانه ملی خصوصا بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش‌های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه‌های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومتاسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان‌سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می‌باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می‌توان گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می‌باشد و بخشی هم مربوط به افراد بینندهو مخاطبین آن می‌باشد.{J

نگاه کردن به سریال هایی که از صدا و سیما پخش می شود برای جوانان مضر هست یاخیر؟ اگر هست چرا پخش می شود؟

پرسش

نگاه کردن به سریال هایی که از صدا و سیما پخش می شود برای جوانان مضر هست یاخیر؟ اگر هست چرا پخش می شود؟

پاسخ

برنامه های متنوعی که از تلویزیون پخش می شود در بر گیرنده مجموعه ای از فیلم ها، سریال ها، مسابقات، برنامه های ویژه جشن ها و ... است که آثار مثبت و منفی آن در سطوح مختلف از مراحل رشد انسان فرق می کند. شکی نیست که این برنامه ها در آموزش رفتارهای اجتماعی و جامعه پسند و یا ضد اجتماعی و پرخاشگرانه افراد جامعه تأثیر به سزائی دارد. در یک تحقیق علمی به گروهی از کودکان کودکستانی فیلم عروسک بزرگی را که رفتار پرخاش جویانه داشت نشان دادند، در آن فیلم یک کودک در حالی که روی این عروسک نشسته بود و فریاد می کشید آن را با چوب دستی کتک می زد. بعد از تماشای این فیلم مشاهده شد که کودکان تماشاگر بیشتر رفتارهای فیلم را تقلید کرده اند. بنابراین آثار کوتاه مدت رفتار همسالان در پرخاشگری کودکان خردسال قطعی است. نتایج یک تحقیق دیگر نشان می دهد: ۱- کودک بهنجار و سازگار، زمانی که فیلم مهیج و ناراحت کننده ای را تماشا می کند ممکن است با تسلط بر اعصاب خود از تنش های عصبی و عواقب ناگوار آن رهائی یابد، در حالی که کودک هیجانی و عصبی مزاج امکان کمتری برای مقاومت دارد. ۲- صحنه های جنائی و خشونت آمیز، روش های جنایت کارانه را به کودکان می آموزد. این صحنه ها هم عمل جنایت را به کودک کینه توز القاء می کند و هم اجرای آن را تأیید می کند. ۳- توجه و علاقه زیاد به تماشای صحنه های جنائی و خشونت آمیز، روح انسان دوستی، هم دردی و همکاری با مردم را در کودک از بین می برد. همچنین برخی فیلم ها و سریال ها باعث تهییج غرایز جنسی جوانان و یا در برخی موارد باعث گسترش فرهنگ مصرف گرائی ناپسند بین بعضی جوانان و خانواده ها می شود که همه این موارد و نقاط ضعف باید با یک مدیریت صحیح و حساب شده ای به کنترل در آید. ما نیز معتقدیم اگر مضرات آن بیش از فواید اینگونه سریال ها باشد از پخش آن باید جلوگیری شود. ولی این امر را باید به مسئولین مستقیم آن یعنی صدا و سیما تذکر داد. ولی وظیفه عقلی و شرعی من و شما آن است که از مشاهده آنچه که تأثیر نامطلوب روی شخصیت ما می گذارد و یا باعث گسترش فرهنگ غلط می شود، خود را کنترل کنیم و در صورت لزوم به دیگران نیز پیامد های منفی مشاهده این گونه برنامه ها را متذکر شویم. حتی المقدور دوستان نزدیک، اعضای خانواده و فامیل نزدیک و دیگرانی که احتمالا تأثیر گذاری روی آنها داریم، نسبت به این موضوع آشنا سازیم. همه سریال ها و برنامه های صدا و سیما یکدست نیست برخی مفید و برخی مضر است. فایده و ضرر نیز ابعاد گوناگونی دارد چه بسا فیلم ها، که به واسطه آموزش های نادرست ، از جهت اخلاقی ناپسند باشد ولی از جهت شرعی حرام نباشد گرچه قطعاً کراهت دارد. آنچه عالمان دین و اندیشمندان فقه گفته اند این است که نگاه کردن به فیلم و یا سریال که باعث تحریک جنس و تبلور شهوت می شود حرام است، ولی تشخیص اینکه آیا برای فرد مضر است و یا این حالت حاصل می شود، یا خود فرد است، پس اگر کسی فهمید که نگاه کردن به همین سریالهای موجود در تلویزیون برایش مضر است نباید نگاه کند. اما اگر مضر است چرا پخش می شود، مسئولین صدا و سیما می گویند ما با ۷۰ میلیون نفر انسان با سلیقه های مختلف روبرو هستیم و نمی توانیم تنها نظر گروه خاصی را در نظر بگیریم بلکه باید نظر و دیدگاه عموم مردم را ملاک و معیار قرار دهیم از این رو بر افراد است که اگر موسیقی و یا سریالی را برای خود مضر می بینند، آن را نشنوند و نگاه نکنند. ما ضمن اذعان به صداقت و تلاش بسیار عمده دست اندرکاران و مسئولین برنامه ها در

صدا و سیما، وجود برخی نواقص و نادرستی ها و کژی ها را نیز غیرقابل انکار می دانیم. صدا و سیما باید تلاش کند تا از عیوب و نواقص بکاهد. البته مسئولین عالی رتبه نیز تذکرات لازم را می دهند. بهرحال اگر این جواب هم قانع کننده نباشد وظیفه و تکلیف جوانان در مقابل سریالهایی که مضر می داند مشخص است. از جمله وظایف تماس با خود صدا و سیما و بیان نقطه نظرات انتقادی و پیشنهادی می باشد.

چرا آهنگ های بدی می گذارد در تلوزیون؟

پرسش

چرا آهنگ های بدی می گذارد در تلوزیون؟

پاسخ

مسلماً کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه‌ها خالی از عیب و نقص نمی‌باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش‌های جامعه و وظایف سنگینی که این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش‌های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه‌های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومت اسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان‌سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می‌باشد. اما در مورد انتقادی که شما نام بردید باید گفت: علیرغم وجود برخی مشکلات و معضلاتی که به هیچ وجه زیبنده رسانه ملی نظام اسلامی ایران نمی‌باشد، صدا و سیمای جمهوری اسلامی دستاوردها و برنامه‌های بسیار مفید و مثبت و سازنده فراوانی داشته و دارد و این چنین نیست که کارش فقط تبلیغ بدحجابی، مدگرایی، تجمل‌گرایی و آهنگ‌های مطرب و... باشد. گذشته از برخی مظاهر نامناسب با ارزش‌های اسلامی، اکثریت برنامه‌های صدا و سیما برنامه‌هایی آموزنده و در راستای تأمین نیازهای متنوع اقشار مختلف جامعه می‌باشد که البته به واسطه برخی عوامل، هنوز مشکلات و معضلات و نواقص در دستیابی به نقطه مطلوب و برآوردن انتظارات مسؤولین نظام اسلامی و مردم عالی‌قدر وجود دارد که بخشی از اینها مربوط به صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می‌باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده و مخاطبین آن می‌باشد. اما در مورد اول باید گفت که هم در زمان امام که این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه اداره می‌شد و چه در زمان حال که نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری می‌باشد و شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه بر سازمان نظارت دارند، خود این بزرگواران انتقادات زیادی به برخی از برنامه‌های این رسانه داشته، تذکرات متعددی در جهت بهبودبخشی آن داده‌اند. معظم‌له در ۲۴ آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار یا کم‌تر، اعتراض می‌کنم و پیغام تند می‌دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده است. برنامه‌های هنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...» بنابراین چنین نیست که مقام معظم رهبری هیچ‌گونه نظارت و کنترل بر این رسانه نداشته باشند بلکه برعکس با توجه به جایگاه و وظایف آن نسبت به این رسانه حساس بوده و اهتمام جدی دارند. اما نکته‌ای که باید توجه شود این است که نظارت و کنترل مقام معظم رهبری به تنهایی نمی‌تواند علت تامه برای حل مشکلات و معضلات جامعه و سازمان‌ها و نهادها از جمله صدا و سیما باشد بلکه حل اساسی آنان نیازمند ریشه‌یابی دقیق مشکلات و انجام اقدامات اصولی و صحیح برای برطرف کردن آن مشکلات می‌باشد که عبارتند از: ۱- نظارت دقیق بر گزینش افراد و برنامه‌ها در صدا و سیما و استفاده از هنرمندان متعهد و انقلابی. ۲- کنارگذاشتن افراد منحرف و غیرقابل اصلاح از رادیو و

تلویزیون و جلوگیری از نفوذ افراد وابسته به درون صدا و سیما. ۳- نظارت همه‌جانبه بر پخش رادیو و تلویزیون با استفاده از متخصصین و کارشناسان متعهد و نظارت دقیق بر فیلم‌سازان و محتوای فیلم‌ها. ۴- برخورد با مسؤولان پخش مطالب توهین‌آمیز یا منافی ارزش‌های اسلامی. ۵- صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی و مرکز ترویج ارزش‌های اسلامی باید از تقلید برنامه‌های خارجی بدون مطابقت با آیین اسلام و بسط فرهنگ تجمل‌گرایی و... در تهیه برنامه‌های خود، دست برداشته و زمینه هدایت جامعه را فراهم آورد. حال با توجه به مشکلاتی که در صدا و سیما و برخی برنامه‌های آن وجود دارد و به هر دلیلی شاید این مسائل در کوتاه‌مدت قابل حل نباشد بینندگان و مخاطبان نیز باید یکسری نکات را مد نظر داشته و رعایت نمایند: اولاً: هر چند برخی از فیلم‌ها یا سریال‌های خارجی که از صدا و سیما پخش می‌شود از نظر شرعی نتوان مشکل ذاتی برای آنها نام برد ولی اگر برای برخی بینندگان مفسده‌ای به دنبال داشته باشد باید آن فرد از آنها اجتناب نماید و صرف پخش آن برنامه از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه دلیل بر مشروعیت آن نمی‌شود. ثانیاً: وجود این قبیل مشکلات و نقائص وظیفه نیروهای انقلابی و متعهد را در کسب تخصص‌ها و مهارت‌های گوناگون، مضاعف می‌نماید زیرا پاره‌ای از عوامل این نارسائی‌ها به کمبود نیروی انسانی و متخصصین متعهد بازمی‌گردد. ثالثاً: با توجه به تهاجم فرهنگی از طریق ارتباطات و فن‌آوری پیشرفته به حدی که در آینده‌ای بسیار نزدیک هیچ مانع و کنترل بیرونی برای دستیابی به این امواج مسموم وجود نخواهد داشت، مطمئن‌ترین راه برای دورماندن از انحراف و آلوده شدن به گناه، تقویت ایمان و تقوای الهی (کنترل درونی) می‌باشد که البته این موضوع به هیچ وجه توجیه کننده مشکلات برخی برنامه‌های صدا و سیما نمی‌باشد ولی در مورد مخاطبان حائز اهمیت می‌باشد.

در ایران بعضی از کارها حرام است چرا بطور رایج انجام می گیرد و اصولا مگر وظیفه مرجع بقلید نیست که نسبت به آن هشدار دهد؟ مثل استعمال سیگار، دروغ گفتن ، سؤالم این است چرا این احکام گفته نمی شود از تلویزیون یا جراید؟

پرسش

در ایران بعضی از کارها حرام است چرا بطور رایج انجام می گیرد و اصولا مگر وظیفه مرجع بقلید نیست که نسبت به آن هشدار دهد؟ مثل استعمال سیگار، دروغ گفتن ، سؤالم این است چرا این احکام گفته نمی شود از تلویزیون یا جراید؟

پاسخ

مقوله امر به معروف و نهی از منکر از مسائلی است که ضامن حفظ و بقای جامعه است و در اهمیت آن شکی نیست. اما این مسأله، تکلیف همگانی است و اختصاص به اشخاص یا رسانه خاصی ندارد گرچه همان طور که فرمودید هر قدر امکان رسانه ای از جمله صاحبان تریبون مثل صدا و سیما که گسترده ترین تریبون عمومی را در اختیار دارد و نیز هر قدر از نفوذ کلمه و آگاهی بیشتر بهره مند باشیم مثل مراجع تقلید، مسؤولین دولت اسلامی وظیفه سنگین تری داریم. پس کوتاهی گروهی یا رسانه ای در انجام این مسؤولیت نمی تواند عذر آور برای دیگر مردم باشد تا آنها نیز در این زمینه کوتاهی کنند. فرد فرد آحاد جامعه، مسؤول هستند تا با هر گونه منکری امر به معروف کنند (البته با توجه به شرایط آن). اگر در جایی نیز مشاهده شد که عالمی یا مسؤولی از وظیفه خود بدون هیچ عذری شانه خالی می کند، در اینجا نیز باید نهی از منکر نموده، او را متوجه وظیفه خود نمود. خداوند کریم در قرآن علت عذاب کردن بسیاری از امم گذشته را اهمال ایشان در مسأله امر به معروف و نهی از منکر می داند. در آنجا چنین بیان شده که مسؤولین و علماء امر به معروف و نهی از منکر نکردند بلکه علت را متوجه کل جامعه می کند. پس اگر همه افراد نیز در این وظیفه اهمال کنند باز وظیفه و مسؤولیت شخصی دیگران سلب نخواهد شد. البته نباید در این امر، در مورد مصادیق اشتباه کرد. به

عنوان مثال در حرمت سیگار کشیدن غیر از برخی علماء، اتفاق نظری وجود ندارد. با وجود همه این نکات، ضمن ارج نهادن به دغدغه دینی شما که ناشی از غیرت دینی شما می باشد، این موضوع را خاطر نشان می سازیم که رعایت یا عدم رعایت هنجارهای اجتماعی صرفا با امر و نهی درست نمی شود، گرچه امر و نهی واجب است اما لازم تر و مقدم بر آن، ایجاد زمینه های لازم برای پذیرش امر و نهی است و این مسأله مکانیسم های مختلفی را می طلبد. اگر بستر لازم برای پذیرش رهنمودهای مراجع نباشد، آنها وظیفه گفتن و تذکر دارند، اما چه سود که دل های غافل و گوش های ناشنوا نسبت به سخن حق، به آن اعتنایی نمی کنند، گرچه ممکن است به خاطر عدم احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر نیز ضرورتی نیاید. از این رو باید همه ما بدون استثناء تلاش کنیم. با مطالعات عمیق روان شناختی، جامعه شناختی و اهتمام جدی به بهداشت روانی جامعه از دیدگاه اسلام در این مسأله مهم مشارکت کنیم.

بارها از دوستان و غیر دوستان می شنویم که می گویند فیلم های سینمایی و تلویزیونی ما دینی نیست و با ارزشهای ما در تعارض است و یا در فیلم های کارگردانان می بینیم که برای دینی کردن فیلم تنها کاری که می کنند این است که در فیلم شان شخصی را نشان می دهند که مشغول

پرسش

بارها از دوستان و غیر دوستان می شنویم که می گویند فیلم های سینمایی و تلویزیونی ما دینی نیست و با ارزشهای ما در تعارض است و یا در فیلم های کارگردانان می بینیم که برای دینی کردن فیلم تنها کاری که می کنند این است که در فیلم شان شخصی را نشان می دهند که مشغول نماز و قرآن خواندن است.آیا با این طور نمایش دادن فیلم ،فیلم دینی می شود. مشخصات و ویژگی های یک فیلم دینی را بیان کنید.

پاسخ

پاسخ دقیق به این سؤال از یک سو نیازمند شناخت دقیق هنر دینی است و از سوی دیگر باید به این نکته توجه شود که نمی توان قضاوت کلی پیرامون تمامی محصولات و تولیدات سینمایی و تلویزیونی در کشورمان داد، بلکه باید هر کدام را براساس ویژگی ها و معیارهایی که برای یک هنر یا فیلم یا سینمای دینی وجود دارد، در نظر گرفت و سپس میزان دینی یا دینی نبودن آن را مشخص نمود. ولی از این واقعیت نیز نمی توان گذشت که بحمدالله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود نیروها و عناصر متعهد و متخصص انقلابی به عرصه سینما، گام های بسیار مهمی - هر چند ناکافی - در جهت دینی شدن صدا و سیما و محصولات سینمایی کشورمان برداشته شده است و توانسته است میزان عظیمی از فرهنگ، معارف و ارزش های اسلامی را به جامعه منتقل نماید. البته این واقعیت نیز وجود دارد که موانع بی شمار داخلی و خارجی - از قبیل رسوبات فکری و فرهنگی دوران قبل از انقلاب در میان برخی از هنرمندان سینمایی، تهاجم فرهنگی غرب برای القاء فرهنگ منحط خود و تأثیرگذاری آن بر برخی جریانات داخلی و ناکافی بودن تعداد هنرمندان متعهد و منابع مادی، کاستی در نظارت و... سبب شده تا متأسفانه برخی محصولات سینمایی و تلویزیونی ما معیارهایی غیر از الگوهای اسلامی را تعقیب نموده و چهره ای غیر اسلامی به تولیدات خود بدهند. در هر صورت جهت شناخت دقیق یک فیلم دینی و ویژگی های آن، بخش هایی از یک مقاله یا مشخصات ذیل به دنبال می آید. هنر و امکان دینی شدن آن! نویسنده: محمد رضا اسدی منبع: سایت باشگاه اندیشه به نقل از www.soroushpress.com امکان دینی شدن هنر! برای بحث از امکان دینی شدن هنر نیازمند آن هستیم تا تصویر مشخصی از ماهیت هنر یا حقیقت هنر داشته باشیم و از مطالبی که در مورد روش تعریف هنر و دشواری‌های دسترسی به ماهیت هنر در بخش اول، سخن گفتیم معلوم شد که تصویر

روشنی از ماهیت هنر وجود ندارد و هر فرد یا گروهی از فیلسوفان و هنرمندان و اندیشمندان، هنر را بگونه‌ای تبیین کرده‌اند که به سختی بتوان به توافقی حتی نسبی در مورد ماهیت هنر و اثر هنری دست یافت. بنابراین براساس ابهامی که در تعریف هنر و هویت هنر وجود دارد – و نه به جهت اینکه توافق جمعی در مورد تعریف هنر وجود ندارد – منطقی‌ترین سخن در باب هنر دینی آن است که مفهوم هنر دینی نیز هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. بحث فنی و دقیق فلسفی در مورد هنر دینی آن هنگامی میسر است که حقیقت هنر برای ما مکشوف شده باشد و چطور می‌توان در حالی که ماهیت هنر هنوز در ابهام است هنر دینی را با وضوح تمام تشریح کرد؟! پرسش و مسئله این است که ملاک و میزان دینی شدن علوم و امور مختلف چیست؟ ادراکات و آگاهیهای ما در چه صورتی متصف به دینیّت می‌شوند؟ واقعیت خارجی (fact) در چه صورتی متصف به دینی بودن می‌شود؟ مثلاً فرهنگ، یا حکومت یا یک اثر هنری به عنوان واقعیات خارجی بر چه اساسی دینی محسوب می‌شوند؟ ملاک دینی بودن یک موضوع آن است که نه تنها آن موضوع تعارضی با دین نداشته باشد بلکه کاملاً ـ با اهداف، مبانی، بینش و ارزشهای دینی – اسلامی سازگار باشد. از دیدگاه ما هنر صورت و سیرتی دارد و اسلام به عنوان یک دین هم در شکل بخشیدن به صورت هنر و هم معنی بخشیدن به سیرت هنر، توانمند است. اثر هنری از هر مقوله‌ای که باشد؛ سینما، تئاتر، مجسمه‌سازی، نقاشی، موسیقی، شعر و... – از صورت و سیرتی برخوردار استو صورت آن محصول نوعی مهارت و تکنیک است و سیرت آن مبتنی بر نوعی معرفت و آگاهی، دین در این میان هم بر مهارت و تکنیک اثر هنری تأثیرگذار است و هم بر معرفت و مضمون بکار گرفته شده در آن، گو اینکه شاید نتوان میزان دخالت دین در تمامی عرصه‌ها و شاخه‌های هنری را یکسان و یک اندازه دانست فی‌المثل دخالت دین در شکل بخشیدن به صورت یک نقاشی بیش از دخالت دین در شکل بخشیدن به صورت یک شعر است. با این اوصاف فی‌المثل سینمای دینی، سینمایی نیست که فقط از مضمون دینی و اسلامی برخوردار باشد بلکه صورت و اشکالی که آن محتوی را به نمایش می‌گذارند نیز باید مطابق ضوابط و جهان‌بینی و ارزشها دینی و اسلامی باشد و یا بالعکس اگر اشکال و صورت یک فیلم هماهنگ با ضوابط دینی باشد اما پیام و محتوای آن فیلم هماهنگ با ارزشها و اهداف دینی نباشد آن فیلم یا سینما هنوز کاملاً دینی نیست. سینمای دینی یا فیلم دینی هنگامی تحقق می‌یابد که صورت و سیرت آن مبتنی بر ارزشها و اهداف و موازین دینی باشد. البته دینی با تمامی گستردگی و وسعتش که شامل تمامی ارزشهای والای انسانی و بشری است. دینی بودن یا دینی شدن یک امر ذو مراتب است یعنی ما می‌توانیم از دینی و دینی‌تر شدن سخن بگوییم. از این رو ای بسا یک اثر هنری از حیث صورت دینی باشد اما از حیث محتوی غیر دینی یا بالعکس از جهت مضمون و پیام دینی باشد اما از جهت صورت غیردینی – و نه لزوماً ضد دینی – و ای بسا یک اثر هنری از نظر صورت و سیرت تواماً دینی باشد اما بتوان پرداختی نسبت به آن اثر هنری داشت که آن را دینی‌تر کند. یک اثر هنری تمام عیار آن است که دین در صورت و سیرت آن تواماً حضور جدی و شفاف داشته باشد. گو اینکه نمی‌توان انکار کرد که صورت و سیرت یک اثر هنری در خارج چنان در هم تنیده و با یکدیگر در آمیخته‌اند که به دشواری بتوان یکی را از آن دیگری جدا کرد و مستقلاً مورد ارزیابی و داوری قرار داد. با توجه به کارکرد و جایگاه هنر دینی در حیات بشری شاید در نهایت بتوان گفت هنر در مقام کارکرد هم دارای کارکردهای منفی بوده است و از آن در مسیر باطل بهره‌برداری شده است و هم دارای کارکردهای مثبت بوده است. از این‌رو اگر بخواهیم هنر دینی – اسلامی را براساس کارکردهای مثبتش معرفی نماییم می‌توان گفت هنر دینی، هنری است که آدمی را از اسارت وسوسه‌ها و هوسها می‌رهاند و خدا را با شکوه و عظمت و زیبایی در چشم آدمی می‌نماید. هنر دینی، حق‌بین و حق‌جو است و با هر صورتی از ظلم و باطل و زشتی سرستیز دارد. به آدمی غمهای متعالی می‌دهد و غمهای حقیرش را می‌ستاند. انبساطها و شگفتی‌های عمیق روحی به او می‌بخشد و او را از دام شادیهای کودکانه می‌رهاند. هنر دینی بال و پری است برای برون پریدن از قفس تنگ زمان و مکان و فرصتی است برای تنفس کردن در سرسرای فراخ لازمان و لامکان. هنر دینی واقعیتی است که بیشتر از جنس راه است تا از جنس مقصد و از همین رو، دعوتی است برای عبور کردن و نه تأکیدی برای ماندن. هنر دینی تمثّل

عطش و التهاب یک روح بی‌قرار و معطوف به سوی ابدیت است. و جان کلام اینکه هنر دینی چیزی جز هنر عاشقی و هنر عاشقان نیست. عاشق و رند و نظر بازم و می گویم فاش تا بدانی که به چندین هنر آراسته‌ام عشق می‌ورزم و امید که این فنّ شریف چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

تعریف فرهنگ

نظراسلام درباره ازخود بیگانگی چیست

پرسش

نظراسلام درباره ازخود بیگانگی چیست

پاسخ

خودباختگی از بدترین دردهایی است که گریبانگیر انسان می شود. اگر انسان قدر خود را نداند,ارزش ندارد. به تعبیر قرآن اگر انسان خود را ببازد, مانند قمار بازی است که تمام اموالش را باخته است و دیگر هیچ ندارد و در مرحلهء آخر خود را هم می بازد: خود را باختند. >خود باختگی در دوری از خدا است . انسانی که از خدا غافل است , در خسران به سر می برد. اگر انسان از خدا غافل بشود, از خود هم غافل می شود ;مثلاً انسانی که دزدی می کند و داخل خانهء مردم می شودو اموال را به غارت می برد, خود را می بازد و جانش را در خطر می اندازد و هویت خود را از دست می دهد و همه ءگناهان همین پیامد را دارند و هویت انسان را عوض می کنند. به ظاهر او را انسان می بینی , اما در باطن درنده و حیوان خطرناکی است که باید از او پرهیز کنند. علی ۷تعبیر جالبی دربارهء معاویه دارد: پاک کنم تا ناخالصی ها بیرون آید. >انسان در اثر غفلت از خدا و دوری از معنویات و فرورفتنی در گناهان , هویت خویش را از دست می دهد و لذادر روایات آمده است که پیامبر فرمود: .(۱) در مقابل خود فراموشی و غفلت از خدا, ذکر است . ذکر یعنی توجه قلبی به خدا, و چون نماز بهترین یاد خدا است , انسان در نمازی که با حضور قلب و معرفت باشد, خود را پیدا کرده و به خود واقعی دست می یابد ووقتی خود را یافت و به حقیقت خود توجه کرد, هویت انسانی خود را پیدا می نماید و به تمام معنا انسان می شود, امانسان هایی که در گناه و شهوت و غفلت غوطه ور هستند, گرچه به ظاهر انسان اند, ولی در حقیقت همان گونه که درروایت پیامبر۶آمده بود, از انسانیت به دورند. (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۷ ص ۸۹

از دیدگاه شما ارزش های اسلامی چیست ؟ و به چه چیزهایی ارزش اسلامی می گویند؟ آیا احکام اسلامی مانند ازدواج دائم یا موقت را می توان از ارزشهای اسلامی دانست ؟

پرسش

از دیدگاه شما ارزش های اسلامی چیست ؟ و به چه چیزهایی ارزش اسلامی می گویند؟ آیا احکام اسلامی مانند ازدواج دائم یا موقت را می توان از ارزشهای اسلامی دانست ؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! مفهوم ارزش چیزی نیست که بر کسی مخفی باشد. هر کس در حدّ توان علمی یاتجربی خود, مفهوم ارزش را می داند و حتی مصادیق آن را تشخیص می دهد. دستورهای اسلامی و احکام آن ازمسائلی نیستند که برای فرد یا جامعه ضرری داشته باشد. این مطلب قابل استدلال است و می توان با تحقیق و تأمل بدان دست یافت . اگر کسی با حقیقت انسان و اخلاق در حیات او و از طرفی با قوانین فردی , اجتماعی اسلام آشناباشد, هر چه در این دو موضوع با تحقیقات وسیع تر و با دید و فرهنگ و دانش عمیق تر و بالاتر وارد شود, بهتر به این حقیقت دست خواهد یافت . راستی شما در این مطلب اندیشیده اید که پیامبر اسلام و امامان و بزرگان و علما ودانشمندان و متفکران اسلامی و هزاران عالم و متفکر و اندیشمند اسلامی همگی چشم بسته و بدون تأمل و تعقل مطالبی را که مورد تأیید عقل نیست , پذیرفته اند و برخلاف , عقلشان به چیزهایی معتقد شده اند؟. امثال بوعلی سینا.فخررازی و خواجه نصیرالدین طوسی , و ملاصدرا و فیض کاشانی و علامه طباطبایی و امام خمینی و هزاران اندیشمند که هر کدام سال ها از مطالب و احکام اسلامی اندیشیده اند و کتاب ها نوشته اند, همه روی عقلشان با گذشته و چیزهای خلاف عقل و اندیشه را پذیرفته اند و روی آن پا فشاری نموده اند. شما اگر منصفانه و عالمانه , به احکام اسلامی نظر بیافکنید و بدون احساسات و امیال قضاوت کنید, در می یابید که این دستورهای الهی به مصلحت بشراست . اصلاً به جز این احکام چه طرح و برنامه ای می توانید پیشنهاد کنید که مشکلات را کمتر کند و جامعه را به سوی جامعهء بدون ظلم و فساد به پیش ببرد؟ نه تنها بنده و جنابعالی بلکه صدها سال است جامعه شناسان برای حلّ مشکلات جوامع فکر کرده اند و هر کسی نظری داده است , یکی مشکل را اقتصاد دانسته , مانند مارکس و لنین ,دیگری در غریزهء جنسی دانسته , مانند فروید و عده ای حلّ مشکل را درهم جنس بازی دانسته اند! همه نظرهایشان را مطرح کرده و کتاب ها نوشته اند و حتی بعضی از نظریات در بعضی از کشورها اجرا نشده است , ولی نتوانسته اندمشکلات را حّل کنند, بلکه بر مشکلات افزوده اند. هر کسی ارزش را در چیزی می پندارد و بر آن پافشاری می کند وبعد از مدّتی که سرش به سنگ می خورد, پس از آنچه آن را ارزش می دانست , دست برمی دارد و نظرش عوض می شود. همهء نیک اندیشان و خیرخواهان دنبال ارزش تعالی بخ شیدن به خود و جامعه هستند, امّا تک بعدی یا چندبعدی می اندیشند. بعضی نیتشان خیر است , امّا راه را بلد نیستند و مدتی مردم را سرگردان می کنند, بعد می فهمنداشتباه رفته اند. اینان نه اینکه کم عقل یا بی عقل اند ;همه عقل دارند و با عقل خود محاسبه می کنند, امّا به تمامی جوانب مسائل توجه ندارند و سطحی نگرند و تک بعدی به مسائل نگاه می کنند. ما می گوییم هر مطلبی که در راستای رشد انسان و انسانیت و بنه رابطهء او با خدا باشد, ارزش و ارزشمند است وهر چه در این راستا نباشد, می توان صد درصد آن را ارزش محسوب کرد. رابطهء انسان با خدا باید از قبیل رابطهء عبدو مالک باشد. انسان باید در اثر تهذیب نفس به مرحلهء عبودیت برسد و خود را عبد خدا بداند. آن وقت که به این مرحله رسید, دیگر به کسی ظلم نمی کند, کم کاری نمی کند, از مردم و از بیت المال دزدی نمی کند, به ناموس دیگران چشم نمی اندوزد, به قوانین و تهّدات اجتماعی احترام می گذارد, کلا به سر کسی نمی گذارد, آبروی کسی را نمی ریزد,دنیاپرست نیست , اهل خیر و احسان است . گر چه خودش کم دارد. امّا به دیگران رسیدگی می کند و به علم و اخلاق اهمیت می دهد و به عالم و استاد و معلم توجه می کند. طرح ازدواج صحیح و سالم از سوی اسلام برنامه ای مطابق با فطرت مرد و زن است و هر طرح و برنامهء دیگری غیر از این دارای مفاسد فراوانی است . این طرح و نقشه تنها از اختراعات پیامبر اسلام نیست , بلکه از دستورهای الهی است که توسط همهء پیامبران الهی از صدر خلقت تاکنون توصیه شده و رواج داشته است و عقلای عالم نیز آن راقبول دارند. مسئلهء ازدواج دائم و موقت مخصوص قشر خاصی نیست و همهء مردان و زنان , چه جوان باشند و چه غیر چون می توانند در صورت وجود مقتضی و بررسی جوانب امر بدان اقدام کنند.

شهید کیست و شهادت چیست؟ فرهنگ شهادت چیست؟

پرسش

شهید کیست و شهادت چیست؟ فرهنگ شهادت چیست؟

پاسخ

شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه و هدفی مقدس است و از هر گونه انگیزهٔ خود گرایانه منزّه و مبرّا است تحسین انگیز و افتخار آمیز است و عملی قهرمانانه تلقی می شود. میان انواع مرگ ها تنها این نوع از مرگ است که از حیات و زندگی، برتر و مقدس تر و عظیم تر است. مرگی "شهادت "محسوب می شود که با توجه به خطرات احتمالی یا ظنّی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن" فی سبیل الله "از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا باشد؛ هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. کلمهٔ شهید و مفهوم شهید در کلمات و مفاهیم اسلامی و در ذهن کسانی که فرهنگشان اسلامی است، مفهومی نورانی و مقدس است و در همهٔ عرف ها توأم با قداست و عظمت است. از نظر اسلام، هر کس به مقام و درجهٔ شهادت نائل آید که اسلام او را با معیارهای خودش شهید بشناسد، یعنی در راه هدف های عالی اسلامی به انگیزهٔ برقراری ارزش های واقعی بشری کشته بشود، به یکی از عالی ترین درجات و مراتی که یک انسان ممکن است در سیر صعودی خود نائل شود، نائل می گردد. قرآن در شأن شهید فرمود": ولا تحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل الله أمواتاً أحیاءٌ عند ربهم یُرزقون؛[۱۰] گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند. "در اسلام وقتی که می خواهند مقام کسی را بالا ببرند می گویند: مقام فلان شخص برابر است با مقام شهید یا فلان کار اجرش برابر است با اجر شهید. شهید مطهری می گوید": مَثَل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتوافکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری شهدا شمع محفل بشریتند. سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل تاریک می ماند، هیچ دستگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه بدهد."۳[۱۱] شهادت آن قدر دارای ارزش است که اولیاءالله برای رسیدن به آن دعا می کردند و به امید شهادت زنده بودند و یکی از دعاهای مسلمانان صدر اسلام همین بود. در دعاهایی که از ائمه به ما رسیده است، این موضوع به چشم می خورد. در دعای شب های ماه مبارک رمضان می خوانیم: اللهم برحمتک فی الصالحین فأدخلنا و فی علیین فارفعنا ... و قتلاً فی سبیلک مع ولیّک فوفّق لنا؛ خدایا، به ما توفیق بده که در راه تو و به همراه ولیّ تو کشته بشویم و به فیض شهادت نائل گردیم. "عمروبن جموح که یک پایش در جنگ لنگ شده و وظیفهٔ رفتن به جهاد از او ساقط بود، گریه می کرد و پیامبر را واسطه قرار داد که مانع او نشوند تا بالاخره در جبههٔ جنگ اُحد به شهادت رسید.[۱۲] [۱۰]آل عمران (۳) آیهٔ ۱۶۹. [۱۱]مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی شهید، ص ۷۶. [۱۲]همان، ص ۹۷.

تمدّن اسلامی چیست و راه های بسط و گسترش آن کدام است؟

پرسش

تمدّن اسلامی چیست و راه های بسط و گسترش آن کدام است؟

پاسخ

تمدن نوع خاصی از توسعهٔ مادی و معنوی در جوامع بشری است که شامل مجموعه ای از پدیده های اجتماعی قابل انتقال، حاوی جهات مذهبی، اخلاقی، زیبایی شناختی و هنر، امور فنی و علوم و مشترک در همهٔ اجزای یک جامعهٔ وسیع و یا چندین جامعهٔ مرتبط با یکدیگر است.[۴] این امور در جوامع اسلامی طی ده قرن، به ویژه در قرن های سوم، چهارم و پنجم هجری به نحو بارزی تحقق یافت. دانشوران در معنای تمدن اسلامی چنین گفته اند که تمدن اسلامی، فرهنگی است که فراتر از خواستگاه خود، مدینه النبی، گسترش مکانی و زمانی یافته و اجتماعات متعدد را در بر گرفته و از حیات اجتماعی آن ها تأثیر پذیرفته و بر حیات اجتماعی آن ها تأثیر گذارده است.[۵] تمدن اسلامی که از بعثت پیامبر اسلام(ص) و از سرزمین حجاز منبعث شد، در کوتاه ترین زمان ممکن به گسترش چشم گیری نایل شد به گونه ای که از ضلع غربی آن تا اندلس، اسپانیا و پرتقال و کرانه های شرقی اقیانوس اطلس، از ضلع شرقی آن تا آسیای مرکزی، دیوارهای چین و سین کیانگ، از شما تا بالکان و از جنوب تا کرانه های اقیانوس هند و آفریقای مرکزی گسترش یافت. مسلمانان در این بستر پهناور جغرافیایی با انگیزهٔ اسلامی به بسط علم، فلسفه، هنر و اخلاق و سیاست پرداختند و از ویرانه های تمدن های پیشین بهره گرفتند و تمدن بزرگی را پایه ریزی نمودند و به جهانیان عرضه داشتند. بغداد، قاهره و قرطبه به تناوب از مرکز ثقل این تمدن بودند. علوم و فنون از جهان اسلام به اروپا سرایت کرد. به گفتهٔ گوستاولبون فرانسوی، اثری که تمدن اسلامی در غرب نهاد بسیار و گسترده است.[۶] بنابراین، تمدن غرب وامدار تمدن اسلامی است. در دورهٔ تمدن اسلامی یک سلسله فرازها و عوامل پیشرفت و یک سلسله نشیب ها و عوامل بازدارنده و انحطاط به وقوع پیوست که سخن در هر یک فرصت ویژه ای را می طلبد. در سال ۴۹۰ هجری اروپائیان جنگ های صلیبی به راه انداختند و به مدت دویست سال نیروهای مسلمانان را تلف کردند و موجب ضعف در تمدن اسلامی شد. در سال ۶۵۶ هجری هلاکوخان مغول مرکز خلافت عباسی، بغداد را به تصرف در آوردند و با نابودی شهر و کشتار هزاران نفر به تمدن اسلامی ضربه زدند. در اسپانیا مسلمانان از سوی فرانسویان مورد هجوم قرار گرفتند و سرانجام در سال ۸۹۸ هجری با شکست مسلمانان یکی از مراکز مهم تمدن اسلامی به ویرانه ای تبدیل شد. در سال ۱۳۴۲ هجری با بر چیده شدن حکومت عثمانی و تقسیم آن به ده ها کشور کوچک و کوچک تر، ضربه ای دیگر به عالم اسلام وارد شد. این ها گوشه ای از عوامل فراز و نشیب در تمدن اسلامی است. میدان برای سخن گفتن در تمدن اسلامی بسیار وسیع است چون که تمدن اسلامی، تمدن مسلمانان است که از نظر مکانی از اندلس تا چین و از نظر زمانی بیش از ده قرن را به خود اختصاص داده اند، سخن گفتن در یکایک پارامتر های تأثیر گذار، پیروزی ها و شکست ها فرصت زیادی را می طلبد. توصیه می شود که در صورت تمایل به جلد چهارم تاریخ ویل دورانت، تاریخ اسلام و عرب گوستاولوبون فرانسوی و تاریخ تمدن جرجی زیدان مراجعه شود، لیکن در این فرصت کوتاه به برخی از عوامل مهم در بسط و گسترش تمدن اسلامی اشاره می کنیم: ۱ _تشویق اسلام به گسترش علم و دانش؛ ۲ _تلاش ها و فداکاری های خالصانهٔ پیامبر اسلام(ص)، اهل بیت و یاران آن حضرت؛ ۳ _رفق و مدارای مسلمانان با دیگران؛ ۴ _معارف عالی قرآن و هدایت آن در جهت نیل به تعالی؛ ۵_ نقش قرآن در گسیختگی جمود فکری و آزاد اندیشه در حوزهٔ تفکری اسلام؛ ۶ _موقعیت جغرافیایی جزیره العرب و سخت کوشی عرب ها؛ ۷ _وجود برخی از خصلت های عرب جزیره العرب همانند صبر و پایداری در برابر سختی ها؛ ۸ _عدالت پروری اسلام؛ ۹ _کوشش های علمی _ فرهنگی اهل بیت پیامبر(ص) به ویژه امام پنجم و امام ششم(ع)؛ ۱۰ _نهضت علمی عباسیان، به ویژه هارون الرشید و مأمون عباسی و تأسیس بیت الحکمه و نهضت ترجمه. [۴]آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمهٔ باقر ساروخانی، ص ۴۷. [۵]فصلنامهٔ تاریخ اسلام، ش ۲، ص ۳. [۶]گوستاولبون، تمدن اسلام و عرب، مترجم سید هاشم حسینی، ص ۳.

تعریف(دین) و(فرهنگ) چیست؟ وچه رابطه ای میان این دو وجود دارد؟

پرسش

تعریف(دین) و(فرهنگ) چیست؟ وچه رابطه ای میان این دو وجود دارد؟

پاسخ

معناداری زندگی انسان در گرو انجام اعمال ورفتارهایی است که در چارچوب نظام ارزشی ویژه یک جامعه, و در راستای باورها ونظام عقیدتی آن جامعه انجام میگیرد, و چون مطابق بینش اسلامی, تنها جهان بینی حق و به تبع آن تنها نظام عقیدتی و ارزشی صحیح دین اسلام است, ما مسلمانان عامل معناداری وجهت دهنده زندگی انسان را دین میدانیم. از این رو فرهنگ بر دین انطباق مییابد. مگر آن که اجزای تشکیل دهنده فرهنگ را کمتر از اجزای تشکیل دهنده دین بدانیم, مثلاً جزای فرهنگ را صرفاً نظام ارزشی ورفتارهای موجود در جامعه دینی بدانیم که در این صورت فرهنگ زیر مجموعه و تابعی از دین خواهد بود. ناگفته نگذاریم که گاهی ارزشها در کشوری که دارای جامعه دینی است, فربه تر از صرف ارزشهای دینی تعریف می شود, در این صورت دو گونه ارزش خواهیم داشت: گونه اول ارزشهای ثابت وغیر قابل تغییر که از باورهای دینی سرچشمه می گیرد, گونه دوم ارزشهای ناشی از آداب ورسوم و قراردادهای اجتماعی که قابل تغییر وعوض شدن هستند. اما پر واضح است که تغییر در دسته دوم گزندی به ارزشهای ثابت وغیر قابل تغییر نمیرساند, چرا که اساساً از دو خاستگاه متفاوت نشأت گرفته اند.

تعریف کار فرهنگی چیست ؟

پرسش

تعریف کار فرهنگی چیست ؟

پاسخ

در کار فرهنگی ابتدا باید تعریف درستی ازفرهنگ داشت و سپس در نظر گرفت که در میان فرهنگ های مختلف فرهنگ مطلوب چیست . مسلماً منظور ما از کار فرهنگی تبیین ، ترویج و رساندن پیام فرهنگی اسلام به دیگران و زمینه سازی جهت رشد و تعالی معنوی وفرهنگی است . چنین عملی مسلماً باید از طریق شناخت هر چه بهتر فرهنگ غنی اسلام و آشنایی با ابزارها و تکنیک های انتقال و پویایی فرهنگی انجام پذیرد .یکی از ویژگی های ممتاز اسلام این است که علاوه بر غنای فره.....،دارای غنای ابزاری در راستای پویایی فرهنگی نیز هست . برای آگاهی بیشترر.ک : فرهنگ و تهاجم فرهنگی ، بیانات مقام معظم رهبری; .

فلسفه عزاداری و گریه بر اهل بیت(چیست؟

پرسش

فلسفه عزاداری و گریه بر اهل بیت(چیست؟

پاسخ

در بیان اهداف و فلسفه عزاداری باید گفت؛ اگر درمیان شیعیان، عزاداری یک سنت رایج شده است انگیزه های گوناگونی دارد

که به طور اختصار عبارت است از : ۱.شناساندن مقام پیشوایان بزرگ اسلام که سراسر زندگی آنان برای جامعه اسلامی الگو و سرمشق است، چه در مبارزه با طاغوتیان و چه در مسایل اخلاقی و روحی و ... ۲. افزایش عشق و محبت اهل بیت که پاداش رسالت پیامبر(است؛ چون در قرآن خداوند امر فرمود به حضرت رسول(که چنین بگوید": قل لا ـ اسئلکم علیه اجراً الا ـ المودة فی القربی("۱) بگو : من در برابر تبلیغ دین اجر و مزدی از شما نمی خوR̂.....مگر دوستی و تبعیّت از اهل بیتم. ۳. کمال خواهی و فضیلت طلبی. ۴. دعوت به دین و آگاه شدن از حقایق آن و فراخوانی مردم به صلاح و اصلاح و دوری از انحراف و فساد. ۵. حقانیّت نهضت حسینی بر ضد طاغوتیان و آشنا کردن مردم با ویژگیهای قیام امام حسین(۶. اطعام عده ای از گرسنگان در پرتو مجالس عزا که از دستورات مؤکد قرآن و اسلام است. ۷. یاد مصیبت اهل بیت(که موجب آسان شدن مصایب و سختیهای دوستداران آنان است. ۸. همدردی با رسول خدا(و حضرت زهرا(و سایر ائمه(. ۹. فراموش نشدن خاطره عاشورا؛ چرا که اگر این عزاداریها نبود نسلهای آینده نمی دانستند امام حسین(را یزید کشته است؛ و چرا کشته است. ۱۰. افشاگری جنایات ستمگران به ویژه بنی امیه و بنی عباس. ۱۱. رشد فضایل و کرامتهای انسانی و الهی و پرورش روحیه شهادت طلبی؛ هر قطره اشک پیامی است که شهادت را چون پیامی به مردم ابلاغ می کند و گریه نشانه آن است که فاجعه ای روی داده و ظلمی صورت گرفته است. عزاداری نه یک روز، نه ده روز، نه یک ماه بلکه در تمام سال برای این است که ملتی که در شهادت زندگی می کند باید عزادار باشد و در مجالس عزا با بیان فلسفه شهادت و با یادآوری از شهیدانش، روحیهٔ شهادت طلبی را همچنان تازه نگه دارد. بی شک به خاطر نشر فلسفه شهادت و ایثار و کرامتهای انسانی است که شیعه به بهانه مرگ برادر، عمو، دایی و ... جلسه برگزار می کند و یک باره به کربلا گریز می زند و از حسین سخن می گوید. ۱۲. زنده نگه داشتن اسلام با استفاده از ابزار عزاداری، عزاداری اسلام را زنده کرد و اگر امام حسین(قیام نمی کرد اثری از اسلام باقی نمی ماند. اساس شکل گیری انقلاب اسلامی نیز نهضت امام حسین(است. امام خمینی(دربارهٔ تجدید و تکرار عزاداریها می فرمایند... " : اصلاً نمی فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی دانند این منبرها، گریه ها، و سینه زنیها حدود ۱۴۰۰ سال است که ما و مکتب را حفظ کرده و تا حالا اسلام را آورده، این عده از جوان ها اینطور نیست که سوء نیت داشته باشند؛ آنها ـ خیال می کنند که ما باید حرف روز بزنیم. حرف سیدالشهدا حرف روز، و همیشه حرف روز است؛ اصلاً حرف روز را سیدالشهدا آورده است و دست ما داده است و سیدالشهدا را این گریه ها، و مکتب وی را این مصیبتها، داد و قالها و این سینه زنیها و این دستجات حفظ کرده است ـ اگر فقط مقدسی بود و توی اتاق و توی خانه می نشست و برای خودش هی زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند، چیزی نمانده بود... همینهاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهدا نبود این نهضت را ـ کسی ـ پیش نمی برد("۲.) بنابراین عزاداری حسین بن علی و سایر ائمه اطهار(یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است.(۳) روضه های خانگی و دسته های عزاداری و هیأتهای زنجیرزنی، پوشیدن لباس مشکی و پرچم به دست گرفتن و شربت و آب دادن و تلاش در برپایی مجالس و نوحه خوانی و سینه زنی و ... هر یک به نوعی سربازگیری برای جبهه حسینی است.(۴) این پیوند قلبی را عمق و غنا می بخشد. این موارد، انگیزه های برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری است و آنچه در این میان وجود ندارد گریه کردن برای ضعف و ذلت ائمه است چون نفوس آنها، عزیزترین نفوس در میان موجودات عالم است. منابع و مآخذ : ۱. سوره مبارکه شوری / آیه ۲۳ ۲. قیام عاشورا در کلام و پیام امام، ص۱۶ ۳. نهضتهای اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، ص۸۹ ۴. فرهنگ عاشورا، ص۳۱۴ پاسخ به شبهات عزاداری، حسین رجبی، ص۲۵

چه تفاوتی بین ایدئولوژی و فرهنگ است؟

پرسش

چه تفاوتی بین ایدئولوژی و فرهنگ است؟

پاسخ

ابتدا معنای این دو واژه را باید داشت. فرهنگ (colture در انگلیسی، و Kultur در زبان آلمانی) مرکب از دو واژه" فر "به معنای" پیش "و" هنگ "از ریشه اوستایی THANG به معنای کشیدن تشکیل شده و کلمات فرهختن و فرهیختن در ادبیات فارسی ریشه است که به معنای تربیت کردن و ادب آموختن است. و نیز فرهنگ در فارسی به معنای دانش، عقل، فضل، ادب، بزرگی و سنجیدگی به کار رفته است، و نیز به معنای شاخه درختی که در زمین خوابانیده می شود تا جای دیگر سر بر آورد و کار ریز آب گفته می شود. از نظر اصطلاحی، با اینکه صدها تعریف برای واژه فرهنگ ذکر کرده اند، نقطه مشترک خاصی وجود ندارد، اما به طور کلی این تعریف را بهتر می توان دید که": فرهنگ عنصر هویت ساز جوامع و مظهر حیات عقلایی آنها است و کلیتی است که از ترکیب خصوصیات و نمادهای به وجود آمده در هر جامعه پدید می آید، که هسته مرکزی این کلیت و حیات عقلایی، نگرش موجود در هر جامعه درباره انسان و حقوق بنیادین اوست. و تعریف توصیفی یا تشریحی از فرهنگ می توان گفت: فرهنگ به عنوان یک کلیت از ویژگی های اساسی گروههای اجتماعی، تصورات، باورها، هنرها، آداب و رسوم بشری، میراث ملی، راه و روش زندگی یک قوم، نظام ویژگی های مادی و معنوی که به منظور تأمین نیازهای بشری سامان یافته اند. فرهنگ ثمره فعالیتهای فکری و سیری جوامع و چکیده زندگی اجتماعی است و در تمامی ضوابط فردی و اجتماعی منعکس می شود. مؤلفه های فرهنگ عبارتند از همان آداب، رسوم، باورها و نظام ارزشی حاکم بر جامعه، بنابراین ایدئولوژی جزئی از فرهنگ هر قوم است. جامعه ای که از فرهنگ قوی برخوردار باشد، اصول و معیارهای عملی خاصی دارد که به آن ایدئولوژی گفته می شود. ایدئولوژی در مقابل جهان بینی است در مکتب اسلام اصول عقاید را می توان جهان بینی نامید، و فروع دین و در واقع بخش عملی احکام را ایدئولوژی. و چون فرهنگ باید واجد باورها باشد، این باورها، که همان جهان بینی هستند، به فرهنگ جهت بخش و صاحبان فرهنگ را راهنمایی می نماید که به چه معیارها و موازین ارزشی پای بند باشند و بر اساس چه خطوطی عمل و حرکت کنند. از سوی دیگر ایدئولوژی و فرهنگ در یک داد و ستد سازنده و جلو برنده به یکدیگر یاری می رسانند. هر گاه کسی به مقررات اجتماعی و دینی و معیارهای پذیرفته شده جامعه، عمل نماید، به فرهنگ جامعه پای بند بوده و سعی نموده است عملاً آن را رعایت کند، و هر چه به این مقررات بیشتر پای بند و عامل باشند فرهیخته تر و با فرهنگ تر خواهد بود. در دنیای کنونی با کوچکتر شدن جهان و رشد و سرعت تبادل اطلاعات، ضمن اینکه امکان بهره گیری از فرهنگ دیگران وجود دارد، خطر دست کشیدن از موازین و فرهنگ خودی و استحاله فرهنگی نیز وجود دارد. ایدئولوژی در چنین جایی ـ با اینکه از عناصر درونی فرهنگ است ـ کمک می کند تا فرهنگ هویت و استقلال خود را حفظ نماید، و مواد زاید و مضری که به نام فرهنگ از سوی بیگانه هجوم می آورد را دفع نماید و به صاحبان فرهنگ بگوید به خود متکی باشند و درصدد نقد واردات باشند نه رد مطلق و نه پذیرش و تسلیم یکسره.

از نظر قرآن، بهترین تمدن، چه تمدنی است؟

پرسش

از نظر قرآن، بهترین تمدن، چه تمدنی است؟

پاسخ

قرآن مجید، ضمن تذکر و راهنمایی انسان برای رسیدن به بهترین تمدن یا آرمان شهر، در آیات متعددی به نحو ملموس و عینی، با ذکر نمونههایی از تمدنهای گذشته، عوامل انحطاط و سقوط، و همچنین عوامل رشد و تعالی آنها را بیان میکند. بهترین تمدن یا آرمانشهر اسلامی و قرآنی، همان جامعه و تمدن مهدوی است که با ظهور حضرت تحقق میپذیرد. تمدن ایدهآل، تمدنی است که: ۱. قانون همه جانبه و کامل، زیر بنای نظم اجتماعی آن باشد ;قانونی که زمینهٔ رشد و شکوفایی انسان را در بُعد مادی و معنوی فراهم کرده باشد و این قانون، جز از راه وحی و مکتب انبیا برای انسان، قابل دسترسی نیست.(أَنزَلَ مَعَهُمُ الْکِتَبَ) ۲. دولت مردان و مجریان آن، انسانهای صالح و پاکی باشند، و تقسیم قدرت، بر اساس لیاقت و شایسته سالاری باشد که بهترین نمونه آن را در صورت حکومت حضرت مهدیغ مشاهده خواهیم کرد، قرآن مجید میفرماید": وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّـلِحُونَ(; انبیأ،۱۰۵) و ما بعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من، ملک زمین را وارث خواهند شد". اگر قانون و اجرای آن به نحو مطلوب و صحیحی در جامعه، مطرح باشد، همه نهادهای جامعه، به سمت و سوی ترقی و رشد حرکت کرده و تمدن واقعی را رقم میزنند که در آن سعادت انسان و رشد معنوی و مادیاش تأمین میشود. معمولاً برای جامعه، پنج نهاد اصلی را بر میشمارند: نهاد خانواده، اقتصاد، حقوق، حکومت، آموزش و پرورش. قرآن، به همه اینها پرداخته و ارزش مداری و واقعگرایی را در همهٔ آنها، لِحاظ نموده است. نهاد خانواده، طبیعیترین عامل برای زندگی اجتماعی به شمار میرود. جامعه ایدهآل، جامعهای است که به تشکیل این نهاد اهمیت بدهد. قرآن مجید، با تأکید بر اصل ازدواج، آن را مایهٔ آرامش انسان معرفی نموده و روایات ما به پیروی از قرآن، ملاک و ارزشها را در اینباره معرفی نمودهاند. قرآن مجید، سرپیچی از این عامل مهم را سبب انحطاط تمدن میداند ;هم چنان که در جریان قوم لوط، به این مطلب اشاره شده است. نهاد اقتصاد و معیشت، طبیعیترین نیازی است که افراد احساس میکنند برای تأمین آن میبایست تلاش کرده و نیازهایشان را تأمین نمایند. تشویق مردم به کار و تقسیم و توزیع عادلانه منابع و ثروتها که، مسئلهای است که اسلام در این زمینه متذکر میشود. نهاد حقوقی، با وضع قوانین عادلانه و واقعنگر، روابط حقوقی بین افراد را تنظیم میکند، هم چنین اسلام دربارهٔ وظایف حکومت نیز مطالبی بیان کرده است. از باب نمونه، قرآن برای تأمین امنیت مال و ناموس افراد از دشمنان و توطئهگران داخلی و خارجی، به تهیه لشکر قوی و استوار دستور میدهد": وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ(;انفال،۶۰) خودتان را مهیا نمایید تا آن مقدار که میتوانید ".هم چنین در بُعد آموزش، نیز قرآن، ضمن طرح ارزش علم و دانش، به جهتدهی آن در مسیر خدمت به مردم و عبودیت خدا میپردازد.(برگرفته از علل انحطاط تمدنها از دیدگاه قرآن، احمد علی قانع، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.) به طور خلاصه میتوان گفت: تمدن ایدهآل قرآنی، تمدنی است مبتنی بر تعالیم دینی و وحیانی که، مجریان آن، صالحان و پاکانند و تمام زمینههای رشد انسانی، اعم از مادی و معنوی را توسعه میدهند که ما شاهد تحقق آن به صورت کامل، در زمان ظهور حضرت مهدیغ خواهیم بود، که علم، عدالت، معنویت و آزادگی، در اوج رشد و شکوفایی خواهد بود. برای مطالعه و کسب اطلاعات بیشتر از تمدن قرآنی، میتوانید به کتاب علل انحطاط تمدنها از دیدگاه قرآن، نوشته آقای احمد علی قانع، مراجعه فرمایید.

بعضی قائل شدهاند که بخشی از فرهنگ آداب و رسوم مردم هم عصر نزول قرآن کریم (فرهنگ جاهلیت در قرآن وارد شده است ــ آن هم با لحنی موافق و به رسم مماشات ــ آیا این ادعا صحیح است

پرسش

بعضی قائل شدهاند که بخشی از فرهنگ آداب و رسوم مردم هم عصر نزول قرآن کریم (فرهنگ جاهلیت در قرآن وارد شده است ـ آن هم با لحنی موافق و به رسم مماشات ـ آیا این ادعا صحیح است

پاسخ

"فرهنگ در لغت به معنای تعلیم و تربیت علم و دانش و ادب کتاب لغت مجموعهٔ آداب و رسوم و مجموعهٔ علوم و معارف و هنرهای یک قوم به‌کار رفته است از نظر اصطلاحی به مجموعهٔ برداشت‌ها، موضع گیری‌های فکری هنر، ادبیات فلسفه آداب سنن و رسوم و روابط حاکم بر اجتماع تعریف شده است قرآن کریم آخرین پیام آسمانی است که بر بشر نازل شده است و در محیطی بر انسان‌ها وارد شده که آن‌ها سرگشته و حیران و در جهل و تعصّب و خرافات به‌سر می‌بردند و در فرهنگشان آمیخته‌ای از عناصر صحیح و غیرصحیح وجود داشت چون از طرفی اعراب جزیرةالعرب وارثان حضرت ابراهیم و اسماعیل‌و دین حنیف بودند، لذا عناصر فرهنگی الهی و مفیدی مثل حج داشتند و از طرف دیگر در طول اعصار متمادی و با دوری از انبیای الهی به تدریج خرافات و عناصر باطل در فرهنگ آنان رسوخ کرده بود. آن‌چه در قرآن کریم آمده حق است و باطل در آن راه ندارد": لاَ يَأْتِيهِ الْبَـطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لاَ مِنْ خَلْفِهِ ("فصلت ۴۲) حال اگر مراد از" فرهنگ زمانهٔ عرب عناصری مثل ادبیات باشد، این عناصر فرهنگی به ناچار، در هر کتاب یا سخنرانی وجود دارد و به کارگیری آن برای تفهیم مطالب لازم است امّا اگر مراد از" فرهنگ زمانه ، خرافات مطالب باطل و شرک آلود عرب جاهلی باشد، قطعاً قرآن کریم از این فرهنگ متأثر نشده است بلکه به شدت و با تمام امکاناتی که داشته با این فرهنگ مبارزه کرده است مثل مذمت زنده به گور کردن دختران (تکویر، ۸) و یا بت‌پرستی و شرک به خدا و... . پس به همان صورت که در ردّ تفکر خرافی و جاهلی و شرک آلود، مماشاتی در رفتار پیامبر و زبان قرآن مشاهده نمی‌شود، به همان گونه در تأیید و اصلاح تفکر توحیدی پیامبران الهی کوتاهی و یا مماشاتی انجام نگرفته است چرا که احیا نمودن عناصر فرهنگی مثبت که ریشه در ادیان ابراهیمی داشته است به این معنا نیست که قرآن تحت تأثیر آن فرهنگ قرار گرفته است بلکه به معنای احیا و پیرایش نمودن و تکامل بخشیدن آن سنن الهی است قرآن از عصر قبل از نزول به" الجاهلیهٔ الأُولی" ("احزاب ۳۳) تعبیر کرده و می‌فرماید": أَفَحُكْمَ الْجَـهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا (;...مائده ۵۰) آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است " هر حکمی غیر از احکام و شرایع حقّی که از جانب خداوند متعال نازل شده است حکم جاهلیت و ناشی از هوا و هوس‌های جاهلان است پس" فرهنگ جاهلی مربوط به عصر نزول قرآن نیست که بگوییم فرهنگ و سنت‌های قبل از ظهور اسلام" فرهنگ جاهلی و فرهنگ و آداب بعد از ظهور اسلام" فرهنگ اسلامی است بلکه فرهنگ اموی و عباسی و... نیز از مصادیق" فرهنگ جاهلی به شمار می‌آید ;حتی بخش‌های بسیاری از آن‌چه امروز به" فرهنگ مدرن و متمدن غرب یاد می‌شود، نیز از مصادیق بارز" فرهنگ جاهلیت است نکته مهم دیگر این‌که" قرآن ، کتاب فیزیک گیاه‌شناسی زمین‌شناسی و یا کیهان‌شناسی نیست قرآن کتاب انسان‌سازی است و نازل شده است تا آن‌چه را که بشر در راه تکامل حقیقی‌اش (تقرب به خداوند) به آن نیاز دارد، به او بیاموزد ;پس نمی‌توان با روش علوم تجربی به بررسی آن پرداخت بلکه باید به شیوه‌ای ویژه که خود قرآن تعلیم فرموده آن را بررسی کرد. واقعیت‌های انکار ناپذیری که در قرآن کریم وجود دارد، عبارت است از: ۱. ارتباط تنگاتنگ کلام خداوند با کلام بشر: این‌که حقایق و معانی قرآن در قالب الفاظ، حروف و کلماتی استفاده شده است که جنبهٔ بشری دارد، مطلب درستی است در قرآن از قواعد ادب و فنون بلاغتی بهره برده شده که دیگران نیز از آن بهره برده‌اند. هر پیامبری برای القای پیام خود به مخاطبان چاره‌ای جز این ندارد که معانی بلند سخن آسمانی را در قالب الفاظی در آورد که بشر با آن‌ها مأنوس است به همین دلیل نیز می‌بینیم که قرآن گاهی عین کلمات مخاطبان خود را نقل تأیید، تصحیح یا رد می‌کند. ۲. زبان قرآن این‌که قرآن به زبان عربی آمده و تورات به زبان عبری و... ناشی از گوناگونی مخاطبان وحی بوده است و گرنه برای خداوند، عربیت عبریت و... خصوصیتی ندارد ;بنابراین قرآن در هنگامه و موقعیت جغرافیایی خاصی نازل شده است که در آن اقوام و مذاهب گوناگون وجود داشته است و قرآن نیز بدون توجه به شناخت واژه‌ها و کلمات و بدون رعایت تفهیم و تفاهم مطالب را ادا

نکرده است مثلاً ـ از آن جایی که مردم حبشه و یمن که از خدا به" رحمان تعبیر می‌کردند و گروهی از آنان در شهر مکّه بودند، قرآن نیز عمداً در موارد بسیاری به جای دیگر اسماً ذات حق از کلمه" رحمان استفاده کرده است ۳. اسباب نزول یکی دیگر از واقعیت‌های انکارناپذیر، سبب‌های نزول است لذا جاودانگی قرآن به این معنا نیست که هیچ‌گونه رابطه‌ای با واقعیت‌های عصر خود نداشته است و همهٔ پیام‌های خداوند کلی است بلکه قرآن با توجه به نیازها و شرایط عصر رسالت نازل شده و رنگ زمان و فرهنگ عصر بعثت در آن مشاهده می‌شود ;ولی در همهٔ این موارد، جهت‌گیری آن عام و کلی بوده و جنبهٔ درس‌آموزی و هدایت‌گری جامعهٔ انسانی لحاظ شده است ۴. شرایط تاریخی عصر نزول این نیز از دیگر واقعیت‌های پذیرفته شده است زیرا برای درک فرهنگ عصر نزول قرآن آگاهی از شرایط تاریخی جغرافیایی اقتصادی و سیاسی منطقهٔ حجاز ضروری است چون موجب می‌شود، مخاطبان اولیه قرآن شناخته شوند. منطقهٔ حجاز، با طبیعت خشک و دور از فرهنگ و تمدن انسانی کم محصولی و نبود کشاورزی انبوه و کسب سالم و مطمئن انسان‌هایی خرافاتی بت‌پرست خونریز و با رفتارهای ناهنجار به وجود می‌آورد و اسلام با توجه به واقعیت‌ها و مسائل حاکم بر آن محیط، تعالیم خود را پی‌ریزی کرد و اندک اندک با عقاید فاسد آنان به مبارزه برخاست ۵. انسجام و پیوستگی اگرچه دوران رسالت و نزول قرآن پر فراز و نشیب است امّا روند دعوت و جوهره پیام آن یکی است بنابراین سیر پیام و خط کلی دعوت در تمام مراحل رعایت شده است با توجه به واقعیت‌های موجود نمی‌توان قائل شد که قرآن کاملاً تسلیم فرهنگ عصر نزول ـ یعنی صدراسلام ـ بوده و یا این‌که قرآن فرهنگ زمان خویش را که همان فرهنگ جاهلی عرب و آمیخته با خرافات ضد علمی بوده پذیرا شده و خداوند آن را در متن قرآن وارد کرده است چرا که این نظریه تا حدودی شبیه نظریه‌ای است که در زمینهٔ تأثیر فرهنگ زمانه بر نویسندگان تورات و انجیل گفته شده است البته این بیان در مورد تورات و انجیل با آن همه خرافات و مسائل ضد علمیشان می‌تواند صادق باشد و شواهدی نیز بر آن مترتب است امّا در مورد قرآن کریم هرگز قابل قبول نیست با توجه به آن‌چه گذشت ثابت می‌شود که قرآن هیچ‌گاه فرهنگ منحط جاهلی را نپذیرفته و با باطل مماشات نکرده است

لطفاً در مورد فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم توضیح دهید؟

پرسش

لطفاً در مورد فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم توضیح دهید؟

پاسخ

پیش از پاسخ تذکر نکاتی لازم است" فرهنگ در لغت به معنای تعلیم و تربیت علم و دانش و ادب کتاب لغت مجموعهٔ آداب و رسوم و مجموعهٔ علوم و معارف و هنرهای یک قوم به‌کار رفته است از نظر اصطلاحی به مجموعهٔ برداشت‌ها، موضع‌گیری‌های فکری هنر، ادبیات فلسفه آداب سنن و رسوم و روابط حاکم بر اجتماع تعریف شده است در قرآن کریم از" فرهنگ به مفهوم مصطلح آن تعبیری یافت نمی‌شود ;ولی به طور کلی قرآن کریم از" فرهنگ در یک جا به عنوان" زبان قوم یاد کرده است چون قرآن کریم نخست در محیط جزیرهٔ العرب نازل شده و با مردمی سروکار داشته که دارای اعتقادات و رفتاری خاص بوده‌اند": وَ مَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاّ ـ بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُم(;ابراهیم ۴) ما پیامبران را نفرستادیم مگر با زبان قوم خودشان سخن بگویند ".در جای دیگر از" فرهنگ به عنوان" حکم جاهلیت یاد کرده و در آیات بسیاری به اعتقادات و فرهنگ رایج عصر خود حمله می‌کند: "أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْماً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ(;مائده ۵۰) آیا حکم جاهلیت را می‌جویید؟ برای گروهی که باور دارند، حکم چه کسی از حکم خدا بهتر است ؟ همچنین از فرهنگ به عنوان" سنن یاد کرده و در آیات بسیاری سنت گذشتگان و

آداب و رسوم آن‌ها را یادآوری کرده است" قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ(؛آل عمران ۱۳۷) پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت]و هر قوم طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند ؛که شما نیز همانند آن را دارید[پس بر روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام کار تکذیب کنندگان]آیات خدا[چگونه بود("؟!ر.ک قرآن و فرهنگ زمانه سید محمد علی ایازی انتشارات کتاب مبین / المعجم المفهرس محسن بیدارفر، ص ۳۷۲، انتشارات بیدار.) اکنون به بیان این مطلب می‌پردازیم که فرهنگ یک جامعهٔ اسلامی از دیدگاه قرآن چگونه باید باشد و قرآن با فرهنگ موجود زمان نزول و سایر فرهنگ‌ها، چگونه برخورد کرده است فرهنگ‌های غیر الهی به سان فرهنگ عرب زمان نزول قرآن گسیخته‌ای از حق و باطل‌اند ؛حق از آن جهت که از ادیان الهی متأثر بوده‌اند و باطل از آن جهت که آن فرهنگ الهی با خرافات و علایق مغایر با خواست شرایع الهی مخلوط شده است قرآن‌کریم ضمن ارائهٔ فرهنگی فراگیر و پایه‌دار، با فرهنگ موجود و به طور کلی فرهنگ‌های بشری برخوردی متناسب دارد ؛بدین ترتیب که عناصر حق را تأیید کرده و عناصر باطل را به نقد کشیده برای آن‌ها ـ چنانچه لازم بوده ـ جایگزینی مناسب ارائه کرده است عناصر فرهنگ‌ساز قرآنی در آیات بسیاری به تصویر کشیده شده و نمونه‌های عینی آن نیز گاه ارائه شده است برای مثال ترویج مسؤولیت‌پذیری و دفاع از کیان جامعه اسلامی فرهنگ جهاد و شهادت عدالت‌محوری در گستره‌های فردی و اجتماعی اطاعت‌پذیری از مسؤولان مورد تأیید حاکم شرع توجّه به فضایل اخلاقی و نهادینه کردن آن و انذار از رذایل اخلاقی و بسیاری دیگر.(ر.ک قرآن و فرهنگ‌زمانه سید محمدعلی یازی نشر کتاب مبین)

آیا افتخار کردن به تمدن ایرانی در کنار تمدن اسلامی اشکال دارد

پرسش

آیا افتخار کردن به تمدن ایرانی در کنار تمدن اسلامی اشکال دارد

پاسخ

افتخار نمودن به تمدن اشکالی ندارد؛ ولی دین ساختن از آن، معقول و منطقی نیست. شاید علت این که برخی در برابر افتخار به تمدن‌های گذشته، موضع گیری می کنند خاطراتی است که از دوران طاغوت در اذهان دارند؛ چرا که در آن دوران، سعی می‌شد با بیان سوابق تمدنی گذشته ایران، نوعی تفکر خاص (شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله) القا گردد و نوعی مکتب و طرز تفکر و فرهنگ از آن اتخاذ شود. جشن‌های ۲۵۰۰ ساله نیز در زمان طاغوت، به همین منظور طراحی شده بود. اما درباره کورش نیز گفتنی است که مرحوم علامه طباطبایی(ره)، این نظر را ترجیح داده‌اند که کورش همان ذوالقرنین باشد. حال چه کورش همان ذوالقرنین باشد یا نباشد، ما نبایستی چشم خود را به روی حقایق تاریخی ببندیم. تا آن جا که کورش، خدماتی به ملت‌های محروم انجام داده (مانند نجات یهود از ظلم بخت النصر) و یا خدمات دیگر، از او قدردانی کنیم و آن جا که برخلاف آن بوده، به صرف ایرانی و یا قدرتمند بودن چشم‌های خود را نبندیم. در هر صورت مطالعه و تحقیق و نیز بیان افتخارات تاریخی، تا آن جا که با تعالیم وحی الهی در تضاد نباشد، هیچ اشکالی ندارد.

با توجه به ضرورت کار فرهنگی برای ما دانشجویان سوال این است که مرز این گونه فعالیتها تا چه حد باید باشد

پرسش

با توجه به ضرورت کار فرهنگی برای ما دانشجویان سوال این است که مرز این گونه فعالیتها تا چه حد باید باشد

پاسخ

نکته‌ای که در نامه خود مطرح کرده‌اید، نشانگر احساس مسؤولیت و آرمان پاک شماست. با توجه به نیاز مبرم درمحیط دبیرستان و دانشگاه به فعالیت‌های فرهنگی شما عزیزان، باید چند نکته را در نظر داشته باشید: ۱ - در کار خود برنامه ریزی کنید و با حفظ اصل میانه‌روی، عمده وقت خویش را به درس‌ها و مابقی را به فعالیت‌هایجنبی اختصاص دهید. ۲ - در صرف وقت بخیل باشید تا به وظایف اصلی خودتان برسید و در آنها موفق گردید. ۳ - در اوقات امتحان از فعالیت‌های دیگر دست بکشید و برای آن وقت زیاد صرف‌کنید. ۴ - این را باید توجه داشته باشید که انجام وظایف جنبی فرهنگی شما را با تجربه و با مهارت خواهد ساخت. همچنین در محضر ربوبی نیز از اجر و پاداش برخوردار خواهید بود. باری، فرق است بین افراد بی‌تفاوت و کسانیکه با همه وجودشان برای خدا تلاش می‌کنند و مسؤولیت‌های خطیری را از روی اخلاص می‌پذیرند. توصیه آخر مااین است که با رفتار عملی و اخلاق نیکو، سرمشق و الگویی برای دیگر دوستان خود باشید.{J

وجه تمایز فرهنگ شرق و غرب چیست ؟

پرسش

وجه تمایز فرهنگ شرق و غرب چیست ؟

پاسخ

بررسی دقیق تمایزات فرهنگ شرق و غرب و وجوه مختلف مثبت و منفی هر یک، ده‌ها کتاب و صدها مقاله می‌طلبد. از طرف دیگر هر یک از دو بلوک شرق و غرب، فرهنگ‌های گوناگونی را در خود جای داده‌اند؛ لیکن در این جا به اختصار به چند وجه تمایز کلی و اساسی اشاره می‌شود: ۱- استکبار و فرعونی‌گری یکی از ویژگی‌های بارز فرهنگ غرب است. این پدیده در جهان شرق، آنسان که در غرب وجود دارد دیده نمی‌شود. خطر بزرگ تحمیل و تهاجم فرهنگ غربی از همین روحیه ناشی می‌شود. ۲- خودبسندگی و گریز از تعهد دینی نیز یکی از وجوه بارز غرب است و گرایش به اومانیسم و سکولاریسم ناشی از همین گرایش می‌باشد؛ لیکن فرهنگ شرقی اساسا غیر از این است و در آن تعبد و خداگرایی و التزام در برابر فرمان‌های او بسیار با اهمیت است. ۳- استخدام طبیعت یکی از گرایش‌های غربی است؛ در حالی که در فرهنگ شرقی استفاده از طبیعت در آن حد افراطی نیست. ۴- در فرهنگ غربی به شناخت و ساختن طبیعت بیشتر بها داده می‌شود تا شناخت خود و ساختن خویش، ولی این روش در فرهنگ شرقی مردود است. ۵- اخلاق و عواطف انسانی در غرب شدیدا متزلزل است؛ ولی در فرهنگ شرقی اخلاق جایگاه ممتازی دارد. ۶- غلبه مادیت بر معنویت نیز یکی از وجوه مهم فرهنگ غربی است. این مسأله در ابعاد مختلف زندگی غربی‌ها نمودهای عینی فراوانی دارد؛ مثلاً فرهنگ پوشش در غرب، فرهنگی بدن‌نما و نمایشگر جاذبه‌های جسمی است؛ اما در شرق اصالت با وجوه معنوی حیات انسان است و در پوشش نیز تلاش بر این است که توجه جاذبه‌های جسمانی، رباینده توجه از امور معنوی نباشد. ۷- هنر در فرهنگ غربی تصویرگر ابعاد مادی حیات است و در فرهنگ شرقی توجه دهنده به ابعاد معنوی و عرفانی. ۸- در فرهنگ غربی اصالت «حق» (به معنای طلبکاری‌ها، نه به معنای حقیقت) بر وظیفه مسؤولیت و تکالیف تقدم دارد؛ اما در فرهنگ شرقی مسؤولیت

آدمی مقدم بر حقوق او است. ۹- در فرهنگ غربی اصالت با فرد(Inolividualism) است؛ ولی در فرهنگ شرقی چنین تقدم و اصالتی وجود ندارد. ۱۰- براساس حاکمیت اصالت فرد و اومانیسم(Humanism) و اخلاق سودپرستانه(Utilitarianism) در غرب حتی دین گرایی نیز به خاطر اصالت و حقانیت دین نیست. بلکه در راستای کارکردهای (Funetions) روانی است. در حالی که در فرهنگ شرقی آنچه اصالت دارد حقیقت است و دین به خاطر حقانیتش مورد قبول است و کارکردهای فردی و اجتماعی آن در درجه دوم مورد توجه قرارمی گیرد.{J

پایداری یک فرهنگ تابع چه عواملی است ؟

پرسش

پایداری یک فرهنگ تابع چه عواملی است ؟

پاسخ

پایایی یک فرهنگ تابع عوامل مختلفی است؛ از جمله: ۱- هماهنگی با فطرت، ۲- تأیید پذیری از ناحیه عقل و دارای پشتوانه منطقی بودن، ۳- غنا و جامعیت، ۴- برخورداری از جذابیت، ۵- انطباق پذیری با شرایط مختلف، ۶- قدرت کنترل و بازدارندگی نسبت به عوامل مخرّب. {J

راههای فهم و مطالعه فرهنگ و معارف اسلامی در جامعه چیست؟

پرسش

راههای فهم و مطالعه فرهنگ و معارف اسلامی در جامعه چیست؟

پاسخ

فرهنگ و معارف اسلامی را از راه های مختلف می توان شناخت: ۱. مطالعه کتبی که در زمینه معارف اسلامی تألیف شده است مانند مجموعه آثار شهید مطهری یا مجموعه آثار شهید دستغیب تقریبا مباحث جامعی در زمینه عقاید و اخلاق اسلامی. ۲. با انتخاب مرجع تقلید و تهیه رساله او و مطالعه احکام با بخش دیگری از معارف اسلامی می توانید آشنا شوید. ۳. مطالعه کتاب های اخلاقی مانند کتاب معراج السعاده از احمد نراقی. ۴. مطالعه کتاب های تاریخ اسلام مانند تاریخ اسلام از جعفر سبحانی و سیره پیشوایان از مهدی پیشوایی. ۵. شرکت در مراسم مذهبی. کتاب هایی که معرفی شد بر این اساس است که معارف دینی به سه بخش : عقاید، احکام و اخلاق تقسیم می شود و سیر مطالعاتی باید به گونه ای باشد که هر سه بخش را پوشش دهد و کتاب های فوق تقریبا هر سه بخش را پوشش می دهد مضافا بر این که شرکت در مراسم مذهبی هم شما را با معارف اسلامی بیشتر آشنا می کند و هم با فرهنگی دینی بیشتر آشنا می شوید.

مقام معظم رهبری درفرمایشی بیان فرمودند که کربلا نه یک واقعه است بلکه یک فرهنگ است . فرهنگ کربلا وکربلایی بودن را توضیح فرمایید؟

پرسش

مقام معظم رهبری درفرمایشی بیان فرمودند که کربلا نه یک واقعه است بلکه یک فرهنگ است . فرهنگ کربلا وکربلایی بودن را توضیح فرمایید؟

پاسخ

حادثه عاشورا حادثه ای است که در آن فرهنگ اسلامی مجسم شده است یعنی اموری که دین به آنها امر کرده ودر جامعه اسلامی جزو ارزشها محسوب می شود مانند مبارزه با ظلم وعدالتخواهی ، مروت وایثار وجوانمردی ، صبر واستقامت در مصائب داشتن بالاترین درجه محبت وعشق نسبت به خدا و۰۰۰ دراین حادثه بوسیله امام ویاران وفادارش جامه عمل پوشیده اند. وبه قول استاد مطهری ره : « حادثه کربلا یک نمایش از سربازان اسلام است اما نه نمایشی که صرفاً نمایش و صورت بازی باشد که آدمکهایی بسازند وصورتکی درست کنند ولی در واقع حقیقت نداشته باشد مثلاً ـ آیه « انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بأن لهم الجنه » (۱) در این حادثه کربلا خودش را نشان می دهد.» (۲) همانطور که ذکر شد حادثه کربلا تجسم عملی فرهنگ اسلامی است و آیات قرآن که راه رسم زندگی وفرهنگ دینی را به انسانها می آموزد دراین واقعه عینیت یافته است. یکی دیگر از آیاتی که در خادثه کربلا تجسم یافت وبه نمایش در آمد آیه « ومن الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا للّه » (۳) یعنی : برخی از مردم غیر خدا را همانند خدا می گیرندوچنانکه خدا را باید دوست داشت به آنان دوستی می ورزندولیکن آنها که اهل ایمانند کمال محبت و دوستی را فقط مخصوص خدا می گردانند. حال ببینیم حسین علیه السلام جزء کدام گروه هستند کسانیکه دلبستگی و دوستی وعلاقه شان به غیرخدا به اندازه خداست یا کسانیکه بیشترین دوستی ودلبستگی شان را به خداوند اختصاص داده اند در حادثه کربلا امام حسین (ع) نشان میدهند که اهل ایمانند وشدیدترین دوستیها ومحبت ها را باخدا دارند. والذین امنواشد حبّا لله . استاد مطهری (ره) دراین باره می گویند ما بچه هایمان را دوست داریم آیا حسین بن علی (ع) بچه های خود را دوست نداشت مسلماً او بیشتر دوست داشت . ابراهیم خلیل هم این طور نبود که کمتر از ما اسماعیلش را دوست داشته باشد. خیلی بیشتر دوست داشت بهااین دلیل که از ما انسان تر بود واین عواطف ، عواطف انسانی است او انسان تر از ما بود وقهراً عواطف انسانی او هم بیشتر بود . حسین بن علی هم از مثل ما فرزندان خود را دوست می داشت اما در عین حال او خدا را از همه کس وهر چیزی بیشتر دوست می داشت و درمقابل خداوند ودرراه خدا هیچ کس را به حساب نمی آورد. (۴) یکی دیگر از آیه هایی که رد حادثه عاشورا تجسم یافت وبه نمایش درآمد وسرمشق عملی انسانها شد آیه « لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رئوف رحیم » (۵) یعنی : همانا رسولی از جنس شما برای خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری فقرو پیشانی وجهل وفلاکت شما براو سخت می آید وبرای نجات شما حریص وبه مؤمنان مهربان می باشد. اسلام دین محبت ومهرورزی است اما همانطور که گفتیم این محبتها جهت دارند وجهت آن خدایی است ممکن است کسی چیزی یا کسی را به خاطر خودش وخودخواهی ومنافعش دوست داشته باشد که اگر آن منافع تأمین نشود آن دوستی هم نیست . اما گاهی دوستیها به خاطر خداست محبت امام حسین علیه السلام از اینگونه محبت ها بود. وجود مبارک اباعبدالله از بدبختی سپاهی که به جنگش آمده بودند متأثر بود نمی خواست حتی یک نفرشان به این حال بماند وتمام سعی خود را برای برگرداندن آنها می کرد می گویند اباعبدالله برای آنکه آنها را از جنگ با دین منصرف کنند یک دفعه سوار شتر (چون بلندتر است که سپاه دشمن او را ببیند) می شود و می رود اندرز میدهند وبرمی گرداند عمامه پیامبر را به سر می گذارند لباس پیامبر را می پوشند ، سوار اسب می شوند وبه سوی آنها می روند بلکه بتوانند از این گروه شقاوت کار کسی را کم کنند. دراینجا حسین یکپارچه محبت است یکپارچه دوستی

است که حتی دشمن خود را هم واقعاً دوست دارد وبرای هدایت او حریص است . آیه دیگری که در حادثه عاشورا تجسم یافت وجان گرفت آیه « ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا واذا مسه الخیر منوعا الا المصلین » (۷) یعنی : انسان مخلوقی سخت حریص وبی صبراست ، چون شر وزیانی به او رسد جزع وبی تابی می کند وچون مال و دولتی به او رو کند منع احسان کند مگر نمازگزاران. امام حسین (ع) در حادثه کربلا نشان داد که از مصلین ونمازگزاران واقعی است که در کوران حوادث وسختی ها به بی تابی وجزع وفزع نمی افتد . این آیه کریمه در جای جای حادثه کربلا جان گرفته است اما اوج تجسم ان در شب عاشورا است. از مظاهر درخشنده حادثه کربلاـ واز تجلیات بزرگ الهی آن موضوع جمع کردن اصحاب در شب عاشورا است وسخنرانی امام حسین برای آنهاست ، باید درنظر داشت که این سخنرانی در شب عاشورا است ، هنگامی است که عوامل محیط از هر جهت نامساعد وناامید کننده است . درچنین شرایطی هر سردار ورهبری که تنها مادی فکر کند جز لب به شکایت بازکردن کاری ندارد منطقش این است : افسوس که بخت با مامساعد نشد۰۰۰مثل ناپلئون می گوید طبیعت با من مساعدت نکرد ، همه سخنانش شکایت از روزگار واحساس یأس است. آنچه شرایط را برای او سخت تر می کند اینست که زنان وفرزندان وخواهرانش تا ۲۴ساعت دیگر اسیر دست دشمن می شوند برای یک مرد غیور وفداکار این خیلی ناگوار است. دریک چنین شرایطی دیگران چه کرده اند ما در تاریخ می خوانیم که المقنع وقتی که محصور شد ودر شرایط نامساعد وناامیدکننده ای قرار گرفت اول خاندان خود را کشت ، بعد خودش را . همچنین است یکی از خلفای اموی که در هنگام گرفتاری همین رفتار را داشت تاریخ از این نمونه ها بسیار دارد. اما حسین بن علی علیه السلام وقتیکه شروع کرد به سخنرانی گفت : اُثنی علی الله أحسَنَ الثّناء واحمُده علی السّراء والضّراء اللهم انی احمدک ۰۰۰ بااینهمه شرایط نامساعدی مادی ، دم از رضا وسازگاری با عوامل می زند چرا ؟ چون در شرایط معنوی مساعدی زیست می کند ، او اعتقاداً وعملاًـ موحد وخداپرست است وبعلاوه او به نتیجه نهایی کار خود آگاه است هدفش مثل اسکندر وناپلئون جهانگیری نبود که خود را شکست خورده بداند ، هدفش اعتلای کلمه حق بود واز این نظر کارخود را بسیار سودمند و مؤثر میدید. (۸) وتاریخ کربلاـ نشان داد که نه تنها امام حسین علیه السلام بلکه هیچکدام از یاران ایشان در این موقعیت حساس دچار یأس وناامیدی وشکوه و شکایت نشدند واین نشان می دهد که دستوراتی که دین برای انسان سازی وفرهنگ دینی آورده عملی وشدنی است وانسانها در نهایت سختی ها ومشکلات اگر توکل و اعتمادشان به خدای بزرگ ومهربان باشد عزت وشرف خود را از دست نمی دهند وبه جزع وبیتابی نمی رسند. منابع ومآخذ ۱–قرآن کریم ، مبارکه توبه ، آیه ۱۱۱ ۲–حماسه حسینی مطهری مرتضی ، ج۱ ، ص ۳۸۱. ۳–قرآن کریم ، مبارکه بقره ، آیه ۱۶۵. ۴–حماسه حسینی ، مطهری مرتضی ، ج۱ ، ص۲۲۴. ۵– همان ، ص۳۹۸. ۶–قرآن کریم ، مبارکه توبه ، آیه ۱۲۸. ۷–قرآن کریم ، مبارکه معارج ، آیه ۱۹–۲۸. ۸–حماسه حسینی مطهری مرتضی ج۲ ، ص۷۴–۷۵.

فرهنگ به چه معناست ؟

پرسش

فرهنگ به چه معناست ؟

پاسخ

فرهنگ به معنای ادب، تربیت، علم و دانش و آداب و رسوم آمده است. بالا بودن سطح فرهنگ لزوما تابع سطح عادی زندگی نیست؛ بلکه حضور برخی از فرهیختگان (مانند عالمان برجسته) و تأثیرگذاری بر مردم و نیز تلاقی با فرهیختگان از دیگر مناطق و

سیطره شیوه‌های تربیتی مناسب، در این رابطه بسیار مؤثر است. البته گاهی تأثیر یک عامل (مانند تأثیرگذاری یک عالم بزرگ) ممکن است به قرن‌ها قبل برگردد و هم‌چنان اثر خود را در طیقرن‌های متمادی حفظ کرده باشد.{J

چرا فرهنگ اسلام , در خارج از کشور مشتاقان زیادی دارد؟

پرسش

چرا فرهنگ اسلام , در خارج از کشور مشتاقان زیادی دارد؟

پاسخ

الف) این که تبلیغ اسلام در خارج مشتاقان بیشتری دارد مبتنی بر کدام آمار است و چه منبع معتبری دارد؟ آنچه مسلم است این که اسلام دین جذابی است و هر کس جویای حقیقت باشد، به محض آشنایی با حقایق و معارف نورانی اسلام، به سوی آن جذب می‌شود؛ چه در داخل باشد و چه در خارج از کشور. ب) منظور از مبلغان فرهنگی چیست؟ اگر مقصودتان فرهنگ دینی باشد؛ در حال حاضر مبلغان بسیاری در ایام خاصی (مانند ماه رمضان و محرم) به دانشگاه‌ها رفته و به تبلیغ دین می‌پردازند؛ لیکن نیاز موجود مسلما بسیار بیشتر از تعداد مبلغ موجود است.{J

ایا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و عوامل ان وراهای مبارزه با انرا بیان کنید

پرسش

ایا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و عوامل ان وراهای مبارزه با انرا بیان کنید

پاسخ

((هویت ملی)) مجموعه ای از تاریخ , فرهنگ و تمدن یک ملت است که در بستر زمان شکل گرفته است . در مورد افتخار کردن به هویت ملی چند نوع دیدگاه وجود دارد: الف) دیدگاه کسانی که از هویت ملی ایدئولوژی می سازند و به شکلی ((نژاد پرستانه)) و یا ((سرزمین پرستی)) همه چیز را در شعاع آن می بینند چنین دیدگاهی هویت ملی را مطلق انگاشته و هر چیزی را که مربوط به آن باشد تقدیس می کند. ب) دیدگاه دیگر در این موضوع , نظر کسانی است که ((هویت ملی)) را مطلق ندانسته و آن را در خور نقد می دانند. اینان با انتخاب دیدگاه منطقی برتری به ملیت می نگرند و نژاد و خاک را تقدیس نمی کنند ;بلکه دیدگاهی فراتر داشته و ((هویت انسانی)) را اصل قرار می دهند. دیدگاه های ((انترناسیونالیستی)) نوعا بر این منطق استوار است . اسلام نیز به روشنی دیدگاه ((انترناسیونالیستی)) دارد و مردم را در قالب فرزندان خاک و نژاد ملاحظه نمی کند ;بلکه سرشت بنی آدم را از یک گوهر دانسته و آنان را با هم برابر می داند. از نظر اسلام پرداختن به هویت ملی تا آن جا که هویت اسلامی را تحت الشعاع قرار ندهد اشکالی ندارد ;ولی اگر بنا باشد به جای دین بنشیند و دیدگاه های خود را بر کرسی بنشاند, طبیعی است که با روند اصلی بینش دین در تضاد است . پس باید دیدگاهی نقادانه و هشیارانه در برابر مدعیان ((هویت ملی)) داشت ; بدین صورت که عناصر مفید آن را ارج نهاد و منطقه های غیر ارزشی و موهوم آن را رها ساخت . برای مطالعه بیشتر ر . ک : ۱- سیر اندیشه ملی گرایی از دیدگاه اسلام مترجم : عقیقی بخشایشی ۲- جامعه انسانی اسلام مجتهد شبستری ۳- ناسیونالیسم و انقلاب رضا داودی ۴-

سیر عقاید و اندیشه های سیاسی خزائلی مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده‌ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می‌باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می‌نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می‌دهد که هر چه احساس بی‌هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش‌های حاکم در جامعه خویش بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه‌های غربی رپ و هوی‌متال و... بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش‌های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه‌پذیری، فراهم نکرده است، گرایش‌های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش‌های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام‌های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی‌های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه‌گر شده است. از جمله عواملی که زمینه‌های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می‌بخشد عبارتند از: ۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه‌های کشورهای عقب‌مانده و ضعیف است. ۲- وجود گرایش‌های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی‌تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه‌های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها. ۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود. ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش‌آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب‌زده و مطبوعات وابسته به خارج و...). و همچنین سخت گیری ها و تنگ نظری های برخی از عناصر فعال در زمینه فرهنگی نسبت به مسائلی مانند مد و آرایش بومی و ملی جوانان که باعث سوق دادن آنها به طرف الگوهای غربی و بیگانه و در نتیجه بی هویتی شده است. ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی. ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده‌ها با اصول تربیت اسلامی. به نظر می‌رسد از جمله مناسب‌ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی، باز گرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک‌تر شدن گروه‌های همسال و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می‌باشد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والدین خویش بسر می‌برند و همواره دریافت کننده‌ی محبت‌های پدر و مادر خویش می‌باشند. سعی می‌کنند هنجارهای حاکم بر خانواده و محیط خویش را رعایت کنند، اما اکنون که بهانه‌ی تحصیل یا کار از محیط با صفای خانه و خانواده جدا شدند، سرمایه‌ی بزرگ توجّه ومحبت اطرافیان را از دست داده‌اند و خود را فراموش شده می‌بینند و اصولاً ـ هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصر ارتباطات و پرتاب موشک‌های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش‌های آن به جوانان پاک و بی‌پناه، لازم است با تجدید نظر در ارزیابی‌هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گستراند و این جوانان پیرو مدل‌های غربی را به ارزش‌های فرهنگی و معنوی جامعه باز گرداند. بسیاری از این جوانان تشنه‌ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبّت را هر کجا بیابند به آن سمت خواهند رفت و چه بسا در این راه در دام‌های مفاسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (جذب جنس مخالف، اعتیاد، قاچاق و...) گرفتار خواهند شد. بهترین و کم هزینه‌ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافات فرهنگی، عرضه کردن فرهنگ ناب اسلامی در قالب فنون و هنرهای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خوش برخورد است، مطمئن باشید اگر جوانان با مکتب حیات بخش اسلام و احکام نورانی آن و سیره‌ی معصومین(ع) آشنا شوند آن را با هیچ چیز عوض نخواهند کرد. بر این

اساس مهم‌ترین راه‌های مبارزه با آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ارزش‌های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه‌پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه‌های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی. ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش‌های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش‌های الهی. ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی. ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش‌های الهی می‌باشد. ۵- تحقق‌باوری عمیق، درونی، ریشه‌دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه‌های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می‌کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت‌گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت. ۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت‌ها و اقدامات، در بخش‌های مختلف جامعه و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه‌های اجرایی ۸- و بالاخره توجه جدی به نیازهای اساسی جوانان مانند حس زیبایی دوستی، آرایش، مرتب بودن، تنوع طلبی و ... و تلاش برای ارائه پاسخی منطقی و متناسب با این نیازها بر اساس الگوهای دینی و ملی، همچنان که مقام معظم رهبری در تیرماه ۱۳۸۳ در اجتماع پر شور جوانان همدان مطرح و مسؤولین و دستگاه های فرهنگی را مؤظف به انجام آن نمودند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: - فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری - انقلاب و ارزش‌ها، علی ذوعلم - ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب‌شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی) .

از خود بیگانگی چیست؟

پرسش

از خود بیگانگی چیست؟

پاسخ

از خود بیگانگی این است که انسان به خود توجّه نکند و حقیقت خود را فراموش کند، قرآن مجید این موضوع را در آیاتی مطرح کرده است؛ مثلاً می‌فرماید: «و لاتَکُونُوا کَالّذینَ نَسُواالله فَاَنسیهُم اَنفسَهُم(۱)؛ مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا آنان را نسبت به خودشان فراموشی داد». در این آیه کریمه فراموشی خود نتیجه فراموشی خدا به حساب آورده شده است. این بدان دلیل است که شخصیّت انسان اصولاً در رابطه او با خدا حفظ می‌شود. کسی که بخواهد به نفع و مصلحت خود کار کند و در راه کمال خویش قدم بردارد، باید به یاد خدا باشد و ارتباط خویش را با خدا محکم کند. کسی که خدا را فراموش کند و تنها به مادّیات بپردازد، از خود بیگانه می‌شود و موجبات سقوط شخصیّت انسانی خویش را فراهم می‌کند. از خود بیگانگی اصطلاح دیگری نیز دارد که در فلسفه غرب از سوی برخی جامعه‌شناسان مطرح شده است. « بخش پاسخ به سؤالات » ۱) سوره حشر، آیه ۱۹.

آیا تمدّن امروزی واقعاً تمدّن است؟

پرسش

آیا تمدّن امروزی واقعاً تمدّن است؟

پاسخ

در تعریف تمدّن چنین آمده است: متخلق شدن به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت (اقرب الموارد) البته این یک تعریف لغوی است و اکنون تمدّن بدون پیشرفتهای تکنولوژیک تعریف نمی‌شود و چه بسا تنها با این ویژگی یعنی فن آوری متنوع و رشد رایانه‌ها و گسترش ارتباطات شناخته می گردد. امّا به سادگی می‌توان به این پرسش پاسخ داد که این وجه تمدّن هرگز تعریفی جامع از تمدّن حقیقی نیست. زیرا آثار زیانبار آن روز به روز آشکارتر می گردد و بن‌بستهای اخلاقی، فکری، فلسفی، اجتماعی، نشانه ناتمام بودن آن ویژگی است. فرهنگ انسانی باید همراه رشد امکانات رشد کند و بالنده گردد وگرنه تیغ تیز به دست زنگی مست است. مشکل اساسی در همین نکته نهفته است که فرهنگ حاکم باید بعد معنوی آدمی را گسترش دهد و جهت یابی زندگی را برایش تأمین نماید تا باعث هدایت و کنترل او گردد. و این فرهنگ با تلفیقی از هنر و ادبیات و فلسفه و حتّی عرفان مهیا نمی گردد، چون در نظامی که انسان عمق و نیازهایش شناخته نشده، حتّی عرفان به بازی گرفته می‌شود. چنانکه پرفسور چیتیک استاد دانشگاه هاروارد آمریکا گفته است غرب اکنون مثنوی و مولوی را مطرح می کند امّا فقط صیغه عشق را برجسته می کند و هر جا سخن از تکلیف است سانسور می‌نماید. چون او به خوشی می‌اندیشد. پس تنها راه نجات، اقبال به دین و وحی با تمامی جامعیّت آن است. دین بن‌بست‌ها را می‌شکند و انسان را با همه ابعادش سرشار می‌نماید و او را کنترل کرده و به همه دست‌آوردهایش جهت می‌بخشد. پس جواب پرسش با جرأت منفی است. « بخش پاسخ به سؤالات »

هنجارها وناهنجاریها

مبسوط

پرسش

مبسوط

پاسخ

آن گونه که از سؤال شما برداشت می شود وجود برخی مشکلات و معضلات در جامعه نظیر بی عدالتی، فقر، فساد و ... موجب شبهاتی پیرامون عملکرد نظام اسلامی شده است و بین وضعیت موجود با باورها، اعتقادات و انتظاراتی که از یک حکومت اسلامی ایده آل داشته اید، ناهمخوانی و دوگانگی، مشاهده می نمایید. رفع این گونه شبهات و ابهامات در گرو توجه به امور ذیل است: اولا، اصل وجود این قبیل مشکلات در جامعه امری مسلم و غیر قابل انکار است اما نکته اساسی قضاوت و ارزیابی صحیح پیرامون میزان این امور و علل یا عوامل اصلی آن است. از سوی دیگر باید توجه داشت که آیا از وجود برخی مشکلات در جامعه، می توان هرگونه نتیجه ای را گرفت؟ آیا به خاطر برخی مشکلات باید منکر تمامی جهات مثبت نظام و منطبق بر تعالیم اصیل اسلامی شد؟ یا

این که برعکس باید با بها دادن به این جهات و دستاوردهای مثبت، در صدد رفع کاستی ها و نقاط ضعف برآمد؟ آیا می توان دستاوردهای عظیم نظام اسلامی را در اسلامی کردن و اصلاح جامعه حفظ استقلال، تمامیت ارضی، عزت جهان اسلام، رشد و شکوفایی در عرصه های مختلف و... نادیده گرفت؟ آیا منصفانه است که تلاش های خالصانه رهبری و مسؤولین نظام را در جهت مقابله با مفاسد و مشکلات و نتایج مثبت آن را نادیده گرفت؟ ثانیا، اگر بخواهیم قضاوت صحیح در مورد میزان اسلامیت جامعه و نظام سیاسی خویش داشته باشیم ابتدا باید به شناختی دقیق از جامعه و نظام اسلامی و ویژگی های آن رسیده و سپس با وضعیت کنونی جامعه مقایسه نماییم: الف) تعریف جامعه‌ی اسلامی و ویژگی‌های آن: جامع‌ترین تعریفی که از جامعه‌ی دینی وجود دارد این است: جامعه‌ی دینی، جامعه‌ای است «دین‌باور»، «دین مدار»، «دین‌داور» و «مطلوب دین»(جامعه‌ی برین، سید موسی میرمدرسی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹ - ۲۱۰).. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. جامعه‌ی دینی جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه‌ی دینی دغدغه‌ی دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود: بلکه نسبت میان دین و کلیه‌ی امور و روابط اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه‌ی روابط اجتماعی نافذ باشد(جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مدنی، احمد واعظی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۸۸ - ۹۰). بر این اساس ویژگی‌های جامعه‌ی دینی عبارتند از(حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، انتشارات معارف). : ۱ـ دین‌باوری و اعتقاد به آموزه‌های دینی. ۲ـ تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت‌مداری). ۳ـ دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را برنمی‌تابد(نظام دینی). ۴ـ در جامعه‌ی دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند(دین‌داوری). ۵ـ چنین جامعه‌ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین). جامعه‌ای که بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق شکل گرفته باشد، جامعه‌ای دینی است. بر این اساس می‌توان دو معیار اصلی برای جامعه‌ی اسلامی نام برد: ۱ـ افراد جامعه به دین مبین اسلام باور داشته و آن را در رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی سازند. ۲ـ کلیه نظام‌های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس دین مبین اسلام تنظیم شده باشد. نکته‌ی مهمی که در این جا قابل ذکر است، توجه به مراتب متعدد جامعه‌ی اسلامی است. یعنی این که به هر مقدار این دو معیار فوق در جامعه‌ای رعایت شود، درصد و میزان اسلامیّت آن جامعه بالاتر می‌رود. ب) بررسی اسلامی بودن جامعه‌ی کنونی ایران: با نگاهی به واقعیات جامعه‌ی کنونی ایران مشخص می‌شود که بحمدالله جامعه ما از دو معیار اصلی جامعه‌ی اسلامی برخوردار است. زیرا اولاً ـ اکثر افراد جامعه به دین مبین اسلام عقیده و باور دارند. و ثانیاً نظام حقوقی و ساختار سیاسی جامعه نیز بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام شکل گرفته است. بنابر این در اصل اسلامی بودن جامعه‌ی ما هیچگونه تردیدی نیست. اما این که به چه میزان از اسلامیّت برخوردار هستیم نیازمند بررسی عملکرد ارکان و عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی اسلامی اعم از افراد جامعه، مسؤولین، نهادها و دستگاه‌های دولتی و... و میزان انطباق آن با آموزه‌های دین مبین اسلام است. در این زمینه به صورت مختصر باید گفت: نظام جمهوری اسلامی که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام تشکیل شد، از ابتدا تاکنون تمامی سعی و تلاش خود را در جهت تحقق و اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه به کار بسته است. و در این راه تا آن جا که امکانات مادی و معنوی اجازه داده از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که وجود نظام سیاسی و حقوقی منطبق با دین در صورتی در اجرای کامل تعالیم و ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه موفق خواهد بود که سایر شرایط و زمینه‌های لازم (از قبیل وجود منابع انسانی مورد نیاز، کارگزاران و مدیرانی صالح، مردم وفادار و همیشه در صحنه، کفایت منابع مادی و اقتصادی و..). مهیا بوده و به علاوه موانع و مشکلات (از قبیل تهدیدات خارجی و تهاجمات نظامی و فرهنگی، محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی، بدعت‌ها و سنت‌های غلط، دنیاگرایی تجمل پرستی و..). وجود نداشته باشد؛ وگرنه هرگز

آن حکومت دینی در اصلاح کامل جامعه موفق نخواهد بود. این موضوع درباره حکومت امیرالمؤمنین(ع) نیز مطرح است. حضرت علی(ع) از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی و هم‌تراز پیامبر اکرم(ص) معرفی شده و هیچ تردیدی در حقانیت و مشروعیت حکومت ایشان وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان به وسیله پیامبر اکرم(ص)، موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام دانسته شده است. (مائده، آیه ۳) اما با نگاهی به تاریخ پنج‌ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران، روشن می‌شود که موانع زیاد فراروی آن حضرت بوده است. جنگ‌های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت یافته، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت‌ها و سنت‌های فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی و... تنها گوشه‌ای از مشکلات موجود در برابر حکومت عدل امام علی(ع) است. دنیاگرایی مردم، خیانت و یا نافرمانی برخی کارگزاران و فرماندهان آن حضرت و... از مسائلی بودند که آن حضرت در تمام دوران حکومت خود با آن روبه‌رو بودند؛ ولی در همان حال آن حضرت شایسته‌ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی‌ها هیچ‌گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی‌کند. حال آیا می‌توان بدلیل وجود آن مشکلات، حکومت امام علی(ع) را نالایق و ناکارآمد معرفی کرد و یا این که آن جامعه را غیراسلامی دانست در هر صورت برای حل اساسی این شبهه لازم است، فلسفه اصلی و اهداف تشکیل حکومت اسلامی و نهایت چیزی که می‌توان از حکومت اسلامی انتظار داشت، مشخص نمود. بر این اساس مهم‌ترین فلسفه و اهداف تشکیل حکومت اسلامی عبارت است از: ۱. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا: «و لقد بعثنا فی کل امةٍ رسولاً ـ ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت...»نحل، آیه ۳۶). روشن است تحقق این هدف بسیار خطیر و بزرگ، نیازمند سازمان و قدرت سیاسی ـ اجتماعی است. ۲. رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان‌ها و رهایی و.... آنان از نادانی و جهل. «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یُعلّمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلالٍ مبین»، (جمعه، آیه ۲). ۳. آزادسازی و رهایی توده‌های مردم و انسان‌های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم...»، (اعراف، آیه ۱۵۷). ۴. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»، (حدید، آیه ۲۵). ۵. اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن (اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و..). پس فلسفه تشکیل حکومت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و فراهم نمودن زمینه و بستر رشد و تکامل انسان و در نتیجه سعادت و خوشبختی او در دنیا و آخرت است. حکومت اسلامی موظف است، با تمامی امکانات و در حد توان خود، زمینه‌های کمال انسان‌ها را فراهم نموده، زمینه‌های فساد را از میان بردارد. اما آیا اینکه با فراهم بودن تمامی این زمینه‌ها و بسترسازی‌ها، همه افراد جامعه اصلاح و جامع کاملاً اسلامی خواهد شد، در جواب می‌توان به این آیه اشاره کرد که: «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...؛ خداوند هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنان حال خود را تغییر دهند»، (رعد، آیه ۱۱). بر مبنای این اصل مهم هرگونه تغییری در سرنوشت انسان‌ها و اصلاح یا انحطاط اجتماعی و فردی یک جامعه، منوط به خواست و اراده انسان است. افراد یک جامعه، زمانی به طور کامل اصلاح می‌شوند که بر اساس اراده، گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی ـ که به برکت حاکمانی عادل و الهی، قوانین به احکام و ارزش‌ها و معارف اسلامی به وجود آمده ـ استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند. بنابراین وجود حاکمانی الهی و سایر شرایط محیطی (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی و رفاه، امنیت و..). هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری کاملاً ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست؛ بلکه اراده و گزینش و کنش اختیاری خود افراد یک جامعه نیز، شرط دیگر این مجموعه است. از این رو شاهدیم که در طول تاریخ، با این که پیشوایان الهی (مانند پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) در جامعه بوده‌اند و تمام شرایط و زمینه‌های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه

افراد آن جامعه، به چنان درک و شناختِ عمیق ـ نرسیده بودند، که اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد. به علاوه، همان طور که پیشوایان معصوم ما، هرگز مدعی اصلاح کامل جامعه نبودند؛ هیچ یک از مسؤولان جامعه اسلامی ما نیز هرگز چنین ادعایی را ندارند و نخواهند داشت. البته آنان موظف‌اند زمینه‌های اصلاح جامعه را فراهم آورند؛ اما تا زمانی که خودِ افراد جامعه اراده نکنند، این برنامه عملی نخواهد شد. در هر صورت مسأله مفاسد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از قبیل وجود فقر، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی، به هیچ وجه منطبق با تعالیم دینی مقدس اسلام و اصول و ارزش‌ها و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی نبوده و همواره یکی از دغدغه‌های مسؤولین نظام خصوصا مقام معظم رهبری بوده است. معظم‌له مکررا نارضایتی خود را از این مسأله ابراز داشته و از متولیان امر خواستار رسیدگی جدی برای حل این معضل شده‌اند زیرا تداوم نظام و انقلاب اسلامی نیز وابسته به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و مبارزه با مظاهر فساد و پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسؤولین اداره کننده نظام می‌باشد. بنابر آن چه گذشت، مشخص می‌شود که در جامعه‌ی اسلامی همه افراد جامعه از مردم گرفته تا زمامداران و کارگزاران، همه مسؤولند و به نسبت مسؤولیت خویش پاسخگو هستند. بنابر این نمی‌توان همه‌ی مشکلات و معضلات جامعه را متوجه فرد یا دستگاهی خاص نمود و از آن انتظار حلّ همه مسائل را داشت. مسلماً زمانی که همه مردم و مسؤولین جامعه به دین باور داشته باشند و در راه اجرای آن در تمام عرصه‌ها تلاش جدی نمایند، می‌توان انتظار زدودن مظاهر غیراسلامی از جامعه را داشت. امام علی(ع) می‌فرماید: «فلیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه و لاتصلح الولاه الا باستقامه الرعیه؛ مردمان اصلاح نشوند مگر زمامداران اصلاح شوند و اینان اصلاح نیابند مگر به درستی مردم(نهج‌البلاغه، ۶۸۳). در این فرمایش هم بر نقش مسؤولین و هم بر نقش مردم تأکید می‌شود. با این همه وظایف دانشجویان متعهد و دلسوز برای اصلاح جامعه سنگین‌تر می‌شود و مشکلات و معضلات جامعه نه تنها نباید باعث یأس و ناامیدی و تردید در انجام وظایف فردی و اجتماعی ما شود، بلکه باید انگیزه و عزم ما را در اصلاح جامعه راسخ‌تر نماید. اتکاء به خداوند متعال و یاری خواستن از او و توسل به ائمه اطهار(ع) بهترین پشتوانه‌ی هر فرد در چنین شرایطی است. «و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق، آیه‌ی ۳). که هم باعث جلوگیری از سستی و ضعف ایمان می‌شود و هم راه‌های هدایت و خروج از مشکلات را بر روی انسان می‌گشاید. البته همچنان به دنبال شغل و یا رشته‌ی تحصیلی مورد علاقه‌ی خویش باشید و در انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی خود از هیچ گونه تلاش و مجاهدتی دریغ نورزید و به این وعده‌ی الهی مطمئن باشید که والذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکبوت، آیه‌ی ۶۹). ثالثا و نکته آخر این که، در ریشه یابی مشکلات جامعه می توان از رهیافت های متعددی استفاده نمود. از قبیل رهیافت تک عاملی که ریشه همه مشکلات را ناشی از یک عامل مثلا اقتصاد یا مدیریت کشور می داند و یا رهیافت چند عامل که به صورت واقع بینانه و با ارائه آمار، شواهد و شاخص های مورد نیاز و به دور از هیاهوهای سیاسی و... به بررسی میزان دخالت و تأثیر عوامل مختلف در ایجاد یک پدیده پرداخته و نقش هر کدام را مشخص می نماید. به نظر می رسد از میان این دو رهیافت، رهیافت تک عاملی، خصوصا درباره جامعه کنونی ما نه روش علمی و نه منطبق با واقعیات است لذا باید سراغ رهیافت دوم رفت و در بررسی علمی و محققانه این موضوع، زمینه ها و شرایط و ابعاد مختلف آن، موانع تاریخی، داخلی، بین المللی، امکانات و توانایی ها و... را به صورت واقع بینانه بررسی و ارزیابی نماییم. مسلما طبیعی است جامعه ای مانند جامعه ما که از نظر سوابق تاریخی و مشکلات عظیمی که از نظر ساختار اقتصادی [تک محصولی بودن آن وضعیت وخیم صنعت، کشاورزی و...] و ساختار سیاسی، فرهنگی و اداری از قبل از انقلاب به ما منتقل شده و چه از نظر مشکلات طبیعی مربوط به انقلاب و ناشی از جنگ و خسارات عظیم آن [بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار، معادل هزینه ۷۰ سال کشور] و محاصره های بین المللی، تورم بین المللی و مشکلات ناشی از دوران سازندگی و رشد سریع جهت مشکلات ناشی از آن و... معضلات ناشی از ساختار ناسالم اداری، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزشها و رواج فرهنگ مصرف گرایی، تجمل پرستی و... ماهیتا دارای مشکل می باشد. البته هر چند مسأله مدیریت قوی و کارآمد و عاری از سوء استفاده و فساد در بخشهای

مختلف آن می تواند در کاهش مشکلات و تأمین نیازمندی های اساسی جامعه نقش مؤثری داشته باشد، ولی با توجه به دخالت متغیرهای دیگر به هیچ وجه نباید انتظار معجزه داشته باشیم، بلکه باید تمامی آحاد جامعه اصلا در انتخاب دقیق ، صحیح و آگاهانه مسؤولین اجرایی و نمایندگان خود مشارکت فعال داشته باشند زیرا در نظام اسلامی ما تصمیم گیری و قانون گذاری درباره بخشهای مختلف جامعه و اداره آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم با آراء و نحوه انتخاب مردم بستگی دارد، لذا باید به پیامدهای مثبت و منفی انتخاب خود به صورت دقیق فکر نماییم. ثانیا، با همدلی و همکاری همه بخش های مختلف جامعه و نظام برای حل اساسی مشکلات و حرکت به سوی پیشرفت و تکامل مادی و معنوی جامعه، براساس ارزش ها و تعالیم اصیل اسلامی گام برداریم.

سؤال ما این است که از لحاظ مکتب اسلام تکثیر چنین عکس هایی که در نگاه سلیم اجتماعی –فرهنگی غیر متعارف است مبنای اسلامی دارد در حالی که ما معتقدیم اثرات بد روانی و هیجانی دارد (نظر مراجع و علما و فضلا را هم می خواهیم در این مورد خاص بدانیم) آیا این چنین شهی

پرسش

سؤال ما این است که از لحاظ مکتب اسلام تکثیر چنین عکس هایی که در نگاه سلیم اجتماعی –فرهنگی غیر متعارف است مبنای اسلامی دارد در حالی که ما معتقدیم اثرات بد روانی و هیجانی دارد (نظر مراجع و علما و فضلا را هم می خواهیم در این مورد خاص بدانیم) آیا این چنین شهیدان راهشان و خودشان زنده می شوند؟ این عکس ها را در میان جوانان دانشجو در مراسم دیدار با خانواده های داغ دیده شهیدان توزیع می کنند همراه انتخاب آیا جاذبه های داغ دیده شهیدان و فرهنگ دقیق اسلام ناب جایگزین برای این موارد دارد؟ لطفا نظر نمایی و دقیق خوش رابیان کنید. ضمنا ما معتقد به زنده کردن یاد و خاطره شهدا هستیم.

پاسخ

هرگونه فعالیت تبلیغاتی و فرهنگی پیرامون ارزش های انقلاب اسلامی، باید با توجه به اثرات و پیامدهای آن صورت پذیرفته و بر این اساس شکل بگیرد. مسلما شهدا و زنده نمودن یاد و هدف آنان و فرهنگ شهادت طلبی، از بالاترین ذخایر انقلاب اسلامی است که در صورت استفاده صحیح، می تواند نتایج بسیار مطلوبی بر ابعاد مختلف جامعه اسلامی ما داشته باشد. از این رو توجه و ترویج آثار گرانقدر این عزیزان مانند عکس، وصیت نامه، خاطرات و..، اقدام فرهنگی مهم در این زمینه به شمار می آید که البته باید به جایگاه و شرایط هر مجموعه خاص توجه داشت و با توجه به ظرفیت ها، میزان کشش و توان درک روحی و فکری افراد، از این آثار بهره جست؛ مثلا بسیاری افراد بوده اند که تحت تأثیر آثار این شهیدان دچار تحول و انقلاب روحی شده اند و افق روشنی در زندگی آنان به وجود آمده است و یا این که برعکس برخی افراد چنین استعدادی نداشته و تأثیر منفی در آنها داشته است. خلاصه باید شرایط را در نظر گرفت.

توی جامعه ما همه بد هستند مگر اینکه خلاف این ثابت شود همه از یکدیگر غیبت و بدگویی می کنند احزاب مختلف توی سر و کله یکدیگر می زنند و مدام از هم بدگویی می کنند و این باعث شده است که من به عنوان یک جوان و همچنین بسیاری از دوستانم از هر چی سیاست و سیاست مدار

پرسش

توی جامعه ما همه بد هستند مگر اینکه خلاف این ثابت شود همه از یکدیگر غیبت و بدگویی می کنند احزاب مختلف توی سر و

کله یکدیگر می زنند و مدام از هم بدگویی می کنند و این باعث شده است که من به عنوان یک جوان و همچنین بسیاری از دوستانم از هر چی سیاست و سیاست مدار است بیزار می شوم ولی آیا واقعا همین گونه است آیا واقعا همه سیاست مداران بد هستند اگر آنها بد هستند پس چه کسی خوب است اگر بخواهیم بدانیم چه کسی خوب است باید صبر کنیم تا او بمیرد آنگاه یک برنامه تلویزیون یا رادیویی و یا یکی از رسانه های گروهی دیگر برنامه ای برای یادبودش درست کنند و از او به خوبی بگویند و آنگه ما هم حسرت بخوریم که افسوس چه کسی را از دست داده ایم . یادم می آید چند ماه پیش توی شهر خودمان اردبیل یک شاعر مرحوم شد و البته چون من با شعر و شاعری خیلی میانه ای ندارم یادم نیست که کی بود دوستم می گفت که یک کتاب از همین شاعر را داشت ولی او را نمی شناخت و با آنکه کتاب را بسیار دوست داشت فقط از اسم شاعر خبر داشت زمانی فهمید که او همشهری اش است که توی رادیو برایش یادبود گرفتند و خلاصه به من بگویید در این آشفته بازار از همه رنگ ما چگونه باید بفهمیم که چه چیزی خوب است و چه چیزی بد است کی راست میگه کی دروغ؟

پاسخ

قبل از پرداختن به موضوعات مطرح در سؤال لازم است به این واقعیت تذکر داده شود که این چنین نیست که در جامعه ما همه بد باشند و یا بدبینی و تهمت و امثال آن جامعه را فرا گرفته باشد، بلکه نگاهی منصفانه به دیدگاه ها و موضع گیری های مسؤولین عالی رتبه و یا قوه قضائیه به عنوان نماد غالب در جامعه، خلاف این را ثابت می نماید، به عنوان نمونه کافی است بیانات مقام معظم رهبری را در مورد قوای سه گانه مرور بنمایید، ایشان علی رغم مشکلاتی که در کارکردهای این قوا وجود دارد، همواره سعی در تقویت و برجسته نمودن امتیازات و نکات قوت داشته اند. هر چند در برخی موارد چاره ای نیست غیر از این که به افراد خاطی و یا مسؤولینی که از انجام وظایف خویش غفلت ورزیده اند و یا تحت تأثیر تبلیغات دشمنان نظام اسلامی قرار گرفته اند، تذکراتی بدهند و اگر غیر از این باشد دیگر نه تنها رهبری و یا سایر دستگاه های قضایی و اطلاعاتی و امنیتی در انجام وظایف قانونی خود کوتاهی نموده اند، بلکه مصالح، منافع و امنیت ملی و جامعه اسلامی با بحران و آسیب مواجه خواهد شد. اما در مورد سؤال باید گفت: متأسفانه عملکردهای ناشایست برخی جناح ها و افراد سیاسی و عدم پایبندی به اصول، موازین فقهی، شرعی و اخلاقی در رقابت های سیاسی از یک سو و بزرگ نمایی این قبیل مشکلات توسط مخالفین نظام اسلامی در داخل و خارج، چنین برداشتی را برای برخی دانشجویان و سایر افراد جامعه به وجود آورده است و حال آن که اگر با دیدی منطقی، باز و تحلیل گرانه – آنگونه که از یک دانشجو انتظار می رود – به بررسی موضوعات موجود بپردازیم به این نتیجه می رسیم که در قضاوت پیرامون چنین مسائلی باید چند نکته را در نظر داشت: اولا، همانگونه که آموزه های اسلامی و سیره پیشوایان اسلام نشان می دهد، سیاست و پرداختن به امور سیاسی فی نفسه نه تنها امری مذموم و مطرود نیست بلکه قسمت عظیمی از تعالیم اسلامی (قرآن و روایات) و سیره بزرگان اسلام، پیرامون سیاست و موضوعات مربوط به چگونگی اداره و تنظیم روابط مختلف جامعه بوده و تک تک افراد جامعه را موظف به دخالت در امور سیاسی، اجتماعی خود می داند و به عبارت دیگر در دین اسلام سیاست با دین عجین شده و پیوستگی کامل داشته و با آن توأم اند و کوشش برای اصلاح جامعه، از بزرگترین ارزش های اسلامی می باشد، تا جایی که از مهمترین اهداف و عملکردهای اساسی تمامی پیامبران الهی و ائمه معصومین(ع) به شمار می آید و از سوی دیگر نگاهی به عملکرد فقها و علمای بزرگ معاصر نظیر مرحوم آیت الله نائینی، مرحوم آیت الله شیرازی، حضرت امام، شهید مطهری و بهشتی و آیت الله خامنه ای و... و دخالت در سیاست و تصدی امور سیاسی، همه حاکی از این واقعیت است که هم می توان سیاست و سیاستمدار خوب و الهی داشت و هم این که فعالیت های سیاسی را براساس معیارهای الهی پیش برد و در این راه تنها در چارچوب موازین شرعی و اخلاقی حرکت کرد. ثانیا، جامعه ما ترکیبی از سه نوع فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است که علی رغم وقوع انقلاب اسلامی، آنچنان که

شایسته است، فرهنگ اصیل اسلامی در بخش هایی از جامعه از جمله حوزه فعالیت های سیاسی جناح ها، نهادینه نشده است و برخی افراد و گروه ها تحت تأثیر امیال و هواهای نفسانی و فرهنگ های مادی، تنها کسب قدرت و بیرون راندن رقیب با هر وسیله ای را هدف اصلی خود قرار می دهند که نتیجه آن بروز برخی کارکردها و رفتارهای مغایر با موازین و معیارهای اسلامی و انسانی و اهداف انقلاب اسلامی است. ثالثا، براساس نکات اول و دوم، قضاوت عام پیرامون سیاست و رفتارهای سیاسی و انتساب خوب یا بد به همه آن، صحیح نمی باشد، بلکه باید هر سیاست، رفتار سیاسی و سیاستمداری را براساس ملاک ها و معیارهای خاصی در نظر گرفت و بررسی موردی نمود. معیارهایی نظیر: ۱. اهداف اساسی آن که آیا تعالی و اصلاح جامعه و خدمت به مردم است یا منافع شخصی و ارضای امیال نفسانی. ۲. میزان هماهنگی با تعالیم اسلامی و رعایت اصول و موازین فقهی - شرعی و اخلاقی، در رقابت و فعالیت های سیاسی. ۳. میزان همکاری و ارتباط با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا و... بر این اساس به هر میزان سیاستی یا سیاستمداری با این ملاکات مطابقت داشته باشد، به همان اندازه مورد تأیید اسلام و رضایت خداوند و مردم می باشد و در صورت عدم مطابقت، اسلامی نبوده و مورد تأیید نظام اسلامی نمی باشد. رابعا، در این که کوتاهی هایی در معرفی، تقدیر و تجلیل از افراد خدوم و صادق به جامعه و انقلاب اسلامی، وجود دارد، جای بحث نیست، اما نباید تأکیدات نظام اسلامی و برنامه های مختلفی که توسط سازمان ها و رسانه های عمومی در تجلیل و معرفی شخصیت های علمی و نخبگان کشورمان به جامعه می شود، نادیده گرفت، مراسمی نظیر برگزاری بزرگداشت شخصیت های علمی، ادبی، مذهبی و... و برنامه هایی که توسط صدا و سیما در معرفی این بزرگواران، به جامعه و خصوصا نسل جوان وجود داشته و دارد، همگی بیانگر رویکرد جدی سازمان ها و مسؤولین فرهنگی به این امر مهم می باشد.

نظر اسلام در مورد تفریح چیست و کدام تفریح ارزنده است؟

پرسش

نظر اسلام در مورد تفریح چیست و کدام تفریح ارزنده است؟

پاسخ

تفریح و سرگرمی یک ضرورت حیاتی است و برآوردن این تمایل برای تمام طبقات مردم، لذت بخش و اجتناب ناپذیر است. با تفریح سالم، آدمی از ملالت کارهای یکنواخت و خسته کننده رهایی می یابد و زمینه بهره وری بیشتر از کار و فعالیت فراهم می گردد. اسلام به این امر، توجه کرده و آن را در برنامه های روزمرهٔ مسلمانان گنجانده است. امام رضا(ع) می فرماید": از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید، ولی از راه حلال باشد و به مردانگی شما آسیب نرساند و به اسراف نگرایید. از این امر در ادارهٔ زندگی استمداد نمایید.("۱) در روایت دیگر حضرت ساعات روز را به چهار دسته تقسیم کرده، عبادت، تأمین معاش، معاشرت با دوستان مورد اطمینان و تفریح، بعد می فرماید": از مسرت و نشاط ساعت تفریح، نیروی انجام وظایف در ساعات دیگر را تأمین نمایید.("۲) اسلام بر تفریح سالم، تأکید دارد؛ تفریحی که به نفع یکی از جهات مادی یا معنوی باشد، بنابراین تفریح به معنای اتلاف وقت و بی بند و باری و آلودگی به مفاسد اجتماعی نیست، بلکه عامل جلوگیری از تبهکاری و ناهنجاری های اجتماعی و تأمین سلامتی جسمانی و روانی است. بر این اساس تفریحات مورد تأکید اسلام عبارتند از: مسافرت، ورزش، مطالعه، دید و بازدید. در شعری که به امام علی(ع) نسبت داده شده، حضرت فرمود: برای نیل به تعالی از وطن خود دور شوید و مسافرت کنید که در سفر پنج فایده است: انبساط روح، تأمین معاش، علم آموزی، ادب آموزی و دوستی با خوبان.(۳) پی نوشت ها: ۱.

بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶. ۲. همان. ۳. محمد تقی فلسفی، جوان، ج ۱، ص ۴۴۷.

قرآن سرچشمه فساد در روی زمین را چه می‌داند؟ پرسش

اشاره

قرآن سرچشمه فساد در روی زمین را چه می‌داند؟

پاسخ

قرآن استعمار و استثمار انسان را بوسیله انسان، سرچشمه فساد در روی زمین میدا ند، و آنرا به شدت محکوم میکند «اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلا فِی الْاَرْضِ وَجَعَلَ اَهْلَها شِیَعاً یَسْتَضْعِفُ طائِفَةً مِنْهُمْ یُذَّبِحُ اَبْنائَهُمْ وَیَسْتَحیی نِسائَهُمْ اِنَّهُ کانَ مِنَ الْمُفْسِدینَ» قصص/ ۴ [فرعون در روی زمین طغیان نمود و اهل آنرا به دسته‌ها و طبقه‌ها تقسیم کرد، جمعی از آنها را ناتوان (و اسیر و مستعمره خود) می‌شمرد، پسرانشان را بقتل میرساند (تا نیروی فعال انسانی آنها را نابود کند) و دخترانشان را (برای خدمت) زنده نگه میداشت، حقاً او از مفسدان بود] قرآن می‌گوید؛ حکومت روی زمین، حق صاحبان زر و زور نیست، بلکه حق خاص «بندگان صالح خدا» است «اِنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ» انبیاء/ ۱۰۵ [بندگان صالح و شایستهٔ من وارثان زمین خواهند شد]

جایگاه عرف و هنجارهای اجتماعی در شرع چیست؟ عمل به هنجارهای اجتماعی لازم است یا نه؟

پرسش

جایگاه عرف و هنجارهای اجتماعی در شرع چیست؟ عمل به هنجارهای اجتماعی لازم است یا نه؟

پاسخ

در طول تاریخ نسبت به اعتبار عرف و عادت بین علماء اختلاف بوده است. برخی از آنها برای عرف اعتبار قائل شده‌اند که عمدتاً از اهل سنت هستند و ادله‌ای هم برای اعتبار عرف اقامه نموده‌اند که استاد ابراهیم جناتی در بحث منابع اجتهاد به هفت دلیل آنها اشاره می‌کنند که البته آنها هم در اعتبار عرف شرائطی قائلند که از جملهٔ آنها این است که عرفی را معتبر دانند که مورد پسند عقل و مطابق با ذوق سلیم و رأی عمومی باشد، ولی از نظر علماء شیعه، عرف و عادت به عنوان منبع و پایه شناخت احکام شرعی مورد پذیرش قرار نگرفته و تنها حجیت و اعتبار آن را مخصوص به موارد خاص دانسته‌اند، بدین جهت هیچیک از اقسام عرف نمی‌تواند دلیل مستقلی در مقابل کتاب (قرآن) سنت، اجماع و عقل باشد بلکه اعتبار آن منوط به کاشفیت از امضاء شارع است که در این صورت داخل در سنت می‌شود، استاد جناتی می‌فرماید: اعتبار و کاربرد عرف و عادت در امور زیر است، – کشف مقصود گوینده – کشف حکم شرعی که تشخیص و یا تنقیح صغریات برای موضوعات احکام کلی و یا تنقیح آنها برای قیاسهای استنباطی و یا تحدید موضوعهای احکام کار عرف است، و نیز از نظر حقوقی نیز در اعتبار عرف و عدم آن اختلاف است که در این رابطه می‌توانید به مبانی حقوق در ایران آقای نجومیان مراجعه کنید. بهر حال آنچه از عرف و عادت و هنجارهای اجتماعی که از طرف شرع تأیید و امضاء شده، لازم است پیروی شود و آنچه نفی شده، قابل تأیید نمی‌باشد.

چرا در این زمان حرف اول را پول و پارتی می‌زند؟

پرسش

چرا در این زمان حرف اول را پول و پارتی می‌زند؟

پاسخ

ریشهٔ این بیماری دردناک ضعف فرهنگ دینی و اخلاق انسانی است که اصلاح آن نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. تا زمانی که همهٔ افراد جامعه خود را ملزم به رعایت اخلاق و دستورات دین نکنند این‌گونه امور ریشه‌کن نمی‌شود. اگر افراد مسئول در جامعه براساس تکلیف دینی و وظیفهٔ اخلاقی خود عمل کنند و اشخاص مراجعه کننده نیز به وظایف شرعی و اخلاقی خود آشنا و ملتزم باشند، این مشکلات پیش نمی‌آید. البته این مسئله مخصوص این زمان نیست بلکه این امر، بسیار ریشه‌دار و با سابقهٔ تاریخی است و تنها در اوایل انقلاب که دگرگونی فرهنگی روی داد و مردم از فرهنگ طاغوت رویگردان شدند و مسئولان نیز براساس وظیفهٔ شرعی به خدمت مردم پرداختند، وضعیت بهتری پیش آمده بود.

با توجه به وضعیت فعلی دانشگاه‌ها که رعایت مسایل شرعی ، نشانه بی فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی و عدم رعایت موازین شرعی نشانه تجدد و فرهنگ تلقی می شود ، چگونه می توان بین دین و دنیا و حفظ موقعیت دینی و اجتماعی ، جمع نمود؟

پرسش

با توجه به وضعیت فعلی دانشگاه‌ها که رعایت مسایل شرعی ، نشانه بی فرهنگی و عقب ماندگی اجتماعی و عدم رعایت موازین شرعی نشانه تجدد و فرهنگ تلقی می شود ، چگونه می توان بین دین و دنیا و حفظ موقعیت دینی و اجتماعی ، جمع نمود؟

پاسخ

دین اسلام در زمینه زندگی در این دنیا و معاشرت با همنوعان دستورات فراوانی دارد و به هیچ وجه گوشه‌گیری و دوری گزیدن از جامعه و مردم را نمی‌پسندد و به آن توصیه نمی‌کند. و جالب این است که نکات و توصیه‌های خاصی در نحوهٔ معاشرت با هر صنف از اصناف مردم (کودک بزرگسال محرم و نامحرم ذی حق و...) به مسلمانان ارایه نموده است بنابراین با توجه به موقعیت اجتماعی و وظیفهٔ دینی عمل به دستورات خداوند آسان و به دور از تکلّف خواهد بود. مثلاً در مسأله صحبت با نامحرم وظیفهٔ فرد مؤمن این است که حدّ ضرورت را در نظر بگیرد، یعنی بحث و گفتگو دربارهٔ مطالب لازم مانعی ندارد، ولی در عین حال وقار و متانت در حین گفتگو و پرهیز از خودمانی شدن که تبعات خاصی مانند، نگاه ممتد با خنده و شوخی کردن و... دارد مورد توجه و سفارش قرار گرفته است رعایت این مسایل در نحوهٔ ارتباط با دیگران نه تنها مضرّ نیست بلکه مفید نیز می‌باشد، زیرا هر انسانی حق دارد و می‌تواند تمایلات خود را که نشان دهندهٔ شخصیت اوست در عمل نمایان سازد و از دیگران بخواهد که به آن توجه داشته باشند. پس نباید منفعلانه عمل نمود زیرا این روش حکایت از ضعف روحیه و ساخته نشدن شخصیت بایسته در فرد می‌کند. و در نهایت هر یک از ما مسلمانان باید فرهنگ ساز باشیم نه خودباخته در مقابل فرهنگ دیگران و اگر این در شرایط دشوار صورت گیرد، اجر اخروی آن نیز بیشتر خواهد بود.

چرا هنوز در مراکز مهم مذهبی مسألهٔ رشوه و پارتیبازی حل نشده است، آیا این مراکز، قرآن را مطالعه نکردهاند؟

پرسش

چرا هنوز در مراکز مهم مذهبی مسألهٔ رشوه و پارتیبازی حل نشده است، آیا این مراکز، قرآن را مطالعه نکردهاند؟

پاسخ

گفتار بدون کردار، یکی از صفات زشت است که قرآن کریم از آن نکوهش کرده است". یَـأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لاَ تَفْعَلُون کَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لاَ تَفْعَلُونَ(; صف،۲و۳) ای کسانی که ایمان آوردهاید، چرا سخنی میگویید که انجام نمیدهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید ".از بدترین بلاهایی که ممکن است بر یک جامعه مسلط شود، بلای سلب اطمینان است و عامل اصلی آن جدایی گفتار از کردار است ;مردمی که میگویند و عمل نمیکنند، هرگز نمیتوانند به یکدیگر اعتماد کنند و در برابر مشکلات هماهنگ باشند ;هرگز برادری و صمیمیت در میان آنان حاکم نخواهد شد ;هرگز ارزش نخواهند داشت و هیچ دشمنی از آنان حساب نمیبرد. اولاً ـ باید توجه داشت که در مراکز مذهبی، مسألهٔ اخذ رشوه و پارتیبازی مطرح نیست. رشوه و پارتیبازی مربوط به مراکز اداری و اقتصادی است نه مراکز مذهبی. ثانیاً، بسیاری از جاهایی که رشوه میگیرند یا پارتیبازی میکنند، از زشتی و حرمت این کارها آگاهند ;ولی در عمل به علمشان ترتیب اثر نمیدهند ;برای جلوگیری از این کارهای زشت: اولاً ـ باید نیروی ایمان در این افراد تقویت شود ;ثانیاً، باید نظارت مسئولان مافوق دقیقتر انجام گیرد.(ر.ک: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۲۴، ص ۷ـ۶۶، دارالکتب الاسلامیهٔ.)

قرآن کریم در مورد" شایعه "چه آیاتی را بیان میکند؟

پرسش

قرآن کریم در مورد" شایعه "چه آیاتی را بیان میکند؟

پاسخ

از بلاهای بزرگی که دامن گیر جوامع مختلف شده و روح اجتماعی و تفاهم و همکاری را در میان مردم از بین میبرد" شایعه" است. جعل و پخش شایعات دروغین و نگران کننده یکی از مهمترین شاخههای جنگ روانی توطئهگران است که برای جریحهدار ساختن حیثیت نیکان و پاکان جامعه و پراکنده ساختن مردم از اطراف آنها صورت میگیرد، به همین جهت اسلام صریحاً با شایعه مبارزه کرده و قرآن کریم در این مورد، در سه بخش سخن میگوید: ۱. شایعه سازی ;۲. شایعه پراکنی (که این دو بخش غالباً توسط منافقان صورت میگیرد ;)۳. شایعه پذیری. (که غالباً توسط افراد جاهل و ناآگاه اتفاق میافتد) خداوند در مورد شایعه سازان میفرماید": اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی است و آنها که اخبار دروغ و شایعات بیاساس در مدینه پخش میکنند، دست از کار خود برندارند، تو را سخت بر آنان مسلط میکنیم. سپس جز مدّت اندکی نمیتوانند در کنار تو در این شهر بمانند و از همه جا طرد میشوند و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید . درباره کسانی که پیشتر بودند]همین[سنت خدا]جاری بوده[است ;و در سنّت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت(".احزاب، ۶۱ ـ ۶۲.) این آیات در مورد گروهی از

منافقـان و دشـمنان اسـلام است که در مـدینه به سـاختن و پخش شایعـات، علیه پیـامبر اکرممیپرداختنـد به خصـوص به هنگـامی که حضرت با ارتش اسلام به غزوات میرفتند، با خبرهای دروغین از شکست پیامبر۶ و مؤمنین به تضعیف روحیه بازماندگان آنان همت داشـتند خداونـد به آنها هشـدار میدهد که اگر دست از اعمال زشت و ننگین خود برندارند. فرمان حملهٔ عمومی و یورش به آنها را صادر خواهیم کرد تا با یک حرکت مردمی مؤمنان، همه را از مـدینه (مرکز و حکومت اسـلامی) ریشه کن سازیم و در هیـچ جا در امان نخواهنـد بود ;چون آنها را با دقت پیـدا میکننـد و به دیار عـدم میفرسـتند. و در پایان این تهدیـد را جـدی دانسـته تا بدانند که مطلب کاملاً قطعی و ریشه دار و غیر قابل تغییر و تبـدیل است.(رجوع کنیـد به: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۷، ص ۴۲۹، دارالکتب الاسـلامیهٔ / تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ;ج ۱۶، ص ۳۴۰، انتشارات اسـماعیلیان.) قرآن در مورد شایعه پراکنی میفرماید": و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد (بدون تحقیق) آن را شایع میسازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان ـ که قدرت تشـخیص کافی دارند ـ باز گردانند، از ریشههای مسائل آگاه خواهند شد (".نسأ، ۸۳) که بسیاری از خبرهـای آنان در مورد پیروزی و شـکست مسـلمانان بـدون تحقیق و بیاساس بوده و غالباً از طرف دشـمنان به منظورهای خاصـی جعل میشـده است.(رجوع کنیـد به: تفسیر نمونه، همان، ج ۴، ص ۳۰.) در داسـتان پرمـاجرای" افک ("تهمت عظیم) که جمعی از دشـمنان شکست خورده و منافقان کوردل نسبت اتهام عمل منافی عفت به یکی از زنان پیامبر۶ دادند و این تهمت را شایعه کردند، به طوری که عـدهای از مؤمنان تحت تأثیر این شایعه قرار گرفتنـد، خداونـد متعال میفرمایـد": مسـلماً کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردنـد، گروهی (متشـکّل و توطئهگر) از شـما بودنـد ;امّـا گمان نکنیـد این ماجرا برای شـما بـد است، بلکه خیر شـما در آن است ;برای هر کسـی از آنان (که در این کار دست داشـته) همان سـهم از این گناهی است که مرتکب شده است ;و از آنان کسی که بخش مهمّ آن را برعهـده داشـته، عـذابی سـخت خواهـد داشت (".نور، ۱۱) که این آیه اشـاره به" شـایعه سـازان "دارد ;سـپس خطاب به" شایعه پـذیران "که افرادی مؤمن و ظاهربین بودنـد میفرمایـد": چرا هنگامی که این (تهمت) را شـنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسـی که همچون خود آنها بود) گمان نیک نبردند و نگفتند": این دروغی بزرگ و آشـکار است "؟!و در ادامـهٔ داسـتان میفرمایـد": و اگر فضـل و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل شـما نمیشـد، قطعاً به (سـزای) آنچه که در آن دخالت داشتیـد، به شـما عذابی بزرگ میرسـید آن گاه که این شایعه را از زبان یکدیگر میگرفتید، و با دهانهای خود چیزی را که بدان علم نداشتید میگفتید و میپنداشتید که کاری سـهل و ساده (و کوچک) است، در حالی که نزد خداوند بس بزرگ است چرا هنگامی که آن را شـنیدید نگفتیـد": مـا حق نـداریم که به این سـخن (و در این موضوع) سـخن بگوئیم ;خداونـدا منزهی تو، این بهتانی بزرگ است "؟!خداونـد شـما را انـدرز میدهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید. اگر ایمان دارید("نور،۱۲ـ۱۷) در پایـان نیز خطاب به "شایعه پراکنان "چنین هشـدار میدهـد": کسانی که دوست دارنـد زشتیها در میان مردم با ایمان شـیوع یابـد، عـذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت خواهـد بود ;و خداوند میداند و شـما نمیدانید(".نور،۱۸)(رجوع کنید به: تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ;ج ۱۵، ص ۹۲، اسماعیلیان / ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۲۹، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی / تفسیر نمونه، همان، ج ۴ و ۳.) و فرمان خداوند متعال در خنثی سازی شایعه و عدم پذیرش آن چنین است": وَ لاَ تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِی عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ کُـلُّ أُوْلَـئِکَ کَـانَ عَنْهُ مَسْ ئُولاً(; اسـرأ،۳۶) و از آنچه که به آن آگـاهی نـداری پیروی مکن ;چرا که گوش و چشم و دل همه مسـئولند ".پس در صورت جهل و نادانی مردم است که شایعه در جامعه پذیرش پیدا میکند.

چگونه می‌توان با چپاولگران و مفاسد اقتصادی مبارزه کرد؟

پرسش

چگونه می‌توان با چپاولگران و مفاسد اقتصادی مبارزه کرد؟

پاسخ

قرآن کریم برخی راهکارها را ارائه فرموده که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان چپاولگران و مفاسد اقتصادی مبارزه کرد ;از جمله ۱. جلوگیری از کسب ثروت از طریق فعالیت‌های ناسالم و غیر مشروع مانند: ربا (;بقره ۲۷۵)، تجاوز به حقوق دیگران و خوردن مال و کسب درآمد از راه باطل (بقره ۱۸۸)، خوردن مال یتیم و چپاول و غارت سرمایه مستضعفان جامعه (نسأ، ۲، ۶، ۷۵، ۹۷) رشوه خواری (مائده ۴۲ و ۶۲) دزدی و قماربازی (بقره ۲۱۹;مائده ۳۸) و... ۲. جلوگیری از انحصار و تکاثر ثروت در دست ثروتمندان (تکاثر،۱ ;حشر،۷ ;ماعون ۴ ;همزه ۲) ۳. جلوگیری از رانت‌خواری و سوءاستفاده نزدیکان به قدرت و اختلاس آن‌ها بیت‌المال و از منافع و امتیازات اقتصادی و... چنان که قرآن می‌فرماید": وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّ وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ(; آل‌عمران ۱۶۱) ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند و هر کس خیانت کند در روز رستاخیز آن چه را در آن خیانت کرده یا خود]به صحنهٔ محشر[می‌آورد، سپس به هر کس آن چه تحصیل کرده داده می‌شود و]به همین دلیل به آن‌ها ستم نخواهد شد]زیرا محصول اعمال خود را خواهند دید "[.۴. تلاش برای برقراری عدل و برابری به ویژه در مسائل اقتصادی و تقسیم ثروت و بی... المال در بین مردم و اقشار مختلف جامعه (نسأ،۵۸) ۵. انجام امر به معروف و نهی از منکر در زمینه مسائل اقتصادی (آل‌عمران ۱۰۴) ۶. سپردن منافع و ثروت اموال بیت‌المال و نیز مصادر و مراکز اقتصادی به دست افراد مؤمن متعهد و متخصص که به منافع مردم و بیت المال به چشم امانت بنگرند ودر آن خیانت نکنند(;نسأ،۵۸) و ...(برای آگاهی بیشتر ر.ک طرح و مبانی اقتصاد در قرآن مسعود دهشور و...، چاپخانه میهن)

چرا دولت جمهوری اسلامی با ماهواره مخالفت می‌کند و دلیل آن را هم جنبهٔ منفی ماهواره می‌داند، در صورتی که هر پدیدهٔ جدید، دارای جنبهٔ مثبت نیز هست مثلاً، ویدئو زمانی در نظام ما جرم محسوب می‌شد، ولی اکنون در تلویزیون نیز از آن تبلیغ می‌شود؟!

پرسش

چرا دولت جمهوری اسلامی با ماهواره مخالفت می‌کند و دلیل آن را هم جنبهٔ منفی ماهواره می‌داند، در صورتی که هر پدیدهٔ جدید، دارای جنبهٔ مثبت نیز هست مثلاً، ویدئو زمانی در نظام ما جرم محسوب می‌شد، ولی اکنون در تلویزیون نیز از آن تبلیغ می‌شود؟!

پاسخ

پاسخ‌دهی به پرسش‌های غیرقرآنی از حوصله این پاسخ‌نامه‌ها خارج است در عین حال توجه به چند نکته لازم است ۱. در بسیاری از موارد با گذشت زمان موضوع عوض می‌شود مثلاً تلویزیون در یک زمان وسیله ترویج فساد و فحشا بود و استفاده حلالی نداشت به خلاف حالا. ۲. تنها مجتهدین و مراجع تقلید هستند که با قدرت استنباط از منابع اسلامی (کتاب سنت عقل و اجماع می‌توانند حلال و حرام الهی را بفهمند و حکم آن را اعلام کنند. ۳. حلال و حرام خداوند متعال تنها در حیطه قدرت خداوند حکیم است نه تنها روحانیان و مراجع تقلید نمی‌توانند حلال خدا را حرام و یا حرام خدا را حلال کنند ;بلکه امام معصوم و پیامبر۹ نیز چنین حق و قدرتی را ندارد. و حلال خداوند همواره حلال و حرام او تا روز قیامت حرام می‌باشد. ۴. نظرها و فتاوای علمای اسلام در مورد

حلال‌ها و حرام‌ها را باید از رساله‌های عملیه آن‌ها و یا بوسیله استفتأ از خودشان به دست آورد. یادآوری می‌شود که دشمنان اسلام و روحانیت همواره تبلیغ می‌کنند که دین و روحانیت مخالف پیشرفت صنعت و فن‌آوری استفاده از وسایل و تجربیات بشر مانند: رادیو، تلویزیون هواپیما، ویدیو، رایانه و ... است این تبلیغات کاملاً بی‌اساس است (ر.ک علم و دین در حیات معقول مرحوم علامه محمد تقی جعفری نشر کانون علم و دین / بحث‌هایی از فلسفه دین و کلام جدید، علی ربانی گلپایگانی مؤسسه امام صادق) دولت جمهوری اسلامی نیز، طبق احکام اولیه اسلام استفاده صحیح و سودمند را از هیچ یک از وسایل یاد شده ممنوع نمی‌داند، اگر چنان که در بعضی زمان‌ها استفاده برخی از آن‌ها را ممنوع می‌کند، روی مصلحت جمع و مصلحت نظام این عمل را انجام می‌دهد، ولی ممکن است گذشت زمان شرایط را دگرگون کند و یا طبق اصل عقلایی" دفع افسد به فاسد، "مجبور شوند، در بعضی از اوقات نسبت به شرایط حاضر، حکم ممنوعه را بردارند. یک روز برنامه‌ای ضامن سعادت جامعه است ولی روز دیگر ممکن است بر اثر دگرگونی شرایط همان برنامه سد راه آن شود ;یک روز، دارویی برای بیمار، فوق العاده مفید است و طبیب آن را تجویز می‌کند، اما روز دیگر به خاطر بهبود نسبی بیمار ممکن است این دارو حتی زیانبار باشد. لذا در نظام اسلامی علمای اسلام چون حافظ کیان فرهنگی جامعه اسلامی هستند، طبیعی است که به آن چه که سوغات کشورهای غرب و استعمارگر است با توجه به سیاست تهاجم فرهنگی به دیدهٔ احتیاط و تردید بنگرند و تا اطمینان به این نداشته باشند که ضرری به جامعه اسلامی ندارد، حکم به استفادهٔ از آن ندهند.

شایعه چیست ؟ چگونه شکل می گیرد و پراکندگان شایعه در ایران چه کسانی اند؟

پرسش

شایعه چیست ؟ چگونه شکل می گیرد و پراکندگان شایعه در ایران چه کسانی اند؟

پاسخ

شایعه اصطلاحا دروغ‌های منتشره و پخش شده را گویند و شکل گیری آن عوامل مختلفی دارد که یکی از آنهادسیسه‌های دشمن است. این شیوه تاریخ طولانی دارد و مخصوصا در جنگ‌ها برای تضعیف روحیه سپاه مقابل ازطریق عناصر وابسته اعمال می‌شده. چنان که در جنگ احد شایع کردند که پیامبر(ص) کشته شده است. در زمان ما نیزرادیوهای بیگانه مجلات روزنامه‌ها و ایادی وابسته دشمن عناصر اولیه و برخی از مردم ساده و کم اطلاع یا بدبینحاملان درجه دوم شایعاتند. البته گاهی هم شایعه بر اثر نوعی اشتباه و پندار واهی صورت می گیرد.{J

چرا مردم به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟

پرسش

چرا مردم به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟

پاسخ

از این که به خاطر عادات غلط در رفتار اجتماعی برخی مردم ناراحت شده‌اید متأثر شدیم. برادر عزیز! بدگویی‌های اقوام مختلف از

یکدیگر علاوه بر آن که کاری نامشروع و خلاف اخلاق است، از نقشه‌هایاستعمارگران برای ایجاد اختلاف بین مردم است. امید است با روشنگری افرادی چون شما این عادات از بین مردمرخت بربندد. شما نیز از این بابت چندان نگران نباشید، چرا که ترک یا لر یا فارس هیچ تفاوتی با هم ندارد. همه بندگانخداوند در برابر او یکسانند. امید است صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها با اتخاذ شیوه‌های خردمندانه در رفع این عاداتو رسوبات غلط رژیم ستم‌شاهی کوشا باشند. همه مردم بندگان خداوند هستند و به فرموده پیامبر اکرم(ص) همانندانه‌های شانه با هم برابرند. علاوه بر آن که بسیاری از مشاهیر و بزرگان علم و سیاست و ادب که از افتخارات ایران وجهان هستند، ترک زبانند. رهبر انقلاب خود اصالتاً ترک زبانند. دانشمندانی بزرگ چون شهریار و علامه محمدتقیجعفری و صدها نمونه از این قبیل افتخاری برای همه ما و شما هستند. بنابراین شما از ترک زبان بودن برخود ببالید وهرگز تحت تأثیر سخنان نسنجیده افراد بی‌فرهنگ قرار نگیرید.}

علت روی آوردن جوانان به اعتیاد را بیان کنید؟

پرسش

علت روی آوردن جوانان به اعتیاد را بیان کنید؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال، به صورت کلی و خلاصه این امر را می‌توان به لحاظ جامعه‌شناسی پاسخ گفت: الف) سطح عوامل اجتماعی کلان؛ یعنی عواملی که می‌تواند در سطح کلان جامعه مؤثر واقع شود می‌توان از عوامل ذیل یاد کرد: ۱- شهرنشینی و شهرگرایی ۲- محلات شهری. ۳- حاشیه‌نشینی (در متن جامعه نبودن). ۴- سیاست‌های جهانی استکبار. ۵- نظام سرمایه‌داری جهانی. ۶- موقعیت استراتژیک کشور (مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا). ۷- قشربندی و طبقات اجتماعی (برخی طبقات، اعتیاد برایشان نوعی ژست و عادت است). ب) سطح عوامل اجتماعی خرد؛ یعنی عواملی که در سطح خرد و بر روی برخی از افراد مؤثر است: فقر و نیاز مادی، رفاه زدگی، گروه همسالان، نوع شغل، نابسامانی‌های خانوادگی، رسانه‌های گروهی، اوقات فراغت، بیکاری، نابرابری شرایط اجتماعی، فساد و فحشاء. ج) سطح عوامل فردی و شخصی؛ میتوان به موارد ذیل اشاره کرد: - ضعف اعتقادات مذهبی، - سست شدن سنت‌های مفید اجتماعی، - گروه‌های سنی ویژه، - فقدان نزدیکان و والدین، - شکست در زندگی، - فقر علمی و آگاهی، - ناراحتی‌های روانی. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نشریه اصلاح و تربیت شماره ۷۳ و ۷۴، مقاله «اعتیاد جوانان از دیدگاه جامعه‌شناسی»، نعمت‌الله تقوی.

با وجودی که مراجع تراشیدن ریش را حرام دانسته اند اما در جامعه خیلی ها ریش خود را می تراشند و یک دید منفی نسبت به کسانی که ریش می گذارند هم در جامعه به وجود آمده است. دلیل چیست.که یک فرد مسلمان پیرو مراجع این چنین حکم اسلامی را کنار گذاشته و به بهانه های م

پرسش

با وجودی که مراجع تراشیدن ریش را حرام دانسته اند اما در جامعه خیلی ها ریش خود را می تراشند و یک دید منفی نسبت به کسانی که ریش می گذارند هم در جامعه به وجود آمده است. دلیل چیست.که یک فرد مسلمان پیرو مراجع این چنین حکم

اسلامی را کنار گذاشته و به بهانه های مختلف ریش خود را می زنند. گذاشتن ریش در سپاه به قول یکی از سربازان به صورت یک قانون درآمده است و کسی که ریش نداشته باشد با او برخورد می شود. زدن یا گذاشتن ریش چه نفعی برای سپاه دارد. چرا اجبار؟آیا اجبار برای سرباز عقده نمی شود که در دوران بعد از خدمت با اشتیاق هر چه بیشتر ریش خود را بزنند.

پاسخ

متأسفانه هم چنان که فرمودید برخی در جامعه با آگاهی از حرمت ریش تراشی به این عمل اقدام می کنند. برخی از علت های این رفتار عبارت است از: ۱. ضعف ایمان. عده ای از افراد پاک و بی آلایش، به خاطر فقر فرهنگی و ضعف ایمان، با اندک شبهه و تردید یا توجیهاتی از عمل به دستورات شرعی سر باز می زنند. در قرآن کریم بیشتر خطاب ها با لفظ ایمان شروع شده است. این امر نشان دهنده آن است که باور و عمل و استمرار آن جز با تقویت ایمان میسر نیست. ۲. شبهه افکنی. گاه از سوی دشمنان دانا و دوستان نادان شبهه های واهی، به منظور تزلزل ایمان و باور افراد منتشر می شود پاسخ ندادن به شبهه ها و در پی آن حاکم شدن شک و تردید، سستی و بی تفاوتی را نسبت به باورهای دینی پدید می آورد. در نتیجه هم انگیزه برای دفاع از ارزش ها و عقاید دینی از بین می رود و هم زمینه برای جایگزین شدن اندیشه های باطل به جای باورهای صحیح فراهم می گردد. ۳. رفتارهای نادرست برخی به ظاهر متدینان. عده ای متدین نما با ناآگاهی از همه جوانب احکام شرعی، دست به اقداماتی می زنند که نه تنها باعث تقویت و ترغیب گرایش جوانان به دین نشده؛ بلکه، دین گریزی را به وجود می آورد. بلند گذاشتن ریش، بیش از حد معمول، نرسیدن و پیرایش نکردن آن کثیفی آن بهره برداری نامناسب از آن و ... نمونه هایی از این عمل کردهای نادرست است. اما سپاه و اجبار به نتراشیدن ریش می دانیم که در هر جامعه و آیین و شریعتی، پاره ای قوانین اجتماعی وجود دارد که افراد در آن، موظفند به قواعد رفتاری آن آیین و شریعت تن دهند. منتها قوانین برخی جامعه ها با فطرت و عقل سلیم آدمی هماهنگی ندارد و آنها تنها براساس تمایلات و خواست های انسان ها در زمان خاصی وضع شده و پس از چندی تغییر می کند. احکام و قوانین تشریع شده از ناحیه خداوند به علت همخوانی با فطرت و شمول گرایی به همه زمان ها قابل تبدیل نیست و متدینان موظف به اجرای آنها می باشند. قوانین و احکام شرعی دو گونه اند. برخی فردی و شخصی می باشند مانند اعتقادات درونی و شخصی و برخی جنبه اجتماعی دارد مانند حجاب، پوشش مناسب در اجتماع، ریش گذاشتن – هر چند جنبه فردی نیز دارد –. در امور اجتماعی، همه مسلمانان و به ویژه حاکم اسلامی، موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند و حاکم اسلامی در صورت مصلحت می تواند از قانون جبر و قهر استفاده کند؛ فقها شیوه برخورد اگر همراه با دادن بینش و فراهم کردن امکانات لازم باشد، مسلم باز خورد منفی نخواهد داشت. افزون بر این اساسا دوران سربازی در همه ارتش های جهان، از انجام تا سرانجام همراه با قوانین سختی است. کوتاه کردن موها، واکس زدن کفش ها در هر روز، احترام به مافوق و... همه از اموری است که باطبع ظریف و آزادی خواه جوان منافات دارد. چنانچه در هر یک از امور یاد شده با جوانان به شدت برخورد شود جوانان عقده ای خواهند شد. در غیر این صورت سربازی یکی از دوره های شیرین زندگی برای هر سربازی خواهد بود.

با سلام در جامعه امر روضه خوانی از دیر باز به عنوان یک سمبل دینی حفظ شده و در زمانهای مشخص و مکانهای مشخص به عنوان یک امر اطلاع رسانی به حفظ دین کمک زیادی کرده است ولی در حال حاضر در تمامی طول سال به انحای مختلف روضه های زنانه باب شده و متاسفانه بیشتر ب

پرسش

با سلام در جامعه امر روضه خوانی از دیر باز به عنوان یک سمبل دینی حفظ شده و در زمانهای مشخص و مکانهای مشخص به عنوان یک امر اطلاع رسانی به حفظ دین کمک زیادی کرده است ولی در حال حاضر در تمامی طول سال به انحای مختلف روضه های زنانه باب شده و متاسفانه بیشتر به ظواهر و فخر فروشی تبدیل شده است .آیا خانمی که نماز صبحش قضا می شود و آرایش می کند از منزل میزنه بیرون و حتی مشکل زنانه ای دارد کارهای منزلش و غذای بچه ها و همسرش مانده جایز است به این روضه برود ؟ آیا خانمهایی که برای روضه های زنانه انتخاب می شوند مساله ای ندارند؟ (در زندگی شخصیشان همانند خانمهای بالا نیستند) آیا این خانمهای مداح در مورد مسائل شرع به خانمها توضیحی می دهند؟ آیا به واقع می توانند به خانمهای آنجا بگویند برای جلوگیری از فساد اجتماع و همسرانتان باید به آنها توجه کنید و به آنها برسید؟ خانمی که به مردش نمیرسه و مرد به او نیاز داره وقتی چند بار بیرون می بینه که زنان با آن وضع توی خیابان هستند فاسد نمی شود؟ این مرد خوبی باشد صیغه می کنه و بعد از مدتی که زن اصلی می فهمه به عوض اشتباهاتش را جبران کنه مظلوم نمائی می کنه! آیا این مطالب را نباید در همین روضه های زنانه عنوان کرد؟آیا این امر به معروف و نهی از منکر نیست؟ پس چرا علمای حاضر فتاوی در این زمینه ها صادر نمی کنند ؟چند سال آینده دختران چنین مادرانی چه چیزی از وظایف یک زن و زناشوئی می دانند؟می دانند نماز را هر وقت خواستی بخوان فرادا هم بخوان آرایش مربوط به کوچه و خیابان است خنده و قشنگ حرف زدن مربوط به بیرون از خانه است داخل منزل خسته ام حوصله ندارم چی ندارم فلانی چی داشت برای روضه ما باید فلان باشد والا آبروی ما می رود !به قول یکی از دوستان همه سفره حضرت ابوالفضل را می اندازند برای اینکه بگویند ما داریم کسی سفره حضرت رقیه پهن نمی کند. باور کنید اگر کافی ها مطهری ها الان بودند تا بحال چند سخنرانی و کتاب برای این زمینه چاپ کرده بودند. به نظر من همه کسانی که عالم هستند و در این موارد می توانند بگویند و سکوت کنند که مبادا تهمتی به آنان زده شود گناهشان از این افراد که بیشترشان نسبت به این مسائل جاهل هستند کمتر نیست! لطفا در این باره مرا راهنمائی کنید که تا بحال چه کارهایی شده است. خداوند بر اعمال ما ناظر است و از رگ گردن به ما نزدیکتر

پاسخ

در پاسخ به این سؤال توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است: اولا فلسفه و هدف اصلی روضه خوانی و برپایی مراسم وعظ و ...، همانطور که اشاره کرده اید تبلیغ آموزه ها و معارف اسلامی و در نتیجه هدایت و رشد و ارتقاء فکری و معنوی مخاطبین در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی است. و تا زمانی که این مراسم دارای چنین کارکردهایی باشند، از جایگاه ارزشمند و با اهمیتی برخوردارند. اما اگر وضعیت و شرایط به گونه ای شد که نه تنها چنین کارکرد و نتایجی نداشت، بلکه از هدف اصلی خود منحرف گردیده و ارزشهای غیر اسلامی را ترویج نمود، دیگر نه تنها برپایی و شرکت در این مجالس به هیچ وجه ارزشی ندارد، بلکه منکری است که باید به دنبال اصلاح آن بود. ثانیا: از دیدگاه اسلامی خانواده کانون مقدس و پر از مهر و محبتی است که هر کدام از اعضای آن باید شدیدا در استحکام آن کوشیده و از هر گونه اقدامی که بنیانهای این کانون را متزلزل می نماید خودداری کنند. از این رو اهتمام جدی افراد خانواده به انجام وظایف و کار ویژه های خود حائز اهمیت می باشد و زن و مرد نمی توانند حتی به خاطر برخی امور مذهبی که در مقایسه با وظایفشان در قبال خانواده از اولویت کمتری برخوردارند، از زیر بار مسئولیت های خویش شانه خالی کنند. خصوصا با توجه به اینکه اصولا از دیدگاه فقهی و قانونی خروج زن از منزل حتما باید با اجازه شوهر خود باشد، از این رو شرکت زن در مراسمی که نام بردید حتی اگر از همه جهت خوب باشد، باز هم در صورت عدم رضایت شوهر مشکل شرعی داشته و گناه محسوب می گردد. ثالثا: نمی توان یک ارزیابی و قضاوت کلی پیرامون همه مجالس روضه خوانی زنانه و یا سخنرانان آنان داشت، بلکه باید به صورت موردی و با شناخت دقیق از انگیزه های برپاکننده این قبیل مجالس، نوع رفتارهای

افراد شرکت کننده, ماهیت صحبتهای سخنران و بالاخره نتایج و تأثیرات فردی و جمعی این جلسات به قضاوت نشست. زیرا علی رغم وجود این قبیل جلسات که به هیچ وجه با فرهنگ و ارزشهای اسلامی همخوانی ندارند و متأسفانه نتایج منفی هم به دنبال دارند, جلسات بسیار زیادی نیز وجود دارد که واقعا جو غالب در آنها کاملا مذهبی و با نیات و اهداف خالص برگزار می گردد و نتایج مثبتی هم به همراه دارد. رابعا: متأسفانه رویکرد بخشهای زیادی از جامعه به فرهنگ مادیگرایی و تجملات, واقعیتی غیرقابل انکار است که مقابله اصولی با آن نیازمند اهتمام جدی و پی گیر متولیان فرهنگی جامعه از بخشهای فرهنگی دولت گرفته, تا حوزه های علمیه, صدا و سیما و نشریات و ..., می باشد. اما با این همه افراد دلسوز جامعه نیز دارای یکسری وظایف می باشند و باید در قبال مشکلات فرهنگی و اجتماعی احساس مسئولیت داشته و حداقل در حفظ سلامت و هدایت خود و خانواده خویش بکوشند. و در مواردی که احساس خطر و انحراف می کنند با استفاده از راههای صحیح منطقی از بروز انحرافات جلوگیری نمایند. به عنوان نمونه در مورد مذکور در نامه, استفاده از روش هایی نظیر گفتگو, هدیه کتابهای مفید, شرکت در مجالس مذهبی که دارای بازدهی مثبت می باشد و همچنین طرح موضوع با حضور همسر خویش در مقابل شخصیتهای مورد قبول دو طرف (اعم از فامیل و غیرفامیل) و مشورت و راهنمایی خواستن از آنها و ... می تواند در رفع این مشکلات مؤثر باشد. خامسا: علماء و بزرگان حوزه های علمیه بیشترین اهتمام را نسبت به تبیین احکام الهی و هدایت و اصلاح جامعه و ... دارند و در این راه آنچه که مورد نیاز جامعه است بیان می نمایند. مراجع عظام تقلید و مقام معظم رهبری از گذشته تاکنون به کرات نسبت به وجود برخی انحرافات در مراسم مذهبی و لزوم اصلاح آنها هشدار داده اند و اخیرا نیز کتابهای زیادی پیرامون آسیب شناسی عزاداریها و مراسم مذهبی از محققان حوزه های علمیه منتشر گردیده ولی متأسفانه عادتهای غلط و منافی با دین رسوباتی است که اصلاح آنها نیازمند مدت زمان طولانی همراه با کار فرهنگی مستمر و دقیق است؛ بنابراین اگر مشاهده می نماییم افراد جامعه عمل نمی کنند, این دیگر به حوزه های علمیه بر نمی گردد. بلکه باید علت را در جای دیگر جستجو نمود. و نکته آخر اینکه؛ بحمدالله به برکت انقلاب اسلامی حوزه های علمیه در شهرهای مختلف رشد کمی و کیفی خوبی داشته اند, از این رو توصیه می شود جهت سخنرانی و برگزاری مجالس با مراکز اعزام مبلغ حوزه های علمیه, سازمان تبلیغات و ..., هماهنگ شود تا ضمن جلوگیری از انحرافات به رشد فکری و معنوی جامعه کمک شود.

چرا با وجوداینکه خدا درقرآن صراحتاً فرموده است که دست افراد دزد را قطع کنید ولی درجامعه ما شاهد قطع دست دزدان نیستیم ؟ درحالیکه جامعه مملواز افراد دزد است .

پرسش

چرا با وجوداینکه خدا درقرآن صراحتاً فرموده است که دست افراد دزد را قطع کنید ولی درجامعه ما شاهد قطع دست دزدان نیستیم ؟ درحالیکه جامعه مملواز افراد دزد است .

پاسخ

شواهد وقراین نشان می دهد جنابعالی به اسلام و نظام مقدس اسلامی عمیقاً عشق می ورزید که این عشق ومحبت قابل تقدیر وتحسین است . شما با طرح سه سوال به نکات مهم وکلیدی اشاره کرده اید که تبیین درست وصحیح آن استحکام , دوام وبقاء نظام را تا حدود زیادی قوت می بخشد . سوال او ل شما درست درجهت عکس اشکالی است که سالها ست مستشرقان , غربیان و مخالفان اسلام و انقلاب اسلامی به اسلام وارد می کنند ووجود چنین حکمی را بهانه تبلیغ سوء علیه اسلام قرارداده اند وبه استناد

آن اسلام را باحقوق بشر در تعارض و تضاد دانسته اند وحال آنکه اگر دین حکم الهی به درستی بیان و تشریح گردد اندیشمندان وعقلای منصف حکیمانه بودن احکام اسلامی را با همه وجود درک خواهند کرد , جنابعالی برخلاف این انتقاد از عدم اجرای حدود الهی و قطع دست سارقان گلایه و انتقاد دارید . سوزو گداز شما قابل درک است اما لازم است یاد آور شویم که اجرای این حد الهی وشرعی قیود و شروطی دارد که در بسیاری از موارد و شاید همه موارد آن شروط و قیود برای قضاوت محترم اثبات نشده و نمی شود برای آگاهی شما ودیگر عزیزانی که همانند شما ممکن است چنین سوالی داشته باشند این شروط را یادآور می شویم : سرقت از معاصی کبیره , و جرایم سنگینی است که قانون گذاری جزایی اسلام برای ریشه کن کردن آن , کیفری سنگین ومتناسب با جرم , معین و مقررداشته است . هیچ جرمی را سراغ نداریم که در دومین و سومین بار ارتکاب آن کیفرهای سنگینی چون کیفرهای سرقت قانون گذاری شده باشد آیات ۳۸ و ۳۹ و۴۲ و۴۳ از سوره مائده , جرم سرقت , و کیفر آن را مقرر کرده است . سرقت مال دیگران , هرگاه با آن شرایطی که بیان خواهد شد همراه باشد , علاوه بر حیف و میل اموال دیگران از طرق نادرست , موجب سلب امنیت و عدالت اجتماعی , و ایجاد وحشت واضطراب مردم می شود , واین چیزی است که هر جا ودرمورد هرجرمی وجود داشته باشد , اسلام برای آن کیفری سنگین قانون گذاری کرده است .نظام مال ومالکیت خصوصی با شرایطی هر گاه همراه باشد , مورد حمایت اسلام است . واز ویژگیهای همه انسان های روی زمین بشمار می رود . مالکیت از حقوق اولیه انسان است که خداوند برای اقوام ودوام او مقرر داشته وهم ادیان آسمانی , و اکثر قریب به کل حقوق های وضعی جهان , از آن دفاع کرده اند . مالکیت , هرگز از انسان جدا نبوده واز آغاز پدید آمدن انسان , با او پدید آمده تا درروی زمین انسانی وجود دارد , مالکیت نیز وجود خواهد داشت . اسلام , مال را ولو دردست اشخاص و متعلق به افراد باشد , قوام ومایه بقاء و هستی جامعه می شناسد و به هر وسیله ممکن پاسداری از آن را که خود یکی از ارزشهای پنج گانه معتبر انسانی است وجهه همت در قانون گذاری های خود قرار داده است . وبدین جهت است که سرقت مال دیگران را از جرایم بزرگ و سنگین بر شمرده و کیفرهای بازدارنده, وجلوگیری کننده ای برای آن قانون گذاری کرده است , به هدف این که دیگر کسی پیدا نشود که کار نکرده و رنج نبرده بخواهد براموال و رشته های دیگران دست اندازی کند و با بی اعتنایی به عرف و ارزش های انسانی به اموالی بادآورده دست یابد . د رحقوق جزای اسلام برا ی جرم سرقت درصورت تحقق داشتن شرایط آن , چهار کیفر قانون گذاری شده است . بدین ترتیب که حد سارق درمرتبه نخست , قطع چهار انگشت دست راست است . درصورتی که آن حدود درباره او اجرا شده وبار دیگر سرقت کند , کیفر او قطع پای چپ است , از پایین برجستگی پشت به گونه ای که پاشنه و قسمتی از کف پا باقی می ماند . ودر صورتی که کیفر دوم درباره او اجرا شده باشد , ودرسومین بار دست به سرقت بزند , کیفر او زندان ابد است , وهرگاه درزندان از حرزسرقت کند وسایر شرایط در او احراز شود ,در این چهارمین بار کشته می شود . حد قطع در صورتی برسارق لازم می شود که شروط زیر وجود داشته باشد : ۱- سارق , بالغ باشد اگر کودک مرتکب سرقت شود , حد ندارد ومسولیت جنایی متوجه او نخواهد گردید , بلکه به آن چه حکم صلاح ببیند , تادیب می شود .(۱) ۲- سارق , عاقل باشد . پس اگر دیوانه ولو این که جنون ادواری داشته باشد سرقت کند مسئولیت جنایی ندارد و کیفرقطع درباره او اجرا نخواهد گردید , البته اگر دیوانه , تنبیه شدن را درک کند (یعنی بفهم که مثلاً برای چه او راکتک می زنند) وامکان داشته باشد که تادیب در او موثر است , ادب می شود .) ۳- سارق , مختار باشد . پس اگر او را به زور به سرقت واداشته باشند , محکوم به کیفر نمی شود . سارق , مضطر نباشد . پس هر گاه کسی برای دفع اضطرار , دست به سرقت بزند دست او قطع نمی شود . ۴- آنچه سارق به سرقت می برد . از طعام و خوراک درسال قحطی نباشد , پس اگر سارق درقحط سالی , ودر اثر اضطرار وناچاری به دزدیدن خوراکی ها مبادرت ورزد , حد قطع نخواهد داشت .(۲) ۵- سارق خود به تنهایی یا به کمک شریک جرم , حرز را بشکند (ومالی رااز آن سرقت کند وبیرون برد) پس اگر دیگری حرز را بشکند , واو آن را بدون حرز سرقت کند , درباره هیچ یک کیفر قطع اجرا نمی شود . اگر چه هر دو با هم برای سرقت کردن , و کمک به هم

درسرقت , آمده باشند . شکننده حرز ضامن خسارات وارده برحرزاست وسارق ضامن اموال مسروقه . ۶- سارق از حرز سرقت کند . وحرز محفظه و صندوق و جای دربسته و قفل شده ای است که انواع اموال درهر یک نگاه داری می شود . حرز اموال مختلف , متنوع ومتفاوت است و هر چیزی محفظه مخصوص به خود را دارد . مثلاً صندوق قفل دار وگاوصندوق , حرز اشیاء گرانبها واسناد بهادار , وجواهر و پول است .ومغازه و دکان حزرکالاست , وخانه وباغ , حرزدرخت و میوه , وطویله واصطبل حرز چهارپایان . (مثلاً ـ اگر کسی پولش رادر جیب جلو پیراهنش بگذارد ومورد سرقت قرار گیرد , سرقت از حرزتلقی نمی شود ولی اگر در جیب بغل باشد حرز محسوب می شود .) ۷- سارق , کالا ـ را خود (به تنهایی) یا خود به مشارکت دیگری از حرز بیرون برد , و بیرون بردن فوق نمی کند به مباشرت باشد , مثل این که سارق کالای دزدی را بر دوش بگذارد وبیرون برد , یا به تسبیب باشد , مثل اینکه آن را به طنابی ببندد, وسپس ازبیرون حرزآن را بکشدیاآن را از درون حرز و سیله ای بار کند وبیرون ببرد و ... ۸- سارق , مال را از فرزند خود سرقت کرده باشد , بنابراین , پدر برای دزدیدن مال فرزند , کیفر قطع ندارد , ولی فرزند اگر از پدر سرقت کند قطع می شود (۳) ۹- سارق , پنهانی مال را برگیرد , پس اگر حرز را به زور وقهر , ولی آشکارا بشکند ومال را برگیرد , محکوم به قطع دست نیست , بلکه هرگاه حرز را پنهانی بشکند , ولی مال را به زور وبه طور آشکارا بردارد , کیفر قطع نیست . ۱۰- هرگاه سارق عمل خود را جرم نپندارد , حد ندارد , مثلاً شریک مال مشترک را بدون اذن شریک دیگر بردارد به گمان آنکه جایزاست , محکوم به کیفر قطع دست نخواهد شد . ۱۱- مال سرقت شده از چیزهای حرام نباشد . سارق اجیرویا مهمان نباشد , پس اگر اجیر از مال صاحب کار و مهمان از میزبان و ...اموالی را سرقت کند که درحرز نیست , و پنهان نکرده اند , کیفر قطع دست ندارد . ۱۲- کسی که از او سرقت شده است شکایت نزد حاکم برد مطالبه قطع ید کند , واگر مطالبه نکند ,سارق , حد قطع دست نخواهد داشت . ۱۳- آن چه سرقت شده است , مال باشد . پس اگر کودکی یا انسان بالغی را بدزدد , محکوم به قطع دست تحت عنوان حد نخواهد شد . ۱۴- مال مسروق به حد نصاب برسد , پس اگر کمتر از حد نصاب باشد , حد قطع نخواهد داشت حد نصاب ربع دینار (یک چهارم مثقال) طلای خالص مسکوک , یا معادل بهای آن است ا زهر چیزی که مالیت داشته باشد مثل : لباس , معدن , میوه , خوراک وهر آن چیزی که مسلمان می تواند مالک آن بشود .(۴) با توجه به آنچه بیان شد روشن است که تحقق شرایط ۱۶ گانه فوق در سرقت امر ی است تقریباً غیر ممکن وشاید محال . لذا انتقاد از عدم اجرای حکم درجایی که شرایط کاملاً تحقق یافته باشد وارد است وباید درجهت تنویر افکار عمومی و تبیین احکام الهی تلاش کرد ولی اگر درجایی مواجه شدید که بدون تحقق این شرایط از عدم اجرای حد سرقت انتقاد می کنند لازم است شروط مذکور را به آنان متذکر شوید وتنبه بدهید که این گونه انتقاد کردن نه تنها به ترویج اندیشه ناب اسلام کمک نمی کند بلکه موجب می گردد د رحجم تبلیغات مخالفان اسلام و نظام اسلامی افزایش یابد و بصورت غیرمستقیم همسویی با طرف مقابل است که بدون شک هیچ مسلمان دلسوز و آگاهی حاضر نخواهد بود ناخواسته به آرمانهای والای اسلام لطمه وارد سازد وبه اهداف مشرقان وخاورشناسان کمک نماید .ضمن اینکه هر از چند گاهی از طریق رسانه های عمومی نسبت به اجرای این حد درموارد تحقق شروط ــ اگر چه نادر اطلاع رسانی شده است .

چرا مغزهای متفکر ایران در کشورهای خارجی به درس خواندن می پردازند؟

پرسش

چرا مغزهای متفکر ایران در کشورهای خارجی به درس خواندن می پردازند؟

پاسخ

البته خروج مغزها در ذات خود بد نیست وبه همین خاطر بعضی وقتها تحت عنوان فرار مغزها وبعضی وقتها تحت عنوان صادرات مغز از آن یاد می شود. بنابراین اگر خروج مغزها به کشور به بازگشت آنها بیانجامد چه بسا ثمرات خوبی هم داشته باشد. بد نیست بدانیم که سیاست دولت جمهوری اسلامی در استفاده از اینترنت، راهی بود برای اینکه مغزها از کشور خارج نشوند وبتوانند نیازهای علمی خودشان را از این طریق تأمین کنند ونیاز به خارج کشور نداشته باشند، اما علی رغم اقدامات مثبت دولت، باز هم کسانی خارج می شوند، بهترین راه فراهم کردن امکانات در داخل کشور است که بعضی اقدامات دولت مثبت بوده وبعضی اقدامات مثل کم شدن بودجه تحقیقاتی منفی تلقی می شود.

اینهمه تبعیض وفساد ورشوه را چگونه می توان درجامعه اسلامی حل کرد، ونقش جوانان دراین امر مهم چیست؟

پرسش

اینهمه تبعیض وفساد ورشوه را چگونه می توان درجامعه اسلامی حل کرد، ونقش جوانان دراین امر مهم چیست؟

پاسخ

برای حل مشکلات جامعه از جمله موارد فوق، از دوراه عمده باید وارد شد : یکی برنامه ریزی وعملکرد قاطعانه مسؤلین کشور با توجه به تأکیدات فراوان وارائه راه حلها وراهکارها توسط مقام معظم رهبری.ودوم نظارت عمومی مردم مخصوصاً نسل جوان بروضعیت جامعه که درهر کجا فساد اداری، تبعیض و مانند اینها دیدند نسبت به آن بی تفاوت نبوده ومراتب امر به معروف ونهی ازمنکر را با توجه به تأثیرات حتمی آن انجام دهند. از تذکر زبانی به اشخاص متخلف گرفته تا گزارش وخبررسانی پنهانی یا آشکار به مسؤلین زیربط ونهادهای مراقب وبرخورد کننده با تخلفات درهر نهاد واداره . نکته دیگری که می توان به مطالب فوق افزود این است که تک تک افراد جامعه باید به عنصر تقوی بها بدهند واز این گوهر گرانبها حراست ومراقبت کنند. اگر آحاد ملت به این اصل سازنده عامل باشند امکان رشد تبعیض وفساد ورشوه بکلی از میان خواهد رفت واگر خدای ناکرده باین اصل مهم اخلاقی بی توجهی شد چه بسا اینگونه تبعیض ها واینگونه مفاسد دامن ما را نیز بگیرد که باید ازآن به خدای عزوجل پناه برد.

چرا در جامعه ما پارتی بازی روز به روز, رو به گسترش است ؟

پرسش

چرا در جامعه ما پارتی بازی روز به روز, رو به گسترش است ؟

پاسخ

در این باره هم مردم و هم دولت باید با فساد اداری به مبارزه جدی برخیزند. مبارزه دولت از طریق نظارت و بازرسی و مبارزه مردم از طریق کنار نهادن فرهنگ پارتی بازی و نرفتن به سراغ این روش نادرست است. و تا زمانی که فرهنگ پارتی بازی در جامعه برقرار باشد، مبارزه دولتی ثمری نخواهد داشت؛ کما این که اگر دولت هم با جدیت با آن برخورد نکند، فرهنگ آن در جامعه همچنان تداوم خواهد یافت.

چرا الان استفاده از ماهواره ممنوع شده است ؟

پرسش

چرا الان استفاده از ماهواره ممنوع شده است ؟

پاسخ

مسلما وضعیت جهان امروز با گذشته تفاوت‌های اساسی دارد. امروز جهان در حال تبدیل شدن به یک دهکده بزرگ جهانی است و تکنولوژی و وسایل ارتباطی، آن را به صورت نوینی در آورده است. روشن است که در جهان کنونی نمی‌توان چشم خود را بر روی حقایق بست و دیواری به دور خود کشید. پس باید از جنبه‌های مثبت تکنولوژی بهره جست و آن را در خدمت انسانیت و دین قرار داد، ولی متأسفانه ابزارهایی مانند ماهواره و ... سکه‌های دو رو هستند. به دلیل تسلط منحرفان بر این شبکه‌ها و تبلیغات شیطانی و زهر آگین آنها برای کشورهای جهان سوم، یک نوع شبیخون فرهنگی بر این جوامع صورت گرفته است که اگر حد و مرزی برای استفاده از این امکانات وجود نداشته باشد، مسلما عوارض نامطلوب آن، بر فوایدش غلبه خواهدکرد. در این رابطه اقدامات متعددی لازم است از جمله: الف) آگاه سازی مردم نسبت به خطرات آن. ب) ایجاد بدیل سالم. ج) تقویت روح ایمان و تقوای اجتماعی، به گونه‌ای که انگیزه گرایش به ماهواره کاسته شود. د) احساس مسؤولیت همگانی و مشارکت عمومی در کنترل و ارشاد کسانی که در جست‌وجوی این گونه امورند.

چرا در جامعه ما جلو گسترش فساد و ارتشاء گرفته نمی شود؟

پرسش

چرا در جامعه ما جلو گسترش فساد و ارتشاء گرفته نمی شود؟

پاسخ

رشد فساد و بی‌بند و باری در جامعه ما معلول سه عامل است: ۱- حرکت گسترده و توطئه وسیع استکبار جهانی در جهت نابودی اسلام و انقلاب. ۲- کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور. ۳- عدم اهتمام جدی به امر به معروف و نهی از منکر در سطح عمومی. مبارزه با این پدیده نیز حرکت جدی و سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده گسترده‌ای با مشارکت دولت و مردم می‌طلبد.

چرا در برنامه‌ها و فیلم‌های صدا و سیما به ترک زبانان اهانت و بی احترامی می‌شود و چرا از طرف رهبری و ریاست سازمان کاری در جهت رفع این توهین و بی احترامی صورت نمی‌گیرد؟

پرسش

چرا در برنامه‌ها و فیلم‌های صدا و سیما به ترک زبانان اهانت و بی احترامی می‌شود و چرا از طرف رهبری و ریاست سازمان کاری

در جهت رفع این توهین و بی احترامی صورت نمی گیرد؟

پاسخ

خوب بود چند مورد از اهانت هایی که در صدا و سیما به ترک زبانان کرده‌اند، ارائه می کردید تا ما آن‌ها را به قضاوت می گذاشتیم و به مسئولین تذکر می‌دادیم. در عین حال پیام شما به صدا و سیما ارسال می‌شود و خودتان هم اگر بنویسید بهتر است. دفتر مقام معظم رهبری هم می‌تواند اقدام نماید.

روشن کردن آتش در مقبره امام زاده‌ها و غیر امام زاده‌ها چه صورتی دارد؟

پرسش

روشن کردن آتش در مقبره امام زاده‌ها و غیر امام زاده‌ها چه صورتی دارد؟

پاسخ

ظاهراً باید روشن کردن چراغ، یا شمع و امثال آن در مقبره امام زاده‌ها و سایر مقبره‌ها به قصد علامت و یاد کردن صاحب قبر اشکالی نداشته باشد" البته اگر صاحب قبر مؤمن و متدین و مسلمان باشد. "چنانکه در روایتی می‌خوانیم وقتی حضرت امام باقر(ع) رحلت فرمودند امام صادق(ع) دستور دادند در اطاق نشیمن امام باقر(ع) چراغ روشن کنند و همین طور پس از شهادت امام صادق(ع) به دستور حضرت امام موسی کاظم در اطاق مسکونی امام صادق(ع) چراغ روشن می‌نمودند.(۱) پی نوشت‌ها: ۱. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۷.

کلمه تاسوعا و عاشورا از کجا گرفته شده و چرا به این نام، نامگذاری شده است؟

پرسش

کلمه تاسوعا و عاشورا از کجا گرفته شده و چرا به این نام، نامگذاری شده است؟

پاسخ

از گذشته دور عرب‌ها به روز نهم و دهم محرم تاسوعا و عاشورا می گفتند. در تاریخ جاهلیت عاشورا از روزهای عید رسمی و ملی بوده و در آن روزگار در چنین روزی روزه می گرفتند، لباس فاخر می‌پوشیدند و چراغانی و خضاب می کردند. در اسلام با تشریع روزه رمضان آن روزه فسخ شد. گفته‌اند علت نام گذاری روز دهم به عاشورا آن است که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز مورد تکریم الهی قرار گرفتند.(۱) در فرهنگ شیعی، روز نهم محرم روزی است که امام حسین(ع) و یارانش در محاصره نیرهای کوفه قرار گرفتند. روزی که آب را به روی اهل بیت بستند، و عصر آن روز عمر بن سعد با دستوری که از ابن زیاد دریافت کرد، آماده جنگ با حسین(ع) شد. اما به دستور امام(ع) آن شب را مهلت خواستند، تا به عبادت و راز و نیاز بپردازند. روز دهم محرم هم یاد آور و اقعه شهادت امام (ع) و یارانش می‌باشد. این روز از عظیم‌ترین روزهای سوگواری به حساب می آید. می‌توان

گفت عـاشورا همـان دهم محرم است، چون پیـامبران برای حـادثه‌ای که در این روز واقع می‌شود گریسته‌اند، در فرهنـگ دینی هم چنـان بـاقی مانـده است واز سوی دیگر روز غلبه موسـی بن عمران بر فرعون است، لـذا همواره یهودی‌ها روزه می گرفته‌انـد و پیامبر وقتی مـدینه مشـرف شدند به ایشان خبر دادند که یهودی‌ها امروز روزه‌اند، زیرا معتقدند که روز غلبه موسـی بر فرعون است. از این رو حضـرت موسـی فرمود به شـکرانه این پیروزی روزه بگیرید، پیامبر تا شـنید فرمود": انّا احق باحیاء سنّت اخی موسی. "من دستور می‌دهم روز تاسوعـا را هم روزه بگیریـد، زیرا مقـدمه و طرح پیروزی در آن روز ریخته شـده است، ولی اکنـون روزه گرفتن مکروه است. ۱. حیات الامام الحسین(ع)، ج ۳، ص ۱۷۹، به نقل از فرهنگ عاشورا، جواد محدثی.

عشق در چه مواردی صحیح و در چه مواردی نادرست است ؟

پرسش

عشق در چه مواردی صحیح و در چه مواردی نادرست است ؟

پاسخ

عشق بر دو نوع است : ۱ عشق های هوسـی و شهوانی : این گونه عشق ها بر اساس هوس و جاذبه های جنسی و کشش های شهوانی می باشد. اگر عشق به طور مشـروع و در زندگی زناشویی باشد, مفید و لازم است و باید شـیرازهء زندگی باشد, ولی غالباً این گونه عشق هـا پس از فرو نشسـتن شـهوت , زائـل می شود و از بین می رود.]عشق هـایی کز پی رنگی بُوَدعشق نَبْوَد, عاقبت ننگی بُوَد]۲ عشق هـای متعـالی : در این نوع عشق , علاـقهء انسان به ارزش های عالی تعلق می گیرد. اگر این عشق در رابطه ءزن وشوهر باشـد, علاقه های شـهوانی و جاذبه های جنسـی , زیر چتر آن واقع شده و رنگ ارزش های عالی به خودمی گیرد. در زندگی زناشویی هر دو نوع لاـزم است و هر کـدام به تنهـا کـافی نیست ; یعنی این که بگوییم : علاقه و رابطه ءهمسـران بایـد فقط بر ارزش های متعالی اسـتوار باشـد و عشق جنسـی لازم نیست , اشـتباه است و نمی توانـد باعث زنـدگی سـعادتمندانه شود, یا بگوییم : تنها عشق نوع اوّل کافی است , نیز غلط است . بایـد هر دو باشـند تا یک دیگر راکامل کننـد. در عشق نیز ماننـد همهء مسائل ازدواج و انتخاب همسـر, باید راه اعتدال را پیمود. عشق نوع اول به تنهایی مخرّب و زیانبار است , اما با نوع دوم که همراه شود, حالت منفی و مخرّب خود را از دست داده و جزء ارزش های عالی گشـته و مفید خواهد شد.(۱) یکی از اقسـام عشق متعالی , عشق و محبّت به خوبی ها و خوب مطلق که خدا است, می باشد. این عشق و محبّت فطری است . ملاصدرا می گوید: عشقی که جامعه همهء معشوقات باشد, سه گونه است : عشق اکبر و اوسط و اصـغر. عشق اکبر, عشق خدای متعال است , که حاصل نمی شود مگر برای خداجویان حقیقی و متالّهین کامل , که برای آنان فنای کلّی حاضل شـده است . اینان مورد تعلق عشق و حبّ ذات حق تعالی واقع می شونـد. عشق اوسط, عشـق انسـان هـایی است که دائم ذکر خـدا را بر زبان و قلب دارنـد و خلقت و عظمت خـدا تفکر واندیشه می کننـد و می گوینـد: ربنا ما خلقت هذا باطلا سـبحانک فقنا عذاب النار.(۲) عشق اصـغر, عشق انسان صغیر است .(۳) افلاـطون عشق را جنون الهی می دانـد که نفوس قدسـی و انسان هایی که دارای روح عالی هستند, به آن مبتلامی شوند.(۴) عشق به خدا مایهء پرسـتش بهتر و کامل تر است .]خبرت هر سـحر از باد صـبا می خواهم هر شبی خیل خیالت به دعا می خواهم سینه را بهر وفای تو صفا می جویم دیده را بهر جمال تو ضـیا می خواهم]علی ۷در مناجات خود عرض می کند: .(۵) عشق به خوبـان نیز در طول عشق به خـدا است ; عشق به پیامبران و اولیاءاللّه و صادقان و همراهی با آنان : (۶) (پـاورقی ۱.علی اکبر مظاهری , جوانان و انتخاب همسر, ص ۱۶۰ (پـاورقی ۲.آل عمران (۳ آیهء ۱۹۱ (پـاورقی ۳.صادق خلخالی , سیر هنر و عرفان در ایران , ج ۱ ص ۷ (پـاورقی ۴.همان . (پـاورقی ۵.سید یحیی یثربی ,

عرفان نظری , ص ۵۱ به نقل از وافی , ج ۳ ص ۷۰ (پاورقی ۶.توبه (۹ آیهء ۱۱۹

اختلاف سنّ در مورد ازدواج چطور است ؟

پرسش

اختلاف سنّ در مورد ازدواج چطور است ؟

پاسخ

اختلاف سنّ در ازدواج بین پسر ودختر, برگشت به طبیعت آن دو دارد, زیرا پسران در سنین بالاترمرد می شوند و قابلیت زن گرفتن پیدا می کنند, ولی دختران در سنین کم تر و پایین تر, زن می شوند و قابلیت همسرداری پیدا می کنند. از نظر طبیعی پسر چند سال بیش تر از دختر باشد, بهتر است ولی اشکالی ندارد پسر و دختردر سنین مساوی با هم ازدواج کنند یا حتی دختر سنش بالاتر از پسر باشد. مهم در ازدواج این است که پسر و دخترهم دیگر را از نظر اخلاقی و تدیّن و زیبایی بپسندند. اگر موردی پیش آمده که این چند ملاک در پسر و دختر وجودداشت و بینشان هماهنگی بود, می توانند با هم ازدواج کنند, حتی اگر دختر چند سال از پسر بزرگ تر باشد. در روایات به اصل ازدواج و بعضی خصوصیات زنان اشاره شده است : پیامبر۶فرمود: .(۱) علی ۷فرمود: .(۲) پیامبر۶فرمود: .(۳) در روایات دیگر سفارش شده است : زنانی را که عقل و ادب و دین دارند و عفیف هستند, اختیار کنید.(۴) (پاورقی ۱.حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۴ ص ۳ (پاورقی ۲.همان . (پاورقی ۳.همان , ص ۵ (پاورقی ۴.همان , ص ۱۳و ۱۴

آیا خرید شمع و سوزاندن آن در زیارتگاهها اسراف نیست ؟

پرسش

آیا خرید شمع و سوزاندن آن در زیارتگاهها اسراف نیست ؟

پاسخ

چون در روشن کردن شمع , در مکان های روشن , فائده ای مترتب نیست و وجه عقلایی ندارد, روشن کردن , اسراف و بی فائده است , مگر این که اثر تبلیغی و روحی داشته باشد, مانند روشن کردن در شام غریبانِ امام حسین ۷به عنوان این که تاریکی , صحرای کربلا را فراگرفته و شمع محفل اهل بیت خاموش شده است .

آرایش برای مرد چه لزومی دارد؟

پرسش

آرایش برای مرد چه لزومی دارد؟

پاسخ

متوجه مراد شـما نشدیم . اگر منظور این است که چه لزومی دارد مردها موهای سر و صورت خود رامرتب کرده و موهای اضافی را برطرف کننـد و لباس تمیز و پاک بپوشـند و مسواک کرده و بـدن خود را شسـتشو کنند,خوب مشـخص است ; یکی از دسـتورهای اسـلام رعـایت نظـافت است , که پوشـیدن لبـاس تمیز و پـاک و آرایش سـر وصورت با برطرف نمودن موهای اضافی و شانه کردن است . قرآن می فرمایـد: روزی هـای پـاکیزه را حرام کرده است. > ؟امـام صادق ۷از پدرش (امام باقر۷ نقـل کرده است که روزی مردی به در خانهء پیغمبر۶آمد و اذن دخول خواست . پیغمبر در برابر ظرف آبی که در اتاق بود ایستاد و محاسن خود را مرتب کرد و از اتـاق بیرون رفت و بعـد ازپایـان ملاقـات به حجره برگشت . عـایشه گفت : یـا رسـول الله ! تو بزرگی و بهـترین فرزنـدان آدم و فرسـتادگان خـدایی ! بـااین بزرگی در برابر ظرف می ایستی و موی سـر و صورت خود را مرتب می کنی ؟! رسول خـدا۶فرمود: ای عایشه !خداوند دوست دارد وقتی بندهء مؤمن به سوی برادر مؤمنش می رود, آراسـته باشد.(۱) نبی گرامی اسلامی نه تنها خود این گونه بود, بلکه به دیگران سـفارش می کرد هنگـام برخورد با افراد, خود رابیاراینـد. شخصـی می گویـد: روزی بر پیغمبر اکرم وارد شدم , در حالی که موها ژولیده و لباس هایم مرتب نبود. پیامبرفرمود وضع مالی ات خوب نیست ؟ عرض کردم چرا, بحمداله شتر و گوسـفند و اسب دارم . حضـرت فرمود: وقتی خداونـد این نعمت ها را به تو داده , میل دارد اثر آن را در تو ببیند.(۲) گفتنی است : پرداختن به سـر و صورت و وضع لباس و کفش , بایـد در حد معمول باشد و به اسـراف نرسد و از راه حرام تهیه نشود. چنان که در حدیثی از امام صادق ۷می خوانیم : لباس نیکو بپوش و خود را بیارای , زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد, ولی مواظب باش از راه حلال تهیه شده باشد.(۳) اگر مردا شما آرایش مثل زن ها است , چنین آرایشی لزومی ندارد و بالاتر این که شاید عملی حرام باشد. (پـاورقی ۱.مکارم الاءخلاق , چاپ بیروت , ص ۹۶ طبق نقل , آیـهٔ اله مهدوی کنی , اخلاق عملی , ص ۵۸۷ بحار, ج ۱۶ ص ۲۴۹ (پـاورقی ۲.المستدرک الصحیحین , ج ۴ ص ۱۸۱ طبق نقـل اخلاق عملی , ص ۵۸۷ (پـاورقی ۳.بحار, ج ۷۶ ص ۶۰۳ چاپ بیروت .

روشن نمودن چراغ و شمع بر قبر میّتی که تازه فوت نموده , چگونه است ؟

پرسش

روشن نمودن چراغ و شمع بر قبر میّتی که تازه فوت نموده , چگونه است ؟

پاسخ

در تاریـخ ائمه نقل است : امام صادق ۷بعد از شهادت پدرش (امام باقر۷ می فرمود که هر شب چراغ را در اتاقی که حضـرت وفات یافته بود, روشن کنند.(۱) روشن کردن چراغ یا شـمع بر قبر میّت بی دلیل است . (پـاورقی ۱. شیخ عباس قمی , منتهی الآمال , ج ۲ ص ۱۲۰ وسائل الشیعه , ج ۲ ص ۶۷۳

آیا خندیدن در ماه محرّم حرام است ؟

پرسش

آیا خندیدن در ماه محرّم حرام است ؟

پاسخ

خندیدن در ماه محرّم و صفر از نظر شرعی حرام نیست , اما چون ماه های اندوه و حزن اهل بیت وخاندان نبوّت , خصوصاً در دههء عـاشورا است , بهـتر است شـیعه و دوسـتان اهـل بیت در حزن و انـدوه باشـند. در روایتی از حضـرت علی ۷می خـوانیم : (۱) گفتیم خندیـدن در مـاه محرّم و صـفر حرام نیست , امّـا بهتر است نسـبت به سـایر ماه ها کم تر بخندنـد و خوش حال باشـند, گرچه حزن و سرور امری قلبی است . چه بسا کسانی می خندنـد, اما به مجرد توجه به مصائب اهل بیت گریاننـد. (پـاورقی ۱.محمد باقر مجلسی , ج ۶۵ ص ۱۸ حدیث ۲۴

آیا خندیدن و شوخی کردن و خوردن خوراکی (تخمه) در شب‌های ماه‌های محرم و صفر اشکال دارد؟

پرسش

آیا خندیدن و شوخی کردن و خوردن خوراکی (تخمه) در شب‌های ماه‌های محرم و صفر اشکال دارد؟

پاسخ

خندیـدن و شوخی کردن و خوردن تخمه و یـا دیـدار بـا اقوام و بسـتگان در شب‌های محرم و صـفر (به جز شب عاشورا) به صورت متعارف اشـکال ندارد. در شب عاشورا پیروان حضرت امام حسین علیه‌السلام سزاوار است طبق حدیث شریف رفتار کنند که فرمود: "یحزنون لحزننا؛ شـیعیان ما کسانی هسـتند که در غم و انـدوه ما غمگین هسـتند. "از این رو در آن شب پسـندیده است از این گونه کارها پرهیز نمایند و در مجالس عزا و سوگواری حضرت شرکت جویند، زیرا عزاداری برای حضرت طبق فتوای علما و اندیشمندان علوم اسلامی از بهترین اعمال برای نزدیکی به خدا است.

آیا جهیزیه بر عهدهء زن است و باید آن را تهیه کند؟

پرسش

آیا جهیزیه بر عهدهء زن است و باید آن را تهیه کند؟

پاسخ

اسباب و لوازم زندگی که در ابتدای ازدواج تهیه می شود, بر عهدهء مرد است , ولی خانوادهء عروس برای این که دخترشان محتاج به وسائل دیگران نباشد و در ضـمن به دامادشان کمکی کنند, مقداری اسباب تهیه و به دخترشان هدیه می کنند, تا او با دلی شاد و آرامش بتواند نیازمندی های خود را رفع کند. اسـباب و اثاثیه از آنِ عروس است و شوهر حق تصرف و نقل و انتقال آن ها را بدون اجازهء همسـرش ندارد. اگر مرد اسـباب و لوازمی را تهیه کرد, مال خودش خواهد بود و زن نخواهد توانست بدون اجازهء شوهرش آن ها رابخشد, گرچه با اجازهء شوهر, از آن ها استفاده می کند.

چه حکمتی دارد که وقتی بچه متولد می شود. اذان و اقامه در گوش او می خوانند؟

پرسش

چه حکمتی دارد که وقتی بچه متولد می شود. اذان و اقامه در گوش او می خوانند؟

پاسخ

امام خمینی در تحریر الوسیله می نویسد: مستحب است بعد از ولادت در گوش راست نوزاد, اذان ودر گوش چپش , اقامه بگویند.(۱) پیامبر دربارهء حکمت این عمل فرمود: از ارتکاب منکرات نگه می دارد. >)نوزاد از لحظه ولادت باید تحت آموزش قرار گیرد. امروزه روانشناسان کودک بدین حقیقت دست پیدا کرده اند که تمام حرکات و سکنات پدر و مادر و اطرافیان درروان بچه مؤثر می باشد و در گریاندن و خنداندن کودک بسیار مؤثر است . ابن القیم جوزی در کتاب تحفهٔ المولود می گوید(۲) پاورقی ۱.تحریر الوسیله , ج ۲ ص ۳۱۰ پاورقی ۲.اسلام و تربیت کودک , احمد بهشتی , ص ۵۸ با تلخیص .

آیا حجاب اسلامی که مدّ نظر قرآن و ائمه : است , در مناطق مختلف مانند شمال و جنوب یا درقبایل مختلف مانند لرها و کردها و بلوچ ها متفاوت است که هر کدام به شکلی حجاب دارند, مثلاً در بعضی روستاهاحجاب را رعایت نمی کنند؟ آیا حجاب مخصوص شهری ها است ؟

پرسش

آیا حجاب اسلامی که مدّ نظر قرآن و ائمه : است , در مناطق مختلف مانند شمال و جنوب یا درقبایل مختلف مانند لرها و کردها و بلوچ ها متفاوت است که هر کدام به شکلی حجاب دارند, مثلاً در بعضی روستاهاحجاب را رعایت نمی کنند؟ آیا حجاب مخصوص شهری ها است ؟

پاسخ

حجاب مسئله و پوشش از ضروریات اسلام و مورد اتفاق تمامی فرقه های اسلامی (شیعه و سنی)می باشد, اما در نوع و کیفیت آن , طوائف و قبائل و نواحی مختلف , طبق رسوم خود, متفاوت هستند. در بعضی ازمناطق , با چادر پوشش دارند ;در بعضی مقنعه و مانتو و در بعضی جاها طور دیگر. اما همه باید حجاب اسلامی را که عبارت است از پوشش تمامی بدن به غیر از صورت و دست ها تا مچ , مراعات کنند. اگر مشاهده می شود در بعضی مناطق پوشش کامل ندارند, بر خلاف دستور شرعی عمل می کنند. بنابراین حجاب مخصوص شهرنشینان نیست , بلکه تمامی بانوان باید مراعات حجاب اسلامی را بنمایند.

به این جمله توجه شود: در سرزمین های جنگ هشت سالهء دفاع مقدس , نباید با کفش به قدم زدن بپردازیم , چرا که زمین آغشته به خون شهدای جنگ است و لگد مال کردن خون شهیدان معصیت است .

اشاره

این جمله علاوه بر این که چندان منطقی نیست , آیا برخورد غربی ها با سایر دستورهای

پرسش

به این جمله توجه شود: در سرزمین های جنگ هشت ساله‌ء دفاع مقدس , نباید با کفش به قدم زدن بپردازیم , چرا که زمین آغشته به خون شهدای جنگ است و لگد مال کردن خون شهیدان معصیت است . این جمله علاوه بر این که چندان منطقی نیست , آیا برخورد غربی ها با سایر دستورهای اسلام و موهون دانستن آن ها, مانند برخورد ما با جملات مذکور نیست ؟

پاسخ

احترام به خون شهیدان به معنای احترام به ارزش هایی است که به خاطر آن ها به شهادت رسیدند, نه به معنای پا برهنه بر روی زمین راه رفتن است . جملاتی که شما نقل کرده اید, جملاتی شاعرانه و اغراق آمیز است .مسلّم است که اشکالی ندارد در مناطق جنگی با کفش راه برویم , کما این که مردم راه می روند. شاید مراد از جمله ءمذکور این باشد که به ما گوشزد کند خون شهیدان را لگد مال نکنیم . بنابراین مقصود این نیست که با کفش در آن سرزمین راه نرویم . پیام این است که اهداف شهیدان را حفظ و حراست کنیم و از استقلال کشور و از اسلام و انقلاب اسلامی حمایت کنیم . بنابراین نباید برداشت بدی از این جمله داشته باشیم , بلکه باید پیام این کلام را دریابیم و به آن ارج بنهیم . اما برخورد غربی ها از مقوله هایی مانند حجاب و نماز و... و موهون دانستن آن ها, به جهت بی توجهی و جهل به حقیقت این ارزش ها است و آنان نمی دانند حجاب و نماز و روزه و بندگی و عبودیت خدا و اخلاق حسنه و زیبایی معنوی برای انسان و جامعه‌ء بشری سودمند و لازم است . اگر می دانستند و توجه می کردند, آن ها را موهون نمی دانستند. ثانیاً موهون دانستن آنان , حقیقت مطلب را عوض نمی کند و آن ها را از ارزشمند بودن نمی اندازد. اگرهمه‌ء مردم دنیا بگویند: ظلم خوب است , ظلم خوب نمی شود و اگر غربی ها بگویند: حجاب و عفت و پاکدامنی بداست , آن ها بد نمی شوند. اصولاً ما نباید خود باخته باشیم و به ارزش هایی که در مکتب ما وجود دارد, با اندک اعتراضی در آن ها شک کنیم . یک مسلمان باید آن قدر در فهم ارزش های الهی قوی و متقن باشد که تشکیک دیگران در او تأثیری نداشته باشد.

چرا عصر روزهای جمعه‌ء هر هفته غبار غمی بر دل انسان می نشیند؟

پرسش

چرا عصر روزهای جمعه‌ء هر هفته غبار غمی بر دل انسان می نشیند؟

پاسخ

معلوم نیست عصر جمعه هر هفته برای همه‌ء مردم غمناک باشد و غبار غمی بر دل آن ها بنشیند. آن هایی که غمگین می شوند, شاید بتوان علت آن را عوامل زیر دانست : ۱ روزهای غیر جمعه سرکار می روند, اشتغال دارند و با دوستان حرف می زنند. از این جهت احساس خستگی نکرده و در نتیجه غمگین نمی شوند. اما در روز جمعه نوعاً در خانه می نشینند, چند ساعتی با بچه ها حرف می زنند,چند ساعتی استراحت می کنند و ساعتی هم بانگاه به تلویزیون و گوش دادن به رادیو خود را مشغول می سازند, اماباز می بینند ساعاتی باقی مانده است , لذا خسته می شوند و احساس غم می نمایند. ۲ طبق روایات وارده از اهل البیت : عصرهای هر جمعه نامه‌ء اعمال مردم رابه پیشگاه حضرت ولی الله الاءعظم امام امام عصر علیه آلاف التحیهٔ و الثناء برده و به عرض ایشان می رسانند. شاید انسان ها به طور ناخودآگاه از جریان مطلع شده و از این بابت غمگین و ملول می شوند. ۳ بر حسب گفته‌ء روان شناسان و روان کاوان و تأیید دسته ای از روایات , انسان علاوه بر حواس پنج گانه , حس ششمی هم دارد که از راه دور بعضی از امور

ناراحت کننده یا خوشحال کننده را می فهمد که اصطلاحاً به آن گفته می شود. به تعبیر دیگر ارواح بعضی انسان ها در عالم معنا با هم الفت دارند که در اثر ناراحتی روحِ یکی ,روح دیگری نیز ناراحت و غمگین می شود. جهان دیگری هم برای این حالت متصور است .

چرا خانواده های اسلامی به ویژه شیعه از انتخاب نام کاظم و قنبر برای فرزندان خود امتناع می ورزند

پرسش

چرا خانواده های اسلامی به ویژه شیعه از انتخاب نام کاظم و قنبر برای فرزندان خود امتناع می ورزند

پاسخ

اولاً: معلوم نیست همهء مردم از انتخاب نام کاظم (لقب امام هفتم ۷ و قنبر (غلام علی ۷برایفرزندان خویش خودداری نمایند. چنان که بعضی علما به اسم کاظم بودند, مانند سید محمد کاظم یزدی , صاحب عروة الوثقی و ملا محمد کاظم , صاحب کفاء, معروف به آخوند خراسانی که از علما و مراجع بزرگ بودند. ممکن است منطقه ای با منطقه دیگر تفاوت داشته باشد و در بعضی مناطق بیش تر و در بعض دیگر کم تر انتخاب کنند. ثانیاً: بعضی از ائمه , مثل امام علی و امام حسن و امام حسین : روی جهاتی درخشندگی خاصّی دارند, به همین دلیل مردم اسامی آن ها را بیش تر برای فرزندان خود انتخاب می نمایند. ثالثاً: بهتر است عدم انتخاب چنین نامی برای فرزندان , از خود مردم پرسیده شود.

آب ریختن بر سنگ قبرها و شستن آن ها چه ارزش معنوی برای میّت دارد؟

پرسش

آب ریختن بر سنگ قبرها و شستن آن ها چه ارزش معنوی برای میّت دارد؟

پاسخ

در وسائل الشیعه در مورد آب پاشیدن بر روی قبر روایاتی نقل شده است که دلالت بر استحباب دارد.از ظاهر روایات استفاده می شود این استحباب مربوط به موقعی است که میت را دفن کرده و پس از آن که قبر را ازخاک پر کردند, بر روی آن آب بریزند. فقط از یک روایت استفاده می شود. امام رضا۷دستور داد بر روی قبریونس بن یعقوب تا ۴۰ماه یا ۴۰روز, آب بریزند.(۱) امکان دارد شخصیت یونس بن یعقوب باعث دستور امام ۷بوده است و نمی توان این مطلب را نسبت به هرقبری تعمیم داد, زیرا قبور علما واولیاءالله از ویژگی خاصی برخوردار است . (پاورقی ۱.وسائل الشیعه , ج ۲ ص ۸۶۰

چرا پسرها هر نوع لباسی را می‌توانند بپوشند، ولی دخترها نمی‌توانند؟

پرسش

چرا پسرها هر نوع لباسی را می‌توانند بپوشند، ولی دخترها نمی‌توانند؟

پاسخ

چه کسی گفته است که دختران نمی‌توانند لباس‌های زیبا بپوشند؟ زنان و دختران هرگونه لباس زیبا و جالب را می‌توانند بپوشند. اتفاقاً در هر خانه‌ای به کمد لباس زن‌ها اگر سری بزنید، می‌بینید انواع لباس‌های گران قیمت و زیبا و جذاب از آن زنان است. اسلام با بدحجابی و بی حجابی و ایجاد فساد در جامعه مخالف است، چون این گونه مفاسد جامعه را از درون مانند موریانه می‌خورد و فاسد می‌کند. از این جهت در بیرون از خانه زنان باید با حجاب باشند. البته پسران هم نباید هرگونه لباسی که دلشان بخواهد بپوشند، بلکه باید حرمت جامعه اسلامی را حفظ کنند و لباس هایی نپوشند که باعث گناه و یا لباس شهوت باشد.

کلمه (مهزیار) چه واژه‌ای است؟ آیا واژه بیگانه است؟ چرا ثبت احوال این نام را برای فرزندانمان نمی‌پذیرد؟

پرسش

کلمه (مهزیار) چه واژه‌ای است؟ آیا واژه بیگانه است؟ چرا ثبت احوال این نام را برای فرزندانمان نمی‌پذیرد؟

پاسخ

کلمه مهزیار مرکب از دو کلمه" ماه "و کلمه" زیار "است، ولی در کتاب لغت نامه‌های فارسی موجود نیست. بنابراین کلمه فارسی محسوب نمی‌شود.

مخارجی که در زمان فوت تا چهلم برای مرده انجام می شود چه توصیه شرعی دارد؟

پرسش

مخارجی که در زمان فوت تا چهلم برای مرده انجام می شود چه توصیه شرعی دارد؟

پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جوامع اسلامی جزء سنّت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصاً بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود. هنگامی که مرگ بر سر عزیز یا عزیزانی از خانواده و فامیل سایه می گسترانند و از میان آدمیان برای خودنامزدی انتخاب می کند این تازه شروع ماجرا است . افرادی که به دلیل قرابت و خویشاوندی با یک دیگر مأنوس شده و چون زنجیری به هم پیوسته شده اند ;اکنون در حسرت فراق در هاله ای از غم می سوزند و اشک می ریزند و داستان دنیاچنین تعبیر می شود که : آدمیانش روزی در جشن و سرورند و روزی در غم و اندوه در این بین علاوه بر تحمیل غصه و اندوه بر صاحبان میّت , عده ای نیز به خیال آن که به بازماندگان تسلی خاطر می بخشند ناگهان سبز شده و به پذیرایی از خویش مشغول می شوند, باز مانده بیچاره نمی داند که آید بگرید یا آن مهیمان ناخواسته را پذیرایی کند.حتی توقع بعضی از افراد آن چنان بالا است که اگر خوب پذیرایی نشوند زبان به طعن و لعن و بد گویی باز می کند این یک گوشه داستان است و بماند در زمان امروز و وضع نابه هنجار اقتصادی از مردم که با سیلی صورت خود را سرخ می کنند چگونه می توانند از عهده مخارج سنگین پذیرایی سوم و هفتم و چهلم و سال برآیند. آیا

اسلام چنین می گوید که هر کس مرد بازمانده اش باید خیرات دهد و پشت سر مجلس غذا و طعام برگزار کند تا عده ای بیایند وبخواند و اگر خیلی هنر کنند فاتحه ای ناقص و بخوانند و با عجله از مجلس خارج شوند و دمی بعد گویا که خبری نبوده بهبی خبری و غفلت خویش باز گردند. بر عکس , اسلام و قرآن می فرماید: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس ,گرسنگی , و کاهش درمال ها و جان ها و میوه ها, آزمایش می کنیم وبشارت ده به استقامت کنندگان .(۱) می گوید مرگ امتحان وابتلا است . مرگ عبرت و درس است , مرگ باعث می شود که انسان در فکر آن باشدکه آرزوهای دراز و بلند نداشته باشد. بگذریم در هر حال , بسیاری از این سنت ها, ریشه در جهل و نادانی وباورهای غلط دارد از جمله تحمیل پذیرایی و خیرات بعد از مرگ به وسیله بازماندگان است . بنای اسلام درست در جهت عکس آن چیزی است که امروز مردم روزگار آن را می پسندند. از آن جمله اگرشخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندگان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده درنقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند. امام باقر۷فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند.(۲) امام صادق ۷فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام ۶درباره بازماندگان جعفربن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند() و این به شکل سنتی در آمده است پس سنت اسلام این است نه آن که کاملا بر عکس (پاورقی ۱ـ وسایل الشیعه , ج ۲ ص ۸۸۹ حدیث ۶ این سنت و هنگامی که شخصی می میرد خود را آماده پذیرایی و خوردن غذای سوم و هفتم و چهلم و سال بکنیم .شخصی که عزیزش را از دست می دهد و در عزایش به سوگ نشسته است چگونه حال و حوصله پذیرایی وخیرات دادن را دارد و البته بسیارند که اهل ریخت و پاشند و به اندازه کافی خدمه و عمله دارند و به اندازه ای پول و ثروت دارند که گویا این گونه خرج ها برای آنان تأثیر ندارد که البته اینرا نیز اسلام نمی پذیرد و به نوعی اسراف می داند زیرامی توان از برای میت در راه بهتری چون وقف و دیگر صدقات جاریه , خدمات آموزش و پرورش , مدرسه سازی ,ساختن راه ها و بنا هایی که عموم مردم از آن استفاده کند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان نیزاز آن جمله است وانجام این امور لازم است زیر نظر مجتهد ومرجع تقلید صورت پذیرد تا وجه شرعی اش حفظشود. پس اولاً انسان که از دنیا می رود عمل اوست که او را نجات می دهد یا خدای ناکرده دچار عذاب می کند ودادن طعام و غذا واز این قبیل سفره پهن کردن ها علاوه بر زحمت بیهوده کشیدن تاثیر چندانی برای مرده ندارد. و اگرانسان می خواهد بر عزیز از دست رفته اش خدمتی بکند بهتر است برای او کاری انجام دهد که مرده ثمره اش رادریافت کند و علما و مراجع تقلید در استفتائات و رساله های علمیه خود هر آن چه که از امور واجب و مستحب برای میت بوده است را بیان کرده اند. پس علما نه تنها سکوت نکرده اند بلکه دادن این نسبت به بزرگان صحیح نیست . و این که مردم عامی به سراغ آنان و یا کتاب هایشان نمی روند تا آن چه از اصل اسلام است را بیاموزند. این به خود مردم مربوط است و گناهی متوجه علما و بزرگان نیست . (پاورقی ۱ـ بقره (۲ آیه ۱۵۵ (پاورقی ۲ـ وسایل الشیعه , ج ۲ ص ۸۸۹ حدیث ۵

با توجه به این که عید امسال با ماه محرم الحرام مصادف است، تکلیف مسلمانان چیست و از نظر برگزاری مراسم کدام یک از این دو مهمتر است؟

پرسش

با توجه به این که عید امسال با ماه محرم الحرام مصادف است، تکلیف مسلمانان چیست و از نظر برگزاری مراسم کدام یک از این دو مهم‌تر است؟

پاسخ

به دلیل آن که سال قمری ده روز از سال شمسی کمتر است، مناسبت‌های خاصی که در ماه و یا سال قمری اتفاق افتاده است، نیز در طوف فصول تغییر می کند. گاهی ماه مبارک رمضان در زمستان قرار می گیرد و گاهی به چرخش زمان در تابستان اتفاق می افتد و یا مراسم عزاداری حسین(ع) که در ماه محرم اتفاق افتاده، در طول سال در چرخش و تغییر است. هم اکنون نیز ماه محرم با ایام تحویل سال مقارنت پیدا کرده و از طرفی مردم به خاطر سنت و آدابی که از زمان‌های دور به جا مانده و ممکن است ریشه آن به دوران قبل از ظهور اسلام برگردد، به دید و بازدید پرداخته و سال نو را که طبیعت نیز در آن شکوفا شده گرامی می دارند و لباس نو می پوشند و بسیاری از مراسم‌های عقد و عروسی را در این موقع سال برگزار می کنند و سعی می نمایند کدورت‌های پیش آمده بین خودشان را با بازدیدهای دوستانه بزدایند. از طرفی نیز محرم و مسئله عاشورا چیز ساده و فراموش شدنی نیست و مردم طبق تعبد واعتقاد بالایی که دارند، فطرتاً به قامه عزا می پرازند. در عین حال می شود هم به مراسم تحویل سال پرداخت و هم موضوع محرم را از یاد نبرد و بالخصوص اگر دو روز تاسوعا و عاشورا و یا اربعین حسینی با روزهای اولیه سال همزمان شود، اولویت با عزاداری خواهد بود و مردم این مهم را رعایت کرده و مراسم جشن و شادمانی را به سال‌های بعد موکول می کنند تا از برکت برپایی عزا محروم نشوند، زیرا مردم مسلمان، عزاداری در ماه محرم را فدای عید و مراسم خاص آن نمی‌کنند، چرا که امام صادق(ع) فرمود: "شیعیان ما از خمیر مایه طبیعت ما خلق شده‌اند. در شادی‌های ما شادند و در غم‌های ما مغموم اند. "محرم ماه حزن اهل بیت پیامبر است. چگونه شیعه می تواند مسرور و شادمان باشد؟ البتهص له رحم مانعی ندارد و عقد و عروسی باید تعطیل شود و مجالس جشن و سروری در کار نباشد، اما کمک به یتیمان و لباس نو پوشیدن و دید و بازدید دوستانه مانعی ندارد. به جای تبریک سال نو بهتر است بگوییم": عظم اللّه اجورنا بمصاب الحسین(ع)، تا با اهل بیت پیامبر همنوا باشیم.

چرا آخوندها فوتبال بازی نمی‌کنند؟

پرسش

چرا آخوندها فوتبال بازی نمی‌کنند؟

پاسخ

آخوندها و کلاً هیچ شخص عاقلی نباید بازی بدون ثمر و فایده بکند، بلکه ورزش کردن خوب است. فرق این دو آن است که بازی از مصادیق لغو است و قرآن می فرماید: مؤمنان از لغو دوری می کنند (و عن اللّغو معرضون). امّا نرمش و ورزش و راه پیمایی و کوهنوردی به مقداری که برای سلامتی بدن لازم باشد، خوب و لازم است. آخوندها نیز به اندازه کافی ورزش می کنند، مثلاً اگر هفته‌ای یک بار با روزی ده دقیقه ورزش برای بردن لازم باشد، انجام می دهند، ولی این که روزی دو ساعت وقتشان را صرف بازی کنند، این طور نیست. بنابراین باید فرق بگذاریم بین ورزش و بازی. هدف از ورزش سلامتی بدن است. فرق دیگر این است که ورزش به اندازه نیاز لازم است، مانند غذا، امّا بازی، به گونه‌ای سرگرمی و وقت گذراندن است. در هر صورت طلاب جوان به مقدار لزوم ورزش می کنند؛ ورزش هایی از قبیل فوتبال و والیبال و پینگ پنگ و کشتی.

سال‌ها را چگونه و توسط چه کسانی نامگذاری می‌کنند؟ سال‌های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و... چه نام دارند؟ برای مثال سال ۸۰ سال مار می‌باشد.

پرسش

سال‌ها را چگونه و توسط چه کسانی نامگـذاری می‌کنند؟ سال‌های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و... چه نام دارند؟ برای مثال سال ۸۰ سال مار می‌باشد.

پاسخ

در خصـوص نامگـذاری سال‌هـا، براسـاس وضـعیت افلاـک در یـک چرخه دوازده سـاله این کـار صـورت می‌گیرد. این کارتوسـط دانشـمندان علم هیئت و نجوم صورت می‌پذیرد و هر سال را با نام یک حیوان نامگذاری می‌کنند. این نامگذاری نسـبت به سال‌های بعد صورت نمی‌گیرد، چون دانشمندان براساس وضعیت افلاک تنها به نامگذاری سال جدید می‌پردازند.

فلسفه پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری چیست ؟

پرسش

فلسفه پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری چیست ؟

پاسخ

پوشـیدن لباس سـیاه شعار اهل مصیبت و علامت سوگواری و عزا است و پوشیدن آن در عزای حضرت سیّدالشهدا و سایر معصومین علیهم السـلام , تعظیم شـعایر و اعلان برائت از اعـدای آل محمدo تجلیل ازایثار, فـداکاری , شـهادت در راه خدا و عناوین راحجه دیگر است . به طور یقین این برنامه ها و سـیاه پوشیدن وسیاهپوش کردن در و دیوار خانه و حسینیه ها, تکایا و مجالس , که متضمن درس های بسـیار آموزنـده و موجب تعالی افکار و اهـداف و تبلور شـعور مذهبی و انسانی است همه راحج و سـبب احیا و بسط امر مـذهب و تحکیم علاـیق وروابط با خانـدان رسالت است .(۱) فقها پوشـیدن لباس سـیاه جهت عزاداری را راجـح می داننـد. پس از شهادت امام حسـین ۷و یـاران آن حضـرت ,کسـی از زنـان بنی هـاشم و طایفه قریش نبود مگر آن که برای امام حسـین ۷لباس سیاه پوشیده بود.(۲) فقط در دوران حاکمیت بنی عباس , چون لباس سـیاه به عنوان لباس رسـمی آنان محسوب می شـده پوشـیدن لباس سیاه به عنوان یکی از مصادیق تلبس به لباس ظلمه و تشبه به آن ها محسوب می شد که با نابودی آنان این عنوان منتفی شده امروزه سیاه پوشـی از ویژگی های مهم شـیعه است , شیعه در عزاداری ها همانند ایام محرم و صفر نه تنهاسیاه می پوشد, بلکه در و دیوار و کوی و برزن را نیز سـیاهپوش می کند. لباس سـیاه , نشانهء عشق و دوستی به ساحت مقدس امامان معصوم : است و اعلام جانبداری از سـرور آزادگان در جبههء ستیز حق و باطل که سراسـر تاریـخ را فراگرفته است . شـیعه با سیاهپوشـی خویش در عاشورا اعلام می دارد که در منطق وی , بی حسین , جامعه تاریک , جهان بی فروغ است .(۳) امروزه پوشیدن لباس سیاه از شعایر شیعه محسوب می شود. (پـاورقی ۱.حسین رجبی , پاسخ به شبهات عزاداری , ص ۱۰۵ (پـاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۴۵ ص ۱۹۶ (پـاورقی ۳.همان , ص ۱۰۶

مراد از تعزیه خوانی در اسلام چیست ؟ آیا تعزیه خوانی عزاداری خوبی است ؟

پرسش

مراد از تعزیه خوانی در اسلام چیست ؟ آیا تعزیه خوانی عزاداری خوبی است ؟

پاسخ

تعزیه خوانی نمایشی است که در یک محوّطه با حضور مردم توسط چند نفر انجام می گیرد که نقش قهرمانان کربلا و اسرای آل الله را با لباس های مخصوص و ابزار جنگی همراه با شیپور نیزه , شمشیر ایفا می کنند.صحنه و نمایش بر منهای حوادث کربلا و مقتل ها تنظیم می شود. تأثیر گذاری عاطفی و نیز روحیهء ضد ظلم که در پی دیدن نمایش تعزیه در افراد ایجاد می شود, از نقاط قوت ومثبت این نمایش است . تعزیه اگر به صورت جمع و با حفظ موازین و شئون معصومان انجام شود, در بینندگان تأثیر مهمی می گذارد ووسیله انتقال فرهنگ شهادت به نسل های آینده است . به همین دلیل پس از انقلاب اسلامی در ایران تعزیه خوانی رواج و توسعهء بیش تری یافته است و همراه این توسعه , تحولاّتی در؟ اجرا و محتوای اشعار و جهت گیری سیاسی اجتماعی پدید آمده است . (۱) (پاورقی ۱.جواد محدثی , فرهنگ عاشورا, ص ۱۱۵ـ ۱۱۷ با تلخیص .

چرا روز تاسوعا سر خاک شهدا و مردگان می روند؟

پرسش

چرا روز تاسوعا سر خاک شهدا و مردگان می روند؟

پاسخ

زیارت اهر قبور به خصوص شهیدان در همه شب به ویژه شب جمعه , از دیدگاه اسلام بسیار مطلوب است و روایات زیادی در این خصوص از رسول خدا۶و اهل بیت اطهارش ۷وارد شده است . تا حدّی که ما اطلاع داریم درخصوص شب تاسوعا برای زیارت اهل قبور روایتی نداریم , بلکه این کار از رسوم و سنّت های عرفی است . شاید یک علّتش این باشد که جوان فردایش روز عاشورا و روز شهادت حسین بن علی ۷و یاران با وفایش می باشد, می خواهند پیشاپیش این ضایعهء مولمه را به اموات و اهل قبور تسلیت بگویند. شاید هم چون به خاطرحادثهء هولناک روز عاشورا محزون و معمومند, به قبرستان می روند تا حزن و اندوه خود را برطرف نمایند. در روایات آمده : یکی از راه های برطرف نمودن غم و ناراحتی ها زیارت اهل قبور است .

چرا روز عاشورا پا برهنه می شوند؟

پرسش

چرا روز عاشورا پا برهنه می شوند؟

پاسخ

حتماً اطلاع دارید عاشورا در تاریخ جاهلیت عرب از روزهای عید رسمی و ملی بود. در چنین روزی لباس های فاخر می پوشیدند و

چراغانی و خضاب می کردند و این روز را روزه می گرفتند, اما در اسلام باتشریع روزهء رمضان , روزه این روز نسخ شد. در فرهنگ شیعی , روز عاشورا به خاطر حادثه جان گداز شهادت امام حسین ۷و فرزندان و یارانش در این روز از بزرگ ترین ایّام سوگواری و ماتم به حساب می آید. امامان شیعه در این روز مجلس عزا برپا می کردند و بر حسین بن علی ۷می گریستند و آن حضرت را زیارت می کردند و به زیارت او تشویق و امر می نمودند. با این کار یاد این روز را زنده می داشتند.(۱) از جمله آداب استحبابی این روز: ترک لذّت ها, دنبال کار نرفتن , پرداختن به سوگواری و گریه , تا ظهر چیزی نخوردن و نیاشامیدن , برای خانه چیزی ذخیره نکردن و حالت صاحبان عزا را به خود گرفتن است .(۲) تا جایی که اطلاع داریم درخصوص پابرهنه شدن , از پیامبر۶و خاندان اطهارش ۷دستوری نرسیده وظاهراً یک سنت عرفی است که محبّان و عاشقان اباعبدالله ۷رسم کرده اند. اتفاقاً کار خوبی است و می تواند از شعایر باشد. به این معنا که چون در این روز حضرت اباعبدالله ۷و شهیدان رکاب آن بزرگوار با بدن بی سر و چاک چاک روی خاک تفیده کربلاـ افتادند و زن ها و بچه ها بعد از آتش زدن خیمه ها با پای برهنه از خیمه ها بیرون دویدند, شیعیان هم در این روز پا برهنه می شوند تا به آل الله بگویند: ما درحزن شما محزونیم و خود را در کنار شما احساس می کنیم . ضمناً به دیگران بگویند: در عیان دروغین حقق بشر وجانشینان پیامبر۶با خانوادهء او چنین ظلمی را روا داشتند. (پاورقی ۱.جواد محدّثی , برداشت از فرهنگ عاشورا, ص ۲۷۶ـ ۲۷۷ با تلخیص . (پاورقی ۲.شیخ حر عاملی , وسائل الشیعه , ج ۱ ص ۳۹۴

چرا ده شب اوّل ماه محرّم عزاداری می شود؟ مگر نباید بعد از عاشورا عزاداری نمود؟

پرسش

چرا ده شب اوّل ماه محرّم عزاداری می شود؟ مگر نباید بعد از عاشورا عزاداری نمود؟

پاسخ

آن طوری که مورّخان نوشته اند: کاروان امام حسین ۷روز دوم محرّم سال ۶۱هجری وارد کربلا شدوارد و زدند. بعد از آن سپاه کوفیان به تدریج وارد شد و روز نهم (تاسوعا) کاروان امام ۷را محاصره کامل کرده وروز دهم روز (عاشورا) آن بزرگوار و یارانش را به شهادت رساندند. بنابراین چون اصل گرفتاری حضرت از دههء اول محرم آغاز شده است پیروان حضرت از اوّل محرم عزاداری می کنند.(۱) (پاورقی ۱.جواد محدثی , فرهنگ عاشورا, براداشت از ص ۴۶

فلسفهء علامت که در جلوی دستهء زنجیرزنی و سینه زنی حرکت می دهند چیست ؟

پرسش

فلسفهء علامت که در جلوی دستهء زنجیرزنی و سینه زنی حرکت می دهند چیست ؟

پاسخ

علامت به معنای نشانه است و از ابزار و وسایل عزاداری حضرت امام حسین ۷است . این ابزار نام علم و علامت خاصی است که هر هیأت و دسته ای برای خود دارد که آن را از دسته های دیگرمتمایز می سازد. از شعارهای عزاداران عرب های عراقی است : (۱) از این نوع شعارها فهمیده می شود هیأت ها با حمل علامت و علم می خواهند بگویند: ما نمی گذاریم پرچم خونین کربلا که بر

دستان حضرت ابی الفضل العباس بوده , به زمین بیفتد و پایمال گردد.]گرچه سردار علم , در خون نشست دست هایت روی رایت مانده است (۲) (پاورقی ۱.جواد محدثی , فرهنگ عاشورا, ص ۳۱۹ـ ۳۲۱ (پاورقی ۲.عزیزاللّه زیادی .

آیا آوردن پرچم قرمز در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی خوب است ؟

پرسش

آیا آوردن پرچم قرمز در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی خوب است ؟

پاسخ

استفاده از پرچم قرمز در دسته های سینه زنی نشانهء پرچم خونین کربلا است که در دست علمدارحسین ۷حضرت ابوالفضل ۷ بود و از شعایر اسلامی است . روشن است هر چیزی که جزء شعایر اسلامی باشد,خوب است و با ارزش . (۱). (پاورقی ۱.حج (۲۲ آیه ۳۲

از چه طریقی می‌توان برای بچّه یا مکان و یا هر چیز دیگری نامی انتخاب کرد؟ شنیده‌ام بعضی قرآن را باز می‌کنند و یک کلمه از آن در نظر گرفته و نام بچّه را انتخاب می‌نمایند، با این که در آن صفحه اصلاً نامی وجود ندارد. آیا این مطلب صحیح است؟! توضیح دهید.

پرسش

از چه طریقی می‌توان برای بچّه یا مکان و یا هر چیز دیگری نامی انتخاب کرد؟ شنیده‌ام بعضی قرآن را باز می‌کنند و یک کلمه از آن در نظر گرفته و نام بچّه را انتخاب می‌نمایند، با این که در آن صفحه اصلاً نامی وجود ندارد. آیا این مطلب صحیح است؟! توضیح دهید.

پاسخ

از جمله حقوقی که فرزند بر گردن پدر و مادر دارد، این است که اسم نیک برایش انتخاب نمایند. رسول خدا(ص) فرمود": فرزند سه حق بر گردن والد خود دارد: انتخاب اسم نیک؛ تعلیم خواندن و نوشتن؛ ازدواج وقتی به بلوغ رسید.("۱) در قرآن امده است: "یوم ندعوا کلّ اناس بامامهم؛ در قیامت هر گروه و طایفه‌ای را به نام رهبر و پیشوایشان صدا می کنیم.("۲) چون همه ما مسلمان و پیرو رسول خدا(ص) و شیعه علی و ائمه اطهار(ع) هستیم، بهتر است اسامی رسول خدا(ص) زهرای اطهر(ع) علی بن ابیطالب و فرزندان معصوم او را برای فرزندان انتخاب نماییم تا فردای قیامت فرزند پیش امّت رسول اللّه(ص) شرمنده نشود. از چند طریق می‌توان برای بچه‌ها نامی برگزید: ۱- پدر و مادر و اعضای خانواده که مؤمن و متدیّن و علاقه‌مند به اهل البیت(ع) هستند، نامی برگزینند. ۲- مشورت با بزرگان مثل روحانیون و معلمان معارف. پی نوشت‌ها: ۱. محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۷۱، ص ۸، حدیث ۸۲، چاپ بیروت، انتشارات احیاء التراث. ۲. اسراء (۱۷) آیه ۷۱.

بعضی از افراد به عطسه کردن اعتقاد دارند و می گویند در عطسه های فرد باید دست از کار کشید و درعطسه های زوج به کار خویش ادامه داد! آیا چنین چیزی درست است ؟ اگر درست نیست , چگونه احادیث متعددی در این باره وجود دارد؟

پرسش

بعضی از افراد به عطسه کردن اعتقاد دارند و می گویند در عطسه های فرد باید دست از کار کشید و درعطسه های زوج به کار خویش ادامه داد! آیا چنین چیزی درست است ؟ اگر درست نیست , چگونه احادیث متعددی در این باره وجود دارد؟

پاسخ

در کتاب شریف بحارالانوار(۱) بابی به نام وجود دارد که حضرات معصومان : به این مناسبت بیاناتی فرموده اند که از جمع بندی سخنان ایشان به دست می آید عطسه نشانهء سلامتی است . نیز اگرکسی آن را بشنود, حمد خدا بگوید که خداوند او را از شرّ بیماری و آفات مصون دارد. امام علی ۷فرمود .(۲) عبدالدین یعنور می گوید: .(۳) در هر حال از این دست روایات در باب عطسه فراوان است , اما این که در نزد مردم شایع شده است اگر کسی یک عطسه بزند, باید صبر کند و اگر به جایی می خواست برود, کمی با تأخیر برود, انسان نباید به چنین خرافاتی اعتقاد پیدا کند. چنین اعتقاداتی ساخته و پرداختهء ذهن عوام است که فائده ای بر آن مترتب نمی شود. از قول معصوم :حکایت است که اگر عطسه ای آمد و خواستی به کاری برسی در کارت تأخیر نینداز و برای مقابله با رسم غلط صبردر این مواقع , در انجام کار عجله بکن . برای دست یابی به اطلاعات بیش تر به جزوهء همراه مراجعه شود. (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۷۳ ص ۵۱ چ بیروت . (پاورقی ۲.همان . (پاورقی ۳.همان .

بیشتر ادیان مراسم عروسی و عزای خود را در اماکن دینی برگزار می کنند. چرا مراسم ازدواج مسلمانان در مساجد برگزار نمی شود؟

پرسش

بیشتر ادیان مراسم عروسی و عزای خود را در اماکن دینی برگزار می کنند. چرا مراسم ازدواج مسلمانان در مساجد برگزار نمی شود؟

پاسخ

در هر دین و آیین , آداب و سنن خاصی وجود دارد, مثلاً مسیحیان مراسم ازدواج و عزای خود را درکلیسا برگزار می کنند. اسلام نیز آداب و سنن خاصی دارد. در مورد ازدواج , نزد فقهای شیعه , برگزاری مراسم ازدواج در مسجد, به عنوان یک مستحب شرعی ثابت نیست و مراسم عقد ازدواج در مسجد مطلوبیتی ندارد. دلیلی همب رمنع آن وجود ندارد. از طرف دیگر اگر برگزاری این مراسم در مساجد به گونه ای باشد که باعث مزاحمت نمازگزاران و یا همراه با اموری باشد که با شأن و منزلت مسجد منافات داشته باشد, برگزاری آن در مسجد جایز نیست .(۱) شایان ذکر است که برخی ازدواج ها در مسجد صورت گرفته است , ولی رجحان شرعی این عمل در مسجد قابل اثبات نیست و جایگاه معنوی مسجد رفیع تر از آن است که بخواهیم در این خصوص آن را با اماکن مذهبی سایرادیان مورد مقایسه قرار دهیم . مسجد جایگاه عبادت خدا و محل وحدت مؤمنانِ عاشق است که به صورت همدل ومتحد با خدای خویش راز و نیاز می کنند. مسجد مکانی است که انسان با انجام عبادت خالصانهء خویش در آن دراوج تقرب به حق تعالی قرار می گیرد. (پاورقی ۱.رحیم نوبهار, سیمای مسجد, ج ۱ ص ۳۳۸

در همسایگی ما چند فقیر زندگی می کنند. پدرم هر ماه به این ها کمک می رساند. این کار چگونه است ؟

پرسش

در همسایگی ما چند فقیر زندگی می کنند. پدرم هر ماه به این ها کمک می رساند. این کار چگونه است ؟

پاسخ

احسان و نیکی و دادن صدقه و رسیدگی به همسایگان کار بسیار با ارزش و فوق العاده با اهمیت و ازمکارم اخلاق است و در شریعت اسلام بر آن تأکید شده است . نیکوکار محبوب خداوند است . قرآن می فرماید:.(۱) قرآن در جای دیگر مخصوصاً از احسان به همسایه سخن گفته است : .(۲) حق همسایه در اسلام به قدری اهمیت دارد که امام علی ۷می فرماید: .(۳) رسول خدا۶فرمود: .(۴) حضرت در جای دیگر فرمود: .(۵) امام صادق ۷فرمود: .(۶) با توجه به آثار و برکات و ثواب احسان و صدقه و رعایت حق همسایه پدر شما کار بسیار خوب و پسندیده ای انجام می دهد. خداوند به ایشان خیر و برکت و نعمت های دنیا و آخرت را عنایت فرماید. (پاورقی ۱.بقره (۲ آیهء ۱۹۵ (پاورقی ۲.نساء (۴ آیهء ۳۶ (پاورقی ۳.تفسیر نمونه , ج ۳ ص ۳۸۱ (پاورقی ۴.همان . (پاورقی ۵.مصطفی حسینی دشتی , معارف و معاریف , ج ۱۰ ص ۵۱۸ ماده ء: همسایه . (پاورقی ۶.همان .

در ایام محرم مرسوم است که بعضی شیعیان در مجالس مرثیه خوانی , حجلهء حضرت قاسم ۷رست می کنند و از بین حضّار یک نفر را به نام عروس حجله لباس پوشانده و کنار حجله نشانده و به نذر و نیاز ودعا می پردازند. آیا این مطلب از نظر شیعه صحیح است ؟

پرسش

در ایام محرم مرسوم است که بعضی شیعیان در مجالس مرثیه خوانی , حجلهء حضرت قاسم ۷رست می کنند و از بین حضّار یک نفر را به نام عروس حجله لباس پوشانده و کنار حجله نشانده و به نذر و نیاز ودعا می پردازند. آیا این مطلب از نظر شیعه صحیح است ؟

پاسخ

در بین مسلمانان افراط و تفریطهای فراوانی به چشم می خورد و اعمال ذوقی و سلیقه های از خود درآورده بسیار است . قضیهء دامادی حضرت قاسم ۷بدون مدرک و دلیل است و در کتب تاریخی و مقتل های معروف و مشهور مطرح نشده است . بر فرض قبل از واقعهء کربلا حرفی از داماد شدن حضرت قاسم بین خویشان مطرح شده یانامزدی داشته باشد, مطرح کردن آن در مراسم عزاداری و حجله درست کردن و عروس کنار آن نشاندن و نذر و دعاکردن چه معنا دارد؟! این از کارهایی است که افراد موهوماتی در ذهن خود می پرورانند و بعد آن ها را با ذوق و سلیقه ءخود اجرا می کنند و دیگران هم تقلید و پیروی می کنند و کم کم به صورت رسم در جامعه بروز و ظهور می کند که ناخودآگاه آثار و تبعات سویی در بردارد و باعث موهون شدن بسیاری از عقاید حقّه میشود و شیعه را نزد دیگران سبک می گرداند. محدّث معروف مرحوم شیخ عباس قمی در منتهی الآمال نوشته است : دامادی حضرت قاسم ۷در کربلا وتزویج او به فاطمه دختر امام حسین ۷صحّت ندارد, زیرا در کتابهای معتبر به نظر نرسیده است . وی از استاد خودمرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره) در کتا بلؤلو و مرجان نقل می کند که به مقتضای تمام کتاب های معتبری که درفن حدیث و تاریخ و انساب هست , نمی توان برای حضرت سیدالشهداء۷دختری که قابل تزویج برای قاسم بن الحسن باشد, پیدا کرد.(۱) روز عاشورا فرصت برای ازدواج نبود, چون همگی در یک روز شهید شدند. (پاورقی ۱.منتهی الآمال , ج ۱ ص ۳۸۰

۱ فلسفهء بلند نمودن علم هایی که در محرّم بر دوش می کشند چیست ؟ وجه اسلامی آن کدام است ؟

پرسش

۱ فلسفهء بلند نمودن علم هایی که در محرّم بر دوش می کشند چیست ؟ وجه اسلامی آن کدام است ؟

پاسخ

آنچه در روایات به چشم می خورد, بزرگداشت حادثهء غمبار و خونین کربلا است . بزرگداشتیان حادثه , به برگزاری مجالس و سیاه پوش کردن و نصب پرچم سیاه و راه انداختن هیأت و گروه های عزاداری محقق می شود. حرکت هیأتهای عزادار همراه با پرچم و عَلَم در خیابان ها و کوچه ها و سینه زنی و زنجیر زنی , اعلان حمایت از حرکت و ایدهء امام حسین ۷و اعلام آمادگی و طرفداری از راه شهیدان کربلا است . در روایات تأکیدفراوان بر گیه کردن و نوحه و عزاداری نسبت به سالار شهیدان شده است . البته بامرور زمان برخی از عادات بر اثر سهل انگاری , در عزاداری وارد شده که بدون تردید از مصادیق عزاداری و سوگواری به شمار نمی آید, بلکه از آفت های آن محسوب می شود, مانند استفاده کردن از وسائل موسیقی و اجرای آهنگ ها و قمه زنی و خواندن شعرهای غلوّآمیز و احیاناً خواندن شعرها و مطالب موهون و در اختیارگرفتن مجالس عزادای به وسیلهء افراد بی سواد و کسانی که به جای پرداختن به محتوای مجالس , به ظواهر ومداحی های بی روح و بی هدف می پردازند. از جمله چیزهایی که نمی تان وجه عقلایی برای آن تصور کرد, بلندکردن عَلَم سنگین است , چون نمی توان بین آن و عزاداری ارتباطی قائل شد.(۱) (پاورقی ۱.با استفاده از لغت نامهء دهخدا ;فرهنگ عاشورا ;پاسخ به شبهات عزاداری .

ابن شهر آشوب روایت کرده : منصور به موسب بن جعفر۷پیشنهاد کرد: نوروز را برای تبریک جلوس کند و هرچه نزد او آوردند, دریافت کند. وی فرمود: . حال آیا نوروزبیهوده است ؟ اسلام و امامان چه سلوکی داشته اند؟

پرسش

ابن شهر آشوب روایت کرده : منصور به موسب بن جعفر۷پیشنهاد کرد: نوروز را برای تبریک جلوس کند و هرچه نزد او آوردند, دریافت کند. وی فرمود: . حال آیا نوروزبیهوده است ؟ اسلام و امامان چه سلوکی داشته اند؟

پاسخ

دربارهء نوروز دو دسته روایات وارد شده است . یک دسته روایات معلّی بن خنیس از امام صادق ۷بر تأیید نوروزوارد شده که دلالت بر استحباب روزه گرفتن در روز عید و غسل کردن و پوشیدن لباس های نظیفو خوشبو کردن دارد.(۱) دستهء دیگر مانند روایت حضرت موسی بن جعفر۷است که دلالت بر تحریم زنده کردن عیدی است که اسلام آن را عید قرارنداده است .(۲) دربارهء وجه جمع بین این دو دسته , نظریات متخصصان , متفاوت است . علامهء مجلسی در ذیل این حدیث می فرماید: روایت حضرت موسی بن جعفر را باید حمل بر تقیه کنیم , چون روایات سندش قوی تر و مشهور بین اصحاب است .(۳) برخی گفته اند: در این مورد که منصور از امام موسی بن جعفر می خواهد جلوس کند و تحفه ها و هدیه ها را بپذیرد, تقیه معناندارد. ثانیاً هر دو دسته از روایات ضعیف اند. هم روایت معلّی بن خنیس و هم این روایت و هیچ کدام قابل اعتماد نیست . این که بعضی از فقها روایات را

ترجیح داده اند, از باب تسامح در ادلّهء سُنن است , زیرا روزه گرفتن و غسل کردن و لباس پاکیزه پوشیدن و خوشبو کردن لباس و بدن در نوروز را حج است , به جهت وجود همین روایات و به جهت این که در مستحبات می توان به دلیل ضعیف تکیه کرد و آن را مستند استحباب دانست ; یعنی کارهای مستحبی لازم نیست دلیل متقن و مطمئنی داشته باشد.(۴) از طرفی زنده کردن عیدی که اسلام آن را عید قرار نداده و چون از مخترعات کفار بوده , آن را تأیید نکرده , تشریع و بدعت است که در اسلام حرام است . لذا امام موسی بن جعفر از بزرگداشت آن ابا داشته , ولی وقتی منصور به امام گفت : فرمایش شمادرست است , ولی چون مردم منطقه این روز را محترم می شمارند و سربازان و فرماندهان ارتش به دیدار می آیند, برای سیاست و ادارهء لشکر, جلوس مفید است , حضرت قبول کرد و جلوس فرمود. نتیجه این که : بزرگداشت نوروز به عنوان یک عید ملّی که دارای ویژگی های خوبی از قبیل نظافت و پاکیزگی و صلهء ارحام ودید و بازدید دوستان و آشنایان است , خوب است . اگر کسی در کارهای خوب قصد قربت داشته باشد, ثواب عظیمی دارد. امااین که عید نوروز را عید اسلامی بدانیم , قابل قبول نیست , چون دلیل معتبری نداریم . (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۹ ص ۱۰۱ (پاورقی ۲.همان , ص ۱۰۰ (پاورقی ۳.همان . (پاورقی ۴.همان , ص ۱۰۰ پاورقی .

فلسفه سینه زنی در عزاداریها چیست؟

پرسش

فلسفه سینه زنی در عزاداریها چیست؟

پاسخ

برای تعظیم شعائر الهی و شرکت در غم و اندوه مصیبت سید الشهداء(ع) سینه زنی صورتی می گیرد. سینه زنی از مراسم سنتی عزاداری برای سید الشهداء(ع) و دیگر ائمه مظلوم است که همراه با نوحه خوانی و با جهنگ خاصی بر سر و سینه زدن همراه است. اصل این سنت به ویژه درمیان عربها رواج داشته و بعدها به صورت موجود در آمده است. این امر در دوران صفویه توسعه یافت و در عصر قاجاریه بیش‌تر رواج پیدا کرد.(۱) پی‌نوشت‌ها: ۱ – جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۳۷.

اگر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی یک سنت است , چرا علما زنجیر نمی زنند؟

پرسش

اگر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی یک سنت است , چرا علما زنجیر نمی زنند؟

پاسخ

سینه زنی , زنجیر زنی , تعزیه خوانی , پوشیدن لباس سیاه و سیاه پوش کردن مساجد و تکایا, برای برپایی عزاداری حضرت سیدالشهدا و سایر امامان : و ابراز تنفر از ظلم و ستم بنی امیه و بنی عباس و دیگرستمگران چون در تداوم هدف عاشورا و توسعهء فلسفهء قیام و نهضت اباعبداللّه الحسین ۷نقش مهمی دارد, عملی راجح و مستحب است و از مصادیق , تعظیم شعایر و افضل قربات است .() لازم است همهء ارادتمندان و محبان اهل (پاورقی ۱.آیت اللّه فاضل لنکرانی , جامع المسائل , ج ۱ ص ۶۱۹ـ ۶۲۰ آیت اللّه مکارم شیرازی , مجموعه استفتائات جدید, ص ۱۵۷ آیت اللّه حاج شیخ جواد تبریزی , استفتائات جدید, ص ۴۵۳ البیت : از

علما و دانشـمندان و غیر آنان در اقامه عزا در ایام سوگواری , و بر پایی مجالس جشن و سـرور در هنگام میلاد آنان , از خود همت نشـان دهنـد, زیرا تعظیم این امور موجب اقـامهء دین و احکـام الهی و ریشه دوانـدن اعتقـادات در عمق و درون جـان انسـان هـا می گردد.

فلسـفه حمل علم ها در مراسم عزاداری امام حسـین(ع) چیست؟ اکثر مردم شهرهای ایران این علم ها را می بوسند و نذر می کنند تا حاجت هایشان برآورده شود. آیا این اعتقاد صحیح است و عدم اعتقا د موجب گناه است؟

پرسش

فلسـفه حمل علم ها در مراسم عزاداری امام حسـین(ع) چیست؟ اکثر مردم شهرهای ایران این علم ها را می بوسند و نذر می کنند تا حاجت هایشان برآورده شود. آیا این اعتقاد صحیح است و عدم اعتقا د موجب گناه است؟

پاسخ

علم یـا علامـت به پرچم یـا کتـل یـا وسـایلی گفته می شود که نشـانه و علامت عزاداری حضـرت اباعبـدالله الحسـین(ع) است. شاید برداشـتن علم به معنای این باشد که چون پرچم امام حسـین در کربلا به زمین افتاد، ما آن پرچم را برمیداریم و راه حسین(ع) راادامه می دهیم؟ برداشـتن علم یا بوسـیدن و احترام به آن جنبـهٔ سـمبولیک دارد و هدف عاشـقان اهل بیت از این کار تبعیت از راه رسم و پیمودن مسیر حسین(ع) است و نذر و خیرات و مبراتی که می کنند، برای عزاداران حسین(ع) انجام می دهند، چون در روایت آمده است: هر کس برای عزاداری امام حسـین انفاق کنـد و درهم و دیناری خرج کنـد، خداونـد هفتاد برابر در دنیا و آخرت به او برکت می دهـد و گناهانش آمرزیـده می شود.(۱) عشق به حسـین(ع) عشق به همـهٔ خوبی هـا است. گریـهٔ برای شـهید و عزاداری برای او، همرنگ و همصدا شدن با او است. البته هدف از عزاداری امام حسین(ع) زنده شدن نام و یاد و مرام حسین(ع) در ذهن و زندگی ما است و پیمودن راه او از اهـداف عزاداری است. در عزاداری نباید از آثار و نتایج آن بی بهره بود و از اهداف بی نصـیب ماند. نباید عزاداری فقط جنبهٔ عادی و شـکلی داشـته باشد، بلکه عزادار امام حسـین(ع) باید احساس کند که با حسین(ع) در یک اردوگاه قرار دارد و احساس کنـد در رکاب او قـدم می زنـد. در عزاداری باید از خرافات و افراط و تفریط ها دوری کرد. اگر نذر می کند، باید براساس صـحیح فقهی و شرعی باشد و اگر پولی خرج می کند، باید در راه صحیح مصرف شود. نذر کردن برای علم صحیح نیست اما بوسیدن آن اشکالی ندارد و روا شدن حاجات به دست خدا است و عدم اعتقاد به این ها گناه محسوب نمی شود. پی نوشت ها : ۱ – مجمع البحرین ، مادهٔ عشر.

ناموس و ناموس داری دینی یعنی چه؟

پرسش

ناموس و ناموس داری دینی یعنی چه؟

پاسخ

کلمـهٔ نـاموس دارای معـانی بسیار است. به معـانی : احکـام الهی، قـانون، وحی، صـاحب راز، خانـهٔ راهب ، خوابگاه شـیر، مرد دانا،

سیاست، ریا، بانگ، آبرو، عزّت ، نیکنامی، خجالت، عصمت، عفت. زن و زن های متعلق به یک مرد مثل مادر و خواهر و دختر و معانی دیگر آمده است. اما آنچه که در عرف مامعروف و مشهور است، ناموس به معنای زن و زن های متعلق به انسان است که پاکی آنان باعث حفظ آبروی انسان می شود. ناموس داری دینی به معنای این است که انسان مؤمن غیرت و حیا نسبت زنان خویشاوند داشته باشد.[۱] [۱] لغت نامهٔ دهخدا، کلمهٔ ناموس.

ایام فاطمیه چه ایامی است؟

پرسش

ایام فاطمیه چه ایامی است؟

پاسخ

دربارهٔ تاریخ رحلت حضرت زهرا (س) روایات مختلف و متضاد است. (از چهل روز تا شش ماه بعد از رحلت پیامبر (ص)). میان علمای شیعه، دو تاریخ مشهور و مقبول است: یکی هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پیامبر (ص) و دیگری نود و پنج روز. با توجه به رحلت پیامبر اسلام (ص) در بیست و هشتم صفر، بنا به روایت هفتاد و پنج روز، در مورخهٔ سیزدهم تا پانزدهم جماد...الأوّل ، شهادت حضرت زهرا است و این ایام را فاطمیهٔ اوّل می خوانند. اما بنا به روایت نود و پنج روز، شهادت حضرت در سوم تا پنجم جمادی الثانی است و این ایام را فاطمیهٔ دوم می خوانند.

منشأ کلمات عاشورا و تاسوعا چیست؟

پرسش

منشأ کلمات عاشورا و تاسوعا چیست؟

پاسخ

عاشورا از ریشهٔ عشر به معنای ده و دهم است. و در عبری روز دهم اولین ماه سال تشرین عاشورا گفته می شد که برابر است با اولین ماه سال قمری. و به همین جهت دهمین روز محرم را عاشورا گویند و تاسوعا هم از ریشهٔ تسع که به معنای نه و نهم است.

طریقهٔ فاتح گرفتن برای مردگان را تشریح کنید؟ آیا اگر چاقو روی سفره باشد ، در هنگام فاتحه گفتن اشکال دارد؟

پرسش

طریقهٔ فاتح گرفتن برای مردگان را تشریح کنید؟ آیا اگر چاقو روی سفره باشد ، در هنگام فاتحه گفتن اشکال دارد؟

پاسخ

فاتحه گرفتن برای مردگان در هر حالی و در هر مکانی بلا اشکال است. بودن چاقو و غیر آن سر سفره هیچ اشکالی ندارد.

چرا از اول محرم و قبل از شهادت امام حسین(ع) لباس سیاه می پوشند؟ در حالی که امام حسین(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیده اند و طبق معمول باید از روز عاشورا به بعد لباس سیاه پوشیده شود، لطفاً در این مورد توضیح دهید؟

پرسش

چرا از اول محرم و قبل از شهادت امام حسین(ع) لباس سیاه می پوشند؟ در حالی که امام حسین(ع) در روز عاشورا به شهادت رسیده اند و طبق معمول باید از روز عاشورا به بعد لباس سیاه پوشیده شود، لطفاً در این مورد توضیح دهید؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! از جنابعالی که دبیر و معلم دانش آموزان هستید و در رفع مشکلات و شبهات آنان می کوشید تشکر می کنیم. امیدواریم در این راه . همان طور که جنابعالی در سؤال مطرح کرده اید اصولاً ـ باید محبین اهل بیت (ع) در عزاداری برای سالار شهیدان بعد از روز عاشورا لباس ماتم و سیاه بپوشند و عزاداری برای آن حضرت را شروع کنند، ولی عشق و محبّت به آن حضرت باعث شده که قبل از عاشورا خود را آماده کنند و لباس های سیاه بپوشند، مساجد، تکایا و حسینیه ها را سیاهپوش کنند. عزاداری برای اباعبدالله(ع) یک عزاداری معمولی نیست؛ بلکه تبدیل به یک فرهنگ فراگیر شده است وقتی که تبدیل به فرهنگ شد دیگر زمان و مکان نمی شناسد، لذا تا نسیم محرّم به مشام جان می وزد خود به خود پوشیدن لباس عزا و سیاه پوش کردن کوچه و خیابان ها و مساجد و تکیه ها شروع می شود. البته در غیر محرم نیز عزاداری برای امام حسین در فرصت های مناسب برگزار می شود، شیعیان به دستور اولیای دین مخصوصاً به دستور امامان بعد از امام حسین(ع) برای زنده نگه داشتن اهداف امام حسین و فرهنگ عاشورا تلاش و کوشش می کنند. امام باقر(ع) در زمینهٔ برپایی عزا در خانه ها بر امام حسین(ع) می فرماید: باید بر حسین(ع) ندبه و عزاداری و گریه کنید و بر اهل خانهٔ خود دستور دهید که بر او بگریند . با اظهار گریه و ناله بر حسین(ع) مراسم عزاداری بر پا کنید و یک دیگر را با گریه و تعزیت در سوگ حسین (ع) ملاقات کنید.[۱] رمز جاودانگی نهضت حسینی نیز همین احیا و زنده نگهداشتن و تعظیم شعایر بوده است. امام خمینی(ره) فرمود: الآن هزار و چهارصد سال است که با این منبرها با این روضه ها و با این مصیبت ها و با این سینه زنی ها (دین اسلام) را حفظ کرده اند.[۲] عزاداری، احیای خط خون و شهادت و رساندن صدای مظلومیت آل علی به گوش تاریخ است. عزاداران حسینی پروانگان شیفتهٔ نورند که شمع محفل آرای خویش را یافته از شعلهٔ شمع، پیراهن عشق پوشیده اند و آمادهٔ جان باختن و فدا شدن اند. نقش عزاداری در حفظ فرهنگ عاشورا مهم است و آثار و برکات خوبی برای بشریت داشته و خواهد داشت. ای که آمیخته مهرت با دل کرده عشق تو مرا دریا دل بذر عشقی که به دل کاشته ام جز هوای تو ندارد حاصل از می عشق تو، عاقل مجنون وزخم مهر تو مجنون عاقل گر شود کار جهان زیر و زبر نشود عشق تو از دل زایل[۳] [۱] جواد محدثی ، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۲، به نقل از کامل الزیارات ، ص ۱۷۵. [۲] همان، ص ۳۱۳. [۳] همان، ص ۳۱۵.

بعضی از افراد نظر داردن کسانی که عَلَم امام حسین را بلند می کنند و عزاداری می‌کنند، باید انسان های آرام و ساکتی باشند و در ادارات دولتی مشغول به کار نباشند.

پرسش

بعضی از افراد نظر داردن کسانی که عَلَم امام حسین را بلند می کنند و عزاداری می‌کنند، باید انسان های آرام و ساکتی باشند و در ادارات دولتی مشغول به کار نباشند.

پاسخ

این نظر درست نیست. همهٔ مؤمنان می توانند علمدار حسین(ع) باشند و پرچم عزای امام حسین(ع) را بر دوش بکشند. البته این افراد هر چه پاک و با تقوا باشند، ثواب بیشتری دارند.

می‌خواستم در مورد عطسه اطلاعاتی بدهید. آیا مطالبی که در مورد عطسه شایع است صحت دارد یا این که خرافات است؟

پرسش

می‌خواستم در مورد عطسه اطلاعاتی بدهید. آیا مطالبی که در مورد عطسه شایع است صحت دارد یا این که خرافات است؟

پاسخ

مطالبی که بین مردم در مورد عطسه شایع است، درست نیست. اساساً روح اسلام با این‌گونه مطالب سازش ندارد، تا آن جا که درستور می‌دهد هنگامی که تصمیم بر کاری گرفتید، اگر کسی فال بد زند، اعتنا نکنید و بر خداوند توکّل نموده، به دنبال هدف بروید. دربارهٔ عطسه وارد شده است هرگاه یکی از شما عزسه کرد، در حق او دعا کنید و بگویید" یرحمکم الله؛ رحمت خدا شامل حال تو گردد. "طرف دیگر نیز متقابلاً دعا کند و بگوید": یغفرالله لکم؛ خدا تو را بیآمرزد. "اما صبر کردنیا فوق گذاردن بین یک عطسه و دو عطسه افسانه است که باید مسلمان آگاه و دانا از این افسانه‌ها بپرهیزد.[۲] جزوه ای در این زمینه خدمت شما ارسال می‌شود . [۱] توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۹. [۲] ناصر مکارم، پرسش‌ها و پاسخ‌ها ، ج ۴، ص ۱۶۲.

چرا درباره علما که این همه زحمت برای انقلاب کشیده و می کشند، بد می گویند؟

پرسش

چرا درباره علما که این همه زحمت برای انقلاب کشیده و می کشند، بد می گویند؟

پاسخ

اولاً: همهٔ مردم این‌گونه نیستند. بسیار هستند که از عالمان دینی حمایت کرده و از آنان تمجید می‌نمایند. ثانیاً: بد گویان دو دسته اند: دسته‌ای که اکثریت را تشکیل می‌دهند و تنها زبانی و از نظر ظاهری بد می گویند، اما باطناً و قلباً عناد و کینه ای از آن‌ها ندارند، مثل اعضای یک خانواده که داخل خانه، برادر به برادر و خواهر خود بد می‌گوید و حتیگاهی باهم درگیر می‌شوند، اما خارج خانه هوای یکدیگر را دارند و در کنار همند و از هم حمایت می‌کنند. عدهٔ زیادی از بد گویان این‌گونه اند، چون همانان پای منبر می‌نشینند و در نماز جمعه‌ها و جماعت شرکت می‌کنند و از عالمان دینی در جشن ها و عزاها دعوت به عمل می‌آورند. دستهٔ دیگر که در اقلیت هستند، کسانی هستند که با عالمان و روحانیون عناد دارند. دشمنی محدود به عصر ما و منحصر به

روحانیت نیست، بلکه از ابتدا با انبیا و امامان(ع) و صالحان و متقیانخصومت داشته و دارند. البته با همهٔ تلخی ها باید گفت: عمل کرد برخی روحانیون خوب نبوده و نیست. مردم آن‌ها را می‌بینند و خیال می کنند همه این طورند. لذا پشت سر همه بد می گویند. چنان که از عمل کرد بد چند پاسدار، یا چند نظامی و یا چند قاضی و چند بازاری و ... به همهٔ پاسداران و نظامیان و قاضیان و بازاریان بد بین می شوند، با این که منطقاً نباید حساب کار چند منحرف در هر قشری را به حساب همه به شمار آورد.

آیا ناخن گرفتن در شب ایراد دارد؟ بهترین موقع ناخن گرفتن چیست؟

پرسش

آیا ناخن گرفتن در شب ایراد دارد؟ بهترین موقع ناخن گرفتن چیست؟

پاسخ

در احادیث و روایات سفارش‌های بسیاری دیده می‌شود که کوتاه کردن ناخن موجب از بین رفتن در دو جلب روزی می‌شود. امام علی (ع) فرمود": چیدن ناخن مانع درد و بیماری بزرگ می‌شود و روزی را فراوان می کند.(۱) چه موقعی ناخن گرفتن مستحب است؟ معصومان (ع) بیشتر روی پنج شنبه و جمعه تکیه کرده‌اند، اگر چه روزهای دیگری چون سه شنبه وچهارشنبه نیز آمده است، ولی تکیه استحباب بیشتر روی جمعه است. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود": هر که در روز جمعه ناخن بچیند، خدا درد و بیماری را از انگشتانش بیرون می کند و به جای آن شفا و درمان می‌بخشد.("۲) امام صادق (ع) فرمود": آدمی ناخن و موی خود را پس از چیدن دفن می کند و این کار سنت است.("۳) بلند گذاشتن ناخن برای زن، نوعی زینت محسوب می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود" شما مردان "ناخن‌های خود را بچینید. (شما زنان) برخی از ناخن‌های خود را بگذارید که برای شما زینت بخش‌تر است.(۴) ۱ - بحارالانوار، ج ۷۳، بیروتی، ص ۱۱۹، حدیث ۲. ۲ - مکارم الاخلاق، ص ۶۴. ۳ - آثار الصادقین، ج ۱۲، ص ۱۶۱. ۴ - بحارالأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲۳، حدیث ۱۲.

اگر زنی حامله باشد و مرده‌ای ببیند ، چه حکمی دارد ؟ این که می‌گویند بچه چشمانش شور می‌شود یعنی چشم زخم می‌زند ، آیا واقعیت دارد؟

پرسش

اگر زنی حامله باشد و مرده‌ای ببیند ، چه حکمی دارد ؟ این که می گویند بچه چشمانش شور می‌شود یعنی چشم زخم می‌زند ، آیا واقعیت دارد؟

پاسخ

پس از تحقیق و تفحص مطلبی دال بر این که اگر زن حامله مرده‌ای ببیند ، چشم فرزندش شور می‌شود نیافتیم ، اگر چه مردم برخی از مناطق بدان معتقد هستند ، ولی ظاهرا مدرکی ندارد . این مطلب بعید به‌نظر می‌رسد.

آیا در محرم و صفر می‌توان مراسم عقد و خواستگاری را برگزار نمود؟

پرسش

آیا در محرم و صفر می‌توان مراسم عقد و خواستگاری را برگزار نمود؟

پاسخ

رفتن به خواستگاری و خواندن عقد ازدواج در محرم و صفر اشکال ندارد. برای رعایت احترام این دو ماه به خاطر عزای حسینی از جشن و سروی اجتناب شود.

آیا تسبیح در دست گرداندن گرفتاری می‌آورد؟

پرسش

آیا تسبیح در دست گرداندن گرفتاری می‌آورد؟

پاسخ

تسبیح در دست گرداندن اشکال ندارد و موجب گرفتاری نمی‌شود. گاهی ثواب هم دارد. امام کاظم(ع) فرمود": اگر کسی تسبیح تربت امام حسین(ع) را به دست بگرداند و با آن ذکر خدا کند، به عدد هر دانه چهل حسنه نوشته می‌شود، و اگر آن را بدون ذکر در دست داشته باشد، بیست حسنه برایش نوشته می‌شود.("۱) پی نوشت‌ها: ۱ - مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۳، ص ۵۵۷، ماده تسبیح.

آیا عطسه در کمی یا زیادی عمر مؤثر است؟ آیا در عطسه تک باید صبر کرد؟

پرسش

آیا عطسه در کمی یا زیادی عمر مؤثر است؟ آیا در عطسه تک باید صبر کرد؟

پاسخ

در حدیث آمده که عطسه به موجب راحتی بدن است، و تا سه روز و به روایتی هفت روز، امان از مرگ است. نیز وارد شده که عطسه به هنگام گفتن مطلب، مگواه بر صدق و راستی آن مطلب است. در روایت آمده که هنگام عطسه صلوات بفرستید. آن چه بین عوام مشهور است که هنگام عطسه تک باید صبر کرد، صحت ندارد و در احادیث اثری از این حرف نیست.(۱) پی نوشت‌ها: ۱ - شهید دستغیب، ۸۲ پرسش، ص ۱۶۱، سؤال ۷۱، مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۳۸۹، ماده: عطسه.

بسیار مشتاقم بدانم جزء عوام الناس هستم یا جزء اهل دانش؟ دانستن این امر چگونه میسر است؟

پرسش

بسیار مشتاقم بدانم جزء عوام الناس هستم یا جزء اهل دانش؟ دانستن این امر چگونه میسر است؟

پاسخ

از پیگیری و سؤال شما بر می‌آید دوست دارید، اهل علم باشید و ان شاء اللّه چنین خواهد بود و در قیامت بااهل دانش محشور می‌شوید. حضرت علی(ع) به کمیل بن زیاد نخعی که ازنیکان و یاران آن بزرگوار بود، فرمود": مردم سه دسته‌اند: عالم ربانی (دانای خداشناسی که به مبدأ و معاد آشنا بوده و به آن عمل نماید) و طالب علم و آموزده‌ای که (از جهل و نادانی) بر راه نجات و راهیی یافتن است و مگسان کوچک و ناتوان (نادان نفهم و به انواع زشتی‌ها آلوده) که هر آواز کننده (به هر راهی) را پیروی می‌کنند و با هر بادی می‌روند (= درست رااز نادرست تمیز نداده و به مذهب و طریقه‌ای پایدار نیستند و به هر راه که پیش می‌آید می‌روند،) اینان از نور دانش روشنی نطلبیده‌اند (و در تاریکی نادانی مانده‌اند) و به پاید استواری (عقاید حقه که روی دو پایه عقل و علم است) پناه نبرده‌اند. "بنابر این هر کس در پی کسب دانش به ویژه دانش دینی از طریق علما باشد و در این راه از پیگیری خسته نشود، جز متعلمان و دانشجویان است، نه گروه عوام. پی نوشت‌ها: ۱ - نهج البلاغه، ص ۱۱۴۴، قصار الحکم، ۱۳۹، به قلم فیض الاسلام.

می‌گویند: وقتی در کاری صبری و عطسه آمد، در انجام آن عجله نکنید و یا آن را ترک کنید، آیا این حرف صحیح است؟

پرسش

می‌گویند: وقتی در کاری صبری و عطسه آمد، در انجام آن عجله نکنید و یا آن را ترک کنید، آیا این حرف صحیح است؟

پاسخ

تا جایی که ما اطلاع داریم درهیچ یک از کتب معتبره اسلامی، صبر به عنوان" شوم "معرفی نشده، بلکه خیلی خوب است و آثار نیکی برایش ذکر شده است. امام صادق(ع) فرمود": اگر مریض عطسه کند، نشانه بهبودی از مرض می‌باشد.("۱) نیز از معصومان(ع) می‌خوانیم": اگر کسی عطسه کند و بگوید: الحمد اللّه رب العالمین علی کل حال و صلی اللّه علیه محمد آل محمد، گرفتار درد دندان و گوش نمی‌شود.("...۲) جهت اطلاب بیشتر جزوه عطسه ارسال می‌گردد. گفتنی است: چون بین عده زیادی شایع ست: بعد از صبر باید دقایقی از انجام کار خودداری نمود، ممکن است طرف در اثر این تلقینات دچار دلهره و اضطراب شود و نتواند کار را به طور احسن انجام دهد. از این رو بهتر است در کار عجله نکند و کمی تأمل کند تا آرامش پیدا کرده و با خاطری آسوده اقدام نماید. پی نوشت‌ها: ۱ - محدث قمی، سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۲۰۳، ماده عطس. ۲ - همان.

آیا دود اسفند برای کسانی که به اصطلاح چشم خورده و مورد حسادت قرار گرفته، مفید است؟ در این خصوص روایتی از معصومان(ع) وارد شده یا خرافات است؟

پرسش

آیا دود اسفند برای کسانی که به اصطلاح چشم خورده و مورد حسادت قرار گرفته، مفید است؟ در این خصوص روایتی از معصومان(ع) وارد شده یا خرافات است؟

پاسخ

در این که در بعضی از چشم‌ها اثر مخصوصی است که وقتی از روی اعجاب به چیزی بنگرند، ممکن است آن را از بین برده یا در هم بشکنند و یا انسان را بیمار یا دیوانه کنند، نباید از نظر عقل و علم مورد انکار قرار گیرد. در روایات اسلامی تعبیرات مختلفی دیده می‌شود که وجود چنین امری را اجمالا تایید می‌کنند. اسماء بنت عمیس خدمت پیامبر(ص) عرض کرد: گاه به فرزندان جعفر چشم می‌زنند! آیا" رُقْیه "برای آنان بگیرم؟ (منظور از" رقیه "دعاهاییاست که می‌نویسند و برای جلوگیری از چشم زخم با خود نگه می‌دارند و آن را (تعویذ) نیز می‌گویند). پیامبر فرمود: مانعی ندارد. اگر چیزی می‌توانست بر قضا و قدر و پیشی گیرد، چشم زدن است.(۱) امیرالمؤمنان(ع) فرمود": پیامبر برای امام حسن و امام حسین(ع") رقیه "گرفت و این دعا را خواند" شما را به تمام کلماتو اسمای حُسنای خداوند و از شرّ مرگ و حیوانات موذی و هر چشم بدو حسود آن گاه که حسد می‌ورزد می‌سپارم "سپس پیامبر نگاهی به ما کرد و فرمود ": این چنین حضرت ابراهیم برای اسماعیل و اسحاق تعویذ نمود. ("۲) چشم زخم از چند طریق قابل درمان است: دعا و دود اسپند. از حضرت رسول اکرم(ص) نقل شده": بر هر یک از برگ و دانه بوته اسفند موکّلی است و با آن‌ها است تا بپوسد. ریشه و شاخه‌اش غم و سخر را بر طرف می‌کند و دانه‌اش شفای هفتاد درد است. پس به اسفند مداوا کنید.("۳) از طریق اسفند می‌توان چشم زخم و نگرانی کسی را که مورد حسادت قرار گفته است، درمان نمود. پی نوشت‌ها: ۱ – مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۴۲، به نقل از نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۷. ۲ – نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۰۰، به نقل از نمونه، ج ۲۴، ص ۴۲۸. ۳ – محدث قمی، مفاتیح الجنان، بخش" عوزات دفع شیاطین."

جمله" یا علی "یعنی چه و چرا عده زیادی این جمله را بر زبان جاری می‌کنند؟

پرسش

جمله" یا علی "یعنی چه و چرا عده زیادی این جمله را بر زبان جاری می‌کنند؟

پاسخ

میان بزرگان دین و اولیای الهی و امامان معصوم، امیرالمؤمنان حضرت علی(ع) ویژگی و برتری خاصی دارد. او پدر تمام امامان، جانشین بلافصل پیامبر، ولیّ خدا، مظهر شجاعت و غیرت و قوّت بازو و تقوا و تمام خوبی‌ها است. مسلمانان خصوصاً شیعه، آن امام همام را الگو و مرا خویش قرار داده‌اند. تاریخ به یاد دارد حضرت علی(ع) در بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام که حضور داشتند، دلاوری‌های اعجاب گونه‌ای به یادگار گذاشتند. جنگ‌هایی از قبیل بدر، اُحد، خندق، خیبر و نهروان نمونه‌های روشن آن است. عموم شیعیان برای دست یابی به توفیق و مدد الهی و بهره مندی از قدرت و قوّت حضرت، برای شروع کاری و یا پی‌گیری هدفی، از نام مقدس او استفاده می‌کنند، تا شاید این تمیّن و تبرک جویی، فال نیکی در شکوفایی و ثمر دهی اهدافشان باشد. مردم در هنگام بلند کردن چیزهای سنگین می‌گویند": یا علی "که ذکر این جمله نوعی کمک گرفتن از نیروی غیبی حضرت است، یا می‌گویند: یا علی مدد یعنی ای علی! به ما مدد و نیرو و قوّت عطا کن! در هر حال استفاده از نام‌های خداوند و بهره‌مند شدن از نام مقدس اولیای الهی در کسب توفیق و رسیدن به اهداف موردنظر تأثیر فراوانی دارد.

چرا دور خانه خدا را با پارچه مشکل پوشانیده‌اند؟

پرسش

چرا دور خانه خدا را با پارچه مشکل پوشانیده‌اند؟

پاسخ

علیت این که چرا با پارچه مشکی خانه خدا را پوشانده‌اند معلوم نیست، ولی می‌توان چند چیز را به صورت حدسی بیان کرد: ۱ - زبان حال پارچه سیاه این است که انبیای الهی می‌آمدند در این خانه طواف می‌کردند، ولی چون دیگر نمی‌آیند کعبه لباس عزا پوشیده است.(۱) ۲ - در تاریخ آمده است که اولین کسی که خانه خدا را پوشانید، پادشاه حِمْیَر (یمن) در سال ۲۲۰ قبل از هجری بوده است و هر پادشاهی بعد از او این کار را می‌کرد. برخی از آنان کعبه را با پوست گوسفند یا با حصیر برگ خرما می‌پوشانیدند که در عالم خواب به آنان گفته شد لباس بهتری بر کعبه بپوشانید تا بالاخره، لباس سیاه حریر انتخاب کردند. از آن زمان لباس حریر سیاه برای پوشش کعبه انتخاب شد.(۲) ۳ - رنگ سیاه از بین رنگ‌ها، ساده‌ترین و بی آلایش‌ترین رنگ است و آن را به عنوان زیور و زینت به حساب نمی‌آوردند و از سادگی خاصی برخوردار است، لذا کعبه که مسجد است با این رنگ ساده پوشانیده شده است. از امام صادق(ع) نقل شده است که اسماعیل (ع) زنی عاقله از قبیله حِمْیَر داشت. او به اسماعیل گفت: شایسته است دور پرده بر این دو دَر کعبه بیاویزیم و اسماعیل پذیرفت. بعد از مدتی زن پیشنهاد کرد که کل کعبه پوشانیده شود، چون این سنگ‌ها بدنما است. اسماعیل پذیرفت. همسر اسماعیل پشم فراوانی تهیه کرد و نزد زنان قبیله خویش فرستاد که بریسند. تا موسم حج نیمی از خانه پوشانده شد. نیم دیگر را با حصیر برگ نخل پوشاندند، وقتی مرتم این منظره را دیدند تصمیم گرفتند برای کعبه هدیه بیاوردند، لذا هر ساله ازجمع آوری هدیه‌ها پرده کاملی برای خانه خدا تهیه می‌شود.(۳) پی نوشت‌ها: ۱ - محمد حسین اعلمی، دائره المعارف الشیعه العامّه، ج ۱۵، ص ۱۹۶ و دائرة المعارف فرید و جدی، ج ۸، ص ۱۵۰. ۲ - همان، ص ۱۹۵. ۳ - سید مصطفی دشتی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۵۲۹.

چرا جن باعث ترس در مردم می شود؟

پرسش

چرا جن باعث ترس در مردم می شود؟

پاسخ

برادر گرامی! واقعیت آن است که در مورد جن تحقیق جامعی صورت نگرفته است و اطلاعات ما از آن موجود نامرئی بسیار ناقص و محدود است و داوری ها بر اساس حدسیات و ظنّیات صورت می گیرد. ضمن سپاس از پیشنهاد شما امیدواریم در مورد آن تصمیم خوبی گرفته شود. ترس مردم از جن، معلول تصورات نادرست آن ها است. متأسفانه دربارهٔ جن افسانه ها و داستان های خرافی بسیاری ساخته شده است. از جمله این که آن ها را با اشکال عجیب و غریب و وحشتناک و موذی و کینه توز و بدرفتار که ممکن است از ریختن یک ظرف آب داغ در یک نقطه خالی خانه هایی را به آتش کشند و موهومات دیگری از این قبیل طبیعی است که با این نگرش و گمان مردم از چنین موجود ترسناک، می ترسند. ترس از جن مانند ترس از تاریکی و غیره، ترس واقعی نیست و تنها بر اساس تخیلات و ساخته های ذهنی ایجاد شده است. با واقع بینی و شناخت صحیح از جن قطعاً ترس از بین خواهد

رفت.

امروزه سه امر: بانک، تلویزیون و فوتبالیست ها مردم را به خود مشغول داشته است. چرا این گونه شده است؟

پرسش

امروزه سه امر: بانک، تلویزیون و فوتبالیست ها مردم را به خود مشغول داشته است. چرا این گونه شده است؟

پاسخ

در خصوص بانک سؤال روشن نیست تا پاسخ مناسب نوشته شود. در مورد تلویزیون و مسئلهٔ فوتبال حرف شما درست است. برنامه های تلویزیون در برخی اوقات نه تنها قطع نمی شود، بلکه معمولاً ـ در وقت های حساس برنامه های پخش می کنند، و اکثر تماشاگران را از کارهای مفید باز می دارند. به نظر می رسد مردم باید از مسئولین تلویزیون بخواهند برنامه های تلویزیون در اوقات مناسب پخش شود. نیز به گونه ای برنامه های خود را تنظیم کنند که خانواده ها وقت برای تربیت بچه ها و گفت و گو با آنان را داشته باشند.

نام صبا و ملیکه برای دختر آیا جزء اسامی مذهبی است؟

پرسش

نام صبا و ملیکه برای دختر آیا جزء اسامی مذهبی است؟

پاسخ

مقدمه: چون سخن از اسم های مذهبی است، لازم می بینم مقداری در این مورد توضیح دهیم. یکی از امتیازات درخشان اسلام، جامعیت و گستردگی دامنهٔ آموزش آن و عنایت ویژه اش به مسایل روان شناسی و جامعه شناسی است. طرح حقوق کودک، در کنار سایر حقوق ها یکی دیگر از امتیازات اسلام است. اسلام برای کودک از روزی که به صورت یک جنین در رحم مادر به سر می برد حقوقی تعیین کرده و برای والدین وظایف و مسئولیت های پیش از انعقاد نطفه مشخص نموده است. یکی از حقوقی که فرزندان بر والدین دارند انتخاب نام نیکو برای آنان است. مردی از پیامبر اسلام(ص) پرسید: حق فرزندم به من چیست؟ فرمود": نام نیکی برای او انتخاب کن، تربیتش را نیکو گردان و شغل شایسته ای برای او در نظر بگیر."۱ پدر و مادر باید توجه داشته باشند که نوزاد آنان در آینده با نامی که آنان برگزیده اند، سر و کار خواهد داشت و نام آنان وسیله ای برای توجه دیگران به شخصیت فرزندشان خواهد بود. پیامبر اکرم(ص) فرمود": اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام نیک است، پس بهترین نام ها را برای فرزندانتان انتخاب کنید."۲ بهترین نام ها: بهترین نام ها آن است که از بندگی خدا حکایت کند و نشان دهنده علاقه و محبت به بندگان صالح خدا، امامان و اولیای الهی مخصوصاً چهارده معصوم علیهم السلام باشد. امام محمد باقر(ع) می فرماید: "اصدق الأسماء ما سُمّی بالعبودیه و أفضلها (او خیرها) اسماء الانبیاء."۳ علی(ع) فرمود": هیچ خانواده ای نیست که در آن نام پیامبر می باشد جز آن که خداوند فرشته ای را مأمور سازد که شبانه روز آنان را تقدیس کند."۴ تأثیر نیک در سرنوشت دنیا و آخرت افراد: علی(ع) فرمود": هیچ فردی و ملّتی نیست که نام صالحان را برای فرزندان خود برگزینند جز آن که خداوند آن چه را که از

دستشان می رود به نیکویی به آنان باز می گرداند."۵ ربعی بن عبدالله می گوید: به امام صادق(ع) عرض شد: ما فرزندان خود را به نام شما و پدران شما نام گذاری می کنیم. آیا این عمل به حال ما سود دارد؟ فرمود": آری، به خدا قسم! مگر دین چیزی جز حبّ و بغض و دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا است."؟۶ سپس به آیهٔ" ان کنتم تحبون الله فاتبعونی، "...استدلال می کند که یکی از علامت های ایمان به خدا و نشانه های دوستی خدا و رسول اطاعت از امامان و انتخاب اسم آنان برای خود و فرزندان است.۷ اسم های برگزیده برای اشخاص، اشیا، شغل، مغازه و غیر آن، نشان دهندهٔ نوع عقیده و طرز تفکر، فرهنگ و شخصیت است. پیامبر اسلام فرمود": المرء مع من احببت؛ انسان با کسی زندگی می کند، می میرد و محشور می شود که دوستش دارد. "وقتی کسی حضرت فاطمهٔ زهرا و علی علیهماالسلام را دوست داشته باشد نام آنان و فرزندانشان را برای فرزندان خود انتخاب می کند. با این کار مذهب و حزب و الگوی زندگی خویش را معیّن میکند و دنبای آنان حرکت می کند و از آنان دستور می گیرد. پیامبر اسلام فرمود": محبت و دوستی اهل بیت من، رزق و روزی پاک است که نصیب هر کسی گشت، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و بیست امتیاز دارد که ده خصلت و امتیاز آن در دنیا داده می شود و ده امتیاز دیگر در آخرت داده می شود که یکی از آن ها بهشت است."۸ نام افراد منفور و دشمنان را انتخاب نکنید: در یک تقسیم بندی می توان اسم ها را چند دسته تقسیم کرد: ۱- نام های پیامبران، امامان، شهدا، صالحان، رهبران دینی و در یک کلمه نام های محبوب. ۲- اسم های منفور و مبغوض. انسان های شرور، ستمگر، فاسد و مفسد مثل هیتلر، معاویه، یزید، ابوسفیان و شمر. ۳- اسم هایی که نشان دهندهٔ خود باختگی و از خود بیگانگی فرهنگی و بحران هویت و شخصیت اشخاص است و نشان می دهد که خانواده چنان مجذوب بیگانگان شده است که همهٔ افتخارات ملی و مذهبی خود را به هیچ گرفته، اعتماد به نفس را از دست داده، هیچ گونه استقلال فکری و روحی ندارد. از این رو می خواهد با انتخاب اسم های خارجی برای فرزندان یا محل کار و شغل خویش بگوید که من متجدد و نو اندیش هستم در حالی که این گونه افراد به علت خلأ فکری و درونی مرتجع ترین و کهنه گراترین اقشار هستند، زیرا همانند انسان های کهن، کور کورانه از بیگانگان تقلید می کنند. یکی از کارهای برنامه ریزی شدهٔ انبیا مخصوصاً پیامبر اسلام(ص تغییر دادن نام های اشخاص، اشیا، نهرها، جاده ها و یا زمین هایی بود که بوی کفر، شرک، فساد یا وابستگی به بیگانگان می داد. حسین بن علوان از امام صادق(ع) نقل می کند": انّ رسول الله یغیّر الأسماء القبیحه فی الرجال و البلدان؛ پیامبر اسلام پیوسته نام های زشتی را که بر مردان یا شهرها بود عوض می کرد. "صبا به معنی باد شمال یا شرق و نیز به معنی کودکی است و گاهی به پیکی که حامل خبر مسرّت بخش و خوشحال کننده است گفته می شود. ملیکه به معنی پادشاه و قدرت مند است، نیز کسی که مالک و حاکم چیزی است گفته می شود. این گونه نام ها، از جمله نام های دستهٔ دوم و سوم نیست لیکن از نام های دستهٔ اوّل و به عنوان نام های مذهبی هم نیست. انتخاب این گونه اسم ها اشکال ندارد. ۱ احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودک، ص ۵۸، چاپ دوم، انتشارات دفتر تبلیغات. ۲ محمود جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۶ انتشارات دفتر تبلیغات، ص ۵۵. ۳ شیخ حرالعاملی، وسایل الشیعه، ج۱۵، ص ۱۲۴. ۴ صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج۹، ص ۱۵۵. ۵ کنزالعمال ج ۱۶، ص ۴۱۹. ۶ محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۶۲. ۷ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۲ ص ۱۳۶۴، باب ۱۹۰۴، حدیث ۸۹۱۳. ۸ همان، حدیث ۳۲۰۲.

به عقیدهٔ برخی از مردم بعد از طلوع و غروب خورشید، خواندن فاتحه و صلوات برای مردگان خوب است و به آن ها می رسد، ولی پس از غروب و شب ها گفتن فاتحه سودی به حال آن ها ندارد. این گفته ها تا چه حدّ درست است؟

پرسش

به عقیدهٔ برخی از مردم بعد از طلوع و غروب خورشید، خواندن فاتحه و صلوات برای مردگان خوب است و به آن ها می رسد، ولی پس از غروب و شب ها گفتن فاتحه سودی به حال آن ها ندارد. این گفته ها تا چه حدّ درست است؟

پاسخ

خواندن فاتحه و صلوات و دادن خیرات و مبرّات به نیت ثواب برای اموات وقت خاصی ندارد، گرچه بر زیارت قبور مؤمنان در روز شنبه و دوشنبه و پنج شنبه تأکیده شده است. خواندن هفت مرتبه سورهٔ انّا انزلنا و سورهٔیس و سلام دادن بر مردگان و خواندن قرآن در روایات آمده است. در روایت امام صادق(ع) آمده است": اگر قبل از طلوع خورشید به زیارت قبر مردگان رفتید و به آنان سلام دادید آنان می شنوند و جواب می دهند واگر بعد از طلوع آفتاب رفتید، می شنوند ولی جواب نمی دهند.["۲"] [۲] بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۹۵ به بعد؛ وسائل الشیعه، ج۲، ص ۸۷۹ به بعد.

آیا به کسی که به حج عمره می رود می توان حاجی گفت؟

پرسش

آیا به کسی که به حج عمره می رود می توان حاجی گفت؟

پاسخ

از نظر اصطلاح فقهی واژهٔ" حج "و" حاجی "به چیزی و کسی گفته می شود که شرایط حج را داشته و حج او واجب شده است. هرگاه شرایط حج فراهم شد و شخصی مستطیع به مکه مشرف شد و اعمال حج را انجام داد، یکی از واجبات الهی را انجام داده و اصطلاحاً به او" حاجی "اطلاق می گردد. واژهٔ حج و حاجی به عمرهٔ تمتع و کسی که اعمال آن را انجام دهد اطلاق نمی گردد. البته ممکن است برخی از مردم با توجه به فرهنگ و ساختار جوامع خویش، بر کسی که اعمال عمره را انجام دهد، حاجی بگویند، ولی در عرف شرع به کسی که اعمال عمره را انجام دهد، حاجی گفته نمی شود.

آیا وجود خال در طرف راست و یا چپ صورت نشانهٔ شانس و اقبال است؟

پرسش

آیا وجود خال در طرف راست و یا چپ صورت نشانهٔ شانس و اقبال است؟

پاسخ

خال یک عارضهٔ پوستی است که ممکن است از عوارض خونی باشد و معمولاً روی پوست بدن ظاهر می شود. وجود خال روی صورت و یا هر جای دیگر، نشانهٔ شانس و اقبال نیست و چیزی را ثابت نمی کند. هر چند بین مردم بعضی مسائل به صورت خرافه و غیر علمی مطرح شده است اما هیچ یک از آن ها اعتبار علمی و شرعی ندارد.

آیا این گفته درست است که موقع سال تحویل هر کس در هر موقعیتی است، در همان موقعیت باقی می مانـد مثلاً اگر خواب باشد یا در حال

خواندن قرآن باشد در طول سال همیشه این حالات را به خود می گیرد؟

پرسش

آیا این گفته درست است که موقع سال تحویل هر کس در هر موقعیتی است، در همان موقعیت باقی می ماند مثلاً اگر خواب باشد یا در حال خواندن قرآن باشد در طول سال همیشه این حالات را به خود می گیرد؟

پاسخ

این مطلب وجه عقلایی ندارد. زمان تحویل سال یک زمان اعتباری و قراردادی است. در واقع در هر ثانیه، سال تحویل می شود. مثلاً اگر ما اوّل مهر را اوّل سال قرار بدهیم، همان زمان اوّل سال خواهد بود، همین طور هر زمانی را که اوّل سال قرار بدهیم. بنابراین اوّلاً اصل مطلب که تحویل سال در وقت خاصی است، یک امر قراردادی است، نه واقعی و تکوینی. ثانیاً مطلب مذکور که اگر کسی در آن ساعت در حالتی باشد، در طول سال به همان حال خواهد بود صحیح نیست. البته خوب است ابتدای سالِ قراردادی را با خوبی و خوشی و تلاوت قرآن شروع کنیم و آن را به فال نیک بگیریم.

چرا می گویند اگر هنگام شب خواستی آب بر روی زمین بریزی بسم الله بگو. آیا جنی ها در شب فعالیتی دارند؟

پرسش

چرا می گویند اگر هنگام شب خواستی آب بر روی زمین بریزی بسم الله بگو. آیا جنی ها در شب فعالیتی دارند؟

پاسخ

جن در شب و روز فعالیت دارد و آن چه نقل شده در میان عوام مشهور است ولی معلوم نیست این حرف اعتبار داشته باشد ولی در جن نیز افرادی موذی و بدرفتار یافت می شود که برای در امان بودن از آن ها دعاهایی وارد شده است از جمله گفتن بسم الله است. علامه طباطبایی می گوید: تقسیم آیهٔ مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم در مربعات به حروف ابجد برای رفع جنیان و افراد مبتلا به جن مفید است.[۱۰] [۱۰] علامه حسینی تهرانی، نگرشی بر مقالهٔ بسط و قبض تئوریک شریعت، ص ۱۹۱.

آیا درست است که در خانه و یا مسجد جانماز پهن باشد، شیطان نماز می خواند؟

پرسش

آیا درست است که در خانه و یا مسجد جانماز پهن باشد، شیطان نماز می خواند؟

پاسخ

چنین چیزی واقعیت نداشته و در متون دینی بدان اشاره نشده است. به نظر می رسد این گونه برداشت ها ریشه در فرهنگ ها و سنت برخی از جوامع دارد. شیطان سعی بر آن دارد که به گمراهی و اغوای انسان بپردازد، چنان که در قرآن بدان تصریح شده

است،[۲۳] آن گاه چگونه امکان دارد که خود در منزل و یا مسجد که جانماز پهن شده نماز بخواند؟ نماز خواندن شیطان در مسجد و خانه را عقل نیز نمی پذیرد، زیرا این عمل شیطان با برنامه ها و عملکرد او تضاد دارد. نماز خواندن در هر مکانی که باشد، زمینهٔ معنویت و تقوا را فراهم می کند و شیطان در صدد معنویت زدایی است. [۲۳] ص (۳۸) آیهٔ ۸۲.

در مورد مراسم آشپزی، در برخی مناطق مرسوم است که زنی پابرهنه برای جمع کردن پول به در خانهٔ هفت نفر که نام آن ها فاطمه است می رود و هیچ نمی گوید بلکه فقط ذکر می گوید و مواد لازم برای پختن آش را از آنان تهیه و جمع آوری می کند. آیا این مطلب دلیلی دارد؟

پرسش

در مورد مراسم آشپزی، در برخی مناطق مرسوم است که زنی پابرهنه برای جمع کردن پول به در خانهٔ هفت نفر که نام آن ها فاطمه است می رود و هیچ نمی گوید بلکه فقط ذکر می گوید و مواد لازم برای پختن آش را از آنان تهیه و جمع آوری می کند. آیا این مطلب دلیلی دارد؟

پاسخ

چنین مطالبی در منابع شرعی نداریم. گرچه آش پختن و خیرات و مبّرات کردن بسیار خوب است و آین که آن شخص ذکر می گوید، نیز بسیار خوب است، امّا دلیلی ندارد که به این خانه و آن خانه برای جمع آوری مواد لازم مراجعه شود.

گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر چه تأثیری به حال افراد متوفی دارد؟

پرسش

گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر چه تأثیری به حال افراد متوفی دارد؟

پاسخ

گذاشتن سنگ مرمر و آرامگاه روی قبر تأثیری به حال افراد متوفی ندارد بلکه احترامی برای مردگان محسوب می شود". اصولاً بناهای یاد بود که خاطرهٔ افراد برجسته و با شخصیت را زنده می دارد همیشه در میان مردم جهان بوده و هست و یک نوع قدر دانیاز گذشتگان و تشویق برای آیندگان در آن کار نهفته است. وجود این گونه بناها یک سند تاریخی بر وجود این شخصیت ها و برنامه و تاریخشان است.["۱۴] قرآن مجید در مورد اصحاب کهف می فرماید": آن ها که از رازشان آگاهی یافتند گفتند ما مسجدی در کنار مدفن آن ها می سازیم.["۱۵] [۱۴] تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۸۸. [۱۵] کهف (۱۸) آیهٔ ۲۱.

فلسفهٔ سینه زدن چیست و از چه زمانی بوجود آمد؟

پرسش

فلسفهٔ سینه زدن چیست و از چه زمانی بوجود آمد؟

پاسخ

سینه زدن یک نحوه عزاداری است که انسان عزادار در فراق محبوب و معشوق خود انجام می‌دهد بر پایی عزاداری و سوگواری در سیرهٔ مسلمانان با وجود همهٔ فشارها از جانب دشمنان اهل بیت به مرور زمان وسعت بیشتری یافته است پیش از قرن چهارم هجری برگزاری مراسم عزاداری برای امام حسین (ع آشکار نبود و بلکه نهائی انجام می گرفت اما از اوائل قرن چهارم به بعد عزاداری‌ها از گوشهٔ خانه‌ها و کنج خفا بیرون آمده و عیان گشت و به صورت دسته جمعی با حرکت هیأتهای عزاداری در کوچه‌ها و خیابان‌ها نمایان شد. معز الدولهٔ دیلمی یکی از سلاطین مقتدر آل بویه نیز در آشکار ساختی شعار شیعه نقش اساسی داشت وی مردم بغداد را به نوحه ماتم و عزاداری بر حسین (ع تشویق کرد. در سال ۳۵۲ هجری تا اواسط قرن پنجم که حکومت آل بویه از میان رفت مراسم عاشورا به صورت علنی برگزار می‌شد در همین سالها فاطیون مصر را به تصرف خود رآوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و با حضور آنان در مصر بزرگداشت مراسم عاشورا در مصر نیز انجام می گرفت در آن جا هر ساله ایام عاشورا بازارها را می‌بستند و مردم به طور دسته جمعی نوحه گری می کردند و به مسجد قاهره می‌رفتند. پس از آجن همان مراسم در سایر نقاط اسلامی مانند شمال افریقا، ایران و برخی از کشورها عربی رسوخ کرد. رسم سوگواری و تعزیه در قرن اول و دوم هجری در ایران رایج بود ابتدا عزاداری‌ها به صورت نوحه خوانی و مرثیه سرایی و گریه بود بعدها که به صورت هیات مذهبی درآمد و به کوچه و خیابان کشیده شد، با سینه زدن و زنجیر زدن و پرچم و سائر مراسم شد. البته منشأ عزاداری تأکید فراوان ائمه (ع برای بر پایی عزادرای و گریه کردن بر مظلوم کربلاـ بوده است و خود آنان نیز مراسم عزاداری برای امام حسین (ع بر پا می کردند و مداحان و سرایندگان را بر این کار تشویق می کردند.

چرا به امام هشتم(ع) قبلهٔ هفتم می گویند؟

پرسش

چرا به امام هشتم(ع) قبلهٔ هفتم می گویند؟

پاسخ

نظر به این که هفت مدفن برای معصومین(ع) وجود دارد: (۱- مدینه محل دفن پیامبر(ص) ۲- قبرستان بقیع ۳- نجف ۴- کربلا ۵- کاظمین ۶- سامرا ۷- مشهد لذا مدفن امام علی بن موسی الرضا(ع را بعضی از مردم قبلهٔ هفتم نامیده اند. البتّه منظوراز قبله در این جا قبلهٔ نماز نیست، بلکه قبله به معنا چیزی است که به آن توجّه می کند.[۳] مانند قبلهٔ آمال، قبله گاه، یعنی کانون توجه و مرکز آمال و آرزوها، مدفن مقتدا که انسان ها او را الگو قرار داده اند. [۳] آیت الله ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، ص ۴۸۶.

عاشورا و تاسوعا به چند معنا است و چرا روز نهم و دهم محرم به نام عاشورا و تاسوعای حسینی یاد می‌شود؟

پرسش

عاشورا و تاسوعا به چند معنا است و چرا روز نهم و دهم محرم به نام عاشورا و تاسوعای حسینی یاد می‌شود؟

پاسخ

عـاشورا را به دهمین و دهمین روز و تاسوعـا به معنای نهمین است. اگر چه این لفظ می توانـد بر نهمین و دهمین روز هر ماه اطلاق شود، اما فقط بر نهمین و دهمین روز محرم اطلاق شـده و معروف است. عاشورا در تاریخ جاهلیت عرب، از عید های رسـمی و ملی بود. در آن روزگار در چنین روزی روزه می گرفتند و لباس های فاخر می پوشـیدند، و چراغانی و خضاب می کردند. در اسـلام، با تشـریع روزهٔ رمضـان، آن روز نسـخ شـد. گفته انـد علت نامگـذاری روز دهم محرّم به عـاشورا آن است که ده نفر از پیـامبران با ده کرامت در این روز مورد تکریم الهی قرار گرفته‌انـد.[۱] در فرهنگ شـیعی، به خاطر شهادت امام حسین(ع) در این روز، عظیم ترین روز سوگواری و مـاتم به حسـاب می آیـد، زیرا بزرگترین فـاجعه و سـتم در مورد خانـدان پیـامبر انجـام گرفته است؛ از این رو امام صادق(ع) فرمود": و أمّا یوم عاشورا فیوم أصیب فیه الحسین(ع) ضـریعاً بین أصحابه و أصحابه حوله صرعی عراۀ؛[۲] عاشورا روزی است که حسین(ع) میـان یـارانش کشـته شـد و بر زمین افتـاد. یـاران او نیز پیرامون او به خـاک افتاده و عریان بودنـد. "شـیعیان امام حسـین(ع) در ایام محرم، به ویژه روز عاشورا عزاداری نموده و یاد و خاطرهٔ آن روز را زنده نگه داشـته اند، از این رو این روز به نام عـاشورای حسـینی شـهرت یـافت. البته امویـان بعـد از شـهادت امـام حسـین (ع) در این روز شادی می کردنـد. از این رو در زیارت عاشورا آمده است": اللّهم هذا یوم تبرّکت به بنو امیّۀ وابن آکلۀ الاکباد.[۳"] روز نهم محرّم، تاسوعای سال ۶۱ هجری امام حسین و یارانش در محاصرهٔ نیروهای دشمن بودند. و در این روز دشمن آب را به روی اهل بیت امام حسین(ع) و یاران او بسته بود. این روز به دلیل این که بر اهل بیت سخت گذشت و شاید یکی از روزهای بسیار سخت و مصیبت بر خاندان پیامبر بود، تاسوعای حسینی نام گرفت. امام صادق(ع) فرمود": تاسوعا روزی است که حسین(ع) و اصـحاب او در کربلا محاصـره شدند و سپاه شامیان بر ضد آنان گرد آمـد. ابن زیاد و عمر سـعد از فراهم آمدن آن همه سوار خوشـحال شدند و آن روز، حسـین(ع) و یارانش را ناتوان شـمردند و یقین کردنـد دیگر برای او یاوری نخواهـد آمـد و عراقیان او را پشتیبانی نخواهنـد کرد.[۴"] [۱]حیاه الامام الحسین، ج ۳، ص ۱۷۹. [۲]بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۹۵. [۳]همان، ج ۴۴ ص ۲۸۴؛ وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۴. [۴]سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۴.

چرا عید قربان و عید غدیر به این نام شناخته شده است؟

پرسش

چرا عید قربان و عید غدیر به این نام شناخته شده است؟

پاسخ

عیـد قربان به مناسبت این که در روز دهم ذی الحجه حجّاج در منی بایـد قربانی کنند، به نام عید قربان است. در هیجده ذی الحجه پیامبر اکرم(ص) در جایی به نام غـدیر خم علی(ع) را به خلافت و جانشـینی برگزید. از این رو آن را عید ولایت یا عید غدیر نامیده اند.

اگر بعضی ها بعد از دهم محرم که مردم عزاداری می کنند، به سی‌دی و فیلم‌های شاد نگاه کنند، درست است؟

پرسش

اگر بعضی ها بعد از دهم محرم که مردم عزاداری می کنند، به سی‌دی و فیلم‌های شاد نگاه کنند، درست است؟

پاسخ

هـدف از عزاداری برای حضـرت اباعبـدالله الحسـین(ع) آشـنا شـدن با اهداف آن بزرگوار و پیروی و ادامه دادن راه حضـرت است. حضـرت برای جلوگیری از فسـاد و گنـاه قیام کرد. او فرمود": أریـد أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر؛ مقصود من از قیام، امر به معروف و نهی از منکر است. برای پیـاده کردن روش جـدّم پیـامبر و پـدرم علی قیـام کردم. "افرادی که برای حضـرت عزاداری می کنند، باید خود را همرنگ و همراه امام حسـین(ع) قرار دهند و با اهداف او دمساز شوند. در جای دیگر دربارهٔ حضرت آمده است: "أشـهد أنّـک قـدْ أقمتَ الصـلوةَ و آتیت الزکوة؛ شـهادت می دهم که نمـاز را برپـاداشتی و پرداخت زکات را زنـده کردی. "ما که پیروان حضـرت هستیم و برای ایشان و مصیبات او گریه و عزاداری می کنیم، باید سعی کنیم از گناهان دوری کنیم. شکی نیست که نگاه کردن به فیلم ها و سی‌دی‌های آموزنده و غیر انحرافی اشکالی ندارد ولی نگاه کردن به فیلم ها و سی‌دی‌های مبتذل انسان را از راه و هـدف امام حسـین(ع) دور می کنـد و به مسیری دیگر می کشانـد. در این صورت چنین فردی که عزاداری می کند، از اهداف امام حسین(ع) غافل است و برای او سازندگی ندارد.

بعـد از مرگ افراد معمولاً مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برگزار می‌شود. چرا روزهای را مراسم می‌گیرنـد. آیا این مراسم تأثیری بر حال مرده دارد؟

پرسش

بعـد از مرگ افراد معمولاً مراسم سوم هفتم چهلم و سالگرد برگزار می‌شود. چرا روزهای را مراسم می گیرنـد. آیا این مراسم تأثیری بر حال مرده دارد؟

پاسخ

درخصـوص گرفتن مراسم سوم هفتم چهلم و سـالگرد برای متوفی روایت و سـفارش خاصـی از طرف معصومین ع) به دست نیامـد. البته احسان و صدقه و قرائت قرآن اگر با نیت خالص باشد، خوب است و ثوابش به مرده می‌رسد. رسول خدا(ص) فرمود": هنگامی که به نیت مرده صـدقه داده شود، خداونـد به جبرئیـل امر می کنـد بـا هفتـاد هزار ملک به سوی قبر میت حرکت کننـد. در دست هر ملکی طبقی است وقتی به قبر رسـیدند، خطاب به مرده می گوینـد: ای ولی خـدا، سـلام بر تو. این هدیه‌ای است که فلان پسـر فلانی برای تو فرستاده است و قبر او نورانی می‌شود.["۱] از امام صادق ع) سؤال شد: چه چیز برای انسان بعد از مرگش می‌رسد؟ حضرت فرمود": حـج و صدقه و روزه .[۲] پس در مـورد دبرپـایی مراسم سوم و هفتم و... که امروزه مرسوم است دسـتوری از امامـان ع) به دست نیـاوردیم گرچه هر کـار خیری اگر بـا نیت خـاص و قربـةً الی الله انجام گیرد و ثوابش به مرده هـدیه شود، به او می‌رسـد. [۱] سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۵۵۵. [۲] همان ص ۵۵۶.

ایام نحس چه ایامی است آیا بستگی به اعمال و رفتار انسان دارد؟

پرسش

ایام نحس چه ایامی است آیا بستگی به اعمال و رفتار انسان دارد؟

پاسخ

از نظر عقلی دلیلی بر اثبات یا نفی سعادت و نحوست ایام وجود ندارد، اما از نظر شرع در قرآن مجید در دوجا نامی از نحوست ایام آمده است" مانند باد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم بر آنها فرستادیم .[۱] در جای دیگر می‌فرماید": ما تندباد سخت و سرد در روزهای شومی بر آنها مسلط کردیم .[۲]در مقابل زمان سعد نیز در قرآن آمده است" ما قرآن را در شبی مبارک نازل کردیم .[۳] در روایات اسلامی به نحس و سعد ایام برخورد می کنیم مثلاً چهار شنبه هر هفته و چهار شنبه آخر ماه به عنوان ایام نحسن ذکر شده و روز اوّل ماه روز سعد و مبارکی معرفی گردیده است البته در پاره‌ای از این روایات علت نخوست آمده و آن حوادث ناگواری است که اتفاق افتاده است مانند رحلت رسول خدا (ص و شهادت سید الشهدا و انداختن ابراهیم در آتش و غیره که همه در روز دو شنبه واقع شده است علامه طباطبایی (ره پس از نقل روایات می گوید": اخباری که در بارهٔ نحوست و سعادت ایام وارد شده بیش از این دلالت ندارد که این سعادت و نحوست به خاطر حوادث دینی است که بر حسب ذوق دینی و یا بر حسب تأثیر نفوس یا در فلان روز ایجاد حسن کرده و یا باعث قبح و زشتی آن شده و اما این که خود آن روز و یا آن قطعه از زمان متصّف به میمنت و یا نحوست شود و تکویناً خواص دیگری داشته باشد که سایر زمان‌ها آن خواص را نداشته باشد، از آن روایات برنمی آید و هر روایتی که بر خلاف آن چه گفتیم ظهور داشته باشد، باید حمل بر تقیه کرد و یا به کلی طرح = بی اعتبار] نمود.["۴] روایتی که یکی از یاران امام هادی (ع نقل کرده مؤیّد این مطلب است روزی خواستم خدمت امام هادی (ع برسم که در آن روز در مسیر راه انگشتم مجروح شد و سواری از کنارم گذشت و به شانهٔ من صدمه زد و در وسط جمعیت گرفتار شدم و لباس را پاره کردند. گفتم خدا مرا از شرّ تو ای روز حفظ کند. عجب روز شومی هستی امام (ع فرمود": با این که با ما ارتباط داری چنین می گویی و روز را که گناهی ندارد، گناه کار می‌شمری " آن مرد عرض می کند: از شنیدن این سخن به هوش آمدم و به خطای خود پی بردم عرض کردم ای مولای من از این خطا استغفار می کنم حضرت فرمود": روزها چه گناهی دارند که شما آن‌ها را شوم می‌دانید و حال آن که کیفر اعمال شما در این روزها دامانتان را می گیرد . "؟راوی می گوید: عرض کردم من همیشه از خدا استغفار می کنم امام فرمود": این برای تو فایده‌ای ندارد. خداوند شما را به مذمت کردن چیزی که نکوهش ندارد مجازات می کند. آیا نمی‌دانی که خداوند ثواب و عذاب می‌دهد و جزای اعمال را در این سرا و سرای دیگر خواهد داد "؟سپس فرمود": دیگر این عمل را تکرار مکن و برای روزها در برابر حکم خداوند تأثیری قرار مده .[۵] پس طبق این روایت روزها نحس ندارند بلکه نتایج اعمال ما آن روز یا شب را به خوب یابد بودن متصّف می کند. اما روایاتی که برای رفع نحوست اعمال یا دعاها یا اذکار خاصی بیان کرده‌اند، مثل آن چه از امام صادق (ع نقل شده که کسی که اولّ صبح صدقه دهد، خداوند نحوست در آن روز را از او دفع سازد.["۶] یا فرموده اند": اگر روز چهار شنبه سفر می کنی صدقه بده و آیت الکرسی بخوان .[۷] علامه طباطبایی چنین توجیه کرده‌اند": این روایات در مقام نجات دادن مردم از شرّ تفأل است می‌خواهد بفرماید: اگر قوّت قلبت به این حد است که اعتنایی به نحوست ایام نکنی که چه بهتر و اگر چنین قّوت قلبی نداری دست به دا من خدا شو و قرآنی بخوان و دعائی بکن .[۸ پاورقی: ۱ - قمر (۵۴) آیه ۱۹. ۲ - فصلت (۴۱) آیه ۱۶. ۳ - دخان (۴۴) آیه ۳. ۴ - ترجمه المیزان، ج۱۹، ص ۱۴۴. ۵ - بحارالانوار، ج۵۶، ص ۲. ۶ - همان، ج۵۶، ص ۳۱. ۷ - همان، ص ۲۸. ۸ - ترجمه المیزان، ج۱۹، ص ۱۴۳.

چرا برای شهادت امام حسین (ع مراسم اربعین برگزار می شود، ولی در رحلت پیامبر و سایر ائمه این کار صورت نمی‌گیرد؟ توضیح دهید.

پرسش

چرا برای شهادت امام حسین (ع مراسم اربعین برگزار می شود، ولی در رحلت پیامبر و سایر ائمه این کار صورت نمی گیرد؟ توضیح

دهید.

پاسخ

اقامهٔ عزای حسین در اربعین سالار شهیدان در جهان تشیع به خاطر چند چیز است ۱ ـ برپایی مراسم سوگواری برای امام حسین (ع در مناسبت‌های مختلف دستور امامان (ع است گریستن بر ابا عبداله الحسین (ع ثواب بسیار دارد. فرشتگان پیامبران زمین آسمان حیوانات صحرا و دریا هم بر عزای حسین (ع گریسته‌اند. عزاداری بر حسین (ع نشانهٔ پیوند قلبی با اهل بیت و سید الشهدا است دستور امامان بر گریستن بر امام حسین (ع بسیار است حضرت رضا (ع به ریّان بن شبیب فرمود": اگر بر چیزی گریه کنی بر حسین بن علی گریه کن که او را همچون گوسفند سر بریدند . "یکی از رموز این همه تأکید بر سوگواری امام حسین (ع این است که این کار یک نوع مبارزه با ستمگران بنی امیه و بنی عباس و طاغوتیان بدی است در حقیقت برقراری عزای حسینی یک جهاد مقدس و احیای خط ائمه (ع و تبیین مظلومیت آنان و اعتراض به ظالمان و حمایت از مظلومان و انتقال فرهنگ شهادت به نسل‌های آینده است محرم و صفر اسلام را بیمه کرده است ۲ ـ در نخستین اربعین شهادت امام حسین (ع جابر بن عبداله انصاری و عطیه عوفی موفق به زیارت تربت و قبر سید الشهداء (ع شدند، نیز بنا، به برخی نقل‌ها در اربعین کاروان اسرای اهل بیت (ع در بازگشت از شام وارد کربلاـ شدند و برای شهدای کربلاـ گریه و عزا داری نمودند بنابر این اولین عزا داری برای سید الشهدا در اربعین شهادت حضرت صورت گرفت شیعیان نیز برای شرکت در عزا داری حضرت زینب و اسرای کربلا و احیای خاطرهٔ غمبار عاشورا و تداوم شور حسینی همه ساله در اربعین عزاداری می‌کنند. ۳ ـ زیارت امام حسین (ع در روز اربعین مستحب است و از نشانه‌های مؤمن شمرده شده است امام عسکری (ع فرمود": نشانه‌های مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز، زیارت اربیعن انگشتر به دست راست کردن پیشانی به خاک گذاشتن (در حال سجده ، و بسم الله را (در نماز) بلند گفتن . به طور کلی تاکید و توصیه‌ای که از طرف ائمه (ع برای عزا داری امام حسین صورت گرفته در مورد هیچ امامی صورت نگرفته و با آن که شهادت امام حسین در یک روز است اما همان طور که می دانید عزاداری برای او از مدت‌ها قبل و پس از آن ادامه می‌یابد. این همه برای رسیدن به هدف و درس هایی است که در عاشورا بوده که هدف تمام امامان (ع در آن خلاصه شده است که در قیام امام حسین (ع روشن‌تر، آشکارتر، جامع‌تر و عمیق‌تر وجود یافته است پاورقی: ۱ – سفینه البحار، ج۱، ص ۹۷. ۲ – بحارالانوار، ج۴۴، ص ۲۸۶. ۳ – جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۱.

منظور از حمّام منجاب که گاه علما از آن نام می برند چیست؟

پرسش

منظور از حمّام منجاب که گاه علما از آن نام می برند چیست؟

پاسخ

نقل کرده اند که در شهر یا روستایی حمامی بود به نام منجاب. زنی برای استحمام به سوی حمام حرکت کرد، ولی جای آن را نمی دانست. از مردی که در خانهٔ خویش ایستاده بود پرسید: حمام منجاب کجا است؟ مرد هوسران و شهوت باز چون به چهرهٔ زن نگاه کرد، شهوتش طغیان کرد و به دروغ به زن گفت: حمام منجاب همین جا است، و اشاره به خانهٔ خود کرد. زن بیچاره وارد خانهٔ مرد

هوسباز شد. مرد در خانه را بست و زن را به عمل زشت زنا دعوت کرد، ولی زن مؤمنه با حیله ای خود را از دست آن مرد نجات داد. زن ابتدا گفت: اشکالی ندارد، ولی الان من کثیف و خون‌آلوده هستم. اجازه بده به حمام بروم و خود را تمیز کنم و شستشو دهم، بعد در خدمت تو هستم. زن از خانه بیرون آمد و به سوی حمام رفت و بدین وسیله خود را نجات دارد، ولی آن مرد که همواره چهرهٔ آن زن در زهنش بود، تا آخر عمر حتی هنگام احتضار و مرگ افسوس می‌خورد و می گفت: حمام منجاب کجاست؟!

بعضی گداها با آنکه وضع خوبی دارند، باز اقدام به تکدّی می کنند. آیا می توان به این افراد چیزی نداد یا آن‌ها را از خود راند؟ با این افراد به طور کلی چگونه باید برخورد نماییم؟

پرسش

بعضی گداها با آنکه وضع خوبی دارند، باز اقدام به تکدّی می کنند. آیا می توان به این افراد چیزی نداد یا آن‌ها را از خود راند؟ با این افراد به طور کلی چگونه باید برخورد نماییم؟

پاسخ

یکی از ناهنجاری های اجتماعی که متأسفانه در میان جوامع مسلمانان بیشتر به چشم می‌خورد، تکدی یا گدایی است. گدایی کار نازیبا و ناپسندی است، چه رسد به این که برای بعضی نوعی شغل و محل کسب درآمد شده باشد، که در این صورت مفسده ای اخلاقی می‌باشد و نوعی کلاهبرداری از راه سوء استفاده از اعتقادات و احساسات مردم است. مسلّم است که در مورد این طور گدایان، حداقل کاری که می توان انجام داد، امتناع از پرداخت هر گونه وجه و کمکی به آن‌ها است و حداکثر (با علم به چنین رفتار ناشایستی) معرفی او به مراجع قضایی و انتظامی، و امر به معروف نیز می‌تواند به عنوان یک برخورد مثبت تلقی شود. اما ضرورتی ندارد که با این افراد درگیر شویم، با آن‌ها تند برخورد کنیم و ...، مگر این که موقعیتی پیش آید که از برخورد ناگزیر باشیم. اما در مورد انسان های مستحق یا آنان که علم به سوء استفاده شان نداریم، یعنی نمی دانیم که استحقاق دریافت کمک دارند یا نه، در هر حال الگوی اسلامی، کمک به این افراد و برخورد با عطوفت و مهربانی، تواضع، منت ننهادن و آزار نرساندن است. آیات و روایات بسیاری در این زمینه وجود دارد و بر آن تأکید می کنند. کمک به افرادی که مستحق هستند اما آبروی خود را حفظ می کنند و در مقام درخواست بر نمی آیند، بیشتر توصیه و تأکید شده است. در هر حال، هر دو گروه را می توان به کمیتهٔ امداد امام خمینی، یا سازمان بهزیستی که یکی از وظایفشان سر و سامان دادن به زندگی این افراد است، ارجاع داد و صدقات خود را به صندوق ها واریز نمود.

عزاداری خوب و مقبول برای ائمه چه ویژگی هایی دارد؟

پرسش

عزاداری خوب و مقبول برای ائمه چه ویژگی هایی دارد؟

پاسخ

عزاداری برای ائمه(ع) اظهار محبّت و علاقه نسبت به آنان و نیز اظهار تنفر و برائت از دشمنان آنان است. آنان که با جانفشانی و شهادت مظلومانه درخت اسلام را سرسبز نگه داشتند. مخصوصاً بر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران او مصیبت بسیار سختی وارد شد که دل عالَم و آدم را خون کرد. کمتر کسی است که مصیبت او را بشنود و گریه نکند. مصیبتی که بر آسمان ها و زمین بسیار سخت گذشت. در طول تاریخ چنین حادثه ای از نظر کمّی و کیفی کمتر واقع شده است. در زیارت عاشورا آمده است: "مصیبهٔ ما أعظمها و أعظم رزّیتها فی الاسلام و فی جمیع السموات والارض؛ مصیبتی که در اسلام و در جمیع آسمان ها و زمین بسیار بزرگ و عظیم بود. "عزاداری و گریه برای آنان دارای اجر است و باعث همراه شدن با آنان است. در عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و سایر معصومان باید از ریاکاری و خودنمایی و از اعمال و کارهای زشت از قبیل خون آلود کردن بدن، قمه زدن که باعث توهین تشیع می‌شود، جدّاً خودداری کرد. از مطالب دروغ و بی مبنا باید پرهیز شود. بهترین شکل عزاداری تشکیل مراسم عزاداری همراه با سخنرانی و مداحی است، زیرا در آن مسائل حلال و حرام و پند و موعظه و ذکر فضائل و مناقب و مصائب اهل بیت و فلسفه و هدف قیام امام حسین(ع) و درس ها و عبرتهایی که در آن وجود دارد، بیان می‌شود و مردم در سایهٔ عزاداری با معارف اسلامی آشنا می‌شوند.بدیهی است تشکیل هیئات عزاداری همراه با سینه زنی به صورت معقول بسیار مناسب است.

چرا ماه رجب را رجب المرجب نامیده است

پرسش

چرا ماه رجب را رجب المرجب نامیده است

پاسخ

لغت شناسان واژهٔ رجب را به عظمت معنا کرده‌اند. و مرجب به معنای" مورد عظمت قرار داده شده می‌باشد. رجب هفتمین ماه از سال قمری است بدین جهت بدان رجب المرجب گفته‌اند که قبایل عرب به آن ماه احترام قایل بوده و آن را بزرگ می‌شمردند و جنگ را در آن ماه جایز ندانسته و یکی از ماه‌های حرام شمرده می‌شد. عرب صور اسلام بدان" شهر اللّه گفته و تعظیم می‌نمودند. در آموزه‌های دینی ماه رجب از جایگاه و اهمیت خاص برخور دار است که حکایت از عظمت این ماه دارد در روایتی آمده است نه" رجب نام جوی است که از عسل شیرن‌تر و از برف سفیدتر است هی که در این ماه روزه دارد، از آن جویش آب دهند. "پیامبر اسلام (ص فرمود": رجب برای امّت من ماه استغفار است بین در این ماه به محضر پروردگار از گناه خویش یوزش کلید که خداوند، بخشندهٔ مهربان است شاید به خاطر عظمت ماه رجب المرجب است که شخصیتی مانند امام علی (ع در آن متولد شده است

چرا قاریان موقع تلاوت قرآن دست‌ها را بر گوش خود قرار می‌دهند؟

پرسش

چرا قاریان موقع تلاوت قرآن دست‌ها را بر گوش خود قرار می‌دهند؟

پاسخ

بهتر بود این سؤال را از قاریان می‌پرسیدیده ولی چند احتمال وجود دارد: ممکن هست این کار بنابر عادت طبیعی قاریان باشد، باگذاشتن دست روی گوش تسلّط بیشتر و دقیق‌تری صدای خویش پیدا می کنند و صدای خود را تنظیم می‌نمایند، و یا با این کار جلوی ورود صداهای دیگر گرفته می‌شود، البته از نظر شرعی هیچ وجهی ندارد. در مورد تاریخ تولد و شهادت حضرت احمد بن موسی (ع (شاه چراغ توضیح دهید؟ پاسخ: متأسفانه آگاهی‌ها در بارهٔ احمد بن موسی بن جعفر (ع معروف به" سید السادات و" شاه چراغ بسیار اندک است از این رو مورخان وسیره نگاران در بارهٔ محل وچگونگی شهادت وی اختلاف دارند. تاریخ ولادت او نیز معیّن نیست گرچه سال شهادت وی را ۲۰۳ه ذکر کرده‌اند. مورخان نوشته انده وی در سال شهادت امام هشتم (ع ، یعنی ۲۰۳. به شهادت رسیده است برخی از مورخان باور دارند که احمد بن موسی بعد از شنیدن خبر شهادت امام رضا (ع به همراه خویشاوندان به خون خواهی برادر و انتقام از مأمون خروج کرد و رو به ایران نهاد و در قم با سپاهیان مأمون جنگید و سر انجام به خراسان و در جایی نزدیک اسفرای طی جنگ بالشکریان مأمون کشته شد و همان جا دفن گردید، که بعداً زیارتگاه شد. برخی از مورخان عقیده دارند که احمد بن موسی (ع بعد از خبر شهادت امام هشتم (ع به خون خواهی آن حضرت عازم ایران شد و در هنگام رسیدن به هشت فرسخی شیراز، در حالی که عده‌ای دو را همراهی می کردند، باشکریان قتلغ خان (استاندار شیراز) جنگید و در همان جا به شهادت رسید و دفن شد.

بودن کبوتران در حرم بعضی از ائمه(ع) نشانهٔ چه می باشد؟

پرسش

بودن کبوتران در حرم بعضی از ائمه(ع) نشانهٔ چه می باشد؟

پاسخ

در احادیث اهل بیت(ع) در مورد کبوترانی که در اطراف حرم امامان(ع) جمع می‌شوند، مطلبی به دست نیامد، ولی می توان گفت این امر نشانهٔ صفا و پربرکت بودن این اماکن مقدسه است، چرا که کبوتران از برکت حرم های مطهر بهره مند شده و بدون زحمت از گندمی که زوّار اهدا می کنند، روزی می خورند. هرجا که پرندگان و چرندگان احساس امنیت و رفاه کنند، طبعاً در آن جا گرد خواهند آمد. دلیل خاصی ندارد. تذکر: لطفاً سعی کنید سؤالات خود را مستقیماً به آدرس: قم، ص . پ ۱۹۷ – ۳۷۱۸۵ واحد پاسخ به سؤالات بفرستید تا سریع تر جواب را دریافت نمایید.

آیا این گفته صحیح است که هر وقت انسان ناخودآگاه تکانی می‌خورد، می‌گویند این عزرائیل است که به او تنه می زند و مرگ را یادآور می‌شود؟

پرسش

آیا این گفته صحیح است که هر وقت انسان ناخودآگاه تکانی می‌خورد، می گویند این عزرائیل است که به او تنه می زند و مرگ را یادآور می‌شود؟

پاسخ

سخن مذکور یک برداشت و تلقی عامیانه است و دلیل و سندی برای آن نمی توان پیدا کرد. البته خداوند از راه های مختلف انسان ها را به مرگ متوجه می‌سازد، مانند مرگ اطرافیان و فامیل و همسایه.

منظور از روز بزرگداشت شخصیت هایی که در تقویم آمده، آیا سالروز تولد است یا سالروز رحلت؟

پرسش

منظور از روز بزرگداشت شخصیت هایی که در تقویم آمده، آیا سالروز تولد است یا سالروز رحلت؟

پاسخ

اگر روز وفات یا تولد آن شخصیت معلوم و مشخص باشد، غالباً آن را قید می کنند، مثلاً می نویسند سالروز شهادت شهید مطهری یا سالروز رحلت امام خمینی(ره) یا سالروز تولّد امام باقر(ع)، امّا اگر قید نکردند مثلاً نوشتند" سالروز بزرگداشت عطار نیشابوری" احتمال دارد روز فوت یا روز تولد او باشد، نیز احتمال دارد آن روز را به عنوان بزرگداشت در تاریخ قرار داده باشند تا از او یادی بکنند و مقام علمی و عملی او را پاس بدارند. احتمال سوّم غالباً در مواردی است که روز تولد یا رحلت معلوم نباشد.

آیا انداختن شال سبز با نیت جلب احترام به دیگران و یا خود را فرزند ائمه اطهار (ع) دانستن موجب نارضایتی اهل بیت می‌گردد؟ آیا صحیح است

پرسش

آیا انداختن شال سبز با نیت جلب احترام به دیگران و یا خود را فرزند ائمه اطهار (ع) دانستن موجب نارضایتی اهل بیت می گردد؟ آیا صحیح است

پاسخ

از نظر اخلاقی خودیابی و ریا کاری صحیح نیست ولی صرف انداختن شال سبز و اظهار سیادت گناهی ندارد. اگر سیدی این کار را کرد، نباید آن را حمل بر جلب احترام مردم یا فخر فروشی بکنیم

امروز رسم شده که صاحب عزا لباس مشکی به تن می‌کند. آیا از قدیم رسم بوده؟ حکم علما در این مورد چیست؟ آیا مراسم هایی مانند مجلس ختم، هفت و چهلم لازم است؟

پرسش

امروز رسم شده که صاحب عزا لباس مشکی به تن می کند. آیا از قدیم رسم بوده؟ حکم علما در این مورد چیست؟ آیا مراسم هایی مانند مجلس ختم، هفت و چهلم لازم است؟

پاسخ

پوشیدن لباس سیاه منشأ تاریخی دارد. در حدیثی نقل شده که چون امام حسین(ع) شهید شد، زنان بنی هاشم لباس سیاه پوشیدند.[۴] و از آن وقت به بعد در ایام محرّم عزاداران در سوگواری سید الشّهدا و سایر امامان معصوم(ع) هم خود لباس سیاه می پوشند و هم مساجد و تکایا را سیاه پوش می کنند. کم کم میان مردم رسم شد که در سوگ و عزای عزیز از دست رفته، لباس سیاه بپوشند. البته این مسئله میان بعضی از ملت ها و فرهنگ های دیگر نیز هست. و علما و مراجع محترم تقلید در این مورد نظری ندارند، ولی در هر حال پوشیدن لباس سیاه در حال نماز برای مردان مکروه است.[۵] دربارهٔ برگزاری مجالس ختم و هفت و چهلم برای میت مسلمان، دلیل خاصی نداریم، لکن برپایی چنین مجالسی برای تسلیت و ارامش خاطر بازماندگان و احترام به میت مسلمان نثار و خیرات برای او مطلوب است. [۴] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۸.

آیا شاد بودن در مجالس ائمهٔ اطهار(ع) ثواب دارد؟

پرسش

آیا شاد بودن در مجالس ائمهٔ اطهار(ع) ثواب دارد؟

پاسخ

همانطور که درروایات به برپایی مجالس سوگواری معصومان(ع) به خصوص حضرت اباعبدالله الحسین(ع) سفارش اکید شده و شرکت کنندگان آن نزد خداوند از ثواب و پاداش عظیمی برخوردارند، برپایی جشن و سرور نیز برای آنان و شرکت در آن سفارش شده و موجب ثواب است، البته اگر همراه با کار حرامی نباشد. از امام علی(ع) نقل شده": شیعیان و پیروان ما کسانی هستند که ما را یاری می کنند. نیز در شادی و خوشحالی ما خوشحال و شاد می‌باشندو در غمگینی و ناراحتی ما محزون و غمگین می‌باشند.["۱] تاریخ نویسان نقل کرده اند که پیامبر(ص) وقتی وارد مدینه شد، زنان و مردان انصار به جشن و سرور و شادی پرداختند و اشعاری را سرودند. در این هنگام پیامبر از مردم مدینه پرسید: آیا مرا دوست دارید؟ گفتند: به خدا قسم آری! پیامبر فرمود: من هم شما را دوست دارم.[۲] از امام صادق(ع) نقل شده": پیامبر(ص) برای برپا کنندهٔ جشن و سرور و شادی در ازدواج حضرت زهرا دعا کرد و دست های خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا، همان طور که" اسماء بنت عمیس "در این شب جشن و سرور برپا کرد و دل دخترم فاطمه را شاد کرد، در قلب او سرور و شادی ایجاد کن.["۳] بنابراین از روایات به خوبی استفاده می‌شود که بر پایی جشن و سرور در ولادت معصومان(ع) مطلوب و پسندیده است، در صورتی که همراه با محرّماتی از قبیل اختلاط زن و مرد نباشد، و شرکت و کمک به آن موجب ثواب خواهد بود. [۱]بحارالأنوار، ج ۶۵، ص ۱۸. [۲]بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۷۵، حدیث ۳۲. [۳]دعائم الأسلام، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۷۵۲.

ساختن دوتار را منسوب به حضرت ... می دانند و اهل سنت هم به این علت در خانهٔ خود دوتاری را به عنوان تبرک نگه می داند. آیا این گفته حقیقت دارد؟

پرسش

ساختن دوتار را منسوب به حضرت ... می دانند و اهل سنت هم به این علت در خانهٔ خود دوتاری را به عنوان تبرک نگه می داند. آیا این گفته حقیقت دارد؟

پاسخ

برای آگاهی شما نسبت به این مسئله لازم است در این مورد اطلاعاتی در اختیار شما قرار دهیم. دوتار و تنبور دوتار سازی است از سازهای قدیمی و کهن که در اکثر مناطق استان خراسان و برخی از نواحی شمال و شرق آن سامان و پاره ای از نقاط مرز و بوم ما با اختلافاتی چند در پرده بندی و ساختمان رواج داشته و دارد. زمان پیدایش ساز دوتار معلوم نیست و دربارهٔ آن مأخذی در دست نداریم. مسلّم این است که نام این ساز از دو وتر ابریشمی یا دو سیم گرفته شده و در کشور افغانستان و شمال کشور ایران هم سازی با همین خصوصیات و به همین نام وجود دارد. ابونصر فارابی در کتاب خود الموسیقی الکبیر از سازی با همین مشخصات – بدون کم و کاست – به نام طنبور خراسان نام می برد و می گوید": در ناحیه ای که این اثر را نگاشته ام، تحت این نام دو نوع طنبور ساخته می شود: تنبور خراسان که در منطقه ای با همین نام (در آن زمان افغانستان و ماوراء النّهر هم جزء خراسان بوده است) و در همسایهٔ شمالی و جنوبی و غربی آن جا ساخته می شود و تنبور بغداد که در عراق و غرب آن جا معمول است و از نظر ابعاد و شکل با هم تفاوت دارند. "عبدالقاهر مراغه ای (وفات ۸۳۷ ه . ق) در مقاصد الالحان چنین شرح می دهد": تنبور شروانیان و آن سازی است که اهل تبریز بسیار در عمل آرند و آن بر هیئت آمرودی (گلابی) باشد و سطح آن بلند باشد و بر آن دو وتر منفرد و بر ساعد آن پرده‌ها بندند. "فارمر (محقق انگلیسی) در مقالهٔ خود تحت عنوان تأثیر نفوذ ایران در تعبیه آلات موسیقی می نویسد": ساز دیگری که آن را تنبور خراسان می نامند و در اوایل خلافت عباسیان در دربار ایشان رواج یافت در موسیقی عرب تأثیر بسیار کرد." "باریتوس "و" پاندورا "دو نویسندهٔ یونانی نیز به هنگام یاد کردن از سازهای فرهنگی های دیگر از" عود ایرانی "و" تنبور خراسانی "نام می برند. مسعودی در مروج الذهب به آلات موسیقی ای که اهالی خراسان به کار می بردند، اشاره کرده و می گوید": یکی هفت تار داشت که آن را" زنگ "می گفتند و دیگری تنبور که اهل طبرستان و ری آن را دوست تر داشتند و این آلت موسیقی نزد همه فرس مقدّم بر سایر آلات موسیقی بوده است. "ابن خرداذبه ابوالقاسم عبیدالله صاحب کتاب المسالک و الممالک (وفات ۳۰۰ ه . ق) دربارهٔ تنبور می نویسد": آواز خوانی مردم ری و طبرستان و دیلمان با تنبورهاست. ایرانیان تنبورها را بر بیشتر سازها برتر گیرند. "در حجاری های دورهٔ اشکانیان نقش تنبور دیده می شود و به اعتبار این که اشکانیان خراسانی بوده و این ساز را دوست می داشته اند، مدرکی است بر وجود دوتار یا تنبور خراسان. در میان ترکمن ها این ساز بسیار رواج دارد و به نام "توتار "شناخته می شود، چون ساختمان آن از چوب توت است و پرده ها و تارها از ابریشم (توت + تار). ترکمن ها می گویند: صفحهٔ" توتار "باید از چوب توت ماده باشد و کاسه آن از چوب توت نر و دستهٔ آن از چوب زرد آلو، زیرا این سه عاشقند و سخنی که از عشق بر آید، بر دل نشیند. شکل دوتار ترکمن شباهتی بسیار به دوتار دره گز دارد و بیشتر شبیه به تنبوری است که سلسله اهل حق با آن سر و کار دارد. هم چنان که ملاحظه می شود در هیچ یک از منابع کهن نامی از دوتار برده نشده است و همه بالاتفاق از تنبور خراسان سخن گفته اند. این نکته و نیز توجه به این مطلب که در حال حاضر تنها سازی که در خراسان و نواحی اطراف آن معمول است و نغمات پیشینیان که سینه به سینه انتقال یافته، با آن نواخته می شود، دوتار است نیز با توجه به مشخصاتی که ابونصر فارابی و عبدالقاهر مراغی در کتب خویش از شکل و شمایل متفاوت تنبور در نقاط مختلف آورده اند و بعضی شواهد و مدارک دیگر، به طور قطع می توان گفت که: تنبور خراسان همان دوتار هراتی یا دوتار است. به هر حال تاریخ پیدایش این ساز به هر نام و نشانی که باشد، ناپیدا است و نمی توان تاریخی برای آن معیّن نمود. آنچه که توسط برخی نویسندگان دربارهٔ منشأ آن نوشته شده، مبتنی بر تحقیق نیست و به قول ابن خرداذبه اقاویل و افسانه هایی است که بنا به مقتضیاتی به وسیلهٔ نویسندگان نقل شده است که به هدف های معیّنی ساخته و پرداخته شده اند و مأخذ قرار دادن آن ها دور از حقیقت و انصاف است. از میان این اقاویل و افسانه ها یکی منسوب دانستن تنبور به قوم لوط است. مفضل ابن سلمعه نحوی در کتاب العود و الملاهی از هشام کلبی نقل می

کنـد که: قوم لوط هر زمـان از نوجوانی خوشـشان می آمـد، دل او را با زدن تنبور نرم می کردنـد. عـده ای دیگر ساختن عود (و در بعضـی نقل ها تنبور) را به قابیل [یا قاین] فرزند حضـرت آدم نسـبت می دهند. صاحب کتاب مطلع العلوم و مجمع الفنون سازندگان تنبور را ترکان و صاحب بهجت الروح سازندهٔ ان را جالینوس می شـمارد. از آنچه گفتیم نتیجه می گیریم: ۱) انتساب دوتار به یکی از پیـامبران یـا اولیـای الهی یا هیـچ فرد دیگری از روی تحقیق و سـند قوی نیست، بلکه صـرفاً افسانه هایی است که منشأ اکثر آن ها داستان‌های عامیانه است. ۲) بر همین ترتیب، ساز دوتار هیـچ گونه تقـدّس و تبرکی از این ناحیه ندارد. ۳) احتمالاً در نامهٔ شما میان دوتار و تنبور خلط شده است. گروهی از صوفیان و دراویش اهل حق برای ساز تنبور و آواهای برخاسته از آن احترامی خاص قائلند و آن را نمـادی عرفـانی می داننـد که آوای دوست را به گوش انسان می رسانـد؛ یعنی درست همان نمادی که مولانا از صـدای نی اراده کرده است: بشنو از نی چونحکایت می کنداز جدایی ها شکایت می کند. و همو درمورد تار یا تنبور می گوید: خشک سیم و خشک چوب و خشک پوسـتازکجا می آیـد این آوای دوست ۴) در منابعموسـیقی چیزی در باب این انتساب ملاحظه نشـده است. شاید هر طریقتی از پیش خود دوتاریا تنبور را به کسی منتسب بدانند و از همین رو برای آن تقدسی قائل باشند. چنانچهنام آن دسته از اهل سنت را می نوشتید، می توانستیم اطلاعاتجامعتری در اختیارتان قرار دهیم.۲[۷"] در صورت مکاتبهٔ بعدی مشخصات کامل و شمارهنامـهٔارسال شـده را قید فرمائید "تلفن مسـتقیم: ۷۷۴۳۱۸۳و ۷۷۳۴۵۳۰ و ۹۴-۷۷۴۳۱۸۹داخلی ۰۲ [۷]الموسیقی الکبیر فارابی؛ فارابی (وفات . ۳۳۹ ه ق) در جلـد دوم کتابخود (جلد اوّل از بین رفته) به سازهای عصـر خود، (قرن ۳ و ۴ هجری می پردازد و پس ازبررسـی عود به انواع طنبور می رسـد؛ مقاصـد الالحـان عبـدالقاهر مراغه ای؛ کتاب سالشـیدا، ج ۱، مقالاـتی از دکتر مهـدی فروغ، مهدی کمالیانم تنبور، نوشته سید خلیل عالینژاد؛ آئینه و آواز، نوشته محمد رضا درویشی.

آیا لباس سـیاه برای مرده اثرات بدی دارد؟ اگر لباس سیاه خوب نیست، برای امامان معصوم چطور است؟ آیا ثواب پوشیدن لباس سیاه برای امام حسین تا ده روز یا تا آخر ماه می‌باشد؟

پرسش

آیا لباس سـیاه برای مرده اثرات بـدی دارد؟ اگر لباس سـیاه خوب نیست، برای امامان معصوم چطور است؟ آیا ثواب پوشـیدن لباس سیاه برای امام حسین تا ده روز یا تا آخر ماه می‌باشد؟

پاسخ

پوشـیدن لباس سیاه کراهت دارد، یعنی اگر نپوشـیم، بهتر است. بیشتر به پوشـیدن لباس سـفید ترغیب شده است. پیامبر(ص) فرمود: "ألبسوا من ثیـابکم البیـاض فأنّهـا من خیر ثیـابکم و کفّنوا فیها موتاکم؛[۲۵] لبـاس سـفید بپوشـید زیرا آن بهترین لبـاس است و مرده هایتـان را در لبـاس سـفید کفن کنیـد. "بـاز فرمود": أحسن مازرتم الله عزّ و جلّ به فی قبورکم و مساجـدکم البیاض؛[۲۶] از بهترین لباس ها نزد خـدا لباس سـفید است، پس در آن نماز بخوانیـد و مرده هایتان را در آن کفن کنیـد. "پوشـیدن لباس مشـکی در عزای عزیز از دست دادن، روایت نشده که دلالت بر تأیید یا رد آن کند و اینکه اثار بدی داشـته باشد. امّا پوشـیدن لباس سیاه در عزاداری ها که از قـدیم مرسوم بوده و هست، اشـکالی نـدارد، بلکه رجحان شـرعی دارد، چون از مصادیق شـعائر الهی است، مخصوصاً برای عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) که زمین و زمان مصیبت زدهٔ او هستند. بزرگانی چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (ره) در روز عاشورا از قبای سیاه استفاده می کردند.[۲۷] نقل شده وقتی که حسین بن علی(ع) به شهادت رسید، زن های بنی هـاشم لبـاس سـیاه و خشـن پوشـیدند و از گرمـا و سـرما شِـکوه نمی کردنـد و علی بـن الحسـین(ع) برای آنـان طعـام درست

می کرد.[۲۸] صاحب حدائق در ج ۷، ص ۱۱۸ فرموده است: بعید نیست استثنا کردن پوشیدن لباس سیاه در ماتم امام حسین(ع)، یعنی پوشیدن لباس سیاه کراهت ندارد، زیرا روایات فراوان وارد شده به اظهار حزن و اندوه برای اباعبدالله الحسین(ع).[۲۹] مرحوم حاجی نوری در مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۷ فرموده: پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری کراهت ندارد، بلکه رجحان دارد، همان طور که سیره و روش متدینان در ایام عزاداری اباعبدالله(ع) بر آن است.[۳۰] مدت عزاداری برای اباعبدالله الحسین(ع) مقدار ندارد و چند روز پوشیدن لباس سیاه کراهت ندارد، بلکه رجحان دارد. برخی از مراجع فرموده اند: در ایام سوگواری هر یک از امامان، هم چنین در سراسر ماه های محرّم و صفر پوشیدن لباس مشکلی مستحب است.[۳۱] [۲۵] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، خبر ۱۸۰۶۱. [۲۶] همان، خبر ۱۸۰۶۲. [۲۷] آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۷۰ به بعد. [۲۸] همان. [۲۹] همان. [۳۰] همان. [۳۱] آیت الله تبریزی، استفتائات جدید، س ۱۹۹۳ و ۱۹۹۳؛ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۹۰ به بعد.

چرا حرم مقدس ائمه اطهار(ع) و اماکن مقدسه را به صورت گنبد درست می کنند؟

پرسش

چرا حرم مقدس ائمه اطهار(ع) و اماکن مقدسه را به صورت گنبد درست می کنند؟

پاسخ

ساختن قبّه و بارگاه بر قبور بزرگان واولیای خدا به عنوان بزرگداشت و یادبود و تکریم آنان بوده است. عقلای عالم برای بزرگداشت شخصیت های علمی، سیاسی بنای یادبود یا مجسمه بر روی قبر یا در جاهای مناسب ایجاد می کردند. این چیزی نیست که در اسلام رسم شده باشد بلکه قبل از اسلام نیز نزد مردم رواج داشته است. قرآن دربارهٔ اصحاب کهف می‌فرماید": فقالوا ابنوا علیهم بنیاناً ربّهم أعلم بهم قال الّذین غلبوا علی أمرهم لنتّخذنّ علیهم مسجداً؛ گفتند بنایی بر آن بسازید. پروردگارشان از وضع آن‌ها آگاهتر است و آنان که آگاهی بیشتر بر راز آنان (اصحاب کهف) داشتند گفتند: روی مدفن آنان مسجدی می سازیم (تا خاطرهٔ آنان فراموش نشود.["]۱] سمهودی در ضمن بحث از پوشش های روضه و مرقد مطهر پیامبر(ص) و معطّر کردن گفته است: در زمان هارون الرشید خیزران (مادر هارون) دستور داد مسجد پیامبر(ص) و قبر مطهر را با زعفران و عطرهای دیگر معطّر کردند و نیز قبر را با شال ها و پارچه های مشبّک حریر پوشانیدند. پرده کشیدن روی قبر و اطراف آن معمول بوده است و قندیل های گوناگون از طلا ـ و نقره و بلور در اطراف حجره و روضهٔ پیامبر قرار می دادند. جمع بی شماری از علما و زهّاد برای زیارت قبر پیغمبر(ص) که آمده اند، امور مذکور را منع و انکار نکرده اند. شمار قندیل های حرم نبوی گاهی به حدّی می رسید که قسمتی از آن‌ها را می فروختند و قیمت آن را به مصرف بنا یاتعمیر اطراف حرم می رساندند، از جمله در سال ۷۰۵ رئیس خدّام حرم پیامبر(ص) از سلطان اجازه گرفت که قسمتی از قندیل ها را بفروشد و از پول آن مأذنه ای در باب السلام بنا کند، که سلطان اجازه داد.[۲] سمهودی در کتاب وفاءالوفا دربارهٔ گنبد کبود روی حرم نبوی می گوید: قبل از حریق در مسجد شریف در سال ۶۵۴ روی حجرهٔ پیامبر(ص) قبّه ای نبود، بلکه روی بام به موازات حجره بنایی از آجر به اندازهٔ نصف قامت یک انسان وجود داشت تا بام حجره از دیگر قسمت های مسجد مشخص شود. در سال ۶۷۸ در زمان ملک منصور قلاوون صالحی قبّه ای روی حجره بنا شد که پایین آن مربع و بالای آن هشت گوشه بود.[۳] در سال ۷۲ هجری قمری به دستور عبدالملک خلیفهٔ اموی بر بالای صخرهٔ ذبائح در اورشلیم نزدیک مسجد الاقصی قبّه و گنبدی ساخته شد که به آن قبّه الصخره گفتند.[۴] ساختن گنبد یا بنایی به شکل دیگر روی قبور بزرگان به جهت تکریم و احترام آنان بوده است و مؤمنان و معتقدان به آن بزرگواران هر از چند گاهی از باب ذوقیاتی که

داشتند، آن‌ها را به شکلی کامل تر در می آوردند. نقش معماران و حاکمان در این زمینه بسیار بوده است. البته در برخی جاها این ساختمان ها به صورت کلّه قندی چند ضلعی و در اکثر موارد به صورت گنبد مدوّر بوده است. در ساختن این بناها وضعیت آب و هوایی مناطق نیز دخیل بوده است، مثلاً ـ در مناطق گرمسیری بلند بودن سقف همراه با دریچه های اطراف آن باعث کوران هوا و خنگی فضای آن برای زوّار و نمازگزاران می شد؛ با توجه به این که در زمان های قدیم امکانات رفاهی فعلی وجود نداشته است. در مورد شکل گنبدها در مساجد و اماکن مقدس اسلامی باید گفت که: این اشکال هویت اسلامی ندارند، بلکه نوعی وام گیری از معتقدات ایران باستان و ادیان قبل از اسلام است که کم کم رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته و در زمرهٔ فرهنگ اسلامی و معماری اسلامی درآمده است. توضیح مطلب: اصل شکل گنبد و محراب از زمان تقدس آتش بر جای مانده است. اعتقاد اقوام گذشته بر این بود که انسان از ۴ یا ۵ عنصر تشکیل شده است. در ایران این عناصر چهارگانه و در فلات پامیر و تبت پنج گانه اند: خاک، آب، آتش، هوا و اتر. اقلیم خاک، نشان هبوط انسان بر زمین و نماد تراکم موجودی لطیف است که همان روح انسانی است. اقلیم خاک، اقلیم وابستگی و نماد همه کثرت ها و دو گانگی هایی است که انسان در حیات خود با آن‌ها سر و کار دارد: روز و شب، خوبی و بدی، خیر و شر، خدا و شیطان و ... اقلیم آب اقلیم احساس، درک، شعور و عقل است. اقلیمی است که در آن رایحهٔ وحدت، انسان را به عشق ورزیدن، دوست داشتن، محبت و جستجوی اصل خویش فرا می خواند. اما اقلیم آتش، نماد سوختن و خاکستر شدن، نماد پختگی و وارستگی است. آتش مظهر دل کندن از عقل و جسم (عالم ناسوت) و اهتزاز و بالا رفتن به عالم روح (عالم لاهوت) است. از این رو آتش مقدّس است، زیرا نشانهٔ سیر انسان از اسفل به اعلی است. بدین لحاظ شکل آتش که چون محراب و گنبد است (مطابق شکل) در معماری اماکن مقدس مورد تقلید واقع شد و محراب ها و گنبدهای مدور شکل گرفت. در ایران، هند، چین، یونان و مصر تقریباً تمامی معابد و اماکن مقدس، شکلی مخروطی، هرمی، گرد یا گنبدی دارند. اهرام مصر نشانهٔ عروج روحانی انسان است که از یک مقطع مربع آغاز شده و با کمتر شدن طول و عرض آن به نقطهٔ اوج (یعنی رأس هرم) می‌رسد. در هند شکل ساختمان های معابد مراحل تکامل زندگی بشر را تداعی می کنند که در ابتدا مقاطعی مربع یا مستطیل دارد و در انتها اَشکالی گرد هرمی یا مخروطی می یابد. در ایران آتشکده ها گنبدی شکل و دارای محراب هستند. در معماری اسلامی نیز این گنبدها نشانهٔ عظمت و شکوه و قداست و همان حیات علوی هستند. مانند بسیار چیزهای مثبت یا مباح دیگر که در فرهنگ های گذشته وجود داشته و در فرهنگ و تعالیم اسلامی باقی مانده، یا حتی از آن‌ها بهره گرفته است. ۱ – کهف (۱۸) آیه ۲۱. ۲ – علی اصغر فقیهی، وهابیان، ص ۵۹ به بعد، با تلخیص. ۳ – همان، ص ۶۲، به نقل از وفاء الوفاء، سمهودی، ج۱، ص ۴۳۵. ۴ – علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ص ۱۵۳۸۲.

چرا برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد می گیرند؟

پرسش

چرا برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد می گیرند؟

پاسخ

برگزاری مراسم هفتم، چهلم و سالگرد، به منظور حفظ یاد و خاطرهٔ گذشتگان و تجلیل از مقام شامخ عالمان و قهرمانان و احترام به آن‌ها است و موجب تسکین قلوب بازماندگان می گردد؛ از این رو شاهد عزاداری، بزرگداشت و برگزاری مراسم چهلم و سالگرد می باشیم. به نظر می رسد در آموزه های دینی به برگزاری این گونه مراسم به صورت خاص (هفتم، چهلم و سالگرد) تصریح

نشده، یعنی در آموزه‌های دینی تصریح نشده است که برای مردگان هفتم، چهلم و سالگرد گرفته شود. از آموزه های دینی استفاده می شود که به زیارت قبور رفته[۱] و یا به فعالیت هایی پرداخته شود که از آن ها به عنوان خیرات و مبّرات و باقیات صالحات یاد می شود. بر این اساس برگزاری مراسم هفتم و چهلم و سالگرد به جهت خیراتی که در این مراسم برای رفتگان به عمل می آید، از سنت های پذیرفته شده بوده و هست. اگر چه نحوهٔ برگزاری این گونه مراسم به حسب سنت به آداب و فرهنگ جوامع متفاوت است. اگر این گونه مراسم با رعایت برنامه های اسلامی باشند، اشکال ندارد؛ از این رو این گونه مراسم برای درگذشتگان و شخصیت های علمی و عالِمان دینی برگزار شده و بزرگان دین نه تنها از آن ها نهی نکرده اند که خود نیز بدان اقدام می نمودند. شاید مراسم هفتم، چهلم و سالگردها ریشه در عزاداری هایی داشته باشد که هم معصومان(ع) عزاداری کردند[۲] و هم مسلمانان به عزاداری می پرداختند.[۳] پیامبر اسلام(ص) دستور داد که مسلمانان برای حضرت حمزه عزادری نمایند. معصومان(ع) هم خود برای امام حسین(ع) عزاداری می کردند و هم دیگران را بدان فرا می خواندند.[۴] همچنین شاید برگزاری اربعین برای امام حسین(ع) در میان ما شیعیان موجب شده باشد که مردم برای مردگان خود چهلم بگیرند.

مراد از ایام الله چیست؟

پرسش

مراد از ایام الله چیست؟

پاسخ

ایام الله روزهایی است که امر و دستور و سلطنت الهی در آن روزها ظاهر گشته است. قرآن می فرماید": و ذکّرهم بأیّام الله؛ روزهای خدا را به یاد قوم خود بیاور.["۱۱] مسلّماً همهٔ روزها، ایام الهی است، همان گونه که همه مکان ها متعلق به خدا است. اگر نقطهٔخاصی به نام بیت الله (خانه خدا) نامیده شد، دلیل بر ویژگی آن است، هم چنین عنوان" ایام الله "مسلّماً اشاره به روزهای مخصوصی است که امتیاز و درخشش فوق العاده ای دارد. و شامل تمام روزهایی می شود که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر باشند و یا در آینده حکومت مطلقه الهی را آشکار سازند. هر روزی که یکی از فرمان های خدا در آن چنان درخشیده که بقیهٔ امور را تحت الشعاع قرار داده، از ایام الله است. هر روزی که فصل تازه ای در زندگی انسان ها گشوده، و درس عبرتی به آنها داده و ظهور و قیام پیامبری در آن بوده، یا طاغوت و فرعون گردن کشی در آن قعر درّهٔ نیستی فرستاده شده، خلاصه هر روزی که حق و عدالتی بر پاشده و ظلم و بدعتی خاموش گشته، همهٔ آن ها از أیّام الله است،[۱۲] مانند روزهای ظهور قهر و غلبه الهی در به هلاکت رساندن قوم نوح و عاد و ثمود، و روزهای ظهور رحمت پروردگار در نجات کشتی نوح(ع) و به سلامت رسیدن آن بر ساحل، و نجات یافتن حضرت ابراهیم(ع) از آتش[۱۳] و روز ظهور امام عصر(ع) که روز بسط عدالت است. رسول خدا(ص) فرمود": ایام الله، نعمت ها و بلاهای خدا است.[۱۴] امام باقر(ع) فرمود": ایام الله، روز قیام مهدی موعود و روز رجعت و روز قیامت است.["۱۵] مرحوم علامه طباطبایی بعد از نقل این حدیث شریف می فرماید": در این روایت به بعضی از مصادیق روشن ایام الله اشاره شده، نه این که ایام الله منحصر به همان سه روز باشد.["۱۶] [۱۱] ابراهیم (۱۴) آیهٔ ۵. [۱۲] تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۱. [۱۳] تفسیر المیزان (ترجمه)، ج ۱۲، ص ۲۵. [۱۴] همان، ص ۲۶. [۱۵] همان. [۱۶] همان.

چرا امروزه کسانی را که بیش از یک همسر دارند به چشم بد نگاه می کنند؟

پرسش

چرا امروزه کسانی را که بیش از یک همسر دارند به چشم بد نگاه می کنند؟

پاسخ

این نگرش ممکن است علل مختلف داشته باشد، ولی شاید علت عمده اش این باشد که مردم مخصوصاً خانم ها مشاهده می کنند که غالباً کسانی که بیش از یک زن اختیار می کنند، نمی توانند مسئولیت های شرعی و اخلاقی چند همسری را ادا کنند، از این رو برای خانواده و فرزندان وضعیت نا مطلوب و ناهنجاری را به وجود می آورند، و صفا و صمیمیت و وحدت و یگانگی و خوشی و مسرّت خانواده را از بین می برند. چون نمی توانند عدالت اسلامی را بین زن ها رعایت کنند. به قول شهید مطهری ستمکاری و جنایت و بیدادگری را جایگزین رفتار و اخلاق اسلامی می نمایند. این باعث می شود چند همسری در نظر دیگران بد و نامطلوب و ضد خوش بختی تلقی شود. یا به این جهت که دیگران اختیار همسران متعدد را صرفاً از غریزه جنسی و شهوت نگاه می کنند. جواب قسمت دوم

این که تعداد کمی از آخوند ها و دکترها سیگار می کشند، تأثیر بد ندارد؟

پرسش

این که تعداد کمی از آخوند ها و دکترها سیگار می کشند، تأثیر بد ندارد؟

پاسخ

با وجود مضرات فراوانی که برای اعتیاد به سیگار ثابت شده است، سیگار کشیدن افرادی که دیگران را از استفاده سیگار منع می کنند و عواقب وخیم اعتیاد به سیگار را گوشزد می کنند، مایهٔ تأسف است و مسلماً تأثیر منفی دارد. این مسئله اختصاص به سیگار ندارد. در خیلی از کارهای ما انسان ها بین آگاهی به یک مسئله و عمل طبق آگاهی، فاصله وجود دارد. در مورد سیگار نیز چنین است.

بسیاری از مردم معتقدند هنگامی که عطسه می کنند، اگر یک عطسه کردند، معنای صبر کردن است و اگر دو عطسه کردند، باید در آن کار عجله کنند. آیا این حرف درست است؟

پرسش

بسیاری از مردم معتقدند هنگامی که عطسه می کنند، اگر یک عطسه کردند، معنای صبر کردن است و اگر دو عطسه کردند، باید در آن کار عجله کنند. آیا این حرف درست است؟

پاسخ

در احادیث عطسه موجب راحتی بدن شمرده شده است. در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است که": عطسه زیاد، آدمی را از پنج چیز

نجات می بخشد: اوّل جذام؛ دوم بادهای رنج آوری که در سر و صورت فرود می آیند؛ سوم آمدن آب چشم؛ چهارم بسته شدن سوراخ های بینی؛ پنجم روییدن مو در چشم. "از حضرت رسول(ص) روایت شده که": اگر به گفتن مطلبی مشغول بودی و در این بین یکی عطسه کرد، دلیل است که آن مطلب به حقیقت نزدیک است و گواه بر تحقق آن خواهد بود. "در احادیث زیادی تأکید شده که" چون عطسه کنید، خدا را حمد و ثنا گویی و بر محمد و آل محمد درود بفرستید. اگر سه بار عطسه بیشتر شد، معلوم می شود بر اثر عارضه و کسالتی می باشد. "این که عوام معتقدند اگر کسی یک عطسه نماید، باید صبر کرد و اگر دو عطسه زد، باید عجله کند، در احادیث اثری از این حرف ها نیست.

نقل شده که بعد از ماه صفر از شب اوّل ماه ربیع الاوّل مستحب است در نیمه شب به بعد به هفت مسجد رفته و در مسجد را کوفته و حاجت خواست. خداوند هر حاجتی که شخص داشته باشد، عطا می کند. آیا این مطلب صحیح است؟

پرسش

نقل شده که بعد از ماه صفر از شب اوّل ماه ربیع الاوّل مستحب است در نیمه شب به بعد به هفت مسجد رفته و در مسجد را کوفته و حاجت خواست. خداوند هر حاجتی که شخص داشته باشد، عطا می کند. آیا این مطلب صحیح است؟

پاسخ

به نظر می رسد این مطلب نیز مانند مطلب قبلی از خرافات و از چیزهایی است که عده ای جعل کرده اند و افراد ساده لوح می پذیرند. در هیچ منبع معتبری یافت نشد.

۰: شهید به چه کسی گفته می‌شود، چرا کسانی را که در مسیر کربلا جان می‌بازند، به آن‌ها شهید نمی‌گویند ولی به نیروهای مسلح که کشته می‌شوند، شهید گفته می‌شود؟

پرسش

۰: شهید به چه کسی گفته می‌شود، چرا کسانی را که در مسیر کربلا جان می‌بازند، به آن‌ها شهید نمی‌گویند ولی به نیروهای مسلح که کشته می‌شوند، شهید گفته می‌شود؟

پاسخ

شهید در فرهنگ اسلامی به کسی گفته می‌شود که در رکاب پیامبر یا امام و یا در جهاد مشروع کشته شده باشد. در علت نامگذاری چنین مرگی به شهادت گفته‌اند: یا بدان جهت است که فرشتگان رحمت خدا در صحنه شهادت حضور می‌یابند یا بدان سبب که خدا و رسول، به بهشتی بودن شهدا، گواهی می‌دهند، یا این که شهید در قیامت همراه انبیا بر امت‌های دیگر گواهی می‌دهد یا این که شهید، زنده و حاضر است یا بدان جهت که شهید به شهادت حق قیام می‌کند تا کشته شود. با این بیان معلوم می‌شود که کسانی که در میدان نبرد با دشمن مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۵۳، واژه شهید. حضور نداشته و به دلائل دیگر جان باخته‌اند، مانند سانحه هوایی و یا تشنگی یا تصادف و غیره هر چند ممکن است به حسب نیت و عملشان، ثواب شهادت را داشته باشند، ولی در اصطلاح به آن‌ها شهید اطلاق نمی‌شود. اما افرادی که در راه انجام مأموریت جان می‌بازند، ممکن است از نظر

دستگاه‌های اجرایی و قوانین کشوری به آن‌ها شهید گفته شود، ولی در حقیقت آن‌ها هم شهید مصطلح نیستند. کسانی که در راه کربلا- کشته می‌شوند، باید توجه داشت که با اوضاع کنونی که عراق در اشغال نیروهای استعمارگر آمریکایی است که در فکر چپاول ثروت‌های ملت عراق و تأیید رژیم اشغالگر فلسطین و... هستند، مسافرت به آن کشور تا چه اندازه می‌تواند صحیح باشد، ب...توجه به این که این مسئله می‌تواند مشکلاتی را برای ایران و حکومت اسلامی ایران به وجود آورد. اما این مسافرت‌ها تأیید اشغال گری نمی‌تواند باشد؟ و البته شاید این افراد با نیات خالص بروند و در این راه کشته شوند و اجر شهید را هم داشته باشند، اما توجه داشته باشند که شهید رسمی نامیدن آنها به وسیله حکومت و دولت ایران با غیر قانونی دانستن این مسافرت‌ها اصلاً سازگاری نخواهد داشت.

ورزش و پیاده روی چه نقش در تندرستی و سلامتی دارد؟ و نظر اسلام چیست؟

پرسش

ورزش و پیاده روی چه نقش در تندرستی و سلامتی دارد؟ و نظر اسلام چیست؟

پاسخ

بی تردید ورزش ـ به ویژه پیاده روی ـ نقش بنیادی در سلامت روان و جسم انسان دارد؛ از این رو امروزه در جهان ورزش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اهمیت ورزش در راستای فواید و آثار بهداشتی سیاسی و اجتماعی آن است که به برخی از آن ها اشاره می شود: ۱ـ ورزش کسالت و تنبلی را از انسان زدوده و به انسان نشاط و شادابی بخشیده و او را برای انجام کارهای فردی و اجتماعی آماده نموده و اخلاق او را بهبود می بخشد. ۲ـ ورزش بر بالا بردن توان جسمانی نقش اساسی دارد، از این رو فعالیت های نظامی و تقویت توان رزمی، با بهره گیری از ورزش امکان پذیر است. ۳ـ ورزش روحیهٔ شجاعت و از خود گذشتگی، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم را در انسان تقویت نموده و ارادهٔ او را قوی می سازد. ۴ـ ورزش سلامتی و توانمندی جسمانی را افزایش می دهد. ۵ـ ورزش موجب رشد و نموی بدن شده و نقش زیربنایی در نظم و ثبات حرکات تنفس دارد. ۶ـ ورزش عامل مهم هماهنگ کننده بین اعصاب و مراکز عصبی بوده و موجب تقویت اعصاب می شود. ۷ـ ورزش موجب می شود که قوهٔ جذب و دفع بدن بیشتر شده و سلول های بدن در برابر آسیب ها مقاوم و فعالیت های بیشتری انجام دهند. یکی از نویسندگان می نویسد": عضلات در حال ورزش ۱۰ تا ۱۸ برابر در حال استراحت احتیاج به خون دارند. ۲۰ دفعه بیشتر قند و اکسیژن مصرف می نمایند. ۵ بار زیادتر گاز کربنیک دفع می نمایند. "...با توجه به همین ارقام اهمیت کار قلب هنگام ورزش روشن می گردد. بوعلی سینا باور دارد": ورزش، حرکتی است تابع اراده. در ورزش تنفس بلند و بزرگ و پی در پی می آید (مراد تنفس عمیق و شدت تنفس در اثر بالا رفتن مقدار اکسیژن مصرفی است). هر کس بتواند با اسلوب صحیح و متناسب با اعتدال مزاجش در وقت مناسب ورزش کند ... از مداوای بیماری های مزاجی بی نیاز می گردد. "در راستای نقش ورزش در سلامت روان و جسم انسان، همچنین نقش آن در مسایل اجتماعی و نظامی است که در آموزه های دینی بدان اهمیت خاص داده شده است، تا آنجا که برای بدن انسان حق بیان شده، حق بدن حفظ و سلامت آن با بهره گیری از ورزش می باشد. پیامبر اسلام(ص) فرمود": انّ لربّک علیک حقاً و إنّ لجسدک علیک حقّاً و لاهلک علیک حقاً؛ پروردگار بر تو حقی دارد، و بدنت بر تو حقی دارد، و خانواده است [نیز] بر تو حقی دارد. "همچنین یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان آموزش ورزش بیان شده است. رسول خدا(ص) فرمود": حق فرزند بر عهدهٔ پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی ... را آموزش دهد. "البته دراسلام به برخی ورزش ها مانند شنا، تیراندازی و اسب

دوانی عنایت خاص شده است. پیاده روی و کوهنوردی از جمله ورزش هایی است که در اسلام مطرح شده است. یکی از نویسندگان می نویسد(": اسلام) پیاده روی را در ردیف غذا خوردن به حساب آورده، خوردن را برای زنده مانده ضروری می داند و فرهنگ بدنی را نیز لازم زندگی دانسته است. مگر در آیهٔ شریفهٔ": یأکلون الطّعام و یمشون فی الاسواق "طعام و بازار با خوردن و پیاده روی، قرین یاد شده و غذا و ورزش منسوب به پیامبران، ردیف ذکر نگردیده است. "در عصر حاضر نیز بزرگان دین مانند امام راحل(س) بارها فواید ورزش را بیان نموده و همگان را به آن فراخوانده است": در همهٔ ابعاد ورزش کنید. من خودم ورزشکار نیستم، ولی ورزشکاران را دوست دارم... . ورزش کارها همیشه این طور بودند که یک روح سالمی داشتند، از باب این که توجه به شهوات نداشتند، توجه به لذات نداشتند، توجه به یک فعالیت جسمانی داشتند که عقل سالم در بدن سالم است. "...می توانید برای آگاهی بیشتر از تأثیر ورزش و پیاده روی در سلامتی انسان، به کتاب های که کارشناسان در این باره نوشته اند، مراجعه کنید. چند عنوان در پانوشت ذکر شد.

لقب آیت الله العظمی در زیارت به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. چرا به مراجع هم این را می گوییم؟ معنی" قدّس سره "چیست؟

پرسش

لقب آیت الله العظمی در زیارت به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. چرا به مراجع هم این را می گوییم؟ معنی" قدّس سره" چیست؟

پاسخ

آیت در لغت به معانی علامت، عبرت، معجزه، امر شگفت، دلیل، برهان و ... آمده است. آیت الله به معنای نشانه و حجت خداست. آیت الله العظمی به معنای نشانه و حجت بزرگ خدا است. حضرت علی(ع) فرمود": نزد من اسم اعظم است و من نشانه بزرگ خداوند و دارای اعجاز درخشان و تابان هستم. "مراد از آیت الله عظمی که حضرت علی(ع) خود را به این نام خوانده، این است که او انسان کامل و جامع صفات خداوند در مرتبهٔ نازل است؛ بنابراین انسان با آگاهی و آشنا شدن با شخصیت حضرت علی و صفات او، خداوند را بهتر می شناسد و از راه شناخت حضرت علی(ع) و عظمت او، انسان بهتر از راه ها و آیات دیگر به خداوند و عظمت او دست می یابد. امام علی(ع) انسان کامل است و انسان کامل مظهر اَتم و اَکمل اسماءالله است. او صاحب ولایت کلیه است و می تواند به اذن الله در ماده کائنات تصرف کند و قوای ارضیه و سماویه را تحت تسخیر خویش در آورد. امّا تعبیر آیت الله العظمی که امروزه برای مراجع تقلید به کار می برند، اصطلاحی است که رایج شده است و این اصطلاح به معنایی که حضرت امیر(ع) استفاده فرمود نمی باشد، بلکه این اصطلاح امروزه در حوزه های علمیه برای کسانی به کار می رود که مرجع تقلید باشند و به بالاترین سطح مدارج حوزوی رسیده باشند. این به جهت برتری علمی آن ها نسبت به سایرین در حوزهٔ علمیه می باشد، نه آن برتری که در وجود مبارک امیرالمؤمنان بوده است. البته در مورد علمای قدیم بیشتر با عناوین ثقه الاسلام و حجت الاسلام یاد شده است و استعمال لفظ آیت الله العظمی تاریخ روشن و مشخصی ندارد، ولی امروزه برای کسانی که مرجع تقلید هستند، استفاده می شود. معنی" قدس سرّه "این است: پاک باد قبرش، پاک باد خاک قبرش، که سرّ به" ارض طیّب "خاک پاک معنا شده است.

فلسفه روشن کردن شمع در سقاخانه‌ها و فلسفه طشت‌گذاری چیست؟

پرسش

فلسفه روشن کردن شمع در سقاخانه‌ها و فلسفه طشت‌گذاری چیست؟

پاسخ

روشن کردن شمع شاید ریشه در فرهنگ آتش پرستی زردشتیان داشته باشد. نیز ممکن است از یهود و نصارا اخذ شده باشد. میان آنان سنت روشن کردن شمع در اماکن مقدسه‌شان وجود دارد. ممکن است در قدیم یک سنت پسندیده‌ای محسوب می‌شد و شب‌ها به جهت بهره‌مندی رهگذرها از نور آن روش می‌کردند و از این جهت کار ارزشمندی محسوب می‌شد که البته امروز دیگر آن فایده را نخواهد داشت زیرا با وجود نور برق، نیازی به آن نیست. در مورد روشن کردن شمع در سقاخانه‌ها مطلبی به دست نیاوردیم. شاید برای تجدید خاطره شام غریبان اهل بیت امام حسین‌علیه‌السلام باشد. طشت گذاری، مراسم سنتی در عزاداری ایام عاشورا است که عمدتاً در شهرستان اردبیل برگزار می‌شود. طشت‌های آب را در مساجد و حسینیه‌ها می‌آورند و سمبل یک حادثه تاریخی است که در کربلا اتفاق افتاده است. در توضیح سنت مرسوم در اردبیل نوشته‌اند": این مراسم از سه روز مانده به محرم در مسجد جامع، مسجد اعظم و سپس در مساجد دیگر اجرا می‌شود. طشت‌ها را بالای سرها می‌گیرند و مسجد را دور می‌زنند، سپس در داخل آن‌ها آب می‌ریزند. مردم دست به طشت و آب می‌زنند و نوعی بیعت با امام حسین‌علیه‌السلام و حمایت ا ز عباس‌علیه‌السلام می‌کنند. آب طشت‌ها را مردم در شیشه‌هایی برای شفا و تبرک برمی‌دارند. این سنت از حادثه جوانمردانه آب دادن امام حسین‌علیه‌السلام به سپاه حر در ۲۷ ذیحجه گرفته شده، که آب مشک‌ها را در طشت‌ها ریختند و تمام لشکر حر و اسبان را سیراب کردند. این سنت سمبولیک تأسی از اقدام سالار شهیدان است "به این مراسم طشت گردانی هم می‌گویند. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۲، به نقل از روزنامه رسالت، ۳ / ۴ / ۷۲، ص ۵، گزارش شوق کربلا.

حکم پوشیدن لباس سیاه چیست؟ چه معصومانی سفارش کرده اند که در عزاداری لباس مشکی بپوشیم؟ این که زن ها چادر مشکی می پوشند، آیا ریشه روایی دارد؟

پرسش

حکم پوشیدن لباس سیاه چیست؟ چه معصومانی سفارش کرده اند که در عزاداری لباس مشکی بپوشیم؟ این که زن ها چادر مشکی می پوشند، آیا ریشه روایی دارد؟

پاسخ

از جمله احکام لباس (چه در مورد نمازگزار و چه در غیر حالت نماز) کراهت پوشیدن لباس سیاه است. بهترین لباس، سفید است که بدان سفارش شده است. {۱} امام صادق(ع) فرمود": یکره السواد إلّا فی ثلاثۀ الخفّ و العمامۀ و الکساء؛پوشیدن لباس سیاه مکروه است، مگر در سه مورد: کفش سیاه عمامه سیاه و عبا یا قبای سیاه. "امام صادق(ع) فرمود که پیامبر(ص) فرمود": لباس سفید بپوشید که بهتر و پاکیزه تر است و مردگان را با پارچۀ سفید کفن کنید. "رنگ سیاه، افسرده کننده و نمایندۀ پنهان داشتن است، ولی رنگ سفید علاوه بر امتیازاتی که دارد، زود چرک و آلوده می شود و صاحبش مجبور می شود آن را بشوید یا تعویض کند، به اضافه این که لباس سفید خنک کنندۀ خوبی است، چون تابش نور خورشید را منعکس می کند و به خود جذب نمی نماید که باعث گرم شدن بدن بشود. مردمانی که در مناطق گرمسیری مانند عربستان زندگی می کنند، این مطلب به تجربه بر ایشان ثابت

شده و لباس سفید می پوشند. دانشمندان گفته اند: رنگ سفید از مواد سمی چون ارسنیک، کرمات، سرب و انیلین به دور می‌باشند که هر کدام ممکن است ایجاد آلرژی یا مسمومیت یا هر دو نمایند. بهتر است لباس انسان سفید و نرم باشد. پوشیدن چادر مشکی چون داخل در عنوان" ردا "است و بر اساس روایات" ردا "اگر سیاه باشد کراهت ندارد، از این رو پوشیدن چادر سیاه برای زنان مانعی ندارد و کراهت هم ندارد، به اضافه اینکه چادر مشکی چون جذابیت و تحریک کنندگی ندارد، مفسده ای بر آن مترتب نمی شود. در این زمینه به روایتی دست نیافتیم که توصیه به چادر سیاه شده باشد. اما این که چرا مردم در مصیبت ها و عزاداری ها لباس سیاه بر تن می کنند یا پرچم های سیاه برپا می نمایند، به خاطر این است که رنگ سیاه، شاد نیست. از این رو با مصیبت زدگی هماهنگ است. این مسئله نه تنها میان ما ایرانیان و مسلمانان بلکه در کشورهای دیگر نیز رائج است و جزء سنّت ها و فرهنگ های کشورها است. در مورد پوشیدن لباس سیاه در مصیبت و عزای ائمه مخصوصاً حضرت اباعبدالله الحسین(ع) نه تنها کراهت ندارد، بلکه چون از مصادیق تعظیم شعایر اسلامی است و باعث زنده نگه داشتن اهداف امام حسین(ع) می باشد، دارای ثواب و اجر الهی است. بزرگانی همچون مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی در روز عاشورا قبای سیاه بر تن می کردند. از فرزند امام سجاد(ع) نقل شده که وقتی امام حسین(ع) به شهادت رسید، زن های بنی هاشم لباس سیاه و خشن پوشیدند و از گرما و سرما شکوه نمی کردند و علی‌بن‌الحسین(ع) برای آنان طعام درست می کرد. بنابراین در پوشیدن لباس سیاه برای عزای امام حسین(ع)، هم چنین غذا دادن به عزاداران مورد تأیید امام سجاد(ع) بوده است. تأیید امام دلیل بر جواز بلکه بر رجحان آن است. [۱] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۸، [باب ۱۹، از ابواب لباس مصلی.

چرا از نگاه کردن به آیینه و جارو کردن در شب نهی شده است؟

پرسش

چرا از نگاه کردن به آیینه و جارو کردن در شب نهی شده است؟

پاسخ

در روایات از جارو کردن وجمع نمودن خاکروبه در شب نهی شده است. قال رسول اللهصلی الله وعلیه وآله": لا تبیّتوا القمامهٔ فی بیوتکم و اخرجوها نهاراً فانها مقعد الشیطان؛ خاکروبه را در خانه وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۷، باب ۴۹. هایتان در شب جمع آوری نکنید، زیرا محل اجتماع شیطان (میکروب) است. "در روایت دیگر از پیامبرصلی الله وعلیه وآله آمده که بیست چیز باعث فقر می‌شود، از جمله" کنس البیت باللیل "جارو بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۱۵ و ۳۱۸. کردن خانه در شب است. البته این روایت تنها دلالت بر کراهت دارد و به معنای حرمت نیست. در مورد نگاه کردن به آیینه در شب بعد از مراجعه به کتب روایی مطلبی نیافتیم. اما علت این که جارو کردن در شب کراهت دارد و از آن نهی شده است، بر ما معلوم نیست. احتمال دارد در زمان‌هایی که از نعمت برق و روشنایی محروم بوده‌اند و امکانات بهداشتی نبوده، از طرفی اسلام به بهداشت فرد و اجتماع و محیط بسیار عنایت داشته، می‌دید مردم به مسائل بهداشتی توجه نمی‌کنند، از این رو دستورهای بهداشتی را به این صورت به مردم ابلاغ و اعلام می‌کرد. امیرالمؤمنین دربیان وضعیت مردم در آن زمان می‌فرماید": خداوند پیامبرصلی الله وعلیه وآله را به رسالت مبعوث ساخت که جهانیان را بیم دهد و امین آیات وی باشد، در حالی که شما ملت عرب بدترین دین و آیین را داشتید و در بدترین مکان‌ها زندگی می‌کردید میان سنگ‌های سخت و مارهایی که فاقد شنوایی بودند. آب‌های آلوده را می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید. خون یکدیگر را می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را قطع می‌نمودید. بت‌ها در میان شما برپا بود و گناهان سراسر وجود

شما را فرا گرفته بود. "نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

چرا به امامان لقب می‌دهند؟

پرسش

چرا به امامان لقب می‌دهند؟

پاسخ

گزینش القاب نیکو اختصاص به امامان (ع) ندارد، بلکه از سنت‌های پذیرفته‌ای است که معمولاً در برخی از جوامع رائج است. در برخی فرهنگ‌ها به جای نام و نام‌خانوادگی، نام، لقب و کنیه وجود دارد. قبل از اسلام نیز سنت گزینش لقب وجود داشته است و بعضی افراد با همان القاب شهرت داشتند، چنان که پیامبر اسلام‌صلی الله وعلیه وآله به عنوان مظهر امین مشهور بود. انتخاب القاب برای ائمه‌علیهم‌السلام از این قاعده مستثنا نبوده و براساس سنت‌های حاکم بر جامعه انتخاب شده است. البته با این تفاوت که برخی القاب ائمه‌علیهم‌السلام از سوی خدا و پیامبر اسلام گزینش شده است. از بسیاری روایات پیامبرصلی الله وعلیه وآله و ائمه استفاده می‌شود که یکی از القاب علی‌علیه‌السلام امیرمؤمنان است. این لقب در زمان رسول خدا برای حضور قرار داده شد. حتی، نقل برخی روایات این لقب قبل از خلقت آدم از جانب خداوند برای علی‌علیه‌السلام برگزیده شد. زید بن جهم هلالی می‌گوید: از امام صادق‌علیه‌السلام شنیدم که فرمود": چون آیه ولایت علی بن ابی طالب نازل شد، رسول خداصلی الله وعلیه وآله به اصحاب فرمود: سلام کنید بر علی بن ابی طالب به عنوان امیرالمؤمنین. "اصغر ناظم زاده، سیمای پر فروغ، ص ۲۷ – ۲۸. یکی از القاب امام باقرعلیه‌السلام" باقر "است که به معنای شکافنده علم می‌باشد. حضرت را بدان جهت" باقر "گفته‌اند که شکافنده علم است و به او باقرالعلوم هم می‌گفتند. شیخ مفید از جابر بن عبدالله گزارش می‌کند که رسول خدا به وی فرمود": تو آن قدر زنده می‌مانی که یکی از فرزندان مرا که از حسین به وجود خواهد آمد و ا و را محمد می‌گویند، ملاقات خواهی کرد. او است که علم دین و مذهب را می‌شکافند و نشر می‌دهد. "ارشاد مفید (مترجم)، ص ۱۵۶ – ۱۵۷. از امام زین العابدین‌علیه‌السلام سؤال شد: چرا به امام صادق‌علیه‌السلام صادق گفته می‌شود و حال آن که همه شما صادق و راستگو هستید؟ فرمود": پدرم از پدر بزرگوارش از پیامبر اسلام برای من نقل کرد که آن برگزیده خدا فرمود: موقعی که فرزند من جعفر بن محمد بن علی بن حسین‌علیه‌السلام متولد شد، او را صادق بگویید، زیرا پنجمین فرزند او جعفر (جعفر کذاب) نام دارد و به دروغ ادعای امامت خواهد کرد و نزد خدا کذاب و افترا زننده به خدا است. "ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۶ – ۱۷.

آیا بین گناهان فرقی است؟ در جامعه می‌بینیم فرضاً استفاده از بیت المال هیچ گونه زشتی ندارد، ولی صحبت با یک زن نامحرم خیلی زشت شمرده می‌شود! دلیل این گونه تفاوت‌ها چیست؟

پرسش

آیا بین گناهان فرقی است؟ در جامعه می‌بینیم فرضاً استفاده از بیت المال هیچ گونه زشتی ندارد، ولی صحبت با یک زن نامحرم خیلی زشت شمرده می‌شود! دلیل این گونه تفاوت‌ها چیست؟

پاسخ

گناهان از جهتی به دو دسته صغیره و کبیره تقسیم می‌شوند. در کتب اخلاقی در مورد خصوصیات هر کدام و تعداد گناهان بحث شده است. گناهان صغیر در اثر تکرار و اصرار در حکم کبیره می‌شوند. برای اطلاع بیشتر به کتاب گناهان کبیره آیت الله دستغیب رجوع شود، ج ۱، ص ۳۱ به بعد. البته بین تعالیم اسلامی و دستورهای ائمه معصوم‌علیهم‌السلام و آنچه در جوامع اسلامی و مسلمانان رایج می‌باشد، تفاوت فراوانی وجود دارد که علت این مسئله یکی از مهم‌ترین موضوعات قابل بحث است. یک سری از گناهان کبیره و صغیره هستند که بعضی مردم مرتکب آنها می‌شوند و در اثر تکرار در جامعه، به امری عادی تبدیل شده‌اند. حتی اگر گناهان صغیر باشد، در اثر مداومت به کبیره تبدیل می‌شود. حرمت هیچ یک از گناهان با توجیهات بی پایه و اساس رفع نمی‌شود. اگر به بعضی گناهان مردم حساسیت خاصی نشان می‌دهند، این امر بسیار مثبت است و باید در مورد سایر گناهان نیز در جامعه، با فرهنگ سازی و نهی از منکر این حساسیت‌ها به نحو منطقی و صحیح افزایش یابد. این عامل، نیروی بازدارندگی قویی برای ترک گناهان به حساب می‌آید، بی آن که از حساسیت نسبت به گناهانی که وجود دارد، کاسته شود. علت دیگری که می‌توان در مورد فرق گذاشتن بین گناهان ذکر نمود، این است که انسان‌ها از قبح برخی گناهان آگاهی ندارند و با نوعی سطحی نگری و ساده انگاری آن گناهان را مرتکب می‌شوند و اصلاً به حرمت آن گناه توجه ندارند و یا این که با سهل‌انگاری گناه را مرتکب می‌شوند و نوعی اباحیگری آنها را فرا گرفته است، که به سادگی واجبات الهی را ترک می‌نمایند. این مسئله نیز نیاز به آگاهی بخشی دارد.

چرا وقتی کسی می میرد، تا سه شب بالای سر قبر او فانوس یا چراغ روشن می کنند؟

پرسش

چرا وقتی کسی می میرد، تا سه شب بالای سر قبر او فانوس یا چراغ روشن می کنند؟

پاسخ

مطلبی در خصوص چراغ و فانوس روشن کردن بالای سر قبر میت در احادیث نیافتیم، احتمالاً مربوط به فرهنگ و سنت ما ایرانیان و بعضی ملت های دیگر است. در مورد برخی از امامان آمده است، که بعد از رحلت امام بعدی چراغی مدام در اطاقش روشن نگه می داشت.

پیراهن مشکی برای مصائب اهل بیت (ع) و ایام شهادت پوشیده می شود. حال اگرامیل کسی فوت کند, پوشیدنش مانعی دارد؟

پرسش

پیراهن مشکی برای مصائب اهل بیت (ع) و ایام شهادت پوشیده می شود. حال اگرامیل کسی فوت کند, پوشیدنش مانعی دارد؟

پاسخ

پوشیدن لباس سیاه کراهت دارد و مستحب است لباس سفید پوشیده شود امّا پوشیدن آن برای عزای اهل بیت کراهت ندارد, بلکه به فرمودهء نویسندهء کتاب حدائق چون از مصادیق تعظیم شعایراست , برتری و رجحان شرعی دارد, حتی اگر با لباس سیاه نماز

بخواند.(۱ به فتوای علما نماز خوانـدن با لباس سیاه کراهت دارد(۲ و این اطلاق شامل پوشـیدن لباس سیاه حتی از عزای خویشان و همسایگان می شود. بنابراین اگر کسـی در عزای خویشان یا دوسـتان لباس سیاه بپوشد, کراهت دارد و نماز خواندن با آن باعث کم شـدن ثواب نمـاز می شود. پی نوشت ها: ۱ آیت اللّه فاضـل , جـامع المسائل , ج ۱ س ۲۱۷۰ آیت اللّه تبریزی و صـافی و صانعی و دیگران . ۲ توضیح المسائل مراجع , ج ۱ مسئلهء ۸۶۵

یکی از وظایف شیعیان برخاستن به هنگام آوردن نام امام زمان (ع) است , پس چراعضی روحانیون قیام نمی کنند؟

پرسش

یکی از وظایف شیعیان برخاستن به هنگام آوردن نام امام زمان (ع) است , پس چراعضی روحانیون قیام نمی کنند؟

پاسخ

برخاستن به هنگام برده شدن نام امام زمان (ع) به عنوان احترام به شخصیت آن بزرگوار بسیاربه جا و مناسب است و اکثر روحانیون بدان پای بند هستند, ولی اوّلاً برخاستن واجب نیست ; ثانیاًبرخی از مواقع که نام حضرت برده می شود, شخص ممکن است مشغول نماز باشد یا عذر دیگری داشته باشد.

بهترین مهریه‌ای که یک دختر مسلمان در این زمان می‌تواند بطلبد چیست؟

پرسش

بهترین مهریه‌ای که یک دختر مسلمان در این زمان می‌تواند بطلبد چیست؟

پاسخ

مهریه در اصل هـدیه و پیش‌کش است که مرد هنگام ازدواج خود را به آن ملزم می‌کند و در واقع نوعی ادای احترام است. قرآن به این مسئله تصـریح می‌کنـد": و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک هـدیه به آنان بپردازیـد.("۱) پس اصـل مهریه یک التزام دینی و اخلاقی و مورد قبول همگانی است. اما مهریه زن چه مقـدار بایـد باشـد؟ این نکته نیازمنـد بحث گسترده‌ای است، ولی ذکر این مسئله لازم است، آن‌ها که از مهریه‌های سـنگین و خارج از حد تصور و بعضاً غیر قابل پرداخت دفاع می‌کنند در حقیقت زن را کالاـیی برای معـامله دانسـته و برای آن بهـای مـادی قائلنـد، حـال آن که واقعیت چنین نیست و ازدواج هـایی که با مهریه‌های پایین شکل می‌گیرد، پایدارتر از ازدواج هایی است که پایه در تجملات و زرق و برق‌های دنیوی دارد؛ زیرا آنها اساس زندگی را بر امور دیگری چـون عشـق و محبت بنـا نهاده‌انـد، نه تجملاـت و امور مـادی. پیـامبر گرامی اسـلام (ص) فرمود": بهـترین مهر کمـترین آن است.("۲) امام علی (ع) فرمود": مهر زنان را گزاف قرار ندهید که موجب دشـمنی خواهد شد.("۳) اما بهترین مهر، مهری است که مطابق سـنت باشد که به چنین مهری" مهر السنهٔ "می‌گویند و مهر السنه مهریه‌ای است که می‌گویند پیامبر اکرم (ص) برای همسران و دختران خود انتخـاب می‌کرد که حـدود پانصـد درهم بود. اکنون با توجه به تورم اقتصادی برابر با چهارده سـکه تمام بهار آزادی است. (۴) مبنا قراردادن چنین مهری که ریشه در سـنت پیامبر دارد، موجب برکات زیادی در زنـدگی مشترک خواهد شد. علاوه بر این مقدار مهریه‌ای که در ازدواج حضـرت زهرا (س) و امام علی (ع) به کار رفته با مهر السنه مطابق بوده است.(۵) پی‌نوشت‌ها: ۱ –

سوره نساء (۴) آیه ۴. ۲ – کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۳۲۰. ۳ – بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۱۰۰، ص ۳۵۱، حدیث ۲۲. ۴ – ر. ک: مجله پیام زن، شماره ۱۴۴، ص ۳۸. ۵ – ر. ک: سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه (ع)، ص ۵۸.

آیا درباره اسپند دود کردن روایتی رسیده است؟ و کلمه اسپند به عربی چیست؟

پرسش

آیا درباره اسپند دود کردن روایتی رسیده است؟ و کلمه اسپند به عربی چیست؟

پاسخ

اسفند را به عربی" حَرْمَل "گویند. در مورد اسفند دود کردن روایتی به دست نیامد. در دائرة المعارف آمده: گیاه اسفند به سبب داشتن خاصیت‌های طبی در درمان برخی از بیماری‌ها به کار می‌رود.("۱) در فرهنگ عامه مردم سرزمین‌های اسلامی اسفند و دانه آن مقدس شمرده می‌شود و آن را برای راندن بلاها و آفت‌ها و دفع چشم زخم به کار می‌برند.(۲) پی نوشت‌ها: ۱. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۲، ص ۱۷۸ ماده اسفند. ۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۳۳۳، ماده اسفند.

آیا عطسه کردن فرد دلالت بر صبر دارد و اصلاً در روایتی آمده است؟

پرسش

آیا عطسه کردن فرد دلالت بر صبر دارد و اصلاً در روایتی آمده است؟

پاسخ

در مورد عطسه و فوائد و آداب آن روایات فراوانی نقل شده است اما در مورد این که دلالت بر صبر دارد، در روایات چیزی نیافتیم، ولی حدیثی از امام صادق (ع) در مورد آنچه بین عوام الناس متداول می‌باشد نقل شده است. حضرت فرمود": فال بد زدن (چیزی را شوم گرفتن) بستگی دارد به این که تا چه حد تو به آن اهمیت دهی. اگر آن را کوچک دانستی، اثر آن کوچک است و اگر مهم دانستی، اثر مهم خواهد داشت. اگر آن را به چیزی نگرفتی، چیزی نخواهد شد، "یعنی اصل این مسئله حقیقت ندارد و بستگی به خودت دارد که چگونه تفسیر کنی. پی‌نوشت‌ها: ۱ – معارف و معاریف، ج ۴، ماده عطسه، ص ۱۵۶۷.

چرا وقتی خانمی می‌میرد، عکس او را در اعلامیه‌ها نمی‌زنند؟

پرسش

چرا وقتی خانمی می‌میرد، عکس او را در اعلامیه‌ها نمی‌زنند؟

پاسخ

چاپ عکس زنانی که از دنیا رفته‌اند - با رعایت مسائل شرعی - اشکال ندارد، چنان که در زمان حیات، عکس برخی زنان را چاپ می‌کنند، مثلاً اگر زنی کاندیدای برای نمایندگی مجلس شده و یا در صحنه‌های علمی، سیاسی و اجتماعی حضور می‌یابد، عکس او را چاپ می‌کنند. چاپ و عدم چاپ عکس زنان در اعلامیه‌های ترحیم، ریشه در آداب اجتماعی و سنت‌های جوامع دارد. معمولاً در جامعه اسلامی، مسلمانان غیرتمند و دین دار، عکس مادر، خواهر، همسر و... را در اعلامیه‌ها چاپ نکرده و عکس آنها را در معرض دید همگان قرار نمی‌دهند، تا چهره نوامیس آنها را دیگران ببینند. این رویکرد و نگرش ریشه در سنت و فرهنگ آنان دارد. حساسیت دینی و مذهبی در شدت و ضعف این سنت مؤثر است.

حرف شوخی و جدی را چگونه می‌توان تشخیص داد؟

پرسش

حرف شوخی و جدی را چگونه می‌توان تشخیص داد؟

پاسخ

از راه نشانه‌ها و قراین کلامی، بیان و حالی و لحن و آهنگ سخن می‌توان تشخیص داد. گاهی نیز گوینده، حرف شوخی خودرا خالی از قراین لفظی و لحنی بیان می‌کند، ولی مخاطب با توجه به شناختی که از گوینده دارد، کلام شوخی و جدی او را به راحتی تشخیص می‌دهد.

چگونه می‌توان با ایدئولوژی و فلسفه رایج در کشور پیشرفته‌ای مثل آمریکا آشنا شد، و اصولاً زندگی کردن در کشور نپذیرفته‌ای مثل آمریکا بهتر است یا در ایران عقب مانده؟

پرسش

چگونه می‌توان با ایدئولوژی و فلسفه رایج در کشور پیشرفته‌ای مثل آمریکا آشنا شد، و اصولاً زندگی کردن در کشور نپذیرفته‌ای مثل آمریکا بهتر است یا در ایران عقب مانده؟

پاسخ

بهتر بودن زندگی در آن جامعه یا مانند جامعه ایران، بستگی دارد که انسان از زندگی چه بخواهد و خوشبختی را در چه ببیند. مهم آن نیست که انسان در چه کشوری، (صنعتی و پیشرفته مادی یا جهان سوم) زندگی می‌کند، مهم آن است که معنای زندگی و حقیقت آن و هدف از زندگی و خوشبختی در نظر او چه باشد؟ آیا خوشبختی در لذت هر چه بیشتر مادی و فقدان معنویت و ارزش‌های اخلاقی و انسانی است؟ با این مقدمه نگاهی به جامعه آمریکا می‌اندازیم. کشور آمریکا از نظر صنعت و تکنولوژی پیشرفته است، ولی از جهت اصول اخلاقی و تعالی انسانی و روح معنویت نه تنها پیشرفته نیست، بلکه روز به روز رو به انحطاط می‌رود. ثمره انحطاط انسانی، در قدرت تصمیم‌گیری سیاسی آن کشور (که در ریاست جمهوری متمرکز می‌شود) ظاهر شده است. امروزه همه جهان شاهد خطرات مرگ‌بار تصمیم‌های مستکبرانه رئیس جمهور آمریکا هستند و با تمام وجود درک می‌کنند این انسان نمای مستکبر و غرق در غرور و نخوت شیطانی چگونه با تکیه بر تکنولوژی برتر، خواست مشروع و قانونی بشر مبنی بر عدم

حمله نظامی به ملت‌های مظلوم مثل عراق و افغانستان را به تمسخر گرفته است حرف حق و منطق به گوشش نمی‌رود! چنان که از تمام معاهده‌های بین المللی مانند کنترل سلاح‌های کشتار جمعی و پیگیرد جنایتکاران جنگی (با قرار دادن سربازان خود) و با وتوی معاهده‌های بین المللی در محکومیت حکومت اشغالگر صهیونیست و جنایت‌های آن سرباز می‌زند! آیا این انحطاط اخلاق، انسانیت، معنویت و احترام به حقوق دیگران، نقض حقوق بشر و انسان‌ها نیست؟ افزون بر این فحشا و منکرات، بی‌بندوباری‌های جنسی، آزادی‌همجنس بازی، آمار بالای قتل و خودکشی و بیماری‌های روانی آمریکا را در ردیف کشورهای دارای بحران معنویت قرار داده است. گذشته از این‌ها آمریکا، دچار چالش هایی است که زندگی در این کشور را ناخوش آیند و بحران زده می‌نماید. گزارش‌های موجود حاکی از وخامت اوضاع اجتماعی این کشور است. مروری اجمالی بر وضعیت اجتماعی ایالات متحده، عمق آسیب‌های وارده بر جامعه آمریکایی را به خوبی عیان می گرداند". در سال ۱۹۹۵، ۴/۹ میلیون آمریکایی تحت کنترل قضایی بودند. از این تعداد ۲/۸ میلیون نفر به مجازات‌های تعلیقی محکوم شده بودند و ۶۷۱/۰۰۰ نفر در آزادی مشروط به سر می‌برند. ۹۵۸/۷۰۴ نفر در زندان‌های دولتی و ۹۵/۰۳۴ در زندان‌های فدرال و ۴۴۶/۰۰۰ در زندان‌های محلی محبوس بودند. این آمار و ارقام همه ساله رو به افزایش است هر سال ۶ تا۱۰٪ بر میزان جرم و خیانت در شهرهای آمریکا اضافه می‌شود. پلیس فدرال آمریکا هر دقیقه یک فقره قتل و هر پنج دقیقه یک فقره تجاوز و هر ۴۹ ثانیه یک فقره دزدی و هر ۳۰ ثانیه یک فقره حمله مسلحانه را گزارش می کند. قاچاق مواد مخدر در آمریکا به سودآورترین شغل بدل شده است. و نسبت طلاق از ۳۰٪ به ۷۰٪ افزایش یافته است. در یک آمار جدید ۷۰٪ از مردان آمریکایی اظهار کرده‌اند به همسران خود وفادار نبوده‌اند. امنیت داخلی در آمریکا حتی در مدارس ابتدایی و متوسطه به وضع بحرانی رسیده است. گزارش هایی از این قبیل این نکته را به ما گوشزد می کند که در شناخت و تحلیل واقعیت‌های تمدن آمریکایی از سطحی‌نگری باید پرهیز نمود، چرا که به رغم تصویر زیبایی که سیاستمداران آمریکایی از رؤیای زندگی آمریکایی برای دنیای خارج ترسیم می کنند، این رؤیا برای جمع بزرگی از مردم این کشور به صورت یک کابوس درآمده است. ("۱) در آماری که چند سال پیش گرفته شده آمده است که بیش از نیمی از مردم آمریکا (زن و مرد) تنها زندگی می کنند و نیمی از فرزندان تنها با یکی از والدین زندگی می کنند، و این بسیار تعجب آور است که چگونه در عصر ارتباطات و نزدیک شدن انسان‌ها با وسایل ارتباطی، انسان در آن جامعه پیشرفته، احساس تنهایی و بی کسی نمی کند و فرزندان تنها می‌توانند با یکی از والدین زندگی کنند و با انواع وسایل سرگرم کننده خود را مشغول نمایند تا احساس خلأ و تنهایی را پر کنند، حال اگر شده با انواع مواد مخدر یا برنامه‌های کذایی. خود فراموشی و گم کردن حقیقت و معنای زندگی و حقیقت انسان و نیازهای اساسی او، آفت و بلای جهان معاصر است که حتی لذت واقعی زندگی را در دنیا از انسان‌ها سلب نموده است. متأسفانه این مشکل امروز تنها گریبانگیر جهان صنعتی غرب نیست، بلکه به جهان سوم و ملت‌های آن‌ها و کشوری مانند ایران نیز کم و بیش سرایت نموده، به همین خاطر است که گفتیم جایی که زندگی می کنیم، مهم نیست، بلکه معنا و هدفی که برای آن زندگی می کنیم، مهم بوده و باید بدانیم خوشبختی را که جستجو می کنیم چیست؟ این پرسش مهم و حیاتی است، حال هر کجا که زندگی کنیم. شاید آمریکا باشیم، اما خود را نبازیم و حقیقت و کرامت انسانی خود و ارزش‌های اخلاقی را فراموش نکرده و به یاد داشته باشیم، یا شاید در ایران زندگی کنیم، ولی آمال و آرزوهای ما در آن طرف و زندگی سراسر ماشینی و غفلت و بی خبری و بی معنایی باشد. با آرزوی موفقیت و سربلندی و خوشبختی و کامیابی برای شما و همه جوانان. پی‌نوشت‌ها: ۱ – میر احمد رضا حاتمی، عصر امام خمینی، ص ۲۶۴. برای اطلاع بیشتر از تمدن بحران زده آمریکا به این کتاب مراجعه فرمایید.

چرا کام نوزاد را با آب فرات برمی‌دارند، مگر آب فرات تصفیه شده و بهداشتی است؟

پرسش

چرا کام نوزاد را با آب فرات برمی‌دارند، مگر آب فرات تصفیه شده و بهداشتی است؟

پاسخ

در این موضوع اولاً باید توجه داشته باشیم که یک مسئله استحبابی است، نه وجوبی. در موارد مستحب قانونی در فقه وجود دارد که در دلایل استحباب، تسامح وجود دارد، یعنی دقت هایی که در دلایل وجوب و حرمت مانند صحت روایت، وثاقت راوی و تأیید حکم عقل وجود دارد، در موارد استحباب به دلایل خاصی تسامح می‌شود. بنابراین برای این که فرزندان شیعه از همان ابتدا با فرهنگ امامت و تشیع سرخ آشنا گردند مستحب است کام شان با تربت حسینی یا آب فرات برداشته شود. این استحباب صرفاً به جهت تاریخ آب فرات و حادثه عظیمی است که کنار آن اتفاق افتاده و درس بزرگی است که از آن حادثه می‌توان گرفت. بنابراین برای یادآوری آن حادثه بزرگ و گرفتن درس زندگی، از راه‌های بی شمار به ما توجه داده شده که یکی از آنها غسل در آن آب است، مانند استحباب تربت حسینی که در روایات به شفابخشی آن اشاره شده، در حالی که اگر بخواهیم از راه علل و اسباب عادی و طبیعی نگاه کنیم، بسیاری از میکروب‌ها در خاک وجود دارد که که برای انسان بیماری‌های مختلف به همراه دارد. مطلب دومی که باید توجه داشته باشیم این است که در چنین مواردی صرفاً به علل و اسباب عادی و ظاهری نظر نکنیم و همه چیز را از راه فرمول‌های فیزیکی و شیمیایی حل نکنیم. باید به معنویت و علل ماورای طبیعی هم نظر افکند. این یک بحث مستقل بوده و در این مقاله نمی گنجد. آب فرات همچون خاک کربلا هر دو آموزگار شجاعت و الهام بخش شهادتند. از این رو برداشتن کام نوزاد با آب فرات یا تربت حسینی، طعم شجاعت و انتقال فرهنگ شهادت در دل و جان شیعه است،(۱) چرا که عاشورا و حسین مکتب است و راه و رسم زندگی و جوانمردی. پی‌نوشت‌ها: ۱ - جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۴۲.

چرا پرچم امام حسین(ع) در کربلا قرمز است؟ چرا سبز نیست؟

پرسش

چرا پرچم امام حسین(ع) در کربلا قرمز است؟ چرا سبز نیست؟

پاسخ

به گونه‌ی مشخص نمی‌توان قضاوت نمود که علت قرمز بودن پرچم امام حسین(ع) چیست و روایات نیز در این خصوص دلالت ندارد به نظر می‌رسد گزینش پرچم قرمز برای امام حسین(ع) بدان جهت بوده است که نماد از فعالیت و قیام و مظلومیت حضرت و انتقام از دشمنان را بروز دهد. نحوه شهادت امام حسین(ع) با دیگر امامان(ع) متفاوت است. امام حسین(ع) مظلومانه و با وضع رقت‌انگیز به شهادت رسید و خانواده و اهل بیت او به اسارت درآمدند این حالت برای هیچ یک از امامان قبل و بعد از ایشان سابقه نداشته است. به همین جهت توصیه امامان(ع) در عزاداری و برپاداشتن یاد و نام و مکتب و سخنان اباعبدالله(ع) بیشتر از سایر ائمه می‌باشد. در مورد رنگ پرچم او اگر چه روایت خاصی از امامان معصوم(ع) وارد نشده، اما برپاداشتن یاد و خاطره امام حسین(ع) سفارش شده، نیز الهام گرفتن از مکتب وی. امام ثارالله (خون خدا) است و انتقام او توسط امام زمان(ع) گرفته می‌شود، که در احادیث به آنها اشاره شده است. پرچم سرخ در عین حال که نشان رنگ خون و جنگ و انتقام از ظالمان است، نشان شهادت مظلومانه و کشته شدن با شمشیر می‌باشد.

چرا در جامعه اسلامی بین پسران و دختران تفاوت زیادی وجود دارد، یعنی بسیار مشاهده می‌شود که برای پسران ارزش و احترام بیشتری نسبت به دختران قائلند؟

پرسش

چرا در جامعه اسلامی بین پسران و دختران تفاوت زیادی وجود دارد، یعنی بسیار مشاهده می‌شود که برای پسران ارزش و احترام بیشتری نسبت به دختران قائلند؟

پاسخ

از دیدگاه اسلام تفاوتی بین زن و مرد (دختر و پسر) وجود ندارد. قرآن کریم در موارد متعدد تصریح کرده که رسیدن به مقام والای انسانیت و نیل به مراتب بالای معنویت و قرب الهی و وصول به" حیات طیبه، "به جنسیت مربوط نیست، بلکه به ایمان و عمل صالح بستگی دارد": من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاةً و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون؛ هر کس عمل صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، ما به او زندگی پاک ارزانی می‌کنیم و پاداش وی را به بهترین اعمالی که انجام داده، می‌دهیم.("۱) در آیات و روایات بسیاری این حقیقت مورد تأکید واقع شده است. با این که اسلام، چنین نگرشی به زن و مرد دارد و تفاوت و امتیاز یکی بر دیگری را برنمی‌تابد، ولی متأسفانه در عمل، بعضی خانواده‌ها در مقام ارزش گذاری، مرد را بر زن ترجیح می‌دهند. دوگانگی عمل و عقاید مسلمانان معلول چند علت می‌تواند باشد: ۱ - بی خبری و ناآگاهی آنان از معارف و قوانین دین مقدس اسلام، یا برداشت‌های غلط و ناصحیح از ظواهر برخی روایات که ناظر به جریان خاصی و در زمان یا اشخاص معینی بوده است. ۲ - ممکن است برخوردهای دوگانه معلول ناآگاهی نباشد. شخص در مقام سخن و استدلال به روشنی و با شفافیت تمام از عدم تفاوت زن و مرد سخن می‌گوید و چه بسا به آیات و روایات هم استدلال کند، ولی در مقام عمل" آن کار دیگر "می‌کند. همان گونه که می‌داند دروغ، غیبت، تهمت، فریب دادن مردم، رشوه، ربا، تجاوز به مال و جان و یا ناموس مردم از گناهان کبیره است، لیکن با تمسک به توجیهات شیطانی این گونه کارها را ممکن است انجام دهد و نام مسلمان هم بر خود نهد. واضح است که این گونه کارها غالبا. معلول عدم آگاهی نیست، بلکه به" ضعف ایمان و کم سو بودن چراغ تقوا و دور بودن از خوف و خشیت الهی "برمی‌گردد. ۳ - علت سوم حاکمیت آداب و رسوم غلط قومی و قبیله‌ای یا بقای رسوبات جاهلیت در اندیشه‌ها و عمل بسیاری از افراد است که در مقام عمل تفاوتی بین مردم عامی و بسیاری از درس‌خوانده‌ها و حتی آگاهان به مسایل دینی وجود ندارد. ۴ - عدم خودباوری زنان نیز این ذهنیت را در جامعه ایجاد کرده که مردها قابلیت بیش‌تری دارند. زنان با خود باوری و اعتماد به نفس و حضور در صحنه‌های مختلف می‌توانند توانایی‌های خود را نشان دهند. ۵ - در جوامع سنتی مثل روستاها و شهرهای کوچک که حوزه فعالیت پسران گسترده‌تر است و پسران در کنار پدر به شغل کشاورزی، کارگری، تجارت و غیره اشتغال داشته و به اصطلاح عصای دست پدر بوده‌اند. این امر باعث شده پدر، پسر را حامی خود بداند و او را بر دختر مقدّم بدارد. پی‌نوشت‌ها: ۱ - نحل (۱۶) آیه ۹۵.

چرا در مراسم عزاداری امام حسین(ع) عَلَم یا پرچم‌های گوناگون و طوق‌های بزرگ چلچراغ و غیره می‌آورند؟ این‌ها سنبل چه چیزی است؟ چه چیز را می‌فهماند؟

اشاره

برای اطلاع بیشتر اگر کتابی هست، معرفی کنید.

پرسش

چرا در مراسم عزاداری امام حسین(ع) عَلَم یا پرچم‌های گوناگون و طوق‌های بزرگ چلچراغ و غیره می‌آورند؟ این‌ها سنبل چه چیزی است؟ چه چیز را می‌فهماند؟ برای اطلاع بیشتر اگر کتابی هست، معرفی کنید.

پاسخ

"عَلَم "در اصطلاح عزاداری حسینی نام علامت خاصّی است که هر هیأت و دسته، ویژه خود دارد و آن را از دسته‌های دیگر متمایز می‌سازد.(۱") علامت "از ابزار و وسایل عزاداری امام حسین(ع) است که در هیأت‌ها و دسته‌های مذهبی به کار گرفته می‌شود. این علامت‌ها نشانه‌های گروه‌های عزادار محسوب می‌شده است. به نوشته دهخدا ": صلیب مانندی که بر چوب یا آهن افقی آن از سوی پایین شال‌های ترمه آویزند و از سوی زِبَر لاله و تندیس‌هایی از مرغ و جز آن نصب کنند و درمیان زبانه‌ای از فلز طویل دارد و بر نوک آن فلز پریاً گلوله‌ای از شیشه الوان نصب کنند و این زبانه‌های فلزی که به تیغ مشهور است، سه یا پنج باشد و در مراسم عزاداری محرم پیشاپیش دسته‌ها به حرکت آرند.("۲) (برخی دیگر گفته‌اند:) شیئی است فلزی و کار صنعت گران اصفهان که قدمت آن به عهد سلاطین صفوی می‌رسد. دارای تعدادی زبانه، گنبد، گلدان و طاووس بوده و آن را با شال‌های سبز و سیاه و قهوه‌ای و پرطاووس و سکّه‌های نقره... در آخر دسته‌ها به حرکت درمی‌آورند... شباهت آن به صلیب می‌رساند که پس از ارتباط ایران با اروپایی‌ها در عصر قاجار، از آیین‌های مذهبی مسیحیت اقتباس شده است. به هر حال (همه این‌ها) نمودها و مظاهری است که گاهی عزاداران را از محتوا و اصل عزاداری و اقامه شعائر دینی بازمی‌دارد.(۳) نوغ (توق) از جمله وسایل تزیینی دسته‌های عزاداری است و قدمت آن به عهد صفویه می‌رسد... توق اصل و نشانه را گویند و در هر لشگر گاهی که توق زدند، هر کس می‌داند که جای او کجا است، آن جا رود... در عصر صفویه توغ از تجهیزات دسته بود... هر تکیه تعدادی توغ دارد که در روزهای خاص ازایام محرم، آنها را جامه می‌کنند... مردم عزادار با نظمی خاص در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیر زنی وارد تکیه شده و به دنبال آن توغ‌ها با شور و هیجانی خاص به همراه شیون و ناله مردان و زنان به حالت نیمه افراشته نگه داشته می‌شوند. در عین حال این ابزار و وسایل به نوعی ارتباط با لشکر و سپاه دارد و می‌تواند نشانه آن باشد که دسته‌های عزاداری، همانند لشگر و سپاه امام حسین(ع) درآید یا شبیه آن شود و به گونه‌ای به آن حادثه نزدیک گردد. این مسئله در صورت درست بودن آن نهایتاً شباهت ظاهری را می‌رساند، اما مهم تر از آن شباهت واقعی عزاداران با یاران امام حسین و نزدیکی به آنها است. این گونه احساسات و شعائر مذهبی ستودنی است، ولی کاش نیمی از آنچه به تجهیزات و عَلَمات و توق و ابزار، بها داده می‌شود، برای محتوای عاشورا و تعالیم نهضت امام حسین(ع) و هدف عزاداری بها داده شود.(۴) پرچم: در عزاداری أباعبدالله (ع) نقش پرچم سیاه مهم است. در ایام عزا و عاشورا بر سر در خانه‌ها و مغازه‌ها و در معابر می‌زنند تا نشانه ایام سوگواری باشد و تأثیر عاطفی خاصی دارد. شکل‌های خاص عَلَمات و کتل در دسته‌های عزاداری تحول یافته همان پرچم است که سنت‌های خاصی را همراه دارد.(۵) در این راستا شناخت اهداف حضرت مهم‌ترین مسئله در حادثه تاریخی کربلا می‌باشد و مسائلی همچون عزاداری و تعزیه خوانی و گرداندن پرچم‌ها، علم‌ها و چلچراغ‌ها در مسیر معرفی آن حادثه (که در طول بیش از هزار سال یکی پس از دیگری بروز کرده) از موضوعات جانبی است و از نظر اهمیت در ردیف‌های بعدی قرار دارند. بخشی از اهداف بلند حضرت به قرار زیر است: ۱ - زنده کردن اسلام و احیای سنت نبوی و سیره علوی. حضرت در نامه‌ای به سران بصره‌نوشت": من شما را به کتاب خدا و سنت رسول

خدا(ص) فرا می‌خوانم. "همچنین در ضمن خطبه‌ای فرمود": قیام من برای امر به معروف و نهی از منکر و پیاده کردن سیره جدّم علی بن أبی طالب (ع) است. "۲ - حاکمیت حق. حضرت فرمود": آیا نمی‌نگرید که به حق عمل و از باطل نهی نمی‌شود "؟!۳ - اصلاح جامعه اسلامی امام(ع) در ضمن خطبه‌ای فرمود": هدف من از قیام ایجاد اصلاح در میان امت جدم می‌باشد. "از حسین اکتفا به نام حسین نبود در خور مقام حسین کشته شد، زیر بار ظالم نرفت به‌به از قدرت تمام حسین بهر احیای دین شهادت یافت زنده شد نام دین زِ نام حسین(۶) به امید رسیدن روزی که امام و اهداف او را بهتر بشناسم. بهترین کتاب برای مطالعه در این موضوع" فرهنگ عاشورا "نوشته آقای جواد محدثی می‌باشد. پی‌نوشت‌ها: ۱ - فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف، ص ۳۲۰. ۲ - همان، ص ۳۱۹ به نقل از لغت نامه دهخدا، واژه علامت. ۳ - همان، ص ۳۲۰ - ۳۱۹. ۴ - همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۲. ۵ - همان، ص ۸۵ - ۸۶. ۶ - همان، ص ۶۳ - ۶۲.

آیا درست است که یک جوان با زیرپوش رکابی جلو مردم ظاهر شود و خود را در جامعه در معرض نمایش بگذارد؟

پرسش

آیا درست است که یک جوان با زیرپوش رکابی جلو مردم ظاهر شود و خود را در جامعه در معرض نمایش بگذارد؟

پاسخ

همان گونه که جایز نیست زن بدن خویش را در معرض دید نامحرم قرار دهد، بر مرد رعایت پوشش بدن لازم است، اگر چه مقدار و حد آن در زن و مرد متفاوت است. بعضی از فقها فرموده‌اند: احتیاط این است که مرد مواضعی را که معمولاً پوشیدن آن در بین مردم متعارف است، در صورتی که بداند زن اجنبیه به او نگاه می‌کند بپوشاند.(۱) پی‌نوشت‌ها: ۱ - احکام روابط زن و مرد، ص ۱۰۲.

چرا در ایام محرم و صفر، بعضی از هیأت‌های عزاداری زنجیر می‌زنند؟

پرسش

چرا در ایام محرم و صفر، بعضی از هیأت‌های عزاداری زنجیر می‌زنند؟

پاسخ

یکی از شیوه‌های عزاداری سنّتی در ایران، زنجیرزنی است که در پاکستان و هندوستان نیز این شیوه از دیرباز رواج داشته است، این شیوه در ایام محرم و صفر و به صورت دسته جمعی و در هیأت‌های عزاداری، همراه با نوحه خوانی، جهت زنده نگه داشتن یاد حادثه عاشورا و حماسه حسینی برگزار می‌شود. زنجیر زنی همانند نوحه‌خوانی و سینه‌زنی، چون با روح و جان و عاطفه شیعه آمیخته شده است، به عزاداری سید و سالار شهیدان أبی عبدالله الحسینی(ع) رنگ مردمی داده و عامل جذب و تجمّع انبوه شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) می‌گردد. ما شاهد حضور صمیمی و با نشاط جمعیت عزادار خصوصاً جوانان عزیز در دسته عزاداری و زنجیرزنی هستیم. وقتی دسته زنجیرزنی شکل گرفته و به راه می‌افتد، جوانان عزادار خودجوش و با صفا و صمیمیت وارد این دسته‌ها شده و عزاداری امام حسین(ع) از جنب و جوش و از حال و هوای خاصی برخوردار می‌گردد. حفظ عزاداری که به

شیوه سنّتی از عصر صفویّه شکل گرفته، ضامن تداوم نهضت امام حسین(ع) شده است. امام خمینی(رحمةالله‌علیه) در این‌باره فرمود: "ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دسته‌جات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می‌افتد باشیم و تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند... باید این سنت‌ها را حفظ کنید."(۱) البته زنجیرزنی‌ها و دیگر رسم‌ها و برنامه‌ها در عزاداری، مانند سینه زدن نمی‌باشد، زیرا بر سینه و سر زدن با احساس خاصی همراه است و در تماس دست انسان به سینه و سر، حالت عزا و ماتم بیشتر احساس می‌شود، در عین حال دست‌های زنجیرزنی به جهت نظم و انضباط خاصی که در آن است، مورد توجه قرار می‌گیرد، به خصوص آن که با محتوایی مقدس و آدابی خالصانه و عاشقانه آمیخته باشد. مرحوم کاشف‌الغطا می‌نویسد: "اگر بیرون آمدن این موکب‌ها در راه‌ها نبود، هدف و غرض از یادآوری حسین بن علی (ع) از بین می‌رفت و ثمره فاسد می‌شد و راز شهادت حسین بن علی(ع) منتفی می‌گشت."(۲) می‌توانید مستقیماً به آدرس قم، دفتر تبلیغات اسلامی، واحد پاسخ به سؤالات (ص - پ ۱۹۷) مکاتبه نمایید. پی‌نوشت‌ها: ۱ - صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴. ۲ - محمد حسین کاشف الغطاء، المواکب الحسینیه، ص ۱۵، چاپ ۱۳۴۵ق، نجف، به نقل از فرهنگ عاشورا، ص ۱۷۵؛ معارف و معاریف، ج ۷، ص ۳۵۰.

علت این که وقتی کسی از دنیا می‌رود، فردایش بعد از نماز صبح به سر قبرش می‌روند چیست؟

پرسش

علت این که وقتی کسی از دنیا می‌رود، فردایش بعد از نماز صبح به سر قبرش می‌روند چیست؟

پاسخ

این رسم در همه جا نیست. اگردر محل شما چنین رسمی هست، شاید با روایات از امامان معصوم(ع) بی ارتباط نباشد. در روایتی آمده که امام صادق(ع) فرمود": مردگان را پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید، آنها حرف تان را می‌شنوند و جواب می‌دهند. اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید می‌شنند، ولی جواب نمی‌دهند."(۱) در روایت دیگری حضرت باقر(ع) فرمود": روز جمعه به زیارت اهل قبور بروید. هر یک از مردگان در تنگی قرار گرفته باشد، ما بین طلوع فجر (اذان صبح) و طلوع آفتاب فرصت داده می‌شود."(۲) پی‌نوشت‌ها: ۱ - مفاتیح‌الجنان، ص ۱۱۱۹. ۲ - وسائل الشیعه، ج۷، ص ۴۱۵.

آیا فال حافظ حقیقت دارد و درست است؟

پرسش

آیا فال حافظ حقیقت دارد و درست است؟

پاسخ

پیش از بیان درست بودن استفاده از فال حافظ و حقیقت داشتن آن باید توجه داشت که عادت نمودن به استفاده از فال حافظ یا حتی استخاره به قرآن که مورد تأیید شرع نیز می‌باشد، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. جایی که انسان باید از نیروی عقل و خرد استفاده نماید و یا از تجارب و آگاهی دیگران با مشورت از ایشان بهره گیرد، باید به همان عمل نماید. دیوان حافظ چند جهت مثبت دارد و به همین خاطر می‌توان از آن به عنوان فال نامه نیز استفاده نمود. ۱ - غالب غزلیات و اشعار حافظ مثبت نگراست و

مثبت نگری در زندگی خوب و پسندیده است و در روایات نیز به داشتن "حسن ظن "ترغیب شده و از داشتن سوء ظن نهی شده است. ۲ – غزلیات حافظ چند پهلو و چند معنا است و می‌توان از اشعار او تفسیرهای متعدد نمود و هر کس به فراخور حال و عقل و اندیشه خود از آن معنایی برداشت می‌کند. ۳ – به گفته خود حافظ، اشعار او مضامین آیات قرآنی و برگرفته از آنها می‌باشد و آنچه در سینه خود از آیات قرآنی حفظ نموده در غزلیات خود بیان نموده است. ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه‌داری به همین خاطر اشعار او از حقایقی خبر می‌دهد. شاید بدین خاطر باشد که از او به لسان الغیب یاد شده است. با توجه به این نکات، دیوان حافظ بسیار ارزشمند است و می‌توان از آن به عنوان فال و بیان حال خود بهره گرفت. اما باید توجه داشت که توقع پیشگویی از حافظ و غیب‌گویی از او، توقعی ساده‌لوحانه و عبث است، توقع ما از حافظ آن است که به شیرینی ابیات و سخنانش، تلخی‌های روزگار از کام ما بزداید و با شیرینی سخنانش، اندیشه‌ای نو و معرفتی تازه در ما بیافریند. معرفتی که ما در دنیای کنونی بیش از هر زمان دیگری به آن نیازمندیم. رویکرد ما به حافظ، رویگردی از سر اخلاص و محبت به کسی است که چون معلمی عزیز می‌تواند گره از مشکلات فکری گشوده و از آلام روحی‌مان بکاهد و در این راه هیچ گاه نباید حد اعتدال و میانه روی را در استفاده از آن فراموش کنیم.

با وجودی که امامت در دوازده امام معصوم(ع) محدود است، چرا به آیت اللّه خمینی امام اطلاق می شود؟ چرا همین عنوان را به آیت اللّه خامنه‌ای، جانشین ایشان اطلاق نمی‌کنند؟

پرسش

با وجودی که امامت در دوازده امام معصوم(ع) محدود است، چرا به آیت اللّه خمینی امام اطلاق می شود؟ چرا همین عنوان را به آیت اللّه خامنه‌ای، جانشین ایشان اطلاق نمی‌کنند؟

پاسخ

"امام "و"اَمام "هم ریشه‌اند". اَمام "به معنای جلو و رو به رو و"اِمام "به معنای پیشوا و جلودار، آن که از او پیروی می شود (خواه انسان باشد یا کتاب یا چیز دیگر) این شخص یا چیز پیروی شده ممکن است حق باشد یا باطل. عرب‌ها به ریسمانی که بَنّاها به دیوار می کشند تا دیوار راست بنا گردد"، اِمام "می گویند. قرآن خود را اِمام معرفی می کند (و کل شیءٍ احصیناه فی امام مبین).(۱) نیز به پیشوایان هدایت و عصمت(۲) و دیگر پیشوایان(حق یا باطل) امام اطلاق می کند.(۳) در عرف اسلامی به کسی که در نماز جماعت جلودار است و دیگران از او در نماز خواندن پیروی می کنند، امام جماعت می گویند. نیز به پیشوا و عالِم مذهبی، امام گفته می شود، مانند امام فخر رازی، امام ابوحامد محمد غزالی، امام بخاری و... . به پیشوای سیاسی نیز امام گفته می شود، مانند امام موسی صدر(رهبر شیعیان لبنان). بر آیت اللّه خمینی چون پیشوای مذهبی، سیاسی و رهبر انقلاب اسلامی ایران است امام اطلاق می شود. طبق همین معنا اطلاق امام به آیت اللّه خامنه‌ای روا است. اگر در عرف ما ایرانیان متداول نیست که به ایشان امام خطاب کنیم، امّا در عرف عرب زبانان این اطلاق شایع است. عرب‌ها به آیت اللّه خامنه‌ای، امام خامنه‌ای می گویند. افزون بر این‌ها در فرهنگ شیعه و در اصطلاح خاص علم کلام واژه امام و امامت از یک بار معنایی ویژه‌ای بهره‌مند است. در این فرهنگ امام آن انسان برگزیده‌ای است که از سوی خداوند بزرگ رهبری امت را در دست دارد و از ملکه عصمت بهره‌مند است. امام بدین معنا بعد از پیامبر(ص) در دوازده تن منحصر است. اطلاق کلمه امام به رهبر کبیر انقلاب آیت اللّه خمینی بدین معنا نیست، که ایراد گرفته شود مگر ما از دوازده امام بیشتر داریم که به آیت اللّه خمینی امام گفته می شود. این ایراد در واقع خلط بین این چند معنا

است. چون در فرهنگ شیعه امامت از بار معنایی خاص بهره‌مند است و با اطلاق کلمه امام، امام معصوم در ذهن تداعی می کند، بدین جهت برای ما شیعیان ایران سنگین و نا مأنوس بود که کلمه امام را به آیت اللّه خمینی اطلاق نماییم. بدین جهت در آغاز می گفتند: نائب الامام خمینی؛ یعنی آیت اللّه خمینی عنوان نایبِ عام امام مهدی(عج) را دارد، چون که فقیهان با شرایط خاص در دوره غیبت کبری نایبان امام مهدی(عج) می باشند. در جریان مبارزات اسلامی ملت ایران برخی از شخصیت‌های مذهبی اعلان کردن که به آیت اللّه خمینی امام (به معنای رهبر و پیشوا) گفته شود و کم کم این عنوان برایشان از مقبولیت اجتماعی بهره‌مند شد. همین عنوان را می توان درباره آیت اللّه خامنه‌ای رهبر انقلاب اطلاق نمود و هیچ اشکالی ندارد. پی نوشت‌ها: ۱. یس (۳۶) آیه ۱۲. ۲. انبیا (۲۱) آیه ۷۳. ۳. قصص (۲۸) آیه ۴۱.

معنای کلمه نقد چیست؟ آیا نقد کتاب‌های شهید مطهری و حضرت امام یا نقد ایشان جایز است؟

پرسش

معنای کلمه نقد چیست؟ آیا نقد کتاب‌های شهید مطهری و حضرت امام یا نقد ایشان جایز است؟

پاسخ

نقد به معنای جدا کردن دینار و درهم سِرّه از ناسره (قلابی)، تمیز دادن خوب از بد، آشکار کردن محاسن و معایت سخن است.(۱) از مجموع کلمات اندیشمندان لغت شناس استفاده می‌شود که نقد و انتقاد حرکتی اصلاح گرانه با قصد پالایش و زنگارزدایی است. نثقد کسی به معنای مناقشه کردن با او درباره چیزی است.(۲) تمام افکار بشری قابل نقد و ارزیابی است و تنها از کسانی نمی‌توان نقد کرد که معصوم بوده و از هرگونه خطا و لغزش مصون باشند. اندیشه‌های افراد دیگر (در هر حد که باشند) قابل نقد و ارزیابی است. کتاب‌های امام و استاد شهید مطهری نیز قابل نقد و ارزیابی است اما باید توجه داشت که در فرهنگ اسلامی باید سخن فرد را مورد نقد و ارزیابی قرار داد و از توهین و اهانت به شخص اجتناب کرد. در واقع باید افکار و اعتقادات را مورد نقد قرار داد، نه اشخاص را. به تعبیر دیگر باید به سخن توجه کرد، نه صاحب سخن. اگر نقدها به دور از غرض ورزی و در کمال انصاف باشد، قطعاً در رشد و پویایی دانش مؤثر خواهد بود. نکه آخر در باب نقد این است که احترام و شخصیت افراد باید محوظ بماند. البته به معنای این نیست که بزرگواری و عظمت شخصیت چنین افرادی، مانع از نقد و ارزیابی سخن یا نوشته‌ها و یا حتی عملکرد آنان باشد. پی‌نوشت‌ها: ۱ – فرهنگ معین، ماده نقد؛ المنجد، ماده نقد. ۲ – محاج اللغه، جوهری، ماده نقد.

مراسم برای اموات را باید با سال قمری حساب کنیم یا سال شمسی؟

پرسش

مراسم برای اموات را باید با سال قمری حساب کنیم یا سال شمسی؟

پاسخ

برگزاری مراسم برای اموات چه با سال قمری و چه با سال شمسی مشکلی ندارد. هدف از برگزاری مراسم رسیدن ثواب به میّت است. ثواب برگزاری هر مراسمی (چه با سال قمری و چه با سال شمسی و شرکت مردم و خواندن قرآن و فاتحه و اطعام به مردم) به

میّت می رسد.

آیا سینه زنی و زنجیر زنی به شکل مرسوم فعلی در روایات مطرح گردیده و یا این که صرف عزاداری مطرح شده است؟

پرسش

آیا سینه زنی و زنجیر زنی به شکل مرسوم فعلی در روایات مطرح گردیده و یا این که صرف عزاداری مطرح شده است؟

پاسخ

اصل عزاداری و نوحه خوانی خصوصاً بعد از حادثهٔ جانگداز کربلا، همواره مورد تأکید و سفارش بسیار ائمه بوده است. امام باقر(ع) به کسانی که روز عاشورا نمی توانند به زیارت امام حسین بروند، دستور می دهد: بر حسین(ع) نُدبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانهٔ خود دستور دهند بر او بگریند. نیز در خاندانش با اظهار گریه و ناله بر حسین(ع) مراسم عزاداری بر پا کنند و یکدیگر را با گریه و تسلیت گویی در سوگ حسین(ع) در خانه های شان ملاقات کنند.(۱) اما استفاده از ابزار خاصی نظیر زنجیر، طبل، بر پاداشتن عَلَم و نظایر آن، بعد ها متداول گشت و اکنون به عنوان عزاداری سنّتی جایگاه خاصی نزد شیعیان دارد. البته عزاداری به شکل امروزی (سینه زنی و زنجیر زنی) بیشتر در عصر صفویه رواج پیدا کرد.(۲) در عین حال همان طور که زنان و برخی از مردان در عزای نزدیک ترین افراد خود، به سر و صورت یا به سینه و روی زانوی خود می زنند، قبل از دوران صفویه نیز این مراسم وجود داشته است. اگر در دوران صفویه به صورت منظم و به شکل هیأت های عزاداری مرسوم شده، برگرفته از حالت شخصی است که در عزای بهترین و نزدیک ترین فرد انجام می دهند. بر سر و سینه زدن در مراسم عزاداری طبیعی تر بوده و به مجلس عزا و نوحه شباهت بیشتر دارد. پی نوشت ها: ۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۲. ۲. همان.

در حالی که زمینهٔ ازدواج در حال حاضر فراهم نیست، برای ارضای غریزه چه باید کرد؟

پرسش

در حالی که زمینهٔ ازدواج در حال حاضر فراهم نیست، برای ارضای غریزه چه باید کرد؟

پاسخ

تنها راه صحیح برای تعدیل غریزهٔ جنسی ، ارضای آن به وسیله ازدواج دائم یا موقت است. از آن جا که امکان ازدواج برای همه افرادی که به بلوغ جنسی می رسند فراهم نیست، چاره ای جز کنترل میل جنسی نیست. تنها با دادن زمام این مرکب سرکش به دست عقل و شرع می توان عوامل و زمینه های تهییج میل جنسی را کنترل کرد. اسلام برای مقابله با طغیان غریزهٔ جنسی، راهکارهای مناسبی را ارائه کرده است که عبارتند از: ۱ – خردورزی: امام علی(ع) می فرماید": در دل های بشر خاطرات بد و خواهش های زشت پدید می آید. عقل است که از اعمال آن خاطرات و انجام تصمیم ها جلوگیری می کند."(۱) البته باید اذعان کرد که به دلیل نیرومندی غریزه جنسی چه بسا این چراغ هدایت کم فروغ گردد و کارایی خود را از دست دهد. از این رو باید از احساسات مذهبی که ریشه در سرشت آدم دارد بهره جست. ۲ – خدامحوری: توجه به خدا و انجام تکالیف مذهبی نقش مهمی در کنترل قوه شهویه دارد. امام علی (ع) می فرماید": هرگاه یکی از شما زنی را دید و خوشش آمد، سراغ همسرش برود، زیرا نزد

همسرش همان چیزی است که دیده است و برای شیطان راهی به سوی دل قرار ندهد اما اگر همسر ندارد، دو رکعت نماز بخواند و حمد خدا را زیاد بگوید و بر پیامبر و آلش درود بفرستد، سپس از خدواند فضلش را طلب نماید.("۲) از این روایت بر می آید که اگر امکان ازدواج فراهم نیست، باید از نماز کمک خواست، چون یاد خدا فکر گناه را دور می سازد. ۳ - رعایت اصل مهم حیا و عفت در محیط خانه ۴ - دقت در دوست یابی: ۵ : طرد افکار شیطانی: مشکل ترین مرحله مقابله غریزه جنسی، مرحله سالم سازی اندیشه و پرهیز از افکار شهوی است. امام علی (ع) می فرماید" کسی که در اطراف گناه بسیار بیندیشد، سرانجام به گناه کشیده خواهد شد.("۳) تمایلات جنسی در خلوت و به ویژه هنگام خواب در بستر زمینهٔ بیش تری برای بروز دارد. از این رو به جوانان توصیه می شود زمانی وارد بستر شوند که به حد کافی خسته شده باشند. ۶ - پر کردن اوقات فراغت: تنهایی، محیط کاملا مساعدی را برای شیوع انحرافات جنسی فراهم می کند. پرهیز از تنهایی و پر کردن اوقات فراغت، مقدمات گناه را از بین می برد. گاندی در کتاب خود می نویسد": در سراسر عموم کم تر به شهوت جنسی توجه داشته ام و اصولا هیچ وقت بیکار نشده ام تا در این باره فکر کنم.("۴) ۷ - کنترل چشم: نگاه راهبر دل و دام شیطان و بذر شهوت است. برای مهار غریزهٔ جنسی باید از دیدن هر چه که میل جنسی را تحریک می کند، خودداری کرد. امام علی (ع) می فرماید" : بهترین عامل روی گردانی از شهوات، فرو بستن چشم ها است.("۵) ۸ - ورزش: یکی از راه های آرام سازی طوفان غریزهٔ جنسی، ورزش و فعالیت بدنی است، زیرا ورزش مقدار فراوانی از انرژی های بدنی و فکری انسان را به خود اختصاص می دهد و طبعا از مسائل دیگر کم می کند. ۹ - کم خوری : اجتناب از پرخوری از جمله راه های غلبه بر شهوت است. در روایات اسلامی از روزه داری که یک نوع کم خوری است، به عنوان یک عامل تعدیل غریزهٔ جنسی یاد شده است. پیامبر (ص) می فرماید": ای جوانان ، هر یک از شما قدرت ازدواج دارد، ازدواج کند و اگر قدرت ندارد، روزه بگیرد، زیرا روزه گرفتن برای کنترل شهوت مفید است.("۶) ۱۰ - توجه به عواقب شهوت رانی: شهوات دربردارندهٔ انواع آفت ها و محرومیت هاست . یک محاسبه منطقی، آدمی را متوجه می کند که لذت آنی ؛ ارزش تحمل آن همه محرومیت را ندارد. امام علی (ع) می فرماید": لذتی که آمیخته با رنج و درد است، لذت نیست.("۷) ۱۱ - نظر به پاداش الهی: امام علی (ع) می فرماید" : کسی که به بهشت علاقه داشت، خواهش های نفس و شهوات را فراموش کرد.("۸) پی نوشت ها : ۱ - غررالحکم، ج۲، ص ۵۰۰. ۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۰ ، ص ۱۰۵. ۳ - غررالحکم ، ج۵، ص ۳۲۱. ۴ - جوانان چرا، ص ۱۰۷. ۵ - غررالحکم، ج۶، ص ۱۶۴. ۶ - بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰. ۷ - نهج البلاغه ، قصار ۳۰. ۸ - غررالحکم ، ج ۶، ص ۳۵۵.

چرا همانند عزایی که برای مردگان خود می گیریم، برای پیامبران و امامان(ع) عزاداری بر قرار نمی کنیم؟

پرسش

چرا همانند عزایی که برای مردگان خود می گیریم، برای پیامبران و امامان(ع) عزاداری بر قرار نمی کنیم؟

پاسخ

عزاداری برای پیامبر و خاندان او به مراتب بیشتر از آن است که برای مردگان خود انجام می دهیم. عزاداری برای اهل بیت(ع) موجب شده است برخی ما را به مرده گرایی متهم نمایند. عزاداری مردم در ایام سال و به ویژه ماه های محرم و صفر شاهد بر این مدعا است، در حالی که برای رفتگان شاید عزاداری و مراسم بیش از یک سال طول نکشد. در جمهوری اسلامی ایران روز رحلت پیامبر(ص) تعطیل عمومی بوده و مردم ایران در سوگ پیامبر اشک می ریزند. عزاداری به گونه ای است که گویا پیامبر عظیم الشأن اسلام تازه از دنیا رفته است. مردم ایران در خانه های خویش برای حضرت زهرا(س) مراسم عزاداری و روضه برگزار نموده و در

ایام فاطمیه در سوگ بانوی اسلام خون گریه می کنند. عزاداری مردم ایران برای امیرمؤمنان در شب های قدر به گونه ای است که گویا آن اولین مظلوم عالم تازه در مسجد کوفه ضربت خورده است. عزاداری مردم ایران در ایام محرم و صفر مثال زدنی است. عزاداری به گونه ای انجام می گیرد که مردم جهان را تحت تأثیر قرار داده است؛ حتی در عزاداری هایی که برای مردگان خویش انجام می دهیم، در آن مراسم نیز برای ائمه(ع) و فاطمه زهرا(س) روضه می خوانیم، عزاداری مردم ایران نشان عشق و ارادت نسبت به اهل بیت پیامبر(ص) است. به عقیدهٔ برخی تاریخ نگاران هیچ ملّتی به اندازه ملّت ایران ارادت نسبت به خاندان پیامبر ندارد. تاریخ ادبیات فارسی نیز شاهد بر مدعا است.

۱-گاهی که در حضور فردی سُنّی" یا علی "می گوییم، می پرسند چرا" یا خدا "نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بندهٔ خدا است. لطفاً بفرمایید ریشهٔ" یا علی "گفتن چیست؟

پرسش

گاهی که در حضور فردی سُنّی" یا علی "می گوییم، می پرسند چرا" یا خدا "نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بندهٔ خدا است. لطفاً بفرمایید ریشهٔ" یا علی "گفتن چیست؟

پاسخ

کسانی که" یا علی "می گویند (غیر از افرادی که علی را خدا می دانند و بدین وسیله کافر شده اند") یا الله "هم می گویند، بلکه همواره" یا الله "می گویند و فقط گاهی" یا علی "می گویند". یا علی "گفتن نوعی توسل به حضرت است، یعنی گویندهٔ" یا علی "حضرت را وسیله و تشفیع درگاه خداوند قرار می دهد که خدا به خاطر آبرویی که علی(ع) دارد، به شخص کمک کند و یاور وی شود. توسل به آبرومندانِ درگاه الهی اشکال ندارد و ریشه آن قرآن کریم است": یا أیّها الّذین آمنوا اتّقوا الله وابتغو الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیل الله؛(۱) ای افراد با ایمان، تقوای الهی داشته باشید و برای تقرب به او وسیله ای جستجو کنید و در راه وی جهاد کنید. "باید توجه کرد که وسیله به معنای تقرّب نیست، بلکه چیزی است که مایهٔ نزدیکی به خدا می گردد. یکی از وسایلی که مایهٔ تقرب می گردد، جهاد در راه خدا است که در آیه ذکر شده است. در عین حال می تواند چیزهای دیگر نیز وسیلهٔ تقرب باشد، مانند نماز و روزه و ترک گناه و ... خداوند به حضرت موسی(ع) فرمود": ای موسی، هیچ عامل و وسیله ای برای نزدیکی قرب جویندگان به من مانند دوری از گناه نیست.("۲) گاهی خداوند افرادی را واسطهٔ فیض خود قرار می دهد، یعنی به وسیلهٔ آنان فیض و رحمتش را به دیگران می رساند، مثلاً پیامبر را وسیله قرار می دهد، تا بندگانش را بیامرزد. قرآن کریم به کسانی که گناه کرده اند، فرمان می دهد سراغ پیامبر روند و توسط ایشان طلب مغفرت کنند و پیامبر برای آنان طلب آمرزش کند و نیز نوید می بخشد در این موقع خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.(۳) بنابراین افراد با" یا علی "گفتن آن حضرت را به کمک و یاری می طلبند تا خداوند به وجاهت و آبروی حضرت خواستهٔ آنان را فراهم کند، وگرنه می دانند که همه چیز به دست خداوند است و هیچ کس از خود چیزی ندارد، مگر این که خداوند به او بدهد. اگر حضرت عیسی مرده زنده می کند، از خودش چیزی ندارد، بلکه با تأیید و اذن الهی کارش را انجام می دهد، و دیگران هم همین طور هستند. جهت آگاهی بیشتر به کتاب آئین وهابیت نوشتهٔ آیت الله سبحانی مراجعه فرمایید. پی نوشت ها: ۱. مائده (۵) آیهٔ ۳۵. ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰. ۳. نساء (۴) آیهٔ ۶۴.

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

پرسش

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

پاسخ

۱) این نگرش که برگزاری مراسم برای مردگان، مرده گرایی است، قابل قبول نیست، زیرا عزاداری برای آن عده که از دنیا رفته اند، احترام به جایگاه و مقام بلند انسان است. در آموزه های دینی انسان جایگاهی والا دارد و هر گونه تجلیل از آن، احترام به حرمت و قداست بشر محسوب می شود. از این رو امروزه جهان برای بزرگان خود که رفته اند، مراسم می گیرند و یاد و خاطرهٔ آنان را گرامی می دارند. از سوی دیگر پاسداشت ها برای شخصیت های سیاسی و علمی و فرهنگی برگزار می شود. تجلیل از این شخصیت ها، احیای فرهنگ و تمدن و علم است. پاسداری از علم و تمدن و خلاّقیّت ها نه تنها مرده پرستی نیست، بلکه تمدن سازی و نکو داشت از علم، فرهنگ و تمدن است. آنچه که مورد احترام قرار می گیرد، شخصیت است، نه شخص. درست است که شخص و بدن او در خاک رفته است، اما شخصیت او (در صورت داشتن صفات ارزشمند) جاودانه و زنده است. بر همین اساس بزرگان دین برای امام حسین(ع) عزاداری نموده و دیگران را نیز به عزاداری فرا می خواندند، چون شخصیت او که حماسه، تن به ذلت ندادن، فرهنگ ایثار، از خود گذشتگی و دیگر صفات عالی انسانی است، همه در فرهنگ عاشورا و حماسهٔ آن وجود دارد و زنده و پایدار است، تا زمانی که انسان روی زمین است. افزون بر آن، در این گونه عزاداری ها، گویندگان، شاعران و نویسندگان به بیان مطالب و حقایقی می پردازند که انسان ها بدان نیاز دارند؛ مثلاً در عزاداری برای امام حسین(ع) از دین مداری، ستم ستیزی، شجاعت و ... سخنی به میان می آید که موجب رشد فکری و فرهنگ سازی می شوند. البته باید در همهٔ امور از جمله عزاداری ها، از افراط و تفریط جلوگیری شود. عزاداری ها و مراسم باید به گونه ای باشد که طراوت و شادابی از بین نرود و باعث دلزدگی و رنجش نشود که با هدف برپایی عزاداری در تضاد قرار می گیرد. ۲) در اسلام همان گونه که به پاسداشت از مردگان سفارش شده است، به وجود آوردن شادابی و نشاط نیز اهمیت دارد. بر اساس آموزه های دینی است که مردم وظیفه دارند مراسم ولادت بزرگان دینی، بعثت پیامبر و ایام عیدها را جشن بگیرند. این سفارش بدان جهت است که هم از مقام بزرگان و شخصیت ها تجلیل شود و هم شادی به وجود آید. از سوی دیگر در اسلام بر تفریحات سالم نیز تأکید شده است. امروزه در جمهوری اسلامی ایران همان گونه که برای بزرگان دین و شخصیت ها مراسم عزاداری برگزار می شود، به مناسبت ولادت و مناسبت های دیگر نیز مراسم جشن برگزار می گردد؛ مثلاً در نیمه شعبان به مناسبت ولادت امام زمان(عج) جشن با شکوه برگزاری می گردد که مقدمات آن از هفته ها قبل فراهم می گردد این از ویژگی های اسلام است که جهت حفظ تعادل روحیه انسان ها هم به عزاداری توجه کرده است و هم به شادی. در جمهوری اسلامی از برخی شادی ها ـ به دلیل غیر مشروع بودن آن ـ جلوگیری می شود، از این رو بعضی تصور می کنند در جامعه اسلامی ایران از شادی ها کاسته شده است. عدم برگزاری برخی از جشن ها و یا عدم اجرای برخی از مراسم ها در جشن ها بدان جهت است که مشروعیت ندارند. خیلی از چیزهایی که در جوامع غربی به عنوان شادی مطرح هستند، در اسلام مشروع نبوده و از مصادیق شادی کاذب هستند. جامعهٔ اسلام مؤلفه ها و شاخصه های خاص خود را دارد و باید عزاها و جشن ها بر اساس آموزه های دینی تعریف شود. در عین حال که فرهنگ جوامع مختلف در کیفیت و چگونگی آن ها تأثیر می گذارد.

در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا

این مسئله صحّت دارد؟ اگر صحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

پرسش

در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحّت دارد؟ اگر صحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

پاسخ

وجود جن حقیقت دارد و قرآن کریم با صراحت از وجود موجوداتی به نام جن خبر داده،(۱) تا جایی که اسم یکی از سوره های قرآن" جنّ "است، لیکن بودن جن ها در محل هایی که آب داغ ریخته می شود، صحت ندارد و از خرافات است.(۲) البته بسم الله گفتن برای هر کاری خوب است و گاهی موجب دور شدن موجودات شرور یا رفع شر می شود. پی نوشت ها: ۱. جن (۷۲) آیهٔ ۱. ۲. علی رضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص ۱۴۹.

مهریه و مقدار آن چقدر باید باشد؟

پرسش

مهریه و مقدار آن چقدر باید باشد؟

پاسخ

مهریه در اصل هدیه و پیشکش است که مرد هنگام ازدواج، خود را به آن ملزم می کند و در واقع نوعی ادای احترام است. قرآن به این مسئله تصریح می کند": و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک هدیه به آنان بپردازید.("۱) پس اصل مهریه یک التزام دینی و اخلاقی و مورد قبول همگانی است. اما مهریه زن چه مقدار باید باشد؟ این نکته نیازمند بحث گسترده‌ای است، ولی ذکر این مسئله لازم است. آن‌ها که از مهریه‌های سنگین و خارج از حد تصور و گاه غیر قابل پرداخت، دفاع می کنند، در حقیقت زن را کالایی برای معامله دانسته و برای او بهای مادی قائلند، حال آن که واقعیت چنین نیست و ازدواج هایی که با مهریه‌های پایین شکل می گیرد، پایدارتر از ازدواج هایی است که پایه در تجملات و زرق و برق‌های دنیوی دارد؛ زیرا آنها اساس زندگی را بر امور دیگری چون عشق و محبت بنا نهاده‌اند، نه تجملات و امور مادی. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود": بهترین مهر کمترین آن است.("۲) امام علی (ع) فرمود": مهر زنان را گزاف قرار ندهید که موجب دشمنی خواهد شد.("۳) مقدار مهر، با توافق زوجین مشخص می‌شود و در اسلام حد خاصی تعیین نشده تا کم‌تر یا بیش‌تر از آن جایز نباشد. اما بهترین مهر، مهری است که مطابق سنت باشد که به چنین مهری" مهر السنهٔ "می گویند. مهر السنه مهریه‌ای است که می گویند پیامبر اکرم (ص) برای همسران و دختران خود انتخاب می کرد که حدود پانصد درهم بود. اکنون با توجه به تورم اقتصادی برابر با چهارده سکه تمام بهار آزادی است. (۴) مبنا قراردادن چنین مهری که ریشه در سنت پیامبر دارد، موجب برکات زیادی در زندگی مشترک خواهد شد. علاوه بر این مقدار مهریه‌ای که در ازدواج حضرت زهرا(س) و امام علی(ع) به کار رفته، با مهر السنه همخوان بوده است.(۵) پی‌نوشت ۱ – سوره نساء

(۴) آیه ۴. ۲ – کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۳۲۰. ۳ – بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۱۰۰، ص ۳۵۱، حدیث ۲۲. ۴ – ر. ک: مجله پیام زن، شماره ۱۴۴، ص ۳۸. ۵ – ر. ک: سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه (ع)، ص ۵۸.

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می‌زنند و عرض حاجت می‌کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

پرسش

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می‌زنند و عرض حاجت می‌کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

پاسخ

در خصوص مطالب بالا، در کتب، حدیثی نیافتیم. تنها دو روز مزبور یکِ عمل مستحب وارد شده و آن روزه گرفتن است. اوّل ربیع الاول روز هجرت پیامبر اسلام است و امام علی(ع) در جای حضرت خوابید و برادری خود را با حضرت ثابت کرد، از این رو مستحب است مسلمانان برای تشکر و سپاس نعمت سلامتی آن دو بزرگوار، آن روز را روزه بدارند و زیارت ایشان را بخوانند.(۱) لازم است به مردم مسلمان آن دیار تذکر داده شود که برای برآورده شدن حاجت شایسته است. مسلمان وضو بگیرد، وارد مسجد شود، دو رکعت نماز بخواند و سپس از آفریدگار خویش حاجت بخواهد. پاورقی: ۱ – مفاتیح الجنان، ص ۵۹۸.

گاهی که در حضور فردی سُنّی" یا علی "می گوییم، می پرسند چرا" یا خدا "نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بندهٔ خدا است. لطفاً بفرمایید ریشهٔ" یا علی "گفتن چیست؟

پرسش

گاهی که در حضور فردی سُنّی" یا علی "می گوییم، می پرسند چرا" یا خدا "نمی گویید، در صورتی که علی(ع) بندهٔ خدا است. لطفاً بفرمایید ریشهٔ" یا علی "گفتن چیست؟

پاسخ

کسانی که" یا علی "می گویند (غیر از افرادی که علی را خدا می دانند و بدین وسیله کافر شده اند") یا الله "هم می گویند، بلکه همواره" یا الله "می گویند و فقط گاهی" یا علی "می گویند". یا علی "گفتن نوعی توسل به حضرت است، یعنی گویندهٔ" یا علی "حضرت را وسیله و تشفیع درگاه خداوند قرار می دهد که خدا به خاطر آبرویی که علی(ع) دارد، به شخص کمک کند و یاور وی شود. توسل به آبرومندانِ درگاه الهی اشکال ندارد و ریشه آن قرآن کریم است": یا أیّها الّذین آمنوا اتّقوا الله وابتغو الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیل الله؛(۱) ای افراد با ایمان، تقوای الهی داشته باشید و برای تقرب به او وسیله ای جستجو کنید و در راه وی جهاد کنید. "باید توجه کرد که وسیله به معنای تقرّب نیست، بلکه چیزی است که مایهٔ نزدیکی به خدا می گردد. یکی از وسایلی که مایهٔ تقرب می گردد، جهاد در راه خدا است که در آیه ذکر شده است. در عین حال می تواند چیزهای دیگر نیز وسیلهٔ تقرب باشد، مانند نماز و روزه و ترک گناه و ... خداوند به حضرت موسی(ع) فرمود": ای موسی، هیچ عامل و وسیله ای برای نزدیکی

قرب جویندگان به من مانند دوری از گناه نیست.("۲) گاهی خداوند افرادی را واسطهٔ فیض خود قرار می دهد، یعنی به وسیلهٔ آنان فیض و رحمتش را به دیگران می رساند، مثلاً پیامبر را وسیله قرار می دهد، تا بندگانش را بیامرزد. قرآن کریم به کسانی که گناه کرده اند، فرمان می دهد سراغ پیامبر روند و توسط ایشان طلب مغفرت کنند و پیامبر برای آنان طلب آمرزش کند و نیز نوید می بخشد در این موقع خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.(۳) بنابراین افراد با" یا علی "گفتن آن حضرت را به کمک و یاری می طلبند تا خداوند به وجاهت و آبروی حضرت خواستهٔ آنان را فراهم کند، وگرنه می دانند که همه چیز به دست خداوند است و هیچ کس از خود چیزی ندارد، مگر این که خداوند به او بدهد. اگر حضرت عیسی مرده زنده می کند، از خودش چیزی ندارد، بلکه با تأیید و اذن الهی کارش را انجام می دهد، و دیگران هم همین طور هستند. جهت آگاهی بیشتر به کتاب آئین وهابیت نوشتهٔ آیت الله سبحانی مراجعه فرمایید. پی نوشت ها: ۱. مائده (۵) آیهٔ ۳۵. ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰. ۳. نساء (۴) آیهٔ ۶۴.

پرسش: در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پرسش

پرسش: در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصا بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود. در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است. اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندکان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند. امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱) امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام (ص) درباره بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند(۲) پس سنت اسلام این است . البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است ، تا ثواب فاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمند تر برای میت و بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان . در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد. پی نوشت ها : ۱ – وسایل الشیعه، ج۲، ص ۸۸۹ ، حدیث ۵. ۲ – همان، حدیث۶.

در روایات اهمیت زیادی بر احترام سادات هست. آنانایِن امتیار را از کجا کسب کرده‌اند و این امر چه توجیهی دارد؟

پرسش

در روایات اهمیت زیادی بر احترام سادات هست. آنانین امتیار را از کجا کسب کرده‌اند و این امر چه توجیهی دارد؟

پاسخ

یکی از مسایل پذیرفته شده جوامع آن است که انتساب به رهبران و شخصیت‌ها نوعی امتیاز محسوب می شود؛ از این رو مردم به بستگان شخصیت‌های علمی و سیاسی احترام می گذارند. این از منظر اجتماعی است، نه از منظر الهی. اگر انتساب به پیامبر اسلام – که گلواژه آفرینش و رهبر جهانیان است – امتیاز به حساب می آید، از همین منظر اجتماعی است. وابستگان به خاندان‌های نامدار در دید اجتماعی جایگاه ویژه‌ای بهره‌مندند. از آنجا که سادات ذریه پیامبر از فاطمه زهرا(س) بوده و نسل بنی هاشم هستند، اجتماع برای آنان حساب ویژه‌ای باز می کند. اگر در روایات آمده است که به سادات احترام نمایید، به جهت پیامبر اسلام(ص) است. امام رضا(ع) فرمود": ما خاندان نبوت حقی که بر مردم داریم، به خاطر پیامبر(ص) می باشد.("۱) امتیازی که از منظر اجتماعی نصیب سادات می شود، مسئولیت آنان را بیشتر می گرداند. بنابراین از آنجا که سادات به پیامبر(ص) منتسب هستند، باید مواظب رفتار خود باشند؛ زیرا انجام برخی اعمال از انسان‌های معمولی مشکل ایجاد نمی‌کند، ولی انجام آن از سوی انسان‌های با شخصیت و رهبران دینی منتسب هستند، مشکل ایجاد می کند. امام صادق(ع) خطاب به یکی از شیعیان فرمود": همانا نیکی از هر کسی نیکو است، ولی از تو نیکوتر است، به خاطر انتساب تو به ما و کار زشت از هر کسی ناپسند است، ولی از تو ناپسندتر است، به خاطر انتساب تو به ما.("۲) بزنطی می گوید: در خدمت حضرت رضا(ع) نشسته بودم. سخن از سادات به میان آمد، عرض کردم: آیا منحرف از خاندان شما و غیر شما یکسانند؟ فرمود": نیکوکار ما اجرش دو چندان و بدکار ما گناهش دو چندان است.("۳) پی نوشت‌ها: ۱. معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۱۴۵ – ۱۴۶. ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۱۷ – ۱۸. ۳. معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۰.

آیا گریه برای مرده گناه است؟

پرسش

آیا گریه برای مرده گناه است؟

پاسخ

گریه بر مرده نه تنها گناه نیست، بلکه مستحب هم است و ثواب دارد.(۱) پیامبر اسلام(ص) در مرگ فرزندش ابراهیم گریه کرد و فرمود": قلب محزون می شود و اشک از چشمم جاری می گردد، ولی چیزی نمی گویم که خدا را غضبناک کند.("۲) فاطمه زهرا(س) و ائمه اطهار(ع) در مرگ عزیزانشان گریه می کردند.(۳) فاطمه زهرا(س) در مرگ خواهرش رقیّه چنان گریه می کرد که اشک هایش بر قبر می ریخت.(۴) گریه آرام بخش است و مستحب است وقتی مصیبت سنگینی بر انسان وارد نمی شود، گریه کند تا روحش آرام بگیرد.(۵) علی(ع) فرمود": پیامبر اسلام(ص) گریه در مصیبت را اجازه دادند.("۶) حضرت موسی بن جعفر(ع) فرمود": وقتی مؤمنی از دنیا می رود، ملائکه آسمان و مکان هایی که در آن عبادت کرده بود، بر مرگ وی گریه می کنند.("۷) رسول خدا(ص) عرض کرد": پروردگارا! محبوب ترین بندگانت پیش تو کدامند، خطاب آمد": بنده ای که در فقدان صالحان

بگریـد، چنان که بچه در نبود والـدین خود گریه می کنـد.("۸) امـا نبایـد در حـال گریه کلماتی از زبان خارج شود که مورد پسـند خداونـد نیست. پی نوشت ها: ۱. عروه الـوثقی، ج ۱، ص ۴۴۳. ۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۲۱، حدیث ۴. ۳. همان، ص ۸۹۲. ۴. همان، ص ۹۲۱. ۵. همان. ۶. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۶۰. ۷. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۳۴. ۸. مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۴۶۹.

برای چه روی قبرها آب می ریزند؟

پرسش

برای چه روی قبرها آب می ریزند؟

پاسخ

یکی از مستحبات پس از دفن میّت، آب ریختن روی قبر است، بدین ترتیب که رو به قبله بایستی و از طرف سر میت دور تا دور قبر را آب بریزی و بقیـهٔ آب را به وسـط قبر بریزی.(۱) امـام صادق(ع) فرمود": تا وقتی که خاک های قبر بر اثر پاشـیدن آب نم داشـته باشـد، عذاب از میّت برداشـته می شود.(۲) البتـه نمی تـوان چنین روایـتی را قطعی و یقینی دانست. در وسائـل الشیعه در مـورد آب پاشـیدن روی قبر روایاتی نقل شده است که دلالت بر استحباب آن دارد، ولی از ظاهر روایات استفاده می شود که استحباب مربوط به موقعی است که میت را دفن کرده و پس از آن که قبر را از خـاک پر کردنـد، روی آن آب بریزنـد. فقط از یک روایت اسـتفاده می شود که امـام رضا(ع) دسـتور داد روی قبر یونس بن یعقوب تا چهل ماه یا چهل روز آب بریزنـد.(۳) برخی از فقها آب پاشیدن روی قـبر را مختصّ بعـد از دفن نکرده انـد، بلکه هر موقع که انسـان موفق به زیـارت اهـل قبـور شـد، مسـتحب است روی قـبر آب بپاشد.(۴) از ظاهر روایات بر می آید" آب پاشـیدن روی قبر "بعد از دفن میت و تا مدتی مثلاً چهل روز یا چهل ماه مسـتحب است. نمی توان اسـتحباب آن را بعـد از گـذشت این مـدت اسـتفاده کرد. البته در روایات برای این کار علت خاصـی ذکر نشده است، اما شایـد علّت آن باشـد که خاک قبر در اثر پاشـیدن آب سـفت و محکم شود تا بـدن میّت از دسـتبرد حیوانات مانند گورکن (کفتار) مصون بماند. پی نوشت ها: ۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۹۱. ۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۶، مادهٔ قبر. ۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۶۰؛ عروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۲. ۴. امام خمینی(ره)، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۹۱؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، مادهٔ قبر.

آیا می شود در ماه محرم موهای خود را حنا زد؟

پرسش

آیا می شود در ماه محرم موهای خود را حنا زد؟

پاسخ

مؤمنان برای رعایت احترام خاندان عصمت و طهارت و هماهنگ شدن با عترت حسینی معمولاً در ماه محرم از حنا گذاشتن و رنگ کردن موها خودداری می کننـد، ولی اگر کسـی حنا گـذاشت یا موهای خود را رنگ کرد، اشـکال شـرعی ندارد، مخصوصاً اگر به

حنا گذاشتن نیاز پیدا شود.

چرا عکس زن در اعلامیهٔ فوت او زده نمی شود؟

پرسش

چرا عکس زن در اعلامیهٔ فوت او زده نمی شود؟

پاسخ

زدن عکس زن در اعلامیهٔ فوت او اگر عکس با حجاب اسلامی باشد، اشکال شرعی ندارد و می توانند این کار را بکنند. امّا این که چرا این کار را نمی کنند، شاید به خاطر محفوظ ماندن حرمت او یا به جهت عرف جامعه باشد. غیرت به مردان اجازه نمی دهد عکس زن یا خواهر و مادرشان در اعلامیه در کوچه و محله و خیابان نصب شود و در معرض دید مردان نامحرم قرار گیرد.

نظر اسلام دربارهٔ حفظ ظاهرچیست؟

پرسش

نظر اسلام دربارهٔ حفظ ظاهرچیست؟

پاسخ

اسلام از پیروان خود می خواهد در بین مردم با عزت زندگی کنند و ظاهر خود را بیارایند و بدی های خود را آشکار نسازند، از این رو جامهٔ زیبا پوشیدن، مسواک کردن ، به مو شانه و روغن زدن، معطر بودن و خلاصه خود را آراستن در حال عبادت و معاشرت نیکو با مردم داشتن، از مستحبات مؤکد و جزء برنامهٔ روزانه مسلمانان است. قرآن مجید از فقیرانی که با حفظ ظاهر آبرومندانه زندگی می کنند، ستایش می کند و می فرماید": آنان به قدری عفیف اند که اگر کسی از وضع واقعی آنان آگاه نباشد، فکر می کنند ثروتمند هستند. اینان با عزت نفس هرگز از مردم چیزی نمی خواهند.(۱") تظاهر به داشتن و بی نیازی، نشانگر مناعت طبع و روحیه عزت طلبی است و غیر از ریاکاری و فریب دادن است. اگر حفظ ظاهر برای خودنمایی و فخر فروشی باشد، ریاکاری است و از نظر اسلام گناه حساب می شود. بنابراین حفظ ظاهر به معنای تجویز نفاق و دورویی نیست که این حالت، خطرناک ترین و بدترین حالت است. انسانی که سعی کند خود را در ظاهر انسان خوب و موجه جلوه دهد، اما در باطن برخلاف آن باشد، بسیار ناپسند است. حفظ ظاهر و به ظاهر خوب نشان دادن تا زمانی پسندیده است که موجب اشاعه بدی و از بین رفتن قبح زشتی و اخلاق ناپسند نشود. نیز حفظ ظاهر باعث شود انسان با خود بیندیشد که اگر ظاهر خوب دارم، سعی نمایم که باطنم نیز مطابق با ظاهر باشد. اگر غیر از این باشد، نفاق و دورویی است. رسول اکرم (ص) به" معاذ بن جبل "فرمود": برحذر باش از این که در ظاهر ، نشانه های نیکوکاران در تو باشد و در باطن ، فاقد آن ها باشی و در قیامت با ریاکاران محشور گردی.(۱") در جای دیگر می فرماید": از خشوع تصنعی و نفاق آلود بپرهیزید و آن این است که بدن آدمی حالت تواضع به خود بگیرد، ولی قلب خاضع نباشد.(۲") آن چه مهم است، انگیزه حفظ ظاهر است. اگر خودنمایی باشد، نوعی ریاکاری و ناپسند است اما اگر برای حفظ عزت نفس دوری از ذلت باشد، پسندیده است. پی نوشت ها : ۱ – بقره (۲) آیه ۲۷۳. ۲ – گفتار فلسفی، اخلاق، ج۲، ص ۱۴۶. ۳ –

تحف العقول ، ص ۱۰۰.

چرا عکس زن در اعلامیهٔ فوت او زده نمی شود؟

پرسش

چرا عکس زن در اعلامیهٔ فوت او زده نمی شود؟

پاسخ

زدن عکس زن در اعلامیهٔ فوت او اگر عکس با حجاب اسلامی باشد، اشکال شرعی ندارد و می توانند این کار را بکنند. امّا این که چرا این کار را نمی کنند، شاید به خاطر محفوظ ماندن حرمت او یا به جهت عرف جامعه باشد. غیرت به مردان اجازه نمی دهد عکس زن یا خواهر و مادرشان در اعلامیه در کوچه و محله و خیابان نصب شود و در معرض دید مردان نامحرم قرار گیرد.

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟ (پ)

پرسش

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصا بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود. در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است. اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندکان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند. امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱) امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام (ص) درباره بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند(۲) پس سنت اسلام این است . البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است ، تا ثواب فاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمند تر برای میت و بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان . در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد. پی نوشت ها : ۱ - وسایل الشیعه، ج۲، ص ۸۸۹ ، حدیث ۵. ۲ -

همان، حدیث۶.

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می‌زنند و عرض حاجت می‌کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

پرسش

روز اوّل ربیع الاول عده ای از مسلمانان برخی مناطق به سمت مساجد رفته، درب مسجد را می‌زنند و عرض حاجت می کنند، آیا چنین عملی در روایات بیان شده و کار صحیحی است؟

پاسخ

در خصوص مطالب بالا، در کتب، حدیثی نیافتیم. تنها دو روز مزبور یکِ عمل مستحب وارد شده و آن روزه گرفتن است. اوّل ربیع الاول روز هجرت پیامبر اسلام است و امام علی(ع) در جای حضرت خوابید و برادری خود را با حضرت ثابت کرد، از این رو مستحب است مسلمانان برای تشکر و سپاس نعمت سلامتی آن دو بزرگوار، آن روز را روزه بدارند و زیارت ایشان را بخوانند.(۱) لازم است به مردم مسلمان آن دیار تذکر داده شود که برای برآوره شدن حاجت شایسته است. مسلمان وضو بگیرد، وارد مسجد شود، دو رکعت نماز بخواند و سپس از آفریدگار خویش حاجت بخواهد. پاورقی: ۱ - مفاتیح الجنان، ص ۵۹۸.

۱- آیا اختلاف آداب نشان دهنده نسبیت اصل آن است ؟

پرسش

آیا اختلاف آداب نشان دهنده نسبیت اصل آن است ؟

پاسخ

خیر , اصل معنای ادب که همان حالت نیکویی است که سزاوار است افعال انسان با آن مطابق باشد , مورد اتفاق همه عقلا در همه زمانها است . آنچه مورد اختلاف است مصادیق ادب است و این امر سبب نسبی بودن اصل ادب نمی گردد . اما دلیل این اختلاف آن است که حسن و نیکویی که از مقدمات معنای ادب است به دلایل گوناگون و اغراض متفاوت در نزد اجتماعات مختلف , فرق می کند .

Ơə_و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

پرسش

حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

پاسخ

ما مردم ایران یک حُسن داریم و یک عیب. حُسن ما مردم این است که در مقابل حقیقت، تعصب کمی داریم و شاید می توانیم بگوییم بی تعصب هستیم؛ یعنی اگر با حقایقی برخورد کنیم و آنها را درک کنیم، شاید از هر ملت دیگر زودتر تسلیم آن حقایق می شویم. ولی یک عیب بزرگی در ما ملت ایران هست که به موازات اینکه در مقابل حقایق تسلیم می شویم، به حماسه ها و ارکان شخصیت خودمان زیاد پایبند نیستیم و با یک حرف پوچ، زود آن را از دست می دهیم و رها می کنیم. هیچ ملتی به اندازه ما نسبت به شعائر خودش بی اعتنا نیست. شما هندیها و ژاپنیها و اعراب را دیده اید؛ آنها هم مثل ما مشرق زمینی هستند، لکن از این نظر مثل ما نیستید. به اندازه ای که ما در مقابل لغات و عادات اجنبی تسلیم هستیم، هیچ ملتی تسلیم نیست. به عکسها یی که در کتابهای تاریخ علوم هست نگاه کنید، می بینید دانشمندان درجه اول هند با همان عمامه و لباس خودشان هستند. نهرو که یک سیاستمدار بزرگ و یک وزنه جهانی بود، با همان لباس هندی در همه جا حرکت می کرد. بلندی و کوتاهی لباس و یا سفید و سیاه بودنش اهمیت ندارد، اما اینکه آن دانشمند عمامه خودش را سرش می گذارد و یا نهرو با آن شلوار سفید و گشاد و پالتوی مخصوص همه جا می رود، می خواهد به همه مردم دنیا بگوید که من هندی هستم و باید هندی باقی بمانم و در مقابل علم و صنعت تعصب ندارم، که علم و صنعت مربوط به کشور خاصی نیست؛ در مقابل عقاید بزرگ فلسفی و دینی تعصب ندارم اما در مورد شعارهای ملی، هر کسی به شعارهای خودش پایبند است، من چرا باید شعار یک ملت دیگر را بپذیرم؟ ولی ما، اگر فرنگی یک زنار ببندد، ما دو تا زنار می بندیم، با اینکه او روی حساب شعار خودش این کار را می کند. ولی در جامعه ما این حسابها نیست.

حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

پرسش

حُسن و عیب مردم ایران از یک دید کلی چیست؟

پاسخ

ما مردم ایران یک حُسن داریم و یک عیب. حُسن ما مردم این است که در مقابل حقیقت، تعصب کمی داریم و شاید می توانیم بگوییم بی تعصب هستیم؛ یعنی اگر با حقایقی برخورد کنیم و آنها را درک کنیم، شاید از هر ملت دیگر زودتر تسلیم آن حقایق می شویم. ولی یک عیب بزرگی در ما ملت ایران هست که به موازات اینکه در مقابل حقایق تسلیم می شویم، به حماسه ها و ارکان شخصیت خودمان زیاد پایبند نیستیم و با یک حرف پوچ، زود آن را از دست می دهیم و رها می کنیم. هیچ ملتی به اندازه ما نسبت به شعائر خودش بی اعتنا نیست. شما هندیها و ژاپنیها و اعراب را دیده اید؛ آنها هم مثل ما مشرق زمینی هستند، لکن از این نظر مثل ما نیستید. به اندازه ای که ما در مقابل لغات و عادات اجنبی تسلیم هستیم، هیچ ملتی تسلیم نیست. به عکسها یی که در کتابهای تاریخ علوم هست نگاه کنید، می بینید دانشمندان درجه اول هند با همان عمامه و لباس خودشان هستند. نهرو که یک سیاستمدار بزرگ و یک وزنه جهانی بود، با همان لباس هندی در همه جا حرکت می کرد. بلندی و کوتاهی لباس و یا سفید و سیاه بودنش اهمیت ندارد، اما اینکه آن دانشمند عمامه خودش را سرش می گذارد و یا نهرو با آن شلوار سفید و گشاد و پالتوی مخصوص همه جا می رود، می خواهد به همه مردم دنیا بگوید که من هندی هستم و باید هندی باقی بمانم و در مقابل علم و صنعت تعصب ندارم، که علم و صنعت مربوط به کشور خاصی نیست؛ در مقابل عقاید بزرگ فلسفی و دینی تعصب ندارم اما در مورد شعارهای ملی، هر کسی به شعارهای خودش پایبند است، من چرا باید شعار یک ملت دیگر را بپذیرم؟ ولی ما، اگر فرنگی

یـک زنـار ببنـدد، مـا دو تا زنار می بنـدیم، با اینکه او روی حساب شـعار خودش این کار را می کنـد. ولی در جامعه ما این حسابها نیست.

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پرسش

منظور از اصلاح و افساد جامعه چه می باشد؟

پاسخ

اصـلاح و افساد از ریشه صـلاح و فساد اشـتقاق یافته اند و در مواردی به کار می روند که موجودی، کمال مناسب با نوع خود و آن چه که از او انتظـار می رود را به دست آورد یـا از دست بدهـد. هر موجودی که در این جهان در مسیر حرکت و دگرگونی است، می توانـد در شـرایط خاصـی به کمالاـتی متنـاسب بـا نوع خود، دست پیـدا کنـد که اگر به آن کمال دست پیـدا کرد، از این وضع، مفهوم صلاح انتزاع می شود و اگر عواملی او را از وصول به کمال لایق خود، باز داشت، یا پس از وصول به آن، تداوم آن کمال را ناممکن ساخت، در این صورت، مفهوم فساد از آن انتزاع می شود.

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پاسخ

اسـلام بـا ظهور خود فرهنـگ نوینی را به بشـریت ارزانی داشت و بـا طرح مفـاهیم جدیـد، بینش انسـان ها را دگرگون ساخت ، این مفـاهیم که از مجرای وحی و سـنت رسول خـدا (ص) که ترجمـان حقیقی وحی بود، نـازل شـد و بـا عمـل و رفتار مومنان در شـبه جزیره عربسـتان بسط یافت ، بنیان های تکوین یک امت واحد جهانی را فراهم آورد .قرآن شـریف ، سفارش های مکرری نسبت به اندیشـیدن و تمیز درست از نـادرست دارد و این سـفارش هـا کاملا "منطقی است . این کتاب عظیم چنان که عقل راراهنمای انسان میدانـد، از فرد بشـر می خواهـد تـا حکمت و رشـد خود راگسترش دهـد [در این بـاب نگـا : تفکر از دیـدگاه اسـلام عباس محمود عقاد،ترجمه محمـدرضا عطایی ، بنیاد پژوهش های اسـلامی آسـتان قدس رضوی ،مشـهد، چاپ اول ۱۳۷۱ ش ، صـص ۲۶ - ۹] . همچنین در این کتـاب بی نظیرآمـوزه هـایی وجـود دارد که سـمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون سـاخته است . آموزه هایی در باب اخلاق ، خداشناسـی ، انسان شناسـی ،جهان شناسـی ، تاریـخ و ...حضـرت رسول (ص) با سـیره عملی و گفتار زبانی وبعد از او ایمه (ع) کوشـش کردند تا این آموزه ها را به طور صـحیح و درست برای ما تفسیر نمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند .اما باید به این نکته توجه داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه ها بوده است ، آیا علاوه بر طرح مسایلی چون خداشناسـی ، انسان شناسـی ، راهنماشناسی و اخلاق ، مواردی چون جهان شناسـی به معنی شـناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک ، گیاه شناسـی ،زمین شناسی ، ستاره شناسی و در یک کلام دانش تجربی نیز

مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟! به نظر می رسد قرآن کتاب انسان سازی است تاآنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیاز دارد به او بیاموزد .بر این اساس آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مساله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنی در باب خداشناسی ، انسان شناسی ، معادشناسی ،راهنماشناسی ، اخلاق و احکام عبادی . اما در باب جهان ، طبیعت و مسایل فیزیکی و جسمانی بدن ، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است وشاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلا "و مستقیما "به ذکر آفرینش جهان وکیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد .در برخی موارد، گفت و گو ازآفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی که خدا در آفرینش به کار برده است . درپاره ای مواضع نعمت های خدا در آسمان و زمین به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی ، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که انسان با نگرش به عالم از آن جهت که آفریده خداو در چنبره تدبیر اوست ، معرفت فطری و شناخت حضوری خود راشکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [معارف قرآن ، محمدتقی مصباح یزدی ، موسسه در راه حق قم ، چاپ اول ۱۳۶۷ ش ، ج ۱، صص ۲۲۶ – ۲۲۵] . با توجه به این نکته ، در پاسخ به پرسش شما خاطرنشان می شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در باب آموزه هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است ، بله در این جهت ما باید کوشش کنیم تاآموزه های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سودجوییم ، به راستی ما در انسان شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسی ،راهنماشناسی و معادشناسی هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که بااستخراج و انتظام منطقی آنها می توانیم مسایل جدیدی را در این ساحت هابه جهان بشریت عرضه کنیم . اما اگر منظور شما آموزه هایی در ساحت دانش تجربی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکرکلیاتی استطرادی اکتفا شده است ، به نظر ما نباید تلاش بیهوده ای را آغازکنیم ، چنان که برخی چون رشید رضا در تفسیر ((المنار)) و طنطاوی در تفسیر ((الجواهر فی تفسیر القرآن)) کوشش کردند که بسیاری از مسایل علمی را باآیات قرآن تطبیق دهند .زیرا از آن جا که این آیات جنبه استطرادی داشته ، درهیچ زمینه ، هیچ گاه به بحثهای تفصیلی در این باب نپرداخته بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تامین می شده بسنده کرده است ، به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالبا "دارای ابهام هایی است و کمتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم [برای آگاهی بیشتر نگا : همان ، صص ۲۳۲ – ۲۲۸] . در اینجا تذکر چند نکته لازم و ضروری است : ۱– هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضیحش گذشت نپرداخته است ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جستجو و کشف عالم طبیعت بپردازد [نگا : اعراف ، آیه ۱۸۵ ؛ غاشیه ، آیه ۲۰ – ۱۷ ؛ بقره ، آیه ۱۶۴ و ...] ۲– خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت راکشف نماید .در حقیقت این موضوع به انسان واگذار شده است . از این رو دراین باب باید از عقول دیگران و تجارب آنها سود جوید .۳– علوم اسلامی همچون تفسیر، فقه ، اصول ، حدیث ، نحو، بلاغت ، تاریخ ، اخلاق ، فلسفه وکلام هر چند در پرتو هدایت های رسول خدا (ص) و پایه گذاری حضرت علی (ع) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود آن را توسعه بخشید .بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند باخود آدمی رشد و بالندگی خود را به دست آورد [در این باب نگا : ظهورشیعه ، علامه سید محمد حسین طباطبایی ، انتشارات فقیه ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۰ ش ، صص ۴۴ – ۳۳] . ۴– تطفلی و استطرادی بودن برخی ازآموزه های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی اند که برای ارایه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند .حاشاو کلا که چنین باشد .گزارش های وحی از خلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است . مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است واز این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است . در واقع با این سلسله

آیات ، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداداز عقل خود به کشف رازهای مجهول آن نایل آید .۵- ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است ؛ زیرا قرآن همراه با طرح این مسایل ، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجه می دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال ((هو الاول)) و ((هوالاخر)) تا اوج گاه مبدا و معادپرواز می دهد [شریعت در آیینه معرفت ، آیت الله عبدالله جوادی آملی ،مرکز نشر فرهنگی رجا، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۲، صص ۱۶۶ - ۱۶۴] . به هرروی ما باید در برخی آموزه های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است ،نظریات آن را استخراج کرده و به جهانیان عرضه نماییم ولی در بعضی ازدانش ها چون دانش تجربی و تاریخی باید با استمداد از عقل بشری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم.

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهادمی کنید؟

پرسش

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهادمی کنید؟

پاسخ

دانشجوی گرامی ما نیز در وجود بعضی آداب و رسوم بی جا و دست و پا گیر و مشکل ساز رنج می بریم و معتقدیم که بسیاری از جوانان با چنین مشکلاتی مواجه هستند .اما سوال اینجاست که این آداب و رسوم از کجا وارد جامعه ما شده است ؟ پاسخ به این سوال نیاز به یک تحلیل جامعه شناختی و روانشناختی دارد .معمولا "سنتها و آداب ورسوم اعم از مثبت و منفی بدون پذیرش اجتماعی نمی تواند وارد یک فرهنگ شودو مقبولیت عامه پیدا کند .سوال دیگری که مطرح می شود اینست که چگونه این سنت ها و آداب و رسوم مورد پذیریش عموم قرار می گیرد؟! به طور قطع عوامل گوناگونی دست بدست هم می دهد و شرایطی را بوجود می آورد تا اینکه مردم یک قانون یا سنتی را بپذیرند و بعد از پذیرفتن به آن عمل نمایند و سپس آن عمل راتکرار کنند تا اینکه کم کم جز فرهنگ عمومی جامعه شود .یکی از مهمترین عوامل موثر در پذیرش عمومی آداب و رسوم غلط ضعف فکری ، علمی و اعتقادی جامعه است به عبارت دیگر اگر مردمی اهل تفکر و اندیشه باشند و از نظر اعتقادی ،باورهای دینی به صورت عمیق در آنها رسوخ کرده باشد قطعا "آسیب پذیری آنهادر مقابل تهاجم سنت های غلط که از بیرون یا درون آن جامعه القا می شود کاهش پیدا می کند و حاضر نیستند بدون دلیل هر فکر القا شده ای را به پذیرند بلکه مقاومت می کنند اما اگر به هر دلیلی مردم یک جامعه ای قدرت تفکرشان ضعیف وباورهای دینی کم رنگ باشد آسیب پذیری فرهنگی آن بیشتر و بیشتر می شود و نه تنها در مقابل القاات فرهنگی غلط مقاومت نمی کنند بلکه خود در ترویج و گسترش آن از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند .بنابراین اگر ما بخواهیم از این آداب و رسوم غلط و دست و پا گیر رهایی پیدا کنیم ، باید دامن همت به کمر زده و به اندازه توان ووسع خود کار فرهنگی را شروع کنیم و به خودمان تلقین نکنیم که یک دست بی صدا است یا اینکه با یک گل بهار نمی شود .این مطالب نیز در واقع تلقینات همان کسانی است که سود جویی خودشان را در منفعل بودن مردم می دانند و یا اینکه به صورت ناآگاهانه با اینگونه القاات آب به آسیای کسانی می ریزند که از گسترش اینگونه آداب و رسوم بیشترین سود را می برند .آری همه حرکتهای فرهنگی در آغازبا افراد معدودی شروع شده اما با پشتکار و خستگی ناپذیری بعد از مدتی تبدیل به یک فرهنگ فراگیر شده که سرنوشت یک جامعه و ملتی را تغییر داده است . بنابراین نباید منتظر باشیم با یک توصیه یا نصیحت یا اطلاعیه ای

سنت های غلط و آداب ورسوم دست و پا گیر همه تعطیل و برچیده شود بلکه نیاز به کار فرهنگی توام باعمل دارد و امیدواریم که متصدیان فرهنگی جامعه ما بجای پرداختن به اموربیهوده برای حل مشکلات جوانان در زمینه ازدواج و اشتغال ، فکر اساسی بکنند وبا کار فرهنگی زمینه حذف یا حداقل کاهش آداب و رسوم غلط را فراهم نمایند .اماآنچه در مورد ازدواج و همسر آینده خودتان مطرح فرمودید .دانشجوی محترم : ازاینکه شما در خانواده ای زندگی می کنید که اعضا خانواده حق انتخاب دارند و به آراو نظرات و سلایق یکدیگر اهمیت می دهند جای بس خرسندی است و از اینکه شما دوست دارید دختر خوبی برای خانواده خود و خانواده همسر آیندتان باشیدبه شما آفرین می گوییم و امیدواریم که همانگونه که خود فرموده اید باشید اما توجه به چند نکته برای تصمیم گیری حال و آینده شما بسیار ضروری است : ۱- انسانها ازجهات گوناگون فکری ، رفتاری ، استعدادی ، قیافه و عواطف و احساسات با هم متفاوت هستند لذا شما هیچگاه انتظار نداشته باشید که همه مثل شما فکر کنند وعواطف و احساسات آنها مثل شما باشد .البته انسانها با وجود همه تفاوتهایی که دارند قدرت سازگاری و انطباق با دیگران را دارند .بنابراین شما با در نظر گرفتن این تفاوتها همسر آینده خود را انتخاب کن . ۲- در انتخاب همسر آیندتان کمال دقت رابه نمایید یعنی بر اساس تحقیق ، مشورت و استفاده از تجارب افراد مجرب و دلسوزمانند پدر و مادر اقدام کنید .۳- بهتر است در زمینه انتخاب همسر بیشتر مطالعه کنیدلذا کتاب انتخاب همسر از آقای امینی و کتاب انتخاب همسر آقای علی اکبرمظاهری را معرفی می کنیم و توصیه می نماییم که حداقل یکی از این دو کتاب رامطالعه بفرمایید .۴- اگر خواستگاری برای شما آمد نه خیلی خوش بین باشید و نه سو ظن داشته باشید بلکه همانطوری که در نکته ۲ آمد اساس انتخاب خودتان را برآگاهی از وضعیت آن پسر بویژه خانواده او، دوستان او و ...قرار دهید و بعد ازتحقیق و مشورت انتخاب کنید .۵- در انتخاب همسر خیلی ایده آلی فکر نکنیدبالاخره همه انسانها هم نقاط ضعف و هم نقاط قوت دارند آنچه که مهم است همسر هر کسی باید کفو و همتای او از جهات مختلف باشد بنابراین سعی کنید اگرکسی به خواستگاری شما آمد ببینید آیا از نظر خانوادگی ، اخلاقی ، اعتقادی ،فرهنگی و اجتماعی به شما نزدیک هستند یا نه ، اگر در جهات فوق هم سطح و یانزدیک به هم بودید آنگاه تصمیم بگیرید .۶- در این که همسر آینده شما آیا با شما بانیکی رفتار می کند یا نه بستگی به عوامل گوناگونی دارد و از جمله رفتار خود شمانقش تعیین کننده در بازخورد او دارد .وضعیت خانوادگی آنها خیلی مهم است لذادرباره اخلاق خانوادگی ایشان تحقیق بیشتری بنمایید و بعد از تحقیق به خداوندتوکل کنید و انتخاب نمایید .و نگران این مسیله نباشید.

آیا درست است که در ازدواج ، هیچ فرقی بین یک دختر و کالای یک مغازه نیست ؟

پرسش

آیا درست است که در ازدواج ، هیچ فرقی بین یک دختر و کالای یک مغازه نیست ؟

پاسخ

گرچه متاسفانه در برخی موارد با دختران همانندیک کالا رفتار می شود و یا برخی دختران خود را به عنوان کالا عرضه می کنند؛ ولی باید توجه داشت که تفاوت بسیاری بین کالای مغازه ها و یک دختر وجود دارد .چرا که کالا هیچ اختیاری از خود ندارد؛ ولی دختر در قبول یا رد مختار است . ثانیا "خواستگار، دختر را به عنوان شریک و همراه درزندگی می خواهد نه به عنوان یک کالای مصرفی . البته اگر کسی به چشم کالابه دختری نگاه کند، بالاترین خلاف اخلاقی را مرتکب شده است ؛ چرا که ارزش انسانی یک فرد را در حد کالایی پایین آورده است . هم چنین اگردختری خود را به عنوان کالاـعرضه نماید، خود را در حد یک کالاـ بی

مقدارکرده است . ما با بخشی از انتقادات شما موافقیم ؛ به ویژه در برخی ازفرهنگ ها که برای دختران شانی قایل نیستند و یا اختیاری برای آنان باقی نمی گذارند .ولی روند خواستگاری از دختر روندی طبیعی است و تقریبا "دراکثر نقاط دنیا وضعیت به همین منوال است ؛ گرچه دختر نیز می تواندخواهان کسی باشد و در حقیقت از او خواستگاری کند .به نظر می رسد بایددیدگاه خود را نسبت به زندگی و مقدمات آن تغییر دهید و خوشبینانه تربرخورد کنید .ان شاالله خواستگار مناسبی که هم شما او را بپسندید و او نیزشما را، برایتان پیدا خواهد شد و با تشکیل زندگی سالم ، درخواهید یافت که زندگی نیز یک مساعی و همکاری است ؛ نه خرید و فروش و تبادل . از دعا به درگاه خداوند به ویژه پس از خواندن نمازها غافل نشوید;.

وضعیت فرهنگی مردم ایران نسبت به جوامع دیگر، در چه سطحی است ؟

پرسش

وضعیت فرهنگی مردم ایران نسبت به جوامع دیگر، در چه سطحی است ؟

پاسخ

متاسفانه جهان اسلام ، علی رغم ظرفیت ها و قابلیت های بالقوه ای که دارد، از مشکلات عدیده ای رنج می بردکه نیازمند مباحثی گسترده و طولانی می باشد که ما در این جا به صورت مختصر،از دیدگاه جامعه شناختی به مهم ترین آن ها می پردازیم : الف . مشکلات فرهنگی که شاید بتوان به عنوان مهم ترین مشکل از آن نام برد، که به دلیل دوری از فرهنگ اصیل اسلامی و رواج و گسترش خرافات و بدعت ها در دین وهجوم فرهنگ های فاسد بیگانه برای نابودی فرهنگ اسلامی و ...به وجودآمده و سبب دور ماندن جوامع اسلامی از رشد و شکوفایی و توسعه شده است . ب . مشکلات سیاسی و امنیتی ، از قبیل وجود تفرقه میان ملیت های مسلمان ، وجود حکومت های دست نشانده و فاقد مشروعیت دینی و مردمی دراکثر کشورهای اسلامی ، تهاجم نظامی کشورهای غیر مسلمان ، وجود پایگاه های نظامی غرب در داخل سرزمین های اسلامی ، جنگ های داخلی میان قبیله ها وکشورهای اسلامی بر منابع طبیعی ، عقاید مذهبی و ...که همگی منجر به تضعیف و هدر رفتن توانایی و امکانات مادی و معنوی کشورهای اسلامی شده و سلطه ی فرهنگی ، سیاسی ، نظامی و اقتصادی کشورهای بیگانه را برسرزمین های اسلامی تحکیم کرده است . ج . مشکلات اجتماعی : علی رغم این که جهان اسلام نیروی انسانی عظیمی را در اختیار دارد، ولی به دلیل عدم برنامه ریزی صحیح و مناسب و کافی نبودن امکانات در رفع نیازهای اساسی این افراد و رشد و تربیت نیروهای متخصص و کارآمد برای پیشبرد جامعه ، این منبع انسانی که می تواند کارایی های مثبت فراوانی داشته باشد، به صورت یکی از معتقدات جوامع اسلامی در آمده است و در نتیجه ی عدم موفقیت حکومت ها در پاسخگویی به نیازهای اشتغال ، مسکن ، رفاه و ...مشکلات عدیده ای را از قبیل نا امنی ، بی هویتی ، و عدم اعتماد به نفس نظام فاسداداری و ...به وجود آورده و زمینه را برای پذیرش فرهنگ های فاسد غرب فراهم نموده است; .

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان((علیهم السلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صادق((علیه السلام)) آمده است که می فرماید: «نوروز، روزی است که پروردگار از بندگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نورزند و به فرستادگانش و امامان((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سختیهاییم ;زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.»(۱) در روایتی دیگر از معصوم((علیه السلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسد، غسل کنید، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطّر سازید و در آن روز، روزه گیرید.» در برابر این روایات، روایتی دیگر است منسوب به حضرت امام موسی بن جعفر((علیه السلام)) که در پاسخ درخواست منصور(عبّاسی) بر این که حضرت هنگام عید نوروز در جایی بنشیند و به دیگران تبریک و تهنیّت گوید، می فرماید: «در اخبار جَدّم]رسول الله(صلی الله علیه وآله)[خبری از این روز]نوروز[نیافتم.»(۳) مرحوم مجلسی پس از ذکر این روایت، می گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیّه کنیم.» به هر حال، نباید فراموش کنیم که حضرت علی((علیه السلام)) می فرماید: «هر روزی که در ــــــــــــــ ۱ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲. (۲)۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱. ۳ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰. ـ۱۴۱۰ـ آن، نافرمانی خدا نشود، عید است.»(۱) پس باید در عید نوروز به کارهایی مشغول شویم که ما را به خدا نزدیک کند و او را از ما خشنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به سنّتهای نادرست و نامعقول خویشتنداری کنیم. عبادت خداوند و قرائت قرآن و پاکی و نظافت خانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سفره هفت سین و برگزاری مراسم چهارشنبه سوری، چون علّت عقلانی و شرعی ندارد، محکوم و مطرود است. (بخش پاسخ به سؤالات) ــــــــــــــ ۱ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳. ـ۱۴۱۱ـ

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پاسخ

دید و بازدید و صله رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است ;هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرّم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادّی و معنوی خویش یکوشند. ولی تأسّف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلایند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۷۵۹ـ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پرسش

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پاسخ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علّت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنّتی است ملّی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۷۶۰ـ

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پرسش

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پاسخ

متأسّفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرفتر از ایمانشان قدرت خدا است. حتّی گاه می بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می دهند ;کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است. به فرض که عدد سیزده نحس باشد، راه گریختن از آن، توکّل به خدا و دعا و نیایش و صدقه و صله رحم و دستگیری از بینوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی((علیه السلام)) در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه ای بیش نیست. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۷۶۱ـ

هنگام سعد و نحس چه هنگامی است؟

پرسش

هنگام سعد و نحس چه هنگامی است؟

پاسخ

در اسلام هیچ هنگامی به گونه ای نُحُوست ندارد که تغییر ناپذیر باشد. اگر برخی زمانها در برخی احادیث نحس شمرده شده است، در روایاتی دیگر نیز آمده است که با صدقه و دعا، نُحُوستی در کار نیست. باید توجّه داشت که اعمال ناشایست انسان موجب نامیمونی و اعمال شایسته موجب میمونی ایّام می شود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۷۶۲ـ

آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه((علیهم السلام)) نوعی تعظیم شعائر است؟

پرسش

آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه((علیهم السلام)) نوعی تعظیم شعائر است؟

پاسخ

شکی نیست که باید در موقع سالگرد شهادت تمام امامان((علیهم السلام)) بلکه تولّد آنان هم شیعه مراسمی را به عنوان احترام و بزرگداشت آنان برگزار کند گرچه تعطیل نوعی احترام و بزرگداشت به شمار می آید که در مورد بسیاری از امامان ما این نوع از احترام چه به صورت رسمی و چه غیر رسمی در بسیاری شهرها وجود دارد و لکن وظیفه این است که برنامه هایی طرح، شود مانند اینکه مجالسی تشکیل شود و با سخنرانی و یادآوری شرح زندگی و مصائب و فداکاریهایی آنان شناخت بیشتری درباره آن امامان((علیهم السلام)) فراهم گردد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۹ـ

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

پرسش

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

پاسخ

باید توجّه داشت که تعظیم شعائر دینی از مهم ترین وظائف هر مسلمان و بلکه بر شیعه ای است، اگر ما معتقدیم که به فرموده امام خمینی((رحمه الله)) «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» و اگر می دانیم که دشمنان خاندان پیامبر((صلی الله علیه وآله))سعی داشتند اسلام را از اساس نابود کنند، امّا امام حسین((علیه السلام)) با فداکاری و شهادت اهل بیت و یارانش، سبب احیای دین رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) و شریعت اسلام شد ;باید بپذیریم که زنده نگه داشتن و گرامی داشتن عاشورا در واقع احیای اسلام و مکتب قرآن است، آن گاه به جای مخالفت با این امور، تلاش و اندیشه خود را در این مسیر خواهیم انداخت که بر شکوه و کار آمدی آن بیفزاییم. آری، این که چگونه باید به تعظیم و تکریم شعائر مذهبی پرداخت، جای بحث و گفتگوی بسیار دارد ;ولی مسلّماً اصل این مراسم چه در شهادت ها و چه در تولّدها و جشنها باید به شیوه ای بسیار باشکوه باشد، شیوه ای که خاطرات و یادهای چهارده قرن را همچنان تا قیام حضرت حجّة((علیه السلام)) به بهترین نحو زنده و پوینده نگه دارد. تا اسلامی که با همین عزاداریها و یا جشن تولّد ائمه((علیهم السلام))به ما رسیده است به نسلهای بعد منتقل شود ;که حیات دین به حیات شعایر الهی است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۰ـ

چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیّت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

پرسش

چرا در اطلاعیه های شهادت، تبریک و تسلیّت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

پاسخ

یک موضوع می توانـد از جهات مختلف چند جور تفسیر و بیان شود مثلا یک شـخص برای شاگرد خود معلّم است امّا برای فرزند خود پدر و برای یک راننده مسافر است. با اینکه در همه این موارد یک نفر است پس از آنجا که بهترین نوع مردن شـهادت است و یک توفیق محسوب می شود می توان تبریک گفت و از آنجا که فقدان یک مؤمن و یک عزیز از بین امّت، کم شدن یک نیروی با ارزش و هجران از اوست می توان تسلیّت گفت. چنانکه در حدیث آمده وقتی دانشـمندی بمیرد رخنه ای در اسـلام ایجاد می شود که چیزی آن را پر نمی کند و حال آنکه خود آن شخص مرگ در راه حق را افتخار می داند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۷ـ

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پاسخ

دیـد و بازدیـد و صـله رحم و دسـتگیری از مسـتمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بسـتگان از حـال یکـدیگر بـا خبر می شونـد، از نظر اسـلام کـاری بسـیار شایسـته است. گذشـته از این، فروردین، آغـاز بهار است ;هنگامی که طبیعت دوباره زنـده می گردد و درختان سبز و خرّم می شونـد و رشـد و بالنـدگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شـکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادّی و معنوی خویش بکوشند. ولی تأسّف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مـانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشـدار می دهـد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلایند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲ـ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پرسش

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پاسخ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علّت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنّتی است ملّی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳ـ

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پرسش

چرا برخی مردم بر این عقیده اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پاسخ

متأسّفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرف تر از ایمانشان قدرت خدا است. حتّی گاه می بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می دهند ;کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است. به فرض که عدد سیزده نحس باشد، راه گریختن از آن، توکّل به خدا و دعا و نیایش و صدقه و صله رحم و دستگیری از بینوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی((علیه السلام)) در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه ای بیش نیست. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴ـ

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان((علیهم السلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صادق((علیه السلام)) آمده است که می فرماید: «نوروز، روزی است که پروردگار از بندگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نورزند و به فرستادگانش و امامان((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سختیهاییم ;زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.»(۱) در روایتی دیگر از معصوم((علیه السلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسد، غسل کنید، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطّر سازید و در آن روز، روزه گیرید.» در برابر این روایات، روایتی دیگر است منسوب به حضرت امام موسی بن جعفر((علیه السلام)) که در پاسخ درخواست منصور(عبّاسی) بر این که حضرت هنگام عید نوروز در جایی بنشیند و به دیگران تبریک و تهنیّت گوید، می فرماید: «در اخبار جَدّم]رسول الله(صلی الله علیه وآله)[خبری از این روز]نوروز[نیافتم.»(۳) مرحوم مجلسی پس از ذکر این روایت، می گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیّه کنیم.» به هر حال، نباید فراموش کنیم که حضرت علی((علیه السلام)) می فرماید: «هر روزی که در آن، نافرمانی خدا نشود، عید است.»(۴) پس باید در عید نوروز به کارهایی مشغول شویم که ما را به خدا نزدیک کند و او را از ما خشنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به ـــــــــــــــ ۱ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲. (۲)۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱. ۳ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰. ۴ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳. ـ۲۲ـ سنّتهای نادرست و نامعقول خویشتن داری کنیم. عبادت خداوند و قرائت قرآن و پاکی و نظافت خانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سفره هفت سین و برگزاری مراسم چهارشنبه سوری، چون علّت عقلانی و شرعی ندارد، محکوم و مطرود است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲۳ـ

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پرسش

آیا عید نوروز ریشه دینی دارد؟

پاسخ

در برخی روایات، تجلیل امامان((علیهم السلام)) از عید نوروز مشهود است. به عنوان مثال، در روایتی منسوب به حضرت امام جعفر صادق((علیه السلام)) آمده است که می فرماید: «نوروز، روزی است که پروردگار از بندگان پیمان گرفته است او را عبادت کنند و بدو شرک نورزند و به فرستادگانش و امامان((علیهم السلام)) ایمان آورند. نوروز، روزی است که خورشید در آن طلوع کرده و هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز در انتظار از میان رفتن سختیهاییم ;زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.»(۱) در روایتی دیگر از معصوم((علیه السلام)) وارد است: «چون نوروز فرا می رسد، غسل کنید، لباس پاکیزه بپوشید، خود را معطّر سازید و در آن روز، روزه گیرید.» در برابر این روایات، روایتی دیگر است منسوب به حضرت امام موسی بن جعفر((علیه السلام)) که در پاسخ درخواست منصور(عبّاسی) بر این که حضرت هنگام عید نوروز در جایی بنشیند و به دیگران تبریک و تهنیّت گوید، می فرماید: «در اخبار جَدّم]رسول الله(صلی الله علیه وآله)[خبری از این روز]نوروز[نیافتم.»(۳) مرحوم مجلسی پس از ذکر این روایت، می گوید: «ممکن است بتوانیم این خبر را حمل بر تقیّه کنیم.» به هر حال، نباید فراموش کنیم که حضرت علی((علیه السلام)) می فرماید: «هر روزی که در ـــــــــــــ ۱ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۱ - ۹۲. (۲)۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۳۴۶ - ۱۳۸۷۱. ۳ - بحارالانوار، ج ۵۹، صص ۲ - ۱۰۰. ـ۱۴۱۰ـ آن، نافرمانی خدا نشود، عید است.»(۱) پس باید در عید نوروز به کارهایی مشغول شویم که ما را به خدا نزدیک کند و او را از ما خشنود سازد و از انجام کارهای خرافی و ارج نهادن به سنّتهای نادرست و نامعقول خویشتنداری کنیم. عبادت خداوند و قرائت قرآن و پاکی و نظافت خانه و نیز لباس نو بر تن کردن - نه تحمّل گرایی و فخر فروشی کردن - و همچنین روزه داشتن و به دیدار دوستان و خویشان رفتن، بسیار پسندیده و ارزشمند است. ولی اعتقاد به نامیمونی روز سیزدهم فروردین و واجب بودن سفره هفت سین و برگزاری مراسم چهارشنبه سوری، چون علّت عقلانی و شرعی ندارد، محکوم و مطرود است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــ ۱ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۷۳. ـ۱۴۱۱ـ

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پاسخ

دید و بازدید و صله رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می دهند، و خانواده ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است ;هنگامی که طبیعت دوباره زنده می گردد و درختان سبز و خرّم می شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می کنند. این انگیزه ای است که انسانها نیز با طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادّی و معنوی خویش یکوشند. ولی تأسّف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی بند و باری می پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می آلایند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۷۵۹ـ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پرسش

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پاسخ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علّت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنّتی است ملّی که برخی آن را می پسندند و بدان عمل می کنند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۷۶۰ـ

چرا باید روحانیون و بسیجیان ریش (محاسن) بگذارند. دلیل این کار چیست؟

پرسش

چرا باید روحانیون و بسیجیان ریش (محاسن) بگذارند. دلیل این کار چیست؟

پاسخ

ریش گذاشتن و نتراشیدن آن مخصوص روحانیون و بسیجیان نیست. بلکه باید تمام مسلمانان از تراشیدن آن اجتناب کنند. زیرا مراجع تقلید فعلی و گذشته، بنا بر تحقیقاتی که در این باره در منابع اسلامی داشته‌اند، تراشیدن ریش را جایز ندانسته و یا حرام می‌دانند. (مسائل جدید، ج ۱، ص ۷۴) همان گونه که ما هنگام مراجعه به پزشک و گرفتن دارو از خصوصیات داروها سؤال نکرده و یا کمتر می‌پرسیم. زیرا به علم و تخصص او در رشته پزشکی معتقدیم و می‌دانیم که جز معالجه و بهبود ما، منظور دیگری ندارد، هنگام عمل به دستورات اسلامی نیز باید چنین باشیم و تعبّد و تسلیم شدن در برابر آن دستورات را سرلوحه افکار خود قرار دهیم. البته، دین مبین اسلام، علت بسیاری از امر و نهی‌ها را بیان کرده و چنین نیست که علت دستورات شرعی نامعلوم و نامشخص باشد. برخی از دلایل که تا کنون برای نتراشیدن ریش معلوم شده، عبارت است از: ۱- هرگاه صورت تراشیده شود، میکروب‌های مختلف در منفذهای پوست صورت جای گرفته و به وسیله همان سوراخ‌های ریز راهی برای پیشرفت خود باز می‌کنند. ۲- تراشیدن ریش به علت تحریک دائمی و مکرر پوست صورت، موجب شکستگی و پژمردگی آن می‌شود. ۳- تکرار تراشیدن ریش، علاوه بر از بین بردن زیبایی و روشنی چهره، در هر مرتبه اثری از خود باقی می‌گذارد که صورت را کم‌کم سیاه و گرفته می‌کند. ۴- تراشیدن ریش، ایجاد جوش نموده و موهای صورت را سفید می‌کند. البته غیر از موارد مذکور، توجه به نکات ذیل نیز درباره ریش مفید است: ۱- ریش، یکی از امتیازات ظاهری بین زن و مرد است. ۲- ریش، باعث وقار مرد می‌باشد. مخصوصاً برای مردی که پاکیزه و با کمال است. ۳- ریش، صورت‌های لاغر و زشت نما را زیبا جلوه می‌دهد. ۴- چون معصومین (ع) و بزرگان با آن همه قیافه‌های جالب و زیبا این زینت ظاهری را حفظ می‌کردند، پس پیروی کردن از این بزرگان، پسندیده عقل و دانش است. (با استفاده از: ۱- فلسفه احکام، تألیف مؤسسه در راه حق؛ ۲- علوم روز و قرآن، تألیف سید جواد افتخاریان.)

در محل سکونت ما رسم بر این است که وقتی فردی از دنیا می‌رود افراد فامیل به مدت ۲۱ یا ۴۰ روز از اصلاح سر و صورت و بیرون آوردن پیراهن مشکی خودداری می‌نمایند استدعا دارم وجه شرعی این چنین رسومی را بیان بفرمایید.

پرسش

در محل سکونت ما رسم بر این است که وقتی فردی از دنیا می‌رود افراد فامیل به مدت ۲۱ یا ۴۰ روز از اصلاح سر و صورت و بیرون آوردن پیراهن مشکی خودداری می‌نمایند استدعا دارم وجه شرعی این چنین رسومی را بیان بفرمایید.

پاسخ

این مسائل جزء رسومات محلی و عرفی است که بیشتر جنبه احترام دارد و عدم اصلاح سر و صورت بهتر است با نظافت و پاکیزگی همراه باشد. و در شرع به مسائلی از قبیل قرائت قرآن (فاتحه) انفاق، ذکر مصیبت اولیاء خدا مخصوصاً اهل بیت علیهم السلام و جبران واجباتی که از میت ترک شده مانند نماز، روزه، خمس، زکات و... تأکید شده است. و در عدّه زنی که شوهرش مرده و باید بعد از فوت شوهرش تا ۴ ماه و ۱۰ روز از شوهر کردن خودداری کند حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «زنی که در عده وفات می‌باشد، حرام است لباس الوان (رنگی) بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می‌باشد. (رساله توضیح المسائل حضرت امام (ره)، مسأله ۲۵۱۸) زنی که در عده وفات می‌باشد، حرام است لباس‌های رنگارنگ بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود براو حرام می‌باشد. (رساله توضیح المسائل آیة الله بهجت، مسأله ۱۷۷۶) نظرات سایر مراجع تقلید در خصوص حرمت زینت زن در ایام عده وفات مشابه است.

مقدار ولیمه و نوع آن در عروسی چگونه باید باشد؟

پرسش

مقدار ولیمه و نوع آن در عروسی چگونه باید باشد؟

پاسخ

ولیمه دادن در عروسی مستحب است و خوب است که یک یا دو روز باشد نه بیشتر. و شایسته است مؤمنان – اعم از فقیر و غنی – دعوت شوند و تنها به توانگران اختصاص نداشته باشد. مقدار و نوع ولیمه موکول به عرف است. حد متعارف مراعات و از اسراف و تبذیر پرهیز شود.

از نظر شما از حیث سیاسی، عقیدتی و اموری که یک مسئول فرهنگی در زندگی شخصی خود باید رعایت کند، چیست؟

پرسش

از نظر شما از حیث سیاسی، عقیدتی و اموری که یک مسئول فرهنگی در زندگی شخصی خود باید رعایت کند، چیست؟

پاسخ

مسؤول فرهنگی یک پایگاه بودن، تکالیف خاصی در جامعه و کانون خانواده به وجود نمی‌آورد. عقایدش باید همان عقایدی باشد

که دیگران دارند و در سیاست باید از رهبر خود پیروی کند و بس. ولی از آنجا که یک مسؤول فرهنگی در رأس یک تشکیلات هر چند جزیی و محدود، قرار می گیرد، از نظر اجتماعی باید نکاتی را رعایت نماید؛ از جمله: ۱- از مقام و موقعیّت خود سوء استفاده ننمایند، تکبر نفروشد و بسیجی بودن و یا مسؤول پایگاه بودن را وسیله تحقیر دیگران نشمارد و خود را در یک سنگر شکست‌ناپذیر نبیند. بلکه با مردم با احترام و تواضع برخورد نماید. مخصوصاً به جوانان و نوجوانان مهر و علاقه نشان دهد. در حدی که آنها با دیدن اخلاق و ادب او، به بسیج علاقه‌مند شوند و فرق بسیجی و غیربسیجی را در عمل ببینند. ۲- نسبت به عقاید دینی و مذهبی خود بیشتر آگاهی بیابد تا اطلاعات مذهبی‌اش لااقل از زیردستان خود بیشتر باشد. ۳- مسؤولان فرهنگی نسبت به تشکیل کلاس‌های عقیدتی و اخلاقی، حساس و جدی باشند. هر مقدار که می‌توانند در بعد تربیتی گام‌های مؤثرتری بردارند و در این جهت بسیجیان را به سفرهای زیارتی - سیاحتی ببرند و اردوهای آموزشی و تربیتی تشکیل دهند.

چرا در دین اسلام اینهمه برای امام حسین (و دیگر ائمه (گریه می‌کنند و فقط یک روز مراسم عزاداری انجام نمی‌دهند بلکه در هر مکان مذهبی و هر سخن مذهبی گریزی به عاشورا می‌شود و مردم گریه می‌کنند. این امر باعث می‌شود روح افسردگی بر جامعه حاکم شود و اصلاً چنین چ

پرسش

چرا در دین اسلام اینهمه برای امام حسین (و دیگر ائمه (گریه می کنند و فقط یک روز مراسم عزاداری انجام نمی‌دهند بلکه در هر مکان مذهبی و هر سخن مذهبی گریزی به عاشورا می‌شود و مردم گریه می کنند. این امر باعث می‌شود روح افسردگی بر جامعه حاکم شود و اصلاً چنین چیزی به مردم القاء می‌شود که حتی اگر گریه هم نمی کنید تباکی کنید در حالی که تباکی اصلاً ریا است آیا دین ما این را می‌پسندد؟

پاسخ

مقدمه: گاهی پاسخ به نحوی ارائه می‌شود که گوئی قیام حضرت در یک شرایط بخصوص تحقق پیدا کرده و می کند. در این صورت فایده این درسها مربوط به زمانی می‌شود که دارای آن شرایط باشد. امّا در غیر آن شرایط مثل دوران کنونی، این سئوال پیش می‌آید که ذکر قیام عاشورا چه ضرورتی دارد؟ مانند اندیشهٔ منحصر کردن و اختصاص آیات به شأن نزول آنها. نکتهٔ مهم در این است که فلسفهٔ عاشورا را به گونه‌ای بیان کنیم و توضیح دهیم که پیام آن همه زمانها را دربرگیرد و قیام حسینی مربوط به زمان خاصی نباشد". کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا. "اجتماع و تاریخ صحنه‌ای از بروز و ظهور درگیری درونی وجود انسان است. یعنی گرایشات عالی و الهی انسان با گرایشات حیوانی و غریزی او درگیر می‌شوند و انسان بر حسب فطرت، گرایش به معنویات دارد و صفات انسانی دعوتی از درون به سوی بخشش و رحمت و وفاداری به مردم و سایر صفات الهی می کند. اما غریزه دعوتی به اینکه انسان قید و بندها را رها کند و بخاطر حقوق دیگران خود را از تمتّع و لذّات غریزی منع نکند و بخاطر صفات انسانی از تعرض به اموال دیگران خودداری نکند. این یک جهاد حقیقی است که همیشه وجود دارد اگرچه در بیرون ظاهر نشود. در واقع صحنهٔ اجتماع، صحنهٔ بروز همین درگیریها است کسانی در راه امیال غریزی و حیوانی مبارزه می کنند و کسانی در راه تحقق اهداف انسانی و الهی . و اجتماع عرصهٔ این رویارویی‌ها است در همیشهٔ زندگی و در همه جا. نتیجه اینکه جهاد اصغر ظهوری از جهاد اکبر است و امام از طریق جهاد اصغر درس همیشگی جهاد اکبر را به ما می‌آموزد. اگر در جهاد اصغر سر مبارک سیدالشهداء (از تن جدا گشت معنای واقعی آن، این بود که در جامعهٔ آن روز شهوت برسینهٔ وفا نشست و سر عشق و پرستش خدا را از تن جدا کرد.

همین واقعیت در درون ما نیز هست. حسین درون ما که دعوت به گرایشات الهی می‌کند در مصاف با غریزه و شهوت درون یا بر زمین افتاده و شهوت بر سینهٔ او نشسته مضروب و مجروح، و یا مقتول و شهیدش ساخته یا آنکه آزاد و فرمانروا است زیرا فطرت سخنی غیر از دعوت به حق ندارد. اما اینکه ما با آن گرایشات الهی می‌کند در مصاف با غریزه و شهوت درون یا بر زمین افتاده و شهوت بر سینهٔ او نشسته مضروب و مجروح، و یا مقتول و شهیدش ساخته یا آنکه آزاد و فرمانروا است زیرا فطرت سخنی غیر از دعوت به حق ندارد. اما اینکه ما با آن چگونه معامله می کنیم، جا دارد هرکسی خود دربارهٔ خود به قضاوت بنشیند. از این رو عاشورا درس زندگی است و مختص به وقت و زمان خاصی نیست از این نظر ما منتظر وقوع حادثه‌ای در تاریخ نمی‌مانیم تا جبّاری به ظهور برسد و بعد برای مقابله با او از سیرهٔ حضرت استفاده کنیم. شهید مطهری می‌فرمایند(": استمرار عاشورا) به خاطر آموزندگی آن است، به خاطر آن است که یک درس تاریخی بسیار بزرگ است. برای اینکه یک درس را انسان مورد استفاده خودش قرار بدهد، اول باید آن درس را بفهمد و حل کند".۱ دیگر اینکه ما می‌توانیم با حکومت شیطان که بر مملکت وجودما حاکم است مبارزه کنیم. چنانکه امام (می‌فرمایند که جنود شیطانی بر مملکت ما حاکم است و ما باید جنود الهی را حاکم کنیم. بنابراین جهاد اصغر در بیرون بروز جهاد اکبر در درون است که همیشه برپاست و وقتی در یک شرایط خاص تاریخی به ظهور می‌رسد الگوی حسی و تاریخی از آن ارائه می‌کند. پس همیشه به شنیدن تفسیر زندگی انسانی خودمان و راه عشق و پرستش نیازمندیم مخصوصاً که بازیگران حماسهٔ عاشورا، شخصیتهایی هستند که در عالی‌ترین شکل خود نقش الهی‌شان را ایفا کردند و درس چگونه زیستن و چگونه مردن را به ما دادند. و اگر کسی تفسیری غیر از این دربارهٔ عاشورا ارائه کند که آنرا از شمول بیندازد تفسیردرستی از قیام حضرت ارائه نکرده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند": اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام بر علیه حکومت فاسد و ضد مردمی یزید است اما در باطن یک قیام برای ارزشهای اسلامی و برای معرفت و ایمان و برای عزّت است. برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند... مبارزه امام حسین (دو وجه دارد و ممکن است دو نتیجه به بار بیاورد. اما هر دو نتیجه خوب است. یک نتیجه این بود که امام حسین (بتواند بر حکومت یزید پیروز بشود و قدرت را از چنگ آن کسانی که با زور بر سر مردم می‌کوبیدند و سرنوشت مردم را تباه می‌کردند، خارج کند و کار را در مسیر صحیح خود بیندازد. اگر این کار صورت می‌گرفت، البته باز مسیر تاریخ عوض می‌شد. یک وجه دیگر این بود که امام حسین نتواند به هر دلیلی این پیروزی سیاسی و نظامی را بدست بیاورد، آن وقت امام حسین در این جا دیگر نه با زبان، بلکه با خون، با مظلومیت، با زبانی که تاریخ تا ابد آن را فراموش نخواهد کرد، حرف خود را مثل یک جریان مداوم و غیر قابل انقطاع در تاریخ به جریان می‌اندازد و این کار را امام حسین (کرد.... اگر ما پیام امام حسین را زنده نگه می‌داریم، اگر نام امام حسین را بزرگ می‌شماریم، اگر این نهضت را حادثهٔ عظیم انسانی در طول تاریخ می‌دانیم و برای آن ارج می‌نهیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشارهٔ امام حسین را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدفها برسیم و ملت ایران ان‌شاء الله خواهد رسید".۲ و اما در خصوص تباکی باید گفت که رعایت حال دیگران مثل تباکی در نزد انسان مصیبت زده هرچند که انسان شاد باشد ـــــــــــــــــــــــ ۱ـ حماسهٔ حسینی، شهید مطهری، ج ۲، ص ۱۴ ۲ـ حرف دل، مجموعهٔ بیانات مقام معظم رهبری دربارهٔ نهضت حسینی، ص ۱۹، ۱۸، ۱۲، ۱۱

مسأله مداحی درعزاداریها ومراسمات گوناگون ازبحث شرعی یاغیر شرعی بودن مداحیهای مداحان (ممکن است بعضی جاها از خود چیزهایی درآورند)

پرسش

مسأله مـداحی درعزاداریها ومراسـمات گوناگون ازبحث شـرعی یاغیر شـرعی بودن مداحیهای مداحان (ممکن است بعضـی جاها از خود چیزهایی درآورند)

پاسخ

مـدح منـاقب اهـل بیت عصـمت وطهارت کاری بسـیار تأثیرگـذار وبا اهمیت است ، درروایات هم ازچنین عملی تجلیل شـده است، لیکن هرعملی ازاعمال انسان حدودوشـرائط خاص خودرا دارد که مـداحی نیز مسـتثنی نمی باشد ، اینکه مداح مراقبت نماید مطالب کـذب رابه ائمه (ع) نسـبت نـده ویاجملاـتی که منـاسب باشـأن ومقام آن بزرگواران نیست دراشـعار خود بکارنبرد ویارعایت امانت درنقل مطالب رابنماید، اما حکم فقهی آن اینسـتکه اصل مداحی نه تنها شرعی است بلکه چه بسا کاربافضیلتی هم هست ولی نسبت کـذب به ائمه ویانقـل قول دروغ وحوادث سـاختگی حرام است چون ازمصـادیق دروغ می باشـد البته نقـل ازکتب باذکر منبع یابیان زبان حال ـ اگر غیر مناسب باشأن افراد نباشد ـ اشکالی ندارد.

چرا در صحن‌های حرم رضوی مردم نمی‌توانند بخوابند و استراحت کنند؟ بخصوص زوّار

پرسش

چرا در صحن‌های حرم رضوی مردم نمی‌توانند بخوابند و استراحت کنند؟ بخصوص زوّار

پاسخ

از آنجائیکه پاسـخ سؤال جنابعالی در حیطه وظایف آسـتان قدس رضوی می باشد عین نامه حضـرتعالی را به آن ادارهٔ محترم ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

فلسفه سینه زنی در عزای اباعبدا...الحسین(و دیگر ائمه اطهار(چیست؟ و شیعیان با سینه زدن چه هدفی را دنبال می کنند؟

پرسش

فلسفه سینه زنی در عزای اباعبدا...الحسین(و دیگر ائمه اطهار(چیست؟ و شیعیان با سینه زدن چه هدفی را دنبال می کنند؟

پاسخ

خـدای متعال انسان را به گونه ای آفریده است که هنگامی که چیزی را می‌بیند یا مناظری را مشاهده می کند، تأثیری می پذیرد که هیچ گاه گفته ها، شـنیده ها و دانسـته ها، آن اثر را ندارد. هرگاه صـحنه‌هایی را بسازیم و بازسازی کنیم، خواه در قالب سنّتی و یا با اسـتفاده از روشـهای جدید و به صورت نمایش و فیلم، به گونه ای که جریان عاشورا را برای مردم مجسّم کند، بازسازی آن صـحنه ها و نشان دادن آنها اثری دارد که گفتن و دانسـتن آنها نمی توانند آن اثر را داشـته باشـند. نمونه این مسأله را خود شما بارها تجربه کرده اید. مکرراً حوادث عاشورا را شـنیده اید و در ذهن شما جای گرفته است. می‌دانید امام حسین(روز عاشورا چگونه به شهادت رسـید، امـا آیا دانسـته های شـما اشک شـما را جاری می کنـد؟ وقتی در مجالس شـرکت می کنیـد و مرثیه خوان مرثیه می خوانـد،

مخصوصاً اگر لحن خوبی هم داشته باشد و به صورت جذابی داستان کربلا را برای شما بیان کند، آنگاه می بینید که بی اختیار اشک شما جاری می شود. این شیوه می تواند در تحریک احساسات شما تأثیری داشته باشد که خواندن و دانستن چنان اثری را ندارد. به همین نسبت آنچه دیده می شود به مراتب مؤثرتر از شنیدنی ها است. منظور از این توضیحات آن بود که ما علاوه بر اینکه باید بدانیم چرا اباعبدا...(قیام کرد، و بدانیم که چرا مظلومانه شهید شد، باید این مطلب به گونه ای بازسازی شود تا حتی المقدور بهتر بشنویم و ببینیم تا عواطف و احساسات ما بیشتر برانگیخته شود. هر اندازه اینها در برانگیخته تر شدن عواطف و احساسات ما مؤثرتر باشد، حادثه عاشورا در زندگی ما مؤثرتر خواهد بود. باید صحنه هایی در اجتماع به وجود آید که مردم را تحریک کند. مردم همین که صبح از خانه بیرون می آیند می بینند شهر سیاه پوش شده است، پرچم های سیاه نصب شده است، خود این تغییر حالت، دلها را تکان می دهد، گرچه مردم می دانند فردا محرم است، اما دیدن پرچم سیاه اثری را در دل آنها می گذارد که دانستن این که فردا اول محرم است آن اثر را نمی گذارد. راه انداختن دسته های سینه زنی با آن شور و هیجان خاص خود می تواند آثاری را به دنبال داشته باشد که هیچ کار دیگر آن آثار را ندارد. نمونه چنین تأثیری را می توانید در زندگی فردی و اجتماعی خود بیابید. به خصوص در این سی ـ چهل سال اخیر که حرکت حضرت امام(علیه دستگاه طاغوت و کفر شروع شد. ملاحظه کردید که در ایام محرم و صفر نام سیدالشهداء(و عزاداری سیدالشهداء(مردم را به حرکت وادار می کرد. این شور و هیجان جز در ایام عاشورا پیدا نمی شود. و جز با همین مراسم سنّتی عزاداری یانظیر آن حاصل نمی شود، باید عمل کرد و رفتاری نشان داد که احساسات و عواطف مردم را تحریک کند، آن گاه اثربخش خواهد بود. اینجاست که متوجه می شویم چرا امام(بارها می فرمود" : آنچه داریم از محرم و صفر داریم(".۱) چرا این همه اصرار داشت که عزاداری به همان صورت سنّتی برگزار شود.(۲) چون در طول سیزده قرن تجربه شده بود که این امور نقش عظیمی در برانگیختن احساسات و عواطف دینی مردم ایفا می کند و معجزه می آفریند.(۳) و برپایی اینگونه مراسم عزاداری در قالب روضه، سینه زنی، زنجیرزنی، و ... عشق به جانبازی و شهادت در راه اسلام و مقدسات را در وجود شیعیان حضرتش به وجود می آورد و به قول استاد شهید مرتضی مطهری"ره" : "در رثای [امام حسین(به عنوان یک] قهرمان بگریید [و عزاداری کنید] برای اینکه احساسات قهرمانی پیدا کنید. برای اینکه پرتوی از روح قهرمان در روح شما پیدا شود و شما هم تا اندازه ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، شما هم عدالتخواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنید، شما هم آزادیخواه باشید، برای آزادی احترام قائل باشید، شما هم سرتان بشود که عزت نفس یعنی چه، شرف و انسانیّت یعنی چه، کرامت یعنی چه؟! خلاصه آنچه مذکور شد، چنین خدمت شما عرض می کنم : با توجه به اینکه اعمال ما ناشی از خواست قلب و توجهات دل می باشد و اینکه فهم و علم فقط مقدمه عمل است، اگر بخواهیم زندگی خود را بر اساس سیرهٔ معصومین(مخصوصاً امام حسین(قرار دهیم باید علاوه بر فهم دقیق واقعه عاشورا، تمایلات قلب را نیز متوجه قیام و اهداف امام حسین(کنیم و از اموری که قلب را آماده پذیرش افکار و اندیشه ها و سیره امام حسین(می کند همین عزاداری و گریه کردن و سینه زنی و ... است و شیعیان با انجام این مراسمات در واقع افکار و عقاید خود را در مورد امام حسین(از فکر به قلب می رسانند واین همان معرفی هست که در روایات بیان شده است و از شیعیان خواسته شده است تا با معرفت به زیارت قبور معصومین (بروند.

منابع و مآخذ : ۱. صحیفهٔ نور، ج۱۵، ص۲۰۱ ۲. همان ۳. آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، استاد محمد تقی مصباح یزدی حماسه خمینی، ج۱،ص۲۳

با توجه به اینکه شهادت امام حسین(در روز عاشورا است، چرا ما از اول محرم عزاداری و تعزیه می گیریم؟

پرسش

با توجه به اینکه شهادت امام حسین(در روز عاشورا است، چرا ما از اول محرم عزاداری و تعزیه می گیریم؟

پاسخ

ائمه معصومین(تأکید زیادی بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره حماسه کربلا داشته اند، و فلسفه احیاء این امر اینست که هدف کلی این نهضت برای همیشه زنده بماند و فلسفهٔ خاصی از طرف پیشوایان دین توصیه شده است که این جریان به عنوان یک مصیبت یادآوری شود، و مردم بر آن بگریند، اما گریاندن و گریه کردن صرف، هدف اصلی عزاداری و تعزیه خوانی نمی باشد تا بگوییم روز شهادت امام حسین(دهم محرم است. چرا از اول محرم مراسم عزاداری و گریستن آغاز می شود، بلکه هدف، شناختن این واقعه و تطبیق آن با شرایط روز و حرکت در مسیر اهداف امام حسین(است. استاد مطهری"ره "در این زمینه می فرمایند" : ائمه اطهار گفتند که این حادثه باید زنده بماند، فراموش نشود و مردم بنشینند و بگریند. چرا چنین گفتند؟ هدف آنها از این دستور چه بوده است، اینجا یک هدف واقعی است و یک هدف مسخ شده! یکبار آمدیم گفتیم این فقط به خاطر اینست که یک تسلی خاطری برای حضرت زهرا(باشد؛ ایشان با اینکه در بهشت هستند با اینکه همراه فرزند بزرگوارشان هستند ... خود امام حسین(در روز اول فرمود" : و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف "چقدر مشتاق هستم که به اسلافم (جدم، پدر و مادرم) ملحق شوم، اشتیاقی زیاد چون اشتیاقی که یعقوب برای دیدن یوسف داشت. با اینکه امام حسین(ملحق به مادرش هست، مع ذلک حضرت زهرا(در بهشت نشسته، دائماً بی تابی می کند و ما مردم بی‌سروپا باید بیاییم یک مقدار گریه کنیم که حضرت زهرا تسلی خاطر پیدا کند، آیا شما توهینی بالاتر از این برای حضرت زهرا(پیدا می‌کنید؟! دیگر گفتند : (علت دستور گریه چیز دیگری است) امام حسین(بی تقصیر در کربلا به دست یک عده مردم تجاوز کار کشته شد، پس این تأثرآور است باید متأثر بود. من هم قبول دارم امام حسین(بدست یک عده مردم ظالم متجاوز کشته شد، اما همین؟ یک آدم بی تقصیر به دست آدمهای با تقصیر کشته می شود، روزی هزار نفر آدم در دنیا به اصطلاح نفله می شوند تأثر آور هم هست اما آیا این نفله شدنها ارزش دارد که قرنهای زیادی، ده قرن، بیست قرن، سی قرن ادامه پیدا کند؟... خیر آنها که آمدند توصیه کردند که باید عزای حسین زنده بماند، چون او یک مکتب به وجود آورد، می خواستند مکتبش زنده بماند.(۱) ... وقتی بخواهیم به جامعیت اسلام نظر بیفکنیم باید نگاهی به نهضت حسین بکنیم، می بینیم امام حسین(کلیات اسلام را در کربلا به مرحله عمل آورده، مجسم کرده است ولی تجسم زنده و جاندار حقیقی و واقعی، نه تجسم بی روح(۲) ... آنچه که در حسین بن علی(در این حادثه عاشورا و در آن ابتلا و مصیبت پیدا شد از توحید، از جلوه ایمان، از جلوه خداشناسی، از ایمان کامل به جهان دیگر، از رضا، از تسلیم، از صبر، از استقامت، از مردانگی، از طمأنینه نفس، از ثبات ، از عزت نفس، از کرامت نفس، ازآزادیخواهی، از آزادی طلبی، از اینکه در فکر انسانها باشد، از اینکه در خدمت انسانها باشد، اگر شما نمونه ای در دنیا پیدا کردید، آنوقت بگویید چرا ما نام حسین بن علی(را زنده کنیم. (دستور آنها) برای اینست که بلکه پرتوی از روح حسینی در روح ما و شما بتابد، اگر اشکی که برای او می ریزیم در مسیر هماهنگی روح ما باشد، روح ما پرواز کوچکی با روح حسینی بکند، ذره ای از همت او، ذره ای از غیرت او، ذره ای از حریّت او ذره ای از تقوای او، ذره ای از توحید او در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شود آن اشک هر چقدر دلتان بخواهد قیمت دارد(".۳) البته در حادثه کربلا از جنبه دیگری نیز اسلام نمایش داده می شود. ما در حادثه کربلا به جریان عجیبی برخورد می‌کنیم و آن این که می بینیم در این حادثه مرد نقش دارد، زن نقش دارد، پیر و جوان و کودک نقش دارند، سفید و سیاه نقش دارند، عرب و غیرعرب نقش دارند، طبقات و جنبه های مختلف نقش دارند، ... اینکه عرض می کنم زن نقش دارد منحصر به زینب(نیست، در این زمینه داستانها داریم، ما در کربلاـ یک زن شهید داریم و آن، زنِ جناب عبدا...بن عمیر کلبی است. دو زن دیگر داریم که رسماً وارد میدان جنگ شدند ولی اباعبدا... مانع شد و به آنها فرمود که برگردید و آنها برگشتند. مادرهایی ناظر شهادت فرزندانشان بودند و

این را در راه خدا به حساب آورده اند.(۴)... دوست عزیز، با توجه به مطالبی که به عرضتان رسید، باید گفت زنده نگه داشتن خاطرات کربلا که احیاء کلیات اسلام است با یک روز عملی نیست و نیاز به فرصت و وقت کافی دارد، و علاوه بر آن تکرار مسأله و بیان آن از طرق مختلف، همانطور که در روانشناسی این مسأله اثبات شده است، به تربیت افراد و رشد جامعه کمک خواهد کرد.

_____ منابع و مآخذ : ۱. حماسه حسینی،ج۱،استاد مطهری،ص۱۰۵ ۲. همان، ص۳۸۴ ۳. همان، ص۱۰۷-۱۰۶ همان، ۳۸۴

آیا این نوع عزاداری رایج، ریشه در روایات دینی ما دارد؟

پرسش

آیا این نوع عزاداری رایج، ریشه در روایات دینی ما دارد؟

پاسخ

در سؤال شما نکتهٔ ابهامی است و آن اینکه" این نوع عزاداری "منظور کدام نوع عزاداری است، در هر صورت نکاتی را به شرح زیر تقدیم می کنم. ۱.عزاداری اباعبدا ?...ریشه روایتی دارد. علامه امینی با بیش از ۷ حدیث با سند صحیح که اهل سنت نیز آنها را نقل کرده‌اند از گریستن رسول ا...(در روز تولد امام حسین(، اولین سال تولد امام، و دومین سال تولد امام خبر می دهد. همچنین در روایتی از گریستن امام علی(به هنگام عبور از کربلا در زمان جنگ صفین خبر می دهد، و بعد از ذکر چند روایت از سلیمان بن احمد نقل می کند که" همواره می‌شنیدیم که او را در سرزمین کربلا می کشند ".اینک به نقل کامل یک روایت بسنده می کنیم. اولین سوگواری در اولین لحظات تولد : اسماء بنت عمیس قابلهٔ فاطمه(بود، گریه پیامبر را به هنگام دیدن قنداق دید و پیامبر (فرمود" : ای اسماء این پسرم را گروه ستمگران می‌کشند، خداوند شفاعتم را به ایشان نرساند(".۱) ۲. در عزاداری، انجام هر گونه اقدامی که با اعتدال اسلامی و فطرت انسانی تناسب ندارد یا موجب وهن دین می شود، ناصحیح است. مصادیق مختلف عزاداری که اشکالی ندارد. ـ گر چه ممکن است در دین به آن امر نشده باشد ـ در فتاوای رهبر انقلاب چنین آمده است : (۲) ۱- شبیه خوانی : اگر مشتمل بر امور دروغ نباشد ـ مستلزم مفسده نباشد ـ باعث وهن مذهب نشود. ۲- استفاده از شیپور، طبل و سنج : به نحو متعارف ۳- عَلَم : نباید جزء دین شمرده شود. ۴- دستهٔ عزداری : بدون اذیت دیگران یا هر عملی که حرام باشد. ۵- زنجیر زنی : به نحو متعارف و مواردی که در فتاوی ایشان، جایز دانسته نشده است عبارتست از : ۱- زنجیر زدن تیغ دار، ۲- استفاده از اُرگ در دسته جات، ۳- سوراخ کردن گوشت بدن، ۴- مالیدن سر و صورت بر زمین و خونی کردن آن، ۵- شرکت زنان در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی، ۶- قمه زدن، ۷- پابرهنه وارد آتش شدن. _____ منابع و مآخذ : ۱. راه و روش ما راه و روش پیامبر ماست، علامه امینی ، ترجمه موسوی همدانی، ص۶۴ تا ۱۹۸ ۲. رساله اجوبهٔ الاستفتائات، ج۲، ترجمهٔ فارسی، سؤال ۳۵۴ تا ۳۷۷ ، از ص۱۲۷ تا ۱۳۳

درخصوص برهنه کردن در هنگام سینه زنی و همچنین سینه زدن و خراشیدن صورت و ... توضیح دهید. و واقعاً درست است که مثلاً یکی دیده ام که غلاده سگ را به گردن انداخته بود و از این قبیل کارها انجام می دهند و اگر درست است پس حضرت زهرا(و حضرت زینب(و ... که بخواهند و

پرسش

درخصوص برهنه کردن در هنگام سینه زنی و همچنین سینه زدن و خراشیدن صورت و ... توضیح دهید. و واقعاً درست است که مثلاً یکی دیده ام که غلاده سگ را به گردن انداخته بود و از این قبیل کارها انجام می دهند و اگر درست است پس حضرت زهرا(و حضرت زینب(و ... که بخواهند وارد مجلس شوند با این بدنهای نامحرم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

الف ـ در عزاداری انجام هر گونه اقدامی که با اعتدال اسلامی وفطرت انسانی تناسب ندارد یا موجب وهن و توهین به اسلام و مسلمانان است، ناصحیح می باشد. مصادیق مختلف عزاداری که اشکال ندارد ـ گرچه ممکن است در دین به آن امر نشده باشد ـ در فتاوای رهبر فرزانه انقلاب چنین آمده است : (۱) ۱.شبیه خوانی : اگر مشتمل بر امور دروغ نباشد ـ مستلزم مفسده نباشد، باعث وهن مذهب نشود ـ ۲. استفاده از شیپور، طبل و سنج : به نحو متعارف. ۳. عَلَم : نباید جزء دین شمرده شود. ۴. دستهٔ عزاداری : بدون اذیّت دیگران یا هر عملی که حرام باشد. ۵. زنجیرزنی : به نحو متعارف. و مواردی که در فتاوای ایشان جایز دانسته نشده است عبارتست از : ۱. زنجیر زدن تیغ دار ۲. استفاده از ارگ در دسته جات ۳. سوراخ کردن گوشت بدن ۴. مالیدن سر و صورت بر زمین و خونی کردن آن ۵. شرکت زنان در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی ۶. قمه زدن ۷. پابرهنه وارد آتش شدن ۸. نقل مصیبتهایی که سند تاریخی یا روایی ندارد. ب ـ هدف از عزاداری اظهار حزن و اندوه یا ابراز وفاداری و بیعت با راهی است که اهل بیت به ما نشان داده اند. بنابراین، مجلس ذکر اهل بیت، مکان ذکر و فکر و شور و شعور در کنار یکدیگر است، و مجالسی که تنها به برانگیختن هیجانات می‌پردازند و افراد را تا سر حد جنون تحریک می کنند، چنین چیزی بنا بر مکتب اهل بیت نیست، و با توجه به تعدّد جلسات، ما می توانیم بهترین جلسات را انتخاب کنیم. ج ـ در فتاوای رهبر انقلاب، در مورد قلاده به گردن انداختن و صورت خراشیدن، مطلبی ذکر نشده، اما طبیعی است که از مظاهر وهن دین می تواند باشد، بویژه امسال که شبکه های خبری غربی تصاویر بسیار زننده ای از این کارها را در اروپا و آمریکا پخش کردند و شیعه را بعنوان انسانهایی خشن، دیوانه و افراطی معرفی کردند. در مورد در آوردن لباس آقایان، این کار حرمت شرعی ندارد، اما طبیعی است که بوی زنندهٔ عرق، دیگران را اذیت می کند.

_____ منابع و مآخذ : ۱. رسالهٔ اجوبهٔ الاستفتائات، ج۲، ترجمه فارسی، سؤال ۳۵۴ تا ۳۷۷ ، از ص۱۲۷ ـ ۱۳۳

در خصوص اینکه وقتی اسم حضرت خامنه ای می آید با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، صلوات فرستاده می شود؟

پرسش

در خصوص اینکه وقتی اسم حضرت خامنه ای می آید با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، صلوات فرستاده می شود؟

پاسخ

۱.این موضوع مربوط به شخص ایشان نیست و به صورت کلی سنّت حسنه از پیش، نسبت به عالمان دیگر نیز به کار می رفته و می‌رود. بطور مثال بسیاری از مردم آمل بعد از شنیدن نام آیت ا..علامه حسن زادهٔ آملی وجوادی آملی، سه با صلوات می فرستند. که نشان دهندهٔ ارادت قلبی و احترامی است که به اندیشمندان شهر خود دارند و حتی قبل از انقلاب نیز مردم با شنیدن نام امام صلوات می فرستادند. ۲. اگر به مضمون صلوات دقت کنیم، مشکل حل می شود می گوییم" خدایا بر محمد و آل محمد درود

فرست "پس ما نه برای آقای جوادی آملی، نه برای رهبر و نه برای کس دیگری حرف عجیبی نزدیم بلکه با شنیدن نام آنها به پیامبر خدا و آل او درود می‌فرستیم. علاوه بر این در روایات مختلفی در باب صلوات آمده است که صلوات در برخورد با بعضی نعمات مستحب است، مثل دیدن باران و نظر به چهرهٔ عالِم دینی، و یکی از مصادیق بلکه بهترین مصداق عالِم دینی مقام عظمی ولایت حضرت آیتا...العظمی‌خامنه ای روحی فداه می باشند. ۳. این کار نشان می دهد که: ۱- ما معتقدیم راه پیامبر خدا همان راهیست که این بزرگواران ادامه می دهند در نتیجه با شنیدن نام آنها به یاد پیامبر خدا می‌افتیم. ۲- ما برای آنها احترام قایل هستیم. ۳- علاقه مند حفظ ارزشها و انتقال فضای معنوی به سطح جامعه هستیم. ۴- در راهی که آغاز کرده ایم استقامت می ورزیم و از آن خسته نشده ایم و راه رهبر را همان راه امام خمینی(و راه انبیا می‌دانیم. رهبر انقلاب در این باره می فرمایند" : الآن کسانی و گروههایی در این مملکت وجود دارند که دلشان می خواهد انقلاب، از ده سال حیات امام، اعلام توبه کنند! این را می دانید("؟۱) ۵- و عملاً از حریم انقلاب دفاع می کنیم و از حکومت خود جانبداری می کنیم. رهبر انقلاب در این باره می فرمایند" : بگذارید به خاطر شعار شما، بعضیها از شما اجتناب کنند، من این را می خواهم که عده ای حریم انقلاب را حفظ کنند ".و می فرمایند" : باید آن حالت طرفداری و جانبداری از حکومت و دولت به عنوان یک عُرف رایج وجود داشته باشد(".۲) به همهٔ اینها می گوییم : بصیرت. پس با چشم بینا و درک شرایط زمانه و بدون تعصّب بیجا نسبت به فردی یا گروهی، اقدامی را برای رضای خدا انجام می دهیم و از او طلب یاری می کنیم. ۶. آنچه گفتیم مرتبه ای است از تولّی و تبرّی، که از فروع دین ماست. یعنی دوست داشتن دوست خدا، و دشمن داشتن دشمن خدا. ـــــــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : ۱. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، سال ۱۳۵۷، ج۱،ص ۱۲۰ همان، ص ۳۰و ۱۲۰

چرا روحانی‌های محترم عمامه بر سر می‌گذارند؟

پرسش

چرا روحانی‌های محترم عمامه بر سر می‌گذارند؟

پاسخ

برادران روحانی مبّلغ دینی هستند که حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی ا... علیه و آله و سلم) آنرا برای ما بنی بشر، اعلام فرموده است و چون این برادران علم و عمل رسول ا... (ص) را منتقل می‌کنند. لباسی که رسول ا... (ص) بر تن دارند نیز به نشانهٔ پیروی از ایشان بر تن دارند که پیروی در ظاهر، مقدمه پیروی در باطن و حقایق است. جابربن عبدا... انصاری روایت می‌کند که نبی مکرم به روز فتح مکه عمامه‌ای سیاه بر سر داشت و راویان دیگر نیز مانند چنین پوششی را برای پیامبر ذکر کرده‌اند. امیدوارم خداوند همهٔ ما را عامل به ظاهر و باطن دین مبین بگرداند. در صورت تمایل به مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب خاتمیّت اثر شهید مطهری مراجعه فرمایید. منابع و مآخذ: ۱- میزان الحکمه ج ۸، ص ۴۷۹، حدیث ۱۷۷۹۵ ۲- همان، باب ۳۵۵۲، شامل یازده روایت.

بهترین نوع عزاداری برای ائمه چیست ؟ نظر شما در مورد شیوهٔ جدید عزاداری ها چیست ؟

پرسش

بهترین نوع عزاداری برای ائمه چیست ؟ نظر شما در مورد شیوهٔ جدید عزاداری ها چیست ؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال اوّل شما دوست عزیز باید عرض کنیم بهترین نوع عزاداری برای ائمه آن است که اهداف ذیل در آن عزاداری ها تأمین شود که به نحو اختصار به برخی از آنها اشاره می کنیم : ۱ _شناساندن مقام پیشوایان بزرگ اسلام که در سراسر زندگی آنان برای جامعه اسلامی الگو و سرمشق است خواه در مبارزه با طاغوتیان یا مسایل اخلاقی و روحی و ..... ؛ ۲ _افزایش عشق و محبّت به اهل بیت که پاداش رسالت پیامبر (است ؛ ۳ _دعوت به دین و آگاه شدن از حقایق و معارف آن و فراخوانی مردم به صلاح و اصلاح و دوری از انحراف و فساد ؛ ۴ _بیان حقانیت نهضت حسینی بر ضد طاغوتیان و آشکار کردن مردم با ویژگیهای قیام امام حسین (علیه السلام) ؛ ۵ _اطعام عده ای از گرسنگان در پرتو مجالس عزا که از دستورات موکّد قرآن و اسلام است ؛ ۶_ یاد مصیبت اهل بیت (که موجب آسان شدن مصائب و سختیهای دوستداران آنان است ؛ ۷ _همدردی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ، حضرت زهرا (، امام زمان (و سایر ائمه (. ۸ _افشاگری جنایات ستمگران به ویژه بنی امیّه و بنی عباس و تطبیق آن با شرایط و مقتضیات زمان ؛ ۹ _رشد فضایل و کرامتهای انسانی و الهی و پرورش روحیه شهادت طلبی ؛ هر قطره اشک کلامی است که شهادت را چون پیامی به مردم ابلاغ می کند و گریه نشان آن است که فاجعه ای روی داده و ظلمی صورت گرفته است. عزاداری نه یک روز ، نه ده روز ، بلکه در تمام سال برای این است که ملّتی که در شهادت زندگی می کند بایدعزادارباشد و در مجالس عزا با بیان فلسفه شهادت و با یاد آوری از شهیدانش ، روحیه شهادت طلبی را همچنان تازه نگه دارد. بی شک به خاطر نشر فلسفه شهادت و ایثار و کرامتهای انسانی است که شیعه به بهانه مرگ برادر ، عمو ، ودایی و ... جلسه برگزار می کند و یکباره به کربلا گریز می زند و از حسین (سخن می گوید. در مورد سؤال دوم شما نیز عرض می کنیم : عزاداری احیای خط خون و شهادت و رساندن صدای مظلومیت آل علی(به گوش تاریخ است ..... هم بر مظلومیت امام گریه می شود و هم در سایه آن هدف از نهضت و حرکت ائمه(شناخته می شود ، روضه های خانگی و دسته های عزاداری وهیأتهای زنجیر زنی ، پوشیدن لباس مشکی و پرچم به دست گرفتن و شربت آب دادن و تلاش در برپایی مجالس نوحه خوانی و سینه زنی و ..... . هر یک به نوعی سرباز گیری جبهه حسینی است و این پیوند قلبی را عمق و غنا می بخشد .* ۱ البته برخی آداب و مراسمهایی وجود دارد که عوام مردم به مرور زمان و در اثر سهل انگاریها در عزاداری وارد کرده اند که بی تردید از مصادیق عزا و سوگواری به شمار نمی آید بلکه از آفتها و منکرات آن می باشد. مانند : ۱ _نواختن شیپور و نی و اجرای آهنگ های مبتذل ؛ این امور بدون هماهنگی و دستور فقهاء بوده است و باید از آن جلوگیری شود. ۲ _انجام کارهای خرافی و ساختگی که آنها نیز به تأیید فقها نرسیده است ؛ ۳ _قمه زنی ؛ قمه زنی مانند زنجیر زنی و شبیه خوانی از دیر باز مورد اختلاف علما بوده، این مراسم از نظر شرعی پایه و مبنایی دینی ندارد و صرفاً از روی علاقه به ابا عبدالله الحسین علیه السلام انجام می گیرد. بدون شک اگر به وسیله آن ضرری بر بدن وارد شود حرام است و اگر ضرری هم وارد نسازد _ در عرف امروز موجب بدبینی و وهن مذهب است و باید از آن جلوگیری شود. کی گفت حسین تو بر سر خویش بزن با تیغ به فرق خویشتن نیش بزن تیغی که زنی بر سر خود ای غافل بر فرق ستمگران بد کیش بزن *۲ ۴ _اشعار غلو آمیز و به کار بردن واژه هایی که خلاف اعتقادات مذهبی است ؛ مثل لا اله الا الفاطمه ، یا من حسین اللهی‌ام ، و ... که فقهاء فتوا بر حرمت این گونه اشعار داده اند یا حکم به احتیاط داده اند. ۵ _در اختیار گرفتن مجالس عزاداری به وسیله افراد بی سواد و کسانی که به جای پرداختن به محتوای مجالس به ظواهر و مداحیهای بی روح و بی هدف می پردازند. بنابراین شعرا باید شیوه دعبل ها و کمیت ها را بر گزینند و از اشعار ضعیف ، سست و بی مدرک ، یا دروغ و جعلیات که موجب وهن مقام معصومین می شود پرهیز شود و خلوص و تقوا را در حدّ مطلوب فراموش نکنند. حجه السلام و المسلمین استاد فاطمی نیا از علماء و شاگردان برجسته عارف بزرگ آیت ا... بهاء الدین (ره) در یکی از منبرهای خود در این باره می فرمودند ... " : آدمی که پشتوانه علمی ندارد و روی فقط

احساس آمده ، ضربه می خورد. احساس یک اندازه ای دارد ، اگر کسی علوم اولین و آخرین را داشته باشد یک عبّاسی نمی ارزد واگر حال داشته باشد و پشتوانه علمی نداشته باشد باز هم فایده ندارد... خدا شاهد است از مجالسی که روی احساس برگزار می‌شود ناراحتم. نواری را آورده بودند و دریک جایی در آن نوار آن بنده خدا که می خواند می گفت : شب عاشورا امام حسین (به قمر بنی هاشم (فرمود که : اگر تو هم می خواهی بروی برو "بعد می گفت " : عباس خوشگله آمد زینب کبری را پیدا کرد و گفت : برو به داداش حسینت بگو " ..... مثل اینکه میدان مولودی بود ، مثلاً ـ دروازه غار- نعوذ بالله ..... آخر این شد حرف ، همه اش احساس ،اینطور قمر بنی هاشم را آدم یاد می کند ؟ قمر بنی هاشم که وقتی اسمش می‌آمد ائمه تعظیم می کردند ... اینها درد دل من است *" ... . ۳ برای اینکه عزاداریها رشد و بالندگی خودش را داشته باشد و جامعه اسلامی از آثار ارزشمند آن بهره مند گردد ، شایسته است علما و دانشمندان متعهد و مسؤول در برابر مراسمهایی که توسط افراد ناآگاه و یا مغرض ترویج می شود ، مبارزه نمایند و نگذارند که مراسم حرکت آفرین عاشورا و سایر ائمه با خرافات آلوده گردد ،همان طور که تعطیلی مجالس عزا ضربه سهمگینی بر پیکر امت اسلامی وارد می سازد، افراط در آن و نفوذ هر نوع رسم و رسومی که با کلیات آن هماهنگ نیست آن را متضرر می کند .* ۴ ... لازم به یادآوری است که در مورد مصادیق مختلف عزاداری به طور جداگانه از هر کدام از مراجع استفتائاتی کرده اند وایشان نیز حکم شیوه ها وسبکهای جدید و گوناگون عزاداری را بیان نموده اند ، لذا چون جنابعالی مصداقاً اشاره نکرده بودید ما نیز به صورت کلی جواب را برای شما ارسال می کنیم. برای توضیح بیشتر می توانید به سه جلد کتاب مسائل جدید از دیدگاه مراجع و علما مراجعه کنید. خداوند ما را از عزاداران واقعی اهل بیت علیهم السلام قرار دهد. انشاء ا...

با توجه به اینکه اغلب ائمه معصومین(ع) در کشورهای عربی متولد و وفات یافته اند و آنها با توجه به عرق ملی و هموطنی و مذهبی باید نسبت به برگزاری مراسم تولد و وفات آنها حساسیت بیشتری به خرج دهند و می بینیم که آنها زیاد حساسیتی ندارد و خصوصاً در مراسم وفات خیلی

پرسش

با توجه به اینکه اغلب ائمه معصومین(ع) در کشورهای عربی متولد و وفات یافته اند و آنها با توجه به عرق ملی و هموطنی و مذهبی باید نسبت به برگزاری مراسم تولد و وفات آنها حساسیت بیشتری به خرج دهند و می بینیم که آنها زیاد حساسیتی ندارد و خصوصاً در مراسم وفات خیلی عادی برخورد می کنند در صورتی که در شیعه و خصوصاً در ایران که نسبت به کل جمعیت مسلمان در اقلیت هستند به قول معروف دو آتشه نسبت به برگزاری مراسم تعذیه داری اقدام می نمایند و این مراسم از نظر خیلی از روحانیون مورد تاثیر قرار گرفته در صورتی که هر انسانی زمانی از دنیا می رود بهتر آن است در مراسم تولد او چند روز برنامه بگذاریم و از آمدنش به دنیا خشنود شویم و خدماتش را ارج نهیم نه هنگامی که از دنیا می رود! به نظر من تعذیه خوانی و محرم و صفر با این روشی که در ایران برگزار می گردد لازم و جایز نیست لطفاً در این رابطه توضیحی فرمایئد؟

پاسخ

فلسفه عزاداری برای حضرت سید الشهدا (ع) چیست؟ مسأله عزاداری مخصوصاً برای امام حسین (ع) دو جنبه و دو چهره دارد: الف)- چهره زیبایی‌ها یعنی، عظمتی که حضرت ابا عبداللّه (ع) و یاران ایشان در ابعاد مختلف آفریده و عالی‌ترین جلوه‌های کمال انسانی را با عمل خویش ترسیم نموده و بزرگترین درس را به کل تاریخ بشریت آموختند. این بعد از حادثه عاشورا بسیار غرورانگیز و افتخارآفرین است و به راستی باید به خود بالید که در چنین مکتب درخشانی پا به عرصه وجود نهاده و در آن رشد

یافته و با آن می‌میریم و حاضریم همه هستی خود را در این راه نثار کنیم. ب)- چهره دیگر عاشورا جنبه تراژدیک، غمبار و اسفبار آن است. اسف از این که چرا امت، حق امام (ع) را پاس نداشته و ناجوانمردانه‌ترین حرکات را نسبت به محبوب‌ترین خلق خدا و شریف‌ترین انسان‌ها روا داشتند. آری ظلمی که بر امام (ع) و اهلبیت و یاران ایشان تحمیل شد، دل هر انسان نیکو سیرتی را به درد می‌آورد و روح آدمی را سخت می‌آزارد. از طرف دیگر اشک گاهی از سوز است و گاه از سر شوق. گریه بر ابا عبداللّه (ع) از هر دو نوع است. یعنی هم مصائب ایشان سیلاب اشک از دیدگان فرو می‌ریزد و هم عظمت و شگفت‌آفرینی‌های آن حضرت و یارشان. کیست که بشنود در آن صحرای سوزان با وجود عطش جانکاه، در میان صدها یا هزاران مأمور دشمن حضرت ابوالفضل العباس (ع) خود را به شریعه رساند و چون در رودی عظیم و آب گوارا قرار گرفت و آب را تا دهان برآورد، ولی همین که به یاد تشنگی حضرت اباعبداللّه (ع) و فرزندانشان افتاد به خود اجازه نوشیدن نداد و لب تشنه با مشک پر از آب برگشت. آیا این مردانگی و شرافت آدمی را به ریختن اشک شوق وادار نمی‌سازد؟ از سوی دیگر گریه و عزاداری به حضرت سید الشهدا در نصوص دینی سخت مورد تأکید و توجه واقع شده و از افضل قربات دانسته شده است این مسأله فلسفه‌های سازنده و تربیتی مهمی دارد، از جمله: الف)- زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی، ب)- الهام بخش روح انقلابی و ستم ستیزی، ج)- پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین، د)- اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده‌ها با معارف دینی، ه)- پالایش روح و تزکیه نفس، و)- اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم، ز)- نکته دیگر این که وجود مراسم عزاداری در هر کوی و برزن بزرگ‌ترین ابزار گسترش فرهنگ حسینی (ع) است. لیکن در این باره باید دقت کافی را در سالم‌سازی و بهینه‌سازی این مجالس و زدودن آفت‌ها و انحرافات از آن به عمل آورد. برای آگاهی بیشتر ر. ک": حماسه حسینی "شهید مطهری ج)- عزاداری برای اهل بیت: موجب احیای یاد و نام آنها و در کنار آن فرهنگ و مکتب و هدف آنان است. به عبارت دیگر در شکل یک پیوند روحی راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب و رهبران آن برقرار می‌سازد و دیگر گذشت قرون و اعصار نمی‌تواند بین آنان جدایی افکند. همین مسأله موجب نفوذ ناپذیری امت از تأثیرات و انحرافات دشمنان می‌گردد و مکتب را هم چنان سالم نگه می‌دارد و یا تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می‌رساند. از همین روست که استعمارگران برای نابودی ملل اسلامی می‌کوشند رابطه آنان را با تاریخ پر افتخار صدر اسلامی قطع نمایند تا با ایجاد این خلاء زمینه القای فرهنگ خود را فراهم آورند. اینها از آثار اجتماعی عزاداری است و آثار روانی و تربیتی دیگری نیز دارد. آن چه مسلم است، نه شادمانی افراطی و بدون دلیل پسندیده است و نه ماتم زدگی و غم و اندوه مداوم، و پسندیده آن است که انسان راه تعادل در پیش گیرد یعنی نه اسیر سرخوشی‌های بی دلیل شده و نه آن که غم زده و گوشه گیر شود بلکه بر حسب مورد و واقعیات موجود خود را تطبیق دهد. گذشته از آن که دل مؤمن همواره شاد است، شادی مؤمن یک شادمانی عمیق و وصف ناشدنی است چرا که سرور و ابتهاج مؤمن از معرفت عمیق او نسبت به خداوند و هستی و مسیری که در پیش دارد سرچشمه می‌گیرد و با شادمانی‌های سطحی و دل مشغولی‌های گذرای دنیا متفاوت است. در مورد برگزاری مراسم باید بگوییم که این مجالس برای غم خوردن و یا ابراز تأسف و اندوه نیست بلکه برای ذکر مصائب خاندان پیامبر (ص) و مردان خدا و اقتدای به آنان است گرچه برخی مظاهر عزاداری ممکن است همان گونه باشد که شما گفتید و چنین مواردی باید اصلاح گشته و فلسفه حقیقی عزاداری‌ها برای مردم تبیین گردد.و نکته آخر اینکه در اسلام مرز جغرافیایی مطرح نیست و برای اعراب فضل و کرامتی به خاطر عرب بودن اهل بیت (ع) نیست. بلکه اهل بیت (ع) آقا و سرور تمام موجودات عالم هستند و دایرهٔ مریدان ایشان حتی ملائکه و جن را نیز در بر می گیرد پس نمی توان گفت چرا اعراب چنین می کنند و ما ایرانیان چنین بلکه باید گفت هر انسانی که به تعالیم اسلام نزدیک تر است و بیشتر تحت تربیت اسلامی قرار گرفته است نسبت به معصومین (ع) ارادت بیشتری دارد.

چرا طرح خانه عفاف رد شد؟

پرسش

چرا طرح خانه عفاف رد شد؟

پاسخ

طرح خانه عفاف به عنوان یک راه حل موقت و تسکین دهنده برای معضل "عدم تأمین صحیح و مشروع غریزه جنسی "جوانانی که قادر به ازدواج نیستند از سوی برخی طراحان که بعضاً در بین نمایندگان مجلس ششم و مسئولین اجرایی کشور نیز طرفدارانی داشت بطور غیر رسمی به افکار عمومی عرضه شد. و افرادی بدنبال طرح در مجلس و قانونمند کردن آن بودند که بدلیل: ۱ـ نامناسب دانستن این شیوه ۲ـ به دور بودن از شأن مجلس و نهاد قوهٔ مقننه ۳ـ عدم آمادگی فکری و فرهنگی مردم و جامعه ۴ـ خلاف عفت عمومی و توهین به شأن و منزلت زنان مسلمان دانستن آن. عکس العملهای تندی از سوی نمایندگان زن در مجلس ششم و تعدادی از صاحب نظران و مسئولین کشوری را بهمراه داشت و به بوته فراموشی سپرده شد.

چرا ناهنجاری‌ها روز به روز در حال افزایش است

پرسش

چرا ناهنجاری‌ها روز به روز در حال افزایش است

پاسخ

پرسشگر محترم اگر منظور شما از ناهنجاری مفاسد و آلودگی‌های اخلاقی در جامعه به خصوص در جامعه اسلامی است باید توجه داشت که آیا واقعاً ناهنجاری‌ها در جامعه روز به روز در حال افزایش است پذیرش و تایید چنین ادعایی باید به آمارهای دقیق مستند شود. در عین حال افزایش و گسترش ناهنجاری‌های از نظر قرآن کریم و روایات اسلامی در هر اجتماع می‌تواند ریشه و عوامل مختلفی داشته باشد، از جمله ۱. عدم شناخت انسان از خویش کسی که فلسفه و حکمت آفرینش خویشتن را نشناسد و جایگاه و ارزش انسان بودن خود را نداند، و هدف و راه را تشخیص ندهد، به طور طبیعی به دنبال ناهنجاری‌ها رفته و ممکن است بسیاری از ناهنجاری‌ها را برای خود به عنوان هنجار تصور کند ;خداوند متعال می‌فرماید": و خدا شما را از شکم مادرانتان ـ در حالی که چیزی نمی‌دانستید ـ بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید ".حضرت علی‌می‌فرماید": برترین خرد، خودشناسی انسان است پس هر که خود را شناخت خردمند شد و هر که خود را نشناخت گمراه گشت " و در جایی دیگر می‌فرماید": هر که خود را نشناخت از راه نجات دور افتاد و در وادی گمراهی و نادانی‌ها قدم نهاد(".میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ترجمه حمید رضا شیخی ج ۸، ص ۳۵۶۷، انتشارات مؤسسه دارالحدیث) ۲. پیروی از وسوسه‌های شیاطین و هواهای نفسانی قرآن کریم می‌فرماید": الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَآءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا(;...بقره ۲۶۸) شیطان شما را]به هنگام انفاق وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا]و زشتی‌ها[دعوت می کند ;ولی خداوند به شما وعده آمرزش و فزونی می‌دهد "...و باز می‌فرماید": ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گام‌های شیطان پیروی نکنید، هر کس قدم جای قدم‌های شیطان بگذارد]گمراهش می‌سازد[چرا که او به فحشا و منکر امر می کند(".نور،۲۱) خداوند متعال از

پیروی کردن هواهای نفسانی نهی کرده و می‌فرماید...": و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و]اساس کارش بر زیاده روی است اطاعت مکن(" کهف ۲۸) ۳. ضعف و سستی ایمان و عقیده فقر فرهنگی و ضعف عقیده نیز از عوامل افزایش ناهنجاری‌ها در جوامع به خصوص جامعه اسلامی می‌باشد" ;إِنَّ الَّذِینَ لاَ یُؤْمِنُونَ بِالاْخِرَةِ زَیَّنَّا لَهُمْ أَعْمَـلَهُمْ فَهُمْ یَعْمَهُونَ(; نمل ۴) کسانی که به آخرت ایمان ندارند اعمال]سوء و زشت آن‌ها را برای آنان زینت می‌دهیم به طوری که آن‌ها سرگردان شوند ".از آیه مذکور بر می‌آید کسانی که به آخرت و وعده‌های الهی ایمان ندارند و یا ایمان آن‌ها ضعیف بوده و به امور معنوی و دستورهای خداوند مانند: به جا آوردن واجبات انس با قرآن دعا و نیایش توکل توسل و... کم توجه هستند، در نظر چنین افرادی ناهنجاری و آلودگی به گناه هنجار و پاک و زیبا می‌شود و آن‌ها پستی‌ها را افتخار و بدبختی‌ها و سیه روزی‌ها را سعادت و پیروزی و غرق شدن در فساد و تباهی را زندگی ایده‌آل و خوب می‌دانند! ۴. مشکلات اقتصادی پیامبر گرامی‌می‌فرماید": کاد الفقر ان یکون کفرا ;فقر نزدیک است که خود را به کفر برساند(".الکافی محمد بن یعقوب کلینی ، ج ۲، ص ۳۰۷، دارالکتب الاسلامیهٔ تهران) حضرت علی‌خطاب به فرزندش امام حسن‌می‌فرماید...": کسی که قُوت خود را نداشته باشد، خطاهایش بسیار است .. فرزندم هر کس گرفتار فقر شود، به چهار خصلت مبتلا می گردد: به سستی در یقین کاستی در خرد، شکنندگی در دین و کمی شرم و حیا در چهره پس به خدا پناه می‌بریم از فقر(".ترجمه میزان الحکمه ترجمه حمید رضا شیخی ج ۱۰، ص ۴۶۶۳، انتشارات مؤسسه دارالحدیث) ۵. رفاه اقتصادی و ثروت فراوان قرآن کریم می‌فرماید": وَ إِذَآ أَرَدْنَآ أَن نُّهْلِكَ قَرْیَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِیهَا فَفَسَقُواْ فِیهَا فَحَقَّ عَلَیْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَـهَا تَدْمِیرًا(; اسرأ،۱۶) و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم اوامر خود را برای" مترفین آن‌ها]ثروتمندان مست شهوت بیان می‌داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آن‌ها را به شدت در هم می کوبیم " بنابراین کثرت ثروت و رفاه اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش مفاسد و ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی شود و در افزایش آن‌ها مؤثر باشد. ۶. ترک امر به معروف و نهی از منکر" ;بایداز میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگارانند(".آل‌عمران ۱۰۴) حضرت امام باقر۷ می‌فرماید": امر به معروف و نهی از منکر دو فریضهٔ بزرگ الهی است که سایر واجبات با آن‌ها برپا و اقامه می‌شوند و بوسیلهٔ این دو راه‌ها امن گشته و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تأمین می گردد و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن همه کارها روبراه می گردد(".وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی ج ۱۶، ص ۱۱۹، مؤسسهٔ آل‌البیت ، قم) ۷. تهاجم وسیع فرهنگی دشمنان دین به نام توسعه فرهنگی ; دشمنان قرآن و اسلام همواره با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین ابزار تبلیغی و رسانه‌های مختلف به رواج و گسترش فساد و ناهنجاری‌ها در میان جوامع مختلف اقدام می کنند، تا بدینوسیله به اهداف شوم خود برسند، قرآن کریم با اشاره به نمونه‌ای از تهاجŠفرهنگی فرصت‌طلبان در امت‌های پیشین می‌فرماید": قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَ أَضَلَّهُمُ السَّامِرِیُّ(;طه ۸۵) فرمود: ما قوم تو]حضرت موسی[را بعد از تو آزمایش کردیم و سامری آن‌ها را گمراه کرد(".ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۲۶۷ـ۲۷۴، دارالکتب الاسلامیهٔ تهران) ۸. سیاسی کاری و کوتاهی برخی از مسئولان اجرایی در امر فرهنگ و تضعیف ارزش‌های اسلامی به طور طبیعی مشغول شدن برخی از مسئولان و مدیران بخشی از امور اجرایی و... کشور به خصوص درگیری‌های جناحی اختلاف‌انگیزی و غفلت آن‌ها نسبت به تهاجم فرهنگی دشمنان و ترویج و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی و... از عوامل افزایش ناهنجاری در جامعه است قرآن کریم مؤمنان را به همکاری و تعاون در امور خوب و گسترش ارزش‌های دینی و اسلامی تشویق کرده و از همکاری و مشغول شدن بر ناهنجاری‌ها و گناهان نهی فرموده است..." تَعَاوَنُواْ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الاْثْمِ وَالْعُدْوَنِ وَاتَّقُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ(; مائده ۲)... در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است " و...(برای آگاهی بیشتر ر.ک تهاجم فرهنگی آیت اللّه مصباح یزدی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی / پاسخ به

پرسش‌ها از دیدگاه تشیع و تسنن دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت ص ۲۵ـ۲۹، انتشارات دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان و...)

نمونه‌هایی از واژه‌های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش‌ها داده‌اند را با استفاده از قرآن کریم که در اقوام گذشته اتفاق افتاده را با روش‌های امروزی و مصادیق آن ذکر کنید.

پرسش

نمونه‌هایی از واژه‌های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش‌ها داده‌اند را با استفاده از قرآن کریم که در اقوام گذشته اتفاق افتاده را با روش‌های امروزی و مصادیق آن ذکر کنید.

پاسخ

برخی از واژه‌های ارزشی که جای خود را به ضد ارزش‌ها داده‌اند عبارتند از: ۱. در زمان پیامبر گرامی‌تجمل‌گرایی و گرایش به جمع‌آوری و تکاثر اموال مرکب و... یک ضد ارزش محسوب می‌شد ولی بعد از رحلت آن حضرت در زمان خلیفه سوم تجمل‌گرایی و گرایش به رفاه‌زدگی و جمع‌آوری اموال ارزش شد. در این زمان نیز به تدریج تجمل و رفاه‌زدگی به عنوان یک ارزش در جامعه و میان اغلب مردم چهره خود را نشان می‌دهد و ساده زیستی و مبارزه با آن یک ضد ارزش محسوب می‌شود. قرآن کریم نیز نمونه‌ای از این قبیل را در سورهٔ انعام آیه ۵۲ بیان می‌کند و می‌فرماید": آن‌ها را که صبح و شام خدا را می‌خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن نه حساب آن‌ها بر تو است و نه حساب تو بر آن‌ها، اگر آن‌ها را طرد کنی از ستمگران خواهی بود(".ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۵، ص ۲۵۱ـ۲۵۷، دارالکتب الاسلامیهٔ تهران) قرآن کریم تکاثر و فزون‌طلبی برخی از اقوام و قبائل در مدینه که حتی قبور مردگان خود را می‌شمردند و به آن به عنوان یک ارزش افتخار می‌کردند، را سرزنش کرده و آن را یک اقدام ضد ارزشی معرفی می‌کند و می‌فرماید": أَلْهَىٰكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ(; تکاثر، ۱ـ۳) تفاخر و تکاثر شما را به خود مشغول داشته]و از خدا غافل کرده تا آن‌جا که زیارت قبرها رفتید]و قبور مردگان خود را برشمردید[چنین نیست که شما خیال می‌کنید به زودی خواهید دانست " بنابراین عده‌ای از اقوام خیال می‌کردند که زیادی قبور و مردگان برای آن‌ها افتخار و ارزش است در حالی که به صرف وجود قبور یا مردگان بیشتر ارزش محسوب نمی‌شود، بلکه باید از سرگذشت مردگان عبرت آموخت (ر.ک نمونه همان ج ۲۷، ص ۲۷۶ـ۲۸۳.) در جایی دیگر درباره قارون و ارزشمند شدن ثروت او در میان قوم یهود و بنی اسرائیل می‌فرماید]": قارون با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن‌جا که طالب حیات دنیا بودند. گفتند: ای کاش همانند آن‌چه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم به راستی که او بهرهٔ عظیمی دارد(".قصص ۷۹) در زمان حضرت موسی‌ع و قارون عده‌ای ارزش را در ثروت زراندوزی و تمکن می‌دانستند. در عصر کنونی و زمان ما نیز این ضد ارزش (ثروت اندوزی تا حدودی چهره زشت خود را به عنوان یک ارزش نشان داده و برخی در این رابطه به رقابت پرداخته و نمایش مدگرایی تجمل پرستی ثروت‌اندوزی و... را به اجرا گذاشته و بسیاری از راه‌های مشروع و نامشروع به این ضد ارزش به عنوان ارزش دامن می‌زنند.(ر.ک نمونه همان ج ۱۶، ص ۱۶۳ـ۱۷۶.) ۲. در زمان پیامبر گرامی‌مسلمانان همه با هم برابر بودند و همگی از بیت‌المال به طور یکسان سهم داشتند و ثروت و غنائم به طور عادلانه تقسیم می‌شد و عدالت برقرار بود و این خود بسیار ارزشمند بود ;ولی در زمان معاویه و خلیفه دوم حس ناسیونالیستی مردم را برانگیختند و قوم‌گرایی و قبیله‌گرایی را ترویج کرده و در تقسیم اموال و ثروت در بین مسلمانان تبعیض قائل شدند و به این صورت ضد ارزش‌ها را به جای ارزش‌ها به

مردم قالب کردند ;در این زمان نیز برخی تلاش می کنند که حس ملی گرایی قوم گرایی و ناسیونالیسم را ترویج نمایند و با بی‌عدالتی و رابطه گرایی عدالت راکمرنگ می کنند. و آن را به عنوان ارزش در جامعه و جوامع بشری مطرح می کنند. و...(برای آگاهی بیشتر ر.ک فروغ ابدیت آیت اللّه جعفر سبحانی ج ۱ـ۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم / ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن ابوطالب تجلیل انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

با توجه به اسلامی بودن کشور چرا سیگار – که برای جامعه ضرر دارد – به فروش می رسد؟

پرسش

با توجه به اسلامی بودن کشور چرا سیگار - که برای جامعه ضرر دارد - به فروش می رسد؟

پاسخ

حرمت سیگار از نظر شرعی ثابت نیست از طرف دیگر خوف آن وجود دارد که بازداشتن از آن موجب گرایش بهسوی مواد مخدر شود و به اصطلاح دفع فاسد به افسد شود که از نظر شرعی جایز نیست.{J

چرا تمام مشکلات ضد اخلاقی را به غرب نسبت می دهند در حالی که بسیاری از افراد جامعه و مسوولان خود علت و عامل مشکلات و معضلات اجتماعی اند؟

پرسش

چرا تمام مشکلات ضد اخلاقی را به غرب نسبت می دهند در حالی که بسیاری از افراد جامعه و مسوولان خود علت و عامل مشکلات و معضلات اجتماعی اند؟

پاسخ

چنین نیست که تمام مشکلات و معظلات و ... به غرب نسبت داده شود. بلکه عوامل دیگری نیز در کار هست لیکنآنچه باید توجه داشت این است که اهم مسائل و مشکلات ما به خاطر توطئه‌های وسیع و گسترده استکبار جهانیاست و غفلت از خطر آن برای ما بسیار زیانبار است. در عین حال نباید از مسایل درون زاد نیز غافل بود. مسوءولینظام همواره باید با دقت عملکرد خود را ارزیابی و اشکالات آن را بر طرف سازند.{J

با توجه به فقر بعضی مسلمین انجام جشنها نوعی اسراف نیست ؟

پرسش

با توجه به فقر بعضی مسلمین انجام جشنها نوعی اسراف نیست ؟

پاسخ

در پاسخ به این سؤال توجه به چند نکته ضروری است: الف) فلسفه وجودی تشکیل جشن‌ها و مراسم اعیاد معصومین(ع)، عبارت است از: ۱- برگزاری مراسم جشن ولادت آنان، تعظیم شعائر الهی است. قرآن مجید، تعظیم شعائر الهی را نشانه تقوای قلوب و تسلط پرهیزکاری بر دل‌ها می‌داند وَ مَن یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب ،(حج، آیه ۳۲). مقصود از شعائر در آیه شریفه، نشانه‌های دین او است و اولیای الهی - به خصوص معصومین(ع) - از شعائر الهی و نشانه‌های دین او می‌باشند. تعظیم این بزرگان، علاوه بر حفظ آثار و مکتب آنان، بزرگداشت ایام ولادت آنان و برپایی جشن وسرور در این مناسبت‌ها است. در بعضی از روایات نیز آمده است: شیعیان ما در شادی ماشاد و در غم و اندوه ما اندوهناک‌اند. قرآن کریم به روشنی به ما دستور می‌دهد که به بستگان و خویشاوندان پیامبر گرامی اسلام، مهر بورزیم قل لا اسئلکم علیهاجرا الا المودة فی القربی ، (شوری، آیه ۲۳). مسلما یکی از راه‌های ابراز علاقه به خاندان رسالت، برگزاری مراسم جشن و سرور یا عزاداری در مناسبت‌های مربوط به آن بزرگواران می‌باشد. ۲- یکی از راه‌های ترویج و گسترش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی اسوه و الگو قراردادن آنان در ابعاد مختلف شخصیتی، اجتماعی، اخلاقی و... عالی‌ترین الگو و اسوه برای همگان می‌باشند. از آن جایی که در مراسم میلاد یا وفیات آن بزرگواران گوشه‌های مختلفی از زندگی پربار و معنوی آنان و گفتارهای ارزشمند اخلاقی آنان (از قبیل ایثار، نیکوکاری، کمک به فقرا، دوری از گناهان و...) مطرح می‌شود؛ لذا باعث آشنایی هر چه بیشتر شرکت کنندگان با اخلاق ورفتار ائمه(ع) و الگوگیری از آنان می‌شود. پس می‌بینیم یکی از بهترین راه‌های کاهش فقر و مبارزه صحیح و اصولی با ریشه‌های آن و حل معضلات اقتصادی، اجتماعی و...، برگزاری این قبیل مراسم باشکوه در بزرگداشت ائمه اطهار(ع) می‌باشد. ب) با مقایسه‌ای بین سایر بودجه‌های کلان فرهنگی کشور و نتایج آن با هزینه‌هایی که در این قبیل مراسم‌ها مصرف می‌شود؛ اهمیت این قبیل مراسم آشکار می‌شود و ما در گسترش آن کوشش می‌نماییم. متأسفانه در بعضی موارد بودجه‌های کلانی توسط برخی از مسؤولانحیف و میل می‌شود که ثمره‌ای جز خالی نمودن بیت‌المال، فقر جامعه، بدبینی مردم، گسترش فرهنگ اسراف و تبذیر و تجمل به دنبال ندارد. شما نیز چه خوب بود از آن موارد نام می‌بردید و این گونه از برنامه‌های یاد شده انتقاد می‌کردید. ج) ما با شما موافقیم که از هرگونه اسراف، ریخت و پاش و انجام یک‌سری اموری که به هیچ وجه زیبنده نظام اسلامی و اهداف و سیره ائمه اطهار(ع) نیست، باید جلوگیری کرد و علاوه بر گسترش و ترویج این قبیل جشن‌ها و بهبود کمی و کیفی آنان، در جهت هر چه مفیدتربودن آنها کوشش نمود.{J

برگزاری مراسم ترحیم , چه فوایدی دارد؟

پرسش

برگزاری مراسم ترحیم , چه فوایدی دارد؟

پاسخ

با از دنیا رفتن یک شخص، افراد بسیاری که با او مأنوس بوده‌اند عزادار می‌شوند. فرد متوفی برای بازماندگان عزیز بوده؛ آنان عزیزی را به خاک سپرده‌اند و به قول معروف «چغندر که خاک نکرده‌اند»، لذا بر خود لازم می‌دانند تا یاد آن عزیز از دست رفته را گرامی داشته و از دوستان و آشنایان انتظار دارند با حضور در مراسم یادبود آن عزیز، برشکوه مجلس بیفزایید. دیگران نیز با حضور در این مجالس ضمن عرض تسلیت به بازماندگان، برای متوفی طلب مغفرت می‌کنند. به نظر می‌رسد این مقدار حداقل مورد قبول تمامی مکاتب اله بیاشد. آیین اسلام با توجه به اهداف ذیل تجهیز متوفی را برای خاک‌سپاری واجب کفایی و شرکت در تشییع جنازه و مراسم ترحیم را مستحب می‌داند. ۱- تکریم و احترام مؤمن متوفی: شارع مقدس از تمامی مکلفین می‌خواهد که به پاس

ایمان متوفی به اسلام، با غسل دادن، معطر ساختن، پوشاندن جامه سفید، نمازگزاردن و خاکسپاری او، جسم بی‌جان مؤمن را محترم شمرده و از هتک حرمت به جسم او ممانعت به عمل آید. ۲- انجام خیرات، مبررات، قرائت فاتحه و طلب آمرزش برای متوفی: اگر چه توشه اصلی این راه پرخطر اعتقاد صحیح و عمل خالص اوست اما هدایای معنوی مؤمنان نیز بی‌تأثیر نیست. ۳- اعلام تسلیت و تعزیت به وابستگان نسبی و سببی متوفی: حضور سایرین در مراسم مختلف باعث تسلی بازماندگان شده، از شدت غم و اندوه آنان کاسته، تحمل فراغ عزیز از دست رفته را آسان‌تر می‌سازد. ۴- عبرت‌آموزی برای زندگان: شرکت در خاک‌سپاری و سایر مراسم متوفی می‌تواند یادآور روزی باشد که ما مسافران دنیا دیر یا زود باید از پل مرگ عبور کرده و به عالم برزخ وارد شویم. بدیهی است انجام هر کاری در این قبیل مراسم باید در راستای تأمین اهداف فوق باشد و از آن جا که در دین اسلام هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، لذا ابزار و وسایل به کار گرفته شده در این مراسم باید مباح و بی‌اشکال باشد. از این منظر، مراسم ترحیمی که امروز میان ما مرسوم است اگر چه حائز نقاط قوت بسیاری است اما اشکالات متعددی می‌توان یافت که شما پرسشگر عزیز به برخی از آن اشاره نموده‌اید. لکن نکته حائز اهمیت این است که ما باید از این مراسم آسیب‌شناسی به عمل آورده، نقاط مثبتی که در راستای اهداف مذکور است تقویت کرده و در صدد محو نقاط منفی آن باشی. اما تا دست‌یابی به نقطه ایده‌آل نباید شرکت در این مراسم را ترک کرد، لذا شایسته است بهترین زمان و مکانی که می‌تواند اهداف مذکور را با کمترین موارد منفی برآورده سازد جهت انجام وظیفه انتخاب و از آن بهره برد.

کسب که می خواهد نام فرزند خود را از نام ائمه بگذارد در حد نام شناسنامه کفایت می کند یا اینکه اسمی که همیشه صدا می شود؟

پرسش

کسب که می خواهد نام فرزند خود را از نام ائمه بگذارد در حد نام شناسنامه کفایت می کند یا اینکه اسمی که همیشه صدا می شود؟

پاسخ

آن چه مطلوب و پسندیده و مورد سفارش ائمه اطهار(ع) است، نامگذاری و صدا زدن فرزندان به اسامی ائمه اطهار(ع) و نام‌های نیک است. چرا که با صدا زدن و نام بردن فرد به این گونه نام‌ها یک نوع تبلیغ و گسترش فرهنگ دینی و ائمه اطهار(ع) است و صرف این که در شناسنامه باشد، ولی هیچ گاه در جامعه آن اسم به زبان جاری نشود، اثر مطلوب را نخواهد داشت. با صدا زدن فرزند با این گونه اسامی کودک و یا نوجوان و جوان سعی می‌کند از صاحب اسم الگو بگیرد و با او آشنا شود و با وی همانندسازی کند و این بعد جنبه سازندگی دارد، نه صرفِ ثبت در شناسنامه.

جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانونهای فرهنگی مساجد چه باید کرد؟

پرسش

جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانونهای فرهنگی مساجد چه باید کرد؟

پاسخ

الف) جهت جذب نونهالان و نوجوانان به کانون‌های فرهنگی مساجد راه‌های مختلفی وجود دارد از جمله: ۱- برگزاری اردوهای علمی، تفریحی و زیارتی. ۲- برگزاری مسابقات مختلف و اهداء جوایز. ۳- استفاده از اساتید پرجاذبه و هنرمند و جوان برای تدریس موضوعات دینی و قرآنی و هنری. ۴- پرهیز از مسؤولیت دادن به افراد تند و بداخلاق و کم‌حوصله. ۵- مدارا نمودن و عدم سخت‌گیری نسبت به مراجعین و خودداری از انحصار شدید این قبیل کانون‌ها و... ب) برای کسب امکانات می‌توانید به سازمان تبلیغات شهر خود مراجعه کنید و از طریق امام جماعت یا افرادخیرخواه و نیکوکار ارتباط برقرار نمایید. ج) جهت گسترش فعالیت‌های علمی و فرهنگی، سعی کنید اولاً: از افراد پرانگیزه، صبور و با سلیقه برای مسؤولیت کانون یا همکاری با کانون دعوت به عمل آورید. ثانیا: قبل از تعطیلات تابستان برنامه‌های تابستان را تهیه و تنظیم نمایید و مقدمات فعالیت‌های تابستانی خود را فراهم آورید. ثالثا: در زمینه‌های مختلفی اقدام به فعالیت نمایید مثل مسابقات ورزشی، مسابقه کتابخوانی و مقاله‌نویسی و...

چرا بیشتر مردم ایران دوست دارند شاعر باشند و شعر بگویند؟

پرسش

چرا بیشتر مردم ایران دوست دارند شاعر باشند و شعر بگویند؟

پاسخ

قوه شاعر بودن مربوط به توانایی انسان در تخیل است. چه بسا روحیه آزادگی و آرمان خواهی و احساسات قوی ایرانی ها در این توانایی نقش مهمی داشته باشد. اصولا مردم ایران عاطفی هستند و در پرتو اعتقادات مذهبی، احساسات و عواطف آنها هم قوی تر شده است و هم پاک تر و والاتر گشته است. وانگهی زبان شعر، زبان ماندگارتر، شیرین تر و با سرعت انتقال بیشتر و چه بسا عمومی تر باشد، لذا ایران که از تمدن باسابقه طولانی برخوردار است از این ظرفیت ها استفاده می نماید.

اولویت هایی که بجای تعزیه در مراسم مذهبی ما می تواند جایگزین شود چه می باشند؟

پرسش

اولویت هایی که بجای تعزیه در مراسم مذهبی ما می تواند جایگزین شود چه می باشند؟

پاسخ

تعزیه به عنوان یکی از شیوه های عزاداری در صورتی که مشتمل بر تحریف و مضامین موهن به ارزش های اسلامی نباشد ممدوح و دلیل بر جایگزینی و کنار گذاشتن آن نیست. هر چند «بهتر است که به جای آنها مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی برپا شود»(اجوبه الاستفتاآت، تهران، الهدی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۲).

چرا در ایام شهادت ائمه خوردن تخمه اشکال دارد؟

پرسش

چرا در ایام شهادت ائمه خوردن تخمه اشکال دارد؟

پاسخ

دلیل خاصی در این مورد که تخمه شکستن در ایام شهادت معصومین(ع) اشکال داشته باشد وارد نشده به نظر می رسد این گونه مسائل عرفی باشد. چنانچه کارهایی از قبیل تخمه شکستن عرفا مناسب با سرور و شادی می باشد شایسته است که در ایام سوگواری معصومین(ع) به جهت تعظیم شعائر دینی از آن پرهیز شود.

نظرشما در باره تعدد هیات مذهبی در شرایط فعلی جامعه چیست. بعضا مشاهده شده از درون برخی هیات های هیات های جدیدی تشکیل و فعالیت می کنند آیا این باعث اختلاف نیروهای مذهبی نمی شود.و یا برعکس سبب گسترش نیروهای مذهبی می شود.

پرسش

نظرشما در باره تعدد هیات مذهبی در شرایط فعلی جامعه چیست. بعضا مشاهده شده از درون برخی هیات های هیات های جدیدی تشکیل و فعالیت می کنند آیا این باعث اختلاف نیروهای مذهبی نمی شود.و یا برعکس سبب گسترش نیروهای مذهبی می شود.

پاسخ

این موضوع دو حالت دارد: الف) در صورتی که اولا، هدف و انگیزه اصلی از تشکیل هیأت های جدید، حب و بغض های شخصی و یا تعصب های قومی، خانوادگی و... باشد و ثانیا، عملکرد آنان هم به نحوی باشد که نه تنها در راستای تعمیق و ترویج آموزه ها و ارزش های والای عاشورا نباشد، بلکه ارزش های مادی و غیر اسلامی از قبیل ایجاد تفرقه، اختلاف و دشمنی را به دنبال خود بیاورد قطعا مسأله تعدد هیأت ها مخالف اسلام و راه امام حسین(ع) بوده و به مصلحت جامعه اسلامی نمی باشد. ب) اما اگر آفات و آسیب های فوق در این مسأله وجود نداشته باشد بلکه تعدد ناشی از اختلاف سلیقه در مسائلی نظیر شیوه عزاداری، سخنرانی، مکان هیأت یا زمان آن و امثال اینها باشد، نه تنها هیچ منع و محدودیتی در آن نیست بلکه باعث می شود تا سلایق و قشرهای متنوعی نیز بتوانند در هیئت ها شرکت نموده و به ترویج آموزه های حیات بخش فرهنگ عاشورا در جامعه کمک نماید.

در مورد ریش گذاشتن توضیح دهید.

پرسش

در مورد ریش گذاشتن توضیح دهید.

پاسخ

نخست باید به این واقعیت اشاره کرد که آنچه مهم است «ریشه» و باطن است و اگر به «ریش» و ظاهر توجه می شود به جهت آن است که ظاهر نمادی از باطن باید باشد، لذا کسانی که ظاهر را می آرایند و باطن نابهنجار دارند به عنوان ظاهر فریب و یا نالایق سزاوار نکوهش هستند اما نباید رفتار برخی نالایقان، ما را از رعایت برخی احکام منصرف کند. از سوی دیگر باید دانست قلب

پاک با حفظ ظاهر، مصونیت بیشتر پیدا می کند و پایدار می ماند به همین جهت بزرگان حکمت گفته اند برای پایداری در «طریقت» و رسیدن به «حقیقت» حفظ «شریعت» لازم است و اگر احکام ظاهری شریعت حفظ نشود احتمال فسق، التقاط و انحراف بسیار زیاد است و بهترین دلیل بر درستی این مطلب، سیره و روش تمامی پیامبران و امامان و اولیای خداست که علاوه بر این که به ریشه و باطن توجه داشتند ظاهر را نیز مطابق احکام شریعت رعایت می کردند. برای توضیح بیشتر در این باره توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم: در این مسأله دو نظریه عمده در میان فقها وجود دارد: ۱- حرمت , ۲-تفصیل میان ریش پرفسوری و غیر آن . هر حکم شرعی از دو جهت قابل دلیل یابی است : الف) دلیل شرعی ; مقصود از آن متون و نصوصی است که حکم الهی را بیان می کند. این دلیل ها ابزار اصلی فقیه و کارشناس دینی است که از طریق آن می تواند حکم الهی را استنباط کند. ب) فلسفه حکم ; مقصود از آن این است که چرا خداوند بر موضوع مفروضی فلان حکم را داده است . چنین کاوشی تحقیق فقهی نیست مگر در مواردی که ((کشف فلسفه حکم)) در ((استنباط حکم)) دخیل باشد. در این رابطه باید چند نکته را در نظر داشت : اولا, فلسفه همه احکام و جزئیات آنها به طور تفصیلی روشن نیست و آگاهی از آن دانشی فراتر از تنگناهای معارف عادی بشری می طلبد. لیکن بطور اجمالی روشن است که همه احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی در متعلق آنهاست . بنابراین در صورتی که فلسفه حکمی را بالخصوص ندانیم بنابر قاعده کلی فوق از آن باید پیروی کرد. زیرا یقین به وجود مصلحتی در آن هست هر چند بر ما ناشناخته باشد. ثانیا, در جست و جوی فلسفه احکام نباید همیشه به دنبال علوم تجربی رفت و دلیلی مادی و فیزیولوژیک برایش جست وجو نمود. این فرایند که همواره در پی یافتن مصلحت یا مفسده ای طبی یا... باشیم برخاسته از نگرشی مادی گرایانه است . در حالی که بسیاری از احکام مصالحی معنوی دارند که در حوزه هیچ یک از علوم بشری قابل تحقیق نیست و آنها با متد تجربی خود قادر به حکمی نفیا یا اثباتا پیرامون آن نیستند و یا اگر نظری بدهند بسیار سطحی است و چه بسا مسأله حکمتی برتر و بالاتر داشته باشد. چنان که در مورد روزه علوم به خواص بهداشتی آن پرداخته اند ولی قرآن مجید فلسفه ای بالاتر را بیان فرموده و آن ((تقوایابی)) است . در مورد تراشیدن صورت نیز از نظر طبی گفته اند: وجود محاسن برای محافظت از لثه ها و دندان ها و پوست صورت مفید است . لیکن به نظر می رسد فلسفه اصلی حکم اثری معنوی و روحی و حفظ حالت طبیعی خلقت مرد باشد. نهایتا" مسأله امری تعبدی است و اگر هیچ فلسفه ای نیز برای آن شناخته نشود, حکم شارع را باید پذیرفت . حرمت تراشیدن ریش مرحوم محقق آیت الله العظمی خویی , درباره حرمت تراشیدن ریش بحثی مبسوط دارند که خلاصه آن را بازگو می کنیم . (نک به مصباح الفقاهه , تقریرات درس محقق خویی به قلم توحیدی تبریزی , ج ۱, ص ۲۵۷) ایشان چنین می فرمایند: مشهور بلکه اجماع بین علمای شیعه و سنی , حرمت تراشیدن است . وجوه ذیل برای حرمت اقامه شده : ۱- قول خدای سبحان ((فلیغیرن خلق الله)) (سوره نساء، آیه ۱۱۸) به ادعای این که حلق لحیه (تراشیدن ریش) تغییر خلقت به شمار می آید پس حرام است . ۲- در روایاتی امر شده به ارسال لحیه (بلند گذاشتن ریش) و زدن سبیل ها. و از تشبیه به یهود و مجوس نهی گردیده است , (وسائل الشیعه , ج ۱, باب ۶۷ از ابواب عدم جواز حلق لحیه , ص ۸۰ و ج ۴, الوافی , ص ۹۹) ۳- در روایاتی معروف به جعفریات آمده است که حلق لحیه مثله کردن است و هر کس مثله کند لعنت خدا بر او باد. (المستدرک , ج ۱, ص ۵۹). ۴- روایاتی که دلالت دارند بر اینکه سلوک و مسلک دشمنان دین جایز نمی باشد. حلق لحیه از جمله شمار آنها محسوب می شود. ۵ - قول پیامبر(ص) در خطاب به دو پیام آور کسری ت: وای بر شما چرا اینگونه هستید؟ آن دو نفر گفتند پروردگارمان ما را اینگونه امر کرده تا کسری را درک کنیم . سپس پیامبر(ص) فرمود: لکن پروردگار من امر فرموده که ریشم را آزاد بگذارم و سبیلهایم را کوتاه کنم . (مستدرک , ج ۱, ص ۵۹) ۶ - قول علی (ع): اقوامی بودند که حلق لحیه نمودند و سبیلها را گذاشتند سپس مسخ شدند. (وسائل الشیعه , ج ۱, باب ۵۶, از همان باب , ص ۸۰ و الوافی , ج ۲, ص ۳۳) لازم به ذکر است که همه این وجوه ششگانه نزد مرحوم خویی به علل ضعف در سند و یا متن , مخدوش هستند و نمی توانند حرمت را اثبات کنند. اما وی وجه هفتمی را ذکر می کند که نزد وی مقبول

است و آن این است که : روایتی صحیح داریم از بزنطی که از خدمت امام رضا(ع) سؤال شد: آیا برای مرد صلاح است که ریشش را بزند. امام فرمود: اما از جوانب آن , اشکالی ندارد. و اما از جلوی آن جایز نیست . (وسائل الشیعه , ج ۱, باب ۵۲ از همان باب , ص ۸۰) آن گاه مرحوم خویی می فرماید: ((سیره قطعیه ای که بین متدینین متداول , و به زمان پیامبر(ص) متصل است بر این مدعا دلالت می کند)). افزون بر آن ادعای اجماع هم بر آن شده است و قول مخالفی از شیعه و سنی در این مقام نقل نشده است . بنابراین موضوع حرمت از بین بردن کامل ریش است و فرقی میان تراشیدن و استفاده از دیگر وسایل پیرایش ندارد. اما اگر مقداری از ریش بر صورت بماند و برای دیگران وجود ریش نمایان باشد, صدق عرفی به شمار می آید. احکام ریش تراشی پرسش ۱. تراشیدن ریش تمام صورت با ماشین یا تیغ چه حکمی دارد؟ همه (به جز بهجت و صافی): تراشیدن ریش خواه با تیغ باشد یا ماشین بنابر احتیاط واجب حرام است.(۱) صافی و بهجت: تراشیدن ریش حرام است.(۲) پرسش ۲. آیا گذاشتن ریش پروفسوری کفایت می‌کند؟ امام، خامنه‌ای، بهجت، صافی، نوری و سیستانی: خیر، تراشیدن مقداری از ریش (دو طرف گونه‌ها) نیز حکم تراشیدن تمام آن را دارد.(۳) تبریزی، مکارم و فاضل: اگر چانه و اطراف آن (یک چهارم صورت) تراشیده نشود، به طوری که در وقت مواجهه صدق کند ریش دارد، کفایت می‌کند.(۴) پرسش ۳. منظور از صدق ریش چیست؟ همه: منظور آن است که در عرف مردم به آن ریش بگویند.(۵) پرسش ۴. آیا منظور از تراشیدن ریش همان تیغ زدن است یا ماشین‌های نمره پایین را هم شامل می‌شود؟ همه: هر وسیله‌ای که موهای صورت را بتراشد به گونه‌ای که عرف مردم بگویید ریش ندارد، خواه با تیغ باشد یا ماشین و یا هر ابزاردیگری.(۶) پرسش ۵. گذاشتن خط ریش چه حکمی دارد؟ همه: تراشیدن روی گونه‌ها (بصورت خط ریش) اشکال ندارد.(۷) مجوز ریش تراشی پرسش ۶. تراشیدن ریش با تیغ یا ماشین ریش‌تراشی برای هنرمندی که کارش آن را اقتضاء می‌کند چه حکمی دارد؟ همه: با توجه به اینکه می‌توان بوسیله گریم و مانند آن ریش صورت را به شکل تراشیده شده نمایان کرد، تراشیدن آن اشکال دارد.(۸) پرسش ۷. افرادی که در اثر ریش گذاشتن احساس خارش می‌کنند و یا اینکه در محیطی بسر می‌برند که اگر آن را نتراشند گرد و غبار در لابلای موی صورتش جمع می‌شود وظیفه چیست؟ همه: مشکل یاد شده مجوز ریش تراشی نیست.(۹) پرسش ۸. چنانچه گذاشتن ریش برای صورت ضرر داشته باشد تکلیف چیست؟ همه: در فرض مذکور، تراشیدن ریش صورت اشکال ندارد.(۱۰) پرسش ۹. اگر انسان برای این که توهین مردم را نشنود، ریشش را بزند چه حکمی دارد؟ گذاشتن ریش برای مسلمانی که به دینش اهمیت می‌دهد باعث خواری و سرشکستگی نیست و با مسخره کردن دیگران، احکام خداوند عوض نمی‌شود. مگر آنکه استهزاء و خواری به حدی برسد که تحمل آن نزد عقلاء امر غیرعادی و حرج محسوب شود در این فرض می‌تواند ریش خود را بزند.(۱۱) پرسش ۱۰. آیا برای این که انسان در بعضی محیطها انگشت نما نشود می‌تواند صورت خود را با تیغ بتراشد؟ همه: خیر.(۱۲) پرسش ۱۱. آیا تراشیدن موهای کم صورت به منظور رشد و پرشدن آن اشکال دارد. همه: اگر موهای صورت کم بوده به طوری که صدق ریش بر آن نکند، تراشیدن آن مانعی ندارد.(۱۳) تراشیدن سبیل پرسش ۱۲. حکم تراشیدن سبیل و بلند گذاشت آن چیست؟ تراشیدن آن اشکال ندارد ولی بلند نمودن آن به مقداری که هنگام خوردن و آشامیدن با غذا یا آب برخورد کند مکروه است.(۱۴) ---------- پی نوشت ها: ۱) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۷۹؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۲ و ۴۹۳؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۰ و ۷۵۳؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۹ و ۱۰۹۶؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۹۵۷ و ۹۵۵؛ سیستانی، سایت، ریش تراشی، س ۱ و ۳؛ خامنه‌ای، اجوبهٔ، س ۱۴۲۱ و ۱۴۱۶؛ دفتر: وحید. ۲) صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۰ و ۱۷۴۲؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴. ۳) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۴؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۳؛ خامنه‌ای، اجوبهٔ، س ۱۴۱۳؛ سیستانی؛ سایت، ریش تراش، س ۱ و ۳؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۳؛ بهجت، توضیح‌المسائل، متفرقه، س ۴؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۲ و ۴۹۳. ۴) مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۹۵۵ و ج ۲، س ۹۴۱؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۷. ۵) تبریزی،

استفتاءات، س ۱۰۹۱؛ دفتر: همه. ۶) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۷۹؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۴؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱ و ۷۵۳؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۱ و ۱۰۹۹؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۹۵۷؛ صافی، جامع‌الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۲؛ سیستانی، سایت، ریش تراش، س ۱۰ و ۶ و ۱۵؛ دفتر: وحید. ۷) بهجت، توضیح‌المسائل، متفرقه، م ۴؛ سیستانی، سایت، ریش‌تراشی، س ۱۱؛ صافی، جامع‌الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۳؛ خامنه‌ای، اجوبهٔ، س ۱۴۲۴؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۵؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱؛ نوری، استفتاءات ج ۱، س ۴۹۳؛ دفتر: وحید، امام. ۸) دفتر: همه. ۹) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۶؛ دفتر: همه. ۱۰) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۴۶؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۲، س ۹۰۵؛ خامنه‌ای، اجوبهٔ، س ۱۴۱۸؛ دفتر: وحید، نوری، صافی، بهجت، فاضل و مکارم. ۱۱) خامنه‌ای، اجوبهٔ، س ۱۴۱۸؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲ س ۷۵۳؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۲، س ۹۰۵ و التعلیقه علی منهاج الصالحین، م ۴۳؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۳؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۴۶؛ دفتر: صافی، بهجت، وحید، فاضل، امام. ۱۲) دفتر: همه. ۱۳) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۰؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۳ و ج ۱، س ۵۷۰؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۹۵۶ و ۹۶۰ و ۹۵۸؛ سیستانی، سایت، ریش تراشی، س ۱۴؛ دفتر: وحید، بهجت، نوری و صافی. ۱۴) امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۰ و ۸۵؛ خامنه‌ای، اجوبهٔ، س ۱۴۱۵؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۹۶؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۶؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۴؛ دفتر: بهجت، مکارم، وحید و فاضل و سیستانی.

فلسفه ی انداختن پیراهن روی شلوار چیست؟

پرسش

فلسفه ی انداختن پیراهن روی شلوار چیست؟

پاسخ

آن چه در لباس پوشیدن واجب است رعایت پوشش و حجاب برای مردان و زنان است به شکلی که خود شخص و یا دیگران به گناه و حرام سوق پیدا نکنند. اما مدل و کیفیت لباس پوشیدن به اختیار خود انسان ها است به عنوان مثال بعضی پوشیدن کت و شلوار را دوست دارند و برخی بیشتر به پوشیدن کاپشن علاقه مند هستند. راجع به پیراهن هم همین نکته جاری است. البته ممکن است نظر کسانی که پیراهن خود را روی شلوار می اندازند پوشش کاملتر و حجاب برتر باشد همانگونه که لباس های ایرانی های قدیم بلند بوده است.

تقدس لباس روحانیت به چیست به طور مستدل پاسخ دهید؟

پرسش

تقدس لباس روحانیت به چیست به طور مستدل پاسخ دهید؟

پاسخ

درباره قسمت اول سؤال (لباس روحانیان) نکات ذیل قابل توجه می‌باشد: یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می‌پوشیدند. دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا(ع) می‌فرمایند: «حضرت رسول(ص) عمّامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو وطرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت رسول(ص) با دست خود بر سر حضرت علی(ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیه المتقین، ص ۱۸). سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می‌باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثه الانبیاء» «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار(ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می‌باشند؛ لذا نیازمند لباسی مشخص می‌باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن‌ها در مواقع نیاز آسان‌تر باشد. و یا مثلا در موقع نماز جماعت تأکید شده که امام جماعت دارای لباس خاصی روحانیت باشد چنان که امام صادق(ع) فرمود: «شایسته نیست که امام جماعت بودن عبا و عمامه باشد» (وسایل، ج ۳، ص ۳۲۹، باب ۵۳، ح ۱). چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیتهای وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش‌هایاسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می‌باشد و در حفظ و گسترش ارزش‌های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش‌های بیگانه، بسیار مؤثر است. خصوصا در جامعه ما که متأسفانه تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غرب، حتی لباس سنتی و بومی خویش را حفظ نکرده است. بنابراین وجود قشر خاصی در جامعه با لباس مذهبی و سنتی، نماد پایداری در مقابل هجوم فرهنگ و ارزش های غربی است و مایه فخر و مباهات محسوب می گردد.

چرا برای مراجع از لفظ آیه الله العظمی که مختص حضرت امیر در زیارت موجود در مفاتیح می باشداستفاده می شود مگر علمای قبلی مثل شیخ مفید و کلینی و ... از نظر بسیاری از جهات از موجودین افضل نبودند ؟

پرسش

چرا برای مراجع از لفظ آیه الله العظمی که مختص حضرت امیر در زیارت موجود در مفاتیح می باشداستفاده می شود مگر علمای قبلی مثل شیخ مفید و کلینی و ... از نظر بسیاری از جهات از موجودین افضل نبودند ؟

پاسخ

در سده ۴ قمری عنوان ثقه الاسلام برای محمد بن یعقوب کلینی به کار رفت. (دائرد المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۲۶۰) محمد بن یعقوب کلینی در نزد همه طوائف اسلامی مقبول بود، شیعه و سنی به او مراجعه می کردند و روی همین اصل به ثقه الاسلام شهرت یافت. او نخستین کسی است که در دوره اسلامی به این لقب اختصاص یافت. (ریحانه الادب، ج ۵، ص ۷۹، کلمه کلینی) در سده پنج هجری قمری عنوان «حجه الاسلام» برای امام محمد غزالی به کار رفت. (دائرد المعارف بزرگ اسلامی و ریحانه الادب، ج ۴، ص ۲۳۷ در سده هفتم هجری قمری عنوان «محقق» برای جعفر بن حسن حلی به کار رفت. (دائره المعارف بزرگ اسلام) کتاب «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» نوشته همین محقق است و جواهر الکلام که در ۴۳ جلد چاپ شده،

شرح همین شرایع است. در حوزه علمیه قم همین الان، محور درس خارج فقه برخی از مراجع، کتاب شرایع است. محقق در سال ۶۰۲ به دنیا آمد و در سال ۶۷۶ وفات کرد. در سده هشت هجری قمری عنوان علامه و آیت الله برای حسن بن یوسف حلی به کار رفت که معروف به علامه حلی است. این لقبها قرنها مختص همین علماء بود. در سده چهاردهم هجری قمری کاربرد برخی از این عنوان ها برای گروهی از فقهاء تکرار شد و رفته رفته گسترش یافت. اکنون عنوانهای ثقه الاسلام و حجه السلام و آیت الله کاربرد گسترده ای دارد و هر کدام از اینها نشان دهنده سطح معینی از علم فقه است. تا قرن چهاردهم هجری، فقط علامه حلی را آیت الله می نامیدند. در اوایل قرن چهاردهم هجری نخستین بار سید محمدمهدی بحرالعلوم آیت الله خوانده شد. چند دهه پس از آن شیخ مرتضی انصاری و سید محمدحسن شیرازی آیت الله خوانده شدند. مورخان مشروطه، «آیت الله» را بر آخوند ملا کاظم خراسانی و دیگران اطلاق کردند. پیش از این همه مراجع را حجه الاسلام می نامیدند. پس از تشکیل حوزه علمیه قم توسط شیخ عبدالکریم حائری، شماری از فقهای بزرگ که در آن گرد آمدند، آیت الله لقب یافتند و به تدریج معدودی از آنها آیت الله العظمی نامیده شدند. (دائره المعارف بزرگ اسلامی) بنابر آنچه گفته شد القاب و واژه گان نیز همانند بسیاری از لوازم زندگی بشری سیر تحول داشته است و شاید راز آن در این نهفته باشد که برای نشان دادن برجستگی یک نفر در میان افرادی که قبلا هم تراز بودند به طور طبیعی از لقب ممتازتر استفاده می شود و این سیر هم چنان ادامه می یابد.

چرا شیعیان در ماه محرم و در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه می‌کنند و به عزاداری می‌پردازند؟

پرسش

چرا شیعیان در ماه محرم و در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه می کنند و به عزاداری می‌پردازند؟

پاسخ

قبل از پاسخ مناسب است به چند نکته توجه شود: ۱- ابراز غم و اندوه و گریه بر عزیزان از دست رفته از نظر شیعه و سنی جایز است و شخص رسول گرامی اسلام(ص) در شهادت عمویش حمزه {۱}، در شهادت جعفربن ابی‌طالب {۲}، در غم مرگ فرزند عزیزشان ابراهیم {۳}، در اندوه رحلت یکی از نوادگانشان، در کنار قبر مادرشان و ... {۴} گریستند/ ۲- بر اساس روایات فریقین پیامبر اکرم(ص) بارها از شهادت اباعبدالله حسین(ع) خبر دادند و در غم و اندوه شهادت و مظلومیت آن حضرت گریستند؛ در روز ولادت {۵}، در منزل ام سلمه {۶}، در منزل زینب {۷} و/// (س)- ائمه معصومین: بر مظلومیت و شهادت امام حسین(ع) می گریستند و در ایام شهادت آن حضرت به برگزاری مراسم عزا می‌پرداختند. امام سجاد(ع) با همه صبر و شکیبایی در بقیه عمر شریفش پس از حادثه کربلا همواره گریان و اندوهگین بود، به گونه‌ای که امام صادق(ع) می‌فرماید: «امام علی بن حسین(ع) بیست سال گریه کرد و غذایی در نزد او گذاشته نمی‌شد مگر اینکه گریه می کرد.» {۸} امام باقر و امام صادق(علیهم السلام) و امام رضا(ع) که از آزادی بیشتری برخوردار بودند در حکومتهای وقت خویش مجالس سوگواری بپا می کردند و از شعرا می‌خواستند در مصایب و فضایل اباعبدالله شعر بخوانند و آنان گریه می کردند. {۹} ۴- از منابع شیعه استفاده می‌شود که گریه بر امام حسین(ع) نه تنها جایز و مشروع است بلکه مطلوب و پسندیده است و از ثواب فوق العاده‌ای برخوردار است، پیامبر گرامی اسلام فرمود": کُلُّ عیْنٍ باکِیَهٌ اِلّا عَینٌ بَکَتْ عَلی مَصائِبِ الحُسَین فَاِنَّها ضاحِکَهٌ مُسْتَبشِرَهٌ بِنَعیمِ الجَنَّ {".۱۰} «هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر چشمی که بر مصیبت حسین(ع) گریه کرده است که چنین کسی خندان است و بر نعمتهای بهشت بشارت داده می‌شود.» ۵- لازمه ابراز عشق و ارادت و محبت به اهل‌بیت شادی در شادمانی آنها و سوگواری بر مصایب و غمو اندوه آنان است چرا که اهل‌بیت

رسول خدا(ص) همان مصداق «قربی» هستند در آیه شریفه": قُلْ لااَسْئَلُکُم عَلَیْهِ اَجْراً اِلاَّ المَوَدَّ فِی القُربی {"۱۱} (ص)- امام حسین(ع) با قیام و شهادتش درس چگونه زیستن و چگونه مردن را به انسانها آموخت و با شهادتش چهره پلید طاغوت زمان خویش را بر ملا ساخت و چهره کریه یزید را روشن نمود پس باید قیام و شهادتش بزرگ داشته شود/ اینک با توجه به مقدمات فوق در پاسخ این سؤال می گوییم شیعه در ایام شهادت امام حسین(ع) گریه و عزاداری می کند تا بدین وسیله: الف: به سنت رسول خدا(ص) و سیره ائمه: تمسک نموده باشد/ ب: عشق و ارادت خویش را به خاندان رسالت ابراز دارد/ ج: درسهای نهضت عاشورا و اهداف امام حسین(ع) تبیین نماید/ د: از شهدا و مجاهدانی که برای احیای اسلام از جان خویش دریغ نکردند تقدیر نماید/ ه: 'زمینه تبلیغ دین و بیان احکام اسلامی را فراهم کرده باشد/ [۱].- طبقات ابن سعد، ترجمه حمزه/ [۲].- استیعاب و اسدالغابه، ترجمه جعفربن ابی‌طالب/ [۳].- صحیح بخاری، کتاب الخبائز، باب قول النبی(ص) «انابک لمحزونون»/ [۴].- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱(ع)(ص)، کتاب الخبائز، باب (ص)(س)، حدیث ۱۰۸/ [۵].- مقتل خوارزمی، ج ۱، ص (ع)۸/ [۶].- الجامع الصحیح، ج (س)۱، ص (س)۱۹/ [۷].- المجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۸/ [۸].- مناقب، شهر آشوب، ج ۴، ص ۵(ص)۱/ [۹].- کامل الزیادات، ص ۴(ع)۱؛ امالی صدوق و رجال کشی/ [۱۰].- وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۴/ [۱۱]. سوره شوری، آیه (س)۲/ موضوع: شیر دادن مادر بزرگ به نوه‌اش

- چرا به امام خمینی می گویند امام؟ حتی بعضی ها می گویند اما سیزدهم است ؟

اشاره

- چرا وقتی نام امام خمینی می آید صلوات می فرستند؟وآنهم سه صلوات ولی نام حضرت محمد(ص) می آید یک صلوات می‌فرستند؟

پرسش

- چرا به امام خمینی می گویند امام؟ حتی بعضی ها می گویند اما سیزدهم است ؟ - چرا وقتی نام امام خمینی می آید صلوات می فرستند؟وآنهم سه صلوات ولی نام حضرت محمد(ص) می آید یک صلوات می‌فرستند؟

پاسخ

سوال شما دارای چند بخش است که سعی می شود به تفکیک به هر کدام پاسخ داده شود. پرسیده اید چرا به امام خمینی(ره) می گویند امام. یا امام سیزدهم. درپاسخ باید عرض کنیم که واژه امام ازنظر لغوی به معنای رهبر و پیشوا است که خود شما هم به آن اشاره کرده اید . به کسی که درنماز جماعت به او اقتدا می کنیم هم امام جماعت گفته می شود چون جماعت مأمومین از او پیروی می کنند . علت اینکه این عنوان و لقب به حضرت آیت ا...العظمی خمینی (ره) اطلاق شد برای این بودکه در عصر کنونی توانست با رهبری خود یک نهضت وانقلاب دینی بر پا کند ودر دنیایی که شعار حذف دین از صحنه سیاست واجتماع، سرلوحه کارشان بود یک حکومت دینی برپا کرد. بنابراین ایشان حقیقتاً امام و رهبر بودند وپس از ایشان نیز حضرت آیت ا...خامنه ای درهدایت این نظام و حکومت همان نقش رابه خوبی ایفا می کنند ودر پاسخ سوال شما که چرا به ایشان امام نمی گویند می گوییم پس از رحلت امام خمینی(ره) ابتدا این لفظ وعنوان به ایشان هم داده شد ولی به قرارمعلوم خود ایشان از این کار ممانعت فرمودند وخواستار آن

شدندکه لقب" امام "فقط به حضرت آیت ا...العظمی امام خمینی" رضوان ا...تعالی) منحصر شود . برخی افراد هم به مزاح و شوخی می گویند" امام سیزدهم "حساب این افراد را باید از حساب کسانی که ابهام و سؤال دارند جدا کرد. درباره صلوات فرستادن پس از شنیدن نام امام(ره) وآیت ا...خامنه ای وتعداد صلوات هاباید گفت : آنچه مسلم است اینکه امام خمینی (ره) وحضرت آیت ا...خامنه ای اصلاً با معصومین مورد مقایسه قرار نمی گیرند . در واقع صلوات فرستادن پس از نام امام ورهبری تأکیدی است بر مخالفت با برداشتهای نادرست از اسلام، تأکیدی است بربرداشت صحیح امروزی امام ورهبری از اسلام ناب محمدی(ص) است امت اسلام هم معنای این صلوات را می فهمند وکسی برتری امام ورهبری را برمعصومین قصد نکرده ونمی کنند بلکه می توان گفت یک نوع مبارزه سیاسی ویا یک استراتژی و شگرد است درمبارزه با دشمنان اسلام . مقام معظم رهبری حضرت آیت ا... خامنه ای در این زمینه می فرمایند " : پیش از پیروزی انقلاب بنده در تبعید بودم در پیرانشهر. ا زیک شهری از نزدیکی های ما چند نفرآدمی بودند که یکی از آنها راننده بود. آدمهای اهل فرهنگ ومعرفت واینها نبودند . به حسب ظاهر به اینها می گفتند عامی، اما آدمهایی جزوخواص بودند . اینها مرتب می آمدند دیدن ما پیرانشهر، قضیه مذاکرات خودشان با روحانی شهرستان را می گفتند خوب روحانی شهر هم آدم خوبی بود، منتها عوام بود. ملاحظه می کنید! راننده کمپرسی جزو خواص بود ولی روحانی محترم پیش نماز جزو عوام بود مثلاً- آن روحانی می گفت که چرا وقتی که اسم پیغمبر می آید، یک صلوات می فرستید، اسم این آقا که می آید، سه صلوات می فرستید. این راننده به او جواب می داد که آن روزی که دیگر مبارزه ای نداشتیم واسلام به همه و همه جا فائق بشود، ما همان سه تا صلوات را، یکی اش را هم نمی فرستیم امروز این سه تا صلوات مبارزه است. اومی فهمید، این نمی فهمید. توجه کنید! این را، مثال زدم برا ی اینکه مردم بدانی دکه خواص که می گوییم، معنی آن یک لباس خاص نیست، ممکن است مردباشد، ممکن است زن باشد، ممکن است تحصیل کرده باشد، ممکن است تحصیل نکرده باشد، ممکن است ثروتمند باشد، ممکن است فقیرباشد، ممکن است که یک انسانی باشد که در دستگاههای دولتی باشد، ممکن است جزء مخالفین دستگاههای دولتی طاغوت باشد" " .۱) "خواص ورسالت آنان، سخنرانی مقام معظم رهبری در حسینیه لشکر۲۷ محمد رسول ا...(ص) ، ۲۰/۳/۷۵ ص ۱۶

۱- نحوه عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه در ایران از زنجیرزدن و سینه خیز رفتن و ... که با مجروح شدن بدن همراه است استفاده می کنند آیا این روشها عذر شرعی ندارد؟

اشاره

۲- آیا روشهایی برای عزاداری که مطابق با دین اسلام باشد واز احادیث

پرسش

۱- نحوه عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه در ایران از زنجیرزدن و سینه خیز رفتن و ... که با مجروح شدن بدن همراه است استفاده می کنند آیا این روشها عذر شرعی ندارد؟ ۲- آیا روشهایی برای عزاداری که مطابق با دین اسلام باشد واز احادیث و ... رسیده باشد نداریم؟ ۳- عزداران واقعی چه کسانی هستند؟

پاسخ

۲و۱- برادر عزیز بعنوان مقدمه توجه شما را به نکاتی پیرامون فلسفه عزاداری جلب می نمایم. چراکه قالبهای رائج عزاداری باید

آئینه نمایشی زوایایی از روح حاکم بر عزاداری باشد نه خدای ناکرده منافی ازآن " . عزاداری و بزرگداشت شهادت اهل بیت (علیهم السلام) ـ بویژه حضرت اباعبدا...(ع) ـ درخصوص دینی سخت مورد تاکید و توجه واقع شده واز افضل قربات شمرده می شود. همچنانکه اشک هر آزاده و سینه سوخته ای را برمصائب و شگفتی های صحنه ای چون عاشورا از سرسوز و شوق همیشه جاری است . ودرطول تاریخ این عزادریها دارای آثار مفید و ارزشمند بسیاری بوده است، از جمله : ۱- احیا وزنده داشتن نهضت عاشورا که موجب زنده نگه داشتن و ترویج دائمی مکتب قیام و انقلاب در برابر طاغوتها و تربیت کننده و پرورش دهنده روح حماسه و ایثار بوده است. ۲- عزاداری نوعی پیونده محکم عاطفی با مظلوم انقلابگرواعتراض به ستمگر است وبه تعبیر استاد مطهری ": گریه بر شهید شرکت درحماسه اوست "۳- عزاداری برای اهل بیت یک پیون روحی راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب ورهبران آن برقرار می سازد ودیگر گذشت قرون و اعصار نمی تواند بین آنان جدایی افکند.۴- نکته دیگر اینکه وجود مراسم عزاداری در هر کوی وبرزن بزرگترین ابزار گسترش فرهنگ حسینی (ع) است (البته با بهینه سازی این مجالس وزدودن آفتها وانحرافات ازآن) همین مساله موجب نفوذ ناپذیری امت از تاثیرات و انحرافات دشمنان می گردد ومکتب راهمچنان سالم نگه می دارد. ویا تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می رساند".۱ "واما درباره قالبهای رائج وسنتی مثل سینه زنی و زنجیر زنی باید گفت : اصل عزاداری وسوگواری از خود اهل بیت علیهم السلام است ولی چگونگی آن تا حدود زیادی با شیوه های قومی و ملی عجین شده است واین آمیزش تا زمانی که مشتمل برخلاف شرع نباشد اشکالی ندارد. بنابراین هر گونه عملکردی درراستای اهداف مذکور جایز وانجام آن مفید وبلامانع است و آنچه دروغ و یاموجب وهن و بی پایگی مذهب ودین گردد ممنوع و غیر مجاز است و به ویژه با انگیزه های دنیا گرایانه . امام خمینی(ره) دراین باره فرموده اند " :بایدمامحرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام که باز ذکر مصائب اهل بیت با همان و ضع سنتی مرثیه سرایی و روضه خوانی این مذهب زنده مانده است . شیاطین به گوش ما نخوانند که ما انقلاب کردیم، حالا باید همان مسائل انقلاب رابگوییم ومسائلی که در سابق بود حالا دیگر مشی باید بشود، خیر ما باید حافظ این سنتهای اسلامی، حافظ این دسته جات مبارک اسلامی که درعاشورا، درمحرم وصفر درمواقع مقتضی به را می افتند (باشیم) تاکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند . محرم و صفر وفداکاریهای سید الشهدا سلام الله علیه است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است .... باید بدانید اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید البته یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده، آنها باید یک قدری تصفیه شود لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند " ...از حضرت ایه ا...العظمی خامنه ای نیز در این باره سوالاتی شده که اجمالاً به پاسخهای ایشان اشاره می شود" :۲ "راجع به مراسم شبیه خوانی فرموده اند : اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند ومستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند اشکال ندارند. ولی درعین حال بهتر است به جای آنها مجالس وعظ وارشاد وذکرمصائب حسینی ومرثیه خوانی برپاشود. ونیز راجع به راه انداخت دسته های عزاداری فرموده اند : به راه انداختن دسته های عزاداری برای سیدالشهداء واصحاب او ... وشرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبیست واز بزرگترین اعمالیای است که انسان را به خداوند نزدیک می کند ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می شود ویا فی نفسه از نظر شرعی حرام است پرهیزکرد. وهمچنین راجع به استفاد هاز آلات موسیقی درعزاداریها فرموده اند : استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارضی که از قدیم متداول بود برگزار شود. ونیز راجع به اعمالی چون سوراخ کردن گوشت بدن و آویزکردن وزنه به آن فرموده اند : این گونه اعمال که موجب وهن مذهب می شوند جایز نیست . ۳- ودرخصوص اینکه فرمودید عزادار واقعی کیست؟ بایدگفت : مساله عاشورا دو جنبه ودو چهره دارد : الف) چهره زیبایی ها ؛ یعنی، عظمتی که حضرت اباعبدا... (ع) ویاران ایشان درابعاد مختلف آفریده وعالی ترین جلوه های کمال انسان رابا عمل خویش ترسیم نموده وبزرگترین درس رابه کل تاریخ بشریت

آموختند . نمایش عزت و افتخار حسینی درمقابل لشکریان جهل و سیاهی، بینش زینبی در جای جای قیام کربلاو همچنین نمایش اقتدا به مراسم حسینی نکات بارز آن می باشند . این بعد از حادثه عاشورا بسیار غرور انگیز وافتخار آفرین است وبه راستی باید به خود بالید که درچنین مکتب درخشانی پا به عرصه وجودنهاده ودرآن رشد یافته وباآن می میریم وحاضریم همه هستی خود را دراین راه نثار کنیم . ب) چهره دیگر عاشورا جنبه تراژدیک، عمبار واشکبار آن است. اسف از مظلومیت حق و اسلامی که ازآن چون پوستی باقی نمانده بود.از غربت دین که همه دروجود مبارک امامی رئوف وتنها تجلی یافته بود. واسف ازاینکه چرا امت حق امام(ع) را پاس نداشته وناجوانمردانه ترین حرکات را نسبت به محبوبترین خلق خدا وشریفترین انسانها روا داشتند. آری ظلمی که برامام(ع) واهلبیت ویاران ایشان تحمیل شده دل هر انسان نیکوسیرتی را بدرد می آورد وروح آدمی را سخت می آزارد واز طرفی زنده وملموس یافتن قیام ودرس مکتب حسینی در سینه ها درتمام آنات و لحظه ها وتطبیق آن برتعارض همیشگی خوبیها وبدیها دردرون که گاه حسین وجود(جان علوی ونفس الهی) دردرون ما به تیغ شخوت و غضب وگاه به تیغ بی حیایی ضربتی می خورد ودر پهنه نفس وروح ما بی جان و بی رمق می افتد واز این منظر گریه بر حسین گریه برمظلومیت نفس مزکای الهی خویش وغایتا نسانی است که به دست نفس حیوانی دریده می شود . همچنانکه اشک گاهی از سر سوزو گا ه از سر شوق جاری می شود گریه بر اباعبدا... (ع) از هر دو نوع است یعنی هم مصائب ایشان سیلاب اشک از دیدگان فرو می ریزد وهم عظمت و شگفت آفرینی ها، مردانگی وشرافت آن حضرت ویاران ایشان، آدمی را وادار به ریختن اشک می سازد. عزادار حسینی به هر اندازه معرفت به این دو بعد داشته باشد ومتأثر از آن شود، عزادار محسوب می شود والبته شایسته است مرتبت ومتزلت خود را دراین مقام با کسب معرفت بیشتر ارتقا بخشیم" ".۳ ("۱) برگرفته از پرسش و پاسخهای سایت دفتر نهادرهبری دردانشگاه ۲) www.nahad.net) پاسخ به سوالات ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴ از رساله اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، ج۲ ،ص ۱۲۹ برگرفته از پرسش و پاسخهای سایت دفتر نهاد

چگونه و با چه عملی می توانیم مدیون خون شهیدان نباشیم؟

پرسش

چگونه و با چه عملی می توانیم مدیون خون شهیدان نباشیم؟

پاسخ

تو در اول سرو جان باختی اندر ره عشقتا خلائق بدانند که فنا شرط بقاست گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشقآید از آن کشتگان زمزمه دوست دوست خواهر گرامی، قطعاً شناخت کار عظیم آن عزیزان، و خدمت بزرگی که به ما نمودند، گام نخست است. تا در گامی بعد پاسخی مناسب خدمت ایشان بدهیم. آنچه واقعاً آن بزرگواران انجام دادند، فتح بزرگ جمهوری اسلامی بود. که به تعبیر رهبر بزرگوار انقلاب، آن فتح این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند، که بتوانند احساس خودباوری کنند، و بایستند، و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا، از کشور و موجودیتشان، و از اسلام و از تمام حریمهای ارزشهای انسانی و الهی، دفاع کنند. ایشان به خون خویش هدایت الهی را تبیین کردند، و خویش را در تحقق تجلی اسلام ناب محمدی فانی کردند، و زندگی واقعی را تعریف کردند. زنده را زنده نگویند که مرگ از پس اوستبلکه زنده است شهیدی که حیاتش زقفاست و ارائه طریق نمودند، به هر که رونده این طریق است. یعنی زنده شدن به دم پروردگار". مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ اَو اُنْثی وَ هُوَ مُؤمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِبَةً وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ ما کانو یَعْمَلُونَ ("۱) (هر کس عمل صالح انجام

دهـد، از مرد و زن، و او مؤمن باشـد، پس او را به حیـات پـاک و طیب زنـده می گردانیم؛ و جزا می دهیم ایشان را، به بهتر از آنچه انجـام دادنـد.) چه عمـل صـالحی بالاـتر از عمـل به تکلیـف در وقت معیّنش، قابـل تصور و تصـدیق است؟ قرار گرفتن در مرزهـای انسـانیت، و صـیانت از ارزشـها در مقابـل مظاهر حقیقی کفر و شـیطنت، همراه با ایمان، به انسان حیات طیبه می دهـد، و انسان را به هوای این حیات زنده می گرداند. همینگونه است دربارهٔ شهیدان راه حق، و شهیدان نازنین انقلاب اسلامی. آنگاه که پای در رکاب تعبد و تولّی گذاردند، طلیعهٔ حیات طیبه در افق قلوبشان پدیدار گشت، و طلاقنامه دنیا را در سـیمای وصـینامه هایشان حک کردند. می بینیـم چگـونه است که شـهیدان امـام وار قلـوب مـؤمنین را نیز به طریقـهٔ خـویش دعـوت می کننـد. و چه دِیْنی عظیم تر از اینکه هـدایتی صورت گیرد و حق این هـدایت و روشـنگری، حرکت و التزام رکاب بودن را می طلبـد. از این رو در عرصه تربیت و تعالی در طریقه این بزرگان، توجه خالصانه، و بی شائبهٔ منفعت دنیایی به خداونـد، در جهت تقرب به اوست. و معرفت و عمل مجـدانه به احکام شـریعت، و تخلق به اخلاق انبیاء، و معتقـد بودن به باورهای راستین و ایمانی، یعنی میثاق اولین ما با رب متعال، و تجدید این میثاق، به خون شـهیدان صورت می گیرد. و در عرصه اجتماعی، باید دید که ا مروز دشمنان، از چه طریق می خواهند آن ارزشهایی را که بـا خـون شـهدا زنـده شـده، از مـا بگیرنـد. رهـبر انقلاـب در این خصـوص نیز می گوینـد که همین اخیراً در یکی از مجلاـت آمریکایی، سرمقاله ای بوسیله یک نویسندهٔ معروف آمریکایی نوشته شده بود، که خلاصه اش این بود که برای مقابله با کشورهایی مثـل ایران، مـا نمی توانیم از راههـای نظـامی و اقتصـادی عمـل کنیم. اینهـا راههـای تجربه شـده و شـکست خورده است، از راههای فرهنگی بایـد وارد بشویم. تصـریح هم می کنـد، می گویـد چگونه بایـد وارد بشویم. و در وسط همان صـفحه، عکس کاملاً عریان یـک زن را کشـیده، و گفته از این طریق. گفته اینهـا را بایـد ترویـج کنیم، تا بتوانیم بر آنها فائق آییم. راست هم می گویـد، راه این است. البته به هول و قوهٔ الهی نمی گذاریم، و نخواهند توانست. بنابراین اگر می خواهیم راه شـهدا در این بُعد، که همان دفاع جانانه از دین و ارزشهای دینی و انقلابی بود، ادامه یابد، امروز نیز در این تهاجم فرهنگی، باید ضمن حفظ خود در مسیر ارزشها، با وسایل و ابزار و سـلاح مناسب، در این جبهه تلاش کنیم؛ و با استقامت و راه ندادن ناامیدی، گامهای بلندی برداریم. و به تعبیر رهبر انقلاب دردیـدار با جوانان، که فرمودنـد" : این کارهایی که جوانان می کننـد، اینها کوچک نیست، نه، شـما کارتان را خوب انجام دادیـد؛ اگر صد نفر دیگر مثل شـما فکر کنند، اعتلای عظیم، و همان کار بزرگ، اتفاق خواهد افتاد. عین همین مسأله در باب ورزش است، عین همین مسـأله در باب درس خوانـدن و در باب تحقیق است، عین همین مسأله در باب کارهای خاصّ جوانان است. این، درسـت مثل روز راهپیمایی است. اگر همه بگویند که حالا من یک نفر چه تأثیری دارم، این سـیل عظیم میلیونی در روز بیست و دوم بهمن، یـا در نمـاز جمعه، راه نمی‌افتـاد. اما هر کسـی احساس می کنـد که تکلیف خودش را دارد انجام می دهـد. من می خواهم تأکیـد و تکرار کنم، که کـار تـک تـک این جوانان ـ هر جا و در هر زمینه که دارنـد کار می کننـد، در زمینـهٔ قرآن، در زمینـهٔ معلومات، در زمینهٔ معارف، در حوزه، در دانشـگاه، در کتاب نویسـی ـ کاری مهم است؛ همان کاری است که انشاءا...، کشور را به اعتلاء خواهد رساند _____ ".منابع و مآخذ : ۱. سوره مبارکهٔ نحل/آیه ۹۷

گاهی در حرم مطهر امام رضا با صدای بوق و طبل مواجه می شویم لطفاً بفرمایید این

اشاره

موضوع چه فلسفه ای دارد ؟

پرسش

گاهی در حرم مطهر امام رضا با صدای بوق و طبل مواجه می شویم لطفاً بفرمایید این موضوع چه فلسفه ای دارد ؟

پاسخ

ضمن تقدیر وتشکر از جنابعالی به خاطر بذل توجه به شناخت این موضوع درحرم مطهر ، باتوجه به سؤال جنابعالی پیرامون شنیدن صدای بوق وطبل لازم به ذکر است این اصوات از محلی بنام نقاره خانه درقسمت شرقی صحن انقلاب است که به گوش می رسد . بنای این ایوان توسط شاه عباس صفوی باارتفاع ۲۶ متر نهاده شده است . بربلندای آن ساختمان مجلل واستوار نقاره خانه چشم اعجاب وتحسین زائران رابه خود جلب می کند وازهمین رو این مکان ایوان نقاره خانه نیز نامبرده می شود . استفاده از نقاره از زمانهای دور درآستان قدس رضوی مرسوم بوده است اما از چگونگی وعلل واستفاده آن واز چه زمانی بصورت یک سنت درآمده هیچ اطلاعی دردست نیست . شاید یکی از علل استفاده نقاره از آنجاباشد که درگذشته درکاخها وقصرهای سلاطین وشاهان استفاده می شده واز آنجا وارد حریم رضوی شده است چراکه حضرت نیز مقام ولایتعهدی رادارا بوده اند وجزءشاهان محسوب می شده اند . از طرف دیگر به خاطر مقام عظمای حضرتش وابراز جلالت وفخامت لاهوئی که حضرت برتر از تمامی شاهان است این آوای خوش گواهی است برشکوه حرم روحانی اش . اما آنچه مسلم است درحال حاضر استفاده از نقاره به غیر از ایام محرم وصفر ونیز ایام سوگواری درتمامی ایام سال در۲نوبت ۱۰دقیقه قبل از طلوع ونیز ۱۰دقیقه قبل از غروب خورشید نواخته می شود . علاوه براین درشب اعیاد بعد از نماز مغرب وعشاء ونیز روزهای عید ، زمان تحویل سال نو واعلام عید سعید فطر ونیز سحرهای ماه مبارک رمضان نقاره نواخته می شود . لازم به ذکر است تعدادنقاره زنان هفت نفر می باشد ۳نفر برطبل می کوبند و۴نفر درشیپور می دمند . گفته می شود که ایشان نام مبارک « رضا » ویا عبارت « مولد رضا (ع) » رادر شیپورهای خود می دمند.

نظر شما در رابطه با اینکه رهبر یک انقلا ب دست خود را دراز کنند تا اشخاص آن را ببوسند و بعد از آنهم که نوبت زنان شد حوله روی آن بیندازند تا آنان هم ببوسند آیا این درست است ؟

پرسش

نظر شما در رابطه با اینکه رهبر یک انقلا ب دست خود را دراز کنند تا اشخاص آن را ببوسند و بعد از آنهم که نوبت زنان شد حوله روی آن بیندازند تا آنان هم ببوسند آیا این درست است ؟

پاسخ

باید عرض کنیم که این رهبر انقلاب نیست که دست خود را دراز می کند بلکه این میلیونها انسان مشتاق هستند که از روی محبت و علاقه و اعتقاد دست خود را به سمت ایشان به نشانه علاقه دراز می کنند وایشان از روی ادب و محبت پاسخ می دهند نه خدای ناخواسته از روی تکبر که صفت شیطان صفتان است. نه عالمان مهذب و خدا ترس مثل ایشان و اصولاً محبت و ایمان و علاقه به مؤمنان و صالحان از نشانه های ایمان است و آنهم به علمای دین و فقیه جامع الشرایط که به ادله عقلی و نقلی نائب حضرت ولی عصر (عج) هستند۱- (جهت اطلاع از این موضوع به کتاب ولایت فقیه امام خمینی(ره) مراجعه نمایید . ۲- شئونات ولایت فقیه ترجمه کتاب بیع ۳ ۳- ولایت فقیه آیه الله جوادی آملی و ۰۰۰ را مطالعه بفرمائید . اصولاً احترام و خضوع در مقابل پدر و مادر و معلم و انسانهای الهی و علمای ربانی و انبیاء نه اینکه عیب دارد بلکه جزء دستورات و تصریحات قرآنی است (۱) چون احترام به اینها در مسیر خواسته خدای متعال است و اینها بندگان صالح خدا هستند . مگر در نماز سلام به بندگان صالح نمی دهید اصولاً

دوستی بندگان صالح و مؤمنان دستور خداست و محبت به علمای ربانی نشانه ایمان است و توفیق الهی است اگر دوستی و محبت و اطاعت نباشد اشکال دارد و باید ببینیم اشکال کارمان کجاست مگر فرمایش آیه الله حسن زاده آملی را نشنیده اید که فرمود ند من در سر کلاس پای استادم ایه الله شعرانی را بوسیدم البته آنها که میل ونیاز به احترام ما ندارند ما وظیفه خودمان می دانیم مگر از امام علی نشنیده اید هر کس چیزی به من یاد بدهد من بنده او هستم برادر عزیز و محترم آیا اگر این علمای دین نبودند. الان اینقدر از منابع الهی و قرآنی و معارف دین در دسترس موجود بود ؟ و البته حضرت به ایشان اندازه من و شما وظیفه شرعی خودش را تشخیص می دهد که از روی پارچه خانمها اظهار علاقه می کند و مانعی ندارد و این کار ایشان در انظار میلیونها انسان و دائره علما و مراجع انجام شده است چه اشکال دارد اگر اشکالی می بود قطعاً به ایشان تذکر میدادند و ایشان مجتهد هستند و وظیفه دینی اش را تشخیص می دهد . مگر شما در تفسیر نخوانده اید که این طریق را پیغمبر اسلام (ص) در صدر اسلام در بیعت با بانوان انجام داد (۲) تکراراً عرض می کنم که قرآن در آیاتی احترام به انبیاءرا نشانه عبو دیت شمرده است (۳) و همینجور کسانیکه در مسیر اهداف انبیاء و ائمه هستند که می توانند جهت اطلاع بیشتر به منابع حدیثی مراجعه بفرمائید والسلام علی عبادالله الصالحین ۱- سوره اسراء آیه ۲۴ ۲- تفسیر نمونه ممتحنه آیه ۱۲ ۳- بقره ۳۴ و یوسف آیه ۱۰۰ ج اول) استفتاءآت ایه الله مکارم شیرازی مسئله ۱۶۰۵ آدرس چندین حدیث را جهت احترام و دست بوسی به عالم دینی و استحباب این موضوع ذکر کرده جهت اطلاع کتاب وسائل الشیعه کتاب حج و جهاد باب عشره ۱۳۲

آیا روحانیونیکه در اطراف ضریح مقدس امام رضا (ع) یا دراماکن متبر که حرم مشغول روضه خوانی می باشند و عده ای اطراف آنها جمع می شوند کار درستی است یا خیر ؟ لطفاً توضیح دهید ؟

پرسش

آیا روحانیونیکه در اطراف ضریح مقدس امام رضا (ع) یا دراماکن متبر که حرم مشغول روضه خوانی می باشند و عده ای اطراف آنها جمع می شوند کار درستی است یا خیر ؟ لطفاً توضیح دهید ؟

پاسخ

دیدگاهها و نظرات متعدد و مختلف است بعضی از مردم از روضه خوانی این آقای روحانی استفاده می کند و خیلی هم خوشحال می شو ند و نتیجه هم از این روضه خوانی می گیرند وقتی هم که می خواهند بعد از اتمام روضه خوانی خداحافظی کنند خدمت روحانی می رسند تقدیر و تشکر می نمایند . ولی بعضی از بزرگواران و سروران این مسئله روضه خوانی را نمی پسند ند و شاید نظرشان این باشد که بعضی از بزرگواران که مشغول نماز هستند ویا مشغول دعا می باشند حواس پرتی می آ ورد و انسان مشغول می شود آنطور که از سکوت و تنهائی با خدا و پیامبر و ائمه اطهار (ع) لذت می برد اینجا که بنظرش می رسد این کار درست نیست پس نتیجه می گیریم : هرکس از دیدگاه خودش به موضوع توجه و نظر می کند اگر دیدگاه مثبت باشد آ ن موضوع را مثبت تلقی می کند و اگر دید گاه منفی باشد آن موضوع راهم منفی تلقی می نماید. اولاً توجه داشته باشید که اکثر این آقایان . روحانی که منظور شماست نمی باشند ، بلکه لباس مقدس روحانیت را بقصد ثواب پوشیده اند و در حرم مطهر روضه خوانی می کنند . حال اگر روضه خواندن آنها مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد و توجه به محتوا و صحت روضه داشته باشند و توقعی هم نداشته باشند اشکا لی ندارد. ر ٪

۱- چگونه می توانیم راه و هدف شهدا را ادامه دهیم؟

پرسش

۱- چگونه می توانیم راه و هدف شهدا را ادامه دهیم؟

پاسخ

جواب : بااهداء سلام وآرزوی توفیق الهی ضمن تشکرازحسن اعتمادشمابه این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد. تداوم راه شهدا یعنی شناخت و هدف آنها و انگیزه همه شهیدان از سر آغاز خلقت ، بنده خدا بودن و عمل به وظیفه فردی و اجتماعی بوده است . امّا به چه طریق در مسیر آنها قرا ر گیریم ؟ امام علی ? فرموده : ((ما المجاهد الشهید فی سبیل الله باعظم اجراً ممن قدر فعفَّ)) اگر می خواهی به درجه شهیدان برسی بلکه شهید واقعی شوی (یعنی کسی بر اثر عمل صالح تمام اعمالش خدایی شود) عفّت پیشه کند و کسانیکه با قدرت برگناه. عفت و پاکدامنی پیشه کنند و آلوده نگردند از فرشتگان خواهند شد انسان پاکدامن وقتی در مسیر اطاعت خدا و اولیاء او در خط رهبری عادل باشد خواسته همه شهیدان تاریخ است . ضمناً چون حضرت امام خمینی (رح) توصیه به تأمل در وصیّت شهدا کرده اند چند نمونه را بیان می کنیم . فرازهایی از وصیّت نامه سردار شهید محمد تقی مددی قالیباف : سلام و درو د بر امام امّت ، قلب تپنده مسلمین جهان که موجب قیام مسلمین شد . موجب زنده شدن اسلام و دین جدّش رسول الله ?گردید.سپاس بیکران بر پیکر جماران که همچون جدّش حسین قیام نموده و واقعیّات را به ما نشان داد . چشم مارا به حقایق روشن و گوشمان را به ندای حق شنوا ساخت و باعث سربلندی اسلام در تمامی جهان گردید . بودند کسانی که انتظار مهدی را می کشیدند و در راه حق شهید گشتند شهدایی که مقاومت ، ایثار ، گذشت و ایمان را به ما آموختند و خود رفتند. اگر روزی من هم شهید شدم ، گر چه این را در خود نمی بینم ،باید خوشحال باشید که در این زمان ، همچون یاران حسین در دشت کربلای ایران ، از دنیا رفته ام . امّا قبل از این چند سخن با شما دارم . ۱-همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به شما ضرری نرسد . ۲- نسبت به همسایگان ومسلمین خوش رفتار وباصداقت عمل کنید ۳- در اجتماعات مسلمین شرکت نموده و از تفرقه و جدایی بپرهیزید .۴ - هیچ گاه خدا را از یاد نبرده و روز قیامت را به خاطر آورید ۵- در برابر ظلم قیام کنید و در برابر حق سرتسلیم فرود آورید . ۶-حجاب اسلامی را رعایت کرده وبه احکام دین توجّه داشته باشید ۷- استغفار و دعا را از یاد نبرده که بهترین تسکین برای درمان دردهاست و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید. ۸- هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیّت متعهّد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بد بختی مسلمانان و روز جشن ابر قدرتهاست . ۹- در کارهای امام و کارهایشان بیشتر دقیق شوید و سعی کنید خود را با او هماهنگ کنید و تسلیم او باشید و بزرگی و عظمتش را در یابیدو پاکی و دوستی و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید . باشد که شهدا و مظلومیّتشان ، افرادی را که ولایت فقیه را تکذیب می کنند و پیرو راه سرخ امام خمینی نیستند به خود آورد و به رحمت الهی سوقشان دهد مرا خواهید بخشید زیرا شما بر تمامی مسائل آگاهید . از همه طلب عفو و بخشش دارم . فراز هایی از وصیت نامه فرمانده شهید عبدالحسین برونسی : ای جوانها، ای انسانها !به این قرآن توجّه بکنید که با ما چقدر دارد روشن حرف می زند و به روشنی به ما بیان می کند بیائید تجارت در راه خدا کنید و از این تجارت چهار روز دنیا دست بکشید ((ان الله اشتری من المؤمنین ا نفسهم و اموالهم وان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقا فی التوریه والانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشر ببیعکم الذی بایعتم به و ذالک هو الغفور العظیم)) چه معامله ای بالا تر از این که خدا خریدارش باشد توجّه نمی کنید . تجارت چهار روز دنیا هر چند هم که مال جمع کنید ولی اگر در راه او مصرف نکنید در راه خدا ((ایَحسب ان ماله اخلده کلا لینبذن فی الحطمه)) این مال شما را به اخلده

نمی انـدازد واین بهترین تجارت در راه خـداست . خدا جان شـما و اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده است . آ خر چرا به طرف جهنّم پیش می رویـد من متحیّرم از کسـانی که این تجارت پر بها را رها کرده انـد وبه تجارت جهنمی خود پیوسـته انـد . این قرآنی که چندین سال است در غریبی مانده است اورا زنده کنیم و سر مشق زندگییمان قرار دهیم و ما خودمان را نجات دهیم و آن انسـانیّتی که خـدا برای مـا خلق کرده است و مـا را با بهترین انـدام و قواره خلق کرده ((و لقـد خلقنا الانسان فی احسن تقویم))را به اثبات برسانیم نه اینکه به دست خودمان ، خودمان را به اسـفل السافلین بفرستیم . خیلی این بد است و این ((شـجره من زقوّم)) است این درختی که در جهنم است خود انسان است که این درخت را برای خودش پر بار می کنـد . ما بایـد از این درخت دوری کنیم و به رحمت خدا بپیوندیم. فراز هایی از وصیت نامه شهید محمد تقی رضوی: با درود و سلام به پیشگاه امام زمان (عج) و امام خمینی و امّت شـهید پرور اسـلام اول از همه از خداونـد متعال میخواهم این بنده نا فرمان را به عظمت و جلالش ببخشد و بیامرزدکه بسـیار بار گناهم بر دوشم سـنگینی دارد و تحمّل عذاب جهنّم را ندارم هر چند که نسبت به دستوراتش کوتاهی و سهل انگاری کرده ام و از این بابت کلاً شـرمنده و پشـیمانم و به درگاه پر رحمت و شفقّتش توبه میکنم واز همه بندگان پاک و منزه خداوند طلب شفاعت دارم دوم از تمامی کسانی که این بنده حقیر و سـر تا پا گناه را می شناسند طلب عفو و بخشش می نمایم . سوم به همه امت اسلامی عرض می کنم که قدر این اسـلام و انقلاب و امام و مسـئولی نظام جمهوری اسـلامی را بدا نندو برای نشان دادن این قدر شناسـی تا جایی که می توانند خدمت کنند و سختی ها و ناراحتی ها را را تحمل کرده و در جهت پیشبرد انقلاب بکوشند و به مسئولین عرض می کنم که در رأس همه کارهایشان خـدمت به مظلومان را قرار دهنـد که همین ها هسـتند که جبهه ها را گرم نگه داشـته انـد و هر روزه خون می دهنـد که نهال انقلاب بارور شود و اسـلام به پیروزی برسـد . برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتابهای : ۱- جرعه عطش (خـدیجه ابول اولا) ۲- رژان (سـرهنگ دوم پاسدار سـید هادی هاشم زاده هاشمی) ۳- نبرد آلواتان (سرگرد پاسدار سید سعید موسوی) ۴- مانا (طیبه دلقندی)

۲- «شیخ» و «آخوند» به چه معناست ؟

اشاره

۳- چرا سمتهای کلیدی را به شیخها می دهند ؟

پرسش

۲- «شیخ» و «آخوند» به چه معناست ؟ ۳- چرا سمتهای کلیدی را به شیخها می دهند ؟

پاسخ

ج۲-« شیخ» به معنای مرد پیر و مرد بزرگ و دانشمند , شخص بزرگوار , رئیس طایفه است . و «آخوند» به معنای ملا , معلم , عالم, روحانی , اعضا و پیشوای مـذهبی (۱) و مرتبه آخونـد از شـیخ با لاتر است. ج ۳- برای پاسـخ به این سؤال بایـد باز گردیم به آغاز شکل گیری انقلاب و نظریات امام خمینی« رحمه الله علیه » راجع به حکومت اسـلامی. تأسیس انقلاب اسلامی سبب شد تا بر اساس یک همسویی ائـدئولوژیک روحانیون که از دیر باز دارای نفوذ قابل توجهی بوده اند از جایگاه ویژه ای درمیان نظام سیاسـی برخور دار شونـد , این تـوجه و عنـایت حکومت فرصت هـای مطلوبی را در اختیـار آنـان قرار داده است تـا بتواننـد بـا تـأثیر درفرآینـد سـیا

ستگذاری و تصمیم گیری ارزشهای اسلامی را وارد نظام سیاسی کنند . امام خمینی « ره » در پاریس در پاسخ به این سؤال که نقش روحانیون درحکومت اسلامی چگونه خواهد بود فرمودند : «روحانیون در حکومت آینده نقش ارشاد و هدایت دولت را دارا می باشند (۲) همچنین ایشان یکسال پس از پیروزی انقلاب , با همان اعتقاد سابق و در پاسخ به پرسش مشابه نقش روحانیت را نه در درون دولت و نه خارج از دولت معرفی می کنند. بلکه نقش روحانیت را همان هدایت و نظارت بر اعمال دولت می دانند. اما حوادث و تحولات بعدی , ضرورت فعالتر روحانیون را در بخش های مختلف ساختمان حکومت نشان داد زمانی که مهندس بازرگان نخست وزیر شد تجربه نخست وزیری وی نحوه نگرش امام به این قضیه را تغییر داد . امام بعد از نخست وزیری بازرگان فرمودند : «ما تجربه کردیم و دیدیم که اشخاص که در رأس واقع شدند و از روحانیون نبودند در عین حالی که بعضی شان متدین بودند از باب اینکه آن راهی که ما می خواهیم برویم ... با سلیقه آنها موافق نبود ..... ما آن روز خیال می کردیم که در این قشر های تحصیلی کرده و متدین و صاحب افکار , افرادی هستند که بتوانند این مملکت را به آن جوری که خدا می خواهد ببرند ؛ آن طور اداره کنند . وقتی دیدیم که نه, ما اشتباه کردیم ..... (۳) بنا بر این , تعبیر دخالت در سیاست , نزد روحانیت , مفهومی فراتر از نظارت و ارشاد یافت و در سیا ستگذاری و اجرا نیز , نقشهای گسترده ای را بر عهده گرفتند . بنی صدر با خیانت های بزرگی که در حق ملت ایران به خصوص رزمندگان اسلام در جبهه نبرد کرد. امام «راحل» را مصمم کرد که پست های کلیدی را به افرادی بسیارند که مورد اطمینان باشند , حال روحانی باشد یا غیر روحانی فرقی نمی کرد , آنچه مهم بود اعتقاد به اسلام و کفر ستیزی و مبارزه با ظلم بود که طبیعتا روحانیت تعهد و اخلاص خود را بیشتر نشان داد .

آیا به مدهایی که در جامعه هست باید عمل کرد؟

پرسش

آیا به مدهایی که در جامعه هست باید عمل کرد؟

پاسخ

برای انسان مؤمن و معتقد به اسلام، مد معنا ندارد و هر موردی که پیروی از این رسوم، باعث ترک واجب یا انجام کار حرام بشود، مسلما گناه کرده است. و نباید به آن اعتنا کند.

تهیه جهیزیه بر عهده چه کسی است ؟

پرسش

تهیه جهیزیه بر عهده چه کسی است ؟

پاسخ

تهیه جهیزیه از اموری است که به عرف هر جامعه بستگی دارد و این که اسلام در این باره نظر خاصی داشته باشد مابا آن برخورد نکرده‌ایم. فقط آنچه هست جریان ازدواج حضرت امیر(ع) و حضرت فاطمه(س) است که به نقلی درجریان خواستگاری حضرت رسول(ص) به حضرت امیر(ع) امر فرمودند که زره خود را کابین فاطمه(ص) قرار بده وبعد آن را که ۵۰۰ درهم ارزش داشت

فروختند و بهای آن را خدمت پیامبر(ص) آوردند. رسول گرامی اسلام(ص) مقداری از آن را به بلال دادند و فرمودند با این پول برای دخترم بوی خوش بخر وباقیمانده را به بعض اصحاب سپردند و فرمودند آنچه را دخترم بدان نیازمند است آماده ساز که فهرست جهیزیهحضرت در امالی شیخ طوسی(ره) مذکور است.

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پاسخ

اسلام با ظهور خود فرهنگ نوینی را به بشریت ارزانی داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان‌ها را دگرگونساخت، این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا(ص) که ترجمان حقیقی وحی بود، نازل شد و با عمل ورفتار مؤمنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت، بنیان‌های تکوین یک امت واحد جهانی را فراهم آورد. قرآن شریف، سفارش‌های مکرری نسبت به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این سفارش‌ها کاملاً منطقیاست. این کتاب عظیم چنان که عقل را راهنمای انسان میداند، از فرد بشر می‌خواهد تا حکمت و رشد خود را گسترشدهد [در این باب نگا: تفکر از دیدگاه اسلام عباس محمود عقاد، ترجمه محمدرضا عطائی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ش، صص ۲۶ – ۹]. همچنین در این کتاب بی‌نظیر آموزه‌هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگونساخته است. آموزه‌هایی در باب اخلاق، خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، تاریخ و... حضرت رسول(ص) باسیره عملی و گفتار زبانی و بعد از او ائمه(ع) کوشش کردند تا این آموزه‌ها را به طور صحیح و درست برای ما تفسیرنمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند. اما باید به این نکته توجه داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه‌ها بوده است، آیا علاوهبر طرح مسائلی چون خداشناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و اخلاق، مواردی چون جهان‌شناسی به معنیشناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک، گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، ستاره‌شناسی و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظروحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟! به نظر می‌رسد قرآن کتاب انسان‌سازی است تاآنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیازدارد به او بیاموزد. بر این اساس آموزه‌هایی که در ارتباط مستقیم با این مسأله بوده‌اند مورد اهتمام آیات قرآن‌اند؛ یعنیدر باب خداشناسی، انسان‌شناسی، معادشناسی، راهنماشناسی، اخلاق و احکام عبادی. اما در باب جهان، طبیعت و مسائل فیزیکی و جسمانی بدن، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است وشاید هیچ آیه‌ای را نیابیم که مستقلاً و مستقیما به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان‌ها و زمین پرداختهباشد. در برخی موارد، گفت و گو از آفرینش جهان و انواع آفریده‌ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمتالهی و سترگی حکمت‌هایی که خدا در آفرینش به کار برده است. در پاره‌ای مواضع نعمت‌های خدا در آسمان و زمینبه تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه‌ای باشد برای شکر و حق‌شناسی، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظرباشد که انسان با نگرش به عالم از آن جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر اوست، معرفت فطری و شناخت حضوریخود را شکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [معارف قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه در راه حق قم، چاپ اول ۱۳۶۷ ش، ج۱، صص ۲۲۶ – ۲۲۵]. با توجه به این نکته، در پاسخ به پرسش شما خاطرنشان می‌شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در بابآموزه‌هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است، بله در این جهت ما باید کوشش کنیم تا

آموزه‌های قرآنی را محورنظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سود جوییم، به راستی ما در انسان‌شناسی و اخلاق و حتی مباحثخداشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که با استخراج و انتظام منطقیآنها می‌توانیم مسائل جدیدی را در این ساحت‌ها به جهان بشریت عرضه کنیم. اما اگر منظور شما آموزه‌هایی در ساحت دانش تجربی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها بهذکر کلیاتی استطرادی اکتفا شده است، به نظر ما نباید تلاش بیهوده‌ای را آغاز کنیم، چنان که برخی چون رشید رضا درتفسیر «المنار» و طنطاوی در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» کوشش کردند که بسیاری از مسائل علمی را با آیاتقرآن تطبیق دهند. زیرا از آن‌جا که این آیات جنبه استطرادی داشته، در هیچ زمینه، هیچ‌گاه به بحثهای تفصیلی در اینباب نپرداخته بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می‌شده بسنده کرده است، به همین جهتبرخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالبا دارای ابهام‌هایی است و کمتر می‌توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآننسبت دهیم [برای آگاهی بیشتر نگا: همان، صص ۲۳۲ – ۲۲۸]. در اینجا تذکر چند نکته لازم و ضروری است: ۱– هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضیحش گذشت نپرداخته است ولی با لحن خاصی انسان را تشویق وترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جستجو و کشف عالم طبیعت بپردازد [نگا: اعراف، آیه ۱۸۵ ؛ غاشیه،آیه ۲۰ – ۱۷ ؛ بقره، آیه ۱۶۴ و...] ۲– خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده وبا استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت را کشف نماید. در حقیقت این موضوع به انسان واگذار شده است. از این رودر این باب باید از عقول دیگران و تجارب آنها سود جوید. ۳– علوم اسلامی همچون تفسیر، فقه، اصول، حدیث، نحو، بلاغت، تاریخ، اخلاق، فلسفه و کلام هر چند در پرتوهدایت‌های رسول خدا(ص) و پایه‌گذاری حضرت علی(ع) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورتگرفت و آدمی با عقل خود آن را توسعه بخشید. بنابراین علوم غیراسلامی نیز می‌تواند با خود آدمی رشد و بالندگیخود را به دست آورد [در این باب نگا: ظهور شیعه، علامه سید محمد حسین طباطبایی، انتشارات فقیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش، صص ۴۴ –۳۳]. ۴– تطفلی و استطرادی بودن برخی از آموزه‌های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهایخیالی‌اند که برای ارائه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند. حاشا و کلا که چنین باشد. گزارش‌های وحی ازخلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است.مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه‌هایی نبوده است و از این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است.در واقع با این سلسله آیات، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداد از عقل خود بهکشف رازهای مجهول آن نایل آید. ۵– ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعتبرخوردار است؛ زیرا قرآن همراه با طرح این مسائل، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجهمی‌دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال «هو الاول» و «هوالاخر» تا اوج‌گاه مبدأ و معاد پرواز می‌دهد[شریعت در آیینه معرفت، آیت‌اللّه‌عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۱۶۶ – ۱۶۴]. به هر روی ما باید در برخی آموزه‌های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است، نظریات آن را استخراج کرده و بهجهانیان عرضه نماییم ولی در بعضی از دانش‌ها چون دانش تجربی و تاریخی باید با استمداد از عقل بشری و تبادلآراء و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم.{J

من شهدا را خیلی دوست دارم و دلم می خواهد کاری که در رابطه با شهدا باشد انجام دهم می خواهم برای شهدا کار کنم می خواهم با آنها بیشتر آشنا شوم ولی نمی دانم از کجا و چگونه آغاز کنم مرا راهنمایی کنید.

پرسش

من شـهدا را خیلی دوست دارم و دلم می خواهـد کـاری که در رابطه با شـهدا باشـد انجام دهم می خواهم برای شـهدا کار کنم می خواهم با آنها بیشتر آشنا شوم ولی نمی دانم از کجا و چگونه آغاز کنم مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

برای آشـنایی بیشتر بـا شـهدا، مطـالعه زنـدگی نـامه و سـخنان و بیـان هـدف آنها از زبان خودشان ویا همسـنگران آنها راه مناسب و مفیدی است. آگاهی از انگیزه ها و اهداف عالی آنها و پی بردن به روحیه ایثارگرانه و شـجاعت و مردانگی و صبر و اسـتقامت آنها در راه دفاع از اسـلام و میهن اسلامی و پیروی آنان از روش و سیره و برنامه سیدالشهدا(ع) ما را به آنها نزدیک می سازد و با حال و هوا و بینش و انـدیشه و اخلاـق و رفتـار و ارزش های آنها مأنوس و آشـنا می سازد. زیارت قبور پاک شـهدا و رفتن به گلزار شـهدا علاوه بر ترویـج مرام و هـدف شـهدا و فرهنگ ایثار و شـهادت موجب ارتباط روحی و انس و الفت بیشتر با آنان می گردد و باعث می شود نام شـهدا و راه و رسم آنان به فراموشـی سپرده نشود. شـرکت در مراسم سالگرد شـهدا و نیز مراسم تشـییع شهدای گمنام و شهـدایی که بـدن پاکشـان پس از سـال هـا از زیر خـاک های جبهه پیـدا می شود راه دیگری برای آشـنایی و پیونـد با آنها و نوعی تجدید عهد و پیمان بسـتن با شهدا و ادامه راه پاک آن صالحان و شایستگان است. بالاترین خدمت به شهدا کمک به تحقق اهداف مقـدس آنان است. آنان همه هستی و سـرمایه و جان ارزشـمند خویش را در راه اعتلای اسـلام و پیاده شـدن احکام قرآن و دین فدا کردنـد و در نزد آنـان چیزی مهمـتر و عـالی تر از حـاکمیت دین خـدا و اسـتقرار جمهوری اسـلامی که تحقق بخش احکـام الهی و نمایانگر ظهور دین در عرصه زندگی مردم مسلمان است نمی باشد. دفاع از جمهوری اسـلامی و تقویت بنیان های این نظام مقدس که خونبهای شـهدای ایثارگر و حماسه افرین است به هر صورت ممکن و اعتبار بخشـیدن به آن به وسـیله شرکت در راهپیمایی ها و نمازهای جمعه و جماعت و صـحنه های دفاع از نظام و مشـروعیت آن در واقع خدمت به شهدا و بزرگداشت نام و یاد و هدف آنها می باشـد. کوشـش در جنبه هـای علمی و فعالیت های تحقیقی و کسب افتخارات برای جمهوری اسـلامی و هر نوع کاری که باعث سربلنـدی نظـام مقـدس و معرفی انقلاب اسـلامی به مردم سایر ملت ها باشـد، عینیت بخشـیدن به خواسـته شـهدا است. رفع نیازهای عـاطفی و روحی و گاه نیازهای مادی خانواده های سـرافراز شـهیدان و بازدیـد از خانواده آنها و ارتباط با آنها و رسـیدگی به وضع آنها و به ویژه توجه خاص به وضـعیت فرزنـدان پرافتخار آنان، راهی دیگر برای خدمت به این عزیزان است. فعالیت در جهت رشـد فرهنگی و علمی و اخلاقی فرزنـدان شـهدا و تعلیم و تربیت آنها در محیط های آموزشـی و نیز محیط های اجتماعی بالاترین خدمت به شـهیدان پر افتخـار است. درست منعکس سـاختن ایثـار و رشادت و اخلاص شـهدا در قالب های فیلم و عکس و شـعر و خاطره و زنـده نگه داشـتن روحیه ایثار و شـهادت در فضای سـرزمین اسـلامی به هر مقـدار و به هر صورت ممکن از راه های خـدمت به این راست قامتان تاریخ است.

با وجود مراکز خیریه حکم کمک به متکدیان و نیازمندان چگونه است ؟

پرسش

با وجود مراکز خیریه حکم کمک به متکدیان و نیازمندان چگونه است ؟

پاسخ

دانشجوی گرامی برادر امیر پورعظیما سلام علیکم سلامتی، سعادت و موفقیت شما را از درگاه ایزد منان خواستاریم تکدّی از نظر اسلام حرام است و دادن صدقات واجب (مثل سهم سادات و زکات) به کسانی که گدایی می کنند، جایز نیست؛ اما صدقات مستحبی در صورت اطمنیان به استحقاق شخص خوب است. در هر صورت بهتر است امروزه برای دادن صدقات، از همان کمیته امداد و صندوق‌هایی که این نهاد برای جمع آوری صدقات اختصاص داده است، استفاده شود. در هر صورت اگر در بین خویشان ودوستان خود و یا اهل محل کسی را مستحق می‌دانید، از کمک به او دریغ نکنید.

چرا در تعزیه خوانی از طبل استفاده می شود؟

پرسش

چرا در تعزیه خوانی از طبل استفاده می شود؟

پاسخ

طبل و سنج و آلاتی که در تعزیه خوانی مورد استفاده قرار می گیرند, صرفا "برای افزایش احساسات مردم و پیوستن افراد به عزاداران است . به کار بردن ابزارهای مورد استفاده در جنگ (طبل و سنج و...) در مراسم تعزیه و عزاداری شاید برای ایجاد نظم و ترتیب باشد چنان که این ابزار در جنگ برای نظم لشکر و تهییج آن استفاده می شود. دوستداران اهل بیت (ع) می کوشیدند تا مراسم سوگواری خامس آل عبا را با شکوه و ابهت هر چه افزون تر برپا کند ;لذا در عهد صفویه , این گونه مراسم رونق فزاینده ای یافت و برای افزایش هیجان مردم و پیوستن افراد به جمعیت عزادار, طبل و سنج رایج گشت , (مجله مبلغان , شماره ۱۵, ص ۶۶). برای آگاهی بیشتر ر.ک : رسول جعفریان , صفویه از ظهور تا زوال , انتشارات کانون اندیشه جوان .

با توجه به فرمایشات حضرت علی (ع) لقب معظم برای رهبر انقلاب نوعی مدح نیست ؟

پرسش

با توجه به فرمایشات حضرت علی (ع) لقب معظم برای رهبر انقلاب نوعی مدح نیست ؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال به اختصار می‌توان گفت که مهمترین آفت رهبران و نظام سیاسی ـ که از عوامل عقب ماندگی و انحطاط بسیاری از جوامع بشری است ـ رواج روحیه تملّق و چاپلوسی است، این پدیده زشت، اثرات مخرّبی بر نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و شخصیت اخلاقیمردم بر جای می گذارد. در چنین جامعه‌ای، انسان‌ها تحقیر می‌شوند و گوهر عزّت آن‌ها به تاراج رفته، عرصه بر افراد شایسته تنگ می‌شود و میدان برای افراد بی‌لیاقت باز می گردد. جامعه به جامعه‌ای ظالم پرور تبدیل شده، نخبگان سیاسی آن هیچ گاه واقعیت‌ها را درک نخواهند کرد؛زیرا شخصیت خود را بسیاری بالاتر از آنچه هست، می‌بینند و کارهای خود را بسیار بالاتر و مهم‌تر از آنچه هست می‌پندارند. به تدریج احساس می کنند که واقعا بالاتر از همه‌اند و این باور در آن‌ها به وجود می‌آید که همه باید در مقابل آنان «بله قربان گو» و دست به سینه باشند. یکیاز برنامه‌های مهم امام علی(ع)، بازگرداندن شخصیّت انسانی افراد و عزّت نفس آنان بود. امام(ع) تحمل نمی کرد که حتی یک فرد عادی، در مقابل رهبر، دست به سینه ایستد، سخنی بگوید که

موجب تحقیر خود، یا بزرگ شماری متملقانه گردد.. هدف امام(ع) ساختن جامعه‌ای متشکل ازانسان‌هایی عزّت‌مند بود، تا در مقابل هیچ مقامی احساس حقارت نکرده، سر فرود نیاورند؛ مردمی که با منطق با پدیده‌ها برخورد کنند و از گفتن سخنان حق نزد فرمانروایان خود ـ هر چند تلخ ـ ابایی نداشته باشند؛ پذیرای هیچ ظلمی نشوند و نخبگان سیاسی خطاکار را به پای میزمحاکمه بکشانند. بررسی سخنان و سیره امام علی(ع) نشان می‌دهد که آن حضرت مطلقِ احترام به رهبر را منع نفرموده بود، بلکه مدح و ستایش چاپلوسانه را مردود می‌دانست؛ چنان که آن حضرت بعد از آن که مردی در حین سخنرانی حضرت، او را ستود و درود فراوان بر او فرستاد،فرمودند: فلا تکلمونی بما تکلّم به الجبابره ؛ آن گونه که سرکشان را مدح می کنید، با من سخن مگویید {M، (نهج البلاغه، خطبه۲۱۶). امیرالمؤمنین(ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «... و پرهیز از خود پسندیدن و به خود پسندی مطمئن بودن و ستایش را دوست داشتن، که این‌ها از بهترین فرصت‌های شیطان است، تا بتازد و کرده‌های نیکوکاران را نابود سازد.»، (نهج البلاغه، نامه۵۳، ص ۳۴۰). مهمترین دلیل بر این آن حضرت مطلقِ احترام به رهبر را منع نفرمودند، عناوینی است که یاران آن حضرت برای خطاب آن حضرت یا در مکاتبه با ایشاO به کار می‌بردند؛ مانند: «امیرالمؤمنین» که در موارد متعدد نقل شده است، از جمله آن حضرت در نامه ۴۵ می‌فرمایند: أقنع من نفسی بأن یقال هذا امیرالمؤمنین و... ؛ آیا بدین بسنده کنم که مرا امیرمؤمنان گویند و...{M در نامه‌ای به اهل کوفه می‌نویسند: منعبدالله علی امیرالمؤمنین الی اهل الکوفه... ؛ از بنده خدا، علی امیرمؤمنان، به مردم کوفه که در میان انصار پایه‌ای ارجمند دارید و درعرب مقامی بلند!... پس به سوی امیر خود بشتابید.{M، (نهج‌البلاغه، نامه ۱). بنابراین، امام علی(ع) عناوینی را که ستایش چاپلوسانه نباشد و آثار زیانبار فردی و اجتماعی نداشته باشد، منع نفرموده،خود نیز به کار برده است. با توجه به دلیل منع امام علی(ع) از مدح و ستایش، این نکته مشخص می‌شود که استعمالِ وصف «معظّم» برای مقام رهبری شامل منع حضرت(ع) نمی‌شود؛ زیرا ستایش چاپلوسانه نیست و خصوصیات مدح منفی در آن نیست؛ بلکه، خطاب محترمانه مقام رهبری است، چنا...Ù...درباره امام علی(ع) «ام□.....ЛъŘęř...خطاب می کردند. ضمنا، الفاظی از قبیل «عظمی» ـ که مترادف با لفظ «معظّم»، باشند ـ نیز برای مراجع تقلید در آیت العظمی استعمال می‌شود و هیچ صبغه مدح ناشایست ندارد؛ بلکه نوعی توقیر و احترام معنوی است که در سنت اسلامی دارای موردتأکید می‌باشد. در روایتی از امام علی(ع) آمده است: مَن وقّر عالما فقد و قرّ اللّه ؛ کسی که عالمی را احترام کند، خدا را احترام کرده است {M، (غرر الحکم،ص ۴۷، توقیر العلماء، حدیث ۲۱۸).}J

علت استفاده از واژه هایی نظیر آیت الله و... در بین علمای شیعه چیست ؟

پرسش

علت استفاده از واژه هایی نظیر آیت الله و... در بین علمای شیعه چیست ؟

پاسخ

اکثر علمای شیعه نام خودشان را در کنار عباراتی چون اقل‌العباد، حقیر، احقر العباد و غیره می‌آورند و عده‌ای از ترس ریا از همین مقدار هم دوری کرده و نام معمولی خودشان را ذکر می کنند و این خود بیانگر تواضع و فروتنی آنها است که اول نشانه عالم بودن است انما یخشی الله من عباده العلمؤُا ، (فاطر، آیه ۲۸). ضمنا علاوه بر رسمی که در بین علمای شیعه وجود دارد، در بین سایر ادیان و مذاهب هم برای رهبران دینی القاب و عناوینی وجود دارد مانند مولوی در اهل تسنن یا پاپ در مسیحیت و عموما در تمامی موارد علاقه‌مندان به رهبران مذهبی و دینی از آنها به نیکی یادمی کنند. اما لفظ «آیت‌الله» همان طور که گفته‌اید عنوان بسیار

بزرگی است و بدانید که از بی‌نهایت کوچک‌ها تا بی‌نهایت بزرگ‌ها همه از آیات الهی هستند ولی از آن‌جا که در رفتار بزرگان، رهبران مذهبی، نشانه‌های آشکاری از ارتباط با خداوند وجود دارد و از برجستگی ویژه‌ایبرخوردارند، این عناوین سزاوار آنان می‌باشد.}]

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

پرسش

برای تغییر آداب و رسوم بی جا و سنتی در هنگام چه راهی را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

دانشجوی گرامی ما نیز در وجود بعضی آداب و رسوم بی جا و دست و پا گیر و مشکل ساز رنج می‌بریم و معتقدیم که بسیاری از جوانان با چنین مشکلاتی مواجه هستند. امّا سؤال اینجاست که این آداب و رسوم از کجا وارد جامعه ما شده است؟ پاسخ به این سؤال نیاز به یکتحلیل جامعه شناختی و روانشناختی دارد. معمولاً سنتها و آداب و رسوم اعم از مثبت و منفی بدون پذیرش اجتماعی نمی‌تواند وارد یک فرهنگ شود و مقبولیت عامه پیدا کند. سؤال دیگری که مطرح می‌شود اینست که چگونه این سنت‌ها و آداب و رسوم مورد پذیریش عموم قرارمی گیرد؟! به طور قطع عوامل گوناگونی دست بدست هم می‌دهد و شرایطی را بوجود می‌آورد تا اینکه مردم یک قانون یا سنتی را بپذیرند و بعد از پذیرفتن به آن عمل نمایند و سپس آن عمل را تکرار کنند تا اینکه کم کم جزء فرهنگ عمومی جامعه شود. یکی از مهمترین عوامل مؤثردر پذیرش عمومی آداب و رسوم غلط ضعف فکری، علمی و اعتقادی جامعه است به عبارت دیگر اگر مردمی اهل تفکر و اندیشه باشند و از نظر اعتقادی، باورهای دینی به صورت عمیق در آنها رسوخ کرده باشد قطعا آسیب پذیری آنها در مقابل تهاجم سنت‌های غلط که از بیرون یادرون آن جامعه القاء می‌شود کاهش پیدا می‌کند و حاضر نیستند بدون دلیل هر فکر القاء شده‌ای را به پذیرند بلکه مقاومت می‌کنند امّا اگر به هر دلیلی مردم یک جامعه‌ای قدرت تفکرشان ضعیف و باورهای دینی کم رنگ باشد آسیب‌پذیری فرهنگی آن بیشتر و بیشتر می‌شود و نه تنهادر مقابل القاءات فرهنگی غلط مقاومت نمی‌کنند بلکه خود در ترویج و گسترش آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. بنابراین اگر ما بخواهیم از این آداب و رسوم غلط و دست و پا گیر رهایی پیدا کنیم، باید دامن همت به کمر زده و به اندازه توان و وسع خود کار فرهنگی را شروع کنیم وبه خودمان تلقین نکنیم که یک دست بی صدا است یا اینکه با یک گُل بهار نمی‌شود. این مطالب نیز در واقع تلقینات همان کسانی است که سود جویی خودشان را در منفعل بودن مردم می‌دانند و یا اینکه به صورت ناآگاهانه با اینگونه القاءات آب به آسیای کسانی می‌ریزند که ازگسترش اینگونه آداب و رسوم بیشترین سود را می‌برند. آری همه حرکتهای فرهنگی در آغاز با افراد معدودی شروع شده امّا با پشتکار و خستگی ناپذیری بعد از مدتی تبدیل به یک فرهنگ فراگیر شده که سرنوشت یک جامعه و ملتی را تغییر داده است. بنابراین نباید منتظر باشیم بایک توصیه یا نصیحت یا اطلاعیه‌ای سنت‌های غلط و آداب و رسوم دست و پا گیر همه تعطیل و برچیده شود بلکه نیاز به کار فرهنگی توأم با عمل دارد و امیدواریم که متصدیان فرهنگی جامعه ما بجای پرداختن به امور بیهوده برای حل مشکلات جوانان در زمینه ازدواج و اشتغال،فکر اساسی بکنند و با کار فرهنگی زمینه حذف یا حداقل کاهش آداب و رسوم غلط را فراهم نمایند. امّا آنچه در مورد ازدواج و همسر آینده خودتان مطرح فرمودید. دانشجوی محترم: از اینکه شما در خانواده‌ای زندگی می‌کنید که اعضا خانواده حق انتخاب دارند و به آراء و نظرات و سلایق یکدیگر اهمیت می‌دهند جای بس خرسندی است و از اینکه شما دوست دارید دختر خوبی برای خانواده خود و خانواده همسر آیندتان باشید به

شماآفرین می گوئیم و امیدواریم که همانگونه که خود فرموده‌اید باشید امّا توجه به چند نکته برای تصمیم گیری حال و آینده شما بسیار ضروری است: ۱ـ انسانها از جهات گوناگون فکری، رفتاری، استعدادی، قیافه و عواطف و احساسات با هم متفاوت هستند لذا شما هیچگاه انتظار نداشته باشید که همه مثل شما فکر کنند و عواطف و احساسات آنها مثل شما باشد. البته انسانها با وجود همه تفاوتهایی که دارند قدرت سازگاریو انطباق با دیگران را دارند. بنابراین شما با در نظر گرفتن این تفاوتها همسر آینده خود را انتخاب کن. ۲ـ در انتخاب همسر آیندتان کمال دقت را به نمائید یعنی بر اساس تحقیق، مشورت و استفاده از تجارب افراد مجرّب و دلسوز مانند پدر و مادر اقدام کنید. ۳ـ بهتر است در زمینه انتخاب همسر بیشتر مطالعه کنید لذا کتاب انتخاب همسر از آقای امینی و کتاب انتخاب همسر آقای علی اکبر مظاهری را معرفی می کنیم و توصیه می‌نمائیم که حداقل یکی از این دو کتاب را مطالعه بفرمائید. ۴ـ اگر خواستگاری برای شما آمد نه خیلی خوش بین باشید و نه سوء ظن داشته باشید بلکه همانطوری که در نکته ۲ آمد اساس انتخاب خودتان را بر آگاهی از وضعیت آن پسر بویژه خانواده او، دوستان او و... قرار دهید و بعد از تحقیق و مشورت انتخابکنید. ۵ـ در انتخاب همسر خیلی ایده آلی فکر نکنید بالاخره همه انسانها هم نقاط ضعف و هم نقاط قوت دارند آنچه که مهم است همسر هر کسی باید کفو و همتای او از جهات مختلف باشد بنابراین سعی کنید اگر کسی به خواستگاری شما آمد ببینید آیا از نظر خانوادگی، اخلاقی،اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی به شما نزدیک هستند یا نه، اگر در جهات فوق هم سطح و یا نزدیک به هم بودید آنگاه تصمیم بگیرید. ۶ـ در این که همسر آینده شما آیا با شما با نیکی رفتار می کند یا نه بستگی به عوامل گوناگونی دارد و از جمله رفتار خود شما نقش تعیین کننده در بازخورد او دارد. وضعیت خانوادگی آنها خیلی مهم است لذا درباره اخلاق خانوادگی ایشان تحقیق بیشتری بنمائید و بعد ازتحقیق به خداوند توکل کنید و انتخاب نمائید. و نگران این مسئله نباشید.{J

مبنای ((عرف جامعه))چیست و چه معنایی دارد؟

پرسش

مبنای ((عرف جامعه))چیست و چه معنایی دارد؟

پاسخ

یکی از مفاهیم مهم در فقه شیعه، مسأله عرف است که در قانونگذاری اسلامی از نقش و جایگاه مهمی برخوردار است. ۱{T- تعریف عرف:{T عرف عبارت است از قول، فعل یا ترک فعلی که در همه زمان‌ها و مکان‌ها یا در زمان و مکانی خاص در میان مردم رواج یافته و به آن عمل می‌شود. علامه طباطبایی در تعریف عرف می‌نویسد: H{العرف هو ما یعرفه عقلاء المجتمع من السنن والسیرة الجمیله الجاریه بینهم بخلاف ما ینکره العقل الاجتماعی من الاعمال النادره الشّاذهM{}Hکلمه عرف به معنای آن سنن و سیره‌های جمیل جاری در جامعه است که عقلای جامعه آنها را می‌شناسند، به خلاف آن اعمال نادر و غیرمرسومی که عقل اجتماعی انکارش می کند (که این گونه اعمال «عرف» نبوده بلکه منکر است)}۲{T .M- اقسام عرف:{T عرف را بر چند قسم تقسیم کرده‌اند: الف) عرف عام؛ روشن است که بیشتر مردم آن را پذیرفته‌اند. به بیان دیگر عرف متداول میان گروهی از مردم که جهت جامع صنفی و یا گروهی ندارند مانند عرف افراد یک مملکت یا یک مذهب. ب) عرف خاص: تلاش است که افراد یک گروه خاص از یک طبقه و یا صنف و یا یک محل معین به آن اعتقاد دارند مانند عرف قاضیان، تجار و صاحبان صنعت. ج) عرف لفظی: عرفی است که مدلول یک لغت یا عبارت است و گاه غیر از معنای لغوی آن است. به طور مثال کلمه دابّه (در عربی) به معنای جنبده است ولی در میان طوایف خاصی به معنای چهارپایان است. د) عرف عملی: روشن است که اکثر مردم از آن پیروی

می‌کنند. به بیان دیگر، قاعده‌ای است که در مدت طولانی و به طور مستمر در عمل رعایت می‌شود. مثل سکوت یک دختر در عقد نکاح که دلالت بر قبول عقد نکاح است. ه) عرف صحیح: روشی است که مردم آن را پذیرفته‌اند ولی با نصوص شرعی مغایرتی ندارد. و) عرف فاسد: روشی است که میان مردم رواج دارد اما شارع آن را نمی‌پذیرد مانند معاملات ربوی. ز) عرف متشرعه: اموری است که در میان پیروان یکی از ادیان الهی (مثلاً پیروان اسلام) رایج است و افراد در به کارگیری آن از دین خاص تبعیت می‌کنند مانند الفاظ صلوة، صوم و زکاة. ۳}T- نقش عرف در استنباط احکام:{T جایگاه عرف در استنباط احکام شرعی در سه جهت است: الف) عرف لفظی در فهم ظهورات نقش اساسی دارد: فهم متون دینی مربوط به فهم ظهورات آن متون است. در واقع فهم مراد شارع، از راه ظهورات کلام او به دست می‌آید. متون فقهی شامل معانی و مفاهیم عرفی بسیاری است که فهم آنها مبتنی بر تفاهمات عرفی است. ظهوری که اهل عرف و محاوره از کلام و سخن می‌پذیرند اصالت دارد. آنچه در مقام محاوره مهم است ارتکازات اهل محاوره است. ب) تنقیح موضوع یا تشخیص مصداق برخی از مفاهیم، بر عهده عرف است. به استثنای عبادات (که تعیین حد و مرز آن بر عهده شرع و شارع مقدس است) بسیاری از ابواب فقه را موضوعاتی تشکیل می‌دهد که ماهیت عرفی دارند. مانند بیع، اجاره، نکاح، هبه، صلح و... تشخیص برخی موضوع‌های شرعی بر عهده عرف است. در این موارد اگر عرف تغییر کند حکم نیز به تبع آن تغییر پیدا می‌کند. به بیان دیگر اگر صورت‌ها و شکل‌های عمل بر اثر عرف تغییر پیدا کند حکم هم تغییر پیدا خواهد کرد. برای مثال بازی با شطرنج قبلاً حرام بوده ولی امروز بنا به فتوای امام خمینی بی‌اشکال است چرا که قبلاً به عنوان آلت قمار مورد استفاده قرار می‌گرفته است اما امروزه که از آن به عنوان یک ورزش فکری - نه قمار بازی - استفاده می‌شود حلال است. همچنین، غنا و موسیقی از جمله مسایلی است که در حرمت آن تردید نیست، اما این که چه چیزی غنا است بر عهده عرف می‌باشد. چنان که شهید ثانی می‌گوید: H{الاولی الرجوع فیه الی العرف، فما یسمّی فیه غناء یحرم لعدم ورود الشرع ما یضبطه فیکون مرجع الی العرفH{}Mبهتر است که در تشخیص موضوع غنا به عرف رجوع شود پس هر آنچه که در عرف غنا نامیده می‌شود حرام است برای این که در دین چیزی برای تشخیص غنا وارد نشده است (چرا که فقط حکم آن را بیان کرده که حرام است)}M. بنابراین تشخیص غنا و موسیقی به عرف واگذار شده است. ج) کشف حکم شرعی در مواردی که نصی وارد نشده بر عهده عرف است: به این معنا که اگر در زمان معصوم(ع) چیزی رواج داشته و تقریر معصوم مؤید آن بوده است مورد پذیرش می‌باشد، مانند عقد فضولی. با توجه به مباحث یاد شده پیرامون عرف، به این نتیجه می‌رسیم که در واقع «عرف» نشانه پویایی و رمز بالندگی فقه است و موجب می‌شود تا اسلام با مقتضیات معقول زمان سازگار باشد. این که اسلام به عرفیات و سیره عقلا توجه کرده، زمینه حضور خود را در همه عرصه‌ها و در همه زمان‌ها و مکان‌ها فراهم آورده است.

برای بررسی مد و مطالعاتی از این دست چه کتابهایی را پیشنهاد می کنید.

پرسش

برای بررسی مد و مطالعاتی از این دست چه کتابهایی را پیشنهاد می کنید.

پاسخ(قسمت اول)

برخی از منابع مطالعاتی در این زمینه عبارتند از: ۱. توسعه و تضاد ، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۶ ۲. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهایم انتشار ۱۳۷۸ ۳. بحران هویت قومی در ایران، علی الطلائی، ترجمه تورج یار احمدی، نشر شیرازه، ۱۳۸۱ ۴. بحران جامعه مدرن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ۵. بحران دنیای متجدد،ر رنه گنون، ترجمه ضیاء الدین دهشیری،

مؤسسه انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۲ ۶. جوان مسلمان و دنیای متجدد سید حسن نصر ۷. روان شناسی رشد، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۸. روان شناسی اجتماعی، ژان استوتزل (استاد دانشگاه رنه دکارت پاریس)، ترجمه دکتر علی محمد کاردان ۹. تفسیر قرآن ذیل آیات تقلید مخصوصا تفسیر المیزان، ذیل آیه ۱۷۱، سوره بقره ۱۰. جامعه شناسی کجروی، علی سلیمی و محمد داوری، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. در ذیل گفتگو با دکتر حسن بلخاری در زمینه مدگرایی و مدسازی به نقل از ماهنامه پرسمان، شهریور ۱۳۸۲ آورده می شود. آقای دکتر! در کوچه و خیابان، هر روز آدم هایی را می‌بینیم که با روزهای قبل، فرق دارند؛ چه از نظر شکل ظاهری مثل آرایش صورت، مو و نوع لباس و چه از لحاظ نوع رفتار، این پدیده را که کم کم دارد عادی می‌شود و به تدریج به جزئی از فرهنگ تبدیل می‌شود، چگونه تعریف و ارزیابی می کنید؟ این امر که اغلب تحت عنوان «مُد» در جامعه از آن یاد می‌شود، پدیده رایجی است که نه فقط اپیدمی جامعه ما، بلکه گریبان‌گیر جامعه مصرف محور جهانی است و در مورد آن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. گرایش به مد، بیان گر نوعی تجدید نظرطلبی یا تلاش در جهت نو کردن و تغییر در مسائل مختلف ظاهری زندگی است. به عبارت دیگر، گرایش وسیع به تغییر و تنوع، بیان‌گر حرص و نیاز شدید انسان نسبت به ورود به مفاهیم و قلمروهای جدید است. نیازی که جزئی از فطرت انسان‌ها را شکل می‌دهد. این میل به تغییر، به هر صورت، از یک نیاز فطری پرده بر می‌دارد و در نفس خود، از یک مبنای معرفت‌شناسی سرچشمه می گیرد و چندان قابل طرد و نفی نیست. انسان حقیقتاً به دنبال تغییر قالب‌ها و فرار از کلیشه‌هاست. بنابراین معنا، «مد» فی نفسه قابلیت رد و طرد پیدا نمی کند؛ بلکه آنچه باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، صورت یا مفاهیم یا بسترهایی است که «مد» پیدا می کند و متناسب با این جهات، باید مورد استقبال یا نفی قرار بگیرد. امروزه شاهد رشد یا به نوعی بروز بیش از پیش مدگرایی هستیم؛ تحلیل شما از منشأ و سیر صعودی این گرایش چیست؟ جهان امروز، دچار یک موج گسترده و قوی اقتصادی شده که محوریت جهان را در دست گرفته و قدرت را به خود اختصاص داده است. ما پیش از ظهور پدیده‌ای به نام «گلوبالیزیشن» یا جهانی شدن - پیش از دهه ۱۹۸۰ - جهان را به سه بخش - جهان اول، دوم و سوم - تقسیم می کردیم و محور و معیار تقسیم جهان، مدرنیته یا مدرنیزاسیون بود؛ یعنی هر کشوری که به معیارهای مدرنیته نزدیک‌تر می‌شد، در واقع به جهان دوم یا اول نزدیک می‌شد. جوهر مدرنیته، عقل گرایی و توسعه انسانی بود. بعد از اوج گیری جهانی شدن، به ویژه در قلمرو اقتصاد، تقسیم‌بندی قبلی چندان اعتباری ندارد و جهان به دو قطب شمال، یعنی قطب ثروت و قدرت و جنوب، یعنی قطب فقر و ضعف تقسیم شده است. به این ترتیب ما وارد فضای جدیدی شده‌ایم که معیار عمل آن، ثروت و قدرت است. وقتی بنای تقسیم جهان، ثروت و قدرت شد، کسانی که پرونده این فضای قدرت و ثروتند،به دنبال سلطه بر تمام عواملی هستند که می‌تواند بر افکار عمومی تأثیر بگذارد؛ یعنی این قدرت و ثروت، هنگامی پا بر جا می‌ماند که با سلطه بر عواملی، تحت کنترل قرار بگیرد و تضمین شود. این تسلّط، ابعاد مختلفی را شامل می‌شود. در بُعد سیاسی، دموکراسی و مسئله مبارزه با تروریسم را مطرح می کند؛ مسئله نفت را پیش می کشد؛ رسانه‌ها را تقویت و یا سانسور می کند و... و به این ترتیب، ما دچار نوعی تحول مفهومی در معیارهایمان شده‌ایم و این ما را به فضای جدیدی سوق می‌دهد که معیارهای قبلی در آن حضور جدی ندارند. در نتیجه فضای زندگی انسان، تبدیل به فضایی مصرف زده، سطحی و کاملاً صوری می‌شود. در این فضای جدید، دیگر انسان‌ها به دنبال تعالی نیستند. این جامعه، برای آن که به جهان اول برسد، به دنبال این نیست که منابع توسعه انسانی خود را رشد بدهد، دانشگاه‌های خود را تقویت کند و...؛ بلکه به دنبال این است که شکل ظاهری خود را تغییر دهد و چون این تغییر زود او را دلزده می کند، به سرعت به دنبال اشکال ظاهری جدید می‌رود و اگر این ظواهر جدید را به او ندهیم یا آنها را خلق می کند و یا از دیگران می گیرد. در واقع رشدی که شما به آن اشاره کردید، ناشی از این تغییر مدل جامعه است که به خصوص در طی ۲۵ سال گذشته چنین بوده است. این پدیده بیشتر در چه طیفی از افراد جامعه متمرکز است؟ گرایش به تنوع و تغییر خاص، بیشتر در افراد زیر ۳۵ سال جامعه است؛ زیرا افراد بالای ۳۵ سال، معمولاً از لحاظ خصوصیات روانشناختی و ویژگی‌های خاص سنی، رویکرد چندانی به مد ندارد. سن میان سالی، سن محافظه‌کاری

و سن تثبیت است. سن نهادینه شدن مفاهیمی است که فرد پیش از این آموخته است؛ چه این مفاهیم مثبت باشند و چه منفی و در بحث ما جای نمی‌گیرد؛ در حالی که جوانی، سن تغییر و تحول است. محال است شما جوانی را ببینید که در طول هفته یک لباس بپوشد؛ ولی یک میان سال را به راحتی از لباس‌هایش می‌توان تشخیص داد. در جامعه ما نزدیک به ۴۰٪ از افراد را ۱۵ تا ۳۰ ساله‌ها تشکیل می‌دهند؛ یعنی جمعیتی معادل ۲۵ میلیون نفر. این جوانی جمعیت نشان می‌دهد که جامعه ما ذاتاً به دنبال تحول و تنوع است. جامعه‌ای که عنوان دومین کشور جوان جهان را بر دوش می‌کشد و این مسئله، بار مسئولیت ما را سنگین‌تر می‌کند و نباید آن را از یاد برد. با توجه به صحبت‌هایتان، شما مد را صددرصد نفی و طرد نمی‌کنید؛ ولی آیا صددرصد تأیید می‌کنید؟ متأسفانه در جهان معاصر، مراجع سنتی که قابلیت ایجاد تحول رفتاری در زندگی انسان را داشته‌اند، – به ویژه در کارکردشان در مورد جوان و نوجوان، – دچار نوعی کاهش اقتدار شده‌اند و جای آن‌ها را مراجع دیگری گرفته‌اند که در جهت دادن به زندگی و مفهوم آن از دیدگاه خود، به شدت مشغول فعالیت می‌باشند. با توجه به شناختی که ما از این مراجع مدرن – مثل رسانه‌ها، موسیقی، تصویر، فیلم و... – داریم و این که این مراجع بر زندگی جوان ما مستولی است و با توجه به مصداق هایی که «مد» را در جامعه، معرفی و عرضه می‌کند، به نحوی مدگرایی را یک خطر در زندگی انسان معاصر قلمداد می‌کنم. منظور از مراجع، همان نیروهای فکری تأثیرگذار بر انسان است که می‌تواند یک معلم یا یک استاد دانشگاه یا یک خانواده و یا یک دولت باشد. هر کسی که به نحوی بتواند بر رفتار انسان تأثیر بگذارد، یک مرجع فکری محسوب می‌شود و چون رفتار، محصول تفکر است، پس این مرجع قبل از آن که بتواند بر کردار تأثیر بگذارد، باید بر افکار آدمی تأثیر گذارده باشد. پیش از این، نیروهای فکری تاثیرگذار اقتدار داشتند و مردم نیز نسبت به این نیروها، احساس نیاز می‌کردند. از این رو جامعه طلب راهکار می‌کرد و آنان هم راهکار ارائه می‌کردند؛ اما امروزه نقش این مراجع فکری ، به شدت کاهش یافته و مراجع جدید جای آنها را گرفته‌اند. چرا؟ یکی از دلایل، تغییر فضا و سرمایه‌زده شدن یا به عبارت دیگر اقتصادزده شدن جهان است و دلیل دیگر، کمرنگ شدن حضور جدی این مراجع در جامعه می‌باشد. در جامعه متحول امروز، باید پابه‌پای زمان و تحولات سریع آن پیش رفت؛ اما مراجع سنتی از این پیشرفت زمانه، عقب مانده‌اند. در واقع شما علت را از دو جنبه بررسی کردید؛ یکی از درون جامعه که مربوط به ثروت گرایی و اقتصاد محوری است و دیگری از جنبه خود مراجع که باید مؤثرتر از این عمل می‌کردند و چون این گونه نبوده، کنار زده شده و در حاشیه نشسته‌اند. بله، کاملاً صحیح است. مصرف زدگی، به دنبال تغییر ظواهر زندگی است. وقتی گفته می‌شود که ما وارد یک جهان نو شده‌ایم، یعنی وارد جهانی با معیارهای جدید شده‌ایم؛ پس باید با توجه به این معیارها، به جوان الگو بدهیم. متأسفانه مراجع سنتی ما نتوانسته‌اند فضاهای جدید را بپذیرند. معیارهای جدید، عوامل و ابزار جدید را می‌طلبد. مراجع باید آنها را بشناسند و در جهت ترویج و تبلیغ مبانی مورد تأیید خودشان، از آنها استفاده می‌کنند؛ اما گویا مراجع فکری سنتی از زمان عقب مانده‌اند و نتیجه این شده که نوجوان و جوان ما که به دنبال الگو می‌گردد، به سراغ الگوهای جهانی می‌رود. به طور قطع، او فضای زندگی خود را عریان و تهی نمی‌گذارد و به هر حال آن را پر می‌کند. در این صورت شما از یک طرف، نبود الگوی متناسب با زمان و فرهنگ را در نظر بگیرید و از طرف دیگر یک فضای خالی و مستعد برای پذیرش الگوهای جهانی را – با قدرت و عزم جدی رسانه‌های غربی – کنار آن بگذارید و ببینید چه پیش می‌آید. رسانه‌های غربی فقط به دنبال پر کردن اوقات فراغت جوانان نیستند و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای و فیلم‌های هالیوود، کاملاً هدفمند عمل می‌کنند. فیلم‌هایی که ما به اسم ماچوئزیم می‌شناسیم، قبضه زندگی نوجوان و جوان را در دست گرفته‌اند. فیلم‌هایی که یک قهرمان افسانه‌ای – سوپر من – را تداعی می‌کند و آن قدر، قدرت دارد که می‌تواند بر محدودیت‌های پیرامون خود غلبه کند. نفس این قدرت نمایی، از آرمان‌های جدی انسان معاصر است. نمونه بارز این فیلم‌ها، مجموعه فیلم‌های هری‌پاتر است که به محض ورود به کشور ما، به سرعت در سراسر کشور پخش شد و در دسترس نوجوانان و جوانان قرار گرفت. هری‌پاتر، پدیده قرن ۲۱ است که تمام آرمان‌های یک نوجوان را برای یک زندگی متعالی در خود دارد. به وضوح می‌بینیم که این الگو

دادن‌ها، با تمام مبانی روانشناسی مدرن منطبق است و مبتنی بر کشفیات باطن انسان و روان اوست. الگو دهنده، راه‌های نفوذی را دقیقاً می‌شناسد و به این ترتیب، بر تمام جهان تأثیر می‌گذارد. حال این قدرت تأثیرگذاری را در کنار کاهش قدرت مراجع سنتی بررسی کنید؛ نتیجه این می‌شود که گرایش، بیش از پیش به سمت مدهای وارداتی است. ریشه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی این پدیده چیست؟ تعریف یک زندگی خوب در جهان امروز، این است که شما یک شغل خوب داشته باشید؛ یک ماشین خوب داشته باشید و بتوانید حداکثر بهره مادی را از زندگی ببرید. در این تعریف، معیارها کاملاً صوری وظاهری است؛ نه باطنی و معنوی و چون انسان تجربه تمام پدیده‌های لذت گرا را به دست می‌آورد، بعد از مدتی، زندگی‌اش به یک مدار بسته تسلسل و تکرار تبدیل می‌شود و بنای زندگی‌اش بر این قرار می‌گیرد که فقط به نیازهای غریزی‌اش، در جهت کسب لذت بیشتر پاسخ دهد و چون بسترهای ارضای غریزه محدود است، پس از مدتی دست به تنوعاتی می‌زند که گاه انحراف‌آمیز است و نتیجه تأسف بارش، انواع رابطه سکس در غرب امروز است که آمار وحشتناکی است. چرا؟ چون ذات انسان به دنبال تنوع و تکثّر است. جهانی که همه چیزش در حال تکرار است، دلزدگی و ملامت را در روح انسان پدید می‌آورد. بنابراین، انسان امروز، انسانی است کم حوصله‌تر، خسته‌تر، پژمرده‌تر، افسرده‌تر و دلزده‌تر از دیروز.

پاسخ(قسمت دوم)

گویا آدم‌های امروز وقت کم می‌آورند. بله، همین طور است. به طور کلی پروسه قدرت و ثروت،چون پروسه رقابت است، به شما اجازه تأمل نمی‌دهد و باید همواره بدوید تا از سرعت دنیای دیجیتال عقب نمانید. این که به کجا می‌روید، مهم نیست؛ بلکه باید بدوید تا از همسایه عقب نیفتید و وقتی به آخر خط می‌رسید، می‌بینید که هیچ خبری نیست و دنیا همان است که بود. در دنیای امروز، اصل، ارضای غرایز نیست؛ بلکه تنوع در ارضای غرایز است. انسان خسته‌ای که زیر گردونه تکرار، زندگی خویش را بر فنا؛ّعۀ می‌بیند، به دنبال خلق راه‌های جدید می‌گردد. راه‌هایی که مهم نیست از کجا و با چه هدفی به وجود آمده‌اند؛ مهم این است که انسان از این راه‌ها بتواند تکرارها را کنار بزند، فضاها را بشکند و راه‌های جدید را بیابد. مد، امروزه جزئی از زمان انسان است؛ یعنی لحظه به لحظه به دنبال تغییر قالب‌ها و شکستن موانع است. بله، در جهان امروز، مُد نسبت ذاتی با زمان انسان پیدا کرده است و این نکته خیلی مهم است. برخی شبکه‌های ماهواره‌ای که به شبکه نیوشون (مد) معروف هستند، کارشان تولید و عرضه مدهای جدید است. برنامه این شبکه‌ها در ۲۴ ساعت شب و روز، نشان می‌دهد که مد، جزء لاینفک و ذاتی زندگی انسان شده است. از ابتدای بحث تاکنون، بیشتر به مدهای ظاهری پرداختیم؛ شکل ظاهری لباس، آرایش مو و صورت و... آیا شما شکل دیگری از مد را سراغ دارید؟ تلقی جامعه از «مد» همین تغییر شکل ظاهری است؛ اما در روانشناسی و جامعه‌شناسی، مد را فراتر از این و خیلی عمیق‌تر می‌بینیم. انسان با حرص و ولع، به دنبال خلق مدهای جدید - اعم از ظاهری و روحی و روانی - است. وقتی یک جوان، یک هنر پیشه هالیوود یا یک خواننده راک یا یک فوتبالیست را به عنوان الگوی اصلی زندگی‌اش انتخاب می‌کند، در واقع در صدد ارضای روحیه مدگرای خود در بعد الگویی است. بر اساس پروسه‌ای که رسانه‌ها در خلق مدهای جدید، ایجاد کرده‌اند، دیگر مراجع سنتی نمی‌توانند به جوان خط بدهند و او را هدایت کنند؛ چون جوان منتظر خط دهی آنها نمی‌نشیند و به همین دلیل است که مدها خیلی سریع از سوی جوامع پذیرفته شده، در آنها نهادینه می‌شوند و خیلی زود به جزء رفتاری جوامع، بدل می‌شوند. برای رفع این فاصله بین جامعه و مراجع فکری در جوامع سنتی چه باید کرد؟ من دو راهکار به هم پیوسته را پیشنهاد می‌کنم؛ اوّل این که مراجع فکری ما، باید به خودشان بیایند و رسالت خود را باز شناسند و بدانند که باید در جامعه الگوآفرینی و موج آفرینی کنند و الگوهایشان هم امروزی و با توجه به زمان باشد. برای این کار، مراجع ما در درجه اول به یک مخاطب‌شناسی جدی نیاز دارند؛ یعنی باید بدانند که انسان عصر حاضر، انسانی است تنوع‌طلب و تجدد طلب و این امر، نیاز ذاتی اوست و قابل نفی و طرد هم

نیست و در درجه دوم، باید به یک بینش عمیق در شناخت زمان دست یابند و در یک جمله، یعنی زبان زمانشان را بفهمند. هر زمانی، زبان خاص خودش را دارد و یک مرجع فکری، اگر می‌خواهد تأثیرگذار باشد، باید با این زبان و رموزش آشنا باشد. دومین راهکار که در واقع جدا از مسئله اول قابل بحث نیست، این است که ما به جای منع و نفی مد - حتی مدهای جهانی - ابتدا باید از طریق فیلترهای داخلی مثل وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و... این مدهای وارداتی را پالایش کنیم و مدهای خوب را برای مصرف جوانان خود ارائه دهیم. همه مُدها بد نیستند. در همین هالیوود، فیلم‌های تأثیرگذار فراوانی دیده می‌شود که مبانی قوی معنوی و انسانی را القا می‌کند. فیلم «رویاهایی که می‌آیند»، یکی از اینهاست که درباره بهشت و جهنم است و شباهت‌های بسیار زیادی هم با اعتقادات مسلمانان دارد. در یک نگاه منصفانه، نمی‌توان همه مدها را نفی و طرد کرد. وقتی مدهای خوب و مثبت را جدا کردیم، آنچه را که باقی می‌ماند، کاملاً منع نکنیم؛ بلکه بیاییم و در یک بحث علمی و موشکافانه و با دلایل منطقی، آنها را نقد کنیم تا جوان با آگاهی انتخاب کند و یک انسان خطی و سطحی نباشد؛ بلکه عمقی و چند بعدی فکر کند و تصمیم بگیرد. من درباره فیلم تایتانیک، این روش را تجربه کرده‌ام. هنگام ورود این فیلم به عرصه‌های جهانی، موج سنگینی کشور را فرا گرفت. تلاش وزارت ارشاد برای مجوز دادن به این فیلم از یک سو و تلاش گروه‌های مخالف برای منع آن از سوی دیگر، هیچ کدام صحیح نبود. این دعوای خانگی بین دو بخش از یک سیستم، تشنگی بیشتر مخاطب را در پی داشت. من این فیلم را در ۷۰ یا ۸۰ دقیقه خلاصه کردم و همراه نمایش آن در بسیاری از دانشگاه‌ها، برنامه نقد داشتم. فیلم را نقد می‌کردم و به این ترتیب، هم فیلم - به صورت مجاز و نه خلاف اخلاق - به نمایش درآمد و هم بیننده به یک شناخت عمقی از فیلم دست می‌یافت. این خیلی مهم است که به جوان آگاهی بدهیم؛ نه آن که هر چه را بر خلاف میل ماست، منع کنیم؛ زیرا این منع، نه امکان فنی دارد و نه توجیه عقلانی و در عین حال هم نمی‌شود فضا را کاملاً باز کرد. آگاهی دادن و نقد امواج مسموم وارداتی، بهترین راه حل است. تأکید می‌کنم که منع و نفی نکنیم؛ بلکه نقد کنیم و جهت بدهیم. جمع کردن ماهواره‌ها امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید نسبت به استفاده از آن در جامعه و خانواده به مخاطب آگاهی داد و در کنار آن، رفتار سازی و نمادسازی کرد. کدام نمادسازی؟ در این باره، جای سخن بسیار است؛ لطفاً بیشتر توضیح دهید. جهان پست مدرنیسم، جهان نمادهاست؛ نه مصداق‌ها و اگر شما بتوانید نمادها را در جامعه عینی کنید، تا حدود زیادی مسئله حل شده است. ما اگر بتوانیم بر اساس ارزش‌های خود تولید مد بکنیم، موفق خواهیم بود. مثال مناسب، واقعه عاشورا در فرهنگ اسلامی است که به یک نماد تبدیل شده است و همه در ایام عاشورا این نماد را رعایت می‌کنند. یک تمدن موفق، از مد استفاده می‌کند؛ نه این که آن را نفی می‌کند. به جای منع، ارزش‌های خود را در قالب مد، ارائه می‌دهد و تولید مد می‌کند. با سی‌دی‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها و با کمک ادبیات نمایشی قوی، مطبوعات و دیگر رسانه‌ها به کمک پروسه تولید مد می‌آید و آینده را در دست می‌گیرد. نبض رفتارسازی جامعه را به دست می‌گیرد و رسالت خود را به این ترتیب بهتر به انجام می‌رساند. به تازگی مراجع فکری جامعه ما به خصوص صدا و سیما، جسته و گریخته، دست به این الگوسازی و ارائه مد زده‌اند؛ این تولید مد، تا چه حد در قالب‌های ارزشی ما می‌گنجد؟ مراجع رفتارساز و تأثیرگذار در ایران، مراجع قوی و قدرتمندی نیستند ودر کنار این ضعف بزرگ، افزایش هجوم فرهنگی و معایب اینترنت - علاوه بر محاسنش - را در نظر بگیرید؛ ماهواره‌ها را هم فراموش نکنید و بعد ببینید ما در کجای این پروسه قرار داریم. گرچه صدا و سیما و به خصوص تلویزیون کم‌کم وارد گردونه ماچوئیسم می‌شود و روی جلال و جمال صوری کار می‌کند، اما در عین حال، ملاکی که برای خرید فیلم‌های خارجی در نظر گرفته می‌شود، این است که فقط سکس نداشته باشد و مواردی مثل دزدی، کشت و کشتار و... مطرح نیست. من یکی از فیلم‌هایی را که بررسی کرده‌ام، در طول ۹۰ دقیقه آن، شما ۴۸ مورد کشته می‌بینید و این نشان می‌دهد که صدا و سیما ناخواسته چیزهایی را به جامعه القا می‌کند که اصلاً مثبت نیست. تخریب روانی و میل به خشونت در این فیلم‌ها وجود دارد و اکثر سریال‌های تلویزیون، فعالیت یک گروه پلیسی را نشان می‌دهد؛ گرچه گاهی سریال هایی مانند افسانه شجاعان هم نمایش داده می‌شود که بنا

به روحیه عدالت‌خواهی قهرمانان فیلم، یک آرامش روانی را به بیننده القا می کند و موسیقی هم همین طور است. این که گرایش به مد، تخریبی باشد یا ممکن است جهت تخریبی پیدا کند، بستگی مستقیم به جهتی دارد که مراجع سنتی ما به مُد می‌دهند و این خیلی مهم است. صدا و سیما باید آگاهانه‌تر عمل کند. رسانه‌های ما در مورد اعتیاد خوب عمل کرده‌اند؛ اما اثر تربیتی مخربی را در مورد قرص‌های مهیج در پیش گرفته‌اند. مصرف سه‌بار این قرص‌ها، منجر به مرگ می‌شود؛ اما همواره در مجلات، از مخدر نبودن این قرص‌ها بحث می‌شود و این مسئله به طور غیر مستقیم، جنبه زشت و عامل بازدارنده در مصرف این قرص‌ها را از بین می‌برد و نوعی توجیه واعتماد در مصرف را ایجاد می کند که اصلاً خوب نیست. شما به مصداق‌های مد اشاره کردید و این که نسبت به مصداقی که مد با آن تعریف می‌شود، باید در مورد رد یا قبول آن نظر داد؛ درباره این مصداق‌ها برایمان بگویید. بر این مسئله تأکید می کنم که حتی در اسلام هم مدگرایی نفی نمی‌شود و عقل هم مُد را ردّ نمی کند؛ به ویژه که این مدگرایی از یک مبانی فکری ناشی می‌شود و آن هم نیاز به تغییر و تحول است و به قول فلاسفه، نیاز به صیرورت و شدن‌های متوالی است. اگر از این زاویه نگاه کنیم، نفس مسئله مورد تأیید است و ما هم از همین زاویه نگاه می کنیم؛ اما گاهی برخی از مفاهیم در زمان‌های خاص از نظر مصداقی تعریف می‌شوند و نه مفهومی و چون مصداق قابل نفی و رد است، مفهوم هم بنا به آن مصداق قابل رد می‌شود و مد یکی از آن مفاهیم است. ما گاهی هنر پیشه‌های زمان طاغوت را داریم که به عنوان مصداق، ضدارزش هستند و گاه الگوهایی را داریم که کاملاً ـ ارزشی و قابل قبول می‌باشند؛ مثل الگوهای دفاع مقدس. پس «مد» فی نفسه قابل قبول است؛ اما گاه بر اثر مصداق‌هایی که می‌پذیرد، ممکن است مطرود یا مقبول واقع شود. آقای دکتر! من به عنوان یک جوان دلم می‌خواهد هم از مظاهر مد پیروی کنم و در واقع یک جوان امروزی باشم و هم از سوی دیگر به ارزش‌های خودم پایبند بمانم و جوانی باشم که هم با جامعه پیش می‌رود و هم به مبانی ارزشی پایبند است؛ چطور می‌توانم از تک بعدی بودن بپرهیزم و یک جوان چند بعدی باشم و در عین حال، به تضاد و تناقض هم نرسم؟ فضا، فضایی پیچیده‌ای است. از یک طرف هم نظام حکومتی و هم نظام فرهنگی و هم فطرت پاک جوان می‌خواهد که ارزش‌های سنتی و انسانی بر زندگی او حاکم باشد و از طرف دیگر موج افسار گسیخته‌ای که جوامع را مورد هجوم خود قرار داده است، سبب شده که همواره مدهای نوینی که از معیارهای ضد انسانی نشأت می گیرد، بر رفتار و کردار حداقل بخشی از جوانان و نوجوانان حاکم شود که به عنوان یک واقعیت نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. هر چه جلوتر می‌رویم، به این تضاد بیشتر دامن زده می‌شود؛ اما شدت این اختلاف به گونه‌ای نیست که غیر قابل کنترل و مهار باشد. حل این تضاد باز هم تا حدود زیادی بر عهده مراجع فکری و الگوساز است. «رابرت برتون» در روانشناسی اجتماعی برای جوامعی که دچار این فاصله شده‌اند و به فکر درمان هم نیستند، چهار مرحله را پیش‌بینی می کند؛ اولین مرحله نوآوری است؛ اما نوآوری به معنای منفی آن؛ یعنی گرایش به خلق راه‌های جدید، برای رسیدن سریع به اهداف و آرمان‌ها تحت هر شرایطی و چون این راه‌ها بر اساس یک معیار عقلانی و منطقی سالم انتخاب نشده‌اند، به انحراف کشیده می‌شوند. مرحله دوم، تبدیل جامعه به یک جامعه سازمانی است. که در واقع بوروکراسی بر نظام جامعه حاکم می‌شود. مرحله بعد واپس‌زنی است؛ یعنی فرد به یک حالت انفعالی و بی‌خیالی رضایت می‌دهد و او آن‌قدر درگیر بحران‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود که دیگر نسبت به همه چیز بی‌تفاوت می‌شود و چون نمی‌تواند فاصله موجود بین حال و ایده‌آل را کم کند، یک واپس‌زنی ایجاد می‌شود. چهارمین مرحله شورش است؛ انفعال اگر مدت مدیدی ادامه یابد، جامعه را به انفجار می کشاند. اینها مواردی است که در هر جامعه‌ای ممکن است رخ دهد.

شنیده ام خود را به کوچه علی چپ زدن را مسیحیان ساخته اند و منظور از علی، حضرت علی (ع) است و به کار بردن آن صحیح نیست.

پرسش

شنیده ام خود را به کوچه علی چپ زدن را مسیحیان ساخته اند و منظور از علی، حضرت علی (ع) است و به کار بردن آن صحیح نیست.

پاسخ

این که عبارت یاد شده ساخته مسیحیان است و یا منظور، علی(ع) است چندان قابل اثبات نیست و لیکن شیطان و شیطان صفت ها، تلاش می کنند از هر راهی به حریم دین و مؤمنین نفوذ کرده به اسلام و امت اسلامی و مخصوصا رهبران و اشخاص تأثیر گذار در هدایت دینی مردم اهانت کنند. یکی از راه های آن همین ضرب المثل ها است. لذا گرچه مدرک معتبر برای اثبات گفتار فوق در دسترس ما نباشد ولی به لحاظ عملکرد شیاطین و سابقه رفتاری آنها، به نظر می رسد که دست دشمنان ولایت در کار است تا نام مقدس علی(ع) از قداست افتاده، آنگاه مردم را از اقتداء و اهتداء به آن وجود مقدس و نورانی محروم کنند. خدایا، بهترین نعمت و سرمایه دنیا و آخرت ما ولایت است که مغز و باطن توحید است. پس خودت این سرمایه را برای ما از دستبرد شیاطین درون و برون مصون دار و شر وسوسه گران خناس و توطئه گران علیه ولایت را از سر همه برطرف فرما.

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

پرسش

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

پاسخ

سخنان بیهوده و پریشان که ناخوشایند باشند. عادات مألوفه و شیوه‌های متبعه‌ای که نه بر مبنای عقل و خرد و نه بر پایه شرع و شریعت، بلکه به استناد خوابی که کسی دیده باشد یا عادتی که از گذشتگان به یادگار مانده باشد. این صفت را در انسان می‌توان به انحراف حالت دین جویی وی مستند دانست. اسلام در بدو ظهور خود با تمام قدرت، با این شیوه غلط به مبارزه برخاست. انسان را به یاد عقل در پرده کشیده‌اش آورد. و در صدد برآمد که فکر وی را از اوهام و خرافات و عقاید بی‌اصل و اساس برهاند و وی را به پیروی از عقل و منطق متوجّه سازد. جامعه جاهلیّتِ آن روز، سخت اسیر موهومات بود. این حالت، وی را از شکوفا شدن و به فعلیّت رسیدن عقل بالقوه‌اش باز می‌داشت. قرآن با ندای بیدار کننده توحید، وی را به خود آورد. قرآن غل و زنجیرهایی که خود به دست خویش بر گردن و دست و پا فکنده بود، بگشود(۱). مردم را از پیروی عادات پدران به پیروی عقل و خرد سوق داد(۲). به آنها فهمانید که چه کسی قادر است آدمی را از سختی‌ها و محنت‌های روزگار و بن‌بست‌های زندگی نجات دهد. به آنها آموخت که بایستی در حوادث ناگوار به چه کسی پناه برد. کدام شخصیّت قادر و مهربان و آگاه،شایسته است که وی را به یاری بخوانی و ندای تو را بشنود و تو را پاسخ گوید(۳). انسان را از بندگی بندگان آزاد ساخت و به بندگی آفریدگار خویش کشانید و رشته وابستگی به هزاران امید هوم از او بگسست و او را به پناهگاهی بایسته و شایسته ربط داد. « بخش پاسخ به سؤالات » ۱) سوره اعراف، آیه ۱۵۷. ۲) سوره بقره، آیه ۱۷۰. ۳) سوره اعراف، آیه ۱۹۴.

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می‌شود، شهید اطلاق نمی‌گردد؟

پرسش

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می‌شود، شهید اطلاق نمی‌گردد؟

پاسخ

هر فرهنگی، معیارها و قانون‌های خاصّ خود را دارد، و واژه‌ها نیز بر همین اساس، استعمال می‌شوند. مثلاً همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است. از آنجا که کار دین، انقلاب در انگیزه‌ها بوده است، پس بهترین انگیزه برای کارها و نیز، شرط قبولی اعمال را همین ایمان به خدا دانسته است. در قرآن آمده است:«من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینّه حیوة طیّبه؛(۵) هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و(به شرط آنکه) مؤمن باشد، به او زندگی طیب عطا می‌کنیم». و این روشن است که کار با هدف و انگیزه برتر، است. و امّا شهید کسی که به خویشتن و ارزش خویش واقف و شاهد شده و در بازار خریداران، عمر خود را به بهترین کس سپرده است. پس مدال شهید به او اعطا می‌شود. و نه به دیگری؛ زیرا اوست که به این ندای خداوند پاسخ داده که می‌فرماید:«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنهٔ؛(۶) خداوند جان و مال مؤمنان را در ازاء بهشت، از آنان خریده است». و این شهید است که حتی غسل ندارد(۷) و با لباس خویش به خاک سپرده می‌شود. البته در دیدگاه وسیع قرآن، نیکوکاران با بدکاران مساوی نیستند، امّا هر عملی با میزان‌های ویژه سنجیده می‌شود. « بخش پاسخ به سؤالات » ۵) سوره نحل، آیه ۹۷. ۶) سوره توبه، آیه ۱۱۱. ۷) اگر در معرکه جنگ شهید شود.

معیارها و ضوابط در فرم و شکل لباس مطلوب چیست و آیا لباس شیک و زیبا مانعی دارد؟

پرسش

معیارها و ضوابط در فرم و شکل لباس مطلوب چیست و آیا لباس شیک و زیبا مانعی دارد؟

پاسخ

تردیدی نیست که لباس باید با نیازهای انسان هماهنگ باشد امّا این نیاز اگر به دست مد روز و تنوع طلبی بیفتد هم نشئت روحی و روانی ایجاد می‌کند و هم مخارج سنگین را به عهده می‌آورد. به همین دلیل در دین مترقّی ما حتّی برای رنگ در لباس تمحیداتی در نظر گرفته شده، مثلاًـ رنگ سفید ممدوح و رنگ سیاه مکروه است مگر در جاهایی که استثناء شده باشد(مثل عزاداری امام حسین«علیه السلام») ولی از آن جا که جنس، سن، فضا و خیلی از شرایط در نوع پوشش اثر دارد برای مثال زنان به خاطر حساسیّت اندام باید لباس‌های تیره را در اجتماع انتخاب کنند امّا در مجالس خودمانی و خانوادگی به ویژه برای همسر، هرگز انتخاب رنگهای جذاب و با نشاط مانعی نداشته بلکه تشویق شده است. پوشیدن لباس مردان برای زنان و بالعکس تحریم شده است. لباسهایی که با فرهنگ و سنّت‌های حاکم بر جامعه اسلامی در تضاد است اشکال دارد. لباس شهرت، که چشم‌ها را به خویش جلب می‌کند و مورد نکوهش شدید است. و در بعضی موارد محرّم. این مرزها به خاطر مبانی معرفتی دین است. دین می‌خواهد انسان به سوی خدا برود که بهترین و بالاترین جهت زندگی و سعادت اوست. و هیچ کس حق ندارد با لباس یا اندام خویش دلها را منحرف کند و از رشد باز دارد. و در این باره کتابهایی از دکتر پاک‌نژاد (اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، بهداشت لباس) و دکتر اردوباری مراجعه گردد. در استفتائات مراجع گرامی نیز احکام لباس تبیین شده است. در نهایت اسلام با انواع لباس پوشیدن مخالفتی ندارد لباس زیبا

و شیک پوشیدن از نظر اسلام گناهی نیست ولی مدپرستی و هواپرستی و به دنبال شهوات حرکت کردن مذموم است و مال را بیهوده در راه مد پرستی‌ها و غربزدگی‌ها مصرف کردن از نظر اسلام ممنوع است، آری انسان سرمایه مملکت و محصول زحمات خود را بی‌جهت به جیب مدسازان اروپایی بریزد صحیح نیست البته لباسهایی که زنان یا جوانان می‌پوشند که باعث برانگیختگی شهوت یکدیگر می‌شود به هر صورتی که باشد حرام است و گناه دارد زیرا فساد و خطری که از این جهت جامعه را تهدید می‌کند بسیار و غیرقابل جبران است البته زن برای شوهر خود آن هم در داخل خانه به هر جوری که مایل باشد خود را زینت دهد و آرایش کند اشکال ندارد بلکه از نظر اسلام ثواب هم دارد. « بخش پاسخ به سؤالات »

منشأ مراسم چهلم برای مردگان چیست؟

پرسش

منشأ مراسم چهلم برای مردگان چیست؟

پاسخ

مراسم چهلم برای اموات در بین شیعیان مرسوم است و در بین اهل سنّت و دیگر فرق مرسوم نیست. این رسم در بین پیروان ائمه و شیعیان ناشی از (اربعین) چهلم امام حسین(ع) می‌باشد که به خاطر تجلیل از شهدای کربلا و یاد آوری آن مظلومان برای همه مردم و برای همیشه تاریخ بنیاد نهاده شده و برای این که درسی باشد و واقعه عاشورا در ذهن‌ها بماند و به دست فراموشی سپرده نشود، لذا امام حسن عسکری(ع) فرمود: علائم شیعه پنج چیز است: ۱- زیارت اربعین امام حسین(ع)؛ ۲- بلند خواندن بسم اللّه در نمازها؛ ۳- سجده کردن بر خاک؛ ۴- ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز؛ ۵- به دست کردن انگشتر عقیق.(۱) زیارت کردن جابربن عبداللّه انصاری با عطیه کوفی در چهلم امام حسین(ع) که در تاریخ ماندگار شده و سخنان و زیارت جابر بر سر قبر حسین(ع) از وقایع و حوادث و مؤثر در تاریخ اسلام است. با توجه به این که جابر از شخصیت‌های پذیرفته شده بین فرق اسلامی است و کار و عمل و گفتار جابر به عنوان حجت و دلیل نزد بسیاری از مسلمین مورد قبول است، زیرا از صحابه پیامبر است و عمری دراز داشته و امام پنجم را درک کرده و سلام پیامبر را به حضرت رسانیده است، لذا پیروان اهل بیت و شیعیان در تمام مراسمی که برای اموات خود می‌گیرند سعی می‌کنند احیاگر راه و رسم حسین باشند. مراسم چلهم هم به عنوان یک کار پسندیده و خوب، نزد محبین اهل بیت(ع) محسوب می‌شود و هدف شیعیان از مراسمی که برای اموات خود می‌گیرند زنده کردن راه و رسم اهل بیت(ع) است، در روایات درباره اربعین آمده: پیامبر(ص) در سن ۴۰ سالگی به پیامبری مبعوث شد". صدع (ص) بالرساله... وله یومئذ اربعون سنة.("۲) انسان در سنه ۴۰ سالگی به کمال عقلی می‌رسد": اذا أتت علی العبد اربعون سنة قیل له، خذ حذرک("۳) امام باقر(ع) فرمود": وقتی بر بنده خدا چهل سال گذشت، به او گفته می‌شود: دامنت را جمع کن (مواظب خود باش). پیامبر (ص) فرمود: اگر چهل نفر درباره امری دعا کنند خداوند دعای آنان را مستجاب می‌کند.(۴) امام صادق(ع) فرمود": اذا مات المؤمن فحضر جنازته ارعبون رجلاً من المؤمنین فقالوا": اللّهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا "قال اللّه تعالی: انّی قد اجزت شهادتکم و غفرت له ما علمت مما لا تعلمون.("۵) هنگامی که مؤمنی فوت می‌کند و چهل نفر از مؤمنین بر جنازه او حاضر می‌شوند و می‌گویند": خدایا ما به جز خوبی از او ندیدیم و تو داناتر هستی "خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: من شهادت شما را در حق او قبول کردم و او را بخشیدم. در روایاتی وارد شده که هر کس چهل حدیث حفظ کند، خداوند او را فقیه محشور می‌گرداند": من حفظ علی امّتی اربعین حدیثا ینتفعون به بعثه اللّه تعالی یوم القیامة فقیها عالما.("۶) میقات حضرت موسی چهل شب": و واعدنا موسی ثلاثین لیله

فاتممناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلهٔ."(۷) آدم بر هابیل چهل شب گریه کرد.(۸) و آسمان بر حسین (ع) چهل روز خون گریست.(۹) پیامبر(ص) فرمود": ما أخلص عبداللّه عزوجل اربعین صباحا الاـ جرت ینابیع الحکمهٔ من قلبه علی لسانه."(۱۰) هر بندهای که ۴۰ شبانه روز برای خدا اخلاـص داشته باشد، چشمههای حکمت از قلبش بر زبانش جاری میشود. پی نوشتها: ۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۸. ۲. بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۲۸۱، ح ۲۵، طبع بیروت. ۳. همان، ج ۷، ص ۳۸۹، ح ۷، طبع بیروت. ۴. همان، ج ۹۰، ص ۳۹۴، ح ۶، طبع بیروت. ۵. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۶، ح ۲۷. ۶. همان، ج ۲، ص ۱۵۶، ح ۸. ۷. سوره (۷) آیه ۱۴۲. ۸. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۴۴، ح ۴۹. ۹. همان، ج ۴۵، ص ۲۰۶، ح ۱۳. ۱۰. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲، ح ۱۰، طبع بیروت.

از نظر دین و فرهنگ آیا زن میتواند از مرد خواستگاری کند؟ اگر میتواند از چه راهی اقدام کند؟

پرسش

از نظر دین و فرهنگ آیا زن میتواند از مرد خواستگاری کند؟ اگر میتواند از چه راهی اقدام کند؟

پاسخ

از نظر اسلام اشکال ندارد زن از مرد خواستگاری کند، ولی از نظر فرهنگ کنونی ما معمولاً اگر زن از مرد خواستگاری کند، تحقیر میشود، مگر از طریق واسطه علاقه او گفته شود، اما با روحیه خاصی که زنان دارند بایستی آمادگی کامل داشته باشند تا اگر جواب رد شنیدند غمگین و دل شکسته نگردند. البته از چه راهی باید اقدام کرد، به صورت کلی نمیشود قضاوت کرد، هر کس باید ببیند از چه راهی برایش امکان دارد: یکی به وسیله نامه این تمایل رامی رساند، یکی به وسیله دوستان خود، یکی به وسیله خواهر و یا سایر بستگان، یکی به وسیله همسایگان و فامیل خود. باید بهترین راه را انتخاب کند تا از پی آمدهای احتمالی در امان باشد و باعث حرف و حدیث نشود.

آیا پوشیدن لباس سیاه در مرگ افراد, ریشهء مذهبی دارد و آیادعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار, ریشه مذهبی دارد یا رسم ملی است , نظراسلام چیست ؟

پرسش

آیا پوشیدن لباس سیاه در مرگ افراد, ریشهء مذهبی دارد و آیادعوت کردن مردم به صرف شام یا نهار, ریشه مذهبی دارد یا رسم ملی است , نظراسلام چیست ؟

پاسخ

پوشیدن لباس سیاه در عزاداری امام حسین : و دیگر ائمه : به دلیل این که از مصادیق تعظیم شعایر است , رجحان شرعی دارد و بسیاری از بزرگان در روز عاشورا, لباس سیاه می پوشیدند به علاوه در برخی از روایات وارد شده (۱) که برخی از اولیای الهی در عزای عزیزانشان از لباس سیاه استفاده می کردند ;البته استفاده از لباس سیاه , حتی برای زنان در حال نماز مکروه است , ولی در عزاداری استثنا شده است .(۲) دعوت کردن مردم به صرف شام یا ناهار, اطعام بوده که در اسلام به اصل اطعام , سفارش شده است , هم چنین خیرات و مبرّات برای کسانی است که از دنیارفته اند و این احسان در مغفرت و آمرزش آنان مؤثر است , لیکن از نظر

فقهی ,مستحب است تا سه روز برای بازمانگان میّت غذا ببرند و اسباب مزاحمت آنان رافراهم ننمایند ;بنابراین , آن چه در میان ما ایرانیان مبنی بر دعوت مهمان ها به غذادر ایام عزا و مرگ افراد, رواج دارد, نوعی رسم ملی است , گرچه این رسم , اگرباعث اذیت و آزار بازماندگان مرده نشود و با رضایت کامل آنان صورت گیرد, رسم خوبی است که موجبات آمرزش , رحمت و عفو را فراهم می سازد. (پاورقی ۱.ر.ک : ابوالحسن منذره علی , کتاب سیاهپوشان . (پاورقی ۲.ر.ک : محمد کاظم طباطبایی یزدی , العروة الوثقی , ج ۱ ص ۵۷۲(منشورات مؤسسة العلمی للمطبوعات ;) ر.ک : آیت ا... محمد فاضل لنکرانی , جامع المسائل , ج ۱ ص ۶۲۱ سؤال ۲۱۷۰

در مراسم عزاداری اهل بیت : مشاهده می شود که عده ای ازجوانان , لباس از تن در آورده , سینه می زنند, در حالیکه روحانی ها آرام و بدون سر وصدا سینه می زنند. کدام یک از این دو برتر است و ثواب بیشتری دارد؟

پرسش

در مراسم عزاداری اهل بیت : مشاهده می شود که عده ای ازجوانان , لباس از تن در آورده , سینه می زنند, در حالیکه روحانی ها آرام و بدون سر وصدا سینه می زنند. کدام یک از این دو برتر است و ثواب بیشتری دارد؟

پاسخ

عزاداری در ایام مصایب اهل بیت عصمت و طهارت : بسیارمطلوب و از افضل قربات است ; یعنی موجب تقرب انسان به مقام قرب ربوبی می گردد.(۱) هر چه عزاداری بیان گر سوز و گداز بیش تری باشد, بهتر است ; البته عزاداری وسینه زنی باید همراه با معرفت و شناخت بیش تر اهل بیت : باشد. بدون شک استفاده از منبر, مجلس وعظ, ارشاد عالمان دین و آشنایی با زندگانی اهل بیت عصمت و طهارت از طریق واعظان محترم , بسیار خوب است . در طول تاریخ ,علما, مراجع معظم تقلید و روحانیت مکرّم در مجالس عزاداری شرکت می کردند وخود زمینهء مجالس عزا و سینه زنی و زنجیر زنی را برای اهل بیت : فراهم می نمودند و عزاداران را تشویق می کردند, لیکن گاهی شئونات عرفی اقتضا می کندکه عالمان دین , بدون سر و صدا و با متانت و وقار, اقدام به سینه زنی و عزاداری نمایند. (پاورقی ۱.ر.ک : امام خمینی , استفتائات , دربارهء عزادای و سینه زنی .

چه دلیلی بر نحوهء خاص عزاداری برای ائمه , همچون سینه زنی یا زنجیر زنی وجود دارد؟

پرسش

چه دلیلی بر نحوهء خاص عزاداری برای ائمه , همچون سینه زنی یا زنجیر زنی وجود دارد؟

پاسخ

اصل عزاداری برای ائمه : به ویژه برای سیدالشهدا۷موردتوجه اولیای دین است ; زیرا عزاداری به صورت گریه و برپایی مجالس و ذکر وگریاندن و نوحه خوانی , احیای خط ائمه و تبیین مظلومیت آنان است . امام باقر۷در زمینهء برپایی عزا در خانه ها برای امام حسین ۷می فرماید: .(۱) استاد مطهری می گوید: عزاداری حسین بن علی ۷یک حرکت است ; یک موج است ; یک مبارزهء اجتماعی است .(۲) این عزاداری به شیوه های مختلف مانند روضه های خانگی و دسته های عزاداری و هیأت های سینه زنی و

زنجیر زنی و پوشیدن لباس مشکی انجام می گیرد و از دیرباز مطرح بوده و جنبهء مردمی یافته است . این گونه شیوه ها چون با روح و جان و عاطفهء شیعه آمیخته است , عامل جذب و تشکل شیفتگان اهل بیت : می گردد. از روایات بر می آید شیوه ءمرسوم نزد مردم , بیش تر مورد اهتمام ائمه : بوده است . ابوهارون می گوید: روزی خدمت امام صادق ۷رسیدم . حضرت فرمود:برایم شعر بخوان . من نیز خواندم . حضرت فرمود: نه این طور, بلکه همان گونه که برای خودتان شعر خوانی می کنید و همان گونه که نزد قبر حضرت سیدالشهدا مرثیه می خوانی .(۳) حفظ این سنت , ضامن تداوم خط اهل بیت است . امام خمینی ره همواره برحفظ عزاداری سنتی تأکید می کرد ;بنابراین دلیل اصل عزاداری , در مورد سینه زنی و زنجیر زنی کفایت می کند و دلیل جداگانه ای لازم ندارد. البته باید عزاداری از هر گونه خرافته و اعمال ناروا به دور باشد, تا قداست آن محفوظ گردد. (پاورقی ۱.جواد محدثی , فرهنگ عاشورا, ص ۳۱۲ (پاورقی ۲.استاد مطهری , نهضت های اسلامی صد ساله اخیر, ص ۸۹ (پاورقی ۳.بحارالانوار, ج ۴۴ ص ۲۸۷

چرا سؤال های شخصی جوانان را جواب نمی دهید؟ آیا تیپ زدن اشکال دارد؟

پرسش

چرا سؤال های شخصی جوانان را جواب نمی دهید؟ آیا تیپ زدن اشکال دارد؟

پاسخ

خوشبختانه واحد پاسخ به سؤالات تمام سؤال های ـ اعم از شخصی و غیر شخصی , مذهبی وغیر مذهبی , از جوانان و غیر جوانان , از زنان و مردان ـ را پاسخ می دهد. شما می توانید با اطمینان کامل هرگونه سؤالی را ـ با مکاتبه یا تلفن ـ بپرسید و ما هم راز دار اسرار شماهستیم . تیپ زدن که عبارت از انتخاب شکل و قیافهء خاصی برای خود است , اگر مستهجن نباشد و موجب سبکی وزشتی و انگشت نمایی نشود, اشکالی ندارد, ولی خوب است جوانان مسلمان از ظاهری آراسته و زیبا و معقول برخوردار باشندو از ظواهر اسلامی خود را جدا نکنند.

یک نوجوان موهایش را چگونه و به چه مدلی کوتاه کند؟ آیا زدن عطر و ادکلن اشکال دارد؟

پرسش

یک نوجوان موهایش را چگونه و به چه مدلی کوتاه کند؟ آیا زدن عطر و ادکلن اشکال دارد؟

پاسخ

انسان می تواند به هر نوع و هر شکلی که مستهجن و زشت نباشد و در جامعه انگشت نما نشود,مو و زلف های خود را آرایش کند. تمیزی و نظافت و منظم بودن وضع لباس و سر و صورت , از سفارش ها ودستورهای اسلامی است . زدن عطر و ادکلن مخصوصاً عطرهای خوش بو مانند عطر گل محمّدی بسیار مناسب و خوب است . پیامبر اسلام ۶مقداری از پول خود را صرف خرید عطر و بوی خوش می کرد و از علما وصلحا نیز این روش پسندیده نقل شده است . در قرآن آمده است : تمیز و سر و صورت مزیّن) استفاده کنید. <مسجد رفتن , مخصوص پیران نیست ; شما نوجوانان نیز با هر نوع زیبایی و لباس به مساجد بروید. وضعیت سر و

صورت از ظواهر است ; زیرا آراستگی شیوهء پیامبران است , ان ّاللّه جمیل و یحب الجمال ; خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد. برای هر انسان مخصوصاً نوجوانان , پاکی دل و صداقت و رسیدن به عشق خدا و عبادت و نماز, از زیبایی خاصی برخوردار است . وضعیت سر و صورت و لباس را بر اساس وضعیت روحی و معنوی و بر اساس عشق به خدا و نماز تنظیم کنید. امام رضا۷فرمود: .(۱) امام صادق ۷فرمود: .(۲) پیامبر۶فرمود: .(۳) پیامبر اسلام ۶با مشک و عنبر خود را خوشبو می کرد.(۴) امام رضا۷با عود هندی خانه را خوشبو می کرد و با گلاب و مشک خود را خوشبو می کرد.(۵) از امام صادق ۷نقل شده است : هنگامی که خواستی روغن و کرم برای بدن و سر و صورت خوداستعمال کنی , بگو: اللّهم انّی سألک الزینهٔ والدین و اعوذبک من الشَیْن و الشنآن ; خدایا از تو می خواهم زیبا ودیندار باشم و از زشتی و بد اخلاقی به تو پناه می برم.(< ۶) در مورد موهای سر و صورت و شانه زدن , در روایات آمده است : پیامبر۶فرمود: هر کس موهایش راشانه کند, دچار بیماری مربوط به کثافت موها نمی شود.(۷) شانه زدن , ذهن (حافظه و هوش) را زیاد می کند و بلغم و زردی را از بدن دفع می کند.(۸) نیز پیامبر۶فرمود: .(۹) در پایان یادآوری این نکته ضروری است که اسلام از تمام ادیان و مذاهب به نظافت , بهداشت آرایش وتمیزی توجه بیشتری داشته بر آن بسیار تأکید کرده است . (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۷۶ ص ۱۴۰ (پاورقی ۲.همان , ص ۱۴۱ (پاورقی ۳.همان , ص ۱۴۲ (پاورقی ۴.همان . (پاورقی ۵.همان . (پاورقی ۶.همان , ص ۱۴۵ (پاورقی ۷.همان , ص ۱۱۷ (پاورقی ۸.همان . (پاورقی ۹.همان , ص ۱۱۶

جوان هایی که در کنکور قبول نمی شوند چگونه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند؟

پرسش

جوان هایی که در کنکور قبول نمی شوند چگونه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند؟

پاسخ

جوانی که در کنکور قبول نشده است . برای پرکردن اوقات فراغت باید اوقات شبانه روز خود را تقسیم کند, قسمتی را به آش پزی , نظافت خانه و کمک به مادر اختصاص دهند. ساعاتی را به کارهایی مثل خیاطی , قالی بافی , کامواقی , قلاب بافی و گلدوزی وو... بپردازد. حداقل هر روزی یک ساعت وقت خود را در خواندن نماز و تلاوت قرآن . و خواندن دعا اختصاص بدهد. پاره ای از ساعات را با استراحت و نگاه کردن به برنامه های تلویزیون وو... بگذراند. هر روزی چند ساعت مطالعه کند. اگر می خواهد در سال آینده درکنکور شرکت کند کتاب های درسی را تقسیم بندی کند و هر نیم ساعت و یا یک ساعتی یک و یا چند فصل یک کتاب را بخواند. و اگر نمی خواهد در کنکورشرکت کند کتاب هایی مثل توضیح المسائل و آشنایی با احکام اسلامی به خصوص احکام بانوان و کتاب های روان شناسی کودک , شوهر داری و... رامطالعه کند که برای آینده اش بسیار مفید خواهد بود. حضرت علی ۷فرمود: (۱) (پاورقی ۱.نهج البلاغه , کلمات قصار, شماره ۳۹۰

سفره ای به نام حضرت زهرا۳مرسوم است که می گویند باید این سفره در محلّ تاریک بازشود و هیچ مردی نباید سر سفره باشد! آیا این درست است ؟

پرسش

سفره ای به نام حضرت زهرا۳مرسوم است که می گویند باید این سفره در محلّ تاریک بازشود و هیچ مردی نباید سر سفره باشد! آیا این درست است ؟

پاسخ

مدرکی برای چنین اعتقادی , در جایی مشاهده نکردیم . البته خیرات کردن و سفره انداختن وطعام دادن , کار بسیار خوبی است , اما با این شکل و روش که مطرح کرده اید, مدرکی نیافتیم .

آیا عطسه نشانهء درستی موضوع است ؟

پرسش

آیا عطسه نشانهء درستی موضوع است ؟

پاسخ

از نظر اسلام , این گونه مطالب درست نیست , بلکه شبیه به خرافه است . از امام صادق ۷روایت شده که عطسه , امان از مرگ است و علامت سلامتی مزاج است , لذا مستحب است هنگامی که شخصی عطسه می زند به او بگوییم و طرف مقابل نیز بگوید ,(۱) اما صبر و مکث کردن و یا فرق گذاردن بین یک عطسه و دو عطسه , همگی افسانه و خرافه است که بایدمسلمان آگاه و دانا از این افسانه ها بپرهیزد و عزم را جزم کند و اساساً روح اسلام با این گونه مطالب سازش نداردتا آن جا که دستور می دهد هنگامی که بر کاری مصمّم شدید, اگر کسی فال بد زد اعتنا نکنید و بر خداوند توکل کرده به دنبال هدف بروید و فال بد زدن را نشانه شرک قرار داده است و همواره فرموده اند: (۲)همواره به خیر و نیکی تفأل بزنید تا آن خیر و خوبی را از پیشگاه حقّ دریابید. صدای زاغ , آهنگ جغد و پرش چشم و یا عطسه نباید در عزم و تصمیم انسان خللی ایجاد کند. (پاورقی ۱.سفینهٔ البحار, ج ۲ مادهء عطس . (پاورقی ۲.همان , مادهء سَمَت .

فامیلی هایی که به نام (محمدی) یا (حسینی) است , به افراد سیّد و صالح مربوط می شود ویا فامیلی به نام (مرادی) به ابن ملجم مرادی مربوط می شود, مشاهده می شود بعضی از افراد که به نام محمدی یا حسینی هستند, آدم های بدی هستند و یا بعضی از افرادی که به نام (مراد

پرسش

فامیلی هایی که به نام (محمدی) یا (حسینی) است , به افراد سیّد و صالح مربوط می شود ویا فامیلی به نام (مرادی) به ابن ملجم مرادی مربوط می شود, مشاهده می شود بعضی از افراد که به نام محمدی یا حسینی هستند, آدم های بدی هستند و یا بعضی از افرادی که به نام (مرادی) هستند آدم های خوبی هستند؟

پاسخ

فامیل هایی که افراد دارند, عناوین اعتباری هستند, چنان که اسم های افراد نیز اعتباری است ,پدری که نام فرزندش را حسن یا

حسین می گذارد یا مغازه داری که اسم مغازه اش را (حقیقت) نام می گذارد,هیچ دلیلی بر واقعی بودن این نام ها نمی شود ;یعنی نمی توان از این نام ها کشف کنیم که این مغازه هیچ کارخلاف حقیقت انجام نمی دهد یا این حسن و حسین هیچ وقت بد نمی شود. بسیاری از اسم ها و فامیلی ها این چنین هستند ;بنابراین , اگر فامیلی کسی محمدی یا حسنی یا حسینی یا ابوالفضل یا کاظمی یا غیره باشد, دلیل نمی شود که او سیّد است و یا آدم صالحی است و یا از نسل آنان است و بالعکس , اگر فامیل و نام کسی مرادی یابکری یا غیره باشد, دلیل نمی شود که آدم بدی است و یا از نسل ابن ملجم مرادی است .این نوع فامیل ها راحدود صد سال قبل روی افراد گذارده اند و هیچ ربطی به هزار سال قبل در زمان ائمه : ندارد. بسیاری از افرادخوب بوده اند که ما نام های آنان را نمی پسندیم , مثلاً معاویهٔ بن عمّار, معاویهٔ بن وهب , مفضل بن عمر, محمدبن سنان , ابان بن عثمان , عمربن علی بن ابی طالب , محمد بن مروان , عثمان بن عیسی و دیگران غالباً افرادخوبی بوده و از راویان حدیث بوده اند, پس اسم و فامیلی , دلیل بر خوبی یا بدی افراد نمی شود. یکی ازفرزندان حضرت علی ۷عثمان است . در قرآن کریم از القاب زشت نهی شده است و مردم نباید یک دیگر را با لقب زشت خطاب و در احادیث آمده است که نام خوب روی بچه ها بگذارید که آن ها احساس عظمت و غرور کنند.

چرا اجازه می دهند زنان و دختران به ورزشگاه ها بیایند و به مردان و پسران نگاه کنند؟متأسفانه شما تا به حال تذکر نداده اید.

پرسش

چرا اجازه می دهند زنان و دختران به ورزشگاه ها بیایند و به مردان و پسران نگاه کنند؟متأسفانه شما تا به حال تذکر نداده اید.

پاسخ

تا آن جا که ما اطلاع داریم , ورزشگاه های مردانه , تماشاگر زن نداشته است و چنین مسئله ای فقط یک بار در یکی از ورزشگاه های تهران در سال گذشته اتفاق افتاد که با اعتراضات شدید رو به رو شد. اگر در ورزشگاه های دیگر و در حال حاضر, تماشاگران زن مجاز هستند شرکت کنند, برای ما بنویسید تاتذکر دهیم .

چرا می گویند: کلّ یوم عاشوار و کلّ أرض کربلا؟

پرسش

چرا می گویند: کلّ یوم عاشوار و کلّ أرض کربلا؟

پاسخ

هر روز عاشورا و هر سرزمین کربلا است ; این جمله و شعار, نشان دهندهء پیوستگی و تداوم درگیری حق و باطل در همهء زمان ها و مکان ها است . عاشورا و کربلا- یکی از بارزترین حلقه های این زنجیره است . همیشه حق و باطل رو در روی هم قرار دارند و انسان های آزاده , وظیفهء پاسداری از حق و پیکار با باطل رابر عهده دارند و بی اعتنا گذشتن از کنار حق و باطل , بی دینی است . امام خمینی قدّس سرّه بارها به این نکته ءمهم توجه دادند, از جمله در ایّام جنگ تحمیلی : و در پیامی به مناسبت هفدهم شهریور فرمود: . . نبرد عاشورا, گر چه از نظر زمان , کوتاه ترین درگیری بود (نیم روز) ولی از نظر امتداد, طولانی ترین درگیری باستم و باطل است و تا هر زمان که هر آرزومندی آرزو کند کاش در کربلا بود و در یاری امام شهیدان , به فوز عظیم شهادت می رسید,

جبههء کربلا گرم و درگیری عاشورا دایر است . آن گونه که حسین ۷وارث آدم و ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و محمد است; پیروان عاشورایی او نیز وارث خط سرخ جهاد و شهادت اند و پرچم کربلا رابر زمین نمی نهند و این جوهر تشیّع در بُعد سیاسی است .(۱) (پاورقی ۱.جواد محدّثی , فرهنگ عاشورا, ص ۳۷۱ با تلخیص .

چرا به روز نهم و دهم محرّم تاسوعا و عاشورا گفته می شود؟ آیا فلسفه خاصی دارد یا چون در زبان عربی به این دو روز تاسوعا و عاشورا می گویند, ما هم به همان اسم می خوانیم ؟

پرسش

چرا به روز نهم و دهم محرّم تاسوعا و عاشورا گفته می شود؟ آیا فلسفه خاصی دارد یا چون در زبان عربی به این دو روز تاسوعا و عاشورا می گویند, ما هم به همان اسم می خوانیم ؟

پاسخ

همان طور که می دانیم در زبان عربی به روز نهمِ هر ماه تاسح یا تاسوعا, و به روز دهم , عاشر یاعاشورا گفته می شود, ولی چون در روز نهم و دهم ماه محرّم سال ۶۱ه. ق حادثهء بزرگ و جان سوز کربلا پیش آمد, بعد از آن سال تنها به روز نهم و دهم محرّم , تاسوعا و عاشورا اطلاق می شود, و فلسفهء خاصی ندارد ;هرچند, شاید بتوان از بعضی روایات , علّت و فلسفهء خاصی برای این نام گذاری پیدا کرد. به عنوان مثال , امام صادق ۷فرمود: پدرم به فدای کسی باد که او را غریب گذاشته و در تضعیف او کوشیدند.(<۱) در روایتی می خوانیم : حضرت موسی بن عمران ۷در مناجات خود عرضه داشت : بار خدایا! چرا امت حضرت محمّد را بر دیگر امت ها برتری دادی ؟ خطاب آمد: به خاطر ده چیز. حضرت موسی عرض کرد: آن ده چیز کدام است تا به بنی اسرائیل بگویم عمل کنند؟ فرمود: نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و جمعه وجماعت و قرآن و علم و عاشورا. حضرت موسی عرض کرد: عاشورا چیست ؟ خطاب رسید: عاشورا عبارت است از گریستن یا حالت گریه به خود گرفتن و نوحه و مرثیه خواندن در عزای سبط رسول خدا۶ ای موسی ! هیچ بنده ای از بندگانم بر حسین و مظلومیت او گریه و ناله نمی کند مگر این که اهل بهشت خواهد بود.(۲) (پاورقی ۱.محدّث قمی , سفینهٔالبحار, ماده تسح . (پاورقی ۲.الشیخ فخر الدین الطریحی , مجمع البحرین , ج ۳ـ ۴ مادهء عشر.

فرق بین مرد و پسر چیست ؟

پرسش

فرق بین مرد و پسر چیست ؟

پاسخ

در اصطلاح عرف , مرد به کسی می گویند که ازدواج کرد, و زن گرفته است و پسر به کسی می گویند که هنوز ازدواج نکرده است , ولی اگر پسر به سنّ بلوغ رسیده باشد, مرد است و فرقی با او ندارد. در لغت نامه , مرد را به انسان نر (مقابل انسان ماده) می گویند.(۱) (پاورقی ۱.لغت نامه دهخدا, ج ۴ ص ۴۸۹۳

به نظر من روز عیـد غـدیر بایـد به دیدار افرادی رفت که در عصـرخودشان بر محور ولایت فقیه حرکت می کنند و اگر از سادات باشـند. بهترند;حال نظر شـما در خصوص رسم موجود در جامعه که صـرف نظر از ویژگی های سادات و رویه آنان به دیدارشان می روند چیست ؟ و اگر آن را نمی پسندید

پرسش

به نظر من روز عیـد غـدیر بایـد به دیـدار افرادی رفت که در عصرخودشان بر محور ولاـیت فقیه حرکت می کننـد و اگر از سادات باشـند. بهترند;حال نظر شما در خصوص رسم موجود در جامعه که صرف نظر از ویژگی های سادات و رویه آنان به دیدارشان می روند چیست ؟ و اگر آن را نمی پسندید چه راه هایی را برای رفع آن پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

برادر مجتبی کیانی ! با آرزوی موفقیت برای شـما. مقدماتی که نوشته اید و منتهی به نتیجه مورد نظر شده است , بسیار عالی و به جا است و مانظر شـما را می پسندیم . همه سفارشات و توصیه های پیامبر۶راجع به اهل بیت : ذریّه و خاندانش در جهت تقویت امامت و ولاـیت بوده است و تشویق هـایی که از زبان پیامبر یا ائمه ۷در زمینه احترام به اهل بیت : شده است ,همگی باید در مسـیری باشـد که ولاـیت را تقویت کنـد و گرنه سـیدی که در زمان طاغوت امام جمعه تهران و منصوب از طرف محمـد رضا شاه بود, هرگز قابل احترام نبوده و نیست و در آخرت با محمد رضا محشور خواهد شد و در روایت است که امام رضـا۷فرمود: . ورسول اللّه ۶خطاب به فرزنـدان عبـدالمطلب فروده است : . خداونـد فرموده است : دمیـده شود, هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آن ها در آن روز نخواهد بود و ازیک دیگر تقاضای کمک نمی کنند. (چون کاری ازکسـی ساخته نیست) کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است , همان رسـتگارانند و آنان که وزنهء اعمالشان سـبک باشد, کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده , در جهنم جاودانه خواهند ماند.() (<پـاورقی ۱.مجلسی , بحارالانوار, ج ۷ ص ۲۴۱ حدیث ۱۱ آن چه در روایات به آن اهمیت داده شده شـیعه بودن و پیرو بودن است , نه سـید بودن ; البته سیدی که پیرو باشد, باید بیش تر مورد احترام قرار گیرد ;زیرایادآور دودمان پاک پیامبر۶و اهـل بیت : است ; دودمـانی که در پـاکی وطهـارت مَثَـل اعلاـ هسـتند و خداونـد آیهء تطهیر() را در شـأن ایشـان نـازل کرده اسـت ,(پـاورقی ۲.احزاب (۳۳ آیهء ۳۳ ولی سـید گنه کار, نه تنها مورد احترام نیست , بلکه بیش از یک انسان معمولی باید مؤاخذه شود. وقتی سـلمان غیر سـید و در برهه ای از زمان غیر مسـلمان , به خاطر پیروی واقعیش از اسـلام , یکی از خانـدان اهل بیت می شود,() (پـاورقی ۳..(بحارالانوار, ج ۱۷ ص ۱۷۰. بایـد متوجه شـد که معیارهـا در اسـلام چگونه است و شـیعیان بایـد به چه کسانی احترام بگذارند و روز عید غدیر به دیدن چه کسانی بروند و صـرف سـیدبودن ـ ولو سـیدی که با نظام ولایت فقیه مخالف است و در مقام ضدیت ودشـمنی است . نباید معیار دیدارها باشد, بلکه باید به دیدار سـیدی بروند که اگربه خاطر تبلیغات و به خاطر اوضاع آشـفته ,, لااقل طرف دار صددرصـد نظام وولایت فقیه نیست , خدای نکرده مخالف نباشد و پرچم ضدیت را بر در خانه خود نصب نکرده باشـد و دهان و زبانش به بـدگویی و عیب جویی از نظام ولایت فقیه باز نباشد. امام چهارم ۷فرموده است : زیرا آن کس از خاندان مـا که نیکوکـاری می کنـد, در حقیقت دو کـار کرده , یکی این که ماننـد دیگران کار نیکی کرده و دیگر این که حیثیت و احترام پیغمبر را حفظ کرده است .آن کس هم که گناه می کنـد, دو گناه مرتکب شـده است , یکی این که مانند دیگران کاربدی کرده و دیگر این که آبرو و حیثیت پیغمبر را از بین برده است ... اسـاس کار, پیونـدمعنوی و صـلاح عمل و اطاعت امر خـدا است , گو این که هیچ گونه نسبت و رابطه نسـلی و جسـمانی با ما نداشته باشد و هر کس گنه کار باشد از ما نیست , گو این که از اولادحقیقی و

صحیح النسب زهرا۳باشد.() (<پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۱ ص ۶۵ در خاتمه نظر آن برادر عزیز را به این مسئله جلب می کنیم که دیدار ازسادات و احترام به سادات , تداوم همان مسئله امامت و ولایت بوده است , به ویژه در زمان طاغوت , وقتی مردم به دیدار سادات , آن هم در روز عید غدیرمی رفته اند, می خواسته اند مسئله امامت و ولایت را تقویت کنند و خاطره غدیررا زنده نمایند و امروز هم , گرچه بعضی از عوام بدون توجه به مسئله ولایت فقیه , به دید و بازدید سادات می روند, ولی چون اساس این موضوع یک سنت حسنه بوده است , مخالفت با آن صلاح نیست , ولی می شود مردم را راهنمایی کرد که به دیدار ساداتی بروند که در خط ولایت و امامت باشند تا غیر از دید وبازدید معمولی که کارخوبی است , پاداش مضاعفی داشته باشند. ان شاءاللّه .

معنای این جمله چیست : کس پیراهن ندوخت که آخر قبا نکرد؟!

پرسش

معنای این جمله چیست : کس پیراهن ندوخت که آخر قبا نکرد؟!

پاسخ

قبا, لباس بلندی است و جلوی آن باز است و آن را با بند یا با دکمه می بندند. قبا کردن اصطلاحی است به معنای چاک کردن پیراهن و به معنای تنگ شدن معیشت و سخت شدن کار نیز می آید.(۱) ظاهراً مراد از جمله‌ء بالا- این باشد که هر کس پیراهن دوخت , بالاخره آن راچاک خواهد کرد و یا به دشواری و سختی خواهد افتاد ;کنایه از این که روزی خواهد مرد و قبا و پیراهن او را چاک خواهند زد و از بدنش بیرون خواهند آورد و اورا با کفنی داخل گور خواهند کرد. (پاورقی ۱.دهخدا, لغت نامه ; فرهنگ معین , لغت قبا.

این شعر به چه معنا است ؟ اگر با دیگرانش بود میلی چراظرف مرا بشکست لیلی ؟

پرسش

این شعر به چه معنا است ؟ اگر با دیگرانش بود میلی چراظرف مرا بشکست لیلی ؟

پاسخ

این شعر از مجنون است که عاشق لیلی بود. چون عاشقان لیلی فراوان بودند, هر کسی ظرفی نزد او می برد تا از او هدیه ای ببرد مجنون نیز ظرفی رانزد او برد, ولی از بین همه‌ء ظرف ها, ظرف مجنون را شکست . مجنون , شکستن ظرف خود را دلیل تمایل لیلی می دانست , چرا که شکستن سبو ظرف , علامت محبت است , این گونه کارها از معشوق , برای شعله ور ساختن عشق عاشق قلمداد می شود.

آیا فقط هر کس لیاقت داشت , شهید می شود, اگر چنین است ,چرا بعضی افراد لاابالی که حتی اهل نماز نبودند, در جنگ به شهادت رسیدند؟

پرسش

آیا فقط هر کس لیاقت داشت , شهید می شود, اگر چنین است ,چرا بعضی افراد لاابالی که حتی اهل نماز نبودند, در جنگ به شهادت رسیدند؟

پاسخ

مسلّماً رسیدن به مقام شهادت و لقای پروردگار, توفیق و لیاقت می خواهد. البته ما به مصداق شهید که فلانی و فلانی باشد, کار نداریم و کلی بحث می کنیم . برای رسیدن به این مقام , اولین و اساسی ترین شرط, اخلاص عمل است .کسی که به خاطر خدا حفظ ارزش های دینی و نگه داری از جان و مال و آبروی مسلمانان , به مرزهای کشور اسلامی می رود یا با نااهلان درگیر و کشته می شود,شهید محسوب می گردد و نزد خدا مأجور است . البته بیش تر کسانی که در جنگ تحمیلی شرکت کردند, برای حفظ کشور و به فرمان مرجع تقلید و رهبرشان و به خاطر خدا حرکت کردند که بعضی به شهادت رسیدند, گر چه بعضی قبلاً به نماز یابعضی دیگر از دستورهای اسلام کم توجه بودند, ولی با توجه و رفتن به صحنهء خطرو درگیری و ایثار جان خود در راه خدا, تمام گناهانشان پاک می شود: .

چرا وقتی از واقعهء کربلا یادی به میان می آید, نام حضرت زینب از بین بقیهء زنان حاضر در آن واقعه , گیراتر و بیش تر مطرح است ؟ چرا نامی اززنان یا دختران حضرت که رنج های فراوانی کشیدند, برده نمی شود؟

پرسش

چرا وقتی از واقعهء کربلا- یادی به میان می آید, نام حضرت زینب از بین بقیهء زنان حاضر در آن واقعه , گیراتر و بیش تر مطرح است ؟ چرا نامی اززنان یا دختران حضرت که رنج های فراوانی کشیدند, برده نمی شود؟

پاسخ

شخصیت حضرت زینب با دیگر زنان در کربلا- قابل مقایسه نیست . می توان گفت بعد از امام حسین ۷شخصیت دوم در این صحنهء جاودانه ,حضرت زینب بود. آن حضرت , دختر بزرگ امام علی بن ابی طالب ۷و شخصیتی علمی و ایمانی محسوب می شد. او زنی بود که دو فرزند خود به نام های عون و محمد را قبل از این که پسران امام حسین به میدان بروند, به میدان فرستاد. این دو برادر (محمد و عون) نزد امام حسین ۷(دایی شان) آمدند و گفتند: به حق مادرت فاطمهء زهرا! به ما اجازه بده به میدان برویم . امام ۷اجازه داد. این دو برادر با شجاعت عجیبی به دشمن حمله کردند تا به شهادت رسیدند. امام حسین ۷به بالین این دو نوجوان آمد و ایشان رابه سینه چسباند و کشان کشان به خیمهء شهیدان برد. همهء زنان و کودکان بر بالای جنازهء آن دو جمع شدند و گریه کردند, اما حضرت زینب حاضر نشد و فرمود:می ترسم بالای جنازهء کودکانم بیایم و از بی طاقتی گریه کنم و برادرم ناراحت شود. از بین زنان حاضر در واقعهء عاشورا, کسی مانند زینب - که این قدر با شناخت عالی و با معرفت باشد -وجود نداشت . او را عقیلهء بنی هاشم , عقیلهٔ الطالبین ,عارفه , عالمه , محدّثه , فاضله , کامله , عابدهء آل علی لقب داده اند. این بانوی بزرگ دارای قوّت قلب , فصاحت زبان , شجاعت , زهد و ورع , عفاف و شهامت فوق العاده بود. او پیام آور کربلا, افشاگر ستمگری های حکام اموی , سرپرست کاروان اسیران اهل بیت و مراقب امام زین العابدین بود. خطبه های آتشین او در کوفه و شام ,احیاگر خون شهیدان بود. او را لقب داده اند. صبح ازل طلیعهء ایام زینب است پاینده تا به شام ابد نام زینب است در راه دین لباس شهامت چون

دوختندزیبنده آن لباس بر اندام زینب است]بارزترین بُعد زندگی حضرت زینب , پاسداری از فرهنگ عاشورا بود, که باخطابه های آتشینش , پیام خون شهیدان را به جهانیان رساند. حضرت زینب از فصاحت و ادب برخوردار بود و هنگام مشاهدهء سربریده ءبرادر, خطاب به او سرود: , بعدها در سوگ امام حسین ۷اشعاری با این مطلع سرود: .(۱) (پاورقی ۱.جواد محدّثی , فرهنگ عاشورا, ص ۲۱۶

سنّت چهارشنبه سوری در ایران ریشه از چه اعتقادی دارد؟

پرسش

سنّت چهارشنبه سوری در ایران ریشه از چه اعتقادی دارد؟

پاسخ

در آخرین چهارشنبهِ اسفند ماه هر سال شمسی , ایرانیان در شب آن , جشن چهارشنبه سوری می گیردو آداب و رسوم خاصی را بر گزار می کنند. این شب را برای جشن و سرور بنیاد گذاشته اند. از مهم ترین مراسم آن ,آتش افروزی و جَستن از روی آن و شادی کردن در کنار آتش است . در هر جستن از روی آتش می گویند: زردی من از تو سرخی تو از من ; یعنی ای آتش ! زردی و ناتوانی و بیماری را از من بگیر و سرخی و شادابی و تندرستی خود رابه من ببخش . پس از سوختن هیزم ها, خاکستر را در خاک اندازی جمع می کنند و از خانه بیرون می برند و در کناردیوار می ریزند و آن کس که آن را بیرون ریخته است , در بازگشت در می زند و باید از درون خانه بپرسند: کیست ؟ واو در جواب بگوید: منم . سؤال کنند: از کجا آمده ای ؟ جواب دهد: از عروسی . بپرسند چه آورده ای ؟ گوید: تندرستی . یکی دیگر از آداب چهارشنبه سوری , آجیل خوری است . یکی دیگر, فالگوش است; کسانی که حاجتی دارند,شب چهارشنبه سوری نیّت می کنند و چهار راه یا گذر می ایستند و اولین عابری که می گذرد, به سخن او توجه می کنند و هر چه از دهان او بیرون آید, در استحابت حاجت به فال نیک یا بد می گیرند. یکی دیگر از آداب , کوزه شکستن است و دیگر دفع چشم زخم و بخت گشایی , که به دباغ خانه می روند و از آب آن جا اندکی بر می دارند و باخود به خانه می آورند و برای گشوده شدن بخت , بر سر می ریزند. البته آداب و رسوم دیگری در هر شهری ذکر شده است . به لغت نامه دهخدا رجوع شود.(۱) (پاورقی ۱.لغت نامه دهخدا, ج ۵,ص ۷۰۰۷

سنّت سفرهء هفت سین در ایران ریشه در چه اعتقادی دارد و هفت سین سمبل چه چیزهایی است ؟

پرسش

سنّت سفرهء هفت سین در ایران ریشه در چه اعتقادی دارد و هفت سین سمبل چه چیزهایی است ؟

پاسخ

از مشهورترین مراسم نوروز, هفت سین است و آن گردآوردن هفت چیز است که نام آن ها با حرف سین آغاز می گردد. معمولاً بین اشیای ذیل : سیب سیاهدانه , سنجد, سماق , سیر, سرکه , سبزه , سمند و سبزی , هفت چیز را انتخاب می کنند. سنّت مزبور بسیار کهن به نظر می رسد و هفت سین , هفت سبزی یا هفت سبزه است .(۱) (پاورقی ۱.فرهنگ معین , ج ۴ ص ۵۱۵۵ لغت نامهء

دهخدا, ج ۱۴ هفت سین .

در صـحن پشتی امامزادگانِ پنج تن , واقعی در جمکران , در اطراف یک درخت را میله کشـیده اند و افرادی در آن جا راز و نیاز و نذر می کنند و آن رازیارت می کنند. آیا این کار درست است ؟

پرسش

در صحن پشتی امامزادگانِ پنج تن , واقعی در جمکران , در اطراف یک درخت را میله کشیده اند و افرادی در آن جا راز و نیاز و نذر می کنند و آن رازیارت می کنند. آیا این کار درست است ؟

پاسخ

التزام به این مطالب خالی از اشکال نیست و نذر و دعا و راز و نیازگرچه ذاتاً مطلوب است , لیکن متعلق نذر باید مشروع و راجح باشد. بهتر است عبادت در مساجد و زیارتگاه های معتبر انجام شود. پارچه و نخ بستن به درخت یا چیز دیگر درست نیست . این کار جاهلانه ای است که یکی به تبعیت از دیگری بدون تأمل و اندیشه انجام می دهد. باید از این کارها جدّاًخودداری کرد, مخصوصاً که شیعیان را به خاطر این کارهای اشتباه , نزد دشمنان مخصوصاً وهابیان مورد طعن و بدگویی قرار می دهند. شیعه عقیده دارد نذر بایدبرای خدا باشد و در صیغهء نذر می گوییم : للّه علّی و می گوییم : عبادت و خضوع وخشوع و پرستش مخصوص خدا است و جز او را پرستش نمی کنیم , لذا از کارهایی که ممکن است مستمسک دشمنان بشود و ما را مورد طعن قرار دهند و احیاناًمشرک و غیر مسلمان بدانند, جدّاً خودداری کنیم . باید ببینیم روش علمای بزرگ و فقهای عظام در این موارد چگونه است . آیادیده شده است یک فقیه و عالم اسلامی از این قبیل کارها انجام دهد؟ خداوندبعضی از شیعیان را از قید و بندهای خرافی که احتمالاً دست های بیگانه در آن هادخیل است نجات دهد.

به نظر شما موقع ازدواج یک دختر چه وقت است ؟

پرسش

به نظر شما موقع ازدواج یک دختر چه وقت است ؟

پاسخ

هدف از ازدواج , بقای نسل و پرورش انسان های صالح و انس باجنس مخالف است . بر همین اساس انسان طوری آفریده شده است که زن بدون مردو مرد بدون زن نتواند زندگی معتدلی داشته باشد و اگر کسی از ازدواج خودداری کند, در حالی که مانعی برای ازدواج نداشته باشد, دچار اختلالات جسمی و روانی می شود و سلامت و تعادل خود را از دست خواهد داد. عدم تعادل در مردها محسوس است و در زن ها ظهور کمتری دارد. معلوم می شود سلامت جسمی و روانی انسان در گرو ازدواج است ; به همین جهت رسول خداﷺزناشویی را یکی از سنن مهم خود بر شمرد.(۱) برای وضو به این هدف خداوند متعال از نظر آفرینش در زن و مرد تجهیزاتی قرار داد که آنان به سوی ازدواج کشانده شوند. به عبارت دیگر: عطشی در زن و مردوجود دارد که جز با پیوند زناشویی برطرف نمی شود. ازدواج یک واقعیت طبیعی است . با توجه به این قانون , افراد باید سعی کنند به ازدواجی اقدام کنند

که سعادت طرفین در آن باشد. ضمن این که ازدواج , سنّت و واقعیت طبیعی است , نمی توان ادعا کرد هر ازدواجی که انجام می گیرد, اهداف ازدواج را در بر دارد. عطش درونی در مرد و زن هنگامی بروز می کند که آن دو به سن بلوغ و رشدبرسند, که در پسران و دختران از حدود سیزده سالگی شروع می شود و تا مدتی قابل کنترل می باشند, ولی پس از گذشت چند سالی باید اقدام کنند, چون اگر سن ّدختر از ۲۰تا ۲۵بگذرد و ازدواج نکند, دچار اضطراب و درگیری های درونی وبرونی با پدر و مادر و برادران و خواهران خواهد شد. دختران باید هر چه زودتر ازدواج بکنند, همان طور که دستور اسلام است . هرچه تأخیر بیفتد, به ضررشان تمام می شود. (پاورقی ۱.حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۴ ص ۶

تهاجم فرهنگی

تعریف تهاجم فرهنگی

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پرسش

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پاسخ

متأسفانه گرایش به مظاهر غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته شده ، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی پیشرفت تلقی می شود. کسی کار ندارد که ایا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ یا نه از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش می شود. الگوپذیری تنها در مد مو و لباس و آرایش و موسیقی و... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها، نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و ... نیز جریان دارد که شرح آن فرصتی دیگر می طلبد. تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کند و آن را جزء فرهنگ خود نماید، نه تنها ناپسند نیست، بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته و پیروی محض باشد، بدون در نظر گرفتن خوبی ها و بدی هایش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را نفرین نموده است: خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد متأسفانه ما در شناخت فرهنگ خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های دیگر دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم تودهٔ مردم. فرهنگ اسلامی به مراتب بهتر و ارزشمندتر از فرهنگ غرب است. در فرهنگ اسلامی با مظاهر فساد و فحشا و ظلم و اجحاف و بی عدالتی مبارزه می شود، ولی متأسفانه فرهنگ غربی تبلیغ کنندهٔ فساد و فحشا است و باعث از هم پاشیدن زندگی خانوادگی و نابودی رحم و مروّت و انصاف می شود و بر مبنای سود خواهی و سودپرستی است. از این رو مسلمانان باید از نظر فرهنگی استقلال داشته باشند. در عین حال از موارد خوب فرهنگ های دیگر نیز استفاده کرده و آن ها را در فرهنگ خود وارد کنند.

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پرسش

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پاسخ

هر نهضت و حرکتی که هدف آن برانداختن آداب و تمدّن و رسوم تعلیم و تربیت و آداب وشعائر و سنن دینی و قومی یک جامعه و تضعیف اعتقاد و پایبندی افراد آن جامعه خصوصاً جوانان و نوجوانان به فرهنگ و آداب خودشان برای آماده سازی آنها به قبول عادات بیگانگان باشد، تهاجم فرهنگی به آن جامعه است. بنابراین، تهاجم فرهنگی به جوامع اسلامی، نهضتها و برنامه‌های ویرانگری است که با سیاستهای فرهنگی استعماری و با ترویج اخلاق بیگانه و در حال حاضر غربی برای محو شخصیّت اسلامی و مسلمانان و ذوب آنها در فرهنگ و عادات و رسوم بیگانگان و برداشتن مرزهای اخلاقی خصوصاً در روابط زن و مرد و تأسیس حکومت بر اساس حکومتهای غربی، و نفی اصالت حکومت دین و حاکمیّت احکام، مخصوصاًاز حدود دو قرن پیش در بلاد و ممالک اسلامی به صورتهای گوناگون و شامل تقریباً کلّ مظاهر زندگی، کم و بیش شکل گرفت و می‌توان گفت: جز چند نقطه از سرزمینهای اسلام همه جا را فرا گرفت و بسیاری از عادات و آداب و حتّی لباس و پوشش مسلمانان و طرز و روش ملاقاتها، برخوردها و دیدارها، پذیرایی‌ها و مراسم عزا و عروسی‌ها را شامل گردید.

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پرسش

تهاجم فرهنگی یعنی چه؟

پاسخ

هر نهضت و حرکتی که هدف آن برانداختن آداب و تمدّن و رسوم تعلیم و تربیت و آداب وشعائر و سنن دینی و قومی یک جامعه و تضعیف اعتقاد و پایبندی افراد آن جامعه خصوصاً جوانان و نوجوانان به فرهنگ و آداب خودشان برای آماده سازی آنها به قبول عادات بیگانگان باشد، تهاجم فرهنگی به آن جامعه است. بنابراین، تهاجم فرهنگی به جوامع اسلامی، نهضتها و برنامه‌های ویرانگری است که با سیاستهای فرهنگی استعماری و با ترویج اخلاق بیگانه و در حال حاضر غربی برای محو شخصیّت اسلامی و مسلمانان و ذوب آنها در فرهنگ و عادات و رسوم بیگانگان و برداشتن مرزهای اخلاقی خصوصاً در روابط زن و مرد و تأسیس حکومت بر اساس حکومتهای غربی، و نفی اصالت حکومت دین و حاکمیّت احکام، مخصوصاًاز حدود دو قرن پیش در بلاد و ممالک اسلامی به صورتهای گوناگون و شامل تقریباً کلّ مظاهر زندگی، کم و بیش شکل گرفت و می‌توان گفت: جز چند نقطه از سرزمینهای اسلام همه جا را فرا گرفت و بسیاری از عادات و آداب و حتّی لباس و پوشش مسلمانان و طرز و روش ملاقاتها، برخوردها و دیدارها، پذیرایی‌ها و مراسم عزا و عروسی‌ها را شامل گردید.

در چه صورت چیزی که از خارج سرزمینی وارد آن سرزمین شود اجنبی و ضد ملّی شمرده می‌شود؟

پرسش

در چه صورت چیزی که از خارج سرزمینی وارد آن سرزمین شود اجنبی و ضد ملّی شمرده می‌شود؟

پاسخ

در یک صورت آن چیزی که از خارج رسیده است بیگانه و اجنبی خوانده می‌شود و پذیرش آن بر خلاف اصول ملیت شناخته می‌شود و احیاناً پذیرش آن نوعی تغییر ملیت به شمار می‌آید که آن چیز رنگ یک ملت بالخصوص داشته باشد و از شعارهای یک ملت بیگانه باشد. بدیهی است که در این صورت اگر ملتی شعار ملت دیگر را بپذیرد و رنگ آن ملت را به خود بگیرد، بر خلاف اصول ملیت خود عمل کرده است. مثلاً ـ نازیسم آلمان و صهیونیزم یهود، رنگ ملیت بالخصوصی دارد؛ اگر افراد یک ملت دیگر بخواهند آن را بپذیرند، بر خلاف ملیت خود عمل کرده‌اند. اما اگر آن چیز رنگ مخصوص نداشته باشد، نسبتش با همهٔ ملتها علی السواء باشد، شعارهایش شعارهای کلی و عمومی و انسانی باشد و ملت مورد نظر هم آن را پذیرفته باشد، آن چیز اجنبی و بیگانه و ضدملی شمرده نمی‌شود. به همین دلیل، حقایق علمی به همهٔ جهان تعلق دارد. جدول فیثاغورش و نسبیت اینشتین به قوم معینی تعلق ندارد و با هیچ ملیتی منافات ندارد، برای اینکه این حقایق بی‌رنگ است و رنگ و بوی قوم و ملت مخصوصی را ندارد. به این دلیل، دانشمندان و فیلسوفان و پیامبران به همهٔ جهانیان تعلق دارند، که عقاید و آرمانهای آنها محصور در محدودهٔ یک قوم و ملت نیست. از نظر احساسات ملی و عواطف قومی، نه هر چیزی که از وطن برخاست جنبهٔ ملی پیدا می‌کند و نه هر چیزی که از مرز و بوم دیگر آمده باشد بیگانه به شمار می‌رود، بلکه عمده آن است که اولاً بدانیم آن چیز رنگ ملت بالخصوصی دارد یا بی‌رنگ است و عمومی و جهانی است، ثانیاً آیا ملت مورد نظر آن چیز را به طوع و رغبت پذیرفته است یا به زور و اکراه.

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

پرسش

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

پاسخ

– برای ارایه تفسیری دقیق و کامل از تهاجم فرهنگی لازم است علاوه بربررسی معنا و مفهوم آن ، علل و ریشه های ابعاد و شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار داده و درنهایت به راه های مبارزه به تهاجم فرهنگی بپردازیم . الف) بررسی معنا ومفهوم تهاجم فرهنگی : تهاجم فرهنگی به این معنا است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت ، به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برد و باورهای تازه ای را به زور و

به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می کنند تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد .در واقع تهاجم فرهنگی دو رکن اساسی و مهم دارد : ۱- جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی انجام می گرفت . ۲- حمله به جمهوری اسلامی وارزش های آن و ارزش های ملت ایران و یک تهاجم فوق العاده فرهنگی ،اجتماعی و سیاسی با ابعاد گسترده در سرتاسر جهان به صورت عام ومتمرکز کردن این حملات علیه ایران به عنوان کانون بیداری نهضت اسلامی. ب) علل و ریشه های تهاجم فرهنگی : دشمنان اسلام به این نتیجه دست یافتند تا زمانی که فرهنگ ملی بر جامعه حاکم است ، اجرای هر طرحاستعماری قطعا "فاقد توفیق خواهد بود، زیرا سلطه سیاسی بدون پشتوانه های فرهنگی میسر نیست ، بنابراین برای تضعیف اسلام و ارزش های اعتقادی و همچنین کم رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد، شهادت ،خوداتکایی و ضدیت با ظلم و تخریب فرهنگ ملی کشور و جایگزین کردن فرهنگ آمریکایی در راستای ایجاد بحران هویت ، طرح تهاجم فرهنگی را بابرنامه ریزی های حساب شده به مرحله اجرا درآورند .بر این اساس مهم ترین علل و ریشه های تهاجم فرهنگی عبارتند از : ۱- احیا و اعتلای اسلام انقلابی در ایران و جهان . ۲- انقلاب اسلامی ایران هرمونی نظام سلطه را به چالش کشاند .۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرا و کانون حرکت جهانی اسلام . ۴- ناکامی دشمنان در شکست جمهوری اسلامی ازطریق تهاجم نظامی ، محاصره سیاسی ، اقتصادی و ...ج) بررسی ابعاد،شیوه ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلام : ۱- اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا میان جوانان . ۲- تضعیف روحانیت با حربه های تبلیغاتی . ۳- تحقیر و منزوی کردن جریان ادب ، هنر و فرهنگ اسلامی . ۴-متهم کردن نظام اسلامی به سلب آزادی های مدنی و ضدیت با حقوق بشر.۵- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی . ۶ تبلیغ گسترده سکولاریسم ، لاییسیسم ، اومانیسم ، وجود قرایت های مختلف از اسلام ، تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق . ۷- سازماندهی حملات لجام گسیخته به باورهای ملی ، مذهبی و ارزش های حیاتی . این موارد به عنوان محورهای استراتژی رادیوهای بیگانه ، رسانه های غربی ،نیروهای سکولار، روشنفکران غربزده و مزدوران اجیر شده نظام سلطه درعرصه تهاجم فرهنگی بر ضد اسلام و ایمان مردم ایران می باشد .د) راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی : هر چند دشمنان اسلام برنامه ریزی گسترده ای رابرای کم اهمیت جلوه دادن تهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت ها نسبت به اهداف تهاجم فرهنگی و ایجاد روحیه یاس وناامیدی در مردم ، به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه ، انجام داده اند ولی واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزی های منظم وسازماندهی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا "دستگاه های فرهنگی وبسیج همه اقشار مردم ، براساس برنامه ای دقیق ، حساب شده می باشد .براین اساس مهم ترین راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی عبارتند از : ۱- حفظ وتعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسوولین . قرآن کریم در سوره آل عمران ،آیه ۱۳۹ می فرماید : ((و انتم الاعلون ان کنتم مومنین)) . ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی ، استقرار عدالت اجتماعی و قسطاسلامی و تامین رفاه ، سعادت ، خوشی ، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی . ۳- هوشیاری و بیداری درمقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی . ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد .۵- تحقق باوری عمیق ، درونی ، ریشه دار،عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که دردستگاه های رسمی ، تقنینی ، اجرایی ، قضایی ، نظامی ، انتظامی ، آموزشی ،فرهنگی و تبلیغی و ...نقش ایفا می کند .نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه ، در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال ، یاس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت . ۶-تلاش و تدبیر

جدی ، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب درهمه فعالیت ها و اقدامات ، در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و ...۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران ، ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی... در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما "برخورد فیزیکی و بستن مرزهاو ...هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصرارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست ، اما درمواردی لازم است و از تاثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد .از طرف دیگر این نکته را نیز باید در نظر داشت که آمریکا در حال حاضر رهبری جهانی نظام سلطه و استکبار را بر عهده دارد و سایه شوم صهیونیزم و سرمایه داری خون آشام را بر سر تمام ملل جهان دامن گسترمی کند .از این رو مبارزه با آمریکا در حال حاضر قابل قیاس با هیچ جریان دیگری نیست . به عبارت دیگر ستیز با آمریکا یعنی مقابله با ام الفسادجهانی . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی برگرفته ازسخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش هاعلی ذوعلم;

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

پرسش

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

پاسخ

گرایش به فرهنگ غربی و فسادعوامل متعددی دارد از جمله : ۱- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که طبیعتا فرد را به سوی پورنو گرافی غربی متمایل می سازد.۲- استفاده غربی ها از عوامل . ابزارها و سرمایه های عظیم و به کارگیری تکنیک ها و شیوه های فریبنده در سطحی بسیار گسترده . ۳- ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطیه های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان . ۴-ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکراجتماعی (مانند برخی از دانشگاهیان و ...) . ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی . ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی . مساله غرب گرایی ، پدیده ای است که سابقه ای طولانی نه تنها در کشور ما، بلکه در سطحی بسیار گسترده تردر همه کشورهای جهان سوم وجود دارد .برخی از علل این پدیده عبارت است از : ۱ - مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشدتکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است . ۲ - به فراموشی سپردن منابع و ذخایرغنی و ارزشمند فرهنگی ، اخلاقی ، علمی و مادی خود .۳ - افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد .انقلاب اسلامی آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام ومستضعفین طنین افکن شد و توانست برای بسیاری از جوانان ، روشنفکران ،نویسندگان و اندیشمندان تغییر جهت دهد .لیکن از دیگر سو عوامل غرب نیزهمواره در کمین نشسته و از هر سو برای ربودن نظرها و اندیشه ها تلاش مضاعفی در سطح جهان انجام می دهند .طبیعی است که در این میان برخی به آن سو و برخی به این سو می خرامند .در ارزیابی نهایی هر چند ما حرکت های موجود در جهت مبارزه اصولی و ریشه ای با پدیده غرب گرایی را کافی نمی دانیم و هرگز نمی توان انتظار داشت که کامل ترین برنامه ها بتواند به طورکلی ریشه این گونه گرایش ها را خشکاند؛ زیرا انسان ها بر اساس

امیال وخواست های متفاوت که دارنـد و نیز متناسب با محیط های مختلفی که در آن رشـد کرده انـد و انـدیشه های گوناگونی که ذهنشـان بـا آن رشـد یـافته است ،گرایش های متفاوتی می یابنـد .بنابر این ضـمن آنکه تا حـد زیادی می توان کارنامه مبارزه با این پدیـده را مثبت ارزیـابی کرد، ولی همواره پرونـده این گونه گرایش ها باز است و حرکتهای موجود یا هر حرکت دیگری می تواند آن رامحدود سازد، ولی نمی تواند به طور کلی آن را نابود کند; .

معنای رپ (rap) چیست و چه آرمانی دادند؟

پرسش

معنای رپ (rap) چیست و چه آرمانی دادند؟

پاسخ

((رپ)) (Rap) در لغت به معنای زخم زبان ،ضـربت سـریع و تنـد زدن ، آدم بی توجه و حقه باز و مورد سـرزنش قرار گرفته است . هواداران این گروه ، پسـرانی بـا موهـای بلنـد و یا کلاه گیس هسـتند،لباس ((جیر)) به تن کرده و دم پای شـلوارشان تنگ است و با عینک دودی ، کفش مخصوص و کمربنـد و دست بنـدهای آرم دار در اجتماع ظاهرمی شوند .علامت و آرم این گروه از صلح جهانی (Peace) گرفته شده ، اماهیچ سـنخیتی با طرز فکر و رفتار گروه ندارند .از نظر تاریخی ، در دهه ۱۹۸۰میلادی عده ای سیاه پوست آمریکـایی که ریشه اصـلی نژاد آنها آفریقایی بود، جهت رسـیدن به صـلح و آزادی در قاره آفریقا و در اعتراض به نژادپرستی اقدام به تظاهرات کردند .نقطه اجتماع سـیاه پوسـتان و آغازتظاهرات آنها از محله معروف ((هارلم)) در نیویورک بود و هنوز هم از این محل به عنوان مرکز هـدایت Rap نام برده می شود .اجتماعکننـدگان که نام رپ را انتخاب کرده بودند اعتراض خود را با نوعی رقص و پایکوبی اعلام کردند و سـپس با مرور زمان نوعی موسـیقی مخصوص این گروه رواج یافت و حمایت های مـالی و نیز پیوسـتن برخی خواننـدگان معروف ، بـاعث شـهرت گروه رپ گردیـد .رفته رفته رپ جای خود را در جامعه آمریکا باز کرد.موسـیقی گروه غنا و تنوع زیادی یافت به طوری که پس از مدتی موسیقی رپ با عناوین مختلفی پدید آمد که مشهورترین آن گروه (ام. سـی مهامر) است . شـهرت غیرمنتظره رپ باعث شـد تا اسـتعمار از آن برای رسـیدن به اهداف خود اسـتفاده کند و با به انحراف کشانـدن اهـداف رپ ، این گروه به ابزاری در دست قـدرت های بزرگ تبدیل شد تا جوانان را به انحراف اخلاقی بکشاند .امروزه در سراسـر آمریکـا، اروپـا، آسـیا و حتی آفریقـا، جوانـان بی بنـد وباری دیـده می شود که با سـر و وضع عجیب و غریب در اجتمـاع ظـاهرمی شونـد، بـدون آن که به بررسـی ریشه یابی این حرکت خود بپردازنـد .آنان به نوعی خودباختگی و حتی گاهی به فساد و انحراف کشـیده می شوند درحالی که مدعی هواداری از رپ یعنی کمک به قیام سـیاهان برای کسب صـلح و آزادی هستند .از سوی دیگر موسـیقی گروه رپ مورد اسـتفاده گروه هـای منحرف اخلاـقی قرار گرفته است . آنـان خود را فارغ از تمامی مسایل زندگی دانسته و در پی یک آسایش مفرط و بی حد و اندازه هستند وبه همین علت دوستی و سازش را که شعار صلح جهانی است به اشـتباه تعبیرکرده و خـود را متصـل و پیرو آن می داننـد .این گروه برای خود گردن بنـد ودست بنـدهای مخصوص دارنـد و آرم گروه نیز به صورت یک تکه یا دو تکه برآنها نقش بسـته و به وسـیله زنجیر به یکـدیگر متصل شده اند .گروه رپ به چندین فرقه یا زیرمجموعه تبـدیل شـده و یکی از مهمترین این مجموعه ها گروه RAS دختران است . طرفـداران ((راس)) خط و مشـی رپ را

انتخاب کرده اما در هدف معتقد به آزادی تام و کامل دختران می باشند .یکی ازفرقه های مهم در میان زیرمجموعه رپ که به شیطان پرست غیرمشهور است گروه WASP می باشد که مخفف جمله ((ما پیامبران سکس هستیم)) گرفته شده است . افراد هوادار این فرقه دارای تفکرات هوسرانی ،هم جنس بازی ، ولگردی های شبانه و آزاد از هرگونه قید و شرطی هستند .یکی دیگر از فرقه های رپ ، گروه ((هوی متال)) می باشد که خود دارای چندین فرقه می باشد که مهمترین آنها عبارتند از : متالیکا، ایرون ، مادن ، تی برگتر،انترمتال . نقطه مشترک و متصل همه آنها آزادی جنسی است و در رده بعدی نیز صلح برای آزادی سکس ، آزادی اعتیاد مواد مخدر، آزادی بی بند و باری ،روابط آزاد دختر و پسر، نژادپرستی ، خشونت علیه خانواده و ...قرار دارد;.

در مورد" مد گرایی جوانان "چه آیاتی در قرآن، آمده است؟

پرسش

در مورد" مد گرایی جوانان "چه آیاتی در قرآن، آمده است؟

پاسخ

"مد "کلمهای فرنگی است، در کنار" مد "کلمهای دیگری به نام" الگو "قرار دارد که میتوان آن را از نظر مفهوم با کلمه عربی "اسوه "مقایسه کرد. در اصطلاح، مد تنها به مظاهر و نمادهای زندگی روزمره اشاره میکند و تنها بخشی از مقدمه الگو پذیری است. در دیدی وسیعتر الگو پذیری شامل رفتار و منشهای اجتماعی، فردی در زندگی است و محدود به ظواهر زندگی مادی و صورت زندگی نمیباشد. انسانها و جوامع انسانی برای نمایش روحیات، علایق و محتوای مطلوب زندگی خویش، به علایم و نمایهها نیاز دارند و مدها و الگوها همان مظاهر و نمایهها هستند. از آن جا که گرایش به الگو و مد که از جمله گرایشهای انسان است و روح انسان از یک نواختی، گریزان بوده و میل به تنوع دارد، قرآن کریم که کتاب هدایت و پاسخ گو به نیازهای فطری انسان است، به این نیاز مهم بشر (نیاز به الگو) پاسخ گفته است و انسانها را به الگو پذیری از شخصیتها و چیزهایی که باعث کمال میشود تشویق کرده و از مدهایی که منجر به از خود بیگانگی میشود بر حذر داشته است. قرآن کریم، برای پیمودن مسیر کمال، پیامبران و اولیأ الهی را الگوی انسان معرفی کرده و پیامبر اکرم(مظهر انسان کامل و بهترین فرد عالم) را بهترین سرمشق انسانها قرار داده است " ;لَّقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن کَانَ یَرْجُواْ اللَّهَ وَ الْیَوْمَ الاْ ٓخِرَ وَ ذَکَرَ اللَّهَ کَثِیرًا ("احزاب، ۲۱) در مقابل این نوع الگو، انتخاب هر چه که باعث شود، انسان از مسیر واقعی منحرف شود و در مسیر دوری از خدا و سعادت جاودانه اخروی گام بردارد، به عنوان الگوها و مدهای نامناسب مطرح شده است. در قرآن مجید بارها نسبت به غفلت از خود و سرسپردگی انسان نسبت به غیر خدا هشدار داده شده و از بت پرستی، پیروی از شیطان، هوای نفس، تقلید کورکورانه از نیاکان و بزرگان و دیگران، نکوهش شده است. مفاهیم یاد شده در فرهنگ بشری و بینش اسلامی مفاهیمی آشنا و قابل درکند. این مفاهیم را میتوان از زاویه مسأله مد پرستی که منجر به از خود بیگانگی میشود نگریست و جلوه تازهای به آنها بخشید. به هر حال"، مد پرستی "و از خود بیگانگی در منظر قرآن یک حالت روانی و فکری است که دارای لوازم، نمودها و آثاری است. انسان مد پرست، هویت دیگری را هویت خود میپندارد و این هویت دیگر هر چه باشد، انسان از خود بیگانه، تصویری متناسب با آن، از خود خواهد داشت. در این جا به برخی از نمودهای از خود بیگانگی و مد پرستی اشاره میکنیم: ۱. اصالت دادن به دیگری: انسان مد پرست، در تمام یا برخی از

شوون خود اصالت را به دیگری میدهد و در ارزیابیها، احساس دردها، تشخیص درمانها و... آن دیگری را اصل قرار میدهد و امور خود را بر اساس او میسنجد، در موردشان قضاوت میکند، انتخاب میکند و طبق آن عمل میکند. و به طور مرتب وضع مادی خویش را با دیگران مقایسه میکند. این طرز تفکر که نشانه عدم رشد کافی و احساس حقارت درونی و کمبود همت میباشد، یکی از عوامل مؤثر عقب ماندگی در زندگی ـ حتی مادی ـ خواهد بود. از این رو قرآن کریم به شدت از این طرز فکر نهی میکند میفرماید ": وَ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىَ مَا مَتَّعْنَا بِهِىَ أَزْوَجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىَ (طه، ۱۳۱؛) چشم خود را به نعمت هایی که به گروه هایی از آنان دادیم نیفکن، اینها گلهای زندگی دنیا است اینها به خاطر آن است که میخواهیم آنان را با آن بیازماییم، آن چه خدا به تو روزی داده است بهتر و پایدارتر است ".۲. بر هم خوردن تعادل روحی ؛از آن جا که حرکتهای کسی که انسان از خود بیگانه از او تقلید میکند با مقتضای ساختار وجودی او سازگار نیست و افرادی که انسان مد پرست از آنان الگو میگیرد، متعددند و خواستهای متضاد یا مختلف دارند، انسان مد پرست، دچار عدم تعادل روحی میشود. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به این افراد صادق است ؛از جمله در مورد انسان مشرک میفرماید":ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار ("یوسف، ۹ ؛) آیا خداوندان پراکنده بهترند یا خدای یگانه چیره بر همه. "و نیز میفرماید": خداوند مثلی زده است مردی که چند (خواجه) بدخود و ناسازگار در او شریک باشند و مردی که از آن یک مرد است آیا این دو در مثل برابرند (".زمر، ۲۹) ۳. بی هدفی و بی معیاری ؛انسان بی هویت دچار بی هدفی میشود و در زندگی و رفتار خود مذبذب است ؛"مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَ لِكَ لاَ إِلَىَ هَؤُلاَءِ وَلاَ إِلَىَ هَؤُلاَءِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُو سَبِيلاً (النسأ:۱۴۳) بین خدا و غیر خدا سرگردان اند نه با گروه مؤمنان و نه با گروه کافران]یکسو و یکدل[اند و هر که را خدا گمراه کند برایش راهی نیابی "۴. عدم بهرهگیری از عقل و دل و...(ر.ک: انسانشناسی، آیة الله مصباح یزدی، ص ۱۷۶ ـ ۱۶۳، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۷، ص ۲۴۲، دارالکتاب الاسلامیه.)

آیا در تاریخ اسلام، تهاجم فرهنگی وجود داشته است؟

پرسش

آیا در تاریخ اسلام، تهاجم فرهنگی وجود داشته است؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی، به معنای هجوم بردن یک مجموعهٔ سیاسی یا اقتصادی به بنیانهای فرهنگی یک ملت، به منظور جایگزین کردن فرهنگ خود به جای فرهنگ آن ملّت است. طبق این تعریف در تهاجم فرهنگی دو هدف مورد نظر است. ۱. بی اعتقاد کردن نسل نو به معتقدات خود ؛۲. جایگزینی فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی.(فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.) در قرون اولیه مسلمانان با عمل به آموزههای قرآن و تکیه بر نیروی علمی، فرهنگی و نظامی خود، اگرچه در درون خود دچار انحرافاتی شدند ولی اجازه هیچ گونه تهاجمی را به بیگانگان ندادند، بلکه خود را تا آفریقا و اروپا رسانید ؛اما در قرن هفتم و پس از آن، با سستی و ضعفی که از خود نشان دادند و با رشد و رونق علمی، که در قرنهای اخیر، در غرب پدید آمد، خود را باخته و مورد انواع تهاجمهای فرهنگی قرار گرفتند. از جمله این تهاجمهاست: ۱. تهاجم

فرهنگی مسیحیان برای تصرف اندلس در تاریخ اسلامی اندلس اسلامی، یعنی اسپانیای فعلی، میخوانیم که مسیحیان برای تصرف آن با کارهای فرهنگی، از قبیل فراهم کردن وسایل عیاشی، وقف باغها و بوستانها برای تهیه شراب، اشاعه روسپیگری و... روح ایمان و اعتقاد را از مسلمانان گرفته و به راحتی بر آن استیلاـ یافتند.(امدادهای غیبی در زندگانی بشر، شهید مطهری، ص ۴۲، انتشارات صدرا.) ۲. تهاجم فرهنگی غرب به اسلام با رشد علمگرایی از قرن هیجده میلادی با رونق علمی و صنعتی، که در غرب پدید آمد، غربیها با انواع شیوهها، فرهنگ دینی مسلمانان را در همهٔ نقاط مورد تاخت و تاز قرار دادهاند.

چرا در رسانه ها گفته می شود ما غربزده هستیم در صورتی که بیشتر ضربه هایی که به ما می رسد از اعراب است ؟

پرسش

چرا در رسانه ها گفته می شود ما غربزده هستیم در صورتی که بیشتر ضربه هایی که به ما می رسد از اعراب است ؟

پاسخ

آنچه را که شما به کشورهای عربی نسبت میدهید درست است ولی همه اینها همان ترویج فرهنگ غربی وغربزدگی است که با واسطه دستگاههای تبلیغاتی کشورهای عربی و... ترویج میشود.{J

هنرمندان و فیلم سازان ما متعهد نیستند و مدگرا هستند. اینان به نوعی در تهاجم فرهنگی شریکند, پس چرامی گوییم تهاجم فرهنگی کارکشورهای غربی است ؟

پرسش

هنرمندان و فیلم سازان ما متعهد نیستند و مدگرا هستند. اینان به نوعی در تهاجم فرهنگی شریکند, پس چرامی گوییم تهاجم فرهنگی کارکشورهای غربی است ؟

پاسخ

مقصود از تهاجم فرهنگی غرب آن است که آنان سرمنشأ و سلسله جنبان این حرکت هستند ولی عوامل متعددیگری نیز ممکن است در استحاله فرهنگی جامعه موءثر باشد و غالب عوامل داخلی دانسته یا ندانسته و خواسته یاناخواسته ترویج فرهنگ آنان را می کنند و واسطه سلطه فرهنگی آنان میباشند.{J

خیلی می خواهم در مورد لباس هایی که از غرب می آید بدانم که آیا در این لباسها نیز تهاجم فرهنگی نهفته است یا خیر. تا چه حد.

پرسش

خیلی می خواهم در مورد لباس هایی که از غرب می آید بدانم که آیا در این لباسها نیز تهاجم فرهنگی نهفته است یا خیر. تا چه حد.

پاسخ

لباس دست کم پاسخ گوی سه نیاز آدمی است؛ یکی این که او را از سرما و گرما حفظ می کند، دیگر این که در جهت حفظ عفت و شرم، به او کمک می کند و سوم این که به او آراستگی و وقار می‌بخشد. در هر جامعه‌ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان، علاه بر آن که تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی آن جامعه است، تابع جهان بینی و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ آن جامعه نیز می‌باشد. انسان بسته به این که برای جهان، چه معنایی قائل باشد، خود را چگونه موجودی بداند، چه سرنوشتی برای خود تصور کند و سعادت خود را در چه بداند، لباس پوشیدنش تفاوت می کند. همان طور که گفتیم انسان به وسیله لباس به خود آراستگی و زیبایی می‌بخشد. خود آرایی و زینت کردن، نه تنها آثار مثبت روحی و روانی در دیگران داشته و موجب آرامش روحی می‌شود، بلکه اثرات روانی مثبتی نیز در خود فرد دارد. بنابراین، نه تنها کیفیت لباس پوشیدن حاکی از شخصیت انسان است، بلکه در شکل گیری و تحول شخصیت او نقش دارد. اینک بعضی از موارد ارتباط نوع پوشش و شخصیت آدمی را بر می‌شماریم: ۱. پوشیدن لباس آراسته و پرهیز از هر نوع آشفتگی و پریشانی، نشانه‌ای از وجود نظام فکری و ذوق سلیم در انسان است. بنابراین می‌توان گفت که آشفتگی برونی، حکایت از آشفتگی درونی می کند؛ زیرا انسان اگر دارای شخصیت طبیعی و سالم باشد، از آشفتگی و بهم ریختگی گریزان است و نظم و ترتیب و تمیزی را بر ژولیدگی و پریشانی ترجیح می‌دهد. ۲. پرهیز از خودآرایی و پذیرفتن آشفتگی و ژولیدگی در لباس، به جهت تعارضی که با خواسته‌های فطری انسان دارد، اثرات بدی در زمینه روانی بر انسان می گذارد؛ بطوری که به تدریج سبب بروز افسردگی روحی و انهدام ذوق سلیم در انسان شده، منجر به بی‌اعتدالی روانی می‌شود تا آن جا که علائق انسان را به زندگی و مواهب موجود در آن، از حد اعتدال کاهش می‌دهد و او را به شخصی منزوی و گوشه گیر تبدیل می کند. ۳. آراستگی ظاهری اگر با خود آرایی درونی همراه شود، تنها رمز موفقیت انسان در جلب محبت و راه یافتن در دل‌هاست؛ به طوری که بدون برخورداری از چنان شرایط ظاهری و باطنی، انتظار محبوبیت پیدا کردن، انتظاری بی‌جا خواهد بود. در این جا بعضی از ویژگی‌های لباس را که با شخصیت انسان مرتبط است، از زبان روایات اسلامی یادآور می‌شویم: ۱. لباس زیبا، باعث تقرب به خداست. امام صادق(ع) می‌فرماید: خود را به وسیله لباس زیبا کنید؛ زیرا خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.۱ بنابراین وقتی انسان احساس کند خدا او را دوست دارد، تأثیر مثبتی برشخصیت او می گذارد. ۲. امام علی(ع) می‌فرماید: لباس تمیز، غم و ناراحتی را برطرف می کند و برای نماز، یک نوع پاکیزگی است.۲ بنابراین یکی از عوامل نشاط و شادابی روانی، پوشیدن لباس تمیز است. ۳. لباس تمیز، باعث ذلت و خواری دشمنان می‌شود و انسان را در مقابل آنان سربلند می کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: لباس پاکیزه، دشمن را ذلیل می‌نماید.۳ ۴. لباس مناسب، انسان را در میان مردم عزیز می کند. امام علی(ع) می‌فرماید: براستی نیکوترین لباس، آن لباسی است که تو را با مردم همسان سازد و موجب آرایش تو در میان آنان شود و زبان‌های آنان را از بدگویی تو باز دارد.۴ ۵. لباس انسان، باید معرف جنس او نیز باشد؛ بنابراین لباس مردان باید با لباس زنان تفاوت داشته باشد و هر کدام لباس مخصوص خود را بپوشند. پیامبر خدا(ص) مردانی را که لباس زنان و زنانی را که لباس مردان می‌پوشند، از رحمت خدا دور دانست.۵ ۶. لباس نباید غیر متعارف و به اصطلاح لباس شهرت باشد. گاهی انسان بر اساس خود خواهی و تکبر، لباسی را انتخاب می کند که نظیرش در هیچ کس نبوده باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: برای انسان از نشانه‌های خفت و خواری همین بس که لباسی بپوشد که به آن مشهور شود.۶ بنابراین لباس شهرت، نشانه شخصیت خود خواه و متکبر است. از سیره و زندگی پیامبر

اکرم(ص) و سایر پیشوایان دینی استفاده می‌شود که آنها با مسئله تجمل پرستی در لباس سخت مخالف بودند و از آن چه نشانه خودخواهی و تکبر داشت، برحذر می‌داشتند. درباره هیئت نمایندگی نجران، چنین آمده است: در پاسخ به دعوت پیامبر اکرم(ص) در سال دهم هجری، هیئتی از مسیحیان نجران وارد مدینه شدند تا با پیامبر مذاکره کنند. این هیئت در حالی که لباس‌های تجملی ابریشمی بر تن و انگشترهای طلا بر دست و صلیب‌ها بر گردن داشتند، وارد مسجد شدند؛ ولی وضع زننده و نامناسب و حاکی از تکبر و خودخواهی آنان، پیامبر(ص) را ناراحت نمود و در نتیجه آنان را به حضور نپذیرفت؛ اما علت ناراحتی پیامبر(ص) را ندانستند. از علی(ع) در این‌باره چاره خواستند و علت به حضور نپذیرفتن هیئت توسط پیامبر اکرم(ص) و ناراحتی آن بزرگوار را جویا شدند. علی(ع) فرمود: من چنین فکر می‌کنم که آنها باید این لباس‌های تجملاتی و انگشترهای گران قیمت را از تن بیرون کنند و بعد خدمت پیامبر(ص) برسند. آنها چنین کردند و پیامبر اکرم(ص)، آنها را به حضور پذیرفت و مورد احترام و تکریم قرار داد. ۷. پرهیز از لباس فرهنگ‌های بیگانه؛ کسی که فرهنگ اسلامی و ملی خود را رها کند و به رنگ و لباس بیگانگان(که مظهر آن دنیای غرب است) در آید، نشانه نداشتن استقلال و نشانه وابستگی به آنان است. چنین فردی، دچار احساس خود کم‌بینی شده است و شخصیتی ذلیل دارد. امام علی(ع) می‌فرماید: همواره حال این امت نیکو خواهد بود تا زمانی که لباس بیگانگان را نپوشند و غذاهای آنان را نخورند و آن زمان که چنین کنند، خداوند آنها را ذلیل خواهد کرد.۸ ۷. استفاده از رنگهای شاد در لباس، اثرات غیر مستقیمی در افزایش حرکت و فعالیت و پیشرفت کار افراد دارد و در سلامت روانی و شخصیتی افراد مؤثر خواهد بود. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: لباس سفید رنگ بپوشید که سبب آرامش و پاکیزگی شماست.۸ بنابراین انسانی که از رنگ‌های روشن و شاد در لباس استفاده می‌کند، از آرامش روانی بیشتری برخوردار است. امام زین‌العابدین(ع) می‌فرماید: زمانی که امام حسن(ع) متولد شدند، او را در جامه زردی پیچیدند و به خدمت رسول اکرم(ص) آوردند تا نامی را برای وی انتخاب کند. آن حضرت فرمود: مگر من شما را نهی نکردم که نوزاد را در جامه زرد نپیچید! بعد آنان جامه زرد نوزاد را بیرون آوردند و او را در جامه سفیدی پیچیدند و به حضور پیامبر اکرم(ص) آوردند تا مراسم نام‌گذاری صورت گیرد.۹ از آن چه گذشت، معلوم می‌شود که کیفیت و چگونگی لباس هم از نظر رنگ و هم از نظر مدل و هم از نظر آراستگی و تمیزی، نشانه نوع شخصیت انسان است و چه بسا افرادی که با پوشیدن نوع خاصی از لباس‌ها، دچار مسخ شخصیتی می‌شوند و به کلی رفتار و اعمالشان تغییر پیدا می‌کند. مدگرایی غربی با انگیزه‌های مختلف صورت می‌گیرد: الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران، ب) بازاریابی برای اجناس خود، ج) جامعه را از مسیر صحیح و پاک به انحراف و آلودگی کشاندن، د) سنت‌های بجا و صحیح را از امتی گرفتن و سنت‌های ناپسند و احیاناً خرافی را جایگزین آن ساختن، ه) از طریق سنت‌های یک ملّت وارد شدن ولی آن را از دورن مسخ کردن. شاید اطلاع داشته باشید که برای ساختن این مدها، مدت‌ها و ساعات زیادی متخصصین روان‌شناس،جامعه‌شناس و... به مطالعه می‌پردازند و راجع به تأثیری که مد خاصی می‌تواند در یک جامعه از خود به جای گذارد،آینده‌نگری و تحلیل می‌کنند وقتی تصویب شد، با شگردهای عجیبی به تبلیغ آن می‌پردازند. جهت اطلاع ازشگردهای تبلیغی شایسته است «مبانی تبلیغ» از دکتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمد تقی رهبر، را موردمطالعه قرار دهید. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شیء مضری نظیر سیگار و مواد مخدر یانظایر آن از طریق عکس‌های شرطی و به خصوص از قیافه سکس زن‌ها استفاده می‌کنند. نکته دیگر در این راستا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمربند اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه ملّتی را دراین‌گونه مسائل مجذوب خود می‌سازند و به تقلید خود درمی‌آورند، سپس به تدریج سراغ افکار و اندیشه و ایده یک ملّت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می‌کنند. چادر به عنوان حجاب اسلامی یک سنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی‌کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازاراسلامی، پر از چادرهای بدننما شد و... حال ساده اندیشی و خامی است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مدروز به نقطه خاصی اکتفا می‌کنند. طبیعی است که چنین نخواهد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راه بیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش

خواهند رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شهوت پرستی و فساد جنسی و طرح لباس‌های سکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصیصه انسان است که در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی‌شناسد. « بل یرید الانسان لیفجر امامه »؛ انسان می‌خواهد هرمانعی را از سر راهش بردارد(سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمال قدم گذاشت تا بی‌نهایت پر می‌کشد و اگر به وادی فساد و انحطاط قدم نهاد، در آنجا هم تا بی‌نهایت جلو می‌رود، به گونه‌ای که نمی‌توان آنها را در جایی متوقف کرد.ناگفته پیداست که بشر تنوع طلب است و از یکسانی خسته می‌شود. قرآن کریم نیز به این نکته توجه داشته است که می‌فرماید:« مختلفاً الوانه»(سوره نحل ، آیه ۱۲). گیاهان و میوه‌ها با رنگ‌ها و گونه‌های مختلف برای شماآفریده‌ایم یا بشر در نژادها و قبائل گوناگون آفریده شده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می‌ماند؟ حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشین و ... اگر با موازین شرع وسنت‌های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی‌توان تا این حد بر آن ایراد گرفت. حرف ما در این است که چرا ماخودمان طراح مد و مدل روز نباشیم؟ چرا افراد مبتکر و خلّاق جامعه ما سعی نمی‌کنند تا طرح جدیدی را ارائه دهند.و اصولا این یکی از ایرادهای ماست که نسبت به این گونه مسائل آن قدر منتظر می‌مانیم تا دیگران با طرح جدید خودبر ما یورش آورند. آن گاه مبتکران ما بعد از فشار زیادی که از افکار عمومی متوجه آنها می‌شود، تازه دست به کارمی‌شوند که مثلاً مدل فلان ماشین یا طرح ساختمانی و یا شیوه لباس قشر خاصی را تغییر دهند. در حالی که اگر ما دراین راستا ابتکار عمل را به دست گیریم، چه بسا بتوانیم فرهنگ خویش را برای دیگران اسوه و الگو قرار دهیم. همچنان که در برخی از جهات چنین بوده است. به هر حال نسبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و ازاینکه زمام فرهنگ و سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم. ---------- پی‌نوشت: ۱. وسائل، ج۳، ص ۳۴۰. ۲. وسائل، ج۳، ص۳۴۶. ۳. همان، ص۳۴۶. ۴. غررالحکم، ص۱۵۲. ۵. سنن ابی داود، ج۴، ص ۶۰. ۶. بحار، ج۷۸، ص۲۵۲. ۷. وسائل، ج۳، ص۳۵۶. ۸. همان، ص۳۵۵. ۹. منتهی الامال، ج۱، ص۴۱۱.

چرا رونـد تهاجم فرهنگی را یک روند ناخودآگاه نامیده و هیچ گروهی را مسوول و برنامه ریز آن ندانسـته اند. بودجه هایی که در آمریکا برای براندازی جمهوری اسـلامی به شـبکه های مستهجن ماهواره ای و رادیویی و ... اختصاص داده می شود اگر تهاجم فرهنگی نیست پس چیست.

پرسش

چرا رونـد تهاجم فرهنگی را یک روند ناخودآگاه نامیده و هیچ گروهی را مسوول و برنامه ریز آن ندانسته اند. بودجه هایی که در آمریکـا برای برانـدازی جمهوری اسـلامی به شـبکه هـای مستهجن مـاهواره ای و رادیویی و ... اختصـاص داده می شود اگر تهاجم فرهنگی نیست پس چیست.

پاسخ

واقعیت این است که تهـاجم فرهنگی یـک مقوله حقیقی و جـدی و برنامه ریزی شـده می باشـد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشـیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسـلامی و ملی این مرز بوم و اسـتفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا "دسـتگاه های فرهنگی و بسـیج همه اقشار مردم , براساس برنامه ای دقیق و حساب شـده می باشد. بر این اساس مهم ترین

راه های مبارزه با آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده , مدرسه , رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی . ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی , استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه , سعادت , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی . ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی . ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد. ۵- ایجاد باوری عمیق , درونی , ریشه دار, عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند. ۶- تلاش و تدبیر جدی , گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات , در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی ... به طور کلی برای مصون ماندن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است : جهاد علمی و عملی . الف) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد. ب) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود: ۱- جهاد عملی فردی ; این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است . این جهاد عزمی استوار و مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه , مراقبه , محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد. در این مسیر شخص باید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات همت گمارد, در مرتبه دوم انجام مستحبات و ترک مکروهات را وجهه همت خویش قرار دهد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است , حتی برخی از مباحات , را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد. ۲- جهاد عملی اجتماعی ; کوششی جمعی در جهت تغییر و اصلاح جامعه و مبارزه با آلودگی ها و انحرافات و بسط علم , اخلاق , معنویت و فضیلت و تقوی در جامعه است . این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است . در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما" برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست , اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی , برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش ها, علی ذوعلم ۳- ابوالفضل اشرفی , بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی)

آشنایی جوانان با سابقه ممتد تهاجم فرهنگی در عصر حاضر به ۱۵۰ سال اخیر و اهداف و تلاش‌های دشمنان را به ناکامی می‌کشاند و زمینه مقاومت فرهنگی را در نسل جوان افزایش می‌دهد. تجزیه و تحلیل رویدادهای تاریخی و اجتماعی، منجر به درک قانونمندی‌هایی می‌شود که در هر برهه از زمان قابل انطباق با شرایط مورد نظر می‌باشد. تعقیب رد پای دشمنان در طول سال‌های اخیر، زمینه‌ساز بصیرتی ژرف و عمیق در جوانان خواهد بود. ترمیم و تصحیح روابط متقابل جوانان با اطرافیان و تأمین نیازهای روانی آنان، راه را بر تفاهم می‌گشاید و جذّابیت زندگی خانوادگی، جوان را از لغزش‌های اجتماعی و فرهنگی، مصونیت می‌بخشد. میزگردهای بحث و انتقاد، فرصت مطلوبی فراهم می‌کند تا تردیدهای فلسفی و نگرانی‌های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیار آنان قرار گیرد. نباید فراموش کنیم که ملت ما، ملتی جوان و مستعد است، بیشترین نیروی سازنده اجتماع نیز قشر جوان آن جامعه می‌باشند. علاوه بر آن کشور ما در دوران حساس بازسازی و نوسازی است. دشمنانی

که از ترفندهای نظامی، اقتصادی و سیاسی طرفی برنبستند تمام امید خود را در تهاجم فرهنگی متمرکز کرده‌اند تا با هدف قرار دادن نسل جوان، نیروی فعال کشور را از پای درآورند و روح بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌ها و اعتقادات را در این نیروی جوان، تقویت کنند. گفتگوهای صمیمی و سازنده با نسل جوان در هر فرصتی، مفید و درخور توجه است و زمینه را برای گشودن معضلات فکری این نسل فراهم می‌کند. محورهای اصلی چنین گفتگوها می‌تواند معیارهای صحیح انتخاب دوست، نوع تأمین اوقات فراغت، چگونگی تجزیه و تحلیل اخبار و رویدادهای ایران و جهان، شناخت فرهنگ‌ها آن‌چنان که هستند و انتخاب خط مشی زندگی از جمله مواردی هستند که محورهای قابل توجهی برای نسل جوان محسوب می‌شوند. نسل جوان با درک جایگاه و موقعیت خود و شرایط حساس انقلاب می‌توانند تهاجم فرهنگی دشمنان را به شکست آنان و انزوای سیاسی‌شان تبدیل نمایند. نویسندگان و کارشناسان نیز در هر فرصتی می‌توانند با به تصویر کشیدن پیامدهای مخرب و نامطلوب تهاجم و مقایسه چنین شرایطی با پایبندی به فرهنگ خودی، فرصت مناسب را برای انتخاب و گزینش صحیح به جوانان اعطاء نمایند. در رابطه با مقابله با شبیخون فرهنگی دشمنان وظایفی بر عهده دولت و وظایفی بر دوش مردم بویژه جواناناست: الف) وظایف دولت: ۱) اصلاح برنامه‌های رادیو و تلویزیون. ۲) احیای مساجد و کانون های دینی فرهنگی و تربیتی. ۳) سرمایه‌گذاری جدی در اصلاح وضعیت مدارس و دانشگاه ها. ۴) جدیت در برخورد با منکرات اجتماعی. ۵) آگاهی بخشیدن به جامعه از ترفندهای دشمن و خطرات آن و راه‌های پیشگیری و مقابله و... ۶) ایجاد سرگرمی‌های سالم و مفید و جاذب که مانع بزرگ از توجه مردم به برنامه‌های مبتذل دشمن گردد. ب) وظایف مردم: ۱) حضور هر چه بیشتر در مراسم دینی. ۲) کیفیت و غنا بخشیدن به برنامه‌های مذهبی. ۳) بالا بردن سطح معلومات و تعمیق آگاهی‌های دینی و استحکام بخشیدن به ایمان و اعتقادات مذهبی. ۴) احیای هر چه بهتر امر به معروف و نهی از منکر.

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعریف‌های نسبتاً جامع توسط تایلور (E.B.Taylor) مردم‌شناس انگلیسی ارایه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند».{۱} به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می‌توان در نظر گرفت؛ نخست، شناخت‌ها و باورها؛ دوم، ارزش‌ها و گرایش‌ها و سوم، رفتارها و کردارها/ منظور از تهاجم فرهنگی به طور خلاصه این است که جامعه‌ای بکوشد، فرهنگ خود را به جامعه‌ای دیگر که دارای فرهنگ ویژه خویشتن است، تحمیل کند و نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه‌جویی پنهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، تلاش می‌کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و ارزش‌های غربی مثالی از سلطه‌جویی فرهنگ

مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است/ یکی از مهم‌ترین ابزارهای این تهاجم، شبکه‌های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه‌های خبری و ارتباطی بدان منظور است که سلیقه‌ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم‌ها و دیگر برنامه‌های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسان‌ها تحمیل کند/ در جهان معاصر، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تسلط، سلطه فرهنگی است؛ چرا که در صورت تحقق این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آنِ شما خواهند بود».{۲} از سوی دیگر آسان‌ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می‌رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه‌های دیگر سلطه که هزینه‌های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان‌ترین و کم خرج‌ترین راه برای رسیدن به هدف است/ امروزه دشمنان اسلام برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه‌ها و به کارگیری برترین فن‌آوری‌ها و جدیدترین روش‌های علمی، در جبهه‌ای به وسعت همه دل‌های معتقد و دین‌باور، به میدان آمده‌اند و سعی دارند استعماری نوپدید را جایگزین استعمار کهن نمایند. در این خصوص مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی۱ می‌فرماید: «ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند، وابستگی فرهنگی است.استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان‌پذیر است.... بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است»/ امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسؤولان جامعه، با شناخت توطئه‌های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با ناکامی مواجه سازند.{۳} [۱]. مبانی جامعه‌شناسی، علی‌اکبر ترابی ۱۵۴/ [۲]. اسلام بر سر دوراهی، اطریشی، ص ۲۳/ [۳]. با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی/ موضوع: سکولاریسم

درباره تهاجم فرهنگی توضیح دهید وکتابهایی معرفی کنید.

پرسش

درباره تهاجم فرهنگی توضیح دهید وکتابهایی معرفی کنید.

پاسخ

شواهدحاکی از آن است که شما بطور جدی وفعال قصد دارید سطح آگاهیهای خویش را افزایش داده وبا تکیه برآن هدایت وارشاد دیگران وبحث ومناظره بپردازید. دراین صورت شما باید سطح مطالعات خویش را افزایش دهید ما نیز سعی می کنیم یار ومددکار شما باشیم وضمن پاسخگویی به سؤالات، آثار وکتابهای متناسب ومفید معرفی کنیم. درباره تهاجم فرهنگی توضیح خواسته بودید. برای ارائه توضیح دقیق وکامل به بررسی معنا ومفهوم وعلل وریشه ها وشیوه‌های آن می پردازیم. فرهنگ واژه ای فارسی ومرکب از دو جزء"فر "و" هنگ "است". فر "به معنای شکوه وعظمت است واگر به عنوان پیشوند به کار رود به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است". هنگ "از ریشه اوستایی سنگ Thanga به معنای کشیدن، سنگینی ووقار است این واژه مرکب به

معنای بیرون کشیدن، بالا- کشیدن وبرکشیدن می باشد که درادبیات فارسی به مفهوم لغوی خود بکار رفته است".۱ "اصطلاح فرهنگ دارای معانی ومفاهیم متفاوت ومتنوعی است ودرسیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است. مرحوم علامه محمد تقی جعفری چنین تعریف کرده است" :فرهنگ عبارت است ازکیفیت یا شیوه ی بایسته ویا شایسته برای آن دسته از فعالیت های حیات مادی ومعنوی انسان ها که مستند به طرز تعقل سلیم واحساسات تصعید شده آنان درحیات معقول تکاملی باشد" ".۲" شاید بتوان بر این معنا برای فرهنگ توافق کرد" :فرهنگ مجموعه ای از بینش ها، باورها، گرایش ها، ورفتارهای مادی ومعنوی افراد یک جامعه است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود "تهاجم از مصدر هجوم است وهجوم به معنای حمله ناگهانی، یورش، تاخت وتازناگهانی، تهاجم به معنای به یکدیگر حمله کردن به یکدیگر هجوم بردن ویورش آوردن می باشد".۳ "تهاجم فرهنگی عبارتست از" : حمله فرهنگی یک قوم (یاگروه یا ملت) به قوم،گروه یا ملت دیگر به منظور تبدیل وتغییر عناصر وپدیده فرهنگی طرف مقابل. "بنابراین تهاجم فرهنگی دورکن دارد : ۱. تهاجم به باورها وارزش های یک قوم، ملت و... ۲. جایگزین فرهنگ خود بجای فرهنگ قوم مغلوب مهاجمان فرهنگی غالباً از ابزارها و روشهای زیربرای هجوم بهره برداری می کنند : الف ـ ابزارها ۱. هنر وابزارهای هنری (رادیو، تلویزیون ، ویدئو، سینما، ماهواره) وساخت برنامه های جذاب ۲. ادبیات وابزارهای ادبی (رمان های مبتذل، داستانهای شهوت انگیز، مقالات مأیوس کننده، اشعار پوچگرا وسرد وبی هویت، مجلات ضد اخلاقی و... ۳. ورزش ومیادین ورزشی (تبلیغات تجاری وسیاسی، اجتماعی، فرهنگی درمیادین ورزشی، برگزاری مسابقه با اهداف سیاسی، تأکید بیش از حد برورزش به منظور بازداری ازکار وتلاش وسازندگی وابزار قرار دادن ورزشکاران وقهرمانان) ۴. بهره برداری از روشنفکران وغربگرایان خودباخته، به عنوان عمله استعمار وبلندگوی فرهنگ بیگانه ۵. استفاده ابزاری اززنان ودختران دراجتماع وفیلم های مبتذل، مجلات نامناسب و... ۶. استفاده از فنون وتکنولوژی های پیشرفته ارتباطی وانتقال ابتذال وفساد به جوامع مورد هجوم ۷. استفاده ابزاری از سازمانها، نهادها وبنیادهای بین المللی ومنطقه ای درمحکومیت کشور وقوم مورد هجوم واسمیت بخشیدن به حاکمیت وسلطه فرهنگی وسیاسی خود برآن قوم. ۸. استفاده از مواد مخدر ومنکرات، مسکرات، مواد تهییج کننده قوای جنسی وتوزیع ارزان وفراوان دربازار. ب ـ روشها : ۱. تضعیف باورها واعتقادات مذهبی ۲. تحریف گرایشهای معنوی ۳. تخریب ونفی هویت ملی ۴. ایجاد گسستگی تاریخی (تخریب گذشته تاریخی) ۵. طرد الگوها واسوه های خودی ۶. تخریب وترور شخصیتهای خودی ۷. گسترش روحیه غربگرایی وغرب زدگی ۸. تقویت روشنفکران ـ نخبگان وابسته ۹. ایجاد جریانهای انحرافی وتفرقه های قومی ۱۰. ترویج خط وزبان بیگانه ۱۱. خبرپردازی وتصویر سازی ۱۲. ترویج فساد وفحشاء ومنکرات ۱۳. استفاده از مذهب علیه مذهب (معرفی اسلام آمریکایی بجای اسلام ناب) ۱۴. متهم کردن کشور ودولت به ضدیت با حقوق بشرو... ۱۵. ترویج روحیه تجمل گرایی واشرافی گری مهم ترین علل و ریشه های تهاجم فرهنگی به جمهوری اسلامی عبارتند از : ۱- احیاء واعتلای انقلاب اسلامی درایران وجهان ۲- به چالش کشیدن نظام سلطه جهانی توسط انقلاب اسلامی ۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی به عنوان کشور کانونی اسلام درجهان ۴- ناکامی درشکست جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی، محاصره اقتصادی وسیاسی و... راههای مقابله با تهاجم فرهنگی یا ایجاد مقاومت فرهنگی : ۱- حفظ وتعمیق ایمان ومعنویت درمردم"۴ "۲- تحقق عدالت اسلامی، حفظ ارزش دینی، تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح وامنیت همگانی درسایه ایمان وحاکمیت ارزشهای الهی ۳- هوشیاری وبیداری درمقابل انحرافات جامعه ۴- احیای فریضه مقدس ومبارک امر به معروف ونهی ازمنکر به طور صحیح ودرست ۵- باور عمیق مسؤلان ومردم به توانایی وکارآمدی نظام دراداره درست وصحیح جامعه واجتناب ازیأس وناامیدی و... ۶- تلاش، پشتکار وجدیت گسترده درعرصه های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... ۷- تجلی نظام ارزشی درمنش ورفتار مسؤلان ومدیران بخشهای مختلف جهت اطلاع بیشتر درباره تهاجم فرهنگی می توانید به کتب زیر مراجعه بفرمایید : ۱.فرهنگ ومقاومت فرهنگی، مهدی نوید ۲. فرهنگ وتهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری ۳. فرهنگ برهنگی وبرهنگی فرهنگی،

دکتر حداد عادل ۴. جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، دکتر جواد منصوری ۵. علل گرایش به مادیگری، شهید مطهری

شبیه خون به چه می گویند؟ آیا همان تهاجم فرهنگی است؟

پرسش

شبیه خون به چه می گویند؟ آیا همان تهاجم فرهنگی است؟

پاسخ

در لغت نامه ها درتعریف واژه شبیخون چنین آمده است : به تاختن ناگهانی در شب و غافلگیر کردن دشمن در شب، شبیخون گفته می شود. شبیخون فرهنگی در واقع همان تهاجم فرهنگی است اما علت اینکه از تهاجم فرهنگی به نام شبیخون فرهنگی یاد می شود این است که از آنجا که تهاجم فرهنگی بر خلاف سایر تهاجمات و جنگ ها نامحسوس و نامرئی است معمولاً کسانی که مورد هجوم فرهنگی قرار می گیرند در صورتی که هوشیار نباشد متوجه تهاجم دشمن نمی شوند واین مثل آن می ماند که در خواب فرو رفته باشند و موقعی متوجه این امر می شوند که کار از کار گذشته و دشمن پیشرفت زیادی کرده است. مولوی در مثنوی خود تمثیلی دارد که بی ارتباط با بحث ما نیست، می گوید" : شبی دزدی بر بالای بام خانه ای رفت، صاحب خانه متوجه سرو صدایی شد و پرسید بر بالای پشت بام کیست؟ دزد گفت : من هستم، و صاحب خانه گفت : تو بالای پشت بام خانه من چه می کنی؟ دزد گفت : دهل می زنم صاحب خانه گفت : پس چرا صدایش نمی آید دزد گفت فردا صبح صدای آن را خواهی شنید. "رهبر معظم انقلاب دراین رابطه می فرمایند" : تهاجم فرهنگی مثل خود کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سرو صداست... این نوع جنگ به صورت پنهانی و آرام صورت می گیرد و باور ایجاد کردن به وجود چنین تهاجمی خود یک مرحله از مقابله است. "و در جای دیگر می فرمایند" : سعدی در گلستان داستانی را تعریف می کند که دزدان بر سر عده ای رفتند و آنها خواب بودند او می گوید اولین دشمن که بر آنها تاخت"خواب "بود! اول دشمن درون چشم آنها را بست و دست آنها را از کار انداخت و بعد دشمن بیرون آمد و دستهای آنها را بست و اموال آنها را برداشت و برد، "دشمن در تهاجم فرهنگی همین‌طور عمل می کند. اول مردم را خواب می کند و بعد همه چیز آنها را می برد. امیرمؤمنان حضرت علی(فرمودند" : اگر شما رادر سنگر خواب برد، دلیل بر این نیست که دشمن در سنگر روبروی شما نیز خوابش برده است؛ شما اگر غافل شدی باید انتظار داشته باشی که ضربه را بلافاصله بخوری، لذا دشمن هوشیار نشسته و میلیونها پول صرف می کند بلکه اگر مبالغه نباشد باید عرض کنم میلیاردها صرف می کند تا بتواند ضربه ای کاری به این انقلاب بزند. "دوست عزیز! با توجه به نکاتی که دربارهٔ ویژگیهای تهاجم فرهنگی بیان شد به نظر می رسد علت این که گاه از تهاجم فرهنگی با نام شبیخون فرهنگی یاد می شود روشن شده باشد و در این زمینه ابهامی باقی نمانده باشد.

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

پرسش

منظور شما از تهاجم فرهنگی چیست راه مبارزه با آن چگونه است ؟

پاسخ

برای ارائه تفسیری دقیق و کامل از تهاجم فرهنگی لازم است علاوه بر بررسی معنا و مفهوم آن، علل و ریشه‌هایابعاد و شیوه‌ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار داده و در نهایت بهراه‌های مبارزه به تهاجم فرهنگی بپردازیم. الف) بررسی معنا و مفهوم تهاجم فرهنگی: تهاجم فرهنگی به این معنا است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادیبرای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد و باورهای تازه‌ای را به زور وبه قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می کنند تهاجم فرهنگی برای بی‌اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد. در واقع تهاجم فرهنگی دورکن اساسی و مهم دارد: ۱- جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی انجاممی گرفت. ۲- حمله به جمهوری اسلامی و ارزش‌های آن و ارزش‌های ملت ایران و یک تهاجم فوق‌العاده فرهنگی، اجتماعیو سیاسی با ابعاد گسترده در سرتاسر جهان به صورت عام و متمرکز کردن این حملات علیه ایران به عنوان کانونبیداری نهضت اسلامی. ب) علل و ریشه‌های تهاجم فرهنگی: دشمنان اسلام به این نتیجه دست یافتند تا زمانی که فرهنگ ملی بر جامعهحاکم است، اجرای هر طرح استعماری قطعا فاقد توفیق خواهد بود، زیرا سلطه سیاسی بدون پشتوانه‌های فرهنگیمیسر نیست، بنابراین برای تضعیف اسلام و ارزش‌های اعتقادی و همچنین کم‌رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد،شهادت، خوداتکایی و ضدیت با ظلم و تخریب فرهنگ ملی کشور و جایگزین کردن فرهنگ آمریکایی در راستایایجاد بحران هویت، طرح تهاجم فرهنگی را با برنامه‌ریزی‌های حساب شده به مرحله اجرا درآورند. بر این اساسمهم‌ترین علل و ریشه‌های تهاجم فرهنگی عبارتند از: ۱- احیاء و اعتلای اسلام انقلابی در ایران و جهان. ۲- انقلاب اسلامی ایران هرمونی نظام سلطه را به چالش کشاند. ۳- مطرح شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرا و کانون حرکت جهانی اسلام. ۴- ناکامی دشمنان در شکست جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی، محاصره سیاسی، اقتصادی و... ج) بررسی ابعاد، شیوه‌ها و ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی به انقلاب اسلام: ۱- اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا میان جوانان. ۲- تضعیف روحانیت با حربه‌های تبلیغاتی. ۳- تحقیر و منزوی کردن جریان ادب، هنر و فرهنگ اسلامی. ۴- متهم کردن نظام اسلامی به سلب آزادی‌های مدنی و ضدیت با حقوق بشر. ۵- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی. ۶ تبلیغ گسترده سکولاریسم، لائیسیسم، اومانیسم، وجود قرائت‌های مختلف از اسلام، تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق. ۷- سازماندهی حملات لجام‌گسیخته به باورهای ملی، مذهبی و ارزش‌های حیاتی. این موارد به عنوان محورهای استراتژی رادیوهای بیگانه، رسانه‌های غربی، نیروهای سکولار، روشنفکران غربزدهو مزدوران اجیر شده نظام سلطه در عرصه تهاجم فرهنگی بر ضد اسلام و ایمان مردم ایران می‌باشد. د) راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی: هر چند دشمنان اسلام برنامه‌ریزی گسترده‌ای را برای کم‌اهمیت جلوه دادنتهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت‌ها نسبت به اهداف تهاجم فرهنگی و ایجاد روحیهیأس و ناامیدی در مردم، به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش‌های والای الهی در جامعه،انجام داده‌اند ولی واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه‌ریزی‌های منظم وسازماندهی شده می‌باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک بهفرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه‌های فرهنگی و بسیج همهاقشار مردم، براساس برنامه‌ای دقیق، حساب شده می‌باشد. بر این اساس مهم‌ترین راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگیعبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسؤولین. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۳۹ می‌فرماید: وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین . ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش‌های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط

اسلامی و تأمین رفاه،سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش‌های الهی. ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی. ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقایفرایض و ارزش‌های الهی می‌باشد. ۵- تحقق‌باوری عمیق، درونی، ریشه‌دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی کهدر دستگاه‌های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می‌کند.نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت‌گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعهاز حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبالخواهد داشت. ۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت‌ها و اقدامات، دربخش‌های مختلف جامعه و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه‌هایاجرایی... در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راهحل نمی‌باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان‌پذیر نیست، اما درمواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می‌آورد. از طرف دیگر این نکته را نیز بایددر نظر داشت که آمریکا در حال حاضر رهبری جهانی نظام سلطه و استکبار را بر عهده دارد و سایه شوم صهیونیزم وسرمایه‌داری خون‌آشام را بر سر تمام ملل جهان دامن گستر می‌کند. ازاین‌رو مبارزه با آمریکا در حال حاضر قابل قیاسبا هیچ جریان دیگری نیست. به عبارت دیگر ستیز با آمریکا یعنی مقابله با ام‌الفساد جهانی. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش‌ها علی ذوعلم

موسیقی های راک (ب آپ ت) و پاپ (پپ پ) چه نوع موسیقی هایی هستند؟

پرسش

موسیقی های راک (ب آپ ت) و پاپ (پپ پ) چه نوع موسیقی هایی هستند؟

پاسخ

پاپ , موسیقی مردمی است (۱) و راک , رقص و چرخش است که ممکن است همراه با موسیقی باشد.(۲) (پاورقی ۱.عباس آریان پور کاشانی , فرهنگ انگلیسی به فارسی , ص ۸۲۴ (پاورقی ۲.همان , ص ۹۲۵

به نظر شما آیا در زمان ما پدیده‌ای به نام تهاجم فرهنگی وجود دارد یا تبادل فرهنگی است؟ اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، وظیفه جوانان برای مقابله با آن چیست؟

پرسش

به نظر شما آیا در زمان ما پدیده‌ای به نام تهاجم فرهنگی وجود دارد یا تبادل فرهنگی است؟ اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، وظیفه جوانان برای مقابله با آن چیست؟

پاسخ

دو مقوله تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی با هم تفاوت اساسی دارند. تبادل فرهنگی بسیارخوب و برای پیشرفت بشر لازم است. شاخصه‌ها در تبادل فرهنگی چند چیز است: ۱ - در تبادل فرهنگی نزاع و درگیری و تنش نیست، مانند این که دو عالم با هم می‌نشینند و نظریات یکدیگر را برای هم می‌گویند و با هم بحث و گفت و گو می‌کنند. ۲ - در تبادل فرهنگی، سیاسی کاری و قصد نابود کردن و براندازی را ندارند. ۳ - در تبادل فرهنگی تحمیل و فشار و خورد کردن نیست. ۴ - تبادل فرهنگی همیشه بین صاحبان فرهنگ و اندیشمندان و متخصصان هر جامعه انجام می‌گیرد، نه بین افراد کم سواد و احساساتی. ۵ - در تهاجم فرهنگی قصد مهاجمان خورد کردن یکدیگر و از بین بردن فرهنگ دیگری از راه نفوذ بر افراد کم سن و سال و کم سواد و احساساتی است. ۶ - در تبادل فرهنگی برخلاف تهاجم فرهنگی اگر یکی از طرفین به حقانیت طرف دیگر پی برد، تسلیم می‌شود و گردن می‌نهد و دنبال بهانه جویی و توجیه کردن نمی‌رود.

تهاجم فرهنگی را تعریف کنید؟

پرسش

تهاجم فرهنگی را تعریف کنید؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی (noisavnI larutluc): این اصطلاح مترادف اصطلاح امپریالیسم فرهنگی - خبری , یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزش های فرهنگی امپریالیسم در میان ملل جهان سوم و خفه کردن فرهنگ این ملتها است . به عبارت دیگر تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت , به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می برد, و باورهای تازه ای را به زور به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای آن ملت وارد کشورکند. تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو به دین و به اصول انقلابی انجام می گیرد, (ر.ک : مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران , فرهنگ علوم سیاسی , ص ۸۱)

فرهنگ را تعریف کنید, و ویژگی های فرهنگ اسلامی را بیان کنید.

پرسش

فرهنگ را تعریف کنید, و ویژگی های فرهنگ اسلامی را بیان کنید.

پاسخ

واژه فرهنگ (culture): اگر چه در علوم انسانی و اجتماعی عموما "و در جامعه شناسی و مردم شناسی خصوصا "موارد استعمال فراوان دارد, فاقد مفهوم واحد و معین و مشخص است , به قسمی که تاکنون بیش از دویست و پنجاه تعریف مختلف از آن ارائه شده است . در ادبیات غرب , نخستین تعریف علمی ((فرهنگ)) که در سال ۱۸۷۱ توسط ادوارد تایلر ارائه گردید فرهنگ چنین بیان شده است : ((فرهنگ یا تمدن کلیت درهم بافته ای است شامل دانش , دین , هنر, قانون , اخلاقیات , آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد))، (یدالله هنری لطیف پور, فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی , ص ۲۱). تعریف دیگر فرهنگ از پالمرو مونتی : ((ارزش ها, هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه , مشتمل بر سنت ها, آداب و رسوم و مذاهب , ایدئولوژی ها و تشریفات مذهبی , میراث و زبان و کلیه عادت ها با دیدگاه های مشترک))، پالمرو مونتی , نگرشی جدید بر علم سیاسیت , ترجمه منوچهر شجاعی , ص ۹۹). برای مطالعه بیشتر ر.ک: فرهنگ شناسی، دکتر چنگیز پهلوان، تهران، پیام امروز، ۱۳۷۸. در ادبیات اسلامی نیز از گذشته های بسیار دور اندیشمندان و متفکران علوم اجتماعی مسلمان به فرهنگ , عناصر و تقسیم بندی ها و سایر مسائل مربوط به آن پرداخته اند هر چند از واژه فرهنگ استفاده نشده است که از جمله می توان به اخوان الصفا (قرن سوم و چهارم هجری و قرن نهم و دهم میلادی و ابوریحان بیرونی متولد ۳۶۲ ه.ق برابر با ۹۷۳ میلادی اشاره نمود), (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه , تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام , ص ۸۹). برخی از اندیشمندان اسلامی معاصر ((فرهنگ)) را به معنایی عام به کار برده اند که شامل علوم عقلی مانند ریاضیات و منطق , علوم تجربی و علوم نقلی مانند صرف و نحو و تاریخ و بر فلسفه عرفان , دین , هنر, ادبیات , کلام , اخلاق , فقه , نظام های ارزشی حقوقی , اخلاقی , دینی و زیبایی شناختی , عرف و عادات و آداب و رسوم می باشد, (محمد تقی مصباح یزدی , جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن , ص ۲۷۱). در مقایسه فرهنگ اسلامی با فرهنگ غربی می توان به بررسی های ذیل برای فرهنگ اسلامی اشاره نمود: ۱- در فرهنگ اسلامی کهکشانی از الگوهای اخلاقی , معنوی وجود دارد که هر یک برای تحول جامعه بشری کفایت می کند در حالی که در فرهنگ غربی , اگر چه دانشمندان زیادی ظهور یافته اند ولی از لحاظ الگوهای اخلاقی , هیچ یک از آنان , انسان کامل و آیینه تمام نمای فضایل اخلاقی به شمار نمی آیند. ۲- فرهنگ اسلامی قادر است به دغدغه همیشگی انسان یعنی معنا و مفهوم زندگی پاسخ دهد و به روشنی آن را تبیین کند در حالی که فرهنگ غربی از پاسخ دادن به این پرسش بنیادین عاجز است . ۳- در فرهنگ اسلامی میان دنیا و آخرت رابطه منطقی وجود دارد و بهره گیری مشروع از دنیا و توجه به آخرت هر دو توصیه شده است , در حالی که در فرهنگ غربی این دو با یکدیگر در تضادند و پیوستن به دنیا لازمه پشت کردن به آخرت تلقی می شود. ۴- در فرهنگ اسلامی بر اصل احترام به ملت ها و استقلال و آزادی آنان تائکید فراوان شده است در حالی که در فرهنگ غربی مفاهیمی نظیر توسعه بی قید و شرط, قدرت طلبی , استثمار ملت ها و تحقیر توده های مردمی که در جوامع دیگری نظیر جهان سوم زندگی می کنند به چشم می خورد. ۵- در فرهنگ اسلامی , دین و سیاست , جلوه هایی از یک حقیقت واحدند, در حالی که در فرهنگ غربی با تسلط سکولاریسم دین از سیاست منفک می شود, (دکتر محمدرضا شرفی , پاسخ به سوئالات نسل جوان , ص ۱۲۴). جهت مطالعه بیشتر ر.ک: تعاملات علمی و فرهنگی ایران و غرب، مجموعه مقالات، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۲.

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعریف های نسبتاً جامع توسط تایلور (؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟) مردم شناس انگلیسی ارایه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت ها و به طور خلاصه کلیه آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می کند». به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می توان در نظر گرفت؛ نخست، شناخت ها و باورها؛ دوم، ارزش ها و گرایش ها و سوم، رفتارها و کردارها/ کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و ارزش های غربی مثالی از سلطه جویی فرهنگ مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است/ این تهاجم، شبکه های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه های خبری و ارتباطی بدان منظور است که سلیقه ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم ها و دیگر برنامه های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسان ها تحمیل کند/ این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آنِ شما خواهند بود». از سوی دیگر آسان ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه های دیگر سلطه که هزینه های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان ترین و کم خرج ترین راه برای رسیدن به هدف است/ ز استقلال فرهنگی آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان پذیر است.... بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است»/ امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسؤولان جامعه، با شناخت توطئه های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با ناکامی مواجه سازند. موضوع: سکولاریسم

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

برای اصطلاح فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف ذکر شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقال نیست. در میان این تعاریف یکی از تعریف‌های نسبتاً جامع توسط تایلور (E.B.Taylor) مردم‌شناس انگلیسی ارایه شده است، او عقیده دارد فرهنگ، عبارت است از «مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند».{۱} به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می‌توان در

نظر گرفت؛ نخست، شناخت‌ها و باورها؛ دوم، ارزش‌ها و گرایش‌ها و سوم، رفتارها و کردارها/ منظور از تهاجم فرهنگی به طور خلاصه این است که جامعه‌ای بکوشد، فرهنگ خود را به جامعه‌ای دیگر که دارای فرهنگ ویژه خویشتن است، تحمیل کند و نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه‌جویی پنهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، تلاش می‌کند به عنوان نمونه گمانه «دهکده جهانی» بر اساس مبانی و ارزش‌های غربی مثالی از سلطه‌جویی فرهنگ مهاجم غرب است. پدیده تهاجم فرهنگی با توجه به حرکت پنهان خود دارای دو شاخصه غافلگیری و تحمیل است و هدف آن دگرگونی جامعه با استفاده از عنصر قدرتمند فرهنگ است/ یکی از مهم‌ترین ابزارهای این تهاجم، شبکه‌های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب در گسترش شبکه‌های خبری و ارتباطی بدان منظور است که سلیقه‌ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلم‌ها و دیگر برنامه‌های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسان‌ها تحمیل کند/ در جهان معاصر، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تسلط، سلطه فرهنگی است؛ چرا که در صورت تحقق این نوع سلطه، خود بخود سلطه در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی نیز محقق خواهد شد. هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی می‌گوید: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آنِ شما خواهند بود».{۲} از سوی دیگر آسان‌ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می‌رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه‌های دیگر سلطه که هزینه‌های مالی فراوان و تلفات جانی و انسانی، به دنبال دارد، سلطه فرهنگی آسان‌ترین و کم خرج‌ترین راه برای رسیدن به هدف است/ امروزه دشمنان اسلام برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه‌ها و به کارگیری برترین فن‌آوری‌ها و جدیدترین روش‌های علمی، در جبهه‌ای به وسعت همه دل‌های معتقد و دین‌باور، به میدان آمده‌اند و سعی دارند استعماری نوپدید را جایگزین استعمار کهن نمایند. در این خصوص مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی۱ می‌فرماید: «ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند، وابستگی فرهنگی است.استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگی آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان‌پذیر است.... بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است»/ امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسؤولان جامعه، با شناخت توطئه‌های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با ناکامی مواجه سازند.{۳} [۱].مبانی جامعه‌شناسی، علی‌اکبر ترابی ۱۵۴/ [۲].اسلام بر سر دوراهی، اطریشی، ص ۲۳/ [۳].با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، مصباح یزدی/

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

مقصود از تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

مقوله فرهنگ، مقوله‌ای بس گسترده است که درباره آن بسیار سخن گفته شده است. آنان که با مباحث جامعه‌شناسی آشنا هستند، می‌دانند که برای این واژه نزدیک به پانصد تعریف ذکر شده که پرداختن به آن در حوصله این مقاله نیست. شاید بهترین و

ساده‌ترین تعریف برای فرهنگ این باشد که بگوییم: «فرهنگ عبارت از مجموعه مایه‌هایی است که رفتار انسان را از رفتار حیوانات مشخص و متمایز می گرداند.» به طور کلی، برای فرهنگ سه بخش اساسی می‌توان در نظر گرفت: نخست، شناختها و باورها. دوم، ارزشها و گرایشها و سوّم، رفتارها و کردارها. منظور از تهاجم فرهنگی آن است که جامعه‌ای بکوشد فرهنگ خود را بر جامعه‌ای دیگر که بالطبع دارای فرهنگ ویژه خویشتن است، تحمیل کند یا دست کم، نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه پدید آورد. فرهنگ مهاجم، در ذات خود، سلطه جویی را نهان دارد و همواره در جهت بسط سیطره خود، برنامه ریزی و تلاش می کند و همانگونه که سردمداران کنونی آن اعلام کرده‌اند، در پی آنند که جهان را به صورت «دهکده واحد جهانی» بر اساس مبانی و ارزشهای غربی در آورند. بنابراین در معنای تهاجم، غافلگیری و تحمیل نهفته است. سبب آنکه این واژه در عرف جامعه ما، بار منفی دارد، این است که دشمن می‌خواهد باورها و ارزشهای متعالی را از جامعه ما ستانده و بجای آن فرهنگ منحط غربی را بنشاند. یکی از مهمترین ابزارهای این تهاجم، شبکه‌های پیشرفته ارتباطی است. در واقع، تلاش غرب، در گسترش شبکه‌های خبری و ارتباطی، بدان منظور است که سلیقه‌ها، معیارها و الگوهای رفتاری و اخلاقی خود را در قالب فیلمها، شوهای تلویزیونی و دیگر برنامه‌های سرگرم کننده مبتذل، در سراسر جهان به همه انسانها تحمیل کند که در لوای این کار، اهداف سودجویانه شیطانی نهفته است. در میان شیوهای گوناگونی که از دیرباز برای تسلط بر دیگران شناخته و آزموده شده است، در دوران معاصر، کاراترین آن بنام سلطه فرهنگی شناخته می‌شود، چرا که اولاً در صورت تحقق این نوع از سلطه، خود بخود انواع دیگر آن همانند سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی هم، محقق خواهد شد، همانگونه که هربرت اسپنسر فیلسوف معروف انگلیسی گفته است: «اخلاق و آداب و زبان و تمدن خود را به اقوام و مستملکات خود بیاموزید و آنان را به حال خود واگذارید که همیشه از آنِ شما خواهند بود.»{۱} ثانیاً آسان‌ترین راهی که سلطه جویان را بدون کمترین هزینه به هدف می‌رساند، سلطه فرهنگی است. یعنی بر خلاف گونه‌های دیگر سلطه جویی که صرف هزینه‌های مالی فراوان و حتی گاه تلفات جانی و انسانی، لازم می‌آید، در سلطه فرهنگی کمترین هزینه برای رسیدن به هدف صرف می‌شود. بنابراین، در میان شیوه‌های استعماری، آنچه از همه خطرناکتر و در عین حال پنهانتر است، شیوه سلطه فرهنگی است. خطری که در این زمینه، جبهه اسلامی را تهدید می کند، به جهت گستردگی جبهه تهاجم، پیچیدگی آن و صدماتی است که از لحاظ معنوی به او وارد می‌آورد و در پی آن است که افکار و عقاید و ارزشها را در درون وی به نابودی کشد و حیات معنویش را دچار اختلال سازد. امروز، دشمنان اسلام، برای رسیدن به این هدف، با همه ابزارها و شیوه‌ها و بکارگیری برترین تلنولوژی‌ها و جدیدترین روشهای علمی، در جبهه‌ای به وسعت همه دلهای معتقد و دین‌باور، به میدان آمده‌اند.دیگر مسئله آمدن بیگانه به داخل یک خاک مطرح نیست، بلکه سخن از بیگانه شدن از خویشتن و از درون پوسیدن است. مرزبان بزرگ معنویت و انسانیت، حضرت امام خمینی (قدس‌سره‌الشریف) می‌فرمود: «ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند، وابستگی فرهنگی است.استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگ آن نشأت می گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود، با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر، یا یکی از آنها، امکان‌پذیر است.... بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران، که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به جوامع زیر سلطه است.» امید است همه مردم ما و بویژه اندیشمندان و متفکران و نیز مسئولان جامعه ما، با شناخت توطئه‌های فرهنگی دشمنان، آنان را در این جبهه پیچیده با ناکامی مواجه سازند.{۲} [۱]. - اسلام بر سر دوراهی، ص ۲۳ [۲]. - با استفاده از کتاب تهاجم فرهنگی، گرد آمده از سخنرانیهای استاد مصباح یزدی.

تهاجم فرهنگی و موارد آن را توضیح دهید؟

پرسش

تهاجم فرهنگی و موارد آن را توضیح دهید؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی عبارت‌است از تلاش مستمر و حیله گرانه استکبار برای مسخ فرهنگ‌های اصیل و الهی از ملت‌ها و دور ساختن آنان از هویت مستقل دینی و ملی‌خودشان و نیز سلب اتکا به اراده خود و اعتماد به نفس، به منظور سلطه اقتصادی و سیاسی چنانکه از تعریف نیز بر می‌آید، هدف اصلی تهاجم فرهنگی، گرفتن هویت فرهنگی و ملی برای فراهم شدن زمینه غارت ثروت ملی و سلب کیان و استقلال ملت‌ها است تا بتوانند غریزه توسعه‌طلبی و سلطه جویی خود را اشباع نمایند. به دیگر سخن، هدف دشمن از تهاجم فرهنگی عبارت‌است از: ۱. دور کردن جوانان از دین با القای جدایی دین از سیاست و جدایی دین از علم؛ ۲. ایجاد این باور که زندگی و فرهنگی غربی می‌تواند بهترین الگو باشد؛ ۳. جایگزین کردن ارزش‌های مادی به جای ارزش‌های الهی؛ ۴. ترویج فرهنگ لذت جویی، مصرف گرایی و بی تفاوتی. مهاجمان به عرصه فرهنگ، روش‌ها و ابزار گوناگونی را به کار می‌برند، از جمله ۱. ترویج اندیشه‌های ناسالم غربی در قالب مکتب‌های فکری و فلسفی همچون حس گرایی، شک گرایی، و غیره؛ ۲. ترویج افکار ویرانگر ضد اخلاقی در شکل نظریات و فرضیات علمی؛ ۳. ترویج فساد اخلاقی و آزادی جنسی از طریق فیلم‌های مبتذل ویدئویی و پخش عکس‌های مستهجن؛ ۴. پوشش نیرومند رسانه‌ای بر جهان اسلام به وسیله ماهواره‌ها؛ ۵. به استهزا گرفتن معتقدات، آداب و رسوم ملی و دین با استفاده از بحران‌های استقلال‌طلبی و نو گرایی در نسل جوان؛ ۶. تشویق قلم به دستان مزدور برای نوشتن کتاب‌ها و مقالات در ابعاد مختلف با هدف مخدوش کردن چهره‌های رهبران اسلامی و معتقدات آنان؛ ۷. اعزام جاسوس به مراکز مختلف اسلامی برای آمادگی بیش‌تر در راستای اهداف دراز مدت تهاجم فرهنگی؛ ۷. القای این شبهه که اسلام توان اداره جامعه را ندارد؛ ۸. ترویج روحیه بی‌اعتمادی به مسؤولان. اما راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی: آگاهی و هشدار دادن به جامعه از طریق احیای امر به معروف و نهی از منکر؛ تبیین خطرات، مضرات و نتایج خسارت بار فرهنگ‌های مهاجم غربی به وسیله صدا و سیما و دیگر وسایل ارتباط جمعی؛ تهیه خوراک فرهنگی سالم برای جوانان با شیوهای جدید و متنوّع؛ کوشش برای جایگزین کردن برخورد فعال و سازنده با تهاجمات فرهنگی به جای برخوردهای انفعالی؛ استفاده از تکنیک و دانش ارتباطات و تبلیغات؛ ایجاد سرگرمی‌های سالم برای جوانان؛ به کارگیری و استفاده از کارشناسان مسلمان در زمینه مسایل اجتماعی، تربیتی و تبلیغی؛ تقویت اساتید ومعلمان متعهد در سطح جامعه و فعال کردن مساجد.

چرا جوانان ایرانی فرهنگ خودمان را قبول ندارند و از غربی ها تقلید می کنند؟

پرسش

چرا جوانان ایرانی فرهنگ خودمان را قبول ندارند و از غربی ها تقلید می کنند؟

پاسخ

مظاهر تمدن غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته می شوند، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی مردن شدن تلقی می شود. کسی کار ندارد که آیا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش شده و می شود. البته این را هم بگوییم که این الگو پذیری تنها در مد مو و لباس و آرایش و موسیقی و ... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و ... نیز جریان دارد که شرح و بسط آن ها فرصتی دیگر می طلبد. این را هم اضافه کنیم که تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کندو آن را جزء فرهنگ خود نماید نه تنها ناپسند نیست بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته باشد و پیروی محض باشد بدون در نظر گرفتن محسّنات و مضراتش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را لعن نموده است: خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد پاسخ این که چرا گرایش به تقلید در جوانان ما زیاد است، یک جمله بیش نیست و آن این که: متأسفانه در شناخت فرهنگ خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های دیگر و اخذ فرهنگ های غیر خود دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم تودهٔ مردم.

ضرر نوار های ترانه چیست؟

پرسش

ضرر نوار های ترانه چیست؟

پاسخ

یکی از مهم ترین مسائلی که امروز در دنیا مطرح است و اندیشوران زیادی دربارهٔ آن به تحقیق مشغولند، مبحث "آلودگی صوتی" و "بهداشت شنوایی "است. طبق این تحقیقات گوش سپردن به هر نوع صدای مصنوعی (صدای تلویزیون، رادیو و ...) زیانبار است و این شامیل صداهای موسیقیار هم می شود. از بین موسیقی ها، آن چه که از جهت فن موسیقی و تنفیق شعر و موسیقی که مایه یا بی مایه هستند، زیان بار تر است. اما موسیقی های پاپ امروز ایرانی که معروف به ترانه هستند غیر از معضلات بالا، مشکل دیگر هم دارند و آن ضربی بودن آن ها است. این موسیقی ها اکثراً ریتمیک هستند و پدیدهٔ تکرار در آن ها یک اصل است. حال خوب است بدانید که اعصاب انسان تا حدی ظرفیت شنیدن قطعات ضربی و ریتمیک را دارد و در صورت گوش سپردن فراوان به این نوع موسیقی ها، اثرات زیانبار آن ها بر اعصاب بسی بیشتر خواهد بود. کم مایه بودن و بی محتوایی اکثر اشعار و ملودی های مورد استفاده را نیز نباید از نظر دور داشت که از نگاه اخلاقی و حتی عرفی مکروهند. امید است که تا حدی به زیان های این نوع موسیقی ها آگاهی یافته باشید. تا نامهٔ بعد و پاسخی بعد به خدایتان می سپاریم.

آیا دانشگاه محل فساد است؟ بعضی با این حرف پدر و مادرها را بدبین کرده اند. آیا این حرف صحیح است؟

پرسش

آیا دانشگاه محل فساد است؟ بعضی با این حرف پدر و مادرها را بدبین کرده اند. آیا این حرف صحیح است؟

پاسخ

خواهر گرامی این سخن به صورت کلی صحیح نیست. قضاوت بعضی از والدین بر اساس گزارش هایی است که از بعضی دانشگاه ها به گوش آن ها رسیده که معلوم نیست آن اطلاعات چقدر درست است. البته بعضی از مراکز دانشگاهی متأسفانه موازین اسلامی را رعایت نمی کنند و به این شایعات دامن می زنند. بنابراین باید به پدران و مادران گفت: همهٔ دانشگاه ها چنین وضعیتی ندارند. از طرفی کسی که اهل فساد باشد، در هر کجا باشد، به این امر مبادرت می ورزد، چه دانشگاه باشد و چه محیط دیگر. افراد متدین هر جا باشند، ایمان خود را حفظ می کنند، همان طوری که دانشجویان زیادی در دانشگاه وجود دارند که از نظر اخلاقی نمونه اند. آمار معتکفان دانشجو و شرکت کنندگان در نماز جماعت و حضور در مجلس دعا و زائرین عمره گویای این حقیقت است.

خودباختگی چیست و آثار و پیامدهای آن کدام است؟

پرسش

خودباختگی چیست و آثار و پیامدهای آن کدام است؟

پاسخ

خود باختگی به معنای مرعوب فرهنگ بیگانه شدن، عدم استقلال فکری و نتیجهٔ از خود بیگانگی فرهنگی است. خودباختگی به خود باختگی فردی و خود باختگی اجتماعی تقسیم می شود. خودباختگی فردی بدان معنا است که شخص اعتماد به نفس نداشته و قابلیت ها و استعداد خویش را نادیده گرفته و از خودشناسی نیز عاجز بوده و مجذوب و مرعوب ایدهٔ دیگران می شود؛ خود و ارزش های خویش را فراموش می کند. یکی از پیامدهای منفی خودباختگی احساس حقارت است. انسان خود باخته به دلیل این که جذب ارزش ها و قابلیت های دیگران می شود، احساس حقارت و کم بینی می کند که نتیجهٔ آن از دست دادن عزت مندی و کرامت انسانی است. از این رو، در آموزه های دینی از احساس حقارت نهی شده و انسان ها به عزت مندی و عزت گرایی فراخوانده شده است. امام هادی(ع) فرمود": من هانت علیه نفسه فلا تأمن شرّه؛ کسی که خویشتن را ناچیز و خوار می یابد و در باطن نسبت به خود احساس سستی و حقارت دارد از شر او ایمنی نداشته باش.["۱] پیامبر اسلام(ص) در خصوص عزت نفس فرمود": بر هیچ مسلمانی جایز نیست که خود را ذلیل و خوار نماید.["۲] امام علی(ع) خطاب به فرزندش فرمود": و لا تکن عبداً غیرک و قد جعلک الله حراً.["۳] جامعه خود باخته نیز بدان معنا است که آن جامعه استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ... نداشته و در برابر فرهنگ و تمدن جامعهٔ دیگر خود باخته و مرعوب و مجذوب جوامع دیگر می گردد. از سوی دیگر قابلیت ها و استعداد های خویش را فراموش نموده و استقلال و اقتدار و عزت خویش را از دست می دهد. پیامدهای منفی جامعه دراستقلال فرهنگی و سیاسی... ظهور می کند. اگر جامعه از نظر فرهنگ و تمدن خود باخته باشد، جذب فرهنگ بیگانگان شده، از فرهنگ و آداب آن ها استفاده کرده و از باورهای دینی و ارزش های خود دست بر می دارد. خود باختگی سیاسی موجب می شود که جامعه به

کشورهای بیگانه و ابسته شده و در تصمیم گیری های سیاسی و روابط بین الملل مشکل داشته و اصولاً سیاسی منفعلانه داشته باشد و در برابر ابر قدرت ها تسلیم شده و کاملاً به آن ها وابسته گردد. یکی از پیامدهای منفی خود باختگی در بعد نظامی ظاهر می شود. جامعهٔ خود باخته توان و قدرت نظامی خویش را نادیده گرفته و به کشورهای دیگر که توان نظامی بیشتر دارد جذب شده و امکانات نظامی خویش را از آنان می گیرد، حال آن که در آموزه های دینی به استقلال و خود اتکایی نظامی تأکید شده است.[۴] برای رهایی از خود باختگی فردی و اجتماعی لازم است که باورهای فردی حفظ شده و عوامل عزت مندی در انسان تقویت شود. در خصوص خود باختگی جامعه نیز باید گفت: جامعه باید قابلیت ها و استعدادهای خویش را باور نموده و راهکارهای استقلال سیاسی و اقتصادی ... را ایجاد و با عوامل خودباختگی مبارزه شود و در فضای جامعه این نگرش به وجود آید که هر جامعه ای قابلیت و استعداد خاص خود را داشته و میراث فرهنگی گرانسنگ و افتخارات را حفظ نماید. [۱]تحف العقول، ص ۴۸۳. [۲]تاریخ یعقوبی ص ۶۷؛ به نقل از: محمد تقی فلسفی، جوان از نظر عقل واحساس، ج ۲، ص ۲۹۱. [۳]نهج البلاغه، نامه ۳۱. [۴]انفال (۸) آیهٔ ۸۰.

آیا می توان گفت علت گسترش فساد و بی حجابی که شاهد آن هستیم پس از انقلاب اسلامی ایران فقط تهاجم فرهنگی بوده است آیا می شود روزی بی‌حجابی در ایران از بین برود؟

پرسش

آیا می توان گفت علت گسترش فساد و بی حجابی که شاهد آن هستیم پس از انقلاب اسلامی ایران فقط تهاجم فرهنگی بوده است آیا می شود روزی بی‌حجابی در ایران از بین برود؟

پاسخ

فساد و بدحجابی و دیگر مفاسدی که در کشور ما فراوان شده معلول عواملی است ۱ ـ بازمانده افکار ولنگاری و بی حجابی و تربیت‌های ناصحیح قبل از انقلاب آنان که سن و سالشان اقتضا می کند می دانند که قبل از انقلاب وضعیت فساد و بی حجابی برگرفته از نسخه‌های غربی بود و توسط دست‌های پیدا و پنهان استعمار در این کشور اجرا می‌شد و حتی برداشتن حجاب را اجباری کرده بودند. وضع طوری بود که اگر دختر یا زنی می خواست با حجاب باشد، مورد تهاجم سخریه‌ها و استهزاها و دهن کژی‌ها واقع می‌شد. اُمُّل و کوتاه فکر و عقب افتاده می‌دانستند. این نسخه توسط رضاخان اجرا شد، سپس مدت پنجاه سال این فرهنگ ادامه پیدا کرد. فرهنگ ولنگاری و فساد را در جامعه محکم کردند اما انقلاب اسلامی که به وجود آمد، این وضعیت حدود ۱۸۰ درجه عوض شد، به طوری که بی حجابی به طور کلی رخت بر بست ولی باقیماندهٔ آن افکار پس از مدتی کم کم و به طور خزنده رشد کرد و متأسفانه مسئولان و دست اندرکاران فرهنگی تدبیری نیاندیشیدند بلکه با بعضی از اعمال و شیوع فرهنگ و افترا، عده‌ای اعتماد و اعتقاداتشان را به نظام از دست دادند. ۲ ـ تهاجم فرهنگی می‌توان گفت یکی از بزرگ‌ترین عوامل گسترش فساد و ولنگاری تهاجم گستردهٔ فرهنگی غربی است ورود سی‌دی‌ها و فیلم‌های مستهجن ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی و پخش و گسترش افکار شهوی نیز تبلیغات گسترده رسانه‌ای در روزنامه‌ها، هفته نامه‌ها، ماه نامه‌ها و... نمونه‌ای از تهاجم فرهنگی دشمن است البته دست‌های مرموز و مشکوک داخلی نیز پیدا است هدف از تهاجم گسترده فرهنگی قبضه کردن افکار و ایده‌های مردم مخصوصاً جوانان است تا بتوانند بر آنان مسلط شوند. ۳ ـ هواهای نفسانی و شهوت رانی و شهوت پرستی زمینه شهوت در وجود هر

مرد و زنی هست که اگر کنترل نشود، کم کم بر انسان مسلط می‌شود. از امیرالمؤمنین ع) آمده " أشجع الناس من غلب هواه ؛ شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هواهای نفسانی‌اش غلبه کند".۱[۱] امیرالمؤمنین(ع) فرمود": غالب الشهوة قبل قوّة ضراوتها فانها ان قویت ملکتک و استقادتک و لم تقدر علی مقاومتها؛ پیش از آن که تمایلات نفسانی به تندروی عادت کنند، با آنها به ستیز، زیرا اگر تمایلات سرکش در تجاوز و خودسری نیرومند شوند، فرمانروای تو خواهند شد و تو را به هر سو که بخواهند می‌برند، در نتیجه قدرت مقاومت در برابر آن‌ها را از دست خواهی داد["۲.] در درجه اول مسئولان فرهنگی کشور باید با مفاسد مبارزه کنند و جلو فساد و فحشا را بگیرند. نیز زمینه ازدواج را فراهم کنند. تورم و گرانی و ثابت نبودن قیمتها را حل کنند. وظیفهٔ مردم نیز امر به معروف و نهی از منکر است و در انجام وظیفهٔ مهم نباید کوتاهی کنند. [۱]بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۶. [۲]فهرست غرر الحکم ص ۱۸۷شمارهٔ ۶۴۴۴.

تهاجم غربی برای مسلمانان شامل چه مواردی در اسلام می‌شود (در کل فرهنگ غرب؟

پرسش

تهاجم غربی برای مسلمانان شامل چه مواردی در اسلام می‌شود (در کل فرهنگ غرب؟

پاسخ

متأسفانه پرسش مبهم است، زیرا معلوم نیست مقصود از تهاجم غربی، تهاجم فرهنگی است و یا تهاجم نظامی، از این رو لازم است در نامه‌های بعدی به طور شفاف پرسش‌های خویش را مطرح نمایید، اگر مقصود، ابعاد تهاجم فرهنگی باشد، باید در جواب گفت: غرب با تهاجم فرهنگی به تضعیف باورهای دینی پرداخته و ارزش‌ها و سنت و آداب، تمدن و مبانی اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و به طور کلی تمام چیزهایی را که موجب استحکام یک نظام و کشور می‌شود، مورد تهاجم قرار می‌دهد. این تهاجم با بهره گیری از پیشرفته‌ترین ابزار فرهنگی صورت گرفته و تبلیغات غرب، نظام یافته و همسو با شرایط زمان می‌باشد. از سوی دیگر غرب با زیر سؤال بردن باورهای دینی مسلمانان و هجمه قرار دادن فرهنگ آنان، به تقویت فرهنگ غرب پرداخته وانمود می کند که فرهنگ غرب بهترین فرهنگ بوده و تمام خواسته‌های سعادت انسان در بهره گیری فرهنگ غرب تأمین می‌شود. اگر مقصود از تهاجم غربی، تهاجم نظامی باشد، این نوع تهاجم نیز با رایزنی‌ها و فضا سازی خاصی شکل می گیرد. غرب در ابتدا سعی می کند که افکار عمومی را جهت حمله نظامی به کشورهای اسلامی فراهم نموده و سپس حمله نظامی کند، مانند حمله نظامی آمریکابه عراق و یا افغانستان که نخست وجود سلاح‌های شیمیایی در عراق را مطرح نمود و سپس حمله نظامی نمود، حمله نظامی غرب در کشورهای اسلامی پیامدهای منفی را در پی داشته و موجب از بین رفتن امکانات مادی می‌شود، از سوی دیگر مسلط شدن غرب به کشور مورد تهاجم موجب می‌شود که باورهای دینی مردم ضعیف شد، و آداب و فرهنگ اسلامی آن کشور به مرور زمان از بین برود.

چرا به اندازه‌ای که تبلیغات غربی‌ها بر جوانان ما تأثیر گذار بوده، تبلیغات ما روی جوانان غرب چنین تأثیری را نداشته است؟

پرسش

چرا به اندازه‌ای که تبلیغات غربی‌ها بر جوانان ما تأثیر گذار بوده، تبلیغات ما روی جوانان غرب چنین تأثیری را نداشته است؟

پاسخ

ار چند جهت تأثیر گذاری تبلیغات غربی‌ها بیشتر بوده است: ۱. غربی‌ها برای تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی اسباب و ابزارهای فراوانی را در اختیار دارند که اصلاً قابل مقایسه با امکانات ما نیست. نمونه‌اش پایگاه‌های متعدد اینترنتی، دستگاه‌های مدرن ارتباط جمعی مانند ماهواره، شبکه‌های تلویزیونی، خبرگزاری‌های متعدد و غیره می‌باشد. ۲. غربی‌ها برای تأثیر تبلیغات خود از هر شیوه‌ای استفاده می‌کنند و به مسائل اخلاقی خود را مقید نمی‌دانند، از این رو از حیله و ترفند و تظاهر و مظلوم نمایی و تحریف حقایق به راحتی بهره می‌جویند، در حالی که بر اساس نظام اخلاقی اسلام ما نمی‌توانیم این شیوه‌ها را به کار بگیریم. ۳. این واقعیت را نیز نباید نادیده بگیریم که به دلیل سابقه و پیشینه تهاجم، کشورهای استعمارگر، از راه کارهای مدرن و عناصر حرفه‌ای برخوردارند که در جذب مخاطبان بسیار مؤثر است، ولی ما به دلیل عدم سابقه طول.....نیاز به آزمون و خطا داریم و چه بسا از شیوه‌های جذاب استفاده نکرده‌ایم. ۴. آنها با دست گذاشتن روی یک سری نیازهای فطری و غریزی انسان مانند غریزه جنسی و حس آزادی، در کار تبلیغاتی خود بسیار بهره می‌گیرند و طبیعی است که این مسائل علاوه بر این که نیاز انسانی است، حتی گاهی از نیازهای اولیه است که هر انسانی در صدد پاسخ گویی و ارضا آن نیازها است. در این راه غربیان با تکنیک‌ها و تبلیغات گسترده‌ای که دارند و با توجه به آزاد بودن ارتباطات رسانه‌ای بهره بسیار می‌برند. ۵. این نکته را نباید نادیده گرفت که کار تهاجم، از دفاع آسان‌تر است. و همیشه تخریب راحت‌تر از سازندگی است

اهداف تهاجم فرهنگی

رپ، آیا گروه خاصی هستند؟ چه هدف و خط مشی دارند؟

پرسش

رپ، آیا گروه خاصی هستند؟ چه هدف و خط مشی دارند؟

پاسخ

"رپ "از اول به نوعی موسیقی در غرب اطلاق می‌شد و بعدها توسط گروهی به این اسم ترویج شد، اگر چه از ابتدا متتذل و فاسد نبود، ولی بعدها به این موضع اسفبار و مبتذل دچار گردید، رپ هم اکنون به عنوان سمبل گروه‌های مبتذل در ایران شناخته می‌شود و تمامی مدهای فاسد و مبتذل منتسب به گروه‌های" رپ "می‌باشند، که با ارائه مدها و سبک‌های خود، الگویی برای جوانان و پیروان خود بوه و آن‌ها را نیز به انحراف می‌کشانند. از مشخصه‌های این گروه در ایران، پوشیدن کفش‌های لنگه و لنگه و پوشیدن شلوارهایی با پاچه‌های کوتاه و گشاد می‌باشد. انسان‌ها در جوامع انسانی برای نمایش روحیات و علایق و مطلوب یا موجود زنگی خویش، به نمایه هایی نیاز دارند و" مدها "نمایه‌های فرهنگ و هویت یک عدد است. مد تظاهر به فرهنگ و الگوهای مورد نظر، و در آخرین حد می‌تواند نمایشی از تحول شخصیتی و هویتی فرد یا جامعه باشد. یکی از اهداف استکبار جهانی و گروه‌های مبتذل

در تهاجم فرهنگی، بهره‌گیری از نیازها و غرائز فطری و تقاضاهای انسان‌ها است. آن‌ها با برنامه گسترده و فراگیر، با چهره سازی و قهرمان پروری در صدد ارائه الگو و روش در زمینه‌های مختلف، جهت مسخ و تغییر فرهنگ دینی و ملی به ویژه ملت‌های اسلامی هستند. حجم عظیم تبلیغات بنگاه‌های تبلیغی استعماری و ارائه مدها و الگوهای مغایر با دین و سیره ائمه معصومین(ع) و اختصاص برنامه‌های گسترده از رسانه‌ها در طول شبانه روز و ارسال آن به اقصی نقاط دنیا، جهت القای فرهنگ مبتذل غربی است، به علت ضعف فرهنگی و آسیب‌پذیری جوامع وارداتی، تأثیر مدها و تبلیغات می‌تواند بسیار مخرب باشد. انسان‌ها در نهاد ونیازهای درونی و در طبیعت خود، به مدگرایی و انتخاب روش و طرز زندگی، گرایش دارند غریزهو حس کمال جویی در همه وجود دارد. بر همین اساس، انسان همواره به دنبال الگو وانتخاب روش بهتر برای حرکت خود به سوی کمال جویی است. همانند نوجوانی که همواره تلاش می‌کند تشنگی خود را در ابعاد گوناگون سیراب نماید و یا رفتار و ظاهر خود را با مشاهده رفتار دیگران تغییر دهد. همه این‌ها حاکی از نیاز درونی است. مشکل اصلی این است که انسان به چه منبعی مراجعه نماید و چه مراجعی را برای تنظیم زندگی خود مورد توجه قرار داده و چه روش هایی را برای پیاده کردن رفتارها و هنجارهای خویش انتخاب نماید؟ اصل گرایش به مدو پیروی‌از روش و رفتار دیگران ریشه درونی دارد تا انسان بتواند خلاهای شخصیتی خویش را پر کند. میزان تحصیلات رابطه مستقیمی با مدگرایی دارد، زیرا اگر تعلیم بر اساس الگوهای فکری و رفتاری بیگانه باشد، در مدگرایی معطوف به خارج از مرزهای" هویتی، "اثر خواهد داشت. آراستن و پوشیدن لباس به نحو معقول و مشروع، یک تمایل طبیعی در انسان‌ها است، اما اگر از روی غفلت یا دخالت پاره‌ای از نقاط ضعف، این تمایل از مسیر طبیعی و صحیح خود خارج شود، یکیاز مهم‌ترین عوامل دامن زدن و ارضای خودنمایی و فخر فروشی و خودپرستی است که از حالت طبیعی خود آرایی به حالت انحراف خودنمایی تغییر پیدا می‌کند و در مراحل پیشرفته، تبدیلبه هوس بازی هاو خودخواهی‌ها ارضای حسادت‌ها و رقابت‌های احمقانه خواهد گردید. در این حال، حالت مرض روحی گرفته و به سوی معایب اخلاقی و سقوط و انحطاط روحی خواهد رفت. رپ‌ها که گرفتار عارضه مد پرستی هستند، انواع امراض روحی و صفات برگرفته از خودپرستی را نشان می‌دهند، مگر کسانی که با ناآگاهی و ساده لوحی تحت تأثیر عوامل محیطی به تقلید کورکورانه از دیگران، در این مسیر قرار گرفته‌اند و مد سازان با تیزهوشی آمیخته به شیّادی، وجود چنین نقطه ضعف در نهاد آدمی را درک نموده و کار خود را پیش می‌برند. این ما هستیم که باید هوشیارانه نقشه‌های دشمنان را نسبت به فرزندانمان ودین و دیانت، نقش بر آب کرده و از اصالت و هویت حقیقی و دینی خود دفاع کنیم.(۱) پی نوشت‌ها: ۱ – روزنامه کیهان، مد پذیری و مدگرایی، ۱۳۷۵/۵/۲۷، ص ۶ و علل گرایش به مدگرایی، ۱۳۷۵/۵/۲۲، ص ۷ و روزنامه رسالت، بررسی ریشههای روانی نوگرایی و مدگرایی، ۱۳۵۷/۵/۱۷، ص ۱۳، با تلخیص.

علت این که مردم ایران و جهان به فساد و کارهای زشت و شهوترانی کشیده می شوند چیست؟ چرا باید به خاطر کارهای زشت و بی بندوباری بعضی از جوانان ایرانی که هر کاری می خواهند انجام می دهند، دیگران هم باید در تنگنا باشند و باید خشک و تر با هم بسوزند؟

پرسش

علت این که مردم ایران و جهان به فساد و کارهای زشت و شهوترانی کشیده می شوند چیست؟ چرا باید به خاطر کارهای زشت و بی بندوباری بعضی از جوانان ایرانی که هر کاری می خواهند انجام می دهند، دیگران هم باید در تنگنا باشند و باید خشک و تر با هم بسوزند؟

پاسخ

علت اصلی رواج فساد در عالم در یک چیز خلاصه می شود و آن" کم رنگ شدن تعهّد انسان ها است. این تعهد هم شامل ایمان به خدا و اعتقادات مذهبی می شود و هم شامل تعهد نسبت به هم نوع که سعدی از آن به" آدمیت "تعبیر می کند. وقتی یک انسان – در هر کجای عالم که باشد و هر دینی که داشته باشد – تنها خود و زندگی خویش را معیرا اعمالش بداند و تمام تکاپوی حیاتش در دستیابی به امیال درونیش باشد، دیگر نه از ایمان در او خبری می ماند نه آدمیّت، زیرا ایمان انسان را به راهیابی به دریچه های گشودهٔ آسمان دعوت می کند. همت انسان را از ورطه خاک فزون تر می سازد و آدمیت، آسایش و ارامش نسل انسان را در افق فکر انسان روشن می سازد و او را از آمال فردی جدا می سازد. نبودِ این تعهد در انسان امروزی سبب شیوع فساد و رواج بی بند و باری شده است که البته تمام ضررها و زیان های آن هم به خود انسان ها می رسد، زیرا بالاخره روزی می رسد که این یدوارها بلند تر می گردند و زندگی فردی به قدری افزایش می یابد که انسان در چاهی که به دست خود کنده است، به تنهایی در می ماند و پشیمان می گردد. اما این که چرا باید انسان های خوب هم با انسان های بد یکی دانسته شوند و به قول شما خشک و تر با هم بسوزند؟ نکته را یاد آوری می کنیم و آن این که شما اگر در یک آپارتمان ده طبقه زندگی کنید که بیست تا سی خانوار در آن سکونت دارند، کافی است یکی از این خانه ها به هر دلیلی – دچار حریق شود. آن گاه ملاحظه می کنید که تمامی ساختمان دستخوش تخریب می گردد! آیا در این مورد می توان گفت چرا خشک و تر با هم سوخته اند؟ مسلّماً خیر! به همین قیاس، ما در جامعه ای زندگی می کنیم که دارای زیر ساخت ها و اسکلت خاصی ارتباطی می باشد. وقتی یک عده از افراد جامعه دست به فساد و تبهکاری بزنند. مسلّماً الباقی جامعه نیز دستخوش شوک حاصل از آن می گردند. به طور مثال این باند های سرقت دختران و زنان را مثال می زنیم که به بهانهٔ مسافر کشی به تبهکاری دست می زنند، به طور خیلی طبیعی امروزه دختران و زنان مواظب هستند که سوار هر اتومبیلی نشوند و بیشتر با وسایل عمومی سفر کنند! در حالی که گروه تبهکاران فقط عدهٔ معدودی هستند و شاید در صد اندکی را شامل شوند، ولی ما از احتمال خطر هر پرهیز می کنیم و در حقیقت به نوعی خشک و تر را با هم می سوزانیم. حال اگر این استرس به وجود آمده خیلی زود بر طرف شود و آرامش به انسان ها باز گردد تعادل روانی جامعه به هم نخواهد خورد، برعکس اگر روز به روز آمار فساد بیشتر شود، جامعه ای خواه ناخواه فاسد یا تحت فشار فساد خواهیم داشت. مسئلهٔ مورد نظر شما همین طور است. افزایش روابط بدون ضابطهٔ دختران و پسران با هم سبب شده استکه هر نوع رفت و آمدی – حتی مقدس و پاک – محکوم به نادرستی باشد و این قضاوتی است که جامعه در مورد این نوع رفتار دارد.

آیا این درست است که می گویند آمریکا به ایران حملهٔ نظامی نمی کند ولی تبلیغات فرهنگی می کند روی نسل جوان که تا حدود زیادی هم موفق شده است؟ نظر شماچیست؟

پرسش

آیا این درست است که می گویند آمریکا به ایران حملهٔ نظامی نمی کند ولی تبلیغات فرهنگی می کند روی نسل جوان که تا حدود زیادی هم موفق شده است؟ نظر شماچیست؟

پاسخ

با سلام وآرزوی موفقیت وتوفیق روز افزون برای شما خواهر عزیز ومعلم گرانقدر که با اندیشه وتدبیر خود به تربیت و تعلیم نسل

جوان مشغول هستید برای شما خواهر بسیار عزیز و فهیم دعا می کنیم تا بتوانید رسالت الهی خویش را به خوبی به انجام رسانید. خواهر محترمه آمریکای جنایتکار که بیش از سه دهه بر همه مقررات این کشور سلطه داشته است و دل کندن از ایران بسیار سخت و جانکاه است. بخصوص در شرایطی که انقلاب اسلامی ایران این پدیده کم نظیر و بی همتای قرن معاصر نه تنها ایران را از چنگال ابرقدرت آمریکا رها ساخته است که در سراسر گیتی منافع شیطانی آمریکا را به خطر انداخته است. لذا سردمداران کاخ سفید ازهمان آغازین روزهای طلیعه پیروزی انقلاب اسلامی وحتی قبل از حاکمیت انقلاب اسلامی ودر دوره حکومت بختیار زمانی که پیروزی مردم قریب‌الوقوع بود با اعزام ژنرال کارکشته خود "بنام هایزر "قصد کودتا علیه مردم را داشتند که با اعلام بیطرفی ارتش، توطئه آنان درنطفه خفه شد.پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز درهمه ادوار از توطئه چینی علیه نظام دست برنداشته اند از تحریک وتسلیح گروهکها ومنافقان گرفته، تا طراحی کودتا و حمله مستقیم نظامی به بهانه آزادی گروگانها ونیز حمایت از کشورعراق برای حمله به عراق. پس از پایان تجاوز عراق به ایران نیز بارهاوبارها خواسته است ایران را به صحنه درگیری بکشاند، جنگ عراق علیه کویت جنگ افغانستان واکنون حمله به عراق و...درهمه موارد فوق آمریکا با بهانه تراشی سعی کرده است ایران اسلامی را به جنگ ناخواسته ای وارد سازد ولی غافل از آن است که مسؤلان عالیرتبه کشور ورهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت ا...خامنه ای بسیار هوشیار تراز آنند که درچاه حفر شده شیطانی غرب وسرمداران صهیونیسم جهانی فروبروند. رهبران جمهوری اسلامی با پشتوانه الهی و مردمی نه تنها گول دسیسه های آمریکای خونخوار را نمی خورند بلکه با تدابیر حکیمانه توطئه های طراحی شده آنان را درنطفه خفه می کنند وتاکنون بارهاوبارها حسرت وآه را بردل سنگ وسیاه آنان باقی گذاشته اند. او از طریق جوسازی وتبلیغ وترویج مفاسد وتباه کاریها وتهی ساختن شرف وانسانیت نسل امروز به جنگ با جمهوری اسلامی می آید. اواگر بخواهد روزی به ایران حمله کند، باید احساس کند زمینه داخلی برایش فراهم شده ومردم دربرابر او ایستادگی قابل توجهی نخواهند داشت. رهبرمعظم انقلاب اسلامی حضرت آیت ا...خامنه ای جدا کردن مردم از نظام از طریق القای ناکارآمدی دستگاه های حکومتی وایجاد دسته بندی وفضای هرج ومرج را دونقطه امید صهیونیست ها و آمریکایی ها درمواجهه با ایران اسلامی دانستند ویادآور شدند" : آمریکا می داند که درمقابل ملت شجاع وعزیز ایران وجوانان پرنشاط وشهادت طلب که از مرگ نمی ترسند حمله نظامی هیچ نتیجه ای جز شکست وسرافکندگی ندارد. بنابراین تلاش برای تضعیف ارتباط مستحکم مردم با نظام وایجاد اختلاف را دردستور کار خود قرار داده است که ملاک این توطئه نیز در گرو خدمت به مردم و وحدت کلمه است".۱ "بنابراین اگر آمریکا روزی تصمیم بگیرد به ایران حمله کند، روزی خواهد بود که احساس کند مردم وجوانان ایران زمین در برابر او مقاومت چشمگیری نخواهند کرد. ولی تا زمانی که احساس کند مردم وجوانان برومند ایران اسلامی با همه وجود وتوان آماده مقابله با متجاوز ودفاع از سرزمین ودین خویش هستند، نه تنها حمله نخواهد کرد، بلکه تخیل تجاوز هم در مخیله اش وارد نخواهد شد. پس حمله یا عدم حمله بسته به عملکرد من وشما وامثال ما ودولتمردان و... می باشد.بکوشیم با اعداد وآمادگی وگسترش این آمادگی در میان نسل جوان، آمریکا را برای همیشه از رسیدن به ایران پشیمان سازیم، (وبه تعبیر شهید مظلوم ایت ا...دکتر بهشتی) از عصبانیت بمیرد. روزنامه خراسان،شنبه ۱۶فروردین ۱۳۸۲،ص۴

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که این همه فساد و بی اعتقادی وناهنجاری در بین جوانان امروز که در جمهوری اسلامی بدنیا آمده و تربیت یافته اند زیاد می باشد؟ درعین حال که قبول داریم جوانان معتقد نیز کم نیستند.

پرسش

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که این همه فساد و بی اعتقادی وناهنجاری در بین جوانان امروز که در جمهوری اسلامی

بدنیا آمده و تربیت یافته اند زیاد می باشد؟ درعین حال که قبول داریم جوانان معتقد نیز کم نیستند.

پاسخ

طرح سؤال حضرتعالی به این شکل نشان دهندهٔ این است که با توجه به اینکه فرهنگی بوده و با قشر جوان سروکار داشته‌اید قضاوتی عادلانه دارید و قبول دارید که در کنار عده‌ای که دارای ناهنجاری های اخلاقی و اعتقادی هستند جوانان معتقد در جامعه کم نیستند اما با توجه به اینکه این جوانان در جمهوری اسلامی پرورش یافته اند، فساد و بی اعتقادی و ناهنجاری، ازآنان توقع نیست. در پاسخ حداقل باید به این مسأله توجه داشت که با توجه به گسترش وسائل ارتباط جمعی، تربیت جوانان امروز که در عصر انفجار اطلاعات زندگی می کنند مانند گذشته تنها متأثر از خانواده و محیط آموزشی نیست بلکه امروز از دورترین نقاط دنیا به راحتی با فرزندان این مرزو بوم در چهاردیواری و داخل منازل ارتباط فرهنگی برقرار می‌شود و آنها متأثر از این فضای باز فرهنگی که به مدد تکنولوژی فراهم شده می باشند لذا بخش عمده ای از این انحرافات را بایستی در توطئه وتهاجم فرهنگی دشمن جستجو کرد هر چند لازم است مسؤولین امر در این تهاجم وسیع که مقام معظم رهبری راجع به آن مکرراً هشدار داده اند چاره ای بیندیشند.

علل تنزل اوضاع فرهنگی کشور در سال های اخیر چیست ؟

پرسش

علل تنزل اوضاع فرهنگی کشور در سال های اخیر چیست ؟

پاسخ

این مسأله علل متفاوتی دارد، از جمله: ۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه، ۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیرخودی در عرصه مطبوعات کشور، ۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش‌ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد، ۴- تلاقی با فرهنگ بیگانه در پرتو توسعه و تأثیرگذاری آن بر عناصر داخلی، ۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از سوی برخی از عناصر داخلی، حتی در سطح برخی از مسؤولیت‌های اجرایی و فرهنگی کشور. {J

علل گرایش جوانان به فساد چیست ؟

پرسش

علل گرایش جوانان به فساد چیست ؟

پاسخ

قبل از روی آوردن به جواب , از مکاتبه شما که در زمینه ارائه خدمت به شما انسان های حقیقت جو و دوستدار پاکی را فراهم آورده است , تقدیر و تشکر می کنیم . راه های آلوده شدن به فساد از نظر عملی برای هر انسانی متفاوت است و نمی توان گفت به تمام انسان ها به یک شیوه مبتلا می گردند ولی از نظر تئوری و علمی آلوده شدن به گناه و فساد و انحرافی – هر چند خلاف عقل – معلول دو عامل یا یکی از دو عامل زیر است : ۱– جهالت و عدم شناخت صحیح . ۲– پیروی از خواهش های زودگذر و فارغ از تائمل (پیروی از هوای نفس). گاهی اوقات جهالت باعث می شود که آدمی در ورطه گناه و فساد سقوط کند در این صورت راه علاج کسب علم و رسیدن به مرتبه یقین و تعمیق فکر و اندیشه است . اما در کنار این علت , علت اساسی و عمده که بیشتر آدمیان از کانال آن به فساد مبتلا می شوند پیروی از هوای نفس است . در این مورد آدمی علی رغم آگاهی از حق و شناخت دقیق حق و باطل ولی عوامل پراکنده ای چون تنبلی , تن آسایی , مقام پرستی , پول و ثروت , دوستی و پیروی از غضب , شهوت او را به سوی عملی خلاف آنچه حق می داند و شایسته می شمارد انجام دهد. از بین این دو عامل , عامل دوم گستردگی بیشتر و عامل اول عمق تائثیر بیشتری در انحراف انسان دارد, لذا باید با تحصیل دانش مربوطه و رها کردن نفس اماره راه نفوذ دو عامل را سد نمود که هدف از ارسال رسل و انزال کتب همین بوده که آدمی به این دو عالم مسلح شوند و همای سعادت را در آغوش گیرند.

ارتباط فرهنگ کشورها را از جنبه مثبت و منفی بنویسید؟

پرسش

ارتباط فرهنگ کشورها را از جنبه مثبت و منفی بنویسید؟

پاسخ

ذات و ماهیت یک فرهنگ حالت ایستا و ثابت ندارد بلکه پیوسته در حال تغییر و تائثیر و تائثر در ارتباط با سایر فرهنگها می باشد. حال اگر در یک فرهنگ عناصر مضر و مبتذل که از راه ارتباط با فرهنگهای بیگانه وارد شده اند, به هنجار و ارزش تبدیل شوند و در جهت عکس رشد و پویایی و بالندگی آن فرهنگ حرکت کرده و جامعه را به رکود بکشانند تائثیر منفی می باشد اما اگر عناصر وارد شده در اثر ارتباط با سایر فرهنگها در جهت غنا بخشیدن به فرهنگ یک قوم و رشد و شکوفایی آن و در نتیجه حرکت آن جامعه به سوی رشد و کمال و توسعه باشد, اثرات مثبت نام دارد.

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

پرسش

گرایش جوانان به فرهنگ غرب چیست ؟

پاسخ

گرایش به فرهنگ غربی و فساد عوامل متعددی دارد از جمله : ۱- وجود گرایش های نیرومندی همچون غریزه جنسی که طبیعتا فرد را به سوی پورنو گرافی غربی متمایل می سازد. ۲- استفاده غربی ها از عوامل . ابزارها و سرمایه های عظیم و به کارگیری تکنیک ها و شیوه های فریبنده در سطحی بسیار گسترده . ۳- ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان . ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از دانشگاهیان و...). ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی . ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده ها با اصول تربیت اسلامی. مسأله غرب گرایی , پدیده ای است که سابقه ای طولانی نه تنها در کشور ما, بلکه در سطحی بسیار گسترده تر در همه کشورهای جهان سوم وجود دارد. برخی از علل این پدیده عبارت است از: ۱ - مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه های کشورهای عقب مانده و ضعیف است . ۲ - به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی , اخلاقی , علمی و مادی خود. ۳ - افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد. انقلاب اسلامی آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام و مستضعفین طنین افکن شد و توانست برای بسیاری از جوانان , روشنفکران , نویسندگان و اندیشمندان تغییر جهت دهد. لیکن از دیگر سو عوامل غرب نیز همواره در کمین نشسته و از هر سو برای ربودن نظرها و اندیشه ها تلاش مضاعفی در سطح جهان انجام می دهند. طبیعی است که در این میان برخی به آن سو و برخی به این سو می خرامند. در ارزیابی نهایی هر چند ما حرکت های موجود در جهت مبارزه اصولی و ریشه ای با پدیده غرب گرایی را کافی نمی دانیم و هرگز نمی توان انتظار داشت که کامل ترین برنامه ها بتواند به طور کلی ریشه این گونه گرایش ها را خشکاند ;زیرا انسان ها بر اساس امیال و خواست های متفاوت که دارند و نیز متناسب با محیط های مختلفی که در آن رشد کرده اند و اندیشه های گوناگونی که ذهنشان با آن رشد یافته است , گرایش های متفاوتی می یابند. بنابر این ضمن آنکه تا حد زیادی می توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابی کرد, ولی همواره پرونده این گونه گرایش ها باز است و حرکتهای موجود یا هر حرکت دیگری می تواند آن را محدود سازد, ولی نمی تواند به طور کلی آن را نابود کند.

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

پرسش

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

پاسخ

علت گرایش برخی جوانان به مکتب کمونیستی ناآگاهی و عدم اطلاع درباره مکتب درخشان اسلام و تعلیمات حیات بخش و زندگی آفرین آن می‌باشد. مکتب کمونیسم براساس انکار خدا و حقایق متافیزیکی و ماوراء طبیعت بنیان نهاده شده است و کسی که اعتقاداتش براساس دلیهای محکم استوار شده و به مبدأ و معاد عقیده دارد و خدای دانا و توانا را حکیم دانسته و قوانین الهی را

از علم غیر محدود و گسترده الهی می‌داند هیچگاه به طالب بی‌اساس کمونیسم گرایش پیدا نمی‌کند. و اگر گفته شود این مکتب خیلی بهتر و عالی‌تر از اسلام در چین اجرا می‌شود صحیح نیست زیرا اوّلاً- کمونیسم تاکنون در جهان اجرا نشده است و قابل اجرا هم نیست ثانیاً چنانکه یاد آوری شد در کمونیسم کمالات روحی و معنوی انسان بطور کلی نادیده گرفته شده است در حالی که بعد روحی و کمالات مربوط به آن بسیار عالی‌تر و ارزشمندتر از دیگر ابعاد وجود انسانی است ثالثاً دورانهای پر شکوهی بر اسلام گذشته در عین حال که کوتاه و محدود بوده اما گواهی راستین و شاهد عینی بر صلاحیت تعالیم آسمانی اسلام برای پیاده شدن در جوامع انسانی است. برای آگاهی قسمتی از نقاط ضعف کمونیسم می‌توانید به کتاب فیلسوف نماها نوشته آقای مکارم و کتاب درسهایی درباره مارکسیسم نوشته جلال الدین فارسی و کتاب علمی بودن مارکسیسم نوشته آقای مهدی سحاب مراجعه فرمایید. در ضمن این مکتب به قول امام خمینی (ره) به موزه‌های تاریخی سپرده شد و اکنون موردی ندارد. مگر برخی از عقاید و نظریات آنان که در بعضی از مکاتب اکنون غربی یافته می‌شود. و راز گرایش شاید در چند مورد خلاصه شود. ۱. ناآگاهی از تأمین نیازهای انسان در مکتب مترقی اسلام . ۲. موقعیت تاریخی کشور و تبلیغات جذاب مارکسیست‌ها. « بخش پاسخ به سؤالات »

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

پرسش

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

پاسخ

امکانات تبلیغی اگر تمام همّت خویش را به کار گیرند باز این انحراف به چند دلیل خواهد بود. ۱. آزادی انسان. ۲. مطابقت این برنامه‌ها با تمایلات آدمی به ویژه در سنین جوانی. ۳. ضعف عملکرد در گسترش فرهنگ ازدواج. ۴. تهاجم فرهنگی غرب. در قرآن می‌خوانیم «یرید الانسان لیفجر امامه یسئل ایان یوم القیامه» انسان می‌خواهد که گناهکاری پیشه کند و به همین خاطر، مبانی دینی را هم مورد تردید قرار می‌دهد. در نظام اسلامی انسان مجبور به اطاعت نمی‌شود. بلکه باید خوبی را انتخاب کند. با همه این احوال، باید معترف به برخورد ضعیف و عدم برنامه‌ریزی صحیح در این باره اعتراف نمود به ویژه آنکه گاهی دشمنان مقاصد خویش را از راه به ظاهر دوستان اجرا می‌کنند. « بخش پاسخ به سؤالات »

علت انحراف جوانان چیست؟

پرسش

علت انحراف جوانان چیست؟

پاسخ

هدایت و تربیت نسل جوان به لحاظ اهمیتی که دارد امروزه بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و دل سوزان جوامع مختلف قرار گرفته است. جوان دارای خصوصیات عاطفی، اجتماعی و جسمانی است. حساسیت، تنوع خصلت‌های رفتاری، هیجان‌های درونی، علاقه شدید به دوستی با همسالان، عدم کنترل رفتار، ذات، الگو پذیری و تقلید، افتخار، به شخصیت و تشخیص‌طلبی و میل به آزادی، شمه‌ای از ویژگیهای اوست. امام صادق(ع) در مورد یکی از ویژگی‌های جوانان یعنی الگوپذیری و تقلید سریع از دیگران هشدار داده و فرمود: جوانان و نوجوانان خود را با احادیث ما آشنا کنید قبل از اینکه گروه‌های منحرف بر شما پیشی گرفته و آنان را جذب کنند/ و همچنین آن حضرت به روحیه پذیرش سریع سجایای اخلاقی در نوجوانان توجه کرده و به ابوجعفر؛ مومن طاق می‌فرماید: «علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر{;«۱} بر تو باد تربیت نوجوانان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی‌ها را می‌پذیرند. با توجه به اینکه جوانان روحیات مخصوص به خود را دارند و باید برای بهره‌گیری از این گنجینه‌های سرشار جامعه، سرمایه گذاری‌های شایسته‌ای انجام گیرد به برخی از علل و عوامل انحراف جوانان اشاره می‌کنیم:{۲} کمبود محبت و فقر عاطفی اگر جوانان این قشر فعال جامعه مورد کم لطفی و بی احترامی قرار بگیرند و با این قلب‌های پاک و زلال رفتاری حکیمانه و کریمانه صورت نگیرد، آنان بتدریج مورد محبت افراد منحرفی و گروه‌های فریبنده قرار خواهند گرفت و هویت آنان در معرض جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. همچنانکه امروزه در جوامع صنعتی فقر غالب فقر اقتصادی و فرهنگی نیست بلکه فقر غالب فقر عاطفی است. مهمترین علت انحراف جوانان و نوجوانان امروزی در خانواده‌ها کمبود عشق، عاطفه و محبت است. انسان همان طور که به آب و غذا نیاز دارد به «محبت« هم نیازمند است و حتی نیازهای عاطفی و معنوی او به مراتب بیشتر از نیازهای جسمانی است. عمده‌ترین دلیل ناسازگاری در خانواده‌ها و علت بسیاری از انحرافات و ناهنجاری‌های جوانان تندخویی‌ها، خشونت‌ها، لج‌بازی‌ها، زورگویی‌ها، بدبینی‌ها، اعتیادها، افسردگی‌ها، گوشه‌گیری‌ها، ناامیدی‌ها، ناسازگاری‌ها، طلاق و فرار از خانه ومدرسه و غیره – ریشه در کمبود محبت دارد. مطالعه سیره تربیتی رسول گرامی اسلام ما را با این حقیقت آشنا می‌کند و متوجه می‌شویم که آن رهبر آسمانی چگونه با محبت قلبها را صید کرده و جوانان را جذب نموده و از انحرافات نجات داد. و خداوند متعال هم به این راز توفیق رسول الله(ص) اشاره کرده و می‌فرماید: به برکت رحمت الهی در برابر آن مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.{۳} نداشتن روحیه اعتماد به نفس بخشی از انحرافات و مشکلات نسل جوان ریشه در نداشتن روحیه اعتماد به نفس و عدم خود باوری دارد. ترس از ورود به اجتماعات و اظهار اندیشه‌ها، عدم پذیرش مسئولیت‌ها بسیاری از ناکامی‌ها و عدم موفقیت‌ها از جمله عوارض احساس حقارت و نداشتن عزت نفس است. بنابراین برای تقویت شخصیت جوان و به وجود آمدن بسترهای مناسب برای ایجاد خصلت‌های نیکو و صفات ستوده در وجود آنان باید از راههای مختلفی اقدام نمود. احترام به افکار جوانان، تقویت ارتباط صمیمانه، سلام کردن با لحن دلنشین، هدیه دادن مشورت کردن و عادت دادن جوانان بر اتکال به خداوند متعال در مشکلات، برخی از شیوه‌های تقویت عزت نفس و خود باوری در نسل جوان می‌باشد خداوند متعال در برخی آیات قرآن به این شیوه‌ها اشاره کرده و به پیامبر بزرگوار خویش می‌فرماید: «پس آنها را ببخش و برای آنان طلب آمرزش کن و در کارها با آنان مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.{۴} نداشتن رابطه کلامی با والدین و مربیان عموم جوانان ونوجوانان به ارتباط کلامی بسیار حساس هستند. لحن و صوت والدین مربیان ومبلغان در ارتباط کلامی باید دارای بار عاطفی مثبتی باشد در غیر این صورت آنان از متولیان تربیتی جامعه جدا شده و به دامن افراد منحرف پناه خواهند برد/ مشکل ازدواج هر جوانی فطرتاً نیازمند ازدواج است و باید به این نیاز خدادادی و طبیعی از طریق مشروع جواب داد. بقای نسل، رسیدن به آرامش و سکون، تکمیل و تکامل، تأمین نیاز جنسی، سلامت و امنیت اجتماعی و تأمین نیازهای روحی و روانی بخشی از دستآوردهای امر مقدس ازدواج بر جوانان است. وجود مشکلات وموانع متعدد بر سر راه ازدواج جوانان اسباب انحراف آنان را فراهم خواهد ساخت. مسأله اشتغال بیکاری نه تنها موجب از میان رفتن استعدادهای درونی یک جوان

می‌شود و او را به فردی تن پرور و بی خاصیت تبدیل می‌کند، بلکه به عنوان یک معضل اجتماعی، یک جوان مسلمان را دچار انواع مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌نماید و یک نیروی انسانی را که باید به عنوان سرباز جامعه باشد سربار اجتماع نموده و گرفتار انواع انحرافات می‌نماید. تهاجم فرهنگی عوامل بیگانه استکبار جهانی برای مقابله با رشد روزافزون اسلام خواهی و شناخت هویت حقیقی جوانان کشور با ساماندهی تهاجم فرهنگی در اشکال گوناگون از جمله شبهه افکنی، ترویج بی بندوباری و... در انحراف جوانان عزیز کشور تلاش می‌کند. [۱].لتهذیب، ج ۸، ص ۱۱۱/ [۲].الکافی، ج ۸، ص ۹۳/ [۳].سوره آل عمران، آیه ۱۵۹/ [۴].مان /

علت انحراف جوانان ما چیست؟

پرسش

علت انحراف جوانان ما چیست؟

پاسخ

این پرسش دامنه‌ای وسیع از علتها و عوامل عمومی و همه گیر و نیز عواملی خصوصی و فردی را در بر می‌گیرد و پرداختن به آن مجالی گسترده و همه جانبه در تمامی ابعاد جامعه شناختی، روانشناسی و جغرافیای فرهنگی - مذهبی محتاج است اما برخی از عوامل عمومی آن که به گونه‌ای ملموس‌تر و فراگیرتر از سایر عوامل باعث این انحرافات در برخی از جوانان گردیده را می‌توان به این شرح بیان داشت. ۱- توهم آزادی در اسلام بسیاری از جوانان همواره با این پرسش روبرو هستند که چرا پاره‌ای از اعمال در کشورهای غرب جایز بوده اما اسلام انجام آنها را ممنوع و حرام نموده است؟ این پرسش به واسطه غلیان احساسات و عواطف دوران جوانی به طور معمول در نوجوانان و جوانان بروز می‌نماید اما برخی سعی کرده‌اند که این موضوع را نوعی تقیه و پایبندی زاید و عدم آزادی جلوه دهند و آن را به عنوان شاهدی بر مخالفت اسلام با آزادی قلمداد نموده و باعث دوری نسل جوان از مذهب و انحراف آنان گردند. بدیهی است که چنین نگرشی ناشی از نوعی سطحی نگری و یا غرض ورزی است ولی متأسفانه عدم تبیین فلسفه برخی از حدود و؟؟؟؟ مورد سفارش شارع مقدس و نیز تبلیغات گسترده رسانه‌های غرب و جاذبه کاذب برخی از آزادیهای نامشروع به تلقی نادرست عدم آزادی و به تبع آن انحراف برخی از جوانان انجامیده است. ۲- توهم بی فایده و زاید بودن دینی و عقاید دینی در زندگی انسان به طور معمول جوانان خود را نسل جدید و صاحب تفکرات و عقاید نو می‌دانند و سعی می‌کنند از نسل گذشته که در دید آنان صاحبان تفکر کهنه هستند فاصله بگیرند اگر چه هدایت و جهت بخش به این تمایل نسل نو می‌تواند به بالندگی، شکوفایی و خلق استعدادهای بینجامد ولی متأسفانه نبود ساز و کار و سیستم پرورش کافی در آموزش این نسل باعث شده آنان هر چیز را که متعلق به نسل گذشته باشد کهنه از کار افتاده و زاید باقی نمایند و بدیهی است عقاید دینی و مذهبی نیز در دید برخی از جوانان شامل همین برداشت گردیده و زاید و بی فایده تلقی گردیده است و همین امر باعث شده گروهی عقاید دینی و مذهب را در زندگی انسان بی فایده تلقی گردیده است و همین امر باعث شده گروهی عقاید دینی ومذهب را در زندگی انسان بی فایده و زاید بینگارند. از سوی دیگر روند مدر نیفتد و نوگرایی در غرب که شکل سازمان یافته این نوگرایی است و اطلاع ناکافی گروهی از جوانان از آن بر این تمایل افزوده و باعث انحراف گروهی از جوانان گردیده است و می‌توان آن را به عنوان یکی از عوامل انحراف نسل نو به شمار آورد. ۳- عدم تبیین صحیح و دقیق معتقدات مذهبی یکی دیگر از

عوامل انحراف نسل جوان ناآگاهی و عدم اطلاع درست آن از مذهب و معتقدات مذهبی است و بدون تردید جوانانی که یا نتوانسته‌اند؛ مبانی و عقاید مذهبی آشنا شوند و یا نخواسته‌اند چنین شناختی به دست آورند در معرض خطر انحراف و لغزش قرار گرفته و به راحتی جذب تبلیغات منحرف مروجان انحراف قرار گرفته‌اند. البته پر واضح است که این عدم آشنایی کافی ویژه جوانان نبوده بلکه بسیاری از نخبگان و خواص نیز هنوز تصویر صحیحی از جهان بینی الهی باورهای دینی و عقاید مذهبی ندارند و این امر وظیفه خطیری را متوجه مبلغان و روحانیان نموده و نیاز به نهضتی عمومی برای ایجاد آگاهی کافی از مذهب و معتقدات دینی دارد. نکته دیگری که در این خصوص باید به آن توجه نمود تحریف و وارونه جلوه دادن باورهای دینی و معارف مذهبی است چنان که القای تصویر نابهنجار و خرافه آلود از مذهب از سوی گروهی و نیز تبلیغ وسیع دشمنان مذهب در مخدوش جلوه دادن چهره مذهب باعث آگاهی ناصحیح از مذهب گردیده است که در نهایت به روند انحراف انجامیده شهید مطهری درباره ارایه تصویر نادرست از مذهب توسط گروهی از مبلغان می‌گوید: «یکی دیگر از موجبات اعراض و روگرداندن از دین، جنگ و ستیزی است که برخی از داعیان و مبلغان دینی بی خرد میان دین و سایر غرایز دیگر معرفی کننده آن را منافی و دشمن سایر فطریات بشر معرفی می‌کنند... یکی از مختصات دین اسلام این است که همه تمایلات فطری انسان را در نظر گرفته و هیچ کدام را از قلم نینداخته و به هیچ کدام سهم بیشتری از حق طبیعی آنها نداده است... بعضی از مقدس مآبان و مدعیان تبلیغ دین به نام دین با همه چیز به جنگ برمی‌خیزند و شمارشان این است: اگر می‌خواهی دین داشته باشی پشت پا بزن به همه چیز ، گرد مال و ثروت نگرد، ترک حیثیت و مقام کن، زن وفرزند را رها کن و...»{۱} ۴- شبهه تعارض مفاهیم مذهبی با علوم تجربی و پیشرفتهای علمی عده‌ای گمان کرده‌اند که دین اسلام نیز همانند مسیحیت قرون وسطایی با علوم تجربی و پیشرفتهای علمی مخالف است و این شبهه‌ای باعث روی گردانی گروهی و از جمله جوانان شده و باعث انحراف آنان گردیده است و حال آن که گزارش در آیات و روایات اسلامی نشان می‌دهد که اسلام نه تنها با علوم تجربی و پیشرفتهای آن مخالف نیست بلکه در بسیاری از آیات به اسرار و رموز آن اشاره شد و تنها تلقی نادرست گروهی از افراد از آیات و روایات به این شبهه دامن زده است. قرآن کریم درباره خلقت آسمان و زمین و این که آسمانها در آغاز به صورت توده گازی به هم پیوسته بوده و پس با قدرت الهی از هم جدا شده و نیز گردش هر یک از کرات در مداری معین و با رعایت فواصلی که با یکدیگر تصادم نکنند و این که نور خورشید از خود اوست و نور ماه از خورشید و این که نور خورشید از انوار متعددی ترکیب شده و همه مطالب علمی دیگر سخن گفتن{۲} و می‌توان گفت این عامل تنها توهم و شبهه‌ای بوده که در جامعه القا شده و می‌توان با معرفی صحیح اسلام آن را از جمله عوامل انحراف نسل جوان حذف کرد. ۷- ضعف عملکرد مسؤولان و متصدیان جامعه ضعف عملکرد مسؤولان و متصدیان جامعه در تمامی ابعاد آن در انحراف نسل جوان نقش بسزایی داشته است. چه بسیار جوانانی که به دلیل تند خویهای والدین خود مذهب و عقاید مذهبی را مجموعه قوانین خشک و خشن انگاشته و از مذهب رویگردان شده‌اند و کم نبوده‌اند جوانانی که به خاطر آموزش ناکافی متصدیان آموزش - تربیتی خودنتوانسته‌اند باوری صحیح از مذهب به دست آمدند و از این رو از عقاید مذهبی رویگردان شده‌اند و متأسفانه بر این مجموعه باید عملکرد نادرست برخی از مروجان مذهبی و نیز متصدیان اجرایی جامعه را افزود که با اعمال ناصحیح خود تصویری نادرست از مذهب ارایه نموده و باعث بی میلی جوانان به مذهب و در بسیاری از موارد انحراف آنها شده‌اند. آنچه گفته شد مجموعه‌ای از عوامل عمومی رویگردانی جوانان از مذهب و به تبع آن انحراف گروهی از آن‌اناست که با اندکی تأمل، علاج پذیری این عوامل مشهود است. البته پر واضح است که پرداختن به مبحث انحراف جوانان مستلزم پژوهش همه جانبه در تمامی ابعاد اجتماعی فردی، روانی، فرهنگی، فکری و مذهبی می‌باشد و نیاز به کاوش ژرف‌تر و گسترده‌تر دارد. [۱]. امدادهای غیبی، ص ۴۵ - ۴۷. [۲]. برای اطلاع بیشتر ر.ک: تاریخ و علوم قرآن، علی حجت کرمانی.

چرا تهاجم فرهنگی بر ضد ایران است؟

پرسش

چرا تهاجم فرهنگی بر ضد ایران است؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خود و اسارت یک ملت، به بنیادهای فرهنگی آن ملت هجوم ببرد. در این هجوم، باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزین با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند. تهاجم فرهنگی همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی‌سرو صداست و دو شاخه مهم دارد: یکی جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی و دیگری حمله به جمهوری اسلامی و ارزشهای ملت ایران.{۱} تهاجم فرهنگی علیه ملت ما، مشخصا از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود؛ اما بزرگ‌ترین قدم را به نفع سلطه غرب و استعمار انگلیس بر ایران برداشت. آنها نخست لباس ملی این ملت را ممنوع کردند و گفتند بااین لباس نمی‌شود عالم شد. سپس چادر را از سر زنها برداشتند و چنین القا کردند که با چادر ممکن نیست زنی عالم و دانشمند شود ودر فعالیت اجتماعی شرکت کند. او بسیاری از سنت‌های مردم را تغییر داد، دین را ممنوع کرد وکارهایی را با قلدری انجام داد و بدین ترتیب برای سلطه گران غربی به چهره‌ای محبوب تبدیل شد.{۲} آنچه همواره آتش‌کینه مستکبران را نسبت به کشورهای اسلامی شعله ور ساخته، باورها و اعتقادات دینی است که تا ژرفای وجود مسلمانان ریشه دوانده و برای منافع متکبران خطرساز است. توجه به این باور، فزون خواهان را بر آن داشت تا درصدد برآیند تلاش وسیعی برای محو هویت و نفی فرهنگ دینی در جوامع اسلامی شروع کنند. اهداف و علل تهاجم آنان به ایران عبارت است از: ۱. بیگانه نمودن کشورهای اسلامی با فرهنگی خودی. در مسائل اعتقادی و فرهنگی این گونه است که تا اندیشه و باوری از ذهن و قلب انسان زدوده نگردد، نفوذ اندیشه‌ای معارض با آن امکان‌پذیر نیست. بر این اساس استکبار در نخستین گام‌های یورش فرهنگی خود، در صدد زدودن فرهنگ بومی و باورهای دینی کشورهای اسلامی برآمد. ۲. تضعیف اسلام ازتبلیغات مهم مستکبران تبلیغات وسیعی است که می‌خواهد مردم را از اسلام ونظام اسلامی مأیوس کند. ۳. تضعیف حکومت اسلامی ایران که تمام آرزوهای مستکبران را برباد داد و بر نقشه‌های آنان خط بطلان کشید و انقلاب اسلامی را کانون توجه جهانیان قرار داد. ۴. جداسازی حوزه از دانشگاه با توجه به اهمیت این دو مرکز، استکبار سعی دارد با نفوذ در آنها، زمینه‌های انحراف فکری و دینی نیروهای‌موجود را فراهم کند و به خاطر گستردگی دانشگاهها در سراسر کشور، نفوذ خود در آنجا را آسان‌تر می‌بیند و در آن‌جا سرمایه‌گذاری بیش‌تر می‌کند. ۵. معرفی الگوهای ضد اخلاقی آنان می‌خواهند بدین وسیله اندیشه واستعداد جوانان را در مسیری پوچ و بیهوده قرار دهند. ۶. جلوگیری از خیزش اسلامی ملل مسلمان. ۷. جلوگیری از احیا واعتلای اسلام از انقلابی در ایران. ۸. جمهوری اسلامی ایران، ام القرا و کانون یک حرکت جهانی اسلام است و این برای مستکبران خطرساز است. ۹. ضدیت انقلاب اسلامی با نظام سلطه‌های حاکم بر جهان که این منافی اهداف دشمنان است. ۱۰. کنترل نظام آموزشی دانش‌آموزان امروز، کارگزاران فردای جامعه به شمار می‌آیند و غربی‌ها با توجه به این امر، نفوذ در نظام آموزشی و دگرگونی ساختار آن را در جهت اهداف استکبار، از دیربار مورد توجه قرار داده‌اند. ۱۱. استیلای سیاسی: استیلای همه جانبه بر ملل ضعیف و محروم، و در اختیار گرفتن منابع آنان، از اهداف پلید و غیر انسانی آنها است؛ بر همین اساس همواره سلطه سیاسی به

عنوان کارآمدترین وسیله مورد توجه و استفاده آنها بوده است. ۱۲. سلطه اقتصادی سلطه اقتصادی را می‌توان مهم‌ترین هدف یورش فرهنگی غرب به شمار آورد. ۱۳. دگرگونی ارزش‌ها. ۱۴. سست کردن بنیادهای اخلاقی و باورهای دینی. ۱۵. تجربه و تاریخ ثابت نموده است که تهاجم فرهنگی کارآمدترین طریق مبارزه است و در جاهایی که هیچ حربه دیگری کارسازترین، تهاجم فرهنگی کارساز است و چون در به کارگیری سایر شیوه‌ها شکست خورده، اینک با تهاجم فرهنگی به میدان آمده است. [۱].فرهنگ و تهاجم فرهنگی (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری)، ص ۳۷. [۲].همان، ص ۱۰۲.

چرا غرب با تهاجم فرهنگی خود به مقابله با کشورهای جهان سوم برخاسته است؟

پرسش

چرا غرب با تهاجم فرهنگی خود به مقابله با کشورهای جهان سوم برخاسته است؟

پاسخ

هجوم غرب به ویژه آمریکا به کشورهای جهان سوم اختصاص به تهاجم فرهنگی ندارد، بلکه برای رسیدن به اهداف – خود که تسلط سیاسی، اقتصادی و ... نیز تأخیر منافع همه جانبه است – از اهرم فشار و سیاست های همسو با شرایط زمان می گیرند؛ از این رو نیز جهت تحقیق اهداف خود گاهی از حمله نظامی و گاهی از تحریم اقتصادی و ... استفاده می کنند. یکی از راهکارهای بسیار کار آمد که غرب از آن بهره می گیرد، تهاجم فرهنگی و یا به تعبیر مقام معظم رهبری شبیخون فرهنگی است. مقام معظم رهبری فرمود": تهاجم فرهنگی همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی سرو صدا است. "هدف اساسی غرب از این تهاجم، تهی کردن جامعه از معیارها و هنجارهای پذیرفته شده آن و عدم تعلق خاطر نسبت به جامعه خود است تا استحاله فرهنگی صورت گیرد و کسانی که در جهان سوم حقند، شیفته فرهنگ و جامعهٔ غربی گردند. با این هدف نتایج بسیاری برای جهان غرب به دست می آید: اوّلاً اگر جزء متفکران و دانشمندان باشد، خود را در خدمت کشورهای غربی قرار دهد تا از خدمات آن بهره مند شود. ثانیاً بازار پرسودی برای کالای مصرفی صنایع و کارخانه های بزرگ جهان غرب ایجاد می شود. ثالثاً تسلط فرهنگی، تسلط سیاسی و اقتصادی را به دنبال دارد و از این طریق ضمن به دست گرفتن بازار کشورهای جهان سوم، از منابع آن ها به نفع خود استفادهٔ کامل می برند. کاری که در گذشته با حمله نظامی انجام می دادند امروزه با تهاجم فرهنگی انجام می دهند. حتی تهاجم فرهنگی و تبلیغات می تواند زمینهٔ تسلط نظامی را هم در صورتی که لازم ببینند فراهم آورد. اگر غرب در برخی اوقات حمله نظامی نمایند، مردم با غرب درگیر شده و به دفاع از کشور خود می پردازند، زیرا حمله مستقیم، دشمنی آشکار غرب را به نمایش می گذارد؛ از این رو غرب از آن پرهیز می کنند، ولی تهاجم فرهنگی توطئه پنهانی است که پیامدای منفی آشکار حملهٔ نظامی را ندارد. غرب برای تهاجم فرهنگی نخست به گسترش و تقویت فرهنگ خود و این که سنت ها و فرهنگ غرب بهترین و کارآمد ترین فرهنگ است می پردازد تا زمینه های پذیرش فرهنگ غرب را برای همهٔ مردم به ویژه جوانان فراهم کنند. از سوی دیگر غرب سعی می کند باورهای دینی و ارزش های جهان سوم را تضعیف و نوعی خلاء فرهنگی به وجود آورد. مقام معظم رهبری فرمود": تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می گیرد و هم بی اعتقاد کردن به دین، هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی و هم بی‌اعتقاد کردن به آن تفکر فعالی که امروز استکبار و قلمرو قدرت های استکباری را به خطر و وحشت انداخته است. "تقویت فرهنگ غرب

از یک سو و تضعیف و خلاء فرهنگی جهان سوم از جانب دیگر، زمینهٔ تهاجم فرهنگی و پذیرش آن را فراهم می کنند. هدف غرب از تهاجم فرهنگی، سلطه بر دیگر کشورهای است. نه تنها تهاجم به کشورهای جهان سوم، حتی خود کشورهای پیشرفته نسبت به هم تهاجم فرهنگی دارند و این ریشه در سلطه گری دارد. در قرن های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ با تهاجم نظامی استعمار در پی سلطه بودند. در قرن بیستم با مصیبت های دو جنگ جهانی اوّل و دوم احساس شد که از طریق حمله نظامی مشکلاتی وجود دارد. زین پس در پی استعمار نو برآمدند، و امروزه با تهاجم فرهنگی و جهانی‌سازی در پی آقایی و سیادت خویش بر جهان می باشند.

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد: ۱ – آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است. ۲ – به فرض اثبات مدعا ، علل آن چیست؟ ۳ – راه های رویارویی با آن کدام است. ملاک کمتری و بیشتری"؟ کمتر شدن "در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد. اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و" فرهنگ شدن فساد اجتماعی "در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد. کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغهٔ قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند. از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزهٔ عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند. پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیدهٔ آن روزگار. پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟ وضعیت غیر عادی پس از انقلاب پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای" الناس علی دین ملوکهم "افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند. این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایهٔ شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی" روح حماسی "و فراگیر شدن" عرفان گرایی و معنویت "فضا و زمینهٔ مساعدی برای

خودسازی و روگردان شـدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شـد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصـله می گیریم، به بیـان دیگر: هر چه از حمـاسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبـهٔ احساسات و عواطف فاصـله می گیریم، احساس (۱) می شود که گرایش به مظاهر مـذهب ماننـد شـرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است. علاوه بر آن چه ذکر شـد، عوامـل دیگر نیز بـاعث افزایش گسـست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سـمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسـته تقسـیم کرد: أ) عوامل طبیعی و تکوینی رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسـی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیـدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسـانی ظـاهر می شود. ب) ضـعف برخوردها و عملکردها و فقـدان مـدیریت کارآمـد داخلی عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایستهٔ خویش و مقام انسانیت برسـد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شـده تبـدیل می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هـدایت استعدادهای طبیعی باعث می شود که" فرصت ها "به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود ، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانـان به مسایـل معنوی و ارزشـی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد. ۱ – برخوردهای نامناسب خانواده والـدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مـدرسه، ۲ – فعالیت چشـمگیر عناصـر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصهٔ مطبوعـات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی، ۳ – حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دسـتگاه های اجرایی و قضایی و قانونگـذاری، ۴ – انتصاب افراد ناکارآمـد و فاقـد مدیریت و نداشـتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری، ۵ – اختلافات جنایی و سـلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...، ۶ – فقر و تهیـدستی جوانان و خانوادهٔ آنان و حل نشدن بسـیاری از مشـکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج، نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبـارزه بـا مظاهر فساد، همچنین ترویـج آزادی های لجام گسـیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود نـدارد، ۷ – دوری نسل سوم از تاریـخ و پیشـینهٔ انقلاب و ناآگـاهی از عوامل و ارزش ها و اهـدافی که انقلاب را پدیـد آورد، ۸ – جـدی نگرفتن خطرها و تهـاجم فرهنگی و توهم پنداشـتن آن. ج) تهاجم فرهنگی دشـمنان خارجی هر هجوم و تهاجمی هـدف معیّن ، شـیوه و شـکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد. پرداختن به سه عامل ذکر شـده در حوصـله این پاسـخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است: پیروزی انقلاب اسـلامی (که در حقیقت پیروزی اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که" دین "به خصوص "اسـلام "می تواند به عنوان یک قدرت سیاسـی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرسـتان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شـد دنیاگرایان در اندیشـهٔ مقابله با آن برآینـد، آن را براندازنـد و نابود کننـد، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند ، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند. ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج ، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اوّل و دوم بود. چون در آن دو گـام نتوانسـتند توفیق حاصـل کننـد، درصـدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شـبیخون فرهنگی "برآمدنـد. پیچیـده ترین و خطرنـاک ترین حرکت تهدیـد کننـدهٔ انقلاب و دین و ارزش هـای معنـوی، تهـاجم فرهنگی است. دشـمن برای نیل به این هدف شوم از همهٔ فرصت های داخلی و خارجی اسـتفاده می کند. علاوه بر راه اندازی ده ها ایسـتگاه رادیویی و تلویزیونی و مـاهواره هـا و انتشـار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به اسـتخدام در آوردن خبرگزاری

هـای مهم جهان و دسـتگاه های جاسوسـی، به سـراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشـکل دارنـد، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه ، مسـتقیم یا با واسـطه ، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنـگ فرهنگی بـا انقلاـب برخیزنـد. در ذیـل به برخی از" نظریه هـا و شـیوه هـای جنـگ فرهنگی "اشاره می شود: ۱ – سـیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی، ۲ – راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدیّن، ۳ – القای شـبهات و طرح نظریه ها و پرسـش هایی برای تضـعیف باوری های دینی و قداست زدایی، ۴ – القای عـدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی. ۵ – القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایـل و نیازهـای انسـان معاصـر و این که دین و باورهـا و احکام و آیات آن مربوط به گذشـته است، نه برای زمان حاضـر. ۶ – به کـارگیری ابزارهـایی ماننـد مـاهواره و اینترنت و... نیز تأکیـد بر نیازهـای غریزی انسان ها و موجّه جلوه دادن آزادی های بی حـد و حصـر جنسـی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند. ۷ – بزرگ نمایی برخی از مشـکلات سیاسـی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی. از تظاهر تـا واقعیت بـا توجه به حجم گستردهٔ آفـات ارزش های دینی که به آن اشاره شـد ، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشـیده می شونـد، مفهومش این نیست که از بعـد اعتقادی و نظری نیز اسـتحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن است در برخی از آنان که از اوّل مایـهٔ دینی و هویت فرهنگی ضـعیفی داشـته انـد چنین باشد، اما بحمداله وضـعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسـته از جوانان، امری گـذری و موقتی است. نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأییـد می کند. مضافاً حضور همـان جوانـان در گردهمـای مـذهبی تاسوعـا و عـاشورا، شب هـای قـدر مـاه رمضـان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکـاف ها و هم چنین حضور در صـحنه هایی که نیاز به فـداکاری و ایثار بوده، دلیل این مـدعا است. به علاوه ، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشـگاهی و غیر آن هسـتند که که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند. به تحلیل نگرش ها و گرایش هـای دینی جوانان که از نتایـج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخـذ شـده توجه کنیـد. گرایش های دینی (دینـداری) ۱۵۲۲ دانشـجو در ۲۰ دانشـگاه کشور سال ۱۳۸۰ ۱) ۸۲ درصـد دانشـجویان به مسـلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق) ۲) ۱۶ درصـد دانشـجویان خود را از نظر مـذهبی، ضـعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند. ۳) ۱۱ درصد دانشـجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند. ۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسـته اند و ۱۳ درصـد نیز نقش خداونـد را در زنـدگی مهم ارزیابی کرده انـد. ۵) ۴۳ درصد دانشـجویان خود را مسـلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند.(شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسـلمانی) ۶) ۹۷ درصـد دانشـجویان در مورد اعتقاد به خداونـد کاملاً موافق و موافقند. ۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سـعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق) ۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکـار ناپـذیر است. (کاملاً ـ موافق و موافق) ۹) ۸۸ درصد دانشـجویان اعتقاد دارند ظهور حضـرت مهدی (عج) و عـده ای انکـار ناپـذیر الهی است. (کاملاً ـ موافق و موافق) ۱۰) ۸۷ درصـد دانشـجویان اعتقاد دارنـد خداوند حاضـر و ناظر زندگی آنهاست. ۱۱) ۸۰ درصـد دانشـجویان گاهی اوقات از خداونـد برای جبران بعضـی از خطاها کمک خواسـته انـد. ۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند . ۱۳) ۷۳ درصـد دانشـجویان گفته انـد همه ی روزهـای ماه رمضان را روزه می گیرنـد. ۱۴) ۵۷ درصـد دانشـجویان گفته اند یا در نماز جماعت شـرکت نمی کننـد و یا به ندرت شـرکت می کنند. ۱۵) ۸۵ درصـد دانشـجویان گفته اند یا در نماز جماعت شـرکت نمی کننـد و یا به ندرت شـرکت می کنند. ۱۶) در سـال ۱۳۷۵ یـک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصـلاً در نماز جمعه

شرکت نمی کنند.) ۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. ۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی تقلیل پیدا کرده است. منبع تحقیق: در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸. حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳) ، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان ، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ - ۱۰.

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد: ۱ - آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است. ۲ - به فرض اثبات مدعا ، علل آن چیست؟ ۳ - راه های رویارویی با آن کدام است. ملاک کمتری و بیشتری"؟ کمتر شدن "در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد. اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و" فرهنگ شدن فساد اجتماعی "در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد. کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغهٔ قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند. از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزهٔ عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند. پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیدهٔ آن روزگار. پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟ وضعیت غیر عادی پس از انقلاب پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای" الناس علی دین ملوکهم "افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند. این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایهٔ شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی" روح حماسی "و فراگیر شدن" عرفان گرایی و معنویت "فضا و زمینهٔ مساعدی برای

خودسازی و روگردان شـدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شـد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصـله می گیریم، به بیـان دیگر: هر چه از حمـاسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبـهٔ احساسات و عواطف فاصـله می گیریم، احساس (۱) می شود که گرایش به مظاهر مـذهب ماننـد شـرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است. علاوه بر آن چه ذکر شـد، عوامـل دیگر نیز بـاعث افزایش گسـست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سـمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسـته تقسـیم کرد: أ) عوامل طبیعی و تکوینی رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسـی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیـدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسـانی ظـاهر می شود. ب) ضـعف برخوردها و عملکردها و فقـدان مـدیریت کارآمـد داخلی عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایستهٔ خویش و مقام انسانیت برسـد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شـده تبـدیل می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هـدایت استعدادهای طبیعی باعث می شود که" فرصت ها "به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود ، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانـان به مسایـل معنوی و ارزشـی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد. ۱ – برخوردهای نامناسب خانواده والـدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مـدرسه، ۲ – فعالیت چشـمگیر عناصـر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصهٔ مطبوعـات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی، ۳ – حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دسـتگاه های اجرایی و قضایی و قانونگـذاری، ۴ – انتصاب افراد ناکارآمـد و فاقـد مدیریت و نداشـتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری، ۵ – اختلافات جنایی و سـلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...، ۶ – فقر و تهیـدستی جوانان و خانوادهٔ آنان و حل نشدن بسـیاری از مشـکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج، نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبـارزه بـا مظاهر فساد، همچنین ترویـج آزادی های لجام گسـیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود نـدارد، ۷ – دوری نسل سوم از تاریـخ و پیشـینهٔ انقلاب و ناآگـاهی از عوامل و ارزش ها و اهـدافی که انقلاب را پدیـد آورد، ۸ – جـدی نگرفتن خطرها و تهـاجم فرهنگی و توهم پنداشـتن آن. ج) تهاجم فرهنگی دشـمنان خارجی هر هجوم و تهاجمی هـدف معیّن ، شـیوه و شـکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد. پرداختن به سه عامل ذکر شـده در حوصـله این پاسـخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است: پیروزی انقلاب اسـلامی (که در حقیقت پیروزی اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که" دین "به خصوص "اسـلام "می تواند به عنوان یک قدرت سیاسـی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرسـتان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شـد دنیاگرایان در اندیشـهٔ مقابله با آن برآینـد، آن را براندازنـد و نابود کننـد، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند ، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند. ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج ، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اوّل و دوم بود. چون در آن دو گـام نتوانسـتند توفیق حاصـل کننـد، درصـدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شـبیخون فرهنگی "برآمدنـد. پیچیـده ترین و خطرنـاک ترین حرکت تهدیـد کننـدهٔ انقلاب و دین و ارزش هـای معنـوی، تهـاجم فرهنگی است. دشـمن برای نیل به این هدف شوم از همهٔ فرصت های داخلی و خارجی اسـتفاده می کند. علاوه بر راه اندازی ده ها ایسـتگاه رادیویی و تلویزیونی و مـاهواره هـا و انتشـار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به اسـتخدام در آوردن خبرگزاری

هـای مهم جهان و دسـتگاه های جاسوسـی، به سـراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشـکل دارنـد، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه ، مسـتقیم یا با واسـطه ، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنـگ فرهنگی بـا انقلاـب برخیزنـد. در ذیـل به برخی از" نظریه هـا و شـیوه هـای جنـگ فرهنگی "اشاره می شود: ۱ – سـیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی، ۲ – راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدیّن، ۳ – القای شـبهات و طرح نظریه ها و پرسـش هایی برای تضـعیف باوری های دینی و قداست زدایی، ۴ – القای عـدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی. ۵ – القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایـل و نیازهـای انسـان معاصـر و این که دین و باورهـا و احکام و آیات آن مربوط به گذشـته است، نه برای زمان حاضـر. ۶ – به کـارگیری ابزارهـایی ماننـد مـاهواره و اینترنت و... نیز تأکیـد بر نیازهـای غریزی انسان ها و موجّه جلوه دادن آزادی های بی حـد و حصـر جنسـی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند. ۷ – بزرگ نمایی برخی از مشـکلات سیاسـی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی. از تظاهر تـا واقعیت بـا توجه به حجم گستردهٔ آفـات ارزش های دینی که به آن اشاره شـد ، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشـیده می شونـد، مفهومش این نیست که از بعـد اعتقادی و نظری نیز اسـتحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن است در برخی از آنان که از اوّل مایـهٔ دینی و هویت فرهنگی ضـعیفی داشـته انـد چنین باشد، اما بحمداله وضـعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسـته از جوانان، امری گـذری و موقتی است. نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأییـد می کند. مضافاً حضور همـان جوانـان در گردهمـای مـذهبی تاسوعـا و عـاشورا، شب هـای قـدر مـاه رمضـان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکـاف ها و هم چنین حضور در صـحنه هایی که نیاز به فـداکاری و ایثار بوده، دلیل این مـدعا است. به علاوه ، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشـگاهی و غیر آن هسـتند که که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند. به تحلیل نگرش ها و گرایش هـای دینی جوانان که از نتایـج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخـذ شـده توجه کنیـد. گرایش های دینی (دینـداری) ۱۵۲۲ دانشـجو در ۲۰ دانشـگاه کشور سال ۱۳۸۰ ۱) ۸۲ درصـد دانشـجویان به مسـلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق) ۲) ۱۶ درصـد دانشـجویان خود را از نظر مـذهبی، ضـعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند. ۳) ۱۱ درصد دانشـجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند. ۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسـته اند و ۱۳ درصـد نیز نقش خداونـد را در زنـدگی مهم ارزیابی کرده انـد. ۵) ۴۳ درصد دانشـجویان خود را مسـلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند.(شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسـلمانی) ۶) ۹۷ درصـد دانشـجویان در مورد اعتقاد به خداونـد کاملاً موافق و موافقند. ۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سـعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق) ۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکـار ناپـذیر است. (کاملاً ـ موافق و موافق) ۹) ۸۸ درصد دانشـجویان اعتقاد دارند ظهور حضـرت مهدی (عج) و عـده ای انکـار ناپـذیر الهی است. (کاملاً ـ موافق و موافق) ۱۰) ۸۷ درصـد دانشـجویان اعتقاد دارنـد خداوند حاضـر و ناظر زندگی آنهاست. ۱۱) ۸۰ درصـد دانشـجویان گاهی اوقات از خداونـد برای جبران بعضـی از خطاها کمک خواسـته انـد. ۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند . ۱۳) ۷۳ درصـد دانشـجویان گفته انـد همه ی روزهـای ماه رمضان را روزه می گیرنـد. ۱۴) ۵۷ درصـد دانشـجویان گفته اند یا در نماز جماعت شـرکت نمی کننـد و یا به ندرت شـرکت می کنند. ۱۵) ۸۵ درصـد دانشـجویان گفته اند یا در نماز جماعت شـرکت نمی کننـد و یا به ندرت شـرکت می کنند. ۱۶) در سـال ۱۳۷۵ یـک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصـلاً در نماز جمعه

شرکت نمی کنند.) ۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. ۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی تقلیل پیدا کرده است. منبع تحقیق: در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸. حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳) ، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان ، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ - ۱۰.

دلیل بی حجابی در جامعه اسلامی ایران چیست و برای مقابله باآن چه کار بایدکرد؟

پرسش

دلیل بی حجابی در جامعه اسلامی ایران چیست و برای مقابله باآن چه کار بایدکرد؟

پاسخ

عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود : الف) عوامل درونی : منظور از عوامل درونی ، مجموعه مولفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته وناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی حاکم برآن است . مهم ترین آنها عبارت است از : ۱ .از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی ، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال وهواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را .قرآن می فرماید : ((انا هدیناه السبیل اما شاکرا "و اما کفورا)) ، (انسان ، آیه ۳) . بر این اساس در جامعه ای مانندجامعه اسلامی ما - که بسیاری از احکام ، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست - بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصرروان شناختی باز می گردد .به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی درجامعه ، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و ...می باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی ، خودنمایی درمقابل بیگانگان و ...نمود پیدا می کند .یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل ،مقابله با عوامل روان شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه ، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطحجامعه می باشد .قرآن کریم می فرماید : ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا مابانفسهم... ؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه رادر خودشان است تغییر دهند)) ، (رعد، آیه ۱۱) . ۲ .ریشه های تاریخی این مساله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی ، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند وبی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد .روند گسترش این معضل ، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس ، تا حدزیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی ، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظنمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل ازانقلاب و دفاع مقدس ، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد .۳ .کوتاهی و بی توجهی برخی از مسوولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن ، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است . گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی ،

جنـگ تحمیلی ، فشارهای خارجی محاصـره های گوناگون اقتصادی ، سیاسـی و ...باعث شـد که بیشترین وقت و انرژی مسوولان و دسـتگاه هـای دولتی به این امور صـرف شود و توجه چنـدانی به مسایـل فرهنگی جـامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها واحکام اسـلامی مبذول نگردد .۴ .بعضـی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و ...) که به منظور تسـریع در رونـد توسـعه و رشـداقتصادی ، صـنعت و ...انجام گرفت ، ناخواسـته موجب تغییر ارزش هـای جـامعه ، به سوی هنجارهای مادی ، مـدرک گرایی ، تجمل پرستی و ...گردیـد .۵ .عملکرد منفی ونامطلوب برخی از دسـتگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسـته در سال های اخیر) و میـدان دادن به افراد و عناصـری که هیچ اعتقادی به نظام اسـلامی ندارند و با اسـتفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز وبدون نظارت جامعه ، موجبات نشر و ترویج فرهنـگ فاسـد منحط دوران پهلوی وارزشـهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شـدت مسـموم و آلوده نمودنـد به گونه ای که مقام معظم رهبری هشـدارهای شدیـد به مسـیولین فرهنگی داده ، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید .۶ .برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل اسـتفاده روشـهای خشونت آمیز و فیزیکی و ...باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بـدبینی بـه این حکم الهی گردیـد .۷ .اجرا نشـدن فریضـه مهـم امر بـه معروف و نهی از منکر یانظـارت ملی بـه صـورت فراگیر و گسترده و نظام مند از طرف احاد جامعه ، که درروایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و ...شمرده شده است .

ب) عوامـل بیرونی : مهمترین عامـل بیرونی تهـاجم فرهنگی گسترده و همه جـانبه غرب به ارزش هـای اسـلامی و ملی مـا، برای بی هویت نمودن نسل جوان ،تضـعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شـکست نظام اسـلامی در ایران بااسـتفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی – اعم از نرم افزاری و سـخت افزاری ،عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و ...در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش ها و مظاهر تمدن غرب . مجموعه عوامل فوق سـبب گردیده که متاسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسـلامی ، معضل بد حجابی درجامعه اسـلامی ما وجود داشته باشد .اما در مورد راه های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد : ۱ .راهکارهای فیزیکی و برخورد ازموضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمنـد باشد .۲.کـار بنیادی فرهنگی . مسـلما "برخورد با این پدیـده به صورت فیزیکی و از طریق دسـتگاههای دولتی ، بسـیار دشوار و تا حدی ناممکن است . زیرا اگر ما در مسـیله لباس و پوشـش اسلامی صرفا "بخواهیم از طریق زور وارد شویم ، استدلال و منطق نداشـته باشـیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشـش اسلامی ، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصـی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و ...را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسـانه هـای جمعی و مطبوعـات و ...به زیبـاترین و بهترین صورت ، ارایه دلیـل و برهـان ، ثـابت کنیم ، متاسـفانه بایـد منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشـهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسـلامیمان باشیم . عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نمایـد اهتمام جـدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است . بـدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شـرایط ومراتبی که در شرع مقدس معین گردیده ، عملی سازد دسـتگاههای فرهنگی نیز بهترمی تواننـد در حل این معضل اجتماعی اقـدام نماینـد .برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱–حداد عـادل ، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲ .فرامرز رفیع پور، توسـعه و تضاد۳ .علی ذوعلم ، انقلاب و ارزشـها ۴ .شهید مطهری ، مساله حجاب;.

عوامل بدحجابی در جامعه چیست ؟

پرسش

عوامل بدحجابی در جامعه چیست ؟

پاسخ

عوامل بد حجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می شود : الف) عوامل درونی : منظور از عوامل درونی ، مجموعه مولفه هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه وسیستم سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است . مهم ترین آنها عبارت است از : ۱ .از نظر انسان شناختی و روان شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می باشد، یعنی ، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را .قرآن می فرماید : ((انا هدیناه السبیل اما شاکرا "و اما کفورا)) ، (انسان ، آیه ۳) . بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه اسلامی ما – که بسیاری از احکام ، ارزش ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای نیست – بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می شود، به این اصل و عنصر روان شناختی باز می گردد .به عبارت دیگر یکی از مهم ترین عوامل بدحجابی در جامعه ، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت است و ...می باشد و در مظاهری ازقبیل تجمل گرایی ، خودنمایی در مقابل بیگانگان و ...نمود پیدا می کند .یکی از راه های اصلاح جامعه از این معضل ، مقابله با عوامل روان شناختی آن وتقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه ، عزم و اراده آنان دراجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می باشد.قرآن کریم می فرماید : ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم... ؛خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را درخودشان است تغییر دهند)) ، (رعد، آیه ۱۱) . ۲ .ریشه های تاریخی این مساله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعدبرهنگی ، بی بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی ازجامعه ما را دچار این انحراف کند و بی حجابی را در خانواده ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد .روند گسترش این معضل ، هر چند با وقوعانقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس ، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی ، رگه ها و ریشه های خود را همچنان حفظ نمود وبعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل ازانقلاب و دفاع مقدس ، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد .۳ .کوتاهی وبی توجهی برخی از مسوولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن ، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی ،جنگ تحمیلی ، فشارهای خارجی محاصره های گوناگون اقتصادی ، سیاسی و ...باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسوولان و دستگاه های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسایل فرهنگی جامعه و اجرای راه کارها و برنامه هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش ها و احکام اسلامی مبذول نگردد .۴ .بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست های پولی و ارزی و ...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشداقتصادی ، صنعت و ...انجام گرفت ، ناخواسته موجب تغییر ارزش های جامعه ، به سوی هنجارهای مادی ، مدرک گرایی ، تجمل پرستی و ...گردید .۵.عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال های اخیر) و میدان دادن به افراد وعناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه ، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسیولین فرهنگی داده ،نارضایتی خود را از

عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجربه استعفای وزیر ارشاد گردید .۶ .برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت آمیز و فیزیکی و ...باعث بوجود آمدن تنفر وانزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید .۷ .اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام مند ازطرف احاد جامعه ، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه ازفساد، نا امنی و ...شمرده شده است . ب) عوامل بیرونی : مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش های اسلامی وملی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان ، تضعیف باورهای عقیدتی درمردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته ترین وسایل تکنولوژی – اعم از نرم افزاری و سخت افزاری ، عناصر وابسته داخل در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و ...در جهت حاکم نمودن فرهنگ وارزش ها و مظاهر تمدن غرب . مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متاسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی ، معضل بدحجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد .اما در مورد راه های برخوردو مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش بینی می باشد : ۱.راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخوردباید حساب شده و هنجارمند باشد .۲ .کار بنیادی فرهنگی . مسلما "برخوردبا این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی ، بسیار دشوارو تا حدی ناممکن است . زیرا اگر ما در مسیله لباس و پوشش اسلامی صرفا"بخواهیم از طریق زور وارد شویم ، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی ، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و ...را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه ای با استفاده ازدستگاههای فرهنگی و رسانه های جمعی و مطبوعات و ...به زیباترین وبهترین صورت ، ارایه دلیل و برهان ، ثابت کنیم ، متاسفانه باید منتظر رواج وگسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم . عامل مهم دیگری که می تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف ونهی از منکر است . بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرعمقدس معین گردیده ، عملی سازد دستگاههای فرهنگی نیز بهتر می توانند درحل این معضل اجتماعی اقدام نمایند .برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱– حدادعادل ، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲ .فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد۳ .علی ذوعلم ، انقلاب و ارزشها ۴ .شهید مطهری ، مساله حجاب;.

علّت اصلی گمراه شدن جوانان چیست؟ و چطور می توان آنان را به دین اسلام دعوت کرد؟

پرسش

علّت اصلی گمراه شدن جوانان چیست؟ و چطور می توان آنان را به دین اسلام دعوت کرد؟

پاسخ

گمراه شدن جوانان انگیزه های مختلفی دارد که می توان مهمترین آنها را چند عامل دانست: ۱. ناآشنایی جوانان به عقاید اسلامی و تعالیم زندگی آفرین اسلام که این خود معلول عواملی است. ۲. شیوع و گسترش عوامل انحراف و فساد در اجتماع که فکر و اندیشه جوانان را به خود جلب نموده و آنان را بی بندوبار و به سوی گناه سوق داده است و فرصت گرایش به مسایل اصیل زندگی

و اندیشیدن درباره معتقدات صحیح و آیین راستین را از آنان سلب نموده است. ۳. گسترش اشکالات و ایرادات بسیار در مسایل مختلف دینی از ناحیه استعمار و دشمنان اسلام بدین لحاظ که وقتی جوانی با منطق اسلام آشنایی نداشت و با ایرادهایی روبرو شد و اساساً در این اندیشه نبود که تحقیق و پی جویی به عمل آورد تا پاسخ ایرادات مذکور را به دست آورد تسلیم آنها شده و به دین صحیح و آیین درست بدبین می شود. با توجّه به این عوامل روشن می شود که اگر بخواهیم جوانان را به اسلام دعوت کنیم لازم است با تبلیغات صحیح و درست اسلام راستین را به آنان معرّفی کنیم و با گوشزد کردن زیانهای سهمگین انحراف و بی بندوباری و لزوم گرایش به ایمان، شناخت صحیح را در آنان زنده کنیم و اشکالاتی که باعث تزلزل و نوسان فکری آنان می شود پاسخ گوییم. ۴. سبب دیگری که باید دردمندانه به آن پرداخت اینست که بدانیم نیاز به دین بزرگترین احتیاج انسان است و اگر کسی دربند نیازهای فردی و ابتدائی خویش باشد ـ۵ـ شیطان و شیطان صفتان از این موضوع استفاده نموده و راه های فساد و گمراهی را نشان می دهند. بنابراین وقتی جوانی نیاز به ازدواج دارد و احساس جنسی او را آزار می دهد، باید در قدم اوّل او را یاری دهیم که با رفع این مشکل نیاز بزرگ خویش را بیابد و از خود صیانت کند. چرا که رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) فرمود: کسی که ازدواج کند نیم دین خود را مصون دانسته است. و مشکل ما این است که همه چیز را می خواهیم با موعظه حل کنیم این حس همکاری و همیاری نتایج درخشانی داشته و دارد ولی ما دینداران غالباً در این مسائل ضعیف عمل می کنیم. و حال آنکه اگر اقدام کنیم خدا هم یاری خواهد داد و همه تقصیر را به دوش دیگران نخواهیم گذاشت. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۶ـ

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

پرسش

علت گرایش بعضی از جوانان به کمونیسم چیست؟

پاسخ

علت گرایش برخی جوانان به مکتب کمونیستی ناآگاهی و عدم اطلاع درباره مکتب درخشان اسلام و تعلیمات حیات بخش و زندگی آفرین آن می باشد. مکتب کمونیسم براساس انکار خدا و حقایق متافیزیکی و ماوراء طبیعت بنیان نهاده شده است و کسی که اعتقاداتش براساس دلیهای محکم استوار شده و به مبدأ و معاد عقیده دارد و خدای دانا و توانا را حکیم دانسته و قوانین الهی را از علم غیر محدود و گسترده الهی می داند هیچگاه به طالب بی اساس کمونیسم گرایش پیدا نمی کند. و اگر گفته شود این مکتب خیلی بهتر و عالی تر از اسلام در چین اجرا می شود صحیح نیست زیرا اوّلاً کمونیسم تاکنون در جهان اجرا نشده است و قابل اجرا هم نیست ثانیاً چنانکه یاد آوری شد در کمونیسم کمالات روحی و معنوی انسان بطور کلی نادیده گرفته شده است در حالی که بعد روحی و کمالات مربوط به آن بسیار عالی تر و ارزشمندتر از دیگر ابعاد وجود انسانی است ثالثاً دورانهای پر شکوهی بر اسلام گذشته در عین حال که کوتاه و محدود بوده اما گواهی راستین و شاهد عینی بر صلاحیت تعالیم آسمانی اسلام برای پیاده شدن در جوامع انسانی است. برای آگاهی قسمتی از نقاط ضعف کمونیسم می توانید به کتاب فیلسوف نماها نوشته آقای مکارم و کتاب درسهایی درباره مارکسیسم نوشته جلال الدین فارسی و کتاب علمی بودن مارکسیسم نوشته آقای مهدی سحاب مراجعه فرمایید. ـ۲ـ در ضمن این مکتب به قول امام خمینی (ره) به موزه های تاریخی سپرده شد و اکنون موردی ندارد. مگر برخی از عقاید و

نظریات آنان که در بعضی از مکاتب اکنون غربی یافته می شود. و راز گرایش شاید در چند مورد خلاصه شود. ۱. ناآگاهی از تأمین نیازهای انسان در مکتب مترقی اسلام . ۲. موقعیت تاریخی کشور و تبلیغات جذاب مارکسیست ها. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳ـ

در مورد گروههای غربی که در میان جوانان رواج پیدا کرده مثل گروه هیپی و... لطفاًتوضیح داده و چگونگی پیدایش آن و از چه کشوری وارد شده، راهکارها و اهداف این گروهها را توضیح دهید؟

پرسش

در مورد گروههای غربی که در میان جوانان رواج پیدا کرده مثل گروه هیپی و... لطفاًتوضیح داده و چگونگی پیدایش آن و از چه کشوری وارد شده، راهکارها و اهداف این گروهها را توضیح دهید؟

پاسخ

گروههای مختلف غربی امروزه در بین جوانان مملکت ما ـ بعضاً ـ رسوخ کرده‌اند، افکار، علائم و شعارهای آنها از طریق مختلفی چون ماهواره، سی دی و فیلمها و مطبوعات به جوانان رسیده که به اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌شود. رپRAP: در مورد لفظ رپ به عنوان یک اصطلاح باید گفت: گروههایی از سیاه پوستان آمریکایی در آغاز دهه ۸۰ میلادی در اعتراض به" نژاد پرستی" و با شعار" صلح و آزادی "به عصیان علیه وضع موجود، دست زدند. این افراد و گروههای معترض که از ساکنین فقیر محله "هارلم "نیویورک بودند در پیروی از نسبتهای قومی آفریقایی اعتراضات خود را با نوعی رقص و پای کوبی همراه نمودند. به تدریج اینگونه رقصها با ابداع نوعی از" موسیقی "تلفیق گردید و با تقویت و حمایت مالی سیاه پوستان متمکن، هنرمندانی از جامعه آمریکا به این گروههای معترض پیوستند. در همان سالهای نخستین شکل گیری" رپ "با دخالت قدرتمندان، هدفهای سیاسی و اجتماعی گروههای سیاه پوست، دست خوش نوعی تحریف گردیده و در نتیجه به ابزاری در دست سیاستمداران و صهیونیسم تبدیل شدند. در طول مدتی که رپ شکل می گرفت، عناوین مختلفی از این نوع موسیقی توسط موزیسین‌ها به وجود آمد که با پیوستن خوانندگانی معروف به این گروه" موسیقی رپ "طرفداران زیادی را به خود جلب و جذب نمود. آن" رپ "نسبت به گروههای دیگر طرفداران بیشتری دارد و جوانان علاقمند به موسیقی آن گوش می‌سپارند و بر اساس مدلهایی که به آنها القاء می‌شود لباس می‌پوشند و آرایشهای ظاهری رپ را بر می گزینند. شلوارهایی که پاچه‌های گشاد آن بر روی زمین کشیده می‌شد، مانتوهایی با آستینهای بلند، موهای روغن زده و چسبیده بر سر، عینکهای دودی با قالب فلزی، خط ریش پایین‌تر از گوش پسران و روسری‌های کوچک و معمولاً ـ سفید رنگ دختران، ویژگی ظاهری آنها است. هوی متال: هوی متال به معنای فلز سنگین است و نوعی از موسیقی نسبتاً جدید آمریکایی اطلاق می‌شود که در آن اصوات مرتعشه از سازها، نزدیک به صدای برخورد فلزات است. در این موسیقی اوج و فرود (نواس) قطعات بسیار شدید بوده و ضرب آهنگها معمولاً فوق العاده تند است. استفاده از آلات موسیقی الکترونیکی و سازهای" کوبه"ای چنان فضای تند موسیقیایی پدید می‌آورد که کمتر کسی قادر به گوش دادن آن است. هوی متال در کنسرتهای خود (اخیراً) فریادهای دلخراشی را به موسیقی خود افزودند که از" گیتار برقی "که قابلیت ایجاد صداهای ناهنجار را دارد بیش از سایر سازها استفاده می‌نمایند. از بررسی موسیقیهای این آهنگها، تحلیل محتوای ترانه‌هایی که خوانندگان این گروهها می‌خوانند و نیز از شعارهای آنها چنین بر می‌آید که در آنها عصیانی کور نسبت به" حال "و میل" بازگشت به گذشته "فوق العاده

قوی است. آنچنان که گاه از آن بوی" بدویت "به مشام می‌رسد. تأکید و تعریفی که آنها از مفاهیمی همچون صلح، جنگ، عشق، حقیقت و آزادی دارند مؤید این نکته است. برخی از گروه‌های زیر مجموعهٔ هوی متال عبارتند از: گروه کیس، نیروانا، سپول ترا، گانزس روزیس و ...

چرا در جامعه ما فرهنگ مصرف گرایی روز به روز و لحظه به لحظه رو به افزایش است و چرا هیچکس کاری نمی‌کند؟ چرا؟

پرسش

چرا در جامعه ما فرهنگ مصرف گرایی روز به روز و لحظه به لحظه رو به افزایش است و چرا هیچکس کاری نمی‌کند؟ چرا؟

پاسخ

به میزانی که کشورهای اسلامی و همچنین ایران اسلامی، به فرهنگ غرب نزدیک می شوند آثار آن را نیز می پذیرند. اقتصاد مرکانتیلسمی غرب به سه عنصر منابع اولیه، نیروی کار ارزان و بازار مصرف بنا شده و شهروندان خود را به مصرف هرچه بیشتر توصیه می کند. اما در فرهنگ اسلامی با توجه به اینکه قناعت حرف اول در اقتصاد را می زند، باید فرهنگ سازی شود، البته بسیاری از خانواده‌های ایرانی قناعت جزء زندگی آنها است و کم هم نیستند. اما نمود ندارند ولی مظاهر مصرف‌گرایی چون نمود بیشتری دارند چشمگیر به نظر می رسد. متأسفانه مشکلات و تنگناهای اقتصادی سبب شده است برخی از سیاست‌های غلط پول ساز سرلوحهٔ فعالیت‌های صدا و سیما قرار گیرد که تبلیغات کالا به سبک غربی و اشاعهٔ فرهنگ مصرفی از کمترین تأثیرات مخرب آن است سیاست‌های دیگری مانند ترویج جهانگردی با شکل غلط آن که فرهنگ بیگانگان و بی‌قیدی نسبت به دین و اخلاق را در جامعه نشر می دهد نیز به فرهنگ مصرف گرایی دامن می زند و روش‌های غلط دیگری که بی‌توجه به شبیخون فرهنگی غرب راه را برای دشمنان هموار می سازد. اما اینکه در کنار این سیاست‌های غلط که باید اصلاح شود جهت‌گیری مصوبات مجلس وسیاست‌های کلی نظام در جهت مبارزه با فرهنگ ابتذال و مصرف گرایی است حقیقتی است که نباید به آن تردید نمود و همچنین نباید تلاش خدمتگزاران صدیق دولت و مجلس را دراین راه نادیده گرفت و لیکن هجم تهاجم و مبارزه منفی دشمنان در ترویج فرهنگ مبتذل خود آنقدر وسیع است که این تلاشها به چشم نمی‌آید.

دلیل بدحجابی هایی که امروزه در جامعه اسلامی می بینیم چیست و آیا نمی شود جلوی این بدحجابی ها را گرفت تا جوانان کمتر به فساد کشیده شوند و جامعه ما به عنوان یک جامعه اسلامی نمونه و دارای پیشرفت محسوب شود؟

پرسش

دلیل بدحجابی هایی که امروزه در جامعه اسلامی می بینیم چیست و آیا نمی شود جلوی این بدحجابی ها را گرفت تا جوانان کمتر به فساد کشیده شوند و جامعه ما به عنوان یک جامعه اسلامی نمونه و دارای پیشرفت محسوب شود؟

پاسخ

مسأله بدحجابی از معضلات کنونی جامعه ماست. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته‌ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت‌پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه‌هایی از آن را ارائه کرده‌اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته‌اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم‌ها و مجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می‌گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد: الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه‌های بعد ظاهر گردد. ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی. هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه‌های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب، آثار آن به طور کامل بروز کرده است. امید است با برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت‌های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. بهبود وضعیت حجاب نیاز به برنامه ریزی وسیع فرهنگی و اجتماعی دارد. در این راستا علاوه بر تکالیف فردی، در جهت ارشاد دیگران بایستی با برنامه‌های کلان تلاش کرد. عوامل بد حجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه‌هایی است که در به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است: ۱. از نظر انسان‌شناختی و روان‌شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را و قرآن می‌فرماید: إنا هَدَیْناهُ اَلسَّبیلَ إمَّا شاکِراً وَ إمَّا کَفُوراً،الف). بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی ما- که بسیاری از احکام، ارزش‌ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و جای هیچ گونه عذر و بهانه‌ای نیست- بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از طرف برخی افراد نادیده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصر روان‌شناختی باز می‌گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا، تزلزل شخصیت و ... است و می‌باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، برخی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می‌کند. یکی از راه‌های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرای احکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: إنَّ اَللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ. خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (ب)- ریشه‌های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بعد برهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می‌گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی‌حجابی را در خانواده‌ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند رو به گسترش این معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد ولی به دلایل متعددی، رگه‌ها و ریشه‌های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوباره مجال ظهور و بروز پیدا کرد. ج)- کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش‌ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است.گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی، محاصره‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه‌های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه‌کار و برنامه‌هایی در جهت تثبیت و

تعمیق ارزش‌ها و احکام اسلامی مبذول نگردد. د)- بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست‌های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش‌های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک‌گرایی، تجمل‌پرستی و... گردید ه)- عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه‌های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال‌های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه‌ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. و)- برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت‌آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید. ز)- اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام‌مند از طرف احاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است. ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش‌های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژی- اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش‌ها و مظاهر تمدن غرب. مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه‌های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش‌بینی می‌باشد الف)- راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد. ب)- کار بنیادی فرهنگی. مسلماً برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفاً بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت و لزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه‌ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه‌های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می‌تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاههای فرهنگی نیز بهتر می‌توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند. برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب. منابع و مآخذ: الف) انسان، آیه ۳ ب) رعد، آیه ۱۱

چرا فرهنگ غرب در بین جوانان کشور ما اینقدر گسترش پیدا کرده است بخصوص در بین دختران آیا راه پیشگی ندارد؟

پرسش

چرا فرهنگ غرب در بین جوانان کشور ما اینقدر گسترش پیدا کرده است بخصوص در بین دختران آیا راه پیشگی ندارد؟

پاسخ

با پوزش فراوان از تأخیر در ارسال پاسخ سؤال شما! با توجه به مباحث رشد جسمانی و روانی، ویژگی های این مرحلهٔ سنی را از مراحل قبل و بعد به خوبی می توان تمییز داد. نوجوان, از نظر رشد شناختی، دوره های حسی ـ حرکتی، و عملیات عینی را پشت سر می گذارد و به شناخت انتزاعی دست می یابد، یعنی کودک دیروز که شناخت هایش مبتنی بر دریافت های حسی بود و اگر اسباب بازی اش را مخفی می کردند، دیگر بدنبال آن نمی گشت و آن را غیر موجود تلقی می کرد، تبدیل به نوجوان امروز شده است و با تکیه به اندوخته های حسی قبلی، وچه بسا فارغ از حواس فعلی خود، دست به تفکر انتزاعی می زند و به طور مرتب، هر روز و هر ساعت، با سؤالهای مختلف و کنجکاوی های متعدد درونی و بیرونی در همهٔ جهات، رو به رو می شود. (۱) از نظر اخلاقی، در دوران کودکی اولیه و ثانویه، که اصطلاحاً آن را اخلاق" پیش قرار دادی "می نامند، بر اساس خودگرایی و لذت گرایی عمل می کرد و در نوجوانی که اصطلاحاً مرحلهٔ" قرار دادی "نامیده می شود، رفتار او تابع سازگارهای فردی و قوانین قرار دادی است؛ از این که به او برچسب" دختر خوب و پسر خوب "زده شود خوشحال می شود؛ و در انتهای این دوره، تعهدات اجتماعی را مهم می داند و کم کم متوجه اخلاق خود پذیرفته گردیده، وارد اخلاق فوق قرار دادی می شود. در این مرحله، دیگر تنبیه و پاداش و یا بر چسب دختر یا پسر خوب برایش اهمیت ندارد، بلکه وارد اخلاقی می شود که حداقل بر اساس نظم و قانون، یا بر اساس پیمان اجتماعی شکل گرفته است؛ و این خود باعث بروز مسائل عاطفی و احساسی شدیدی برای نوجوان می شود. (۲) در رشد اجتماعی ـ سیاسی نیز به مرحلهٔ خاصی می رسد که باید تصمیم گیری کند، احساس بالندگی نماید، به تدریج از خانواده جدا شود و احساس استقلال کند، در مسائل اجتماعی و سیاسی نظر داشته باشد، رأی بدهد و حداقل، با شغل و تحصیل و ازدواج وارد جامعه شود. از نظر رشد جسمانی و بلوغ هم، با مسائل خاصی رو به رو می شود، تغییرات بیولوژیک و فیزیولوژیک، حاصل، و باعث ظهور و بروز علایم ثانویهٔ جنسی می شود؛ محتلم شدن و تغییر صدا در پسران، و رشد سینه ها و عادت ماهانه در دختران، روییدن مو، رشد سریع تر بدنی، و آشکار شدن میل جنسی در هر دو، از پیامدها و نشانه های دورهٔ بلوغ است؛ و همهٔ این تغییرات با وضعیت روحی فرد و آموزش محیطی او در تعامل است و وضعیت خاصی را برای هر فرد ایجاد، و این طبقهٔ سنی را از طبقات قبل و بعد کاملاً جدا می سازد. اگر چه در مقام تعلیم و تعلم و پژوهش، هر یک از این ابعاد، جداگانه مورد بحث واقع می شوند، ولی در عرصهٔ وجود نوجوان، مجزای از یکدیگر عمل نمی کنند؛ بلکه یک رفتار که از نوجوان سر می زند، برآیند همهٔ ویژگی های روان شناختی اوست که به صورت یک رفتار، تجلی پیدا می کند. برای تحلیل همان یک رفتار، باید ویژگی های کلی جوان و نوجوان را بشناسیم. حال با توجه به آن ریشه ها و تحقیقات بنیادی، که معمولاً در مباحث رشد به آن پرداخته می شود، برخی از ویژگی های روانی (شناختی، عاطفی، و رفتاری) نوجوان را که بیش تر می تواند در رفتار او بروز پیدا کند، بیان خواهیم کرد: الف) از نظر عاطفی، در مقایسه با بزرگسال، ثبات عاطفی کم تری دارند؛ زودرنج و حساس اندو به محض این که خلاف انتظاری را مشاهده کنند، از عمق وجودشان متأثر می شوند. ب) اهمیت بسیاری به هم سالان می دهند؛ اگر مشکل خاصی برایشان ایجاد شود، ترجیح می دهند که از هم سالان کمک گرفته، از تأیید آنها برخوردار باشند؛ در عین حال می دانند که مخالفت با بزرگسالان، به نفع آنها نیست؛ چه این که از بعضی وابستگی های خود آگاه هستند. بر این اساس، نوجوان گاهی گرفتار تعارض میشود؛ والدین و بزرگسالانی موفق اند که حتی المقدور، با خواسته های نوجوان مخالفت نکنند؛ و هرگاه مخالفت می کنند، یعنی نوجوان بداند که غیر از میل او یا والدین، ملاک ومعیاری در کار است. ج) انتقاد ناپذیری و انتقاد گری: به مقتضای فعالیت زیاد ذهنی، به هر جایی

نظر دارنـد و اشـکالها را می بیننـد و ابراز می کننـد؛ اما هنوز به واقع بینی های لازم و کافی دست نیافته انـد. به کارهای خود، نوعی تعلق خـاطر دارنـد و کم تر به خود اجازهٔ فکر و انتقاد کردن به کارهای خویش را می دهنـد، انتقاد دیگران را هم دارد نمی داننـد و نمی خواهنـد از منش و رفتار خود دست بردارنـد. د) احساس فـداکارانه در مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم؛ در این جهت بسـیار بلند می اندیشـند و ایده آل گرا هسـتند؛ نیروی روانی و عاطفی بسیار آنان، نیروی جسمانی شان را نیز تحت کنترل گرفته، آن را افزایش می دهـد. هر جا ظلمی احساس کننـد دوست دارنـد به مبارزه با آن برونـد؛ محـدودیتهای موجود را تجربه نکرده اند و نمی خواهند آنها را بپذیرنـد. این احساس بسـیار ارزشـمند است و ممکن است از آن اسـتفادهٔ صـحیح یا باطل بشود. ه) دوست دارند افراد مهمی تلقی بشوند؛ لازم است خانواده ها و بزرگسالان، آنان را به رسـمیت بشناسـند و احترام قایل باشند و اگر گاهی، از جهاتی، نظر آنها را تام نمی داننـد، آنان را توجیه کننـد و اگر در مواردی با آنها مخالفت کردنـد، از جهات دیگر جبران نماینـد؛ اهمیت نظراتشان را ابراز کننـد و موقعیتی مناسب برای آنان در خانواده و فامیل به تصور بکشـند. و) در برابر ناکامی ها، احساس یأس و ناامیـدی به آنها دست می دهـد؛ به علت کمی تجربه، هنوز نمی دانند که یک شـکست به معنی شـکست همیشـگی نیست؛ بزرگ تر ها باید ضـمن تشویق و ایجاد شور و نشاط و واقع بینی، تجربیات خود را نیز به آنها منتقل کنند، تا آنها مجموع شـکست و پیروزی و تلخ و شـیرین زنـدگی را در یـک چرخـهٔ منطقی و معقول ببیننـد. ز) به وضع ظاهر و سـر و لباس و آرایش و انـدازهٔ بـدنی خود، بسـیار اهمیت می دهنـد؛ این ویژگی، فی نفسه خوب است و نبایـد با آن مخالفت شود؛ اما این میل باید با توجه به واقعیات اطراف، مانند توانایی های مـادی، مطلوب یـا نـامطلوب بودن در بین دوسـتان و هم کلاسـی، عرف اجتماعی و غیره ارضاء شود؛ پسـر و دختر دبیرسـتانی، نباید امکانـاتی فراتر از متوسـط هم شاگردی های خود را به نمایش بگذارنـد و برای خود و دوسـتان و مسـئولان دبیرسـتان مشـکل ایجاد کننـد؛ هم چنین در همـهٔ محیط های اجتماعی دیگر نیز بایـد در این زمینه، اعتـدال رعایت شود. ح) حالات رویایی و عاشق پیشـگی دارنـد؛ ذهن و قوای آنهـا متوجه دنیای وسـیع اطراف می شود، و قـدرت تخیل آنان بسـیار زیاد است؛ آنچه را که دوست دارنـد، اما امکان تجربهٔ مستقیم و واقعی آن را ندارند، با حالتی خیال بافانه و به امید فردایی آرمانی، برای خود به تصویر می کشند؛ این حالتی خوب و مبارک است و نباید از چنین حالتی نگران بود؛ ولی باید به این رؤیاها و عاشق پیشـگی ها جهت داد. اگر خوبی ها با ساز و کارهای صحیحی ارائه شوند، می توانند موضوع عشق جوان و نوجوان باشند؛ مثلاً ممکن است فردی عاشق امام خمینی (ره) یا فلان شاعر عارف یا فلان مخترع و یا عاشق علم بشود؛ ولی اگر این عشق درست هـدایت نشود، متوجه موضوعات منفی، مثل هیپی گری، بی بند و باری و امثال این ها می شود. ط) نگران آینده هسـتند؛ آیندهٔ شغلی، تحصیلی، اقتصادی، اخلاقی و جنبه های دیگر برایشان مهم است و اشـتغال ذهنی ایجـاد می کنـد. با توجه به این ویژگی ها و حساسـیت های روان شـناختی، هجوم فرهنگی بیش تر متوجه این طبقـهٔ سـنی می شود. آنها نیرومند، تأثیر پذیر و تأثیر گذارند؛ همانند ظرفهای خالی، پر شدنی هسـتند، کنجکاو و به دنبال هویت مطلـوب برای خودنـد و جمعیت آنهـا زیـاد است؛ از این رو مهاجمـان فرهنگی بیش تر به این گروه توجه دارنـد. علی رغم تـأثیرات اجتماعی و وظایفی که برای مسـئولین ووالدین وجود دارد، باید دانست که اصلی ترین ومهم ترین تصمیم گیرنده در این خصوص، خود نوجوان و جوان است. همواره واقعیتهـا بـا مطلوب هـای نهـایی فاصـله دارد. آنچه در مورد فضـای فرهنگی، ارزش های مسـلط جامعه و وظایف والـدین گفته می شود مطلوب است؛ اما همه اش واقع نمی شود. فضای فرهنگی و ارزشـهای مسـلط جامعه، به طور کامل، اسلامی و انسانی نیست. گاهی مسئولین به هر دلیل، به تمام وظایف خود عمل نمی کنند. بسیاری از والدین با محدودیتهایی، مثـل بی سوادی و کم سوادی، نارسایی اقتصادی، نداشـتن روابط ووجهـهٔ اجتماعی مناسب، وجود مشـکلاتی مثل بیماری و اختلاف نظر، نزاع هـای خـانوادگی و ...؛ مواجه هسـتند و در نتیجه نه تنهـا نمی تواننـد به نوجوان کمک کننـد بلکه چه بسا نیاز به هـدایت و کمک نوجوان و جوان خود دارند. در چنین موقعیتی، منطقی نیست که نوجوان به بهانهٔ وظیفه ناشناسـی یا ناتوانی دیگران، به آینده و ظرفیت ها و توانمنـدی های خود کم توجهی کنـد. او باید این دوره را قبل از اینکه دیر شود، بشـناسد و از آن به اندازه کافی بهره

ببرد. در این دوره قدرت بدنی و نیروهای روانی فوق العاده است؛ اگر این نیروها جهت داده شوند و پراکنده نشوند و هر روز و هر ماه به سویی نروند، بسیار ارزشمند و قابل ستفاده اند. همان طور که گذشت، نیروی این دوران را می توان به آبی تشبیه کرد که هم ممکن است تبدیل به سیل شود و هم ممکن است که آن را به باغ ها و مزارع تشنه هدایت کرد تا باعث سیرابی آنها بشود. در این خصوص، بر نکات کلیدی مسلم و مهم تأکید می کنیم: الف: نوجوان باید از همان ابتدای نوجوانی، به تدریج، به فکر هویت آیندهٔ خود باشد. تلاش کند تا مجموعه ی افکار و احساسات و فعالیت های او، هم جهت و کمکل یکدیگر باشند؛ به علایق و امکانات خود و نیازهای جامعه بیندیشد؛ ب: همت بلند داشته باشد به افق های دور دست نگاه کند و به حداقل ها اکتفا نکند؛ ضمن اینکه واقعیتها و محدودیتها را می بیند به راحتی تسلیم مشکلات نشود و حتی المقدور، جهانی بیندیشد، ج: در تصمیم گیری هایش از مشورت با دیگران بهره مند شود و عقل دیگران را به عقل خود بیفزاید. د: در انتخاب و داشتن دوستان خوب، بسیار جدی و از دوستان بد کاملاً بر حذر باشد چه بسا دوستان خوبی که می توانند همهٔ خوبی ها را به او هدیه دهند و چه بسا دوستان بدی که ممکن است همهٔ خوبی هایش را از او بگیرند. ه: به واجبات الهی بپردازد و از محرمات اجتناب کند به هیچ وجه توصیه نمی شود که با عبادات بسیار خود را بیازارد اما همیشه یک ارتباط ذهنی و روانی را با خداوند داشته و در تصمیم گیریها و زندگی روزمره اش سهمی هم برای خداوند قایل باشد. و: وقت خالی برای خود نگه ندارد و حتی المقدور به فعالیتی مناسب اشتغال داشته باشد منظور از اشتغال شغل رسمی درآمدزا نیست؛ بلکه بی کار نبودن مطلوب است. ز: به مطالعه و افزودن بر دانش خود و فکر کردن به موضوعات گوناگون بپردازد امروزه دانستنی ها به صورت تصاعدی (و چه بسا به صورت تصاعد هندسی) افزایش می یابند یک نوجوان، باید خودش استعداد، فعال، قوی برخوردار از امکانات کافی و دارای انگیزهٔ قوی باشد تا بتواند به دریای مواج معارف و دانش و فناوری امروز بشر، درست بنگرد و درست انتخاب کند و سهم مناسب خود را از آن برگیرد. علم بهترین سرمایه ای است که هم بالفعل او را مشغول می کند و هم در آینده در اختیار او خواهد بود، و چه بسا بسیاری از تمایلات دیگرش را تحت الشعاع قرار دهد، چرا که آدمی از دو چیز سیر نمی شود یکی مال و دیگری علم. در این دو موضوع هر قدمی قدم بعدی را می طلبد. ح: به ورزش و تفریحات سالم و مناسب اهمیت بدهد؛ جسم و روح خود را سالم نگه دارد. ورزش و تفریحات سالم را به هدف سالم سازی جسم و روح خود انجام دهد، نه با اهدافی که چه بسا بوی انحراف می دهند. ط: توجه به کف نفس (خود داری از گناه) نیز برای نوجوان لازم و ضروری است. نوجوان باید بدان دکه در کنار کارهایی که باید انجام دهد، کارهایی نیز وجود دارد که باید از آنها اجتناب کند؛ و خود داری از گناه کار آسانی نیست، بلکه نیاز به تمرین بسیار دارد. این همان جهاد اکبر است که پیامبر اکرم (ص) اهمیت آن را بیش تر از جهاد در میدان نبرد دانسته اند. فقط محرمات شرعی منظور نیست، بلکه مراد رفتار و احساساتی است که هر فرد (ولو غیر متدین) آن را ناصحیح و غیر مطلوب می داند. اگر نوجوانان و جوانان ما به مسائلی ازاین قبیل توجه داشته باشند، تا حدود زیادی در مقابل هجوم های فرهنگی بیگانگان واکسینه می شوند. این اقدام بسیار ضروری و مهم است چه اینکه اگر همهٔ افراد و مجموعه ها وظایف خود را به خوبی انجام دهند، اما خود نوجوانان و جوانان، توجه به این موضوعات نداشته باشند آن اقدامات سودی به حالشان نخواهد داشت. منابع و مآخذ: ۱ـ ر.ک. محمود منصور، ران شناسی ژنتیک، ص۹۸ـ۱۱۶ ۲ـ ر.ک. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناس رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج۲

علل گسترش فرهنگ ابتذال در جامعهٔ ما چیست

پرسش

علل گسترش فرهنگ ابتذال در جامعهٔ ما چیست

پاسخ

۱. از نگاه تاریخی به طور عمده در ساختار فرهنگ توسعه و به جای پرداختن به توسعهٔ فرهنگی در شکل صحیح آن همواره در ایران تلاش شده است که سیاست گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه مبتنی بر الگوهای توسعهٔ غرب و شیوه‌های فرهنگی آن‌ها صورت گیرد. این مسئله یکی از عوامل گسترش ابتذال فرهنگی در کشور است به دیگر سخن گسترش ابتذال فرهنگی از تفکر افرادی غرب زده سرچشمه می گیرد که تصوّر می کنند، پیشرفت جامعه وامدار غربی شدن است راه چاره آن است که به جای پذیرش الگوهای اشتباه فوق سعی شود متناسب با بافت تاریخی ـ فرهنگی کشورمان الگویی سازگار با آن انتخاب شود. ۲. توجه جدّی به تعلیم و تربیت و تزکیه و پاک‌سازی درون افراد جامعه از راه‌های دیگر مقابله با فرهنگ ابتذال است در پیش گرفتن راه نورانی هدایت الهی به جای رهروی در مسیر حیله‌های شیطان راه‌کار عملی در این راه است ۳. در پایان می‌توان به سود جویی‌ها، فرصت‌طلبی‌ها و سیاست بازی‌ها، به جای پرداختن به مشکلات حقیقی جامعه و یافتن راه‌حل‌های منطقی برای آن‌ها، به عنوان عامل دیگر جلوگیری از گسترش ابتذال فرهنگی اشاره کرد.

علت گستردگی تهاجم فرهنگی چیست؟ و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟

پرسش

علت گستردگی تهاجم فرهنگی چیست؟ و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟

پاسخ

علت روی آوردن مردم به مصرف گرایی , تجمل و افزایش فساد و قاچاق چیست ؟

پرسش

علت روی آوردن مردم به مصرف گرایی , تجمل و افزایش فساد و قاچاق چیست ؟

پاسخ

این مسأله از سویی بازگشت به مسأله تهاجم فرهنگی می کند و در واقع بخشی از مظاهر آن است از طرف دیگرمعلول یک سری از عوامل و مشکلات داخلی؛ مانند گرفتاری‌های اقتصادی تغییرات سریع در بافت اقتصادی واجتماعی عدم برنامه‌ریزی جامع در فرهنگ عمومی و نداشتن تعریفی مشخص برای کار فرهنگی سیل مهاجرت بهشهرها بیکاری جوانان تغییر الگوهای مصرف و...

است.{J

دقیقا بفرمائید مدگرایی به چه انگیزه ای است

پرسش

دقیقا بفرمائید مدگرایی به چه انگیزه ای است

پاسخ

مدگرایی غربی با انگیزه‌های مختلف صورت می‌گیرد: الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران. ب) بازاریابی برای اجناس خود. ج) جامعه را از مسیر صحیح و پاک به انحراف و آلودگی کشاندن. د) سنت‌های بجا و صحیح را از امتی گرفتن و سنت‌های ناپسند و احیاناً خرافی را جایگزین آن ساختن. ه) از طریق سنت‌های یک ملّت وارد شدن ولی آن را از دورن مسخ کردن. شاید اطلاع داشته باشید که برای ساختن این مدها، مدت‌ها و ساعات زیادی متخصصین روان‌شناس،جامعه‌شناس و... به مطالعه می‌پردازند و راجع به تأثیری که مد خاصی می‌تواند در یک جامعه از خود به جای گذارد،آینده‌نگری و تحلیل می‌کنند وقتی تصویب شد، با شگردهای عجیبی به تبلیغ آن می‌پردازند. جهت اطلاع ازشگردهای تبلیغی شایسته است «مبانی تبلیغ» از دکتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمد تقی رهبر، را موردمطالعه قرار دهید. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شیء مضری نظیر سیگار و مواد مخدر یانظایر آن از طریق عکس‌های شرطی و بخصوص از قیافه سکس زن‌ها استفاده می‌کنند. نکته دیگر در این راستا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمربند اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه ملّتی را دراین گونه مسائل مجذوب خود می‌سازند و به تقلید خود درمی‌آورند، سپس به تدریج سراغ افکار و اندیشه و ایده یکملّت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می‌کنند. چادر به عنوان حجاب اسلامی یک سنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی‌کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازاراسلامی، پر از چادرهای بدن‌نما شد و... حال ساده اندیشی و خامی است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مدروز به نقطه خاصی اکتفا می‌کنند. طبیعی است که چنین نخواهد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راهبیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش خواهند رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شهوتپرستی و فساد جنسی و طرح لباس‌های سکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصیصه انسان استکه در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی‌شناسد. بل یرید الانسان لیفجر امامه انسان می‌خواهد هرمانعی را از سر راهش بردارد{M، (سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمال قدم پا گذاشت تا بی‌نهایت پر می‌کشد و اگر بهوادی فساد و انحطاط قدم نهاد، در آنجا هم تا بی‌نهایت جلو می‌رود، به گونه‌ای که نمی‌توان آنها را در جایی متوقفکرد. ناگفته پیداست که بشر تنوع طلب است و از یکسانی خسته می‌شود. قرآن کریم نیز به این نکته توجه داشته است کهمی‌فرماید: مختلفاً الوانه ، (سوره نحل ، آیه ۱۲). گیاهان و میوه‌ها با رنگ‌ها و گونه‌های مختلف برای شماآفریده‌ایم یا بشر در نژادها و قبائل گوناگون آفریده شده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می‌ماند؟ حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشین و ... اگر با موازین شرع وسنت‌های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی‌توان تا این حد بر آن ایراد گرفت. حرف ما در این است که چرا ماخودمان طراح مد و مدل روز نباشیم؟ چرا افراد مبتکر و خلّاق جامعه ما سعی نمی‌کنند تا

طرح جدیدی را ارائه دهند.و اصولا این یکی از ایرادهای ماست که نسبت به این گونه مسائل آن قدر منتظر می‌مانیم تا دیگران با طرح جدید خودبر ما یورش آورند. آن گاه مکبتران بعد از فشار زیادی که از افکار عمومی متوجه آنها می‌شود، تازه دست به کار می‌شوندکه مثلاً- مدل فلان ماشین یا طرح ساختمانی و یا شیوه لباس قشر خاصی را تغییر دهند. در حالی که اگر ما در این راستاابتکار عمل را به دست گیریم، چه بسا بتوانیم فرهنگ خویش را برای دیگران اسوه و الگو قرار دهیم. هم چنان که دربرخی از جهات چنین بوده است. به هر حال نسبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و ازاینکه زمام فرهنگو سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم.{J

شبهات چه اثرات خوب و بد اجتماعی در بر دارد؟

پرسش

شبهات چه اثرات خوب و بد اجتماعی در بر دارد؟

پاسخ

شبهه و اشکال، نوعا دارای آثار مفید فکری است و پس از حل و جواب دادن به هر شبهه‌ای، نوعا فرد به پله‌ایبالاتر از تفکّر صعود می‌کند. البته القای شبهه برای افراد ضعیف و عوام، ممکن است مخاطراتی در پی داشته باشد.بنابراین نباید در هر شرایطی به القای شبهه پرداخت؛ زیرا برای افرادی که از نظر فکری ضعیف‌اند، ممکن است شبهه،خوب گرفته شود، ولی پاسخ مناسبی دریافت نگردد.

ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

شناخت چگونگی تهاجم فرهنگی غرب، کار مشکلی نیست. غرب دارای افکار و جهت گیری‌های مشخصی درزمینه سیاست، اقتصاد، روابط اجتماعی، اخلاق و... می‌باشد و با سرعت و گستردگی هر چه تمام تر، به نشر آن نیزاقدام می‌کند. این نشر و تبلیغ، از طریق فیلم، رادیو، ماهواره، مجلات همسو و تقویت هم‌فکران خود در هر نقطه ازجهان صورت می‌گیرد. تنها راه مقابله با این تهاجم، شناخت فرهنگ خودی و شناساندن و تبلیغ ارزش‌های آن به جامعه است. ایجاد خودباوری در جوانان و شناخت قرآن و ارزش‌های آن، از مهم‌ترین راه‌های مقابله با این تهاجم محسوب می‌شود. تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیط دانشگاهی از راه‌های ویژه‌ای انجام می‌گیرد؛ برخی از آن راه‌هاعبارت است از: الف - ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی. این برنامه از

طریق استفاده‌های نادرست فلسفی و نظری از ره‌آوردهای علمی و القای علمی بودن برخی از آموزه‌های مغایر با جهان‌بینی دینی صورت می‌پذیرد. ب - القای نگرش‌های معرفت شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و تفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه‌های دینی ازعرصه‌های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت‌ها. ج - کم رنگ‌سازی ارزش‌های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبیت و تاریخ‌مندی اصول ارزش‌ها و تبعیت آن از ذوق و سلیقه‌های تجدد طلبانه قومی، ملی، نژادی و ... د - نفوذ در جریانات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت‌های معارضه‌آمیز و سیاسی کاری به جای تلاش‌های انقلابی و اسلامی. در مقابله با مسائل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر و پر دامنه روبه روست : ۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه‌های مختلف و شناخت و درک درست مسائل سیاسی واجتماعی. ۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا ، قرآن و پیشوایان دین. ۳- جهاد اجتماعی؛ یعنی، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیط دانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی در دانشگاهیان. آنچه که درباره تربیت نیروهای نفوذی در قشرهای مختلف جامعه توسط سرویس‌های جاسوسی غرب گفته‌اید،صحیح است؛ ولی این که توانسته باشند در بین روحانیت، در رده‌های نخست آن افرادی را ساخته و مطرح کنند،واقعیت ندارد؛ چون نظام روحانیت به صورتی است که مطرح شدن مصنوعی در آن راهی ندارد؛ چون ارتقای رتبه افراد، تنها مستعد به عملکرد، سوابق، میزان علم، تقوا و دیگر شرایط است و هرگز یک جاسوس نمی‌تواند تا این اندازه صحنه‌سازی کند. البته نهادهای انقلاب در شناسایی چنین افرادی کوشا هستند و تا به حال عده بسیاری از آنها شناخته شده و دستگیر شده‌اند. در عین حال همواره باید هشیار بود.

آیا جامعه ای که فرهنگ قوی و غنی دارد از تهاجم فرهنگی می ترسد پس دلیل اینهمه وحشت چیست

پرسش

آیا جامعه ای که فرهنگ قوی و غنی دارد از تهاجم فرهنگی می ترسد پس دلیل اینهمه وحشت چیست

پاسخ

پاسخ‌های اجتماعی: اسلام یک دین کامل و غنی و دارای فرهنگ خاص خود است که اگر به آن جامه عمل پوشانده شود، جامعه ازبسیاری معضلات رهایی خواهد یافت؛ ولی آیا ما نیز مسلمان واقعی هستیم؟ اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست آیا مسلمانان بیشتر تابع آداب و رسوم نیاکان و فرهنگ بومی خود قبل از اسلامند یا تابع واقعی اسلام؟ اگر تماماحکام الهی راجع به رابطه زن و مرد و ازدواج اجرا شود، آیا مشکل به اسم تهاجم فرهنگی در این زمینه باقی خواهدماند؟ و... پس به جای نالیدن و غصه‌دار شدن از تهاجم فرهنگی، باید به ترویج فرهنگ اسلام پرداخت. باید ایثار کردو حتی مسؤولان کشور باید از آبرو و تمام سرمایه‌های خویش مایه بگذارد تا فرهنگ ما اصلاح گردد، در نتیجه اگرمنظور از شعار غنای فرهنگی، غنای فرهنگ اسلام می‌باشد، درست است؛ ولی تا وقتی که ما ترویج پفک نمکی وماکارونی را بر ترویج فرهنگ اصیل اسلام ترجیح دهیم، آن غنا ربطی به ما ندارد و در یک جمله احکام اسلام نه به تمامی در حال حاضر اجرا می گردد و نه حتی ترویج می گردد و...؟!! جواب‌های سیاسی: هیچ کس نمی‌تواند - نه در جامعه اسلامی و نه در هیچ جامعه دیگر - جلو فکر کردن انسان‌ها را بگیرد؛

چه رسد به این که در این زمینه اجبار کند. پس اختلاف افکار گریزناپذیر است؛ ولی مسؤولان اداره یک جامعه موظف‌اند جوّعلمی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی کشور را طوری سالم سازند که منجر به تفکر صحیح گردد؛ یعنی، مسؤولان و حتی آحاد ملت، وظیفه دارند از اشتباهات یکدیگر جلوگیری کنند و...؛ مثلاً اگر در پَسِ پرده‌ای موجودِ خطرناکی باشد ولی اطلاعات غلط به شما داده شود و آن موجود را بی‌خطر بلکه مفید جلوه دهند، این اطلاع‌رسانی سبب می‌شود که شما نه تنها راجع به آن موجودِ پس پرده صحیح فکر نکنید؛ بلکه موجب می گردد تدابیر درست هم نیندیشید. پس اندیشمندان وظیفه دارند حقایق را ترویج کنند و احیانا به مسؤولان و مردم گوشزد و یادآوری نمایند؛ ولی اگر گروهی پیروی نکردند اجبار در این زمینه کاربردی ندارد. در زمان پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) نیز دیدگاه و اندیشه حق در جامعه فراگیر نشد. قرآن به پیامبر می‌فرماید: تو نمی‌توانی کسانی را که مرده باطنی شده‌اند، بینا و شنوا کنی. درنتیجه در صدر اسلام نیز افکار مختلفی وجود داشت تا حدی که در زمان حضرت علی(ع) قاسطین، مارقین و ناکثین پدید آمدند؛ ولی باید توجه داشت که مخالفان حق تا جایی آزادند که به ترویج باطل و گمراه نمودن افراد جامعه مخصوصا مردم عادی - که از اطلاعات کافی برخوردار نیستند - نپردازند. پس آزادی اندیشه مطلقا هست؛ ولی آزادی بیان، قلم و عمل مشروط به عدم سوء استفاده از بی‌اطلاعی یا کم اطلاعی اقشار مختلف جامعه است. این‌گونه حدود و قیود در نزد هر عقل سلیمی مفید بلکه لازم است. البته اگرحاکمی آزادی بی‌شرط و نامحدودی را تجویز نماید به مردم ظلم کرده و سبب گمراهی آنان را فراهم آورده است. وقتی عقل می گوید: قاتل و دزد نباید در جامعه آزاد باشد، به طریق اولی می گوید: قاتلِ هدایت و دزد دین و اخلاق مردم نیزنباید در جامعه آزاد باشد. ازاین‌رو حضرت امیر(ع) با خوارج و شامی‌ها به جنگ برخاستند، حال ممکن است بگوییدآنها معصوم بودند و حق و باطل را هم تشخیص می‌دادند و لذا جلو ابراز باطل را می گرفتند، ولی در جامعه کنونی مامرجع تشخیص حق و باطل کیست؟ و از کجا بفهمیم این مسأله حق است یا صرفا سلیقه اشخاص خاصی است؟ پاسخ این است که مسائل بر دو دسته است: بدیهی و نظری؛ همان طور که آیات قرآن نیز بر دو دسته است:محکمات و متشابهات. در مسائل بدیهی و محکمات دین (مثل حفظ بیت المال، عدم جواز ترویج فحشا و منکرات، عدم جوازظلم، دنیاگرایی، تحریک شهوات نفسانی بدون فراهم آوردن اسباب شرعی، ارضای آن و بسیاری از این قبیل)سلیقه‌های شخصی نمی‌تواند دخالتی در آن داشته باشد. در مسائل نظری و متشابهات نیز در قسمتی که بین کارشناسان اتفاق هست، باید به آنان رجوع کرد و نظر حق را فهمید. در نتیجه در مواردی که حق روشن است، بایدانجام دهنده آن تشویق و ترغیب و تارک یا منکر آن، مورد مؤاخذه قرار گیرد. پس روشن شد که آزادی فکر کردن،چیزی غیر از آزادی بیان است؛ چون هر یک، احکام مختص به خود را دارد و خلط بین آنها صحیح نیست. اما این که: «چرا در جامعه ما با افکار و نظرات مختلف و مخالف با نظر آقایانی مخالفت می‌شود؟» این مطلب بسیارکلی است و روشن نکرده‌اید که با چه افکاری در جامعه ما مخالفت می‌شود و مخالفان چه کسانی هستند و منظورتان ازآقایان چه اشخاصی می‌باشد؟ اگر منظور علمای دین باشد، خوب آنان خود را کارشناس و متخصص دین می‌دانند ومعتقدند در موارد لازم باید تذکرات بلکه مقابله‌هایی با ترویج غیر اسلام انجام گیرد و اگر منظور مسؤولان کشور است،آنها نیز خود را مسؤول می‌دانند و معتقدند وقتی مردم به آنان رأی داده‌اند، یا به هر نحوی این مسؤولیت به آنها واگذارشده است، باید تفکرات و اعتقادات خود را به اجرا درآورند نه یافته‌های دیگران را. در عین حال هیچ یک مصون ازخطا و اشتباه نیستند. البته راه صحیح ایجاد زمینه‌های مناسب جهت تضارب و تبادل افکار می‌باشد؛ ولی آنچه برای همه مهم است، تلاش جهت ارتقای سطح اطلاعات دینی و اجتماعی است تا بتوان قضاوت و تحلیل درست و واقعی از مسائل داشت. در غیر این صورت در هر زمانی گروهی مدعی بوده و هستند که فقط آنان حق و حقیقت را می‌فهمندو دیگران را غربزده یا متحجر معرفی می کنند. جالب این جا است که همه طیف‌ها و جناح‌های مختلف جامعه ما، دراین نقص مشترکند و در یک سو نگری، خود مصداق بارز برای این نقص هستند. اما این که «آیا وضعیت فعلی جامعه ما مطلوب و دلخواه امام راحل است یا نه؟» باید گفت: در زمان خود ایشان هم وضع جامعه ضد در صد مطلوب ایشان نبود چه رسد به حالا؛

مثلاً حضرت امام(ره) – که معمار انقلاب بودند – راجع به مذمت نهضت آزادی و مصدق (در صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۵) بیانات شدید اللحنی ایراد فرمودند؛ اما متأسفانه امروزه در جامعه ما آنها ترویج می‌شوند. هم‌چنین راجع به رابطه با آمریکا، سلمان رشدی، قانون اساسی، ولایت فقیه و... سفارش‌هایی داشتند که متأسفانه امروز حتی در حد یک شعار هم به بعضی از آنها نگریسته نمی‌شود. در زمان حیات آن عزیز هم مسائل مشابهی وجود داشت؛ مثلاً ـ درباره مالیات، خمس، جنگ و... گروهی زیربار نمی‌رفتند. پس کسی واقعا در خط امام است که فراجناحی فکر کند و خود را محصور به افکار و خط مشی‌های جناحی خاص ننمایدو سیره قولی و عملی امام(ره) را برنامه زندگی خود قرار دهد. درباره صدا و سیما هم اگر اشکالی دارید باید ایرادات خود را به صورت جزئی و ریز، ذکر کنید و... البته خود ما نیزاشکالات فراوانی نسبت به بعضی از برنامه‌های آن سازمان داریم؛ ولی باید فراجناحی اندیشید و بدون هیچ پیش‌داوری، درباره راه‌های رشد و بالا بردن کیفیت برنامه‌های صدا و سیما، طرح ارائه داد. درباره ابراز احساسات با کف زدن، باید گفت که موارد آن فرق می کند؛ مثلاً کف زدن برای تشویق محصلان،ورزشکاران و سخنرانان فی‌نفسه اشکال ندارد؛ ولی اگر کسی به ضروریات دین و اعتقادات مذهبی اهانت کند یا حرف باطلی بزند و برای او کف بزنند، این مصداق همان حدیث است که: «راضی به گناه گنهکار مانند انجام دهنده آن گناه است»؛ زیرا با کف زدن اعلام می کنیم که ما هم آن اهانت را قبول داریم. البته تقسیم‌بندی مذکور مختص به کف زدن نیست و در صلوات و تکبیرهایی که در جلسات مختلف گفته می‌شود نیز جاری است. ازاین‌رو اگر صلوات هم برای استهزای دیگران یا هُو کردن شخصی و یا تأیید باطلی باشد، اشکال دارد. درباره مطبوعات نیز گفتنی است که اصل حساسیت نسبت به مطبوعات کار صحیحی است؛ زیرا مطبوعات بافرهنگ دینی، سیاسی، اجتماعی و فردی اشخاص سر و کار دارند و می‌توانند نقش مهمی در شکل دهی باورهای جامعه ایفا نمایند؛ مخصوصا در زمان فعلی که خوشبختانه شاهد افزایش کمّی مطبوعات هستیم. پس باید مراقب کیفیت آنها نیز بود و برای ارتقای سطح کیفی آنها برنامه‌ریزی کرد. متأسفانه امروزه در خیلی از اینها احکام اسلام صریحا رد می‌شود و به جای اجرای احکام الهی، راه‌هایی غربی پیشنهاد می گردد؛ به طوری که تحجّر و عقب ماندگی دین را امری مسلم والگوهای غربی را مدینه‌ای فاضله جلوه می‌دهند، یا غرایز جوانان را تحریک می‌نمایند بدون این که راه صحیحی برای برآوردن خواسته‌های آنان پیشنهاد گردد. بسیاری از این نشریه‌ها مروّج خودباختگی‌ها، ابتذال سیاسی، باندبازی‌ها، ابتذال فرهنگی و اخلاقی و... هستند. خلاصه نقد و ردّ نظریات بنیانگذار انقلاب اسلامی و رواج داستان‌های عاشقانه غربی با پیام‌های ضد اخلاقی، ترویج سیاست منهای دین و... از مسائلی است که برخی ازمطبوعات بدان‌ها کمر همت بسته‌اند. شاید شما فقط کیهان و اطلاعات را می‌بینید که آسوده خاطرید، آیا می‌دانید درنشریات ما حتی عکس انسان بدون هیچ گونه پوششی و به صورت لخت به چاپ رسیده است؟ یا در بعضی دیگراصولی‌ترین مبانی انقلاب اسلامی نفی و ردّ شده است آن هم نه به صورت بحث علمی بلکه به شکل یک حرکت تبلیغاتی و عوام فریبانه . *ومسائلی دیگر از این قبیل .....در دیدگاه کلی برای ازبین بردن یک جامعه ابتدا باید ان جامعه وملت از فرهنگ وآیین خویش دور ساخت که در اواین مرحله ایجاد شبهه است و...سرانجام خود زمینه بی هویتی رافراهم کرده,آن گاه یک هویتی متزلزل جایگزین شود,آن جامعه از درون بی ثبات می شود واقدامات بعدی دشمن را آسان می کند, هرچند آن جامعه دارای فرهنگ غنی باشید(دیرباز)*

پوشیدن لباس های مد به تقلید از غرب چه عواقبی دارد؟

پرسش

پوشیدن لباس های مد به تقلید از غرب چه عواقبی دارد؟

پاسخ

مـدگرایی غربی بـا انگیزه‌هـای مختلف صورت می گیرد: الف) تحمیل فرهنگ خویش به دیگران، ب) بازاریابی برای اجناس خود، ج) جـامعه را از مسیر صـحیح و پـاک به انحراف و آلودگی کشانـدن، د) سـنت‌های بجـا و صـحیح را از امتی گرفتن و سـنت‌های ناپسـند و احیانـاً خرافی را جایگزین آن ساختن، ه) از طریق سـنت‌های یک ملّت وارد شـدن ولی آن را از دورن مسـخ کردن. شاید اطلاع داشته باشید که برای ساختن این مدها، مدت‌ها و ساعات زیادی متخصصین روان‌شناس،جامعه‌شناس و... به مطالعه می‌پردازند و راجع به تأثیری که مـد خاصـی می‌توانـد در یک جامعه از خود به جای گذارد،آینده‌نگری و تحلیل می کنند وقتی تصویب شد، با شگردهـای عجیبی بـه تبلیغ آن می‌پردازنـد. جهـت اطلاع ازشـگردهای تبلیغی شایسـته است «مبـانی تبلیـغ» از دکـتر حسن زورق و همچنین «روش تبلیغ» از محمـد تقی رهبر، را موردمطالعه قرار دهید. آنجا ملاحظه خواهید فرمود که چگونه برای جازدن یک شـیء مضـری نظیر سـیگار و مواد مخدر یانظایر آن از طریق عکس‌های شـرطی و به خصوص از قیافه سـکس زن‌ها اسـتفاده می کنند. نکته دیگر در این راسـتا، این است که آنها به رنگ و مدل کفش، لباس، کیف و کمربند اکتفا نمی کنند؛ بلکه ملّتی را دراین گونه مسائل مجـذوب خود می‌سازنـد و به تقلیـد خود درمی‌آورنـد، سـپس به تدریج سـراغ افکار و اندیشه و ایده یک ملّت آمده و آن را هم به طرف خود جذب می کنند. چادر به عنوان حجاب اسـلامی یک سـنت نیکو و پسندیده است. فراموش نمی کنیم که در زمان طاغوت ناگهان بازاراسـلامی، پر از چادرهای بدن‌نما شد و... حال ساده اندیشـی و خامی است اگر ما فکر کنیم که آنها در به وجود آوردن مـدروز به نقطه خاصـی اکتفا می کننـد. طبیعی است که چنین نخواهـد بود. اگر امتی به نام مد و طرح روز به دنبال آنها راه بیفتد، تا نهایت هرزگی و فساد پیش خواهنـد رفت. ملاحظه کنید امروزه در غرب (اروپا و آمریکا) در زمینه شـهوت پرستی و فساد جنسـی و طرح لباس‌های سـکس به نام تمدن و تجدد چه خبر است؟ این ویژگی و خصـیصه انسان است که در هر وادی جلو رفت، حد نهایی برای خودش نمی‌شـناسد. « بل یریـد الانسان لیفجر امامه »؛ انسان می‌خواهـد هرمانعی را از سـر راهش بردارد(سوره قیامت ، آیه ۵). اگر به وادی کمـال قـدم گـذاشت تـا بی‌نهـایت پر می کشـد و اگر به وادی فسـاد و انحطـاط قـدم نهاد، در آنجا هم تا بی‌نهایت جلو می‌رود، به گونه‌ای که نمی‌توان آنها را در جایی متوقف کرد.ناگفته پیـداست که بشـر تنوع طلب است و از یکسانی خسـته می‌شود. قرآن کریم نیز به این نکته تـوجه داشـته است که می‌فرمایـد:« مختلفـاً الـوانه»(سـوره نحـل ، آیه ۱۲). گیاهـان و میوه‌هـا با رنگ‌ها و گونه‌هـای مختلف برای شـماآفریده‌ایم یـا بشـر در نژادهـا و قبائـل گوناگون آفریـده شـده است و... راستی اگر همه چیز یکسان بود (یک رقم گیاه، یکنژاد، یک زبان) و دیگر هیچ در آن صورت چه لطفی باقی می‌ماند؟ حال با توجه به تنوع طلبی انسان، مدل لباس و طرح کیف و کفش و ساختمان و ماشـین و ... اگر با موازین شرع وسنت‌های نیک ما، تضادی نداشته باشد، نمی‌توان تا این حد بر آن ایراد گرفت. حرف مـا در این است که چرا ماخودمـان طراح مـد و مـدل روز نباشـیم؟ چرا افراد مبتکر و خلاّق جـامعه ما سـعی نمی کننـد تا طرح جدیدی را ارائه دهند.و اصولا این یکی از ایرادهای ماست که نسـبت به این گونه مسائل آن قدر منتظر می‌مانیم تا دیگران با طرح جدیـد خودبر ما یورش آورنـد. آن گاه مبتکران ما بعد از فشار زیادی که از افکار عمومی متوجه آنها می‌شود، تازه دست به کارمی‌شونـد که مثلاً مـدل فلان ماشـین یا طرح ساختمانی و یا شـیوه لباس قشـر خاصـی را تغییر دهنـد. در حالی که اگر ما دراین راسـتا ابتکـار عمـل را به دست گیریم، چه بسـا بتوانیم فرهنگ خویش را برای دیگران اسوه و الگو قرار دهیم. همچنان که در برخی از جهات چنین بوده است. به هر حال نسـبت به مسأله «مدگرایی» خیلی باید هوشیار بود و ازاینکه زمام فرهنگ و سنت و فکر خویش را به نام تمدن و تجدد، به دست مدهای غربی بسپاریم به شدت پرهیز کنیم.

دلیل گرایش جوانان به الگوهای بیگانه چیست ؟

پرسش

دلیل گرایش جوانان به الگوهای بیگانه چیست ؟

پاسخ

گرایش به الگوهای بیگانه ناشی از امور زیر است: ۱- عدم شناخت کافی از ارزشهای بومی، ۲- عدم درک صحیح و ژرف از ارزش‌های بیگانه و ماهیت آنها، ۳- سرخوردگی اجتماعی، ۴- لاابالی گری و پوچ گرایی. {J

علت این که جوامع مختلف به پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه روی آورده اند چیست ؟

پرسش

علت این که جوامع مختلف به پوشیدن لباس های تنگ و کوتاه روی آورده اند چیست ؟

پاسخ

علت اساسی آن گسترش فرهنگ غربی به ویژه در بخش لذت‌گرایی و هوس‌رانی مادی آن است. در فرهنگ مادی،حقیقت والا و گوهر شریف روحانی انسان و سیر و صعود معنوی فروگذاشته می‌شود و تن‌آرایی و شهوات پست وحیوانی، اصالت و اعتبار تام داده می‌شود. این وضعیت یکی از چیزهایی است که در نصوص اسلامی به عنوان«مفاسد آخر الزمان» بیان شده است.{

علت ترویج فرهنگ غرب در بعضی موارد با توجه به اینکه ما یک کشور اسلامی هستیم چیست ؟

پرسش

علت ترویج فرهنگ غرب در بعضی موارد با توجه به اینکه ما یک کشور اسلامی هستیم چیست ؟

پاسخ

این موضوع عوامل متعددی دارد که به توضیح برخی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم: ۱. تغییر هنجارهای اجتماعی از ارزش‌های دینی و معنوی به ارزش‌های مادی و سودانگاری در اثر برخی اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه‌ای می‌باشد که باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش‌های اسلامی گردیده است. ۲. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه‌های فرهنگی از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در چندین سال گذشته ـ و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به

نظام اسلامی نداشتند و استفاده از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجب نشر و ترویج فرهنگ فاسد و منحط دوران پهلوی و ارزش‌های حاکم بر جوامع غرب زده گردید و اوضاع فرهنگی کشور به شدت مسموم شد؛ به گونه‌ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدیدی به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. ۳. کم کاری نیروها و دستگاه‌های انقلابی در تصدی مدیریت‌های اجرایی، فرهنگی و... ۴. ضعف نظام گزینش و نظارتی دقیق و مستمر. ۵. تهاجم گسترده و همه جانبه‌ی غرب به ارزش‌های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژیکی ـ اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ـ عناصر وابسته‌ی داخل در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و... .

توجه به این نکته لازم است که در جامعه‌ی اسلامی هرگز چنین اعمالی که مخالف ارزشهای اسلامی باشد، اجازه فعالیت داده نمی‌شود و اگر مسؤولی یا دستگاهی خود سرانه این عمل را انجام داد، نباید به حساب کل نظام گذاشته شود؛ بلکه نظام اسلامی ـ چنان که از ابتدا تاکنون نشان داده است در مبارزه با این مفاسد تلاش کرده و هزینه‌های زیادی را پرداخته و اقدامات چشمگیری را انجام داده است. اگر هنوز این مفاسد در جامعه وجود دارد، ناشی از گستردگی و حجم تهاجم فرهنگی غرب و وجود عواملی است که به آن اشاره شد، اما در مورد پدیده غربگرایی باید گفت که: مسأله غرب‌گرایی و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی پدیده‌ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می‌باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می‌نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می‌دهد که هر چه احساس بی‌هویتی اجتماعی جوانان نسبت به ظنام اجتماعی و ارزش‌های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه‌های غربی رپ و هوی‌متال و... بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش‌های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه‌پذیری، فراهم نکرده است، گرایش‌های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش‌های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام‌های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی‌های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه‌گر شده است. از جمله عواملی که زمینه‌های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می‌بخشد عبارتند از: ۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی استو از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه‌های کشورهای عقب‌مانده و ضعیف است. ۲- وجود گرایش‌های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی‌تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه‌های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها. ۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود. ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش‌آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب‌زده و مطبوعات وابسته به خارج و...). ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی. ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده‌ها با اصول تربیت اسلامی. در مورد راه‌های مبارزه با غرب‌گرایی باید گفت: واقعیت این است که غرب‌گرایی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه‌ریزی‌های منظم و سازماندهی شده می‌باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه‌های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، براساس برنامه‌ای دقیق، حساب شده می‌باشد. بر این اساس مهم‌ترین راه‌های مبارزه با آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ارزش‌های اسلامی و ملی از طریق فرآیند

صحیح جامعه‌پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه‌های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی. ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش‌های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش‌های الهی. ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی. ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش‌های الهی می‌باشد. ۵- تحقق‌باوری عمیق، درونی، ریشه‌دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه‌های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می‌کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت‌گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت. ۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت‌ها و اقدامات، در بخش‌های مختلف جامعه و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه‌های اجرایی... در هر صورت امید می‌رود تا انشاءاللّه با اصلاح ساختار و نظام مدیریتی کشور و دقت در گزینش مدیران اجرایی و نظارت دقیق و مستمر بر عملکرد آنان و برخورد قانونی مراجع ذی‌صلاح با متخلفان به هیچ وجه شاهد این‌گونه رفتارها و اقدامات مغایر ارزش‌های اسلامی و متناقض با اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی در جامعه نباشیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش‌ها، علی ذوعلم ۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب‌شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی) ۵- فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد ۶- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه

دلیل رواج بی حجابی در شهرهای بزرگ ایران چیست؟

پرسش

دلیل رواج بی حجابی در شهرهای بزرگ ایران چیست؟

پاسخ

در مورد مشکل بدحجابی باید گفت که این معضل در سراسر کشور از جمله شهرهای بزرگ و نیز مخصوصا در دانشگاه ها ریشه در عوامل متعددی دارد که باید آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) عوامل درونی: منظور از عوامل درونی، مجموعه مؤلّفه‌هایی است که به وجود آوردن این پدیده دخالت داشته و ناشی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. از نظر انسان‌شناختی و روان‌شناختی انسان موجودی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، یعنی، هم توانایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمال انسانی را دارد و هم توانایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مدارج انحطاط و سقوط را. قرآن می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳). بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی ما ـ که بسیاری از احکام، ارزش‌ها و معارف اسلامی برای اداره جامعه تبیین شده و

جای هیچگونه عذر و بهانه‌ای نیست ـ بعضی از احکام الهی (مانند حجاب) از سوی برخی افراد نادیده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصر روان‌شناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می‌باشد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. در بسیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایستگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعایت ارزش های الهی باشد هم محبوب خواهد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهد. یکی از راه‌های اصلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنان در اجرایاحکام الهی و موازین و مقررات اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقومٍ حتی یغیروا ما بأنفسهم...» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییرنمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، (رعد، آیه ۱۱).

۲. ریشه‌های تاریخی این مسأله که به اقدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این انحراف کند و بی‌حجابی را در خانواده‌ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسلامی و فضای ناشی از دوران دفاع مقدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه‌ها و ریشه‌های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد. ۳. کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش‌ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایل دیگر گسترش بدحجابی است. گفتنی است که به علت وجود مشکلات ناشی از تثبیت انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، فشارهای خارجی محاصره‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و... باعث شد که بیشترین وقت و انرژی مسؤولان و دستگاه‌های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه‌کارها و برنامه‌هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش‌ها و احکام اسلامی مبذول نگردد. ۴. بعضی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست‌های پولی و ارزی و...) که به منظور تسریع در روند توسعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش‌های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مدرک گرایی، تجمل پرستی و...گردید. ۵. عملکرد منفی و نامطلوب برخی از دستگاه‌های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسته در سال‌های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با استفاد از تسهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه‌ای که مقام معظم رهبری هشدارهای شدید به مسئولین فرهنگی داده، نارضایتی خود را از عملکرد وزارت ارشاد اعلام نمودند که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. ۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت‌آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید. ۷. اجرا نشدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام‌مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است. ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش‌های اسلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژی ـاعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، عناصر وابسته داخل در عرصه‌های

فرهنگی و اقتصادی و... در جهت حاکم نمودن فرهنگ و ارزش‌ها و مظاهر تمدن غرب. مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسلامی ما وجود داشته باشد. اما در مورد راه‌های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش‌بینی می‌باشد: ۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قدرت با متخلفین البته این برخورد باید حساب شده و هنجارمند باشد. ۲. کار بنیادی فرهنگی. مسلما برخورد با این پدیده به صورت فیزیکی و از طریق دستگاههای دولتی، بسیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسئله لباس و پوشش اسلامی صرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، استدلال و منطق نداشته باشیم و نتوانیم حقانیت ولزوم پوشش اسلامی، آثار مثبت و فواید و برکات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه‌ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه‌های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می‌تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه‌های فرهنگی و مراکز موجود در دانشگاه‌ها نیز بهتر می‌توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام شؤونات اسلامی، راه‌کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش‌های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها باشیم، ان‌شاءالله. ناگفته نماند بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱ـ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب

علت پائین آمدن سن تماشای فیلم های مبتذل در جامعه چیست ؟وچه کسانی این فیلمها را وارد می کنند؟

پرسش

علت پائین آمدن سن تماشای فیلم های مبتذل در جامعه چیست ؟وچه کسانی این فیلمها را وارد می کنند؟

پاسخ

گر چه پاسخ به این سئوال چندان دشوار نیست و مواردی را می توان بر شمرد که می توانند نقش تعیین کننده ای در موضوع مورد بررسی یعنی کاهش سن در تماشای فیلمهای مبتذل، داشته باشد اما توجه به این نکته مهم است که این سئوال شما در واقع یک ادعایی است که نیازمند به یک پژوهش و تحقیق میدانی است، واقعا استناد شما به اینکه تماشا کنندگان فیلمهای مبتذل در جامعه

بالا رفته است، چیست؟ آیا خود شما در این زمینه یک تحقیق علمی انجام داده اید یا دیگران تحقیق کرده اند و شما به تحقیقات دیگران استناد می کنید یا اینکه با مواردی که در شهر و یا محله خودتان برخورد داشته اید و آنرا به همه جامعه تعمیم می دهید. بنابراین مسئله شقوقی دارد و جواب نیز باید بر اساس شقوق مسئله باشد سئوال شما حاکی از اینست که خود شما تحقیقی در این زمینه انجام نداده اید و همچنین دیگران نیز اگر تحقیقی انجام داده اند حداقل شما به آن تحقیقات استناد نکرده اید بنابراین جواب ما مبتنی بر شق سوم است یعنی شما اجمالا به مواردی برخورد کرده اید که کودکان و افراد کم سن وسال فیلمهای مبتذل تماش می کرده اند و بر هیمن اساس تصور شما اینست که بقیه جامعه نیز اینچنین است با این فرض باید گفت که این آسیب فرهنگی – اخلاقی – اجتماعی علل گوناگون و متعددی می تواند داشته باشد که به آنها اشاره می شود: ۱ – گسترش روز افزون و نا متناسب صنعت و بکارگیری آن در ترویج فرهنگ ابتذال. ۲ – رعایت نکردن و الدین و خانواده ها در تماشای این فیلمها یعنی اگر حداقل خانواده ها این فیلمها را که برای خود آنها نیز مضر است در یک ساعاتی از شب یا روز تماشا می کردند که کودکان مدرسه هستند یا بخواب رفته اند تا حدود زیادی از گسترش آن در میان کودکان و نوجوانان جلوگیری می شد. ۳ – کاهش سطح باورهای دینی و بعبارتی دیگر تضعیف ایمان مذهبی عامل بسیار مؤثری در گسترش ابتذال فرهنگ مبتذل در نوجوانان و کودکان است. ۴ – بیکاری و عدم تفریح های سالم نیز مؤثر است البته عوامل دیگری نیز در این مسئله دخیل هستند. اما اینکه فرمودید چه کسانی این فیلمها را وارد می کنند: ۱ – تمام کسانیکه دنبال سودجویی و منافع خودشان هستند. ۲ – عوامل نفوذی که در سطوح مختلف به ویژه در نهادهای فرهنگی جامعه وجود دارند. ۳ – افراد غافل و از خدا بی خبر و بی دین که با سفر به کشورهای دارای فرهنگ ابتذال، آنها را به عنوان سوغات به داخل کشور می آورند این افراد ممکن است هیچگونه سود شخصی هم عایدشان نشود بلکه هزینه ها داشته باشد ولی فقدان ایمان مذهبی و عدم ثبات شخصیت آنها باعث می شود که چیزهای ضد فرهنگی را فرهنگی تلقی کنند وآوردن این برنامه ها از خارج و تماشای آنها را نشانه با فرهنگ بودن، بدانند. عوامل مؤثر دیگری نیز ممکن است وجود داشته باشد که فعلاـ مجال بر شمردن آنها نیست . در هر حال اصل این سئوال نیاز به یک تحقیق دقیق دارد که صرفا یک ادعا و تعمیم دهی نباشد آنگاه می توان بر اساس آن سئوال دقیق علمی پاسخ مناسب نیز ارائه داد.

ابزاروروشها تهاجم فرهنگی

با این وضع حجاب در دخترخانم های جوان و ظاهر نامناسب پسرهای جوان آینده دین را چگونه می بینید؟

پرسش

با این وضع حجاب در دخترخانم های جوان و ظاهر نامناسب پسرهای جوان آینده دین را چگونه می بینید؟

پاسخ

وبا تقدیر و تشکر از شما به خاطر ارتباط با مؤسسه، در خصوص سؤال شما باید عرض کنم؛ از جمله شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد و منکرات به شکلهای مختلف در جوامع اسلامی می باشد و یکی از نمونه های بارز آن شیوع بدحجابی و بی حجابی در میان زنان مسلمان است چرا که اخلاق و عفت عمومی جامعه با تحریف زنان و جوانان نسبت به مسأله حجاب و آزادیهای اجتماعیشان آسیب پذیرتر می گردد. اصولاً جلوگیری از مفاسد اجتماعی کار آسانی نیست و دولت هم به تنهایی نمی تواند صحنه

گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ یک جامعه با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد. درخصوص مبارزه با پدیدهٔ شوم بدحجابی و بعضاً بی حجابی و فساد اخلاقی همه افراد جامعه اسلامی باید با کار فرهنگی قدم اساسی در رفع این معضل بردارند و نباید مأیوس شد چرا که زندگی هدفدار و معنادار یعنی مبارزه با فساد و تباهی ها و گام برداشتن برای اصلاح جامعه؛ می توان با تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری پرداخت البته انتظار نتیجه فوری نیز نباید داشت. با احیای اصل حیاتی امر به معروف ونهی از منکر با رعایت شرایط آن هر کس می تواند گامهای مؤثری در جهت محو و نابودی منکر بردارد. و بدانید که مبارزهٔ حق و باطل همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته و مخصوص زمان و مکان معینی نیست امام سرانجام پیروزی نهایی باحق خواهد بود بفرموده قرآن کریم" : بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق""۱ ("ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را نابود و هلاک سازد و باطل محو ونابود خواهد شد.) و یا در سورهٔ رعد آیه ۱۷ ، باطل را به کفهای روی امواج تشبیه می کند که چند صباحی خودنمایی و جولان داردند اما این کفها نه هرگز تشنه ای را سیراب می کند و نه درختی را می رویاند باطل پرسروصدا و پرغوغاست ولی توخالی و بی محتوا ونابود شدنی است. مطمئن باشید قدرت خدای متعال و تقدیر او بی تردید از حرکت پاک انقلاب اسلامی حمایت کرده و به شکلی که صلاح حضرت حق باشد جریانات باطل را که مانع اصلی اشاعه معنویت و گسترش انقلاب اسلامی است سرکوب خواهد کرد چرا که این انقلاب با خون شهدای بسیاری بیمه شده و با خود دعای صالحان واولیای خدا را به همراه دارد. پس نگران و مأیوس نباشید بلکه سعی و تلاش جدی خویش را بکار گیرید تا الگوی رفتاری مناسبی لااقل برای فرزندان خود باشید تا آنها را از این گونه آسیبها نجات بخشید. البته این نکته نیز قابل تأمل است که درصد جوانان پاک، معتقد و متدین در جامعه کم نیست. یکی از وجوه تبلیغ حجاب درجامعه این است که جوانان پاک در جامعه بیشتر ظهور داشته باشند و با حضور خود در اماکن مختلف شهر و مراسمات مختلف جوّ تبلیغی دشمن را از بین ببرند چرا که دشمنان اسلام وانقلاب درصدد این هستند که اکثریت جوانان را بی بندوبار جلوه دهند ما علاوه بر تدوین یک برنامه ریزی دقیق برای تبلیغ حجاب در سطوح مختلف از خانواده تا جامعه باید حضور خود را در مجامع مختلف بیشتر نشان دهیم تا سبب دلگرمی متدینین و معتقدین نظام اسلامی شود.

نوارهای مبتذل به چه نوارهایی می‌گویند؟

پرسش

نوارهای مبتذل به چه نوارهایی می گویند؟

پاسخ

نوارهایی که انسان را از راه راست و صراط مستقیم دور می‌سازد و مسیر حرکت تکاملی انان را عوض می کند؛ از چمله نوارهای مبتذل محسوب می‌شوند. این گونه نوارها انسان را از خدا غافل و روح بی ایمانی را در او تقویت می کند، غریزه شهوت را در انسان بر می‌انگیزد و به اخلاق وی آسیب می‌رساند. بنابراین، نوارهای موسیقی و ترانه‌های شهوت برانگیز که مناسب با مجالس لهو و لعب است، از دیدگاه فقهای اسلامی (نوارهای مبتذل) می‌باشند.

چرا بی حجابی روز به روز بیشتر می شود؟

پرسش

چرا بی حجابی روز به روز بیشتر می شود؟

پاسخ

۱- اولین عامل بی حجابی، بی تقوایی و عدم رسوخ ایمان در روح و جان خانم‌های بی حجاب است، زیرا اگر ایمان به خدا و روز جزا و اعتقاد به قرآن و احکام آن که یکی از آن‌ها حجاب است، کامل باشد، انسان باور می کند که دستورهای خداوند حکیم صد در صد به نفع فرد و جامعه می باشد و تخلّف و سرپیچی از آن فرامین در دنیا موجب بدبختی و در آخرت باعث عذاب و خذلان خواهد شد. با چنین باوری قهراً انسان از ارتکاب معاصی که یکی از آن‌ها بی حجابی است، خودداری می کند. پس در درجه اوّل باید خانواده‌ها سعی کنند افراد با تقوا تحویل جامعه نمایند و عوامل تبلیغاتی هم به جِدّ مردم را تقوا و پاکی دعوت کنند. ۲- دومین عامل بی حجابی، ترک امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر دو وظیفه بزرگ اجتماعی است؛ یعنی مؤمنان جامعه اسلامی موظفند که مردم را به نیکی‌ها دعوت کرده و از بدی‌ها باز دارند که انجام این دو فریضه مهم الهی، عامل فلاح و رستگاری جامعه اسلامی است و با به فراموشی سپردن این وظیفه مقدّس، افراد نالایق و بی تقوا با تظاهر به اعمال خلاف و ناشایسته، جامعه را آلوده کرده و تباه می نمایند. امیرمؤمنان(ع) در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می فرماید": تمام کارهای نیک وحتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون آب دهان است در برابر دریای پهناور.("۱) این همه تأکید در مورد امر به معروف و نهی از منکر به خاطر این است که آن دو ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و با تعطیل آن‌ها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست خواهد داد. ۳- سومین چیزی که ممکن است برخی را به بی بندوباری از جمله بی حجابی بکشاند، خیال یا مشاهده بی عدالتی و سوء استفاده‌های مالی و مقامی از سوی عده‌ای از مسئولان نظام اسلامی می باشد که بعضی می خواهند با ارتکاب اعمال خلاف در مقابل این گونه کارها عکس العمل نشان دهند. پی نوشت‌ها: ۱. نهج البلاغه (فیض الاسلام)، کلمات قصار، شماره ۳۶۶، ص ۱۲۵۳.

هدف دخترها از پوشیدن لباس‌های غیر اسلامی چیست؟

پرسش

هدف دخترها از پوشیدن لباس‌های غیر اسلامی چیست؟

پاسخ

پوشیدن لباس‌های غیر اسلامی، عوامل متعددی دارد، از جمله: ۱ - نداشتن درک و شناخت صحیح و کامل از حجاب و فلسفه آن. برخی از دختران و زنان توجیه نشده‌اند که رعایت حجاب شرعی از واجبات دین است و مثل نماز و روزه و دیگر واجبات رعایت آن ضروری است و از شرایط ایمان می‌باشد. ۲ - نداشتن تربیت صحیح، در خانواده و محیطی پرورش یافته که حجاب برای آنان

مسئله مهمی نبوده و توجهی به آن نداشته‌اند یا برای آنان محرم و نامحرم و مقررات اسلامی مطرح نبوده است. خلاصه این گونه بزرگ شده است و هدف دیگری در کار نیست. ۳ - تقلید کورکورانه. یکی از تمایلات طبیعی نوجوانان و جوانان"، تقلید "است. آنان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم و سازگار با اجتماع، از دیگران تقلید می‌کنند و روش آن‌ها را برنامه کار خود قرار می‌دهند. تقلید یکی از ارکان اساسی‌تری بشر است و انسان باید از آن در زندگی بهره‌مند کردد، اما به شرطی که از افراد منحرف و آلوده پیروی ننماید، زیرا دچار خطا و گمراهی شده و از مسیر فضیلت و مصلحت منحرف می‌شوند. برخی از دختران متأسفانه از زنان بدحجاب و یا بی‌حجاب پیروی کرده و آن‌ها را الگوی زندگی خود قرار می‌دهند و می‌بینیم با پوشش غیر اسلامی وارد اجتماع می‌شوند. ۴ - جبران احساس حقارت. یکی دیگر از تمایلات طبیعی نوجوانان و جوانان تشخص‌طلبی و برتر جویی است. این خواسته اگر در مسیر صحیح هدایت شود، می‌تواند آنان را به کمال سوق دهد و استعدادها را به فعلیت بیاورد. اگر در راه درست راهنمایی نشود و جوانان به افراط و تند روی بگرایند، موجبات تیره روزی آنان را فراهم می‌سازد. هر جوانی طبعا میل دارد در جامعه شهرت و آوازه پیداکند. موردتوجه دیگران قرار بگیرد و و همه از او تمجید کنند، ولی نمی‌دانند راه شهرت این نیست. می‌توان گفت: میل شدید نوجوان به جلب توجه دیگران و سرفرازی، عکس العمل احساس حقارت می‌باشد. نوجوانی که در کودکی محبت بیش از اندازه دیده و لوس بار آمده و اکنون در جامعه به وی اعتنا نمی‌شود، عملا تحقیر می‌شود. نوجوانی که در طفولیت مورد بی مهری پدر و مادر بوده و عزت نفسش سرکوب شده دست به کارهای ناشایسته می‌زند. نوجوانی که به علت تنبلی یا نارسایی عقل و هوش از تحصیل عقب افتاده یا به خاطر نقص عضو و برخوردار نبودن از زیبایی احساس کمبود می‌کند، یا در محیط خانواده و اجتماع مورد ظلم قرار گرفته، دچار کج رفتاری می‌شود. نوجوانی که در خانه و بیرون تحت کنترل شدید و خشک پدر و مادر و افراد خانواده بوده، یا ضمیر آرام ندارد و در خود احساس کوچکی و حقارت می‌کند، به فکر جبران آن می‌باشد(۱) و می‌خواهد از هر طریقی شخصیت خود را نشان دهد و مورد توجه همگان قرار بگیرد، حتی اگر از طریق بی حجابی یا بد حجابی باشد. ۵ - عمل بیگانه؛ احتمال دارد دشمن سرسخت نظام ارزشمند جمهوری اسلامی برای ضربه زدن به نظام و مخالفت با قوانین اسلامی و ناموفق جلوه دادن آن، عده‌ای را اجیری کرده باشد که با بعضی اعمال مثل بدحجابی؛ اعمال خلاف عفت و چهره نظام را مشوه نماید. پی نوشت‌ها: ۱ - جوان، فلسفی، ج ۱، ص ۴۰۲ - ۴۱۶.

دشمن از چه راه‌هایی می‌خواهد جوانان را؟ به فساد بکشاند و از اسلام دور سازند؟

پرسش

دشمن از چه راه‌هایی می‌خواهد جوانان را؟ به فساد بکشاند و از اسلام دور سازند؟

پاسخ

دشمن برای بیرون کردن مردم مخصوصاً جوانان از صحنه از راه‌های مختلفی وارد شده است ۱ـ مواد مخدر: گسترش مواد مخدر و ترویج آن عامل مهمی در بیرون کردن قشر مهم جامعه یعنی جوانان از صحنهٔ سیاست و اسلام است مشاهدهٔ معتادان در خیابان‌ها و بروز اختلافات خانوادگی و جدایی و طلاق به سبب اعتیاد نمونه‌هایی از این مسئله است . ۲ـ ترویج فرهنگ ابتذال گسترش و کثرت فیلم‌ها و سی دی‌های مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین عامل به فساد کشاندن جوانان محسوب می‌شود .

۳ـ ترویج فرهنگ اباحی گری و به اصطلاح تبلیغ از تساهل و تسامح و تشکیک در مبانی اعتقادی مردم در سال‌های اخیر از طریق برخی روزنامه‌ها و مجلات و فهته‌نامه‌ها و سیاسی کردن همه چیز و هجوم گسترده و پی در پی به آن چه عامل پیروزی انقلاب اسلامی شد، نیز تشکیک دربارهٔ برخی از تصمیمات گذشته مانند دفاع مقدس و حمله به نیروهای مذهبی د راستای زدودن و پاک کردن افکار انقلابی و اسلامی بوده و این خطری بزرگ برای ملت شریف ایران مخصوصاً جوانان عزیز است ؛ مخصوصاً که اخیراً تز جدایی دین از سیاست را به اذهان القا می کنند؛ تزی که مسلمان را از هویت دینی و استقلال خواهی و عزت‌طلبی تهی می کند و آنان را برای ذلت‌طلبی آماده می‌سازد. ۵ـ بد عمل کردن برخی از دست اندرکاران و مجریان و مدیران مملکت آن هم در نظامی که به نام اسلام و روحانیت است یکی دیگر از عوامل مهم دلزدگی مردم مخصوصاً جوانان است . را به پای ناتوانی اسلام برای ادارهٔ جامعه می‌پندارند، در حالی که چنین نیست . مسئولیت و ریاست به عنوان خدمت به مردم و آسان کردن کارهای اینان است نه اشکال تراشی و بی احترامی و تأخیر انداختن کارها. برخی از مدیران یا کارمندان ریاست خود را به این می‌دانند که مردم را اسیر گردانند؛ آنان را در سالن انتظار معطل کنند کار را مشکل و مهم جلوه دهند، در حالی که آنان مزد بگیران مردم و==== آنان هستند . ما نباید بد عمل کردن برخی افراد را پای اسلام و نظام اسلامی بدانیم . اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ما است

گاه گاهی مطالبی را به چاپ می‌رسانند منبی بر این که فلان مطلب را پیامبر در عالم خواب به شخصی فرموده و دستور داده که آن را پنجاه مرتبه چاپ کنید و هر کس این کار را نکند مثلا فلان بلا گرفتار می‌شود و اگر این کار را بکند چقدر حاجات او

پرسش

گاه گاهی مطالبی را به چاپ می‌رسانند منبی بر این که فلان مطلب را پیامبر در عالم خواب به شخصی فرموده و دستور داده که آن را پنجاه مرتبه چاپ کنید و هر کس این کار را نکند مثلا فلان بلا گرفتار می‌شود و اگر این کار را بکند چقدر حاجات او بر آورده می‌شود و رزق و روزی فراوان می‌شود. آیا این مطالب صحیح است و باید به این عمل کرد؟

پاسخ

این گونه مطالب ریشه در تهاجم فرهنگی دارد و دست‌های پیدا و پنهان می‌خواهند ملت ما را خرافی معرفی کرده و اوقات آنها را به کارهای بی هوده بکشانند وانگهی چون مدرک منبع صحیح و معتبری ندارد نمی‌توان بر آن‌ها اعتماد کرد گر چه مطالبی که در برخی از این نوشته‌ها هست صحیح و مطابق با واقع است مثلا خطاب به زن‌ها نوشته شده حجاب خود را مراعات کنید، به فرزندان بگویید از پدر و مارشان اطاعت کنند. این گونه مطالب درست و صحیح است وظیفهٔ مؤمنان این است که به امر به معروف و نهی از منکر کرده واجب مهم الهی است همت بگمارید از خویشان و فرزندان شروع کنند و اگر در افراد جامعه فساد و بدی مشاهده کردند تذکر بدهند و یکدیگر را نصیحت کنند و آنان را از خرافات و پوچی‌ها بر حذر دارند. قرآن دربارهٔ پیامبر(ص) می‌فرماید: "یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر["...؛۱] (پیامبر) آنان را به معروف امر می کرد و از منکر باز می‌داشت پاکیزه‌ها را برای آنان حلال می‌شمرد، ناپاکی‌ها را تحریم می کرد و بارهای سنگین و زنجیرهایی که بر مردم بود از دوششان بر می‌داشت آن‌ها که به او ایمان آوردند و حمایتش کردند و یاریش نمودند و از تنوری که با او نازل شده (قرآن پیروی کردند آنان رستگارانند. محتوای دعوت پیامبر با فرمان عقل کاملا ـ سازگار است به نیکی‌ها و آن چه خرد می‌شناسد دعوت می کند و از بدی‌ها و زشتی‌ها نهی

می‌نماید. دعوت پیامبر(ص) با فطرت سلیم هم آهنگ است طیبات و آنچه را که طبع سلیم می‌پسندد، برای مردم حلال می‌شمارد و آن چه خبیث و تنفرآمیز باشد، بر آنان تحریم می‌کند. پیامبر تنها باری بر دوش آنان نمی‌گذارد، بلکه بارها را از دوش آنان بر می‌دارد و غل و زنجیرهایی را که بر دست و پا و گردنشان سنگینی می‌کرد می‌شکند. پیامبر با خرافات موافق نیست بلکه با آنها مبارزه می‌کند! در هر صورت به این نوشته‌ها اعتنا نکنید. و به تکثیر و چاپ این مطالب اقدام نکنید. [۱]اعراف (۷) آیهٔ ۱۵۷.

راههای نفوذ دشمن در قشر جوان را برشمرید؟

پرسش

راههای نفوذ دشمن در قشر جوان را برشمرید؟

پاسخ

۱. سکوت نسبت به ارزش اسلامی وانقلابی مانند جهاد, شهادت, فداکاری, زهد وپارسایی ودم زدن از مفاهیمی نو مانند دموکراسی, توسعه, آزادی و... که از سویی برای همه خصوصاً قشر جوان جذاب باشد واز سوی دیگر مقدمه وتمهیدی برای از بین بردن ومحو ارزش های اسلامی قرار گیرد. ۲. معرّفی روحانیت به عنوان عامل مشکلات اقتصادی مردم, گرانی وتورّم, کمبود وسائل رفاهی, وقوع جنگ وپیآمدهای آن ووانمود کردن اینکه مسوول همه این نابسامانیها روحانیت هستند.۳. از بین بردن حساسیت ها وغیرت دینی ۴. دین ودینداری را عامل اختلاف معرّفی کردن.

علل و عوامل پیدایش و گسترش « الحاد » را بر شمرید ؟

پرسش

علل و عوامل پیدایش و گسترش « الحاد » را بر شمرید ؟

پاسخ

۱- علل روانی : یعنی انگیزه هایی که ممکن است برای بی دینی و گرایش به الحاد در شخص وجود داشته باشد ، هر چند خودش از تأثیر آنها بی خبر باشد و مهمترین آنها راحت طلبی است (در مقابل زحمت تحقیق و پژوهش در دین) و میل به بی بند و باری (در مقابل قبول مسئولیتهایی که دین به عهده انسان گذاشته ، و جلوگیری دین از هواپرستی) است . ۲- علل اجتماعی : یعنی اوضاع واحوال اجتماعی نامطلوبی که در پاره ای از جوامع به وجود می آید و متصدیان امور دینی نقشی در پیدایش یا گسترش آن دارند ، در چنین شرایطی بسیاری از مردم از نظر تفکر عقلانی ضعیف هستند ، این نابسامانیها را به دلیل دخالت دینداران در وقوع آنها ، بحساب مکتب و دین می گذارند . ۳- علل فکری : یعنی اوهام و شبهاتی که به ذهن شخص می آید یا از دیگران می شنود و در اثر ضعف نیروی تفکر و استدلال ، قدرت بر دفع آنها را ندارد و کمابیش تحت تاثیر آنها قرار می گیرد.

چه عواملی، ما جوانان را گمراه می کند؟

پرسش

چه عواملی، ما جوانان را گمراه می کند؟

پاسخ

ما این عوامل را به دو عامل خارجی و داخلی تقسیم می کنیم . عامل خارجی همان برنامه ریزیهای غرب است که به خاطر دستیابی به منابع مادی و اقتصادی ما نیاز به سرگرمی و انحراف سرمایه های توانمند یعنی جوانان دارد. آنها به سرعت انواع مدها والگوهای فاسد و ضدفرهنگی را از طریق رادیو تلویزیون، ماهواره و دوستان داخلی خود به معرض ما می گذارند. و سوگمندانه این کالاهای فاسد را به نام تمدن و فرهنگ غالب می کنند و دلسوزان جامعه را خلع سلاح می کنند. در حالیکه متفکرین غربی خود این عصر را عصر ایمان عقب نشینی و بن بست مکتبهای غربی می دانند. ۲ ۰ عامل داخلی داریم که خود دو قسمت می شود یکی سرسپردگان و دلبستگان فرهنگ غربی در داخل کشور که بانوشتن مقالات داستانها و ادبیات و استانی، غذای مسمری را به آسانی به ذهن بچه های ما تزریق می کنند. متأسفانه امروز آنان نشریات متنوع هم دارند و افکار پوسیده و ناهماهنگ با تاریخ مکتب ما را به خورد بچه های مظلوم می دهند مسیحیت که در غرب نتوانست فلسفه و جهان بینی توانایی که مغز و دل را سیراب کند عرضه کند، باصطلاح اندیشمندان غربی را واداشت که چاره ای بیندیشند و انواع انحرافات را دچار شوند آنوقت عدّه ای آن کالایی بی ارزش را برای جوانان ما به ارمغان می آورند. از آنجمله حرفهایی مثل پلورالیزم آزادی (بدون حدود) روشنفکری بدون روشندلی، سکولاریزم و... البته اندیشمندان متعمد حوزه و دانشگاه در مقابل اینها ایستاده اند به تألیفات آن مراجعه نمائید. ۳ ۰ از آنجا که نباید همه گناهها را به گردن بیرون گذاشت معترفیم که انسان با نفسی ـ۳ـ تنوع خواه روبروست که اگر با معرفت و عبادت و عشق الهی جهت نیابد. آدمی را به راحتی به انحراف می کشاند چون این دزد در خانه است. (ان النفس لامارة بالسوء). شیطان و جلوه های دنیا اگر شناسائی نشوند و با عبرتها وایمان محکم مسدود نگردند بزرگترین عامل گمراهی می شوند. چنانکه مجاهدان دیروز را به منافقان امروز تبدیل می کنند. برای ایمانی که دارید کار کنید و به تقویت آن بپردازید . خداوند خودیاری خواهد داد. و الّا این یک قانون است، ایمان بی تحرک به کفر می پیوند (طلحه و زبیر) و کفر و متحرک به ایمان (حرّبن یزید). ۴ ۰ نقش دوستان و معاشران را دست کم نگیرید بزرگان فرموده اند انسان بر دین دوست خود می باشد. آدمی که در تاریکی می رود برای خود دنبال همراه می گردد. لازم است اگر توانمند پر تغییر دوستان ناباب نیستیم از آO.....جدا شویم . ۵ ۰ بعضی از نوشته های مفید در این مورد را حتماً بخوانید و بر دیگران توصیه کنید . کتاب جوان حجة الاسلام فلسفی (ره) با جوانان وطنم نوشته مهدی شجاعی پشت دیوار ندامت (از انتشارات کیهان).... (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴ـ

با توجه به گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب و با توجه به برقراری حکومت اسلامی چرا سطح فساد در جامعه نسبت به سال ۱۳۵۸ رو به افزایش می باشد ؟

پرسش

با توجه به گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب و با توجه به برقراری حکومت اسلامی چرا سطح فساد در جامعه نسبت به سال ۱۳۵۸ رو به افزایش می باشد ؟

پاسخ

آیت الله مصباح در پاسخ به این سؤال می‌فرمایند": این سؤال درباره حکومت امیرالمومنین (نیز مطرح می شود. مطابق معتقدات دینی، امیر المومنین علی (معصوم است . در حقانیت و مشروعیت حکومت علی هیچ تردید و شبهه ای میان فرقه های مختلف اسلامی وجود ندارد. نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت، میزان موفقیت آن حضرت را در ایجاد ...Ř...ای..... آل نشان می دهد.جنگهای داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی به کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت شده، کثرت مشکلات، گستردگی بدعتها و سنت‌های فاسد و آلودگیهای مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی، زمینه های این وضع را فراهم آورده بود. در همان حال علی (شایسته ترین فرد برای حکومت در اوضاع آن روز بود. اکنون نیز در نظام جمهوری اسلامی مشکلات فراوانی به چشم می خورد. مثلا- مشکلات اقتصادی کشور. توضیح آنکه: جمعیت تاکنون دو برابر شده، قیمت کالاها متناسب با تورم جهانی بالا رفته است ولی قیمت نفت به کمتر از یک سوم تنزل یافته است. فرهنگ مصرف جامعه بسیار تغییر کرده و سطح توقعات، به نحو چمشگیری بالا رفته، تحریمهای اقتصادی، جنگ و ویرانیهای بسیاری که بر کشور ما تحمیل شد. گروهی از ارزشمند ترین تربیت یافتگان در حوادث آغازین انقلاب به شهادت رسیدند بزرگانی چون شهید بهشتی ، شهید مطهری و افزون بر این، دخالت دشمن در ایجاد فضای آلودهٔ فرهنگی برای نسل جوان و ... در نابسامانیهای فرهنگی تأثیری عمیق گذاشت با این همه این مشکلات و نارساییها مشروعیت نظام را زیر سؤال نمی برد("۱) پاسخی که ارائه شد نسبتاً کامل است اما عوامل دیگری هم وجود د ارد که می‌توان آنها را به عنوان علتهای مهم ضمیمه کرد. به طور کلی قبل از پیروزی انقلاب مردم ایده ها و آرزوهایی داشتند اما وقتی به آن دست یافتند عملاً دیدند که برای نگهداری و حفظ این مرحله مشکلات زیادی دارند" ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا("۲) بودند که زیر سیطره ظلم و محرومیتها زندگی می کرده‌اند اما بعداً وقتی این مردم به واسطه رهبری الهی از یوغ استعمار و ظلم نجات پیدا کردند خودشان حاکم و وارث شدند. بنابراین این دو دوره با هم متفاوت است. در دوره اول مردم به خاطر قرار داشتن در موقعیت محرومیت و ظلم در یک وضعیت روحی خاص قرار داشتند لذا برای رها کردن خودشان تلاش می کردند ولی در دوره جدید چون مردم در حقیقت می خواهند خودشان وارثانی باشند که حکومت در دست آنها باشد و در یک دورهٔ راحتی و آسایش قرار می گیرند. آمال، ایده ها که قبلا داشتند در این دوره به خاطر برداشته شدن آن فشارها عوض می شود. شاهد بر این مطلب آیه شریفه قرآن است که می فرماید ": ان الانسان لیطغی اَن راه استغنی("۳) در این آیه به تصریح در مورد این دوره آمده که وقتی انسان به استغنا و بی نیازی می رسد طغیانگر می شود. در داستان انبیا می بینید همان مردمی که مظلوم بودند حاکم می شوند و بعد از مدتی ایده ها فراموش می شود و همانها تبدیل به ظالمانی می‌شوند که به زیر دستان خود ظلم می کنند و باز آن مظلومین برای رهایی دعا می کنند و سالیانی می گذرد و باز آنها حاکم می شوند و به همین ترتیب سنت الهی ادامه پیدا می کند. در مورد انقلاب شکوهمند اسلامی باید بگویم که این وضعیت قابل تعمیم نسبت به تمام افرد طبقه حاکم نیست، بلکه رهبران شخصیتهای فرزانه ای هستند که از این آفت تا حدود بسیار زیادی مصون هستند و افرادی نیز هستند که این دوره عافیت برای آنها عافیت نبوده، بلکه چه بسا در سختی و فشار بیشتری قرار می گیرند و حتی آسایش گذشته را هم ندارند که اینها در پیگیری اهداف اسلامی رهروان صدیق و در حقیقت یاران مخلص رهبری محسوب می شوند ولی کل جامعه دردو دوره جنگ و صلح وضعیت متفاوتی پیدا یافته است در زمان ۸ سال دفاع مقدس شاهد بودیم که حتی جوانهایی که خیلی مذهبی نبودند و افرادی عادی بودند

وقتی ظلم و تجاوز و تعدی را دیدند سینه سپر کردند و همه به میدان نبرد آمدند و شهادت و ایثار جان در راه هدف یک دانشگاه آدم سا زی برای همه شده بود. اما وقتی دورهٔ عافیت فرا رسید و جنگ تمام شد اینها برگشتند. دغدغه ها، دغدغه های زندگی، تامین کار، معاش و خانه شد و آن روحیات و نیّات ایثار و فداکاری به سرو سامان دادن به وضع زندگی و تحصیل رفاه تبدیل شد، به عنوان مثال آن جوانی که در جنگ رهبری دسته و گروهی را به عهده می گرفت یا یک آرپی‌جی‌زن بود که در شدید ترین وضعیتها از خودش فداکاری نشان می داد الان دغدغه‌اش تهیه یخچال، فرش و جنسهای کوپنی و ... شده است و در یک جو دیگری قرار گرفته در اینجا طبیعی است که این مرحله خیلی سخت تر از مرحله قبل است اینجا دارای عافیتی است که مصداق آیه "ان الانسان لیطغی ان راه استغنی("۴) است چون در زمان جنگ انسان مرتب ظلم و ستم به خویشان و نزدیکان خود را می بیند و این صحنه ها حمیّت و جوهره انسانی او را پر نور و تازه نگه می دارد، اما در زمان صلح و عافیت انسان غافل می شود و دغدغه های دیگری برای ا و بوجود می آید. لذا متذکر شدن به جوهرهٔ انسانیت دیگر مانند گذشته وجود ندارد و همه چیز، انسان را به یک حال و هوای دیگری که خاص دوره عافیت است دعوت می کند، این شرایط خیلی سخت است و انسانها حال و وضعشان عوض می شود لذا عواملی در این زمینه مؤثر است که باید آنها را به عواملی که در ابتدا ذکر شد اضافه نمود. یکی از این عوامل این است که انسان در یک مرحله نسبت به وضعیتی که در آن قرار گرفته بیدار شده و طالب رهایی می شود تلاش می کند و برای رسیدن به وضعیت مطلوب انقلاب می کند اما بعد از این انقلاب و سرنگونی حکومت فاسد و برقراری حکومت مشروع الهی، دورانی شروع می‌شود که این دوران در واقع دوران تربیت است و این دوران، دوارن تغییر فرهنگ اجتماع است که این تغییر به صورت دفعی و آنی نیست بلکه به تدریج صورت می گیرد. بنابراین عوض کردن عادات، خلقیات و روحیات مردم کار یک شب و دو شب یا یکسال و دو سال نیست . سال ۵۸ را فرض کنید همانهایی که ابتدا در این انقلاب داوطلب بودند و ثبت نام کرده بودند و حاضر بودند هر سختی را در راه انقلاب تحمل کنند شاید برخی هم فکر این را که تربیت و سازندگی خیلی سخت است و تربیت و ساختن مساوی است با چشم پوشیدن از خیلی چیزها را نکرده بودند، لذا در این دوره بعضی ها عقب نشینی کردند. شاهد بر این مطلب دوران حکومت حضرت علی (است که وضعیت مردم به همین صورت بود به طوری که وقتی مردم برای بیعت با حضرت آمدند آنقدر ازدحام جمعیت زیاد شد که حضرت در این باره می فرمایند" ناگهان دیدم مردم از هرسوی رو به من نهادند و چون یال کفتار پس و پشت هم ایستادند چندانکه حسنین فشرده گشتند و دو پهلویم آزرده شد و به گرد من اجتماع نمودند و چون گله گوسفندان بی سرپرست("...۵) اما وقتی مردم شیوه و روش مولا علی (را مشاهده کردند چون اجرای عدالت حضرت بر ایشان سخت بود و باید از خیلی چیزها از جمله عشرتها، بی بند و باریها، هرزه گیها، و آزادیهای شیطانی دست بر می داشتند با اینکه حضرت از ابتدا فرموده بودند که ": به خدا اگر ببینم که بیت المال به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد آن را باز می گردانم که در عدالت گشایش است و آن که عدالت را بر نتابد ستم را سخت تر یابد("۶) اینها فکر نمی‌کردند حضرت سخنانش را عمل کند و گمان می‌کردند اینها فقط شعار است اما وقتی دیدند این حرفها اجرا می شود خیلی‌ها از راه برگشتند. در مورد مقایسه بین حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی ا گر بخواهیم آماری از رواج فساد و فحشا ارائه دهیم حقیقت این است که سالهای قبل از سال ۵۸ فساد و فحشا علنی و رسمی بود اما در حال حاضر فساد و فحشا به صورت علنی نیست و جلوی آن گرفته شده است. ما حتی بی حجابی نداریم در حالی که در آن زمان بی حجابی داشتیم درست است که در حال حاضر بدحجابی در جامعه وجود دارد اما بازهم نسبت به آن سالها قابل مقایسه نیست. با این حال بعد از این همه سال که از انقلاب گذشته و توقع بسیاری که از حکومت اسلامی داریم این اندازه فساد موجود هم برای ما قابل تحمل نیست و دیگر زمینه های فساد مانند احتکار، سرقت و دزدی و ... نیز قصه ای مشابه دارد. ـــــــ

خ۱۵

علت اصلی دوری از مسائل اخلاقی جوانان آنهم جوانان تحصیل‌کرده چه می‌باشد؟

پرسش

علت اصلی دوری از مسائل اخلاقی جوانان آنهم جوانان تحصیل‌کرده چه می‌باشد؟

پاسخ

فاصله و دوری از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی پدیده‌ای تازه و نو نیست که هرگز بشر شاهد آن نباشد بلکه تاریخ حتی در عصر معصومین (شاهد آن بوده و گزارش‌های تأسف باری از آن دارد جامعه ما نیز در کنار حضور مردم بویژه جوانان تحصیل کرده و دانشگاهی در مراسم معنوی دعای کمیل، ندبه، اعتکاف و عزاداریها و ... شاهد دوری قشر نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از جوانان مسائل اخلاقی می‌باشد که زنگ خطر و هشداری است جدی به همهٔ مردم بویژه صاحبان مسؤولیت در مسائل فکری، فرهنگی و تربیتی جامعه از والدین و معلمان و روحانیون و روشنفکران و فرهیخته‌گان گرفته تا همهٔ نهادها و سازمان‌ها آموزشی، فرهنگی، ارشاد و تبلیغی. در پدیدهٔ فوق می‌توان عوامل ذیل را موثر دانست. ۱. طبیعت انسان به حیوانیت گرایش دارد زیرا انسان از حیث طبیعتش حیوان بالفعل و انسان بالقوه است. ۲. تزیین و آرایش و ویرایش دنیا و دنیاگرایی. ۳. جایگزینی تهاجم فکری و فرهنگی بجای سلاح‌های کشتار جمعی در جهان بویژه در ایران توسط استکبار جهانی. ۴. اختلاف و حزب بازی‌های برخی دولتمردان. ۵. جایگزینی مدیریت دنیاگرایی بجای مدیریت خدا محوری در بدنهٔ مدیریت سیاسی. ۶. عدم پاسخگویی مناسب و به روز نبودن سیستم تبلیغاتی و فرهنگی جامعه. حضرت آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ چنین فرموده‌اند": به عقیدهٔ ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است. اول: تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدتها پیش در میان جوانان ما کرده و آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته‌اند، و حقایق را طوری دیگر در نظر آنها جلوه داده‌اند ".دوم: عدم انظباط در بعضی جلسات دینی، و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع، به طوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده را با تعلیمات علی و ارزنده اسلام سیراب نمایند. عوامل مهم دیگری هم هست که می توان نام برد مانند: بعضی از اختلافات میان دولتمردان و ایجاد خطوط و جناح بندیها که اتحاد مردم را خدشه‌دار می کند. عامل دیگر دنیاگرایی بعضی مسؤولین و منتسبین به دین می باشد. هنر بزرگ امام راحل این بود که راه روحانیت در باری و جاه طلب و دنیا گرا را از اهل زهد و تقوی جدا نمود. همانطور که مخلصین و خدمتگزاران از قشر روحانیت و مسؤولین در انقلاب، روشنی چشم ملت محل اعتماد آنها است هستند. دنیاگرایی و رفاه طلبی برخی نیز صدمات جبران ناپذیری به اعتماد و حمایت مردم وارد می آورد. حضرت امام فرمودند": مبادا خدای نخواسته یک وقت از این زی طلبگی خارج بشود و خروج آنها موجب تزلزل عقیدتی در مورد مردم بشود "و دربارهٔ دولتمردان فرمودند": بدبختی و خوشبختی ملتها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیأت حاکمه است".

چرا در جامعه ما برای تهیه کتاب یا سی دی یا نوار مذهبی برای نمونه تفسیر قرآن باید پول زیادی بدهیم ولی برای کتابها یا نوارها یا سی دی مبتذل پول زیادی لازم نیست؟

پرسش

چرا در جامعه ما برای تهیه کتاب یا سی دی یا نوار مذهبی برای نمونه تفسیر قرآن باید پول زیادی بدهیم ولی برای کتابها یا نوارها یا سی دی مبتذل پول زیادی لازم نیست؟

پاسخ

احساس وظیفه و مسئولیت و دلسوزی جنابعالی نسبت به اسلام و نظام اسلامی در خور ستایش و تحسین و موجب افتخار و مباهات است .از این که می‌بینیم زنانی با مسئولیت درپهنه این مرز و بوم به زندگی شرافتمندانه توأم با حس مسئولیت‌پذیری و روح نقد و نقادی زندگی می‌کنند احساس غرور و افتخار می‌کنیم. همان گونه که جنابعالی اشاره کرده‌ای سرمایه‌گذاری دشمنان و عوامل استکبار برای نابودی و کمرنگ نمودن فرهنگ غنی و پر محتوای اسلام و انقلاب اسلامی با همهٔ توان خویش به صحنه آمده است و در راه محو فرهنگ دینی از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کند ولی درمقابل ، جامعه و مسئولان کشور تنها با نازیدن و افتخار به گذشته فرهنگی خویش و اقتدار و عظمت فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون گذشته اکتفا می‌کند و به جای پرداختن به برنامه‌ریزی اساسی و زیربنایی برای تحکیم پایه‌های فرهنگ و نوزایی و پویایی فرهنگی متأسفانه به نزاع‌های بی‌مصرف و بی‌خاصیت سیاسی و قومی ... مشغول شده و هستی و انرژی متراکم و سرشار نسل جوان را به نابودی و فلاکت می‌کشاند و حال آن که برای مقابله با ابتذال فرهنگی و ایستادگی در برابر فرهنگ پوچ و بی‌مصرف مادی غرب که از پایه‌های لرزان مادی شکل گرفته است،اقدام در خور و شایسته‌ای صورت نمی‌پذیرد و بجز چند حرکت خوب و ارزنده همانند برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن مسابقات سالانه قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی، حرکتهایی که در خصوص ترویج فرهنگ اقامه نماز صورت گرفته و ...، سایر فعالیت ها و تلاشهای صورت گرفته در عرصه فرهنگ و اندیشه چندان قابل توجه نیست. برادر عزیز آنچه شما را نگران ساخته و اظهار داد نموده‌اید درد مشترک همه دلسوزان اسلام و انقلاب اسلامی است ولی متأسفانه از حد همین دلسوزی و گاه اظهار یأس و ناامیدی فراتر نمی‌رود که این امر نه تنها دردی دوا نمی‌کند بلکه در بسیاری از مواقع شوق و امید را از نسل آتی و آینده ساز کشور می‌رباید و زمینه پذیرش فرهنگ ابتذال با ترویج حس ناتوانی فرهنگ خودی در وجود آنان فراهم می‌گردد. برادر عزیز کم نیستند کسانی که همانند شما گرانی کتاب را عامل کتاب نخواندن می‌دانند ولی حقیقت چیز دیگری است ؛چگونه است که روزانه و در هفته و ماهانه هزاران ریال خرج خرید تنقلات بی‌خاصیت و بی‌مصرف برای فرزندانمان و خودمان می‌کنیم ولی یک هزارم آن برای تغذیه فکری او هزینه نمی‌کنیم. در هفته چقدر شکلات کیک کلوچه، پفک، چیپس و ... می‌خریم. اینها همه به عنوان غذای جسم است که ارزش غذایی ندارد آیا تصور نمی‌کنید اگر یک هزارم همین هزینه‌ها را خرج خرید کتاب بکنیم مقدار زیادی کتاب می‌توانیم تهیه کنیم. اینها را مرتب باید خرید ولی یک کتاب را یک بار باید بخریم و روزها و ماهها بطور مرتب به عنوان غذای روح از آن تغذیه کنیم. انصافاً کتاب در مقایسه با سایر اقلام گران نیست. چه بسیارند کسانی که به بهانه گرانی کتاب، کتاب نمی‌خرند ولی حتی کتابهایی که خریده‌اند و در منزل نگهداری می‌کنند مطالعه نکرده‌اند. چه بسیارند کسانی که چنین فکر می‌کنند ولی از تلاوت روزانه چند آیه از قرآن کریم به عنوان عالی‌ترین غذای روح بشری غفلت می‌ورزند. چه بسیارند کسانی که گران بودن کتاب را بهانه کتاب نخواندن می‌دانند ولی هرگز به کتابخانه‌های عمومی برای عضو شدن و کتاب گرفتن مراجعه نکرده‌اند. آیا کتاب خواندن فقط با کتاب خریدن میسر است و گاهی برخی از کتابهای کتابخانه‌ها سالهای سال مورد مطالعه قرار

نمی‌گیرد و حال آن که سرمایه عظیمی است که دولت برای استفاده عموم هزینه کرده است. اتفاقاً کتاب خواندن با حضور در کتابخانه و عضویت در کتابخانه مفهوم پیدا می‌کند نه کتاب خریدن . وقتی کتابی مطالعه شد کنار گذاشته و بلااستفاده می‌شود ولی در کتابخانه افراد مختلف مطالعه می‌کنند. انسان با عضویت در کتابخانه می‌تواند میلیونها کتاب بخواند که خرید آن برایش مقدور نیست . مشکل جامعه ما افت فرهنگی و عقب ماندگی فرهنگی است که باید با همت همگانی برطرف شود. انشاء ا...

چرا در جامعه بی‌بندوباری و فساد زیاد شده است

پرسش

چرا در جامعه بی‌بندوباری و فساد زیاد شده است

پاسخ

بی‌بند و باری و فساد کنونی جامعه معلول امور متعددی است که برای رفع آن باید آن علل رفع و دفع شود از جمله: فقر و بیکاری; گرانی و سختی اداره زندگی ;مشکل شدن ازدواج برای جوانان ;تفسیرهای ناصحیح از آزادی و خلط آزادی با بی‌بندوباری در این چند ساله اخیر ;تهاجم فرهنگی دشمن و رواج ماهواره، فیلم‌های مبتذل و عکسهای مستهجن ;کمبود امکانات برای تفریحات سالم; - اعتیاد و متلاشی شدن کانون گرم خانواده‌ها

علت بی‌توجهی جوانان به نماز و معنویت و سستی ایمان و اعتقاد انها چیست

پرسش

علت بی‌توجهی جوانان به نماز و معنویت و سستی ایمان و اعتقاد انها چیست

پاسخ

این موضوع دلایل متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. الف) حجم عظیم تبلیغات غرب و دنیای دور از دین با وسایل مختلف و متعدد ارتباطی ;ب) ضعف تبلیغات دینی و نامتناسب بودن آن با شرایط زمان ;ج) سردرگمی جوانان در مورد الگوهای دینی ارائه شده که ناشی از اختلاف و تفاوت نظرها در این مورد است. د) مشکلات اجتماعی و موانعی که انقلاب را در رسیدن به اهداف خود دچار مشکلات و صدماتی کردند. البته باید توجه داشته باشید در عین حال به دلیل حقانیت دین و خداپرستی گرایش به دین بسیار نیرومند است و فطرت‌ها هم چنان مسیر حقیقی خود را می‌پیمایند. گرچه جوانان به سرعت به خواسته‌های پدران و مادران پاسخ نمی‌گویند. باید مشکلات فکری جوانان را حل کرد تا مسیر دینداری آنان با مشکلات کمتری روبرو باشد.

علل بی رغبتی جوانان به نماز و مسائل مذهبی چیست

پرسش

علل بی رغبتی جوانان به نماز و مسائل مذهبی چیست

پاسخ

بی‌رغبتی و ترک نماز علل متعددی دارد از جمله: ۱. عدم آشنایی به فلسفه نماز؛۲. احساس تحجر و عقب ماندگی ؛۳. تنبلی و تن پروری؛۴. مسامحه کاری ؛۵. احساس خودنمایی و ریاکاری؛۶. احساس بی‌فایده بودن نماز به علت گناهکار بودن ؛۷. خانواده؛۸. محیط و اجتماع فاسد ؛۹. دوست فاسد؛۱۰. برخوردهای نامناسب افراد مذهبی شخصی که در خواندن نماز سستی می کند و به آن بی‌رغبت است، باید به عوامل یاد شده توجه کند و درهر موردی که درباره‌ئ او صادق است، به درمان وبرطرف کردن آن مشغول باشد ; مثلاش اگر دوست فاسد عامل ترک نماز است، باید رابطه با او را کاملاش قطع کند و اگر با فلسفه نماز آشنایی ندارد ;به مطالعه و تفکر در اسرار و فلسفه‌های نماز بپردازد.

چرا گرایش بزرگسالان به مساجد نسبت به جوانان بیشتر است؟

پرسش

چرا گرایش بزرگسالان به مساجد نسبت به جوانان بیشتر است؟

پاسخ

این مساله علت های مختلفی دارد از جمله: ۱. جونان الان بیشتر مشغول تحصیل یا اشتغال هستند و در مواقع نماز، نمی‌توانند در مساجد حاضر شوند. در عین حال بزرگسالان و پیران چون کاری انجام نمی‌دهند، اوقات خالی خود را در مساجد سپری می کنند. ۲. ایمان و باور افراد مسن، بیشتر از جوانان است و لذا آنان بیشتر به دین و دستورات آن اهمیت می‌دهند و ترس آنان از عذاب‌های الهی و مرگ و قیامت، بیشتر از جوانان است. ۳. برخوردهای ناروا و ناشایست بعضی از افراد با جوانان و نوجوانان، باعث دوری و فرار آنان از مساجد شده که باید هیات امنای مساجد و روحانیان، این مشکلات رفتاری را برطرف سازند. ۴. اشتغالات دیگر (مثل ورزش، تفریح و...) و نیز ضعف بنیان‌های عقیدتی و فکری، جذاب و مناسب نبودن بعضی از برنامه‌ها با روحیه جوانان و.. باعث دوری آنان از مساجد و نماز شده که باید سعی کرد ضمن بررسی این موانع، درصدد رفع و ریشه کنی آنها بر آمد.

چرا در تهران بی حجابی رواج بیشتری دارد؟

پرسش

چرا در تهران بی حجابی رواج بیشتری دارد؟

پاسخ

معمولاـ پـایتخت کشورها مرکز تلاقی بیشتر با اشـخاص جریانات بازارها و تفکرات ملل گوناگون است. از همین روتأثیر گـذاری و تأثیر پذیری آنها هم در این موارد بیشتر می‌باشد.{J

با توجه به اینکه اعتقاد داریم حکومت اسـلامی کامل ترین قوانین حکومتی را دارد, چرا گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه روز به روز افزایش می یابد؟

پرسش

بـا توجه به اینکه اعتقـاد داریم حکومت اسـلامی کامـل ترین قوانین حکومتی را دارد, چرا گرایش جوانـان به فرهنگ بیگانه روز به روز افزایش می یابد؟

پاسخ

گرایش به فرهنگ غربی و فساد عوامل متعـددی دارد از جمله: ۱- وجود گرایش‌های نیرومندی همچون غریزه جنسی که طبیعتا فرد را به سوی پورنوگرافی غربی متمایلمی‌سـازد. ۲- اسـتفاده غربی‌ها از عوامل. ابزارها و سـرمایه‌های عظیم و به کارگیری تکنیک‌ها و شیوه‌های فریبنده در سطحیبسیار گسترده. ۳- ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه‌های دشمنان و نا دانسته پیروی نمودن از آنان. ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی ازدانشگاهیان و...). ۵- به کـار نگرفتن درست و کامـل اصول و تعـالیم اسـلام در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی. ۶- عدم آشـنایی بسیاری از خانواده‌ها با اصول تربیت اسلامی.{J

علت تقلید جوانان کشورهای اسلامی در مسائل گوناگون از غرب چیست ؟

پرسش

علت تقلید جوانان کشورهای اسلامی در مسائل گوناگون از غرب چیست ؟

پاسخ

مسأله غرب‌گرایی و تقلیـد کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسـلامی پدیده‌ای

است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می‌باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می‌نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می‌دهد که هر چه احساس بی‌هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش‌های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه‌هایغربی رپ و هوی‌متال و... بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش‌های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه‌پذیری، فراهم نکرده است، گرایش‌های ارزشی وشناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش‌های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام‌های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظاماجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی‌های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه‌گر شده است. از جمله عواملی که زمینه‌های این روند را فراهم نموده و به آن شدتمی‌بخشد عبارتند از: ۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه‌های کشورهای عقب‌مانده و ضعیف است. ۲- وجود گرایش‌های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی‌تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه‌های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن ازآنها. ۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود. ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش‌آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب‌زده و مطبوعات وابسته به خارج و...). ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی. ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده‌ها با اصول تربیت اسلامی. در مورد راه‌های مبارزه با غرب‌گرایی باید گفت: واقعیت این است که غرب‌گرایی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه‌ریزی‌های منظم و سازماندهی شده می‌باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامیو ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا دستگاه‌های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم، براساس برنامه‌ای دقیق، حساب شده می‌باشد. بر این اساس مهم‌ترین راه‌های مبارزه با آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ارزش‌های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه‌پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه‌های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی. ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش‌های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش‌های الهی. ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی. ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش‌های الهی می‌باشد. ۵- تحقق‌باوری عمیق، درونی، ریشه‌دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه‌های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می‌کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی اینمجموعه، در جهت‌گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت. ۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت‌ها و اقدامات، در بخش‌های مختلف جامعه و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه‌های اجرایی... در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی‌باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان‌پذیر نیست، اما در مواردی

لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجمفرهنگی جلوگیری به عمل می‌آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش‌ها، علی ذوعلم ۳- ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب‌شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی){]

عوامل فساد و چگونگی تهاجم فرهنگی دشمن را بیان کنید و وظایف ما در برابر آن چیست ؟

پرسش

عوامل فساد و چگونگی تهاجم فرهنگی دشمن را بیان کنید و وظایف ما در برابر آن چیست ؟

پاسخ

برای شناخت وظیفه و چگونگی مقابله با فساد در جامعه ابتدا لازم است که عوامل و موجبات فساد را موردشناسایی قرار داده و سپس به راههای مقابله با آن بپردازیم: الف ـ عوامل ایجاد فساد در جامعه و تأثیرات مخرّب آنها: ۱ـ مشروبات الکلی: که نوشیدن آن آدمی را سست اراده، پست و بی شخصیت می‌سازد و موجب سلب توفیقات ودوری از خداوند می گردد و هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی و هم از نظر اجتماعی، پیامدهای ناگوار به دنبالداشته و زمینه بسیاری از جرائم را فراهم می کند. ۲ـ قماربازی، انسان را لاابالی می کند، روابط خانوادگی را از هم می‌پاشد، عامل دشمنی و کینه‌توزی می‌شود، زمینهخشم و انتقام را فراهم می‌سازد و زیان‌های اقتصادی و روانی جبران‌ناپذیر به قمار بازان وارد می کند. ۳ـ مواد مخدّر، که اعتیاد به آن نابود کننده استعدادهای جسمی و روحی انسان است، و باعث می‌شود آدمی،شرافت، ناموس، ثروت، حیثیت و دین و همه چیز خود را بر باد دهد. ۴ـ روابط نا مشروع، نکته مهم این است که روابط نا مشروع به صورت تدریجی محقق می‌شود یعنی از نگاهشهوت‌انگیز شروع می‌شود و با یک لبخند و یا گفتگویی تداوم می‌یابد و زمینه را برای ارتباطهای بعدی فراهم می‌شود.جوانانی هستند که برای رابطه نا مشروع به گرفتاری‌های فراوان روحی، اجتماعی و جسمی دچار شده‌اند و عاقبترسوا گشته و شخصیت اجتماعی و معنوی خویش را از دست داده‌اند، لذا باید با توکل به خدا، دست رد بروسوسه‌های شیطان زد و هنگام برخورد با چنین مخالف، تقوای الهی را پیشه کرد و با نگاه شهوت‌انگیز، که تیری ازتیرهای زهر آلود شیطان است، به دیگران نگاه نکرد. ۵ـ مجالس خوش‌گذرانی: افرادی که روح تقلید از فرهنگ غرب، آنان را به طور مخفیانه به تشکیل چنین مجالسیوادار می کند، از دوستان خود دعوت می‌نمایند با شرکت در آن مجالس عیش و عشرت، برای چند ساعتی خود را درعالم خوش‌گذرانی و بی خیالی وارد سازند، مجالسی که با لهو و لعب، موسیقی‌های مبتذل و رقص و پایکوبی و...همراه است شرکت در اینگونه مجالس زمینه بسیار مناسبی را برای فساد و ارتکاب گناهان کبیره و... مهیا می‌سازد، مگرکسی بتواند جلوی این اعمال خلاف شرع را بگیرد. ۶ـ خود ارضایی، که گاهی بر اثر عادت و تکرار به صورت اعتیاد در می‌آید، پیامدهای شوم و ضررهای بسیاری، هماز جهت جسمی و هم از جهت روحی برای فرد مبتلا به آن به وجود می‌آورد این کار مانند سایر کارهای غیر مشروعجنسی از دیدگاه شریعت اسلام حرام و ممنوع است و محققان مضرّات بسیاری را برای آن شمرده‌اند از جمله ضعفچشم، لاغر شدن صورت، ضعف اعصاب ضعف بدن، کم خونی، سست شدن زانو ، ضعیف شدن حافظه، زرد شدنصورت، گوشه‌گیری و بسیاری از عوارض دیگر از پیامدهای آن می‌باشد. جوانان باید زمینه‌هایی که باعث تحریکغریزه جنسی و در نتیجه خودارضایی می‌شود بشناسند و سعی کنند از آن پرهیز نمایند این زمینه‌ها

عبارتند از:لباس‌های تنگ و چسبان، غذاهای شهوت‌زا مانند موز، پیاز، زعفران و... که غریزه جنسی را تحریک می‌کنند وهمچنین پرخوری. مشاهده صحنه‌های محرک و شهوت‌انگیز مانند فیلم‌ها و عکس‌های سکس و چشم‌چرانی و...شنیدنیهای مهیّج و رکیک مخصوصا درباره مسائل جنسی و ترانه‌های فاسد، بستر نا مناسب خواب، (مانند خلوتبودن محل خواب، گرم و نرم بودن بستر خواب، قبل از خستگی کامل به رختخواب رفتن). ۷ـ فیلم‌های مبتذل: که باعث شهوت‌پرستی، خوشی گذرانی بی عفتی، بی حیایی، پوچی، روابط نامشروع، و بسیاری از انحرافات می‌شود. ۸ـ موسیقی‌های مطرب: آن دسته از موسیقی که حالت ابتذال داشته، مناسب لهو و لعب باشد انسان را در افکارشیطانی بیندازد و از امور معنوی دور نماید. موسیقی مبتذل علاوه بر ضررهای معنوی و اخلاقی مانند شهوت‌رانی،مردن دل‌ها، محروم شدن از لذت انس با خدا، پاره شدن پرده‌های عصمت، سبک شدن عقل، زمینه را برای فراهمشدن گناه، عدم استجابت دعا، بر جسم و اعصاب هم آثار سویی دارد که امروزه از نظر علمی ثابت شده است. ۹ـ دوستان ناباب که باعث فساد و سقوط انسان در منجلاب گناهان و آلودگیهای متعدد می‌شود. نشانه‌های دوستانناباب عبارتند از: بی تقیّدی به دستورات الهی، تملّق و چاپلوسی، ارتباط با ناپاکان، وسوسه‌گری و... علاوه بر عواملی که موجب فساد در جامعه می‌شوند یکسری زمینه‌های فساد نیز وجود دارد که جوانان بایدمواظب این زمینه‌ها بوده و به گونه‌ای برخورد کنند که این امور، آنها را به انحطاط و فساد نکشاند: ۱ـ مسافرت به خارج گرچه فوائد بسیار متعددی دارد ولی جوانان باید مواظب باشند در صورت مسافرت به اینکشورها برای کارهایی مانند تحصیل، سیاحت یا سایر کارهای مفید، تحت تأثیر جاذبه‌های فریبنده فرهنگ آنان واقعنشوند. ۲ـ اوقات فراغت: منظور ساعاتی است که جوانان مشغول به کاری، اعم از کار فرهنگی، هنری، تولیدی، خدماتی وسرگرمی سودمند و... نباشند. جوانان باید به شدّت مراقب اوقات فراغت خویش بوده و نگذارند وسوسه‌گران درونیو بیرونی و فرصت‌طلبان خنّاس صفت، از اوقات فراغت آنان سوء استفاده کنند و آنان را به فساد بکشانند جوانان بایداوقات فراغت خود را سرگرم امور مفید مانند کارهای علمی، هنری، ورزشی، مطالعه، دید و بازدید، تفریح سالم و...بنمایند تا هم از عمر و حیات خویش بیشترین استفاده را کرده باشند و هم دچار انحراف و مفاسد نگردند. ۳ـ فقر و تنگدستی. بسیاری از جوانانی که به فحشا و فساد کشده شده‌اند برای فقر و تنگدستی آنان بوده است.جوانان عزیز، اگر کار و تلاش بنمایند و بر خداوند توکل کنند و راه تقوا پیشه نمایند، هرگز ضعف مالی، عاملی برای بهانحراف کشاندن آنان نخواهد بود. ۴ـ تجرّد و عزوبت فرد اگر طولانی باشد ممکن است جزء عوامل فساد و تباهی قرار گیرد. ۵ـ ثروت و رفاه زیاد گاهی می‌تواند زمینه انحراف و فساد گردد برای افرادی که از ایمانی ضعیف برخوردار باشند.گرچه ثروت به طور کلی عامل انحراف نمی‌تواند باشد اما برای عده‌ای ممکن است زمینه انحراف فراهم نماید لذاهوشیاری لازم هنگام برخورداری از ثروت ضروری است. و در پایان این بخش ذکر این نکته لازم است که اشاعه فساد و فحشا و ترویج منکرات یکی از نمونه‌های تهاجمفرهنگی است. دشمنان انقلاب و فرهنگ اصیل اسلام اشاعه فساد و منکرات را بهترین راه برای تضعیف و نابودیفرهنگ اسلام و جایگزین کردن فرهنگ غرب می‌دانند و به دنبال اهداف زیر می‌باشند: ۱ـ غرق نمودن جوانان ایراندر شهوات و در نتیجه غافل ماندن از مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ۲ـ روحیه انقلابی را از آنان سلب کند ۳ـگرایش به فرهنگ غرب ب ـ راههای مبارزه با فساد و دوری از گناه: بطور کلی در جامعه‌ای که فساد در آن رایج شده، از نظر اسلام دو نوع وظیفه برای فرد مسلمان وجود دارد: وظایففردی و وظایف اجتماعی. منظور از وظایف فردی کلیه اقداماتی است که فرد برای حفاظت خود از آلوده شدن به گناه انجام می‌دهد ایناقدامات شامل: ۱ـ آشنایی به اعمال و رفتاری که از نظر احکام اسلامی گناه و معصیت شمرده می‌شوند. که ما در بخش اول بهپاره‌ای از آنان اشاره کردیم، چه بسا جوانانی که به خاطر بی‌اطلاعی از گناه بودن عملی، مرتکب آن شده‌اند و آثار وپیامدهای وضعی گناه در تمام عمر گریبان‌گیر آنها بوده است. ۲ـ مواظبت بر ترک گناه هر چند آن گناه کوچک باشد. زیرا ارتکاب گناهان صغیره خود زمینه‌ساز گناهان بزرگترمی‌باشد. ۳ـ در زمان مواجهه با گناه همیشه خداوند را در نظر داشته باشد و به عواقب و پیامدها و آثار سوء و خطرناک دنیویو اخروی گناه فکر کند و بداند که لذت گناه بسیار زودگذر

و عواقب آن (مشکلات روحی و جسمی، رفتن آبرو،مجازات دنیوی و اخروی و...) پایدار و مانع از پیشرفت انسان به سوی کمال و سعادت می‌باشد. ۴ـ تقویت ایمان به خدا و توکل بر او و تمسک به تقوای الهی که دارای آثار مثبتی است از قبیل: اشباع حسکمال‌گرایی، گرایش به ارزش‌های اخلاقی، برخورداری از لذّت‌های معنوی، هدفدار کردن حیات، جلوگیری از جرایم ومفاسد، آرامش روان و... ۵ـ اهمیت به نماز و انجام سایر عبادات، خصوصا روزه که در تقویت اراده انسان برای مقابله با گناه نقش زیادیداردو مداومت بر ذکر خداوند و تلاوت قرآن و تمسّک به اهل بیت(ع) زیرا موجب نورانی شدن دل و دور شدن افکارو وسوسه‌های شیطانی می‌شود و انسان را در لغزش‌گاه‌های حساس یاری می‌نماید. ۶ـ کنترل تمام اعضاء و جوارح و تسلّط بر آنان از حواس ظاهری گرفته تا حواس باطنی. ۷ـ پر نمودن اوقات فراغت خود با کارهای علمی، فرهنگی، مطالعه کتاب‌های مفید، اشتغال به ورزش و تفریحاتسالم و... علاوه بر وظایف فردی مسلمان برای مصون نگه داشتن خود از گناه، در مقابل محیط اجتماعی و جامعه‌ای که درآن زندگی میکند یک‌سری وظایفی دارد که عبارتند از: ۱ـ بسیج همگانی اصلی‌ترین راه مقابله با مفاسد اجتماعی: مسلّما فردی که خواهان پاکی و مصون ماندن از گناه می باشد در صورتی موفق می باشد که علاوه بر انجام وظایف فردی برای دوری از گناه , یکسری اقدامات را انجام دهد تا محیطش نیز از گناه پاکیزه شود والا در محیط فاسد احتمال لغزش و ارتکاب گناه می رود و از آنجا که مفاسد بصورت گسترده وجود دارد و به واسطه تهاجم فرهنگی دشمنان شدأت بخشیده می شود. برای مقابله با آن نیازمند بسیج همگانی می باشد. همه باید احساس مسئولیت کنند و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه عملی سازند. ۲- شرکت کردن در جلسات مذهبی , نماز جمعه و جماعت و تشویق دوستان و آشنایان به شرکت در این مراسم . ۳- ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد صمیمی و دوستانه و سازنده با جوانان باعث جلوگیری از جذب شدن افراد خانواده یا جوانان توسط دوستان ناباب و منحرف می شود. ۴- آگاه نمودن جوانان به پیامدهای مخرب و نامطلوب فساد, و شناساندن معیارهای صحیح انتخاب دوست , دوری از فرهنگ مبتذل غرب و پایبندی به فرهنگ خودی . ۵- تشکیل میزگردهای بحث و انتقاد فرصت مطلوبی را فراهم می کند تا تردیدهای خلقی و نگرانی های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیارشان می گذارد. ۶- ترویج ارزش های اسلامی از راه بحث و گفتگو, منطق و استدلال زیرا آنچه موجب می شود که انسان بتواند امیال خود را کنترل کند پذیرفتن یک سلسله ارزش های برتر است و علت بعثت انبیائ هم همین بوده که مردم نسبت به برخی از ارزش ها باور پیدا کنند تا بتوانند مانع از طغیان شهوات بشوند. یکی دیگر از راه های ترویج ارزش های اسلامی و مبارزه با فساد آن است که با استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژی مدرن , ارزش های اسلامی خود را در مقابل هنرمندانه ترین فیلم ها, نمایش نامه ها, کتاب ها, رمان ها و در قالب سایر آثارهنری با استفاده از وسایل هنری و تبلیغاتی عرضه کنیم و دیگران را تحت تائثیر قرار دهیم . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- جوانان در طوفان غرایزهمأت سهراب پور ۲- تهاجم فرهنگی استاد محمدتقی مصباح یزدی ۳- انقلاب و ارزش هاعلی ذوعلم

ریشه های مد و مدگرایی از کجا منشأ می گیرد و آیا جنبه ها مثبتی هم دارد؟ در خصوص جنبه های منفی آن در اجتماع چه باید کرد؟

پرسش

ریشه های مد و مدگرایی از کجا منشأ می گیرد و آیا جنبه ها مثبتی هم دارد؟ در خصوص جنبه های منفی آن در اجتماع چه باید کرد؟

پاسخ

در خصوص موضوع مورد نظرتان نکات زیرا را تقدیم می‌داریم: مدگرایی و تنوع‌طلبی از ویژگیهای دوران جوانی زندگی است اما آنچه در این میان حائز اهمیت است سه موضوع زیر می‌باشد: الف. آیا آن مدگرایی با مشی و زندگی یک مسلمان مغایرت دارد یا نه؟ ب. اگر مغایرت دارد وظیفه افراد مدگرا چیست؟ ج. در صورت مغایرت وظیفه دیگران در برابر چنین افرادی چیست؟ مثلا در دین اسلام توصیه مؤکد، که نشانه وجوب عمل در رفتار پوششی ویژه باشد وجود ندارد یعنی شکل خاصی از لباس و با رنگ مخصوصی از لباس واجب نشده و یا تحریم نگردیده است آنچه در قالب کلی بیان می گردد آن است که پوشیدن لباس و یا عمل به رفتاری خاصی که موجب شهرت و شناخته شدن انسان می گردد و یک فرد به آن لباس و رفتار معرفی می‌شود، جایز نیست یعنی همان لباس شهرت و یا عمل شهرت تحریم شده است و از جانب دیگر همانند کفّار و غیر مسلمانان عمل کردن و پوشیدن نیز شایسته مسلمانان نیست و این اعمال اگر موجب اهانت به مقام مسلمانان شود ـ که امروزه گاه چنین است ـ جایز نیست . یعنی اگر مدگرایی ابزار و زمینه سلطه بیگانگان گردد بگونه‌ای که مشاهده مظاهر رفتار مسلمانان همه را به یاد کشورهای کفر بیاندازد حرام است. آنچه گفته شد از زاویه احکام فقهی است در حالی که اخلاق اسلامی چیز دیگری را اقتضا می کند و معیار آن چنین است که هر عمل، رفتاری که یاد خداوند را از دلها بزداید و دنیاپرستی و دلبستگی به دنیا را در دل ما فزونی بخشد شایسته مسلمانی نیست. مسلمان باید در تمام حالات و رفتارهای خود خدا را بجوید و رضایت او را به طلبد و حتی اگر لباسی را انتخاب می کند و می‌پوشد علاوه بر حفظ بدن خود و رعایت عفت و حجاب که واجب است به شکلی باید خود را بیآراید (چه لباس جلوه‌ای از زیبائی است) که خداوند راضی است. بی تردید شخصی که هنوز گرفتار رنگ لباس و مد آن باشد و همّ و غمّ او متوجه ظاهرسازی می گردد نمی‌توانند آنگونه که شایسته است به خداوند دل دهد و رضایت او را بجوید. و چه بسا که توجه به همین امور سطحی آدمی را از انجام واجبات و ترک محرمات الهی باز دارد و در این صورت پرداختن به این امور یقینا حرام خواهد بود چون مانع انجام واجبات و ترک محرمات می گردد در حالی که شخص مسلمان در ذره ذره اعمال خود و لحظه لحظه عمر خویش باید در صدد تقرب جستن به حضرت حق باشد و از عمق دل باور داشته باشد که تعلق به دنیا مانع تعالی و تکامل اوست. و مدگرایی از برترین و بارزترین مظاهر دنیاپرستی و روی آوردن به دنیاست. و از جانب دیگر از دیدگاه اجتماعی اهتمام به مد و مانند آن زمینه‌ساز سلطه فرهنگی و اجتماعی بیگانگان بر مسلمانان می‌باشد که این عمل بی‌تردید جایز نیست. ساده‌زیستی از وظایف اخلاقی و گاه بنابر برخی حالات از وظائف شرعی ما مسلمانان است و توجه جدّی و افراطی به لباس و شیوه دوخت و مدگرایی در لباس پدیده‌ای است که کاملاً با ساده‌زیستی مغایرت دارد و هر چه مانع این روحیه شود مذموم و نکوهیده است و باید از آن اجتناب نمود و اسلام در حالی که به پوشش عنایت کامل دارد و برخی از رنگ‌ها را برای لباسها توصیه می کند هیچگاه آن رنگ خاص را واجب نکرده است تا موجب رها کردن درون و اهتمام به ظاهر شود و آدمی در جنبه اهتمام به امور گذرا و ظاهری از پرداختن به طهارت قلب و پاکی اعمال غافل شود. در اینجا این نکته را باید خاطر نشان سازیم که برای زنان در کنار رعایت حجاب، اهتمام به عفت و حیا نیز واجب است و چه بسا افرادی که در ظاهر محجوب هستند اما شکل حجاب آنها از حیا و عفت کاملاً عاری است و در این زمینه گاهی اوقات مدگرایی موجبات زیر پا نهادن عفت و حیا می‌شود که از این زاویه نیز باید (واجب است) رعایت گردد تا عفت عمومی محفوظ بماند که اگر حیا از جامعه رخت بپوشد به قول امام(ع) آدمی از انجام هیچ عملی ابا نخواهد داشت. پس از این زاویه باید رفتارهای پوششی خود را مورد مداقه قرار دهید و در یک کلام پوشش کامل همراه با عفاف و حیا که بر تکبرورزی استوار است شیوه زندگی اجتماعی زنان مسلمان است و بس.

به نظر شما شیوع و رشد بی بند و باریهای اخلاقی به ویژه جنسی در جامعه اسلامی ما چرا رشد کرده است؟

پرسش

به نظر شما شیوع و رشد بی بند و باریهای اخلاقی به ویژه جنسی در جامعه اسلامی ما چرا رشد کرده است؟

پاسخ

متأسفانه دنیای امروز با همه امکانات عالی و فرهنگی نه تنها در راه ارشاد و هدایت جوانان و آگاه ساختن آنان به ابعاد مختلف زندگی قدمی بر نداشته است، بلکه با ایجاد عوامل تحریک کننده مسائل شهوانی سبب انحراف جوانان از مسیر صحیح زندگی و بهره گیری صحیح از استعدادها و غرایز وجودی شده است. اگر در جامعه غربی انحراف جنسی یک امر عادی محسوب می شود، خیلی نباید مورد تعجب ما باشد زیرا که در آن جامعه مذهب به عنوان یک ماده مخدر شناخته شده و جوان غربی بارهایی از مذهب به قیود شهوانی روی آورده و اسیر هواهای نفسانی و مسائل خاص دنیوی شده است، اما در جامعه مذهبی ما چرا؟ چون ایرانی از نظر وجود فرهنگ سازنده انسانی و مسائل عالی انسانی کمبودی ندارد بی برنامه ای ما، و خود باختگی بسیاری در برابر زرق و برقهای مادی غرب و دور شدن از مبانی و اصول فرهنگ اسلامی، جوانان را در دام تحریکات شهوانی انداخته، و آنان را قربانی غرور و هوسهایی جاهلانه ساخته است. اولاً: باید عوامل محرک شهوات را در جامعه از بین ببریم. ثانیاً: به خواسته های جوانان در بعد مادی (ازدواج) اقتصادی با برنامه صحیح و نفی تورم پاسخ دهیم ثالثاً: به جای مذهب سنی و احساس، مذهبی عقلانی متکی بر قرآن و سنت و استدلال به او ارائه دهیم رابعاً: او را نسبت به هدف زندگی، کیفیت زندگی آگاه سازیم و... آنگاه که انسان از خدا، غافل شود و از شئون انسانی خارج گردد شکی نیست که گناه برای او امری عادی و سبک خواهد بود. (بخش پاسخ به سؤالات)

دیدن کمی از موی زن برای نامحرم چه فرقی با دیدن تمام موی آن زن دارد؟ اگر فرقی ندارد چه فرقی بین جامعه ما با جامعه غربی وجود دارد زیرا درجامعهٔ ما کمی از موی زنها معلوم است ولی درجوامع غربی تمام موی زن.

پرسش

دیدن کمی از موی زن برای نامحرم چه فرقی با دیدن تمام موی آن زن دارد؟ اگر فرقی ندارد چه فرقی بین جامعه ما با جامعه غربی وجود دارد زیرا درجامعهٔ ما کمی از موی زنها معلوم است ولی درجوامع غربی تمام موی زن.

پاسخ

براساس روایات وآیات کریمه قرآن، برتری وحرمت و شرافت و کرامت زن مسلمان بر زنان اهل کتاب یا مشرک مسلم وحتمی است، بنابراین نظر درخصوص سؤال شما باید عرض کنیم که دیدن کمی از موی نامحرم مسلمان یا دیدن تمام موهای او، اگر عمداً واختیاراً یا از روی لذت وشهوت صورت گیرد از نظر اسلام حرام می باشد، اما در مورد زن غیر مسلمان، مثل زنهای جوامع غربی بنا

بر فتوای اکثر مراجع عالیقدر، اگر کسی به جاهائی که عادتا آنها را نمی پوشانند نگاه کند حرام نمی باشد منتهی باید به قصد لذت وخوف افتادن درگناه نباشد".۱ "واما به نظر می رسد که سؤال جنابعالی بیشتر ناظر به گلایه از بدحجابی بعضی از افراد جامعه می باشد که دراین مورد باید بگوئیم که حقیقتاً بدحجابی از معضلات کنونی جامعهٔ ماست واین گونه رفتار ریشه درحدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی ونیز تبلیغات غرب دارد . از گذشته ها و ریشه تاریخی مسأله که بگذریم، متأسفانه خودباختگی در برابر غرب، وتقلید کورکورانه ازآنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را ارائه کرده اید. البته با وجود همه آنچه که نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما ازنظر حجاب وحفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است وتا حدود زیادی مراعات وجود دارد . ولی دراثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلمها ومجلات نوعی تمایل به آن گونه رفتارها درسطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن دردهه های بعد ظاهر گردد.ب) کار قانونی وکنترل رفتار فیزیکی . هر یک از دو طریق از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود ونهایتاً منجر به شکست وتاثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات فراوانی از سوی دولت امید است با برنامه ریزی دقیق وحساب شده فرهنگی و قانونی درآینده موفقیت های بیشتری دراین زمینه حاصل گردد. نکته دیگر این که متاسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی درزیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قراردارند و لغزیدن به سمت شهوات و بی بند وباری نیز کار آسانی است؛ چراکه حرکت درسراشیبی سقوط است، ولی بالا رفتن از قله وکمال یابی، کاری دشوار است. از سوی دیگر درحال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند واین نیز خود مزید بر علت شده است . ولی این که وضعیت از زمان طاغوت بدتر باشد واقعیت ندارد؛ چرا که ماهم آن زمان را دیده‌ایم وهم حال را. امید است غیرت و حمیت اسلامی، درافراد متدین فراموش نشود وآنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند وقانون نیز با راه‌کارهای مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند وباری بردارد وهمگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم . برادر عزیز! زندگی درجامعه ای سالم آرمان همه بندگان خدا است؛ ولی می دانیم که پاکان و تقواپیشگان همواره در چه شرایط سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه برنداشته و حتی جان خود را د راین راه داده اند . پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار ومعنادار؛ یعنی، مبارزه با فساد و تباهی ها و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابراین به جای یأس، ازخون شهیدان پیام بگیرید وباتشکیل هسته های فرهنگی وگسترش آن درسطح جامعه به روشنگری بپردازید و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشید . در این صورت خداوند شما را یاری خواهد کرد وبه اهداف خود نایل خواهید شد".ان تنصروا...ینصرکم ویثبت اقدامکم "موفق باشید . احکام روابط زن ومرد،سیدمسعود معصومی،ص۳۱به بعد برگرفته از سایت پرسش وپاسخ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه www.nahad.net

مظاهر تهاجم فرهنگی در جامعه کدامند؟

پرسش

مظاهر تهاجم فرهنگی در جامعه کدامند؟

پاسخ

مظاهر تهاجم فرهنگی در واقع همان نمودهای عینی و تحقق یافته ای که در اثر تهاجم فرهنگی در یک جامعه بوجود آمده اند, که می تواند در بخشهای مختلف , فرهنگی , سیاسی , اقتصادی , اجتماعی و... مظاهر مختلفی داشته باشد, مثلا "در بخش اقتصاد, فرهنگ مصرف گرایی , اسراف و تبذیر و... در بخش سیاست : فرهنگ هجو و تخریب و... در بخش اجتماع : بزهکاری , قانون گریزی , مدرک گرایی , ابتذال , فسادهای اخلاقی و..., (ر.ک : فرامرز رضیع پور, آناتومی جامع , ص ۳۳۳)

ابزارهای تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

ابزارهای تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

هر جریان فرهنگی نیاز به ابزارها و روشهایی دارد که از طریق آن به طرف مقابل رسوخ و نفوذ نماید, امپریالیسم آمریکا در کشورهای غربی در تهاجم به بنیانهای فرهنگی کشور از روشها و ابزارهای مختلفی استفاده کرده اند که بطور مختص عبارتند: الف – ابزارها و روشهای فرهنگی ; که از موثرترین ابزارهای فرهنگی است . استفاده از هنر, سینما, و تئاتر, انواع فیلمها, و سریالهای تلوزیونی , مطبوعات و کتب , چاپ و نشر اشعار و مقالات و رمانهای مختلف جهت ترویج پوچ گرایی و بی هویت کردن مردم یک کشور و زیر سوئال بردن مبانی تئوریک نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران , نفوذ در مدارس و دانشگاهها و ترویج اومانیسم , لائیسیم و پلورالیسم دینی برای تضعیف مبانی معرفتی حکومت دینی و... ب – ابزارها و روشهای اقتصادی : صندوق بین الملل پول و بانک جهانی در راستای اهداف امپریالیستی غرب همیشه در دادن وامها به دولتها شرایطی را می گذارد که در تحمیل فرهنگ سرمایه داری غرب موثر است مثلا "شرایط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای دادن وام به ایران مبتنی بر تسریع خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی و هماهنگ با بازار آزاد جهان , ایجاد مناطق آزاد تجاری که زمینه بسیار مناسبی برای ترویج فرهنگ غربی از جمله تغییر الگوی مصرف تجمل گرایی , مدهای غرب و... از طرف دیگر مراکز کنترل صدور تکنولوژیهای غرب شرط همکاری و انتقال تکنولوژی را به گونه ای ترسیم می نمایند که فرهنگ بیگانه را نیز وارد آن کشور سازد. ج – ابزارها و روشهای اجتماعی تهاجم فرهنگی مانند فساد جنسی در جامعه , فیلمهای ویدئوئی و برنامه های تلوزیونی و ماهواره ای , مجلات و تصاویر مبتذل , کاتالوگ کالاهای لوکس و تبلیغاتی , همگی در ترویج فسادهای اجتماعی , بی هویت کردن نسل جوان , گسترش فساد و خشونت , و نا امنی , بیکاری و غیره دانسته تا بدین وسیله افراد جامعه را خصوصا "نسل جوان را از اهداف معنوی و فرهنگ انقلاب اسلامی منحرف نمایند. ایجاد روحیه مدگرایی و اخلاق خاص ترویج کنندگان این مدها در قالب گروههای رپ و هوی متال و... دیده می شود که ترویج کننده ارزشهای ضد اخلاقی از جمله همجنس بازی و برقرار روابط آزاد جنسی و... هستند. از طرف دیگر صنعت توریسم گسترش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی از دیگر ابزارهای اجتماعی تهاجم فرهنگی می باشند, (ر.ک : علی ذوعلم , جرعه جاری (سی مقاله پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی) علیرضا کریمیان , ماهیت انقلاب اسلامی و تهاجم فرهنگی , ص ۴۶۹)

علت عادی بودن رقص در جامعه ما چیست؟

پرسش

علت عادی بودن رقص در جامعه ما چیست؟

پاسخ

حساسیت شما نسبت به مسائل فرهنگی، اجتماعی و ارزش قابل تقدیر است. اما این که نوشته‌اید «رقص در جامعه ما عادی شده» قبول این معنی به صورت کلی شاید درست نباشد. در ارتباط با حکم شرعی رقص و انواع آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که فعلاً در پی بیان حکم شرعی آن نیستم. اما به طور خالصه و فقط برای تبیین موضوع باید گفت، برخی از فقها به جایز بودن آن برای همجنس و نیز برای شوهر نظر داده‌اند و برخی دیگر تنها رقص زن برای شوهر را مجاز دانسته‌اند و برخی هیچ کدام را که دلایل فقهی آن در کتاب‌های مربوطه موجود است. مقام معظم رهبری در این باب فرموده‌اند: «رقص برای همجنس در صورتی که محرک شهوت نباشد و موجب مفسده‌ای نشود و همراه آن موسیقی حرام استفاده نشود، اشکال ندارد» و در مجموع فرقی بین رقص‌های سنتی و غیرسنتی و محلی و... نیست». پیرامون فلسفه تحریم از دیدگاه اسلام، باید به کرامت وجودی و اعتبار و ارزش توجه داشت که خداوند برای انسان در نظر گرفته است. و اگر هدف انسان را رسیدن به کمال بدانیم. هر آن چه که انسان را به نحوی از این مسیر دور کند، در اسلام منع شده است و میزان منع نیز بستگی به میزان غفلتی است که آن عمل می‌تواند برای انسان در مسیر یاد شده، ایجاد کند. و به همین دلیل بعضی اعمالی که زمینه ورود انسان را به مسیرهای انحرافی و فساد فراهم می‌سازد مثل مشروبات الکلی، قمار، رقص، موسیقی مطرب و... در اسلام منع شده است و فراگیر شدن چنین اعمالی در جامعه دامی در جهت انحطاط آن جامعه، به پایین‌ترین مرحله خود و دور شدن از کمال انسانی می‌باشد. اما چرا رقص حالت عادی پیدا کرده (بر فرض قبول)، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد که مهم‌ترین آن کم‌توجهی مسئولین به مسایل فرهنگی و دینی و ایجاد شیفتگی و تبلیغ نسبت به فرهنگ مبتذل غرب، با اهداف خاص می‌باشد و از طرف دیگر برنامه‌ریزی دشمنان انقلاب اسلامی برای به انحراف کشیدن این حرکت اصیل و اسلامی است که بر اساس تجربیات و تحقیقات انجام شده از سوی استعمارگران در کشورهای اسلامی به ویژه ایران، مؤثرترین راه برای تغییر مسیر اصلی و الهی و زمینه‌سازی برای دستیابی به اهداف شوم استکباری خود را «ایجاد بی‌بند و باری و فساد» در این کشورها دانسته‌اند و به این منظور از هیچ کوششی برای رسیدن به آن هدف فروگذار نمی‌کنند. «رقص» نیز یکی از اموری است که می‌تواند آرام آرام جامعه را به سوی فساد و بی‌بند و باری‌های مختلف همراه با اعمال مفسده‌انگیز دیگر سوق دهد و زمینه را برای ترویج فساد فراگیر فراهم کند. اما چه باید کرد و یا وظیفه ما در برابر این گونه اعمال مفسده‌انگیز چیست؟ ۱ـ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه عمومی البته با رعایت شرایط، آداب و مراتب آن (که در پاسخ سؤالات بعدی مفصل توضیح خواهد آمد) و با شناخت دقیق موضوع، موقعیت جامعه، روحیات افراد، تفکیک امور حرام از غیر حرام و... . ۲ـ تدوین و تصویب قوانین متقن، استوار و جامع. ۳ـ وجود تشکیلات قوی جهت قوانین مزبور. ۴ـ اهتمام کلیه مجموعه‌های فرهنگی کشور و مسئولین آن مراکز در ایجاد و تقویت فرهنگ دینی و جلوگیری از نفوذ فرهنگ ابتذال و بیگانه، که صدا و سیما، رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی در این زمینه وظیفه سنگین‌تری دارند. ۵ـ برخود قاطع قوه قضائیه با مروجین فرهنگ بیگانه و اعمال خلاف قانون. ۶ـ ارائه جایگزین‌های مجاز برای تفریح و تنوع در زندگی جوانان. بنابر این، باید به این نکته توجه داشت که علاوه بر وظیفه عمومی (بند ۱) عمده مسؤولیت بر دوش مسئولین اجرائی، قانونگذاری و دستگاه قضایی کشور

است که چنانچه در جامعه شاهد بعض مظاهر فساد هستیم نشانه آن است که درست به وظایفمان عمل نمی‌کنیم.

علت اصـلی روی آوردن جوانان روشن فکر کشور عزیز ما به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ غنی اسلامی و نخواندن نماز و فرائض دینی را انجام ندادن و نسـبت به دین و مسؤلین نظام بدبین بودن چیست. و چرا باید این تازه میوه های رسیده کشور ما در دست دشمن قسم خورده بیفتد و فاسد ش

پرسش

علت اصلی روی آوردن جوانان روشن فکر کشور عزیز ما به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ غنی اسلامی و نخواندن نماز و فرائض دینی را انجام ندادن و نسبت به دین و مسؤلین نظام بدبین بودن چیست. و چرا باید این تازه میوه های رسیده کشور ما در دست دشمن قسم خورده بیفتد و فاسد شود و از دست برود و چرا به فکر این نسل بعد از انقلاب کسی نیست.

پاسخ

اثبات اصل این موضوع یعنی وجود دین گریزی و یا دین ستیزی در جامعه کنونی ما نیازمند ارائه تحقیقات دقیق میدانی و پژوهش های آماری با ذکر مصادیق و نمادهای دین گریزی و میزان آن در جامعه است؛ زیرا افراد بسیاری وجود دارند که در ظاهرشان حرکت ها و اعمالی مغایر با ارزش ها و آموزه های دینی مشاهده می شود، ولی اگر به صورت عمیق تر به بررسی سایر رفتارهای آنها بپردازیم مشخص می شود که همان افراد، در بسیاری از اعمال و رفتار خویش پای بند، مقید و معتقد به دین می باشند. از این رو به نظر می رسد دین گریزی مطلق – که افراد به طور کامل هیچ گونه پای بندی به دین نداشته باشند – در جامعه ما بسیار محدود است، لذا به سادگی نمی توان گفت، نسل امروز جامعه ما دین گریز و احیانا دین ستیز هستند. اینان نسبت به واقعیات موجود جامعه، دیدگاه‌های متفاوتی دارند و چه بسا بخشی از آن دیدگاه‌ها و نارضایتی‌ها، وارد باشد؛ ولی ممکن است، بعضی از افراد جامعه و جوانان با توجه به شرایط محیطی و خانوادگی، از نارضایتی بیشتری برخوردار باشند و بعضی از نارسایی‌ها را ناشی از قوانین دینی بدانند و در نتیجه اشکالات خویش را متوجه دین بکنند. البته کارآمدی دین بحثی است و کارآمدی برخی از مدیران بحث دیگر. اتفاقا در گفت‌وگو با این قبیل افراد، غالبا تصریح می‌کنند که اشکالات آنان نه به اصل دین؛ بلکه به مدیران و کارگزاران بر می‌گردد. بنابراین، بی‌تردید می‌توان گفت: جوانان کشور از بهترین جوانان از حیث سلامت فکری، روحی و دینی می‌باشند البته سرمایه‌گذاری کلان دشمنان دین و کشور، برای تسخیر این دژ مستحکم و انحراف جوانان، خطری بزرگ است؛ که باید نسبت به آن هوشیار بود. به هر حال، دین‌گریزی_ هر چند در حد خیلی ضعیف _عوامل متعددی دارد؛ از جمله: ۱. تبلیغات سوء دشمنان و ایجاد و القای شبهه درباره دین، ۲. روش‌های نادرست در آموزش دینی در دوران کودکی و نوجوانی، ۳. ضعف و سستی بنیان‌های دینی در خانواده، ۴. گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی، ۵. ضعف بینش و نداشتن آگاهی درست از ماهیت دین و نقش و کارکرد آن در تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان. ۶. ناکارآمدی برخی از مدیران جامعه در اجرای برنامه‌های اعلام شده حکومت دینی، در نتیجه، بی‌پاسخ ماندن نیازهای اولیه اجتماعی جوانان (ازدواج، اشتغال، مسکن و...)، ۷. عدم توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها در برخی از ادارات و دستگاه‌های کشور، ۸. درگیری برخی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی برای کسب قدرت سیاسی و در نتیجه، ایجاد یأس و ناامیدی جوانان برای نیل به خواسته‌های مشروع خویش. برای مبارزه با دین‌گریزی باید پس از بررسی همه جانبه علل و عوامل آن، راه‌کارهای مناسب را برگزید. آنچه در جامعه امروز ما بسیار مهم

است، ایجاد موجی سهم‌گین و توفنده در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان و ارایه چهره زیبای دین و زدودن غبار خرافات و کژاندیشی‌هاست، در این صورت دین با جذابیت فوق‌العاده‌ای که دارد، با توان‌مندی جوانان را به سوی خود فرا می‌کشاند. از طرف دیگر شدیدا باید مواظب خطر دگرگونی در هویت فرهنگی و گرایش‌های نسل جوان بود. یکی از خطرات جدی فرهنگ مهاجم غرب این است که جوانان را چنان به سوی تمایلات شهوانی و آزادی‌های جنسی سوق دهد که اساسا گرایش به دین و دیانت در آنان رنگ بازد و دیگر برای آنان حق و باطل چندان اهمیتی نداشته باشد. به هر حال، جوانی، از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی به بشر است و مثل هر نعمت خداداد دیگر، باید از آن استفاده‌ای بهینه کرد. جوانان، گران‌بهاترین سرمایه‌های کشورها به هنگام جنگ و صلح بوده و به عنوان سربازان و مدیران بالقوه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و... به شمار می‌آیند. بنابراین، باید با برنامه‌ریزی دقیق، موانع پیش‌روی نسل حاضر (عوامل دینگریزی پیش گفته) را زدود و برای مشکلات آنان، راه‌کارهای عملی ارائه کرد. در رابطه با بدبینی به دین و مسئولین نظام باید گفت هر چند این موضوع به هیچ وجه عمومیت و کلیت نداشته و نه همه مردم از نظام اسلامی و مسئولین زده شده اند و نه این بدبینی نسبت به کل نظام و همه مسؤولان آن وجود دارد و این واقعیت را مردم آگاه و انقلابی ما به کرات در راهپیمایی ها, انتخابات و حضور گسترده در مواقع نیاز, به اثبات رسانیده اند, اما متأسفانه به علت پاره ای از مشکلات و معضلات و مفاسد اداری و... که در بدنه اجرایی نظام وجود دارد شاهد وجود نوعی بدبینی و نارضایتی از برخی رفتارها و عملکردهای مسؤولان خصوصا "در رده های پایین اجرایی از سوی مردم عزیزمان می باشیم . در ریشه یابی علل و عوامل ایجاد این موضوع می توان آن را در دو بخش مورد بررسی قرار داد. الف) بدبینی و نارضایتی از برخی مسؤولان غیرروحانی : که مطالب ارائه شده در پاسخ سؤال اول تا حد زیادی گویای علل و عوامل آن می باشد. ب) بدبینی و نارضایتی از برخی مسؤولان روحانی : که در این قسمت می توان به چند مطلب اشاره کرد: ۱. عملکرد و رفتار تعداد محدودی از افراد روحانی که در دستگاه ها و نهادهای دولتی و حکومتی اشتغال دارند موجب پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده ی مردم گشته و این امر موجبات بدبینی به تمامی روحانیت را فراهم آورده و باعث شد که بسیاری از خدمات افراد صادق و دلسوز با تقوا نیز تحت الشعاع قرار گرفته و مورد غفلت واقع شود. ۲. برخی افراط و تفریط, رفتارها و برخوردهای ناصحیح در بیان احکام شرع و... موجبات بدبینی عده ای از افراد را فراهم آورده است . ۳. اختلافات جناحی و سلیقه ای در مسائل اقتصادی , سیاسی , اجتماعی و... باعث افت جایگاه و منزلت روحانیت در دیدگاه مردم شده است . ۴. از دیگر علل آن , حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات , عدم اجرای ارزش های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی , مبارزه با مظاهر فساد و...) و تحلیل نادرست مردم (یعنی مشکلات را همواره از چشم روحانیت دیدن) است . ۵. تغییر ارزشهای جامعه یکی دیگر از عوامل بروز این مشکل است . گفتنی است پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی کشور, مدلی برای توسعه ی اقتصادی و اجتماعی در پیش گرفته شد که موجب بروز تضادها و تغییر ارزشهای جامعه به سوی ارزش های مادی , تجمل پرستی , مدرک گرایی و... شد. نتیجه ی طبیعی آن تغییر دیدگاه جامعه نسبت به روحانیان که مدافع ارزش های اسلامی اند – شد. ۶. تهاجم شدید و گسترده ی فرهنگی غرب علیه ارزشهای اسلامی با استفاده از تمامی امکانات نرم افزاری و سخت افزاری , تکنولوژی های پیشرفته , عناصر وابسته داخلی و مطبوعات وابسته و... برای ضربه زدن به مهمترین رکن انقلاب اسلامی یعنی ولایت فقیه و حوزه های علمیه و روحانیت با ناکارآمد خواندن مدیریت فقهی و فراهم آوردن موجبات بدبینی مردم نسبت به این گروه . ۷. به فرموده ی امام علی (ع) (من ملک استأثر) قدرت در دست هر کسی باشد مردم به طور طبیعی از آنها فاصله می گیرند. ۸. انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از روحانیت داشتن چه در حل مشکلات در زمینه های گوناگون , و چه در شیوه های سلوک فردی و اجتماعی. ۹. تعمیم نادرست اشکالات مشاهده شده از پاره ای عناصر به مجموعه و تمامی روحانیت چنانچه اگر شخصی از یک فردث روحانی خطایی ببیند فریاد می زند که کل روحانیت منحرف گشته است . مجموعه عوامل فوق و عواملی از این قبیل موجبات بدبینی برخی از افراد

جامعه را که دارای قوه تحلیل و شناخت کامل نبوده و یا این که از بسیاری از مشکلات مانند تبعیض , فساد, معضلات اجتماعی , بیکاری به ستوه آمده بودند را, فراهم آورد. اما در مورد راهکارهای حل این معضل , هم می توان آنها را به دو بخش تقسیم نمود: الف . راهکارهایی که خود سازمان روحانیت باید انجام دهد از قبیل , دقت در گزینش ها خصوصا "افراد روحانی که در دستگاههای دولتی و نهادهای حکومتی مشغول به کار هستند یا می شوند و نظارت دقیق بر اعمال آنان و برخورد با افراد خاطی پرهیز از اختلافات جناحی و تفرقه و... ب . اقداماتی که در جامعه باید انجام بگیرد مانند بالا- بردن درک و شناخت مردم و شناساندن علل و عوامل مشکلات اقتصادی و اجتماعی , توطئه های دشمنان در تضعیف روحانیت و... از طریق ارائه برنامه های فرهنگی دقیق و کارشناسانه به وسیله مطبوعات و رسانه های ملی و... و یادآوری و تبیین دستاوردهای با ارزش و مفیدی که در کشور ما به برکت رهبری روحانیت حاصل شده در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و زمان قبل از انقلاب . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱. علی ذو علم , انقلاب و ارزشها ۲. امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, روحانیت , اجتهاد و دولت ۳. فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد

مقابله باتهاجم فرهنگی

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب , آینده کشور را چگونه پیش بینی می کنید؟

پرسش

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب , آینده کشور را چگونه پیش بینی می کنید؟

پاسخ

}آینده جامعه ما به خط مشی فکری و عملی امروز جامعه ما بستگی دارد: ان اللّه لا-یغیر ما بقوم حتی یغیر و امابانفسهم . اگر جامعه‌ای اسیر شهوات نفسانی و لذایذ مادی شد، روشن است که سرنوشتی جز اضمحلال مادی و معنوینخواهد داشت؛ ولی اگر ارزش‌ها و معیارهای الهی و انسانی محور باشد، در این صورت جامعه رو به کمال خواهدرفت. در حال حاضر با وجود برخی گرایش‌های دنیاطلبانه، نبایستی از آینده ناامید بود؛ چرا که شعله‌های پرفروغی ازایمان و ارزش نیز در جامعه به چشم می‌خورد که نور امید را در دل‌ها زنده نگاه می‌دارد. وجود جوانانی همانند شما - که به حمداللّه اندک هم نیستند - و خانواده‌هایی که چنین فرزندانی را پرورشمی‌دهند، برهان روشنی بر این مدعا است. در هر صورت آینده در گرو امروز و فعالیتی است که در جهت تحقق اهدافالهی و آرمان‌های انسانی صورت می گیرد. در جامعه ما با وجود زمینه‌های غنی فرهنگی و الگوهای لازم در این زمینه، امیدهای فراوانی برای این سیر وجوددارد: ولا تیأسوا من روح اللّه . احساسات پاک و علایق دینی شما بسیار ارزنده و مهمترین رکن بالندگی و رشد و کمال معنوی است. با اخلاص واعتقاد راسخی که در وجود شما عزیزان می‌باشد خداوند همواره یاور و دستگیرتان خواهد بود. برای این که بهنیکوترین شکلی در حساس‌ترین و ارزنده‌ترین دوران حیات خویش بتوانید گل زیبای فطرت را شکوفا ساخته و هر چهبیشتر آن را بارور سازید باید با عزمی قاطع و اراده‌ای استوار و برنامه‌ای منظم و حساب شده به پیش روید و لحظه‌ایدرنگ نورزید. در این راستا در دو زمینه باید خود را رشد دهید: ۱) رشد علمی و فکری: در این زمینه باید به جهادی علمی بپردازید وبا برنامه‌ریزی دقیق برای خود سیرمطالعاتی منظمی ترتیب داده و از هر فرصت ممکن در این راستا بهره جویید. در

مرحله اول - بویژه در تعطیلاتتابستان - سری ۷ جلدی «مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی» استاد مطهری راتوصیه می‌نماییم. آنها را دوبار مطالعهنموده و خلاصه برداری نمایید. پس از اتمام این برنامه نتیجه را گزارش نمایید تا مراحل بعدی اعلام گردد. ۲) در بعد عملی: اولین گام انجام واجبات و ترک محرمات است. در این زمینه دو جزوه خدمتتان ارسالمی گردد. در عمل به روش‌های ذکر شده در آنها بسیار جدی باشید و در صورت مخالفت خود را تنبیه نمایید. درجدولی همه روزه برنامه‌های انجام شده و خدای نخواسته خلاف‌هایی که مرتکب شده‌اید را ثبت کنید و بلافاصلهتصمیم به از بین بردن آنها با روش‌های ذکر شده بگیرید. نتیجه و میزان موفقیت هر یک از آنها را ثبت کنید و در پایانبرای ما ارسال دارید. از خداوند بزرگ توفیقات روز افزونتان را خواستاریم و امید آن داریم که همواره تحت عنایاتحضرت ولی عصر(عج) باشید. هم‌چنین کتاب‌های «نامه‌ها و برنامه‌ها» و «در آسمان معرفت» از علامه حسن‌زاده آملی را بخوانید.}

چرا جوانان از روحانیون و انقلاب فاصله می گیرند؟ چه باید کرد؟

پرسش

چرا جوانان از روحانیون و انقلاب فاصله می گیرند؟ چه باید کرد؟

پاسخ

متأسفانه به رغم وجود ارزش‌های والای انسانی و غنای مسائل فرهنگی و معنوی در جامعه ما، نسل اوّل انقلاب، دستگاه‌های فرهنگی و... در انتقال این ارزش‌ها به نسل دوم و سوم انقلاب و حتی تعمیق آنها برای خودِ نسل اول انقلاب، سهل‌انگاری و متأسفانه علیرغم هشدارهاو توصیه‌های شدید مقام معظم رهبری و بزرگان حوزه به مسؤولان نسبت به اوضاع وخیم و اسفناک فرهنگی جامعه و روند تغییر ارزش‌های اسلامی که جلوه‌های بارز آن در برخی تولیدات و محصولات هنری و سینمایی به وضوح قابل مشاهده می‌باشد و برخی اقدامات صورت گرفتهدر این خصوص مانند استعفای وزیر پیشین وزارت ارشاد، جلوگیری از پخش و اکران برخی فیلم‌ها و...، همچنان ما شاهد گسترش این روند در جامعه می‌باشیم که این خود نیازمند بررسی و شناخت دقیق عوامل و زمینه‌های به وجود آورنده آن و ارائه راه‌کارهای اصولی و مناسبمی‌باشد. در هر صورت آنچه در پاسخ این سؤال می‌توان گفت این است که برخی از این قبیل معضلات مربوط به عملکرد دستگاه‌های فرهنگی نظام می‌باشد. وزارت ارشاد بود و برخی به صدا و سیما. در مورد اقدامات مربوط به وزارت ارشاد باید گفت که متأسفانه عملکرد این وزارت خانه ـ خصوصا در سال‌های اخیر ـ به هیچ وجه مطلوب نبوده و مقام معظم رهبری به کرّات نارضایتی خود را از آن اعلام نموده‌اند که منجر به تعویض وزیر آن وزارتخانه گردید. ایشان در ۲۴آذر ۷۸ در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «... سؤال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت فکری اسلامی و انقلاب ساخته است؟ الان مرتب در سالن‌های وابسته به ارشاد نمایش داده می‌شود، بعضی‌هاصد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می‌ساختند که این مبلّغ اسلام است، من اعتراض نمی‌کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است فاسدترین رمان‌هاالان منتشر می‌شود و...». اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته‌اند. ایشان در این باره فرمودند: «... من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار یا کم‌تر، اعتراض می‌کنم و پیغام

تند می‌دهم؛ اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده است. برنامه‌هایهنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد...»،ولی در هر صورت کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه‌ها خالی از عیب و نقص نمی‌باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش‌های جامعه و وظایف سنگینیکه این رسانه ملی خصوصا بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش‌های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه‌های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومتاسلامی باشد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان‌سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می‌باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می‌توان گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می‌باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده‌هو مخاطبین آن می‌باشد. کم‌کاری‌هایی داشته‌اند که، انضمام، جماعت فاصله گرفتن تدریجی برخی از جوانان از ارزش‌های اسلامی شده است. بعضی از این عوامل عبارت است از: ۱. مشکلات پس از انقلاب (مانند جنگ و توجّه به مسائل امنیتی و دفاعی و...) که نتیجه طبیعی آن فقدان برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی شده برای نهادینه سازی و تثبیت ارزش‌ها و معارف اسلامی است. ۲. تغییر هنجارهای اجتماعی از ارزش‌های دینی و معنوی به ارزش‌های مادی و سودگرایی، در اثر بعضی از اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه، باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش‌های اسلامی گردیده است. ۳. عملکرد منفی و نامطلوب بعضی از دستگاه‌های فرهنگی در سال‌های اخیر و میدان دادن به افراد و عناصری که غیر معتقد به نظام اسلامی و ترویج فرهنگ غربی از سوی آنان. ۴. پاره‌ای برخوردهای نسنجیده و نامطلوب و یا همراه با زیاده‌روی و افراط توسط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری‌ها و منکرات جامعه. ۵. کم‌کاری‌برخی‌از افرادمذهبی در نشان‌دادن چهره واقعی و محبت‌آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده در عمل. ۶. کم‌کاری نیروها و دستگاه‌های انقلابی، در تولید برنامه‌های سالم، جذّاب و مفیدی که بتواند اوقات فراغت جوانان را پر کند و آنان را از توجّه به برنامه‌های ضد اخلاقی و فاسد فرهنگ بیگانه باز دارد. ۷. تهاجم فرهنگی غرب در جهت بی هویت کردن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی مردم، ایجاد شکاف میان نسل جوان و مسؤولان حکومتی و ایجاد تردید نسبت به کارآیی مدیریت فقهی، شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژیو... ۸. پیروی از امیال و هواهای نفسانی که ناشی از عوامل محیطی، تربیت ناصحیح با بی اعتنایی، به ارزش‌های معنوی و... است. این مشکل ناشی از اراده و اختیار خود انسان است. خداوند می‌فرماید: انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اماکفورا ، (انسان، آیه ۳). متأسفانه بسیاری از افراد تحت تأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش‌های نفسانی، راه ضلالت و گمراهی را بر می‌گزینند. قرآن در این زمینه فرموده است: لقد خلقنا الانسان فیاحسن تقویم * ثم رددناه اسفل سافلین ، (تین، آیه ۴ و ۵). متأسفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوانان از ارزش‌ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجد شده است. هر چندمردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصیتهای روحانی مانند حضرت امام و مقام معظم رهبری و بسیاری از شخصیت‌های دیگر که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زندگی کاملاً ساده و در سطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده‌اند،دارند. ۹. تأثیرگذاری جریانات التقاطی و یا روشنفکری وابسته و سکولار در داخل کشور در جهت ایجاد بدبینی نسبت به اسلام و روحانیت. جدایی عده‌ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، از جمله: ۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان در دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است. ۲. برخی از رفتارها و برخوردهای ناصحیح و مخالف شرع در بیان احکام شرعی، موجبات بدبینی عده‌ای از افراد ـ خصوصا جوانان ـ را فراهم آورده است، حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب بارها خطر این گونه افراد را متذکر شده و در این خصوص می‌فرمایند: «معنایتحجر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به

ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملّت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظهاست، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۳/۱۳۷۶). ۳. اختلافات جناحی و سلیقهای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است. ۴. حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزشهای اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشمروحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند. مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت پرداختهاند. اما برای مقابله با این روند، کارها واقدامات متعددی انجام شده که آنها را میتوان در دو بعد، مورد بررسی قرار داد. الف) اقدامات نظری و اندیشهای: ۱- تقویت و تثبیت ارزشهای اسلامی و ایمان مذهبی و ترسیم چهره واقعی و محبتآمیز اسلام از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و سخنرانیهای مفید وپرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و ادارات برگزاری و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح شهرها خصوصا دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است. ۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوهای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشتهاند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی ازانحرافات اخلاقی و اعتیاد و بالا بردن درک و شناخت و قدرت تحلیل جوانان و شناساندن عوامل مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماع

بهترین مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

بهترین مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب در گرو رعایت اموری است که ذیلاً به آن اشاره میشود: ۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت: قرآن مجید دو عامل اصلی را از اسباب گمراهی و انحراف عمومی میداند: یکی دور شدن از ذکر خدا؛ یعنی فراموش کردن معنویت و دیگری شهوترانی و دنیاطلبی است آن جا که میفرماید": فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاة واتبعوا الشهوات("۱) دشمن نیز با علم به این موضوع در یان دو محور سرمایه گذاری میکند برای مقابله با دسیسه شیطانی دشمن باید جوانان را مسلح به ایمان و معنویت کرد. مقام معظم رهبری میفرماید: چیزی که به یک نظام قدرت میدهد بمب اتمی نیست قدرت نظامی اسلامی که آمریکا و شوروی سابق و بقیه قدرتهای ریز و درشت عالم تا امروز نتوانستهاند و نخواهند توانست با آن مقابله کنند، قدرت ایمان نیروهای حزب اللّه است.(۲) ۲- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر: با نظارت عمومی و مراقبت دستگاههای مربوطه فساد و تباهی از جامعه ریشه کن میشود. بر این اساس اسلام امر به معروف و نهی از منکر را در کنار نماز و روزه واجب

کردهاست تا جایی که علی(ع) می‌فرماید": و ما اعمال البرکلها و الجهاد فی سبیل اللّه عندالامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثهٔ فی بحر لجّیّ؛(۳) امر به معروف و نهی از منکر در مقیاس وسیع و عمومی حتی از جهاد بالاتر است کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون دمیدنی است به دریایی پرموج پهناور. "۳- بها دادن به امور فرهنگی: از آن جا که دشمن با ابزار فرهنگی مبارزه می کند برای خنثی ساختن آن باید با همان ابزار مانند فیلم و عکس و رسانه‌های جمعی وارد میدان شد، از این رو رسالت مبلغان و صدا و سیما و مطبوعات و مؤسسات فرهنگی بسیار مهم و تعیین کننده است. ۴- توجه ویژه به جوانان: مقام معظم رهبری خطاب به جوانان می‌فرماید: واضح است که شما در خط مقدم تهاجم فرهنگی هستید و من این را قبول دارم، چون تهاجم فرهنگی به مقصود بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می گیرد. هم بی اعتقاد کردن به دین، هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی.(۴) با مسئولیت دادن جوانان و درک صحیح از خواسته‌های آن‌ها و رفع نیازهای مشروع و ارتقای سطح آگاهی جوانان می‌توان این نسل پر طراوت را در برابر تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم ساخت. ۵- خودباوری مردم و مسئولین: تهاجم فرهنگی دشمن به منظور سست کردن اراده مردم و خودباختگی آن‌ها صورت می گیرد. برای مقابله با آن باید جوانان را باور کنیم و به نیروهای متخصص و متعهد خود اعتماد داشته باشیم تا با ابتکار و خلاقیت رشته‌های وابستگی را در بخش اقتصادی بگسلند. امام خمینی می‌فرماید": اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان بر اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است. شما اگر چنانچه باورتان باشد که نمی‌توانید صنعت بکنید و نمی‌توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است، خودتان آن‌ها را درست بکنید تا این باور هست نمی‌توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید. اوّل باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم.("۵) پی نوشت‌ها: ۱. مریم، آیه ۵۹. ۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۷۹. ۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۳۷۴. ۴. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۴۰۲. ۵. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۳ و ۱۹۴.

در دیگر کشورهای اسلامی یکتاپرستی چگونه روالی را طی می کند؟ و آیا آن ها نیز دچارمشکلات دامنگیری چون تهاجم فرهنگی می باشند در صورت مطلع بودن راه های مقابله این ملل را بامشکلات شرح دهید؟

پرسش

در دیگر کشورهای اسلامی یکتاپرستی چگونه روالی را طی می کند؟ و آیا آن ها نیز دچارمشکلات دامنگیری چون تهاجم فرهنگی می باشند در صورت مطلع بودن راه های مقابله این ملل را بامشکلات شرح دهید؟

پاسخ

مسلمانان در سایر کشورها نیز گرفتار مشکلات هستند تهاجم فرهنگی لاابالی گری بی بند و باری و آزادی در معاشرت و اختلاط مدارس آنها را ویران ساخته است . گر چه امروزه مسلمین تا حدودی بیدارشده اند و به مقابله پرداخته اند, ولی حکومت آن ها زیرسلطه ابرقدرت ها است آنها باید با داخل و خارج مبارزه کنند تا از چنگال آن ها نجات پیدا کنند.

وقتی نمی‌توانیم جلوی ابتذال در دانشگاهها را بگیریم چگونه با ابتذال عمومی در نقاط مختلف مبارزه کنیم؟

پرسش

وقتی نمی‌توانیم جلوی ابتذال در دانشگاهها را بگیریم چگونه با ابتذال عمومی در نقاط مختلف مبارزه کنیم؟

پاسخ

مبارزه با ابتذال و هجوم در دانشگاه جدا از مبارزه با شبیخون فرهنگی در جامعه نیست، البته تفاوتهای اندکی که در این زمینه وجود دارد نباید با این حال باید توجه داشته باشید که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق حکومت جمهوری اسلامی اقدامات چشم گیری نیز در این راستا صورت گرفته است که در ذیل به آن اشاره می‌شود: ۱. ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در برنامه‌های صدا و سیما و افزایش برنامه‌های سازنده و معنوی. ۲. اجرا و تقویت برنامه‌های دینی و تربیتی در مدارس، دانشگاهها، ادارات و ... مانند طرح نماز و ... ۳. کنترل مرزها و جلوگیری از ورود مواد مخدر و ابزارها و وسایل فساد انگیز. ۴. کشف شبکه‌های گسترش فساد و انهدام آنها. ۵. ارایه آموزشهایی در سطح مدیران مدارس جهت آشنایی با شیوه‌های تهاجم فرهنگی در مدارس و راه‌های مقابله با آنها. ۶. ایجاد ممنوعیت و محدودیت استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای. کوشش‌های مذکور و اقدامات دیگری که در سطح وسیعی انجام گردیده و با توجه به گستردگی بسیار بالای توطئهٔ دشمنان، نتایج درخشانی نیز به بار آمده ولی هرگز نباید پنداشت که این امور کافی است و با این تلاش‌ها توطئه تهاجم فرهنگی ریشه کن می‌شود.بلکه هر یک از عوامل فوق تأثیری در حد و در زمینه خاصی دارد و بدون همکاری جدی و بی‌وقفه مردم و مسؤلین مصونیت از گزند تهاجم فرهنگی و رواج ابتذال ممکن نیست.
برگرفته از:ww. Nakad. net

چنانچه موجی به داخل جامعه ای را ه یافت ، مقابله با آن چگونه خواهد بود ؟ آن را نفی کنیم و مقاومت کنیم یا این که جامعه را با آن به نحوی سازگار کنیم که خطر ابتذال فرهنگی بیشتر نشود ؟

پرسش

چنانچه موجی به داخل جامعه ای را ه یافت ، مقابله با آن چگونه خواهد بود ؟ آن را نفی کنیم و مقاومت کنیم یا این که جامعه را با آن به نحوی سازگار کنیم که خطر ابتذال فرهنگی بیشتر نشود ؟

پاسخ

از ظاهر سؤال شما اینگونه بر می آید که منظور جنابعالی از نفوذ موج به داخل جامعه ، موج فرهنگی را منظور نظر داشته اید در پاسخ به این پرسش باید گفت : امواج فرهنگی بر دو قسمند : ۱- امواج فرهنگی مثبت و سازنده ۲- امواج فرهنگی منفی و مخرب امواج فرهنگی حرکت آفرین و پیش برنده جامعه ، ریشه در اصالتهای اسلامی و ارزشهای انسانی دارد . بطور مثال موج فرهنگی بیداری دینی و بازگشت به هویت اسلامی و موج حمایت و دفاع از ارزشهای ملی و انقلابی در جریان جنگ تحمیلی ، یک موج اصیل و یک حرکت رو به جلو بود که رهبری آن را امام راحل و روحانیت بیدار بر عهده داشتند . ولی امواج فرهنگی مخرب ریشه در فرهنگ وارداتی و ضد ارزشها دارد که سردمدار آن استکبار جهانی است و شعار اصلی آنان لیبرالیسم و سکولاریسم می‌باشد .

طبیعی است که هر انسان خردمند و هر جامعه بیداری در قبال چنین فرهنگی مقاومت و ایستادگی می کند . البته این سخن به این معنا نیست که اگر احیاناً جنبه های مثبتی در فرهنگ دیگران مشاهده می‌شود آن را نادیده گرفته و نفی کنیم اساساً در مقوله‌های فرهنگی و روابط فرهنگی بین المللی دو مبحث خودنمایی می کند : - تبادل فرهنگی - تهاجم فرهنگی رهبر معظم انقلاب در این خصوص چنین می فرمایند : و دلنشین و خوب و سازنده و مورد علاقه را می گیرد . ملت فراگیرنده ، نقاط درست و چیزهایی که فرهنگ اورا کامل می کند تعلیم می گیرد . تبادل فرهنگی از طرف ماست ولی تهاجم فرهنگی از طرف دشمن است . تا فرهنگ خودی را ریشه کن کند . تبادل فرهنگی خوب است ولی تهاجم فرهنگی بد است . تبادل فرهنگی هنگام قوت و توانایی یک ملت انجام می گیرد ، ولی تهاجم فرهنگی درروزگارضعف یک ملت به وقوع می پیوندد . استفاده از فرهنگ دیگران انسان را تکمیل می کند . اما فرق است بین اینکه انسان یک داروی مقوی یا یک غذای مقوی را برود با معرفت و بیدرای و هوشیاری از بین صد قلم دارو و غذا انتخاب کند یا دارو و غذایی را به او تحمیل کنند که به ضرر او هم باشد. تا آخر دوران پهلوی فرهنگ بیگانه را به این ملت تزریق کردند .اخذ فرهنگ بیگانه در گذشته به عنوان تکمیل نبود بلکه غرق شدن و مفعول فرهنگ بیگانه قرار گرفتن بود که ارزشی نداشت. اگر انسان برود با اختیار خودش انتخاب بکند، صحیح است. الان در فرهنگ غرب انصافاً یک عناصر خوبی وجود دارد که برای ما حیاتی است و ما باید آنها را یاد بگیریم ، چیزهای خوب زیادی دارند ، اگر این چیزهای خوب نبود که غرب به اینجا نمی رسید . این همه فسادی که غرب دارد باید غرب را اصلاً مضمحل می کرد و مثل دود به هوا می برد . علت اینکه دود نشدند و نرفتند هوا، این است که عناصر واقعاً حسابی در کار اینها بوده ، اینها آدمهای منظمی هستند ، آدمهای پرکاری اند در تلاشهاشان خستگی ناپذیرند و از همین روی عناصر مثبت و مطلوب فرهنگ اینها را باید گرفت و استفاده کرد . وقتی اروپائیها تهاجم فرهنگی را به کشورما شروع کردند روحیه وقت شناسی ، شجاعت ، خطرکردن در مسائل ، تجسس و کنجکاوی علمی را برای ما نیاوردند ، نخواستند تا با تعلیمات و تبلیغات و پیگیری ، ملت ایران یک ملت دارای وجدان کار وجدان علمی بشود . آنها فقط بی بندوباری جنسی را وارد کشور ما کردند .» نقش نخبگان جامعه و اندیشمندان آن همچون نقش یک فیلتر است اگر فرهنگ دیگران بشکل صحیح پالایش شود نه تنها مضر نیست بلکه نقشی سازنده نیز ایفا خواهد کرد ولی تن دادن به فرهنگ دیگران بدون درنظر داشتن جنبه های منفی و مخرب آن امری ناپسند و مذموم است که باید در برابر آن مقاومت و ایستادگی کرد . ایستادگی به این معناست که آگاهی دینی و بینش سیاسی و هوشیاری انقلابی جامعه روز به روزافزایش یابد . نقش فرهیختگان و اندیشمندان در این زمینه یک نقش پیشرو و پیش برنده است . هر چه به آگاهی جامعه افزوده شود مصونیت او در تبادل فرهنگ بیگانه بیشتر خواهد بود

وظیفهٔ ما در قبال فساد فرهنگی که در جامعه حاکم است چه می باشد؟

پرسش

وظیفهٔ ما در قبال فساد فرهنگی که در جامعه حاکم است چه می باشد؟

پاسخ

در قبال فساد فرهنگی که معمولاً آثار تهاجم فرهنگی دشمن است، ضمن اینکه باید خود را حفظ نمود و به تقویت باورها و

اعتقادات خویش پرداخت و با عمل صالح رابطهٔ خویش را با آن باورها مستحکم نمود، باید به مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن پرداخت که نیاز به برنامه‌ریزی دقیق است. در بحث تهاجم فرهنگی به تعبیر رهبر انقلاب باید یک کار ویژه انجام شود، که نکاتی را باید دقت نمود: الف. الگوهای فرهنگی، که جهت زندگی مردم را تغییر می دهند. ب. نظام فرهنگی، اگر نظام فرهنگی همهٔ مناسبات اجتماعی و سیاسی را احاطه نکند، عواملی به اقتضای شرایط هدایت جامعه را به دست می گیرد. ج. کار فرهنگی، به معنی هدایت عمومی جامعه در کشور ما کمتر توجه شده است. د. همانند سازی و پالایش جامعه باید در حوزهٔ فرهنگ صورت گیرد. حالا با توجه به نکات بالا در مقابله با تهاجم در دید کلی باید مراحل زیر را طی نمود: ۱. شناسائی سازمانهای حمله کننده، که در قدم اول باید سازمانها و مراکزی که کار حمله فرهنگی را شکل می دهند شناسائی کرد و از کیفیت حمله آنان مطلع شد. ۲. تشخیص کار فرهنگی، انسان اگر کارشناس مسائل فرهنگی نباشد، یقیناً نمی‌تواند فعالیت مضر دشمنان را تشخیص دهد، لذا برای شناسائی تهاجم فرهنگی دشمن باید با کار فرهنگی آشنا بود. کار سلبی و ایجابی، مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند: "کار سلبی مقابله با آنها و جلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب ـ منبر خوب ـ موعظهٔ مردم و توجیه فکری آنها، این روزنامه‌های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسؤولان که مرتب در این جا و آنجا در مسجدها و پشت تریبونها و این شهر و آن شهر حرف می زنند، حرف اصلیشان این باشد "و نهایتاً در این رابطه کلام رهبر بزرگوار انقلاب در پاسخ به سؤال از نحوهٔ پاسخگویی به تهاجم فرهنگی را می آوریم": نبرد فرهنگی را با مقابلهٔ به مثل می شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد، تفنگ او، قلم است، این را می گوئیم تا مسؤولان فرهنگ کشور و کارگزاران فرهنگی در هر سطحی و فرهنگیان □□...□احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شمایید ـ رادیو، تلوزیون، مدارس، وزارت ارشاد، روزنامه‌ها، مجلات و کلاً مجموعه بنای فرهنگی کشور، مسؤولیت دارند "با همهٔ نکاتی که تذکر داده شد نمی‌توان انکار نمود که هیچ عاملی در اصلاح فرهنگی جامعه و مقابله با تهاجم بیگانگان به نیرومندی عامل امر به معروف نیست که می باید با قوت به وسلیهٔ دولت و قوای اجرایی ملت احیا شود.

راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ (راهی که با توجه به شرایط کنونی عملی باشد)

پرسش

راه عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟ (راهی که با توجه به شرایط کنونی عملی باشد)

پاسخ

در بحث تهاجم فرهنگی به تعبیر رهبر انقلاب باید یک کار ویژه انجام شود، که نکاتی را باید دقت نمود: الف. الگوهای فرهنگی، که جهت زندگی مردم را تغییر می دهند. ب. نظام فرهنگی، اگر نظام فرهنگی همهٔ مناسبات اجتماعی و سیاسی را احاطه نکند، عواملی به اقتضای شرایط هدایت جامعه را به دست می گیرد. ج. کار فرهنگی، به معنی هدایت عمومی جامعه در کشور ما کمتر توجه شده است. د. همانند سازی و پالایش جامعه باید در حوزهٔ فرهنگ صورت گیرد. حالا ـ با توجه به نکات بالا در مقابله با تهاجم در دید کلی باید مراحل زیر را طی نمود: ۱. شناسائی سازمانهای حمله کننده، که در قدم اول باید سازمانها و مراکزی که کار حمله فرهنگی را شکل می دهند شناسائی کرد و از کیفیت حمله آنان مطلع شد. ۲. تشخیص کار فرهنگی، انسان اگر کارشناس

مسائل فرهنگی نباشد، یقیناً نمی‌تواند فعالیت مضر دشمنان را تشخیص دهد، لذا برای شناسائی تهاجم فرهنگی دشمن باید با کار فرهنگی آشنا بود. ۳. کار سلبی و ایجابی، مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند": کار سلبی مقابله با آنها و جلوگیری از توطئه آنها است، کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است، منبری خوب ـ منبر خوب ـ موعظهٔ مردم و توجیه فکری آنها، این روزنامه‌های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسؤولان که مرتب در این جا و آنجا در مسجدها و پشت تریبونها و این شهر و آن شهر حرف می زنند، حرف اصلیشان این باشد "و نهایتاً در این رابطه کلام رهبر بزرگوار انقلاب در پاسخ به سؤال از نحوهٔ پاسخگویی به تهاجم فرهنگی را می آوریم": نبرد فرهنگی را با مقابلهٔ به مثل می شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد، تفنگ او، قلم است، این را می گوئیم تا مسؤولان فرهنگ کشور و کارگزاران فرهنگی در هر سطحی و فرهنگیان عزیز، احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شمایید ـ رادیو، تلوزیون، مدارس، وزارت ارشاد، روزنامه‌ها، مجلات و کلاً مجموعه بنای فرهنگی کشور، مسؤولیت دارند "با همهٔ نکاتی که تذکر داده شد نمی‌توان انکار نمود که هیچ عاملی در اصلاح فرهنگی جامعه و مقابله با تهاجم بیگانگان به نیرومندی عامل امر به معروف نیست که می باید با قوت به وسلیهٔ دولت و قوای اجرایی ملت احیا شود.

توسعه فرهنگی خوب بوده است ولی قدرت تهاجم فرهنگی و تلاشهای دشمن بیشتر می باشد چرا این وضع را پیدا کرده ایم؟

پرسش

توسعه فرهنگی خوب بوده است ولی قدرت تهاجم فرهنگی و تلاشهای دشمن بیشتر می باشد چرا این وضع را پیدا کرده ایم؟

پاسخ

همانطور که خود شما اشاره کرده اید، تلاش دشمن در راه براندازی دین و انقلاب ما بسیار بیشتر از زحمات ما در زمینه های فرهنگی می‌باشد، و اگر ما بخواهیم در این زمینه ها موفق باشیم باید ضمن سرعت دادن به کارهای فرهنگی خود، از اصل خودسازی و توکّل به خداوند در کنار توسل به امامان معصوم(نیز غافل نشویم. همچنین باید به سرمایه گذاری های مالی نیز فکر کنیم، زیرا یکی از حربه های دشمن بهره‌گیری از امکانات مالی وسیع می باشد. و نیز باید خود را به آخرین پیشرفتهای علمی روز مجهّز کرده و از تکنولوژی نرم افزاری نیز غافل نباشیم. خلاصه اینکه ما در صورتی بر دشمن غلبه خواهیم کرد که مانند او در کار خود جدیّت داشته باشیم، و بخاطر ناملایمات و سختی های راه، آقا امام زمان(و مقام معظم رهبری را تنها نگذاریم، و از هیچ کوششی در این راه فروگذار نباشیم(هر چند که همین الآن هم با وجود کوچکی کشورمان و کمی جمعیتمان نسبت به سایر کشورهای قدرتمند، خواب را از چشم آمریکا و ... ربوده‌ایم "با نظری به تاریخ بشریت به حقیقتی لذت بخش می رسیم وآن این است که در اکثر زمانها و مکانها در طول تاریخ، قدرت مادی و آمیخته با وسوسه های شیطانی در دست ظالمین بوده است مثل فرعون، نمرود و ابوسفیان و معاویه و ... اما قدرت حقیقی که قدرت معنوی است و تجلی قدرت خداوند است در دست انسانهای موحّد بوده است، نظیر پیامبر بزرگوار اسلام(امیرالمؤمنین علی(و پیامبران و سایر معصومین(و سرانجام هر قوم و دینی به خیر و حاکمیت الهی ختم شده است. خداوند متعال موسی را بر فرعون و ابراهیم را بر نمرود و نوح را بر قوم نوح پیروز گردانید و شرق و غرب عالم را به زیر پرچم اسلام آورد. گر چه مسلمانان از مسیر حقیقی اسلام خارج شدند و گرفتار حکومتهای ظالمانه بنی امیه و

بنی عباس و ... شدند ولی به برکت انقلاب اسلامی و همّت فرزند پاک زهرا(، امام خمینی(، اسلام زنده شد و بر اقتدار کفار و ظالمین جهان پایان داد. وما معتقدیم و ایمان داریم که خون سرخ شهیدان و اشک چشم مادران شهدا اجازه نخواهد داد که فرعون زمان (آمریکا) به تخت ظلم خویش باقی بماند و عاقبت، این فرعون متکبر زمان در دریای نیل عشق و اخلاص مردم مسلمان ایران، غرق خواهد شد. پرچمی که به دست امام(برافراشته شد، بر زمین نخواهد افتاد که در دست سید بزرگواری قرار گرفته است که حسینی می اندیشد و علوی حکومت می کند. و این سردار عشق وایثار پرچم نظام مقدس جمهوری اسلامی را به دست امام زمان(خواهد رساند و این وعدهٔ قرآن است. پس به امید روزی که بتوانیم پرچم انقلاب اسلامی خود را به دست آقا امام زمان(برسانیم. آمین

آیا برای از بین بردن این فرهنگ غرب که با لباس های مبتذل وارد شهر می شوند و همه را به طرف خود می کشانند چه باید کرد؟

پرسش

آیا برای از بین بردن این فرهنگ غرب که با لباس های مبتذل وارد شهر می شوند و همه را به طرف خود می کشانند چه باید کرد؟

پاسخ

انحراف نوجوانان و جوانان در عصر کنونی موضوعی نیست که تنها گریبان قشر جوان این مرز و بوم را گرفته باشد، بلکه بلایی است که در سراسر دنیا ریشه دوانده و روز به روز هم بر ابعاد این معضل جهانی افزوده می گردد. بحث ارتباطات و وجود وسایل ارتباط جمعی و رسانه های مختلف و حجم وسیع و گستردهٔ تبلیغات غرب در ترویج فساد و فحشا از طریق انتشار فیلم و عکس و مجله و سی دی و ماهواره و حتی شبکه اینترنت میان نوجوانان و جوانان و سایر اقشار به عنوان ابزاری جهت مقابله با فرهنگها و سنتهای بومی هرمنطقه از جهان و در نهایت نابودی این فرهنگها و جایگزین شدن فرهنگ غرب که خود آغاز روح جدید استعمار غربی و اروپایی است، خودباختگی ملتها در برابر این تبلیغات، و در نتیجه پشت کردن به‌آداب و رسوم فرهنگ خودی و لاقیدی و عدم پایبندی به اصول مذهبی، همه و همه گسترش فساد و انحراف در سطح جهانی را موجب گشته، و متأسفانه در جوامع اسلامی علیرغم تلاشهای مثبتی که در زمینه حفظ و احیای شعائر دینی صورت می گیرد، عملکردها و فعالیتهای ضدّ ارزشی برخی مسؤولین و رسانه‌ها و عدم برخورد قاطع و صریح و منطقی با جلوه های آشکار و پنهان انحراف و فساد اجتماعی از سوی آنان، سهل‌انگاری خانواده ها و مربیان در امر تربیت کودکان و نوجوانان، خود به اشاعه فساد و انحراف در این جوامع دامن زده، اما چاره چیست؟ آیا باید نشست تا فرهنگ لجام گسیخته و ضدّ اخلاقی غرب تمام ابعاد زندگی ما را در برگیرد، یا خیر باید راه مقابله با این آفت قرن را در پیش گرفت و برای نابودی آن اقدامات همه جانبه کرد؟ مسلّم است که اگر کسی به نجات خویش و جامعه ای که در آن زندگی می کند می اندیشد، باید راه مقابله را در پیش گیرد که خیر و سعادت دنیا و آخرت او در همین است. اما چگونه؟ در منطق اسلام هر مسلمانی علاوه بر اینکه مسؤول حفاظت خویش از انحرافات و گناهان است، در قبال دیگر افراد بشر هم مسؤول است، و تا آنجا که در توان دارد باید مانع انحراف دیگران شود، و نمی تواند و نباید در برابر اعمال و افعال خلافی که دیگران انجام می دهند، بی تفاوت و ساکت بماند. از اینروست که مسأله امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین موضوعات مباحث تعلیم و تربیت اسلامی است، به گونه ای که طبق روایات، امر به معروف و نهی از منکر، شعبه ای از جهاد در راه خداست و به فرموده قرآن ترک

این فریضه، عـذاب الهی و نابودی جوامع بشـری را در پی خواهد داشت. پیامبر (ص) می فرماید": باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و الاّ خداوند بدان را بر نیکان شـما مسلّط می کند و هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد(".۱) اهمیّت موضوع بقدری است که علی (ع) می فرماید": تمام کارهای خیر و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند آب دهن است در برابر دریا(".۲) موضـوع دیگری کـه در بحث مقـابله بـا انحراف و فسـاد فردی و اجتمـاعی حـائز اهمیـت است آمـوزش دینی کودکـان و نوجوانـان و چگونگی تربیت آنـان در عمـل به تکـالیف دینی است. آموزش و انجام تکلیف دینی نبایـد تا سن بلوغ به تأخیر افتـد و انسـان بایـد از کودکی بـا عبـادت پروردگـار خوگیرد. فردی که از خردسـالی عملاً ـ بـا نمـاز و روزه و طهـارت و نجاست و محرم و نـامحرم و حلال و حرام از طریق والـدین در محیـط خـانواده آشـنا می گردد، بـا آداب اسـلامی تربیت می گردد و ادب می آموزد، آنگـاه در نوجوانی و جوانی و حتی بزرگسالی دچار انحراف نمی گردد، و یا میزان لغزش او از اصول و مبانی دینی و اخلاقی بسـیار انـدک خواهد بود. کسانی که قوانین و احکام اسـلامی را در محیط خانواده درک نکرده و یا به گونه ناقص با تعالیم اسـلامی آشـنا شده باشـند، در دوران پس از کودکی، نسبت به انجام فرائض دینی دچار کندی و سستی و بی میلی هستند و آنچه مطلوب آنهاست پیروی از شـهوات و هوای نفس و گرایش به امور انحرافی است. امام صادق (ع) می فرمایـد": احادیث اسـلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفهٔ تربیتی سرعت عمل داشته باشید، پیش از آنکه مخالفین گمراه بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضـمیر پـاک آنان جای دهنـد و گمراهشان کننـد.(۳) خداونـد به والـدین و خصوصاً به پـدران که سـرپرست خانواده هسـتند فرمان می دهـد که در قبال فرزندان و امور خانواده بی‌تفاوت نباشـند و مانند نگهبانی دلسوز و آگاه، مراقب حریم خانواده از دستبرد شیاطین جن و انس باشند،(۴) تا محیط خانواده عاری از هر گونه آلودگی و انحراف و گناهی گردد و شـرایط برای تربیت و رشد فرزندان سالم و پاک وخداجو فراهم آید. حق زن و فرزند بر پدر تنها این نیست که او عهده دار تأمین هزینه زندگی و مسـکن و تغذیه آنها باشد، بلکه پدر به عنوان قیّم خانواده باید در اصلاح رفتار و گفتار و خط فکری اعضای خانواده خویش از هیچ تلاشی فروگذار نباشد. موضوع دیگری که در تربیت فرزندان دارای اهمیّت است و در روایات بسیار مورد تأکید قرار گرفته، توجّه جدی به روابـط دوستی و همنشـینی فرزنـدان است. رسول خـدا (ص) می فرمایـد": هر انسانی از دین و روش دوست و همنشـین خود پیروی می‌کند(".۵) و نیز می فرماید": سـعادتمندترین مردم کسـی است که با افراد بزرگوار مجالست و معاشرت کند(".۶) برای جلوگیری از انحراف و یا درمان انحراف فرزندان به طور فشرده به چند نکته اشاره می گردد: – در برخورد با این پدیده باید بسیار جدّی بود و هر نوع سـهل انگـاری از سوی والـدین عِقـاب و عـذاب الهی را در پی خواهـد داشت. – اگر محیـط زنـدگی و وضع اخلاق و منش خانواده و رفت و آمـدهای فامیلی در بروز انحراف فرزندان تأثیرگذار بوده، باید در تغییر و تبدیل و کنترل آنها به گونه ای منطقی و بـدور از جنجال به چاره اندیشـی پرداخت. – زندگی در برخی مناطق شـهری در نوع افکار و گرایشات نوجوانان بی تأثیر نیست، در صورت امکان تغییر محیط نیز باید مورد بررسـی قرار گیرد. – پدر و مادر باید به طور جدی در معاشرتهای مفسده انگیز، تجدید نظر کننـد و در عـوض رفت و آمـد بـا افرادی را ترتیب دهنـد که بر سـلامت دین واخلاق اعضـای خـانواده تأثیرگـذار است. – رفتـار و معاشـرت پـدر و مـادر با یکـدیگر و نوع پوشـش آنها در خانه در انحراف فرزنـدان نقش داشـته باشـد. – نحوهٔ کسب معاش و تأمین درآمـد خـانواده نیز از اهمیت فوق‌العـاده ای برخوردار است، زیرا غـذای ناپـاک قلب و روح انسان را تاریک می کنـد، تا جایی که انسـان را از درک و قبول حقیقت دین بـاز می دارد. – دوستی و رفـاقت والـدین با نوجوان و جوان و احترام به شخصـیّت او بایـد به عنوان یـک اصـل تلقی گردد و برای خواسـته‌ها و گفته های او بایـد گوش شـنوایی وجود داشـته باشـد و بهترین کس همان پـدر و مادرند. – در پند و موعظه و نصیحت باید به گونه ای غیرمستقیم عمل کرد و از افراط و تفریط در محبت و تنبه فرزندان پرهیز کرد، که هر دو مخرب است. – ارتباط با افراد یا مراکزی که می توانند در زمینه تربیت و اصلاح فرزندان، والدین را یاری دهند، باید مهم تلقی گردد. – رفت و آمـد به اماکن مقدس همراه با فرزندان و شـرکت در مجالس دینی و برگزاری این مجالس درخانه در صورت

امکان، قرائت و انس با قرآن و دعا توسط والـدین در محیط خانواده، همه در سـلامت فکری و روحی فرزنـدان مؤثر است. خلاصـهٔ کلام اینکه از آنجایی که اولین محیط تربیتی هر انسانی کانون خانواده است، ابتدا باید در اصـلاح این واحد اجتماعی سعی و تلاش جدّی کرد، که اگر خانواده از جایگاه اصـیل و اسلامی خود برخوردار گردد، سهل‌انگاری و اهمال‌کاری و بی کفایتی و بی قیدی و ناآگاهی افراد به حداقل خواهد رسید و تمام ارکان جامعه اصلاح می گردد. بنابراین برای مقابله با هر نوع انحراف و فسادی باید در وهله اول والـدین خود را ملزم به رعـایت دسـتورات اخلاـقی و دینی کننـد تـا فرزنـدان بـا پیروی از آنان در برابر انحرافات واکسـینه شونـد. منابع و مآخذ: ۱) سـفینهٔ البحار، ج۱، ص۴۴۸و۴۴۹ ۲) نهـج البلاغه، کلمات قصار، شـماره ۳۷۴ ، بنقـل از تفسـیر نمونه، ج۳، ص۴ ۳) اصول کـافی، ج۶، ص۴۶ ۴) سـوره مبـارکه تحریـم/ آیه ۶ ۵) وسایل الشـیعه، ج۴، ص۲۰۷ ، مسـتدرک ج۲، ص۶۲ ۶) بحارالانوار، ج۱۵، ص۵۱ – آئین تربیت، ابراهیم امینی – مسائـل تربیتی اسـلام، سـید محمـد بـاقر حجتی – خانواده و تربیت کودک، علی قائمی – تربیت از دیدگاه اسلام، دکتر احمد بهشتی

آیا تبلیغاتی که کشورهای دیگر برای جوانان شـیعه و انقلابی ایران برای به فساد کشانـدن آنها می کنند ما نیز برای مبارزه با این تبلیغات و مبارزه با این شبیخون فرهنگی انجام می دهیم؟ آیا این مقدار مبارزه کافی است؟

پرسش

آیـا تبلیغـاتی که کشورهـای دیگر برای جوانـان شـیعه و انقلابی ایران برای به فساد کشانـدن آنها می کننـد ما نیز برای مبارزه با این تبلیغات و مبارزه با این شبیخون فرهنگی انجام می دهیم؟ آیا این مقدار مبارزه کافی است؟

پاسخ

موجب کمال خوشوقتی و خوشحالی است که جوانان عزیز کشورمان حتی در شهرهای کوچک و دور افتاده از مرکز از روحیات پر شـور انقلابـی و دینی برخوردارنـد و برای اسـلام و مکتـب حیـاتبخش تشـیع دل می سوزاننـد و برای ترویـج و توسـعه آن همت می گمارند و از نقص تبلیغ و ترویج مذهب گلایه و شکوه دارند. آفرین بر این همت و پشتکار و تلاش و جدیت و شور و نشاط. آرزو می کنیم این روحیه بیش از پیش گسترش یابـد و بخش قابل توجهی از جوانان عزیز کشور به این صـحنه شور و حماسه گام نهند و با ابتکار و خلاقیت و شور و شوق به میدان مبارزه با جهل و ناآگاهی و بی بصـیرتی و مقابله با هجمه های گسترده جوامع استکباری قدم بگذارند و آینده ای توام با حماسه های جاودان و ماندگار خلق کنند. دوست عزیز! قدر مسلم تلاش فرهنگی کشور و جامعه ما در برابر حجم وسـیع و طوفانهای سـهمگین تبلیغات سـموم و زهر آگین جوامع استکباری و نظام سلطه جهانی اندک و ناچیز است و نمی توان با آن همه دسـتگاههای عظیم خبری و تبلیغی جهانی مقابله و مبارزه کند. چه بسیار انسانها و افراد و جوامعی بوده و هستند که تاکنون حتی یک کلام از زبان ما نشـنیده اند. و اسـلام و انقلاب اسلامی و امام و جمهوری اسلامی و قرآن و اهل بیت و شیعه و ... را از زبان مستشـرقان شنیده اند. و از قلم شرق شناسان اسلام ستیز خوانده اند. چه بسیار قرآنهایی که توسط آنان ترجمه و چاپ و نشـر شـده و هر آنچـه خواسـته انـد به اسم اسـلام و قرآن نوشـته انـد. چه بسـیار کتابهـا، مجلاـت، مقالاـت و سـخنرانی هـایی که در کشورهای گوناگون در طول قرنهای متمادی توسط مجامع شـرق شـناس و اسلام شناس غربی ارایه شده و اسلام و مذاهب اسلامی، قرآن، اهل بیت، نبوت، امامت و ... را به جهانیان معرفی و عرضه کرده اند اسلام و قرآنی که با اسلام و قرآن حقیقی فرسنگها فاصله دارد بلکه اسـلام و قرآنی که درست در نقطه مقابل اسـلام و قرآن قرار دارد. کافی است شما کتابهای مربوط به شرق شناسی و آثار

و نوشته های مربوط به خاور شناسان را مرور کنی آنگاه اندکی متوجه خواهی شد چه توطئه های بزرگی بر ضد اسلام در طول قرنهای گذشته سامان داده اند ولی به برکت قرآن کریم که فرموده است: دشمنان می خواهند نور خدا را خاموش کنند ولی شدنی نیست. امروز هم با همه هجوم وسیع و گسترده استکبار اسلام یکی از ادیان زنده اروپاست. مسیحیت با همه تلاش خودش نتوانسته است جوامع اسلامی و ایران را تسخیر کند ولی اسلام می رودکه اروپا و غرب را تسخیر کند و برخی از متفکران غربی گفته اند قرن ۲۱ قرن غلبه و حاکمیت اسلام بر اروپاست. دوست عزیز! همچنان ما در سطح جهان مظلوم هستیم و صدایمان به جایی نمی رسد. اما باور داریم که دین ما حق است و روزی فاتح جهان خواهد شد و البته باید خیلی بیش از این تلاش کنیم و از نزاعهای پست و حقیر بپرهیزیم و نیرویمان را متمرکز کنیم برای مقابله با دشمنان عنود و لجوج تا دندان مسلح. به امید پیروزی و حاکمیت دین حق، اسلام راستین بر این گیتی. انشاء الله

مطالب لازم در مورد تهاجم فرهنگی و راههای جلوگیری آن و مصادیق تهاجم فرهنگی که راهگشای جوانان در حل مشکلات آنان در این زمینه باشد، را بفرمایید.

پرسش

مطالب لازم در مورد تهاجم فرهنگی و راههای جلوگیری آن و مصادیق تهاجم فرهنگی که راهگشای جوانان در حل مشکلات آنان در این زمینه باشد، را بفرمایید.

پاسخ

به طور خلاصه باید گفت : تهاجم فرهنگی غدهٔ چرکینی است که پیکرهٔ جامعهٔ اسلامی را تهدید می کند. استکبار جهانی و دشمنان اسلام بخوبی دریافته‌اند که برای دستیابی به منابع ملی مسلمین و از بین بردن فرهنگ مذهبی و به استضعاف کشیدن کشورها، باید به تهاجم فرهنگی غرب در درون کالبد جوامع اسلامی پرداخت . بر این اساس استکبار بعد از شکستهای پی در پی در زمینه‌های سیاسی و نظامی با استفاده از رسانه‌های عمومی ماهواره مطبوعات ، عناصر نفوذی و روشنفکران وابسته و ... به القای فرهنگ غربی پرداخته است . عوامل مؤثر در تهاجم فرهنگی عبارتند از: ۱ ـ ضعف آگاهی افراد از معارف غنی اسلام ۲ ـ ضعف ایمان که مهمترین عامل نفوذ فرهنگ اجنبی است زیرا دین بینش فرد و طرز تفکر اوست هر اندازه که پایه‌های اعتقادی فرد سست‌تر باشد، احتمال خطا و تأثیرپذیری از سایر عقاید و فرهنگها بیشتر خواهد شد.از این رو زمانی تهاجم فرهنگی در عمل موفق تر است که جامعه دارای ضعف ایمان و عقیده باشد و بر عکس اگر جامعه از بعد ایمان و عقیده محکم باشد، هر قدر هم که تهاجم فرهنگی قوی باشد هیچ گونه اثری نخواهد پذیرفت حضرت علی (۷) در نهج‌البلاغه خطبه ۵۷ می‌فرمایند:بندگان خدا! بدانید که تقوی حصار بلند و غیر قابل تسلط است و بی‌تقوایی و هرزگی حصار و بارویی پست است که حافظ ساکنان خود نیست و آن کس را که به آن پناه برد، حفظ نمی‌کند.همانابا نیروی تقوی نیش گزنده خطاکاریها بریده می‌شود. مقام معظم رهبری این کار را به شبیخون فرهنگی و گاهی به غارت فرهنگی تعبیر کرده‌اند. حال ما وظیفه داریم با هوشیاری تمام اوضاع و احوال را بخوبی بشناسیم و با استعانت از خدای متعال و ائمه اطهار(:) به قدر وسع و توانایی ، با آن مقابله کنیم اما حل مشکل جوانان راه حل اساسی این است که جوانان عزیز باید با استفاده از فطرت خدادادی و زمینه‌های مناسب فعلی که به برکت جمهوری اسلامی راه برای تحقیق و مطالعه باز است ; در بازسازی اعتقادی و استدلالی کردن باورها بکوشند تا فکر و دل آنها با باورهای دینی آرام گیرد و طوفان تهاجم بر آنها

تأثیر نگذارد.

با توجه به گسترهٔ تهاجم فرهنگی به گفته مقام معظم رهبری شبیخون فرهنگی در حوزهٔ مقدّس علمیهٔ قم برای مقابله با آن چه راه‌های عملی در پیش گرفته شده است

پرسش

با توجه به گسترهٔ تهاجم فرهنگی به گفته مقام معظم رهبری شبیخون فرهنگی در حوزهٔ مقدّس علمیهٔ قم برای مقابله با آن چه راه‌های عملی در پیش گرفته شده است

پاسخ

۱. بی تردید، رسالت حوزهٔ مقدس علمیّه شناخت دین با توجه به منابع دست اوّل آن یعنی وحی و سنّت پیامبر۶ و امامان از یک سو و تزکیه پالایش درون از رذایل اخلاقی و آراسته شدن به زیور گران قدر تقویٰ و معنویت در منش و روش از سوی دیگر است زمینهٔ حرکت در بستر این دو عنصر بنیادین و ضروری برای هر عضو حوزهٔ علمیه الهام‌گیری از سفارش قرآن کریم است که فرمود: "وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَبَ وَالْحِكْمَةَ (آل‌عمران ۱۶۴) تزکیه همان پالایش درون و تعلیم نیز بازسازی و جهت‌دهی اندیشه از بیرون است که به یقین برای آن پردازش درونی امری ضروری و اساسی و بلکه زمینه‌ساز آن است ۲. این دو گوهر گران مایه که هویّت حوزه را رقم می‌زند، تربیت یافتگانی را به جامعه تحویل می‌دهد و گنجینه‌هایی را در دامن خود می‌پروراند که مقتدای مردم در گرایش به معنویّت وایمان قرار می‌گیرند. ۳. شبکهٔ مقدّس مساجد، از مهم‌ترین راهبردهای این تلاش برای محقق ساختن آن حرکت به منظور بسط و گسترش معنویت در مردم است عنصر اصلی رونق یافتن مساجد، و به اصطلاح کاتالیزور فعّال شدن آن‌ها، روحانی است به دیگر سخن گفته می‌شود که نمک دین مسجد است و نمک مسجد هم روحانی است ـ قرآن کریم دربارهٔ جایگاه و اهمیّت مساجد می‌فرماید..."": وَ مَسَـٰجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا(;حج ۴۰) روحانی هم چون چراغی تابناک در مسجد می‌درخشد و فضای آن در پرتو نورانیّت او جان می‌گیرد و زنده می‌شود. قرآن کریم در آیه‌ای که چندان بی ارتباط با وظیفه روحانی نیست می‌فرماید: "فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِى الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوٓا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ(; توبه ۱۲۲) چرا از هر گروهی از مؤمنین طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین (و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟ شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند "".این که روحانی با چه معیاری به مسجدی دعوت شود، برای جذابیت برنامه‌های مسجد وسوق گسترده مردم به این مرکز مهم دینی چه تدابیری باید اندیشه شود، و... از مسائلی است که اعضای هیئت امنأ در آن بسیار مؤثرند. اعضای فوق نیز، عموماً از سوی مردم برگزیده می‌شوند. ۵. در حوزه شبکه مساجد، آن چه که به روحانی به عنوان وظیفه طلبگی مربوط می‌شود ;حرکتی مخلصانه و صادقانه به منظور فعّال کردن و رونق بخشیدن آن‌ها است بخشی دیگر از مسائل به مردم مربوط می‌شود که چه مسئولینی را به عنوان هیئت امنأ برگزینند تا آن‌ها راه را برای ورود روحانی شایسته هموار سازند. ۶. در زنجیرهٔ کار دینی و معنوی روحانی با مردم سازمان‌های متعددی از قبیل سازمان تبلیغات اسلامی ادارهٔ امور مساجد، و... وجود دارند که عملکرد منطقی آن‌ها در سامان بخشی به امر مقدّس تبلیغ دینی مؤثّر است حتی اگر این مجموعه‌ها، درست عمل نکنند، شبکهٔ مساجد با تکیه بر مردم به گونهٔ خودجوش می‌توانند امور مسجد را به پیش ببرند و ضرورتاً در این راستا، ملزم به استفاده از سازمان‌های مذکور نیستند. ۷. خلاصه آن که از دیدگاه این نوشتار، مهم‌ترین حلقه ارتباط

معنوی روحانی با مردم مساجد می‌باشند. سازمان‌دهی امر مساجد همان‌گونه که بیان شده برآیندی از دو عنصر روحانی و مردم است ۸. افزون به شبکهٔ مقدس مساجد، امروز به لطف الهی روحانیّت در حوزهٔ مقابله با شبیخون فرهنگی با قلم و بیان خود، در عرصه‌های مختلف از جمله روزنامه‌ها، مجلات شبکه اینترنت و... فعّال است آن چه ضروری می‌نماید، توجه به روی آوردن مردم در یادگیری وظایف دینی خود، به این صنف و گروه است استفتا از مراجع تقلید، و پرسیدن تکالیف دینی از روحانی محل و در یک کلام انطباق وظایف دینی خود با مراجع تقلید که روحانی حلقهٔ واسطهٔ میان آن مقام والا با مردم است از جمله راه کارهای هم کاری مردم و روحانی در مقابله با پدیدهٔ شوم تهاجم و شبیخون فرهنگی است

با توجه به این که در جامعه امروز، عده‌ای با اشاعه فساد و بی‌بند و باری و... قصد دارند جامعه را از مسیر درست منحرف کنند ;نظر قرآن دربارهٔ این را موضوع تشریح فرمایید؟

پرسش

با توجه به این که در جامعه امروز، عده‌ای با اشاعه فساد و بی‌بند و باری و... قصد دارند جامعه را از مسیر درست منحرف کنند; نظر قرآن دربارهٔ این را موضوع تشریح فرمایید؟

پاسخ

مسئله انحرافات اجتماعی و ترویج فساد و فحشا و فسق و فجور در بین اجتماع از طرف افراد فاسد، مطلبی است که همواره از آغاز آفرینش انسان وجود داشته و دارد و انبیای عظام و اولیای الهی همیشه با فاسدان زمان خود درگیر بوده‌اند. بعد از رسالت خاتم پیامبران حضرت محمد۹، دشمنان اسلام نیز در محیطهای مختلف و با استفاده از پیشرفته‌ترین ابزارهای تبلیغی همواره سعی در منحرف کردن مسلمانان داشته‌اند که نمونهٔ روشن آن فریب‌کاری‌های معاویه و یزید است که به شهادت حضرت علی۷ و امام‌حسین۷ منجر شد. قرآن کریم برای مبارزه و مقابله و پیشگیری از این تهاجم برنامه‌های جامع و عملی را ارائه داده که نمونه‌ای از آن چنین است ۱. شناخت خدا و اطاعت از او ;چنان‌که قرآن می‌فرماید": وَ أَنِ اعْبُدُونِی هَـذَا صِرَ طٌ مُّسْتَقِیم (یس ۶۱) و این‌که مرا بپرستید. این راه راست است " ۲. تقویت باورهای دینی قرآن می‌فرماید": قُلْ أَنَدْعُواْ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لاَ یَنفَعُنَا وَلاَ یَضُرُّنَا(;انعام ۷۱) بگو: آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می‌رساند و نه زیانی " بنابراین به هیچ بهایی نباید در باورهای دینی‌مان تردید کنیم و از آن‌ها دست برداریم ۳. به پا داشتن نماز و احیای این فرهنگ در جامعه و مراقبت در اوقات نمازهای پنجگانه چنان‌که قرآن می‌فرماید": إِنَّ الصَّلَوةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنکَرِ(;عنکبوت ۴۵) نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد. "۴. اجرای فرهنگ" امر به معروف و نهی از منکر "و احیای آن در جامعه و فضای جامعه قرآن می‌فرماید": وَیَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَأُوْلَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُون (آل‌عمران ۱۰۴)]مردم را[به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند(".ر.ک فرهنگ و مقاومت فرهنگی مهدی نوید / تهاجم فرهنگی آیةالله مصباح یزدی / فرهنگ و تهاجم فرهنگی سخنان مقام معظم رهبری ـ دامت‌برکاته ـ) ۵. ترویج فرهنگ ازدواج و تسهیل آن چنان‌چه در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره نور آمده است و پیامبرگرامی اسلام۹ فرمود": من تزوّج فقد احرز نصف دینه هر کس ازدواج کند به درستی که نیمی از دین خود را پاسداری کرده است .(برای دیدن برخی روایات در این‌باره ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹ ـ ۲۲۰.) آن‌چه مهم است انجام وظیفه است و خداوند بیش از حد توان تکلیفی نخواسته است" لاَ یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا(;بقره ۲۸۶) خداوند هیچ کس

را، جز به اندازهٔ توانائیش تکلیف نمی‌کند ".لذا، انسان متعهد، تا توان دارد خوب است انجام وظیفه کند، ولی نتیجه را به خداوند واگذار کند ;زیرا، خود خداوند می‌فرماید": وَ قَالَ مُوسَیٰ إِن تَکْفُرُوٓاْ أَنتُمْ وَ مَن فِی الأَرْضِ جَمِیعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِیٌّ حَمِید(;ابراهیم ۸) و موسی‌ع (به بنی‌اسرائیل گفت اگر شما و همهٔ مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد، چرا که خداوند، بی‌نیاز و شایستهٔ ستایش است " به هر حال اقدام مقتضی در حد توان در تمامی جهات و ابعاد، امر به معروف و نهی از منکر با شرایط و ضوابطی که دارد، دعا و توسل برای بهبودی وضع جامعه هماهنگ شدن با مقام معظم رهبری به عنوان ولی‌فقیه و... از جمله اموری است که شایسته است به آن توجه شود.

یک نوجوان چگونه با تهاجم فرهنگی مبارزه کند

پرسش

یک نوجوان چگونه با تهاجم فرهنگی مبارزه کند

پاسخ

تهاجم فرهنگی از موضوعات اجتماعی مهم و شاخص دنیای امروز است. دنیای صنعتی با استفاده از تکنولوژی و ابزارهای خود، سعی در ترویج فرهنگ خود و برافکندن بنیان‌های فرهنگی دیگر جوامع دارد. مسلما اگر ملت‌ها و دولت‌های جهان سوم به فکر نباشند و راهی برای مقابله و دفع تهاجم نیندیشند فرهنگ آنها به تاراج خواهد رفت و به دنبال آن همه چیز آنها در جهت منافع قدرت‌های جهانی قرار خواهد گرفت. برای مقابله با تهاجم فرهنگی در آغاز کاری فرهنگی لازم است که عمده‌ترین عناصر آن عبارت است از : ۱- شناخت دقیق تهاجم فرهنگی و تعریف و ابعاد و فلسفه آن ۲- شناخت روش‌های تهاجم۳- شناخت راه‌های مقابله با تهاجم ۴- تبدیل کردن ایده‌ها به عمل و کار عملی وسیع برای مقابله با آن ۵- شناساندن تهاجم و ابعاد آن به دیگران در صورت تحقیق در موارد فوق به کار انداختن اندیشه‌ها در این جهت قطعا نتایج مفیدی در پی خواهد داشت.

در مقابل تهاجم فرهنگی ,چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی ,چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

پاسخ

تقویت ایمان و عقیده راه‌های متعددی دارد از جمله: ۱- بالا ـ بردن سطح شناخت و آگاهی‌های دینی. در این زمینه گسترش مطالعات و تحقیقات دینی با برنامه‌ریزی‌هایهدایت شده و منظم بسیار ضروری است. ۲- گسترش فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی با شیوه‌هایی نو و جذاب. ۳- تقویت جلسات و برنامه های مذهبی و هر چه با شکوه‌تر و پرمحتواتر برگزار کردن آنها.{J

به نظر شما بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

به نظر شما بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

مساله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصرحاضر در کشورهای جهان سوم خصوصا کشورهای اسلامیاست که به علت پیچیدگی وآمیخته بودن آن با مسائل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که بهطور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرارارزشهای اسلامی وملی به کار گرفته شود وتمام دین‌داران با مایه گذاشتن از امکانات خوددر این راه به مبارزه بپردازند مبارزه‌ای که از یک سو جنبه تولیدی دارد(یعنی تولید برنامه‌ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صددکندن بنیانهای اعتقادی و دینی جامعه است. به هر ترتیب افزونی آگاهی‌ها و بینش سیاسی واجتماعی به وسیلهمطالعه تفکر و ارتباط مداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است.{J

در خصوص تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟

پرسش

در خصوص تهاجم فرهنگی چه باید کرد؟

پاسخ

مقابله با تهاجم فرهنگی حرکتی گسترده با همیاری ملت و دولت را می‌طلبد. برشماست که بکوشید در محیطپیرامون خود اعم از خانواده دانشگاه و محل کار به فعالیت های خوب و مفید فرهنگی دست بزنید و با برنامه ریزیهای حساب شده و گسترده با همیاری دیگر دوستان به مبارزه با عوامل فساد برخیزید و روح معنویت را حاکمسازید.{J

برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب به جامعه اسلامی چه باید کرد؟

پرسش

برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب به جامعه اسلامی چه باید کرد؟

پاسخ

این مسأله ابعاد و راه‌های مختلفی دارد. برای مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب و حرکت به سوی اسلامی شدن دانشگاه‌ها هر دانشجوی متعهد و مسلمانی باید خود را برای سه جهاد آماده کنید. الف – شناخت تهاجم دشمن و شیوه‌های آن ب – شناخت فرهنگ اسلام و باور داشتن آن ج – اتخاذ روش‌های مناسب در جهت مقابله با تهاجم د – تحکیم مبانی عقیدتی و فکری {J

در برابر شبهات چه باید کرد؟

پرسش

در برابر شبهات چه باید کرد؟

پاسخ

پاسخ گویی به شبهه، نیازمند داشتن اطلاعات کافی از شبهه و از مکتبی است که باید به دفاع از آن پرداخت. طبیعیاست شخصی که می‌خواهد از اسلام دفاع کند، باید اطلاع کافی از کلیّت منابع آن داشته باشد و بدون آن، مسلما قادربه دادن پاسخ صحیح به شبهات نخواهد بود.{J

برای برطرف کردن معضلاتی از قبیل غرب زدگی , عدم رعایت شوونات اسلامی و غیره چه باید کرد؟

پرسش

برای برطرف کردن معضلاتی از قبیل غرب زدگی , عدم رعایت شوونات اسلامی و غیره چه باید کرد؟

پاسخ

}در این رابطه نکات چندی را یادآور می‌شویم: الف) تنها به معضلات و ابعاد منفی اجتماع فکر نکنید، بلکه به جنبه‌های مثبتی که به شکرانه انقلاب برای ملت ماپیش آمده نیز بیندیشید. اگر شما بتوانید دوران پس از انقلاب را با دوران قبل از آن مقایسه کنید نگرش دیگری خواهیدداشت. ب) علاوه بر این نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه‌ور سازید، چونخود این حالت نیز باعث کندی کار و سدّ راه تکامل شما خواهد بود. نبی اکرم(ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدمایمان مردم به شدت ناراحت می‌شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می‌فرماید: طه ما انزلناعلیک القرآن لتشقی پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقتبیفکنی {M»، (طه، آیه ۱) و نیز می‌فرماید: لعلّک باخع نفسک الاّ یکونوا مؤمنین ای رسول، تو چنان در اندیشه اینخلقی که از غم بی‌ایمانی این مردم

خود را هلاک کنی{M»، (شعراء، آیه ۲۳). ملاحظه می کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم(ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیرحکیمانه علی(ع) در این راستا حائز اهمیت است که می‌فرماید: الهمّ نصف الهَرَمِ ؛ همّ وغمّ نصف پیری را تشکیلمی‌دهد{M»، (نهج‌البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و اندوه انسان را می‌شکند و زود از پا در می‌آورد. با این نگرش، گرچهما به احساس پاک شما ارج می‌نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهدافبلند و تکامل باز بمانید. ج) و اما چه باید کرد؟ از نکات مزبور چنین برداشت نکنید که پس ما مسؤولیتی در ازای این رویدادها نداریم؛ بلکهبه پیشنهادی چند، نیک بیندیشید. ۱- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت و ظرافت به انجام برسانید. ۲- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید. ۳- و در محافل و مجالسی که تشکیل می‌دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری ازدانشجویان به طور فعّال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانگانی است. و امیدوار باشیدکه در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت<. <Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD >چند از این الفاظ واضمار و مجاز/< E >TD> <TD>سوز خواهم سوز با آن سوز ساز <}TD></TR> <TR align=Center><TD> </Table>/

وظیفه یک دانشجو در مقابل تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

وظیفه یک دانشجو در مقابل تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیط دانشگاهی از راه‌های ویژه‌ای انجام می گیرد؛ برخی از آن راه‌هاعبارت است از: الف - ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی. این برنامه از طریق استفاده‌های نادرست فلسفی و نظری از ره‌آوردهای علمی و القای علمی بودنبرخی از آموزه‌های مغایر با جهان‌بینی دینی صورت می‌پذیرد. ب - القای نگرش‌های معرفت شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و تفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه‌های دینی ازعرصه‌های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت‌ها. ج - کم رنگ‌سازی ارزش‌های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبیت و تاریخ‌مندی اصول ارزش‌ها و تبعیت آن از ذوق و سلیقه‌های تجدد طلبانهقومی، ملی، نژادی و ... د - نفوذ در جریانات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت‌های معارضه آمیز و سیاسی کاری بهجای تلاش‌های انقلابی و اسلامی. در مقابله با مسائل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر و پردامنه روبه روست : ۱- جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام و معارف آن و محتویات دین در عرصه‌های مختلف و شناخت و درک درستمسائل سیاسی و اجتماعی. ۲- جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا ، قرآن و پیشوایان دین. ۳- جهاد اجتماعی؛ یعنی، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیط دانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ، شعور و احساس دینی دردانشگاهیان.{

وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی و غیرفرهنگی جامعه چیست ؟

پرسش

وظیفه ما در مقابل مشکلات فرهنگی و غیرفرهنگی جامعه چیست ؟

پاسخ

دانشجوی گرامی ما این روحیه ارزشمند که حاکی از تعهد، مسؤلیت پذیری، حق‌شناسی و قدردانی از نعمت‌های الهی است را به شما تبریک عرض می‌نماییم. آری همه کسانی که نسبت به مسائل و مشکلات فرهنگی و غیر فرهنگی موجود در جامعه رنج می‌برند در واقع با شماهمدرد هستند و ما نیز به نوبه خود با شما ابراز همدردی می کنیم اما وظیفه در مقابل این مشکلات چیست؟ ما چند وظیفه در قبال این گونه مسائل داریم: ۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسؤلیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید. ۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید. ۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی‌دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشتهباشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه‌ای که می‌توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است. ۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت‌های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی‌ها می‌شوند را پر نمایید. ۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی‌ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا درکناردیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام‌های مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید از خداوند متعال موفقیت روزافزون شما را مسئلت می‌نماییم. }J

راه مقابله با نفوذ تهاجم فرهنگی در خود و اطرافیان چیست ؟

پرسش

راه مقابله با نفوذ تهاجم فرهنگی در خود و اطرافیان چیست ؟

پاسخ

نقش مخرب تهاجم فرهنگی دشمن از آن جهت حائز اهمیت است که کار کرد آن ایجاد اختلال در روابط کلیدی واستراتژیک نظام است یعنی اگر نتوان به نحو مقتضی کار کردهای تهاجم فرهنگی دشمن را اصلاح نمود به تدریج رابطه مردم با اسلام، رهبری و سایر مسؤولین نظامسست و آسیب‌پذیر خواهد شد و سلامت کلیت نظام به خطر خواهد افتاد در اینجا ابتدا لازم است که تعریف دقیقی از تهاجم فرهنگی داشته باشیم: حرکت‌ها و مجموعه اقدامات آگاهانه و هدفمند دشمنان نظام برای تغییر باورداشتها

گرایشات، تمایلات و رفتارهای غالب اکثریت مردمجامعه را با هدف دورسازی این باور داشتها گرایشها، تمایلات و رفتارهای از حوزه جهان بینی و فرهنگ اسلامی و نزدیک ساختن حوزه جهان بینی و خواستهها و فرهنک مهاجم را تهاجم فرهنگی می‌نامند. اما در مورد راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی ابتدا لازم است اهداف دشمنان را از تهاجم فرهنگی و ابزارهای آن را به صورت مختصر مرور نمود و در مرحله بعد راه‌کارهای دفاعی و عملکردهایی را که داشته‌ایم مورد بررسی قرار دهیم: الف) بررسی اهداف تهاجم فرهنگی: ۱- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی‌گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی و ابتذال. ۲- حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه‌های اعتقادی با تحریف حقایق ترویج نسبی‌گرایی. ۳- تبلیغ مستمر و گسترده سکولاریسم و لائیسم و جداسازی دین از سیاست، القای تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق. ۳- ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی‌گرایی افراطی با تبلیغ مظالم زندگی غربی و ابتذال. ۴- کوشش برای جداکردن نسل جوان از ارزش‌های اعتقادی و آرمانهای انقلاب با هدف ایجاد بحران هویت. ۵- سوءاستفاده از نارسایی‌ها معضلات ضعفهای مدیریتی و اجرایی برای القاء ناکارآمدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی. ۶- ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم به ویژه نسل جوان با ترویج و اشاعه فرسودگی و غیر قابل اجرا بودن ارزشهای الهی در جامعه و نیز القای اندیشه تاریخی و نسبی بودن ارزشها. ۷- آسیب رسانی به تحقق روند دستیابی به توسعه پایدار یا متوازی و همسو با آرمانها و ارزشهای دنیی در کشور. ب) هر جریان فرهنگی نیاز به ابزارها و روشهایی دارد که از طریق آن به طرف مقابل رسوخ و نفوذ نماید، امپریالیسم آمریکا در کشورهای غربی در تهاجم به بنیانهای فرهنگی کشور از روشها و ابزارهای مختلفی استفاده کرده‌اند که بطور مختص عبارتند: ۱- ابزارها و روشهای فرهنگی؛ که از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی است. استفاده از هنر، سینما، و تئاتر، انواع فیلمها، و سریالهای تلوزیونی، مطبوعات و کتب، چاپ و نشر اشعار و مقالات و رمانهای مختلف جهت ترویج پوچ‌گرایی و بی هویت کردن مردم یک کشور و زیر سؤالبردن مبانی تئوریک نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نفوذ در مدارس و دانشگاهها و ترویج اومانیسم، لائیسم و پلورالیسم دینی برای تضعیف مبانی معرفتی حکومت دینی و... ۲ـ ابزارها و روشهای اقتصادی: صندوق بین الملل پول و بانک جهانی در راستای اهداف امپریالیستی غرب همیشه در دادن وامها به دولتها شرایطی را می‌گذارد که در تحمیل فرهنگ سرمایه‌داری غرب مؤثر است مثلاً شرایط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای دادن وامبه ایران مبتنی بر تسریع خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی و هماهنگ با بازار آزاد جهان، ایجاد مناطق آزاد تجاری که زمینه بسیار مناسبی برای ترویج فرهنگ غربی از جمله تغییر الگوی مصرف تجمل گرایی، مدهای غرب و... از طرف دیگر مراکز کنترل صدور تکنولوژیهای غربشرط همکاری و انتقال تکنولوژی را به گونه‌ای ترسیم می‌نمایند که فرهنگ بیگانه را نیز وارد آن کشور سازد. ۳ـ ابزارها و روشهای اجتماعی تهاجم فرهنگی مانند فساد جنسی در جامعه، فیلمهای ویدئوئی و برنامه‌های تلوزیونی و ماهواره‌ای، مجلاّت و تصاویر مبتذل، کاتالوگ کالاهای لوکس و تبلیغاتی، همگی در ترویج فسادهای اجتماعی، بی‌هویت کردن نسل جوان، گسترش فساد وخشونت، و نا امنی، بیکاری و غیره دانسته تا بدین وسیله افراد جامعه را خصوصا نسل جوان را از اهداف معنوی و فرهنگ انقلاب اسلامی منحرف نمایند. ایجاد روحیه مدگرایی و اخلاق خاص ترویج کنندگان این مدها در قالب گروههای رپ و هوی متال و... دیده می‌شود که ترویج‌کننده ارزشهای ضد اخلاقی از جمله همجنس بازی و برقرار روابط آزاد جنسی و... هستند. از طرف دیگر صنعت توریسم گسترش مصرف مواد مخدرو مشروبات الکلی از دیگر ابزارهای اجتماعی تهاجم فرهنگی می‌باشند، (ر.ک: علی ذوعلم، جرعه جاری (سی مقاله پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی) علیرضا کریمیان، ماهیت انقلاب اسلامیو تهاجم فرهنگی، ص ۴۶۹) ج) بررسی راه‌های مقابله و راه‌کارهای دفاعی و برخی اقدامات انجام شده در مقابل تهاجم فرهنگی: مجموعه این راهکارها را می‌توان در دو بعد اندیشه‌ای فکر و نظری و اقدامات عملی مورد بررسی قرارداد اما مجموعه راهکارها و اقداماتی که در بعد فرهنگ و اندیشه انجام شده عبارتنداز: ۱- تقویت و تثبیت ارزش‌های اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و

سخنرانی‌های مفید و پرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و اداراتبرگزاری و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح شهرها خصوصا دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است. ۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوه‌ای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشته‌اند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی از انحرافاتاخلاقی و اعتیاد و... . ۳- از آن‌جا که تهاجم فرهنگی بیشتر فکر و فرهنگ و اندیشه افراد یک جامعه را مورد هجوم خود قرار می‌دهد در این راستا مؤسسات و دستگاه‌های فرهنگی اقدامات بسیار شایسته‌ای را در جهت مصونیت بخشیدن و زدودن آثار مخرب فکری و فرهنگی تهاجم فرهنگی با استفاده ازمحققین و متفکران و صاحب نظران علوم انسانی انجام داده‌اند که به برخی از آنان اشاره می‌نماییم :به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۷ تعداد ۳۶۰۹ عنوان کتاب در مورد دین و معارف اسلامی با تیراژی در حدود ۲۰۷۷۹۹۳۵ جلد و همچنین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تاکنون بیشاز هزار عنوان کتاب با تیراژ بالا در زمینه‌های مختلف فرهنگی و علوم اسلامی منتشر نموده است هم اکنون بیش از ۱۸۰ مؤسسه در سطح قم در زمینه‌های تحقیقاتی اطلاع رسانی و... با همکاری محققین زبده فعال می‌باشد. نتایج و دستاوردهای بسیار چشمگیر و مثبتی را به دنبالداشته‌اند و در ارائه معارف دینی واندیشه‌های اسلامی از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های پیشرفته و با جدیدترین شیوه ه استفاده می‌شود سعی شده با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نموده و راه آشنایی ملت‌های دیگر را با فرهنگ اسلامیفراهم سازند تا اوائل سال ۷۹ تعداد ۱۵ سایت (پایگاه) جهانی به وسیله شیعیان و ۱۳ سایت توسط اهل سنت ایجاد شده است (به نقل از مجله نگاه حوزه شماره ۶۲، ۵۹ ص ۱۵۱). یکی از ملموس‌ترین اثرات و پیامدهای این اقدامات فکری و اندیشه‌ای ناکارآمدی تهاجم فرهنگی دشمن برای القاء شبهه در خصوص ناکارآمدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی و تلاش در جهت سکولار کردن و لائیک نمودن جامعه دینی ایران بود چنانکه شاهدهستیم به خاطر ارائه پاسخهای دقیق علمی و مستدل در این زمینه‌ها عناصر شبهه افکن مانند سالهای قبل دیگر مجال و عرصه‌ای برای جولان دادن نمی‌یابند و در واقع در مهمترین رکن تهاجم فرهنگی دشمن دچار شکست شده است و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق افرادجامعه ما همه خواهان اجرا و تحقق حکومت عدل علوی و عمل شدن به ارزش‌ها و احکام اسلامی می‌باشد و انتقادهایی نیز که به مسؤلین ایراد می‌نمایند در این خصوص می‌باشد که این خود یکی از آثار مثبت نامگذاری سال ۷۹ به نام سال علی(ع) و سال ۸۰ به نام رفتار علوی(ع) کهبواسطه معرفی شیوه‌ها و ارزشهای حکومتی امام علی(ع) که از طریق مقالات و کتابهای متعددی که در این زمینه ارائه شد می‌باشد. ۴- تهیه برنامه‌های جذاب مفید و سالم و تفریحی از طریق دستگاههای فرهنگی و صدا و سیما به عنوان نمونه رادیو جوان با برنامه‌های جذاب و متنوع به صورت سراسری در سال ۷۷ در حدود ۷۶۱۶ ساعت برنامه داشته که از مجموع آن ۱۷۰۱ ساعت فرهنگی و ۱۲۳۸ ساعت معارفاسلامی و ۸۵۹ ساعت اجتماعی بوده است در همان سال مجموعه شبکه‌های اول و دوم و سوم و چهارم و شبکه تهران و مراکز شهرستانها ۳۸۵۹ ساعت فرهنگی ۲۹۸۰ ساعت معارف اسلامی و ۷۱۵۳ ساعت اجتماعی و شبکه‌های سحر و جام جم ۳۸۶ ساعت برنامه‌های فرهنگی ۵۸۷ساعت برنامه‌های اجتماعی و ۲۸۳ ساعت معارف اسلامی داشته‌اند. (منبع گزارش فرهنگی کشور ۱۳۷۷ مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی و هنری). اما اقدامات عملی که در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی انجام شده عبارتند از: ۱- برخورد قانونی با عوامل داخلی دشمن از قبیل روزنامه‌ها و گروه‌های معاند و شبهه افکن. ۲- تقویت نیروهای نظامی و انتظامی از نظر کمی و کیفی در مقابله با باندهای فساد و اشراری که در صدد ایجاد ناامنی در مناطق مرزی کشور بوده و سعی در گسترش اعتیاد و

در مقابل هجوم تبلیغات جهانی(اینترنت)چگونه باید رفتار کرد که از عوارض نامطلوب آن در امان بود؟

پرسش

در مقابل هجوم تبلیغات جهانی(اینترنت)چگونه باید رفتار کرد که از عوارض نامطلوب آن در امان بود؟

پاسخ

ضمن تشکر از دغدغه و اهتمام شما به این آسیب مهم اجتماعی که متوجه همه انسانها و به ویژه انسانهای ارزش گرا شده است توجه به نکات ذیل شاید در پاسخ به پرسش شما مفید باشد: ۱- این یک واقعیت اجتماعی است که قرآن کریم نیز گوشزد کرده است، اگر دشمنان بر ما مستولی گردند ارزش های (بایدها و نبایدها) نادرست خود را بر ما تحمیل خواهند کرد، از این رو اولین وظیفه ما تولید دانش، تقویت فناوری و تولید برنامه های نرم افزاری مناسب و مقابله با هجوم بیگانگان است. واضح است که در هر مبارزه ای مسلح بودن به تسلیحات مناسب با آن را می طلبد بنابراین به مقتضای «و اعدوا لهم مااستطعتم من قوه ...» باید بالاترین توان تولید برنامه های اینترنتی را به ویژه از طریق حوزه های علمیه و دانشگاهها کسب نموده و تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم، متنی و یا حاشیه ای (همان طور که شما در پرسش خود مطرح نمودید که حتی در سایت ها علمی نیز به نحوی برنامه های مبتذل را می گنجانند) انجام دهیم. ۲- یک وظیفه مهم دولت اسلامی (به عنوان یک دولت فضیلت مدار) بر اساس آیات قرآن «الذین ان مکنا هم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ...»(سوره حج آیه ۴۱) و نیز روایات متعدد اشاعه فضایل اخلاقی و تلاش در ازاله منکر و نهی از آن است. ولی متاسفانه بسیاری از کسانی که اکنون کارگزار حکومت اسلامی هستند به جای ایده «دولت فضیلت محور» ایده «دولت لیبرال و دموکراسی» را با رویکرد و حداکثر آزادی و حداقل مداخله در پیش گرفته آنگاه که فساد در سینما ها و فرهنگسرا ها غوغا می کند و حتی در جشنواره های انقلابی مانند ۲۲ بهمن فیلم های آنچنانی پخش و بد تر از آن جایزه گرفته و تشویق می شوند و سایت های اینترنتی بدون فیلتر آزادی مطلق دارند با تلاش عده ای از نیروهای ارزشی مبنی بر «فیلتر گذاشتن» سایت ها و انجام نسبی آن فریاد وامصیبتای عده ای به نام اصلاحات در آمده که این بحث ما بحث سیاسی نیست ولی چه کنیم که متأسفانه همه مباحث حتی خدا شناسی، اقتصاد، روان شناسی و ... همه و همه سیاسی شده است. والله بالله فساد و ابتذال چپ و راست و میانه رو نمی شناسد مانند اعتیاد و بدتر از آن جوانان و سرمایه های عزیز انسانی ما را از ما میگیرد حتی در خود آمریکا و اسرائیل و برخی از کشورهای اروپائی نیز مسئله فیلتر گذاری سالیان سال قبل از ما انجام شده است. ۳- علاوه بر و بلکه مقدم بر بحث فیلتر گذاری یا راهکارهای دیگر به نحوی که هم از مباحث علمی آن استفاده شود و هم از این آسیب ها مصون بمانیم، مصونیت بخش داخلی بسیار حائز اهمیت است. جامعه اسلامی، جامعه پلیسی نیست، جامعه تقوائی و ارزشی است باید کاری کنیم که از درون هر کس به مقتضای ایمان خود از این آفات در امان بماند. تقویت اخلاق اسلامی و درونی کردن ارزش ها نه تحمیل از بیرون البته با مقتضیات و راهکارهای مناسب آن گامی اساسی در این مسئله است. ناگفته نماند که معنای سخن ما نفی پلیس یا برخورد اقتدارگرایانه نیروهای انتظامی و امنیتی نیست، بلکه مفهوم سخن ما اصالت دادن و محور قرار گرفتن ارزشهای درونی به جای برخورد از بیرون است و گرنه همان طور که شهید بهشتی می فرمودند اصل کار فرهنگی صحیح است و لیکن ۲۰٪ اعمال قدرت نیز لازم است. اگر اصل بر کار فرهنگی و خودسازی و ترویج ارزش های دینی گذاشته شد و مردم و مخصوصا جوانان ما در این مسیر قدم برداشتند طبیعی است که عده ای به هیچ صراطی مستقیم نمی شوند و ناگزیر با آنان باید برخورد مناسب و قاطع صورت گیرد. پرسیدی که: «... چگونه باید رفتار کرد تا از بلایای شیطانی هم در امان بود؟» مناسب دانستیم به این نکات توجه فرمائید: ۱- هدف تمام توطئه ها، روح پاک جوانان است. قلب لطیف جوان مؤمن ایرانی، بزرگترین مانع نفوذ و تأثیر شیطنت هاست. از این رو از همین حالا برنامه ای جهت تهذیب نفس و عرفان داشته باشید. حتما با نام حضرت آیت الله

بهجت که از مراجع تقلید و علماء ربانی و عرفای مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است آشنائید. توصیه ای خاطره گونه از ایشان که عمری را در مسیر سیر الهی پیموده نقل می کنیم: «شخصی به محضر ایشان رسید و عرض کرد: از شما تقاضای دستورالعمل عرفانی جهت خودسازی و سیر و سلوک دارم. ایشان از او که طلبه حوزه علمیه بود پرسید: به چه درسی مشغولید؟ پاسخ داد: سال دوم حوزه هستم. آقا خطاب به ایشان فرمودند: یک سال دیر آمدی! باید از همان سال اولی که به درس مشغول شدی مراجعه می کردی. فعلا روزی یک صفحه از کتاب معراج السعاده (در علم اخلاق) مطالعه کن و همان روز سعی در عمل به آن یک صفحه نما و روزی ۵ دقیقه درباره آن فکر کن.» دوست عزیز! هرچند دین داری کار سختی شده است اما نشدنی نیست. استاد شهید مطهری کلامی دارد روح بخش و امید آفرین؛ می گوید: من در همین تهران [منظور تهران زمان طاغوت] عرفائی دیده ام که یا هرگز مثل آنها را ندیده ام یا خیلی کم مانند بوده اند. [آنگاه علت پرورش چنین بزرگانی آن هم در محیط پر از فساد تهران آن روز را توضیح می دهند که] علت عظمت آنها این است که آنان خلاف جریان آب شنا کردند و همین سختی دو چندان، اجری دو برابر دارد.» ۲- با الهام از دو گفته یاد شده به ذکر نکاتی می پردازیم که در صفای روحتان مؤثر است. فقط یک شرط دارد! و آن اینکه نکات زیر را هر چند کم و اندک، اما مستمر و هر روز پیگیری کنید: - ساعت خواب و بیداری خود را کنترل کنید. شب ها زودتر استراحت کرده و سحرخیز باشید. به یاد داشته باشید که به فرمایش حضرت امیر (علیه السلام) «خواب، بسیاری از تصمیم ها و برنامه ها را خراب می کند»(«ما انقص النوم لعزایم الیوم» - نهج البلاغه) خواب بی جا ضد حال برنامه های عرفانی، علمی است. - نماز! بویژه نماز اول وقت (و چه بهتر که امام جماعت عادلی انتخاب کرده و با او نماز بگذارید) - روزی یک گناه از کتاب گناهان کبیره شهید دستغیب را بخوانید. مرجع تقلید جامع الشرایطی برگزینید و از او تقلید نمائید. در غیر این صورت معمولا اکثر اعمالی که بدون تقلید انجام می شود خالی از اشکال نیست. - به توصیه اکید آیت الله بهجت «اگر کسی طالب صادق مسیر سیر و سلوک و قرب الی الله است، انجام واجبات و ترک معصیت برایش کافی است اگر چه هزار سال باشد.» - حتما روزی ۵۰ آیه قرآن بخوانید. (برای راحتی و عادت از جزء ۲۹ و ۳۰ شروع کنید) - درس! درس! درس! - مطالعه غیر درسی: معراج السعاده، معاد (شهید دستغیب) مطالعه شود و همواره در ارتباط بیشتری با همین بخش باشید. - سعی کنید توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) را با زیارت عاشورای هر روز استمرار بخشید. - اذکار مستحبی مثل صلوات، استغفار، آیه الکرسی، آیه و ان یکاد ... را مراقبت نموده و اعمال مستحبی خود را به نیابت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) انجام داده و ایشان را یاد کنید.

برای بهبود یافتن وضعیت فرهنگی چگونه رفتار و برخورد کنیم ؟

پرسش

برای بهبود یافتن وضعیت فرهنگی چگونه رفتار و برخورد کنیم ؟

پاسخ

هر چند این سؤال ابهام دارد و منظور حضرت‌عالی کاملاً روشن نیست ولی با توجه به سؤال قبلی شاید بتوان گفت منظورتان چگونگی رفتار در وضعیت فرهنگی موجود در جامعه و وظیفه فردی و اجتماعی، اخلاقی و شرعی یک جوان در چنین فضایی باشد که در این صورتمی‌توان گفت: به طور کلی در جامعه‌ای که فساد در آن رایج شده، از نظر اسلام دو نوع وظیفه برای فرد مسلمان

وجود دارد: وظایف فردی و وظایف اجتماعی. منظور از وظایف فردی کلیه اقداماتی است که فرد برای حفاظت خود از آلوده شدن به گناه انجام می‌دهد این اقدامات شامل: ۱ـ آشنایی به اعمال و رفتاری که از نظر احکام اسلامی گناه و معصیت شمرده می‌شوند. که ما در بخش اول به پاره‌ای از آنان اشاره کردیم، چه بسا جوانانی که به خاطر بی‌اطلاعی از گناه بودن عملی، مرتکب آن شده‌اند و آثار و پیامدهای وضعی گناه در تمام عمر گریبان‌گیر آنهابوده است. ۲ـ مواظبت بر ترک گناه هر چند آن گناه کوچک باشد. زیرا ارتکاب گناهان صغیره خود زمینه‌ساز گناهان بزرگتر می‌باشد. ۳ـ در زمان مواجهه با گناه همیشه خداوند را در نظر داشته باشد و به عواقب و پیامدها و آثار سوء و خطرناک دنیوی و اخروی گناه فکر کند و بداند که لذت گناه بسیار زودگذر و عواقب آن (مشکلات روحی و جسمی، رفتن آبرو، مجازات دنیوی و اخروی و...) پایدار و مانع ازپیشرفت انسان به سوی کمال و سعادت می‌باشد. ۴ـ تقویت ایمان به خدا و توکل بر او و تمسک به تقوای الهی که دارای آثار مثبتی است از قبیل: اشباع حس کمال‌گرایی، گرایش به ارزش‌های اخلاقی، برخورداری از لذّت‌های معنوی، هدفدار کردن حیات، جلوگیری از جرایم و مفاسد، آرامش روان و... ۵ـ اهمیت به نماز و انجام سایر عبادات، خصوصا روزه که در تقویت اراده انسان برای مقابله با گناه نقش زیادی داردو مداومت بر ذکر خداوند و تلاوت قرآن و تمسّک به اهل‌بیت(ع) زیرا موجب نورانی شدن دل و دور شدن افکار و وسوسه‌های شیطانی می‌شود و انسان را درلغزش‌گاه‌های حساس یاری می‌نماید. ۶ـ کنترل تمام اعضاء و جوارح و تسلّط بر آنان از حواس ظاهری گرفته تا حواس باطنی. ۷ـ پر نمودن اوقات فراغت خود با کارهای علمی، فرهنگی، مطالعه کتاب‌های مفید، اشتغال به ورزش و تفریحات سالم و... علاوه بر وظایف فردی مسلمان برای مصون نگه داشتن خود از گناه، در مقابل محیط اجتماعی و جامعه‌ای که در آن زندگی میکند یک‌سری وظایفی دارد که عبارتند از: ۱ـ بسیج همگانی اصلی‌ترین راه مقابله با مفاسد اجتماعی: مسلّما فردی که خواهان پاکی و مصون ماندن از گناه می‌باشد در صورتی موفق می‌باشد که علاوه بر انجام وظایف فردی برای دوری از گناه، یکسری اقدامات را انجام دهد تا محیطش نیز از گناه پاکیزه شود والا درمحیط فاسد احتمال لغزش و ارتکاب گناه می‌رود و از آنجا که مفاسد بصورت گسترده وجود دارد و به واسطه تهاجم فرهنگی دشمنان شدّت بخشیده می‌شود. برای مقابله با آن نیازمند بسیج همگانی می‌باشد. همه باید احساس مسؤولیت کنند و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را درجامعه عملی سازند. ۲ـ شرکت کردن در جلسات مذهبی، نماز جمعه و جماعت و تشویق دوستان و آشنایان به شرکت در این مراسم. ۳ـ ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد صمیمی و دوستانه و سازنده با جوانان باعث جلوگیری از جذب شدن افراد خانواده یا جوانان توسط دوستان ناباب و منحرف می‌شود. ۴ـ آگاه نمودن جوانان به پیامدهای مخرب و نامطلوب فساد، و شناساندن معیارهای صحیح انتخاب دوست، دوری از فرهنگ مبتذل غرب و پایبندی به فرهنگ خودی. ۵ـ تشکیل میزگردهای بحث و انتقاد فرصت مطلوبی را فراهم می‌کند تا تردیدهای خلقی و نگرانی‌های فکری زدوده شود و شیوه مناسبی برای حل معضلات فکری در اختیارشان می‌گذارد. ۶ـ ترویج ارزش‌های اسلامی از راه بحث و گفتگو، منطق و استدلال زیرا آنچه موجب می‌شود که انسان بتواند امیال خود را کنترل کند پذیرفتن یک سلسله ارزش‌های برتر است و علت بعثت انبیاء هم همین بوده که مردم نسبت به برخی از ارزش‌ها باور پیدا کنند تا بتوانند مانعاز طغیان شهوات بشوند. یکی دیگر از راه‌های ترویج ارزش‌های اسلامی و مبارزه با فساد آن است که با استفاده از آخرین دستاوردهای تکنولوژی مدرن، ارزش‌های اسلامی خود را در مقابل هنرمندانه‌ترین فیلم‌ها، نمایش نامه‌ها، کتاب‌ها، رمان‌ها و در قالب سایر آثار هنری با استفاده از وسایل هنری وتبلیغاتی عرضه کنیم و دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱ـ جوانان در طوفان غرایز همّت سهراب‌پور ۲ـ تهاجم فرهنگی استاد محمدتقی مصباح‌یزدی ۳ـ انقلاب و ارزش‌ها علی ذوعلم }J

با توجه به جو درسی دانشگاه وتهاجم فرهنگی غرب چگونه می توانیم به یادخدا باشیم و با اشتیاق وظایف دینی را انجام دهیم ؟

پرسش

با توجه به جو درسی دانشگاه وتهاجم فرهنگی غرب چگونه می توانیم به یادخدا باشیم و با اشتیاق وظایف دینی را انجام دهیم ؟

پاسخ

انس و ارتباط دائمی با خدا و مسائل اسلامی در همه حال میسر است ولی نه برای همه بل برای آنان که جدا بهخودسازی پرداخته و بنای ایمان خویش را بسیار مستحکم ساختهاند. بنابراین هر قدر مرتبه معرفت و ایمان و عشقآدمی به ذات اقدس الهی افزون گردد و آن کس که از سلسبیل عشق و معرفت قطرهای نچشیده باشد به اندک چیزیخدای را از یاد برده و در گرداب اوهام شیطانی غرق می گردد. آیا تاکنون دیدهاید که عاشق جز به معشوق خویشاندیشد و جز در طریق رضای او و وصل بدو گامی نهد؟ نیز آنکه خدای را شناخت و به او دل سپرد در همه چیز و همهحال به یاد اوست و برای نیل به مقصود حقیقی؛ یعنی قرب به سوی پروردگار گام می‌نهد. چنین آرمانی هرگز باتلاش‌های صحیح دنیوی و فراگیری دانش‌های طبیعی صنعتی انسانی اجتماعی و ... تضاد ندارد بل همه اینها را درراستای همان هدف تکاملی قرار می‌دهد و یاد و ذکر و توجه پیوسته به معبود و معشوق حقیقی را با آن مقارن ولاینفک می‌سازد. لیکن چنان که معروض افتاد در این راه باید گامی استوار برداشت معرفت خویش را بالا برد و دل ازهواها و تعلقات نفسانی شست و خانه قلب را مالامال از عشق باری تعالی ساخت . بر دانشجویان عزیز با ایمان استکه در برابر تهاجم فرهنگی غرب یک صدا خیزش معنوی و آرمانی بلندی نموده و بر محیط دانشگاه عطر معنویتافشانند و نگذارند آلودگی‌ها از هر سوی این محیط مقدس را لکه‌دار ساخته و چراغ نور افشان ایمان و معنویت را در آنخاموش سازد.{J

آیا واقعا از تهاجم فرهنگی به ستوه آمده اید، آیا دانشجویان را دوست دارید؟

پرسش

آیا واقعا از تهاجم فرهنگی به ستوه آمده اید، آیا دانشجویان را دوست دارید؟

پاسخ

زندگی و مرگ هر کشوری را باید در فرهنگ آن کشور جستجو نمود، چه این که هویت هر کشوری به فرهنگ اوست نه به رنگ و نژاد و ... مردم آن کشور. از این رو امام حسین(ع) برای احیاء یک جامعه سالم اسلامی، فرهنگ ذلت پذیری، ظلم پذیری و بی تفاوتی در برابر حق و باطل را نفی می کند و در این مسیر حتی از نثار جان خود دریغ نمی ورزد. به خاطر داشته باشید همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «عاشورا یک حادثه نبود، یک فرهنگ است». از این رو دشمنان ما، دشمنان جوانان ما، دشمنان مملکت اسلامی ما، ریشه ای ترین کارشان تهاجم فرهنگی و ایجاد تزلزل در بنیان های فکری و فرهنگی و باورهای دینی این مردم به ویژه در سطح دانشگاهها است. و چون حقیقتاً ما جوانان مخصوصاً فرهیختگان آنان یعنی دانشجویان را دوست داریم، نسبت به این عامل انحطاط بشریت یعنی تهاجم فرهنگی بسیار متأسف بوده و همواره خطرات آن را گوشزد می کنیم.

با توجه به این که جدیداً در شهر ما فرقه صوفیه مشغول فعالیت هستند در این خصوص راهنمایی لازم و راهکارهای مقابله را مطرح فرمائید.

پرسش

با توجه به این که جدیداً در شهر ما فرقه صوفیه مشغول فعالیت هستند در این خصوص راهنمایی لازم و راهکارهای مقابله را مطرح فرمائید.

پاسخ

در خصوص راهنمائی برای شناخت گروه صوفیه و راهکارهای مقابله با آن ابتداءً باید این نکته را یادآور شوم که برای این که ما یک اندیشه و مکتبی را قبول و یا رد کرده و با آن مقابله کنیم ابتداءً باید حقیقت آن اندیشه و مکتب را خوب بفهمیم و در مرحله بعد به نقادی عقل گذارده و اینکه آیا با ضروریات علمی و عقلی منافات دارد یا خیر و در مرحله سوم شخص صاحب مکتب و دین باید ملاحظه کند که این اندیشه و مکتب آیا با حقایق قطعی دینش همخوانی و سازگاری دارد یا خیر؟ بررسی مکتب تصوف هم از این قاعده مستثنی نیست. لهذا باید در مرحله اول تعریفی از این مکتب ارائه کنیم. درباره طریقه تصوف که تقریباً از قرن دوم به صورت یک مسلک معینی درآمده و تا قرن هفتم رو به تکامل بوده و قرنهای ۷ و ۸ اوج این مکتب است و از قرن نه تاکنون رو به نزول و انحطاط داشته ما اگر نگوییم که تعریفش غیرممکن است باید اعتراف کرد که بسیار مشکل است. که در روشن شدن این مطلب کافی است که بدانیم که ابوالمنصور بغدادی حدود ۱۰۰۰ تعریف درباره تصوف جمع آوری کرده، (تاریخ تصوف، دکتر مهدیزاده، ص ۴) و علت این مطلب این است که در تصوف در طول تاریخ دگرگونی های بسیار زیادی حاصل شده که تصوف در اسلام از زهد ابتدائی شروع تا اوج عرفان که امروزه بعضی عرفان را تکامل یافته تصوف می دانند علاوه بر اینکه در هر دوره در تصوف فرقه های گوناگون که حتی گاه در مقابل هم بودند پیدا شده اند که همین مکاتب متعدد گاه متضاد نشان می دهد که تصوف واقعاً دارای چهارچوب منظم و قابل تعریف نیست و رد کردن آن بصورت مطلق و یا قبول کردنش بنحو مطلق درست نیست لهذا باید آراء و عقاید فرقه خاصی از صوفیه را که ما شخصاً با آن مواجه هستیم مورد شناخت قرار دهیم تا بتوانیم بصورت مستدل قبول یا رد کنیم. ولی با تأمل و کنجکاوی در آثار و نوشته های صوفیه اشاره به دو نوع مطلب بر می خوریم: ۱. مطالب ساده و در خور مطالعه و احیاناً سودمند که از مذاهب و ادیان و اندیشه های مختلف چه از اسلام، مسیحیت، بودا، خسروانی، زردشت و افلاطون و دیگران گرفته اند. ۲. مطالبی نادرست و نابخردانه و خرافات آشکار و مطالب ضد دین و عقل و ادعاهای عجیب و غریب که گاه به خواب پریشان بیشتر شباهت دارد مانند معراج نامه بایزید بسطامی، شطحیات حلاج، دعاوی ابن عربی و کرامات شیخ احمد جامی که بسیاری از این مفاهیم در صورتی که به ظاهر آن اخذ کنیم با قرآن و حدیث و حتی عقل در تضاد هستند. و واضح است که با این چند سطر جواب نمی تواند فرقه ها و عقاید و آداب و رسوم مصوفه را بیان کرد. لهذا برای این که شما برادر عزیز به صورت کامل پی به حقیقت این فرقه ببرید، به منابعی مانند تاریخ تصوف در اسلام تألیف دکتر قاسم غنی؛ کتاب جلوه حسن، تألیف آیت الله مکارم شیرازی و یا کتاب تلبیس ابلیس عبدالرحمن جوزی و ریشه های عرفان در قرآن، نوشته داریوش احمدی و یا منابع دیگر مراجعه فرمائید. با این حال به صورت مختصر بعضی کلیات که تقریباً مورد قبول فرق گوناگون تصوف است را ذکر می کنیم و قضاوت را به خود شما دانشجوی عزیز وا می گذاریم. یکی از ویژگیهای این فرقه که همه محققین به آن اعتراف کرده اند التقاطی بودن این مکتب است. بدین معنا که مبانی خود را از ادیان و مذاهب و اندیشه های گوناگون مانند اسلام، مسیحیت، هندو،

بودا، زردشت گرفته و از مزج اینها تصوف ایجاد شده که همین التقاطی بودن باعث ایجاد تضادهای در درون این مکتب شده، (جلوه حق، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۲۴) و اینکه بعضی دعاوی آنها با عقل و بعضی با دین و بعضی با هر دو در تضاد باشد که به مواردی اشاره می کنیم. دو ویژگی منفی صوفیه: الف) مخالفت با علم و دانش این مخالفت با علم و دانش و اموری از علم و مدرسه و اینکه بشوی اوراق دفتر اگر مدرس مائی چنانچه جنید بغدادی که از بزرگترین مشایخ تصوف است می گوید: خواندن و نوشتن سبب پراکندگی اندیشه صوفی می شود، (آثار ادبی صوفیه، دکتر قاسم غنی، ص ۵۰۶) و شیخ عطار در حالات بشر حافی که از عرفای بزرگ است نقل می کنند که هفت صندوق از کتب حدیث داشت که همه را زیر خاک پنهان کرد، (تذکره الاولیاء، جلد ۱۱، ص ۱۰۸). و بگونه ای تعلیم و تعلم بین آنها زشت بود که بدست گرفتن قلم را ننگ می دانستند، (نقد العلم و العلماء، ص ۳۱۷). ب: شکستن حریم احکام دین که در زمینه های گوناگون احکام صریح و قطعی اسلام را زیر پا می نهند. مانند ترک نماز، رقص و سماع، ترک ازدواج، ریاضت کشیهای سخت عزلت و گوشه نشینی، ایجاد خانقاه، خرقه پوشی، خرد کردن شخصیت خود ، در کتاب اسرار التوحید در حالات ابو سعید ابوالخیر که از بزرگان صوفیه است نوشته شده روزی بعد از دعوت به مهمانی سماع کردند و شیخ ما را حالتی پدید آمد... مؤذن بانگ نماز ظهر گفت و شیخ همچنان در حال بود و جمع در وجد و رقص می کردند. امام محمد قاینی (میزبان) گفت وقت نماز است شیخ گفت ما در نمازیم و همچنان در رقص بود امام ایشان را بگذاشت و در نماز شد. در ریاضت کشیهای ایشان درباره ابوبکر شبلی از بزرگان صوفیه نقل شده به اول که به مجاهده دست بر گرفت سالهای دراز نمک در چشم کشیدی تا در خواب نشود و گویند که هفت من نمک در چشم کرده بود، (تذکره الاولیاء، شیخ قربه الدین عطار، جلد ۲، ص ۱۶۴) و داستان معروف لُص (دزد) حمام _ که غزالی از یکی از شیوخ بنام ابن کزینی نقل می کند که: من زمانی وارد یکی از مناطق شدم و در آنجا حسن سابقه ای پیدا کردم. برای نجات از این حسن شهرت روزی به گرمابه ای رفتم و لباس گرانبهائی را دزدیده از گرمابه خارج شدم مردم دویدند مرا گرفته جامعه های گرانبها از من برکندند پس از این واقعه در میان مردم به دزد حمام مشهور شدم و به این وسیله نفس من راحت شد!! و غزالی هم این عمل را تأیید کرده که باعث تعجب دانشمند بزرگ ابن جوری شده که می گوید آیا هیچ راهی صحیح برای اصلاح قلب نبود که به این گونه امور بپردازند و آیا رواست که مسلمان بر خود نام دزد نهد. که باید گفت این نهایت شکستن حریم احکام دین است . بعضی از ادعاهای بزرگان این گروه را برای نمونه ذکر می کنیم: درباره بایزد بسطامی که در میان صوفیه مقام فوق العاده ای دارد بطوری که او را سلطان العارفین ملقب کرده اند نقل شده روزی مردی پیش او آمد بایزید گفت: کجا می روی؟ گفت به حج خانه خدا گفت چه داری گفت دویست درهم. گفت: آن را بمن بده که صاحب عیالم و هفت بار دور یمن بگرد و باز گرد که حج تو همین است! و بالا تر از این شیخ عطار نقل می کند. که بایزد را گفتند روز قیامت که می شود مردم در زیر لوای محمد(ص)، جمع می شوند گفت به خدا قسم که لوای و پرچم من از لوای محمد بزرگتر است، (تذکره الاولیاء، ج ۲، ص ۱۱۲). و جمله ما اعظم شأنی که فقط در حق خداوند متعال سزاوار است گفته شود همیشه ورد زبان او بوده به این معنا که چه مقامم بالا است و صدها نمونه از این قبیل کفریات از این شخص که به عقیده خود صوفیها بعنوان بزرگترین صوفی مطرح شده داریم. لهذا گرچه ممکن است بعضی گفته های آنها هم خوب و درست باشد ولی غالب مطالب آنها مخالف با عقل و دین و شریعت است و آگاهی پیدا کردن به همین موارد بهترین راهکار برای مقابله با آنهاست. صوفیه از نگاه دین اما از نظر دین حکم این گروه چیست کتابهایی در این زمینه نوشته شده و به جمع آوری روایاتی که درباره صوفیه وارد شده پرداخته اند که از همه مهمتر ۲ کتاب است یکی کتاب حدیقه الشیعه محقق اردبیلی و یکی کتاب الاثنی عشریه شیخ حر عاملی که هر ۲ از دانشمندان بسیار معروف شیعه هستند. برای نمونه فقط یک حدیث معتبر و صحیح که در هر ۲ کتاب ذکر شده بسنده می کنیم. بزنطی و اسماعیل ابن بزیع از امام رضا(ع) نقل می کنند، قال علی ابن موسی(ع) من ذکر عنده الصوفیه و لم ینکرهم بلسانه و قلبه فلیس منا و من انکرهم فکانما جاهد الکفار بین یدی رسول الله(ص)، امام رضا(ع) فرمود هر کس در نزد او

از صوفیه ذکری بشود و به زبان و دل ایشان را انکار ننماید چنین کسی از ما نیست و هر کسی صوفیه را انکار کرد مانند کسی است که در راه خدا و در حضور رسول خدا(ص) جهاد کرده باشد، (الاثنی عشریه، شیخ حر عاملی، ص ۳۲ و حدیقه الشیعه، محقق اردبیلی، ص ۵۶۳). که به خاطر این روایات و بعضی دعاوی بزرگان این گروه و فتاوای خاص آنها معمولاً علماء و فقهاء شیعه با این فرقه مخالفت کرده و به ابطال عقاید آنان پرداخته اند و بزرگانی مانند آیت الله شیخ حر عاملی و محقق اردبیلی و ...و از علمای معاصر آیت الله مکارم شیرازی در رد عقاید آنان کتاب نوشته اند. انشاء الله که در شناخت حق و ابلاغ آن و در مقابله با اندیشه های باطل موفق باشید.

امر بمعروف و نهی از منکر اکنون در کشور دچار هجمه فرهنگی غرب شده و جوانان نیز گرفتار شده اند و فساد در جوانان و ترویج اخلاق فرنگی رونق پیدا کرده چگونه است تکلیف ما با برخورد با اینها؟

پرسش

امر بمعروف و نهی از منکر اکنون در کشور دچار هجمه فرهنگی غرب شده و جوانان نیز گرفتار شده اند و فساد در جوانان و ترویج اخلاق فرنگی رونق پیدا کرده چگونه است تکلیف ما با برخورد با اینها؟

پاسخ

واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و برنامه ریزی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا "دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم , براساس برنامه ای دقیق و حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده , مدرسه , رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی . ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی , استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه , سعادت , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی . ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی . ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد. ۵- ایجاد باوری عمیق , درونی , ریشه دار, عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند. ۶- تلاش و تدبیر جدی , گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات , در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی ... به طور کلی برای مصون ماندن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است : جهاد علمی و عملی . الف) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد. ب) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود: ۱- جهاد عملی فردی ; این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است . این جهاد عزمی استوار و

مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه , مراقبه , محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد. در این مسیر شخص باید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات همت گمارد, در مرتبه دوم انجام مستحبات و ترک مکروهات را وجهه همت خویش قرار دهد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است , حتی برخی از مباحات , را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد. ۲- جهاد عملی اجتماعی ; کوششی جمعی در جهت تغییر و اصلاح جامعه و مبارزه با آلودگی ها و انحرافات و بسط علم , اخلاق , معنویت و فضیلت و تقوی در جامعه است . این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است . در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما" برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست , اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی , برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش ها, علی ذوعلم ۳- ابوالفضل اشرفی , بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی) مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری‌های موجود در جامعه را می‌توان در دو بخش انجام داد: ۱. تک تک آحاد جامعه موظف‌اند با هر گونه منکر و مفسده‌ای مبارزه کنند و به افرادی که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می‌باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ ازجمله: اولاً: فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده‌ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا، در امر و نهی او مفسده‌ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پایین‌تر، جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدّی کند. در مرتبه اوّل ناراحتی قلبی و تنفّر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه سوم، مرحله اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلّفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی‌ربط درنیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت‌الله خامنه‌ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱). ۲. سازمان‌ها و ارگان‌های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدّر و...) موظّف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت‌های خودکوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی‌تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه‌یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه‌کارهای منطقی و واقع‌بینانه و مناسب با آن است. راه‌کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش‌های اسلامی، اجرا شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش‌های اسلامی و تهدید کننده سلامت

جامعه، مطلوب است. اما با وجود این یکی از نکاتی که نباید مورد غفلت قرار گیرد شناخت دقیق روحیات و ویژگی های شخصیتی جوانـان، علاـیق آن، نفرت هـا و انزجارهـای آنـان از یک طرف و آگاهی به راه های ارتباط و نفوذ در آنان با توجه به اصول روان شناسی است.

چگونه می توان در برابر شبهه افکنی مغرضان ایستادگی کرد و دچار شک و تردید نشد؟

پرسش

چگونه می توان در برابر شبهه افکنی مغرضان ایستادگی کرد و دچار شک و تردید نشد؟

پاسخ

هر فرد ایرانی خصوصا "دانشـجویان عزیز که خود را نسبت به حفظ نظام مقدس جمهوری اسـلامی ایران و ارزشـهای الهی متعهد و مسئول می بینـد و دغـدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولا, "درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشـگاهی مورد بحث قرار می گیرد, اطلاعات و معلومات در حد کافی داشته باشد, تاریخ و تئوریها و رهیافتهای گوناگون فرهنگی , اجتماعی , اقتصادی , سیاسـی و... در مورد انقلاب اسـلامی , حوادث مهم دوران انقلاب و بعـد از آن , شخصـیت ها و گروه های فعال و تأثیرگـذار در عرصه سیاسـی کشور, افکار و عقاید آنان و... را به خوبی بشناسد تا بتواند در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مدرک به صورت مستدل از انقلاب دفاع نمایـد. و این کار نیازمنـد مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه ها نوشـته شـده , می باشد. ثانیا: "علاوه بر آمادگی های علمی , هر وقت شبهه یا مسأله ای را کسی مطرح کرد که برای شما ابهامات و یا شک و تردیدهایی را به وجود آورد. اگر شـخصا از راه تأمل و تفکر و یا مطالعه توانایی حل آن را دارید از این طریق اقدام نمایید و در اینجا ذکر این نکته لازم است که اکثر شـبهاتی که در جامعه مطرح می شود، شـبهه علمی به مفهوم دقیق آن نیست، بلکه بیشتر مغالطه است که اگر در مقدمات آن به خـوبی تأمـل شـود قابـل حـل اسـت و اگر شـخصا ایـن توانـایی را نداریـد حتمـا در اولیـن فرصـت بـا افراد و یـا مراکزی که توانـایی پاسـخگویی به چنین شبهاتی دارند، ارتباط و به پاسخ قطعی آن برسید. در هر صورت نباید در مقابل شک و تردید بی تفاوت ماند؛ زیرا آفتی است که چه بسا ایمان و معتقدات مذهبی و ارزش های فرد را به نابودی می کشاند.

وظیفه تشکلهای دانشجویی در زمینه رفع معضلات فرهنگی فوق چیست.

پرسش

وظیفه تشکلهای دانشجویی در زمینه رفع معضلات فرهنگی فوق چیست.

پاسخ

قیـام برای رضـای خـدا بـا زنـده کردن روحیه عـدالت طلبی، آرمـان طلبی، احیای ارزش ها، علم خواهی و پژوهش گری و انضـباط

اخلاقی، با بهره گیری از همه توان هایتان اموری که در این مسیر باید رعایت شود: ۱- اولاً سعی کنید این روحیه تعهد و مسؤلیت پذیری را همواره در خود حفظ کنید. ۲- مراقب باشید که خودتان به این گونه اشتباهات آلوده نشوید. ۳- در صورت امکان و احتمال تأثیر از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکنید که یکی از علل شیوع این مشکلات عمل نکردن مردم به این وظیفه همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است البته اگر احتمال اثر نمی‌دهید و یا ممکن است برای شما خطر جدی به دنبال داشتهباشد همان تأثیر و ناراحتی درونی شما کافی است ولی در صورت امکان به هر اندازه‌ای که می‌توانید باید به تکلیف شرعی خود عمل نمایید و لازمه این کار آشنایی با احکام امر به معروف و نهی از منکر است. ۴- سعی نمایید با خودسازی، کسب مهارت‌های لازم خودتان را آماده خدمت به جامعه کنید تا حداقل جای یکی از افرادی که موجب این نابسامانی‌ها می‌شوند را پر نمایید. ۵- وجود این گونه کاستیها و نابسامانی‌ها یا مشکلات فرهنگی و اخلاقی از قبیل بی حجابی نباید موجب یأس و ناامیدی شما شود بلکه باید شما را مصمم کند تا خود برای اصلاح و بهبود وضع موجود مهیا کنید و از خداوند بخواهید که این امکان و توفیق را به شما بدهد تا درکناردیگر دردمندان دلسوز بتوانید گام‌های مؤثر در جهت رفع این مشکلات بردارید. ۶- درست شناختن کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید. ۷- در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگاری آشنایی کافی را دارند. ۸- از افراط و تفریط پرهیز نمایید. ۹- اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود. ۱۰- صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد. ۱۱- از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پرانگیزه باشید و صرفا برای وقت گذرانی یا کسب درآمد به آن کار نپرداخته اند. ۱۲- نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بازرسی و دیدن و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید. ۱۳- هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید. ۱۴- هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود. برای مطالعه بیشتر ر.ک: دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، نشر روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۷۹

چطور می شود از تهاجم فرهنگی جلوگیری کرد؟

پرسش

چطور می شود از تهاجم فرهنگی جلوگیری کرد؟

پاسخ

از آنجا که فرهنگ با اندیشه ها و باورها و اعتقادات مردم سروکار دارد باید با مبانی و عقاید عقلانی و مبتنی بر فطرت و بصیرت زمینه پذیرش یا نفی یک فرهنگ را پدید آورد و رویارویی با فرهنگ مهاجم نیز نیاز به یک کار فرهنگی دقیق و حساب شده دارد و در این میان دو کار عمده فرهنگی ضروری به نظر می رسد : مورد اول شناسایی فرهنگ مهاجم یا فرهنگ غرب است. برای

مقابله با هر پدیده ای ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نمود تا بتوان سازوکارهای لازم را مهیا کرد. غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت عملکرد و باطن و جوهر حقیقی این فرهنگ است وشناخت عمیق فرهنگ غرب به معنای این است که از ظاهر فریبنده آن پرده برگیریم و به درون آن راه یابیم. مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند" : این ملت برای این که حیثیت و کیان حقیقی و انسانی اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی اش حفظ بشود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم بردن به نقاط ضعف دشمن دارد. "فرهنگ غرب نقاط ضعف فراوان دارد که اگر ما به این نقاط ضعف آشنا نباشیم قدر فرهنگ غنی خود را نخواهیم دانست و همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند" این ما هستیم که باید به فرهنگ غرب تهاجم داشته باشیم و ضد ارزشها و نقاط ضعف و انحرافات و پوچی آن فرهنگ مادی و مبتذل را افشاء نماییم تا جوامع و از جمله جامعه خودمان را واکسینه و از فریب زرق و برق و ظاهر زیبا و باطن گندیده آن مصون بداریم. "در این مجال اندک در حد توان پرده از چهره کریه غرب برداشته و به گوشه ای از نقاط ضعف این فرهنگ نازیبا می‌پردازیم : از جمله نقاط ضعفی که غرب را در سراشیبی سقوط و سرنگونی قرار داده است این موارد است : ۱- نژاد پرستی و قومیت گرایی : مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند" : امروز کشورهای مترقی دنیا که از لحاظ مادی پیشرفته هستند، هنوز گرفتاری سیاه وسفید دارند... هنوز در آنجا جنگ نژاد، جنگ خون و جنگ قومیتها وجود دارد. ۲- برده داری دوران جاهلیت در عصر جدید : دختران باکره از دهکده های فقیر تایلند با قیمت ۱۰۰۰ مارک توسط دلالان خریداری و برای خدمتگزاری اما در واقع برای فاحشه گری به کلوپ های شبانه بانکوک، هنک نگ، ژاپن و آلمان فرستاده می شوند؛ بردگی عصر جدید تجارت دختران جوان است. ۳- دزدی و قتل : هر خانواده آمریکایی بطور متوسط سالانه حدود ۳۰۰ دلار در ازاء دزدیهایی که در کشور صورت می گیرد خسارت می پردازند. ۴- سقوط خانواده در غرب : ۲۸٪ کل خانواده های آمریکایی را خانواده های بدون پدر یا مادر تشکیل م... دهند (زوجها با همسران خود زندگی نمی کنند) ۵- نا امنی : در حدود ۲۰۰ میلیون اسلحه گرم در دست مردم غیر نظامی قرار دارد و ۱۲ میلیون زن آمریکایی به منظور حفاظت از خود اسلحه کمری دارند. ۶- قاچاق و مصرف انواع مواد مخدر : آمریکاییان در طول یک سال ۴۰ میلیارد دلار صرف مواد مخدر قاچاق کرده اند. در آلمان ۰۰۰/۵۰ کودک معتاد به نیکوتین هستند و اغلب جوانان (دختر و پسر) در سن ۱۵ سالگی یا کمتر معتاد به سیگار می شوند. ۷- وضع نامطلوب مدارس : بیش از یک سوم از دانش آموزان آمریکا در طول سال گذشته مرتکب سرقت شده‌اند. ۸- توحش قرون وسطایی : در جنگهای سارایو صربها لباس زنان مجروح را پاره کرده و با کارد روی سینه آنها علامت صلیب را کشیده اند. ۹- روابط جنسی نا مشروع با محارم : ۳۲٪ دختران فرانسوی قربانی تجاوز پدران خود می شوند؛ روابط نامشروع جنسی بین دختران فرانسوی و نزدیکان آنها روند صعودی طی می کند". ۱ "اینها گوشه ای از نقاط ضعف فرهنگ غرب بود که ذکر شدبی جهت ن...Ə...که رهبر معظم انقلاب در گ.....Şای از بیانات خودمی فرمایند" : آمریکا باید به حل مشکلات عظیم انسانی و اخلاقی و نیز فقدان امنیت در جامعه خود بپردازد"."۲ "و کار دوم فرهنگی و ارتباط با مقابله با فرهنگ مهاجم درک هویت فرهنگ خودی است؛ شناخت یک فرهنگ در حقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها و برتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگها است. نسل جوان باید به امتیازات فرهنگ اسلامی و ملی خویش آشنا باشد تا در مقابله با فرهنگ بیگانه از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد. تاریخ تحلیل فرهنگ خودی و مطالعات تطبیقی فرهنگهای معاصر و بویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که بر معادلات سیاسی و اجتماعی جهان معاصر داشته است جوانان را در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاوم می کند و با این امر بازگشت به فرهنگ خودی امکان پذیر خواهد بود. ۱- مقابله با شبیخون فرهنگی دشمن از دیدگاه رهبری، ص۶۹و... سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۷/۱۱/۷۱

-چه کنیم که بتوانیم به طور جدی از اعتقادات خود حفاظت کنیم؟

پرسش

-چه کنیم که بتوانیم به طور جدی از اعتقادات خود حفاظت کنیم؟

پاسخ

جواب : بااهداء سلام وآرزوی توفیق الهی ضمن تشکرازحسن اعتمادشمابه این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد. با عرض سلام خدمت شما دوست عزیز وبا تشکر از اینکه سؤال خود را با ما مطرح نمودید پاسخ سؤال خوبتان را با کلامی از حضرت علی ?شروع می کنم ایشان می فرمایند : ای گروه جوانان ، شرف انسانی و سجایای اخلاقی خود را با ادب آموزی و تربیت محافظت نمائید و سرمایه گرانبهای دین خویش را با نیروی علم و دانش از دسبرد نا پاکان و خطرات گوناگون برکنار نگاه دارید . (تاریخ یعقوبی ص ۱۵۲) پایبندی به دین و ایمان و فضائل اخلاقی نیازمند به تربیت و مراقبت است و اگر در کودکی و نوجوانی به این مسأله اهمیّت و ارزش داده شود اثرات خوب آن تا پایان عمر باقی خواهد ماند . دکتر کارل میگوید : کسیکه در آغاز زندگی به شناخت خوب و بدی عادت کرد در تمام عمر انتخاب خوبی و پرهیز از بدی برای او آسان خواهد بود و همانطور که از آتش دوری میکند از بدی نیز می پرهیزد و عهد شکنی و دروغ و خیانت در نظر او نه تنها اعمالی ممنوع بلکه غیر ممکن می آید. (جوان از نظر عقل و احساسات تألیف محمد تقی فلسفی) البته این به آن معنا نیست که نتایج تربیتهای صحیح در هر گونه شرایط و به هر صورت پایدار بماند حضرت علی ?می فرمایند : کسیکه قبل از بلوغ با خواهشهای نفسانی خویش مجاهده نکرده باشد در بزرگی به مقام فضل و بزرگی نائل نمی شود .(غرر الحکم علی ?ص ۶۴۵) و نیز میفرمایند آن کسیکه بر خلاف میلش به ادب آموزی و تربیت صحیح وادار شود و به مشقّتهای آن تن در دهد به گفتار و رفتار زشت کمترآلوده می شود. (غررالحکم علی ? ص ۶۴۵) اما برای محافظت از سرمایه گرانبهای دین و محکم کردن پایه های آن نیازمند به علم کامل و صحیح از منبعی اطمینان بخش هستیم و در این زمینه نباید به شناختهای کمی که از گذشته آموخته ایم اکتفا کنیم و همراه با افزایش آگاهیّمان در معارف دین سعی در عمل به آنها داشته باشیم . بنابراین مهمترین مسأله در این زمینه افزایش آگاهی در مسائل دینی و سؤال و مشورت با افراد خبره و استفاده از امکاناتی است که در این زمینه در نظر گرفته شده است مانند کلاسهای آموزش مسائل دینی ،نوارهای ویدئوئی و کاست و ...برای شروع می توانید با مطالعه کتب آقای دستغیب ،محسن قرائتی و حسین مظاهری آگاهی خویش را افزایش دهید و اگر توانائی داشته باشید به مطالعه کتب استاد مطهری بپردازید. البته مطالعه به تنهایی کار ساز نیست بلکه در کنار جستجو و مطالعه می بایست به تفکر و نیایش و توسل و ارتباط با خداوند نیز پرداخت تا مفاهیم دینی تا عمق جان نفوذ کند ودر زندگی به کار گرفته شود . در منابع اسلامی و منابع سایر ادیان به تفکر و تدبر بسیار اهمیّت داده شده است به طوری که در روایتی آمده که بیشتر عبادت ابوذر تفکر بوده است .مذاهب مختلف دارای رسمها و عباداتی هستند تا انسان را وادار به تفکر کنند اما تمام راههای رشد روحی انسان به تفکردر اوقات فراقت و آرامش نیاز دارند ،پیروان مذهب تائو میگویند وقتی آب ساکن میشود و باد به آن نمی وزد میتوان انعکاس هر چیزی را به روشنی در آن دید حتی تک تک موهای ریش مردان و ابروان زنان را میتوان در تصویر آب تشخیص داد . حال که آب میتواند در سکون و آرامش چنین پاک و روشن باشد اگر قلب آدمی به آرامش و سکون برسد تا چه حدّ پاک و زلال خواهد شد ؟ در این صورت آسمانها و زمین و هزاران چیز دیگر در قلب انسان منعکس خواهد شد .(کلید های تربیت کودکان ، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا ، تألیف دکتر ایریس یاب ،مترجم دکتر مسعود حاجی زاده ص ۱۳۳) دوست خوبم! در پایان عرایضم خاطر نشان می کنم که بهتر است به هر مرحله ای از دانش دینی که دست پیدا

میکنید به آنها قانع و خشنود نباشید بلکه سعی کنید به درک و شناخت عمیقتری از خدا و آموزه ای دینی دست یابید چه بسا که در این مسیر تصاویر قلبی خود را نیز تغییر دهید مهم این است که با تلاش وتوکل و تدبر به درکی اطمینان بخش از خداوند و معارف دینی برسید نه به درک و تصوری ثابت.

۲- چه کنیم تابتوانیم از افرادیکه در کوچه و خیابان میبینیم الگو پذیری نکنیم؟

پرسش

۲- چه کنیم تابتوانیم از افرادیکه در کوچه و خیابان میبینیم الگو پذیری نکنیم؟

پاسخ

جواب : سؤال دوم: در پاسخ به سؤال خوبتان عرض می شود دوران جوانی ایام سپری شدن ایام کودکی ، و آغاز زندگی اجتماعی است . نوجوان بر اثر بلوغ ، از محیط محدود خانواده خارج می شود و به فضای پهناور اجتماع قدم می گذارد کسیکه می خواهد عضو مؤثر اجتماع باشد و در صف افراد مفید قرار گیرد باید واجد شخصیتی باشد که بتواند خویشتن را با جامعه تطبیق دهد و به صفات لازم عضویت اجتماعی برسد . موضوع احزار شخصیت و برگزیدن صفات لازم برای سازگاری با اجتماع ،یکی از بزرکترین مشکلات نسل جوان است . بسیاری از نوجوانان به علت خود سری یا نداشتن مربی لایق از مسیر صحیح منحرف می شوند و به جای برگزیدن صفات مفید و پسندیده به خلقیّات مضرّ و ناپسند آلوده می شوند و در نتیجه از منطبق کردن خود با اجتماع عاجز می مانند. نوجوانان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم از دیگران تقلید می کنند و روش آنان را برنامه کار خود قرار می دهند با توجه به اینکه تمایل به خود نمایی و تشخص طلبی در نوجوانان شدید است کوشش می کنند تا جائیکه میسر است از مردان مشهور و ممتاز پیروی کنند و صفات آنان را الگوی شخصیّت سازی خود قرار دهند به این امید که هر چه زودتر و بیشتر شهرت و افتخاری کسب کنند و مورد توجه عموم مردم قرار گیرند . گاهی پیر و ستاره سینما می شوند و کارهای ساختگی و غیر واقعی آنها را برنامه زندگی حقیقی خود قرار می دهند و این رفتار نادرست را مایه افتخار و شهرت خویش می پندارند مانند آنان راه میروند ، حرف میزنند ، لباس می پوشند ، نگاه می کنند ، می خندند ،معاشقه میکنند ، روی و موی خود را مثل آنها می آرایند و خلاصه به جای اینکه جوانان شخصیّت خویش را بر اساس سجایای اخلاقی و صفات انسانی پی ریزی کنند و خود را انسان لایقی سازند از ستاره های سینما تقلید می کنند رفتار آنها را برنامه کار خود قرار می دهند و از این راه بزر گترین ضربه را به شخصیّت خود میزنند . بدون تردید مطالبی را که جوانان در جرائد می خوانند یا در پرده سینما میبینند در آنان اثر عمیق می گذارد و بدون آنکه خودشان متوجّه باشند به همان مسیر سوق داده میشوند و به همان روحیّه پرورش داده میشوند . به نظر روانشناسان حسّ تقلید یکی از تمایلات طبیعی است که در تمام افراد بشر در سنین مختلف وجود دارد امّا این حس در نسل جوان شدیدتر است . دکتر جان بی کیزن در کتاب شادکامی میگوید: رفتار ما به طور کلی بر اثر تقلید است اگر این غریزه نبود می بایستی هر کس از طفولیت تجربیات زندگی را از سر بگیرد و رفتار و کردار مخصوص به خود داشته باشد و البته در این صورت زندگی در اجتماع بسیار دشوار و شاید غیر ممکن می شد . متأسفانه گاهی تشخیص نادرست و هوی و هوس ، برخی را به تقلید از افرادی وا میدارد که مورد تصدیق همه کس و پسندیده عقلا نیستند چنانکه ممکن است جوانی عجول و شیفته خود نمائی و سرافرازی ،به عوض اینکه با

صبر و حوصله اسباب بزرگی را یک به یک فراهم آورد ، از کسی پیروی و تقلید کند که اتفا قاً از راه نا صواب به کام رسیده و در نتیجه این تقلید ناروا خود را به هزار زحمت و مهلکه بیندازد . بدون تردید تقلید یکی از ارکان اساسی ترقی بشر و از عوامل بسیار مؤثر در پیشرفتهای فردی و اجتماعی است و باید نوجوانان در راه ساختن شخصیّت خود از این تمایل طبیعی استفاده کنند ولی برای آنکه بر اثر تقلید های کور کورانه و نادرست دچار خطا و گمراهی نشوند و از مسیر فضلیت و مصلحت منحرف نگردند لازم است همواره به دو نکته توجه داشته باشند . اول آنکه از افراد منحرف و گمراه پیروی نکنند و به امید نیل درجه قهرمانی در رسیدن به مقام رفیع اجتماعی ، اعمال نادرست آنان را سرمشق خود قرار ندهند چه آنکه گمراهان و گنهکاران خیلی زود با شکست و نا امیدی مواجه خواهند شد امام حسین ? می فرمایند : کسیکه از راه گناه از پی کاری بر خیزد امیدش بیشتر فوت میشود از آنچه می ترسد سریعتر به آن مبتلا می گردد (بحار ج ۱۷ ص ۱۴۹) دوم آنکه بدانند ساختمان طبیعی و استعدادهای نظری بشر با یکدیگر متفاوت است . خداوند مردم را مختلف آفریده و هر انسانی برای انجام کار مناسب با ساختمان خود آمادگی بیشتری دارد . پیامبر(ص ?) می فرمایند: کارکنیدکه هرکس برای کاری که آفریده شده مهیّا تراست وآن را بهترانجام میدهد(سفینه ص ۷۳۲) آدمی زمانی به کمال لایق خویش میرسد که از ذخایر نهائی خود استفاده کند و استعدادهای درونی خویش را به فعلیّت آورد منظور از تقلید آن است که شخص در راه احیای قابلیّت و ابراز لیاقت خود از روش دیگران استفاده کند و راهی را که آنان پیموده اند و به نتایج ثمر بخش رسیده اند بپیماید نه آن که به خیال قهرمان شدن ، کورکورانه از قهرمان تقلید کند و استعدادهای فطری خود را که میتواند مایه شهرت و سر بلندی وی گردند را سرکوب نماید. دکتر اوستاس در کتاب رشد و زندگی میگوید : اگر شما فقط یک قسمت از شخصیّت خود را بگیرید و آن را پرورش دهید تا به شکل یک قهرمان خیالی در اید هرگز شخصیّت واقعی خودتان نخواهد بود ، شخص تا وقتی حرکات و رفتار و انگارش طبیعی و حقیقی باشد بیش از کسیکه با رفتار مصنوعی خود را به رخ دیگران میکشد دارای ارزش و احترام خواهد بود انسان میتواند با کوشش و اراده خود را از گمنامی به شهرت و افتخار برساند و شخصیّت برجسته ای را دارا شود ولی اشخاصی که فقط می خواهند از قهرمان تقلید کنند هیچ وقت بیش از یک شخص مقلّد نخواهند بود . خوشبختی ، عشق موفقیّت و پیشرفت همه زمانی نصیب شما میشوند که شما از قوا و استعداد های طبیعی خود استفاده کنید نه اینکه استعداد های خویش را با اخلاق و رفتار ناپسند ، غرور و حرص ، عدم اعتیاد یا اعتیاد بیش از اندازه به دیگران یا پیروی کورکورانه از آنان از بین ببرید دوست عزیز با توجه به مطالبی که به عرضتان رسید نوجوانان و جوانان که از دوره کودکی پا به دوره نوجوانی و جوانی میگذارند برای ساختن شخصیّت خویش و ارضای میل تفوق طلبی و برتری در اجتماع دست به تقلید از دیگران میزنند امّا اشتباه اصلی در تعیین شخص یا اشخاص است که مورد تقلید قرار می گیرند و در ارتباط با سؤالی که مطرح کرده اید با توجه به سخنان آسمانی ائمه دین و دانشمندان روانشناسی به نظر نمی رسد افراد کوچه و خیابان در روش پوشش و رفتار اجتماعی آنان الگوی مناسبی برای تقلید باشد چرا که ماراز هدف اصلی که رسیدن به موفقیت وکامیابی اجتماعی و داشتن شخصیت مطلوب است نمی رساند . منبع جوان از نظر عقل و احساسات ، آقای فلسفی ج ۱ ص ۴۰۳-۴۱۷ (با حذف و جابجایی)

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظائف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

پرسش

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظائف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

پاسخ

مسأله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصر حاضر در کشورهای جهان سوم خصوصا کشورهای اسلامی است که به علت پیچیدگی وآمیخته بودن آن با مسائل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که به طور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرار ارزش‌های اسلامی وملی به کار گرفته شود و تمام دین‌داران با مایه گذاشتن از امکانات خود در این راه به مبارزه بپردازند مبارزه‌ای که از یک سو جنبهتولیدی دارد (یعنی تولید برنامه‌ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صدد کندن بنیان‌های اعتقادی و دینی جامعه است. به هر ترتیب افزونی آگاهی‌ها و بینش سیاسی واجتماعی به وسیله مطالعه تفکر و ارتباط مداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است.{]

چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب جوانان از دین روی گردان شده اند و راه حل معضلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه چیست ؟

پرسش

چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب جوانان از دین روی گردان شده اند و راه حل معضلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه چیست ؟

پاسخ

قبل از هر چیز لازم است از حسن اعتمادتان به این اداره سپاسگزاری کنیم و از این که شفاف و صریح نقطه نظراتخود را درباره دین گریز شدن جوانان بیان فرمودید خرسندیم و از شما تقدیر و تشکر می‌کنیم. این که فرموده‌اید همه جوانان ایران زمینی با دلی روشن دوستدار آزادی و عدالت در پرتو دین و معنویت هستند،مطلب صحیحی است. ما نیز با شما هم‌عقیده هستیم و نشانه‌های آن را می‌توان به روشنی در جامعه مشاهده کرد.بعضی تحقیقات علمی و تجربی نیز که در این مورد به خصوص در سطح دانشجویان و دانش‌آموزان انجام گرفته گویایهمین مطلب است که توده جوانان ایرانی علاقه‌مند به دین و معنویت هستند. ولی این نکته را نیز نباید به فراموشیسپرد و یا نادیده گرفت که بعضی اعمال و رفتارهای نابهنجار و خلاف دین و اخلاق در میان افراد جامعه به خصوصدر بین جوانان و حتی دانش‌آموختگان و دانش‌آموزان و دانشجویان نیز وجود دارد. خود شما بسیاری از آنها را ازنزدیک می‌توانید مشاهده و لمس کنید. علاوه بر این آمار و ارقام تحقیقات میدانی و تجربی نیز وجود پاره‌ای ازنابهنجاری‌های اخلاقی و دینی و اجتماعی را تأیید می‌کند. اعتیاد حتی بین دانش‌آموزان و نوجوانان، روابط نامشروعدختران و پسران مصرف و نوشیدن آشامیدنی‌های غیرمجاز و مشروبات الکلی، دزدی و انواع و اقسام خلاف‌هایدیگر را نمی‌توان انکار کرد، بنابراین گرچه جوانان علاقه‌مند به دین و معنویت هستند ولی عملاً و در خارج با اینگونهنابهنجاری‌ها نیز مواجه هستیم و باید برای مبارزه با مفاسد اخلاقی و اجتماعی، برنامه‌ریزی و با آن به طور جدی مقابلهشود، تا این مفاسد به بخش‌های دیگر جامعه سرایت نکند و اقشار مختلف و جوانان آینده کشور از خطرات آنمحفوظ بمانند. اگر به دنبال علل و عوامل اینگونه مشکلات و نابهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی برویم، یقینا بهتر خواهیمتوانست راه حل مناسب ارائه کنیم. البته این امری نیست که بتوان بدون تحقیق و بررسی درباره آن اظهار

نظر کرد،بنابراین ضرورت دارد کارشناسان، متخصصان و خبرگان بدون هرگونه تشریفات و به قول شما بدون هرگونه گرایشسیاسی و گروهی به شناسایی نابهنجاری‌های جامعه بپردازند و راهکارهای عملی و عینی و قابل اجرا را پیشنهاد کردهو به اجرا درآورند. در این راستا، دین و آموزه‌های دینی که ضامن سعادت انسان و جامعه اسلامی است می‌تواندبهترین و بیشترین کمک را برای رسیدن به اهداف داشته باشد. طبیعی است که باید از هرگونه جلسه و سمینار وکنفرانس توخالی و بی‌محتوا جدا خودداری کرد. اما این که فرموده‌اید «رفتار و سلوک و عملکرد بعضی از مسؤولین، جوانان را دچار تشویش خاطر و تشویق به نفاقو ریا و تظاهر و به عبارتی باعث دوری از دین شده است» بر فرض قبول این فرضیه و ادعاء، باید به تصحیح اینتیجه‌گیری پرداخت و به جوانان این آگاهی و شناخت را داد که اگر به قول شما جوانان جامعه علاقه‌مند به دین هستندنباید عملکرد افراد خاصی را ملاک و معیار خود بدانند، بلکه معیار عمل ما باید دین، آموزه‌های دینی و ارزش‌هایاخلاقی باشد. باید لزوم پای‌بندی خود به دین را از اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی بگیریم، نه از عمل این فرد یا آنگروه و یا فلان مسؤول. اگر کسی با الفبای منطق آشنایی داشته باشد و از عقل سلیم برخوردار باشد، به طور عادی وطبیعی خواهد توانست، بین دین و ارزش‌های اخلاقی و دینی و بین افراد به ظاهر متدین و دور از محتوای دین فرقبگذارد و ملاک عمل خود را رفتار و سلوک چنین افرادی قرار نخواهد داد. ما و شما نیز موظفیم که این بینش و آگاهی وشناخت را نسبت به تفکیک دین از افراد متظاهر در خود ایجاد کنیم. پس به منظور جلوگیری از دین‌گریزی جوانانشایسته است اجازه ندهیم (تا آنجا که ممکن است و توان و قدرت ما اجازه می‌دهد) افراد ریاکار و متظاهر مسؤولیتچنین نقش‌های کلیدی را به عهده بگیرند تا چهره دین مسخ نشود. اگر دین به دست انسان‌های راستین و معتقد واقعیاقامه شود و یا نماز و اعمال عبادی دیگر احیاء شود و توسط آنها ارزش‌های اخلاقی پاسداری شود و به طور صحیح ومناسب و منطبق با دین و اخلاق به مظاهر دینی توجه شود، یقینا باعث اعتلای دین و آموزه‌های دینی شده و مانعدین‌گریزی تعدادی از جوانان خواهد شد. شما نیز حتما با این سخن موافقید. پس چه زیباست امثال شما که چنیندلسوزانه قلبتان آکنده از محبت و علاقه و عشق به دین و اجرای دستورات دینی است، قدم به جلو بگذارید و حرکترا آغاز کنید و جلو نابهنجاری‌های بیشتر را بگیرید و وظیفه خود را انجام دهید. در پایان لازم به ذکر است ما نیز آماده‌ایم نقطه نظرات، پیشنهادات شما را درباره مسائل مربوط به جوانان جهترشد فرهنگ دینی، اعتقادی و عملی آنان دریافت نماییم تا برای مقابله با معضلی که بیان فرموده‌اید از خود شما طلبیاری می‌کنیم.

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد, افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

پرسش

چه کنیم تا جوانان را از اعتیاد, افسردگی و خودکشی نجات بدهیم ؟

پاسخ

مشکل اعتیاد بلای خانمان سوزی است که ناشی از فقر فرهنگی و بیکاری است . ما و شما باید تلاش کنیم که با آگاه کردن جوانان و خانواده های آنها پوچی و بی هدفی و لاابالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشنا سازیم . شما می توانید با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صحیح با آنها و راه اندازی مکان های فرهنگی – تفریحی و مذهبی خوب و جذاب و برگزار نمودن مجالس مذهبی و دعوت اهالی , جوانان را جذب کرده و خلائهای فکری و فرهنگی آنها را پر نموده آنها را به فکر

اشتغال مناسب و مفید و فعال بودن در جامعه بیاندازیم و از بیکاری و بیهودگی و هدر رفتن وقت آنها جلوگیری کنیم و از طرف دیگر با شناسایی افراد فاسد و سودجو و جنایتکار که جوانان رامنحرف می کنند و معرفی آنها به نیروهای انتظامی و مراکز قضایی و ضابطین آنها جلوی گسترش فساد را بگیریم و زمینه را برای پاک بودن جوانان فراهم سازیم . به هر حال ; ارائه الگوهای صحیح , گسترش فرهنگ دینی , هدفمند کردن جوانان در زندگی , فراهم کردن اشتغال مناسب , ایجاد ارتباط و دوستی صمیمانه و صحیح , فراهم کردن امکان مطالعه و پیشرفت و تفریحات سالم , سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیاد نجات بخشد. شما باید خود در حد توان و امکاناتی که در اختیار دارید با بکارگیری راه های فوق الذکر به این هدف ایده آل دست یابید و بدانید که این کار فعالیتی بس مشکل و در عین حال سرشار از ثواب و پاداش است و دنیا و آخرت شما و دیگران را آباد می سازد. لازم است با ذوق و سلیقه و پشتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارائه شده استفاده کنیدو هرگز احساس خستگی و ناتوانی نکنید. به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوید و آنها را جذب کنید تا جذب مراکز فساد نشوند. لذا ایثار و از خود گذشتگی تنها سرمایه این کار است که می تواند شما را به هدف برساند. در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشی مدبرانه شما عزیز دانشجو تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار خطیر موفق باشید.

چگونه می توان با تهاجم فرهنگی مبارزه کرد؟

پرسش

چگونه می توان با تهاجم فرهنگی مبارزه کرد؟

پاسخ

از آنجا که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و با برنامه ریزیهای منظم و سازماندهی شده می باشد, تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز و بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا "دستگاههای فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم , بر اساس برنامه های دقیق حساب شده می باشد, بر این اساس مهمترین راههای مبارز با تهاجم فرهنگی و جلوگیری از نفوذ و گسترش آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت در مردم و مسئولین , قران کریم در سوره آل عمران آیه ۱۳۹ می فرماید ((و انتم الاعلون ان کنتم موئمنین)) ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزشهای انقلابی , استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی , تائمین رفاه , سعادت , خوشی , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزشهای الهی . ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی . ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزشهای الهی می باشد. ۵- تحقق باوری عمیق , درونی و ریشه دار, عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رهبری , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی و انتظامی , آموزش فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه , در جهت گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال , یائس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه , که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت . ۶- تلاش و

تـدبیر جـدی , گسترده و عمیق برای لحـاظ نظـام ارزشـی مطلوب در همه فعـالیت هـا و اقـدامات , در بخشـهای مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ساختار کلاـن کشور و برنامه های اجرایی و... برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- سـخنان مقام معظم رهبری , فرهنگ و تهاجم فرهنگی ۲- علی ذو علم , انقلاب و ارزشها

نقش رسانه های گروهی در تهاجم فرهنگی چیست ؟

پرسش

نقش رسانه های گروهی در تهاجم فرهنگی چیست ؟

پاسخ

مهمترین وظـایف رسـانه های گروهی در برخورد با تهاجم فرهنگی را می توان به صورت مختصـر چنین بیان نمود: تهیه برنامه های مفیـد و سـالم برای تبلیغ و ترویـج الگوهای مناسب بر اساس ارزش های فرهنگی و دینی انقلاب و اسـلام برای نسل نوجوان و جوان جامعه و ایجاد و تقویت یک هویت مـذهبی و ملی در آنان , که با اسـتفاده از پیشـرفته ترین فن آوریها بوده و از جذابیت و شـیرینی لاـزم برخوردار باشـد و فاخرترین هنرهای نمایشـی با مضامین پر بار اجتماعی و اخلاقی و سیاسـی را در این رسانه ها ارائه نماینـد تا بـدین وسـیله علاوه بر هویت بخشـی از در دام افتادن جوانان ما توسط فرهنگهای مهاجم جلوگیری بعمل آورد. به علاوه رسانه های گروهی وظیفه هـدایت جامعه را بر عهده داشـته و ضـمن معرفی اهداف و اغراض شوم دشـمنان و شـناساندن ابزارها و نتایج عناصـر شوم تهاجم فرهنگی , باید جوانان و نوجوانان را نسبت به عواقب وخیم فساد, اعتیاد, بی بند و باری و... آگاه سازند.

چگونه برخورد دانشجو با شبهاتی که در کلاس یا محیط مطرح می شود؟

پرسش

چگونه برخورد دانشجو با شبهاتی که در کلاس یا محیط مطرح می شود؟

پاسخ

هر فرد ایرانی خصوصا دانشـجویان عزیز که خود را نسـبت به حفظ نظام مقـدس جمهوری اسـلامی ایران و ارزشـهای الهی متعهـد و مسـئول می‌بیند و دغدغه دفاع از آن را دارد لازم است که اولاً، درباره موضوعاتی که در جامعه و محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد،اطلاعـات و معلومـات در حـدّ کـافی داشـته باشـد، تاریـخ و تئوریهـا و رهیافتهـای گونـاگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسـی و... در مورد انقلاب اسـلامی، حوادث مهم دوران انقلاب و بعد از آن، شخصیت‌ها و گروه‌های فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاسـی کشور، افکـار و عقایـد آنـان و... رابه خوبی بشـناسد تا بتوانـد در مواقع نیاز با منطق و دلیل و مـدرک به صورت مسـتدل از

انقلاب دفاع نماید. و این کار نیازمند مطالعات گسترده منابع معتبری که در این زمینه‌ها نوشته شده، می‌باشد. ثانیا: علاوه بر آمادگی‌های علمی، هر وقت شبهه یا مسأله‌ای را کسی مطرح کرد که مورد قبول و پسند شما نبود، هیچ وقت عصبانی نشوید بلکه در کمال خونسردی و خوشرویی از طرف مقابل مدرک و مستند ادعایش را بخواهید و سعی کنید طرف مقابل را کاملاً حلّاجی کردهو به سؤال بکشانید که منظور شما چیست؟ و بالفرض چنین باشد چه هدفی را دارید؟؟؟ و... زیرا اکثر شبهاتی، که در جامعه مطرح می‌شود ناشی از عدم فهم دقیق آن مسأله برای گوینده آن می‌باشد یعنی آن فرد بر اساس برداشتهای ذهنی خود شبهه را مطرح می‌کند. که با کمی سؤالخود او نیز در ادعایش سست می‌شود.}J

بهترین راه حفظ نفس از تهاجم فرهنگی و غرق شدن در فساد چیست ؟

پرسش

بهترین راه حفظ نفس از تهاجم فرهنگی و غرق شدن در فساد چیست ؟

پاسخ

توفیق روز افزون شما را در راه کسب کمالات معنوی و تقوا از خداوند بزرگ خواهانیم. آری برادر عزیز! یگانه راه نجات انسان از سقوط به مهلکه‌های گمراهی، حفظ تقوا است. کسی که تقوا پیشه سازد،قطعا خداوند راه‌هایی برای او قرار خواهد داد تا از مرحله‌های سخت زندگی به سلامت عبور کند و سرافرازانه ازخطرات بگذرد. همواره از خداوند بخواهید که توفیق را همراهتان ساخته و لحظه‌ای شما را به خودتان وانگذارد. برنامه عملی برای حفظ تقوا، همان تقیّد به احکام شرعی، انجام واجبات، ترک محرمات و پناه بردن دائمی بهخداوند است. تلاوت و تدبّر در آیات قرآن را در برنامه روزانه خود قرار دهید و هیچ گاه از یاد خداوند غافل نشوید.}

همانطور که مستحضرید عروسک Barby یکی از مظاهر شوم تهاجم فرهنگی صهیونیست هاست که متاسفانه در سالهای اخیر با هجمه وسیع تبلیغاتی آنان به جامعه ما راه یافته است و تقریبا هیچ فروشگاهی وجود ندارد که فاقد اجناسی با تصویر این عروسک باشد. لطفا در مورد سابقه فکری و

پرسش

همانطور که مستحضرید عروسک Barby یکی از مظاهر شوم تهاجم فرهنگی صهیونیست هاست که متاسفانه در سالهای اخیر با هجمه وسیع تبلیغاتی آنان به جامعه ما راه یافته است و تقریبا هیچ فروشگاهی وجود ندارد که فاقد اجناسی با تصویر این عروسک باشد. لطفا در مورد سابقه فکری و اهداف سازندگان آن توضیح فرمایید و راه های مقابله با آثار آن را ذکر کنید (اگر ممکن است منابع یا مقالاتی برای مطالعه بیشتر معرفی نمایید)

پاسخ(قسمت اول)

جهت آشنایی کامل با تاریخچه ساخت این عروسک و اهداف سازندگان آن می توانید به منابع ذیل مراجعه نمایید: ۱. کالبدشناسی یک محصول، حمید قاجاریان، نشریه صنایع پلاستیک ۲. همه چیز درباره باربی، انوشه فاضلی، روزنامه همشهری، ۳۰ خرداد ۱۳۸۱ ۳. جنگ جهانی چهارم، حسن عباسی، انتشارات پارسایان، ۱۳۸۲ و در مورد راهکارهای مقابله و اقداماتی که در مقابل این پدیده انجام شده است دو مقاله در ذیل آورده می شود: یکم :غریبه های ایرانی (مقاله ای از محمدعلی زم درباره تفاوت سارا و دارا و باربی,منبع: همشهری ۲۱/۲ / ۱۳۸۲,به نقل از سایت باشگاه اندیشه) چندین نسل متوالی است که کودکان سرزمین من از اوان نونهالی با عروسک های موطلایی و چشم سبز یا چشم آبی آشنا شده و به آن ها انس می گیرند. عمده پدران و مادران، بی آن که به الگوپذیری و قهرمان طلبی فرزندان خود بیندیشند هر آن چه را که خود دوست می دارند ویا به دست می آورند در دسترس فرزندانشان قرار می دهند و با این کار خود الگوهای ذهنی آینده این خردسالان را با صبغه سبز و آبی برای چشم و طلایی برای مو رنگ آمیزی می کنند. این عجیب نیست که بسیاری از دختران نوجوان و جوان ما با عدسی های رنگی چشمان سیاه و زیبای خود را که ده ها قرن الهام بخش شاعران ایرانی در توصیف زیبایی زنانه بوده است به رنگ های آبی و خاکستری و عسلی و سبز در می آورند و موهای مشکی و مطهر خود را که صدها سال چون قناره قلب عاشقان را بر خم طره خود می آویخته پسرانه کوتاه کرده و به رنگ های طلایی و آفتابی و نقره ای جلوه می دهند چون بسیاری از پسران و مردان آینده ما هم در انتخاب همسر خود لعبتکان دوران کودکی را به عنوان الگو پیش رو قرار داده و به دنبال عروس هایی به زیبایی عروسک می گردند. این گونه است که مصرف رنگ موهای بور و طلایی در کشور ما بیش از بسیاری از دیگر نقاط دنیاست و با این که نوعاً در همه جای دنیا زنان مسن برای پوشاندن موی سپید خود به رنگ مو روی می آورند این پدیده «عروسک آفرین» این همه مورد استقبال نوجوانان و جوانان ایرانی است. از همان اوایل فعالیت در حوزه هنری مراقب زندگی و عملکرد علیا مخدره ای به نام «باربی» بودم. از دوستانی که با آن سوی مرزها می رفتند و می آمدند خواهش می کردم حکایت های باربی را برایم جمع آوری و تعریف کنند. اگر هر چند سال یک بار سفری دست می داد بخش جدی و مهمی از وقتم را به مداقه در فروشگاه هایی که کالاهای فرهنگی و اسباب بازی می فروختند اختصاص می دادم.به این ترتیب زمانی که باربی حدود بیست سال پیش – با آقا پسری زلف آویخته و چهارشانه و قد بلند به نام «کن» دوست شد نگران رفتار و روابط شان بودم و چند سال بعد که با هم ازدواج کردند و صاحب دو فرزند – یکی دختر و دیگری پسر – شدند نفس راحتی کشیدم!بحث طراحی و ارائه عروسک های ملی را برای اولین بار در ابتدای دهه شصت در حوزه هنری مطرح کردم. به خاطر دارم که در یکی از همان اولین جلسات گفتم که داشتن یک عروسک ملی برای ملتی که تصمیم گرفته استقلال و اقتدار فرهنگی داشته باشد ضرورتی اجتناب ناپذیر است. لیکن دشواری کار به سبب فقدان مغزافزار لازم به حدی بود که بحث ها به بررسی نرم افزارهای لازم هم کشیده نمی شد چه رسد به سخت افزار و شکل و شمایل خود عروسک. معتقد بودم پیش از دستیابی به تولید و عرضه باید ابتدا مغزافزار لازم تعریف شده سپس براساس آن نرم افزار مناسب طراحی شود و در نهایت به وجوه تکنیکی و هنری که موجب خلق سخت افزار می شد بپردازیم. یک مثال ساده مقصود مرا از این سه اصطلاح روشن می سازد. فرض کنید در خودرویی نشسته و در حال حرکتیم. مغزافزار پاسخ این سئوال است که: به کجا می رویم و برای چه می رویم؟ نرم افزار قوانین راهنمایی و رانندگی و دستور العمل های رانندگی و شیوه های استفاده از گاز و کلاژ و ترمز است به گونه ای که این خودرو به نرمی و در کمال امنیت راه را بپیماید و سخت افزار قطعات خودرو هستند که در یک ترکیب سیستماتیک به هم متصل شده و چرخ ها را به حرکت در آورده و بر سطح آسفالت به پیش می برند ماه ها در این تلاش بودم که به کمک همفکران و دوستانم تبیین کنیم برای چه عروسک ملی می خواهیم و کاربردهای عروسک ملی چیست؟ پس از آن می بایست ماجراها و قصه های متعدد زندگی آن عروسک را بر اساس پاسخ هایی را که برای چیستی و چرایی اش به دست آورده بودیم به صورت رمانی با ورسیون ها و در سطوح سنی مختلف تنظیم می کردیم و بالاخره نوبت به قد و قواره و شکل و شمایلی که با آن

سناریوها می خواند می رسید. برای این منظور شرکتی مستقل به نام شرکت اسباب بازی نشاط آفرین تأسیس کردم اما به دلیل ناشناخته بودن بازار اقتصادی این «کالا پدیده» ضرورت موضوع برای بانک ها و سرمایه داران هرگز متقن نشد و تنها چالش های ما در پس پرده بازار حرفه ای و اقتصادی با گردآوری اطلاعات و گفتگو پیرامون صنعت و اقتصاد و بازار اسباب بازی و عروسک ادامه یافت. با عزمیت برخی هنرمندان حوزه به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اندیشه دستیابی به عروسک ملی به منصه ظهور رسید و تولید عروسک های دارا و سارا – ولو با تاخیر طولانی – آغاز شد. اما علی رغم سرمایه و تلاش هنگفتی که پشتوانه تولد این دو عروسک بود چنان که انتظار می رفت مورد استقبال خانواده ها و بچه های ایرانی واقع نشد. چندی پیش یکی از دوستان قدیم که استاد نشانه شناسی فرهنگی (Semiology) بود و در آمریکای شمالی به سر می برد ضمن تبریک نوروز، تلفنی از من خواست تا چنانچه وقت دارم مقاله ای تطبیقی در مورد باربی و سارا بنویسم و برایش بفرستم و اطمینان داد که از نظرات من تنها در حوزه های آکادمیک استفاده خواهد شد و بدون موافقت من در نشریه یا روزنامه ای چاپ نخواهد شد. از او عذرخواهی کردم و توضیح دادم ذهنم پرمشغله تر از این است که بتوانم در این موضوع مداقه و غور کنم. تلفن را که قطع کردم دیدم دلمشغولی قدیم دوباره به سراغم آمده و رهایم نمی کند. در یکی از روزهای تعطیل نوروز خستگی را بهانه کردم چند ساعتی اندیشه ام را از صدها دغدغه فرهنگی که این اواخر هر روز به تعدادشان در ذهنم افزوده می شود فارغ کردم. در کتابخانه ام را بستم و حاصل، چند ورقی شد که پیش رو دارید. مناسب دیدم همزمان با ارسالشان برای آن دوست گرامی، هموطنان فهیم و سنجش گرم را نیز از نقطه نظراتم آگاهی دهم تا با نقد و نکته یابی آنان زمینه تبیین و تعدیل اشتباهاتم را فراهم آورم. پیش از آغاز متن دست منتقدان خیرخواه را به گرمی می فشارم و از شنیدن هر اندیشه و سخن نویی استقبال می کنم. تفاوت های سارا و باربی و دلایل کم توفیقی آن و موفقیت این را به سه بخش اساسی تقسیم می کنم، یکی بخش سخت افزاری، دومی بخش نرم افزاری و بالاخره بخش مغزافزاری. الف ـ بخش سخت افزاری: نکته یکم: یک عروسک خوب، عروسکی است که بتوان با آن به راحتی بازی کرد و به اصطلاح به سیری دل با آن ور رفت. باربی را می توان برهنه و بی لباس خرید. تنوع لباس های باربی به حدی است که می توان از او از یک کارگر ساختمانی یا باغبان گرفته تا یک ملکه یا هنرپیشه ساخت و این ها همه تنها به مدد لباس های متعدد ساده و گوناگونی است که متناسب با حالات باربی و اتفاقات زندگی روزمره اش طراحی و عرضه شده است لباس های خوب فاخر و غیر قابل انعطاف دارا و سارا مانع از وررفتن بچه ها با آن هاست. دارا و سارا در شکل کنونی خود بیشتر عروسک های زینتی هستند که باید سراغشان را در ویترین و سر طاقچه خانه ها گرفت. البته اگر در طاقچه های زندگی امروزی جایی برای آن ها مانده باشد. نکته دوم: آناتومی و ساختمان بدنی باربی ساده و در عین حال متحرک است. اما سارا و دارا توان حرکتی پیچیده باربی را که در تمامی مفاصل (به جزء انگشتان پا) از الگوی انسانی تبعیت می کنند ندارند. تا آنجا که من می دانم حرکت انگشتان دست باربی از ابتدای دهه هشتاد میلادی شروع شد و این به دنبال فراگیر شدن رقص هایی بود که به تحرک سریع و پیچیده اعضای بدن نیاز داشت. این رقص ها که با «رقص رعد» (Flash dance) در سال ???? میلادی شروع شد بلافاصله به دسته بندی جدیدتری به نام «رقص شکسته»(dance break) تبدیل شد و در نهایت به مدد حرکات محیرالعقول سیاه پوستی به نام مایکل جکسون و رقصی که به نام خود او معروف شد به اوج خود رسید. به هر تقدیر باربی همراه با محبوبیت این گونه رقص ها ساختمان بدنی خود را کامل کرد تا بتواند بازی کودکان با خود را «به روز» نگاه دارد. اگر یکی از کارکردهای عروسک و اسباب بازی را وسیله کمک آموزشی و یا ابزار توان بخشی برای کودکان بدانیم باید این وسیله در آناتومی، شکل ظاهری و حرکات خلاق از چنان کیفیتی برخوردار باشد که بتواند در صاحبان خردسال خود حس همذات پنداری ایجاد کند و این به دست نمی آید مگر به مدد انعطاف فوق العاده بدنی و حرکات فیزیکی عروسک. نمونه دیگر این استفاده روانشناسانه از انعطافات بدنی را می توان در نسل نو کارتون های کودکان که با شیوه های بیش از بیست و چهار عکس در ثانیه تولید می شود جستجو کرد. در این

کارتون ها - که اتفاقاً کارتون باربی و سیندرلا از جمله آن ها است - تلاش شده است تا با نمایش انعطاف بیشتر در حرکات شخصیت های کارتون جذابیت فیلم و حس همذات پنداری در بینندگان افزایش داده شود. به هر تقدیر اگر برای انعطاف حرکات بدنی امتیازی در نظر بگیریم و مثلاً نمره باربی را در این زمینه پانزده از بیست بدانیم متأسفانه باید به سارا و دارا گفت که بروند و شهریور برگردند. نکته سوم: در کنار تمام محاسن باربی، یکی از ایرادهای سخت افزاری و تکنیکی که به او وارد است این است که باربی اصلی یک چهره بیشتر ندارد. یعنی باربی به عنوان نماد دختر یا زن آمریکایی تنها نشان دهنده درصد کوچکی از نژادهای گوناگونی است که در آمریکا زندگی می کنند. البته او دوستانی با چهره های سیاه پوست، خاور دوری، سرخ پوست و حتی آسیایی دارد لیکن خودش دارای فنوتیپ ثابت و تغییر ناپذیری است که بیش از چهل سال است حتی مویش سفید نشده است. همواره امیدوار بودم این نقیصه که نشان از سلطه جویی فرهنگی اقلیت کوچکی در آمریکا دارد در مورد عروسک ملی ایران تکرار نخواهد شد لیکن در کمال تأسف با آن که ایران سرشار از اقوام گوناگون است و حس چهره شناسی بعضاً در میان ایرانیان به قدری کاراست که بسیار پیش می آید که از قیافه فردی می فهمند کجایی است و از چه فرهنگ و رفتاری آمده است اما سارا و دارا دارای چهره های ثابت هستند تنها از روی لباسشان می توان به تفاوت های قومی - نژادی آنان پی برد. کدام کودک بالای هفت هشت ساله در ایران نمی تواند چهره های شمالی، ترکمن، ترک، کرد و بلوچ را از یکدیگر تشخیص دهد؟ اگر سارا و دارا نماد کودک ایرانی بدون در نظر گرفتن تفاوت های قومی هستند چرا لباس هایشان قومی طراحی شده است و اگر هر یک نماد قومی از اقوام ایران هستند و با هدف ایجاد اتحاد در ذهن و قلب کودکان ایران طراحی شده اند به جز کودکان تهرانی که در محیطی کاملاً مختلط زندگی می کنند کدام بچه سیه چرده و آفتاب سوخته بلوچ یا کودک چشم کشیده و زرد پوست ترکمن آن را صرفاً به سبب لباسشان« خودی» خواهد انگاشت. در مورد باربی این مشکل با دوستان رنگ و وارنگ و ریز و درشت باربی و کن تا حدی حل شده است و همبازی باربی چنانچه دارای تفاوت ظاهری فاحش با عروسکش باشد، به جای هم ذات پنداری با باربی خود را دوست باربی خواهد انگاشت. طفلک دارا و سارا که در کشوری با این همه گوناگونی فرهنگ و قوم از داشتن دوست بی بهره اند و امیدوارند در هر منطقه بومی «خودی» انگاشته شوند. ب ـ بخش نرم افزاری: نکته یکم: عروسک و اسباب بازی حلقه های یک زنجیره کامل (آن هم در یک مدل سیستماتیک) هستند. واقعیت این است که ناتوانی ما در عرصه عروسک سازی به ضعف ما در شناخت زنجیره فرهنگ ملی باز می گردد. ما در زنجیره فرهنگ همواره از دو نقیصه عمده آسیب دیده ایم اول این که تبیین نمی کنیم چه محتوای فرهنگی را باید برای کدام سن (از نونهالی تا کهنسالی) تدارک ببینیم. اگر هم به باور این ضرورت رسیده و عزم و اراده بر انجام این کار داشته باشیم نمی دانم کدام نهاد یا سازمان باید مسئولیت پشتیبانی مطالعاتی، پژوهشی و فکری این کار را بر عهده بگیرند. دوم این که نمی دانم چه ابزارها و کدام وسایل برای انتقال دیدگاه های فرهنگی خود استفاده کنیم. باز چنان چه این ابزارها را بشناسیم، برنامه ها و نرم افزارهای استفاده از آن ها برایمان ناشناخته است. ما چون فاقد سیستم ارزشیابی، رده بندی و درجه بندی امور محتوایی- به خصوص در عرصه های فرهنگی - هستیم طبیعتاً فاقد شناخت چگونگی عرضه آن ها و نسبتشان با ابزارها و وسایل عرضه و انتقال می باشیم. در جهان امروز برای تربیت و بهره گیری از استعداد بی همتای انسان نرم افزارهای فراوان و متنوعی تدارک دیده شده است که نسل من و نسل های پیش و پس از من از آن ها محروم مانده است. نکته دوم: باربی و کن هر دو به روز هستند و نگاه به آینده دارند. این نگاه به آینده از لوازم جانبی مورد استفاده آنان از تلفن همراه و کامپیوتر گرفته تا مدل ماشینی که سوار آن می شوند کاملاً هوایید است. بسیاری از وسایلی که آنان در زندگی روزمره خود از آن استفاده می کنند نیاز به مهارت های تکنیکی و دانش تئوریک دارد. به تازگی باربی هایی به بازار آمده که به زبانی علاوه بر انگلیسی نیز تکلم می کند. در کنار خیل عظیم لوازم جانبی و لواحق مدرن زندگی آنان برنامه ها و فیلم ها و سریال های تلویزیونی و سینمایی و بازی های کامپیوتری که در مورد آنان ساخته شده و می شود هر روز منظره و بعد جدیدی از زندگی

آنان را به نمایش در آورده و در دسترس کودکان قرار می دهد. به این ترتیب باربی و کن تنها بخشی از سمفونی عظیمی هستند که به مدد هزاران قطعه مینیاتوری لوازم زندگی و ده ها فیلم و سریال و صدها کتاب قصه و جزوه در ذهن کودکان جا افتاده و الگو می شوند. تا آن جا که من در بازار سارا و دارا گشت و گذار کرده ام این دو بلا دیده از ابتدایی ترین وسایل زندگی بی بهره اند و هر کجا پیش بیاید می خوابند و بر هر خودرویی که دم دست باشد سوار می شوند. نگاه نرم افزاری دارا و سارا رو به گذشته دارد. این دو سعی در حفظ سنت ها دارند و می خواهند ارزش های به میراث رسیده را حفظ کنند اما تکلیف کودک را در رویارویی با مدرنیسم روشن نمی کنند و در سکوت و با چشم های مهربان و خیس از اشک در مقابل تلفن همراه یا کامپیوتر جیبی یا دی وی دی و امثال آن مبهوت و منفعل می مانند.

پاسخ(قسمت دوم)

نکته سوم: اگر دختری داشته باشید و او روزی با عزم راسخ به شما اعلام کند که تصمیم گرفته مثل سارا زندگی کند شما چگونه او را در این تصمیم خود یاری خواهید رساند؟ سارا چه می کند؟ چه وسایلی در اختیار دارد؟ از وسایلش چگونه استفاده می کند؟ اگر ناچارید از ذهن خود کمک بگیرید و برای دخترکتان قصه های زندگی سارا را تعریف کنید پس فرق قصه با عروسک چیست؟ چرا اجازه نمی دهید سارا هم مثل ننه نقلی یا خاله سوسکه یا عمو زنجیرباف در ذهن پاک کودکتان ساخته و پرداخته شود. باربی مشکل شما را حل کرده! از مسواک و خمیر دندان و کیف مدرسه و دفترچه مشق گرفته تا میز و کمد و تخت خواب و لباس و ملحفه همه را برایتان در سایز واقعی فراهم کرده است. حتی تلفن همراه و لوازم آشپزخانه واقعی باربی هم در دسترس و قابل خرید هستند. شیرینی هایش راکه دیگر هر کودکی در آمریکا بارها به دست خودش پخته و خورده است. این سخت افزار در خدمت نرم افزاری است که به یک سئوال ساده پاسخ می دهد: چگونه آمریکایی زندگی کنیم؟ سئوال من این است که آیا در پشت طراحی سخت افزاری عروسکی به نام سارا پاسخ این سئوال مشخص شده و در جایی ثبت و ضبط شده است که؛ چگونه ایرانی زندگی کنیم؟ به نظر می رسد سارا بیشتر باید بتواند پاسخ دهد. چگونه ترکمن زندگی کنیم؟ یا مثلاً چگونه بلوچ زندگی کنیم؟اما آن چنان که از توان ذهنی سارا بر می آید تا او پاسخ این سئوال ها را آماده کند باربی دست کودک شما را گرفته و با خود به جایی برده است که سارا هم اگر رویش می شد لباسش را عوض می کرد و به دنبالشان می تاخت. پنج نکته اقتصادی پیش از آن که به بخش مغزافزاری بپردازم تبیین پنج نکته اقتصادی را ضروری می دانم: نکته یکم: تنظیم و بهبود سخت افزارهای اقتصادی خود از موجبات بهره وری، توسعه و راهبردی کردن مغزافزارها و نرم افزارهای فرهنگی است. واقع مطلب این است که در طول ?? ـ ?? سال اخیر اتفاق چندان مثبتی در رابطه با صنایع و توسعه تکنولوژی فرهنگی در کشور ما نیفتاده است. طرح ها و کارهای فرهنگی نظیر پروژه «دارا و سارا» از این بابت تولد سوخته ای خواهند داشت که در گردونه صنعت و تکنولوژی تکلیفشان روشن نشده و به اصطلاح دارای خط تولید مشخصی نیستند لذا بدون وجود رقیب قدری چون باربی و کن به خودی خود محکوم به شکست و فنا هستند. پیش از آن که به بخش مغزافزاری بپردازم تبیین پنج نکته اقتصادی را ضروری می دانم: نکته یکم: تنظیم و بهبود سخت افزارهای اقتصادی خود از موجبات بهره وری، توسعه و راهبردی کردن مغزافزارها و نرم افزارهای فرهنگی است. واقع مطلب این است که در طول ?? ـ ?? سال اخیر اتفاق چندان مثبتی در رابطه با صنایع و توسعه تکنولوژی فرهنگی در کشور ما نیفتاده است. طرح ها و کارهای فرهنگی نظیر پروژه «دارا و سارا» از این بابت تولد سوخته ای خواهند داشت که در گردونه صنعت و تکنولوژی تکلیفشان روشن نشده و به اصطلاح دارای خط تولید مشخصی نیستند لذا بدون وجود رقیب قدری چون باربی و کن به خودی خود محکوم به شکست و فنا هستند. نکته دوم: آنطور که در یکی از خبرها خواندم درآمد اسباب بازی در جهان از

درآمد توریسم (که ??? میلیارد دلار است) بالاتر است. ما هنوز هیچ اطلاعات اقتصادی از حجم واردات اسباب بازی و عروسک ها از راه های مجاز و غیرمجاز نداریم. همچنان که هنوز به رقم سرانه هزینه ملی در مصرف اسباب بازی و عروسک دسترسی نداریم. از این رو اقتصاد حرفه ای «دارا و سارا» برای دست اندرکاران آن مشخص نبوده و نیست و از نظر من هر فعل فرهنگی که اقتصادش یافت نشده باشد محکوم به شکست و در راه ماندن است. نکته سوم: دنیای امروز، دنیای پیچیده رقابت هاست از این رو سرعت، کیفیت و قیمت (ارزانی) از اصول اقتصاد رقابتی جهان است. دیگران نمی ایستند که ما به آنها برسیم. آنها با سرعت رو به جلو حرکت می کنند و زیرساخت های ملی خود را برای رقابت تدارک می بینند. روزی بود که ما اجناس وارداتی تایوان و سنگاپور و چین را پس می زدیم و می گفتیم تقلبی است و در جست وجوی مارک های اصلی آمریکایی و آلمانی و ژاپنی بودیم، در آن روزها به فکر تولید و اصلاح زیرساخت های اقتصاد رقابتی خود برنیامدیم و از خلاقیت در تولید و سرمایه گذاری ارزان با دلارهای ? ـ ? تومان و پول های کم بهره جهان بازماندیم. نتیجه اینکه امروز مصرف کننده کالاهای چینی و تایوانی (به عنوان کالاهای موفق) هستیم. اگر به منظر فرهنگی از زاویه اقتصاد و صنعت و تکنولوژی نگریسته بودیم امروز می بایست بخش عمده ای از درآمد ما از ناحیه تولیدات و صادرات اسباب بازی رقم می خورد. تحقیقات ? ـ ? سال پیش من موید این بود که تایوان سالانه از این بخش ?? ـ ?? میلیارد دلار صادرات دارد. گرانی دارا و سارا در مقایسه با عروسک های پرتحرکی که مسافران ایرانی در دوبی و کیش خریداری می کنند و یا از طریق قاچاق وارد فروشگاه های شهر می شود گاه متجاوز از ??? تا ??? درصد است. باربی ارزان قیمت که دیگر جای خود را دارد.نکته چهارم: بسته بندی و تنوع و کیفیت آن در جهان امروز به تلفیقی از یک علم با صنعت و اقتصاد و هنر تبدیل شده است. ما در کلان محصولات ملی ضعف بسته بندی داریم از این رو ضعف عمومی بر بسته بندی کالاهای فرهنگی و از جمله عروسک های دارا و سارا نیز سایه انداخته است و از جاذبه آنان می کاهد.نکته پنجم: فقدان شبکه توزیع و خدمات بازرگانی از رنج های اقتصاد ملی ماست. به کتابی در کتابخانه برخورد کردم که سال انتشار آن شهریور???? بود و شمارگان نخست آن ???? جلد بود. متأسفانه پس از گذشت شش دهه و افزایش جمعیت از حدود ?? به ?? ملیون نفر هنوز تیراژ معمول کتاب در جامعه ما همان تعداد ???? جلد است و بعضاً نویسندگان باید خود متکفل توزیع کتاب هایشان هم باشند. فقدان زنجیره توزیع و شبکه سراسری بازرگانی کالاهای فرهنگی که تاکنون دولت بابت آن کلی هزینه کرده است و طرح های پرهزینه و نیم بند فراوان به اجرا درآمده است ضایعه ای است که گریبانگیر همه آثار فرهنگی و هنری و سینمایی و صوتی ما از جمله عروسک های دارا و سارا است. ج ـ بخش مغزافزاری نکته اول و آخر: متأسفانه مدیریت کلان فرهنگی ـ اجتماعی انقلاب آنطور که می بایست به ثروت عظیم و ذخیره ملی حافظه و استعداد دوره کودکی توجه نکرده و عمدتاً کودکان را چون «بچه» هستند به حال خود رها کرده است. حال آنکه با توجه به این دوره از زندگی (کودکی و نوجوانی) علاوه بر بهره مندی های فراوان از این ثروت نهفته ملی، در هزینه های عمومی که برای دوران بعد از آن (جوانی و...) می شود صرفه جویی های زیادی خواهد شد. علاوه بر آن باید بخشی از ضایعات و آسیب های دوره جوانی و بزرگسالی را در این واقعیت جست وجو کرد که بچه های ما خوب بچگی نکرده اند. یعنی دوران بچگی را با مقتضیات لازمه این دوره نگذرانیده اند. از این رو بعضاً مشاهده می کنیم بسیاری از مردم ما حتی در بزرگسالی و سنین کهولت نیز همچنان منش و روش های دوران کودکی را همراه دارند و آن را در تعاملات اجتماعی خویش دخالت می دهند. خداوند متعال برای هر دوره از عمر کوتاه بشرویژگی ها و خصایصی را قرار داده است که مخصوص آن دوره است و این ویژگی ها اگر در دوره خاص خود مورد استفاده واقع نشده و از درون انسان استخراج نشود در وجود آدمی رسوب و در آینده نه چندان دور در جایی نقش خود را آشکار خواهد کرد. از این رو روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی ما همواره در معرض مشاهدات غیرقابل پیش بینی و نامنتظر است و به راحتی نمی توان از روی افکار عمومی و شاخص های معمول وقایع را مورد برداشت و تحلیل علمی قرار داد. به بیان دیگر بچه های ما خوب بچگی نمی کنند! به تبع آن جوان هایمان هم

خوب جوانی نمی کنند و از این رو جامعه در بزرگسالی و کمال دچار فعل و انفعالات نامعقول و یا نامطبوع می شود. در مورد سارا و دارا بحث مغزافزاری این است که این دو بزرگوار به میدان آمده اند تا چه دردی را از جامعه محروم و مظلوم ایرانی دوا کنند؟ آیا آمده اند تا جلوی سلطه و تهاجم فرهنگ غرب را که از کودکی به کمین اندیشه های پاک و مستعد فرزندان این وطن نشسته بگیرند؟ اگر چنین است پرداختن به سارا و دارا در کنار عدم سیاستگذاری صحیح در مورد اینترنت و اصرار بر جلوگیری از راه اندازی شبکه های خصوصی تلویزیونی در داخل کشور مانند این است که در توفان بلا راه دودکش را ببندیم ولی در خانه را چهارطاق باز بگذاریم. حتی اگر خوشبینانه بنگریم و قائل شویم که به هر حال اگر دیگران درب های فرهنگ ملی را خوب نمی یابند دست کم ما نگهبانان خوبی برای دودکش اجاق فرهنگ باشیم باز جای صدها سوال مغزافزاری در مورد دارا و سارا که کیستند و چه می کنند، چه اعتقادات و رفتارهایی دارند و سرگذشت های الگوسازشان چیست باقی خواهد ماند. تا زمانی که صدها صفحه مطلب کارشناسانه در پاسخ به این سوالات اولیه و بدیهی تألیف و تدوین نشده و تکلیف دارا و سارا برای کودکان ایرانی مشخص نگردد بسنده کردن بچه های ایرانی به بازی با عروسک های سارا و دارا باید در نوع خود یک جهاد و ایثار ملی دانست.

دوم:جایگزینی برای باربی (نویسنده: نیمو دبرین Mimo Debryn,مترجم: حمیده پشتوان,منبع: باشگاه اندیشه ۲/۱۰/۱۳۸۲) در نگاه اول، این دخترک که جدیداً به بازار عرضه شده، چنان رقیب سرسختی برای «باربی» به نظر نمی‌آید. هرچه باشد، باربی چیزهایی دارد که او ندارد، هیکل خوش‌تراش، پرزرق و برق و جاذبه‌ی جنسی. این عروسک که Razanne نام دارد دقیقاً همان چیزی است که بسیاری از مسلمانان آمریکایی آن را ـ با آن لباسهای آستین بلند و روسری ـ به باربی ترجیح می‌دهند.از نظر آقای سعاده، این عروسک، هم جای خالی چنین عروسک‌هایی را در بازار پر می‌کند و هم به دختران مسلمان چیزی را عرضه می‌کند که می‌توانند با او ارتباط برقرار کنند.آقای سعاده که شرکت Noor Art را به کمک همسرش و چند سرمایه‌گذار دیگر راه‌اندازی کرده می‌گوید: «مهمترین پیامی که ما سعی می‌کنیم از طریق این عروسک ارایه دهیم این است که: آنچه که در درون شما است اهمیت دارد نه آنگونه که به نظر می‌رسید». شرکت فوق که حدود هفتاد سال پیش در Livonia واقع در میشیگان تأسیس شد، علاوه بر تولید و عرضه‌ی Razanme، اسباب‌بازی‌های دیگری نیز که مطابق با نیاز کودکان مسلمان است می‌فروشد. به گفته‌ی آقای سعاده این که شما کوتاه یا بلند، لاغر، زشت یا زیبا هستید، هیچ اهمیتی ندارد. زیبایی واقعی، روح شماست که خداوند و سایر هم کیشانتان ناظر آن هستند. عروسک Razanne اندام کودکان یازده، دوازده ساله دارد و در سه نوع به بازار عرضه شده: سفیدپوست با موهای بور، سبزه (پوست زیتونی) با موهای مشکی و سیاه پوست با موهای مشکی. سازندگان این عروسک می‌خواهند چهره‌ی زن مسلمان امروزی را عرضه کنند، در لباس دکتر و در صورت لزوم حتی در لباس یک فضانورد، برنامه‌ی آینده‌ی تولید این عروسک است. هم‌اکنون در بازار عروسک رَضانه پیشاهنگ مسلمان وجود دارد که یک نوار کاست حاوی سوگند پیشاهنگ مسلمان از جمله متعلقات آن است.آقای سعاده خاطرنشان می‌کند که: «آنچه رَضانه را از رقبای خود پیش می‌اندازد، تقاضای جهانی آن برای کودکان مسلمان است». به همین دلیل بود که خانم میمو دبرین، چهار سال پیش بر آن شدند که یکی از این عروسک‌ها را برای دخترش خریداری کند. به گفته‌ی خانم دبرین، رضانه شبیه زنانی است که دخترش با آنها سروکار دارد؛ او ادامه می‌دهد: «دخترم به این عروسک عشق می‌ورزد و از او مراقبت می‌کند. برایش در اتاق جای خاصی را در نظر گرفته و با احترام با او رفتار می‌کند». همچنین می‌گوید: «دخترم هرگز سعی نکرد که روسری عروسکش را بردارد. در حالیکه لباس‌های عروسک‌های باربی معمولاً ـ قابل تعویض است». بازار جهانی Mattel تولیدکننده‌ی عروسک‌های باربی در ایالات متحده، نوعی باربی مراکشی به بازار عرضه کرده و نیز عروسکی به نام «لیلا» را هم در معرض فروش قرار داده است. لباس محلی پرزرق و برق و داستان خیالی اسارت لیلا در دربار یکی از سلاطین ترک، گویای سختی و مشکلات دختری مسلمان در دهه‌ی ۱۷۲۰ است.به گفته‌ی سعاده، تعجبی ندارد اگر ببینیم که تولیدکنندگان این عروسکها، باربی‌هایی از خاورمیانه بسازند که بدکاره یا

رقاصهٔ عربی باشند. مقابله با چنین ذهنیت غلطی، یکی از هدف‌های اصلی تولید رضانه بوده است.اتحادیه‌ی عرب عروسکی به نام لیلا (Laila) را برای دختران مسلمان بیست‌ودو عنصر اتحادیه عرضه کرده است که از نظر فرهنگی جایگزینی قابل قبول برای باربی، با آن زندگی پرزرق و برقش محسوب می‌شود. اما این عروسک هرگز جوابگوی نیاز بازار نبود. دو سال پیش هم در ایران عروسک‌های سارا و دارا، مشابه باربی و دوستش کِن، ساخته شدند. این دو عروسک دو شخصیت کارتونی ایرانی بودند. اما به عقیده سعاده این نوع عروسک‌ها نمی‌توانند بازاری سراسری در خاورمیانه داشته باشند؛ چراکه بیشتر جنبه‌ی فرهنگی دارند.آقای سعاده امیدوار است که رضانه بتواند بازار را تسخیر کند. این عروسک به زودی به بازارهای کویت و امارات متحده‌ی عربی عرضه خواهد شد و جای خود را در بازارهای آسیای جنوب شرقی بیش از پیش باز خواهد کرد.رضانه هم اکنون در کشورهای آمریکا، کانادا، سنگاپور و آلمان به فروش می‌رسد. آقای سعاده درباره‌ی تعداد کل عروسک‌های فروخته شده چیزی نگفت ولی خاطرنشان کرد که تک‌فروشی‌هایی که از طریق سایت اینترنتی شرکت صورت می گیرد، فروش سی‌هزار عروسک در سال را نشان می‌دهد. قیمت رضانه از ۱۰ دلار برای یک عروسک تنها تا ۲۵ دلار برای یک سری کامل، شامل عروسک و وسایل جنبی آن (مثل رضانه معلم به علاوه‌ی کیف و سایر متعلقات) متغیر است. اخیراً پلیس مذهبی عربستان صعودی ضمن توهین‌آمیز دانستن عروسک‌های باربی [با لباس‌های قابل تعویض] نسبت به اسلام، این عروسک‌ها را تهدیدی برای اصول اخلاقی قلمداد کرده است. عروسک رضانه‌ی نمازگزار که دارای پوششی بلند و لباس عبادت باوقاری است، به احتمال زیاد عربستان صعودی و سایر کشورهای خاورمیانه را مجذوب خود خواهد کرد. سازندگان این نوع رضانه از بیم آنکه مبادا مردم فکر کنند این عروسک دائماً در حال نماز و عبادت است، نوع دیگری از این عروسک را ساخته‌اند که پوشش او در خارج و داخل خانه متفاوت است. کشوی لباس این عروسک حاوی لباس‌های کوتاه و رنگارنگ، از جمله وسایل جنبی این عروسک است که نشان می‌دهد رضانه در داخل منزل و در حضور افراد محرم از چه نوع پوششی استفاده می کند.خانم دبرین می گوید: حضور رضانه به دخترش کمک می کند تا از این که دختری مسلمان است، بیشتر احساس راحتی و رضایت کند.

چه راه عملی در جهت رشد فرهنگی و کاهش بی بندو باری جامعه پیشنهاد می کنید؟

پرسش

چه راه عملی در جهت رشد فرهنگی و کاهش بی بندو باری جامعه پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

بررسی و ارائه پاسخی دقیق به ابعاد مختلف این سؤال، نیازمند ارائه پژوهش و تحقیقی ژرف است که از حوصله یک نامه خارج می باشد از این رو به اختصار نکاتی را بیان می نماییم: الف- مفهوم توسعه فرهنگی: مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آن و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می باشد. توسعه فرهنگی با تأکید برهویت فرهنگی، بهینه سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسایل مربوط به خود را نوید می دهد و به اخلاق و آداب و سنن جامعه بهبود می بخشد و بر رونق

بازار فنون و دانش و تکنیک می افزاید (ارزش ها و توسعه، محمد نقی نظرپور، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲). عنصر فرهنگ، محور توسعه فرهنگی می باشد، بر این اساس فرهنگ، مجموعه پیچیده ای است در بردارنده اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق و دین، قوانین، آداب و رسوم و هرگونه توانایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد و در قبال آن تعهداتی را بر عهده دارد (تایلور، به نقل از داریوش آشوری، ۱۳۸۰، ص ۴۷). به طور کلی همه فرهنگ ها را در دو نوع مادی و الهی می توان تقسیم بندی کرد: ۱. فرهنگ مادی: این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزش های الهی و انسانی بنا نهاده شده است. در این فرهنگ، جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده است و آدمی تنها به عنوان موجود مادی ارزیابی می شود. چنین فرهنگی، پیروان خویش را برای به دست آوردن رفاه بیشتر، آزادی و بهره وری افزون تر ازغرایز و سودپرستی به جنبش در می آورد، در فرهنگ مادی، هدف وسیله را توجیه می کند، بنابراین برای رسیدن به هدف های مادی و بهره مندی هر چه بیشتر از مزایای زندگی، به هر وسیله ای دست می یازند و از هر شیوه ای سود می جویند. در پرتو چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد، ارزش های انسانی کم رنگ و معضلات و ناهنجاری های اجتماعی فزونی می یابد و جامعه به سوی انحطاط و نابودی پیش می رود. ۲. فرهنگ الهی: این فرهنگ، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند و فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است که هدف خود را دست یابی به کمال می داند که در پرتو وحی و آموزه های الهی به دست می آید. معیار برتری افراد را نیز پای بندی به اصول ثابت اخلاقی می داند به فرموده قرآن کریم «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» ویژگی های فرهنگ اسلامی را می توان چنین برشمرد: خدامحوری، عدالت خواهی و مساوات، شایسته سالاری، مصلحت گرایی، مسؤولیت فردی و اجتماعی، تقواگرایی، پاسداری از کرامت انسان (خط و مشی های سیاسی نهج البلاغه، محمد مهدی ماندگار، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳ - ۱۴۱). بر این اساس وقتی صحبت از توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی ما می شود؛ در واقع تعقیب فرایندی است که دگرگونی در حوزه های ادراکی، شناختی و گرایش هایی را که در ساختار جدید جامعه اسلامی مطلوب است، به دنبال داشته باشد. توسعه فرهنگی به هیچ وجه به معنای گسستن از فرهنگ گذشته نیست، بلکه بهینه سازی و شکوفایی عناصر اصیل فرهنگ اسلامی و ملی در سطوح مختلف جامعه و زدودن عناصر نامطلوب و ناشایست از آن می باشد. بنابراین هدف توسعه دیگر نمی تواند صرفا اقتصادی و بالا بردن نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه باشد بلکه اهداف کلی توسعه علاوه بر موارد مذکور فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و تعادل منطق ها و تعالی و الهی گونه شدن انسان ها می باشد (توسعه فرهنگی در جامعه ایران، مژگان حق خواه، ۱۳۸۲، باشگاه اندیشه جوان). ب) توسعه فرهنگی در ایران: ورود فرهنگ و تعالیم حیات بخش اسلام به ایران که با استقبال و پذیرش گرم ایرانیان همراه بود، تأثیرات بسیار درخشانی در شکوفایی فرهنگ ایرانی داشته است تا آنجا که ایران را به عنوان مرکز تمدن درخشان اسلامی تبدیل نمود و آثار و نتایج بسزایی در تحول و پیشرفت سایر تمدن ها به جای گذاشت (ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی ۱۳۸۲ ؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴). اما متأسفانه چند عامل از توسعه و تکامل این فرهنگ جلوگیری کرد: ۱. انحرافات و کج اندیشی هایی که در فرهنگ اصیل اسلامی به وجود آمد. ۲. رسوبات و بقایای برخی عناصر فرهنگی غیر صحیح و ناسالم قبل از اسلام. ۳. عناصر فرهنگی وارداتی از مکاتب مادی غرب و شرق. ۴. ساختار مدیریتی و سیاسی ناسالم و مخالف و یا ناآشنا با فرهنگ اصیل اسلامی و... مجموعه عوامل فوق باعث شد تا فرهنگ اصیل اسلامی نتواند در جامعه ایرانی به صورت کامل شکل گرفته و پویایی و بالندگی خود را در حد مطلوب حفظ و استمرار بخشد. متأسفانه دوره قاجار و پهلوی به دلیل فساد شدید ساختار سیاسی، وابستگی و مرعوب شدن آن در مقابل فرهنگ و تمدن بیگانه، صدمه های عمده ای به فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی جامعه ما وارد شد و آن را در سراشیبی سقوط قرار داد، هر چند وقوع انقلاب اسلامی و تدابیر مسؤولین دلسوز در این روند وقفه ایجاد کرده و آن را معکوس نمود تا جایی که به حمدالله در بخش های زیادی از جامعه شاهد

شکوفایی، رشد و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی می باشیم و البته باز هم تأکید می نماییم تا زمانی که رگه هایی از دلایل فوق در جامعه خصوصا بخش های اجرایی و تصمیم گیرنده نظام وجود داشته باشد و مجموعه ارکان نظام و جامعه به اجماعی واحد پیرامون اهمیت و اهتمام شدید به برتری فرهنگ اصیل اسلامی در مقابل سایر فرهنگ ها نرسند، تعمیق و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی در حد مطلوب در جامعه ممکن نخواهد بود. واقعیت این است که تهاجم فرهنگی یک مقوله حقیقی و جدی و برنامه ریزی شده می باشد و تنها راه مبارزه با آن نیز مصونیت بخشیدن به جوانان و سایر افراد جامعه از راه تمسک به فرهنگ غنی اسلامی و ملی این مرز بوم و استفاده کارآمد از همه امکانات خصوصا "دستگاه های فرهنگی و بسیج همه اقشار مردم , براساس برنامه ای دقیق و حساب شده می باشد. بر این اساس مهم ترین راه های مبارزه با آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ارزش های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه پذیری و عوامل آن مانند خانواده , مدرسه , رسانه ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی . ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش های انقلابی , استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه , سعادت , صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش های الهی . ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی . ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش های الهی می باشد. ۵- ایجاد باوری عمیق , درونی , ریشه دار, عقلانی و مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه های رسمی , تقنینی , اجرایی , قضایی , نظامی , انتظامی , آموزشی , فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کنند. ۶- تلاش و تدبیر جدی , گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت ها و اقدامات , در بخش های مختلف جامعه و در عرصه های گوناگون سیاسی , اقتصادی , فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران , ساختار کلان کشور و برنامه های اجرایی ... به طور کلی برای مصون ماندن از تهاجم فرهنگی بیگانگان و گریز از الگوها و گرایشات غربی دو جهاد عمده لازم است : جهاد علمی و عملی . الف) در جهاد علمی شخص باید معرفت خویش را نسبت به ارزش ها و هنجارهای دینی پیوسته روزافزون سازد و نیک را از بد و سره را از ناسره به خوبی بازشناسد و با شعور و آگاهی همواره در مسیر نیکی ها گام بردارد. ب) جهاد عملی به دو بخش تقسیم می شود: ۱- جهاد عملی فردی ; این جهاد حرکتی دائمی و خستگی ناپذیر در برابر هواها و خواسته های نفسانی است . این جهاد عزمی استوار و مراقبتی دائمی می طلبد و بدون ارتباط پیوسته با خدا و جدیت در مخالفت با شیطان نفس نمی توان از آن سرافراز بیرون آمد. یکی از راه های کاربردی مناسب برای بالا بردن میزان موفقیت در این مسیر اجرای برنامه مشارطه , مراقبه , محاسبه است که به ضمیمه ارسال می گردد. در این مسیر شخص باید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات همت گمارد, در مرتبه دوم انجام مستحبات و ترک مکروهات را وجهه همت خویش قرار دهد و در مرتبه سوم هر آنچه غیر الهی است , حتی برخی از مباحات , را از خود دور سازد و به غیر خدا و آنچه مطلوب اوست نپردازد. ۲- جهاد عملی اجتماعی ; کوششی جمعی در جهت تغییر و اصلاح جامعه و مبارزه با آلودگی ها و انحرافات و بسط علم , اخلاق , معنویت و فضیلت و تقوی در جامعه است . این مهم نیز مستلزم برنامه ریزی دقیق و مشورت و همگامی با صاحب نظران و دیگر دوستان همراه و هم رأی است . در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما "برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان پذیر نیست , اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی , برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری ۲- انقلاب و ارزش ها, علی ذوعلم ۳- ابوالفضل اشرفی , بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب شناسی انقلاب اسلامی) مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی و ناهنجاری‌های موجود در جامعه را می‌توان در دو بخش انجام داد: ۱. تک تک آحاد جامعه موظف‌اند با هر گونه منکر و مفسده‌ای مبارزه کنند و به افرادی

که در صدد شکست حریمهای ارزشی و احکام اسلامی می‌باشند، فرصت ندهند. نکته قابل توجه در این جا این است که مبارزه عمومی با فساد و تباهی در جامعه شرایط و ضوابطی دارد؛ ازجمله: اولاً: فردی که در صدد امر به معروف و نهی از منکر است، به خوبی معروف و منکر را بشناسد. ثانیا، احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. ثالثا، شخصی که مرتکب منکر یا مفسده‌ای شده، اصرار بر استمرار آن داشته باشد. رابعا، در امر و نهی او مفسده‌ای اعم از ضرر جانی یا آبروئی یا مالی قابل توجه وجود نداشته باشد. علاوه بر لزوم مراعات شرایط یاد شده در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مراعات مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز لازم است و در صورت حصول مطلوب در مرتبه پایین‌تر، جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدّی کند. در مرتبه اوّل ناراحتی قلبی و تنفّر خود را از فعل منکر آشکار سازد (مانند عبوس کردن صورت، روی بر گرداندن و.. از او، ترک رابطه کردن با وی و...) در مرتبه دوم امر و نهی زبانی، موعظه و ارشاد طرف است و در صورت فایده نداشتن، گفتار خود را غلیظ کرده در امر و تهدید و ترساندن شدت به خرج دهد. مرتبه سوم، مرحله اقدامات عملی است. اگر دو مرتبه یاد شده اثر نداشت، واجب است از اعمال قدرت استفاده کند، (تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵). البته این در زمانی است که حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی وجود نداشته باشد. اما اگر حکومت اسلامی وجود داشته باشد (مانند وضعیت فعلی ما) بر مکلّفان واجب است به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولان ذی‌ربط درنیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، (استفتاآت آیت‌الله خامنه‌ای، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۳۱). ۲. سازمان‌ها و ارگان‌های ویژه (از قبیل نیروی انتظامی، قوه قضائیه، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مبارزه با مواد مخدّر و...) موظّف اند بر اساس وظایف و کارکردهای مشخص شده در قانون، نسبت به انجام مسؤولیت‌های خودکوشا باشند و از اقدامات عملی و قهری دریغ نورزند. در پایان گفتنی است که هر چند در مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی استفاده از عوامل فیزیکی و نیروهای نظامی و... لازم است، ولی تکیه بر این عامل به تنهایی نمی‌تواند راه حل مناسب و اساسی باشد. راه حل نهایی این قبیل معضلات، مبتنی بر شناخت و ریشه‌یابی عوامل بروز این قبیل مفاسد و ارائه راه‌کارهای منطقی و واقع‌بینانه و مناسب با آن است. راه‌کارهایی از قبیل حل مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن، ازدواج، تقویت و تثبیت ارزش‌های اسلامی، اجرا شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و فراگیر، فراهم نمودن امکانات تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان و... و در نهایت برخورد قاطع دستگاههای مربوطه با افراد شرور و مخلّ به نظم و امنیت اجتماعی و ارزش‌های اسلامی و تهدید کننده سلامت جامعه، مطلوب است. اما با وجود این یکی از نکاتی که نباید مورد غفلت قرار گیرد شناخت دقیق روحیات و ویژگی های شخصیتی جوانان، علایق آن، نفرت ها و انزجارهای آنان از یک طرف و آگاهی به راه های ارتباط و نفوذ در آنان با توجه به اصول روان شناسی است.

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی از سه محور حرکت خویش را سامان داده و شروع به تخریب می‌کند: ۱. بینش‌ها و باورها. ۲. ارزش‌ها و گرایش‌ها.

۳. رفتارها و کردارها. در مورد اوّل مثلاً می گویند معنویات، خیالات است. معاد و وحی و روح تجربی نیستند! در مورد دوّم می گویند؛ ارزش‌ها و وسیله با خود ما آدم‌ها تعیین می‌شوند و اعتباراتی بیش نیستند و می‌توانند تغییر کنند. در مورد سوّم نیز اعمال اسلامی را با تمسخر و یا روشهای دیگر کم رنگ می کنند و هویّت ملّی و دینی را نابود کرده و مدها و روش‌های متروک را زنده می کنند. در اینجا دو راهکار داریم: ۱. راهکار ریشه‌ای. ۲. راهکار سطحی. راهکار سطحی همانا تحریک احساسات و عواطف و روش‌های تکراری و کهنه است امّا راهکار ریشه‌ای همانا ترویج ارزش‌هاست با هر وسیله، با گفتگو، تبلیغ فیلم، هنر. که در چند محور خلاصه می‌شود: ۱. آگاه نمودن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی. ۲. هجوم فرهنگی بر ضدّ فرهنگ غرب. ۳. ترویج ارزش‌های معنوی. ۴. آگاهی بر مواضع کار و به کارگیری زبان مناسب. یعنی فرق دبستان، با دبیرستان و دانشگاه برایمان روشن باشد و مناسبت را رعایت کنیم. ۵. تکیه بر منابع اصیل دینی قرآن و سیره اهل بیت«علیهم السلام». « بخش پاسخ به سؤالات »

دشمنان اسلام با شبیخون فرهنگی سعی در نابودی افکار آزادیخواهی , ناموس پرستی ,ارزش خواهی در چارچوب اسلام ناب را دارند. وظیفهء ما چیست و چگونه در مقابل آنها مقاوت کنیم ؟

پرسش

دشمنان اسلام با شبیخون فرهنگی سعی در نابودی افکار آزادیخواهی , ناموس پرستی ,ارزش خواهی در چارچوب اسلام ناب را دارند. وظیفهء ما چیست و چگونه در مقابل آنها مقاوت کنیم ؟

پاسخ

وظایف سنگین است و راه های مقابله با آنها زیاد که گفتن آن ها وقت زیادی لازم دارد به خاطرعدم اطالهء کلام فقط به بعضی به طور اختصار اشاره می کنیم : اول , تبیین جایگاه انسان در دنیا, که هدف از آفرینش انسان چه بوده و چرا او به دنیا آمده است . اگر هدف رسیدن به کمال مطلق و قرب الهی است , بهترین راه رسیدن به آن هدف چیست ؟ دوم , حل مشکل اساسی جوانان , مثل بی کاری و ازدواج و مسکن است . حداقل می توان آن ها را با ورزش که لازمه اش تهیهء مکان های ورزشی مثل استخر و زمین فوتبال و... است , سرگرم کرد. سوم , ارتقای سطح علمی جوانان , از طریق تشریح دستورهای اسلامی به طور ساده و روان و عموم پسند وتشویق آنان به مطالعه است , تا از اتلاف وقت آن ها جلوگیری شود. چهارم , شناخت دشمن و این که او هدفی جز بدبختی و ذلّت و نابودی مردم به خصوص نسل جوان مسلمان را ندارد.

چرا مردم برای گرفتن حاجات خود مستقیماً نزد خدا نمی روند و ائمهء اطهار و امام زاده ها راوسیله و شفیع قرار می دهند؟

پرسش

چرا مردم برای گرفتن حاجات خود مستقیماً نزد خدا نمی روند و ائمهء اطهار و امام زاده ها راوسیله و شفیع قرار می دهند؟

پاسخ

خداونـد در قرآن کریم می فرمایـد: می خوانـد, پاسـخ می گویم. > بنابراین , همان طور که نوشـته ایـد, شاید چنین به نظر آید که برای خواسـتن حاجت از خـدا نیازی به واسـطه نیست و ما به راحتی و در هر زمان می توانیم خـدا را بخوانیم و خداونـد به ما جواب خواهـد داد ;پس چرا مـا درمواقع زیـادی به زیـارت مرقـد امامـان و امـام زادگـان می رویم و از آن ها حاجت می طلبیم و آن ها را واسـطهء درگاه خدا می کنیم ؟ شواهدی از قرآن و روایات می آوریم که به این مسئله اشاره دارد و واسطهء قرار دادن افراد صالح و اعمال نیک را تجویز و تشویق می کنـد. خداوند می فرماید: برای تقرب به خدا انتخاب نمایید. >موضوع مهمی که در این آیه باید بحث شود, دستوری است که دربارهء انتخاب در این آیه به افراد باایمان داده شده است . در اصل به معنای تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می شود, می باشـد. بنابراین , وسـیله در آیهء فوق معنای بسـیار وسـیعی دارد و هر کـار و چیزی را که باعث نزدیک شـدن به پیشـگاه مقـدس پروردگار شود, شامل می گردد که مهم ترین آن ایمان به خـدا و پیامبر اکرم ۶و جهـاد و عبـادات هم چون نماز و زکات و روزه و زیارت خانهء خـدا و هم چنین صـلهء رحم و انفاق در راه خـدا و هر کار نیک و خیرمی باشد و نیز شـفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح خدا ـ که طبق صریح قرآن باعث تقرب به پروردگارمی گردد ـ در مفهوم وسـیع توسـل است و هم چنین پیروی از پیـامبر و امـام و گـام نهـادن در جای آن ها ; زیرا همه ءاین ها موجب نزدیکی به سـاحت قـدس پروردگـار می باشـد, حتی سوگنـد دادن خـدا به مقام پیامبران و امامان وصالحان که نشانهء علاقه به آن ها و اهمیت دادن به مقـام و مکتب آنـان می باشـد, جزء این مفهوم وسـیع است . پس به معنی هر چیز است که بـاعث تقرّب می گردد. از آیات دیگر قرآن نیز به خوبی اسـتفاده می شودوسـیله قرار دادن مقام انسان صالحی در پیشگاه خدا وطلب چیزی از خداوند به واسطهء او, ممنوع نیست و منافات با توحیـد نـدارد. در آیهء ۶۴سورهء نسـاء آمـده است :. و نیز در آیهء ۹۷سـورهء یوسف می خوانیم : برادران یوسف از پدر تقاضا کردند در پیشگاه خداوند برای آن هااستغفار کند و یعقوب نیز این تقاضا را پذیرفت . در آیهء ۱۱۴سورهء توبه نیز موضوع اسـتغفار ابراهیم در مورد پـدرش آمده است که تأثیر دعای پیامبران رادربارهء دیگران تأیید می کند. از روایات متعددی که از طرق شـیعه و سـنی در دست داریم , نیز به خوبی اسـتفاده می شود توسل به این معناهیچ گونه اشکالی ندارد, بلکه کار خوبی محسوب می شود. روایات اهل تسـنن می گوید: حضـرت آدم قبل ازخلقت پیامبر اسـلام ۶روی اطلاعی که از آفرینش آن حضـرت داشت و به مقام و موقعیت او نزد خداونـدمتعال آگاهی یافت می گوید: خداوندا! به حق محمد۶از تو تقاضا می کنم مرا ببخشی ! و در روایت دیگری دارد:مرد نابینایی تقاضای دعا از پیامبر برای شفای بیماریش کرد و پیغمبر به او دستور داد بگوید: خداوندا! من از تو به واسـطهء پیـامبر رحمتت تقاضـا می کنم و به تو روی می آورم ... خداونـدا! او را شـفیع من سـاز. امـا در منابع شـیعه موضوع به قـدری روشن است که نیاز به نقل حدیث ندارد. موضوع مهم قابل توجه این است که : منظور از توسل این نیست که کسـی حاجت را از شـخص پیـامبر یاامامـان مسـتقلاً بخواهـد و اگر کسـی چنین کنـد, از فرهنگ اسـلام به دور است ; منظور این است که به مقام معصوم در پیشـگاه خـدا متوسل شود و این در حقیقت توجه به خـدا است ; زیرا احترام پیامبر نیز به سـبب این است که فرسـتادهء او بوده و در راه او گـام برداشـته است .(۱) پس بایـد توجه داشت رفتن به حرم امامـان و امـام زادگـان از این جهت که انسـان خود را کنارشـخص بزرگی قرار می دهـد که از نظر معنوی انسـان صالـح و شایسـته و حتی معصوم از گنـاه است و به خاطر اجر و قربی که نزدخداونـد دارد, سـعی می کنـد درخواست خود را به واسـطهء این موقعیت منـاسب از خداونـد بخواهـد, این چیزی نیست که هیچ انسان با انصافی آن را مردود بشمارد ;البته رفتاری که برخی مسلمانان به ویژه شیعیان انجام می دهند و مستقیماً و مستقلاً از امامان یا امام زادگان حاجت می طلبند, قابل دفاع نیست و کار نادرستی است . (پـاورقی ۱.اقتباس از تفسیر نمونه , ج ۴ ص ۳۶۳ـ ۳۷۰

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست ــ مخصوصاً برای جوانانی که در دانشگاه هامشغول هستند ــ؟

پرسش

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست ـ مخصوصاً برای جوانانی که در دانشگاه هامشغول هستند ـ؟

پاسخ

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که در حقیقت پیروزی اسلام بر سردمداران کفر جهانی بود و به دنیانشان داد که دین مخصوصاً اسلام می تواند به عنوان یک قدرت جهانی علیه زورمداران دنیا عرض اندام نماید و درمقابل قدرت ها بایستد, قدرتمندان سیاسی دنیا مخصوصاً غرب در صدد برآمدند در مقابل این فرهنگ بایستند یا آن را نابود کنند یا جلوی گسترش آن را بگیرند و یا آن را از کارایی بیاندازند. در هر مورد هجوم هایی بردند, که امروز نیزبا نوعی مشکل تر و برنده تر, تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسلامی در سطح جهان ادامه دارد. امروز به اعتباری می توان گفت صاحبان قدرت های برتر نظامی و صنعتی , مغول های ضد فرهنگ عصر حاضر وصلیبیّون قرن اتم اند, اما به جای شیههء اسب ها و برق شمشیرها و غبار سپاه , شیعهء بی امانی است که از حلقوم رادیو وتلویزیون ها بر می آید و بر خیره کننده ای است که از چشم دوربین ها ساطع می شود و غبار عالمگیری است که از موج ماهواره بر می خیزد. ماهواره ها و دکل ها همهء نقاط زمین را هدف بمباران فرهنگی قرار داده و از این طریق تسلطخود را بر رگ و ریشه و مغز انسان ها وارد می کنند. امروز صاحبان قدرت های برتر صنعتی و نظامی در قرن بیستم دجال های عصرند. از هر نای آنان آوازی , همگان را شیفتهء خود کرده , چندان که گاه بسیاری از فرهنگ سازان رافریفتهء خود می سازد. کسانی که در برابر ظواهر پر جذبهء غرب , خودباخته اند و فرنگ را با فرهنگ یکی دانسته اند,قدر و قیمت فرهنگ اسلام و ایران و اصولاً نقش و تأثیر آن در گذشته و حال را نمی دانند یا اگر اندکی بدانند,احساس حقارتشان در پیشگاه تمدّن صنعتی و تکنیکی غرب و گاه کینه توزی هایی که بعضاً نسبت به فرهنگ و سنن خود داشته و دارند, آنان را از پذیرش حقیقت باز می دارد. تهاجم فرهنگی به این معنا است که : دشمن مسلمانان می خواهد منابع قدرت آنان را تحت سلطهء خویش قراردهد و از ما اذن و اجازه نمی طلبد و برای وصول به مقصود, حمله و هجوم را آغاز کرده است . هر هجوم و تهاجمی دارای شکل خاص و واجد ابزار ویژه ای است , هم چون ابزار نظامی , اقتصادی , سیاسی و فرهنگی که ابزار فرهنگی گاه به عنوان مقدمه , گاه متمّم و مکمّل به کار برده می شود. تهاجم فرهنگی یعنی دشمن ابزارهای غیر نظامی و غیر اقتصادی و غیر سیاسی را به کار می گیرد تا افکار و آرای مردم را برای پذیرش هجوم ناگهانی یا نفوذ تدریجی به منظور تصرف و تملّک منابع و منافع مادی و معنوی آنان مهیاکند. راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی : مبارزه با غرب زدگی و روشنفکری غربی : جوانان باید بدانند در انقلاب مشروطیت و دیگر انقلاب ها بزرگ ترین ضربه ای که انقلاب ها و مردم خوردند, از روشنفکر مآبانی بود که دل در گرو غرب و آمریکا داشتند. آنان با نوشتن مقاله ها و تأسیس روزنامه ها و اهانت به علما و روحانیان و پایین آوردن اعتبار احکام اسلامی , بزرگ ترین ضربه رابر انقلاب مشروطیت و دیگر نهضت ها زدند. از نوشته های جلال آل احمد چنین بر می آید که : روشنفکر ایرانی وارث بدآموزی های صدر مشروطه بدآموزی های روشنفکران قرن هیجده و نوزده فرنگ است . مخالفت و ضدیّت با مذهب و روحانیت میراثی است از این جمله اینان غالباً در دعوای میان روحانیت و حکومت , طرف حکومت را گرفته اند و آخرین بار در قضیهء ۱۵خرداد۴۲ ;از قضیهء تحریم تنباکو بگیر تا کشتار بی رحمانهء ۱۵خرداد. در تمام صدسالهء اخیر روشنفکر ایرانی , مردد میان حکومت و مردم و نومید از بی خبری عوام و خسته از تحجّر برخی روحانیون , در آخرین دقایق , طرف حکومت راگرته است . روشنفکر مآبان همیشه عقدهء نداشتن تأثیر در جامعه و در میان اکثر مردم , آنان را آزار و اذیت و وادار کرده دست به قلم بزنند و با نوشتن و ایجاد شبهه و تردید, دل ها را خالی

کنند و به آرزوی دور و دراز دامن بزنند. روشنفکر غرب زده چون دید در حضور مذهب و علمای دین , کاری از او ساخته و حرفی از او شنیده نیست ,ناچار لامذهبی اش تحریک شد و احکام اسلامی را که بر پایهء قرآن و سنّت نهاده شده است , مورد شک و تردید قرارداد. اینان به یک جا وابسته نیستند ;یک دسته به فرهنگ فرانسه و دستهء دیگر انگلیس , دستهء دیگر امریکا یا به آلمان دل بسته و شیفتهء فرهنگ آنان هستند. بهایی گری , فراماسونری , کسروی بازی , زردشتی بازی , فردوسی بازی , احزاب , مطبوعات , مجامع ادبی وهنری , کلوپ های بولینک و سونادار و جمع کنندهء تفنّن و سیاست و معامله و امثال این ها را می توان پاتوق این گونه روشنفکران دانست . ضدیّت با مذهب و ملیّت و بیگانگی با محیط بومی , از خصایص روشنفکران غرب زده است .(۱) در تهاجم حساس و سرنوشت ساز فرهنگی , سراغ گروهی از روشنفکران رفتند ;آنان که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح حساب شده , استعمارگران را کمک کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه مجری سیاست قدرت ها باشند. استعمارگران ابتدا تعدادی از روشنفکران مزدور را به کار گرفته , حرکت را آغاز کردند,سپس بسیاری از روشنفکران مذهبی بدون توجه به نقشه های شیطانیِ ابر قدرت ها, تنها با احساس مسئولیت برخواسته از داوری های شخصی در برابر کاستی های موجود در جامعهء اسلامی , به این حرکت شیطانی حساب شده دامن زدند و طرح های استعماری زیادی را به کار گرفتند, مانند: ۱ سیاست مذهب علیه مذهب ; ۲ سیاست دین سازی ; ۳ سیاست ایجاد جنگ بین علم و دین ; ۴ سیاست تحقق تفکر التقاطی اختلاط اصول اسلام با دیگر مکاتب مادی و غربی ; ۵ سیاست براندازی دین . از بُعد سیاست ایجاد تضاد و جنگ بین علم و دین , با روش های فرهنگی و علمی بسیار ظریف و حساب شده ,به محافل دانشگاهی و فرهنگی , تئوری ها و فرضیه های علمی مکاتب غربی و شرقی را به دروس دانشگاهی راه دادند و توسط برخی اساتید روشنفکر, به این طرح و نقشهء شیطانی دامن زدند که : علم روز مخالف مذهب و مذهب مخالف علم است ! تا بتوانند بر ضد مذهب و روحانیت , دانشجویان را بسیج نمایند. سیاست تفکر التقاطی توسط روشنفکران مذهبی , به عنوان اسلام و مذهبی نو, متناسب با مکاتب شرق و غرب که هر غربی و هم مسلمان باشیم , هم مذهب بماند و هم غرب پسندانه باشد, هم به مذهبی ها بگویند با شماییم و هم به روی غرب و شرق لبخند بزنند. اینان نمی دانستند اگر علمای دین و روحانیت و فقهای شیعه را که سنگربان اسلام و انقلاب و کشورند, تضعیف کنند و به انزوا بکشانند, دشمن سود خواهد برد. برخی از روشنفکران با تز و بعضی با تز جدایی دین از سیاست و برخی با عقیده ء یا و یا و یا و و و مبازره و ایجاد بدبینی با احکام اسلامی , از قبیل , ومبازره با شخصیت های سیاسی و علمی روحانی و مشوّه جلوه دادن آنان در سطح گسترده , از فعالیت های روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی است که خطر بزرگی برای انقلاب و امنیت و استقلال کشور است . اگر روشنفکران به وحی و قرآن و اصول مسلّم اسلام و معیارهای روشن اجتهاد, آگاهی داشته باشند و دست ازهوی و خود پرستی و غرور بردارند و به دانشمندان و فقها و عالمان متدین ارج بنهند و متوجه توطئه های دشمنان باشند و به مرزهای اسلام و تشیع یورش نبرند و احزاب و گرایش های سیاسی , وحدت و هم دلی و تقوای الهی راحفظ کنند, خواهند توانست در برابر دشمن , سدّی محکم و برای اسلام و کشورشان مفید باشند و استقلال کشور را که ثمرهء خون هزاران شهید مظلوم و فداکار و زحمات طاقت فرسای علمای دین از سال ها قبل تا کنون بوده , محافظت کنند.(۲) البته راه های دیگری نیز برای مبارزهء با تهاجم فرهنگی هست , از جمله : ۱ رسیدگی مسئولان به خواسته های فطری و طبیعی جوانان و زمینه سازی ازدواج آنان . ۲ جلوگیری از ورود فیلم ها و عکس های مستهجن و نوارهای مهیج , همان طور که مبارزه با مواد مخدّر یک امرمعقول و پسندیده است . ۳ ایجاد شغل . ۴ توجه جوانان به اشتغال , حتی شغل های مشکل و سخت و بی توجهی به شغل های کاذب و غیر مفید. ۵ توجه و امعان نظر در کلمات امام راحل (ره) و عنایت به وصیّت های ایشان و تبعیت از منویّات رهبر معظم انقلاب . امام (ره) فرمود: . ۶ حفظ تقوا با مطالعهء کتاب های اخلاقی قرائت قرآن , مناجات , رفتن به مساجد و اجتماعات , مطالعهء کتاب های روایی از قبیل اصول کافی , تحف العقول و دیگر کتب مفید. ۷ مطالعهء تاریخ انقلاب ها و علل شکست آن ها و عوامل تسلط بیگانگان . ۸ پرهیز از خواندن نوشته های افراد سیاسی و روشنفکر

مآبی که مورد تأیید دشمنان اند. خداوند ما را از شرور نفسمان و انقلاب اسلامی را از گزند حوادث مصون دارد.

جوانان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی چه باید بکنند؟

پرسش

جوانان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی چه باید بکنند؟

پاسخ

در دنیای ارتباطات و انفجار اطلاعات خواه ناخواه فرهنگ‌ها به یکدیگر منتقل شده و امر الگوپذیری تسریع می شود. رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و حتی مطبوعات هر کدام در این مقوله به نوعی سهم دارند. جوان به اقتضای طبع خود، همان گونه که در این مقطع از دوران زندگی از نظر جسمی درخشنده و زیبا می شود و این را باید از آثار خلقت دانست، در پی زیباطلبی خواهد بود. تشریع ادیان برای جلوگیری از انحراف‌هایی است که در پی هوی و هوس به وجود می آید و جوان چون بیشتر از دیگران در معرض خطا و لغزش است و باید بیشتر از دیگران از خود مواظبت کند. اگر کسی دارای مبانی اعتقادی قوی باشد و نیز از اصالت خانوادگی برخوردار بوده و به واجبات تن دهد و از محرمات بپرهیزد، در مقابل طوفان حوادث و تهاجم بیگانگان در امان خواهد بود. دنیا از همان ابتدا قابیل و هابیل داشت. قابیل در پی تطمیع نفس و هابیل در پس کسب رضای خدا بود. پس دنیاطلبی و علاقه‌مندی به آن، مصدر تمام لغزش‌ها و بدی‌ها است و آفت اولیه در وجود انسان از لغزش‌های خود او شکل می گیرد و نفس برای پذیرش انواع انحراف‌ها آماده می شود. اگر جوانی بخواند در مقابل تهاجم فرهنگی مقاومت کند و از شبیخون دشمن نهراسد، لازم است خود را به سلاح تقوا مجهز کند و کمی فکر نماید که نهایت کارش به کجا می انجامد. مرگ را حق بداند و از مردگان عبرت بگیرد. خوشی‌های دنیا را لذاتی زودگذر بداند و به آن دل نبندد. مبانی اعتقادی خویش را تقویت کند و در مجامع معنوی چون مساجد و نماز جماعت حاضر شده و حضور در مراکزی که به تقویت شعائر مذهبی می پردازند، را برای خود لازم بداند و هر تئوری اگر به عمل آمیخته نشود و فقط حرف باشد، نمی‌تواند سازنده شود. انسان هم به نصیحت احتیاج دارد و هم به عمل. اگر با جوانح و قلب خود پندی را گوش می دهد، باید با جوارح و اعضای خود آن را عملی سازد. اما گفتن این مسائل آسان و عمل سخت است، ولی همراه با امید به این آیه قرآن گوش می دهیم که"و أنْ لیس للانسان إلاّ ما سعی و این که برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.("۱) پی نوشت‌ها: ۱. نجم (۵۳) آیه ۳۹.

حجاب را دوست دارم، اما در مجالس عروسی و خیابان و نزد آشنایان چه کنم؟

پرسش

حجاب را دوست دارم، اما در مجالس عروسی و خیابان و نزد آشنایان چه کنم؟

پاسخ

در مجالس عروسی که نامحرم شما را نبیند، آرایش کردن و بدون حجاب بودن اشکالی ندارد، اما اگر نامحرم شما را ببیند، جایز نیست و قطعاً شما که اهل نماز و ارتباط با خدا هستی، نمی‌خواهی با عمل خود خدا را از خود ناراضی سازی. پیوسته در شبانه روز اقلاً ـ ده بار به خدا عرض می کنیم": ایّاک نعبد و ایّاک نستعین؛ خدایا! عبد و بنده تو هستیم و تنها از تو فرمان می بریم و از تو کمک می طلبیم. آیا لازمه" فقط بنده و مطیع خدا بودن "این نیست که از برخی کارهایی که خواسته هوای نفسانی است و شیطان از آن خوشحال می گردد، ولی خدا آن را ناپسند می داند. پرهیز کنیم؟ آیاخداوند که ارحم الراحمین است و نسبت به بندگان خویش" رئوف و رحیم "است، با امر کردن به رعایت حجاب نزد نامحرم، چیزی جز خیر و سعادت انسان را می خواهد.

برای خنثی کردن شبهات و تردیدها و دغدغه‌های فکری، و مقابله با جنگ روانی که دشمنان اسلام و بعضی از روزنامه‌های سرسپرده و برخی از جناح‌های سیاسی... به وجود می‌آورند، چه باید کرد؟

پرسش

برای خنثی کردن شبهات و تردیدها و دغدغه‌های فکری، و مقابله با جنگ روانی که دشمنان اسلام و بعضی از روزنامه‌های سرسپرده و برخی از جناح‌های سیاسی... به وجود می‌آورند، چه باید کرد؟

پاسخ

برادر بزرگوار از پرسنل فداکار" ناجا "درSبر شما. از این که با ما مکاتبه نکرده و شبهات خود را با ما در میان گذاشتید سپاس گزاریم. در این گونه موارد وظیفه این است که : ۱ – با کمال متانت و دقت علمی شبهات را برطرف نموده و تبلیغات مسموم را خنثی کرد. ۲ – اگر امر به معروف و نهی از منکر اثر دارد، ارشاد کرد و از عواقب شوم چنین کاری آگاه ساخت. ۳ – اگر قدرت بر رد شبهات نداشته باشیم و از طرفی بدانیم امر به معروف و نهی از منکر ندارد، شبهات را باید به مراکز علمی فرستاده و پاسخ را دریافت نماید.

اگر ترانه را از جوانان بگیریم، چه چیزی را جایگزین کنیم؟

پرسش

اگر ترانه را از جوانان بگیریم، چه چیزی را جایگزین کنیم؟

پاسخ

یکی از محرّمات در اسلام غنا و موسیقی مطرب می باشد . هر آن چه که در شرع ممنوع اعلام گردید، مسلّماً به خاطر مفاسد و ضرری بوده که بر ارتکاب آن مترتب می شود، چه بشر به آن فساد رو ببرد یا از آن بی خبر باشد. وقتی انسان معتقد به خدا باشد و

باور کنـد تمام منهیات الهی بر اثر ضـرر و مخرّب بودن آن ها حرام گردیـده است، قطعاً از انجام معاصـی اجتناب می کند و سـجدهٔ شکر به جـا می آورد که خـدای مهربـان وی را بر آن چه بر ضـرر او است، آگاه نموده است. حضـرت رضا (ع) فرمود": گناهان نه تنهادر زنـدگی بشـر مود احتیاج و ضـرورت نیست ، بلکه مایهٔ فساد و باعث هلاکت است.["۱۱] خوشـبختانه از مدت ها پیش بر اثر پیشـرفت علم پزشـکی و روان شناسـی مضـرات غنا و موسـیقی معلوم گردید. فلسـفهٔ تحریم موسیقی از طرف اسلام برای بشر روشن شـده است. ممکن است تصور شود اگر ترانه و موسـیقی مطرب زیان بار است، چرا عده ای گوش می دهند؟! جوابش این است که آثار زیان بار موسـیقی بر اعصاب آدمی مـدتی بعد پیدا می شود و این یکی از عواملی است که مردم نسـبت به آن بی اعتنا هسـتند، همان گونه که مضـرات شـراب و تریاک و هروئین و سیگار بر همگان معلوم است و در رسانه های گروهی سراسر جهان تقریباً همه روزه از مفاسد این ها مردم را مطلع می کنند، ولی باز ببینید چقدر سـیگاری داریم و روز به روز هم به تعداد سیگاری ها افزوده می شود، چون که ضـرر این ها مخصوصاً سـیگار دیر آشکار می شود. افرزون بر این که گناهان در دنیا مضرند ، در آخرت هم موجب بـدبختی آدمی شـده و موجب می شود انسان به عـذاب دردناک جهنم گرفتار آیـد. انسان مسـلمان با کمی دقت می فهمـد خداوند مهربان است و هر چه دسـتور عبادی داده؛ به نفع خود انسان است و از هر چه نهی کرده، به ضرر خود وی می باشد و اگر از دستور الهی سـرپیچی کنـد، خـود را بـدبخت نموده است. در این صورت گناهـان از جمله گوش دادن موسـیقی را ترک می کنـد و اصـلاً مرتکب گنـاه نمی شود. وقتی سـر منشأ اجتناب از گناه اعتقاد به خـدا باشـد، آدمی از این ترک لـذت می برد، چون خود را در حال اطاعت از خدا می بیند و می داند که در مقابل ترک گناه به چه پاداش خوبی خواهد رسـید. پس اولین چیزی که به جوانان باید یاد داد، ایمان و اعتقاد پاک است که باور کنند آن چه دسـتور اسـلام است، دقیقاً به نفع شان است و سـرپیچی از قوانین الهی مساوی با تبعیت از دشـمن آشـکار و درجـهٔ یک و قسم خوردهٔ انسان یعنی شـیطان است که تا انسان را به جهنم نیندازد، راضـی نمی شود. نیز جوانان می تو انند به جای گوش دادن به ترانه از نوارهای قرآن ، سـخنرانی های مذهبی، نوارهای خنده دار، خواندن کتاب، تشکیل جلسـات انس بـا دوسـتان، ورزش ، رفتن به کوه، بحث های علمی و تفریحات سالم دیگر اسـتفاده نماینـد. [۱۱] محمد تقی فلسفی، کودک، ج ۱، ص ۱۴.

چرا در برنامه های تلویزیون بعضی از مسایل مَجْرم و نامحرمی، و یا مسایل دیگر را رعایت نمی کنند؟

پرسش

چرا در برنامه های تلویزیون بعضی از مسایل مَجْرم و نامحرمی، و یا مسایل دیگر را رعایت نمی کنند؟

پاسخ

صدا و سیما در موقعیتی قرار دارد که اگر درست عمل کند می تواند تأثیر بسیار مثبتی در دین و فرهنگ و ترقی جامعه داشته باشد و چنـان چـه درسـت عمـل ننمایـد برای جـامعه مخرّب و زیـان بـار اسـت. امـام خمینی (ره) در این بـاره می فرمایـد": صـدا و سـیما دسـتگاهی است که با صـحت آن مردم صحیح می شوند، و با فساد آن فاسد. ما می توانیم به وسیلهٔ صدا و سیما اسلام را همان طور که هست معرفی کنیم. اگر آن طـوری که هست معرفی شود مورد قبول همه خواهـد شـد."۱۴ به نظر می رسـد باید مردم انقلابی و مؤمن جامعـهٔ اسـلامی اعتراض خود را نسـبت به بعضـی از برنامه های تلویزیون با صـلاح دیـد علمای محل و توسط امام جمعه های

محترم به سمع مبارک مقام معظم رهبری برسانند تا ایشان اقدام لازم را بفرمایند. امیدواریم خدای مهربان همه ما را در راه اسلام ثابت قدم و قدر دان خون پاک شهیدان گلگون کفن و ناله های جانکاه جان بازان در بستر افتادهٔ انقلاب و زحمات طاقت فرسای امام راحل(ره) قرار بدهد. ۱۴ امام خمینی(ره)، صحیفهٔ نور ج ۱۸، ص ۲۴۲ – ۲۴۷.

وظیفهٔ جوانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن چیست؟

پرسش

وظیفهٔ جوانان در برابر تهاجم فرهنگی دشمن چیست؟

پاسخ

در برابر تهاجم فرهنگی دشمن آحاد جامعه، به ویژه نسل جوان وظایف سنگینی دارند که عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ایمان و معنویت: قرآن مجید رمز موفقیت و برتری جامعهٔ انسانی را ایمان به خدا می داند و می فرماید": انتم الا علون ان کنتم مؤمنین؛ شما برترید اگر مؤمن باشید."۹ ۲- هوشیاری در مقابل انحراف معنوی: قرآن مجید دو عامل برای گمراهی و انحراف عمومی ذکر کرده است": فخلف من بعد هم خلف اضاعوا الصلاه واتّبعوا الشهوات."۱۰ یکی دور شدن از ذکر خدا و نماز و دیگری پیروی از شهوات. جوانان باید در برابر هجوم فرهنگی دشمن از ارزش های اسلامی دفاع کنند و به معنویت روی آورند. ۳- احیای امر به معروف و نهی از منکر: قوام حکومت اسلامی و پیشگیری از تبلیغات مسموم دشمن بستگی به انجام این فریضهٔ خطیر دارد امام علی(ع) می فرماید: اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید اشرار بر شما مسلط می شوند و هر چه دعا کنید خداوند دعایتان را مستجاب نمی گرداند.۱۱ ۴- استقلال فرهنگی: جوانان باید با تکیه بر فرهنگ بومی واعتقادات مذهبی خود را از هجوم فرهنگ وارداتی دشمن حفظ نمایند و با خود باوری و استقلال فکری از تقلید کورکورانه اجتناب ورزند. ۵- آشنایی با ترفند دشمن: راه اساسی برای مقابله با توطئه های دشمن شناخت شیوه ها و نقشه های آنان است. امام صادق(ع) می فرماید": العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس؛ کسی که به زمان خود آشنا باشد مشکلات بر او غالب نخواهد شد."۱۲ دشمن هرگز در لباس دشمنی ظاهر نمی شود، بلکه با نفاق و دورویی و شایعه پراکنی و دلسر کردن مردم می کوشد اهداف خود را تأمین نماید. ۹ آل عمران (۳) آیهٔ ۱۳۹. ۱۰ مریم (۱۹) آیهٔ ۵۹. ۱۱ بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸. ۱۲ همان، ج ۷۸، ص ۲۶۹.

ما جوانان چگونه می توانیم خود را از فساد تهاجم فرهنگی دور سازیم، در صورتی که همه این‌ها را جلوی چشم مان هر روز مشاهده می کنیم؟

پرسش

ما جوانان چگونه می توانیم خود را از فساد تهاجم فرهنگی دور سازیم، در صورتی که همه این‌ها را جلوی چشم مان هر روز مشاهده می کنیم؟

پاسخ

راه مقابله با تهاجم فرهنگی، نخست مقاومت فرهنگی به منظور بی اثر کردن کار دشمن و به زانو در آوردن مهاجم است تا به فرار ذلیلانه مجبور گردد. سپس باید از یک سو به تعقیب دشمن فراری پرداخت و با شوک‌های فرهنگی، علمی، تبلیغاتی و سیاسی، زمینه فروپاشی قدرتش را فراهم ساخت؛ از سویی دیگر به خانه تکانی افکار و پاک نمودن دل‌ها از رسوبات فرهنگ بیگانه و جایگزین کردن فرهنگی دینی و ملّی اقدام نمود. رمز موفقیت در مقاومت فرهنگی، شناخت فرهنگی خودی و پدیده‌های اصولی آن و عملیاتی کردن آن است. روش‌های مقاومت فرهنگی روش‌های تربیتی اسلام که موجب پرورش انسان آگاه، مؤمن و متعادل می شوند، هم چنین تمامی شیوه هایی که سبب سالم سازی و پایداری جامعه اسلامی می گردند، در زمره روش‌های مقاومت فرهنگی محسوب می شوند. مصون سازی، بهترین شیوه مقابله با تهاجم فرهنگی در تهاجم فرهنگی، عقاید و اخلاق ملت، به خصوص نسل جوان آن مورد هجوم قرار می گیرد در برنامه ریزی مقاومت فرهنگی برای مقابله با هجوم بیگانگان باید به دنبال مصون سازی جوانان و دانش‌آموزان در برابر تهاجمات بود. مصون سازی وابسته به خود آگاهی است. جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای، فیلم‌ها و نوارهای مبتذل و سیار مظاهر فساد امری لازم است که از طرف مسئولان باید دنبال شود، امّا کافی نیست. باید گیرنده‌های درونی و فکری ضعیف را جمع آوری نمود و به جای آن گیرنده‌های قوی و فکری مقابله‌گر و مهاجم دشمن شناس و دشمن ستیز نصب کرد. بنیادی‌ترین روش مقاومت فرهنگی بنیادی‌ترین روش مقاومت فرهنگی، گسترش شناخت معارف اسلامی و تعمیق باورهای اصیل مذهبی است. فرد خداشناس و خداباور به خود آگاهی و خود باوری می رسد. چنین فردی مفتون و مرعوب فرهنگ الحادی و هوس گرایانه بیگانه نمی‌شود. سایر راه کارهای مقابله با هجوم فرهنگی بیگانگان پناه بردن به قرآن و آشنایی با معانی و پیام‌های آن، تمسک به ولایت ائمه(ع) و برقراری ارتباط روحی و معنوی با آنان از راه آشنایی با روایات و احادیث و زیارت و توسل به آنان، آشنا شدن باتجلی دین و دین باوری در صحنه‌های مختلف انقلاب اسلامی به ویژه صحنه‌های جاویدان هشت سال دفاع مقدس، و مطالعه خاطرات رزمندگان و ایثارگران و آزادگان، مطالعه وصیت نامه شهدا، و بالاخره خلوت کردن با خدا و راز و نیاز با او و در نظر آوردن خداوند در همه احوال از جمله عواملی است که دین و باورهای دینی را در درون انسان نهادینه میکنند و جوان را به خودآگاهی و خود باوری می رسانند. انسان خودآگاهی که توانایی‌های ذاتی و مفاخر دینی و ملّی خویش را باور دارد و از اعتماد به نفس برخوردار است، نه تنها در برابر پیام‌های مهاجمان تسلیم نمی‌شود، بلکه آن پیام‌ها را علیه آنان به کار می گیرد. آگاه کردن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی و استفاده از شیوه‌های تهاجمی مانند فیلم و کتاب و رمان، نیز تولید فکر و اندیشه و حضور فعال در عرصه فرهنگ و هنر، هم چنین رفع بیکاری و فقر و اشتغال به کارهای مفید و مناسب و بسط عدالت اجتماعی از شیوه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان است.

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

پرسش

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

پاسخ

منظور از روش های کنونی در سؤال روشن نیست. مسلّم است تهاجم فرهنگی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. مقابله با آن نیز کاری ساده و کوتاه مدت نیست، بلکه به عوامل مختلفی بستگی دارد. از آن جا که دشمن از ترفندهای جدیدی استفاده می کند، مقابله با آن نیز باید متناسب با ابزارهای تهاجمی باشد و یک روش ثابت و غیر قابل تغییر در مقابله با آن وجود ندارد، بلکه می تواند روش ها متناسب با تهاجم متغیر باشد. در این باره همهٔ جامعه با تمام امکانات باید به دنبال خنثی کردن تهاجم فرهنگی باشند. از سوی دیگر هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب را در برنامه قرار دهند و همیشه در مقابل دشمن موضع انفعالی نگیرند. این امر با ترویج ارزش های اسلامی از راه فیلم، نمایشنامه ، کتاب ، رمان و آثار هنری حاصل می شود. علاوه بر آن باید زمینه های تهاجم فرهنگی را از بین برد، مانند بیکاری ، فقر، بی عدالتی و موانع ازدواج و مسکن جوانان. به نظر می رسد با وجود همه تلاش هایی که ارگان های مختلف در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی داشته اند، این اندازه کفایت نمی کند ، چون آن چه واقع شده، دفع تهاجم بوده و حالت انفعالی داشته است. دستگاه های فرهنگی اعم از آموزش و پرورش ، آموزش عالی، صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه های تبلیغاتی مانند سازمان تبلیغات و رسانه های گروهی و روزنامه ها باید به طور ریشه ای و اصولی، فرهنگ بومی و خودی را با استفاده از روش های مدرن معرفی کنند و ایمان و خداباوری را در بین نسل جوان نهادینه نمایند، نیز چهرهٔ واقعی فرهنگ غرب را بشناسانند و با ارتباط صمیمی با جوانان ، از مشکلات آگاه گردند، همچنین برای رویارو یی با تنگناها چاره جویی نمایند و فرهنگ غنی اسلامی را به رخ جهانیان بکشانند در عین حال باید حجم گسترده تهاجم فرهنگی و ابعاد مختلف آن را نیز در نظر داشت که مقابله با آن کار ساده و اسانی نخواهد بود . البته کارهای صورت گرفته را نیز با توجه به موانع موجود نباید کوچک و حقیر دانست.

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

پرسش

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

پاسخ

تأثیر فرهنگ در جوامع یک طرفه نیست، یعنی فقط غربی ها بتوانند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار دهند، ولی ما نتوانیم و شواهدی در دست است که انقلاب اسلامی ایران به رغم رویارویی با توطئه های پی در پی در مقابل چشمان بهت زده تحلیل گران، تأثیر شگفت آور خود را در جهان داشته است. حیات مجدد کلیساها، افزایش بی سابقه مبلّغان مذهبی ، استقبال وسیع مردم از آثار صوتی و تصویری و مکتوب دینی، افزایش مخالفت های مردمی با پرده دری های اخلاقی ، بخشی از نشانه های تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در غرب می باشد.(۱) این مسئله حتی از طرف مخالفان اسلام و انقلاب ایران مانند هانیتگتون (نظریه پرداز جنگ تمدن ها) مورد اعتراف قرار گرفته است. رشد روز افزون اسلام در غرب دلیل دیگر بر تأثیر انقلاب اسلامی و تبلیغات ما می باشد. شبکه تلویزیونی سی ان ان آمریکا با بیان این مطلب که دین اسلام با سرعتی فراتر از ادیان دیگر در حال گسترش است . اعلام نمود" :رشد اسلام در جوامعی که اکثریت آنان را مسیحیان تشکیل می دهند، باعث شده تا صاحب نظران آن جوامع از نوعی رنسانس اسلامی سخن به میان آورند.("۲) نویسنده غربی در مقاله خود می نویسد" : اسلام به بمب ساعتی تبدیل شده است.("۳)

برای مطالعه بیش تر در این باره به کتاب عصر امام خمینی از آقای صاحبی را پیشنهاد می کنیم. غرب به دلیل اثرگذاری انقلاب اسلامی ، بودجه های هنگفتی را برای رویارویی با انقلاب و تهاجم فرهنگی در سطح گسترده در نظر گرفته است و این طور وانمود می شود که آن ها موفق ترند، در حالی که اگر هوشیارانه عمل کنیم، با توجه به برتری اسلام و معارف بلند و بی نظیر قرآن و پشتوانه عقلی و فطری مسلمانان و وعدهٔ تخلف ناپذیر الهی، پیروزی از آن ما خواهد بود. واقعیت آن است که غرب به دلیل عواملی توانسته بر جوامع دیگر به ویژه ملت های مشرق و جهان سوم چیرگی یابد و به یاری تسلط خویش ، فرهنگ خود را نیز در آن جوامع نفوذ داده و گسترش دهد. هانتینگتون معتقداست" : پیروزی غرب بر جهان ناشی از برتری اندیشه ها ، ارزش ها یا دین نبود، بلکه معلول برتری غرب در استفاده از خشونت سازمان یافته بود.("۴) وی می افزاید": عواملی که باعث گسترش فوق العاده و منحصر به فرد سلطه غرب شد، از این قرار بود: ۱ – ساختار اجتماعی و روابط طبقاتی موجود در غرب ۲ – رشد شهرها و گسترش تجارت ۳ – پراکندگی نسبی قدرت در جوامع غربی ۴ – ایجاد نظام اداری کشوری ۵ – رشد فن آوری ۶ – اختراع عوامل حمل و نقل دریایی ۷ – بسط ظرفیت های نظامی برای تصرف سرزمین ها.("۵) امکانات گستردهٔ دشمن و تأسیس سایت های متعدد و استفاده از ماهواره و ابزارهای تبلیغاتی ، نیز جذابیت ظاهری برنامه های فرهنگی آنان و انگشت نهادن بر نیازهای غریزی انسان ها ، همچنین مقید نبودن به حدود و مرزهای اخلاقی و توسل جستن به شیوه های ناجوانمردانه و مزوّرانه ، نیز شایعه و دروغ پردازی و تخریب شخصیت بزرگان باعث شده فرهنگ غرب، خود را بیش تر مطرح کند . البته نباید ضعف و سستی مسلمانان و تفرقه موجود میان کشورهای اسلامی را نادیده گرفت. وضع نابسامان موجود هوشیاری ما را می طلبد . اگر خود را آماده رویارویی با فرهنگ بیگانه نکنیم و اختلافات را کنار نزنیم، به شدت آسیب پذیر می شویم اما اگر به هویت ملی و اسلامی خود برگردیم، به فرمایش قرآن، حق ماندنی و جاودان است و باطل زوال پذیر. پی نوشت ها : ۱ – میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی ، ص ۴ – ۳۶۳. ۲ – همان، ص ۳۷۲. ۳ – همان، ص ۳۷۳. ۴ – محمد رضا شرفی، جوان و بحران هویت، ص ۱۵۵. ۵ – همان.

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

پرسش

آیا نمی توان با روش های کنونی در مقابله با تهاجم فرهنگی پیروز شویم؟

پاسخ

منظور از روش های کنونی در سؤال روشن نیست. مسلّم است تهاجم فرهنگی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. مقابله با آن نیز کاری ساده و کوتاه مدت نیست، بلکه به عوامل مختلفی بستگی دارد. از آن جا که دشمن از ترفندهای جدیدی استفاده می کند، مقابله با آن نیز باید متناسب با ابزارهای تهاجمی باشد و یک روش ثابت و غیر قابل تغییر در مقابله با آن وجود ندارد، بلکه می تواند روش ها متناسب با تهاجم متغیر باشد. در این باره همهٔ جامعه با تمام امکانات باید به دنبال خنثی کردن تهاجم فرهنگی باشند. از سوی دیگر هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب را در برنامه قرار دهند و همیشه در مقابل دشمن موضع انفعالی نگیرند. این امر با ترویج ارزش های اسلامی از راه فیلم، نمایشنامه ، کتاب ، رمان و آثار هنری حاصل می شود. علاوه بر آن باید زمینه های تهاجم فرهنگی را از بین برد، مانند بیکاری ، فقر، بی عدالتی و موانع ازدواج و مسکن جوانان. به نظر می رسد با وجود همه تلاش هایی که

ارگان های مختلف در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی داشته انـد، این انـدازه کفایت نمی کنـد ، چون آن چه واقع شده، دفع تهاجم بوده و حالت انفعالی داشته است. دستگاه های فرهنگی اعم از آموزش و پرورش ، آموزش عالی، صـدا و سـیما، وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی و دسـتگاه هـای تبلیغـاتی ماننـد سازمـان تبلیغات و رسانه های گروهی و روزنامه ها بایـد به طور ریشه ای و اصولی، فرهنگ بومی و خودی را با اسـتفاده از روش های مـدرن معرفی کننـد و ایمان و خـداباوری را در بین نسل جوان نهادینه نمایند، نیز چهرهٔ واقعی فرهنگ غرب را بشناسانند و با ارتباط صمیمی با جوانان ، از مشکلات آگاه گردند، همچنین برای رویارو یی با تنگناها چاره جویی نمایند و فرهنگ غنی اسلامی را به رخ جهانیان بکشانند در عین حال باید حجم گسترده تهاجم فرهنگی و ابعاد مختلف آن را نیز در نظر داشت که مقـابله بـا آن کار ساده و اسانی نخواهـد بود . البته کارهای صورت گرفته را نیز با توجه به موانع موجود نباید کوچک و حقیر دانست.

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست؟

پرسش

علت نفوذ تهاجم فرهنگی و راه های مبارزه با آن چیست؟

پاسخ

پس از پیروزی انقلاب اسـلامی که در حقیقت پیروزی اسـلام بر سـردمداران کفر جهـانی بود و به دنیانشان داد که دین مخصوصـاً اسـلام می تواند به عنوان یک قدرت جهانی علیه زورمداران دنیا عرض اندام نماید و درمقابل قدرت ها بایسـتد, قدرتمندان سیاسی دنیا مخصوصاً غرب در صـدد برآمدنـد در مقابل این فرهنگ بایسـتند یا آن را نابود کنند یا جلوی گسترش آن را بگیرند و یا آن را از کارایی بیاندازنـد. در هر مورد هجوم هایی بردنـد, که امروز نیزبا نوعی شدیـدتر و برنده تر, تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسـلامی ادامه دارد. امروز به اعتبـاری می تـوان گفت صاحبـان قـدرت هـای برتر نظـامی و صـنعتی , مغول هـای ضـد فرهنـگ عصـر حاضـر وصلیبیّون قرن اتم اند, اما به جای شیهۀ اسب ها و برق شمشیرها و ، شیهۀ بی امانی است که از حلقوم رادیو وتلویزیون ها بر می آید و بر خیره کننـده ای است که از چشم دوربین هـا سـاطع می شود و غبار عالمگیری است که از موج ماهواره ها بر می خیزد. ماهواره ها و دکل ها همهء نقاط زمین را هـدف بمباران فرهنگی قرار داده و از این طریق تسـلط خود را بر رگ و ریشه و مغز انسان ها وارد می کننـد. امروز صاحبـان قـدرت هـای برتر صـنعتی و نظـامی در قرن بیسـتم دجال های عصـرند. از هر نای آنان آوازی , همگان را شیفتـهٔ خود کرده , چنـدان که گاه بسـیاری از فرهنگ سازان رافریفتهٔ خویش می سازد. کسانی که در برابر ظواهر پر جذبهء غرب , خودباخته اند و فرنگ را با فرهنگ یکی دانسـته اند,قدر و قیمت فرهنگ اسـلام و ایران و اصولاً نقش و تأثیر آن در گذشـته و حال را نمی دانند یا اگر اندکی بدانند,احساس حقارتشان در پیشگاه تمدّن صنعتی و تکنیکی غرب و گاه کینه توزی هایی که گاه نسبت به فرهنگ و سـنن خود داشـته و دارنـد, آنـان را از پـذیرش حقیقت بـاز می دارد. تهاجم فرهنگی به این معنا است که : دشـمن می خواهد منابع قدرت مسـلمانان را تحت سـلطهء خویش قراردهد ، از این رو برای وصول به مقصود خود, حمله و هجوم را آغاز کرده است . هر هجوم و تهـاجمی دارای شـکل خاص و ابزار ویژه ای است , همچون ابزار نظامی , اقتصادی , سیاسـی و فرهنگی که ابزار فرهنگی گـاه به عنوان مقـدمه , گـاه متمّم و مکمّـل به کـار برده می شود. تهـاجم فرهنگی، یعنی دشـمن ابزارهـای غیر نظامی و غیر

اقتصادی و غیر سیاسی را به کار می گیرد تا افکار و آرای مردم را برای پذیرش هجوم ناگهانی یا نفوذ تدریجی به منظور تصرف و تملّک منابع و منافع مادی و معنوی آنان مهیاکند. راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی : مبارزه با غرب زدگی و روشنفکری غربی : مردم مخصوصاً جوانان باید بدانند در انقلاب مشروطیت و دیگر انقلاب ها بزرگ ترین ضربه ای که انقلاب ها و مردم خوردند, از روشنفکر مآبانی بود که دل در گرو غرب و آمریکا داشتند. آنان با نوشتن مقاله ها و تأسیس روزنامه ها و اهانت به علما و روحانیون و پایین آوردن اعتبار احکام اسلامی , بزرگ ترین ضربه رابر انقلاب مشروطیت و دیگر نهضت ها زدند. از نوشته های جلال آل احمد بر می آید: روشنفکر ایرانی وارث بدآموزی های صدر مشروطه بدآموزی های روشنفکران قرن هیجده و نوزده فرنگ است . مخالفت و ضدیّت با مذهب و روحانیون است. از این رو روشنفکران غالباً در دعوای میان روحانیت و حکومت , طرف حکومت را گرفته اند. آخرین بار در قضیهء ۱۵خرداد۴۲؛ از قضیهء تحریم تنباکو بگیر تا کشتار بیرحمانهء ۱۵خرداد. در تمام صدسالهء اخیر روشنفکر ایرانی , مردد میان حکومت و مردم و نومید از بی خبری عوام و خسته از تحجّر برخی روحانیون , در آخرین دقایق , طرف حکومت راگرفته است . روشنفکر مآبان همیشه عقدهء نداشتن پایگاه در جامعه و میان اکثر مردم , آنان را آزار و اذیت نموده) و وادار کرده دست به قلم بزنند و با نوشتن و ایجاد شبهه و تردید, دل ها را خالی کنند و به آرزوی دور و دراز دامن بزنند. روشنفکر غرب زده چون دید در حضور مذهب و علمای دین , کاری از او ساخته و حرفی از او شنیده نیست ,ناچار لامذهبی اش تحریک شد و احکام اسلامی را که بر پایهء قرآن و سنّت نهاده شده است , مورد شک و تردید قرارداد. اینان به یک جا وابسته نیستند ;یک دسته به فرهنگ فرانسه و دستهء دیگر انگلیس , دستهء دیگر امریکا یا به آلمان دل بسته و شیفتهء فرهنگ آنان هستند. بهایی گری , فراماسونری , کسروی بازی , زردشتی بازی , فردوسی بازی , حزب گرایی مطبوعات , مجامع ادبی وهنری , کلوپ های بولینک و سونادار و جمع کنندهء تفنّن و سیاست و معامله و امثال این ها را می توان پاتوق این گونه روشنفکران دانست . ضدیّت با مذهب و ملیّت و بیگانگی با محیط بومی , از خصایص روشنفکران غرب زده است .(۱) ابر قدرت ها در تهاجم حساس و سرنوشت ساز فرهنگی , سراغ گروهی از روشنفکران رفتند ;آنان که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح حساب شده , استعمارگران را کمک کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه مجری سیاست قدرت ها باشند. استعمارگران ابتدا تعدادی از روشنفکران مزدور را به کار گرفته , حرکت را آغاز کردند,سپس بسیاری از روشنفکران مذهبی بدون توجه به نقشه های شیطانیِ ابر قدرت ها, تنها با احساس مسئولیت برخاسته از داوری های شخصی در برابر کاستی های موجود در جامعهء اسلامی , به این حرکت شیطانی حساب شده دامن زدند و طرح های استعماری زیادی را به کار گرفتند, مانند: ۱ سیاست مذهب علیه مذهب ; ۲ سیاست دین سازی ; ۳ سیاست ایجاد جنگ بین علم و دین ; ۴ سیاست تحقق تفکر التقاطی اختلاط اصول اسلام با دیگر مکاتب مادی و غربی ; ۵ سیاست براندازی دین . از بُعد سیاست ایجاد تضاد و جنگ بین علم و دین , با روش های فرهنگی و علمی بسیار ظریف و حساب شده ,به محافل دانشگاهی و فرهنگی , تئوری ها و فرضیه های علمی مکاتب غربی و شرقی را به دروس دانشگاهی راه دادند و توسط برخی اساتید روشنفکر, به این طرح و نقشهء شیطانی دامن زدند که : علم روز مخالف مذهب و مذهب مخالف علم است ! تا بتوانند بر ضد مذهب و روحانیون , دانشجویان را بسیج نمایند. سیاست تفکر التقاطی توسط روشنفکران مذهبی , به عنوان اسلام و مذهبی نو, متناسب با مکاتب شرق و غرب که هم غربی و هم مسلمان باشیم , هم مذهب بماند و هم غرب پسندانه باشد, هم به مذهبی ها بگویند با شماییم و هم به روی غرب و شرق لبخند بزنند. اینان نمی دانستند اگر علمای دین و روحانیت و فقهای شیعه را که سنگربان اسلام و انقلاب و کشورند, تضعیف کنند و به انزوا بکشانند, دشمن سود خواهد برد. برخی از روشنفکران با تز< اصالت خرد و اندیشه > و بعضی با تز جدایی دین از سیاست و برخی با عقیده ء<قداست روحانیت به این است که در کارهای مملکت دخالت نکنند >یا< بازسازی دین > و یا< هر چه علما از دین می فهمند, برداشت های خودشان می باشد و غیر از دین است > و یا< دین و شریعت , معرفت بشری است و هر روز در حال تغییر و دگرگونی است

;پس می توان با توجه به ضرورت های زمان , شریعت را قبض و بسط نمود و مطابق فرهنگ روز, شریعت اسلامی را بازسازی کرد >و< دین نه تنها افیون ملت ها, بلکه دولت ها است > و< دوران دین سپری شده> و مبازره و ایجاد بدبینی با احکام اسلامی , از قبیل< لایحهء قصاص , انسانی نیست<, > هم جنس گرایی و خودارضایی جنسی (آنانیسم) یک ضرورت برای نسل جوان است و آن چه در رساله های عملیه آمده , مبنای علمی ندارد >ومبازره با شخصیت های سیاسی و علمی روحانی و مشوّه جلوه دادن آنان در سطح گسترده , از فعالیت های روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی است که خطر بزرگی برای انقلاب و امنیت و استقلال کشور است . اگر روشنفکران به وحی و قرآن و اصول مسلّم اسلام و معیارهای روشن اجتهاد, آگاهی داشته باشند و دست ازهوی و خود پرستی و غرور بردارند و به دانشمندان و فقها و عالمان متدین ارج بنهند و متوجه توطئه های دشمنان باشند و به مرزهای اسلام و تشیع یورش نبرند و احزاب و گرایش های سیاسی , وحدت و همدلی و تقوای الهی راحفظ کنند, خواهند توانست در برابر دشمن , سدّی محکم و برای اسلام و کشورشان مفید باشند و استقلال کشور را که ثمرهء خون هزاران شهید مظلوم و فداکار و زحمات طاقت فرسای علمای دین از سال ها قبل تا کنون بوده , محافظت کنند.(۲) البته راه های دیگری نیز برای مبارزهء با تهاجم فرهنگی هست , از جمله : ۱ رسیدگی مسئولان به خواسته های فطری و طبیعی جوانان و زمینه سازی ازدواج آنان . ۲ جلوگیری از ورود فیلم ها و عکس های مستهجن و نوارهای مهیج , همان طور که مبارزه با مواد مخدّر یک امرمعقول و پسندیده است . ۳ ایجاد شغل . ۴ توجه جوانان به اشتغال , حتی شغل های مشکل و سخت و بی توجهی به شغل های کاذب و غیر مفید. ۵ توجه و دقت نظر در کلمات امام راحل (ره) و عنایت به وصیّت های ایشان و پیروی از منویّات رهبر معظم انقلاب . امام (ره) فرمود<: پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت آسیبی نرسد. >۶ حفظ تقوا با مطالعهء کتاب های اخلاقی قرائت قرآن , مناجات , رفتن به مساجد و اجتماعات , مطالعهء کتاب های روایی از قبیل اصول کافی , تحف العقول و دیگر کتب مفید. ۷ مطالعهء تاریخ انقلاب ها و علل شکست آن ها و عوامل تسلط بیگانگان . ۸ پرهیز از خواندن نوشته های افراد سیاسی و روشنفکر مآبی که مورد تأیید دشمنان اند. خداوند ما را از شرور نفسمان و انقلاب اسلامی را از گزند حوادث مصون دارد. پی نوشت ها : ۱.جلال رفیع , فرهنگ و مهاجم ـ فرهنگ مولّد, ص ۱۹۲به بعد, با تلخیص و تصرف . ۲ . محمد دشتی , مذهبی روشنفکری , با تلخیص و تصرف .

در روستایی زندگی می کنم که پر از خرافات و عقاید بیهوده است لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

در روستایی زندگی می کنم که پر از خرافات و عقاید بیهوده است لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

تمامی مطالبی که در نامه به آن اشاره کرده اید، همان طور که خود یادآور شده اید، خنده آور است و برخاسته از عادات موهوم و خرافات بیهوده ای می باشد که نه مبنای عقلی و نه مبنای شرعی دارد، بلکه مستند به عملی است که از گذشتگان به یادگار مانده است. این صفات را می توان حالت دین جویی انحرافی مردم دانست. مردم آن منطقه با این کارها بی جهت خود را مشغول کرده و از اهداف اصلی زندگی شان بازمانده اند. مطالب ذکر شده انسان را به یاد سخنان بیهوده و خرافی پیش از اسلام می اندازد .

عربستان برای بارش باران چوب های درخت را به دم گاو می بستند، گاو را به بالای کوه می راندند، سپس چوب ها را آتش می زدند، وقتی چوب ها شعله ور می شد، گاو بر اثر سوختگی شروع به دویدن و نعره زدن می کرد. آنان این عمل غیر انسانی جاهلانه را به عنوان تشبیه به رعد و برق آسمان انجام می دادند! شعله را به جای برق و نعرهٔ گاو را به جای رعد می پنداشتند و این عمل را در بارش باران مؤثر می دانستند! (۱) تاریخ پیش از اسلام پر است از این مسائل بیهوده. اسلام در آغاز ظهور با تمام قدرت با این شیوه های غلط به مبارزه برخاست و درصدد برآمد فکر مردم را از اوهام و خرافات و عقاید بی اساس برهاند و آنها را به پیروی از عقل و منطق متوجه سازد. (۲) متأسفانه برخی اوهام و خرافات طوری در اذهان بعضی مردم رسوخ می کند و آنها را اسیر می نماید که به سختی می توان آنها را برطرف کرد. از این رو بر مبلّغان اسلام و آگاهان لازم است مردم را در مناسبت های مختلف با مسائل اسلامی آشنا کنند و به آنان بگویند که بندهٔ حقیقت باشند، نه بندهٔ افسانه و خرافات . نیز موهومات و خرافات را از ذهنشان بزدایند و افکارشان را به حقایق نورانی اسلام روشن کنند. در اسلام تمامی دستورها و آداب مربوط به زندگی بشر (که به آن نیاز دارند) وجود دارد . می باید به آنان فهمانده شود زنده کننده و میراننده فقط خدا است و سعادت و خوشبختی تنها در پیروی از دستورهای خدا و پیغمبر و امامان معصوم است. گاهی برخی از حوادث اتفاق می افتد که انسان های خیال پرداز و خرافی آنها را به چیزهای خاصی نسبت می دهند ، مانند همان داستان مسافرت یک روز به عید مانده، در حالی که چیزی جز خرافات نیست. هزاران انسان یک روز مانده به عید مسافرت می کنند، اما برای آنها اتفاقی نمی افتد یا اگر تصادفی پیش آید، مانند روزهای دیگر سال است. بسیاری از موارد ، مطابق عقیده خرافی نمی باشد اما انسان های خرافی هیچ گاه توجه نمی کنند و تنها یک مورد (که آن هم دلیل خاص و منطقی دارد) وقتی اتفاق می افتد، آن را به عقیده خرافی خود ربط می دهند. گاهی اوقات مردم مناطق مختلف دنیا یا حتی یک کشور، عقاید خرافی متضاد دارند، مثلاً یکی حادثه ای را شوم می پندارند و دیگری خوب و نیک! این نیز نشانه آن است که چیزی جز خرافات نیست؛ زیرا چگونه می تواند هر دو عقیده ناهمگون و متضاد درست باشد، در حالی که قانون علیت و سنت الهی در همه دنیا و جهان هستی به یک صورت عمل می کند؟! پی نوشت ها : ۱ - فروغ ابدیت، ج۱، ص ۵۹. ۲ - مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج۵، ص ۱۰۹. ۲۱

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

۱ـ شناختن ارزشها و ضدّ ارزشها از دیدگاه اسلام و نظر فقه و فقها و تمسّک محکم و ثابت به انجام ارزشها و ترک ضدّ ارزش‌ها و به عبارت دیگر معیار قراردادن تعالیم مأخوذه از فقه جواهری در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و تنظیم کلّ روابط بر اساس راهنماییهای فقهی. ۲ـ تبلیغ و ترویج و تشویق همگان بر محافظت بر این ارزشها به وسیلهٔ سخنرانیها و مطبوعات و جراید و همهٔ رسانه‌های گروهی. ۳ـ نشان دادن عکس العملهای منفی مناسب نسبت به برنامه‌ها و افرادی که این ارزشها را هتک و به قداستهای اسلامی آنها بی‌اعتنایی می‌نمایند و یا ضدّ ارزشها را به کار می گیرند ونیز نشان دادن عکس‌العملهای مثبت و تحسین برانگیز نسبت

بـه بـانوان و مردانی که ارزشـها و آداب اسـلامی را احـترام می‌نماینـد و به آنه متعهّدنـد. ۴ـ تأکیـد بر اسـلامی بودن نظـام آموزش و پرورش و تربیت جوانان بر اساس هدایتهای عالی اسـلام و گزینش اساتید و دبیران و آموزگاران شایسته و متعهّد و مؤمن به فرهنگ اسلام. ۵ـ سالم ساختن محیط گردشـگاهها و پارکها و فرهنگسـراها از ظواهر مخرّب اخلاق، مثل: ارکستر و موسیقی و اختلاط زن و مرد و بد آموزیهای مختلف. ۶ـ ترویج فرهنگ اسـتقلال و اعتماد به نفس و تجلیل از شعائر اسلام و تحقیر وابستگی به کفّار و تقلید از آداب و عادت آنها. ۷ـ تبیین و تبلیغ مفاسـد مکتبهای مضـرّه و فرهنگهای مادّی و ضدّ ایمان به خدا و اصالت اخلاق و معنویّات و مضار مـدنیّت منهای دین، و پوچی و پوسـیدگی آن و ارشاد همگان، خصوصاً دانشـجویان، به فواید و مصالح اسـلام گرایی و تعهّد دینی و کمالاـت حقیقی انسانی. ۸ـ نشـر و تبلیغ سـیرهٔ انبیا، خصوصاً سـیرهٔ رسول اکرم ـ صلی الله علیه و آله و سلّم ـ و ائمّه طاهرین ـ علیهم السـلام ـ و دعـوت به تأسّـی به آن بزرگواران در مظـاهر زنـدگی. ۹ـ بیـان و تفهیم این حقیقت نـاب، خصوصـاً به جوانـان که مـدنیّت صـناعی غرب معلـول بی‌ایمـانی و بی اعتنـایی آنهـا به مبـانی اخلاـقی نیست و توجّه به ترقّی صـنعتی و کسب علوم مـادّی با تمسّک به دین و اخلاق در کمال توافق و سازگاری بوده و بلکه مکمّل یکدیگرند؛ و سـعادت حقیقی برای جمیع افراد بشر در سایهٔ کمال او در این دو ناحیه فراهم خواهد شد. و اسـتفادهٔ درست و صـحیح از علم و صـنعت و همهٔ نعمتهای مادّی به طوری که موجب ظلم و تظلّم و استضـعاف و اسـتکبار نشود، فقط در پرتو ایمان به خـدا و اخلاق حقیقی حاصل خواهـد شـد. ۱۰ـ بالاخره با پشتیبانی همه، به خصوص صاحبـان مقامـات و علمای اعلام و ارباب سـخن و اهل قلم و سایر اقشار و مؤمنین از فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، و نظـارت بر اجرای احکـام الله و سـدّ ابواب ورود فرهنـگ بیگانه، به طوری که هر مسـلمان آگاه و متعهّـد، همـهٔ جریانها و سازمانها و مطبوعات و نوشـته‌ها و کتابها و رسانه‌های گروهی و سیره و روش و تمام مقامات و رفت و آمدها و کیفیّت برخوردها را در رابطه با این تهاجم فرهنگی زیرنظر داشته باشد.

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

۱ـ شـناختن ارزشها و ضدّ ارزشها از دیدگاه اسلام و نظر فقه و فقها و تمسّک محکم و ثابت به انجام ارزشها و ترک ضدّ ارزش‌ها و به عبـارت دیگر معیـار قراردادن تعـالیم مأخوذه از فقه جواهری در زنـدگی فردی و اجتماعی و سیاسـی و تنظیم کلّ روابط بر اساس راهنماییهای فقهی. ۲ـ تبلیغ و ترویـج و تشویق همگـان بر محـافظت بر این ارزشـها به وسـیلهٔ سـخنرانیها و مطبوعات و جرایـد و همهٔ رسانه‌های گروهی. ۳ـ نشان دادن عکس العملهای منفی مناسب نسبت به برنامه‌ها و افرادی که این ارزشـها را هتک و به قداسـتهای اسـلامی آنها بی‌اعتنایی می‌نمایند و یا ضدّ ارزشـها را به کار می‌گیرند ونیز نشان دادن عکس‌العملهای مثبت و تحسین برانگیز نسبت بـه بـانوان و مردانی که ارزشـها و آداب اسـلامی را احـترام می‌نماینـد و به آنه متعهّدنـد. ۴ـ تأکیـد بر اسـلامی بودن نظـام آموزش و پرورش و تربیت جوانان بر اساس هدایتهای عالی اسـلام و گزینش اساتید و دبیران و آموزگاران شایسته و متعهّد و مؤمن به فرهنگ اسلام. ۵ـ سالم ساختن محیط گردشـگاهها و پارکها و فرهنگسـراها از ظواهر مخرّب اخلاق، مثل: ارکستر و موسیقی و اختلاط زن و

مرد و بد آموزیهای مختلف. ۶ـ ترویج فرهنگ استقلال و اعتماد به نفس و تجلیل از شعائر اسلام و تحقیر وابستگی به کفّار و تقلید از آداب و عادت آنها. ۷ـ تبیین و تبلیغ مفاسد مکتبهای مضرّه و فرهنگهای مادّی و ضدّ ایمان به خدا و اصالت اخلاق و معنویّات و مضار مدنیّت منهای دین، و پوچی و پوسیدگی آن و ارشاد همگان، خصوصاً دانشجویان، به فواید و مصالح اسلام گرایی و تعهّد دینی و کمالات حقیقی انسانی. ۸ـ نشر و تبلیغ سیرهٔ انبیا، خصوصاً سیرهٔ رسول اکرم ـ صلی الله علیه و آله و سلّم ـ و ائمّه طاهرین ـ علیهم السلام ـ و دعوت به تأسّی به آن بزرگواران در مظاهر زندگی. ۹ـ بیان و تفهیم این حقیقت ناب، خصوصاً به جوانان که مدنیّت صناعی غرب معلول بی‌ایمانی و بی اعتنایی آنها به مبانی اخلاقی نیست و توجّه به ترقّی صنعتی و کسب علوم مادّی با تمسّک به دین و اخلاق در کمال توافق و سازگاری بوده و بلکه مکمّل یکدیگرند؛ و سعادت حقیقی برای جمیع افراد بشر در سایهٔ کمال او در این دو ناحیه فراهم خواهد شد. و استفادهٔ درست و صحیح از علم و صنعت و همهٔ نعمتهای مادّی به طوری که موجب ظلم و تظلّم و استضعاف و استکبار نشود، فقط در پرتو ایمان به خدا و اخلاق حقیقی حاصل خواهد شد. ۱۰ـ بالاخره با پشتیبانی همه، به خصوص صاحبان مقامات و علمای اعلام و ارباب سخن و اهل قلم و سایر اقشار و مؤمنین از فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، و نظارت بر اجرای احکام الله و سدّ ابواب ورود فرهنگ بیگانه، به طوری که هر مسلمان آگاه و متعهّد، همهٔ جریانها و سازمانها و مطبوعات و نوشته‌ها و کتابها و رسانه‌های گروهی و سیره و روش و تمام مقامات و رفت و آمدها و کیفیّت برخوردها را در رابطه با این تهاجم فرهنگی زیرنظر داشته باشد.

در مقابل تهاجم فرهنگی در دانشگاه ها، چه فعالیتی می توان داشت ؟

پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی در دانشگاه ها، چه فعالیتی می توان داشت ؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و در محیطدانشگاهی از راه های ویژه ای انجام می گیرد؛ برخی از آن راه ها عبارت است از : الف – ایجاد دگرگونی در نظام فکری و اعتقادی . این برنامه از طریق استفاده های نادرست فلسفی و نظری از ره آوردهای علمی و القای علمی بودن برخی از آموزه های مغایر با جهان بینی دینی صورت می پذیرد .ب –القای نگرش های معرفت شناختی ، جامعه شناختی ، روان شناختی وتفکرات سیاسی و اجتماعی غربی و بیرون راندن اندیشه های دینی ازعرصه های فوق و تبلیغ خالی بودن دین از محتویات مربوط به این ساحت ها .ج – کم رنگ سازی ارزش های اصیل و پایدار دینی و تبلیغ نسبیت و تاریخ مندی اصول ارزش ها و تبعیت آن از ذوق و سلیقه های تجدد طلبانه قومی ، ملی ، نژادی و ... د – نفوذ در جریانات نقش گذار و تلاش در جهت ایجاد انحراف در مسیر آنان و کشاندن آنها به سوی حرکت های معارضه آمیزو سیاسی کاری به جای تلاش های انقلابی و اسلامی . در مقابله با مسایل فوق هر دانشجوی متعهد و با ایمان با سه جهاد پیگیر و پردامنه روبه روست : ۱– جهاد علمی و تلاش پیوسته جهت شناخت هر چه بیشتر اسلام ومعارف آن و محتویات دین در عرصه های مختلف و شناخت و درک درست مسایل سیاسی و اجتماعی . ۲– جهاد عملی در راستای تقویت بنیان معنوی و ایمانی خویش از طریق ارتباط پیوسته با خدا ، قرآن و پیشوایان دین . ۳–جهاد اجتماعی ؛ یعنی ، تلاش در جهت گستراندن نور معنویت در محیطدانشگاه و تقویت بخشیدن به آگاهی ،

شعور و احساس دینی دردانشگاهیان; .

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

پرسش

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

پاسخ

همان طور که هرانسانی در طول زندگی تحت تاثیر عوامل مختلف درونی و بیرونی به نوسانات مختلف روحی دچار می شود، مثلا- "گاهی شاد و با نشاط است وگاه غمگین و کسل و افسرده خاطر می شود، به همین خاطر، از یک حالت روانی یکنواخت برخوردار نیست و با توجه به فضای روانی حاکم بر او وحوادثی که اتفاق می افتد، حالات روحی مختلفی بر وی غلبه می کند؛ به همان نحو، جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند نیز با توجه به مقتضیات زمان و مکان ، حالات و اشکال مختلفی به خود می گیرد، مثلا- "در برهه ای اززمان مثل اوایل انقلاب و در زمان جنگ تحمیلی که فضای جبهه و شهادت در جامعه حاکم بود، وضع حجاب و پوشش خانم ها و آقایان و نیز خیلی چیزهای دیگر، بسیار مناسب و مطلوب بود و خیلی ها به خود اجازه نمی دادند این گونه که شما توصیف می کنید وارد جامعه شوند، اما دربرهه ای دیگر از زمان مثل زمان بعد از جنگ و زمانی که ما اکنون در آن زندگی می کنیم با توجه به تبلیغات زیاد و زشتی که در رابطه با خیلی از ارزش های حاکم بر جامعه واز جمله حجاب و پوشش ، صورت گرفت مساله حجاب نهایتا "به این صورت درآمد که شما ملاحظه می نمایید .در برخی از شهرها بنابه دلایل محیطی و فرهنگی ، مواردی از بدحجابی دیده می شود که این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود به فرهنگ عمومی جامعه ونیز نفوذ سبک های غربی ، ماهواره و نیز افراد غرب زده و از همه مهم تر،تهاجم فرهنگی گسترده ای که در جهان غرب علیه کشور ما به راه انداخته است ، مرتبط است و اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه های درازمدت ودقیق فرهنگی است ، چرا که تنها وضع قوانین نمی تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد و همین مساله ، وظایف ما را به عنوان یک فرد مذهبی ودین دار دو چندان می کند؛ یعنی ، اولا- "ما در این جامعه ابتدا باید باخودسازی و تهذیب نفس مراقب و مواظب دین داری خودمان باشیم و ثانیا"برای جلوگیری از انحراف در جامعه واشاعه فحشا در آن ، باید با امر به معروف و نهی از منکر جلو این انحراف را گرفت . اما راه کاری که برای بازدهی بهتر و بیشتر امر به معروف و نهی از منکر ارایه می دهیم این است که : ۱- سعی کنید افراد همفکر مذهبی را شناسایی کرده و با آنها رفت و آمدکرده و در حل مشکلات مشورت و از آنها کمک بگیرید .۲- با اساتید معارف و اساتید متدین و دلسوز رابطه تان را زیادتر کرده و از رهنمودهای آنها درزمینه های مختلف ، استفاده نمایید .۳- سعی کنید به طور گروهی و متشکل به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا"فراگیرید .۴- باید آمر به معروف و ناهی از منکر خود را به زیور اخلاق والتزام عملی بیارایید و حتی الامکان از شیوه های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند .۵- در صورتی که احساس می کنید چنین نابسامانی های فرهنگی باعث به خطا افتادن و گناه شما می شود و امکان ازدواج هم برایتان فراهم می باشد، برای کنترل غریزه جنسی خود، ازدواج کنید تا کمتر دچارخطر لغزش شوید .۶- حتی الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را

بالا برد .۷- عدم تاثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد، چرا که دشمنان ما با اجرای برنامه های درازمدت توانستند به این حد از پیشرفت در کارشان برسند .۸-با مطالعه آیات قرآنی و زندگی پیامبران و مخصوصا "زندگی پیامبر اسلام وایمه اطهار (ع) و تحمل مشقت ها و سختی هایی که آنها در زندگی کشیدند،میزان صبر و بردباری خود را افزایش داده و بدانید که یک فرد مذهبی برای رسیدن به هدف ، نباید از حرف های نابخردانه و غیرمنطقی بعضی ها، دچارسستی و خدای ناکرده دچار یاس و ناامیدی شود .به خدا توکل کرده و در راه انجام این مسوولیت سنگین از او کمک و مدد بخواهید؛.

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظایف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

پرسش

با توجه به اینکه فرهنگ غربی در جوامع اسلامی شیوع پیدا کرده وظایف مسلمانان و جامعه اسلامی در این باره چیست ؟

پاسخ

مساله تهاجم فرهنگی از معضلات اجتماعی عصر حاضر در کشورهای جهان سوم خصوصا کشورهای اسلامی است که به علت پیچیدگی وآمیخته بودن آن با مسایل دیگر اجتماعی راه مقابله با آن بسیار دشوار است آنچه که به طور کلی می توان ابراز داشت این که باید تمامی امکانات در راه استقرار ارزش های اسلامی وملی به کار گرفته شود و تمام دین داران با مایه گذاشتن از امکانات خود در این راه به مبارزه بپردازند مبارزه ای که از یک سو جنبه تولیدی دارد (یعنی تولید برنامه ها و به کار گرفتن ابزارهای لازم در این مورد) و از سوی دیگر مبارزه منفی و تحریم آنچه که در صدد کندن بنیان های اعتقادی و دینی جامعه است . به هر ترتیب افزونی آگاهی ها و بینش سیاسی واجتماعی به وسیله مطالعه تفکر و ارتباطمداوم با قرآن و مکتب اهل بیت (ع) زیربنای مبارزه با تهاجم فرهنگی است؛.

در مقابل تهاجم فرهنگی ،چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

پرسش

در مقابل تهاجم فرهنگی ،چگونه باید عقاید خود را حفظ و کامل کنیم ؟

پاسخ

تقویت ایمان و عقیده راه های متعددی دارد از جمله : ۱- بالا ـ بردن سطح شناخت و آگاهی های دینی . در این زمینه گسترش مطالعات و تحقیقات دینی با برنامه ریزی های هدایت شده و منظم بسیار ضروری است . ۲- گسترش فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی با شیوه هایی نو و جذاب . ۳- تقویت جلسات و برنامه های مذهبی و هر چه با شکوه تر و پرمحتواتر برگزار کردن آنها؛ .

برای جلوگیری از فساد، در جوانان شهرستانی چه پیشنهادی می شود؟

پرسش

برای جلوگیری از فساد، در جوانان شهرستانی چه پیشنهادی می شود؟

پاسخ

درباره چنین کار ارزشمندی چند راهکار هست. راهکارهای کوتاه مدّت و دراز مدّت. ۱. راههای کوتاه مدّت مثل تشکیل کلاس عقیدتی، قرآن(قرائت، حفظ، تشویق) جذب نمودن مراکز فرهنگی سالم مثل مساجد و ارتباط دادن جوانان با مراکز فرهنگی خارج از شهرستان همانند مؤسسه در راه حق برای پاسخگویی و مشاوره. ۲. راهکار دراز مدت: این روش گرچه ممکن است دیر به نتیجه برسد. امّا درست ترین راه است. و مهم این نیست که زود برسیم بلکه درست رسیدن مهم است. این روش نیز به دو شکل میسر است. الف) احساس مسؤولیّت و اقدام از طرف خود ما، یعنی افراد دلسوز به این ترتیب که توانمندی دینی را کسب کنیم و از طریق ارتباطهای فردی با جوانان، فکر دینی را به آنان منتقل نماییم، سپس با ایجاد جمع های مذهبی تحت عنوان هیئت ها و اجتماعات صمیمی آنان را پیوند داده و سپس این ارتباط را به وسیله کارهای جمعی مثل زیارت کاروان، و تفریحات سالم دوستانه(در شکل ورزش، مسابقه) تغذیه کنیم. برای چنین حرکت عمیقی خودمان باید سه مرحله را طی کنیم، سازندگی فکری (شناخت) سازندگی روحی(ایمان قلبی) داشتن طرح عملی. پس یک مطالعه روی روشها الزامی است.(مثل کتاب روش سازندگی نسل جوان سید کاظم ارفع - مسئولیت و سازندگی، علی صفائی). ب) دعوت از روحانیون توانمند از خارج شهرستان و تشکیل جلسات پرسش و پاسخ و ایجاد ارتباط نزدیک با این عزیزان. ـ۴ـ و چنانچه در خود شهرستان موجود باشند چنین سازماندهی به نتیجه می رسد. البته یکی از تمهیدات عملی، همانا استفاده از روحانیون اعزامی، در مناسبت های سال است و ماه مبارک که زمان طولانی تربیت، بهتر است. بدیهی است باید در کار از روحانیونی استفاده شود که در این کار تجربه لازم را دارند شایان توجّه است که چنین کارهای عظیم و ارج داری نیازمند صبر و عشق و استمرار و یقین به حمایت قطعی خداوند است. «ولینصرن الله من ینصره(۱;) خداوند حتماً کسانی را که او را(دین را) یاری می کنند، نصرت می نماید.» (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ - سوره حج. ـ۵ـ

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پرسش

بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی چیست؟

پاسخ

تهاجم فرهنگی از سه محور حرکت خویش را سامان داده و شروع به تخریب می کند: ۱. بینش ها و باورها. ۲. ارزش ها و گرایش ها. ۳. رفتارها و کردارها. در مورد اوّل مثلا می گویند معنویات، خیالات است. معاد و وحی و روح تجربی نیستند! در مورد دوّم می

گویند ;ارزش ها و وسیله با خود ما آدم ها تعیین می شوند و اعتباراتی بیش نیستند و می توانند تغییر کنند. در مورد سوّم نیز اعمال اسلامی را با تمسخر و یا روشهای دیگر کم رنگ می کنند و هویّت ملّی و دینی را نابود کرده و مدها و روش های متروک را زنده می کنند. در اینجا دو راهکار داریم: ۱. راهکار ریشه ای. ۲. راهکار سطحی. راهکار سطحی همانا تحریک احساسات و عواطف و روش های تکراری و کهنه است امّا راهکار ریشه ای همانا ترویج ارزش هاست با هر وسیله، با گفتگو، تبلیغ فیلم، هنر. که در چند محور خلاصه می شود: ۱. آگاه نمودن مردم از اهداف فرهنگ سازان غربی. ۲. هجوم فرهنگی بر ضدّ فرهنگ غرب. ـ۶ـ ۳. ترویج ارزش های معنوی. ۴. آگاهی بر مواضع کار و به کارگیری زبان مناسب. یعنی فرق دبستان، با دبیرستان و دانشگاه برایمان روشن باشد و مناسبت را رعایت کنیم. ۵. تکیه بر منابع اصیل دینی قرآن و سیره اهل بیت((علیهم السلام)). (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۷ـ

دلیل اینکه ارزشهای دینی و فرهنگی ما کمرنگ شده اند چیست و چه کاری باید برای بهبود آن ا نجام شود.

پرسش

دلیل اینکه ارزشهای دینی و فرهنگی ما کمرنگ شده اند چیست و چه کاری باید برای بهبود آن ا نجام شود.

پاسخ

آیة الله مصباح در این زمینه فرموده اند: انسان موجودی است که از درون تحت تاثیر عواطف و احساسات است و از بیرون نیز متأثر از عوامل گوناگونی است این عوامل بیرونی عواطف و گرایش‌های انسان را جهت می دهند و به هر میزان که فربه تر باشند از قدرت بیدار کردن عواطف و جهت دهی بیشتری نیز برخوردار خواهند بود حال با توجه به این مقدمه باید عوامل کمرنگ شدن ارزشها را نسبت به اوائل انقلاب و دوران جنگ چنین گفت: ۱- تغییر شرائط حاکم بر جامعه، ۲- نبود تصویری روشن از دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس. ۳- وجود مشکلات معیشتی و تحصیلی ۴- مشکل اشتغال و ازدواج ۵- تغییر سیاست استکبار در مقابله با نظام اسلامی از تهاجم نظامی به تهاجم فرهنگی و ساماندهی آن در اشکال مختلف از جمله شبهه افکنی در مسائل عقیدتی که با در نظر گرفتن عدم غنای فکری دینی جوانان و سوء استفاده از احساسات و عواطف آنان صورت میگیرد "...و در ارتباط با اینکه چه باید کرد که وضعیت فعلی بهبود یابد ایشان می گویند: به نظر می رسد کارآمدترین راه این است که دست اندرکاران امور فرهنگی کشور از موقعیت عاطفی دوران جوانی کمال استفاده را بکنند و آنرا زمینه تقویت قوای فکری و عقلانی جوانان قرار دهند و به شناخت آنها عمق بخشند- لذا باید با تدوین کتب و نشریات فرهنگی از یک سو و از سوی دیگر برنامه ریزی و تشکیل جلسات منظم و ارتباط مستقیم که جوانان براحتی پرسشهای خود را مطرح کنند و پاسخ در خور را بیابند. شرایطی فراهم کرد تا نگرش و بینش جوانان بالنده و در مقابل هجمه‌های دشمنان بیمه شوند.

فرهنگ سازی

دوست دارم در مورد مفهوم توسعه فرهنگی و نقش فرهنگ در توسعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران بعد از اسلام و قبل از اسلام و مخصوصا عوامل و موانع توسعه فرهنگی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل جدید بودن مطلب توضیحاتی داده شود و به عبارتی آیا می شود گفت در

پرسش

دوست دارم در مورد مفهوم توسعه فرهنگی و نقش فرهنگ در توسعه در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران بعد از اسلام و قبل از اسلام و مخصوصا عوامل و موانع توسعه فرهنگی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل جدید بودن مطلب توضیحاتی داده شود و به عبارتی آیا می شود گفت در طول چه شاخص هایی را می توانیم در این زمینه مطرح کنیم تا باعث رشد فرهنگ ما در سطح ملی و پایین اسلامی شود؟

پاسخ

بررسی و ارائه پاسخی دقیق به ابعاد مختلف این سؤال، نیازمند ارائه پژوهش و تحقیقی ژرف است که از حوصله یک نامه خارج می باشد از این رو به اختصار نکاتی را بیان می نماییم: الف- مفهوم توسعه فرهنگی: مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آن و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می باشد. توسعه فرهنگی با تأکید برهویت فرهنگی، بهینه سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسایل مربوط به خود را نوید می دهد و به اخلاق و آداب و سنن جامعه بهبود می بخشد و بر رونق بازار فنون و دانش و تکنیک می افزاید (ارزش ها و توسعه، محمد نقی نظرپور، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲). عنصر فرهنگ، محور توسعه فرهنگی می باشد، بر این اساس فرهنگ، مجموعه پیچیده ای است در بردارنده اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق و دین، قوانین، آداب و رسوم و هرگونه توانایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد و در قبال آن تعهداتی را بر عهده دارد (تایلور، به نقل از داریوش آشوری، ۱۳۸۰، ص ۴۷). به طور کلی همه فرهنگ ها را در دو نوع مادی و الهی می توان تقسیم بندی کرد: ۱. فرهنگ مادی: این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزش های الهی و انسانی بنا نهاده شده است. در این فرهنگ، جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده است و آدمی تنها به عنوان موجود مادی ارزیابی می شود. چنین فرهنگی، پیروان خویش را برای به دست آوردن رفاه بیشتر، آزادی و بهره وری افزون تر ازغرایز و سودپرستی به جنبش در می آورد، در فرهنگ مادی، هدف وسیله را توجیه می کند، بنابراین برای رسیدن به هدف های مادی و بهره مندی هر چه بیشتر از مزایای زندگی، به هر وسیله ای دست می یازند و از هر شیوه ای سود می جویند. در پرتو چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد، ارزش های انسانی کم رنگ و معضلات و ناهنجاری های اجتماعی فزونی می یابد و جامعه به سوی انحطاط و نابودی پیش می رود. ۲. فرهنگ الهی: این فرهنگ، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند و فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است که هدف خود را دست یابی به کمال می داند که در پرتو وحی و آموزه های الهی به دست می آید. معیار برتری افراد را نیز پای بندی به اصول ثابت اخلاقی می داند به فرموده قرآن کریم «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» ویژگی های فرهنگ اسلامی را می توان چنین برشمرد: خدامحوری، عدالت خواهی و مساوات، شایسته سالاری، مصلحت گرایی، مسؤولیت فردی و اجتماعی، تقواگرایی، پاسداری از کرامت انسان (خط و مشی های سیاسی نهج البلاغه، محمد مهدی ماندگار، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳ - ۱۴۱). بر این اساس وقتی صحبت از توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی ما می شود؛ در واقع تعقیب فرایندی است که دگرگونی در حوزه های ادراکی، شناختی و گرایش هایی را که در ساختار جدید جامعه اسلامی مطلوب است، به دنبال داشته باشد. توسعه فرهنگی به هیچ وجه به معنای گسستن از فرهنگ گذشته نیست، بلکه بهینه سازی و شکوفایی عناصر اصیل فرهنگ اسلامی و ملی در سطوح مختلف جامعه و زدودن عناصر نامطلوب و ناشایست از آن می باشد. بنابراین هدف توسعه دیگر

نمی تواند صرفا اقتصادی و بالا بردن نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه باشد بلکه اهداف کلی توسعه علاوه بر موارد مذکور فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و تعادل منطق ها و تعالی و الهی گونه شدن انسان ها می باشد (توسعه فرهنگی در جامعه ایران، مژگان حق خواه، ۱۳۸۲، باشگاه اندیشه جوان). ب) توسعه فرهنگی در ایران: ورود فرهنگ و تعالیم حیات بخش اسلام به ایران که با استقبال و پذیرش گرم ایرانیان همراه بود، تأثیرات بسیار درخشانی در شکوفایی فرهنگ ایرانی داشته است تا آنجا که ایران را به عنوان مرکز تمدن درخشان اسلامی تبدیل نمود و آثار و نتایج بسزایی در تحول و پیشرفت سایر تمدن ها به جای گذاشت (ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی ۱۳۸۲ ؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴). اما متأسفانه چند عامل از توسعه و تکامل این فرهنگ جلوگیری کرد: ۱. انحرافات و کج اندیشی هایی که در فرهنگ اصیل اسلامی به وجود آمد. ۲. رسوبات و بقایای برخی عناصر فرهنگی غیر صحیح و ناسالم قبل از اسلام. ۳. عناصر فرهنگی وارداتی از مکاتب مادی غرب و شرق. ۴. ساختار مدیریتی و سیاسی ناسالم و مخالف و یا ناآشنا با فرهنگ اصیل اسلامی و... مجموعه عوامل فوق باعث شد تا فرهنگ اصیل اسلامی نتواند در جامعه ایرانی به صورت کامل شکل گرفته و پویایی و بالندگی خود را در حد مطلوب حفظ و استمرار بخشد. متأسفانه دوره قاجار و پهلوی به دلیل فساد شدید ساختار سیاسی، وابستگی و مرعوب شدن آن در مقابل فرهنگ و تمدن بیگانه، صدمه های عمده ای به فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی جامعه ما وارد شد و آن را در سراشیبی سقوط قرار داد، هر چند وقوع انقلاب اسلامی و تدابیر مسؤولین دلسوز در این روند وقفه ایجاد کرده و آن را معکوس نمود تا جایی که به حمدالله در بخش های زیادی از جامعه شاهد شکوفایی، رشد و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی می باشیم و البته باز هم تأکید می نماییم تا زمانی که رگه هایی از دلایل فوق در جامعه خصوصا بخش های اجرایی و تصمیم گیرنده نظام وجود داشته باشد و مجموعه ارکان نظام و جامعه به اجماعی واحد پیرامون اهمیت و اهتمام شدید به برتری فرهنگ اصیل اسلامی در مقابل سایر فرهنگ ها نرسند، تعمیق و پویایی فرهنگ اصیل اسلامی در حد مطلوب در جامعه ممکن نخواهد بود. در پایان مقاله ای به نام «امام خمینی و فرهنگ» نگاشته مصطفی شکری، باشگاه اندیشه ۱۳۸۲ آورده می شود: امام خمینی (ره) و فرهنگ از دیدگاه امام خمینی (ره) فرهنگ اساس سعادت یا شقاوت یک ملت است و رستگاری هر جامعه از راه اصلاح و احیاء فرهنگی امکان‌پذیر است. از نگاه امام فرهنگ دارای دو ساحت اصلی است. نخست بعد فردی فرهنگ که با انسان و سعادت او ارتباط دارد و دیگری بعد اجتماعی فرهنگ که در عرصهٔ حیات اجتماعی انسان‌ها حضور دارد. به هر روی با این نگاه فرهنگ موضوعی است ویژهٔ انسان و ارتباطی وثیق با هدایت و تربیت او دارد. از نگاه ایشان فرهنگ سازنده و پیشرو در حوزه‌های فردی و اجتماعی سبب هدایت انسان‌ها و جامعه و تربیت الهی هر دو خواهد شد. ایشان با توجه به هر دو بعد فردی و اجتماعی فرهنگ، تأثیراتی عمیق بر هر دو ساحت فرهنگ اسلامی – ایرانی گذاشته‌اند، به گونه‌ای که الگوی تحول فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌تواند به تنهایی موضوع تحقیقی جامع و فراگیر باشد. ایشان در بُعد فردی مسائل فرهنگی سال‌ها به خودسازی و تربیت خویش و دیگران پرداختند و در قالب سلوک اخلاقی و عرفان عملی اسلام نمونه‌ای از انسان تربیت‌یافتهٔ الهی را به جهان امروز معرفی نمودند. جوانان بسیاری نیز در این نظام تربیتی که امام احیاگر آن بودند رشد یافتند و سیر الیا ...خویش را با مراد خود پیمودند و به عناصر اصلی انقلاب اسلامی تبدیل شدند. در ابعاد اجتماعی نیز تئوری اصلاح فرهنگی امام در قالب انقلاب اسلامی معرفی و تبیین شده است. از نگاه امام فرهنگ مطلوب یک جامعه باید حاوی ۳ ویژگی زیر باشد: ۱. دارای یک نظام تربیتی برای رشد و تعالی انسان باشد. ۲. فعال، پیش‌رو و روزآمد باشد و هیچ گاه دچار تحجر، انفعال و غرب‌زدگی نشود. ۳. با محوریت فرهنگ خودی تأمین‌کنندهٔ استقلال فرهنگی باشد. در ادامه سعی خواهیم نمود به تبیین این سه ویژگی از دیدگاه فرهنگی امام بپردازیم: ۱. امام خمینی (ره) معتقد است تربیت الهی انسان اصل و اساس دعوت انبیاء و ادیان بزرگ جهان است. همانگونه که مسیح برای تربیت، عروج و رشد انسان مبعوث شد، پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز وظیفهٔ

تربیت و هـدایت انسان‌هـا را بر عهـده داشت. بنـابراین اسـاس فرهنگ دینی بر هـدایت و تربیت انسان به سوی خداونـد متعال شـکل گرفتـه اسـت. از نگـاه امـام اصـلی‌ترین و اولی‌تریـن نقش و وظیفـهٔ فرهنـگ، تربیـت انسـان صالـح است. ایشـان در انتقـاد از غرب و حکومت پیشـین ایران در نادیده گرفتن این ضـرورت فرهنگی می‌فرمایند": آنها فرهنگ ما را آن‌طور درست کرده‌اند که نگذاشتند انسـان در آن تربیت پیـدا کنـد. این‌هـا نگذاشـتند که جوانان ما رشـد پیـدا کننـد. اینها در فرهنگ ما رخنه کردنـد و فرهنگ ما را به روزی انداختنـد که انسان نتواند در آن رشد پیدا کند ("۱.) ایشان اصل رشـد و هدایت انسان به سوی خداوند متعال را نیز به عنوان اولین وظیفهٔ دولت موقت ایران در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹میلادی) معرفی کردند و فرمودند": باید در این سال جدید عنایت زیادی شود اول به فرهنـگ که این خیلی مهم است، این فرهنـگ بایـد متحول شود، فرهنـگ اسـتعماری فرهنگ اسـتقلالی شود بایـد معلمان ما متناسب با فرهنگ ما انتخاب شونـد و جوانان ما را به گونه‌ای صـحیح تربیت کننـد یعنی جوانان ما تربیت انگلی پیدا نکنند. چنان‌چه که تا به حال این‌گونه بوده که آنها را غربی بار آورده‌اند. این مسأله در فرهنگ ما مطلب بسـیار مهمی است. بالأخره فرهنگ ما باید متحول شود ("۲.) امـام در تبیین عـدم توجه به این مسألـهٔ مهم خصوصـاً در دانشـگاه‌ها می‌فرماینـد": ما بیش از پنجاه سال است که دانشـگاه داریم لکن چون خیـانت شـده است به مـا از این جهت رشـد انسـانی نـدارد. تمام انسان‌ها و نیروی انسانی ما را از بین برده است ("۳.) ۲. بر اساس دیـدگاه امام، فرهنگ بایـد روزآمـد و پیش‌رو باشـد و در عرصـهٔ توسـعهٔ فرهنگی جامعه نقشـی فعال و پویا داشـته باشـد. در دیـدگاه امام آلوده شدن فرهنگ به تحجر و واپس‌گرایی نیز از آسـیب‌های بزرگ فرهنگ است. لذا امام در اولین روزهای انقلاب در پاسـخ به عده‌ای از متحجرین و در پاسخ به شایعاتی مبنی بر تحریم سـینما از سوی مراجع دینی فرمودند: (۴") ما کی با تجـدد مخالفت کرده‌ایم؟ سـینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت مردم و تربیت آنها باشد. ما با فساد مخالفیم نه با سـینما ".پویایی و سـرزندگی فرهنگ از نگاه امام یکی از ویژگی‌های اصـلی فرهنگ است. به اعتقاد امام فرهنگ مشرق‌زمین این توانـایی را دارد که بـدون تـأثیر از سـایر فرهنگ‌هـا نقشـی فعـال و پویا ارائه نمایـد. ایشان در وصـیت‌نامهٔ خویش در فرازی به نقشـهٔ دامنه‌دار اسـتعمار غرب برای رخوت و رکود فرهنگی جوانـان به وسـیلهٔ مظـاهر فسـاد اشاره می‌نماینـد و آن را مغایر پویایی فرهنگی مشـرق و به خصوص ایران می‌دانند. از نگاه امام الگوی خودباوری شـرق یکی از راه‌های پویایی و سرزندگی فرهنگ شرقی است و به همین جهت در وصـیت‌نامهٔ خویش خطـاب به جوانـان ایرانی می‌فرماینـد": و بدانیـد که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم نـدارد اگر خودی خود را بیابـد ("۵.) ۳. از نگـاه امـام خمینی (ره) فرهنـگ خودی هر جامعه مناسب‌ترین فرهنگ برای رشد و بالندگی آن جامعه است و تلاش در جهت هرچه پربارتر کردن این فرهنگ موجب اسـتقلال فرهنگی خواهد شد. در ادبیات امـام فرهنـگ غرب، ویرانگر فرهنـگ شـرقی است ولی بـا این وجود امـام بر اخـذ وجوه مثبت فرهنـگ غربی تکیه دارد. خودباوری فرهنگی در اندیشـهٔ امـام یک اصل اساسـی است. امام معتقـد است غرب در پی استیلای فرهنگی خویش بر شـرق است و این استیلا نظم فرهنگی جـامعه شـرقی را بر هم خواهـد زد. ایشـان در پیام تاریخی خویش به گورباچف به این نکته اشاره کرده و می‌فرماینـد: "شـما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسـیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنیـد، نه تنهـا دردی از جامعـهٔ خویش را دوا نکرده‌ایـد که دیگران بایـد بیاینـد و اشـتباهات شـما را جبران کننـد ("۶.) غرب‌ستیزی منطقی امـام، همواره بر جهت خـاص حفـظ و کسب اسـتقلال فرهنگی اسـتوار بوده است. از نگـاه امام غرب‌ستیزی فرهنگی در کنار تحول فرهنگی در چارچوب فرهنگ شـرقی باید به استقلال فرهنگی بیانجامد چنانکه فرمودند": بالأخره باید فرهنگ متحول شود به یک فرهنگ سالم و یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی ("۷.) از نگاه امام خمینی (ره) باید اصلاح یک جامعه را از اصلاح فرهنگی آن جامعه آغاز کرد. انقلاب اسـلامی ایران به رهبری امام نیز در پی تجدیـد حیات معنوی و فرهنگی انسان و جامعه بوده و هست. این شـیوهٔ اصلاح فرهنگی امام الگویی از تحول فرهنگی در پرتو تعهد فرهنگی را به جهان امروز عرضه نمود. والسلام ----------

پی‌نوشت ها: ۱. امام خمینی، صـحیفهٔ نور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۵، ص ۱۹۵. ۲. همان،

ص ۲۰۰. ۳. همان، ص ۲۸۴. ۴. امام خمینی، وصیت‌نامه، انتشارات آستان قدس رضوی. ۵. امام خمینی، صحیفهٔ نور، ج ۲۱، ص ۶۶. ۶. همان، ص ۲۰۰.

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

پرسش

یک «مبلّغ» چه شرایطی را برای ابلاغ پیام باید دارا باشد؟

پاسخ

اولین شرط برای یک نفر مبلغ شناسایی خود مکتب است، شناسایی ماهیت پیام است؛ یعنی کسی که می خواهد پیامی را به جامعه برساند باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد، باید فهمیده باشد که هدف این مکتب، اصول و پایه‌های این مکتب و راه این مکتب چیست و به کجا می رسد، اخلاق و اقتصاد و سیاست این مکتب چیست، معارف این مکتب ، توحید و معاد این مکتب، احکام و مقررات این مکتب چیست. آخر مگر کسی می تواند پیامی را به مردم برساند بدون آنکه خودش آن پیام را شناخته و درک کرده باشد؟! این مثل این است که بگوییم یک نفر مرجع تقلید باشد اما فقه نخوانده باشد. چطور می‌شود کسی مرجع تقلید باشد و بخواهد بر اساس فقه فتوا بدهد و فقه نخوانده باشد؟! و یا مثل این است که یک نفر می خواهد طبیب باشد اما پزشکی نخوانده باشد. از اینجا معلوم می شود که برای یک نفر مبلغ تا چه اندازه وسعت اطلاعات علمی و شناخت اسلام، آنهم به صورت یک مکتب لازم است دومین شرط برای کسی که حامل یک پیام است اولا مهارت در به کار بردن وسایل تبلیغ و ثانیا شناسایی آنهاست؛ یعنی باید بداند چه ابزاری را مورد استفاده قرار بدهد و چه ابزاری را مورد استفاده قرار ندهد و بلکه خودش از نظر ابزارهای طبیعی، چه ابزاری را داشته باشد و چه ابزاری را نداشته باشد. داستان بعثت موسی بن عمران به رسالت را حتماً شنیده‌اید. بعد از ده سال که دوباره می خواهد به مصر برگردد، با همسرش حرکت می‌کند. شبی تاریک و بارانی است. زن حامله اش را درد زایمان می‌گیرد. هوا هم سرد است و باید زنش را گرم کند ولی وسیله گرم کردن هم ندارد. ناگهان در نقطه ای از آن بیابان نوری را می بیند (در وادی طور، وادی سینا). فکر می کند آتش است. می رود آنجا، معلوم می شود که آتش نیست؛ جریان، جریان دیگری است. در همان جا موسی بن عمران مبعوث می شود؛ ندا می‌رسد که از این به بعد رسول ما هستی یعنی مبلغ خدا هستی، پیام ما را باید به فرعون و فرعونیان برسانی. موسی می فهمد که یک مبلغ شرایطی دارد. پیغمبری خودش را کافی نمی داند، تقاضاهایی دارد: «رَبِّ اشْرَح لی صَدری» خدایا به من حوصله فراوان بده، شرح صدر بده آنچنان که عصبانی نشوم، ناراحت نشوم، به تنگ نیایم، دریادلم کن که کار تبلیغ دریادلی می‌خواهد، «وَ یَسِّر لی امری» طه/۲۵ و ۲۶ این مأموریت سنگین را بر من آسان گردان (ببینید کار تبلیغ را ما چقدر کوچک می شماریم و موسی بن عمران چقدر بزرگ می شمارد). مؤید این مطلب مطلبی است راجع به پیغمبر اکرم. قرآن کریم به پیغمبر اکرم راجع به مأموریتش یعنی تبلیغ اسلام و هدایت مردم می‌فرماید: «اِنّا سَنُلقی عَلَیکَ قَولاً ثَقیلاً» مزمل /۵ عن قریب یک بار سنگین به دوش تو خواهیم گذاشت. باری است که به دوش پیغمبر سنگینی می کند، به دوش پیغمبران سنگینی می‌کند! چه می‌گوییم ما؟! موسی(ع) در ادامه تقاضاهای خود گفت: «وَ احلُل عُقدَةً من لسانی» خدایا گره را از زبان من باز کن، به من بیانی رسا و گوارا بده، قدرت سخنوری و ناطقه بده، «یَفقَهوا قَولی» طه/۲۷، ۲۸ به من قدرت تفهیم بده که آن حقیقتی را که به من وحی می کنی به مردم القاء کنم و مردم بفهمند، درک کنند؛ رابطه ای بین من و مردم برقرار کن که مردم مطلب را عینا آن طوری که تو می خواهی از من بگیرند نه اینکه من چیزی بگویم و آنها پیش خود چیز دیگری خیال کنند و

من نتوانم آنچه را که دارم بیان کنم. قدرت و قوه بیان یک امر طبیعی است (البته مقداری از آن اکتسابی است) ولی امور طبیعی باید با تمرین و اکتساب تقویت بشوند، مثل کارهای ورزشی که شخص باید یک استعدادی داشته باشد و این استعداد در اثر تمرینهای ورزشی تکمیل می شود.

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پرسش

چرا از آموزه های ثابت قرآن در دروس دانشگاهی و عرصه های علمی استفاده نمی کنیم ؟

پاسخ

اسلام با ظهور خود فرهنگ نوینی را به بشریت ارزانی داشت و با طرح مفاهیم جدید، بینش انسان ها را دگرگون ساخت ، این مفاهیم که از مجرای وحی و سنت رسول خدا (ص) که ترجمان حقیقی وحی بود، نازل شد و با عمل و رفتار مومنان در شبه جزیره عربستان بسط یافت ، بنیان های تکوین یک امت واحد جهانی را فراهم آورد .قرآن شریف ، سفارش های مکرری نسبت به اندیشیدن و تمیز درست از نادرست دارد و این سفارش ها کاملا "منطقی است . این کتاب عظیم چنان که عقل راراهنمای انسان میداند، از فرد بشر می خواهد تا حکمت و رشد خود راگسترش دهد [در این باب نگا : تفکر از دیدگاه اسلام عباس محمود عقاد،ترجمه محمدرضا عطایی ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ،مشهد، چاپ اول ۱۳۷۱ ش ، صص ۲۶ – ۹] . همچنین در این کتاب بی نظیرآموزه هایی وجود دارد که سمت و سوی حرکت آدمی را به کلی دگرگون ساخته است . آموزه هایی در باب اخلاق ، خداشناسی ، انسان شناسی ،جهان شناسی ، تاریخ و ...حضرت رسول (ص) با سیره عملی و گفتار زبانی وبعد از او ایمه (ع) کوشش کردند تا این آموزه ها را به طور صحیح و درست برای ما تفسیر نمایند، هر چند به دلایلی نشد آنچه را که حق این کتاب بود به بشریت ارزانی دارند .اما باید به این نکته توجه داشت که هدف اصلی و اولی قرآن شریف کدام یک از این آموزه ها بوده است ، آیا علاوه بر طرح مسایلی چون خداشناسی ، انسان شناسی ، راهنماشناسی و اخلاق ، مواردی چون جهان شناسی به معنی شناخت جهان و طبیعت مانند فیزیک ، گیاه شناسی ،زمین شناسی ، ستاره شناسی و در یک کلام دانش تجربی نیز مد نظر وحی بوده است تا ما انتظار داشته باشیم که چنین قضایایی نیز در قرآن طرح شده باشد؟! به نظر می رسد قرآن کتاب انسان سازی است تاآنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی یعنی تقرب به خدای متعال نیاز دارد به او بیاموزد .بر این اساس آموزه هایی که در ارتباط مستقیم با این مساله بوده اند مورد اهتمام آیات قرآن اند؛ یعنی در باب خداشناسی ، انسان شناسی ، معادشناسی ،راهنماشناسی ، اخلاق و احکام عبادی . اما در باب جهان ، طبیعت و مسایل فیزیکی و جسمانی بدن ، قرآن به طور استطرادی و تطفلی بحث کرده است وشاید هیچ آیه ای را نیابیم که مستقلا "و مستقیما "به ذکر آفرینش جهان وکیفیت وجود آسمان ها و زمین پرداخته باشد .در برخی موارد، گفت و گو ازآفرینش جهان و انواع آفریده ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت هایی که خدا در آفرینش به کار برده است . درپاره ای مواضع نعمت های خدا در آسمان و زمین به تفصیل یادآوری شده است تا انگیزه ای باشد برای شکر و حق شناسی ، و در همه جا ممکن است این هدف مد نظر باشد که انسان با نگرش به عالم از آن جهت که آفریده خداو در چنبره تدبیر اوست ، معرفت فطری و شناخت حضوری خود راشکوفایی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد [معارف قرآن ، محمدتقی مصباح یزدی ، موسسه در راه حق قم ، چاپ اول ۱۳۶۷ ش ، ج ۱، صص ۲۲۶ – ۲۲۵] . با توجه به این نکته ، در پاسخ به پرسش شما خاطرنشان می شویم که اگر مقصود شما از نظریات قرآن در باب

آموزه هایی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن است ، بله در این جهت ما باید کوشش کنیم تاآموزه های قرآنی را محور نظریات علمی خود قرار دهیم و از آنها سودجوییم ، به راستی ما در انسان شناسی و اخلاق و حتی مباحث خداشناسی ،راهنماشناسی و معادشناسی هنوز مطالب ناگفته بسیاری در قرآن داریم که بااستخراج و انتظام منطقی آنها می توانیم مسایل جدیدی را در این ساحت هابه جهان بشریت عرضه کنیم . اما اگر منظور شما آموزه هایی در ساحت دانش تجربی باشد که هدف اولی و اصلی قرآن نبوده و در این مورد تنها به ذکرکلیاتی استطرادی اکتفا شده است ، به نظر ما نباید تلاش بیهوده ای را آغازکنیم ، چنان که برخی چون رشید رضا در تفسیر ((المنار)) و طنطاوی در تفسیر ((الجواهر فی تفسیر القرآن)) کوشش کردند که بسیاری از مسایل علمی را باآیات قرآن تطبیق دهند .زیرا از آن جا که این آیات جنبه استطرادی داشته ، درهیچ زمینه ، هیچ گاه به بحثهای تفصیلی در این باب نپرداخته بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تامین می شده بسنده کرده است ، به همین جهت برخلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات غالبا "دارای ابهام هایی است و کمتر می توانیم نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت دهیم [برای آگاهی بیشتر نگا : همان ، صص ۲۳۲ - ۲۲۸] . در اینجا تذکر چند نکته لازم و ضروری است : ۱- هر چند قرآن به دانش تجربی چنان که توضیحش گذشت نپرداخته است ولی با لحن خاصی انسان را تشویق و ترغیب نموده است که در این باب به کند و کاو و جستجو و کشف عالم طبیعت بپردازد [نگا : اعراف ، آیه ۱۸۵ ؛ غاشیه ، آیه ۲۰ - ۱۷ ؛ بقره ، آیه ۱۶۴ و ...] ۲- خداوند حجت باطنی به عنوان عقل برای انسان قرار داده است تا در پرتو آن بشر خود دست به خلاقیت زده و با استفاده از آن مجهولات جهان طبیعت راکشف نماید .در حقیقت این موضوع به انسان واگذار شده است . از این رو دراین باب باید از عقول دیگران و تجارب آنها سود جوید .۳- علوم اسلامی همچون تفسیر، فقه ، اصول ، حدیث ، نحو، بلاغت ، تاریخ ، اخلاق ، فلسفه وکلام هر چند در پرتو هدایت های رسول خدا (ص) و پایه گذاری حضرت علی (ع) پدید آمد ولی بسط و تسدید آن توسط انسان صورت گرفت و آدمی با عقل خود آن را توسعه بخشید .بنابراین علوم غیراسلامی نیز می تواند باخود آدمی رشد و بالندگی خود را به دست آورد [در این باب نگا : ظهورشیعه ، علامه سید محمد حسین طباطبایی ، انتشارات فقیه ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۰ ش ، صص ۴۴ - ۳۳] . ۴- تطفلی و استطرادی بودن برخی ازآموزه های قرآنی در باب دانش تجربی به این معنا نیست که آنها پندارهای خیالی اند که برای ارایه یک پیام ارزشی ساخته و پرداخته شده باشند .حاشاو کلا که چنین باشد .گزارش های وحی از خلقت آسمان و زمین کلام خداوندی است که بهتر و برتر از همگان به اسرار خلقت و چگونگی آفرینش آگاه است . مقصود آن بود که قرآن در پی تبیین چنین آموزه هایی نبوده است واز این رو این سلسله آیات با ابهام مطرح شده است . در واقع با این سلسله آیات ، خداوند آدمی را تحریک و تشویق و ترغیب نموده است تا با استمداداز عقل خود به کشف رازهای مجهول آن نایل آید .۵- ناگفته نماند که نگاه دینی قرآن به طبیعت و تاریخ از یک امتیاز عمده نسبت به نگاه مفسران مادی طبیعت برخوردار است ؛ زیرا قرآن همراه با طرح این مسایل ، به علت فاعلی و غایی حوادث طبیعی و تاریخی نیز توجه می دهد و در نتیجه علوم طبیعی و اجتماعی را با دو بال ((هو الاول)) و ((هوالاخر)) تا اوج گاه مبدا و معادپرواز می دهد [شریعت در آیینه معرفت ، آیت الله عبدالله جوادی آملی ،مرکز نشر فرهنگی رجا، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۲، صص ۱۶۶ - ۱۶۴] . به هرروی ما باید در برخی آموزه های قرآنی که اهتمام اولی به آن شده است ،نظریات آن را استخراج کرده و به جهانیان عرضه نماییم ولی در بعضی ازدانش ها چون دانش تجربی و تاریخی باید با استمداد از عقل بشری و تبادل آرا و افکار، از دیدگاه دانشمندان در کشف مجهولات خویش استفاده نماییم.

چرا به افرادی مانند نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نمیشود، در حالی که آثار آنان باقی میماند ;ولی به گروهی مثل ورزشکاران یا بازیگران بها داده میشود، در حالی که کار آنان محصور در زمان است؟

پرسش

چرا به افرادی مانند نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نمیشود، در حالی که آثار آنان باقی میماند ;ولی به گروهی مثل ورزشکاران یا بازیگران بها داده میشود، در حالی که کار آنان محصور در زمان است؟

پاسخ

از دیدگاه قرآن کریم، معیار ارزش، تقوا است". یَـٰٓأَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَـٰکُم مِّن ذَکَرٍ وَ أُنثَیٰ وَ جَعَلْنَـٰکُمْ شُعُوبًا وَ قَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْ إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَىٰکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِیمٌ خَبِیرٌ(; حجرات،۱۳) ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است ".بی شک هر انسانی به طور فطری خواهان این است که موجود باارزش و پر افتخاری باشد ;به همین جهت با تمام وجودش برای کسب ارزشها تلاش میکند ;ولی شناخت معیار ارزش، با تفاوت فرهنگها، کاملاً متفاوت است و گاه ارزشهای کاذب جای ارزشهای راستین را میگیرد. اگر ما در ارزشگذاری گروهها و افراد، معیار قرآن را (تقوا) رعایت کنیم، دچار بحران در ارزشگذاری نخواهیم شد. آنچه در تفاوت ارزشگذاری گروهها، گاهی در جامعه مشاهده میشود، ناشی از اهمیت ندادن به معیارهای اسلامی در ارزشها است. در اسلام تقوا، علم، عبودیت، ظلمستیزی و مانند آن ارزش است و ارزش گذاری در جامعه اسلامی باید بر اساس این معیارها باشد. متأسفانه، گاهی در اثر تأثیرپذیری از فرهنگ غیر اسلامی (فرهنگ غربی) معیار ارزشگذاریها تغییر کرده است و یکی از علتهای آن، ناآگاهی از فرهنگ اسلامی یا خودباختگی در برابر فرهنگ بیگانه است.(ر.ک: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۲۲، ص ۱۹۶ـ۲۰۳، دارالکتب الاسلامیهٔ.) از آنجا که کارهای فرهنگی نیاز به برنامهریزیهای دقیق و حساب شده دارد و پیاده کردن ارزشگذاری بر اساس معیارهای ارائه شده از سوی اسلام در جامعه، یک کار فرهنگی است، باید مسئولان فرهنگی در حکومت اسلامی، برای این کار برنامهریزی کنند. البته این گونه نیست که به نویسندگان و مخترعان اهمیت داده نشود، به آنان هم ارزش و اهمیت داده میشود گرچه مناسب است که مسئولین نظام اسلامی به این مطلب توجه بهتر و بیشتری داشته باشند.

حاجیان خانهٔ خدا که برای حج به کشور عربستان میروند، از طرف آن کشور، قرآنهایی دریافت میکنند: الف ــ آیا این قرآنها از هر نظر صحیح است ب ــ هدف کشور عربستان از دادن قرآن به زائران چیست ج آیا اگر این کار در کشور ایران قبل از این که حاجیان به مکّه بر

پرسش

حاجیان خانهٔ خدا که برای حج به کشور عربستان میروند، از طرف آن کشور، قرآنهایی دریافت میکنند: الف ـ آیا این قرآنها از هر نظر صحیح است ب ـ هدف کشور عربستان از دادن قرآن به زائران چیست ج آیا اگر این کار در کشور ایران قبل از این که حاجیان به مکّه بروند، انجام شود بهتر نیست

پاسخ

الف ـ این قرآنها از هر نظر صحیح و منطبق با قرائت عاصم به روایت حفص است که مورد تأیید شیعه بوده و مطابق با همین قرآنهایی است که در کشور ایران به چاپ میرسد. ب ـ معمولاً هر کشوری که میزبان تعدادی میهمان است سعی می کند هنگام

بدرقهٔ میهمانان عزیزترین و گران‌بهاترین چیزش ـ که هم نزد او و هم نزد میهمانان عزیز و گران بها است ـ را به آن‌ها هدیه دهد و به این راه" میهمان دوستی و ارادت خود را به میهمانان اظهار می‌کند ;به همین جهت نه تنها عربستان سعودی حاجیان را با دادن یک جلد کلام اللّه مجید، بلکه با مقداری آب زمزم ـ که هر دو نزد مسلمانان از پاکی خاصی برخوردارند ـ بدرقه می‌کند و هدیه‌ها، به زائرین ایرانی اختصاص ندارد، بلکه به کشورهای دیگر نیز داده می‌شود. ج ـ البته دادن قرآن به حاجیان قبل از تشرّف ـ به طوری که قرآن‌ها هنگام ورود به عربستان همراه حاجیان باشد ـ از چند جهت بهتر به نظر می‌رسد: ۱. دشمنان شیعه و آنان که بر ضدّ شیعه توطئه می‌کنند ـ و شیعه را نسبت به قرآن بی توجه جلوه می‌دهند ـ خلع سلاح می‌شوند، زیرا می‌بینند که به همراه هر شیعه قرآنی است که مثل آن نزد خودشان موجود است ۲. حاجی می‌تواند در خارج از مساجد هم ـ هنگام اقامت در هتل ـ از قرآن استفاده نماید، و هم‌چنین هنگام وقوف در عرفات و مشعر و منی که قرآنی در دسترس نیست به همراه او باشد. ۳. حاجی می‌تواند یک جلد قرآن منتشر شدهٔ کشورمان را به دیگر برادران مسلمانی که به شدّت علاقه دارند با شیعیان ایران ارتباط داشته باشند، به رسم یادبود هدیه کند.

با توجه به این که زبان هر ملتی جزئی از فرهنگ آن ملت است که آن را بر سایر زبان‌ها ترجیح می‌دهند، پذیرش و ترویج زبان عربی از سوی دیگرِ ملت‌های اسلامی چگونه توجیه‌پذیر است

پرسش

با توجه به این که زبان هر ملتی جزئی از فرهنگ آن ملت است که آن را بر سایر زبان‌ها ترجیح می‌دهند، پذیرش و ترویج زبان عربی از سوی دیگرِ ملت‌های اسلامی چگونه توجیه‌پذیر است

پاسخ

پرسش گر گرامی در بین ملت‌های اسلامی فقط زبان عربی به عنوان زبان بیگانه تعلیم و ترویج نمی‌شود، بلکه بنابه علل و ضرورت‌هایی به دیگر زبان‌ها هم پرداخته شده و شاید بیش از همه به زبان انگلیسی که رایج‌ترین زبان دنیاست توجه می‌شود. با این حال می‌توان گفت به طور کلی فراگیری دیگر زبان‌ها و خطها، با حفظ خط و زبان ملی کاری بی خطر و بی اشکال است امّا در خصوص توجه به زبان عربی از سوی مسلمانان که برای شما هم ایجاد حساسیت نموده به عرض می‌رسد که محور وحدت و فرهنگ یک جامعه عواملی مانند زبان خط، نژاد، تاریخ جغرافیا و... و از همه مهم‌تر وحدت فکری (دینی است که تمام مرزهای نژادی زبانی و... را درنوردیده و می‌تواند پایه‌های اتحاد جهانی را بنا کند. آن‌چه در بین ملت‌های اسلامی مهم‌ترین عامل شکل دهندهٔ وحدت و فرهنگ مردم است دین مبین اسلام و کتاب آسمانی قرآن و پیامبری محمد مصطفی‌و هدایت معصومین می‌باشد که بر عوامل دیگر مقدم هستند. اگر ما اسلام و معارف والای آن را از فرهنگ امت اسلامی برداریم و به دوران قبل از آشنایی با اسلام برگردیم و بخواهیم پاسدار میراث گذشتگان خود باشیم چیز چشم‌گیری نخواهیم داشت مردم مسلمان جهان از ابتدای ظهور اسلام به علت گرایش‌های اسلام خواهانهٔ خود و به شوق تسلط بر قرائت و فهم عمیق‌تر قرآن و روایات و ادعیه معصومین ، و مطالعهٔ آثار قلمی به جا مانده از بزرگان دین به فراگیری زبان عربی همت گماشتند و به مرور زمان در محاوره‌ها و مکاتبه‌های خود از واژگان عربی استفاده کردند، تا اندازه‌ای که این کلمات را بخشی از زبان و فرهنگ خود قرار دادند، حتی مردم برخی کشورها، مانند مصر و شام زبان اصلی خود را کنار گذاشته به زبان عربی پرداختند، زبان و ادبیات ایران نیز پس از نفوذ و گسترش زبان عربی هر چند کلمات فراوانی از آن را در خود هضم کرد، اما قالب و پیکرهٔ اصلی خود را حفظ نمود، و به وسیلهٔ آشنایی با معارف اصیل

اسلامی بر غنایِ محتواییِ خویش افزود. مقایسهٔ آثار ادبای ایرانِ پس از اسلام با پیش از آن به آسانی بر این غنا و سرشاری شهادت می‌دهد. امروزه وضعیت زبان ملت‌های اسلامی و از جمله ایران به گونه‌ای است که اگر بخواهیم کلمات عربی رایج در آن‌ها را حذف نماییم در واقع به حذف بخش مهمی از فرهنگ والای خود پرداخته‌ایم و هیچ خدمتی به زبان خود نکرده‌ایم اگر به پرسش خود دقت نمایید، خواهید دید که کلمات" توجه ملت جزء، سایر، ترجیح ترویج توجیه با این که عربی هستند، اما هیچ یک از ما در حال حاضر آن‌ها را کلمات غیر ایرانی نمی‌شماریم در پایان تذکر این نکته ضروری است که نباید شیطنت استعمارگران و دشمنان اسلام و مسلمانان را در دور نگه داشتن امت اسلام از فراگیری زبان عربی که زبان کتاب خدا" قرآن کریم و معصومین است را از نظر دور داشت آنان از طرفی آموزش و ترویج زبان عربی را در بین جوامع اسلامی تضعیف می‌نمایند، و از طرفی با هزار دلیل خط و زبان خود را بر برخی از کشورهای اسلامی زیر نفوذ خود رواج می‌دهند ;آن گونه که در پاکستان و ترکیه انجام دادند.

شما به منظور جذب دانشجویان و پیاده کردن فرهنگ قرآنی در دانشگاه و جامعه به ویژه قشر دانشجو، و شناساندن قرآن کریم به دانشجویان چه راه‌کارهایی را پیشنهاد می‌کنید و چگونه می‌توان با این سازمان ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک برقرار نمود؟

پرسش

شما به منظور جذب دانشجویان و پیاده کردن فرهنگ قرآنی در دانشگاه و جامعه به ویژه قشر دانشجو، و شناساندن قرآن کریم به دانشجویان چه راه‌کارهایی را پیشنهاد می‌کنید و چگونه می‌توان با این سازمان ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک برقرار نمود؟

پاسخ

۱. شناساندن جایگاه قرآن نخستین گام در گسترش فرهنگ قرآن در جامعه است قرآن کلام تغییرنایافته و تحریف نشدهٔ خداوند، معجزهٔ جاودان آخرین سفیر و رسول الهی حجت خدا بر بندگان و عرصهٔ سخن گفتن خدا با انسان‌هاست و به طور کلی گسترش توصیف‌های فراوانی که از ائمه و پیامبر بزرگوار اسلام دربارهٔ این کتاب الهی به دست ما رسیده است ۲. گام دوم آثار قرائت قرآن چه آثار دنیایی و آثار معنوی با استفاده از روایات در فضای فرهنگی جامعه است احادیث فراوانی در این باره از معصومان بیان شده است که برای نمونه به جلد چهارم کتاب شریف اصول کافی می‌توان اشاره کرد که بخش عظیمی از آن به این موضوع ارتباط دارد. ۳. شیوه قرائت قرآن از جمله گام‌های دیگری است که باید در جهت گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه برداشته شود. قرآن کریم خود در این باره رهنمودهای فراوانی را مطرح فرموده است که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود: الف خواندن همراه با تدبّر و اندیشه ورزی" افلا یتدبّرون القرءان (نسأ،۸۲) آیا آن‌ها در قرآن نمی‌اندیشند. ".تدبّر در واژه" دبر، "به معنای پشت و قبل است یعنی قرائت قرآن باید با چنان تمرکزی همراه باشد که ارتباط معانی با آیات قبل گسسته نشود و قرائت کننده هنگام قرائت هر آیه مفاهیم یاد شده در آیات پیش را هم به خاطر داشته باشد. ب ـ خواندن قرآن به صورت ترتیل قرآن کریم در این باره می‌فرماید": و رتّل القرآن ترتیلا. ("مزمّل ۴) تلاوت همراه با ترتیل یعنی خواندن شمرده شمرده و توأم با تفکر. از امام صادق‌در تفسیر این آیه چنین آمده است" ان القرآن لا یقرء هذرمه و لکن یرتّل ترتیلاً، اذا مررت بآیهٔ فیها ذکرالنّار وقفت عندها، و تعوذت باللّه من النّار ;قرآن را، تند و دست و پا شکسته نباید خواند، بلکه باید به آرامی تلاوت نمود. هنگامی که به آیه‌ای می‌رسی که در آن آتش دوزخ ذکر شده است توقف می کنی]و می‌اندیشی و به خداوند از آتش دوزخ پناه می‌بری(" تفسیر نمونه آیت اللهمکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۴۰۲، دارالکتب الاسلامیهٔ) ج پناه بردن به خداوند از شیطان رجیم" فإذا قرأت القرءان فاستعذ باللّه من الشیطَن الرجیم (نحل ۹۸) هنگامی که قرآن می‌خوانی از شرّ شیطان مطرود و رانده شده به خداوند پناه ببر ".روشن است این پناه

بردن به لفظ و سخن محدود نیست بلکه باید در اعماق روح و جان نفوذ کند، به گونه‌ای که انسان هنگام تلاوت قرآن از خوی‌های شیطانی جدا شود، و به صفات الهی نزدیک گردد تا موانع فهم کلام حق از محیط فکر او برخیزد.(همان ص ۴۰۱.) ۴. تشکیل جلسات گروهی قرائت قرآن در منازل مساجد، محلّه‌ها، کانون‌های قرآن در محیطهای آموزشی و... از جمله راه‌های دیگر گسترش فرهنگ قرآن در جامعه است ۵. پای‌بندی به دستورهای قرآنی امر به معروف و نهی از منکر، در مواردی که اصول مسلّم قرآنی در محیطهای آموزشی از جمله دانشگاه زیر پا گذاشته می‌شود ;از جمله راه‌کارهای دیگر گسترش فرهنگ قرآنی بلکه مهم‌ترین آن‌هاست امر به معروف و نهی از منکر، سبب می‌شود ریشهٔ گناه در جامعه بخشکد. بی‌تفاوتی در برابر گناه‌های انجام یافته در جامعه سکوت مرگ باری است که قرآن را در انزوا قرار می‌دهد. ۶. در پایان یادآور می‌شویم که یکی از راه‌های گسترش فرهنگ قرآن برخورد نکردن مشابه یهود و نصارا با کتاب خود است قرآن کتابی نیست که تنها برای مُرده‌ها و در مجالس ختم به کار گرفته قرائت شود. همه ما مسلمانان باید خانه‌های خود را با قرائت قرآن نورانی کنیم پیامبر بزرگوار اسلام‌در این باره می‌فرماید": نوّروا بیوتکم بتلاوة القرآن و لا تتخذوها قبوراً کما فعلت الیهود والنصاری، صلّوا فی الکنائس والبیع و عطّلوا بیوتهم فان البیت اذا کثر فیه تلاوة القرآن کثر خیره واتسع اهله و اضأ لاهل السّماء کما تضیئ نجوم السّماء لاهل الدنیا ;خانه‌های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید و آن‌ها را گورستان نکنید، چنان‌چه یهود و نصاری چنین می کنند ;آن‌ها در کلیساهای خود نماز می گذارند، ولی خانه‌های خود را معطل گذارده]و در آن‌ها عبادتی انجام نمی‌دهند[، زیرا که هرگاه در خانه قرآن زیاد تلاوت شود، خیر و برکتش زیاد گردد و اهل آن در وسعت]روزی قرار گیرند، و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد، چنان‌چه ستارگان آسمان برای اهل زمین می‌درخشند("اصول کافی شیخ کلینی (ره ، ج ۴، ص ۴۱۳، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت .) ۷. برای ارتباط تنگاتنگ با مرکز فرهنگ و معارف قرآن واحد پاسخ به پرسش‌های قرآنی می‌توانید با تهیه فرم‌های پست رایگان به صورت کتبی و با تماس تلفنی با آن ارتباط برقرار کنید.

دستاوردهای فرهنگی انقلاب بعد از بیست سال چیست ؟

پرسش

دستاوردهای فرهنگی انقلاب بعد از بیست سال چیست ؟

پاسخ

برای آگاهی در این موضوع به منابع ذیل مراجعه کنید. ۱- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۰ سال یا دوره: ۱۵/۱۱/۱۳۷۷ صفحه شروع: ۲ صاحب اثر: شجاعی، ابولاقاسم / سخنرانی خلاصه مطلب: آثار و ثمرات انقلاب اسلامی ایران ۲- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۵ سال یا دوره: ۲۰/۱۱/۱۳۷۳ صفحه شروع: ۲ صاحب اثر: خمینی، احمد / سخنرانی خلاصه مطلب: نگرشی بر دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران ۳- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۲ سال یا دوره: ۱۷/۱۱/۱۳۷۳ صفحه شروع: ۸ صاحب اثر: حبیبی، حبیب اللّه / سخنرانی خلاصه مطلب: بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در بعد داخلی و خارجی ۴- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۴ سال یا دوره: ۱۹/۱۱/۱۳۷۳ صفحه شروع: ۸ صاحب اثر: سیدی علوی، قدسیه / سخنرانی خلاصه مطلب: تشریح دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ۵- نام سند: اطلاعات ۲۰۴۱۴ سال یا دوره: ۱۹/۱۱/۱۳۷۳ صفحه شروع: ۸ صاحب اثر: زارع، کریم / سخنرانی خلاصه مطلب: نگرشی بر دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران دیدگاه‌ها و انقلاب اسلامی، باقری بیدهندی و دیگران، نشر روح ۸- درآمدی بر تهاجم فرهنگی، محمد سعید فیاضی، وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۷۲ ۹- جنگ فرهنگی علیه انقلاب، جواد منصوری،

آستان قدس رضوی ۱۳۶۹ ۱۰- سرمقاله درباره پنتاگونیسم

چرا در دانشگاه های ما در کلاس درس استادان از اسلام دفاع که نمی کنند هیچ، همه چیز را سر اسلام خراب می کنند. به ولایت توهین می کننـد به مقدسات توهین می کنند، عقب افتادگی ما را در اسـلام و مسـلمانی بودن می دانند چرا و چرا ... واقعاً قلب من با دیدن این همه مظلومی

پرسش

چرا در دانشگاه های ما در کلاس درس استادان از اسلام دفاع که نمی کنند هیچ، همه چیز را سر اسلام خراب می کنند. به ولایت توهین می کنند به مقدسات توهین می کنند، عقب افتادگی ما را در اسلام و مسلمانی بودن می دانند چرا و چرا ... واقعاً قلب من با دیدن این همه مظلومیت که اسلام دچارش شده است می گیرد. چرا عده ای از ما مسلمانها با کارهای خودمان باعث شدیم چهره اسلام کریه شود. چرا کارهای بد ما مسلمانها را به پای اسلام می نویسند؟

پاسخ

اولا، از غیرت مندی شما تشکر می کنیم، حق هم همین است. فلسفه بسیاری از دستورات دینی از جمله فرمان به نهی از هم نشینی و شرکت در جلساتی که به مقدسات دینی اهانت می شود (آیه ۱۴۰ سوره نساء) و نیز تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر در همه شرایع دینی، احیاء همین روحیه پاک و لطیف است. ثانیا، علت تخریب مبانی فرهنگی و اهانت به شعایر و مقدسات دینی و انقلابی، علت های گوناگونی می تواند داشته باشد که به برخی از موارد مهم آن اشاره می کنیم: ۱- عدم تقید به مبانی دینی، انقلابی و باورهای اسلامی. ۲- سرسپردگی به غرب یا خودباختگی نسبت به آن. ۳- وازدگی از عملکرد نادرست (و یا آنچه به ظاهر نادرست می نماید) از سوی معتقدین به مبانی دینی و انقلابی و مسؤولین. ۴- منفعت طلبی و لجام گسیختگی، به لطف الهی تا حد زیادی (حداقل آن حدی که لیبرال مسلک ها می خواستند) سد شده است. ۵- بی غیرتی و بی تفاوتی برخی دانشجویان. مقصود از بی غیرتی، اهانت به دانشجویان نیست، بلکه به عنوان یک واقعیت مد نظر است. غیرت یعنی حساس بودن، ابراز احساسات (مثبت یا منفی، تأیید یا نفی) نسبت به رفتار و گفتاری که درخصوص بنیان های فرهنگی و دینی ما جهت گیری می شود. ۶- البته در خیلی از موارد نیز عدم شناخت درست، عدم دسترسی به اخبار و اطلاعات صحیح، خصوصا با این اطلاع رسانی و آلودگی در افکار عمومی که از سوی برخی مطبوعات و یا محافل ایجاد می شود، ریشه چنین سخنان یا رفتارهایی است. ثالثا، وظیفه ما : - تثبیت و افزایش این روحیه غیرت مندی در خود ودیگران می باشد. - شناخت صحیح و انتقال این اطلاعات صحیح به دیگران با شیوه مناسب هدایت گرانه و دلسوزانه. - گسترش امر به معروف و نهی از منکر. - کمک گرفتن از نهادهای نظارتی دانشگاه از جمله نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ریاست دانشگاه، کمیته انضباطی اساتید، بسیج اساتید و تشکل های اسلامی صاحب نفوذ در دانشجویان و در دانشگاه .

ما به عنوان مسـلمان که در کشور اسلامی زندگی می کنیم چرا در مدارس ما فقط قرآن در حد روخوانی تدریس می شود و از تفسیر آن در مدارس کشور بی بهره ایم.

پرسش

ما به عنوان مسلمان که در کشور اسلامی زندگی می کنیم چرا در مدارس ما فقط قرآن در حد روخوانی تدریس می شود و از

تفسیر آن در مدارس کشور بی بهره ایم.

پاسخ

مجموعه سؤالات شما دانشجوی گرامی، مبین روحیه حق پرستی و عدالت جویی است و بیانگر اهتمام شدید شما به معارف عظیم اسلامی و تحقق آن در جامعه می باشد، از این رو خواسته ها و نظرات شما را که همه در راستای این هدف متعالی است می ستاییم. اما در خصوص این سؤال باید گفت که بحمدالله جامعه اسلامی ما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش های مخلصانه مسؤولین عالی رتبه نظام و حوزه های دینی و سایر برنامه های ارزنده ای که بخش های مختلف فرهنگی کشور انجام داده اند در مجموع رویکرد خوبی – هر چند ناکافی – به قرآن و سایر معارف اسلامی داشته است و تحت تأثیر ین اقدامات قرآن تا حدی از محجوریت و غربتی که در زمان پهلوی در مدارس و دانشگاه ها پیدا کرده بود خارج شد. بحمدالله در زمان حاضر علاوه بر اقشار فرهنگی، بسیاری از اقشار دیگر نظیر نیروهای مسلح و...، رویکرد قابل توجهی به قرآن دارند. اما با این همه، همانگونه که مشاهده می کنیم فرهنگ قرآن آنگونه که شایسته و زیبنده یک جامعه و نظام اسلامی است در بخش ها و سطوح مختلف جامعه نهادینه نشده است و در ریشه یابی این موضوع می توان به کوتاهی و یا تغافل بخش هایی از دستگاه های قانونگذار یا عوامل فرهنگی و برنامه ریز یا عوامل اجرایی به عنوان مهمترین عامل این موضوع اشاره نمود که نتیجه آ ن بی توجهی یا کم توجهی مراکز آموزشی کشور اعم از مدارس و دانشگاه ها به گسترش و تعمیق مفاهیم قرآنی در میان دانش آموزان و دانشجویان است. چنانکه مقام معظم رهبری می فرمایند: «ما در جامعه خودمان مبالغ زیادی از آموزش قرآن عقب افتادگی داریم؛ اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبر در قرآن را به خود بدهد بسیاری از شبهات دشمنان بی اثر خواهد شد. البته همه دستگاه های فرهنگی کشور باید کمک کنند. باید مفاهیم قرآنی به وسیله خبره های این کار دسته بندی شود و به تناسب در کتاب های درسی – چه مدرسه ها، چه دانشگاه ها – گنجانده شود؛ این ارتباط باید دایمی باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور، ۲۸/۶/۱۳۸۰).

همانطور که حضرت علی(ع) اسامی فرزندان خود را که خداوند بر آنها نهاد را، درخواست کرد از عبری به عربی برگردانده شود؟ چرا ما هم اسامی عربی را و از جمله نام اهل بیت را که عربی است به فارسی برنگردانیم و یا اصلاً استفاده نکنیم؟

پرسش

همانطور که حضرت علی(ع) اسامی فرزندان خود را که خداوند بر آنها نهاد را، درخواست کرد از عبری به عربی برگردانده شود؟ چرا ما هم اسامی عربی را و از جمله نام اهل بیت را که عربی است به فارسی برنگردانیم و یا اصلاً استفاده نکنیم؟

پاسخ

ـ فرض سؤال شما تصوری است که از تغییر اسامی فرزندان حضرت علی(ع) از عبری به عربی و به درخواست حضرت صورت گرفته است. که باید گفت چنین نبوده بلکه مطلب به گونه‌ای دیگر است. ماجرا از این قرار است: هنگامی که امام حسن(ع) به دنیا آمدند، انتخاب نام این کودک به عهده‌ی پیامبر اکرم(ص) نهاده شد و ایشان نیز در این امر بر خدای خود پیشی نگرفتند لذا جبرئیل نازل شد و عرض کرد، از آنجا که جایگاه علی بن ابیطالب نسبت به شما مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است، نام عربی فرزندان هارون (حسن و حسین) را بر فرزندان علی بن ابیطالب قرار بده و ایشان نیز چنین کردند.۱ و چنین نبوده که جبرئیل اسامی

عبری فرزندان هارون را ابلاغ کند و بعد حضرت علی(ع) تغییر آنها را تقاضا کند. ـ به هر حال چه این تغییر اسامی را بپذیریم و چه نپذیریم باید توجه داشت که: ۱. یکی از نکات مهم در بکارگیری الفاظ و واژه‌ها تفاهم عرفی آنهاست بگونه‌ای که مشکلی در تلفظ و استفاده پیش نیاید. در زمان حضرت علی(ع) دو زبان عبری و عربی کاملاً از یکدیگر متمایز و جدا بودند و استفاده از واژه‌های عبری کار پسندیده‌ای به نظر نمی‌رسید ولی در زمان ما چنین تمایز و جدائی بین زبان عربی و فارسی وجود ندارد و اصلاً نمی‌توان فارسی را از واژه‌های عربی جدانمود. لذا استفاده‌ی از اسامی عربی ـ آن هم با این سابقه‌ی طولانی در استفاده و آشنایی ما با آنها ـ اشکالی ندارد. ۲. با توجه به اینکه محتوای دین اسلام و کتاب آسمانی آن قرآن، کامل‌ترین محتواست، باید این کامل‌ترین محتوا در کامل‌ترین قالب ریخته شود که آنهم زبان عربی است، پس تغییر کلمات از زبان عبری به عربی حرکت از ناقص به کامل است و نوعی پیشرفت محسوب می‌شود، آیا تغییر اسامی از عربی به فارسی نیز پیشرفت است؟ علاوه بر اینکه عربی بعنوان زبان قرآن، اسلام و مکتب ما از جایگاه و شأن خاصی برخوردار است. و استفاده از نام‌های اسلامی نوعی فرهنگ سازی و گسترش فرهنگ دینی بشمار می‌آید که حرکتی مثبت است. ۳. تغییر اسامی از زبانی به زبان دیگر هر چند ممکن است، ولی باید توجه داشت که تمام معنای کلمه هنگام تغییر و ترجمه، منتقل نمی‌شود و هیچگاه واژه‌ی ترجمه شده آن پیشینه‌های تاریخی و جهات مثبت و منفی کلمه‌ی اصلی را به همراه ندارد. یعنی معادل هر واژه‌ای از اصل آن ناقص‌تر است. علاوه بر اینکه اسامی افراد و مکان‌ها قابل ترجمه و تغییر نیستند، مثلاً ـ نمی‌توان هنگام ترجمه‌ی مطلبی پیرامون «شهید کشوری(ره) فامیل او را مثلاً به انگلیسی تغییر داد و گفت: civil (به معنای کشوری)، باید متذکر شد که اسامی ائمه(ع) همگی حالت وصفی دارند یعنی در صورت تغییر و ترجمه اینگونه می‌شوند، محمد ? ستوده، علی ? بلند مرتبه، صادق ? راستگو و ... که البته معادل‌های آنها بار معنایی واژه‌ی اصلی را نمی‌رساند. ۴. یکی از حقوق فرزندان بر پدر و مادر انتخاب نام نیک و خوب است و این وظیفه‌ای است که هر پدر و مادری نسبت به فرزندان خود باید به خوبی انجام دهد. از امام علی(ع) در حدیثی حکایت شده: «حق کودک بر پدر و مادر این است که اسم نیکویی بر او بگذارند، او را با آداب اسلامی و آداب نیکو پرورش دهند و به او قرآن را بیاموزند.»۲ ۵. هدف از خلقت و زندگی انسان سعادت یافتن اوست و تمام کارها باید در این راستا قرار گیرد حتی نامگذاری و انتخاب اسم. هر اسمی تاثیرات خاص خود را دارد چنانچه هر چیزی اثرات خود را بروز می‌دهد. انتخاب نام خوب و زیبا مقدمه‌ای برای تشویق به خوبی‌ها و صفات پسندیده است. اسمی که از یک پیشینه‌ی مثبت برخوردار است باعث تلقین همان خوبی‌ها در فرد می‌شود و این درباره‌ی اسامی با پیشینهٔ بد و منفی نیز صادق است. به عنوان مثال: تاثیر پوشیدن لباس‌های مختلف: کسی که لباس سفید و تمیز می‌پوشد از مکان‌های آلوده و کثیف پرهیز می‌کند، و سعی می‌کند که لباس سفید تمیزش، تمیز و سفید باقی بماند. یا ورزشکاری که لباس ورزشی می‌پوشد و تاثیر روانی خاص دارد برای ورزش کردن انگیزه‌ی بیشتری دارد تا زمانی که لباس مخصوص ورزش را نپوشیده است. ۶. یکی از علائم و نشانه‌های دوستی و دشمنی ما نسبت به افراد، استفاده و یا عدم استفاده‌ی ما از اسامی ایشان است. بهتر است اسامی افراد مورد علاقه‌ی خود را بر فرزندان خود انتخاب کنیم. نام‌های ائمه(ع) به عنوان محبوب‌ترین افراد نزد ما بهترین اسامی برای فرزندانمان محسوب می‌شوند. یکی از وظایف ما زنده نگهداشتن نام و یاد بزرگان است که می تواند با قراردادن نام این بزرگان بر کودکان محقق شود. همانگونه که امام حسین(ع) برای زنده نگه داشتن نام و یاد پدر بزرگوارش امام علی(ع)، نام تمام پسران خود را علی قرار داد. ۷. یکی از آثار و نتایج استفاده از نام‌های ائمه(ع) ایجاد یک فضای پر مهر و عطوفت در خانه است زیرا در احادیث متعدد از پیامبر اکرم(ص) حکایت شده: «هر گاه نام فردی را «محمد» قرار دادید، کارهایش را زشت مشمارید (سوء ظن نداشته باشید) خواسته‌ی او را رد نکنید و در مجالس خود او را جای دهید.»۳ با چنین توصیه‌هایی که در مورد افراد با اسامی ائمه(ع) شد، اگر افراد به احترام صاحب اسم همدیگر، حرمت یکدیگر را نگه دارند. دیگر جایی برای بد اخلاقی و سایر صفات زشت در محیط مقدس خانواده باقی نمی‌ماند. ۸. باید یادآوری کرد که استفاده از اسامی ائمه(ع) خیرات و برکات مادی و

معنوی فراوانی در زندگی ما به ارمغان می‌آورد که بسیاری از این برکات از توجه ما به دور است. بعنوان مثال از امام باقر(ع) حکایت شده: «شیطان از نام «محمد» و «علی» متنفر و گریزان است و از شنیدن نام دشمنان ما اهل بیت خوشحال و مغرور می‌شود.»۴ یا پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: خانه، مجلس و گروهی که فردی با نام «محمد» در آن باشد، مبارک و سرشار از برکات است.۵ و در برخی کتب فقهی از امام رضا(ع) حکایت شده: «خانه‌ای که در آن افرادی با نام محمد یا احمد یا علی و یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه از زنان آنان باشد؛ در آن خانه فقر داخل نمی‌شود.»۶ ملاک‌های انتخاب بهترین اسم: ۱. گویای خصلت نیکو و اخلاق خوب و پسندیده باشد. ۲. نشان و علامتی از آرمان، عقیده و مکتب اعلای شیعه داشته باشد. ۳. بدور از خرافات و هوس‌ها باشد. ۴. یادآور افتخارات گذشته و افتخار آفرینان گذشته باشد. ۵. همراه عقل، خرد و اندیشه‌ی صحیح باشد. بر طبق ملاک‌های بالا ترتیب اسماء انتخابی چنین است: ۱. یکی از نام‌ها و صفات نیکوی الهی مانند، عبدالله، عبدالرحیم و ... ۲. یکی از نام‌های انبیاء و ائمه اطهار(ع) باشد مانند: موسی، عیسی، ابراهیم، محمد، علی، فاطمه، مریم، حسن و حسین و مهدی و... ۳. بر گرفته از اسامی رهپویان راه حقیقت مانند: سلمان، مقداد، اباذر و ... باشد. معرفی کتاب: برای مطالعه‌ی بیشتر در این باره مراجعه فرمایید به: ۱. کتاب «فرهنگ نامگذاری در آیات و روایات»، محمد موحدی نژاد ۲. کتاب فاطمه الگوی زن مسلمان، احمد صادقی اردستانی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، تابستان ۷۴. منابع: ۱. منتخب میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۱۲ و ج ۲، ص ۱۰۹۶، دارالحدیث، چاپ ۸۱، تلخیص سید حمید حسینی، ترجمه: حمیدرضا شیخی. ۲. الحدیث، ج ۱، روایات تربیتی، ص ۱۹۲، چاپ یازدهم، ۷۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۳. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(ع)، محمد جواد مروجی طبی، ص ۴۱، چاپ بوستان کتاب قم، ۸۳. ۴. فرهنگ نامگذاری در آیات و روایات، محمد موحدی نژاد، نشر روح، قم، تابستان ۸۱. ۵. شرح لمعه، شهید ثانی. ۱ . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۱. ۲ . نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹. ۳ . بحار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۸. ۴ . وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۶. ۵ . مستدرک، ج ۲، ص ۶۱۸. ۶ . شرح لمعه، ج ۲،ص ۳ ـ ۳۶۲.

برای چه اینقدر برای ازدواج جوانها سخت گیری می کنند ؟

پرسش

برای چه اینقدر برای ازدواج جوانها سخت گیری می کنند ؟

پاسخ

سخت گیری خانواده هادر امر ازدواج به سبب عوامل زیادی است که عمده ترین آنها ضعف اعتقاد و ایمان به خداوند و همچنین تجمل گرایی ، چشم و هم چشمی و افکار و دیدگاههای غلط در باب ازدواج می باشد بعضی از پدر و مادر ها د رفکر مال و ثروت عروس و داماد خود هستند و مهریه و جهیزیه بسیار را معیارهای خوشبختی فرزندان خودشان می دانند . کسیکه با ..... عناوین مختلف مثل حفظ آبرو ، شرایط سخت ، مخارج سنگین جشن ازدواج و یا مهریه بالا را بر زندگی زن و مرد جوان تحمیل می کنند دارای اعتقاد ضعیف به خداوند است زیرا دراین کار خود رضایت خداوند متعال را در نظر نگرفته و فقط چشمش به رضایت مخلوق است . بسیاری از مردم می دانند آنچه که در زندگی مشترک مهم است تفاهم ، صداقت ، ایمان و اخلاق خوب است اما روحیات زشتی که در وجودشان ریشه دوانیده نمی گذارد آنان به راه صدق و صفا بروند و بخاط چشم و هم چشمی و تجمل گرایی در صدد پیاده کردن خواسته های خود هستند که زمینه ساز بسیاری از مشکلات برای زوجهای جوان می شود . اسلام به پدر و مادر توصیه می کند که در انتخاب همسر برای فرزندانشان دقت و توجه کنند ولی اشکالتراشی نکنند اینکه باید از دین و اخلاق و

نجابت پسر و اصالت خانوادگی او سر در آوریم جای بحثی نیست ولی در عین حال باید مراقب بود که مته بر خشخاش نگذارند و بی جهت مانع پیوند پسر و دختری مسلمان نگردند آنچه مایه صفای زندگی است اخلاق و ایمان و خلوص و صداقت است نه خانه و اتومبیل و مدرک تحصیلی و خرده گیری والدین در این زمینه ها سبب محروم کردن دو جوان از تشکیل زندگی سالم بر مبنای معیارهای الهی شده و بفرموده امام عسکری (سبب ایجاد مفسده در زمین خواهد شد . سوال : برخی خانواده ها برای ازدواج دخترشان مخارج زیادی را به داماد تحمیل می کنند مانند برپایی مجالس در تالارها با هزینه سنگین ، دعوت از صدها نفر میهمان و امثال آن که حقیقتاً در ابتدای زندگی به بهانه آبرو داشتن،.... مخارج کمر شکن را بر دوش داماد قرار می دهند او را مجبور به زیر بار قرض رفتن و بسیاری از مشکلات دیگر می کنند تا جایی که قلباً راضی به پرداخت این مخارج نیست و اما مجبور می شوند . آیا این بهانه که به نوعی سد راه ازدواج جوانها می گردد شرعاً چگونه است و در صورت عدم رضایت داماد به انجام این مخارج استفاده از آن چه صورت دارد ؟ حضرت آیه الله خامنه ای : خانواده ها باید در آسان نمودن امر ازدواج جوانان تلاش کنند و در هر صورت .... تصرف در خوراکی که داماد در اختیار میهمانان قرار می دهد بی اشکال است . حضرت آیه الله فاضل لنکرانی : ترویج این امور فی نفسه وجهی ندارد و گاهی خلاف شرع است. حضرت آیه الله مکارم شیرازی : جایز نیست . حضرت آیه الله بهجت : می تواند انجام ندهد و با وساطت افراد عاقل طرفین نوعاً مشکل کم می شود . ۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع ص۵۳ و ۵۴ ۲- بهشت خانواده ص۶۱ ۳- نظام حیات خانواده در اسلام دکتر علی قائمی

چرا در بخش فرهنگی درکشور ما زیاد مسئولان سرمایه گذاری نمی کنند؟

پرسش

چرا در بخش فرهنگی درکشور ما زیاد مسئولان سرمایه گذاری نمی کنند؟

پاسخ

حقیقت این است که در بخش فرهنگی سرمایه گذاری می شود من جمله بخش کتاب، سینما، تئاتر، موسیقی، روزنامه ها ونشریات و...اما مشکل اساسی این است که محصولات فرهنگی که حاصل این سرمایه گذاری هستند چندان مناسب جامعه اسلامی نیستند وبعضی از این محصولات متأسفانه درنقطه مقابل فرهنگ اسلامی هستند. وظیفهٔ مسئولان این است که از سرمایه گذاری انجام شده در بخش فرهنگ استفادهٔ صحیح و مطابق با آرمانهای اسلام وامام راحل"ره "بکنند وفرامین مقام معظم رهبری را مد نظر داشته باشند. البته اگر از دیدهٔ انصاف بنگریم وضعیت فرهنگی بعد از انقلاب با قبل ازانقلاب خیلی فرق کرده است وبه موازین اسلام بسیار نزدیک شده است. اما به هر حال نقاط ضعفی هنوز در فرهنگ جامعه ما به چشم می خورد که سؤال دلسوزانه وخیرخواهانه شما متوجه همین نقاط ضعف است و وظیفه ما و شما این است که به عنوان یک مسلمان و یک ایرانی از فرهنگ دیرینهٔ ایرانی واسلامی خود دفاع کنیم ودائماً مسئولان رابه طرق مختلف به وظایفشان یادآور شویم.

چگونه می توان به جوانان امروزی فهماند که به بزرگان خود احترام بگذارند؟زیرا جوانان امروزی به این امر کم توجه شده اند.

پرسش

چگونه می توان به جوانان امروزی فهماند که به بزرگان خود احترام بگذارند؟زیرا جوانان امروزی به این امر کم توجه شده اند.

پاسخ

در باطن آدمی دو نیروی عظیم ودو قدرت مؤثر وجود دارد : یکی عقل ودیگری احساسات، با فرار رسیدن بلوغ همزمان با رشد اندام عقل واحساسات نیز در راه رشد وشکوفایی قدم می گذارند با این تفاوت که رشد احساسات مانند رشد اندام خیلی سریع صورت گرفته اما عقل درکمال آرامی وبه تدریج منازل کمال خود را طی می کند. حضرت علی(دراین رابطه در مستدرک ۲،ص۶۲۵ می فرمایند" : عقل آدمی در ۲۸ سالگی کامل می شود " ونیز می فرمایند" : آخرین مرحله نهایی تکامل طبیعی عقل در ۲۵ سالگی است وازآن پس هر ترقی درکمال که نصیب عقل شود تجربی است نه طبیعی "ناموزونی رشد عقل واحساسات بزرگترین مشکل روانی جوانان را تشکیل داده ومنشاء انحرافات اخلاقی آنان می باشد جوان به علت شدت تمایلات عاطفی همه چیز وهمه کس را از پشت عینک احساسات می نگرد و ممکن است با یک تحریک کوچک ویا یک ضربه روحی منقلب شده واز راه اعتدال منحرف گردد. با توجه به نکات ذکر شده، در تربیت جوانان و حفظ حریمهایی که اسلام قداست خاصی برای آنها قائل است باید موارد ذیل را مراعات نمود : ۱- والدین ومربیان طبع حساس وزود رنج جوانان را در نظر داشته وباآنان بر اساس تکریم واحترام برخورد نمایند و متوجه باشند که بی احترامی به جوانان وتحقیر شخصیت آنان یکی از عوامل طغیان وسرکشی نسل جوان را تشکیل می دهد، پیامبر اکرم(می‌فرمایند": از رحمت خدا دور باد آن پدر ومادری که با رفتار وگفتار نادرستشان موجبات بدکاری فرزندان خود ونارضایتی خویشتن را از وی فراهم آورند" ".۱ "اگر والدین مطالب تربیتی یا راهنماییهای خود را دوستانه و به زبان اندرز بگویند یا به صورت مشورت وتبادل فکر با آنان در میان گذارند به خوبی می توانند دراعماق روح جوان نفوذ کرده ودر تربیت صحیح آنان موفق گردند ودر مواردی که می خواهند نسبت به لغزش جوان تذکر انتقادی داشته باشند طوری آنرا ادا کنند که باعث هتک حرمت و توهین به جوان نشده وبه راه عصیان سوق داده نشود. حضرت علی(دراین رابطه می فرمایند : "لغزش انسان عاقل رابا کنایه تذکر دادن برای او مؤثر و دردناکتر از سرزنش و توبیخ صریح است "اگر تخلف و لغزش نوجوان با کنایه و درکمال ادب تذکر داده شود بعید نیست که تأثیر کرده ولااقل برای الگو والدین باشند . امام صادق(فرمودند" : کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم "یعنی مردم را با اعمالتان به دین دعوت کنید نه با گفتار تنها، و در مورد نوجوان و جوان این مسأله مهم تر است زیرا آنان تذکر و توبیخ وانتقاد زیاد را نمی پسندند واعمال خود را بیشتر براساس الگوهایی که می بینند یا می شنوند تنظیم می کنند مثلاً اگر والدین درخانه به یکدیگر احترام بگذارند حتماً فرزندان به والدین احترام می گذارند یا اگر پسری ببیند که پدر نسبت به پدربزرگ مؤدب نیست او نیز نسبت به پدرش مؤدب نخواهد بود. ۲- پدر ومادر خود راشریک خوشبختی فرزند خویش بدانند وبه وی بفهمانند که تو بر اثرحب ذات طالب سعادت خود هستی وما نیز به علت مهر پدری ومادری خوشبختی ترا خواهانیم. ما وشما هدف داریم و آن رستگاری و پیروزی شماست و برای نیل به این هدف بایکدیگر همکاری می کنیم با این تفاوت که ما عمر بیشتری کرده ایم وتجربه های زیادی اندوخته ایم واز خطرات ایام جوانی به خوبی آگاهیم و از تو انتظار داریم با پذیرفتن وبکاربستن نصایح ما صمیمانه، با ماهمکاری کرده موجبات پیروزی وموفقیت خود را که هدف مشترک ماست فراهم آوری. به نظرمی رسد جوان از چنین منطقی که سرشار از خیرخواهی و محبت است استقبال کرده واز راهنمائیهایی مصلحت آمیز پدر و مادر بهره مند شود همانگونه که حضرت امام صادق(در روضه کافی،ص۹۳ می فرمایند" : نیروی خویش را در راه هدایت جوانان به کار انداز زیرا جوانان زودتر حق را می پذیرند وسریعتر به هر خیر وصلاحی می گرایند ".در پایان تذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که جوانان نیز باید به این امر توجه داشته باشند که پدران ومادران حق بزرگی برگردن آنها دارند و در مواردی که ایشان به علت بی سوادی یا خودسری یا سهل انگاری شخصیت جوان خود را محترم نشمرند یا حتی احیاناً ستمی کنند فرزندان مکلفند درمقابل رفتاروالدین صابر و بردبار بوده وازتلافی وانتقام خودداری نمایند . درکتاب رشد وزندگی،ص۱۶۳ در این باره آمده است

"همواره به خاطر داشته باشید که پدران ومادران شما انسان هستند بنابراین هم دارای صفات برجسته هستند وهم دارای نقاط ضعف، حال اگر نقاط ضعف آنها در مورد طرز رفتارشان با شما باشد بهتر این است که با واقع بینی این عیب را ازآنها یک امر طبیعی بدانید و ضمناً صفات برجسته ومحاسن آنها و محبت پاک و بی آلایش آنها را نسبت به خود وتوجه و مواظبتی را که از شما می نمایند در نظر بگیرید و ازآنان قدردانی کنید. برای اطلاع بیشتر در این زمینه می توانید به کتاب جوان از نظر عقل واحساسات، آقای فلسفی مراجعه کنید. با تشکر از شما که سؤال خود را با ما درمیان گذاشتید امیدوارم نکات ذکر شده در بهبود مشکلتان مفید واقع گردد. وسایل،ج۵،ص۱۱۵ منابع : جوان از نظر عقل واحساسات،آقای فلسفی

آیا افزایش جلسات مذهبی درکشور دلیل برانزجار مردم از جامعه نمی باشد، مراجع درکفرگویی بعضی ازمداحان چه عکس العملی نشان داده اند؟

پرسش

آیا افزایش جلسات مذهبی درکشور دلیل برانزجار مردم از جامعه نمی باشد، مراجع درکفرگویی بعضی ازمداحان چه عکس العملی نشان داده اند؟

پاسخ

درخصوص سؤال شما نکات زیر قابل توجه می باشد : ۱. درمورد افزایش جلسات مذهبی باید گفت که چون ملت مسلمان ومظلوم ما، آماج حملات همه جانبه فرهنگی وتهاجمات ضد دینی واقع شده، افزایش این جلسات نه تنها باعث انزجار مردم نخواهد شد، بلکه باعث امیدواری وقوت قلب واستحکام ایمان واتحاد وهمدلی وباورهای مذهبی آنها خواهد گردید، منتهی باید به طور جدی به این نکته توجه شود که جلسات مذهبی بر اساس مبانی دینی وشیوه های صحیح اسلامی باشد وبهترین راه این است که ازمجالس بزرگان دین وعلمای برجسته سرمشق بگیریم تا خدای ناکرده دچار انحراف وبدعت نگردیم. ۲. انسان ها موظفند ارتباط عمیق روحانی ومعنوی خود را با خداوند متعال وائمه معصومین "علیهم السلام "نه تنها حفظ کنند، بلکه روز به روز برقوت واستحکام آن بیفزایند، یکی ازعوامل حفظ وافزایش این ارتباط همین جلسات مذهبی است که بزرگان ما خیلی به آن سفارش وتأکید کرده اند تا اسلام همیشه زنده باشدوما نیز به برکت اسلام زندگی کنیم، واصلاً کار خوب و خداپسندانه، با تکرار ومداومت است که اثر واقعی خود را می بخشد. ۳. درمورد اشعار کم محتوا وبدعت آمیز بعضی ازمداحان، اکثر مراجع عالیقدر فرموده اند که ازخواندن اینگونه اشعار اجتناب و پرهیز شود.

چرا عموم مردم نسبت به دین بیگانه شده اند؟

پرسش

چرا عموم مردم نسبت به دین بیگانه شده اند؟

پاسخ

با احترام وابراز ارادت به شما وتمامی جوانان برومندی که نسبت به مفاهیم وارزشهای متعالی انسانی والهی ومظاهر مذهبی احساس

تعهد ومسؤولیت می نمایند ونسبت به تغییر ارزشها و بی اعتنایی به مصادیق دینی عکس العمل مناسب نشان می دهند. اما درمورد سؤال شما بایدعرض کنیم ما نیز قبول داریم که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ وتوقف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جامعه دچار تغییراتی گردید که یکی از مهم ترین تغییرات، دگرگونی درنظام ارزشی است که برای اکثریت افراد جامعه کم وبیش محسوس است. اما تغییر ارزشها ودگرگونی آنرا با قاطعیت نمی توان بیگانگی با دین یاخدای ناکرده بی دینی ولامذهبی ولاقیدی گذاشت. درگذر زمان جامعه نسبت به بعضی ازمسائل ارزشی تغییر عقیده می دهد. برخی ارزشها به ضد ارزش وبعضی ضد ارزشها ارزش تلقی می گردد، ولی درعین حال اگر همین افراد درموضع تصمیم گیری وانتخاب قرار گیرند خود را دیندار می دانند واگر ما اصرار ورزیم آنها بی دین هستند موجب طرد بیشتر آنان ودور شدن از مظاهر دینی خواهیم شد. درست است که وقتی به کوچه وبازار وپارک و ...می رویم مظاهر مادی و کم توجهی به برخی احکام ودستورات دینی رامشاهده می کنیم وهمین افراد را نیز می توان در مساجد، حسینیه ها، بارگاه منور امام رضا"ع، "تشییع جنازه شهدا، هیأت عزاداری و... مشاهده کرد. در این صورت آیا می توانیم این افراد را لامذهب ولاقید بدانیم. ممکن است به برخی مصادیق مذهبی بی توجهی داشته باشند ولی لاقید نباشند. بندرت می توان افراد بی توجه به مظاهر دینی رایافت که تعمداً تظاهر به مخالفت با بعضی احکام دینی بنمایند. آیا با جرأت می توانیم بگوییم اگر فرد یا افرادی برخی مظاهر دینی را در پوشش رعایت نمی کنند، بی دین ویا لاقید هستند، قطعاً بطور قاطع نمی توان پاسخ داد. چقدر از دخترانی که پوشش نامناسب دارند به قصد مخالفت ومبارزه با دین پوشش خود را برگزیده اند. آنان درشرایط محیطی وجو حاکم رفتاری همسو با همنوعان خویش از خود بروز می دهند، بسیاری از جوانان از محاسن ومعایب اعمال خویش بی خبرند. اهمیت و ضرورت آنچه انجام می دهند به خوبی درک نکرده یا نمی کنند. آثار مثبت ومنفی عمل خودشان را به روشنی دریافت نکرده اند. بعضاً با برخوردهای سطحی وظاهری واوامر ونواهی بدور از شرایط تأثیرگذار خانواده و بستگان و...مواجه شده اند. زمینه جوانی کردن نیافته اند. شخصیت خود را در مسیر درست وصحیح نتوانسته اند به ظهور وبروز برسانند بنابراین برای ابراز وجود وشخصیت دست به کارهایی می زنند که بسیاری ازآنها با تعالیم دینی ومذهبی ممکن است درتعارض باشد وبسیاری از اعمال آنها فی نفسه ممکن است معارض با دستورات اسلامی نباشد ولی عرف حاکم وآداب ورسوم وسنت ها وباورهای گذشته و...آنرا نپذیرد.از سوی دیگر بسیاری از مردان وزنان وجوانانی (دختران وپسران) که به حفظ ظواهر دینی تقید دارند جزدرهنگام ضرورت به کوچه وبازارو خیابان نمی آیند. بسیاری از آنان از اینکه در کوچه وبازار پرسه بزنند و...اکراه دارند. بنابراین اگر بخواهیم قضاوت کلی در مورد جامعه بکنیم بایدهمه اینها را ببینیم، خوب است بدانید بر اساس تحقیقاتی که سازمان ملی جوانان انجام داده است ودر روزنامه کیهان، پنجشنبه ۸خرداد ۱۳۸۲ درج گردیده است : ۴/۷۶٪ درصد از جوانان نظام مبتنی بر ولایت فقیه را مظهری از مردم سالاری دینی دانسته اند ۷۶٪ معتقدند مردم سالاری دینی بهترین روش حکومت است. ۷۹٪ تحقق واجرای عدالت در جمهوری اسلامی را بهتر از سایر کشورهای اسلامی دانسته اند. ۷۷٪ درصداز جوانان قانون اساسی کشور را که براساس تعالیم دینی تدوین شده است از بهترین قوانین اساسی می دانند. آیا این درصد عظیم از جوانان را می توان با دین بیگانه دانست؟ دوست عزیز، دانشجو درشرایط کنونی که کشور، احساسات و شور وهیجان انقلابی وشور حماسی دوران دفاع مقدس را سپری کرده واحساس می کند باید به امور غیر رزمی وبازسازی وسازندگی ورسیدگی به امور دنیوی بپرازد ودر شرایطی که استکبار با همه توان وامکان خودش برای به زانو درآوردن این نظام مقدس به پا خاسته است. وظیفه وتکلیف ماوشمابسیار سنگین است. دشمن غدارکمر همت بسته است تا ثابت کند دین قادر به اداره جامه نیست وباید به گوشه و زوایای منازل ومساجد پناه ببرد و به مرور حذف شود. انقلاب اسلامی ایران برخلاف چنین اندیشه ای می‌خواهد ثابت کند دین اسلام قادر است سعادت دنیوی واخروی نوع بشر را تأمین وتضمین کند. بنابراین برادر ارجمندهمه ماباید در نهایت جدیت وباهمه وجود وتوان بکوشیم با شیوه های عملی درست وصحیح به هدایت عالمانه ومشفقانه نسل امروز بپرازیم واز طرد وحذف ونیش وکنایه جداً اجتناب ورزیم. باید بشیرونذیر باشیم. امید و

امیدواری را تزریق کنیم و با یأس وناامیدی مقابله ومبارزه کنیم وبرای تحقق اهداف عالیه دین مبین اسلام که اجرای عدالت وشفقت ورحمت واسعه است، با قلم و قدم وامر ونهی مشفقانه ودوستانه، مجدانه تلاش کنیم. دستان پر انرژی وتوانمند شما جوانان برومند و روشن ضمیر را در هدایت جامعه بسوی فلاح وسعادت ورستگاری به گرمی می فشاریم وبه همت عالیه شما چشم امید بسته ایم.

چرا پس از دو سه سال از انقلاب که گذشت درارتباط با مردم حشر و نشر و تعامل اجتماعی از صداقت افراد کاسته شده است و مردم در نتیجه بیشتر دچار استرس و اضطراب می گردند، آن قناعت و پاکی که در مردم وجود داشت، وجود ندارد. سئوال من این است چه کنیم تا این صداقت و قنا

پرسش

چرا پس از دو سه سال از انقلاب که گذشت درارتباط با مردم حشر و نشر و تعامل اجتماعی از صداقت افراد کاسته شده است و مردم در نتیجه بیشتر دچار استرس و اضطراب می گردند، آن قناعت و پاکی که در مردم وجود داشت، وجود ندارد. سئوال من این است چه کنیم تا این صداقت و قناعت مانند اول انقلاب حکم فرما گردد؟

پاسخ

برای پاسخ به سؤال شما بهتر است ما سفری به اول انقلاب داشته باشیم و این سئوال را طرح کنیم که چرا مردم ما انقلاب کردند؟ بی شک مردم ما (اکثریت تأثیرگذار) به مرحله ای از رشد فکری رسیده بودند که توانستند نظریه سیاسی اسلام را که توسط امام خمینی(طرح گردید بپذیرند. پس مردم دوران انقلاب ما به یک رشد علمی و اخلاقی بالایی رسیده بودندکه این مهم را انجام دادند، ولی جنابعالی در مقدمه سئوالتان از تغییر خصیصه اجتماعی افراد و رفتار آنها در طول دوران سخن گفته اید پس بهتر است مایک تقسیم ساختار در ابتدا ارائه بدهیم. الف ـ اخلاقهای ثابت افراد دراجتماع : بعضی از خلقیات در انسان می تواند ثابت باشد، حتی فرد اگر در اجتماعی مخالف آن روحیه زندگی کند با همه اصتکاکهای اجتماعی باز هم بر آن خلقیات پا برجا بماند. البته تغییر این نوع از خلقیات در دراز مدت ممکن است و چه بسا خیلی از مردم خلقیاتشان در دراز مدت تغییر می کند. البته به سن و طبقه اجتماعی افراد نیز این مهم بی ارتباط نیست. ۱- تغییر خلقیات افراد در اجتماع در دراز مدت : در دراز مدت می توان با تبلیغات روحیات افراد را تا حدی تغییرداد. تغییر روحیات افراد در جامعه در ارتباط اجتماعیشان پدیدار می شود. هر قدر روحیاتی مانند صداقت، درستی و راستی افراد در درونشان ریشه دار نباشد امکان تغییر به آسانی صورت می گیرد. ۲- عدم تغییر خلقیات افراد اجتماع : هر قدر خصیصه های خوب افراد اجتماع بیشتر تکرار شود و اصتکاک اجتماعی در برخورد افراد صورت نگیرد خلقیات افراد اجتماع ادامه پیدا کرده و رشد و تعالی پیدا می کند. ب ـ اخلاقهای متغییر افراد اجتماع : در برخی از اتفاقات اجتماعی و سیاسی افراد جامعه در مدت کوتاهی و به خاطر عواملی مختلف یک سری حالاتی پیدا می کنند که بعد از مدتی آن حالات را ترک می کنند. و باید عرض شود که اگر حال خوشی که انسان کسب می کند همراه با تفکر نباشد و استمرار نیابد و تعمیق نگردد، درمعرض خطر است و اگر تبدیل به ملکه شود و در درون قلب انسان ریشه یابد هرگز از روح، قلب و فکر انسان پاک نمی شود. معمولاً در انقلاب ها و کودتاها و یا برخی از اتفاقات خوب و بد اجتماعی این روحیات و حالات ظهور می کنند و بعد از مدتی فروکش می نمایند. از جمله عواملی که باعث ظهور این نوع روحیات می شود عبارت است از : ۱. خلق افراد تابع احساسات و هیجانها و عواطف اجتماعی : مثلاً به خاطر تلقینات صفت شجاعت در موقع جنگ افراد اجتماع شجاعتر به نظر می آیند و یا در موقع

بلاهای طبیعی مثل زلزله، مظلوم به نظر می رسند، و یا موقع انقلاب افراد احساس می کنند دنیا عوض شده و دیدشان تغییر کرده است. ۲. خلق و خوهای گزینشی در افراد جامعه : برخی از افراد اجتماع به خاطر منفعت ها و هم رنگ شدن با افراد برای سودطلبی اقدام به تظاهر و ظاهر سازی های شخصی و اجتماعی می نمایند و این رفتار بیشتر در همان اتفاقات اجتماعی خود را نشان می دهد. مثل انقلاب ها و جنگ ها و ... ممکن است برخی افراد جامعه خودشان را در انقلاب افراد مهذب و مخلص نشان دهند که بعد از مدتی درون اصلی‌شان خود رانشان می دهد. به نظر بنده مهمترین عاملی که صداقت افراد جامعه را در دوران انقلاب سبب می شد ، عبارت بود از : شخصیت والای امام(و انقلابیون : بی شک امام خمینی(تندیس اخلاق و صداقت بود. او الگویی بود برای تمام رهبران، انسانی مهذب و بزرگوار و صادق که باید سالها بگذرد که بزرگواری او خود را از پشت حجاب زمان نشان دهد. جوانان به او عشق می ورزیدند و او را مرشدی تمام برای خود می دانستند و او را الگوی همه چیز خود می‌دانستند و پیران به او اقتدا می کردند. در کنار امام(نیز شخصیت های وارسته ای همچون شهید مطهری، بهشتی، رجایی باهنر و ...بودند، در چنین شرایطی بی شک افراد جامعه یا به حقیقت یا به تظاهر خود را با صداقت نشان می دادند. ولی هر قدر که روزگار سپری شد برخی از افراد شعارهای اصلی انقلاب را زیر پا گذاشته و رفته رفته برخی از افراد جامعه مورد حملات تبلیغاتی گستردهٔ رسانه های مخالف انقلاب اسلامی قرار گرفتند از طرفی برخی از افراد از شرایط موجود سوء استفاده نموده و باعث شدند دلسردی جای امید را بگیرد اگر ما آن چنان رشادت وفداکاری را که در میدانهای جنگ داشتیم بعد از جنگ در دوران سازندگی ادامه می دادیم، شاید وضع اجتماعی ما این گونه نمی بود. پس باید به قول مقام معظم رهبری پیوسته در فکر اصلاح و انقلاب باشیم و سعی کنیم هر جا و هر قدر که خدا از ما بازخواست خواهد کرد و می کند سعی در اصلاح خویش داشته باشیم. به قول تولستوی نویسندهٔ بزرگ روسی، همه در فکر اصلاح جهان هستند و هیچ کس به فکراصلاح خویش نیست. ما اگر خودسازی و اصلاح نفس داشته باشیم خداوند ما را ترفیع می دهد، رشد می دهد، الگو قرار می دهد، چنانچه شایدخودمان متوجه نشویم. باید افراد شایسته را به مجلس و دولت بفرستیم. برای برگشتن به صداقت، قناعت و ساده زیستی باید قدم برداریم. ما که انتقاد می کنیم به زندگی خود توجه داشته باشیم که ما چقدر گرفتار شدیم. باید فرهنگ سازی شود تا جامعه ای درست نشود که رهبرانش هر قدر هم انسان های بزرگی مثل علی(باشند آنها را درمیدان های جهاد تنها می گذارند. و خدا دور کند از جامعه ای که هم گردانندگان آن بی صلاحیت باشند هم مردمانش، که دیگر از آن جامعه انتظار امر خیری نخواهد بود.

من نمی دانم به کدام ارگان یا شخص و جایی مربوط می شود ولی از شما سؤال می کنم آیا شما صبح ها از ساعت ۴ الی ۸ تا ۵/۸ سری به پارک ملت در ملأ عام زده اید که ببینید جوانان ما که برای امر به این پاکیزه و سالمی به نام ورزش به چه وضعی هستند؟! وقتی جوان و نوجوان من

پرسش

من نمی دانم به کدام ارگان یا شخص و جایی مربوط می شود ولی از شما سؤال می کنم آیا شما صبح ها از ساعت ۴ الی ۸ تا ۵/۸ سری به پارک ملت در ملأ عام زده اید که ببینید جوانان ما که برای امر به این پاکیزه و سالمی به نام ورزش به چه وضعی هستند؟! وقتی جوان و نوجوان من نوعی می خواهد به پارک مراجعه کند چطور می توانم او را منع کنم وقتی می‌بینم محیط سالم نیست.(وقتی بنده به مأمورین پارک اعتراض کردم گفتند از مقامات دستور آمده جوانان آزاد باشند نگذارید جوانتان اینجا بیاید)

پاسخ

که درارتباط با مسأله فساد اخلاقی جوانان دو گونه برخورد می توان داشت : یکی این که با تهدید و ارعاب و برخوردهای خشن مانع از تحقق فساد در جامعه شد و دیگر آن که بجای توسل به زور برای توسعه فرهنگی، کاهش ناهنجاریهای اجتماعی به اصلاح و دگرگونی باورها و نگرشها پرداخت. و تجربه نشان داده در این گونه موارد برخورد فیزیکی و ارعاب نه تنها کارساز نیست بلکه در بسیاری از موارد نتیجه عکس می دهد و از لحاظ روانشناسی نیز روش تنبیه و مجازات آخرین حربه تربیتی می باشد حال آنکه در طول سالیان گذشته ما برای اصلاح جامعه آنرا به عنوان اولین ابزار و وسیله به کار بردیم و با آن که رهبر معظم انقالب آیت ا...خامنه ای بر فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر بصورت لسانی تأکید ورزیدند اما متولیان امر به تجای امر و نهی زبانی به امر و نهی عملی و برخورد فیزیکی پرداختند و به جای اصلاح امور به تشدید آن کمک کردند. راه حل دوم برای اصلاح ساختار اجتماعی و کاهش ناهنجاریهای اجتماعی اصلاح و دگرگونی باورها و نگرشها است. اصلاح جامعه و روابط حاکم بر آن از جمله روابط دختر و پسر نیازمند بستر سازی مناسب و کارهای تأثیر گذار فرهنگی است. لابد می دانید تا زمانی که زشتی امری برای فرد فرد آشکار نشود از آن اجتناب نخواهد کرد و اگر شخص یا اشخاصی مانع از انجام آن شوند وقوع آن امر صورت مخفی و غیر علنی پیدا کرده و در خفا گسترش می یابد و به مرور ر صحنه اجتماع بروز و نمود خواهد یافت، و چون از گستردگی برخوردار گردد عملاً ممانعت و مخالفت عملی با آن به آسانی میسر نخواهد بود. البته ما نیز همانند ماخواستار محیلی سالم برای رشد اررشها و کمالات هستیم و همهٔ ما مسئول اصلاح وضع موجود بوده و از مسئولان نیز انتظار داریم راهکارهای عملی و تأثیر گذاری در این امر حیاتی ارائه و دنبال نموده و محیط را برای رشد ارزشهای انسانی اسلامی مهیا کنند. و در ارتباط با این مسأله که فرموده بودید چگونه جوانتان در محیطی که آلوده به انواع فساد است دچار آلودگی نشود، عرض می شود : اولاً ـ غیر از پارک ملت مکانهای ورزشی دیگری در سطح شهر احداث شده که برای اطمینان بیشتر می‌توانید جهت ورزش به آن مکان ها مراجعه کنید. ثانیاً تذکر این نکته خالی از لطف نیست که با این که محیط نقش زیادی در اخلاق و روحایات افراد باز می کند اما انسان ها در سخت ترین شرایط و بدترین محیط های اجتماعی می‌توانند با اراده ای قوی دامان خود را از آلودگی ها پاک نگه دارند. چنانچه در همین دوره کنونی بسیاری از جوانان سلیم العقل نه تنها آلوده به گناه نشده بلکه مراحل رشد و کمال معنوی خود را یکی پس از دیگری طی می کنند که البته این مسأله وابستگی بسیار شدیدی در مرحله اول به تربیت خانوادگی افراد و در مرحله دوم به تربیت مربیان دلسوز دارد. اول معلمانی که درس زندگی به کودک می آموزند و در دل پاک او نقش های خوب وبد ترسیم می کنند پدر و مادرهستند. اولین عاملی که دل بی آلایش طفل را به صفات پسندیده یا ناپسند متصف می کند و در وی تمایلات روا یا ناروا پدید می آورد تربیت خانوادگی است. امام باقر(می فرمایند" : فرزندان بشر با صلاحیت اخلاقی پدران خود از خطر انحراف مصون می مانند""۱ "البته از تأثیر دوست بد نباید غافل بود، چنانچه حضرت علی(در وصایای خود به امام حسن مجتبی(به این مسأله اشاره کرده و می فرمایند" : از مراکز بد نام بپرهیز، از مجالسی که مورد سؤظن است دوری کن، و بدان که رفیق بد دوست خود را فریب می دهد و میل او را به کارهای ناپسند تحریک می کند و سرانجام آلوده اش می سازد""۲ "در پایان به این مطلب نیز اشاره ای می کنیم که ؛ انقلاب و نظامی که با خون هزاران هزار شهید به ثمر رسیده است امانتی است الهی، و همه ما در حفظ و حراست آن مسؤلیم، لذا باید ضمن تلاش در جهت سالم نگه داشتن جوانان خویش در جهت حفظ ارزشها نیز بکوشیم و به صور مختلف در خصوص حفظ ارزش ها متوجه سازیم. در چنین محیطی یقیناً افراد سودجو و غیر ارزشی مجال فعالیت نخواهند داشت و کسی جرأت نخواهد کرد ارزشهای انقلابی و اسلامی را فدای بی بند و باری جوانان کند. منابع : ۱. بحار۱۵/ص۱۷۸ وسایل۳/ص۲۰۶

بهترین صورت شناساندن ولایت فقیه به مردم عام با تحصیلات کم چیست؟

پرسش

بهترین صورت شناساندن ولایت فقیه به مردم عام با تحصیلات کم چیست؟

پاسخ

از طرفی می دانیم که اسلام به همه نیازها وضرورتهای انسان پاسخ مثبت داده و برای آن قانون وضع کرده است تا آنجا که برای مسائل غیر ضروری و پیش پا افتاده نیز احکامی قرار داده است. نتیجه آنکه باید در دوران غیبت امام"ع "پیش بینی لازم را برای ضروری ترین و حیاتی ترین مسائل جامعه که حکومت است نموده باشد ونمی توان باور کرد که اسلام برای این مقطع از زمان که ممکن است طولانی هم باشد هیچ نوع پیش بینی نکرده باشد. زیرا فرض اینکه در جامعه ای حکومت اسلامی نباشد مساوی است با اینکه اسلام نباشد. به خاطر اینکه قوانین اجتماعی وسیاسی اسلام از قبیل مسائل اقتصادی، حدود، دیات، قصاص قضاوت و...همگی با نبود حکومت تعطیل وتنها مسائل اخلاقی وعبادی اسلام باقی می ماند که آن هم در یک حکومت طاغوتی و غیر اسلامی به طور صحیح وکامل پیاده نخواهد شد ودر نتیجه هیچ یک از احکام و مسائل اسلامی بدون حکومت و نظام اسلامی به طورکامل اجرا نمی گردد. بدیهی است که اسلام برای همه زمانها وهمه انسانها ست و محدود به زمان پیامبر و ائمه اثنی عشر"ع "نیست. بنابراین برای حفظ نظام و پیاده شدن اسلام که قطعاً مطلوب ومورد خواست خداوند است حکومت هم مطلوب ومورد خواسته اواست . واز اموری است که لازم است جامعهٔ مسلمین در انجامش بکوشند وبا توجه به هدف حکومت که بسط عدالت واجراء قوانین اسلام وتربیت جامعه با آداب اسلامی است ناچار باید دررأس حکومت، فقیهی عادل،مدبر وآگاه به زمان قرار گیرد تا حکومت اسلامی پیاده شود".)۱ "جهت اطلاع بیشتر ر ک : رعایت فقیه وحاکمیت ملت،سیدحسن طاهری خرم آبادی،ص۵۱

آیا ذکر نام مبارک امام حسین(با آهنگی تند وسریع برای تحریک جوانان سینه زن و همچنین مقابله با آهنگ های محرک هیجان آور غربی و داخلی کار درستی است؟ آیا این بی احترامی به اهل بیت(که مقامی بس بالاتر از اینها دارند نیست؟ آیا به جای اینکه برای مبارزه با فرهنگ غ

پرسش

آیا ذکر نام مبارک امام حسین(با آهنگی تند وسریع برای تحریک جوانان سینه زن و همچنین مقابله با آهنگ های محرک هیجان آور غربی و داخلی کار درستی است؟ آیا این بی احترامی به اهل بیت(که مقامی بس بالاتر از اینها دارند نیست؟ آیا به جای اینکه برای مبارزه با فرهنگ غرب روی عمق مطالب ذکر شده توسط امامان وهمچنین اهداف ایشان کار کنیم از نام مبارک ایشان بدون هیچ بهره فرهنگی و دینی برای مقابله با فرهنگ غربی و موسیقی آنها استفاده کنیم کار درستی است؟

پاسخ

با استفاده از سبک های جدید در صورتیکه موجب سبک شمردن ذکر مصیبت نشود مانعی ندارد. اما اگر مداحی به سبک موسیقی حرام اجرا شود وباعث ایجا غنا شود خواندن و گوش دادن به آن حرام است. مراد از آهنگهای غیر مجاز حرام همان موسیقی غنایی لهوی متناسب با مجالس لهو ومعصیت می‌باشد.بنابر آنچه ذکر شد : ۱. مداحی توأم با غنا حرام است ۲. از مداحی توأم با آهنگهای حرام باید اجتناب شود. البته تشخیص موارد یاد شده به عهده مکلف و تشخیص موسیقی حرام عرفی می باشد. اما ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که از آنجایی که باید حرمت ائمه (درهر حال حفظ شود به نظر می آید که حتی اگر به فرض مداحی به

سبک موسیقی غیرمجاز باعث غنا نشود به جهت امکان وهن نسبت به ائمه اطهار(باید از خواندن و استماع این نوع مداحیها اجتناب شود وعلت اجتناب نیز توهین آمیز بودن آن به مقام شامخ ائمه اطهار (می باشد و همانطور که شما دوست عزیز مرقوم داشته اید بجای تأیید و گسترش این سبک عزاداریها می بایست سیره علمی و اهداف ائمه(بیشتر مطرح و شفاف سازی شود و در این ارتباط تک تک افراد جامعه مسئولند. سوره سباء، آیه ۴۶ در این ارتباط می فرماید" : قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی" حضرت امام خمینی"ره "در صحیفه نور، ج۵،در توضیح این آیه چنین می فرمایند" : خداوند تبارک و تعالی در این آیه می فرمایند که یک موعظه به شما می کنم واین موعظه ای است که واعظش خداست وآورنده اش پیامبر اکرم(و می فرماید" : فقط یک موعظه است این موعظه اهمیتش خیلی زیاد بایدباشدکه با این تعبیر می فرماید آن موعظه این است که" : إن تقوموا لله مثنی و فرادی "اینکه قیام کنید برای خدا برای اقامه حق قیام کنید لازم نیست که اول یک اجتماعاتی باشد" ثم "انسان بعد از اجتماعات قیامی کند. یکی یکی هم این تکلیف هست مثنی و فرادی هم هست دو تا دوتا هم هست یعنی تنهایی تکلیف قیام لله هست میزان این است که انسان تشخیص دهد لله است و قیام برای خداست واگر لله شد از اینکه تنها هستیم و جمعیتمان کم است دیگر وحشتی نیست. قیام لله هیچ خسران ندارد. در پایان به نکته ای اشاره می کنم که قابل توجه می باشد؛ اسلام با اصل موسیقی مخالف نیست بلکه در بعضی موارد موسیقی ها را تجویز نموده است آیات قرآن کریم از آهنگ دلربایی برخوردار است وهمین آهنگ دلنشین بسیاری از کفار قریش را جذب نمود، روایات معصومین(نیز چنین هستند. پس اصل موسیقی دراسلام حرام نیست. درخصوص نام مقدس معصومین(نیز اگر در این حد از موسیقی و آهنگ استفاده می شود اشکالی ندارد و چه بسا جوانان را جذب نموده و به مرور دعوت به تفکر در سیره معصومین (نماید. نقطه مقابل آن بیان نام معصومین(است، با صدای زشت وساده که ممکن است تأثیر منفی در مستمع داشته باشد. مطلب دیگری که باید در خصوص سؤال شما بیان کرد این است که درهمه مسائل از واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح باید مقتضیات زمان و مکان رامد نظر داشت. درهمه زمانها و مکانها نمی شود یک حکم واحد کرد مگر در اصول مسلّمه لاتغییر اسلام. امیدواریم همه ما توفیق قیام لله برای بهبود وضعیت جامعه داشته باشیم. * صحیفه النور،ج۵،امام خمینی"ره"

۱- چرا کسانی که می خواهند برای نسل جوان برنامه ریزی کنند اول نظر خودآنها ونیاز آنها را از خودایشان سوال نمی کنند ؟

اشاره

۲- آیا فکر نمی کنید مقداری دیر شده و دیگر این حرکتها پاسخگوی نیازهای دقیق وظریف نسل جوان نیست ؟ ۳- به نظر شما آیا صادق ترین جوان هم از برگ

پرسش

۱- چرا کسانی که می خواهند برای نسل جوان برنامه ریزی کنند اول نظر خودآنها ونیاز آنها را از خودایشان سوال نمی کنند ؟ ۲- آیا فکر نمی کنید مقداری دیر شده و دیگر این حرکتها پاسخگوی نیازهای دقیق وظریف نسل جوان نیست ؟ ۳- به نظر شما آیا صادق ترین جوان هم از برگه سوالات پاسخی مورد نیاز خودخواهدیافت ؟ چرا رودر روی جوان پرسش و پاسخ نمی کنید؟

پاسخ

ج س ۱ : ۱) ماهم معتقدیم برای برنامه ریزی برای نسل جوان داشتن نیازها ونقطه نظرات جوانان ضروری ولازم است . ۲) اگر منظور شما همین طرح پاسخ به سوالات معرفتی و عقیدتی است , این واضح است که یکی از نیازهای واقعی و مهم نسل جوان , داشتن اطلاعات مفید از مسائل دینی ورفع شبهات وپرسشهای اعتقادی آنان است . واین طرح پس ازبررسی و کارشناسی لازم وبا توجه به نقطه نظرات جوانان مومن ومتدین وابراز نیاز از سوی آنان برگزار می شود . ۳) اگر منظور شمابرنامه ریزی در سطح کلان جامعه است , برای این منظور شورای عالی جوانان که مرکب از کارشناسان متخصص و با تجربه ومسئولین ذیربط کشوری است , باروشهای مختلف از نیازها و نظرات نسل جوان کسب آگاهی می نمایند . به عنوان نمونه از جمله جلسات برگزار شده توسط شواری عالی جوانان می توانید به دیداری که برگزیدگان نسل جوان دررشته های مختلف علمی ـ ورزشی ـ هنری وغیره با مقام معظم رهبری داشتندودرآن دیدار خواسته ها ونظرات خود را مستقیماً با ایشان مطرح نمودند و گفتگوی آنان بطور مفصل از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد ودررسانه های عمومی منعکس گردید , اشاره کرد . ۴) با همه این مطالب باید اذعان کرد که هنوز برای تحقق خواسته ها ورفع مشکلات نسل جوان فرصت بسیاری برای کارو عمل وجود دارد . ج س ۲ : ا) به هیچ وجه وهیچ وقت برای ارائه مطالب جدید وتوجه به خواسته ها و نیازهای نسل جوان دیر نیست . وبه قول معروف از هرجای ضررکه برگردی به نفع است . اگر تابه حال به دلایلی دربرخی زمینه ها به جوانان بی توجهی شده است دلیل نمی شود که این روند همچنان ادامه پیدا کند . ۲) مسئولیت این طرح , جوابگویی به شبهات وسوالات اعتقادی و معرفتی است نه پاسخ و حل نیازها و مشکلات نسل جوان و به نظر می رسد یک نوع تعامل فکری وفرهنگی مفیدی باشد .اساساً چنین انتظاری از یک موسسه ویک نهاد ویاحتی یک وزارتخانه انتظار بجایی نیست برنامه ریزی صحیح ودقیق می طلبد نهادها وسازمانها ازتوان از یک مجموعه فراتر است . دراین خصوص که هر نهادی متولی یک بخش از نیازهای اساسی اجتماع باشد زیرا حجم گسترده وظائف این طرح باید گفت : پاسخ به نیازهای عقیدتی وسیاسی نسل جوان . ج س ۳ : ۱) البته ارزیابی دقیق از میزان موفقیت این طرح واینکه سوال کنندگان محترم به پاسخ قانع کننده و مفید دست یافته اند یا نه , بعداً باید انجام شود . یکی از راههای رسیدن به این ارزیابی تکمیل فرم نظر سنجی ارسالی است که امید است مورد توجه دریات کنندگان پاسخ قرارگیرد . ۲) پاسخ به سوالات به دو شکل صورت می گیرد : حضوری وغیر حضوری . وهر کدام دارای محاسن ومعایبی است . مثلاً درشکل حضوری این خوبی را دارد که جوان و شخص سوال کننده می تواند صریح وبی پرده وباشهامت خواسته وسوال خود را مطرح نماید که چه بسا درنوشتن این مقدور نمی باشد . وهمچنین شخص پاسخگو می تواند مخاطب خود را ببیندوبهتر حرف او رابفهمد , ومرحله ای از مخاطب شناسی انجام گرفته و وضعیت سوال کننده را درک کند ودر نتیجه پاسخ مناسب تری ارائه نماید . ودرمقابل در شکل غیر حضوری هم فوایدی وجود دارد از جمله اینکه افراد می توانند مطالب راکه به دلایلی از گفتن آن درجمع ودرحضور دیگران خود داری می کنند بطور مکتوب مطرح نموده وبدون اینکه شخص سوال کننده شناخته شود جواب را دریافت نماید . ۳) علاوه بر پاسخگویی غیر حضوری , دراین طرح همایش های ویژه ای برای تحقق خواسته جنابعالی پیش بینی شده که در پشت برگه سوالات نیز ذکر شده است .

در پاسخ به افرادی که می گویند کسانی که در عزاداری ها شرکت می کنند ابتدا باید سیرهٔ عملی را یاد بگیرند بعد عزاداری کنند چه بگوئیم؟

پرسش

در پاسخ به افرادی که می گویند کسانی که در عزاداری ها شرکت می کنند ابتدا باید سیرهٔ عملی را یاد بگیرند بعد عزاداری کنند چه بگوئیم؟

پاسخ

حادثه عاشورا حادثه عظیمی در تاریخ اسلام بوده ونقش بسیار زیادی در سعادت مسلمان ها وهدایت مردم داشته است این حادثه در نظر ما بسیار با اهمیت است لذا باید با بزرگداشت وزنده نگهداشتن یاد وخاطرهٔ آن از برکات وآثار عاشورا استفاده کنیم. توجه به این نکته اساسی ضروری است که علاقهٔ ما شیعیان به اهل بیت"ع "و جریان عاشورا را وقیام سید الشهداء"ع "دراثر دو عامل تقویت می شود، پرواز محبان اهل بیت به سرمنزل عشق و محبت به معصومین"ع "با دو بال میسر است. الف : عامل احساس محبت وعاطفه ب : عامل شناخت وآگاهی حقیقت اینست که شیعیان به هردو عامل و هردو بال نیاز دارند یعنی عشق بدون شناخت وعاطفهٔ بدون آگاهی چندان مفید نسیت و شناخت بدون عشق ومحبت نیز کارساز نخواهد بود هر یک از این دو عامل در دیگری تولید اثر می کند. پس نباید از این دو عامل غفلت کرد. خصوصاً عامل شناخت وآگاهی. زیرا سوز وگداز شیعیان در مصائب اهل بیت وخصوصاً مصائب سید الشهداء با الطاف خداوندی واستمداد از روح سالار شهیدان در ما علاقمندان به ابا عبدا"..ع "بسیار زیاد است اما مراتب آگاهی و شناخت ما نسبت به اهداف آن بزرگوار و چگونگی پیدایش انقلاب عاشورا بسیار کم است . استاد شهید مرتضی مطهری دربارهٔ حادثه عاشورا می فرمایند" : حادثه کربلا یک تجسم است از اسلام درهمه جنبه ها اما جان دارو روح دار حادثه امام حسین گوئی برای ایجاد یک نمایش حماسی و پرخاشگری وتراژدی و وعظی و عشق الهی و مساوات اسلامی وعواطف انسانی، همه درآخرین اوج به وسیله قهرمانهای مختلف از پیر وجوان، زن ومرد، آزاد و برده ویا آزادشده، بالغ و کودک به وجود آمده وهمهٔ ابعاد اسلام را هم نشان می دهد. هم توحید وعرفان وعشق الهی و تسلیم ورضا ونرد محبت با حق باختن و پاکبازی با خدا، وهم درعین حال جنبه اعتراض و پرخاشگری شدید وهمدردی با محرومان، وهم حماسهٔ اخلاقی تحرک و تجسم شجاعت و حماسه انسانی، وهم وعظ واندرز وسکون خاص به آن، وهم برابری و مساوات اسلامی، وهم تجلی عالیترین عواطف اخلاقی واسلامی؛ مثلاً ایثار (داستان ابوالفضل"ع)، "فداکاری و سبقت درآن، اینست معنی جامع بودن قیام حسینی""۱ "بنابراین می بینیم که حادثهٔ عاشورا سیرهٔ عملی ائمه است که در حادثه عاشورا به نمایش درآمده است وبرای یادگیری این سیره یکی ازبهترین راه ها، عزاداری است که با تحریک احساسات وعواطف پیام عاشورا بطور بلیغی به مردم می‌رسد. آیت ا...مصباح یزدی دراین رابطه می فرمایند" : جواب این است که این صحنه ها باید به وجود بیاید که غیر از عامل شناخت، عامل احساسی، عاطفی نیز در ما تقویت شود. اگر این عواطف تحریک شود، آن گاه می تواند اثر کند. نمونه چنین تأثیری را می توانید در زندگی فردی ونیز زندگی اجتماعی خود بیابید. بخصوص در این سی ـ چهل سال اخیر که حرکت حضرت امام"ره "علیه دستگاه طاغوت وکفر شروع شد، ملاحظه کردید که درایام محرم وصفر نام سیدالشهداء"ع "وعزاداری سیدالشهداء"ع "مردم را به حرکت وادار می کرد. این شور وهیجان جز درایام عاشورا پیدا نمی شود وجز با همین مراسم سنتی عزاداری یا نظایر آن حاصل نمی شود، بایدعمل کرد ورفتاری نشان داد که احساسات وعواطف مردم را تحریک کند، آنگاه اثر بخش خواهد بود. این جا است که متوجه می شویم چرا امام"ره "بارها می فرمود آنچه داریم از محرم وصفر داریم.چرا این همه اصرار داشت که عزاداری به همان صورت سنتی برگزار شود؟ چون درطول سیزده قرن تجربه شده بود که این امور نقش عظیمی در برانگیختن احساسات وعواطف دینی مردم ایفا می کند ومعجزه می آفرینند. تجربه نشان داد که بیشترین پیروزیهایی که در دوران انقلاب ویا در دوران جنگ در جبهه ها حاصل شد، در اثر شور ونشاطی بود که مردم در ایام عاشورا وبه حرکت نام سیدالشهداء"ع "حاصل می کردند""۲ "درپایان مطلب سخنی از مقام معظم رهبری ذکر می شود که مطلب را تمام کرده اند" شما مداحان و گویندگان فضایل اهل بیت"ع "بهترین کسانی هستید که می توانید حلقهٔ عمل را به حلقهٔ محبت وصل کنید ویک سلسله و زنجیرهٔ واقعی به وجود بیاورید. برادران عزیز!این انقلاب دشمن دارد و دشمنان جدی هم دارد. اما انقلاب روی دوش ایمان مردم است واین ایمان بایدهم عمق پیدا کند، هم صفا وجلا وهم مردم به این ایمان تشویق شوند. لهذا کدام زبان می تواند برای این کار از زبان مدحان اهل بیت"ع "مناسبتر باشد""۳.(۱") حماسه

حسینی،ج۳،ص۳۴۳ (۲) آذرخشی دیگر ازآسمان کربلا،ص۲۱و۲۲ رازهای غم، ص۱۰۴

چرا امروزه به راحتی ازکنار برخی از مفاسد اجتماعی می گذریم؟

پرسش

چرا امروزه به راحتی ازکنار برخی از مفاسد اجتماعی می گذریم؟

پاسخ

بی توجهی نسبت به مفاسد اجتماعی دلایل مختلفی می تواند داشته باشد. از جمله طبیعی شدن موضوع بخاطر کثرت آن مانند پدیدهٔ بدحجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم برخورد قاطع ارگانهای مسؤول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفاسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن خود افراد و ضعف ایمان درهر حال برای مؤمنین در هر شرایطی امر به معروف ونهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راستا باید از اطلاعات کافی در شناخت معروف ومنکر و نحوهٔ انجام آن برخوردار باشد به فرمایش شهید مطهری امر به معروف ونهی از منکر از پند شروع می شود وبه بند ختم می‌شود ولی فاصله پند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت به آنها مؤثر واقع نشد باید از بند استفاده کرد اما متأسفانه عده ای فکر می کنند اولین وسیله برای برخورد وامر به معروف ونهی از منکر توسل و استفاده از بند است.

چرا نوجوانان و جوانان نسبت به مسائل دینی و امور مذهبی کم رغبت می‌باشند؟

پرسش

چرا نوجوانان و جوانان نسبت به مسائل دینی و امور مذهبی کم رغبت می‌باشند؟

پاسخ

عوامل زیادی دخالت دارد از جمله: ۱- عدم آشنایی به فلسفه دین و مذهب. ۲- مسامحه کاری و اهمیّت ندادن به مذهب. ۳- توهّم هدم سازش باور دینی با لذّات دنیوی. ۴- خانواده یعنی خانواده شان یا مذهبی نیستند یا مذهبی هستند منتهی جوّ معنوی در منزل حاکم نیست، یا جو معنوی هم حاکم است منتهی عمل کرد و برخورد خشن و غیر اصولی است. ۵- برخوردهای نامناسب افراد مذهبی با دیگران. ۶- عدم موفقیت متدصیان امر تبلیغ در استفاده شیوه‌های درست تبلیغ.

چگونه می‌توان برادران کوچکم را به نماز تشویق کنیم؟

پرسش

چگونه می‌توان برادران کوچکم را به نماز تشویق کنیم؟

پاسخ

آنان را سفارش کنید به مسجد بروند و با جماعت نماز بخوانند. فواید نماز را برایشان تذکر دهید. کتاب هایی درباره نماز نماز که مناسب با آنان باشد، برای آنان تهیه کنید. آیات و روایاتی که درباره بی نماز است و عذاب هایی که برای آنان مقرّر شده است به صورت ساده با زبان خودشان، برایشان توضیح دهید و آنان را از دوستان بد و بی نماز جدا کنید. به معلمشان بگویید که در کلاس به نماز تشویق کند.

برای معرفی اسلام و انقلاب و امام به مردم به ویژه نسل جوان چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟

پرسش

برای معرفی اسلام و انقلاب و امام به مردم به ویژه نسل جوان چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟

پاسخ

معرفی و شناساندن اسلام و انقلاب و امام باید در دو بخش نظری و عملی انجام گیرد؛ یعنی مبانی اسلام و انقلاب و تفکر امام ره باید در بین مردم به صورت شفاف و عمیق مورد بررسی قرار گیرد و به شبهات پاسخ داده شود و از طرفی نقش اسلام در احیای تمدن بشری و دستاوردهای انقلاب اسلامی و خصوصیات رفتاری حضرت امام در صحنه‌های مختلف سیاسی علمی، اجتماعی در قالب شعر و داستان و فیلم و غیره به صورت جذاب تبیین شود.

در شرایطی که روحانی محل به دلیل کهولت سن نمی‌تواند به وظیفه تبلیغی خود عمل نماید ما چه وظیفه‌ای دارم؟

پرسش

در شرایطی که روحانی محل به دلیل کهولت سن نمی‌تواند به وظیفه تبلیغی خود عمل نماید ما چه وظیفه‌ای دارم؟

پاسخ

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تنها به عهده روحانی محل نیست، بلکه این وظیفه بر دوش همه اقشار جامعه قرار دارد و در شرایط مذکور این فریضه مهم نباید ترک شود. در این راستا باید جوانان مؤمن و نیروهای فرهنگی در قالب تجمع و تشکیلات مذهبی از قبیل بسیج، انجمن اسلامی و غیره با جذب نوجوانان و برنامه ریزی دقیق در جهت ارتقای سطح فکری مردم و تشکیل جلسات مذهبی، ترویج فرهنگی کتاب خوانی، توجه به قرآن و اهل بیت(ع) معرفی الگوها و تأسیس کتا بخانه به وظیفه خود عمل نمایند.

یکتاپرستی به خصوص در دوره جوانی را بین کشور عزیزمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی مقایسه نمایید؟

پرسش

یکتاپرستی به خصوص در دوره جوانی را بین کشور عزیزمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی مقایسه نمایید؟

پاسخ

هیـچ کشوری در توحید و یکتاپرستی قابل قیاس با ایران نیست ; زیرا همه کشورها طوق بندگی وعبودیت آمریکا را بگردن انداخته اند.

چه کمبودهایی را در جامعه احساس می کنید که موجب دوری ما از یکتاپرستی ایده آل گشته است ؟

پرسش

چه کمبودهایی را در جامعه احساس می کنید که موجب دوری ما از یکتاپرستی ایده آل گشته است ؟

پاسخ

در جـامعه مـا هنوز عـدال کیفی به معنـای واقعی کلمه اجرا نمی شود و عقایـد دینی هنوز فراگیر وهمگـانی نیست , صـدق و راستی عمومی نشـده , شـرک و نفـاق برای رسـیدن به مقاصـد در مقیاس قابل توجهی حکم فرما است . اگر توکل و اتکال همه ما به خـدا باشـد اگر او را رازق حقیقی بـدانیم اگر عبـد واقعی او باشـیم امروز قطعـا مـدینه فاضـله را تشـکیل داده بـودیم , ولی هنوز از توحید واقعی فرسنگ ها دوریم .

چرا اداره مساجد وضـعیت مطلوبی ندارد؟ و گاهی افراد بدسابقه مجاور مسـجد هستند؟ چرا در عصر کامپیوتر و تکنولوژی , امور مساجد به طور رایانه این انجام نمی گیرد و وظایف روحانیون مشخص نمی شود تا آن هامسئولیت داشته باشند؟

پرسش

چرا اداره مساجـد وضـعیت مطلوبی ندارد؟ و گاهی افراد بدسابقه مجاور مسـجد هسـتند؟ چرا در عصـر کامپیوتر و تکنولوژی , امور مساجد به طور رایانه این انجام نمی گیرد و وظایف روحانیون مشخص نمی شود تا آن هامسئولیت داشته باشند؟

پاسخ

مطلب فوق دربارهء تمام مساجـد صـدق نمی کنـد, زیرا الآن مساجدبسـیاری در تهران و شـهرهای بزرگ وجود دارنـد که با شـیوهء مـدرن و برنـامه ءمشـخص و امکانـات پیشـرفته اداره می شونـد, حتی سازمـانی به نام در تهران و بعضـی شـهرها فعال هسـتند و امور مساجد را فیصله می دهند که اگر این امر با برنامه ریزی گسترش پیدا کند و نسبت به همهء مساجدتعمیم داده شود, مشکلات مرتفع خواهد شد ;البته چون اداره کنندگان اصـلی مساجد, مردم هسـتند و تأمین هزینهء آن به عهدهء آن ها است , طبیعی است فرهنگ و افکار مناطق گوناگون و توانایی مردم بی تأثیر نیست . در هر حال رفع نقص گسترده , زمان و امکانات بیش تری می طلبد.

چگونه می توان شخصی را که اتعقاد به مذهب و دین ندارد, به راه راست هدایت کرد؟

پرسش

چگونه می توان شخصی را که اتعقاد به مذهب و دین ندارد, به راه راست هدایت کرد؟

پاسخ

از دو راه می توان دیگران را هدایت کرد: ۱ تبلیغ منطقی و مستدلّ (وجادلهم بالّتی هی أحسن).(۱) استدلال و مجادلهء عاقلانه و با روش صحیح و بااخلاق حسنه ; ۲ تبلیغ عملی : وقتی رفتار و اخلاق خوب شما را مشاهده کنند, تحت تأثیر واقع می شوند (کونوا دعاةللناس بغیر ألسنتکم لیروا منک الورع والاجتهاد والصلاة و الخیر فانّ ذلک داعیة(۲;) مردم را با اعمال و رفتارتان هدایت روایت از امام صادق ۷است . کنید. اگر مردم از شما تقوا و ورع و عبادت و نماز و کارهای خیر را ببینند به خیر و صلاح هدایت می شوند). (پاورقی ۱.نحل (۱۶ آیهء ۱۲۵ (پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۶۷ ص ۳۰۳

آیا هم اکنون یزیدیان وجود دارند! در چه مناطقی زندگی می کنند و وظیفهء ما در برخورد باآنان چگونه باید باشد؟

پرسش

آیا هم اکنون یزیدیان وجود دارند! در چه مناطقی زندگی می کنند و وظیفهء ما در برخورد باآنان چگونه باید باشد؟

پاسخ

اگر مقصودتان این است که افرادی از نسل باقی مانده اند یا نه , از این مطلب اطلاعی نداریم . و اگر مراد شما از یزیدیان , کسانی است که منطق و عمل یزید را انجام می دهند و یزیدی رفتارمی کنند و با اسلام و دستورهای آن و با حسین زمان خود می جنگند, می توان گفت افرادی که اهل شراب و قمارو فسادهای اخلاقی و مبارزه با حق و امامت می باشند, یزیدی اند, که شاید تعداد آنان در دنیا فراوان باشد. در برخورد با آنان باید را پیدا کرد و همراه با ایشان به جنگ یزیدیان رفت . اما اگر مرادتان فرقهء است , آنان چند گروه هستند: ۱ یزیدیان : گروهی منسوب به و فرقه ای از خوارج نهروان هستند. ۲ گروهی دیگر کیش را صورت دگرگون شدهء دین زردتشتی و لفظ را از ریشهء به معنی یزدان می دانند. ۳ یزدیان , پیروان شیخ شرف الدین ... ابن روان , از مشایخ قرن ششم می باشند که از نسل یزیدبن معاویه است . ۴ یزیدیان سلسلهء شروان شاهیان اند, به اعتبار این که نام یکی از نیاکان آنان است . بدین مناسبت خاقانی , شروانشاهان را یزیدیان و آل یزید می خواند.(۱) (پاورقی ۱له .دهخدا, لغت نامه , ج ۱۴ ص ۲۱۰۳۳

عبرت های عاشورا برای جامعه و نسل جوان چیست ؟

پرسش

عبرت های عاشورا برای جامعه و نسل جوان چیست ؟

پاسخ

یکی از منابع مهم عبرت پذیری سرگذشت دیگران است . در قرآن نیزتاریخ امت های گذشته برای عبرت پذیری مطرح شده است . در سرگذشت فرعون آمده است : سرگذشت عبرتی است برای کسانی که خدا ترسند. <امام علی ۷فرمود: .(۱) یکی از حوادث

چرا با وجود نهادهای دینی (حوزه های , ارشاد, امور تربیتی ...) با هم جوانان روربرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دارد. مثلاً ـ شیوه های ایراد دارد. مثلاً شیوه های تبلیغی خشک و سستی است و مبتنی بر اصول روان شناسی و علمی نیست ...؟

پاسخ

برای ارائه تبلیغات موفق و قانون مند, نیاز به راهکارهای علمی و تحقیقی است . از این رو در جهان امروز, در خصوص تبلیغ و پیام رسانی , رشته های تخصصی به وجود آمده و صدها دانشجو به تحصیل مشغول هستند. از سوی دیگر تبلیغات امروز, با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار و شیوه های مانند استفاده ماهواره , رایانه وسایت های اینترنت ... به وجود می آید. متأسفانه یکی از آسیب های مهم تبلیغات جامعه اسلامی ایران , عدم همسو با شرایط زمان و تحولات است . بعداز گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی , هنوز تبلیغات ایران سنتی بوده و از رهیانت راهکارهای علمی برخوردارنیست . امروز جهان به دهکده ای تبدیل شده است که ارتباطات سریع شکل می گیرد و نسل جوان از این ارتباطات تأثیر می پذیرند. تبلیغات امروز که بیشتر از سوی غرب به وجود می آید, جوانان را قربانی شبیه خون فرهنگی کرده است . بی تردید تهاجم فرهنگی تغذیه فرهنگی می طلبد. نهادها و مراکز فرهنگی ایران در راستی تبلیغات موفق نبوده اند. تبلیغات همسو با شرایط زمان سیاست های کلان فرهنگی و استراتژی منطقی و معقول را می طلبد. البته هرجامعه ای علاوه بر آنکه از ابزارهای تبلیغات روز, باید بهره گیرد, ابزارهای سنتی خودش را نیز باید حفظ کند. درجامعه اسلامی ایران علاوه براینکه از شیوه ها و ابزار تبلیغات همسو با فرهنگ خود, استفاده کنند, از ابزارها وشیوه های تبلیغی مدرن نیز باید بهره گیرد. بر این اساس می توان گفت یکی از علل دین گریزی جوانان نبود تبلیغات قانون مند است , از این رو باید در ایران فرایند تبلیغات ضابطه پذیر و همسو با شرایط زمان شود. دین گریزی جوانان اختصاصی به عدم تبلیغات نظام یافته ندارد. بلکه عوامل مهم دیگر نقش زیربنای در دین گریزی جوانان دارد.خانواده ها, دوستان عبد صالح و محیط... عوامل تاثیر گذار هستند. برای گرایش جوانان ضروری است که خانواده هابا برنامه ریزی در محیط خانواده , جوانان را از آسیب های فردی و اجتماعی حفظ کنند. مدرسه ها به عنوان خانه دوم دانش آموزان نیز رسالت دارد که با طرح و برنامه های ضابطه مند, از دین گزی جوانان جلوگیری کنند. نهادها وحوزه های علمیه که نیز وظیفه دارند که با بهره گیری از ابزارها و شیوه های مناسیب , مانند تدوین مجله ها, مقاله ها...تبلیغات موفق را ارائه دهند. از سوی دیگر عزم ملی و سیاست های کلان فرهنگی می تواند, بزرگترین نقش را درگرایش جوانان به دین داشته باشد. که عملکرد مدعیان دین داری , از برنامه های دین جدا است . اسلام غنی ترین دینی است که عیب ندارد. و عیب ها در عملکرد مسلمانان ظهور می کند اسلام به ذات خود ندارد هیچ عیبی هر عیبی که هست از مسلمانی ما است > ۷- دعوت از امام جماعت شایسته برگزاری نماز جماعت نیاز به امام جماعت شایسته , اهل مطالعه و خوش برخوردارد اگر امام جماعت مشکلات جوانان را درک کرده و رفتار منطقی و معقول با آنان داشته باشد و مطالب همسو با نیاز جوانان را مطرح کند, جوانان بیشتر به نماز جماعت جذب می شوند . از سوی دیگر باید نماز جماعت ها طولانی شود که سبب خستگی جوانان گردد. ۸- شبهه زدایی امروزه که همه مردم , بویژه جوانان مورد تهاجم شبیخون فرهنگی دشمن قرار گرفته اند و دشمن با بهره گیری ازپیشرفته ترین ابزار تبلیغات مانند ماهواره و اینترنت , دین و اعتقادات جوان را نشانه گرفته است و جوان با دهها‌پرسش و شبهه روبرو شده است; ضرورت دارد که مسؤلان فرهنگی و حوزه های علمیه به شبهه زدایی بپردازند.گرچه شبهه زدایی سیاست های کلان فرهنگی و تبلیغات ضابطه پذیر را می طلبد. نویسندگان و رسانه ها صدا و سیماو مطبوعات , باید با تدوین مقاله ها, روزنامه ها و تهیه سریال ها و فیلم ها ی مفید, شبهه را شناسایی و سپس به رفع آن بپردازند. ۹- دعوتت از شخصیت ها یکی از راهکارهای مهم جذب جوانان به معنویت , بویژه به نماز جماعت , دعوت از شخصیت های وارسته و بامعنویت تقواگرا است .

قبـول و ردّ آن مرز جـدایی است هر آن کس را که در دین رسول است ولاـیت , مُهر و امضـای قبول است دیـانت , بی شـما کـامل نگرددبه جز با عشـقتان دل , دل نگردد(۱)]شافعی یکی از علمای اهل سـنت می گویـد:]کفاکم من عظیم القدر انّکم من لم یصلّ علیکم لا صـلاۀ له (۲)]در عظمت قـدر شـما ـ اهـل بیت ـ همین بس که هر کس در نمـاز بر شـما درود وصـلوات نفرسـتد, نمازش صحیـح نیست . در جامعه بایـد به اهل بیت : احترام گـذاشت و از آنان به عظمت یاد کرد. و باانتخاب نام های آنان برای فرزنـدان , تعظیم اهل بیت : را به نمایش گذاشت . معرفی کتاب و مجله دربارهء ابعاد شخصیت و زندگانی اهل بیت : گامی بلنددر معرفی اهل بیت : و ایجـاد علاـقه به آنـان است . والـدین , حکومت و همه ءرسـانه هـای گروهی بایـد بـا معرفی کتاب و آفرینش های فرهنگی وظیفهء خویش راانجـام دهنـد. سـاخت سـریال و به تصویر کشـیدن ابعـاد وجودی و فضایل اهل بیت :, یکی از راه کارهای آشـنایی جوانان به اهل بیت : می باشـد. مردم ایران , به ویژه جوانان ,عاشق معصومان : هسـتند و به تصویر کشـیدن جـذاب زنـدگانی آنان , جوانـان علاقه ءبیش تری به اهل بیت : پیـدا می کننـد. برای آشـنایی جوانان و ایجاد علاقه به قرآن راه های متعـددی وجود دارد! ۱ تبیین معارف بلنـد قرآن ; بی تردیـد معارف قرآن همسو با فطرت انسان ها بوده و در راسـتای نیاز آنان تشـریع شـده است و لذا اگر معارف قرآن تبیین شود, جوانان باآن بیش تر آشـنا می شونـد, آن گاه جذب قرآن خواهند شد. ۲ فعالیت های قرآنی ; یعنی ایجاد کلاس و درس , برای معرفی آن به جوانان است . ۳ تشویق حافظان و قاریان قرآن ; بعـد از انقلاب , چنین کاری در جامعه صورت گرفت و سبب شد طیف وسیعی از جوانان قرآن گرا شوند. ۴ برنامه های رادیویی و تلویزیونی نیز در گرایش به کتاب آسمانی مؤثر است . (پـاورقی ۱.جواد محدثی , ابیات مثنوی (اهل بیت آفتاب). (پـاورقی ۲.الغدیر, ج ۲ ص ۳۰۳

چند مجله و نشریهء خوب برای دانش آموزان نام ببرید.

پرسش

چند مجله و نشریهء خوب برای دانش آموزان نام ببرید.

پاسخ

مجلاـت زیـادی برای اقشـار مختلف جـامعه به ویژه دانش آموزان منتشـر می شود که مهم ترین آن عبارتنـد از: بیّنـات ; بـا معـارف اسلامی آشنا شویم ; سلام بچه ها ;پیوند ـ از انجمن اولیا و مربیان ; پوپک ; کیهان بچه ها وبشارت .

رزمندگان در جبهه بیش تر نمازشان را به جماعت می خواندند یا انفرادی ؟

پرسش

رزمندگان در جبهه بیش تر نمازشان را به جماعت می خواندند یا انفرادی ؟

پاسخ

رزمندگان علاقهء خاصـی به نماز جماعت داشـتند, اما مانع مهمی بر سر راه آنان , یعنی غالباًنمی توانستند تجمع کنند, چون احتمال خطر بمباران هوایی یا گلوله های خمپاره و موشک وجود داشت و فرمانـدهان ,آنان را از تجمع در یک مکان منع می کردنـد, مگر در مکـان هـایی که فاصلهء آن با دشـمن زیاد بود. در آن مکان ها مانعی برای تجمع نبود و حتماً نماز جماعت بر پا می کردنـد, به

ویژه اگر روحانی بود.

معنای لغوی واژهء نماز چیست و چه راه هایی برای جذب جوانان به نماز پیشنهاد می کنید؟

پرسش

معنای لغوی واژهء نماز چیست و چه راه هایی برای جذب جوانان به نماز پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

نماز که عربی آن است به معنی دعا و رحمت است ,(۱) و الآن به معنای عبادت مخصوص به شکلی که خوانده می شود, است . در مورد جذب جوانان به نماز, باید گفت اگر موانعی که بر سر راه جوانان برای رسیدن به کمالات معنوی است ,برداشته شود, جوانان جذب می شوند. جوان با روحیهء شاداب و پر هیجان و با رشد غرائز جنسی و بروز امیال نفسانی , موانع فراوانی بر سر راه دارد. نماز خود به خود جاذبیت دارد, مخصوصاً با روحیهء پاک و صافی که در جوان هست , تمایل او به خدا و معنویت از کسی که مدت طولانی با مظاهر دنیا دست به گریبان بوده , بیش تر است . چندنمونه از مانع ها را بر می شمریم : ۱ ترغیب و تشویق جوانان به شهوت رانی جنسی از طریق نشریات و فیلم و کتاب و عکس ها. ۲ جلوه وجذابیت های مظاهر دنیوی , از قبیل مدها و لباس ها. ۳ تشکیک در امور و شخصیت های معنوی . ۴ بیکاری و فقر اقتصادی . ۵ اخلاق بد پدر و مادر و برخورهای نامناسب با جوانان . هر کدام از این ها می تواند مانع بزرگی بر سر راه جوانان برای رسیدن به کمالات معنوی مخصوصاً نماز باشد. اماجاذبیت هایی که می توان ایجاد کرد: ۱ عملکرد عاقلانه و مدبّرانه علما و روحانیون , مخصوصاً ائمهء جماعات و داشتن روحیهء شاد و برخورد صحیح و گرم گرفتن با جوانان . ۲ تبلیغات صحیح و جذاب دربارهء نماز. ۳ بیان آثار و فوائد نماز و توجیه جوانان و ایجاد انگیزه در آنان . ۴ معلمان مدارس نقش بسیار مهمی در جذب جوانان به نماز دارند. ۵ نقش پدر و مادر و عملکرد آنان در خانه می تواند مشوّق خوبی برای فرزندان باشد. بدیهی است وقتی فرزندببیند والدین از نظر اخلاقی پسندیده و اهل نمازند, تأثیر مثبتی بر فرزند خواهد داشت . ۶ بردن جوانان به مکان های معنوی و مقدّس مانند مساجد و زیارت گاه های ائمه . (پاورقی ۱.مجمع البحرین , ج ۱ ص ۶۳۱

در خانواده ای مذهبی بزرگ شده ام , ولی پسرم که در دوم دبستان است , علاقه ای به قرآن و حفظآن ندارد و بیش تر به موسیقی و ترانه علاقه دارد. چه کنم ؟

پرسش

در خانواده ای مذهبی بزرگ شده ام , ولی پسرم که در دوم دبستان است , علاقه ای به قرآن و حفظآن ندارد و بیش تر به موسیقی و ترانه علاقه دارد. چه کنم ؟

پاسخ

عوامل مختلفی می تواند در تباهی اخلاقی نقش داشته باشد. ۱ تربیت ناسالم . چه بسا افرادی در خانواده هایی مذهبی تربیت یافته اند, اما با برخوردهای ناصحیح و تند وخشن بچه ها را که ظرفیتشان کم است , از دین و دین داری منزجر و زده می کنند یا بد

اخلاقی در داخل خانه از طرف پدر یا مادر, بچه را متمایل به افراد خارج از خانه می سازد و اگر دوستان خارج از خانه افرادی منحرف یا متمایل به انحراف باشند, باعث تمایل به فساد می شود. بنابراین پدر و مادر با رفتار خوب و سالم و عمل به دستورهای اسلامی کم کم بچه ها را تحت تأثیر خود قرار دهند و از جذب آنان به دیگران جلوگیری کنند. در این زمینه نقش مادرمخصوصاً برای کودکان و نوجوانان بیش تر است . ۲ آزادی بیش از اندازه به بچه ها دادن و این که بچه ها بدون هراس با هر کس رفت و آمد کنند. ۳ لوس و نُنُر بودن بچه ها مخصوصاً اگر در خانواده تک باشند و هر چه خواست , برایش تهیه کنند و هر کجاخواست , او را ببرند و کودک در زندگی خود هیچ رنجی و محنتی را تحمل نکند. ۴ بعضی از بچه ها که تمایل به فساد دارند, به طینت و خمیره و سرشت آن ها بر می گردد, حال از جهت پدری یااز ناحیهء مادری . که برخورد با این گونه بچه ها مشکلات زیادی باید متحمّل شد و باید سعی شود تا این گونه بچه ها اززمینه های فساد دور باشند و وقت بیش تری صرف هدایت آنان کرد و آنان را مشغول به کاری کرد, تا فرصت کارخلاف پیدا نکنند. حال جنابعالی از دوستان فرزندتان , جویا شوید. ببینید آیا آنان افراد صالحی هستند یا از طریق بعضی دوستان که خوش اخلاق و متدین هستند, با فرزندتان صحبت و سعی کنید کم کم او را همراه خود به مسجد ببرید, تا بابروبچه های مسجد آشنا و دوست شود.

مقصود از این که مردم باید با سنت های ماندگار علی ۷آشنا شوند, چیست ؟

پرسش

مقصود از این که مردم باید با سنت های ماندگار علی ۷آشنا شوند, چیست ؟

پاسخ

امام علی ۷یک سلسله کارهای اجتماعی , حکومتی , فعالیت های اقتصادی عام المنفعه و کارهای خداپسندانه داشت . ما که ادعا می کنیم : به علی ۷علاقه مندیم و از او الگو می گیریم و می خواهیم پیرو او باشیم و اورا امام و مقتدای خویش قرار بدهیم , باید اوّلاً: بدانیم که آن حضرت چگونه زندگی می کرد و ثانیاً: بعد از آگاهی وآشنایی به سیره اش , آن حضرت را الگو و مقتدای خویش قرار دهیم و به او تمسّک کنیم . به عنوان نمونه توجه شما رابه این واقعهء تاریخی جلب می کنم : روزی عثمان بن حنیف فرماندار حضرت در بصره در یک میهمانی باشکوهی شرکت کرد. در این میهمانی ثروتمندان حضور داشتند, ولی از مستمندان و بیچارگان خبری نبود میزبان غذاهای رنگارنگ را برای میهمانان آماده کرده بود, به مجرد این که امام علی ۷با خبر شد که فرماندارش در این میهمانی شرکت کرد, نامهء شدیداللحنی به او نوشت که محتوای این نامه درس بزرگی برای یکایک مسلمانان خصوصاً شیعیان است . حضرت فرمود: آن گاه آن چه حلال بودنش برای تو مشتبه بود از دهان بینداز و آن چه را یقین به پاکیزگی و حلیتش داری تناول کن ! آگاه باش ! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند. و از نور دانشش بهره گیرد, بدان ! امام شما ازدنیایش به همین دو جامه کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است , آگاه باش ! شما توانایی آن را ندارید که چنین باشید. امامرا با ورع , تلاش , عفت , پاکی و پیمودن راه صحیح یاری دهید, به خدا سوگند من از دنیای شما طلاو نقره ای نیندوخته ام ; و از غنایم و ثروت های آن مالی ذخیره نکرده ام و برای این لباس کهنه ام بدلی مهیا نساخته ام واز زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته ام . و از این دنیا بیش از خوراک مختصر و ناچیزی برنگرفته ام . این دنیادر چشم من بی ارزش تر و خوارتر از دانهء تلخی است که بر شاخه درخت بلوطی بروید .... من نفس سرکش را با تقوا تمرین می دهم و رام می سازم , تا در آن روز بزرگ و خوفناک با ایمنی وارد صحنه قیامت شود, در آن جا که همه می لغزند او ثابت و بی تزلزل بماند (فکر نکن من

قادر به تحصیل لذت های دنیا نیستم)به خدا سوگند اگر می خواستم می توانستم از عسل مصفا ... و مغز این گندم , و بافته های این ابریشم برای خود خوراک و لباس تهیه کنم , اما هیهات که هوا و هوس بر من غلبه کند و حرص و طمع مرا وادار کند تا طعام های لذیذ را برگزینم .در حالی که ممکن است در سرزمین یا کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان رانداشته باشد و نه هرگز شکمی سیر خورده باشد, آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالی که در اطرافم شکم های گرسنه و کبدهای سوزانی باشند؟ آیا به همین قناعت کنم که گفته شود: من امیر مؤمنانم ؟ اما با آنان در سختی های روزگار شرکت نکنم ؟! و پیشوا ومقتدایشان در تلخی های زندگی نباشم ؟ من آفریده نشدم که خوردن خوراکی های پاکیزه مرا به خود مشغول دارد, هم چون حیوان پرواری که تمام همش , علف است و یا هم چون حیوان رها شده ای که شغلش چرید و خوردن و پرکردن شکم می باشد و از سرنوشتی که در انتظار او است بی خبر است , آیا بیهوده یا مهمل و عبث آفریده شده ام ؟ آیاباید سر رشته دار ریسمان گمراهی باشم ؟ و یا در طریق سرگردانی قدم گذارم ؟ گویا می بینم گوینده ای از شمامی گوید: . آگاه باشید! درختان بیابانی چوبشان محکم تر است , اما درختان سر سبز که همواره در کنار آب قرار دارندپوستشان نازک تر (و کم دوام ترند), درختانی که در بیابان روییده و جز با آب باران سیراب نمی گردند, آتششان شعله ورتر و پر دوام تر است و من نسبت به پیامبر۶هم چون روشنی که از روشنایی دیگر گرفته شده باشد و هم چون ذراع نسبت به باز و هستم (بنابراین روش او را از دست نمیدهم) به خدا سوگند اگر عرب برای نبرد با من , پشت به پشت یکدیگر بدهند من به این نبرد پشت نمی کنم و اگر فرصت دست دهد که بتوانم آن را مهار کنم به سرعت بسوی آنان خواهم شتافت و بزودی تلاش خواهم کرد(< ...۱) (پاورقی ۱ـ نهج البلاغه , ترجمهء گویا و شرح فشرده , ناصر مکارم شیرازی , ج ۳ ص ۱۰۹ـ ۱۱۳

آیا وجود آموزشگاه ازدواج برای جوانان زیر نظر دولت خوب است ؟

پرسش

آیا وجود آموزشگاه ازدواج برای جوانان زیر نظر دولت خوب است ؟

پاسخ

ازدواج یکی از سنت ها و نعمت های الهی است و زناشویی و تأسیس زندگی مشترک خانوادگی یک خواسته طبیعی است که غرایزش در وجود انسان ها نهاده شده است تا جائی که رسول خدا۶فرمود: بنایی دراسلام پایه گذاری نشده که نزد خدا محبوب تر و عزیزتر از ازدواج باشد.(۱) در اسلام برای ازدواج و زندگی مشترک آدابی وجود دارد که بخشی از این آداب در کتاب های مختلف که در این زمینه تألیف شده است مانند ازدواج دراسلام آیت الله مشکینی آمده است . هم اکنون قبل از عروسی و در آغاز ازدواج در مرکز بهداشت جلساتی برای آموزش عروس و داماد تشکیل می دهند. (پاورقی ۱ـ محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۱۰۳ ص ۲۲۲

چرا با وجود نهادهای دینی (حوزه های , ارشاد, امور تربیتی ...) با هم جوانان روربرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دارد. مثلاً شیوه های ایراد دارد. مثلاً شیوه های تبلیغی خشک و سستی است و مبتنی بر اصول روان شناسی و علمی نیست ...؟

پرسش

چرا با وجود نهادهای دینی (حوزه های , ارشاد, امور تربیتی ...) با هم جوانان روربرو از دین گریزان می شوند. آیا شیوه تبلیغی این نهادها ایراد دارد. مثلاً ـ شیوه های ایراد دارد. مثلاً شیوه های تبلیغی خشک و سستی است و مبتنی بر اصول روان شناسی و علمی نیست ...؟

پاسخ

برای ارائه تبلیغات موفق و قانون مند, نیاز به راهکارهای علمی و تحقیقی است . از این رو در جهان امروز, در خصوص تبلیغ و پیام رسانی , رشته های تخصصی به وجود آمده و صدها دانشجو به تحصیل مشغول هستند. از سوی دیگر تبلیغات امروز, با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار و شیوه های مانند استفاده ماهواره , رایانه وسایت های اینترنت ... به وجود می آید. متأسفانه یکی از آسیب های مهم تبلیغات جامعه اسلامی ایران , عدم همسو با شرایط زمان و تحولات است . بعداز گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی , هنوز تبلیغات ایران سنتی بوده و از رهیانت راهکارهای علمی برخوردارنیست . امروز جهان به دهکده ای تبدیل شده است که ارتباطات سریع شکل می گیرد و نسل جوان از این ارتباطات تأثیر می پذیرند. تبلیغات امروز که بیشتر از سوی غرب به وجود می آید, جوانان را قربانی شبیه خون فرهنگی کرده است . بی تردید تهاجم فرهنگی تغذیه فرهنگی می طلبد. نهادها و مراکز فرهنگی ایران در راستی تبلیغات موفق نبوده اند. تبلیغات همسو با شرایط زمان سیاست های کلان فرهنگی و استراتژی منطقی و معقول را می طلبد. البته هرجامعه ای علاوه بر آنکه از ابزارهای تبلیغات روز, باید بهره گیرد, ابزارهای سنتی خودش را نیز باید حفظ کند. درجامعه اسلامی ایران علاوه براینکه از شیوه ها و ابزار تبلیغات همسو با فرهنگ خود, استفاده کنند, از ابزارها وشیوه های تبلیغی مدرن نیز باید بهره گیرد. بر این اساس می توان گفت یکی از علل دین گریزی جوانان نبود تبلیغات قانون مند است , از این رو باید در ایران فرایند تبلیغات ضابطه پذیر و همسو با شرایط زمان شود. دین گریزی جوانان اختصاصی به عدم تبلیغات نظام یافته ندارد. بلکه عوامل مهم دیگر نقش زیربنای در دین گریزی جوانان دارد.خانواده ها, دوستان عبد صالح و محیط... عوامل تاثیر گذار هستند. برای گرایش جوانان ضروری است که خانواده هابا برنامه ریزی در محیط خانواده , جوانان را از آسیب های فردی و اجتماعی حفظ کنند. مدرسه ها به عنوان خانه دوم دانش آموزان نیز رسالت دارد که با طرح و برنامه های ضابطه مند, از دین گزی جوانان جلوگیری کنند. نهادها وحوزه های علمیه که نیز وظیفه دارند که با بهره گیری از ابزارها و شیوه های مناسیب , مانند تدوین مجله ها, مقاله ها...تبلیغات موفق را ارائه دهند. از سوی دیگر عزم ملی و سیاست های کلان فرهنگی می تواند, بزرگترین نقش را درگرایش جوانان به دین داشته باشد. که عملکرد مدعیان دین داری , از برنامه های دین جدا است . اسلام غنی ترین دینی است که عیب ندارد. و عیب ها در عملکرد مسلمانان ظهور می کند اسلام به ذات خود ندارد هیچ عیبی هر عیبی که هست از مسلمانی ما است > ۷- دعوت از امام جماعت شایسته برگزاری نماز جماعت نیاز به امام جماعت شایسته , اهل مطالعه و خوش برخوردارد اگر امام جماعت مشکلات جوانان را درک کرده و رفتار منطقی و معقول با آنان داشته باشد و مطالب همسو با نیاز جوانان را مطرح کند, جوانان بیشتر به نماز جماعت جذب می شوند . از سوی دیگر باید نماز جماعت ها طولانی شود که سبب خستگی جوانان گردد. ۸- شبهه زدایی امروزه که همه مردم , بویژه جوانان مورد تهاجم شبیخون فرهنگی دشمن قرار گرفته اند و دشمن با بهره گیری ازپیشرفته ترین ابزار تبلیغات مانند ماهواره و اینترنت , دین و اعتقادات جوان را نشانه گرفته است و جوان با دهها‌پرسش و شبهه روبرو شده است; ضرورت دارد که مسؤلان فرهنگی و حوزه های علمیه به شبهه زدایی بپردازند.گرچه شبهه زدایی سیاست های کلان فرهنگی و تبلیغات ضابطه پذیر را می طلبد. نویسندگان و رسانه ها صدا و سیماو مطبوعات , باید با تدوین مقاله ها, روزنامه ها و تهیه سریال ها و فیلم ها ی مفید, شبهه را شناسایی و سپس به رفع آن بپردازند. ۹- دعوتت از شخصیت ها یکی از راهکارهای مهم جذب جوانان به معنویت , بویژه به نماز جماعت , دعوت از شخصیت های وارسته و بامعنویت تقواگرا است .

حضور جوانـان در جلسـات این گونه افـارد و بهره گیری از کلاـم و اخلاق حسـنه آنان ,اساسـی ترین نقش را در گرایش جوانان به معنویت دارد. چه بسـا جوانـانی که در معرض سـقوط اخلاـقی قرار گرفته بودنـد, که بـا ملاقات و دیـدار با بزرگان دین , قلهء رفیع معنویت را فتح کردند. ۱۰- معرفی اهل بیت ۷و معارف آنان یکی از راهکارهای مهم جـذب جوانان به معنویت معرفی اهل بیت ۷و معارف آنان است . جوانان ایران عاشـقانه و دلباخته اهل بیت ۷هسـتند که اگر زندگانی و معارف آنان درست تبیین شود, جوانان به معنویت گرایش پیـدا می کننـد. اگر جوانـان به زیارتگاههـا و اماکن مقـدسه برده شـده , آن گاه معارف اهل بیت بیان گردد, بیشتر تأثیر گذارخواهد بود.

یک هیئت عزاداری بر چه اساسی تأسیس می شود و نحوه پیشرفت و هدایت امر تبلیغ با چه روشی امکان پذیر است ؟

پرسش

یک هیئت عزاداری بر چه اساسی تأسیس می شود و نحوه پیشرفت و هدایت امر تبلیغ با چه روشی امکان پذیر است ؟

پاسخ

هیئت مذهبی , نوعی تشـکّل مذهبی بر محور عزاداری برای سید الشهدا و ائمه علیهم السلام است .مجموعه هایی از مردم هر محلّه , در شـهرها یـا رسوتاها که برای سوگواری و روضه خوانی نسبت به امام حسـین ۷ به ویژه درایـام عـاشورا تشـکیل می شود. هیئت , سنّتی دیر پا و مردمی است و با بودجه علاقه مندان به امام حسین ۷شکیل می یابد. در طول سال هم فعالیت می کند و جلسات هیئت برگزار می گردد, اما روز عاشورا, برای سـیه زنی وعزاداری از حسـینیه یا محله بیرون می آیند و به حرم ها و امام زاده و تکیه ها می رونـد. هر هیئت نـام خاص و پرچم وعلامت ویژه دارد. هیئت های عزادای گاهی متوسـلین به یکی از ائمه یا شـهدای کربلا هسـتند. هیئ...که نوعی سوگواری گروهی است , در قدیم هم رایج بوده و شیعیان به صورت دسته جمعی نوحه خوان و با تشکیلاک طعام , به زیارت قبر امام حسین ۷می رفتند. امام صادق ۷به فائد حنّاط که خبر اینگونه زیارت های جمعی را باز می گفت ,فرمود: هر کس قبر حسین ۷را زیارت کنـد, در حالی که به حق او آشـنا باشد, خداوند گناهان گذشـته و آینده او رامی آمرزد.(۱) برای این که در امر تبلیغ , پیشـرفت وجود داشـته باشد باید شـیوه حکیمانه اسلام در هدایت و ارشاد مردم که مستفاد از قرآن کریم است مورد توجه قرار گیرد. قرآن کریم طی آیه شـریفه ای , چگـونگی تبلیـغ و دعوت جوامع بشـری به دین خـدا را اعلاـم می دارد. کیفیت تبلیغ در اسـلام برنامه خاصـی دارد و باید در کادر معینی صورت گیرد.قرآن کریم می فرماید: شـریفه , باید روش خطابه و تبلیغ بر سه محور استوار باشد: ۱ حکمت و منطـق ۲ مواعظ بلیغ ۳ شـیوهء جدل ومجادله نیکوتر.(۲) برای توسـعه و گسترش همراه بـا کیفیت در خور شأن تبلیغ , بایـد به ...ř.....ŞЉریزی منسـجم و منظم در امر تبلیـغ Ř...Š.....ورزیـد و در خصوص اجرای آن بایـد از مبلغان توانا که تأثیرگـذار باشـند اسـتفاده نمود و از طرف دیگر شـناخت مخاطبان نیز می توانـد در تأثیر به سـزای تبلیغ نقش داشـته باشد. (پـاورقی ۱.جواد محدّثی , فرهنگ عاشورا, ص ۴۷۲ (پـاورقی ۲.محمد باقر شریعتی سبزواری , اصول و مبادی سخنوری , ص ۱۶۱و ۱۶۲

پیام عاشورا برای جوانان چیست ؟

پرسش

پیام عاشورا برای جوانان چیست ؟

پاسخ

پیـام زیاد است , از جمله : ۱ـ دست رد به سینهء نامحرم زدن و رهبری فاسـد و تبه کاری را نپـذیرفتن ; امام حسـین ۷فرمود: (۱) ۲ـ کرامت نفس و عزّت و شـرافت نفس پیدا کردن و زیر بار ذلّت و ننگ نرفتن , امام حسـین ۷فرمود: .(۲) در بیان دیگری فرمود: .(۳) ۳ـ در مقابـل بی عـدالتی هـا و نابرابری ها و ظلم و سـتم و فریب و دغل بازی ساکت نمانـدن و امر به معروف و نهی ازمنکر کردن; امام حسین ۷(۴). ۴ـ در راه حق از هیـچ چیز باک نداشـتن و همه چیز حتّی جان را فـدای حق نمودن . بعـد از گذشـتن از قصـر نبی مقاتعل , یکی از منازل بین راه مکه و کوفه , امام حسـین در جایی که سوار است بودنـد,خوابیدنـد و پس از آن که از خواب بیـدار شدند سه بار فرمود: . حضرت علی اکبر۷از علّت جویا شد. امام در جواب فرمود: . عرض کرد: مگر برحق نیستیم ؟ امام جواب مثبت داد. گفت : در این صورت از مرگ در راه حق بـاکی نـداریم .(۵) (پـاورقی ۱.مجموعه آثار, ج ۱۷ ص ۴۹ نقل از لهوف سید ابن طـاووس , ص ۴۷ (پـاورقی ۲.همان , ص ۴۶ (پـاورقی ۳.همان , نقل از ارشاد مفیـد, ص ۲۳۵ (پـاورقی ۴.شهید مطهری , مجموعه آثار, ج ۱۷ ص ۱۸ نقـل از مقتل الحسـین , مقرّم , ص ۱۵۶ (پـاورقی ۵.اعیان الشـیعه , ج ۸ ص ۲۶ طبق نقـل فرهنگ عاشورا, ص ۳۲۳-

به نظر شما آیا عزاداری ما فقط باید در دههء محرّم باشد؟ آیا تبلیغات ما در این زمینه کم نیست ؟ دراین صورت وظیفه چیست ؟

پرسش

به نظر شما آیا عزاداری ما فقط باید در دههء محرّم باشد؟ آیا تبلیغات ما در این زمینه کم نیست ؟ دراین صورت وظیفه چیست ؟

پاسخ

متأسفانه باید با کمال شرمندگی به این واقعیت تلخ اعتراف کنیم که عزاداری و تبلیغات ما درباره ءنهضت اباعبدالله ۷خیلی کم است . تازه در این مدت کم اهداف واقعی قیام اباعبدالله ۷بیان نمی شود و درسی که حسین ۷به انسان ها آموخت , به مردم تدریس نمی شود. وظیفه این است که : ۱ـ از روحانیون با سواد و متدیّن در این گونه مجالس استفاده شود و از آن ها خواسته شودکه از علل قیام اباعبدالله ۷سخن بگویند. بدبختانه امروزه در برخی از مجالس , تنها به دعوت مدّاحان و شنید مصیبت حسین ۷واهل بیتش بسنده می شود. ۲ـ بانیان متعـددّی پیـدا شونـد که هر کـدام یک دهه , مجلس عزاداری برپا کنند, چنان که در برخی شـهرها مثل تهران , قم , مشهد و اصفهان مرسوم است . ۳ـ در صورت عدم امکان تشکیل جلسات عزاداری , حداقل کتاب های مربوطه (مقتل های صحیح) را مطالعه کرده و از این طریق با واقعیت های قیام عاشورا آشـنا شوند. ۴ـ چنان چه از این طریق ممکن نباشـد, وظیفه این است که با مراکزی مثـل واحـد پاسـخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسـلامی قم مکاتبه نموده و شـبهات خود را با آن درمیان بگذاریـد و پاسـخ های خود را دریافت دارند.

آیا در جامعهء ما تمام اهداف امام حسین ۷پیاده می شود؟

پرسش

آیا در جامعهء ما تمام اهداف امام حسین ۷پیاده می شود؟

پاسخ

بعد از انقلاب شکوهمند و پرافتخار جمهوری اسلامی ایران , بیش تر اهداف مقدس حضرت اباعبدالله ۷در جامعه پیاده شده است و می شود. اگر چه در حد مطلوب و ایده آل نمی باشد. کراراً گفتیم : از جمله اهداف قیام اباعبدالله ۷عبارت است از: ۱ـ زنده کردن اسلام ; ۲ـ نشان دادن چهرهء واقعی دودمان بنی امیه ; ۳ـ اصلاح جامعه از نظر اعتقادی و عملی و اخلاقی , که متأسفانه در این خورد خیلی موفق نیستیم . ۴ـ از بین بردن سلطهء بنی امیه , که ما دست استعمارگران را از کشور جمهوری اسلامی ایران قطع کردیم , گرچه عده ای با انواع حیله ها می خواهند ما را دوباره گرفتار استعمار کنند. ۵ـ آزاد سازی ملّت از سلطهء زورمداران ; ۶ـ حاکم ساختن حق ; ۷ـ تأمین قسط و عدل اجتماعی , که در این مورد خیلی موفق نبودیم . ۸ـ زنده کردن سنّت بزرگ و سرنوشت ساز امر به معروف و نهی از منکر, که با کمال تاسف باید بگوییم : این سنت بزرگ در جامعهء ما خیلی ضعیف شده و بلکه در حدّ فراموشی قرار گرفته است . ۹ـ مبارزه با بدعت ها و کج روی ها و بدبختانه اخیراً به دست گروهی از روشنفکران , نادانسته یا مغرضانه کج روی های زیادی در جامعهء ما پیدا شده و می شود, مانند اعتقاد به پلورالیزم , سکولاریزم , قرائت های مختلف ,نداشتن حکومت دینی و مخالفت با حجاب و قصاص و...

قیام عاشورا و امام حسین ۷در دین و افکار جامعه های دیگر چه تأثیری گذاشته است ؟

پرسش

قیام عاشورا و امام حسین ۷در دین و افکار جامعه های دیگر چه تأثیری گذاشته است ؟

پاسخ

بسیار واضح و روشن است . انقلاب و قیامی که دم از آزادی و عدالت بزند و چگونگی امتناع از قبول ظلم و جور را نشان بدهد و غیرت و شجاعت و فداکاری و پایداری در برابر مصایب و ثبات قدم بر طریق حق را به دیگران تعلیم دهد و حرمت سکوت را دربرابر باطل و فساد ثابت سازد و بالاخره قیامی که ثابت می کند حق وفضیلت و عدل و ایمان در هر وضعی می تواند بر خودسری و مکر و حیله و ستم و کفر غلبه نماید, در افکار و عمل کرد و ایدئولوژی دیگران حتّی غیر مسلمانان اثر فوق العاده ای می گذارد. به عنوان نمونه گفتار چند نفر از رهبران واندیشمندان غیر اسلامی و اسلامی را به نظرتان می رسانیم : ۱ـ مهاتما گاندی , رهبر استقلال هند می گوید: اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد, بایستی از امام حسین پیروی کند. ۲ـ محمد علی جناح , قائد اعظم پاکستان می گوید: به عقیدهء من تمام مسلمانان باید از شهیدی که خود را درسرزمین عراق قربانی کرد, پیروی نمایند. ۳ـ موریس دوکبری می گوید: در مجالس عزاداری حسین گفته می شود: که او برای حفظ شرف و ناموس وبزرگی مقام و مرتبهء اسلام , از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت . پس بیایید ما هم شیوهء او را سرمشق قرار داده و از زیر یوغ استعمار بیرون بیاییم و مرگ با عزّت را بر زندگی باذلّت ترجیح دهیم . ۴ـ بالاخره عباس محمود عقّاد, نویسندهء و ادیب مصری می گوید: جنبش حسین یکی از بی نظیرترین جنبش های تاریخی است که تاکنون در زمینهء دعوت های دینی و یا نهضت های سیاسی پدیدار گشته است .(۱) همان طور که ملاحظه شد, حادثهء کربلا و قیام اباعبدالله ۷در افکار دیگران اثر فوق العاده ای داشته است . (پاورقی ۱.شهید هاشمی نژاد, درسی که حسین به انسان ها آموخت , ص ۴۴۷ طبق نقل فرهنگ عاشورا, ص ۲۸۳

نقش مساجد در تربیت جوانان چگونه است ؟

پرسش

نقش مساجد در تربیت جوانان چگونه است ؟

پاسخ

از این که با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . مسجد از صدر اسلام تا کنون پایگاه معنوی و اجتماعی مسلمانان بوده است . تاریخ مسجد با تاریخ اسلام گره خورده و این نهاد مقدس بی درنگ پس از بعثت پیامبراکرم ۶عهده دار نقش های مهم و گوناگونی در نهضت و انقلاب آن حضرت بوده است . مسجد پایگاهی است که نقش حساسی در تربیت جوانان دارد. انقلاب اسلامی ایران همانند نهضت صدر اسلام خود گواهی است بر این مدعا که مساجد کانونی برای جذب وتربیت جوانان تأثیر گذار باشند: ۱ در بُعد معنوی و اخلاقی : اگر جوانان با مسجد اُنس و پیوند داشته باشند, حالت درونی و معنوی خوب وخوشی برای آنان حاصل می شود. نماز جماعت تجلّی بخش حالات خوش و معنوی انسان هنگام ارتباط باپروردگار خویش و نقش ارزندهء آن در جهت ایجاد شور و نشاط بیشتر در مسیر الی اللّه است . اگر خمیرمایهء فکر و عمل جوانان با عبادات خدا در مسجد شکل بگیرد, با انجام عبادت خالصانه در این مکان مقدس , در اوج تقرب به حق تعالی قرار می گیرند. اگر جوانان با معنویت و عشق به خدا پرورش یابند, آینده ءدرخشانی را برای خود و جامعه ترسیم خواهند کرد. مسجد کانون مهمی جهت تقویت حیات معنوی و ارتباط با خدادر جان های مستعد جوانان است . ۲ بُعد اعتقادی و پاسخ به شبهات : دوران جوانی , دوران پرسشگری و مواجهه با شبهات است . مساجد فعال نقش مهمی در پاسخگویی به شبهات و پرسش های جوانان ایفا می کنند و مساجد به عنوان کانون های مهمی جهت پاسخگویی به مسایل و شبهات جوانان مطرح می باشند که در ابعاد مختلف مخصوصاً شبهات اعتقادی نقش مهمی ایفا می کنند; یعنی یکی از نیازهای مهم نسل جوان را پاسخگو هستند. مسجدی که امام جماعت فعال و مجموعهء پرتلاشی داشته باشد, می تواند در این مسیر موفق تر باشد. ۳ بُعد روابط اجتماعی : دوران جوانی , دوران بااهمیتی است که در این دوران به سرعت علاقه مند به گسترش روابط با دیگران و حضور در اجتماع است . مسجد کانون مناسبی جهت یافتن دوستان خوب و با ایمان است وشخص , با مشارکت در فعالیت های مسجد می تواند فعالیت اجتماعی سالمی را آغاز کند و عرصهء جدید روابطاجتماعی خود را به شکل خوبی توسعه و گسترش دهد.

راه های جذب جوانان به مسجد چگونه است ؟

پرسش

راه های جذب جوانان به مسجد چگونه است ؟

پاسخ

برای جذب جوانان به مسجد, باید مساجدی فعال و پویا داشته باشیم . در این زمان از یک سو دامنه ءتهاجم دشمن به قلمرو اندیشه های دینی گسترش یافته و از سوی دیگر, جامعهء ما یک جامعهء جوان است که شیفته ءآشنایی با مبانی اسلامی است . باید نهادهای مذهبی مانند در خصوص جامعهء جوان برنامه داشته باشند تااین جان های مستعد را در مسیر درست هدایت کنند. بی

گمان به عنوان سنگری که از آغازِ بنای آن تا کنون دارای نقش فرهنگی و آموزشی بوده است ,نمی تواند در خصوص نسل جوان و پرسشگر, ساکت و بی برنامه باشد. برای جذب جوانان به مسجد باید تمامی ابزارها و امکانات را در خدمت گرفت و یک فعالیت فرهنگی و تبلیغی پر جاذبه را از سنگر مساجد پی ریزی نمود.در مساجد با بهره گرفتن از روش های آموزشی و فرهنگی , مفاهیم بلند دینی را به صورتی زیبا ارایه دهند تا آمدن جوانانبه مساجد استمرار داشته باشد و جوانان گمشدهء خود را در این مکان مقدس بیابند و با این مکان مأنوس گردند. امروزه در کنار فعال نمودن مساجد, بنا نهادن مؤسسات و مراکز آموزشی , فرهنگی در کنار مساجد, یک ضرورت اجتناب ناپذیر به شمار می رود. این مراکز آموزشی وابسته به مساجد محسوب خواهد شد و اداره ومدیریت آن ها جدا از ادارهء مسجد نیست . چنان چه این مراکز بتوانند به اندازهء توان خود, پاسخگوی نیازهای مردم مخصوصاً نسل جوان در خصوص کتاب , نشریات سودمند, فیلم , نوار, مراکز اطلاع رسانی و حتّی نیازهای تفریحی باشند, زمینهء بسیار مناسبی برای جل بو جذب جوانان و دانش پژوهان به نماز و مسجد فراهم می آید. چه زیبا و دلنشین است هرگاه انبوه جوانانی که در کتابخانهء مسجد به مطالعه نشسته اند, با شنیدن آوای ملکوتی اذان , به مسجد بشتابند و پس از بجا آوردن نماز, به کار خود ادامه دهند. وجود چنین مراکزی در کنار مساجد وپیوسته به آن , نسل جوان را با مساجد پیوند می دهد.(۱) هر قدر در مساجد جاذبه های معنوی و مورد قبول جوانان تقویت شود, آسان تر سریع تر می توان جوانان را به مساجد کشاند و این پیوند را استمرار بخشید. (پاورقی ۱.رحیم نوبهار, سیمای مسجد, ج ۲ ص ۱۶۴

آیا جواب بودن امام جماعت و یا حتی خادم مسجد, در گرایش جوانان به مسجد نقش دارد؟

پرسش

آیا جواب بودن امام جماعت و یا حتی خادم مسجد, در گرایش جوانان به مسجد نقش دارد؟

پاسخ

جوان بودن امام جماعت نمی تواند معیاری برای گرایش جوانان به مسجد باشد, چون امام جماعت باید اوّلاً دارای فضایل علمی و اخلاقی باشد ;ثانیاً نزد مأمومین از مقبولیت برخوردار باشد, به نحوی که مردم رغبت داشته باشند به او اقتدا کنند. پیشوایان اسلام بر مقبولیت امام جماعت و اینکه مورد رضایت و پذیرش نماز گزاران باشد, تأکید فراوان نموده اند. اگر این مقبولیت نزد جوانان بیشتر شود, آن ها حضور فعال تری در مساجد خواهندداشت . امام جماعت باید با استفاده از تدابیر لازم جهت جذب جوانان و برخوردی پر جاذبه و کم دافعه , آنان را به این سنگر الهی دعوت کند. هر قدر امام جماعت با درایت و آگاه به زمان باشد, بهتر و سریع تر می تواند جوانان را به مسجد جذب کند. حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با این که جوان نبود, اما بهتر از همه ,جوانان را می شناخت و با آنان بود و جوانان و همهء مردم ایران به او عشق می ورزیدند و تا سر حد جان به او اعتقادداشتند. از این رو می توان عنوان کرد که جوان بودن امام جماعت موضوعیت ندارد, بلکه اما جماعت باید جوانان ونوجوانان و خواسته های آنان را بشناسد و رای آنان دوست و یاوری صدیق و هدایتگر باشد. جوان بودن امام جماعت ممکن است مشکلاتی را به همراه داشته باشد, همان طوری که عدم شناخت جوانان و تنها اهمیت دادن به بزرگسالان مشکل ساز خواهد بود و میزان جذب جوانان به مساجد را قطعاً پایین خواهد آورد. امام جماعت بایدنسبت به همهء مردم راهنما و مهربان باشد و با توجه به حساس بودن اقشار نوجوان و جوان , نسبت به آن ها برخوردمناسب و پر جاذبه ای داشته باشد. این امر قطعاً گرایش جوانان را به مسجد افزایش می دهد.

آیا وجود کانون فرهنگی , بسیج , کتابخانه و امثال آن را می توان از علل جذب جوانان به مسجددانست ؟

پرسش

آیا وجود کانون فرهنگی , بسیج , کتابخانه و امثال آن را می توان از علل جذب جوانان به مسجددانست ؟

پاسخ

وجود مراکز فرهنگی , کتابخانه و بسیج در کنار مسجد, نقش مفیدی در جذب جوانان به مسجد دارد.اگر این نهادها و مراکز بتوانند برنامه های مفید و تأثیرگذاری برای نسل جوان داشته باشند, زمینهء جذب جوانان به مسجد را به همراه خواهد داشت . جوانی که از لذت معنوی بهره مند شده است , سعی می کند این لذت معنوی را در چه بیشتر استمرار بخشد و پیوند خود با مسجد را مستحکم کند. هر اندازه که کانون های فرهنگی , کتابخانه و بسیج درکنار مسجد فعال باشند و برنامه های جالب , معنوی و مرد قبول جوانان داشته باشند, می توان امیدوار بود جوانان بیشتری به سوی مساجد جذب شوند. سرمایه گذاری این مراکز و نهادها برای هدایت و ارشاد نسل جوان باید بابرنامه ریزی مناسب همراه باشد و این خود موجوب افزایش تمایل جوانان به مساجد خواهد بود.

استقبال جوانان را در مساجد مختلف چگونه می بینید؟ علت عدم حضور برخی جوانان در مساجدچیست ؟

پرسش

استقبال جوانان را در مساجد مختلف چگونه می بینید؟ علت عدم حضور برخی جوانان در مساجدچیست ؟

پاسخ

استقبال جوانان و حضور آنان در مساجد مختلف فرق می کند. از بعضی مساجد جوانان استقبال خوبی می کنند و حضور آنان در عرصهء مسجد چشمگیر است . در بعضی دیگر حضور جوانان کم رنگ است و استقبال خوبی از آنان مشاهده نمی شود. عدم حضور برخی جوانان در مساجد می تواند علل مختلفی داشته باشد که برخی از آن ها را بر می شماریم : ۱ فرهنگ حاکم بر خانواده که نقش مهم و اساسی در ارتباط جوان با مسجد ایفا می کند ;به این معناکه هرقدرخانواده متدین باشد, در فرزند زمینهء علاقمندی و الگوپذیری در خصوص مفاهیم مذهب یو دینی و از جمله فرهنگ اُنس با مسجد, بیشتر آماده است . اگر فرزند در خانواده ای پرورش یابد که اعضای آن بیگانه با دین و مسجد باشند,قطعاً زمینهء ارتباط با فرهنگ دینی و مسجد بسیار کمتر مهیا می شود. ۲ فرهنگ حاکم بر محیط اطراف ; یعنی هر آن چه که جدای از محیط خانواده بر روی جوان تأثیر گذار است ,می تواند نقش مثبت یا منفی بر روی جواناناداشته باشد. هر محیطی که فضای فرهنگی نامطلوبی داشته باشد, زمینه عدم گرایش جوانان به مسایل دینی و پیوند با مسجد در آن کمتر خواهد بود. ۳ امام جماعت مساجد اگر انسان وارسته , آگاه به زمان و آشنا به نیازهای نسل جوان باشد, موجب جذب جوانان به مسجد می شود. اگر خدای ناکرده امام جماعت فاقد شرایط تأثیر گذار بر دیگران باشد, قطعاً استقبال کمتری خواهد بود و حتی زمینهء گریز جوانان از مسجد را ممکن است ایجاد کند. ۴ اگر مساجد از امکانات جانبی , مراکز فرهنگی و کتابخانه برخوردار باشند, جوانان بیشتری را می توانند جذب کنند. در مقابل اگر مساجدی باشند که از هیچگونه

امکانات جانبی برخوردار نباشند, قطعاً میزان استقبال جوانان کمتر خواهد بود.

خصوصیات مسجد فعال و امام جماعت خوب را بنویسید.

پرسش

خصوصیات مسجد فعال و امام جماعت خوب را بنویسید.

پاسخ

مسجد فعال مسجدی است که از خصوصیات زیر برخوردار باشد: ۱ حضور گسترده و چشمگیر مؤمنان و نمازگزاران در مسجد اولین نشانهء یک مسجد فعال است . حضورگستردهء مردم , جلوهء عملی مسجدی فعال و پویا است . ۲ امام جماعتی فعال , پر جاذبه و خوش برخورد داشته باشد و مقبولیت اجتماعی خوبی داشته باشد. این یک عامل مهم جهت جذب مردم به مسجد محسوب می شود. ۳ فعال بودن مراکز فرهنگی مسجد از قبیل کانون های فرهنگی و کتابخانه می تواند نقش مهمی در فعال نمودن یک مسجد داشته باشد. ۴ برخورداری مسجد از برنامه های تبلیغی و آموزشی مناسب یکی از محورهای فعال بودن مسجد محسوب می شود. خصوصیات یک امام جماعت خوب عبارت است از: ۱ مقبولیت اجتماعی : پیشوایان اسلام در کنار واجد شرایط برای احراز منصب امام جماعت , بر مقبولیت امام جماعت و این که او مورد رضایت و پذیرش نمازگزاران باشد, تأکید فراوان نموده اند. عمل به این رهنمود موجب حضور پر شور و علاقه مندانهء مؤمنان در مسجد و نماز جماعت خواهد بود.(۱) ۲ اخلاق شایسته و در خور شأن امام جماعت ; امام جماعت باید دارای اخلاق نیکو و شایسته ای باشد و بامردم به خوبی مدارا کند. امام جماعتی موفق است که بتواند با مردم , متواضع و خوش اخلاق باشد و به تعبیر دقیق ترعلاوه بر اخلاق فردی در بُعد اخلاق اجتماعی هم موفق باشد. ۳ شایستگی های علمی , اگر امام جماعت عالِمی دینشناس و متعهد باشد و در مسجد به تفسیر قرآن و آموزش مسایل دینی بپردازد, مسجد به کانون اجتماع مؤمنان و مشتاقان فضیلت تبدیل خواهد شد. ۴ نظم و انضباط ;اگر امام جماعت بخواهد پیوند مردم را با مسجد مستحکم تر کند و حضور مردم را روزافزون تر کند, باید منضبط و حضور او در مسجد منظم باشد. این امر موجب افزایش حضور مؤمنان در مسجد خواهدشد. (پاورقی ۱.رحیم , نوبهار, سیمای مسجد, ج ۲ ص ۲۶۳

ویژگی های یک مسجد جوان پسند کدام است ؟

پرسش

ویژگی های یک مسجد جوان پسند کدام است ؟

پاسخ

مسجدی مورد توجه جوانان قرار می گیرد که از ویژگی های زیر برخوردار باشد: ۱ امام جماعت و مجموعهء افرادی که در مسجد خدمت می کنند, اعم از هیأت امنا و خادم و سایر افرادی که به نوعی در ساماندهی فعالیت های مسجد مشارکت دارند, باید رفتاری پر جاذبه , صبورانه و با محبت نسبت به جوانان داشته باشند. در کنار محبت و مهربانی نسبت به جوانان , باید امام جماعت و مجموعهء مسئولان , در مسجد به آنان بهابدهند و از مشارکت آنان در امور مسجد استفاده کنند. ۲ هر مسجدی که مراکز فرهنگی

و آموزشی دارد, قطعاً بیشتر مورد پسند جوانان خواهد بود, چون فعالیت های فرهنگی و آموزشی به عنوان مکمل فعالیت عبادی , زمینهء بیشتری را برای جذب جوانان به مسجد مهیّا می کند وجوانان رغبت بیشتری پیدا می کنند که در مسجد حضور یابند. ۳ روزآمد بودن برنامه ها و فعالیت های مسجد نقش مهمی در افزایش حضور جوانان خواهد داشت . اگر برنامه های آموزشی , تبلیغی و کمک آموزشی در یک مسجد به صورتی تنظیم شود که نیازهای فرهنگی ,علمی و عاطفی جوانان را در حدّ مطلوبی تأمین کند, گرایش جوانان به آن مسجد بیشتر خواهد شد. وقتی جوانبه مسجد راه پیدا کرد, کم کم این رفت و آمد به اُنس و محبت تبدیل می شود, به حدی که دیگر جوان از مسجد تلقی بسیار نیکویی پیدا می کند و با آن مأنوس می شود.

برای نهادینه شدن اصول عقاید جوانان چه باید کرد؟

پرسش

برای نهادینه شدن اصول عقاید جوانان چه باید کرد؟

پاسخ

ایمان به خدا و رسوخ توحید در اعماق جان و باور یقینی به معاد و روز بازپسین و اعتقاد به نبوت خاتم پیامبران ۶و آن چه حضرتش برای هدایت و سعادت بشریت آورده است و ایمان به امامت دوازده امام معصوم : و اعتقاد به عدل الهی که اصول دین هستند, سرمایهء اصلی سعادت بشر می باشد. بهترین راه آشنایی بیشتر جوانان با اصول اعتقادی , گنجانیدن آن در کتب درسی و تکرار آن در کتاب ها و مقطع های بعدی تحصیلی به طور ژرف تر است .

برای تشکر از علمای دین و روحانیون چه باید کرد؟

پرسش

برای تشکر از علمای دین و روحانیون چه باید کرد؟

پاسخ

نقش علمای اسلام در دوران غیبت کبری که عصر غیبت امام عصر, امام زمان ۷است , در موردحراست از دین خدا و مذهب حقهء تشیع , در درجهء اول اهمیت است , زیرا زندگی بشر به دو دوره تقسیم می شود:زندگی در دنیا و زندگی در عالم پس از مرگ . زندگی در دنیا کوتاه مدت , ولی حیات در آخرت ابدی است . زندگی سعادتمندانهء جهان پس از مرگ کاملاً بستگی دارد به ایمان , تقوا و پاکی در دنیا, رسول خدا۶فرمود: .(۱) انسان هر چه در دنیا عمل کرد و آماده نموده همان را در سرای آخرت دریافت خواهد کرد. قرآن می فرماید: .(۲) دانشمندانی برای بشریت صنعت و فناوری به ارمغان آوردند و بدین وسیله خدمات بزرگی به جهان انسانیت نموده اند, ولی همهء این خدمات برای دنیای انسان است . اما علمای دین با هدایت مردم به سوی معنویت و دین دارکردن آنان , علاوه بر خدمت دنیایی , جهان ابدی انسان را آباد و سراسر نور و نعمت می کنند. با این حساب نعمتی که دیگران در این دنیا در اختیار انسان می گذارند, زودگذر و پایان پذیر و محدود است , ولی نعمتی که به وسیلهء هدایت عالمان دین به انسان می رسد, جاودان و همیشگی است . از همین جا ارزش والای علمای اسلام و فقهای دین و نایبان امام زمان ۷در زمان

غیبت کبری روشن می شود. امام دهم حضرت هادی ۷فرمود: .(۳) با این تأثیری که عالمان دینی در سعادت و خوش بختی ما دارند, وظیفهء ما آن است که اولاً پای بند به احکام اسلام شده و کاملاً به دستورهای آن عمل نماییم . این بهترین شیوهء تشکر از علمای اسلام است , چرا که بیش ترین دغدغهء آنان این است که مردم مسلمان با تقوا شده و زندگی پاک داشته باشند. در این صورت دین و دنیایشان آبادمی شود. ثانیاً حرمت و احترام علما را حفظ نماییم . امام علی ۷فرمود: .(۴) (پاورقی ۱.مرتضی مطهری , مجموعه آثار, ج ۲ ص ۵۲۰ (پاورقی ۲ .زلزله (۹۹ آیهء ۷ـ ۸ (پاورقی ۳ .محمد ری شهری , میزان الحکمهٔ, ج ۳ ص ۲۰۸۷ ماده علم , شماره ۱۳۹۱۹ (پاورقی ۴.محمد باقر مجلسی , بحارالاءنوار, ج ۲ ص ۴۴ حدیث ۱۳

قبل از انقلاب در تهران مرکزی برای برطرف نمودن غریزهء جنسی بود, اما بعد از انقلاب آن جا راخراب کردند و همه زن ها که شوهرانشان به علّت فروش مواد مخدّر و جرایم دیگر به زندان افتاده اند, مجبور به خودفروشی در سطح شهر تهران شده اند و هیچ کس نیست که رسیدگی کند.

پرسش

قبل از انقلاب در تهران مرکزی برای برطرف نمودن غریزهء جنسی بود, اما بعد از انقلاب آن جا راخراب کردند و همه زن ها که شوهرانشان به علّت فروش مواد مخدّر و جرایم دیگر به زندان افتاده اند, مجبور به خودفروشی در سطح شهر تهران شده اند و هیچ کس نیست که رسیدگی کند. مسئولیت دولت و مردم در این مورد چیست ؟

پاسخ

بروز و ظهور و گسترش بیشتر این گونه مفاسد, ریشهء اقتصادی دارد. مشکلات اقتصادی و فقر, اکثرافراد جامعه را دچار این گونه ناهنجاریها کرده است . دولت باید فقر را از جامعه بردارد و اخلاق اسلامی و نورعبودیّت خدا را در جامعه گسترش دهد. می توان گفت بیشترین نقش را در برطرف مفاسد دولت دارد, ولی وظیفه ءمردم در این مورد سنگین است . امر به معروف و نهی از منکر و کمک های مادی افراد خیّر برای زدودن فقر از افراد جامعه نقش به سزایی دارد.

علت کم رنگ شدن مسایل دینی و مذهبی در میان خانواده ها و نیز جامعه چیست ؟ باتوجه به این که بعضی مواقع ظاهراً مشکل اقتصادی وجود نداشته و یا شدید نیست ؟

پرسش

علت کم رنگ شدن مسایل دینی و مذهبی در میان خانواده ها و نیز جامعه چیست ؟ باتوجه به این که بعضی مواقع ظاهراً مشکل اقتصادی وجود نداشته و یا شدید نیست ؟

پاسخ

طبیعی است دین داری در هر زمانی , مشکل خاص خود را دارد. مقوله دین اگر چه جاذبه و مقبولیت عامه دارد, اما عمل به دستورهای آن که بیشتر سر از التزامات و تقیدات مخصوصی در می آورد, مقوله ای مشکل است . بسیاری از آدمیان در عمل , هم خدا را می خواهند و هم خرما را! هم از ترس آتش جهنم و رسیدن به وعده های چون بهشت و راحتی های دایمی , به عبادت

خـدای متعال بر می خیزنـد و هم دینای پر زنگ و جاذبه و مسـکنی راحت و مرکبی راهوار و رز زیور می طلبند. گویا برای همیشـه می خواهنـد بماننـد و حتی از مرگ هم نوعـان و خویشان عبرت نمی گیرنـد! عـده ای با دین معارضه و مبارزه می کننـد و عـده ای پاک سـرشت و نیک نهان باقی می مانند و عده ای خدا را بافطرت خویش می جویند, ولی دنیا رابر وفق طبیعت دانسته و با چنگ و دنـدان محـافظت می کننـد! ریشهء بـدبختی هـا وکم رنگ شـدن امور اعتقادی در چیست ؟ در احادیث و روایات اشاره شـده اسـت دوستی دنیا و علاقه منـدی با آن رأس تمام خطاها و لغزش ها است . حـدیث معروف (۱) گواه این مطلب است که دوستی بـا دنیا و نداشـتن هـدف و عـدم اسـتحکام پیوندها و پایه های اعتقادی , موجب کم زنگ و یا فراموش شدن مبدأ و معاد می شود. انسانی که دنیـا دوست می شود, غیر از خوردن و خوابیـدن و یـا در پی کسب محرمـات بودن ویاخـدعه و نیرنگ زدن به هم نوعان و تهمت و دروغ و غیبت گفتن و به لهو و لعب مشـغول شـدن , به چیز دیگری نمی اندیشد. طبیعی است هر اندازه بر حب و دوستی دنیا افزوده شود, اندازه و مقدار معنویت و امور مربوط به آن کاسـته می شود, زیرا روح برای پرواز و سـیر در ملکوت , نیاز به تصفیه و پالایش دارد و این مهم میسـر نمی شود جز به تقوای جسم از محرمـات و ریـاضت هایی که از حضور مادی بشـر کاسـته و بر درک معنواش می افزاید. قرآن می فرمای :.(۲) مفسـران دربارهء دوستی دنیا می فرمایند: این , نیاز به آموزش فکری و فرهنگی و عقیدتی و سپس تهذیب نفس دارد و از جمله اموری که می تواندبالاترین کمک را به سالکان راه در این مسیر کند, ملاحظهء عاقبت کار دنیاپرستان است . فراعنه با آن همه قـدرت و امکانات مالی , سـرانجام چه کردند؟ قارون از این همه گنج هایی که کلید آن ها راچندین انسان نیرومنـد, به زحمت می کشـیدند, چه اندازه با خود برد؟ قدرت های عظیمی را که در عصـر و زمان خودمی گیریم و با نسـیمی دفتر زنـدگی شـان بر هم می خورد و بـا یـک گردش لیـل و نهـاراز تخت فرو می افتنـد و کـاخ هـا وثروت هایشان را می گذارنـد و می گریزنـد و یا به زیر خاک پنهان می شوند, خود بهترین واعظ ما است(< ۳). نتیجه : علت اصـلی کم رنگ شدن ارزش های معنوی در جـامعه , نمودار شـدن هر چه بیش تر جلوه هـای مـادی ودنیوی است . بنـا به گفتهء قرآن زنـدگی دنیـا جز زینت و لهو و لعب و تفاخر نیست : (۴). اگر چه وجود مشکلات اقتصادی می تواند در به وجود آمدن بی نظمی و ناهنجاری ها مؤثر باشد, اما کم نیستند افرادی که در رفاه کامل به سـر برده , ولی از معنویت بهره ای ندارند. اینان مصداق اکمل افرادی هسـتند که حتی از زیادی خوشـی وراحتی , دل زده و خسـته می شونـد, چه رسد به این که نسـبت به امور معنوی اهمیت قائل شوند! (پـاورقی ۱. تفسیر نمونه , ج ۲۶ ص ۴۰۴ (پـاورقی ۲. ق (۵۰ آیه ۲۲ (پـاورقی ۳. تفسیر نمونه , ج ۲۶ ص ۴۰۸ (پـاورقی ۴. حدید (۵۷ آیه ۲۰

رونـد قانونی و متعارف جهت چاپ یک کتاب چیست ؟ چه مواردی باید لحاظ شود تا یک اثرآسان تر و سـریع تر به چاپ برسد؟ نظر به عدم تمکن مالی اینجانب چگونه و از چه مرجعی می توانم مورد مساعدت قرار گیرم ؟ در صورت تأیید مطالب از طرف شما, آیا می توانم از کمک و مساعدت شما

پرسش

رونـد قانونی و متعارف جهت چاپ یک کتاب چیست ؟ چه مواردی بایـد لحاظ شود تا یک اثرآسان تر و سـریع تر به چاپ برسد؟ نظر به عـدم تمکن مـالی اینجـانب چگـونه و از چه مرجعی می توانم مورد مساعـدت قرار گیرم ؟ در صورت تأییـد مطـالب از طرف شما, آیا می توانم از کمک و مساعدت شما برخوردار شوم ؟

پاسخ

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید سپاس گزاریم . شما در ترویج معارف اهل بیت : قابل تقدیر و تشکر است . برای چاپ

و انتشار یک کتاب , در ابتـدای امر مطالب و محتوای مورد نظر آماده می شود و سـپس مجوز نشـر را از وزارت ارشاد اسـلامی اخد می کنند. مرجع رسمی برای صدور جواز انتشار کتاب , وزارت ارشاداسلامی است که بعد از تأیید محتوا, مجوز انتشار را صادر می کنـد. برای این که یک اثر آسانتر و سـریع تر به چاپ برسـد, رعایت این امور قابل توجه است : ۱ برخورداری از پشتوانه مالی برای چاپ کتاب , ۲ تأیید محتوای کتاب توسط وزارت ارشاد اسـلامی . در صورتی که محتوای کتاب شما مورد تأیید ناشر قرار بگیرد و تمایل داشته باشد, از شما حمایت مالی می کند وبرای چاپ اثر شما, مساعدت به عمل می آورد. در خصوص تأیید و حمایت از اثر شمـا این واحـد از امکانـاتی برخوردار نیست و نمی توانـد از اثر علمی شـماحمایت مـادی بنمایـد. اما می توانیـد با ارایهء اثر خود به انتشـارات مختلـف و مراکز حوزوی , از حمـایت آن هـا برخوردارشویـد. ضـمناً برای این که اثر شـما از نظر محتوا و ترتیب و تنظیم بدون نقص باشد, سـزاوار است کتاب های آیین نگارش ویژهء نوشتهء دکتر احمد سمیعی گیلانی از انتشارات سمت و نوشته ءدکتر یا حقی و دکتر ناصح از انتشارات آستان قدس رضوی را مورد استفاده قرار دهید.

پرسش: نقش نماز در اصلاحات فرهنگی , سیاسی , اجتماعی و... چیست ؟

پرسش

پرسش: نقش نماز در اصلاحات فرهنگی , سیاسی , اجتماعی و... چیست ؟

پاسخ

فلسـفهء نماز بر کسی پوشیده نیست و دقت در متون آیات و روایات اسلامی , حکمت و فواید بیشتری در این خصوص را در اختیار انسان قرار می دهد که انسان بیش تر با فلسـفه و هدف و نتیجهء نماز آشـنا می شود: ۱ هـدف نماز, ذکر و یاد خداوند متعال است; ذکری که مقـدمهء فکر و فکری که مقـدمهء عمل باشد. در روایت آمده که امام ۷فرمود (۱) یعنی به یاد خدا بیفتد و به سـراغ حلال برود و از حرام چشم بپوشد. ۲ نماز وسیلهء پاک کردن گناهان است , زیرا خواه ناخواه انسان را متوجه توبه و اصلاح اعمال و رفتار گذشـته می کنـد. پیامبر اکرم ۶فرمود: .(۲) ۳ نمـاز مـاع و سـد بزرگی است در برابر گناهـان , چون روح ایمـان را در انسان تقویت کرده و نهال تقوا را در دل پرورش می دهـد. روی همین جهت شـرح حال افراد گناهکاری را نزد پیامبر۶و اولیای گرامی اسلام بیان می کردنـد و آنـان می فرمودنـد: نگران نباشـید. نماز آن ها را اصـلاح می کنـد و آرام آرام ایمانشان تقویت شـده و گناه را رهامی کنند. ۴ نماز غفلت زدا است , چون در ظرف , پنج بار نماز خواندن در شـبانه روز به انسان اخطار می کند و هدف آفرینش را به او گوشزد می کند و موقعیت او را در جهان به یادش می آورد, تا از خالق هستی غافل نشده و بداند ازکجا آمده و برای چه آمده و به کجا می رود. ۵ برطرف کننـدهء غجب و کبر (خودخواهی و خود برتربینی) است ; زیرا وقتی انسان روزی هفده رکعت نمازبخواند و در هر رکعتی بوباره پیشانی بر خاک گذاشته و اظهار تذلّل کند, این کار بهترین وسیله ابرای از میان برداشتن غرور و منیت است . امام علی می فرماید: .(۳) ۶ موجب پرورش فضایـل اخلاـق و تکامـل معنوی است . نماز انسان را از دیوارهء مادیت بیرون برده و به ملکوت آسمان ها دعوت کرده و با فرشتگان هم صدا و همسازمی سازد. امام علی ۷می فرماید: .(۴) ۷ ارزش و قبولی اعمال به نماز است . در حـدیثی می خوانیم : امـام صادق ۷فرمود: .(۵) شایـد دلیل این سـخن آن باشد که نماز رمز ارتباط نمازگزار با خالق عالم هستی است که اگر به طور صـحیح انجام گیرد, قصـد قربت و اخلاق در نماز زار زنده می شود که قبولی همهء اعمال به قصد قربت و اخلاص بستگی دارد. ۸ نماز شرایط صحت دارد که از این طریق دعوت به پاکسازی زندگی و اصلاح آن دارد. می دانیم مکان و لباس و فرشـی که بر آن نماز می گذارند و آبی که با آن وضو می گیرند و غسل می کنند, باید از هرگونه غصب و تجاوز و تعدی

به حقوق دیگران و افراد جامعه پاک باشد. کسی که آلوده به تجاوز, ظلم , ریا, غصب , کم فروشی , رشوه خواری و کسب اموال حرام باشد, چگونه می تواندمقدمات و شرایط صحت نماز را فراهم سازد؟ چنین کسی اگر بخواهد نماز بخواند, باید این گونه صفات و افعال رذیله را از خود دور سازد, تا جامعه اصلاح گردد. ۹ نمازعلاوه بر شرایط صحت , شرایط قبول یا کمال دارد ک رعایت آن ها عامل ترک بسیاری از گناهان واصلاح فرد و جامعه می باشد. در روایتی می خوانیم : .(۶) در روایات دیگر آمده : نماز پیشوا و حاکم ستمگر و کسی زکات اموال خود را نمی دهد و آن که غذای حرام می خورد و کسی که عجب و خودبینی و تکبّر می کند, قبول نیست . روشن رعایت این گونه شرایط به اصلاح جامعه و فرهنگ کمک می کند. ۱۰ نماز روح نظم و انضباط در انسان را تقویت می کند. چون نماز باید در اوقات معیّنی از روز و شب انجام بگیرد که تقدم و تأخر آن موجب بطلان می شود, واضح است مقید بودن به رعایت وقت , انسان و جامعه را منظم می کند که همه وقت شناس باشند و کار امروز را به فردا نیندازند ومردم را معطل و سرگردان نکنند.(۷) (پاورقی ۱.محمد باقر مجلسی , بحارالاءنوار, ج ۷۹ ص ۲۰۰ (پاورقی ۲.شیخ حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۳ ص ۷ ابواب اعدادالفرایض . (پاورقی ۳.نهج البلاغهٔ, کلمات قصار, شماره ۲۵۲ (پاورقی ۴.همان , شماره ۱۳۶ (پاورقی ۵.بحار, ج ۷۹ ص ۲۳۶ حدیث ۶۴ (پاورقی ۶.بحار, ج ۸۴ ص ۳۱۷و ۳۲۰ (پاورقی ۷ .تفسیر نمونه , ج ۱۶ ص ۲۸۹ـ ۲۹۴

تزیین مساجد باعث کم شدن مقام معنوی آن نمی گردد؟ چرا بر ساده بودن مساجد تأکید شده است ؟

پرسش

تزیین مساجد باعث کم شدن مقام معنوی آن نمی گردد؟ چرا بر ساده بودن مساجد تأکید شده است ؟

پاسخ

تزیین مساجد اگر به معنای منظم و تمیز بودن و زیبا سازی داخل مسجد باشد, اشکالی ندارد و از مقام معنوی آن نمی کاهد و با ساده بودن منافاتی ندارد, زیرا ساده بودن به معنای کثیف و نامنظم بودن نیست طلاکاری وتزیین مسجد به طلا و نقش و تصویر حیوانات و رنگارنگ کردن آن به طوری که باعث غفلت نمازگزاران شود, جائزنیست . محقق در شرایع فرمود: . مرحوم صاحب جواهر می فرماید: . مرحوم محقّق ادلّه ای برای تحیم طلاکاری آورده , از جمله : پیامبر به عبداللّه بن مسعود فرمود: .(۱) دلیل های دیگر ایشان در حرمت تزیین به طلاکاری , اسراف بودن این کار و بدعتبودن است , زیرا در زمان رسول خدا مسجدها را زینت نمی کردند. وقتی پیامبر وارد مسجد الحرام شد, دستور داد زیورها و نقش و نگارهایی را که به کعبه بود برداشتند.(۲) صاحب جواهر می فرماید: از این دلیل ها حرام بودن تزیین و نقش و نگار مسجد استفاده نمی شود, زیرا عثمان (خلیفهء سوم) مسجد را توسعه داد و دیوارهایش را با سنگ های منقوش بالا برد و ستون های مسجد را از سنگ هامنقوش قرار داد و امیرالمؤمنین ۷او را منع نکرد. نیز از امام کاظم ۷دربارهء مسجدی که دیوار طرف قبلهء آن راگچکاری یا رنگ کاری می کنند, سؤال شد, حضرت فرمود: اشکالی ندارد.() و اسراف یا بدعت بودن قابل قبول (پاورقی ۳.همان , ص ۹۱ به نقل از وسائل , باب ۱۵ از ابواب احکام مساجد. نیست و مخدوش است .(۳) بهتر است مساجد ساده و تمیز و نظیف و زیبا باشد. نقش و نگار یا طلاکاری در مسجد مذموم می باشد و از شأن مسجد به دور است , ولی مقام معنوی مسجد کم نمی شود گرچه ممکن است توجه نمازگزاران را از خدا و از نمازبکاهد و باعث کم شدن ثواب نماز شود. (پاورقی ۱.جواهر الکلام , ج ۱۴ ص ۸۹ به نقل از مکارم الاخلاق , ج ۲ ص ۳۴۴ (پاورقی ۲.همان , ص ۸۹ (پاورقی ۳.همان , ص ۹۱

منظور از احیای رفتار علوی چیست ؟

پرسش

منظور از احیای رفتار علوی چیست ؟

پاسخ

خواهر گرامی ! از این که با ما مکاتبه کرده و پرسش خود را با ما در میان گذاشتید سپاسگزاریم . مراد از احیای رفتار علوی , زنده کرده روش اخلاقی , اجتماعی , سیاسی و... حضرت امیر مؤمنان ۷است , مثلاًحضرت برای دنیا و پست و مقام ارزش قایل نبود و فرمود: .(۱) هنگام عزیمت برای جن با مردم بصره (جنگ جمل) ابن عباس می گوید: در سرزمین بر علی بن ابیطالب وارد شدم , در حالی مشغول اصلاح کفش خود بود. به من فرمود: قیمت این کفش چقدر است ؟ گفتم : اصلاً ارزشی ندارد. فرمود: .(۲) در بیت المال سختگیر بود و حاضر نمی شد حتی به نزدیک ترین افراد چیزی اضافه بدهد. حضرت در این باره می گوید: .(۳) امام سازشکار نبود و در این خصوص فرمود: .(۴) در مقام عمل هم چنین بود. به عنوان نمونه به محض این که مردم انتخابش کردند بعضی از حکام , از جمله معاویه را عزل کردند و در این خصوص حرف هیچ ناصحی را نپذیرفتند, در نامه ای به او نوشتند, طبق عقیده تان تعیین خلیفه به دست اجماع امت , همان مردمی که ابوبکر و عمر و عثمان را به خلافت برگزیدند مرا نیز انتخاب کردند. ازاین جهت همه باید مرا بپذیرند. اگر کسی اطاعت نکند باید او را به اطاعت وادارند, اگر مطیع نشد و تمرّد کرد طبق عقیدهء شما باید باو جنگید چون راه غیر مؤمنین را انتخاب نموده است .(۵) و در نامه ای به جرید بن عبداللّه بحلّی فرمان می دهد که به معاویه بگوید: تکلیف خود را روشن کند و کار را به امروز و فردا نیندازد, سپس او را بین جنگ وصلح مخیّر کن اگر پذیرای جنگ شد پیمان امان را به سوی او بیندازد و اگر صلح را پذیرفت از او بیعت بگیر.(۶) همان طوری که ملاحظه می شود امام ۷هیچگونه نرمشی نسبت به معاویه از خود نشان نمی دهد. سخت طرفدار ستمدیدگان و پا برهنگان و دشمن ستمگران و عیّاشان بود. به امام حسن و امام حسین ۸سفارش می کند: دشمن ظالم و یاور مظلومان باشید: .(۷) خود را در غم و اندوه مردم شریک می دانست . می فرمود: آیا تنها قناعت کنم که به من بگویند: امیرالمؤمنین , درحالی که در سختی های روزگار با آنان همدرد و در تلخ کامی ها جلو آنان نباشم ؟!(۸) از نظر مملکت داری و امور سیاسی ـ اجتماعی بسیار دقیق و آینده نگر و به فرمانروایان خود سفارش می کردتمام توان خود را در بهتر اداره کردن امور مردم به کار بگیرند. به عنوان نمونه بهمالک اشتر نخعی , استاندار مصرمی فرماید: ۱ قبل از این که افرادی را به کار بگماری و آن ها را در زمرهء کارمندان و حقوق بگیران قرار دهی , ابتدا آن ها راآزمایش کن . چنان چه به خوبی از بوتهء آزمایش به در آمدند, آن گاه آنان را استخدام کن ; یعنی تا دیانت و راستی ودرستی و التزام عملی به حکومت اسلامی توسط آنان را نیازموده ای به کار نگیر. ۲ از میان نویسندگان و منشی ها, صادق ترین و راز دارترین آن ها را انتخاب کن , تا اسرار مملکت و جنگ را دراختیار دشمن قرار ندهد و ایجاد مشکل نکند. ۳ خود را بیش از حد از مردم پنهان مکن , چون حاکمان با نشست و برخاست و سخن گفتن با مردم , بیش تر ازاحوال مملکت و رعیّت و اسرار و رموز کار آگاهی پیدا می کنند. ۴ متوجه بستگان و خویشاوندان خود باش . مبادا از موقعیت و منزلت شما سوء استفاده کرده و به مردم زوربگویند. احیای رفتار علوی یعنی زنده کردن این نوع روش های حضرت علی ۷ (پاورقی ۱.نهج البلاغه , خطبهء ۳ ترجمهء محمد دشتی . (پاورقی ۲.نهج البلاغه , خطبهء ۳۳ فیض الاءسلام . (پاورقی ۳.نهج البلاغه , خطبهء ۲۱۵ فیض الاءسلام و ۲۲۴صبحی صالح . (پاورقی ۴.نهج البلاغه , حکمت شماره ۱۱۰ترجمه آیت اللّه مکارم . (پاورقی ۵. نهج البلاغه , نامه ۶ فیض الاءسلام . (پاورقی ۶.همان ,

نامهء ۸ (پـاورقی ۷.همان , نامهء ۴۵ (پـاورقی ۸.نهج البلاغه , نامهء شماره ۴۷ فیض الاءسلام .

دسترسی به دانش افرادی که دارای سمت استادی در یک علم هستند از چند راه امکان پذیر است ؟آیا برای دسترسی به علم یک استاد در هر رشته ای حتماً باید به دانشگاه برویم ; یعنی در کنکور قبول شویم یا به حوزه علمیه بیاییم و چند سال درس بخوانیم ؟ آیا خارج از برنامه های

پرسش

دسترسـی به دانش افرادی که دارای سـمت اسـتادی در یک علم هستند از چند راه امکان پذیر است ؟آیا برای دسترسی به علم یک اسـتاد در هر رشـته ای حتماً باید به دانشـگاه برویم ; یعنی در کنکور قبول شویم یا به حوزه علمیه بیاییم و چند سال درس بخوانیم ؟ آیا خارج از برنامه های درسی این اساتید, راهی برای ارتباط با آن هاو پرسش وجود دارد؟

پاسخ

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید سپاسـگزاریم . برای دسترسی به دانش اساتید دانشگاه وحوزه , طریق متعارف , تحصیل در دانشـگاه هـا و حوزه هـای علمیه است . این آسـان ترین و بهترین روش بهره منـدی ازدانش اساتیـد است , چون انسـان بر اساس اسـلوب مشـخص بر دانش خود می افزاید و با حقایق آن آشنا می شود. راه فراگیری علوم و فنون , منحصر به تحصیل در دانشگاه و حوزه نیست , بلکه شـخص می توانـد بـا مطالعات عمیق وگسترده در رشـته و دانش مورد علاقهء خود, پیشـرفت نمایـد و از آگاهی های لازم برخوردار شود. به هر حال جهت کسب اطلاعات عمیق تر و پیمودن راه صـحیح , انسان باید از راهنما و استادی برخوردار باشد تا راه را از بیراهه به اونشان دهد. آثار قلمی و گفتاری اساتید و دانشـمندان هم می تواند مورد اسـتفاده افراد قرار گیرد و از این طریق افراد از نقطه نظرات انـدیشوران مطلع شونـد. نهـایت این که افراد از طریق مکـاتبه یـا پرسـش حضوری مشـکلات و معضـلات علمی خود را با اساتیـد در میان بگذارنـد و از راهنمایی ها و پیشـنهادهای آنان بهره منـد شوند. از این رو, انسانِ طالبِ علم وعاشـق کمالات فکری و معنوی سـعی می کند به جواب های مورد نظر برسد و در این راه از خود اسـتاد, آثار قلمی وگفتاری او و هر آنچه که او را به مطلوب برساند, کمک می گیرد. اما هر شخصـی به طور معیّن باید بداند که در چه گرایش خاصـی می خواهد مطالعه و تحقیق کند, بعد از آن باید به دنبال استاد آن فن و علم برود تا بتواند از سرمایه ءعلمی او بهره مند شود.

آداب و رسوم منطقـهٔ ما چند سالی است که متزلزل شده و رسم های خوب از بین رفته، ریا کاری ، چشم هم چشـمی، تجملات گرایی فراوان شده است . آنان که از نظر مادی وضعشان بهتر است بیشتر مورد احترام اند حتّی این مسئله در ساختن قبرها هم اثر کرده وقتی من این ها را می‌بینم

پرسش

آداب و رسوم منطقهٔ مـا چنـد سـالی است که متزلزل شـده و رسم هـای خوب از بین رفته، ریـا کاری ، چشم هم چشـمی، تجملات گرایی فراوان شـده است . آنـان که از نظر مادی وضـعشان بهتر است بیشتر مورد احترام انـد حتّی این مسـئله در ساختن قبرها هم اثر کرده وقتی من این ها را می‌بینم از مسلمانی زده می شوم وظیفهٔ ما چیست؟

پاسخ

از آثار تهاجم فرهنگی غربی بر کشور ما همین چیزهایی است که شما مطرح کرده اید. که اخیراً بیشتر شده و در سطح گسترده ای حتی در رسانه های داخلی رواج پیدا کرده است و این خود توطئه ای بر فروپاشی نظام اسلامی و تهی کردن نظام از ارزش های اسلامی است. رهبر معظم انقلاب فرمود: تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می گیرد . هم بی اعتقاد کردن به دین و هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی... در تهاجم فرهنگی، دشمن آن نقطه ای از فرهنگ خود را به این ملّت می دهد و وارد این کشور می کند که خودش می خواهد و معلوم است که دشمن چه چیز می خواهد. ما باید باور داشته باشیم که امروز آماج تهاجمات فرهنگی دشمنانمان هستیم. ایشان در قسمتی دیگر از سخنانشان فرمودند: هدف این است در سینما، در مطبوعات، حتی در رادیو و تلویزیون که مال دولت است، در سالن های فرهنگی، در جشنواره ها، در جای جای مناطق فرهنگی ، بخشی و مهره ای از آن مجموعه حاضر است. دارند کار می کنند اول هم فرهنگی محض حرکت کردند. حالا وارد مسائل سیاسی شدند.[۱] تهاجم فقط در عرصهٔ فرهنگ نیست بلکه مادی گرایی، تجمّلات در زندگی، اسراف و تبذیر، دزدی و کلاه گذاری و چپاول ، چشم و هم چشمی، مسابقه در اشرافی گری، افزون طلبی همه و همه از مفاسدی است که دامنگیر جامعه می شود و آن جامعه را بیمار می کند. ۱[۱] فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۲ به بعد با تلخیص.

آیا انسان می تواند کمک های مردمی را روی کاغذ بنویسد و در تابلوی مسجد نام اشخاصی را که کمک کرده اند، برای تشویق دیگران نصب کند؟

پرسش

آیا انسان می تواند کمک های مردمی را روی کاغذ بنویسد و در تابلوی مسجد نام اشخاصی را که کمک کرده اند، برای تشویق دیگران نصب کند؟

پاسخ

نوشتن و نصب نام افراد خیّر در تابلوی مسجد برای تشویق دیگران اشکالی ندارد مگر این که خود افراد خیّر از این کار راضی نباشند.

امروزه که همه جان سخن از تهاجم خانمانسوز فرهنگی و اثرات مخرب و زیانبار آن بر ارزش‌ها و بنیان‌های دینی جامعه است، آیا مادر ارایه صحیح و بهینه اسلام تعالیم انسان ساز آن به جوانان و نوجوانان موفق بوده‌ایم.

پرسش

امروزه که همه جان سخن از تهاجم خانمانسوز فرهنگی و اثرات مخرب و زیانبار آن بر ارزش‌ها و بنیان‌های دینی جامعه است، آیا مادر ارایه صحیح و بهینه اسلام تعالیم انسان ساز آن به جوانان و نوجوانان موفق بوده‌ایم.

پاسخ

در پاسخ سؤال شما با نهایت تأسف باید عرض کنیم که: ما آن طور که باید و شاید در این زمینه موفق نبوده‌ایم، اما به هر حال موفق شده‌ایم تا حدودی به بازسازی و احیاء ارزش‌های اسلامی که در دوران پهلوی در حال نابودی بود بپردازیم. برای مثال در چند دهه

پیش مفهوم جهاد در راه خدا جای خود را به حفظ تمامیت ارضی کشور و ایران دوستی و عشق به میهن بدل شده بود. یعنی ما از نوعی اعتقاد و ایمان به نوعی ناسیونالیسم محدود و حتی مضحک رسیده بودیم. هم چنین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، غیرت، شجاعت و ایثار و... در حال فراموشی بود، به طوری که نماد غیرت و شرف و ناموس در آن دوران قهرمان فیلم قیصر بود با آن چاقوی ضامندار و لهجه تهرانی و پاشنه‌های خوابیده‌اش. در بسیاری از ارزش‌های دیگر هم ما موفقیت‌های بسیاری در احیاء و بازسازی مفاهیم داشته‌ایم، ولی متأسفانه بیشتر ارزش‌های ما در همین مرحله مانده و ما نتوانسته‌ایم برای پیشبرد آن‌ها و پیاده کردنشان راهکارهای عملی مناسبی پیدا کنیم که امید است با توجه به رشد فکری نسل جوان و نوجوان و همت مردم و مسئولین با یک هم اندیشی اجتماعی وسیع بتوانیم به این دقیقه نیز دست پیدا کنیم.

چرا ازدواج سخت شده است؟ علل سختی و مشکلات ازدواج چیست؟

پرسش

چرا ازدواج سخت شده است؟ علل سختی و مشکلات ازدواج چیست؟

پاسخ

از نظر اسلام، یکی از محبوب‌ترین و با ارزش‌ترین مسائل ازدواج است. نبی گرامی اسلام(ص) فرمود: «هیچ بنایی در اسلام، نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست.("۱) ازدواج به قدری مهم است که پیامبر اکرم(ص) سه مرتبه فرمود: مردی که همسر ندارد، نیازمند است، هر چند متمول و ثروتمند باشد. "نیز سه بار فرمود": فقیر است زنی که شوهر ندارد، هر چند ثروتمند باشد.("۲) اسلام به گونه‌ای به ازدواج اهمیت می‌دهد که پیامبر(ص)فرمود": از سعادت مرد است که دخترش در خانه او حیض نبیند؛ "یعنی قبل از حیض به خانه شوهر رفته باشد.(۳) از نظر اسلام بهترین معیار برای انتخاب همسر، دین و اخلاق نیک است و سفارش می‌کند به خاطر ثروت با او ازدواج نکند. اسلام می‌گوید: ازدواج باید تحمیلی نباشد، مهریه سنگین نباشد، هزینه عروسی کمر شکن نباشد و متأسفانه پیروان اسلام به خصوص جامعه امروزی عملا از چنین فرهنگ غنی و واقع بینانه‌ای فاصله گرفته است، و در نتیجه ازدواج سخت شده است و بسیاری از جوانان از زیر بار این امر مقدس شانه خالی می‌کنند. این مسئله عللی دارد که به برخی اشاره می‌کنیم: ۱ – اعمال نظرهای یک سویه و آمرانه برخی از والدین عرصه را به قدری برای فرزندان تنگ می‌کنند که جوان حاضر است بمیرد اما ازدوا نگیرد. ۲ – به خاطر چشم و هم چشمی‌ها مهریه سنگین، جهیزیه‌های طاقت فرسا، خرج‌های اضافی و تشریفاتی به بهانه‌های مختلف مانند آبرو و شأن و مقام مثل فیلم برداری، تالار پذیرایی، دعوت از عده زیاد، تهیه لباس عروس، خرید طلا و تهیه لباس و لوازم داماد. ۳ – مشکلات اقتصادی موجود در جامعه، نداشتن مسکن، کار و درآمد بخور و نمیر، مهم‌تر از همه عدم قدرت تحمل برخی از والدین و آگاهی نداشتن به نقش حساس خود در مقابله با مشکلات و ایجاد آرامش در محیط خانواده و در نتیجه زیاد شدن درگیری‌های خانوادگی و افزایش طلاق. ۴ – حاکم نبودن جو صمیمی و دوستانه در بسیاری از خانواده‌ها. (۴) معمولا والدین حرف اول و آخر را می‌زنند. فرزندان هر چه بزرگو رشیده شده باشند، بچه فرض می‌شوند و به ارزش‌های اجتماعی، نیازهای جوانی، تفکر و اندیشه آنان توجه نمی‌شود. پی نوشت‌ها: ۱ – محدث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۵۳۱. ۲ – کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۹. ۳ – شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۲۳، ابواب مقدمات نکاح، حدیث ۱۲. ۴ – راهنمای نوعروسان و تازه دامادان، نادعلی صالحی.

جشن عروسی هایی که در این دوره می‌گیرند، سراسر گناه و بی عفتی است. جوان مؤمن اگر شرکت کند، دچار گناه می‌شود. اگر شرکت نکند مورد ملامت واقع می‌شود و می‌گویند: فلانی اجتماعی نیست. لطفاً بگوید اگر جوان مؤمنی بخواهد جشن عروسی بگیرد، باید چه کار کند، که هم ساده

پرسش

جشن عروسی هایی که در این دوره می‌گیرند، سراسر گناه و بی عفتی است. جوان مؤمن اگر شرکت کند، دچار گناه می‌شود. اگر شرکت نکند مورد ملامت واقع می‌شود و می‌گویند: فلانی اجتماعی نیست. لطفاً بگوید اگر جوان مؤمنی بخواهد جشن عروسی بگیرد، باید چه کار کند، که هم ساده نباشد تا مورد تمسخر قرار نگیرد و هم مجلس گناه و معصیت نباشد؟

پاسخ

آرزوی ما این بوده که در مملکت شیعه گناهی صورت نگیرد، امّا به رغم داشتن صدها هزار شهید و جانباز و آزاده و اسیر مشاهده می‌شود جشن عروسی‌ها با گناه و بی عفتی برگزار می‌شود به جای این که گناهکاران شرمنده باشند و مورد تمسخر قرار گیرند، باید جوانان و افراد مؤمن شرمنده باشند. جوانان متدین اگر مجلس زنانه و مردانه را جدا کنند، می‌توانند جشن خوبی برقرار کنند و می‌توانند کف و دف بزنند و به فتوای امام(ره) زن برای زنان و مرد برای مردان برقصند. جوان‌ها می‌توانند بعضی از مداحان را که می‌توانند از عهده مجلس جشن برآیند، دعوت کنند و از وجودشان استفاده کنند، به سبب تمسخر و ریشخند دیگران جایز نیست، جوانان متدین مجالس معصیت و لهو لعب بر پا کنند. آنان باید عملاً مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند و جشن عروسی را به گونه‌ای برقرار کنند که برای همگان آموزنده باشد.

اوقات فراغت خود را چگونه پر کنم، در حالی که در روستا نه کلاس آموزشی هست و نه تفریح؟ چگونه زندگیم را در دوران مجردی و متاهلی از حالت یکنواختی خارج کنم؟

پرسش

اوقات فراغت خود را چگونه پر کنم، در حالی که در روستا نه کلاس آموزشی هست و نه تفریح؟ چگونه زندگیم را در دوران مجردی و متاهلی از حالت یکنواختی خارج کنم؟

پاسخ

با توجه به این که شما دختری ۱۹ ساله هستی یعنی دختری دم بخت که انشاء اللّه در آینده نزدیک ازدواج خواهید کرد و دارای زندگی و شوهر خواهی شد، باید خود را آماده کنی آن چه را که زندگی به آن نیاز دارد بلد باشید. زندگی وقتی شیرین و با نشاط و صمیمی است که طرفین همدیگر را درک کنند و آن چه را که باعث خوشحالی یا ناراحتی همسر است بدانند و فضایی برای ایجاد خوشی‌ها و از بین بردن ناراحتی‌ها بیافرینند. بنابر این باید چند آمادگی را در خود ایجاد کنی. مشغول شدن به امور آمدگی برای تشکیل زندگی، قمیت عمده اوقات فراغت شما را پر خواهد کرد. آن چه که باید بدانید و خود را برای آن آماده نمایید: گل‌های گلخانه زندگی وقتی جوانه می‌زند و غنچه‌های آن باز و خندان می‌گردد که هر یک درصدد پیدا کردن راهی جهت جلب رضایت و خشنودی همسر و زدودن گرد و غبار خستگی و غم و ناراحیت از چهره وی باشد. هیچ خیر و سعادتی برای مرد بهتر و

بالاتر از این نیست که همسری خوش اخلاق، آگاه به وظایف خانه داری آشپزی و شوهر داری داشته باشد و از هنرهایی که نیاز زندگی است مانند خیاطی، گلدوزی و انواع کارهای دستی و بافندگی، آگاهی لازم را داشته باشد. بنابر این اوقات شبانه روز خویش را تقسیم کنید. قسمتی را به یادگیری نظری و عملی این گونه امور اختصاص بدهید. قسمتی دیگر را به مطالعه کتاب‌های مفید و هم چنین اشعار شاعرانی چون مولوی، سعدی، حافظ و پروین اعتصامی مخصوص گردانید. جوان پر انرژی است و نیاز به ورزش و نرمش دارد. جهت حفظ سلامتی تن و روان خویش قسمتی از اوقات را به انواع ورزش یا نرمش‌های مناسب بپردازید مثلا طناب زدن ورزشی است که در شهر و روستا حتی بدون خرج و هزینه می‌توان انجام داد. بنابر این با تقسیم اوقات شبانه روز واختصاص دادن هر قسمتی را به یک از کارهای مورد نیاز مانند خواب، عبادت، تفریح و میهمانی، ورزش، مطالعه، انجام کارهایی که به عهده شما است، یا می‌توانید خود را با آن سرگرم سازد، زندگی شما را از یکنواختی خارج می‌کند.

متأسفانه در شهر ما در مراسم ازدواج و عروسی از کنسرت موسیقی استفاده می‌کنند و بنده هم به شدّت مخالف این مسئله هستم واین امر، سدّ راه بزرگی بر سر ازدواج اینجانب قرار گرفته است، خواهشمندم برای این که بتوانم یک ازدواج ساده‌ای را ترتیب دهم، مرا راهنمایی بفرمای

پرسش

متأسفانه در شهر ما در مراسم ازدواج و عروسی از کنسرت موسیقی استفاده می‌کنند و بنده هم به شدّت مخالف این مسئله هستم واین امر، سدّ راه بزرگی بر سر ازدواج اینجانب قرار گرفته است، خواهشمندم برای این که بتوانم یک ازدواج ساده‌ای را ترتیب دهم، مرا راهنمایی بفرمایید.

پاسخ

مسائل دینی و شرعی و حلال و حرام، چیزی نیست که انسان بخواهد به خاطر چند روز زندگانی دنیا و یا مراسم ازدواج، آن را به بازی و تمسخر گرفته یا کنار زند، چرا که در روایت وارد شده": حلاله حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه. "تعصب و نگاه شما به خدا و قرآن و ائمه معصومین(ع) و قبر و قیامت مورد تقدیر و تشکر بوده و عنداللّه مأجور خواهید بود. به شما توصیه می‌شود اولا: در انتخاب همسر و شریک زندگی آینده خویش نهایت دقت را داشته باشید و همسر خویش را با مشورت بزرگان و نیکان دلسوز و صادق ، از خانوادههای مذهبی و نجیب و پای بند به موازین شرعی انتخاب کنید، این انتخاب، هم در مراسم ازدواج شماو هم در زندگی مذهبی آینده شما و فرزندانتان و پای‌بند ماندن نسبن به دین، مؤثر خواهد بود. ثانیا: قبل از انجام مراسم جشن ازدواج، خواسته مشروع خود را با والدین و فامیل‌های نزدیک وخانواده همسرتان در میان بگذارید و محترمانه از آن‌ها بخواهید مراسم را سنگین و شاداب و بدون آلودگی به مسائل حرام و نواختن موسیقی انجام دهند. با این کار وامر به معروف و نهی از منکر، حجت شرعی را بر آن‌ها تمام کرده‌اید. اگر در انجام مراسم و پیاده شدن خواسته مشروع شما خلاف شرع و یا مشکلی ایجاد شد، دیگر مسئولیت شرعی نخواهد داشت و عند اللّه مأجور خواهید بود. ما را از حال خود بی خبر نگذارید. منتظر نامه‌های بعدی شما و دوستانتان هستیم. .

در کشور ما چه قدر به برنامههای مذهبی و تبلیغ برای جوانان اهمیت داده می‌شود؟

پرسش

در کشور ما چه قدر به برنامههای مذهبی و تبلیغ برای جوانان اهمیت داده می‌شود؟

پاسخ

برادر گرامی، هر چند دولت اسلامی و نهادهای مختلف به امر تبلیغ و ارشاد مردم اهتمام ورزیده و بودجه هایی را برای آن اختصاص دادهاند، اما باید اعتراف کرد که در این بخش نقص‌ها و ناهماهنگی هایی وجود دارد، اعزام مبلغان از طرف دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات از جمله وظایفی است که در این راستا بر عهده گرفتهاند، در چند ساله اخیر توجه خاصی به تبلیغ و جذب جوانان صورت گرفته است مانند اقامه نماز در مدارس و دانشگاهها و طرح هجرت و تشکیل کلاس‌های تابستانی و طرح بسیج دانشجویی و غیره. علاوه بر این‌ها سازمان ملی جوانان هلال احمر و صدا و سیما نیز برنامه هایی برای جوانان ترتیب دادهاند اما آن چه ضرورت دارد عمق بخشی به کارها و هماهنگی آن‌ها و متمرکز ساختن امور پراکنده است که امیدواریم هر چند زودتر این مسئله اتفاق افتد.

چرا برای کشیدن جوانان و نوجوانان به مساجد بودجه‌ای منظور نمی‌شود؟

پرسش

چرا برای کشیدن جوانان و نوجوانان به مساجد بودجه‌ای منظور نمی‌شود؟

پاسخ

هر چند به این عنوان بودجه‌ای لحاظ نشده است اما به طور عام نهادهایی که متولی امور فرهنگی هستند قطعا بودجه هایی در اختیار دارند که می‌توانند در این راه مصرف کنند ولی متأسفانه غفلت هایی صورت گرفته است. البته جذب جوانان یک کار بسیار ظریف و تخصصی است که از عهده یک ارگان خارج است. این کار مهم یک برنامه جامع و هماهنگ می‌طلبد تنها با شعار و تبلیغ زبانی نمیتوان جوانان را به مساجد فرا خواند. مساجد به این شکل کنونی که فاقد امکانات لازم است نمی‌تواند در این راه موفق باشد. مساجد باید آراسته و پیراسته و جوان پسند باشد و از جاذبه‌های هنری و علمی در پیشانی مسجد استفاده شود. پاکیزگی، طراوت و زیبایی مسجد وتجهیز آن به امکانات هنری، ورزشی، نمایشی، کتابخانه، جوانان را به این کانون مهم فرهنگی راغب‌تر می‌کند. بدیهی است که امور مذکور، کار عظیمی است که برنامه دراز مدت و طولانی را می‌طلبد و تا همه ابعاد در نظر گرفته نشود نتیجه حاصل نخواهد شد. با توجه به تهاجم فرهنگی دشمن و سرمایه گذاری رسانه‌های گروهی غرب در انحراف جوانان لازم است در جهت مقابله با آن به جوانان توجه بیشتری صورت گیرد این توقع بجایی است که همه دلسوزان انقلاب ودردمندان جامعه دارند.

چگونه می توان شاخصه ها و ویژگی های عزت و افتخار را در عصر کنونی مد نظر قرار داد؟ راهکار های کاربردی ایجاد عزت حسینی چیست؟

پرسش

چگونه می توان شاخصه ها و ویژگی های عزت و افتخار را در عصر کنونی مد نظر قرار داد؟ راهکار های کاربردی ایجاد عزت حسینی چیست؟

پاسخ

بیـان راهکار های کاربردی ایجاد عزت و افتخار حسـینی، شاخصه ها ومؤلفه های عزت وافتخار حسـینی را نیز مشـخص می کنـد. از این رو در این نوشـته به راهکارهـای کـاربردی ایجـاد عزت و افتخـار حسـینی پرداخته می شود. راهکارهای ایجاد جامعـهٔ عزت مند متعدد بوده، به برخی از آن ها اشاره می شود: ۱- عزت مندی و استقلال گرایی: بی تردید همهٔ انبیا در صدد جامعه ای مبتنی بر دین مـداری، عزت منـدی و خدا محوری بودند؛ از این رو با دین ستیزان و سـتمگران مبارزه می کردند. امام حسـین(ع) به عنوان رهبری آزادی خواه در برابر یزید قیام نمود، زیرا یزید سـتمگر و دین ستیز بود و جامعهٔ اسلامی را به ستمگرایی و دین ستیزی سوق می داد. از سوی دیگر فـاسق و فاجری بود. بودن چنین رهبری با جامعه عزت منـد منافات داشت. امام حسـین(ع) به رغم این که می دانسـت آیندهٔ جنگ به نفع او نیست، در برابر ستم و زورگویی یزید تسلیم نشد و او را رهبر جائر خواند[۱۷] و با او بیعت نکرد، زیرا بیعت با یزید نوعی ذلت بود و ذلت در فرهنگ امام حسـین(ع) جا ندارد. او در برابر بیعت خواسـتن یزید فرمود ": مرا بین دو چیز : شمشیر و ذلّت مخیّر نموده است. ذلت از ما بسـیار دور است.["۱۸] همو فرمود" موت فی عزٍّ خیرٌ من حیـاه فی ذلّ.["۱۹] امام حسین(ع) تسلیم شدن در برابر ستم را عار دانسته[۲۰] و اهل بیت خود را همراه برد تا عملاً اثبات کند در فرهنگ امام حسـین(ع) ذلّت و خواری معنا ندارد، و یکی از شاخصه های جامعهٔ عزت مند ستم ستیزی و آزادی خواهی است. اعلامیه از قتلگه کرب و بلا داد این جمله ز خون بود در آن نشریه مطور با زینب و سجّاد سوی شام فرستاد باید بشر از قید اسارت شود آزاد امروزه نیز یکی از راهکارهای مهم ایجاد جامعهٔ عزّت مند، سـتم ستیزی و تقویت روحیهٔ اسـتقلال گرایی است. اسـتقلال طلبی و روحیهٔ ستم ستیزی مردم ایران موجب شد که دشـمنان ازادی - بویژهٔ آمریکا - توطئه های گسترده ای علیه انقلاب اسـلامی را سامان دهنـد، ولی جامعـهٔ عزّت منـد اسـلامی که با بهره گیری از پیام عاشورا شـکل گرفته بود، با صـلابت و بالنده و پویا به سوی اهداف بلند خود ادامه داده و در برابر سـتم و استکبار جهانی تسـلیم نشد. البته برای حفظ عزت مندی نیاز به ایثار گری و فداکاری و شـهادت یاران انقلاب بود که این عناصـر در انقلاب اسـلامی وجود داشت. ۲- پاسـداری از دین و ارزش هـا: یکی از شاخصه های مهم جامعـهٔ دینی و عزّت منـد اجرای قوانین اسـلامی است. پیامبر اسـلام(ص) با بهره گیری از قوانین اسـلامی توانست در مـدینه النّبی، جامعـهٔ عزت منـد به وجود آورد. متأسـفانه بعـد از رحلت پیامبر با کنار گذاشـتن اهل بیت، جامعهٔعزت مند نبوی به افول گرایید و رهبران دین ستیز و قانون شـکن بر مسـند قدرت قرار گرفته و مردم از معـارف دین فاصـله گرفتنـد. از سـوی دیگر بـدعت گـذاری، خرافـات وحـق سـتیزی به اوج رسـید؛ از این رو امـام حسـین(ع) یکی از اهـداف قیـام خـویش را حفـظ دیـن و بـدعت زدایی بیـان نمـود.[۲۱] و بـه مرگ در راه حفـظ دیـن را زینت دانست.[۲۲] و همگـان را به قیـام علیه رهبران دین ستیز و قـانون شـکن فرا خوانـد.[۲۳] همچنین او هـدف قیـام خویش را اجرای دو فریضهٔ الهی - امر به معروف و نهی از منکر- دانسته[۲۴] و عـدم حاکمیت حق را از شاخصه های جامعهٔ ذلت بار آن عصر دانست: "ألاـ ترون أنّ الحق لاـ یعمـل به و إلی الباطـل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء اللّه.["...۲۵] هر جـامعه دارای اصول و ارزش ها است که سـتون فقرات جامعه بوده و لازم است حفظ شود. متأسـفانه در عصر معاویه و یزید ارزش زدایی به اوج خود رسیده بود؛ از این رو امـام حسـین(ع) قیـام نمـود تـا جامعـهٔمبتنی بر ارزش هـا به وجـود آیـد و از ارزش زدایی جلـوگیری گردد. امـام علی(ع) که جامعـهٔعلوی مبتنی بر عزت ایجـاد نمود، یکی از پایه های آن را ارزش مـداری دانست و مالک اشتر را به حفظ سـنت ها و ارزش ها فرا خوانـد و از هر گونه ارزش زدایی بر حذر داشت.[۲۶] امروزه نیز یکی از راهکارهای ایجاد جامعـهٔ عزت مند، پاسداری از دین و ارزش ها است. پاسداری از دین و ارزش مداری انقلاب اسلامی ایران سبب شد که دشمنان تبلیغات گسترده علیه دین و مقدسات و ارزشـی ها سامان دادنـد. تـدوین کتاب آیات شـیطان و شـیخون فرهنگی راهکارهایی بودنـد که به منظور تضـعیف باورهای دینی و ارزش زدایی شـکل گرفت. برای حفـظ عزّت و افتخار حسـینی، شایسـته است که از سـنگرهای عقیـدتی دفاع و از شبیخون فرهنگی

جلوگیری شود و به پاسداری از دین و ارزش ها پرداخته شود. ۳- وفاق ملی و وحدت اسلامی: یکی از راهکارهای مهم ایجاد عزت وافتخار وفاق ملی و همگرایی همهٔ افراد جامعه، به ویژه گروه های سیاسی است. تاریخ صدر اسلام نشان داد که پیامبر اسلام(ص) جامعه ای مبتنی بر عزت و افتخار ایجاد نمود که یکی از راهکارهای مهم آن وحدت اسلامی بود. پیامبر(ص) با تمام عوامل اختلاف مبارزه نمود و همگان را به وحدت اسلامی فرا خواند. وحدت موجب ترقی تمدن اسلامی شد". جان دیون پورت" دانشمند معروف انگلیسی می نویسد": یک نفر عرب ساده، قبائل پراکندهٔ کوچک و برهنه وگرسنهٔ کشور خودش را مبدّل به یک جامعهٔ فشرده و با انضباط [نمود] و در میان ملل روی زمین آن ها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی نمود و در کمتر از سی سال، این طرز و روش، امپراتور قسطیطیّه را مغلوب [کرد] و سلاطین ایران را از بین برد. سوریه و بین النّهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنهٔ فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانهٔ دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد.["۲۷] وحدت اسلامی بدان معنا نیست که گروه های سیاسی و احزاب وجود نداشته باشد بلکه وجود تشکل ها ضروری است، ولی اختلافات غیر منطقی که منافع و مصالح ملتی را تهدید می کند، جایز نیست. تاریخ انقلاب اسلامی ایران نشان داد که وحدت ملی چه نقشی را در جامعهٔ عزت مند داشته و امروزه نیز دشمنان همگرای یو همسویی ملت ایران را نشانه رفته اند؛ از این رو بر همهٔ مردم است که با وحدت و وفاق ملی ستون فقرات نظام را مستحکم کند که وحدت نعمت الهی است[۲۸] و اختلاف موجب عذاب الهی است.[۲۹] ۴- تقویت بنیهٔ نظامی و دفاعی: جوامع استقلال طلب و عزت مند، بیشتر توسط استقلال و عزت ستیزان تهدید می شوند. استکبار جهانی که منافع خویش را در سرکوبی جوامع دیگر جستجو می کند. با ابزار پیشرفتهٔ جنگی، استقلال و امنیت جوامع دیگر را نشانه می گیرند. طبیعی است دفاع از جامعهٔ عزت مند در برابر تهدید دشمن نیاز به تقویت بنیهٔ نظامی دارد؛ از این رو در اسلام سفارش شده و همهٔ مسلمانان فرا خوانده شده اند که با توجه به شرایط زمان، از امکانات نظامی بهره گیرند ". : در برابر آن ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید، آماده سازید تا دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.["۳۰] از سوی دیگر در آموزه های دینی شهادت در راه خدا[۳۱] و جهاد و دفاع عناصر ارزشمندی شناخته شده اند، تا آن جا که علی(ع) جهاد را بابی از بهشت خواند[۳۲] و آن را عامل عزت مندی و ترک آن را مایهٔ ذلت دانسته است.[۳۳] امام حسین(ع) نیز در صدد تشکیل جامعهٔ عزت مند بود، از این رو مرگ عزت مند را از زندگی ذلت بار برتر دانست" :لا أری الموت إلا سعاده و الحیاه مع الظالمین إلا برماً.["۳۴] بزرگ فلسفهٔ قتل شاه دین آن است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است ۵- رشد سیاسی و دشمن شناسی: یکی از راهکار های مهم ایجاد جامعهٔ مبتنی بر عزت، رشد سیاسی افراد جامعه است که دشمن شناسی را در پی دارد. متأسفانه یکی از آسیب های جدی صدر اسلام همین بود، زیرا رشد سیاسی مسلمانان بعد از رحلت پیامبر(ص) به افول گرایید و آنان دوست و دشمنان دین را خوب نشناخته و دشمن شناس نبودند؛ از این رو در جنگ های علی(ع) و امام حسن(ع) با معاویه، از وی حمایت کردند و امام حسن(ع) را مذل المؤمنین خواندند.[۳۵] در زمان امام حسین(ع) نیز در جنگ حضرت با یزید، بیشتر مسلمانان به حمایت از وی پرداختند. امام سجاد(ع) فرمود": سی هزار نفر در کربلا برای کشتن پسر پیغمبر جمع شده بودند و همهٔ آن ها به قصد قربت آمده بودند که به امام حسین بن علی(ع) شمشیر زدند.["۳۶] امروزه نیز برای حفظ عزت مداری و عزت مندی، رشد سیاسی مردم لازم است. مردم ایران باید دشمنان خویش را شناخته و در تشخیص حق و باطل و دشمن شناسی دچار مشکل شوند. متأسفانه دشمنان با چهره های حق گرایی، مدافع آزادی و عدالت خواهی ظاهر شده و با بهره گیری از ابزار تبلیغی جوّ جامعه را آلوده می کند. برای غبار زدایی رشد سیاسی، مردم بهترین راهکار می باشد. ۶- رشد معنویت: واقعیت آن است که حفظ آزادی و تقویت روحیهٔ عزت مندی در سایهٔ تقویت معنویت امکان پذیر است. معنویت گرایی امام حسین(ع) و یاران او موجب شد آنان در برابر ستم وحق گریزی تسلیم نشده و مرگ را در راه خدا را افتخار بدانند.[۳۷] خصلت یاران شهید او روح معنوی و حال عبادت و نیایش و نماز بود و شب عاشورا، زمزمهٔ نیایش آنان در خیمه ها پیچیده بود.[۳۸] متأسفانه جامعهٔ اسلامی از معارف دین و معنویت فاصله گرفته و جذب دنیا شده بودند. از سوی دیگریزیدِ فاسق و شراب

خوار بر مسند قدرت قرار گرفته و شعار کفر سر می داد،[۳۹] از این رو امام حسین(ع) یکی از اهداف قیام خود را اصلاح امت اسلامی بیان نمود.[۴۰] قیام امام حسین(ع) علیه یزیدِ دین ستیز و ستمگر نشان از آن دارد که جامعهٔ آن عصر مبتنی بر عزت مندی و معنویت نبوده است. امروزه نیز برای حفظ و ایجاد جامعهٔ مبتنی بر عزت و افتخار نیاز به تقویت معنویت است. یکی از شاخصه های جامعهٔ دینی، معنویت است. [۱۷] لهوف، ص ۱۹. [۱۸] همان، ص ۵۷. [۱۹] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸. [۲۰] بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲. [۲۱] وقعه الطف، ص ۱۰۷؛ حیاه الامام الحسین، ج۲، ص ۳۲۲. [۲۲] اعیان الشیعه ج۱، ص ۵۹۳. [۲۳] موسوعه کلمات الامام الحسین(ع)، ص ۳۶۰. [۲۴] همان، ص ۳۲۸؛ حیاه الامام الحسین، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹. [۲۵] بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱. [۲۶] نهج البلاغه، نامهٔ۵۳. [۲۷] جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۷۷، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۰ – ۳۱. [۲۸] آل عمران، آیهٔ ۱۰۳. [۲۹] آل عمران، آیهٔ ۱۰۵؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۴. [۳۰] انفال، آیهٔ ۶۰؛ تفسیر نمونه ج ۷، ص ۲۲۰ – ۲۳۴. [۳۱] بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۰. [۳۲] نهج البلاغه صبحی صالح، خطبهٔ ۲۷. [۳۳] همان. [۳۴] تحف العقول، ص ۱۷۶؛ بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱؛ لهوف، ص ۶۹. [۳۵] ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۸۱. [۳۶] بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸. [۳۷] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۳. [۳۸] حیاه الامام الحسین، ج ۳، ص ۱۷۵؛ جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۵۲. [۳۹] مقدم، مقتل الحسین، ص ۳۵۷، مقاتل الطالبین، ص ۸۰. [۴۰] حیاه الامام الحسین، ج ۲، ص ۲۴۶.

چه نقاط مشترکی بین سال ۱۳۸۱ با سال شمسی ۶۱۰ هجری قمری وجود دارد که سال امام حسین(ع) نامیده شد؟

پرسش

چه نقاط مشترکی بین سال ۱۳۸۱ با سال شمسی ۶۱۰ هجری قمری وجود دارد که سال امام حسین(ع) نامیده شد؟

پاسخ

در ابتدا لازم است قسمت هایی از پیام مقام معظم رهبری در آغاز سال ۱۳۸۱ بیان شود: امسال آغاز بهار و سال نو با روز های عاشورای حسینی و تجدید خاطرهٔ آن حماسهٔ بزرگ تاریخی مقارن است. برای ملت عزیز ما که ارادتمند و عاشق حسین بن علی(ع) هستند اگر چه عید به معنای جشن و شادی کودکانه وجود ندارد، اما به جهات معنوی ای که ناشی از عزت و افتخار است، وجود دارد، زیرا حسین بن علی(ع) مظهر عزت راستین و نمودار کامل افتخار حقیقی است. "دیدگاه و مبانی بزرگان نیاز به تبیین دارد که باید از سوی آن ها یا صاحبانِاندیشه تبیین گردد. اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی، از این قاعده جدا نبوده و نیاز به تبیین دارد. نهضت ها وانقلاب ها در برخی از اصول مشترک هستند. بی تردید انقلاب اسلامی ایران با بهره گیری از اهداف و شعار قیام حسینی به وجود آمد و ریشه در نهضت عاشورا دارد، از این رو این دو نهضت در اکثر اصول اشتراک دارند. اعلام سال ۱۳۷۱ و سال ۱۳۸۰ به عنوان سال امام علی(ع) و رفتار علوی وجه تشابه حکومت ایران را با حکومت علوی نشان می دهد، زیرا حکومت ایران باید اهداف و سیاست حکومت علوی را مانند قانون گرایی، حمایت از محرومان و برقراری عدالت اجتماعی دنبال کرده و مسئولان نظام مانند علی(ع) رفتار کنند. به نظر می رسد اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی مبتنی بر عوامل زیر باشد: ۱- عزت و آزادی: یکی از ویژگی های قیام امام حسین(ع) عزت مندی و عزتمداری است. در آموزه های دینی آزادی و عزت با نگرش مادی تفاوت دارد. در اسلام عزت و افتخار و آزادی در بندگی خدا، معنویت گرایی و رهایی از اسارت شهوت گرایی و تجمل گرایی ظهور می کند؛ از این رو امام علی(ع) عرضه داشت": الهی کفی بی عزّاً أن أکون لک عبداً و کفی بی فخراً أن تکون لی ربّاً.["...۱] از این رو در قرآن همهٔ عزت ها به خدا بر می گردد": من کان یرید العزّه فللّه العزّه جمیعاً.[" ۲]

تکلیف گرایی و ستم ستیزی از مصادیق آزادی است، گرچه موجب شهادت شوند. آزادی خواهی که افتخار را نیز در پی دارد، در صحنهٔ کربلا- به اوج رسید. امام حسین(ع) در زمانی قیام نمود که جامعهٔاسلامی را خفقان گرفته و یزید شعار بی دینی سر می داد.[۳] و به دین ستیزی و ستمگری پرداخت. از سوی دیگر حق و حق گرایان و عدالت در اوج مظلومیت قرار گرفته و جامعه نیاز به تحول و اصلاحات داشت. امام حسین(ع) در برابر بیعت خواستن یزید فرمود ":مرا بین دو چیز: شمشیر و ذلّت، مخیّر نموده است و ذلت، از ما بسیار دور است.[۴]" گرچه آزادی خواهی امام حسین(ع) منجر به شهادت او و یارانش شد، ولی شهادت در راه خدا مرگ عزت مندو افتخار است" خطّ الموت علی ولد آدم مخطّ القلاده علی جیده الفتاه.[۵]..." استقلال طلبی و آزادی خواهی جمهوری اسلامی ایران موجب شد که یزید و یزیدیان زمان – به ویژه آمریکا – همان گونه که یزید امام حسین (ع) را آشوبگر[۶] و خشونت گرا معرفی نموده بود، ولی دشمنان باید بدانند ملت ایران عاشوریان زمان هستند که مرگ در راه دین و آزادی را عزّت و افتخار می دانند. آزادی خواهی و استقلال طلبی نه تنها خشونت نیست، بلکه عزت و افتخار است. از این رو سال ۱۳۸۱ شمسی با سال ۶۱ هجری قمری پیوند می خورد. مقام معظم رهبری فرمود ": امیدوارم ان شاءالله سالی که در پیش داریم، برای ملت ما، سال اعتلای مادی و معنوی ... باشد و همچنان که حسین بن علی(ع) مظهر عزّت بود، او بود که فرمود" هیهات منّا الذّلّه، این ملت هم در عرصه های مختلف نشان دهند که گَرد ذل بر دامانشان نخواهد نشست و در عزّت مندی و عزّت مداری پیرو آقا و سالار خود حسین بن علی(ع) خواهد بود. "۲- تقویت معنویت: متأسفانه بعد از رحلت پیامبر اسلام(ص) مسلمانان به دنیا گرایی رو آورده و از معنویت فاصله گرفتند، به ثروت اندوزی پرداختند[۷]، از این رو امام علی(ع) به نکوهش دنیا گرایی پرداخته و مسلمانان را به معنویت گرایی فرا خواند.[۸] متأسفانه در عصر امام حسین(ع) دنیا گرایی مسلمانان افزایش یافت، تا آنجا که امام خطاب به دشمن فرمود":فقد ملئت بطونکم من الحرام.[۹]..." همو در مسیر کربلا فرمود": إنّ النّاس عبید الدّنیا و الدّین لعقٌ علی ألسنتهم.[۱۰]" در صحنهٔ کربلا معنویت امام حسین(ع) و یاران او به اوج خود رسید که در انجام تکالیف و خدامحوری ظهور نمود. امام در آخرین لحظات زندگی عرضه داشت": پروردگارا! راضی به رضای تو و تسلیم امر تو هستم. در مقابل قضای تو صبر خواهم نمود. ای خدایی که جز تو معبودی نیست ای پناه بی پناهان.[۱۱]!" حضرت زینب (س) در کنار بدن امام حسین(ع) عرضه داشت" اللّهم تقبل منّا هذا القرآن.[۱۲]" یکی از وجه تشابه انقلاب اسلامی ایران با نهضت امام حسین(ع) در معنویت ظهور می کند. در مدت پیروزی انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، معنویت مردم به او ج رسید. متأسفانه بعد از جنگ دنیا گرایی در جامعه درمان رشد است، از این رو رهبر فرزانهٔ انقلاب در پیام نوروزی خود مردم را به معنویت گرایی فرا خواند و آنان را از دنیا گرایی بر حذر داشت. دنیا پرستی با انقلاب منافات داشته و فاصلهٔ انقلاب را با نهضت امام حسین(ع) زیاد می کند. از سوی دیگر رهبر با طرح اصلاحات در سه محور، همه به ویژه مسئولان نظام را از هر گونه ثروت اندوزی و تجمل گرایی بر حذر داشت. رهبر معظم انقلاب در قسمتی از پیام خود فرمود ": امسال، سال شمسی ما هم در فروردین و هم در آخر سال در اسفند، با عاشورای حسینی مقارن و مصادف است. بنابراین جا دارد که ما امسال را سال عزت و افتخار حسینی بدانیم و امیدواریم ملّت عزیز ما با تمسّک به معنویت حسین بن علی(ع) و با آشنایی بیشتر با آن بزرگوار عزت وافتخار و سربلندی را برای خود کسب کند، هم چنان که بحمدالله به برکت حسین بن علی(ع) و به برکت اسلام و قرآن از عزت و افتخار معنوی برخوردار بوده و هست. "۳- مظلومیت: یکی از وجه تشابه انقلاب اسلامی با نهضت کربلا- در مظلومیت است. دشمنان خاندان پیامبران، علیه این خاندان به ویژه علی(ع) تبلیغات گسترده انجام داد[۱۳] تا آن جا که امام حسین(ع) را آشوبگر[۱۴] و خارجی[۱۵] معرفی نمود. از سوی دیگر حکومت یزید را دارای خاستگاه الهی دانست.[۱۶] متأسفانه این تبلیغات بسیار تأثیر گذار بود، تا آن جا که هنگام ورود اهل بیت(ع) به کوفه و شام با آن ها مانند ۴- اسیران و کافران برخورد نمودند[۱۷] و جشن گرفتند.[۱۸] این تبلیغات با توجه به شرایط زمان صورت گرفت که رشد سیاسی مردم ضعیف شده بود. متأسفانه یکی از آفات تاریخ اسلام عدم رشد فکری مسلمانان است، از این رو مردم در جنگ های امام علی(ع) و

امام حسن (ع) با معاویه، ،از معاویه حمایت کردند و در جنگ امام حسین(ع) با یزید، از یزید حمایت نمودند. از این رو امام حسین، در اوج مظلومیت قرار داشت. امروزه نیز دشمنان خارجی و داخلی تبلیغات گسترده ای با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار تبلیغاتی علیه ایران به راه انداخته اند که با هدف دین زدایی و شکست نظام دینی صورت می گیرد، که مظلومیت جمهوری اسلامی و حق گرایات و عدالت خواهان را در پی داد. از سوی دیگر دشمنان دین مدافع آزادی و پاسداران حقوق بشر معرفی شده اند. برای مظلومیت زدایی لازم است که در جامعه رشد سیاسی تقویت شده و مردم با بصیرت کامل از نظام و انقلاب خویش دفاع کنند. همان گونه که یاران با بصرت امام حسین(ع) به پاسداری از دین و آزادی پرداختند. ۵- یاد آوری خاطرات انقلاب معمولاً در انقلاب ها، بعد از گذشت زمان ایثار و حماسه های مردم و انقلابیون فراموش می شود، از این رو نیاز به یادآوری دارد تا بار دیگر حماسه های مردم به نمایش گذاشته شود، از این رو نیاز به یاد آوری دارد تا بار دیگر حماسه های مردم به نمایش گذاشته شود تا نسل نو بدانند که اوائل انقلاب، انقلابیون چه کردند. شاید یکی از علل عزاداری برای امام حسین(ع) - که بزرگان دین بر این سفارش نموده اند - این باشد که در ایام محرم و صفر با عزاداری ها یاد و خاطرهٔ امام حسین(ع) و یاران او فراموش نشود. رهبر معظم انقلاب با اعلام سال ۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخاری حسینی؛ همگان را به ویژه نسل جوان را به عزّت مندی و افتخار آفرینی فرا خواند. سال امام حسین(ع) بهانهٔ خوبی بود که افتخار آفرینی ملتّ ایران با انتضارآفرینی امام حسین(ع) و یاران او پیوند خورد. ۶- تجدید روحیهٔ انقلابی و ایثار: بی تردید یکی از ویژگی های مهم نهضت امام حسین(ع) ایثار گری و روحیهٔ انقلابی است. از این رو امام حسین(ع) یاران خویش را با وفاترین انسان ها یاد نمود.[۱۹] در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست دشمن اگر چه تشنه به خون گلوی ماست گردیم دور یار، چون پروانه گِرد شمع چون سوختن در آتشِ عشق آرزوی ماست ازجان گذشته ایم و به جانان رسیده ایم در راه وصل این تن خاک عود ماست ما را طراف کعبه به جز دور یار نیست کز هر طرف رویم، خدارو به روی ماست[۲۰] روحیهٔ انقلابی یاران امام حسین(ع) عامل مهمی برای روحیهٔ انقلابی مردم ایران بود مردم با بهره گیری از روحیهٔانقلابی یاران امام انقلاب نمودند و در هشت سال دفاع مقدس نیز روحیهٔ فداکاری و انقلاب آنان به اوج رسید. به نظر می رسید بعد از دفاع مقدس، روحیهٔ مردم افول کرده است. و نیاز به تجدید روحیهٔ می باشد. از این رو رهبر انقلاب؛ اعالم سال۱۳۸۱ به عنوان سال عزت و افتخار حسینی، بار دیگر همگان را به حفظ و تقویت روحیهٔانقلابی فراخواند و از همه، به ویژه فرزندان انقلاب خواست روحیهٔ انقلابی خود را حفظ کنند و آسب ها موجب نشود که روحیهٔ انقلابی آنان از بین برود. طبیعی است در جامعه ای که امام حسین(ع) در آن جایگاه بلندی دارد، بهره گیری از نهضت او و پیوند انقلاب به نهضت حسینی بهترین راهکار جهت تجدید روحیهٔ انقلابی است. [۱] مفاتیح الجنان، ص ۲۷۳. [۲] فاطر( ) آیهٔ ۱۰. [۳] مقرم، مقتل الحسین، ص ۳۵۷؛ مقاتل الطالبین، ص ۸۰. [۴] نفس المهموم، ص ۱۳۱؛ مقتل خوارزمی ، ج ۲، ص ۷؛ لهوف ، ص ۱۹. [۵] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۳. [۶] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۸۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۱۳. [۷] مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه ص ۲۵۸ - ۲۶۲. [۸] همان؛ نهج البلاغهٔ ، خطبهٔ ۱۲۷ و ۱۸۵. [۹] بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۸. [۱۰] همان، ج ۷۵، ص ۱۱۷. [۱۱] مقرّم مقتل الحسین ص ۳۵۷؛ ینابیه الموده ص ۱۸. [۱۲] ینابیع المودّه، ص ۳۰۷. [۱۳] الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۲۶ مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۸۸. [۱۴] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۸۹؛ مقتل خوارزمی ج۱، ص ۲۱۲. [۱۵] همان، ص ۳۳۱. [۱۶] همان، ص ۳۵۵؛ مقتل خوارزمی، ج ۲ ص ۵۷. [۱۷] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۶. [۱۸] ناسخ التواریخ حالات سید الشهداء(ع) ج ۳، ص ۱۱۹. [۱۹] مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۲۴۶؛ لهوف ، ص ۷۹. [۲۰] جواد محدّثی ، فرهنگ عاشورا، ص ۵۳.

واژه های عزت وافتخار حسینی را تفسیر و توضیح دهید.

پرسش

واژه های عزت وافتخار حسینی را تفسیر و توضیح دهید.

پاسخ

عزت به معنای ارجمند، سرافرازی و گرامی شدن است.[۲۱] به قول راغب واژهٔ عزت به معنای حالتی است که نمی گذارد انسان شکست بخورد و مغلوب واقع شود.[۲۲] در برابر عزت، ذلت قرار دارد که به معنای نبود حالت شرافت و عزت در آدمی است، به طوری که انسان به سادگی پذیرای شکست شده، مغلوب دیگران شود. واژهٔ افتخار به معنای مرتفع و بلند گردیدن، فخر و شرف[۲۳] تازی، سر افرازی، فخر و آبرو و حرمت[۲۴"] : أفتخر إفتخاراً بکذا؛ به آن بالید وافتخار نمود.["۲۵] دو واژهٔ عزت و افتخار با پسوند حسینی بیانگر آن است که عزت و افتخار در فرهنگ امام حسین(ع) با عزت و افتخار فرهنگ مادی تفاوت دارد. در آموزه های دینی عزت و آزادی، افتخار بندگی و معنویت گرایی و رهایی از قید و اسارت شهوت گرایی و پرهیز از تجمل گرایی ظهور می کند. از این رو امام علی(ع) عرض داشت": الهی کفی بی عزّاً أن أکون لک عبداً و کفی بی فخراً أن تکون لی ربّاً.[" ۲۶] پیامبر اسلام (ص) که جامعهٔ عزت مند در مدینه به وجود آورد، با تمام افتخارات غیر معقول مانند ثروت اندروزی و قوم گرایی مبارزه نمود[۲۷] و عزت و افتخار را در عبودیت تفسیر نمود. از سوی دیگر عزت وافتخار در مبارزه علیه ستم و حق کشی ها به وجود می آید و پیروزی در جنگ ها عزت و افتخار به حساب نمی آید. و این درست مقابل معنای مادی ازادی و افتخار قرار می گیرد؛ زیرا در فرهنگ مادی پیروزی در مغلوب نمودن طرف مقابل شکل می گیرد. در صحنهٔ کربلا عزت و افتخار حسین به اوج خود رسید. امام حسین(ع) در زمانی قیام نمود که یزید شعار بی دینی سر داد[۲۸] و جامعهٔاسلامی را خفقان گرفته و دین ستیزی و عدالت کُشی به اوج خود رسیده بود. از این رو امام حسین(ع) مرگ در راه خدا را زینت خواند[۲۹] و تسلم نشدن در برابر یزید و اسیر ذلت نشدن را عزت و افتخار دانست": موت فی عزّ خیرٌ من حیاه فی ذلّ؛[۳۰] مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است. "هم چنین حضرت در برابر بیعت خواستن یزید فرمود": ناپاکِ ناپاک زاده مرا بین دو چیز: شمشیر و ذلت مخیّر قرار داده، امّا ذلت از ما بسیار دور است.["۳۱] به قول بهجتی: اندر آنجا که باطل امیر است اندر آنجا که حق سر به زیر است اندر آنجا که دین و مروّت پایمال و زبون و اسیر است راستی زندگی ناگوار است مرگ، بالاترین افتخار است جاویدان آید بانگ پر شور لا أری الموت إلا سعاده[۳۲] امام حسین(ع) فرمود": من از مرگ باکی ندارم، مرگ راحت ترین راه برای رسیدن به عزّت است. مرگ در راه عزّت زندگی جاودانه است و زندگانی ذلت بار، مرگ بی حیات است.["۳۳] عزت و افتخار حسینی در آخرین لحظات زندگی امام حسین(ع) به اوج رسی و حضرت بندگی را عامل عزت دانسته و بدان افتخار می کند. شهید مطهری می نویسد": در روز عاشورا حسین(ع) حدّ اخر مقاومت را می کند. دیگر وقتی است که به کلّی توانایی از بدنش سلب شده است: یکی از تیر اندازان ستمکار تیر زهر آلودی را به کمان می کند و به سوی اباعبدالله (ع) می اندازد که در سینهٔ ابا عبدالله(ع) می نشیند و حضرت بی اختیار روی زمین می افتد. آیا در این لحظه تن به ذلت می دهد؟ آیا خواهش و تمنا می کند؟ نه، بلکه بعد از گذشت این دورهٔ جنگیدن رویش را به سوی همان قبله ای که از آن هرگز منحرف نشده است می کند و می فرماید": رضاً بقضائک و تسلیماً لأمرک و لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین.["۳۴] در حادثهٔ کربلا یزید و یزیدیان عزت و افتخار خویش را در پیروزی ظاهری دانسته و به نسب و اجداد و دوران جاهلیت افتخار می کردند، غافل از این که پیروزی و جاودانگی از آن حق و حق گرایان است و پیروزی باطل مقطعی است. از این رو امام علی(ع) فرمود" للحق دوله، للباطل جوله؛[۳۵] برای حق، دولت و عظمت بزرگی است، ولی باطل را جولان و چرخشی است. "از این ردو قرآن عزت مداری را از آنِ رسول و مؤمنان دانسته است": للّه العزّه و لرسوله و للمؤمنین.["۳۶] روشن ترین دلیل این عزت و شکوه دربارهٔ شهدای کربلا مشهود است. هنوز امام حسین(ع) عزیز است محبوب دل

هـا است و مزارش میعادگاه عاشـقان حق است. امام راحل(س) فرمود " محرّم ماهی است که عـدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل قیام کرده و به اثبات رسانـده است که در طول تاریخ، همیشه حق بر باطل پیروز شده است."[۳۷] [۲۱] محمد معین فرهنگ فارسی، واژهٔ عزت ؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه واژهٔ عزت؛ مصطفی دشتی، معارف و معاریف ج ۷، ص ۳۵۳. [۲۲] راغب اصفهانی مفردات راغـب، ص ۵۶۳. [۲۳] اقرب المـــوارد، ج ص ۹۰۷؛ علی اکبر دهخدا، پیشـین، واژهٔ افتخار. [۲۴] خلیل جرّ، فرهنگ لاروس(ترجمهٔحمید طبیبیان) [۲۵] مفردات راغـب، ص ۳۷۴؛ محمـد معین ، پیشین، واژهٔ افتخار. [۲۶] مفاتیـح الجنان، ص ۲۷۳. [۲۷] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۰؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲. [۲۸] مقرم، مقتل الحسین، ص ۳۵۷. [۲۹] اعیان الشیعه، ج ۱ ص ۵۹۳. [۳۰] مناقب ابن شـهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸. [۳۱] مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۷؛ نفس المهموم، ص ۱۳۱. [۳۲] محمد حسین بهجتی،بهار آزادی، ص ۷۱، بـا اقتبـاس از جواد محـدثی فرهنگ عاشورا، ص ۳۸۹. [۳۳] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱. [۳۴] مرتضی مطهری، حماسهٔ حسینی، ج ۱، ص ۱۵۷. [۳۵] تحف العقول ص ۲۳۹. [۳۶] اسرا(۱۷) آیهٔ ۸۱. [۳۷] صحیفهٔ نور ج ۴، ص ۲۷.

چگونه می شود قرآن را در دانشگاه ها پیاده نمود؟

پرسش

چگونه می شود قرآن را در دانشگاه ها پیاده نمود؟

پاسخ

اگر مقصود از پیـاده نمودن قرآن آشـنا نمودن دانش جویـان بـا معـارف دل نشـین و احکـام نورانی و قوانین انسان ساز قرآن باشـد، مسئولان کتب درسی و فرهنگی می توانند این مسئله را حل نمایند. اگر منظور پیاده نمودن احکام و برنامه های سعادت بخش قرآن است به نظر می رسـد: ۱- کسـانی که به نام اسـلام بر مردم حکومت می کننـد، از خورد و کلان نخست خود بایـد به قوانین اسـلام عمل کنند و به آن پای بند باشـند. این روش نه تنها دانشـجویان بلکه مردم کوچه و بازار را هم به اسلام جذب کرده و آنان را عملاً دعوت به نیکی و پـذیرش عینی برنامه های قرآن می نمایـد. در احادیث آمده است": کونوا دعاه الناس بغیر السـنتهم؛ [با عمل و] نه زبان تان، مردم را دعوت کنید. "۲- عالمان عامل که از نظر دانشجویان، علم و عملشان مورد پذیرش باشد، باید در جلسات هفتگی بـا تبیین معـارف قرآن روشن کننـد که دین اسـلام و قرآن تأمین کننـدهٔ سـعادت زنـدگی بشـر و تضـمین کننـدهٔ خوش بختی حیات اخروی است. رسول خـدا(ص) فرمود": وقتی دو صـنف از امت من صالـح شدنـد امت صالـح می شود وقتی زمـانی که این دو قشـر فاسد شدن امتم فاسد می شود: فقها و حاکمان."[۲۳] [۲۳] بحارالأنوار، ج ۲، ص ۴۹، حدیث ۱۰.

آیا ورزش در طول عمر انسان تأثیر دارد، تا چه حد؟

پرسش

آیا ورزش در طول عمر انسان تأثیر دارد، تا چه حد؟

پاسخ

علی(ع) می فرمایـد": انّ الله یحب عبـده القوای...؛ خداونـد بنـده قوی اش را دوست دارد. "زیرا انسان قوی بهتر می توانـد اطاعت و

عبادت کنـد و به دین خـدا و بنـدگانش خـدمت نماید. در دعای کمیل از خداوند زور و قوّت اعضا و جوارح را طلب می کند": قوّ علی خدمتکم جوارحی. "انسان را از آن جهت انسان گفته اند که سه چیز لازمهٔ زندگی و زنده بونش است: انس، نسیان و نویسان. اگر به یکدیگر انس و الفت نداشته باشند، اجتماع انسانی جز مجتمع حیوانات پستاندار چیزی نخواهد بود.[۸] اگر نسیان و فراموشی به او دست ندهـد، بسیاری از معایب و اندوه ها و خاطره های تلخ زندگی اجازهٔ زنده بودن به او نمی دهند. مهم تر از همه نوسان و تحرک وفعالیت است. اگر جنبش بـدن کم شود، قـدرت دفاع بـدن کم می شود واگر در حـد اعتدال باشد، قدرت دفاع افزایش می یابد.[۹] ورزش ، کمک شایانی به ایجاد و تقویت سلامیت جسمانی و روانی می کند، و افرادی که با روش صحیح ورزش می کنند و یـا دارای کارهـای بـا تحرک می باشـند، سالم تر بوده و عمرشان از افراد فاقـد تحرک، بیشتر است.[۱۰] فوایـد و آثار ورزش: ۱- ورزش تغییرات چنـدی در بـدن ایجـاد می کنـد، از جمله سـرعت جریان خون را زیاد می کنـد و سـبب می شود سـرعت تبادلی بین پلاسمای خون و مایع بین سلولی افزایش یابد و گلبول های انباشته شده در جدار رگ ها و مویرگ ها هم در اثر شدت جریان وارد خون شوند.[۱۱] ۲- ورزش متناسب مخصوصاً پیاده روی سـبب می شود اشـخاص کمتر به بیماری های عروقی قلب مبتلا شوند. ۳- اصولاًـ افرادی که شـغل آن هـا با فعالیت جسـمی روزانه همراه است، کمتر به سـکتهٔ قلبی دچار می شونـد. آقای دکتر پاک نژاد می نویسد: اگر ورزش با شـرایط صـحیح بهداشتی انجام گیرد نتایج ذیل به دست می آید: ۱- قـدرت انقباض و نظم جریان قلب پس از مدتی ورزش کردن بهتر می شود. ۲- گنجایش ریه ها بیشتر می گردد و در نتیجه اکسیژن بهتر به بدن می رسد. ۳- هر چه شخص ورزیـده تر باشـد مقدار سوخت بدنش نقصان می یابد. در نتیجه بدن بهتر از مواد غذایی بهره می برد. ۴- رشد و نمو بهتر انجام می گیرد و بر فعالیت غدد داخلی افزوده می شود. ۵- هماهنگی بین اعصاب و مراکز عصبی و تقویت اعصاب ایجاد می شود و کارهای فکری آسـان تر می شـود. ۶- به تنگی نفس دچـار نمی شـود و ضـربان قلب تنـد نمی زنـد و در کارهـا دیرتر خسـته می گردد.[۱۲] ورزش و تقویت قوای جسـمی و روحی سـبب طول عمر و شادابی در زنـدگی می گردد.[۱۳] [۸] دکتر پاک نژاد، اولین دانشـگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۴، ص ۵۱، چاپ سال ۱۳۵۰، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه. [۹] همان. [۱۰] حسین صبوری، ورزش در اسلام، ص ۱۸، ویزایش دوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسـلامی. [۱۱] دکتر پـاک نژاد، اولین دانشـگاه و آخرین پیامبر، ص ۱۰۵. [۱۲] همان، ص ۱۰۴. [۱۳] همان، ص ۵۶ – ۵۷.

متأسفانه در جامعه خیلی از منکرات، منکر به حساب نمی آید. در برابر این جریان چه باید کرد؟

پرسش

متأسفانه در جامعه خیلی از منکرات، منکر به حساب نمی آید. در برابر این جریان چه باید کرد؟

پاسخ

اگر می بینیم بعضی از منکرات در جامعه منکر به حساب نمی آید دلیلش آن است که وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر به خوبی انجام نمی شود. در اثر عـدم جلوگیری منکر، معروف می گردد. پیامبر اکرم(ص) همین امر را پیش بینی کرد و خطاب به عده ای از اصـحاب فرمود: چگونه خواهیـد شـد هر گاه زن ها و جوان های ...Ř...فاسـد شونـد اما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ صـحابه گفتند: مگر چنین چیزی امکان دارد، حضـرت فرمود: آری، از این هم بدتر می شود. چگونه خواهید شرد هرگاه امر به منکر کنید و نهی از معروف؟ گفتنـد: مگر چنین چیزی امکان دارد؟ حضـرت فرمود: آری، از این هم بـدتر می شود. چگونه خواهیـد شـد هرگاه معروف را منکر و منکر را معروف بدانیـد.۱۴ وقتی در جامعه با منکر مقابله نشـد کم کم به مرحله ای می رسـیم که دیگر مردم باور

می کننـد که منکر دیگر منکر نیست بلکه معروف است. برای مقـابله بـا این پدیـده چـاره ای جز عمـل به وظیفـهٔ شـرعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر و خروج از بی اعتنایی نیست. نهی از منکر اگر هیـچ تأثیری نداشـته باشـد همین تأثیر را لااقل خواهد داشـت کـه از معروف شـدن منکر پیشـگیری خواهـد کرد. ۱ اصـول کـافی ج ۳، ص ۲۳۸. ۲ همـان، ص ۲۳۹. ۳ نهـج البلاغه، نامهٔ۴۷. ۴ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۵۹. ۵ اصول کافی، ج ۴، ص ۱۵۳. ۶ نهج البلاغه، قصار ۱۸۴. ۷ همان، قصار ۳۰۴. ۸ آل عمران ( ) آ۹ .۸..... میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۱۱. ۱۰ نهج البلاغه، خطبهٔ۲۲۲. ۱۱ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۱۶. ۱۲ نهج البلاغه، نامهٔ۳۱. ۱۳ منتهی الآمال، ص ۴۶۹ – ۴۷۰. ۱۴ تحف العقول، ص ۴۹.

آیا می شود نماینـــدگانی از تمام ادیان جمع شوند و دین خود را ارایه دهند و دیدگاه ادیان خود را در ارتباط با انسان مرگ، ســعادت و ... عنوان نمایند تا مردم جهان بتوانند راه درست و دین کامل را بشناسند؟

پرسش

آیـا می شود نماینـدگانی از تمـام ادیـان جمع شونـد و دین خود را ارایه دهنـد و دیـدگاه ادیـان خود را در ارتبـاط بـا انسان مرگ، سعادت و ... عنوان نمایند تا مردم جهان بتوانند راه درست و دین کامل را بشناسند؟

پاسخ

در طول تاریـخ بارهـا نماینـدگان ادیـان و مـذاهب جهـان با هم گفتگو داشـتند. از مهم ترین آن، نشـستی بود که مأمون عباسـی در طوس، بزرگ ترین عالِمـان ادیان مختلف را در جلسه ای با حضور امام رضا(ع) دعوت نمود و هر یک دیـدگاه های خویش را بیان نمودند و امام هشـتم(ع) در این جلسه با" جاثلیق ("رئیس اسـقف ها و علمای مسیحیت")، رأس الجالوت (= لقب دانشمندان بزرگ یهود)، با هربزاکبر (= لقب مخصوص بزرگ زردشتیان) مناظراتی داشت و حقانیت دین اسـلام را بر همگان روشن نمود.۱۵ نیز امام هشـتم(ع) با علمای اسـلام همانند علی بن محمد بن جهم و سـلیمان مروزی، مناظراتی برگزار کرد. حدود پانزده سال پیش در ایتالیا نمایندگان دو دین بزرگ دنیا، اسـلام و مسـیحیت دور هم جمع شدند و دیدگاه های خود را برای همگان تبیین نمودند. در دو سال گذشته در آغاز هزارهٔ سوم در سازمان ملل بزرگ ترین تجمع نمایندگان ادیان و مذاهب جهان تحت عنوان گفتگوی ادیان صورت گرفت و از سوی ایران هیئتی به سـرپرستی آیت الله جوادی آملی در آن شرکت نمودند. کوتاه سخن این که نشست عالمان ادیان از دیر زمـان تـا کنون بر قرار بوده و هست و هر یـک دیـدگاه هـای خویش را برای دیگران تبیین می کننـد. ۱ اعراف (۷) آیهٔ ۱۵۷. ۲ همان، آیهٔ ۳۲ و ۳۳. ۳ مؤسسهٔ در راه حق، بیست پاسخ، ص ۱۸۴. ۴ بیست پاسخ ، مؤسسهٔ در راه حق، ص ۱۸۴ به بعد، با تلخیص. ۵ مجمع البحرین، مادهٔ عشق. ۶ محمد باقر مجلسـی، بحارالأنوار ج ۶۷ ص ۲۵۳. ۷ ص(۳۸) آیهٔ ۸۳. ۸ شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۴، ج ۷. ۹ شیخ طوسی، الخلاف، مسئلهٔ ۱۱۲ و ۱۱۳. ۱۰ همان. ۱۱ همان. ۱۲ کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۰، حدیث های ۱۹۷۷۶ و ۱۹۷۷۷ و ۱۹۷۷۸. ۱۳ همان. ۱۴ همان. ۱۵ طبرسی، احتجاج ج ۲، ص ۱۹۹ – ۲۲۴.

ما جوانان چگونه می توانیم از علوم اســلامی به نحو احسن آگاه شویم و همانند یک روحانی متعهد به اســلام اظهار نظر نماییم؟ نظر شما در مورد قرار دادن درسی به نام تفسیر موضوعی قرآن در دانشگاه ها و علاقه مند نمودن دانشجویان به علم قرآنی چیست؟

پرسش

ما جوانان چگونه می توانیم از علوم اسلامی به نحو احسن آگاه شویم و همانند یک روحانی متعهد به اسلام اظهار نظر نماییم؟ نظر شما در مورد قرار دادن درسی به نام تفسیر موضوعی قرآن در دانشگاه ها و علاقه مند نمودن دانشجویان به علم قرآنی چیست؟

پاسخ

آگاهی کامل مبتنی بر طیّ مقدماتی است که بدون آن ها آگاهی بر علوم اسلامی ممکن نیست، چون قرآن و روایات به زبان عربی است. باید به زبان عربی خوب مسلط بشوید و با قواعد و قوانین دستور زبان عربی آشنایی کامل داشته باشید. نیز با علم فصاحت و بلاغت و منطق و فلسفه واصول و فقه در سطح عالی آشنا باشید. گذراندن این دوره تقریباً نُه سال طول می کشد. سپس باید یک یا دو دورهٔ کارشناسی به عنوان درس خارج را طی کند در این دوره با تفسیر قرآن و تاریخ اسلام و فقه اسلامی به طور کامل آگاه می شود. بنابراین اظهار نظر کارشناسی شده دربارهٔ اصول و فروع دین اسلام محتاج به گذراندن دوران سخت پژوهش و تحقیق است، که برای همه کس مقدور نیست. البته هر کس به اندازهٔ هوش و استعداد و علاقه اش می تواند به مراحلی دست یابد. به نظر ما تمامی جوانان مسلمان باید دورهٔ فشرده ای از علوم اسلامی و قرآنی را بگذرانند و گذراندن این دوره باید الزامی باشد. مخصوصاً در دانشگاه ها قرار دادن درس تفسیر قرآن خواه به صورت آیه به آیه و خواه به صورت موضوعی بسیار مفید است. البته جوانان عزیز باید علاقه مندی خود را نشان بدهند و علوم اسلامی را از علوم ارزشی بدانند و برای خواندن آن ثواب و قرب الهی قائل باشند، گرچه تمامی علوم اگر برای برطرف کردن نیازهای جامعهٔ اسلامی خوانده شود، وظیفهٔ الهی محسوب می شود و موجب قرب الهی می تواند باشد، ولی علوم انسانی و اسلامی چون با آیات و روایات همراه است، به مسیر تقوا و هدایت و تهذیب نفس نزدیک تر است. کسانی که در علوم دیگر متبحّر می شوند اگر با علوم اسلامی نیز آشنایی داشته باشند و اهل تقوا و عمل به دستورهای اسلامی باشند، برای جامعه مفید تر خواهند بود.

فرزندم در اسفند ماه جاری به سنّ تکلیف می رسد. قصد دارم مراسم با شکوهی برای جشن تکلیف او بگیرم. وظیفهٔ من به عنوان پدر نسبت به پسرم در این زمینه و چگونگی معرفی مراجع تقلید و به دست آوردن رساله چیست؟ محتاج راهنمایی هستم.

پرسش

فرزندم در اسفند ماه جاری به سنّ تکلیف می رسد. قصد دارم مراسم با شکوهی برای جشن تکلیف او بگیرم. وظیفهٔ من به عنوان پدر نسبت به پسرم در این زمینه و چگونگی معرفی مراجع تقلید و به دست آوردن رساله چیست؟ محتاج راهنمایی هستم.

پاسخ

برادر گرامی! امیدواریم با خانواده و نور چشم عزیزتان در پناه ایزد متعال باشید و مورد توجه حضرت صاحب الزمان(ع) و در سایهٔ عنایات حضرت باشید. فرا رسیدن ایام تکلیف فرزندتان را به شما و ایشان تبریک می گوییم. اگر قرار باشد برای امری جشنی گرفته شود، بهترین جشن، جشن تکلیف است، چون با فرا رسیدن تکلیف، انسان مورد توجه و خطاب الهی قرار می گیرد و باید وظایف شرعی و اجتماعی خود را انجام دهد. برای این جشن بر اساس رسوم محلّی در حدّ توان مراسمی بر پا کنید. و طی مراسمی که ترتیب می دهید به او هدیه کنید. اگر وضع مالی تان خوب است برای او خانه یا زمینی در نظر گرفته و آن را در مجلس جشن به او هدیه کنید. برای یاد دادن احکام شرعی گاهی، مسئلهٔ ای را طرح و به او تفهیم کنید. وی را به مطالعه توضیح المسائل تشویق و راهنمایی کنید. راجع به مسائل اخلاقی که زیر بنای انسانیت و کمال هر انسان است، او را راهنمایی کنید. گاهی حدیث اخلاقی

برای او بخوانید یا در جمعی که او حاضر است آن را مطرح کرده یا وی را برای نماز و سخنرانی به مسجد ببرید. با بزرگان دین وعلما و شایستگان او را آشنا کنید. موفقیت شما و فرزندتان را از خداوند متعال خواهانیم.

روش نوین برای حفظ ایمان جوانان و نوجوانان کنونی چیست؟

پرسش

روش نوین برای حفظ ایمان جوانان و نوجوانان کنونی چیست؟

پاسخ

برای حفظ ایمان جوانان باید به اموری توجه داشت: ۱ _اصلاح روابط خانوادگی: از آن جا که محیط خانواده اولین کانون آموزش علوم و معارف و مهم ترین نهاد تأثیر گذار است، از این رو در روایت آمده است": خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزندش را در کار نیک یاری نمایند.["۱۶] در فرایند شکل گیری شخصیت نوجوانان بیشترین نقش متوجه الگوهای رفتاری است. خمیر مایهٔ شخصیت افراد در کانون خانواده شکل می گیرد. به سخن دیگر: همهٔ آموخته ها، عادت ها و رفتارهای ما ناشی از مربیان و یادگیری های مستقیم و غیر مستقیم است. بر این اساس رعایت اصول اخلاقی و التزام عملی به دستورهای مذهبی توسط والدین اثر مستقیمی در گرایش جوانان به مذهب دارد. اگر رفتار والدین مناسب نباشد فرزندان مدل رفتاری خوبی نخواهند داشت. امام کاظم(ع) می فرماید": رفتار کودکان در اثر رفتار درست والدین اصلاح می شود.["۱۷] ۲ _انتخاب دوست مناسب: دوستان نقش مهمی در شکل گیری رفتار جوانان دارند. چه بسا جوانانی که در اثر همنشینی با دوستان ناباب به انحراف کشیده شده اند و به فرمایش قرآن کریم خود را در روز قیامت ملامت می کنند که چرا فلانی را دوست خود گرفته بودند.[۱۸] تو اوّل بگو با کیان دوستی که تا من بگویم که تو کیستی ۳ _پرکردن اوقات فراغت: بیکاری و فراغت جوانان را به انحراف می کشاند. علی(ع) می فرماید": اگر شغل و کار زمینهٔ فعالیت فرد است، فراغت زیاد باعث تباهی و فساد است.["۱۹] برای حفظ ایمان جوانان باید زمینهٔ کار و فعالیت را فراهم کرد و اوقات فراغت آن ها را با برنامه هایی مانند ورزش و تفریح سالم پر نمود. ۴ _تدارک ازدواج: جوانان در دوران جوانی با طوفان غریزهٔ جنسی مواجه اند که اگر به طور صحیح ارضا نشود به انحراف کشیده می شوند. مهم ترین امر در این مقطع که غریزهٔ جنسی را تعدیل می کند ازدواج است. از این رو رسول اکرم(ص) می فرماید": هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است.["۲۰] [۱۶] مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۲، ص ۶۲۵. [۱۷] بحارالأنوار، ج۶۸، ص ۲۳۶. [۱۸] فرقان( ) آیهٔ ۲۸. [۱۹] ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۹۷. [۲۰] سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۱.

جامعهٔ امروز طوری شده که به همهٔ نیازهای نفسانی خود می توان رسید، از نوار و فیلم و سی دی و مشروبات الکلی و خیلی لذّات دیگر...! چگونه می توانیم خود را از کثافات نگه داری کنیم؟ ایا ما هم باید با این روند همسو شویم؟ خیلی از رفقای ما می گویند چرا خود را با نماز

پرسش

جامعهٔ امروز طوری شده که به همهٔ نیازهای نفسانی خود می توان رسید، از نوار و فیلم و سی دی و مشروبات الکلی و خیلی لذّات دیگر...! چگونه می توانیم خود را از کثافات نگه داری کنیم؟ ایا ما هم باید با این روند همسو شویم؟ خیلی از رفقای ما می گویند چرا خود را با نماز و روزه محدود کرده ای؟! بیا این دو روز دنیا را خوش باشیم!

پاسخ

از این که جامعه امروز چنین شده بسیار متأسفیم ولی تأسف، تکلیف سنگین عالمان و مسئولان و مردم را ساقط نمی کند. وقتی امر به معروف و نهی از منکر ترک شود و جلوی هجوم فساد گرفته نشود و کنسرت های موسیقی و جشن های مختلط در شهرهای مختلف برگزار شود و به عنوان هنر و موسیقی، از هر بی هنری تجلیل شود و از متدینین و مذهبی ها به عنوان خشنت طلب و متحجّر و با انواع تهمت ها تبلیغ شود و آنان که هشت سال دفاع مقدس را بر عهده داشتند و جسم و جان خود را در راه خدمت به مملکت و دین فدا کردند تحقیر شوند، وضع جامعه بهتر از این نمی شود. در روایت از امام رضا(ع) از پیامبر(ص) آمده است: زمانی که امّت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند، بدانند که حوادث بدی از جانب خدا بر آنان واقع خواهد شد.["۱۲] باز رسول خدا(ص) فرمود": چگونه می باشید آن گاه که زنانتان فاسد و جوان هایتان فاسق و تبهکار شوند و شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ گفتند: یا رسول الله! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، بدتر از این خواهد شد. زمانی پیش می آید که به بدی فرمان دهید و از خوبی ها نهی کنید، و از آن بدتر زمانی خواهد رسید که خوبی ها را زشت و ناشایست و بدی ها را زیبا و پسندیده بدانید.["۱۳] رسول خدا(ص) فرمود": به راستی خداوند ویژگان و خاصّ ان را به گناهان همهٔ مردم عامی عذاب نفرماید تا آن که اعمال زشت و منکر پیش رویشان عمل شود و آن ها با این که قدرت بر انکارش داشته باشند انکارش ننمایند.["۱۴] امیرالمؤمنین(ع) فرمود": هر کس نهی از منکر را (با قلب و زبانش) ترک کند، مرده ای میان زندگان است.["۱۵] بنابراین وظیفهٔ ما در برابر زشتی ها این است که در برابر آن ها موضع گیری کنیم و جلوی آن ها را بگیریم و لااقل قلباً راضی نباشیم، نه این که با آن ها هماهنگ شده و در جلسات آنان شرکت کنیم. شرکت در مجالس گناه انسان را تحت تأثیر قرار می دهد و انسان را از مسیر انسانیت به سقوط می کشاند. قرآن می فرماید": ثم کان عاقبهٔ الذین اساءوا السؤوای ان کذّبوا بایات الله و کانوا بها یستهزئون؛[۱۶] سرانجام آنان که به گناه اصرار می ورزند، به تکذیب آیات خدا و مسخره کردن آن می رسد. "مرحوم نراقی می فرماید: مبادا کسی فکر کند که وزرو وبال گناه گریبان او را نمی گیرد. چنین چیزی نشدنی است زیرا پیامبران از آثار ترک اولی مصون نماندند چه برسد به دیگران. البته چون خداوند پیامبران و اولیای خود را دوست دارد آن ها را در همین دنا زود گوشمالی می دهد تا در آخرت آسوده باشند امّا کفار از این نعمت محرومند. آنقدر به آن ها مهلت داده می شود که بر گناهان خود بیفزایند تا مستوجب عذاب بیشتر شوند.[۱۷] [۱۲] آثار الصادقین، ج۱، ص ۱۲۱، به نقل از فروغ کافی، ج۵، ص ۵۹. [۱۳] همان، به نقل از وسائل، ج ۶، ص ۳۹۷. [۱۴] همان، ص ۱۲۳، به نقل از محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۰. [۱۵] همان به نقل از وسائل، ج ۶، ص ۴۰۴. [۱۶] روم(۳۰) آیهٔ ۱۰. [۱۷] اخلاق عملی، ص ۱۱۶، به نقل از جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۸.

من دوستان زیادی دشاتم که چندین سال پیش با هم به مسجد می رفتیم. کم کم دیدم خودم و چند پیرمرد در مسجد مانده ایم! در عوض کلوپ ها و سی دی فروشی ها پر شده از جوانان شلوار تنگ و با موهای آن چنانی! می دانم اگر خود را رها کنم مانند آن ها می شوم. توصیهٔ شما چیست؟ ج

پرسش

من دوستان زیادی دشاتم که چندین سال پیش با هم به مسجد می رفتیم. کم کم دیدم خودم و چند پیرمرد در مسجد مانده ایم! در عوض کلوپ ها و سی دی فروشی ها پر شده از جوانان شلوار تنگ و با موهای آن چنانی! می دانم اگر خود را رها کنم مانند آن ها می شوم. توصیهٔ شما چیست؟ چگونه می توانم دوستانم را به سوی مسجد بکشانم؟

پاسخ

برادر عزیز! عواملی باعث شده که جوانان از مساجد زده شده یا لااقل بگوییم از مسجد زده نشده اند ولی جاهای دیگر را پرجاذبه تر دیده اند. آن عوامل عبارتند از: ۱- تهاجم و شبیخون فرهنگی از طریق رواج بی بندوباری و شهوترانی: مشاهده می شود مغازه های فیلم و سی دی فروشی در هر خیابان و کوچه فراوان شده است، یا سی دی های مبتذل به طور قاچاق و مخفیانه و یا علناً پخش می شود یا جشنواره های مختلف بر پا می شود. نیز کنسرت های موسیقی در شهر ها و حتی روستاها بر پا می شود. طبیعی است جوانان که موقعیت سنّی آنان اقتضای کشش به این گونه مسائل را دارد، به این سو کشانده می شوند. ۲- کم جاذبه یا بی جاذبه بودن مساجد: متأسفانه مساجد ما جاذبهٔ خاصی که بتواند جوانان را جذب کند ندارد. از لحاظ نظافت، ساختمان، شرکت کنندگان و احیاناً امام جماعت یا هیأت امنا و خادم. وقتی که جوانی به مسجد می آید از طرف برخی نمازگزاران یا هیئت امنا یا خادم مسجد مورد بی مهری قرار می گیرد یا به او تندی و اهانت می شود. وقتی که مساجد بار علمی و اخلاقی مفیدی نداشته باشد یا بی نظمی و عدم انظباط در مسجد حاکم باشد و برنامه های پرجاذبه ای در مسجد اجر نشود خواه ناخواه کم کم تعداد نمازگزاران کم می شود و فقط چند پیرمرد در مسجد می مانند. ۳- تبلیغات بر ضد دین داری و دین داران و تبلیغ علیه آنان در روزنامه ها و سخنرانی ها و مشوّه جلوه دادن چهرهٔ مذهبیون، تأثیر به سزایی در دوری مردم مخصوصاً جوانان از مساجد دارد. ۴- اشتباهات برخی مسئولان که به نام اسلام و نظام اسلامی صورت می گیرد و شایعات و بزرگ نمایی بعضی اشتباهات و جو سازی های مفرط باعث نا امیدی و بی توجهی مردم و جوانان از مراکز مذهبی شده است. وجود این عوامل در صحنهٔ اجتماعی کشور ما، همچنین در اکثر کشورهای اسلامی وظیفهٔ شرعی و وجدانی را از انسان سلب نمی کند. هر مسلمانی وظیفه دارد اهل نماز و عبادت و مسجد و دعا و امر به معروف و نهی از منکر باشد. یک مسلمان آگاه و متعهد اگر میان کفّار هم قرار بگیرد همچون ابراهیم خلیل الرحمن به وظیفه اش عمل می کند و هرگز به شعار پوچ و بی معنای "خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو "تمسک نمی کند. بنابراین شما باید خود را از گناهان و آلودگی ها مبرّا کنید و دست رفقا و دوستانتان را بگیرید و با برنامه های جذّاب و خوب آنان را به مسجد و نماز سوق بدهید. اگر بتوانید حتی یک نفر را نجات بدهید به ارزش و ثواب زیادی رسیده اند. می توانید از سروده های زیبا و تواشیح وهمخوانی های فارسی و عربی، نوار قرائت قرآن از قاریات خوب، مداحی های خوش صوت، سفرهای دسته جمعی به کوه و مکان های زیارتی، تهیهٔ جوائز برای جذب آنان به نماز و مسجد و مراسم مذهبی کمک بگیرید. از دعا و مناجات و نماز لذّت ببرند، به این گونه مراسم می شتابند. [۲۸] بحارالأنوار، ج ۲، ص ۸۸.

دختری دارم در کلاس دوم راهنمایی درس می خواند. قبل از زمان تکلیف مرتب نماز، قرآن، دعای توسل و دعای کمیل می خواند و برای نماز صبح بیدار می شد ولی از دوران راهنمایی نسبت به نماز و دعا و قرآن کم اهمیت شده است. از شما راهنمایی می خواهم.

پرسش

دختری دارم در کلاس دوم راهنمایی درس می خواند. قبل از زمان تکلیف مرتب نماز، قرآن، دعای توسل و دعای کمیل می خواند و برای نماز صبح بیدار می شد ولی از دوران راهنمایی نسبت به نماز و دعا و قرآن کم اهمیت شده است. از شما راهنمایی می خواهم.

پاسخ

طبع انسان فطرتاً خدا خواه و خدا جو است. تا وقتی که این فطرت دست نخورده باشد از انس با خدا و عبادت و نماز لذّت می برد ولی عواملی که انسان را به خود جذب می کند و انسان را از فطرت پاک دور می کند، بسیار است. جاذبه ها به سرعت انسان را جذب می کنند و چون در ایام طفولیت و نوجوانی، فطرت دست نخورده برهانی و استدلالی نشده و در مرحلهٔ ساده است اگر عامل جاذبه داری به آن ها سو کند زود جذب می شوند و نمی توانند مقاومت کنند. امّا همان عامل اگر برای یک شخص مسن و تحصیل کرده که با عقل و درایت، مشکلات زندگی را تجربه کرده باشد، چنان تأثیر و جاذبه ای نخواهد داشت. اکثر نوجوانان در برهه ای از زمان اهل نماز و قرآن و عبادت اند و در برهه ای دیگر شکل دیگری پیدا می کنند. به تعبیر دیگر: زود تحت تأثیر قرار می گیرند. شیاطین و استعمارگران اگر بخواهند بر ملّتی مسلط شوند سعی می کنند از راه جذب این گونه اقشار به اهداف خود برسند. ببینید دختر خانمتان تحت تأثیر چه عواملی قرار گرفته یا چه عواملی باعث انزجار او از عبادت شده است. گاهی تندی های پدر و مادر و سخت گیری های بیش از اندازه و دستور دادن باعث انزجار آنان می شود. تا زمانی که کوچکتر بود هر چه به او دستور داده یا احیاناً با او تندی می شد، می پذیرفت ولی حالا که جوانی شده است توقعات او بالا رفته و غرور او اجازه نمی دهد کسی با او آمرانه برخورد کند. حتی نصیحت کردن به او نیز احتیاج به دقّت و احترام دارد. باید به او شخصیت بدهید و از او تعریف و تمجید کنید. یکی دیگر از عواملی که باعث جدایی جوانان از دعا و نماز می شود جاذبه های تخیّلی از ناحیهٔ دوست یا فیلم یا عکس یا کتاب های نامناسب یا معلّمی است که باعث بد آموزی او شده است. نیز الگوهای نامناسب که در روحیهٔ او تأثیر منفی می گذارد. روحیهٔ جوان بسیار لطیف است. ممکن است با یک جمله متغیّر شود. کافی است معلم یا دوست او یک بار به او بگوید: این همه نماز خواندی چه کردی یا به کجا رسیدی؟ یا دربارهٔ دعا خوانان یا نماز گزاران بدگویی بشود یا احیاناً نماز خوان و دعاخوانی را که دارای اخلاق فاسد است یا سر مردم کلاه می گذارد یا دروغ می گوید، دیده و تحت تأثیر قرار گرفته باشد و نسبت به نماز و دعا بی اعتنا شود. بنابراین باید علّت و عامل بی توجهی او را نسبت به نماز جویا شوید و دوستان یا معلم یا مدیر یا جو درسه را بررسی کنید. گاهی او را به مسافرت های زیارتی مانند مشهد مقدس یا قم یا جمگران یا به مساجدی که نماز جماعت گسترده ای در آن جا برگزار می شود ببرید. شرکت در این گونه مجالس در روحیهٔ انسان بسیار تأثیر گذار است.

برای درخواست احداث مسجد در منطقه ای که فاقد مسجد است باید به کدام اداره یا مسئول مراجعه کنیم؟

پرسش

برای درخواست احداث مسجد در منطقه ای که فاقد مسجد است باید به کدام اداره یا مسئول مراجعه کنیم؟

پاسخ

ساختن مساجد توسط مردم و ثروتمندان متدین صورت می گیرد. البته می توان در این راستا از برخی مسئولان یا ارگان ها کمک هایی دریافت کرد. هماهنگی با سازمان تبلیغات، ادارهٔ اوقاف و امور خیریه، بنیاد امور مساجد، ارتباط با دفتر مراجع معظم تقلید شاید مؤثر باشد. قرآن احداث و تعمیر مساجد را از وظایف مؤمنان می داند": انّما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر."

از دیدگاه اسلام و قرآن، نقش بسیج در اهداف الهی جامعه را بیان کنید؟

پرسش

از دیدگاه اسلام و قرآن، نقش بسیج در اهداف الهی جامعه را بیان کنید؟

پاسخ

یکی از اصول حیاتی که در هر عصر باید مورد توجّه مسلمانان باشد، لزوم آمادگی رزمی و بسیج نیروهای مذهبی و فداکار در برابر دشمنان دین و قرآن و ممالک اسلامی خصوصاً ایران عزیز می باشد. این مسئله به قدری مهم است که قرآن بر آن سخت تأکید ورزیده است": و أعدّوا لهم مااستطعتم من قوّة و من رباط الخیل...؛ در برابر آن ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از" نیرو "آماده سازید (هم چنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیلهٔ آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید (همچنین) گروه دیگری غیر از این ها را که شما نمی شناسید و خدا می شناسد و هرچه در راه خدا (و تقویت بنیهٔ دفاعی اسلام) انفاق کنید، به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد."۹ نخست می فرماید: در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید؛ یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آن گاه آمادهٔ مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حدّ کافی آمادگی برای هجوم های احتمالی دشمن داشته باشید. از همین رو امام راحل (ره) فرمان تشکیل" بسیج "را صادر فرمود. نقش و هدف آن بالابردن بنیهٔ دفاعی نظام مقدس جمهوری اسلامی و حاکم کردن امنیّت بیشتر در مرزها و جامعهٔ اسلامی و ایجاد آمادگی و وحدت بیشتر بین نیروهای اسلامی برای مقابلهٔ با دشمنان خارجی و داخلی نظام بود. این مهمّ در صورتی جاودان خواهد ماند که از بسیج و پایگاه های مقاومت آن، سوء استفادهٔ سیاسی و جناحی و محلّی نشود. بسیجیان عزیز باید به مولایشان علی(ع) اقتدا کنند که در راه نبوّت و ولایت پیامبر(ص) سر از پا نشناخت. بسیجی باید به فاطمهٔ زهرا(س) اقتدا نماید که در راه ولایت علی(ع) جانش را فدا نمود. جایگاه بسیج با توجه به جوانان پرشور و رزمنده و مذهبی و فداکار آن و با وجود هزاران شهید مخلص، بسیار مقدّس و والاست. امام راحل فرمود": ای کاش من هم یک بسیجی بودم. "مقام معظّم رهبری، شال گردن بسیجیان را بر گردن نهاده و خود را بسیجی می داند، چرا که بسیجیان دست پرورده های علما و مراجع و امام راحل(ره) و سربازان ولایت فقیه می باشند. توصیه می کنیم مواظب باشید به جایگاه بسیج و قداست کار و پیدایش آن، لطمه ای وارد نشود تا همچنان شور و نشاط و امنیّت در این مملکت و در بین جوانان آن، باقی بماند. ۹ انفال(۸) آیهٔ ۶۰.

کسی که قبلاً نماز می خواند ولی مدتی است که نماز را ترک کرده، چگونه می توان او را دوباره به خواندن نماز تشویق و ترغیب نمود؟

پرسش

کسی که قبلاً نماز می خواند ولی مدتی است که نماز را ترک کرده، چگونه می توان او را دوباره به خواندن نماز تشویق و ترغیب نمود؟

پاسخ

باید دید کسی که پیش تر اهل نماز بوده، چه عاملی موجب شده که نماز را ترک کند؟ آیا علت خاصی داشته یا تنبلی و بی حوصلگی باعث شده در این ورطه قرار گیرد؟ به دیگر بیان: عدم اطلاع وفقدان معرفت و شناخت لازم از فلسفهٔ نماز، و این که چرا باید نماز بخوانیم، و نماز و نیایش چه آثار مادی و معنوی در سرنوشت دنیوی و اخروی انسان می گذارد و ترک نماز و نیایش که یکی از نیازهای ذاتی و فطری آدمی است، چه آثار سوء و تخریبی دارد و عدم آگاهی از این گونه مسایل موجب شده که

نمـازگزار، نمازش را ترک کنـد. شـناخت از روحیات و فرهنگ خانوادگی و اجتماعی شـخص و اطلاع داشـتن از میزان معلومات و تحصـیلات و سن فرد و آگـاهی از علت ترک نمـاز می توانـد شـما را در تشویـق و ترغیب و راهنمـایی آن طرف مـدد رسانـد. اگر شخص مذکور نوجوان یاجوان است، همسالان در ایشان نقش مؤثری دارند. بر این اساس از دوستان صمیمی نماز خوان بخواهید او را به نماز ترغیب نمایـد. تشویق زبانی و عملی اطرافیان و تهیـهٔ هـدایای مناسب و کمک گرفتن از الگوها بسـیار مؤثر است. پیشـنهاد می کنیم کتاب های مفید و مناسب که دربارهٔ نماز به نگارش در آمده است تهیه کنید و در اختیار ایشان قرار دهید.

چرا در کشور ما که کشور قرآن، روحانیت و معنویت است، وضـعیت جامعه به این جا رسـیده است؟ چرا آن هایی که قرآن و نهج البلاغه می خوانند کارهایی می کنند که مناسب با شأنشان نیست؟!

پرسش

چرا در کشور مـا که کشور قرآن، روحانیت و معنویت است، وضـعیت جامعه به این جا رسـیده است؟ چرا آن هایی که قرآن و نهج البلاغه می خوانند کارهایی می کنند که مناسب با شأنشان نیست؟!

پاسخ

در پاسخ به این سؤال باید روی عوامل متعددی بحث و تجزیه و تحلیل شود که در پاسخ نامه نمی گنجد. توجه داشته باشید که علم به قرآن و منابع اسـلامی برای سـعادتمندی فرد و جامعه کافی نیست، بلکه ایمان و عمل به آن لازم است. قرآن مجید ایمان و علم را وسـیلهٔ تکامل انسان دانسـته است، یعنی آگاهی و تقوا که هیـچ کـدام بـدون دیگری برای هـدایت و پیروزی کافی نیست": یرفع الله الـذین آمنوا منکم و الّـذین اوتوالعلم درجـات؛ خداونـد آن هـا را که ایمـان آورده انـد و کسـانی را که از علم بهره دارنـد، درجات عظیمی می بخشد.[۲"] گردانندگان جامعه باید علاوه بر دانش، تعهد داشـته باشـند و مهذب باشـند تا فریفتهٔ مقام و مال نشوند. باز گفتنی است که پاسـخ شـما در خور یک کتاب است تا ریشه ها و عوامل انحراف و فساد اجتماعی و سیاسـی و اداری بررسـی شود.

[۲] مجادله (۵۸) آیهٔ ۱۱.

می خواسـتم بدانم که چرا مردم ما زمانی که عزاداری ها برگزار می شود، مانند عزاداری امام حسـین(ع) آن را با شور و شوق برگزار می کنند، ولی فساد در این جامعه زیاد است؟

پرسش

می خواستم بدانم که چرا مردم ما زمانی که عزاداری ها برگزار می شود، مانند عزاداری امام حسین(ع) آن را با شور و شوق برگزار می کنند، ولی فساد در این جامعه زیاد است؟

پاسخ

عظیم ترین سـرمایهٔ روحی شیعه، عشق به اباعبدالله الحسین(ع) و برپایی عزاداری برای حضرت است. در سایهٔ همین عشق و شور، یاد حسـین و عـاشورا زنـده مانـده و بـا مرور زمـان، قیـام حسـینی کهنه و فرسـوده نگردیـده است. این عشـق، امری خـدادادی و فراتر از محاسبات مادی و ظاهری است. امام صادق(ع) می فرماید": برای کشته شدن حسین(ع) حرارتی در دل های مؤمنان است که هرگز

سرد نخواهد شد.["۱۱] محبت حسین بن علی(ع) نه تنها در دلِ زمینیان است، بلکه عرشیان نیز او را دوست می دارند. ای که آمیخته مِهرت با دل کرده عشق تو مرا دریا دل بذر عشقی که به دل کاشته ام جز هوای تو ندارد حاصل از می عشق تو، عاقل مجنون وز خُم مهر تو مجنون، عاقل گر شود کار جهان زیر و زِبَر نشود عشق تو از دل زایل[۱۲] در عین حال باید اذعان کرد که عزاداری ها در مواردی فلسفهٔ خود را فراموش می کند و تنها به ابراز احساسات و تحریک عواطف بسنده می شود. اگر عزاداری به مفهوم واقعی انجام گیرد، به تعبیر استاد مطهری عزاداری حسین بن علی یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزهٔ اجتماعی است.[۱۳] محبتی که در دل شیعیان است، بجا است و اگر آنان را به هم رنگی و هم سویی و سنخیت فکری، اخلاقی و عملی با مولایشان بکشد و در گفتار و کردار، شیعهٔ حسین باشند، عزاداری به عنوان عامل بازدارنده از گناه و فساد مطرح خواهد بود. بنابراین اگر با وجود عزاداری، شاهد فساد در جامعه می باشیم، دلیلش عدم بهره برداری صحیح از عزاداری و جهت ندادن به مراسم و فراموش کردن فلسفهٔ عزاداری است. [۱۱] جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۵. [۱۲] [۱۳] استاد مطهری، نهضت های اسلامی صد سالهٔ اخیر، ص ۸۹.

نظر اسلام دربارهٔ ورزش چیست؟ آیا آیه ای در این باره آمده است؟

پرسش

نظر اسلام دربارهٔ ورزش چیست؟ آیا آیه ای در این باره آمده است؟

پاسخ

ابتدا تصور می شود که ورزش یا بازی از یک مقوله اند و به یک معنا می باشند، ولی اگر به حقیقت این دو بیشتر توجه شود، معلوم می گردد که ورزش غیر از بازی است، زیرا ارزش به معنای تمرین منظم برای سلامتی بدن و فکر و روح است. دهخدا در لغت نامه گفته است": ورزش کردن به معنای تمرین و ممارست کردن است.["۸] امّا بازی که در عربی به آن لهو و لعب می گویند، به هر کار که مایهٔ سرگرمی باشد یا به رفتار کودکانه وغیر جدّی می گویند.[۹] ممکن است بازی و ورزش در مواردی با هم اشتراک داشته باشند و در مصداق نتیجه مشترک باشند ولی بسیار فرق دارند. ورزش، کاری است عاقلانه، چون ورزشکار، ورزش و تحرکات بدنی را به اندازه ای که لازم باشد انجام می دهد و از افراط و تفریط خودداری می کند مثلاً اگر روزی نیم ساعت برای بدن، نرمش و تحرک لازم باشد، به همان مقدار انجام می دهد، ولی در بازی ممکن است یک بازیکن چندین ساعت به بازی مشغول باشد، در حالی که افراط باشد. به بازی، لعو و لعب گفته، چون بیش از اندازهٔ لازم وقت و عمر انسان را می گیرد. در اسلام به ورزش اهمیت داده شده، ولی از بازی و لهو و لعب مذمّت شده است. قرآن می فرماید": وأعدّوا لهم مااستطعتم من قوة...؛[۱۰] هر چه در توان دارید (از نیرو و اسب های آماده) بسیج کنید تا با این تدارکات دشمن خدا و دشمن تان را بترسانید. "پیامبر(ص) فرمود": کل لهو المؤمن باطل إلّا فی ثلاث: فی تأدیبه الفرس و رمیه قوسه و ملاعبته امرئته فإنهنّ حق؛[۱۱] همه سرگرمی های مؤمن جز در سه مورد باطل است: در آموزش اسب و پرورش آن، تیراندازی با کمان، و شوخی با زنش. این سه مورد صحیح و حق است. "تیراندازی در اسلام و حتی شرط بندی برای برد و باخت مذموم نیست و امامان و پیامبران به تیراندازی اهمیّت می دادند. حضرت داوود تیرانداز قابلی بود. او با فلاخن موفق شد بزرگترین طاغوت زمان خود (جالوت) را از پا در آورد. امام باقر(ع) آن قدر دقیق هدف می گرفت که در برابر هشام بن عبدالملک ده تیر پرتاب کرد که هر کدام بر ته تیر قبلی نشست.[۱۲] شنا نیز از بازی های مشروع می باشد و مسابقهٔ برد و باخت در مورد آن روا است. پیامبر (ص) فرمود": هر چیزی که انسان را از یاد خدا

بیرون ببرد، لهو است، مگر شوخی با همسر، تربیت کردن اسب، حرکت و دویدن و آموزش شنا برای مرد.[۱۳] [۸] دهخدا، لغت نامه، کلمهٔ ورزش. [۹] همان، کلمهٔ بازی. [۱۰] انفال (۸) آیهٔ ۶۰. [۱۱] حسین صبوری، ورزش در اسلام، ص ۱۲۷، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۷. [۱۲] همان، ص ۱۳۱. [۱۳] همان، ص ۱۳۶.

چرا کارمندان ادارات با ارباب رجوع برخود خوبی ندارند؟

پرسش

چرا کارمندان ادارات با ارباب رجوع برخود خوبی ندارند؟

پاسخ

از نظر فرهنگ اسلامی کارگزاران نظام موظف اند با ارباب رجوع برخورد شایسته ای داشته باشند چنان که در فرمان امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر این مسئله مطرح شده است. حضرت می فرماید: پر و بالت را برابر رعیت بگستران و بامردم گشاده رو و فروتن باش و در نگاه و اشارهٔ چشم، سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند.[۴] با این حال، متأسفانه نظام اداری ما متأثر از فرهنگ منحط رژیم گذشته می باشد و نتوانسته است رضایت مردم را جلب نماید. به نظر می رسد که انقلاب اداری و اصلاح ساختاری لازم دارد که باید قانون گذاران و دست اندرکاران نظام به این مسئله اهمیت بیشتری بدهند. البته طرح اکرام ارباب رجوع مطرح شده ولی اهتمام بیشتر با ضمانت اجرایی می تواند جوابگوی نیاز به حق مردم باشد. امیدواریم کاستی ها بر طرف گردد. [۴] نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳.

کسانی که مدعی هستند با گوش دادن به موسیقی اعصاب آرامش پیدا می‌کند چه باید گفت

پرسش

کسانی که مدعی هستند با گوش دادن به موسیقی اعصاب آرامش پیدا می‌کند چه باید گفت

پاسخ

موسیقی دو نوع یا چند نوع است بعضی از انواع موسیقی آرام است و باعث تهیج شهوت نیست و افکار انسان را پریشان نمی‌کند. بعضی موسیقی‌ها نه تنها آرامش ایجاد نمی‌کند بلکه افکار و احساسات انسان را متلاطم می‌کند و باعث هجوم افکار شیطانی می‌شود، در نتیجه نه تنها آرامش به او دست نمی‌دهد بلکه دچار تنش‌های درونی و افکار پریشان و هیجانات روحی و روانی می‌شود. ممکن است قسم دوم برای لحظاتی باعث تخدیر انسان شود، مثلاً انسان را از بعضی افکار تخلیه کند و به جهت دیگری سوق دهد ولی در مجموع ضررهای جبران ناپذیری در روح و روان به وجود می‌آورد که به مراتب از مختصر منفعی که داشته باشد، بیشتر خواهد بود. در اسلام موسیقی‌هایی که باعث تهیج شهوت شود و انسان را از خدا غافل نماید و به انحراف دعوت کند، تحریم شده است دانشمندان و روانشناسان می‌گویند: موسیقی به ویژه آهنگ‌های حساس آن تحریکاتی در اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک به وجود می‌آورد که در نتیجه تعادل این اعصاب به هم می‌خورد و انسان دچار ضعف اعصاب می‌گردد. ضعف اعصاب امراض دیگری از قبیل اختلال حواس پریشانی جنون ثقل سامعه نابینایی و سل را به وجود می‌آورد. به علاوه موسیقی به

سبب ایجاد هیجانات روحی و مغزی گاهی به جمله و خفقان قلبی (سکته منجر می‌شود. دکتر" ولف آدلر "پرفسور دانشگاه کلمبیا می گوید: بهترین و دلکش‌ترین نواهای موسیقی شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می گذارد.[۱۰] اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت در اعصاب یک نوع اثر تخدیری ایجاد می کند. گاهی آن چنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می‌سازد. لذت فوق‌العاده‌ای که افراد از آن می‌برند، از همین اثر تخدیری است واضح است که این گونه تخدیرها، زیان‌های فراوانی دارد و اگر شدت یابد، گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگ‌های تند موسیقی کند و دیگر نتوانند خوب و بد را از هم تمیز دهند و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزنند و در آن حال نتوانند به عواقب وخیم آن بیاندیشند. دیگر مفاسدی که از موسیقی‌های مخرب نصیب انسان و جامعه می‌شود، عبارتنداز: ضررهای اقتصادی و اخلاق دوری از خدا، رواج بی بند و باری ولنگاری‌های جنسی بی رغبتی نیست به رعایت شئون دینی گوش دادن به موسیقی‌های مهیج حاصل شود. [۱۰] هیئت تحریریهٔ مؤسسه در راه حق، بیست پاسخ، ص ۱۸۳ به بعد.

چگونه باید جوانی را که دچار بیماری عشق شده است، نجات داد؟

پرسش

چگونه باید جوانی را که دچار بیماری عشق شده است، نجات داد؟

پاسخ

عشق به سادگی درمان پذیر نیست. عاشق عاقل نیست که او را به درکی عبرت انگیز راهنمایی کرد. او باید مسیر خود را بپیماید، هر چند تجربه های تلخ را ذخیره کند. گرچه گاهی آن چنان خود را می بازد که در دنیا و آخرت، جاهل و مغبون باقی می ماند. عاشقان دنیا و خوشی ها جاهلند، زیرا به متاعی دل خوش می کنند که زود گذر و تغییر پذیر است. عاشق جاهل و طالب شهوت و اسیر هوی و هوس، باید بداند آن چه را دوست دارد و کعبهٔ آمال خویش می بیند، جز بازی و سرگرمی نیست که بر غفلت انسان می افزاید. معشوق اصلی جز خدا نمی تواند باشد، زیرا به جز او همه فانی و از بین رفتنی اند. حضرت ابراهیم پیامبر بزرگ خدا از معشوقه های مجازی می گریزد و عشق حقیقی و واقعی را فقط در خدا می بیند. ابراهیم عشقی را که در وقتی آغاز شده و هنگامی دیگر پایان می پذیرد، جز عشق مجازی ابراهیم سرانجام به معشوقی توجه می کند که آسمان ها و زمین را آفرید. بعضی از عشق ها چون دل بستن به شخصی برای ازدواج اگر به سرانجامی خوش پایان پذیرد، می تواند توجیه پذیر باشد، امام عشق حرام فقط خسارت است و چنین شخصی را باید با مقدماتی مانند ملاقات با عالِمان دینی، روان شناسان و مطالعه کتاب اخلاقی به راه راست هدایت کرد.

با توجه به این که شرکت در مجالس روشه و ذکر مصیبت اهل بیت (ع بسیار مطلوب است مشاهده می‌شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می‌کنند. جواز برخورد با آن‌ها و راه برچیده شدن خرافات را

پرسش

با توجه به این که شرکت در مجالس روشه و ذکر مصیبت اهل بیت (ع بسیار مطلوب است مشاهده می‌شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می کنند. جواز برخورد با آن‌ها و راه برچیده شدن خرافات را

بیان کنید؟

پاسخ

خواهر گرامی بر پایی مجالس روضه و ذکر مصیبت و شرکت در آن مورد تأکید قرار گرفته و امری شایسته و مطلوب است زیرا در این گونه مجالس علوم و احکام اسلامی و اهداف وسیرهٔ اهل بیت (ع بیان می‌شود. مردم با شرکت در آن مجالس با فضائل و مناقب اهل بیت آشنا می‌شوند و قوائد دیگری از قبیل ایجاد ارتباط با یکدیگر و رسیدگی به فقرا و بیچارگان دارد. بنابراین لزوم چنین مجالس شک و تردید ندارد، ولی باید در این مجالس از مداحان و سخنرانانی استفاده شود که مطالب مستند و قابل قبول ارائه دهند. نباید افرادی را که مطالب غیر صحیح و غیر منطقی بیان می‌کنند، دعوت کرد، چرا که بیان آن مطالب نه تنها ثوابی ندارد بلکه دروغ و افترا و حرام است و احیاناً باعث وهن اهل بیت می‌شود و افرادی از تحصیل کرده‌ها با شنیدن مطالب غیر منطقی از این مجالس کناره می‌گیرند. شهید مطهری دربارهٔ تحریفات در عزاداری‌ها گفته است آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم روضه‌های دروغی را که می‌خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه‌ای شود. سپس نمونه‌هایی از تحریفات را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره نقل می‌کند. اما نقل برخی مطالب موهن و انحرافی در مجالس روضه خوانی دلیل نمی‌شود که در آن مجالس شرکت نکنیم حضور در مجالس روضهٔ ابا عبدالله (ع فوائد بسیاری دارد و در روایات بر آن تأکید کرده است اگر از مداحان یا روضه خوانان مطالب خرافی نقل شد، باید با آنان صحبت کرد و دلیل و مدرک آن را جویا شد و به آنان سفارش کرد که مطالب صحیح و مستند را نقل کنند.

برای دفاع از ارزش‌های اسلامی حوزهٔ علمیه چگونه می‌تواند از جانبازان دفاع بنماید؟ بسیاری از جانبازان یکی یکی شهید می‌شوند. ۱۵ سال است که جانباز شده‌ام ولی نا امید نیستم و اعتراض ندارم چون داوطلب بوده‌ام ولی خیلی از جانبازان هستند

پرسش

برای دفاع از ارزش‌های اسلامی حوزهٔ علمیه چگونه می‌تواند از جانبازان دفاع بنماید؟ بسیاری از جانبازان یکی یکی شهید می‌شوند. ۱۵ سال است که جانباز شده‌ام ولی نا امید نیستم و اعتراض ندارم چون داوطلب بوده‌ام ولی خیلی از جانبازان هستند که باید به آن‌ها توجه بیشتری بشود.

پاسخ

شما برای اسلام و با نیت پاک و مقدس از کشور اسلام و برای برقراری و تثبیت اهداف عالیهٔ امام خمینی (ره که ارزش‌های اسلامی براساس ولایت امیرالمؤمنین (ع و اهل بیت بوده قدم برداشته‌اید. اجر معنوی خود را دریافت کرده‌اید و با صبر و متانت از همهٔ ارزش‌هایی که خدا برای شما در نظر گرفته محافظت می‌کنید. وظیفهٔ بنیاد جانبازان است که کاملاً از جانبازان مراقبت نماید و مشکلات آنان را بر طرف کند. البته زندگی بدون مشکل نیست برای همهٔ مشکلاتی هست چه کسانی که به مقام مقدس جانبازی نائل شده‌اند و چه برای دیگران مشکلات لازمهٔ زندگی است مرد کسی است که در برابر مشکلات صبور و شاکر باشد. در روایات دربارهٔ صفات مؤمنان حقیقی از امام صادق (ع آمده است" و قور عندالهزاهز، صبور عند البلاء، شکور عندالرخاء، قانع بمارزقه الله (۱)مؤمن در شدائد با وقار و صبور است در گرفتاری‌ها شکرگزار است و به آنچه خدا به او روزی داده راضی است افراد مؤمنی بودند که با این که جانباز جنگی نبودند، ولی در اثر بیماری حدود ۱۴ سال در بیمارستان بستری بودند، ولی در سه نوبت اذان

گفتن شان ترک نمی‌شد و یک باز ناشکری نکردند و لب به اعتراض باز نکردند. مسلماً اینان نزد خدا درجات والایی دارند. بدانید جایگاه شما عزیزان جانباز در بهشت در عرش اعلا خواهد بود، به طوری که دیگر بهشتیان به حال شما غبطه خواهند خورد. خداوند یار و نگهدار شما باشد. پی نوشت ها : ۱ - بحارالانوار، ۷۵، ص ۲۴۴.

این که حضرت امام فرمود": جبهه دانشگاه انسان سازی است این چه دانشگاهی است و این چه انسانی است

پرسش

این که حضرت امام فرمود": جبهه دانشگاه انسان سازی است این چه دانشگاهی است و این چه انسانی است

پاسخ

منظور از دانشگاه در جملهٔ مذکور، دانشگاه مصطلح و محیط رسمی نیست بلکه منظور محلی است که به انسان چیزی می‌فهماند و می‌آموزاند. مراد از دانشگاه مرگز تبادل نظر و فراگیری دروس مختلف و نشر فرهنگ و سازندگی است از این رو حضرت امام از صدا و سیما نیز به عنوان دانشگاه عمومی یاد کرد. جبههٔ حق علیه باطل دانشگاهی است که در آن جا می‌توان درس عشق و ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی را آموخت در زمان خود دیدیم افرادی در این جبههٔ حق علیه باطل و در صحنهٔ نبرد، با انقطاع از دنیا و تعلقات مادی ره صد ساله را یک شبه پیموده و قله‌های سعادت را در نوردیدند، همچون شهید فهمیده که امام او را رهبر دانست منظور از انسان افراد کوچه و بازار، اعم از کوچک و بزرگ دانشجو و روحانی کارگر و کشاورز هستند که در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کردند و در پرتو ریاضت و جهاد فی سبیل اللّه و خودسازی به مقامات عالیهٔ انسانی نائل می‌گشتند. بچه‌های جبهه فقیه بزرگواری را نیز منقلب کردند. درس عشق در دفتر و کتاب نیست بلکه در گسستگی از غیر حق است به شوی اوراق اگر همدرس مایی که علم عشق در دفتر نباشد

با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت ع بسیار مطلوب است مشاهده می‌شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می‌کنند. جواز برخورد با آن‌ها و راه برچیده شدن خرافات را ب

پرسش

با توجه به این که شرکت در مجالس روضه و ذکر مصیبت اهل بیت ع بسیار مطلوب است مشاهده می‌شود بعضی مداحان و روضه خوانان مطالبی را که شاید سند قوی و صحیحی نداشته باشد، مطرح می‌کنند. جواز برخورد با آن‌ها و راه برچیده شدن خرافات را بیان کنید؟

پاسخ

بر پایی مجالس روضه و ذکر مصیبت و شرکت در آن مورد تأکید قرار گرفته و امری شایسته و مطلوب است زیرا در این گونه مجالس علوم و احکام اسلامی و اهداف وسیرهٔ اهل بیت (ع بیان می‌شود. مردم با شرکت در آن مجالس با فضائل و مناقب اهل بیت آشنا می‌شوند و قوائد دیگری از قبیل ایجاد ارتباط با یکدیگر و رسیدگی به فقرا و بیچارگان دارد. بنابراین لزوم چنین مجالس شک و تردید ندارد، ولی باید در این مجالس از مداحان و سخنرانانی استفاده شود که مطالب مستند و قابل قبول ارائه دهند. نباید افرادی

را که مطالب غیر صحیح و غیر منطقی بیان می کنند، دعوت کرد، چرا که بیان آن مطالب نه تنها ثوابی ندارد بلکه دروغ و افترا و حرام است و احیاناً باعث وهن اهل بیت می‌شود و افرادی از تحصیل کرده‌ها با شنیدن مطالب غیر منطقی از این مجالس کناره می گیرند. شهید مطهری دربارهٔ تحریفات در عزاداری‌ها گفته است آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم روضه‌های دروغی را که می‌خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه‌ای شود.[۱]سپس نمونه‌هایی از تحریفات را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره نقل می کند. اما نقل برخی مطالب موهن و انحرافی در مجالس روضه خوانی دلیل نمی‌شود که در آن مجالس شرکت نکنیم حضور در مجالس روضهٔ ابا عبدالله (ع فوائد بسیاری دارد و در روایات بر آن تأکید شده است اگر از مداحان یا روضه خوانان مطالب خرافی نقل شد، باید با آنان صحبت کرد و دلیل و مدرک آن را جویا شد و به آنان سفارش کرد که مطالب صحیح و مستند را نقل کنند. [۱] حماسهٔ حسینی، ج ۱، ص ۱۹.

نظر اسلام دربارهٔ ورزش چیست؟

پرسش

نظر اسلام دربارهٔ ورزش چیست؟

پاسخ

هر چند در قرآن مجید مسئلهٔ ورزش و مسابقات ورزشی به معنایی که امروز مورد توجه مردم قرار گرفته، مطرح نشده است، ولی آیاتی از قرآن به گونه ای بر اهمیت نیرومند سازی جسم، دلالت دارد، از جمله در داستان طالوت، خداوند دو خصلت گسترش علمی و توانایی جسمی ایشان را به عنوان شرایط زمام داری ذکر کرده است.۲[۷] رسول اکرم(ص) نیز در این باره فرموده اند: خوشا به حال کسی که اسلام را پذیرفته و به مقدار معاش خود درآمد دارد و قوای بدنی اش نیرومند است.[۸] امام علی(ع) در دعا و نیایش، از خداوند قدرت جسمانی طلب می کند و می فرماید": خدایا بدنم را در جهت خدمت به خودت قوی ساز.[۹"] از این رو اسلام به ورزش های خاصی مثل اسب سواری، شنا و تیراندازی تأکید کرده است تا جایی که شرط بندی و برد و باخت در این دو مورد را تجویز کرده و حتی بنابر روایتی، شخص رسول خدا(ص) مخارج جوایز برندگان مسابقه را نیز خود به عهده می گرفتند.[۱۰] شنا نیز از جمله ورزش های مفیدی است که اسلام بر آن تأکید داشته تا جایی که آموزش شنا به فرزند را یکی از وظایف پدر بر شمرده است.[۱۱] ورزش دیگری که اسلام دربارهٔ آن نظر مثبت دارد، ورزش کشتی است. البته منظور از ورزش، صرفاً اتلاف وقت و یا کسب قدرت در جهت ارضای خواسته های نفسانی نیست. از نظر اسلام هر گونه عملی که بیهوده بود و تنها به منظور وقت گذرانی صورت گیرد تحت عنوان لهو و لعب قرار گرفته و به شدت از آن بر حذر داشته است، ولی وقتی یک هدف عقلایی در کار باشد مثلاً ورزش به منظور تقویت جسم کسب سلامتی، تقویت بنیهٔ نظامی و رزمی، ایجاد نشاط در جامعه، صورت گیرد مطلوب خواهد بود. هدف اصلی ورزش از دیدگاه اسلام، کسب رضایت پروردگار و کسب قدرت جهت انجام فرامین الهی است. امام علی(ع) می فرماید": هرگاه توانا باشی، بر طاعت خدا توانا باش و اگر ناتوان بودی، از معصیت خدا ناتوان باش.[۱۲"]

[۷]بقره (۲) آیهٔ ۲۴۷. [۸]محمد تقی فلسفی، جوان، ج ۲، ص ۴۳۶. [۹]دعای کمیل. [۱۰]وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۱. [۱۱]میزان الحکمه،ج ۱۰، ص ۷۲۰. [۱۲]نهج البلاغه، قصار ۳۷۵.

منظور از تفریحات سالم که در احادیث به آن اشاره شده چیست؟ چگونه در جامعهٔ کنونی زمینهٔ تفریحات سالم را در جامعه باید ایجاد کرد؟

پرسش

منظور از تفریحات سالم که در احادیث به آن اشاره شده چیست؟ چگونه در جامعهٔ کنونی زمینهٔ تفریحات سالم را در جامعه باید ایجاد کرد؟

پاسخ

تفریحات سالم از دیدگاه اسلام، هدف دار و عاملی برای رفع خستگی و ایجاد سرور و نشاط و موجب رشد فکری است. در این جا به بعضی از تفریحات سالم مورد نظر اسلام اشاره می کنیم: ۱ ـ مسافرت: اسلام مسلمانان را به این تفریح صحیح فرا خوانده است. پیامبر اسلام(ص) می فرماید": سفر کنید تا سالم و تندرست باشید."۳[۱۳] البته مسافرت هایی که به منظور هوس رانی و عیاشی صورت می گیرد نمی توان تفریح سالم نامید و اسلام شدیداً از آن ها جلوگیری کرده است. ۲ ـ ورزش: از جمله تفریحات سالم که نشاط انگیز هم هست ورزش است که به سلامت جسم و روح کمک می کند. مسابقه اسب دوانی و تیراندازی و شنا کردن از جمله ورزش هایی است که مورد توجه پیشوایان اسلام قرار گرفته است. پیامبر اکرم(ص) می فرماید": به فرزندان خود تیراندازی و شنا بیاموزید.[۱۴"] پیامبر اسلام(ص) خود در مسابقهٔ اسب دوانی شرکت می کرد و مسلمانان را به این ورزش تشویق می فرمود و جوایزی به برندگان اختصاص می داد.[۱۵] ۳ ـ مطالعه: یکی دیگر از تفریحات که در رشد فکری مردم مؤثر است مطالعه و کتاب خواندن است که اگر با ذوق و اشتیاق همراه باشد لذت بخش و نشاط آور خواهد بود. امام علی(ع) می فرماید": با مطالب حکیمانه نوین و شگفت، جان های خود را نشاط دهید زیرا روان هم مانند بدن خسته می شود.[۱۶"] یکی از وظایف دولت اسلامی فراهم کردن زمینهٔ تفریحات سالم و ترویج فرهنگ ورزش در جامعه می باشد و از طرفی والدین نیز باید برای فرزندان خود در حدود امکانات وسائل تفریح آن ها را در خانهٔ خویش فراهم کنند و مسئولان کشور افراد خیّر و نیکوکار را به سمت تأسیس چنین مراکزی هدایت نمایند. [۱۳]بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۹. [۱۴]وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴. [۱۵]همان، ج ۱۳، ص ۳۵۱. [۱۶]نهج البلاغه، قصار ۱۸۸.

جوانی که در معرض خواهش های نفسانی قرار دارد و نیاز به ازدواج دارد، ولی از لحاظ اقتصادی و جهات دیگر قادر به ازدواج نیست و خانواده اش هم نمی توانند به او کمک بکنند، چه باید بکند و چگونه خود را از این بحران نجات دهد؟

پرسش

جوانی که در معرض خواهش های نفسانی قرار دارد و نیاز به ازدواج دارد، ولی از لحاظ اقتصادی و جهات دیگر قادر به ازدواج نیست و خانواده اش هم نمی توانند به او کمک بکنند، چه باید بکند و چگونه خود را از این بحران نجات دهد؟

پاسخ

در شرایطی که ارضای غریزهٔ جنسی از راه ازدواج ممکن نیست باید از اموری دیگر استمداد گرفت که عبارتند از: ۱ ـ کنترل غریزهٔ جنسی: به اعتقاد کارشناسان، بهترین و کم هزینه ترین درمان، پیشگیری است. برای غلبه بر غریزهٔ جنسی، جوان باید از ابتدای بلوغ، خواسته های نفسانی خویش را با نیروی ایمان و عقل و وجدان مهار کند؛ زیرا اگر از اول، غرایز، خودسر بار آیند راه اصلاح و برگشت مشکل خواهد بود. در این راستا نکاتی قابل توجه است: افکار شیطانی. باید اندیشه را از نفوذ افکار شیطانی دور نگه

داشت؛ زیرا گام نخست در انحراف، فکر کردن پیرامون آن است. در حقیقت مشکل ترین مرحله، همین مرحلهٔ سالم سازی اندیشه است. یکی از مواقع حساس که ممکن است انسان به گناه فکر کند زمانی است که جوان در بستر خواب می رود. بیدار ماندن در رختخواب ممکن است زمینه ساز برخی انحرافات فکری و عمل بشود. از این رو، به جوانان توصیه می شود زمانی وارد بستر شوند که به حد کافی خسته شده و آمادهٔ خواب باشند تا بدون فاصله و معطلی به استراحت بپردازند و فرصت اندیشیدن دربارهٔ امور جنسی پیدا نکنند. ب) پر کردن اوقات فراغت: یکی دیگر از عوامل غلبه بر غریزهٔ جنسی پر کردن اوقات فراغت است. تنهایی، محیط کاملاً مساعدی را برای شیوع انحرافات جنسی فراهم می کند. تفریح سالم، ورزش، نقاشی، مطالعه و غیره، اثر زیادی در انصراف فکر از عادات ناپسند دارد. ج) کنترل چشم: نگاه، راهبر دل و دام شیطان و بذر شهوت است. امامعلی(ع) می فرماید: "بهترین عامل روی گردانی از شهوت، فرو بستن چشم ها، است.["۱۹] ز دست دیده و دل هر دو فریادهر آن چه دیده بیند دل کند یاد د) عدم اختلاط زن و مرد؛ هم نشینی زن و مرد و هم سخن شدن با یکدیگر، زمینهٔ لغزش را فراهم می کند. ۲ ـ انجام مقررات دینی: اسلام برای مهار غرایز، برنامه های منظمی را ارائه داده که مهم ترین آن، نماز و روزه است. قرآن مجید می فرماید: نماز، آدمی را از کارهای زشت باز می دارد.[۲۰] رسول اکرم(ص) به جوانان توصیه می کند برای کنترل غریزهٔ جنسی خود از روزه و امساک استفاده کنند آن جا که می فرماید: ای گروه جوانان، هر کدام از شما اگر توانایی هزینه زن گرفتن را دارد پس ازدواج کند و اگ نتواند بسیار روزه بگیرد که روزه گرفتن از شهوت می کاهد.[۲۱] ۳ ـ دقت در دوست یابی: یکی از عوامل تشدید غریزهٔ جنسی، رفاقت با افراد آلوده است. دقت در انتخاب دوست می تواند در پیشگیری از انحرافات جنسی مؤثر باشد. ۴ ـ پرهیز از عوامل تحریک زا: عواملی مثل نگاه شهوت آمیز، تخیلات تحریک کننده، تماس با اجنبی و گفتگو با نامحرم، دیدن فیلم ها و عکس های مبتذل، آتش سوزان غریزهٔ جنسی را در جوان شعله ور می کند. برای کنترل غریزهٔ جنسی باید از این عوامل، پرهیز کرد. [۱۹]غررالحکم، ج ۶، ص ۱۶۴. [۲۰]عنکبوت (۲۹) آیهٔ ۴۵. [۲۱]بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

به من ایراد می گیرند که چرا در عروسی ها مثل پیر زن ها شرکت می کنی! به نظر شما موها را از نامحرم پوشاندن، جلو نامحرم ظاهر نشدن و حرام وحلال را رعایت کردن رفتار پیر زن ها است؟

پرسش

به من ایراد می گیرند که چرا در عروسی ها مثل پیر زن ها شرکت می کنی! به نظر شما موها را از نامحرم پوشاندن، جلو نامحرم ظاهر نشدن و حرام وحلال را رعایت کردن رفتار پیر زن ها است؟

پاسخ

جوان باید نشاط و شادابی داشته باشد و نشاط خود را در اخلاق و شیوهٔ برخورد و معاشرت با دیگران نیز نوع لباس هایی که می پوشد، آشکار سازد. در عین حال ضوابط و قوانین اسلامی را رعایت کند. رعایت حدود اسلامی با مزاح و شوخی و خنده، حُسن خُلق و خوش برخورد بودن و پوشیدن لباس شیک در مجالس زنانه ای که نامحرم نیست، هیچ منافاتی ندارد. مُد گرایی و چشم و هم چشمی و تقلید کورکورانه از بیگانگان و اسراف و تبذیر زشت است امّا سرزنده و با نشاط بودن، لباس زینت و متناسب با مجالس پوشیدن، کاری پسندیده است. امیرالمؤمنین(ع) فرمود": هر کس خوش اخلاق و نیک خو شد، دوستانش بسیار می شوند و محبوب قلوب مردم می شوند و مردم با او انس و الفت می گیرند.["۱] نیز فرمود": خوش اخلاقی و خوشخویی در سه چیز است از حرام خدا دوری کردن، به دنبال حلال رفتن، و بر خانواده سخت نگرفتن.["۲] در عین حال اگر به وظیفهٔ شرعی و اخلاقی خود

عمل کردید، دیگر به حرف دیگران اعتنایی نکنید. شماتت و استهزا و به کار بردن کلماتی نظیر مرتجع و یا رفتار پیرزن ها داشتن از حربه های شیادان است که می خواهند شما را از طریق هدایت خارج کنند. حفظ حدود اسلامی نامش عفت و پاکدامنی است و این افتخاری است که نصیب هر کس نمی شود. خود را از نامحرم پوشاندن، تأسی به حضرت زهرا(ع) است، حال نامش را دیگران هر چه می خواهند بگذارند. [۱]محمد صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۵، ص ۴۰۴. [۲]همان ص ۴۱۰.

بهترین طریقهٔ مداحی و روضه خوانی چگونه است چه کنیم تا به گونهٔ مطلوبی جلسه را اداره کنیم و در آن خطایی رخ ندهد؟

پرسش

بهترین طریقهٔ مداحی و روضه خوانی چگونه است چه کنیم تا به گونهٔ مطلوبی جلسه را اداره کنیم و در آن خطایی رخ ندهد؟

پاسخ

شکی نیست که سخن گفتن زیباترین نمودار زندگی انسان‌های اندیشمند و بزرگوار است از دیر زمان که بشر در راه تمدن و زندگی اجتماعی گام نهاده نیروی بیان به عنوان امتیاز انسان و شرافت وی قلمداد گردیده است خداوند بزرگ در قرآن از بیان و سخن به عنوان پرگهرترین نعمت یاد کرده است" الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان [۴] خدای مهربان قرآن را آموخت و انسان را آفرید و بیان و سخن گفتنی را به او آموخت " پیامبر(ص) فرمود": الجمال فی اللسان [۵] زیبایی انسان در زبان است " نیز فرمود": جمال المرء فی فصاحة اللسان [۶] زیبایی انسان در فصاحت و شیوایی زبان اوست .[۷] مداحی و روضه خوانی و ادارهٔ مجالس مذهبی باید مصداق" ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی أحسن [۸] باشد. در این مورد به چند نکته باید توجه کرد: ۱ – باید سخنران و مداح مردم را به راه خدا دعوت کند، یعنی هدفش راهنمایی مردم به دستورهای الهی باشد. تمام هم و غم خود را صرف هدایت مردم کند، نه این که قصدش این باشد که مردم از او تعریف و تمجید کنند، یا پول خوبی دریافت کند و هدفش کاسبی باشد. روایات از این گونه افراد بسیار مذمت کرده است ۲ – دعوت و سخنرانی و یا مداحی باید حکیمانه باشد و همراه با موعظه و نصیحت‌های زیبا باشد. اگر سخنران و مداح بتواند اشعار زیبا و پند گونه را در لابه لای اشعارش به مناسبت جاسازی کند، سخنرانی و مداحی او پر جاذبه خواهد شد. ۳ – سخنرانی و مداحی نباید طولانی باشد، به طوری که شنوندگان خسته شوند. ۴ – مطالب و اشعار نباید برای شنوندگان تکراری باشد. همواره از اشعار زیبا و مناسب با زمان استفاده نماید. ۵ – سخنان و اشعار مخصوصا روضه نباید مشتمل بر دروغ و مطالب نامعقول باشد. کسانی که به خاطر گریاندن شنوندگان مطلبی را که مستند و درست نیست می گویند، گناه کرده‌اند. ۶ – مداح باید کمتر حرف بزند و حتی در روضه از اشعار بهره جوید سعی کند مروری بر روضه به اشعار بسنده کند. برای پیوند دو گونه شعری چند کلمه حرف زدن مانعی ندارد. ۷ – سخنران باید قبل از سخنرانی مطالعه کند و مطالبش را منظم و مدارک و مستندات آن‌ها را یاد داشت کند. باید مطالب او به گونه‌ای باشد که اگر فردی مدرک آن را مطالبه کرد، به او بگوید. ۸ – نحوهٔ دست تکان دادن و نگاه کردن به شنوندگان و تغییر صوت و لحن (بالابردن و پایین آوردن صدا و کلفت و نازک کردن صوت در جذب شنوندگان بسیار مؤثر است انسان هایی که یکنواخت صحبت می کنند یا به یک جهت نگاه می‌نمایند، در سخنرانی و مداحی موفق نیستند. [۴]الرحمن (۵۵) آیهٔ ۱. [۵]بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۱. [۶]تحف العقول و کنز العمال خبر ۷۷۵ ۲۸. [۷]محمد باقر شریعتی سبزواری موازین سخن و سخنوری ص ۲۵. [۸]نحل (۱۶)، آیهٔ ۱۲۵.

پسری هستم ۲۷ ساله که ده ماه است با دختری ۱۹ ساله ازدواج کرده ام و هر دو دیپلم داریم. خانوادهٔ همسـرم از نظر مالی بهتر و از نظر اعتقادی ضعیف تر است. چگونه می توانم این اختلاف فرهنگی را که بسیار کم است، از بین ببرم؟

پرسش

پسری هستم ۲۷ ساله که ده ماه است با دختری ۱۹ ساله ازدواج کرده ام و هر دو دیپلم داریم. خانوادهٔ همسرم از نظر مالی بهتر و از نظر اعتقادی ضعیف تر است. چگونه می توانم این اختلاف فرهنگی را که بسیار کم است، از بین ببرم؟

پاسخ

یکی از عوامـل تعـادل و اسـتحکام خـانواده، همسـانی در بُعـد فرهنگی است. هرچه این همـاهنگی بیشتر باشـد، سازگاری در محیط خانواده افزون تر خواهـد بود، ولی بایـد این واقعیت را در نظر گرفت که هیـچ گاه بین زوجین همسانی صد در صد یافت نمی شود. آن چه مضـر است و منشأ اختلافات و کشـمکش ها می‌شود، اختلاف شدیـد و ناهمگون بودن زوجین در بُعـد فرهنگی است، که به نظر می‌رسد اختلاف فرهنگی شـما به این اندازه نباشد. همان طوری که در نامه مرقوم داشته اید، خانوادهٔ شما نسبت به مسائل اسلام پایبند تر است اما پدر خانم شما بیشتر اهل خوشگذرانی است. با توجه به بافت خانوادهٔ همسرتان و اوضاع محیطی و تربیتی و وراثتی که در شـکل گیری شخصـیت ایشـان نقش داشـته، شـما نمی توانیـد به راحتی این وضع را تغییر دهیـد و اختلاف فرهنگی را از بین ببرید. از این رو کاری به خانوادهٔ همسـرتان نداشـته باشید و در صورت لزوم فقط به امر به معروف و نهی از منکر بپردازید، ولی می توانیـد بـا تبادل نظر و شـرکت در جلسات مـذهبی و زیارت اماکن مقـدس و تهیـهٔ کتاب های مـذهبی و معاشـرت با دوسـتان مؤمن، همسـرتان را از نظر اخلاقی و فرهنگی به خود نزدیک کنید. همسـر بیش از آن که متأثر از پدر و مادر باشد، از همسر خود تأثیر می پذیرد. گفتار و رفتار خوب و سـنجیده و محبت های فراوانِ شـما می‌تواند جهت گیری فکر ی و فرهنگی ایشان را عوض نماید. البته تغییر و دگرگونی وقت می‌خواهد و به تدریج حاصل می‌شود.

استفاده صحیح از اینترنت برای جوانان چگونه باید باشد؟ آیا این وسیله یک وسیلهٔ آموزشی برای جوانان است یا راهی برای انحراف جوانان؟

پرسش

اسـتفاده صـحیح از اینترنت برای جوانـان چگونه بایـد باشـد؟ آیـا این وسـیله یـک وسـیلهٔ آموزشـی برای جوانان است یا راهی برای انحراف جوانان؟

پاسخ

اینترنت ماننـد یـک بـازار بزرگ است. منتهی بـازار اطلاعات که تنوع و گوناگونی آن باعث حیرت و شـگفتی است. بازاری که در آن هر جور کالایی وجود دارد و این بسته به انسان است که دنبال چه کالایی رود. کالایی مضرّ یا کالایی مفید؟ این که می گوییم انترنت یـک بـازار اطلاعـات است بـدین سـبب است که در آن همه نوع انـدیشه، فکر، اطلاعات و حتی ابزار و وسایل، ارائه شـده و خرید و فروش می گردد. بعضی از این اجناس تقلبی و بعضی اصیل اند؛ بعضی سبب انحراف و بعضی مایهٔ رشد و باروری است. این بسـتگی بدان دارد که هر کس در پی چه باشد و نیاز به چه متاعی داشته باشد. از جهت فن آوری رایانه ای و تجهیز به پیشرفته ترین

وسایل ارتباطی، اینترنت و پدیـده ای است شبیه به معجزه، از همین رو اهمیت فوق العاده زیادی دارد و نقش آن را نمی توان نادیده گرفت. امروزه شـما می توانید با مراجعه به پایگاه های اینترنتی از امکانات اکثر کتابخانه‌های دنیا و موزه‌های معروف اسـتفاده کنید، درحالی که پیش از این مثلاً دیدن یک نسـخه خطری در موزه لندن مسـتلزم صـرف هزینه های بسـیار و مسافرت به کشور انگلستان بـود. این یـک مثـال سـاده بـود تـا معلوم شود چه مقـدار از صـرف توان، نیرو و وقت آدمی به وسـیلهٔ این پدیـده جلوگیری می‌شود. جوانان کشور ما هم باید بدانند که اینترنت وسـیلهٔ بازی و سرگرمی و یا دسترسی به آدرس های ممنوعه نیست. مگر ما هر چیزی در هر جایی بفروشـند می خریم یا هر جا روزنامه یا فیلمی پخش کنند، به نظار می ایستیم؟ اینترنت هم مثل هر وسـیلهٔ دیگری فقط یک ابزار است و بسـتگی به نوع اسـتفاده ای دارد که از این ابزار می کنیم و دارای فرهنگی است که بدون داشـتن آن، نه تنها کارآیی و اهمیت خود را از دست می دهـد، بلکه سـبب شـیوع بی فرهنگی، فساد اخلاق و لاابالی گری می شود که ضـرری غیر قابل جبران و محدود است.

چگونه می‌توان از تبعیض قائل شدن برخی معلمان نسبت به بعضی دانش‌آموزان مثل دانش‌آموزهای پولدار و لوس جلوگیری کرد؟

پرسش

چگونه می‌توان از تبعیض قائل شدن برخی معلمان نسبت به بعضی دانش‌آموزان مثل دانش‌آموزهای پولدار و لوس جلوگیری کرد؟

پاسخ

یکی از راه‌هـا تـذکر کتبی یـا شـفاهی به معلم، همراه با حفظ احترام و ادب در گفتار و نوشـتار است. در بیرون از کلاس از معلم‌تان بخواهید که می‌خواهم چند دقیقه با شـما صـحبت کنم. حرف‌های خود را به استدلال قوی و ذکر نمونه و مثال برایش توضیح دهید. در صورت مانع شـدن شـرم و حیا، با وی مکاتبه کنیـد، یا با تلفن با وی صـحبت کنید. اگر تأثیر نبخشـید، با مدیر یا یکی از معاونان موضوع را درمیان بگذارید و از وی بخواهید بدون ذکر نام شما و بدون این که معلم بفهمد که شما این اطلاعات را در اختیار مدیر گذاشته‌اید، با او صحبت کند.

چگونه می‌توان از خود و دوست خویش شخصیتی همانند شهید بابایی ساخت؟

پرسش

چگونه می‌توان از خود و دوست خویش شخصیتی همانند شهید بابایی ساخت؟

پاسخ

الگـوگرایی همانـنـد خـداگرایی و کمـال‌طلبی از صـفاتی اسـت که ریشه در ذات و فطرت آدمی دارد. شـناخت کمالاـت، صـفات و ویژگی‌های اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، علمی و عملی الگوهای برتر، ایمان و تقوا را تقویت می‌کند و آثار آن در عمل و رفتار انسان تجسم و تجلی می‌یابد. شـهید عباس بابایی، الگویی است از میان رودخانه فیض همیشه جاری شهادت، به بیان دیگر: ایمان و عقیده، ایثار و گذشت، معنویت و رشادت، قوت قلب و تعبد و بالاخره روح خدایی و خدایی کاروان شـهیدان است که شما را تحت تأثیر و مجـذوب خود ساخته است، و چون با شـهید بابایی بیشتر آشـنا بوده‌ایـد،او را به عنوان نخونه و مصـداقی از آن کمالات ارزشـمند از

میان شـهدا مثال زده‌اید. پرسش اساسی این جا است: چه درس‌ها و کتاب‌ها و رفتارها و استادها و مکاتب و مذاهبی، از شهدا، انسان هایی ساخته است که خدا خریدار آن‌ها و انبیا مشتاق زیارتشان و فرشتگان خدمت گزاران آنان شده‌اند؟ خواهر! همه علایم جمع را بردار، به وحـدت واحـد بیندیش. یک درس و یک کتاب و یک اسـتاد و یک مکتب و یک مذهب بیش نبود. درس عشق از کتاب عشـقی که نویسـنده‌اش خدا بود و مدرس، معلم آن پیامبر و فاطمه و امامان‌علیهم‌السلام بودند و یاران و پیروان آنان در طول تاریخ، شاگردان آن کلاس بودنـد. آن مکتب مکتب اسـلام (ان الدین عند الله الاسـلام) و آن مذهب، مذهب و راه علی و فاطمه و حسن و حسـین و سایر ائمه‌علیهم‌السـلام است و امروز استادی کلاس عشق و عاشقی را حضرت ولی زمان (عج) به عهده دارد. پس برای آن که بتوانید حال و هوای شـهدا را پیدا کنید، باید شـناخت و معرفت خود را نسـبت به چهارده معصوم‌علیهم‌السـلام تکمیل نمایید و از راه و سیره و سنت آنان آگاه گردید؛ با اخلاق و افکار و عقایدشان آشنا شوید؛ دوستان و دشمنانشان را بشناسید؛ با موانع ظهور امام زمان(عـج) یا معرفت پیـدا کنیـد، و علم و معرفت به دست آمده را در عمل و اخلاق خویش متحقق سازید، تا جوانه‌های عشق پدید آیـد. پس برای عـاشق شـدن لازم است راه شـناخت و معرفت و راه عمـل و عبادت را پیش گیریـد؛ یعنی بایـد عارفِ عامل و عاملِ عارف گشت تا خورشید عرفان در مشرق روح طلوع کند و عالم وجود درون را روشن سازد و ظلمت و سیاهی‌های قلب را بزداید و دل سـرمازده و یخبنـدان وجود را گرم سازد و یـخ‌های آن را آب کند. پس باید گام‌های معرفت و عمل را با هم برداشت. در همان حین که زنـدگی نامه و وصیت‌نامه شـهدا را مطالعه می‌کشـید و با سیره و سـنت قول و عملی آشـنا می‌شویـد، گام‌های عملی را نیز تمرین کنید. تمرینات عملی هر فردی متناسب با میزان معرفت و عشق و علاقه‌اش به الگوهای برتر است. توصـیه ما، در برنامه اول به شما این است که به پنـج امر اقـدام کنید: ۱ – هیـچ گاه به شوخی یا جـدی دروغ نگوییـد ۲ – هیچ وقت عصـبانی نشوید ۳ – غیبت نکنید ۴ – همیشه بـا وضو باشـید ۵ – همه نمازهـایت را در اول وقت بخوانیـد. هر شب پیش از خـواب کارکردهـای روزانه خـود را محاسـبه کنیـد. ببینید آیا توانستید به این توصـیه‌ها عمل کنید. هر گاه توانستید تا چهل روز به طور کامل و دقیق به آن عمل کنید، با ما مکاتبه نمایید، تا توصـیه گام بعدی گفته شود. هر روز که تخلف کردید، روزهای گذشـته را نادیده بگیرید و از فردا با جدیت و مراقبت بیشتر شـروع کنیـد و آن را را روز اول چهـل روز به حساب آوریـد. دوره کتاب آداب و مراحل سـلوک الهی، نوشـته اسـتاد کریم محمود حقیقی را برای مطالعه تهیه کنید. در صورت عدم دسترسـی به آن، کتاب نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی نوشـته آقای مهدوی کنی را بخوانید.

علل بی رغبتی دانشجویان به تحقیق و پژوهش چیست؟ پاسخ این سؤال را با ذکر منابع بیان نمایید.

پرسش

علل بی رغبتی دانشجویان به تحقیق و پژوهش چیست؟ پاسخ این سؤال را با ذکر منابع بیان نمایید.

پاسخ

همـهٔ دانشـجویان به فراینـد تحقیق و امر پژوهشـی بی رغبت نیسـتند. ابتکار و ارائهٔ آثار علمی و پژوهشـی از سوی برخی دانشـجویان حکایت از آن دارد که به تحقیق اهمیت داده و بـدان علاقه دارنـد. از سوی دیگر بی رغبتی به تحقیق اختصاص به دانشـجویان ایران ندارد، بلکه در برخی از کشورهای دیگر بسیاری از دانشـجویان به تحقیق بی رغبت هستند. به نظر می رسد علل و زمینه های متعدد در بی رغبتی دانشـجویان تـأثیر گـذار است که به مهم ترین آن هـا اشـاره می شود: ۱ـ عـدم تعریف جایگاه تحقیق در سـیاست های کلان نظام یکی از موانع مهم آن است که تحقیق در ساختار حکومت تعریف نشـده و جایگاه خود را پیدا نکرده و در سـیاست های

کلان نظام بـدان توجه خاصـی نشـده است. بر این اساس بودجه هایی که به امر تحقیق اختصاص می یابد، پاسـخگو نیست. بر همین اسـاس رهبر فرزانه انقلاب، مسـئولان نظام را به اهمیت دادن به پژوهش فرا خوانـد. عـدم توجه به تحقیق در سـطح کلان، بی رغبتی دانشجویان به پژوهش را در پی دارد. ۲- عدم فرهنگ سازی: گسترش و اهمیت دادن به چیزی نیاز به فرهنگ سازی دارد. متأسفانه در جامعهٔ ایران به امر تحقیق بها داده نشده و نقش بنیادی تحقیق در تحوّلات و بهینه سازی مملکت بیان نشده است و این فرهنگ به وجود نیامـده که تحقیق و محقق جایگـاه بلنـد داشـته و موفقیت یـک نظام مبتنی بر امر پژوهش است. عـدم حمایت افکار عمومی از پژوهش و پژوهشـگر، جامعهٔ دانشـجویی را تحت تأثیر قرار داده و دانشـجویان را نسـبت به تحقیق بی رغبت می کند. برای تشویق به امر تحقیق لازم است که فرهنـگ سازی صورت گرفته و از محقق و آفرینش های پژوهشـی حمایت شود. ۳ـ فراهم نبودن شرایط و امکانات: یکی از عوامل عمـده بی رغبتی به فراینـد پژوهش، فراهم نبودن شـرایط و امکانات است. پژوهش ماننـد سایر فعالیت های دیگر با بهره گیری از امکانان به وجود می آید. در غیر این صورت روحیه تحقیق از پژوهشـگر گرفته شده و روند فعالیت پژوهشـی کند می گردد؛ مثلاً یک محقق نیاز به وسایل و ابزاری مانند رایانه دارد. اگر این وسـیله نباشد، محقق نمی تواند به آسانی و سرعت، فعالیت های پژوهشـی را ادامه دهد. عدم ادامه تحقیق، پژوهش را آسیب پذیر می کند وآسیب پذیری موجب می شود که پژوهشگر در ادامه فعـالیت بی رغبت شود. بر این اسـاس برای ایجاد انگیزهٔ تحقیق بایـد شـرایط تحقیق فراهم گردد و با آسـیب ها مبارزه شود، حـال این شـرایط مربوط به محقق باشـد و یا مربوط به نظام. ۴ـ عدم حمایت از دسـتاورهای پژوهشـی: یکی از موانع دیگر پژوهشی، عدم حمایت از محصولات پژوهشی است. یک محقق با زحمات طاقت فرسا تحقیق نموده و یک اثر علمی و یا یک ابتکار علمی را به عنوان محصول تحقیق ارائه می دهـد، ولی از سوی نظام و یا خانواده حمایت و تشویق نمی شود. شایـد یکی از عوامل بسـیار مهم بی رغبتی دانشـجویان به امر پژوهش، مربوط به عدم حمایت از محصولات پژوهشـی باشد. ۵ـ عدم آشـنایی با اصول و روش تحقیق پژوهش و تحقیق نیاز به یادگیری روش و اصول دارد. آشـنایی با اصول و روش تحقیق موجب می شود که پژوهشـگر در فعالیت ها کم تر دچـار مشـکل شـده و تحقیق زودتر نـتیجه دهـد. عـدم بهره گیری از اصول و روش موجب می شود محقق احسـاس خسـتگی نموده و به تحقیق بی رغبت شود. ۶ـ روحیهٔ راحت طلبی: بی تردید تحقیق تحمل زحمات طاقت فرسا را می طلبد. تدوین یک پایان نامه و ارائهٔ یک اثر علمی موفق با راحت طلبی همسویی ندارد، از سوی دیگر انسان ها - به ویژه جوانان به رغم آن که توان جسمی دارنـد - راحت طلب هسـتند! راحت طلبی انسـان از یـک سو و زحمـات طـاقت فرسـای پژوهش از جانب دیگر موجب می شود که عملاً ـ روحیـهٔ تحقیق از انسـان گرفته شود. مضافاً بر این که فرد در ایـام جوانی به فکر ازدواج، کسب موقعیت سیاسـی - اجتماعی و شغـل است. آرزوهـا و راحت طلبی جوان نقش بنیـادی در بی رغبتی او به تحقیق دارد. علاوه بر موارد فوق، عوامـل دیگری نیز می تواند نقش داشته باشد. دربارهٔ اصول و روش تحقیق کتاب های متعددی تدوین شده است که در برخی به موانع و عوامل بی رغبتی به امر تحقیق پرداخته شـده است. در این جا به برخی اشاره می شود: ۱ـ روش های تحقیق، دکتر علی اکبر سـر فراز. ۲ـ روش تحقیق در یک مکتب، دکتر علی قائمی. ۳ـ ابزار و وسایل تحقیق، محمد دشتی. ۴ـ روش تحقیق، س . ک . موز، ترجمه دکتر کاظم ایزدی.

نحوه برخورد یک جوان شیعه با انحرافات اجتماعی چگونه باید باشد؟

پرسش

نحوه برخورد یک جوان شیعه با انحرافات اجتماعی چگونه باید باشد؟

پاسخ

وظیفه همه آحاد جامعه به ویژه نسل جوان در برابر انحرافات اجتماعی، نهی از منکر است. قرآن مجید به صراحت به این نکته اشاره کرده و فرموده است": باید از شما مسلمانان برخی، مردم را به خیر و صلاح دعوت کنند و آن‌ها را به نیکوکاری فرمان داده و از منکرات نهی کنند و اینان رستگار خواهند بود. "امام آل عمران (۳) آیه ۱۰۴. علی‌علیه‌السلام کسانی را که از این وظیفه مهم، شانه خالی می‌کنند، در زمره مردگان برشمرده است. البته نهج البلاغه، قصار ۳۶۶. برخورد و اجرای نهی از منکر باید بسیار سنجیده و با علم و آگاهی از شرایط آن و رعایت آنها صورت گیرد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱ – آشنایی با معروف و منکر: ابتدا لازم است کسی که می‌خواهد با انحرافات مبارزه کند، به حقیقت کار توجه داشته باشند؛ یعنی خودش آگاهی کامل داشته باشد که چه کاری خوب و پسندیده است و چه کاری ناپسند و منکر. ۲ – دفاع منطقی: در برخورد با ناهنجاری‌ها، باید با رفق و مدارا و صبر و حوصله و با نصیحت و استدلال پیش رفت. قرآن مجید می‌فرماید": ادع الی سبیل ربک بالحکمهٔ و الموعظهٔ الحسنهٔ و جادلهم بالتی هی أحسن؛ ای رسول! خلق را به حکمت و برهان و موعظه به راه خدا دعوت کن و به بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن." نحل (۱۶) آیه ۱۲۵. ۳ – جلب اعتماد: تا جلب اعتماد صورت نگیرد، موعظه و نصیحت اثری ندارد. امام علی‌علیه‌السلام می‌فرماید "دل‌های مردم وحشی است. پس کسی که دل‌ها را جذب کند، به او روی خواهند آورد. "از این جهت لازم نهج البلاغه، قصار ۴۷. است با افراد خطاکار با صمیمیت و رفاقت مواجه شد و در گام بعدی با شیوه‌ای مناسب سخن گفت. ۴ – رعایت ادب و نزاکت: در برخورد با ناهنجاری‌ها نمی‌توان به بهانه اجرای فریضه نهی از منکر حقوق دیگران را نادیده گرفت. در این جهت هرگونه تندخویی و درشتی مردود است. خداوند متعال که موسی‌علیه‌السلام را مأمور مقابله با طاغوت زمان خود یعنی فرعون کرد و به ایشان سفارش می‌کند": با او به نرمی سخن گویند، شاید پند گیرد یا بترسد. "طه (۲۰) آیه ۴۴. ۵ – احتمال ترتیب اثر دادن: انسان باید احتمال بدهد که توصیه و سخن درست او، دارای اثری مثبت است. اگر چه اطمینان به ترتیب اثر لازم نیست، زیرا گاهی توصیه و امر به معروف و نهی از منکر نه تنها تأثیر مثبت ندارد، بلکه دارای آثار منفی می‌شود، مثلاً شخص را جری‌تر می‌کند. ۶ – اقدام عملی: گاهی منکر چنان ریشه دارد شده که با زبان ریشه کن نمی‌شود و نیازمند عمل می‌باشد. در این صورت اقدام عمل لازم است، ولی نخستین مرحله اقدام عملی به خود پرداختن و از خود الگوی مناسبی برای دیگران فراهم کردن است. به نظر صاحب جواهر از بزرگ‌ترین و مؤثرترین جلوه‌های امر به معروف و نهی از منکر به ویژه نسبت به رهبران دینی آن است که خود، جامه معروف را به تن کنند و پوشش منکر را از تن بدر کنند و نفوس خود را با اخلاق والا برآورند و ا ز اخلاق پست بپیرایند. البته این شرط، حتی در زمانی که با جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۳. زبان نهی از منکر می‌کند، نیز لازم است؛ یعنی اگر چیزی را که خود رعایت نمی‌کند، بخواهد به دیگران توصیه کند، نه تنها اثری ندارد، بلکه گاهی اثر معکوس می‌گذارد. در مرحله بعد یک جوان متعهد باید در صورت توان از وقوع جرم و جنایت و فساد در جامعه جلوگیری نماید. البته در اوضاع فعلی که نظام اسلامی حاکم است، برای اجتناب از هرج و مرج، باید مرحله مجازات و تنبیه خطاکار را به مسؤلان سپرد. از این رو گزارش دادن به مراجع ذی‌صلاح و پیگیری عملی کفایت می‌کند. شرایط و ویژگی‌های دیگر نیز لازم است. می‌توانید با مراجعه به کتاب هایی که در این باره نوشته شده و آگاهی از آنها در کار خود موفق‌تر باشید. در پایان بخشی از سخنان رهبر انقلاب را نقل می‌کنیم": در جامعه اسلامی تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان (زبان) است، اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر به عهده مسؤلین است که باید وارد بشوند و آن‌ها این کار را بکنند. البته نقش مهم‌تر از هم همین زبان دارد. چیزی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. اگر مردم به آدم بدکار، خلافکار و کسی که اشاعه فحشا می‌کند و می‌خواهد قبح گناهی را از جامعه ببرد، بگویند و ده، صد یا هزار نفر به طور کلی افکار عمومی جامعه روی وجود او سنگینی کند، این برای او شکننده‌ترین چیزهاست. "فرهنگ و تهاجم، ص ۲۳۰.

در روستای ما افرادی به عنوان هیأت امنای مسجد هستند که بعد از ساختن مسجد هیچ گونه فعالیت فرهنگی و تبلیغی ندارند و برخی از آن

ها غیر از ماه رمضان به مسجد نمی آینـد و از عضویت در هیأت هم اسـتعفا نمی دهنـد؛ از طرفی جوانان محل هم در معرض خطر تهاجم فرهنگی و انحراف

پرسش

در روستای ما افرادی به عنوان هیأت امنای مسجد هستند که بعد از ساختن مسجد هیچ گونه فعالیت فرهنگی و تبلیغی ندارند و برخی از آن ها غیر از ماه رمضان به مسجد نمی آیند و از عضویت در هیأت هم استعفا نمی دهند؛ از طرفی جوانان محل هم در معرض خطر تهاجم فرهنگی و انحراف قرار دارند؛ تکلیف ما چیست؟

پاسخ

جا دارد به حساسیت، غیرت دینی، فرهنگی واجتماعی شما آفرین بگوییم. توجه جناب عالی را به نکاتی چند جلب می نماییم: ۱ـ خداوند به همه اهالی و مؤمنین روستای شما که همت نموده و مسجدی ساخته اند پاداش خیر عطا فرماید. این کار نشانگر عشق و علاقهٔ ایشان به مسجد و اقامهٔ شعائر دینی و ارزشی است. با این حال، ساختن مسجد، هر چند نیکو بنا گردد و با فرش های دیبا و کاشی های زیبا، زینت یابد، در درجه اول اهمیت قرار ندارد، زیرا زینت مسجد به حضور گسترده نمازگزاران و فعالیت های فرهنگی و دی[نی در آن است که در این میان، حضور هیأت امنای مسجد نیز جلوه ای خاص خواهد داشت و این عزیزان نباید از آن غافل باشند و سعی کنند حضورشان بیشتر و چشمگیرتر باشد. ۲ـ شکی نیست که در کارهای فرهنگی و تعظیم شعایر اسلامی، استفاده از تمامی امکانات و مشارکت همه جانبهٔ اهالی، بستر و زمینه فعالیت ها را آماده تر و رسیدن به اهداف را آسان تر می سازد. از افرادی چون شما، انتظار می رود با زبانی نرم و خوش و توأم با احترام و حفظ عزت افراد ـ به خصوص بزرگان، معتمدان و هیأت امنای مسجد ـ از آنان بخواهید که در این حرکت فرهنگی حضور بیشتری داشته باشند، تا جوان تر ها بتوانند از تجربیات و حمایت های همه جانبهٔ آنان استفاده کنند و خدای ناکرده بر خورد ناصحیح موجب بریدن افراد از مسجد نشود. ۳ـ نیامدن و عدم حضور افراد (حتی هیأت امنا) به مسجد به هر دلیل، مسئولیت را از دوش شما عزیزان بر نمی دارد و همان طور که اشاره کردید، در عصر تهاجم فرهنگی که دشمنان و بدخواهان مبارزه ای جدی را علیه دین و دنیا و نسل و ناموس ما آغاز کرده اند، می بایست کمربند ها را محکم بست و همت ها را چند برابر ساخت تا بتوانیم از این بحران با افتخار و سربلندی به در آییم. لذا هیت امنای هیچ مسجدی حق ندارند مانع فعالیت های دینی و فرهنگی شوند و در کارهای فرهنگی نیز نیازی به تأیید یا حضور آن‌ها نیست. [۱] توضیح المسائل مراجع، مسئلهٔ ۱۴۵۳؛ و آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۴۱۲ و ۴۱۳.

در حال حاضـر با توجه به جوّ فرهنگی حاکم بر کشور ما نیازی به فرهنگ شـهید و شـهادت و احیای این فرهنگ هست؟ ضرورت وجود چنین فرهنگی را چگونه ارزیابی می نمایید؟ مشروحاً توضیح دهید.

پرسش

در حال حاضر با توجه به جوّ فرهنگی حاکم بر کشور ما نیازی به فرهنگ شهید و شهادت و احیای این فرهنگ هست؟ ضرورت وجود چنین فرهنگی را چگونه ارزیابی می نمایید؟ مشروحاً توضیح دهید.

پاسخ

انقلاب اسلامی ایران که عظمت و سربلندی خود را مرهون فرهنگ شهادت و شهیدان است، الهام گرفته از فرهنگ عاشورا و عاشوراییان می باشد. امام حسین(ع) با شهادت خود و فرزندان و یارانش درس عزّت و آزادی خواهی را به همه آموختند. هرگاه جامعهٔ اسلامی سر دوراهی زندگی همراه با ذلّت پذیری یا مرگ شرافتمندانه قرار بگیرد، تنها فرهنگ ایثار و شهادت است که می تواند جامعه را از سقوط حتمی نجات داده و به سعادت ابدی رهنمون باشد قیام حضرت سیدالشهداء(ع) نمونه ای بارز بلکه چراغی فروزان برای طی کردن این خط مشی به شمار می رود؛ حضرت در این راستا از مرگ سرخ استقبال کرد و در برابر خوارج زمان خویش چنین فرمود": ابن زیاد مرا میان شمشیرهای آخته و ذلّت پذیری مخیّر ساخته است، ولی هیهات که ذلّت و ننگ را بپذیریم؛ "هیهات منّا الذّلّه "پذیرش ذلت از ما خاندان به دور است. "آن چه مایهٔ بقا و قدرت و شکوه دین است، جهاد و فرهنگ شهادت طلبی است و امام حسین(ع) برای این که به همگان اعلام کند که دین تنها نماز و روزه و حجّ نیست، دست به آن قیام زد تا مکتب شهادت و فداکاری در راه دین خدا را زنده نگه دارد و روحیهٔ رفاه طلبی و سازش را از میان بردارد. جایگاه و ارزش دین تا حدی است که همه چیز، حتی خون عزیز ترین انسان ها همانند حسین بن علی(ع) و اصحاب و یارانش باید فدای آن شوند. از این که حضرت حاضر شد در راه دین شهید شود و به استقبال شهادت رفت، روشن می‌شود که ارزش دین از هر چیز دیگری بالاتر است و لازم است در هنگام نیاز همه چیز فدای دین گردد. بنابراین می توان گفت: الف) شهید با شهادت خود حیات جاویدان و سعادت دنیا و آخرت و سرافرازی را برای جامعهٔ اسلامی ضمانت می کند. ب) تنها فرهنگی که می تواند جامعهٔ اسلامی را زنده و شاداب و میان دیگر جوامع سربلند نگه دارد، فرهنگ شهید و شهادت است. صحّت این ادّعا در نهضت عاشورای امام حسین(ع) و شکل گیری و پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران به ویژه در دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی رژیم متجاوز و وابستهٔ عراق علیه ایران به روشنی ثابت شد. ج) تا این فرهنگ در جامعهٔ ما باشد، سعادت و سربلندی ملّت ایران تضمین شده است و در غیر این صورت چنین عزّتی ضمانتی ندارد. پی نوشت ها : ۱ – علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، دارالاسوه، ص ۱۵۶.

به منظور پاسخ گویی سریع و علمی و دقیق به سؤالات دینی و مذهبی نسل جوان چه راهکاری را ارائه می‌دهید؟

پرسش

به منظور پاسخ گویی سریع و علمی و دقیق به سؤالات دینی و مذهبی نسل جوان چه راهکاری را ارائه می‌دهید؟

پاسخ

پاسخ گویی به سؤالات نسل جوان، در گرو شناسایی پرسش‌های آنان و به بیان دیگر شبهه‌شناسی است. این کار در حد محدودی از طرف سازمان ملی جوانان انجام گرفته و موضوعات قابل توجه نسل جوان را ارائه نموده است. در مرحله بعد باید پاسخ‌های مناسب را از منابع موثق و متخصصان رشته مربوطه دریافت نمود. خوشبختانه، مراکز مختلفی متولی پاسخ گویی به سؤالات مذهبی جوانان هستند، مانند: ۱– مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها که به پرسش‌های دانشجویان پاسخ می‌دهد. ۲– پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. ۳– مرکز فرهنگ قرآن که به سؤالات قرآنی پاسخ می‌دهد. در مرحله سوم آشنایی با ابزارها و شیوه‌های پیام رسانی و توجه به روحیات نسل جوان است. بنابراین، تنها شناخت پرسش و تهیه پاسخ کافی نیست، بلکه روش استفاده صحیح از آموخته‌ها و انتقال آن به نسل جوان و نوع برخورد با مسائل، بسیاری مهم و سرنوشت ساز است. چه بسا کلام پاسخگو از محتوای عمیقی برخوردار است، ولی طرز بیان آن طوری است که با روحیات جوان سازگاری ندارد. هم چنین شخصیت انسان و کردار او نیز در پاسخگویی و نشر معارف دینی بسیار مؤثر است. استاد مطهری در موفقیت یا

شکست یک پیام چهار عامل را مؤثر می‌داند: ۱- ماهیت پیام، ۲- شخصیت خاص پیام رسان، ۳- ابزار پیام رسانی، ۴- کیفیت و متد و اسلوب رساندن پیام.(۱) پی نوشت‌ها: ۱. استاد مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۰۹ - ۲۱۱.

مبارزه با مفاسد اجتماعی از قبیل بدحجابی چگونه باید صورت گیرد؟

پرسش

مبارزه با مفاسد اجتماعی از قبیل بدحجابی چگونه باید صورت گیرد؟

پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان‌پذیر نیست. عوامل بدحجابی عبارتند از : ۱ - تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری‌ها ریشه در بی‌اعتنایی پدران و مادران و طرز برخورد آن‌ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند و آموزش‌های لازم نبینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت. خانواده‌ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت‌گیری‌های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی‌رود، بلکه معضل را دو چندان می‌کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود. ۲ - دگرگونی ارزش‌ها: شیوه نگرش افراد به ارزش‌ها در چگونگی موضع‌گیری آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اگر زنی، خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملاک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می‌دهد و حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی‌گزیند. ۳ - الگوهای ناهنجار: الگو در اخلاق اسلامی و روان‌شناسی جایگاه مهمی دارد. درگذشته که الگوها و نقش‌ها اندک و محدود بودند، هویت‌یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه‌های متعدد ارائه می‌دهند، هویت‌یابی و انتخاب راه صحیح را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلائل بدحجابی، مدگرایی و همرنگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه‌ها و شخصیت‌های مطرح در رسانه‌ها می‌باشد. ۴ - فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است. ۵ - کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت‌های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده‌اند، وادار به جبران می‌کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پرنمایند. یکی از راه‌های ایجاد شخصیت‌پنداری، خودآرایی است. ۶ - تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت زدایی آن‌ها است. پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه‌های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از: ۱ - تقویت بنیان خانواده ۲ - آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان ۳ - تقویت باورهای مذهبی ۴ - معرفی الگوهای شایسته ۵ - مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن ۶ - برقراری ارتباط صمیمی با جوانان ۷ - از بین بردن زمینه‌های بدحجابی ۸ - ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر ۹ - تسهیل امر ازدواج ۱۰ - قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد ۱۱ - خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲ - جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره به چهره و پاسخ گویی به شبهات آنان ۱۳ - بازشناسی ناهنجاری‌ها و نقاط منحط فرهنگ غرب ۱۴ - همخوانی گفتار و رفتار مربیان ۱۵ - تکیه بر دعوت عملی و زبان رفتاری ۱۶ - سالم سازی محیط از آن چه گفته شد روشن می‌شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با

فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن‌ها بیاموزند. قدم دوم را محیط آموزشی به‌خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند. گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه‌های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه‌ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ درآورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط بپردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند.

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

پرسش

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان‌پذیر نیست. عوامل بدحجابی عبارتند از : ۱ – تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری‌ها ریشه در بی‌اعتنایی پدران و مادران و طرز برخورد آن‌ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند ...آموزش‌های لازم نبینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت. خانواده‌ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت‌گیری‌های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی‌رود، بلکه معضل را دو چندان می‌کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود. ۲ – دگرگونی ارزش‌ها: شیوه نگرش افراد به ارزش‌ها در چگونگی موضع‌گیری آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اگر زنی، خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملاک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می‌دهد و حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی‌گزیند. ۳ – الگوهای ناهنجار: الگو در اخلاق اسلامی و روان...ə.....جایگاه مهمی دارد. درگذشته که الگ.....ş و نقش‌ها اندک و محدود بودند، هویت‌یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه‌های متعدد ارائه می‌دهند، هویت‌یابی و انتخاب راه صحیح را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلائل بدحجابی، مدگرایی و همرنگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه‌ها و شخصیت‌های مطرح در رسانه‌ها می‌باشد. ۴ – فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است. ۵ – کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت‌های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده‌اند، وادار به جبران می‌کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پرنمایند. یکی از راه‌های ایجاد شخصیت‌پنداری، خودآرایی است. ۶ – تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت زدایی آن‌ها است. پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه‌های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از: ۱ – تقویت بنیان خانواده ۲ – آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان ۳ – تقویت باورهای مذهبی ۴ – معرفی الگوهای شایسته ۵ – مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن ۶ – برقراری ارتباط صمیمی با جوانان ۷ – از بین بردن زمینه‌های بدحجابی ۸ – ترویج

فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر ۹ – تسهیل امر ازدواج ۱۰ – قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد ۱۱ – خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲ – جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره به چهره و پاسخ گویی به شبهات آنان ۱۳ – بازشناسی ناهنجاری‌ها و نقاط منحط فرهنگ غرب ۱۴ – همخوانی گفتار و رفتار مربیان ۱۵ – تکیه بر دعوت عملی و زبان رفتاری ۱۶ – سالم سازی محیط از آن چه گفته شد روشن می‌شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن‌ها بیاموزند. قدم دوم را محیط آموزشی به‌خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند. گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه‌های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه‌ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ درآورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط بپردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند.

چه راهی وجود دارد تاافراد کوچک‌تر بهافراد بزرگ‌تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه درآید؟

پرسش

چه راهی وجود دارد تاافراد کوچک‌تر بهافراد بزرگ‌تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه درآید؟

پاسخ

جامعه سالم نیازمند خانواده سالم است. در محیط خانه است که کودک می‌آموزد چگونه با دیگران باید معاشرت نماید. بنابراین سنت تکریم بزرگ‌ترها باید در کانون خانواده احیا گردد تا به جامعه سرایت نماید. دراین مورد همه دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های فرهنگی مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و مجلات نقش تعیین کننده دارند. مهم نقش‌های متفاوتی است که هر یک از اعضای خانواده باید ایفا نمایند که به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم: ۱ – افراد کوچک و کودکان حرف کسانی را می‌شنوند و به افرادی از روی میل و رغبت احترام می‌گذارند که به آن‌ها ارزش می‌دهند و توجه می‌نمایند. بنابراین وظیفه بزرگ‌ترها، مهربانی به کوچک‌تر و دل جویی از آنان است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید": دل‌های مردم بااین تمایل فطری آفریده شده است که نیکی کنندگان به خود را دوست داشته باشند و بدکنندگان به خویش را دشمن دارند.("۲) ۲ – بزرگ‌ترها باید موقعیت خود را حفظ نمایند. متأسفانه بعضی والدین به عوض این که برنفوذ و احترام یکدیگر در برابر کودک بیفزایند، با انتقادهای بی مورد اختلاف نظرهای غیر معقول از منزلت خود نزد او می‌کاهند. این نوع والدین نمی‌توانند احترام و همکاری بچه‌ها را جلب نمایند. اگر والدین و بزرگ‌ترها احترام خود را نگه بدارند، باید توقع احترام از دیگران را داشته باشند. ۳ – والدین باید درس تکریم بزرگ‌ترها را در قول و عمل به فرزندانشان آموزش دهند. اگر والدین وظیفه تکریم رانسبت به بزرگ‌ترهای خود مراعات نمایند، خودشان نیز مورد تکریم فرزندان واقع خواهند شد. امام صادق(ع) می‌فرماید": به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان‌تان هم به شما نیکی نمایند.("۲) ۴ – رابطه پدر و مادران با فرزندان باید رابطه عاطفی و مانند دو دوست باشد. البته دو دوستی که یکی بزرگ‌تر و دارای علم و آگاهی و تجربه بیشتر و دیگری دوست کوچک‌تر است. در این حال، احترام فرزند به پدر و مادر از روی علاقه و اختیار خواهد بود، همانند دوست کوچکی که با علاقه به دوست بزرگ‌تر خود احترام می‌گذارد و از او حرف شنوی دارد. پی‌نوشت‌ها: ۱ – تحف العقول، ص ۳۷. ۲ – بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۶۵.

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

پرسش

برای از بین رفتن مسئله بدحجابی در جامعه چه باید کرد؟

پاسخ

مفاسد اجتماعی و از جمله بدحجابی مانند هر پدیده دیگر، معلول عواملی است که مبارزه با آن جز از طریق شناخت علل امکان‌پذیر نیست. عوامل بدحجابی عبارتند از : ۱ - تربیت ناصحیح خانواده: بسیاری از ناهنجاری‌ها ریشه در بی‌اعتنایی پدران و مادران و طرز برخورد آن‌ها دارد. دختران نابالغ اگر توسط والدین خود آمادگی ورود به مرحله بلوغ را نداشته باشند و آموزش‌های لازم نبینند، در نوجوانی و جوانی، پوشش کامل اسلامی را به سختی خواهند پذیرفت. خانواده‌ها باید برنامه مشخصی در زمینه آموزش حجاب و محرم و نامحرم و حلال و حرام به فرزندان خود داشته باشند و از کودکی، دختران خود را با حجاب آشنا سازند و آن را تا زمان بلوغ به تأخیر نیندازند. در این راه از راهکارهای تشویق و تنبیه بهره گیرند. البته سخت‌گیری‌های بیجا نه تنها راه حل مناسبی به شمار نمی‌رود، بلکه معضل را دو چندان می‌کند. در صورتی که غیرت با دوراندیشی و تعقل و صبر همراه نباشد، چه بسا به ضد خود تبدیل شود. ۲ - دگرگونی ارزش‌ها: شیوه نگرش افراد به ارزش‌ها در چگونگی موضع‌گیری آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اگر زنی، خودنمایی را به جای حجب و حیا، ملاک ارزش گذاری قرار دهد و ارزشمند بداند، طبیعی است که خود را نشان می‌دهد و حتی پوشش را برای نمایاندن خود برمی‌گزیند. ۳ - الگوهای ناهنجار: الگو در اخلاق اسلامی و روان‌شناسی جایگاه مهمی دارد. درگذشته که الگوها و نقش‌ها اندک و محدود بودند، هویت‌یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه‌های متعدد ارائه می‌دهند، هویت‌یابی و انتخاب راه صحیح را بر جوانان مشکل کرده است. از این رو یکی از دلائل بدحجابی، مدگرایی و همرنگ جماعت شدن و تأسی به هنرپیشه‌ها و شخصیت‌های مطرح در رسانه‌ها می‌باشد. ۴ - فقر معنوی: سقوط اخلاقی، بروز ناهنجاری در جامعه و از جمله بدحجابی، ثمره نبود نظریات بنیادی مذهبی درباره هستی درباره هستی و انسان و معنای زندگی و در یک کلمه، عدم اعتقاد به مبدأ و معاد است. ۵ - کمبود شخصیت: کمبود محبت و محرومیت‌های زمان خردسالی، افرادی را که به عقده حقارت مبتلا شده‌اند، وادار به جبران می‌کند تا از این طریق خلأ درونی خود را پرنمایند. یکی از راه‌های ایجاد شخصیت‌پنداری، خودآرایی است. ۶ - تهاجم فرهنگی دشمن: یکی از اهداف استعمارگران و سلطه جویان، زدودن پوشش زنان به منظور هویت زدایی آن‌ها است. پس از روشن شدن علل بدحجابی باید راه‌های صحیح مقابله با آن را جستجو کرد که عبارتند از: ۱ - تقویت بنیان خانواده ۲ - آموزش صحیح از طریق اولیا و مربیان ۳ - تقویت باورهای مذهبی ۴ - معرفی الگوهای شایسته ۵ - مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن ۶ - برقراری ارتباط صمیمی با جوانان ۷ - از بین بردن زمینه‌های بدحجابی ۸ - ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر ۹ - تسهیل امر ازدواج ۱۰ - قاطعیت در اجرای قوانین و مبارزه با باندهای فساد ۱۱ - خلق آثار فرهنگی و هنری ۱۲ - جذب جوانان از طریق گفتگوهای چهره به چهره و پاسخ گویی به شبهات آنان ۱۳ - بازشناسی ناهنجاری‌ها و نقاط منحط فرهنگ غرب ۱۴ - همخوانی گفتار و رفتار مربیان ۱۵ - تکیه بر دعوت عملی و زبان رفتاری ۱۶ - سالم سازی محیط از آن چه گفته شد روشن می‌شود که برای مقابله با بدحجابی، اولین قدم را باید خانواده بردارد. والدین فرزندشان را از ابتدا با فرهنگ پوشش و حجب و حیا آشنا سازند و احکام شرعی و حدود اسلامی را به آن‌ها بیاموزند. قدم دوم را محیط آموزشی به‌خصوص مقطع ابتدایی و راهنمایی باید بردارند. گام سوم باید توسط محیط اجتماع و فرهنگ عمومی برداشته شود. وظیفه

حکومت و دلسوزان جامعه به ویژه رسانه‌های گروهی مانند صدا و سیما و روزنامه‌ها آن است که با ارائه فیلم، مقاله و غیره، موضوع حجاب را به صورت فرهنگ درآورند. نیز عوامل اجرایی مراقب عناصر فاسد باشند و به پاک سازی محیط بپردازند. افراد عادی و عموم اشخاص نیز سعی در ایجاد زمینه برای تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بوده و با آگاهی از آن شرایط و رعایت آنها این فرمان الهی را در جامعه پیاده نمایند. چه راهی وجود دارد تاافراد کوچک‌تر بهافراد بزرگ‌تر احترام بگذارند و به صورت یک عرف در جامعه درآید؟ پاسخ: جامعه سالم نیازمند خانواده سالم است. در محیط خانه است که کودک می‌آموزد چگونه با دیگران باید معاشرت نماید. بنابراین سنت تکریم بزرگ‌ترها باید در کانون خانواده احیا گردد تا به جامعه سرایت نماید. دراین مورد همه دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های فرهنگی مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و مجلات نقش تعیین کنند دارند. مهم نقش‌های متفاوتی است که هر یک از اعضای خانواده باید ایفا نمایند که به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم: ۱ - افراد کوچک و کودکان حرف کسانی را می‌شنوند و به افرادی از روی میل و رغبت احترام می‌گذارند که به آن‌ها ارزش می‌دهند و توجه می‌نمایند. بنابراین وظیفه بزرگ‌ترها، مهربانی به کوچک‌تر و دل جویی از آنان است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید": دل‌های مردم بااین تمایل فطری آریده شده است که نیکی کنندگان به خود را دوست داشته باشند و بدکنندگان به خویش را دشمن دارند.("۲) ۲ - بزرگ‌ترها باید موقعیت خود را حفظ نمایند. متأسفانه بعضی والدین به عوض این که برنفوذ و احترام یکدیگر در برابر کودک بیفزایند، با انتقادهای بی مورد اختلاف نظرهای غیر معقول از منزلت خود نزد او می‌کاهند. این نوع والدین نمی‌توانند احترام و همکاری بچه‌ها را جلب نمایند. اگر والدین و بزرگ‌ترها احترام خود را نگه بدارند، باید توقع احترام از دیگران را داشته باشند. ۳ - والدین باید درس تکریم بزرگ‌ترها را در قول و عمل به فرزندانشان آموزش دهند. اگر والدین وظیفه تکریم رانسبت به بزرگ‌ترهای خود مراعات نمایند، خودشان نیز مورد تکریم فرزندان واقع خواهند شد. امام صادق(ع) می‌فرماید": به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان‌تان هم به شما نیکی نمایند.("۳) ۴ - رابطه پدر و مادران با فرزندان باید رابطه عاطفی و مانند دو دوست باشد. البته دو دوستی که یکی بزرگ‌تر و دارای علم و آگاهی و تجربه بیشتر و دیگری دوست کوچک‌تر است. در این حال، احترام فرزند به پدر و مادر از روی علاقه و اختیار خواهد بود، همانند دوست کوچکی که با علاقه به دوست بزرگ‌تر خود احترام می‌گذارد و از او حرف شنوی دارد. پی‌نوشت‌ها: ۱ - تحف العقول، ص ۳۷. ۲ - بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۶۵.

با توجه به این که اکثر مشکلات جامعه به نوعی به تمایات جنسی برمی‌گردد، چرا به جای محکوم کردن یا سرکوب نمودن، راهکارهای مناسبی برای آن پیدا نمی‌کنند؟ نقش حوزه علمیه چیست؟

پرسش

با توجه به این که اکثر مشکلات جامعه به نوعی به تمایات جنسی برمی‌گردد، چرا به جای محکوم کردن یا سرکوب نمودن، راهکارهای مناسبی برای آن پیدا نمی‌کنند؟ نقش حوزه علمیه چیست؟

پاسخ

شکی نیست که ریشه بسیاری از مفاسد لذت جویی و شهوت رانی است. امام علی (ع) شهوات را شکارگاه شیطان(۱) و ریشه آفت‌ها(۲) یاد کرده و فرموده": کسی که به سوی شهوات حرکت کند، به سمت آفات سرعت گرفته است! "میل جنسی بخشی از قوه شهویه است و با دست حکیمانه آفرینش وجود انسان قرار داده شده است و مانند سایر تمایلات درونی، تا ارضا نشود، از بین نمی‌رود و انسان به آرامش نمی‌رسد. اسلام هرگز خواهان سرکوبی آن نیست. راهکار اسلام نه مطابق با نظریه تعدیلی کلیسا (یعنی

نادیـده گرفتن و محکوم کردن غریزه جنسـی) است و نه مطابق با دیـدگاه افراطی فرویـد و طرفداران آزادی بی حد و حصـر غریزه، بلکه خواهان ارضای معیّن و محـدوده و منطقی غریز می‌شابـد. بهترین راه تعدیل غریزه جنسـی را، عمل زناشویی و ازدواج می‌داند. رسول خدا (ص) می‌فرماید": ای جوانان، هر یک از شـما که قدرت ازدواج دارد، حتماً اقدام کند، زیرا بهترین وسیله است که چشم را از نگاه‌های آلوده و عورت را از بی عفتی محافظت می‌کنـد("۳) نه تنها غریزه جنسی به طور مشروع و در حد خاص، جایز است، بلکه در آیات و روایات و به عنوان امر پسـندیده و حتی ضـروری شناخته شده و به آن توصیه و تأکید فراوان شده است. در مواردی که ازدواج دائم میسـر نباشد، اسـلام، ازدواج موقت را پیشـنهاد کرده است که متأسـفانه در اوضاع فعلی، از این راهکار اصـلی غفلت شـده و روز به روز موانع ازدواج بیش‌تر می‌گردد، در حالی که امروزه برای همه جوانان امکان ازدواج دائم وجود نـدارد و بین بلوغ جنسـی و تشـکیل خانواده، چنـد سال فاصـله می‌افتد و بیکاری و فقر و تجملات ازدواج، به این شـکل بیش‌تر دامن می‌زند، از سوی دیگر مردان و زنان بـدون همسـر در جامعه فراوان انـد. ضـرورت طرح موضوع ازدواج موقت بیش از گذشـته احساس می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید": اگر عمر از ازدواج موقت نهی نمی‌کرد، جز انسان بدبخت سـراغ زنا نمی‌رفت(".۴) در این راستا همه نهادهای فرهنگی و اجرایی مسـئولیت دارند و نمی‌توان نهاد خاصی را مقصر دانست. وظیفه حوزه علمیه و مراکز فرهنگی، تبلیغ و ارشاد مردم در جهت آسان‌گیری ازدواج و تبیین منطقی از ازدواج موقت است. فرهنگ سازی آن از طریق رسانه‌های گروهی به خصوص صـدا و سـیما با ارائه فیلم و غیره می‌باشد. وظیفه دولت که امکانات وسیعی را در اختیار دارد، برطرف کردن موانع ازدواج و بهره‌گیری از عوامـل تشویقی ماننـد وام‌هـای قرض الحسـنه و اولویت دادن برای کار و غیره و حتی پرداخت هزینه ازدواج نیازمنـدان از بیت المال می‌باشد. والدین نیز با حذف تشـریفات و آسان‌گیری و پرهیز از بهانه جویی و عمل به سـنت پیامبر (ص) و بستر سازی ازدواج نقش تعیین کننده‌ای در ارضای صـحیح غریزه جنسی فرزندان دارند. پی‌نوشت‌ها - غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۳. ۱ - همان، ج ۱، ص ۲۳.) ۳ - مکارم الاخلاق، ص ۱۰۰. ۴ - شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۲۵۳.

چرا بـا وجودی که امـام حسن(ع) فرزنـد بزرگ امام علی(ع) است، در سـخنرانی ها کمتر از ایشان صـحبت می شود و به مراسم میلاد و عزاداری ایشان کم تر توجه می شود؟

پرسش

چرا با وجودی که امام حسن(ع) فرزند بزرگ امام علی(ع) است، در سـخنرانی ها کمتر از ایشان صـحبت می شود و به مراسم میلاد و عزاداری ایشان کم تر توجه می شود؟

پاسخ

بی تردید همهٔ ائمه(ع) نور واحدی بوده و میان مسـلمانان به خصوص شیعیان از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. بر همین اساس در جامعهٔ اسـلامی ایران ایـام ولادت آنان جشن گرفته می شود و در ایام شـهادت آنان عزاداری صورت می گیرد. این گونه نیست که احترام نسـبت به بعضـی از ائمه کم رنـگ باشـد و نسـبت به بعضـی دیگر پر رنـگ. البته برخی از امامـان از ویژگی هـایی برخوردار هسـتند که موجب می شود به آنها توجه بیشتری صورت گیرد. بـدان جهت که آنان به حسب شـرایط زمان و مکان، فعالیت هایی را انجـام داده انـد که زنـدگی آنـان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، مثلاً ـ فعـالیت های فرهنگی امام صادق(ع) موجب شـد مـذهب شیعیان به نام مذهب جعفری یاد شود. در زمان امام صادق(ع) شرایط به گونه ای فراهم شد که امام به فعالیت های فرهنگی پرداخته و هزاران روایت از او به عنوان" میراث گران سـنگ "بـاقی بمانـد. هرگـاه پژوهشـگران و نویسـندگان به بیـان معـارف اسـلامی می

پردازنـد، از کلمـات و سیرهٔ حضـرت بیشتر اسـتفاده و در مجـالس و محافل علمی بیشتر از وی یاد می کننـد. همچنین سـخنرانان که اخلاق و آموزه های اسـلامی را بیان می کننـد، از روایات امام صادق(ع) بیشتر بهره می برنـد و بـدین سان نام امام صادق(ع) تکرار می شود. قیام امام حسین(ع) که به حسب شرایط زمان و انجام تکلیف الهی شکل گرفت، نقش مهمی در آزادی خواهی، حفظ دین و احیای فرهنگ معصومان(ع) داشت؛ از این رو همهٔ آزادیخواهان ـ بویژه شـیعیان برای حضرت عزاداری نموده و در منبرها بیشتر از او یـاد می شود. افزون بر آن معصومان دیگر هم برای امام حسـین(ع) عزاداری می کردنـد و دیگران را به آن سـفارش می نمودنـد. رفتارها و برخوردها و توصـیه های معصومان به قیام امام حسین(ع) و شهادت او و یا مثلاً ظهور حضرت مهدی(عج) بیشتر از دیگران بوده است. رویکرد معصومـان(ع) موجب شـد که عزاداری برای امام حسـین(ع) پر رنگ شود. البته این واقعیت را بایـد پـذیرفت که فرهنگ برگزاری عزاداری برای بعضـی از ائمه کم رنگ است، حال آن که جایگاه و مقام شان اقتضا می کنـد برای آنان نیز مراسـم عزاداری و جشن، مناسب شأن آنان بر گزار شود، زیرا همه ائمه(ع) نور واحد هستند.

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پرسش

بعضـی می گوینـد قانون منع اسـتفاده از ماهواره نمی توانـد جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پاسخ

هر چنـد قـانون منع اسـتفاده از مـاهواره، راه حـل نهـایی و اصولی برای کنترل جوانـان نیست، ولی بـا توجه به حجم گستردهٔ تبلیغات دشـمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم ها (یی که با فرهنگ و هویّت ملّی و اسلامی همخوانی ندارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجـاری هـای اجتماعی و فرهنگی و دینی می شود) آزاد گذاشـتن آن نیز به صـلاح نمی باشـد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کنند. این سـخن مانند آن است که بگوییم مغازه های شـرابخواری یا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگذاریم و به مردم بگوییم خودتـان از رفتن به آن اماکن دوری کنیـد! بـدیهی است گناه لـذت و جاذبه ای دارد که بسـیاری از جوانان را به سوی خود می کشانـد. از طرفی از نظر اسـلام موظفیم زمینـهٔ گناه را از بین ببریم. ماهواره هرگز با ویدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویدئو را رهـا کردنـد، دلیلش آن نبود که ویـدئو آزاد شـد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویـدئو، اسـتفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشـتند فراهم شد. از طرف دیگر صدا و سـیما با ارائهٔ فیلم ها و برنامه های ورزشی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کنـد و به سوی خود جـذب نمایـد. در ضـمن تهیـهٔ فیلم هـای خـاص ویـدئوئی با مشـکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیـاز به صـرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهـد آماده، ماننـد ماهواره نیست. در ضـمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاـصه نمی شود؛ برنـامه هـای هنری و تبلیغـاتی و سیاسـی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یـک نوع فرهنـگ و تفکّری هم از جهت ظـاهر و هم از جهت درونی القـا می کنـد. هر کشور و هر نظـامی بالاـخره به زبان خودش حلاـل وحرامی دارد؛ مجـاز و ممنوعی دارد؛ فرهنـگ خـاص خود را دارد. در آمریکـا هم شـرابخواری علنی در معـابر عمومی قانوناً ممنـوع است و این ممنـوعیت را ضـد آزادی نمی داننـد. البته کـار سـلبی به برکت کـار ایجـابی است که مؤثر است، یعنی علاـوه بر ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر

و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یک دریای عمیق، جریان ها و موج ها را در دل خود حل می کند، پس باید به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیم و درخشان تاریخی است. چنین فرهنگی مصونیت دارد.(۱) پی نوشت ها: ۱. جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

چگونه عشق و معرفت ائمه را در دل‌های خود و دیگران تقویت کنیم؟ آیا این گفته که جوان چون احساسی است، باید با او از راه احساس وارد شد و استدلال عقلی آن چنان اثری ندارد، صحیح است؟

پرسش

چگونه عشق و معرفت ائمه را در دل‌های خود و دیگران تقویت کنیم؟ آیا این گفته که جوان چون احساسی است، باید با او از راه احساس وارد شد و استدلال عقلی آن چنان اثری ندارد، صحیح است؟

پاسخ

شناخت ائمه اطهار(ع) و حقیقت مقام ملکوتی شان نه تنها برای هیچ صاحب اندیشه و متفکر تیز پروازی مقدور نیست، بلکه قوه وهم و تخیل شان نیز از تصور افق و کرانه های آنان عاجز است. آنان انسان های کاملی هستند که خداوند، آسمان و زمین، بهشت و جهنم و همهٔ فرشتگان را تحت فرمان آنان قرار داده و ملائکه را مأمور ساخته برای انجام هر مأموریتی در زمین، نخست خدمت آنان شرفیاب شوند و مأموریت خود را به عرض امام برسانند" (ما من ملک یهبطه الله فی أمر ما یهبط له إلّا بدأ بالاءمام فعرض ذلک علیه.("۱) جهت روشن شدن حقیقت مطلب به داستان شهود حضرت موسی(ع) از زبان قرآن توجه کنید: موسای کلیم که در آغاز دریافت وحی، خدا رابه واسطهٔ" نار و شجره("۲) شهود کرده بود، سال ها پس از آن و بعد از غلبه بر فرعون و فرعونیان از خدا می‌خواهد او را" بی واسطه "مشاهده کند، اما نه با چشم سر، بلکه با شهود قلبی. خدای سبحان در پاسخ موسی(ع) فرمود": به این کوه بنگر! اگر توان تحمل تجلّی نور مرا داشت، تو هم می توانی شهود مرا تحمل کنی. "وقتی خداوند بر کوه تجلّی کرد، کوه متلاشی شد و موسی(ع) مدهوش گشت. وقتی به هوش آمد، به عجز و ناتوانی خویش اعتراف کرد و عرض نمود: تو منزه از آنی که بدون واسطه دیده شوی. چشم تو و خورشید جهان تاب کجا؟ یار رخ دلدار و دل خواب کجا؟ با این تن خاکی، ملکوتی نشوی ای دوست، تراب و ربّ الارباب کجا؟ خواهر گرامی! وقتی موسای کلیم از تجلّی یکی از اسمای الهی بی هوش می‌شود، چگونه برای انسان‌های عادی بلکه انبیا و اولیای خدا همچون موسی(ع) میسر است که بتواند معرفت کامل به ائمه اطهار(ع) پیدا کنند، در حالی که ائمه(ع) متجلی همه اسمای حسنا و صفات کمال و جمال و جلال الهی هستند؟ پیامبر اکرم(ص) چه قدر زیبا و شفاف فرمود": یا علی ما عرف الله حقّ معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری؛(۳) ای علی! حقیقت حق تعالی را غیر از من و تو کسی نشناخته و به حقیقت مقام و معرفت تو جز خدا و من کسی دست نیافته است. "چه باید کرد؟ اگر گفته شد ائمه اطهار"ابواب "و" بیوت "توحید و معرفت خدا هستند که معرفت به آنان ممکن نیست، منظور شناخت کامل و معرفت به حقیقت جامع آنان است. هر انسانی موظف است به قدر وسعت وجودی و ظرفیت عقلی و ذهنی برای شناخت آنان تلاش کند، تا مسیر بندگی و عبودیت خدا و راه صحیح زندگی را بشناسد و در صراط مستقیم گام گذارد. آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید راه دست یابی به معرفت اولیا و ائمه کدام است؟ این راه پیمودنی است و به حرکت و رفتن مداوم محتاج است، نه شنیدنی و عبور کردنی. برای شناخت ائمه(ع): ۱ـ باید با کلام و سخنان آنان و احادیث و روایاتشان مأنوس گشت. سیره و

سنت آنان را در امور شخصی اجتماعی، عبادی، سیاسی و اقتصادی شناخت و آن را الگوی عمل قرار داد. ۲ـ یکی دیگر از راه هایی که می توان با آن نسبت به ائمه(ع) معرفت پیدا کرد، تأمل و تدبر در معانی و مفاهیم دعاها و مناجات های منقول از ائمه(ع) است، مانند دعای کمیل، ابوحمزهٔ ثمالی، دعای ندبه، مناجات شعبانیه مناجات خمس عشر، دعای عرفه و ... . ۳ـ یکی از بهترین و ساده ترین، ولی مهم ترین و ارزشمندترین راه های شناخت ائمه(ع)، خواندن زیارت نامه های ائمه(ع) مخصوصاً زیارت جامعه و تفکر و کند و کاو، در معانی و مفاهیم بلند آن است. کتاب" ادب فنای مقربان "که شرح زیارت جامعهٔ کبیره، از آیت الله جوادی آملی است، هم چنین" شرح مناجات شعبانیه از حضرت آیت الله محمدی گیلانی کتاب های مفیدی برای این مقصود هستند. منظور از معرفت به ائمه و میزان و حد آن چیست؟ قدر و ارزش هر کسی به میزان معرفت او بستگی دارد. هر چه معرفت وسیع تر و جامع تر باشد، قرب و کمال شخص و ارزش اعمال او افزون تر است. معرفت منشأ پیدایش محبت و عشق است. وقتی عشق آمد، چون و چرا و دلیل خواهی عاشق کنار می رود و اطاعت و پیروی محض از معشوق به میان می آید. بنابراین باید تلاش کرد به معرفت خود نسبت به خدا و انبیا و ائمه(ع) توسعهٔ بیشتر بدهیم و هیچ گاه از جهاد علم آموزی و کسب معرفت، خستگی به خود راه ندهیم. حمزه بن حمران می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: منظور از معرفت حق امام چیست؟ فرمود: بداند که او حجت و ولیّ خدا است و باور داشته باشد که او وصیّ و خلیفهٔ پیامبر(ص) و واجب الاطاعه است و برای تبلیغ دین و هدایت مردم و پایداری و استقامت در راه حق، غریبانه به شهادت رسید.(۴) معرفت به ائمه ما را به این حقیقت نایل می گرداند که: ائمه(ع) مظهر جامعیت علمی و عینی اسما و صفات خداوند هستند. آنان هر کمالی را که برای غیر خدا ممکن و مقدور است دارند و هر چه دارند، به طور کامل مصون از هر عیب و نقص است. رضایت و خشم و خشنودی آنان، رضایت و خشم و خشنودی خدا است. به دلالت آیهٔ تطهیر،(۵) عالی ترین مراتب عصمت از آن ائمه است. آنان صاحب معجزات و کرامات، و ولایت تکوینی و تشریعی هستند". علم الکتاب("۶) و علم لدنّی نزد آنان است. آنان از امور قلبی و باطنی انسان و سایر موجودات از عالم مُلک تا ملکوت اَعْلی آگاهند. پیروی از آنان در تمام عرصه های زندگی واجب و لازم است. چگونه می توان محبت به اولیا و انبیای الهی را در دل افزایش داد؟ پاسخ: معرفت پایهٔ اصلی محبّت است و محبّت ملازم با اطاعت و عامل بزرگ دوری از گناهان و راه اساسی تهذیب نفس است. ممکن است بسیار اتفاق بیفتد که از کنار دوستان صمیمی یا شخصیت های مورد احترام علمی و اجتماعی یا دینی و حتی محبوب دل همه منتظران و مستضعفان یعنی حضرت بقیه الله(ع) عبور کنیم و هیچ کاری که بیانگر احترام باشد، انجام ندهیم، چون متوجه وجود آن فرد نشدیم یا دیدیم ولی نشناختیم، چون اگر می شناختیم، ابراز محبّت و ارادت می کردیم. انسان وقتی عاشق کسی شد و دوستدار او گشت، از وی پیروی می کند. قرآن می‌فرماید": إن کنتم تحبّون الله فاتبعونی یحببکم الله؛(۷) اگر دوستدار خدا هستید، پس از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد. "هرچه پیروی بیشتر و خالصانه تر انجام گیرد، بر محبت و ارادت افزوده می گردد. امام صادق(ع) می‌فرماید": ما کسی را شیعه نمی دانیم مگر آن را که از همهٔ اوامر ما پیروی کند."(۸) معرفت یا معارفه وقتی معرفت موجب ایمان و عقیده شد، عشق و محبت می آفریند. هر چه درجهٔ معرفت افزون تر گردد، ایمان و محبت از صلابت و استواری بیشتری برخوردار می گردد. وقتی عشق و محبت، همهٔ هستی فرد را به احاطه در آورد، عاشق را تابع بی چون و چرای معشوق می سازد، در نتیجه محبت و لطف معشوق را متوجه خود می نماید چنان که خداوند(معشوق واقعی و حقیقی عشاق حقیقت طلب) می گوید": فاذکرونی أذکرکم؛(۹) پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم. "امیرالمؤمنین(ع) پس از معرفی ائمه که سیاستگذاران و تدبیر کنندگان امور مردمند و از طرف خدا سرپرستی و ریاست خلایق را به عهده دارند، می‌فرماید": لا یدخل الجنهٔ إلّا من عرفهم و عرفوه؛(۱۰) داخل بهشت نمی شود مگر کسی که نسبت به امامان معرفت داشته باشد و آنان نیز آن فرد را در زمرهٔ شیعیان و صاحبان معرفت به حق خود بدانند و بشناسند."معرفتی که به محبت و عشق مبدل می گردد یک طرفه نخواهد بود. پس کسانی که اظهار دوستی و محبت می کنند و باور دارند که آن‌ها امامان به حق هستند، ولی از آنان اطاعت و پیروی نمی کنند،

امامان را نشناخته و از این دوستی و اعتقاد سرسری و یک طرفه نمی‌توانند به کمال مطلوب نایل گردند. معرفت و ارتباط قلبی برای افزایش محبت به اولیای الهی، باید نسبت به آنان و مقام و منزلتشان، افکار و عقاید و عملکرد ها و سیره و سنت شان در میادین مختلف زندگی معرفت پیدا کرد و آن چه که آنان را خوشحال و رضایت شان را جلب می کند، شناخت و سیر و حرکت های خود را بر محور جلب رضایت آنان تنظیم کرد و از هر چه که باعث ناخشنودی آنان است، فاصله گرفت. نتیجه معرفت محبت است و نتیجهٔ محبت اطاعت است، اما میان محبت و اطاعت رابطهٔ متقابل وجود دارد. هرچه محبت بیشتر، اطاعت قوی تر و هر اندازه اطاعت قوی تر و گسترده تر باشد، محبت افزایش می‌یابد، و این تحقق نمی یابد مگر با ارتباط قلبی با آنان. در همهٔحالات زندگی (سختی ها و آسایش ها) به آنها باید متوسل شود و آنان را هادی، واسطه و شفیع خود نزد خدا قرار دهد. پاسخ را با ذکر روایتی از علی(ع) در مورد ملاک دوستی و دشمنی به پایان می بریم" إنّ ولیّ محمد(ص) من اطاع الله ... و انّ عدوّ محمد من عصی الله و ...؛(۱۱) دوست محمد(ص) کسی است که خدا را اطاعت کند، اگر چه در خویشاوندی نسبت به پیامبر دور باشد، و دشمن حضرت کسی است که گناه کند و نافرمانی خدا نماید، اگر چه خویشاوند نزدیک او باشد. "در مورد راه جذب جوانان باید گفت: از طریق گفتگو و منطق و استدلال نیز می‌توان جوان را به ترویج ارزش‌ها فرا خواند. این راه عمیق‌تر و پابر جاتر است، ولی از آن جا که دشمن با شیوه تبلیغاتی و استفاده از قوه خیال و تحریک احساسات و عواطف، ایمان جوانان را نشانه گرفته، ما نیز باید از احساسات استفاده کنیم و از طریق برگزاری مجالس مذهبی از ارزش‌ها پاسداری نماییم. پی نوشت: ۱ – بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۵۷. ۲ – اشاره به آیهٔ۲۹ و ۳۰ سورهٔ قصص. ۳ – بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۸۴. ۴ – بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۵، حدیث ۱۷. ۵ – احزاب(۳۳) آیهٔ ۳۳. ۶ – رعد(۱۳) آیهٔ ۴۳. ۷ – آل عمران(۳) آیهٔ ۳۱. ۸ – کلینی، اصول کافی، ج ۳، باب الورع، حدیث ۱۳. ۹ – بقره(۲) آیهٔ ۱۵۲. ۱۰ – نهج البلاغه، ترجمهٔ فیض الاسلام، خطبهٔ۱۵۲. ۱۱ – همان، کلمات قصار، شمارهٔ ۹۲.

بهترین راه‌های گرایش جوانان به دین و اسلام چیست؟

پرسش

بهترین راه‌های گرایش جوانان به دین و اسلام چیست؟

پاسخ

مقدمه یکی از سؤالات مهم در شیوه تربیت، هدایت و راهنمایی جوانان و جذب آنان به سوی ارزش‌های دینی این است که آیا در جذب و هدایت آنان بر اصول" عقلی و استدلالی "باید تکیه نمود یا مبنای کار و فعالیت را" فطرت "و درون انسان قرار داد و با تسخیر دل و درون آنان و بیدار ساختن استعدادهای خدادادی‌شان آنان را به سوی اخلاق و عرفان سوق داد یا مبنای فعالیت را رفتارهای شرعی و مناسکی قرار دهیم که در این صورت عرص ?کارم احکام شرعی و توضیح المسایل می‌شود، یا مدار و محور کار تربیت و جذب جوانان به سوی دین را، عواطف و احساسات جوانان قرار دهیم؟ همه می‌دانیم که جوانان از جنبه‌های گوناگون: فردی خانوادگی و جنسی، احوال متنوع روانی و کثرت طلبی‌های مادی و معنوی دارند. یکی از اندیشمندان در امر تربیت می گوید: "جوان‌ها مثل دانه‌های چوب کبریت نیستند که همه یک اندازه و یک شکل باشند و بشود آن ها را قالبی در قوطِی‌های همشکل بسته بندی یا دسته بندی کرد. هر آدمی برای خودش عالمی است("۱) بنابر این نمی‌شود یک نسخه کلی برای همه جوانان یا نوجوانان نوشت. به بیان دیگر: در امر تربیت و جذاب و هدایت جوانان یا نوجوانان باید از همه عناصر و شیوه ها بهره جست، هم از عقل استفاده کرد ، هم از نقل و حدیث و روایت، هم از اخلاق و عرفان، نیز احساسات و عواطف درونی باید بهره جست، چنان که

به بیان احکام شرعی و مناسک عبادی پرداخت، لیکن میزان استفاده از هر یک از این عناصر بر حسب سن و دوره و مایه‌های اولیه تربیتی و حتی خصوصیات شخصی و فردی متفاوت است. نمی‌توانیم در صدد بهره وری از این عناصر را در دور ?ابتدایی یا دور? راهنمایی یا متوسط و بالاتر را یکسان بگیریم. تبیین اهداف دین و نقش آن در زندگی بدون توجه به جنبه‌های گوناگون جوانان و نوجوانان و اصول مهمی که در مقدمه پاسخ ذکر کردیم، امر تربیت و جذب نوجوانان یا جوانان به سوی ارزش های دینی به نتیجه نخواهد رسید. نکته اساسی که باید به آن توجه داشت این است که دین نیاز به تبلیغ به مفهوم رایج امروزی ندارد، بلکه نیاز به معرفی صحیح دارد. امروزه تبلیغ برای جنس و کالایی مورد دارد که نمی‌تواند خودش را نشان دهد، از این رو پیش از آن که بگوییم دین اسلام جامع ترین، کامل ترین و نیکوترین دین ها است، باید بگوییم دین اسلام چیست و اهداف آن کدام است؟ چه نقشی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد ؟اگر حقیقت دین و نقش آن در خوشبختی انسان و اصلاح معاش و معادش به درستی تبیین گردد، فطرت دین گرا و خدا جویی جوانان آن را به راحتی می‌پذیرند. خوشایند سازی پیامبر اکرم(ص) گروهی را به سرپرستی" معاذ بن جبل "جهت ابلاغ دین و تبیین معارف بلند آن به یمن اعزام فرمود، هنگام عزیمت آنان چند نکته را تذکر داد از جمله فرمود: ۱ – تا می‌توانید کار را برای مردم آسان کنید.دستور مسازید و تکالیف سختی بر مردم تحمیل نکنید که باعث اذیت و اضطراب خاطرشان شود. ۲ – مردم را امیدوار کنید. از دین ناامید و مأیوس نسازید به مردم نوید و بشارت بدهید، در این صورت عزم و اراده گرایش و پیوستن به دین درآنان ایجاد می‌شود، و به کارهای نیک رغبت و علاقه پیدا می کند. درک زبان، منطق و احساسات جوانان بزرگ‌ترین مشکل رهبری نسل جوان، در نفهمیدن زبان و منطق او، احساسات ویژه و خواسته‌های واقعی و ادراکات خاص جوانی است، بنابر این برای پاسخگویی به نسل جوان و رهبری آنان به سوی دین و ارزش‌های معنوی، ابتدا باید "آنان را شناخت "و احساسات پرشور جوانی‌شان را درک نمود. نقاط قوّت و مثبت روحیات اخلاق و عملکردهای آنان را دریافت، نیز جهات ضربه پذیری و منفی آنان را فهمید. روی نکات مثبت تکیه کرد و با دادن شخصیت وکرامت بر آنان، در دلشان نفوذ کرد. شهید مطهری می گوید: ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم. نسل جوان مزایا و عیب‌هایی دارد، زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساسات دارد که در گذشته نبود، از این جهت باید به او حق داد.در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی نیز دارد و باید آن‌ها را شناخت و چاره کرد.(۲) اجتناب از افراط و تفریط در هدایت نسل جوان همان گونه که باید به سلیقه‌ها و علاقه‌های آنان توجه کرد و امر رشد و تربیت آنان را با مقتضیات ذات و جوهره‌شان هماهنگ ساخت، باید از ایجاد شخصیت کاذب و توقع بی جا پرهیز نمود. یکی از مسئولان دست‌اندرکار امر تربیت می گوید: برخورد با نسل جوان باید بر اساس واقع بینی، منطق و به دور از افراط و تفریط باشد، نه برخورد تند و خشن و غیر منطقی و سرکوب احساسات آن‌ها و نه برخوردهای غیر واقعی که هم? خواسته‌های جوانان را درست و بر حق بدانیم و در آنان رشد کاذب و توقع نابجا ایجاد کنیم، بلکه باید متناسب با ذات و جوهر ?او و با استفاده از سلایق و علایق او، امر هدایت نسل جوان را دنبال کنیم(".۳) شیوه گفتگو و راهنمایی از منظر قرآن کریم: قرآن کریم برای راهنمایی انسان و هدایت او به سوی ارزش‌های دینی سه روش را متذکر می‌شود: ۱ – برخوردها باید حکیمانه و پاسخ ها مستدل و منطقی و سازگار با حکمت باشد. ۲ – دلسوزانه، همراه با رأفت و رحمت، و عشق و موعظ ?حسنه باشد. ۳ – گفتگو باید از جدال خصمانه و غرور و خودمحوری به دور باشد پرسش و پاسخ‌ها نیکو، منطقی و اقناع کننده و برای کشف حقیقت باشد.(۴) تبیین فلسفه احکام: از نکاتی که در بیان احکام و مسایل شرعی برای جوانان لازم است، این است: تا آن جا که امکان دارد حکمت احکام و مناسک و تعالیم دینی تبیین و تشریح شود تا از روی آگاهی و بینش و بصیرت و با انگیزه قوی‌تر به تعالیم دین روی آورند. تبلیغ عملی از سوی الگوها: زبان رفتار و زبان حال بسیار مؤثرتر از زبان گفتار است. عطش جوانان نسبت به مذهب در صورتی سیراب می شود که در جهت درست هدایت شود و صداقت و خلوص را در همه امور مشاهده کنند. جوانان تمام مسائل را زیر ذره بین انتقاد و موشکافی خود قرار می‌دهند و در اصول و بنیان های اعتقادی خود هیچ گونه تسامح و سهل انگاری را روا نمی

دارنـد. اگر بـا ناهمخوانی و تضادی در گفتار و عمل مـذهبی روبه رو شونـد، به دو صورت واکنش نشان می‌دهنـد: یکی این که در اعتقـاد خـود سـست شونـد (و این در صـورتی است که زمین ?اعتقـادی محکمی نداشـته باشـند) و دیگر این که صـدای خـود را به اعتراض بلند کنند و طالب جریان یافتن قوانین مذهبی در کلیه شـئون و امور باشـند.(۵) عـدم هماهنگی میان گفتار و کردار، پندار و انـدرز مربیان را بی اعتبار می کنـد. امام صادق(ع) می‌فرماید": به وسـیل ?عمل خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضـیلت‌ها شوید و تنها دعوتگر زبانی نباشـید.("۶) به کـارگیری روش هـای نو: در حـال حاضـر بـا توجه به تغییرات پر شـتابی که در عرصه فرهنـگ و ادبیات مخاطبین به ویژه بین نسل جوان ایجاد شـده، برای جـذب جوانان بایـد ارائه پیام‌ها را متناسب با شـعور حاضـر و کنونی تنظیم کرد. نسل کهن، باید در بستر زمان حضور یابد و نیازهای نسل نو جامعه را همواره در نظر داشـته باشد. امام علی(ع) بر زمان شناسی در ارائه پیام تأکیـد ورزیـده و فرموده است": فرزنـدانتان را به ادب خود مجبور نسازیـد که آنان پدیـده‌های زمان دیگر هسـتند.("۷ اسـتاد مطهری می گوید: در هدایت و رهبری نسل قدیم که سـطح فکرش پایین تر بود، ما احتیاج داشتیم به طرز خاص بیان و تبلیغ و یـک جـور کتاب‌هـا که امروز آن طرز بیـان و آن طـور کتاب‌هـا به درد نمی‌خورد. بایـد و لازم است رفرم واصـلاح عمیقی در این قسـمت‌ها به عمـل آیـد. بایـد بـا منطق روز و زبان روز و افکار روز آشـنا شـد و از همان راه به هـدایت و رهبری مردم پرداخت.(۸) استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین نیز می‌تواند مؤثرباشد. پی نوشت: ۱ – حداد عادل، آسیب شناسی تربیتی دینی، ج ۱، ص ۷۵. ۲ – مجله پیوند، شـماره ۲۶۰، ص ۱۸. ۳ – مجله پیونـد، ش ۲۶۰ ، ۱۸. ۴ – نحل (۱۶) ، آیه ۱۲۵. ۵ – دکتر سـید احمد احمدی، روان شناسـی نوجوانـان و جوانان، ص ۶۲. ۶ – سـفینه البحـار، ج ۲، ص ۲۷۸. ۷ – شـرح ابن ابی الحدیـد، ج ۲۰، قصار ۱۰۲. ۸ – استاد مطهری، ده گفتار، ص ۱۸۵.

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پاسخ

برای فرهنـگ سازی در یک محیط ابتـدا بایـد فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شـناخت و نسـبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشـر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشـته باشـیم ، نیز با تصـمیم و اراده جـدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقع اگر هر کسـی به آیین و آداب و رسـوم فرهنـگ مورد نظر پایبنـد باشـد، موجب ترویـج و نشـر آن فرهنـگ می شود. بنـابراین راهکارهـای زیر به طور کلی توصیه می شود: ۱ – نسـبت به فرهنگ مورد نظر بایـد به صورت مشـخص آگاهی کسب شود. ۲ – با دقت، تأمـل، مطـالعه و تحقیق ایمـان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشـند. ۳ – راهکارهـای تحقق و دست یابی به اهـداف فرهنگی را بـا مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشـخص کننـد (اهـداف عینی، قابل تعریف و انـدازه گیری، نه کلی و مبهم و نامعلوم). ۴– سـعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایینـد. ۵ – با مشخص شـدن شـیوهٔ اجرای کار و دست یابی به اهـداف با توکل بر خـدا کار را به تدریـج آغاز کنند و ضـمن آن که خود صـمیمانه به آنها عمل می کننـد با روش های پسـندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسـلامی: ۱ – ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسـلام و اعتقادات دینی اسـلامی را تقویت کنیـد. ۲ – مظاهر فرهنگ و تمدن اسـلامی را مشـخص کنید مثل:

اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی، شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و... ۳ - پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً : برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟ - تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند. - برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف. - برگزاری کلاس های عقیدنی . - برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر. - تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری. - مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده. ۴ - اجرای یک یک راه های به دست آمده. ۵ - امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها . ۶ - تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پرسش

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پاسخ

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟ اگر منظور" تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطق به عنوان" برهان "مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین" خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلایم می پردازند و در کار خود موفق بوده اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است. در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان ، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده اند، نمی باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجو گر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پرسش

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پاسخ

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد

و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد. شخصی که طلبه می‌شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس ، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند. البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده‌اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا ناآگاهانه موجب بد گمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی‌شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می‌آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می‌شود ، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می‌بایست‌در این راه قاطعانه‌تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی‌های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند. نیز باید یادآوری کرد افراد و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می‌پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری. پس به خاطر حرف دیگران نباید از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسلام و یاد خدا و آخرت می‌باشد. در این شرایط که زخم زبان‌ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می‌شود که اگر برای خدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می‌توان از دین اسلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی‌تواند مورد قبول باشد. از مهم ترین آفات این تفکر، جدایی انداختن بین دین و روحانیت است واین فکر اشتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می‌آموزند.

روزی یکی از هم کلاس هایم از این که دوست پسر ندارم، به من خندید و مرا امل صدا زد. هر جا از حجاب گفم، مرا به تمسخر گرفتند. حرف از خدا زدن این همه دردسر دارد؟

پرسش

روزی یکی از هم کلاس هایم از این که دوست پسر ندارم، به من خندید و مرا امل صدا زد. هر جا از حجاب گفم، مرا به تمسخر گرفتند. حرف از خدا زدن این همه دردسر دارد؟

پاسخ

تا شدم حلقه به گوش در میخانه عشق هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم حرف از خدا زدن و در راه خدا بودن، دردسرهای بسیار بیشتر از این به همراه دارد. آنچه شما آورده اید، تنها مورد بسیار ناچیزی از آنها است. مگر اولیای الهی و بزرگان دین نبودند که سختی و مشکلات و طعنه و زخم زبان های بسیار سنگین را به جان خریدند ، اما از راه خدا و جلب رضای او و دوستی خداوند دست نکشیدند؟ پیامبران و اولیای الهی نیز همواره با این گونه برخوردها مواجه بوده اند. امام صادق(ع) به" علقمه "که از تهمت زدن مردم ناراحت شده بود فرمود": مردم را نمی توان راضی نگه داشت و جلو زبان آنان را نمی توان گرفت. شما انتظاری دارید که برای پیامبران خدا نیز انجام نشده است. مگر یوسف را متهم نکردندکه قصد زنا داشته است؟ مگر مردم نگفتند: بیماری ایوب کیفر گناهانش می باشد؟ مگر به موسی اتهام دیگری نبستند؟ مگر تمام پیامبران را جادوگر و دنیا دوست نخواندند؟ مگر نگفتند: مریم از راه نامشروع باردار شده است؟ مگر محمد(ص) را شاعر و مجنون نخواندند.("۱؟) خداوند در مورد انسان های مؤمن می فرماید": و هیچ عیبی در آن ها نیافتند جز آنکه به خداوند ایمان داشتند.("۲) قرآن کریم نترسیدن و توجه نکردن به انتقاداتِ بی جا را از صفات نیک کسانی می شمارد که در راه خدا تلاش و مجاهدت می کنند.(۳) یکی از روانشناسان می گوید": اگر می

خواهید از انتقاد بی جا، نگران نشوید، به خاطر داشته باشید که انتقاد بی جا و ظالمانه، خود یک نوع تعریف و تحسین در لباس مبدّل است. فراموش نکنید کسی به سگ مرده لگد نمی زند.("۴)در واقع چنین کسانی چون توانایی و قابلیت و همت و تلاش رسیدن به کمالات را ندارند، سعی می نمایند دیگران را تحقیر کنند. اینها چیزی می گویند که هیچ گاه یقین به آن ندارند، بلکه حتی می فهمند که خوب و بد چیست، اما می خواهند خود را فریب دهند. آن چه مهم است، گام نهادن در مسیر سعادت و عمل به وظیفه و کسب رضایت پروردگار است. اگر ما حجاب را به عنوان یک ارزش تلقی کردیم، باید با قاطعیت از آن دفاع کنیم و تحت تأثیر حرف دیگران قرار نگیریم. راه مقابله با قضاوت های سطحی دیگران، بی توجهی و بی اعتنایی به حرکات زشت و جاهلانه است. قرآن مجید یکی از اوصاف پارسایان را بی اعتنایی توأم با بزرگواری می داند و می فرماید": بندگان خاص خدا کسانی هستند که وقتی جاهلان آنان را خطاب می کنند و به سخنان زشت می پردازند، در پاسخ سلام می گویند.("۴) این سلام ناشی از ضعف و درماندگی نیست، بلکه وداع گفتن با سخنان بی منطق آنان و حفظ کرامت و بزرگواری خویش است. امام علی(ع) می فرماید ": با نادیده گرفتن چیزهای کوچک، خود را بزرگ کنید و بر قدر و منزلتتان بیفزایید.("۵) با این روش دیگر انسان احساس حقارت نمی کند، بلکه در دیگران تأثیر می گذارد. خواهر گرامی، موضوعی که نوشته اید، مخصوص این زمان نیست. همیشه افرادی بوده اند که اهل حق را با زبان اذیت کرده اند. قبل از انقلاب، افراد مذهبی از این مسئله رنج می بردند. پس از انقلاب نیز در زمان جنگ عده ای کنار گود نشسته و رزمندگان را ملامت می کردند، ولی کسی که به درستی و حقیقت کار خود اطمینان دارد، از کوره در نمی رود و هزینهٔ باورهای خود را می پردازد که یکی از آن ها شنیدن سخنان ناروا است. گفتار و کردار دیگران نباید مبنای تصمیم گیری ما باشد. اعتماد به نفس و استقلال فکر می تواند از نگرانی ها پیشگیری نماید. امام کاظم(ع) بر این امر تأکید کرد و خطاب به هشام فرمود": اگر گردویی داشته باشی و دیگران به تو گویند: چه گوهری داری، وقتی خودت می دانی آن چه در دستت است گردو است، نباید این سخن در تو اثر داشته باشد. اگر گوهری در دست داشته باشی و به تو بگویند: این گردوها را از کجا آورده ای، نباید ترتیب اثر دهی. این سخن نباید به تو آسیب رساند، در حالی که می دانی گوهر در اختیار داری.("۶) خداوند در قرآن می فرماید": ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خویشتن باشید. (و مطمئن باشید) اگر هدایت یافته باشید، گمراهان هیچ آسیبی به شما وارد نخواهند کرد.("۷) حافظ نیز زیبا می سراید. تو با خدای خویش انداز کار دل خوش دار که رحم اگر نکند مدعی، خدا بکند پیشوایان دین به ما آموخته اند که پیرو جوّ و متأثر از افکار عمومی نباشیم و بر پایه خِرَد ورزی و مصلحت اندیشی گام برداریم و از قضاوت و نگاه تحقیر آمیز دیگران، ترسی به خود راه ندهیم که خداوند با نیکوکاران است. چه بسیار افرادی که به جهت ضعف ایمان و اعتقاد به خدا و نداشتن اعتماد به نفس با همین الفاظ دروغین و فریبکارانه مانند امل، از جاده صداقت و پاکی و عفت به در آمدند و عاقبت به جایی کشیده شده اند که جز تاریکی و ظلمت و بی کسی و پوچی نتیجه ای به بار نیاوردند. به یاد داشته باشیم افتادن و غلطیدن در گناه و سپس غرق شدن در آنها به حدی که دیگر نمی توان از آن بیرون آمد، ابتدا با همین حرف ها و کارها شروع می شود. ابتدا با چیزهای بسیار ساده مانند رابطه معمولی با یک پسر و بی اعتنایی به حجاب شروع می شود، سپس به جایی ختم می گردد که هیچ گاه خود شخص تصور نمی کرد و یا حتی از تصور آن در ابتدا وحشت می کرد، دیگر حتی این احساس در او می میرد. و یا چیزهای زیبا برای او زشت شده و زشت زیبا نمایان می شود، افراد زیادی را سراغ داریم یا داستان های آنها را شنیده ایم که جز تأسف و تأثر انسان را بر نمی انگیزد ، اما متأسفانه انسان های غافل و یا شهوت پرست از آنها درس عبرت نمی گیرند. اگر کسی به اشتباه به شما توهین کرد، با پاسخ دندان شکن او را برای همیشه پشیمان کنید. مطمئن باشید که دیگر تکرار نخواهد شد. دوری از اجتماع، راه حل مناسب برای مقابله با مشکلات نیست بلکه صورت مسئله را پاک کردن است. پی نوشت ها: ۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۱، ماده لسن. ۲ . بروج (۸۵) آیه ۸. ۳. مائده (۵) آیهٔ ۵۴. ۴. دیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۰۱. ۵. فرقان (۲۵) آیهٔ ۶۳. ۶. تحف العقول، ص ۲۲۴. ۷. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳۶. ۸ .

مائده (۵) آیه ۱۰۵.

افرادی که محیط آلوده یا وراثت باعث آلودگی آنان شده است، نزد خدا چگونه اند؟

پرسش

افرادی که محیط آلوده یا وراثت باعث آلودگی آنان شده است، نزد خدا چگونه اند؟

پاسخ

محیط آلوده و یا وراثت هر چند زمینهٔ گناه را فراهم می کند اما هرگز علت کامل برای انجام گناه و ناهنجاری های اجتماعی نیست. چه بسا افرادی که از محیط مساعد و یا عامل وراثت برخوردار نبوده اند اما در اثر تلاش و پشتکار خود توانسته اند به مدارج علمی و عملی و اخلاقی نائل شوند. بر عکس افرادی که در دامن خانواده ای پاک و محیطی مساعد بزرگ شده اند اما راه گمراهی را برگزیده و به بدبختی رسیده اند. این امر نشان می دهد ارادهٔ انسان قوی تر از عوامل دیگر است. بر این اساس خداوند عذر و بهانه را از این گونه افراد نپذیرفته و در روز قیامت به آنان می گوید: چرا از محیط آلوده هجرت نکردید، مگر زمین خدا گسترده نبود؟! پس افرادی که در محیط نامناسبی پرورش یافته اند و کمبودهایی دارند، باید با جدیت و تلاش چند برابر، کاستی ها را جبران کنند و در برابر عوامل تأثیر گذار مقاومت نمایند وگرنه گناهی که توسط آنان انجام شود، برای آن ها ثبت خواهد شد و روز قیامت باید نزد خدا پاسخ دهند، مگر این که از عمل خود پشیمان شوند و توبه کنند. البته بر اساس قانون عدل الهی، محاسبهٔ عمل چنین افرادی به میزان کسانی که شرایط ایمان و عمل صالح برایشان فراهم بوده، نخواهد بود، یعنی اگر کسی در محیط آلوده یا خانواده غیر مؤمن به دنیا آمده و زندگی کرده و در عین حال رو به سوی ایمان به خداوند و اعمال نیک آورده، از کسی که شرایط مطلوب تری داشته است، در درگاه الهی از ارزش بیشتری برخورد در خواهد بود.

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پرسش

بعضی می گویند قانون منع استفاده از ماهواره نمی تواند جوانان را کنترل کند و معتقدند ماهواره اگر مثل ویدئو آزاد شد، به آن اهمیت نمی دهند، نظر شما چیست؟

پاسخ

هر چند قانون منع استفاده از ماهواره، راه حل نهایی و اصولی برای کنترل جوانان نیست، ولی با توجه به حجم گستردهٔ تبلیغات دشمن از طریق ماهواره و گسترش فحشا و فیلم ها (یی که با فرهنگ و هویّت ملّی و اسلامی همخوانی ندارد، چه بسا موجب ترویج و آموزش ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی و دینی می شود) آزاد گذاشتن آن نیز به صلاح نمی باشد، تا به انتخاب خود افراد آن را ترک کنند. این سخن مانند آن است که بگوییم مغازه های شرابخواری یا مراکز قماربازی و غیره را آزاد بگذاریم و به مردم بگوییم خودتان از رفتن به آن اماکن دوری کنید! بدیهی است گناه لذت و جاذبه ای دارد که بسیاری از جوانان را به سوی خود

می کشانـد. از طرفی از نظر اسـلام موظفیم زمینـهٔ گناه را از بین ببریم. ماهواره هرگز با ویدئو قابل مقایسه نیست. اگر مردم ویدئو را رهـا کردنـد، دلیلش آن نبود که ویـدئو آزاد شـد، بلکه دلیل مهم اش آن بود که به جای ویـدئو، اسـتفاده از اینترنت و ماهواره برای افرادی که دوست داشـتند فراهم شد. از طرف دیگر صدا و سـیما با ارائهٔ فیلم ها و برنامه های ورزشی تا حدی توانست وقت جوانان را پر کنـد و به سوی خود جـذب نمایـد. در ضـمن تهیـهٔ فیلم هـای خـاص ویـدئوئی با مشـکلاتی مواجه است و هزینه دارد و فراهم آوردن آن نیـاز به صـرف وقت دارد، هر وقت و هر کس بخواهـد آماده، ماننـد ماهواره نیست. در ضـمن ماهواره ها تنها در نمایش فیلم خلاـصه نمی شود؛ برنـامه هـای هنری و تبلیغـاتی و سیاسـی (که با فرهنگ و هنجارهای جامعه دینی، کاملاً تضاد دارد) در واقع یـک نوع فرهنـگ و تفکّری هم از جهت ظـاهر و هم از جهت درونی القـا می کنـد. هر کشور و هر نظـامی بالاـخره به زبان خودش حلاـل وحرامی دارد؛ مجـاز و ممنوعی دارد؛ فرهنـگ خـاص خود را دارد. در آمریکـا هم شـرابخواری علنی در معـابر عمومی قانوناً ممنـوع است و این ممنـوعیت را ضـد آزادی نمی داننـد. البته کـار سـلبی به برکت کـار ایجـابی است که مؤثر است، یعنی علاـوه بر ممنوعیت استفاده از ماهواره، باید جریان جدید فکری ایجاد کرد و با دشمن به رقابت برخاست. فرهنگ هر چه دارای جوهر قوی تر و هویت اصیل تر باشد، جریان های تازه وارد را بهتر می تواند در خود حل و هضم کند و نکات منفی آن را دفع کند. همان طوری که یـک دریـای عمیق، جریـان هـا و موج ها را در دل خود حل می کنـد، پس بایـد به فرهنگ خود بها دهیم؛ فرهنگی که مبتنی بر میراث عظیـم و درخشـان تـاریخی است. چنین فرهنگی مصـونیت دارد.(۱) پی نوشت هـا: ۱. جلاـل رفیع، فرهنـگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص ۴۵۷.

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پاسخ

برای فرهنـگ سازی در یک محیط ابتـدا بایـد فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شـناخت و نسـبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشـر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشـته باشـیم ، نیز با تصـمیم و اراده جـدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقـع اگر هر کسـی به آیین و آداب و رسـوم فرهنـگ مورد نظر پایبنـد باشـد، موجب ترویـج و نشـر آن فرهنـگ می شود. بنـابراین راهکارهـای زیر به طور کلی توصیه می شود: ۱ – نسـبت به فرهنگ مورد نظر بایـد به صورت مشـخص آگاهی کسب شود. ۲ – با دقت، تأمـل، مطـالعه و تحقیق ایمـان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشـند. ۳ – راهکارهـای تحقق و دست یابی به اهـداف فرهنگی را بـا مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشـخص کننـد (اهـداف عینی، قابل تعریف و انـدازه گیری، نه کلی و مبهم و نامعلوم). ۴– سـعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایند. ۵ – با مشخص شـدن شـیوهٔ اجرای کار و دست یابی به اهـداف با توکل بر خـدا کار را به تدریـج آغاز کنند و ضـمن آن که خود صـمیمانه به آنها عمل می کننـد با روش های پسـندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسـلامی: ۱ – ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسـلام و اعتقادات دینی اسـلامی را تقویت کنیـد. ۲ – مظاهر فرهنگ و تمدن اسـلامی را مشـخص کنید مثل: اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی، شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و... ۳ – پیدا کردن راهکارهای عملی

برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً : برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟ - تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند. - برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف. - برگزاری کلاس های عقیدنی . - برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر. - تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری. - مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده. ۴ - اجرای یک یک راه های به دست آمده. ۵ - امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها . ۶ - تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پرسش

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پاسخ

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟ اگر منظور" تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطق به عنوان" برهان "مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین" خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلایم می پردازند و در کار خود موفق بوده اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است. در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان ، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده اند، نمی باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجو گر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

پرسش

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

پاسخ

از آن جا که موضوع ناموس و آبروی مردم از نظر اسلام بسیار مهم و حساس است (که علاوه بر مقوله اخلاق، رابطهٔ مستقیم با امنیت ملی دارد) هرگونه بی اعتنایی و سستی و یا ساده انگاری در این امر، صدمه ها و آسیب های جبران ناپذیری به جامعه وارد می کند که به هیچ وجه قابل اصلاح نیست. البته موضوع ازدواج موقت در جای خود یکی از راهکارهای اصولی جهت ارضای غریزه جنسی و جلوگیری از روابط بی حد و حصر و نامشروع است. و در کاهش مشکلات جوانان مجرد مؤثر است و در بین فقهای

شیعه امری مسلّم و پـذیرفته شده است. اما مانند امور اجتماعی دیگر باید ضابطه مند گردد و شـرایط اجتماعی مورد توجه قرار گیرد راه سوء اسـتفاده از آن بسته شود و بهترین راهکارها برای تحقق، از هر جهت اندیشیده شده و به صورت سهل و ساده با آن برخورد نشـود. از آن جـا که خـانه هـای عفـاف قابـل کنـترل نبـوده و عناصـر فرصت طلب می توانسـتند تحت عنـوان ازدواج ، در آن جـا به هوسـرانی بپردازنـد، برای پیشـگیری از این امر نابهنجـار ، خـانه عفـاف اگر چه مطرح شـد، مـورد اجرا قرار نگرفت، ولی راه ازدواج موقت منحصـر به خانه عفاف نیست. نکته ای که توجه به آن در مورد ازدواج موقت بسـیار مهم است، این که باید از نظر فرهنگی و فکری نیز برای جـامعه قابـل توجیه باشـد. برای بسـیاری از مردم جامعه که به حقیقت مسـئله ازدواج موقت آگاه نشـده انـد، این نوع ازدواج ، مسـئله فحشا را تداعی می کند. اگر در چنین فضای فکری و فرهنگی بحث خانه عفاف مطرح شود، این ذهنیت و برداشـت عمیق تر و مؤثرتر می شود. بنابراین فرهنگ و فکر جامعه را نمی توان از نظر دور داشت. در آینـده با تدبیر و اتخاذ روش های مبتنی بر علم و دین و بررسـی همه جانبه موضوع، طرحی جامع ارائه شود تا هم بتوانـد پاسخ گوی نیاز غریزی باشد و هم به فساد و بی بند و باری منجر نگردد و از نظر فکری و فرهنگی نیز قابل فهم و قابل قبول میان توده مردم باشد.

چرا ما ایرانیان با وجود داشـتن تمدن کهن و میراث فرهنگی غنی و نقش بزرگ ایرانیان در تمدن اسلامی اکنون به این روز رسیده ایم و فساد در مملکت ما زیاد است؟!

پرسش

چرا ما ایرانیان با وجود داشتن تمدن کهن و میراث فرهنگی غنی و نقش بزرگ ایرانیان در تمدن اسـلامی اکنون به این روز رسـیده ایم و فساد در مملکت ما زیاد است؟!

پاسخ

رشـد و پیشـرفت هـای علمی و فرهنگی و اخلاـق جامعه، وابسـته به عوامل فراوانی است. ما ایرانیان به قـدر توان و امکاناتمان تلاش کرده ایـم. شایـد پـدران دانشـمند یـا دانش دوسـت هـا علاـقه فراوانی به کسب علم و پیشـرفت داشـته انـد. شایـد وضـعیت سیاسـی، اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگی آن دوران به گونه ای بوده که دانشـمندان را تکریم می کرده انـد، یا مثلاً به کشاورزان و دامـداران اهمیت زیادی می داده اند، به همین دلیل ما در آن دوران سیری صعودی داشته ایم، در دورهٔ تمدن اسلامی، ایرانیان سرآمد دیگران بودنـد و نقش بزرگی در پیشـرفت علوم و فنون ایفا کردنـد، لیکن از پانصـد سال پیش تاکنون در جا زدنـد و کم کم چراغ پر فروغ تمـدنی آنان به خاموشـی گرایید. این وضع از مجموعه ای از علت ها و زمینه ها برخاسـته است که عبارت اند از: ۱ – درگیری های مـداوم داخلی و جنگ های بی شـمار داخلی و خارجی که سـبب به هم خوردن نظم اجتماعی و بافت اقتصادی شده است. می دانیم کـه علـم در آرامش و امنیت رشـد می کنـد، نه در جنـگ و آشـوب و اضـطراب. ۲ – کمبود امکانـات و ابزارهـای مورد نیـاز، مثل کتابخانه ها و اساتید فن و مشکل بودن زندگی از نظر معیشتی و... ۳ – حضور پادشاهان و حاکمان نالایق و ناآگاه که کمتر از ذوق و علاـقه به دانش بهره منـد بودنـد و میـان پادشاهـان ایرانی، حـاکمی که به علم پروری و دانش انـدوزی و احـترام به علم و فرهنگ همت گمـارد، انـدک است. امـا پادشاهـان مسـتبد و حریص و نـادان و اهل عیش و عشـرت فراوان داشـته ایم! ۴ – عـدم وجود نظام آموزشـی درست. ابن خلـدون در مقدمه خود به نکته جالبی اشاره می کند، او یکی از دلایل رشد عالمان اسـلامی و عدم رشد علم در غرب را طولانی بودن مدت تحصیل در غرب و کوتاه بودن آن در شـرق اسلامی می داند! متأسفانه امروزه این رویکرد برعکس اسـت. مـدت تحصـیلات در غرب کوتـاه و در ایران بلنـد است. ۵ – عـدم حمـایت کـافی از دانشـمندان ، مبتکران و صاحبـان تولید

اندیشه. دنیای غرب اگراحساس کند در کسی توانایی انجام کاری جدید یا نوآوری هست، از او حمایت می کند ، ولی ما صبر می کنیم تا ۵۰ سال بعد از مرگش نابغه بودن او را برای ما اثبات کنند! مسئله فساد هم که مطرح کردید، ربطی به رشد علمی ندارد و مرتبط با فرهنگ غنی گذشتگان نمی باشد. فساد اجتماعی به واسطه خصلت های اخلاقی و فرهنگی و ضعف های شخصیتی شکل می گیرد. مشکل اساسی ، فرهنگی است . با کمال تأسف میان ما ایرانیان تنبلی راحت طلبی افراطی و دروغ گویی ، نیز لاف زدن و کبر و غرور و عدم رعایت قانون و دورویی و دیگر مفاسد اخلاقی اجتماعی که رایج است. مشکل اصلی ما است ، مثلاً چند نفر برای کاری در نوبت و صف ایستاده اند، یکی از افراد با پارتی بازی و یا پول دادن، بر دیگران پیشی می گیرد و زودتر به خواسته اش می رسد! در عرف و فرهنگ ما به او می گویند: آفرین که زرنگی کرده است. این کار در فرهنگ ما به عنوان زرنگی یاد می شود و برای او ارزش و شایستگی قائلند ، نه این که او را طرد کنند . وقتی که در فرهنگ اجتماعی و افکار عمومی؛ چنین امور برخورد نشود، معنایش فساد فرهنگی است که باعث عقب ماندگی است. اگر توانستیم فرهنگ را درست کنیم، می توانیم مشکل فساد را چاره اندیشی کنیم.

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

پرسش

چرا فرهنگ و تبلیغات غربی ها مؤثر است، ولی تبلیغات ما مؤثر نیست؟

پاسخ

تأثیر فرهنگ در جوامع یک طرفه نیست، یعنی فقط غربی ها بتوانند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار دهند، ولی ما نتوانیم و شواهدی در دست است که انقلاب اسلامی ایران به رغم رویارویی با توطئه های پی در پی در مقابل چشمان بهت زده تحلیل گران، تأثیر شگفت آور خود را در جهان داشته است. حیات مجدد کلیساها، افزایش بی سابقه مبلّغان مذهبی ، استقبال وسیع مردم از آثار صوتی و تصویری و مکتوب دینی، افزایش مخالفت های مردمی با پرده دری های اخلاقی ، بخشی از نشانه های تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در غرب می باشد.(۱) این مسئله حتی از طرف مخالفان اسلام و انقلاب ایران مانند هانیتگتون (نظریه پرداز جنگ تمدن ها) مورد اعتراف قرار گرفته است. رشد روز افزون اسلام در غرب دلیل دیگر بر تأثیر انقلاب اسلامی و تبلیغات ما می باشد. شبکه تلویزیونی سی ان ان آمریکا با بیان این مطلب که دین اسلام با سرعتی فراتر از ادیان دیگر در حال گسترش است . اعلام نمود" :رشد اسلام در جوامعی که اکثریت آنان را مسیحیان تشکیل می دهند، باعث شده تا صاحب نظران آن جوامع از نوعی رنسانس اسلامی سخن به میان آورند.("۲") نویسنده غربی در مقاله خود می نویسد" : اسلام به بمب ساعتی تبدیل شده است.("۳") برای مطالعه بیش تر در این باره به کتاب عصر امام خمینی از آقای صاحبی را پیشنهاد می کنیم. غرب به دلیل اثرگذاری انقلاب اسلامی ، بودجه های هنگفتی را برای رویارویی با انقلاب و تهاجم فرهنگی در سطح گسترده در نظر گرفته است و این طور وانمود می شود که آن ها موفق ترند، در حالی که اگر هوشیارانه عمل کنیم، با توجه به برتری اسلام و معارف بلند و بی نظیر قرآن و پشتوانه عقلی و فطری مسلمانان و وعدهٔ تخلف ناپذیر الهی، پیروزی از آن ما خواهد بود. واقعیت آن است که غرب به دلیل عواملی توانسته بر جوامع دیگر به ویژه ملت های مشرق و جهان سوم چیرگی یابد و به یاری تسلط خویش ، فرهنگ خود را نیز در آن جوامع نفوذ داده و گسترش دهد. هانتینگتون معتقداست" : پیروزی غرب بر جهان ناشی از برتری اندیشه ها ، ارزش ها یا دین نبود، بلکه معلول برتری غرب در استفاده از خشونت سازمان یافته بود.("۴") وی می افزاید": عواملی که باعث گسترش فوق العاده و

منحصر به فرد سلطه غرب شد، از این قرار بود: ۱ – ساختار اجتماعی و روابط طبقاتی موجود در غرب ۲ – رشد شهرها و گسترش تجارت ۳ – پراکندگی نسبی قدرت در جوامع غربی ۴ – ایجاد نظام اداری کشوری ۵ – رشد فن آوری ۶ – اختراع عوامل حمل و نقل دریایی ۷ – بسط ظرفیت های نظامی برای تصرف سرزمین ها.("۵) امکانات گستردهٔ دشمن و تأسیس سایت های متعدد و استفاده از ماهواره و ابزارهای تبلیغاتی ، نیز جذابیت ظاهری برنامه های فرهنگی آنان و انگشت نهادن بر نیازهای غریزی انسان ها ، همچنین مقید نبودن به حدود و مرزهای اخلاقی و توسل جستن به شیوه های ناجوانمردانه و مزوّرانه ، نیز شایعه و دروغ پردازی و تخریب شخصیت بزرگان باعث شده فرهنگ غرب، خود را بیش تر مطرح کند . البته نباید ضعف و سستی مسلمانان و تفرقه موجود میان کشورهای اسلامی را نادیده گرفت. وضع نابسامان موجود هوشیاری ما را می طلبد . اگر خود را آماده رویارویی با فرهنگ بیگانه نکنیم و اختلافات را کنار نزنیم، به شدت آسیب پذیر می شویم اما اگر به هویت ملی و اسلامی خود برگردیم، به فرمایش قرآن، حق ماندنی و جاودان است و باطل زوال پذیر. پی نوشت ها : ۱ – میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی ، ص ۴ – ۳۶۳. ۲ – همان، ص ۳۷۲. ۳ – همان، ص ۳۷۳. ۴ – محمد رضا شرفی، جوان و بحران هویت، ص ۱۵۵. ۵ – همان.

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پرسش

آیا تقلید از فرهنگ غربی روا است؟

پاسخ

متأسفانه گرایش به مظاهر غرب امروزه به عنوان مظاهر مدرنیته شناخته شده ، از این رو گرایش به مدها و آرایش ها و به طور کلی زندگی غربی نوعی پیشرفت تلقی می شود. کسی کار ندارد که ایا این سبک زندگی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟ یا نه از این رو، فرهنگ خودمان، بر اثر بی توجهی و سهل انگاری، کم کم فراموش می شود. الگوپذیری تنها در مد مو و لباس و آرایش و موسیقی و... نیست، بلکه در معماری ساختمان ها، نظام آموزشی و بانکداری و بیمه و ... نیز جریان دارد که شرح آن فرصتی دیگر می طلبد. تقلید اگر به معنای اخذ فرهنگ و خودسازی آن باشد، به این معنا که انسان از فرهنگ های دیگر خوبی ها و امتیازاتش را اخذ کند و آن را جزء فرهنگ خود نماید، نه تنها ناپسند نیست، بلکه امری مطابق عقل و منطق است، ولی اگر تنها صورتی سطحی داشته و پیروی محض باشد، بدون در نظر گرفتن خوبی ها و بدی هایش کار بیهوده ای است و این نوع تقلید است که مولانا آن را نفرین نموده است: خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد متأسفانه ما در شناخت فرهنگ خودی و شناساندن آن و در لزوم تبادل با فرهنگ های دیگر دچار مشکل هستیم و این کاری است که هم مسئولان باید در مورد آن جدیت به خرج دهند و هم تودهٔ مردم. فرهنگ اسلامی به مراتب بهتر و ارزشمندتر از فرهنگ غرب است. در فرهنگ اسلامی با مظاهر فساد و فحشا و ظلم و اجحاف و بی عدالتی مبارزه می شود، ولی متأسفانه فرهنگ غربی تبلیغ کنندهٔ فساد و فحشا است و باعث از هم پاشیدن زندگی خانوادگی و نابودی رحم و مروّت و انصاف می شود و بر مبنای سود خواهی و سودپرستی است. از این رو مسلمانان باید از نظر فرهنگی استقلال داشته باشند. در عین حال از موارد خوب فرهنگ های دیگر نیز استفاده کرده و آن ها را در فرهنگ خود وارد کنند.

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

پرسش

چرا خانه های عفاف بازگشایی نمی شود؟

پاسخ

از آن جا که موضوع ناموس و آبروی مردم از نظر اسلام بسیار مهم و حساس است (که علاوه بر مقوله اخلاق، رابطهٔ مستقیم با امنیت ملی دارد) هرگونه بی اعتنایی و سستی و یا ساده انگاری در این امر، صدمه ها و آسیب های جبران ناپذیری به جامعه وارد می کند که به هیچ وجه قابل اصلاح نیست. البته موضوع ازدواج موقت در جای خود یکی از راهکارهای اصولی جهت ارضای غریزه جنسی و جلوگیری از روابط بی حد و حصر و نامشروع است. و در کاهش مشکلات جوانان مجرد مؤثر است و در بین فقهای شیعه امری مسلّم و پذیرفته شده است. اما مانند امور اجتماعی دیگر باید ضابطه مند گردد و شرایط اجتماعی مورد توجه قرار گیرد راه سوء استفاده از آن بسته شود و بهترین راهکارها برای تحقق، از هر جهت اندیشیده شده و به صورت سهل و ساده با آن برخورد نشود. از آن جا که خانه های عفاف قابل کنترل نبوده و عناصر فرصت طلب می توانستند تحت عنوان ازدواج ، در آن جا به هوسرانی بپردازند، برای پیشگیری از این امر نابهنجار ، خانه عفاف اگر چه مطرح شد، مورد اجرا قرار نگرفت، ولی راه ازدواج موقت منحصر به خانه عفاف نیست. نکته ای که توجه به آن در مورد ازدواج موقت بسیار مهم است، این که باید از نظر فرهنگی و فکری نیز برای جامعه قابل توجیه باشد. برای بسیاری از مردم جامعه که به حقیقت مسئله ازدواج موقت آگاه نشده اند، این نوع ازدواج ، مسئله فحشا را تداعی می کند. اگر در چنین فضای فکری و فرهنگی بحث خانه عفاف مطرح شود، این ذهنیت و برداشت عمیق تر و مؤثرتر می شود. بنابراین فرهنگ و فکر جامعه را نمی توان از نظر دور داشت. در آینده با تدبیر و اتخاذ روش های مبتنی بر علم و دین و بررسی همه جانبه موضوع، طرحی جامع ارائه شود تا هم بتواند پاسخ گوی نیاز غریزی باشد و هم به فساد و بی بند و باری منجر نگردد و از نظر فکری و فرهنگی نیز قابل فهم و قابل قبول میان توده مردم باشد.

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پاسخ

برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد، زیرا لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده و ایمان داشته باشیم ، نیز با تصمیم و اراده جدی به پیامد آن عمل کنیم، آن گاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم. در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مورد نظر پایبند باشد، موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود: ۱ - نسبت به فرهنگ مورد نظر باید به صورت مشخص آگاهی کسب شود. ۲ - با دقت، تأمل، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشند. ۳ - راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص کنند (اهداف عینی، قابل تعریف و اندازه گیری، نه

کلی و مبهم و نامعلوم). ۴- سعی شود هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایند. ۵ - با مشخص شدن شیوهٔ اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنند و ضمن آن که خود صمیمانه به آنها عمل می کنند با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی: ۱ - ابتدا اعتقاد و ایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید. ۲ - مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل: اعتقادات صحیح، نماز، حجاب، احکام شرعی، شکل روابط فردی و اجتماعی، اخلاق اسلامی و... ۳ - پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلاً : برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟ - تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و مورد پسند. - برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف. - برگزاری کلاس های عقیدنی . - برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر. - تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری. - مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده. ۴ - اجرای یک یک راه های به دست آمده. ۵ - امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها . ۶ - تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند. تلفن مستقیم: ۷۷۴۳۱۸۳ و ۹۴-۷۷۴۳۱۸۹ ۰۲۵۱ - ۲۱

علل دین گریزی و افول فرهنگی جوانان و نسل امروز چیست؟

پرسش

علل دین گریزی و افول فرهنگی جوانان و نسل امروز چیست؟

پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد: ۱ - آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است. ۲ - به فرض اثبات مدعا ، علل آن چیست؟ ۳ - راه های رویارویی با آن کدام است. ملاک کمتری و بیشتری"؟ کمتر شدن "در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد. اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و" فرهنگ شدن فساد اجتماعی "در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد. کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغهٔ قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گرفتار یکی از این دو تفکر بودند. از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزهٔ عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند. پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیدهٔ آن روزگار. پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟ وضعیت غیر عادی پس از انقلاب پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای" الناس علی دین ملوکهم "افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو،

شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند. این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایهٔ شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود، بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی" روح حماسی "و فراگیر شدن" عرفان گرایی و معنویت "فضا و زمینهٔ مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبهٔ احساسات و عواطف فاصله می گیریم، احساس (۱) می شود که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است. علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد: أ) عوامل طبیعی و تکوینی رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود. ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایستهٔ خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعدادهای طبیعی باعث می شود که" فرصت ها "به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود ، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به مسایل معنوی و ارزشی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد. ۱ – برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه، ۲ – فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصهٔ مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی، ۳ – حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری، ۴ – انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری، ۵ – اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...، ۶ – فقر و تهیدستی جوانان و خانوادهٔ آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج، نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد، ۷ – دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینهٔ انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد، ۸ – جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن. ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی هر هجوم و تهاجمی هدف معیّن ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد. پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است: پیروزی انقلاب اسلامی (که در حقیقت پیروزی اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که" دین "به خصوص "اسلام "می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشهٔ مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند ، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند. ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج ، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام

اوّل و دوم بود. چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شبیخون فرهنگی "برآمدند. پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کنندهٔ انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همهٔ فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند. علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه ، مستقیم یا با واسطه ، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند. در ذیل به برخی از" نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی "اشاره می شود: ۱ – سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی، ۲ – راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدیّن، ۳ – القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی، ۴ – القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی. ۵ – القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر. ۶ – به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجّه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند. ۷ – بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی. از تظاهر تا واقعیت با توجه به حجم گستردهٔ آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد ، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومش این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن است در برخی از آنان که از اوّل مایهٔ دینی و هویت فرهنگی ضعیفی داشته اند چنین باشد، اما بحمداله وضعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است. نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأیید می کند. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه ، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و غیر آن هستند که که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند. به تحلیل نگرش ها و گرایش های دینی جوانان که از نتایج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخذ شده توجه کنید. گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰ ۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق) ۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند. ۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند. ۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند. ۵) ۴۳ درصد دانشجویان خود را مسلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند.(شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسلمانی) ۶) ۹۷ درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقند. ۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق) ۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً ـ موافق و موافق) ۹) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً ـ موافق و موافق) ۱۰) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست. ۱۱) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند. ۱۲) ۷۱ درصد

دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند . ۱۳) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند. ۱۴) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند. ۱۵) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند. ۱۶) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.) ۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. ۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی تقلیل پیدا کرده است. منبع تحقیق: در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸. حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳) ، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان ، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ – ۱۰.

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پرسش

چرا گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است؟

پاسخ

از چند جنبه می توان پرسش را بررسی کرد: ۱ – آیا واقعاً گرایش به مذهب میان جوانان کم شده است. ۲ – به فرض اثبات مدعا علل آن چیست؟ ۳ – راه های رویارویی با آن کدام است. ملاک کمتری و بیشتری"؟ کمتر شدن "در پرسش با چه زمانی مقایسه شده است؟ آیا نسبت به پیش از انقلاب یا پس از پیروزی؟ سال های مربوط به دوران جنگ هشت ساله؟ هر وضعیتی پاسخ خود را دارد. اگر گفته شود نسبت به پیش از انقلاب ، معلوم می شود پرسشگر محترم از اوضاع ایران در پیش از انقلاب و" فرهنگ شدن فساد اجتماعی "در عرصه های مختلف اطلاع صحیحی ندارد. کافی است بدانید برای مبارزه به اصطلاح علمی با اسلام و شستشوی مغزی و فکری جوانان، از یک سو مارکسیسم و کمونیسم را تبلیغ کردند و آن را نشانه روشنفکری شرقی شمردند. از دیگر سو ، تفکر جدایی دین از سیاست و قرار دادن دین در مقابل علم و صنعت و پیشرفت و تمدن ، ملاک روشنفکری غربی به حساب می آمد. در واقع تفکر غربی و شرقی دو تیغهٔ قیچی بودند و هر دو یک هدف را دنبال می کردند و آن ضدیت و مخالفت با دین اسلام و مظاهر دینی بود. قشر عظیمی از جوانان جامعه گ.....XЪیکی از این دو تفکر بودند. از سویی دیگر با گسترش و ترویج فساد و فحشا از طریق کاباره ها ، سینماها، فیلم ها و تئاترها ، نیز تجویز تأسیس رسمی و علنی روپی گری، عشرتکده ها و شهرک های فحشا و مشروب فروشی ها ، نیز به کارگیری مطبوعات، رادیو و تلویزیون به تضعیف اعتقادات دینی و مبارزهٔ عملی با احکام اسلام ، برخاسته بودند. پیروزی انقلاب با تکیه بر فرهنگ اسلام، نوری بود میان ظلمات درهم تنیدهٔ آن روزگار. پس چگونه می توان وضعیت دین گرایی جوانان امروز را با پیش از انقلاب مقایسه کرد؟ وضعیت غیر عادی پس از انقلاب پس از پیروزی انقلاب و فرو ریختن کاخ سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ، اکثر مردم به مقتضای" الناس علی دین ملوکهم "افکار و عقاید ، سیره و روش رهبران انقلاب را پیش گرفتند. جوانان نیز به مقتضای تنوع و تجدد طلبی و عدالت خواهی و ستم ستیزی شان از یک سو، شور و نشاط برخاسته از احساسات و عواطف سنی و جوانی از دیگر سو، به رودخانه انقلاب پیوستند. این حرکت و گرایش مردمی به انقلاب ، اگر چه میان گروهی عظیم از توده ها بر پایهٔ شناخت و معرفت بود، لیکن میان همه اقشار حامی انقلاب آگاهی نبود،

بلکه مبتنی بر آگاهی سطحی و اجمالی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه یا شناخت غیر تحقیقی و ابتدایی فطری از دین بود. با بروز جنگ تحمیلی و شکوفایی" روح حماسی "و فراگیر شدن" عرفان گرایی و معنویت "فضا و زمینهٔ مساعدی برای خودسازی و روگردان شدن از مجالس بزم پیش از انقلاب و رو آوردن به میادین رزم فراهم شد، از این رو هر چه از دوران جنگ فاصله می گیریم، به بیان دیگر: هر چه از حماسه و عرفان و بسترهای مهیا برای خودسازی و غلبهٔ احساسات و عواطف فاصله می گیریم، احساس (۱) می شود که گرایش به مظاهر مذهب مانند شرکت در نماز جمعه و جماعت کم رنگ تر شده است. علاوه بر آن چه ذکر شد، عوامل دیگر نیز باعث افزایش گسست از ارزش ها و گرایش نوجوانان و جوانان به سمت و سوی رفتارهای غیر مذهبی گردیده است که از یک نگاه می توان آن ها را به سه دسته تقسیم کرد: أ) عوامل طبیعی و تکوینی رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی هایی در اخلاق و رفتار و روان می گردد، در نتیجه علاقه به دیدن صحنه های تحریک کننده، تمایلات جنسی، خواندن داستان های عشقی و جنایی و پلیسی تشدید می شود، که اگر کنترل و هدایت نشود، و در مسیر طبیعی و تکوینی اش قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده های سرخورده فراهم می گردد. و آن گاه به صورت بزهکاری های اجتماعی و جرایم اخلاقی، خودفروشی و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می شود. ب) ضعف برخوردها و عملکردها و فقدان مدیریت کارآمد داخلی عوامل تکوینی و تمایلات طبیعی انسان نیازمند هدایت و راهنمایی در مسیر بالندگی و رشد است تا بتواند به کمال شایستهٔ خویش و مقام انسانیت برسد. در غیر این صورت آدمی به یک موجود مسخ شده تبدیل می گردد. به دیگر بیان: بی توجهی به تربیت و هدایت استعدادهای طبیعی باعث می شود که" فرصت ها "به جای بهینه سازی به سوی تبهکاری سوق داده شود ، که سبب کم رنگ شدن و کم رغبتی برخی جوانان به مسایل معنوی و ارزشی شود. از آن جمله می توان به امور زیر اشاره کرد. ۱ – برخوردهای نامناسب خانواده والدین و اطرافیان ، معلمان و اولیای مدرسه، ۲ – فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیر خودی در عرصهٔ مطبوعات کشور و ایجاد جو ناسالم در جامعه و تحریک آن به سوی جرم آفرینی، ۳ – حرکت ها و رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه های اجرایی و قضایی و قانونگذاری، ۴ – انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی ، نیز حاکمیت فامیل سالاری و حزب و جناح سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای شایسته سالاری، ۵ – اختلافات جنایی و سلیقه ای در مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و...، ۶ – فقر و تهیدستی جوانان و خانوادهٔ آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج، نیز عدم اجرای ارزش های اسلامی و دینی در جامعه مانند عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، همچنین ترویج آزادی های لجام گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد، ۷ – دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینهٔ انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد، ۸ – جدی نگرفتن خطرها و تهاجم فرهنگی و توهم پنداشتن آن. ج) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی هر هجوم و تهاجمی هدف معیّن ، شیوه و شکل خاص ابزارهای ویژه ، نیرو و نفرات انسانی به خصوص دارد. پرداختن به سه عامل ذکر شده در حوصله این پاسخ نیست اما یادآوری این نکته لازم است: پیروزی انقلاب اسلامی (که در حقیقت پیروزی اسلام بر کفر جهانی بود) به دنیا نشان داد که" دین "به خصوص "اسلام "می تواند به عنوان یک قدرت سیاسی و حکومتی علیه زورمداران و زرپرستان قد علم کند. ظهور این قدرت موجب شد دنیاگرایان در اندیشهٔ مقابله با آن برآیند، آن را براندازند و نابود کنند، یا جلوی گسترش و صدور انقلاب را بگیرند ، یا آن را از درون از کارآیی و نیل به اهداف ساقط کنند. ایجاد آشوب ها و درگیری های داخلی، تحریک صدام برای جنگ از خارج ، تحریم های اقتصادی و نظامی، استفاده از ابزارهایی چون شورای امنیت سازمان ملل و حقوق بشر و عفو بین الملل و... همه برای تحقق گام اوّل و دوم بود. چون در آن دو گام نتوانستند توفیق حاصل کنند، درصدد دگرگون کردن فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب "شبیخون فرهنگی "برآمدند. پیچیده ترین و خطرناک ترین حرکت تهدید کنندهٔ انقلاب و دین و ارزش های معنوی، تهاجم

فرهنگی است. دشمن برای نیل به این هدف شوم از همهٔ فرصت های داخلی و خارجی استفاده می کند. علاوه بر راه اندازی ده ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و ماهواره ها و انتشار کتاب و روزنامه و سایر وسائل ارتباطی، نیز به استخدام در آوردن خبرگزاری های مهم جهان و دستگاه های جاسوسی، به سراغ طیف های مخالف انقلاب و کسانی که با نظام و حاکمیت مشکل دارند، هم چنین روشنفکرانی رفتند که تا حدودی تمایل مذهبی داشتند و می توانستند در این طرح استعمارگران را کمک نمایند و آگاهانه یا ناآگاهانه ، مستقیم یا با واسطه ، مجری سیاست قدرت ها باشند و با استفاده از شیوه های متفاوت و ارائه نظریه های دیکته شده، به جنگ فرهنگی با انقلاب برخیزند. در ذیل به برخی از" نظریه ها و شیوه های جنگ فرهنگی "اشاره می شود: ۱ – سیاست به کارگیری مذهب علیه مذهب و ایجاد یا تشدید اختلاف دینی و مذهبی، ۲ – راه اندازی جنگ علم و دین یا تقابل تمدن با تدیّن، ۳ – القای شبهات و طرح نظریه ها و پرسش هایی برای تضعیف باوری های دینی و قداست زدایی، ۴ – القای عدم کارآیی دین در عرصه اجتماعی و ناکارآمدی آن در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی. ۵ – القای پاسخگو نبودن دین و باورهای سنتی به بسیاری از مسایل و نیازهای انسان معاصر و این که دین و باورها و احکام و آیات آن مربوط به گذشته است، نه برای زمان حاضر. ۶ – به کارگیری ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت و... نیز تأکید بر نیازهای غریزی انسان ها و موجّه جلوه دادن آزادی های بی حد و حصر جنسی و این که این امور حق بشر است و انسان باید بتواند به هر شکلی خواست از آن استفاده کند. ۷ – بزرگ نمایی برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد و ربط و پیوند دادن آنها با اعتقادات و باورهای دینی. از تظاهر تا واقعیت با توجه به حجم گستردهٔ آفات ارزش های دینی که به آن اشاره شد ، اگر می بینیم برخی از جوانان از جهت ظاهری و رفتاری به این سو و آن سو کشیده می شوند، مفهومش این نیست که از بعد اعتقادی و نظری نیز استحاله و تهی شده اند، اگر چه ممکن است در برخی از آنان که از اوّل مایهٔ دینی و هویت فرهنگی ضعیفی داشته اند چنین باشد، اما بحمداله وضعیت ظاهری و رفتاری نامطلوب اکثر این دسته از جوانان، امری گذری و موقتی است. نظر خواهی ها و آمارها این مطلب را تأیید می کند. مضافاً حضور همان جوانان در گردهمای مذهبی تاسوعا و عاشورا، شب های قدر ماه رمضان، حرم امامان و امام زاده ها، حضور در اعتکاف ها و هم چنین حضور در صحنه هایی که نیاز به فداکاری و ایثار بوده، دلیل این مدعا است. به علاوه ، جوانان زیادی در محیط های علمی و دانشگاهی و غیر آن هستند که که عملاً به اسلام و ظواهر دینی پایبند می باشند. به تحلیل نگرش ها و گرایش های دینی جوانان که از نتایج تحقیقی تحت عنوان گرایش های دینی جوان اخذ شده توجه کنید. گرایش های دینی (دینداری) ۱۵۲۲ دانشجو در ۲۰ دانشگاه کشور سال ۱۳۸۰ ۱) ۸۲ درصد دانشجویان به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. (کاملاً موافق و موافق) ۲) ۱۶ درصد دانشجویان خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند. ۳) ۱۱ درصد دانشجویان پدر و مادر خود را از نظر مذهبی، ضعیف و غیر مذهبی معرفی کرده اند. ۴) ۸۰ درصد دانشجویان نقش خداوند را در زندگی بسیار مهم دانسته اند و ۱۳ درصد نیز نقش خداوند را در زندگی مهم ارزیابی کرده اند. ۵) ۴۳ درصد دانشجویان خود را مسلمان عادی دانسته اند. ۲۸ درصد نواندیش، ۱۶ درصد انقلابی و ۵/۲ درصد خود را مسلمان شناسنامه ای معرفی کرده اند.(شناسنامه ای کمترین نشانه ی مسلمانی) ۶) ۹۷ درصد دانشجویان در مورد اعتقاد به خداوند کاملاً موافق و موافقند. ۷) ۹۵ درصد دانشجویان اعتقاد دارند قرآن کلام خدا و راهنمای سعادت بشر است. (کاملاً موافق و موافق) ۸) ۹۱ درصد دانشجویان اعتقاد دارند روز جزا، بهشت و دوزخ، حقیقت انکار ناپذیر است. (کاملاً ـ موافق و موافق) ۹) ۸۸ درصد دانشجویان اعتقاد دارند ظهور حضرت مهدی (عج) و عده ای انکار ناپذیر الهی است. (کاملاً ـ موافق و موافق) ۱۰) ۸۷ درصد دانشجویان اعتقاد دارند خداوند حاضر و ناظر زندگی آنهاست. ۱۱) ۸۰ درصد دانشجویان گاهی اوقات از خداوند برای جبران بعضی از خطاها کمک خواسته اند. ۱۲) ۷۱ درصد دانشجویان گفته اند هر روز نماز می خوانند. ۱۰ درصد بیشتر روزها و بقیه یا نماز نمی خوانند و یا به ندرت نماز می خوانند . ۱۳) ۷۳ درصد دانشجویان گفته اند همه ی روزهای ماه رمضان را روزه می گیرند. ۱۴) ۵۷ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز

جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند. ۱۵) ۸۵ درصد دانشجویان گفته اند یا در نماز جماعت شرکت نمی کنند و یا به ندرت شرکت می کنند. ۱۶) در سال ۱۳۷۵ یک تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد دانش آموزان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی کنند.) ۱۷) در سال ۱۳۵۳ یک تحقیق نشان داده است که ۲۶ درصد مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. همین تحقیق در سال ۱۳۷۹ فقط ۶ درصد از مردم در نماز جماعت شرکت کرده اند. ۱۸) ۶۰ درصد دانشجویان اعتقاد دارند که امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی تقلیل پیدا کرده است. منبع تحقیق: در هفته نامه ی فرهنگ، پژوهش (۱۳۸۳) شماره ی ۱۵۸. حسین سراج زاده، فرهنگ پژوهش (۱۳۸۳) ، تحلیلی بر نگرش ها و گرایش های دینی جوانان و نوجوانان ، شماره ۱۵۸، ص ۱۱ - ۱۰.

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پرسش

چرا قوانین و مسایل مذهبی به صورت درست و منطقی به جوانان شناسانده نمی شود؟

پاسخ

منظور از شناساندن به صورت منطقی چیست؟ اگر منظور" تبیین دین به صورت مستدل است که مبتنی بر تعاریفی باشد که در علم منطق به عنوان" برهان "مطرح است، چنین کاری انجام گرفته، ولی اگر مقصود این است که چرا در معرفی دین" خوشایندسازی" نمی شود و با استفاده از هنر و ادبیات روز و ابزارهای علمی و روان شناسی رشد جوان به شناساندن دین اقدام نمی گردد، عدم انجام این موضوع به صورت کلی صادق نیست، زیرا صاحب نظران زیادی هستند که اکنون در محیط دانشگاهی به نشر معارف اسلایم می پردازند و در کار خود موفق بوده اند، ولی باید اذعان کرد کوتاهی های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خوشبختانه حرکت های مفیدی در این زمینه انجام گرفته است. در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از جوانان ، آشنا به مراکز و کتاب و نوشته های پرمحتوا که به شناسایی درست و منطقی اقدام کرده اند، نمی باشند. یعنی در واقع خود جوان باید به دنبال تحقیق و بررسی عمیق تر مسایل برآید و به شناخت صحیح و منطقی از دین اقدام نماید. آثار و نوشته های زیادی وجود دارد اما اعتقادات و باورها چیزی نیست که به دیگران تزریق شود، بلکه باید شخص، روح جستجو گر داشته باشد تا به مقصود دست یابد.

با وجود این که متأسفانه جوان های ما از اسلام روی گردان شده اند، چگونه با آن ها رفتار کنیم که از مذهب زده نشوند و پایبند نماز شوند؟

پرسش

با وجود این که متأسفانه جوان های ما از اسلام روی گردان شده اند، چگونه با آن ها رفتار کنیم که از مذهب زده نشوند و پایبند نماز شوند؟

پاسخ

در برخورد با جوانان نباید همه کارهایی را که از آنان سرمی‌زند و بزرگ‌ترها نمی‌پسندند، زشت بدانیمو با آنان مانند جنایتکاران و گناهکاران برخورد کنیم و آنان را بی‌دین بدانیم، چون بسیاری از کارهای آنها نشانه بی‌دینی نیست ، ولی ما تصور صحیحی از آنها

نداریم. اگر کارهای خلافی از آنان سر می‌زند، می توانیم با روشی صحیح و منطقی و با اخلاقی نیکو برخوردی صحیح و عاقلانه داشته باشیم تا از دین و معنویت زده نشوند. نقش خانواده‌ها در گرایش‌های مذهبی و غیر مذهبی جوانان بسیار است، بلکه اساس و زیربنای‌ساختار رفتاری فرزندان، در خانواده‌ها شکل می گیرد. از این جهت در آیات و روایات نسبت به فرزندان و تربیت‌آنان سفارش‌های فراوانی به پدران و مادران شده و بر تربیت صحیح آنان تأکید شده است. رفتارها و اخلاق‌پدران و مادران تأثیر مثبت یا منفی بر فرزندان دارد. اگر پدر و مادری گرایش مذهبی نداشته باشند، در این که بافرزندان آنان چگونه باید برخورد شود تا عشق به مذهب در دل آنان شعله‌ور شود و به سوی حق و عدل تمایل‌پیدا کنند، شاید کاری بسیار مشکل باشد و ظرافت خاصی لازم دارد. برای جذب جوانان به عنوان پدر و مادر لازم است: ۱ ـ اخلاق و رفتار شما عاقلانه و صحیح باشد. کج فکری، کوتاه بینی و کج خُلقی بازدارندگی دارد و ازتاثیر گفتارها و نصایح شما می کاهد. ۲ ـ شما باید برای جوان جذابیت داشته باشید تا سخنان و رفتار شما برای او مؤثر و الگو باشد. ۳ ـ استفاده از آیات قرآن و احادیث مناسب و نقل روش و سیره پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و بزرگان اگر به‌طور صحیح انجام شود، تأثیر بسیاری در جذب آنان دارد. امام رضا(ع) فرمود: انّ الناس لو علموا محاسن کلامنا لإتتبعونا؛(۱) اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می کنند ".شخصی به نام خیثمه می گوید: بر امام باقر(ع) وارد شدم. حضرت فرمود: ای خیثمه! شیعیان ما محبّت دردلشان افکنده می‌شود و آنان ما را دوست دارند، در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده‌اند. اگر آنان ما رابینند و کلام ما را بشنوند، بر هدایت آنان افزوده می‌شود. ("۲) از امام رضا(ع) نقل شده است: تقوا و ورع را مراعات کنید. امانت‌دار و راستگو باشید. نسبت به همسایه‌هاخوشرفتار باشید. این‌ها چیزهایی است که محمد(ص) بدان‌ها سفارش کرده است. در بین مردم نماز را برپا کنیدو به دیدار خویشان خود بروید و به عیادت مریضان بروید. در تشییع جنازه‌ها شرکت کنید. زینت ما باشید وباعث زشتی و وهن ما نباشید. ما را پیش چشم مردم، بد جلوه ندهید و باعث نشوید که مردم به ما بدبین‌شوند.("۳) حُسن خلق و رفتار زیبا نقش مؤثری در جذب دیگران مخصوصاً جوانان دارد و آنان را به اسلام و رفتاراسلامی جذب می کند. معاشرت با خانواده‌های مذهبی به خصوص معاشرت با خوبان بسیار مؤثر است. در صورتی که نوع برخورد با جوانان را برای جذب به باورهای دینی و واجبات و تکالیف ، از زاویه فریضه دینی امر به معروف نگاه کنیم، در پاسخ می گوییم: امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت بزرگی است که باید با ظرافت خاص انجام گیرد. طبیعی است که اگر این فریضهٔ الهی به طور شایسته عملی نگردد، چه بسا اثر معکوس خواهد داشت. از این رو اسلام آداب خاصی را برای امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته است که مهم ترین آن ها عبارتند از: ۱ ـ حُسن برخورد: قرآن مجید خطاب به پیامبر اکرم(ص) می فرماید": ای پیغمبر! به بندگانم بگو که با مردم با نیکوترین وجه صحبت نمایند.("۴) خداوند از حضرت موسی (ع) می خواهد با فرعونی که ادعای خدایی دارد با نرمی و ملاطفت تکلم کند و به ایشان بگوید: آیا میل داری که پاکیزه شوی؟ آیا می خواهی تو را به راه خداوند هدایت کنم تا به درگاه او خاشع شوی؟(۵) هرگز نمی توان با خشم و خشونت، جوانی را از گناه باز داشت. روح جوان بسیار آسیب پذیر است و در برابر برخورد قهر آمیز و اکنش نشان می دهد، از این رو باید مواظب بود تا لطمه ای به شخصیت افراد وارد نشود. استفاده از جملاتی مانند" این عمل در شأن شما نیست "و" شأن شما بالاتر از این ها است"، "شما سرمایه های این مملکت هستید و جامعه و تاریخ به شما امید دارد "بسیار مؤثر است. امام خمینی در این باره می گوید: سزاوار است آمر به معروف و ناهی از منکر، در امر و نهی خود و مراتب انکارش، چون طبیبی دلسوز و پدری مهربان که مصلحت مرتکب را رعایت می کند باشد و انکارش بر او خصوصاً و بر امت عموماً لطف و رحمت باشد.(۶) ۲ ـ جلب اعتماد: امر به معروف و نهی از منکر در صورتی با موفقیت انجام می گیرد که اعتماد طرف مقابل جلب شود. بدون جلب اعتماد نمی توان در شخصی نفوذ کرد، از این رو امام علی(ع) می فرماید": دل های مردم وحشی است، پس هر کسی بتواند با آن ها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد. ("۷) برای این کار باید به خطاکار شخصیت داد و از به کار بردن الفاظ تحقیر آمیز خودداری کرد. ۳ ـ در نظر گرفتن وضع روحی و

روانی: در اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر باید شرایط مخاطب را در نظر گرفت. اگر عصبانی است نمی توان نصیحت کرد. امام علی(ع) می فرماید" برای دل های آدمیان، علاقه و اقبال و گاهی تنفر و ادبار است. هنگامی که می خواهید کاری را انجام دهید از طریق علاقهٔاشخاص وارد شوید زیرا هنگامی که کسی را مجبور بر کاری کنید نابینا می شود.("۸) یعنی خود را به کوری و کری می زند. ۴ _محترم شمردن عقاید افراد: دختر خانمی که لباس مبتذل پوشیده و یا جوانی که سر و وضع خاصی دارد، این ها را ارزش تلقی می کند و نشانهٔ شخصیت می داند. اگر چه از دید ما این نظریه باطل است اما باید توجه داشت که توهین کردن به عقیده و نظر آن ها توهین به همهٔ وجودشان خواهد بود. از این رو اسلام به مسلمانان دستور می دهد که از توهین کردن به بت پرست ها خودداری کنند.(۹) پی نوشت ها : ۱ . بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰. ۲ . همان، ج ۲۴ ، ص ۱۵۱. ۳ . همان، ج ۷۸، ص ۳۴۸. ۴ . اسراء (۱۷) آیهٔ۵۳. ۵ . نازعات، آیهٔ ۱۸ و ۱۹. ۶ . تحریر الوسیله، ج۱، ص ۴۸۱. ۷ . نهج البلاغه، قصار ۴۷. ۸ . نهج البلاغه، قصار ۱۹۳. ۹ . انعام(۶) آیهٔ ۱۰۸.

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پرسش

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پاسخ

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است :اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدتها پیش در میان جوانان ما کرده اندو آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند . دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع , بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده رابا تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید . این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است . ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند . لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد وناظر این گونه جلسات بوده و هستیم . در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده , هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روزآشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم نیستند , اگرچه اعتراف می کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز مانیست .

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پرسش

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پاسخ

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است :اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدتها پیش در میان جوانان ما کرده اندو آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند . دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع , بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده رابا تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید . این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است . ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند . لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد وناظر این گونه جلسات بوده و هستیم . در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده , هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روزآشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم نیستند , اگرچه اعتراف می کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز مانیست .

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پرسش

چه عامل و یا عواملی سبب شده است که گروهی از جوانان از شرکت در مجامع دینی خودداری کنند ؟ این مشکل را از چه راهی باید حل کرد و برای توجه دادن جوانان به مجامع دینی , چه راهی را باید انتخاب نمود ؟

پاسخ

به عقیده ما فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از مجامع دینی عوامل متعددی دارد که از همه مهمتر دو عامل است :اول تبلیغات مسمومی است که عمال بیگانه از مدتها پیش در میان جوانان ما کرده اندو آنها را نسبت به جوامع دینی و روحانیت بدبین ساخته اند و حقایق را طور دیگری در نظر آنها جلوه داده اند . دوم عدم انضباط در بعضی از جلسات دینی و عدم رعایت اصول صحیح سخنرانی و تبلیغات دینی در بعضی از این مجامع , بطوری که بتواند افکار تشنه جوانان تحصیل کرده رابا تعلیمات عالی و ارزنده اسلام سیراب نماید . این دو موضوع دست به دست هم داده و بسیاری از جوانان ما را از این مجامع فراری ساخته است . ولی خوشبختانه در سالهای اخیر اکثر جوانان ما بیدار شده اند و به سوء نیت بیگانگان که در میان آنها سمپاشی می کردند پی برده اند . لذا در بسیاری از جلسات دینی اکثریت یا قسمت مهمی را جوانان ما تشکیل می دهند و ما خود از نزدیک شاهد وناظر این گونه جلسات بوده و هستیم . در قسمت دوم نیز تدابیری اتخاذ شده , هم اکنون مبلغین ورزیده ای که به زبان روزآشنا باشند و بتوانند عقده های روحی جوانان را با منطق صحیح اسلامی بگشایند کم نیستند , اگرچه اعتراف می کنیم که تعداد آنها به اندازه احتیاجات امروز مانیست .

علما و مخترعین و مکتشفین بیشتر به بشر خدمت کردهاند یا شهدا؟

پرسش

علما و مخترعین و مکتشفین بیشتر به بشر خدمت کردهاند یا شهدا؟

پاسخ

هیچکس به اندازهٔ شـهدا به بشریت خدمت نکرده است، چون آنها هستند که راه را برای دیگران باز میکنند و برای بشر آزادی را به هدیه میآورند، آنها هستند که برای بشر محیط عدالت به وجود میآورند که دانشمند به کار دانش خود مشغول باشد، مخترع با خیال راحت به کار اختراع خودش مشغول باشد، تاجر تجارت کند، محصل درس بخواند و هرکسی کار خودش را انجام بدهد. اوست که محیط [مناسب] را برای دیگران به وجود میآورد. ابن سینا قانون ننوشت، محمدبن زکریا الحاوی ننوشت، سعدی ذوق خودش را در بوستان و گلستان نشان نداد، مولوی همینطور، مگر از پرتو شهدا، آنهایی که تمدن عظیم اسلامی را پایهگذاری کردند، موانع را از سر راه بشریت برداشتند، آنهایی که مثل شعلههایی در یک ظلمتهایی درخشیدند و جان خودشان را فدا کردند، آنهایی که سراسر وجودشان حماسهٔ الهی بود، حق خواهی و حق پرستی بود، آنهایی که پرچم توحید را در دنیا به اهتزاز در آوردند و مستقر کردند، آنهایی که منادی عـدالت بودنـد، منادی حریّت و آزادی بودند. ما و شـما مدیون قطرات خون آنها هستیم، مدیون حماسـههای آنها هستیم

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

پاسخ

در این مورد هم مثـل همه موارد، مـا بایـد قبل از توجه به علل خارجی قضـیه، سـخن معروف منسوب به امیر المومنین(ع) را فراموش نکنیم که فرمود: «دَواوُکَ فیکَ وَ داوُکَ مِنکَ» دوای درد تو در خود تو است و منشـا درد هم در خود تو است. این خود ما بودیم که این عنصر را به صورتی درآوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشاندیم. امر به معروف و نهی از منکر در اسلام از نظر اجرایی شـرایطی دارد . اولیـن شـرطش حسن نیت و اخلاـص است. مـا فقـط در مـورد منکراتی که علنی است و به آنهـا تجـاهر می‌شـود حـق تعرض داریم. دیگر حـق تجسـس و مـداخله در امـوری که مربـوط به زنـدگی خصوصـی مردم است نـداریم. ولی در گذشـتهٔ نزدیک، یک عده مردم ماجرا جو و شـرور بالطبع که می‌خواسـتند ماجرا جویی کنند و حساب خرده های خود را با دیگران صاف کننـد، این اصل مقـدس را دست آویز قرار می دادنـد ، احیاناُ برای آنکه بتواننـد، مقاصد خود را عملی کنند چند صـباحی در گـوشه مـدرسه زنـدگی می‌کردنـد و برای خـود عبـایی و ردایی و عمـامه و نعلینی و ریش و هیکلی می‌اختنـد و بعـد بـه جـان مردم می‌افتادند. چه جرمها و جنایتها که به این نام نشد ! و چه منکرات شـنیع که به نام نهی از منکر واقع نشد ! داستان ها در این زمینه هم شنیده‌ایم و می‌دانیم.

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده است؟

پاسخ

در این مورد هم مثل همه موارد، ما باید قبل از توجه به علل خارجی قضیه، سخن معروف منسوب به امیر المومنین(ع) را فراموش نکنیم که فرمود: «دَواوُکَ فیکَ وَ داوُکَ مِنکَ» دوای درد تو در خود تو است و منشا درد هم در خود تو است. این خود ما بودیم که این عنصر را به صورتی درآوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشاندیم. امر به معروف و نهی از منکر در اسلام از نظر اجرایی شرایطی دارد . اولین شرطش حسن نیت و اخلاص است. ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها تجاهر می‌شود حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است نداریم. ولی در گذشتهٔ نزدیک، یک عده مردم ماجرا جو و شرور بالطبع که می‌خواستند ماجرا جویی کنند و حساب خرده های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دست آویز قرار می دادند ، احیاناً برای آنکه بتوانند، مقاصد خود را عملی کنند چند صباحی در گوشه مدرسه زندگی می‌کردند و برای خود عبایی و ردایی و عمامه و نعلینی و ریش و هیکلی می‌اختند و بعد به جان مردم می‌افتادند. چه جرمها و جنایتها که به این نام نشد ! و چه منکرات شنیع که به نام نهی از منکر واقع نشد ! داستان ها در این زمینه هم شنیده‌ایم و می‌دانیم.

برای فرهنگ‌سازی اسلامی در جامعه اسلامی چه باید کرد؟

پرسش

برای فرهنگ‌سازی اسلامی در جامعه اسلامی چه باید کرد؟

پاسخ

باید از فرهنگ غنی و پرمایهٔ اسلام کمک گرفت، و از طرق مختلف، آن را بارور و پر ثمر ساخت؛ به عنوان نمونه، طرق زیر پیشنهاد می‌شود : ۱ـ بهره‌گیری هر چه بیشتر از آیات مناسب قرآن مجید با تحلیل و تفسیر روشن برای ارتقای سطح فرهنگ و اخلاق. ۲ـ بهره گیری از متون اصلی سخنان پیشوایان بزرگ اسلام، مخصوصاً سخنان پیامبر (ص) و خطبه‌های نهج‌البلاغه ودعاهای صحیفهٔ سجّادیه که برای هر یک از رشته‌های مدیریّت و فرماندهی، فرازهای زنده‌ای در آنها می‌توان یافت واز آنها الهام گرفت. ۳ـ تجزیه و تحلیل حکومت پیامبر (ص) و حوادث تاریخی غزوات او و حکومت و جنگهای علی(ع) و یارانش، و ریشه یابی حادثهٔ خونین کربلاـ و ریزه کاریهایش که صحنه‌های مشابه آنها دائماً در زندگی ما به چشم می‌خورد، و بطور کلّی، بهره‌گیری از سنّت رسول خدا(ص) و سیرهٔ ائمّه طاهرین(ع) و بزرگان تاریخ اسلام و حوادث مهمّ زندگی آنان. ۴ـ استفاده از دعاها و مناجات پر محتوای ائمّه هدی (ع) که فوق العاده پرمایه و غنی و الهامبخش است و جمله به جملهٔ آن، حرکت آفرین می‌باشد؛ دعاهائی همچون کمیل؛ ندبه؛ صباح؛ و صحیفهٔ سجّادیه و دعاهای عرفهٔ امام حسین(ع) و ابوحمزه و مانند آن که روح و جان افراد را چنان

نور و صفائی می‌بخشد که آمادگی برای هرگونه فداکاری به آنها می‌دهد؛ البتّه باید به دقّت مراقب بود که به صورت افراطی و خسته کننده و ملال آور نباشد. ۵ـ آموزشهای مکتبی و اسلامی در مقطع‌های مختلف، برای تحکیم پایه‌های ایمان و اعتقاد به «الله» و معاد و زندگی پس از مرگ. ۶ـ نشر انتشارات جالب و پرمایه و غیر تکراری ـ عمومی یا مخصوص همان تشکیلات ـ برای تداوم بخشیدن به جوشش انگیزه‌ها؛ و تأسیس کتابخانه، هر چند کوچک امّا پرمایه، در محدودهٔ مدیریّت برای سرعت بخشیدن به آگاهیهای فزاینده. ۷ـ تجلیل و بزرگداشت خدمتگذاران گذشته و حال و تجلیل از شهدا و خانواده‌های آنها و قدردانی از زحمات افراد زحمتکش، و دریدن «حجاب معاصرت» در این رابطه، و امور ابتکاری دیگری که در ایجاد و تقویت انگیزه‌ها مؤثر است.

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

پرسش

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

پاسخ

کسانی که داعیه پیروی از امیرالمؤمنین و امام حسین(ع) دارند و خواهان باز گشت دوباره قرآن و عترت به صحنه جامعه و زندگی هستند، باید قرآن را درست بررسی کنند و حقایق آن را بفهمند و باید از والیِ قرآن شناسِ عالِم و آگاه یعنی فقیه عادل پیروی کنند. نکته قابل توجه در اینجا این است که باید همه با هم قرآن را بفهمند؛ چون تا قرآن را با هم نفهمند هماهنگی و وحدت اسلامی که مورد سفارش قرآن و عترت است، ممکن نخواهد بود. آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» آل عمران/۱۰۳ بدین معنا نیست که همه شما قرآن را به تنهائی و طبق برداشت شخصی بفهمید، بلکه به این معناست که آن را با هم به نحو تضارب آرا و توافق افکار بفهمید، همه با هم مسلمان باشید و در این مسیر از یکدیگر جدا نشوید و تفرقه و دوگانگی راه نیندازید، اگر توانستیم با هم قرآن را بفهمیم و مسایل اسلامی را در پرتو قرآن تحلیل کنیم؛ با تبادل اندیشه‌ها اختلاف نظر، اختلاف فکر، اختلاف سلیقه و در نهایتْ یکدیگر را تحمل می‌کنیم. چنان که در حوزه‌های علمیّهٔ فقیهان فراوانی داریم که فهم‌های گوناگون از یک روایت و در نتیجه فتواهای مختلف دارند، امّا یکدیگر را تحمّل می‌کنند، یکدیگر را عادل می‌دانند پشت سر یکدیگر نماز می‌خوانند و عمل یکدیگر را صحیح می‌دانند؛ چون با هم تبادل نظر می‌کنند. با هم فهمیدن متون مقدس دینی غیر از بدون هم فهمیدن است. بدون هم فهمیدن تنازع، ضعف، ترس، سستی و زوال شوکت را به دنبال دارد و مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است: «لا تَنازعوا فَتفشلوا و تذهب ریحکم». انفال/۴۶ همان طور که در حرکتهای دیگر اجتماعی، سیاسی، مذهبی نیز باید این وحدت را حفظ کرد. باید بدانیم که با هم عزاداری کردن، غیر از بدون هم عزاداری کردن و دسته و جمعیتی جدا راه انداختن است. عزاداریِ جمعی، مشتی محکم بر دهان یاوه گویان و خار چشم دشمنان است و ضد انقلاب خارج و داخل کشور را ناامید می‌کند. خداوند به ما نفرموده است هر کدام به تنهایی دستورهای الهی را انجام دهید. بلکه همواره سفارش به اجتماع و همراهی با جامعه و جمعیت مسلمین، مؤمنین و متدینین نموده است. رهبران الهی فرمودند: با هم نماز بخوانید، با هم روزه بگیرید، با هم قرآن بخوانید و... . البته ممکن است کسی فریب نفس مسوّله را بخورد و گمان کند که در خانه به تنهایی عزاداری کردن، نماز خواندن و مانند آن، حضور قلب بیشتری برای انسان می‌آورد. لیکن چنین افرادی باید بدانند که ممکن است خدای نخواسته در اثر ترک جامعه و انزوای از امت اسلامی تحت ولایت شیطان قرار گیرند و ندانسته عمری را به عبادت شیطان سپری کنند. اینجاست که پاهای برهنه عزیزان عزادار و سینه زن ابا عبدالله الحسین(ع) که مناسک عبادی و مراسم سوگواری را با هماهنگی کامل انجام

می‌دهند بیشتر از پیشانی پینه بسته متحجّران سطحی نگر و ظاهر بین ارزش دارد. او نمی‌فهمد که به عبادت شیطان مشغول است. هیچ گاه به ما دستور انزوا نداده‌اند بلکه همه جا دستور به عبادت و اطاعت جمعی داده‌اند. حتی پیامبر اکرم(ص) فرمود: اگر کسی در نماز جماعت شرکت نکند من خانه‌اش را آتش می‌زنم. هرگز کسی خیال نکند که اگر ما نمازمان را در خانه به تنهایی بخوانیم کار صحیحی است. نماز داخل خانه غیر از نماز در مساجد است. مساجد را همیشه باید پر کرد که ما هر چه داریم از مسجد داریم. علاوه بر این چنانچه ارتباط خود را با مسجد مستحکم کردیم بچه‌ها و نسل آینده خود را بیمه خواهیم کرد و باید توجه داشته باشیم که اگر خدای ناکرده فرزندی از خانواده‌ای به انحراف کشیده شود آن خانواده به دردی توان فرسا مبتلا می‌شود، پس چه بهتر که رابطه را با مساجد که مهد تربیت همه افراد، خصوصاً نوسالان و نونهالان است، برقرار کنیم.

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

پرسش

راه بازگشت دوباره جامعه به قرآن و عترت، چیست؟

پاسخ

کسانی که داعیه پیروی از امیرالمؤمنین و امام حسین(ع) دارند و خواهان باز گشت دوباره قرآن و عترت به صحنه جامعه و زندگی هستند، باید قرآن را درست بررسی کنند و حقایق آن را بفهمند و باید از والیِ قرآن شناسِ عالِم و آگاه یعنی فقیه عادل پیروی کنند. نکته قابل توجه در اینجا این است که باید همه با هم قرآن را بفهمند؛ چون تا قرآن را با هم نفهمند هماهنگی و وحدت اسلامی که مورد سفارش قرآن و عترت است، ممکن نخواهد بود. آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» آل عمران/۱۰۳ بدین معنا نیست که همه شما قرآن را به تنهائی و طبق برداشت شخصی بفهمید، بلکه به این معناست که آن را با هم به نحو تضارب آرا و توافق افکار بفهمید، همه با هم مسلمان باشید و در این مسیر از یکدیگر جدا نشوید و تفرقه و دوگانگی راه نیندازید، اگر توانستیم با هم قرآن را بفهمیم و مسایل اسلامی را در پرتو قرآن تحلیل کنیم؛ با تبادل اندیشه‌ها اختلاف نظر، اختلاف فکر، اختلاف سلیقه و در نهایتْ یکدیگر را تحمل می‌کنیم. چنان که در حوزه‌های علمیّهٔ فقیهان فراوانی داریم که فهم‌های گوناگون از یک روایت و در نتیجه فتواهای مختلف دارند، امّا یکدیگر را تحمّل می‌کنند، یکدیگر را عادل می‌دانند پشت سر یکدیگر نماز می‌خوانند و عمل یکدیگر را صحیح می‌دانند؛ چون با هم تبادل نظر می‌کنند. با هم فهمیدن متون مقدس دینی غیر از بدون هم فهمیدن است. بدون هم فهمیدن تنازع، ضعف، ترس، سستی و زوال شوکت را به دنبال دارد و مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است: «لا تَنازعوا فَتفشلوا و تذهب ریحکم». انفال/۴۶ همان طور که در حرکتهای دیگر اجتماعی، سیاسی، مذهبی نیز باید این وحدت را حفظ کرد. باید بدانیم که با هم عزاداری کردن، غیر از بدون هم عزاداری کردن و دسته و جمعیتی جدا راه انداختن است. عزاداریِ جمعی، مشتی محکم بر دهان یاوه گویان و خار چشم دشمنان است و ضد انقلاب خارج و داخل کشور را ناامید می‌کند. خداوند به ما نفرموده است هر کدام به تنهایی دستورهای الهی را انجام دهید. بلکه همواره سفارش به اجتماع و همراهی با جامعه و جمعیت مسلمین، مؤمنین و متدینین نموده است. رهبران الهی فرمودند: با هم نماز بخوانید، با هم روزه بگیرید، با هم قرآن بخوانید و... . البته ممکن است کسی فریب نفس مسوّله را بخورد و گمان کند که در خانه به تنهایی عزاداری کردن، نماز خواندن و مانند آن، حضور قلب بیشتری برای انسان می‌آورد. لیکن چنین افرادی باید بدانند که ممکن است خدای نخواسته در اثر ترک جامعه و انزوای از امت اسلامی تحت ولایت شیطان قرار گیرند و ندانسته عمری را به عبادت شیطان سپری کنند. اینجاست که

پاهای برهنه عزیزان عزادار و سینه زن ابا عبدالله الحسین(ع) که مناسک عبادی و مراسم سوگواری را با هماهنگی کامل انجام می‌دهند بیشتر از پیشانی پینه بسته متحجّران سطحی نگر و ظاهر بین ارزش دارد. او نمی‌فهمد که به عبادت شیطان مشغول است. هیچ گاه به ما دستور انزوا نداده‌اند بلکه همه جا دستور به عبادت و اطاعت جمعی داده‌اند. حتی پیامبر اکرم(ص) فرمود: اگر کسی در نماز جماعت شرکت نکند من خانه‌اش را آتش می‌زنم. هرگز کسی خیال نکند که اگر ما نمازمان را در خانه به تنهایی بخوانیم کار صحیحی است. نماز داخل خانه غیر از نماز در مساجد است. مساجد را همیشه باید پر کرد که ما هر چه داریم از مسجد داریم. علاوه بر این چنانچه ارتباط خود را با مسجد مستحکم کردیم بچه‌ها و نسل آینده خود را بیمه خواهیم کرد و باید توجه داشته باشیم که اگر خدای ناکرده فرزندی از خانواده‌ای به انحراف کشیده شود آن خانواده به دردی توان فرسا مبتلا می‌شود، پس چه بهتر که رابطه را با مساجد که مهد تربیت همه افراد، خصوصاً نوسالان و نونهالان است، برقرار کنیم.

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمتی ، هر اندازه هم به نظر کوچک و سطحی می آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روزقیامت جوابی برای آن نخواهد داشت . در این رابطه به برنامه ای که پیشنهاد می شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید .امید است ان شا الله بر این گناه غالب شوید : ۱) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید .۲) هر روز صبح با خدا ((شرط)) کنید که امروز غیبت نمی کنم . در طول روز کاملا مراقب رعایت این شرط باشید و جدا بکوشیدبرای اولین بار از آن تخلف نکنید .شب ها هنگام خواب اعمال روزتان را وارسی کنید .اگر مرتکب غیبت شده اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلاتصمیم بگیرید با دوستی که نزد او بیشتر غیبت می کنید یک روز رفت و آمد و گفت وگوی غیرضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید.

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

پرسش

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

پاسخ

اینترنت محصول علمی و فنی بشر است و مانند هر ابزاردیگری می تواند استفاده مثبت یا منفی داشته باشد بنابراین آنچه دارای اهمیت است بالابردن ضریب مثبت در ابعاد مختلف (تکنولوژی ، فن آوری ،تبلیغ در اسلام و ...) و جلوگیری کامل یا کاهش اثرات منفی این رسانه مهم جهانی می باشد مسلما "ما برای دستیابی به توسعه ای سریع و همه جانبه وایجاد تمدن اسلامی و عقب

نمانـدن از قـافله علم و تمـدن بشـری نیازمنداسـتفاده از تکنولوژی وفن آوریهـای پیشـرفته می باشـیم که یکی از مهمترین آن شـبکه جهانی اینترنت است که در همه زمینه های علمی ، تحقیقی ، هنری ،سیاسی ، تاریخی ، مذهبی با همه فروعات و جزییات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آن جا که مراکزی از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیر علمی و غیر انسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی ،هنری ، سیاسی ، تاریخی ، مذهبی با همه فروعات و جزییات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد امـا در عین حال از آنجا که مراکزی که از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیرعلمی و غیرانسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی جهان و مسـلط نمودن فرهنگ آمریکا و محو سایر فرهنگها و بالاخره تحقیق دهکده جهانی به رهبری آمریکا ارایه می نمایند صدها برابر مراکزی اسـت که اطلاعـات مفیـد و علمی و فنی ارایه می نماینـد بایـد بـا ارایه مکـانیزمی دقیـق و حسـاب شـده است . توسـط متخصـصان از معایب و مضرات آن جلوگیری نمود در این راستا راه کارهای بهره بری صحیح از اینترنت در جهت گسترش فرهنگ اسلامی عبارتند از : ۱- تهاجم تبلیغی را باید با شـیوه های نوین تبلیغی پاسخ داد با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی رابه این شـبکه جهـانی منتقـل نمود و راه آشـنایی ملت هـای دیگر را بـا فرهنـگ اسـلامی فراهم ساخت در این مورد البته قـدمهایی برداشـته شـده است . ۲- درکشورهـای اسـلامی بـا اسـتفاده از شـیوه نـامه نگـاری الکترونیکی بـا صـاحب نظران ،جوانان کسانی که آمادگی دریافت پیام های اسـلامی را دارنـد مکاتبه شود وسوالات و نیازهای آنان پاسخ داده شود .۳- فرهنگ غرب آسیب پذیری زیـادی را دارد که بـا زیر سوال بردن آنها و آگاهی به نسل جوان کشورهای اسـلامی و حتی غربی امواجی در مخالفت با آن را می توان ایجاد نمود .۴-دولت اسلامی باید یک شبکه واحد و مادر از مجموعه شبکه های داخلی ایجاد نماید و سپس ساختار خاصی را برای ارتباط با شبکه جهانی مشخص نماید حتی کشورهایی مانند فرانسه ساختار خاصی را برای اتصال به اینترنت ایجاد کرده است . ۵- بایـد راهی را برای گزینش اطلاعـات جهـانی پیـدا کرد و ازورود اطلاعـات آلوده از طریق شـبکه جهانی جلوگیری کرد صاحب نظران معتقدنـد این از نظر تیوری و عملی امکـان دارد بـا کنترل همه جـانبه ارتباطـات شـبکه جلوی تماس با مراکز غیراخلاق گرفته شود، (ر.ک مجله نگاه حوزه شماره ۶۲-۵۹ ارتباطات و نقش اینترنت در حوزه اطلاعرسانی دینی ، حمیـدفغفور مغربی ص ۱۴۸) .

;

روش های گسترش فرهنگ نمازخوانی چگونه است ؟

پرسش

روش های گسترش فرهنگ نمازخوانی چگونه است ؟

پاسخ

اولا : "یکی از وظایف نظام اسـلامی تنظیم شـعایر و اقامه ًاحکام الهی و نشـر و گسترش آنان می باشـد .قرآن کریم می فرمایـد : ((الـذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصـلوه ...)) ، (حج ، آیه ۴۱) . ثانیـا : "با توجه به ابعادگسترده ً تهاجم فرهنگی علیه احکام و ارزشـهای اسـلامی ، وظیفه ً سایردسـتگاههای فرهنگی ایجاب می کند که به مبارزه با آن برخواسته که یکی ازموثرترین راههای آن تشویق سایر اقشار مردم عموما "و جوانان و نوجوانان خصوصا، "از راههای گوناگون به نماز می باشد .زیرا به فرموده ً قرآن کریم ((ان الصـلوه تنهی عن الفحشا و المنکر)) ، (عنکبوت ، آیه ۴۵) . ثالثا : "یکی ازراههای تشویق به نماز انتخاب و معرفی افرادی به عنوان نمونه می باشد، دراینجا باید توجه داشت که این صـرفا "یک کار سـمبلیک و نمادین می باشد که دستگاههای مربوطه را در رسیدن به هدف خود یعنی احیا ارزشها و احکام اسلامی در جامعه کمک می کند و فواید و آثار مثبتی بدنبال دارد مانند : ۱-ارزش

گذاشتن به نماز و نماز گزار، و اعلام اینکه در جامعهً ما علیرغم تهاجم فرهنگی و توجه به رفاه طلبی ، مادیات و ...به ارزشهای اسلامی بها داده می شود .۲- تشویق بسیاری از نوجوانان و جوانان به نماز و در مدارس ،موسسات فرهنگی و ...رابعا : "با توجه به مطالب فوق می توان گفت که اصل چنین اقدامی فی نفسه امری مطلوب و لازم می باشد اما در مورد کیفیت اجرای آن باید گفت : علیرغم اینکه حقیقت و ماهیت نماز امریست که صرفا"نمی توان بر شرایط و اجزا ظاهری آن تکیه نمود بلکه یکسری مسایل معنوی نیز (مانند : اخلاص ، حضور قلب و ...) در آن دخیل باشد .ولی از آنجا که شناخت مسایل معنوی بصورت طبیعی غیر ممکن بوده و معیار و ملاکی برای اندازه گیری آن نمی توان در نظر گرفت ، لذا چاره ای جز توجه به ابعادظاهری آن نمی باشد مانند : اهمیت دادن به نماز و حضور مرتب در نمازجماعت ها در مدارس ، ادارات و; ...

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

پرسش

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

پاسخ

- وجدان کاری در جامعه از چند طریق قابل حصول است : ۱- تقویت مبانی دینی و احساس مسوولیت شرعی ؛ این راه فطری ترین ، سالم ترین و کارآمدترین راه شروع و تبلیغ ((وجدان کار)) است. ۲- ایجاد نظم آهنین از طریق اعمال زور و سرنیزه ؛ این روش اگر چه نظمی ظاهری را ایجاد می کند، ولی چون افراد از درون احساس مسوولیت نمی کنند؛ نظمی شکننده به وجود خواهد آمد (مانند آنچه در شوروی سابق اتفاق افتاد) . ۳- از راه تقویت حس مشارکت و منافع متقابل ؛ این روش گرچه نسبت به روش دوم کارآمدتر است ؛ ولی به دلیل گسترش منفعت گرایی فردی ، جامعه را در وضعیت خطرناکی قرار خواهد داد; .

برای این که بتوانم در حل اختلافات خانواده ام موثر عمل نمایم چه کنم ؟

پرسش

برای این که بتوانم در حل اختلافات خانواده ام موثر عمل نمایم چه کنم ؟

پاسخ

برای اینکه بتوانی در حل اختلافات خانوادگی نقش موثری داشته باشی رهکارهای زیر را به صورت جدی مد نظر قرار بده و به آنهاعمل نما : الف) سعی کن با رفتار خوب ابتدا اعتماد اعضای خانواده ات را بدست آوری بگونه ای که مورد اعتماد آنها باشی . ب) برای جلب اعتماد آنها سعی کنید به همه آنها اعم از کوچک و بزرگ ، پدر، نامادری و دیگر خواهران وبرادرانت به همه آنهااحترام بگذار و نسبت به آنها به معنای واقعی دلسوزباشید .ج) خشم و نفرت و کینه اعضای خانواده را از دل خودت بیرون کن وفکر کن هر کدام از آنها اعضای بدن تو هستند .د) تلاش کن تا دوگانگی و دودستگی که در خانواده شما وجود دارد را از بین ببرید و آن برادر ناتنی را که اززن پدر خداوند به شما عطا کرده مورد لطف و مهربانی قرار دهی چه این که او برادر یا خواهر وقعی شماست و دلیلی ندارد او را دوست نداشته باشید.ط) از موضع گیری مخالف در مقابل پدر و نامادری جدا "پرهیز کن . ظ)

درکارهای منزل مشارکت داشته باشد .ک) سعی کنید از رفتارهایی که موجب عصبی شدن پدرتان می شود جدا "پرهیز کنید .گ) سعی کن با صحبت کردن با برادر بزرگت او را قانع کنی که پدر دشمن ما نیست و خیر و خوبی ما رامی خواهد .ف) سعی کنید شما خواهران و برادران ، پدرتان را با ازدواج مجدد و همسر جدید و فرزندش بپذیرید آیا می دانید که ازدواج مجدد برای پدر شما امری ضروری و بر اساس نیاز است پس چرا و به چه دلیل واهی شما مخالف با او و زندگی مجدد او باشید .اگر پدر شما واقعا" فردی مومن است باید شکر گذار خداوند باشید که چنین پدری را نصیب شما کرده است آیا با از دست دادن مادرتان چیزی به دست آوردید یقینا "با از دست دادن خدای نکرده پدرتان نیز نه تنها چیزی بدست نخواهید آورد بلکه ضربات جبران ناپذیری بر زندگی شما وارد خواهد شد بنابراین قدر پدرتان را بدانیدو سعی کنید رضایت او را بدست آورید تا خداوند از شما راضی شود و به زندگی شما خیر و برکت عطا کند;

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمتی ، هر اندازه هم به نظر کوچک و سطحی می آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روزقیامت جوابی برای آن نخواهد داشت . در این رابطه به برنامه ای که پیشنهاد می شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید .امید است ان شا الله بر این گناه غالب شوید : ۱) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید .۲) هر روز صبح با خدا ((شرط)) کنید که امروز غیبت نمی کنم . در طول روز کاملا مراقب رعایت این شرط باشید و جدا بکوشیدبرای اولین بار از آن تخلف نکنید .شب ها هنگام خواب اعمال روزتان را وارسی کنید .اگر مرتکب غیبت شده اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلاتصمیم بگیرید با دوستی که نزد او بیشتر غیبت می کنید یک روز رفت و آمد و گفت وگوی غیرضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید;.

چه کنیم تا فریب زر، زور و تزویر را نخوریم ؟

پرسش

چه کنیم تا فریب زر، زور و تزویر را نخوریم ؟

پاسخ

فریب خوردن از زر، زور و تزویر ریشه در حب دنیا دارد .عن ابی عبدالله (ع) : ((راس کل خطیبه حب الدنیا؛ حب دنیا راس هر خطا و اشتباهی می باشد)) ، (اصول کافی ، ج ۲، ص ۳۱۵، روایت ۱، به نقل از سرالاسرا،استاد علی سعادت پرور، ج ۱، ص ۱۰۲) . اگر حب دنیا در دل انسان خانه کردهم در مقابل زر، زود تطمیع می گرددو هم در برابر تهدید زور، زود تسلیم می شود و هم

در قبال تزویر دیگران زود رنگ می بازد .آیه شریفه قرآن می فرماید : ((یا ایها الناس ان وعدالله حق ، فلا تغرنکم الحیوه الدنیاولایغرنکم بالله الغرور؛ ای مردم ! وعده خداوند حق است مبادا زندگی دنیاشما را بفریبد و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرورسازد)) ، (فاطر، آیه ۵) . چرا زندگی دنیا همه را نمی فریبد؟ زیرا زندگی دنیابرای اندکی از مردم حب و علاقه نمی سازد فقط زندگی دنیا کسانی رامی فریبد که حب و علاقه به دنیا دارند از این رو ریشه همان حب دنیامی باشد .زر، زور، تزویر همه در حیطه دنیا می باشند، اگر کسی حب دنیاداشت فریب هر سه را می خورد وگرنه سرافراز بیرون می آید نقطه مقابل حب دنیا، زهد می باشد بنابراین زهد و بی رغبتی به دنیا هم انسان را ازفریب و مکر زر نگه می دارد و هم از فریب زور مصون می سازد و هم از فریب تزویر سد می کند .این نکته دقیق در خور دقت است که زهد یک صفت نفسانی است و این دل و باطن انسان است که باید نسبت به دنیابی اعتنا و بی رغبت گردد نه این که زهد معنایش این باشد که انسان به کلی دنیا را رها سازد و نه مالی داشته باشد و نه ثروتی بیندوزد و ...بلکه تلاش برای کسب مال حلال به هدف آسایش فرزند و عیال و پویایی جامعه انسانی و بالندگی جامعه اسلامی از عبادات بزرگ می باشد و هیچ منافاتی با زهدندارد .یکی از راه های کسب زهد عمل به مقدمه پنجم جواب سوال ۵می باشد .یعنی فکر در مرگ به هر اندازه که این فکر با دل و جان عجین شودو با اشک چشم قرین گردد بی رغبتی دل به دنیا بیشتر می گردد اگر این فکر تشدید یابد بلند بلند برای قبر و قیامت می گرید و از تهیدستی سرای آخرت در فغان و در غوغاست . چنین انسانی کمتر برایش زر، زینت ، زور،هیبت و تزویر مکر و حیلت دارد .عن ابی عبیده قال : قلت لابی جعفر (ع) : ((حدثنی ما انتفع به فقال : یا ابا عبیده اکثر ذکر الموت فانه لم یکثر ذکره انسان الا زهد فی الدنیا؛ ابو عبیده می گوید به امام باقر (ع) گفتم : سخنی را برایم بفرما تا به وسیله آن بهره برم سپس حضرت فرمود : ای ابوعبیده بسیار یاد مرگ کن زیرا یادآوری مرگ به انسان نمی افزاید مگر زهد در دنیارا)) ، (المحجه البیضا، ملا محسن فیض کاشانی ، ج ۸، ص ۲۴۱) . ولی چون این راه حل در درازمدت به دست می آید علاوه بر آن می توان دست به نقد، قبل هر اقدامی و تصمیمی و بعد از هر پیشنهادی عمیقا "به فکر و مشورت درجوانب آن پرداخت تا به همان اندازه از فریب زر و زور و تزویر در امان ماند".

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید .

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید .

پاسخ

در مورد سوالی که مطرح فرمودید نکات ذیل را به عرض می رسانم البته مطالب ارایه شده شما نمایی از یک طرح است . برای فرهنگ سازی دریک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد زیرا که لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقدبوده وایمان داشته باشیم و با تصمیم و اراده جدی به لوازم آن عمل کنیم وآنگاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مور نظر پایبند باشد خود موجب ترویج و نشرآن فرهنگ می شود .بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود : ۱-نسبت به فرهنگ مورد نظر به صورت مشخص آگاهی کسب کند و مثلا "بافرهنگ اسلام آشنایی پیدا کنید .۲- با دقت ، تامل ، مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشید .۳- راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی خود را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث وتبادل نظر مشخص کنید (اهداف عینی ، قابل تعریف

و انـدازه گیری نه کلی مبهم نامعلوم) . ۴- سـعی کنیـد هدف کلی را به اهداف جزیی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایید .۵- بـا مشـخص شـدن نحوه اجرای کـار و دست یـابی به اهـداف با توکل بر خـدا کار را به تدریـج آغاز کنیـد و ضـمن آنکه خود صمیمـانه به آنهـا عمل می کنیـد با روش های پسـندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نماییـد .به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسـلامی : ۱- ابتـدا اعتقـاد وایمـان خود به اسـلام و اعتقادات دینی اسـلامی را تقویت کنیـد .۲- مظاهر فرهنگ و تمـدن اسـلامی را مشخص کنید مثل : اعتقادات صحیح، نماز، حجاب ، احکام شرعی ، شکل روابط صحیح فردی و اجتماعی ، اخلاق اسلامی و ...۳- پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلا : "برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم ؟ - تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشـتن منابع صحیحو موردپسند .- برگزاری جلسـات سـخنرانی به مناسـبت هـای مختلف . - برگزاری کلاسـهای عقیـدتی . - برگزاری جلسـات پرسـش و پاسـخ با حضود افراد متبحر .-تشـکیل گروه هـای مطالعاتی و جلسات بحث و بررسـی چنـد نفری . - مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسـی در موضوعات ریز معرفی شده . ۴- اجرای یک یک راههای بدست آمده . ۵- امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها .۶-تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند;.

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

پرسش

چگونه با افراد غیر مذهبی در دانشگاه رفتار نماییم ؟

پاسخ

در این بـاره لازم است اصول و ضوابطی که به آن اعتقـاد داریم مراجعه کنیم از جمله : ۱- حفظایمـان و اعتقاد خودمان از همه چیز مهمتر است نبایـد عملی انجام دهیم که به دینـداری ما صدمه زند .۲- تقویت بچه هـای مـذهبی از نظر روحی و روانی لازم است و مذهبی ها نباید تضـعیف شوند اگر هم به آنان انتقادی داریم بیان انتقاد نباید به تضـعیف آنان بیانجامد .۳- امر به معروف و نهی از منکرمصادیق و انواع گوناگون دارد، گاه با رفاقت و دوستی می توان این کار را انجام داد گاه با کنار کشیدن و به کار خود مشغول بودن گاه با بی اعتنایی و گاه ... باتوجه به این اصول و ضوابط اگر برقراری روابط و رفات با آنان با این اصول سازگار است اشکال ندارد .در عین حال برخوردهای نسنجیده و ناگهانی وبدون زمینه و مقدمه و بدون طرح و برنامه صحیح نیست;.

قیام امام حسین((علیه السلام)) چه آثاری در جامعه اسلامی بر جای گذاشت؟

پرسش

قیام امام حسین((علیه السلام)) چه آثاری در جامعه اسلامی بر جای گذاشت؟

پاسخ

ارزیابی حادثه خونین کربلا و آثار و نتایـج این قیام پرشور و فداکاری بی نظیر، نیازمند مطالعه ای گسترده است ;این حقیقتی اسـت که از مطالعه نوشـته های دانشمندان به دست می آید. درسهایی که قیام امام حسین((علیه السلام)) به ما می آموزد بسیار است که به

بعضی از آنها اشاره می کنیم: ۱. هدف اصلی مصلحان حقیقی و پاسداران حق، تحکیم حق، کوبیدن باطل، احیای نام خداوند، مواسات، اعتلای دین و آزادی و عدالت اجتماعی است تا در پرتو آن طبقات محروم و ستمدیده بتوانند از حق خویش برخوردار شوند. امام حسین((علیه السلام)) می دید که ملّت اسلام در اثر تبلیغات سوء دشمن، فساد و ستم را پیشه کرده و عدالت، حریّت و کمالات را به فراموشی سپرده و به تبهکاری و بندگی شهوات روی آورده است. امام حسین((علیه السلام)) می دید که قوانین الهی در حال فراموشی و نابودی اند و اسلام عزیز فدای هوسرانیهای افراد نالایق و خواسته های شوم بلهوسان شده است ;پس قیام کرد و با نهضت خود اسلام را جانی تازه بخشید. ۲. امام حسین((علیه السلام)) به مردم فهماند که ملّت اسلام و بلکه هر ملّتی باید از زیر بار ستم نجات یابد. ۳. با قیام امام حسین((علیه السلام)) احکام اسلام و برنامه های عالی دینی و توحیدی پس از آنکه مدّت ها در حال فراموشی بود، دوباره محور زندگی مردم قرار گرفت. ۴. قیام امام حسین((علیه السلام)) این بصیرت را به مسلمانان داد که اسلام بالاتر از همه چیز است و برای برقراری آن باید از همه چیز گذشت و برای بزرگداشت احکام و سنن آن فداکاری کرد. ـ۱۶۷۰ـ ۵. نهضت عاشورا درس دینداری و استقامت در برابر ظلم و کفر به مسلمانان و انسان ها داد و روح شهامت و شجاعت را در مسلمان ها زنده کرد. ۶. قیام کربلا احساسات و عواطف دینی مردم را برانگیخت تا همه بدانند در پیشگاه چه کسی باید خضوع کرد. ۷. حادثه خونین کربلا موجب تأسیس مکتب عالی فضیلت و تعلیم تربیت صحیح شد که خود رمز بقای مذهب تشیّع و اسلام است. ۸. این قیام زمینه ساز محکومیّت بنی امیّه در ذهن مسلمانان و سایر ملل جهان شد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۶۷۱ـ

چگونه می توان جوانی را که در آستانه بلوغ است، به پیروی از دستورات دینی دعوت کرد؟

پرسش

چگونه می توان جوانی را که در آستانه بلوغ است، به پیروی از دستورات دینی دعوت کرد؟

پاسخ

انسان فطرتاً طالب سعادت و رستگاری خویش است و از عوامل زیان بخش می گریزد. یگانه وسیله ای که سعادت انسان را در تمام جنبه های زندگی تأمین می کند، پیروی از دستورات دینی است ;زیرا قوانین دینی را خداوند - که دارای علمی محیط و گسترده و آگاه به تمام نیازهای انسان در زندگی است - مقرر فرموده است و مخالفت با قوانین الهی سبب کیفر و مجازات در دنیا و آخرت است. بر این اساس، کسی که به حدّ بلوغ رسیده باشد، باید در احکام دینی از مجتهدی که شرایط تقلید را دار است، احکام را فرا گرفته، به آنها عمل کند، تا به سعادت در زندگی نایل گردد. (بخش پاسخ به سؤالات)

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

پرسش

چرا با وجود مؤسسات دینی و تبلیغات مذهبی فساد و انحراف رو به افزایش است؟

پاسخ

امکانات تبلیغی اگر تمام همّت خویش را به کار گیرند باز این انحراف به چند دلیل خواهد بود. ۱. آزادی انسان. ۲. مطابقت این

برنـامه هـا با تمایلات آدمی به ویژه در سـنین جوانی. ۳. ضـعف عملکرد در گسترش فرهنـگ ازدواج. ۴. تهـاجم فرهنگی غرب. در قرآن می خوانیم «یرید الانسان لیفجر امامه یسـئل ایان یوم القیامه» انسان می خواهد که گناهکاری پیشه کند و به همین خاطر، مبانی دینی را هم مورد تردید قرار می دهد. در نظام اسلامی انسان مجبور به اطاعت نمی شود. بلکه باید خوبی را انتخاب کند. با همه این احوال، بایـد معترف به برخورد ضـعیف و عـدم برنـامه ریزی صـحیح در این باره اعتراف نمود به ویژه آنکه گاهی دشـمنان مقاصـد خویش را از راه به ظاهر دوستان اجرا می کنند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲ـ

با مجموعه از جوانان هستیم و می خواهیم کار تبلیغی داشــته باشیم تا در مسیر هدایت و ارشاد قرار گیرند. کیفیّت برنامه به صورت بهتر چگونه است؟

پرسش

با مجموعه از جوانان هستیم و می خواهیم کار تبلیغی داشـته باشـیم تا در مسـیر هدایت و ارشاد قرار گیرند. کیفیّت برنامه به صورت بهتر چگونه است؟

پاسخ

۱. مهم ترین موضوع قبل از هدایت و ارشاد شناخت جوان و روحیه اوست، پس کار و حوصله می طلبد. ۲. جوان از حدود ۱۳ تا ۱۹ سـالگی نوجوان نامیـده می شود. و مهم ترین ویژگی این دوران همراه تغییرات جسـمانی، موضوع هویت طلـبی است. او می خواهد هویّت خویش را کشف کنـد و الگویی را انتخاب نموده و پیروی کند. پس با این خصوصیّت باید برنامه ریزی کرد. ۳. به مجموعه آنها شخصیّت بدهید و با احترام برخورد کنید. خود نگهداری این جمع برای اهداف عالیه اسـلام و تشـیع عزیز که بهترین الگوها را می دهد مطلوب است. ۴. در مرحله بعد در سه موضوع کلاس بگذارید. الف: انسان شناسـی یا خودشناسـی(که رسول اکرم((صـلی الله علیه وآله)) فرمود: هر کسـی خود را شـناخت خـدا را خواهد شـناخت). ب: جهان شناسـی یا همان سـیر آفاق(با این توجّه که در جهانی با حساب و هـدف زنـدگی می کنیم). ج:تاریخ اسـلام ائمه((رحمه الله)) معاصـر ۵. توجّه داشـته باشـید که برای کلاس ها از روحانیان و اساتیدی کمک بگیرید که با صـمیمیّت کار می کنند وگرنه حاصل نخواهد داشت. چون صمیمیّت در این دوران از ـ۴ـ طرف والدین(در مرحله اوّل) و سـپس از مربّیان بسیار سازنده خواهد بود. ۶. از بزرگی کار نترسـید خداوند کسانی را که دین او را یاری کنند یاری می کند.(قرآن) (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۵ـ

چگونه کسی که از دین بریده است، با دین آشتی دهیم؟

پرسش

چگونه کسی که از دین بریده است، با دین آشتی دهیم؟

پاسخ

قدم اوّل علّت یابی است. فهرست این علل... ۱. گرایش سنّتی و یا عاطفی به دین. روشن است که این اساس زود متزلزل می شود. و راه این است که مذهب اصـیل معرّفی شود. مذهب اصیل با تفکّر شروع می شود پس کافیست با تفکّر به نیاز به مذهب شروع کنیم.

آنگاه می بینیم انسان در گذشته و انسان معاصر به شدّت در جستجوی دین بوده و هست. در این باره شواهد زیادی هست. انسان غیب را می خواهد و به آنچه که هست خشنود و آرام نمی شود. ۲. رفتار ناپسند دیندارانه بی مبالات - و راه این است که با موارد شایسته و رفتار خود خویش این تنفّر را از ذهن و دل شخص بزدائیم. ۳. عدم پاسخ به سؤال های شخص. پس باید این فرد را با اشخاص و نهادهای پاسخگو و یا کتاب های خوب مرتبط نمود. ۴. احساس مخالفت دین با ارضای هواهای نفس و به تعبیر دیگر مانع دیدن دین برای انجام گناهان. در اینجا نیز باید شخص را از این توهم بیرون آورد که دین با ارضای تمایلات طبیعی انسان مطلقاً مخالف است و این تحدید و مرز گذاشتن دین به سود اوست چون او را از صدمات هرزگی و بی بندوباری حفظ می کند و از تکراری شدن و دلزدگی از ارضای نیازها نیز نجات می دهد. تازه همه باید بدانیم دنیا جایگاه مزاحمت هاست انسان هرگز میدان کاملی برای ارضای همه هوی نخواهد یافت. ـ۷ـ ۵. فرصت دادن و استمرار بر مقصد. این کار شکیبایی می خواهد چنانکه پیامبر اکرم((صلی الله علیه وآله)) برای آن جوان یهودی ۴ سال آزار تحمّل کرد تا جوان اسلام آورد. ۶. احتمالات دیگری نیز موجود است که برای مثال تغذیه حلال در پذیرش حق مؤثّر و تغذیه حرام مانع محسوب می شود. توجّه به این احتمالات نیز در تسهیل کار، مطلوب است. ۷. کتاب علل گرایش به یادگیری از شهید مطهری توصیه می شود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۸ـ

آیا می توان با کنار نگذاشتن ارزشهای اسلامی و انسانی در علم و صنعت پیشرفت کرد؟

پرسش

آیا می توان با کنار نگذاشتن ارزشهای اسلامی و انسانی در علم و صنعت پیشرفت کرد؟

پاسخ

چنانکه ارزشهای انسانی و اسلامی تضادی با صنعت و نکنیک داشتند ممکن بود سؤال شود که چگونه با وجود این رازشها می توان به صنعت دست یافت، ولی اعتقاد به ارزشهای اسلامی و انسانی مستلزم این است که انسان خویشتن را به فضایل و کمالات انسانی آراسته کرد، خویشتن را از اخلاق زشت تزکیه نماید. انسان برای پرستش خداوند در این جهان آمده، تا از رهگذر انجام وظایف عبودیت به کمال مطلوب، که قرب به خدا است، نایل گردد. بدیهی است که لازمه این امر این نیست که انسان از علم و صنعت بهره نبرد ;بلکه علم و تکنیک، خود می تواند وسیله ای برای نیل به این هدف باشد. آری کسانی که از اسلام این برداشت را دارند که باید از زندگی مادی فاصله گرفت و به هیچ یک از نعمتهای دنیوی توجه نکرد و همواره مشغول به عبادت بود و به طور کلی زهد در دنیا را این گونه تفسیر می کنند، زمینه ای برای آن شبهه وجود خواهد داشت ;اما براساس برداشت صحیح از اسلام و تعالیم حیات بخش آن که اسلام دینی جامه و کامل است، دستورات آن تمام ابعاد زندگی را شامل می شود و همان گونه که برای زندگی آن جهان تکالیف و وظایفی قرار داده، برای این جهان نیز احکام و دستورات حیات بخشی ـ۱۰ـ Eمقرر فرموده است، استفاده از علم و صنعت، نه تنها ممنوع و مذموم نیست اً بلکه مورد تاکید نیز هست ;چرا که اساساً اسلام، دین علم و دانش است و اینکه مسلمانها از کاروان تمدن و صنعت عقب مانده اند، نه به خاطر اعتقاد دینی آنان، بلکه به دلیل عمل نکردن به تعالیم اسلام است. همچنانکه پیشرفت علمی و صنعتی غرب به این دلیل نبوده است که از اسلام فاصله گرفتند و به مسیحیت گرایش پیدا کردند. چرا که کلیسای مسیحیت در صول چند قرن]قرون وسطی[با علم و پیشرفتهای علمی مخالفت می کرد. امید است که انقلاب اسلامی ایران بتواند حقیقت اسلام را، آنچنانکه هست، به دنیا معرفی کند و با پیشرفت گسترده علم و تکنیک در ایران اسلامی کشورما به عنوان الگویی از یک کشور اسلامی معرفی شود و از این رهگذر مسلمانان و همه ملل جهان ره متوجه اسلام سازد.

(بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۱ـ

چرا ما مسلمانان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

پرسش

چرا ما مسلمانان دروغگو و حیله گر هستیم و راه جلوگیری از این فساد از نظر اجتماعی چیست؟

پاسخ

در این پرسش چند موضع دقیق نهفته است: ۱. یکی از علتهای ایجاد این پرسش، تصور ناصحیحی است که از اخلاق غربیان داده شده و آن اینکه آدمها دروغ نمی گویندو... در حالی که حقیقت این نیست، نظام حاکم بر آن جامعه و نظارتهای الکترونیکی در خیابانها، فروشگاهها و محل کار، اخلاق امانت دارانه را تحمیل می کند. و هیچکس نمی تواند به راحتی خطا کند، چنانکه اگر کس در خیابانها از چراغ قرمز رد شده و یا تخلفی دیگر انجام دهد، با چشمهای الکترونیکی ضبط شده و خلافکار تنبیه می شود. این اخلاق زیربنای صحیحی ندارد و از ارزش اخلاقی که با اراده و تصمیم و انتخاب شخص متحقق می شود، برخوردار نیست. دلیل روشن آن این است که زمانی که برق به مدت دو ساعت در نیویورک می رود، بدترین دزدیها و تجاوزها انجام می شود. البته هیچ گاه منظور ما انگار رفتارهای خوب آنان نیست. ۲. در ضمن آنکه به بدی بسیاری از رفتارهای خود اعتراف داریم، باید توجه داشته باشیم که فرهنگ اسلامی عقاید و زیربنای متین و محکمی را به مسلمان ارائه می دهد، که براساس آن زیباترین جلوه های راستی و صداقت شکل می گیرد. اما شیطان که دشمن قسم خورده انسان مؤمن است، برای تخریب عقیده ها اقدام می کند. وقتی نتوانست ریشه عقاید را بخشکاند به سراغ اعمال می رود. در حالی که فرد بی اعتقاد در حزب شیطان است و دلیلی برای وسوسه او نیست. این حقیقت را زمانی به خوبی در می یابیم که تصمیم بر اصلاح خویش می گیریم. در این زمان هجوم شیطان و ـ۳ـ وسوسه های گسترده تر می گردند. ۳. اگر برای اصلاح رفتار انسان از روش مکتبی کمک نگیریم و کنترل و نظارتهایی مثل امر به معروف و نهی از منکر ترک بشود، چنین فجایع اخلاقی گسترده تر می شود، در حالی که اگر در جوامع غربی این ساختار دفاعی وجود ندارد، کنترل و نظارت الکترونیکی و قانونی را اعمال می کند. ۴. فراموش نکنیم در همین جامعه ای که از آن شاکی هستیم، بسیاری ملکات اخلاقی هست که قابل ستایش است. و از فسادهای گسترده پنهان و پیدای غرب نیز نباید غافل شد. ۵. راه نجات همانا گسترش و تقویت ایمان و نظارت های مکتبی و قانونی می باشد، که به قاطعیت محتاج است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴ـ

آیا اگر رویدادهای اسلامی را با تقویم شمسی حساب کنیم، بهتر نیست؟

پرسش

آیا اگر رویدادهای اسلامی را با تقویم شمسی حساب کنیم، بهتر نیست؟

پاسخ

بزرگداشت رویدادهای تاریخ اسلام بر همه مسلمانان لازم است. اگر تقویم آنها قمری باشد - که مسلمانان یا دست کم تمام شیعیان در آن با یکدیگر متّفقند - با اتّحاد و یگانگی سازگارتر است ;زیرا بسیاری از شیعیان در غیر ایران زندگی می کنند و اگر

در ایران تقویم شمسی معیار باشد و در غیر ایران، تقویم قمری، گونه ای پراکندگی و از همگسیختگی میان مسلمانان پدید می آید ;در حالی که مسلمانان بیش از هر چیز به یگانگی و هماهنگی نیازمندند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۳۹۱ـ

برای جلوگیری از مفاسد خانوادگی چه کارهایی بایستی صورت گیرد؟

پرسش

برای جلوگیری از مفاسد خانوادگی چه کارهایی بایستی صورت گیرد؟

پاسخ

یکی از موضوعاتی که برای انسان بسیار اهمیت دارد، موضوع خانواده و شناخت موانع و عوامل رشد آن است. زیرا؛أخ۵ بر اثر مسخ یا فراموشی ارزش‌های انسانی و اسلامی، کارایی تربیتی خانواده از بین می‌رود و در عوض کانونی برای مفاسد و مشکلات اخلاقی و روانی می‌شود. اگر به ارزش‌هایی که باید در یک خانواده حاکم باشد، بی‌توجهی شود هرگز نمی‌توان انتظار تربیت فرزندان صالح داشت. اما در رابطه با سؤال شما، ما به بعضی از علل مفاسد و کارایی غلط خانواده اشاره می‌کنیم و راه‌های جلوگیری از آن را بیان می‌کنیم. ۱) ملاک غلط در انتخاب همسر: خانواده از انتخاب و خواستگاری شروع می‌شود. نکته بسیار مهم در این جا ملاک انتخاب همسر است. یعنی پسر و دختر چه معیاری برای ارزش‌گذاری یکدیگر دارند. اگر ملاک انتخاب همسر صرفاً مسائل مادی و زیبایی ظاهری باشد، چنین ازدواجی از استحکام زیادی برخوردار نیست. زیرا با زوال مال و زیبایی همسر ازدواج هم متزلزل می‌شود. بر همین اساس بسیاری از دختران و پسرانی که بر اثر یک آشنایی سطحی به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند، پس از ازدواج عشق و علاقه‌شان از بین می‌رود و ادامه زندگی ناممکن می‌شود. اما اگر ملاک در انتخاب همسر اخلاق و ایمان و ویژگی‌های انسانی باشد، نظام خانواده پابرجا خواهد ماند. ۲) نداشتن هدف صحیح در ازدواج: بسیار از زوج‌ها دقیقاً نمی‌دانند به چه دلیل باید ازدواج کنند. فقط به صرف این که یک نیاز طبیعی و یک کشش عاطفی به جنس مخالف پیدا می‌کنند تن به ازدواج می‌دهند. معمولاً ـ چنین ازدواج‌هایی دچار مشکل می‌شود. زیرا اگر ببینند برای ارضای نیازهای غریزیشان راه‌های آسان‌تری هم یافت می‌شود، خود را از قید و بند ازدواج می‌رهانند. چنان چه هم اکنون در بین جوانان غربی ازدواج سنتی در حال افول است. اما کسانی که اهداف عالی و انسانی از ازدواج دارند، مثل رسیدن به آرامش (روم، آیه‌ی ۲۱) و تربیت فرزندان صالح، از فروپاشی و تزلزل خانواده محفوظند. ۳) عدم آگاهی از وظائف همسری: برخی از مردان فکر می‌کنند زن گرفتن یعنی خدمتکار برای خود گرفتن است. از زنانشان انتظار دارند تمام کارهای منزل را بکنند و همیشه مطیع و دست‌به سینه در مقابل فرامین آن‌ها باشند. همچنین بعضی زنان تصور می‌کنند شوهر گرفتن یعنی مردی را به خدمت گرفتن که به وسیله او آرزوهای بر باد رفته در منزل پدر را عملی کنند و در مقابل خواسته‌های نامحدودشان تسلیم محض باشند. وقتی زن و مرد به زندگی این طور نگاه کنند، توقعات‌شان از یکدیگر بالا می‌رود و صحنه زندگی به جنگ و نزاع دائمی مبدل می‌شود. این در حالی است که وظیفه اصلی مرد و زن محبت کردن و عشق ورزیدن به یکدیگر است، نه توقع داشتن و امر و نهی کردن. انسان هرگز معشوق خود را به زحمت نمی‌اندازند، بلکه عاشقانه برای راحتی او تلاش می‌کند. زن و شوهر یعنی دو عاشق و دو معشوق، نه یک عاشق و یک معشوق. ۴) نداشتن گذشت و فداکاری: خاصیت ازدواج این است که »من« به »ما« تبدیل می‌شود. یعنی زن و مرد از خودخواهی بیرون می‌آیند و خواهان آسایش و موقعیت دیگری هم هستند. اما یک خانواده فاسد به این مرحله نمی‌رسد. مرد فقط به فکر خود است، کاری با همسر و فرزندانش ندارد. در این خانواده‌ها اگر کوچک‌ترین مشکلی به وجود بیاید، هر یک از آن‌ها سعی می‌کنند مشکل را به

گردن دیگری بیندازد و خود را از معرکه بیرون بکشد. در واقع ایثار و فداکاری و گذشت و مهربانی وجود ندارد و هیچ کس به دیگری احترام نمی‌گذارد. بلکه هر کدام که از قدرت بیشتری برخوردار باشد به اعضای دیگر زور می‌گوید و آن‌ها را به خدمت خود می‌گمارد. تنها راه جلوگیری از این حالت، کنار گذاشتن خودخواهی و رعایت حقوق هر یک از اعضاء است. ۵) عدم آگاهی از روش‌های تربیت فرزند: تربیت فرزند یکی از مشکل‌ترین و در عین حال مهم‌ترین وظایف خانواده‌هاست. خانواده می‌تواند یک فرزند را به یک جانی خطرناک تبدیل کنند. چنان چه می‌تواند از او انسان صالحی به وجود آورد که جهانی را به نور علم و ایمان روشن گرداند. تربیت صحیح نیازمند روش صحیح است. بسیاری از والدین از روش‌های تربیتی هیچ اطلاعی ندارند، تنها راه تربیتی آن‌ها، امر و نهی و خشونت و کتک‌کاری است. روشن است فرزندانی که دائماً به خاطر هر اشتباه کوچک و بزرگی تنبیه شده و به انواع مختلف آزرده خاطر می‌شوند تبدیل به انسانی‌های عقده‌ای و روانی می‌شوند و برای آینده جامعه بسیار خطرناک خواهند بود. اما اگر تربیت فرزند توأم با صبر و متانت و مهربانی و تشویق باشد و کرامت و احترام فرزندان حفظ شود، یقیناً آنان انسان‌های صالح و نیکوکاری خواهند شد. ۶) عدم توجه به ارزش‌های مذهبی: در بعضی از خانواده‌ها توجهی به ارزش‌های مذهبی از قبیل نماز، روزه، و تقوی و خداشناسی نمی‌شود و به جای آن فقط به فکر مادیات و راحتی مادی هستند. خود به خود فرزندان در چنین خانواده‌ای هرگز با دین و معارف بلند آن آشنا نمی‌شوند و به افرادی لاابالی و بی‌دین تبدیل می‌شوند. نتیجه‌ای که عائد افراد می‌شود علاوه بر بی‌بند و باری اخلاقی، رسیدن به پوچی و بی‌معنا بودن زندگی است. همان طوری که امروزه در غرب جوانان به پوچی و خلاء معنوی رسیده‌اند و با این که والدین آن‌ها از تمام روش‌های تربیتی و روان‌شناسی برای تربیت آنان استفاده می‌کنند، ولی جوانان از رنج بزرگ نداشتن هدف از زندگی رنج می‌برند و چه بسا دست به خودکشی هم می‌زنند. ۷) آزادی بیش از حد: همان طور که سختگیری زیاد باعث فساد و تباهی در جریان خانواده می‌شود، آزادی زیاد هم سبب توقف رشد اخلاقی و شخصیتی اعضاء، خصوصاً فرزندان می‌شود. در روایات اسلامی آمده که کودکان را تا هفت سال اول زندگی آزاد بگذارید، ولی در هفت سال دوم به آن‌ها تربیت و اخلاق و علم را آموزش دهید و در هفت سال سوم آن‌ها را مشاور خود قرار دهید و به نظراتشان احترام بگذارید. این در حالی است که در بعضی خانواده‌ها هیچ بهایی به فرزندان داده نمی‌شود و در بعضی دیگر بدو ن این که برای تربیت و اصلاح اخلاقی فرزندان قدمی بردارند، آنان را در هر کاری آزاد می‌گذارند. این هم یکی از عوامل فساد خانوادگی است. البته همان طور که گفتیم این‌ها بخشی از عوامل مفاسد خانوادگی و راه‌های جلوگیری از آن بود که بیان شد. اگر شما خواهان اطلاعات بیشتری هستید باید به کتاب‌های فراوانی که در این زمینه تألیف شده است مراجعه نمایید. ر.ک: ۱. آئین همسرداری، ابراهیم امینی ۲. آئینه ازدواج و روابط همسران، دکتر افروز

برای این که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما همگانی گردد و همه افراد از این وظیفه الهی که دارند هیچ هراسی نداشته باشند، چه باید کرد؟ (با این توضیح که این یک امر واجب است و البته در سطح جوانان کارساز نبوده است.)

پرسش

برای این که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما همگانی گردد و همه افراد از این وظیفه الهی که دارند هیچ هراسی نداشته باشند، چه باید کرد؟ (با این توضیح که این یک امر واجب است و البته در سطح جوانان کارساز نبوده است.)

پاسخ

در پاسخ این سؤال چند تذکر لازم است: ۱- به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم کم رنگ بودن این اصل حیاتی در جامعه اسلامی

و علت حساسیت نداشتن مردم نسبت به آن، نگرش سطحی و شعارگونه مردم و مسؤولین نسبت به آن است. اگر مسؤولین نظام و مردم بدانند که حفظ اسلام و نظام اسلامی و اجرای احکام الهی (عدالت، حدود، عبادات و...) به معنای واقعی‌اش تنها در پرتو اجرای عملی امر به معروف و نهی از منکر میسّر است (چنان که امام باقر(ع) فرمود: بها تُقامُ الفَرائِض) و از طرفی با تعطیل شدن این اصل، از {P - وسائل، ج ۱۶، ص ۱۱۹. P} اسلام و نظام اسلامی جز اسم چیزی باقی نمی‌ماند، قطعاً با حضور جدی و گسترده خویش در برابر حکم حیاتی الهی، رسالتشان را انجام خواهند داد. ۲- از طرفی منحصر کردن امر به معروف و نهی از منکر در برخی مسائل فرعی و غفلت از منکرات اساسی جامعه مانند فقر، تبعیض، رباخواری، فساد اداری و... از دیگر اسباب بی تفاوتی جامعه در برابر این اصل اسلامی است. طبعاً برای مردم این سؤال مطرح می‌شود که چرا نهی کنندگان در برابر منکرات اصلی جامعه نظیر بی‌عدالتی، مفاسد اقتصادی و... واکنش و حساسیت لازم را نشان نمی‌دهند. بنابراین توسعه قلمرو امر به معروف و نهی از منکر به تمامی اموری که به مصالح فردی و اجتماعی منتهی می گردد، از جمله راه‌هایی است که در تعمیم این فرهنگ در اقشار مختلف جامعه نقش بسزایی خواهد داشت. ۳- نهادینه کردن فرهنگ والای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و این که روح این اصل قرآنی به حضور و مشارکت و نظارت دائمی مردم و مسؤولین نسبت به عملکرد یکدیگر بر می گردد، می‌تواند تأثیر زیادی در همگانی کردن این اصل داشته باشد و در نتیجه هراس از اجرای آن را نیز از بین ببرد. اگر روحیه تملّق گویی و مداحی بیجا در جامعه مورد سرزنش قرار گرفته، بجای آن روحیه انتقادگری سازنده مورد تقدیر قرار گیرد و سیره نبی اکرم(ص) و امامان(ع) در زمینه اهتمام {P - »کونوا نُقّادَ الکَلام«، بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۶؛ »اُحْثُوا التُّراب علی وجوه المداحین«، الفروق اللغریه، ابوهلال عسکری، ص ۲۰۲. P} جدی آنها به اصل امر به معروف و نهی از منکر برای مردم بازگو گردد، تأثیر فراوانی در تثبیت نظام اسلامی و گرایش مردم به اجرای این اصل خواهد داشت و در نتیجه جوانان نیز که قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند بیش از گذشته جذب دین خواهند شد. ۴- به کارگیری شیوه‌های منطقی و عقلایی نیز می‌تواند در تعمیم فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر تأثیر بسزایی داشته باشد. آمر به معروف هرگاه فاقد شناخت لازم از مراتب امر به معروف و نیز آشنایی با روحیات مخاطبش باشد قادر به استفاده از بهترین شیوه در اجرای وظیفه خود نخواهد بود. از این رو لازم است متولیان فرهنگی نظام، آموزش‌های لازم رإ؛ه‌ب نسبت به مراتب امر به معروف و نیز به کارگیری بهترین شیوه‌های اجرایی آن مبذول دارند. خلاصه آن که تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، همگانی بوده و تمامی اقشار جامعه به ویژه مسؤولین نظام اسلامی موظفند زمینه اجرای این اصل سرنوشت ساز و حیاتی را در جامعه فراهم کنند؛ مردم نیز در این زمینه باید از مسؤولین نظام به طور جدی بخواهند تا با تدوین قوانین و ضوابط معقول و منطقی، حمایت‌های لازم را از آمرین به معروف نموده و زمینه‌های اجرایی همه جانبه این رکن دینی را فراهم کنند.

با وجود نیروی مخلص بیسج، چرا باز هم متأسفانه شاهد مفاسد اجتماعی هستیم، بخصوص در مراکز آموزشی، و چرا با سازماندهی درسمت و کمک گرفتن از مبانی روانشناسی، سعی نمی‌کنید، جوانان را هرچه بیشتر به معنویت جذب کنید؟

پرسش

با وجود نیروی مخلص بیسج، چرا باز هم متأسفانه شاهد مفاسد اجتماعی هستیم، بخصوص در مراکز آموزشی، و چرا با سازماندهی درسمت و کمک گرفتن از مبانی روانشناسی، سعی نمی‌کنید، جوانان را هرچه بیشتر به معنویت جذب کنید؟

پاسخ

سؤال از دو جنبه قابل بررسی است: اولاً باید بپذیریم در دهۀ دوم تهاجم و شبیخون و غارت فرهنگی در غالب نفوذ عناصر در نهادهای فرهنگی صورت گرفته و نمی‌توان منکر این قضیه شد، از طرف دیگر برای حمایت از این عناصر رسانه‌های خارجی بویژه شبکه‌های تلویزیونی به زبان فارسی به صورت ۲۴ ساعته برنامه پخش می کنند به عنوان مثال، شبکۀ تلویزیونی آپادانی مأموریت تشکیک در آیات و روایات را به عهده دارد. شبکه NI TN و (تلویزون ملی ایران)مأموریت تشکیک در نظام دینی، و جدایی دین از سیاست را بر عهده دارد. پارس تی وی (PARS TV) شایعه پردازی علیه مسؤولین نظام و همچنین ITV. علاوه بر این شبکه‌ها رادیویی نیز مزید بر علت می باشند. ثانیاً: خود بسیج نیز با توجه به تبلیغات گستردۀ داخلی و خارجی علیه او بویژه بعد از دوم خرداد شرایط برای اجرای مأموریت سخت‌تر شده است، اگر به ایام انتخابات ۱۸ خرداد (انتخاب ریاست جمهوری) نگاه کنیم، بدترین ناسزاگویی‌ها در تجمعات علیه بسیج به صورت شعار مطرح می شود. اما علی رغم اینها تا جایی که امکان داشته و شرایط مناسب بوده بسیج حضور خودش را در تمام صحنه‌ها و در بین تمام اقشار جامعه حفظ کرده، به میزانی که شرایط مساعد شود وارد عمل می شود. اما اینکه فرمودید از مبانی روانشناسی جهت جذب جوانان به معنویت استفاده شود، این هم مطلب درستی است که کمتر به آن پرداخته شده ولی به عنوان یک موضوع اساسی در دستور کار مسؤولین فرهنگی بسیج هست.

برای گسترش وهمه گیر شدن امر به معروف ونهی از منکر در جامعه چه باید کرد ؟ چرا این مسئله وآموزش آن در سطح مدارس وجود ندارد ؟

پرسش

برای گسترش وهمه گیر شدن امر به معروف ونهی از منکر در جامعه چه باید کرد ؟ چرا این مسئله وآموزش آن در سطح مدارس وجود ندارد ؟

پاسخ

در رساله های عملیه واجبات وارکان امر به معروف ونهی از منکر به تفصیل آمده است از جمله اینکه : باید معروف ومنکر شناخته شود . پس برای همگانی کردن آن یک بحث تعلیم وآموزش معروف ومنکر را داریم . امّا در اقدام به آن از جمله کسانی که می توانند در این آموزشها مؤثر باشند روحانیون هستند وآموزش وپرورش با قرار دادن آن در دروس رسمی ، نمازجمعه ها ،مساجد ، رسانه ها وهمه نهادهایی که با عموم مردم در ارتباط هستند می توانند نقش مؤثری داشته باشند . بطور کلی دشمن هرچه پنهان تر باشد قوی تر شده وشکست آن سخت تر می شود . لذا باید دشمن را معرفی کرد . یک سری از دشمنی ها با انقلاب صورت می پذیرد که مردم در تشخیص آنها نیازمند همین آموزشها هستند . ودر اجرای این فریضه باید یک هماهنگی میان قوای سه گانه با مردم وجود داشته باشد . در مسئله جنگ این هماهنگی بود . مشکل عمده بعد از معرفی منکر ومعروف عدم این هماهنگی است و وضع بگونه ای نیست که اگر حرکت عمومی در مقابل بعضی منکرات ، صورت پذیرفت ، جایگاه مشخصی داشته باشد واز آن حمایت شود . نیاز به یک سری آموزشهایی است که وقتی مردم به میدان دعوت می شوند نیروهای مسئول مثل انتظامات و ... هماهنگ باشند . اگر استقبال مناسب نباشد ونیروها یکدیگر را خنثی کرده یا در مسئولیت خود اهمال کنند موفق نمی شوند . برای شرکت عموم باید مجموعه های کوچکتر مانند تشکلهای مذهبی ، بسیجی ها احساس موفقیت کنند وبعد از آن مجموعه ها ی بزرگتری اقدام کنند . اگر در این راه ابهام وجود داشته باشد واول کسانی که آمادگی دارند ونیروهای پیشتاز محسوب می شوند ، متوقف شده نتایج مطلوبی بدست نیاورند یک حرکت عمومی شکل نمی گیرد . البته این اشکال بیشتر متوجه مسئولین اجرایی است

زیرا مردم وقتی دعوت رهبر خود را به این امر مهّم می بینند در صحنه حاضر می شوند . مقام معظم رهبری د راین زمینه می فرمایند ": وقتی همه آحاد یک جامعه را موظف به امر به معروف ونهی از منکر می کنند ، این به چه معناست ؟ چه وقت ممکن است همه آحاد یک ملت آمر به معروف وخیر وناهی از منکر باشد ؟ آن وقت که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشته باشند . همه باید به کارهای جامعه کار داشته باشند واهتمام بورزند . همه باید آگاه باشند . همه باید معروف شناس ومنکر شناس باشند . این به معنای نظارت ، حضور وهمکاری عمومی است ، به معنی معرفت بالا در همه است . امر به معروف به این معناست . والاّ اگر ما امر به معروف را دریک دایره محدود آن هم بوسیله افراد معلوم زندانی بکنیم ودشمن هم در تبلیغات خودش سمپاشی کند که در ایران قرار است از این به بعد نسبت به زنهای بد حجاب اینجور عمل بشود ، این صحیح نیست آیا معنای امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام همه چیز به اوست ، بیاورند در یک دایره محدود در خیابانهای تهران . آن هم نسبت به چند نفر زن که وضع حجابشان مثلاً درست نیست ؟ این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه ؟ خیر ، قضیه بالاتر از این حرفها ست . تخلفها یک اندازه ویکجور نیست . تخلفها تنها تخلفهای فردی‌نیست . بالاترین تخلفها ، تخلفها وجرائمی است که پایه های نظام را سست می کند . نا امیدکردن مردم ، مأیوس کردن دلهای امیدوار ، کج نشان دادن راه راست ، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص ، سوء استفاده کردن از اوضاع واحوال گوناگون در جامعه اسلامی ، کمک کردن به دشمن ، مخالفت کردن با احکام اسلامی وپیاده شدن مقررات اسلام ، تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن ، منکرهای مهم است . امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نا محسوس (نه آنجورکه شما در خیابان ببینید وبفهمید ومشاهده کنید) به شکلهای گروهکی وبا هدایت دشمن در بین جوانها ترویج کنند ، پسرها را به فساد وبی تفاوتی بکشانند ، اینها منکرات است . منکرات، هم اخلاقی ، هم سیاسی وهم اقتصادی است . همه جا هم جای نهی از منکر است . یک دانشجو هم می تواند در محیط درس وعلم نهی از منکر کند . یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند . یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند . روحانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر وامر به معروف هستند . نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک محدود کرد . این کار،کار همه است ، اینجور نیست که مخصوص عده خاصی مثل نیروهای مسلح یا نیروهای دیگر باشد ، کارهمه است . البته هر کسی وظیفه ای دارد . من در پیام تشکری که منتشر شد عرض کردم که قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در امر به معروف ونهی از منکر پیدا کنند . هر کس جایگاهی دارد . اینکه کجا باید نهی از منکر بکنید ودر مقابل کدام منکر می توان امّا اگر پرسیده شود این ناهماهنگی تقصیرچه کسی است ؟ باید اعتراف کرد که موانعی برای عملی شدن این فریضه وجود دارد و آن وجود خطوط وجناحهای مختلف است که در روشهای اصلاح جامعه نظرهای مختلف ارائه می کنند وهر کدام برداشتی را از پیش خود ارائه می کنند وآن تبعیت از رهبری که باید در همه مسئولین باشد ، نیست . یکی از نتایج بسیار نامطلوب این جناح بندیها که فقط جنبه سیاسی هم ندارد مثل بحث آزادی و ... آنقدر اختلاف آراء ونظرها در مقابل خط رهبری مطرح می شود که از موانع اساسی اجرایی این فریضه است . این مانع وقتی به مسئولین دولتی سرایت می کند وآنها در اساس این فریضه واجرای آن تردید می کنند یا بعضی از آنها خود به بسیاری منکرات مبتلا هستند این سبب برزمین ماندن این فریضه الهی می شود و راه نجات هم دست برداشتن از تشتت آراء واختلافات سیاسی وگوش به فرمان رهبری بودن واجرای اوامر ایشان وحفظ وحدت رویّه و وحدت ملّی است .

راه حل نشان دادن چهره جذاب دین برای قشر جوان چیست وبه عهده کیست ؟ وچگونه می توان با (بریدن سردین بوسیله دین) مبارزه کرد.

پرسش

راه حل نشان دادن چهره جذاب دین برای قشر جوان چیست وبه عهده کیست ؟ وچگونه می توان با (بریدن سردین بوسیله دین) مبارزه کرد.

پاسخ

آنچه دردین مطرح شده است هماهنگی بافطرت انسانها دارد واین کمال جوئی را وقتی به چشمه سار دین می رسانیم حلاوت آنرا اندکی بچشانیم این بطور قطع بدان آرامش می یابیم وآنرا درآغوش خویش می گیریم بنابراین دین خود جذاب است برای روشن شدن این حقیقت می توان کمالات انسانی رادرمولای متقیان امیرالمؤمنین (ع) شاهد آورد مانند انصاف ، عدالت، شجاعت ، حیا، شرف ، یتیم نوازی وصفات دیگری که حتی دشمنان دین دربرابر عظمت آن سرفرود می آوردند وگاهی ناچار به اعتراف می شدند و پروریدگانی مانند امام راحل در به اعتراف واداشتن دشمن که اگر بتوانیم دین را که همان برخورداری ازکمالات انسانی و الهی به نسل جوان برسانیم یقیناً مورد پذیرش واستقبال قرار خواهد گرفت البته متأسفانه گاه بین عمل ما آنچه دین مطرح نموده تفاوت بسیار است ودر ذهن جوانان بین دین ورفتار مامسلمانان پیوندی برقرار شده که هرگز واقعیتی ندارد . چون ممکن است گاه اعمال ما هیچ مربوط با آنچه حقیقت دین مطرح می کند نباشد ، بنابراین به عهده تک تک مااینستکه واقعیت دین رادرک نموده وآنرا به جوانان برسانیم ، البته دراین وظیفه هرکدام از...Řودیگران سهم خود رادارند. واما نسبت به سؤال دوم حضرتعالی باید گفت اگر بتوانیم زمینه تقویت قوای فکری وعقلانی جوانان راتقویت نموده وآنها را به بصیرت وشناخت عمیق درمباحث دینی برسانیم وپایه واساس دینداری که همان فهم وبصیرت درآن هست رادرآنها تقویت نموده وازطرفی با آنها که درقالب دین می خواهند به دین ضربه بزنند برخورد نمائیم می توان امیدوار بود که جوان ما از هجمه وسیع نسبت به ارزشهای دینی مصون بماند ، به وصیت نامه امام (ره) دراین زمینه مراجعه کنید.

جدیدا رسم شده که هیئتهای مذهبی در شهرستانها بالأخص مشهد مقدس سینه زنی را همراه با جهش و به سرو صورت کوبیدن انجام می دهند یا اینکه در حین مداحی مداح صداهای ناجور در می آورند حال سوال اینجاست که آیا این نحوه عزاداری برای اهل بیت و بخصوص برای امام حسین (صحی

پرسش

جدیدا رسم شده که هیئتهای مذهبی در شهرستانها بالأخص مشهد مقدس سینه زنی را همراه با جهش و به سرو صورت کوبیدن انجام می دهند یا اینکه در حین مداحی مداح صداهای ناجور در می آورند حال سوال اینجاست که آیا این نحوه عزاداری برای اهل بیت و بخصوص برای امام حسین (صحیح است و تاثیر مثبت دارد یا اینکه بالعکس می باشد و نوعی بازار گرمی و شور کردن است که در این صورت ضربه ای ریشه ای به نهضت حسینی وارد می آید و در واقع اینگونه افراد طبق گفته زیارت عاشورا" و تابعت و شایعت علی قتله "می باشند ؟

پاسخ

بدون شک فداکاری سید الشهدا (و حادثه عاشورا و کربلا بزرگترین نقش و کاراترین ابزار در زنده ماندن اسلام و ارائه آن به نسلهای بعد را داشته و دارد و زنده نگهداشتن آن در همان شکل سنتی و حماسی و احساسی تداوم بخش تشیع و بیمه گر اسلام

عزیز خواهد بود. بنابراین هر گونه عملکردی در راستای اهداف مذکور جایز و انجام آن مفید و بلا مانع است و آنچه دروغ و یا موجب وهن و بی پایگی مذهب و دین گردد ممنوع و غیر مجاز است به ویژه باانگیزه های دنیا گرایانه . امام خمینی (در این باره فرموده اند : باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت (که با ذکر مصائب اهل بیت (زنده مانده است این مذهب تا حالا با همان وضع سنتی، با همان وضع مرثیه سرایی و روضه خوانی . شیاطین به گوش شما نگویند که ما انقلاب کردیم، حالا ـ باید همان مسائل انقلاب را بگوییم و مسائلی که در سابق بود حالا دیگر منسی باید بشود، خیر. ما باید حافظ این سنتهای اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می افتند (باشیم) تاکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند . محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سید الشهدا ـ سلام الله علیه ـ است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطبا، با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم از طرف روحانیون از طرف خطبا ، با همان وضع سابق و از طرف توده های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می افتاد باید بدایند که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید. البته اگر یک چیزهای ناروا یی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتاد. باید بدانید که اگر بخواهیم نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید البته اگر یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده آنها باید یک قدری تصفیه شود لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند روضه را همان طور که سابق می خواندند و مرثیه را همان طور که سابق می خواندند بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری . حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز در این باره فرموده‌اند:(۱) س۳۵۴: در حسینیه ها و مساجد بیشتر مناطق بخصوص روستاها مراسم شبیه خوانی به اعتبار اینکه از سنتهای قدیمی است برگزار می شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد این مراسم چه حکمی دارند؟ ج : اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند و مستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند اشکال ندارند ولی در عین حال بهتر است که به جای آنها مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی بر پا شود . س : ۳۶۲ : نظر شریف حضرتعالی نسبت به ادامه حرکت دسته های عزاداری در شبهای محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست ؟ ج : به راه انداختن دسته های عزاداری برای سیدالشهداء و اصحاب او (و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می کند ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می شود و یا فی نفسه از نظر شرعی حرام است پرهیز کرد. س ۳۶۳: استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزادای چه حکمی دارد؟ ج : استفاده از آلات موسیقی ، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود . س ۳۶۴: آیا آنچه متداول شده که به عنوان عزاداری برای امام حسین (گوشت بدن را سوراخ کرده و قفل و سنگ کیلو به آن آویزان می کنند جایز است؟ ج : این گونه اعمال که موجب وهن مذهب می شوند جایز نیست .

۱ـ اوجوبه الاستفتائات، ج۲، ص ۱۲۹ ـ ۱۳۰

بهترین راه مأنوس کردن نوجوانان با مضامین بلند عرفانی قرآن کریم چیست؟ شرایط توبه را لطفاً بیان فرمائید؟

پرسش

بهترین راه مأنوس کردن نوجوانان با مضامین بلند عرفانی قرآن کریم چیست؟ شرایط توبه را لطفاً بیان فرمائید؟

پاسخ

شکی نیست که آشنایی و تبیین مضامین و معانی بلند قرآن کریم برای آنها که فطرت خویش را سالم نگه داشته‌اند ودر پیشگاه قرآن سر تواضع فرود آورده‌اند، انس ایجاد می‌کند. استاد جوادی آملی در کتاب قرآن در قرآن می‌فرمایند": اگر کسی به ره آورد تشریعی قرآن ایمان آورد و پا بر هوس خود گذاشت و در این راه کمی مقاومت نمود، خداوند او را برمی‌گزیند و هدایت پاداش خود را نصیب او می‌فرماید (الله یجتبی الیه من یشاء) کسی که فطرت خود را سرکوب و خاموش نکرده باشد، در پیشگاه هدایت قرآن سر تواضع و فروتنی را فرود می‌آورد و پس از آن، انس و الفتی بین او و قرآن ایجاد می‌شود و آیات نورانی آن در دل و جانش می‌نشیند و او را بسوی لقاء الله صعود می‌دهد ".حال برای انس نوجوانان با قرآن و معانی آن اولاً- باید از کودکی چنین انسی را با تلاوت و آشنایی با زبان عربی برای فهم آیات دنبال نمود، ثانیاً- خود تلاوت قرآن که تأکید زیادی بر آن در روایات و کتب اخلاق شده است نقشی والا در ایجاد ارتباط با قرآن دارد. ثالثاً ـ رعایت شرایط قرائت و تدبر در آیات الهی می‌تواند قلوب را به حرکت آورد و دلها را تکان دهد. رابعاً- رعایت واجبات الهی و ترک گناهان تأثیر زیادی در حیات دلها دارد و حیات دل رکن اساسی در استفاده از قرآن است کما اینکه کریمه شریفه" ان هو الا ذکر و قرآن مبین لینذر من کان حیاً "بر آن دلالت دارد. و اما شرایط توبه، معلوم است که توبه شرایطی دارد، اولین مرتبه آن پشیمانی از عملی است که مرتکب آن شده است لذا گفته‌اند التوبه الندم و مرتبهٔ بالای آن در شش امر خلاصه می‌شود: ۱. ندامت و پشیمانی از گناهان گذشته ۲. تصمیم بر عدم عود بر معصیت ۳. ادای حقوق دیگران و جبران آن ۴. قضای فرائض فائته ۵. ترس از گناهان گذشته و اصرار در طلب عفو۶. به جای لذت گناه سختی طاعت را چشیدن. تذکر: پرسشگر گرامی جهت برطرف شدن نواقص و عیوب کار و بهبود روند پاسخگویی، لطفاً برگه‌های نظرسنجی سؤال را به این مؤسسه ارسال فرمایید.

چرا مسائل فرهنگی در حرف بسیار گفته می‌شود ولی مسؤولین اصلاً هیچ اهمیتی به فرهنگ ملت نمی‌دهند؟

پرسش

چرا مسائل فرهنگی در حرف بسیار گفته می‌شود ولی مسؤولین اصلاً هیچ اهمیتی به فرهنگ ملت نمی‌دهند؟

پاسخ

برادر عزیز مرادتان از مسؤولین کدام بخش مسؤولیتی است، مسلماً رهبر بزرگوار انقلاب بارها این مسئله را تأکید داشتند و اهتمام شدیدی به آن دارند، ایشان می‌فرمایند": مسئلهٔ فرهنگ در یک جامعه، یک مسئلهٔ حیاتی است، فرهنگ به معنای یک چیز زیادی و تجملاتی برای جامعه نیست، فرهنگ اساس است، اگر فرهنگ در یک جامعه، به معنای درست کلمه، فرهنگ صحیح باشد ـ با هر تلقی که انسان از فرهنگ صحیح دارد طبعاً به نظر ما فرهنگ صحیح، آن فرهنگی استکه با مبانی اسلامی و منطق و عقل و خرد، همسان و همگام باشد ـ آن جامعه به سمت رشد اقتصادی و رفاه و آزادی و این چیزها هم حرکت خواهد کرد، یعنی این فرهنگ خوب، زمینهٔ خواهد شد که جامعه، ثروتمند هم بشود، عالم هم بشود، از لحاظ سیاسی هم قدرت پیدا کند رهبر معظم انقلاب بارها به نهادهای مختلف فرهنگی بر انجام رسالت حقیقی خود تأکید ورزیده و در جای دیگر فرمودند"، باید اعتراف کنیم که در زمینه‌های فرهنگی، آن کار مطلوب و مورد انتظار را خیلی انجام نداده‌ایم، نه اینکه کس خاصی یا جمع خاصی مورد سؤال باشد، نه مجموعاً در زمینه‌های فرهنگی، ما کم کاری داریم، حتماً این را باید قبول کنیم ـ ولی در این مدت شاید انتظار هم نباشد تحول

کامل فرهنگی انجام شود "و در این جهت اگر مرادتان نهاد یا مسؤول خاصی است، باید بخصوص مورد بررسی و توجه قرار گیرد.

آیا بدلیل قباحت عرف عمومی جایز است ازدواج موقت بعنوان یکی از زیباترین راه حل های بحران جوانان که توسط خدا حلال شده است را ترک کرد ؟ راه حل اجرایی شما برای این مساله چیست؟

پرسش

آیا بدلیل قباحت عرف عمومی جایز است ازدواج موقت بعنوان یکی از زیباترین راه حل های بحران جوانان که توسط خدا حلال شده است را ترک کرد ؟ راه حل اجرایی شما برای این مساله چیست؟

پاسخ

برادر بزرگوار شکی نیست که پاسخ سؤال اول شما منفی است یعنی نمی توان بواسطه قبح عرفی یک حکم شرعی جائز را حرام دانست . این امر با کمی توجه به مدارک احکام که بر اساس مصالح و مفاسد مبتنی است روشن خواهد شد البته در این جهت ممکن است ابهامات و شبهاتی در ذهن انسانها خصوصا خانمها مطرح شود که در کتب متعدد و توسط بزرگان بررسی شده و پاسخ داده شده است که از جمله آنها کتاب نظام حقوق زن در اسلام از شهید بزرگوار استاد مطهری است و آنچه نباید مورد غفلت واقع شود این است که باید دید عرف چرا اقبال عمومی نسبت به این موضوع نشان نداده است اگر علت آن بررسی شود و آن عوارض یا رفع گردد و یا روشن شده و پاسخ داده شود، بسیاری از این قباحت عرفی از بین می رود. مرحوم شهید مطهری در همان کتاب می فرمایند": منفوریت ازدواج موقت در میان زنان، مولود سوء استفاده هایی است که مردان هوسران در این زمینه کرده اند ".که خود ایشان سپس پیشنهاد نموده اند که قانون ـ اگر قانون خوب و جامع تدوین شود ـ می‌تواند جلوی آنها را بگیرد، یکی دیگر از مشکلات نوع نگاهی است که در مردم نسبت به مسئله ازدواج کلا هست که آنرا فقط برای ارضاء جنسی می دانند که قرآن کریم بزرگترین نفع آنرا" سکون "می‌داند و وقتی چنین دیدی نسبت به ازدواج داشته باشیم نوع نگاه ما بصورت نگاه به یک امر غیر مقدس بلکه شیطان خواهد بود به هر حال اینکه راه حل اجرایی قضیّه چیست؟ باید گفت ضمن یک کار فرهنگی وسیع و طولانی و تدوین قانونی جامع با رفع مشکلات و عوارض منفی احتمالی ازدواج موقت، می‌توان امیدوار به اجرای این حکم از احکام اسلام بود . مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند . برگرفته از : ۱ـ معاد، استاد مطهری (ره)

آیا ایجاد یک فضای باز فرهنگی برای تبادل همه انواع فرهنگها در کشور ما امکان‌پذیر است یا نه؟

اشاره

اگر امکان‌پذیر است آیا کاری در این زمینه انجام می‌شود؟

پرسش

آیا ایجاد یک فضای باز فرهنگی برای تبادل همه انواع فرهنگها در کشور ما امکان‌پذیر است یا نه؟ اگر امکان‌پذیر است آیا کاری در این زمینه انجام می‌شود؟

پاسخ

شکی نیست در جامعه‌ای که افراد آن دارای فرهنگ سالمی باشند، هر نوع آزادی معقول نه تنها ضرر ندارد بلکه به سود آن جامعه است، شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی می‌نویسند": هر کس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد، اتفاقاً تجربه‌های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری برخوردار بوده است این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت بسود اسلام بوده است، اگر در جامعهٔ ما محیط آزاد برخورد آراء و عقاید بوجود بیاید، بطوری که صاحبان افکار مختلف بتواند حرفهایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینهٔ سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می‌کند- البته همانطور که توضیح دادیم برخورد عقاید غیر از اغوا و اغفال است، اغوا و اغفال یعنی کاری توأم با دروغ- توأم با تبلیغات نادرست انجام دادن "- بنابراین اصل اینکه فرهنگهای مختلف مطرح شود نه تنها ایرادی ندارد بلکه اگر با رعایت حدود جامعه باشد باعث رشد و ترقی هم خواهد بود. البته در چنین فرضی باید فرهنگ ملی و دینی جامعه را تقویت نمود و آنرا برای همهٔ افراد جامعه تبیین کرد، که این همان تبادل فرهنگی است، یعنی در عین حفظ هویت دینی و ملی خود، بتوانیم عناصر مثبت فرهنگی دیگران را در جهت تحول و سازندگی کشور گزینش و متقابلاً- تجارب و مهارتهای سازنده خود را به منظور هدایت و اصلاح ساختار توسعه به دیگر کشورها منتقل کنیم، البته تبادل فرهنگی نباید به معنای سلطهٔ فرهنگ دیگر کشورها بر فرهنگ دینی و ملی ما معنی شود که مسلّم منفی است و رهبر انقلاب هم تصریح دارند که نفی غرب بمعنای نفی سلطهٔ غرب است، هر نوع سلطه‌ای باشد حتی سلطهٔ فرهنگی، بنابراین در جامعهٔ ما تبادل فرهنگها امکان دارد، البته باید دقت کرد که زمینهٔ سلطهٔ دیگران فراهم نشود، و اما آیا کاری در این زمینه شده یا خیر؟ باید گفت: امروز فکرها و نظریات متفاوت در جامعه کم و بیش مطرح است و تا در مسیر تقابل با اهداف دینی و ملی ما قرار نگرفته باشند فضای تلاش و فعالیت برای آنها باز است. در انتها باید به نکته‌ای مهم توجه داشت و آن نقش تربیتی فرهنگهای بیگانه در کودکان، نوجوانان و بطور کلی قشری از جامعه که به دیدهٔ نقّادی و تحلیل نمی‌نگرند می‌باشد. و اساساً تکرار و شیوع فرهنگ غیر اسلامی تحت عنوانی مخالف اهداف تربیتی اسلام عزیز می‌باشد زیرا سالم‌سازی فضای جامعه و حاکمیت روح ایمان و تقوا و شعائر اسلامی از ضروریات نیاز تربیتی فرزندانمان و سایر قشرهای آسیب پذیر است. از اینرو آزادی فرهنگی به معنای تنوع فرهنگهای رایج اسلامی و غیر اسلامی در جامعه امری مطلوب شمرده نمی‌شود و این غیر از آزادی در بیان و اندیشه است که آنهم نباید بطور نامحدود و بی‌حساب موجب تخریب و تضعیف عقاید و ایمان مردم باشد و به نظر می‌رسد در جامعه اسلامی شکل مطلوب بیان عقاید غیر اسلامی همان محیط کلاسهای درس با حضور مربی نیز و محیطهای علمی دیگر به همراه تحلیلهای مناسب آن است، تا از تأثیرات نامطلوب آن جلوگیری شود. بنابراین آنچه برخی به عنوان آزادی در جامعه اسلامی مطرح می‌کنند بدون محدودیتهای ذکر شده جز به تخریب ایمان و باور دینی مردم و ایجاد بی‌بندوباری نمی‌انجامد و توهم مقاوم شدن در معارضهٔ فرهنگها و رویارویی افکار و اندیشه‌ها به شکلی که اکنون مطرح است جنبهٔ اسلامی نداشته و نباید ترویج شود.

آیا ما در مقابل کشورهای مستکبر سلاح علم و تلاش و کوشش در راه علم و صنعت بهتر است بکار ببریم یا شعار؟

پرسش

آیا ما در مقابل کشورهای مستکبر سلاح علم و تلاش و کوشش در راه علم و صنعت بهتر است بکار ببریم یا شعار؟

پاسخ

واضح است که شعار بدون عمل ناروا و ناپسند است"یا ایها الذین آمنول لم تقولون ما لاتفعلون ("چرا می گویید چیزی را که به آن عمل نمی‌کنید) کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لاتفعلون (گناه بزرگی است در نزد خدا که بگویید آنچه را که عمل نمی‌کنید). بدون شک سلاح علم و دانش و فن‌آوری از کارآترین و برنده‌ترین ابزار پیشرفت و تمدن جامعه است بگونه‌ایکه از دیدگاه اسلام توقف و کند شدن آهنگ دانش آموزی و رشد و ارتقاء سطح فرهنگی حتی برای لحظه‌ای قابل قبول نبوده و حرکت علمی و دانشجویی فراتر از محدودیت‌های زمانی و مکانی و حتی شرایط سنی ضرورتی است اجتناب ناپذیر ولی تلاش برای فن‌آوری و کسب مهارتهای علمی و صنعتی منافات و تنشی با بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر شعار در راستای ارزشها و آرمانهای مقدس نداشته بلکه خود نوعی استفاده کاربردی از دانش و تبلیغ و ارائهٔ ایده‌های حقیقت مدارانه و آرمانهای سعادتمندانهٔ بشریت تشنه حقیقت است به شرط آنکه ۱. شعار، دروغ، توخالی و بی اساس نباشد. ۲. به جا، به موقع و به اندازه از آن استفاده گردیده و از هرگونه افراط و تفریط، تند روی و کندروی پرهیز گردد نظیر استفاده کاربردی از همهٔ ابزارها. مقام معظم رهبری در این باره چنین فرموده‌اند": اگر ایران اسلامی به همت شما جوانها و به همت این نسل رو به رشد امروز، مدارج علمی را طی کند و از لحاظ صنعت و صنعت برتر، تکنولوژی برتر و علمی که امروز مورد نیاز است، بتواند سهم وافری را به خودش اختصاص بدهد که نتوانند به او زور بگویند؛ بتواند قدرت نظامی خودش و پایه‌های اقتصادی کشور را مستحکم کند، بتواند این محرومیت‌ها را برطرف بکند، بتواند از منابع سرشار و غنی این کشور در همه جا بهره‌برداری بکند، بتواند معرفت سیاسی را در آحاد مردم بالا ببرد، آن وقت ممکن است دشمنی آنها کم بشود؛ بنابراین اگر ممکن باشد، آن روز ممکن خواهد بود. این که بعضی بردارند طبق میل دل کارشناسان سیاسی آمریکا، دم از نزدیکی و مذاکره و ارتباط بزنند و فضا را عادی سازی کنند، این بزرگترین توهین و خیانت به این مردم است. اگر قرار است سخن از رفع دشمنی دشمنان سوگند خورده بر زبان آورد، باید آن روزی باشد که این کشور از لحاظ اقتصادی پایه‌های خودش را مستحکم کرده باشد؛ محرومیت‌ها را رفع کرده باشد؛ این نسبت بیکاری را از بین برده باشد؛ آیندهٔ جوانها را روشن کرده باشد؛ جوان تحصیل کرده و فارغ التحصیل دغدغهٔ معاش و دغدغهٔ کار نداشته باشد؛ از لحاظ مسائل فرهنگی این کشور بتواند هنرمندانی تربیت کند که بر طبق منافع و مصالح ملی، سینمای کشور را اداره کنند؛ هنر کشور را اداره کنند؛ مطبوعات کشور را اداره کنند. اگر این جور شد، آن وقت نوبت این خواهد رسید که برای رفع دشمنی فکر کنیم؛ والا در غیر این صورت، هرگونه نزدیک شدن به دشمن، هرگونه نرمش نشان دادن در مقابل دشمن، تیز کردن آتش دشمنی و ستمگری دشمن است ".استاد مصباح در این‌باره فرموده‌اند": این که ما نسبت به دشمنان اسلام و شیطان بزرگ این قدر کینه داریم و اجازه نمی‌دهیم شعار" مرگ بر آمریکا "حذف شود، تأسی به حضرت ابراهیم (است. قرآن می فرماید شما باید از ابراهیم (یادبگیرید و صریحاً بگویید مرگ بر دشمن اسلام، و عداوت و دشمنی خود را نسبت به دشمنان دین اعلام کنید. همهٔ موارد، جاری لبخند نیست. در بعضی موارد باید عبوس بود، باید اخم کرد، باید صریحاً گفت ما دشمن شماییم، ما آشتی نمی‌کنیم، مگر دست از خیانت بردارید. این دستور قرآن است. سابقاً می گفتند فروع دین ده تا است. بعد از" امر به معروف "و" نهی از منکر "دو فرع "تولی "و" تبری "را نیز جزء فروع دین به حساب می آوردند.

چرا بعد از انقلاب حتی آزادی های که از نظر اسلام مجاز بودند را نداریم همچون ازدواج موقت و ...؟

پرسش

چرا بعد از انقلاب حتی آزادی های که از نظر اسلام مجاز بودند را نداریم همچون ازدواج موقت و ...؟

پاسخ

اینکه فرموده‌اید پس از انقلاب برخی از آزادی‌های مجاز را نداریم نمی توان بصورت کلی قضاوت نمود، بلکه باید مصادیق آن را مطرح نموده تا پیرامون آن بتوان از نقطه نظرات یکدیگر بهره برد و اما عدم تحقق مواردی چون ازدواج موقت بصورت رایج بدلیل نحوه نگاه منفی جامعه ما به آن، ربطی به انقلاب ندارد زیرا قبل و بعد از انقلاب دید مردم ما نسبت به آن یک دید منفی یا همراه با ابهام و تردید بوده است و این خود عواملی دارد که مرحوم شهید مطهری در کتاب حقوق زن در اسلام به آن بطور مفصل پرداخته و اینکه این مشکل چگونه باید حل شود بحث دیگری می طلبد که ضمن نیاز به یک کار فرهنگی وسیع برای خانواده ها و تدوین و تبیین قوانین جامع که در آن ضمن تعیین راهکار برای جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی، تمام عوارض ارتباط پسر و دختر در قالب ازدواج موقت لحاظ و کنترل شده باشد می‌توان امیدوار بود این مشکل حل شود، البته فعلا نیز از نظر قانونی انجام چنین کاری مانعی ندارد و مسیر قانونی خود را دارد و مشکل، عدم استقبال عمومی جامعه است .

چرا خود بسیج هم در استفاده از بیت‌المال و تلاش و کوشش و خلوص نیت و بخصوص لحظهٔ استخدام که اقوام مسؤولین در اولویت می باشند و استفاده از کلاس‌های آموزشی عقاید و طریقهٔ تحلیل مسائل بهترین وجه اقدام لازم تا الآن نداشته است؟

پرسش

چرا خود بسیج هم در استفاده از بیت‌المال و تلاش و کوشش و خلوص نیت و بخصوص لحظهٔ استخدام که اقوام مسؤولین در اولویت می باشند و استفاده از کلاس‌های آموزشی عقاید و طریقهٔ تحلیل مسائل بهترین وجه اقدام لازم تا الآن نداشته است؟

پاسخ

از آنجائیکه پاسخ سؤال جنابعالی در حیطه وظائف نیروی مقاومت بسیج می باشد عین نامه حضرتعالی را به فرماندهی آن نیرو ارسال نمودیم در صورت دریافت پاسخ خدمت شما تقدیم خواهد شد. با تشکر از ارتباط شما .

چرا مسؤولین تزکیه ندارند؟

پرسش

چرا مسؤولین تزکیه ندارند؟

پاسخ

اینکه مسؤولین تزکیه ندارند بصورت کلی چه بسا بی انصافی باشد، برادر عزیز ما هم قبول داریم که در بین مسؤولین کسانی هستند که متأسفانه تزکیه ندارند ولی اینکه این را تعمیم داده و طوری بگوئیم که همهٔ مسؤولین را شامل شود قابل قبول نخواهد بود، اما چرا بعضی مسؤولین تزکیه ندارند، ما هم ضمن تأسف این را امری نامطلوب برای چهرهٔ نظام جمهوری اسلامی می دانیم و

امیدواریم که همهٔ مردم در سیر تهذیب و تزکیه گام برداشته خصوصاً آنها که در صدر امور هستند و ؟؟؟ مسؤولیت را در نظام جمهوری اسلامی که بر مبنای دینی و تلاش و خون شهدا و مردم عزیز برپا شده را پر نمودند، ناگفته پیداست که احراز مسؤولیت‌ها در پستهای کلیدی به دو شاخه مهم تخصص و تعهد نیازمند است. در صورتیکه چهره‌های ادارهٔ امور مملکت برخوردار باشند جای تردیدی نیست که بر سایرین ترجیح دارند چنین افرادی کمتر یافت می شوند س

چرا کشور اجازهٔ خروج مغزها را می دهد یعنی قراردادن کمی بودجه برای این کار، کار دشواری است چرا این کار به عنوان یک قانون ممنوع نمی‌کنند و چرا کشور از این افراد با استعداد استفاده نمی‌کند؟

پرسش

چرا کشور اجازهٔ خروج مغزها را می دهد یعنی قراردادن کمی بودجه برای این کار، کار دشواری است چرا این کار به عنوان یک قانون ممنوع نمی‌کنند و چرا کشور از این افراد با استعداد استفاده نمی‌کند؟

پاسخ

البته خروج مغزها در ذات خود بد نیست و به همین خاطر بعضی وقتها تحت عنوان فرار مغزها و بعضی وقتها تحت عنوان صادرات مغز از آن یاد می شود بنابراین اگر خروج مغزها به کشور به بازگشت آنها بیانجامد چه بسا ثمرات خوبی هم داشته باشد. بد نیست بدانیم که سیاست دولت جمهوری اسلامی در استفاده از اینترنت، راهی بود برای اینکه مغزها از کشور خارج نشوند و بتوانند نیازهای علمی خودشان را از این طریق تأمین کنند و نیاز به خارج کشور نداشته باشند، علی رغم اقدامات مثبت دولت بازهم کسانی خارج می شوند، بهترین راه فراهم کردن امکانات در داخل کشور است که بعضی اقدامات دولت مثبت بوده و بعضی اقدامات مثل کم شدن بودجه تحقیقاتی منفی تلقی می شود.

فرهنگ کشور رو به ابتذال است میخوا هم بدانم که فکری برای این وضع شده یا خواهد شده ؟

پرسش

فرهنگ کشور رو به ابتذال است میخوا هم بدانم که فکری برای این وضع شده یا خواهد شده ؟

پاسخ

درباره واقعیت امر که چه تمهیداتی برای مبارزه با ابتذال فرهنگی در کشور شده است یا خیر، پاسخ نیاز به کارشناسی دقیق و وسیع دا رد لیکن آنچه مسلم است اینکه ابتذال فرهنگی بدون اجرای جدی اصل امر به مروف ونهی از منکر از سوی دولت وملت از میان نخواهد رفت اما اینکه چه برنامه ای باید به مورد اجرا در آورده شود در این باره می توانیم راهکارهای زیر را در نظر آوریم: ۱ـ شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران. در این مسیر لازم است تا شناخت خود و دیگران را از باورها وارزش های دینی، افزایش دهیم. مثلاـ"در زمینه عقاید یک سلسله باورهای درست را به دیگران عرضه و بر آنها روشن و ثابت کنیم (هستی شناسی). در زمینه ارزشها، وجود یک سلسله ارزشها ی ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزشها را امور اعتباری می دانند آشکار سازیم (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند

از میزان یابی بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسایل شرعی را تضعیف کنند ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسایل شرعی سوق دهیم. از همه مهم تر در برابر کسانی که اصل وجود یقین را یک صد ارزش تلقی می کنند و از شکایت در معرفت تبلیغ می کنند، امکان یقین در معرفت را ثابت کنیم و از این رهگذر عقاید دینی و ارزشهای آن را از یک پشتوانه معرفت شناختی بر خوردار سازیم. ۲ـ تقویت وتثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آفرین اسلام، دانشمندان نامی آن و نیز دستاوردهای ممتاز جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (. ۳ـ تقویت وتثبیت ارزشهای اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش وپاسخ و همچنین مشاوره کتبی برای پاسخ به پرسشهای مردم و شبهات ایشان. ۴ـ راه اندازی مراکزی برای رسیدگی و حل مشکلات روحی، اقتصادی و اجتماعی و شغلی مردم، بویژه طبقه جوان ۵ـ برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت، دعا، اعتکاف. ۶ـ ارائه نشریات مفید و غنی از فرهنگ اسلامی و دانش و علوم رایج به گونه ایی جوان پسند.

چرا در جامعه ای که فرهنگ صحیح آزادی جای نیفتاده مسأله آزادی زودتر مطرح شده است؟

پرسش

چرا در جامعه ای که فرهنگ صحیح آزادی جای نیفتاده مسأله آزادی زودتر مطرح شده است؟

پاسخ

خواهر گرامی ماهم با شما در کلیت مسئلهٔ فوق موافق هستیم، یعنی اینکه قبل از تبیین هر امر فرهنگی باید بینش و ظرفیت آن در بین افراد جامعه فراهم گردد، شکی نیست که افرادی که در جامعه هستند وقتی با فرهنگ دینی و اسلامی نسبت به آزادی آگاه باشند زمینهٔ سوء استفاده و به انحراف کشیده شدن این نعمت الهی (آزادی) محدود خواهد شد، البته مدافعین از طرح زودهنگام بحث آزادی، ادله‌ای برای خویش دارند که در جای خود قابل بررسی است، ضمناً آنچه در این پاسخ مورد پذیرش قرار گرفت منافاتی با مطرح شدن اصل آزادی در ارائهٔ نظر و اندیشه ندارد اساساً آنچه مورد اشکال است طرح مسئلهٔآزادی در ابعادی است که اکنون مطرح گشته آنچنان که برخی از حدود آزادی از دیدگاه اسلام و قرآن مورد تعرض قرار گرفته است که باید از آن پاسداری شده اسلام آنطور که هست نمایانده شود نه آنطور که امروزیها می پسندند از این نظر دیر یا زود مطرح شدن مسألهٔ آزادی نیست که مشکل ایجاد کرده است (چه اینکه نمی‌توان عقاید و معارف دین را از نظر جامعه پنهان نمود) بلکه فراهم ننمودن شرایط و مقدمات آن در اجرا و عمل پایبندی به حدود است. کمااینکه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در این مملکت دیده‌اید که همهٔ گروه‌ها، احزاب واشخاص موافق و مخالف براحتی سخن گفته‌اند، نشریه داشتند و تا آنجا که نظرات و فعالیت‌های آنها در تقابل با نظام اسلامی قرار گرفته یا نگرفته بود آزادانه گفتند و نوشتند و مراسم گرفته‌اند، بنابراین آنچه شما به عنوان مشکل مطرح کردید قابل قبول است و رهبر معظم انقلاب هم در جمع شورای انقلاب فرهنگی (۱۵/۱۰/۷۷) می‌فرمایند": اگر فرهنگ یک کشور فرهنگ منحطی بود، اگر رشد اقتصادی هم پیدا کند، به ضررش تمام خواهد شد، اگر رفاه هم پیدا کند، رفاه او را به فساد خواهد کشاند، چنانچه آزادی و دموکراسی و حق رأی و اینها هم داشته باشد، موجب هرج و مرج و موجب فساد و تباهی او خواهد شد، یعنی فرهنگ، ذهنیت و عقلیت جامعه، و بقیهٔ امور مرتبط با بشر است، پیداست که عقل و ذهن انسان، راهنما و جهت بخش و تعیین کننده است.

چرا در جامعه ما من که چادر می پوشم به صورت تمسخر نگاه می کنند و مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟

پرسش

چرا در جامعه ما من که چادر می پوشم به صورت تمسخر نگاه می کنند و مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟

پاسخ

دینـداری و عمـل به مقررات دینی بعضاً با بی‌مهری‌ها و نامهربانی‌ها مواجه است که سابقـهٔ دیرینه داشـته و اختصاص به عصـر خاص ندارد و با نوسان در شدت و ضـعف این اقبال و ادبارها، پذیرش و عدم پذیرشها، تشویق و تضعیف‌ها و آزار و اذیت‌ها، خود میدانی دیگر و امتحـان الهی است که وظیفـهٔ دیگری ایجـاد می‌نمایـد (افضل الاعمال أحمزها) (بهترین اعمال سـخترین آنها است) بویژه در عصـر غیبت امـام زمـان (و در این برهه که هجمه گسـترده علیه دین و دین ستیزی آهنگی قوی پیـدا نموده که دل هر دینمـداری را مجروح سـاخته و دینـداری را همچـون نگه داشـتن آتش در کـف دست سـاخته است. و چه لـذت بخش است تحمـل اذیت و آزار جاهلان و گمراهان و غرض ورزان در راه کسب رضای الهی و عشق ورزی به ساحت حضـرت دوست" والعصـر ... و تواصوا بالحق و تواصوا با الصبر("۱)و چه درس زیبایی را قهرمان صبر و کوه اسـتقامت زینب کبری (شـیر زن کربلا به ما می آموزد در حالی که دسـتهایش را با ریسـمان بسـته بودند و با حضور سـر بریدهٔ برادر در پاسخ زخم زبان عبید الله (علیه لعنهٔ الله)که گفت شکر خدای را که مردانتان را کشت و شـما را به ذلت افکند، فرمود" ما رأیتها الا جمیلا "من آنها را جز تکالیف زیبا و پرتوی از جمال جمیل الهی ندیدم. لازم به یادآوری است ضرورت صبر و استقامت نسبت به آزار و اذیت‌های جاهلان و دشمنان چیزی از مسؤولیت مسؤولان و دستگاه‌های عریض و طویل به خواب رفته فرهنگی و امنیتی در راستای ایجاد محیط آرام و مذهبی نمی‌کاهد.

چرا در جامعه ما به فردی که چادر می‌پوشد با دید دیگر نگاه می‌کنند و مورد اهانت قرار می‌گیرد؟

پرسش

چرا در جامعه ما به فردی که چادر می‌پوشد با دید دیگر نگاه می‌کنند و مورد اهانت قرار می‌گیرد؟

پاسخ

دینـداری و عمـل به مقررات الهی آزمایشـی می‌باشـد که بی مهری و نامهربانی‌هـایی را در طول تاریـخ به دنبـال داشـته و اهـانت به دین‌مـداران کم و بیش دارای سـابقه دیرینه است گر چه دارای شـدت ضـعف بـوده و هست و عبور از آن بـا اسـتحکام و اسـتقامت وظیفه‌ای است همیشـگی بویژه در عصر غیبت و در برهه‌های تهاجم گسترده علیه دین و دین‌مداران که دینداری همچون نگه داشتن آتشـی است در کـف دست. و دست بر داشـتن از تکـالیف شـرعی چیزی جز تـأمین اهـداف مهاجمـان و غـارتگران باورهـای دینی نخواهد بود. لازم به یادآوری است ضـرورت صبر و اسـتقامت در برابر آزار و اذیت جاهلان و دشمنان چیزی را از مسؤلیت مسؤلان فرهنگی و امنیتی در ایفای وظیفه در سالم سازی جامعه اسـلامی و مذهبی نخواهد کاست و کاملاً با شما موافقم که عدم امنیت برای بـانوان محجبه آن هم در جمهـوری اسـلامی ایران خلاـف توقع و انتظـار است و سـهل انگـاری در اصـلاح این وضـعیت از جمله از گناهان عظیم در نزد خداست.

نقص و ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی و مدیریتی تا کی؟ کی و چگونه می خواهیم فرهنگ خود را اصلاح کنیم؟

پرسش

نقص و ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی و مدیریتی تا کی؟ کی و چگونه می خواهیم فرهنگ خود را اصلاح کنیم؟

پاسخ

باید این را بپذیریم که آنچه قبل از انقلاب اسلامی از مدیریت اسلامی سخن می گفتیم در تئوری و نظر بود و هیچگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی جامعه عمل نپوشید. جز مقطع کوتاهی در عصر نبی اکرم و علی (. بعد از انقلاب اسلامی وقتی بنابر این شد که نظریه‌های مدیریتی اسلامی عملی شود، با توجه به عدم سابقه اجرایی آن بعضاً به نتیجه نرسید، و بعضاً نیز گرفتار مدیریت‌های ضعیف گردید اما امروز خوشبختانه مسؤولین نظام در صدد رفع اشتباهات گذشته هستند من جمله بحث تک نرخی شدن ارز در نظام اقتصادی، عام و فرا گیر شدن مالیاتها، نظارت سیستمی و برخورد قضایی جدی با سوء مدیریت‌ها، از این جمله می باشند. اما قسمت دوم سؤال، مشخص نیست منظور سؤال کننده چه تعریفی از فرهنگ و یا چه قسمتی از فرهنگ مورد نظر او است، اگر منظور فرهنگ اسلامی باشد که ما باید در صدد نهادینه کردن آن برآئیم و اگر منظور اصلاح فرهنگ غربی، مثل تجمل گرایی، اسراف، مصرف سودگرایی و... باشد باید هرچه سریعتر درصدد رفع آن برآئیم، که به نظرمی‌رسد مقام معظم رهبری که از سال ۷۵ بحث تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی و عوام و خواص و زندگی اشرافی و تجمل گرایی را مطرح کردند ناظر به همین نوع از اصلاح بود متأسفانه بعضی آن روز نپسندیدند ولی امروز اگر مسؤولین بر این امر متفق هستند که تا فرهنگ بیگانه را نزدائیم و فرهنگ اسلامی را جایگزین نکنیم موفق نخواهیم شد، باید عملاً وارد صحنه شد.

چگونه می توانیم به بهترین صورت حق رسالتی را که شهدا بر دوشمان گذاشتند، ادا کنیم؟

پرسش

چگونه می توانیم به بهترین صورت حق رسالتی را که شهدا بر دوشمان گذاشتند، ادا کنیم؟

پاسخ

ابتدا باید کار عظیم آن عزیزان را شناخت و آنچه واقعاً آن بزرگواران انجام دادند فتح بزرگ جمهوری اسلامی بود که به تعبیر رهبر بزرگوار انقلاب آن فتح این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند که بتوانند احساس خود باوری کنند و بایستند و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا از کشور و موجودیتشان و از اسلام دفاع کنند "سپس باید دید که امروز دشمنان از چه طریقی می خواهند آن ارزشهایی که با خون شهدا زنده شده را از ما بگیرند که رهبر انقلاب در این رابطه نیز می گویند": همین اخیراً در یکی از مجلات آمریکایی، سرمقاله‌ای بوسیلهٔ یک نویسندهٔ معروف آمریکایی نوشته شده بود که خلاصه‌اش این بود که برای مقابله با کشورهایی مثل ایران"، ما نمی‌توانیم از راه‌های نظامی و اقتصادی عمل کنیم، اینها راه‌های تجربه شده و شکست خورده است، از راه‌های فرهنگی باید وارد بشویم، تصریح هم می کند. می گوید چگونه باید وارد بشویم و در وسط همان صفحه، عکس کاملاً عریان یک زن را کشیده و گفته از این طریق! گفته اینها را بایستی ترویج کنیم، تا بتوانیم برای آنها فایق بیاییم. راست هم می گوید؛ راه این است. متأسفانه عده‌یی نمی‌فهمند در کشور دارند چکار می کنند. البته به هول و قوهٔ الهی نمی گذاریم و نخواهند توانست ".بنابراین اگر می خواهیم راه شهدا را که همان دفاع جانانه از دین و ارزشهای دینی و انقلابی

بود ادامه یابد، امروز نیز دراین تهاجم فرهنگی باید ضمن حفظ خود در مسیر ارزشها، با وسایل و ابزار و سلاح مناسب در این جبهه تلاش کرد و با استقامت و راه ندادن نا امیدی گامهای بلندی را برداریم. و به تعبیر رهبر انقلاب در دیدار با جوانان که فرمودند"این کارهایی که جوانان می کنند، اینها کوچک نیست، نه، شما کارتان را خوب انجام دادید، اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند اعتلای عظیم و همان کار بزرگ اتفاق خواهد افتاد. عین همین مسأله در باب ورزش است؛ عین همین مسأله در باب درس خواندن و در باب تحقیق است؛ عین همین مسأله در باب کارهای خاص جوانان است. این، درست مثل روز راهپیمایی است. اگر همه بگویند که حالا- من یک نفر چه تأثیری دارم، این سیل عظیم میلیونی در روز بیست و دوم بهمن یا در نماز جمعه راه نمی‌افتاد؛ اما هرکسی احساس می کند که تکلیف خودش را دارد انجام می دهد. من می خواهم تأکید و تکرار کنم که کار تک‌تک این جوانان - هرجا و در هر زمینهٔ که دارند کار می کنند، در زمینهٔ قرآن، در زمینهٔ معلومات، در زمینهٔ معارف، در حوزه در دانشگاه، در کتاب نویسی - کاری مهم است؛ همان کاری است که ان‌شاء الله کشور را به اعتلاء خواهد رساند".

چرا در جامعه ای که این قدر فساد رواج پیدا کرده است، و جوانها هم قدرت ازدواج ندارند، چرا ازدواج موقت در جامعه ما جا نیفتاده است و چنین مراکزی هم نیست که کسانی که نمی توانند ازدواج کنند به آنجا مراجعه کنند؟

پرسش

چرا در جامعه ای که این قدر فساد رواج پیدا کرده است، و جوانها هم قدرت ازدواج ندارند، چرا ازدواج موقت در جامعه ما جا نیفتاده است و چنین مراکزی هم نیست که کسانی که نمی توانند ازدواج کنند به آنجا مراجعه کنند؟

پاسخ

علت اینکه ازدواج موقت بطور رایج در جامعه تحقق پیدا نکرده، بدلیل نگاه منفی جامعه به آن می باشد. بطوری که در افکار عمومی بصورت یک مسألهٔ بسیار زشت و قبیح جلوه کرده است. برای اینکه ازدواج موقت جایگاه خود را پیدا کند، نیاز به یک کارفرهنگی وسیع و همچنین تدوین و تبیین قوانین جامع که در آن راهکاری اندیشیده شود که از سوء استفادهٔ افراد هوس باز جلوگیری شود، و عوارض ازدواج موقت لحاظ و کنترل شود. قابل ذکر است که در حال حاضر از نظر شرعی و قانونی انجام چنین کاری مانعی ندارد و مشکل، عدم استقبال عمومی جامعه است. ضمن اینکه باید عرض کنیم راهکار جلوگیری از فساد موجود در جامعه، منحصر به ازدواج موقت نمی باشد، بلکه باید گفت فساد موجود جامعه، ناشی از مسائلی است که باید ریشه یابی شده و علاج شود. عواملی که سبب فساد جامعه می شود را می توان ذیل عناوین زیر گنجاند : عدم تربیت اخلاقی و جنسی افراد، رعایت نکردن حریم عفاف در جامعه، غریزهٔ سرکش شهوانی که اگر تقوی نباشد مفسده‌آور خواهد بود، تهاجم فرهنگی که بوسیله ماهواره، سی‌دی های مبتذل، اینترنت، ویدئو و امثال این قبیل موارد صورت می گیرد. قابل ذکر است که اگر به این مواردی که ذکر شد توجه نشود، فساد دامن افراد متأهل را هم خواهد گرفت. بطوری که همهٔ ما شاهد هستیم چه بسیار افرادی که ازدواج کرده‌اند اما دارای مفاسد اخلاقی زیادی نیز می باشند. بنابراین ازدواج موقت را نمی توان راه حل اساسی برای حل مشکل فساد جامعه دانست، بلکه باید دنبال راههای اساسی تر دیگر بود.

چرا با اینکه عوامل مشروع ازدواج و صیغه وجود دارد جوانان به عوامل نامشروع متوسل می شوند؟

پرسش

چرا با اینکه عوامل مشروع ازدواج و صیغه وجود دارد جوانان به عوامل نامشروع متوسل می شوند؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید نکاتی به عرض شما می رسد که امیدواریم راهگشا باشد : ۱.دشمنان قسم خوردهٔ اسلام و انقلاب اسلامی با تجربه هایی که به دست آورده اند به این نتیجه رسیده اند که (اگر بخواهیم ملّتی را ذلیل و نابود و مستعمرهٔ خود کنیم و منافع آن را به چنگ بیاوریم، بهترین راه آن، گسترش تبلیغات مسموم و فحشا و بی‌بندوباری و فساد و اعتیاد است، بدون اینکه حتی یک گلوله هم خرج کنیم، خود به خود آن ملّت نابود خواهد شد) همانطور که در آندلس (اسپانیا) که از ممالک اسلامی بود این عمل را انجام داده و نتیجه گرفتند، الآن هم نقطه امید دشمنان اسلام، برای از بین بردن اسلام استفاده از موارد ذکر شده می باشد. ۲. یکی از مسائلی که برای ملّتها، خصوصاً ملّت های مسلمان، بسیار ضربه زننده و نابود کننده است و تاکنون هم چنین بوده است، تعهد نداشتن و سست و ترسو و خائن بودن بعضی مسؤولین و خواص و افراد مهم ملّتها بوده است. تاریخ نشان می دهد که بسیاری از مشکلات و اختلافها و بی بندوباری ها و ... که در هر ملّتی به وجود آمده بی ارتباط با مسؤولین نمی باشد و همچنین بسیاری از خوشبختیها و اصلاحات واقعی در کشورها نیز بی ارتباط با مسؤولین و خواص یک ملّت نیست. یکی از عوامل فساد و بی بندوباری و مسائل نامشروع را نیز باید در بعضی مسؤولین بی تعهد و ترسو و خائن و بی بند و بار جست. خصوصاً مسؤولینی که در کارهای فرهنگی و دینی و اسلامی فعالیّت می کنند، گاهی اوقات امضاء کردن یک برگه کاغذ توسط مسؤولی، موجی از فساد ایجاد می کند، و حتی یک گناه کوچک ممکن است گروهی از مردم عوام را بی دین و بدبین به اسلام کند. بعضی عوامل دیگر را به صورت تیتروار ذکر می نماییم ؛ ۳. دگرگون شدن بعضی ارزش ها به منکر و بعضی کارهای منکر به صورت ارزش و کار خوب. ۴. رواج فرهنگ تساهل و تسامح و ضعیف شدن اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر چه در مسؤولین و چه در مردم . ۵. ارزشمند شدن ثروت و رواج تشریفات خصوصاً در امر ازدواج. ۶. شرایط اقتصادی و بسته بودن راههای رسیدن به درآمد بیشتر. ۷. نبود مهارهای درونی (ایمان و تقوی) و بیرونی (مانند امربه معروف و نهی از منکر در شکل وسیع آن). ۸. نبود برنامه های مناسب برای نسل جوان. ۹. فقدان ارائه برنامه ها و پیامهای دینی در قالب گفتار و رفتار زیبا و منطقی. ۱۰. بی احترامی والدین و درخواستهای غیرمنطقی آنان و عدم تربیت صحیح آنها و ... . البته مسائل و عوامل دیگری هم می باشد که نیازی به ذکر نیست منتهی باید دانست خیلی از این عوامل و عوامل دیگر شاید ریشه اش همان عامل دوم باشد که با کمی فکر و تعمّق می توان این نکته را دریافت کرد. خداوند متعال همهٔ ما را از عارفین و عاملین و خالصین درگاهش قرار دهد و ملّت و جوانان ما را از گزند حوادث شیطانی حفظ بفرماید بحق محمد و آل الاطهار(

چرا در رابطه با عذاب‌های جهنم به وسیله گناه صحبت نمی‌شود؟

پرسش

چرا در رابطه با عذاب‌های جهنم به وسیله گناه صحبت نمی‌شود؟

پاسخ

– سؤال فرموده بودید دربارهٔ کمتر صحبت شدن از نعمت های بهشتی، شب اول قبر و سؤال نکیر و منکر و عذابهای جهنمی،

خدمت شما عرض شود، برادر گرامی؛ در این مورد هم صحبت های زیادی می شود و هم کتب و منابع مختلفی موجود می باشد، بخصوص در کتابخانه آستان قدس رضوی که از این لحاظ بسیار غنی می باشد، ضمناً شما می توانید در هر جلسه و یا اجتماعی که مراسمات مذهبی برگزار می شود از سخنران بخواهید که در مورد موضوع پیشنهادی شما صحبت کند و این امر شدنی است تا هم خود بهره ببرید و هم دیگران استفاده کنند و یا از طریق دفتر ائمه وجماعات موضوع را پیگیری نمایید و یا از طریق سازمان تبلیغات بخش اعزام مبلغ.

چرا در رسانه های گروهی از خانمهایی کد بانو سازگار استفاده نمی کنند، که اینطور زننده صحبت می کنند، با همسرانشان و بعضی از دختران الگو برای خودشان می گیرند و پیاده می کنند، بعضی از خانمهایی که با آبروداری زندگی می کنند و اموراتشان را خوب می گذرانند من بارها

پرسش

چرا در رسانه های گروهی از خانمهایی کد بانو سازگار استفاده نمی کنند، که اینطور زننده صحبت می کنند، با همسرانشان و بعضی از دختران الگو برای خودشان می گیرند و پیاده می کنند، بعضی از خانمهایی که با آبروداری زندگی می کنند و اموراتشان را خوب می گذرانند من بارها با خانوادهایی که در تماسم راه قناعت و زندگی را می آموزم که چه کنند دچار سوء تغذیه بر اثر فقر نشوند.

پاسخ

ما نیز با تو هم عقیده هستیم و معتقدیم تلویزیون به عنوان پر مخاطب ترین رسانهٔ عمومی کشور می تواند به عنوان یک دانشگاه عمومی بزرگ در تعالی جامعه به ایفای نقش بپردازد، ولی متأسفانه پس از سالها هنوز نتوانسته به این جایگاه عظیم دست یابد. اگر چه گسترش شبکه ها و مراکز و توسعه پوشش صدا و سیما، نسبت به قبل از انقلاب گسترش چشمگیری یافته است. هر چند از بُعد سرگرمی برای طبقات مختلف جامعه، به پیشرفتهایی نایل شده و توانسته است بخشهایی ازجامعه را با برنامه های خودش سرگرم کند، ولی جنبه های بدآموزی در برنامه های سیما هنوز بسیار زیاد است، و علت آن هم این است که آنهایی که برنامه می سازند یا خود نسبت به مسایل آگاهی ندارند و نمی‌توانند آن را درک کنند، یا بکلی از مسأله دور هستند، و در فضایی رشد کرده اند که مسایلی همانند آنچه شما خواهر عزیز و گرامی مطرح کرده اید اصلاً برای آنان مطرح نیست، شاید آنها هنوز وضعیت موجود را سطح پایین بدانند. آنان نمی توانند آنچه شما درک کرده ای و مشاهده می کنی، درک کنند و ببنید، زیرا در میان طبقات پایین و متوسط جامعه نیستند و اگر هم بشنوند نمی توانند باور کنند. لذا کسانی امثال شما باید جنبه های غلط و ضدّ تربیتی و برنامه هایی که آثار ضدّ اخلاقی و اثر سوء بر اجتماع دارد را گوشزد کرده و بصورت تلفنی به خود صدا وسیما و یا بصورت مقاله و ... در روزنامه ها منعکس کنند، تا به مرور زمان بر اثر فشار افکار عمومی انشاءا... اصلاح گردد، و مردم نیز نسبت به آن آگاهی پیدا کنند و بدانند که آنچه نمایش داده می شود زندگی واقعی نیست، فیلم است، و فیلم هم غیر واقعی است نه واقعی، چرا که فیلم سازان سیما نمی توانند فیلم واقعی بسازند.

به نظر شما مشکلات عمده فرهنگی کشور با گسترش فرهنگ نماز و زکات در شهر و روستا و امر به معروف و نهی از منکر و انجام فرهنگی چگونه بایستی حل شود؟هدف مهمی که از تحقق آرمان های اسلام عزیز برای شما مجموعه های فرهنگی چه می باشد؟

پرسش

به نظر شما مشکلات عمده فرهنگی کشور با گسترش فرهنگ نماز و زکات در شهر و روستا و امر به معروف و نهی از منکر و انجام فرهنگی چگونه بایستی حل شود؟هدف مهمی که از تحقق آرمان های اسلام عزیز برای شما مجموعه های فرهنگی چه می باشد؟

پاسخ

از آنجایی که کشور ما از سالهای قبل گرفتار تهاجم یا قتل عام فرهنگی دشمنان بزرگ چون آمریکا و هم پیمانان او شده است، بر عهده تک تک افراد دلسوز می باشد که به هر طریق ممکن برای نجات جوانان و سرمایه های این کشور اسلامی بکوشند تا انشاءا... بتوانند پرچم انقلاب را به دست صاحب آن آقا امام زمان(تحویل دهند. به این خاطر از سالهای پیش حرکتی فرهنگی در سراسر کشور شروع شده است. مانند فعالیتهای مؤسسه پیوند با امام(و ... که نتیجه دادن زحمات آنان به تلاش سایر مردم بستگی دارد. البته کارهای فرهنگی بسیار وقت گیر بوده و معمولاً دیر به ثمر می نشیند، اما افراد مؤمن و با تقوی، با امید به نظر لطف الهی تلاش خود را خواهند کرد و نتیجهٔ آن را به خدا واگذار می کنند، در این راه تلاش شما عزیزان نیز کمک زیادی خواهد کرد. در خصوص ترویج فرهنگ نماز و سایر عبادات نیز باید گفت؛ به فرمودهٔ قرآن کریم" : ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر "نماز بهترین اسلحه برای رویارویی با دشمن در میدان جنگ فرهنگی است، البته شیوه های تبلیغ نماز و عبادات بسیار مهم است و در برخورد با مردم، مخصوصاً جوانان و نوجوانان، باید بسیار دقت نمود تا گرفتار افراط و تفریط نشوند، بحمدا... در سال های اخیر، ستاد اقامه نماز اقدامات بسیار مفیدی در راه تحقق این امر مهم انجام داده است که انشاءا... ثمرات و نتایج تلاش خالصانه مسؤولین مربوطه در جامعه بروز خواهد نمود. این مجموعه فرهنگی نیز بعنوان یک سرباز فرهنگی در این میدان جهاد اکبر با جان و دل سعی در راه تحقق این اهداف عالی خواهد نمود. در پایان از اینکه دلسوزانه امور فرهنگی جامعه را پیگیری می کنید، از شما تشکر می کنیم، و برای شما آرزوی توفیق روزافزون از خداوند متعال داریم.

هدف از برگزاری گفتمان دینی در مساجد چیست؟

پرسش

هدف از برگزاری گفتمان دینی در مساجد چیست؟

پاسخ

در این طرح با بکارگیری روشهای تحقیقاتی و هنری برای تغذیه علمی و پاسخگویی به سؤالات مذهبی، اجتماعی وسیاسی مخاطبان، نظامی نوین در تبلیغ و آموزش معارف دین ایجاد می گردد. در واقع این طرح درصدد ایجاد یک شبکه منسجم برای نشر علم ومعنویت در مساجد می باشد (زکاة العلم نشره) اهداف اصلی طرح : ۱.پاسخگویی به نیازهای فکری نسل جوان که یکی از مطالبات اساسی آنان می باشد. ۲.طراحی روشهایی مناسب برای افزایش بهره وری فعالیّت های فرهنگی در مساجد و گسترش کمی وکیفی خدمات آنان. ۳. فعّال سازی و سازماندهی جوانان خصوصاً متصدیان امور فرهنگی مساجد در قالب یک برنامه منسجم فرهنگی (بخشهای عمده‌ای از این طرح توسط جوانان مسجدی اجرا می شود.) ۴. گسترش و تقویت ارتباط سازنده مراکز فرهنگی با جوانان. ۵. تقویت روحیه همدلی و همراهی به خصوص در مساجد با ایجاد یک میدان مبارزه فرهنگی و علمی با تأکید بر

محوریّت مساجد. این طرح به نظر مؤسسه ما، از فعالیّت هایی است که در میدان مبارزه فرهنگی بسیار ضروری به نظر می رسد، و یکی از ضرورتهای جامعه امروز بر طرف کردن شبهات و ابهامات در مورد دین است. علاوه بر این جایگاه مساجد را در جامعه اسلامی روشن می سازد زیرا مسجد در صدر اسلام و در دوران ائمه(محل برطرف کردن مشکلات علمی، دنیوی و اخروی مسلمانان بوده است. از شما نیز که به این مسائل توجه می کنید و با مؤسسه ما در ارتباط هستید بسیار متشکریم.

چرا جوانان در این زمان که نظام جمهوری اسلامی بر ایران اسلامی حاکم می باشد و از نظر اعتقادات اسلامی و دینی مذهبی نسبتاً ضعیف و کم رنگ می باشد؟

پرسش

چرا جوانان در این زمان که نظام جمهوری اسلامی بر ایران اسلامی حاکم می باشد و از نظر اعتقادات اسلامی و دینی مذهبی نسبتاً ضعیف و کم رنگ می باشد؟

پاسخ

سؤالی که فرمودید" : دربارهٔ حکومت امیرالمؤمنین (نیز مطرح می شود. مطابق معتقدات دینی، امیرالمؤمنین علی(معصوم هستند. در حقانیت و مشروعیت حکومت علی(هیچ تردید وشبهه ای میان فرقه های اسلامی وجود ندارد. نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت ، میزان موفقیت آن حضرت را در ایجاد جامعه ایده آل نشان می دهد. جنگهای داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی با وجود منافقان داخلی، کمبود نیروی انسانی، از مشکلات حکومت آن حضرت است. کثرت مشکلات، گستردگی بدعتها و سنتهای فاسد و آلودگیهای مزمن اجتماعی، تغییر چهارچوب نظام ارزشی، زمینه های این وضع را فراهم آورده بود. در همان حال علی(شایسته ترین فرد برای حکومت در اوضاع آن روز بود. اکنون نیز در نظام جمهوری اسلامی مشکلات فراوانی به چشم می خورد، مشکلات اقتصادی، افزایش جمعیت، بالارفتن قیمت کالاها متناسب با تورم جهانی، کاهش قیمت نفت به کمتر از یک سوم، تحریمهای اقتصادی، جنگ و ویرانیهای بسیاری که بر کشور ما تحمیل شد. گروهی از ارزشمندترین تربیت یافتگان و دانشمندان اسلامی نظیر شهید مطهری و شهید بهشتی در حوادث آغازین انقلاب به شهادت رسیدند، و دخالت دشمن در ایجاد فضای آلودهٔ فرهنگی (تهاجم فرهنگی) برای نسل جوان و ... در نابسامانیهای فرهنگی تأثیر عمیق گذاشته است.(۱) سرنگونی حکومت فاسد و برقراری حکومت مشروع الهی، دورانی را شروع می کند که دوران تغییر فرهنگ اجتماع است. این تغییر به صورت دفعی و آنی نیست، بلکه به تدریج صورت می گیرد. اما با همه این حرفها با مقایسه دوران پس از انقلاب و قبل از انقلاب خواهیم دید سطح دینی و ایمانی مردم چقدر پیشرفت کرده و اصلاً سزاوار نیست با دوران قبل از انقلاب مقایسه شود که مشروب فروشیها از طرف حکومت مجوّز کار می گرفتند و زنان حق رأی و انتخاب نداشتند و اکثر دولتمردان از بزرگترین وارد کنندگان مواد مخدّر بودند. از رهبر معظم انقلاب سؤال پرسیدند که : کسانی دارند وانمود می کنند نسلی که روی کار می آید از ارزشهای دینی رویگردان است، آیا این تحلیل صحیح است؟ ایشان در پاسخ فرمودند" : بنده صددرصد حرف آنها را رد می کنم. نه این که من عوامل فساد برانگیز فرهنگی را نمی بینم یا نمی شناسم یا از آنها خبر ندارم، نخیر، بنده از ماهواره و اینترنت و رمانها و فیلمها و آهنگها و حرفهای فاسد کاملاً خبر دارم و آنها را دست کم نمی گیرم، من عمرم را در میان جوانان گذرانده ام. بنابراین می دانم حال و هوای جوانی چیست و امروز در فضای جوانی ما چه می گذرد. اما معتقدم نسل کنونی امروز این قدر هم آسیب پذیر و شکننده نیست. این را بد فهمیده اند. این نسل در محیطی بارآمده که از محیط سی سال و سی و پنج سال قبل به مراتب پاکیزه‌تر

وبهتر است. کسانی که در این محیط متولد شده اند، به برکت هدایت دینی توانستد آن کار عظیم را انجام دهند و آن ایمانهای پولادین و استوار را عرضه کنند من معتقدم که این نسل نسبت به آن نسل، در محیط بهتری پرورش یافته و آمادگیهای به مراتب بهتر و بالاتری دارد ... چه چیز موجب می شود که با این بمباران فرهنگی که سال گذشته در مجموعه یی از مطبوعات زنجیره ای (با حمایت و کمک مالی آمریکا و استکبار جهانی) علیه مذهب و علیه فکر مذهبی و علیه انقلاب و علیه امام(و علیه همه چیز صورت گرفت، وقتی روزهای اعتکاف ماه رجب فرار رسید، مسجد دانشگاه تهران جزء شلوغ ترین مراکز اعتکاف شود؟ چه کسی به جوانها گفت بروید اعتکاف کنید؟ چه کسی به جوانها بخشنامه کرده بود؟ جوانی که پرورش یافته انقلاب است، از معرفت دینی برخوردار است، ایمانش هم ایمان عمیقی است، البته احتیاج دارد که تغذیهٔ معنوی و فکری دایمی شود. به نظر من، جوانان ما امروز هم خدایی و مؤمن و با صفایند. شما ببینید دانشگاههای ما چگونه است. ببینید کارگاههای ما چگونه است. ببینید فضای کشور چگونه است. شما ببینید در روز راهپیمایی بیست و دوم بهمن یا روز قدس، اکثریت این جمعیّتی که مثل سیل به خیابانها می آیند، چه کسانی هستند، همین جوانانند. همان روح الهی، همان انگیزه و صاعقهٔ الهی، هنوز هم در کشور وجود دارد و باز هم کارساز است. همین روحیه، باز هم کشور را به ساحل نجات خواهد رسانید(".۲) ـــــــــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : ۱. پرسشها و پاسخها : آیت ا... مصباح یزدی، ص۷۵و۷۶ پرسش و پاسخ از محضر مقام معظم رهبری، صص۲۵۵، ۲۳۷و۲۳۸

چه کار کنیم اینقدر رشوه‌خواری و پارتی بازی کم شود؟

پرسش

چه کار کنیم اینقدر رشوه‌خواری و پارتی بازی کم شود؟

پاسخ

از این که با ما تماس برقرار کرده‌ای سپاسگزاریم و امیدواریم مشاور خوبی برای شما و امثال شما باشیم.در خصوص سؤالی که مطرح کرده‌ای باید عرض کنم که مشکلات و معضلات اجتماعی در همه جا و نسبت به همه افراد علل و عوامل یکسانی ندارد.لذا هر جایی که این معضلات وجود دارد و هر کس که به آن مبتلا است باید تحقیق و جستجو کرد تا علل و عوامل آن شناسایی شود. یکی از مسایلی که در ترویج رشوه‌خواری و پارتی بازی نقش دارد این احساس است که بدون پرداخت رشوه یا داشتن پارتی نمی‌توان به اهداف خود رسید.لذا می‌بینیم برای انجام برخی کارهای جزیی که از طریق معمول براحتی قابل انجام و اجرا هم هست افراد به دنبال پارتی می‌گردند و حاضرند رشوه بدهند و یا اگر با اندک مانعی برخورد می‌کنند بلافاصله پیشنهاد رشوه می‌دهند و حتی قبل از هر مانعی از منزل که راه می‌افتد هدیه و . . . را با خود می‌برد تا کارش براحتی پیش برود.احساس ناامنی به مراتب بدتر از نا امنی است.اگر کسی احساس کند بدون رشوه و پارتی نمی‌تواند به هدف برسد طبیعی است که در همان گام اول اقدام به رشوه و پارتی بازی خواهد کرد. مسأله دیگری که در ترویج دو مورد فوق و سایر معضلات اجتماعی و اخلاقی نقش دارد ضعف اخلاقی و انسانی است؛وقتی انسانها از تربیت نفسانی و فضایل انسانی بصورت عمیق برخوردار نباشند با اندک وسوسه‌ای از کوره به در می‌روند و به خطا و اشتباه دچار می‌شوند و اصول و ارزشهای والای انسانی را زیر پا می‌گذارند. مسأله دیگری که به گسترش پارتی بازی و رشوه‌خواری کمک می‌کند،مشکلات اقتصادی و معیشتی است وقتی کسی در خانه و زندگی از کمبودهایی رنج می‌برد، برای درمان خودش مشکل دارد،ما یحتاج اولیه و ضروری خودش را نمی‌تواند به راحتی تأمین کند و . . با وسوسه‌های شیطانی و نفسانی برای رسیدن به این خواسته‌ها و نیازها ،تن به رشوه‌خواری و پارتی بازی می‌دهد و از طریق فوق می‌خواهد بر

مشکلات اقتصادی و معیشتی غلبه پیدا کند.طبیعتاً اگر کارمندان و کارکنان بخشهای گوناگون از نظر مایحتاج عمومی و ضروری تأمین بشوند به حدی که افراد احساس کمبود و نیاز نکنند این معضلات کاهش خواهد یافت.البته احساس نیاز و نیاز کاذب و غیر ضروری و تلقی کردن ضروری نیز به این معضل دامن می‌زند.زیاده طلبی و گرایش به زندگی تجملی و اشرافی و احساس نیاز کاذب و عدم تأمین آن نیازهای کاذب و تجملی و اشرافی نیز افراد را به سوی این معضلات سوق می‌دهد.روشن است که اگر در انسان چنین احساسی زنده شود سیری ناپذیر خواهد بود و هر آنچه بدست آورد باز هم احساس کمبود خواهد کرد و برای تأمین نیاز خودش به هر کاری دست خواهد زد.برای مقابله با این پدیده‌های شوم باید: ۱ ـ تربیت‌های اخلاقی افزایش یابد. ۲ ـ مسؤلان مختلف باید نظارت های خود را افزایش دهند و با متخلفان به صورت جدی برخورد نمایند و از زندگی تجملی و اشرافی بشدت پرهیز نمایند. ۳ ـ نیازهای اولیه کارکنان و کارمندان تأمین شود. ۴ ـ رسانه‌ها با برنامه‌های مختلف الگوسازی کنند و از احساس نیازهای کاذب بکاهند و . . . .

چرا در جامعه اسلامی ایران که در بین مردم قرآن حضور دارد مردم از لحاظ علمی خیلی کند عمل می کنند ولی در جامعه‌های بیگانه زیادی که دینی چون اسلام وجود ندارد آن مردم از لحاظ علمی بالاتر از جامعه اسلامی هستند ، دلیل چیست ؟ چه کسی باعث شده است که جامعه به این ف

پرسش

چرا در جامعه اسلامی ایران که در بین مردم قرآن حضور دارد مردم از لحاظ علمی خیلی کند عمل می کنند ولی در جامعه‌های بیگانه زیادی که دینی چون اسلام وجود ندارد آن مردم از لحاظ علمی بالاتر از جامعه اسلامی هستند ، دلیل چیست ؟ چه کسی باعث شده است که جامعه به این فلاکت گرفتار شود ؟

پاسخ

ارادت شما جوان پاک نهاد و سلیم النفس به قرآن کریم این کتاب حیات بخش و هدایت آفرین را از صمیم قلب می‌ستاییم و آرزو می کنیم عشق و ارادت هر چه بیشتر به قرآن و تعالیم و احکام و دستورات آن افزایش یابد . دوست عزیز آیا شما گمان می کنی حضور یک کتاب مثل قرآن می تواند ارتقاء علمی بدهد و عدم حضور آن عقب ماندگی باید بیاورد و یا عوامل دیگری لازم است . آنچه شما بیان کرده ای یک حقیقت تلخ است ولی به قرآن و احکام حیات بخش و تعالی آفرین آن مربوط نیست . اگر مردم به قرآن بی اعتنا باشند و این کتاب مقدس در لبه های طاقچه منازل خاک بخورد و تلاوت نشود و حتی اگر تلاوت بشود و به خواندن و حفظ کردن آن دلخوش باشندآیا از نظر علمی رشد خواهند کرد ؟ آیا شما گمان می کنی تمام چیزها در قرآن وجود دارد . همه علوم در قرآن وجود دارد . همه علوم در قرآن نهفته است ؟ یا باید جور دیگری اندیشید و با قرآن تعامل برقرار کرد ؟ برادر عزیز و دوست داشتنی رمز موفقیت یک ملت داشتن یک کتاب حتی اگر قرآن باشد نیست . رمز موفقیت هر ملتی در گرو تلاش و پشتکار و مطالعه و تحقیق و تفحص و جستجوی علمی است . خواه مردم این تلاش و تکاپو را از تعالیم دینی و کتاب آسمانی فرا گرفته باشند و به آن عمل کنند و خواه خودشان بر اثر تجربه فردی و جمعی بشری به آن نتیجه رسیده باشند. ملتی پیشرفت خواهد کرد که دو ویژگی عمده و بارز در او وجود داشته باشد : ۱- کار و تلاش خستگی ناپذیر ۲- قناعت و قانع بودن به حداقل امکانات زندگی . نمونه بارز این ، ملت ژاپن است . توصیه می کنم کتاب اسلام در ژاپن که گزارش سفر حجه الاسلام مسیح مهاجری به ژاپن و هند و هنگ کنگ است مطالعه کنید تا متوجه بشوید عامل پیشرفت آنها چیست . علت عقب ماندگی علمی و فنی جوامع اسلامی در

وجود کتاب قرآن نیست بلکه علت آن عمل نکردن به تعالیم قرآن است . غربیها به دلیل این که دین آنها را از پیشرفت علم و دانش منع می کرد دین را رها کردند و پیشرفت کردند ولی شرقیها همه می خواستند از همان راه به پیشرفت برسند لذا دین را رها کردند و عقب افتادند . دین تحریف شده مسیحیت و کلیسای قرون وسطی مانع پیشرفت بود لذا نهضت رنسانس بر ضد کلیسا به راه افتاد و با رها شدن از سلطه کلیسا، غرب به اوج پیشرفت فنی و تکنولوژی علمی رسید ولی هم اکنون از جنبه های انسانی و معنوی و روحی و روانی بدلیل تضعیف مذهب دچار بحران هستند. اما دین اسلام مشوق ارتقاء علمی است . دانش را ارزشمندترین چیز می داند و مقام دانشمند را بر همه مقامات برتری داده است و تحصیل دانش را واجب شمرده و کار و تلاش علمی و معیشتی را عبادت و بلکه برتر و والاتر شمرده است . اما متأسفانه مسلمانان به اسلام و قرآن عمل نکرده اند و تصور کرده اندبا پشت پا زدن به احکام دین پیشرفت می کنند ، غافل از آنکه غربیها به دلیل ممانعت دین از پیشرفتهای علمی ، دین را از صحنه جامعه و سیاست کنار زدند ولی اسلام نه تنها مانع پیشرفت دانش نیست بلکه آغاز و انتهایش با دانش است و کسب علم را بدون محدودیت زمانی و مکانی و جنسی واجب شمرده است ، اما کو عمل ! آیا افراد مسلمان روزانه چقدر مطالعه می کنند چقدر برای مطالعه و کتاب هزینه می کنند . در مقایسه با تغذیه جسمی چقدر به تغذیه روحی (مطالعه و تحقیق که بالاترین غذای روحی است) اهمیت می‌دهند؟ ! دوست عزیز توصیه می کنیم سخنرانی استاد شهید مرتضی مطهری تحت عنوان " علم " را در کتاب ده گفتار مطالعه کنید. برخی منابع برای مطالعه بیشتر: ۱. اسلام در ژاپن ، مسیح مهاجری ۲. ده گفتار ، شهید مطهری ۳.علل پیشرفت و انحطاط مسلمین ، زین العابدین قربان ۴.دانش مسلمین – محمد رضا حکیمی ۵. انسان و ایمان – شهید مطهری ۶. آداب تعلیم و تعلم در اسلام– سید محمد باقر حجتی

با توجه به این امر که مردم کشور ما مسلمانان و دوستدار ائمه اطهار(ع) هستند، چرا باید در این کشور بی‌بندوباری و فساد رایج شده است؟ چرا در مشهد که شهری مذهبی است باید این وضع فجیع اتفاق افتاده باشد؟

پرسش

با توجه به این امر که مردم کشور ما مسلمانان و دوستدار ائمه اطهار(ع) هستند، چرا باید در این کشور بی‌بندوباری و فساد رایج شده است؟ چرا در مشهد که شهری مذهبی است باید این وضع فجیع اتفاق افتاده باشد؟

پاسخ(قسمت اول)

تبادل و تعامل فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی واجتناب ناپذیر است.تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تفاهم فرهنگی با دیگران قابل حصول است. لیکن اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیرشد، تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود . بنابراین نفس هجوم فرهنگی دشمنان وحشتناک نیست، بلکه خطر درضعف و ناتوانی و آسیب پذیری درونی است که زمینه سلطه پذیری را فراهم می سازد. از دشمنان نباید انتظار داشت هجوم نیاورند. حیات امپریالیسم جهانی وابسته به سلطه گری است بویژه آنکه رشد اسلام گرایی مرگ فرهنگ غرب را به همراه خواهد داشت.باید عوامل درونی سلطه پذیری را شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد . درمقام تشبیه، می توان ا زهجوم میکروبها به بدن انسان نام برد که همواره هجوم و برخورد میکروب با بدن وجود دارد . هر چند باید تلاش کردتا از این تلاقی وقرار گرفتن بدن درفضای آلوده جلوگیری شود لکن انسانهایی بیمار می شوند که بدن مجروح، مستعد وآسیب پذیر داشته وقوای دفاعی شان به تحلیل رفته وقدرت مقابله با ایجاد پادزهر مناسب را نداشته باشند. بنابراین دربررسی عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی، درمرحله اول باید به این سوال پاسخ داد که :

چرا جامعه سلطه‌پذیر می شود؟چرا افراد جامعه تسلیم هجوم فرهنگی دشمن می شوند؟ چرا جامعه قدرت صیانت از فرهنگ و هویت خودی را ازدست داده و به فرهنگ بیگانه روی می آورد؟ چرا جوانان و نوجوانان فرهنگ بیگانه را برفرهنگ خودی ترجیح می‌دهند؟ ویا بطور کلی باید دو سوال زیر را پاسخ داد : ۱. چرا فرد آسیب پذیر می شود؟ ۲. چرا جامعه آسیب پذیر می شود ؟ با توجه به آنچه بیان شد برخی از علل و عوامل آسیب پذیری فرد وجامعه که در واقع همان عوامل موفقیت مهاجمان فرهنگی است، به اختصار بیان می گردد : ۱- احساس حقارت و کهتری : نوجوانانوجوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی ویا به علت مسایل ودشواری‌های خانوادگی، شکست‌ها، محرومیت ها، ناآگاهی های دوران گذشته زندگی، تمسخر واستهزای دوستان وهمسالان، سرزنش های مکررمعلمان و شاگرداان، ویا به دلیل طرد شدنها و بی توجهی ها ویاداشتن مسایل روانی دیگر، اعتماد به نفس خودرا ازدست داده دچار احساس حقارت می شوند وتصور می کنند دیگران برتری هایی دارند که آنها ندارند ودر انجام امورناتوان تر از دیگران هستند ومسولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند . مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه کمتری خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است وآن اصل جبران یا تلافی است".۱ "۲-عدم ارضاء نیازها : جوانان همانند سایر مردم دارای مجموع ای از نیازها واحتیاجات می باشند که برای حل یا رفع آنها تلاش می کنند . نیازهای جوانان دریک تقسیم بندی کلی به دو گروه نیازهای زیستی(خوردن، خوابیدن، پوشیدن و...) ونیازهای روانی(نیازبه محبت، تعلق خاطر، امنیت، مقبولیت و ...) تقسیم می شود"۲ "ارضاء شدن یا بدارضاء شدن این نیازها، مسایل ومشکلاتی رابرای نوجوان ایجاد می کند . در چنین شرایطی جوان احساس تنش وناآرامی می کند واین تنش باعث ایجاد بی قراری وعدم تعادل می شود. نوجوان برای برطرف کردن این حالت از مکانیزمهای دفاعی یا رفتار جبرانی استفاده می کند. مکانیزم های دفاعی که بادرجات مختلفی توسط افراد به کار برده می شوند عبارتند از: پرخاشگری، جبران، والایش، همانند سازی (درون فکنی)، دلیل تراشی، فرافکنی، سرکوبی، عکس العمل سازی، خودمداری، منفی گرایی، عقب نشینی و فرار، بازگشت به عقب، جابجایی، و"...۳. "به عنوان مثال دخترجوانی که نتواند زیبایی خویش را درمدرسه ودر بین همسالان به نمایش بگذارد بااستفاده از مکانیزم دفاعی"جابجایی "در خیابان و وخارج از مدرسه نیاز خود را ارضاء می کند. دانش آموزی که نتواند محبت لازم را درمدرسه از معلم دریافت کند با بهره‌گیری ازرفتار جبرانی"خودمداری "به پوشیدن لباسهای مبتذل وآرایش نامناسب موی سر روی می آورد تا کانون توجه دیگران قرار گیردو... ۳- عدم مقبولیت و محبوبیت : هرانسانی دوست دارد دیگران اورا دوست داشته و محبوب بدارند . این نیاز درکودکان و نوجوانان گستره تر وعمیق تر است و درجوانی شدیدتر میشود زیرا جوانی وسن بلوغ، سن غرور وخود دوستی است . نوجوان تمایل دارد هر چه سریعتر وارد دنیای بزرگسالی گشته ومورد احترام وتکریم دیگران قرارگیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی راسپری کرده ونیازی به کنترل و تسلط دیگران ـ به ویژه پدر و مادر ـ ندارد .جوان دوست دارد روی پای خویش بایستد وخودش برای خود تصمیم بگیردواستقلال خویش را حفظ نماید . او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت بخصوص دربین همسالان است . اگراین نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد واختلالات عاطفی و رفتاری بروز می کند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پازدن آگاهانه به هنجارها، آداب، رسوم واخلاقیات حاکم برجامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوانان از افکار جدید ـ حضور فعال آنان درصحنه ها وجریانات مخالف وضع موجود ـ رد وبدل کردن مخفیانه وسایل غیرمجاز نظیر فیلم و نوار ومجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است. ۴-فشاردوستان وهمسالان : یکی ازویژگیهای سنین کودکی و نوجوانی، دوست یابی است . نوجوان وجوان نیازدارد تا فرد یا افرادی را به دوستی برگزیند ودریک ارتباط عاطفی وصمیمی به همانند سازی برسد ".هراس از گمنامی وتنهایی، نوجوان را برمی انگیزد تا خودرا درارتباط باگروه همسالان قراردهد .... درمواردی، نوجوان، سرخورده از گروه به باندها وگروههای ناسالم اجتماعی می پیوندد تا بر تنهایی وعدم تعلق اجتماعی خویش فایق آید" " ۴. "از عوامل مهم انحرافات نوجوانان وتسلیم پذیری آنان

دربرابر تهاجم دشمن، پیدا نمودن دوستان نامناسب وفاسداست که زمینه اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند . ترس واضطراب ازانجام اعمال بزهکارانه را درآنها تقویت می کنند .ترس و اضطراب از برخورد همسالان و طردآنها درصورت تخلفی از آداب و رفتار گروه، سبب می شود تا فرد تسلیم گروه باشد . تشکیل مهمانی ها، شب نشینی ها، جلسات نمایش فیلم، کوهنوردی های گروهی، گردشهای دسته جمعی، مسافرتها و... اگر بدون نظارت وهماهنگی بزرگترها صورت گیرد می تواند زمینه ساز آلودگی های فرهنگی، اجتماعی واخلاقی باشد. ۵- بی هدفی وبی ثمری : زندگی بدون هدف پوچ و فاقد معناست، وهرکس نیازدارد که فعالیت های خود رامتوجه هدف یا هدفهای مشخص نماید. هدف هر چه بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر، وقوی‌تراست. داشتن هدف درزندگی به فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد . انسانهای بی هدف، انسانهای خودگم کرده هستند که ثبات شخصیت وسلامت روانی خود راازدست می دهند . جوانانی که درزندگی هدف مشخصی ندارند ویا هدفهای کوچک را دنبال می کنند غالباً درتزلزل و ناامنی بسربرده ودچار افسردگی، یا س ونومیدی می شوند. ۶-احساس ناامنی اقتصادی (بیکاری وفقر) : صرف انرژی جوان دراوقات فراغت داشتن شغل ودرآمد برای او اهمیت دارد . معمولاً اکثر نوجوانان قبل از پایان تحصیلات به شغل آینده خود فکر می کنند . داشتن کاری مناسب وشغلی مفید و پردرآمد دراین دوره باعث بی نیازی وعزت نفس و اعتماد به نفس آنها می شود وبرعکس بیکاری ـ بخصوص درسنین جوانی ـ منشاء بسیاری ا زضعفها ومفاسد وآلودگیها می باشد وامنیت روانی فرد را به خطر می اندازد براساس تحقیقات، بسیاری ازموارد شدید بزهکاری، ناشی ا زبیکاری واحساس پوچی وبیهودگی درجوانان است" .۵ "۷-خلاء فرهنگی جامعه : یکی از مهمترین ریشه های تهاجم فرهنگی، پیدایش خلاء فرهنگی درجامعه است. هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. معمولاً جوامعی که دچار آشفتگی وناآرامی اند برای بخورد و پیوند فرهنگی آماده ترند . البته هیچ جامعه ای نیست که از هر جهت درهر زمان آرام و سامان یافته باشد ولی گاهی بی‌آرامی و بی سامانی جامعه شدت می گیرد وسازمان اجتماعی را به خطر می اندازد. جامعه دراین گونه موار ناگزیر است با تدابیری بی آرامی وبی سازمانی مفرط را ازبین ببرد".۶ "بنابراین تهاجم فرهنگی به خودی خود کار ساز نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلاء فرهنگی و فکری دارد . اگر جامعه امروز نتواند نیازهای فکری وفرهنگی افراد جامعه بویژه نسل جوان وتحصیل کرده وتشنه حقیقت وانسانیت را پاسخ دهد، خلاء حاصله میدان را برای موفقیت هجوم فکری وتبلیغی غرب ومکاتب آن باز می کند وعطش نسل جوان با سراب بیگانه وآبهای آلوده غربیان سیراب می شود. ۸-تضعیف نهاد دولت : دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از استقلال وامنیت ملی وتمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت رابه عهده دارد. هرچه نهاددولت قویتر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن دربرابر تهاجم دشمنان کمتراست. همچنانکه درتهاجمات نظامی دولتهای ضعیف مجبور به تسلیم وقبول شرایط دولتهای قوی و مهاجم هستند، در تهاجمات فرهنگی و سیاسی نیز این اصل حاکم است و دولتهای ضعیف قدرت مقابله با تهاجم بیگانگان و پاسداری ا زحریم هویت ملی وفرهنگ خودی راندارند . دولتهای ضعیف وناتوان مرعوب توانمندی واقتدار دولتهای سلطه گر شده وخواسته یا ناخواسته سیاست، فرهنگ وراه آنان را الگوی خود قرارمی دهند . نهاد دولت برا ی ایفای نقش ووظایف خویش نیاز به قدرت واقتدار داردکه این اقتدار نه از طریق استبداد وحکومت جبارانه، بلکه ازطریق وفاق، مشارکت وپشتیبانی مردم باید بوجود آیدتا زمینه رشد وتوسعه و استقلال کشور را فراهم آورد. ۹-ضعف وناهماهنگی نهادهای اجتماعی : اگر هریک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی وبادقت درراستای اهداف نهایی جامعه انجام داده وبا هماهنگی سایر نهادها در حفظ وحراست از فرهنگ خودی وهویت اسلامی و ملی کوشا باشند، تهاجم فرهنگی دشمنان آسیبی نخواهد رساند. آسیب پذیری زمانی آغاز می شو دکه هر یک از نهادها یا وظایف خودشان را انجام ندهند ویا همسو وهم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت ننمایند درچنین شرایطی تهاجم فرهنگی به بار می نشیند. اگر درجامعه انقلابی واسلامی ما الگوهای مورد قبول، نظیر روحانیت و دولتمردان نتوانند آرمانها وباورهای اسلامی و انقلابی را

درزندگی فردی وخانوادگی واجتماعی خویش پیاده نمایند درنتیجه عملکرد آنان زمینه ساز موفقیت تهاجم فرهنگی می شود.رسانه های گروهی اگر همسو با رهبری ودولت درپاسداری از آرمانهای مکتب اسلام وهویت ملی حرکت نکنند خود به ابزاری برای انتقال فرهنگ بیگانه تبدیل خواهند شد . ۱۰-گسستگی عواطف و پیوندهای اجتماعی : جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر دربرابر تهاجمات دشمنان جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد . این جامعه نه تنها مرعوب ومقهور تهاجم بیگانگان نمی شود بلکه همچون دژی مستحکم درمقابل تهاجم آنان پایداری می کند . نمونه این پایداری را می توان در دوران دفاع مقدس و جاودانه امت مسلمان ایران دربرابر تهاجم بیگانگان به روشنی نظاره کرد. متقابلاً عدم پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشا رمختلف به ویژه عدم پیوند عمیق بین شنوندگان و حکومت کنندگان به شدت جامعه راآسیب پذیر می کند . اگر حکومت کنندگان، مرد م را نابالغ، ناآگاه، متخلف، نیازمند سرپرستی و... انگارند واگرمردم حکومت کنندگان خود رامستبد، خودخواه، دنیا پرست، غیر مسوول، نالایق بپندارند، اگر توانمندان مردم ضعیف ومستمند را بی خرد، بی تدبیر، تنبل وکاهل ولایق بدبختی ببینند واگر فقراء ثروتمندان را مال اندوز، متجاوز،حیله گر وستمگر بدانند، اگرتحصیل کرده ها توده مرد م را قبول نداشته باشند واگر مردم عادی روشنفکران وتحصیل کرده های خود را ا زخودندانند واگر... درچنین شرایطی که عواطف و پیوندهای اجتماعی به حداقل خود رسیده است، جامعه به شدت آسیب پذیر است وتهاجم دشمنان درهرزمینه می تواند اساس جامعه را ازهم متلاشی سازد.

پاسخ(قسمت دوم)

همچنین اگر قبایل، نژادهاو اقوام مختلف یک جامعه به تمسخر و تحقیر واستهزاء هم برخیزند آسیب پذیری جامعه حتمی است و احساس هویت ملی و هویت اسلامی درچنین شرایطی از بین می رود وپیدایی چنین بیگانگی هایی از سوی مردم نسبت به نظامات حاکم وازسوی نظام نسبت به مردم واز سوی مردم نسبت به هم ، برهم اثر متقابل داشته ورفته رفته به مراحل سهمگین وخطرناکی کشیده می شود. روابط تنش زایی بین نظام و ملت بوجو می آید وخشم وانزجار ملت وسقوط دولت رابه دنبال خواهدداشت . درچنین شرایطی هرنهاد وهر قشری از جامعه درصدد کسب هویت برای خویش است تا به حیات خود ادامه دهد. اگر این هویت را دردرون جامعه خویش نیافت به بیگانه متمسک می شود وهویت خودرا در فرهنگ واندیشه و حکومت بیگانه جستجو می کند . ۱۱-عدم عدالت اجتماعی : جامعه آسیب پذیر دربرابر تهاجم فرهنگی دشمنان، جامعه ای است که ازدرون پوسیده و سست گردیده وقدرت مقابله باتهاجمات رانداشته باشد. یکی از مهم ترین عوامل پوسیدگی جوامع عدم عدالت اجتماعی درآن جوامع است . عدالت اجتماعی عامل پیوند اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر و موجب پیوستگی نهادهای اجتماعی است. ستون انقلاب ورکن اساسی حرکتهای سازنده اجتماعی، تأمین و تعمیم عدالت است بویژه عدالت اقتصادی و اجتماعی که همه مردم به خصوص انسانهای محروم وانقلابگر باآن سروکاردارند به همین دلیل حضرت علی (ع) فرمود" : العدل حیاه الاحکام "سبب زنده شدن و زنده ماندن احکام خدا درمیان مردم عدالت است" .۷ "تهاجم فرهنگی وآسیب رسانی آن با جریان سرنوشت ساز عدالت اجتماعی وحرکتهای اقتصادی جامعه پیوستگی مستقیم دارد . هر چه عملکرد های اقتصادی باعدالت بیشتری عجین باشد آسب پذیری کمتر می شود وجامعه به صورت یک مجموعه به هم پیوسته دربرابر تهاجمات پایداری می کند. به بیان دیگر درجامعه قرآنی، احکام قرآن قابل اجراست وجامعه قرآنی جامعه قائم به قسط وعامل به عدل است یعنی برخوردار از قسط و پی ریخته و ساخته شده برشالوده عدالت، یعنی اگر عدالت نباشد بطور قطع تکاثر و فقر خواهد بود واین پدیده هردونفی کننده زمینه اعتقاد وعمل به احکام الهی اند . ۱۲-فقر و توسعه نایافتگی : صیانت از فرهنگ اسلامی وهویت ملی ودستیابی به استقلال فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی دربستری از توسعه ورشد یافتگی وکسب قدرت مادی ومعنوی امکان پذیراست . حفظ ارزشهای آرمانی نیازمند استقلال و توجه

است . استقلال قدرت اعمال اراده یک ملت درباره هرگونه عمل، سیاست ویاحرکت داخلی وخارجی درابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برمبنای تشخیص منافع ومصالح خود می باشد. بدیهی است هرچه توان اقتصادی، سیاسی وعلمی واستحکام وانسجام اجتماعی وظرفیت فرهنگی یک ملت بیشتر ودرمقایسه با جهان پیرامون خود قویتر باشد استقلال او نیز بیشتراست . بنابراین بیشتر وبهتر می تواند از فرهنگ واندیشه وباورهای خود دفاع نماید . فقر، نیازمندی می آفریند ونیازمندی، وابستگی به وجود می آورد . درفرهنگ تحت اسلام فقر محکوم گردیده وپیامبر اکرم(ص) وائمه معصومین علیهم السلام با گسترش فقر به مخالفت برخاسته اند چنانکه فرموده اند" : کاد الفقران یکون کفرا" "۸ "قرآن کریم نیز می فرماید شیطان ابتدا به فقر وسپس به فحشاء فرا می خواند : الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء"...۹("شیطان شما رابه سوی فقرفرامی خواند وبه فحشاء فرمان می دهد) درشرایطی که فقر وتوسعه نایافتگی برکشور حاکم است ورود کالا وتکنولوژی بیگانه، ورود فرهنگ وایدئولوژی خاص آنان رانیز به همراه دار دکه این همان مصداق عینی تهاجم فرهنگی است . فقرزدایی وتوسعه براساس ارزشها ومعیارهای خودی ومنبعث با منابع وامکانات خودی، ارزشمند وقابل تحقق است وتوسعه مبتنی برالگوها وارزشهای بیگانه واستوار برپایه منابع وامکانات آنان، خود نیز زمینه ساز تهاجم فرهنگی بوده وموجبات توسعه د رتوسعه نیافتگی را فراهم می آورد. ۱۳-مهاجرت، تجارت، جنگ : مهاجرت، تجارت وجنگ سه عامل مهم در طول تاریخ برای برخوردفرهنگی جوامع با یکدیگر بوده اند . یکی از جالب‌ترین صحنه های تاریخ، بسط ملتها از طریق کوچ نشینی مسالمت آمیز می باشد".۱۰ "مهاجرت وکوچ نشینی هر چند دارای اثرات مثبت درتاریخ بشری بوده وزمینه بسط و گسترش دانش اقوام را فراهم آورده است لکن درشرایط تهاجم فرهنگی مهاجرین می توانند به عوامل انتقال فرهنگ بیگانه به داخل کشور و جامعه خود تبدیل گردند . تجارت و جنگ نیز دربرخورد فرهنگی ملتها ایفای نقش می کنند . تجاروبازرگانان با انتقال کالاـ تکنولوژی وخدمات درواقع فرهنگ کشورها رابه هم منتقل می کنند" . کالاها وابزارهای مشرق زمین که به وسیله تجارت ودر طی جنگهای صلیب به اروپا راه یافتند بیش از آثار علمی شرقی زندگی اجتماعی اروپا را دگرگون کردند" " .۱۱ "۱۴-گسترش فحشاء، فساد، منکرات : زیر پا نهادن قوانین و شکستن حدود، مقررات ومتلاشی نمودن روابط سالم اجتماعی، جامعه را به سوی بی ثباتی و هرج ومرج سوق داده وآنرا به شدت آسیب پذیر می سازد. یکی از شیوه های مهاجمان فرهنگی گسترش فساد ومنکرات بویژه روابط جنسی وشهواتی می باشد . جامعه آلوده به کژیها وزشتیها، جامعه ی بیماری است که دربرابر میکروبهای مهاجم قدرت دفاع ازخویش رانخواهدداشت .به همین دلیل ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، منکرات، بدحجابی، روابط نامشروع به صورت سازمان یافته وبرنامه ریزی شده درجامعه انقلابی ما درسرلوحه فعالیتهای مهاجمان فرهنگی قراردارد . درتعالیم اسلامی، نابودی جامعه فاسد و مفسد، به عنوان یک سنت تغییر ناپذیر اجتماعی درقانونمندی الهی مطرح شده است. ودرآیات زیادی امتها واقوام گذشته به دلایل شیوع فساد و فحشا و بی تفاوتی دربرابر معاصی، دربین آنان مطرح شده است . گسترش رشوه ـ فساد اداری ـ باند بازی ـ تقلب ـ قانون شکنی ـ دزدی ـ طلاق ـ فرارازخانه ـ خودکشی ـ نیز رواج منکرات واعمال خلاف اخلاق، همچون موریانه ستونهای استوار جامعه راازپای درمی آورند وآن راآسیب‌پذیر می کنند . برادر ارجمند و بزرگوار، اکنون که برخی از علل وعوامل موفقیت روزافزون تهاجم فرهنگ را بیان کردیم .حتماً دریافته‌اید که جلوگیری از آن نیز کار ساده ای نیست ولی به هر حال همان گونه که قبلاً بیان شد درمقابله با تهاجم فرهنگی برخلاف تهاجم نظامی، دولت و نیروی انتظامی به تنهایی نمی تواند صحنه گردان ماجرا باشد زیرا فرهنگ با اندیشه ها وباورها واعتقادات مردم سروکار دارد که این امر زورپذیر نیست بلکه باید با مبانی وعقاید عقلانی ومبتنی برفطرت و بصیرت زمینه پذیرش یانفی یک فرهنگ راپدید آورد و به بیان دیگر ایجاد محدودیت توسط دولتها نمی تواند راه گشا باشد بلکه باید با ایجاد" مصونیت "ا زارزشها وفرهنگ خودی دفاع کرد.درررویارویی با فرهنگ مهاجم باید علل وعوامل ساعد کننده تهاجم را از بین برد ومصونیت سازی راه کارهای استوار و مطمئنی می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود : ۱- بازیابی هویت : هویت جویی، از اصلی ترین ومهم ترین نیازهای نسل

امروز است وبازیابی هویت در حقیقت بازشناسی نفشی است که این نسل برعهده دارد . جوانان ما باید برای پرسشهای اساسی زیر پاسخهای روشن ومستدلی بیابند : - غایت ومقصود زندگی چیست؟ - جایگاه من درحیات معقول چیست؟ - چه عاملی فلسفه وجودی جوانان را درنظام هستی، توجیه وتبیین می کند؟ - آیا جوانان درنظام هستی، از کرامت و منزلتی برخوردارند؟پاسخ به این پرسشها، جوان را از جایگاه رفیعی که نزدپروردگار دارد،مطمئن نموده واورا از رنج درون تهی بودن و آسیب پذیری می رهاند . ۲- درک هویت فرهنگی : شناخت یک فرهنگ، درحقیقت معرفت به ویژگیها، مشاهیر، ارزشها وبرتریهای آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگهاست .نسل جوان، باید به امتیازات فرهنگ اسلامی وملی خویش، آشنا باشد تا درمقابله با فرهنگ بیگانه، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد .تاریخ تحلیلی وفرهنگ خودی ومطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر وبه ویژه بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که برمعادلات سیاسی واجتماعی جهان معاصر داشته اشت، جوانان را دربرابر نفوذ فرهنگ بیگانه، مقارم می کند . وبا این امر بازگشت به فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود . ۳- غرب شناسی زمینه غرب ستیزی: برای مقابله با هر پدیده ای، ابتدا باید شناخت دقیقی از آن حاصل نموده تا بتوان سازو کارهای لازم را مهیا کرد . غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد، باطن وجوهر حقیقی این فرهنگ است . جوانان، چون غالباً ظاهرگراهستند به باطن ودرون چندان معطوف نیستند . شناخت عمیق ومستدل فرهنگ غرب، به معنای این است که آنها بتوانند از ظاهر فریبنده آن، پرده برگیرند وبه درون آن راه یابند، مغرب زمین، از درون به شدت احساس تزلزل، روزمرگی وتهی شدن می کند . زیرا قادر نیست به نسل جوان خویش، معنا و مفهومی برای زیستن ببخشد وفلسفه ارضاء کننده ای برای زندگی آنان، تبیین نماید. وبه گفته نیچه"کسی که نداند برای چه زندگی می کند، قادر نخواهد بودبا هر" چگونه ای"بسازد".۱۲ "منابع و مآخذ : (۱) خدایاری فرد، محمد :مسایل جوانان وجوانان (انتشارات انجمن اولیاء ومربیان ۱۳۷۲)ص ۶۸ (۲) برای اطلاع بیشتر رجوع شودبه : دکترشعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، موسسه اطلاعات ۱۳۶۴ (۳) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان (انتشارات ابتکار۱۳۶۲)ص ۱۲۸ (۴) شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان(انتشارات تربیت،۱۳۷۰)ص ۳۰۶ (۵) دکتر نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار وناهنجار درکودکان ونوجوانان ص ۱۱۷ (۶) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان (جلد اول نشرنی ـ تهران) ص ۳۰۷ (۷) غررالحکم ودررالکلم ،ص ۳۰ (۸) حکیمی محمد رضا، الحیاه، جلد ۴ ص ۳۰۸ (۹) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۸ (۱۰) بارنفروبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، جلد اول ص ۲ (۱۱) همان ص ۳۰۶ (۱۲) دکتر شرفی محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی،ص ۶۸

چرا از یک جوان نه هر جوانی که خود را مسلمان می‌داند اگر پرسیده شود دلیل انتخاب اسلام چیست ؟ نمی‌تواندجواب درست دهد . آیا شما علمای دین را در این زمان مسئول و مقصر نمی‌دانید ؟

پرسش

چرا از یک جوان نه هر جوانی که خود را مسلمان می‌داند اگر پرسیده شود دلیل انتخاب اسلام چیست ؟ نمی‌تواندجواب درست دهد . آیا شما علمای دین را در این زمان مسئول و مقصر نمی‌دانید ؟

پاسخ

دوست گرامی سؤال مناسب شما که نشانه دغدغه حضرتعالی در این باره است پرسشی مناسب است اما پاسخ به آن خود بحثی مفصل است که اشاراتی به آن می کنم . ـ همانطور که حضرتعالی فرمودید بخشی از مسئولیت این امر به عهده علمای دین و

روحانیون می‌باشد . خداوند تبارک و تعالی در این باره می‌فرماید " : پس چرا از هر فرقه‌ای از مؤمنان ، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند . باشدکه آنان از کیفر الهی بترسند۱. " اما از سوی دیگر از همین آیه و آیات و روایات دیگر بدست می‌آید که تک تک افراد جامعه ، خود نیز در این باره مسئول می‌باشند . از جمله در روایتی از رسول مکرم صلوات الله علیه است که " : اف بر هر مسلمانی که در هر هفته روزی را برای کسب فهم در امر دینش قرار ندهد تا از دینش پرسش کند۲ . در این باره روایات فراوانی است نظیر فرموده امام باقر (که: اگر بجوانی شیعه برسم که در دینش به فهم نرسیده ، حتماً او را ادب می‌کنم ۳ و یا آنچه از امام صادق (رسیده است که : دوست ندارم جوانی از شما را ببینم جز آنکه در یکی از دو حالت باشد ، یا عالم یا دانش آموز و دانشجو۴ . پس نتیجه گرفتیم که دولت و علماء موظف به پیگیری و تلاش در این امر هستند ، اما بار اصلی در این زمینه به دوش خود مردم و جوانان است . چرا که انسانها مختار هستند و خودشان باید راه سعادت یا شقاوت را برگزینند . بطور مثال در همین مشهد ، کتابخانه آستان قدس ، یکی از بزرگترین کتابخانه‌های خاورمیانه است که راه رابرای آنکس که جویای فهم و بصیرت باشد هموار کرده و کسی که بگوید عالمی نبود تا مرا هدایت کند ، این عذر او در این زمان ، پذیرفتنی نیست . در پایان این نکته را هم خدمت شما عرض کنم که در بین جوانان نیز کسانی هستند که اسلام را با عقل و عشق پذیرفته‌اند و فعالیت‌هایی که اخیراً در آموزش و پرورش و حوزه علمیه می‌شود بسیار امیدوار کننده است و بنده آینده جوانان مسلمان را بسیار روشن‌تر از گذشته می‌بینم . منابع و مآخذ : ۱ –سوره توبه آیه ۱۲۲ ۲ –میزان الحکمه ، ج ۷ ، ص ۵۲۷ ، حدیث ۱۵۸۳۶ ۳ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۸ ، حدیث ۹۰۸۸ ۴ همان حدیث ۹۰۸۹

زمان امام عزیز وشهدای گرانقدر ما شاهد اینگونه بی حرمتی و بی عفتی ها از سوی زنانمان و بی غیرتی از سوی مردانمان و آرایش کردن مردها و مرد پوشش زنانه داشته باشد ؟ این مسائل از سوئی قوه قضائیه و نیروی انتظامی و مقامات دیگر پیگیری می‌شوند اگر نمی شود چرا از نیر

پرسش

زمان امام عزیز وشهدای گرانقدر ما شاهد اینگونه بی حرمتی و بی عفتی ها از سوی زنانمان و بی غیرتی از سوی مردانمان و آرایش کردن مردها و مرد پوشش زنانه داشته باشد ؟ این مسائل از سوئی قوه قضائیه و نیروی انتظامی و مقامات دیگر پیگیری می‌شوند اگر نمی شود چرا از نیروهای مؤمن و انقلابی کمک نمی گیرید چرا از این بیشتر دل امام زمان(عج) را می رنجانیم و نایب بر حقش آقا سید علی خامنه ای را شکنجه می کنیم . تا کی باید صبر کنیم ؟

پاسخ

دوست عزیز دانشجو و سرباز لایق ولایت سلام علیکم؛ روحیه انقلابی و غیرتمندانه و دلسوزانه شما جوان با فضیلت و کمال، موجب خوشحالی وجدان انسان می گردد و از این که در میان جوانان کشور چنین احساسات پاک و وجدانهای بیداری مشاهده می شود خداوند را شاکر و سپاسگزاریم. برادر عزیز قاعدتاً شما به عنوان یک دانشجو می دانید که فرهنگ سازی در یک جامعه کاری است بس مشکل و طاقت فرسا و نیازمند وقت و زمان مناسب و کافی و تدبیر و تدبر هوشمندانه و.... تنها روش منع و جلوگیری از برخی موارد ومسایل و پافشاری بر اجرای برخی آداب و رسوم با قوه قهریه برای همیشه نمی تواند دوام و استمرار داشته باشد. لابد سن شم...اقتضا نکرده یا بخاطر نمی آورید که حدود ۱۵سال قبل رهبر معظم انقلاب اسلامی طی سخنانی در چند مرحله و مرتبه بحث امربه معروف و نهی از منکر و تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی غرب را مطرح فرمودند و همگان بخصوص نسل جوان را

برای مقابله با این پدیده شوم فراخواندند ولی افسوس که بجای تدبیر وبرنامه ریزی اصولی و زیر بنایی ، به برخی مسایل ظاهری و جزیی پرداخته شد که نه تنها آثار مطلوب و مثبت چندانی نداشت بلکه در برخی موارد آثار و تبعات منفی داشت . دوست عزیز دردنیای کنونی نمی توان با همه روشهای کهنه وقدیمی به فرهنگ سازی ومقابله با فرهنگ های وارداتی پرداخت امروز باید با استفاده از ابزار علمی و کارآمد وشناخت ویژگیهاو خصوصیات جوانان و جوامع و وضعیت جامعه خودی و بیگانه و رسانه ها وارتباطات و... و با استفاده از همه ابزار و وسایل فنی و تکنیکی به برنامه ریزی اصولی و زیر بنایی فرهنگی پرداخت که متأسفانه نظام جمهوری اسلامی از داشتن یک استراتژی کلان فرهنگی که همه دستگاههای فرهنگی از آن پیروی کنند محروم و بی نص.....است . و هر کسی به سلیقه خود و عمدتاً با استفاده از روشهای قدیمی و کهنه و ابزار ناکار آمد و بعضاً تخریبی می‌خواهند به مقابله با فرهنگ غرب بپردازند . عمدتاً به نهی می پردازیم و از امر به خوبیها سرباز می زنیم و غافل می مانیم از این که اگر خیرات را ترویج کنیم و در جامعه رشد پیدا کند بطور طبیعی زشتی ها کاهش خواهد یافت و نیاز کمتری به مقابله و مبارزه خواهد بود ضمن این که مبارزه و مقابله هم آگاهی ، شناخت ، تدبیر ،روش و... می خواهد که غالباً از آن بی بهره ایم . شما و کسانی همانند شما لحظاتی با خودتان خلوت کنید ، بدون این که دیگران را متهم کنید که کار نکرده اند و احساس کنید تمام نابسامانی ها به گردن آنها ست.(البته آنها که فعالیت نکرده اند مقصرند ولی غالباً ما عادت داریم گناه را به گردن دیگران بیندازیم)ببینید چه اقداماتی در حد توان خودتان برای ترویج نیکی ها و خوبی ها انجام داده اید تصور کنید اگر هر جوانی مثل شما – که تعدادشان کم نیستند – در هرسال فقط یک جوان را به مسیر درست هدایت کند (از طریق دوستی و ابزار محبت و..) چه اتفاقی بزرگی می افتد چرا ما عادت کرده ایم به تعبیر شهید مطهری فقط بگوییم" نکن "چرا فقط راننده ای هستیم که ترمز می کند چرا گاز نمی دهیم . به راست و چپ دور نمی زنیم و... یعنی بایدروشهای گوناگون و مختلفی متناسب با افراد مختلف را به کار بگیریم و آنها را به مسیر صحیح هدایت کنیم و منتظر نمانیم منحرف بشوند بعد هم انتظار داشته باشیم دستگاه قضایی وامنیتی با آنان شدیداً برخورد کنند . آیا اگر فساد و تباهی بی نهایت گسترش یافت آیا برای این دستگاهها مقدور است با آنان برخورد کند؟ البته این بدان معنانیست که دستگاههای فوق نباید کار و فعالیت بکنند بلکه آنها باید بسیار جدی و فعال وارد شوند ولی فعالیت آنها پس از وقوع جرم و خطاست . وقتی مجرمان زیاد شدند آیا مطلوب است؟ باید کاری کرد جرم و جنایت و خطا و گناه کاهش یابد نه این که مرتب از برخورد ضعیف با جرم گلایه کنیم . که البته برخورد جدی با جرم نیز می تواند پیشگرانه باشه ولی کافی نیست بایدزمینه های انحراف و خطا کاهش پیدا کند و این محقق نمی شود مگر با بسیج همگانی همه دستگاههای و مسئولان وبخصوص همت جوانان برای هدایت دوستان و همسالان خودشان .

با توجه به اینکه ما مسلمانان فقط یک کتاب آسمانی (قرآن) را داریم چرا دولت برای حفظ قرآن و تشویق جوانان به این امر سرمایه‌گذاری قابل توجهی نمی‌کند در صورتیکه برای خوابانیدن سرمایه در بانکها برای ثبت‌نام خودرو پیکان و یا قرعه‌کشی در بانکها مرتب از تلویزیون ت

پرسش

با توجه به اینکه ما مسلمانان فقط یک کتاب آسمانی (قرآن) را داریم چرا دولت برای حفظ قرآن و تشویق جوانان به این امر سرمایه‌گذاری قابل توجهی نمی‌کند در صورتیکه برای خوابانیدن سرمایه در بانکها برای ثبت‌نام خودرو پیکان و یا قرعه‌کشی در بانکها مرتب از تلویزیون تبلیغ می‌شود و جایزه تعیین می‌نمایند؟

پاسخ

سوز و گداز و عشق شما به قرآن و اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام قابل تحسین و تقدیر است امیدواریم این روحیه عالی و والا هر روز افزایش یابد و با گامهای عملی در راه ترویج این مکتب حیات‌بخش همراه و همسو شود. در ضرورت توجه بیشتر دولت و مسئولان و مردم به قرآن و بیان احکام نورانی و درک و فهم تعالیم نجات‌بخش این کتاب آسمانی ما نیز با شما همصدا هستیم و دوست داریم سرمایه‌گذاری در این امر مهم و خطیر و ارزنده هر روز بیش از پیش افزایش یابد و در آینده‌ای شاهد جامعه‌ای اسلامی، قرآنی و علوی باشیم. جامعه‌ای که درآن نه فقط حفظ قرآن بلکه عمل به احکام نورانی آن سرمشق و سرلوحه کار آحاد جامعه در بخشهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مراکز آموزشی شهر و روستا، بازار و منازل و ... قرار گیرد. آرزو می‌کنیم روزی برسد که احکام روشن بخش قرآن نه تنها در سرتاسر کشور پهناور ایران اسلامی تبلور و تجسّم عینی و حقیقی پیدا کند بلکه در سراسر بلاد اسلامی و غیر اسلامی کنونی نیز سرمشق و سرلوحه زندگی فردی و جمعی جوامع گوناگون قرار گیرد. برادر عزیز اگر چه نمی‌خواهیم بپذیریم که سرمایه‌گذاری موجود درباره ترویج قرآن آموزی و درک و فهم و شناخت قرآن کافی است بلکه با اذعان به نقص عمده در راه نشر و انتشار احکام منوّر قرآن یادآور می‌شویم که الحق و و الانصاف نسبت به گذشته‌های این کشور حقیقتاً حرکات قرآنی بسیار خوبی در کشور شکل گرفته است که نتیجه آن به خوبی در داخل کشور و مجامع بین المللی نمود و بروز دارد لذا جمهوری اسلامی ایران علی رغم تفاوت زبانی با زبان قرآن، یکی از کشورهایی است که در بحث قرآن و مسابقات قرآن همیشه خوش درخشیده و افتخار جهان اسلام است. نکته دیگری که لازم می‌دانیم یادآوری کنیم این است که همه طبقات و افراد و همه جوانان را نمی‌توان فقط به یک نوع فعالیت (حفظ قرآن) سرگرم کرد. سلیقه‌ها، علاقه‌ها و ... متفاوت است. بسترهای اجتماعی خانواده‌ها، آموزش‌ها، آموزشگاهها و ... همه و همه متفاوت‌اند بنابراین باید برای جوانان فعالیت‌های متنوع و گوناگون تدارک دید. برخی به سوی قرائت قرآن، گروهی حفظ قرآن عده‌ای ترجمه و تفسیر، برخی ترجمه قرآن ،گروهی را به تحقیق و مطالعه در قرآن و منابع اسلامی، برخی را با حضور در میادین مختلف ورزشی (فوتبال، والیبال و ...) وارد کرد و در زمینه‌های مختلف علاوه بر پرورش جسم و روح، نسلی با نشاط و شاداب در عرصه قهرمانی نیز در سطح بین المللی صاحب مقام و جایگاه بشویم و پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی ایران که منقش به لفظ جلاله ا... و شعار توحید" لا اله الا الله "است در سراسر گیتی به اهتزاز درآوریم. بدون شک اگر جوانی با استفاده از توان و انرژی و علاقه‌مندی خود با حفظ حرمت اسلام و قرآن و مقدسات دینی با نیت الهی به میدان بازی فوتبال گام نهد تا پرچم مقدس جمهوری اسلامی برافراشته شود گمان نمی‌رود اجر و پاداشی کمتر از حفظ و قاری قرآن داشته باشد. این میدان نیز میدان تربیت و ترسیم چهره مقدس دین و کتاب عظیم آسمانی قرآن است اگر با اعتقاد و باور و ایمان به هدفی مقدس پا به عرصه گذاشته شود. در اسلام همه امور روزمره زندگی فردی و جمعی و تمامی فعالیت‌های مباح و جایز اگر با نیت قربت و بقصد استقرار حاکمیت الهی و ترویج دین صورت گیرد مقدس است همگان به حداقلی از تعالیم دین که در عمل ضرورت دارد نیاز دارند و بیش از آن خیر. بلکه بقیه نیرو و توان خود را باید در راستای علاقه‌مندی خویش در امور گوناگون علمی، ورزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... صرف کنند. البته همه آنها با هدف قربت و رضایت حق . امید است این روحیه متعالی بیش از پیش رواج و رونق گیرد.

با توجه به اینکه صدای اذان بلا را از زمین دور می کند صدای بلند گوهای مساجد بسته شده که مزاحم همسایه های مسجد نباشد در صورتی که صدای نوارهای موسیقی که شرعاً حرام است در خیابانها و جاده ها و پارک‌ها و داخل خودروهای در حال حرکت کاملاً واضح و با صدای بلند شنی

پرسش

با توجه به اینکه صدای اذان بلا را از زمین دور می کند صدای بلند گوهای مساجد بسته شده که مزاحم همسایه های مسجد نباشد

در صورتی که صدای نوارهای موسیقی که شرعاً حرام است در خیابانها و جاده ها و پارک‌ها و داخل خودروهای در حال حرکت کاملاً واضح و با صدای بلند شنیده می شود و هیچ کس اقدامی برای این معزل بزرگ نمی کند.

پاسخ

متأسفانه جامعه ایران جامعه افراط و تفریط است. در سال های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساعتهای متمادی بلندگوهای مساجد را روشن می گذاشتند و تا نیمه های شب برای بسیاری از مردمی که به دلایل گوناگون قادر نبودند در مسجد حاضر بشوند مزاحمت ایجاد می کردند. عزاداری های شبهای محرم و شب های احیاء، مراسم سخنرانی و دعاهای توسل و کمیل و ندبه و ... همه و همه از بلندگوهای مأذنه ها و بام های مساجد پخش می شد، و گاهی آن قدر این صداها زیاد بود که مثلاً صدای بلندگوی مسجد امام رضا" ع "در ژاندارمری گناباد و صدای بلندگوی مسجد جامع در سه راهی بجستان بخوبی شنیده می شد کما اینکه هم اکنون نیز چنین است. حال تصور کنید وقتی ساکنان منطقه سه راهی بجستان و خیابان غفاری و شوریده گناباد صدای بلندگوی مسجدجامع را استماع کنند به گونه‌ی که بتوانند در منزلشان سخنرانی فلان شخصیت را گوش کنند ساکنان اطراف مسجد چه شکنجه ای را تحمل خواهند کرد. برادرعزیز، غالب مردم از صدای اذان و اقامه و دعا و سخنرانی متنفر نیستند ولی حتماً قبول داری که در یک مجلس صدای بلندگو خیلی زیاد باشد بشدت زجردهنده است که از اصل قضیه حاضری بگذری. واقعاً در بسیاری از شرایط آن قدر صدا زیاد است که غیر قابل تحمل است. حال اگر فقط اذان باشد هر چقدر هم زیاد باشد افراد تحمل می کنند ولی آیا باید ساعتها صدای بلندگو ساکنان اطراف مسجد را عذاب دهد؟ اگر کسی بخواهد بخوابد یا مریض باشد و ... چه باید بکند. آیا پخش سخنرانی از بلندگوی مساجد واجب است؟ این افراط ها باعث اعتراض های زیاد مردمی شد، به گونه ای که حالا برخی حتی صدای اذان را هم پخش نمی کنند، یا آن قدر صدا را کم می کنند که حضار در بیرون مسجد هم صدا را نمی شنوند. هر دو غلط است، هم افراط گری های گذشته و هم تفریط های فعلی. هرگز مردم و مسؤولان نگفته اند که صدای اذان پخش نشود. البته گفته اند سایر برنامه ها از بلندگو پخش نشود. حتماً شما نیز تأیید می فرمایید. البته این تفریط ها ریشه در آن افراط ها دارد. شما وقتی شاخه درختی را به پایین بکشی یا سرطنابی را بکشی وقتی رها کردی سرجای خودش قرار نمی گیرد بلکه مسافتی را به عقب تر از محل استقرار اولیه اش خواهد رفت. این واکنش و عکس العمل در مسائل اجتماعی نیز صدق می کند. در خصوص موسیقی نیز این افراط ها در گذشته بوده است. چند سال اول پس از پیروزی انقلاب در برخورد با موسیقی نیز چنین افراط هایی وجود داشت. سال اول از برگزاری مراسم تعزیه و شبیه خوانی جلوگیری شد و چند سال قبل نیز از زدن طبل و سنج و ... ممانعت شد و آن را مصداق موسیقی خواندند. طبیعی است وقتی کوبیدن استکان به نعلبکی موسیقی و حرام تلقی شود و حال آن که امام خمینی "ره "هم خوانی زنان را جایز می شمارند برخی افراط در موسیقی و ... بوجود می آید. ما باید رفتارهای دینی خودمان را تعدیل کنیم و از افراط و تفریط بشدت اجتناب ورزیم.

چرا نظام آموزشی و پرورشی ما از ریشه خراب است دلیل آن اینست که یک فرد لیسانس یا فوق لیسانس در ایران اول بی‌سوادی است و نمی‌تواند مسائل شرعی خود را به خوبی بشناسد و به اعتقادات خود پای بند باشد؟

پرسش

چرا نظام آموزشی و پرورشی ما از ریشه خراب است دلیل آن اینست که یک فرد لیسانس یا فوق لیسانس در ایران اول بی‌سوادی است و نمی‌تواند مسائل شرعی خود را به خوبی بشناسد و به اعتقادات خود پای بند باشد؟

پاسخ

در این که نظام آموزشی ما در سطوح گوناگون (ابتدایی راهنمایی- دبیرستان- دانشگاه و ...) دچار نقصان و ضعف است تردیدی وجود ندارد و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی توسط مسئولان و دست اندرکاران برای ایجاد تحول در نظام آموزشی تلاش‌های گسترده و فراوانی صورت گرفته است ولی به دلایل مختلف و گوناگون آثار ملموس و روشنی هویدا نیست. البته در راستای تحول آموزشی کارهای بزرگی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان رفع و نابودی زمینه‌های فساد و تباهی در مراکز آموزشی را ذکر کرد .راه‌اندازی واحد تربیت و کلاسهای فوق برنامه آموزش قرآن و ... در مراکز آموزشی، تغییر و تحولات گوناگون رشته‌های تحصیلی، تأسیس نهاد نمایندگی ولی فقیه و دفاتر فرهنگ اسلامی و افزایش تعدادی از دروس تحت عنوان دروس معارف اسلامی تاریخ اسلام، اخلاق اسلامی و ... به مجموعه واحدهای عمومی درسی تمامی رشته‌های تحصیلی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و ... از این جمله است. اما متأسفانه این اقلام‌ها تأثیر عمیق و مؤثری نداشته است. فشار شدید و تهاجم وسیع فرهنگی استعمار و ندانم‌کاری ها و ... در ناکار آمدی این دروس و تغییرات قطعاً مؤثر بوده است. آنچه موجب نگرانی شماست عدم آگاهی و نادانی و جهل تحصیلی کرده‌هاست نسبت به مسایل شرعی و دینی و حال آن که در مدارس دروسی مثل بینش دینی، قرآن، عربی و ... با این هدف پیش‌بینی شده که دانش آموزان را با مسایل اعتقادی و احکام فقهی و دستورات شرع مقدس و نیز فراگیری و آموزش قرآن آشنا سازد در دانشگاهها نیز دروس معارف اسلامی ،اخلاقی اسلامی، متون اسلامی ،تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، آموزش قرآن پیش‌بینی و به مجموعه دروس تمام رشته‌های تحصیلی دانشگاهها افزوده شده است ولی با کمال تأسف کارآیی نداشته است و گاهی نیز تأثیرمنفی نیز بجای گذاشته است. البته نمی‌توان پیش‌بینی کرد که اگر این دروس وجود نداشت الآن وضعیت دینی و مذهبی دانشگاهها چگونه بود و شاید هم توقع ما زیاد است ولی با این دغدغه بایستی میزان کارآمدی این دروس افزایش یابد به گونه‌ای که بتواند بخشی قابل توجهی از دانش‌آموزان و دانشجویان را به سوی مذهب و مسایل دینی سوق دهد. آنچه آنچه جنابعالی ذکر کرده‌اید نشانه بیسوادی نیست بلکه نشانه کم توجهی به مسایل دینی و ضعف فرهنگی است. بسیاری از همین تحصیل کرده‌هایی که شما ذکر کرده‌اید در رشته تحصیلی خودشان بسیار هم تبحّر دارند و حتی مقالات عصر ملی و بین المللی اخذ می‌کنند ولی در ابتدایی ترین مسایل شرعی و دینی خود گیر دارند این دلیل بیسوادی نسبت بلکه ناشی از احساس بی‌مسئولیتی نسبت به شرع مقدس و دین مبین است. افرادی می‌شناسیم که نفرات اول کنکور و ... شده‌اند ولی از حداقل مسایل دینی خود بی‌خبر است علت آن این است که فراگیری آن دانش خاص به هر دلیلی برایش مهم و اساسی و تأثیر گذار در زندگی‌اش جلوه کرده است ولی نسبت به مسایل شرعی و دینی خود چنین احساس پیدا نکرده است لذا دروس معارف اسلامی را فقط به قصد نمره گرفتن و مدرک گرفتن خوانده است. ولی از آنها تأثیر نپذیرفته است اما سایر دروس را به خوبی هضم کرده است و با آن ها مأنوس شده و زندگی کرده است لذا همه ما باید تلاش کنیم احساس مسئولیت دینی را در جامعه افزایش دهیم و فرهنگ دینی و تعالیم حیات‌بخش اسلام را با شیوه‌های جذاب و شیرین نشر و گسترش دهیم.

چرا امروزه در کشور ما ایران جلوی زنان بی حجاب گرفته نمی شود ؟

پرسش

چرا امروزه در کشور ما ایران جلوی زنان بی حجاب گرفته نمی شود ؟

پاسخ

در خصوص سؤال شما دوست عزیز باید عرض کنیم آنچه بیشتر جامعه ما مبتلا- به آن است بد حجابی است نه بی حجابی با این تصحیح کوچک در سؤال شما ، باید گفت که مسأله بد حجابی از معضلات کنونی جامعه است. این گونه رفتار ریشه در حدود نیم قرن حکومت سلسله منحوس پهلوی و نیز تبلیغات غرب دارد. از گذشته ها و ریشه های تاریخی مسأله که بگذریم ، متأسفانه خود باختگی در برابر غرب ، و تقلید کورکورانه از آنها و شهوت پرستی مجموعاً وضعیتی را پدید آورده است که شما گوشه هایی از آن را در جامعه دیده اید . البته با وجود آنچه نوشته اید وضعیت عمومی جامعه ما از نظر حجاب و حفظ عفت نسبت به کشورهای دیگر اسلامی بهتر است و تا حدود زیادی مراعات وجود دارد. ولی در اثر تبلیغات سنگین غرب به وسیله محصولات فرهنگی مانند فیلم ها و مجلات، نوعی تمایل به آن گونه رفتارها در سطوحی از جامعه مشاهده می گردد که باید از دو طریق به اصلاح آن اقدام کرد : الف) کار بنیادی فرهنگی که نتایج آن در دهه های بعد ظاهر گردد . ب) کار قانونی و کنترل رفتار فیزیکی . هر یک از این دو مقوله بدون همراهی دیگری مفید فایده نخواهد بود و نهایتاً منجر به شکست و تأثیر وارونه خواهد شد. در زمینه های فوق اقدامات بسیاری از سوی دولت و مسئولین صورت گرفته است ، ولی به دلیل تراکم تبلیغات خنثی کننده از سوی غرب ، آثار آن به طور کامل بروز نکرده است. امید است با برنامه ریزی دقیق و حساب شده فرهنگی و قانونی در آینده موفقیت های بیشتری در این زمینه حاصل گردد. نکته دیگر این که متأسفانه شهرهای مرزی (مانند اهواز) بیش از نقاط مرکزی کشور در زیر فشارهای تبلیغاتی دشمنان قرار دارند و لغزیدن به سمت شهوت و بی بند و باری نیز کار آسانی است ؛ چرا که حرکت در سراشیبی سقوط است ، ولی بالا رفتن از قله و کمال یابی ، کاری دشوار است. از سوی دیگر در حال حاضر بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دهند و این نیز خود مزید بر علت شده است. این نکته را هم فراموش نکنیم که بد حجابی از میوه های شجره خبیثه فساد و بی بند و باری است ، اگر مسئولین امور نیز مدتی به صورت قهری و جبری با این مقوله برخورد کنند گرچه برای دوره ای کوتاه افراد شئونات اسلامی و اجتماعی را رعایت می کنند اما این حالت پایداری نیست و بعد از مدتی دوباره این گونه هنجارهای رفتاری به شکل دیگری در جامعه ظهور و بروز می کند . مانند بیماری که برای معالجه غده سرطانی خود نیاز به اطاق عمل و جراحی داشته باشد ، اما پزشک او مرتب به جای برداشتن غده و علت دردش برایش مسکّن تجویز کند. بهترین درمان برای معالجه مرض بدحجابی در جامعه مبارزه با عوامل و ریشه های این جریان است که آن تهاجم فرهنگی غرب به سر کردگی آمریکا _ سنبل و نماد استکبار جهانی_ است. امید است غیرت و حمیّت اسلامی ، در افراد متدیّن فراموش نشود و آنان بتوانند با کار فرهنگی قدم اساسی بردارند و قانون نیز با راهکاری مناسب قدمی برای جلوگیری از گسترش بی بند و باری بردارد و همگی دین خود را به خون شهیدان ادا کنیم. برادر عزیز ! زندگی در جامعه سالم و مدینه ای فاضله آرزو و آرمان همه بندگان خداست ؛ ولی می دانیم که پاکان و تقوا پیشگان همواره در چه شرایطی سختی قرار داشته اند ولی در عین حال دست از مبارزه بر نداشته و حتی جان خود را در این راه داده اند. پس نباید مأیوس شد. زندگی هدفدار و معنادار ، یعنی مبارزه با فساد وتباهی و قدم برداشتن برای اصلاح جامعه. بنابر این به جای یأس و نومیدی و گوشه گیری از فعالیتهای جمعی در مساجد ، از خون شهیدان پیام بگیریم وبا تشکیل هسته های فرهنگی و گسترش آن در سطح جامعه به روشنگری بپردازیم . و انتظار نتیجه فوری نیز نداشته باشیم. در این صورت خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد و به اهداف خود نایل خواهیم شد. (ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم). علاوه بر موارد و عوامل فوق ، بی توجهی نسبت به مفاسد اجتماعی ، دلایل مختلفی می تواند داشته باشد . از جمله طبیعی شدن موضوع به خاطر کثرت آن مانند همین پدیده بد حجابی نسبت به اول انقلاب و یا بی توجهی و عدم بر خورد قاطع ارگانهای مسؤول با موضوع که دیگران را در برخورد با مفاسد بی انگیزه کرده است و یا آلوده شدن خود افراد و ضعف ایمان، در هر حال برای مؤمنین در هر شرایطی امر به معروف و نهی از منکر جزء وظایف دینی است که در این راستا باید از اطلاعات کافی در شناخت معروف و منکر و نحوه انجام آن برخوردار

باشد. به فرمایش شهید مطهری (ره) امر به معروف و نهی از منکر از پند شروع می شود و به بند ختم می شود ولی فاصله پند و بند راههای زیادی است که اگر در نهایت آنها مؤثر واقع نشد باید از بند استفاده کرد اما متأسفانه عده ای فکر می کنند اولین وسیله برای برخورد وامر به معروف و نهی از منکر توسل و استفاده از بند است. ۱ * برگرفته از سایت پرسش و پاسخ نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها www.nahad.net

را ههای کشاندن افرادی که بدبین به اسلام هستند به مسجد چیست ؟

پرسش

را ههای کشاندن افرادی که بدبین به اسلام هستند به مسجد چیست ؟

پاسخ

عنایت وتوجه خاص و ویژه شما به مسجد کانون و مرکز نشرو گسترش اسلام و محور وحدت و انسجام اجتماعی جامعه ی اسلامی و علاقه مندی تان به فعال شدن و جذب هر چه بیشتر اعضای جامعه بسیار ارزشمند و قابل تحصین و تقدیر است امید می رود این توجه و تعصب مثبت و مفید در سایر بندگان مومن روز بر روز افزایش یابد و مساجد به عنوان کانون و مرکز ثقل جامعه ی اسلامی رونق و حیات سیاسی اجتماعی و فرهنگی خود را باز یابد . دوست عزیز در خصوص سئوال شما چند نکته را یاد آور می شویم : ۱ـ درباره افرادی که شما سئوال کرده ای ابتدابایدتوجه آنان را به اسلام جلب کرد. یعنی قبل از جذب آنان به مسجد باید بد بینی آنان از اسلام سلب شود وبه اسلام و احکام تعالی ترقی آن ایمان و اعتقاد پیدا کنند و آن را با همه وجود پذیرا بشوند بدیهی است از کسی که اسلام را نپذیرفته یا باورو ایمانش نسبت به اسلام دچارنقصان است انتظار حضور در مسجد توقعی خارج از انتظار است . مثل اینکه کسی اسلام را باور نداشته باشد بگو ئیم چکار کنیم که زکات بدهد یا روزه بگیرد . بنابر این گام اول این است که اعتقاد و باورش را به اسلام تحکیم وتقویت کند ودر این راه باید به او کمک کرد . ۲ـ شاید تعبیر بدبین بودن به اسلام تعبیری مبالغه آمیز باشد چرا که اگر کسی به اسلام بد بین باشد ، اصل مساله منتفی است . از کسانی باید توقع داشته باشیم در مسجد حاضر بشوند که اسلام را پذیرفته اند و به آن ایمان و اعتقاد راسخ دارند به نظر می رسد فرد یا افراد مورد نظر با اصل اسلام مشکلی نداشته و آن را قبول دارند ولی به دلایلی از حضور در مساجد خود داری می نمایند . ۳ـ اگر افراد مسلمان و مومن در مسجد حضور پیدا نمی کنند باید علل و عوامل آن را شنا سایی کردو آن را از میان برد در این صورت بدون شک افراد به مسجد، این کانون و حدت سرازیر خواهند شد . اگر مردم مسلمان بطور عملی کارایی و نقش مثبت و سازنده مساجد را درک و لمس کنند سراسیمه به سوی مساجد رهسپار خواهند شد . مشکل این است که مساجد کشور ما و سایر جوامع اسلامی از ایفای نقش مثبت و سازنده جامع خود باز مانده اند و تنها به عبادتهای خشک و بی روح بسنده کرده اند . راه جذب مردم مسلمان به مساجد احیای نقش اصلی مساجد است . برای آشنایی با نقش مساجد توصیه می کنم کتابهای تاریخ آموزش و پرورش و تا ریخ تعلیم و تربیت را مطالعه بفر مائید به عنوان نمونه دو کتاب معرفی می گردد : ۱ـ تاریخ آموزش در اسلام ، نوشته احمد شعبی ، ترجمه محمد حسین ساکت . ۲ـ تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی ، نوشته عبد الرحیم غنیمه ترجمه مر حوم استاد .

چه کنیم تا مساجد ما به رسالت مساجد زمان رسول ا...(نزدیک شود صرفاً گفتمان دینی نه، بلکه جنبه‌های مصداقی و تطبیق اجتماعی، بومی و محلی؟

پرسش

چه کنیم تا مساجد ما به رسالت مساجد زمان رسول ا...(نزدیک شود صرفاً گفتمان دینی نه، بلکه جنبه‌های مصداقی و تطبیق اجتماعی، بومی و محلی؟

پاسخ

اما اینکه چه کنیم تا مساجد به رسالت مساجد زمان رسول ا...(نزدیک شود ؟ این است ابتدا باید سیره وبرخورد رسول خدا(درباره مسجد را دقیقاً مطالعه کنیم، و اینکه پیامبر اکرم(چه اقدامات و کارهایی را در مسجد انجام می‌دادند. یعنی اینکه از مسجد برای چه کارهایی استفاده می کردند. از مجموع روایات و سنت پیامبر(این بدست می آید که ایشان مسجد را مرکز عبادت خدا، برقراری نماز، دعاها و مرکز سازماندهی نیروها برای دفاع از کیان اسلام و جنگ با کفار و محیط و مکان آموختن علم و دانش و مرکز اجتماع مردم در مراسمات دینی مثل عید فطر، نماز جمعه و ... قرار داده بودند. و همانطور که فهمیده می شود؛ باید مسجد از مکانی که فقط برای نماز و مجالس ختم اموات است خارج شود و در آن کلاسهای علمی و فرهنگی برگزار شود، البته باید توجه داشت که باید حرمت مسجد حفظ شود. مثلاً چه اشکالی دارد مراسم ازدواج یعنی عقد زن و مرد در مسجد برگزار شود و زندگی خود را از مسجد آغاز کنند و باید همانند عصر پیامبر(مسجد مرکز تمام فعالیتهای اجتماعی و سیاسی باشند. در این صورت است که مساجد ما رسالت خودشان را به خوبی ایفا می کنند.

چرا در کشور ما دین روز به روز کمرنگتر و در دیگر ملل فهمیدند که تازه باید دنبال دین بروند؟

پرسش

چرا در کشور ما دین روز به روز کمرنگتر و در دیگر ملل فهمیدند که تازه باید دنبال دین بروند؟

پاسخ

به درگاه حضرت حق جلّ و اعلی پیشانی سجده بر خاک می‌ساییم که ما را در میان ملت و جوانانی فهیم و مؤمن و با صفا قرارداده است تا از فیض فضایل و کرامات آنان بهره‌مند باشیم و احساس مسئولیت و تعهد شما جوان خوب و صمیمی نسبت به ارزش‌های دینی و جلوه‌های مذهبی در جامعه را قدر می نهیم و آرزو می کنیم هر روز نسبت به گذشته آگاهی و دانش و بینش و تعهد و مسئولیت افزون گردد. برادر عزیز ضمن تأیید تغییر برخی مظاهر و ظواهر دینی در جامعه و قبول آنچه شما اشاره کرده‌ای یادآورد می‌شویم که البته باید ببینیم منظور از دین چیست که درگذشته پررنگتر بوده است و حالا کم رنگ‌تر. درگذشته برخی مظاهر مثل حجاب و پوشش بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی پررنگ‌تر بوده است و حالا کم رنگ شده است ولی برخی موارد نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است؛ از جمله آگاهیهای جوانان مؤمن و انقلابی نسبت به دین و مسایل دینی نسبت به گذشته در بسیاری از مسایل پررنگ‌تر شده است. بسیاری از جوانان عمده مسایل مهم دینی و مملکتی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) بطور عمیق درک می کنند و می‌فهمند. بنابراین اگر منظور شما از دین مظاهر و ظواهری است که از آنها به دین تعبیر می کنید درست است تغییرات قابل توجهی در جامعه مشاهده می‌شود که درگذشته وجود نداشته و حالا پیدا شده و اتفاقاً این مسایل از جمله مسایل و مواردی است که به بی‌دینی و یا کم رنگ‌شدن دین و ارزشهای دینی تعبیر می‌شود. اما اگر کمرنگ شدن دین را به قبول و باور

خدا و پیامبر و امامان بدانیم چنین چیزی مورد قبول نیست و تحقیقات متعدد نشان می‌دهد اکثریت جوانان کشور با خدای قادر متعال سرستیز و جنگ ندارند و اگر اعتراض و انتقاد دارند از مسئولان و دست‌اندرکاران امور جامعه است که با انتساب خودشان این حیثیت و بهره مقدس و زیبای دین را لکه دار و خدشه‌دار می‌سازند و وقتی جوانان زبان به اعتراض می‌گشایند متهم به بی‌دینی می‌شوند. دوست عزیز براساس شواهد و بررسیهای متعدد بسیاری از حرکات جوانان و افراد در جامعه عکس العملی است که در برابر دست‌اندرکاران و متولیان امور جامعه انجام می‌گیرد و باعث می‌شود مردم از حاکمان نظام دینی و حاکمیت اسلام احساس نارضایتی کنند ولی هرگز از اصل اسلام و خدایی خداوند و حاکمیت دین بر شؤون گوناگون زندگی‌شان ناراضی نیستند. گاهی بیان مسایل به گونه‌ای است که جوان را به عکس العمل شدید و مخالفت‌آمیز سوق می‌دهد. طبیعی است وقتی جوانی را به خاطر رفتاری، ضد دین و بی دین قلمداد کنیم ممکن است بر اثر مرور زمان، خودش هم به این باور برسد و احساس کند راه بازگشت به دین وجود ندارد و حال آن که اتهام بی‌دینی به خاطر پوشیدن نوعی لباس، آرایش کردن و ... نمی‌توان به کسی زد. کسی بی‌دین است که خدایی خداوند و رسالت پیامبر (ص) را نپذیرد ولی کسی که ایمان به خداوند داردو رسالت پیامبر (ص) را پذیرفته، نمی‌توان متهم به بی‌دینی کرد. و حال آن که ما گاهی به خاطر خطایی کوچک که خود خداوند هم آنرا گناه صغیره خوانده است افراد را بی‌دین می‌خوانیم. دوست عزیز، قلب و دل بسیاری از جوانان برای اسلام و حاکمیت اسلامی می‌تپد ولی متأسفانه عملکرد ناشایست و نادرست برخی از دینداران و مسئولان موجب دلزدگی تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه بخصوص جوانان شده است که باید با همت شما جوانان خوب و عزیز اصلاح شود. توفیق شما را از درگاه حضرت حق مسئلت می‌نماییم.

با عنایت به سخن امام راحل در مورد شهید مطهری که ایشان و آثارش را بی اثتثنا مفید دانسته‌اند چرا حوزه‌های علمیه بخصوص مشهد و قم تابحال همایش و یا سمینار و حرکتی مشابه حرکت امسال صدا و سیما انجام نداده‌اند؟

پرسش

با عنایت به سخن امام راحل در مورد شهید مطهری که ایشان و آثارش را بی اثتثنا مفید دانسته‌اند چرا حوزه‌های علمیه بخصوص مشهد و قم تابحال همایش و یا سمینار و حرکتی مشابه حرکت امسال صدا و سیما انجام نداده‌اند؟

پاسخ

از سؤال شما مشخص می‌شود احتمالاً ـ نسبت به علامه شهید آیت ا... مرتضی مطهری (ره) و آثار و کتب ایشان عنایت و توجه خاصی دارید و احتمالاً ـ کتابهای ایشان را مطالعه کرده و می‌کنید. ما نیز همانند شما به این مسأله اعتراض و انتقاد داریم که چرا آنگونه که باید به آثار شهید مطهری و توسعه مطالعه کتابهای ایشان و بسط فکر و اندیشه و آرمانهای ایشان توجه نشده است؟ سخنرانی آن شهید والامقام در خصوص فلسطین و شمر خواندن نخست وزیر اسراییل که حدود ۴۰ سال پیش صورت گرفته است متأسفانه ۳۰ سال پس از ایراد سخنرانی و حدود بیست سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید. هنوز هم بسیاری از تحصیل کرده‌ها اعم از حوزوی و دانشگاهی که با فکر و اندیشه و اعتقادات و باورهای مردم سروکار دارند از دیدگاههای این متفکر بی‌نظیر جهان اسلام در دوران معاصر بی‌اطلاع هستند. هنوز هم بسیاری از خطباء و وعاظ، منبرهای حماسه حسینی و تحریفات عاشورای مطهری را نخوانده‌اند و به روضه‌خوانی دروغ که به تعبیر شهید مطهری حرام است ادامه می‌دهند! دوست عزیز شاید علت این بی‌توجهی ریشه درگذشته قبل از انقلاب داشته باشد. در آن دوران شهید مطهری (ره) و امثال او مثل شهیدان بهشتی و باهنر و ... شخصیت‌هایی بوده‌اند که به دلیل افکار و اندیشه‌های نو و جدید مورد

پذیرش جامعه متدین وکسانی که به سنت‌ها بصورت غیر پویا و از سوی تعصب عاری از تفکر و تعمق پای بند بوده‌اند، مورد بی‌مهری قرار گرفته و در میان آنان جایگاهی نداشته‌اند. لذا حضور این عزیزان در میان قشر روشنفکر و تحصیل کرده دانشگاهی و نو اندیشان اندک حوزه بیشتر بوده است و در حوزه‌های علمیه به دلیل حاکمیت بافت سنتی حضوری نداشته یا بسیار کمرنگ بوده است. حتی پس از بیان سخن امام و توصیه به مطالعه آثار آن شهید بزرگوار و تأکید بر مفید بودن همه آثار، متأسفانه برخی از حضرات برخی از کتابهای شهید مطهری مثل مسأله حجاب را قبول نداشتند و بصورت علنی توصیه می‌کردند جوانان آن را مطالعه نکنند و ... اکنون نیز آن طیف فکری سنت‌گرا که بیشتر به ظواهر دلخوش می‌کنندو از اندیشه‌هایی غیر پویا و دگم برخوردار هستند، در پیکره این مراکز حضور دارند. مظلوم تراز شهید مطهری.آیت ا... شهید بهشتی است که از نظر علمی و فقهی دیدگاههایی همانند شهید مطهری داشته است نه تنها تاکنون دیدگاههایی همانند شهید مطهری داشته است نه تنها تاکنون برایش همایش همانند همایش حکمت مطهر برگزار نشد، بلکه مراسم ظاهری و صوری نیزکمتر برایش گرفته می شود و از او یاد می‌شود و حال آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی به مقدار زیادی مرهون زحمات و خدمات و افکار و اندیشه‌های شهید بهشتی است که امام خمینی (ره) فرمودند: بهشتی یک ملت بود. یعنی به لحاظ قدرت و قیمت و ارزش و توانایی فکری و عملی، او به اندازه کل یک ملت کارآمد و ارزشمند بود ولی متأسفانه در زمان حیاتش در جمهوری اسلامی مورد بی‌مهری قرار گرفت و پس از شهادتش نیز همچنان مظلوم است و گمنام. دوست عزیز آنچه شما ذکر کرده ای حسرت و آه و ناله ما نیز هست اما چه کنیم که توان تغییر از ما سلب شده است و جوانان برومند و دلسوزان باید همتی مردانه کنند و با تشکیل هسته‌هایی کوچک مطالعاتی در مدرسه و محل خودتان با راهنمایی معلمان و روحانیون و استادان حوزه و دانشگاه و افراد خوش‌فکر به تجزیه و تحلیل آثار آن شهید عزیز همت بگمارند قطعاً آثار و نتایج آن به مراتب از همایش حکمت مطهر بیشتر خواهد بود.

چه کار کنیم قرآن و معارف جذب جوانان گردد ؟

پرسش

چه کار کنیم قرآن و معارف جذب جوانان گردد ؟

پاسخ

الکسیس کارل فیلسوف مشهور می گوید " : نیایش اصولاً کشش روح است به سوی کانون غیر مادی جهان و نیایش ، بلند ترین قله تعبیر را در پرواز عشق از میان شب ظلمانی عقل پیدا می کند " برخی از اندیشمندان معتقدند جوانان با ندای ارزشها به لرزه در می آیند و عده ای بر این باورند که" : معنویت ، داربست وجودی نسل جوان است". ۲ گرایش به معنویت ، همچون یک نیاز فطری از درون جوانان ، سر بر می آورد و از دیگر سوی ، آنان مایلند دنیا را اصلاح کنند. با پیچیدگی و دشواری فزاینده زندگی ، نیاز جوانان به معنویت ، جدی تر احساس می شود و اگر مشاهده می شود که کشش های معنوی دراین دوران ، بیش از سایر اوقات زندگی است ، رمز آن در فطرت پاک و زلال آنان است . مابایـد برای ارتقاء معنوی جوانان تلاش کنیم وبه یک بعد خاص اصرار نورزیم که ممکن است مفید نباشد. رسالت و وظیفه مادر قبال معنویت خواهی جوانان سنگین و مهم است برخی از مواردی که می توانیم برای آنان نقش مؤثری ایفا کنیم عبارتند از : ۱- تفهیم این واقعیت که معنویت و رابطه با خداوند فقط به روزهای سخت زندگی محدود نمی شود بلکه تجلی کامل ارتباط با پروردگار ، در همه فراز و نشیب های زندگی ، قابل مشاهده است به آنان

بگوییم، آنان که روزهای خوب زندگی به یاد خداوند هستند پروردگار شان آنها را در روزهای سخت زندگی ، تنها نخواهد گذاشت . ۲- آثار مثبت و ارزنده معنویات را در جنبه های فردی و اجتماعی برایشان باز گو کنیم تا انگیزه قوی تری برای ارتباط با خالق بیابند . ۳- ۳- آنان را آگاه کنیم که برخورداری از معنویت ، می تواند بر عوامل باز دارنده ای همچون اضطراب هاو استرس های زندگی ، غلبه نماید و اطمینان و آرامش را بجای آن ، قرار دهد . ۴- شیوه های نزدیک شدن به پروردگار را بدانان ارایه دهیم . شیوه هایی که هم از طریق عقل و هم از راه عشق می تواند ، جوان را و اصل به حقیقت بنماید . ۵- به جوانان یاد آوری نماییم که بهره گیری از معنویت ، به آدمی و شخصیت او ، ساختاری منطقی وقابل اعتماد می‌بخشد و او در پرتو چنین روشی قادر خواهد بود ، دوستان خود را جذب نموده وارتباط اجتماعی سالم و فعالی پایه ریزی نماید . ۶- مطالعه زندگی بزرگان دین و سیره اولیای خدا ، یکی از بهترین شیوه های تقریب نسل جوان به معنویات و حضور پروردگار می باشد . ۷- و چنانچه جوانان مایل باشند که بیشتر از گذشته خودرا به خالق ازلی نزدیک نمایند ، رمز آن را باید در عمل به واجبات و ترک محرمات بیابند . برادر عزیز و گرامی ماباید نسبت به جوانان به توسعه معنویت اهتمام بورزیم و تنها در یک بعد مثلاً اصراردر قرائت قرآن، حفظ قرآن به صورت اجباری وبا فشار شدید ، نماز جملاعت بصورت جدی و اجباری و مرتب ، خواندن نماز شب بصورت اجباری و... به مصلحت جوانان نیست باید احساس نیاز و علاقه مندی به امور معنوی را در جوانان ارتقاء بدهیم با تشویق و ترغیب و دادن هدیه ، حضور در مجالس تلاوت قرآن قاریان برجسته و مطالعه شرح حال قاریان بزرگ و آثار تلاوت و عمل به دستورات قرآن در زندگی افراد و قاریان را مطالعه کنند به مرور زمان علاقه مندی به قرآن درآنها ایجاد خواهد شد ولی اگر تمایل و گرایش به حفظ و تلاوت نداشتند و یا از صدا و صوت زیبائی برخوردار نبودند نباید اصرار بکنیم به سمت قاری شدن و حافظ شدن سوق داده شوند بلکه در حد خواندن و فهم مفاهیم وعمل به دستورات قرآنی تشویق شوند. آنچه در برخورد با قرآن مهم است عمل به دستورات قرآنی است نه تلاوت و حفظ ، اینها مقدمه است برای عمل به قرآن و تلاوت و حفظ بدون عمل نه تنها ارزش ندارد بلکه آثار منفی به دنبال دارد و جامعه را به سوی لاقیدی و بی دینی سوق می دهد . موفق وسربلند باشی منابع و مآخذ : ۱. کتاب نیایش ، ترجمه محمد تقی شریعتی ، ص ۴۱ سیری در بلوغ ، ترجمه کاظم سامی

چرا ما در مراسم عزاداری قرآن می خوانیم در مراسم عروسی و دیگر مراسمها قرآن نمی خوانیم؟

پرسش

چرا ما در مراسم عزاداری قرآن می خوانیم در مراسم عروسی و دیگر مراسمها قرآن نمی خوانیم؟

پاسخ

سؤالی که مطرح فرمودید بسیار مهم و اساسی است و در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم که؛ عرصهٔ ظهور قرآن بسیار فراتر از مواردی است که فرمودید . در واقع تمام زندگی مسلمین باید تجلیگاه معارف الهی قرآن باشد. زیرا قرآن یکی از دو یادگار گرانبهایی است که رسول خدا" ص "برای هدایت مسلمین به یادگار نهاد. اما واقعیت این است که از همان ابتدای اسلام و رحلت رسول بزرگوار اسلام و بعد از قضیهٔ غصب خلافت و خانه نشین شدن امیرالمؤمنین علی" ع "عامهٔ مسلمین به معارف و دستورات قرآن عمل کردند و در طول تاریخ به تدریج قرآن را برای رسیدن به ثواب قرائت آن استفاده کردند (البته علت اصلی آن وجود خلفا و حکام ستمگر در جامعه اسلامی بود که اکثر یا تمام حقایق قرآن مانع حکومت و ثروت اندوزی آنان بود) و به همین علت قرآن نقش تسکین دهنده در مجالس عزا را پیدا نمود اما در مجالس عروسی که صریح آیات قرآن مخالف لهو و لعب و رقص و ...

می باشد، قرآن ظهوری نیافت. عدم معرفت مسلمین به حقیقت قرآن مانع شد تا قرآن بعنوان کتاب هدایت در جامعه اسلامی جایگاه خود را بیابد حضرت امام" ره "در مورد جایگاه حقیقی قرآن و تأثیر تلاوت آن می فرمایند" : مطلوب در قرائت قرآن کریم آن است که در قلوب صورت آن نقش ببندد، و اوامر و نواحی آن تأثیر کند و دعوات آن جایگزین شود. و عمدهٔ آنها (آداب قرائت قرآن) تفکر و تدبر و اعتبار به آیات آن است و معلوم است کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب آن اثر کند و کم کم به مقام متقین رسد (".۱) با دقت در کلام آخر امام راحل" ره ("کم کم به مقام متقین رسد) در می یابیم که تلاوت قرآن و تدبر در آیات آن انسان را به مقام تقوا می رساند و انسان را از گناه باز می دارد و با وضعی که اکثر مراسم عروسیها در جامعه ما دارد تلاوت قرآن در این مراسمها اصلاً مناسبت ندارد و نمی شود در مراسمی هم رقص و پایکوبی و لهو و لعب برقرار باشد و هم قرآن تلاوت شود.

اینکه به بهانه حفظ شأن حکومت ساختمانهای آنچنانی ساخته شود و صندلی های آنچنانی تکیه گاه بعضی شود آیا درست است؟

اشاره

چرا نباید روحانیت معظم همچون سابق مظهر ساده زیستی و زهد باشند وقتی با یک پیکان مدل بالا می شود کارها را انجام داد استفاده از ماشینهای دیگر که

پرسش

اینکه به بهانه حفظ شأن حکومت ساختمانهای آنچنانی ساخته شود و صندلی های آنچنانی تکیه گاه بعضی شود آیا درست است؟ چرا نباید روحانیت معظم همچون سابق مظهر ساده زیستی و زهد باشند وقتی با یک پیکان مدل بالا می شود کارها را انجام داد استفاده از ماشینهای دیگر که برای مردم لوکس و گران قیمت است آیا دور از احتیاط نیست؟ آیا این همه اسراف در بیت المال و اعمالی اینگونه کار کمتری از منافقین انجام می دهد؟

پاسخ

سؤال کننده محترم، شاید شما هم با این سخن موافق باشید که در شرایط فعلی نباید عمل مسلمانان و حتی همه افراد روحانیت را به حساب اسلام گذاشت، زیرا اگر چه اصل حکومت و نظام اسلامی است و مایهٔ خوشبختی است لیکن حداقل بخشی از عملکرد مسؤولان و مردم هنوز اسلامی نیست و باید تلاش شود تا همگان گامی به سوی اسلامی شدن تمام عیار عملکرد خویش بردارند. و یکی از مواردی که در زندگی برخی از مقامات حکومتی و به ویژه روحانیت دیده می‌شود و مغایر آموزه‌های اسلامی است و شما هم بدرستی اشاره کردید، مسألهٔ تشریفات ویژه و رفاه طلبی در زندگی خصوصی آنان است و این امر تأثیر بسیار منفی در ذهن مردم و به خصوص طبقهٔ محروم جامعه نسبت به اسلام و مسؤولان دارد. البته از طرفی نباید این ماجرای مربوط به امام صادق (ع) را از یاد ببریم که حضرت روزی با لباسها ی نو و آراسته از منزل بیرون آمده بود، یکی از مسلمانان مقدس مآب و عارف مسلک امام را دید و به عنوان اعتراض به او گفت: چگونه شما چنین لباسهایی می پوشید در حالیکه علی بن ابی طالب (ع) لباسهای بسیار کهنه و فرسوده می پوشید؟ امام صادق فرمود: شرایط امروز مردم و جامعه با شرایط زمان علی (ع) متفاوت است و اگر علی (ع) هم در این دوران زنده بود مانند من می پوشید همانگونه که اگر من در زمان علی (ع) زنده بودم مانند او لباس می پوشیدم. (۱) البته با این

وجود امام صادق (ع) پیراهن خود را بالا زد و لباس زیر خود را که پارچه ای خشن و زبر داشت به وی نشان داد و به او آموخت که علی رغم پوشیدن لباسهای نو و آراسته، لباس زیرینش به دلیل تواضع در برابر پروردگارش، از بدترین نوع پارچه است. مهمترین آموزه و درس این ماجرا این است که رهبران و زمامداران جامعه حتی در مورد پوشش خود نیز باید شرایط مردم و جامعه را مد نظر داشته باشند نه آن گونه زندگی صوفیانه داشته باشند که عموم مردم از اسلام روی گردان شوند و نه آن گونه رفاه طلب باشند که طبقهٔ محروم جامعه افسوس بخورند. با این حال شما هم با ما هم عقیده اید که در شرایط فعلی و در ایران حداقل مقام معظم رهبری به عنوان شخص اول کشور و نیز برخی از سران کشور هیچ گونه نشانه رفاه طلبی و تشریفات در زندگیشان دیده نمی شود گر چه عملکرد بخش قابل توجهی از مسئولین نیز مایه تأسف است. منابع و مآخذ: ۱ـ اصول کافی یا بحار الانوار

چه چیزهایی برای جذب جوانان و نوجوان در نظر دارید؟

پرسش

چه چیزهایی برای جذب جوانان و نوجوان در نظر دارید؟

پاسخ

از این که شما دوست و برادر عزیز و گرانقدر به مسأله مهم جذب نوجوانان و جوانان به مسجد می اندیشی بسیار مسروریم و امیدواریم با همت و تلاش خالصانه و مجددانه و طلبکارانه شما از متولیان امور مساجد حضور نوجوانان و جوانان هر روز بیشتر در مساجد رونق بگیرد. برادر عزیز دوستانی که متکفل پاسخگویی به پرسشهای شما در مساجد پاسخ می گویند متولی امور مساجد نیستند تا بخواهند برای جذب نوجوانان و جوانان به مساجد برنامه ریزی کنند ولی اگر از طرف متولیان مساجد مورد سوال قرار گیرند قطعاً دوستان عزیز و صاحب نظران گوناگون در حیطه های مختلف راه هایی ارایه خواهند نمود ولی به نظر می رسد بهترین راه جذب نوجوانان و جوانان این باشد که خود آنان بگویند دوست دارند مساجد چگونه باشند، چه برنامه هایی در مساجد ارایه شود جذابتر است نه تنها بگویند بلکه خودشان در اداره مساجد شرکت کنند و برنامه های باب طبع و دل خواه خودشان را طراحی و اجرا کنند. نوجوانان و جوانان نباید منتظر باشند دیگران برای آنان برنامه ریزی کنند و آنان به عنوان افراد منفعل در آن شرکت جویند، حال قابل استفاده باشد یا نباشد. ولی اگر خود جوانان با مشورت با بزرگترها و افراد باتجربه مثل روحانیون بزرگوار، استادان دانشگاهها، معلمان و آموزگاران گرامی و متولیان امر تعلیم و تربیت و صاحب نظران در مسایل نوجوانان و جوانان برای خودشان برنامه ریزی کنند، بهترین برنامه ها طراحی و اجرا خواهد شد و قطعاً نتایج مثبت و خوبی نیز به دنبال خواهد داشت. دوست عزیز شما می توانید با همکاری سایر نوجوانان و جوانان مذهبی و متدین در قالب بسیج مسجد، گروههای علمی و مطالعاتی، ورزشی و ... در مسجد منسجم و تشکیل شده و برای خودتان برنامه ریزی مدون و منظمی داشته باشید. و نه تنها می توانید برنامه هایی در مسجد اجرا کنید بلکه می توانید در مسجد برای کارهای ورزشی، اردو و ... نیز برنامه ریزی کنید و مبداء حرکت شما مسجد باشد. مرکز وحدت و انسجام و ... مسجد باشد ولی این بدان معنا نیست که حتماً هر برنامه ای باید در مسجد اجرا شود. آنچه بتوانید در مسجد اجرا کنید و هر آنچه امکان اجرای آن در مسجد وجود نداشت و آنرا برای نسل جوان مفید دانستید انجام دهید. مسجد را مرکز ثقل تصمیم گیری و برنامه ریزی و مبداء حرکت و تعالی جسمی و فردی خودتان قرار دهید. انشاء الله مفید و سربلند باشید.

اگر بگویم شاید باورتان نشود، من همیشه در سلام کردن سعی می کنم پیش قدم باشم چرا که:

اشاره

۱ـ دستور اسلام است. ۲ـ باعث افزایش محبت آن شخص در نزد افراد می شود. تنها یک بار مشاهده کردم که بعد از بیرون آمدن از مسجد امیر المومنین (ع) گناباد پیش نماز این مسجد هن

پرسش

اگر بگویم شاید باورتان نشود، من همیشه در سلام کردن سعی می کنم پیش قدم باشم چرا که: ۱ـ دستور اسلام است. ۲ـ باعث افزایش محبت آن شخص در نزد افراد می شود. تنها یک بار مشاهده کردم که بعد از بیرون آمدن از مسجد امیر المومنین (ع) گناباد پیش نماز این مسجد هنگامی که از روبرو ما را دید با این که حواس ما در تقدم سلام کردن پرت بود با چنان صدای بلند و رسایی سلام کرد که جمعی که با من بودند چنان لذتی را تا به حال نبرده بودند. حال سؤال من این است که چرا روحانیون عزیز به این مسایل واقعاً با ارزش اهمیت کمی می دهند یا مثلاً من کمتر دیده ام که یک فرد روحانی در عزاداری امام حسین (ع) مثل بقیه مردم و در کنار مردم و محل مردم سینه بزنند آیا با این کار محبوبتر نمی شوند؟ و آیا با این کارها فاصلهٔ مردم با ایشان کمتر نمی شود حال نمی دانم دلیل این رفتارها از طرف گویندگان دین ما چیست؟

پاسخ

برادر عزیز و بزرگوار سلام، از این که می بینم جوانانی همانند شما به این مسایل و قداست روحانیت و رهبران مذهبی و نیز اجرای دستورات اسلامی اهمیت داده و مقید هستید و دل می سوزانید خداوند بزرگ را شاکر و سپاسگزاریم. ما نیز با شما برادر عزیز و گرامی موافق هستیم و معتقدیم اجرای دستورات دینی قشر و طبقه نمی شناسد و کسانی که لباس مقدس هدایت جامعه بر تن دارند باید رفتارشان شباهت بیشتری به رفتار پیامبر (ص) داشته باشد. پیامبر (ص) در سلام کردن سبقت می گرفت و هیچکس نتوانسته است در سلام کردن بر پیامبر (ص) سبقت بگیرد. اگر رفتار و منش رهبران دینی با رفتار و منش پیامبر (ص) شباهت بیشتری داشته باشد اثر بیشتری در تربیت دینی مردم می گذارد تا این که بخواهند با شیوه بیانی و گفتاری به هدایت مردم بپردازند چنانچه شاعر گفته است: دو صد گفته چون نیم کردار نیست. دوست عزیز با اذعان به آنچه شما برادر ارجمند و محترم بیان کرده ای و تایید درک و فهم و استنباط شما باید اضافه کنیم که در میان روحانیت نیز همانند سایر طبقات افرادی با روحیات و حالات گوناگون وجود دارد. چه بسا بسیاری از آنها به این نکاتی که مطرح کرده ای توجه ندارند یا به لحاظ ارثی به گونه ای بار آمده اند و تربیت شده اند که تحول شخصیتی آنان کمی مشکل و سخت به نظر می رسد و گاهی نیز ممکن است تعداد اندکی با روحیه اقتدار گرایانه و از موضع برتری جویانه ای با جامعه برخورد نمایند و خود را از سایر افراد جامعه برتر بشمارند و توقعی مشابه با این احساس داشته باشند و برخی کارها و امور را در شأن خودتان بحساب آورند. از سوی دیگر برخی از کارها اگر چه برای روحانی بدون اشکال است ولی عرف جامعه آنرا قبیح و کوچک و سبک می شمارد. بنابراین عزیزان روحانی با توجه به این جنبه اجتماعی از برخی کارها اجتناب می کنند. مثلاً آیا مکیدن شکلات و آدامس برای روحانی حرام است؟ قطعاً از نظر شرعی حرمت ندارد ولی اگر امام جمعه یا امام جماعت در حالی که آدامس می جود در جمع مردم حاضر شود همه مردم این عمل را تقبیح می کنند و حال آن که عملی حرام نیست. بنابراین برخی از کارها را عرف جامعه برای برخی طبقات سبک و خلاف شأن آنها می شمارند. این قبیل

کارهـا اگر چه از نظر شـرعی حرام نیست ولی افراد بایـد بـا توجه به شأن اجتماعی خودشان کارهایی که جامعه آنرا خلاف شأنشان می شـمارد ترک کننـد. البته گاهی نیز افراط و تفریط می شود و برخی کارهایی که اجتماع دون از شأن نمی داند به بهانه دون شأن بدان ترک می کنند و گاهی برخی کارها به بهانه این که دون شأن نیست انجام می شود. رفتار متعادل و متناسب با هر جامعه توسط افراد جـامعه نشـان دهنـده سـطح والای فرهنگی آن جامعه است و تا زمانی که ما به این سـطح از فرهنگ نرسـیم در همه طبقات از جامعه روحانیت این مشکلات وجود داشته و خواهد داشت. امید است با افزایش سطح فرهنگ عمومی این رفتارها متعادل گردد.

در مورد متولی های مسـجد و سازمانهای مسؤول در مورد این سنگر اسلام توضیح بفرمایید. چرا مساجد اینقدر راکد و بی جاذبه هستند و چه راهکاری را در این زمینه (پویایی مساجد) پیشنهاد می کنید.

پرسش

در مورد متولی های مسـجد و سازمانهای مسؤول در مورد این سـنگر اسـلام توضـیح بفرماییـد. چرا مساجد اینقدر راکد و بی جاذبه هستند و چه راهکاری را در این زمینه (پویایی مساجد) پیشنهاد می کنید.

پاسخ

احیـای مساجـد و جـذب نیروهای جوان مسـتلزم یک خیزش و یک حرکت عمومی است جا دارد نخبگان جامعه و کارگزاران نظام مقـدس جمهوری اسـلامی در این خصوص یـک طرح فراگیر ملی را مورد مطالعه قرار دهنـد و با دیـد ملی به آن نگاه کننـد. پاسـخ مفصل به سؤال جنابعالی در این مختصـر نمی گنجد اما نکاتی به اسـتحضار می رسد: ۱ـ مدیریت مساجد با شیوه های سنتی کنونی، فاقـد جاذبیتها و اولویتهاست عمدهٔ افراد هیأت امنای مساجد (با همهٔ احترامی که برای آنان قائل هستیم و باید به عنوان پیش کسوتان مورد تکریم قرار گیرند) اما از افراد مسن و گاهی کم سواد هسـتند. فاصلهٔ سـنی میان دو نسل دو پیامد منفی ببار آورده است: الف: مدیریت و توجه و پویایی مساجد به روز نیست. ب: شـیوه های تبلیغ دین با روشهای کار فاصلهٔ زیادی دارد. علاج این دو مشکل به این است که اولاً ـ حـداکثر تلاش بعمل آیـد نیمی از اعضای هیأت امنا از نیروهای جوان و پر انرژی باشـند که درد جوان و خواسـته هـای او را درک کننـد. ثانیاً با شـیوه های تبلیغ مـدرن آشـنا باشـند. بقول معروف کبوتر با کبوتر باز با باز کنـد همجنس با همجنس پرواز اگر نیروهـای فعـال مسـجد از جنس جوانـان باشـند تمایل بیشتری برای مشارکت و حضور دیگر جوانان فراهم می شود. ۲ـ در برخی موارد مشاهده شده که در خدمهٔ مسجد، خصوصاً خادم مسجد نسبت به وظایف محوله توجیه نشده است. اینجانب چندین بار با چشم خودم دیـدم که تلاش بچه ها توسط خادم مسـجد به هـدر رفته و بقول معمول، هر چه آنان بافته بودنـد توسط بابای مسـجد پنبه شـد. علت آن بود که جوانـان و یـا حتی نوجوانان بر اساس شور جوانی و تحرک و انرژی فوق العاده شان تلاشـهایی می کردند که یا با سلیقهٔ خادم مسجد و برخی از پیر مردان و ریش سفیدان جور در نمی آمد. و یا اساساً آن را مخالف می دانستند. مثلاً اجرای برنامهٔ سـرود، یا تزئینات مسـجد یا دعوت از سـخنرانان جوان پسند و ... پس یکی از مشکلات فرا روی پویایی مسجد، خدمهٔ مسجد هسـتند که بایـد در برنامه ریزی ها و طرحها مدنظر قرار گیرند و چارهٔ مناسبی در پیش گرفته شود. ۳ـ در نظام فعلی سازمان تبلیغات اسـلامی مسـجد، جایگـاه واقعی را بـدست نیـاورده و با وضـعیت مطلوب فاصلهٔ زیادی دارد. آیا نمی توان مساجـد را با سیسـتمهای کـامپیوتری و اینترنت مرتبـط سـاخت و برخی از سایتهای فعال مساجـد را برای جوانان نمایش داد؟ آیا نمی توان فیلمهای مـذهبی و عمـده را در ساعـاتی معیـن پخش کرد و جوانـان را بـا شـیوه هـای مـدرن امروزی بـا بهـترین سیسـتم هـای تبلیغـاتی آشـنا کرد. و با بکارگیری ویدیو پروجکشن های مجهز، سـخنرانی های پرطرفدار آقای پناهیان و برخی از مداحان بنام را نمایش داد؟ آیا نمی توان

برخی از درسهای آموزشی و کمک آموزشی را در مساجد اجرا کرد و نسل جوان را در راه تقویت بنیهٔ علمی و آموزشی یاری رساند. راستی تاکنون چند کلاس تقویتی کنکور را در مساجد اجرا کرده ایم. مساجد درصدر اسلام محور همهٔ تبلیغات و فعالیتها بوده است، آیا اکنون نیز چنین است. آیا نمی توان بگونه ای برنامه ریزی کرد که هر از چند گاهی، با حضور یکی از اساتید توانمند و مطرح (دکتر عباسی، دکتر رحیم پور و ...) کنفرانسهایی و فراگردهایی بمنظور پاسخ به شبهات و خواسته های جوانان برگزار کرد و نسل جوان را جذب نمود. آنچه مطرح شد و دهها" آیا "و" اگر "دیگر ممکن است بشرط آنکه بودجه های هزینه شده در برخی از سمینارها و کنگره ها و گرد همایی ها در مصارف صحیح و ضروری هدایت و بجا مصرف شوند. هر چند به نظر می رسد دعواهای جناحی در قالبهای سیاسی دو جناح به همراه داشته است نخست آنکه اعتماد عمومی نسل جوان را نشانه رفته و نوعی گریز از دین و مذهب را در اندیشه اش دامن خواهد زد و دوم فرصت سوزی است. مسؤولینی که می توانند از فکر و اندیشه خود در جهت جلب و جذب جوانان بهره ببرند در یک دعوایی بی حاصل جناحی وارد می شوند و فرصت خدمتی بزرگ با این همه اهمیت را از دست میدهد. مسؤالی که توان ادارهٔ تبلیغات یک یا چند مسجد را دارد در یک مدیریت نامناسب قرار گرفته و مساجد را از وجود خود محروم ساخته است. نتیجه آنچه مطرح شد. (۱) پویایی مساجد از عوامل اساسی پویایی انقلاب اسلامی و حفظ و تداوم آن است. ۲ـ در نگاه اول به یک طرح ملی در حد کلان نیاز داریم که ساز و کار مناسب را بر اساس یک مطالعهٔ فراگیر ارائه دهد. البته تحقق این امر در دراز مدت ممکن است جواب دهد . ۳ـ در کوتاه مدت چند کار برای پویایی مساجد در اولویت است. الف: خواسته های معقول و مشروع جوانان در برنامه ریزی های مساجد در اولویت قرار گیرد مثلاً در مسجد کمیتهٔ ازدواج و حتی کمیتهٔ تهیهٔ جهزیه و ... ب: سخنرانان و مبلغان از میان طلبه های جوان و با استعداد انتخاب شوند که با فهم جوان و نیازهای او آگاه باشند. ج: از ابزار مدرن تبلیغات امروزی در حد مشروع بنحو مطلوب استفاده لازم بعمل آید. د: رفتار کادر هیأت امنا و خادم مسجد با کانون مسجد و بسیج و کلاً نوجوانان، توأم با محبت و دلسوزی باشد.

آیا با این همه فساد اداری که در کشور وجود دارد، ارزشهای فرهنگی و ایرانی و اسلامی ما می‌تواند اسلحه‌ای در مقابل استعمار باشد؟ چرا در انجام تکالیف اسلامیمان درماندیم نمونه‌های مختلف بی‌عدالتی را می‌بینیم مثلاً شنیده‌ام که در زندانی توسط مأموران در قالب سا

پرسش

آیا با این همه فساد اداری که در کشور وجود دارد، ارزشهای فرهنگی و ایرانی و اسلامی ما می‌تواند اسلحه‌ای در مقابل استعمار باشد؟ چرا در انجام تکالیف اسلامیمان درماندیم نمونه‌های مختلف بی‌عدالتی را می‌بینیم مثلاً شنیده‌ام که در زندانی توسط مأموران در قالب ساندویچ مواد مخدر پخش می‌کنند چرا در زندان به این کوچکی کنترلی وجود ندارد؟ یا بعضی از مسئولیتهای مهم را به افرادی که صلاحیت اخلاقی ندارند می‌دهند؟ و یا موارد دیگر فساد و بی‌عدالتی موجود در بعضی دستگاهها و ارگانها و ... . چطور ما هنوز خودمان را اصلاح نکردیم اما دم از انتشار انقلاب اسلامی به دیگر کشورها می‌زنیم آیا نسبت به این مسائل باید بی‌توجه بود؟ ممکن است بگویید موردی اندک بوده و مسائلی از این بزرگتر در اطرافمان هست اما کجا؟ خدا می‌داند. خیلی‌ها در اوایل با انقلاب و همگام با مردم قدم برمی‌داشتند و تلاش می‌کردند اما حالا با دیدن این مسایل و نارسایی‌ها و مشکلات نسبت به خیلی از مسائل نظر خوبی ندارند. آیا روش حکومت پیامبر (۹) هم همینطور بوده این حرفها را از روی غرض نگفتم امیدوارم به بهانه این که مسایل از این مهم‌تر هم در اطرافمان وجود دارد و آن قدر هم بزرگ نیست که شما تصور می‌کنید از جواب دادن خودداری نکنید.

پاسخ

اسلام عزیز، دینی همه جانبه و مطابق بافطرت پاک بشری و در برگیرنده همه نیازهای انسان است هر چه کمبود احساس می کنیم به علّت کوتاهی و تقصیراتی است که از خودمان سر می‌زند. همهٔ ما باید وظیفه خویش را بشناسیم و بدان عمل کنیم تا مدینهٔ فاضلهٔ نبوی تحقّق یابد و گر نه در زمان حکومت حضرت علی (۷) یا در صدر اسلام در زمان حیات پیامبر گرامی نیز افرادی مغرض یا خطاکار وجود داشته‌اند که پس از اطلاع از انحراف و کجروی عمدی یا سهوی آنان به نحو مناسب با آنان برخورد می‌شد و این در زمان دولت حضرت مهدی (۷) هم خواهد بود. و تصور این که همهٔ افراد در همهٔ سطوح خطا و اشتباه و غرض‌ورزی نکنند یک آرمان دست نیافتنی است اما وجود افراد فاسد یا وظیفه‌نشناس در یک ارگان و نهاد یا در یک دستگاه حکومتی دلیل بر فساد و یا انحراف کل آن دستگاه نخواهد بود گرچه نقص هر چه کمتر باشد بهتر است البته در مورد خلافها و گناههایی که در جامعه صورت می‌پذیرد نه فقط رؤسای مملکتی بلکه همهٔ ما مسئولیم تک تک ما باید با سخن و عمل خود آمر به معروف و ناهی از منکر باشیم و در واقع بخش عمده‌ای از رواج فساد و گناه در جامعه ناشی از مسامحه و سهل‌انگاری خود ماست نکته دیگر این که انتشار انقلاب اسلامی و صدور آن به سراسر جهان امری است که خداوند متعال وعدهٔ آن را داده است چرا که صدور انقلاب یعنی صدور اسلام و دستورات آن و ما وظیفه داریم در راه نشر و تبلیغ احکام اسلام تلاش نماییم البته بهترین وسیله برای تبلیغ عمل ماست و لذا می‌بینیم فداکاری جوانان سلحشور ما در جبهه‌های جنگ اسلام علیه کفر مهمترین عامل صدور انقلاب بوده و هست زندگی ساده و پر از صمیمیّت امام خمینی) ; (و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دام عزه و سفرهای ارزشمند و پر ثمر مسؤلینمان به کشورهای دیگر، باعث جذب میلیونها نفر به سمت اسلام و ایران اسلامی شده است و قهراً به هر اندازه که ما ویژگیهای مثبت نظام و کشورمان را افزایش دهیم در وظیفه مهم صدور انقلاب موفق‌تر خواهیم بود. البته این مسئله ربطی به رفع کمبودها ندارد ;چه بسا ما در کشورمان با کمبودهایی مواجه باشیم ولی نسبت به مسلمانان مظلوم جهان وظایفی داریم که باید انجام دهیم اسلام عزیز دستاوردهایی داشته و ارزشهای والایی برای ملّت ما به ارمغان آورده که اگر صادقانه و منصفانه بنگریم هرگز به خاطر نواقص یا انحرافاتی که وجود دارد، نسبت به اسلام انقلاب و رهبران دلسوز و تلاشگر آن بدبین نخواهیم شد.

چگونه می‌توان به عنوان یک خواهر شهید در مقابل تبلیغات تهاجم فرهنگی کمرنگ شدن ارزشها، تخریب نیروهای حزب اللّهی و همچنین نگرانی نسبت به دختران و پسران به خصوص نسل آینده ایفای وظیفه نمود و مانع از پایمال شدن خون شهیدان شد.

پرسش

چگونه می‌توان به عنوان یک خواهر شهید در مقابل تبلیغات تهاجم فرهنگی کمرنگ شدن ارزشها، تخریب نیروهای حزب اللّهی و همچنین نگرانی نسبت به دختران و پسران به خصوص نسل آینده ایفای وظیفه نمود و مانع از پایمال شدن خون شهیدان شد.

پاسخ

خواهرم تعهد شما نسبت به فرهنگ جامعهٔ اسلامی قابل تقدیر و ستایش است همان گونه که می‌دانید اجتماع دریایی خروشان است که هر قطرهٔ آن یکی از افراد بشر است اگر هر شخص مراقب اعمال خود بوده به وظیفهٔ انسانی خویش عمل نماید، جامعه رو به سعادت و هدایت پیش خواهد رفت و این سعادت و هدایت مقدمهٔ یک غیرت دینی در مردم خواهد شد. غیرتی که شخص را در برابر مفاسد جامعه آسوده خاطر نخواهد گذاشت بلکه با تدبیر و درایت احساس مسؤلیت کرده و از راه‌های صحیح به امر به معروف و نهی از منکر اقدام خواهد نمود و این چنین جامعه به سوی خیر و صلاح همگام و هماهنگ پیش خواهد رفت ان شأالله یکی از نکات حائز اهمیت از بین بردن زمینه‌های گرایش به فرهنگ غرب و آگاهی کامل از فرهنگ غنی اسلام است فرهنگی که دشمن با

سلاح‌های گوناگون گرد آن حلقه زده و قصد تصرف در این قلعهٔ فتح ناشدنی را دارد. آری خواهرم این ما هستیم که باید با آگاهی کامل و پیروی از خط امام و ولایت در جهادی که سنگرش علم و تقویَ و سلاحش گاهی قلم و گاهی بیان است به جنگ با دشمن برخیزیم در این میان باید دانست همان گونه که بی‌تفاوتی امری نکوهیده است رویارویی نسنجیده نیز می‌تواند مضر باشد. پس همان‌گونه که خدای متعال فرموده و ادفع بالتی هی احسن به بهترین روش باید بدی‌ها را دفع نمود. پس با توجه به مطالب فوق وظیفهٔ ما در نخستین گام کسب آگاهی لازم و شناخت معروف و منکر از نظر شرع مقدس اسلام است تا پس از آن با سعهٔ صدر و برخوردهای مناسب و بزرگوارانه در راه ترویج ارزش‌های اسلام ناب و جلوگیری از نفوذ هجمهٔ فرهنگی دشمن اقدام نماییم با آرزوی پیروزی و سعادت شما را به خدای بزرگ می‌سپاریم

چرا قرآن میگوید: سختیها باعث تکامل افراد جامعه است؟

پرسش

چرا قرآن میگوید: سختیها باعث تکامل افراد جامعه است؟

پاسخ

یکی از حکمتها و فلسفههای مشکلات و سختیها، کنار رفتن حجابها از روی فطرت پاک آدمی است. در کورهٔ حوادث تمام قشرهای سیاهی که روی این فطرت را پوشانده است، میسوزد و از میان میرود، و برای مدتی هر چند کوتاه، درخشش این نور توحیدی آشکار میگردد. از برخی از آیات قرآن مجید استفاده میشود که ;یکی از خواص مهم حوادث سخت و دشوار، کنار رفتن پردههای غرور و غفلت از مقابل چشم دل و شعلهور گشتن فروغ ایمان، و بازگشت و انابه، به سوی پروردگار عالم است ;در سوره زمر، آیهٔ ۸ میخوانیم": وَ إِذَا مَسَّ الْ سِّنسَـَنَ ضُـرٌّ دَعَا رَبَّهُو مُنِيبًا إِلَيْه ;...چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را ـ در حالی که به سوی او بازگشت کننده است ـ میخواند "تعبیر" مُنِيبًا إِلَيْه "نشان میدهد که انسان، در حالات سخت، که تمام پردههای غرور و غفلت کنار میرود، هر چه غیر از خداست، رها کرده و به سوی او باز میگردد. و در مفهوم" إنابه "بازگشت این حقیقت نیز نهفته است که جایگاه اصلی انسان و مبدأ و مقصد او نیز خدا بوده است.(ر.ک: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی، ج ۱۹، ص ۳۹۱.) در جای دیگری از قرآن میفرماید": فَأَخَذْنَـهُم بِالْبَأْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ(; انعام،۴۲) آنها را به شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید]بیدار شوند و در برابر حق[تسلیم گردند. "از این آیه، استفاده میشود، که خداوند افراد را به بأسأ و ضرأ]سختیها، رنجها و گرفتاریها[مبتلا میکند، تا این که با این واسطه، آنها به سوی خداوند، تضرع نمایند. و همین آمدن آنها به بارگاه قدسی خداوند، سبب قرب و نزدیکی آنها به خدا شده، در نتیجه تکامل یابند. یعنی خداوند افراد را به سختیها گرفتار میکند، تا آنان به سوی خدا برگردند و در نتیجه به تکامل برسند. البته خداوند در جایی از قرآن، بیان نمیکند که سختیها باعث تکامل افراد میگردد، بلکه از آیاتی استفاده میشود که گرفتاری در دام سختیها نهایتاً منجر به بازگشت افراد به حقیقت خویش و خدای خویش شده، در نتیجه باعث تکامل آنان میگردد.

چرا با وجود تبلیغات بیش از اندازه درباره نماز و... هر روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود؟ آیا در قرآن در اینباره دستور و راهکاری وجود دارد؟

پرسش

چرا با وجود تبلیغات بیش از اندازه درباره نماز و... هر روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود؟ آیا در قرآن در اینباره دستور و راهکاری وجود دارد؟

پاسخ

پرسشگر گرامی! به چند نکته توجه فرمایید: ۱. تبلیغات دربارهٔ نماز و ساختن مساجد و... نه تنها بیش از اندازه نیست ;بلکه به اندازه هم نیست و اگر تبلیغات در مورد مسائل دیگری در جامعه را با تبلیغات درباره مراسم و فرایض دینی مقایسه کنیم روشن میشود که درباره نماز و... تبلیغات ضعیف و در سطح پایینی قرار دارد ;ولی با این وجود ادعای شما که روز به روز از تعداد نمازگزاران کاسته میشود نیاز به آمار دقیق و تحقیقی دارد. ۲. تهاجم فرهنگی به اعتقادات دینی مردم به خصوص جوانان از جمله ابزارها و روشهای دین ستیزی و مبارزه با خداپرستی است که همواره از سوی استعمارگران و ستمگران به کار گرفته شده و میشود و در این راستا از پیچیدهترین و پیشرفتهترین ابزارهای تبلیغاتی بهره میگیرند و در انحراف انسانها تلاش میکنند. ۳. دامن زدن به اختلافهای اجتماعی و حکومتی و وارد و مشغول شدن به بازیهای سیاسی و غفلت از مشکلات اصلی مردم و کوتاهی برخی از نهادهای فرهنگی نسبت به انجام وظایف اصلی خویش و... همگی دست به دست هم میدهند و باعث تضعیف مبانی اعتقادی مردم و کمرنگ شدن انگیزه آنها و سهلانگاری و سستی آنان در انجام دستورهای خداوند متعال میشود. قرآن کریم و دین مقدس اسلام، برنامههای جامع و عملی جهت مقابله و پیشگیری از تهاجم فرهنگی دشمنان و جلوگیری از متفرق شدن جامعه اسلامی و... پیشبینی کرده که برخی از آنها عبارتند از: ۱. توصیه به پرستش خداوند متعال به جای اطاعت از شیطان (;یس، ۶۰ـ۶۱) ۲. حفظ روحیه دشمنستیزی(;فتح،۲۹) ۳. تقویت و تعمیق باورهای دینی(;انعام،۷۱ و اسرأ،۳۶، ۴. اقامه و احیای فرهنگ نماز در جامعه (;عنکبوت، ۴۵) ۵. احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (;آلعمران،۱۰۴) ۶. عبرتآموزی از امتهای گذشته(;یوسف،۱۱۱ و حشر،۲) ۷. دعوت به اتحاد و وحدت(;آلعمران،۱۰۳) و... و البته آنچه مهم است و باعث ساخته شدن سد محکم در مقابل دشمنان میشود و از نفوذ آنها میتواند جلوگیری کند، عمل به دستورهای قرآن کریم است.(ر.ک: تهاجم فرهنگی، آیت اللّه مصباح یزدی، انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.);

آیا از نظر قرآن دین میتواند تمدنساز باشد یا خیر؟

پرسش

آیا از نظر قرآن دین میتواند تمدنساز باشد یا خیر؟

پاسخ

پاسخ پرسش نیازمند تبیین و تعریف دین و تمدن است. تمدن تمدن در عرف پارهای از مردم و دانشمندان خودباخته، به معنای لیبرالیسم اخلاقی، برهنگی و... است. در صورتی که مراد از تمدن این معنا باشد، دین با آن به شدت مخالف بوده، و هدفش در مقابل آن است. امّا تمدّن با توجه به معنای لغوی آن ـ نه عرفی ـ اگرچه تاکنون تعاریف متعددی را از سوی صاحبنظران به خود دیده است ;ولی غالباً آن را" تخلق به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و هجمه و جهل به حالت ظرافت، انس و معرفت("لغتنامهٔ دهخدا، واژهٔ تمدن.) معنا کردهاند. دین تعریف ما از دین، در نوع حضور دین در جامعه بشری و قلمرو آن، نقش تعیینکنندهای

دارد. اگر دین را منحصر به رفتارهای زاهدانه و عبادات فردی بدانیم، نباید از دین انتظاری بیش از اصلاح رفتار فرد داشته باشیم. اما اگر به جامعیت دین در همهٔ ابعاد معتقد باشیم که حق همین است و دانشمندان دینشناسی، چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و... آن را پذیرفتهاند، در این صورت قلمرو دین وسیع بوده و میتواند در همهٔ زمانها و ابعاد زندگی بشر حضور خود را به اثبات برساند. تعریف علامهٔ طباطبایی از دین چنین است": آن روش مخصوصی است در زندگی که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دایمی حقیقی باشد تأمین مینماید ;پس، در شریعت باید قانونهایی وجود داشته باشد که روش زندگانی را به اندازهٔ احتیاج روشن سازد("المیزان، علامه طباطبایی، ترجمهٔ محمدباقر موسویهمدانی، ج ۲، ص ۱۸۷ / ر.ک: انتظار بشر از دین، عبدالله نصری.) طبق تعریفی که از دین و تمدن شد روشن میشود که دین نه تنها با تمدن مخالف نیست، بلکه تمدن واقعی را میسازد و هدفی جز پیشرفت، معرفت، دوری از بربریت و ـ ;...البته با معیارهای الهی ـ ندارد. اثبات این مدعا نیازمند بررسی عوامل ظهور تمدن است. عناصر و عوامل تمدن در تمدن معمولاً چهار عنصر اساسی وجود دارد: ۱. پیدا شدن سنتهای اعتقادی، اخلاقی ;۲. پیدا شدن سازمان سیاسی ;۳. پیشبینی و احتیاط در امور اقتصادی ;۴. تلاش و کوشش در راه علم و گسترش هنر. عوامل تمدنساز یاد شده ـ با معیارهای متفاوت ـ در ادیان مختلف آسمانی، به ویژه دین اسلام، وجود دارد. بهترین مؤید بر آن، استمرار تمدن توحیدی ;البته با فراز و نشیبها از پیدایش انسان تاکنون است. در ذیل به اختصار به دیدگاه قرآن، درباره عوامل یاد شده ـ با معیار قرآنی و الهی ـ اشاره میکنیم: بُعد اعتقادی و اخلاقی هر جامعه و تمدنی دارای نوعی عقیده نسبت به جهان و هستی است. و در همهٔ اقوام و ملل نوعی اخلاق وجود دارد. از نظر قرآن کریم، معیارهای تمدن در بُعدهای یاد شده عبارتند از: ۱. ایمان به خدای یگانه" إنّ هَذه أمّتکم أمّـةً وَحدةً و أنا ربّکم فاعبدون ("انبیأ، ۹۲ ;)۲. تسلیم محض در مقابل خداوند (احزاب، ۳۶ ;)۳. تقوی (اعراف، ۶۵ ;)۴. وفای به عهد (مؤمنون، ۸ ;)۵. صبر و استقامت (بقره، ۱۷۷ ;)تعاون (مائده، ۲) و... . بُعد مدیریتی و سیاسی پرواضح است سیستم مدیریت و نظام سیاسی یک جامعه، حساسیت و اهمیت زیادی داشته و در پیشرفت یا انحطاط آن نقش به سزایی دارد. اسلام با تبیین نظام سیاسی دقیق و پویا به این بُعد از عامل پیشرفت جامعه و تمدن نیز پرداخته است. قرآن کریم در چند جهت این امر را بررسی کرده است: ۱. تبیین صلاحیت شخصی رهبر (مائده، ۵۵ ;نسأ، ۱۴۱ ;بقره، ۲۴۷ ;یوسف، ۵۵) ۲. وظایف مدیر و رهبر در مقابل مردم (آلعمران، ۱۵۹ ;اعراف، ۱۵۰ ;انفال، ۶۵) ۳. وظایف مردم در قبال رهبر (نسأ، ۵۹ ;انفال، ۶۲ ;حجرات، ۱ ;انفال، ۲۷) ۴. قانونگذاری (یوسف، ۴۰ ;آلعمران، ۸۳) بُعد اقتصادی یک جامعه متمدن، علاوه بر مسایل معنوی، در بُعد مادی از جمله اقتصاد نیز باید کامل و پیشرفته باشد. از دیدگاه قرآن، شکوفایی و بهبود وضعیت مالی شرایط زیر را میطلبد: ۱. پرداختن مالیات (توبه، ۱۰۳ ;)۲. عدم تراکم ثروت (حشر، ۷ ;)۳. مشروعیت در تحصیل مال (بقره، ۱۸۸ ;)۴. روابط سالم اقتصادی و... بُعد علم و هنر شاید در تاریخ هیچ دین و تمدنی به اندازهٔ دین اسلام تشویق و حمایت از علم و دانش و عالمان و دانشمندان نتوان یافت. از بسیاری از آیات قرآن مجید و احادیث پیشوایان معصوم: این نکته به خوبی روشن میشود. برخی از آیات عبارتند از": فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن کُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئفَةٌ لِّیَتَفَقَّهُواْ فِی الدِّینِ وَ لِیُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوَّاْ إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُون("توبه، ۱۲۲) و نیز (کهف، ۶۶ ;بقره، ۱۲۹)(ر.ک: همان / معیارها و عوامل تمدن از نظر قرآن، بنیاد باقرالعلوم، دارالقرآن الکریم.)

لطفاً ــ به طور صریح ــ بفرمایید که چگونه میتوان یک ایدئولوژی (جهان بینی) و یا تفکرات سنتی، فرهنگی و یا مذهبی ملت یا نژاد و... را گسترش داد ;و یا به ملتهای مختلف دیگر فهمانید و یا مسلط نمود؟

پرسش

لطفاً ـ به طور صریح ـ بفرمایید که چگونه میتوان یک ایدئولوژی (جهان بینی) و یا تفکرات سنتی، فرهنگی و یا مذهبی ملت یا نژاد

و... را گسترش داد ;و یا به ملتهای مختلف دیگر فهمانید و یا مسلط نمود؟

پاسخ

انتقال فرهنگ و سنن ـ از یک ملّت به ملّت دیگر ـ، گاهی به صورت هجمه و حملهٔ یک فرهنگ به فرهنگ دیگر صورت میگیرد، و بعضی اوقات، به صورت عرضهٔ یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر و گاهی هم با رفع موانع اختلاط و تسرّی، صورت میگیرد. این سه مقولهٔ" تهاجم"، "عرضه "و" رفع موانع اختلاط، "مقولاتی کاملاً ـ اختیاری، برای انتقال فرهنگها هستندو قابلیت دارند که تحت برنامه قرار بگیرند. و گاه هم، انتقال به صورت خودجوش از ملّتی به ملّت دیگر، صورت میگیرد که عوامل مختلفی، در این نوع انتقال نقش دارند. الف. عوامل انتقال، از نوع اختیار آن، عبارتند از: ۱. تهاجم فرهنگی: این نوع انتقال، همواره ازیک فرهنگ منحطّ و مبتذل، به یک فرهنگ سالم و غنی، صورت میگیرد و این به جهت طبیعت سست و غیر قابل عرضهٔ فرهنگهای منحط است. این امر بیشتر در سایهٔ قدرت نظامی و یا حیله و فریب، اتفاق میافتد و فرهنگ غنی، جای خود را، به فرهنگ پست و منحط میدهد; مانند فرهنگ گوساله پرستی بنی اسرائیل که پس از فرهنگ خداپرستی، در میان آن قوم رایج شد، که از عوامل مهمّ آن، جهل و نادانی بسیاری از بنی اسرائیل و مهارت و زبردستی" سامری ـ "کارگردان اصلی غوغای گوساله پرستی ـ بود.(تفسیر نمونه، آیهٔ الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۶، ص ۳۷۰-۳۷۱، نشر دارالکتب الاسلامیه".) وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىَ مِن بَعْدِهِی مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلاً جَسَدًا لَّهُو خُوَار(;اعراف،۱۴۸) قوم موسی، بعد از]رفتن[او]به میعادگاه خداوند[از زیور آلات خود، گوسالهای ساختند ".و یا مانند تهاجم فرهنگ منحط غرب ـ در زمان حاضر ـ به فرهنگ اصیل و ارزشهای ناب اسلامی. ۲. عرضهٔ فرهنگ: این نوع از انتقال، معمولا به شیوهٔ ارشاد و راهنمایی، از طرف فرهنگ اصیل و غنی صورت میگیرد، و به جهت اصالتی که دارد، لزومی نمیبینند که از راه تهاجم و شبیخون عمل کند، زیرا قصد آن، خدمت به فرهنگ مقابل و ارتقا بخشیدن به آداب و سنن آن است و چنین عملکردی، بر بیداری ملّتها و پذیرش آگاهانه و آزادانهٔ آنان، توقف دارد. این نوع از دگرگونی و یا انتقال فرهنگ را میتوان در شیوهٔ انبیای عظام و فرهنگهای اصیل الهی مشاهده کرد، که شاهکار و نمونهٔ جاوید آن، عرضه فرهنگ اسلام، توسط پیامبر گرامی اسلاماست و نمونهٔ زندهٔ آن نیز، دراین زمان، در حال وقوع است و آن، عرضهٔ انقلاب و دست آوردهای اصیل فرهنگ اسلامی، به ملّتهای مختلف و استقبال آگاهانه بسیاری از ملّتها، از آن است، و همین نمونه کوچک (= انقلاب اسلامی) که در این سوی تاریخ اتفاق افتاد، نشان میدهد که الگوی آن نیز (= ترویج اسلام در صدر اسلام)، نه تنها به طریق" عرضه "بود، بلکه با عرضههای بسیار کاملتر و زیر نظر شخصیتی که از راه وحی رهبری میشد، اتفاق افتاد": فَإِنْ أَعْرَضُواْ فَمَآ أَرْسَلْنَـکَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْکَ إِلآ الْبَلَـغ(;شوری،۴۸) و اگر روی گردان شوند]غمگین مباش[، ما تو را حافظ]و مأمور اجبارشان[قرار ندادهایم. وظیفهٔ تو، تنها ابلاغ رسالت است ".آیات بسیار زیادی بر این مطلب تأکید دارد، که فرهنگ سالم، بایستی آگاهانه مورد پذیرش قرار گیرد. ۳. رفع موانع انتقال: این نوع از انتقال، طبیعتی دو سویه دارد، که هم میتواند از جانب فرهنگ منحط و غیر اصیل انجام شود، و هم از طرف فرهنگ متأصل صورت بگیرید. حذف موانع فیزیکی و یا ارتباطی ـ در این راستا ـ میتواند مؤثر واقع شود. اسلام در عین حالی که پایبند و معتقد به شعار" لاَ ۤ إِكْرَاهَ فِی الدِّين(;بقره،۲۵۶) در قبول دین اکراهی نیست" ";.لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِیَ دِين(;کافرون،۶) آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم ".میباشد، در مقام پذیرش آگاهانهٔ فرهنگ است، امّا از حذف موانع انتقال و آماده کردن زمینهٔ تماس با فرهنگ اسلام، غافل نمانده است، و از این راه، همواره ملّتهای تحت حکومت و ستم را، متوجه رایحهٔ دلپذیر فرهنگ اسلام نموده است. ب. انتقال به صورت قهری و بدون برنامه ریزی: از عوامل آن، میتوان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. سلطهٔ سیاسی: یکی از عواملی که به طور قهری، یک جامعه را تحت تأثیر جهان بینی خود قرار میدهد، سلطه، قدرت و حاکمیّت سیاسی یک جهانبینی مخصوص است که در این گونه موارد، عقاید و ایدئولوژی ملّت تحت حاکمیّت، تحت تأثیر جهان بینی قدرت حاکم، قرار میگیرد. ۲. روابط بازرگانی و

تجارت: این نیز از عواملی است که بدون برنامهریزی، جهان بینیها و عقاید مختلف را در عالم جابجا کرده و به صورت قهری، هر صاحب جهان بینی که دارای رابطهٔ گستردهتر و عمیقتر در این زمینه باشد، جهان بینی او به تبع روابط تجاریاش، گسترده و عمیق میشود.

چگونه کودک خود را با قرآن مأنوس کنیم؟

پرسش

چگونه کودک خود را با قرآن مأنوس کنیم؟

پاسخ

برای علاقهمند کردن فرزندان به قرآن نکاتی را به طور اختصار بیان میکنیم: ۱. بیان اهمیت این کتاب آسمانی ;۲. بیان قصهها و تمثیلهای قرآنی با زبان کودکانه ;۳. تشویق و ترغیب دائمی فرزندان ;۴. الگو قراردادن معارف، احکام و اخلاقیات قرآنی در حرکات، سکنات، اعمال، گفتار و رفتار ;۵. فراهم کردن وسایل لازم از قبیل قرآن و جزوات آموزشی، نوارهای کاست برای تمرین، رحل، کتابهای مخصوص و... ۶. تشویق فرزندان برای رفتن به کانونهای فرهنگی برای تعلیم قرآن ;۷. فراهم کردن جوّ سالم در محیط منزل به صورتی که توجه به قرآن به صورت یک فرهنگ فراگیر مانند" محرم و عاشورا "بشود ;۸. رعایت حلال و حرام از جانب والدین ;۹. مقابلهٔ قرآن با فرزندان و... .

چگونه میتوان پایههای فرهنگی و استقلال یک کشور، در بُعد فرهنگی را تقویت کرد؟

پرسش

چگونه میتوان پایههای فرهنگی و استقلال یک کشور، در بُعد فرهنگی را تقویت کرد؟

پاسخ

روشن است که بُعد فرهنگی یک کشور، هم چون ابعاد دیگر آن از اهمیت به سزایی برخوردار است حتی میتوان گفت که ابعاد فوق مبتنی بر این بُعد فرهنگی است زیرا گر جنبههای مختلف فرهنگ یک مردم قوی باشد، ابعاد دیگر هم از ضمانت لازم برخوردار خواهند بود، دربارهٔ این که چگونه میتوان پایههای فرهنگی را تقویت کرد، چند نکته را خاطر نشان میکنیم ۱. روشن گری و آگاه نمودن مردم به ارزشهای اسلامی و ملّی با توجه به این که بخشی از باورهای مردم بر پایهٔ گزارههای دینی تشکیل شده است و این فرامین و نواهی الهی است که به گرایشهای نهفته در ضمیر بشری شکل میدهد و آن را تصحیح میکند، جایگاه ویژهٔ ارزشهای اسلامی نزد مردم روشن میشود. این اهمیت به نوبهٔ خود میطلبد که این حقایق و معارف با لحاظ مقتضیات زمان و مکان به صورت روشن و شفاف در اختیار مردم گذاشته شود تا مردم با آشنا شدن به فواید و ثمرات آن با جان و دل به آنها عمل کنند. خداوند، پیامبر۶ خود را نیز به چنین وظیفهٔ سنگینی گوشزد میکند": وَ مَآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَبَ إِلاَّ لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِى اخْتَلَفُواْ فِيه (نحل ۶۴) ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی "۲. ارج نهادن به عاملین ارزشهای اسلامی و الهی در جامعه شکی نیست در این که تشویق و پاداش دادن به کسانی که

ارزش‌های الهی را عمل می‌کنند، نه تنها قدردانی از آن‌ها به حساب می‌آید، بلکه ترغیب دیگران نیز، برای عمل به این نوع ارزش‌ها به شمار می‌آید. روشن است که دادن این امتیازات برخاسته از منطق قرآنی و اسلامی است زیرا قرآن خود می‌فرماید": لاَ يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُوْلِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً (نسأ،۹۵) هرگز افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد باز نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا، با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان]= ترک کنندگان جهاد[برتری مهمی بخشیده است " ۳. مجازات نمودن متخلفان و تعدّی‌گران به ارزش‌های ملی و دینی معلوم است که گاهی برخی افراد، ممکن است در اثر عواملی در جامعه در صدد حرکت و اقدام بر ضدّ ارزش‌های دینی و ملی برآیند و به کارهای خلاف دست بزنند، در چنین موقعیتی نوع اقدام با افراد متخلّف هم چون نوع خلاف آن‌ها، تفاوت پیدا می‌کند، به همین علت اسلام مجازات‌های مختلفی مانند: قصاص دیات حدود و تعزیر را وضع کرده است به راستی اگر به این قوانین عمل شود، نه تنها متمرّدان درس عبرت می‌گیرند، بلکه آدم‌های خوب نیز، با دل‌گرمی بیش‌تر و با پشتوانهٔ محکم‌تری در انجام کارهای پسندیده تلاش خواهند کرد. قرآن می‌فرماید": تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلاَ تَعْتَدُوهَا وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره ۲۲۹) این‌ها حدود و مرزهای الهی است از آن تجاوز نکنید و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است " حاصل سخن این که اگر به مردم آگاهی کافی و کامل بدهیم و از راه رسانه‌های گروهی و تبلیغی اندیشه‌های مردم را درست هدایت و راهنمایی کنیم و در مقام عمل نیز، به عاملان بها بدهیم و متخلفان را مجازات کنیم به بهترین وجه می‌توانیم پایه‌های فرهنگی و ملی خودمان را تقویت کنیم از این رو، بیش‌تر باید به متون کتاب‌های درسی و دانشگاهی و برنامه‌های تلویزیونی و آثار علمی و هنری و صنعت جهان‌گردی توجه کافی و عمیق کنیم که با اهمیّت به این‌ها می‌توان بُعد فرهنگی را بیمه و تقویت کرد.

چرا مراکزی مثل مرکز شما، مانع خواندن قرآن در قبرستان‌ها، توسط افراد بد صوت و با قرائت غلط و ظاهری غیر شایسته نمی‌شوید؟ آیا این اقدام آنان از ارزش قرآن نزد قشر جوان نمی‌کاهد؟

پرسش

چرا مراکزی مثل مرکز شما، مانع خواندن قرآن در قبرستان‌ها، توسط افراد بد صوت و با قرائت غلط و ظاهری غیر شایسته نمی‌شوید؟ آیا این اقدام آنان از ارزش قرآن نزد قشر جوان نمی‌کاهد؟

پاسخ

آری زیبا خوانی در آیات قرآن کریم از چنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر اسلام‌و اهل بیت ، نیز مردم را به زیبا خوانی قرآن تشویق می‌نمودند". زینوا القرآن باصواتکم قرآن را با صدای نیکوی خویش بیارایید("میزان الحکمه محمد ری شهری ج ۸، ص ۸۲، مرکز نشر اسلامی) قاری قرآن شایسته است در قرائت خودش روح و تصویر به معانی آیات بدهد، تا این که در قلب‌ها تأثیر بگذارد و هر شنونده‌ای را در دریای معارف الهی غرق نماید. البته این مطلب به این معنا نیست که افرادی که از صداهای خوب بی‌بهره هستند، از خواندن قرآن در حضور دیگران و جمع منع گردند و قوای قهریه‌ای موظف باشند که جلوی آن‌ها را بگیرند، بلکه هر کسی با هر صوتی می‌تواند قرآن را بخواند و خود و دیگران را از آن بهره‌مند نماید.

لطفاً خاطره‌ای از رزمندگان اسلام دربارهٔ قرآن ــ از کتاب" فرهنگ جبهه می‌توان استفاده کرد ــ برایم بنویسید ;البته به جز خاطرهٔ زیر: من در دست دشمن اسیر بودم عراقی‌ها به ما قرآن نمی‌دادند ;بنابراین هر کس" آیه یا" حدیثی حفظ بود، با انگشت روی خاک می‌نوش

پرسش

لطفاً خاطره‌ای از رزمندگان اسلام دربارهٔ قرآن ـ از کتاب" فرهنگ جبهه می‌توان استفاده کرد ـ برایم بنویسید ;البته به جز خاطرهٔ زیر: من در دست دشمن اسیر بودم عراقی‌ها به ما قرآن نمی‌دادند ;بنابراین هر کس" آیه یا" حدیثی حفظ بود، با انگشت روی خاک می‌نوشت و دیگران می‌خواندند. روزی به عراقی‌ها گفتیم می‌خواهیم مسابقهٔ والیبال بدهیم عراقی‌ها هم گفتند: به تیم برنده قرآن می‌دهیم با شنیدن این خبر، خوشحال شدیم تیم اردوگاه ما در مسابقه برنده شد و عراقی‌ها به ما قرآن دادند، ولی با آمدن قرآن هم شاد و هم غمگین شدیم زیرا از آثار ترکش‌هایی که در آن بود، فهمیدیم که قرآن متعلق به مسجد خرمشهر بوده است (خاطره از رزمندهٔ اسلام محمد شهسواری

پاسخ

عراقی‌ها هر از چند گاهی از اسرای ایرانی می‌خواستند تا نیازهای خود را بگویند، ولی بچه‌ها ـ علی رغم احتیاجات ضروری که داشتند ـ هیچ‌گاه در مقابل پرسش آنان درخواست لباس غذا، آب آشامیدنی و دارو و غیره نمی‌کردند، بلکه فقط می‌گفتند، برای ما قرآن بیاورید. بعد از اصرار مکرّر بچه‌ها، سرانجام پس از گذشت هجده ماه از اسارت برای هر آسایشگاه صد نفری یک قرآن آوردند. به نظرم این سومین دفعه‌ای بود که من قرآن را ـ در آن مدت ـ زیارت می‌کردم امّا این بار با دو دفعهٔ قبل بسیار متفاوت بود ;یک قرآن برای صد نفر، آن هم برای افرادی که اغلب بسیجی بوده و قرآن‌خوان و اهل دل و راز و نیاز بودند ;بنابراین هر فرد، مدت کمی می‌توانست آن قرآن را پیش خود داشته باشد ;اما همین فرصت کم هم برای ما ارزشی دیگر داشت ما با تشکیل یک گروه به حفظ قرآن پرداختیم تشکیل گروه برای این بود که ممکن بود عراقی‌ها هر لحظه قرآن را از ما بگیرند و یا خواندن آن را ممنوع کنند، از این رو، افراد این گروه موظف شدند قسمت‌های مختلفی را حفظ کنند تا در صورت بروز هرگونه اتفاقی بتوانیم به کمک هم‌دیگر، به حفظ آن بخش‌هایی که از حفظ نیستیم بپردازیم از نکات جالب و چشم‌گیر این بود که تمام اوقات شبانه‌روز (۲۴ ساعت ، به صورت ده دقیقه تقسیم شده بود و هر کس در وقت مشخصی از قرآن بهره می‌برد و تقریباً قرآن هیچ زمانی بدون استفاده نبود.(نشریهٔ قرآنی بشارت سال چهارم شمارهٔ ۲۴، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، ص ۳۸، از سعید عطاریان)

چگونه می‌توان دانشجویان را به ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور را که کم‌تر در دانشگاه حضور دارند، با معارف قرآن آشنا کرد؟

پرسش

چگونه می‌توان دانشجویان را به ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور را که کم‌تر در دانشگاه حضور دارند، با معارف قرآن آشنا کرد؟

پاسخ

با تشکر از شما و به امید موفقیت شما در اهداف قرآنی که دارید، نکاتی را در زمینهٔ یاد شده متذکر می‌شویم امیدواریم مفید باشد. ۱. تشکیل جلسات سخنرانی به ویژه روزهای پنج‌شنبه و جمعه که دانشجویان در دانشگاه حضور دارند، بهره‌گیری از اساتید برجسته و شناخته شده در این جلسات مؤثّر خواهد بود. ۲. استفاده از فرصت‌ها ;برای نمونه در همهٔ دانشگاه‌ها معمولاً نماز جماعت خوانده می‌شود. در بین نماز امام جماعت می‌تواند در حدّاقل زمان تفسیر آیه‌ای یا نکتهٔ قرآنی مهمی را برای دانشجویان بازگو کند. ۳.

بهره‌گیری از نشریات دانشگاه دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها حتی گروه‌های گوناگون دانشجویی نشریات خاص خود را دارند. و از آن راه اخبار و مطالب علمی را به خوانندگان منتقل می‌کنند. شما نیز می‌توانید مطالب قرآنی خود را در نشریهٔ خود یا نشریات دیگر گروه‌ها چاپ کنید. ۴. استفاده از تابلوهای نصب شده در دانشگاه برای انتقال مطالب و نصب بریده‌های مجلّات قرآنی در آن ۵. اجرای مسابقات قرآنی به اشکال گوناگون ۶. ارتباط با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها ;بخش فرهنگی این نهاد راهنما و حامی خوب می‌تواند در اجرای برنامه‌های شما باشد. در پایان شایان ذکر است استمرار در هدفی که دارید، بهره‌گیری از خود دانشجویان در اجرای برنامه‌ها، استفاده از اعضای هیأت علمی آگاه و آراسته بودن ظاهر افرادی که با شما کار می‌کنند، نقش مهمی در ترغیب دانشجویان خواهد داشت در ضمن مرکز فرهنگ و معارف قرآن آمادگی دارد، ضمن پاسخ گویی به پرسش‌های قرآنی دانشجویان مطالب درخواستی شما را ارسال تا آن‌ها را در نشریات چاپ یا در تابلوها نصب کنید. شماره تلفن‌های واحد پاسخ به پرسش‌های قرآنی این مرکز برای مشاوره و راهنمایی بیشتر عبارتند از:۷۷۴۰۸۰۴ و ۰۲۵۱ـ۷۷۴۱۶۷۹

چگونه می‌توانم قرآن و دستورات آن را در روستای خود به دیگران بیاموزم و به آن عمل کنم

پرسش

چگونه می‌توانم قرآن و دستورات آن را در روستای خود به دیگران بیاموزم و به آن عمل کنم

پاسخ

شما برای عمل به دستورات قرآن کریم و آموزش آن به دیگران ابتدا باید از آن دستورات اطلاع داشته باشید ;و گرنه نه خود می‌توانید به آن عمل کنید و نه به دیگران بیاموزید. دستورات قرآن بر دو دسته است الف ـ یک دسته مطالبی است ـ مردم معمولاً از آن اطلاع دارند ـ که برای دانستن آن‌ها لازم نیست از کسی سؤال کنیم مانند: رعایت حجاب خواندن نماز، گرفتن روزه دادن خمس و زکات رفتن به حج امر به معروف و نهی از منکر و مانند این‌ها. شما در این گونه دستورات بایستی به وظایف عمل کرده هر روزتان بهتر از دیروز باشد. ب ـ دسته‌ای از معارف قرآن است که باید آن‌ها را از دیگران فرا گیرید و به کسانی که در این زمینه مهارت دارند، مراجعه نمایید، مانند: علما و روحانیان و دانش‌مندان اسلامی اما برای ترویج قرآن و دستورات آن باید جلسات و کلاس‌های قرآن ـ در سطح خودتان ـ تشکیل دهید و ابتدا از روخوانی ساده شروع کرده سپس به تدریج بر کیفیّت آن بیفزایید و در مراحل بعدی کلاس آشنایی با قواعد تجویدی بگذارید ;در این صورت کم کم شما می‌توانید از ترجمه‌های روان قرآن در فهم آیات کمک بگیرید و برای آشنایی با تفسیر آیات الهی از کتاب‌های تفسیری ـ که مانند شما می‌توانند آن را بفهمند ـ استفاده کنید ;مانند: تفسیر نمونهٔ آیةالله مکارم شیرازی و دیگران تفسیر نور آقای قرائتی و تفسیر جوان و مانند این‌ها. همچنین می‌توانید از کتب قصص قرآن استفاده نمایید ;البته این واحد ـ واحد پاسخ به پرسش‌ها ـ نیز، طرحی در دست دارد که در آینده نزدیک می‌توانید با آن آشنا شوید.

جهان‌بینی برای یک فرهنگ و یک کشور، چه آثاری در پی دارد؟

پرسش

جهان‌بینی برای یک فرهنگ و یک کشور، چه آثاری در پی دارد؟

پاسخ

نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب دربارهٔ جهان و هستی عرضه می کند، زیرساز و تکیه گاه آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساخت و تکیه گاه در اصطلاح" جهان‌بینی نامیده می‌شود. به تعبیر استاد شهید مطهری ر.ک جهان‌بینی توحیدی شهید مطهری ص ۷۵.) هر مسلک و فلسفهٔ زندگی خواه ناخواه بر یک نوع تفسیر و تحلیل از جهان و انسان مبتنی است معلوم است که این نوع اعتقاد و بینش می‌تواند آثار زیادی داشته باشد که برای نمونه به بعضی از آن‌ها اشاره می کنیم ۱. مقام زن و انتخاب پوشش از نظر قرآن کریم جسم باید پوشش داشته و چشم نیز کنترل شود تا غرایز حیوانی به ویژه غریزهٔ جنسی مهار شود و استعدادهای معنوی و گنجینه‌های عظیم عقلانی انسان شکوفا گردد. قرآن در این‌باره می‌فرماید": قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَـرِهِمْ وَ يَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ ذَ لِكَ أَزْكَى لَهُم(; ..نور،۳۰) به مؤمنان بگو چشم‌های خود را]از نگاه به نامحرمان فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند ;این برای آنان پاکیزه‌تر است . ۲. منزلت انسان و حفظ حرمت و کرامت او: از دیدگاه ادیان الهی انسان در میان آفریده‌های جهان از جایگاه بی همتایی برخوردار است او وظیفه و رسالتی خاص بر عهده دارد ;او مسئول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعهٔ خویش است قرآن در یک جا می‌فرماید": وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِى ءَادَمَ وَ....وَ فَضَّلْنَـهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً(; اسرأ،۷۰) ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و.... و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم برتری بخشیدی[" .و در جای دیگر می‌فرماید": يَـأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اسْتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُم (انفال ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد ".۳. جایگاه جامعه و اجتماع بر اساس بینش توحیدی و قرآنی فرد و جامعه به نوعی اصالت دارند، و هر یک مکمّل دیگری به شمار می‌روند ;این گونه نیست که جامعه به حال خود رها شود، بلکه از نظر نگرش توحیدی محقق کردن محیط پاک و حفظ بقای آن از مهم‌ترین واجبات برای انسان به شمار می‌آید: "فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّىٰهَا(; شمس ۱۴) ولی آن‌ها]قوم ثمود[او را تکذیب کرده و ناقه را پی کردند ;از این رو، پروردگارشان آن‌ها را به خاطر گناه‌شان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد ".علی‌در تبیین و توجیه این مطلب می‌فرماید": يَاَيها الناس ; ..ای مردم فقط خشنودی و خشم است که انسان‌ها را گرد می‌آورد. شتر ثمودیان را فقط یک مرد پی کرد ;خدای متعال عذاب را بر عموم آنان فرود آورد، چرا که عموم‌شان از]کار[او]= پی کننده خشنود بودند(".نهج البلاغه صبحی صالح خطبهٔ ۲۰۱، ص ۳۱۹، طبعه اولیَ بیروت ۱۳۸۷'، .۴ (û. برتری ارزش‌های الهی و عاملان به آن در جامعه معلوم است که اگر جامعه‌ای بینش توحیدی داشت به یقین تقوا و ایمان و خلوص و ایثار را به نقطهٔ مقابل آن‌ها برتری خواهد بخشید و به سعی و تلاش کسانی که به این اوصاف عمل کرده دیگران را نیز تشویق می کنند، ارج خواهد نهاد": إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ(;حجرات ۱۳) گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست " و نیز فرمود": كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ(;آل عمران ۱۱۰) شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید];چه این که [امر به معروف و نهی از منکر می کنید".

لطفاً نکته‌های قرآنی که در مورد تبلیغ دین مبین اسلام آمده است را بیان کنید و مرا با فرستادن کتاب‌ها و مجلات در راه تبلیغ و نشر فرهنگ قرآن یاری فرمایید.

پرسش

لطفاً نکته‌های قرآنی که در مورد تبلیغ دین مبین اسلام آمده است را بیان کنید و مرا با فرستادن کتاب‌ها و مجلات در راه تبلیغ و

نشر فرهنگ قرآن یاری فرمایید.

پاسخ

قرآن کریم برای تبلیغ دین نکته‌های مهمی را بیان فرموده که برخی از آن‌ها به قرار زیر است ۱. قاطعیت اخلاص و ترس از عظمت الهی و نترسیدن از دیگران قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید": الَّذِینَ یُبَلِّغُونَ رِسَـلَـتِ اللَّهِ وَیَخْشَوْنَهو وَ لاَ یَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلاَّ اللَّه (احزاب ۳۹)]پیامبران پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می کردند و]تنها[از او می‌ترسیدند و از هیچ کس جز او واهمه نداشتند ".۲. بدی را با نیکی جواب دادن کسی که منادی توحید است باید دیگران را دعوت به خداوند نماید، عمل صالح داشته در برابر حق تسلیم باشد. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید": وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِّمَّن دَعَآ إِلَی اللَّهِ وَ عَمِلَ صَـلِحًا وَ قَالَ إِنَّنِی مِنَ الْمُسْلِمِین ...ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَن(; ..فصلت ۳۳و۳۴) گفتار چه کسی بهتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می گوید: من از مسلمین هستم .. بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سرسخت هم چون دوستان گرم و صمیمی شوند ".۳. برداشتن موانع از سر راه و مبارزه با وسوسه‌های شیطانی قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید": وَ إِمَّا یَنزَغَنَّکَ مِنَ الشَّیْطَنِ نَزْغ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهو هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیم(; فصلت ۳۶) و هر گاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه طلب که او شنونده و آگاه است " ۴. با نرم خویی و مهربانی مردم را به حق دعوت کردن قرآن کریم با صراحت به پیامبر اکرم می‌فرماید: "فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ کُنتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لاَ نفَضُّواْ مِنْ حَوْلِک(;آل‌عمران ۱۵۹) به خاطر رحمت الهی است که نسبت به آن‌ها نرم‌خو شده‌ای که اگر خشن و سنگ‌دل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند ".۵. دعوت عملی مهم‌ترین برنامه اساسی برای عالمان و مبلغان راه حق این است که پیش از سخن گفتن مردم را با عمل خود به خوبی‌ها دعوت کنند، چرا که سخنی که از دل برخیزد بر دل نیز خواهد نشست امام صادق‌در این‌باره می‌فرماید": کونوا دعاة الناس باعمالکم و لا تکونوا دعاة بالسنتکم مردم را با عمل خود به نیکی‌ها دعوت کنید، با زبان خود آن‌ها را دعوت نکنید(".سفینة البحار، شیخ عباس قمی ، ج ۶، ص ۵۱۴، دارالاسوة) قرآن کریم نیز در این‌باره می‌فرماید": أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَکُم (بقره ۴۴)آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید ".پرسشگر محترم این مرکز فقط پاسخ گوی پرسش‌های قرآنی شما است شما می‌توانید برای تهیه جزوه و کتاب با مؤسسه در راه حق مکاتبه نمایید.(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۶، ص ۳۰۸; ج ۱، ص ۲۱۵ ;ج ۱۷، ص ۳۳۰ ;ج ۲۰، ص ۲۷۸ـ۲۸۵، درالکتب الاسلامیة / پیام قرآن آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۱۸، دارالکتب الاسلامیة)

برای داشتن یک جلسه خوب آموزش قرآن در قسمت‌های مختلف مانند: نحوه ادارهٔ جلسه آموزش قواعد و... چه توصیه و راهکاری ارائه می‌فرمایید؟

پرسش

برای داشتن یک جلسه خوب آموزش قرآن در قسمت‌های مختلف مانند: نحوه ادارهٔ جلسه آموزش قواعد و... چه توصیه و راهکاری ارائه می‌فرمایید؟

پاسخ

هدف اصلی از آموزش و قرائت قرآن کریم فهم و عمل به آن است آموزش قرآن به افراد، نیز باید در این راستا انجام شود، و به

گونه‌ای باشد که شرکت کنندگان تدریجاً به قرآن علاقمند، با آن مأنوس و به قرائت و فهم و عمل به قرآن روی آورند، بنابراین کلاس و جلسه‌ای که تشکیل می‌شود باید طوری باشد که افراد شرکت کننده هم خسته نشوند، و هم تمام افراد (در سطوح مختلف ، از آن استفاده کنند، و بی بهره نمانند. در این جا به برخی نکات که در بهتر برگزار کردن این نوع کلاس‌ها و جلسات می‌تواند مؤثر باشد اشاره می‌کنیم ۱. استاد آمادگی اطلاع کافی و تسلط بر موضوع درس داشته باشد، تا هم خوب درس را بیان کند، و هم قادر بر رفع شبهات باشد. در این رابطه مطالعهٔ کتاب‌های لغت قرآن تاریخ معارف تفسیر، تجوید و علوم قرآن مناسب می‌باشد. ۲. جدا کردن کلاس‌های آموزشی روخوانی حفظ، تجوید، و تفسیر از یکدیگر، و برای هر یک کلاس متناسب خود برگزار کردن البته در کلاس‌های روخوانی حفظ و تجوید می‌توان جهت تنوع چند دقیقه‌ای را به استفاده از پیام‌های قرآن اختصاص داد. ۳. در نظر گرفتن زمان و مکان مناسب برای کلاس و جلسه قرآن از جهت نور، سرما، گرما، هوای مطلوب خسته نبودن افراد، طولانی نبودن زمان تدریس و... ۴. استفاده از وسایل هنری و کمک آموزشی (سمعی و بصری ، از قبیل فیلم نوار، تابلو، طرح نمودار، تخته و ابزار نوشتن مرغوب و... ۵. استفاده از قصه معما، تمثیل و شعر متناسب با موضوع کلاس در لابلای سخن در این رابطه مطالعهٔ کتاب‌های قصه‌های قرآن قصه‌های تفسیر نمونه قصه‌های اصول کافی و...، و همچنین مطالعهٔ کتاب‌های متون ادب فارسی جهت استفاده از اشعار و قطعه‌های ادبی متناسب با موضوع کلاس مؤثر می‌باشد. ۶. آموزش قواعد و همچنین مفاهیم قرآن به صورت کاربردی باشد (رنگ کاربردی داشته باشد تا تئوری . ۷. تشویق و هدیه دادن به افراد ;البته بجا، باندازه و متناسب با عمل آنان ۸. پرسش از افراد جلسه (استاد خودش جواب را نگوید، بلکه از افراد شرکت کننده جواب را بخواهد). ۹. علاقه و صمیمیت نسبت به شرکت کنندگان و شوخ طبعی و بشاش بودن با آنان در حد تعادل ۱۰. داشتن تواضع صبر، بردباری خوش خلقی دلسوزی ایمان به کار، علاقمندی به تدریس و دوری از غرور، خود برتربینی و دیگر صفات رذیله ۱۱. آراستگی نظافت ظاهری استاد، و تکیه ندادن به دیوار، میز، بازی نکردن با تسبیح قلم لباس و هر چیز دیگر در هنگام تدریس ۱۲. نظم انضباط، خوش قولی و رعایت وقت از نظر شروع ختم میزان تدریس و حضور به موقع ۱۳. ارزشیابی از کار خود و تأثیر درس و فهم افراد، و توجه به نظرات شرکت‌کنندگان در بهتر شدن جلسه ۱۴. مطالعهٔ کتاب‌هایی که مهد قرآن کریم تهران تهیه کرده است و همچنین کتاب‌های روش تدریس و کلاس‌داری نیز مناسب می‌باشد.(ر.ک روشها، جواد محدثی ص ۱۷۷ ـ ۱۹۳، نشر معروف / روش تدریس و فن کلاس‌داری دکتر عبدالله جاسبی امور تربیتی تهران / کاربرد مهارت‌ها در تدریس فاطمه شاکری جهاد دانشگاهی / آداب تعلیم و تعلم (شهید ثانی ، ترجمهٔ محمد باقر حجتی دفتر نشر فرهنگ اسلامی و...) برای ارتقای دانش قرآنی خودتان و انتقال آن به دانش‌آموزان نیز مطالعهٔ کتاب‌های تفسیر قرآن مجید، مانند: ۱. تفسیر نمونه ۲. تفسیر المیزان ۳. تفسیر نور، محسن قرائتی ۴. تفسیر احسن الحدیث سیدعلی‌اکبر قرشی و کتاب‌های تاریخ و علوم قرآنی مانند: ۱. درسنامهٔ علوم قرآنی حسین جوان آراسته ۲. تاریخ قرآن آیةالله معرفت ۳. تاریخ قرآن دکتر محمود رامیار بسیار خوب است

قرآن مجید بهترین شیوهٔ تبلیغ اسلامی را در چه می‌داند ;به عبارت دیگر برای تبلیغ دین باید از چه شیوه‌ای بهره جست

پرسش

قرآن مجید بهترین شیوهٔ تبلیغ اسلامی را در چه می‌داند ;به عبارت دیگر برای تبلیغ دین باید از چه شیوه‌ای بهره جست

پاسخ

خداوند در قرآن مجید به پیامبر گرامی اسلام‌می‌فرماید": ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَن

(نحل ۱۲۵) بـا حکمت و انـدرز نیکو به راه پروردگـارت دعوت کن و بـا آنان به]شـیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نمای " این آیه شریف سه راه دعوت را به پیامبر۶ معرفی می‌کند. ۱. حکمت ۲. موعظه حسنه ۳. جدال احسن حکمت یعنی علم و عقل دانش منطق و استدلال نخستین گام در دعوت به سوی حق استفاده از منطق صحیح و استدلال است فکر و اندیشه مردم را به حرکت درآوردن و مورد خطـاب قرار دادن آغاز دعوت است (تفسـیر نمونه آیت اللّه مکارم شـیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۴۵۵، دارالکتب الاسلامیهٔ) دوّمین گام موعظه و بهره‌گیری از عاطفه انسان‌هاست انـدرز، بیش‌تر جنبهٔ عاطفی دارد. درحقیقت حکمت از بُعد عقلی وجود انسان استفاده می‌کند و موعظه حسن از بُعدی عاطفی او.(همان ص ۴۵۶.) البته آیه شریف موعظه را به حَسن بودن مقید نموده است یعنی موعظه غیرحسن راه خوبی برای دعوت به اسـلام نیست (تفسـیر المیزان علامـه طباطبـایی ، ج ۱۲، ص ۳۷۲، جامعه مدرسـین) اندرز نیکـو اشـاره به این است که موعظه در صورتی اثر می‌کنـد که از هر گونه خشونت برتری‌جویی تحقیر، تحریـک حس لجـاجت و... خالی باشد.(تفسـیر نمونه ج ۱۱، ص ۴۵۵.) سومین گـام جـدال و منـاظره است این گـام مخصوص کسـانی است که ذهن آن‌ها در گذشـته از مسایل نادرستی انباشـته شـده و باید از راه مناظره آن‌ها را برای پذیرش حق آماده نمود، جدال هم باید احسن باشد، یعنی به دور از هر گونه توهین تحقیر و خلاـف‌گویی و... و تمـام جنبه‌های انسانی آن حفظ شود.(همان ص ۴۵۶.) این که چه راهی بهتر است بایـد گفت این مسئله به مخاطب ارتباط دارد که در چه وضـعیتی به سـر می‌برد ;برخی از مفسّـران گفته‌اند: این سه راه که در آیه مطرح شـده بر حسب مراتب فهم مردم در قبول حق بیـان شـده است برخی از خواصـند و اسـتعداد عقلانی دارنـد و حقایق عقلی برایشان حل شـدنی است این‌ها را با حکمت بایـد دعوت نمود ;برخی از مردم عوامند و با محسوس‌ها سـر و کار دارند و فهم‌شان از درک حقـایق عقلی کوتـاه است اینان را با موعظه حسن بایـد دعوت نمود ;و برخی اهل لجاج و عنادنـد که بایـد با مناظره و جـدال دعوت شوند. اما آن‌چه صـحیح است این است که این راه‌ها، به افراد خاصّی اختصاص ندارند و چه بسا عوام از مجادله پند گیرند و خـواص نیز، بـا مـوعظه بیـدار شونـد، و حـتی در یـک مـورد نیز، ممکـن است انسـان از هر سه راه بهره گیرد.(تفسـیر المیزان علامـه طباطبایی ، ج ۱۲، ص ۳۷۳، جامعه مدرسین) در سیرهٔ پیامبر۶ نیز بهره‌گیری از این راه را مشاهده می‌کنیم آن‌چه قابل توجه می‌باشد این است که عقل احساس و... مخاطبنـد، امّا وسایل و شـیوه‌های تبلیغ به مقتضای عصـر و زمان تفاوت می‌کنـد ;شاید روزی شـعر و موعظه بهترین وسیله اثرگذاری در احساس بوده امّا امروز فیلم و نمایش و... بهتر بتواند اثر کند ما می‌توانیم در تبلیغ دین مبین اسلام از وسایل عصری نیز بهره ببریم نکتهٔ دیگری که در بیان ائمه معصوم بدان سفارش شده نقش مهمّی در تبلیغ دینی دارد، تبلیغ باعمل است یعنی مباحث دینی ویژگی خاصّ خود را دارد و مبلّغ نمی‌توانـد عامل به سـخنان خود نباشـد، امام صادق‌در این‌باره فرموده‌انـد: "کونـوا دعـاهٔ النـاس باعمـالکم و لاـ تکونـوا دعـاهٔ بالسـنتکم مردم را بـا اعمـال خـود دعـوت کنیـد و صـرفاً بـا زبـان خـویش فرا نخوانید(".بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۸، الوفأ بیروت) مبلّغ دین خود باید به گفته‌های خویش عمل کند و" عالم بی عمل ، در عرصه تبلیغ دینی چون زنبور بی عسل است

الف ـ دیدگاه قرآن به طور کلی دربارهٔ معرفی و عمل به احکام دین چیست ب ـ آیا به خاطر سـقوط فرهنگی جامعه درست است که برخی احکام تعطیل شود؟ ج ـ در جامعه‌ای که اساس‌نامهٔ آن قرآن است و بیش‌ترین افراد آن جامعه را شیعیان تشکیل می‌دهند، چرا به طور جدی جلوی ر

پرسش

الف ـ دیـدگاه قرآن به طور کلی دربـارهٔ معرفی و عمل به احکام دین چیست ب ـ آیا به خاطر سـقوط فرهنگی جامعه درست اسـت که برخی احکام تعطیل شود؟ ج ـ در جامعه‌ای که اساس‌نامهٔ آن قرآن است و بیش‌ترین افراد آن جامعه را شـیعیان تشکیل می‌دهند، چرا به طور جـدی جلوی رواج بی حجابی و فساد گرفته نمی‌شود؟ ح ـ اگر رهبر مشـکلی در جامعه ببینـد آیا می‌توانـد آن را نادیده

بگیرد، اگر نمی‌تواند، پس وضعیت جامعهٔ اسلامی و قرآنی با وجود رهبری فقیه و فرزانه چگونه توجیه می‌شود؟

پاسخ

الف ـ بخشی از آیات قرآن کریم به احکام عملی و فروع مانند: نماز، روزه وضو، تیمم غسل خمس زکات حج امر به معروف نهی از منکر و...مربوط می‌باشد، که به آن‌ها" آیات الاحکام می گویند: پیش‌تر این احکام در قرآن کریم کلی است که با بیان جزئیات در روایات تکمیل می‌شود، ضمن این که فلسفهٔ بعضی از آن‌ها، مانند حرمت شراب بیان شده است در حالی که فلسفهٔ بسیار از آن‌ها نیز، بیان نشده است از نظر قرآن کریم عمل به احکام خداوند، سبب رشد، تکامل امنیت و سعادت دنیا و آخرت می‌شود و دوری گزیدن از دستورها، زندگی را بر انسان تنگ می کند": وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى(; طه ۱۲۴) و هر کسی از یاد من روی گردان شود، زندگی]سخت و[تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم " روشن است آیات قرآن که بخشی از آن را آیات احکام تشکیل می‌دهد، یاد خدا است و به یقین عمل به آن‌ها، گشایش در دنیا و آخرت و سرپیچی از آن‌ها، زندگی سخت را در پی دارد. ب ـ تعطیل کردن احکام الهی بدون مصلحت جایز نیست چه بسا سقوط فرهنگی در برخی مواقع به علت نادیده گرفتن احکام الهی است برای مثال قرآن کریم می‌فرماید": وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(; آل‌عمران ۱۰۴) باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگارانند ".بدیهی است اگرا ین اصل مهم (امر به معروف و نهی از منکر) نباشد و انسان‌ها بی‌تفاوت شوند، بسیاری از حرمت‌ها از بین می‌رود، فساد، شراب‌خواری ربا، بی‌بند و باری بی حجابی بی عفتی و... در جامعه رواج پیدا می کند و در نتیجه در عمل برخی احکامِ خدا تعطیل می‌شود، آن گاه فرهنگ غلط رایج می گردد. ج ـ اگر همهٔ افراد حتی شیعیان به تمام احکام قرآن عمل کنند، به یقین بی حجابی و فساد از بین می‌رود و اما این که در جامعه بی حجابی و برخی فسادها وجود دارد، به علت آن است که همهٔ احکام قرآن اجرا نمی‌شود و کم‌تر امر به معروف و نهی از منکر انجام می گیرد ;این همان" مهجور "کردن قرآن است که در روز قیامت پیامبر اکرم‌نسبت به آن شکایت می کند": وَقَالَ الرَّسُولُ يَرَبِّ إِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُواْ هَذَا الْقُرْءَانَ مَهْجُورًا(; فرقان ۳۰) و پیامبر عرض کرد: پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند ".د ـ البته مسامحه و مصلحت‌اندیشیِ به موقع از جانب هر کس به ویژه رهبر جامعه که بسیاری از امور و ابعاد را باید در نظر بگیرد، امری معقول است لکن واقعیّت این است که فساد جامعه و بی بند و باری مردم حل نمی‌شود، مگر آن که خود مردم اصلاح شوند و اگر افراد، خود را اصلاح نکنند، بودن رهبر فرزانه و فقیه جامع الشرایط نیز نمی‌تواند کاری از پیش ببرد، زیرا همین بی بند و باری‌ها، فسادها و... در زمان امامان معصوم و پیامبران نیز بوده است در حالی که قدرت و علم آن‌ها را نمی‌توان با غیر معصوم مقایسه نمود ;از این رو، رهبر، در صورتی می‌تواند وضعیت اخلاقی جامعه را تغییر دهد که افراد در اصلاح خود هم‌آهنگ باشند ;قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید": إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ(; ..رعد،۱۱) خداوند سرنوشت هیچ قوم]و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آن‌ها خود تغییر دهند("...ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۰، ص ۱۴۰ـ۱۴۲، دارالکتب الاسلامیهٔ)

جهت ترویج نماز در مساجد و مدارس چه باید کرد ؟

پرسش

جهت ترویج نماز در مساجد و مدارس چه باید کرد ؟

پاسخ

۱ـ انتخاب امام جماعت فعال خلاق و علاقمند به ترویج مسائل‌دینی ۲ـ تقسیم کار بین خود دانش‌آموزان ۳ـ صحبتهای کوتاه مختصر و مفید در بین دو نماز حد اکثر ۳ دقیقه ۴ـ برنامه ریزی آموزشی در طول هفته یک روز احکام یک روز داستان یک‌روز مسابقه کتبی یک روز پرسش و پاسخ و...؛ ۵ـ استفاده از تابلوی اعلانات و نصب آثار قلمی دانش‌آموزان ۶ـ جذاب کردن و تزیین ظاهری نمازخانه و...

نماز چگونه در بهبود اجتماع و فرهنگ و سیاست یک کشور مؤثر است

پرسش

نماز چگونه در بهبود اجتماع و فرهنگ و سیاست یک کشور مؤثر است

پاسخ

به طور خلاصه باید بگوییم گرچه نماز چیزی نیست که آثار فردی واجتماعی آن بر کسی پوشیده باشد ولی با دقت در متون آیات و روایات‌اسلامی آدمی را به ریزه کاریهای بیشتری رهنمون می گرداند. روح اساس هدف ونتیجه نماز همان یاد خداست و یاد خدا، یکی از آثارفردی و اجتماعیش درهم شکستن خود بینی و کبر و غرور و برتری جویی‌است که بواسطه غرق شدن در زندگی مادی و لذائذ رود گذر مردم و جامعه‌هدف آفرینش را فراموش می کنند. که این منشأ بیشتر ناهنجاریهای اجتماعی فرهنگی مثل قتل غارت رشوه گیری بی بندوباری و خلاصه ذلت و خواری‌در برابر انسانهای فاسد داخلی و خارجی را به همراه دارد که حتی حاضراست برای گذراندن چند روزهٔ دنیا در برابر قدرتهای بزرگ به هر پستی وخواری تن دهد و کاملاً از هویت و انسانیت خویش قالب تهی نماید. چه زیبا مولای متقیان علی ع فرمود: «فرض الله الایمان تطهیراً من الشرک و والصلاهٔ تنزیهاً عن الکبر؛ شناخت و ایمان به خدا را وسیله پاکسازی جامعه ازشرک و نماز را وسیله پاکسازی از کبر و غرور که منشأ تمام پستی‌های یک ملت‌است واجب فرموده است . نماز، دعوت به پاکسازی زندگی فردی واجتماعی و رعایت حقوق دیگران می کند؛ زیرا از شرایط صحت نماز مکان‌نماز گزار، لباس نماز گزار، فرشی که بر آن نماز می‌خواند، آبی که با آن وضوگرفته یا غسل می کند و خلاصه محلی که در آن غسل و وضو انجام می‌شودباید از هرگونه غصب و تجاوز به حقوق جامعه پاک باشد پس نماز در برگیرندهٔ پاکسازی مادی جامعه نیز می‌شود. یکی دیگر از آثار نماز این است که موجب فراهم آوردن بخش مهمی از اقتصادافراد جامعه است مثلاًـ در روایات تصریح شده نماز کسی که زکات اموال‌خود را به مستمندان و فقیران جامعه نمی‌دهد قبول نخواهد بود... آثار دیگرنماز روح نظم و انضباط در جامعه اسلامی است که تقویت می‌شود چرا که‌دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخر و تقدم آن موجب بطلان نمازاست و رعایت آن پذیرش انضباط را در برنامه‌های زندگی رواج می‌دهد. دیگراینکه نماز یک حالت همگرایی و وحدت و همبستگی با شکوه در برابرنیروهای طبیعی کشورهای جهان و هم در برابر نیروهای درونی ذات خودانسان ایجاد می کند و برای اینکه بتواند در برابر عوامل مخرّب و منحرف‌ویرانگر آشکار و پنهان مقاومت کند نیاز به یار و مددکاری دارد که همه ملت‌مسلمان خود را در زیر چتر پروردگار قرار داده و با جمله (ایاک نعبد و ایاک‌نستعین اعتراف به عبودیت و بندگی کرده و برای یاری از خدای خود درخواست کمک می‌جویند. بخصوص نماز جماعت و جمعه که موجب‌تقویت روح برادری و ایثار یک ملت می گردد و بهترین پاک ترین و کم‌خرجترین اجتماعات دنیاست و نوعی دید و بازدید مجانی آگاهی ازمشکلات ونیازهای یکدیگر

و زمینه‌ساز تعاون اجتماعی بین آحاد ملت‌مسلمان است آثار سیاسی نماز به خصوص جماعت نشان دهندهٔ قدرت‌مسلمین و الفت بین دلهاست تفرقه‌ها را می‌زداید. بیم در دل دشمنان ایجادمی‌کند و خار چشم بدخواهان است آثار اخلاقی و فرهنگی نماز این است که‌امتیازات موهوم خیالی صنفی نژادی زبانی مالی همه و همه کنار می‌رود وصفا و صمیمیت و نوع دوستی در دلها زنده می‌شود و ملت بادیدار یکدیگردر صف عبادت احساس دلگرمی می‌کنند.

چگونه افراد را به نماز تشویق و ترغیب کنیم

پرسش

چگونه افراد را به نماز تشویق و ترغیب کنیم

پاسخ

تلاش شما برای آشنا ساختن جوانان با نماز، کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از برجسته‌ترین و متعالی‌ترین امور است. برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید. نماز، عملی است که در مجموعه عقیده توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. پس در آغاز بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه خود را در ذهن و اندیشه فرد باز نماید. در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی، انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای پروردگار در حرکت است. ((انا الله و انا الیه راجعون ; از خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم)). حال در این مسیر، ابزارهایی به مدد انسان می‌آید، تا او را از فراموش کردن مسیر و هدف باز دارد که از مهم‌ترین آنها ((نماز)) است. ((اقم الصلوه لذکری ; نماز را برای یاد من بپا دار)). آدمی بدون نماز راه را گم خواهد کرد. نمازهای پنج گانه همانند چراغ‌های برق هستند که مسیری طولانی و پر خطر را روشن کرده‌اند تا کسی راه را گم نکند و به بیراهه و سقوط کشانده نشود. آنچه که موجب می‌گردد برخی از نماز، رویگردان باشند و یا نسبت به آن تساهل کنند، ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن است. برخی چنین می‌پندارند که نماز انسان، نیازی را از خداوند برطرف می‌کند که البته خیالی واهی است. خداوند نیازی به هیچ مخلوقی ندارد. از این رو آنچه که به عنوان عبادات بر آن تاکید شده، جملگی در جهت کمال انسان است. نماز دارای آثار و فلسفه‌های متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می‌کنیم: ۱ؤ نماز، تقدیر و سپاس‌گذاری از خداوند است. ۲ؤ موجب آرامش انسان است. ۳ؤ موجب یاد خداست. ۴ؤ نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می‌کند. ۵ؤ تاکیدی بر نظافت و سلامتی است. ۶ؤ موجب انضباط و وقت‌شناسی است. ۷ؤ دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است. برای مطالعه بیشتر ر . ک : پرتوی از اسرار نمازمحسن قرائتی اسرار الصلوه‌ملکی تبریزی

چگونه میتوان اعتقادات مذهبی افراد بزرگسال را تقویت کرد

پرسش

چگونه میتوان اعتقادات مذهبی افراد بزرگسال را تقویت کرد

پاسخ

معتقد ساختن افراد سست ایمان، تلاشی پر دامنه همراه با آگاهی، استقامت و تعهد می‌طلبد. از دیگر سو این افراد از جهت میزان آگاهی، روند تاثیرپذیری، میزان حقیقت طلبی یا حقیقت گریزی، مراتب بسیار متفاوتی دارند. بنابر این هرگز نمی‌توان انتظار داشت که با ارائه نسخه واحدی، بتوان همه افراد را به سهولت به سوی دین دعوت کرد ;بلکه این مساله از سویی مرتبط با توان‌مندی‌ها و قدرت جذب شخص هدایتگر از جهت بهره‌مندی‌های عملی، کشش‌های اخلاقی و کیفیت اثرگذاری است و از دیگر سو مرتبط با ویژگی‌های روحی، اخلاقی، روانشناسی و ذهنی مخاطب می‌باشد. بنابر این آنچه به صورت کلی می‌توان بر شمرد این است که: ۱- کسی که در صدد هدایت دیگران است، باید از نظر اخلاقی به گونه‌ای باشد که بتواند مخاطب را به خود جذب نماید. ۲- هدایتگر باید درک درستی از مخاطب، میزان انحراف وی، ارزش‌هایی که بدان وابسته است یا به سمت آنها گرایش دارد، راه نفوذ و تاثیر درونی و ... داشته باشد. ۳- ارشاد کننده باید آگاهی کافی نسبت به دین حق داشته باشد و بتواند به خوبی از عهده پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات مخاطب برآید. علاوه بر امور فوق، شخص باید به گونه‌های مختلف از عوامل تاثیر گذار بر مخاطب استفاده کند و با برنامه‌ریزی حساب شده و تدریجی او را به سمت دین و حقایق الهی دعوت نماید.

آیا ستاد اقامه نماز برای جذب جوانان به مساجد برنامه ریزی کرده است

پرسش

آیا ستاد اقامه نماز برای جذب جوانان به مساجد برنامه ریزی کرده است

پاسخ

بلی، ستاد اقامه نماز تاکنون برنامه‌های متنوع و مختلفی جهت جذب جوانان و نوجوانان داشته وخواهد داشت از جمله: ۱ - برگزاری مسابقات نویسندگی که سالانه جمع کثیری در آن شرکت می‌کنندو اخیرا نیز نسخه شرکت کنندگان و برندان سومین مسابقه آن اعلام گردید. ۲ - گردهمایی جوانان تحت عنوان ((اندیشه‌های سبز)). ۳ - شرکت در فراخوان مقالات اجلاسیه‌های سراسری نماز. ۴ - عضویت در ستادهای اقامه نماز مدارس جهت برپایی هر چه با شکوهتر نماز جماعت. ۵ - حضور فعال در مسابقات عکاسی، نقاشی، روزنامه دیواری و... .

نماز چه آثار فرهنگی در جامعه دارد؟

پرسش

نماز چه آثار فرهنگی در جامعه دارد؟

پاسخ

در ابتدا باید به معنای اصطلاحی فرهنگ اشاره‌ای کرد تا بهتر بتوان مسأله «فرهنگ سازی نماز» را ترسیم نمود. در یک تعریف متداول از فرهنگ آمده است: «مجموعه آموختنی‌ها، کتاب‌ها و فراگرفتنی‌های غیر غریزی که در فرآیند آموزشی از نسلی به نسل

دیگر منتقـل می‌شـود؛ یـا مجمـوعه‌ای از علاـیق معنـوی، ذوقی، ذهنی، رفتـاری، اخلاـقی و آداب و رسـوم و رفتارهـا و کردارهـای انسان‌هـایی است که در یـک مجمـوعه بـاهم زنـدگی می‌کننـد» در تعریف دیگری آمـده است: «فرهنـگ عبـارت است از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی در یک جامعه که بر اثر کنش‌ها و واکنش‌های مستمر زندگی جمعی حاصل می‌شود و توان ماندکاری پیدا می‌کند» با توجه به این تعاریف، از مجموع ایستارها، ارزشها، پیام‌ها و هنجارهایی که نماز در جامعه به وجود می‌آورد، می‌توان به «فرهنـگ سـازی نمـاز» پی برد. بر این اسـاس پیـام فرهنگی نمـاز عبـارت است از تـاثیر نمـاز در زنـدگی فردی و جمعی و پیشبرد اهـداف معنوی، ذوقی، اخلاـقی و... و شـکل‌گیری رفتار معنوی و دینی در جامعه. به یقین ایسـتار ها و ارزش‌های ناشـی از نماز زیاد است که در ذیـل به بعضـی از آنهـا اشـاره‌ای می‌شود. ۱- طهـارت و پـاکی فرد و جـامعه و توجه به نیکی‌هـا و فضایـل؛ ۲- حرکت انسان‌ها به سوی کارهای خیر و پالایش و تزکیه نفوس جهت حرکت و سیر به سوی خیر مطلق؛ ۳- زدودن کناهان و رذایل اخلاقی از سـطح جامعه . ۴- ترویـج فرهنـگ تواضع، فروتنی و دوسـتی دیگران در راسـتای تعظیم و بزرگـداشت معبود؛ ۵- ترویج فرهنگ وقت‌شناسی، نظم و انضباط فردی و اجتماعی ؛ ۶- با لا رفتن سـطح آگاهی و اندیشه مسلمین و تقویت اتحاد و همدلی در جامعه (با حضور در نماز جمعه و جماعات)؛ ۷- به وجود آمدن روحیه تعاون، همکاری، مردم داری و حسن خلق در میان نمازگزاران.

برای ترویج فرهنگ نماز چه راههایی وجود دارد

پرسش

برای ترویج فرهنگ نماز چه راههایی وجود دارد

پاسخ

برای ایجاد فرهنگ نماز و ترویج آن مطالب ذیل را سـفارش می‌نماییم: ۱ ؤ تشویق افراد و جوانـان اهل نماز متناسب با سن و روحیه آنها واهمیت دادن به آنها به طوری که خود آنها و دیگران بفهمند برای نماز محترم هسـتند. ۲ ؤ تبلیغ و مطرح کردن فوائد و ثمرات فردی و اجتماعی و آخرتی نماز به جوانان. ۳ ؤ آشنا کردن آنها با اهمیت فوق العاده نماز در بین عبادات وتوجه خاص قرآن، ائمه و بزرگان دین به نماز. ۴ ؤ جذب نوجوانان به نمازهای جماعت و مساجد به وسـیله تشویق و زبان خوب و ارتباط تنگاتنگ و دوستانه شمـا با آنها. ۵ ؤ تهیه کتاب‌هـای منـاسب دربـاره نمـاز و در اختیـار دانش‌آموزان گذاشـتن آنهـا. برای آگاهی بیشتر ر.ک: هـدایت نوجوانان به سوی نماز(دکتر علی قائمی)

چه راهکارهایی برای تعمیق گرایش جوانان و نوجوان به مسائل مذهبی وجوددارد

پرسش

چه راهکارهایی برای تعمیق گرایش جوانان و نوجوان به مسائل مذهبی وجوددارد

پاسخ

چگونه می‌توان افراد تارک نماز را به نماز تشویق و ترغیب کرد

پرسش

چگونه می‌توان افراد تارک نماز را به نماز تشویق و ترغیب کرد

پاسخ

راههای جذب و رغبت جوانان و نوجوانان به نماز چیست

پرسش

راههای جذب و رغبت جوانان و نوجوانان به نماز چیست

پاسخ

راه کارهای عملی تعمیق گرایش جوانان و نوجوانان به مسائل مذهبی عبارت است از: ۱. ارائه الگوهای عملی ;یعنی، روش الگویی وعرضه و نمونه، از مهم‌ترین روش‌های تربیتی در اسلام است. آنان از راه مشاهده مستقیم عمل والدین ،مربیان، فرهیختگان جامعه و...، حالات و رفتار اینها را می‌بینند و از آنان الگو می‌پذیرند. پس دین آموزی باید مستلزم عمل و رعایت عمل باشد. اگر تمامی مبلغان دینی، اساتید و فرهیختگان به گفته‌های خود عمل می‌کردند، گفتارشان مانند باران بر دشت سرسبز دل‌ها فرو می‌رفت ;اما گفتار عالمان بی‌عمل، مانند باران رحمت الهی است که بر تپه‌ها می‌بارد و از آن جا جاری می‌شود و راهی به درون تپه‌ها نمی‌یابد. ۲. مسا له دوم آموزش صحیح عقائد و احکام دینی است. نخستین مسا له، دامنهٔ معرفتی است که در دین باید به نوجوانان و جوانان القا کنیم. معرفت خدای یگانه، مسا له خلقت، علم الهی، قدرت و ارادهٔ او، عدالت خداوندی، هدایت و رهبری او، حسابرسی و معاد، احاطه و نظارت پروردگار بر بندگان، نعمت‌های بیشمار او، مفاهیم مذهبی مثل عبادت، قرب و تقوا، احسان و نیکی و... از جمله راه‌های پرورش و نوسازی فطرت پاک جوانان است. در اینجا باید به دو مسا له توجه داشت: الف) رعایت شرط سنی ; زیرا هر سنی مقتضایی دارد و باید متناسب با فهم و درک و توانایی او با وی ارتباط آموزشی برقرار کرد. ب) شرط جنس است که پسران و دختران در این زمینه متفاوت‌اند. ۳ ؤ آرایش ظاهر (اعمال، رفتارها، مکان‌ها و ;...)غرض این است که برنامه‌ها و مراسم را گیرا و جذاب کنیم ;مثلاش محل برگزاری مراسم را زیبا و معطر نماییم. ۴ ؤ تشکیل گروه و دسته‌های فرهنگی، هنری و دینی (مانند گروه شعر و نویسندگی، گروه سرود و تواشیح، گروه نقاشی و خط و...). ۵ ؤ تمرین زندگی اسلامی ;اردوها و مسافرت‌های گروهی، یکی از بهترین شیوه‌های جذب جوانان است. ۶ ؤ دوری از تحکم و اجبار ;یعنی، جوانان ما، دین گریز یا دین ستیز نیستند ;بلکه از تحکم و فرمان‌های اجباری فرار می‌کنند. ما باید یاد بگیریم که آنان را دوست داشته باشیم و با عطوفت و مهربانی با آنها برخورد کنیم. و به جای تندخویی و الزام، از شیوه‌های دیگر تبلیغ و امر به معروف استفاده کنیم. ۷ ؤ سهل‌گیری در دین ;از مطلب قبلی به این می‌رسیم که خداوند دین را برای آسانی مردم می‌خواهد ;نه در تنگنا و فشار قرار دادن آنها (یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر). پس ما باید دین واحکام و آداب آن را به شکلی آسان، زیبا، قابل پسند و فهم‌پذیر ارائه بدهیم. ۸ ؤ حرکت‌های جمعی ;اصولاش حضور جمع چشمگیر است. اگر فعالیت‌های دینی و مذهبی را گسترش بدهیم و افراد بیشتری را جذب کنیم (مثلاش صد نفر برای قرائت قرآن)، همین مسا له باعث جذب عده زیادی از افراد بی‌تفاوت یا کم رو می‌شود. ۹ ؤ طولانی نکردن مراسم و برنامه‌های دینی و مذهبی ;نگذاریم جوانان، نوجوانان و حتی کودکان، در مراسم‌های دینی و سایر

فعالیت‌های مذهبی احساس خستگی کرده و زده شوند. بنابر این باید سعی کنیم مدت دعاها و برنامه را کاهش دهیم. در این راستا عمل به موارد زیر ضروری می‌نماید: الف) استفاده از لذات کامی یا دهانی ;گاهی مراسم را با یک شربت یا شیرینی می‌توانیم جذاب کنیم ;ب) زمینه سازی برای اغنا ;مراسم اسلامی به صورتی باشد که لذات گوناگونی را اغنا کند (لذت‌های عاطفی، زیبایی، آرامش روان، محبت و پیوند با خدا و ;...)ج) ذکر داستان‌ها و قصه‌های واقعی ;د) دادن جوایز مختلف (به بهانه‌های نظم و انضباط، رتبهٔ درسی، خط زیبا و ;...)ه) 'استفاده از هنر: نمایش، سرود، صوت خوب، کاریکاتور و طنز، نقاشی و خط و ;...و) استفاده از ادبیات: متون ادبی، متن‌های حماسی و عاطفی، شعری سازنده، بحث‌های علمی، تحقیق و پژوهش و ;...ز) استفاده از عواطف ;روان شناسان می‌گویند: عاطفه، خمیر مایهٔ گرایش مذهبی است. هر قدر پیوند و انس با مردم در امر دین بیشتر باشد، دین بیشتر در آنان نفوذ می‌کند ;ح) استفاده از جاذبهٔ احسان و نیکی و خوش رفتاری.

بهترین راه برای جذب بیشتر دانشجویان برای امور مذهبی وهمچنین نمازجماعت چیست و بهترین راه برای وحدت بین اهل تشیع و تسنن چیست ؟

پرسش

بهترین راه برای جذب بیشتر دانشجویان برای امور مذهبی وهمچنین نمازجماعت چیست و بهترین راه برای وحدت بین اهل تشیع و تسنن چیست ؟

پاسخ

برای جلب هر چه بیشتر دانشجویان در فعالیت‌های دینی لازم است برنامه‌های متنوع و جذاب - که دارای بارعلمی و متناسب با وقت دانشجویان باشد - برگزار گردد و برای آن که اجتماعات دینی به ویژه نماز جماعت بین اهلتشیع و تسنن به نیکوترین شکل انجام گیرد لازمه‌اش حفظ وحدت و پرهیزاز دامن زدن به اختلافات است. برای حفظو استحکام وحدت باید از طرح مسائل اختلافی پرهیز نمود و همگام با یکدیگر در مسائل مشترک به تحقیق و مطالعهو مساعی پرداخت از امور حساسیت برانگیز دوری جسته و افکار و اندیشه‌ها را متوجه دشمنان مشترک نمود.{J

با محیط و جوی که درآن دختران دانشجو بالباس های کذایی وبدحجابی جوانان را به سوی خود می کشند چه باید کرد؟

پرسش

با محیط و جوی که درآن دختران دانشجو بالباس های کذایی وبدحجابی جوانان را به سوی خود می کشند چه باید کرد؟

پاسخ

در این رابطه باید با تمام مظاهر خلاف شرع مقابله‌ای صحیح و منطقی نمود. لازم است دانشجویان متعهد وتشکیلات دانشجویی با همکاری نهاد نمایندگی برای از بین بردن چنین جوی تلاشی پیگیر نمایند.{J

علت مختلط شدن دانشگاهیان چیست وچرا از هم دیگر جدا نمی کنند که این اختلاط برای روح جوانان خیلی مضر است علتش را جواب دهید؟

پرسش

علت مختلط شدن دانشگاهیان چیست وچرا از هم دیگر جدا نمی کنند که این اختلاط برای روح جوانان خیلی مضر است علتش را جواب دهید؟

پاسخ

اختلاط پسر و دختر در دانشگاه ها مضر است و حتی‌الامکان برای رفع آن باید کوشش شود. البته این کار دربعضی ازموارد با مشکلات همراه است ولی متأسفانه در حد مقدور نیز اقدام شایسته به عمل نیامده در مواردی نیز بطورآزمایشی دانشگاه‌هایی غیر مختلط ایجاد شده (مانند دانشگاه الزهرا و علوم پزشکی فاطمیه). امید است مسوولینظام آموزشی کشور در این رابطه اهتمام بیشتری نمایند. در عین حال اقدامات دانشجویان متعهد و درخواست جدیآنان از مسوولین تهیه طومار نوشتن مقالات در روزنامه‌ها و ... موثر خواهد بود.}J

چرا اعتقاد مردم و جوانان امروزی نسبت به دین و احکام بسیار پایین آمده است ؟

پرسش

چرا اعتقاد مردم و جوانان امروزی نسبت به دین و احکام بسیار پایین آمده است ؟

پاسخ

التزام به مسائل دینی به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از آنها آگاهی‌ها و شناخت‌های دینی است. البته نه آگاهی سطحی مانند فقط دانستن فلان حکم شرعی بلکه آگاهی عمیق از حقیقت دین و اهمیت و فلسفه احکام الهی و چگونگی تأثیر اعمال و کنش‌های دینی در پرورش شخصیت و سرنوشت آدمی. از طرف دیگر عوامل متعدد دنیوی -بویژه در وضع کنونی جهان که روح ماده‌گرایی شدیدا حاکم است - انسان‌ها را به نوعی غفلت و فراموشی در برابر خداو ارزش‌های الهی می‌کشاند وبرای مقابله با آن شدیدا باید در برابر تهاجم فرهنگی با ابزارهای دقیق علمی و منطقی وایمانی ایستاد و با سامان دادن به وضع اجتماعی و فرهنگی جامعه زمینه را برای رشد و اعتلای معنوی بیش از پیشفراهم نمود.}J

بهترین راه برای اینکه خواهر و برادرهایم را علاقه مند به نماز و قرآن کنم چیست ؟

پرسش

بهترین راه برای اینکه خواهر و برادرهایم را علاقه مند به نماز و قرآن کنم چیست ؟

پاسخ

برای علاقه‌مند ساختن آنان به قرآن و نماز باید چند چیز را در نظر بگیرید: ۱) شرایط سنی میزان استعداد نوع علاقه‌ها و گرایش‌ها و

به تعبیر دیگر روان‌شناسی آنان را دقیقا در نظرگیرید. ۲) حتی‌الامکان در برنامه‌های خود «انگیزانندگی» داشته باشید. به عبارت دیگر به جای آنکه آنان را امر کنید درآنان شور و علاقه ایجاد کنید. برای اینکار وسایل کمک آموزشی مانند کتاب نوار تشویق ایجاد رقابت و ... موءثراست. ۳) حتی الامکان از ارائه برنامه سنگین به آنان خودداری نموده و از اصل تدریج استفاده کنید. ۴) از کسان دیگری مانند معلم و ... در جهت هدایت و تشویق بیشتر آنان استفاده کنید.{J

پیشنهاد شما برای هرچه غنی تر شدن فرهنگ اسلامی در دانشگاه ها چیست ؟

پرسش

پیشنهاد شما برای هرچه غنی تر شدن فرهنگ اسلامی در دانشگاه ها چیست ؟

پاسخ

در مورد غنای فرهنگی دانشگاه‌ها غنای فرهنگی رابطه مستقیمی با مجموعه دانشگاهیان و دانشجویان دارد کهمهمترین عنصر آن اندیشه و تفکر واهل مطالعه و تدبر بودن است. شناخت افکار و عقاید گوناگون جریانات سیاسی وفرهنگی تاریخ معاصر ایران شناخت صحیح از سیاست‌ها و برنامه‌های شرق و غرب و ... زمینه‌های لازم برای رشدفرهنگی سیاسی و اجتماعی دانشجویان را فراهم می‌آورد.{J

چرا با اینکه ایران یک کشور توریستی است اما هیچ گونه اقدامی برای جلب توریست صورت نمی گیرد و صرفا جلسات بی مورد و بی فایده تشکیل می دهند؟

پرسش

چرا با اینکه ایران یک کشور توریستی است اما هیچ گونه اقدامی برای جلب توریست صورت نمی گیرد و صرفا جلسات بی مورد و بی فایده تشکیل می دهند؟

پاسخ

جذب توریست در چند ساله اخیر بسیار بیشتر شده است در عین حال این کار باید به گونه‌ای حساب شده انجامگیرد به طوری که با حفظ ارزش‌های انقلاب تضاد و اصطکاک ایجاد نکند.{J

حضور در مراسم مذهبی و مساجد چقدر در جلوگیری از تهاجم فرهنگی موثر است ؟

پرسش

حضور در مراسم مذهبی و مساجد چقدر در جلوگیری از تهاجم فرهنگی موثر است ؟

پاسخ

حضور در مراسم دینی و مساجد یکی از قوی ترین عوامل مبارزه با تهاجم فرهنگی است. هر قدر حضور مردم دراین گونه مراسم جدی‌تر باشد و از طرف دیگر کیفیت برنامه‌ها و مراسم دینی بهبود یابد و غنای علمی و فرهنگییشتری یابد تأثیر چشمگیری در جهت جلوگیری از ابتلا به ابتذال فرهنگی دارد.{J

چرا مسئولین نمی توانند الگویی مناسب جایگزین الگوهای نامناسب کنند؟

پرسش

چرا مسئولین نمی توانند الگویی مناسب جایگزین الگوهای نامناسب کنند؟

پاسخ

در جامعه ما الگوهای متفاوتی از زمان‌های پیشین تا هم اکنون حاکم بوده و هست و هر کس متناسب با فرهنگ خاصی که بدان تعلق دارد الگو گزینی می کند. مثلا اگر در میان خوانندگان کسانی داریوش را الگو قرار می‌دهند به نوعیبه فرهنگ او تمایل دارند و در مقابل هم بسیاری مثلاـ آقای آهنگران را الگوی خود می‌سازند و به گونه‌های خاصیشیوه‌های رفتاری خود را با او منطبق می‌سازند یا ممکن است کسی به جای خوانندگان از میان اولیای دینسیاستمداران متفکران و ... الگوبرداری کند. کما اینکه الگوی صدها هزار جوان رزمنده بسیجی ما در صحنه‌های نبردحضرت امام حسین(ع) بود.{J

با توجه به ادعای اسلامی بودن چرا نمی توانید مشکل ازدواج جوانان را حل کنید؟ حال که نمی توانید چرا نمی گذارید به شیوه غرب مسائل جنسی حل شود؟

پرسش

با توجه به ادعای اسلامی بودن چرا نمی توانید مشکل ازدواج جوانان را حل کنید؟ حال که نمی توانید چرا نمی گذارید به شیوه غرب مسائل جنسی حل شود؟

پاسخ

فلسفه آفرینش زن و مرد و اهمیت ازدواج و مسأله تأخیر ازدواج در جامعه کنونی و رابطه آن با نظام حاکم هر یکباید به دقت بررسی گردد تا بتوان به قضاوتی درست و فارغ از پیشداوری‌های خام دست یافت. الف) فلسفه آفرینش زن و مرد صرفا این نیست که با یکدیگر درآمیزند و زندگی کنند. بلکه این خود یکی ازراهکارهای مقدماتی نظام خلقت درراستای هدف و فلسفه‌ای برتر و بالاـتر است. ب) ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. زیرا از طریق آن نه تنها نیازهایغریزی انسان به گونه‌ای نظام‌وار و سامان‌مند تأمین می‌شود. بلکه زمینه‌های بسیار مناسبی برای پرورش فضایل وکمالات و تربیت انسان‌های پاک و شایسته در محیطی آکنده از عشق و صفا و صمیمیت فراهم می گردد. ج) تأخیر در ازدواج از واقعیت‌های تلخی است که در قرن اخیر درسطح جهانی از جمله کشور ما شیوع بسیاریافته است. البته احساس نگرانی از این مسأله در جامعه ما بیش از دیگر جوامع است. زیرا دغدغه دینی و میل به پاکزیستن و دامن به مفاسد نیالودن و درکنار آن شدت و قوت گرایش‌های جنسی در جوانان فشار شدیدی را برآنان واردمی‌سازد. ولی آیا این مسأله به منزله آن است که در کشورهای دیگر فلسفه آفرینش زن و مرد

رعایت شده و در جامعه مانمی‌شود؟ اگر منظور اصل مسأله تأخیر در ازدواج است آمارهای جهانی نشان می‌دهد که در بسیاری از جوامع تأخیرسنی ازدواج بیش از جامعه ماست و اگر مقصود آن است که آنان با فساد و بی‌بند وباری به هر طریقی که شده نیازجنسی خود را تأمین می کنند این جز دور شدن از فلسفه خلقت زن و مرد و گرفتار آمدن در انواع تیره‌بختی‌ها چیزدیگری نیست. د) علت تأخیر ازدواج در ایران و دیگر جوامع بشری چیست؟ شرایط نوین زندگی بشر و تحولاتی که در پی تمدنجدید رخ داده اساسی‌ترین عامل تأخیر ازدواج می‌باشد. این مسأله نیاز به تحقیقات تاریخی جامعه شناختیگسترده‌ای دارد. لیکن به طور خلاصه و اجمال یادآور می‌شویم که در گذشته معمولا از سنین پایین جوانان و نوجوانانجذب بازار کار و فعالیت در جامعه می‌شدند. این برنامه نتایج چندی را به دنبال داشت. از جمله: ۱- شخص از آغاز نوجوانی کسب درآمد و ثروت می‌نمود و از حالت مصرف کنندگی خارج می‌شد علاوه بر آنکههزینه سنگین تحصیل نیز براو یا خانواده و دولت تحمیل نمی‌شد. ۲- فرد دارای پایگاه اجتماعی ثابت و مشخص بود. یعنی وقتی کسبی را پیشه خود می‌ساخت و پس از مدتی درآن ورزیدگی می‌یافت دیگر برایش مشخص بود که زندگی او و آینده‌اش همین است و چندان دغدغه اینکه فردا وفرداها چه خواهد شد و چه تغییرات اساسی در زندگی و کار او رخ خواهد داد آزارش نمی‌داد. ۳- شخص با کار و فعالیت اجتماعی از تجارب خاص زندگی بهره‌مند می‌شد تدریجا مشکلات را پشت سر می‌نهادو پختگی مناسب برای تشکیل خانواده پیدا می کرد. عوامل فوق باعث می گردید که شخص به سهولت و بدون دردسرازدواج کند. زیرا: * کمبود هزینه‌های زندگی و سهولت شرایط ازدواج * دارا بودن درآمد لازم عدم ابهام نسبت به وضعیت آینده * ورزیدگی تجربه و آبدیده شدن در برخورد با مشکلات و پشت سر نهادن تدریجی آنها دیگر هیچ حالت منتظرهایبرای فرد باقی نمی گذاشت. اما شرایط عصر نو: درجهان نو شرایط زندگی تغییرات شگرفی نموده و عمده‌ترین تأثیرات شکننده خود رابرجوانان تحمیل کرده است. در دنیای کنونی تقریبا همه نوجوانان به استثنای افراد بسیار قلیلی به تحصیل اشتغالداشته و آن چنان آینده مبهم و نامعینی دارند که گویی فکر آن را هم در سر نمی‌پرورانند و تمام هم آنها گذران موفق ایندوران است و بس. با پایان یافتن دوران دانش‌آموزی - که به طور متوسط در سنین ۱۷ - ۲۰ سالگی انجام می‌پذیرد -شخص یا در اندیشه راه‌یابی به دانشگاه است و یا باید به خدمت سربازی برود. بنابراین چند سالی دیگر جهتتشکیل خانواده مشکل دارد و اگر به دانشگاه راه یافت تازه دغدغه‌های دیگر آغاز می‌شود که آیا موفق به ارتقایمراتب تحصیلی خواهد شد؟ پس از فراغت از تحصیل چند سال به خدمت نظام وظیفه باید گذراند. تازه پس از همهاینها آیا کار مناسب در جامعه خواهد یافت؟ تا کی باید در پی کاریابی باشد و ... اینها همه ره‌آوردهای طبیعی عصرماشین و تکنولوژی است و برای دولت جمهوری اسلامی نیز یکی از مشکلات بسیار اساسی می‌باشد. زیرا درکشور ماتعداد انبوهی از جوانان به تحصیلات دانشگاهی اشتغال دارند و حل مشکل ازدواج آنان در سطح کلان آن هم با توجهبه مشکلات مالی فقدان پایگاه اجتماعی مشخص و تغییر جایگاه اجتماعی و باعنایت به آسیب‌شناسی‌های اجتماعیمسأله کاری است سخت دشوار. اینک بر شما عزیزان است که به جای متهم ساختن نظام دقیقا چشم بر واقعیت‌هایموجود گشایید و بدون پیروی از احساسات تند و هیجانی به اندیشه و تعمق در مسأله پرداخته وبا ارائه راه کارهایمفید و سازنده در حل این معضل بزرگ همیاری و هفکری نمایید.}J

در دانشگاه ها هنوز مشکلاتی از قبیل غربزدگی و عدم تعهد برخی اساتید و ... وجود دارد, آیا زمان آن نرسیده که برای رفع این نقایص اقدام شود؟

پرسش

در دانشگاه ها هنوز مشکلاتی از قبیل غربزدگی و عدم تعهد برخی اساتید و ... وجود دارد, آیا زمان آن نرسیده که برای رفع این

نقایص اقدام شود؟

پاسخ

نامه حاکی از تعهد و دلسوزی و باریک بینی شما در مورد مسائل مختلف دانشگاه‌ها واصل گردید. مشکلاتی که مطرح کرده‌اید از معضلات اصلی و مهم در سطح آموزش عالی کشور است. مسأله غربزدگی عدم تعهد برخی از اساتیدسوء استفاده از اختیارات و ... نمونه‌های بارز این موضوع هستند. مطالب نامه شما به قسمت‌های ذیربط در نهادنمایندگی و وزارت علوم منعکس گردید امید است مورد توجه قرار گیرد. آنچه گفتنی است این است که وقتیبی‌تفاوتی فراگیر شد همه این اشکال‌ها زمینه بروز و ظهور پیدا می‌کنند از این رو حفظ روحیه تعهد و سعی در بسط آنبخصوص در دانشجویان می‌تواند مانعی بر سر راه آفات باشد. امید است خسته نشوید و بی‌امان به تلاش خود برایاستواری ارزش‌های حقیقی همت گمارید.

چرا برای جلوگیری از فساد و مشکلاتی که در جامعه از حیث اخلاقی وجود دارد قیام همگانی نمی شود؟

پرسش

چرا برای جلوگیری از فساد و مشکلاتی که در جامعه از حیث اخلاقی وجود دارد قیام همگانی نمی شود؟

پاسخ

در جهت مقابله با سرقت قاچاق و... از نظر قوانین کمبودی نداریم. زیرا سیستم قضایی اسلام قاطعیت بسیار خوبیدر جهت مقابله با عوامل مخرب اجتماعی دارد. لیکن ریشه‌کن کردن این امور تنها به زندان اعدام و... بستگی نداردبلکه عوامل گوناگونی در این زمینه سهم دارند. که بایستی مجموعا مورد بررسی واقدام قرار گیرد تا نتیجه مطلوبحاصل شود {J

وظیفه ء ما در مقابل مشکلات فرهنگی محیطمان چیست ؟

پرسش

وظیفه ء ما در مقابل مشکلات فرهنگی محیطمان چیست ؟

پاسخ

در تغییر محیط تلاقی با گرایش‌ها فرهنگ‌ها اندیشه‌ها و آرمان‌های متفاوت امری کاملا طبیعی است و بویژه محیطهای دانشگاهی جامعه ما در برگیرنده بیشترین آمیزه‌های رنگارنگ بینشی و گرایشی است. بنابراین بر جوانان متدین ومتعهد چون شما فرض است که در این میدان وسیع افکار سلایق و علایق با قوت و صلابت هرچه بیشتر – علاوه برپاسداشت و حفظ ایمان – در بالندگی علمی و عملی دین خود بیش از پیش کوشیده و در برابر سیل تهاجماتگوناگون نه تنها چون سدی استوار مقاومت کنید بلکه خود موجی نوین انگیخته و شور و شعور ایمانی جوانان پیرامونخود را روز به روز بیشتر و بهتر سازید. {J

چرا ازدواج موقت در جامعه ء ما امری منفور و زشت تلقی می شود؟

پرسش

چرا ازدواج موقت در جامعه ء ما امری منفور و زشت تلقی می شود؟

پاسخ

آنچه شما در نامه خود در مورد متعه (صیغه) نوشته‌اید و نیاز شدیدی که جوانان به آن دارند از مسائل بسیار مهمیاست که باید موانع روانی و اجتماعی آن را شناخت و با آن مبارزه‌ای دامنه‌دار آغاز کرد. آنچه که متأسفانه مانع اجرایاین سنت پسندیده در جامعه ما شده رسوبات فکری غلط و جاهلانه و هم چنین تبلیغات سوء غربی‌ها و عوامل آن درگذشته و حال است. تردیدی نیست که باید راه صحیح و معقولی برای ارضای غریزه سرکش جنسی برای جوانانی کهتا مدت‌ها قادر بر ازدواج نیستند وجود داشته باشد. گرچه آحادی از جوانان ممکن است به درجه‌ای از تقوا رسیدهباشند که در سخت ترین شرایط نیز خود را حفظ نمایند ولی اکثرا در چنین وضعیتی نیستند. بنابراین متعه با حفظشرایط خود بهترین راه برای ارضای سالم این غریزه است. امیدواریم با برنامه‌ریزی هایی که برای جوانان در کشورصورت می گیرد موانع روانی و اجتماعی این مساله از سر راه آنها برداشته شده و آنان بتوانند به صورت مشروع غریزهخود را ارضا نمایند. شما نیز در این راه با روشنگری و احساس مسوءولیت گام بردارید و با مطرح ساختن مسأله وبررسی ابعاد آن در راه برداشتن موانع عمل به این سنت حسنه گام بردارید.{J

برای آگاهی و شناخت عمیقتر نسبت به اسلام و قرآن از کجا شروع کنم ؟

پرسش

برای آگاهی و شناخت عمیقتر نسبت به اسلام و قرآن از کجا شروع کنم ؟

پاسخ

نکته‌ای که اشاره فرموده‌اید بستگی به عزم قوی و همت والای شما دارد. در این رابطه کوششی فراوان و مستمر دردو جنبه علمی و عملی لازم است تا تدریجا ثمرات شیرین و ارزشمند آن در زندگی شما پدیدار شود بنابراین از سوییباید به انجام دستورات الهی و ترک محرمات کمر همت بندید و تدریجا انجام مستحباتی همچون نماز شب و ترکمکروهات را وارد برنامه عملی خود سازید. از سوی دیگر باید با برنامه‌ریزی دقیق به مطالعه و تحقیق منظم و پیوستهدر معارف دینی و قرآنی بپردازید. برای اولین گام در مطالعه توصیه می‌شود در یک برنامه‌ریزی یک‌ساله به دقتکتاب‌های استاد شهید مطهری بویژه: «سری هفت جلدی جهان بینی» «نظام حقوق زن در اسلام» «اسلام و مقتضیاتزمان» «علل گرایش به مادیگری» و «امامت و رهبری» را که پاسخگوی بسیاری از نیازهای فکری عصر ما هستند مطالعه فرمایید. پس از انجام این برنامه چنان چه مکاتبه فرمایید برنامه مطالعاتی دیگری تقدیم خواهد شد.{J

با توجه به تکنولوژی پیشرفته دنیا مخصوصا ماهواره آیا میتوان در را بروی خود بست و از آن استفاده نکرد و شما چه تدابیری در این زمینه دارید؟

پرسش

با توجه به تکنولوژی پیشرفته دنیا مخصوصا ماهواره آیا میتوان در را بروی خود بست و از آن استفاده نکرد و شما چه تدابیری در این زمینه دارید؟

پاسخ

مسلما وضعیت جهان امروز با گذشته تفاوت‌های اساسی دارد. امروز جهان در حال تبدیل شدن به یک دهکدهبزرگ جهانی است و تکنولوژی و وسایل ارتباطی، آن را به صورت نوینی در آورده است. روشن است که در جهان کنونی نمی‌توان چشم خود را بر روی حقایق بست و دیواری به دور خود کشید. پس باید از جنبه‌های مثبت تکنولوژی بهره جست و آن را در خدمت انسانیت و دین قرار داد، ولی متأسفانهابزارهایی مانند ماهواره و ... سکه‌های دو رو هستند. به دلیل تسلط منحرفان بر این شبکه‌ها و تبلیغات شیطانی و زهرآگین آنها برای کشورهای جهان سوم، یک نوع شبیخون فرهنگی بر این جوامع صورت گرفته است که اگر حد و مرزیبرای استفاده از این امکانات وجود نداشته باشد، مسلما عوارض نامطلوب آن، بر فوایدش غلبه خواهد کرد. شما به عنوان یک دانشجو ممکن است از دست‌آوردهای مطلوب آن بهره ببرید و آن را وسیله‌ای برای پیشبرددانش و مهارت خود قرار دهید، ولی عموم مردم چه؟ تجربه نشان داده است که استفاده‌های ناسالم از امکانات ماهواره بیش از بهره‌های مفید آن است. از این رو تا زمانیکه فرهنگ صحیح استفاده از ماهواره شکل نگیرد و نیز برنامه‌های داخل، جواب گوی نیازها نباشد، محدودیت دراستفاده از این ابزارها به نفع فرهنگ جامعه و استقلال فکری، سیاسی و اجتماعی آن است.{J

با توجه باینکه ریشه های مفاسداجتماعی را ازدواج ازبین می برد لکن مشکلات و رسوم غلط باعث تاثیر در این امر شده * چه راه های علمی برای اینکار وجود دارد؟

پرسش

با توجه باینکه ریشه های مفاسداجتماعی را ازدواج ازبین می برد لکن مشکلات و رسوم غلط باعث تاثیر در این امر شده * چه راه های علمی برای اینکار وجود دارد؟

پاسخ

موضوع ازدواج جوانان از مسائل غامض کنونی در کشور ماست؛ زیرا از یک سو از نظر اقتصادی و با توجه به سطحبالای توقعات امکان ازدواج دائم آسان برای جوانان فراهم نیست. ثانیا ، امکان ارضای غرایز جنسی از طریق مشروعدیگر موجود نیست. ثالثا ، مسائل اجتماعی دیگری نیز از نظر رشد جمعیت و ... این اقتضا را دارد که سن ازدواج بالابرود. با توجه به آنچه گفته شد برای حل این معضل باید یک سری اقدامات صورت گیرد تا بلکه در آینده این مشکل تاحدودی حل گردد. از جمله : ۱- مبارزه با ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی سخت گیری در امر ازدواج. ۲- کاستن از سطح توقعات خانواده‌ها. ۳- ترویج زندگی ساده و به دور از تشریفات و زواید. ۴- تبلیغ ازدواج موقت و تصحیح نگرش اجتماعی مردم در این زمینه.{J

اسلامی شدن دانشگاهها یعنی چه ؟ آیا معنایش این است که دختر و پسر با هم نباشند؟

پرسش

اسلامی شدن دانشگاهها یعنی چه ؟ آیا معنایش این است که دختر و پسر با هم نباشند؟

پاسخ

در موضوع اسلامی شدن دانشگاهها مع‌الاسف تنها به برخی از امور ظاهری توجه شده و اصل موضوع در بوته ابهامرها شده است، بلکه حرکات ظاهری در برخی مراکز پوششی برای حرکت‌های غیر اصولی شده است. یعنی این کهجنبه‌های ساده و سطحی قضیه مورد توجه قرار گرفته و جنبه‌های پیچیده و مشکل آن بایگانی شده. اسلامی شدن یعنی عمق یافتن، تعهد، حرکت و تلاش جهاد گونه، مبارزه با افکار وارداتی، حفظ استقلال فکری و... البته حفظ ظواهر اسلامی نیز در این جدول برای خود جایگاهی دارد، ولی نه این که تنها برای اسلامی شدن بهمین مورد آن همه به صورت دست و پا شکسته و یا با برخی از تبعات منفی دنبال شود.{J

نحوه انتقاد از روحانیون مسئول در حالیکه حرمت آنان حفظ شود چگونه است

پرسش

نحوه انتقاد از روحانیون مسئول در حالیکه حرمت آنان حفظ شود چگونه است

پاسخ

همان گونه که در نامه خود متذکر شده‌اید، پذیرش مسؤولیت‌های اجرایی از سوی روحانیون، این مسأله را در اذهانپدید می‌آورد که آنان هرچه می‌گویند و هر چه انجام می‌دهند، بیرون از محدوده انتقاد و بررسی است و لذا یک نوعجنبه تعبد به خود می‌گیرد. این موضوع از جوانب مختلفی قابل بررسی است. یکی از جهات آن این است که آیا اساسا کسی حق چنین ادعاییرا دارد یا خیر؟ دیگر آنکه چه زمینه‌هایی موجب بروز این اندیشه شده و بالاخره چه باید کرد؟ جهت اول: هیچ کس جز معصوم نباید خود را عاری از خطا بپندارد، بلکه باید عملکرد خویش را در بوته نقد خود ودیگران قرار دهد تا از خطاها و اشتباهات احتمالی جلوگیری گردد. ولی یک نکته را نیز باید مدنظر قرار داد و آن اینکه گاه شخص از جانب خود سخنی نمی‌گوید، بلکه سخن معصومو یا کلام خدا را نقل می‌کند. در این صورت نبایستی قدر و منزلت آن سخن را با سخنان شخصی و برداشت‌های فردیکسان دانست. برای مثال اگر کسی گفت: خداوند نماز را واجب کرده و یا فلان مطلب را در آیه‌ای بیان نموده است(منهای برداشت‌های شخصی) نمی‌توان این سخن را هم طراز گفته‌های خود فرد قرار داد. آنچه را که مجتهد با توجه به مبانی متقن خود از احکام شرعی بیان می‌کند، باید جزء همین مقوله دانست. البته نظرات شرعی مجتهد نیز بر دو قسم است: برخی از ضروریات و دین شمرده می‌شود که نقد ناپذیرند (مگرکسی در اساس و اصول دین تردید داشته باشد که مقوله دیگری است) و برخی دیگر از ضروریات نیستند. این دسته رامی‌توان با ابزار خاص خود مورد نقد قرار داد. همان گونه که هر دانشی را باید با روش و متولوژی ویژه خود در بوته نقدگذاشت؛ نه اینکه هرکس از هر دری و به هر جهت از راه برسد و بخواهد هر دانشی را مورد نقد قرار دهد. اما در اجرائیات: در مسائل اجرایی به هیچ وجه تعبّدی در کار نیست، ولی این سخن را نیز باید به درستی درک نمودکه «تعبّدی نبودن به معنای هرج و مرج نیست» بلکه مجری چه روحانی باشد و چه غیر آن، باید محترم باشد و در مرزقانون از او تبعیت شود. و در کنار آن نیز انتقاد سازنده صورت پذیرد. بنابر این هر چیز به جای خویش نیکوست. گرچه برخی مباحث و شؤون را با یکدیگر مخلوط می‌کنند و عدم تعبدرا به بی‌نظمی و بی‌قانونی می‌کشانند. کوتاه سخن آن که در غیر تعبدی‌ترین نظام‌های عالم نیز اطاعت بی‌چون و چرا

ازقانون، سرلوحه فرهنگ عمومی شهروندان آن جامعه است گرچه انتقاد نیز در کنار آن ممکن است وجود داشتهباشد. از جهت دیگر، گاهی فرهنگ جامعه بنا به سوابق خود، نوعی اطاعت ویژه برای برخی اشخاص قائل است و ازهمین رو حتی در مسائل اجرایی نیز زبان به انتقاد گشوده نمی‌شود. در این جا باید با روشنگری واقع بینانه مسائل را به مردم تفهیم کرد و شؤون را از یکدیگر جدا نمود و مرزانتقادناپذیری را برای آنان مشخص کرد. موضوع دیگری که در پایان نامه شما آمده است، مسأله حفظ حرمت روحانیت و تقدس آن است که موضوع بسیارحائز اهمیتی می‌باشد. واقعیت آن است که حضرت امام (ره) به عنوان بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران در آغازانقلاب، این نکته را در نظر و عمل بیان کرده بودند که روحانیون باید وظیفه اصلی خود را - که همان هدایت و تبلیغاست - انجام دهند و کارهای اجرایی مملکت به غیر آنان واگذار گردد. ولی تجربه مشروطیت و نیز حوادث پس از انقلاب، ثابت نمود که اکثر روحانیت (روحانیان متعهد و انقلابی) بهعنوان تئوریسین‌های یک انقلاب بزرگ در قرن بیستم، از صحنه سیاست و پست‌های کلیدی خارج گردند، مسلما اینخیزش عظیم اسلامی به انحراف کشیده خواهد شد و داعیه‌های دیگری به روی صحنه خواهند آمد. شرایط سنگین پذیرش مسؤولیت پس از انقلاب و مشکلات آن نیز مزید بر علت گردید و روحانیان متعهد احساسوظیفه کردند که در صحنه قانون گذاری و اجرائیات مملکت حضور فعال‌تری داشته باشند. گرچه از جهت حرمت وقداست تاریخی خود نیز با مشکلاتی مواجه گردند. حال یا می‌بایست وظیفه را ترک می‌کردند و تقدّس را حفظ می‌نمودند و یا برعکس، حال به نظر شما در این صحنهمی‌بایست چه رفتاری می‌کردند؟! البته در این زمینه سخن‌های دیگری نیز وجود دارد که در این مجال نمی‌گنجد.{J

چرا به زندانیها رسیدگی نمی شود و بجای اینکه با فرهنگ و ایجاد شغل آنها بسازند آنها را زندانی می کنند؟

پرسش

چرا به زندانیها رسیدگی نمی شود و بجای اینکه با فرهنگ و ایجاد شغل آنها بسازند آنها را زندانی می کنند؟

پاسخ

مسأله زندانیان مشکلی جدی است و در نظام اسلامی نیز به زندان به عنوان یک اصل فراگیر نگاه نمی‌شود. اینمسأله بر مسؤولین امور روشن است که زندان جز در موارد اضطرار، قابل استفاده نیست و در همه جای دنیا این نکتهپذیرفته شده است که زندان‌ها یکی از مراکز یادگیری برخی از ناهنجاری‌ها توسط عوامل تازه وارد است. در عین حالزندان و حبس قابل نفی نیست. از این‌رو در اسلام هم عوامل تنبیهی متنوع و هم عامل عفو در حد اعلای امکان وجوددارد. در جامعه ما نیز از عوامل مختلف فوق استفاده می‌شود، ولی در عین حال شرایط اجتماعی باعث شده است کهبیش از دیگر عوامل تنبیهی از زندان استفاده شود. اما اینکه معمولاً عناصر اصلی از دام قانون می‌گریزند، هر چند درمواردی با ترفندها و امکاناتی که به کار می‌گیرند چنین می‌شود، ولی این مسأله کلیت ندارد و در موارد متعددی نیزعناصر مهم و اصلی گرفتار تیغ عدالت شده و می‌شوند.{J

چرا ما آذربایجانیها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ مطبوعات و) محرومیم ؟

پرسش

چرا ما آذربایجانیها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ مطبوعات و) محرومیم ؟

پاسخ

در اندیشه واقع بینانه اسلام هیچ فرقی بین انسان‌ها وجود ندارد و برتری و بزرگی فقط با تقوا پیشگان است. پسسزاوار است که در تمام جوامع - بخصوص در جامعه اسلامی خودمان - صحبت از اختلاف و فرق بین اقوام به میانآورده نشود و برعکس باید مشترکات فرهنگی و دینی مورد توجّه قرار گیرد. به هر صورت نامه شما حاوی نکاتی چند است که ما با برخی از موارد آن موافقیم و با برخی نه. ما با دوران پیش ازانقلاب کاری نداریم، ولی بعد از انقلاب اسلامی ایران، شاهد برادری و برابری بین آذری زبان‌ها و فارس‌زبان‌هاهستیم. همان طور که می‌دانیم بسیاری از مسؤولین و مقامات رده بالای کشور؛ از نخست وزیر گرفته تا وزرا، استانداران،فرمانداران، مسؤولین قضایی و ... از برادران آذری زبان بوده و هستند و الان نیز شاهد این رویه هستیم؛ بخصوص اینکه مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه خامنه‌ای، منتسب به دیار شهید پرور آذربایجان هستند. هم اینک اساتید زیادی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، وجود دارند که آذری تبار بوده و به نحو شایسته و اکمل،دانش خود را در جامعه ما گسترانده‌اند؛ مانند علامه محمد تقی جعفری، جعفر سبحانی و ... همچنین کتاب‌ها وتحقیقات فراوانی توسط نویسندگان و ادیبان آذری، نگاشته و منتشر گردیده است. بازیگران و کارگردان‌های خوبی درصحنه سینما و تلویزیون وجود دارند و ... حتّی زمانی که در حوزه علمیه قم، برای مرجعیت تصمیم گیری می‌شود، می‌بینیم از هفت نفر مرجع انتخاب ومعرفی شده، چهار نفر آنان (حضرات آیات: خامنه‌ای، تبریزی، فاضل لنکرانی و شبیری زنجانی) مربوط به این خطّه ازکشور عزیزمان هستند. در رابطه با مسأله فرهنگ و ادب، الان کتاب‌ها و نشریات گوناگونی به زبان آذری، چاپ و منتشر می‌شود؛ مانند:یول، وارلیق، میثاق، آذربایجان نامه، فروغ آزادی، دیوان فضولی، حدیقةالسعداء، آذربایجان ادبیاتینه بیر باخیش(هیئت)، دیوان شهریار، سحاب الدموع، ادبیات اوجاقی و ... و صدها کتاب نوحه و مصیبت‌نامه آذری. همچنین بعد از انقلاب شاهد بر پایی کنگره‌های بزرگداشت و نکوداشت برای بزرگان این دیار همانند: علامهمحمد تقی جعفری، علامه طباطبائی، فضولی، شهریار، سرداران شهید آذربایجان، و ... بوده و هستیم. پس می‌توان نتیجه گرفت که در این زمینه‌ها شاهد پیشرفت‌های چشمگیری می‌باشیم و در واقع هیچ تفاوتی بینترک و فارس گذاشته نمی‌شود. امّا با برخی از گفته‌های جناب عالی موافقیم؛ مانند اینکه در مقطعی از دوران تحصیلی باید ادبیات و فرهنگآذربایجان و زبان ترکی گنجانده شود و برادران و خواهران آذری، حداقل بتوانند نوشته‌های ترکی را بخوانند یابنویسند. همچنین در صدا و سیما باید دقّت و تلاش بکنند که در فیلم‌ها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، رایحه قوم‌گراییو ... به مشام نرسد و احترام تمام اقوام، بخصوص وفادارترین آنها به ایران اسلامی (آذری‌ها) نگه داشته شود. در اینزمینه شما و دیگر عزیزان آذری می‌توانید اعتراض خود را در نشریات مطرح کنید و یا کتباً و مستقیماً به مسؤولین صداو سیما ارسال دارید که آنها نیز در برنامه‌های خود تجدید نظر کرده و از پخش برنامه‌های اختلاف برانگیز و توهینکننده جلوگیری و پرهیز کنند. در آخر ذکر این نکته خالی از لطف نیست که دشمنان این مرز و بوم برای از بین بردن اقتدار و وحدت مردم و دولت،دست به تفرقه افکنی و انواع توطئه‌ها زده‌اند که از جمله آنها طرح مسائلی چون پان‌ترکیسم، پان عربیسم، پان کردیسمو ... می‌باشد. البته با وجود افراد فرهیخته و آگاه در کل این سرزمین مقدّس، توطئه شوم این افراد نقش بر آب شده و ایرانیان همهبا اتحاد و سربلندی به زندگی خود ادامه خواهند داد.}J

آیا ازدواج موقت الان در جامعه ما رایج است ؟

پرسش

آیا ازدواج موقت الان در جامعه ما رایج است ؟

پاسخ

متأسفانه رواج صحیح و درستی ندارد و همین مسأله موجب بروز مشکلاتی برای جوانان گردیده است

اسلامی کردن دانشگاهها به چه صورت انجام می پذیرد

پرسش

اسلامی کردن دانشگاهها به چه صورت انجام می پذیرد

پاسخ

فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها، جهادی دراز آهنگ و فراگیر است که باید همه مؤلفه‌های دانشگاهی اعم از: استاد،دانشجو، کارکنان، مدیران، نظام مدیریت، نظام و سیاست آموزشی، نظام تحقیق و پژوهش، متون آموزشی و فضایدانشگاه را فرا گیرد و در همه زیر ساخت‌ها و روساخت‌ها ریشه دوانده و جایگاه شایسته خود را بیابد. {J

چرا با صرف هزینه می خواهید به سئولات ما پاسخ دهید

پرسش

چرا با صرف هزینه می خواهید به سئولات ما پاسخ دهید

پاسخ

تبلیغ و بیان حقایق معارف آسمانی از وظایفی است که قرآن مجید بر دوش تمامی افرادی که توان آن را دارند گذاشته است , از اهداف بعثت انبیا تبیین حقایق آسمانی بوده است و خداوند از عالمان دینی , بر این امر میثاق گرفته است و چون خداوند پیمان گرفت از آنان که کتاب به آنها داده شده تا حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کرده و آن را کتمان ننمایند (آل عمران , آیه ۱۷۸). صدها آیه قرآن دال بر این رسالت بزرگ است . وانگهی در دنیایی که بی دینی و لاابالی گری , با صدها چهره فریبنده و از هر دریچه و زاویه , تبلیغات بی انتهای خود را مجانا در اختیار همه قرار می دهد و صدا و تصویر و شبکه های ارتباطی و... معرکه ای بزرگ به پا کرده اند, آیا بیشتر از گذشته نباید احساس مسوئولیت کرد. حال چرا ما می خواهیم به سوئال جوانان پاسخ بدهیم ؟! لابد باید منتظر بنشینیم تا برای این موضوع یانکی ها و... برای ما کانال رادیویی (مجانا) به راه بیندازند. البته سخن در این مقوله بسیار است , ولی انتظار آن است که جوانانی مانند شما بتوانند مسائل را خوب تحلیل کنند و زمانه را به درستی بشناسند. لازم است به اطلاع برسانیم که بودجه مصرفی ما برای پاسخ گویی به سوئالات , یک صد هزارم ۱۱۰۰۰۰۰ بودجه یکی از کانال های رادیویی بیگانگان – که برای ما و شما شبانه روز برنامه پخش می کنند – نیست .

چرا جوانان به مدل های غربی و غربگرایی علاقه دارند چرا نظام در این مورد اقدام نمی کند

پرسش

چرا جوانان به مدل های غربی و غربگرایی علاقه دارند چرا نظام در این مورد اقدام نمی کند

پاسخ

مسأله غرب‌گرایی، پدیده‌ای است که سابقه‌ای طولانی نه تنها در کشور ما، بلکه در سطحی بسیار گسترده‌تر در همهکشورهای جهان سوم وجود دارد. برخی از علل این پدیده عبارت است از: ۱ – مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه‌هایکشورهای عقب‌مانده و ضعیف است. ۲ – به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود. ۳ – افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی‌تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد. انقلاب اسلامی آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام و مستضعفین طنین افکن شد و توانست برای بسیاری ازجوانان، روشنفکران، نویسندگان و اندیشمندان تغییر جهت دهد. لیکن از دیگر سو عوامل غرب نیز همواره در کمیننشسته و از هر سو برای ربودن نظرها و اندیشه‌ها تلاش مضاعفی در سطح جهان انجام می‌دهند. طبیعی است که دراین میان برخی به آن سو و برخی به این سو می‌خرامند. در ارزیابی نهایی هر چند ما حرکت‌های موجود در جهتمبازره اصولی و ریشه‌ای با پدیده غرب‌گرایی را کافی نمی‌دانیم و هرگز نمی‌توان انتظار داشت که کامل‌ترین برنامه‌هابتواند به طور کلی ریشه این‌گونه گرایش‌ها را خشکاند؛ زیرا انسان‌ها بر اساس امیال و خواست‌های متفاوت که دارند ونیز متناسب با محیط‌های مختلفی که در آن رشد کرده‌اند و اندیشه‌های گوناگونی که ذهنشان با آن رشد یافته است،گرایش‌های متفاوتی می‌یابند. بنابر این ضمن آنکه تا حد زیادی می‌توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابیکرد، ولی همواره پرونده این‌گونه گرایش‌ها باز است و حرکتهای موجود یا هر حرکت دیگری می‌تواند آن را محدودسازد، ولی نمی‌تواند به طور کلی آن را نابود کند.}]

چرا ازدواج موقت که یکی از احکام ناب اسلام است در جامعه ما انجام نمی شود؟

پرسش

چرا ازدواج موقت که یکی از احکام ناب اسلام است در جامعه ما انجام نمی شود؟

پاسخ

ازدواج موقت (متعه) یکی از برنامه‌های ارزشمند اسلام برای تامین نیازهای موقت جنسی با حفظ عفاف وبهداشت نسل است و پشت پا زدن به آن به معنای سوق دادن جامعه به سوی رهبانیت و یا کمونیسم جنسی است. درجامعه امروز ما نیز متعه هم قابل اجراست و هم مورد نیاز ولی متأسفانه نسبت به شیوه‌های اجرایی و چگونگی انجامصحیح آن برنامه‌ریزی درستی انجام نگرفته است. در عین حال این به معنای آن نیست که با متعه بتوان مشکل جنسیجوانان را حل نمود و چه بسا یک درصد آن هم از این طریق جبران پذیر نباشد. بنابراین لازم است بیش از هر چیزنسبت به مساله ازدواج دائم سرمایه‌گذاری جدی شود و مشکلات آن برطرف گردد.

چرا ازدواج موقت مورد پذیرش افکار عمومی مردم نیست ؟

پرسش

چرا ازدواج موقت مورد پذیرش افکار عمومی مردم نیست ؟

پاسخ

الف) ما پیشنهاد خاصی در این زمینه نداریم. ب) لازمه الگو بودن آنان این نیست که دخترانشان ازدواج موقت کنند، به ویژه آن که برای ازدواج موقت زنان بیوهمناسب‌ترند و دختران برای ازدواج دائم بهتر. ج) اسلام در کجا گفته است که جوان محصل ازدواج دائم نکند؟ آنچه هست این است که بالاخره با تشکیلخانواده مسؤولیت زندگی بر عهده مرد است. اما اسلام هرگز مانع این نیست که والدین طرفین با میل و رضایتخودشان مخارج آنان را بپردازند. اتفاقا یکی از پیشنهادات ما برای حل مشکل ازدواج این است که خانوادههایطرفین به جای سخت‌گیری‌های بی‌جا و مخارج سنگین، چند سالی هزینه‌های زندگی زوجین را بر عهده گیرند، تا آنانبا خیال راحت به تحصیل ادامه دهند، لیکن این مسأله نیاز به تبلیغات دارد، ولی نمی‌توان آن را الزامی نمود. نکتهبسیار شگفت‌انگیز و تأسف آور این است که نوشته‌اید شرع این مسأله را تأیید نمی‌کند!!! در حالی که شرع آن را یکی ازبزرگترین مستحبات و دارای پاداش بزرگ می‌داند.{J

چرا به جای گرفتن مهریه های سنگین برای جلوگیری از طلاق قوانین دیگری وضع نمی کنند؟

پرسش

چرا به جای گرفتن مهریه های سنگین برای جلوگیری از طلاق قوانین دیگری وضع نمی کنند؟

پاسخ

اولاً این جا نیز خلط فوق صورت گرفته و پاسخش همان است. ثانیا، مواردی که مثال زده‌اید، مربوط به جایی است که هدیه و پیشکش به صورت شرط ضمن العقد قرار نگیرد. دراین صورت تنها اراده واهب دخالت دارد؛ اما آن جا که شرط ضمن العقد شود، از دو جهت با صورت اول تفاوتمی‌یابد: یکی این که اراده و خواست متهب نیز دخیل می‌شود، دیگر آن که جنبه حقوقی و الزامی پیدا می‌کند. اینمسأله نه تنها در عقد ازدواج، بلکه در هر عقد و قراردادی می‌تواند راه یابد. لیکن رایج‌ترین مصداق آن در مورد ازدواجاست و اختصاص به ایران و جهان اسلام هم ندارد؛ بلکه در همه جای دنیا مرسوم و در نظام‌های حقوقی جهان،پذیرفته شده است.{J

چرا مردم به ظواهر بیشتر از امور بنیادی می پردازند؟

پرسش

چرا مردم به ظواهر بیشتر از امور بنیادی می پردازند؟

پاسخ

مسلما تبلیغ و معرفی اسلام ناب از بزرگترین خدمت‌هایی است که در شرایط فعلی باید انجام داد. البته اسلام هم دارای اصول و آموزه‌هایی بنیادی است و هم دارای ظواهر و برنامه‌های فرعی، هر دوی این‌ها حافظ یکدیگرند. اگرتنها بر بنیان‌ها تکیه شود و به ظواهر اهمیت داده نشود بنیان‌ها نیز پایدار نمی‌ماند، همان‌گونه که اگر تنها بر ظواهر تکیه شود بنیان‌ها به فراموشی سپرده خواهند شد. پس بایستی هر دو را در کنار یکدیگر عرضه نمود، لیکن یک نکته را بایداذعان نمود و آن این که کارهای ظاهری و در دسترس را هم زودتر می‌توان انجام داد و هم کسانی که آن را دریابند وپی گیری کنند فراوانند. ولی در مورد کارهای بنیادی هم فهم کنندگان آن اندکند و هم اقدام برای آن دشواری‌های فراوانی را دنبال دارد. لذا کار ترویج اذان بسیار ساده‌تر از ترویج عدالت و پیاده سازی آن است. در هر صورت بایستی کمر همت را محکم بست و اسلام را به طور جامع و کامل دریافت و الگوهای آن را به درستی و شایستگی مطرح نمود.

برای حل مشکل ماهواره چه راه حلهایی وجود دارد؟

پرسش

برای حل مشکل ماهواره چه راه حلهایی وجود دارد؟

پاسخ

در این رابطه اقدامات متعددی لازم است از جمله: الف) آگاه سازی مردم نسبت به خطرات آن. ب) ایجاد بدیل سالم. ج) تقویت روح ایمان و تقوای اجتماعی، به گونه‌ای که انگیزه گرایش به ماهواره کاسته شود. د) احساس مسؤولیت همگانی و مشارکت عمومی در کنترل و ارشاد کسانی که در جست‌وجوی این گونه امورند.

با توجه به واقعیت موسیقی در جامعه و مخالفت روحانیت با آن با این معضل چگونه باید برخورد کرد

پرسش

با توجه به واقعیت موسیقی در جامعه و مخالفت روحانیت با آن با این معضل چگونه باید برخورد کرد

پاسخ

اولاً ـ روحانیت با «بحث موسیقی» مخالفت نکرده است؛ بلکه خود همواره آن را مورد بحث قرار داده و پیرامون آن کتابها نوشته است. ثانیاً موسیقی انواع و اقسام دارد و قرآن خود بهترین و زیباترین موسیقی را دارد. مجالس دینی،نیایش و ... موسیقی خاص خود را دارند. تکیه روحانیت برآن است که باید به جای موسیقی‌های مبتذل و خلاف شرع، موسیقی مشروع و حلال را جایگزین کرد.

وظیفه بسیج در رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی چیست ؟

پرسش

وظیفه بسیج در رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی چیست ؟

پاسخ

بسیجی همان وظیفه‌ای را برعهده دارد که هر مسلمان متعهد و شیعه اهل‌بیت(ع) بر عهده دارد. استواری در رأی واندیشه، پایداری در دین، الگو بودن در عمل، اخلاق نیک و ... گوشه‌ای از شرایطی است که باید ایجاد کرد تا بتوان درصحنه عمل انجام وظیفه نمود. روشنگری، اصلاح، ارشاد، تبلیغ در عمل، از جمله رسالت‌های یک بسیجی در عرصه رویارویی با مشکلات است.

بسیجیان چگونه تفکر بسیجی را در میان دانشجویان و نسل جوان ترویج نمایند

پرسش

بسیجیان چگونه تفکر بسیجی را در میان دانشجویان و نسل جوان ترویج نمایند

پاسخ

در آغاز باید دقیقاً تفکر بسیجی را شناخت و از یک سری امور ظاهری و روبنایی، گذر کرد و به عمق اندیشه‌ای که در فراسوی آن وجود دارد توجه شود. تفکر بسیجی، همان تفکر شیعه علوی و پیروان واقعی اهل‌بیت(ع) است. بایدشناخت که حضرت علی(ع) چگونه می‌زیست و چرا آن گونه زندگی می کرد؟ چگونه روزها به مانند شیری در میدانبود و شب‌ها به مانند بنده‌ای خاکسار؟ زندگی علی چگونه بود؟ نان او، خانه او، برخورد او، کلام پرمغز و پرمحتوای اوچه بود و ....؟ باید این الگوها را شناخت و شناساند تا ریشه‌های تفکر بسیجی در دل رسوخ کرده و خود را در عمل بنمایاند.

روش صحیح تبلیغ در دانشگاهها چیست

پرسش

روش صحیح تبلیغ در دانشگاهها چیست

پاسخ

تشخیص شما درباره ئ ضعف تبلیغات متعارف در دانشگاه ها, تاحدودی بجا و درست است . پس بایستی به فکر راه های نو برای تبلیغ پیام اسلام بود. در این زمینه , مسلما استفاده از گونه های مختلف هنر باید مد نظر قرار گیرد. طرح هایی که نوشته اید بسیار مناسب و کارآمد است ; مشروط برآن که در مواردی که با مسائل محتوایی سر و کار دارد, مطالعه دقیق صورت گیرد ;مثلا در مورد آیات قرآن و یا شأن نزول آنها باید, پژوهش و مطالعه زیادی انجام گیرد. برای مسابقات کتاب خوانی , می توان از روش تهیه سوأل های مهم از هر کتاب و دریافت پاسخ های تشریحی و یا تستی از آن استفاده کرد. هم چنین دادن کنفرانس از فصل های کتاب در جلسات و تشویق بهترین آنها نیز در این زمینه , مناسب است . نقد و بررسی پیرامون یک کتاب و یا فصلی از آن نیز در بعضی موارد کارآیی خوبی دارد. در مورد نوع کتاب ها, سعی کنید تنوع را در این زمینه رعایت کنید ;مثلا می توان از کتاب های

علامه حسن زاده آملی و نیز کتاب های مناسب دیگر در برخی زمینه ها بهره ببرید. در پایان برای آشنایی بیشتر شما با وظایف نهاد،و داشتن اطلاع از زمینه فعالیت این نهاد یک نسخه از اساسنامه آن برای شما ارسال می گردد.

با اینکه حضرت امام (ره) فرموده اند باید دانشگاه کارخانه آدم سازی باشد اما امروز کاملا بر عکس شده است . چرا؟

پرسش

با اینکه حضرت امام (ره) فرموده اند باید دانشگاه کارخانه آدم سازی باشد اما امروز کاملا بر عکس شده است . چرا؟

پاسخ

همواره بین آرمان‌ها و آنچه که اتفاق می‌افتد، فاصله زیادی هست. آدم‌ساز شدن دانشگاه، آرمانی الهی است که امام(ره) بر آن تأکید بسیار داشتند. تا حدود زیادی هم زمینه آن در دانشگاه‌ها فراهم شد و جوان‌های پاک و متعهدی درآن تربیت یافتند و اکنون نیز نسبت به زمان طاغوت و دانشگاه‌های دیگر کشورها مزیت‌های فراوانی را از این جهت دارا می‌باشند. البته به دلیل گستردگی تهاجم فرهنگی غرب و نفوذ غرب‌زدگی در برخی اقشار دانشگاهی و نیز مشکلات دیگرفرهنگی جامعه، آن گونه که بایسته است، این امر برآورده نشده است. امید است با احساس تعهد دانشجویانی همانند شما زمینه بهتری برای رشد معنویت و اخلاق در دانشگاه‌ها فراهم گردد.

با توجه به فراوانی فساد و گناه در جامعه چطور می توان با خداوند در ارتباط بود و تا عمق معنویات پیش رفت و در جامعه هم نقش فعال داشت؟ آیا حفظ دین با این وضعیت جامعه و دانشگاه ها ممکن است؟

پرسش

با توجه به فراوانی فساد و گناه در جامعه چطور می توان با خداوند در ارتباط بود و تا عمق معنویات پیش رفت و در جامعه هم نقش فعال داشت؟ آیا حفظ دین با این وضعیت جامعه و دانشگاه ها ممکن است؟

پاسخ

قبل از هر چیز بزرگی روح و بزرگواری شما را جهت انجام وظایف عرفی و شرعی و تلاش برای کسب رضای خدا را تبرک می‌گوییم. آنچه از نامه شما به خوبی به دست می‌آید آن است که به این نکته مهم توجه دارید که نباید عرفان و سیر و سلوک، آدمی را از وظایف فردی و اجتماعی دور کند و این همان روش پیامبران و امامان و اولیاء شایسته خداوند است که در مضمون حدیث شریف زیر متجلی است: «کن فی الناس ولا تکن معهم» ؛ در میان مردم باش ولی هضم در آنان نباش» و از ویژگی‌های ممتاز «امامان» نسبت به برخی «عرفا» آن است که عبادت‌ها و تلاش‌های خودشان را تنها در سیر «من الخلق الی الحق» خلاصه نمی‌کنند بلکه سیر «من الحق الی الخلق، فی الخلق الی الحق» را نیز دارا می‌باشند ودر عین حضور در جامعه به مقام «فناء فی الله» نیز نائل شده‌اند. در چنین سیر و سلوکی است که بیشترین مبارزه برای دفع و رفع وسوسه‌های شیطانی انجام می‌پذیرد و بیشترین فشار را از ناحیه رفتار مردم، انسان سالک باید تحمل کند و تمامی این تلاش‌ها است که وقتی بر مدار حق و اخلاص انجام می‌گیرید. موجب سنگینی کفه ترازوی عمل و ایمان می‌شود و مصداق این آیه شریفه می‌شود که: «فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه»

هر که سنجیده‌هایش سنگین برآید، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود»، (قارعه، آیه ۶ و ۷). بنابراین تمامی وسوسه‌ها و غفلت‌ها و محدودیت‌ها، اگر چه از یک سو موجب کندی ظاهری سیر و سلوک می‌شود، ولی از سوی دیگر همچون موانع در میدان رزم است که عبور از آنها انسان سالک را ورزیده‌تر می‌کند و لذت «وصال» پس از «هجران» را برای آدمی محسوس‌تر می‌کند. بنابراین بدون آن که انگیزه خود را نسبت به وظایف فردی و اجتماعی و ادامه تحصیل از دست بدهید. تلاش کنید و با پی‌گیری برنامه «مشارطه، مراقبه و حاسبه» در هر شبانه‌روز طی مراحل سیر و سلوک را برای خود هموارتر سازید. برای تقویت ارتباط با خدا توجه شما را به یک راه‌کار مهم معنوی جلب می‌کنیم. در روایات آمده است که: در دل آدمی دو گیرنده و گوش وجود دارد. یکی صدای رحمان را می‌شنود که آدمی را دعوت به تقوا و خیر و صلاح و ایمان می‌کند و گوش دیگر ندای شیطان را دریافت می‌کند. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۹۸۸، ح ۱۶۹۵۰) در آیات قرآن نیز این مطلب آمده است که: «فالهمها فجورها و تقویها؛ راه فجور و تقوا هر دو به انسان نمایانده شده تا وی کدام یک را در خود تقویت نموده و برگزیند». شاید بارها این تجربه برای شما تکرار شده باشد که هنگام انجام کار نیکی و یا برخاستن برای نماز شب، دو نیروی تشویق‌کننده و بازدارنده به سراغ شما می‌آید و برای لحظاتی با خود درگیری درونی پیدا می‌کنید. اینجا همان مرحله تصمیم‌گیری است که کدام سو را انتخاب کنید. مطمئن باشید اگر به هاتف رحمانی پاسخ مثبت دهید، رفته رفته نیروی معنوی شما تقویت می‌شود و الهامات رحمانی بیشتر رو به سوی شما می‌آید و اوهام شیطانی سریع‌تر از شما دور می‌شود. این همان است که از آن به «جهاد اکبر» یاد می‌شود و این همان دوام ذکر در طول شبانه‌روز می‌باشد بدون این که از تحصیل و کار و روابط با دیگران کناره‌گیری کرده باشید. چنین زندگی، شیوه اولیا خداست که در عین حضور در عرصه‌های مختلف زندگی و جامعه همیشه در درون با خدا و فرشتگان رحمانی در ارتباطند و بدون گوشه‌گیری و ایجاد حساسیت، سیر و سلوک معنوی خود را طی می‌کنند.

چرا امر به معروف و نهی از منکر در کشور ما اجرا نمی شود؟

پرسش

چرا امر به معروف و نهی از منکر در کشور ما اجرا نمی شود؟

پاسخ

احیای امر به معروف نیازمند امور زیر است: (۱) فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه زنده شود؛ یعنی جامعه آن را به عنوان یک ارزش بپذیرد ودیدگاه‌های منفی نسبت به آن زدوده شود؛ مثل این‌که برخی آن را «فضولی» تلقی می‌کنند. در این زمینه تبلیغ گستردهامر به معروف و بیان اهمیت و فلسفه آن نقش به سزایی دارد. (۲) آمران به معروف و ناهیان از منکر دارای ویژگی‌های زیر باشند: الف) خود عامل به معروف و ترک کننده منکرات باشند. ب) موارد معروف و منکر را به درستی بشناسند، و عقاید و باور داشت‌ها و عادات شخصی، سلیقه‌ای و محلی را جایگزین تعالیم حقیقی دیننسازند. ج) مراتب و شرایط شرعی امر به معروف و نهی از منکر را به درستی بدانند. د) در انجام امر به معروف و نهی از منکر نیز باید از شیوه‌های زیر بهره برد: ۱ـ در درجه اوّل به تبلیغ عملی بپردازند و با رفتار خود، دیگران را جذب کنند. ۲ـ حتی‌الامکان از شیوه‌های غیرمستقیم استفاده کنند، مانند آنچه در شیوه امام‌حسن(ع) و امام‌حسین(ع) در آموزش وضو به مرد کهنسال نقل شده‌است. ۳ـ از افراط و تفریط بپرهیزند. ۴ـ با تشکل و سازماندهی و انتقاد از بهترین تجربیات و شیوه‌های جذب اقدام نمایند. لازم به ذکر است شایسته‌ترین افراد برای احیای جدی امر به معروف و نهی از منکر همان بسیجیان و رزمندگان وجوانان با ایمان هستند؛ بنابراین توصیه می‌شود در این زمینه با دیگر برادران

بسیجی به تلاش و فعالیت بپردازید؟ درصورتی که امثال شمابه این مهم اقدام نکنند، مشکل فوق همواره باقی است.{

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه چیست ؟

پرسش

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه چیست ؟

پاسخ

به طور مطلق نمی‌توان کـار مشـخص را به عنوان بهترین کـار فرهنگی معرفی نمود، زیرا این مسأله تـابع متغیرهایگوناگونی از جهت وضع خوابگـاه، گرایش‌هـای افراد، امکانـات و... می‌باشـد. بنابراین بهتر است در هر خوابگاهی یککانون فرهنگی از برادران آگاه و متعهد تشکیل گردد و با مشورت و مشارکت دفتر نهاد، بسیج و دیگر تشکلات اسلامیفعالیت‌های مناسبی برنامه‌ریزی و اجرا شود.

چرا بیشتر جوانان ما نسبت به دین و مسائل آن بی اطلاع اند؟

پرسش

چرا بیشتر جوانان ما نسبت به دین و مسائل آن بی اطلاع اند؟

پاسخ

اساسـا دین‌گریزی در جـامعه مـا امری بسـیار نـادر و اسـتثنایی است. اکـثر قریب به اتفـاق جـامعه و جوانـان مـا دین‌گرا واسـلامخواه می‌باشند. حتی بسیاری از کسانی که ظاهر دینی نداشته و گاه تظاهر به امور خلاف دین می‌کنند، به طورجدی دین گریز نبوده و در نهـایت تمایلات دینی دارنـد. در عین حال دین گریزی ناشـی از علل مختلفی است؛ ازجمله: ۱- پوچ‌گرایی و فقدان فلسـفه و هدف اساسـی در زنـدگی، ۲- گرفتـاری در دام مشـکلات و نـاتوانی در برخـورد بـا آنهـا و لاـجرم گزینش راه‌هـای انحرافی، ۳- تربیت نادرست، ۴- ضعف آگاهی‌های دینی، ۵- گرفتاری در دام شبهات و تبلیغات سوء دشمنان دین.

در مورد الگوسازی عملی از ائمه اطهار(ع) بیشتر توضیح دهید.

پرسش

در مورد الگوسازی عملی از ائمه اطهار(ع) بیشتر توضیح دهید.

پاسخ

در روان شناسـی به این مسأله توجه شـده که انسـان احتیـاج به الگوی رفتـار و نمونه عمل دارد و این مطلب به تجربه نیز ثابت شـده است و می بینیم که در کارهـا هر انسـانی به دنبـال الگـو می گردد و در پی شخصـیت برجسـته ای است که به او دل بنـدد و ارادت

بورزد. در بین بچه ها و جوانان معمول است که اگر امتیازاتی در فردی ببینند و به او علاقمند شوند در همه کارها و حتی نوع و شکل لباس و آرایش از او تقلید می کنند. وجود الگوهای رفتار و شخصیت های نمونه و مربی نقش بسیار مهمی در سازندگی انسان ها دارد. قرآن کریم می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یوجوا الله والیوم الاخر و ذکر الله کثیرا؛ برای شما در زندگی و عملکرد پیامبر(ص) سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند» (احزاب، آیه ۲۱). روحیات عالی، استقامت و شکیبایی پیامبر، هوشیاری و درایت و اخلاص و توجه به خدا و تسلط او بر حوادث و زانو نزدن در برابر سختی ها و مشکلات هر کدام می تواند الگو و سرمشقی برای همه مسلمین باشد. به دلیل اسوه و الگو بودن پیامبران و رهبران الهی برای امت ها و به دلیل این که مهمترین و مؤثرترین بخش تبلیغ و دعوت انبیا(ع) دعوت عملی آنهاست. دانشمندان اسلام معصوم بودن را شرط قطعی مقام نبوت دانسته اند، چون کسی که می خواهد الگو و مقتدای انسان ها باشد باید از هرگونه خطا و گناه و حتی اندیشه آن مصون و محفوظ باشد و حتی از نسیان و سهو نیز بر کنار باشد، چون فردی گنه کار و در معرض لغزش و سهو و خطا چگونه می تواند الگو و اسوه دیگران باشد و مردم به راحتی به او سر بسپرند و به او دل ببندند و عمل و رفتار او را الگوی خود قرار دهند؟ اهل بیت به تصریح قرآن کریم دارای مقام عصمت بوده و از هرگونه آلودگی پاک و پیراسته می باشند: «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملا شما را پاک سازد» (احزاب، آیه ۳۳). امامان معصوم و نیز حضرت زهرا(س) تمام شرایط الگو بودن و مقتدا بودن را دارا می باشند و عقل حکم می کند انسان دنباله رو کسانی باشد که به گواهی تاریخ و اعتراف دوست و دشمن گوی سبقت را در میدان کمالات و فضایل و خوبی از همه ربوده اند و همه خوبO...و پاکان و صاO Ş...Oکمال ریزه خوار سفره خصال ن...Ùş...آنها می باشند. راهبرانی که با علم خداداد و لدنی کاملا با پیچ و خم راه سعادت آشنایند و خود این راه را تا آخر پیموده اند و با علم و قدرت الهی، توانایی دستگیری و راهنمایی رهروان این راه را دارند. در الگوگیری، حضور یا عدم حضور افراد چندان مهم نیست ; بلکه چه بسا کسانی که در گذشته ای دور زندگی می کردند, بهتر از بسیاری از مصاحبان بتوانند الگو واقع شوند; لیکن برای این کار باید از طریق بررسی تاریخ زندگی درس های لازم را فرا گرفت . گذشت چهارده قرن هم چیزی را عوض نمی کند ;زیرا محور اصلی در الگوگیری اصول کلی تربیتی و ارزش های اخلاقی است که با مرور زمان پوسیده و کهنه نمی شود. زندگی ائمه(ع) برای ما الگو است و پذیرش این مطلب و بیان این سخن گزاف و بیهوده نیست و لذا هم گوشه گوشه زندگی آنها برای ما روشن است و بیان شده و هم می توان همچنان از آنها الگو گرفت و پیروی نمود. و برای رسیدن به آن می توان کتب مشتمل بر معارف دین را که بسیار فراوان است مورد مطالعه قرار داد. نماز شب حضرت زهرا(س)، ساده زیستی آن حضرت، برخورد وی با نامحرم , پیروی کامل از فرامین دین، بها دادن به ارزشهای انسانی و معنوی در برابر معیارهای دنیوی و مادی و از خودگذشتگی و خود را فراموش کردن و هزار نکته دیگر که تنها یک دستورالعمل نیست بلکه بنیان رفتار فاطمی است برای همیشه می تواند سرمشق زندگی باشد. سخنان ائمه(ع) در مورد کیفیت و شکل زندگی [نه سخنان معرفتی و تحلیلی آنها] برای هر انسانی قابل فهم و راهگشاست، کافی است به کتاب هایی که در مورد زندگانی ائمه(ع) نوشته شده مراجعه کنید و یا از کلمات گهربار آنها فیض ببرید تا زندگی شما رنگ دینی و الهی بگیرد. به هرحال در این مورد می توانید به کتاب های سیری در سیره ائمه(ع) تعلیم و تربیت، انسان کامل و سیری در سیره نبوی , نوشته شهید مطهری , مراجعه و از آنها بهره مند شوید همین طور مطالعه کتب معتبر زندگانی ائمه هدی (ع) به خصوص کتابهای جناب آقای شهیدی و آقای آیتی و آقای سیدمهدی شمس الدین و یا کتب روائی که سخنان ائمه را جمع آوری نموده مانند کتاب فرهنگ سخنان حضرت زهرا(س) و یا نهج البلاغه، نهج الفصاحه، اصول کافی و تحف العقول استفاده کنید. شما با ترجمه این کتب می توانید خود از آن بهره برده و برنامه زندگانی خود را تنظیم کنید. پرواضح است که هر چه بیشتر به حق عمل کنید راه آگاهی جدیدتری به روی شما گشوده خواهد شد و به معرفت علمی و عملی

شما افزوده می گردد. نکته ای که در اینجا مهم و اساسی است این است که هر چند کامل بودن و بی عیب و نقص و کاستی بودن الگو در تربیت و رهبری انسان ها بسیار مؤثر است چون انسان به راحتی به آنها سر می سپرد و از آنها اطاعت می کند ولی وجود زمینه ها و بسترهای مناسب در فرد الگو گیرنده نیز دارای اهمیت ویژه ای است بنابراین باید خود انسان با سعی و تلاش و مجاهده و با پیروی از حجت و پیامبر و واعظ درونی اش یعنی عقل این زمینه را فراهم سازد تا سخنان و رفتار حجت بیرونی و خارجی یعنی پیامبران و امامان و بزرگان اهل کمال و معرفت در او تأثیرگذار باشند وگرنه در خود زمان پیامبر و امامان(ع) کم نبوده اند کسانی که دایما با آنها در تماس بوده اند و با آنها انس و معاشرت داشته اند ولی سرسخت ترین دشمنان آنها به شمار می آمدند و بالاترین مخالفت ها و عنادها را با حق و حقیقت داشته اند. پس الگو داشتن لازم ولی غیر کافی است. به عبارت دیگر باید هم فاعل (یعنی الگو) در فاعلیتش کامل باشد و هم قابل (یعنی الگو قرار دهنده) در قابلیتش کامل باشد تا الگو سازی مفید و نتیجه بخش باشد و چون الگوهای رفتاری ما یعنی اولیای الهی در فاعلیت و تأثیرگذاری کامل و بی نقص می باشند، این ما هستیم که باید قابلیت پذیرش در خود ایجاد کنیم تا بتوانیم خود را در معرض وزش نسیم رحمت و هدایت آنها قرار دهیم و غنچه وجود خود را شکوفا سازیم: گوهر پاک بباید که شود لایق فیض ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

چرا فرهنگ ازدواج در جامعه تغییر کرده است ؟

پرسش

چرا فرهنگ ازدواج در جامعه تغییر کرده است ؟

پاسخ

گم کردن فلسفه حیات و معقول شدن به ظواهر زندگی مادی، باعث پدیدار شدن فرهنگی منحط و خطرناک درمسأله ازدواج است. فساد مترفان و عملکرد آنان در مطرح ساختن الگوهای دنیا پرستانه، از جمله ریشه‌های این پدیدهشوم است. امید آن که با الزام و تعهد مردم نسبت به ارزش‌های اسلامی، این مشکل برطرف گردد. البته مطرح و تبلیغ شدن الگوهای مناسب برای زندگی نیز زمینه را برای رشد انحرافات فراهم کرده است.

برای جلوگیری از رقص و ترانه در مراسم عروسی چه باید کرد؟

پرسش

برای جلوگیری از رقص و ترانه در مراسم عروسی چه باید کرد؟

پاسخ

بر پا کردن مجلس عروسی واجب نیست البته آنچه به عنوان حکم مستحبی داریم ولیمه دادن است در هر صورتاگر می‌توانید جلسه عروسی با رعایت موازین شرعی یعنی بدون ساز و آواز حرام و کارهایی که در بعضی عروسی‌هاانجام می‌شود بر پا کنید اشکالی ندارد و الا در صورتی که ممکن است با مسافرت به مشهد مقدس کار را تمام کنید و اگرنمی‌توانید این هم واجب نیست. بعد از این که همسرتان را عقد کردید شرعاً می‌توانید دست او را بگیرید و به خانهبیاورید. رعایت حرف مردم لازم نیست خوش آمدن یا

نیامدن مردم و حرف‌هایی که می‌زنند هیچ وقت نباید ملاکشما باشد. مسلمان باید ببیند چه کند تا خدا از او راضی باشد.{

بهترین راه ها برای حل مشکلات فرهنگی چیست ؟

پرسش

بهترین راه ها برای حل مشکلات فرهنگی چیست ؟

پاسخ

}از دیدگاه ما روش‌های حل مشکلات و تحوّل فرهنگی را می‌توان این گونه طبقه‌بندی کرد: الف) در درجه اول باید به تربیت و سازندگی نوجوانان و جوانان پرداخت. ب) صدا و سیما نقش بارزی در این راستا دارد. بنابراین هر چه بیشتر باید بر روی فیلم‌های سازنده و جذابفرهنگی سرمایه‌گذاری کرد؛ چون محسوس است که بیشترین بیننده و شنونده را تلویزیون به خود اختصاص دادهاست و بهره‌وری از این ابزار باید فزون‌تر گردد. فیلم‌های سینمایی و ویدیویی وتئاتر نیز در این ردیف قرار دارد. ج) ترویج فرهنگ قرآن در بین جوان‌ها، آشنایی و انس با قرآن و تفسیر آن از روش‌های خیلی مفید در این زمینهاست؛ چون قرآن کتاب بزرگ آسمانی ما است و از زیبایی و جاذبه خاصی برخوردار است و همه فرق اسلامی به آنگرایش دارند. د) آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها باید مورد توجه اکید مسؤولان نظام باشد و به ویژه کتابهای درسی را باید موردتوجه قرار داد و از محتوای لازم و جذابیت هر چه بیشتری برخوردار کرد. ه) مطبوعات، روزنامه‌ها و مجلات نقش بارزی را در فرهنگ جامعه ایفا می‌کند. ازاین‌رو لازم است مطبوعات را باعناوین جذّاب و محتوای با ارزش و نیز با ویراستاری و آرایش هنری روانه جامعه کرد و حتی‌الامکان با قیمت ارزان دراختیار مردم قرار داد. و) تابلوهای تبلیغاتی در راستای مسائل فرهنگی در نقاط حساس شهر نصب گردد. در این مسیر باید از تکنیک روزاستفاده کرد و از تابلوهای رایانه‌ای پیشرفته بهره بیشتری گرفت. ز) ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و کتابخانه به گونه‌ای که در سطح شهرها و روستاها هر کجا نیاز است کتابخانه ساختهشود و یا نمایشگاه‌های کتاب برگزار گردد تا با ارائه کتاب‌های با ارزش و علمی بتوان جوان‌ها را جذب کرد. ح) خطابه‌های جمعه و محافل علمی و سخنرانی‌ها را نیز نباید دست کم گرفت. گرچه فیلم و نمایش نقش سازندهو بیشتری دارد؛ ولی سخنرانی‌های زنده و با محتوا نیز هم‌چنان ارزش خود را حفظ کرده است. بنابراین از برگزاری اینسخنرانی‌ها نباید دریغ کرد.{

دوستم نماز نمی خواند برای این که او را به سوی نماز بکشانم هم چنین برای این که اخلاق او در ما تاثیر نگذارد چه کنم ؟

پرسش

دوستم نماز نمی خواند برای این که او را به سوی نماز بکشانم هم چنین برای این که اخلاق او در ما تاثیر نگذارد چه کنم ؟

پاسخ

پیشنهاد ما به شما در راهنمایی ایشان چند چیز است که ان‌شاءاللّه با دقت، سعی در انجام آن داشته باشید: الف) سعی کنید افرادی که صحبت آنها بر روی ایشان نافذ است، پیدا کنید و از آنان بخواهید که با مهارت و شگردشایسته‌ای، با وی درباره نماز صحبت کنند. ب) با عمل خویش انگیزش خواندن نماز را در او ایجاد کنید. سعی کنید شما و بقیه دوستانتان، نمازتان را در حضور

ایشانبرگزار کنید و شور اشتیاق خود به نماز و راز و نیاز با خدا را هر چه بهتر به منصه ظهور برسانید. ج) فلسفه نماز را در فرصت‌های مناسب بیان کنید؛ مثلاً سؤال و جواب‌هایی که قبلاً تهیه دیده‌اید، بین شما و بقیهدوستانتان و یا هر کس دیگری مطرح و جواب داده شود. البته لازمه‌اش مطالعه و پیش بینی قبلی است. به عنوان نمونهدر اینجا به چند جمله اشاره می‌شود: فطرت انسان خواهان تشکر از ولی نعمت است. جبلّت القلوب علی حبِّ مناحسن الیها ؛ قلب‌ها بر اساس دوستی و محبت کسی که به انسان احسان کند، آفریده شده است {M» و از آنجا که در اصل خدایسبحان خالق و هستی بخش ماست و از سویی همه نعمت‌ها و برکاتی که در زندگی ما وجود دارد از آن اوست. بنابراین لازم است به اقتضای تکلیف فطری خودمان از قادر منّان تشکر کنیم. حال این تشکر باید به چه شکل و کیفیتیباشد؟ انبیای الهی روشنگر این حقیقت بوده‌اند و نبیّ مکرّم اسلام نیز به نوبه خویش نماز را با این شکل و هیئت خاصبه ما معرفی فرموده‌اند. بنابر این همان گونه که پروردگار مهربان هر شب و روز، ما را رهین الطاف و برکات خویشگردانیده است، ما بندگان نیز موظّفیم هر چند ساعت یک بار در برابر محبوب قلب و عزیز دلمان بایستیم و از او نهایتسپاسگزاری و تشکر را بنماییم. نماز تشکر است، تواضع است، تجدید عهد با خداست، ابراز نیاز در برابر بی‌نیاز مطلقاست. نماز زنده نگاه داشتن یاد خدا در دل است. نماز انسان را به خدا نزدیک و با او مأنوس می کند و اصولاً اگر نماز باتوجه و خشوع و حضور قلب ادا شود، به یقین در روح و جان ما اثر گذاشته و انسان را از زشتی‌ها و گناهان مصونیتمی‌بخشد. د) پیشنهاد دیگر اینکه تلاش کنید به هر کیفیت و طریقی شده، ایشان را به نماز جمعه و جماعت ببرید. و) تلاش کنید از نماز بزرگان و شخصیت‌ها در نزد ایشان صحبت کنید؛ مثلاًـ حضرت علی(ع) با همه شخصیت وگرفتاری‌هایی که داشتند، چگونه و با چه اشتیاقی به اقامه نماز می‌پرداختند. همچنین گرایش رجال بزرگ سیاسی،علمی و... به نماز را، به ایشان گوشزد کنید. در ضمن مطالعه کتاب‌های ذیل در این زمینه مفید است: ۱- راز نماز محسن قرائتی ۲- پاداش‌های نمازگزاران ۳- داستانها و حکایت‌های نماز (۱) ۴- یکصد و چهارده نکته درباره نماز

چگونه می توان اصل (دانشگاه اسلامی) را بین دانشجویان مطرح کرد؟

پرسش

چگونه می توان اصل (دانشگاه اسلامی) را بین دانشجویان مطرح کرد؟

پاسخ

}در این باره باید جلسات و نشست‌های متعددی برگزار نمود و ضرورت، اهمیت، ابعاد و نتایج دانشگاه اسلامی رابرای دانشجویان برشمرد. سپس باید با یافتن راه‌های کاربردی نقش مهم دانشجویان در این زمینه را به آنان یادآور شدهو در جهت ایفای این رسالت بزرگ آنان را تحریض کرد.{

چگونه می توان از راه فرهنگی زمینه رشد فکری دانشجویان را بالا برد؟

پرسش

چگونه می توان از راه فرهنگی زمینه رشد فکری دانشجویان را بالا برد؟

پاسخ

اگر مقوله فرهنگ به درستی شناخته شود، راه‌های رشد فکری نیز به روشنی نمایان خواهد شد. «فرهنگ» مجموعه‌ای از افکار، آداب، هنرها، آثار مکتوب، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و مقوله‌هایی از این سنخ است، با مطالعه و تحقیق درباره این عناصر راه رشد فرهنگی هموار می گردد. شناخت تاریخ گذشته تمدن اسلامی، آشنایی با دانشمندان بزرگ مسلمان و اندیشه‌های آنان، مطالعه آثار متفکران بزرگ اسلامی (مانند ابن سینا، ابن رشد، فارابی، ملاـیرومی، شهید مطهری و...) زمینه‌های رشد فرهنگی را فراهم می‌آورد.{J

چرا به جوانان این قدر امر و نهی می شود و با مهربانی و عطوفت , آنها را راهنمایی نمی کنند؟

پرسش

چرا به جوانان این قدر امر و نهی می شود و با مهربانی و عطوفت , آنها را راهنمایی نمی کنند؟

پاسخ

تعهد دلسوزانه شما درباره تصویر ارائه شده از دین در تبلیغات جای تأمل دارد. مسلما اگر روش‌های تبلیغ کارآمد نباشد، به جای تأثیر مثبت، اثر منفی خواهد داشت. بنای اسلام و دین الهی نیز بر رحمت و عطوفت است: رحماء بینهم . امید است با توجه به آنچه که شما نوشته‌اید، همگان با بیداری و هشیاری در صدد رفع نقیصه‌ها و مشکلات برآیند و نظام تبلیغاتی دقیقا منطبق بر حقیقت دین و چهره واقعی آن باشد. مسلما روش دعوت بهدین باید همراه با عطوفت باشد؛ وگرنه قهر و غلبه تغییری در بنیان شخصیتی فرد ایجاد نخواهد کرد.{J

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

پرسش

چگونه می توان فرهنگ وجدان کاری در جامعه ایجاد کرد؟

پاسخ

وجدان کاری در جامعه از چند طریق قابل حصول است: ۱- تقویت مبانی دینی و احساس مسؤولیت شرعی؛ این راه فطری‌ترین، سالم‌ترین و کارآمدترین راه شروع و تبلیغ «وجدان کار» است. ۲- ایجاد نظم آهنین از طریق اعمال زور و سرنیزه؛ این روش اگر چه نظمی ظاهری را ایجاد می‌کند، ولی چون افراد از درون احساس مسؤولیت نمی‌کنند؛ نظمی شکننده به وجود خواهد آمد (مانند آنچه در شوروی سابق اتفاق افتاد). ۳- از راه تقویت حس مشارکت و منافع متقابل؛ این روش گرچه نسبت به روش دوم کارآمدتر است؛ ولی به دلیل گسترش منفعت‌گرایی فردی، جامعه را در وضعیت خطرناکی قرار خواهد داد.{J

چگونه می توان جوانان را درباره ولایت فقیه توجیه کرد؟

پرسش

چگونه می توان جوانان را درباره ولایت فقیه توجیه کرد؟

پاسخ

همه جوانان را نمی‌توان در یک طیف و دسته گنجاند و برای همه آنان راه کار واحدی را ارائه کرد ؛ خود شخص در ابتدا باید با مبانی عقلی و نقلی و مسائل تئوریک ولایت فقیه، شرایط اختیارات و جایگاه او و شبهات موجود در این زمینه آشنا باشد آن گاه با ریشه‌یابی وشناخت مشکل اساسی هر کدام از جوانان در ارتباط با ولایت فقیه و سپس ارائه راه حل‌های مناسب با آن بپردازد. مهترین سؤالات و شبهات موجود در مورد ولایت فقیه، عموما در مسائل و مضوعات ذیل خلاصه می‌شود: ۱- مبانی و زیر ساخت‌های نظری ولایت فقیه ارتباط دین و سیاست، نظام سیاسی، اجتماعی اسلام و...؛ ۲- ادله دینی و خصوصی (آیات و روایات) که در این زمینه وارد شده است. ۳- امتیاز و برتری نظام ولایت فقیه بر دیگر نظام‌های سیاسی؛ مثل نظام‌های ریاستی، پارلمانی، توتالیتاریسم و...؛ ۴- شرایط و اختیارات ولی فقیه که آیا مطلقه است یا محدود؟ فراتر از قانون اساسی است یا مقید به آن؟ و آیا قلمرو اعمال ولایت، جهان اسلام است یا جمهوری اسلامی ایران و...؟ ۵- عملکردهای کلان نظام ولایت فقیه آثار و نتایج آن در سطوح و ابعاد مختلف. ۶- بعضی از انتخابات درباره عملکردهای مسؤلان مملکتی و وجود مشکلات و مفاسد اجتماعی مانند تبعیض، فقر، فساد اداری و... ؛ پس باید به صورت دقیق نوع مشکل جوان را شناسایی کرد و متناسب با آن پاسخ‌های منطقی، علمی و مستند ارائه نمود مثلاً برای جوانی که ولایت را (به دلیل میل به سکولاریسم). در ابتدا باید به صورت روشن سکولاریسم را از دیدگاه اسلام نقد نمود و با استدلال‌های قانع کننده این نظریه را رد کرد هم چنین برای جوانی که وجود پاره‌ای از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... باعث به وجود آمدن شبه در عقیده او به ولایت شده باید ضمن بیان دقیق فلسفهوجودی و اهداف حکومت دینی به آثار و نتایج مثبت و ارزنده ولایت فقیه اشاره کرد. از قبیل پیروزی در انقلاب اسلامی و در جنگ تحمیلی حفظ استقلال، تمامیت ارضی، منافع ملی و امنیت ملی پیشرفت‌های علمی، صنعتی و... مطرح شدن به عنوان ام القرای جهان اسلام و کانونمبارزه علیه استکبار جهانی و یک کشور مهم و تأثیر گذاری در معادلات منطقه‌ای و جهان و... در صورتی که پاسخ‌ها و استدلات شما برای آن جوان قانع کننده نبود، می‌توانید با معرفی یا در اختیار گذاشتن کتاب‌های مفید در این زمینه به تقویت بنیه علمی و نظری و حل شبهات کمک نمایید. بعضی از کتب‌های مفید در این زمینه عبارت است از: ۱- امام خمینی ولایت فقیه، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام. ۲- جوادی آملی، ولایت فقیه، نشر اسراء. ۳- نبی الله ابراهیم زاده آملی، حاکمیت دینی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه. ۴- مصباح یزدی، پرسشها و پاسخ‌ها، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ۵- عبدالحسین خسروپناه، جامعه مدنی و حاکمیت دینی انتشارات وثوق. ۶- محسن غرویان، پرسشهای فکری و دینی جوانان، نشر مؤسسه فرهنگی یمین. ۷- علی شیرازی، پاسخ به شبهات پیرامون ولایت فقیه، نشر دارالصادقین. ۸- کاظم قاضی زاده، اندیشه‌های فقهی سیاسی امام خمینی، مرکز تحقیقاتی استراتژیک ریاست جمهوری. ۹- احمد جهانی بزرگی اندیشه‌های فقهی سیاسی امام خمینی، پژوهشکده و فرهنگ و اندیشه اسلامی. {J

علل بی رغبتی جوانان به اسلام و مسایل معنوی چیست ؟

پرسش

علل بی رغبتی جوانان به اسلام و مسایل معنوی چیست ؟

پاسخ

این که جوانان کشور به اسلام، مسائل معنوی بی رغبت شده‌اند، تعبیری درست و مطابق با واقع نیست و بحمداله جوانان زیادی در محیط‌های علمی و دانشگاهی و... عملاً به اسلام و ظواهر دین پایبند هستند و آمار و ارقام نیز این موضوع را تأیید می‌کند. از طرفی مایه‌هایتشکیل دهنده هویت فرهنگی جامعه اسلامی ما، از استحکام و توانایی زیادی برخوردار است و جوانان کشور در برابر آسیب‌ها و خطرات فراوان در طول تاریخ ـ حداقل در طول بیست و چند سال گذشته ـ مقاومت کرده‌اند و هر موقع به فداکاری، ایثار و حضور آنان نیاز بوده، ازارزش‌های دینی و اخلاقی دفاع کرده‌اند. لیکن باید توجه داشت که همواره آفاتی جوانان ما را تهدید می‌کند و گاهی انسان به سبب اختیاری که دارد، تحت تأثیر عوامل شیطانی مختلف، گاهی به این سو و آن سو کشیده می‌شود و شیطان‌های ظاهری و باطنی نیز همیشه و در طول تاریخ،به دنبال به انحراف کشاندن اهل ایمان بوده‌اند؛ ولی در عین حال می‌توان به بعضی عواملی که باعث کم رنگ شدن و کم‌رغبتی برخی از جوانان به مسائل معنوی و ارزشی شده، اشاره کرد. ۱- گسترش تهاجم فرهنگی بیگانه، ۲- فعالیت چشمگیر عناصر وابسته به بیگانه و فرهنگ غیرخودی در عرصه مطبوعات کشور، ۳- دوری نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ارزش‌ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد، ۴- تلاقی با فرهنگ بیگانه در پرتو توسعه و تأثیرگذاری آن بر عناصر داخلی، ۵- جدی نگرفتن خطر تهاجم فرهنگی و عدم جدیت کافی در حفظ فرهنگ ناب اسلام محمدی از سوی برخی از عناصر داخلی، حتی در سطح برخی از مسؤولیت‌های اجرایی و فرهنگی کشور. {J

چگونه می توان جوانان را نسبت به ولایت فقیه آشنا ساخت ؟

پرسش

چگونه می توان جوانان را نسبت به ولایت فقیه آشنا ساخت ؟

پاسخ

متأسفانه علی‌رغم این که بسیاری از ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب از پشتوانه‌های مستحکم و دقیق برخوردار می‌باشد، نسل اول انقلاب و به خصوص دستگاه‌های فرهنگی و... در انتقال این ارزش‌ها به نسل دوم انقلاب و حتی تعمیق این ارزش‌ها برای نسل اول انقلابسهل‌انگاری و کم‌کاری‌هایی داشته‌اند که این خود به عواملی از قبیل: ۱- مشکلات پس از انقلاب مانند جنگ و توجه به مسائل اقتصادی و... ۲- جدید و نوبودن نظریه ولایت‌فقیه به شکلی که حضرت امام توانستند از آیات و روایات و ادله و منابع کلامی و فقهی استخراج نموده و آن را در جامعه اسلامی پیاده سازند. بنابراین در سال‌های اول انقلاب طبیعی بود که از نظر علمی و فرهنگی انتشار و تعمیق این اندیشه سیاسی در جامعه با کندی پیش رود هر چند در مجامع علمی و فقهی مورد توجه و قبول علماء و اندیشمندان بود. اما در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری صورت گرفته تاکتاب‌های مناسب و قابل فهم برای گروه‌ها و صنف‌های مختلف جامعه در خصوص این موضوع و حل شبهات آن نگاشته شده و در دسترس عموم قرار دارد. در هر صورت بهترین راه‌ها برای توجه جوانان به این مسائل: اولاً؛ بازگو نمودن آثار و نتایج مثبت نظریه ولایت‌فقیه از قبیل پیروزی در انقلاب اسلامی و در جنگ، حفظ استقلال، تمامیت ارضی، منافع ملی و امنیت ملی، مطرح شدن به عنوان ام‌القرای جهان اسلام و کانون مبارزه علیه

استکبار جهانی و... و همچنین بازگو نمودن وضعیتکشورهای مشابه ما که به دلیل فقدان نظام ولایتفقیه در بدترین اوضاع اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و... بسر می‌برند. ثانیا؛ معرفی کتاب‌های مختصر جذاب و مفیدی که در این زمینه نگاشته شده برای تقویت بنیه علمی و نظری و حل شبهات جوانان می‌باشد. نکته اساسی دیگری که در این زمینه راه‌گشاست بررسی ماهیت نظام سیاسی اسلام و تفاوت‌های بنیادین آن با دیگر نظام‌های سیاسیاست. ضرورت وجود «ولایت فقیه» در نظام اسلامی بدون شناخت ماهیت حکومت دینی، لوازم و کار ویژه‌های آن در مقایسه با دیگر نظام‌های سیاسی سکولار(Secular)، لائیک(Laic) و بی‌اعتنا به دین امکان‌پذیر نیست. اکنون به اختصار پاره‌ای از تفاوت‌هایبنیادین نظام‌های دینی و غیردینی را مرور می‌کنیم تا در پرتو آن بتوانیم پاسخ پرسش بالا را دربیابیم. ۱ـ منشأ حاکمیت: رژیم‌های نامبتنی بر دین، اعم از مردم‌سالار (Democratic)، فردسالار(Monarhy)، الیگارشی (Oligarchy) همچنین رژیم‌های فردگرای لیبرال(Liberal) و یانظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی همه و همه به یک معنا دولت‌های حداقلی(Minimal) هستند، هر چند این‌گونه نظام‌ها براساس میزان دخالت در آزادی‌های فردی به رژیم‌های حداقلی و حداکثری و تمامیت‌خواه(Totalital) تقسیم‌پذیرند، لیکن با توجه بهاین که اساسی‌ترین هدف آنها تأمین نیازمندی‌های دنیوی است و هدفی فراتر از آن در نظر ندارند، ازاین‌رو می‌توان همه آنها را دولت‌های حداقلی و یا تک‌منظوره(Monoplau) به حساب آورد. در مقابل نظام دینی هر دو عرصه حیات بشری را منظور می‌دارد و علاوه برنیازمندی‌های این جهان، تأمین خیر و سعادت اخروی و جاودانی را نیز هدفگیری می‌کند. ۲ـ تفاوت در کار ویژه‌های دولت: وظایف و کارکردهای (Functions) نظام‌های غیردینی نیز متناسب با هدف آنها قلمرو محدودی دارد. یعنی اساسی‌ترین وظیفه آنها تأمین بهداشت، آموزش، امنیت، رفاه وتوسعه (Development) مادی تأمین آزادی و یا عدالت اجتماعی است. در مقابل وظایف حکومت دینی گستره‌ی وسیع‌تری دارد، یعنی علاوه بر لزوم ارایه خدمات بالا، باید به برنامه‌ریزی صحیح و تلاش در جهت تربیت دینی و معنوی جامعه و ایجاد بستر مناسبجهت رشد و بالندگی فضایل و کمالات عالیه انسانی و گسترش تقوی همت گمارد و امور جامعه را همسو با تأمین سعادت پایان و فناناپذیر هدایت و رهبری کند. ۳ـ تفاوت در روش‌ها و قوانین: روش‌های اجرایی نظام‌های سکولار و دینی در پاره‌ای از موارد تفاوت بنیادین دارد. تفاوت در اهداف و کار ویژه‌ها لاجرم در گزینش شیوه‌ها کارگر خواهد افتاد. در نظام‌های بی‌اعتنا به دینجستجوی اهداف مادی صرف عقلانیت ابزاری(Instrumental Reason) را عمده‌ترین مرجع تصمیم‌گیری قرار می‌دهد. تکیه اساسی بر خواسته‌های مادی و هواهای نفس اماره آدمی و میدان‌داری انحصاری خردابزاری در بسیاری از این رژیم‌ها تابدان‌جا پیش می‌رود که شعار «هدف وسیله را توجیه می‌کند» و صدرنشین هنجارهای معمول بین سیاستمداران می‌گردد. اما در حکومت دینی استفاده از روش‌های معارض با ارزش‌های والای اخلاقی کرامت الهی انسان و آنچه ویرانگر سعادت جاودانی بشر شناخته شود مجاز نیست،از همین‌رو خردابزاری در کادر هنجارهای الهی و احکام عقل کل‌نگر توحیدی فعالیت می‌کند. در حکومت دینی تنها روش‌ها و قوانینی رسمیت دارد که از سوی خداوند جعل شده و یا لااقل با اصول و قواعد مورد قبول شارع سازگار باشد. از همین‌رو کارکرد عمده مجاری قانون‌گذاری در چنین نظامی کشف و استنباط قوانین الهی و یا تطبیق آنها بر مقتضیات ونیازمندی‌های زمان است. ۴ـ تفاوت در زمامداران و کارگزاران: رهبری هر جامعه‌ای متناسب با ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه و اهداف اساسی حکومت در آن جامعه تعیین می‌شود. از این رو در نظام‌های لائیک و سکولار اگر شرایطی پیش‌بینیشود چیزی افزون بر توانایی مدیریت کلان اجتماعی مورد توجه نیست. اما در نظام اسلامی شرایط بیشتری لازم است که اصول آنها عبارت است از: ۱) صلاحیت علمی، که عمدتا ناظر به درک نیازمندی‌های جامعه و نیز شناخت دقیق آموزه‌های فقهی و حقوقی اسلام در همه ابعاد و مسائل فردی و اجتماعی است. زیرا فرض آن است که آنچه در جامعه اسلامی ملاک عمل و قانون قرار می‌گیرد همان قوانین الهی است.بنابراین وجود رهبری که توانا بر استنباط احکام الهی در مسائل خرد و کلان اجتماعی بوده و بتواند در مسائل مختلف حکم دینی را کشف و به اجراء درآورد کاملاً ضروری می‌نماید. ممکن است گفته

شود مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان برای این امر کافی است. در حالی که چنین نیست، این مسأله علل متعددی دارد که پاره‌ای از آنها در مطالب بعدی آشکار خواهد شد. ۲) صلاحیت اخلاقی، یعنی التزام و پای‌بندی جدی به هنجارها و ارزش‌های دینی و اخلاقی، پیراسته بودن از اوصاف رذیله، دوری از هواپرستی و خودخواهی و دنیاطلبی، که اصطلاحا از آن به عدالت و تقوی تعبیر می‌کنیم. رهبر یک جامعه اسلامی را نشاید که فاقد ارزش‌های عالیه اخلاقی باشد، زیرا چنین فردی هرگز نمی‌تواند کارکرد مثبت تربیتی و اخلاقی که از اهداف نظام اسلامی است داشته باشد. معمولاً انسان‌ها الگوپذیری شدیدی از اخلاق، سیره و منش زمامداران دارند، چنانکه پیامبراکرم(ص) فرمودند: الناس علی دین ملوکهم ، (بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۷) بنابراین کسی که الگوی درستی برای جامعه نباشد نمی‌تواند در رأس نظام اسلامی قرار گیرد. ۳) کفایت در مدیریت کلان اجتماعی، منش صحیح سیاسی و اجتماعی، شجاعت، تدبیر و هوشمندی، حد اعلی و ایده‌آل این ویژگی‌ها را در شخص معصوم می‌توان یافت و در عصر غیبت به نیابت از امام معصوم(ع) کسی باید عهده‌دار زمامداری جامعه اسلامی باشد که حدنصاب لازم از ویژگی‌های پیش‌گفته را دارا باشد. کسی که صلاحیت علمی و اخلاقی و مدیریتی لازم برای اداره کلان جامعه براساس احکام و هنجارهای الهی را دارا باشند اصطلاحا «ولی‌فقیه» می‌گویند. ازاین‌رو در قانون اساسی آمده است: اکنون اگر قرار باشد ولی فقیه در رأس نظامنباشد یکی از دو کار باید انجام گیرد: ۱/۳ رئیس جمهور دارای همه صلاحیت‌های لازم رهبری باشد. در این صورت همان ولایت‌فقیه را اعمال کرده‌ایم با این تفاوت که اولی‌فقیه رئیس قوه مجریه نیز قرار داده‌ایم. بنابراین نقش او را در امور اجرایی پررنگ‌تر کرده و در واقع به سمت یک نظاممتمرکز(Centralized) حرکت کرده‌ایم. ۲/۳ ولی فقیه نقش مشاور برای رئیس قوه مجریه داشته باشد و در مسائل کلان حکومتی نظر او را راهنمایی کند. در این صورت دو فرض پدید می‌آید: ۱/۲/۳ـ یا اینکه رئیس جمهور موظف به اجرای منویات او است، در این صورت این همان ولایت فقیه است، زیرا او بر رئیس قوه مجریه ولایت دارد. ۲/۲/۳ـ رئیس جمهور موظف به پیروی از منویات او نباشد، در این صورت رعایت احکام الهی تضمین نشده و دیگر اسلامیت نظام از تضمین کافی برخوردارنخواهد بود. به همین ترتیب می‌توان افزون بر آن ولایت‌فقیه کارکردهای مهم دیگری نیز دارد، از جمله: ایجاد تعادل و هماهنگی بین قوا. این مسأله در نظام‌های مبتنی بر تفکیک قوا(Decenteralized) همواره یکی از مهمترین معضلاتبوده و عملاً موجب دخالت روزافزون قوه مجریه در دیگر قوا شده است، به طوری که طرفداران لیبرالیسم جدید(Neo Liberalism) به برتری قوه مجریه گراییده‌اند. ولی فواید هماهنگی قوا در نظام جمهوری اسلامی خارج از سه قوه یعنیتوسط ولی‌فقیه انجام می‌شود و بدینوسیله از برتری‌جویی قوه‌مجریه بر دیگر قوا جلوگیری می‌شود. لیکن رعایت اختصار ما را از بررسی و تفصیل آن معذور می‌دارد. برای آگاهی بیشتر نک: ۱- فلسفه سیاست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۲- لیبرالیسم در ایران، شهریار زرش

علت فاصله گرفتن جوانان از ارزش های اسلامی چیست ؟ و راه حل آن کدام است ؟

پرسش

علت فاصله گرفتن جوانان از ارزش های اسلامی چیست ؟ و راه حل آن کدام است ؟

پاسخ

مشکل بی‌اعتنایی به ارزش‌های معنوی، ناشی از اراده و اختیار خود انسان است. خداوند می‌فرماید: انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا ، (انسان، آیه ۳). متأسفانه بسیاری از افراد تحتتأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش‌های نفسانی، راه ضلالت و گمراهی را بر می‌گزینند. قرآن در این زمینه فرموده است: لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم * ثم رددناه اسفل سافلین ،(تین، آیه ۴

و ۵). متأسفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوانان از ارزش‌ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجد شده است. هر چند مردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصیتهای روحانی مانند حضرت امام ومقام معظم رهبری و بسیاری از شخصیت‌های دیگر که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زندگی کاملاً ساده و در سطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده‌اند، دارند. جدایی عده‌ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، ازجمله: ۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان در دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است. ۲. برخی از رفتارها و برخوردها ناصحیح و مخالف شرع در بیان احکام شرعی، موجبات بدبینی عده‌ای از افراد ـ خصوصا جوانان ـ را فراهم آورده است، حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب بارها خطر این گونه افراد را متذکر شده و در این خصوص می‌فرمایند: «معنایتحجر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملّت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظهاست، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است»، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۳/۱۳۷۶). ۳. اختلافات جناحی و سلیقه‌ای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است. ۴. حل نشدن بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزش‌های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشمروحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند. مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت پرداخته‌اند اما کارها و اقدامات انجام شده را می‌توانددر دو بعد، مورد بررسی قرار داد. الف) اقدامات نظری و اندیشه‌ای: ۱- تقویت و تثبیت ارزشهای اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و برگزاری جلسات روح بخش دعا و سخنرانی‌های مفید و پرمحتوی نماز جماعت در مؤسسات و اداراتبرگزاری و گسترش برنامه روح بخش اعتکاف در سطح شهرها خصوصا دانشگاهها بطوریکه هر سال با استقبال بیشتری روبرو بوده است. ۲- ایجاد و تقویت هویت جوانان از طریق شناخت استعدادها و تواناییهای بالقوه‌ای که دارند آشنا نمودن آنها با گذشته درخشان اسلامی و ملی خود و دستاوردهایی که در دوران انقلاب و بعد از آن داشته‌اند و آگاهی دادن نسبت به عقاید شوم دشمنان و خطرات ناشی ازانحرافات اخلاقی و اعتیاد و بالا بردن درک و شناخت و قدرت تحلیل جوانان و شناساندن عوامل مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماعی و جدا نمودن برخی افراد روحانی‌نما و متحجر از سایر روحانیون وارسته، دلسوز و متعهد. ۳- از آن‌جا که تهاجم فرهنگی بیشتر فکر و فرهنگ و اندیشه افراد یک جامعه را مورد هجوم خود قرار می‌دهد در این راستا مؤسسات و دستگاههای فرهنگی اقدامات بسیار شایسته‌ای را در جهت مصونیت بخشیدن و زدودن آثار مخرب فکری و فرهنگی تهاجم فرهنگی بااستفاده از محققین و متفکران و صاحب نظران علوم انسانی انجام داده‌اند که به برخی از آنان اشاره می‌نماییم :به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۷ تعداد ۳۶۰۹ عنوان کتاب در مورد دین و معارف اسلامی با تیراژی در حدود ۲۰۷۷۹۹۳۵ جلد و همچنین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قمتاکنون بیش از هزار عنوان کتاب با تیراژ بالا در زمینه‌های مختلف فرهنگی و علوم اسلامی منتشر نموده است هم اکنون بیش از ۱۸۰ مؤسسه در سطح قم در زمینه‌های تحقیقاتی اطلاع رسانی و... با همکاری محققین زبده فعال می‌باشد. نتایج و دستاوردهای بسیار چشمگیر و مثبتی رابه دنبال داشته‌اند و در ارائه معارف دینی واندیشه‌های اسلامی از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های پیشرفته و با جدیدترین شیوه استفاده می‌شود سعی شده با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نموده و راه آشنایی ملت‌های دیگر را با فرهنگاسلامی فراهم سازند تا

اوائل سال ۷۹ تعداد ۱۵ سایت (پایگاه) جهانی به وسیله شیعیان و ۱۳ سایت توسط اهل سنت ایجاد شده است (به نقل از مجله نگاه حوزه شماره ۶۲، ۵۹ ص ۱۵۱). یکی از ملموس‌ترین اثرات و پیامدهای این اقدامات فکری و اندیشه‌ای ناکارامدی تهاجم فرهنگی دشمن برای القاء شبهه در خصوص ناکارامدی دین در اداره جامعه و تئوری حکومت دینی و تلاش در جهت سکولار کردن و لائیک نمودن جامعه دینی ایران بود چنانکه شاهدهستیم به خاطر ارائه پاسخهای دقیق علمی و مستدل در این زمینه‌ها عناصر شبهه افکن مانند سالهای قبل دیگر مجال و عرصه‌ای برای جولان دادن نمی‌یابند و در واقع در مهمترین رکن تهاجم فرهنگی دشمن دچار شکست شده است و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق افرادجامعه ما همه خواهان اجرا و تحقق حکومت عدل علوی و عمل شدن به ارزش‌ها و احکام اسلامی می‌باشد و انتقادهایی نیز که به مسؤلین ایراد می‌نمایند در این خصوص می‌باشد که این خود یکی از آثار مثبت نامگذاری سال ۷۹ به نام سال علی(ع) و سال ۸۰ به نام رفتار علوی(ع) کهبواسطه معرفی شیوه‌ها و ارزشهای حکومتی امام علی(ع) که از طریق مقالات و کتابهای متعددی که در این زمینه ارائه شد می‌باشد. ۴- تهیه برنامه‌های جذاب مفید و سالم و تفریحی از طریق دستگاههای فرهنگی و صدا و سیما به عنوان نمونه رادیو جوان با برنامه‌های جذاب و متنوع به صورت سراسری در سال ۷۷ در حدود ۷۶۱۶ ساعت برنامه داشته که از مجموع آن ۱۷۰۱ ساعت فرهنگی و ۱۲۳۸ساعت معارف اسلامی و ۸۵۹ ساعت اجتماعی بوده است در همان سال مجموعه شبکه‌های اول و دوم و سوم و چهارم و شبکه تهران و مراکز شهرستانها ۳۸۵۹ ساعت فرهنگی ۲۹۸۰ ساعت معارف اسلامی و ۷۱۵۳ ساعت اجتماعی و شبکه‌های سحر و جام جم ۳۸۶ ساعت برنامه‌هایفرهنگی ۵۸۷ ساعت برنامه‌های اجتماعی و ۲۸۳ ساعت معارف اسلامی داشته‌اند. (منبع گزارش فرهنگی کشور ۱۳۷۷ مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی و هنری). ب) اقدامات عملی: ۱- برخورد قانونی با عوامل داخلی دشمن از قبیل روزنامه‌ها و گروه‌های معاند و شبهه افکن. ۲- تقویت نیروهای نظامی و انتظامی از نظر کمی و کیفی در مقابله با باندهای فساد و اشراری که در صدد ایجاد ناامنی در مناطق مرزی کشور بوده و سعی در گسترش اعتیاد و بزهکاری در میان جوانان در راستای اهداف شوم تهاجم فرهنگی داشته‌اند که در این زمینه نیروی انتظامیبیش از سه هزار شهید تقدیم انقلاب می‌نماید که این خود نشانگر عزم نظام در مقابله با مظاهر و ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی می‌باشد. ۳- از آن جا که فقر و مشکلات اقتصادی و اجتماعی از زمینه‌های مهم در تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی می‌باشد برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای در جهت حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم خصوصا قشر جوان از قبیل (اشتغال، مسکن، ازدواج و...) انجام شده و یا در دست اقداممی‌باشد. ۴- مبارزه با مفاسد اداری و مالی و برخورد قاطع با متخلفان که در این راستا فرمان مبارزه با فساد مقام معظم رهبری به سران سه قوه در تاریخ ۱۰ /۲ /۱۳۸۰ صادر شد. ۵- برگزاری مسابقات حفظ و قرائت قرآن مجید و نهج‌البلاغه و اردوهای سیاحتی، زیارتی و تفریحی خصوصا در ایام تعطیل و عید به مناطق جنگی که با استقبال میلیونی جوانان و دانشجویان هر ساله روبرو بوده و در انتقال ارزشهای اسلامی و انقلابی به قشر جوان تأثیر زیادی داشته. در پایان ذکر این نکته لازم است که اقدامات فوق به معنای عدم آسیب پذیری افراد جامعه از تهاجم فرهنگی نمی‌باشد زیرا قطعا تهاجم فرهنگی توانسته است برخی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی را به کشور ما وارد کند همچنانکه متأسفانه ما شاهد تقلید برخی از جوانانکشورمان از الگوهای فرهنگ غرب در قالب گروههای موسوم به رپ و هوی متال و.. می‌باشیم اما در مقابل ارزیابی و قضاوت باید با دیدی کلان مسأله را مورد بررسی قرار داد لذا اولاً باید این قبیل معضلات و ناهنجاری‌ها را با اهداف دشمن (شکست نظام اسلامی و دور نمودن جامعهاز دین) و بودجه‌ها و اقدامات وسیع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری او سنجید. ثانیا، نقاط مثبت و خیلی عظیم جوانان پاک و با تقوی را دید که در مقابل این طوفان سهمگین تهاجم فرهنگی پایدار و مقاوم مانده‌اند ثالثا حمایت مردم از نظام جمهوری اسلامی ایرا

چه راهکارهای برای رفع مشکلات فرهنگی دانشگاهها متناسب است ؟

پرسش

چه راهکارهای برای رفع مشکلات فرهنگی دانشگاهها متناسب است ؟

پاسخ

مجموعه راه‌کارهای فرهنگی در دانشگاه‌ها و بیرون از آن را می‌توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه‌کارهایی چند پیشنهاد می‌شود. الف) راه‌کارهای نظری و اندیشه‌ای ۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران. در این زمینه لازم است پایه‌های فهم دینی بر اساس تعیین بوده و با نفوذ شک و ترویج شک گرایی، مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها وارزش‌های دینی، فزون سازیم و به تعیین منطقی دست یابیم. مثلاً در زمینه عقاید، یک سلسله باورهای درست و تعیینی را به دیگران عرضه و برای آنها روشن و ثابت کنیم (هستی‌شناسی). در زمینه ارزشی‌ها، وجود یک سلسله ارزش‌های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بیپایه کسانی که ارزش‌ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می‌دانند، آشکار سازیم، (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می‌کوشند از میزان پای‌بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و امور گناه و حرام خوب جلوه داده، تقیّد به مسائل شرعی را تضعیف کنند، ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم. از همه مهم‌تر این که برابر کسانی که اصل وجود یقین را یک ضد ارزشی تلقی می‌کنند و از شکّاکیت و نیت در معرفت تبلیغ می‌کنند، امکان معرفت یقینی را ثابت کنیم و از این رهگذر» عقاید دینی و ارزش‌های اسلامی را از یک پشتوانه معرفت شناختی برخوردارسازیم. ۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و ملّی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و... ۳. تقویت و تثبیت ارزش‌های اسلامی و ایمان مذهبی از طریق برگزاری جلسات پرسش و پاسخ به مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و... . ب. راه‌کارها و اقدامات عملی: ۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه‌های جاذبه‌دار مفید و سالم به وسیله تشکّلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان؛ ۲. راه‌اندازی مرکزی برای رسیدن و حل مشکلات روحی، اقتصادی و مالی دانشجویان، فراهم نمودن زمینه‌های ازدواج دانشجویی و...؛ ۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت، دعا، مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و...؛ ۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذّاب، ارائه فیلم‌های خوب و مفید و... . اما در پاسخ قسمت دوم سؤال باید گفت که: هدف از تأسیس و راه‌اندازی این مرکز، ارائه راهکارهای فرهنگی در جهت مقابله با مشکلات فرهنگی موجود در دانشگاه‌ها است. مجموعه اقدامات و وظایف این مرکز، عبارت است از برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره بهصورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و... اعزام مبلغان و روحانیون فاضل و اندیشمند به دانشگاه‌ها، برگزاری اردوهای تفریحی، علمی و زیارتی، تهیه و تکثیر جزوات و مجلّات مختلف و گوناگون، ارائه خدمات سمعی و بصری و... گفتنی استکه دفاتر نمایندگی ولی فقیه مستقر در دانشگاه‌ها، آماده استقبال و ارائه کمک‌های مختلف در زمینه‌های یاد شده در حدّ توان و امکانات می‌باشند.{J

برای رواج بیشتر مسائل دینی در بین دانشجویان چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

پرسش

برای رواج بیشتر مسائل دینی در بین دانشجویان چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

باید عنایت داشته باشیم که تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی یک دانشجو باید بر محور دانش‌اندوزی دور بزند و هر عملی که چنین ثمره‌ای را در پی ندارد باید رها کنید و آنگونه که از نام دانشجو پیداست همیشه در پی دانش است و جویای علم می‌باشد، لذا به برگزاریکنفرانس‌های علمی، ارائه برنامه‌های معرفتی، برگزاری اردوهای علمی و تهیه مقالات علمی همت بگمارید و این کار را از یک جمع چند نفره متعهد و پای‌بند و دقیق می‌توان آغاز کرد و به گروه‌های بزرگتر گسترش داد. همانگونه که خود می‌دانید در کنار علم‌اندوزی، تقوا و برخورداریاز سرمایه زهد و اخلاق نیکو و پاکی نیز برای یک دانشجو ضروری است که علم بدون تقوا جز ضرر و آسیب پیامدی ندارد، لذا در تهذیب نفس نیز باید بکوشید و پابه‌پای علم‌اندوزی به سوی پاکی و طهارت دل خود نیز اهمیت بدهید و در اجتماع دانشجویی نیز این‌گونه فعالیت‌هاییکه دانشجویان را به این سو [دین‌داری و تقوا] دعوت می‌کند و باعث افزونی سطح دین‌داری و زهدورزی آنها می‌گردد برگزار کنید. مانند مراسم مذهبی، نماز جماعت در اول وقت و با حضور قلب، روزه‌های مستحبی گروهی، قرائت قرآن، برپایی مراسم دعای ندبه، کمیل و حتی وقتیجهت مناجات گروهی با خداوند و باز کردن دریچه دل به سوی منبع فیض لایزال الهی و... پس باید در تمام صحنه‌های فردی و گروهی باید در پی علم‌اندوزی و تحصیل طهارت باطن بود و رفتارهایی که شما را به این سوی می‌خواند و این‌گونه پیامدهایی دارد را انجام دهید.}J

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

پرسش

برای انجام بهتر امور دینی و ارشاد دیگران چه کارهایی باید انجام دهم ؟

پاسخ

برای انجام امور دینی توجه به راهکارهای زیر ضروری است: ۱- اعتقاد به این که تنها راه سعادت‌مند شدن عمل به احکام دینی و تقویت ایمان است. ۲- سعی کنید با ایجاد ارتباط با دوستانی مؤمن و جداشدن از دوستان ناباب (در صورتی که با چنین افرادی ارتباط دارید) زمینه انجام احکام الهی را در خود تقویت کنید. ۳- سعی کنید برای انجام امور عبادی و دینی بیشتر به مراکز مذهبی مثل مسجد، حسینیه‌ها و... بروید. ۴- در انجام کارهای عبادی سعی کن افراط و زیاده روی نکنید سعی نمایید ابتدا به انجام واجبات و ترک محرمات اکتفا کنید. ۵- کارهایی که واجب است انجام دهید و همچنین کارهایی که انجام آن حرام است فهرست کنید و هر روز ان فهرست را مرور کنید.. ۶- سعی کنید مشغول هر کاری که هستید هنگام نماز دست از کار بردارید و نماز را در اول وقت انجام دهید. ۷- با خودتان شرط کنید که اگر واجبی را ترک کردم یا به موقع انجام ندادم مقداری پول باید به عنوان جریمه صدقه بدهم یا یک روز روزه بگیرم. ۸- هر گاه موفق شدید وظیفه دینی خود را انجام دهید سر به سجده شکر بگذارید و از خداوند تشکر کنید که توفیق انجام تکلیف را به شما عطا کرده و از او بخواهید که همیشه خداوند توفیق انجام وظیفه را به شما عطا کند. ۹- به خودتان تلقین کنید که می‌توانم در انجام وظایف دینی‌ام موفق شوم. ۱۰- اگر گهگاهی موفق نشدید مأیوس نشوید دوباره اقدام کنید. اما این که فرمودید چگونه همه را از خودم راضی کنم البته اینکه انسان بتواند به گونه‌ای رفتار کند که جلب توجه دیگران شود و دیگران از او راضی باشند بسیار خوب است ولی واقعیت اینست که ما نمی‌توانیم همه افراد را از خودمان راضی کنیم بنابراین بهترین راه اینست کهسعی کنیم خداوند را از خودمان راضی کنیم و هیچ گاه رضایت دیگران را بر رضایت

خداونـد ترجیح ندهیم ممکن است بعضـی افراد از ما راضـی شوند که ما مرتکب گناه شویم یا اینکه واجبات دینی را انجام ندهیم و اگر خـدای نـاکرده ما چنین افرادی را راضـی کنیم به قیمت خشم وغضب الهی به ما تمام خواهـد شـد و چنین کاری هرگز شایسته نیسـت امـا در عین حـال انجـام راهکارهـای در جلب علاقه دیگران به شـما مـؤثر است: ۱- در مقابـل دیگران متواضـع باشـید و به آنهااحترام بگذارید. ۲- در سلام کردن سعی کنید زودتر سلام کنید. ۳- اگر مشلکی برای آنها پیش آمد به آنها کمک کنید و در صورت عـدم توانایی حداقل ابراز همدردی کنید. ۴- از خطای دیگران چشم پوشـی کنید و آنها را ببخشـید. ۵- اگر توانایی دارید هدیه‌ای ولو کوچک برای آنها تهیه کنید. ۶- با دیگران با گشاده رویی برخورد کنید. ۷- از برخوردهای تند و عصبی اجتناب کنید. ۸- نسبت به دیگران دلسوز و مهربان باشید. ۹- در کارهای اجتماعی و همچنین کارهای منزل مشارکت داشته باشید. ۱۰- از تکبر و دوری از دیگران و همچنین از گوشه‌گیری و انزواطلبی جدا پرهیز کنید. {J

با توجه به شرایط دانشگاه برای احیاء نماز جماعت در سطح دانشکده چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

پرسش

با توجه به شرایط دانشگاه برای احیاء نماز جماعت در سطح دانشکده چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

چاره کار در افزیش انگیزه و ارتقاء سـطح انگیزش است تا شـما را به انجام آنچه می‌خواهیـد سوق دهد انگیزش نیز از طرق مختلف ارتقـاء می‌یابـد که یکی از بهترین روشـها افزایش سـطح آگاهی و اطلاع است. لـذا برای افزایش سـطح انگیزش خود نسـبت به نماز جماعتلازم است ابتـدا به اهمیت، نقش و تأثیر مثبت نماز جماعت در زندگی بیشتر آگاهی پیدا کنید و از سوی دیگر علم و آگاهی خود را نسبت به تأثیر ترک نماز جماعت افزایش دهیـد اگر شـما بدانیـد که نماز جماعت چه تأثیرهای در زندگی دنیوی و اخروی شما دارد و قبل از آن توجه کنیـدکه ارزش قائل شـدن برای نماز جماعت نوعی اهتمام به نظر خداونـد و جلب رضایت اوست دیگر هرگز رضایت خود و دیگران را بر رضایت خداوند مقدم نمی‌دارید و برای پرهیز از خجالت و خود را شـرمنده نساختن! دستور خدا را رهـا نمی‌کنیـد. اگر خـدای نـاکرده روزی مادرتـان مریضـشود و در این بیماری احتمال از دست دادن او می‌رود و از طرف دیگر نجات او اقتضاء می‌کرد که در بین صف جماعت به مردم التماس دعا بگوئیـد آیا باز هم به بهانه خجالت کشـیدن مادرتان را تسـلیم مرگ می‌سازیـد؟ نه هرگز، نه، چون نجـات مادرتـان از هر چیزی برای شـما مهم‌تر است.حال در اینجا هم اگر اطاعت از خداونـد و عمل به آنچه او دوست دارد، عمل مسـتحبی می‌توانـد برای شـما از همه چیز اهمیّت بیشتری داشـته باشـد و به هیـچ قیمتی حاضـر به ترک آن نیستیـد و نمی‌شویـد. اشـکال اساسـی اینجاست که ما هنوز به اهمیت و تأثیر اینگونه اعمال عبادی درسـرنوشت و سـعادت انسانها پی‌نبرده‌ایم و چون آنها را کم اهمیّت می‌بینیم و می‌پنـداریم به آنها اولویت نـداده و اهتمام جـدی نسـبت به آنها نـداریم و به اموری که آنها را مهم می‌شـماریم ـمانند کار، مطالعه، بازی و... سرگرم می‌شویم. و لذا نماز اول وقت را به آخرین فرصت‌ها حواله داده و بهکـار خود ادامه می‌دهیم. برای آشـنایی بیشتر خوب است به مطـالعه کتاب‌هـای زیر بپردازیـد تـا بیشتر به تـأثیر نمـاز و نمـاز جماعت و نماز اول وقت آگاه شـده و آنگاه به آن اهتمام بیشتر بورزیـد: ۱- صلاةالخاشعین، نوشته شهید دستغیب ۲- ترجمه آداب الصلاة، نوشته حضرت امام خمینی {J

بینش دانشجویی نسبت به مسائل سیاسی و فرهنگی را چگونه بالا ببریم ؟

پرسش

بینش دانشجویی نسبت به مسائل سیاسی و فرهنگی را چگونه بالا ببریم ؟

پاسخ

مشارکت سیاسی و تحلیل سیاسی یک حق طبیعی است و از دگر سو مشارکت در امور سیاسی بدون داشتن بینش و آگاهی های سیاسی لازم تحلیل قضایا و بدون تفسیر و تأویل رفتار شخصیت‌ها، رفتار دولت و گروه‌ها (حزب)، امری غیر محتمل یا حداکثر سمبلیک است بنابراین موضوعات سیاسی باید با متدولوژی علم سیاست مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند نه با نظر شخصی و تحلیل حوادث سیاسی بدون داشتن علم سیاست و آگاهی سیاسی نازا و عقیم است و لذا در حیطه معرفت سیاسی اگر اطلاعاتی در چهار حوزه سیاسی داشته باشیم و کُتب مربوط به آنها را مطالعه کنیم می‌توانیم اظهار نظردرستی ارائه دهیم. قبل از ورود به بحث و معرفی کتب مربوطه چند مسأله باعث رشد سیاسی و آگاهی سیاسی دانشجویان می‌شود عبارتند از: ۱- برگزاری جلسات علمی و دعوت از صاحب‌نظران برای دیدگاه‌های علمی در هر زمینه، ۲- ایجاد خانه مطبوعات در محیط دانشجویی، ۳- برگزاری میزگردهای سیاسی، علمی، فرهنگی از سوی دانشجویان، ۴- فعّال کردن تابلوهای اطلاع‌رسانی از خبرهای علمی و سیاسی، ۵- ایجاد تریبون آزاد برای دانشجویان، ۶- مطالعه کُتب و مجلات سیاسی، ۷- مطالعه نظرات شخصیت‌های سیاسی و احزاب و گروه‌ها. در حیطه معرفت سیاسی شناخت چهار حوزه و تفکیک آنها مهم به نظر می‌رسد: ۱- حوزه علم سیاست: مجموعه‌ای از تئوری‌ها، فرضیه‌ها و قضایای اثبات‌پذیر و ابطال شدنی است و تعداد کتاب‌هایی که تحت عنوان علم سیاست منتشر شده کم نیست و شاید به دو علت چنین است یکی آن که بیشتر کتاب‌ها یک محتوا دارند ولی چون با عبارات و مثال‌های گوناگون بیان می‌شوند بوی تازگی می‌دهند و دیگر این که کم نیستند افرادی که بین علم سیاست و موضوعات سیاسی تفاوتی قائل نیستند لذا بسیاری از کتاب‌ها در عنوان، علم سیاست است و در متن، موضوعات سیاسی را نه با روش علمسیاست، که با تحلیل‌های شخصی به بحث گذارده‌اند. ۲- حوزه علم به حوادث سیاسی: این حوزه از سویی کل تاریخ سیاسی را در برمی‌گیرد که آزمایشگاه علم سیاست نیز هست و از دگر سو پیش‌بینی حوادث سیاسی نیز در این حوزه است البته بین علم به صدق حوادثگذشته، با علم به وقوع حوادث آتی تفاوتی ماهوی وجود دارد. زیرا علم به حوادث گذشته از متدولوژی علم تاریخ پیروی می‌کند و پیش‌بینی حوادث آتی نیازمند تلفیق چند علم و فن و هنر است و همواره مشروط می‌باشد لذا بیشتر معرفتی شخصی تلقی می‌شود. ۳- حوزه تحلیل سیاسی: در این که تحلیل سیاسی یک علم است یا فن یا هنر یا تلفیقی از اینها هنوز جای بحث دارد اما در این حوزه همگان برای خود حق اظهار نظر قائلند. تحلیل سیاسی یک حق طبیعی برای همه افراد جامعه است و کسی را نمی‌توان منع نمود که در مورد مسائل جامعه و مسائل سیاسی تحلیل نکند زیرا رشد و توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر کشوری با مشارکت فعال همه اقشار در امور سیاسی صورت می‌گیرد. درست است که هر کی تحلیل سیاسی داشت عالم علم سیاست نیست امامعرفت سیاسی دارد و معرفت سیاسی و مشارکت سیاسی هم بدون تحلیل قضایا و بدون تغییر و تأویل شخصیت‌هایی که در امور سیاسی مؤثرند و همچنین رفتار دولت و احزاب و گروه‌های سیاسی امری غیر محتمل است. ۴- حوزه آراء و اندیشه‌های سیاسی: کسی را نمی‌توان یافت که در مسائل سیاسی اظهار نظر کند و دارای آراء و نظرات سیاسی نباشد. آراء سیاسی در جامعه قوام می‌گیرد و خاستگاه رسیدن به نظرات سیاسی تنها از علم سیاست نشأت نمی‌گیرد بلکه ده‌ها عامل دیگر از قبیل جهان‌بینی، ایدئولوژی، موقعیت شغلی، رفاقت‌ها، جنسیت، سن، علاقه به شخصیت‌های سیاسی، نوع مطالعات، وضعیت اقتصادی و... همگی دخیلند تا نظرات و آراء سیاسی افراد را شکل دهند و بین آرای سیاسی و اندیشه سیاسیفرق است. کسی که دارای آرای سیاسی است وقتی می‌رود آرای خود را نیز با خود می‌برد اما کسی که دارای اندیشه سیاسی است وقتی

که نیست اندیشه‌هایش می‌ماند واگر چه گاه کم‌کم رنگ می‌بازد، اما گاه نیز اندیشه‌اش رنگین‌تر از قبل جلوه می‌کند. حال با توجه به مقدمات فوق، می‌پردازیم به چگونگی دستیابی به بینش و تحلیل سیاسی صحیح. در این زمینه می‌توان چنین گفت که اصولاً تحلیل سیاسی در ادبیات سیاسی عبارت است از تجزیه پدیده به اجزای تشکیل دهنده، شناخت اجزا و ارتباط آن‌ها با یک دیگر وشناسایی کلّیت پدیده مورد بررسی باید مشاهده، بررسی و شناخت کامل اجزا به دقت انجام شود و تأثیرات هر یک بر سایر اجزا شناخته شود. هر تحلیل سیاسی از چهار مرحله تشکیل یافته است: ۱. جمع‌آوری اطلاعات و اخبار: هر تحلیل‌گر بیش از هر چیز و پیش از هر عملی نیازمند اطلاعات و آگاهی‌های لازم از موضوع مورد بررسی است. همه اطلاعات و منابع ارزشی یکسان ندارند، (ر.ک: دکتر عزت‌الله نادری و دکتر مریمسیف نراقی، روش‌های تحقیق در علوم انسانی). ۲. تعیین هدف: تعیین هدف و محدود کردن بررسی ابعاد پدیده، موجب به نتیجه رسیدن تحلیل می‌شود. پس از تعیین هدف و ابعاد آن سؤال‌های مناسبی درباره موضوع مورد نظر می‌بایست طرح می‌شود و به دنبال پاسخ آن‌ها وارد مرحله بعدی می‌شود. ۳. انتخاب روش: شناخت و تحلیل پدیده‌های سیاسی ـ اجتماعی از یک راه مشخص به دست نمی‌آید؛ زیرا موضوعات بنابر ماهیت و محتوای آن‌ها، شیوه‌های متفاوتی را می‌طلبد. مثلاً برای شناخت علل تورّم، نمی‌توان به شیوه شناخت علل نابسامانی‌های ترافیک عمل کرد.انتخاب روشی نامناسب، موجب تحلیل غیر واقعی و نتیجه‌گیری غلط می‌شود. ۴. جمع‌بندی: جمع بندی باید به گونه‌ای باشد که ضمن بیان خلاصه مراحل طی شده، نتیجه‌گیری لازم را داشته باشد و تصویری همه جانبه از موضوع مورد بررسی نشان دهد. تحلیل‌های یک جانبه تک بُعدی، معمولاً واقع بینانه نیست و نمی‌تواند پاسخ گوی سؤالات و ابهاماتباشد و نمی‌تواند مقدمه و راهنمای مناسبی برای موضع‌گیری‌های سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. یک تحلیل گر خوب، باید دارای ویژگی‌هایی باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱. واقع بینی؛ تحلیل گر باید به دور از اغراض شخصی، پیش‌داوری‌ها و دخالت تمایلات خود، با واقع‌بینی به تحقیق بپردازد. قوی‌ترین عاملی که انسان را از خطاها و لغزش‌ها باز می‌دارد و او را به سمت واقع بینی هدایت می‌نماید، تقواست. قرآن کریم می‌فرماید: یاایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند برای شما قدرتتشخیص حق و باطل می‌دهد{M}، (سوره انفال، آیه ۲۹). و نیز می‌فرماید: و اتقواالله و یعلمکم‌الله تقوای خدا را پیشه و روش خود قراردهید، چه خداوند شما را تعلیم و آموزش می‌دهد{M}، (بقره، آیه ۲۸۲). ۲. اجتناب از ظن: باید توجه داشت که هر گونه شناخت، تحلیل، جمع‌بندی و موضعگیری هر تحلیلی باید مبتنی بر علم، مستند و مستدل باشد. نمی‌توان ظن را پایه تحلیل قرار داد. خداوند می‌فرماید: ان الظن لا یغنی من الحقشیئا ، (یونس، آیه ۳۶). ۳. عدم تبعیت از هوای نفس: عامل بسیاری از انحراف‌ها و خطاها، بی توجهی به واقعیتها، تبعیت از امیال و هواهای نفسانی و خود محوری است. ۴. عدم تبعیت کورکورانه: مطالب رسانه‌های استکباری، حتی تحلیل‌های داخلی، باید به دقت بررسی شود. یک تحلیل گر باید فارغ از طیف‌های رسانه‌ای، بر اساس اسناد و مدارک و واقعیت‌های موجود به بررسی پدیده‌های سیاسی بپردازد. اگر کسی توان و قدرت تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی را به صورت دقیق و مستدل دارد، طی مراحل فوق و داشتن ویژگی‌های تحلیل‌گری، می‌تواند ارائه تحلیل سیاسی نماید؛ اما اگر چنین توانی ندارد، یا امکانات لازم و اطلاعات کافی در اختیار نیست، باید به منابعیمراجعه کند که دارای این ویژگی‌ها باشند. باید از تحلیل‌های دشمنان خارجی و داخلی که از طریق امواج رادیویی و برخی مطبوعات اقدام به تحریف حقایق و وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها می‌کنند، پرهیز شود، (ر.ک: فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد –آناتومی جامع، نیز جواد منصوری، شناخت و تحلیل سیاسی) ۵. به کارگیری اصول مکتبی: در تحلیل حوادث و وقایع باید اصول و ارزش‌های دینی را ملاک قرار داد و در تمامی مراحل تحلیل و نتیجه‌گیری در نظر داشت. (ر.ک: شیوه های تعمیق بینش سیاسی، سید عبدالقیوم سجادی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲). در پایان منابع ذیل و منابع دیگری از این قبیل را برای بالا رفتن سطح معلومات و اطلاعات سیاسی دانشجویان پیشنهاد می‌گردد. اندیشه سیاسی غرب: – خداوندان اندیشه سیاسی مایکل فاستر، ترجمه: جواد شیخ الاسلامی – تاریخ نظریات سیاسی جرج سابابن، ترجمه: بهاءالدین پازارگاد – بنیاد فلسفه

سیاسی در غرب حمید عنایت - تاریخ تمدن آریل دورانت - ویلیام هیمیز دورانت، ترجمه: اسماعیل دولت‌شاهی - تاریخ تمدن ویل دورانت (۵ جلدی)، ترجمه: صفدر تقی‌زاده و صارمی اندیشه سیاسی در قرن بیستم: - فلسفه های معاصر،علی ترابی - سیر تفکر عصر جدید در اروپا، علیرضا رحیمی - فهم نظریه های سیاسی، توماس اسپریگن , ترجمه : فرهنگ رجایی - جهان در قرن بیستم، لویس انسایدر, ترجمه : محمد ابراهیم آیتی - فلسفه نوین تاریخ ، آرنولد تاین بی , ترجمه : پازارگاد - استعمار نو، محمد تقی برومند - استعمار نو و ثبات سیاسی، همایون الهی - تئوری های امپریالیسم ، ولفگانگ موسن , ترجمه : کوروش زعیم - امپریالیسم و عقب ماندگی ، همایون الهی - سیمای جهل در غرب ، محمد قطب اندیشه های سیاسی در اسلام : - ولایت فقیه، امام خمینی (ره) - ولایت فقیه ، آیت الله جوادی آملی - ولایت فقیه ، عبدالحسین خسروپناه - اندیشه های بنیادی اسلام ، محمد حسین طباطبائی - اسلام شناسی، علی شریعتی - اسلام شناسی ، محمد قطب - شش گفتار درباره دین و جامعه ، حمید عنایت - تاریخ هانری کوربن ، کوربن - برنامه اسلامی ، ابوالاعلی مودودی , ترجمه : سعیدی - حکومت در اسلام ، سید محمد حسین بهشتی - مقدمه ابن خلدون ، ابن خلدون - فلسفه مدنی فارابی ، رضا داوری - سیاست و غزالی ، هانرر لاتوست , ترجمه : مهدی مظفری اندیشه سیاسی اسلام در قرن بیستم : - اسلام و فرهنگ قرن بیستم ، موسی صدر, ترجمه : علی حجتی کرمانی - اسلام و تمدن غرب ، ابوالاعلی مودودی , ترجمه : ابراهیم امینی - سهم اسلام در تمدن جهان ، محمد حسن صاحب الزمانی - جاهلیت در قرن بیستم ، محمد قطب - شناخت استکبار جهانی ، جواد منصوری احیای اندیشه سیاسی اسلام: - احیای فکر دینی در اسلام ، محمد اقبال لاهوری , ترجمه : احمد آرام - اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید نهایت , ترجمه : خرمشاهی - احیای تفکر اسلامی ، مرتضی مطهری - فلسفه و اندیشه های اسلامی اقبال ، غلامرضا سعیدی - فلسفه و هدف زندگی ، محمد تقی جعفری - نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری اندیشه سیاسی در دوره مشروطیت : - مقدمه فکری نهضت مشروطیت ، علی اکبر ولایتی - نقش روحانیت پیشرو در بینش مشروطیت ، حامد الگار - تشیع و مشروطیت ، عبدالهادی حائری اندیشه سیاسی در انقلاب اسلامی : - ولایت فقیه، امام خمینی (ره) - بررسی فشرده ای پیرامون طرح حکومت اسلامی، ناصر مکارم شیرازی - انقلاب یا بعثت جدید، هاشمی رفسنجانی - ایران انقلاب بنام خدا، کلر بریر و پیر بلانشر, ترجمه : صنعوی کتب عمومی برای حوزه های دیگر: - از دنیای شهر تا شهر دنیامحمد خاتمی - اصول علم سیاسیت موریس دورژه - اندیشه های سیاسی چنگیز پهلوان - بنیادهای علم سیاست عبدالرحمن عالم - تجزیه و تحلیل جدید سیاست آلن رابرت دال - تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان فرهنگ رجائی جمهور افلاطون - درسهای سیاسی از نهج البلاغه محمد تقی رهبر - روح القوانین شارل متسکیو - زوال اندیشه سیاسی در ایران جواد طباطبائی - سیاست به مثابه علم ویلفریت رودیش - شناخت و تحلیل سیاسی جواد منصوری - فرهنگ اصطلاحات سیاسی جمال برکات - فرهنگ جامع سیاسی محمود طلوعی - فهم نظریه های سیاسی تامس اسپریکنز - قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو - مبانی روش تحلیل سیاسی اسدالله بادامچیان - مبانی سیاست عبدالحمید ابوالحمد - متد تحلیل پدیده های سیاسی موسی میر مدرس - مکتب ها واحزاب سیاسی فرشید - نظام سیاسی در مکاتب غرب - شرق - اسلام علی حائری - نظریه های نظام سیاسی (تحلیل سیاسی)تئودور ویلیام بلوم - نوسازی ودگرگونی سیاسی حسین سیف زاده مجله های سیاسی : - نقد و نظردفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - فصلنامه مطالعات راهبردی پژوهشکده مطالعات راهبردی - کتاب نقدفصلنامه انتقادی , فرهنگی , فلسفی اندیشه - فصلنامه فرهنگی - سیاسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی - فصلنامه حوزه و دانشگاه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه - ماهنامه گام چهارم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه شهید بهشتی - بولتن اندیشه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها - ماهنامه اسلام و غرب مجلس و پژوهش مجلس شورای اسلامی ایران - حکومت اسلامی دبیرخانه مجلس خبرگان - مشکوه دانشگاه امام صادق (ع) - ۱۵ خردادمرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران - فصلنامه یادبنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران - نمایه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - پژوهشنامه متین پژوهشگاه امام خمینی (ره) - اطلاعات

سیاسی مؤسسه اطلاعات – مجله سیاست خارجی فصلنامه علوم سیاسی آموزش عالی باقرالعلوم (ع) قم – دفتر تبلیغات – فصلنامه انقلاب اسلامی – فصلنامه نگاه نو – ماهنامه عاشورا – فصلنامه حضور دانشگاه اسلامی – ماهنامه امامت – مجله سیاست دفاعی دنیای سخن – فصلنامه گفتمان دیدگاه ها وتحلیل ها (بولتن ماهانه دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی) ترجمان سیاسی – فصلنامه گفتگو – فصلنامه فرهنگ نرم افزارهای مربوط به علوم سیاسی : ۱– گنجینه (مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران – تهران): شامل : فرهنگ علوم سیاسی : پایان نامه های دانشجویان پایگاه موضوعی علوم انسانی چکیده تازه های تحقیق چکیده مقالات علمی راهنمای سمینارهای ایران ۲– بنیاد تاریخ (بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران – قم – تهران): شامل : مجلس ملی مجلس شورای اسلامی زندگی نامه شخصیت های سیاسی

در کارهای قرآنی و فرهنگی چه عواملی موجب تداوم و جذابیت کار می شود؟

پرسش

در کارهای قرآنی و فرهنگی چه عواملی موجب تداوم و جذابیت کار می شود؟

پاسخ

در این زمینه راه‌کارهای زیادی وجود دارد؛ از جمله: ۱) موضوع‌بندی آیات‌تحت عنوان آیات موضوعی وارائه به جوانان ۲) ارایه تازه‌های علمی که با آیات الهی هم‌خوانی دارد تحت عنوان نشریه، مقاله، روزنامه‌دیواری و... . ۳) استفاده از خود جوانان فعال جهت برنامه‌ریزی در این زمینه. ۴) جذابیت متولّیان امور قرآنی (چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ فکری و عملی). ۵) استفاده از اساتید مجرب و با سابقه و جوان پسند جهت کلاس‌های قرآنی. ۶) برگزاری مسابقات قرآنی و جشن‌های قرآنی و محافل نور و دعوت از پیش‌کسوتان قرآن به نحو شایسته. ۷) ایجاد انگیزه و نیاز در جوانان . ۸) محیط آرام و مطلوب قرآنی ۹) بها دادن به امور قرآنی . ۱۰) اساتید کاردان و جذاب. ۱۱) استفاده از ساعات مناسب برای برگزاری کلاس‌ها و... . ۱۲) در اختیار قرار دادن کتاب‌های قرآنی، نشریات، مقالات و... . ۱۳) ایجاد فضای عرفانی و معنوی به نحو شایسته با تبلیغات حساب شده. ۱۴) تبلیغات گسترده و مطلوب جهت اعلان شروع به کار . ۱۵) برخورد دوستانه در مراحل اولیه با تمام جوانان. ۱۶) استفاده از دانشجویان محل جهت راه‌اندازی هر چه بهتر کار قرآنی {J

جامعه ء امروز چه نیازهایی را در اولویت می بیند و طلاب در چه زمینه ای باید کار کنند تا پاسخ گوی این نیازها باشند؟

پرسش

جامعه ء امروز چه نیازهایی را در اولویت می بیند و طلاب در چه زمینه ای باید کار کنند تا پاسخ گوی این نیازها باشند؟

پاسخ

حوزه‌ی علمیه، از بدو تأسیس خویش و از گذشته‌های دور، کانون پرورش و پیدایش عالمانی بوده است که در ترویج و تبلیغ از اسلام اصیل، لحظه‌ای تردید نداشتند و در پیروی از رسول گرامی اسلام(ص) و پیشوایان معصوم(ع)، پیمان پایداری بستند. آنان در این راه تا سر حدّشهادت پیش رفتند و بدین سان پیشتاز و طلایه‌دار تبلیغ دین و جانشین آن بزرگواران شدند. حفظ و تداوم

حوزه‌های علمیه، به عنوان مهد تربیت و خاستگاه عالمان دینی و مجتهدان بزرگ و سنگر نگهبانی از احکام نورانی اسلام، بر کسی پوشیده نیست. حوزه‌های علمیه، به مقتضای بر دوش کشیدن رسالت تبلیغ دین الهی در هر سنگری که برای دفاع از کلیت دین ضروری است، به عنوان یک سرباز آماده و فداکار حاضر می‌شوند. البته آنها باید بر اساس رسالت الهی خود، با زمان خویش هماهنگ باشند و با نیازهای زمانحرکت کنند و نسبت به نیازهای اجتماعی و مسائل فکری نوظهور، حساس بوده و توجه داشته باشند. بدین منظور، لازم است با جامعه و تجربیّات آنها ـ چه با تحقیق فردی و چه با تحقیق گروهی ـ آشنا شوند. در این راستا، بزرگان حوزه با توجه به مسؤولیت عظیم و تاریخی خود ـ به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ـ اصلاحات شکلی و محتوایی ای را در بخش‌های گوناگون (تدریس، تحصیل، تبلیغ و نظام آموزشی) در حوزه‌های علمیه شروع کرده‌اند تا بر اساس آن، نسلجوان طلبه را بر مبنای نیازها و اقتضائات زمان تربیت کنند. البته این برنامه‌ها، هنوز به رشد ونتیجه نهایی نرسیده است؛ اما مهم آن است که این کار شروع شده و نتایج جالبی هم به دست آمده است. بنابراین، علاوه بر علوم مصطلح حوزوی (اعم از ادبیات فارسی و عربی، معانی و بیان، فقه و اصول، تفسیر، حکمت، فلسفه، کلام و...) در سایر عرصه‌های علمی (از قبیل رشته‌ی اقتصاد، سیاسی، علوم تربیتی و زبان خارجه و...) پیشرفت‌هایی داشتند و گروه‌های تخصص وپژوهشی در سطوح مختلف و با توجه به نیازهای حال و آینده، در صدد یافتن راه‌حل‌هایی هستند تا بتوانند با تربیت نیروهای قوی و کارآمد، هماهنگ با پیشرفت زمان، حرکت کنند. اما از آن جا که بسیاری از پرسش‌ها و شبهات، از خارج و با زبان‌های زنده و مشهور دنیا، به صورتمقالات و کتاب منتشر می‌شود؛ ضروری می‌نماید که حوزه‌های علمیه، قبل از هر چیز عده‌ای را به عنوان زبان‌دان تربیت کنند. خوشبختانه به لطف خدا، امروزه حوره‌ی علمیه قم و سایر حوزه‌ها، در صدد تعلیم و آموزش زبان انگلیسی، فرانسه و... برآمده‌اند و حتی با پیشنهاد و دستورمقام معظم رهبری، در آینده‌ی نزدیک، در دستور کار آموزش همه‌ی مدارس علوم دینی قرار خواهد گرفت. علت اهتمام به این امر (یادگیری زبان‌های زنده دنیا) این است که اولاً ـ برای تبلیغ دین و ایجاد ارتباط با مردم سایر کشورها، چاره‌ای جز فراگیری این زبان‌ها نیست. ثانیا برایشناخت هجوم تبلیغاتی بیگانگان و پاسخ مناسب به آن شبهات، یادگیری این زبان‌ها ضروری می‌نماید. در این راستا، آموزش و استفاده از رایانه و اینترنت برای تبلیغ معارف دینی مورد توجه حوزویان قرار گرفته است. به طور خلاصه می‌توان گفت که حوزه‌های علمیه باید با تکیه بر سرمایه‌ها و میراث‌های گذشتگان و با توجه به دارایی‌های امروز خویش، برای نیازهای حال و آینده برنامه‌ریزی کنند و در این رابطه تلاش مضاعف و برنامه‌ریزی دراز مدت داشته باشند. امام خمینی(ره) با تأکید بر فقه سنّتی ـ که میراث فقیهان و بزرگان دین است ـ درباره‌ی نیازهای علمی، تخصصی و عمومی طلاّب علوم دینی می‌فرماید: «... البته در رشته‌های دیگر علوم، به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌های تهیه خواهد شد و رجالی در آن بایدتربیت شود و از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلّم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله رزقنا الله و ایّاکم، که جهاد اکبر می‌باشد»، (وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی امام خمینی، مؤسسه تنظم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۱۷). {J

علت دین گریزی جوانان چیستو چگونه می توان آنها را از این راه منصرف کرد ؟

پرسش

علت دین گریزی جوانان چیستو چگونه می توان آنها را از این راه منصرف کرد ؟

پاسخ

دلایل متعددی را می‌توان برای آن نام برد که به دو دسته‌عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم می‌شوند: الف) عوامل درونی یا داخلی: منظور عواملی می‌باشند که مربوط به عملکرد مسوءولان بوده و این‌وضعیت را پیش می‌آورند که عبارتند از: ۱- مقدم داشتن عادات فکری و عاطفی‌بر منطق و حقیقت و اسلام ناب و اصیل. ۲- برخی رفتارها و اقدامات ناشایسته بعضی از مدیران کارگزاران و مأموران دستگاه‌ها و نهادهای‌دولتی و حکومتی که ظاهری مذهبی دارند ولی در حقیقت عمل درست‌دینی نداشته و موجب پیدایش تعارض و شکاف بین گفتار و عمل از دیدگاه توده مردم گشت و این امر موجب بدبینی به سایر افراد مذهبی شد. ۳- برخوردهای نامطلوب و ناصحیح و همراه با زیاده‌روی و افراط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری‌ها و منکرات در جامعه موجب بدبینی‌به عموم افراد مذهبی شد. ۴- کم‌کاری برخی از افراد مذهبی در نشان دادن چهره واقعی و محبت‌آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده درعمل. ب) عوامل بیرونی یا محیطی: منظور عواملی می‌باشند که خارج از حیطه‌عملکرد مسوءولان بوده و منجر به وضعیت مذکور شده است: ۱- تحول نسل در جامعه و به صحنه آمدن نسل جدیدی که باورها و یافته‌های آنان با افرادمذهبی متفاوت است فقدان برنامه‌ای جامع و همه جانبه برای تربیت آموزش و توجیه آنان و نیز بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به ایجاد تغییرات‌اساسی و ریشه‌ای در نگرش خانواده‌ها به اصول و آداب تربیت نسل نومنجر به این شکاف شده است. ۲- وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی در جامعه و از مسوءولان حکومتی را باعث آن به حساب آوردن. ۳- رشد و رواج‌ابزارهای جدید اطلاع‌رسانی و تبلیغات در سطح جهان در دهه اخیر و تشدیدتلاش ابر قدرت استعماری آمریکا برای نفوذ فرهنگی و رواج فرهنگ آمریکایی در جهان موجب تغییر جو کلی فرهنگی در سطح جهان شده به‌گونه‌ای باعث افول ارزش‌ها و شکاف میان دو قشر مذهبی و غیرمذهبی شده است (شکاف سنت و مدرنیته). ۴- وجود تمایلات نفسانی انسان ووسوسه‌های نفس اماره برای گریز از محدودیت‌های شرعی و ارتکاب‌شهوات و لذات فی نفسه عامل بدبینی و گریز افراد غیرمذهبی از افراد مذهبی می‌باشد. ۵- سازماندهی تهاجم فرهنگی توسط دشمنان نظام‌اسلامی برای تضعیف اسلام و ارزش‌های اعتقادی ترویج و اشاعه دنیاطلبی تبلیغ مستمر و گسترده سکولاریسم و لائیسیسم نفی‌آرمان‌گرانی تحریک غرائز شهوانی حمله مستمر به مبانی ارزش و پایه‌های‌اعتقادی اشاعه چهره‌ای غیرواقعی و زشت و خشن از اسلام تبلیغ و ترویج تضاد میان اسلام و آزادی سوء استفاده از نارسایی‌ها معضلات و ضعف‌های‌مدیریتی و اجرایی برای حمله و هجوم به ماهیت اسلام و قوانین الهی ایجادروحیه یأس و ناامیدی در مردم با ترویج غیرقابل اجرا بودن ارزش‌های والای الهی در جامعه تبلیغ و ترویج ناکارآمد بودن تئوری حکومت دینی‌و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی و اشاعه این نظریه که دین متعلق به گذشته است. ۶- عملکرد گروه‌های معاند نظام اسلامی در داخل‌در جهت ایجاد بدبینی به افراد مذهبی از جمله مسوءولان و کاهش مشروعیت‌نظام. برای آگاهی بیشتر ر.ک: کتاب انقلاب و ارزش‌ها علی ذوعلم. ازاین‌رو به آسانی می‌توان گفت: که دین و معنویت و به ویژه اسلام که دین تحریف نایافته است. مطلوب همه صاحبان خرد و مصلحت‌اندیشان برای دنیا و دوراندیشان برای آخرت می‌باشد. اما آنچه موجب گریز از دین می‌شود از یک سو جامه دین را وارونه بر تن کردن است و از سوی دیگر خواسته‌های نابجای برخی و ناهنجاری عاطفی و روانی آنان و بی‌بند و باری و گرفتاری در انواع دام‌های شیطانی شیطان‌صفتان و... موجب شده که بسیاری به سستی و فساد و راحتی و سودجویی و... روی آورند و التزام به دین و چارچوب‌های دینی را مزاحم خود ببینند. چنان که در قرآن کریم درباره مهمترین عامل روی‌گردانی از توحید و معاد آمده است: بل یرید الانسان لیفجر امامک بلکه انسان می‌خواهد راه فساد را پیش روی خود باز کند{M(قیامت، آیه ۵). به همین جهت برای جلوگیری از دین‌گریزی هم باید دین واقعی را شناخت و هم باید عمل به دین و دوری از فساد و گناه در جامعه به عنوان ارزش تلقی شود و نباید آن روزی که فرهنگ جامعه به جایی برسد که درآمدهای از هر راه را زرنگی و توانمندی به شمار آورند و لذت‌های به هر صورت را نیاز طبیعی جوانان و عامل رفع افسردگی‌ها بدانند!! اینجاست که باید به طور جدی به حفظ خود و خانواده و اطرافیان پرداخت و دغدغه اصلاح را در برنامه‌ریزی مسؤولان به وجود آورد. البته بدانیم حفظ ایمان و ارزش‌های آن در

محیط نامساعد بسی‌دشوار است ولی ارزش افزون‌تری دارد. خداوند در سوره «تحریم» آیه ۱۱ نمونه‌ای‌را برای این گونه افراد یادآوری می‌نماید. خداوند برای موءمنان آسیه همسر فرعون را مثال و نمونه می‌آورد هنگامی که از شوهرش بیزاری جست و عرضه داشت:خدایا! من از قصر فرعون و زیورهای دنیوی گذشتم و تو خانه‌ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردارش و قوم ستمکار نجات بخش. حفظ ارزش‌ها در محیط مناسب و مساعد هنر نیست؛ هنر آن است که در تندباد ضدارزش‌ها، ارزش‌ها مطرح شود. بنابراین سعی کنید با اعتماد به خدا و یقین به درستی راه دین‌ایمان خود را حفظ نموده و همواره آن را تقویت کنید. در صورت نبود امکانات ازدواج قرآن می‌فرماید: «ولیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتی یغنهم الله من فضله» (نور آیه ۳۳). خداوند در این آیه دستور به عفاف و عفت نفس می‌دهد و این بهترین شیوه و روشی است که با به کار بستن آن روح ایمان و تقوا در انسان پرورش می‌یابد و سبب تقویت اراده و تسلط بر نفس می‌شود و روحیه عفت در انسان زنده می‌گردد. همچنین با عمل به سفارش‌های زیر و گسترش چنین برنامه‌هایی در سطح جامعه می‌توان بر ناهنجاری‌ها و گریز از دین غلبه کرد: ۱- سعی و کوشش در انجام وظایف و واجبات دینی. ۲- خواندن نماز با حضور قلب و در اول وقت. ۳- گرفتن روزه مستحبی به ویژه دوشنبه و پنجشنبه. ۴- تلاوت قرآن بویژه بعد از نماز صبح. ۵- تأمل و اندیشه در آیات قرآن. ۶- حتی المقدور سعی در خواندن نماز شب. ۷- سحر خیزی. ۸- شرکت درورزش‌های فردی و دسته جمعی. ۹- تنظیم برنامه برای تمام شبانه روز و پر کردن‌اوقات فراغت با برنامه‌های صحیح و سودمند. ۱۰- شرکت در فعالیت‌های مذهبی‌و اجتماعی. ۱۱- پرهیز از نگاه نامشروع به افراد نامحرم. امام صادق(ع) فرمود:«نگاه پس از نگاه در دل بیننده شهوت را می‌انگیزاند»(وسائل‌الشیعه ج ۱۴ ص ۱۳۸). و باز فرمود: «نگاه تیری از تیرهای شیطان است چه بسا نگاهی که‌اندوه‌های دراز در پی دارد»(۱۲- عدم معاشرت و دوستی با افراد منحرف و فاسد.همان ص ۱۳۹). ۱۳- انتخاب دوستان موءمن و سالم. ۱۴- به یاد خدا بودن درهمه اوقات. ۱۵- کنترل افکار و نیندیشیدن به صحنه‌های شهوت انگیز. به سادگی نمی‌شود گفت، نسل امروز جوانان ما دین گریز و احیانا دین ستیز هستند، اینان نسبت به واقعیات موجود جامعه، دیدگاه‌های متفاوتی دارند و چه بسا بخشی از آن دیدگاه‌ها و نارضایتی‌ها، وارد باشد. ولی ممکن است، بعضی از جوانان با توجه به شرایط محیطی و خانوادگی از روند نارضایتی بیشتری برخوردار باشند و برخی از نارسایی‌ها را ناشی از قوانین دینی بدانند ودر نتیجه اشکالات خویش را متوجه دین بکنند، که البته کارآمدی دین بحثی است و کارآمدی بعضی از مدیران بحث دیگر. اتفاقا در برخورد با تعدادی از این جوانان و گفتگو با آنان، تصریح کردند که اشکالات آنان نه به اصل دین، بلکه به مدیران و کارگزاران بر می‌گردد. بنابراین، بی‌تردید می‌توان گفت که، جوانان کشور از بهترین جوانان از حیث سلامت فکری و روحی و دینی می‌باشند و سرمایه‌گذاری دشمنان دین و کشور، برای تسخیر این دژ مستحکم و انحراف جوانان، گواهی است بر مدّعای ما، که البته موفق نخواهند شد. به هر حال، دین‌گریزی عوامل متعددی می‌تواند داشته باشد، از جمله: ۱- تبلیغات سوء دشمنان و ایجاد و القای شبهه پیرامون دین، ۲- روش‌های نادرست در آموزش دینی در دوران کودکی و نوجوانی، ۳- ضعف و سستی بنیان‌های دینی در خانواده، ۴- گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی، ۵- ضعف بینش و نداشتن آگاهی درست از ماهیت دین و نقش و کارکرد آن در تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان. ۶) ناکارآمدی بعضی از مدیران جامعه در اجرای برنامه‌های اعلام شده‌ی حکومت دینی، در نتیجه، بی‌پاسخ ماندن نیازهای اولیه اجتماعی جوانان (ازدواج، اشتغال، مسکن و..).. ۷) عدم توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها در برخی از ادارات و دستگاههای کشور، ۸) درگیری برخی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی بر سر کسب، حفظ و استمرار قدرت سیاسی و در نتیجه، ایجاد یأس و ناامیدی جوانان برای نیل به خواسته‌های مشروع خویش. برای مبارزه با دین‌گریزی باید پس از بررسی همه جانبه علل و عوامل آن، راه‌کارهای مناسب را برگزید. آنچه در جامعه امروز ما بسیار مهم است، ایجاد موجی سهم‌گین و توفنده در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان وارایه چهره زیبای دین و زدودن غبار خرافات و کژاندیشی‌ها، در این صورت دین با جذابیت فوق‌العاده‌ای که دارد، با توان‌مندی جوانان را به سوی خود فرا می‌کشاند. از طرف دیگر شدیدا باید مواظب

خطر دگرگونی در هویت فرهنگی و گرایش‌های نسل جوان بود. یکی از خطرات جدی فرهنگ مهاجم غرب این است که جوانان را چنان به سوی تمایلات شهوانی و آزادی‌های جنسی سوق دهد، که اساسا گرایش به دین و دیانت در آنان رنگ بازد و دیگر برای آنان حق و باطل چندان اهمیتی نداشته باشد. به هر حال، جوانی، از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداداد به بشر است و مثل هر نعمت خداداد دیگر باید از آن استفاده‌ای بهینه‌ای کرد. و جوانان، گرانبهاترین سرمایه‌های کشورها به هنگام جنگ و صلح بوده و به عنوان سربازان و مدیران بالقوه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی علمی و فرهنگی و... به شمار می‌آیند. بنابراین، باید با برنامه‌ریزی دقیق، موانع پیش‌روی نسل حاضر (عوامل دین گریزی پیش گفته) را زدود و برای مشکلات آنان، راه‌کارهای عملی ارائه کرد.

گاهی هنگامی که با بعضی از دوستان در مورد مسائل دینی و اخلاقی صحبت می کنیم ،حرفهای ما در ابتدا تاثیر بسیار خوبی روی آنها می گذارد ولی کم کم از بین میرود همچنین نمیدانم چرا چنین دوستانی بیشتر مایل به دوستی با افراد ناباب هستند در واقع مثل اینکه افراد خلاف ک

پرسش

گاهی هنگامی که با بعضی از دوستان در مورد مسائل دینی و اخلاقی صحبت می کنیم ،حرفهای ما در ابتدا تاثیر بسیار خوبی روی آنها می گذارد ولی کم کم از بین میرود همچنین نمیدانم چرا چنین دوستانی بیشتر مایل به دوستی با افراد ناباب هستند در واقع مثل اینکه افراد خلاف کار جذابیت بیشتری نسبت به انسان های مومن دارند ؟

پاسخ

تعهد اخلاقی و دینی شما قابل تقدیر و تحسین است. احساس مسؤولیت در برابر دیگران و انگیزه تأثیرگذاری روی دیگران و نگاه دلسوزانه و متعهدانه داشتن به رفتار دوستان و اطرافیان خود حکایت از روح لطیف و مسؤولیت‌پذیری شما دارد ولی علت عدم استمرار تأثیر سخنان شما و عدم ثبات در طریق صحیح عوامل مختلفی می‌تواند داشته باشد. ۱- انسان همیشه و هر لحظه در معرض وسواس شیطانی است و یک لحظه و کمتر از آن هم شیطان از اغواء دست‌بردار نیست. بنابراین نیازمند ایمانی مستحکم و قوی هستیم تا به اندک وسوسه‌ای منحرف نشویم. ۲- معمولاً جذابیت مسائل مادی و شهوی و بی‌بند و باری و آزادی بی‌حد و حصر نسبت به قیود عقلانی و شرعی و راه صحیح که معمولاً نیازمند دقت و توجه کافی است، بیشتر است و با تنبلی و کسالت انسان سازگاری بیشتری دارد. به همین جهت پای‌بندی به اصول اخلاقی و دینی برای معمول مردم و افراد سخت‌تر است. ۳- همان طور که می‌دانید راه صحیح و حق یکی است ولی راه‌های باطل و غیرصحیح متعدد و زیاد است، بنابراین در بین روش‌های مختلف زندگی فقط یک راه صحیح خواهد بود و سایر روش‌های زندگی ناصحیح پس این نیز یکی از عوامل انحراف افراد از طریق صحیح است. در عین حال آنچه باید در اینجا متذکر شویم این است که همین پذیرش اولیه و تأثیرپذیری آنها نسبت به حق و مسائل اخلاقی و دینی خود نشان دهنده سلامت نسبی فکری و ذاتی چنین افراد است یعنی ذاتا آنها مایل هستند اصول اخلاقی و دینی را عمل کنند و به آن پای‌بند باشند ولی متأسفانه همیشه شیطان در کمین است و در عمل دچار خطا می‌شوند پس این گرایش ذاتی و میل درونی آنها را قدر بدانیم. ثانیا، ما نیز باید با استفاده از روش‌هایی صحیح، جذابیت خود و افکار و اندیشه‌های خود را بیشتر کنیم و عملاً آنها را در مسیر حق و صحیح حفظ کنیم. بهترین راه برای جذب آنها اعمال صحیح و صادقانه و دلسوزانه ماست. صلی الله علیه و سلم صلی الله علیه و سلم ج س ۵ - جهت کسب آگاهی و شناخت بیشتر در مورد مقام معظم رهبری، مطالعه منابع ذیل توصیه می‌شود: ۱- زندگی‌نامه مقام معظم رهبری، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ ششم ۱۳۷۹ ۲- حکایت‌نامه سلاله زهرا(س)

حسن صدری مازندرانی، نشر مؤسسه انتشارات مشهور، چاپ اول ۱۳۸۱ (به پیوست ارسال می‌گردد) ج س ۶ - برای تهذیب نفس با عزمی استوار و اراده‌ای پولادین به رعایت امور زیر بپردازید: الف) در انجام واجبات و ترک گناهان جدی و قاطع باشید. ب) به نماز شب اهمیت دهید هم چنین به خواندن دعاهایی؛ مانند مکارم الاخلاق دعاهای ایام هفته مناجات خمسه عشر و... ج) در صورت توان جسمی روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه بگیرید. د) در مراسم دینی؛ از جمله دعای کمیل و ... شرکت جویید و به زیارت اهل قبور بروید و در عالم پس از مرگ به تفکر بپردازید. ه) از صحنه‌ها و امور تحریک کننده به سوی گناه بپرهیزید. و) از پرگویی، پرخوری، پرخوابی و بیکاری دوری گزینید. ز) برنامه مشارطه، مراقبه، محاسبه و ... را با توجه به مطالعه کتاب «چهل حدیث» امام خمینی(ره) انجام دهید. در این زمینه باید دو چیز را دقیقا و حتما بدون سهل‌انگاری عمل نمایید: ۱- ترک زمینه گناه: این خود زیرمجموعه‌ای دارد که مهمترین آن عبارت از است: * ترک گناه چشم: دقیقا باید مواظب چشم خود بود که مبادا به نامحرم و کلاً هر آنچه که شهوت‌انگیز است، نگاه شود. عن الصادق(ع): «النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظرة اورثت حسرة طویله؛ نظر دوختن تیری مسموم از تیرهای ابلیس است و چه بسا نگاهی که حسرت درازمدتی را (در دل) به ارث بگذارد»، (سفینةالبحار، شیخ عباسی قمی، ماده نظر). * ترک گناه گوش: باید از کلیه شنیدنیهایی که حرام هستند پرهیز شود. نوار موسیقی باشد، صدای شهوت‌انگیز نامحرم باشد و... * ترک مصاحبت با دوستان ناباب: دوستانی که باعث می‌شوند انسان مزه گناه را مزمزه کند، در واقع دشمن هستند و باید از آنها پرهیز کرد. از امام سجاد(ع) نقل شده: «النهی عن مصاحبة خمسة و محادثتهم و مرافقتهم فی طریق و هم الکذاب والفاسق والبخیل والاحمق والقاطع لرحمه؛ حضرت از همراهی و سخن گفتن و رفیق بودن با پنج کس را نهی فرموده: کذاب (دروغگو)، گناهکار، بخیل، احمق و کسی که قطع رحم کرده است»، (همان، ماده صحب). البته اینها از مهمترین زمینه‌های گناه هستند که باید ترک شوند ولی کلاً هر چیزی که زمینه گناه را فراهم می‌کندباید ترک شود. ۲- ترک فکر گناه: ترک زمینه گناه سهم به سزایی در ترک فکر گناه دارد ازاین‌رو هر چه بیشتر و دقیقتر زمینه گناه ترک شود فکر گناه کمتر به سراغ انسان می‌آید ولی علاوه بر آن، چند چیز جزء برنامه زندگی شود (حداقل تا وقتی که مجرد هستید): * اشتغال به برنامه شبانه‌روزی: حتما باید شبانه‌روز خود را با برنامه‌ریزی صحیح و متناسب وضع روحی و جسمی خود پر کنید و هیچ ساعت بیکاری نداشته باشید تا نفس شما را مشغول کند. در اوقات بیکاری وسوسه‌های نفس و شیطان به سراغ انسان می‌آید و او را به فکر گناه و سپس به خود گناه می‌کشاند قال امیرالمؤمنین علی(ع): «ان هذه النفس لامارة بالسوء، فمن اهملها، جمحت به الی المآثم؛ براستی و حقیقت که این نفس (انسانی) پیوسته و مرتب به بدی امر می‌کند در نتیجه هر کس آن را به خود واگذارد (و به کاری نگمارد) نفس او را به سمت گناهان می‌کشاند»، (الغرر والدرر، باب النفس به نقل از سرالاسراء، استاد علی سعادت‌پرور، ج ۱، ص ۵۴۴، ح ۴). * روزه گرفتن: روزه گرفتن قوای حیوانی و شهوانی انسان را تضعیف می‌کند اگر قوای شهوانی ضعیف گشت قهرا فکر گناه هم کم‌رنگ می‌شود. عن ابی جعفر(ع) قال: «اذا شبع البطن طغی؛ هرگاه شکم پر شود طغیان می‌کند، (المحجةالبیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۱۵۰). مفهومش این است اگر شکم بر نشود طغیان نمی‌کند و بهترین قسم جوع و گرسنگی همان روزه گرفتن است. تذکر این نکته بسیار ضروری است که اولاً: روزه نباید برای بدن ضرری داشته باشد وگرنه شرعا حرام است. ثانیا: برای کارهای روزمره مخل نباشد. ثالثا: اگر نه مضر بود ونه مخل فقط روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه باشد نه بیشتر ولی در هر صورت اگر برای روزه گرفتن عذری است مورد بعدی یعنی ورزش دو برابر شود. * ورزش: هر روز ورزش لازم است البته آن ورزش‌هایی باشد که برای بدن ضرری ندارد مثل نرم دویدن و نرم طناب زدن و انجام حرکت‌های کششی و اگر برای روزه گرفتن عذری هست زمان ورزشی دوبرابر شود مثلاً- از بیست دقیقه به چهل دقیقه افزایش یابد. * فکر در مرگ: این یکی دیگر از چیزهای بسیار مفید است که فکر گناه را یا از بین می‌برد و یا کم می‌کند که این به شدت و ضعف فرو رفتن در فکر مرگ بستگی دارد اگر انسان با این واقعیت انس بگیرد و مردن را باور دل سازد نقشی سازنده و بالا برنده دارد. قال امیرالمؤمنین علی(ع): «اذکروا هادم اللذات و

منغص الشهوات و داعی الشتات؛ یاد کنید (مرگ را) درهم کوبنده لذات را و تیره و تلخ کننده شهوات را و دعوت کننده جدایی‌ها را»، (الغرر والدرر، باب الموت، به نقل از سرالاسراء، استاد علی سعادت‌پرور، ج ۲، ص ۱۵۹). یاد مرگ دل را از تعلق به شهوات جدا می‌سازد و انسان را از گناه و فکر گناه باز می‌دارد آنچه که بسیار مهم است این است که اولاً این فکر هر روز و مستدام باشد اگر شبانه‌روزی نیم‌ساعت باشد کافی است ثانیا در مکان خلوتی باشد مخصوصا اگر آن مکان خلوت خود محیط قبرستان باشد به هر گونه که این فکر در مرگ با جان عجین شود و باور دل گردد بسیار مطلوب است مثلاً- یکی از کیفیت‌های فکر در مرگ را یکی از بزرگان چنین می‌فرمود: تمام خاطرات تلخ و شیرین گذشته را در حد امکان مثل یک فیلم از ذهن بگذرانند و به خود بباورانند که همه اینها گذشت و چند روز باقی مانده عمر هم می گذرد لحظات جان دادن، وقتی که خویشان و نزدیکان را رها می‌سازد و از تمام تلخ و شیرینی‌ها وداع می کند و... همه و همه را به خوبی تأمل کند تا دل بلرزد و چشم بگرید. سخن آخر این است که این دستورات وقتی نتیجه می‌بخشد که هر چه دقیق‌تر به آن عمل شود زمان نتیجه آن بستگی به شرایط و خصوصیات افراد دارد، ازاین‌رو پی گیر زمان نتیجه نباید بود فقط هم و غمّ صرف عمل به دستورات شود. کتب زیر سفارش می‌شود: ۱- نردبان آسمان (دروس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی) تدوین و ویرایش: اکبر اسدی ۲- سلوک معنوی تدوین و ویرایش: آقای اکبر اسدی ۳- خودشناسی برای خودسازی محمد تقی مصباح یزدی معنای مطالعه این کتب عمل کردن به آن از آغاز تا پایان نیست بلکه برای عمل به دستورالعمل‌های اخلاقی ترتیبی لازم است که باید با علمای بزرگ اخلاق یا همین نهاد نمایندگی مشورت شود. ج س ۷ - شما می‌توانید با مراکز ذیل الذکر مکاتبه نمایند. ۱- مرکز پژوهش‌های حوزه علمیه قم: ص. پ ۴۴۶۶ ۲- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ص. پ ۱۹۷ - واحد پاسخ به سؤالات ۳- مؤسسه در راه حق: قم - خیابان آیت‌الله مرعشی نجفی ۴- ستاد اقامه نماز: قم - خیابان شهدا - کوچه آمار «خوشبختی و موفقیت شما را از خداوند بزرگ خواستاریم»

دوستم به گریه کردن در عزاداری سیدالشهداء اعتقاد ندارد چگونه او را راهنمائی کنم ؟

پرسش

دوستم به گریه کردن در عزاداری سیدالشهداء اعتقاد ندارد چگونه او را راهنمائی کنم ؟

پاسخ

گریه کردن برای مصائب ائمه اهل بیت(ع) از بهترین اعمالی است که باعث صفای دل و تقرب به خداوند است و باعث تخفیف گناهان و آمرزش آنها می‌شود. البته این کار واجب نیست و همان رقت قلب هم بسیار خوب است. گفتنی است که هر چقدر انسان در تاریخ زندگی این بزرگان دقت کند و رنج‌ها و مصایبی که برای ارشاد و هدایت افراد بشر تحمل کرده‌اند، مورد توجه قرار دهد؛ خود به خود متأثر می‌شود و اشکش جاری می گردد و اگر کسیاحساس کرد که هیچ حادثه و جریانی او را تکان نمی‌دهد و رقّت قلب پیدا نمی کند، باید بداند که متأسفانه در اثر گناه و خوردن غذای حرام، به قساوت قلب دچار شده که به حسب روایات از بدترین م□jها و از علایم شقاوت است و بای...هر چه زودتر خودش را معالجه کند؛ یعنی، در مرحله اول شکم را از لقمه حرام پاک کند و سپس با گرفتن روزه و تضرع و توبه به درگاه خداوند، از او بخواهد که وی را از این حالت نجات بخشد؛ وگرنه ائمه(ع) هیچ نیازی بهگریه ما ندارند.{J

چگونه افراد بی نماز و بی هدف را ارشاد کنیم ؟

پرسش

چگونه افراد بی نماز و بی هدف را ارشاد کنیم ؟

پاسخ

باید در این گونه موارد مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود؛ یعنی، ابتدا باید از راه تذکر شروع کنید و بهتر است برای ترغیب و تشویق آنان به نماز، فواید و آثار آن و عواقب سوء دنیوی و اخروی ترک آن را برای آنها بیان کنید و بعضی از کتاب‌هایی را که در این زمینه نوشته شده به آنان معرفی کنید؛ مثل کتاب: ۱- پرتوی از اسرار نماز محسن قرائتی ۲- هزار و یک نکته درباره نماز حسین دیلمی ۳- جلوه‌های نماز در قرآن و حدیث احمد صادقی اردستانی ۴- ترجمه اسرارالصلوة شهید ثانی همچنین آنان را برای رفتن به مساجد و مجالس مذهبی تشویق و ترغیب کنید. در بعضی موارد نیز اگر کناره‌گیری و یا قهر کردن مؤثر باشد، می‌توانید از این راه وارد شوید و اگر هیچ یک از این امور تأثیری نداشت از راه پرخاش و تندی کردن وارد شوید و اگر هیچ یک از اینها در آنان تأثیر نکرد، بر شما تکلیفی نیست.{J

چه شیوه ای را بکار گیریم تا جوانان ما با قرآن و نهج البلاغه بیشتر نزدیک شوند؟

پرسش

چه شیوه ای را بکار گیریم تا جوانان ما با قرآن و نهج البلاغه بیشتر نزدیک شوند؟

پاسخ

در این زمینه راه‌کارهای زیادی وجود دارد؛ از جمله: الف) موضوع‌بندی آیات با توجه به رشته‌های مختلف دانشگاهی و ارایه یک واحد درسی تحت عنوان آیاتموضوعی. ب) ارایه تازه‌های علمی که با آیات الهی هم‌خوانی دارد تحت عنوان نشریه، مقاله، روزنامه‌دیواری و... . ج) اختصاص پایان‌نامه‌ها و تحقیقات درسی به موضوعات علمی قرآن و تحقیق و تفحص در این زمینه. د) ارایه کارگاه آموزشی برای اساتید دانشگاه همراه با اساتید حوزه مطابق با هر یک از رشته‌های دانشگاهی (جهتآگاهی این دو قشر از تازه‌های علمی و تفسیری). ه) برگزاری نشست‌های علمی و مذهبی، کنفرانس‌ها و همایش‌های قرآنی در سطح دانشگاه. و) استفاده از خود دانشجویان فعال جهت برنامه‌ریزی در این زمینه. ز) جذابیت متولّیان امور قرآنی در دانشگاه (چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ فکری و عملی). ح) اهمیت دادن رؤسای دانشگاه‌ها به امور قرآنی و در اختیار گذاشتن امکانات اولیه به نحو مطلوب وچشمگیر. ط) استفاده از اساتید مجرب و با سابقه و جوان پسند جهت کلاس‌های قرآنی و نهج‌البلاغه. ی) تشویق دانشجویان فعال در زمینه قرآنی به طور فراگیر در دانشگاه. ک) منظم بودن اساتید و مسؤولان قرآنی دانشگاه چه از لحاظ زمانی و چه از لحاظ ظاهری. ل) استفاده از علمای معزّز حوزه جهت سخنرانی و کلاس‌های قرآن و نهج‌البلاغه. م) برگزاری مسابقات داخلی قرآنی و جشن‌های قرآنی و محافل نور و دعوت از پیش‌کسوتان قرآن کشور به نحوشایسته.

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه چه می باشد؟

پرسش

به نظر شما بهترین کار فرهنگی در دانشگاه چه می باشد؟

پاسخ

الف) برگزاری جلسات دینی اعم از کلاس، سمینار، فوق برنامه و... ب) برگزاری مسابقات جهت دار که به روشنگری و اشاعه افکار ناب اسلامی و انقلابی بپردازد. یکی از بهترین مسابقات، مسابقات قرآنی، نهج البلاغه، کتب مذهبی و سیاسی خوب مانند پرسش ها و پاسخ های آیت الله مصباح یزدی است. البته باید طرح این مسابقات با یک کار کارشناسی، از حالت کلیشه ای و قالب خشک درآید تا با جذابیت خوب برگزار گردد. ج) نشریات دیواری، هفتگی، ماهیانه و یا فصلنامه و یا گاهنامه با مطالب مفید و متنوع و جذاب. د) خنثی کردن تبلیغات سوء افراد جاهل یا مغرض به طرق مختلف از جمله پاسخ گویی به شبهات در سخنرانی ها، نشریات، بردها و... و) برگزاری اردوهای مفید به دور از اختلاط و اجرای برنامه های اطلاع رسانی (جلسه گفتگوی صمیمانه با حضور برخی صاحب نظران فرهنگی اسلامی) و... ناگفته نماند که کار فرهنگی یک تعریف مشخص و معینی ندارد و ما به برخی از مصادیق و نیز راهکارهای اجرایی آنها اشاره کردیم.

آنچه در کتابها درباره غرب نوشته شده صرفاً نشان دادن نکات منفی آن است و از ذکر نکات مثبت غفلت می شود، چه بسا این نکات مثبت غالب بر منفی ها باشد و چه بسا مکاتب و دیدگاه های آنان جامع تر و پیشرفته تر از ما و اسلام باشد (این پاسخ را به دیدگاه کسی مرقوم فرمایی

پرسش

آنچه در کتابها درباره غرب نوشته شده صرفاً نشان دادن نکات منفی آن است و از ذکر نکات مثبت غفلت می شود، چه بسا این نکات مثبت غالب بر منفی ها باشد و چه بسا مکاتب و دیدگاه های آنان جامع تر و پیشرفته تر از ما و اسلام باشد (این پاسخ را به دیدگاه کسی مرقوم فرمایید که به خاتمیت و کامل بودن اسلام اعتقادی ندارد) من می گویم این طرز ایجاد نگرش در ما صرفاً به خاطر دشمنی ما با غرب است.

پاسخ

غرب مجموعه ای هماهنگ و یکپارچه است. در این مجموعه، عناصر خوب و مثبت پیدا می شود و همچنین عناصر بد و منفی نیز موجود است. ماندگاری فرهنگ و تمدن مدرن غرب به خاطر همان عناصر مثبت است و بحران در آن نیز به دلیل عناصر منفی اش می باشد. نظم و انضباط اجتماعی، وجدان کاری، عقل جمعی، توجه ویژه به پژوهش و تحقیقات علمی و احترام به دانشمندان و نظایر آن از نقاط مثبت تمدن غربی است که هر فرهنگ و تمدنی باید آن را داشته باشد تا بتواند به جلو برود. اما آنهایی که به نقاط منفی غرب توجه می کنند و آن نقاط را برجسته می نمایند دو گروه هستند. یکی گروهی که هدفی جز دشمنی با غرب ندارند و از دیدگاه سیاسی به غرب سلطه گر و خشن می نگرند که همه هستی و موجودی شرق را به نابودی می کشاند و برای پیشرفت خود، حداکثر بهره برداری و بهره کشی را از جهان غیر غرب روا می دارد و این که در پناه جهانی سازی (globalism) که جهان را به مثابه دهکده ای کوچک تصور می کند که عمدتا باید یک فرهنگ در سراسر آن مستقر شود و حاکمیت غرب و ارزش های سرمایه داری و به ویژه فرهنگ مصرفی آمریکا بر سراسر جهان حاکم باشد، بسط این حاکمیت ظالمانه بیشتر شده است. به زعم سردمداران جهان غرب، این جهان کوچک شده یک کدخدا دارد و آن هم آمریکاست و هرگاه لازم دانست می تواند

آنهایی را که از نظم نوین جهانی تخطی کنند تنبیه کند. (بین جهانی شدن و جهانی سازی، تفاوتی ظریف است. نگا: لواسانی، سید سعید، جهانی سازی، تهدیدها و فرصت ها در عرصه فرهنگ و دین، در جهان شمولی و جهانی سازی به اهتمام سید طه مرقاتی، ج ۲، صص ۳۷۷ - ۴۳۲، مجمع جهانی تقویت مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ تهران). روشن است که غرب سیاسی که حیات و زندگانیش با استعمار و خونریزی و خشونت و سلطه علیه دیگران همراه بوده است، دارای چنین دشمنانی باشد که نقاط منفی آن را برجسته کنند و نقاط مثبت آن را نادیده بگیرند و جامعه ما نیز از دیرزمان گرفتار چنین استعماری بوده و بسیاری از دشمنی ها نیز به این موضوع بر می گردد و البته ما باید خود را از این نوع دشمنی خلاص کنیم؛ دشمنی ای که ریشه در سیاست دارد نه فکر و اندیشه. اما دیدگاه دوم در نقد غرب، دیدگاه مبتنی بر اندیشه است. در این دیدگاه به نقد مدرنیته و حیات فرهنگی غرب مدرن پرداخته می شود و مبنا و شالوده غرب که محور فرهنگ و تمدن و اقتصاد و اجتماع و سیاست و خلاصه همه فعالیت های آن است به نقد کشیده می شود. واقعیت این است که شالوده و مبنای غرب جدید - به اتفاق اندیشمندان غربی - دوری از خدا و انسانمداری به معنای سوژکتیویته (نفسانیت و خودبنیادی) است که باعث می شود انسانی در هر ورطه بحران و بی هویت سقوط کند. گفتمان پست مدرن، گفتمانی عمومی است که طرف مقابلش نظم جهانی است. هدف این گروه مقابله با تخریب دستاوردهای مثبت مدرنیته است که به دلیل چنین شالوده ای بر مدرنیته سایه افکنده است. هدف آنها نجات غرب از ورطه اضطراب و آشفتگی است و آنهایی که همه حاکمیت غرب را به چالش کشانده اند نیز بر این اعتقادند که دیدگاه خود بنیاد غربی که مبدأ و مبنای تمدن مدرن غرب است باعث می شود که انسان به پرتگاه برهوت سقوط کند و اصولا دلیل این که حیات تمدن غرب بجز از راه تغذیه از خون ملت های دیگر امکان پذیر نیست به دلیل همین مبناست. بنابراین اگر چه تمدن غربی دارای ویژگی های مثبتی است، اما چون مبنای آن بر بی خدایی است، باعث می شود که انسان غربی که با نیست خداوند در سیر اندیشه خود رو به روست، وطن اصلی خود - جایگاه الهی و آسمانیش - را فراموش کند و در بند نیست انگاری - نیهیلیسم - گرفتار آید و این بی وطنی انسان غربی منجر به ظهور ابر انسانی می شود که خشن ترین اعمال را علیه بشریت به دنبال دارد و همه انسان ها را - جزء اقلیتی که در دایره ابر انسانی - هستند به منزله حیوانات و حداکثر بردگانی که باید مطیع باشند تنزل می دهد اگر چه ظاهر تبلیغات خلاف این مطلب را ترویج می کنند و مردم خود را در ظاهر آزاد می دانند. این مطلب را نه ما - به عنوان مسلمان - بلکه فلاسفه و اندیشمندان معاصر غربی بازگو کرده اند و جهان را رو به نابودی و حداقل هرج و مرج می دانند. آری وقتی معنویت و خدا از انسان گرفته شد، به تعبیر داستا یوسفکی همه چیز مجاز می شود و انسان روح خود را به شیطان می فروشد (چنان که کریستوفر مارلو نمایشنامه نویس و ادیب مشهور انگلیسی در صدر مدرنیته در نمایشنامه معروف تراژدی فادست آن را به خوبی نشان داده است) و در این صورت همه نقاط مثبتش تحت الشعاع مبنا و شالوده منفی اش قرار می گیرد. بنابراین مخالفت با غرب - از دیدگاه تفکر و اندیشه - مخالفت با چنین مبنایی است که انسان و جهان را از خود بیگانه می کند وگرنه دستاوردهای مثبت آن قابل دفاع است.

چرا بعضی ارگان های دینی و حتی بعضی از روحانیون (اصلاً قصد توهین ندارم اما این یک واقعیت در جامعه ماست) با رفتارهای خشک مقدس مآبانه جلوی گسترش اسلام و احکام دینی را می گیرند و البته در بعضی موارد مانع ترویج آن می شوند؟

پرسش

چرا بعضی ارگان های دینی و حتی بعضی از روحانیون (اصلاً قصد توهین ندارم اما این یک واقعیت در جامعه ماست) با رفتارهای خشک مقدس مآبانه جلوی گسترش اسلام و احکام دینی را می گیرند و البته در بعضی موارد مانع ترویج آن می شوند؟

پاسخ

جامعه متشکل از گروههای مختلفی است که برای شناخت آنها باید به اهداف و ضوابط پذیرفته شده در آن گروه ها توجه نمود. اعضایی که به آن اهداف ملتزم و پایبند هستند اعضاء اصلی و واقعی آن گروه ها به شمار می روند و اگر مخالف آن قوانین و ضوابط مقبول عمل نمودند، اگر چه به ظاهر در گروه فعالیت دارند، اما در واقع مخالف عملکرد گروه کنش می کنند. در اینجا نیز از سویی برای شناخت ارگانهای دینی و گروه روحانیت باید به عملکرد علمای راستین و افراد ملتزم به ضوابط درون گروهی مراجعه نمود، و با شناخت اعضای اصلی عملکرد اعضای غیر واقعی را تشخیص داد. از سویی دیگر نیز برای شناخت اسلام و احکام دینی باید به دستوراتی که در شرع مقدس بیان شده مراجعه نمود. خداوند هم برای آشنایی بیشتر انسانها، الگوها و سرمشقهایی را قرار داده تا با نگرش به عملکرد ایشان بتوان به واقعیت نزدیک و نزدیکتر شد. این الگوها دردرجه اول شخص پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) و در درجهء بعد بزرگان دینی و علمای راستین هستند که الگوهای زنده در هر جامعه ای قلمداد می شوند. مسلماً عملکرد غلط برخی از روحانی نمایان یا اعضای ارگانهای دینی نباید مورد سرمشق افراد قرار گیرد. آیا مسلمانان به تمامی احکام اسلامی عمل می کنند؟ پس نباید به خاطر عملکرد غلط برخی از آنها، اسلام را دارای نقص و عیبی دانست. البته این نکته نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد که گاهی برداشت ها و شناخت های ما از اسلام ناصحیح است و چون دچار آفت فکری هستیم برخی از افراد مقید و متعهد به ارزش ها را که حاضر نیستند رضایت خدا را فدای هیچ چیز دیگر از جمله پسند یا ناپسند جامعه کنند، متهم به تعصب می کنیم. بنابراین ضمن اذعان به وجود چنین کسانی در همه اصناف و گروه ها اظهار تأسف از اینکه در جمع متدینین چنین کسانی به چشم می خورند و وجود آنها باعث تبلیغات سوء علیه اسلام می شود، به این نکته نیز تأکید می ورزیم که مرز بین تعهد و تعصب باید حفظ شود.

با توجه به اینکه مسؤول واحد فرهنگی بسیج دانشجویی دانشکده می باشم، راهنماییهایی را در این زمینه خواستارم.

پرسش

با توجه به اینکه مسؤول واحد فرهنگی بسیج دانشجویی دانشکده می باشم، راهنماییهایی را در این زمینه خواستارم.

پاسخ

در دایره کارهای فرهنگی توجه به نکته های زیر ضروری است: ۱- کسی که پرچم فرهنگی یک مجموعه را به دست گرفت خود باید آراسته به آن فرهنگ باشد یعنی هم در بعد علمی و هم در بعد عمل الگو باشد وگرنه کسی که خود از بینش والا بهره ای نبرده است و از حیث عمل کردن به آن دستورات بی نصیب است نمی تواند خود را به عنوان مسول فرهنگی معرفی کند و در صورت مطرح کردن خود نه تنها بازدهی ندارد بلکه گاهی اوقات باعث منحرف کردن دیگران می شود. ۲- مسئول فرهنگی یک مجموعه باید از یاران و نیروهای مخلص و دلسوزی برخوردار باشد تا کار او با مشورت آنان متقن تر به سایرین تحویل داده شود. ۳- آنان که در وادی فرهنگی قلم می زنند و قدم بر می دارند باید سعی کنند از باند بازی خودداری کنند و ابزار جناحهای سیاسی قرار نگیرند. ۴- مسائل روز را درست تحلیل کردن و درست منتقل کردن و از تحلیل صاحب نظران متعهد استفاده کردن نیز نباید فراموش شود. ۵- در حل کردن مشکلات روحی و روانی دانشجویان کوشش لازم صورت گیرد و با منحرفان و ناآگاهان سنجیده و اسلامی برخورد شود و مراحل امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود. ۶- دعوت از عالمان دین که پرهیزگار و متعهد باقی مانده اند و در دل دانشجویان جا دارند نباید فراموش شود. ۷- داشتن برنامه های مناسب و برگزاری اردوهای زیارتی و تفریحی هم می

تواند مثمر ثمر واقع شود. گفتنی است کارهای فرهنگی بدون هماهنگی با مسئولان مربوطه نمی تواند به سرانجام برسد. ۸- استفاده از تجربه دیگر واحدهای فرهنگی هم می تواند راهگشا باشد.

مهمترین مشکلات فرهنگی جامعه خصوصاً جامعه دانشگاهی و دانشجویی کدام است؟ لطفاً دلائل ظهور مشکلات را بفرمایید.

پرسش

مهمترین مشکلات فرهنگی جامعه خصوصاً جامعه دانشگاهی و دانشجویی کدام است؟ لطفاً دلائل ظهور مشکلات را بفرمایید.

پاسخ

دانشگاه یکی از مراکزی است که باید فرهنگ ساز باشد و توده مردم هم با استفاده از این فرهنگ تولیدی راه و روش خود را اصلاح کنند و هر روز بر فرهنگ اصیل اسلام بخود بیفزایند ولی چون دانشگاههای ما تا کنون اسلامی نشده اند دانشجویان هم نتوانسته اند در حدی که انتظار می رود اثر گذار باشند از این رو جامعه اسلامی در تب مشکلات فرهنگی می سوزد و هم اینک مشکلات جامعه دانشگاهی را تقدیم حضورتان می کنیم: ۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی. ۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و از ابعاد پس زمینه ای و نرم افزاری آن غافل است که نباید تنها به وجوه سخت افزاری علم توجه شود. باید به شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی که علم در آن می بالد نیز توجه کرد. ۳- با نهایت تأسف در حیطه علوم انسانی (به خصوص) به تدریج مرجعیت علم از داخل به خارج می رود چرا مرجع را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد یا می گویند فارغ التحصیلان داخل را به کار نگیرید و بروید سراغ فارغ التحصیلان خارج از کشور. ۴- عدم توفیق در جامعه پذیری و انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجو، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از کار ویژه های دانشگاه در بعد جامعه این است که انتقال دهنده فرهنگ از نسل گذشته به نسل بعدی باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکرد اساسی هستیم؟ ۵- خط ربط گرفتن ازگروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزند نه اینکه هر کس به کر سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد. ۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن ۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد آموزشی دیگر یعنی حوزه علمیه ۸- وجود خط قرمزهای سیاسی و صنفی علم سوز و تحقیقات سوز ۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است. (با استفاده از پگاه حوزه، ویژه نامه نهضت آزادی اندیشی در ایران، سخنرانی استاد عماد افروغ، شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۲) اما مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود بسیاری از آنها زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود. فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است. گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست. تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه. قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است. و همه این مشکلاتی که ذکر شد یا ریشه در تهاجم فرهنگی دشمن دارد یا ناشی از مشکلات اقتصادی و بی کاری است.

مبسوط

اشاره

در باره فعالیت های فرهنگی و آبادانی مسجد

پرسش

مبسوط در باره فعالیت های فرهنگی و آبادانی مسجد

پاسخ

قبل از هر چیز باید حساسیت و توجه تان نسبت به امور فرهنگی و معنوی و اظهار تمایل و علاقه مندی تان نسبت به رشد و کمال و تقویت بنیه اعتقادی اهالی محل زندگیتان را بستائیم و دلسوزی تان را در این زمینه تحسین کنیم و از خداوند متعال توفیق روز افزون شما و دیگر جوانان روشنفکر و روشن ضمیر شبیه شما را خواستاریم. ما نیز به وجود شما جوانان و افکار و اندیشه های ارزشمند و معنوی افتخار می کنیم. مطمئن باشید هر گامی که برای مسجد و احیاء آن و آباد کردن خانه خدا (در هر مکانی که باشد) بردارید بی نتیجه نخواهد بود و دیر یا زود به آن نتیجه خواهید رسید. تمام فعالیت هائی که در جهت با رونق کردن مسجد کرده اید بسیار ارزشمند است. ایجاد چنین فضای معنوی و روحانی آن هم توسط جوان یا جوانانی همچون شما فی نفسه مطلوب است. بنابراین با همت بلند و تلاشی مضاعف به آن استمرار بخشید و هرگز خسته نشوید و در راه رسیدن به هدف مقدستان اصرار بورزید. امید است به تدریج قلوب مردم به سوی مسجد و رونق بخشیدن به آن جلب شود چرا که شرط حصول نتیجه، استمرار بخشیدن و پشتکار داشتن در این زمینه است. هرچند همانطور که گفته شد صرف ایجاد چنین فضائی هرچند با تعداد اندکی از افراد نیز مطلوبیت دارد و خداوند آن را دوست دارد و به بانیان آن یعنی شما عزیزان پاداش عنایت خواهد کرد. در عین حال چند راهکار برای حضور افراد بیشتر در مسجد اقامه نماز جماعت در آن خدمتتان عرض می کنیم: ۱- از آنجا که قلب جوان از آلودگی کمتری برخوردار است و از طرف دیگر نیروی بیشتری برای فعالیت دارد مناسب است با تنی چند از جوانان هم سن و سال خود که به امور مذهبی و دینی علاقه مندند گفتگو کنید و از آنها در جهت فعال تر کردن مسجد کمک بطلبید و برنامه های مختلفی که دارید با مشورت و به کمک همدیگر به اجرا گذارید و نخواسته باشید به تنهائی کارها را انجام دهید. از این طریق هم از نظرات آنها استفاده کرده اید و هم از توانائی و نیروی آنها و هم اینکه به مسجد رونق بیشتری داده اید و تعدادی را از این طریق به مسجد دعوت نموده اید. ۲- از آنجا که رکن نماز جماعت، امام جماعت است و معمولا امام جماعت روحانی است و مردم متدین نیز به روحانی محل خود اعتماد دارند، با روحانی منطقه خود گفتگو کنید و از وی بخواهید برای رونق بخشیدن به مسجدتان به شما کمک کند و از او دعوت کنید در یکی از اوقات سه گانه نماز، در مسجدتان نماز جماعت برقرار کنند، و علت یا علل فعال نبودن مسجدتان را از وی جویا شوید و اظهار تمایل کنید که در مسجدتان نماز جماعت فعال داشته باشید. ۳- در صورت امکان به سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان یا به امام جمعه محترمتان مراجعه کنید و گزارشی از وضعیت فرهنگی محلتان خدمتشان ارائه کنید و از آنها بخواهید در این جهت به شما کمک کنند. ۴- در صورت امکان برای نوجوانان و دانش آموزان ابتدائی و راهنمائی کلاسهای آموزشی قرآن (روخوانی، قرائت، ...) تشکیل دهید و با حضورشان در مسجد قبل یا بعد از نماز مغرب و عشا به تدریج حضورشان رادر مسجد و فعال تر کردن آن تلاش کنید. مطمئنا نوجوانان بهتر و زودتر و بیشتر به مسجد و انجام مراسم مذهبی در مسجد علاقه مند می شوند و با

گفتگوئی که با مراکز فرهنگی شهرستان (مثل سازمان تبلیغات و بسیج و غیره) انجام می دهید و تهیه جوایز برای آنها می توانید زمینه بیشتری در این رابطه فراهم کنید. در پایان ضمن تقدیر و تشکر از شما بخاطر چنین روحیه ای و دعای خیر برای شما، توفیق روز افزون شما را از خداوند متعال خواستاریم.

مبسوط

اشاره

سوال در باره پی آمدهای اختلاط دخترو پسر در محیط دانشگاه است.

پرسش

مبسوط سوال در باره پی آمدهای اختلاط دخترو پسر در محیط دانشگاه است.

پاسخ

ضمن تحسین از روحیه انتقادی ناصحانه و متدینانه شما باید گفت: اولاً جانا، سخن از دل ما می گویی. ثانیا، مطالبی که در خصوص حریص شدن غریزه جنسی به خاطر اختلاط گفتید نیز مطلب کاملا صحیحی است، چنان که شهید مطهری در جواب همین شبهه که شما اشاره کردید یعنی «الانسان حریص علی ما منع» که از سوی «برتراند راسل» تشریح و پیشنهادهایی نیز ارائه شده است، در کتاب مسأله حجاب بیان می کنند. ثالثا، آرمانی فکر کردن خیلی خوب است، اما باید دانست که آرمان ها در اذهان است آنچه که در عمل تحقق پیدا می کند متأثر از واقعیت ها و شرایط جامعه است و نقش ما آن است که شرایط اجتماعی و واقعیات جامعه را آن گونه بسازیم که روز به روز فاصله بین آرمان ها و واقعیات اجتماعی کم تر شده ما به آرمان ها نزدیک تر شویم. از این رو به نظر ما در وضعیت کنونی و با توجه به برخی از مسؤولین عالی فرهنگی و نیز با در نظر گرفتن واقعیات موجود در بسیاری از دانشگاهها مبنی بر عدم رعایت ارزشها و شئونات اسلامی و برخی مشکلات و ناهنجاری‌های ناشی از آن که به هیچ وجه شایسته و زیبنده جو مقدس و محیط علمی دانشگاه نمی‌باشد، اختلاط پسر ودختر در دانشگاهها مضرات و آفتهایی را به دنبال دارد.. والا صرف وجود دو جنس در کلاس حرام نیست به شرط آنکه دقیقا هنجارهای شرعی رعایت گردد. اما بررسی کامل این آفات یا فواید اختلاط نیازمند تحقیقات گسترده جامعه شناختی و نظر سنجی‌های آماری و... می‌باشد که از حوصله یک نامه خارج است لذا ما به اختصار به تعدادی از مهمترین آن‌ها می‌پردازیم: الف) بررسی آفات و معایب: قبل از پرداختن به این بخش ذکر این نکته لازم است که معایبی که در ذیل می‌آید مبتنی بر پیش فرضهایی می‌باشد از قبیل عدم تثبیت کامل این ارزش‌های اسلامی، و عدم نظارت و کنترل و هدایت صحیح از سوی مسؤلان دانشگاه و... مهم‌ترین آثار اختلاط عبارتند از: ۱- به وجود آمدن برخی انحرافات جنسی، اخلاقی و اجتماعی در اثر عدم رعایت شئونات اسلامی از قبیل حجاب کامل و... ۲- افت تحصیلی در اثر مشغول شدن روح، فکر و قوه خیال دانشجو به... و عدم توجه کافی به مطالب استاد یا مطالب کتاب در زمان مطالعه و... ۳- اضطراب و نگرانی ناشی از انگیزش شهوانی و دشواری ارضای صحیح و مشروع. ب) بررسی فواید: این بخش نیز مبتنی بر یک پیش فرض می‌باشد و آن این که در صورتی که معایب فوق در اختلاط دانشجویان پسر و دختر وجود نداشته باشد یا در حدی که قابل توجه نباشد والا دیگر این فواید در مقابل مشکلات فوق قابل اعتنا نبوده و مسأله مهمتر چشم پوشی از این فواید و حل مشکلات و آفتهای ناشی از

آن می‌باشد. در هر صورت مهمترین فوایدی که قابل تصور می‌باشد عبارتند از: ۱- فواید اقتصادی از قبیل: صرفه جویی در هزینه‌ها و بودجه‌ها، وقت استاد، فضاهای آموزشی و امکانات دانشگاه و... ۲- تمرین تقوا، عفت و پاکدامنی و قرار گرفتن در معرکه کار زار و جهاد جدی با نفس اماره. ج) بررسی وظایف راهکارهای مقابله با مشکلات ناشی از اختلاط پسر و دختر در دانشگاه: به طور مختصر می‌توان وظایف و راه کارهای مقابله با این ناهنجاریها را به دو دسته تقسیم کرد: ۱- وظایف و راه کارهای فردی: دانشجو باید در درجه نخست ارزش‌ها و معارف و احکام اسلامی را به صورت دقیق شناخته و در خود نهادینه سازد رهبر معظم انقلاب در این خصوصی می‌فرمایند: (آن چه برای دانشجوها در دانشگاهها مهم است رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن‌ها و دل‌های آنان است و مسأله رشد و روحیه تعبد در آنان تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل عقلائی با اعتقاد به علم و فعالیت‌های علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد و حقیقتا برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در ایام‌البیض ماه رجب در مسجد دانشگاه تهران دانشجوها اعتکاف بکنند این خیلی چیز مهمی است) رسالت دانشجوی مسلمان رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با تشکل‌های دانشجویی و در درجه دوم پای‌بندی در عمل به ارزش‌ها و احکام الهی و سایر وظایف عبادی و از دیگر اموری که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد پیوند دانشجویان با مراکز مذهبی بالاخص علماء دینی می‌باشد. ۲- وظایف و راه کارهای اجتماعی: اگر دانشجویان دغدغه صیانت از خود را داشته باشند نمی‌توانند نسبت به محیط و اطرافیان خود بی تفاوت باشند زیرا نقش محیط غیر قابل انکار می‌باشد لذا دانشجویان باید نسبت به تهذیب محیط خود اهمیت داده و سعی در ترویج و گسترش ارزشهای الهی در محیط دانشگاه خصوصا در جامعه، عموما داشته باشند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به زیباترین و مناسب‌ترین روشها عمل نمایند و با اجرای برنامه‌های فرهنگی و تفریحی مفید و سالم و سازنده از طریق مراکز موجود در دانشگاهها و جذب سایر دانشجویان اخلاق و رفتار مطابق با ارزشهای اسلامی در برخورد با جنس مخالف و رعایت حدود و موازین شرعی و.. فلسفه احکام اسلامی آفات و مشکلات فردی و اجتماعی رعایت نکردن موازین شرعی و... را به صورت گسترده نهادینه سازند و خدای ناکرده اگر بعضی موارد یافت شد که دست به برخی اقدامات ناشایست می‌زنند از طرق راه کارهای قانونی مراجعه به مسؤلین دانشگاه و تهیه طومار و... اقدام نمایند. در این زمینه دو راهکار مثبت و منفی وجود دارد که باید از هر دو استفاده کرد. مقصود از راهکار مثبت انجام برنامه های جذاب مانند اردوهای مشتمل بر تفریح و... است اما به شرطی که در آن اردو کار فرهنگی قوی و تأثیرگذار صورت گیرد و مقصود از راهکار منفی، جنبه تدافعی و جلوگیری و یا حتی پیشگیری از بروز مفاسد است و یکی از مؤلفه های مهم چنین حرکت مقدسی، ارتباط تشکیلاتی و پیوندهای مستحکم بین دانشجویان مذهبی است که با برنامه، حساب شده و خارج از افراط و تفریط با یک راهکار روشن اقدام لازم را به عمل آورند.

چرا در جامعه ما به شغل پرستاری اهمیت داده نمی شود ،جامعه ای که تمام افراد آن مسلمان هستند جامعه ای که الگوی پرستاری آن حضرت زینب است .من فکر می کنم مردم ما فقط صحبت می کنند تا اینکه عمل کنند مثلا همه برای حضرت زینب گریه می کنند ولی وقتی به یک پرستار می رس

پرسش

چرا در جامعه ما به شغل پرستاری اهمیت داده نمی شود ،جامعه ای که تمام افراد آن مسلمان هستند جامعه ای که الگوی پرستاری آن حضرت زینب است .من فکر می کنم مردم ما فقط صحبت می کنند تا اینکه عمل کنند مثلا همه برای حضرت زینب گریه می کنند ولی وقتی به یک پرستار می رسند اول می پرسند آیا به رشته ات علاقه داری یا در بین مردان آنقدر سطح اعتماد پایین آمده که تا پسری به خواستکاری دختری پرستار می آید می گوید نمی خواهم شب کاری برود ولی همین فرد اگر به مشکل پولی برخورد کند و زیر قرض برود می گوید اشکال ندارد که سر کار بروی و کمک خرج خانه باشی . این رفتارها یعنی چه اگر شغل

پرستاری را قبول نداری پس تا آخر باید قبول نداشته باشی و اگر قبول داری پس چرا افکار غلط را در جامعه ترویج می دهی ؟ اما در کشورهای خارجی که مسلمان نیستند و شاید اصلا حضرت زینب را نشناسند شغل پرستاری از شغل های بسیار شریف است .سؤال من این است چرا در جامعه اسلامی این طور و در جامعه غیر اسلامی آن طور است؟

پاسخ

دوگانگی تئوری و عمل موضوعی هست که همیشه جامعه با آن روبرو بوده و هست و از آن رنج می برد و فرهنگ دینی و قرآنی ما نیز با آن مبارزه کرده است و آن را نشانه نفاق عملی می داند. بنابراین ما نیز مثل شما معتقدیم که آنچه در ذهن و اندیشه ما شکل گرفته و می گیرد باید به عمل بگراید و در صحنه واقعی و عملی مردم رنگ تحقق پیدا نماید. اما متأسفانه در بسیاری موارد آفات و موانع مختلف باعث می شود مردم از عمل فاصله بگیرند ولی لازم به ذکر است این اشکال و ایراد نه تنها در جوامع اسلامی، بلکه در جوامع غیر اسلامی نیز به گونه ای وجود دارد و بسیاری از موارد آن از نظرها پنهان است. هر چند نظام اداری و مدیریت اجرایی برخی جوامع به گونه ای است که امکان بی انضباطی و فرار از مسؤولیت شغلی شان به حداقل رسیده است ولی نمی توان نابهنجاری های رفتاری و شغلی را به طور کلی در جوامع دیگر نادیده گرفت. اما وظیفه ما را در چنین موقعیتی و در برابر چنین فضای فرهنگی روشن می کند همان عمل کردن به دستورات و قوانین و مقررات شرعی و اخلاقی است و یکایک مردم باید پای بند آن باشند. سرنوشت و برآیند فضای جامعه ما را رفتار و عمل تک تک و آحاد مردم جامعه تعیین می کند بنابراین همه مسؤول هستند و هر فردی در حیطه شغلی و کاری خود باید سعی کند به آنچه که باور دارد عمل کند. قرآن نیز می فرماید: برنامه زندگی و سرنوشت جوامع و اقوام را ما تغییر نمی دهیم مگر این که خودشان بخواهند و خودشان تلاش کنند و اصلاح و تغییر را در خودشان ایجاد نمایند. اصلاح و تغییر باید از آحاد افراد جامعه آغاز شود تا تمام جامعه تغییر یابد و اصلاح شود. لازم به ذکر است مسؤولین فرهنگی جامعه نیز که مسؤولیت هدایت این جامعه را به عهده دارند باید در راه عملی ساختن و ایجاد فضای فرهنگی مناسب و رشد ارزش های اخلاقی، زمینه و شرایط کافی را فراهم نمایند و عهده دار گسترش آن شود و در هدایت و برنامه ریزی فعالیت های فرهنگی در این زمینه تسریع بخشند.

با وجود آنکه سالها از جنگ عراق علیه ایران می گذرد و شرایط اجتماعی عوض گردیده است و نگرش ها نسبت به مسائل گذشته تغییر کرده پس چرا هنوز هم از جبهه و جنگ و ۸ سال دفاع مقدس نام برده می شود؟

پرسش

با وجود آنکه سالها از جنگ عراق علیه ایران می گذرد و شرایط اجتماعی عوض گردیده است و نگرش ها نسبت به مسائل گذشته تغییر کرده پس چرا هنوز هم از جبهه و جنگ و ۸ سال دفاع مقدس نام برده می شود؟

پاسخ

تاریخ فرهنگ و تمدن هر کشور آمیزه ای است از جنگ ها و صلح ها، شکست ها و پیروزی ها و موفقیت ها. در تمدن آمریکایی با گذشت چندین سال از جنگ خونبار ویتنام، شاهد فعالیت هنرمندان و فیلمسازان در زمینه آن جنگ هستیم در حالی که آمریکا در آن جنگ با شکست سختی مواجه شد. حال کشوری همانند ایران با تمدن اسلامی چند صد ساله و با رویکردهای استقلال طلبانه و ضد استبدادی باید این تمدن را در ضمن پیروزی ها و شکست های گذشته خود تعریف کند. اگر چه برتری تمدن ایران

در دفاع مقدس به جنبه های گوناگونی هم باز می گردد و ایران برخلاف آمریکا در جنگ ویتنام، به پیروزی چشمگیری هم دست یافت. به لحاظ تاریخی جنگ ایران نقطه عطفی در تمدن ایرانی است که نباید فراموش گردد. زیرا در آن جنگ، مردم ایران و نیروهای مسلح اعم از بسیج، سپاه و ارتش ثابت کردند با توجه به عنایات الهی می توانند در مقابل تجاوز بیگانگان ایستادگی کنند. پس پرداختن هر چه بهتر و به روزتر به مسأله دفاع مقدس می تواند تبیین بهتری از تمدن ایرانی و اسلامی داشته باشد. از سوی دیگر مسأله درس گرفتن از نکات جنگ ها در گذشته تاریخی هر کشوری است. در قرآن کریم شاهد گوشزد کردن عیوب و برتری های مسلمانان در مقوله جهاد فی سبیل الله هستیم. خداوند مسلمانان را به درس گرفتن از نکات آن جنگ ها و جهاد ها امر می کند. ایران نیز به عنوان یک کشور اسلامی باید از دفاع مقدس درس گرفته، آن روحیه جهادی و فداکاری را در مقابل متجاوزان به سرزمین اسلامی ایران را در زمینه های اقتصادی و فرهنگی نیز جاری سازد. نتیجه: پیاده کردن روحیه مقاومت و ایستادگی زمان جنگ در زمینه های غیر نظامی (اقتصادی و فرهنگی) نیز راهشگا است.

دفن کردن شهدای گمنام در دانشگاهها و پارکها و یا اماکن عمومی چه معنایی دارد ؟آیا فرهنگ شهید و شهادت در این است که اجساد مجهول الهویه را سرمایه بقای نظام گردانیم و از این طریق از این اجساد استفاده ابزاری کنیم ؟

پرسش

دفن کردن شهدای گمنام در دانشگاهها و پارکها و یا اماکن عمومی چه معنایی دارد ؟آیا فرهنگ شهید و شهادت در این است که اجساد مجهول الهویه را سرمایه بقای نظام گردانیم و از این طریق از این اجساد استفاده ابزاری کنیم ؟

پاسخ

در اینجا دو موضوع قابل بررسی است؛ اول در مورد جایگاه شهید وآثار و نتایج دفن شهدا، دوم در مورد مکان دفن این عزیزان. از این رو به اختصار مطالبی را بیان می نماییم: الف) واقعا اگر دیدی صحیح و واقع بینانه از جایگاه شهید و اهمیت آن در اسلام و اجتماع داشته باشیم، اذعان می نماییم که شهیدان از گرانقدرترین سرمایه های اصلی نظام هستند و بهتر است آنچنان که شایسته آنان است، نتوانسته ایم از این ذخایر عظیم برای خود و نسل های بعدی استفاده مناسب بنماییم. در متون و آموزه های دین مبین اسلام جایگاه ویژه ای برای «شهید» و «شهادت» در نظر گرفته شده است و از «قداست» خاصی برخوردار است. اگر کسی با مفاهیم اسلامی آشنا باشد، در عرف خاص اسلامی، احساس می کند که هاله ای از نور کلمه «شهید» را فرا گرفته است. «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون، فرحین بما اتاهم الله من فضله و یستبشرون باللذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و الا هم یحزنون؛ البته نپندارید کسانی که در راه خدا کشته می شوند مردگانند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خداوند متنعم خواهند بود، آنان به فضل و رحمتی که خداوند نصیب آنها گردانیده شادمانند و بشارت و مژده می دهند به کسانی که هنوز به آنان نپیوسته اند و بعدا در پی آنها برای آخرت خواهند شتافت که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم نخورند» (آل عمران، آیه ۱۷۰ – ۱۶۹). امام علی(ع) می فرماید: خدا شهدا را در قیامت بِابهاء و جلال و عظمت و نورانیتی وارد می کند که اگر انبیا از مقابل اینها بگذرند و سوار باشند به احترام اینها پیاده می شوند. و آیات و احادیث بسیار زیادی که همه بیانگر جایگاه و ارزش والای شهید در اسلام هستند. چرا؟ چون «همه گروه های خدمتگزار در جامعه، مدیون شهدا هستند؛ عالم در علم خود و فیلسوف در فلسفه خود و مخترع در اختراع خود و معلم اخلاق در تعلیمات اخلاقی خود نیازمند محیطی مساعد و آزادند تا خدمت خود را انجام دهند ولی شهید آن کسی است که با فداکاری و از خودگذشتگی خود و با سوختن و خاکستر شدن خود

محیط را برای دیگران مساعد می کند. مثل شهید مثل شمعی است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری، شهدا شمع محفل بشریت اند؛ سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل تاریک می ماند هیچ دستگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه بدهد» (قیام و انقلاب مهدی، مقاله شهید، استاد مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، ص ۹۰ – ۶۶). بر این اساس است که حق شهید از حق تمام کسانی که از راه علم، فلسفه و اندیشه، صنعت و اختراع و اکتشاف و اخلاق و حکمت عملی و... به بشریت خدمت کرده اند، بالاتر است(همان). و از این رو مشاهده می شود که عکس العمل احساسی انسان ها و ابراز عواطف خالصانه آنان درباره شهدا بیش از سایر گروه هاست. البته احترام و ارزش والای شهید، اختصاص به جامعه ما ندارد بلکه در سایر جوامع و فرهنگ ها برای شهید مقام و جایگاه ویژه ای قائلند و این دقیقا به خاطر نقشی است که شهید هم در زمان حیاتش و در جهاد و مبارزه با دشمنان و دفاع از میهن و دین خود انجام داده و هم بعد از کشته شدنش به عنوان الگو، نماد واسوه پایداری و حماسه سازی و جانفشانی در راه دفاع از کشور و آرمان های آن ایفا نموده است. به فرموده شهید بزرگوار استاد مطهری «شهید چه می کند؟» شهید تنها کارش این است که در مقابل دشمن می ایستد، یا دشمن را می زند یا از دشمن می خورد؛ اگر تنها این بود، باید بگوییم آن وقتی که از دشمن می خورد و خونش را می ریزند، خونش هدر رفته، نه، هیچ وقت خون شهید هدر نمی رود... خون شهید هر قطره اش تبدیل به صدها قطره و هزارها قطره، بلکه به دریایی از خون می گردد و در پیکر اجتماع وارد می شود. لهذا پیامبر اکرم(ص) فرمود: «ما من قطره احب الی الله من قطره دم فی سبیل الله؛ هیچ قطره ای در مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست. شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع؛ این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ های اجتماع – خاصه اجتماعاتی که دچار کم خونی هستند – خون جدید وارد می کنند» (همان، ص ۸۸). بزرگترین اثر و خاصیت شهید حماسه آفرینی اوست. در ملت هایی که روح حماسه، مخصوصا حماسه الهی می میرد بزرگترین خاصیت شهید این است که آن حماسه مرده را از نو زنده می کند، لهذا اسلام همیشه نیازمند به شهید است، چون همیشه نیازمند به حماسه آفرینی است، حماسه های نو به نو و آفرینش های جدید بر این اساس دیگر شهدای گمنام، مجهول الهویه نیستند هر چند نام و نشان خانوادگی ندارند، اما بزرگترین شناسه و مشخصه دینی و ملی را با خود داشته و برای تمام جامعه و نسل های آینده کاملا شناخته شده می باشند و بر این اساس بدن شهید هم در اسلام از جایگاه و قداست ویژه ای برخوردار است؛ بدن شهید یک «جسد متروح» است؛ یعنی جسدی است که احکام روح بر آن جاری شده است، همچنان که جامعه شهادتش «لباس متجسد» است؛ یعنی حکم روح بر بدن جاری شده و حکم جاری شده بر بدن، بر لباس و جامعه وی جاری شده است (همان، ص ۶۹). لذا براساس دستورات و آموزه های حکیمانه اسلام، شهید با همان لباس خود دفن شده و احتیاج به غسل و کفن ندارد. بنابراین شهدا سرمایه و ذخایر عظیم هر ملتی هستند که باید تا آنجا که ممکن است از این سرمایه ها برای جامعه و نسل های آینده به عنوان الگو و اسوه قرار گیرند. ب) اما در مورد مکان دفن شهدا باید گفت که مسلما انحصار دفن این پیکرهای عزیز در بهشت زهرا (به دلیل بعد مسافت و یا در حاشیه قرار گرفتن آن و...) به تنهایی نمی تواند نتیجه مطلوب و آن آثاری را که باید شهدا در اجتماع داشته باشند – آن هم در شرایط کنونی که شدیدا مورد تهاجم فرهنگی دشمنان هستیم به دنبال داشته باشد، از این رو اصل این طرح یعنی دفن پیکرهای مطهر شهدا در مناطق مختلفی از شهر، کاملا منطقی است و این موضوع اختصاص به ایران نیز ندارد، بلکه در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز، به دلیل اهمیت این مسأله و جایگاه شهید، محل ها و مکان های خاصی در داخل را برای شهدای گمنام در نظر گرفته و مردم و مسؤولین در رفت و آمدهای روزانه به آنها ادای احترام و با آرمان های آنان تجدید بیعت می کنند. به عنوان نمونه، معروفترین مقبره سرباز گمنام، آرامگاهی است که در میدان «اتوال» (شارل دوگل) پاریس برپا شده است. این آرامگاه که زیر طاق نصرت معروف پاریس قرار گرفته پس از پایان جنگ اول جهانی ساخته شد و سمبل جانفشانی ۰۰۰/۳۹۰/۱ فرانسوی است که در

این جنگ کشته شدند (فرهنگ جامع سیاسی، محمود طلوعی، نشر علمی، ۱۳۷۷، ص ۵۵۲). و همچنین در روسیه (جلوی پارلمان)، آمریکا و... اما این که در چه منطقه ای از شهر و... باشد نیازمند کار کارشناسی است که باید تمامی جوانب و مسائل را در نظر گرفت. به عنوان نمونه در کلکچای که محل تفریحی و ورزشی است می تواند تأثیرات مثبتی به دنبال داشته باشد و یادر دانشگاه ها، زیرا دانشجویان می توانند در کنار آموزه های علمی و تجربی و محیط درس، آموزه های معنوی را هم توسط این اسوه های رشادت و فداکاری و ایثار برای میهنشان فرا گرفته و عزم و اراده و همت خویش را در انجام وظایف و خدمت به میهن خویش، تقویت نمایند. اما در برخی اماکن مانند میادین شلوغ و پرازدحام شاید مناسب نبوده و نتایج مطلوب را به دنبال نداشته باشد که تشخیص این امر به عهده مسؤولین مربوطه و کارشناسان است. در هر صورت هرگز نباید به این سمبل های مقاومت و این سرمایه های عظیم ملی و نقش سازنده آنان بی توجه بود. همان طور که مرحوم دکتر علی شریعتی در اهمیت این موضوع می گوید: «... پرورش انسان - مذهب، اخلاق، تعلیم و تربیتی - جز این نیست که همه انسان ها را با پیوند به این نمونه های ممتاز، یعنی تأسی به اینان که «اسوه» اند و چشم داشتن در اینان که «شهیدند» به انسان حقیقی یعنی حقانیت انسان نزدیک کنیم»(علی(ع) دکتر علی شریعتی، مجموعه آثار ش ۲۶، تهران، نشر آمون، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، ص ۵۶۱).

نظر شما در مورد فعالیت در تشکلهای دانشجویی چیست؟و آیا برای دانشجو که وظیفه او درس خواندن است این گونه فعالیتها اشکالی ندارد؟ و در چه تشکلی فعالیت کنیم برای خود و جامعه مفید خواهد بود.

پرسش

نظر شما در مورد فعالیت در تشکلهای دانشجویی چیست؟و آیا برای دانشجو که وظیفه او درس خواندن است این گونه فعالیتها اشکالی ندارد؟ و در چه تشکلی فعالیت کنیم برای خود و جامعه مفید خواهد بود.

پاسخ

دانشجویان هر جامعه، یکی از اقشار آگاه جامعه نسبت به مسائل گوناگون هستند و ویژگی آرمان خواهی و منتقد بودن به عنوان یکی از صفات ممتاز آنان محسوب می شود. به همین خاطر نقد وضعیت موجود و در پی وضعیت بهتر بودن، قشر دانشجو را همواره در تلاش و تکاپو نگه می دارد و دائما او را با مسائل مختلف اجتماعی درگیر می کند. اگر چه دانشگاه، مؤسسه ای علمی است، اما دانشجویان و دانشگاهیان همانند سایر اقشار اجتماعی علاوه بر وظیفه تخصصی خود که تحصیل و تحقیق می باشد، به عنوان عضوی از جامعه انسانی در قبال سرنوشت جامعه و مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه حساسیت دارند و واکنش نشان می دهند و به این ترتیب وارد عرصه سیاست می شوند. اما از آنجایی که هر پدیده ای ممکن است دچار آفت شود، وارد شدن دانشجو به عرصه های سیاست نیز دارای آفت هایی است که یکی از مهمترین آنها بازماندن از تحصیل است. اما اگر از دیدگاه تقسیم کار اجتماعی به دانشگاه و دانشجو نگاه کنیم، تعلیم و تعلم، پژوهش و تحقیق و پاسداری از سنن علمی و فرهنگی، وظیفه اصلی دانشگاه و دانشجو تلقی می شود. اساسا از دانشجو نمی توان انتظار داشت به طور مستقیم در فعالیت های سیاسی دخالت کند، اما مانند سایر نهادها یا حرفه ها، برای دانشجو نیز دو وظیفه متصور است: ۱. تحصیل و تحقیق، ۲. حساسیت در قبال سرنوشت جامعه. وظیفه اول دانشجو فعالیت های علمی، آموزشی و پژوهشی و به عبارتی وظیفه ای حرفه ای است که به طور معمول به آن می پردازد. علاوه بر این گونه فعالیت ها، دانشجو همچون مفسر و منتقد اجتماعی به اوضاع جامعه می نگرد. این ویژگی گاه از موضع پژوهش بی طرفانه علمی صورت می گیرد و گاه براساس تعهدی سیاسی و ایدئولوژیک یا احساس وظیفه دینی. بنابراین

دانشجو هرگز نباید فراموش کند که نسبت به درس و تحقیق و مطالعه علمی چه وظیفه سنگینی دارد اما این بدان معنا نیست که نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه بی طرف بماند. زیرا به جهت حساسیتی که دانشگاه در سطح افکار عمومی و جامعه در جهت اثر گذاری و اثرپذیری از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد بی توجهی به آن اثرات نامطلوبی به دنبال خواهد داشت. به همین جهت ایادی دشمن که از این حساسیت کاملا آگاه هستند همیشه به دنبال انحراف حرکت های دانشجویی و جهت دادن آنها در مسیر اهداف خود بوده اند. تنها راه نجات از گرفتاری در این جریان ها، حفظ اصالت دینی و ملی و توجه به آرمان های اسلام و انقلاب است که امروزه در پیروی از ولایت فقیه تبلور یافته است. ما در اینجا تشکل خاصی را به شما پیشنهاد نمی کنیم ولی به طور کلی توصیه می کنیم وارد هر تشکلی که شدید خود را سرسپرده به آن ندانید و اجازه ندهید تشکیلات شما را در خواسته های خودش حل کند. همیشه به یاد داشته باشید که مسلمان هستید و دارای وظایف الهی هستید و از این رو آنچه را که موافق اسلام و اعتقادات مذهبی تان است بپذیرید. اجازه ندهید از شما سوء استفاده شود. جریاناتی مانند کوی دانشگاه به خوبی نشان داد که عده ای از دانشجویان فهیم ما چه سنجیده و خوب عمل کردند و نقشه دشمن را فهمیدند و خود را ملعبه دست آنها قرار ندادند ولی عده ای هم بدون فکر و هدف وارد این جریان شدند و به نفع دشمن خود حرکت کردند که به لطف خدا بسیاری از آنها بعدا به اشتباه خود پی بردند و از گذشته خود توبه کردند. خداوند انشاءالله همه ما را به راه راست هدایت فرماید.

دانشگاه ما از نظر فعالیتهای فرهنگی گسترده بسیار در فقر به سر می برد و ما گروهی هستیم که قصد انجام این کار را داریم و بدون سابقه قبلی و اطلاعاتی در این زمینه از شما خواستارم طرحی قابل اجرا پیشنهاد کنید تا هم بتوانیم از نظر فرهنگی تاثیر گذار باشیم هم از نظر

پرسش

دانشگاه ما از نظر فعالیتهای فرهنگی گسترده بسیار در فقر به سر می برد و ما گروهی هستیم که قصد انجام این کار را داریم و بدون سابقه قبلی و اطلاعاتی در این زمینه از شما خواستارم طرحی قابل اجرا پیشنهاد کنید تا هم بتوانیم از نظر فرهنگی تاثیر گذار باشیم هم از نظر علمی و معرفتی و طرح گیرا و جذاب باشد در ضمن قادر هستیم در این زمینه از اساتید موسسه امام خمینی قم استفاده کنیم اما روند، شروع و هدف واقعی را نمی دانیم.

پاسخ

کار در زمینه فرهنگی دارای گستره عامی است که زیر شاخه ها و زیر ساختارهای متعددی را شامل می شود و از هر طرف می توان نگاهی به وادی فرهنگ انداخت. به عنوان مثال: قسمت های سیاسی، ادبی، دینی، اجتماعی، هنری و... پس قبل از هر اقدامی توصیه می شود هدف خویش را به طور شفاف منقح و تبیین نمایید. هدف های یک مجموعه نیز طبق نیازها و علائق آن مجموعه تعریف می شود. اگر شما دارای ذائقه هنری هستید و نیاز اصلی شما سمت و سوی چنان مسائلی را دارد پس بهتر است هدف خود را در قالب چنان امری تعریف کنید. پس باید چارت تشکیلاتی خود را برای رسیدن به آن هدف منسجم و تنظیم کنید (تخصیص منابع برای رسیدن به اهداف). یعنی مسؤولیت هر یک از منابع انسانی خود را مشخص نموده و در نهایت کار انجام شده از وی خواسته شود. اما، با توجه به جامعه جوان ما و نیاز شدید ایشان به فهم صحیحی از دین، آنچه پیشنهاد می شود برنامه ریزی منسجم و مرتبی است حول آثار شهید آیت الله مطهری زیرا آثار ایشان از طرفی مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر حضرت امام نیز توصیه کردند تا دانشجویان و طلاب آثار ایشان را به دست فراموشی نسپارند. برای اقدام در این زمینه ابتدا افراد مایل به شرکت در این برنامه را جذب نموده سپس طبق سیر مطالعاتی ارائه شده توسط فضلایی چون آقای معمار منتظرین و دیگران (در

اصفهان) برنامه مطالعاتی را شروع نمایید. برای هر کتاب نیز با توجه به برنامه های درسی دانشگاه مدت زمانی را معین کرده پس از اتمام مطالعه کتاب جلسه گفتگوی گروهی تشکیل داده به بحث و سؤال در مورد مسائل خوانده شده می پردازید. ناظر جلسه نیز بهتر است فردی آشنا به مبانی اسلام و شهید مطهری باشد (در این زمینه از نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه خود سؤال کرده با ایشان مسأله را مطرح نمایید) سپس به ترتیب سیر ارائه شده را که از آسان به مشکل ارائه شده به پیش برید. نکته لازم به ذکر آن است که: اولا تمامی این امور وقتی بجاست که هیچ گونه لطمه ای به دروس شما وارد نشده به عنوان کار جانبی قلمداد شود. ثانیا، چنین تصمیمی را با برنامه ای منسجم و همه جانبه شروع کرده و تا آخر با استقامت ادامه داد زیرا شعار کار فرهنگی، شعاری جذاب است که در ابتدا سهل و آسان می نماید ولی به خاطر مداومت و استقامت زیادی که لازم دارد بسیاری در میان راه باز می گردند.

چگونه می توان ارزشهای واقعی و دین را به جامعه بشری تعلیم داد؟

پرسش

چگونه می توان ارزشهای واقعی و دین را به جامعه بشری تعلیم داد؟

پاسخ

در فرایند تعلیم و تبلیغ ارزش های واقعی دین به جامعه، عناصر متعددی از قبیل؛ خصوصیات و توانایی های شخص معلم و مبلغ، ویژگی های متعلم یا مخاطب (جامعه تبلیغی)، موضوع یا پیام مورد انتقال، شیوه، ابزار، هدف، زمان و مکان، مورد نیاز بوده و هر کدام در جای خود از اهمیت زیادی برخوردارند (ر.ک: محمد تقی رهبر، پژوهش در تبلیغ، ص ۱۵۶). بررسی شیوه های تعلیمی و تبلیغی قرآن کریم و پیامبران الهی، به عنوان بزرگترین معلمان بشریت در طول تاریخ مؤید این مطلب است. از این رو در پاسخ سؤال فوق نمی توان به یک روشی و یا چند روشی در تعلیم و تبلیغ دین و ارزش های آن بسنده کرد؛ زیرا موضوعاتی نظیر روحیات فرد متعلم، سطح علمی فرد و جهان بینی او، مقتضیات زمان و مکان و...، هر کدام روش ها و شیوه های متفاوتی را طلب می نمایند. از سوی دیگر احکام و تعالیم اسلایم تماما منطبق با مقتضیات طبیعی و شرایط فطری و موافق با سنن الهی حاکم بر جهان است، بنابراین در هر شرایط، امکان اتخاذ یک روش برخاسته از مبانی دینی وجود دارد «انعطاف پذیری اسلام چنین اقتضا می کند که با روش های متناسب با زمان و مکان و با زبان روز و بهره گیری از ابزارهای مشروع گوناگون که متضمن رساندن پیام اسلام به مردم است تبلیغ و دعوت صورت پذیرد» (فتحی یکن، مشکلات الدعوه والدعاه، ص ۱۱۷). از سوی دیگر مسلما روش الگویی «شیوه اسوه نمایی» در تربیت و تعلیم، ارشاد و هدایت و تبلیغ از مؤثرترین شیوه هاست. سید قطب در اهمیت این شیوه می نویسد: «عملی ترین و پیروزمندانه ترین وسیله تربیت، تربیت کردن با یک نمونه عمل و سرمشق زنده است... سرمشق و الگو به مردم عرضه می شود تا مردم همانند صفاتش را در خود تحقق بخشند و به رنگ آن نمونه واقعی در آیند. هر کس به اندازه ظرفیت و استعدادش از آن شعله فروزان پرتوی بگیرد و تا آنجا که توانایی دارد برای رسیدن به قله کمال از کوه دانش و فضیلت بالا رود... از این جهت است که اسلام، سرمشق دادن را بزرگترین وسیله تربیت می داند و پایه روش تربیتی خود را بیش از هر چیز بر این سنگ استوار می سازد» (سید قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، ص ۲۵۱، ۲۵۲). اهمیت این موضوع مورد تأیید یافته های علمی روان شناسان نیز واقع شده است(مصطفی عباسی مقدم، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۸۳). در قرآن کریم و روایات متعدد و همچنین سیره معصومین(ع) بر این روش تأکید شده است. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجوا الله و الیوم الاخر» (احزاب، آیه ۲۱) و «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم والذین معه» (ممتحنه، آیه

۴). و... امام صادق(ع) نیز می فرماید: «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم لیروا منکم الورع والاجتهاد والصلاه والخیر فان ذلک داعیه؛ دعوت گر مردم با غیر زبان هایتان باشید تا پاکدامنی، کوشش، نماز و نیکی را از شما مشاهده کنند که این خود دعوت کننده است» (اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۸۱). اسوه بودن و انطباق گفتار و کردار یکی از مؤثرترین شیوه های تعلیم و تبلیغ دین است. «اسوه حسنه از موفق ترین شیوه ها و ابزارهای ارتباط با مردم است و از این رو بر هر حاکم و رهبر و پیشوایی که در اندیشه پیروزی و نیل به اهداف فکری و عملی دعوت می باشد، لازم است که خود اسوه و الگوی دیگران باشد» (عبدالطیف حمزه، الاعلام، تاریخه و مذاهبه، ص ۳۱). البته همچنان که مشخص است هرگز نمی توان فقط به این روش در تعلیم و تبلیغ دین در جامعه اکتفا نمود بلکه استفاده از روش های جدید و شیوه های هنری مشروع و مناسب با مقتضیات زمان و مکان می تواند نقش مهمی در تعلیم و انتقال ارزش ها به جامعه داشته باشد. چنان که زیبایی و فصاحت و بلاغت قرآن که از مقوله هنر است، مؤید این مطلب می باشد. در هر صورت پرداختن به تمامی شیوه های مناسب برای تعلیم و تبلیغ دین در این مختصر نمی گنجد، از این رو توصیه می شود به منابع ذیل مراجعه نمایید: ۱. قرآن و تبلیغ، محسن قرائتی، وزارت ارشاد ۲. تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری، نشر صدرا ۳. اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، مصطفی عباسی مقدم، انتشارات دفتر تبلیغات

لذا با توجه به افزایش فساد اخلاقی اعم از روابط نامشروع زناشویی فیلم مبتذل ،عکس ،اینترنت ،خانه فساد و فحشا ،فرار دختران از خانه که صدا و سیما برنامه به صورت مداوم و سراسری پخش نماید که در ازدواج والدین سخت نگیرند تا این عوامل به وجود نیاید و جامعه به فساد

پرسش

لذا با توجه به افزایش فساد اخلاقی اعم از روابط نامشروع زناشویی فیلم مبتذل ،عکس ،اینترنت ،خانه فساد و فحشا ،فرار دختران از خانه که صدا و سیما برنامه به صورت مداوم و سراسری پخش نماید که در ازدواج والدین سخت نگیرند تا این عوامل به وجود نیاید و جامعه به فساد کشیده نشوند.

پاسخ

ضمن استقبال از پیشنهاد شما و پیگیری آن نکاتی را خاطر نشان می سازیم: در مورد ازدواج شعارهای زیادی داده شده و بسیاری دم از این مطلب می زنند. اما برای تحلیل واقع گرایانه تر از این قضیه باید توجه داشت مشکلات ناشی از تأخیر یا سختگیری در ازدواج تنها با سفارش و توصیه حل نخواهد شد (که اگر قابل حل بود با این همه سفارش که در همان صدا و سیما گفته می شد قابل حل بود) بلکه خود این مشکل معلول مشکلات ساختاری دیگری درون جامعه است که تا آن موارد حل نشود، این هم قابل نخواهد بود. یعنی در عمل باید دست به اصلاحات ساختاری زد و الا در حرف چه بسیارند ناصحین و سخنگویان. از جمله آن عوامل؛ نقش فرهنگ سازی و نیز ساماندهی اقتصادی را نباید مورد غفلت قرار داد. بسیاری از تشریفات بی خودو ساختگی مانع ازدواج است، کما این که نباید مشکلات اقتصادی از جمله شغل و مسکن برای جوانان نباید فراموش شود. پس اگر کسی در فکر حل مشکلات ازدواج است باید در فکر اصلاح مشکلات ساختاری که باعث آن شده اند باشد. از سوی دیگر خداوند متعال نیز در قرآن کریم به جوانان توصیه فرموده اگر توانستند ازدواج کنند ولی اگر نتوانستند و شرایط و مشکلات اجتماعی مانع از آن بود نباید آن را دلیلی بر توجیه گناه کردن قرار دهند. بلکه باید عفاف پیشه کنند و تقوا بورزند. از نظرگاه اسلام حتی اگر همه افراد نیز به سمت ضلال و نابودی رفتند فرد باز در برابر خداوند مسؤول است و اگر چه تقوا و عفاف ورزیدن در این حالت سخت تر است اما اجر و پاداش بیشتری نیز دارد. در نهایت: اولاً؛ حل مشکلات ازدواج تنها به سفارش و توصیه تنها حل نخواهد شد بلکه نیاز به

اصلاحات ساختاری تری دارد. ثانیا؛ والدین اگر چه باید در ازدواج ها دست از سخت گیری های بی جا بردارند ولی جوانان نیز در صورت عدم حل مشکلات ازدواج باید تقوا و عفاف بورزند.

موسیقی هایی که از صدا سیما جمهوری اسلامی پخش می شود یا از طریق رادیو جوان و... و کنسرت هایی که درمحیط های دانشجویی و در شهرهای مختلف این مملکت اسلامی در جریان است کاملا غیر شرعی و خلاف اعتقادات روایات و آیات الهی می باشد . بنده در این مورد به قطع یقین رسی

پرسش

موسیقی هایی که از صدا سیما جمهوری اسلامی پخش می شود یا از طریق رادیو جوان و... و کنسرت هایی که درمحیط های دانشجویی و در شهرهای مختلف این مملکت اسلامی در جریان است کاملا غیر شرعی و خلاف اعتقادات روایات و آیات الهی می باشد . بنده در این مورد به قطع یقین رسیده ام چون با علمای اهل مکتب اسلام مباحثات زیادی را داشته ام و متاسفانه این ترویج موسیقی از دانشگاهها رایج شده است بنده به عنوان یک پیرو اهل بیت چه باید بکنم . اگر ممکن است احادیث و روایات و یا آیاتی که در رد موسیقی وجود دارد برای بنده مشروحا با ذکر منابع ارسال نمایید تا بنده به عنوان مبلغ آنها را تکثیر و در میادین مختلف مبارزات علیه بدعت های پخش شده در جامعه تا حد توان خصوصا در بین دانشجویان و خوابگاههای دانشجویان منتشر نمایم.

پاسخ

به پیوست (کتاب انسان، غنا، موسیقی، احمد شرفخانی خویی) به پیوست ارسال می گردد.

در روایات و احادیث و مخصوصا قرآن بسیار تاکید شده است به دستگیری از فقرا. ولی جامعه امروز ما پر شده از بسیاری از اشخاص که به بهانه های گوناگون دست نیاز به سوی انسان دراز می کنند. و این مسئله باعث شده که تشخیص نیازمند واقعی از گدایان حرفه ای مشکل شود. با تو

پرسش

در روایات و احادیث و مخصوصا قرآن بسیار تاکید شده است به دستگیری از فقرا. ولی جامعه امروز ما پر شده از بسیاری از اشخاص که به بهانه های گوناگون دست نیاز به سوی انسان دراز می کنند. و این مسئله باعث شده که تشخیص نیازمند واقعی از گدایان حرفه ای مشکل شود. با توجه به این که توصیه شده سائل را از خود نرانید مخصوصا اگر دم منزل بیاید آیا ما باید به این قبیل افراد کمک کنیم یا اینکه با کمک به آنها تکدی گری را رواج داده ایم در این شرایط وظیفه انسانی و اسلامی یک شخص چیست؟

پاسخ

قبل از هر چیز باید معنای فقیر را فهمید - از نظر شرع مقدس اسلام هر کسی که درآمدش کفاف خرج زندگی او را ندهد فقیر است و حتی می شود به او زکات واجب پرداخت کرد چه رسد به زکات و صدقه مستحبی، در نتیجه جستجوی فقرا در میان گدایان

خیابانی اصلاً کار درستی نیست بلکه اکثر آنها از همین راه صاحب درآمدهای کلان می باشند. در حالی که بسیاری از افراد زحمت کش و شریف در ضعف شدید اقتصادی به سر می برند و بسیار آبرومند هستند و به هیچ وجه راضی به درخواست کمک از دیگران نیستند. خوب است انسان چنین خانواده هایی را از طریق هیأت امنای مسجد محل یا افراد خیری که در این کار سابقه دارند شناسایی و اقدام به کمک آنها نماید. البته بسیار روشن است که شکل کمک مالی به خانواده هایی این چنین آبرومند کاملاً متفاوت با پرداخت صدقات در کوچه و بازار است و از هر کسی هم بر نمی آید. لذا صدقات جزیی را بهتر است در صندوق های صدقات واریز نمود. تکدی اگر همراه با دروغ و فریب نباشد حرام نیست اگر چه مکروه است (استفتاآت جدید امام خمینی، ج ۲، ص ۴۵، س ۱۱). بنابراین کمک کردن به آنهایی که علم ندارید که آیا فقیر واقعی هستند یا نه حرام نیست و اگر قصد خدا باشد اگر چه در واقع آن شخص مستحق نباشد دهنده صدقه به ثواب می رسد. البته در جایی که علم داشته باشید که شخص این کار را وسیله ارتزاق و جمع اموال قرار داده جایز نیست.

آیا می توانیم بگوییم به علت اینکه علوم غربی از فکر غربی (امانیستی)نشات می گیرد این علوم را نمی توان برای مقاصد الهی به کار برد یعنی مثلا تلویزیون اسلامی داشته باشیم و...

پرسش

آیا می توانیم بگوییم به علت اینکه علوم غربی از فکر غربی (امانیستی)نشات می گیرد این علوم را نمی توان برای مقاصد الهی به کار برد یعنی مثلا تلویزیون اسلامی داشته باشیم و...

پاسخ

نخست باید دانست برخی از بنیادها و ابزارهای غربی به طور زیربنایی با تفکر اساسی در تضاد است مانند کنوانسیون رفع تبعیض از زنان. اما برخی ابزارها و بنیادهای پرداخته شده به وسیله آنها به کارشناسی و تغییر برخی کاربری ها قابل استفاده هستند. از آن جمله تلویزیون و اینترنت می باشد (ر.ک: طلوع ماهواره و افول فرهنگی، دکتر صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات). برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم: ۱. بی تردید، به طور کلی نمی توان گفت که، علوم غربی برای مقاصد الهی کاربرد ندارد، بلکه با توجه به معیارهای دین الهی، باید مرزبندی های میان دو دسته مزبور از دانش ها را شناسایی و از جهات مشترک آنها پیروی نمود. ۲. در یک چشم انداز کلی، شاید بتوان گفت، آن چه که مشخصا یافته های دانش غربی را در حوزه علوم انسانی، از مورد مشابه آن در علوم الهی جدا می سازد، نوع نگرش به انسان وجنبه های اوست. بدین توضیح که آنان با گسیختگی از هویت روحانی انسان که بخش پایدار وجود او را تشکیل می دهد و همچنین با جدایی از عالم فرامادی، در ترسیم فلسفه حیات و راهکارهای شکوفایی آن به بی راهه افتاده اند. این رویکرد تنها در اندیشه وحیانی، با همه جوانب خود تبیین شده است. ۳. با توجه به نکته یاد شده در ردیف دوم، صرف نظر از یافته های علوم غربی در حوزه علوم طبیعی که نوعا معتبر و قابل پیروی است، اعتبار یافته های مزبور در قلمرو علوم انسانی، مانند روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، فلسفه و ... تا بدان جاست که با اصول مسلم و مبانی فکری اندیشه وحیانی در تعارض نباشند، مثلاـ وقتی که در روان شناسی غربی سخن از اعتماد به نفس می شود، توکل و اعتماد به خدا برای غنی سازی راهکار معقول و منطقی اعتماد به نفس، مطرح نیست یا در اقتصاد، روابط ظالمانه اقتصادی مانند ریسک و خطرپذیری یک جانبه با اصول مسلم اقتصاد اسلامی در تعارض است. با نگاهی مختصر به شرایط مندرج در ساختارهای مجاز اقتصاد اسلامی همچون مضاربه و غیره حذف روابط ظالمانه به خوبی نمایان است، چرا که اصل خطرپذیری برای سرمایه

گـذار و عامل (کارگر) به طور مساوی پـذیرفته شـده است. در سایر حوزه های علوم انسانی نیز باید این مرز اعتبار لحاظ شود. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مجله بازتاب اندیشه، شماره اخیر، مقاله تقابل تجدد و تدین.

دلایل عدم رعایت فرهنگ حجاب و رابطه نامناسب دختر و پسـر در محیطهای دانشـگاهی چیست. با چه نمونه کارهای فرهنگی می توان در جهت اصلاح این معضلات فرهنگی قدم برداشت.

پرسش

دلایل عدم رعایت فرهنگ حجاب و رابطه نامناسب دختر و پسر در محیطهای دانشگاهی چیست. با چه نمونه کارهای فرهنگی می توان در جهت اصلاح این معضلات فرهنگی قدم برداشت.

پاسخ

در مورد مشکل بـدحجابی بایـد گفت که این معضل در ایران ریشه در عوامل متعـددی دارد که بایـد آن عوامل را در جامعه مورد شناسایی قرار داد و با توجه به آنها اقدامات اساسی و حسابشده انجام داد. بر این اساس عوامل بدحجابی در جامعه به دو دسته تقسیم می‌شـود: الف) عوامـل درونی: منظور از عوامـل درونی، مجموعه مؤلّفه‌هـایی است که به وجود آوردن این پدیـده دخـالت داشـته و ناشـی از عملکرد افراد یک جامعه و سیستم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن است. مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. از نظر انسان‌شـناختی و روان‌شـناختی انسـان موجودی است که دارای قـدرت اختیـار می‌باشـد، یعنی، هم توانـایی انتخاب راه درست و طی کردن مراتب کمـال انسـانی را دارد و هم توانـایی پیروی از امیال و هواهای نفسانی و طی کردن مـدارج انحطاط و سـقوط را. قرآن می‌فرمایـد: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» ، (انسان، آیه ۳). بر این اساس در جامعه‌ای مانند جامعه اسـلامی ما ـ که بسیاری از احکـام، ارزش‌هـا و معارف اسـلامی برای اداره جامعه تبیین شـده و جای هیچگونه عـذر و بهانه‌ای نیست ـ بعضـی از احکام الهی (ماننـد حجاب) از سوی برخی افراد نادیـده گرفته می‌شود، به این اصل و عنصـر روان‌شـناختی باز می گردد. به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی در جامعه، پیروی از هواهای نفسانی است که خود ناشی از ضعف ایمان و تقوا،تزلزل شخصیت است و... می‌باشـد و در مظاهری از قبیل تجمل گرایی، خودنمایی در مقابل بیگانگان و... نمود پیدا می کند. در بسـیاری از موارد خودباختگی و تزلزل شخصیت و عدم اعتماد به نفس موجب تقلید و تظاهر به رفتارهای ناصحیح دیگران می گردد. بر اثر خودباختگی ملاک در کرامت و شایسـتگی اجتماعی را محبوب بودن و مطرح بودن در چشم دیگران می دانند. البته اگر انسان با تقوا و پاکدامن و مقید به رعـایت ارزش های الهی باشـد هم محبوب خواهـد بود و هم در چشم و دل و زبان اولیاء مطرح خواهـد بود، لیکن این مسأله نیاز به خودباوری و ایمان قوی و انگیزه های عالی و معرفت صـحیح از حیات طیبه دارد. چنین انسانی برای خود رسالتی عظیم را قایل است که به رفتارهای او جهت می دهـد. یکی از راه‌های اصـلاح جامعه از این معضل، مقابله با عوامل روان‌شـناختی آن و تقویت ایمان و تقوای افراد جـامعه و تقویت انگیزه، عزم و اراده آنـان در اجرایاحکـام الهی و موازین و مقررات اسـلامی در سـطح جامعه می‌باشـد. قرآن کریم می‌فرمایـد: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسـهم...» خداونـد سـرنوشت هیچ قومی را تغییرنمی‌دهد، مگر آن که آنـان آنچـه را در خودشـان اسـت تغییر دهنـد، (رعـد، آیـه ۱۱). ایـن عامـل درونی اختصـاص بـه جـامعه ای خـاص یـا پیروان دین مخصوصـی ندارد اما در هر جامعه ای عوامل تشدید کننده یا کنترل کننده وجود دارد که باید پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی را بررسـی کرد. در خصوص جـامعه ایرانی به ریشه هـای تـاریخی آن اشاره می کنیم. ۲. ریشه‌هـای تاریخی این مسأله که به اقـدامات رژیم پهلوی برای گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌بند و باری و کشف حجاب بر می گردد، که توانست بخشی از جامعه ما را دچار این

انحراف کنـد و بی‌حجابی را در خانواده‌ها به صورت یک هنجار و ارزش درآورد. روند گسترشاین معضل، هر چند با وقوع انقلاب اسـلامی و فضای ناشـی از دوران دفاع مقـدس، تا حد زیادی کنترل شد؛ ولی به دلایل متعددی، رگه‌ها و ریشه‌های خود را همچنان حفظ نمود و بعد از تغییر محیط ارزشـی جامعه و فاصله گرفتن از فضای معنوی حاصل از انقلاب و دفاع مقدس، دوبارهمجال ظهور و بروز پیدا کرد. ۳. کوتاهی و بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی کشور در تثبیت ارزش‌ها و احکام اسلامی و تعمیق بخشیدن به آن، از وسایـل دیگر گسـترش بـدحجابی اسـت. گفتنی است که به علت وجـود مشـکلات ناشـی از تثبیت انقلاب اسـلامی، جنگ تحمیلی، فشارهـای خـارجی محاصـره‌های گونـاگون اقتصـادی، سیاسـی و... بـاعث شـد کـه بیشـترین وقـت و انرژی مسؤولان و دسـتگاه‌های دولتی به این امور صرف شود و توجه چندانی به مسائل فرهنگی جامعه و اجرای راه‌کارها و برنامه‌هایی در جهت تثبیت و تعمیق ارزش‌ها و احکام اسـلامی مبذول نگردد. ۴. بعضـی از اقدامات انجام گرفته بعد از سال ۱۳۶۸ (از قبیل سیاست‌های پولی و ارزی و...) که به منظور تسـریع در روند توسـعه و رشد اقتصادی، صنعت و... انجام گرفت، ناخواسته موجب تغییر ارزش‌های جامعه، به سوی هنجارهای مادی، مـدرک‌گرایی، تجمل پرستی و...گردید. ۵. عملکرد منفی و نـامطلوب برخی از دسـتگاه‌های فرهنگی (از جمله وزارت ارشاد و مطبوعات وابسـته در سال‌های اخیر) و میدان دادن به افراد و عناصـری که هیچ اعتقادی به نظام اسلامی ندارند و با اسـتفاد از تسـهیلات مادی و معنوی وزارت ارشاد و فضای باز و بدون نظارت جامعه، موجبات نشر و ترویج فرهنگ فاسد منحط دوران پهلوی و ارزشـهای حاکم بر جوامع غرب را فراهم و اوضاع فرهنگی کشور را به شدت مسموم و آلوده نمودند به گونه‌ای که مقـام معظم رهبری هشـدارهای شدیـد به مسـئولین فرهنگی داده، نارضـایتی خود را از عملکرد وزارت ارشـاد اعلام نمودنـد که در نهایت منجر به استعفای وزیر ارشاد گردید. ۶. برخی از افراط و تفریطهایی که در سالهای اولیه انقلاب و بعـد از آن در مبارزه با بی حجابی و بد حجابی شد از قبیل استفاده روشهای خشونت‌آمیز و فیزیکی و... باعث بوجود آمدن تنفر و انزجار و بدبینی به این حکم الهی گردید. ۷. اجرا نشـدن فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت ملی به صورت فراگیر و گسترده و نظام‌مند از طرف آحاد جامعه، که در روایات متعدد ضامن حفظ و سلامت جامعه از فساد، نا امنی و... شمرده شده است. ب) عوامل بیرونی: مهمترین عامل بیرونی تهاجم فرهنگی گسترده و همه جانبه غرب به ارزش‌های اسـلامی و ملّی ما، برای بی هویت نمودن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی در مردم و در نهایت شـکست نظام اسـلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژی ـاعم از نرم‌افزاری و سـخت‌افزاری، عناصـر وابسـته داخـل در عرصه‌هـای فرهنگی و اقتصـادی و... در جهت حـاکم نمودن فرهنـگ و ارزش‌ها و مظاهر تمدن غرب. مجموعه عوامل فوق سبب گردیده که متأسـفانه علیرغم گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسـلامی، معضل بد حجابی در جامعه اسـلامی ما وجود داشـته باشد. اما در مورد راه‌های برخورد و مقابله با این پدیده زشت دو راهکار قابل پیش‌بینی می‌باشد: ۱. راهکارهای فیزیکی و برخورد از موضع قـدرت با متخلفین البته این برخورد بایـد حساب شـده و هنجارمنـد باشـد. ۲. کار بنیادی فرهنگی. مسـلما برخورد با این پدیـده به صورت فیزیکی و از طریق دسـتگاههای دولتی، بسـیار دشوار و تا حدّی ناممکن است. زیرا اگر ما در مسـئله لباس و پوشـش اسـلامی صـرفا بخواهیم از طریق زور وارد شویم، اسـتدلال و منطق نداشـته باشیم و نتوانیم حقانیت ولزوم پوشـش اسـلامی، آثـار مثبت و فوایـد و برکـات اجرای این فریضه الهی در ابعاد مختلف زنـدگی شخصـی و اجتماعی افراد و فلسفه حجاب و... را با کار فرهنگی مستمر عمیق و ریشه‌ای با استفاده از دستگاههای فرهنگی و رسانه‌های جمعی و مطبوعات و... به زیباترین و بهترین صورت، ارائه دلیل و برهان، ثابت کنیم، متأسـفانه باید منتظر رواج و گسترش بدحجابی و رواج ارزشهای غربی به صورت گسترده در جامعه اسـلامیمان باشیم. عامل مهم دیگری که می‌تواند ما را در مقابله با این معضل اجتماعی یاری نماید اهتمام جدی جامعه و دانشـجویان به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است اگر جامعه در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شود و این فریضه الهی را منطبق با شـرایط و مراتبی که در شرع مقدس معین گردیده، عملی سازد دستگاه‌های فرهنگی و مراکز موجود در دانشـگاه‌ها نیز بهتر می‌توانند در حل این معضل اجتماعی اقدام نمایند و ضمن تشویق و ترغیب دانشجویان به انجام

شؤونات اسلامی، راه‌کارها و اقدامات بنیادی فرهنگی را در جهت گسترش ارزش‌های اسلامی در بین دانشجویان فراهم سازند. به امید روزی که با همکاری مسؤولین و دانشجویان شاهد محیطی سرشار از پاکیو صفا و اهتمام جدی به رعایت ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها باشیم، ان‌شاءالله. ناگفته نماند بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی از جمله بدحجابی به بی سامانی اقتصادی نیز گره خورده است، معضل بیکاری، تورم و... مولد بسیاری از مفاسد اجتماعی هستند که ظهور و بروزهای آن در شکل های مختلف صورت می پذیرد. از این رو نظام اسلامی و همه علاقه مندان به این نظام مقدس باید در جهت کارآمدی نظام و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی تلاش جدی انجام دهند. فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به شکل قاطع و نیز نهضت خدمت رسانی به مردم، در این راستا ارزیابی می شود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱ـ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ۲. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد ۳. علی ذوعلم، انقلاب و ارزشها ۴. شهید مطهری، مسأله حجاب با توجه به شرایط خاص دوران جوانی، طولانی بودن دوران تجرّدِ غالب دانشجویان و خطرات جدّی تمایلات آشکار و پنهان غرائز نفسانی، لازم است برادران و خواهران دانشجو روابط خود را از نظر کمّی و کیفی تحت کنترل قرار دهند و در سطح ضرورت حفظ کنند. بنابراین، توصیه اکید ما این است که: اولاً، اگر ضرورتی ایجاب نمی‌کند حتّی الامکان چنین روابطی با نامحرم برقرار نشود و خواهران دانشجو در مقابل افراد نا محرم، رفتاری متکبّرانه داشته باشند نه رفتاری صمیمانه. اینکه در احکام شرعی می‌فرمایند در غیر ضرورت مثلاً مکروه است مرد با زن هم صحبت شود، مخصوصاً مرد و زن جوان، به این دلیل است که چه بسا همین هم صحبت شدنها، غرایز جنسی افراد را تحریک کند و یک اُلفت و محبّت شهوانی بین مرد و زن ایجاد گردد و نقطه آغازی برای غوطه‌ور شدن در انحراف و فساد شود. در هر حال انسان باید دقیقاً درون خود را بکاود و باطنش را عمیقاً مطالعه کند که مثلاً صحبت کردن با افراد نامحرم چه ضرورتی برای او دارد. ثانیاً: در صورت ناچاری و ضرورت، روابط با نامحرم تا آنجا که به شکستن حریم احکام الهی منجر نشود، اشکالی ندارد. بنابراین، گفتگو و نگاه‌های متعارف بدون قصد لذّت و ریبه، اشکالی ندارد. امّا با این حال، حتّی الامکان لازم است در کلاسها به گونه‌ای باشند که کمترین اختلاط پدید آید و در برخورد و گفتگو، هنجارهای شرعی زیر رعایت شود: ۱- از گفتگوهای تحریک کننده پرهیز شود. ۲- از نگاه‌های آلوده و شهوانی خودداری شود. ۳- حجاب شرعی رعایت شود. ۴- قصد تلذّذ و ریبه در کار نباشد. ۵- دو نفر نامحرم در محیط بسته، تنها نمانند. بنابراین، سعی کنید خود را عادت دهید که: ۱- در صحبت با نامحرم به او نگاه نکنید و به هیچ قسمتی از بدن او خیره نشوید و قسمت‌های باز و پوشیده برایتان کاملاً مساوی فرض شوند، این مسأله را با تکرار و تلقین باید ادامه دهید. ۲- در همه حال، خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بدانید و عفّت و حیا را فراموش نکنید. روشن است که هر فرد خود بهتر می‌تواند تشخیص دهد که کجا از مرز فراتر رفته است. »بل الانسان علی نفسه بصیره ؛ آدمی بر نفس خود آگاه و بیناست«،)قیامت ، آیه ۱۴). شوخی و خنده زن با نامحرمان جایز نیست و اگر موجب فتنه و فساد شود قطعاً حرام است.

جامعه ما جامعه ای است اسلامی و ما جوانان این مرز و بوم برای ممات و حیات خود نیاز به راهبران و مشاورانی داریم که ما را هدایت کنند و راه درست زندگی و درست اندیشیدن را نشان دهند یکی قرآن این کتاب آسمانی است که باید آن را به عنوان الگوی خود قرار دهیم ای کاش د

پرسش

جامعه ما جامعه ای است اسلامی و ما جوانان این مرز و بوم برای ممات و حیات خود نیاز به راهبران و مشاورانی داریم که ما را هدایت کنند و راه درست زندگی و درست اندیشیدن را نشان دهند یکی قرآن این کتاب آسمانی است که باید آن را به عنوان الگوی خود قرار دهیم ای کاش در تمام رشته های دانشگاهی تفسیر قرآن اجباری بود و ما با این قرآن بیشتر آشنا می شدیم دوم

متاسفانه دولت مردان ما راهی را می روند که با عقل در یک جوی نیست اینها به عنوان هدایت گران نسل جوان وظیفه ای دارند اما اینان امروز حرف می زنند و فردا فراموش می کنند. چرا باید قدرتمندان و رشوه دهندگان حق رفتن به پشت تریبون دارند و بس. به عنوان مثال رئیس جمهور رئیس مجلس و .... چرا کارهایی انجام داده اند که صدای ما ضعیفان نیز به گوش دیگران برسد. مرا که هزاران سئوال و پرسش سر در گم کرده راهنمایی کنید.

پاسخ

در پاسخ قسمت اول سؤال باید گفت: پیشنهاد شما در مورد ترویج فرهنگ قرآنی و آشنایی جامعه خصوصا دانشجویان با مفاهیم و آموزه های قرآن، بسیار پسندیه است که البته انجام این قبیل امور با دستگاه هایی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، آموزش عالی و... می باشد که مناسب است پیشنهاد ات خود را به آن مرکز ارسال نمایید. مسلما ارائه نقطه نظرات و پیشنهادات دانشجویان گرامی خصوصا اگر به صورت دسته جمعه صورت پذیرد می تواند نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد. اما در قسمت دوم سؤال، باید توجه داشت که هر چند متأسفانه بین گفتار با کردار برخی از مسؤولین و کارگزاران نظام فاصله و شکاف زیادی وجود دارد و بعضا رفتارهای غیر اسلامی و غیر منطقی مشاهده می شود اما به هیچ وجه نمی توان چنین موضوعی را به مجموعه کلان نظام و مسیر اصلی آن تسری داد؛ زیرا بحمدالله نظام اسلامی و خصوصا مقام معظم رهبری علی رغم مشکلات و موانع بیشماری که ناشی از عوامل ساختار نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و بین المللی می باشد، در مسیر پیشرفت و هدایت صحیح انقلاب و تلاش برای تحقق اهداف و آرمان های والای آن گام بر می دارند و البته طبیعی است با وجود این موانع، اشکالات و نارسایی هایی نیز در جامعه مشاهده بشود که باز هم تمامی سعی نظام اسلامی بر حل اساسی آنان می باشد و انصافا اقدامات بسیار مناسبی هم – هر چند ناکافی – انجام شده و یا در حال انجام است. نکته مهمی که در اینجا لازم است این است که نباید از یاد ببریم که تمامی کارگزاران و مسؤولین نظام ما چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، با رأی مردم انتخاب می شوند و در واقع رأی مردم است که امور اجرایی و تقنینی کشور را رقم می زند، از این رو اهتمام در امر انتخابات و تلاش برای تشخیص درست افراد واجد صلاحیت وکارآمد و مفید برای جامعه، می تواند بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ما را حل نماید. آخرین مطلب این که علی رغم بسیاری از مشکلات، بحمدالله به برکت نظام جمهوری اسلامی زمینه های هدایت در ابعاد مختلف اعتقادی و دینی، اجتماعی، سیاسی و... برای تمامی اقشار جامعه خصوصا جوانان فراهم آمده است و آنان به سهولت و با کمال آزادی و اطمینان خاطر می توانند در تمامی زمینه ها، به طرح ابهامات و شبهات و اعتقادات خود به صورت منطقی بپردازند و پاسخ های خود را از طریق مطالعه، مشاوره و... دریافت نمایند. از این رو به شما دانشجوی گرامی توصیه می شود در هر کدام از این ابعاد دچار ابهام و یا سؤال لاینحلی می باشید با این مرکز مکاتبه نموده و ضمن طرح شفاف و منطقی سؤال خود، پاسخ های متین و مستدل دریافت نمایید. برای نمونه به پیوست کتاب پرسش ها و پاسخ ها، ج ۷ ارسال می گردد.

وظیفه ما در جایی که مقابل ما به پیامبر و مقدسات یا امام راحل و انقلاب توهین می شود چیست؟

پرسش

وظیفه ما در جایی که مقابل ما به پیامبر و مقدسات یا امام راحل و انقلاب توهین می شود چیست؟

پاسخ

اشخاص توهین کننده همگی یکسان نیستند. بعضی به علت مشکل یا مصیبتی که برایشان پیش آمده به جهت کم تحملی اقدام به توهین به مقدسات یا انقلاب اسلامی می نمایند. برخی به علت این که اغفال شده اند و اطلاعات کافی ندارند به جهت باطل دیدن حق اقدام به توهین می نمایند. برخی نیز نه عصبانی هستند و نه بی اطلاع بلکه مغرض و معاند و کینه توز هستند و در این روحیه نیز سابقه دارند به طوری که از هر فرصتی برای بدگویی استفاده می کنند. وظیفه ما در قبال هر یک از سه گروه مذکور از نظر شکلی و محتوایی مختلف می باشد پس قبل از هر چیز در این مسأله انسان باید موقعیت شناس باشد. در برخورد با گروه اول باید مدتی سکوت نمود و خود را به تغافل زد زیرا بعد از فروکش شدن خشم و عصبانیت خود آن شخص از عمل خود پشیمان می شود. در فقه اسلامی، جملاتی که حتی در حد ارتداد است اگر از شخص در حال خشم و عصبانیت صادر گردد مورد چشم پوشی است و حکم ارتداد بر چنین شخصی بار نمی شود. اما وظیفه ما در قبال گروه دوم، اقدام به نصیحت و اطلاع رسانی صحیح است؛ یعنی اگر احتمال تأثیر بدهیم باید به بحث منطقی وعلمی با این گونه افراد بپردازیم و نکته مهم این است در مقابل هر ادعایی که می کنند مطالبه دلیل نماییم و به صرف این که فلان مسأله و شایعه درست است چون همه می گویند قانع نشویم. البته خود ما نیز باید برای تمام ادعاهای خود دلیل متقن و منطقی و قانع کننده داشته باشیم. طبیعتا اگر اطلاعات ما در آن موضوع کم باشد یا شیوه بحث و گفتگو و مناظره را به خوبی ندانیم یا از قدرت بیان کافی برخوردار نباشیم بهتر است شخصا وارد بحث نشویم و او را به فرد دیگری که از عهده این کار بر می آید معرفی کنیم زیرا در ابتدا هم ذکر نمودیم که اگر احتمال تأثیر می دهید اقدام به بحث کنید و مسلما کسی که از نظر علمی یا بیان ضعیف است احتمال اثر عقلایی در مناظره اش نمی رود مگر این که طرف مقابل خیلی ضعیف باشد و توان ما برای قانع نمودن او کافی باشد. اما نسبت به گروه سوم که معاند و هرزه گو هستند بهترین کار پرهیز از برخورد و گفتگو با این گونه افراد است. سخن منطقی با این گونه اشخاص اثر بخش نیست. گوش دادن به یاوه گویی های آنان نیز اعصاب انسان را خرد می کند. پس بهتر است از سخن و حرف و معاشرت با این اشخاص دوری نمود.

مادانشجویان مذهبی چه کنیم تا بتوانیم در دانشگاه اثرگذار باشیم ؟

پرسش

مادانشجویان مذهبی چه کنیم تا بتوانیم در دانشگاه اثرگذار باشیم ؟

پاسخ

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها و بیرون از آن را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود. الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای: ۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران . در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی را تبیین نموده و با نفوذ شک و ترویج شک گرایی , مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی , فزون سازیم و به تبیین منطقی دست یابیم . مثلا "در زمینه ارزشی ها, وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند, آشکار سازیم , (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند, ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم. ۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آمیز اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و... ۳. برگزاری جلسات

پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و... . ب . راه کارها و اقدامات عملی : ۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان. ۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان , مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و... . ۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت , دعا, مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و... . ۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب , ارائه فیلم های خوب و مفید و... . در پایان توجه به چند نکته ضروریست: ۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم - تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند - باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید. ۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید - کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند. ۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی. ۴. اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود. ۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد. ۶. از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پرانگیزه باشید و وقت گذرانی یا صرفا کسب درآمد مد نظر نباشد. ۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید. ۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید. ۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود. ۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصلی خود را که ادامه تحصیل است فراموش نکنید. البته جامعه دانشگاهی ما ازمشکلاتی اساسی و ریشه ای رنج می برد که توجه به آنها ضروریست: ۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی. ۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و به ایجاد تحول در شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی جامعه کمتر توجه دارد. ۳- با نهایت تأسف مرجع صلاحیت علمی را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد و یا بیشتر به جذب فارغ التحصیلان خارج از کشور توجه می شود. ۴- عدم موفقیت در انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجو، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از رسالت های دانشگاه انتقال فرهنگ اصیل از نسل گذشته به نسل بعدی و حفظ هویت جامعه باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکردهای اساسی هستیم؟ ۵- خط و ربط گرفتن ازگروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزند نه اینکه هر کس به زد و بندهای سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد. ۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن ۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد های تحقیقاتی و پژوهشی کشور و عدم رابطه تعریف شده با وزارتخانه های مربوطه و کارخانجات که در نتیجه کاربردی شدن مواد درسی دانشگاه را کم رنگ کرده و انگیزه پویایی را در دانشجویان کم کرده است. ۸- عدم پیگیری مطالبات صنفی که منجر به علم سوزی و تحقیقات سوزی شده است. ۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است. البته برخی ازا مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود، زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود. فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است. گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست. تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه. قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است. دسیسه ها و

تهاجم دشمن در ابعاد مختلف و مشکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضلاتی است که باید با تدبیر مسؤولان و هوشیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت.

چرا با برخی قوانین برای استخدام مانند متدین بودن و یا سایر خصوصیات ظاهری به ریا کاری در جامعه کمک می کنیم.

پرسش

چرا با برخی قوانین برای استخدام مانند متدین بودن و یا سایر خصوصیات ظاهری به ریا کاری در جامعه کمک می کنیم.

پاسخ

اولا، وجود شرایطی نظیر دین داری، تعهد و التزام به اسلام و نظام اسلامی، تخصص های لازم و ... در کارگزاران و مدیرانی که می خواهند در نظام اسلامی و جامعه ای اسلامی، به ایفای نقش پرداخته و مسؤولیت بخشی از این نظام و جامعه را بر عهده گیرند، امری کاملاـ منطقی و مطابق آموزه های اسلامی می باشد، توضیح آن که نظام ما نظامی کاملا ارزشی است که بر پایه خواست و اراده مردم این جامعه شکل گرفته است و طبیعی است که اگر بخواهد ارزشی بماند و مطابق ارزش های مورد نظر مردم عمل نماید و پاسخگوی خواست مردم باشد حتما باید مدیران و کارگزارانی معتقد و ملتزم به آن مبانی ارزشی دانسته باشد. کما این که عکس این موضوع را در نظام های سکولار و لائیک مشاهده می نماییم که چگونه با کسانی که در بدنه نظام آن کشور به دین اسلام معتقد و ملتزم اند برخورد نموده و با هر دلیلی آنان را حذف می نمایند. ثانیا، در آموزه های اسلامی و سیره امامان معصوم(ع) نیز مشاهده می نماییم که بر انتخاب و گزینش افراد مؤمن و متعهد و متخصص و دارای خصوصیات ظاهری و باطنی مناسب با جامعه و نظام اسلامی تأکید دارند، چنان که امام علی(ع) در عهد نامه خویش به مالک اشتر می فرماید: «و توخ منهم اهل التجربه والحیاه من اهل البیوتات الصالحه والقدم فی الاسلام... ؛ کارگزاران دولتی را از میان مردم با تجربه و با حیاء، از خاندان های پاکیزه و با تقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی تر، آبرویشان محفوظ و طمع ورزیشان کمتر و آینده نگری آنان بیشتر است» بر این اساس و با توجه به روایات و آیات بیشماری که وجود دارد تأکید بر متدین بودن صفات ظاهری و باطنی نیک، باید در انتخاب کارگزاران و کارمندانی که به عنوان یک امین می خواهند حکومت را که امانتی از ...əşخداوند و مردم در دستان آنهاست را اداره نموده و با سلامت پیش ببرند رعایت شود. ثالثا، بر اساس مبانی ارزشی نظام اسلامی و با الهام از آموزه های اصیل اسلامی، قانون اساسی و قوانین عادی نظام اسلامی، شرایطی را برای گزینش و استخدام مدیران و مسؤولان اجرایی و تقنینی کشور در نظر گرفته اند که از جمله آن شرایط پای بندی آنان به رعایت تعالیم و دستورات دینی در ابعاد فردی و اجتماعی است و طبیعی است هر چه مسؤولیت ها بالاتر باشد وجود چنین شرایطی هم از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد و اگر با دیدی کاملاـ منطقی نیز به این موضوع نگاه کنیم مشخص می شود که تأکید بر این شرایط کاملا مطابق با مصالح و منافع جامعه اسلامی ما می باشد، زیرا مسؤول یا کارمندی که درتمامی ابعاد زندگی خود حقیقتا به احکام الهی و رعایت حقوق مردم پای بند است می تواند با تمام وجود در راه خدمت به جامعه گام برداشته و دچار مفاسد و کوتاهی در انجام وظایف خود نشود و حال آن که هرگز نمی توان چنین انتظاری را ا...افراد فاقد ایOشرایط داشت. بنابراین تأکید بر اOشرایط از سوی قانونگذار در واقع از سویی رعایت مصالح و منافع نظام اسلامی و در نظر گرفتن معیارهایی برای حفظ سلامت، تداوم و کارآمدی نظام اسلامی است و از سوی دیگر می تواند خواست ها و انتظاراتی که مردم از نظام اسلامی مبنی بر سپردن امور کشور در بخش های مختلف به دست افراد اهل و صالح دارند برآورده می سازد. رابعا، مسلما نظام اسلامی با وجود و گسترش ریاکاری و ظاهرسازی به شدت مخالف

است و آن را آفتی برای خود و جامعه اسلامی می داند اما باید توجه داشت که اگر متأسفانه عده ای برای استخدام شدن دست به ظاهرسازی می زنند، نباید برای اصلاح این وضع از قوانین منطقی و الهی صرف نظر کرد، بلکه باید با در نظر گرفتن مکانیزم های دقیق در مقاطع گزینشی از ورود این گونه افراد متقلب و ظاهرنما به عرصه های اداری و قانونگذاری کشور جلوگیری نمود. نتیجه آن که در نظر گرفتن معیارهایی در زمینه تعهد و تدین افراد، در قوانین استخدامی مطابق با آموزه های شرعی و عقلی مصالح و منافع جامعه و خواست و انتظار مردم از نظام اسلامی است و یکی از بهترین ساز و کارهای کنترل نظام سیاسی از مفاسد و رکود بوده و زمینه های پیشرفت و کارآمدی نظام را فراهم می نماید. البته باید برای حصول به این اهداف وجلوگیری از روی آوردن افراد به ریاکاری و ظاهرسازی مکانیزم های دقیق بیشتری در مقاطع گزینشی در نظر گرفته شود.

تعریف کار فرهنگی چیست. به چه کاری فرهنگی و به چه کاری غیر فرهنگی می گویند.

پرسش

تعریف کار فرهنگی چیست. به چه کاری فرهنگی و به چه کاری غیر فرهنگی می گویند.

پاسخ

اساس «فرهنگ» در نظر اندیشمندان اسلامی، جهان بینی ها واعتقادات افراد است نه آداب و تشریفات و سنت ها و رسوم. از این رو هر آنچه که در راستای تصحیح، رشد و گسترش و تعمیق افکار عمومی از حیث جهان بینی و اعتقادات باشد، کار فرهنگی محسوب می شود و هر کاری که در جهت تخریب اعتقادات و ارزش ها باشد تهاجم فرهنگی حساب می شود. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: - تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن، ۱۳۷۹ - تهاجم فرهنگی، استاد محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ - تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸ - مبانی نظری تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجو، تابستان ۷۷ - فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

پرسش

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

پاسخ(قسمت اول)

به مطالب ذیل (جزوه راهبردهایی برای کار فرهنگی) توجه فرمایید. تهدیدات فرهنگی خطر از دو سوی فرهنگ جامعه ما را تهدید می کند ، یکی از جنبه داخلی و دیگری از جنبه خارجی. خطراتی که از داخل جامعه ما را تهدید می کند در عرصه مطبوعات ، صدا و سیما ، سیاست و ... بروز و ظهور دارد که به اختصار به بررسی برخی از آنها پرداخته می شود : الف) مطبوعات و جراید : مطبوعات با وارد شدن در بخشهایی که ورود آن بدون تخصص خطرناک است و اظهار نظر در بخش هایی که نیاز به کار کارشناسانه (به وسیله مقاله، عکس و ...) زمینه تحول در عرصه فکر ، اخلاق و عمل را به صورت منفی ایجاد خواهد نمود. ب)

سینما و تلویزیون : به عنوان مثال پخش فیلم های خشن آمریکایی و فیلم هایی که از آنها خشونت استنباط و القاء می شود . باعث بروز خشونت و پرخاشگری در بین کودکان خواهد شد و این موضوع سبب می شود که کودک به راحتی در مقابل پدر و مادر بایستد. در یکی از کشورها ی غربی از پسری که مادر و خواهرش را کشته بود سؤال شد که علت این کارت چه بود ؟ جواب می دهد که : فلان فیلم را که دیده بودم ، عین همان کار را پیاده کردم . حیوانات را نیز نباید در مقابل کودکان ذبح کرد ، پدری در مقابل فرزندش مرغی را ذبح می کند ، بعد از اینکه پدر می رود ، برادر بزرگتر همان صحنه را بر روی برادر کوچکتر پیاده می کند . پدر با دیدن این صحنه برادر بزرگتر را می کشد و خودش هم دق می کند و می میرد . ج) برنامه ریزی غلط فرهنگی : مثلا ورزش و ترویج فوتبال در جامعه ما ، ورزش در جای خود بسیار مفید است و لازم . حتی می تواند مقدمه کار فرهنگی را نیز فراهم کند ، ولی بعضی با برنامه ریزی غلط و اشتباه وقتی در این عرصه وارد شدند مشکلات عدیده ای را فراهم نمودند . د) بر خورد های سیاسی با مسائل فرهنگی : بدین معنی که جناحی خود را حق مطلق بداند و جناحها روبری همدیگر قرار گیرند و به تضعیف یکدیگر بپردازند و بخشهای فرهنگی را در جامعه رنگ سیاسی بدهند . به عنوان مثال پلورالیسم یا سکولاریسم را در جامعه ترویج دهند . حرفهایی که در غرب مدتها پیش زده شده در کشور ما ترجمه می شود و در روزنامه ها و مطبوعات به گونه ای درج می گردد که خواننده فقط یک جنبه از آن را می تواند ببیند و بررسی موضوع فقط برای او فراهم نیست . متولیان امور فرهنگی این دعواهای سیاسی را نباید به هیچ وجه درذهن بچه های ۱۰تا۱۲ ساله وارد کنند. اما از جنبه خطراتی که از بیرون جامعه ما را تهدید می کند به این شکل است که غرب سه رویکرد نسبت به فرهنگ ما داشته است ۱ _تهاجم فرهنگی ۲ _شبیخون فرهنگی ۳- تربیت فرهنگی در بین این فرایندها و مراحل ، تربیت فرهنگی از همه مراحل دیگر خطرناک تر است . که یکی ا ز کارهای دقیق غرب صرف بودجه های کلان برای این بخش است تا بتواند این تربیت فرهنگی و فرهنگ سازی غربی را به بهترین وجه از طریق ماهواره ، فیلم های ویدیویی ، کامپیو تر ،تئاتر ، موسیقی شعر ، بازیهای رایانه ای ، اینترنت و... انجام دهد. به عنوان نمونه اکثریت فیلم های غربی ، مردمی را به تصویر می کشند که در طول هفته مشغول کارهای روزانه ، فعالیتهای سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی و ... هستند ولی یک روز هفته را برای امورات مذهبی ، دعا ، نیایش ، رفتن به کلیسا یا کنیسه صرف می کنند به گونه ای که برنامه های دینی از برنامه های سیاسی ، اجتماعی و ... کا ملا "جداگانه ، انگاشته می شود و از این طریق در صدد نمایش جدایی دین از حوزهء سیاست (سکولاریسم) ، اقتصاد (لیبرالیسم) اجتماع (پلورالیسم) و... می باشند همچنین برای تربیت کودکان از سنین ابتدایی رشد، برنامه های بازی رایانه ای مثل «یا مهدی» ساخته می شود . در این بازی کودک برای ا ینکه امتیاز بگیرد کسانی را که «یا مهدی » می گویند نابود می کند . نتیجه این خطرات خارجی و غفلتهای داخلی چیزی جز ناهنجاریهای فرهنگی و دور ساختن کودکان ، نوجوانان و جوانان از حضور در عرصه های دینی نخواهد بود. قابل تغییر بودن فرهنگ در مورد اینکه فرهنگ قابل تغییر است و یا خیر ، سه دسته وجود دارند که هر دسته دیدگا ه خاصی دارند. دسته اول: این عده معتقدند که فرهنگ قابل تغییر نیست . زیرا فرهنگ با نهاد و ذات و فطرت جامعه پیوند خورده است و از آن جهت که ذاتیات را نمی توان تغییر داد فرهنگ را نیز نمی توان تغییر داد . دستهْ دوم : قائل به تغییر پذیری فرهنگ جامعه هستند اگر چه در نهان و نهاد تک تک افراد جامعه تأثیر کرده باشد. دستهْ سوم : که نظر قابل قبول تری دارند معتقدند که آن بخشهایی از فرهنگ که در نهاد جامعه قرار گرفته و جزء ذاتیات آن شده ، تغییر دادنش مشکل است ولی بسیاری از فرهنگها را می توان تغییر داد که هدف بعثت انبیاء الهی هم همین بوده است. پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید: «انی بعثت لأتمم مکارم الاخلاق » و «انی بعثت معلما» جاهلیت عرب ، با آن خصوصیات ویژهْ خود از جمله بت پرستی، ستاره پرستی، دختر کشی، فساد ، دزدی و غارتگری و... با بعثت حضرت رسول اکرم (ص) متحول می شود ولی همین جامعه نیز پس از رسول خدا (ص) سر فرزندش را در کربلا برای رسیدن به قرب الهی می برند. لزوم جهاد فرهنگی هر بحرانی نیاز به یک جهاد خاص دارد ، زمانی که بحران مرزی داشتیم و مستلزم یک جهاد مرزی بود رزمندگان ما یک جهاد شبانه روزی را

شروع کردند حتی وقتی به مرخصی می رفتند بیکار نمی نشستند و بعضی از چند روز نمی توانستند در شهر بمانند . در حال حاضر نیز با یک بحران فرهنگی روبرو هستیم که یک جهاد فرهنگی را (به تعبیر مقام معظم رهبری) می طلبد . همان طور که جهاد مرزی وقت نمی شناخت و همیشه باید آماده می بودیم، اکنون نیز باید تمام ساعات خودمان را صرف این جهاد نماییم ، آنگاه که باور نمودیم که این صحنه ، صحنه جهاد است ، دیگر خستگی معنا نخواهد داشت باید همچون یک جهاد گر به تکلیفمان عمل کنیم و به تعبیری خستگی را هم خسته کنیم . فاطمه (س) در مورد حضرت علی (ع) می فرماید : علی (ع) دارای این مشخصه ها بودند ممسوساً فی ذات الله = در راه خدا و برای رضای خدا در سختی و فشار قرار می گیرد. مجتهدا فی امر الله = سخت کوش در امر الهی . تقریباً فی الرسول الله = نزدیک به رسول خدا. سیداً فی اولیاء الله = سید و سرور اولیاء خدا بود. مستمرا"ناصحا = "اصلا "به فکر خواسته های شخصی نبوده و خیر خواه جامعه و اهل نصیحت و اصلاح بود. مجدا "کادها = کوششگر بسیار جدی بود . لاتأخذه فی الله لومه لائم = اصلا "به ملامت های ملامتگران توجه نداشت . حال که ما خود را شیعه یا محب حضرت علی(ع) می دانیم با چنین حضوری که در عرصه تکلیف الهی داشتند چگونه باید در این صحنهْ جهاد حضور یابیم ؟ خود سازی مقدمه دیگرسازی انسان آنگاه می تواند غیر را بسازد که خودش را ساخته باشد کسی که خودش را نساخته ، نمی تواند جامعه را بسازد . خیلی از تواناییها در درونمان نهفته است لذا باید یک توان شناسی داشته باشیم و این کار نیز نیاز به خود سازی دارد . خود سازی به خودی خود ایجاد یک جاذبه می کند . آنکسانی که می خواهند کار فرهنگی کنند خوب است که یک کار سلوکی و خود سازی را با هم شروع نمایند به عنوان مثال به همدیگر قول بدهیم تا چهل روز مراقب زبانمان باشیم و هر جا که خطایی از یک نفر سر زد به همدیگر تذکر بدهیم . در بر خوردها ادب را رعایت کنیم . صبرمان را بیشتر کنیم . شیوه های مختلف کار فرهنگی کار فرهنگی می تواند از دو طریق انجام پذیرد :۱ _مستقیم ۲ _غیر مستقیم . کار فرهنگی مستقیم یعنی مباحث اعتقادی و دینی و فرهنگی را مستقیما "و تحت عنوان کلاس و گفتگو ، فیلم و صدا و ... به جامعه عرضه نماییم . اما کار فرهنگی غیر مستقیم آن است که در ضمن ابزار و وسایلی که داریم به ترویج فرهنگ دینی بپردازیم . یک معلم در کلاس درس ، یک مربی در ورزش ، یک فیلمساز در فیلمی که می سازد و... باید به صورت غیر مستقیم در صدد فرهنگ سازی باشیم . یک شاعر با شعر خوب می تواند نگرش انسان را تغییر دهد . یک معلم با استفاده از گوش و چشم و... دانش آموزان و ... همه و همه می توانند در این راه بهترین و بیشترین نقش را داشته باشند. مهندسی فرهنگ یکی از مسائلی که در جامعه ما مشکل ساز شده است تعدد متولیان فرهنگی است البته این تعدد از جهتی خوب است ولی جنبه های منفی آن بسیار است .در حال حاضر در صحنه فرهنگ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان تبلیغات اسلامی ، بسیج و... هر کدام به نوعی مدعی کار فرهنگی هستند در این شرایط تنها از طریق یک مهندسی فرهنگی است که می توان به ساماندهی بخش فرهنگی جامعه پرداخت . یعنی همانطور که در ساخت یک ساختمان نیاز به یک نقشه ای داریم که تمام زوایای کار در آن سنجیده شود باید نخست زوایای کار را بسنجیم و آنگاه هر زاویه ای را به عهده یک متولی خاص بگذاریم . سپس باید دقت نماییم که کارهای موازی یا مخالف هم در بین متولیان افزایش نیابد . به عنوان مثال فعالیتهای قرآنی را نباید هم سازمان تبلیغات و هم ارشاد ، موازی با هم انجام دهند. اما این تعدد می تواند مفید باشد به شرطی که هر کدام از متولیان فرهنگی یک قسمت خاصی از کار را عهده دار بشوند تا در کنار هم فضای فرهنگی کشور را توسعه بدهند. نیاز شناسی و آسیب شناسی برای رسیدن به اهداف نیاز به یک برنامه ریزی کار شناسانه داریم و در این برنامه ریزی به دو مقوله باید توجه نمود اول نیاز شناسی و دوم آسیب شناسی. در بحث نیاز شناسی باید بررسی شود که در مراحل سنی مختلف از کودکی تا نوجوانی و جوانی شخص با چه نیازهایی روبرو است و ما از چه طرقی می توانیم مفاهیم دینی_فرهنگی را به او منتقل نماییم . معاد را اگر بخواهیم به یک کودک یا نوجوان و جوان بیاموزیم چگونه باید برنامه بریزیم. به عنوان مثال نواری را که از روی کتاب سیاحت غرب مرحوم نجفی قوچانی ساخته شده برای کودکان نه تنها مفید نیست بلکه مضر هم هست . مرحله دوم مرحلهْ آسیب شناسی

است در این مرحله باید آن دسته از آسیب ها و آفتهایی را که جوان ، نوجوان و... را تهدید می کند شناسایی نماییم و آنگاه به آسیب درمانی بپرازیم . اهداف ویژه برای اینکه بتوانیم اهداف ویژه یک کار فرهنگی را تبیین نماییم باید نخست دردهای جامعه را شناسایی نموده و آنگاه در جهت درمان آن دردها و ضعفها برنامه ریزی نماییم . پس ما در اینجا به پنج ضعف عمده و اصلی در جامعهْ کنونی اشاره می نماییم: ۱ _ضعف روحیه تعبد : بندگی و عبودیت در جامعه ۲ _ضعف روحیه علمی : یعنی عدم حضور با بصیرت در تمامی میدانها، اگر در زمینه سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... عموم مردم عالمانه برخورد نمایند بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد . ۳ _عدم تبیین فرهنگ سیاست دینی : یعنی علی رغم اینکه عنوان می شود که سیاست از دیانت جدا نیست ولی در جامعه خوب آن را تبیین ننموده ایم. ۴ _عدم رشد فضائل اخلاقی بصورت عام و فراگیر : اخلاق دانشجویی ، اخلاق پزشکی ، اخلاق معلمی و استادی و ... هنوز در جامعه ما جا نیفتاده است .

پاسخ(قسمت دوم)

۵ _نشستن غبار بر روی فطرت پاک انسانی (عدم توجه به گرایشهای فطری) بر اساس همین مشکلات و ضعفها اهداف ویژه در جامعه ما می تواند اهداف زیر باشد : ۱ _تقویت روحیهْ تعبد : البته در این زمینه هیئتهای مذهبی بسیار می تواند موءثر باشد . ۲_ تقویت روحیه علمی ۳ _تبیین فرهنگ سیاست دینی ۴ _بستر سازی برای شکوفایی و رشد گرایشهای فطری یا بینشهای فطری ۵_ رشد فضائل اخلاقی به عنوان مثال و برای روشن شدن مطلب در بخش تقویت روحیهْ علمی ما در مورد موضوعات دموکراسی ، آزادی ،پلورالیسم ، سکولاریسم ، ولایت فقیه و...نیاز به کار کردن داریم که برای تقویت هر کدام از این بخشها می توان از جلسات پرسش و پاسخ ، میز گرد ، نشریات ، اردوهای آموزشی و تفریحی چند روزه و... استفاده نمود . راه های تقویت انگیزه کار فرهنگی یک کار تربیتی است. کار تربیتی نیز نیاز به صبر و حوصله، آرامش و شرح صدر دارد تا مشکلاتی که پیش رو خواهیم داشت را پشت سر بگذاریم. برای این کار هم باید انگیزه را تقویت نماییم. انگیزه هم می تواند از بیرون یا از درون نشأت بگیرد. انگیزه الهی از درون می جوشد و باعث می شود انسان همیشه در صحنه تکلیف حضور داشته باشد. انبیاء الهی، اولیاء خدا، علما و فقها و... بر این اساس به جهاد در این راه می پرداختند. چند فاکتور نیز می تواند در تقویت انگیزه از بیرون تأثیر داشته باشد که به اختصار به آنها اشاره خواهیم کرد: ۱. اتحاد وحدت و حضور منسجم در کنار یکدیگر: این اتحاد متصدیان کار فرهنگی می تواند عاملی باشد تا دیگران هم در این صحنه وارد شوند. ۲. عامل بودن به حرف ها و شعارها: با توجه به شرایط کنونی جامعه که مردم از حرف شنیدن خسته شده اند یکی از مؤثرترین کارها عمل کردن به وظیفه است که در روایت نیز به آن سفارش شده است: «کن تفاعا ولا تکن فرارا» یعنی همیشه نفع رسان باشید نه ضرر رسان. حضرت آیت الله بهجت نیز مکررا سفارش می نمایند که: «بیشتر فعال باشید نه قوال». ۳. دنبال الگو، نمونه و مصداق رفتن: یعنی به مطالعه و بررسی زندگی افرادی که در راه رسیدن به هدف فرهنگ سازی دینی لحظه ای از جهد و کوشش باز نایستاده اند. علما و بزرگانی که از جان و مال و آبروی خویش در راه دین گذشتند. در کنار این موارد شب زنده داری، نماز خواندن، دعا کردن، توسل، زیارت عاشورا، انس با قرآن، ارتباط با ائمه معصومین(ع) و مطالعه سیره زندگانی ائمه(ع) اگر چه مکرر باشد می تواند در تقویت انگیزه بسیار مؤثر باشد. نکات مهم در کار فرهنگی در کار فرهنگی باید به چند نکته و اصل توجه نمود که غفلت از هر کدام از اینها می تواند نقص بزرگی در کار ایجاد نماید . نکته اول – اخلاص؛ در انجام یک کار فرهنگی نیاز به عاملی داریم که اثر کار را ماندگار و پایدار نماید و چیزی جز اخلاص نمی تواند عمل را پایدار نماید که البته باید در تمام مراحل کار (قبل، حین کار و بعد) حضور داشته باشد. نکته دوم – استمرار برنامه ها ؛ یا کاری را شروع نکنیم یا آنگاه که شروع کردیم ، آمادگی کامل ، با برنامه ریزی وپختگی شروع نماییم که اگر چنین نباشد اثرات منفی خواهد داشت . نکته سوم – قدم به قدم بودن برنامه ؛ همیشه اهداف را بزرگ انتخاب کنیم ولی در

عرصه عمل با توجه به امکانات و توان نیروها از کم شروع کنیم و قدم به قدم جلو برویم . نکته چهارم – اهمیت مشورت ؛ یک شورایی جهت مشورت و نظر خواهی تأسیس شود و یک شورایی جهت انجام مصوبات (شورای مشورتی که فقط وظیفه اجراء را به عهده خواهد داشت) شورای مشورتی مکانی است که حرفهای مختلف در آن زده می شود و نظرات مختف ارائه گردد , همهْ بحث ها رایزنی ها باید در این شورا انجام پذیرد ولی آنگاه که تصمیمی گرفته شد , آن تصمیم باید از سوی همهْ اعضاء حمایت شود . حتی آنهایی که در جلسه مخالف آن طرح بودند در بیرون جلسه مدافع آن باشند . به عنوان نمونه در جنگ احد دو نظر وجود داشت , جوانان که اکثریت را تشکیل می دادند معتقد بودند که زره بپو شیم و در بیرون شهر به مبارزه با دشمن بپردازیم ولی مسن تر ها که پیامبر (ص) هم جزء آنها بودند اعتقاد داشتند که در داخل شهر با آنها مبارزه کنیم . چون جوانها اکثریت را دارا بودند , پیامبر زره پوشیدند و به همراه جوانها و مسن ترها به بیرون شهر رفتند . جوانان وقتی متوجه شدند که نظر پیامبر خلاف این بوده برای معذرت خواهی نزد پیامبر(ص) آمدند ولی پیامبرفرمودند :چون نظر جمع این است ,تصمیم گرفته شد ه باید به آن عمل کنیم . نکته پنجم – بدهکار دانستن خود ؛ هر وقت کاری را انجام می دهیم بر کسی منت نگذاریم , ما باید خود را همیشه و در هر حال بدهکار بدانیم . شهید مطهری می فرمودند : هی نگوییم انقلاب برای ما چه کرد ؟ بگوییم ما برای انقلاب چه کردیم . «الله یمن علیکم » خداوند تبارک و تعالی است که باید بر ما منت بگذارد . نکته ششم – پیمان اخوت ؛ همان طور که گفته شد کار فرهنگی یک جهاد گونه است و در این جهاد باید به هم تعهد بدهیم که تا انتهای کار با هم و دوش به دوش همدیگر باشیم و یکدیگر را تنها نگذاریم . دست اخوت , برادری , همدلی و یکدلی به هم بدهیم و با هم پیمان ببندیم . آیت الله روحانی (ره), آیت الله میانجی (ره) و آیت الله شبیری سه دوست بودند که با هم یک چنین پیمانی بسته بودند . آقای میانجی به آقای روحانی می گفتند: که از خدا خواسته ام که قبل از شما از دنیا بروم چون نمی توانم فراق شما را تحمل کنم . همینطور هم شد . اول آیت الله میانجی فوت کردند , بعد آیت الله روحانی پس از ۲ ماه و آیت الله شبیری هنوز زنده اند . نکته هفتم – اتصال به چشمه ؛ همیشه باید به چشمه متصل باشیم, اگر از چشمه جدا بشویم, گندیده می شویم . آب کر اگر چه پاک کننده است ولی هر چه بیشتر پاک کند کثیف تر می شود مگر اینکه به چشمه متصل باشد . اتصال به چشمه مربوط به خودمان است . ارتباط با قرآن , نهج البلاغه ...و خود سازی . برای شروع نهج البلاغه را صبحها بعد از اذان صبح با هم بخوانید . یک هفته روی گوش , یک هفته روی چشم و... مراقبت داشته باشید و به هم کمک کنید . نکته هشتم – نیرو شناسی ؛ در طول کار همواره باید به مسئله نیروشناسی توجه نمود و کار را برایشان توجیه و تبیین نمود تا به گسترش فعالیتها بپردازیم . نکته نهم – باور کردن یکدیگر ؛ باید همدیگر را باور کنیم . مسئولین با ید نیروهایشان را باور کنند و بر همین اساس به آنها مسئولیت بدهند . اصلا امام (ره) هم با توجه به همین باوری که از مردم داشتند به این موفقیت و نفوذ دست یافتند . نکته دهم – شایسته سالاری ؛ در جذب و دفعها هیچگاه نباید حزب و گروهی را مد نظر قرار بدهیم . بلکه ملاک و معیار ما شایستگی و شایسته سالاری باشد و بر این مبنا افراد را انتخاب نمائیم فقط ملاک اصلی بدون دخالت دادن سلیقه ها باید ولایت فقیه و رهبری باشد . نکته یازدهم – توجه نکردن به نقصهای ابتدای کار ؛ در آغاز هر کاری احتمال بروز نقص ها و عیبها یی وجود دارد که یک آسیب شناسی را در طول مسیر می طلبد . ولی نباید به آن نقصها خیلی توجه کرد بلکه سعی شود زیبایی ها و نکات مثبت را ببینیم تا توان روحی دست اندر کاران بالا رود . نکته دوازدهم – گذشتن از آبرو ؛ در این صحنه جهاد فرهنگی باید از همه چیزمان حتی از آبرویمان بگذریم . شیخ کاشف الغطاء(ره) روزی در مسجد بین فقراء و مستمندان پول تقسیم می کردند . بعد از تقسیم یک پیر مرد سیدی آمد و سهم از شیخ مطالبه کرد . شیخ گفت : که دیگر پولی نمانده ، انشاءالله دفعه بعد . پیر مرد آب دهان بر روی شیخ انداخت و سر و صدای زیادی بر پا کرد . شیخ عمامه خود را از سر برداشت و در دست خود نگه داشت و رو به جمع گفتند: به آبروی این ریشهای سفید کمی پول در این عمامه بریزد تا به این پیر مرد بدهم . توصیه هایی به مجریان امور فرهنگی ۱ _عدم احساس خستگی در کار : در عرصهْ بسیار مهم و گسترده کار فرهنگی

نباید احساس خستگی شود و شما باید این قدر کار کنید و کار را ادامه دهید تا اینکه خستگی از دست شما خسته شود ،خستگی ناپذیری از شاخصه های مهم افرادی است که کار فرهنگی می کنند . ۲ _نگاه جامع و فراگیر در کار : در کار فرهنگی نیازی به اسم و رسم نیست و نگاهها باید فراتر از محدوده های کوچک و بسته بوده ، و جامع و فراگیر باشد . باید دنبال وصف بود نه دنبال اسم . مقصود نباید طرح خود باشد بلکه باید هدف شرکت جدی در عرصهْ جهاد فرهنگی باشد . ۳_برنامه ریزی و نظم و انضباط: در کار فرهنگی باید از کارهای بدون برنامه ریزی به شدت پرهیز نمود . ۴ _خدا محوری و رنگ خدایی دادن به کار : همیشه خدا را به عنوان یک اصل و پایه و محور اعمال و عبادات و اذکار در نظر بگیریم و همه چیز را برای او قرار دهیم ، به کارهای خود رنگ خدایی بدهید ، اگر کسی کاری را توانست انجام بدهد ولی عمدا انجام ندهد به قصد اینکه دیگران به نتایجی دربارهْ وی و نقش و تأثیر او در آن کار برسند ، این معلوم است که کار او رنگ خدایی ندارد و شرک در اعمال او ظاهر شده است . فلذا لازم است ما انگیزهْ الهی را در خود تأسیس بکنیم و ایجاد بکنیم و سپس تقویت بکنیم . ۵ _منتقد خویش باشیم : ما دو نوع نقد داریم فردی و جمعی . در هر نقدی تکامل ،پیشرفت و افزایش و... وجود دارد و اگر نقد منجر به این نتیجه نشود ناقص است ، نقد همیشه یک راه روشن را به روی انسان باز می کند . ۶ _کار فرهنگی یعنی کار حسینی : بدانید که اگر کاری به زمین بماند ،کارهای امام حسین (ع) بر زمین می ماند . پس بدانید با اینکار چه کسی ضربه می خورد . آیا ما ضربه می خوریم یا دین ضربه می خورد ؟ ۷_کار فرهنگی متکی به فرد و من و شما نیست : هیچ وقت در مخیله خویش راه ندهیم که اگر من نباشم ، این کار انجام نمی شود . اسلام و انقلاب به شخصی متکی نبوده و نیست . تفکرات شرک آلود را از خود دور کنیم . احترام ها و عزت هایی که کسب کرده ایم به واسطه اهل بیت بوده است .پس برای انجام یک وظیفه و یک کار شروط تعیین نکنید . برای چه کسی و چه چیزی شرط می گذاریم ؟ ۸_برای کار خود حرمت قائل شوید : برای جمع خودتان حرمت قائل شوید و برای تصمیمات و کارهای خود بها قائل شوید . پشتیبان عملکرد و کارها و برنامه های خود باشید. ۹ _کار فرهنگی ، کار آگاهانه و عاشقانه : هر کاری را و خصوصاْ کار فرهنگی را آگاهانه و عاشقانه آغاز کنید و از افراط و تفریط پیشگیری کنید که این امر باعث تعدیل در هر کاری می شود. «والسلام» منابع : ۱_سخنرانی حجه الاسلام والمسلمین رمضانی در تاریخ ۱۴/۳/۷۸ همزمان با سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) تحت عنوان « تکلیف از نظر امام خمینی (ره) » ۲_سخنرانی حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۳۱/۴/۷۹ در مراسم افتتاحیه کلاس تربیت مربی کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت ۳_رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۲۷/۵/۷۹ در جمع اعضای فعال کانون فرهنگی دینی ثقلین ۴_بیانات حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۷/۶/۷۹در جلسه شورای فعال کانون فرهنگی دینی ثقلین ۵_رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۱۴/۱۰/۷۹ در جلسهْ عمومی خادمین هیأت متوسلین به ائمه اطهار (ع) ۶ _بیانات حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۱۲/۱/۸۰ در جلسهْ شورای کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت ۷_بیانات حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۲۳/۵/۸۰ در جلسهْ شورای کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت ۸ _رهنمودهای حجه الاسلام و المسلمین رمضانی در تاریخ ۳/۱۰/۸۰ درجلسه عمومی کلیه مسئولین و اعضاء و خادمین هیأت متوسلین به ائمه اطهار (ع) و کانون فرهنگی دینی ثقلین رشت .

چرا مردم حاضر نیستند تفکراتشان را تغییر دهند این قدر که به تغییر و تعویض لباس و وسایل و تجملات اهمیت می دهند؟ارتقاء سطح فکری و تغییر و رشد عقلی اهمیت قائل نمی شوند.راه درمان چیست؟

پرسش

چرا مردم حاضر نیستند تفکراتشان را تغییر دهند این قدر که به تغییر و تعویض لباس و وسایل و تجملات اهمیت می دهند؟ارتقاء

سطح فکری و تغییر و رشد عقلی اهمیت قائل نمی شوند.راه درمان چیست؟

پاسخ

انسان در دامان مادر طبیعت و عالم ماده چشم به جهان می گشاید و از همان لحظه نخستین و آغازین زندگی، با طبیعت و محسوسات ارتباطی تنگاتنگ دارد. لذت های گوناگون مادی را بارها تجربه می کند و با آنها انس و الفت عمیق داشته و گاه این انس و الفت در او دلبستگی و وابستگی شدید ایجاد می کند به گونه ای که هر واقعیتی جز آن را انکار می کند و حقیقتی جز دنیا و محسوسات و مادیات در نزد آنها وجود ندارد. این نوع تفکر و اندیشه اصالت را به ماده و محسوسات می دهد و تمام هدف انسان را بهره مندی هر چه بیشتر از دنیا و مواهب آن می داند. توجه به مدهای جدید و تنوع در بهره مندی از زندگی و تجملات آن و صرف گوهر ارزنده عمر که سرمایه حیات ابدی انسان است در غوطه ور شدن در لذت های فناپذیر و ناپایدار دنیا ثمره چنین تفکر و عقیده ای است. واقعیت این است که در یک نظر سطحی و کوتاه، لذت های دنیا نقد و در دسترس انسان است و لذت های آخرتی و معنوی و روحی نسیه و دور از دسترس است و انسان عاقل هرگز نقد را با نسیه سودا و معامله نمی کند. علم و تعقل و اندیشه از سنخ مجردات و عالمی ورای ماده و محسوسات است و ورود در این عالم و انس با تفکر و تعقل برای کسانی که در گرداب دنیا و محسوسات و تعلقات مادی غوطه ور شده اند و همه نیروی خود را در این راه صرف کرده اند کار دشوار و ناگواری است. امیر مؤمنان علی(ع) در سخنی زیبا و کوتاه در این باره می فرماید «الناس ابناء الدنیا ولایلام الرجل علی حب امه؛ مردم فرزندان دنیایند و نباید کسی را به خاطر علاقه به مادرش سرزنش نمود» (نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۳۰۳). راه درمان این بیماری و حل این مشکل تصحیح باور و عقیده و اصلاح جهان بینی و بینش این گونه افراد است. بیان ارزش و اهمیت تفکر و تعقل و جایگاه محوری و اساسی آن و تأثیر عمیق آن در سعادت و شقاوت انسان می تواند این نوع اندیشه و تفکر را تا حد زیادی تغییر دهد. انسان چون فطرتا به دنبال سود و منفعت است و همه فعالیت های او در زندگی برای رسیدن به سود و نفع بیشتر است اگر این آگاهی و توجه را پیدا کند که بالاترین سود و منفعت برای یک انسان رسیدن به قرب خداوند و کمال انسانی است که با ترقی و عروج روح ممکن می شود و عروج و تعالی روح نیز در سایه تفکر و اندیشه و تعقل که زمینه ساز ایمان است حاصل می گردد و ایمان و عمل صالح دو بال برای پرواز به عالم ملکوت است. انسان طبعا لذت گرا است و اگر لذت ها را منحصر در همین لذت های مادی و محسوس بداند و انسی با لذت های معقول و معنوی مانند تفکر و اندیشه و تحقیق علمی و کشف حقایق نداشته باشد. تحقق لذتهایش را تنها در سایه امور مادی و چنگ زدن به آنها می بیند و کاری با تعقل و معقولات نخواهد داشت ولی اگر عمق لذت مادی علمی و عقلی و معنوی برای او تشریح شود و عمیقا با آنها آشنا گردد و با همه وجودش آنها را لمس کند بدون شک همه عمر و سرمایه خود را صرف دنیا و لذت های ناپایدار و سطحی آن نخواهد کرد بلکه از آنها به اندازه نیاز و برای اداره زندگی مادی و دنیوی خود استفاده خواهد کرد و اصالت و ارزش را به دنیا و امور دنیوی نخواهد داد. استفاده از تجملات دنیا و زر و زیور آن در حد معقول و معتدل نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه موردتأیید شرع و عقل است و آراستگی و زیبایی و برخورداری معقول از مواهب دنیا و لذت های آن از سفارش های دین مبین و شرع مقدس است این افراط و زیاده روی و اصالت دادن در بهره مندی از دنیا و لذت های آن و غفلت از مقصد نهایی و هدف عالی انسانی است که مذموم و نکوهیده است.

لطفا در مورد بحران هویت توضیح دهید و راههای پشت سر گذاشتن این بحران را بیان کنید.

پرسش

لطفا در مورد بحران هویت توضیح دهید و راههای پشت سر گذاشتن این بحران را بیان کنید.

پاسخ

مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده‌ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می‌باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می‌نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می‌دهد که هر چه احساس بی‌هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش‌های حاکم در جامعه خویش بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه‌های غربی رپ و هوی‌متال و... بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش‌های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه‌پذیری، فراهم نکرده است، گرایش‌های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش‌های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام‌های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی‌های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه‌گر شده است. از جمله عواملی که زمینه‌های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می‌بخشد عبارتند از: ۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه‌های کشورهای عقب‌مانده و ضعیف است. ۲- وجود گرایش‌های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی‌تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه‌های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها. ۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود. ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش‌آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب‌زده و مطبوعات وابسته به خارج و...). و همچنین سخت گیری ها و تنگ نظری های برخی از عناصر فعال در زمینه فرهنگی نسبت به مسائلی مانند مد و آرایش بومی و ملی جوانان که باعث سوق دادن آنها به طرف الگوهای غربی و بیگانه و در نتیجه بی هویتی شده است. ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی. ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده‌ها با اصول تربیت اسلامی. به نظر می‌رسد از جمله مناسب‌ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی، باز گرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک‌تر شدن گروه‌های همسال و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می‌باشد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والدین خویش بسر می‌برند و همواره دریافت کننده‌ی محبت‌های پدر و مادر خویش می‌باشند. سعی می‌کنند هنجارهای حاکم بر خانواده و محیط خویش را رعایت کنند، اما اکنون که بهانه‌ی تحصیل یا کار از محیط با صفای خانه و خانواده جدا شدند، سرمایه‌ی بزرگ توجّه ومحبت اطرافیان را از دست داده‌اند و خود را فراموش شده می‌بینند و اصولاً هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصر ارتباطات و پرتاب موشک‌های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش‌های آن به جوانان پاک و بی‌پناه، لازم است با تجدید نظر در ارزیابی‌هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گسترانند و این جوانان پیرو مدل‌های غربی را به ارزش‌های فرهنگی و معنوی جامعه باز گرداند. بسیاری از این جوانان تشنه‌ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبّت را هر کجا بیابند به آن سمت خواهند رفت و چه بسا در این راه در دام‌های مفاسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (جذب جنس مخالف، اعتیاد، قاچاق

و...) گرفتار خواهند شد. بهترین و کم هزینه‌ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافات فرهنگی، عرضه کردن فرهنگ ناب اسلامی در قالب فنون و هنرهای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خوش برخورد است، مطمئن باشید اگر جوانان با مکتب حیات بخش اسلام و احکام نورانی آن و سیره‌ی معصومین(ع) آشنا شوند آن را با هیچ چیز عوض نخواهند کرد. بر این اساس مهم‌ترین راه‌های مبارزه با آن عبارتند از: ۱- حفظ و تعمیق ارزش‌های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه‌پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه‌های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی. ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش‌های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش‌های الهی. ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی. ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش‌های الهی می‌باشد. ۵- تحقق‌باوری عمیق، درونی، ریشه‌دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه‌های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می‌کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت‌گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت. ۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت‌ها و اقدامات، در بخش‌های مختلف جامعه و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه‌های اجرایی ۸- و بالاخره توجه جدی به نیازهای اساسی جوانان مانند حس زیبایی دوستی، آرایش، مرتب بودن، تنوع طلبی و ... و تلاش برای ارائه پاسخی منطقی و متناسب با این نیازها بر اساس الگوهای دینی و ملی، همچنان که مقام معظم رهبری در تیرماه ۱۳۸۳ در اجتماع پر شور جوانان همدان مطرح و مسؤولین و دستگاه های فرهنگی را مؤظف به انجام آن نمودند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: - فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری - انقلاب و ارزش‌ها، علی ذوعلم - ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب‌شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی) .

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

پرسش

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

پاسخ

تصمیم و عزم راسخ شما را در جهت انجام برنامه های فرهنگی می ستاییم و برای شما عزیزان آرزوی موفقیت داریم، مسلما کار فرهنگی از ضرروی ترین، با اهمیت ترین و زیربنایی ترین اقدامات مورد نیاز جوامع کنونی است که خود گام مهمی برای بیداری و اصلاح بشریت و آماده سازی مقدمات ظهور امام زمان(عج) می باشد. درست همان هدف مقدسی که انقلاب اسلامی ایران براساس آن شکل گرفته و به پیش می رود. اما با این همه با توجه به اهمیت و ظرافت کار از یک سو و گسترده بودن دامنه کاری که برای خود مشخص نموده اید، دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه نیازمند امور متعددی است که اولین گام آن استحکام مبانی عقیدتی و دینی دست اندرکاران این طرح است. داشتن معرفت و بینش صحیح و کاملا اسلامی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریطی

در برداشت و اجرا، ارتباط مستمر با اسلام شناسان متعهد و بالاخره استفاده از امکانات مادی و متناسب با شرایط زمانی از این رو توصیه ما این است که در بدو شروع کار واقع بینانه چنین مسائلی را در نظر گرفته و دامنه کاری دقیقی متناسب با توانایی های مادی و معنوی خویش تعریف بنمایید تا ضمن دستیابی سریع تر به اهداف، از هرگونه اخلال و یا تعللی در ادامه راه، جلوگیری شود. در ادامه به معرفی برخی منابع که می تواند در راستای اهداف شما مفید باشد می پردازیم: الف - معرفی کتب: - خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲ - پرتوی از خورشید، علی شیرازی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲ - حکایت نامه سلاله زهرا(س)، حسن صدری مازندرانی، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱ - عصر امام خمینی، میر احمد رضا حاجتی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲ - آسیب شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۹ - راهکارهای اصلاح اجتماعی در حکومت دینی، حسین ردایی الاملی، نسیم حیات، ۱۳۸۲ - شیو ه های درمانی مفاسد اجتماعی، علی اکبر بابازاده، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱ - توسعه و تضاد، فرامز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ - آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۸ - جامعه سازی قرآن، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ - تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸ - تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن ۱۳۷۹ - تهاجم فرهنگی، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ - پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰ - مبانی نظری تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجو، تابستان ۷۷ ب - سایت های مفید فرهنگی: - سایت باشگاه اندیشه www.bashgah.net - سایت کانون www.canoon.org - سایت آوینی www.aviny.com - سایت احیا www.ehyaa.net - سایت لوح www.louh.com - سایت تبیان www.tebyan.net

چرا به سوگواری و مداحی امامان اینقدر اهمیت داده می شود به جای شناخت آنها

پرسش

چرا به سوگواری و مداحی امامان اینقدر اهمیت داده می شود به جای شناخت آنها

پاسخ

البته آنچه در عزاداری مهم است؛ بزرگداشت هدف امام حسین(ع) و یادآوری فضایل و رشادت و کمال و جانبازی در راه حق و دفاع از دین خدا و مبارزه با کجروی و بی عدالتی و ظلم می باشد و شکل و حالت خاصی در روایات مورد نظر نمی باشد. بهترین شکل عزاداری بیان فضایل و کمالات و سخنان ارزنده و نورانی و راهگشای سیدالشهدا(ع) و سایر اولیای بزرگ و مکرم خداوند است. ممکن است فردی بدون حرکت و حالت خاصی اهل معرفت و بصیرت باشد و با مطالعه نهضت مقدس امام حسین(ع) و اهداف الهی و انسانی او، در درون بر این مصیبت و جنایت بزرگ غمگین و نالان باشد و ممکن است کسی با وجود شور گرفتن و بالا و پایین پریدن به این درجه از معرفت و بصیرت نرسیده باشد. البته باید از سوء ظن و بدبینی جدا پرهیز نمود چون کم نیستند انسان های با معرفت و آگاه و دلسوخته ای که عمق احساسات و ارادت خالصانه خود را به ساحت اقدس سیدالشهدا و اولیای خداوند به صورت شور گرفتن و هروله کردن نشان می دهند و این حرکات و اعمال هیچ منافاتی با معرفت و شناخت و بصیرت آنها ندارد. لذا مسأله گریه و عزاداری بر حضرت سیدالشهدا (ع) از افضل قربات است و فلسفه‌های سازنده و تربیتی متعددی دارد از جمله: ۱- توجه به هدف قیام امام حسین که همانا احیای ارزش‌های دینی و جلوگیری از انحراف بود. ۲- زنده داشتن یاد و تاریخ

پرشکوه نهضت حسینی، ۳- الهام بخش روح انقلابی و ستم ستیزی، ۴- پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین، ۵- اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده‌ها با معارف دینی، ۶- پالایش روح و تزکیه نفس، ۷- اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم و ... . اما اصل عزاداری و سوگواری از خود اهل بیت(ع) است ولی چگونگی آن تا حدود زیادی با شیوه‌های قومی و ملی عجین شده است و این آمیزش تا زمانی که مشتمل بر خلاف شرع نباشد اشکالی ندارد. داستان گریه و عزاداری پس از شهادت حضرت امام حسین(ع) از سوی امامان(ع) داستان دامنه‌داری است. به مواردی اشاره می‌شود: ۱- امام چهارم(ع) که خود در کربلا شاهد مصائب دردناک حسین(ع) و یاران فداکار او بود و ۲۳ سال داشت، پس از آن واقعه سوزناک تا زمانی که در قید حیات بودند یعنی مدت ۳۴ سال طبق برخی روایات برای پدر و عزیزان خویش گریه و سوگواری می کرد ، (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸ و ۱۰۹). گریه‌های امام سجاد(ع) در سخت‌ترین شرایط علاوه بر جنبه عاطفی، یکی ازراه‌های مهم مبارزه و افشاگری بود. ۲- امام صادق(ع) به ابوهارون مکفوف دستور می‌دهد مرثیه بسراید و آنگاه که وی مرثیه خود را می‌خواند مشاهده می‌نماید امام(ع) سخت گریه می کند متوجه می‌شود از صدای گریه امام صادق(ع) زنانی که پشت پرده حضور داشته‌اند صدای خود را به گریه و شیون بلند کردند ، (کامل‌الزیارات، ابن قولویه، نقل از ره توشه راهیان نور، ویژه محرم ۱۳۷۶). ۳- امام رضا(ع) دعبل خزایی شاعر را در ایام سوگواری حضرت حسین(ع) به حضور می‌پذیرد به او عنوان یاری دهنده اهل‌بیت، خوش‌آمد می گوید و از وی می‌خواهد در روزهای غم و اندوه اهل‌بیت؛ یعنی عاشورا در مورد مصایب جد خویش اباعبدالله(ع) مرثیه بسراید ، (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷). در مورد سینه‌زنی نیز برخی از منابع تاریخی نشان می‌دهد که وقتی بنی‌هاشم برای اولین از مدینه به کربلا آمده و با کاروان اسراء در آن مکان برخورد نمودند به رسم عزاداری زنانشان دست به سینه می‌زدند. برای آگاهی بیشتر ر . ک : ۱- فلسفه شهادت و عزاداری امام حسین، سید عبدالحسین شرف‌الدین، مترجم: علی صحت، انتشارات مرتضوی ۲- حماسه حسینی، شهید مطهری، انتشارات صدرا ۳- پیام‌های عاشورا، جواد محدثی، انتشارات پیک جلال ۴- عبرت‌های عاشورا، سید احمد خاتمی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم ۵- فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف

اگر امکان دارد کمتر از پلاکاردها و اعلامیه ها استفاده شود درست است که به مناسبتها ی مختلف این کار انجام میشود و برای یاداوری ارزشها مناسبتها است اما در بسیاری از موارد اسراف است.و بااین هزینه ای که صرف میشود میتوان کارهای زیادی به نفع مردم انجام داد که جن

پرسش

اگر امکان دارد کمتر از پلاکاردها و اعلامیه ها استفاده شود درست است که به مناسبتها ی مختلف این کار انجام میشود و برای یاداوری ارزشها مناسبتها است اما در بسیاری از موارد اسراف است.و بااین هزینه ای که صرف میشود میتوان کارهای زیادی به نفع مردم انجام داد که جنبه فرهنگی هم داشته باشد.تهیه بروشورها به تعداد زیاد وپخش کردن آن در دانشگاه به نظر من اسرف است.حداقل میتوان این برگه هارا در قطع های کوچکتری تهیه کرد.اگر به دانشجویان مثلا بن کتاب داده شود بهتر است باخودشان کتاب بخرند.از توجه شما سپاسگزارم ؟

پاسخ

در این زمینه باید گفت که ما نیز با شما هم عقیده‌ایم متأسفانه در عملکردهای فرهنگی برخی افراد و تفریطها و یا غفلت از اولویت‌ها وجود دارد. در مورد توصیه‌ای که نمودید، سعی این مرکز - که به عنوان یک مرکز فرهنگی در دانشگاهها مشغول به انجام وظیفه است - همواره بر این بوده که به اولویت‌ها و نیازهای فرهنگی مهم دانشجویان با استفاده از بهترین شیوه‌ها پرداخته شود

از این رو ارسال کتاب، مجله و... برای دانشجویان مستعدو نیازمند، یکی از مهمترین فعالیتهای این مرکز می‌باشد. شایسته است این پیشنهاد در اجرای سایر مراکزی که به کار فرهنگی مشغولند نیز ارسال نمایید.

نظر شما اگر ازدواج موقت شیوع پیدا کند کسی دنبال ازدواج دائم می رود

پرسش

نظر شما اگر ازدواج موقت شیوع پیدا کند کسی دنبال ازدواج دائم می رود

پاسخ

البته فرض مذکور درباره ازدواج موقت مطابقت با واقعیت ندارد. زیرا ازدواج موقت بیشتر برای رفع بحران ها و پاسخ به نیازهای فوری و زودگذر است. لذا هیچگاه جایگزین ازدواج دائم نمی شود. و از آنجا که انسانها به دنبال سامان دهی نظام زندگی و رسیدن به آرامش و سکونت هستند لذا حتی کسانی که قبل از ازدواج و یا بعد از ازدواج برای مدتی دنبال ازدواج موقت می باشند؛ سرانجام به یک ازدواج دائم رو می آورند.

بسیاری از روحانیون به راحتی در خیابان راه می روند و نسبت به اطراف خود حداقل واکنشی نشان نمی دهند چرا؟

پرسش

بسیاری از روحانیون به راحتی در خیابان راه می روند و نسبت به اطراف خود حداقل واکنشی نشان نمی دهند چرا؟

پاسخ

شاید منظور شما وجود برخی از مفاسد و مظاهر ناپسند اجتماعی مانند بدحجابی یا روابط ناسالم اجتماعی و عدم امر به معروف ونهی از منکر از سوی روحانیون باشد که در اینص ورت باید اعتراف کنیم متأسفانه آنقدر تهاجم دشمنان و گستاخی برخی از افراد زیاد شده است که هم غیرت دینی خیلی از ما مسلمانان اعم از روحانیون و دیگران کم شده است و هم احتمال تأثیر که یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، در اینجا وجود ندارد. البته ما این دیدگاه را قبول نداریم چه اینکه احتمال تأثیر از شرایط وجودی وجوب امر به معروف و نهی از منکر است و همه ما باید با شگردها و راهکارهای مختلف آن را بوجود بیاوریم و ثانیا فرهنگ بی تفاوتی، تساهل و تسامح که متأسفانه برخی از اصلاح طلبان مطرح کردند ریشه تدین و تعهد را خشکاند.

از کارشناسان محترم نهاد تقاضا دارم تخصصها و منابع و روشهایی را که یک نیروی فرهنگی برای انجام کار فرهنگی در دانشگاه و دیگر مکانهای فرهنگی نیاز دارد را برای اینجانب شرح دهند.اگر جدول و برنامه خاصی در این زمینه نیز وجود دارد برای اینجانب معرفی نمایید.

پرسش

از کارشناسان محترم نهاد تقاضا دارم تخصصها و منابع و روشهایی را که یک نیروی فرهنگی برای انجام کار فرهنگی در دانشگاه و دیگر مکانهای فرهنگی نیاز دارد را برای اینجانب شرح دهند.اگر جدول و برنامه خاصی در این زمینه نیز وجود دارد برای اینجانب

معرفی نمایید.

پاسخ

از نظر اندیشمندان اسلامی اندیشه اخلاق و رفتار گروهی یک قوم را فرهنگ آن قوم می گویند بنابر این مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها و بیرون از آن را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود. الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای: ۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران . در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی را تبیین نموده و با نفوذ شک و ترویج شک گرایی , مبارزه شود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی , فزون سازیم و به تبیین منطقی دست یابیم . مثلا" در زمینه ارزشی ها, وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند, آشکار سازیم , (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند, ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم. ۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آمیز اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و... ۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و... . ۴. مسلط بودن بر جامعه شناسی ارتباطات و شیوه ها و روانشناسی تبلیغی. ب . راه کارها و اقدامات عملی : ۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان. ۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان , مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و... . ۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت , دعا, مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و... . ۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب , ارائه فیلم های خوب و مفید و... . در پایان توجه به چند نکته ضروریست: ۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم – تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند – باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید. ۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید – کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند. ۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی. ۴. اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار فرهنگی با زور و سر نیزه و تنگ نظری نمی شود. ۵. صبور باشید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال ماندگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد. ۶. از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیرید. پرانگیزه باشید و وقت گذرانی یا صرفا کسب درآمد مد نظر نباشد. ۷. نمونه کاری را که می خواهید انجام دهید در مراکز دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید. ۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید. ۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شروع شود ماندگار و پرثمر و با برکت خواهد بود. ۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصلی خود را که ادامه تحصیل است فراموش نکنید. البته جامعه دانشگاهی ما ازمشکلاتی اساسی و ریشه ای رنج می برد که توجه به آنها ضروریست: ۱- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران بیگانه است، به ویژه در حیطه علوم انسانی. ۲- به طور عمده نگاه پیش زمینه ای و سخت افزارانه به علم دارد و به ایجاد تحول در شرایط فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و محیطی جامعه کمتر توجه دارد. ۳- با نهایت تأسف مرجع صلاحیت علمی را به غرب کشانده اند؟ قانون تصویب می کنند به شرطی استادیار، دانشیار می شود که مقاله ای در نشریات خارجی بنویسد و یا بیشتر به

جذب فارغ التحصیلان خارج از کشور توجه می شود. ۴- عدم موفقیت در انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجو، ما هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی شناسیم. یکی از رسالت های دانشگاه انتقال فرهنگ اصیل از نسل گذشته به نسل بعدی و حفظ هویت جامعه باشد تا چه اندازه شاهد ایفای این نقش مهم و کارکردهای اساسی هستیم؟ ۵- خط و ربط گرفتن ازگروه های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها. آرایش جناحی در مورد مسئولان دانشگاه به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، سرنوشت دانشگاه را نباید ارتباطات سیاسی معلوم کند. بایستی تخصص، علم و شایستگی حرف اول و آخر را بزند نه اینکه هر کس به زد و بندهای سیاسی وصل شود، مقام بالاتری داشته باشد. ۶- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، و کثرت سرقت های علمی در انواع و اقسام آن ۷- فقدان رابطه مناسب با نهاد های تحقیقاتی و پژوهشی کشور و عدم رابطه تعریف شده با وزارتخانه های مربوطه و کارخانجات که در نتیجه کاربردی شدن مواد درسی دانشگاه را کم رنگ کرده و انگیزه پویایی را در دانشجویان کم کرده است. ۸- عدم پیگیری مطالبات صنفی که منجر به علم سوزی و تحقیقات سوزی شده است. ۹- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت های علم است. البته برخی ازا مشکلات فرهنگی که در جامعه دیده می شود، زاییده تهاجم فرهنگی دشمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شبهه های که در مورد بعضی از شخصیتها و اعتقادات اصیل اسلامی مطرح می شود. فاصله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشمن است. گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشکلات جامعه دانست. تخریب سنگرهای که می توان با استفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه. قبح ربا تا حدودی فراموش شده است و سن ازدواج هم بالا رفته است. دسیسه ها و تهاجم دشمن در ابعاد مختلف و مشکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضلاتی است که باید با تدبیر مسؤولان و هوشیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت. و بالاخره اینکه شیوه ها و راه کارهای فوق تنها بخشی از کار است و شما می توانید جهت اطلاع بیشتر در خصوص جزئیاتی که مورد نظرتان است سؤال نمایید تا دقیق تر بررسی و پاسخ داده شود.

چراتعداد الگوهای اعتقادی و عملی در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها اندک هست؟

پرسش

چراتعداد الگوهای اعتقادی و عملی در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها اندک هست؟

پاسخ

آنچه که از دانشگاه در نظام اسلامی انتظار می رود و مطلوب می باشد اینست که دانشگاه اسلامی باشد. و این قید اسلامی بودن آن با توجه به نقش و جایگاه و کارکردهای مهم دانشگاه در جامعه بسیار با اهمیت و قابل توجه همه مسئولین از امام راحل گرفته تا مقام معظم رهبری و سایر مسئولین فرهنگی بوده و می باشد. زیرا دانشگاه نقطه اساسی هر جامعه و کشور است . اگر دانشگاه اصلاح شود, آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. و اگر خدای نکرده دانشگاه پرورشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد, دانشگاه مطلوب انقلاب نبوده و موجب عدم توسعه و پیشرفت و به فساد و تباهی کشاندن جامعه و وابستگی و استیلای استعمارگران خواهد بود. بر این اساس دانشگاه مطلوب انقلاب با دو شاخص علم و ایمان سنجیده و مشخص می شود. رهبر معظم انقلاب می فرمایند: ((در دانشگاه اسلامی , علم با دین , تلاشگری با اخلاق و تضارب افکار با سعه صدر و تنوع رشته ها با وحدت هدف و کار سیاسی با سلامت نفس , تعمق و ژرف نگری با سرعت عمل و خلاصه دنیا با آخرت همراه است)) (روزنامه رسالت , ۵/۷/۱۳۷۵) یا در جای دیگر می فرمایند ((از شاخصه های اسلامی شدن دانشگاه ها, علمی شدن آنها است , عمیق شدن خود باور

بودن و اتکا به نفس داشتن دانشجو و استاد, از جمله نکات بارز دانشگاه اسلامی است , در دانشگاه اسلامی تدین و دین باوری وجه غالب است و در آن ایستادگی بر روی اصول , تسلیم ناپذیری در برابر دشمن و عزم و اراده در برابر تهاجم فرهنگی به زیر بنای مستحکم فکری است . دانشگاه اسلامی شکوفا و پر نشاط است و در آن علم و عالم عزیز و باکرامتند, دانشجو به قصد قربت درس می خواند و مظاهر فسق و فساد در آن وجود ندارد. بنابراین لازمه علمی شدن دانشگاه ها اسلامی شدن آنهاست , (روزنامه جمهوری , ۷/۱۲/۱۳۷۶) بنابراین دانشگاه مطلوب باید این چنین محلی باشد. اما آیا در عمل این ایده آلها و ارزشها تحقق یافته است ؟ متأسفانه علیرغم تلاش ها برنامه ریزی ها و مجاهدت هایی که توسط مراکز و نهادها و مسوئولین مربوطه و عناصر خدوم و فداکار در این زمینه صورت گرفته و دستاوردهای بسیار مثبت و ارزنده ای که به همراه داشته , هنوز تا رسیدن و دستیابی به آن هدف و جایگاه مطلوب راه طولانی مانده است . رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید: ((دانشگاه هنوز اسلامی نشده است ... این نمی شود مگر با یک تحول عمیق , بنیادی , دل سوزانه , بلند مدت , برنامه ریزی شده و همه جانبه))، (فصلنامه فرهنگی , شماره ۲۱, بهار ۱۳۷۵, ص ۱۷۴) البته هر چند بررسی عوامل جلوگیری و ممانعت از اسلامی کردن دانشگاهها, بحثی مفصل و خارج از موضوع ما می باشد ولی بصورت اختصار باید گفت که : بدلیل اهمیت و جایگاه دانشگاه در پیروزی انقلاب و آینده انقلاب : دشمنان داخلی و خارجی نظام اسلامی از این موضوع مهم غفلت نداشته و با تمام توان سعی در جلوگیری از اسلامی شدن دانشگاه و دانشجویان از طرق و روش های گوناگون داشته و دارند. البته عوامل متعدد دیگری از قبیل عوامل تاریخی , نواقص و نارسائیهای نظام آموزشی , عدم تحقق کامل وحدت حوزه و دانشگاه , تهاجم فرهنگی و... در این امر موثر می باشند. در این میان آنچه که به نظر می رسد در این فرآیند نقش اساسی داشته و دارد، عدم اجماع فکری میان مسئولین اجرایی کشور با مسئولین و دست اندرکاران دانشگاههاست. که متاسفانه بخشهایی از این مجموعه کلان یا اصلا به اسلامی شدن دانشگاهها معتقد نبوده و یا اینکه درک درستی از ضرورت این موضوع ندارند. نتیجه طبیعی این مسآله، ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام اسلامی در اسلامی کردن دانشگاههاست. مسلما تا زمانی که تمامی مجموعه تاثیر گذار بر دانشگاهها از مسئولین عالی رتبه گرفته تا هیئت های علمی دانشگاهها، به اسلامی کردن دانشگاهها نیاندیشند و برای آن ارزش قائل نشوند، توفیق کامل حاصل نمی شود. بنابراین اولین قدم هماهنگی کامل و اجماع فکری و حدت نظر تمامی مسئولان و دست اندرکاران دانشگاهها است که در صورت تحقق این مساله قطعا می توانیم جهش عظیمی در مساله اسلامی شدن دانشگاهها داشته باشیم ، البته مسأله برنامه ریزی و یافتن الگوهای مناسب و مفید نیز به عنوان گام بعدی اقدام ضروری و مهم است که باید توسط کارشناسان متعهد و متخصص صورت پذیرد. که امید می رود با توجه به به منابع عظیم اسلامی و تجارب و نظرات سایر اندیشمندان، این مرحله نیز با موفقیت کامل انجام شود. در آخر ذکر این نکته هم لازم است که با همه این مشکلات, بحمد لله دانشگاه و دانشجویان ما چه نسبت به قبل از انقلاب و چه در مقایسه با سایر کشورهای دیگر از وضعیت بسیار بهتری برخوردار بوده و دانشگاههای ما پر است از جوانان متعهد و انقلابی و پای بند به اصول و ارزشهای اسلامی و اساتید متعهد و متخصص که غیر قابل انکار می باشد.

درباره پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان چه راهکارهای عملی پیشنهاد میکنید". لطفا پاسخ را بصورت کاملا تشریحی بیان کنید

پرسش

درباره پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان چه راهکارهای عملی پیشنهاد میکنید". لطفا پاسخ را بصورت کاملا تشریحی بیان کنید

پاسخ

گرایش روز افزون بـه مـواد مخـدر و علـت آن نیـاز بـه انجـام پژوهش هـای دقیـق علمی دارد که این امر به عهـده کسـانی است که مسؤولیت سـلامت جامعه را به عهده دارند. مانند سازمان بهزیستی، سازمان های بهداشتی در سراسر جامعه، نیروهای انتظامی و... اما آنچه که در جامعه ما محسوس است و می توان به عنوان علت گرایش نوجوانان به مواد مخـدر مطرح کرد و لو به صورت غیر دقیق عبارتند از: ۱- روابط نامطلوب والـدین در خانواده با یکدیگر و همچنین با فرزندانشان نقش مهمی می تواند داشـته باشد چه این که کودکان چنین خانواده هایی معمولا از خانواده گریزانـد و با توجه به پایین بودن سن آنها و عـدم ثبات عاطفی و شخصـیتی آسـیب پـذیری آنها بالاست و یکی از آسـیب هایی که ممکن است به آنها برسد آلوده شدن به اسـتفاده از مواد مخدر است. ۲- فقر یا رفاه اقتصـادی هر دو می توانـد عامـل اعتیـاد به نوجوانان باشـد. آمار نشان می دهـد که تعـداد چشـمگیری از مشتریان مخـدر را افراد پر درآمد و ثروتمند تشـکیل می دهند. این خانواده ها با پول زیادی که در اختیار فرزندان خود قرار می دهند و عدم نظارت بر این که چگونه این پول را هزینه کننـد می توانـد عـاملی برای این که نوجوانان که از حس کنجکاوی بالایی نیز برخوردارنـد به خریـد مواد مخـدر روی بیاورنـد و بخواهند اسـتفاده از این مواد را مانند سایر کارهایی که انجام می دهند تجربه کنند. همچنین فقر نیز می تواند عامل اسـتفاده از مواد مخـدر باشـد چه این که شـیادان و دلالانی دنبال کسب درآمـد هسـتند. نوجوانان کم تجربه و نیازمند را برای توزیع مواد مخـدر به خـدمت می گیرنـد و همین کـار زمینه ای می شود که این افراد کم سن و سال و بی تجربه علاوه بر توزیع این مواد خود نیز به استفاده از آن مبادرت ورزند. ۳- عوامل اجتماعی مثل در دسترس بودن مواد مخـدر: یکی از مهمترین عوامل اعتیاد در همه سطوح سنی در دسترس بودن مواد مخدر است، چون چیزی که به آسانی در اختیار مردم قرار می گیرد گرایش به آن آسان تر صورت می پذیرد. عوامل دیگری نیز می توان برشـمرد که در گرایش نوجوانان به اسـتفاده از مواد مخدر نقش دارد. برای مبارزه بـا اعتیـاد و جلوگیری از عواقب شوم آن از قبیل سـست شـدن ارکان خانواده، اقـداماتی از قبیل: اشـتغال‌زایی و حل مشـکل بیکاری، گسترش امکانات تفریحی، ورزشـی، مبارزه قاطع با پخش مواد مخدر را باید سـرلوحه کارها قرار داد. به عبارت دیگر مشـکل اعتیاد جوانـان بلاـی خانمـان سـوزی است که ناشـی از فقر فرهنگی و بیکـاری است . همه بایـد تلاـش کنیم که بـا آگـاه کردن جوانـان و خانواده های آنها پوچی و بی هـدفی و لاابالی گری را از جوانان دور کنیم و آنها را با وظایفشان آشـنا سازیم . بایـد با فراهم کردن ارتباط و دوستی مناسب و صـحیح با جوانان و راه انـدازی مکان های فرهنگی - تفریحی و مـذهبی خوب و جذاب و برگزار نمودن مجالس مـذهبی و دعوت اهالی , آنان را جـذب کرده و خلائهای فکری و فرهنگی آنها را پر نموده آنها را به فکر اشـتغال مناسب و مفیـد و فعال بودن در جامعه بیانـدازیم و از بیکاری و بیهودگی و هـدر رفتن وقت آنها جلوگیری کنیم و از طرف دیگر با شـناسایی افراد فاسـد و سودجو و جنایتکـار که جوانـان را منحرف می کننـد و معرفی آنها به نیروهای انتظامی و مراکز قضایی جلوی گسترش فسـاد را بگیریم و زمینه را برای پـاک بودن جوانـان فراهم سـازیم . به هر حـال ; ارائه الگوهـای صـحیح , گسـترش فرهنـگ دینی , هدفمنـد کردن جوانـان در زنـدگی , فراهم کردن اشـتغال مناسب , ایجاد ارتباط و دوستی صـمیمانه و صـحیح , فراهم کردن امکان مطالعه و پیشـرفت و تفریحات سالم , سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی اسلامی می تواند جوانان ما را از افسـردگی و اعتیاد نجات بخشد. همه افراد باید در حد توان و امکاناتی که در اختیار دارند با بکارگیری راه های فوق الذکر به این هدف ایده آل دست یابند و بدانند که این کار فعالیتی بس مشکل و در عین حال سرشار از ثواب و پاداش است و دنیا و آخرت آنهـا و دیگران را آباد می سازد. لازم است با ذوق و سـلیقه و پشـتکار و به تناسب افراد و موقعیت ها از راه های ارائه شـده اسـتفاده کننـد و هرگز احساس خسـتگی و ناتوانی نکنند. به هر قیمتی شده با جوانان دوست شوند و آنها را جذب کنند تا جذب مراکز فساد نشونـد. لـذا ایثار و از خود گذشـتگی تنها سـرمایه این کار است که می توانـد ما را به هـدف برساند. در پایان از دلسوزی عاقلانه و دوراندیشـی مدبرانه شـما عزیز دانشـجو تقدیر و تشکر می کنیم و امیدواریم به دعای خیر حضرت صاحب الزمان (عج) در این کار

خطیر موفق باشید.

وقتی مردم اجتماع نمی خواهند درست شوند چه باید کرد؟

پرسش

وقتی مردم اجتماع نمی خواهند درست شوند چه باید کرد؟

پاسخ

مردمی که تن به اصلاح و درستی نمی دهند ناگزیر باید به ذلت و خواری و بیچارگی و زبونی بگرایند و انتظار رسیدن به رستگاری و سعادت را که تنها در پیروی از تعلیمات زندگی آفرین اسلام میسر می شود نداشته باشند. اما رمز تحرک جامعه در دو عنصر گنجانده شده است: ۱. تبین اهداف بلند و خوبیها. ۲. تبلیغ و پاسداری و پایداری در این هدف. کسانی که تحرک جامعه ی را می خواهند باید همت را در اجتماع زنده کنند و فاصله آنچه هستند و آنچه می توانند باشند را نشان دهند. انسان از سماوری که روشن نکرده انتظار چای نمی تواند داشته باشد. ما در قرآن کریم که این قدر اهتمام به سازندگی دارد می بینیم چگونه یونس((علیه السلام)) را به خاطر شتاب در پذیرش مردم مورد مؤاخذه قرار می دهد. در تاریخ ائمه((علیهم السلام)) و احادیث آنان چگونگی دعوت و پایداری و طبقه بندی افراد یک فرهنگ تحرک را پایه ریزی کرده است. باید با مطالعه ای کاربردی اقدام نمود. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۸ـ

چرا مسلمانان روزی را با عنوان عید قربان جشن می گیرند و چرا گوسفند قربانی می کنند؟

پرسش

چرا مسلمانان روزی را با عنوان عید قربان جشن می گیرند و چرا گوسفند قربانی می کنند؟

پاسخ

عید قربان یکی از اعیاد رسمی اسلامی است در این عید کسانی که برای انجام مناسک حج به مکه رفته اند در منی قربانی می کنند و کسانی نیز که در مکه نیستند شایسته است گوسفند قربانی کنند و گوشت آن را میان تنگدستان و مؤمنان تقسیم نمایند. شاید یکی از اسرار این که روز مذکور در اسلام عید شمرده شده است، این باشد که مسلمانان خاطره آمادگی حضرت ابراهیم و اسماعیل((علیهم السلام)) برای انجام فرمان خداوند و فداکاری در راه حق را زنده نگاه دارند و به یاد بیچارگان و مستمندان افتند و بدانند که در زندگی تنها نباید به فکر خویش باشند، بلکه باید به چنین کسانی نیز رسیدگی کنند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲۵ـ

آیا مراجع با گناه کردن مردم آن هم علناً راضی هستند؟

اشاره

چرا باتصویب یک قانون از طرف مجلس شورای اسلامی، گذاشتن نوارترانه را درمجالس عروسی ممنوع نمی کنند؟

پرسش

آیا مراجع با گناه کردن مردم آن هم علناً راضی هستند؟ چرا باتصویب یک قانون از طرف مجلس شورای اسلامی، گذاشتن نوارترانه را درمجالس عروسی ممنوع نمی کنند؟

پاسخ

۱) مراجع عالیقدر شیعه بالاتفاق درفتاوای خود مکرراً گوش دادن و پخش نوارهای موسیقی ومناسب با مجالس لهو ولعب را حرام اعلام نموده اند وبه هیچ وجه راضی به این کار نه مخفیانه ونه آشکارا نیستند . که دررساله های عملیه واستفتائاتی که ازآنان شده موجود می باشد . ۲) واما ازنظر قانون نیز قوانین متعددی قبلاً ـ از تصویب مجلس وشورای محترم نگهبان گذشته است، به عنوان نمونه یک مورد ذکر می شود : طبق ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی بند یک وسه هرکس فیلم، نوارویا هرچیزی که عفت واخلاق عمومی را جریحه دار نماید به نحوی که منتشر نماید ویا به معرض انظار عمومی بگذارد به حبس از ۳ ماه تا یکسال ویا جزای نقدی از ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال تا ۶ میلیون ریال وتا ۷۴ ضربه شلاق محکوم میشود. ۳) تمام مشکل دراین رابطه، سستی در برخورد با این منکر اجتماعی است. که متأسفانه هر چه می گذرد این سستی وبی تفاوتی هم دردستگاههای حکومتی بیشتر می شود هم درمردم. وبرای رفع این مشکلات حرکتی همه جانبه لازم است و به هر حال ساقط کننده تکلیف شرعی اشخاص نمیشود. کتاب قانون مجازات اسلامی

چرا با اقداماتی نظیر ....باعث کاهش علاقهٔ جوانان برای حضور در مساجد می شوید؟

پرسش

چرا با اقداماتی نظیر ....باعث کاهش علاقهٔ جوانان برای حضور در مساجد می شوید؟

پاسخ

بسیار مایل بودیم که سؤال خود را بطور صریح وشفاف بیان می فرمودید وبجای نقطه چین، اقداماتی که باعث کاهش علاقه جوانان برای حضور درمساجد می شود را دقیقاً می نوشتید تا ماهم با اطلاع دقیق از منظور جنابعالی پاسخ مورد نظر را ارسال می کردیم. اما بهرحال توجه شما را به مطلب ذیل جلب می کنیم : تلاش همهٔ مسئولان دلسوز نظام مقدس جمهوری اسلامی این است که علاقهٔ جوانان روزبه روز به مساجد بیشتر شود وحضور آگاهانهٔ این نسل پرتلاش با انسجام وهماهنگی بیشتر صورت پذیرد، از همین رو برنامه های متنوع گوناگونی را در مساجد تدارک دیده اند که برخی از آنها مورد اشاره قرار می گیرد : ۱. کانونهای فرهنگی مساجد با تنظیم برنامه های فرهنگی در جهت رشد واعتلای فرهنگ اسلامی تلاش می کنند. ۲. پایگاههای مقاومت بسیج با برنامه های آموزشی و ورزشی در جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان و بالا بردن آگاهیهای مذهبی جامعه تلاشهای شایسته ای انجام داده اند. ۳. سازمان تبلیغات اسلامی وبرخی از ارگانهای علاقمند همچون ادارهٔ اوقاف و آستان قدس رضوی و...نیز برنامه های خوبی را در مساجد اجرا کرده اند اما درعین حال باید اذعان داشت واقرار نمود تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصلهٔ زیادی داریم. ما هم معتقدیم نسل جوان امروز ایران اسلامی نیازمند توجه و عنایت بیشتری است خواسته های مشروع وبجای جوانان مؤمن ومتدین

در سایهٔ مناقشه های سیاسی بی نتیجه کمرنگ شده است. امید است که‌کارشناسان دلسوز ومتخصص، با برنامه‌ریزی دقیق درجهت تحقق اهداف جوانان ایران اسلامی با اتکال به خدای عزوجل گامهای مؤثری بردارند. ان شاءا...

چرا کسانی که می خواهند پسرشان را داماد کنند به ظاهر زندگی و ثروت نگاه می کنند ولی به نجابت دختر نگاه نمی کنند ؟

پرسش

چرا کسانی که می خواهند پسرشان را داماد کنند به ظاهر زندگی و ثروت نگاه می کنند ولی به نجابت دختر نگاه نمی کنند ؟

پاسخ

علت اینکه افراد در ازدواج به معیارهای ظاهری توجه دارند این است که دلبسته به ظواهر زندگی دنیا بوده و تنها معیارهای مادی و ظاهری را موثر درسعادت و خوشبختی فرزندانشان می دانند و آنطور که شایسته است به معیارهای واقعی در ازدواج توجه نمی کنند. اسلام برای انتخاب همسر ضوابط و معیارهایی معین کرده از زن و شوهر خواسته است در گزینش همسر آنها را مراعات نمایند . ایمان و اعتقاد ، خانواده ، اخلاق ، سلامت جسم و سلامت فکر و روان از جمله معیارهای اصلی د رامر مقدس ازدواج است که ضامن خوشبختی و سعادت زن و شوهر می باشد . به هر حال ازدواج امری مهم است و باید اندیشید و حساب شده باشد . انتخاب شریک زندگی به خاطر علل و انگیزه های اقتصادی و یا جمال و ظاهر ممکن است خطر آفرین باشد . در روایت است که ازدواج برای مال و یا جمال فردی سبب می شود که مالش موجب طغیان و جمالش مایه تباهی شود و نیز فرموده اند ازدواج برای زیبایی زن سبب پستی و سقوط اخلاق می شود و حتی ممکن است سبب طغیان گردد . اسلام به پدرها و مادرها توصیه میکند در انتخاب همسر برای فرزندانشان توجه و دقت کنند ولی اشکال تراشی نکنند آنچه برای صفای زندگی است اخلاق و ایمان و خلوص و صداقت است نه ثروت ، مدرک تحصیلی و از این قبیل موارد . خرده گیری والدین در این زمینه ها سبب محروم کردن دو جوان از تشکیل بنای زندگی بر محور معیارهای الهی شده و به فرموده امام حسن عسکری (سبب ایجاد مفسده در زمین خواهد شد .(کافی جلد ۴) فرزندان نیز باید از نظریات پدر و مادر و بزرگان خانواده در انتخاب همسر بهره گیرند و از تجربه آنها استفاده کنند و چنانچه انحرافی در آنها مشاهده کردند و دیدند که آنها دچار اشتباه هستند با کمک افراد عاقل و خردمند و همچنین با لحنی بسیار آرام و با توجه به رعایت احترام والدین به ارشاد آنها پرداخته و معیارهای واقعی در ازدواج را به آنها ارائه کنند و همچنین از دعا و درخواست از خداوند متعال و در ضمن توسل به آقا علی بن موسی الرضا (که در مورد ازدواج بسیار سفارش شده است غفلت نورزند .

چرا ارزشهای مذهبی در نزد جوانان ما کمرنگ شده است؟

پرسش

چرا ارزشهای مذهبی در نزد جوانان ما کمرنگ شده است؟

پاسخ

به عقیده روانشناسان دوران بلوغ و جوانی دوره بروز احساسات مذهبی و شکفته شده تمایلات ایمانی و اخلاقی است جوانان بطور

فطری مایلند از مبدأ عالم باخبر شوند خداوند خالق هستی را بشناسند و او را پرستش کنند جوانان به طبع انسانی خود در جستجوی حق هستند و در راه پی بردن به حقیقت مجاهده و کوشش می کنند و بدینوسیله تمایل فطری خودرا به معرفت ارضا می نمایند".۱" اما اینکه چرا در برهه ای از زمان این تمایل فطری کم رنگ شده و ارزشهای مذهبی جاذبه ای نزد جوانان ندارد باید گفت علل و عوامل مختلفی در کم رنگ شدن ارزشهای مذهبی نزد جوانان مؤثر است .استاد مطهری در کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر به تعدادی از این عوامل اشاره کرده است که این عوامل هنوز هم علت اساسی کم رنگ شدن ارزشها در زمان مانیز می باشد ایشان می فرمایند" : مسلماًعلت اعراض بسیاری از افراد این است که مفاهیم دینی و مذهبی بطور صحیحی به آنها تعلیم نشده است و در واقع آن چیزی که آنها انکار می کنند مفهوم واقعی خداوند و دین نیست و چیز دیگری است و درادامه می فرمایند : افرادی مانند من که با پرسش های مردم درباره مسائل مذهبی مواجه هستیم کاملاً این حقیقت را درک می کنیم که بسیاری از افراد تحت تأثیر تلقینات پدران ومادران جاهل یا مبلغان بی سواد افکار غلطی در زمینه مسائل مذهبی در ذهنشان رسوخ کرده است وهمان افکار غلط اثر سوء بخشید. وآنها را درباره حقیقت دین و مذهب دچار تردید و احیاناً انکار کرده است از این رو کوشش فراوانی لازم است صورت بگیرد که اصول و مبانی مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود. یکی دیگر از چیزهایی که موجب اعراض و تنفر مردم از خدا و دین و همه معنویات می شود آلوده بودن محیط و غرق شدن افراد در شهوت پرستی است که موجبات تحریک شهوات را فراهم کرده و احساسات مذهبی را می میراند. در تاریخ اندلس اسلامی یعنی اسپانیای فعلی می خوانیم نقشه ای که مسیحیان برای تصرف اندلس و بیرون کشیدن آن از دست مسلمین کشیدند این بودکه به صورت دوستی و خدمت وسایل عیاشی برای آنها فراهم کردند وباغها و بوستانها وقف ساختن شراب و نوشیدن و نوشانیدن مسلمین شد و دختران زیبا در خیابانها به دلربایی پرداختند و روح ایمان و جوانمردی مرد، پس از این جریان بود که توانستند مسلمانان را بیدرنگ از دم تیغ بگذرانند. یکی دیگر از علل گریز جوانان رفتار بعضی مدعیان تبلیغ دین است که شعارشان این است که اگر می خواهی دین داشته باشی گرد مال و ثروت نگرد، ترک حیثیت و مقام کن، شادمباش و شادی نکن، از خلق بگریز ....و امثال اینها، بنابراین اگر کسی بخواهد به غریزه دینی خود پاسخ مثبت دهد باید با همه چیز در حال جنگ باشد و بدیهی است که وقتی دین بدین گونه معرفی شود قطعاً مردم به دین بدبین خواهند شد. بنابراین برای اصلاح امور و قدردانی جوانان از دین می بایست این نکات را مورد توجه قرار داد : ۱- مربیان دین باید در درجه اول بکوشند که خود عالم و محقق و دین شناس شوند و به نام دین مفاهیم و معانی نامعقول در اذهان مردم وارد نکنند که همان معنای نامعقول منشأ حرکتهای ضد دینی می شود. ۲- مسئولین امر با برنامه ریزیهای اصولی در اصلاح محیط از آلودگیها بکوشند تا زمینه مناسب برای اثرگذاری تبلیغات دینی فراهم شود. ۳- به نام دین و به اسم دین با فطریات مردم معارضه و مبارزه نشود".۲ "البته ناگفته نماند که خانواده نیز نقش بسزایی را در شکفتگی احساسات مذهبی جوانان بر عهده دارند. و با این حال بعضی والدین از دادن تعلیمات لازم در این زمینه غفلت می ورزند از پیامبر اکرم(روایت شده است که ایشان بعضی از کودکان را دیدند و فرمودند" : وای برفرزندان آخرالزمان از پدرانشان، "عرض شد یا رسول ا.. از پدران مشرک آنها؟ فرمودند" : نه بلکه از پدران مسلمانشان که هیچ چیز از فرائض مذهبی را به آنان نمی آموزند و اگر خود فرزندان پاره ای از مسائل دینی را فراگیرند آنها را از اداء این وظیفه مقدس باز می دارند و تنها به این قانع هستند که فرزندانشان متاع ناچیزی از دنیا بدست آورند من از این قبیل پدران بری هستم وآنان نیز از من بیزارند ".۱. جوان ازنظر عقل واحساسات،آقای فلسفی امدادهای غیبی در زندگی بشر،شهید مرتضی مطهری،ص۴۴و۴۳

برای کار کردن یا مبادله کالا همه دروغ می گویند. آیا این حرفهایی که زده می شود درست است؟

پرسش

برای کار کردن یا مبادله کالا همه دروغ می گویند. آیا این حرفهایی که زده می شود درست است؟

پاسخ

از این که بـا مـا تماس گرفته ای و سؤال کرده ای، خوشـحالیم. و از درگاه حضـرت حق درخواست می کنیم، هر آنچه را که حق و حقیقت است، بر قلم قاصـر ما نازل سازد، تا نویسنده و خواننده منتفع و بهره مند گردند. روح اله جان ما نیز با شما هم عقیده هستیم. و از این که دروغ بسیار گسترده رواج دارد، بشـدت رنـج می بریم. و در هر جـا و بـا هر کس، و در هر موقعیـتی که زمینه مناسـب فراهم باشـد، سـعی می کنیم این نقیصه و معضـل اجتمـاعی را گوشـزد کنیم. ولی مـادامی که بصـورت فراگیر عمـل نشـود، معضـل کـاهش نمی یابـد. دروغ از گناهـان بزرگ و کـبیره اسـت، ولی متأسـفانه قبـح و زشـتی آن آنگـونه که شایسـته است، در جـامعه ما جانیفتاده است؛ و گاهی نیز با توجیه، از قبح آن می خواهند بکاهند. دروغ به عنوان یک مرض روحی روانی، از ابتدای کودکی در افراد بوجـود می آیـد. کـودک بطور فطری از دروغ متنفر است. ولی وقـتی دیگران و بسـتگان دروغ می گوینـد، و یـا او را وادار به دروغ گفتن می کننـد، به مرور زمـان برای او نیز قبـح و زشتی آن از بین می رود. کم کم هنگام دروغ گفتن، احساس گناه نیز نمی کند. و در مرتبه بالاتر، آنرا مصلحتی می شمارد، و دروغ گفتن را جایز می شمرد، یعنی امری که گناه بحساب نمی آید. برای مقابله با دروغ گویی، لازم است یک نهضت عظیم اخلاقی در جامعه راه اندازی شود. و همگان به عنوان یک وظیفهٔ دینی وانسانی، سـعی کننـد از دروغ گفتن اجتناب ورزند. و کودکانشان را از این امر زشت نهی کنند. مدارس و مراکز آموزشـی و مسؤولان امور تربیتی، و صـاحب نظران کشوری و لشـکری، و... ، و روحانیت عظیم الشأن و طلاب علوم دینی، و دانشـجویان دانشـگاهها و مراکز آموزش عالی، و دانش آموزان، و جوانانی فهیم هماننـد تو، تصـمیم بگیرند نهضتی اخلاقی در کشور به راه اندازند. در این صورت، به مرور زمـان عمل به فضائل اخلاقی، و دوری از زشتیهای اخلاقی، فرهنگ خواهـد شـد. به هر حال مادامی که چنین عزمی بوجود نیایـد، و مسؤولان مختلف در سطوح گوناگون، و پدران و مادران و بزرگان و اولیاء تربیتی و آموزشی و ... ، از دروغ گفتن اجتناب نورزند، و تنهـا به بیان قباحت آن اکتفا شود، ولی کمتر به آن عمل کننـد، همچنان شاهـد رواج این رذیله زشت اخلاقی خواهیم بود. در این شرایط، جوانان عزیز و برومنـد و آشـنا به حقایق و فضائل و کرامات انسانی، همانند شـما برادر عزیز، باید ضـمن مراقبت شدید برای آلوده نشـدن به این امر قبیـح، با همت والا و تلاش مجـدّدانه، و با لطافت و مهربانی، و با شـیوه های درست و عاطفی، سـعی کنند تا جایی که برایشان مقدور است، در خانه، مدرسه، بازار و ... ، راستی را ترویج، و از دروغگویی نهی کنند. البته شـناخت ضـرورتها و جاهایی که دروغ گفتن اجتناب ناپـذیر است، و انسان مجاز است و حتی مکلّف، که دروغ بگوید، نیز برای جوانانی چون شـما عزیز گرانقـدر، لازم و ضـروری است. تا ضـمن بهره منـدی از این آگاهی وعمل به آن، بتوانیـد در جاهایی که با دروغ مواجه می شوید، تشـخیص بدهیـد که آیا دروغ گفتن در اینجا ضـروری و غیر حرام است، یا خیر و نیز به سایر افراد و اعضای جامعه نیز تنبّه بدهید، و آنان را با این مسائل آشـنا کنیـد. بخصوص کسانی که با توجیه و تأویل نابجا، می‌خواهنـد بر اشـتباه خودشان صـحّه بگذارند. بدون شک دروغ گفتن حرام مسلّم و قطعی است، و کلید بسیاری دیگر از شرور و بدیهاست؛ و جز در موارد استثنائی، عذاب شدیدالهی را در بردارد؛ و بایـد از شـرّ آن به خـدای بزرگ پناه برد. آرزو می کنیم در راسـتگویی و صـداقت، و اجتناب از دروغ، و بازداشـتن جـامعه از رذیلـه زشـت دروغ، و ترویـج فضـیلت راسـتی و درسـتی، توفیـق الهی نصـیب و روزیـت گردد. موفـق و سـربلند باشـی.

منـابع و مآخـذ : جهت آگـاهی بیشـتر در مورد دروغ، مراجعه کنیـد به : کتـاب گناهـان کبیره آیت ا...شهید دستغب، وسایر کتب اخلاقی

***- آیادر مجالس روضه ویامیهمانی های مـذهبی مثل عاشورا اربعین و.....که به خاطرائمه (ع) برگزار می شود وعـده ای میهمان دعوت**

می شوند اینکه خیلی ساده برگزار نشود وکمی باسلیقه تر ومرتب تر وبا ذوق بیشتر دروسایل ولباس های افراد باشد اشکال دارد ؟ یعنی ممکن است مورد

پرسش

*- آیادر مجالس روضه ویامیهمانی های مذهبی مثل عاشورا اربعین و.....که به خاطرائمه (ع) برگزار می شود وعده ای میهمان دعوت می شوند اینکه خیلی ساده برگزار نشود وکمی باسلیقه تر ومرتب تر وبا ذوق بیشتر دروسایل ولباس های افراد باشد اشکال دارد ؟ یعنی ممکن است مورد قبول واقع نشود ؟

پاسخ

برگزاری جلسات مذهبی امری است بسیار خوب وپسندیده به شرط این که درآن جلسات گناه و معصیت و وهن نسبت به ائمه صورت نپذیرد . اما منظم وتمیز بودن پذیرایی عالی کردن ازشرکت کنندگان درصورتی که ازروی اخلاص باشد نه تنها مورد قبول میباشد. بلکه امری است مطلوب وارزشمند فقط باید به این نکته توجه کنیم که اعمال ما بانیت ها سنجیده می شود. نه باصورت ظاهری یعنی اعمال ما باید کیفیت داشته باشد. درهر جلسه زیبندگی و زیبائی و تمیزی و مرتب بودن پسندیده است . اما در هر جلسه چه عروسی و چه عزاداری و جشنها میلاد ائمه «علیهم السلام »و میهمانیها خانوادگی و جشن تولد , و هر گونه شب نشینی باید از اسراف , تبذیر , ریخت پاش , بی جا که باعث تلف شدن نعمت خدا است و در عوض گرسنه ماندن عده ای از مردم حاشیه نشینان گرسنه قشر آسیب پذیر می شود جلوگیری کرد و آیه { کلوا و اشربوا و لاتسرفو ا } فراموش نشود . منابع : مسائل جدید ازدیدگاه علما ومراجع تقلید .

۱- لطفا شیوه ترویج فرهنگ اطاعت از اهل بیت علیه السلام » به جای تشریفات برای اهل بیت علیهم السلام » رابیان فرمایید ؟ اطاعت بهتر است یا تشریفات و مراسم ؟

پرسش

۱- لطفا شیوه ترویج فرهنگ اطاعت از اهل بیت علیه السلام » به جای تشریفات برای اهل بیت علیهم السلام » رابیان فرمایید ؟ اطاعت بهتر است یا تشریفات و مراسم ؟

پاسخ

باتشکر از دلسوزی و احساس مسئولیت شما نسبت به ترویج فرهنگ اسلام و اهل بیت (ع) هر کس برای رسیدن به اهداف خویش در کمین فرصت است هم مسلمانان و هم کافران. امیر المومنین علی (ع) می فرمایند :{ انتهزوا فرص الخیر فانها تمر مر السحاب} (۱) ترجمه : «فرصتهای خیررا غنیمت شمارید زیرا همانند ابرها می گذرد » در تبلیغ معارف و فرهنگ اطاعت از رسول و ائمه اطهار مبلغ نیز باید با بهره گیری هوشیارانه از فرصتها باید بدنبال نشر معارف و احکام دین باشد. پیامبران در فرصتهای مختلف برای اهداف عالیه خود بهره ی جستند و از تبلیغ دین خود از عهده اینکار خوب برمی آمدند . حضرت یوسف (ع) در زندان مقابل زندانیان مادی مسلک دلباخته زر و زیور می فرماید :{ رب الجن احب الی مما یدعونی ....}(۲)« خدایا زندان را با تمام سختیایش برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا بدان می خوانند.» دنباله داستان زندان یوسف (ع) دو زندانی خواب می بینند و برای

تغییر خواب حضور یوسف (ع) شرفیاب می شوند و از او تعبیر خواب میخواهد . یوسف از فرصت استفاده کرد و ضمن آنکه قول میدهد که صبر کند تعبیر خوابتان خواهم گفت لیکن از خدای خود سخن به میان می آورد و بدنبال آن می فرمایند : { یا صاحبی السجن اارباب متفقرون خیرام الله الواحد الهقار} (۳) حضرت با ایجاد یک سوال تأمل بر انگیز شکی بر اندیشه خفته آنان وارد می کند. و سوال میکند ای دو رفیق زندانیم آیا خدایان پراکنده بتها و الهیه اساطری بهترند یا خدای یگانه مقتدر . و فطرت خفته آنان را بیدار میکند و سپس به تعبیر خواب آنان می پردازد و ایضا حضرت ابراهیم (ع) هنگامیکه شهر را ساکت و آرام می بینید تردردست همه بتها را روی زمین می ریزد و و قتی مردم به شهر برگشته و به بتخانه بتها را سرنگون و شکسته مشاهده میکنند کارشناسان ابراهیم (ع) را متهم ردیف اول میدانند ابراهیم را دستگیر و به محل وقوع جرم می آورند و سوال میکنند ,که این کار توست ؟ ابراهیم (ع) فرصت طلائی را از دست نمی دهد و می فرماید :{ بل فعله کبیرهم فسئلواهم ان کانو ینطقون } ترجمه : «آن بت بزرگ اینها را شکسته است اگر سخن می گویند از آنها بپرسید !! بت پرستان بخود آمده و به یکدیگر گفتند در حقیقت شما ستمکارید و این همان نتیجه ایست که ابراهیم (ع) به دنبال آن بود» . پیامبر بزگوار اسلام (ص) هم به طور کلی هیمن روش را پیگیر ی میکردند و نزول تدریجی قرآن غالبا بر اساس بیان معارف دینی بوده است , هنگامیکه حادثه ای پیش می آمد یا مسئله ای مطرح میگردند و اذهان مردم را بسوی مطلبی متوجه ساخت به همان مناسب و درهمان فرصت آیاتی از قرآن مجید نازل میگردید . گاهی رسول خدا (ص) فرصت سازی کرده و سپس پیام خود را ابلاغ مینمودند. بعنوان مثال پیامبر (ص) همراه اصحاب خود از بیابان بی آب و علف میگذرند حضرت به اصحاب فرمان گرد آوری هیزم میدهند آنان میگویند . یا رسول الله اینجا کویر است و هیزم نایاب پیامبر فرمودند : برگردید هر چه یافتید بیاورید مسلمانان به امر پیامبر (ص) به دنبال هیزم در بیابانها پراکنده شدند و هرکس مقداری هیزم ناچیزی با خود آورد و روی هم ریختند و تپه ای هیزم نمودار گردید, در این جا بود که پیامبر (ص) فرصت را غنیمت شمرده و فرمود « گناهان شما در حالیکه اندک بنظر میرسد اینگونه گرد می آید و شما از آن بی خبرید » شیوه ترویج و تبلیغ فرهنگ اهل بیت (ع) باید از فرصتهای ماهها ی رمضان محرم , صفر , ایام فاطمیه , تابستان و ایام تولد امامان و شهادتشان استفاده بهینه کرد و فرا خوانی عمومی بسوی خدا و عمل نیکو و سیره پیامبر و ا ئمه اطهار کتابهای ما شیعیان پراست از احادیث و کلمات گهر بار که سعادت دنیا و آخرت پیروانشان در آن نهفته است بمردم برسانیم و از مراسمات مذهبی کمال استفاده را ببریم . البته این را نباید منکر شد که گاهی تشریفات و مراسم تاثیر آن بیشتر است . اما تشریفات و مراسمی که موجب وهن دین و برزخ و اسرافکاری نباشد و در لابلای مراسمات و تشریفات نکات سازنده از زندگی پیامبران و امامان (ص) به شنوندگان و بینندگان القاء نمود . خدا به شما توفیق بیشتر مرحمت فرماید. البته منظور شما از تشریفات واضح نیست؛ اگر منظورتان خرج و مخارجی است که در حرم مطهر انجام میشود ,که آن خودش دارای توجیهی است که باید در جای خود بیان شود. اگر منظور شما مجالس استکه برای اهل بیت (ع) برگزار می شود, که این خودش یک نوع بستر سازی است تا بتوان تبلیغ کرده برای تبلیغ زندگی ائمه باید فضا و بستر آماده باشد و الانمی شود پیام ائمه (ع) رابه دیگران انتقال دارد و پس از نوعی این تشریفات واجب و لازم است که مقدمه ای هستند انجام آن واجب که تبلیغ فرهنگ ائمه (ع) است . منابع : ۱-غررالحکم ۲-سوره مبارک یوسف , آیه ۳۳ ۳-سوره مبارکه انبیاء , آیه ۶۳

۱- لطفا بفرمائید چگونه میتوان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را درجامعه امروزی بصورت یک فرهنگ در آورد ؟

پرسش

۱- لطفا بفرمائید چگونه میتوان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را درجامعه امروزی بصورت یک فرهنگ در آورد ؟

پاسخ

بااهداء سلام وآرزوی توفیق الهی ضمن تشکرازحسن اعتمادشمابه این بخش پاسخ سؤال مطرح شده به حضورتان تقدیم می گردد. در کل ازدواج در دین اسلام آسان است و این ما هستیم که در طول سالها و قرن ها با افزودن پیرایه و تشریفات دست وپا گیر موانع پیچیده و دشواری سر راه ازدواج ایجاد کرده ایم . ولی اگر به دستوارت اسلام عمل کنیم تمام موانع برداشته خواهد شد و امر مقدس ازدواج برای همگان سهل و آسان می شود. مشروط بر اینکه همه تصمیم بگیرند تا دستور های اسلام را بپذیرند و به آن عمل کنند . اما بعضی از مشکلات مصنوعی و غیر معقول باعث شده بسیاری از دختران و پسران و زنان و مردان در تنگاه قرار بگیرند و از ازدواج غولی وحشتناک برای آنها ساخته است . از جمله ی این مشکلات : ۱-تشریفات و پیرایه های عریض و طویل و مهریه ی سنگین . ۲- مشکل پسندی به بهانه های مختلف. ۳-مسئله ی ناداری و فقر. ۴- آزادی غلط و گریز از مسئولیت سرپرستی خانواده. ۵-عذر ادامه تحصیل . ۶- تأخیر ازدواج به بهانه ی آنکه هنوز زود است. ۷- مشکل عدم توافق پدر و مادر یا فرزندان یا اقدام شوهر اول. ۸- مشکل مسکن. ۹- ترس از بچه دار شدن یا تقدس بینی و تعصب غلط وفاداری به شوهر اول . که باید هر یک از اینها به گونه ای حل شود : ۱) حذف تشریفات و رسم های غلط: جوانی که هنوز از نظر اقتصادی لوازم ابتدایی زندگی خود را نتواسته تأمین کند و به سن ازدواج رسیده و کل سرمایه او مثلا؛« ۵۰ هزار تومان» است, ناگهان متوجه می شود که ازدواج او نیاز به دو برابر پول او دارد در صورتی که اگر اسلامی عمل شود بایست هزار تومان آن برای ازدواج ساده کافی باشد . ولی بعضی در همان اول کار با قرض وقوله و اقساط و چک و سفته درگیرشده و ابتدای زندگی شیرینش با رنجهاو تخلیها همراه است ؟ در مورد مهریه هم نظر اسلام روی کم گرفتن میزان مهریه است به طوری که پیامبراکرم « صلی الله علیه واله » می فرماید : « خوش قدمی و برکت زن در کمی مهریه اوست و کم پولی برای جوان عیب نیست بلکه باید تشریفات زائد و اسراف ها و رسوم واهی و غلط را در همه ی امور زندگی در مراسم ازدواج حذف کنیم و مطابق دستورات اسلام و شیوه پیشوایات بزرگ اسلام رفتار نمائیم تا امر مقدس ازدواج برای همگان آسان شود . ۲) مشکل پسندی : یا وسوسه در انتخاب همسر چه از طرف پسر و چه از طرف دختر چرا که یگانه هدف آنها از ازدواج جمال و زیبایی ظاهری است از این رو دختران یا زنان معرفی شده را به خاطر قیافه شان نمی پسندد یا Θ…j…Ơ…و زنان خواستگاران را از نظ…جمال و قامت پسند نمی کنند. اگرچه زیبایی از نظر اسلام معیار ازدواج محسوب میشود, اما مشکل پسندی به بهانه های غیر منطقی نباید در میان باشد و گرنه توفیق به دست نمی آید . رسول خدا فرمود : «کسی که در ازدواج هدفش تنها زیبایی است به این هدف نخواهد رسید. و کسی که هدفش ثروت است , خدواند او را به همان ثروت وا می گذارد او (ثروت عامل نجات او نخواهد بود) بنابراین بر شما باد به اینکه همسر دیندار بر گزینید. «وسائل , ج ۱۴ , ص ۳۱ » ۳) فقر و نداری : بسیاری به خاطر اینکه خواستگار فقیر است , یا شغل پر در آمد ندارد , جواب منفی به او داده اند و بسیاری برای خواستگار به درخانه ی مستمندان نمی روند. بلکه سراغ ثروتمندان را می گیرد .از آنجا که فقر و نداری , برای بعضی بهانه ای است برای ازدواج نکردن , قرآن به تمام مسلمانان خطاب می کنند : { ان یکونو ا فقرا ء یغنهم من فضله و الله واسع علیم }یعنی :« اگر فقیر و تهدیست هستند خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می سازد , خداوند وسعت بخش و آگاه است.» (آیه ۳۲ ,سوره مبارکه نور) پیامبراکرم « صلی الله علیه واله » هم فرمود : کسی که از ترس فقر و هزینه ی عیالمندی ازدواج نمی کند سوءظن به خدا دارد . راه حل مشکل فقر , همت مردم را می طلبد تا تشریفات و مخارج غیر لازم ازدواج حذف گردد و هزینه های بیجا از میان برود و ساده زیستن و توجه به معنویات به عنوان یک اصل دنبال شود تا ازدواج و تداوم آن برای همگان آسان باشد . ۴)آزادی غلط و گریز از مسئولیت سرپرستی خانواده : بعضی از جوانان می گویند: ازدواج انسان را مقید و مسئول می کند. زنانشان می گویند : آزاد باشیم بهتر از این است که آقا بالا سر داشته باشیم. اگر انسان زن و بچه نداشته باشد همه جا می تواند برود , شب

دیر به خانه برگردد و کسی او را بازخواست نمی کند و گفتار ی از همین قبیل . این همان آزادی غلط و گریز از مسئولیت است.اما ازدواج انسان را مقید و کنترل و منظم می کند در صورتی که انسان بی بند و باری می خواهد. و دوست داردکه هیچگونه قانون و ضابطه ودست اندازی سر راه او نباشد غافل از اینکه این آزادی به طور سریع او را به سوی هلاکت می کشاند . ۵)عذر ادامه تحصیل : بعضی ادامه تحصیل را بهانه ای برای ترک ازدواج با تأخیر آن قرار می دهند و همین باعث می شود, که تا آخر عمر ازدواج نکنند و یا در سن بالا ازدواج کنند در صورتی که سن ازدواج سن جوانی است و ادامه تحصیل و امثال اینها عذر موجه برای آنها محسوب نمی شود . ۶)تأخیر ازدواج به بهانه ی زود بودن آن : آئین اسلام که آیینی کامل و سلامت بخش است درباره ی تسریع در امر مقدس ازدواج تأکید فراوان می کند و هرگز چنین بهانه ای را نمی پذیرد . روزی پیامبر « صلی الله علیه واله » مردم را به مسجد دعوت کرد و بالای منبر رفت و خطاب به مردم گفت : «جبرئیل نزد من آمد و این پیام را از طرف خدا به من داد و گفت : دوشیزه گان همانند میوه های روی درختان هستند , که اگر رسیده شوند باید آنها را چید و گرنه تابش خورشید آن میوه را تباه میکند .و باد اجزای فاسد شده ی آنها را پراکنده می سازد . همچنین دوشیزه گان وقتی که به سن رشد رسیدند دوایی برای آنها جز شوهر انشان نیست و در غیر این صورت در پرتگاه خطر فساد هستند. زیرا آنها هم بشر می باشند. « فروع کافی , ج ۵ , ص ۳۳۷ » ۷)مشکل عدم توافق پدر و مادر یا سایر بستگان : بعضی فامیل به جای اینکه تلاش در تشکیل پیوند دو جوان بکنند در عوض با سنگ اندازی , گره در کار ازدواج جوانان می اندازند از نظر اسلام عدم توافق بستگان هیچگونه مانع بر سر راه نخواهد بود و فقط در ازدواج دختر و دوشیزه اجازه ی پدر شرط است . و او هم اگر به حد رشد رسیده و مصلحت خود را تشخیص می دهد. هر گاه همسر مناسب پیدا شود به فتوای بسیاری از مراجع تقلید اجازه ی پدر و مادر در این مورد نیز شرط نیست. باید توجه داشت که پیامبر اکرم « صلی الله و علیه واله » فرموده : پدری که فرزندش به حد بلوغ رسیده و امکانات ازدواج او را داشته و در عین حال به آن اقدام نکرده در گناهی که فرزندش بر اثر بی همسر ی انجام می دهد شریک بوده و آن گناه برای هر دو نوشته می شود . « وسائل الشیعه , ج ۱۵ , ص ۱۰ » ۸)مشکل مسکن : اگر چه این مشکل اساسی است. اما در عین حال نباید سد راه ازدواج گردد زیرا ؛ اولا : بسیاری پس از ازدواج این مشکل را حل کرده و دارای مسکن میشوند : ثانیا : روی هم رفته وقتی که زیانهای بی همسری را با مشکل مسکن مقایسه می کنیم ضایعات مشکل مسکن بسیار کمتر از ترک ازدواج است. ثالثا : مشکل مسکن باید با همت و کاردانی بر اساس روحیه ی استقلال طلبی و بعلاوه تعاون و همکاری دولت و ملت حل گردد . ۹) تر س از بچه دار شدن : بعضی ازنظر نیازهای مادی و بعضی تربیتی و فرهنگی به این موضوع می نگرند .از نظر مالی پیامبر اکرم «صلی الله علیه واله » می فرماید : هر کس ازدواج را به خاطر ترس از مخارج زن و فرزند ترک کند به خدای بزرگ سوء ظن دارد . « وسائل الشیعه , ج ۱۴ , ص۲۴ » از نظر فرهنگی هم اختیار با خود انسان است او می تواند با کنترل های شرعی فرزند خود را هر طور می خواهد تربیت کند . ۱۰) تقدس بی جا و تعصب غلط و فاداری به شوهر اول : هیچ جای اسلام نیامده که باید به شوهر اول وفادار بود ودر صدر اسلام زنان پاکدامن و مورد قبول خاندان نبوت پس از فوت یا شهادت شوهر اول ازدواج مجدد می کردند و آن را موجب خشنودی خدا می دانستند. اگر این عوامل و مشکلات برداشته شود , براستی می توان ازدواج آسان توأم با احکام الهی را در جامعه گسترش داد . « ازدواج آسان و شیوه ی همسر داری , محمد مهدی اشتهاردی , ص ۹۴ – ۱۵۷ » برای اطلاعات بیشتر به کتا بهای زیر مراجعه کنید . ۱–راهنمای ازدواج و طلاق , حسن جمشیدی و عطاری کرمانی. ۲– بهداشت روانی ازدواج , احمد حسینیا. ۳– جوانان می پرسند و با چه کسی ازدواج کنیم ؟ استاد اسد الله داستانی بنیستی .

۱–چگونه می توان از جریان حادثه کربلا درزندگی فردی و اجتماعی الگو برداری کرد ؟

پرسش

۱-چگونه می توان از جریان حادثه کربلا درزندگی فردی و اجتماعی الگو برداری کرد ؟

پاسخ

دوست عزیز: از حادثه کربلا و وقایعی که در تاریخ کربلا آمده الگوهای زیادی می توان برداشت کرد و در واقع جزء، جزء جریان کربلا سرمشق و الگو است و انسان هر چه تأمل و تفکر بیشتری دروقایع و ریزکاریهای این حادثه داشته باشد نکات جدید تری را کشف می کند، چرا که حادثه کربلاـ تجسم عملی اسلام است . استاد مطهری در این زمینه می فرماید : خود این حادثه تمام این حادثه تجسم اسلام در همه ابعاد و جنبه ها این حادثه حادثه ای است شبیه پذیر نمایش پذیر دارای سوژه های بسیار زیاد که گویی برای نمایش دادن تهیه کرده اند و از اینکه این حادثه نمایش پذیر و شبیه پذیر است اینست که تجسم فکر و ایده چند جانبه و چند بعدی اسلام است با همه جنبه ها واصول اسلامی عملا در این حادثه تجسم پیدا کرده است اسلام است در جریان ودر عمل ودر مرحله تحقق حادثه کربلا خودش یک همایش از سربازان اسلا م است اما نه نمایش که صرفا نمایش یعنی صورت سازی می باشد آدمکهایی بسازند و صورتی درست کنند ولی در واقع حقیقت نداشته باشد مثلا آیه (ان الله اشتری من المومنین انفسهم و امولهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله)(۳) یعنی خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری نکرده است آنها در راه خدا جهاد می کنند در این حادثه کربلا خودش را در عمل نشان می دهد (۴) همانطور ذکر شد حادثه کربلا تجسم عملی اسلام است آیات قرآن که راه و رسم زندگی را نشان می دهد در این حادثه عینیت یافته است . یک از دیگر آیاتی که حادثه کربلا تجسم یافت و به نمایش در آمد آیه (من الناس من یتخذ من دون الله اندادا سیحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله (۵) یعنی بعضی از مردم خدا را همانند خدا می گیرند و چنانکه خدا راد وست داشت آنان دوستی ورزند و لیکن آنها که اهل ایمان هستند کمال محبت و دوستی و علاقه شان به غیر خدا به اندازه خداست حال ببینیم امام حسین (ع) جزء کدام گروهند کدام کسانی که دلبستگی ودوستی و علاقه شان به غیر خدا به اندازه خداست یا کسانی که بیشترین دوستی ودلبستگیشان را به خداوند اختصاص داده اند در حادثه کربلا امام حسین علیه السلام نشان می دهند که اهل ایمانند و شدید ترین دوستیها و محبت ها را در ارتباط با خدا دارند{ والذین امنوا اشد حبا لله}هستند استاد مطهری در این زمینه چنین می گویند : ما بچه ها یمان راد وست داریم آیا حسین بن علی بچه های خود راد وست نداشت مسلما او بیشتر دوست داشت ابراهیم خلیل هم اینطور نبود که کمتر از اسماعیلش راد وست داشته باشد خیلی بیشتر دوست داشت به این دلیل که از ما انسان تر بود و این عواطف عواطف انسانی است او انسان تر از ما بود و قهر ا عواطف انسانی او همه چیز بیشتر بود حسین بن علی بیشتر از ما فرزندان خود را دوست داشت اما در عین حال او خدا را از همه کس و همه چیز بیشتر دوست داشت و در مقابل خداوند در راه خدا هیچ کس را به حساب نمی آورد (۶) در تاریخ واقعه کربلا آمده است هنگامیکه عده ای به امام حسین پیشنهاد میدادند خود که می روید اهل بیت را در این سفر خطر ناک همراه نبرید فرمودند : در عالم رویا(رویا امام بارویای مردم عادی فرق می کند خواب امام برایشان حجت است) جدم به من فرموده است (ان شاء الله ان یراک قتیلاـ یعنی خداوند اراده کرده که ترا کشته ببیند و برای خانواده ام نیز فرموده :ان شاء الله ان یراهن سبایا یعنی خداوند خواسته که اینها اسیر باشند البته منظور از اینکه گفته شده خداوند اراده تشریعی است مثلا خداوند درباره زکات می فرماید : {یرید لیطهرکم} یعنی خداوند پاکی شما را اراده کرده است در اینجا معنای اراده این نیست که چون خداوند اراده کرده مردم مجبور باشند زکات بدهند بلکه منظور اینست که رضای حق در دادن زکات است در اینجا نیز رضای حق و مصلحت الهی در کشته شدن امام حسین (ع) و اسیر شدن اهل بیت علیهم السلا م بوده است (۷) یکی دیگر از آیه هایی که در حادثه عاشورا را تجسم یافت و به نمایش د رآمد و سرمشق عملی انسانها شد آیه{ لقد جائکم رسول من انفسکم عزیزعلیه ماعنتم حریص علیکم با المومنین

رئوف رحیم (۸) یعنی همانا رسولی از جنس خود شما برای خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری فقر وپریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می آید نجات شما حریص و به مومنان مهربان است می باشد . اسلام دین محبت ومهرورزی است اما همانطور که گفتیم این محبت ها جهت دارند و جهت آن خدایی است .ممکن است کسی چیزی یا کسی را به خاطر خود خواهی منافعش دوست داشته باشد که اگر آن منافع تامین نشود آن دوستی هم نیست اما گاهی دوستیها به خاطر خداست دوستی و محبت امام حسین علیه السلام از اینگونه دوستیها و محبت ها بود وجود مبارک ابا عبد الله از بدبختی سیاهی که به جنگش آمده بودند متاثر بود نمی خواست حتی یک نفر شان به این حال بماند و تمام سعی خود را برای بر گرداندن آنها کرد : می گویند ابا عبدالله برای آنکه آنها را از جنگ با دین منصرف کند یک دفعه سوار شتری می شوند و می روند اندرز می دهند و بر می گردند عمامه پیامبر را به سر می گذارند لباس پیامبر را می پوشند سوار اسب می شوند وبسوی آنها می روند بلکه بتوانند از این گروه شقاوت کار کسی را کم کنند . در اینجا حسین علیه السلا م یکپارچه محبت است یکپارچه دوستی است که حتی دشمن خود را هم واقعا دوست دارد . آیه دیگری که در عاشورا تجسم یافت و جان گرفت آیه { ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخیر منوعا الا المصلین (۹) یعنی انسان مخلوقی سخت حریص و بی صبر است چون شر وزیانی به او رسد جزع و بیتابی می کند و چون مال ودولتی به او رو کند منع احسان کند مگر نماز گزارآ نکه اینگونه نیستند امام حسین علیه السلام در حادثه کربلا نشان دادند که از مصلین واقعی هستند که در کوران حوداث و سختی ها با جزع و فزع و بی تابی نمی افتنداین آیه کریمه در جای جای حادثه کربلا- تجسم یافته وجان گرفته است اما اوج تجسم آن در شب عاشورا است . از مظاهر درخشنده حادثه کربلا تجلیات بزرگ الهی آن موضوع جمع کردن ا صحاب در شب عاشورا و سخنرانی امام حسین علیه السلام برای آنها ست باید در نظر داشت که این سخنرانی در شب عاشورا است هنگامی که عوامل محیط از هر جهت نامساعد و نا امید کننده است در چنین شرایطی هر سردار و رهبری که تنها مادی فکرکند جز لب به شکایت گشودن کاری ندارد .منطقش اینست : افسوس که بخت با ما مساعده نشد ..... مثل نا پلئون می گوید طبیعت با من مساعدت نکرد همه سخنانش شکایت ازروزگار و احساس یا س است آنچه شرایط را برای او سخت تر می کند اینست که زنان و فرزندان و خواهرانش تا ۲۴ ساعت دیگر اسیر دست دشمن می شوند برای یک مرد غیور و فداکار این خیلی سخت و ناگوار است . در یک چنین وضعی دیگران چه کرده اند ؟ مادر تاریخ می خوانیم که المقنع وقتی که محصور شدو در شرایط نامساعد و نا امید کننده ای قرار گرفت اول خاندان خود را کشت بعد خودش را همچنین است یکی از خلفای اموی که در هنگام گرفتاری همین رفتار را داشت تاریخ از این نمونه ها بسیار دارد .امام حسین بن علی علیه السلام وقتی که شروع کرد به سخنرانی گفت (اثنی علی الله احسن الثناء و احمده علی السراء والضراء اللهم انی احمدک .....) با اینهمه شرایط نامساعد مادی دم از رضا و سازگاری با عوامل می زند چرا ؟ چون در شرایط معنوی مساعدی سیر می کند او اعتقادا و عملا موحد و خدا پرست است و بعلاوه او به نتیجه نهایی کار خود آگاه است او هدفش مثل اسکندر و ناپئلون جهانگیری نبو دکه خود را شکست خورده بداند هدفش اعتلای کلمه حق بود و از این نظر کار خود را بسیار سودمند وموثری دید (۱۰) وتاریخ کربلا نشان داد که نه تنها امام حسین علیه السلا م بلکه هیچکدام از یاران ایشان در این موقعیت حساس و یاس و نا امیدی و شکوه و شکایت نشدند و این نشان می دهد که دستوراتی که در دین برای انسان سازی آمده است عملی و شدنی است و انسانها در نهایت سختی ها و مشکلات اگر توکل و اعتمادشان به خدای بزرگ و مهربان باشد عزت و شرف خود را از دست نمی دهند و به خرج و بی تابی نمی رسند . منابع و ماخذ مقتل الحسین , ص ۱۵۶ حماسه حسینی , استاد مرتضی مطهری قرآن کریم , سوره مبارکه توبه آیه ۱۱۱ حماسه حسینی استاد مرتضی مطهری جلد ۱ ص ۳۸۱ قرآن کریم سوره مبارکه بقره آیه ۱۶۵ حماسه حسینی استاد شهید مطهری جلد ۱ ص ۲۲۴ حماسه حسینی استاد شهید مطهری جلد ص ۳۹۸ قرآن کریم سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۸ قرآن کریم سوره مبارکه معارج آیه ۱۹- ۲۸ حماسه حسینی استاد مطهری جلد ۲ ص ۷۴- ۷۵

چه نوع فعالیت های فرهنگی می توان در مساجد داشت ؟

پرسش

چه نوع فعالیت های فرهنگی می توان در مساجد داشت ؟

پاسخ

فعالیت‌های فرهنگی اقسام زیادی دارد، عمده‌ترین آنها در مساجد؛ آموزش قرآن، عقاید، احکام، اخلاق و تفسیر است. هم‌چنین برقراری مسابقات در زمینه‌های یاد شده.{J

چرا به جای موسیقی های حرام , نوارهای اسلامی جایگزین نمی شود؟

پرسش

چرا به جای موسیقی های حرام , نوارهای اسلامی جایگزین نمی شود؟

پاسخ

جانشین کردن از طریق دولتی و قوه قهریه ممکن نیست، خود مردم باید سراغ این نوارها نروند وگرنه هیچ کس نمی‌تواند چیز دیگری را جایگزین آنها کند.{J

چگونه می توان فعالیت فرهنگی انجام داد بدون این که لطمه ای به درس و ... برسد؟

پرسش

چگونه می توان فعالیت فرهنگی انجام داد بدون این که لطمه ای به درس و ... برسد؟

پاسخ

نکته‌ای که در نامه خود مطرح کرده‌اید، نشانگر احساس مسؤولیت و آرمان پاک شماست. با توجه به نیاز مبرم در محیط دبیرستان و دانشگاه به فعالیت‌های فرهنگی شما عزیزان، باید چند نکته را در نظر داشته باشید: ۱ - در کار خود برنامه ریزی کنید و با حفظ اصل میانه‌روی، عمده وقت خویش را به درس‌ها و مابقی را به فعالیت‌های جنبی اختصاص دهید. ۲ - در صرف وقت بخیل باشید تا به وظایف اصلی خودتان برسید و در آنها موفق گردید. ۳ - در اوقات امتحان از فعالیت‌های دیگر دست بکشید و برای آن وقت زیاد صرف کنید. ۴ - این را باید توجه داشته باشید که انجام وظایف جنبی فرهنگی شما را با تجربه و با مهارت خواهد ساخت. همچنین در محضر ربوبی نیز از اجر و پاداش برخوردار خواهید بود. باری، فرق است بین افراد بی‌تفاوت و کسانی که با همه وجودشان برای خدا تلاش می‌کنند و مسؤولیت‌های خطیری را از روی اخلاص می‌پذیرند. توصیه آخر ما این است که با رفتار عملی و اخلاق نیکو، سرمشق و الگویی برای دیگر دوستان خود باشید. {J

هدف زندگی دانشجویی و اموری که وقت دانشجو باید برای آن صرف شودچیست ؟

پرسش

هدف زندگی دانشجویی و اموری که وقت دانشجو باید برای آن صرف شودچیست ؟

پاسخ

این واژه (زندگی دانشجویی) بیانگر حالات رفتاری و شیوه عملی در مواجهه با دیگران و جامعه است . یک واژه یا واژه خاصی و صرفا "جامعه شناختی نیست که بیانگر چگونه بودن باشد ;بلکه به شکلی به بیان چگونه باید بودن نظر دارد. در یک کلام زندگی دانشجویی به معنای زندگی ساده در مسیر دانش اندوزی است ; نه زندگی ساده , تنها که با تحولات علمی و سیاسی بیگانه است و نه متحرک همراه با جریانات سیاسی و علمی که خود باری ندارد بلکه زندگی علمی پر رونق و پر تکاپو است در حالی که از امور زندگی و تعلق دنیوی عاری بوده و به اصطلاح ساده می باشد اما به صورت تفصیلی زندگی دانشجویی از ویژگی های زیر برخوردار است : ۱- خوب درس خواندن و تلاش جهت ارتقای علمی : برجسته ترین ویژگی این دوره آن است که دانشجو باید تمام همت خود را صرف تحصیل علم نموده و در پی دانش اندوزی باشد. زندگی دانشجویی یعنی زندگی که لحظه لحظه آن یک اندوخته علمی را در پی دارد و همیشه بدنبال کسب معرفت بسر می برد. اگر شخصی در این مسیر گام بر دارد و چنین زندگی داشته باشد یک دانشجو است ولی اگر چنین نباشد هر چند در معتبرترین دانشگاهها زندگی کند, دانشجو نیست در یک کلام به هر میزان که در پی اندوختن معرفت و تحصیل دانش باشد و وقت , همت خود را در این راه صرف نماید, به همان میزان از ویژگی دانشجو بودن برخوردار است . لذا سعی کنید در برنامه ریزی و تنظیم کارهای روزانه بیشتر وقت و تلاش خود را صرف تحصیل علم و دانش نمائید. ۲- دومین ویژگی اساسی زندگی دانشجویی کسب آمادگی برای ارائه خدمات اجتماعی مطابق با نیاز اجتماعی و علاقه فردی است یعنی از درس و تحصیل خدمت گزار بودن را انتظار داشته باشد. نه اندوختن و اندوختن و اندوختن ولی یک قدم در راه نشر و بکارگیری آن دانش بر ندارد این ویژگی می طلبد که از دریچه بکارگیری به تحصیل دانش بنگرد و درصدد کاربردی نمودن تحصیلات خود باشد. بی تردید امروز هیچ خدمتی بهتر از بکارگیری دانش در مسیر برآوردن نیاز جامعه و پیشرفت اهداف اسلام نیست . اگر بتوانید به عنوان یک دانشجوی مسلمان با تحصیل دقیق و صحیح و کارآمد تئوری نو و طرح جدیدی به بازار اندیشه و صحنه خدمات ارائه کنید و بزرگترین خدمت را به دین و انسان ها نموده اید. ولی افسوس که امروز عده ای از تحصیل واقعی غفلت نموده و در پی مدرک و رسیدن به شغل و... در تلاش هستند و عده ای دیگر که سر در کتاب و مطالعه دارند از زاویه ارائه خدمت و بکارگیری دانش خویش و کاربردی کردن به آن نمی نگرند. در حالی که فرهنگ سازی , مستحکم ساختن بنیان های فنی و مهارتی جز از تحصیل کردگان توقع نیست . ۳- ویژگی سوم زندگی دانشجویی ارتقای سطح معنویت فردی و به دنبال آن ارتقای کیفی امور معنوی دانشگاه و بعد جامعه می باشد. همانگونه که مردم از دانشجو و فرد تحصیل کرده انتظار گره گشایی را دارند همینطور انتظار دارند که در برنامه زندگی معنوی خود نیز باعث پیشرفت گردد و همچون یک الگو عمل کند. لذا برخوردار بودن از صفات عالی اسلامی و انسانی مانند ادب , تقوی , عبادت و بنده خدا بودن صداقت - پاکی , صفای دل , خیرخواهی , دوراندیشی , حسن تدبیر, و در یک کلام نیکی سیرت و صورت و... و دعوت نمودن دیگران به این سمت (با عمل و حرف) باید از جمله برنامه های زندگی شما باشد و الا دیگر تفاوتی بین شما و کسی که فارغ از کلاس و دانشگاه با اندوختن تجربه و نقل قولهای کوچه و بازار و یا مراکز علمی غیر اسلامی به بهره علمی رسیده است , نیست . ۴-

هوشیاری و تیزبینی و داشتن قدرت تحلیل سیاسی و قبل از آن آگاهی صحیح و دقیق از پدیده های اجتماعی و اتخاذ موضع آگاهانه و صحیح و بجا و مناسب و برخاسته از مبانی اسلامی از دیگر ویژگی های دانشجوی مسلمان و از ضروریات زندگی دانشجویی است . بی تردید اگر دانشجویی علی رغم تحصیل و دانش اندوزی فریب خورده و دچار امواج سیاسی شود دیگر نمی توان وی را یک فرد تحصیل کرده و آگاه نامید دانشجو بودن اقتضا می کند که شما از علل , اسباب , کیفیت , اهداف و عوامل بروز یک پدیده اجتماعی آگاهی داشته باشید و بتوانید خودتان آن را تحلیل کنید و در برابر آن یک تصمیم آگاهانه و موضع گیری برخاسته از فکر و تدبیر داشته باشید. مبادا نسنجیده عمل کرده و وارد این صحنه شوید که موج این نوع پدیده ها آدمهای قویتر را با خود برده و مبتلا به نابهنجاری های سهمگین سیاسی می نماید تا چه رسد به افرادی که تازه مشغول هجی کردن الفبای سیاسی هستند. جامعه از یک دانشجو انتظار دارد که افزون بر تدبیر و تفکر در مورد پدیده ها و امور سیاسی بصورت آگاهانه بر روی آنها تاثیر بگذارد و مردم را در این مواقع هدایت و راهنمایی کند. چرا که به او به چشم شخص آگاه و تحصیل کرده نگاه می کنند و انتظار آنها از فردی که چنین اوصافی را دارد یک توقع بجای است . توجه داشته باشید که حتی بی تفاوت بودن در این امور خلاف انتظار است لذا باید بر پایه مبانی دینی و اعتقادی خویش و بر اساس اطلاعات دقیق و صحیح (نه گفته های خیابانی و شایعاتی اتوبوسی) که در اختیار دارد به تحلیل صحیح و مناسب از این پدیده ها بپردازد و در برابر آن برای خود اتخاذ موضع نماید به تعبیر کوتاه از دانشجو انتظار نیست که بنده افکار دیگران و در بند تصمیمات حزبی و گروهی باشد او شخصی است آگاه , تحصیل کرده و باید برای خود قدرت تحلیل و تبیین داشته باشد. در پایان ضمن آرزوی موفقیت روز افزون برای شما امیدواریم با برنامه ریزی مناسب و دقیق در راه رسیدن به ویژگی های دانشجویی برگزیده و زندگی دانشجویی ایده ال موفق باشید چه آنچه بیان شد ویژگیهاست و برای رسیدن به آنها و تحقیق بخشیدن آنها باید برنامه ریزی کرد و برنامه را به اجرا گذارد و در اجرای آن تلاش و پشتکار داشت تا بعد از مدتی به نتیجه نائل آمد به امید آن روز.

اگر ازدواج موقت حلال است , چرا عده ای خاص از آن بهره مندند؟

پرسش

اگر ازدواج موقت حلال است , چرا عده ای خاص از آن بهره مندند؟

پاسخ

مسائله ازدواج موقت از نظر تئوریک کاملا پذیرفته شده , و نه تنها در اسلام بلکه برخی از متفکران بزرگ غربی , مانند راسل نیز یکی از راه های حل مشکل ازدواج دائمی دیررس در دنیای کنونی را, پناه بردن به ازدواج موقت می دانند. از نظر عملی نیز در نظام جمهوری اسلامی این مسائله مقبول افتاده , لیکن دید اجتماعی در این رابطه مشتمل بر نوعی خطاست . به عبارت دیگر متعه نیز نوعی ازدواج است , بنابراین هر کسی از افراد واجد شرایط ازدواج موقت می تواند از شخصی خواستگاری کند و برای مدتی موقت مانند چند ساله دوران تحصیل , با وی ازدواج نماید. آنچه در این جا مشکل ایجاد نموده آن است که غالب افراد, ازدواج موقت را با کامیابی آنی اشتباه گرفته اند و همین مسائله سبب شده که این موضوع نتواند در جامعه ما جایگاه حقیقی خود را باز یابد. همچنین این مسائله در جامعه تابع تبلیغات سوئی است که بیش از یک قرن در جامعه ما توسط غربگرایان تاثیر نهاده و در ضمیر مردم رخنه کرده است .به گونه ای که گاه روابط نا مشروع با تسامح نگریسته می شود ولی به ازدواج موقت با دیدگاه دیگری برخورد می شود. ولی مسائله از چند جهت دچار مشکل است . ۱- از نظر فرهنگی جامعه ما هنوز ظرفیت پذیرش این حکم

الهی را به نحو شایسته پیدا نکرده است . ۲- از نظر بهداشتی و سیستم قانونی , پیش بینی های لازم برای آن صورت نگرفته است . برای حل این مشکلات می بایستی تلاش فرهنگی و اجتماعی به صورت گسترده صورت پذیرد تا این جوانان از آسیب شیاطین مصون بمانند. بنا بر آنچه که گفته شد, ازدواج موقت نه مخصوص عده ای خاص است و نه نیازمند به مراکز خاص می باشد بلکه از نظر قوانین و مقررات کشوری افراد باید شبیه ازدواج دائم خواستگاری نموده و در دفاتر ازدواج و طلاق آن را به ثبت برسانند, بنابراین از نظر قانونی هیچ گونه مشکلی وجود ندارد بقیه مسائل مربوط به خود شخص می باشد. {J

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

پرسش

قشر جوان و دانشجوی ما در پی مد لباس است و از غرب پیروی می کند برای تاثیرگذاری بر آنها چه باید کرد؟

پاسخ

همان طور که هر انسانی در طول زندگی تحت تأثیر عوامل مختلف درونی و بیرونی به نوسانات مختلف روحی دچار می‌شود، مثلاً گاهی شاد و با نشاط است و گاه غمگین و کسل و افسرده خاطر می‌شود، به همین خاطر، از یک حالت روانی یکنواخت برخوردار نیست و باتوجه به فضای روانی حاکم بر او و حوادثی که اتفاق می‌افتد، حالات روحی مختلفی بر وی غلبه می کند؛ به همان نحو، جامعه‌ای که انسان در آن زندگی می کند نیز با توجه به مقتضیات زمان و مکان، حالات و اشکال مختلفی به خود می گیرد، مثلاً در برهه‌ای از زمان مثل اوایل انقلاب ودر زمان جنگ تحمیلی که فضای جبهه و شهادت در جامعه حاکم بود، وضع حجاب و پوشش خانم‌ها و آقایان و نیز خیلی چیزهای دیگر، بسیار مناسب و مطلوب بود و خیلی‌ها به خود اجازه نمی‌دادند این گونه که شما توصیف می کنید وارد جامعه شوند، اما در برهه‌ای دیگر از زمانمثل زمان بعد از جنگ و زمانی که ما اکنون در آن زندگی می کنیم با توجه به تبلیغات زیاد و زشتی که در رابطه با خیلی از ارزش‌های حاکم بر جامعه واز جمله حجاب و پوشش، صورت گرفت مسأله حجاب نهایتا به این صورت درآمد که شما ملاحظه می‌نمایید. در برخی از شهرها بنا به دلایل محیطی و فرهنگی، مواردی از بدحجابی دیده می‌شود که این موضوع بیشتر از آنچه که به قوانین مربوط شود به فرهنگ عمومی جامعه و نیز نفوذ سبک‌های غربی، ماهواره و نیز افراد غرب‌زده و از همه مهم‌تر، تهاجم فرهنگی گسترده‌ای که درجهان غرب علیه کشور ما به راه انداخته است، مرتبط است و اصلاح آن نیز، نیازمند برنامه‌های درازمدت ودقیق فرهنگی است، چرا که تنها وضع قوانین نمی‌تواند ضامن اجرای مقررات اسلامی باشد و همین مسأله، وظایف ما را به عنوان یک فرد مذهبی و دین‌دار دو چندان می کند؛یعنی، اولاً ما در این جامعه ابتدا باید با خودسازی و تهذیب نفس مراقب و مواظب دین‌داری خودمان باشیم و ثانیا برای جلوگیری از انحراف در جامعه واشاعه فحشاء در آن، باید با امر به معروف و نهی از منکر جلو این انحراف را گرفت. اما راه‌کاری که برای بازدهی بهتر و بیشتر امر به معروف و نهی از منکر ارایه می‌دهیم این است که: ۱- سعی کنید افراد همفکر مذهبی را شناسایی کرده و با آنها رفت و آمد کرده و در حل مشکلات مشورت و از آنها کمک بگیرید. ۲- با اساتید معارف و اساتید متدین و دلسوز رابطه‌تان را زیادتر کرده و از رهنمودهای آنها در زمینه‌های مختلف، استفاده نمایید. ۳- سعی کنید به طور گروهی و متشکل به دقت احکام شرعی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، موارد معروف و منکر یا شرایط وجوب مراتب آن و کیفیت اجرای نیکوی آن را دقیقا فراگیرید. ۴- باید آمر به معروف و ناهی از منکر خود را به زیور اخلاق و التزام عملی بیارایید و حتی‌الامکان از شیوه‌های رفتاری آموزنده و خلاق استفاده کند. ۵- در صورتی که احساس می کنید چنین نابسامانی‌های فرهنگی باعث به خطا افتادن و گناه شما می‌شود و امکان ازدواج هم

برایتان فراهم می‌باشد، برای کنترل غریزه جنسی خود، ازدواج کنید تا کمتر دچار خطر لغزش شوید. ۶- حتی‌الامکان باید کوشید تا فرهنگ و پذیرش عمومی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. ۷- عدم تأثیر آنی و فوری نباید ما را از انجام وظایف خود بازدارد، چرا که دشمنان ما با اجرای برنامه‌های درازمدت توانستند به این حد از پیشرفت در کارشان برسند. ۸- با مطالعه آیات قرآنی و زندگی پیامبران و مخصوصا زندگی پیامبر اسلام و ائمه اطهار(ع) و تحمل مشقت‌ها و سختی‌هایی که آنها در زندگی کشیدند، میزان صبر و بردباری خود را افزایش داده و بدانید که یک فرد مذهبی برای رسیدن به هدف، نباید از حرف‌های نابخردانه وغیرمنطقی بعضی‌ها، دچار سستی و خدای‌ناکرده دچار یأس و ناامیدی شود. به خدا توکل کرده و در راه انجام این مسؤولیت سنگین از او کمک و مدد بخواهید.{J

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پرسش

چگونه می توان جامعه را از گناهانی مثل غیبت دور نگه داشت ؟

پاسخ

برای از دست دادن این حالت باید اراده‌ای جدی و قوی داشته باشد و از شنیدن یا گفتن هر غیبت و تهمتی، هراندازه هم به نظر کوچک و سطحی می‌آید، اجتناب ورزید؛ زیرا انسان در روز قیامت جوابی برای آن نخواهد داشت. دراین رابطه به برنامه‌ای که پیشنهاد می‌شود به مدت ۴۰ روز عمل کنید و نتیجه را در صورت تمایل برای ما ارسال دارید.امید است ان‌شاءاللّه بر این گناه غالب شوید: ۱) هر ده روز یک بار بحث غیبت را در کتاب گناهان کبیره مطالعه کنید. ۲) هر روز صبح با خدا «شرط» کنید که امروز غیبت نمی کنم. در طول روز کاملا مراقب رعایت این شرط باشید وجدا بکوشید برای اولین بار از آن تخلف نکنید. شب‌ها هنگام خواب اعمال روزتان را وارسی کنید. اگر مرتکب غیبت شده‌اید تعداد دفعات آن را ثبت کنید و برای مبارزه با آن توبه نمایید و برای خود تنبیهی قرار دهید مثلا- تصمیم بگیریدبا دوستی که نزد او بیشتر غیبت می‌کنید یک روز رفت و آمد و گفت وگوی غیرضروری نکنید یا در جایی که بیشتر غیبت هست شرکت نکنید یا یک روز، روزه بگیرید.

چگونه در طول مدت دانشجویی برنامه هایمان رادر خوابگاهها تنظیم کنیم که از وقتمان استفاده بهینه داشته باشیم ؟

پرسش

چگونه در طول مدت دانشجویی برنامه هایمان رادر خوابگاهها تنظیم کنیم که از وقتمان استفاده بهینه داشته باشیم ؟

پاسخ

این که چگونه در طی مدت ۴ سال در خوابگاه دانشگاه بتوانید زندگی کنید مربوط به تصمیم و اراده شما است. برایاین امر باید تصمیم قوی بگیرید که با یک برنامه درازمدت از اوقات خود بهترین استفاده را ببرید. به عبارت دیگربرنامه‌ریزی کنید و برای خود برنامه روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه تدوین نمایید. در مقام اجرا نیز تلاش کنید طبق برنامه مدون خود عمل کنید. مثلاً در برنامه روزانه خود، ساعت بیداری و انجام امور شخصی و نماز و نرمش و ورزش صبحگاهی را معین کنید. ساعات درس و کلاس را طبق

برنـامه آموزشـی علامـت بزنیـد و اوقات فراغت بین کلاس‌ها یابعـدازظهرها و شب‌ها را با یک برنامه قابل اجرا بر طبق ساعات مقرر مشخص نمایید. اوقاتی را که برای مطالعه معین کرده‌اید، سعی کنید از کتابخانه یا سالن مطالعه خوابگاه استفاده کنید و به طور کلی ساعـات روز را تقسـیم‌بندی نموده وبرای هر ساعتی، کار مشخصـی در نظر گرفته و طبق آن عمل کنیـد، چرا که بـدون برنامه‌ریزی، اوقات زیادی از شما تلف خواهد شد.

یک دانشجو چگونه باید اوقاتش را پر کند و همه ء جنبه ها را رعایت کند؟

پرسش

یک دانشجو چگونه باید اوقاتش را پر کند و همه ء جنبه ها را رعایت کند؟

پاسخ

برنـامه ریزی چیست؟ چرا اهمیّت دارد؟ اصول آن کدامنـد؟ لوازم آن چیست؟ یکی از تفاوت‌هـای اساسـی میان انسان و حیوان این است که حیوان فقط در زمان حال زنـدگی می‌کنـد و انسان در سـهزمان: گذشـته، حال و آینده. گذشـته محمل تجارب است، حال منزلگاه تصـمیم‌گیری است، و آینـده سـکوی رشـد و ارتقاء.انسان با تجزیه و تحلیل رویدادهای گذشـته، دست به برنامه ریزی زمان حال می‌زنـد و آینـده را رقم می‌زنـد. متخصـصان برنامه ریزی می‌گوینـد: نگرش انسان نسـبت به آینده باید از زاویه سه افق صورت گیرد: افق بـاز؛ افق دور و افق روشن. افق بـاز: ضامن مانورِ فکری آدمی نسـبت به مصالـح و مسائل پیرامونی و یکی از عوامل دوری آدمی از اندیشه‌هایمحـدود و برنامه‌هـای جزئی نگری است. هر انسـانی که از افق بـاز بهره‌منـد است، در برابر معادلاـت زنـدگی، به صورتخطی نمی‌اندیشـد؛ بلکه نگرش او حالت شـبکه‌ای و گسترده دارد و راه‌حل‌های مختلف را فقط از زاویه یک راهنمی‌بینـد و به اصـطلاح پژوهش‌گران، به ورطه تک سـبب بینی نمی‌افتـد، لـذا راه‌های مختلف را آزمایش می‌کنـد. افق بازروش مؤثری در نگرش اسـت و در همـه فعالیت‌هـای هدفمنـد بـه کـار می‌آیـد. افـق دور: یکی از خصـلت‌های ممتـاز انسـان، خصـلت دوراندیشـی (Providence) است. افق دور در نگاه و نگرشآدمی، ضامن شـفاف شـدن ابهامات آینـده است و تصـمیمات آتی را رقم می‌زند. افراد دور انـدیش در مقایسه با دیگران،تصویری شـفاف‌تر در مسائل، رفتارها، عکس العمل، رویـدادها و اتّفاقات دارنـد. افق روشن: بهره منـدی انسـان از زاویه روشن و کم ابهـام، بـا اسـتفاده از دو افق قبلی میسّـر است. افق روشن محصولـدو افق دور و باز است. افقِ روشـن، میـوه انسـان در اصـل برنـامه ریزی بهینـه و کارآمـد برای آینـده در حـال اتّفاقاست. محصـول ایـن سه افـق، بحث شـناخت (Recognition) است. بنـابراین سه افق، اسـاس برنـامه ریزی عبارت اسـتاز: ۱. خودشناسی. ۲. جهت بخشـی فعالیت‌ها. ۳. بهبود کیفیت زنـدگی در ظرف زمان. تا شـناخت موجود نباشـد، ضـمانتی برای آینـده وجود نـدارد. می‌توان آینـده را به زمان حال منتقل نمود، یعنی می‌توان زمینه ساختن پله‌های آینده را در زمان حال بررسـی نمود وآن‌ها را شـکل داد. تعداد بسیار اندکی از مردم وقت کافی در اختیار دارند. همه از کمبود وقت می‌نالند. طبق تخمین‌ها و برآوردهای انجامشده، حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد توان انسان‌ها به کـار گرفته می‌شود و محاسـبات نشـان می‌دهـد که افراد ۶۰درصـد اززنـدگی کاری خود را هـدر می‌دهنـد. بیشتر وقت‌ها، انرژی‌ها، توانایی‌ها و اسـتعدادها به هـدر می‌روند، چون شـناختکافی وجود ندارد، هدف‌ها روشن نیست و برنامه ریزی‌ها و اولویت گذاری‌ها دقیق نمی‌باشـد. عمر ما محـدود است. ما یک‌بار فرصت زنـدگی کردن داریم. امروزه طبق محاسـبات انجام شـده، یک انسان با امید بهزندگی طولانی، حداکثر ۷۰۰/۲۰۰ ساعت از زمان را، به عنوان وقت قابل اسـتفاده، در اختیار دارد. استفاده از سرمایه عمر: استفاده بهینه و بهتر از «زمانِ» محدود و ارزشـمند، تنها از طریق برنامه ریزی و «مدیریتزمان» که هوشیارانه، مستمر و پایدار تدوین شده باشد،

فراهم می‌شود. مدیریت زمان که در واقع، همان برنامه ریزیاست، به معنای تسلط و کنترل بر فرصت‌ها و جهت دادن به فعالیت‌هاست. برنامه‌ریزی فرصت‌ها: برای طراحی برنامه مناسب جهت استفاده از فرصت‌ها، لازم است که هر فرد شبانه روزخود را به سه بخش تقسیم نماید: بخش اول: صبح تا ظهر، بخش دوم: بعد از ظهر، بخش سوم: شب. باید هر کدام از این بخش‌ها را دو قسمت کرد و هر قسمت را به فعالیت‌های دو ساعته تقسیم کرد. بهتر است فعالیت‌های علمی، اجرایی، شغلی و تفریحی خود را در قالب این زمان‌ها تعریف کنیم و هر قسمت را بینیک الی یک‌ونیم ساعت و حداکثر تمام شش قسمت را در ۹ ساعت تقسیم نماییم. افراد شاغل یا در حال تحصیلممکن است کل صبح یا بعد از ظهر یا صبح و بخشی از بعد از ظهر را به شغل و تحصیل خود اختصاص دهند. آن‌هاروی وقت باقیمانده می‌توانند برنامه‌ریزی نمایند. با این تقسیم بندی، در هر هفته ما می‌توانیم ۴۲ قالب زمان را احیاء کنیم و فعالیت‌های خود را در قالب آن تعریفکنیم و اگر این قالب‌ها یک ساعتی باشند، باز هم در هر شبانه روز ۱۸ ساعت از ۲۴ ساعت آزاد خواهد ماند؛ یعنی بااحتساب این‌که ۲ ساعت صبح، ۲ ساعت عصر و ۲ ساعت شب را برای فعالیت‌های علمی، پژوهشی و... خارج کردهباشیم، باقیمانده هر روز ۱۸ ساعت و در هفته ۱۲۶ ساعت آزاد خواهد ماند. لذا می‌بینیم که در هفته، چقدر ما زمان راقربانی و فدا کرده‌ایم. و این یعنی ذبح زمان! یعنی نابودی فرصت‌ها؟ سرمایه عمر آسان به کف نیامده است، که آسان از دست رود. برنامه ریزی کمک می‌کند که به فعالیت‌های خویش،نظام یافته بنگریم و این نکته را مد نظر داشته باشیم که: «زمان در عصر ما، ساعت‌ها و روزها و هفته‌ها نیست؛ بلکه زمان، با دقیقه و ثانیه و لحظه مورد بحث و بررسی قرارگرفته و فعالیت‌ها در قالب آن تعریف می‌شوند». یک جوانِ پشت کنکوریِ رشته ریاضی سؤال‌های متعددی از من پرسید. از او سؤال کردم: چند وقت دیگر به کنکورباقی‌مانده است؟ او پاسخ داد: ۷۵ روز، یعنی ۱۷۰۰ ساعت که با ساعت‌های باقیمانده امروز تا شب که ۱۱ ساعتاست، می‌شود ۱۷۱۱ ساعت. ضمن تشویق، به نگرش او آفرین گفتم و اضافه کردم: انشاءا... از این به بعد، زمان را در قالب دقیقه و ثانیه ببین و بنگرچه فرصت‌هایی‌داری و چه فرصت‌هایی را هر روز ما از بین می‌بریم. باید در «امروز»، فرداها را دید و ماه‌های بعد را به تصویر کشید، حتّی سال آینده را در قالب زمان حال به تماشانشست. بعد از شهادت آیت‌اللهدکتر بهشتی، که به وقت تقویم ایشان نگریستند، فهمیدند که او برنامه ریزی خود را تا ۶ ماهآینده ترسیم کرده بود. از آن‌جا که قصدمان این است که سخن به درازا کشیده نشود، پیش در آمد این مقاله را در این‌جا به پایان می‌رسانیم وامیدواریم که در فرصت‌های دیگر، ادامه بحث را در خصوص: سارقین زمان؛ برنامه‌ریزی زخمی؛ برنامه‌ریزی بیولوژیک؛ تکثیر زمان تا ۲ برابر و غیره ادامه دهیم. منابعی برای مطالعه بیش‌تر: ۱. مدیریت برتر زمان، راجیو ستی، ترجمه نازلی سید گرگانی. ۲. چگونه برنامه‌ریزی کنیم، کیت کنان، ترجمه قاسم کریمی. ۳. مدیریت زمان، لوتارجی بسی ورت، ترجمه منصور توکلی‌نیا.

برای اداره صحیح یک گروه فرهنگی و اخلاص در کار این گروه ها چه برنامه هایی باید مد نظر قرار گیرد؟

پرسش

برای اداره صحیح یک گروه فرهنگی و اخلاص در کار این گروه ها چه برنامه هایی باید مد نظر قرار گیرد؟

پاسخ

این که چه کارهایی می‌تواند افراد را به سوی اخلاص سوق دهد می‌توان به کارهای زیر اشاره کرد: برگزاری نمازجماعت، عبادت‌ها و دعاهای جمعی، برگزاری جلسات سخنرانی مذهبی، پاسخ به سؤالات مذهبی و اعتقادی،جلسات توسل و عزاداری اهل بیت(ع)، زیارت‌ها و سفرهای سیاحتی جمعی، برگزاری هیئت‌های هفتگی، جلساتقرائت قرآن و حفظ حدیث و برگزاری مسابقات

کتاب خوانی (از کتب شهید مطهری و دیگر نویسندگان متعهد) ومسابقه مقاله‌نویسی و تقویت زیرساخت‌های اعتقادی یا برگزاری جلسات درس و سخنرانی مفید و منظم و تقویتزمینه‌های شناخت و آگاهی از آداب اجتماعی و اخلاقی یک مسلمان برای جوانان که بسیار ضرورت دارد.{J

در جامعه ای که انسان صحنه های تأسف باری از فساد مانند اختلاط زن و مرد نامحرم پوشیدن لباسهای مبتذل بی حجابی و آرایش غلیظ زنان و ... را می بیند گاهی احساس پوچ گرایی زندگی، احساس دوری از خدا و آخرت را می کنیم چه کنیم تا بنیه اعتقادیمان همچنان استوار بماند.

پرسش

در جامعه ای که انسان صحنه های تأسف باری از فساد مانند اختلاط زن و مرد نامحرم پوشیدن لباسهای مبتذل بی حجابی و آرایش غلیظ زنان و ... را می بیند گاهی احساس پوچ گرایی زندگی، احساس دوری از خدا و آخرت را می کنیم چه کنیم تا بنیه اعتقادیمان همچنان استوار بماند.

پاسخ

«بسم الله الرحمن الرحیم. قد افلح المؤمنون. الذین هم فی صلاتهم خاشعون. والذین هم عن اللغو معرضون...؛ مؤمنان رستگار شدند. آنها که در نمازشان خشوع دارند و آنها که از بیهودگی روی گردانند...» (مؤمنون، آیات ۳ - ۱) قبل از بررسی راه های تقویت ایمان، لازم است مطالبی پیرامون زمینه و جایگاه ایمان خدمتتان بیان کنیم. انسان با ذهن خود می اندیشد و علم به دست می آورد. پس جایگاه علم و شناخت، ذهن آدمی است. اما قرآن کریم، جایگاه ایمان را قلب معرفی می کنند. این کتاب آسمانی درباره عده ای که ادعای ایمان می کردند می فرماید: «بادیه نشینان خدمت پیامبر آمدند و گفتند ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید بلکه بگویید اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است» («قالت الاعداب امنا قل لم تؤمنوا ولکن قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم..» (حجرات، آیه ۱۴). از این رو شناخت هدف و راه سعادت زمانی به حرکت در آن راه منجر خواهد شد که قلب به آن هدف و آن راه ایمان آورد. ایمان قلبی محرک انسان برای حرکت خواهد بود. به تعبیر دیگر بین «ایمان» و «عمل» رابطه ضروری هست و این دو از هم جدا شدنی نیستند. به این ترتیب درس بزرگی که از قرآن کریم می آموزیم این است: اگر می خواهیم به هدفی که برای زندگی خود شناخته ایم، ایمان بیاوریم و به سوی آن حرکت کنیم، ابتدا باید قلب خود را برای پذیرش آن هدف آماده سازیم. آمادگی قلب برای ایمان: قلب در صورتی برای پذیرش حقیقت و راه زندگی آماده می شود که به زیبایی هایی آراسته و از زشتی هایی دور گردد. قرآن کریم این زیبایی ها و آلودگی ها را به ما نشان می دهد که در اینجا به مواردی اشاره می کنیم: ۱- در زمین سیر کنید، آن گاه حقیقت زیبایی دینی را به وسیله قلب خود درک کنید (حج، آیه ۴۶). ۲- در قلب خود را به وسیله تفکر و تدبر در قرآن باز نگه دارید (محمد، آیه ۲۴). ۳-قلب خود را از آلودگی ها و تعلق های دنیایی مانند دوستی مال و فرزند، پاک سازید (شعرا، آیه ۸۹) ۴- قلب خود را از پلیدی ها پاک نگه دارید تا منزلگاه نیکی ها و زیبایی ها گردد، (بقره، آیه ۲۸۳). ۵- از غفلت بپرهیزید و قلب خود را متوجه زیبایی های زندگی سازید تا سیر شما راحت و هموار شود، (کهف، آیه ۲۸). ۶- توانایی قلب خود را برای تعقل و درک عمیق حقایق افزایش دهید، (حج، آیه ۴۶). ۷- قلب خود را در مقابل درستی ها و خوبی ها نرم و خاضع نگه دارید، (مائده، آیه ۱۳). ایمان همچون درختی است که در قلب جوانه می زند، تناور می گردد و بر شاخه های آن اعمال شایسته پدیدار می شود. راه های تحصیل، تحکیم و تقویت ایمان: ۱- تفکر پیرامون آیات و نشانه

های خداوند در گستره هستی: توجه به این نشانه ها، یاد خدا را در دل ها زنده می کند و لطف و رحمت او را به ما یادآور می شود و در نهایت بر دوستی و محبت ما به خدا می افزاید. (ر.ک: سوره یس، آیات ۲۳ تا ۴۰). ۲- توجه دائم به خداوند و ذکر و یاد او: حضور خداوند در خاطر ما، در همه لحظات زندگی، ارتباط ما را با او افزایش می دهد و به تدریج به پیوندی استوار می انجامد. یکی از حکمت های نمازهای پنجگانه، زنده نگه داشتن یاد خدا در طول شبانه روز، در دل مؤمن است. «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید» (احزاب، آیه ۴۱). انجام برخی کارها مانند قرائت قرآن، دعا و زیارت، مطالعه سیره ائمه و همنشینی با نیکان و صالحان، ما را به یاد خدا می اندازد. برخی کارها نیز مانع توجه به خداوند است که باید این موانع را کنار زد تا غفلت بر آن حاکم نشود. قرآن کریم می فرماید: «یاد خدا دل های مؤمنان را می لرزاند و هنگامی که آیات الهی را گوش دهند، بر ایمانشان افزوده می شود» (انفال، آیه ۲). ۳- توجه به نعمت ها و الطاف خدا نسبت به انسان: اگر در زندگی خود توجه کنیم، خود را غرق در نعمت های الهی خواهیم یافت. فلسفه آفرینش این نعمت ها این است: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (سعدی) انسان بر خوان نعمت حق نشسته تا با یادآوری لطف او، یاد خدا را در دل زنده نگه دارد و قلب خود را به او نزدیک تر کند. ۴- انجام نیکی ها و دوری از بدی ها: هر عمل نیک دل را نورانی تر می کند و برعکس هر گناه صفحه دل را تیره و کدر می سازد. باید بکوشیم با عمل به نیکی ها، دل خود را نورانی تر کنیم و با دوری از گناهان رشته محبت خود را با خدا استوار سازیم. مطالعه کنید: شهید مطهری، انسان و ایمان (ج ۲ از مجموعه آثار) توجه داشته باشید که حفظ ایمان در میان عوامل نامساعد و ناسازگار و یا مخالف، از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار است. اگر انسان در محیطی کاملا مناسب و مساعد زندگی کند نمی تواند ایمان و استواری عقیده و باور خود را محک بزند و از صلابت و راسخ بودن آن اطمینان حاصل کند ولی در محیط نامساعد، انسان می تواند میزان ایمان خود را بسنجد و با حرکت برخلاف جو موجود و فضای ناسالم ریشه های ایمان و باور خود را تحکیم بخشد. هنر مردان خدا و زنان با صلابت و خداباور این است که با وجود زندگی در اجتماع و در بین مردم، از آنها رنگ و بو نمی گیرند و برنامه های غلط و روش نادرست آنها را نمی پذیرند و با حرکت در سایه ایمان به سوی هدف های الهی و انسانی خود گام بر می دارند. ایمانی که در چنین فضا و شرایطی شکل گیرد و بارور شود به سادگی از انسان گرفته نمی شود و با هر تندبادی ریشه کن نمی گردد. فراموش نکنیم اگر ما یک قدم برای خدا و در راه عمل به دین او و جلب رضایت او برداریم، حق تعالی ده قدم برای یاری و کمک ما بر می دارد. اگر بنده ای در راه عمل به وظایف الهی خود کوشا باشد لشکریان حق و فرشتگان الهی و امدادهای غیبی خداوند، پشتیبان و یاور او خواهد بود و او را در این مبارزه سنگین و جهاد مقدس تنها نخواهند گذاشت. خداوند خود چنین وعده داده است: «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا؛ کسانی را که در راه ما کوشش و مجاهده نمایند به راه های خود راهنمایی و هدایت می کنیم» (عنکبوت، آیه ۶۹). در روایات فراوانی به کسانی که در زمان غیبت ولی عصر(عج) ایمان خود را حفظ کنند، بشارت های عجیبی داده شده و آنها را مدح کرده و ستوده اند. در روایتی زین العابدین(ع) در این باره چنین می فرماید: کسانی که در روزگار غیبت ولی عصر(عج) زندگی می کنندو قائل به امامت آن بزرگوار هستند و منتظر ظهور آن حضرت(ع) می باشند از اهل هر زمانی برترند. چون خداوند به آنها چنان عقل و درک و معرفتی عطا فرموده که زمان غیبت در نزد آنها مانند زمان حضور است. اینان همانند مجاهدانی هستند که پیشاپیش پیامبر(ص) شمشیر زده و مبارزه کرده اند. اینان مخلصان واقعی و شیعه راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در پنهانی و آشکار می باشند (الشموس المضیئه، علی سعادت پرور، ص ۷۸ ، ح ۱۰).

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پرسش

راهکارهای فرهنگ سازی در محیط دانشگاهی را بیان نمایید.

پاسخ

در مورد سؤالی که مطرح فرمودید نکات ذیل را به عرض می رسانم البته مطالب ارائه شده شما نمایی از یک طرح است . برای فرهنگ سازی در یک محیط ابتدا باید فرهنگ مورد نظر را به صورت کامل شناخت و نسبت به مبانی اعتقادی و علمی آن آگاهی کسب کرد زیرا که لازمه نشر و اشاعه یک فرهنگ آن است که ابتدا آن فرهنگ و مبانی آن را بشناسیم و به آن معتقد بوده وایمان داشته باشیم و با تصمیم و اراده جدی به لوازم آن عمل کنیم و آنگاه برای تبلیغ و انتشار و گسترش آن تلاش نماییم در واقع اگر هر کسی به آیین و آداب و رسوم فرهنگ مور نظر پایبند باشد خود موجب ترویج و نشر آن فرهنگ می شود. بنابراین راهکارهای زیر به طور کلی توصیه می شود: - نسبت به فرهنگ مورد نظر به صورت مشخص آگاهی کسب کند و مثلا "با فرهنگ اسلام آشنایی پیدا کنید. - با دقت , تأمل , مطالعه و تحقیق ایمان خود را به آن فرهنگ تقویت و تعمیق بخشید. - راهکارهای تحقق و دست یابی به اهداف فرهنگی خود را با مطالعه و تفکر و جلسات مشورتی و بحث و تبادل نظر مشخص کنید (اهداف عینی , قابل تعریف و اندازه گیری نه کلی مبهم نامعلوم). - سعی کنید هدف کلی را به اهداف جزئی تر و به صورت مرحله به مرحله تجزیه نمایید. - با مشخص شدن نحوه اجرای کار و دست یابی به اهداف با توکل بر خدا کار را به تدریج آغاز کنید و ضمن آنکه خود صمیمانه به آنها عمل می کنید با روش های پسندیده دیگران را نیز تشویق و ترغیب نمایید. به عنوان مثال برای گسترش فرهنگ اسلامی : ۱- ابتدا اعتقاد وایمان خود به اسلام و اعتقادات دینی اسلامی را تقویت کنید. ۲- مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی را مشخص کنید مثل : اعتقادات صحیح , نماز, حجاب , احکام شرعی , شکل روابط صحیح فردی و اجتماعی , اخلاق اسلامی و... ۳- پیدا کردن راهکارهای عملی برای اجرا و ترویج هر یک از آن اهداف مشخص شده مثلا: "برای گسترش اعتقادات صحیح اسلامی در محیط خود چه کارهایی می توانیم انجام دهیم ؟ - تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح و موردپسند. - برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت های مختلف . - برگزاری کلاسهای عقیدتی. - برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضود افراد متبحر. - تشکیل گروه های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفری . - مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی در موضوعات ریز معرفی شده . ۴- اجرای یک یک راههای بدست آمده . ۵- امتحان و ارزیابی نمودن هر یک از راه ها. ۶- تشویق و پاداش دادن به افرادی که در ارزیابی امتیاز بالا آورند.

چگونه می توان فردی که از اسلام و روحانیت گریزان است را هدایت کرد؟

پرسش

چگونه می توان فردی که از اسلام و روحانیت گریزان است را هدایت کرد؟

پاسخ

اولا, بهترین راه این است که ما خودمان الگو و نمونه خوب و مناسبی از اسلام و عمل به آن باشیم ((کونوا دعا[2] للناس بغیر السنتکم)) انسان ها بیشتر به ظاهر و عمل و رفتار توجه می کنند تا گفتار و بحث علمی . البته شرایط اجتماعی و خانوادگی و محیطی و نوع تربیت انسان نیز خیلی موثر است . شما می توانید تلاش کنید زمینه مناسب و مساعدی را برای جذب و اعتقاد وی

ایجاد نمایید. ثانیا, "دلیل بی علاقه ای به برخی چیزها عدم اطلاع و آگاهی است شما سعی کنید اطلاعات دینی ایشان زیاد شود و معرفت کامل و صحیح نسبت به آن چیز پیدا کند. ثالثا, "اگر شیرینی دین و عبادت را کسی بچشد دیگر به غیر خدا عشق نمی ورزد. عشق به خداوند دارای آثاری است که اگر شیرینی آن چشیده شود, قابل مقایسه با هیچ علاقه و عشقی نیست . عشق های مجازی نیز دارای آثاری است . یکی از راه های بیرون نمودن عشق های مجازی از دل و جایگزینی عشق الهی این است که انسان با تفکر و تعقأل آثار این دو عشق را با هم مقایسه کند و با منطق و عقل قضاوت نماید عشق به خداوند بهتر و شیرین تر است , یا عشق مجازی . اگر عقل در این زمینه به کار گرفته شد و حکم کرد, خود آن در بیرون کردن عشق های مجازی موثر است . از آثار عشق خداوند به موارد ذیل می توان اشاره نمود: غنای نفس , عزت نفس , کوچک شدن مشکلات در نظر انسان , عدم تاثیر تعریف یا مذمت دیگران . اگر انسان عشق به خدا داشته باشد, دیگر گمشده ای ندارد و همیشه آرام و با اطمینان نفس است . او از گذشته ئ خود غمگین نخواهد بود و نسبت به آینده مضطرب نمی باشد. اراده اش قوی خواهد شد, زیرا متصل به قدرت لایزال معشوق است و از هیچ پیشامد احتمالی یا فعلی هراس نخواهد داشت و بسیاری آثار دیگر. اما این راه کافی نیست ; مخصوصا" برای اشخاصی که روحیه ئ عاطفی قوی دارند. انسان باید علاوه بر انجام این پیشنهاد, از همان شیوه هایی که عشق های مجازی را تقویت می کنند, برای تقویت عشق الهی استفاده نماید ;مثلا رفت و آمد و مراوده و مصاحبت فراوان با معشوق , علاقه را زیاد و ترک آن عشق را سرد می کند, اگر انسان با دعاها و عبادت ها و تلاوت قرآن – مخصوصا "در دل شب – با خداوند مراوده داشته باشد و با معبود بسیار سخن گفته و درد دل نماید, موجب کثرت محبت و اٴنس با خداوند می شود. توکل بر خداوند, حٴسن ظن به او, استعانت از خداوند و توسل به اهل بیت (ع), پالایش نفس از رذائل , همراهی با استادی وارسته , التزام به احکام شریعت , مطالعه ئ کتبی که راجع به خداشناسی و صفات او نوشته شده و مطالعه ئ حالات و زندگی نامه ئ عرفا در این امر بسیار موثر است . به عنوان نمونه می توانید به کتاب های ذیل مراجعه کنید: ۱- نشان از بی نشان هاعلی مقدادی ۲- احوال عارفان دکتر علی اصغر حلبی

چگونه می توان فرد لجوج را به نماز و روزه و انجام امور مذهبی تشویق کرد؟

پرسش

چگونه می توان فرد لجوج را به نماز و روزه و انجام امور مذهبی تشویق کرد؟

پاسخ

تلاش شما برای آشنا ساختن افراد با نماز, کاری بس ارزشمند و مورد پسند است . دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او از برجسته ترین و متعالی ترین امور است . اما راه کارهای عملی قابل ارائه به قرار زیر است : ۱- برای ترغیب و تشویق به نماز, در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن بکوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند, جهان هستی , انسان , معاد و... اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است . پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید. ۲- نماز, عملی است که در مجموعه عقیده توحیدی , دارای معنا و فلسفه است . پس در آغاز بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه خود را در ذهن و اندیشه فرد باز نماید, از این رو یک شناخت صحیح و سالم و واقعی را در ذهن شخص رقم بزنید و او را به صورت مستقیم و غیرمستقیم از این واقعیت آگاه سازید. مانند این که گوشزد گردد که در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی , انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای پروردگار در حرکت است . «انا لله و انا الیه راجعون ; از خدائیم و به سوی او

باز می گردیم». حال در این مسیر, ابزارهایی به مدد انسان می آید، تا او از فراموش کردن مسیر و هدف باز دارد که از مهم ترین آنها «نماز» است . «اقم الصلاه لذکری ; نماز را برای یاد من بپا دار». آدمی بدون نماز راه را گم خواهد کرد. نمازهای پنج گانه همانند چراغ های برق هستند که مسیری طولانی و پر خطر را روشن کرده اند تا کسی راه را گم نکند و به بیراهه و سقوط کشانده نشود. آنچه که موجب می گردد و برخی از نماز, روی گردان باشند و یا نسبت به آن تساهل کنند, ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن است . برخی چنین می پندارند که نماز انسان , نیازی را از خداوند برطرف می کند که البته خیالی واهی است . خداوند نیازی به هیچ مخلوقی ندارد. از این رو آنچه که به عنوان عبادات بر آن تأکید شده , جملگی در جهت کمال انسان است . نماز دارای آثار و فلسفه های متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می کنیم : - نماز، تقدیر و سپاس گزاری از خداوند است . - موجب آرامش انسان است . - موجب یاد خداست . - نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می کند. - تأکیدی بر نظافت و سلامتی است . - موجب انضباط و وقت شناسی است . - دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است . مجددا "تکرار می کنیم که دادن این اطلاعات و تصحیح اندیشه آن فرد درباره نماز ضروری است و باید انجام گیرد تا به کمک یک نیروی درونی و انگیزه شخصی در پی آن باشند و نیازمند تحریک خارجی و هول دادن و وادار کردن نباشد. این اطلاعات را به دو روش مستقیم و یا غیرمستقیم می توان منتقل کرد و انتخاب روش به روحیه مخاطب و توان روحی و علمی شما بستگی دارد. مانند این که خود, این گونه مطالب را گوشزد کنید و در صورت عدم پذیرش از طرف مخاطب دیگران بگویید و یا کتاب های معرفی شده را در اختیار او بگذارید. پرتوی از اسرار نماز, قرائتی اسرار الصلاه , ملکی تبریزی آداب الصلاه , امام خمینی صلاه الخاشعین , دستغیب اسرارالصلاه , جوادی آملی ۳- در هیچ یک از مراحل ارشاد و راهنمایی از برخورد نیک و ملاطفت آمیز و احترام نهادن دور نشوید. این را بدانید که با فشار واجبار کسی را نمی توان هدایت نمود و چه بسا تأثیر منفی آن بیشتر از هدایت گردد. اگر رابطه شما با فرد مورد نظر اکنون به جبهه گیری و حساسیت نشان دادن و صف آرایی منتهی شده است برای مدتی سکوت کرده و حرفی به او نگویید و به دنبال اجرای روش غیرمستقیم باشید و به شکلی از همکاری افراد دیگر بهره مند شوید. ۴- هر شخصی یک نقطه پذیرش و به قول معروف «رگ خوابی» دارد، سعی کنید این رگ خواب و نقطه پذیرش را به دست آورید و از این کانال وارد شوید و هدف خود را تعقیب کنید و لذا به صرف این که باید شخصی را هدایت کرد بسنده نکنید بلکه با مطالعه بر روی خصوصیات وی راه نفوذ در او و جلب نظر او را به دست آورید و اقدام کنید. ۵- بیان تأثیرات منفی ترک نماز و روزه و استفاده از روایات بیان شده توسط اهل بیت (ع) در این زمینه بسیار موثر است . به خصوص اگر به روش غیرمستقیم ارائه گردد و موجب تنبه و موعظه کردن را فراهم سازد. یعنی غیر از ارائه شناخت باید در صدد موعظه گری و تنبه قلبی وی نیز برآیید و با ترس و بیم دادن از عذاب اخروی و پیامدهای منفی ترک نماز و روزه دل او را از غفلت آزاد سازیم . ۶- این راه کارها هم به صورت مستقل و هم به همراه یکدیگر می تواند مؤثر باشد و خوب تر آن است که روشنگری و موعظه و... همراه هم ارائه گردد تا نافذتر افتد.

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

پرسش

تاثیر اینترنت را چگونه ارزیابی می کنید؟ با چه راه کارهایی می توان از این پدیده برای گسترش فرهنگ اسلامی بهره جست ؟

پاسخ

اینترنت محصول علمی و فنی بشر است و مانند هر ابزار دیگری می تواند استفاده مثبت یا منفی داشته باشد بنابراین آنچه دارای

اهمیت است بالابردن ضریب مثبت در ابعاد مختلف (تکنولوژی , فن آوری ,تبلیغ در اسلام و...) و جلوگیری کامل یا کاهش اثرات منفی این رسانه مهم جهانی می باشد مسلما "ما برای دستیابی به توسعه ای سریع و همه جانبه و ایجاد تمدن اسلامی و عقب نماندن از قافله علم و تمدن بشری نیازمند استفاده از تکنولوژی وفن آوریهای پیشرفته می باشیم که یکی از مهمترین آن شبکه جهانی اینترنت است که در همه زمینه های علمی , تحقیقی , هنری , سیاسی , تاریخی , مذهبی با همه فروعات و جزئیات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آن جا که مراکزی از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیر علمی و غیر انسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی , هنری , سیاسی , تاریخی , مذهبی با همه فروعات و جزئیات رشته های گوناگون می توان از آن بهره برد اما در عین حال از آنجا که مراکزی که از طریق اینترنت اکنون اطلاعات غیرعلمی و غیرانسانی در جهت یکسان سازی فرهنگی جهان و مسلط نمودن فرهنگ آمریکا و محو سایر فرهنگها و بالاخره تحقیق دهکده جهانی به رهبری آمریکا ارائه می نمایند صدها برابر مراکزی است که اطلاعات مفید و علمی و فنی ارائه می نمایند باید با ارائه مکانیزمی دقیق و حساب شده است . توسط متخصصان از معایب و مضرات آن جلوگیری نمود در این راستا راه کارهای بهره بری صحیح از اینترنت در جهت گسترش فرهنگ اسلامی عبارتند از: ۱- تهاجم تبلیغی را باید با شیوه های نوین تبلیغی پاسخ داد با استفاده از اینترنت مجموعه آثار فرهنگی اسلامی را به این شبکه جهانی منتقل نمود و راه آشنایی ملت های دیگر را با فرهنگ اسلامی فراهم ساخت در این مورد البته قدمهایی برداشته شده است . ۲- در کشورهای اسلامی با استفاده از شیوه نامه نگاری الکترونیکی با صاحب نظران , جوانان کسانی که آمادگی دریافت پیام های اسلامی را دارند مکاتبه شود و سوئالات و نیازهای آنان پاسخ داده شود. ۳- فرهنگ غرب آسیب پذیری زیادی را دارد که با زیر سوئال بردن آنها و آگاهی به نسل جوان کشورهای اسلامی و حتی غربی امواجی در مخالفت با آن را می توان ایجاد نمود. ۴- دولت اسلامی باید یک شبکه واحد و مادر از مجموعه شبکه های داخلی ایجاد نماید و سپس ساختار خاصی را برای ارتباط با شبکه جهانی مشخص نماید حتی کشورهایی مانند فرانسه ساختار خاصی را برای اتصال به اینترنت ایجاد کرده است . ۵- باید راهی را برای گزینش اطلاعات جهانی پیدا کرد و از ورود اطلاعات آلوده از طریق شبکه جهانی جلوگیری کرد صاحب نظران معتقدند این از نظر تئوری و عملی امکان دارد با کنترل همه جانبه ارتباطات شبکه جلوی تماس با مراکز غیراخلاق گرفته شود, (ر.ک مجله نگاه حوزه شماره ۶۲-۵۹ ارتباطات و نقش اینترنت در حوزه اطلاع رسانی دینی , حمید فغفور مغربی ص ۱۴۸).

چرا برخلاف کشورهای توسعه یافته , مردم ایران کم مطالعه می کنند و بیشتر تلویزیون تماشا می کنند؟

پرسش

چرا برخلاف کشورهای توسعه یافته , مردم ایران کم مطالعه می کنند و بیشتر تلویزیون تماشا می کنند؟

پاسخ

متاسفانه با وجود تائکیدهای فراوان دین مقدس اسلام بر کسب دانش و نقش مهم آن در رشد و شکوفایی جامعه در جامعه اسلامی ما اهمیت چندانی به این مهم داده نمی شود و حتی افراد تحصیل کرده اوقات فراغت خود را به مسائلی چون تماشای تلویزیون که فواید چندانی در ارتقای فرد و جامعه ندارد اختصاصی می دهند. در یک بررسی مختصر می توان عوامل این پدیده را به دو دسته تقسیم کرد: الف) عوامل فردی ; از قبیل نداشتن توان مالی برای خرید کتاب و فقدان انگیزه لازم برای مطالعه که ناشی از عدم شناخت نقش مطالعه کتاب های مفید در رشد علمی و مادی فرد و جامعه می باشد. ب) عوامل محیطی از قبیل کم کاری

رسانه ها در گسترش فرهنگ مطالعه و بیماری مدرک گرایی که باعث می شود افراد فقط به خاطر دست یابی به مدرک و موقعیت های اجتماعی مطالعه کنند و گرانی و یا کمبود کتاب های مفید. ((اظهار نظر دقیق شما]با ذکر شماره نامه قبلی [درباره ی پاسخ ها, موجب تکامل و پویایی کار ماست)). {J

با این که دانشجویان را به تقوا دعوت می کنید, چرا مسوولان تقوا را رعایت نمی کنند؟

پرسش

با این که دانشجویان را به تقوا دعوت می کنید, چرا مسوولان تقوا را رعایت نمی کنند؟

پاسخ

ما بر اساس وظیفه شرعی و سازمانی که داریم مسوئولیت داریم تا آن جا که مقدور باشد در خدمت دانشجویان عزیز باشیم و سوئالات آنها را پاسخ گوییم و نظرات مشاوره ای را برای آنان ارسال کنیم . البته ما هم باید به آنچه می گوییم خودمان معتقد باشیم و در عمل به آن پایبند باشیم و الا شامل این آیه کریمه قرآن می شویم که می فرمایند: ((یا ایهاالذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون کبر مقتا "عندالله ان تقولوا ما لاتفعلون ; ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را می گویید که در مقام عمل خلاف آن را می کنید بترسید از این عمل ک سخنی بگویید و خلاف آن را کنید ک بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می آورید)). اما درباره این که چرا بعضی از مسوئولین مملکتی خلاف احکام و ارزش های اسلامی عمل می نمایند باید گفت که این مسائله از دو عامل نشائت می گیرد: ۱- متائسفانه در مقام گزینش این افراد دقت لازم نشده و ملاکهایی که شایسته کارگزاران حکومت اسلامی است کاملا "رعایت نشده است . ۲- بعضا "نظارت جدی و مستمر توسط دستگاههای مربوطه بر چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسوئلان دولتی اعمال نمی شود. این مسائله همیشه یکی از آفات تهدید کننده انقلاب می باشد مقام معظم رهبری نیز مکررا "نسبت به آن هشدار داده و خواستار تصفیه بدنه اجرایی نظام از این عناصر نامطلوب بوده اند. معظم له در این زمینه می فرمایند ((باید در گزینش کارمندان دولت دقت لازم صورت گیرد و به دنبال گزینش خوبان نظارت بر کار آنان نیز ضروری است چون مقام و قدرت غالبا "اخلاق و رفتار مسوئولان را تغییر می دهد بنابراین اگر بعد از گزینش حتی افراد پارسا و کاردان از بالا بر عمل کرد آنان نظارت دقیق نشود ممکن است به تدریج تغییر رویه داده و به سبب سستی در انجام وظیفه موجب بی اعتمادی ملت نسبت به دستگاه حکومت اسلامی شوند لذا نظام انقلابی در چگونگی انجام امور توسط کارگزاران و مسوئولان باید نظارت مستمر بر کار آنان داشته باشد (فجر انقلاب در بهار قرآن ص ۲۰۳ و ۲۰۵).J{V

دلیل نام گذاری سال امام علی (ع) و یکصدمین سال امام (ره) و اختصاص بودجه های کلان از بیت المال , چگونه توجیه می شود؟

پرسش

دلیل نام گذاری سال امام علی (ع) و یکصدمین سال امام (ره) و اختصاص بودجه های کلان از بیت المال , چگونه توجیه می شود؟

پاسخ

برای پاسخ به این سوئال , توجه شما را به چند نکته جلب می کنیم : ۱- یکی از وظایف حکومت اسلامی گسترش فرهنگ و ارزش هـای الهی و اسـلامی در جـامعه و مطرح نکردن الگوهـای رفتـاری کامـل و شخصـیت هـای الهی , برای تمسـک و پیروی مردم و مسوئولین به اخلاق , منش , رفتار, گفتار, آن بزرگواران در ابعاد زنـدگی فردی و اجتماعی می باشد. همچنان که خداوند نیز پیامبر اکرم را به عنوان اسوه معرفی می نمایـد ((ان لکم فی رسول الله اسوه حسـنه)) بر این اسـاس رهبر معظم انقلاـب , یکی از سال های اخیر را به عنوان سـال امـام خمینی و سال امام علی (ع) نامگـذاری کردنـد. این مسائله فرصت جدیـدی را برای تمرکز جهت گیری های فرهنگی و شـناسایی و معرفی و الگوگیری از این شخصـیت های برجسته پدید می آورد و از مقوله تعظیم شعائر الهی است که در قرآن بر آن تائکید شده است . ۲- با یک بررسی بسیار ساده می توان به این نتیجه رسید که هر چند چنان که شایسته بود, نهایت بهره برداری از این دو سـال نشـد, ولی دسـتاوردهای علمی فرهنگی و تحقیقـاتی از قبیـل کتـاب هـا, مقالاـت و... که اندیشـمندان و محققان جامعه اسـلامی ارائه داند, در قابل مقدار بودجه ای که مصـرف شد, بسـیار گران و با ارزش بود و جو علمی و معنوی افکار عمومی , رسانه ها, مطبوعات و محافل دانشـگاهی و فرهنگی و تحقیقاتی کشور را به این سـمت هـدایت نمود و افق های تازه ای را درمقابـل محققـان و مسوئولان اجرایی کشور برای تمسک به سـیره حکومتی و زنـدگی شخصـی آن دو بزرگوار گشوده است . ۳- متائسفانه در بعضی موارد بودجه های کلانی توسط برخی مسوئولین حیف و میل می شود که ثمره ای جز خالی نمودن بیت المال و بـدبینی مردم گسترش فرهنگ اسـراف تبـذیر و تجمل به دنبال نـدارد, چه خوب بود شـما از آن موارد گله می نمودید نه از یکی از بهترین فعـالیت هـا و برنـامه هایی که برای بالا بردن و حاکم نمودن فرهنگ مبارزه با اسـراف , تبعیض , فقر و... انجام گرفته است . ۴- یکی از اهـداف و ثمرات این ابتکـار توسـط مقـام معظم رهـبری این بـود تـا بـا تمسـک به سیره امـام علی (ع) و حضـرت امـام مسوئولین , گروه ها و جناح های سیاسـی , از تفرقه و منافع جناحی دست برداشـته و ماننـد آن دو بزرگوار تمام وجود خود را وقف اسـلام و خدمت به جامعه اسـلامی و مسـلمانان نمایند و در شرایطی که دشمن با تهاجم فرهنگی , عناصر مزدور داخلی و... سعی در نـابودی ارزش های اسـلامی و حکومت اسـلامی دارد با مطرح شـدن نام و یاد و سـیره آن دو بزرگوار وسـیله ای مناسب برای خنثی کردن توطئه های دشـمنان می باشـد و با تمسک به آن , وحـدت , امنیت و منافع ملی به بهترین وجه تحقق می یابـد. ۵- برای ریشه کن کردن فقر, فساد, بیکاری و تمام مشـکلات اقتصادی , سیاسـی و فرهنگی , باید شیوی درست حکومت , فرهنگ ساده زیستی , دوری از اسـراف , تبذیر, تجمل , خودپرستی و جناح پرستی , کمک به فقرا و مستضعفین , تلاش برای حل مشکلات , مقاومت در مقابل دشـمنان و منافقان , و الگوهای عملی حضـرت علی (ع) و امام خمینی را به عنوان اصول و معیارهای اجتناب ناپـذیر, فراروی مسوئولان نهاد و آویزه ی گوش کارگزاران داشت . اما در مورد این که چه فرقی بین این خرج ها با خرج های دوران شاه می باشد می توان به موارد ذیـل اشـاره نمود: اولاـ "در اهـداف متفاوت می باشـند, خرج هایی که در زمان ما می شود برای بالا بردن سـطح فرهنگ اسلامی و ارزش های الهی در جامعه برای خدمت به مردم می باشد و چنان که گفته شد نوعی تعظیم شعائر الهی است , اما خرج هـای آن زمـان در جهت احیـای مجـدد و بسـط تقویت نظـام طاغوتی شاهنشاهی , رواج فرهنگ اسـراف , تبـذیر, دنیاپرستی , تجمل , ضدیت با فرهنگ و ارزش های اسلامی و تحریف تاریخ ایران اسلامی به سمت ایران شاهنشاهی و هخامنشی بود. ثانیا: "در تائثیرات متفاوت می باشـند: اجرای صـحیح این طرح در زمان ما باعث کمک به پیشـرفت صحیح توسعه همه جانبه و اجرای عدالت اجتمـاعی , تقویت وحـدت و امنیت ملی و کـاهش فقر و تضاد طبقاتی و اجرای حکومت عـدل الهی می باشـد اما برنامه های دوران سلطنت منحـوس پهلـوی , مـوجب عقب مانـدگی کشـور, هـدر رفتن بـودجه هـای کلاـن کشـور در جهت تفریـح , عیش و نوش و خوشـگذرانی و ازدیاد فاصـله طبقاتی , فاصـله گرفتن مردم از حکومت و نفوذ بیشتر اسـتعمارگران در ایران بود. ثالثا: "از نظر مقدار مخارج و هزینه ها هرگز قابل مقایسه نمی باشد. کافی است شما به کتب تاریخی مراجعه نموده و ملاحظه فرمایید که چه هزینه های سرسام آوری صـرف خوشگذرانی ها و عیاشی های دربار در مراسم جشن ۲۵۰۰ ساله و... می شـد. بنابراین با توجه به نکات فوق و

شناخت اهمیت ضرورت این قبیل اقدامات و آثار مثبت آن حتی اگر در برخی ستادها ریخت و پاشی شود نباید اصل این مسئله و دستاوردهای مثبت آن را زیر سوئال ببریم , بلکه باید با تمسک به سیره آن بزرگواران مبارزه با اسراف و تبذیر و انجام اصلاحات را از خودمان و از خود این مراکز و ستادهایی که می خواهند سیره و منش آن بزرگواران را گسترش دهند شروع نماییم زیرا تا وقتی که مسوئولان و کارگزاران اسلامی خودشان سیره آن امام همام را در اعمال و رفتار خود پیاده ننمایند نمی توان انتظار هیچ تاثیر سازنده و مثبتی را در افکار و عقاید و نگرش مردم داشت . برای آگاهی بیشتر ر.ک : مفاسد اقتصادی رژیم پهلوی , مرکز بررسی اسناد تاریخی .J

چرا در کشور ما فرهنگ انتقادپذیری وجود ندارد ؟

پرسش

چرا در کشور ما فرهنگ انتقادپذیری وجود ندارد ؟

پاسخ

ارائه پاسخی مناسب نیازمند تحقیقاتی گسترده و دقیق پیرامون اثبات صحت اصل این قضیه و میزان آن و سپس پرداختن به علل و عوامل آن می‌باشد که این موضوع خارج از گنجایش یک نامه است، لذا به اختصار مطالبی را در این خصوص بیان می‌نماییم: واقعیت این است که این مسأله تا حدودی در جامعه ما وجود دارد که به هیچ وجه زیبنده‌ی جامعه اسلامی ما نیست. دین مبین اسلام برای انتقاد و انتقادپذیری ارزش و جایگاه ویژه‌ای را جهت اصلاح، تکامل و پیشرفت فرد وجامعه در نظر گرفته است. چنان که حضرت صادق(ع) می‌فرماید: «من رأی اخاه علی امر یکرهه فلم یرده و هو یقدر علیه، فقد خانه ؛ هر کس برادر مؤمن خود را درحالی که ناخوشایند اوست ببیند و او را با این که می‌تواند از آن باز ندارد به او خیانت کرده است»(بحارالانوار، ج ۷۱، باب ۱۴). امام باقر(ع) در باب انتقادپذیری می‌فرماید: «اتبع من یبکیک و هو لک ناصح...؛ از کسی که از روی خیرخواهی با یادآوری عیب‌هایت تو را به گریه درآورد پیروی کن و از کسی که از روی ناخالصی تو را به خنده وا می‌دارد، متابعت مکن...»(الکافی، ج ۲، ص ۶۳۸). امام علی(ع) نیز در این زمینه از مردم می‌خواهد که حرف حق را در هر حال به او یادآوری کنند: «فلا تکفّوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل، فانی لست فی نفسی بقول ان اخطیء ولا آمن ذلک من فعلی الا ان یکفی الله من نفسی ما هو املک به منّی»(نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶). بنابراین در آموزه‌های دینی تأکید بسیاری هم بر انتقاد مشفقانه و هم برانتقادپذیری شده است. اما چرا با این وجود، هنوز در جامعه ما برخی از مردم یا مسؤولین در رفتار فردی و اجتماعی خود چنین موضوعی را برنمی‌تابند، نیازمند بررسی عوامل متعددی است که در اینجا از دو منظر انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی به آن می‌پردازیم: الف) حب ذات امری است که خداوند متعال آن را برای صیانت نفس در هر موجود زنده‌ای قرار داده است، ولی عدم جهت‌دهی صحیح آن توسط انسان، این صفت را گاهی منشأ انحراف در نگرش او نسبت به زشتی‌های اخلاقی و رفتاری خود نموده و خویشتن دوستی را به خودپسندی، کبر، غرور و... مبدل ساخته است. به گونه‌ای که ممکن است در کسی عیبی باشد ولی بدان توجه نکند و یا حتی آن را ستایش کند، در حالی که اگر همان عیب را در دیگری ببیند بر او خرده می گیرد. انسان چه بسا در اثر حبّ نفس، در آغاز از توجه انتقاد دیگران به خود رنجیده خاطر شود، زیرا آن را نشانه نوعی شکست و عدم توفیق خود دانسته و اعتبار خویش را در معرض خطر و تهاجم می‌پندارد، در حالی که اگر نیک بنگرد خواهد یافت که حتی همان «حب ذات» خردمندانه او را به قبول نقدهایی که از روی خیرخواهی و نیک‌اندیشی بر او وارد می‌شود، دعوت می کند(انتقادگری و انتقادپذیری در حکومت علوی، مهدی موسوی

کاشمری، نشریه صدای عدالت). اما وجود صفاتی از قبیل، غرور، خودخواهی و خودبرتر بینی در بسیاری از افراد، مانع از این ژرف‌اندیشی و خردنگری شده و لذا با همه وجود در برابر انتقاد دیگری ایستادگی و مقاومت می‌کنند. ب) از دیدگاه جامعه‌شناختی در بسیاری از جوامع به علت سابقه‌ی طولانی حاکمیت استبداد وعدم وجود آموزش رفتار مشارکتی و همراه با گفتگو در خانه، مدرسه و جامعه و از طرف دیگر شرایط سخت زندگی و ناکامی‌ها و عدم امکان اظهار نظر، فرهنگ انتقاد و انتقادپذیری نه تنها بسیار کم وجود دارد، بلکه بسیاری از دیدگاه منفی به آن می‌نگرند. به علاوه شیوه انتقاد نیز صحیح نمی‌باشد، زیرا: ۱- انتقادها عموما همراه با احساس می‌باشند. ۲- طی آن از الفاظی استفاده می‌شود که بار ارزشی منفی دارند و توهین‌آمیز و پرخاشگرانه‌اند. در نتیجه باعث خدشه‌دار شدن وجهه و احترام شخص مقابل شده وآمادگی او برای پذیرش انتقاد کاهش می‌یابد و برعکس موجب تثبیت رفتار و مقابله با انتقادکننده می‌گردد. ۳- عموما هدف شخص انتقادکننده از انتقاد، بزرگ نشان دادن خود و تحقیر انتقادشونده است. ۴- در طی فرایند انتقاد، جنبه‌های مثبت در نظر گرفته نمی‌شود و شخص مورد نظر در کلیه زمینه‌ها نفی می‌گردد(توسعه و تضاد، فرامرز رفیع‌پور، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ۳۹۳). نتیجه عوامل فوق، کاهش روحیه انتقادپذیری و گسترش روحیه خودبینی، تملّق و چاپلوسی است و در جهت مقابله با آن تحقق امور ذیل حائز اهمیت است: - ترویج و نهادینه نمودن ارزش‌های اسلامی در مورد انتقاد و انتقادپذیری. - انتقاد اقدامات مستقیم نظیر آموزش در خانواده و مدارس، امکان ابراز نظر و آزادی انتقادهای علمی بی‌غرض و کنترل شده. - متجلی نمودن روحیه انتقادپذیری از سوی تمامی مسؤولین در اعمال و رفتار خود آن گونه که امام علی(ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «باید برگزیده‌ترین آنان نزد تو، آن کس از وزیران باشد که سخن تلخ حق را بیشتر به تو بازگو کند و کمتر تو را در آن‌چه خدا از اولیایش نمی‌پسندد و مطابق هوای توست» یاری و مساعدت کند و خود را با صاحبان تقوا و صداقت، محشور کن و عادتشان بده که ثناگویی و ستایشت نکنند واز این که باطلی را ترک کرده‌ای - که وظیفه توست، با مدح خود - تو را شادمان نسازند: زیرا ستایش زیاد، خودپسندی می‌آورد و شخص را به تکبر نزدیک می‌کند»(نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

با توجه به این همه فساد و فحشا در دنیا چگونه باید زندگی کرد که بتوان از نعمت های این دنیا استفاده نمود وهم بتوان برای سفر آخرت مهیا بود؟

پرسش

با توجه به این همه فساد و فحشا در دنیا چگونه باید زندگی کرد که بتوان از نعمت های این دنیا استفاده نمود وهم بتوان برای سفر آخرت مهیا بود؟

پاسخ

مساله توازن بین دنیا و آخرت یکی از مهمترین اصول عملی اسلام است. این مساله امری ممکن ولی مانند هرآرمانبلند دیگری تا حدودی مشکل می‌باشد. مشکل بودن این مساله ربطی به زمان حاضر و دنیای کنونی ندارد بلکهبشریت همواره در طول زندگی گرفتار مساله تضاد و اصطکاک بین برخی از منافع دنیوی و اخروی بوده است و پیوستهکسانی دنیا را بر آخرت و قلیلی از بندگان آخرت را بردنیا ترجیح داده‌اند بلکه آن جا نیز که از پی دنیا رفته‌اند باپاس‌داشت‌حریم آخرت رفته‌اند. واما چگونگی امکان آن زمانی روشن می‌شود که مفهوم حدیثی‌که به آن اشارهکرده‌اید به درستی فهم گردد. پیام این روایت آن است که فعالیت‌های دنیوی انسان باید از اصول و ویژگی‌هایی صحیحعقلانی و برنامه‌ریزی شده برخوردار باشد؛ به عنوان مثال شما که به تحصیل اشتغال

داریـد برای اینکه بتوانیـد آینـدهسالمی را برای زنـدگی خود پایه ریزی کنید اگر این دوراندیشـی نبود ممکن بود فرصت و نشاط و استعداد جوانی را ازدست بدهیـد و فردا گرفتـار هزاران مشـکل حـل نشـدنی گردیـد. همچنین است در امور اجتمـاعی؛ یعنی نبـاید طوریبرنامه ریزی کرد که فقط امروز سپری شود و برای فردا انـدیشه نکرد. بنابراین معنای این بعـد روایت دوراندیشـی و برنامهریزی معقول است. بعد دوم می گوید: با حفظ قسمت اول همواره آمادگی برای مرگ داشته باشید وکاملا خود را درخواستها و گرایشات دنیوی هضم نکنید؛ به عبارت دیگر این هم نوعی دوراندیشی فراتراز قسم اول است. این آمادگیدر ضمن فعالیت‌های صحیح دنیوی بایـد انجام گیرد واین در صورتی ممکن است که به دنیا نگرشـی ابزار انگارانه داشـتهباشد نه هـدف انگارانه. البته آمادگی هرلحظه برای مرگ مراتب و درجـاتی دارد حـداقل آن که در این روایت خواسـتهشده این است که: ۱- انسـان حقوق الهی را به درستی ادا کنـد پس اگر واجبی از او ترک شـده قضا نمایـد و اگر گناهی مرتکب شـده توبه واسـتغفار نماید. ۲- اگر حقوقی از جـامعه پایمال نموده جبران نماید بطوری که اگر ناگاه مرگ او دررسـید مشـکلی نداشته باشد. ۳- درصورتی که برایش مقـدور است از محصول تلاشـهای دنیـوی خـود قسـمی را به خـدمات دینی اجتمـاعی و...بـپردازد تـا ذخیره بیشـتری برای آخرت کسب نمـوده باشـد. اکنون می‌پرسیم آیـا جمع بین این دو نـاممکن است؟ چه مـانعی دارد که انسان برای دنیای خود تلاش کنـد به رفاهخود خانواده و اجتماع بیندیشـد تولید ثروت نماید از مواهب الهی در این دنیا بهره برد ولی در همه‌این‌امورپاس دین وهنجارهای الهی را نیز داشـته باشد. و برخلاـف ضوابـط و مقررات شـرعی عمـل نکنـد. واجبـات خود را انجـام و محرماترا ترک کنـد و حقوق الهی و بنـدگان را به دقت رعـایت نمایـد؟ اگر چنین شـد دنیای خوب و آخرت خوب در انتظاراوست. البته کسی‌درهرشـرایطی که بخواهـد این مسیر را پیش گیرد به دو سـلاح نیازمنـد است الف) آگاهی؛ یعنی بایـد دقیقا بتوانـد حکم الهی در رابطه با راه های مختلف زنـدگی رابشـناسد و بداند که در هر موردخداوند به کدامیک از آنها امر می‌نماید و از چه مسیری باز می‌دارد. ب) مجاهده و مبارزه با نفس. مسلما در کشاکش زندگی گرایشات گوناگون مادی و دنیایی انسان را به سوی خود فرامی‌خواند و از یاد آخرت غافل می‌سازد. این جا است که شـخص بایـد بـا عزمی اسـتوار و اراده‌ای محکم در برابر تمنیاتـآخرت ستیز نفس بایسـتد پس از دنیـا به قـدر نیاز واقعی برگیرد و حظوظ لازم دنیوی را فراموش نسازد ولی همان را نیز بهعنوان مقدمه و کوششـی برای تلاشهای خداپسندانه واخروی. گویند: عارفی به خوردن تکه نانی مشـغول بود. از وپرسیدند چه می کنی؟ گفت: دنیا را گول می‌زنم. گفتند چگونه؟ گفت: نان آن را می‌خورم و کار برای آخرت می کنم.{J

راهکار مطالعاتی برای انجام کارهای اساسی و تبلیغاتی در دانشگاه چیست؟

پرسش

راهکار مطالعاتی برای انجام کارهای اساسی و تبلیغاتی در دانشگاه چیست؟

پاسخ

سؤال بسـیار خوب و دقیقی است و نشانه توجه و احساس مسؤولیت شـما در قبال مسائل علمی و فرهنگی می‌باشد. اما با توجه به این که تبیین کامـل و جـامع موضوع نیـاز به تفصـیل بیشتری دارد. فعلاً ـ به طور خلاـصه به دو محور یکی «بیان اهمیت و کلیت بحث» و دیگری «پرداختن به مورد سؤال به صورت کاربردی» می‌پردازیم و چنانچه ابهامی باقی مانـد در مکاتبات بعـدی جبران خواهـد شد. ۱{T- اهمیت انجـام امـور علمی و فرهنگی در دانشـگاه‌ها:{T با پیروزی و اسـتقرار نظام جمهوری اسـلامی به رهبری حضـرت امام خمینی، دانشـگاه‌ها به عنـوان یکی از مهمـترین بخش‌هـای عرصه فرهنـگ کشـور، جهت تحقق اهـداف و آرمان‌هـای بلنـد انقلاـب

اسلامی مورد توجه قرار گرفت که لازمه آن از یک طرف فراهم آوردن شرایط و فضای مناسب برای ایفای این نقش مهم متناسب با اهداف انقلاب اسلامی و از طرف دیگر، آمادگی لازم به منظور مقابله و یا خنثی نمودن هجوم فکری و فرهنگی مغایر با مبانی دین و اهداف بلند این انقلاب می‌باشد. آنچه مسلم است برای انجام این مهم محورهای مختلف و جایگاه‌های گوناگونی است که می‌بایست وارد کار شده و طبق اولویت‌بندی علمی و منطقی لازم و از پیش تعیین شده به وظیفه انسانی، دینی و انقلابی خود عمل نمایند که دانشجویان و تشکل‌های اسلامی در دانشگاه‌ها یکی از عناصری هستند که در این زمینه می‌توانند نقش عمده و فراگیری را داشته باشند که در کنار آن عناصر دیگری از قبیل سیستم آموزشی، محتوای آموزشی، مدیریت، اساتید و فضای دانشگاه، هر کدام به نوبه خود محور مهمی از این حرکت را می‌توانندبه عهده داشته باشد. حال برای توجه بیشتر و نزدیک شدن به پاسخ سؤال لازم است به نکته مهمی اشاره شود: طبق فرمایش مقام معظم رهبری، سه اصل مهم برای دانشگاه و دانشجو وجود دارد: ۱- علم و جایگاه دانش، ۲- دین، اخلاق اسلامی و تهذیب نفس، ۳- بینش و شعور سیاسی، که هر سه اصل مهم، لازم و ضروری است و چنانچه به هر یک از این سه اصل بی‌توجهی شود، دست‌یابی به اهداف و آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی ممکن نخواهد شد. تشکل‌های دانشجویی نیز به سهم خود می‌بایست زمینه‌های لازم برای ایجاد فضای علمی، دینی، اخلاقی و سیاسی را در دانشگاه‌ها فراهم کنند. که این مهم خود نیاز به مطالعه، تعمق و برنامه‌ریزی منظم و منسجم را دارد. T{پاسخ مورد سؤال به صورت کاربردی:}T با توجه به مطالب فوق ضرورت برنامه‌ریزی برای دست‌یابی به هدف تعیین شده در سؤال (تعمیق مبانی اعتقادی در کنار انجام امور علمی و فرهنگی) بیشتر نمایان می گردد و برای تحقق آن دو راهبرد پیشنهاد می‌شود. یکی «راهبرد علمی و مطالعاتی» ودیگری «راهبرد رفتاری و عملی». الف) راهبرد علمی و مطالعاتی: در اینجا بیان این نکته لازم است که موارد زیر با توجه به سه اصل تربیت علمی، اعتقادی و سیاسی، به عنوان اهداف و رسالت دانشگاه و دانشجو بیان می‌شود: ۱- اهتمام جدی به تحصیل در رشته‌ای که تحصیل می کنیم. ۲- توجه و اهتمام به دروس معارف به عنوان زمینه ورود به مباحث اعتقادی. ۳- با توجه به این که هر یک از دروس معارف (معارف ۱ و ۲، تاریخ اسلام، اخلاق و تربیت اسلامی، ریشه‌های انقلاب اسلامی) پیش‌زمینه‌های امور اعتقادی اخلاقی و سیاسی یک دانشجو را می‌تواند فراهم کند. علاوه بر سیر عادی درس، دو محور ارتباطی خوب می‌تواند راهگشا باشد، یکی «ارتباط با اساتید این دروس و کسب راهنمایی لازم»، دوم «توجه و مطالعه منابعی که به عنوان کمک‌درسی برای این دروس ارائه می گردد. ۴- باید توجه داشت که همزمان انتخاب محورهای متفاوت مطالعاتی صحیح نیست و نتیجه‌ای جز احساس خستگی و دلسردی ندارد. در نتیجه، با توجه به احساس نیاز و علاقه شخصی یک موضوع را انتخاب و سیر مطالعاتی را در آن مسیر فعال نمود و پس از کسب معلومات لازم در یک زمینه، موضوع دیگری را شروع نمود. ۵- برای انتخاب هر سیر مطالعاتی ضروری است با یک استاد که در زمینه مورد نظر تخصص کافی دارد مشاوره نمود تا مطالعات یک مسیر منطقی از ساده به مشکل را طی نماید. ب) راهبردهای رفتاری و عملی: ۱- حفظ ظواهر اسلامی در فضای دانشگاه از قبیل، نوع پوشش، ترکیب آرایش موی سر، روابط با دوستان، نظم در حضور کلاس، چگونگی رابطه با اساتید و... ۲- رعایت و عمل به شعائر و مناسک اسلامی از قبیل: توجه به نماز و نماز جماعت، برگزاری و شرکت در مراسم مذهبی، رعایت اخلاق اسلامی در محیط دانشگاه، کلاس، خوابگاه‌ها، اردوها و... ۳- توجه به مراسم و سنت‌های ملی و فرهنگی از قبیل ۲۲ بهمن پیروزی انقلاب اسلامی، روز جمهوری اسلامی، هفته دولت، هفته دفاع مقدس، روز وحدت حوزه و دانشگاه روز مبارزه با استکبار جهانی و... ۴- پرهیز از شعارهای غیر قابل اجرا، مقطعی و زودگذر. ۵- انتخاب یک خط مستقیم و کنار گذاشتن ملاحظات خطی و جناحی مغایر با اهداف بلند انقلاب اسلامی ۶- تقویت روحیه بردباری، تحمل و برخورد منطقی.

برای اصلاح وضعیت اجتماعی دانشگاه وحفظ اخلاق دانشجویان از این محیط نامساعد ،چه کنیم؟

پرسش

برای اصلاح وضعیت اجتماعی دانشگاه وحفظ اخلاق دانشجویان از این محیط نامساعد ،چه کنیم؟

پاسخ

دقت و حساسیت و دلسوزی و دل‌نگرانی‌تان را نسبت به وضعیت فرهنگی جامعه و دانشگاه و جوانان عزیز این کشور می‌ستاییم ودعا می‌کنیم و امیدواریم امثال شما دانشجویان متدین و پای‌بند به ارزش‌های اخلاقی و دینی که درد خود و دیگران همیشه در دلهایشان می‌خروشد و شعله‌ور است با استفاده از خلاقیت‌های خود و به دست گرفتن امور به سالم‌سازی فضای دانشگاه و هدایت جوانان و نجات دیگران که به پرتگاه سقوط نزدیک می‌شوند، همت می‌گمارند و اجازه ندهند نامحرمان بر اوضاع و احوال فرهنگی تسلط یابند. این امر در صورتی تحقق خواهد یافت که جوانان پرشور و آشنا به وضعیت موجود و اهل درد صحنه و محیط را خالی نگذاشته و از هیچ‌گونه سعی و تلاشی دریغ نکرده و نسبت به اصلاح و ایجاد تغییر و رسیدن به اهداف مقدس خود ناامید نشوند و مرعوب برخی فضاسازی‌ها نشوند چرا که ترس ودلهره از طرفی و یأس و ناامیدی از طرف دیگر دو مانع بزرگ هر حرکت اصلاحی است. اولیاء الهی کسانی هستند که نه خوف و ترسی از انجام وظایف خود در برابر دشمنان دارند و نه ناامید از رسیدن به اهداف الهی خود هستند. A{الا ـ ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون}A بنابراین توجه شما را به نکاتی چند جلب می‌کنیم: ۱- از ادامه تحصیل در دانشگاه منصرف نشوید (در صورتی که از محیط و فضای فرهنگی دانشگاه تأثیر سوء نمی‌گیرید) و با مقاومت در برابر ناملایمات و مشکلات فرهنگی و مقابله با نابهنجاری‌های فرهنگی صحنه را برای نامحرمان خالی نگذارید و جبهه حق را در برابر افکار و اعمال باطل و غیرفرهنگی تقویت کنید. مطمئن باشید حضور بیشتر امثال شما دانشجویان گام بهتری است برای سالم‌سازی محیط دانشگاه‌ها. ۲- با تقویت باورها و اعتقادات دینی و مذهبی خود را در برابر انحرافات و خطرات و تهدیدهای مختلف واکسینه کنید. بدین‌منظور هم در جنبه اعتقادی، به گسترش و تعمیق بنیه‌های ایمانی خود بپردازید و هم در جنبه عملی به واجبات دینی و اخلاقی بیشتر توجه کرده و به انجام واجبات مثل نماز و شعایر دینی پرداخته و از مظاهر گناه و خلاف و هرگونه انحراف خود را دور نگه دارید. ۳- با تشکیل گروه‌های مختلف و به کمک دانشجویان هم‌فکر و هم‌عقیده و کسانی که درد دین دارند، برای مقابله با ناهنجارهای فرهنگی به تبادل نظر نشسته و تصمیم‌گیری نموده و راه‌کارهای پیشنهادی را عملی سازید و همان‌طور که با مسؤولین دانشگاه و برخی تشکل‌های دانشجویی به گفتگو پرداخته‌اید با جدیت بیشتری این کار را پی‌گیری کنید.مطمئنا می‌توانید تأثیرگذار باشید. ۴- توجه داشته باشید که نباید از معضلات اجتماعی آنچنان ناراحت شوید که خود را در غم و اندوه غوطه‌ور سازید، چون خود این حالت نیز باعث کندی کار و سدّ راه تکامل شما خواهد بود. نبی اکرم(ص) درباره نابسامانی اجتماع و عدم ایمان مردم به شدت ناراحت می‌شدند تا این که خدای سبحان حضرتش را دلداری داده و می‌فرماید: «طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی؛ پیامبرا ما این قرآن را برای این نفرستادیم که به خاطر کفر و عدم گرایش این مردم خود را به رنج و مشقت بیفکنی»، (طه، آیه ۱) و نیز می‌فرماید: «لعلّک باخع نفسک الّا یکونوا مؤمنین؛ ای رسول، تو چنان در اندیشه این خلقی که از غم بی‌ایمانی این مردم خود را هلاک کنی»، (شعراء، آیه ۲۳). ملاحظه می‌کنید که قرآن مجید چگونه نبی اکرم(ص) را از آن همه غم و اندوه بر حذر داشته است و نیز تعبیر حکیمانه علی(ع) در این راستا حائز اهمیت است که می‌فرماید: «الهمّ نصف الهَرَم؛ همّ وغمّ نصف پیری را تشکیل می‌دهد»، (نهج‌البلاغه قصار ۱۴۳)؛ یعنی، غصه و اندوه انسان را می‌شکند و زود از پا در می‌آورد. با این نگرش، گرچه ما به احساس پاک شما ارج می‌نهیم ولی رهنمود ما این است که خود را چنان دچار اندوه و حسرت نکنید که از اهداف بلند و تکامل باز بمانید. ۵- هر کجا زمینه مناسبی یافتید دگرسازی کنید و امر به معروف و نهی از منکر را در کمال مهارت

و ظرافت به انجام برسانید. ۶- اهل مطالعه باشید و با افراد دلسوزی همچون خودتان در ارتباط بوده و تشکل داشته باشید. ۷- در محافل و مجالسی که تشکیل می‌دهید بر این اندیشه باشید که برای سازندگی و تربیت نسل جوان چه باید کرد؟ و همچون بسیاری از دانشجویان به طور فعّال و کوشا در این راه گام بردارید و مطمئن باشید که خدای کریم در صدد ارشاد چنین فرزانگانی است. و امیدوار باشید که در نهایت از تلاش خود نتیجه خواهید گرفت.

نظر شما درباره اردوهای مختلط دانشجویی و وظیفه ما در این رابطه چیست؟

پرسش

نظر شما درباره اردوهای مختلط دانشجویی و وظیفه ما در این رابطه چیست؟

پاسخ

باید عرض نماییم که به این مسأله در دو زمان متفاوت می‌توان نگاه کرد: ۱- نگاهی به قبل از این اردوها انداخت؛ نگاه به خانه، مدرسه، کوچه و در یک کلام به جامعه و این که چه ęĠ و عواملی این قبیل ناهنجاری‌ها را در پی داشته و راه‌کار برون رفت از این بحران چیست؟ با همه پیچیدگی‌ها راه حل اصولی را با چنین دیدگاهی می‌توان یافت. ۲- نگاه به زمان حال، در این نگاه صرف نظر از علل و عوامل به وجود آورنده این ناهنجاری‌ها آنچه مطرح است نبود این ناهنجاری‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر جریان سالم اجتماعی با چنین نگاهی خواهان عدم اظهار و ابراز این ناهنجاری‌هاست. چنین نگاهی اگر چه کافی نیست اما لازم است و به نظر می‌رسد در راستای همین امر لازم باشد که حضور و فعالیت در محیط‌های آموزشی و علمی محدود به ضوابطی از جمله رعایت هنجارهای اجتماعی است. به نظر می‌رسد که مشکل در اینجا فقدان ضوابط و مقررات نباشد و مسأله به اجرا و نظارت برگردد. در مرحله اجرا باید مجری و ناظر را در مثل این مورد معین کرد و به نظر می‌رسد حراست هر مؤسسه در این رابطه بی‌مسؤولیت نباشد. البته باید در این رابطه ضوابط به طور شفاف مسؤول یا مسؤولین مجر...و ناظر را مشخص کند. بعد از مشخص شدن مسؤولین اجرا.....و ناظر باید از آنان خواست تا پاسخگو باشند. در نهایت از آنجا که وجود این قبیل ناهنجاری‌ها صرفنظر از قبح ذاتی می‌تواند روحیه علمی و معنوی دانشجویان متشرع را تضعیف نماید باید نیک نظر کرد و فقدان ضوابط شفاف، مسؤولیت‌ناپذیری مجریان و عدم پیگیری ناظران را رفع نمود. ما فکر می‌کنیم که اگر مسؤولین و ناظران براساس ضوابطی روشن با متخلفین برخورد قاطع نمایند، لااقل در این قبیل محیط‌ها و در این حد شاهد ناهنجاری‌ها نخواهیم بود. از همین‌جا وظیفه شما نیز مشخص می‌شود. شما اولاً با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن باید در برخود با این قبیل ناهنجاری‌ها، موضع مناسب را اتخاذ نمایید و ثانیا راه حل اصولی آن است که پیگیر آن ضوابط، مسؤولین و ناظران باشید و در هرجا خلاء و نارسایی احساس کردید، برای رفع آن اقدام لازم را به عمل آورید. این اقدامات اگر به طور گروهی و در قالب برخی تشکل‌های دانشجویی صورت گیرد مؤثرتر خواهد بود. چنانچه بدانید رفتن به این گونه اردو موجب ارتکاب گناه می‌گردد از رفتن به آن اجتناب کنید.

چرا با وجود نیاز به عالمان دینی در مناطق محروم، آنها خود را در محیط های بخصوصی محدود کرده اند؟

پرسش

چرا با وجود نیاز به عالمان دینی در مناطق محروم،آنها خود را در محیط های بخصوصی محدود کرده اند؟

پاسخ

با نگاهی اجمالی به آیات کریمه‌ی قرآن و دستورات دینی در می‌یابیم که تبلیغ از دین در درجه‌ی اول متوجه حضرت پیامبر(ص) و سایر پیشوایان معصوم(ع) بوده و در مراحل بعد متوجه وارثان آنان یعنی عالمان دینی و در نهایت متوجه آحاد مسلمانان در قالب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. در طول تاریخ، عالمان دین به عنوان وارثان رسالت الهی پیامبر(ص) و جانشینان معصومش(ع)، همواره مجاهدت‌های دامنه‌داری در راستای تبلیغ از دین داشتند و حتی برخی از آنان در راستای نشر هنجارهای دینی، مشکلات زیادی را بر خویش هموار کرده و کوله‌ی هجرت بر دوش بسته و دلبستگی‌های دنیایی را به کناری نهاده و برای تحکیم مبانی دینی با قلم و قدم و زبان خویش سرمایه‌گذاری وسیعی کرده و برخی از آنان در این مسیر شهد شیرین شهادت در راه خدا را چشیدند. حوزه‌های علمیه در گذشته، علاوه بر حضور جدّی در زمان خویش، در صحنه‌ی تبیین، تبلیغ و رساندن پیام دین نیز همگام با زمان خویش بوده و از شیوه‌های رایج پیام‌رسانی جامعه‌ی خود بهره می‌بردند، خطابه و منبر از شیوه‌های متداول و مهم‌ترین ابزار حوزه در رساندن پیام خویش در گذشته بوده است. در قرن چهارم، خطابه و منبر جایگاهی بس بلند داشته است. در آن زمان، مردم از واعظان و سخن‌وران مشهور دعوت می‌کرده‌اند تا پیام‌های دینی را از آنان بشنوند و آنان را موعظه کرده و مصالح دین و دنیایشان را در مساجد مطرح کنند، حوزه‌های علمیه نیز بخشی از اوقات خود را به وعظ و خطابه برای مردم اختصاص می‌دادند. در نیمه اول قرن چهارم، ابوالحسن علی بن الحسین، متولی مدرسه‌ی بیهقی، اوقات طلاب را به سه بخش تقسیم کرد،بخش اول برای تحصل و تدریس، بخش دیگر برای نوشتن احادیث و قسمت آخر برای تبلیغ و وعظ. علامه محمدحسین مظفّر درباره‌ی نقش سخنوری و منبر در آگاهاندن مردم نوشته است: «منبر در معرفی تاریخ اسلام و تاریخ اهل بیت(ع) و نشر و تبلیغ اخلاق و فضلیت، دارای نقش جالبی بوده است به همین جهت، اکثر مردم شیعه، نسبت به احکام دین در بی‌خبری بسر نمی‌بردند و با سیره‌ی رسول اکرم(ص) و احوال عترت او... آشنایی دارند و گاهی بعضی از مردم شیعه قادر بر مناظره و استدلال در مسأله‌ی امامت و جز آنها می‌باشند و این مزایا را باید نتیجه‌ی این گونه تعلیمات و ارشادات ابناء علم و بیان و سخنرانی‌های خطبا و اهل منبر دانست.» امروزه و در عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات، به مدد ابزارهای پیشرفته از قبیل، مطبوعات صدا و سیما، رایانه، اینترنت و ماهواره، تحوّل اساسی در امر تبلیغات، صورت گرفته و دو عامل حجم عظیم اطلاعات و اخبار و به روز بودن آن و همچنین عامل سرعت در انتقال اطلاعات، فرصت‌های رقابتی نوینی در عرصه تبلیغات فراهم کرده است، بر این اساس، اکتفا کردن به شیوه‌های رایج در گذشته اعم از خطابه، منبر، تعزیه و... زیبنده‌ی آوازه‌ی بلند و عنوان مقدس «دین اسلام» نمی‌باشد. T{حوزه‌های علمیه و زمان‌شناس:}T حوزه‌های علمیه و به ویژه حوزه علمیه قم با توجه به تجربیات نوین بشری در عرصه‌ی ارتباطات و پیام‌رسانی و با استفاده از سخت‌افزارهای موجود، نرم‌افزارهای جدیدی را ارائه کرده‌اند که نه تنها شرایط تحقیقی و پژوهشی را برای محققان و پژوهشگران آسان کرده بلکه در امر تبلیغ پیام دین نیز تسهیلات خارق‌العاده‌ای فراهم آورده است. علاوه بر این که، حوزه‌های علمیه با تقویت نهادهای تبلیغی، از تجربیات گذشته در عرصه‌ی تبلیغ دین غفلت نورزیده و با برنامه‌ریزی در این بخش به پیشرفت‌های خوبی دست یافته که در نوع خود جالب توجه است، به عنوان مثال، بر اساس طرحی که در قالب «طرح هجرت» در نهادهای تبلیغی شکل گرفته و به سمت نهادینه شدن پیش می‌رود، طلاب علوم دین با تحصیل در علوم و فراگیری علوم و ابزارهای لازم تبلیغی، به صورت طرح‌های یک ساله و بیشتر، به مناطق مختلف کشور از جمله روستاها مهاجرت کرده و در آن محل‌ها مستقر شده و مردم را در امور دینی یاری می‌رسانند. گرچه این طرح، مراحل ابتدایی را سپری می‌کند، اما در نوع خود، یک نوآوری محسوب می‌شود به طوری که در قالب این طرح و طرح‌های مشابه، سالانه صدها بلکه هزاران نفر در قالب کاروان‌های تبلیغی به سراسر کشور اعزام می‌شوند. البته طرح هجرت نیز مثل همه‌ی طرح‌های اولیه‌ی دیگر خالی از اشکال و مشکل نخواهد بود که به مرور زمان باید آن را به کارآمدی لازم

نزدیک کرده و از مشکلات آن کم کرد. علاوه بر شیوه‌های پیش گفته، طلاب علوم دینی، همچون گذشته، در فصل‌ها و ماه‌های تبلیغ (محرم، صفر، رمضان و...) با حضور در مساجد و حسینیه‌های سراسر کشور، همگام با مردم مسلمان در احیای شعایر دینی مشارکت جسته و در برپایی آن تلاش می‌کنند. به هر حال، امروزه رسانه‌های عمومی سهم عمده‌ای در عرصه‌ی تبلیغ گفتاری، تصویری و نوشتاری پیدا کرده و نمی‌توان سهم آنان را در تبلیغ دین انکار کرد و یا احیانا از آنان غفلت ورزید، اما همچنان تماس حضوری عالمان و سخنوران پارسا و اهل عمل با مردم و تبلیغ دین و ابلاغ پیام پیشوایان الهی در قالب خطابه و منبر، تأثیرات فزاینده و عمیقی دارد، چرا که ارائه الگوی عینی و عملی همراه با تبلیغات کلامی و زبانی، پایدارترین ابزار در عرصه‌ی نشر هنجارهای دینی و تحکیم مبانی دین است. لازم به تذکر اینکه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم، متولی امر تبلیغ در اقصی نقاط کشور در قالب «طرح هجرت» بوده و به درخواست‌های مختلف از شهرها و روستاهای کشور با اولویت‌بندی پاسخ می‌دهد. در صورت لزوم، شما هم می‌توانید با مراجعه به سازمان تبلیغات شهر خودتان و یا با مراجعه به دفتر امام جمعه آن شهر از چنین فرصتی بهره ببرید.

آیا با توجه به شرایط نامناسب جامعه می توان پاسخگوی نیازهای جوانان بود؟

پرسش

آیا با توجه به شرایط نامناسب جامعه می توان پاسخگوی نیازهای جوانان بود؟

پاسخ

در مورد قسمت اول این سؤال باید گفت: بحمدالله کشور ما هم از جهت منابع و امکانات مادی و هم از جهت معنوی (فرهنگ و ارزش‌های غنی اسلامی و ملی) دارای پتانسیل‌ها و قابلیت‌های گسترده‌ای است که قطعا در صورت بهره‌برداری صحیح و کارآمد، نه تنها پاسخگوی نیازهای جوانان کنونی بلکه نسل‌های آتی نیز خواهد بود. به برکت انقلاب اسلامی اقدامات مفید و مؤثری در جهت حل مشکلات اساسی و حرکت جامعه به سوی پیشرفت و تعالی جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، صنعت و تکنولوژی، فرهنگی و اجتماعی و... برداشته شده است ولی متأسفانه وجود عواملی از قبیل: ساختار بد اقتصادی، مشکلات فرهنگی و اجتماعی به جا مانده از زمان قبل از انقلاب، جنگ تحمیلی، رشد سریع جمعیت، محاصره‌های سیاسی - اقتصادی دشمنان، تهاجم فرهنگی و تغییر ارزش‌های جامعه، وجود برخی نقاط ضعف در ساختار مدیریتی کشور، درگیری‌های جناحی و سیاسی و... باعث شده که هنوز شاهد برخی معضلات و مشکلات در جامعه خصوصا برای جوانان عزیز باشیم. یکی از مسائل اساسی جوانان، مسأله اشتغال است که حل اساسی آن می‌تواند راهگشایی برای حل بسیاری از مشکلات اساسی کشور و جوانان باشد. بر این اساس مقام معظم رهبری یکی از اصول پیام نوروزی خود را «اشتغال مولد و مفید» قرار داده و قوای سه‌گانه را مأمور به رسیدگی به این مسأله کردند. تشکیل شورای عالی اشتغال به ریاست، رئیس محترم جمهور، طرح‌های ضربتی اشتغال، اعطای وام به فارغ‌التحصیلان و... از دیگر اقدامات مفید و مؤثر در این راستا محسوب می‌شود. اما باید این واقعیت را نیز در نظر گرفت که حل اساسی این قبیل مشکلات نیازمند زمانی طولانی، همدلی و همکاری مسؤولین، پرهیز از اختلافات و درگیری‌های سیاسی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و... می‌باشد. اما در مورد قسمت دوم این سؤال یعنی مسأله مهم ازدواج جوانان باید گفت: مسأله ازدواج در شرایط حاضر، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین معضلات جوانان ما خودنمایی می‌کند. آنچه این مسأله را چنین بغرنج ساخته است، ناشی از عوامل متعددی است. این عوامل عبارت است از: الف) طولانی بودن مدت تحصیل، ب) عدم اطمینان نسبت به آینده، ج) مشکل نظام وظیفه، د) مخارج سنگین ازدواج، ه) روحیه گریز از مشکلات. برای حل مشکل، حرکت‌هایی از چند سو لازم است؛ از جمله: الف) تغییر

فرهنگ ازدواج، و تلاش همه جانبه در جهت آسان و کم‌خرج‌سازی آن، ب) گسترش امکانات دولتی، از قبیل خوابگاه‌های متأهلین، وام ازدواج و...، ج) درگیر ساختن خانواده‌ها در جهت کمک به زوج‌های جوان ودر حال تحصیل، د) گسترش خوداتکایی، مسؤولیت پذیری و روحیه برخورد فعال با مشکلات در جوانان. در حال حاضر ترس از مشکلات، بیش از خود آنها، جوانان را از ازدواج دور می‌سازد. واقع مطلب این است که در هیچ مسأله‌ای نمی‌توان نشست تا مشکلات حل شود و سپس اقدام نمود. همه پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی که بشریت تاکنون به دست آورده، مرهون اقدامات انسان‌های ماجرا جویی است که خود را به آب و آتش زده، و قهرمانانه از انبوه مشکلات استقبال کرده، و با عزم و پشتکار بر آن فائق آمده‌اند. به قول شاعر : زندگی جنگ است جانا بهر جنگ آماده شو نیست هنگام تأمل بی‌درنگ آماده شو بسیاری از جوانان همین که ازدواج کرده‌اند و خود را ناچار به کاریابی دیده‌اند، به تلاش مضاعف پرداخته و پس از چندی ندگی خود را رو به سامان برده‌اند. برعکس کسانی هم در انتظار حل مشکلات نشسته‌اند، در حالی که هیچ راه امیدی برای حل مشکلاتشان وجود ندارد. در حال حاضر توصیه ما به جوانانی چون شما این است که برای حل مشکل خود، فردی مناسب، ـ که هم مورد علاقه شما و هم با شرایطتان سازگار باشد ـ پیدا کنید و با توافق طرف مقابل و خانواده‌اش، او را به عقد رسمی خود درآورید ولی زمان ازدواج را دو یا سه سال به تأخیر بیندازید. این کار مزایای زیر را در بر دارد: ۱ـ از شیرینی دوران نامزدی ـ که دلپذیرترین دوران زندگی است ـ بهره‌مند می‌شوید. ۲ـ مخارج سنگین ازدواج بر دوش شما سنگینی نمی‌کند. ۳ـ به تدریج در برخورد با مشکلات و تلاش برای حل آنها، پختگی بیشتری برای زندگی کسب می‌کنید. ۴ـ در طی این مدت، کم کم در جست‌وجوی کار برمی‌آیید تا بتوانید در کنار تحصیل کاری نیز دست و پا کنید و بدین صورت بر مشکلات اقتصادی فائق آمده، و زمینه‌های ازدواج را فراهم می‌کنید. محاسن ازدواج دانشجویی: - یافتن نقطه اتکای روانی و روحی، - حفظ ایمان و صیانت شخص از گناهان جنسی، - سلامت محیط دانشگاه از مفاسد. مشکلات ازدواج دانشجویی: - مشکل تأمین مسکن و ضروریات زندگی، - مشغول شدن فکر به مسائل داخلی، - به وجود آمدن محدودیت‌هایی در انتخاب شغل و یا تغییر رشته و... . برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- جوانان و انتخاب همسر علی اکبر مظاهری ۲- ازدواج آسان و شیوه همسرداری محمد محمدی اشتهاردی ۳- ازدواج آسمانی علی اکبر مظاهری ۴- ازدواج پایدار کاظمی حقیقی ۵- ازدواج در اسلام مصطفی کاشفی خوانساری ۶- ازدواج و روابط زن و مرد نجفی یزدی ۷- پیوند دو قلب یا راهنمای ازدواج مهدی پاکزاد ۸- جوانان و ازدواج - زندگی بهتر سید احمد واحدی ۹- جوانان، ازدواج و مسایل جنسی روح اللّه خالقی ۱۰- راهنمایی ازدواج بهزاد رحمتی

چه توصیه ائی به جوان دارید؟

پرسش

چه توصیه ائی به جوان دارید؟

پاسخ

سؤالات شما نشانگر طینت پاک شماست و پیداست که در صدد راه حل و تشنه حقیقت هستید توصیه‌ای که بعنوان یک برادر دلسوز و مهربان به شما دارم این است که: اولاً، مطالعه کتب ارزشمند اخلاق و تربیت را فراموش نکنید. ثانیا، با علما و دانشمندان در ارتباط باشید و همیشه دفترچه سؤالاتی به همراه داشته باشید که بتوانید بهتر از وجودآنها استفاده کنید. نیز توصیه می‌شود کتب اخلاق خانواده، بویژه قسمتهائی که مربوط به جوانان دختر و پسر و شرایطانتخاب همسر می‌باشد را حتما جزو برنامه مطالعاتی خود

قرار دهید. بدانید غفلت در این مسأله مهم و حساس هرگزروا نیست. با قرآن و تدبر در آن مأنوس باشید، نهج البلاغه را ورق بزنید و تکه‌های شیرین و جالب آنرا حفظ کنید کهبسیار نافذ است. تکه‌های تاریخی شیرین و سازنده را مورد مطالعه قرار دهید. از اشعار دلنشین اخلاقی، عرفانی،تربیتی و سازنده نیز دریغ نفرمائید. توصیه نهائی ما به شما این است که ارتباط خود را با نمازهای جمعه و جماعت درمساجد همچنان حفظ کنید که برکات والطاف مرئی و نامرئی بیشماری در آن نهفته است. به امید موفقیت و سرافرازیشما.}J

بهترین خدمت به جامعه و مردم چیست ؟

پرسش

بهترین خدمت به جامعه و مردم چیست ؟

پاسخ

خدمت به مردم، اقسام مختلفی دارد و نمی‌توان به طور مطلق عمل خاصی را بهترین خدمت دانست؛ بلکه بهتناسب شرایط و نیازهای اجتماعی و نیز توانایی‌های انسان، خدمات متفاوت است؛ مثلاً بهترین خدمت یک عالمدینی، تلاش و کوشش در جهت هدایت و ارشاد جامعه است و بهترین خدمت یک پزشک، تلاش در جهت درمانبیماران و بهسازی وضع درمان و بهداشت جامعه است و بهترین خدمت یک ثروتمند، کمک به تهی‌دستان و بنیاننهادن انجمن‌های خیریه و خدماتی از این قبیل می‌باشد.

در مورد مشکل ((هویت جوانان))،دست اندرکاران فرهنگی چه باید بکنند؟

پرسش

در مورد مشکل ((هویت جوانان))،دست اندرکاران فرهنگی چه باید بکنند؟

پاسخ

مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط جوانان پدیده‌ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می‌باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می‌نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می‌دهد که هر چه احساس بی‌هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش‌های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه‌های غربی رپ و هوی‌متال و... بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر به این دلیل که نظام اجتماعی زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را براساس ارزش‌های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه‌پذیری، فراهم نکرده است، گرایش‌های ارزشی و شناختی، رفتاری و نمادی، جوانان متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست، از طرف دیگر به دلیل این که الگوها و ارزش‌های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و به تناسب نیازهای آنان توسط نظام‌های غربی برای آنها الگوسازی و ترویج شده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است، احساس هویت اجتماعی نوجوانان متناسب با الگوهای غربی شکل گرفته و ویژگی‌های شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر آنها جلوه‌گر شده است. از جمله عواملی که زمینه‌های این روند را فراهم نموده

و به آن شدت می‌بخشد عبارتند از: ۱- مظاهر زیبا و دلفریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه‌های کشورهای عقب‌مانده و ضعیف است. ۲- وجود گرایش‌های نیرومندی همچون غریزه جنسی که موجب افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی‌تر و با فرهنگ آن تناسب بیشتری دارد و ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه‌های دشمنان و نادانسته پیروی نمودن از آنها. ۳- به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود. ۴- ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش‌آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب‌زده و مطبوعات وابسته به خارج و...). ۵- به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی. ۶- عدم آشنایی بسیاری از خانواده‌ها با اصول تربیت اسلامی. به نظر می‌رسد از جمله مناسب‌ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الیناسیون» و از خود بیگانگی باز گرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک‌تر شدن گروه‌های همسال و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می‌باشد. به طور کلی، جوانانی که در محیط خانواده و تحت نظارت والدین خویش بسر می‌برند و همواره دریافت کننده‌ی محبت‌های پدر و مادر خویش می‌باشند. سعی می‌کنند هنجارهای حاکم بر خانواده و محیط خویش را رعایت کنند، اما اکنون که بهانه‌ی تحصیل یا کار از محیط با صفای خانه و خانواده جدا شدند، سرمایه‌ی بزرگ توجّه ومحبت اطرافیان را از دست داده‌اند و خود را فراموش شده می‌بینند و اصولاً هر چیزی که بتواند باعث توجه دیگران به ایشان شود، اقدام به آن کارها خواهند کرد. امروزه با توجه به الزامات عصر ارتباطات و پرتاب موشک‌های تهاجم فرهنگی غرب به جهان سوم و اصابت ترکش‌های آن به جوانان پاک و بی‌پناه، لازم است با تجدید نظر در ارزیابی‌هایمان نسبت به آنان، چترهای حمایتی جامعه را گسترانند و این جوانان پیرو مدل‌های غربی را به ارزش‌های فرهنگی و معنوی جامعه باز گرداند. بسیاری از این جوانان تشنه‌ی محبت و مهربانی هستند و این اکسیر محبّت را هر کجا بیابند به آن سمت خواهند رفت و چه بسا در این راه در دام‌های مفاسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (جذب جنس مخالف، اعتیاد، قاچاق و...) گرفتار خواهند شد. بهترین و کم هزینه‌ترین راه برای جلوگیری از چنین انحرافات فرهنگی، عرضه کردن فرهنگ ناب اسلامی در قالب فنون و هنرهای مختلف، از طریق جوانان خوش فکر، خوش ذوق و خوش برخورد است، مطمئن باشید اگر جوانان با مکتب حیات بخش اسلام و احکام نورانی آن و سیره‌ی معصومین(ع) آشنا شوند آن را با هیچ چیز عوض نخواهند کرد، چرا که در لابلای قوانین مترقّی اسلام حتی برای جذب مخالفین و دشمنان هم، برنامه‌های جالبی داریم (البته این دسته از جوانان را نباید دشمن انگاشت) اینک به دو نمونه از رفتار عملی معصومین(ع) اشاره می‌کنیم: ۱. یکی از افرادی که در مدینه با پیامبر(ص) و مسلمانان مخالف بود و از هر فرصتی برای کارشکنی، البته به صورت مخفیانه، خودداری نمی‌کرد عبدالله بن ابی بود. این فرد، رئیس قبیله‌ی خزرج و رهبر منافقان در مدینه بود، با وجود این، زمانی که از دنیا رفت، اطرافیان او از پیامبر(ص) خواستند که پیراهن خود را در اختیار آنان قرار دهد تا عبدالله بن ابی را با آن کفن کنند تا شاید بدان سبب مورد رحمت قرار گیرد. پیامبر(ص) خواسته‌ی آنان را اجابت کرد. برخی از اصحاب به وی اعتراض کردند که چرا با آنکه وی کافر است چنین کردی. آن حضرت فرمود: «پیراهن من مانع عذاب او در آخرت نیست. و من با این کار امید دارم جمع کثیری اسلام بیاورند.» گفته شده که هزار نفر از خزرج زمانی که دیدند عبدالله بن ابی به لباس پیامبر متوسّل شده است اسلام آوردند، (تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۵۰). ۲. روزی بیرون از مدینه مردی امام زین‌العابدین(ع) را دید و به او ناسزا گفت. یاران امام(ع) به او حمله کردند. امام فرمود: دست بردارید. سپس رو به آن مرد کرد و گفت: آنچه از کارهای ما بر تو پوشیده است بیش از آن است که تو می‌دانی. آیا نیازی داری تا آن را برآورده سازم؟ مرد شرمنده شد. امام(ع) لباس خود را به او بخشید و دستور داد هزار درهم به او بدهند. مرد پس از آن واقعه، همیشه می‌گفت شهادت می‌دهم که تو از فرزندان رسول خدایی، (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۹۳). بر این اساس مهم‌ترین راه‌های مبارزه با آن عبارتند

از: ۱- حفظ و تعمیق ارزش‌های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه‌پذیری و عوامل آن مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه‌های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی. ۲- تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش‌های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش‌های الهی. ۳- هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی. ۴- احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش‌های الهی می‌باشد. ۵- تحقق‌باوری عمیق، درونی، ریشه‌دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه‌های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می‌کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت‌گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت. ۶- تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت‌ها و اقدامات، در بخش‌های مختلف جامعه و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ۷- تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه‌های اجرایی... در پایان ذکر این نکته لازم است که مسلما برخورد فیزیکی و بستن مرزها و... هرگز به عنوان بهترین یا آخرین راه حل نمی‌باشد و تحقق آن نیز در عصر ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی به صورت کامل امکان‌پذیر نیست، اما در مواردی لازم است و از تأثیر و نفوذ بیشتر تهاجم فرهنگی جلوگیری به عمل می‌آورد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: - فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری - انقلاب و ارزش‌ها، علی ذوعلم - ابوالفضل اشرفی، بحران هویت اجتماعی و آسیب‌شناسی انقلاب (مجموعه مقالات آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی) .

برخی عقیده دارند پایه گذاری دانشگاه در ایران غلط بوده است و با فرهنگ ما سازگاری نداشت امروز می بینیم که دانشجو دنبال هر چیزی است جز دانش . اولا می خواهم ریشه یابی این معضل را بدانم ثانیا راه حل قابل دسترسی برای اصلاح این وضع چیست.

پرسش

برخی عقیده دارند پایه گذاری دانشگاه در ایران غلط بوده است و با فرهنگ ما سازگاری نداشت امروز می بینیم که دانشجو دنبال هر چیزی است جز دانش . اولا می خواهم ریشه یابی این معضل را بدانم ثانیا راه حل قابل دسترسی برای اصلاح این وضع چیست.

پاسخ

این موضوع نیازمند بررسی و تحقیق گسترده است که از حوصله و گنجایش یک نامه خارج است، اما به اختصار می توان برخی از عوامل ناکارآمدی و مشکلات کنونی دانشگاه ها را در امور ذیل نام برد: ۱. نفوذ و تسلط بیگانگان بر پیدایش و تکوین دانشگاه و علوم دانشگاهی: هر چند تشکیل دارالفنون به وسیله امیرکبیر، اقدامی بسیار مهم و مثبت در جهت پیشرفت علمی و صنعتی کشور و تأمین نیازهای اساسی آن بود، اما متأسفانه به دلیل حیات کوتاه امیرکبیر، این هدف به فراموشی سپرده شده و تأسیس مدارس و دانشگاه های جدید، به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ بیگانگان و تحقق اهداف شوم آنان در جهت بسط و نفوذ فرهنگ خویش از یکسو و استثمار منابع انسانی و اقتصادی کشورمان، درآمد (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، اکبر هاشمی رفسنجانی، انتشارات فراهانی، ۱۳۴۶، ص ۱۳۶). ۲. عدم تطابق این علوم با فرهنگ اسلامی و سنتی ایران: علوم جدید غرب که بر پایه دیدگاه مادیگرایانه و سکولاریستی پایه ریزی شده بود و تنها حس و تجربه را معیار معرفت شناختی خویش قرار داده و برآوردن نیازهای مادی انسان را

هدف و وظیفه خود می دانست به هیچ وجه با فرهنگ و ارزش های اسلامی و سنتی ایران همخوانی و تطابق جدی نداشت. طبیعی است رشد و پرورش علوم غربی در فضایی کاملا نامتجانس نمی تواند کارآمد و عملکرد مفید و مطلوبی داشته باشد. ۳. عدم تطابق با نیازهای اساسی جامعه: متأسفانه بسیاری از علوم رایج دانشگاهی خصوصا در رشته های انسانی، تناسب چندانی با نیازها و شرایط عینی جامعه ما ندارد و علاوه بر هدر رفتن سرمایه های عظیم انسانی و مالی، دستاوردهای مطلوبی را هم به دنبال نداشته است. ۴. ترجمه ای بودن علوم دانشگاهی: هر چند انتقال علوم و بهره گیری از تجارب و دانش ملل مختلف، فی نفسه امری مطلوب می باشد، اما به هیچ وجه کافی نیست، بلکه این امر زمانی فایده بخش است که بتواند به فرآیند نظریه پردازی و تولید علم و دانش متناسب با فرهنگ و نیازهای عینی جامعه مبدل شود که متأسفانه در کشور ما بیشتر به ترجمه اکتفا شده و علوم دانشگاهی ما را با ناکارآمدی مواجه ساخته است . برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ۱۳۷۸ ۲. نقش جریان روشنفکری در سکولاریسم تربیتی، جمیله علم الهدی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰ مجموعه مشکلات فوق سبب شده تا مقام معظم رهبری بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، تأکید نموده و تمامی اندیشمندان و دلسوزان جامعه اسلامی ما را به تحقق عینی این موضوع مهم فراخوانده. در ادامه مطالبی را در توضیح این مسأله و راهکارهای تحقق آن و... را بیان می نماییم: نهضت آزاد اندیشی یکی از راهکارها و مقدمات جنبش نرم افزاری است. بررسی دقیق تمامی ابعاد این مسئله از ظرفیت یک نامه خارج است لذا به اقتضای مطالبی را بیان می نماییم: الف. چیستی جنبش نرم افزاری: این اصطلاح از دو کلید واژه مهم یعنی جنبش و نرم افزاری تشکیل شده است . اصطلاح جنبش یا به تعبیر دیگر نهضت، معمولاـ در جایی گفته می شود که آن جامعه گرفتار رکود، سکون و ثبات باشد. لذا جنبش و نهضت یک نوع حرکت فزاینده است. لذا خود مقام معظم رهبری در تبیین این معنی، یکسری واژه های تبیینی دیگر هم ذکر کرده اند مانند پاسخ به سؤالات، تولید اندیشه، نظریه پردازی و مانند اینها. اما اصطلاح نرم افزاری: به محتوای علوم و آن چیزی که به تولید اندیشه و نظریه پردازی است، مربوط می شود. این جنبش نرم افزاری صرفا به معنای آموزشی، تدریس و تعلیم و تعلم نیست. زیرا این فرایند قرنها در جوامع و کشور خودمان هم وجود داشته است. بلکه یک پروسه و فرایندی است که میخواهد فرآیند آموزشی و علمی مجامع حوزوی و دانشگاهی ما را تغییر دهد. جنبش نرم افزاری می خواهد بگوید که فرایند علمی موجود در جامعه ما فاقد دو رکن مهم است: یکی رکن روحیه علمی و دوم نظام سیستماتیک علمی. جنبش نرم افزاری یک حرکت علمی اجتماعی است که این دو رکن روحیه علمی و نظام سیستماتیک را به فرآیند تعلیم و تعلم ما تزریق می کند. روحیه علمی آن روحیه ای است که همراه با ارادهء فهمیدن، گشودن باب گفت و گوی نقادی عالمانه، منطقی و نوآوری است. و هر کدام از اینها دارای مراتبی است، نوآوری معنایش این نیست که حتما یک پایه معرفتی جدید، یک نظام و یک دستگاه معرفتی جدید ارائه شود و به تمام میراث گذشته، پشت پا بزنند. یک مرتبهء نوآوری، پاسخ به سوالات و شبهات و نیازهای جدیدی است که در جامعه وجود دارد مثلا کار فقهای ما در حوزه ها، یک کار نوآوری است و چون در برابر پرسش ها، به پاسخ های جدیدی می پردازند. اما نظام سیستماتیک دارای عناصر ذیل است: ۱. تبیین و کشف مباحث زیرساختی و بنیادین علوم: مسلما هر ادعایی که ما مطرح می کنیم یک سری پیش فرضهای معرفت شناختی، هستی شناختی و جهان شناختی دارد که به عنوان مباحث زیرساختی و بنیادین همه علوم به شمار می آید. ۲. نیاز شناسی فکری و نظری: یعنی توجه به اینکه ما انسانیم و در جهانی متغیر زندگی می کنیم، تغییر جزء لاینفک حیات فردی و اجتماعی ماست. از طرف دیگر نیز دین یک سری متغیراتی دارد. باید نیازهای متغیری که روز به روز بوجود می آید را شناخته و آنها را کشف کنیم. ۳. بازپژوهی و بازپیرایی ذخایر علمی: یعنی وقتی که ما به نیاز جدیدی برخورد می کنیم نباید خودمان را از هویت علمی و فرهنگی گذشته مان منفک کرده و بعد شروع کنیم به پاسخ یابی بلکه باید میراث گذشته را هم شناسایی کنیم. ۴. پاسخ یابی و دریافت اندیشه ها و علوم که جای نوآوری در اندیشه است. ۵. مطالعه تطبیقی بین اندیشه برگزیده و اندیشه ای که در مکاتب و نظریات معارض وجود دارد. یعنی باید به مکاتب ، ایسم

ها و نظریاتی که در کنارمان وجود دارد توجه نمود. اشتراکات و تمایزات را بررسی کرد. مطالعه تطبیقی باعث رشد و بالندگی در اندیشه ما می شود. بعد از اینکه ما این فرایند را و این عناصر نظام سیستماتیک را طی کردیم، به تمدن سازی و فرهنگ سازی می رسیم؛ یعنی اگر ما بتوانیم جنبش نرم افزاری را بارور کن روحیه علمی و نظام سیستماتیک تحقق ببخشیم فرهنگ سازی کرده ایم و بعد از این مرحله است که تمدن سازی تحقق پیدا می کند و در موضوعاتی نظیر تکنولوژی و صنعت، معماری و هنر و سایر مقولات که به عنوان دست آورد علوم و فرهنگ به شمار می آید، ظهور می یابد. ب. چرایی جنبش نرم افزاری: یکی از ویژگی های مهم جنبش «همگانی» بودن آنست: مفهوم جنبش، حرکت فزاینده همگانی است، پس اولا حرکت است نه رکود و سکون، و یک حرکت رو به رشد و تزاید است نه یک حرکت آرام. از طرفی همگانی است یعنی جنبه پابلیک و عمومی دارد و شخصی و فردی نیست. با این خصوصیت پاسخ برخی از پرسش هایی که مطرح می شود که مگر تا کنون باب گفت و گو بسته بوده، مگر نقد و نظری نبوده، مگر کسی نظریه پردازی نکرده است؟ تحولات عمیقی که در حوزه ها در رشته های کلام، فلسفه، تاریخ، تفسیر، اقتصاد، روان شناسی و جامعه شناسی و رشته های دیگر که در حوزه ها تاسیس شده و صاحب نظران و فرهیختگان زیادی که در سطح داخلی و بین المللی مطرح اند و همچنین در دانشگاه ها پیشرفت های خیلی خوبی مخصوصا در رشته های پزشکی و فنی، حاصل شده است و همه اینها بعد از انقلاب اسلامی بوده، چگونه می توان اینها را نادیده گرفت؟ مسلما همه اینها نوآوری و نظریه پردازی است اما جنبش نبوده است. بلکه حرکت های آرام و یا حرکت هایی شخصی و فردی است. و در مجموع جامعه ، مجامع دانشگاهی و حوزوی ما دچار رکود است. (ر.ک: تحلیل زیر ساخت های نظری جنبش نرم افزاری، گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین، دکتر عبدالحسین خسروپناه، روزنامه سیاست روز، ۱۳/۵/۱۳۸۲، ص ۶ و ۷). افزون بر این آنچه که در شکل گیری و اهمیت جنبش نرم افزاری بسیار موثر است، مواجهه ما با دنیای جدید، پیچیده شدن مناسبات اجتماعی و نوع تحولاتی که در داخل جهان اسلام اتفاق افتاده، می باشد که نیازمندی ها و بایسته های جدیدی را مطرح کرده است. به طور کلی دو ویژگی مشخص، دوران جدید را از گذشته متمایز کرده است: ویژگی اول اینست که در این دوران تاریخی، اسلام با رقیبان جدی ای در حوزه اندیشه و نظر مواجه بوده است و اندیشه ها و مکاتب و دیدگاه های گوناگونی مطرح شده که در گذشته وجود نداشته است. طبیعتا حضور این رقیبان جدید، برای حوزه های علمیه و اندیشمندان دینی نیازهایی را مطرح کرده که باید به آنها پاسخ گفت: ویژگی دوم، نیاز به حضور دین در صحنه عمل اجتماعی بوده است. در گذشته به ادله و بهانه های مختلف، نفوذ و حاکمیت دین را بر نهادهای اجتماعی و حکومت ها کاسته یا به طور کلی قطع کردند و قلمرو دین را تنها در سطح اخلاق و اعتقادات فردی منحصر کردند. اما هم با ظهور انقلاب اسلامی در ایران و هم به دلیل وضعیت خاص جهان اسلام و احساس ضرورت همبستگی ملت های مسلمان و به دلیل پیچیده شدن مناسبات اجتماعی گستره نفوذ حکومت از حوزه اقتدار سیاسی فراتر رفت، و به همه جنبه های حیات انسان نفوذ پیدا کرد. بقای دین در صحنه عمل، مرهون حضور در ابعاد مختلف، مناسبات اجتماعی و حاکمیت سیاسی گردید. آنچه امروز به عنوان تولید اندیشه دینی یا تولید علم دینی مطرح است، در واقع به این دو نیاز بر می گردد: اول، بازاندیشی در میراث اسلامی و تنقیح افکار و معارف دینی از امور زائد و احیانا چیزهایی که باز در ارتباط با دین و فرهنگ دینی بوده است؛ دوم، طراحی و مهندسی نظامهای اجتماعی بر اساس فرهنگ و آرمانهای دینی. (ساختار تولید علم و توسعه علوم دینی، گفت و گو با امینی و سبحانی، نشریه پژوهش و حوزه ش ۱۲). به عبارت دیگر، اسلام مدعی جامعیت و کمال است و حضور اجتماعی دارد پس باید برای مناسبات اجتماعی، ارتباطات فرهنگی و پرسش ها و مکاتب نوین پاسخی داشته باشد. اگر بخواهیم اسلام را در دنیای امروز ظهورش را نشان بدهیم، چاره ای نداریم جز اینکه تولید اندیشه و نوآوری داشته باشیم و این با نقد، مناظره، گفت و گو و جنبش نرم افزاری فراهم می شود. متاسفانه اگر بخواهیم تولید علم در ایران را با استانداردهای جهانی مقایسه کنیم، هم در شاخص های انسانی و مالی و هم از نگاه ساختاری و نیز از منظر رفتار و عملکرد هیچ یک در حد قابل قبول نیستند. ج. چگونگی و راههای

تحقق جنبش نرم افزاری و تولید علم: برای رسیدن به تولید فکر و اندیشه دینی، به دو دسته نیازها باید توجه جدی کرد: یکی به ظرفیت ها و امکانات درونی (درون حوزه پژوهش و آموزش و درون حوزه و دانشگاه) و دیگری شرایط بیرونی. در بخش اول که بخش ظرفیت های درونی است، مسئولیت اصلی به عهده مدیران عالی مجموعه های علمی و دینی است. اینها باید حمایت کنند تا مدیریت های سالم و کارآمد و هدف دار در حوزه آموزشی و پژوهش حوزه و دانشگاه شکل بگیرد. بخش دوم شرایط بیرونی است. اگر شما همه ظرفیت ها را هم ایجاد بکنید، باز هم برای تولید فکر کافی نیست. ممکن است شما رشته های تخصصی ایجاد کنید، استعدادهای برتر را جذب کنید، روش شناسی درستی را طراحی بکنید و حتی حمایت هم بکنید، اما فضای لازم و نظام ارزشی مناسب برای نخبگان و تولید گران فکر و دانش موجود نباشد و یک نخبه احساس بکند که طرح بحثی جدید در فقه یا تفسیر یا کلام و یا سایر مسائل جامعه، همیشه با انگشت اتهام و تردید مواجه می شود. طبیعی است که در این صورت، ظرفیت بسیاری از نخبگان متوجه تولید فکر نخواهد شد. صاحبان قدرت در حوزه علم و تفکر چیزی را می پسندند که به قدرت آنها بیفزاید (یا حداقل قدرت آنها را تهدید نکند) حال آنکه یک نخبهء فکری اولین دغدغه اش این است که معضل موجود را حل کند و به اصلاح و بهبود شرایط بپردازد. صاحبان ثروت هم در این زمینه نقش ایفا می کنند. وقتی امکانات و بودجه های پژوهشی بعضا در اختیار افرادی است که شرایط علم و دانش را ندارند و حداقل صاحبان علم و اندیشه نیستند، طبیعی است که توزیع ثروت در نهادهای فرهنگی و در بین عناصر فرهنگی، به گونه ای خواهد بود که انگیزه های نخبگان ما را دچار اختلال می کند. از این جهت، باید به آزادی، به مفهوم درست خودش، یعنی آزادی حوزهء فرهنگ از قید و بندهای قدرت و ثروت و دور نگاه داشتن فرهنگ از جوسازی ها و غوغاسالاری هایی که معمولا در شرایط کنونی جامعه ما وجود دارد، توجه جدی نمود. (پیشین)

در سراسر کشور کارهای هماهنگ انجام شده (مانند گسترش جمله هایی نظیر حجاب مصونیت است و ... از طریق اماکن دولتی و تاکسی ها و ...) ولی چرا تبلیغات ما اثر نمی کند و در عوض تبلیغات ماهواره ای دشمن در جوانان اثر می کند مشکل کجاست. آیا راه حل را نمی دانیم امکانات

پرسش

در سراسر کشور کارهای هماهنگ انجام شده (مانند گسترش جمله هایی نظیر حجاب مصونیت است و ... از طریق اماکن دولتی و تاکسی ها و ...) ولی چرا تبلیغات ما اثر نمی کند و در عوض تبلیغات ماهواره ای دشمن در جوانان اثر می کند مشکل کجاست. آیا راه حل را نمی دانیم امکانات نداریم. نیرو نداریم یا اینکه اصولا مسؤلین فرهنگی کشور نمی خواهند یا برایشان اهمیتی ندارد که این مشکل حل شود. منابع معتبر و در دسترس و در عین حال کم حجمی معرفی کنید برای مطالعه بیشتر در مورد ریشه یابی این مشکل و راه حل های آن ؟

پاسخ

بررسی این موضوع و تبیین علل و عوامل آن نیازمند ارائه مطالبی مبسوط است که خارج از گنجایش یک نامه می باشد، از این رو ضمن اشاره مختصر به نکاتی در این خصوص، تحقیقات گسترده تر را با استفاده از منابعی که معرفی می شود، به شما وامی گذاریم: اولاـ این چنین نیست که تبلیغات و اقدامات فرهنگی ما - علی رغم وجود برخی نارسائی ها و عدم کفایت آنان - هیچگونه تأثیری نداشته باشد، اگر به نمادها و مظاهر غیر اسلامی در جامعه توجه می شود، در کنار آن باید به نمادها و مظاهر اسلامی هم توجه شود آیا می توان میلیون ها جوان پاک، مؤمن وخداجو را نادیده گرفت که با عشق و اخلاص به احکام و موازین

اسلامی معتقد و ملتزم می باشند، به عنوان نمونه خیل عظیم سؤالات و پرسش های اعتقادی، مذهبی و... که از این مرکز مشاوره می شود و یـا شـرکت گسترده در مراسم های مـذهبی ماه مبارک رمضان، اعتکاف، ماه محرم و نمازهای جماعت، زیارتگاه ها، مراسـم هـای انقلاب، اسـتقبال از مقـام معظم رهبری و... آنها را نادیـده گرفت. ثانیا، اصولا از دیـدگاه قرآن باطل نمودی کاذب و فریبنـده داشـته و روی حق را می پوشاند: «انزل من السماء ماءا فسالت اودیه بقدرها فاحتمل السیل زبدا رابیا و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه او متـاع زبـد مثله، کـذلک یضـرب الله الحق والباطـل، فاما الزبـد فیـذهب جفاءا و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض کـذلک یضـرب الله الامثال» (رعد، آیه۱۷). همـانگونه که کـف روی آب را می گیرد و می پوشانـد، به طوری که اگر آدم بی خـبری بیـاید نگاه کند و از ماهیت قضـیه خبر نداشـته باشد کف خروشان را می بیند که در حرکت است و توجهی به آب باران که زیر این کف هاست نمی کنـد، در حالی که این آب است که چنین خروشان حرکت می کند نه کف، ولی چون کف ها روی آب را گرفته اند، چشم ظـاهر بین که به اعمـاق واقعیـات نفوذ نداشـته باشـد، فقط کف را می بینـد. باطل هم همچنین است که بر نیروی حق سوار می شود و روی آن را می پوشانـد، به طوری که اگر کسـی ظاهر جامعه را ببیند و به اعماق آن نظر نیندازد، همان قله های شامخ و افراد چشم پر کن را می بینـد (حـق و باطـل، اسـتاد مطهری، انتشـارات صـدرا، ص ۴۹). در جـامعه مـا هم وضـعیت همین گـونه است، از برداشت های سـطحی به ظاهر برخی جوانان و... چنین اسـتنباط می شود که ارزش های غیر اسـلامی و غربی توانسته است بر روح و جان جوانان ما حاکم شود، اما نگاهی دقیق بنمایه های فکری، اعتقادی و عملکردهای مـذهبی آنان، خلاف این برداشت را به اثبات می رساند و این بنمایه های فکری و اعتقادی عمیق است که به راحتی می تواند در کوتاه مدت تحولی بسـیار عمیق حتی در جوانان که به دنبال مظاهر غربی افتاده اند، تحولی عظیم به وجود بیاورد؛ به فرموده قرآن کریم «بل نقذف بالحق علی الباطل، فیدمغه فاذا هو زاهق؛ از حق یـک نیروی انقلابی می سـازیم، آن را بر باطـل می افکنیم ناگهـان می بینی که باطل بر افتاد، باطل اصـلا رفتنی است» انبیاء، آیه ۱۸). ثالثـا، بحمـدالله به برکت انقلاب اسـلامی و معـارف و فرهنگ غنی اسـلامی، از ظرفیت های بسـیار بالای تبلیغاتی و فرهنگی برخوردار هستیم و انصافـا کارهـای بسـیار عظیمی هم انجـام شـده است ولی بایـد به این واقعیت نیز اذعان داشت که طرف مقابل ما هم از تکنولوژی و ابزارهای بسـیار پیشرفته تبلیغی برخوردار بوده که این هم می تواند به میزان بسیار زیادی در تأثیرگذاری تهـاجم فرهنگی بر روی برخی از جوانـان مـا مؤثر واقع شود و فرهنگ منحط و باطل خود را با اسـتفاده از دقیق ترین، ظریف ترین و جـذاب ترین شـیوه هـای تبلیغـاتی منتقـل نماینـد. علاوه بر امکانات مادی پیشـرفته آنان، عامل دیگری که به شـدت در تأثیرگـذاری تهـاجم فرهنگی غرب نقش اساسـی دارد، همسویی و همخوانی محتوای آن بـا خواسـته هـا و امیال نفسانی و غرایز شـهوانی بشـر می باشد و طبیعی است که سوق دادن جوامع انسانی به سوی انحطاط و تباهی با استفاده از این ابزارها به مراتب آسان تر از هدایت آنان –که به نوعی محدودیت و تعیین محدوده برای غرایز و امیال نفسانی است – می باشد. رابعا، علاوه بر قوت امکانات مادی، دشمن و همسویی آن بـا امیال نفسانی، متأسـفانه برخی نقاط ضـعف در مـدیریت فرهنگی کشور مشاهـده می شود، به نحوی که از یک سـو آنگونه که شایسته و مطلوب جامعه و نظام اسلامی ما بوده، نتوانسته است ارزش ها و فرهنگ اصیل اسلامی را در تمامی بخش های جـامعه و خصوصـا دانشـگاه هـا، تثبیت و نهـادینه سـازد و از سوی دیگر، وحـدت رویه و وفاق لازم در کارکردهای این مجموعه به صورت کامل مشاهـده نمی شود و بالاخره این که وجود برخی تفکرها در برخی بخش های فرهنگی در مقطعی زمینه های ترویج و تأثیرگـذاری تهاجم فرهنگی غرب را مساعـد نمود. هر چنـد با مجاهـدت های سایر مسؤولین و بخش های فرهنگی متعهد، تا حدود زیادی از ادامه و عمق این فاجعه کاسـته شد. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر در این زمینه : ۱. شیوه های درمانی مفاسد اجتماعی، علی اکبر بابازاده، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱ ۲. انقلاب و ارزش ها، علی ذوعلم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ۳. توصـعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹ ۴. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، شـرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ ۵. تهـاجم یـا تفـاوت فرهنگی، حسن بلخاری، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸ ۶. تهاجم فرهنگی، اسـتاد محمد تقی مصـباح یزدی، مؤسسـه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ۷. تهاجم فرهنگی، سید مرتضی حسینی اصفهانی، انتشارات فرهنگ قرآن، ۱۳۷۹ ۸. مبانی نظری تمدن غرب، شهید سید مرتضی آوینی، فصلنامه مجله دانشجو، تابستان ۱۳۷۷ ۹. جوان مسلمان و دنیای متجدد، سید حسین نصر، تهران، انتشارات طرح نو ۱۳۷۷

تأثیرگذاری روی دیگران بخصوص جوانان چگونه ممکن است؟

پرسش

تأثیرگذاری روی دیگران بخصوص جوانان چگونه ممکن است؟

پاسخ

بهترین راه تأثیرگذاری، این است که با رفتار و عمل کردن به حقایق دینی و معلومات خود، دیگران را تحت تأثیر قراردهیم. قطعاً موقعی می‌توانیم اثرگذار باشیم که خود اهل عمل باشیم؛ ولی اگر اهل عمل نباشیم ولو به ظاهر خود را متعبدهم جلوه دهیم – تأثیرگذاری ما خیلی کم می‌شود. قرآن در سوره بقره می‌فرماید: «اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم»؛ «آیا دیگران را به نیکی دعوت می‌کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده‌اید». معصوم(ع) هم می‌فرماید «کونوا دعاة الناس به غیر السنتکم»؛ «مردم را به غیر زبانتان دعوت کنید»؛ یعنی، با عمل. بنابراین بهترین راه تأثیرگذاری اهل عمل شدن و الگوی مشاهده‌ای برای دیگران ایجاد کردن است. مسأله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن، بستگی به توانایی و قابلیت‌های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم‌ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارد، ویژگی‌های روحی از قبیل اراده استوار، اخلاق نیکو، حسن معاشرت – و آگاهی‌ها و توانش‌های علمی بالا- است. تاثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف‌پذیری و حقیقت‌طلبی شخص، ارتباط دارد. تاثیرپذیری‌های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می‌باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود و گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون‌سازی آگاهی‌ها ودانش‌های خود به ویژه در زمینه مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی – تلاش کنید، به تدریج توان تاثیرگذاری بیشتری خواهید یافت. با رعایت اصول و نکات زیر، فرد می‌تواند میزان تأثیرگذاریخویش را افزایش دهد: ۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید. ۲. با اندکی تفحص و جست‌وجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به جهت وجود آن امر مثبت، ارتباط خود را با وی پی‌گیری کنید. ۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید، مستقیماً از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید. ۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید. ۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود، برای شما حرف بزنند. ۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید. ۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند. ۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می‌خواهی انجام دهد، میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام دادن آن عمل فراهم سازید. ۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید، همان را با ایشان در پیش گیرید. ۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاه‌های خویش را بر دیگران تحمیل نکنید؛ زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده‌اش را بر آنان تحمیل کند نمی‌پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند، دوستی نمی‌ورزند و به او اعتماد نمی‌کنند. پ. محمدی ری شهری، دوستی در قرآن.)++

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

پرسش

تشکلهای دانشجویی در چه زمینه هایی می توانند به فعالیت در زمینه فرهنگی بپردازند. لطفا مصداق ها را به دقت نام ببرید.

پاسخ(قسمت اول)

به طور کلی در ارتباط با این سؤال و سؤالات دیگر، مقاله ای آورده می شود. سیاست فرهنگی نویسنده: رضا اسماعیلی منبع: سایت باشگاه اندیشه، به نقل از هفته نامه فرهنگ و هنر شماره ۳۳ بهمن ماه ۱۳۸۲ کارایی سیاست فرهنگی در گرو تبدیل آن به زبان برنامه است. اصول سیاست فرهنگی هنگامی در عمل تحقق می یابد که در قالب برنامه فرهنگی با اهداف میانی، کمی و خط مشی های اجرایی مورد توجه قرار گیرد. شاید برنامه ریزی در بخش فرهنگ نتواند دست نیافتنی ها را دست یافتنی کند، اما قطعاً فقدان آن می تواند دست یافتنی ها را دست نیافتنی کند. برنامه ریزی فرهنگی می تواند امکان بکارگیری دقیق تر مدیریت سازمان ها و طراحی اقدام ها و فعالیت های فرهنگی متناسب با اهداف و اولویت ها را فراهم آورد. اصولاً برنامه ریزی براساس این فرض انجام می گیرد که ما با محدودیت امکانات و منابع در ابعاد مالی، انسانی و زمانی مواجه هستیم . هدف برنامه ریزی فرهنگی در جامعه ایران قبل از هر چیز باید توجه داشت که هدف از برنامه ریزی فرهنگی در جامعه ایران، ارتقای جامعه ی ایرانی به مقامی است که افراد آن با شناخت تمدن و فرهنگ عظیم ایرانی - اسلامی و آگاهی از فرهنگ های دیگر ملل جهان در حفظ ، اعتلا و اشاعه فرهنگ خودی بکوشند و جامعه را در سیر به سوی توسعه فرهنگی در ارتباط با توسعه اقتصادی و اجتماعی یاری برسانند و در نهایت هر فرد ایرانی بتواند در سایه ی رسیدن به چنین توسعه ای، از زندگی مادی و معنوی بهتری برخوردار گردد. برای رسیدن به چنین هدفی باید با توجه به شرایط، مقتضیات و اهداف ، گرایش های اصلی در سیاست فرهنگی آینده را مشخص ساخت و بررسی کرد که آنها در قالب چه نوع سیاستی قابل اجرا هستند، به همین دلیل گزینش سیاست های فرهنگی مناسب، از جمله دلایل اصلی توفیق هر برنامه ریزی در این زمینه به شمار می آید. گزینش سیاست فرهنگی مناسب در مبحث سیاست گذاری، می توان دو نوع سیاست فرهنگی را از هم تفکیک کرد. در سیاست فرهنگی سنتی، هدف، ارائه ی خدمات فرهنگی به گروههای خاص اجتماعی است، اما در سیاست فرهنگی جدید، هدف، همگانی ساختن فرهنگ و افزایش مشارکت شهروندان در تولید و خلاقیت فرهنگی است. سیاست فرهنگی سنتی نه با هدف ما از برنامه ریزی انطباق دارد و نه با مقتضیات و شرایط دنیای امروز، لذا باید به فکر برنامه ریزی فرهنگی درقالب سیاست فرهنگی جدید باشیم، یعنی باید به همگانی کردن فرهنگ در چارچوب برنامه ریزی جامع فرهنگی - آموزشی بیندیشیم و به ویژه باید توجه داشته باشیم که سیاستی را برگزینیم که به وجوه زمینه ساز فرهنگی توجه نموده و جامعه را برای تحولاتی که در پیش دارد آماده سازد، زیرا آماده سازی جامعه برای رسیدن به اهداف فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن، در گرو توجه به این وجوه زمینه ساز است؛ از سوی دیگر، زمینه تحقق ارزش های متعالی مربوط به این قلمرو، نه فقط در حوزه فرهنگی محصور نمی ماند، بلکه در رابطه ی تنگاتنگ با حوزه های دیگر به ویژه بخش های اقتصادی و سیاسی جامعه قرار می گیرد، از این رو در شرایط کنونی جامعه ما، توجه به برنامه ریزی جامع فرهنگی - آموزشی در قالب سیاست همگانی کردن فرهنگ و به عنوان جزئی از برنامه ی توسعه ملی که در رابطه با تمام حوزه های کشور است، اجتناب ناپذیر می نماید. نکته مهم در برنامه ریزی فرهنگی آن است که در عین تأکید بر حفظ میراث فرهنگی و تحکیم هویت ملی و اسلامی جامعه، چگونگی جبران عقب ماندگی ها وتوسعه نیافتگی ها در جامعه دنبال گردد. در این میان، نکته اصلی، اتخاذ سیاست هایی است که بر پیشرفت و امروزی شدن

جامعه در ابعاد مختلف آن تأکید می کند و در ضمن، حفظ احساس تعلق و تعهد به فرهنگ بومی را اصل و اساس برنامه ها قرار میدهد. احیای هویت فرهنگی سنتی و تداوم آن از یک سو و حضور مؤثر در عرصه ی ارتباطات فرهنگی و اتخاذ رویکردهای نوگرایانه و دستیابی به فرهنگی جامع تر - که از ترکیب این دو عنصر حاصل می شود - از سوی دیگر، از مهم ترین راهبردهای برنامه ریزی فرهنگی در جامعه به شمار می آید. گونه های مختلف برنامه ریزی فرهنگی دکتر چنگیز پهلوان ، برنامه ریزی را به گونه های زیر تقسیم بندی کرده است: ۱.برنامه ریزی آرمان گرایانه: این نوع برنامه ریزی جامع نگر بوده و تلقی کلانی از مقوله ی فرهنگ دارد. از لحاظ روش شناختی، این نوع برنامه ریزی اهداف بزرگ و بلند مدت را مورد توجه قرار می دهد و به لحاظ برخورد اجتماعی - سیاسی ، تکنوکراتیک است به طوری که تمرکز شدید قدرت را مد نظر قرار می دهد. ۲. برنامه ریزی واقع بینانه: فرض اصلی این برنامه ریزی بر این واقعیت مبتنی است که تنوع بی پایانی از نیازها در برابر محدودیت وسایل قرار دارد. الگوی روش شناسی این نوع برنامه ریزی از به کار گرفتن حداکثر بازدهی از منابع محدود ناشی می شود. برخورد سیاسی - اجتماعی این نوع برنامه ریزی، مبتنی بر تجربه است و براساس شبکه ها و ساخت های موجود که دردسترس هستند، شکل می گیرد. این برخورد نیز دارای خصلت تکنوکراتیک است زیرا بسیاری داوری ها وجود دارد که نمی توان به مدد ضوابط مسلم علمی به توجیه آنها پرداخت. ۳. برنامه ریزی راهبردی(استراتژیک): مشخص کردن حدود و نحوه ی دخالت بخش های عمومی در برنامه ریزی، فرض اصلی این نوع برنامه ریزی است و به مدیریتی بستگی دارد که برنامه را طراحی می کند . میدان عمل این برنامه ریزی گزینشی است . در برنامه ریزی استراتژیک ، انتخاب ها براساس مطالعه و بررسی است، برخلاف برنامه ریزی واقع بینانه که انتخاب ها مبتنی بر تجربه است . تحلیل سیستم ها، مبنای روش شناسی این نوع برنامه ریزی است. در این تحلیل، نخست شرایط سیستم مورد بررسی قرار می گیرد و سپس سعی می شود که ارزش ها و هدف هایی که پشتیبان اقدام بخش های گوناگون هستند روشن شود. برخورد سیاسی اجتماعی این نوع برنامه ریزی معطوف به قدرت است. ۴. برنامه ریزی توسعه گرا(دموکراتیک): پایه اصلی این برنامه ریزی به فرض اصلی برنامه ریزی آرمان گرایانه نزدیک است. این نوع برنامه ریزی نیازهای اصلی مردم را مورد توجه قرار می دهد و با مطالعه و شناخت نیازهای مردم، برنامه مورد نظر به لحاظ قدرت، شیوه ی تحقق اهداف، ابزار و وسایل مورد نیاز، به داوری افکار عمومی نهاده می شود . برخورد سیاسی - اجتماعی این روش براساس مشاوره و سازگاری جمعی است. تقسیم بندی یاد شده به زبانی دیگر مورد توجه دست اندرکاران امور فرهنگی جامعه واقع شده است. دبیرخانه ی شورای فرهنگ عمومی به عنوان یکی از مجامع تأثیرگذار در مقوله ی فرهنگ، سرمشق(پارادیم) های برنامه ریزی را از یکدیگر تفکیک ساخته است. مقوله ی برنامه ریزی فرهنگی و گونه های مختلف آن، از جهات دیگر نیز مورد توجه صاحبنظران عرصه ی فرهنگی واقع شده است که در ادامه به یک نوع آن اشاره می کنیم. برنامه ریزی پیوسته و گسسته می توان براساس میزان فراگیری و پیوستگی برنامه ریزی های فرهنگی، به صورت بندی دیگری در زمینه ی طبقه بندی انواع برنامه ریزی فرهنگی دست یافت. برنامه ریزی گسسته و پیوسته از انواع برنامه ریزی برطبق ملاک یاد شده است. برنامه ریزی گسسته، به نوعی خاص از برنامه ریزی فرهنگی اطلاق می شود که حاصل تلاش برنامه ریزان در هر حوزه به طور مستقل و جداگانه است لذا بین بخش های مختلف، هیچ نوع ارتباط و همبستگی ارگانیک(اندام وار) به چشم نمی خورد. از سوی دیگر در برنامه ریزی فرهنگی پیوسته ، برنامه ریز با مد نظر قرار دادن الگویی کلی و نظمی اندام واره ، نسبت به برنامه ریزی مبادرت می کند که در نتیجه، حاصل کار، مجموعه ای همبسته از سلسله ی معضل بندی شده تصمیمات و اقدامات خواهد بود. جایگاه دولت در برنامه ریزی فرهنگی در زمینه ی مرکزیت تصمیم گیری و برنامه ریزی در حوزه ی فرهنگ، دو نظریه وجود دارد. پیروان نظریه نخست به عدم دخالت نهاد دولت در برنامه ریزی فرهنگی معتقدند. این گروه بر این باور هستند که گسترش فرهنگ ها از طریق برنامه ریزی نبوده است زیرا برنامه ریزی وقتی ضروری به نظر می رسد که ما با مقاومت مواجه شویم، لذا اگر همه کارها به صورت عادی انجام شود و امور به صرافت طبع جریان یابد، کسی سراغ برنامه ریزی

نمی رود. در دیدگاه دوم، دولت به عنوان بزرگ ترین نهاد در نظام موازنه ی اجتماعی، مسؤولیت سرپرستی و تکامل ساختارهای اجتماعی را برعهده دارد، از این رو نه تنها متولی تکمیل فرهنگ بلکه سرپرست رشد و تکامل ابعاد اجتماعی حیات بشری نیز است. مراحل برنامه ریزی فرهنگی موفقیت در برنامه ریزی فرهنگی، مستلزم مراحلی است که در پی به آن اشاره می شود: ۱.تجزیه و تحلیل گذشته ی پدیده فرهنگی (پدیده ای که می خواهیم برای آن برنامه را طراحی کنیم). ۲.طراحی ، تدوین و ترسیم دقیق اهداف فرهنگی. ۳.بررسی علمی نیازها و نگرش های اجتماعی فرهنگی گروه مخاطب و شناسایی مناسبات حاکم بر آنها به منظور دستیابی به اولویت نیازها. ۴.شناسایی قابلیت ها، امکانات و توانمندی های ممکن در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری. ۵.شناسایی موانع، مشکلات و محدودیت ها جهت اجرای برنامه در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری .

پاسخ(قسمت دوم)

۶.طراحی برنامه ها با توجه به اهداف ، سنجش نیازها، قابلیت ها، و محدودیت ها. ۷.ابلاغ برنامه به مجریان. ۸.نظارت، ارزشیابی، رفع موانع احتمالی و در صورت نیاز، تجدید نظر در برنامه وطراحی برنامه علمیاتی. برای تحقق هر برنامه فرهنگی، مقدمات و شرایطی لازم است. در سطح کلان، ثبات و اقتدار نظام اجتماعی از جمله شرایط اولیه برنامه ریزی است. همچنین تأمین حداقل نیازهای اقتصادی گروههای هدف، باعث افزایش اثربخشی و کارآیی برنامه ریزی فرهنگی خواهد شد. عدم خنثی سازی فعالیت های فرهنگی توسط نهادها و مؤسسات فرهنگی موجود در جامعه از جمله الزامات برنامه ریزی فرهنگی مؤثر می باشد، در غیر این حالت، ماحصل برنامه ریزی فرهنگی، به حداقل ممکن، یعنی نزدیک به صفر خواهد رسید. سیر اجمالی تحولات برنامه ریزی فرهنگی در ایران سابقه ی برنامه ریزی در ایران به سال ۱۳۲۷ یعنی سال شروع نخستین برنامه عمرانی کشور باز می گردد. در برنامه ریزی هفت ساله ی اول و دوم عمرانی که تا پایان سال ۱۳۴۱ به طول انجامید، فرهنگ به امور آموزشی اطلاق می شد. در برنامه ی پنج ساله ی سوم (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶) بخش فرهنگ، در برگیرنده ی امور آموزشی، تربیت بدنی، پیشاهنگی، کتاب و کتابخانه بود. پس از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳ فعالیت های فرهنگی و هنری در قالب آن وزارتخانه متمرکز شد و بتدریج سازمان های دیگری نیز برای انجام بهتر برنامه های فرهنگ و هنر مانند سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، شورای عالی فرهنگ ، سازمان ملی فولکلوریک ایران و هیأت امنای کتابخانه ها ایجاد شد. از برنامه ی عمرانی چهارم (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱) به بعد بخش فرهنگ و هنر به صورت فصلی مستقل در برنامه های عمرانی مورد توجه قرار گرفت و ۳ درصد از کل اعتبارات برنامه به آن اختصاص یافت که صرف مرمت برخی بناهای تاریخی، تأسیس خانه های فرهنگ، آموزش هنر و کمک به انتشار کتاب های بنیاد فرهنگ ایران شد. در برنامه ی پنجم عمرانی کشور(۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶) اعلام شد که توجه ویژه ای به بخش فرهنگی خواهد شد و براین اساس در برنامه ی مذکور چنین آمده بود.که " هدف این بخش تعیین و تضمین خصلت ایرانی، توسعه ی ملی و حراست از ارزش ها و خصایل پسندیده ای است که از تاریخ کهن و درخشان خود به میراث گرفته ایم ".در برنامه پنجم در مجموع ۱/۱۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری ثابت در امر افزایش امکانات و فضاهای فرهنگی – هنری از جمله کتابخانه های عمومی ، موزه ها، واحدهای سیار آموزش سمعی و بصری و کاوش های باستان شناسی و تحقیقات مردم شناسی انجام شد. در برنامه پیشنهادی ششم که تصویب آن با بروز انقلاب اسلامی مقارن بود و اجرای آن بدلیل پیروزی انقلاب متوقف شد، قرار بود بخش فرهنگی با هدف عدم تمرکز و رفاه اجتماعی و توسعه فرهنگی و با اعتباری حدود ۱۴ میلیارد ریال به اجرا درآید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فرهنگ به عنوان یک عامل اساسی و زیربنایی در ارتقای کیفیت زندگی انسان ها و زیستن مبتنی بر اندیشه مطرح شد. لایحه ی برنامه ی اول توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶) با هدف فوق در ضرورت پیراستن جامعه ایرانی از مظاهر ضد اسلامی و معرفی فرهنگ غنی اسلام به عنوان سر چشمه ی زلال ولایت به همه جهانیان تدوین شد و در

سال ۱۳۶۲ به تصویب هیأت وزیران رسید، اما به علت شرایط جنگ تحمیلی به اجرا در نیامد. پس از انقلاب اسلامی، مهم ترین کارکرد مورد انتظار از فرهنگ و برنامه ریزی فرهنگی، انتقال پیام انقلاب به مردم و حفظ و ترویج ارزش های ناب اسلامی و انقلابی بود. تشویق نیروهای انقلابی مسلمان به انجام فعالیت های فرهنگی و حمایت از تولیدات فرهنگی حاوی پیام های انقلابی و اسلامی، به رشد قشر وسیعی از کارگزاران و تولید کنندگان جدید در حوزه فرهنگ و هنر انجامید. تولید کالاها و فرآورده های فرهنگی در کانون توجه نهادهای فرهنگی و حتی غیر فرهنگی قرار گرفت و این تلاش، بیشتر برگروههای محروم تر اجتماعی اعم از شهری و روستایی - متمرکز گردید. وظیفه ی توزیع و ارتباط کالاها و خدمات فرهنگی میان تولید کننده و مصرف کننده، اغلب از سوی سازمان های دولتی و نهادهای انقلابی صورت می گرفت. پیامد کاربرد سیاسی فرهنگ، همگانی کردن فرهنگ و افزایش مصرف آن در میان مردم بویژه اقشار محروم جامعه و علی القاعده افزایش تقاضاهای فرهنگی بود. این افزایش تقاضا را می توان ناشی از برخی تحولات اجتماعی دانست که گسترش آموزش و تعمیم آن، کاهش میزان بی سوادی، گسترش مراکز و موسسات آموزش عالی، گسترش رسانه های جمعی و نفوذ آن به دورترین مناطق کشور، توسعه ی راه های ارتباطی و تحرکات بیشتر جمعیتی از آن جمله اند. در پی چنین تحولات اجتماعی وپس از خاتمه یافتن جنگ تحمیلی است که برنامه ی اول توسعه ی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) با توجه به راهبردهای اساسی زیر تدوین شد: - اتکا به مشارکت عمومی و توسعه ی فعالیت های مردمی؛ - بازنگری ظرفیت های موجود و جلوگیری از کاهش ظرفیت ها ونهایت بهره برداری از آن؛ به طور کلی برنامه ی اول سعی داشت تا با سیاست محوری اتکا بر مشارکت عمومی و توسعه ی فعالیت های مردمی، دست کم مانع کاهش ظرفیت های موجود و افول وضعیت فرهنگی شود، بنابراین چشم انداز ده ساله این بخش را می توان به طور خلاصه در دو مرحله ی بازسازی ظرفیت های موجود و حداکثر بهره برداری از آن و سپس توسعه ی ظرفیت های جدید، بیان کرد و"بازسازی "و " توسعه " را به عنوان استراتژی (راهبرد) اساسی آن، برشمرد. برنامه ی دوم توسعه (۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷) همزمان با گسترش مبحث تهاجم فرهنگی تنظیم شد، اما این موضوع در هدف های کمی برنامه، تجلی ویژه ای نیافت و به هر حال برنامه دوم، راهبردی معین را برای توسعه فرهنگی ارائه نداد . از جمله نکات مورد تأکید در این برنامه می توان به ترسیم خط مشی های کلی و تأکید بر آموزش های اخلاقی، معنوی، اعتقادات، علوم و فنون و پرورش روحیه مسؤولیت پذیری و صرفه جویی و سازماندهی و هماهنگی اشاره کرد. اما با گذشت دو دهه اخیر و در سال پایانی برنامه دوم توسعه، جامعه اسلامی ایران با تحولاتی بنیادین مواجه نشده است. تشدید فرایند تفکیک گروه های اجتماعی و ظهور قشر وسیع جوانان، زنان، افزایش جمعیت ، جوانی جمعیت، افزایش با سوادی، گسترش تحصیلات عالی، تحولات فن آوری جهانی، واقع شدن در مسیر جهانی شدن فرهنگی و ... به ظهور علایق متفاوت و در نتیجه پیدایش تقاضاهای گوناگون فرهنگی منجر شده است. در پی این تحولات: - دستگاههای دولتی در تأمین نیازهای فرهنگی شهروندان، موقعیت انحصاری خود را از دست داده اند؛ - فرایند جهانی شدن و پیشرفت های فن آوری ، کالاهای فرهنگی غیر بومی را با سهولت و به گونه ای گسترده در اختیار تمامی گروه ها قرار می دهد؛ - قدرت اقتصادی دولت، امکان و توان تولید کالاهای متناسب با این تقاضا را فراهم نمی کند؛ - سیاست های کنترل و نظارت بر صدور مجوز فعالیت ها و تولیدات فرهنگی، با پیشرفت فن آوری، اثر بخشی خود را به میزان زیادی از دست داده است به طوری که قدرت نظارتی حکومت بر نحوه تولید و مصرف کالاهای فرهنگی به شدت کاهش یافته است؛ افزون بر مسائل یاد شده، در سالهای پایانی برنامه دوم توسعه و به دنبال انتخابات دوم مرداد سال ۱۳۷۶ در عرصه تحولات اجتماعی ، شاهد دگرگونی هایی گسترده در سطح جامعه بوده ایم که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود•: توسعه ی سیاسی - اجتماعی با ایجاد احزاب و تشکل های صنفی و گروهی•. افزایش انتظار تحقق حقوق اجتماعی فرهنگی فردی و گروهی در سایه ی جامعه مدنی و حکومت قانون•. گسترش روابط فرهنگی با سایر ملل در سایه سیاست تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها•. برخورداری از امکانات بیشتر خبری و اطلاع رسانی•. ضرورت رعایت

شفافیت در گفتار و صداقت در رفتار و کردار از سوی متولیان و مسؤولان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و امکان نقد منصفانه اعمال و رفتار مسؤولان و کارگزاران از سوی مردم. به این ترتیب ، هم کانون مسأله فرهنگ در جامعه ایران دگرگون شده و هم دستگاه فرهنگی موقعیتی متفاوت را نسبت به سالهای گذشته پیدا کرده است. اکنون با ملاحظه ی تحولات اجتماعی - فرهنگی جامعه ی ایران، لازم است در وهله ی نخست نیازهای واقعی فرهنگی جامعه را شناسایی کرد، در قالب سیاست گذاری های فرهنگی آنها را طبقه بندی و اولویت گذاری کنیم و آنگاه با برنامه ریزی واقع بینانه ، نسبت به حل معضلات فرهنگی و رسیدن به رشد متوازن و توسعه ی فرهنگی مورد نیازجامعه امروز ایران، همسو و هماهنگ با تلاش برای توسعه ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور دست به اقدام مقتضی بزنیم. یادداشت ها: ۱.پهلوان، چنگیز. فرهنگی برنامه ریزی، انتشارات پژوهشکده ی علوم ارتباطی و توسعه ی ایران ، ۱۳۵۸، ص ۴۱ تا ۴۶. ۲.اکبری، محمد علی. تجربیاتی از برنامه ریزی فرهنگی، مجموعه مقاله های ساماندهی فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۹، ص ۵۲. ۳.داوری، رضا. در تفسیر برنامه ریزی فرهنگی، مجله فرهنگ عمومی ، شماره ی ۷، ۱۳۵۷، ص ۲۵ تا ۲۶. ۴.رضایی، عبدالعلی . جایگاه دولت در برنامه ریزی فرهنگی و الزامات برنامه ای آن، مجموعه مقاله های ساماندهی فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱.

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

پرسش

لطفا درباره فرهنگ سازی در جامعه در ابعاد مختلف ارزش های اسلامی کتاب و سایت معرفی کنید.

پاسخ

تصمیم و عزم راسخ شما را در جهت انجام برنامه های فرهنگی می ستاییم و برای شما عزیزان آرزوی موفقیت داریم مسلما کار فرهنگی از ضروری ترین ،با اهمیت ترین و زیربنایی ترین اقدامات مورد نیاز جوامع کنونی است که خود گام مهمی برای بیداری و اصلاح بشریت و آماده سازی مقدمات ظهور امام زمان می باشد. درست همان هدف مقدسی که انقلاب اسلامی ایران بر اساس آن شکل گرفته و به پیش می برد. اما با این همه با توجه به اهمیت و ظرافت کار از یک سو و گسترده بودن دامنه کاری که برای خود مشخص نموده اید ،دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه نیازمند امور متعددی است که اولین گام آن استحکام مبانی عقیدتی و دینی دست اندرکاران این طرح است. داشتن معرفت و بینش صحیح و کاملا-اسلامی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریطی در برداشت و اجرا ارتباط مستمر با اسلام شناسان متعهد و بالاخره استفاده از امکانات مادی و متناسب با شرایط زمانی از این رو توصیه ما این است که در بدو شروع کار واقع بینانه چنین مسائلی را در نظر گرفته و دامنه کاری دقیقی متناسب با توانایی های مادی و معنوی خویش تعریف بنمایید تا ضمن دستیابی سریع تر به اهداف ، از هرگونه اخلال و یا تعللی در ادامه راه ،جلوگیری شود. در ادامه به معرفی برخی منابع که می تواند در راستای اهداف شما مفید باشد می پردازیم: الف-معرفی کتب: -خورشید مغرب ،محمد رضا حکیمی، انتشارات دلیل ما،۱۳۸۲ -پرتویی از خورشید،علی شیرازی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲ -حکایت نامه سلاله زهرا(س) ،حسن صدری مازندرانی ،انتشارات مشهور، ۱۳۸۱ - عصر امام خمینی ، میر احمد رضا حاجتی ،بوستان کتاب قم ، ۱۳۸۲ - آسیب شناسی انقلاب اسلامی ،مجموعه مقالات ،نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف ،۱۳۷۹ - راهکارهای اصلاح اجتماعی در حکومت دینی ، حسین ردایی الاملی ،نسیم حیات ،۱۳۸۲ - شیوه های درمانی مفاسد اجتماعی ،علی اکبر بابازاده ،انتشارات دانش و ادب ، ۱۳۸۱ - توسعه و تضاد، فرامز رفیع پور ، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۷ - آناتومی جامعه ، فرامز رفیع

پور ف شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۸ - جامعه سازی قرآن محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ،۱۳۷۸ - تهاجم یا تفاوت فرهنگی ، حسن بلخاری ، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۸ -تهاجم فرهنگی ،سید مرتضی حسینی اصفهانی ، انتشارات فرهنگ قرآن ۱۳۷۹ - تهاجم فرهنگی ، محمد تقی مصباح یزدی ،موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ - پاسخ استاد به جوانان پرسش گر، محمد تقی مصباح یزدی ، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینیف ۱۳۸۰ -مبانی نظری تمدن غرب ، سید مرتضی آوینی، مجله دانشجوف تابستان ۷۷ ب- سایت های مفید فرهنگی: - سایت باشگاه اندیشه www.bahgah.net - سایت کانون www.canoon.org - سایت آوینی www.aviny.com - سایت احیا www.ehyaa.net - سایت لوح www.louh.net - سایت تبیان www.tebyan.net

چگونه می توان شخصی را که از نظر مذهبی کامل نیست هدایت کرد به طوری که در طرف مقابل اثر داشته باشد؟

پرسش

چگونه می توان شخصی را که از نظر مذهبی کامل نیست هدایت کرد به طوری که در طرف مقابل اثر داشته باشد؟

پاسخ

تلاش و کوشش جهت هدایت و تشویق افراد به طرف خدا و تقویت ایمان آنها کاری بس ارزشمند است . دعوت مردم به آشنایی با دین و عبادت خداوند از برجسته ترین و متعالی ترین امور است. چنانچه در روایتی رسول خدا(ص) فرمود: هر کس بتواند یک نفر را هدایت کند و به طرف دین جذب نماید، ارزش آن برتر از تمام چیزهایی است که خورشید بر آنها می تابد. برای ترغیب و تشویق به انجام فرائض دینی ، ابتدا باید زیربناهای فکری افراد را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن کوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و ... اموری است که نتیجه مستقیم بر ایمان فرد دارد . تقویت و اصلاح این مبانی تأثیر زیادی بر ایمان انسان می گذارد. قدم بعدی چشیدن و مزه کردن ایمان است. اگر کسی شیرینی و لذت ایمان به خدا را حس کند و از انجام کارهای دینی لذت ببرد ، هرگز نسبت به آنها بی تفاوتی نشان نمی دهد. به همین جهت در دعاها آمده است: «اللهم اذقنی حلاوه ذکرک : خدایا شیرینی یاد خودت را به من بچشان». قدم سوم پرهیز از اموری است که انسان را از توجه به خدا غافل می کند. گر چه یاد خدا و ارتباط عاشقانه با او بسیار لذت بخش است و هیچ لذتی به پای آن نمی رسد ، ولی اگر لذت های مادی و شیطانی که رسیدن به آنها بسیار آسان است و روز به روز متنوع تر و گسترده تر می شود، در زندگی فرد وارد شود، کم کم او را از توجه به خدا باز می دارد و ایمان او را ضعیف می کند. حال با توجه به این سه مطلب، راهکارهای زیر را جهت تقویت ایمان فرد و نزدیک کردن او به دین پیشنهاد می کنیم، اما قبل از آن این نکته را یادآوری می کنیم که هدایت و ارشاد دیگران به طرف خدا امری تدریجی است که لازمه آن صبر و بردباری و تلاش دائمی است و نمی توان انتظار داشت یک مرتبه افراد به همه چیز برسند. باید سعی کنیم قدم به قدم پیش رویم. این راهکارها عبارتند از: ۱. او را به مطالعه کتاب های مفید در زمینه های مذهبی تشویق کنید . گاهی هم کتاب های جالب را که برای او مناسب است خودتان مطالعه کنید و خلاصه آن را برایش بگویید، به این صورت که اگر می توانید با او قرار بگذارید و در یک زمان مناسب این کار را بکنید. شما می توانید این کار را به بهانه اینکه می خواهید از او کمک بگیرید تا اشتباهات شما را اصلاح کند ، انجام دهید. زیرا در غیر اینصورت ممکن است زیر بار این کار نرود. ۲. نصیحت و تذکر مستقیم سودی ندارد. سعی کنید مطالبتان را غیر مستقیم به او بگویید. ۳. قبل از اینکه بخواهید تذکری به او بدهید بهتر است نکات مثبت او را برجسته کنید. و او را به عنوان فردی موفق جلوه دهید و طوری وانمود کنید که تذکرات شما برای بهتر

شدن وضعیت او است. ۴. داشتن روابط صمیمی و دوستانه تأثیر سخن شما را چند برابر می کند پس سعی کنید دائما او را مورد محبت و نوازش قرار دهید و او را از بهترین دوستان خود معرفی کنید. ۵. گاه گاهی از او بخواهید اشتباهاتتان را به شما تذکر دهد تا احساس کند نظرات او را قبول دارید و به آن احترام می گذارید. ۶. سعی کنید وی را به شرکت فعال در تشکلهای مذهبی دانشگاه تشویق کنید و از اعضای آنها بخواهید به او توجه و احترام لازم داشته باشند. ۷. او را به شرکت در مراسم جذاب مذهبی مثل زیارت عاشورا ، دعای توسل و مانند آن تشویق کنید و روحیه توبه و انابه و مناجات با خدا را در او به وجود آورید. ۸. تا جایی که ممکن است ارتباط او را با لذایذ حرام مثل نوارها و سی دی های غیر مجاز و شرکت در مجالس آلوده ، رابطه با جنس مخالف و مانند آن قطع یا محدود کنید، زیرا اینگونه برنامه ها در تخریب ایمان جوانان بسیار مؤثر است. ۹. آینده نگری، احساس مسئولیت و توجه به عالم آخرت را در او ایجاد کنید. ۱۰. از صمیم قلب برای موفقیت خودتان و برای هدایت او دعا کنید و بدانید که اگر در کارتان جدیت و اخلاص داشته باشید ، حتما موفق می شوید، اگر هم موفق نشدید اجرتان پیش خدا محفوظ است و از این جهت جای نگرانی نیست. ۱۱. سعی کنید با رفتارتان او را دعوت به دین و ارزشهای دینی کنید «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم» پیامبر فرمود مردم را با غیر زبان به دین دعوت کنید. زیرا مشاهده رفتار دیگران در تأثیر پذیری انسان بسیار مؤثر است. این کار هم به نفع شماست یعنی عملا خود شما کمال پیدا می کنید و هم باعث تشویق و تحریض ایشان برای عمل کردن به احکام و ارزشهای دنیوی می شوید. در اینجا مناسب است با نگاهی روانشناختی به موضوع تأثیرگذاری به این سؤال بپردازیم و نکاتی را یادآور شویم: مسأله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان‌ها و قابلیت‌های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم‌ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارند ویژگی‌های روحی از قبیل اراده استواراخلاق نیکو حسن معاشرت و آگاهی‌ها و توانهای علمی بالا است. تأثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت‌طلبی شخص ارتباط دارد و تاثیر پذیری‌های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می‌باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون‌سازی آگاهی‌ها ودانش‌های خود به ویژه در زمینه مسایل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجا توان تاثیرگذاری بیشتری خواهید یافت. بنابراین تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می‌شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می‌شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می‌تواند میزان تأثیرگذاریخویش را افزایش دهد. ۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید. ۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی‌گیری نمائید. ۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیما از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید. ۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید. ۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند. ۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید. ۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند. ۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می‌خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید. ۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید. ۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده‌اش را بر آنان تحمیل کند نمی‌پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی‌ورزند و به او اعتماد نمی‌کنند. در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی ۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی ۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری در پایان، توجه به این نکته لازم است، که بهترین راه برای تأثیر گذاری درسی جوانان ایجاد رابطه عاطفی است و برای دوست شدن با آنها و ایجاد ارتباط عاطفی سعی کنید با او

همدردی کنید و در حل مشکلات او همراه او باشید. او را درک کنید و به نیازهای روحی او توجه داشته باشید، از سرزنش کردن او خودداری کنید به او احترام بگذارید و او را بدون شرط بپذیرید؛ یعنی پذیرش شما نسبت به او مشروط نباشد و به گونه ای رفتار کنید که او احساس کند شما دلسوز او هستید رعایت نکات فوق باعث می شود بین او و شما یک ارتباط صمیمی و عاطفی برقرار شود آنگاه می توانید در قالب صمیمیت و دوستی مشکلات او را گوشزد کنید و در حل آنها به او کمک کنید. اگر برخوردی غیر از این با او داشته باشید و بخواهید از طریق تهدید و امر و نهی با او برخورد کنید قطعا نمی پذیرد و در تکرار اشتباهات اصرار می ورزد و حتی طغیان می کند.

مشکلات فرهنگی دانشگاه را در چه موضوعاتی می دانید؟همچنین اگر بخواهیم در قالب یک گروه دانشجویی روی شناسایی و سپس مقابله با آنها کار کنیم , چه توصیه ای برای ما در ابتدای کار دارید؟

پرسش

مشکلات فرهنگی دانشگاه را در چه موضوعاتی می دانید؟همچنین اگر بخواهیم در قالب یک گروه دانشجویی روی شناسایی و سپس مقابله با آنها کار کنیم , چه توصیه ای برای ما در ابتدای کار دارید؟

پاسخ

مجموعه راه کارهای فرهنگی در دانشگاه ها را می توان در دو بعد نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه راه کارهایی چند پیشنهاد می شود. الف) راه کارهای نظری و اندیشه ای: ۱. شناخت دقیق عناصر اصلی فرهنگ اسلامی و شناساندن آنها به دیگران . در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی را تبیین نمود. بهترین راه برای مبارزه با این مسأله آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزش های دینی , فزون سازیم و به تبیین منطقی دست یابیم . مثلا "در زمینه ارزشی ها, وجود یک سلسله ارزش های ثابت و پایدار را تبیین و وجه بطلان سخنان بی پایه کسانی که ارزش ها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند, آشکار سازیم , (فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق). هم چنین در برابر کسانی که می کوشند از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند و تقید به مسائل شرعی را تضعیف کنند, ایستادگی کنیم و خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی سوق دهیم. ۲. تقویت و تثبیت هویت مذهبی و ملی دانشجویان از طریق آشنایی با تمدن افتخار آمیز اسلامی و دانشمندان نامی و نیز دستاوردهای مهم و با ارزشی تشکیل جمهوری اسلامی و... ۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و مشاوره به صورت شفاهی و کتبی برای حل مشکلات و شبهات عقیدتی و... . ۴. مسلط بودن بر جامعه شناسی ارتباطات و شیوه ها و روانشناسی تبلیغی. ب . راه کارها و اقدامات عملی : ۱. برگزاری اردوها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و تدارک برنامه های پرجاذبه، مفید و سالم به وسیله تشکلات فرهنگی موجود در دانشگاهها یا گروهی از دانشجویان. ۲. راه اندازی مرکزی برای رسیدگی و حل مشکلات دانشجویان , مانند صندوق قرض الحسنه و دفتر مشاوره ازدواج دانشجویی و... . ۳. برگزاری مراسم با شکوه نماز جماعت , دعا, مراسم مذهبی (مانند اعتکاف) و... . ۴. تهیه نشریات داخلی حاوی مطالب مفید و جذاب , ارائه فیلم های خوب و مفید و... . در پایان توجه به چند نکته ضروریست: ۱. آگاهی بر ابعاد مختلف کاری که در پی انجام آن هستیم – تا انسان چیزی را به خوبی و کامل نشناسد نمی تواند آن را به شکل صحیح ترویج کند – باید اولا کار فرهنگی را برای خود تعریف کنید سپس آن را شناخته و به انجام آن مشغول شوید. ۲. در هر کار از متخصصین آن کار استفاده کنید. مثلا اگر می خواهید نشریه داشته باشید – کسانی را برای این کار انتخاب کنید که در زمینه نشریه نگارش آشنایی کافی را دارند. ۳. پرهیز از افراط و تفریط و شتابزدگی و سستی. ۴. اهل مدارا و گذشت و ملاطفت باشید زیرا کار

فرهنگی بـا زور و سـر نیزه و تنـگ نظری نمی شود. ۵. صـبور باشـید زیرا کار فرهنگی از نظر نتیجه دیررس و در عین حال مانـدگار است. کار فرهنگی با روح و شخصیت افراد سر و کار دارد و بیماری روحی مانند بیماری جسمی نیست که با چند قرص و کپسول مـداوا گردد بلکه گاهی درمان آن مدت ها زمان می برد. ۶. از افراد با انگیزه ای به عنوان همکار کمک بگیریـد. پرانگیزه باشـید و وقت گـذرانی یا صـرفا کسب درآمـد مد نظر نباشد. ۷. نمونه کـاری را که می خواهیـد انجام دهیـد در مراکز دیگر مورد بررسـی و ارزیابی قرار دهید و از تجربیات دیگران همواره استفاده نمایید. ۸. هیچ گاه از شکست و نتیجه ندادن کارها نهراسید. ۹. هر کاری با اخلاص و رعایت تقوا شـروع شود مانـدگار و پرثمر و با برکت خواهد بود. ۱۰. در کارهای فرهنگی وظیفه اصـلی خود را که ادامه تحصـیل است فراموش نکنیـد. برخی از مشـکلات فرهنگی که در جامعه دیـده می شود، زاییـده تهاجم فرهنگی دشـمن است که از جمله آنها توزیع و پخش نوارها و ... مبتذل می باشد و نیز شایعات و شـبهه های که در مورد بعضـی از شخصـیتها و اعتقادات اصیل اسـلامی مطرح می شود. فاصـله انداختن بین حکومت و مردم نیز از ترفندهای دشـمن است. گسترش دام اعتیاد نیز می توان از جمله مشـکلات جامعه دانست. تخریب سـنگرهای که می توان با اسـتفاده از آنها از اسلام راستین حفاظت کرد همانند تخریب حوزه های علمیه. قبـح ربـا تـا حـدودی فرامـوش شـده است و سن ازدواج هم بالاـ رفته است. دسـیسه هـا و تهـاجم دشـمن در ابعـاد مختلـف و مشـکلات اقتصادی و بی کاری نیز از معضـلاتی است که بایـد با تدبیر مسؤولان و هوشـیاری و همیاری مردم به حل آن پرداخت. و بالاخره اینکه شیوه ها و راه کارهای فوق تنها بخشی از کار است و شما می توانید جهت اطلاع بیشتر در خصوص جزئیاتی که مورد نظرتان است سؤال نماییـد تا دقیق تر بررسـی و پاسـخ داده شود. بنابراین فعالیت های فرهنگی تان را آغاز کنیـد و از خداونـد متعال استمداد کنید وهرگاه با مشکل برخورد کردید با ما تماس گرفته و یا با افراد باتجربه مشورت کنید.

چرا برای امر ازدواج فرهنگ سازی نمی شود.

پرسش

چرا برای امر ازدواج فرهنگ سازی نمی شود.

پاسخ

اصـل ازدواج به عنوان یـک نیـاز غریزی نیـازی به فرهنـگ سازی نـدارد. با وجود این آنچه که سؤال شـما متوجه آن است، ازدواج آسان و با ملاک های فرهنگ و آموزه های اسـلامی است و این سؤال شایسته ای است. در این زمینه شاید نکات ذیل گفتنی باشد: یکم – همـان طور که شـما و همه ناصـحان وخیرخواهـان جـامعه ملاـحظه می کننـد، گسـترش زمینه هـای گنـاه و فراهم بودن بسـتر ارتباطات نامشروع و ناپسـند از نظر شـرع به حدی است که انسان ظهور یک بحران را پیش بینی می کند. پس بر همه ما لازم اسـت که در این زمینه تأملی کنیم و هر کس به وظیفه خود عمل کند. دوم – دولت اسـلامی موظف است همان طور که در قانون اساسـی ما به آن تصـریح شده است تسـهیلات ازدواج جوانان را فراهم کند و فراهم کردن این تسـهیلات فقط به وام و... منحصر نمی گردد بلکه ایجاد زمینه اشـتغال جوانان و... را در بر می گیرد. بعید می دانیم منظور شـما از فرهنگ سازی فقط سـخن گفتن و مقاله نوشتن باشـد. بلکـه بایـد کارهـا و اقـداماتی صـورت بگیرد کـه رغبـت جوانـان بـه ازدواج صـحیح روز افزون گردد ولی آیـا بـا وجـود این مشـکلات، رغبت هـا از بین می رود یـا...؟ اما آیا درست به این وظیفه عمل می کنـد یا نه؟ و چرا؟ به این بر می گردد که حکومت اسـلامی کارگزاران شایسـته می خواهـد که به دور از باندبازی ها و سیاسـی کاری ها، به فکر جوانان و منافع ملی باشد ودر انتخاب این افراد همه مردم مسؤولند وهر کسـی که دغدغه شـما را داشته باشد یکی از وظایفش ایجاد حساسیت در مردم در حضور اگاهانه

و مخلصانه در انتخابات و گزینش افراد با موازین اسلام و انقلاب و به دور از هیجانات گروه های سیاسی است. سوم – رسانه های عمومی اعم از صدا و سیما و مطبوعات و کانون ها و تشکل های فرهنگی باید یکی از اولویت های کاری خود را در این جهت قرار دهند. البته کارهایی شده است اما احیانا برنامه ها و مقالات و اخبار به گونه ای است که یا ایجاد یأس و ناامیدی می کند و یا فرهنگ اباحه گری ترویج می شود که صد در صد باعث بی رغبتی جوانان به ازدواج و روی آوری آنها به ارتباط آزاد و نامشروع می شود و حتی کانون های خانوادگی شکل یافته را نابسامان می کند و یا این که زندگی های اشرافی ترویج می شود که طبیعتا در این وضعیت اقتصادی نمی توان به دنبال آن خانه ها و بلکه مقدمات آن است. چهارم – مبلغین دین نیز وظیفه ای دارند گرچه در این جهت نیز تلاش های خوبی صورت گرفته است اما چه بسا هنوز عمق بحرانی که ناشی از عدم ازدواج آسان و اسلامی جامعه را تهدید می کند فهمیده نشده است تا تلاش جدی تر انجام پذیرد. پنجم – مهمتر از همه دو عامل دیگر است: ۱. خود مردم باید تلاش کنند خود مؤمنین که به اسلام و قرآن وفادار و به جوانانشان علاقمندند باید از این وضعیت احساس خطر کنند و به جای خوی جاهلیت و ارزش دادن به مادیات و تشریفات بی ارزش مقداری از رسومات بی خاصیت بلکه زیانبار بکاهند و فرهنگ تکاثر و چشم و هم چشمی را کنار بگذارند. ۲. بستر گناه باید برچیده شود و در این جهت نیز هم دولت اسلامی موظف است کارگزاران با تفکر بنیادگرایی اسلامی و نه سکولار یا لیبرال را در مصدر امور بگمارد و هم مردم همه وظیفه دارند با امر به معروف و نهی از منکر زمینه های گناه و امکان برقراری ارتباطات نامشروع را از بین ببرند و یا کاهش دهند وگرنه با وجود غذای مفت و بدون دردسر کسی به غذای گرانبها و تعهدات مترتب بر آن نخواهد داد و البته در این افرادی که در گناه غوطه ورند نه از مسموم بودن آن غذای مفت آگاهند و نه از ارزش های این غذای گرانبها که لابد می ارزد که این گونه تعهدات پشت سر آن است.

با توجه به اینکه قشر دانشجوی ما اکثر اوقاتش را به بطالت می گذراند وقتی فارغ التحصیل می شود چندان بار علمی ندارد آیا به فکر پرورش روحی فکری و علمی دانشجویان هستید.

پرسش

با توجه به اینکه قشر دانشجوی ما اکثر اوقاتش را به بطالت می گذراند وقتی فارغ التحصیل می شود چندان بار علمی ندارد آیا به فکر پرورش روحی فکری و علمی دانشجویان هستید.

پاسخ

اگر با دیدی واقع بینانه و منصفانه به بررسی موضوع فوق بپردازیم با دو واقعیت روبرو می شویم: واقعیت اول این که؛ به برکت انقلاب اسلامی و سایر اقداماتی که بعد از آن در زمینه دانشگاه انجام شد، دانشگاه ما دچار تحولی اساسی شد و پیشرفت های کمی و کیفی خیره کننده ای در بسیاری از زمینه ها داشت؛ مجموعه دانشگاه ما در قبل از انقلاب که قرار بود در راستای وابستگی هر چه بیشتر کشورمان به بیگانگان حرکت کند، بحمدالله بعد از انقلاب اسلامی، گام های اساسی در جهت استقلال و خودکفایی کشورمان در زمینه های متعدد برداشته و حتی توانسته در زمینه های بسیار مهم و حساس هم ردیف کشورهای برتر جهان قرار گیرد. پیشرفت های سریع و حیرت آور کشورمان در موضوعاتی نظیر علوم پایه دانش هسته ای، علوم پزشکی و مسأله سلول های بنیادی، کشاورزی، دامداری، صنعت و تکنولوژیک مسائل نظامی و دفاعی و... همه به خوبی مؤید این واقعیت است، که همه با همت و تلاش متخصصان داخلی کشورمان که عموما از تحصیل کردگان و فارغ التحصیلان دانشگاه های کشور پس از انقلاب هستند، به وقوع پیوسته و در حال انجام است. اما واقعیت دوم این که مجموعه دانشگاهی ما علی رغم پیشرفت های درخشان، دچار

برخی نقاط ضعف و کاستی ها خصوصا در زمینه علوم انسانی و رشته های مختلف آن است و متأسفانه بعد از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی نتوانسته آنچنان که شایسته نظام اسلام است در راستای تحقق اهداف و آرمان های آن گام بردارد و نیازهای اساسی جامعه و کشور را در این زمینه ها پاسخگو باشد و اگر متأسفانه مشاهده می شود که برخی دانشجویان از کارآیی لازم برخوردار نیستند و یا از وقتشان استفاده بهینه نمی کنند بیشتر مربوط به همین رشته است که امید می رود با برنامه هایی که دستگاه های مربوطه کشور در راستای تحقق به منویات مقام معظم رهبری در زمینه نهضت تولید علم و نظریه پردازی ما در دست اقدام دارند، گام های مثبت و اساسی در این زمینه نیز برداشته شود. مقام معظم رهبری در اهمیت علم در دانشگاه ها همراه با تقویت بعد معنوی دانشجویان می فرماید: «دانشگاه ها امروز نسبت به گذشته قابل مقایسه نیست ممکن است در سیاست گذاری ها و اجرای آن سیاست ها اشتباهاتی وجود داشته باشد - از گسترش کمی به این شکل دفاع، من به طور مطلق دفاع نمی کنم - لیکن نکته اصلی این است که به علم اهمیت داده شد. ... عزیزان من به علم اهمیت دهید. کلید اصل باز کردن قفل های گوناگون اهمیت دادن به علم است. البته در کنار آن این امر بدیهی را در نظر داشته باشید که علم و عالم همان قدر که می توانند مفید باشند می توانند مضر هم باشند؛ «چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا». اگر کسی که علم در وجود او هست تقوا و پرهیزگاری و امانت و صداقت در وجود او نباشد، می تواند موجود مضری باشد؛ می تواند علیه کشور و مصالح کشور، علم خودش را مورد استفاده قرار دهد. بنابراین در کنار علم، فرهنگ و تزکیه و اخلاق و معنویت هم لازم است؛ در این هیچ شبهه نکنید. حرکت هایی که انجام می دهند برای این که محیط دانشگاه و دانشجو را محیط بی دینی و بی معنویتی کنند، به نظر من گرچه یک مقدارش از روی غفلت است، اما یک مقدارش هم حساب شده است. در این قضیه خیلی ها مقصرند؛ هم در دانشگاه ها مقصر وجود دارد، هم درخود دستگاه های وزارتی و دولتی، عده ای حساب شده می خواهند محیط های دانشجویی و دانشگاه را - که محیط علم و گسترش علمی و رشد علمی و پرورش علمی و آینده علمی کشور است - از معنویت تهی کنند تا در آن، ایمان و تقوا و معنویت و خدا و تعهد دینی وجود نداشته باشد؛ این قطعا حرکتی است به ضرر مصالح کشور» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان ۱۰/۸/۱۳۸۳). و بالاخره علاوه بر این که مسؤول فرهنگی کشور و شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال برنامه ریزی های اساسی برای حل این قبیل کاستی ها و معضلاتند، بدنه دانشجویی کشور و دانشجویان آگاه، متعهد و دلسوز نیز باید در صحنه حضور جدی داشته و به صورت کاملا منطقی و قانونی از اجرای این برنامه ها در دانشگاه ها حمایت و دفاع نمایند.

در محله ما یک حسینیه است که امکانات خوبی برای کارهای فرهنگی دارد اما مسئولیت آن با یک پیرمردی است که به جوانها خیلی میدان نمی دهد و یک خوی استبدادی دارد. لذا محیط آن به گونه ای نمی باشد که جوانها را جذب کند و حتی خیلی از جوانها محله از رفتن به آن مکان خود

پرسش

در محله ما یک حسینیه است که امکانات خوبی برای کارهای فرهنگی دارد اما مسئولیت آن با یک پیرمردی است که به جوانها خیلی میدان نمی دهد و یک خوی استبدادی دارد. لذا محیط آن به گونه ای نمی باشد که جوانها را جذب کند و حتی خیلی از جوانها محله .....رفتن به آن مکان خودداری می کنند و دیگر اینکه حس.....به شکل هیات امناء اداره نمی شود و نظرات آن پیرمرد ملاک است البته این فرد سوابق انقلابی زیادی دارد و در قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بسیار فعال بوده است اما بیشتر تجربه دارد تا علم مثلا بلد نیست قرآن بخواند و یک حالت عامیانه دارد و افراط و تفریط می شود. به نظر شما ما چگونه می توانیم با مشکلات این حسینیه برخورد کنیم.

پاسخ

احساس مسؤولیت شما برای انجام کارهای فرهنگی قابل تقدیر است و امیدواریم با تدبیر و مدیریت صحیح و استفاده از تجارب افراد مجرب و دلسوز بتوانید هم زمینه جذب جوانان و هم انجام کارهای فرهنگی را فراهم نمایید. بدون تردید قصد و نیت شما بسیار ارزشمند است اما باید برای علمی ساختن آن از راهکارهای مناسب استفاده کنید. قبل از این که راهکارهایی را خدمت شما ارائه کنیم بیان یک نکته را مفید می دانیم و آن این است که ایجاد تغییر در شخصیت افراد سالمند یا بزرگسال بسیار دشوار و در برخی مواقع غیر ممکن است زیرا مؤلفه های شخصیت آنها کاملا شکل گرفته و تثبیت شده است و سالیان متمادی نیز براساس آن زندگی کرده اند از طرفی کنار گذاشتن آنها نیز به دلیل موقعیت اجتماعی که دارند و همچنین زحماتی که در طول سالیان گذشته متحمل شده اند کار دشواری است و شاید صلاح هم نباشد بنابراین بهترین کار این است که شما جوانان که انعطاف پذیرتر هستید کمی انعطاف بیشتری نشان دهید و به قول معروف کوتاه بیایید تا زمینه برای تحقق آرمان ها و اهداف فرهنگی که دارید فراهم شود. عمل به راهکارهای زیر در حل مشکل بسیار مؤثر است: ۱. از رفتارهایی که حساسیت برانگیز است و باعث می شود ایشان در مقابل شما موضع گیری کند اجتناب کنید. ۲. با برخوردهای مؤدبانه با ایشان و انجام فعالیت های مذهبی سعی کنید اعتماد ایشان را به خودتان جلب کنید به عبارت دیگر اینگونه افراد تا به کسی اعتماد نکنند به او میدان برای فعالیت نمی دهند بنابراین تلاش کنید اعتمادسازی کنید. ۳. برای استفاده از امکانات حسینیه با یک واسطه اقدام کنید. البته واسطه ای که هم جوانان را خوب درک کند و هم از نظر فکری مورد قبول ایشان باشد و بتواند اعمال نفوذ کند. ۴. از سایر دوستان و همکارانتان بخواهید که نکات فوق را مراعات کند زیرا یک برخورد نسنجیده و توهین آمیز از طرف هر کدام از جوانان باعث می شود که ایشان بیشتر مقاومت کند واز پذیرش درخواست های شما اجتناب کند. ۵. برخی از کارهای فرهنگی و هنری که در فرهنگسراها انجام می گیرد شاید مناسب با حسینیه نباشد بنابراین از انجام آن در حسینیه اجتناب کنید. ۶. به تدریج زمینه به وجود آمدن هیئت امنا برای اداره حسینیه را فراهم کنید.

من دانشجویی هستم که می توان گفت امروزی نیستم و تیپ هایی که امروزه در دانشگاهها مد است سرکاری ندارم ولی از این وضعیت نیز دل خوشی ندارم دلم می خواهد یک برنامه ای در دانشگاهها وجود داشته باشد که این جوانان راه گم کرده را راهنمایی کنند نه با زبان توهین و تحقی

پرسش

من دانشجویی هستم که می توان گفت امروزی نیستم و تیپ هایی که امروزه در دانشگاهها مد است سرکاری ندارم ولی از این وضعیت نیز دل خوشی ندارم دلم می خواهد یک برنامه ای در دانشگاهها وجود داشته باشد که این جوانان راه گم کرده را راهنمایی کنند نه با زبان توهین و تحقیر بلکه با زبان خودشان چون یکی از دوستان من نیز از افراد امروزی هست ولی در مدت دو ترم من نتوانستم او را با علاقه ها و اعتقادات خودم همسو کنم و از شما می خواهم که راهی پیش روی من گذارید که با این گونه افراد چگونه برخورد کنم یا چگونه کمی آنها را عوض کنم.

پاسخ

مسأله تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری در حدود کیفیت آن بستگی به توان‌ها و قابلیت‌های انسان در ابعاد مختلف دارد. مهم‌ترین اموری که در تاثیرگذاری دخالت دارند ویژگی‌های روحی از قبیل اراده استواراخلاق نیکو حسن معاشرت و آگاهی‌ها و توانهای علمی بالا

است. تأثیرپذیری مثبت نیز تا حدودی به این امور و نیز به میزان انعطاف پذیری و حقیقت‌طلبی شخص ارتباط دارد و تاثیر پذیری‌های منفی برخاسته از ضعف آگاهی و اراده می‌باشد. بنابراین هر اندازه در تقویت اراده خود گسترش صفات حسنه و خلق و خوی پسندیده و افزون‌سازی آگاهی‌ها ودانش‌های خود به ویژه در زمینه مسایل دینی فرهنگی و اجتماعی تلاش کنید تدریجا توان تاثیرگذاری بیشتری خواهید یافت. بنابراین تأثیرگذاری یک مهارتی است که به تدریج حاصل می‌شود و تأثیرگذار و تأثیر گیرنده و فضای روانی از آمادگی لازم و شرائط کافی برخوردار باشد که با تمرین و ممارست به این مهارت دسترسی پیدا می‌شود. با رعایت اصول و نکات زیر فرد می‌تواند میزان تأثیرگذاریخویش را افزایش دهد. ۱. کار خود را با تحسین و قدردانی صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید. ۲. با اندکی تفحص و جستجو برنامه خود را با برجسته کردن یک یا چند نکته مثبت و ارزشمند در طرف مقابل و تحسین صادقانه از وی به خاطر وجود آن امر مثبت ارتباط خود را با وی پی‌گیری نمائید. ۳. در صورتی که اشتباه و لغزشی در وی مشاهده کردید مستقیما از او گلایه نکنید و وی را مورد انتقاد مستقیم و سرزنش خود قرار ندهید. ۴. قبل از انتقاد از دیگران درباره اشتباهات خود حرف بزنید. ۵. سعی کنید شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید درباره خود برای شما حرف بزنند. ۶. صمیمانه دیگران را دوست داشته باشید و به آنها این محبت باطنی خود را اعلام کنید. ۷. به دیگران اعتبار بدهید و کاری کنید که احساس کنند مهم هستند. ۸. در طرف مقابل نسبت به کاری که می‌خواهی انجام دهد میل شدیدی ایجاد کنید و به عبارت دیگر فضای روانی لازم را برای انجام آن عمل فراهم نمائید. ۹. هر رفتاری را که از دیگران نسبت به خود انتظار دارید همان را با ایشان در پیش گیرید. ۱۰. سعی کنید نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را بر دیگران تحمیل نکنید زیرا مردم سخن کسی را که بخواهد عقیده‌اش را بر آنان تحمیل کند نمی‌پذیرند و با کسی که همچون یک سرپرست با ایشان رفتار کند دوستی نمی‌ورزند و به او اعتماد نمی‌کنند. در این زمینه برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. آئین دوست یابی، دیل کارنگی ۲. دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، انتشارات آستان قدس رضوی ۳. دوستی در قرآن، محمدی ری شهری

کتاب و کتابخانه در ارتقای سطح فرهنگ مردم چگونه و در چه حدّی می‌تواند تاثیر گذار باشد؟

پرسش

کتاب و کتابخانه در ارتقای سطح فرهنگ مردم چگونه و در چه حدّی می‌تواند تاثیر گذار باشد؟

پاسخ

اهمیت کتاب و کتابخانه بر کسی پوشیده نیست. و بی‌تردید می‌توان گفت فرهنگ و تمدن جامعه ارتباطی ناگسستنی با کتاب و کتابخانه دارد و تاریخ کتاب کتابخانه بخشی از تاریخ پیشرفت معنوی و فرهنگی هر جامعه است. در اسلام نیز که طبیعت آن با کتاب و کتابت عجین شده و معجزه جاویدان آن کتاب است به امر کتاب خوانی و گسترش کتابخانه‌ها توجه بسیار شده است. اما برای بررسی تاثیر کتاب و کتابخانه بر ارتقای فرهنگ، ابتدا باید به تعریف صحیح فرهنگ پرداخت. فرهنگ در لغت به معنای ادب و تربیت، دانش، علم و معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم، کتابی که شامل لغات یک یا چند زبان و شرح حال آنها است و به معنا کاریز آب آمده است.{۱} برای اصطلاح فرهنگ تعاریف زیادی ارایه شده، رهبر معظم انقلاب آیت اللّه خامنه‌ای در تعریف فرهنگ می‌فرمایند: «فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت عبارت از ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمانها، باورها، سنتها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی است».{۲} بدیهی است که توسعه و ارتقای فرهنگی وابسته به گسترش کمی و کیفی دستاوردهای فرهنگی است. چگونگی و میزان تاثیر کتاب و کتابخانه در ارتقای فرهنگ ۱ - کتاب و کتابخانه مرکز

اطلاعات و جایگاه فراگیری علوم و دانشهاست. از کتابخانه‌ها با نگهداری کتابهای مربوط به علوم و دانشها اطلاعات لازم در همه زمینه‌ها در اختیار مراجعان قرار می‌دهند و موجب ارتقای اطلاعات آنها می‌شوند و این امر تاثیر بسیار زیادی در ارتقای فرهنگی جامعه دارد{۳}. ۲ - برخی کتابخانه با چاپ و نشر کتب مورد نیاز جامعه و قرار دادن آن کتب در اختیار مشتاقان به ارتقای فرهنگ مردم کمک می‌نمایند{۴}. ۳ - کتابخانه محلی است برای تماس و ارتباط صاحب نظران مسایل اجتماعی و فرهنگی و محلی است برای شناخت جامعه و بررسی افکار، آداب و عقاید. هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی می‌توانند در کتابخانه مورد بحث و تحقیق قرار گیرند و این امر در ارتقای فرهنگی تاثیر بسزایی دارد{۵}. ۴ - کتابخانه‌ها می‌توانند با درک نیاز جامعه و فراهم آوردن منابع مناسب با آن نیازها، قدمی اساسی در توسعه و ارتقای فرهنگی بردارند. ۵ - با گماردن افراد بصیر، دلسوز و با تجربه بر کتابخانه می‌توان میزان تاثیر آن را بر فرهنگ بالا- برد. وقتی بنا باشد کتابخانه با دارابودن مجموعه کتب مناسب با نیاز جامعه، به عنوان مرکزی جهت ارتقای سطح فرهنگی جامعه مطرح باشد بی‌شک مدیران کار آشنا و دلسوزی می‌توانند از سرمایه گذاری انجام شده حداکثر استفاده را ببرند.{۶} چنین مدیرانی می‌توانند مشاوران و راهنمایان خوبی برای مراجعان باشند و کاری کنند که آنان بیشتر و بهتر از کتب استفاده کنند. این نیز موجب رشد فرهنگی - علمی مراجعان می‌شود. ۶ - بهبود وضعیت کمی و کیفی کتابخانه‌ها نیز از عوامل است که اقبال خوانندگان به امر کتابخوانی را افزایش داده و باعث می‌شود با ترویج فرهنگ کتابخوان سطح فرهنگی جامعه ارتقا یابد از جمله این عوامل می‌توان از مکان مناسب، افزایش ساعت کار، بازبینی کتابهای موجود در کتابخانه و افزودن سایر منابع اطلاعاتی همچون نشریات، وسایل سمعی و بصری، رایانه و... نام برد. [۱]. فرهنگ فارسی، معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴. [۲]. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، ص ۴۸، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳. [۳]. کتابخانه‌ها و سوادآموزی،جانسون، دبرا ویلکاکس، ترجمه رحمت اله فتاحی، ص ۱۱، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۳. [۴]. همان. [۵]. فدایی عراقی، غلامرضا، کتاب و کتابخانه، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۷۴. [۶]. همان.

علاقه شدیدی به جذب نوجوانان به مکتب اهل بیت دارم لطفاً را هبردهایی کا کاربرد فراوانی داشته باشند را برای من عنایت فرمایید

پرسش

علاقه شدیدی به جذب نوجوانان به مکتب اهل بیت دارم لطفاً را هبردهایی کا کاربرد فراوانی داشته باشند را برای من عنایت فرمایید

پاسخ

از اینکه این علاقه واحساس درشما وجود دارد خیلی خوشوقتیم وآرزوی توفیق برای شما می نماییم وتوجه شما را دراین زمینه به چند مطلب میدهیم: ۱-تا جائیکه می توانید معرفت دینی خود را با اهل بیت زیاد کنید ودراین زمینه زیاد مطالعه کنید. ۲-خودرا مسلح به سلاحهای عملی دفاع از اهل بیت نمائید یعنی با تحقیق ومطالعه بتوانید حقانیت اهل بیت را بطور علمی ومستدل ثابت کنید. ۳-بیشتر از گفتار ، سعی نمائید با عمل وکردار تان دیگران را جذب به مکتب اهل بیت نمائید یعنی با خوش اخلاقی وراستی در کلام وامانتداری ونماز اول وقت وپاکی وتقوا خود به خود دیگران را جذب نمائید . ۴-درمعاشرت ودوستی هایتان حسن خلق وخوش اخلاقی را سرلوحه زندگی تان قرار دهید که بهترین راه جذب است. ۵-از آثار مکتب اهل بیت وارتباط با آنها برای دیگران بگوئید ، بگوئید پاکی وصفای نفس واخلاص ومحبت درسایه اهل بیت است ، بگوئید درمکتب اهل بیت به انسان صبر می

دهنـد که بهترین سـرمایه زنـدگی است ، بگوئید اینجا ادب یاد می دهند که نشانگر شخصیت انسان است وهمانطور چیزهای دیگر. خلاصه هرچه فرمایشات ورفتار ائمه را درزنـدگیتان پیاده کنید دیگران جذب شـما می شوند ولازم نیست شـما سـراغ دیگران بروید البته این مسئله واضح است که باید دراین رابطه تلاشهایی هم بکنید یعنی درصدد تشکیل جلسات مذهبی باشید چراکه تا مکانهایی نباشد برای جذب جوانان کسی نمی داند کجا باید مراجعه کنند.

فرهنگ دینی

سنتهای دینی

آیا مسـلمان آمریکایی به جز اعیاد اسلامی می تواند در اعیاد سایر مذاهب به ویژه عید ژانویه و عید پاک یا، مراسم تهیه درخت کاج، ارسال تبریک هدیه و مانند آن... شرکت کند؟

پرسش

آیـا مسـلمان آمریکایی به جز اعیاد اسـلامی می توانـد در اعیاد سایر مـذاهب به ویژه عیـد ژانویه و عیـد پاک یا، مراسم تهیه درخت کاج، ارسال تبریک هدیه و مانند آن... شرکت کند؟

پاسخ

برای مسـلمان صـحیح نیست سنن و آداب غیراسلامی را ترویج کند و در این گونه مراسم شرکت نماید. گذشته از این برخی از این اعیاد، اساس صـحیحی ندارنـد و غالباً همراه با مراسم ممنوع می باشـد، پس مسـلمان بایـد بکو شـد تا آداب اسـلامی را ترویج کند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۱۷۹ـ

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم((علیهم السلام)) فرق می گذارند؟

پرسش

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم((علیهم السلام)) فرق می گذارند؟

پاسخ

مسأله تعطیلی در تولـد و شـهادت برخی از ائمه((علیهم السـلام)) از امور اعتباری و قراردادی نظام دولتی است. دولت ملاحظه کرده که اگر بخواهـد تمـام تولـدها و وفـات ائمه((علیهم السـلام)) را تعطیل اعلام کنـد. قهراً وقفه در کارهای اداری و رسـیدگی به امور معـاش و فرهنگی و غیره مردم و... ایجـاد می شـود. و ائمـه((علیهـم السـلام)) به آن راضـی نیسـتند. و از طرف دیگر برخی از وقـایع تاریخی در تولّد و شـهادت برخی از ائمه بزرگوار مانند روز عاشورا و یا تولد حضرت امیر((علیه السلام)) و یا نقش عظیم امام جعفر

صادق((علیه السلام)) را در احیاء تشیع و احکام و معارف اسلامی و... نمی توان نادیده گرفت و به همین جهت به تعطیلی آن قسم که از نظر حوادث و وقایع تاریخی دارای اهمیّتی بیشتری بوده، اعلان تعطیلی کرده است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۷ـ

چرا اکثر مناسبت ها مانند ولادت پیامبر۶و شب های قدر, به شب زیارتی علی ۷مبدل می شود؟

پرسش

چرا اکثر مناسبت ها مانند ولادت پیامبر۶و شب های قدر, به شب زیارتی علی ۷مبدل می شود؟

پاسخ

سفارش و تأکید بر زیارت امیرالمؤمنین ۷و همین طور تأکید بر زیارت امام حسین ۷رمناسبت های مختلف , حاکی از توجه و عنایت معصومان : به امامت و رهبری دینی و سیاسی بعد از رسول خدا۶است . مهم ترین مسئله ای که بعد از رسول خدا۶بدان توجه نکردند, که باعث انحرافات روانی درجامعهء اسلامی شد ـ گذشته از انحراف امامت از مسیر اصلی اش که پیامبر بدان سفارش کرده بود ـ انحرافاتی از قبیل تغییر بعضی ازاحکام و مخالفت و دشمنی با اهل بیت پیامبر: بود تا بدان جا که امام حسین ۷را در کربلا با آن وضع فجیح و زشت به شهادت رساندند و دختران پیامبر را به اسارت بردند. این انحرافات تا بدان جا کشید که وقتی احکام اسلامی را نمی فهمیدند, دست به قیاس و حکم تراشی می زدند و حکم الهی را با تفسیر به رأی و قیاس واستحسان به دست می آوردند و بدعت ها و انحرفات را به عنوان دین به خورد مردم دادند. از این رو تأکید فراوان برتوجه مردم به ولایت امیرالمؤمنین و اهل بیت : مخصوصاً امام حسین ۷است تا همواره مسلمانان این راه رادنبال کنند و مسیر آنان را بروند و هدایت بشوند. امام باقر۷فرمود: ولایت از بقیه افضل است , چون کلید و راه گشای بقیه است . والی , دلیل و راهنمای نماز و روزه است.(< ۱) جابربن عبداللّه انصاری می گوید: نازل شد,گفتم : یا رسول اللّه ! مراد از اولی الامر چیست و آنان چه کسانی اند؟ پیامبر فرمود: آنان جانشینان من هستند و امامان مسلمانان اند. اوّل آنان علی بن ابی طالب سپس حسن سپس حسین , بعد علی بن الحسین , سپس ... حسن بن علی و بعد ازاو هم نام و هم کنیهء من و حجّت خدا بر مردم در روی زمین خواهد بود. خداوند او را از دیدگان غایب می گرداند.(<۲) ذکر و یاد امامان در مناسبت های گوناگون , به خاطر فراموش نکردن راه و دستورهای آنان است . (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۶۵ ص ۳۳۲ (پاورقی ۲.محمدی ری شهری , میزان الحکمهٔ, ج ۴ ص ۳۶۸۴

آیا نماز نخواندن پدر و مادر در زندگی فرزندانشان تأثیری دارد؟

پرسش

آیا نماز نخواندن پدر و مادر در زندگی فرزندانشان تأثیری دارد؟

پاسخ

نماز نخواندن پدر و مادر دو اثر وضعی و تربیتی بر فرزندان می‌تواند داشته باشد. اثر تربیتی از آن جهت است که فرزندان معمولاً از اعمال والـدین الگو برداری می کننـد. اگر فرزنـدان عمل کردن به آداب و وظائف دینی را از ابتدا در محیط خانه مشاهده کنند و با آن‌هـا خو بگیرنـد، در سـنین بالاـتر انجـام این کارهـا برای آن‌ها طبیعی و آسان خواهـد بود. گاهی با برخی افراد حتی در سـنین بالا برخورد می‌کنیم که بـا وجود اعتقـاد به مبانی دینی، در نماز خوانـدن سـستی می ورزنـد که یکی از علت های آن می توانـد راحت طلبی باشـد، یعنی این قبیـل افراد از ابتـدا به انجـام این فریضه عادت نکرده انـد و به بهانه های گوناگون از آن سـر باز می زننـد. اثر وضعی از این جهت است که هر گناهی آثار جسمی و روحی خاصی بر انسان می گذارد و ترک نماز یکی از گناهان بزرگی است که علاـوه بر آثار عمومی، پیامـدهای خاصـی دارد. در روایتی رسول خـدا(ص) پانزده اثر دنیوی و اخروی برای ترک نماز و سـبک شمردن آن ذکر کرده اند که عبارتند از: ۱ـ کم شدن برکت از عمر، ۲ـ برداشتن برکت از روزی، ۳ـ محو نشانهٔ نیکوکاران از چهره، ۴ـ پذیرفته نشدن عمل، ۵ـ مستجاب نشدن دعا، ۶ـ عدم برخورداری از دعای نیکوکاران، ۷ـ با ذلت مردن، ۸ـ با گرسنگی مردن، ۹ـ با تشنگی از دنیا رفتن، ۱۰ـ عذاب قبر ۱۱ـ تنگی قبر، ۱۲ـ تاریکی قبر، ۱۳ـ حساب ذلت آمیز در قیامت، ۱۴ـ سخت گیری در حساب رسی، ۱۵ـ عذاب اخروی.[۱] بدیهی است که بعضـی از آثار مذکور خواه ناخواه گریبانگیر فرزندان تارک الصلاه است. در حقیقت از فضـای عطر آگین معنوی و آثار و برکات نماز محروم انـد، ولی بایـد توجه داشت که این آثار وضـعی و تربیتی در حـد مقتضـی عمـل می کنـد، یعنی فرزنـدان بـا انجـام وظیفـهٔ خود می تواننـد بـا عامـل وراثت مبارزه نماینـد و آثار منفی را از خود دور سازنـد و خداونـد فرزنـدان را به دلیل گناه پـدر یا مارد مؤاخذه نمی کند و حتی برای فرزندی که در شـرایط نامساعد خانواده به نماز اهمیت می دهد، ثواب دو چندانی عنایت خواهد کرد. [۱]سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

در فرهنگ بعضی از مناطق رایج است که در مجالس ترحیم سیگار توزیع می کنند و بعد از کشیدن سیگار برای اموال فاتحه طلب می کنند. آیا چنین کاری صحیح است؟ اگر صحیح نیست، وظیفهٔ ما در مقابل این عمل چیست؟

پرسش

در فرهنگ بعضـی از مناطق رایج است که در مجالس ترحیم سـیگار توزیع می کنند و بعد از کشیدن سیگار برای اموال فاتحه طلب می کنند. آیا چنین کاری صحیح است؟ اگر صحیح نیست، وظیفهٔ ما در مقابل این عمل چیست؟

پاسخ

در فرهنگ اسـلامی توجّه به قبور و ارواح مؤمنان امری رایـج و مطلوب است و در روایات اهل بیت(ع) به آن سـفارش فراوانی شده است. اهـدای هـدایا به ارواح اموات گـاهی به صورت زیـارت قبور آنـان و گـاهی به صورت نمـاز و قرائت قرآن و دعـا و برگزاری مجـالس ترحیم و گـاهی به صورت خیرات و هـدایای مالی انجام می شود، که هر کـدام از آن‌ها کاری شایسـته به شـمار می رود و حضرات معصومین(ع) هم به آن‌ها عنایت ویژه ای داشته اند. نمونه هایی از سخنان معصومین(ع) را ذکر می‌کنیم: الف) عمربن یزید از امام صادق(ع) پرسید: آیا می‌شود برای میّت نماز خواند؟ امام فرمود": بله، گاهی می‌شود میّتی در تنگنا است. خدای متعال با این نمـاز آن گرفتـاری را از او بر می دارد و به او گفته می‌شود: برطرف شـدن گرفتـاری تو به خـاطر نمـازی است که فلانی برای تو، به جای آورده است. "عمربن یزید پرسید: در یک نماز می توانم دو نفر را شریک کنم؟ امام فرمود": بله، روح میّت با استغفار و ترحّم بر او شـادی می‌شود، همـان گونه که انسـان زنـده بـا هـدیه ای که به او داده می‌شود، خوشـحال می گردد.[۲] ب) امـام صادق(ع)

فرمود": نماز و روزه و حج و صدقه و دعا و کارهای خوب در قبر به میّت می‌رسد و ثواب این اعمال برای کننده و میّت، هر دو نوشته می‌شود.["۳] ج) امام رضا(ع) فرمود": هر کس قبر مؤمنی را زیارت کند و هفت مرتبه در کنار قبر او، سورهٔ قدر بخواند، خداوند، او و صاحب قبر را می آمرزد.["۴] د) پیامبر اکرم(ص) فرمود": اموات خود را در قبرها یشان فراموش نکنید. آنان از شما امید احسان دارند. آنان در قبرهای خود زندانی اند و منتظر اعمال خوب شما هستند و خود قادر به هیچ کاری نیستند به روح آنان صدقه و دعا هدیه کنید.["۵] نتیجه: هدیه برای روح میّت از طریق نماز، قرائت قرآن، دعا، استغفار، صدقه و خیرات، امری صحیح و مورد سفارش معصومان(ع) است. در مراسم بزرگداشت نیز سزاوار است از طریق این امور و خیرات دیگر ثوابی برای درگذشته اهداء کرد امّا کارهای غیر صحیح از قبیل کشیدن سیگار در این گونه مراسم، اثری برای ارواح مؤمنان ندارد، و تا آن مجالس آلودهٔ به گناه نشود، فاتحه و دعا و دیگر خیرات اثار خود را می بخشد. شایسته است در جامعهٔ اسلامی مخصوصاً در مجالسی که به نام مؤمنان و شادی ارواح تشکیل می شود، از کارهای بیهوده و لغو همانند استعمال دخانیات که هم ضرر مالی دارد و هم ضرر جانی، پرهیز شود. بنابراین بر همهٔ کسانی که می دانند کلام آنان مؤثر واقع می شود، لازم است: برای برچیده شدن این گونه امور از مجالس مذهبی، با موعظهٔ حسنه و رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر، ترویج و تبلیغ نمایند. به امید آن که با محو سنّت های غلط از مجالس ترحیم ثواب بیشتری به ارواح مؤمنان برسد. [۲] صدوق، محمد بن علی بن الحسین، من لا یحضره الفقیه، متوفای ۳۸۱ ه، نشر جامعهٔ مدرسین، قم، چاپ دوم، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۵۵۴. [۳] صدوق، همان، ص ۱۸۵، ح ۵۵۷. [۴] بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۶۹، ح ۴ به نقل از الهدایه. [۵] نوری، طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، مؤسسهٔ آل البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷، ه ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۱۴، ح ۱۵۷۴.

آیا درست است که" اسپند "دود کردن هفتاد بلا را دفع می‌کند؟ آیا سند دارد؟

پرسش

آیا درست است که" اسپند "دود کردن هفتاد بلا را دفع می‌کند؟ آیا سند دارد؟

پاسخ

با مطالعات و بررسی هایی که شد، به حدیثی درباره دود کردن اسفند دست نیافتیم. امّا در یکی از روایات اشاره شده است که اسفند، دوای هفتاد درد است. امام صادق(ع) فرمود": اسپند شفای هفتاد درد است که کم‌ترین آن‌ها جذام است، پس از (مداوا کردن با) آن غفلت نکنید.(۱) ممکن است مقصود از عدد هفتاد، فراوانی فایده این گیاه در درمان دردها باشد، نه انحصار در آن عدد؛ زیرا در روایت دیگر از پیامبر(ص) دوای هفتاد و دو درد بیان شده است.(۲) ۱. طب الأئمهٔ، عبداللّه سابور، نیسابوری، منشورات رضی، قم، ص ۶۸. ۲. همان، ص ۶۷.

سنن و روایات در مورد سرمه کشیدن و یا استفاده از عبا و عمامه وارد شده است. آیا در عصر حاضر که این امور با عرف مخالفت دارد، باز از این‌ها استفاده شود؟

پرسش

سنن و روایات در مورد سرمه کشیدن و یا استفاده از عبا و عمامه وارد شده است. آیا در عصر حاضر که این امور با عرف مخالفت دارد، باز از این‌ها استفاده شود؟

پاسخ

چیزهایی که در شرع مقدّس اسلام مستحب هستند، به طور مسلّم برای آخرت مفید است (مثل نماز شب) یا برای دنیا فایده بخش است. در این صورت اگر امر مستحب به قصد قربت انجام شود، علاوه بر اثر دنیوی، اجر و پاداش اخروی به دنبال دارد، مثل سرمه کشیدن که برای چشم مفید است، که اگر به این نیست که مستحب است انجام شود، ثواب هم دارد. باید توجه داشت که این‌ها مستحب هستند و انجام آن‌ها واجب نیست و می‌شود آن‌ها را ترک کرد. اما اگر چیزی برای انسان مفید باشد، دیگر مقیّد به زمان گذشته یا حال نمی‌شود، بلکه در همه زمان‌ها مفید و خوب است. پوشیدن لباس سفید یا عبا و عمامه اگر مستحب باشد، مقیّد به زمان خاصّی نیست. اکنون نیز مستحب است مخصوصاً هنگام نماز. این که عرف جامعه می‌پسندد یا نمی‌پسندد، به خاطر این است که فرهنگ عرف را عوض کرده‌اند. ما مسلمانان نباید بگذاریم فرهنگ عرفی ما به دست دیگران عوض بشود. باید عرفیات غلط جوامع دیگر را به فرهنگ غنی اسلامی برگردانیم و نباید جذب فرهنگ‌های بیگانه شویم، که بر ما مسلمانان عیب بزرگی محسوب می‌شود.

در قرآن احسان به پدر و مادر یادآور شده امّا در مورد خواهر و برادر حکم چگونه است؟

پرسش

در قرآن احسان به پدر و مادر یادآور شده امّا در مورد خواهر و برادر حکم چگونه است؟

پاسخ

احسان و نیکی به همهٔ خویشاوندان در قرآن کریم ذکر شده، از پدر و مادر به خاطر زحماتی که برای فرزندان متحمّل می شوند و نقش مهمّی که در تربیت و پرورش بچه ها دارند، به طور جداگانه و مشخص اسم برده شده است، مطمئناً زحمات و تلاش های هیچ انسانی به اندازهٔ زحمات پدر و مادر نخواهد بود. قرآن می فرماید": و إذْ أخذنا میثاق بنی إسرائیل لا تعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً و ذی القربی؛(۱) یاد آورید هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم به جز خدا نپرستید و نیکی کنید به پدر و مادر و خویشان خود. "در جای دیگر می فرماید": نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشاوندان و... بدهد.("۲) نیز فرمود": خدا به عدل و احسان فرمان می دهد و به بذل و عطا به خویشاوندان امر می کند.("۳) صلهٔ رحم یکی از دستورهای مهم اسلام است و خواهر و برادر از ارحام نزدیک هستند. وابستگان هر چه نزدیک تر باشند، سفارشا ت دینی نسبت به آن ها بیشتر است. علی(ع) فرمود": به عشیره و فامیل هایت احترام و اکرام کن، زیرا بال و پرت هستند.("۴) رسول خدا(ص) فرمود": صلهٔ رحم عمر را زیاد و فقر را از بین می برد،(۵) و فرمود: وصیت می کنم حاضران و غائبان و همهٔ آنان را که در صُلْب مردان و رحم زنان هستند تا روز قیامت که صله رحم کنند،

گرچه یک سال راه بروند، چرا که صلهٔ رحم از دین است.("۶) نیز فرمود": بر کسانی که قطع رحم کنند، رحمت و ملائکه نازل نمی شوند.(۷) می بینیم که آیات و روایات چگونه در مورد صلهٔ رحم تأکید دارند و انسان را از قطع رحم نهی می کنند. می دانیم که بعد از پدر و مادر اولاد نزدیک ترین رحم، برادر و خواهر هستند. پی نوشت ها: ۱. بقره (۲) آیهٔ ۸۳. ۲. همان آیه ۱۷۷. ۳. نحل (۱۶) آیهٔ ۹۰. ۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، واژهٔ رحم، شمارهٔ ۷۰۴۰، ۷۰۴۹، ۷۰۶۰، ۷۰۷۶ و ۷۰۷۷. ۵. همان. ۶. همان. ۷. همان.

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

پرسش

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

پاسخ

باز کردن مغازه و کارکردن در روزهای شهادت ائمه(ع) اشکالی ندارد، مخصوصاً اگر باز بودن مغازه مورد نیاز مردم باشد، ولی خوب است به احترام ائمه(ع) که پدران روحانی و بزرگان دینی ما هستند، مغازه ها را ببندیم، گرچه برای چند ساعت، یا پارچهٔ مشکی به عنوانعزاداری سر در مغازه برنیم، همان طور که اگر یکی از بستگان یا پدر یا مادر فوت می کند، تا چند روز مغازه و کار را تعطیل می کنند. احترام به ائمه باعث ازدیاد محبّت به آنان و نمایانگر عشق و ارادت به ساحت آنان است، نیز علامت دوستی و پیروی از آنان است. خدا به پیامبر فرمود": به مردم بگو: از شما مزد رسالت نمی خواهم، مگر محبت و دوستی نسبت به خویشانم (که این مزد رسالت است. ")البته در روز شهادت امام حسین، کسب کراهت دارد و در روایات آمده که خیر و برکت را می برد.(۱) پی نوشت ها: ۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۴، ابواب المزار، باب ۶۶، حدیث ۷.

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟ (پ)

پرسش

در مورد مراسم سوم و هفتم و ... برای میت توضیح دهید که آیا وجه شرعی دارد؟ خرج های سنگینی که در این مراسم می شود، چگونه است؟(پ)

پاسخ

بسیاری از چیزهایی که هم اکنون در جامعه جزء سنت های فراموش نشدنی مردم شده است فاقد وجاهت شرعی و دینی است . یکی از همان سنت ها مراسمی است که هنگام فوت و خصوصا بعد از فوت تحت عنوان های مختلف برگزار می شود. در حالی که برخی از این کارها برعکس روایات و احکام دینی است. اگر شخصی از خانواده ای رحلت کرد و از دنیا رفت مستحب است که تا سه روز غذایی از بیرون تهیه کرده و برای بازماندگان ارسال کنند و این سنت احتمالا تا به امروز در بعضی از کشورهای اسلامی متداول است نقل شده در نقاطی از استان لرستان ایران مردم به این مهم اهتمام داشته و عمل می کنند. امام باقر (ع) فرمود: سزاوار است همسایگان صاحب عزا به مدت سه روز برای صاحبان عزا طعام درست کنند. (۱) امام صادق (ع) فرمود: غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای دوران جاهلیت است و سنت (پسندیده) آن است که برای آنان (عزاداران) طعام و غذا ارسال شود. آن گونه که پیامبر اسلام (ص) درباره بازماندگان جعفر بن ابی طالب سفارش به ارسال طعام کردند(۲) پس سنت اسلام این است . البته گرفتن مجلس ترحیم و خواندن فاتحه بدون پذیرایی های مفصل خوب است ، تا ثواب فاتحه و ... به میت واصل شود. و در عوض هزینه های هنگفتی که می شود، می توان در راههای بهتر و سودمند تر برای میت و بازماندگان خرج کرده مانند وقف و دیگر صدقات جاریه، خدمات آموزش و پرورش، مدرسه سازی، ساختن راه ها و بناهایی که عموم مردم از آن استفاده کنند و شناسایی افراد فقیر و مستمند و رسیدگی به وضع آنان . در مورد مراسم سوم و هفتم و ... در روایات چیزی ذکر نشده است ، اما مراسم چهلم به خصوص متأثر از برپایی مراسم اربعین سالار شهیدان می باشد. پی نوشت ها : ۱ – وسایل الشیعه، ج۲، ص ۸۸۹ ، حدیث ۵. ۲ – همان، حدیث۶.

برگزار نکردن مجلس ختم و یادوارهٔ شهدای عزیز چه حکمی دارد؟

پرسش

برگزار نکردن مجلس ختم و یادوارهٔ شهدای عزیز چه حکمی دارد؟

پاسخ

برگزاری مجلس ختم و یادواره شهدای عزیز برای طلب مغفرت و آمرزش آنان می باشد. یاد نمودن از ایثارگری ها و رشادت های شهیدانی است که چون شمع سوختند و روشنی بخش محفل دیگران گشتند و باعث حفظ امنیت و استقلال کشور اسلامی شدند. برگزاری مجالس ختم و بزرگداشت شهدا اگر همراه با سادگی و مخارج کم باشد، امری شایسته و قابل قبول می باشد، ولی وجوب شرعی ندارد. اگر کسی انجام ندهد، کار حرامی و گناه نکردن است، مگر اینکه متوفی وصیت کرده که مجلس ترحیم برگزار کنند و هزینه را از ثلث اموال او بپردازند، اما اگر میت چیزی در این خصوص نگفته یا برای ثلث، مصارف دیگری را تعیین نموده باشد، ورثه او می توانند از اموال خود برای متوفی مصرف کنند.(۱) وجوهی که در این مجالس مصرف می شود، اگر صرف خیرات و دادن صدقه برای میت شود، از جهات گوناگون ، بهتر و مستحب و موجب ثواب میت است. (۲) مگر آنکه بزرگداشت شهدا اثر اجتماعی و فرهنگی بزرگ تری داشته باشد. پی نوشت ها : ۱ – آیت الله صافی گلپایگانی ، جامع الاحکام، ج۱، ص ۵۳ ، س ۱۸۰. ۲ – همان، ص ۵۳، س ۱۸۱.

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی

ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

پرسش

چرا اسلامی که اکنون در جامعه ترویج می شود، به تجلیل از مردگان پرداخته و مراسم عزاداری را به بهترین وجه برگزار می کند اما به شادی ها کم توجه است؟ آیا این مرده پرستی نیست؟

پاسخ

۱) این نگرش که برگزاری مراسم برای مردگان، مرده گرایی است، قابل قبول نیست، زیرا عزاداری برای آن عده که از دنیا رفته اند، احترام به جایگاه و مقام بلند انسان است. در آموزه های دینی انسان جایگاهی والا دارد و هر گونه تجلیل از آن، احترام به حرمت و قداست بشر محسوب می شود. از این رو امروزه جهان برای بزرگان خود که رفته اند، مراسم می گیرند و یاد و خاطرهٔ آنان را گرامی می دارند. از سوی دیگر پاسداشت ها برای شخصیت های سیاسی و علمی و فرهنگی برگزار می شود. تجلیل از این شخصیت ها، احیای فرهنگ و تمدن و علم است. پاسداری از علم و تمدن و خلاّقیّت ها نه تنها مرده پرستی نیست، بلکه تمدن سازی و نکو داشت از علم، فرهنگ و تمدن است. آنچه که مورد احترام قرار می گیرد، شخصیت است، نه شخص. درست است که شخص و بدن او در خاک رفته است، اما شخصیت او (در صورت داشتن صفات ارزشمند) جاودانه و زنده است. بر همین اساس بزرگان دین برای امام حسین(ع) عزاداری نموده و دیگران را نیز به عزاداری فرا می خواندند، چون شخصیت او که حماسه، تن به ذلت ندادن، فرهنگ ایثار، از خود گذشتگی و دیگر صفات عالی انسانی است، همه در فرهنگ عاشورا و حماسهٔ آن وجود دارد و زنده و پایدار است، تا زمانی که انسان روی زمین است. افزون بر آن، در این گونه عزاداری ها، گویندگان، شاعران و نویسندگان به بیان مطالب و حقایقی می پردازند که انسان ها بدان نیاز دارند؛ مثلاً در عزاداری برای امام حسین(ع) از دین مداری، ستم ستیزی، شجاعت و ... سخنی به میان می آید که موجب رشد فکری و فرهنگ سازی می شوند. البته باید در همهٔ امور از جمله عزاداری ها، از افراط و تفریط جلوگیری شود. عزاداری ها و مراسم باید به گونه ای باشد که طراوت و شادابی از بین نرود و باعث دلزدگی و رنجش نشود که با هدف برپایی عزاداری در تضاد قرار می گیرد. ۲) در اسلام همان گونه که به پاسداشت از مردگان سفارش شده است، به وجود آوردن شادابی و نشاط نیز اهمیت دارد. بر اساس آموزه های دینی است که مردم وظیفه دارند مراسم ولادت بزرگان دینی، بعثت پیامبر و ایام عیدها را جشن بگیرند. این سفارش بدان جهت است که هم از مقام بزرگان و شخصیت ها تجلیل شود و هم شادی به وجود آید. از سوی دیگر در اسلام بر تفریحات سالم نیز تأکید شده است. امروزه در جمهوری اسلامی ایران همان گونه که برای بزرگان دین و شخصیت ها مراسم عزاداری برگزار می شود، به مناسبت ولادت و مناسبت های دیگر نیز مراسم جشن برگزار می گردد؛ مثلاً در نیمه شعبان به مناسبت ولادت امام زمان(عج) جشن با شکوه برگزاری می گردد که مقدمات آن از هفته ها قبل فراهم می گردد این از ویژگی های اسلام است که جهت حفظ تعادل روحیه انسان ها هم به عزاداری توجه کرده است و هم به شادی. در جمهوری اسلامی از برخی شادی ها ـ به دلیل غیر مشروع بودن آن ـ جلوگیری می شود، از این رو بعضی تصور می کنند در جامعه اسلامی ایران از شادی ها کاسته شده است. عدم برگزاری برخی از جشن ها و یا عدم اجرای برخی از مراسم ها در جشن ها بدان جهت است که مشروعیت ندارند. خیلی از چیزهایی که در جوامع غربی به عنوان شادی مطرح هستند، در اسلام مشروع نبوده و از مصادیق شادی کاذب هستند. جامعهٔ اسلام مؤلفه ها و شاخصه های خاص خود را دارد و باید عزاها و جشن ها بر

اساس آموزه های دینی تعریف شود. در عین حال که فرهنگ جوامع مختلف در کیفیت و چگونگی آن ها تأثیر می گذارد.

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

پرسش

آیا برای آقایانی که صاحب مغازه خواربار فروشی هستند، باز کردن مغازه در روز شهادت امام حسن یا شهادت امامان دیگر باعث بی برکتی یا گرفتاری می شود؟

پاسخ

اگر افراد مورد نظر، آلودگی اخلاقی دارند، مثلاً اهل فسق و فجورند، فحش و ناسزا می گویند یا به واجبات و محرمات اهمیتی نمی دهند، در این صورت، صلاحیت لازم برای دوستی ندارند. از نظر اسلام انسان نباید با افراد فاسق و لا ابالی دوست باشد، چون ناخود آگاه از عمل آن ها متأثر می شود و زیان می بیند. از طرفی آن دوستان قابل اعتماد نیستند. اما اگر به این حد نمی باشند، بلکه خطاهای جزئی دارند(که مقتضای انسان بودن جائز الخطا بودن است) اگر تذکر شما با رعایت نزاکت و ادب همراه باشد، مشکلی را در روابط ایجاد نخواهد کرد، یا ادامهٔ ارتباطتان موجب روگردانی دوستان از کارهای بد خواهد شد.

آیا دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا است ؟ آیا اینها خرافات نیست ؟

پرسش

آیا دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا است ؟ آیا اینها خرافات نیست ؟

پاسخ

«خرافه»؛ یعنی، چیزی که فاقد سند و مدرک باشد و مردم بدون هیچ اصل و ریشه‌ای بدان معتقد باشند. ولی درمورد آب زمزم و تربت کربلا (مرقد امام حسین(ع)) مستندات متعددی وجود دارد. تجربه نیز در این موارد شاهددیگری بر صحت این مدعا است. از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «پس از طواف و نماز... اگر توانستی مقداری از آب زمزم بنوش و بگو:«خداوندا این آب را علمی نافع و رزقی واسع و شفای از همه دردها قرار بده»،(کافی، ج ۴ ، ص ۴۳۰). اسماعیل بن جابر گوید: شنیدم از امام صادق(ع) که فرمود: «آب زمزم شفای هر بیماری است»،(کافی، ج ۶ ، ص۳۸۶). هم‌چنین از امام صادق مروی است که فرمود: «در خاک قبر حسین(ع)، شفای همه دردها است»،(التهذیب، ج ۶ ، ص۷۴). گفتنی است که در خوردن از تربت برای شفا گرفتن، باید توجه داشت که باید مقدار بسیار کمی از آن را تناول کرد.

علت تقدس بعضی از اعداد مانند چهل به چه علت است ؟

پرسش

علت تقدس بعضی از اعداد مانند چهل به چه علت است ؟

پاسخ

عـدد چهـل ریشه در فرهنـگ دینی ما دارد. در قرآن کریم آمـده است وعـده بین خداونـد و حضـرت موسـی جهت سـخن گفتن با خداونـد و نزول تورات چهـل شـبانه‌روز بوده است. به همین جهت برخی عـدد چهـل را عـددی کامل می‌داننـد. در روایتی از پیامبر گرامی اسـلام آمـده است: من اخلص لله اربعین یوما فجر الله ینابیع الحکمـهٔ من قلبه علی لسانه ؛ هر کس چهل روز فقطبرای خداوند تعـالی اخلاـص ورزد خداونـد چشـمه‌های حکمـت را از قلبش بر زبـانش جـاری می‌سـازد{M، (سـفینهٔالبحار، شـیخ عبـاس قمی، مادهخلص). همچنین همان طور که نوشته‌اید برخی از ادعیه بر چهل مرتبه خواندن آن تأکید شده است. اما خصوصیت عدد چهل و اسرار نهفته در این عدد چیست، برای ما روشن نیست. البته چه بسا با توجه به ویژگی‌های انسان، تکرار «چهل بار» موجب یک ملکه معنوی و تعمیق یک رفتار پسندیده و قابلیت نزول فیض خاص خداوند می‌شود.{J

دلیل اینکه در دین مقدس اسلام عدد ۷ هفت دارای اهمیت است و در خیلی از امور جمله طواف کعبه صفا و مروه و غیره .... و همچنین علت اینکه در فرهنگ ملی ما نیز به آن اهمیت داشته اند چیست.

پرسش

دلیل اینکه در دین مقدس اسـلام عدد ۷ هفـت دارای اهمیت است و در خیلی از امـور جمله طـواف کعبه صـفا و مروه و غیره .... و همچنین علت اینکه در فرهنگ ملی ما نیز به آن اهمیت داشته اند چیست.

پاسخ

عـدد شوط های طواف، هفت مرتبه است، مثل عـدد رمی جمرات و سـعی صـفا و مروه، عـدد زمین و آسـمان نیز هفت است. تعداد روزها هفته نیز هفت است. یعنی مجذور عمر انسان است و انسان به نیابت هر روز هفته یک شوط طواف (تولی) و یا یک سـنگ به شیطان (تبری) و یک سـعی میان صفا و مروه (فرار از غیر خدا به سوی خدا) دارد. پرسش شما تنها در عدد هفتاد خلاصه نمی شود، همین پرسش نسبت به اعداد ۵ و ۱۲ و ۴۰ و هفتاد نیز مطرح است. واقعیت این است که اسـرار و خواص این اعداد به خوبی برای ما روشن نیست هر چند در مورد هر کدام احتمالاتی داده شده است ولی حقیقت آن را به درستی نمی دانیم. ممکن است چون عدد ۷ در مورد برخی امور واقعی و تکوینی مثـل طبقات آسـمان و زمین به کار رفته است، سـعی شـده در امور تشـریعی نیز این سـنخیت و هماهنگی حفظ شود و به ویژه در فرهنگ ملی و آداب و سـنن ملی مثل سـفره هفت سـین شایـد این احتمال قوی تر باشـد. عـدد ۱۲ ریشه قرآنی و روایی دارد. حضرت موسی(ع) با زدن عصا به سنگ، ۱۲ چشمه برای طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل جاری ساخت.

حواریون حضرت عیسی(ع) نیز دوازده نفر بوده اند، جانشینان پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز ۱۲ نفرند و یا مثلا در مورد عدد ۵، انبیاء بزرگ و صاحب شریعت ۵ تا است و یا اصحاب کساء ۵ تن می باشد. در مورد عدد ۴۰ شاید توجه به این ویژگی باشد که «چهل» بار تکرار کاری موجب ریشه دار شدن و ملکه شدن آن در وجود انسان می گردد مانند حدیثی که از پیامبر گرامی اسلام(ص) رویات شده که می فرماید:ُمن اخلص لله اربعین یوما فجرالله ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه؛ هر کس چهل روز تنها برای خداوند متعال اخلاص ورزد، خداوند چشمه های حکمت را از قلب بر زبانش جاری می سازد» (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۳۰). و نیز در حدیثی دیگر می فرماید: «هر کس برای نفع امت من چهل حدیث حفظ کند، خداوند او را در روز حساب فقیه و دانشمند بر می انگیزد» (همان، ص ۱۹۳۱). عدد ۷۰ معمولا برای تکثیر و فراوانی و زیادی به کار می رود. مثلا خداوند متعال درباره منافقین در آیه ۸۰ سوره مبارکه توبه می فرماید: «ان تستغفرلهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم؛ حتی اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی هرگز خداوند آنها را نمی آمرزد. این گونه تعبیر در واقع برای تأکید مطلب است، یعنی هر قدر برای آنها استغفار کنی خداوند آنها را نمی آمرزد و منظور تعداد و شمارش نیست که معنا و مفهوم آیه این باشد که اگر مثلا ۷۱ بار استغفار کردی، خداوند آنها را می آمرزد، درست مثل این که کسی به دیگری می گوید: اگر صد بار هم اصرار کنی قبول نخواهم کرد، مفهوم این سخن آن نیست که اگر ۱۰۱ بار اصرار کنی می پذیرم بلکه منظور این است که مطلقا و هرگز نخواهم پذیرفت.

در اقوام ما گاه اظهار می شود که فلان نوزاد توسط فرشتگان و بدون حضور پزشک ختنه شده است. آیا این مسئله واقعی است.

پرسش

در اقوام ما گاه اظهار می شود که فلان نوزاد توسط فرشتگان و بدون حضور پزشک ختنه شده است. آیا این مسئله واقعی است.

پاسخ

ممکن است به ندرت نوزادی ختنه شده متولد شود. ولی دلیلی و یا روایتی نداریم که توسط فرشتگان ختنه می شود. در برخی روایات این گونه آمده است که امام معصوم(ع) ختنه شده متولد می شود. در روایتی از حضرت موسی بن جعفر(ع) این گونه نقل شده است که حضرت هنگام ولادت امام رضا(ع) فرمودند این فرزند من ختنه شده متولد شد و هیچ امامی نیست مگر این که ختنه شده متولد می شود لکن ما تیغ بریدن ختنه را بر محل ختنه می گذاریم به جهت تبعیت از سنت پیامبر و حنیفیت [شریعت حضرت ابراهیم]. در غیر معصومین نیز این اتفاق افتاده است که فردی ختنه شده متولد شود.

اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:

اشاره

در طی چند سال عمر دیده ایم که نحوه انجام بسیاری از فروع دین عوض شده

پرسش

اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم: در طی چند سال عمر دیده ایم که نحوه انجام بسیاری از فروع دین عوض شده است مثل جمله ؛ یا لطیف ارحم عبد الضعیف؛ که در سجده آخر قرائت میشود و اکنون تقریبا همه گیر شده و یا کیفیت سینه زنی و عزاداری برای امام حسین علیه السلام و یا ازبین رفتن حرمت برخی از حرامها مثل ماهی ازونبرون و یا برخی موسیقیها و ...، آیا ممکن است بسیاری از فروعات دین، ناشی از افکار ما و پیروی از ظن باشد (ان یتبعون الا الظن و ان هم الا یخرصون)؟ همچنین آیا ممکن است بسیاری از صفات منتسب به حضرت حجت زاییده ذهن ایده آل پرور ما باشد؟

پاسخ

در این باره باید به چند نکته توجه کرد: ۱. دین دارای اصول و محکمات است. که تغییر ناپذیر و پایدار است. به طور عموم معارف اساسی مانند توحید و معاد و احکام ضروری مانند اصل نماز و حرمت شراب از این باب است. ۲. برخی احکام بر موضوعات با تعریف خاص [: منصوص العله] وارد شده لذا هرگاه موضوع بازشناسی شود و با تغییر یابد چه بسا حکم تغییر کند مانند حرمت ماهی بدون فلس و یا حرمت موسیقی اگر تشخیص داده شود که مطرب و یا لهوی نیست؛ و از آنجا شرایط حرمت را به طور کامل ندارد از باب شبهه موضوعیه و یا تغییر موضوع حکم حرمت برداشته می شود. ۳. برخی اعمال و رسوم جزء مباحات است و انجام و عدم انجام آن به سلیقه و تشخیص خود مردم واگذار شده که از آن به «منطقه فراغ» یاد شده است. مانند مراسم سینه زنی که در هر جامعه ای فرهنگ خاصی در عزاداری دارند. به شرط اینکه به فعل حرام آلوده نشود از سوی شارع منع نمی شود. ۴. برخی اعمال از تجربیات بزرگان گرفته شده و جزء مقبولات گشته و از آنجا که در دایره بدعت و محرمات قرار ندارد بلکه فوائدی بر آن مترتب است انجام آن ترجیح دارد و دلیل بر منع شرعی نداریم مانند برخی اذکار در نمازها که به نیت مطلق ذکر گفته می شود. ۵. برخی احکام نیز امضائی است. یعنی در میان عرف عقلاء رایج است و شارع منع نکرده بلکه ادامه آنرا جایز شمرده مانند بسیاری از معاملات و داد و ستدها در نتیجه بخوبی می توان بدست آورد هر آنچه فایده عقلایی داشته باشد و منع شرعی نداشته باشد جایز است. و در دایره مظنونات قرار نمی گیرد. درباره صفات حضرت حجت نیز از آنجا که ایشان از امامان معصوم علیهم السلام است هر آنچه مناسب مقام امامت و ولایت می باشد انتساب آن به ایشان جایز است و زاییده ذهن نیست. به ویژه اگر مسؤولیت حکومت جهانی را نیز بر عهده ایشان بدانیم. برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم: یکم. باید توجه کرد که شیوه‌های عزاداری، غیر از ماهیت عزاداری است. در واقع عزاداری یک اصلی است که به گونه‌های متفاوت و در شکل‌های مختلف، ظهور می‌کند؛ بنابراین آنها صرفاً یک ابزارند نه بیشتر. دوم. ابزار و اظهار ماهیت باید با محتوای عزاداری و مغز پیام متناسب باشد؛ به صورتی که بتواند با بهترین، شیواترین، نافذترین و نافع‌ترین وجهی، پیام و درس و آموزه را به دیگران منتقل کند. به بیان دیگر، باید لباسی باشد که به قامت آن راست آید؛ نه کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر. اگر کوچک باشد، که همه پیام را پوشش نمی‌دهد و اگر بزرگ‌تر باشد، ذهن مخاطب را منحرف می‌کند و او را از اصل فهم حقیقت باز می‌دارد. سوّم. می‌توان برای ابلاغ محتوای پیام، از ابزارهایی که در فرهنگ و تمدن ملل گوناگون وجود دارد سود جست و آنها را به خدمت گرفت؛ چنان که اسلام زبان اردو را در هند به خدمت گرفت و آن را ابزاری برای صدور اسلام به شبه قاره قرار داد. یا فلسفه را از یونان گرفت و آن را در خدمت آموزه‌های وحیانی گذاشت و ... . چهارم. اسلام به آداب و رسوم ملل تا زمانی که با آموزه‌های اصلی و گوهر اسلام در تضاد و

تهافت نباشد، احترام گذاشته و هیچ منعی نسبت به آنها روا نمی‌دارد؛ مثلاً اسلام هیچ‌گاه برای زبان و رنگ لباس و کیفیت غذای ملل مختلف، فنون، صنایع و علوم - مادامی که با روح اسلام منافات نداشته باشد - محدودیتی قائل نیست. با توجه به آنچه گفته شد، از دیدگاه اسلام «عزاداری و سوگواری» اهل‌بیت(ع)، می‌تواند در قالب‌ها، فرم‌ها و ابزاری که در میان ملل و اقوام مختلف مرسوم بوده، محقق شود و به شیوه‌های گوناگون تجلّی یابد.این تا زمانی است که قالب‌ها؛ شکل‌ها، شیوه‌ها و گونه‌ها، به اصل پیام و محتوا لطمه وارد نسازد؛ بلکه به بهترین نحو پیام را در ذهن و جان مخاطب جای دهد. ازاین‌رو استفاده از شیوه‌های عزاداری که در زمان صدر اسلام نبوده (مانند زنجیرزنی، سینه‌زنی، تعزیه و ...) نه تنها بدعت در دین نیست؛ بلکه مددکار اسلام بوده و می‌تواند در حد خود، شعارهای عاشورا و اهل‌بیت(ع) را به گوش انسان معاصر رسانده و قلب او را به سمت باور بدان‌ها سوق دهد. در هر حال تأکید می‌کنیم که این‌ها تنها ابزارند نه بیشتر و باید همواره جنبه ابزاری آنها حفظ شود؛ نه آن که خدای ناکرده ابزار بر جان مسأله فائق آید! ابزار تنها پلی برای گذشتن و رسیدن به بن و مایه مطلب است و هیچ‌گاه هدف اولی نمی‌باشد. آنچه گاهی مشاهده می‌شود، متأسفانه همین قصه تلخ است که عده‌ای از روی نادانی، به ظاهر بیش از باطن اهمیت می‌دهند و اصل موضوع را مغفول می‌گذارند.

آیا زیارت قبور شهدا، مختص روزهای پنج شنبه و جمعه است و زیارت در روزهای دیگر اشکال دارد؟ (مادرم مانع این کار می‌شود و بنده نیز برای اطاعت از پدر و مادر، چیزی نمی‌گویم)

پرسش

آیا زیارت قبور شهدا، مختص روزهای پنج شنبه و جمعه است و زیارت در روزهای دیگر اشکال دارد؟ (مادرم مانع این کار می‌شود و بنده نیز برای اطاعت از پدر و مادر، چیزی نمی‌گویم)

پاسخ

زیارت قبور، به خصوص قبور شهدا، در همهٔ ایّام هفته ثواب دارد، ولی در برخی روزها، تأکید بیش‌تری شده است مرحوم محدّث نوری در مستدرک الوسایل بابی برای روزهایی که زیارت اهل قبور، ثواب بیش‌تری دارد، آورده که روز پنج شنبه و جمعه از آن جمله است بر این اساس زیارت اهل قبور، روز مخصوصی ندارد. برای نمونه دو روایت را نقل می‌کنیم پیامبر اکرم فرمود": هر کس قبر والدین خود را یا یکی از آنان را در جمعه زیارت کند، بخشیده می‌شود و او در زمرهٔ نیکان محسوب می‌گردد(".مستدرک ج ۲، ص ۳۶۵، آل‌البیت) سلیمان می‌گوید": دربارهٔ زیارت اهل قبور از امام باقر۷ پرسیدم امام فرمود: در روز جمعه آن‌ها را زیارت کن .(وسائل الشیعه ج ۷، ص ۴۱۵، آل‌البیت) اما باید توجه داشت که اطاعت از والدین مسئلهٔ مهمّی است که قرآن بدان تأکید فرموده است" وَ قَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُوٓاْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَ لِدَيْنِ إِحْسَـنًا(;اسرأ،۲۳) پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید ".قضا، مفهوم مؤکّدتری از" امر "دارد و این نشانهٔ تأکید است قرآن حتّی از اُف گفتن نیز نهی می‌کند. انسان نباید با صدای بلند و اهانت‌آمیز و داد و فریاد با آن‌ها سخن بگوید.(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۲، ص ۷۶، دارالکتب الاسلامیهٔ) انسان باید در نهایت ادب و احترام با والدین برخورد نماید ;بر این اساس گرچه زیارت اهل قبور، مستحب است ولی اطاعت از والدین واجب و رعایت حال آن‌ها لازم است

اگر ماه مبارک رمضان ضیافت خداوند است پس چرا اتمام آن را یعنی عید فطر را جشن می گیریم.

پرسش

اگر ماه مبارک رمضان ضیافت خداوند است پس چرا اتمام آن را یعنی عید فطر را جشن می گیریم.

پاسخ

ماه رمضان ماه ضیافت الله است وبعد از اتمام آن روز اول شوال روز عید فطر است . اما فلسفه عید فطر به جهت کسب فضائل و پاداش است که موئمنان در این ماه به جهت طاعت و عبادت کسب کردند آنها یک ماه مهمان سفره کرم الهی بودند و حالا نتیجه این مهمانی را درک می کنند لذا این روز, روز عید و سرور است اما برای کسانی که توانسته اند از فیوضات این ماه بهره مند شود و در تکامل روحی خویش گام هایی برداشته اند ولی از دست دادن ضیافت الهی واقعا "ناراحتی دارد لذا در روایات وارد شده که از ماه رمضان در روزهای آخر آن , وداع کنید و توفیق درک روزه سال بعد را از خداوند بخواهید. برای نمونه حدیثی نقل می کنیم که مرحوم حر آملی در وسائل الشیعه در باب وداع صوم آورده است رسول الله به جابر در وداع از رمضان این دعا را تعلیم دادند: ((اللهم لاتجعله آخر العهد من صیامی ایا فان جعلته فاجعلنی مرحوما "ولاتجعلنی محروما "؛خدایا این ماه را آخرین ماه رمضان من قرار مده و اگر آخرین ماه من است پس مرا ببخش و مرا از رحمت خویش محروم مگردان)).

عید یعنی چه؟ و فلسفه اعیاد اسلامی چیست.

پرسش

عید یعنی چه؟ و فلسفه اعیاد اسلامی چیست.

پاسخ

عید از ماده و ریشه «عود» به معنای بازگشت و رجوع است یعنی رجوع به اصل و حقیقت و فطرت پاک خدایی خود. عید روز توجه به خویشتن خویش و خود اصیل انسانی و دل کندن و گسستن از خود دروغین و غیر اصیل است که با مکر و فریب خود را اصیل و حقیقی جلوه داده و لباس صاحبخانه را به دروغ بر تن کرده است. در روز عید انسان با حقیقت خود آشتی می کند و پس از مدت ها فاصله و دوری و جدایی از حقیقت خود آن را دوباره می یابد؛ موانع توجه به فطرت و حقیقتش را کنار می زند و به گوهر درخشان و ارزنده درونش متوجه می گردد. بنابراین هر روز و زمان و ساعتی که انسان بر امیال و خواهش های ناروای نفس چیره گردد و دامنش به گناه آلوده نگردد و مطیع خواست خداوند و بنده راستین او گردد، عید است گرچه عید معروف و رسمی نباشد. امیر مؤمنان در حکمت ۴۲۸ نهج البلاغه می فرماید: «کل یوم لا یعصی الله فیه فهو عید؛ هر روزی که بدون گناه سپری گردد روز عید است». اعیاد اسلامی یادآور وقایع بزرگ و سرنوشت سازی است که اثر خود را در همه زوایای مادی و معنوی مسلمانان آشکار می سازد و عظمت و عزت مسلمانان را در اثر تمسک به قرآن و معارف اسلامی و احکام الهی را به آنها متذکر می گردد.

عید فطر عید بازگشت به خدا و جشن اطاعت و تسلیم در برابر الهی و عمل به فریضه روزه است. عید قربان، جشن تعبد و سرسپردگی به فرامین الهی و انجام فریضه بزرگ و دشوار حج است که انسان حج گزار به شکرانه اجابت دعوت حق مبنی بر انجام حج و توفیق انجام آن، خوشحال و مسرور است. روز جمعه نیز به تعبیر روایات روز عید و بزرگ و سرور روزهاست و روز عبادت و دعا و ذکر و یادآوری الطاف و احسان الهی است. روزهای بزرگی مثل سیزده رجب و بیست و هفتم رجب و نیمه شعبان و هر روزی که به مناسبتی بزرگ و یا میلاد امامی از اولیای الهی و اهل بیت(ع) اختصاص دارد هر کدام یادآور عظمت و بزرگی و شکوه و فضیلت است و به تعبیر قرآن کریم از ایام الله و روزهای بزرگ خداوند است. با بزرگداشت این اعیاد و این مناسبت ها به یاد می آوریم که دارای پشتوانه غنی و سرشاری از معنویت و معرفت و علم و فضیلت هستیم و چون درختانی استوار و پربار هستیم که ریشه در آب معرفت و کمال داریم، پس نباید خود را بی ارزش و یا کم ارزش قلمداد کنیم و خویش را به رایگان بفروشیم و به سرمایه های خدادادمان چوب حراج بزنیم. اعیاد اسلامی فرصتی برای ارزیابی وضع موجود و فاصله زیادی است که از گذشته پرافتخار و ارزنده خویش گرفته ایم و وقت مناسبی است که ریشه ضعف ها و سستی های خود را بیابیم و برای رفع آنها برنامه ریزی اساسی و درستی داشته باشیم. در ضمن وجود این اعیاد و مناسبت های خجسته و میمون نیاز انسان به شادی و شادابی را تأمین می کند و این بعد از نیازهای روحی و روانی انسان را برآورده می سازد.

چرا عده ای در هنگام فاتحه خواندن دست را بر روی قبر می گذارند؟

پرسش

چرا عده ای در هنگام فاتحه خواندن دست را بر روی قبر می گذارند؟

پاسخ

گذاردن انگشت بر روی قبر هنگام خواندن فاتحه برای میت در روایات ائمه معصومین(ع) وارد شده است. ولی فلسفه این حکم و احکامی از این قبیل که در روایات معتبر وارد شده باشد برای ما روشن نیست و اطلاعات ما از جهان هستی و ارتباط‌های موجود در ان بسیار ناقص است و دسترسی به آن جز از طریق وحی ممکن نیست. ولی اجمالاً ـ می‌دانیم دستوراتی که از جانب پیامبر و ائمه معصومین(ع) وارد شده دارای حکمت می‌باشد چرا که آنان متصل به سرچشمه وحی و مطلع بر واقعیات و حقایق عالم هستی‌اند.

آغاز کردن کارها با نام خدا چه فایده‌ای دارد؟

پرسش

آغاز کردن کارها با نام خدا چه فایده‌ای دارد؟

پاسخ

از آنجا که انسان بایـد در تمامی اعمال خود، خدا را در نظر داشـته باشد و رضای او را در نظر بگیرد شـروع کردن کارها با نام خدا نقش بسزایی در این امر دارد. آغاز کردن کارها با نام خدا به این معناست: که انسان کارها و به طور کلّی زندگی خود را در جهت خداوند و الهام گرفته از فرامین او صورت می‌دهد و در هنگام عمل رضا و خشـنودی خداوند را در نظر می گیرد که این امر در واقع علامت و نشانه خدایی زدن بر کارهاست و در رشد معنوی انسان و در ارتقاء فرهنگ انسانی در جامعه نقش بسـزایی دارد. علاوه بر این با یاد کردن خداونـد در آغاز کار، انسان به قـدرتی نامحـدود و بی کران متوجّه می‌شود و یاری و همراهی خـدای قادر و توانا را در پیشبرد و توفیق آن کـار مؤثّر می‌بینـد. به این گونه انسان از آن قـدرت لایزال و آن رحمت بی‌منتها اسـتمداد می‌طلبـد تا مشـمول رحمت و عنایت خاصّ او قرار گیرد.

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم«علیهم السلام» فرق می‌گذارند؟

پرسش

چرا در تعطیلی تولد و شهادت امامان معصوم«علیهم السلام» فرق می گذارند؟

پاسخ

مسأله تعطیلی در تولد و شـهادت برخی از ائمه«علیهم السلام» از امور اعتباری و قراردادی نظام دولتی است. دولت ملاحظه کرده که اگر بخواهـد تمام تولـدها و وفات ائمه«علیهم السـلام» را تعطیل اعلام کند. قهراً وقفه در کارهای اداری و رسـیدگی به امور معاش و فرهنگی و غیره مردم و... ایجاد می‌شود. و ائمه«علیهم السـلام» به آن راضـی نیستند. و از طرف دیگر برخی از وقایع تاریخی در تولّد و شهادت برخی از ائمه بزرگوار مانند روز عاشورا و یا تولد حضرت امیر«علیه السلام» و یا نقش عظیم امام جعفر صادق«علیه السلام» را در احیـاء تشـیع و احکـام و معارف اسـلامی و... نمی‌توان نادیـده گرفت و به همین جهت به تعطیلی آن قسم که از نظر حوادث و وقایع تاریخی دارای اهمیّتی بیشتری بوده، اعلان تعطیلی کرده است. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه«علیهم السلام» نوعی تعظیم شعائر است؟

پرسش

آیا تعطیلی در ایّام ولادت یا شهادت ائمه«علیهم السلام» نوعی تعظیم شعائر است؟

پاسخ

شکی نیست که بایـد در موقع سـالگرد شـهادت تمـام امامان«علیهم السـلام» بلکه تولّـد آنان هم شـیعه مراسـمی را به عنوان احترام و بزرگـداشت آنان برگزار کند گرچه تعطیل نوعی احترام و بزرگداشت به شـمار می‌آید که در مورد بسـیاری از امامان ما این نوع از احترام چه به صورت رسـمی و چه غیر رسـمی در بسیاری شهرها وجود دارد و لکن وظیفه این است که برنامه‌هایی طرح، شود مانند

اینکه مجالسی تشکیل شود و با سخنرانی و یادآوری شرح زندگی و مصائب و فداکاریهایی آنان شناخت بیشتری درباره آن امامان«علیهم السلام» فراهم گردد. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

پرسش

آیا بهتر نیست بودجه تبلیغات، جشنها یا سایر مراسم صرف امور دیگری شود؟

پاسخ

باید توجّه داشت که تعظیم شعائر دینی از مهم‌ترین وظائف هر مسلمان و بلکه بر شیعه‌ای است، اگر ما معتقدیم که به فرموده امام خمینی«رحمه الله» «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» و اگر می‌دانیم که دشمنان خاندان پیامبر«صلی الله علیه وآله» سعی داشتند اسلام را از اساس نابود کنند، امّا امام حسین«علیه السلام» با فداکاری و شهادت اهل بیت و یارانش، سبب احیای دین رسول اکرم«صلی الله علیه وآله» و شریعت اسلام شد؛ باید بپذیریم که زنده نگه داشتن و گرامی داشتن عاشورا در واقع احیای اسلام و مکتب قرآن است، آن گاه به جای مخالفت با این امور، تلاش و اندیشه خود را در این مسیر خواهیم انداخت که بر شکوه و کار آمدی آن بیفزاییم. آری، این که چگونه باید به تعظیم و تکریم شعائر مذهبی پرداخت، جای بحث و گفتگوی بسیار دارد؛ ولی مسلّماً اصل این مراسم چه در شهادت‌ها و چه در تولّدها و جشنها باید به شیوه‌ای بسیار باشکوه باشد، شیوه‌ای که خاطرات و یادهای چهارده قرن را همچنان تا قیام حضرت حجّة«علیه السلام» به بهترین نحو زنده و پوینده نگه دارد. تا اسلامی که با همین عزاداریها و یا جشن تولّد ائمه«علیهم السلام» به ما رسیده است به نسلهای بعد منتقل شود؛ که حیات دین به حیات شعایر الهی است. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا اگر کودکی را به نام امام و پیامبر نام گذاری نکنند گناه دارد؟

پرسش

آیا اگر کودکی را به نام امام و پیامبر نام گذاری نکنند گناه دارد؟

پاسخ

به طوری که از گفتار رهبران راستین به دست می آید یکی از حقوق فرزند به پدر این است که نام نیکو روی وی بگذارد و اساساً انتخاب نام بزرگان و برجستگان انسا نیّت که می توانند برای کودک و پیشرفت وی الگو باشند بسیار شایسته و مناسب است و چون ما مسلمانان در زندگی خویش از امامان و رهبران معصوم((علیهم السلام)) الهام می گیریم انتخاب نام از این خاندان برای ما شایسته است ولی چنان نیست که اگر کسی اینگونه نام ها را برای فرزندش انتخاب نکند گناه کرده باشد. (بخش پاسخ به سؤالات

) ـ۱۵۹ـ

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

پرسش

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

پاسخ

مراسم ترحیم(سوم، هفتم و چهلم) از مراسم ما ایرانیان است و هیچ سفارشی در شرع مقدّس برای برگزاری این گونه مجالس نیست. البته، طلب مغفرت و تلاوت قرآن برای میّت مستحب است، ولی درباره مجلس سوم و هفتم و چلهم هیچ گونه سفارشی نشده است. متأسفانه، برخی چشم و هم چشمیها و رسوم نامعقول مردم، موجب رنج خود آنان شده است. در دین مقدّس اسلام آمده است که شایسته است همسایگان برای خانواده عزادار تا سه روز غذا بفرستند و غذا خوردن همسایگان در آن خانه مکروه است ;ولی میان ما رسم است که باید شخص عزادار هزینه هایی سنگین بر عهده گیرد و دیگران را غذا دهد. در بسیاری از روستاها و شهرها، بازماندگان عزادار برای برگزاری این گونه مجالس ناچار می شوند املاک خود را بفروشند و زیر بار وامهایی سنگین روند و تا سالها تاوان پس دهند تا به گمان خود، آبروداری کنند. خداوند به این کار راضی نیست و برگزار کنندگان اجری نخواهند برد; زیرا به جای پیروی از دین مقدّس اسلام، گویی می گویند: «بل نتّبع ما الفینا علیه آباءنا(۱ ;)بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم». (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ - سوره بقره آیه ۱۷۰. ـ۸۸۱ـ

آیا نام آدمها در وضعیت سعادت و شقاوت و یا شادمانی و ناراحتی آنها تأثیر دارد برای مثال آسیه که به مفهوم زن غمگین است برای صاحب نام عقیده ای ایجاد نمی کند!؟

پرسش

آیا نام آدمها در وضعیت سعادت و شقاوت و یا شادمانی و ناراحتی آنها تأثیر دارد برای مثال آسیه که به مفهوم زن غمگین است برای صاحب نام عقیده ای ایجاد نمی کند!؟

پاسخ

اولا در نامهایی که از شخصیتها انتخاب می شود معنی و مفهوم آنها معمولا مورد نظر نیست بلکه خود نام و انتساب آن با شخصیت، مورد توجه است و آسیه همسر فرعون یکی از بانوان با شخصیت و گرامی و مورد تمجید قرآن مجید و اسوه ی صبر و مقاومت است و انتخاب این نام بسیار شایسته و مطلوب است. ثانیاً آسیه که نام همسر فرعون بوده معلوم نیست عربی باشد تا آنرا به فارسی به زن اندوهگین ترجمه نمایند ممکن است آسیه کلمه ی عبری باشد. ثالثاً شخصیت انسان با عمل و تلاش و اراده خود انسان ساخته

می شود و وجود یک نام در انسان نمی تواند حاکی از چیزی باشد خوشحالی و ناراحتی معیارهایی دارد که اسم و لفظ در آن دخالت ندارد انسان باید تلاش کند که با ایمان و عمل صالح سرنوشتی شایسته برای خود فراهم آورد و در آن صورت منشایی برای نگرانی البته مسلم است که دین عزیز ما تأکید نموده که نام خوب برگزیده شود، انسانی که با خدا ارتباط دارد و وظایف دینی را بطور کامل انجام می دهد و با نیایش و استعانت از خدا و توسل به پیامبر و امامان مخصوصاً امام زمان((علیه السلام)) همواره به زندگی خویش معنویت و روح می بخشد انسانی سعادتمند است. آری در احادیث آمده که مؤمن دارای دو نور است یکی نور ترس و یکی نور امید و همواره این دو در مؤمن هست هم به ثواب خداوند امیدوار و هم از عذاب خدا بیمناک است. (بخش پاسخ به سؤالات)

در کتاب مفاتیح الجنان آمده که هر ساعتی از شبانه روز مخصوص یک امام بزرگوار است. مقصود چیست؟ برای متوسل شدن به امام رضا(ع) ساعت مختصّ به ایشان را چطور محاسبه کنیم؟

اشاره

جواب : مرحوم شیخ عباس قمی از مرحوم شیخ طوسی و دو نفر از بزرگان نقل کرده که آن بزرگواران هر

پرسش

در کتاب مفاتیح الجنان آمده که هر ساعتی از شبانه روز مخصوص یک امام بزرگوار است. مقصود چیست؟ برای متوسل شدن به امام رضا(ع) ساعت مختصّ به ایشان را چطور محاسبه کنیم؟ جواب : مرحوم شیخ عباس قمی از مرحوم شیخ طوسی و دو نفر از بزرگان نقل کرده که آن بزرگواران هر روز را به دوازده ساعت تقسیم کرده و برای هر ساعتی، دعایی همراه با توسل به یکی از دوازده امام(ره) ذکر کرده‌اند.(۱) گر چه در این مورد به روایت و حدیثی بر نخوردیم: مقصود این است که انسان در طول روز به یاد خدا باشد و حاجت های خود را از او بخواهد. و در این باره متوسل به ائمه اطهار(ع) باشد و از این طریق همواره متوجه باشد که امامان(ع) ارزش والایی در پیشگاه خدا دارند. بدون چنگ زدن به دامان آنان و بدون توسل به آن‌ها انسان راه به جایی نمی‌برد و در صراط مستقیم قرار نمی گیرد. پیامبر اسلام(ص) در حدیث ثقلین امامت را در کنار قرآن معرفی فرمود و بیان کرد که قرآن و عترت تا روز قیامت از هم جدا نمی شوند. هر کس بخواهد سعادتمند شود، باید قرآن و عترت را با هم داشته باشد، و اگر تنها از یکی استفاده کرد و توجه به دیگری نکرد، راه سعادت و خوش بختی دور خواهد شد. ساعت منسوب به امام رضا(ع) عبارت است از حدود پنج دقیقه بعد از اذان ظهر، یعنی بعد از اذان ظهر به انداز ?خواندن چهار رکعت نماز که گذشت، ساعت مربوط به امام رضا(ع) است.(۲) پاورقی: ۱ - مفاتیح الجنان، ص ۳۱۹ (حاشیه) ۲ - مفاتیح الجنان، ص ۳۱۹ (حاشیه) پرسش: شنیده‌ام که در روز عید قربان نباید کارهایی مانند، خیاطی، بافندگی و ... انجام داد، آیا این مطلب سندیت دارد؟

پاسخ

کار کردن در اعیاد اسلامی مثل عید قربان و عید غدیر و ولادت‌های پیامبر و امامان معصوم و ایّام شهادت‌های آن بزرگواران اشکالی ندارد، ولی خوب است بخشی از ساعات این روزها را به دعا و عبادت و بزرگداشت آن ایام اختصاص و اعمال مخصوص

آن روزها را انجام دهیم. نیز در ایام عزاداری برای بزرگداشت مقام شامخ ائمه (که شهدای راه فضیلت و تقوا و فدایی دین بوده‌اند) اقدام کنیم. هم چنین در روز های عید را خوشحال باشند و شادی های مشروع و به دیدن یکدیگر برویم. نیز در روزهای شهادت به جهت احترام بر مصیبت‌های سخت و جانسوزی که بر آن بزرگواران وارد شده، به سوگواری بپردازیم، چون این گونه کارها موجب خشنودی خدا و ثواب خواهد بود. البته اگر مردم کار لازم و ضروری داشتند و در آن روزها انجام دهند، اشکال ندارد. بخصوص در روز عید که کارکردن اشکال ندارد. پاورقی: ۱ - مفاتیح الجنان، ص ۵۰۰.

شهادت

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟

پرسش

به چه دلیل در فرهنگ اسلامی، به غیرمسلمانی که در نبرد با دشمنان خدا کشته می شود، شهید اطلاق نمی گردد؟

پاسخ

هر فرهنگی، معیارها و قانون های خاصّ خود را دارد، و واژه ها نیز بر همین اساس، استعمال می شوند. مثلا همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است. از آنجا که کار دین، انقلاب در انگیزه ها بوده است، پس بهترین انگیزه برای کارها و نیز، شرط قبولی اعمال را همین ایمان به خدا دانسته است. در قرآن آمده است:«من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینّه حیوة طیّبه(۵؛) هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و(به شرط آنکه) مؤمن باشد، به او زندگی طیب عطا می کنیم». حتی غسل ندارد(۷) و با لباس خویش به خاک سپرده می شود. البته در دیدگاه وسیع قرآن، نیکوکاران با بدکاران مساوی نیستند، امّا هر عملی با میزان های ویژه سنجیده می شود. (بخش پاسخ به سؤالات)

شهادت چیست؟ (هدف، وسیله، عشق و آرزو ...) رسیدن به مقام شهادت می تواند هدف باشد؟

پرسش

شهادت چیست؟ (هدف، وسیله، عشق و آرزو ...) رسیدن به مقام شهادت می تواند هدف باشد؟

پاسخ

در فرهنگ اسلام، شهادت دو معنی متفاوت دارد، یکی معنی خاص و دیگری معنی گسترده و عام. معنای خاص شهادت همان کشته شدن در معرکهٔ جنگ، در راه خداست که احکام فقهی خاصی در اسلام دارد، از جمله، عدم نیاز شهید به غسل و کفن، بلکه با همان لباس خونین دفن می گردد. اما معنای عام و وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفهٔ الهی کشته شود و یا

بمیرد، که هرکس در حین انجام چنین وظیفه‌ای به هر صورت از دنیا برود، شهید است. از این رو تمام کسانی که عقیده به حق دارند و در مسیر حق گام برمی‌دارند و در همین راه از دنیا می‌روند طبق روایات در زمرهٔ شهدا هستند.۲ طبق روایات اسلامی چند گروه از مردم شهید از دنیا می‌روند: ـ پیامبر (می‌فرماید: کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود شهید است.۳ ـ علی (می‌فرماید: کسی که در بستر از دنیا برود اما معرفت حقیقی پرودگار و معرفت واقعی پیامبر(و اهل بیتش را داشته باشد شهید از دنیا رفته است.۴ ـ امام صادق (می‌فرماید: کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمین ایستادگی کند و کشته شود شهید است.۵ ـ امام باقر (می‌فرماید: آن کسی از شما که به مسأله ولایت آشنا باشد و در انتظار ظهور مهدی (عج) سر برد و خود را آماده حکومت عدل جهانی او سازد، مانند کسی است که همراه با مهدی (عج) آل محمد(با سلاحش جهاد کرده باشد ...۶ روایتی پرمعنا از پیامبر (وارد شده که عظمت و اهمیت شهادت و مقام شهید را در فرهنگ اسلامی بیان می‌کند توجه عمیق به این حدیث شریف، هر انسانی را آرزومند چنین مقام والایی می‌کند. پیامبر (می فرماید": هنگامی که جنگجویان تصمیم بر شرکت در میدان جهاد می‌گیرند، خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آنان مقرر می‌دارد، هنگامی که سلاح برمی‌دارند و آماده میدان می‌شوند، فرشتگان بوجود آنان افتخار می‌کنند، زمانی که با بستگان خویش خداحافظی می‌کنند از گناهان خود خارج می‌شوند ... از این به بعد هرکاری کنند، پاداش آنان مضاعف می‌گردد و در برابر هر روز، پاداش عبادت هزار عابد برای آنان نوشته می‌شود. هنگامی که با دشمنان روبرو می‌شوند، کسی نمی‌تواند میزان ثواب آنها را درک کند. به هنگامی که گام به میدان نبرد بگذارند و نیزه و تیرها رد و بدل شود و جنگ تن به تن آغاز گردد، فرشتگان با پر و بال خود اطراف آنان را می‌گیرند و از خداوند ثبات قدم آنان را تقاضا می‌کنند ... ضربات دشمن بر پیکر شهید گواراتر است از نوشیدن آب خنک در روزهای گرم تابستان، آن هنگام که از مرکب می‌غلطد، هنوز به زمین نرسیده حوریان بهشتی به استقبال او می‌شتابند و نعمتهای بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته، برایش شرح می‌دهند زمانی که به زمین می‌افتد، زمین می‌گوید: مرحبا به روح پاکیزه‌ای که از بدن پاکیزه پرواز می‌کند، بشارت باد تو را به نعمتهایی که در انتظار تو است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده ... خداوند می‌فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هرکس آنان را خشنود کند مرا خشنود کرده و هرکس آنان را به خشم آورد مرا به خشم‌آورده".۷ قرآن نیز موضوع مرگ را در مورد شهید منتفی می‌داند و می‌فرماید": آنان زنده‌اند و نزد پروردگار خود روزی می‌خورند، اما شما نمی‌توانید درک کنید. (که آنان از چه فیض و رحمتی برخوردارند.)۸ با عنایت به مواردی که ذکر گردید، شوق به دریافت پاداشهای الهی و درک مقام و منزلت شهید است که سعی و تلاش روزانه، محبت و گذشت و ایثار و بخشندگی ما را در قبال یکدیگر، دوستی و علاقه ما را به (و بندگی و عبادت ما را در برابر خداوند منان، معنا و مفهوم حقیقی می‌بخشد، و بدین جهت است که موضوع شهادت باید به عنوان یک هدف اصیل و مقدس و فراتر از یک آرزو و یا عشق، نصب العین همهٔ انسانهای موحد و خداجو قرار گیرد که اگر این منطق حاکم گردد، هر نوع رخوت و سستی و افسردگی و یأس و ظلم پذیری و تسلیم در برابر دشمنان را از جوامع بشری دور خواهد کرد. درصدر اسلام آنچه که تقویت روحیه مسلمانان در برابر ظلم و ستم و شکنجه مشرکان قریش را موجب می‌گشت، و نیز در طول نبردهای مقدس باعث تحرک و مقاومت و پیشرفت مؤمنان و موحدان می‌گردید، انگیزه دستیابی به این مقام و موهبت بود. در زمان ما نیز که دوران صلح است و حسرت خوردن بر راهی که بسته شد، جهاد و نبرد در میدان فرهنگی که از انواع جها اکبر است فضیلت و جایگاهی والا دارد و مبارزه در این میدان و حمایت از فرماندهی معظم کل قوا نشانه عشق به شهادت است. منابع و مآخذ : ۱- تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷ ۲- تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۳۵۵ ۳- سفینه البحار- مادر شهید- ج ۱- تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷ ۴- نهج البلاغه خطبه ۱۹۰-آخر خطبه ۵- سفینه البحار به نقل از تفسیر نمونه ج ۲۱ ص ۴۰۷ ۶- تفسیر مجمع البیان ج ۹ ص ۲۳۸- بنقل از تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۳۵۶ ۷- خلاصه روایتی از مجمع البیان مرحوم طبسی ج۲، آیه ۱۷۱ آل عمران- بنقل‌ازتفسیر نمونه ج ۳ ص ۱۷۳-۱۷۲ ۸- بقره- ۱۵۴

آیا شهیدان افراد استثنایی بودند یا اکنون نیز از آن اشخاص در جامعه وجود دارد برای نزدیک شدن به شخصیت آنها چه باید کرد

پرسش

آیا شهیدان افراد استثنایی بودند یا اکنون نیز از آن اشخاص در جامعه وجود دارد برای نزدیک شدن به شخصیت آنها چه باید کرد

پاسخ

شهیدان نیز افرادی مانند دیگران هستند، لکن با پشت پا زدن به تمتیات دنیایی و جست و جوی آرمانی برتر،توانسته‌اند عالی‌ترین مدارج کمال را کسب کنند. در طول تاریخ اسلام، همواره شخصیت‌هایی این چنین بوده وهستند. البته شرایط رشد و ظهور آنان، متفاوت بوده است. برای نزدیک شدن به شخصیت آنان، بهترین راه تقوا، خداگرایی و ترک تعلقات دنیوی است.{J

چه کسانی شهید محسوب می شوند

پرسش

چه کسانی شهید محسوب می شوند

پاسخ

آدمی نوعا در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می‌دهد و غالبا بر آن امررضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می گردد، ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود رادر راه آرمان الهی خود به کار می گیرد. این افراد را نمی‌توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می‌شود یک سطح دانست،لذا خداوند در قرآن می‌فرماید: «به آنانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌هایی هستند که در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند»، (بقره، آیه ۱۵۰) هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقام شهیدان نزدیک تر می شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالا می برد.

راه حفظ حرمت شهدا چیست ؟

پرسش

راه حفظ حرمت شهدا چیست ؟

پاسخ

پاسداری از حرمت خون شـهیدان وظیفه هر مسـلمانی است و همه ما در روز قیامت نسبت به آن سؤال و جوابخواهیم شد. طریقه آن نیز بـا توجه به هـدف آن عزیزان روشن است. آنـان برای حفـظ اصل دین و اجرای احکام آن درجامعه شـهید شدنـد. ازاین‌رو ادامه راهشان همانا اجرای احکام الهی و دوری از گناهان و پیروی از عالمان دینیمخصوصا رهبری انقلاب است. ما بایـد جامعه‌ای بسازیم که مطلوب آن عزیزان است.

در باره شهادت و اینکه چطور می توان آرزوی شهادت را دل نگه داشت برای من توضیح دهید ؟

پرسش

در باره شهادت و اینکه چطور می توان آرزوی شهادت را دل نگه داشت برای من توضیح دهید ؟

پاسخ

به قول شـهید مطهری «مرگ‌هـایی که شـهادت است در آن مرگ انسـان بـا توجه به خطرات احتمـالی یا یقینی فقط به خاطر هـدفی مقـدس و انسـانی و به تعبیر قرآن «فی سبیـل‌الله» از آن اسـتقبال کنـد. شـهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خـدا و فی‌سبیـل‌الله باشـد. هـدف، مقـدس باشـد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شـهادت به حکـم ایـن کـه عملی آگاهـانه و اختیـاری اسـت و در راه هـدفی مقـدّس است و از هر گـونه انگیزه‌ی خودگرایـانه منزّه و مـبرّاست، تحسـین‌انگیز و افتخـارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقّی می‌شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ است که ارزش آن از حیـات و زنـدگی برتر و مقـدس‌تر است»(قیـام و انقلاب مهـدی، به ضـمیمه شـهید از اسـتاد مطهری). انسانی که با چنین شـرایطی به اسـتقبال مرگ می‌شـتابد شـهید است و اجر شـهید را نیز می‌برد. در احکام شـهید می‌خوانیم کسی که به امر معصوم(ع) یا نایب او به جبهه برود و در میـدان نبرد کشـته شود شـهید است غسـل و حنوط و کفن از او ساقـط است، بلکه بـا لبـاس خودش دفن شود»(امـام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۶). بـا این حـال روایت‌ها و اخباری هست مبنی بر این که اگر کسـی بمیرد، در حالی که در قلب دارای محبت اهل بیت است، شـهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می‌شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می‌رود(تفسـیر کشّاف، ج ۳، ص ۴۰۳. این حدیث طولانی است که از حضرت رسول اکرم(ص) نقل شده است). یا در روایتی دیگر از رسول خدا(ص) نقل شده است که حضـرت فرمود: «من عاشَ مدارياً مات شهیدا؛ هر کس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نبینند و در حال مدارای با مردم از دنیـا برود، شـهید از دنیـا رفته است»(کنزالعمّال، حـدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱). این گونه روایت‌هـا به این موضوع اشاره می‌کنـد: کسـی که بـا چنین شـرایطی از دنیـا برود، اجر شـهید را می‌برد. ولی حکم شـهید را نـدارد. یعنی غسـل، حنـوط، و کفن از او سـاقط نمی‌شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد. در انتهای سخن سفارش می‌کنیم زیارت امین‌الله را هر روز یـا هفته‌ای یـک بـار با توجه و تأمل بخوانیـد. یکی از قسـمت‌های مهمّ این زیارت شـریف این عبارت است: ... اللهمّ فاجعل نفسـی مطمئنّةً بقَدرِکَ، راضـیةً بِقضائک... بارخدایا! پس جان مرا مطمئن و آرام نسبت به سرنوشت قرار بده، و مرا خشنود نسبت به داوریت بگردان{M(حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، ص ۵۷۸). که اشاره دارد خدایا مرا به مقام «رضا» و «خشـنودی» برسان تا آن چه به من می‌رسد مرا از توجه به تو باز ندارد. شـهادت درجه ای است که خداوند نصیب افرادی می کند که قابلیت آن را داشته

باشند ;یعنی , واقعا "اهل تقوا بوده و عاشقانه آن را طلب کنند. البته در بعضی از روایات آمده است که : زن و مرد با ایمان اگر نیت کار خیری را داشته باشند, هر چند موفق به آن عمل نشوند ثواب آن را در نامه عمل آنها می نویسند. در روایت دیگری نیز آمده است : فرد مؤمن (چه زن و چه مرد) اگر در بستر بیماری هم بمیرد, در زمره شهدا محسوب خواهد شد. آرزوی شهادت به معنای برگزیدن بهترین نوع مرگ است . به عبارت دیگر همه از دنیا رفتنی هستند ;اما هنر انسان با ایمان آن است که با بهترین انتخاب از دنیا می رود. شهادت به معنای پذیرش مسؤولیتی بزرگ تر در برابر مسؤولیت های کوچک تر است . شهادت خودکشی و مسؤولیت گریزی نیست ; بلکه انجام رسالت های بزرگ تر اجتماعی و فداکاری در راه مصالح عالی اسلام و جامعه اسلامی است . شهادت طلبی به معنای آن است که در عرصه نیاز جامعه به فداکاری , مصالح شخصی و خانوادگی مانند غل و زنجیر انسان را پای بسته نمی کند ;بلکه انسان شهادت جو, مرز و حصار خودیت و دلبستگی و تعلق خانوادگی را پاره می کند و در راه آرمان های مقدس عاشقانه و بدون اندک درنگ به پیش می تازد.

در مورد شهدا سؤالی داشتم که مدتهاست ذهن مرا به خود مشغول کرده است آیا همه کسانی که در جنگ کشته شده اند شهید نامیده می شوند آیا همه آدمهای خوبی بوده اند. مثلا شاید یکی داشته دزدی می کرده و خمپاره ای به او خورده باشد و جانباز یا شهید شده باشد؟ یا اینکه مثلا

پرسش

در مورد شهدا سؤالی داشتم که مدتهاست ذهن مرا به خود مشغول کرده است آیا همه کسانی که در جنگ کشته شده اند شهید نامیده می شوند آیا همه آدمهای خوبی بوده اند. مثلا شاید یکی داشته دزدی می کرده و خمپاره ای به او خورده باشد و جانباز یا شهید شده باشد؟ یا اینکه مثلا سنی بوده . خواهش می کنم برایم توضیح دهید که چرا بعضی از جانبازان و حتی آزادگانی که سالها در دست رژیم بعث اسیر بوده اند الان آدمهایی هستند که اصلا از آنها انتظار نمی رود مثلا نماز نمی خوانند و یا حتی از این هم بدتر.

پاسخ

مرگ‌هایی که شهادت است در آن مرگ انسان با توجه به خطرات احتمالی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل‌الله» از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی‌سبیل‌الله و هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدّس است و از هر گونه انگیزه‌ی خودگرایانه منزّه و مبراست، تحسین‌انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقّی می‌شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ است که ارزش آن از حیات و زندگی برتر و مقدّس‌تر است(قیام و انقلاب مهدی، به ضمیمه شهید از استاد مطهری). انسانی که با چنین شرایطی به استقبال مرگ می‌شتابد شهید است و اجر شهید را نیز می‌برد. در احکام شهید می‌خوانیم کسی که به امر معصوم(ع) یا نایب او به جبهه برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن شود»(امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۶). با این حال روایت‌ها و اخباری هست مبنی بر این که اگر کسی بمیرد، در حالی که دارای محبّت اهل بیت باشد، شهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می‌شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می‌رود(تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۴۰۳. این حدیث طولانی است که از

حضرت رسول اکرم(ص) نقل شده است). یا در روایتی دیگر از رسول خدا(ص) نقل شده است که حضرت فرمود: مَن عاشَ مدارياً مات شهيداً هر کس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نبینند و در حال مدارای با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است(کنزالعمّال، حدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱). این گونه روایت‌ها به این موضوع اشاره می‌کند: کسی که با چنین شرایطی از دنیا برود، اجر شهید را می‌برد. ولی حکم شهید را ندارد. یعنی غسل، حنوط، و کفن از او ساقط نمی‌شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد. اما این که در سؤال آورده اید اگر کسی بدون انگیزه الهی و یا حتی شیطانی مثل دزدی کردن که مورد سؤال شما است هدف گلوله دشمن واقع شد آیا شهید است یا خیر؟ باید گفت: قطعا جزء شهدا نمی باشد به خصوص آنجا که در حال گناه باشد مورد مؤاخذه الهی قرار خواهد گرفت. اما درباره کسانی که قبلا در جبهه ها فداکاری کرده یا جانباز شده و یا اسیر بوده اند؛ حال، چرا بعضی از آنها اهل گناه و بی نمازند؛ آنچه می توان در پاسخ بیان کرد این که افراد انسانی همواره در آزمون الهی به سر می برند و با توجه به این که انسان دارای اختیار و اراده و عقل خدادادی است هم می تواند خوب باشد و هم بد، جبهه رفتن و جانباز یا آزاده شدن، همگی مثبت و باعث عزت و افتخار است، البته تا وقتی که انسان در طاعت بندگی خداوند متعال باقی بماند و اگر از مسیر حق انحراف پیدا کرد و دچار وسوسه های شیطانی و اعمال آلوده شود، دیگر آن افتخارات و ارزش های گذشته ممکن است رنگ ببازد و حتی خدای ناکرده مورد قبول درگاه الهی نشود، ما در تاریخ افراد زیادی داریم که در مقطعی از زندگی بسیار خوب بودند - مثل طلحه و زبیر - (از اصحاب پیامبر اکرم(ص)) ولی در مقطع دیگر در برابر امام معصوم علی(ع) صف آرایی کرده و کشته شدند و به همین دلیل در اسلام توصیه شده است که همواره از خدا عاقبت به خیری بخواهید و همیشه مراقبت کنید تا گناهان پیش نیاید.

چرا در اطلاعیه‌های شهادت، تبریک و تسلیّت می‌گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

پرسش

چرا در اطلاعیه‌های شهادت، تبریک و تسلیّت می گوئیم. آیا این دو با هم قابل جمع هستند؟

پاسخ

یک موضوع می‌تواند از جهات مختلف چند جور تفسیر و بیان شود مثلاً یک شخص برای شاگرد خود معلّم است امّا برای فرزند خود پدر و برای یک راننده مسافر است. با اینکه در همه این موارد یک نفر است پس از آنجا که بهترین نوع مردن شهادت است و یک توفیق محسوب می‌شود می‌توان تبریک گفت و از آنجا که فقدان یک مؤمن و یک عزیز از بین امّت، کم شدن یک نیروی با ارزش و هجران از اوست می‌توان تسلیّت گفت. چنانکه در حدیث آمده وقتی دانشمندی بمیرد رخنه‌ای در اسلام ایجاد می‌شود که چیزی آن را پر نمی‌کند و حال آنکه خود آن شخص مرگ در راه حق را افتخار می‌داند. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا هر کسی به هر دلیلی در مدرسه فوت کند, شهید محسوب می شود؟

پرسش

آیا هر کسی به هر دلیلی در مدرسه فوت کند, شهید محسوب می شود؟

پاسخ

رسول الله ۶فرمود: علم و دانشجو در حالی که علم و دانش فرا می گیرد بمیرد, از شهدا به حساب می آید. >از حدیث شریف نبوی ۶امور استظهار می شود, از جمله : ۱ شخصی که در مدرسه است , باید طلبه و دانش آموز و یا دانشجو باشد. ۲ در حال فراگیری یا ساعات فراگیری علم و دانش باشد. ۳ علم و دانش مربوطه به امور دین و مذهب باشد. اگر مربوط به علوم تجربی و مادی باشد, باید قصد طالب علم این باشد که با فراگیری آن , به امور مادی و معنوی مردم خدمت کند. ۴ هدف فراگیرنده خدا و خدمت به خلق باشد, نه فخر فروشی به دیگران و ضربه زدن به دین و خَلق خدا.

افرادی که در مراسم شهدای جنگ تحمیلی شرکت نمی‌کنند، چه حکمی دارند؟

پرسش

افرادی که در مراسم شهدای جنگ تحمیلی شرکت نمی‌کنند، چه حکمی دارند؟

پاسخ

شهید کشته راه خدا است. نخستین کسی که به بهشت رود، شهید است، و شهدا از شفاعت کنندگان در قیامتند.(۱) شهید قلب تاریخ است. شهدای جنگ تحمیلی سوختند تا اسلام پاینده باشد. آنان رفتند تا ما زنده باشیم. آنان رنج را بر جان خریدند تا دیگران راحت باشند. آنان در خاک و خون غلطیدند تا دشمن در خاک ذلت بغلطد. اگر امروز نام ایران سربلند است، به برکت خون شهیدان است و اگر دشمن تا دندان مسلح و حمایت شده توسط همه قدرت‌های جهان ناکام ماند، به خاطر جان فشانی‌های رزمندگان اسلام بود. کیست که نداند بقای کشور جمهوری اسلامی ایران مرهون خون شهدا و ناله جانبازان و مقاومت جانانه رزمندگان اسلام است؟ به همین خاطر شهید فقط مربوط به خانواده خود نیست، بلکه به همه ملت تعلّق دارد و همه موظفند که از شهدا و خانواده مکرّم شان تجلیل نمایند و در مراسم شان شرکت کنند. اگر کسی در مراسم شهید شرکت نمی‌کند، ممکن است بر اثر ضعف ایمان، ضعف فرهنگ و یا مشاهده نارسایی هایی در جامعه باشد که در هر حال باید چنین اشخاصی توجیه شوند که شهید عزیزترین سرمایه‌اش را که جانش است، برای اسلام و قرآن و مملکت داده است. بر همه ما لازم است که حرمت خون شهدا را پاس بداریم و این لرزش قائل شدن برای خودمان است وگرنه شهید به این چیزها احتیاج ندارد، چرا که او به عالی‌ترین مقام‌های اخروی نایل شده است. البته ممکن است که عدم شرکت به جهت مشغله‌های دیگر باشد و صِرف شرکت و عدم شرکت نمی‌تواند دلیل بر اعتقاد داشتن شخص به مقام شهدا یا عدم اعتقاد آن‌ها باشد. آنچه که گفتیم در مورد اعتقاد و باور به مقام شامخ این عزیزان است، اما در مورد حکم، اگر منظور حکم شرعی خاص در مورد عدم شرکت در مراسم شهید باشد، حکم خاصی وجود ندارد. اگر عدم اعتقاد یا خدای نکرده توهین به مقام شهید باشد، چنین افرادی باید آگاه و فهمانده شوند. آگاه کردن از باب امر به معروف با توجه به شرایط آن لازم است. پی نوشت‌ها: ۱. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۶، ص ۵۸۲، ماده شهید.

آیا کسانی که از هموطنان ما به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می‌کنند و در آن جابه دست آمریکایی‌ها کشته می‌شوند، نزد پروردگار از جایگاه یک شهید برخوردارند؟

پرسش

آیا کسانی که از هموطنان ما به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می‌کنند و در آن جابه دست آمریکایی‌ها کشته می‌شوند، نزد پروردگار از جایگاه یک شهید برخوردارند؟

پاسخ

اگر در سفر آن‌ها خوف ضرر عظیم یا خطر مرگ وجود نداشته و عبور از مرز کشور بر خلاف قانون جمهوری اسلامی ایران نباشد، می‌توان گفت که اجر شهید دارند، زیرا طبق نظر حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظّم رهبری، و سایر مراجع عظام عمل کردن بر خلاف قانون نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، شرعاً جائز نبوده و حرام می‌باشد. چنانچه رفتن به زیارت عتبات عالیات، با توجه به روایات مؤکّد و زیاد در این خصوص، بر خلاف فتاوای مراجع عظام تقلید بوده، نیز بر خلاف مقرّرات نظام باشد، جائز نمی‌باشد. در صورتی که بر خلاف مقرّرات باشد نماز آن‌ها در این سفر و سفرهای شبیه به آن، تمام و کامل می‌باشد، زیرا سفر معصیت می‌باشد که در رساله‌های عملیه، دستور به خواندن نماز کامل در سفر معصیت داده شده است.(۱) زائرانی که سفرشان بر خلاف مقررات نبوده و خوف ضرر عظیمی نمی‌داده‌اند و به زیارت عتبات عالیات رفته‌اند، اگر اتفاقاً به دست جنایتکاران کشته شوند، مظلوم هستند و ثواب عظیم دارند. پی نوشت‌ها: ۱. دفتر مقام معظم رهبری در قم، استفتاء تلفنی.

در حالی که می دانیم نبش قبر در اسلام جائز نیست، چ_jاستخوان‌های شهدای جنگ تحمیلی را بیرون می آورند و تشییع می کنند؟

پرسش

در حالی که می دانیم نبش قبر در اسلام جائز نیست، چرا استخوان‌های شهدای جنگ تحمیلی را بیرون می آورند و تشییع می کنند؟

پاسخ

اگر میتی یا شهیدی را دفن کرده باشند، نبش قبر او حرام است، ولی در مواردی نبش قبر جائز است، از جمله آن که میت بی غسل یا بی کفن دفن شده باشد، یا بفهمند غسلش باطل بوده، یا به دستور شرع کفن نشده، یا در قبر، او را رو به قبله نگذاشته‌اند. نیز اگر در زمین غصبی دفن شده باشد، یا در جایی که بی احترامی به او است، دفن شده باشد.(۱) در مورد شهدای جنگ تحمیلی باید توجه داشت: اوّلاً آنان دفن نشده‌اند تا آوردن آن‌ها از مناطق جنگی نبش قبر باشد. ثانیاً اگر چه شهدا غسل و کفن نیاز ندارند، اما خواندن نماز بر آن‌ها واجب است و بر آن‌ها نماز میت می خوانند. ثالثاً برای زدودن ابهام لازم است با بررسی‌های لازم وضع مفقود الاثر یا مفقود الجسد.....را روشن نموده ...خانواده‌های آنان را از سردرگمی Ș...ЉșƠآورد. پی نوشت‌ها: ۱. توضیح المسائل مراجع،

ج ۱، مسئله ۶۴۳.

چرا به کسانی که اکنون در عراق توسط نیروهای آمریکایی کشته می شوند، شهید اطلاق نمی‌شود اما به افرادی که در فلسطین کشته می شوند، شهید می گویند؟

پرسش

چرا به کسانی که اکنون در عراق توسط نیروهای آمریکایی کشته می شوند، شهید اطلاق نمی‌شود اما به افرادی که در فلسطین کشته می شوند، شهید می گویند؟

پاسخ

از دیدگاه قرآن و روایات به کسی که در راه خدا در معرکه جنگ کشته شود، شهید گفته می شود. کسانی که به قصد تقرّب و نزدیکی به خدا و انجام تکلیف دینی و اطاعت از پیامبر یا امام از شهر و خانه خود" هجرت "نمایند و کشته شوند یا به مرگ طبیعی و یا حادثه‌ای از دنیا بروند؛ مشمول عنایت‌ها و لطف و رحمت‌های ویژه‌ای می‌شوند. قرآن کریم، هر کجا این بحث را مطرح نموده، قید" فی سبیل اللّه "را آورده، یعنی مرگی ارزشمند است که" در راه خدا "و به خاطر اطاعت از فرمان او باشد. ماهیت قیام مردم فلسطین به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های اخیر روشن است. مردم با شعارهای اسلامی و با تمسک به قرآن، به دفاع از سرزمین اسلامی خویش می پردازند و کشته می شوند. کشته شدگان از نگاه روایات شهیدند. امام صادق(ع) فرمود": مَن قتل دون ماله فهو شهید؛ کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان و متجاوزان ایستادگی کند و کشته شود، شهید است.("۱) البته مقصود آن است که پاداش شهید دارند یا مقصود شهید به معنای عام هر فردی یا گروهی با انگیزه الهی و دفاع از حق، با متجاوزان خارجی و ستم پیشه گان وابسته و مزدور داخلی، مخالفت و مبارزه کند و کشته شود، شهید است. مکان مهم نیست، انگیزه ملاک است. به بیان دیگر: حُسن فاعلی(نیت) و حُسن فعلی (شکل و ساختار عمل به فرمان خدا)، ملاک ارزشمندی و فضیلت عمل است. در مورد عراق به برخی از کشتگان مانند آیت اللّه حکیم شهید اطلاق شده است، امّا این که در برخی موارد به کشته شده گان شهید اطلاق نمی‌شود، به چند جهت است: ۱- دشمنان امروز ایران را به دست داشتن در حوادث عراق متّهم می کنند و برای این که بهانه جویی به دست دشمن داده نشود، در مواردی از کاربرد الفاظ خاصی مانند شهید خودداری می شود. در این موارد انگیزه سیاسی مطرح است. ۲- برخی از کشته گان بی آنکه قصد مبارزه با آمریکا داشته باشند، در بمباران‌ها و حوادث مختلف کشته می شوند. ۳- گروه‌های مختلف در عراق مبارزه می کنند که انگیزه برخی (مانند طرفداران صدام یا القاعده) در راه اسلام نیست. ۴- برخی از کشتگان معلوم نیست توسط چه کسانی کشته می شوند و هدفشان چیست. در پایان اینکه در عراق امروز دو جبهه کاملاً متمایز و مشخص که یکی اسلام و حق باشد، و دیگری کفر و باطل، وجود ندارد، بلکه گروه‌ها و اهداف شناخته شده و ناشناخته وجود دارند. پی نوشت‌ها: ۱. شیخ عباس قمی، سفینهٔ البحار، جلد اوّل، ماده شهد، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۰۸.

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

پرسش

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

پاسخ

شهادت به معنی حاضر بودن و گواهی دادن است و در فرهنگ دینی ما مسلمانان، به کشته شدن در راه خدا اطلاق شده است. اهل لغت گفته اند: کشته شدگان در راه خدا را از آن روی شهید گویند که فرشتگان رحمت در صحنه شهادت حضور می یابند، یا بدان سبب که خدا و رسول (ص) بهشتی بودن او گواهی می دهند یا این که در قیامت همراه انبیا بر امت های دیگر گواهی می دهند یا این که شهید زنده و حاضر است.(۱) واژه شهید به معنای جان باخته در راه خدا یکی از مقدّس ترین واژگان در قاموس دینی مسلمانان است. فیض شهادت چنان ارزشمند است که اولیای دینی همواره از خداوند آرزوی آن را داشته اند. روایات بسیاری دربارهٔ شهادت و جایگاه شهید آمده، از آن جمله: شهادت برترین مرگ است. قطره خون شهید، نزد خدا از بهترین قطرات است. شهادت موجب آمرزش گناهان می شود. شهید از سؤال قبر مصون است و فشار قبر ندارد. شهید حق شفاعت دارد. شهدا اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند و همه به مقام شهیدان غبطه می خورند.(۲) ارزش و والای شهید در قرآن بیان شده: "مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده اند، مردگانند، بلکه زنده اند و نزد خدایشان روزی می خورند."(۳) چون شهید با ایثار والاترین گوهر خود در راه خدا گام برداشته، خدا حداقل پاداش او را بهشت برین قرار داده، شهادت به مثابه کلیدی است که با آن می توان به بهشت رضوان رسید. خداوند وعده داده است پاداش مجاهدت و ایثار شهیدان بهشت باشد.(۴) بر اساس آیات و احادیث معصومین(ع)، شهیدان گناهانشان آمرزیده می شود و پاداش بذل جان در راه خدا را با جای گرفتن در بهشت برین دریافت می دارند. این پاداش الهی برای جان نثاران راه خدا می باشد.(۵) در واقع شهید با نثار جان، با ارزش ترین عنصر وجودی خود را در راه خداوند داده، در این حال تنها بهشت می توان پاسخ و پاداشی برای آن باشد، پس بی قید و شرط داخل بهشت می شود. پی نوشت ها: ۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۰. ۲. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱. ۳. بقره (۲) آیهٔ ۱۵۴. ۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۸۷ و ۱۸۸. ۵. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

پرسش

چرا شهادت در راه خدا کلید بی قید و شرط بهشت است؟

پاسخ

شهادت به معنی حاضر بودن و گواهی دادن است و در فرهنگ دینی ما مسلمانان، به کشته شدن در راه خدا اطلاق شده است. اهل لغت گفته اند: کشته شدگان در راه خدا را از آن روی شهید گویند که فرشتگان رحمت در صحنه شهادت حضور می یابند، یا

بـدان سـبب که خـدا و رسول (ص) بهشتی بودن او گواهی می دهنـد یـا این که در قیـامت همراه انبیا بر امت های دیگر گواهی می دهند یا این که شـهید زنده و حاضـر است.(۱) واژه شـهید به معنـای جان باخته در راه خـدا یکی از مقـدّس ترین واژگان در قاموس دینی مسلمانان است. فیض شهادت چنان ارزشمند است که اولیای دینی همواره از خداوند آرزوی آن را داشته اند. روایات بسیاری دربارهٔ شـهادت و جایگاه شـهید آمده، از آن جمله: شـهادت برترین مرگ است. قطره خون شـهید، نزد خدا از بهترین قطرات است. شهـادت موجب آمرزش گناهـان می شود. شـهید از سؤال قبر مصون است و فشـار قبر نـدارد. شـهید حق شـفاعت دارد. شـهدا اولین کسـانی هسـتند کـه وارد بهشت می شونـد و همه به مقـام شـهیدان غبطه می خورنـد.(۲) ارزش و والای شـهید در قرآن بیـان شـده: "مپندارید آنان که در راه خـدا کشـته شده اند، مردگانند، بلکه زنده اند و نزد خدایشان روزی می خورند."(۳) چون شهید با ایثار والاترین گوهر خود در راه خدا گام برداشـته، خدا حداقل پاداش او را بهشت برین قرار داده، شهادت به مثابه کلیدی است که با آن می تـوان به بهشت رضوان رسـید. خداونـد وعـده داده است پـاداش مجاهـدت و ایثـار شـهیدان بهشت باشـد.(۴) بر اسـاس آیـات و احادیث معصومین(ع)، شهیدان گناهانشان آمرزیده می شود و پاداش بذل جان در راه خدا را با جای گرفتن در بهشت برین دریافت می دارند. این پاداش الهی برای جان نثاران راه خدا می باشد.(۵) در واقع شهید با نثار جان، با ارزش ترین عنصر وجودی خود را در راه خداونـد داده، در این حال تنها بهشت می توان پاسـخ و پاداشـی برای آن باشـد، پس بی قیـد و شـرط داخل بهشت می شود. پی نوشت ها: ۱. جواد محـدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۰. ۲. جواد محـدثی، همان، ص ۲۸۱. ۳. بقره (۲) آیهٔ ۱۵۴. ۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۸۷ و ۱۸۸. ۵. جواد محدثی، همان، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.

سربازانی که در حین مأموریت در برابر اشرار کشته می شوند، آیا حکم شهید را دارند؟ آیا می توان آنان را شهید نامید؟

پرسش

سربازانی که در حین مأموریت در برابر اشرار کشته می شوند، آیا حکم شهید را دارند؟ آیا می توان آنان را شهید نامید؟

پاسخ

شهادت در فرهنگ اسلام دو معنای متفاوت دارد: ۱ – معنای خاص. ۲ – معنای گسترده و عام. معنای خاص، کشته شدن در معرکه جنگ در راه خـدا است که احکام خاص در فقه اسـلامی دارد، از جمله عـدم نیاز شـهید به غسل و کفن، بلکه با همان لباس خونین دفن می‌شود. معنای وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود، یا بمیرد، مانند سربازی که در درگیری با اشـرار و یا با منافقان به درجه رفیع شـهادت رسـیده است. هر کس در حین انجام وظیفه به هر صورت از دنیا برود"، شهید "است. در روایات اسـلامی آمـده است که چنـد گروه شـهید از دنیا می‌رونـد: ۱ – از پیـامبر گرامی (ص) نقـل شـده": کسـی کـه در طریق تحصـیل علم از دنیا برود، شـهید مرده است. ("۱) ۲ – حضـرت علی (ع) می‌فرمایـد": کسـی که در بستر از دنیا رود، اما معرفت حق پروردگار و معرفت واقعی پیامبر (ص) او و اهلبیتش (ع) را داشـته باشد، شهید از دنیا رفته است. ("۲) ۳ – در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می‌خوانیم": کسـی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان ایسـتادگی کند و کشـته شود، شهید است. ("۳) همچنین کسان دیگری که در مسیر حق کشته می‌شوند یا می‌میرند. پی نوشت ها : ۱ – سفینهٔالبحار، ج۱، ماده" شهید "ص ۷۲۰ چاپ قدیم. ۲ – نهج البلاغه، خطبه ۱۹، آخر خطبه. ۳ – سفینهٔالبحار، ج اول ، ماده" شهد "چاپ قدیم.

چرا یک سری از شهدا پس از شهادت ، بدنشان سالم می ماند، ولی بعضی دیگر فقط استخوان شان باقی می ماند؟!

پرسش

چرا یک سری از شهدا پس از شهادت ، بدنشان سالم می ماند، ولی بعضی دیگر فقط استخوان شان باقی می ماند؟!

پاسخ

پوسیده شدن بدن در قبر یک واقعیت است. اصل طبیعی بر این است که بدن بعد از مردن پوسیده و متلاشی شود. از امام صادق (ع) پرسش شد: آیا بدن انسان در قبر پوسیده می شود، امام (ع) در پاسخ فرمود": آری هیچ گوشتی و حتّی استخوانی باقی نمی ماند مگر این که پوسیده می شود.("۱) بنابراین پوسیده شدن بدن شهدا در قبر مطابق قانون طبیعی است و نشان دهندهٔ نقص و کمی درجهٔ آنان نمی باشد. به عللی که حکمت آن بر ما مخفی و پنهان است، بعضی از اجساد پوسیده نمی شود و بدن در قبر سالم باقی مانده و به صورت معجزه و یا کرامت قلمداد می شود. از احادیث استفاده می شود اسبابی که موجب سالم ماندن اجساد و اشیای همراه میت می شود: ۱ بعضی از اعمال ؛ پیامبر (ص) در حدیث معراج می فرماید": کسی که می خواهد قبرش وسیع باشد، لازم است مسجد احداث کند، و هر کس دوست دارد بدنش در قبر تازه بماند و نپوسد، باید مسجد را جارو کند.("۲) نیز درباره عالم واقعی، شهید، مؤمن و کسی که چهل جمعه غسل جمعه را ترک نکند، گفته شده است. ۲ – دعای پیامبر (ص)؛ رسول خدا (ص) می فرماید": در نماز بر جنازه فاطمه بنت اسد] مادر امیرالمؤمنین (ع)[از خدا خواستم که کفن فاطمه بنت اسد را تا ورود به بهشت از پوسیده شدن حفظ کند که خداوند قبول فرمود.("۳) شهادت در راه خدا؛ ۳ – گویند موقعی که شاه اسماعیل صفوی به کربلا مشرف شد و شنید که بعضی از مردم درباره" حرّبن یزید ریاحی "سخنان ناروایی می گویند، سر قبر وی آمد و دستور داد قبر او را نبش کردند، پس از نبش قبر دیدند که گویا حرّ خواب است و به همان حالتی که شهید شده بود، میان قبر قرار دارد. (۴) مرحوم مجلسی دربارهٔ انبیا و امامان می فرماید": روح و جسمشان پس از مرگ به آسمان عروج می کند و در آن جا در نعمت به سر می برند.(۵) پی نوشت ها : ۱ – محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۷، ص ۴۳، ح۲۱. ۲ – همان، ج۸، ص ۱۴۴. ۳ – همان، ج۱۸، ص ۶. ۴ – ستارگان درخشان، ج۵، ص ۱۴۶. ۵ – همان، ج۶، ص ۲۵۴.

آیا این فرضیه که می گویند اگر بر سر نماز و یا در مسجد فوت کنی، شهید تلقّی می شوی، درست است، چرا؟

پرسش

آیا این فرضیه که می گویند اگر بر سر نماز و یا در مسجد فوت کنی، شهید تلقّی می شوی، درست است، چرا؟

پاسخ

در مورد پرسش شما روایتی دیده نشد. اما درباره کسانی که خداوند آن ها را در حکم شهید قرار داده و به آن ها فضیلت و پاداش شهید عنایت می فرماید، روایات فراوانی وجود دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می شود. پیامبر اسلام (ص) فرمود": من مات

علی حُبّ آل محمد مات شهیداً؛هر کس با دوستی خاندان پیامبر بمیرد، شهید است.("۱") نیز" من بات علی طهارة ثم مات من لیلة مات شهیداً؛هر کس با طهارت (وضو) بخوابد و همان شب بمیرد، شهید است.("۲") من قتل دون مظلمة فهو شهید؛هر کس در برابر ظلم بایستد و دادخواهی کند و کشته شود، شهید است.("۳") من قتل دون ماله فهو بمنزلة الشهید؛ هر کس برای دفاع از مالش کشته شود، منزلت شهید را دارد.("۴") هر کس برای دفاع از مالش یا جانش یا دینش و یا دفاع از ناموسش کشته شود، شهید است.("۵") حضرت علی (ع) فرمود": المؤمن علی أیّ حال مات و فی ایُّ ساعة قبض ، فهو شهید؛ مؤمن در هر حالی بمیرد و در هر ساعتی جانش گرفته شود، شهید است.("۶") نیز فرمود": هر کس از شما در بستر خویش بمیرد، در حالی که خدا را آن چنان که شایسته خداوند است شناخته باشد، همچنین پیامبر و خاندانش را، شهید از دنیا رفته و اجر او بر خدا است.("۷") شخصی از امام صادق (ع) درخواست کرد که از خداوند برای او دعا کند تا شهادت روزیش شود، امام فرمود": مؤمن شهید است "و این آیه را تلاوت کرد": والذین آمنوا بالله و رُسُله اولئک هم الصدیقون و الشهداء عند ربهم؛(۸) کسانی که ایمان به خدا و رسولش آوردند، ایشان از راستگویان و شهدا نزد پروردگارشان هستند.("۹") امام حسین (ع) فرمود": شیعیان ما راستگویان یا شهدا هستند "زید به ارقم، به امام عرض کرد: چگونه این امر درست است در حالی که شیعیان در بسترشان می میرند، امام فرمود": آیا کتاب خدا را نخواندی که] در آن آمده است" [: کسانی که ایمان به خدا و رسول آوردند، ایشان از صدیقان و شهدا، نزد پروردگارشان هستند.("۱۰") حضرت در ادامه فرمود": اگر شهادت در راه خدا ، فقط برای کسانی بود که با شمشیر کشته می شوند، خداوند (تعداد) شهدا را کم کرده است ، (۱۱) یعنی شهدای در راه خدا بسیار کم می شدند، در صورتی که آیه معنای وسیعی دارد و شامل افراد مؤمن راستگو می شود، همان گونه که در احادیث اشاره شد. امام زین العابدین (ع) فرمود": هر شخصی که در زمان غیبت قائم ما (حضرت مهدی) با ولایت] و محبت [ما از دنیا برود، خداوند اجر هزار شهید مانند شهدای بدر و اُحد را به او عطا خواهد کرد.("۱۲") در روایاتی از پیامبر (ص) آمده است: کسانی که به علّت طاعون، غرق شدن، خراب شدن خانه بر رویشان ، جنینی که درون شکم مادر است و زنی که در دوران بارداری است، از دنیا بروند، همه این موارد شهید هستند.(۱۳) نیز آمده است" : هر کس از خداوند صادقانه شهادت را بخواهد، خدا ثواب و اجر منزلت شهید را به او عنایت خواهد کرد، گرچه کشته نشود.("۱۴") نکته آخر: مقام و فضیلت شهدایی که در جبهه جنگ کشته می شوند، بسیار بالاتر و والاتر است و روایاتی که در مورد غرق شدن و خراب شدن آوار روی انسان و مانند آن است، با توجه به روایات دیگر، در مورد مؤمنان می تواند باشد، نه آنکه به صورت مطلق باشد. پی نوشت ها : ۱ – محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۲، ص ۱۵۱۷، ح۹۸۰۳. ۲ – آثار الصادقین، ج ۱۰، ص ۷۹؛ به نقل از کنزالعمال، ج۱۵، ص ۳۳۷. ۳ – همان، به نقل از فروغ کافی، ج۵، ص ۵۲. ۴ – همان، به نقل از وسائل الشیعه، ج۶، ص ۹۳. ۵ – همان، به نقل از ریاض الصالحین، ص ۵۱۷. ۶ – میزان الحکمه، ج۲، ص ۱۵۱۷، ح۹۸۰۳. ۷ – همان، ح۹۸۰۸. ۸ – حدید (۵۷) آیه ۱۹. ۹ – میزان الحکمه، ج۲، ص ۱۵۱۷، ح۹۸۰۶. ۱۰ – حدید، آیه ۱۹. ۱۱ – میزان الحکمه، ج۲، ص ۱۵۱۷، ح ۹۸۰۵. ۱۲ – همان، ح ۹۸۱۰. ۱۳ – همان، ج ۹۸۰۰ و ۹۸۰۱؛ آثار الصادقین ، ج ۱۰، ص ۷۷ و ۸۰. ۱۴ – میزان الحکمه، ص ۱۵۱۶ ، ح ۹۷۸۷.

کلمه شهید و شهادت به چه معناست؟

پرسش

کلمه شهید و شهادت به چه معناست؟

پاسخ

کلمهٔ «شهید» و «شهادت» از کلمات رایج معمولی است که فقط در مورد بعضی افراد استعمال میکنیم. هر کشته یا مردهای شهید نیست. روزی صدها نفر کشته میشوند و هزارها نفر میمیرند و به آنها شهید نمیگوییم. اطراف کلمهٔ «شهید» را هالهای از قدس و تعالی احاطه کرده است. به کسی شهید گفته میشود که در یک راه مقدس و برای هدفی مقدس جان خود را از دست بدهد.

دلیل اینکه اگر غیرمسلمان در نبرد با دشمنان خدا کشته شود، شهید گفته نمی شود چیست؟

پرسش

دلیل اینکه اگر غیرمسلمان در نبرد با دشمنان خدا کشته شود، شهید گفته نمی شود چیست؟

پاسخ

هر فرهنگی، معیارها و قانون های خاصّ خود را دارد و واژه ها نیز بر همین اساس، استعمال می شوند. مثلا همین لغت شهید از چنین بار فرهنگی برخوردار است. از آنجا که کار دین انقلاب در انگیزه ها بوده است پس بهترین انگیزه برای کارها را ایمان می داند و شرط قبول اعمال را هم همین ایمان به خدا دانسته است در قرآن آمده است: «مَنْ عمل صالحاً مِنْ ذکراَوْ اُنْثی و هو مؤمن(۱ ؛)هر مرد و زنی که عملی نیکو انجام دهد و(به شرط آنکه) مؤمن باشد به او زندگی طیب عطا می کنیم». می دهد». و این شهید است که حتّی غسل ندارد(۳)و با لباس خویش به خاک سپرده می شود. البته در دیدگاه وسیع قرآن کسانی که نیکو کارند با بدکاران مساوی نیستند امّا هر عملی با میزان های ویژه سنجیده می شود. (بخش پاسخ به سؤالات) ــــــــــــــــ ۱ – سوره نحل، آیه ۹۷. ۲ – سوره توبه. ۳ – اگر در معرکه جنگ شهید شود. ـ۲ـ

اگر روح همه انسان ها زنده و باقی است دیگر حیات امتیازی برای شهداء محسوب نمی شود؟

پرسش

اگر روح همه انسان ها زنده و باقی است دیگر حیات امتیازی برای شهداء محسوب نمی شود؟

پاسخ

حیات شهداء حیات ویژه ای است. تنها بقاء روح نیست که بگوئیم موجود زنده ای است. انسان حیات را برای التذاذ و سعادت می خواهد و لذا اگر کسی با روح باقی در عذاب باشد مطلوب نیست. قرآن سوره اعلی آیه ۱۲ و ۱۳ می فرماید: «لایموت فیها و لایَحیی». کافران در دوزخ چنان در عذابند که نه مرده اند و نه زنده. و می دانیم که اگر زنده نباشند عذابی را درک نمی کنند. پس منظور این است که حیات مطلوبی ندارند و آرزو دارند بمیرند: «و ناروا یا مالکُ لِیَقْضِ علینا ربّک قال انّکم ماکثون»(۱). به مالک

دوزخ می گویند: هر چه عذاب کشیدیم بس است. به خدا بگو جان ما را بگیرد! جواب می دهد مرگی در کار نیست باید در عذاب باشید. پس حیات شهداء نیز حیات ویژه ای است که لازمه آن روزی خوردن نزد خدا و شاد بودن است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ - سوره رخرف، آیه ۷۷. ـ۷ـ

شهیدان در این جهان و جهان آخرت چه مقامی دارند؟

پرسش

شهیدان در این جهان و جهان آخرت چه مقامی دارند؟

پاسخ

شهادت امری افتخار آمیز است و شهید جایگاه مقدسی دارد. اما به راستی شهادت، قداست خود را از چه چیزی گرفته است؟ بسیاری از کشته شدنهاست که" نفله "شدن است. احیاناً به جای اینکه افتخار باشد ننگ است. این جا لازم است توضیح بیشتری بدهیم. می دانیم مرگ و میرها انواع و اقسام دارد : ۱ـ مرگ طبیعی. این نوع مرگها نه افتخار آمیز است و نه سرزنش شونده. ۲ـ مرگی در اثر بیماری مسری مثل وبا، و یا سیل یا زلزله و حوادث طبیعی اتفاق می افتد اینگونه مرگها نیز هیچ افتخاری ندارد. ولی برای انسان مؤمن نوعی بخشش و رحمت الهی است که موجب کاهش گناهان او می شود. ۳ـ مرگ در اثر خودکشی. اینگونه مرگها نفله شدن و هدر دادن خود است و بدترین نوع مرگ است. ۴ـ مرگهایی که پای یک جنایت در کار است و قاتل، شخص مظلومی را بدون هیچ گناهی می کشد. مرگ مقتول نیز در اینجا هیچ افتخاری برای او به همراه ندارد. ۵ـ مرگهایی که" شهادت" است. مرگی شهادت ا ست که انسان با توجه به خطرات احتمالی و یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: ۱ـ در راه خدا باشد. ۲ـ آگاهانه باشد. شهادت به حکم اینکه عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدس است افتخار آمیز و تحسین برانگیز است و تنها مرگی است که از حیات و زندگی بالاتر و بهتر است. مُثل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و نورافشانی است. تا دیگران در این نور که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش ببینند و کار خویش را انجام دهند. آری شهدا شمع محفل بشریتند. اگر این محفل تاریک می ماند، هیچ دستگاهی نمی توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه دهد. شهید اگر در میدان معرکه جان به جان آفرین تسلیم کند، بدون غسل و کفن، با همان تن خاک آلود و جامهٔ خون آلود دفن می شود. مقام شهید در آخرت: در حدیث است که خداوند شفاعت سه طبقه را در قیامت قبول می کند: طبقه انبیاء، بعد از آن طبقهٔ علما، و بعد شهدا. امیرالمؤمنین(می فرماید: خدا شهدا را در قیامت با بهاء و عظمت و نورانیتی وارد می کند که اگر انبیاء از مقابل اینها بگذرند و سوار باشند به احترام اینها پیاده می شوند. از شهید سؤال و جواب قبر و برزخ برداشته می شود. از پیامبر اکرم (علت را پرسیدند؟ پیامبر فرمودند: شهید در زیر برق شمشیری که بالای سرش بود آزمایش خودش را انجام داد و پیشاپیش پاسخ همه پرسشها را داد.

خداوند متعال بهترین راه برای بسیج نمودن مردم و متحد شدن آنان در برابر دشمن را چه می‌داند؟

پرسش

خداوند متعال بهترین راه برای بسیج نمودن مردم و متحد شدن آنان در برابر دشمن را چه می‌داند؟

پاسخ

خداوند متعال برای بسیج مردم و اتحاد آنان در برابر دشمن راه‌هایی را توصیه فرموده است از جمله ۱. چنگ زدن به ریسمان الهی که قرآن اسلام اهل‌بیت و... می‌باشد" ;و همگی به ریسمان خدا]قرآن اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر[چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت]بزرگ خدا را بر خود بیاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن جا برگرفت]و نجات داد. "[...۲. پرستش و ایمان به خداوند یکتا و پرهیز از هر گونه شرک (آل‌عمران ۶۴) ۳. آماده‌سازی تمام نیرو و بهره‌گیری از امکانات و تکنولوژی پیشرفته در برابر دشمنان اسلام" وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لاَ تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَىءٍ فِى سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لاَ تُظْلَمُونَ(;انفال ۶۰) در برابر آن‌ها]دشمنان آن چه توانایی دارید از" نیرو "آماده سازید]و همچنین اسب‌های ورزیده]برای میدان نبرد[تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و]نیز[گروه دیگری غیر از این‌ها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد و هر چه در راه خدا]و تقویت بنیه دفاعی اسلام انفاق کنید، به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد ".۴. تعاون و همکاری در امور مختلف و کارهای نیک و در واقع بسیج همگانی در جامعه اسلامی و پرهیز از گناه (مائده ۲)(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۲۸ـ۳۴; ج ۴، ص ۲۵۰ـ۲۳۴ ;ج ۷، ص ۲۲۱ـ۲۳۴.) همچنین قرآن کریم درباره سبقت در کارهای نیک می‌فرماید]": مؤمنان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند ;و در انجام کارهای نیک پیشی می‌گیرند ;و آن‌ها از صالحانند(".آل‌عمران ۱۱۴) و نیز آیه ۶۱، سوره مؤمنون حدید،۲۱ و... و...

الف بـا توجه به آیه‌ی ۱۵۴ بقره که می‌فرمایـد: و به آن‌ها که در راه خـدا کشـته می‌شونـد مرده نگویید ;بلکه آنان زنده‌اند، ولی شـما نمی‌فهمید ".منظور نفهمیدن چه چیزی است ب فرق بین" شهادت و مرگ طبیعی را بیان کنید؟

پرسش

الف با توجه به آیه‌ی ۱۵۴ بقره که می‌فرماید: و به آن‌ها که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید ;بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید ".منظور نفهمیدن چه چیزی است ب فرق بین" شهادت و مرگ طبیعی را بیان کنید؟

پاسخ

الف یکی از ویژگی‌های مهمّ شهیدان زنده بودن آنان در نزد خداوند متعال است قرآن کریم بر این مطلب تکیه کرده تا آن‌جا که می‌فرماید": هرگز آنان را مرده نپندارید(".آل‌عمران ۱۶۹) منظور از" نفهمیدن در آیه درک نکردنِ حقیقت زنده بودن شهیدان راه خداست زیرا بدون شک جسمشان دارای حیات و زندگی نیست و به گفته امام صادق آن حیات با بدنی است مثالی (=بدنی مجرد از ماده معمولی و همگون این بدن (تفسیر نورالثقلین ابن جمعه حویزی ج ۳، ص ۵۹۹، انتشارات اسماعیلیان)و حیاتی است روحانی

و برزخی با این امتیاز که در قرب رحمت پروردگار متنعم به انواع نعمت‌ها می‌باشند. پس مراد از این زنده بودن و زندگی زنده بودنی است حقیقی نه زنده بودن مجازی و این حیات مختص به مؤمنان است می‌فرماید": وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ; عنکبوت ۶۴) و زندگی واقعی سرای آخرت است اگر می‌دانستند ".از آنجا که نوع انسان‌ها، در چهار دیواری محدودِ عالم مادّه محبوس و زندانی هستند و چیزی که فوق زندگی مادی دنیا باشد را، درک نمی‌کنند، این حقایق را نمی‌توانند بفهمند و فرقی بین شهادت و فنأ نمی‌گذارند.(رجوع کنید به تفسیر المیزان علامه طباطبایی ، ج ۱، ص ۳۴۷، انتشارات اسماعیلیان / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۵۲۱، دارالکتب الاسلامیهٔ) ب ـ واژه" شهادت و" شهید، "به معنای جان باختن در راه خدا و فدایی در راه او، یکی از مقدس‌ترین واژگانِ قاموس دینی است که در قرآن کریم از آن به" مقتول فی سبیل اللّه ، تعبیر شده است در تفاوت" شهادت با مرگ‌های دیگر، گفتنی است مرگ و میرهای اشخاص اقسامی دارد، برخی در اثر بیماری‌ها و یا حوادث و سوانحی مانند سیل و زلزله است در بعضی مرگ‌ها، پای یک جنایت در کار است مانند کشتار حکمرانان و هوس‌بازان و پاره‌ای از مرگ‌ها، خود جنایت است مثل خودکشی‌ها و... و یک قسم نیز مرگ طبیعی است که شخص عمرش به پایان رسیده و به طور طبیعی می‌میرد ;در تمامی این اقسام مرگ افتخارآمیز نیست بلکه در مواردی مثل خودکشی ملامت‌خیز نیز است و در مواردی نفله و تلف شدن به آن اطلاق می‌گردد ;در حالی که" شهادت ، مرگی است که انسان با توجه به خطرات احتمالی یا ظنی و یا یقینی آن فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن" فی سبیل اللّه از آن استقبال می‌کند. رکن دیگر "شهادت ، انتخاب آگاهانه آن است به تعبیر شهید مطهّری شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ‌های اجتماع ـ خاصه اجتماعاتی که دچار کم‌خونی هستند ـ خون جدید وارد می‌کنند... شهید به خون خود، و در حقیقت به تمام وجود و هستی خود ارزش و ابدیت و جاودانگی می‌بخشد.(قیام و انقلاب مهدی (به ضمیمه شهید)، شهید مرتضی مطهری ، ص ۱۰۴ـ۱۰۶، انتشارات صدرا.) قرآن کریم ضمن بیان مقام والای شهیدان در نزد پروردگار، فضیلت‌ها و پاداش‌های خاصی را برای آنان ذکر فرموده که خود می‌تواند فرق مهمّ شهادت با سایر مرگ‌ها باشد ;مثلاـ خود را خریدار و مؤمنان شهادت‌طلب را، فروشنده جان آنان معرفی کرده و بهشت را ثمن و کتب آسمانی را سند این معامله قرار داده است (توبه ۱۱۱)(ر.ک تفسیر نمونه همان ج ۸، ص ۱۴۷.) زنده بودن در نزد خدا و بهره‌مندی از روزی خداوند، در عالم برزخ (آل‌عمران ۱۶۹) یکی دیگر از ویژگی شهدأ است این که مورد مغفرت خدا قرار گرفته (آل‌عمران ۱۵۷) و اعمال‌شان هرگز تباه نخواهد شد (محمد،۴) و خود شهادت کفاره گناهان و ضمانت بهشت می‌باشد (آل‌عمران ۱۹۵) همه این‌ها، اموری است که در مرگ‌های طبیعی یافت نمی‌شود. افزون بر این‌ها، مقام شهدا و شهادت در اسلام به قدری قداست وعظمت دارد که وقتی می‌خواهند مقام کسی یا کاری را بالا ببرند، می‌گویند: مقام فلان شخص (مثل طالب علم برای خدا) برابر است با مقام شهید و یا فلان کار (مثل کار کردن و اداره عائله برابر است با اجر شهید. در واقع مقام شهید، میزان فضایل بزرگ می‌باشد.(اللّهم ارزقنا)

تعریف دقیق شهادت و شهید از نظر شارع مقدس اسلام چیست

پرسش

تعریف دقیق شهادت و شهید از نظر شارع مقدس اسلام چیست

پاسخ

شهادت در فرهنگ دین‌مقدس اسلام به معنای کشته شدن در راه خدا می‌باشد و علت‌نامگذاری چنین کشته شدنی به شهادت به خاطر آن است که شهید در واقع نمرده بلکه زنده و حاضر است چنان‌که قرآن‌کریم می‌فرماید]": ای پیامبر[هرگز گمان مبر آن‌ها که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند ;بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند ("آل‌عمران ۱۶۹) و برخی نیز گفته‌اند کشته شدگان در راه خدا را از آن جهت شهید گویند چون فرشتگان رحمت بر محل شهادت او حاضر می‌شوند شهیدان راه خدا، جایگاه والایی در بهشت دارند و مورد آمرزش و بخشش و رحمت خداوند قرار می‌گیرند.(ر.ک تفسیر نمونه آیةاللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۱۶۸ ـ ۱۷۳، دارالکتب الاسلامیة) (آل‌عمران ۱۵۷ ; نسأ، ۶۹ و ۷۴) شهادت در فرهنگ اسلام دو معنای متفاوت دارد: یکی معنای" خاص و دیگری معنای گسترده و" عام . معنای خاص شهادت همان کشته شدن در معرکهٔ جنگ در راه خداست که احکام خاصی در فقه اسلامی دارد ;از جمله شهید نیاز به غسل و کفن ندارد ;بلکه با همان لباس خونین دفن می‌شود ;اما معنای وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام دادن وظیفهٔ الهی کشته شود و یا بمیرد ;بنابراین هر کس در حین انجام دادن چنین وظیفه‌ای به هر صورت از دنیا برود"، شهید "است لذا در روایات اسلامی آمده است که چند گروه شهید از دنیا می‌روند: ۱. کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود(;سفینهٔ البحار، ج ۱، مادهٔ" شهید.) "۲. کسی که در بستر از دنیا برود، ولی معرفت حق پروردگار و معرف واقعی پیامبر اکرم۹ و اهلبیتش را داشته باشد.(نهج البلاغه خ ۱۹۰، آخر خطبه) ۳. کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمان ایستادگی کند و کشته شود(;سفینهٔ البحار، همان) و همچنین کسانی که در مسیر حق کشته می‌شوند و یا می‌میرند ;بنابراین از همین جا عظمت این فرهنگ اسلامی و گسترش آن روشن می‌شود. بنابراین افرادی که هدف گلولهٔ دشمن قرار می‌گیرند ;ظاهراً شهید محسوب می‌شوند ;هر چند که زمان دادرسی انگیزه‌ها و نیّت‌ها شرط است و بنابر روایات هر کسی شهید راه و یا کشته همان نیّتی که در سر داشته می‌شود.(ر.ک تفسیر نمونه همان ج ۲۱، ص ۴۰۸ / حماسه و عرفان آیهٔ الله جوادی آملی ص ۳۱۳، نشر اسرا.)

شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست ؟

پرسش

شهید کیست و منظور از زنده بودن شهدا چیست ؟

پاسخ

آدمی نوعا در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می‌دهد و غالبا بر آن امررضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می‌گردد. ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود را درراه آرمان الهی خود به کار می‌گیرد. این افراد را نمی‌توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می‌شود در یک سطح دانست از این رو خداوند در قرآن می‌فرماید: «آنانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده نگویید بلکه آنان زنده‌هایی هستند که درنزد پروردگارشان روزی می‌خورند». بقره۱۵۰}[

شرایط اطلاق واژه شهید به افراد چیست؟

پرسش

شرایط اطلاق واژه شهید به افراد چیست؟

پاسخ

آدمی نوعا در پایان زندگی طبیعی و یا در اثر حوادث ناخواسته جان خود را از دست می‌دهد و غالبا بر آن امر رضایت نداشته و مرگ را بالاجبار پذیرا می گردد، ولی شهید (شاهد بر آرمان خود) کسی است که تمام وجود خود را در راه آرمان الهی خود به کار می گیرد. این افراد را نمی‌توان با افرادی که مرگ گریبانگیر آنان می‌شود یک سطح دانست، لذا خداوند در قرآن می‌فرماید: «به آنانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌هایی هستند که در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند»، (بقره، آیه ۱۵۰). هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی‌های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقام شهیدان نزدیک‌تر می‌شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالا می‌برد. اولاً از دیدگاه قرآن کسی که در راه خدا قدم بر دارد و در انجام عمل صالح خود خلوص نیّت داشته و جز خداوند متعال قصد دیگری ندارد و تنها برای رضای خداوند نه مال یا مقام و... کاری را انجام دهد و کشته یا حتی بمیرد شهید محسوب می گردد، (حج / آیات ۵۸ و ۵۹ و نیز نگا: المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۹۹) ثانیا فردی که در راه خدا جان را زنده نگه می‌دارد و جسم را می‌بازد تا جان زنده‌اش زنده‌تر و شکوفاتر گردد، همینکه نیتش خدا باشد در نایل شدن به مقام شهادت برای او کافی است، (آل عمران / ۱۶۹، بقره / ۱۵۴، نساء / ۷۴، توبه / ۱۱۱ و..). و همینکه انگیزه‌ی قتل او مبارزه با حق و حق مداری و خدا و خدا پرستی باشد برای وصول او به این فوز عظیم، بس است، (بقره / ۶۱، آل عمران / ۲۱، ۱۱۲ و.).

آیا شهادت طلبی با توجه به مسئولیت انسان در قبال خانواده اش , یک نوع خودخواهی نیست ؟

پرسش

آیا شهادت طلبی با توجه به مسئولیت انسان در قبال خانواده اش , یک نوع خودخواهی نیست ؟

پاسخ

«شهادت‌طلبی» یک آرمان بزرگ است، در راه ایفای مسؤولیتی بزرگ‌تر از آنچه ذکر کرده‌اید. به علاوه، کسی که هستی خویش را در راه خدا نثار می کند، می‌داند که اداره کننده عالم و آدم خداوند است و برای سرپرستی اهل و عیال و پدر و مادرش به صاحب حقیقی و سرپرست حقیقی امور توکل می کند. افزون بر آن، چه دلیلی وجود دارد که اگر شخصی به شهادت نرسد در انجام این وظیفه موفق است؟ مگر هر آن احتمال رسیدن مرگ نمی‌رود؟شهادت‌طلبی در واقع انتخاب نوع مرگ است؛ یعنی، از مرگ پست به مرگ شریف تن دادن؛ ولی معلوم نیست که زمان آن را جلو اندازد؛ بلکه اجل در وقت خاص خود خواهد رسید.

آیا کسانی که در راه مأموریت کشته می شوند (تصادف) نزد خداوند شهید هستند؟

پرسش

آیا کسانی که در راه مأموریت کشته می شوند (تصادف) نزد خداوند شهید هستند؟

پاسخ

به قول شهید مطهری: مرگ‌هایی که شهادت است در آن مرگ انسان با توجه به خطرات احتمالی یا یقینی فقط به خاطر هدفی مقدس و انسانی و به تعبیر قرآن «فی سبیل‌الله» از آن استقبال کند. شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی‌سبیل‌الله باشد. هدف، مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر این که آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدّس است و از هر گونه انگیزه‌ی خودگرایانه منزّه و مبرّاست، تحسین‌انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقّی می‌شود. در میان انواع مرگ و میرها این نوع از مرگ است که ارزش آن از حیات و زندگی برتر و مقدّس‌تر است(قیام و انقلاب مهدی، به ضمیمه شهید از استاد مطهری). انسانی که با چنین شرایطی به استقبال مرگ می‌شتابد شهید است و اجر شهید را نیز می‌برد. در احکام شهید می‌خوانیم کسی که به امر معصوم(ع) یا نایب او به جبهه برود و در میدان نبرد کشته شود شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن شود»(امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۶). با این حال روایت‌ها و اخباری هست مبنی بر این که اگر کسی بمیرد، در حالی که به دارای محبّت اهل بیت است، شهید از دنیا رفته است، و نیز آمرزیده می‌شود و نیز با ایمان کامل از دنیا می‌رود(تفسیر کشّاف، ج ۳، ص ۴۰۳. این حدیث طولانی است که از حضرت رسول اکرم(ص) نقل شده است). یا در روایتی دیگر از رسول خدا(ص) نقل شده است که حضرت فرمود: مَن عاشَ مداریاً مات شهیداً هر کس طوری زندگی کند که مردم از او آزاری نبینند و در حال مدارای با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است {M(کنزالعمّال، حدیث ۷۱۷۳ و ۷۱۷۱). این گونه روایت‌ها به این موضوع اشاره می‌کند: کسی که با چنین شرایطی از دنیا برود، اجر شهید را می‌برد. ولی حکم شهید را ندارد. یعنی غسل، حنوط، و کفن از او ساقط نمی‌شود، بلکه باید او را غسل داد یعنی احکام اموات را باید درباره او اجرا کرد. در انتهای سخن سفارش می‌کنیم زیارت امین‌الله را هر روز یا هفته‌ای یک بار با توجه و تأمل بخوانید. یکی از قسمت‌های مهمّ این زیارت شریف این عبارت است: ... اللهمّ فاجعل نفسی مطمئنّةً بقَدرِکَ، راضیةً بِقضائک... بارخدایا! پس جان مرا مطمئن و آرام نسبت به سرنوشت قرار بده، و مرا خشنود نسبت به داوریت بگردان {M(حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، ص ۵۷۸). که اشاره دارد خدایا مرا به مقام «رضا» و «خشنودی» برسان تا آن چه به من می‌رسد مرا از توجه به تو باز ندارد.

برخی معتقدند کشته شدگان در زلزله شهید هستند آیا صحت دارد؟

پرسش

برخی معتقدند کشته شدگان در زلزله شهید هستند آیا صحت دارد؟

پاسخ

چند نکته شایان توجه است: ۱. مقام «شهید» و «شهادت» در فرهنگ اسلامی، منحصر به کسانی که در میدان جهان کشته می شوند، نیست؛ هر چند آنان از روشن ترین مصادیق برای این دو واژه هستند. بر اساس روایات و آیات، همه کسانی که عقیده حق داشته، در مسیر حقیقت گام بر می دارند و در همین راه از دنیا می روند در زمره شهدا هستند و اجرشان نه حکم شان(یعنی نیاز به غسل و کفن دارند، تنها ثواب و پاداششان مانند شهدا است) مانند آنان است. برای نمونه روایتی آمده است: «کسی که در راه تحصیل علم از دنیا برود، شهید مرده است» (سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوه، ج ۴، ص ۵۱۳) یا در روایت دیگری آمده است: «اگر کسی با وضو بخوابد و مرگ او در خواب فرا رسد، نزد خداوند شهید است» (همان) همچنین در روایت دیگری آمده است: «هر کس بمیرد و حب آل محمد صلی الله علیه و اله در دلش باشد ، شهید است» حاصل آن که ملاک در اجر شهید داشتن، همان گام برداشتن در مسیر حقیقت و عقیده حق و مردن به همین حال است. ۲. در روایات متعددی، افرادی که زیر آوار می مانند، از مصداق های شهدا دانسته شده اند. از جمله در روایتی آمده است: «پیامبر(ص) در عیادت عبدالله بن رواحه از اصحابشان پرسیدند؟ شهید امت من کیست؟ اصحاب عرض کردند، همان کسی نیست که در راه خدا می جنگد و به دشمن پشت نمی کند تا کشته شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: در این صورت شهدای امت من اندکند! شهید کسی است که شما گفتید و نیز کسی که بر اثر طاعون در گذرد و کسی که بر اثر قولنج بمیرد و کسی که زیر آوار رود یا غرق شود و زنی که بچه اش در شکم او گیر کند بمیرد» (میزان الحکمه، ری شهری، حدیث شماره ۹۸۰۰) ۳. بلاها و مصیبت ها، انواع و اقسامی دارند و هر یک دارای علل و حکمتی هستند. حتی گاه یک مصیبت جمعی برای هر فردی حکمتی متفاوت از دیگری دارد. امتحان و ابتلای بنده، پی آمد برخی گناهان، پی آمد عدم مراقبت از خویش، قهر الهی، پاک شدن گناهان و ... از جمله این حکمت ها و علت ها است. (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۴۰) تعیین مورد بسیار کار مشکلی است و جز اولیای الهی_ که آگاه بر اسرارند _کسی قادر به تشخیص قطعی آن نیست. بنابراین، به سادگی نمی توان قضاوت کرد که فلان حادثه برای فلان فرد نعمت است یا رحمت.

شهیدان راه قرآن چه کسانی هستند؟

پرسش

شهیدان راه قرآن چه کسانی هستند؟

پاسخ

تمام کسانی که در راه خدا به مبارزه برخاستند و به شهادت رسیدند، شهیدان راه قرآن نیز محسوب می‌شوند ;در این صورت آوردن نام آن‌ها، در حدّ شمارش نیست لکن در سال چهارم هجری مسلمانانی بودند که به دستور پیامبر اکرم‌برای تبلیغ قرآن به مأموریت تبلیغی رفتند و در این راه به شهادت رسیدند که این گروه یا گروه‌ها، در تاریخ اسلام به شهدای راه قرآن معروف شدند. خلاصهٔ ماجرا این است که گروهی از نمایندگان قبایل" عضل و" قاره ، از در حیله از پیامبر اکرم‌خواستند افرادی را برای تبلیغ قرآن به قبیلهٔ آن‌ها بفرستد ;آن حضرت از باب وظیفه عده‌ای را به فرماندهی" مرثد "همراه نمایندگان قبایل به آن نقاط فرستاد ;اما متأسفانه در بین راه در محلی به نام" هذیل ، با کمک گرفتن از قبیله" هذیل آن‌ها را محاصره کردند که مبلغان چاره‌ای جز دفاع از

خود نداشتندو در نهایت تمام آن‌ها به شهادت رسیدند ;از جمله شهدای راه قرآن" زید بن دثنه" ، خُبیب عدّی و" عبداللّه است (ر.ک فروغ ابدیت آیت اللّه سبحانی ج ۲، ص ۸۱ـ۸۶، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)

آیا حق الناس از شهید بخشیده می شود؟

پرسش

آیا حق الناس از شهید بخشیده می شود؟

پاسخ

همچنان که در ردیف سوم پاسخ به پرسش ۶ یادآوری شد، بدهکاری که از نمونه های حق الناس به شمار می آید، از شهید بخشوده نمی شود. البته همانگونه که در این روایت گفته شده، کفاره حق الناس (از جمله بدهکاری) مجازات و به کیفر رسیدن شهید نیست بلکه این کفاره تنها پرداختن بدهکاری و به طور کلی، ادای حق الناس می باشد. از این رو با مطلب بیان شده در حدیث یاد شده نمی توان این نتیجه را گرفت که پس با شهادت گناهان شهید بخشوده نشده و او همچنان گرفتار عذاب الهی باقی خواهد ماند. بلکه این دین حتما باید پرداخت شود و همین پرداخت، کفاره گناه او محسوب می شود.

شهید به چه کسی گفته می‌شود؟

پرسش

شهید به چه کسی گفته می‌شود؟

پاسخ

در لغت، شهید به معنای کشته شده در راه خدا (قتیل فی سبیل الله)، شاهد گواه و کسی است که هیچ چیز از علم او پنهان نیست و علم او بر همه چیز احاطه دارد. شهید از نام‌های خدا است.{۱} در فرهنگ اسلام، شهادت دو معنای متفاوت دارد: خاص و عام. معنای خاص شهادت، کشته شدن در معرکه جنگ در راه خدا است و احکام خاصی در فقه اسلامی دارد؛ مثلاً شهید نیاز به غسل و کفن ندارد، بلکه با لباس خونین خود دفن شود. معنای وسیع شهادت آن است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود یا بمیرد. بنابراین، هر کس در حین انجام چنین وظیفه‌ای از دنیا برود شهید است. در روایات اسلامی آمده است که چند گروه شهید از دنیا می‌روند: الف) پیامبر گرامی(ص) فرمود: «اذا جأ الموت طالب العلم و هو علی هذا الحال مات شهیداً{;«۲} کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود شهید مرده است. ب) امیر مؤمنان(ع) می‌فرماید: «من مات منکم علی فراشه و هو علی معرفْ حق ربه و حق رسول ه و اهل بیته مات شهیداً{;«۳} کسی که با معرفت حقِ پروردگار و پیامبر او و اهل بیتش در بستر از دنیا برود شهید از دنیا رفته است. ج) امام صادق(ع) فرمود: «من قتل دون ماله فهو شهید{;«۴} کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمین

ایستادگی کند و کشته شود شهید است. د) رسول خدا(ص) فرمود: «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً{؛«۵} هر کس با محبت آل محمد(ص) بمیرد شهید از دنیا رفته است/ [۱].لسان العرب، ج ۷، ماده شهد/ [۲].سفینْ البحار، ج ۱، ماده شهد و بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۶، باب ۱، روایت ۱۱۱/ [۳].نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۰ و شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۱۱/ [۴].سفینْ البحار، ج ۱، ماده شهد/ [۵].کشاف زمخشری، ج ۳، ص ۴۴۶ – ۴۴۷/

دلم می خواهد برای مبارزه با اسرائیل جنایتکار و کمک به مردم مظلوم فلسطین , به آن جا بروم تا دراین راه کشته شوم . آیا کشته شدن در این راه شهادت در راه خدا محسوب می شود؟

پرسش

دلم می خواهد برای مبارزه با اسرائیل جنایتکار و کمک به مردم مظلوم فلسطین , به آن جا بروم تا دراین راه کشته شوم . آیا کشته شدن در این راه شهادت در راه خدا محسوب می شود؟

پاسخ

جهاد در راه خدا یعنی مبارزه با کفاری که به سرزمین اسلامی حمله کرده و خون مسلمانان رامی ریزند و اموال آنان را غارت می کنند. و مسلمانان را آواره و در به در کرده اند, یکی از وظایف واجب الهی است .امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه فرمود <:ان الجهاد باب من ابواب الجنه فتحه الله لخاصۀ اولیائه ,(۱) جهاد دری از درهای بهشت است . خداوند تعالی این در را بروی اولیای خودش باز کرده است > .شکی نیست که اسرائیل غاصب , سرزمین مسلمانان را غصب کده و مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان را تصرف کرده است و باید مسلمانان با همدلی و همیاری دست به دست هم داده , این غده سرطانی را از منطقه مسلمانان ریشه کن کنند. جنگ با یهودیان صهیونیست و احیا است . بنابراین اگر توفیق یار باشد, می توانیم در این بجهه اسلامی علیه کفر بجنگیم و اگر شهادت در راه خدا نصیبمان شد, زهی سعادت . البته شرک ما در این جهاد بستگی به قوانین ومقررات کشورمان دارد و باید از طرف مسولان مربوطه اجازه گرفته شود و بدون هماهنگی و خودسرانه نمی توان به این کار مهم است یازید. خداوند به این نیت خیر, به شما ثواب مجاهدان در راهش را عطا فرماید و از گناهان وتقصیرات همگان در گذرد. (پاورقی ۱ ـ نهج البلاغه , خطبه ۲۷

آیا آرزوی شهادت برای کسی که مسئولیت زن و فرزند بر عهده او است , اشکال ندارد؟

پرسش

آیا آرزوی شهادت برای کسی که مسئولیت زن و فرزند بر عهده او است , اشکال ندارد؟

پاسخ

این مسأله خودخواهی و یا ناقض حقوق خانواده نیست؛ زیرا: اولاً آرزوی شهادت به معنای این نیست که فرد از خدا بخواهد

بلافاصله جانش را بگیرد و زن و بچه‌اش را رها کند؛ بلکه به معنای برگزیدن بهترین نوع مرگ است. به عبارت دیگر همه از دنیا رفتنی هستند؛ اما هنر انسان با ایمان آن است که با بهترین انتخاب از دنیا می‌رود. ثانیا، شهادت به معنای پذیرش مسؤولیتی بزرگ‌تر در برابر مسؤولیت‌های کوچک‌تر است. شهادت خودکشی و مسؤولیت گریزی نیست؛ بلکه انجام رسالت‌های بزرگ‌تر اجتماعی و فداکاری در راه مصالح عالی اسلام و جامعه اسلامی است. شهادت‌طلبی به معنای آن است که در عرصه نیاز جامعه به فداکاری، مصالح شخصی و خانوادگی مانند غل و زنجیر انسان را پای بسته نمی‌کند؛ بلکه انسان شهادت‌جو، مرز و حصار خودیت و دلبستگی و تعلق خانوادگی را پاره می‌کند و در راه آرمان‌های مقدس عاشقانه و بدون اندک درنگ به پیش می‌تازد.

چگونه می شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟ همچنین شهید شدن مقاماتی می خواهد چگونه می توان به این مقام ها راه پیدا کرد؟

پرسش

چگونه می شود در این زمان انسان به مقام شهادت نائل آید؟ همچنین شهید شدن مقاماتی می خواهد چگونه می توان به این مقام ها راه پیدا کرد؟

پاسخ

هر اندازه انسان از نظر تقوا و عفاف و قطع وابستگی‌های دنیوی و دلبستگی به خدا و آخرت فراتر رود به مقامشهیدان نزدیک‌تر می‌شود. از طرف دیگر عشق راستین به جهاد و شهادت در راه خدا انسان را تا مقام شهادت بالامی‌برد.{J

چگونه باید باشیم تا شهادت نصیب ما شود؟

پرسش

چگونه باید باشیم تا شهادت نصیب ما شود؟

پاسخ

در «شهادت» جنسیت و زن و مرد بودن مطرح نیست. شهادت درجه‌ای است که خداوند عالم نصیب افرادی می‌کند که قابلیت آن را داشته باشند؛ یعنی، واقعا اهل تقوا بوده و عاشقانه آن را طلب کنند. البته در بعضی از روایات آمده است که: زن و مرد با ایمان اگر نیت کار خیری را داشته باشند، هر چند در خارج موفق به آن عمل نشوند ثواب آن را در نامه عمل آنها می‌نویسند. از آن جایی که شما نیز طالب شهادتید، خداوند ثواب آن را به شما خواهد داد.در روایت دیگری نیز آمده است: فرد مؤمن (چه زن و چه مرد) اگر در بستر بیماری هم بمیرد، در زمره شهدا محسوب خواهد شد.{

منظور از باقیاتُ الصالحات چیست؟

پرسش

منظور از باقیاتُ الصالحات چیست؟

پاسخ

مفسّران قرآن مجید در تفسیر باقیات صالحات، احتمالات متعددّی ذکر کرده‌اند که به پنج نمونه از آنها اشاره می کنیم الف منظور، نمازهای پنجگانه روزانه است؛ زیرا هم عملی صالح و شایسته است و هم ماندگار. نماز در هر خانه و اداره جامعه و کشوری اقامه شود، آن را آباد می کند و از هر کجا رخت بر بندد، آنجا ویران خواهد شد. (تفسیر جوامع الجامع۲/۳۶۷) ب مراد از « باقیات صالحات » ذکر شریف « سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا الهَ الّا اللّهُ وَ اللّهُ اکْبَرْ» (ترجمه تفسیرالمیزان ۲۶/۱۸۷) [خداوند پاک ومنزّه ازهر عیب و نقصی و متّصف به هر صفت کمال است؛ چنین خداوندی شایسته حمدو ستایش است. حال که او هیچ عیب و نقصی ندارد و تمام صفات کمالیّه را واجد است ، تنها او شایسته پرستش است و هیچ معبودی جز او ، شایسته عبادت نیست . خداوندی که بالاتر از تو صیف ما و بالاتر از فکرو اندیشه ماست.

واژه شهید در قرآن به چه مفهومی است و منظور آیه به انبیا و صالحین وشهدا نعمت داده شده چیست ؟

پرسش

واژه شهید در قرآن به چه مفهومی است و منظور آیه به انبیا و صالحین وشهدا نعمت داده شده چیست ؟

پاسخ

واژه شهید در قرآن نه به صورت جمع و نه به صورت مفرد بر مقتول در راه حق اطلاق نشده است . در قرآن ۳۵ مرتبه کلمه شهید به کار رفته است که هیچ یک از آن موارد درباره مقتول در راه حق نیست . و ۲۰ بار کلمه ((شهدا)) استعمال شده است که ۱۷ مورد آن ظهور در شهادت دادن در مسایل دنیوی دارد و در سه مورد دیگر گر چه در اولین نظر، خواننده ممکن است آن را بر شهدا اصطلاحی حمل کند اما با تحقق بیشتر و مراجعه به تفسیر همگی ظهور در مساله شهادت دادن دارند .چنان که علامه طباطبایی مراد از شهدا در آیه ۶۹ سوره نسا راگواهان اعمال می داند و می فرماید : شهید در قرآن به گواهان اعمال مردم گفته می شود نه شهیدان میدان جنگ; .

مشورت

مشورت از دیدگاه قرآن چه جایگاهی دارد؟ پرسش

اشاره

مشورت از دیدگاه قرآن چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

در چند آیه از قرآن مجید دستور به مشورت داده شده است. در آیهٔ ۱۵۹ آل عمران خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که با مسلمانان در امور مهم مشورت کند. «وَ شاوِرْهُمْ فِی الْاَمْرِ». و در آیهٔ ۳۸ سورهٔ شوری، هنگام بیان اوصاف برجستهٔ مؤمنان راستین می‌فرماید «وَالَّذینَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمْ وَ اَقامُوا الصَّلوةَ وَ اَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ» [آنها کسانی هستند که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده(و ایمان آوردند) و نماز را بر پا داشته و کارهایشان با مشورت درمیان آنها صورت می گیرد.] همان گونه که ملاحظه می کنید در این آیه، مسألهٔ شورا در ردیف ایمان به خدا و نماز قرار گرفته که بیانگر اهمیّت فوق‌العاده آن است. گاه گفته می‌شود مأمور شدن پیامبر(ص) برای مشورت با مردم تنها به خاطر احترام به شخصیت مسلمانان و شرکت دادن آنها در مسائل اجتماعی بوده، زیرا تصمیم گیرندهٔ نهایی شخص پیامبر(ص) بوده است نه شورا، چنانکه قرآن در پایان آیه مشورت می‌فرماید «فَاِذا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللهِ» [هنگامی که تصمیم گرفتی(قانع باش و) بر خدا توکل کن.] ولی مسلّم است که منظور از ذیل آیه این نیست که پیامبر (ص) با مردم مشورت کند و بعد نظرات آنها را نادیده گرفته و راه دیگری را پیش گیرد، چنین کاری نه با هدف آیه سازگار است (زیرا سبب بی احترامی به افکار عمومی و درنتیجه رنجش مسلمانان می‌شود و نتیجه معکوس میبخشد) و نه با تاریخ پیامبر میسازد، چرا که در حوادث مهم، هنگامی که مشورت می کرد، به نظریّه مردم مسلمان احترام می گذاشت و حتّی گاه نظر مبارک خود را نادیده می گرفت، تا اصل مشورت در میان آنها تقویت گردد. قابل توجه اینکه آیهٔ مشورت با توجه به آیات قبل و بعد آن، ناظر به غزوهٔ«اُحُد» است و می‌دانیم در داستان احد، پیامبر(ص) موافق به خارج شدن لشگر از شهر نبود، ولی چون نظر اکثریّت مسلمانان بر این امر قرار گرفت، موافقت فرمود. و به فرض که این آیه برای پیامبر(ص) چنین ویژگی را قائل شود که مشورتش با مردم جنبهٔ تشریفاتی داشته باشد، ولی آیه«سوره شوری» که دستور عام مسلمین را بیان می کند، کاملاً بیانگر این مطلب است که باید کارهای مهم در میان مسلمین با نظر شورا انجام پذیرد، و شورا نقش تعیین کننده دارد. به هر حال شورا در محدوده‌ای که در بالا بیان شد یک اصل اساسی در اسلام است. تعبیر به «امر»، اشاره به کارهای مهم، مخصوصاً مسائل مورد نیاز جامعه است و این واژه چنان مفهوم گسترده‌ای دارد که تمام امور مهم سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی را در بر می گیرد.

از دیدگاه روایات، مشورت چه جایگاهی دارد؟ پرسش

اشاره

از دیدگاه روایات، مشورت چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

در احادیث اسلامی، چه احادیثی که از شخص پیامبر(ص) نقل شده یا از پیشوایان معصوم دیگر، اهمیّت فوق‌العاده‌ای برای این امر ذکر شده ، تا آنجا که در حدیث نبوی معروف به عنوان یکی از اسباب حیات جامعه و ترک مشورت یکی از اسباب مرگ جامعه معرّفی شده است، می‌فرماید «اذا کانَ اُمَرائُکُمْ خِیارَکُمْ وَ اَغْنِیائُکُمْ سُمَحائَکُمْ وَ اَمْرُکُمْ شُوری بَیْنَکُمْ فَظَهْرُ الاَرْضِ خَیر لَکُمْ مِنْ بَطْنِها، وَ اذا کانَ اُمَرائُکُمْ شِرارَکُمْ وَ اَغْنیائُکُمْ بُخَلائُکُمْ وَ لَمْ یَکُنْ اَمْرُکُمْ شُوری بَیْنَکُمْ فَبَطْنُ الاَرْضَ خَیْر لَکُمْ مِنْ ظَهْرِها» (تحف العقول) [هنگامی که زمامداران شما نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان و کارهایتان به مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است،(و شایسته حیات و زندگی هستید) ولی هر گاه زمامدارانتان بدان شما و ثروتمندانتان افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید، در این صورت زیرزمین از روی آن برای شما بهتر است.] اهمیّت مشورت تا آن پایه است که علی(ع) فرمود «اَلا اِسْتِشارَةُ عَیْنُ الْهِدایَهِ، وَ قَدْ خاطَرَ مَنْ اسْتَغْنی بِرَأْیِهِ» (بحارالانوار ۷۵/۱۰۴) [مشورت، عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود قناعت کند خویشتن را به خطر انداخته است.] در حدیث دیگری از همان حضرت(ع) می‌خوانیم «لایَسْتَغْنَی الْعاقِلُ عَنِ الْمُشاوَرَةِ» (غرر الحکم) [انسان عاقل خود را بی‌نیاز از مشورت نمی‌بیند.] دلیل آن هم روشن است ، و آن به تعبیر زیبایی که در بعضی از روایات از علی(ع) در این زمینه وارد شده است چنین است «حَقَّ عَلَی الْعاقِلُ اَنْ یُضیفَ اِلی رَأْیِهِ رَأیَ الْعُقَلاءِ وَیَضُمَّ اِلی عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُکَماءِ» (غررالحکم) [سزاوار است که عاقل، رأی و فکر سایر عقلا ـ را به رأی و فکر خود اضافه کند و علوم دانشمندان را به علم خود ضمیمه نماید و از مجموع آنها برای کارهای مهم تصمیم گیری کند.] و در حدیث دیگری از همان حضرت(ع) آمده است«مَنْ شاوَرَ ذَوِی الْعُقُولِ اِسْتَضاءَ بِاَنْوارِ الْعُقُولِ» (غررالحکم) [هر کس با خردمندان مشورت کند، از نور خرد آنها روشنی می گیرد.] بنابراین مشورت سبب افزودن عقل و علم و تجربه دیگران بر عقل علم و تجربه خویش است که در این صورت انسان کمتر گرفتار خطا و اشتباه می‌شود. احادیث در این زمینه بسیار فراوان است و این بحث فشرده را با حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص)، و حدیثی از علی(ع) پایان می‌دهیم. پیامبر اکرم(ص) فرمود «لامُظاهَرَةَ اَوْثَقُ مِنَ الْمُشاوَرَهِ» (بحارالانوار ۷۵/۱۰۰) [هیچ پشتیبانی و یاوری محکمتر از مشورت نیست.] و علی (ع) می‌فرماید «شاوِرْ ذَوِی الْعُقُولِ تَأْمَنُ مِنَ الزَّلَلِ وَالنَّدَم» (غررالحکم) [با خردمندان مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان بمانی!]

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی شایستهٔ مشورت معرفی شده‌اند؟ پرسش

اشاره

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی شایستهٔ مشورت معرفی شده‌اند؟

پاسخ

بی شک طرف مشورت انسان، مخصوصاً در امور مهمّه و مسائل حساس اجتماعی، هر شخص نمی‌تواند باشد، بلکه باید دارای صفات ویژه‌ای باشد که او را صالح برای این کار کند، به همین دلیل در روایات اسلامی، گروهی به عنوان «افراد شایستهٔ مشورت» معرّفی شده‌اند امام صادق(ع) در حدیثی می‌فرماید «اِنَّ الْمَشْورَةَ لا تَکُونُ اِلّا بِحُدودِها الْاَرْبَعَهِ ...فَاَوَّلُها اَنْ یَکُونَ الَّذی تُشاوِرُهُ عاقِلاً، وَ الثّانِیُ اَنْ یَکُونَ حُرّاً مُتَدَیِّناً وَالثّالِثُ اَنْ یَکُونَ صَدیقاً مُؤاخِیاً، وَ الرّابِعُ اَنْ تُطْلِعَهُ عَلی سِرِّکَ فَیَکُونَ عِلْمُهُ بِهِ کَعِلْمِکَ» [...مشورت تنها

با چهار شرط سودمند است، نخست اینکه مشاور تو عاقل باشد، دوّم آزاده و باایمان و سوّم دوست علاقمند و دلسوز باشد، چهارم اینکه او را بر سرّ خود آگاه سازی تا آگاهی او نسبت به موضوع مورد مشورت همچون آگاهی تو باشد.] در حدیث دیگری از علی(ع) می‌خوانیم «خَیْرُ ما شاوَرْتَ ذَوُواالنُّهی وَ الْعِلمِ وَ اُولُوا التَّجارِبِ وَ الْحَزْمِ» (غررالحکم) [بهترین کسی که با او مشورت می کنی صاحبان عقل و علم و کسانی که دارای عقل و تجربه و دور اندیشی هستند، می‌باشد.]

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی غیر شایسته برای مشورت معرفی شده‌اند؟

پرسش

از دیدگاه روایات اسلامی چه افرادی غیر شایسته برای مشورت معرفی شده‌اند؟

پاسخ

در روایات اسلامی شدیداً از مشورت با افراد «بخیل» و «ترسو» و «حریص» و «احمق» نهی شده است، پیغمبر اکرم (ص) به علی(ع) فرمود «یا علی! لا ـ تُشاوِرْ جَباناً فَاِنَّهُ یُضَیِّقُ عَلَیْکَ الْمَخْرَجَ وَ لا تُشاوِرْ الْبَخیلَ فَاِنَّهُ یُقَصِّرُ بِکَ عَنْ غایَتِکَ، وَ لاتُشاوِرْ حَریصاً فَاِنَّهُ یُزَیِّنَ لَکَ شَرَهاً» (بحار ۷۰/۳۴) [ای علی با آدم ترسو مشورت نکن که راه خروج (از مشکلات) را بر تو تنگ می کند و با بخیل مشورت مکن که تو را از (بذل و بخشش بجا و) رسیدن به هدف باز می‌دارد و با حریص نیز مشورت مکن که حرص و آز را برای تو زینت می‌دهد(و تو را به راه خطا می کشاند.] در روایات دیگری از مشورت با افراد احمق و نادان و کذّاب و دروغگو نیز نهی شده است. از آنچه در بالا ـ گفته شد به خوبی استفاده می‌شود که مشاوران ـ مخصوصاً در امور مهم ـ باید افرادی هوشمند، عاقل، خیرخواه، باتجربه، راستگو، امین، شجاع و با سخاوت بوده باشند و از میان رفتن هر یک از این صفات موجب وهن و سستی و تزلزل پایه‌های مشورت می گردد. مثلاً هرگاه مشاور آدم احمق وجاهل باشد، حقایق را در نظر انسان دگرگون می‌سازد و آن گونه که در احادیث وارد شده است اراده می کند به تو نیکی رساند، ولی مایهٔ شرّ می‌شود! و اگر ترسو باشد مانع از اقدام به موقع و قاطعیّت در امور می گردد و هرگاه دروغگو باشد به تعبیر روایات دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور می‌سازد.

آیا هر کس را می‌توان به عنوان مشاور بویژه در کارهای مهمّ و سنگین انتخاب نمود؟ پرسش

اشاره

آیا هر کس را می‌توان به عنوان مشاور بویژه در کارهای مهمّ و سنگین انتخاب نمود؟

پاسخ

خیر، مشورت با کسانی که واجد شرایط نیستند نتیجهٔ معکوس می‌بخشد، و انسان را در تصمیم‌گیریها ضعیف و ناتوان و گمراه می‌سازد. امام صادق(ع) در این باره میفرماید «شورا شرایط و ابعادی دارد، کسی که به آن آگاه باشد، نتیجه می‌گیرد، وگرنه زیان آن برای مشورت کننده بیش از سود آن است نخست این که، طرف مشورت فردی باشد صاحب عقل و خرد دوم این که انسان آزاده و با ایمانی باشد سوم این که دوست و دلسوز و علاقمند باشد چهارم این که آنچنان باشد که اگر او را از سرّ خود آگاه کردی در کتمان آن نهایت دقّت را به خرج دهد. با این شرایط، نتیجه خواهی گرفت؛ زیرا وقتی عاقل و خردمند باشد، از نظراتش بهره‌خواهی گرفت؛ و هنگامی که آزاده و با ایمان باشد، نهایت تلاش را در نُصح و خیرخواهی انجام می‌دهد؛ و هر گاه دوست و دلسوز باشد، اسرار تو را پس از آگاهی، کتمان میکند، و آنگاه که او را از اسرارت آگاه کردی و به تمام جوانب امور همچون خودت آگاهی یافت، مشورت به حدّ کمال می‌رسد و خیرخواهی در سر حدّ اعلا!» (وسائل الشیعه، ج ۲/۱۰۸)

از دیدگاه امام علی(ع) با چه کسانی نباید مشورت کرد؟ پرسش

اشاره

از دیدگاه امام علی(ع) با چه کسانی نباید مشورت کرد؟

پاسخ

امیر مؤمنان علی(ع) مشورت با چند گروه را ممنوع ساخته و به «مالک اشتر» در فرمان تاریخی‌اش تأکید می‌کند «وَ لا تُدْخِلَنَّ فی مَشْوِرَتِکَ بخیلاً یَعْدِلُ بِکَ عَنِ الْفَضْلِ وَ یَعِدُکَ الْفَقْرَ، وَ لا جَباناً یُضْعِفُکَ عَنِ الْاُمُورِ وَلاحَریصاً یُزَیِّنُ لَکَ الشَّرَهَ بِالْجَورِ ـ فَاِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ اَلْحِرْصَ غَرائِزُ شَتّی یَجْمَعُها سُوءُ اَلظَّنَّ بِاللهِ؛» (...نهج البلاغه، بخش نامهها و فرمانها، نامهٔ ۵۳) [هرگز بخیل را در مشورت خود دخالت مده، که تو را از نیکو کاری منصرف کرده و از فقر می‌ترساند و نیز با افراد ترسو و بزدل مشورت نکن که روحیهٔ تو را تضعیف کرده، و از تصمیم‌گیری قاطع باز می‌دارند! همچنین حریص را به مشاوره مگیر، که حرص و ستم را در نظر تو زینت می‌بخشد! زیرا «بخل» و «ترس» و «حرص» تمایلات مختلفی هستند که سرچشمهٔ آنها ، سوء ظن به خداست!]

آیا مشورت که مورد تاکید اسلام است، یک وظیفهٔ اخلاقی است یا الزامی؟ پرسش

اشاره

آیا مشورت که مورد تاکید اسلام است، یک وظیفهٔ اخلاقی است یا الزامی؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال باید به این نکته توجّه داشت که موارد مشورت بر سه گونه است. ۱ـ گاه یک مسأله مربوط به زندگی خصوصی خود انسان است که اصلاح و خرابی آن اثر مهمّی به بار نمی‌آورد. ۲ـ گاه مربوط به مسائل اجتماعی و پستهای کلیدی است، ولی

مسأله‌ای است روشن که همه روزه شخص مدیر یا فرمانده، با آن سرو کار داشته و برنامهٔ مشخصی دارد. ۳ـ مسألهٔ حساس و پیچیده‌ای است که در سرنوشت عموم یا لااقل در سرنوشت گروهی مؤثر است. در صورت اوّل و دوّم ممکن است مشورت با پذیرش نتیجهٔ آن الزامی نباشد و صرفاً به یک دستور اخلاقی باز گردد، امّا بدون شک در قسمت سوّم، هم اصل مشاوره، الزامی است و هم اقدام به نتیجهٔ آن. چرا که بر مدیران و فرماندهان واجب است که به عنوان امانت‌دارانی از سوی خداوند انجام وظیفه کنند و عدم اقدام به مشاوره در این گونه مسائل، یک نوع خیانت به مصالح مسلمین است. از نظر فقه اسلامی، این امانت‌داران باید«غبطهٔ مسلمین» (آنچه به حال آنها اصلح است) را در نظر بگیرند، و هرگز با وجود «اصلح» به سراغ «صالح» یا با وجود«صالح»به سراغ«غیر صالح» نروند، و بدون تردید اقدام به مشاوره با اصل «رعایت غبطه» سازگارتر است. این همان است که امیر مؤمنان علی(ع) در آن گفتار مشهورش به یکی از فرمانداران خود فرمود «وَ أَنَّ عَمَلَکَ لَیْسَ لَکَ بِطُعْمَةٍ وَلکِنَّهُ فی عُنُقِکَ أَمانَةٌ ؛» (... نهج البلاغه، نامهها، نامهٔ شمارهٔ ۵) [این پست وسیلهٔ آب و نان برای تو نیست؛ بلکه امانت خدا است در گردن تو]

بر اساس آیات قرآن آیا در همه امور و شئون اجتماعی باید مشورت کرد یا در پاره ای از آن ها؟ آیا حاکم برای تدبیر و اداره جامعه باید با دیگران به مشورت بنشیند؟

پرسش

بر اساس آیات قرآن آیا در همه امور و شئون اجتماعی باید مشورت کرد یا در پاره ای از آن ها؟ آیا حاکم برای تدبیر و اداره جامعه باید با دیگران به مشورت بنشیند؟

پاسخ

در پاسخ باید گفت: قرآن درمقام بیان این نیست که مشورت در کجا وجوب شرعی و قانونی دارد و رأی اکثریت یا همه مستشاران در کجا حجت است. پس با استناد به اطلاق یا عموم آیات نمی‌توان پاسخ این دو پرسش را یافت. دو آیه مذکور چنان اطلاقی ندارند که بتوان از آن استفاده کرد که مشورت در همه جا واجب است؛ همچنین دارای چنان عمومی‌نیستند که وجوب عمل به رأی اکثریت مستشاران را در همه جا برساند. اگر دلیلی خاص در دست می‌بود که بر وجوب مشورت یا وجوب اطاعت از رأی اکثریت مستشاران دلالت می‌کرد، باید بررسی می‌کردیم که آن دلیلی خاص چه اقتضایی دارد و چه کسانی را به عنوان مستشار می‌شناسد. اما ما نه خود چنین دلیلی در کتاب و سنت یافته ایم و نه شنیده یا خوانده ایم که کسی ادعا کرده باشد که در شرع مقدس اسلام، امری تعبدی در باره موردی خاص، وارد شده است و بر وجوب مشورت یا وجوب پیروی از اکثریت مستشاران در آن مورد دلالت دارد. چون چنین دلیل خاص تعبدی در دست نیست، برای یافتن پاسخ آن دو پرسش باید به عقل رجوع کرد. عقل حکم می‌کند در مواردی که مصلحت لازم الاستیفایی در کار باشد و حاکم جامعه خودش با قطع و یقین آن را نشناسد و شناختن آن جز از راه مشورت، ممکن و مقدور نباشد– یا دست کم، احتمال این که آن مصلحت از راه مشورت بهتر از هر راه دیگری شناخته شود قوی باشد و احتمال این که به طریق دیگری غیر از مشورت بهتر معلوم گردد ضعیف باشد– مشورت واجب است. از سویی نباید یکی از مسائل جامعه اسلامی‌تفویت شود و از سوی دیگر، تنها راه یا بهترین راه شناخت آن مصلحت و شیوه استیفا و تحصیل آن، مشورت است. در چنین وضعی باید با دیگران به مشاوره پرداخت و از آراء و نظرات کار آگاهان مورد اعتماد کمک گرفت و سود جست. این همان حسن عقلی مشورت است. همچنین عقل حکم می‌کند که اگر بر اثر مشورت، حاکم واقع را کشف کرد و مصلحت را به

قطع و یقین شناخت و بهترین راه تحصیل آن را کاملاً ـ دریافت، باید بر طبق قطع و یقین خود عمل کند؛ و اگر پس از انجام یافتن مشورت، خود را دستخوش شک و تردید دید و امر دایر شد بین این که یا یکی از دو طرف شک را برگزیند یا رأی اکثریت مستشاران را— که همه کاردان و محل وثوق اند- رأی اکثریت اعضای شورا را باید ترجیح دهد. اما اگر مصلحت لازم الاستیفایی در کار نباشد یا باشد و حاکم خودش آن را به خوبی بشناسد یا نشناسد اما بهترین راه یا تنها راه شناخت آن مشورت نباشد به حکم عقل مشورت نه فقط وجوب ندارد بلکه اساساً موضع حاجت نیست و به فرض انجام یافتن مشورت،پیروی رأی اکثریت افراد شورا به هیچ روی واجب (و حتی راجح) نیست، مگر این که در موضوعی خاص یک دلیل تعبدی داشته باشیم و گفتیم که از چنین دلیل خاصی اثر و نشانی ندیده ایم.

در چه مواردی بهتر است با دوستان، مشورت کرد؟

پرسش

در چه مواردی بهتر است با دوستان، مشورت کرد؟

پاسخ

مشورت در اسلام اهمیت خاصی دارد. روایات و آیات متعددی، مسلمانان را به این کار ترغیب میکنند ;مثلاً خداوند، در سوره شوری، آیه ۳۸ یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت آنان با دیگران دانسته و میفرماید": وَ الَّذِینَ اسْتَجَابُواْ لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُواْ الصَّلَوَةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَیَ بَیْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَـهُمْ یُنفِقُونَ ; و آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنان صورت میگیرد، و از آنچه به آنان روزی دادهایم، انفاق میکنند ".میدانید که مهم در مشورت موضوع مشورت نیست ;بلکه مهم طرف مشاوره ماست که طبق روایات باید شرایط زیر را داشته باشد: ۱. عاقل ;۲. آزاد و متدین ;۳. دوستی صمیمی ;۴. خبره. اگر طرف مشورت ویژگیهای فوق را داشت، با او میتوان در هر امری (کارهای اجتماعی، اجرایی، شناسایی موضوعات نه احکام الهی) مشورت کرد، ولی اگر دوست این ویژگیها را نداشت، نباید او را در امور مهم طرف مشورت خود قرار دهیم وگرنه زیان او بیش از سودش خواهد بود. در پایان با تشکر از اهتمام و ارتباط شما با این واحد، به عرض میرسانیم، این طرح (پرسش از مخاطبان و پاسخ از سوی مرکز فرهنگ و معارف قرآن) مسابقه نیست ;بلکه این طرح، برای بالا بردن سطح آگاهیهای مخاطبان در زمینهٔ معارف و علوم قرآنی است ;بنابراین، هر زمان هر کسی، پرسش یا شبههای به ذهنش خطور کرد یا در کتاب و مجلهای آن را دید، میتواند آن را با ما در میان گذاشته و پاسخ مناسب را انشأ اللّه دریافت نماید. ضمناً در حال حاضر، با توجه به محدودیت امکانات، ارسال کتاب و... مقدور نیست. به امید استمرار ارتباط شما و دوستانتان با این مرکز.

چرا باید با دیگران مشورت کنیم

پرسش

چرا باید با دیگران مشورت کنیم

پاسخ

برخی دلایل ضرورت مشورت به شرح زیر است ۱. مشورت از طرفی سبب از بین بردن استبداد رأی و از جهت دیگر، موجب کم شدن عیب‌ها و نقص‌ها و تقویت مدیریت می‌شود ;به همین خاطر قرآن کریم به مشورت سفارش فرموده است" وَ أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُم (شوری ۳۸) و کارهایشان از راه مشورت در میان آن‌ها صورت می گیرد" ";.وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَ? مْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّه (آل‌عمران ۱۵۹) و با آنان مشورت کن اما هنگامی که تصمیم گرفتی]قاطع باش و[بر خدا توکل کن " امام علی‌در این‌باره می‌فرماید": کسی که مشورت می کند، از لغزیدن در خطاها مصون می‌ماند(".میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ج ۶، ص ۲۹۰۱، دارالحدیث) ۲. زندگی با مشورت بهتر پیش می‌رود ;پیامبر۶ در این‌باره می‌فرماید": هنگامی که زمامداران شما، نیکان شما باشند و توان‌گران شما، سخاوت‌مندان و کارهایتان به مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته زندگی کردن هستید.) و("...تحف العقول حرانی ، ص ۳۶، جامعه مدرسین) ۳. مشورت که نوعی استفاده از تجربه‌های دیگران است برای راهنمایی و انتخابِ بهترین راه است امام سجاد۷ در این‌باره می‌فرماید": حق کسی که از تو مشورت می‌خواهد این است که اگر عقیده و نظری داری در اختیار او بگذاری و اگر دربارهٔ آن کار، چیزی نمی‌دانی او را به کسی راهنمایی کنی که می‌داند و اما حقّ کسی که مشاور تو است این است که در آن‌چه با تو موافق نیست او را متهم نسازی(" امالی شیخ صدوق ، ص ۳۷۳، کتابخانه اسلامیه) هم چنین پیامبر اکرم‌در این‌باره می‌فرماید": احدی در کارهای خود مشورت نمی کند، مگر این که به راه راست و مطلوب هدایت می‌شود(".میزان الحکمه همان) ۴. مشورت سبب تفاهم و هم فکری در زندگی زناشویی و امور خانوادگی می‌شود ;برای مثال قرآن کریم برای از شیر گرفتن کودک می‌فرماید...": فَإِنْ أَرَادَا فِصَالاً عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلاَ جُنَاحَ عَلَيْهِمَا(;...بقره ۲۳۳)... و اگر آن دو]زن و شوهر[با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند کودک را]زودتر[از شیر بازگیرند، گناهی بر آن‌ها نیست " ..بدیهی است در این مسئله و در همهٔ امورِ زناشویی و خانوادگی اگر با مشورت پیش نرود، نه تنها تفاهم نخواهد بود، بلکه خودسری‌ها پیش می‌آید و زندگی را تلخ می کند ;از این رو، ضرورت مشورت به طور کامل روشن می‌شود. و...(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۳، ص ۱۴۲ـ۱۴۷، دارالکتب الاسلامیهٔ همان ج ۲۰، ص ۴۶۲ ;همان ج ۲، ص ۱۳۱ـ۱۳۵.)

آیا محور مشورت، کوچک و بزرگی و زیادی سنّ است؟

پرسش

آیا محور مشورت، کوچک و بزرگی و زیادی سنّ است؟

پاسخ

معیار مشورت همانا: ۱. آگاهی به موضوع. ۲. دلسوزی. ۳. دارای قوّه ارزیابی(عقل). ۴. ایمان. ۵. تجربه. ۶. کارشناسی می باشد. امّا از آنجا که به طور طبیعی، کسانی که سنّ بیشتری دارند، تجربه زیادتری هم خواهند داشت، اعتماد به سن نیز می تواند یکی از معیار باشد ولی تمامی مطلب نمی باشد. البته در روایتی از علی((علیه السلام))آمده است رأی پیران را بر جنب و جوش جوانان

ترجیح می دهم(۱). (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ - نهج البلاغه، کلمات قصار. ـ۷ـ

دربارهٔ مشورت از نظر معنا و مفهوم توضیح دهید.

پرسش

دربارهٔ مشورت از نظر معنا و مفهوم توضیح دهید.

پاسخ

مشورت در لغت به معنای رایزنی، شور، رأی و تـدبیر است.(۱) مشورت و مشاوره در اموری که بـدان نیاز است، دارای اهمیت فوق العـاده ای می باشـد. در اهمیـت مشـورت همیـن بس که حـتی پیـامبر گرامی اسـلام(ص) مـأمور به آن بودنـد". در کارهـا بـا آن ها مشورت کن(۲") با این که پیامبر کامل ترین انسان ها بود و نیازی به مشورت با دیگران نـداشت، اما مأمور شـد این سـنّت حسـنه را میان مسـلمانان رواج دهد و اوّل خود شـروع کند. پیامبر در بعضـی مواقع از نظر مشورتی افراد اسـتفاده می کرد، چنان که در جنگ بـدر لشـکر اسـلام طبـق فرمـان پیغمـبر می خواسـتند در نقطه ای اردو بزننـد. یکی از یـاران عرض کرد: محلّی را که برای لشـگرگاه انتخـاب کرده ایـد، طبق فرمان خـدا است که تغییر آن جایز نباشـد یا صـلاحدید شـما می باشـد؟ پیامبر فرمود: فرمان خاصـی در آن نیست، عرض کرد: جای مناسبی برای اردوگاه نیست، دسـتور دهید لشـکر از این محل حرکت کند و در نزدیکی آب محلّی انتخاب نماید. پیغمبر نظر او را پسندید و مطابق رأی او عمل کرد.(۳) علت اهمیت مشورت انسان ها از آن جهت به مشورت نیازمندندکه در بیساری موارد در کارهای فردی یا اجتماعی و تصمیم گیری های کلان قادر به اتخاذ شیوه صحیح نیستند، زیرا انسان به تنهایی، نمی توانـد آن قـدر تجربه کسب کنـد که به تمـام امـور آگـاه شـود و چنین فرصـتی را در اختیـار نـدارد، به علاوه وقـتی اولیـای الهی و معصومین مـأمور به مشورت می شونـد، در حـالی که به علوم غیب دسترسـی دارنـد، این موضوع بر مـا لازم تر است. پیـامبر فرمود: "هیچ کس هرگز با مشورت، بدبخت و با استبداد رأی خوشبخت نشده است.(۴") امیر مؤمنان فرمود": کسی که استبداد رأی داشته باشد، هلاک می شود و کسـی که با افراد بزرگ مشورت کند، در عقل آن ها شـریک شده است.(۵") در چه اموری مشورت لازم است؟ انسان در بسـیاری کارها به مشورت نیازمند است. زمامداران و حاکمان اسـلامی و مسـئولان نیز در امور مردم داری و تصمیم گیری هـای بزرگ می بـایست از طریـق مشـورت وارد شونـد که هم به صـلاح خودشـان است و هم به صـلاح مردم. پیـامبر فرمود: "هنگامی که زمامـداران شـما نیکان باشـند و توانگران شـما سـخاوت منـدان و کارهایتان با مشورت انجام پذیرد، روی زمین از زیر زمین برای شـما بهتر است (یعنی شایسـتهٔ حیات وزندگی هستید) ولی اگر زمامدارانتان، بدان و ثروتمندان، بخیل باشـند و در کارها مشـورت نکنیـد، زیر زمین از روی آن برای شـما بهـتر است.(۶") (به درد مردن می خوریـد). در امـور شخصـی زنـدگی هم بـدون مشورت خسارت خواهند دید، مثلاً در تصـمیم گیری هایی چون انتخاب همسـر، شغل، وارد شدن به امور تجارت، قبول مسئولیت و مسائل مربوط به تحصـیل. پی نوشت ها: ۱. فرهنگ معین، ج ۳، ص ۴۱۵۵. ۲. سوره آل عمران (۳) آیهٔ ۱۵۹. ۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴۳. ۴. همان، ص ۱۴۵. ۵. همان. ۶. همان.

هنر و ادبیات

اهمیت هنر در جامعه اسلامی چگونه است ؟ آیا هنرمند مسلمان کم نداریم علت این خلاء چیست ؟ روند بهبود آن چیست ؟

پرسش

اهمیت هنر در جامعه اسلامی چگونه است ؟ آیا هنرمند مسلمان کم نداریم علت این خلاء چیست ؟ روند بهبود آن چیست ؟

پاسخ

هنر در جامعه و فرهنگ اسلامی، از جایگاه رفیعی برخوردار است. دین مبین اسلام، آکنده از هنر است و کتابآسمانی آن، خود بزرگترین آفرینش هنری است. از صدر اسلام تاکنون، هنر به زندگی مسلمانان شادابی و طراوتویژهای بخشیده است. این جاست که غالب انواع هنرهای اسلامی، در ایران پدید آمده و رشد کرده است. البتههنرهایی که در جامعه اسلامی رشد کرده از نظر نوع، محتوا و کیفیت با آنچه در خارج از حوزه اسلامی پدید آمدهمتفاوت است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در ایران، رشد هنری چشمگیری را شاهد بوده و هستیم. در عین حال این بهمعنای رسیدن به حد نهایی و مطلوب نیست و کمبود چشمگیری در این زمینه مشهود است. آنچه در حال حاضر در جامعه ما حائز اهمیت است، استفاده بهینه از هنر و جهت دهی صحیح آن در راستایاهداف اسلام و انقلاب میباشد.{J

چرا قرآن از شعر نکوهش می کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است ؟

پرسش

چرا قرآن از شعر نکوهش می کند با آنکه شعر یکی از هنرهای هفتگانه است ؟

پاسخ

نخست باید به حقیقت شعر رائج در دوران جاهلیت و آغاز طلوع خورشید اسلام توجه نمود , سپس به هدف آیه از نکوهش شاعران واقف گردید . شعر در آن دوران , یک مشت تخیلات بی اساس بود که برای یک سلسله هدفهای پست مادی در قالب نظم ریخته می شد , و به عنوان افتخار و خودستائی , و یا لطمه زدن به آبروی رقیب و تحریک افراد قبیله به جنگ و غارتگری و ۰۰۰ در محافل کوچک و بزرگ خوانده می شد (۱) . زیر بنای این نوع سروده ها را یک سلسله اهداف مادی یا احساسات جنسی و تشویق به جنگ و خونریزی و ۰۰۰ تشکیل می داد . شعر در دوران جاهلیت , تجلیگاه یک سلسله عواطف کاذب انسانی و احساسات پست مادی بود . وسیله ای برای مغازله با ماهرویان ,عشقبازی با زنان و دختران , توصیف چهره و خال و ابرو و چشم معشوقه ها , بدگوئی پشت سرصالحان , ستایش افراد ستمگر , و تملق گوئی و چاپلوسی برای دارندگان زورو زر و مانند آنها به حساب می آمد . ناگفته پیدا است , گوینده ای که محرک و انگیزه او , احساسات سودجویانه و ارضاءغرائز حیوانی باشد , از مواهب معنوی و تربیت صحیح انسانی برخوردار نباشد , هرگزبرای میدان تاخت و تاز شاعرانه خود , حد و مرزی نخواهد شناخت . چنین شخصی درزنده کردن باطل , پنهان ساختن حق , پایمال ساختن بیچارگان , تعرض به نوامیس دیگران , شعله ور ساختن آتش شهوت جوانان , و دهها امور زشت و نکوهیده دیگر ,پروائی نخواهد داشت . براستی , سخن , معرف شخصیت و روشنگر و حیات هر انسان است . کلام – اعم از نثر ونظم – طرز تفکر و ضمیر گوینده را متجلی می سازد . قرآن , درباره چنین شاعران بی

هـدفی که جز تامین منافع مادی و ارضاء نامشـروع احساسات جنسـی و غرائز پست حیوانی , محرک و انگیزه ای ندارنـد , چنین می فرمایـد : و الشـعراء یتبعهم الغـاوون الم تر انهم فی کل واد یهیمون و انهم یقولون مالایفعلون (۲) . تنهـا افراد گمراه از شاعران پیروی می کننـد آیـا نمی بینی که آنـان دربـاره هر چیزی به دروغ سـخن می گوینـد , و آنچه را که می گوینـد عمل نمی کننـد ؟ . از این آیات , کاملا اسـتفاده می شود که هدف قرآن , آن دسـته از شاعران است که براثر نبودن مبانی مذهبی و نگهبان باطنی صفات زیرا را دارند :۱ - رهبری گمراهـان (یتبعهم الغـاوون) . ۲ - گفتـار آنـان را حـد و مرزی نیست . چـه بسـا بـاطل را حق جلوه داده , و احیانـا حق را در نظر مردم , بـد معرفی می کننـد (فی کل واد یهیمون) . ۳ - چون به گفته خود معتقـد نیسـتند , به هنگام عمل , به آنچه می گوینـد عمل نمی کنند . (و انهم یقولون مالا یفعلون) . بـنـابـر ایـن هـر نـوع سـروده ای را که احساسات پاک و شورانگیز گوینـده در آن , از عشق به بیـان حـقـیـقـت , مـبـارزه بـا باطـل و دعوت به کارهای نیک سرچشـمه گیرد , این شـعر وگوینـده آن , مـشـمـول آیـه هـای دیگری خواهنـد بود که دنبال این آیات به عنوان اسـتثناءوارد شـده انـد , چنانکه می فرماید : الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکروا اللّه کثیرا و انتصروا من بعد ماظلموا (۳) ۰ مگر افرادی که به خدا ایمان دارند و عمل نیک انجام می دهند و بسیار خدا را یادمی کنند و در برابر ستمی که کشیده اند , دادخواهی می کنند . ناگفته پیدا است که هر گوینده و سراینده ای که زیر بنای افکار و سـخنان او راایمان به خدا , عمل صـالـح , یـاد خدا , و انتقام از سـتمگران تشـکیل دهد ; در اشعارو گفتار وی جز حکمت , موعظه , ترویـج حق , و نابود ساختن باطل , چیزی پیدانمی شود . از ایـن نـظر , پیامبر عالیقدر اسـلام صـلی اللّه علیه و آله دربـاره این دسـته از شـعرافرموده است : ان من الشـعر لحکمه . پاره ای از شـعرها دانش و حکمت است (۳۴) . و لـذا هنگامی که از حضـرت صادق علیه السـلام درباره معنی آیه مورد بحث سوال شد ,امام فرمود : مـقـصـود , داسـتـان سـرایـان دوران جاهلیت هستند که به عنوان سرگرمی نادرست اشعاری را می سرودند (۵) . مـفـسـران نقل می کنند : هنگامی که آیات فوق نازل گردید , گروهی از شاعران عصـررسالت که همگی به وسـیله اشـعار خود از اسـلام و مسـلمانان حمایت می کردنـد , خدمت پیامبر (ص) رسـیدند و گفتنـد : بنابر این سـرانجام زنـدگی ما جز تباهی چیزی نیست . در ایـن مـوقـع , آیه الا الـذین آمنوا - تا آخر - نازل گردیـد , و این گروه باایمـانی را که به خـاطر حق و عشق به معنویت , شـعر می گوینـد , اسـتثناء نمود (۶) . شـعـراء در پـیـشـگاه پیشوایان معصوم علیهم السلام تاثیر یک شعر آموزنده و یک سروده مفید در روحیه اجتماع , قابل انکار نیست . وگاهی آن چنان قدرت آفرین است که چیز دیگری نمی تواند جایگزین آن گردد . از ایـن رو , پـیـشوایان اسـلام همواره از سـروده های شاعران با هدف استقبال نموده , وآنهـا را مورد احـترام و محبت خود قرار می دادنـد . روزی کـه دعـای پـیـامبر صـلی اللّه علیه و آله دربـاره نزول بـاران مسـتجاب گردید , به یاد عموی خـویـش ابـوطالب علیه السلام افتاد و فرمود : اگر ابوطالب زنده بود , از دیدن این منظره شاد و خرسندمی شد . آیـا کـسـی هست که شـعر او را برای مـا بخوانـد ؟ یکی برخاست و گفت : ظاهرامقصود شـما این شـعر است : و ما حملت من ناقه فوق ظهرهـا ابر و اوفی ذمه من محمـد هیـچ مرکبی در جهـان , کسـی را بر پشت خود حمـل نکرده است که نیکوکارتر و باوفاتر از محمـد باشـد . پیـامبر فرمود : گوینـده این شـعر , حسـان بن ثابت است . در این لحظه علی علیه السـلام برخاست و اشـعاری چنـد از سروده هـای پـدر والامقام خود ابوطالب را خـوانـد , کـه نـخـستین بیت آن , این است : و ابیض یستسـقی الغمام بوجهه ثمال الیتامی عصـمه لـلارامـل چهره روشـنی که به احترام آن , باران از ابر درخواست می شود , شخصـیتی که پناهگاه یتیمان و نگهبان بیوه زنان است . سـپس یکی از افراد طایفه بنی کنانه برخاست و از حضـرتش اجازه گرفت که اشعاری را که درباره آن حضرت سروده بود , بخواند . حضـرت اجازه داد و او اشـعار خود را خواند . پیامبر درباره او چنین دعا فرمود : لک لکل بیت قلته بیت فی الجنه . در برابر هر بیتی از این اشـعار خـانه ای در بهشت داری (۷) . تقدیری که امام سـجاد علیه السـلام از فرزدق و حضـرت صادق علیه السلام از هاشـمیات کمیت و امام رضا علیه السـلام از دعبل خزاعی نمودند , معروف ومشهور است . بـه دلـیل اثرات بارزی که شعر در میدان دفاع از حق و زنـده ساختن حقیقت , از خودمی گـذارد , هـنـگامی که عبـدالرحمن بن کعب از پیامبر اکرم درباره شـعر سوال نمود

,آن حضرت چنین پاسخ داد : ان المومن مجاهد بسیفه و لسانه فوالذی نفسی بیده لکانما ینضحونهم بالنبل (۸) . مرد با ایمان با شمشیر و زبان خود از حریم حق دفاع می کند . به خدائی که جان من در دست اوست , سروده های شما بسان تیری است که به قلب و چشم دشمن می نشیند (۹) .

دیدگاه پیامبر اکرم در مورد «شعر» چگونه است؟

پرسش

دیدگاه پیامبر اکرم در مورد «شعر» چگونه است؟

پاسخ

مسآله شعر را وقتی انسان در اسلام مطالعه می کند، مسائل عجیبی را می‌بیند. پیغمبر اکرم، هم با شعر مبارزه کرد و هم شعر را ترویج کرد؛ با شعرهایی مبارزه کرد که به اصطلاح امروز متعهد نیست یعنی شعری نیست که هدفی داشته باشد، صرفا تخیل و سرگرمی است، اکاذیب است. مثلا کسی شعر می گفت در وصف اینکه نیزه فلان کس این طور بود یا اسبش آن طور، یا در وصف معشوق و زلف او، یا کسی را هَجْو و شخصیتی را مدح می کرد برای اینکه پول بگیرد. پیغمبر شدیدا با این نوع شعر مبارزه می کرد؛ فرمود: «لان یمتلی جوف رجل قیحا خیر له من ان یمتلی شعرا» (نهج‌الفصاحهٔ، ص ۴۷۰، ح ۲۲۱۵) اگر درون انسان پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شعرهای مزخرف باشد. ولی همچنین فرمود: «ان من الشعر لحکمه» (الغدیر، ۲/۹) اما هر شعری را نمی گویم؛ بعضی از شعرها حکمت است، حقیقت است. پیغمبر در دستگاه خودش چندین شاعر داشت. یکی از آنها حسان بن ثابت است. تفکیک بین دو نوع شعر نه تنها در حدیث پیغمبر آمده، بلکه خود قرآن نیز آن را بیان کرده است: «والشعراء یتبعهم الغاون الم تر انهم فی کل واد یهیمون و انهم یقولون ما لا یفعلون الا الذین امنوا و عملوا الصالحات» شعراء/۲۲۴ و ۲۲۷. شعرایی بودند که پیغمبر اکرم یا ائمه اطهار آنها را تشویق می کردند، اما چه جور شعرایی؟ شعرایی که پیام اسلام و حقایق آن را در لباس زیبای شعر به مردم می‌رساندند. و بدون شک کاری که شعر می کند، یک نثر نمی‌تواند انجام دهد، چون شعر زیباتر از نثر است. شعر وزن و قافیه دارد، آهنگ پذیر است، اذهان برای حفظ کردن شعر آماده است. پیغمبر اکرم به حسان بن ثابت که شاعر دستگاه حضرت بود، فرمود: «لا تزال مؤیدا بروح القدس ما ذببت عنا اهل البیت» از طرف روح القدس تآیید می‌شوی مادامی که این راهی را که داری، بروی و از این راه منحرف نشوی؛ مادامی که مدافع حقیقت باشی، مادامی که مدافع خاندان ما باشی، مؤید به روح القدس هستی. درباره یک شاعر، پیغمبر اکرم این سخنان را می گوید.

شعر در لغت عرب و در اصطلاح ادیبان به چه معنی است؟

پرسش

شعر در لغت عرب و در اصطلاح ادیبان به چه معنی است؟

پاسخ

شعر در لغت عرب به معنی « دانستن» است ولی در اصطلاح ادیبان سخن منظومی است که در قالب یکی از بحور شانزده گانه

شعری ریخته شود، و سرانجام اندیشه ای را اعم از حق و باطل، حقیقی و خیالی در دامن خود بپرورد. و دیوان، مجموعه ای است که در آن سخنان منظوم سراینده ای گرد آید. در تعریف یاد شده واقعیت شعر را «وزن» و «قافیه» تشکیل میدهد و سراینده باید بکوشد کلامی منظوم و مقفی بخواننده یا شنونده عرضه بدارد و اگر نظم او دچار «سکته» و «وقفه» گردد و یا از نظر قافیه خللی بر آن وارد شود، فاقد ارزش می گردد و ادبای اسلامی، برای تامین هر دو منظور دو علم را به نام «علم عروض» و «علم قوافی» پی ریزی کرده اند و دارندگان قریحه شعری، را تا حدودی رهبری نموده و آهنگهای طبیعی را با قواعد صناعی به هم آمیخته اند.

نظر اسلام در مورد مقام و موقعیت شعر و شعراء چیست؟

پرسش

نظر اسلام در مورد مقام و موقعیت شعر و شعراء چیست؟

پاسخ

از نظر اسلام ارزش شعر، در وزن و قافی خلاصه نمی شود، بلکه باید سخن موزون، لباسی باشد بر اندیشه سالم، که در عارفان جذبه و کشش، در سیاستمداران تحول و تحرک، در جوانان شور و شوق. و با لاخره در هر قلمروی خلاق و سازنده باشد و در غیر اینصورت فاقد ارزش خواهد بود. اگر رسول گرامی(ص) می فرماید: «ان من الشعر لحکمه و ان من البیان لسحرا» (تاریخ بغداد ۳/۹۸) ناظر به آن سروده های موزونی است که اندیشه حکیمانه را در برداشته و در زندگی مفید و سودمند باشد. اگر شعر باید از زیباترین الفاظ، و ظریف ترین کلمات، و استوارترین معانی برخوردار باشد، شاعر نیز باید از فضائل اخلاقی و ارزشهای ویژه ای برخوردار گردد و اشعار حکیمانه و عارفانه او، تبلوری از روحیات او باشد، تو گویی شخصیت انسانی و فضایل اخلاقی خود را در قالب الفاظ منظوم ریخته و به خواننده عرضه داشته و به اصطلاح، به ملکات بسیط خود، لباس کثرت پوشانیده است. قرآن برخلاف نظریه معروف از شعر و شاعری انتقاد ننموده، بلکه شاعران را به دو گروه تقسیم کرده است: ۱.گروهی که مواهب خدادادی را وسیله اشباع غرائز خود قرار داده، و بدین اعتقاد راسخ، در هر وادی گام می نهند و به مدح و ذم شخصیتها می پردازند و به فساد اخلاقی دامن می زنند و درباره این گروه می فرماید: «و الشعراء یتبعهم الغاوون * الم تر انهم فی کل واد یهیمون *و انهم یقولون ما لا یفعلون». شعراء/۲۲۴ ـ ۲۲۶ [افراد جاهل و گمراه از شاعران پیروی می کنند آیا نمی نگری که آنان در هر وادی سرگشته اند و سخنانی می گویند که یکی را عمل نمی کنند.] این گروه از شعرا قریحه شعری را نردبان ترقی مادی، وسیله اشباع شهوات و مایه گستردگی فساد، و سرانجام دسیسه ای برای بزرگ جلوه دادن کوچکان، و تحقیر بزرگان قرار می دهند و به اصطلاح نان به نرخ روز می خورند، و در سخن آنان نه پندی حکیمانه، و نه اندیشه ای سالم، پیدا می شود، بلکه هدف نیل به اهداف نفسانی است که اسیر آن می باشند این گروه از شعرا پیوسته در خدمت زورگویان بوده و توجیه گر جنایات آنان می باشند. ۲.گروه دیگر شاعران دل سوخته، و یا دل سوختکان شاعری هستند که این نعمت الهی را در خدمت هدف مقدسی به کار می گیرند، جوانان را پند میدهند، جامعه را راه و رسم، سیاستمداران را هشدار می دهند و به آنچه که می گویند پیش از دیگران عمل می کنند، قرآن به این گروه از شعراء در آیه یاد شده اشاره می کند و می فرماید: «الا الذین آمنوا و عملو الصالحات و ذکروا الله کثیرا وانتصروا من بعد ما ظلموا» ... شعراء/۲۲۷ [مگر آنان که دارای ایمان و عمل نیک بوده و خدا را بسیار یاد کنند و پس از مظلومیت طلب پیروزی می کنند.] شعر و شاعری وسیله تبلیغ و جهاد در راه حق و باطل است تا این شمشیر در دست چه کسی باشد، انسان متعهد از ذوق شعری خود، در طریق اهداف الهی بهره می گیرد و زیر بنای سرودهای او را تشریح نشانه های خدا در انسان و جهان، سخنان

حکیمانه پیامبران و اولیای الهی، راهنمایی توده ها، پرخاشگری بر ظلم و ستم و استبداد سیاه و ... تشکیل میدهد، در حالی که شعر سراینده مادی و غیر متعهد، بر محور زیبایی ابرو، ترسیم مناظر ضد اخلاقی، مسموم کردن افکار جامعه، تملق به صاحبان زور و ز و تزویر، دور می زند. به خاطر همین دو لبه بودن این شمشیر است که قدرتهای فاسد و ضد انسانی پیوسته این طبقه را از طریق بخشیدن صله و دادن هدایا، به کار می گرفتند. فقط گروه مؤمن و متعهد بودند که در برابر عظمت مادی آنان سر فرود نیاورده و حقیقت گویی را با چیزی عوض نمی کردند. ما از گروه دوم، نمونه هایی در عصر رسالت و زمان معصومان(ع) داریم که به جرم حقیقت گویی بلاکش بودند. هیچ فرد آگاهی نمی تواند تاثیر شعر را در بیدار کردن جامعه انکار ورزد، آیا میتوان از عظمت شعر «فرزدق» و تاثیر بارز شعر او در مسجد الحرام در حضور ستمگران زمان، چشم پوشید، آنگاه که مردم به احترام فرزند پیامبر(ص) علی بن الحسین(ع) راه را برای استلام «حجر اسود» بازکردند و چشمهای جستجوگر اطرافیان خلیفه اموی، متوجه او شد و خواستند این شخصیت عظیم را بشناسند ولی متأسفانه حسد مانع از آن شد که حقیقت بازگو شود و همگی اظهار بی اطلاعی نمودند، اینجا بود که شاعری، حقیقت گویی را بر پرده پ.....Ṣو رضای خدا را بر خشم خلیفه ترجیح داد، و اشعاری در معرفی زین العابدین (ع) سرود. که پیوسته بر تارک زمان نقش بست و چنین گفت: هدا الذی تعرف البطحاء و طاتهو البیت یعرفه والحل و الحرم این شعر به قدری سازنده و کوبنده بود که فوراً دستور دستگیری او صادر گردید و در زندانی به زنجیر کشیده شد. در تاریخ اسلام نمونه هایی از این شعراء کم و بیش وجود دارند که همگی مورد تقدیر و تشویق خاندان رسالت بوده و پیوسته این شیفتگان حقیقت، گم شده خود را نزد معصومان جستجو می کردند و از طرف پیشوایان نیز مورد محبت و عنایت قرار می گرفتند، و به عنوان نمونه می توان از: کمیت بن زید اسدی، سید اسماعیل حمیری، ابو تمام طائی و دعبل خزاعی و ابونواس و مهیار دیلمی نام برد که گروهی از آنان به فیض درک حضور امامان معصوم (ع) نائل آمده و صله هایی را دریافت نموده اند. برخلاف اندیشه کوته نظران، اسلام به پرورش هنر، و تربیت ذوق خلاق عنایت ورزیده و از آثار هنرمندان سالم استقبال نموده است و تجربه به خوبی به ما آموخته است که چگونه گاهی یک سروده، تحولی عظیم و بیداری ژرفی در جامعه پدید می آورد و سر چشمه اصلاحات میگردد. آیا میتوان از شعر اعجاز آسای ادیب الممالک در ترسیم استبداد سیاه عصر قبل از مشروطیت چشم پوشید وآن را در بیدار کردن مردم زمان نادیده گرفت، این استاد بزرگ در سال ۱۳۲۰ هجری قمری برابر ۱۲۸۱ هجری شمسی در منظومه معروف خود که به عنوان تبریک عید میلاد پیامبر(ص) سروده است وضع ایران آن روز را چنین توصیف می کند: افسوس که این مزرعه را آب گرفتهدهقان مصیبت زده را خواب گرفته خون دل ما، رنگ می ناب گرفتهوز سوزش تب، پیکرمان تاب گرفته رخسار هنر، گونه مهتاب گرفتهچشمان خرد، پرده ز خوناب گرفته ثروت شده بی مایه، و صحت شده بیمار اشعار زنده و ظریف و سازنده این گروه بود که در دوران استبداد سیاه، افراد خواب زده را بیدار کرد، و بیداران را جوش و خروش بخشید، و آزادیخواهان را به هم پیوند داد و مقدمات تحول بنیادی را به نام « مشروطه مشروعه » (که متاسفانه بعداً به عللی از مسیر اسلامی خود منحرف شد) پی ریزی کرد. اگر جهاد با دشمن بوسیله شمشیر و نیزه انجام می گیرد ولی پیامبر گرامی (ص) جهاد با زبان را، همانند جهاد با شمشیر می داند در حدیثی می فرماید: «المومن یجاهد بسیفه و لسانه». (مسند احمد ۲/۴۵۶) [مومن بوسیله شمشیر و زبان در راه خدا جهاد می کند.] بخشی از جهاد با زبان را همان گفتار نغز و سخن منظوم و به اصطلاح شعر و سروده تشکیل میدهد که بر اثر آهنگ خاصی که دارد بر دل می نشیند و قلبها را تسخیر می نماید. هرگز تاریخ، تاثیر شعر کوتاه مرحوم آیت الله سید صدر الدین عاملی قدس الله سره را فراموش نکرده است آنگاه که در سال ۱۳۴۴ هجری قمری سعودیهای وهابی، آثار رسالت را ویران کردند و این مرد بزرگ در انتقاد از این عمل وحشیانه سه بیت سرود و در روزنامه های بغداد منتشر شد ولی این سه بیت آنچنان شور و ذوقی در توده مردم و بالاخص شعرای نوپرداز عراق پدید آورد که دهها شاعر به استقبال آن رفته و به « تشطیر » و «تخمیس» آن پرداختند و انقلابی ادبی در عراق بر ضد وهابیها پدید آمد و سرانجام با مداخله حکومت دست نشانده بریتانیا هر نوع سخن گفتن پیرامون آن ممنوع اعلام

گردیـد و به عنوان تبرک نخستین بیت آن را در اینجـا یـاددآور می شویم: لعمری ان فـاجعه البقیعیشـیب لهولها فود الرضـیع (علمای معاصر/۲۱۷) [به جـانم سوگنـد مصـیبت بزرگ (ویران کردن بقیـع) دل کـودک شـیر خوار را پیر می سـازد.] سـخن دربـاره مقـام و موقعیت شـعر و شـعراء از نظر اسـلام بیش از آن است که در این خلاصه بگنجد از این جهت دامن سـخن در این بخش را با بیتی از حافظ به پایان می رسانم: گفتگوی من و دلدار مرا پایان نیستآنچه آغاز ندارد، نپذیرد انجام

با توجه به آیاتی از سورهٔ شعرا که در مذمت شعر و شاعری است آیا این نگرش شامل همهٔ اشعار و شاعران می‌شود؟

پرسش

با توجه به آیاتی از سورهٔ شعرا که در مذمت شعر و شاعری است آیا این نگرش شامل همهٔ اشعار و شاعران می‌شود؟

پاسخ

نخست بایـد به حقیقت «شـعر» رائـج در دوران جـاهلیت و آغـاز طلوع خورشـید اسـلام توجه نمود، سـپس به هـدف آیه از نکوهش شاعران واقف گردید. شـعر در آن دوران، یک مشت تخیلات بی اساس بود که برای یک سلسـله هدفهای پست مادی در قالب نظم ریخته می‌شـد، و به عنوان افتخـار و خودسـتائی، و یـا لطمه زدن به آبروی رقیب و تحریـک افراد قبیله به جنگ و غارتگری و .... در محافل کوچک و بزرگ خوانـده می‌شـد. زیر بنای این نوع سـروده‌ها را یک سلسـله اهـداف مادی یا احساسات جنسـی و تشویق به جنگ و خونریزی و ... تشـکیل می‌داد. شعر در دوران جاهلیت، تجلیگاه یک سلسله عواطف کاذب انسانی و احساسات پست مادی بود. وسـیله‌ای برای مغازله با ماهرویان، عشـقبازی با زنان و دختران، توصـیف چهره و خال و ابرو و چشم معشوقه‌ها، بدگوئی پشـت سرصالحان سـتایش افراد سـتمگر، و تملق گوئی و چاپلوسـی برای درنـدگان زور و زر و ماننـد آنها به حساب می‌آمـد. ناگفته پیـدا است، گوینـده‌ای که محرک و انگیزه او، احساسـات سودجویـانه و ارضـاء غرائز حیوانی باشـد، و از مواهب معنوی و تربیت صـحیح انسانی برخوردار نباشـد، هرگز برای میـدان تاخت و تاز شاعرانه خود، حـد و مرزی نخواهد شـناخت. چنین شخصـی در زنده کردن باطـل، پنهـان سـاختن حق، پایمال ساختن بیچارگان، تعرض به نوامیس دیگران، شـعله‌ور ساختن آتش شـهوت جوانان، و دهها امور زشت و نکوهیده دیگر، پروائی نخواهد داشت. براستی، سـخن، معرف شخصـیت و روشـنگر روحیات هر انسان است. کلام—اعم از نثر و نظم- طرز تفکر و ضـمیر گوینـده را متجلی می‌سـازد. قرآن، دربـاره چنین شاعران بی هـدفی که جز تأمین منافع مادی و ارضاء نامشروع احساسات جنسی و غرائز پست حیوانی، محرک و انگیزه‌ای ندارد، چنین می‌فرماید: «وَالشُّعَرَاء یَتَّبِعهُمُ الْغاوُون اَلَمْ تَرَ اَنَّهُمْ فی کُلِّ وَ ادٍ یَهِیمُونَ وَ اَنَّهُمْ یقولُونَ ما لاَ یَفْعَلُونَ» شـعراء/۲۲۴-۲۲۶ [تنهـا افراد گمراه از شـاعران پیروی می کننـد آیا نمی‌بینی که آنان درباره هر چیزی به دروغ سـخن می گویند، و آنچه را که می گویند عمل نمی کنند؟]. از این آیات، کاملاً استفاده می‌شود که هدف قرآن، آن دسـته از شـاعران است که بر اثر نبـودن مبـانی مـذهبی و نگهبـان بـاطنی صـفات زیر را دارنـد: ۱- رهـبری گمراه (یتبعهم الغاوون). ۲- گفتار آنان را حـد و مرزی نیست. چه بسا باطل را حق جلوه داده، واحیاناً حق را در نظر مردم، بـد معرفی می کنند (فی کـل وادیهیمون). ۳- چـون به گفته خـود معتقـد نیسـتند، به هنگـام عمـل، به آنچه می گوینـد عمـل نمی کننـد. (و أنّهم یقولون مـالا یفعلون). بنابراین هر نوع سـروده‌ای که احساسات پاک و شورانگیز گوینـده در آن، از عشق به بیان حقیقت، مبارزه با باطل و دعوت به کارهای نیک سرچشـمه گیرد، این شـعر و گوینده آن، مشـمول آیه‌های دیگری خواهند بود که دنبال این آیات به عنوان اسـتثناء وارد شده‌انـد، چنانکه می‌فرماید: «اِلاَّالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَکَروا اللَّهَ کَثیراً وَ انْتَصَرُوا مِن بَعْدِ ما ظُلِمُوا» شـعراء/۲۲۷ [مگر افرادی که به خـدا ایمان دارنـد و عمل نیک انجام می‌دهند و بسـیار خدا را یاد می کنند و در برابر سـتمی که کشـیده‌اند، دادخواهی

می‌کنند]. ناگفته پیدا است که هر گوینده و سراینده‌ای که زیر بنای افکار و سخنان او را ایمان به خدا، عمل صالح، یادخدا، و انتقام از ستمگران تشکیل دهد؛ در اشعار و گفتار وی جز حکمت، موعظه، ترویج حق، و نابود ساختن باطل، چیزی پیدا نمی‌شود. از این نظر، پیامبر عالیقدر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره این دسته از شعرا فرموده است: «ان من الشعر لحکمهً» [پاره‌ای از شعرها دانش و حکمت است] (من لایحضره الفقیه، ۴/باب النوادر) و لذا هنگامی که از حضرت صادق علیه‌السلام درباره معنی آیه مورد بحث سئوال شد، امام فرمود: «مقصود، داستان سرایان دوران جاهلیت هستند که به عنوان سرگرمی نادرست اشعاری را می‌سرودند» (اعتقاد صدوق. به مجمع البیان، ۴/۲۰۸ مراجعه شود) مفسران نقل می‌کنند: هنگامی که آیات فوق نازل گردید، گروهی از شاعران عصر رسالت که همگی به وسیله اشعار خود از اسلام و مسلمانان حمایت می‌کردند، خدمت پیامبر(ص) رسیدند و گفتند: بنابراین سرانجام زندگی ما جز تباهی چیزی نیست. در این موقع، آیه «الا الذین آمنوا» -تا آخر- نازل گردید، و گروه با ایمانی را که به خاطر حق و عشق به معنویت، شعر می‌گویند، استثنا نمود [تفسیر ابن کثیر، ۳/۳۵۴. المیزان، ۱۵/۳۶۸] شعراء در پیشگاه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تأثیر یک شعر آموزنده و یک سروده مفید در روحیه اجتماع، قابل انکار نیست. و گاهی آن چنان قدرت آفرین است که چیز دیگری نمی‌تواند جایگزین آن گردد. از این رو، پیشوایان اسلام همواره از سروده‌های شاعران با هدف استقبال نموده، و آنها را مورد احترام و محبت خود قرار می‌دادند. روزی که دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره نزول باران مستجاب گردید، به یاد عموی خویش ابوطالب علیه‌السلام افتاد و فرمود: اگر ابوطالب زنده بود، از دیدن این منظره شاد و خرسند می‌شد. آیا کسی هست که شعر او را برای ما بخواند؟ یکی برخاست و گفت: ظاهراً مقصود شما این شعر است: و ما حلمت من ناقهٔ فوق ظهرهاابرّ و اوفی ذمّهً من محمد [هیچ مرکبی در جهان، کسی را بر پشت خود حمل نکرده است که نیکوکارتر و با وفاتر از محمد باشد]. پیامبر فرمود: گوینده این شعر، حسان بن ثابت است. در این لحظه علی علیه‌السلام برخواست و اشعاری چند از سروده‌های پدر والامقام خود ابوطالب را خواند، که نخستین بیت آن، این است: و ابیضَ یُسْتسقی الغَمامُ بوجههِثمال الیتامی عصمهٌ للارامل [چهره روشنی که به احترام آن، باران از ابر درخواست می‌شود، شخصیتی که پناهگاه یتیمان و نگهبان بیوه زنان است]. سپس یکی از افراد طایفه بنی کنانه برخاست و از حضرتش اجازه گرفت که اشعاری را که درباره آن حضرت سروده بود، بخواند. حضرت اجازه داد و او اشعار خود را خواند. پیامبر درباره او چنین دعا فرمود: «لک لکل بیت قلته بیت فی الجنهٔ» [در برابر هر بیتی از این اشعار خانه‌ای در بهشت داری] [امالی شیخ طوسی، ص۴۶]. تقدیری که امام سجاد علیه‌السلام از «فرزدق» و حضرت صادق علیه‌السلام از «هاشمیات» کمیت و امام رضا علیه‌السلام از «دعبل خزاعی» نمودند، معروف و مشهور است. به دلیل اثرات بارزی که شعر در میدان دفاع از حق و زنده ساختن حقیقت، از خود می‌گذارد، هنگامی که عبدالرحمن بن کعب از پیامبر اکرم درباره شعر سؤال نمود، آن حضرت چنین پاسخ داد: «ان المؤمن مجاهد بسیفه و لسانه فوالذی نفسی بیده لکأنّما ینضحونهم بالنبل» (مجمع البیان، ۴/۲۰۸، چاپ صیدا). [مرد با ایمان با شمشیر و زبان خود از حریم حق دفاع می‌کند. به خدائی که جان من در دست او است، سروده‌های شما بسان تیری است که به قلب من و چشم دشمن می‌نشیند] [در این زمینه، به بحث مبسوط مرحوم علامه امینی در الغدیر ج۲ (متن عربی) یا ج ۳ (ترجمه فارسی) مراجعه شود].

آیا در قرآن کریم آیاتی در رابطه با هنر وجود دارد؟

پرسش

آیا در قرآن کریم آیاتی در رابطه با هنر وجود دارد؟

پاسخ

هر چند در قرآن کریم آیه‌ای دربارهٔ هنر صراحتاً وارد نشده است ولی از آن جا که دعوت قرآن کریم و اسلام به چیزهایی است که در فطرت آدمی یافت می‌شود، مثلاً میل به زیبایی و استفاده از شیوه‌های مختلف هنری برای جذب بیشتر در وجود انسان فطرتاً نهاده شده است قهراً قرآن کریم نیز تلویحاً به هنر و ارزش آن اشاره فرموده است از جمله ۱". الَّذِیَ أَحْسَنَ کُلَّ شَیءٍ خَلَقَه(; ..سجده ۷) او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید "...۲". وَ صَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُم(; ..غافر،۶۴) و شما را صورت گری کرد و صورتتان را نیکو آفرید "...۳". فَتَبَارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَـالِقِین (مومنون ۱۴) پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است ۴. "صِبْغَهَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَهً (بقره ۱۳۸) رنگ خدایی]بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است " ...۵". قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللَّهِ(;...اعراف ۳۲) بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است " ۶". یَبَنِیَ ءَادَمَ خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ (;اعراف ۳۱) ای فرزندان آدم زینت را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید ".و... آیات فوق همگی دلالت دارد بر این‌که خداوند متعال نیز از زیبایی و اتقان وقامت موزون در پدیده‌ها، خبر می‌دهد و به نقش هنر، زیبایی هماهنگی دلنوازی و صورت‌های زیبا و دلپذیر در مخلوقات خود و ذرات عالم اشاره می‌فرماید; پس ما باید درس گرفته و در کارها و اعمال‌مان از هنر و زیبایی و خلق شیوه‌های نو و دلنواز کمک بگیریم (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۰، ص ۱۵۹، دارالکتب الاسلامیهٔ) آهنگ در قرآن از مجموعهٔ آواهای" نظم یافته در قالب یک "قافیه که آیه بدان ختم می‌شود و یا در قالب یک" تجانس میان حروف مختلفی که یک کلمه را تشکیل می‌دهد، آهنگ قرآن پدید می‌آید ;البته جنبه‌های هنری دیگری نیز وجود دارد که پژوهشگران قدیم و جدید به آن پرداخته‌اند ;به ویژه جنبه‌های هنری در مورد به کارگیری" مفردات و یا" ترکیب‌ها "که در آیات قرآن کریم زیاد به چشم می‌خورد.(ر.ک اسلام و هنر، دکتر محمود بستانی ترجمهٔ حسین صابری ص ۱۴۶، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۵۷. خرمشاهی بهأالدین دانشنامه قرآن ج ۲، بخش عرفان انتشارات دوستان)

هنر چیست انواع ان را توضیح دهید.

پرسش

هنر چیست انواع ان را توضیح دهید.

پاسخ

از هنر تعریف های مختلفی شده است. افلاطون و شاگردش ارسطو، هنر را به توانایی آفرینش، یا ایجاد زمینه تحقیق غایاتی که خود ترسیم نموده است تعریف کرده اند. برخی هنر را تقلید از طبیعت تعریف کرده اند و گفته اند هنرمند کسی است که بتواند آنچه در طبیعت و عالم محسوس است به بهترین نحو منعکس نماید. یکی از تعریف های هنر «ابداع» و «خلاقیت» است و در تعریفی دیگر هنر را فرافکنی بیان احساس دانسته اند، یعنی هنرمند احساساتش را در اثر هنری خود بیان و منعکس می کند. حقیقت هنر، یک عطیه الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است. هنر در رابطه با هنرمند و جامعه دو قسم دارد و هر کدام طرفدارانی: ۱. هنر برای هنر: یعنی هنر بدان جهت که هنر است مطلوب است، زیرا هنر کاشف از نبوغ و روشن کننده عشق آدمی است بر شهود واقعیات آن چنان که باید باشند و هیچ قانون و الگویی نباید برای هنر که ابراز کننده شخصیت هنرمند ونبوغ او است وجود داشته باشد. اگر ما برای هنر حد و مرزی قائل شویم، در حقیقت فردیت فرد را از نظر امتیازی که دارد نابود ساخته ایم و در نتیجه هنر برای هنر یکی از

عالی ترین موارد آزادی در عقیده و بیان است که مطلوب و مفید بودن آن ثابت شده است. ۲. هنر، برای انسان: یعنی از آن جهت که هنر نیز مانند دیگر محصولات فکری بشری برای تنظیم و بهره برداری در حیات جامعه است، لذا ضرورت دارد ما هر هنری را نپذیریم و نگذاریم هنرهایی که به ضرر جامعه تمام می شود، در معرض و دیدگاه مردم قرار بگیرند، یک عقیده سوم را نیز می توان ابراز کرد آن این است «هنر انسانی برای انسان» که ما آن را «هنر برای انسان در حیات معقول» می نامیم. تا مسأله تعلیم و تربیت نتواند مغزها و روان های انسان ها را از هر گونه آلودگی ها و اصول پیش ساخته غیرمنطقی پاک کند و آنها را با واقعیات آشنا سازد، «هنر برای هنر» اگر چه باز کردن میدان برای به فعلیت رسیدن نبوغ ها است ولی چون به فعلیت رسیدن نبوغ ممکن است از مغزهایی پر از برداشت ها و اصول پیش ساخته غیرمنطقی به جریان بیفتد، لذا این عقیده به طور مطلق قابل دفاع نیست. هنر برای انسان نیز از آن جهت که تفسیر انسان بنابر دیدگاه های مختلف، بسیار متفاوت است و تفسیر انسان از دیدگاه سیاستمداران غیر از تفسیر انسان از دیدگاه افلاقیون و از دیدگاه تقوا و معرفت های برین و مردم متعهد در زندگانی غیر از دیگر دیدگاه هاست، لذا هر گروهی خواهد گفت: هنر برای آن انسان که من تفسیر و توجیه می کنم. آن چه که با نظر به هدف و فلسفه زندگی انسان ها از دیدگاه اسلامی بر می اید، عقیده متوسط است که می گوید: «هنر برای انسان در حیات معقول». حیات معقول یعنی شخصیت انسانی را در تکاپو به سوی ابدیت که به فعلیت رساننده همه ابعاد روحی در جاذبه پیشگاه الهی است، به ثمر رسانیدن. معنای هنر برای انسان در حیات معقول آن است که ما هنر را، چه با نظر به نبوغ خود هنرمند و چه با نظر به جامعه ای که از اثر هنری برخوردار می شود، یک واقعیت بسیار با ارزش تلقی کنیم که حذف آن از قاموس بشری چندان تفاوتی با حذف انسانیت انسان ندارد. حیات معقول یک هنرمند آن نیست که هدف او از به وجود آوردن اثر هنری فقط جلب تحیر و شگفتی مردم بوده باشد، بدون این که حقیقتی سودمند را در جریان زندگی آنها وارد نماید. حیات معقول یک هنرمند آن نیست که نامش را در کتاب ها ثبت کنند و با ذکر نام او در سخنرانی ها کف بزنند. اگر یک هنرمند پیش از آن که هنرمند باشد از حیات معقول برخوردار باشد، بارقه های ذهنی خود را در راه روشن ساختن واقعیات ضروری و سودمند برای مردم به کار می برد نه در آتش زدن به کِشتگان حیات جامعه. در یک تقسیم دیگر هنر به دو نوع پیرو و پیشرو تقسیم می شود: ۱. هنر پیرو پدیده پیرو آن است که از خواسته ها و تمایلات و اخلاقیات رسمی و دانسته های معمولی تبعیت می نماید. معنای هنر پیرو عبارت است از توجیه شدن نبوغ و فعالیت های عقلانی و احساساتی مردم. هنرمند پیرو دنباله رو تفکرات و آرمان های مردم جامعه است. هنرمند پیرو دنباله رو درک ها و خواسته های مردم متوسط در هنر می باشد. او از شهرت و محبوبیت و دیگر امتیازات زندگی معمولی بهره ور می گردد ولی کاری برای انسان انجام نداده است مگر این که در آثار هنری خود بکوشد با مجسم ساختن واقعیات و با طنز و اشارات مناسب دردهای مردم را تقلیل دهد و با عظمت ها و سرمایه ها و امکانات نهفته آنان در زیر پرده عوامل و محیطی و اجتماعی آشنایشان ساخته و با این راه آنان را به دروازه حیات معقول نزدیک سازد. هنر پیرو جریان موجود را با حذف و انتخاب شخصی به وسیله احساسات به شکلی جالب بر جامعه عرضه می دارد و کاری با آن چه باید یا شایسته است که بشود، ندارد، لذا همواره در معرض ایستایی و فرسودگی قرار می گیرد و پس از گذشت اندک زمانی تنها از جوبه تاریخی برای آیندگان مطرح می شود مگر این که هنرمند این قدرت را داشته باشد که از دانسته ها و آرمان های مشترک انسان ها که از دستبرد دگرگونی های زمان در امان بوده، استفاده کند. ۲. هنر پیشرو: منظور از هنر پیشرو آن نیست که یک هنرمند همه معلومات و تجارب و نبوغ سازنده خود را از زمان و محیط بریده و واحدهایی را مطرح کند که هیچ منشأ اجتماعی و عینی نداشته و به یک آینده بریده از حال حاضر و واقعیات جاری بجهد. چنین هنری با آن که امکان ناپذیر است، هیچ سودی برای مردم نخواهد داشت. بلکه منظور از هنر پیشرو تصفیه واقعیات جاری و استخراج حقائق ناب از میان آنها و قراردادن آنها در مجرای «حیات معقول» با شکل جالب و جذاب می باشد. نبوغ سازنده در این گونه هنر «آن چه هست» را به طور مطلق امضا نمی کند و آن را مطلق طرح نمی نماید و بلکه «آن چه هست» را به سود «آن چه باید بشود» تعدیل می نماید.

ما این هنر را جلوه گاه تعهد، و به وجود آورنده آن را هنرمند متعهد می نامیم. این هنرمندان متعهد می توانند در تصفیه اوهام و پندارها و بیرون ریختن زباله هایی که در ذهن مردم به عنوان حقایق موج می زند و رسوب می نماید، رسالت بزرگی را ایفا نماید. اینان روشنگر مغز های افراد جامعه و سازندگان آرمان های حیات بخش آنان می باشند، با نظر به جریان این قانون که «عوامل فراوانی موجب طبیعت گرایی مردم است» و این طبیعت گرایی بوده است که همواره مردم را در سودجویی و خودخواهی و بی اعتنایی به ارزش های تکاملی فروبرده است، لذا هنر پیرو نتیجه ای جز تحکیم و امضای همین جریان پست و ضد تکاملی در برنداشته است، در صورتی که پرچمداران هنر پیشرو با در نظر گرفتن طبیعت دو بعدی انسان دست به کار می شوند که یک بعد آن همان سودجویی و خودخواهی است که بی اعتنایی به ارزش های تکاملی را به وجود می آورد و بعد دیگر آن «حیات معقول» انسان ها را هدف قرار می دهد. یک اثر هنری پیرو هر اندازه هم که نبوغ آفرین باشد نتیجه ای جز منعکس ساختن آنچه که در جهان عینی موجود است با تمام نیک و بد، زشتی و زیبایی، صحیح و غلط، با نظم و بی نظم و توهمات و واقعیات در شکل جالب توجه چیزی ندارد چنین هنرهایی کاری که می توانند انجام دهند، منتفی ساختن مقداری ملالت و یکنواخت بودن زندگی است، در صورتی که هدف هنرپیشرو از تماشا و درک واقعیات، هنماهنگ ساختن منطق واقعیات با دریافت های کیفی و احساسات سازنده درباره آنها است که یکی از دو عنصر اساسی روان آدمی است. به وجود آورندگان آثار هنری پیرو، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه وظیفه خود را در آن می بینند که هر چه بیشتر مردم را وارد نمایند که از اثر هنری آنان لذت ببرند و کاری ندارند که بر آگاهی ها و شایستگی ها و بایستگی های حیات مردم بیفزایند، در حالی که هنر پیشرو با یک اثر هنری می تواند کلاس درسی بر مردم جامعه عرضه نماید که در این کلاس، معلم و مربی و کتاب و محتوا یک حقیقت است که عبارت است از همان اثر هنری. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: ۱. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، علامه محمد تقی جعفری (ره) ۲. هنر و ماوراء الطبیعه، تدوین سید عباس نبوی ۳. هنر از دیدگاه سید علی خامنه ای_ مد ظله العالی_

نظر اسلام درباره هنر مجسمه سازی و نقاشی چیست؟ آیا صحیح است که همه مجسمه ها شکسته شود و آثار باستانی از بین برود؟

پرسش

نظر اسلام درباره هنر مجسمه سازی و نقاشی چیست؟ آیا صحیح است که همه مجسمه ها شکسته شود و آثار باستانی از بین برود؟

پاسخ(قسمت اول)

احکام و قوانین ادیان آسمانی که برای بهبود زندگی بشر – به ویژه بعد معنوی او – وضع شده اند، با فطرت بشری هماهنگ بوده و با خواسته ها و نیازهای خردمندانه و معقول و فطری او تضاد و تعارضی ندارد. هنر نیز جوششی است از درون انسان برای ابراز و اظهار خواسته ها، تمایلات و رفع نیازهای خردمندانه و معقول او. بدیهی است که این دو، تا در مسیر طبیعی و درست خود حرکت می کنند نباید رودر روی هم قرار گیرند؛ مگر این که در هر دو، یا یکی از آنها انحرافی روی دهد و از مسیر طبیعی خود خارج شوند. در این صورت، این دو در عرصه ی عمل ناسازگاری هایی پیدا می کنند. ما در این نوشتار برآنیم که برخورد دین با هنر مجسمه سازی و نقاشی را بررسی و سازگاری ها و ناسازگاری های آنها را ریشه یابی کنیم. منظور از دین در این نوشتار دین اسلام است. عوامل ناسازگاری: در یک تقسیم کلی می توان عوامل ناسازگاری دین و هنر را به سه بخش تقسیم کرد: ۱. عوامل درون دینی که ریشه در احکام دین دارد. ۲. عواملی که از دین و هنر بیرونند و از چیزهای دیگری؛ چون برداشت سلیقه ای و صنفی از احکام دین، ادیان دیگر، آداب و رسوم و فرهنگ قومی و منطقه ای حکومت، سیاست و... متأثرند. ۳. عوامل هنری که از ذات هنر،

مـایه می گیرد. عوامـل درون دینی: احکام دینی و حتی عقلانی در یک تقسـیم کلی بر دو گونه است: ۱. احکام ثابت و لا یتغیر. ۲. احکام متغیر و تابع شـرایط زمان و مکان و شـرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی. در نگاهی دیگر، برخی احکام، ضروری دین هستند و برخی چنین نیسـتند. در اینجا در صدد توضـیح احکام ثابت و متغیر و یا ضـروری و غیر آن نیستیم، تنها به بیان این نکته بسنده می کنیم که احکام ضـروری آنهایی است که امت بر آن اجماع داشـته باشند؛ هم چون وجوب نماز، روزه، زکات و.. نکته ی دیگر این که حرمت مجسـمه سازی و نقاشی از ضروریات دین و مذهب نیست، با این حال بسیاری از فقها با استناد به منابع و مدارک، فتوا به حرمت برخی از اقسام آن دو داده انـد. در فقه اسـلامی، ادله و منابع احکام منحصـر است در (کتاب، سـنت، اجماع و عقل). فقها در حکم مجسـمه سازی و نقاشـی بیشتر به روایات (سنت) استناد کرده اند؛ زیرا در قرآن کریم نه تنها دستوری آشکار و صریح مبنی بر نهی و پرهیز از این دو نیامـده، بلکه در آیه ای به طور ضـمنی از این دو سـتایش شده و از خواسـته های سـلیمان پیغمبر دانسـته شده است(۱). اجمـاع و عقـل نیز در این خصـوص کـارایی زیـادی ندارنـد. در میـان روایـات شـیعه و سـنی که به طرق مختلف از پیـامبر اسـلام(ص) روایت شـده احـادیثی وجود دارد که مضـمون آنهـا افراد را از کشـیدن نقاشـی و ساختن مجسـمه بر حـذر می دارد. در بسـیاری از این روایات، از حکم ساخت، نگهداری و... مجسـمه و نقاشی سؤال نشده، بلکه سؤال از نماز خواندن در جایی مثل اتاق و مسـجد است که در آنهـا مجسـمه و نقاشـی وجود دارد. حـتی در برخی از آنهـا مورد سؤال جـایی است که این دو در سـمت قبله باشند. این دسته، بیشترین روایات این باب را تشکیل می دهند. در مورد دسته دی دیگری از روایات نیز با مقداری مسامحه می توان گفت: به اصـل موضوع؛ یعنی «سـاخت مجسـمه» و «کشـیدن نقاشـی» نظر دارد. در این روایـات به کسـی که چنین کاری انجام دهد وعـده ی عذاب الهی داده شده است. خلاصه ی کلام آن که حتی روایات، با همه ی فراوانی اش حکم این دو را بی ابهام و روشـن بیـان نکرده انـد و همین امر سـبب ارایه ی نظرات گونـاگون شـده است. فقهای دو گروه، در آثار خود و در باب روایات به تفصـیل بحث و بررسـی کرده اند و نظری گاه متضاد با یکدیگر داده اند. ما در این نوشـتار به بررسی متن و سند روایات نمی پردازیم، بلکه از آنجا که قانونگذار (شارع) هنگام وضع قانون – به ویژه در احکام متغیر – به شـرایط و اوضاع موجود نظر داشـته و به نظر می رسد که فقها به شأن و شـرایط صدور روایات توجه کافی نکرده اند، شایسـته است به اختصار، اوضاع، شـرایط، قوانین و برخی سنت های حاکم بر جزیره العرب را در هنگام ظهور اسـلام و صدور این روایات بررسـی کنیم. محیط پیدایش اسلام: هنگام ظهور اسلام، بیشتر مردم جزیره العرب، مشـرک و بت پرست و گروهی نیز مسیحی، یهودی و یا زردشتی بودند و تعداد کمی نیز به دین ابراهیم(ع) پای بند بودند. بت پرستی، بین مردم رایج بود و بت پرستان انواع بت ها را که پیکره ی انسان و غیر آن بود می پرستیدند. بسیاری از بت ها مجسمه های بزرگی بودند که به شکل انسان (مرد یا زن) و از مواد گوناگونی؛ چون سنگ، چوب و انواع فزات ساخته شده بود. مجسمه سازی در آن دیار رونقی تمام داشت و هنرمندان مجسمه ساز، مجسمه ها را با هدف های گوناگون؛ از جمله پرستش (بت) تزیین و یا برای یاد بود مردگان می ساختند. در این میان، ساخت مجسمه های پرستشی از همه رایج تر بود؛ چرا که خواهان بیشتری داشت. اگر شـخص بزرگی؛ هم چون رییس قـبیله، سـخاوتمند، شـاعر، شـجاع و... از دنیـا می رفت، بسـتگان او مجسـمه ای بزرگ، ظریف و زیبـا (بیشـتر از سـنگ و کمـتر از دیگر مواد) از او سـاخته و بر قبرش نصب می کردنـد و در طی سالیـان دراز و در مواقعی خاص، برای یاد بود و بزرگـداشت او دور قبرش جمع می شدنـد و با مراسم و آیینی خاص یادش را گرامی می داشـتند. به تدریـج، روی این گونه قبه و بارگاه ساخته شد و سرانجام پس از گذشت چند نسل، کار از بزرگداشت و احترام، به پرستش می کشید و آن مجسـمه به «بت» و آن بارگاه به بتخانه و معبـد قبیله، تبـدیل می شد. عرب ها در دیار خود بت ها و بت خانه های بزرگ و بسـیاری داشـتند که در طول سال و در زمانی معین، بر گرد آن جمع می شدند و طواف، قربانی و زیارت می کردند؛ حتی مُحرِم شده، لبیک می گفتند و مراسمی شبیه مراسم حج برای بتان به جای می آوردند. بت پرستان به آیین بت پرستی و سنت های نیاکان سخت پایبند بودنـد. بت، نمـاد و نشان آیین شـرک و محور وحـدت و یکپارچگی آنان بود، تا این که اسـلام ظهور کرد و پیامبر(ص) مردم را به

یکتاپرستی و دوری از شرک فرا خواند و شعار اصلی، بنیادی و «نماد» آیین اسلام را «توحید» و یکتاپرستی اعلام کرد. نماد اسلام و نماد شرک: از آنجا که آیین پیامبر اسلام توحید و یکتاپرستی و سنبل و نماد آیین شرک «بت» و بت پرستی بود، لذا این دو آیین رو در روی هم قرار گرفته، با هم به مبارزه برخاستند. پیامبر(ص) هر چه بر دعوت به توحید بیشتر اصرار می کرد، مشرکان نیز بر آیین نیاکان خود (بت پرستی) پای می فشردند. وقتی پیامبر(ص) با آیات الهی بت ها را نکوهش کرد و بت پرستان و نیاکان آنان را گمراه خواند، مبارزه جدی تر شد و پیکار «توحید» و «بت» بالا گرفت. هر کس مسلمان می شد، موظف بود، بت خود را بشکند و از تقدیس و احترام بت ها دست بردارد و از سنت ها و آداب و رسوم بت پرستان دوری کند. نومسلمانان، بستگان خود را به اسلام دعوت می کردند و بت های فامیل خود را در حد توان خود می شکستند. بدین گونه پیکار بین توحید و شرک به درون قبیله ها و حتی خانواده ها راه یافت و درگیری میان آنها بیشتر شد. با توجه به این اوضاع و شرایط بود که دستورهای پیامبر(ص) مبنی بر پرهیز از احترام و تقدیس هرگونه مجسمه ای «بتی» پیاپی و به الفاظ مختلف صادر می گردید و به مجسمه سازان (بت تراشان) وعده ی عذاب الهی می داد؛ زیرا تازه مسلمان شده ها از شرک و بت پرستی فاصله ی زیادی نداشتند و خطر بازگشت آنان به بت پرستی به شدت احساس می شد. به تدریج که اسلام نیرومند گردید «بت شکنی» (شمایل شکنی) بالا گرفت و مسلمانان بیشتر از سال ۸ تا ۱۰ هجری، تمام بت ها را شکستند و بتخانه ها را ویران کردند. در جریان این بت شکنی دو نکته ی در خور تأمل وجود دارد: یکی این که هر چیزی که پرستش می شد، چه مجسمه چه صخره، چه درخت و... بریده و درهم شکسته می شد. عرب ها درختانی چند را تقدیس و احترام کرده و آنها را می پرستیدند، پیامبر(ص) فرمان داد آنها را بریدند(۲). آن حضرت(ص) و مسلمانان می کوشیدند تا هیچ اثر و نشانه ای از بت، بتخانه و معبودهای مشرکان باقی نگذارند. نکته ی دوم این که با تحقیق گسترده ای که در باب بت شکنی مسلمانان انجام دادم، مطلبی دال بر شکستن مجسمه های تزیینی و به طور کلی غیر پرستشی و از بین بردن نقاشی های زینتی نیافتم. حتی اگر چنین چیزی هم می بود عجیب نبود؛ زیرا هر جا که انقلابی فکری، یا سیاسی روی دهد، انقلاب کنندگان با تمام توان می کوشند تا آثار حکومت، دین و آیین پیشین را از بین ببرند و در این کار دقت زیادی به خرج می دهند. ما این کار را در انقلاب اسلامی خودمان و در فروپاشی شوروی سابق شاهد بوده ایم. سیره ی پیامبر(ص) و یاران در شمایل شکنی: آنچه در صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اکرم(ص) روی داد، شکستن شماری مجسمه (بت) و ویرانی بتکده ها، بتخانه ها و حتی مقبره هایی بود که در گذشت روزگار به بت و بتخانه تبدیل شده بودند، حال سؤال این است که آیا می توانیم از سیره پیامبر(ص) این درس را فرا بگیریم و هر جا مجسمه ای - هر چند تزیینی و غیر پرستشی - دیدیم بشکنیم؟ در پاسخ این سؤال شایسته است نگاهی کوتاه به سیره ی یاران و صحابه ی پیامبر(ص) داشته باشیم تا ببینیم کسانی که در کنار آن حضرت(ص) بودند و در جنگ ها و شمایل شکنی ها حضور داشتند، از کردار، گفتار (روایات نهی)، تقریر و امضای پیامبر(ص) چه چیزی فهمیده اند؟ شکستن مطلق مجسمه را یا فقط شکستن بت را. پیامبر(ص) تمام معبودهای عرب را که نشانی از شرک داشت، شکست و از بین برد. لذا مهم این بود که نشان و نماد شرک باشد و شکل و شمایل آن تفاوتی داشت. پیامبر(ص) بت ها را می شکست؛ بت های سنگی، فلزی، چوبی و... به شکل انسان، یا حیوان و حتی اگر شکل خاصی نداشتن و سنگ صاف و صیقلی بود. یا درختی بود که مردم به آن احترام می گذاشتند (۳).

پاسخ(قسمت دوم)

یاران پیامبر(ص) که همراه آن حضرت بودند و گفتار او را شنیده و کردار او را دیده بودند، بهتر از کسانی که او را ندیده و همراهش نبودند، سیره ی او را می فهمیدند و گفتار او را درک می کردند. پس از رحلت آن حضرت بسیاری از یاران نزدیک او در مقام فرمانده سپاه اسلام، کشورهای زیادی مانند ایران، روم، شام، مصر، آفریقا و... را فتح کردند. آنان در این کشورها مجسمه

ها و پیکره های انسانی و حیوانی فراوانی دیدند؛ ولی هیچ یک را - تا آنجا که پرستشی نبود - نشکستند. در ایران مجسمه های فراوانی چون پیکره های بزرگ انسانی و حیوانی تخت جمشید، تاق بستان، نقش رستم، همدان و ... دیدند ولی هیچ کدام را نشکستند و هنوز هم بسیاری از آنها پابرجا و قابل دیدن است. در سوریه (حلب و تدمر)، اردن (بصری و پترا)، فلسطین و لبنان (بیت المقدس و بعلبک) و مصر (اهرام، ابوالهول و...) مجسمه های زیادی بود که همه ی آنها تا قرن ها بعد بر جای ماند و مسلمانان و صحابه ی بت شکن به آنان آسیبی نرساندند. بسیاری از صحابه؛ چون سعد بن ابی وقاص (۴) سلمان فارسی(۵) خذیفه بن الیمان(۶) و براساس روایتی امام علی(ع)(۷) کاخ های شاهان ساسانی را (به ویژه ایوان مداین و کاخ سفید را) که پر از تصاویر انسانی و مجسمه های گچی و سنگی انسان و حیوانات گوناگون بود دیدند و حتی در آنها نماز جمعه و جماعت خواندند، بی آن که تزیینات، آرایه ها و تصاویر آن را از بین ببرند، یا مجسمه های آن را بشکنند. به گفته ی طبری(۸) ایوان مداین، یا کاخ سفید حدد ۱۴ ماه مصلا و نمازگاه عید و جمعه و جماعت مسلمانان بود با آن که پر از انواع آرایه ها، تصاویر و مجسمه های انسانی و حیوانی بود، اما حدود ۱۴ ماه به عنوان مصلا و نمازگاه عید و جمعه و جماعت مسلمانان بود. اگر از کردار و گفتار پیامبر(ص) شکستن هرگونه مجسمه ای فهمیده می شد، یاران پیامبر(ص) باید تمام این مجسمه ها را (در ایران و شام و مصر) می شکستند و تمام این آثار را از بین می بردند. ولی در عمل چنین نشد و بسیاری از مجسمه ها باقی ماند. حتی صحابه خانه های خود را از انواع پرده ها، پارچه ها و پشتی های مصور و منقوش به تصاویر انسانی و حیوانی می آراستند(۹) و در خانه ی بعضی از آنان، چون یسار بن نمیر (۱۰) عبدالله بن عباس، فقیه بزرگ و بحر علم و حبر امت، مجسمه های تزینی حیوانی هم وجود داشت(۱۱). نقش نگین انگشتری بسیاری از صحابه تصویر انسان، یا حیوان بود. از برخی الفاظ و عبارت های روایات بر می آید که روی برخی از نگین ها، مجسمه یا مجسمه های کوچکی نصب بوده است. نقش انگشتری عمران بن حصین، صحابی رسول خدا(ص)، معلم قرآن و قاضی بصره، تصویر برجسته ی (تمثال رجل) مردی بود که شمشیری به گردن آویخته داشت(۱۲). نقش انگشتری انس بن مالک (م ۹۳هپ) خادم و صحابی پیامبر(ص) تصویر برجسته ی گرگ یا روباهی بود. براساس روایتی دیگر نقش انگشترش تصویر شیری در حالت خوابیده بود(۱۳) به نوشته ی طبری(۱۴) هنگامی که مسلمانان شوش را گشودند، جسد دانیال پیامبر(ص) آشکار شد. ابوموسی اشعری به خلیفه ی دوم نامه نوشت که در انگشت دانیال، انگشتری است که روی نگینش تصویر برجسته ی مردمی منقوش و دردو طرف آن، تصویر برجسته ی دو شیر است و این انگشتری پیش ماست. خلیفه ی دوم در پاسخ نوشت که انگشتر را به انگشت کن. به نوشته ی کتانی تصویر شیرها چنان می نمود که مرد را با زبان خود می لیسند. این انگشتر پس از ابو موسی در انگشت پسرش ابو برده بود(۱۵). به روایتی دیگر نقش یکی از انگشترهای ابوموسی، دو مگس، یا دو زنبور عسل بود(۱۶). نیز در باب نقش انگشتری ابوهریره نوشته اندکه دو زنبور عسل یا دو مگس بوده است(۱۷). در میان فرزندان صحابه و کسانی که صحابه را درک کرده بودند (تابعین)، بودند کسانی که نقش انگشتری شان تصاویر برجسته ی حیوانات بود. نقش انگشتری پسر عبدالله بن مسعود (ابو عبیده) صحابی بزرگ رسول خدا تصویر منظره ای؛ شامل کوه، درخت، عقاب و دو درنا (پرنده ای درازپا) بود، عقاب در ارتفاع بالا و درناها میان کوه ها بودند(۱۸). همچنین نقش انگشتری شریح قاضی - که در زمان عمر، عثمان و امام علی(ع) قاضی بود - تصویر برجسته ی دو شیر رو به روی هم بود که میان آن دو درختی قرار داشت(۱۹). این تصویر برگرفته از تصاویر تزیینی کاخ های مداین بود. نقش انگشتری ضحاک بن مزاحم، فقیه و قاری مشهور و صحابی امام سجاد(ع) نیز تصویر پرنده ای بود(۲۰). به روایتی نقش انگشتری زیاد بن ابیه، تصویر برجسته ی طاووس بود(۲۱). بر پایه ی روایتی دیگر عبدالله بن محمد بن عقیل بن ابی طالب انگشتری داشت که نقش نگین آن تصویر برجسته ی شیری بود و عقیده داشت که این انگشتر از آن پیامبر(ص) بوده و با آن نامه ها را مهر می کرده است(۲۲). به روایت حذیفه پیامبر(ص) انگشتری داشت که نقش آن تصویر دو درنا بود که رو به روی هم بودند و بین آن دو، جمله ی «الحمدلله» نقش بسته بود(۲۳) روایات منابع شیعه نیز حاکی از آن است که نقش نگین انگشتری امام کاظم، امام

رضـا، امام جواد(ع) تصویر هلال ماه و یک گل سـرخ بوده است که در وسط نگین جمله ی «حسبی الله» بالای آن هلال ماه و پایین آن یک گل سـرخ نقش شده بود(۲۴). بیشتر روایاتی که از نقاشـی و مجسـمه سازی نهی می کننـد، در شـرایطی صادر شده اند که بـازار بت پرستی و بت تراشـی گرم بوده و یکی از اصول کار پیامبر(ص) و یاران آن حضـرت مبارزه با این خـدایان دروغین و نابود کردن آنان بوده است. از این رو ضروری است به شأن صدور، شرایط و اوضاع حاکم بر زمان و مکان صدور آنها توجه کافی شود. به همین جهت است که برخی از فقهای معاصـر الفاظی؛ مانند تمثال، تماثیل، صوره، تصاویر، تصویرو... را بر «بت» و نهی از ساخت مجسـمه را بر نهی از «بت سازی» حمل کرده اند(۲۵). در این خصـوص دو سؤال مطرح است: یکی این که اگر در واقع امر سـاختن مجسـمه به طور مطلق حرام بوده آیا ضـرورت نـداشت که خداونـد متعال حکم آن را در کتاب خود آشـکارا و بی ابهام بیان کنـد؟ چنان که از باب مثال، حکم باده، ربا، زنا، قمار و... را به طور صـریح و روشن بیان کرده است. دو آن که اگر نماد شرک چیزی غیر از بت و مجسمه می بود، آیا در آن صورت هم، چنین حکم و روایاتی در خصوص نهی از ساختن مجسمه صادر می شد، یا این که روایات تنها در مورد نهی از ساخت همان نماد صادر می گردید؟ سـیره پیامبر(ص)، صـحابه، تابعین و مسـلمانان حاکی از آن اسـت که آن چه مهم بوده، مبـارزه با نماد شـرک و حتی نماد ادیان دیگر بوده است، نه مبارزه با اشـیا و ابزار. آنان با آن که تمام مجسـمه های غیر پرستشـی را به حال خود باقی گذاشـتند، اما نماد شـرک و ادیان دیگر را از میان بردند. امام علی(ع) در عصـر خلافت خود دسـتور داد، محراب مسجدی را به دلیل شاهت به «مذابح» یهود خراب کنند(۲۶). خلیفه ی دوم نیز فرمان داد، درخت حـدیبیه را که بیعت رضوان زیر آن انجام شـده بود ببرنـد و نابود کنند؛ زیرا مسـلمانان پس از رحلت پیامبر(ص) به طور فراوان پای آن درخت می رفتنـد و آن را زیارت، احترام و تقدیس می کردند و چون از بت پرستی فاصـله ی کمی داشـتند و خطر بازگشت به بت پرستی بود، دستور داده شد آن را بریدند(۲۷). در عهد تابعان نیز همین روش برقرار بود. مسلمانان در کشور گشایی هایی خود هر جا به بت ها، بت خانه ها و یا بت پرسـتان بر می خوردند، بت ها را می شکسـتند و بتخانه ها را ویران می کردند. اگر جایی مجسـمه ای بود، ولی مردم آنجا بت پرست نبودند، مجسـمه های صحیح و سالم باقی می ماند. قتیبه بن مسلم هنگامی که در سال ۸۹ هجری، بخارا را فتح کرد، بتخـانه اش را ویران نمود و بت هایش را شـکست(۲۸) و در سال ۹۳ هجری سـمرقند را فتـح کرد و بتخانه اش را ویران و بت هایش را سوزاند(۲۹). ---------- پی نوشت ها: ۱. سبأ، آیه ۱۳. ۲. کلبی، الاصنام، ص ۲۵ و ۲۶ ؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۴۰ ؛ ازرقی، «اخبار مکه»، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۷۸ و ۷۹. بت عزی چون بتان دیگر حرم، بتخانه ای بزرگ داشت. در کنار بتخانه درختانی (سه درخت) بود که پرسـتش می شدنـد و به فرمان پیامبر(ص) آنها را بریدند. ۳. همان (بت عزی در بطن نخله). ۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۲۴ و ۱۲۵ ؛ الکامل فی التاریخ ، ج ۲، ص ۱۴۰ ؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۰۱. ۵. همان. ۶. همان. ۷. «جبریـل بن شاذان»، کتاب الفضایل، ص ۷۱ ؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴. ۸. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۳۹ – ۱۴۷. ۹. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۴۵ ؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۳۰. ۱۰. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۰ و ۴۱ ؛ صحیح مسلم ، ج ۲، ص ۱۶۰ ؛ مسند احمد ، ج ۱، ص ۳۶۰ ؛ سنن بیهقی، ج ۷، ص ۲۷۰. ۱۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۴ ؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۰ ؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۵ ؛ بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۴۵. ۱۲. طبقات ابن سعد، ج ۷، ص ۱۰ ؛ سیر اعلام النباء، ج ۲، ص ۵۱۰ ؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۸ و ۶۹. ۱۳. طبقات ابن سـعد، ج ۷، ص ۱۸ ؛ اسـد القابه، ج ۱، ص ۱۷۸ ؛ سـیر اعلام النبأ، ج ۳، ص ۴۰۳. ۱۴. تاریخ طبری ۸ جلدی، ج ۳، ص ۱۸۸ ؛ التراتیب الاـداریه، ج ۲، ص ۶۸. ۱۵. التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۷. ۱۶. همان، ج ۲، ص ۶۷. ۱۷. همـان، ج ۲، ص ۶۷. ۱۸. همان، ج ۲، ص ۶۹ ؛ طبقات ابن سـعد، ج ۶، ص ۲۱۰. ۱۹. طبقات ابن سـعد، ج ۶، ص ۱۳۹ ؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۹. ۲۰. طبقات ابن سـعد، ج ۶، ص ۳۰۱ ؛ التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۶۹. ۲۱. طبقات ابن سعد، ج ۷، ص ۹۹. ۲۲. التراتیب الاـداریه، ج ۲، ص ۶۸. ۲۳. همـان، ج ۲، ص ۶۸. ۲۴. کـافی، ج ۱، ص ۴۶ ؛ ج ۲، ص ۶۲ و ۲۱۱ ؛ مکارم الاخلاق، ص ۹۰ ؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۲۳. ۲۵. امـام خمینی «مکاسب محرمه»، ج ۱، ص ۱۶۹ ؛ تبریزی «التعلیقه علی منهـاج

الصالحین»، ص ۳۴، کتاب التجاره مسأله ی ۱۶. نیز نگاه کنید رساله ی عملیه ایشان را ، تبریزی به جواز ساخت (عدم حرمت) مجسمه فتوا داده است. ۲۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۳ ؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۰ ؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳ ؛ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۳. ۲۷. ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۰۱ ؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۲. ۲۸. تاریخ بخارا، ص ۶۷. ۲۹. الکامل فی التاریخ ج ۳، ص ۲۱۷ ؛ ابن فقیه «کتاب البلدان»، ص ۶۲۴ ؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۴۸.

سنتهای ملی

مبدأ سال های میلادی و شمسی چیست؟

پرسش

مبدأ سال های میلادی و شمسی چیست؟

پاسخ

مبدأ تاریخ مسیحی سال تولد حضرت مسیح می باشد و آن را تاریخ میلادی گویند. در این مورد گفته شده. در سال ۵۴۰ در شهر روم، کشیش به نام" دنی "خیلی کوشید که روز تولد مسیح را به دست آورد. دو قرن بعد این روز اساس مبدأ تاریخ قرار گرفت. این تاریخ در سال ۸۰۰ میلادی به وسیله شخصی به نام شارلمان به طور قطعی مورد قبول واقع شد و مبدأ تاریخ همهٔ مسیحیان به استثنای مردم یونان قرار گرفت. اکنون معلوم شده است که تولد مسیح از تاریخ متداول، چهار سال پیش تر است.(۱) اما تاریخ شمسی مقیاسی برای زمانی است که مساوی با گردش زمین به دور خورشید است. به کارگیری تاریخ سال یا نه برای سنجش زمان از ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد نزد مصریان معمول بوده است.(۲) تاریخ هجری شمسی محاسبهٔ تاریخ است از سال هجرت پیامبر (ص) به حساب سال های شمسی.(۳) پی نوشت ها : ۱ – لغت نامه دهخدا، ج۴، ص ۵۴۵۲. ۲ – دائرهٔ المعارف مصاحب، ج۱، ص ۱۲۳۹. ۳ – لغت نامه دهخدا، ج۴، ص ۵۴۵۰.

ما باید اوّل مسلمان باشیم بعد ایرانی یا برعکس؟

پرسش

ما باید اوّل مسلمان باشیم بعد ایرانی یا برعکس؟

پاسخ

مسلمان بودن که نوعی گرایش خاصّ مذهبی است، آمیخته با فطرت و سرشت انسان است. وی ایرانی بودن و اصولا ملیّت مسأله ای است که در رابطه با محل سکونت انسان مطرح می شود و در سرشت انسان، اصالتی ندارد. از این رو باید گفت: ما اوّل مسلمان هستیم و بعد ایرانی. چه اینکه ما در شیوه های مربوط به زندگی و شکل دادن آنها باید از اسلام الهام بگیریم نه از ملیّت. فی المثل در نام گذاری باید به نام هایی که نوعی ارتباط با مذهب دارد بیشتر توجّه شود نه به نام هایی که مربوط به شخصیّت های ملّی است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۲۰۹ـ

ریختن آب پشت سر مسافر تایید شرعی دارد یا خرافات است ؟

پرسش

ریختن آب پشت سر مسافر تایید شرعی دارد یا خرافات است ؟

پاسخ

در متون دینی تأییدی برای این گونه امور نیافته‌ایم و به نظر می‌رسد بیش از هر چیز متأثر از سنن ملی باشد نهدینی.{J

آیا برای یک مسلمان افتخار به هویت ملی اشکال دارد؟ مصادیق مثبت و منفی این افتخار کدام اند؟

پرسش

آیا برای یک مسلمان افتخار به هویت ملی اشکال دارد؟ مصادیق مثبت و منفی این افتخار کدام اند؟

پاسخ

((هویت ملی)) مجموعه ای از تاریخ , فرهنگ و تمدن یک ملت است که در بستر زمان شکل گرفته است . در مورد افتخار کردن به هویت ملی چند نوع دیدگاه وجود دارد: الف) دیدگاه کسانی که از هویت ملی ایدئولوژی می سازند و به شکلی ((نژاد پرستانه)) و یا ((سرزمین پرستی)) همه چیز را در شعاع آن می بینند چنین دیدگاهی هویت ملی را مطلق انگاشته و هر چیزی را که مربوط به آن باشد تقدیس می کند. ب) دیدگاه دیگر در این موضوع , نظر کسانی است که ((هویت ملی)) را مطلق ندانسته و آن را در خور نقد می دانند. اینان با انتخاب دیدگاه منطقی برتری به ملیت می نگرند و نژاد و خاک را تقدیس نمی کنند ;بلکه دیدگاهی فراتر داشته و ((هویت انسانی)) را اصل قرار می دهند. دیدگاه های ((انترناسیونالیستی)) نوعا بر این منطق استوار است . اسلام نیز به روشنی دیدگاه ((انترناسیونالیستی)) دارد و مردم را در قالب فرزندان خاک و نژاد ملاحظه نمی کند ;بلکه سرشت بنی آدم را از یک گوهر دانسته و آنان را با هم برابر می داند. از نظر اسلام پرداختن به هویت ملی تا آن جا که هویت اسلامی را تحت الشعاع قرار ندهد اشکالی ندارد ;ولی اگر بنا باشد به جای دین بنشیند و دیدگاه های خود را بر کرسی بنشاند, طبیعی است که با روند اصلی بینش دین در تضاد است . پس باید دیدگاهی نقادانه و هشیارانه در برابر مدعیان ((هویت ملی)) داشت ; بدین صورت که عناصر مفید آن را ارج نهاد و منطقه های غیر ارزشی و موهوم آن را رها ساخت . برای مطالعه بیشتر ر . ک : ۱- سیر اندیشه ملی گرایی از دیدگاه اسلام مترجم : عقیقی بخشایشی ۲- جامعه انسانی اسلام مجتهد شبستری ۳- ناسیونالیسم و انقلاب رضا داودی ۴- سیر عقاید و اندیشه های سیاسی خزائلی

چرا از قدیم مرسوم بوده است حلقه ازدواج را به دست چپ بیندازند؟

پرسش

چرا از قدیم مرسوم بوده است حلقه ازدواج را به دست چپ بیندازند؟

پاسخ

در منابع دینی در مورد حلقه ازدواج و یا این که در دست چپ باشد چیزی نیافتیم. انگشتر را به دست راست کردن برای زن و مرد مستحب است و سنت پیامبر گرامی اسلام است، (وسائل، ج ۵، ص ۸۱). برتری دست راست و سمت راست از مواردی در آیات و روایات استفاده می‌شود. الف) در قرآن کریم آمده است نامه اعمال مؤمنان به راستشان و نامه عمل کافران به چپشان داده می‌شود، (حاقه، آیات ۱۹ – ۲۵). ب) غذا خوردن با دست چپ مکروه است مگر در هنگام ضرورت، (وسائل، ج ۲۴، ص ۲۵۹). ج) شستن محل ادرار و غایط با دست راست مکروه است، (وسائل، ج ۱، ص ۳۲۱).{J

نظر اسلام درباره نوروز چیست؟

اشاره

با سلام و احترام و ابراز سپاس از این که پرسش‌های خویش را با ما درمیان گذارده‌اید. اینک

پرسش

نظر اسلام درباره نوروز چیست؟ با سلام و احترام و ابراز سپاس از این که پرسش‌های خویش را با ما درمیان گذارده‌اید. اینک

پاسخ

در مورد نوروز روایات ضد و نقیضی در کتاب‌های روایی موجود است. مرحوم علامه مجلسی از بحارالانوار فصلی را به بحث نوروز اختصاص داده و (۱) روایات متعددی را متذکر شده است. از امام صادق (ع) روایتی را متذکر شده است که حضرت به معلی بن خنیس فرمود: می‌دانی نوروز چه روزی است؟! نوروز روزی است که خداوند در آن روز با بندگانش عهد و پیمان بسته است که شرک نورزند. نوروز اولین روزی است که خورشید طلوع کرده و در این روز حوادث مبارک بسیاری به وقوع پیوسته است. (۲) به نظر می‌رسد از این که نوروز و مراسمی که ایرانیان در آغاز سال شمسی دارند، از این جهت که مشتمل بر یک سری روابط پسندیده و نظافت و امور خداپسندانه است، مورد تأیید اسلام است. پی‌نوشت‌ها: ۱ – همان، ص ۹۲.

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پرسش

آیا عید نوروز را باید جشن گرفت؟

پاسخ

دید و بازدید و صله رحم و دستگیری از مستمندان که مردم در عید نوروز انجام می‌دهند، و خانواده‌ها و خویشان و بستگان از حال یکدیگر با خبر می‌شوند، از نظر اسلام کاری بسیار شایسته است. گذشته از این، فروردین، آغاز بهار است؛ هنگامی که طبیعت دوباره زنده می‌گردد و درختان سبز و خرّم می‌شوند و رشد و بالندگی خویش را آغاز می‌کنند. این انگیزه‌ای است که انسانها نیز با

طبیعت همراه شوند و برای شکوفایی و بالندگی در تمام ابعاد مادّی و معنوی خویش بکوشند. ولی تأسّف برانگیز است که گروهی از مردم کشور مانی، در این روزها، که طبیعت انسان را هشدار می‌دهد که نیروی خویش را تباه نسازد و عمر خویش را از میان نبرد، به بی‌بند و باری می‌پردازند و با کارهای زشت، روح خویش را می‌آلایند. « بخش پاسخ به سؤالات »

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پرسش

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین چه حکمی دارد؟

پاسخ

گذاشتن ماهی قرمز در سر سفره هفت سین، علّت عقلی و شرعی و قانونی ندارد، بلکه سنّتی است ملّی که برخی آن را می‌پسندند و بدان عمل می‌کنند. « بخش پاسخ به سؤالات »

چرا برخی مردم بر این عقیده‌اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پرسش

چرا برخی مردم بر این عقیده‌اند که عدد سیزده نامیمون است؟

پاسخ

متأسّفانه ایمان برخی مردم به نامیمونی عدد سیزده ژرف‌تر از ایمانشان قدرت خدا است. حتّی گاه می‌بینیم که آنان برای این که به گمان باطل خویش از نامیمونی عدد سیزده بگریزند، کارهایی زشت انجام می‌دهند؛ کارهایی که با عقل و شرع ناسازگار است. به فرض که عدد سیزده نحس باشد، راه گریختن از آن، توکّل به خدا و دعا و نیایش و صدقه و صله رحم و دستگیری از بینوایان و تهیدستان است. یکی از بهترین نشانه‌های نادرستی این پندار، ولادت با سعادت حضرت علی«علیه السلام» در روز سیزدهم رجب است. پس، این عقیده، خرافه‌ای بیش نیست. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

پرسش

آیا در دین مقدّس اسلام درباره مراسم ترحیم(سوم، هفتم، چهلم) حکمی ذکر شده است؟

پاسخ

مراسم ترحیم(سوم، هفتم و چهلم) از مراسم ما ایرانیان است و هیچ سفارشی در شرع مقدّس برای برگزاری این گونه مجالس نیست.

البته، طلب مغفرت و تلاوت قرآن برای میّت مستحب است، ولی درباره مجلس سوم و هفتم و چلهم هیچ گونه سفارشی نشده است. متأسفانه، برخی چشم و هم چشمیها و رسوم نامعقول مردم، موجب رنج خود آنان شده است. در دین مقدّس اسلام آمده است که شایسته است همسایگان برای خانواده عزادار تا سه روز غذا بفرستند و غذا خوردن همسایگان در آن خانه مکروه است ;ولی میان ما رسم است که باید شخص عزادار هزینه هایی سنگین بر عهده گیرد و دیگران را غذا دهد. در بسیاری از روستاها و شهرها، بازماندگان عزادار برای برگزاری این گونه مجالس ناچار می شوند املاک خود را بفروشند و زیر بار وامهایی سنگین روند و تا سالها تاوان پس دهند تا به گمان خود، آبروداری کنند. خداوند به این کار راضی نیست و برگزار کنندگان اجری نخواهند برد; زیرا به جای پیروی از دین مقدّس اسلام، گویی می گویند: «بل نتّبع ما الفینا علیه آباءنا(۱ ;)بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم». (بخش پاسخ به سؤالات) ـــــــــــــــ ۱ - سوره بقره آیه ۱۷۰. ـ۸۸۱ـ

باورهای خرافی

جدا نمودن آیین مقدس اسلام از سنتهای باطل چگونه است؟

پرسش

جدا نمودن آیین مقدس اسلام از سنتهای باطل چگونه است؟

پاسخ

اگر منظور این است که مسلمانان از نظر عملی تنها به سنن اسلامی عمل نمی کنند و از سنتهای باطل نیز پیروی کنند، برای اینکه تنها به سنن اسلامی عمل شود این است که نخست مردم را با سنن اسلامی به طور کامل آشنا کرد و سنتهای خرافی را برای آنان تشریح نمود و آنان را توصیه کرد تا به سنتهای اصیل اسلامی عمل نمایند. اگر منظور این است که تعالیم اسلام با خرافات همراه شده، به گونه ای که اسلام اصیل تشخیص داده نمی شود، باید گفت که تعالیم اسلام روشن است و اعتقاد گروهی ناآگاه را نباید به حساب تعالیم اسلام گذاشت. یادآوری این نکته لازم است که در زمینه ی تعالیم اسلام همواره باید به متخصصان آن - که دانشمندان و فقهای بزرگ می باشند- مراجعه کرد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۰۹۳ـ

مراسم جهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟

پرسش

مراسم جهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟

پاسخ

این گونه مراسم از خرافات محسوب می شوند و انسان باید کارهایش بر اساس معیارهای عقلی و شرعی باشد و از هرگونه خرافات بپرهیزد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۷۷۴ـ اخلاق و تربیت فضائل اخلاقی ایمان مراتب

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

پرسش

مختصری درباره خرافات توضیح فرمایید؟

پاسخ

سخنان بیهوده و پریشان که ناخوشایند باشند. عادات مألوفه و شیوه های متبعه ای که نه بر مبنای عقل و خرد و نه بر پایه شرع و شریعت، بلکه به استناد خوابی که کسی دیده باشد یا عادتی که از گذشتگان به یادگار مانده باشد. این صفت را در انسان می توان به انحراف حالت دین جویی وی مستند دانست. اسلام در بدو ظهور خود با تمام قدرت، با این شیوه غلط به مبارزه برخاست. انسان را به یاد عقل در پرده کشیده اش آورد. و در صدد برآمد که فکر وی را از اوهام و خرافات و عقاید بی اصل و اساس برهاند و وی را به پیروی از عقل و منطق متوجّه سازد. جامعه جاهلیّتِ آن روز، سخت اسیر موهومات بود. این حالت، وی را از شکوفا شدن و به فعلیّت رسیدن عقل بالقوه اش باز می داشت. قرآن با ندای بیدار کننده توحید، وی را به خود آورد. قرآن غل و زنجیرهایی که خود به دست خویش بر گردن و دست و پا فکنده بود، بگشود(۱). مردم را از پیروی عادات پدران به پیروی عقل و خرد سوق داد(۲). به آنها فهمانید که چه کسی قادر است آدمی را از سختی ها و محنت های روزگار و بن بست های زندگی نجات دهد. به آنها آموخت که بایستی در حوادث ناگوار به چه کسی پناه برد. کدام شخصیّت قادر و مهربان و آگاه،شایسته است که وی را به یاری بخوانی و ندای تو را بشنود و تو را پاسخ گوید(۳). ــــــــــــــــ ۱ – سوره اعراف، آیه ۱۵۷. ۲ – سوره بقره، آیه ۱۷۰. ۳ – سوره اعراف، آیه ۱۹۴. ـ۴ـ انسان را از بندگی بندگان آزاد ساخت و به بندگی آفریدگار خویش کشانید و رشته وابستگی به هزاران امید هوم از او بگسست و او را به پناهگاهی بایسته و شایسته ربط داد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۵ـ

شایعاتی در خرم‌دره زنجان پخش شده که »علم« در حسینیه جوش آورده و شفا یافتن مریض‌ها در این مکان زیاد شده، حال، ماندن در این مکان‌ها و طلب شفا و زیارت و امثال ذلک چگونه است؟

پرسش

شایعاتی در خرم‌دره زنجان پخش شده که »علم« در حسینیه جوش آورده و شفا یافتن مریض‌ها در این مکان زیاد شده، حال، ماندن در این مکان‌ها و طلب شفا و زیارت و امثال ذلک چگونه است؟

پاسخ

بدیهی است اکثر این گونه موارد و شایعات که هر از گاهی در یک گوشه مملکت مطرح و منتشر می‌شود، ساخته و پرداخته دست افراد متقلب و کلاشی است که به قصد مردم فریبی و اخذ پول و هدایا صورت می گیرد و هیچ مبنای شرعی و عقلی ندارد؛ هر چند ممکن است افرادی با دل پاک و نیت صادقانه توسل‌هایی به حضرات معصومین(ع) داشته و به نتایجی رسیده باشند و یا گاهی گمان کنند مورد عنایت قرار گرفته‌اند و اقدام به پخش خبر آن عنایت (واقعی یا ساختگی) کنند و مورد توجه مردم علاقمند به اهل‌بیت(ع) قرار گیرند، ولی کم کم مفاسد زیادی به دنبال مراجعات مردم پدید آمده که اصل عنایت و توسل را زیر سؤال برده و حرکتی انحرافی در عقاید مردم ایجاد نموده است. بنابراین نه می‌توان به صورت قطع و یقین همه موارد را رد کرد و نه می‌توان به

هر موردی - گرچه با آثار و شواهد همراه باشد - کاملاً اطمینان نمود. پیشنهاد ما این است: کسانی که مشکلاتی دارند و می‌خواهند با توسل به خاندان عصمت و طهارت مشکلات آن‌ها رفع شود، با ارتباط مستقیم از طریق دعاهای وارده و در محل‌های معتبر مثل زیارتگاه‌ها و قبور شریف آن بزرگواران عرض حاجت نموده و با الحاح و اصرار از خداوند، رفع مشکلات خود را خواستار شوند.

نامه‌ها و ادعیه‌هایی که هر از گاهی در منازل انداخته می‌شود یا در قرآن‌ها و مفاتیح‌ها در حرم مطهر نوشته می‌شود و در آن داستان‌هایی بیان می‌شود و تقاضای رونویسی به دفعات ۲۵ و ۳۰ و... در نامه‌های مذکور آورده می‌شود؛ آیا پایه و اساس درستی دارد و انجام خواسته

پرسش

نامه‌ها و ادعیه‌هایی که هر از گاهی در منازل انداخته می‌شود یا در قرآن‌ها و مفاتیح‌ها در حرم مطهر نوشته می‌شود و در آن داستان‌هایی بیان می‌شود و تقاضای رونویسی به دفعات ۲۵ و ۳۰ و... در نامه‌های مذکور آورده می‌شود؛ آیا پایه و اساس درستی دارد و انجام خواسته‌های ذکر شده الزامی است یا خیر؟

پاسخ

چنین نامه‌هایی پایه و اساس درستی ندارد و از اساس باطل است و به آن توجّه نکنید.

شنیده شده کسی بعد از این که با قرآن استخاره کرده و بد آمده، قرآن را پاره کرده و از نیم تنه تبدیل به خرچنگ شده است. چنین چیزهایی صحت دارد؟ پاسخ ما در قبال برخورد با این مسائل چه باید باشد؟ژ

پرسش

شنیده شده کسی بعد از این که با قرآن استخاره کرده و بد آمده، قرآن را پاره کرده و از نیم تنه تبدیل به خرچنگ شده است. چنین چیزهایی صحت دارد؟ پاسخ ما در قبال برخورد با این مسائل چه باید باشد؟ژ

پاسخ

این خبر صحت ندارد و برگرفته از شایعات برخی از افراد به خصوص زنان عوام اندیش و ساده است. به دلیل آن که چنین خبری اگر درست باشد، باید شهر، کوی و برزن و آدرس آن شخص و نام و نشانش و شکل خرچنگ شدنش به پیوست اصل خبر برسر زبان‌ها می‌افتاد و از دید و گوش روزنامه‌نگاران پنهان نمی‌ماند. ولی چون شایعه ساز می‌داند که اگر این گونه اخبار را به صورت دقیق و با نام و نشان باز گوید، زود لو می‌رود و دروغگویی‌اش معلوم می‌شود. به همین جهت خبر را به صورت کلی و ناپخته می‌سازند. ثانیاً به فرض صحت خبر، مگر او چه کرده بود که این چنین مجازات شود؟ نهایتش این است که قرآن را از روی خشم و یا از روی بی‌اعتنایی پاره کرده بود. آیا پاره کردن قرآن در این حد اثر نامطلوبِ فوری و مجازات تکوینی دارد؟ چگونه ممکن است خداوند برای این بی‌ادبی، مجازات سنگین و سه فوریتی در نظر بگیرد، ولی در برابر جرم‌های بسیار سنگین و گناهان زیاد و کارهای بسیار زشت و جنایات بزرگ، فوری مجازات نکند و حتی یک هزارم آن مجازات را با فوریت در نظر نگیرد؟ و همه‌اش را به آخرت حواله دهد؟ آیا پاره کردن یک جلد قرآن کریم، بدتر از کشتن هزاران زن و کودک بی‌گناه است؟ پس چرا سربازان

ددمنش اسرائیل غاصب که روزی ده‌ها زن و کودک و جوان بی‌گناه رادر خانه‌های خود به خاک و خون می‌کشند و آنها را از خانه و کاشانه خویش آواره می‌کنند بلایی به سرشان نمی‌آید و به صورت حیوان در نمی‌آیند؟ و خداوند خشم ظاهری خود را بر آنها نشان نمی‌دهد؟ و مسخشان نمی‌کند؟ علاوه بر آن، افرادی را در طول تاریخ می‌بینیم که از روی دشمنی و عداوت دینی قرآن را آتش زده و مورد هدف تیرهای خود قرار داده و آن را سوزانده و پاره پاره کرده‌اند؛ ولی »مسخ« نشده و به صورت حیوان در نیامده‌اند. مثلاً افرادی چون ولید از حاکمان بنی‌امیه و شاه و عمال او در ایران و... چرا اینها مسخ نشدند؟ ثالثاً مهم‌تر از همه اصولاً در اسلام مسئله‌ای به نام »مسخ« نیست؛ یعنی اصلاً بنا بر این نیست که هرکس کار بدی انجام داد، فوری به شکل حیوانی درآید و آن دور از سنت و عدل و حکمت الهی است. شما باید با این مسائل با بصیرت الهی و بینش مکتبی برخورد نمایند و نباید چنین اخبار کذب محض را بپذیرند و یا در جای دیگر به زبان آورید و باعث شایع شدن این اخبار در جامعه شوید.

شخصی از شهر مدینه وصیت‌نامه‌ای فرستاده که مشتمل بر مطالب زیر می‌باشد: پیامبر اکرم (۹) را در خواب دیدم که به من فرمودند: حاج شیخ احمد در این هفته شصت هزار نفر مرده‌اند در حالی که یک نفر هم ایمان نداشتند، مردم احکام شرع را رعایت نمی‌کنند، زنان حجاب اسلامی ر

پرسش

شخصی از شهر مدینه وصیت‌نامه‌ای فرستاده که مشتمل بر مطالب زیر می‌باشد: پیامبر اکرم (۹) را در خواب دیدم که به من فرمودند: حاج شیخ احمد در این هفته شصت هزار نفر مرده‌اند در حالی که یک نفر هم ایمان نداشتند، مردم احکام شرع را رعایت نمی‌کنند، زنان حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند و ... به مردم اعلام کنید پرهیزگار باشید که قیامت نزدیک است رسول اکرم (۹) فرموده‌اند: هر کس این مطالب را بخواند یا چاپ کند در روز قیامت من به شفاعت او می‌آیم و هر کس به آن بی‌اعتنایی کند، خداوند او را از رحمت خود محروم می‌نماید. بعد شیخ احمد گفته اگر این نوشته‌ها دروغ باشد خداوند مرا لعنت کند. هر کس ۱۰۰ برگ از این مطالب را چاپ کند، ۱۴ روز خوشحالی می‌بیند شخصی چنین کاری کرد و مقدار زیادی پول استفاده کرده و هر کس آن را دروغ شمرده خود یا یکی از اهل او مرده است لطفاً بفرمایید آیا مطالب فوق صحت دارد؟ و مورد تأیید علما می‌باشد یا خیر؟ وظیفه ما در برخورد با این گونه موارد چیست

پاسخ

خواهر عزیز ;این‌گونه مطالب به هیچ وجه حجهٔ شرعی ندارد چه از منظر خواب نگاه کنیم که خواب هیچ وقت چنین الزاماتی را برای انسان نمی‌آورد. و چه از حیث این که آن را فرمایش معصوم (۷) بدانیم که تا به حال حدیث معتبری که دال بر این عواقب در انجام و تروک عملی باشد، نیافته‌ایم با اندکی بررسی در می‌یابیم که همهٔ این مضامین مثل امر به معروف حجاب راستگویی و ... در احادیث و آیات محکم موجود است پس چرا به آنها عمل نکنیم و نشر آنها را با عمل کردن و حتی چاپ و بیان آنها بعهده نگیریم وقتی مطالب دینی بخواهد به جای تکیه بر منطق آیه و حدیث خواب و... متکی باشد وهن دین است ما در فرامین الهی دستور به رعایت حجاب رسیدگی به مستضعفان و... را داریم لذا نیازی نیست این امور به کسی در خواب گفته شود. از طرفی هم سنت الهی بر این نیست که اگر کسی مطلب حقی و یقینی و ثابت را انکار کرد، دچار مرگ و... شود چه رسد به مطلبی که شرعاً ما موظف به تصدیق آن نیستیم البته در تحلیل این عمل اگر خیلی خوش بینانه و با حسن‌ظن قضاوت کنیم شاید پخش این‌گونه برگه‌ها از روی ساده‌لوحی و دلسوزی احمقانه باشد که به این طریق مردم را تشویق به خدا و پیامبر (۹) و ترک گناه کنند اما صورت دوم که به نظر

صحیح‌تر می‌رسد آن است که توزیع این برگه‌ها با اهداف بالاتری صورت می گیرد که یکی از آنها سنجش مقدار ساده‌لوحی و بی‌دقتی افکار عمومی نسبت به فرامین الهی و میزان توجه مردم به شایعات خرافات و... است که برای برنامه‌ریزی دشمنان فرهنگ اصیل اسلامی مفید می‌باشد. وظیفه ما در برخورد با چنین مطالبی این است که : ۱. مردم را با زبان نرم و ملایم آگاه نماییم ۲. هر کجا چنین مطالبی دیده شود جمع‌آوری و محو کنیم و به آن عمل نکنیم ۳. از راه درست مطالب صحیحی که همان قرآن و حدیث است را جایگزین آنها نماییم

چرا بعضی ها روز سیزده را نحس می دانند؟ آیا اهل سنت این روز را نحس کرده اند به نام سیزده رجب که روز تولد آقا امیرالمؤمنین(است؟

پرسش

چرا بعضی ها روز سیزده را نحس می دانند؟ آیا اهل سنت این روز را نحس کرده اند به نام سیزده رجب که روز تولد آقا امیرالمؤمنین(است؟

پاسخ

در میان مردم چیزی معمول و مرسوم است که بعضی از روزها را روز سعد و مبارک و بعضی را روز شوم و نحس می دانند. نکته مهم این است که این اعتقاد عمومی تا چه حد در اسلام قابل قبول است ویا تا چه حد از اسلام گرفته شد است. از نظر عقلی محال نیست که اجزاء زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند. بعضی دارای ویژگیهای نحوست و بعضی دارای ویژگیهای مبارک و سعد باشند هر چند از نظر استدلال عقلی راهی برای اثبات و یا نفی چنین مطلبی در اختیار نیست ولی واقع مطلب این است که چنین امری ممکن است، چرا که با توجه به دلایل شرعی که در این زمینه وجود دارد قبول این مطلب نه تنها مانعی ندارد بلکه لازم است. در آیات قرآن کریم تنها در دو مورد اشاره به نحوست ایام شده است و آن در مورد نزول عذاب به سبب نافرمانی قوم عاد است : "انا ارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی یوم نحس مستمر" "۱ "مانند باد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنها فرستادیم.(منظور از روز شوم مستمر این است که حوادث آن روز همچنان استمرار یافته چنانکه در آیه ۷ سورهٔ حاقه آمده است هفت شب و هشت روز این عذاب الهی بطور مداوم بر آنها مسلط بود تا همگی را در هم کوبید و کسی را زنده نگذاشت.) در سورهٔ فصلت نیز به همین ماجرا اشاره شده" : فارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی ایام نحسات" "۲ "پس مانند بادی سخت و سرد را در روزهایی شوم بر آنها فرستادیم. نقطهٔمقابل‌این‌مطلب تعبیرمبارک وسعد می باشد که در بعضی آیات قرآن دیده می شود. از جمله در سورهٔ دخان می‌خوانیم" انا انزلناه فی لیله مبارکه" "۳ "ما قرآن را در شبی پربرکت نازل کردیم. در روایات اسلامی نیز احادیث بسیاری در زمینه نحس و سعد ایام وجود دارد گرچه تعداد زیادی از آنهااز نظر سند ضعیف به نظر می رسند وآمیخته به خرافات گردیده اند ولی همهٔ آنها چنین نیستند و روایات معتبر و قابل قبولی نیز در میان آنها وجود دارد. در مورد نوروز در حدیثی از امام صادق(می خوانیم که فرمود" : نوروز روز مبارکی است روزی است که کشتی نوح برکوه جودی قرار گرفت و جبرئیل بر پیامبر(اسلام نازل شد، روزی است که علی(بر دوش پیامبر(رفت و بتهای کعبه را شکست و داستان غدیرخم مصادف با نوروز بود". "۴" در مورد روز عاشورا نیز در روایات شدیداً از تبرک به آن روز نهی شده است. ناگفته پیداست که سعد و نحس ایام با برخی حوادث مطلوب و نامطلوب پیوند خورده است. نکته مهم و قابل توجه این است که در این باره نباید طریق افراط را در پیش گرفت و فی المثل چون فلان روز شوم و نحس است دست از تلاش و فعالیت کشید و یا علت شکست و زیان در اموری را مربوط به

شومی ایام دانست، بلکه باید با توکل به خدا و یاری جستن از لطف و کرم او در عرصه زندگی استوار و محکم گام برداشت. در روایات می خوانیم در روزهایی که نحس نامیده شده اند با دادن صدقه و خواندن دعا و استمداد از لطف خداوند رحمان و قرائت بعضی از آیات قرآن به دنبال کارها بروید و پیروز و موفق باشید. نکته اول ـ اما در خصوص روز سیزده و ارتباط آن با سیزده رجب و تولد حضرت علی(باید به نکات زیر اشاره کرد (...اگر مراد از روز سیزده ، سیزدهم فروردین ماه باشد، همانگونه که می دانید فروردین از ماههای خورشیدی است که ملاک و مبنای آن گردش زمین به دور خورشید است که ۳۰ تا ۳۱ روز به طول می انجامد تا یک ماه خورشیدی کامل شود. سنت و اعتقادی که در مورد روز سیزدهم فروردین وجود دارد هیچ ارتباطی با اسلام و مسلمانان و خصوصاً اهل سنت ندارد. بلکه این رسم و آیین و اعتقاد مربوط به ایرانیان باستان است که صدها سال قبل از ظهور اسلام می‌زیسته اند و از آن زمان تاکنون این اعتقاد باقی مانده و دلیل شرعی نیز مبنی بر نحسی روز سیزده وجود ندارد و بیشتر به یک اعتقاد خرافی شبیه است. نکته دوم ـ اینکه ماه رجب از ماههای قمری است که ملاک و معیار آن گردش ماه به دور زمین است که ۲۹ تا ۳۰ روز به طول می انجامد و تولد حضرت علی(در سیزدهم آن ارتباطی به اعتقاد ایرانیان باستان در خصوص سیزده فروردین ندارد. نکته سوم ـ اینکه اگر منظورتان روز سیزده هر ماه باشد که برای نحس بودن چنین روزی دلیل و مدرکی در دست نیست. نکته چهارم ـ اینکه برادران و خواهران اهل سنت نسبت به امیرالمؤمنین علی (احترام و منزلت خاصی قائلند، اگر چه ایشان را جانشین بلافصل پیامبر(نمی دانند ولی به عنوان خلیفهٔ چهارم بسیار مورد احترام و قبول آنهاست. بنابراین دادن چنین نسبتی به آنها جایز نیست.

اینکه گاهی اوقات دربعضی از کتابها مثل منتخب الا دعیه نوشته است که مثلاً یک روحانی درخواب دیده فلان جریان را وبعد مثلاً نوشته باید سه بار نوشته شود وا لّا اتفاقی برای انسان می افتد آیااین جریانان درست می باشد یا خیر توضیح کامل عنا یت فرمایید .

پرسش

اینکه گاهی اوقات دربعضی از کتابها مثل منتخب الا دعیه نوشته است که مثلاً یک روحانی درخواب دیده فلان جریان را وبعد مثلاً نوشته باید سه بار نوشته شود وا لّا اتفاقی برای انسان می افتد آیااین جریانان درست می باشد یا خیر توضیح کامل عنا یت فرمایید .

پاسخ

.عزیز گرامی : آنچه مارابه عنوان انجام تکلیف » به یک دستور » ملزم می کند فرامینی است که جزو احکام وشریعت دینی می باشند ویااینکه طی تعهدی که سپرده ایم مسئول به رعایت آن هستیم مثلاً من وشما مکلفیم نمازهای یومیه رااقامه کنیم وبه تعداد رکعات مشخص نماز بگذاریم وسرباز زدن از چنین تکلیفی بی اعتنائی به فروع دین بوده و مستوجب مجازات الهی است ویااینکه طی عقد قرارداد» متعهد می شویم که کاری را انجام دهیم . مثلاً می پذیریم دربرابر دریافت مبلغ مشخصی پول کاری رابرای کسی انجام دهیم ، درچنین مواردی نیز هرگونه کوتاهی کردن درانجام قراردادی که عقد کرده ایم مستوجب مجازات است وبه عنوان « حق الناس » دربرابر آن مسئولیم ولذا آنها چیزهایی برای ما تکلیف می آوردکه جزو شریعت واحکام دینی بوده ویادرطی عقود مورد انتخابمان به آنها تعهد سپرده ایم . بجز این موارد هیچ کس حق ندارد ازطرف خودش به ما حکمی رااجبار کند ولو آنکه آن حکم مربوط به مسائلی مثل دعا ومناجات باشد . بااین توضیح نه فقط شما دربرابر آن دستورهایی که روی کتابها مینویسند ، مسئول نیستید ، که نویسندگان آنها کار غلطی انجام داده اند وچنین دستورهایی خود مستوجب مجازات است . اما اگر از دلیل نویسندگان آن نوشته ها سئوال کنید باید بگویم نویسندگان آن نوشته ها می خواهند با چنین شیوه ای یک موضوع غلط یا غیر واقعی را تکثیر

کننـد وچون از تعهـد دینی آدمها سوء اسـتفاده می کننـد به نیت غلط وانحرافی خود رنگ دینی هم می زننـد . شـما هیچگونه تعهد دینی رادربرابر آن دستورها نپذیرید ومطمئن باشید هیچ اثر سوئی برای شما ندارد ٪۱

در مبانی اسلامی عطسه زدن چه حکمی دارد؟ آیا نظر عرف مبنی بر این که دلالت بر صبر و مکث دارد، حجت است؟

پرسش

در مبانی اسلامی عطسه زدن چه حکمی دارد؟ آیا نظر عرف مبنی بر این که دلالت بر صبر و مکث دارد، حجت است؟

پاسخ

در این باره دسـتوری در اسلام مبتنی بر صبر و خودداری از انجام عمل نداریم، بلکه در حدیثی از امام صادق بازگو شده که در این هنگام عجله و شـتاب کنیـد، نه این که باید عجله کرد و عجله موضوعیتی دارد. شاید امام می‌خواهد بفرماید با شـتاب گرفتن، با این خرافه مبارزه کنیـد. اساساً روح اسـلام با این گونه مطالب سازش نـدارد، تا آن جا که دسـتور می‌دهـد هنگامی که بر کاری مصـمم شدید، اگر کسی فال بد بزند اعتنا نکنید، و بر خداوند توکل نموده به دنبال هدف روانه شوید. فال بد زدن را نشانه شرک قرار داده است. همواره فرموده‌انـد": تفاّلو بالخیر تجـده عنـد الله؛ همواره به خیر و نیکی تفأل بزنید تا خیر و خوبی را از پیشـگاه حق دریابید." صدای زاغ و آهنگ جغد، پرش پلک‌های چشم و یا عطسه نباید در عزم و تصمیم انسان خللی ایجاد کند. البته درباره" عطسه "وارد شـده است: هر گـاه یکی عطسه کرد، در حق او دعـا کنیـد و بگوییـد" یرحمکم الله؛ رحمت خـدا شامـل حـال تو گردد. "طرف نیز متقابلاً ـ دعا کنـد و بگویـد: یغفر الله لک؛ خداونـد تو را بیآمرزد. "صبر کردن و مکث نمودن، یا فرق گـذاردن بین یک عطسه و دو عطسه همگی افسـانه است که بایـد مسـلمان آگاه و دانا از این افسانه‌ها بپرهیزد و عزم را جزم کنـد. مبـداء پیـدایش این خرافه از آن جایی که صبر و مکث به هنگام عطسه، ریشه عقلی و علمی و همچنین علت فطری و غریزی نـدارد، ناگزیر باید از مبداء پیدایش آن جسـتجو کنیم. گفته می‌شود در دوران حکومت‌هـای ملوک الطوایفی، حـاکمی دلقکی داشـته که پادشاه را سـرگرم می کرده است. شبی در بین بازی عطسه شدیـدی می‌زنـد، به طوری که پادشاه می‌ترسد و می گوید: او را تنبیه نمایید. از آن تاریخ عطسه شوم تلقی می‌شود و هر کس عطسه می‌زد، به جای" عافاکم الله؛ خدا شفایت دهد. "می گفتند سیاه سرفه بگیری! این خرافه مانند سایر خارفات به تدریج در بین ملت ما گسترش یافت.

در بخش مهربان وابســته به تبریز یک روستایی است به نام شاه باغی. در ایام محرّم و صفر یک عَلَم دارند به صورت پنج دست. آن را روی یک چوب وصل می کنند، مردم پول و نذری می برند و کســی که نذر دارد، پنجه می آید روی دوش او می نشیند. آیا چنین چیزی امکان دارد یا کاسبی ب

پرسش

در بخش مهربان وابسـته به تبریز یک روسـتایی است به نام شاه باغی. در ایام محرّم و صفر یک عَلَم دارند به صورت پنج دست. آن را روی یک چوب وصل می کننـد، مردم پول و نـذری می برنـد و کسـی که نـذر دارد، پنجه می آید روی دوش او می نشـیند. آیا چنین چیزی امکان دارد یا کاسبی باز کرده اند.

پاسخ

عزاداری در ایام سوگواری سالار شهیدان امام حسین(ع) مستحب است و از تعظیم شعایر الهی است و موجب زنده نگهداشتن پیام های عاشورای حسینی می باشد. عَلَم برداشتن و نذر کردن برای عَلَم (که در واقع نذر به صاحب علم است، یعنی نذر به امام حسین یا حضرت ابالفضل و ...) اشکال ندارد.(۱) اما نشستن علم روی دوش صاحب نذر اگر چه امکان دارد، ولی واقع شدن چنین چیزی بعید است و غالباً واقعیت ندارد، بلکه شایعه است. بارها از این اتفاقات شنیده ایم، ولی پس از بررسی معلوم شد، دروغ و شایعه است. متأسفانه از این امور در دین و اعتقادات بسیار رخنه کرده است. پی نوشت ها: ۱. آیت الله تبریزی، استفتائات، ص ۴۵۵، سؤال ۲۰۰۷.

در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحّت دارد؟ اگر صحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

پرسش

در کتاب ها و نقل قول ها شنیده می شود که هنگام ریختن آب جوش نام خدا را ببرید، چون در غیر این صورت جنّی ها اذیت می شود. آیا این مسئله صحّت دارد؟ اگر صحّت دارد، نام الله و بسم الله در زمان ریختن آب جوش چه تأثیری در جنّ دارد، مثلاً جنّ چه می شود؟

پاسخ

وجود جن حقیقت دارد و قرآن کریم با صراحت از وجود موجوداتی به نام جن خبر داده،(۱) تا جایی که اسم یکی از سوره های قرآن" جنّ "است، لیکن بودن جن ها در محل هایی که آب داغ ریخته می شود، صحت ندارد و از خرافات است.(۲) البته بسم الله گفتن برای هر کاری خوب است و گاهی موجب دور شدن موجودات شرور یا رفع شر می شود. پی نوشت ها: ۱. جن (۷۲) آیهٔ ۱. ۲. علی رضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص ۱۴۹.

آیا موقعی که عطسه می کنیم حتما باید صبر کنیم؟

پرسش

آیا موقعی که عطسه می کنیم حتما باید صبر کنیم؟

پاسخ

صبر کردن در هنگام عطسه کاری عامیانه و فاقد مدرک و سند است تنها چیزی که در روایات آمده است اینکه پس ازعطسه گفته شود الحمد للّه و یا اگر کسی عطسه کرد به او بگوئید یرحمکم اللّه]

مراکز دینی

حوزه علمیه

مبسوط

پرسش

مبسوط

پاسخ

اگر بخواهیم به تمام سؤالات ریز و درشت شما پاسخ دهیم، مثنوی هفتاد من کاغذ شود ولی به اندازه حوصله شما و این نامه خدمتتان عرض می کنیم. درس طلبگی هم مانند سایر رشته های تحصیلی دارای برنامه دقیق است، از طریق آزمون یا کنکور می توان وارد حوزه شد، حضوری و غیر حضوری دارد، کوتاه مدت و درازمدت دارد، امتحان و تجدیدی و مردودی دارد و ده ها شرایط دیگر که اگر تصمیم به تحصیل دروس حوزوی پیدا کردی خودت می توانی به آسانی از آن سردرآوری. گرچه پرسش های ریزی که در این باره کرده ای حاکی از اطلاعات نسبتا خوب جنابعالی از برنامه های درسی حوزه است. این درباره ظاهر حوزه که از نظر درسی همانند سایر مراکز علمی است که البته جدیت بیشتری لازم دارد اما درباره محتوای درس ها و این که شما برای آینده تان می خواهید چه تصمیمی داشته باشید باید بگوییم همان طور که می دانید علوم حوزوی مربوط به شناخت دین اسلام است که در سه بخش عقاید، اخلاق و فقه یا احکام خلاصه می شود. کسی که در حوزه علمیه تحصیل می کند و به اصطلاح طلبه می شود علاوه بر این که باید در سه زمینه فوق اطلاعات کافی به دست آورد باید دو کار مهم دیگر هم انجام دهد. اول این که سعی کند احکام و برنامه های اسلام را در اعمال و رفتار خود نشان دهد و به اصطلاح یک مسلمان واقعی باشد و دوم این که در تبلیغ دین و ارشاد مردم تلاش کند؛ یعنی با سخنرانی یا کلاس داری و تدریس و یا نوشتن کتاب و مقاله سه اصل بالا را به مردم معرفی کند و آنها را به عمل به آنها تشویق نماید. بنابراین همان طور که ملاحظه می کنید شغل یک طلبه یا روحانی شغل انبیاء و پیغمبران است با این تفاوت که طلبه باید درس بخواند تا عالم شود ولی پیامبران به معجزه الهی همه چیز را می دانند. به همین جهت پیامبر اسلام فرمود: دانشمندان و علمای اسلام وارث پیامبران هستند. حال با توجه به این مطالب و توضیحات، شما باید بتوانید تصمیم بگیرید. یعنی باید ببینید اگر اولا علاقه مند به این رشته هستید و ثانیا توان و استعداد آن را هم دارید پیشنهاد ما این است که طلبه شوید ولی اگر احساس می کنید علاقه ندارید یا توان و استعداد آن را دارا نیستید، بهتر است در زمینه های دیگر مثل دانشگاه خدمت کنید. اما این که چگونه وارد حوزه شوید، باید وقت ثبت نام که معمولا در فصل بهار است به یکی از حوزه ها (چه در قم و چه در شهرستان ها) بروید و برگه ثبت نام را پر کنید. توضیحات مربوطه و راهنمایی های دیگر را همانجا سؤال کنید. البته رضایت والدین در هر کاری لازم است. در مورد حوزه هم همین طور است. حالا اگر مخالفت کردند، شما می توانید با توضیحات خود آنها را قانع کنید. پوشیدن لباس روحانی یکی دیگر از ویژگی های حوزه علمیه است. یک فرد روحانی همانند سایر گروه های اجتماعی چون افراد نظامی و انتظامی، پزشکان و پرستاران و سایرین دارای لباس مخصوصی هستند که البته پس از تحصیل مقدار لازم علوم حوزوی، اجازه پوشیدن این لباس مقدس را می توان به دست آورد. القاب و عناوینی که به روحانیون می دهند تا حدودی جنبه تشریفاتی و احترام دارد و کلمه طلبه که به معنای دانشجو است اسم عام برای تمام روحانیون می باشد. طلبه ها فقط در رشته های علوم انسانی دانشگاه می توانند ادامه تحصیل بدهند و اگر بخواهند در رشته های فنی و تجربی شرکت کنند باید مانند سایر دانشجویان مستقلا شرکت کنند و حوزه در این مورد مسؤولیتی ندارد.

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

اشاره

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است. ۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه‌اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی‌کند. ۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عص

پرسش

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟ ۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است. ۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه‌اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی‌کند. ۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم.

پاسخ

از احادیث موجود در کتب روایی شیعه و سنّی استفاده می‌شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت معصومان ع) است؛ از آن جمله: ۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم(ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکّه عمامه‌ای مشکی بر سر داشت.(۱) علی(ع) فرمود": رسول خدا(ص) در روز عید غدیر، عمامه‌ای بر سرم گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه فرمود": خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمّم بودند.("۲) ۲- اصبغ بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین(ع) به شمار می‌رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی(ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت.(۳) ۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعهٔ بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعه را به حضور علی(ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر(ع) فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت. ربیعه (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض‌آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر(ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛ امیرالمؤمنین(ع) (با بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعه) عبای خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید.(۴) بنابراین از مجموع روایات می‌توان نتیجه گرفت: پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت پیامبر و امامان(ع) را تشکیل می‌دهد. تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنّت پیامبر(ص) و امامان(ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش‌های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی وانتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می‌شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می‌کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد. پاسخ سومین سؤال فرعی: در سؤال مطرح کرده‌اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط

به بیان و تشریح یک روایت می‌پردازیم: حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق(ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته‌اند که علی(ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می‌پوشیده و شما را می‌بینیم که لباسی نیکو پوشیده‌اید. امام صادق(ع) در پاسخ این اعتراض فرمود": علی بن أبی طالب علیه السّلام لباس با آن ویژگی‌ها را در زمانی می‌پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی‌آمد، امّا امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می‌شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است."(۵) این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آید، نفی کرده است. امّا آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین(ع) شباهت داشته و به لباس‌های سنّتی ایرانیان نیر شباهت بیشتری دارد. پی نوشت‌ها: ۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶. ۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴. ۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹. ۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲. ۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

پرسش

وحدت روحانی ودانشجو یعنی چه توضیح دهید؟

پاسخ

مساله وحدت حوزه و دانشگاه نه تنها ممکن بلکه یک ضرورت حیاتی برای جامعه ماست . جدایی این دو گروه علمی -فکری در جامعه ما نقش تخریبی بسیار زیانباری دارد و مملکت را به بدنی شبیه می سازد که دارای دو مغز است . این دو مغز اگر به همفکری بشتابند فعالیت ها و کنش های بدن رابهتر و حساب شده تر می سازند ولی اگر بیگانه از یکدیگر باشند هرج و مرجی وصف ناپذیر پدید می آورند .البته در رابطه با این که ((تعریف این وحدت چیست و چگونه وحدتی بین این دو نهاد مقدس مطلوب و شدنی است)) بررسی های انجام شده کافی نیست و از سوی هر دو گروه باید بررسی ها و کاوش های عمیق تری به عمل آید .تاکنون از دو سو شیوه های متعددی پیشنهاد گردیده ؛ از جمله : الف) وحدت اخلاقی ب) وحدت معرفتی ج) وحدت ایدیولوژیک در معرفت بشری د) وحدت سازمانی (ارگانیک) ه) وحدت عملی (پراگماتیک) و) وحدت سیاسی ز) وحدت استراتژیک . مهمترین شیوه از موارد بالا وحدت استراتژیک است; .

بنده تمایل به طلبه شدن دارم ولی پدر و مادرم مخالفت می کنند تکلیف من چیست ؟

پرسش

بنده تمایل به طلبه شدن دارم ولی پدر و مادرم مخالفت می کنند تکلیف من چیست ؟

پاسخ

در مورد طلبه شدن بیش از هر چیز خود شما باید تصمیم بگیرید .البته تصمیمی سنجیده و عاقلانه و با مشورت افراد آشنا به جزییات این راه مثلاـ می توانیـد بـا برخی از روحـانیون برجسته محـل خود مساله را در میان گذاریـد و چنانچه مصـلحت بر گزینش این راه تشـخیص داده شـد از آنان بخواهید که والدین شـما را قانع سازند . مسـلما پدر و مادر شـما خواهان سـعادت و خوشـبختی شـما می باشـند ولی ممکن است به خـوبی زوایـای این راه را نشناسـند و یـا به دلاـیلی مـوفقیت چنـدانی برای شـما پیش بینی نکننـد بنـابراین برخورد خوب شـما و مشورت با بزرگان منطقه و اسـتمداد ازآنان راهگشای خوبی است . امید است همواره در مسیر راستین اسـلام موید و موفق باشید؛ .

چرا در حوزه به علوم طبیعی توجه نمی شود در صورتی که علمای اسلامی همگی در چندین رشته صاحب نظر بوده اند؟

پرسش

چرا در حوزه به علوم طبیعی توجه نمی شود در صورتی که علمای اسلامی همگی در چندین رشته صاحب نظر بوده اند؟

پاسخ

گسترش دامنه علوم و تخصصـی شـدن آنها امکان وارد شدن در علوم طبیعی را از حوزه ها سـلب می کند بویژه آنکه علوم حوزوی خود از گستره بسـیار بالایی برخوردار بوده و لازم است آنها نیز به صورت تخصصـی در آینـد .البته برخی از علوم طبیعی ماننـد علم هییت در مسایـل دینی قابـل اسـتفاده است و در حـدلزوم در حـوزه مورد بحث قرار می گیرد و آگـاهی آیت الله حسن زاده از علوم طبیعی نیز در همین زمینه هـاست . به علاـوه هیـچ گـاه مصـداق واحـد نمی توانـد دلیل بر جهت دادن یک نظام آموزشـی به سـمت خاصـی باشـد× زیرا کاروان علوم بایـد به گونه ای طبقه بنـدی شـده و سیر یابد که برای اکثریت ارباب دانش قابل اسـتفاده باشد نه اینکه تنها متناسب با ظرفیت نوابغ باشد؛ .

چرا ائمه((علیهم السلام)) کار می کردند و روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

پرسش

چرا ائمه((علیهم السلام)) کار می کردند و روحانیون برای امرار معاش کار نمی کنند؟

پاسخ

این صـحیح است که امامان کار می کرده اند ولی باید توجّه داشت که روحانیون اگر بخواهند به تحصیل و اشتغالات علمی و دینی بپردازند امکان اینکه بتوانند به کارهای اقتصادی نیز مشـغول باشند برای آنان وجود ندارد. امامان چون از علوم لدنی برخوردار بوده

اند و برای علوم خویش به مدرسه نرفته و تحصیل نکرده اند طبعاً می توانستند به کار اشتغال داشته باشند. آیا اگر یک روحانی واقعاً بخواهد به آن درجات عالی علمی برسد می تواند مشغول کاری دیگر هم بشود؟ آیا کسانی که کار تولیدی مستقیم ندارند منحصر بر روحانیون هستند؟ آیا برای اساتید دانشگاه و کارمندان مؤسسات آموزشی هم لازم می دانید که کار تولیدی انجام دهند؟ آیا تصوّر می توان کرد که آموزش دین از آموزش های دیگر کم ارزش تر باشد تا محصّلین و اساتید آنها را به علاوه بر تحصیل به کار دیگری هم ملزم بدانیم؟ یک طلبه با کمترین برداشت از جامعه بیشترین خدمت را انجام می دهد. دلیل این مدّعا انتظار همین اجتماع از این قِشر است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۲۱ـ

پاسخ ما در برابر افرادی که مقصر تمام مشکلات موجود در جامعه و جوانان را روحانیت می دانند چه می باشد؟

پرسش

پاسخ ما در برابر افرادی که مقصر تمام مشکلات موجود در جامعه و جوانان را روحانیت می دانند چه می باشد؟

پاسخ

وقتی که ما می بینیم مثلاً یک سلسله کار بر مبنای حذف شخیصت و ارزش روحانیت در محیط سیاسی یا در محیط دانشگاهی و ... شروع می شود، این کار، یک کار ساده و یک کار فقط صنفی نیست. این که مثلاً ما بیاییم بساط حوزه ی علمیه را که بر مبنای تحقیق و دقت نظر و بر اساس مبنا سازی و مبنا ویران سازی و نوآوری و تجدید نظر و ابتکار است ـ که این روشن است؛ سبک و شیوه ی آموزش و تعلیم در حوزه‌های علمیه، از اول بر مبنای تحقیق بوده ـ یک چیز تقلیدی وانمود بکنیم و امثال مطهری و بهشتی و این شاگردان حوزه را، استثناهای حوزه تلقی کنیم (۱) یک اشتباه است. طبیعتاً کسی که حوزه را درست نمی‌شناسد، کسی که نمی‌داند حوزه چیست، چنین اشتباهی را مرتکب می‌شود. البته به احتمال فراوان، بلکه شاید به طور یقین، آدم می‌داند که اینها از روی بی غرضی هم گفته می‌شود، یعنی نظر سوئی وجود ندارد؛ اما حرف خلاف واقع و فساد آور است. این موجی می‌شود که ارزش علمی و معنوی روحانیت ـ که پرچمدار و نماینده دین است ـ در چشم محیط دانشگاهی و دانشجویی از بین برود؛ کما اینکه شبیه این کار، منتها با شیوه‌های ناشیانه تری، قبل از انقلاب انجام می‌شد و بی تأثیر هم نبود. واقعاً قبل از انقلاب، جماعت دانشگاهی، آخوند جماعت را آدمهای پر گوی نادان پر توقع هیچ چیز ندان می‌دانستند! من با عده زیادی از آنها مواجه بودم. مثلاً در یک جلسه که می‌نشستند و دو کلمه حرف حساب می شنیدند، می گفتند عجب، واقعاً در بین روحانیت، مثل شمایی وجود دارد؟! در حالی که آن طلبه یک طلبهٔ معمولی بود. آنها روحانیت را نمی شناختند؛ یعنی تلقی دستگاههای علمی و دانش کشور از روحانیت غلط بود. حوزهٔ علمیه، اصلاً مرکز علم و تحقیق بوده است. اگر علم برای علم، و علم بدون قصد مزد، مصداقی در کشور ما داشته باشد، از قدیم در حوزه‌های علمیه بوده است؛ ولی آنها اینجا را یک محیط بی علم می‌دانستند! آن زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، آن پارساییهایی که در محیط روحانیت و در محیط طلبگی و بیرون از طلبگی بود و امروز هم بحمد الله هنوز به ط...Ş غالبی وجود دار□این را در چشم این جماعت دانشگاهی_□□...ŞŘ تبدیل کرده بودند به این که آخوند مفت خور است! تعبیر مفت خور، چیز روشنی بود. وقتی در جایی می گفتند مف خورها، بدون هیچ اشاره و قیدی ـ مثل ضمیری که مرجع خودش را پیدا کند ـ به روحانیون بر می گشت! این تبلیغاتی بود که انجام شده بود. هدف از این تبلیغات چه بود؟ هدف از تبلیغات، روحانیت نبود ـ

روحانیت که خصوصیتی نداشت ـ هدف از این تبلیغات، دین بود. اگر ما بیاییم حیثیت روحانیت و فقاهت و رتبهٔ علمی فقاهت و تأثیر آن را در حرکت کلی یک کشور منکر بشویم، و زیر سؤال ببریم، یا دچار خدشه بکنیم، در حقیقت به گرایش دینی طبقهٔ کار آمد و عظیمی لطمه زده‌ایم، و این همان کاری که آنها می‌خواهند، و آبی است به آسیاب دشمن ریختن؛ لذا باید به این نکته خیلی توجه شود. (۱) بنابراین باید توجه داشته باشیم که این مسأله، یک مسئله اساسی و ریشه ای است و حذف روحانیت از صحنه اجتماع و تأثیر گذاری در جامعه برای ریشه کن ساختن دین از صحنه جامعه و به انزوا کشیدن دین در اجتماع است تا همانند جوامع غربی دین به اموری فردی و غیر اجتماعی تبدیل گردد به عبارت دیگر همان سیاست قبل از انقلاب" جدایی دین از سیاست" مجدداً برقرار گردد و این سیاست تا زمانی که روحانیت مورد قبول جامعه باشد و رهبری جامعه را عهده دار باشد عملی نیست، پس باید تلاش کنند آنها را از گردونه سیاست خارج سازند و این امر شدنی نیست مگر با بدبینی جامعه از روحانیت "منابع و مآخذ: ۱ـ اشاره به تحلیل یکی از نویسندگان در یک مجلهٔ فرهنگی، سیاسی ۲ـ حدیث ولایت، ج۹، صص۲۹ـ۳۰ منبع: پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای، موسسه فرهنگی قدر ولایت، ص۳۱۴ـ۳۱۵

چرا دید مردم نسبت به روحانیت نسبت به زمان انقلاب تغییر بسیار کرده است و آیا این تغییر ناشی از رفتار و عملکرد روحانیون است یا از طرف مردم؟

پرسش

چرا دید مردم نسبت به روحانیت نسبت به زمان انقلاب تغییر بسیار کرده است و آیا این تغییر ناشی از رفتار و عملکرد روحانیون است یا از طرف مردم؟

پاسخ

مسأله فاصله گرفتن برخی از اقشار با روحانیت، نیازمند بررسی جامعه‌شناختی از موضوع است که در این مجال نمی گنجد ولی علل اجمالی آن به شرح زیر است: الف) مشکلات تحمیل شده بر انقلاب و تحلیل نادرست از آن، یعنی مسائل را همواره از چشم روحانیت دیدن ب) بالا رفتن سطح توقع و انتظار مردم آن هم با تمرکز بر روحانیت ج) تبلیغات جهانی علیه انقلاب اسلامی و رهبران دینی د) عملکرد نادرست برخی از افراد روحانی با نگرشی واقع بینانه ومنصفانه به این مسأله درمی‌یابیم که همچنان که تاریخ حوزه و روحانیت نشان می‌دهد و در زمان کنونی شاهد آن هستیم نمی‌توان یک حکم کلی در این زمینه ارائه نمود بلکه هر چند متأسفانه در قبل از انقلاب به دلایل متعددی تا حدودی شاهد تحجر و جمود بی‌خبری از مسائل روز و علوم و موضوعات جدید در گوشه و کنار حوزه‌ها بودیم اما عین حال در کنار آن نیز شاهد حضور و مشارکت فعال بسیاری از اندیشمندان و متفکران روحانیت در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی جامعه و مجامع دانشگاه بوده و می‌باشیم که به عنوان مثال آن از متفکرانی مانند: علامه طباطبایی، مرحوم امام (ره)، شهید مطهری، دکتر مفتح، دکتر بهشتی، مرحوم طالقانی را نام برد. اما در بعد از انقلاب با توجه به شرایط جدید و نیازهای جدید ناشی از حکومت اسلامی این خلا و نقصان به صورت بسیار جدی در زمینه تطبیق مسائل و موضوعات جدید با احکام و ارزش‌های الهی و مقتضیات زمان و مکان و یافتن پاسخ‌های مناسب برای آنان احساس شد و حوزه‌ها به علت این ضرورت‌ها و با استفاده از فضای باز ایجاد شده بعد از انقلاب به چنان رشد و بالندگی و تحولی دست یافت که شاید تا قبل از این در تاریخ حوزه‌ها کم‌سابقه بود که شاهد تأسیس مراکز و مؤسسات پژوهشی تحقیقاتی و مطالعاتی متعددی در راستای

تأمین نیازهای روحانیون در رشته‌های مختلف علوم جدید در دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی می‌باشیم و در بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی صاحبنظران و اساتید برجسته‌ای که به جدیدترین مباحث و موضوعات رایج در محافل آکادمیک و دانشگاهی غرب تسلط و اشراف کامل داشته باشند در میان روحانیون و دین پژوهان حوزه خصوصاً حوزه علمیه قم وجود دارند که معارف و ارزشهای اسلامی را با توجه به شناخت کامل موضوعات و مسائل جدید و با استفاده از پیشرفته‌ترین و جالب‌ترین روشهای هنری، تکنولوژی پیشرفته و وسایل ارتباطی به مخاطبان و علاقه‌مندان انتقال می‌دهند. کلیه اقدامات فوق در جهت جبران عقب ماندگیهای گذشته حوزه و برقراری رابطه بر اساس تفاهم و تبادل دیدگاه‌ها با مخاطبین حوزه خصوصاً قشر جوان که تشکیل دهنده اکثریت جامعه و آینده سازان ایران اسلامی عزیز می‌باشند انجام شده و می‌شود به عنوان مثال می‌توان از برگزاری اردوهای تفریحی، سیاحتی و زیارتی برای جوانان و نوجوانان در مقاطع مختلف تحصیلی با استفاده از روحانیون خوش فکر و اندیشمند و در عین حال خوش برخورد و مسلط به اصول روانشناسی تربیتی برای بررسی و شناخت مشکلات و مسائل مورد نیاز آنها و راهنمایی و ارائه مشورت به آنان نام برد در هر صورت مطالب فوق به معنای موفقیت کامل حوزه در جذب جوانان و مخاطبان خود نیست بلکه گویای اینست که حوزه‌ها علیرغم وجود مشکلات تاریخی و مالی که دارند شدیداً به این موضوع بسیار مهم اهمیت داده و در صدد رفع نواقص خود در حوزه تبلیغ و اطلاع رسانی می‌باشند. متأسفانه به رغم وجود ارزش‌های والای انسانی و غنای مسائل فرهنگی و معنوی در جامعه ما، نسل اوّل انقلاب و دستگاه‌های فرهنگی در انتقال این ارزش‌ها به نسل دوم و سوم انقلاب و حتی تعمیق آنها برای خودِ نسل اول انقلاب، سهل‌انگاری و متأسفانه علیرغم هشدارها و تهدیدهای شدید مقام معظم رهبری و بزرگان حوزه به مسؤولان نسبت به اوضاع وخیم و اسفناک فرهنگی جامعه و روند تغییر ارزش‌های اسلامی که جلوه‌های بارز آن در برخی تولیدات و محصولات هنری و سینمایی به وضوح قابل مشاهده می‌باشد. در مورد وزارت ارشاد باید گفت که متأسفانه عملکرد این وزارت خانه خصوصاً در سال‌های اخیر ـ به هیچ وجه مطلوب نبوده و مقام معظم رهبری به کرّات نارضایتی خود را از آن اعلام نموده‌اند ایشان در ۲۴ آذر ۷۸ دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند": سؤال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت فکری اسلامی و انقلاب ساخته است؟ الان مرتب در سالن‌های وابسته به ارشاد فیلمها و تئاترهایی نمایش داده می‌شود که بعضی‌ها صد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می‌ساختند که این مبلّغ اسلام است، من اعتراض نمی‌کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم، و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است فاسدترین رمان‌ها الان منتشر می‌شود. "اما در مورد صدا و سیما هم معظم له تذکراتی داشته‌اند. ایشان در این باره فرمودند ": من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار یا کم‌تر، اعتراض می‌کنم و پیغام تند می‌دهم اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلام انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده است. برنامه های هنری، اسلامی، گزارش و علمی، اگر خطا دارد تلاش هم دارد، ".ولی در هر صورت کارکرد صدا و سیما هم مانند سایر دستگاه‌ها خالی از عیب و نقص نمی‌باشد، اما با توجه به اهمیت این رسانه و نقش مهم و تأثیرگذار آن بر افکار عمومی، عقاید و نگرش‌های جامعه و وظایف سنگینی این رسانه ملی خصوصاً بعد از انقلاب در جهت گسترش و تثبیت ارزش‌های اسلامی و الهی در جامعه و زدودن فرهنگ فاسد پهلوی و مقابله با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد، رفع مشکلات و معضلات این رسانه و بهبود کیفی و کمی برنامه‌های آن، آن هم در حدی که زیبنده حکومت اسلامی بد و بتوان از آن به عنوان یک دانشگاه انسان‌سازی نام برد از اولویت بسزایی برخوردار می‌باشد. اما در مورد انتقاداتی که شما نام بردید می‌توان گفت که بخشی از اینها مربوط به وزارت ارشاد و صدا و سیما و اصلاح کارکردهای آن می‌باشد و بخشی هم مربوط به افراد بیننده مخاطبین آن می‌باشد. بعضی عواملی که موجب بدبینی جوانان شده است. عبارت است از: ۱. مشکلات پس از انقلاب (مانند جنگ و توجّه به مسائل امنیتی و دفاعی و...) که نتیجه طبیعی آن فقدان برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی شده برای نهادینه سازی و تثبیت ارزش‌ها و معارف اسلامی است. ۲. تغییر هنجارهای

اجتماعی از ارزش‌های دینی و معنوی به ارزش‌های مادی و سودگرایی، در اثر بعضی از اقدامات اقتصادی و در پیش گرفتن مدل توسعه، باعث بروز تضادهای ارزشی و فاصله گرفتن جامعه از ارزش‌های اسلامی گردیده است۳. عملکرد منفی و نامطلوب بعضی از دستگاه‌های فرهنگی در سال‌های اخیر و میدان دادن به افراد و عناصر غیر معتقد به نظام اسلامی و ترویج فرهنگ غربی از سوی آنان.۴. پاره‌ای برخوردهای نسنجیده و نامطلوب و یا همراه با زیاده‌روی و افراط توسط بعضی از افراد مذهبی دلسوز در مقابله با ناهنجاری‌ها و منکرات جامعه۵. کم‌کاری برخی‌از افراد مذهبی در نشان دادن چهره واقعی و محبت‌آمیز اسلام و برطرف نمودن دیدگاه منفی ایجاد شده در عمل۶. کم‌کاری نیروها و دستگاه‌های انقلابی، در تولید برنامه‌های سالم، جذّاب و مفیدی که بتواند اوقات فراغت جوانان را پر کند و آنان را از توجّه به برنامه‌های ضد اخلاقی و فاسد فرهنگ بیگانه باز دارد ۷. تهاجم فرهنگی غرب در جهت بی هویت کردن نسل جوان، تضعیف باورهای عقیدتی مردم، ایجاد شکاف میان نسل جوان و مسؤولان حکومتی و ایجاد تردید نسبت به کارآیی مدیریت فقهی، شکست نظام اسلامی در ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل تکنولوژی و. ۸. پیروی از امیال و هوای نفسانی که ناشی از عوامل محیطی، تربیت ناصحیح یا بی اعتنایی، به ارزش‌های معنوی و... است. این مشکل ناشی از اراده و اختیار خود انسان است. خداوند می‌فرماید: إِنَّا هدیناهُ اَلسَّبِیلَ إِمَّا شاکِراً و إِمَّا کَفُوراً،(۱). متأسفانه بسیاری از افراد تحت تأثیر هوای نفس و پیروی از امیال و خواهش‌های نفسانی، راه ضلالت و گمراهی را بر می‌گزینند. قرآن در این زمینه فرموده است: لَقَدْ خَلَقْنَا اَلْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ* ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ،(۲). متأسفانه این عوامل، باعث فاصله گرفتن برخی جوان از ارزش‌ها و مسائل معنوی و دوری آنان از روحانیان و مساجد شده است. هر چند مردم و جوانان تیز بین و آگاه ما همواره کمال ارادت را به شخصیتهای روحانی مانند حضرت امام و مقام معظم رهبری و بسیاری از شخصیت‌های دیگر که هیچ گونه حقوقی از دولت دریافت نکرده و زندگی کاملاً ساده و در سطح خیلی پایینی داشته و همواره در خدمت انقلاب بوده‌اند، دارند. ۹. تأثیرگذاری جریانات التقاطی و یا روشنفکری وابسته و سکولار در داخل کشور در جهت ایجاد بدبینی نسبت به اسلام و روحانیت. جدایی عده‌ای از جوانان از روحانیون ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد، از جمله: ۱. عملکرد و رفتار ناشایست گروهی از شاغلان روحانی در دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی باعث پیدا شدن تعارض و شکاف بین گفتار و عمل آنان شده و موجب بدبینی به تمامی روحانیت گشته است.۲. برخی از رفتارها و برخوردهای ناصحیح و مخالف شرع در بیان احکام شرعی، موجبات بدبینی عده‌ای از افراد ـ خصوصاً جوانان- فراهم آورده است، حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب بارها خطر این گونه افراد را متذکر شده و در این خصوص می‌فرمایند": معنای تحجر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملّت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است،("۳). ۳. اختلافات جناحی و سلیقه‌ای در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جایگاه و منزلت روحانیت را پایین آورده است. ۴. حل نشدن برخی از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (مانند اشتغال، مسکن و رفاه)، و عدم اجرای ارزش‌های اسلامی در جامعه به صورت کامل (مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با مظاهر فساد و...)، باعث شده که مردم این مشکلات را همواره از چشم روحانیت ببینند و انتظارات غیر واقعی و بیش از حد از آنان داشته باشند. مجموعه این عوامل باعث شده تا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی، و درشت نمایی مشکلات، به القای اندیشه نسبی بودن ارزشها، جدایی دین از سیاست، ناکارآمدی مدیریت فقهی، اسلام منهای روحانیت بپردازند. منابع و مآخذ: ۱ـ تین، ۴ـ۵ ۲ـ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۳/۷۶

در زمینهٔ تبلیغ روحانیون محترم شبهه ای مطرح می شود مبنی بر اینکه چرا برای آموختن احکام دین، روحانیون پول می گیرند؟ و همینطور برای نماز جماعت، بنده در پاسخ به دوستان دانشجوی خود و مردم عوام نمی توانم پاسخ کاملی بدهم. بویژه اینکه این قضیه را به صوفیان و

خانق

پرسش

در زمینهٔ تبلیغ روحانیون محترم شبهه ای مطرح می شود مبنی بر اینکه چرا برای آموختن احکام دین، روحانیون پول می گیرند؟ و همینطور برای نماز جماعت، بنده در پاسخ به دوستان دانشجوی خود و مردم عوام نمی توانم پاسخ کاملی بدهم. بویژه اینکه این قضیه را به صوفیان و خانقاه نشینان قدیم تشبیه می کنند که از مردم غذا می گرفتند و دعا می کردند (؟!) علاوه اینکه دیده شده است بین روحانیون محترم و مردم بر سر قیمت مذاکرای صورت می گیرد که این مطلب باعث خدشه دار شدن قداست و عظمت روحانیت می شود و دیگر اینکه باعث عوام زدگی روحانی و چشم بدست مردم بودن می شود. و باعث می شود روحانی بخوبی نتواند از مردم انتقاد کند آیا تا به حال برای سامان بخشیدن به وضع مادی مبلغان و از بین رفتن این حالت فکری شده است. و بعضی از روحانیون تأکید می کنند که پول نمیگیرند و این در نزد مردم باعث می شود به روحانیون دیگر به چشم بد نگاه کنند.

پاسخ

فاصله طبقاتی در جامعه منحصر به طبقه روحانیت نیست بلکه در سایر طبقات اجتماعی نیز این فاصله طبقاتی وجود دارد. از جمله روستاییان، شهر نشینان، معلمان، بازاریان، دانشگاهیان و کارگران همه شان در یک سطح نیستند برخی از آنها ثروتمند هستند و برخی فقیر و عده ای هم زندگی متوسطی دارند. البته همه افراد ثروتمند از هر طبقه و قشر چنین نیستند که به فکر دیگران نباشند بسیاری از افراد ثروتمند و غنی از ثروت خودشان در راه خیر و خدا پسندانه بهره می برند و با ثروت خودشان به همنوعان خویش خدمت می کنند و عده ای هم هستند که نه تنها از ثروت خودشان در راه خیر استفاده نمی کنند بلکه خود و خانواده ایشان نیز بهره چندانی از آن نمی برند. برادر ارجمند! بنابراین نمی توان همه ثروتمندان خواه روحانی و خواه غیر روحانی را متهم به بی توجهی به فقرا کرد و البته برخی از ثروتمندان هستند که در برابر فقر فقیران و نیازمندان هیچ احساس مسئولیتی نمی کنند و صد البته چنین روحیه ای برای برادران روحانی بسیار زشت تر و قبیح تر است. زیرا آنان رهبران دینی جامعه هستند و مردم را به مسیر درست و صحیح و از جمله کمک به محرومان و مستمندان هدایت و دلالت می کنند از آنان بیشتر انتظار می رود به گفته خودشان بیشتر عمل کنند و پای بند باشند وقتی آنان عمل و رفتارشان با گفتار و سخنانشان هماهنگ نباشد در دیگر افراد جامعه نیز تأثیر می گذارد و سخنان آن بی خاصیت و بی اثر می شود، نه تنها سخن آنان بدون اثر می شود بلکه وعظ و موعظه و نصیحت و پند و اندرزی که از قرآن و احادیث هم می کنند بی اثر می شود و به قول استاد شهریار: گفت اگر منبر تو منبر بود کار مردم نمی کشید به دار اگر وعظ و خطابه و موعظه اینها از صمیم قلب و توأم با عمل و رفتار باشد جامعه به سوی فلاح و رستگاری هدایت می شد و اگر گرفتار و عمل آنها با همدیگر هماهنگ نباشد جامعه به سوی بدبختی و فلاکت سوق پیدا می کند. اما توقع شما برادر عزیز توقع بجایی است و ما مثل تو از اینکه برخی از عزیزان روحانی چنین حالتی دارند نگران و ناراحتیم ولی می دانیم که این خواسته اکثریت قریب به اتفاق جامعه روحانی و مسولان عالیرتبه نظام و کشور نیست و هر جا برادری روحانی از مسیر نادرست و نامشروع صاحب ثروت و مکنت شده باشد با شدت تمام در دادگاه روحانیت بدون اغماض با او برخورد می کنند و وظیفه ما و شما این است که با این عاملان فساد و تباهی برخورد کنیم و به مقامات ذی صلاح گزارش کنیم خواه روحانی باشد و خواه غیر روحانی و شاید بخشی از این وضعیت نیز متأثر از این حالت و خاصیت بی تفاوتی جامعه و شعائر به ما چه" و به من چه "باشد. باید در برابر

این مسائـل احساس مسـئولیت کنیم و برای مقابله با آن بصورت همگانی و عمومی اقـدام کنیم. به امیـد روزی که اکثریت جامعه در برابر نابرابری ها برخروشند و به مقابله برخیزند. انشاء الله

لطفاً شرایط ورود به حوزهٔ علمیه را بیان کنید؟

پرسش

لطفاً شرایط ورود به حوزهٔ علمیه را بیان کنید؟

پاسخ

با تبریک به شما به خاطر هدف مقدّسی که انتخاب کرده‌اید و به امید موفقیت شما، به عرض می‌رسد راه‌های متعدّدی برای ورود به حـوزه علمیه برای خواهران وجود دارد که پس از ذکر مقـدمه‌ای به آن‌هـا اشـاره می‌کنیم شـرط تحصـیل در حوزه اخلاـص است و هدف از آن باید کسب فضایل اخلاقی و دریافت معارف اسـلامی و نشر آن‌ها در میان باشد. ورود به حوزه یا هر مکان علمی با این هـدف اهمیت ویژه‌ای داشـته و خداونـد چنین عالمی را تمجیـد کرده است" خدا]رتبه کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شـده درجات عظیمی می‌بخشـد(".مجادله ۱) روایات متعـددی نیز به این فضـیلت‌ها اشاره دارند. از جمله حضـرت صادق‌می‌فرماینـد": عالمی که از علمش سود بر ده شود بهتر از هفتاد هزار عابد است(" الکافی کلینی (ره ، ج ۱، ص ۳۳، دارالکتب الاسـلامیهٔ) بـدیهی است که این فضایل از عالمان عامل است و عالمانی که به خاطر هوای نفس یا دلایل مادی قدم در راه تحصـیل معارف بگذارند، به سـختی بازخواست خواهند شد. راه‌های ورود به حوزهٔ علمیه ۱. شرکت در آزمون اختصاصی" جامعهٔ الزهرأ قم این حوزه همه ساله از اواخر بهمن یا اوایل فروردین از خواهران داوطلب دانشـجو می‌پـذیرد، اطلاعیه پذیرش و چگونگی ثبت‌نام در این حوزه معمولاً در روزهای یاد شده در روزنامهٔ جمهوری اسـلامی منتشـر می‌شود. از جمله شـرایط اصـلی آن در حال حاضر برای خواهران تمام وقت شهرسـتانی داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا و حداکثر سن۱۹ سال می‌باشد. حوزه شـبانه روزی و دارای خوابگاه بـوده و طلاـب از غـذا و کمـک هزینـه تحصـیلی بهره‌منـد خواهنـد شـد. برای آگـاهی بیشـتر در این بـاره می‌توانیـد بـا شـماره تلفن ۰۲۵۱ـ۹۵۱۱۱ تماس بگیرید. ۲. شـرکت در آزمون اختصاصـی حوزهٔ علمیهٔ خواهران مرکز حوزهٔ علمیهٔ خواهران قم مدارسـی را در بیشتر شهرسـتان‌ها تحت پوشـش دارد که همه ساله معمولاً در ماه‌های اسفند و فروردین از خواهران داوطلب طلبه می‌پذیرد، اطلاعیه پذیرش این حوزه در روزهای یاد شده در روزنامه‌های جمهوری اسـلامی کیهان و هفته‌نامهٔ افق حوزه منتشر می‌شود. از جمله شرایط اصـلی آن در حال حاضـر داشـتن دیپلم و حـداکثر سن ۲۰ سـال می‌باشـد که در صورت تأهل حـداکثر سن ۲۳ سال می‌باشـد. برای آشـنایی بـا شـرایط ورود بـه ایـن مـدارس می‌توانیـد بـا حـوزهٔ علمیـهٔ مرکز اسـتان خودتـان یـا مرکز حـوزهٔ علمیـهٔ خـواهران قم (۰۲۵۱ـ۷۷۴۰۹۴۵) تماس بگیرید. ۳. ثبت نام در مدارس مسـتقل برخی از مدارس در شهرسـتان‌ها وجود دارند که مسـتقل بوده و از میان خواهران طلبه می‌پذیرد و شرایط ثبت نام در این مدارس متفاوت بوده و به تصویب هیئت امنا یا مدیر مدرسه بستگی دارد.

شرایط ثبت نام در جامعهٔ الزهراء قم چیست ؟

پرسش

شرایط ثبت نام در جامعهٔ الزهراء قم چیست ؟

پاسخ

جامعهٔ الزهرا(س هر سال پذیرش دارد فرم مربوط به ثبت نام و شرایط آن را اواخر دی ماه در روزنامه‌های کثیر الانتشارچاپ می‌کنند. کسانی که ثبت نام نمایند و از عهده امتحان ورودی و مصاحبه و دیگر شرایط برآیند از مکان مناسب و شهریه‌برخوردار می‌شوند. گفتنی است که یکی از شرایط داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا ـ است برای آگاهی بیشتر می‌توانید با نشانی ذیل مکاتبه کنید: قم ـ بلوار امین ـ جامعهٔ الزهراء(س ـ بخش پذیرش

چگونه و از چه راهی می توانم وارد حوزه شوم و به تحصیلات حوزوی مشغول‌شوم

پرسش

چگونه و از چه راهی می توانم وارد حوزه شوم و به تحصیلات حوزوی مشغول‌شوم

پاسخ

برخی از افراد، به دلیل ویژگی‌های جسمی خود، خواب‌های سنگینی دارند و در بعضی سنین این مساله حادتر است. توصیه‌های ما برای بیدار شدن و نماز شب خواندن، عبارت است از: ۱ؤ برنامه‌ریزی برای خواب (زودتر خوابیدن و زودتر بیدار شدن)، ۲ؤ خالی نگه‌داشتن معده به هنگام خوابیدن، ۳ؤ طلب توفیق از خدای متعال برای بیدار شدن، ۴ؤ برنامه نماز شب را آسان گرفتن، ۵ؤ توجه به ارزش سحرخیزی (به گفته آیت الله حسن زاده آملی ((از انسان سبر برود و سحر نرود)))، ۶ؤ افزودن انگیزه‌های دیگر برای بیدار شدن در سحر (مثلا ـ اگر به خوردن چیزی علاقه دارید، آن را برای سحر بگذارید و یا اگر دوستی دارید با او قرار بگذارید که یکدیگر را بیدار کنید)، ۷ؤ ترک همه گناهان ظاهری و باطنی که توفیق را از انسان سلب می‌کنند، ۸ؤ خواندن آیه آخر سوره کهف پیش از خواب، می‌تواند مفید واقع شود. ۹ – هم چنین از ساعت‌های زنگ دار می‌توانید استفاده کنید.

آیا در حوزه اساتیدی هستند که به تدریس دروس فلسفه , اخلاق و تفسیر مشغول باشند؟

پرسش

آیا در حوزه اساتیدی هستند که به تدریس دروس فلسفه , اخلاق و تفسیر مشغول باشند؟

پاسخ

دروس فلسفه تفسیر و اخلاق در سطوح مختلف تدریس می‌شود که غالب آنها در موءسسات و مراکز پژوهشی وتخصصی است. از اساتید بزرگ فلسفه و تفسیر می‌توان آیت‌الله جوادی آملی آیت الله مصباح یزدی و آیت اللهحسن‌زاده آملی را نام برد.{J

در تعارض اندیشمندان حوزه و دانشگاه کدام طیف را پیشنهاد می کنید؟

پرسش

در تعارض اندیشمندان حوزه و دانشگاه کدام طیف را پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

ما هیچ طیف خاصی را برای تقلید از افکار آنان به شما پیشنهاد نمی‌کنیم. بلکه معتقدیم باید به دقت و تدبر بهسخن‌ها گوش فرا داد وجدا از انگیزه‌های دیگر به تجزیه و تحلیل پرداخت تا سره از ناسره تمییز داده شده و در هرعرصه حقیقت نمایان گردد. آنچه قابل توصیه است آنکه هرگز یک طرفه قضاوت نکنید و در هر عرصه‌ای بدون اطلاعکامل اظهار نظر ننمایید. چنان که اکنون بسیاری از افراد به این ضایعه مبتلا بوده و تنها براساس سلیقه‌ها و گرایش‌ها بهقبول یا رد نظریه‌ای می‌پردازند بدون آنکه از کم و کیف قضیه چندان اطلاعی داشته باشند.{J

این جانب علاقه شدیدی به حوزه دارم حاضرم خدمت سربازی هم بروم , بعد وارد حوزه شوم , چه راهی برای مشکل من پیشنهاد می کنید؟

پرسش

این جانب علاقه شدیدی به حوزه دارم حاضرم خدمت سربازی هم بروم , بعد وارد حوزه شوم , چه راهی برای مشکل من پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

علاقه شما به تحصیلات بیشتر و کسب علوم مختلف انگیزه‌ای مقدس و درخور ستایش است. امید است اینگرایش را همواره برای خود حفظ نمایید. گرچه متاسفانه تلقی اکثریت آن است که تحصیل علم.یعنی گذراندن کلاس‌هاو گرفتن مدرک ولی واقعیت آن است که نوبت تحصیل علم واقعی و پژوهش پس از گرفتن مدرک است. آن زمان استکه شخص با الفبای پژوهش آشنا شده و توان گام برداشتن برای آن را دارد. برادر عزیز! با توجه به علاقه و انگیزه‌ای کهدارید شما می‌توانید در حین تحصیلات دانشگاهی خود. به تحصیل علوم حوزوی نیز مشغول شوید.برای این منظورراه های پیشنهادی را آزمایش کنید. ۱- به حوزه علمیه محل سکونت خود مراجعه و با آنان مشورت کنید و اگر میسر شد استادی خصوصی از جمعطلاب برای خود بیابید و با برنامه ریزی صحیح درسی به پیش بروید. ۲- با مراجعه به سازمان تبلیغات و یا نوارخانه‌های حوزه سعی کنید با استفاده از نوارهای درسی حوزه همراه بامباحثه و مذاکره درسی برای خود برنامه ریزی کنید. لازم به ذکر است در هر دو صورت مباحثه را از یاد نبرید. و بالاخره

شما می‌توانید پس از پایان تحصیلات و انجامخدمات نظام وظیفه و مهیابودن شرایط در حوزه علمیه قم و یا شهر دیگر به تحصیل بپردازید. آنچه تعیین کننده استاخلاص همت و تلاش شماست که حتما موفقیت به همراه خواهد داشت.{J

مردم روستای تولدم احکام شرعی نماز،روزه و...رانمی دانندنیازبه مبلغ وکسی که احکام را آموزش دهد داریم ،آیامن می توانم درکنارتحصیلاتم دروس حوزه رابخوانم ؟

پرسش

مردم روستای تولدم احکام شرعی نماز،روزه و...رانمی دانندنیازبه مبلغ وکسی که احکام را آموزش دهد داریم ،آیامن می توانم درکنارتحصیلاتم دروس حوزه رابخوانم ؟

پاسخ

توجه و اهتمام شما به مسائل فرهنگی و دینی زادگاه خود قابل تقدیر و تشکر است. این نهاد مشکلات فرهنگی اینروستا را به مراکز اعزام مبلغ در قم گزارش خواهد داد تا در مورد آن اقدامات لازم را مبذول دارند. ضمنا شما نیز با تهیهنامه‌ای با امضای مسوءولین محل از مرکز استان و یا شهرهای مجاور محل خود درخواست اعزام مبلغ نمایید برای اینکار به دفتر ائمه جمعه و یا سازمان تبلیغات مراجعه کنید. در مورد تحصیلات علوم اسلامی این امکان برای شما وجوددارد که در کنار دروس دانشگاهی به کسب این علوم بپردازید. البته این امر مستلزم سعی و کوشش بسزایی است. دراین رابطه می‌توانید به مدرسه عالی شهید مطهری واقع در تهران میدان بهارستان مراجعه و یا با مراجعه به سازمانتبلیغات از نوارهای درسی حوزه استفاده نمایید.{J

فلسفه وجود روحانیت در اسلام چیست روحانیت برای اجتماع اسلامی چه می کند؟

پرسش

فلسفه وجود روحانیت در اسلام چیست روحانیت برای اجتماع اسلامی چه می کند؟

پاسخ

امروزه «دین» یک مسأله پیچیده و بغرنجی است؛ چه از نظر اعتقادات و جهان‌بینی و چه از نظر احکام فقهی و چه ازبعد اخلاق و مسائل اجتماعی. بنابراین از چند جهت وجود روحانیت ضرورت پیدا می‌کند: الف) قرآن ـ که اساس اسلام است ـ به تفسیر و بیان مطالب نیازمند است. تفسیر قرآن در درجه اول بر عهده شخص رسول اللّه بود وانزلنا الیک الذکر لتبیّن للناس ما نزل الیهم ذکر(قرآن) را به سوی تو نازل کردیم تا آن را برای مردم توضیح داده و بیان کنی {M(نحل، آیه ۴۴). بعد از نبی اکرم(ص) تفسیر قرآنبر عهده جانشینان آن حضرت(ص) ؛ یعنی، ائمه اثنی عشر قرار گرفت و در زمان غیبت نیز بر عهده علما و دانشمندانراستین ـ که در حقیقت پیروان انبیا و جانشینان آنان هستند ـ می‌باشد. ب) منبع دیگری در معارف اسلامی احادیث و سننی است که از نبی

اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) به یادگار ماندهاست. این روایات نیز نیازمند بیان و تفسیر است. ج) هم چنین تطبیق احکام و موضوعات با منابع فقهی، باز نیاز به اجتهاد و تلاش دانشمندان متخصص این فندارد.

چرا روحانیت در مقابل کار تبلیغی که انجام می دهند مزد می گیرند؟

پرسش

چرا روحانیت در مقابل کار تبلیغی که انجام می دهند مزد می گیرند؟

پاسخ

روحانیت شغل نیست و نمی‌توان تبلیغ دین خدا را مشروط به پرداخت پول کرد. البته با توجه به این که روحانیانبرای تأمین نیازمندی‌های مادی خود از کانال‌های رسمی دولتی استفاده نمی‌کنند، به طور معمول مردم به اشکالویژه‌ای در این زمینه آنها را یاری می‌دهند؛ مثلاً به هنگام دعوت از آنان برای سخنرانی براساس میل و دلخواه خود،وجوهی را تقدیم می‌دارند.

دلیل کم رنگ شدن گرایش به علما در سال های اخیر چیست ؟

پرسش

دلیل کم رنگ شدن گرایش به علما در سال های اخیر چیست ؟

پاسخ

}در هر زمان به عللی و شرایط مختلفی ممکن است گرایش به شخصیت‌ها و عالمان دینی تغییر کند.این عوامل بهدو دسته کلی تقسیم پذیرند: الف) علل داخلی: از جمله این علل عدم تحقق برخی انتظارات مردم از سوی برخی از عالمان دینیاست. ب) علل خارجی: مانند ترور شخصیت، تلاش برای خنثی‌سازی و کمرنگ ساختن تاثیر عالمان و مراجعدینی. در حال حاضر هر یک از دو عامل فوق آثاری را بر جا گذارده است، لیکن عامل دوم در سطح بسیار گسترده‌تری درجریان است.

پوشیدن لباس روحانیت با این مقدار زیاد پارچه اسراف نیست و آیا ضرورت دارد؟

پرسش

پوشیدن لباس روحانیت با این مقدار زیاد پارچه اسراف نیست و آیا ضرورت دارد؟

پاسخ

درباره سؤالاتی که درباره لباس روحانیان مطرح کرده‌اید، نکاتی قابل توجّه می‌باشد: یکم: این نوع لباس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ص) رایج بوده است و آن بزرگواران، چنین لباس می‌پوشیدند. دوم: عمامه بر سر بستن، از مستحبات بوده و تأکید فراوانی بر آن شده است. احادیث متعددی در این زمینه از حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وارد شده است؛ از جمله: امام رضا(ع) می‌فرمایند: «حضرت رسول(ص) عمّامه بر سر بستند و یک طرف آن را به جلو وطرف دیگر را به عقب انداختند.» از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت رسول(ص) با دست خود بر سر حضرت علی(ع) عمامه پیچیدند، (ر.ک: علامه مجلسی: حلیهٔ المتقین، ص ۱۸). سوم: جایگاه صنفی بسیاری از اقشار جامعه اقتضا می کند که از سایر اقشار مردم باز شناخته شوند؛ لذا دارای یک نوع لباس مشخص می‌باشند. مانند نیروهای نظامی و انتظامی و... درباره روحانیان نیز چنین است بر اساس روایات متعدد «العلماء ورثهٔالانبیاء» «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواهٔ احادیثنا فانهم حجتی علیکم و... روحانیان، امانت داران ائمه اطهار(ع) و مرجع روحی و معنوی و اجتماعی و... مردم می‌باشند؛ لذا نیازمندلباسی مشخص می‌باشند تا بدین وسیله در جامعه مشخص شوند و مراجعه به آن‌ها در مواقع نیاز آسان‌تر باشد. چهارم: پوشیدن این لباس، هر چند شأن و منزلتی نسبت به سایر اقشار مردم برای روحانیان ایجاد نمی کند، ولی موجب تعظیم شعائر الهی می گردد که مورد اهتمام قرآن است. وجود شخصیتهای وارسته جامعه که به عنوان سمبل و مظهر علم و تقوا و وارستگی و ارزش‌هایاسلامی و ملبس به لباس رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) باشند، از شعائر الهی می‌باشد و در حفظ و گسترش ارزش‌های الهی و اسلامی در جامعه و تقویت هویت مذهبی در مقابل تهاجم ارزش‌های بیگانه، بسیار مؤثر است. پنجم: هزینه تهیه یک دست کت و شلوار بیش‌تر از هزینه لباس روحانیت است و لباس‌های روحانیت در مقایسه با لباسهای دیگر برای مدت زمان طولانی قابل استفاده می‌باشد؛ ازاین‌رو، استفاده از لباس روحانی نه تنها موجب اسراف نیست، بلکه از جهت مالی به صرفه‌تراست. ششم: اکثر قسمت‌های لباس روحانی از تولیدات داخل می‌باشد؛ ضمنا خارجی بودن و نبودن ربطی به نوع لباس ندارد مگر شخصی‌ها پارچه‌های خارجی مصرف نمی کنند! فرانسوی‌ها در لبنان برای گسترش بی حجابی می گفتند: «لباس هر چه کم‌تر و دامن هر چه کوتاه‌تر باشد، بیشتر صرفه‌جویی می‌شود».

چرا طلاب حوزه علمیه مجبورند با شهریه طلبگی بسازند و نمی توانند اشتغالات دیگری داشته باشند؟

پرسش

چرا طلاب حوزه علمیه مجبورند با شهریه طلبگی بسازند و نمی توانند اشتغالات دیگری داشته باشند؟

پاسخ

متأسفانه یکی از مسائل مهمی که با کیان حوزه ارتباط می‌یابد و به قول استاد مطهری علهٔالعلل همه مشکلات حوزه است، مسأله معیشت طلاب می‌باشد، (ده گفتار، ص ۲۹۶ – ۲۸۹) این مسأله از مدت‌های طولانی ذهن بسیاری از بزرگان واندیشمندان حوزه را به خود مشغول داشته، راه حل‌های گوناگونی ارائه شده ولی متأسفانه هنوز راه‌کار عملی مناسبی به مرحله اجرا درنیامده است. البته هیچ کس از بزرگان حوزه مخالف رفاه طلاب و داشتن امکانات در سطح زندگی عموم جامعه نمی‌باشد ولی مشکل اصلی از

جایـدیگر نشـأت می گیرد و آن این که: اولاً تنهـا منبع مالی حوزه وجوهات شـرعیه است که توسط افراد خیر به عنوان سـهم امام یا خمس و زکـات به مراجع عظـام تقلیـد پرداخت می‌شود و به علت این که این وجوهـات به صورت کامـل پرداخت نمی‌شود، تـأمین همین مقدار اندک شـهریه با مشکلات عدیده‌ای مواجهاست. ثانیا، از طرف دیگر حوزه برای حفظ استقلال خود و عدم وابستگی به دولت، از امکانات مالی دولت اسـتفاده نمی کنـد. ثالثا، به علت گستردگی علوم اسـلامی و با توجه به تغییراتی که در وضع زنـدگی مردم پیش آمـده و توسـعه روزافزون علوم و احتیاجـات، ضـرورت دارد همیشه گروهی متمحض در تحصـیل علوم دینیه باشـند، لـذا دروس حوزه با چند سال حتی با ده، پانزده سال تحصـیل به پایاننمی‌رسد، بلکه فراگیری آنها و تعمق و متخصـص شدن در این علوم نیازمنـد مدت زمان بسـیار طولانی و اختصاص دادن بیشترین اوقات در شـبانه‌روز به آن می‌باشد، لذا مشـغول شدن طلبه به اموری از قبیل کار و اشـتغال و پرداختن به مسائل اقتصادی و... به نوعی مانع عمده در دستیابی بههدف فوق محسوب می‌شود.. در هر صورت با توجه به مطالب فوق مشـخص می‌شود محـدودیتی که ذکر نمودیـد به هیـچ وجه ساخته و پرداخته مسؤولان حوزه نمی‌باشـد. البته طلاـب می‌تواننـد بـا پرداختن به امـوری از قبیـل تبلیـغ، تـدریس، تحقیـق و... که هیـچ‌گونه منافـاتی بـا اهـداف حوزه نـدارد، ضـمن انجاموظایف حوزوی و ارتقاء سطح معلومات خود، از برخی مزایا و امکاناتی که از این طریق حاصل می‌شود در بهبود وضع معیشت خود، مؤثر باشند.}J

استفاده از شهریه و معافیت طلبه ها را در مقایسه با دانشجویان چگونه توجیه می نمائید؟

پرسش

استفاده از شهریه و معافیت طلبه ها را در مقایسه با دانشجویان چگونه توجیه می نمائید؟

پاسخ

این مسـأله دلایـل متعـددی دارد که بعضـی از آنها در ذیل اشاره می‌نماییم: ۱- خصوصـیت دروس حوزه: به علت گسـتردگی علوم اسلامی، دروس حوزه با چند سال حتی با ده، پانزده سال تحصیل به پایان نمی‌رسد، بلکه فراگیری آنها و تعمق و متخصص شدن در این علوم نیازمند مدت زمان بسیارطولانی می‌باشد به خلاف تحصـیل در دانشگاه نسبت به حوزه بسیار کوتاه‌مدت می‌باشد، بنابراین نمی‌توان محصـلان و محققان حوزه را در مـدت طولانی بدون حداقل درآمد برای امرار معاش گذاشت. ۲- ناکافی بودن وجوهات شرعیه: تنها منبع مالی حوزه وجوهات شـرعیه‌ای است که توسط افراد خیر به عنوان سهم امام یا خمس و زکات به مراجع عظام تقلید پرداخت می‌شود و به علت این که این وجوهات به صورتکامل پرداخت نمی‌شود، تأمین همین مقدار اندک طلبه به وسـیله شـهریه با مشـکلات عدیـده‌ای مواجه است. از طرف دیگر حوزه برای حفظ اسـتقلال خود و عدم وابسـتگی به دولت، از امکانات مالی دولت اسـتفاده نمی کند. در نتیجه شهریه بسیار مختصری که به طلاب پرداخت می‌شود کهبه هیچ وجه برای امرار معاش کافی نمی‌باشد، به صورتی که اکثریت طلاب حوزه در بدترین شـرایط اقتصادی به ادامه تحصیل می‌پردازند. درباره تشکیل خانواده و ازدواج در سنین جوانی از سوی طلاب، باید گفت این کار به هیچ وجه به معنای تأمین بودن وضعیت اقتصادی و سایر امکانات رفاهی و... نمی‌باشد، بلکه معلول عوامـل دیگری از قبیـل، ایمـان به وعـده‌های الهی ان یکونوا فقراءیغنهم الله من فضـله... توکـل زیاد بر خداونـد، عمل به مسـتحبات و ارزش‌هـای اسـلامی، پرهیز و ترس از وقوع در گنـاه و پـایین بودن انتظـارات خانواده‌هـای دوطرف در هنگـام ازدواج و

برگزاری مراسم ازدواج می‌باشد. ۳- مسؤولیت حوزه: از آنجا که حوزه مسؤولیت دفاع از مرزهای عقیدتی و نشر تعالیم مذهبی و فرهنگی اسلام را بر عهده دارد، حتی به دورترین و محروم‌ترین مناطق، همواره طلاب در شرایط بد آب و هوایی برای ارشاد و تبلیغ اعزاممی‌شوند و به انجام مسؤولیت خود می‌پردازند و از طریق پیشرفت و نشر آگاهی مذهبی و فرهنگی به مردم خدمت می کند و در زمان جنگ به صورت داوطلبانه بیشترین درصد اعزام به جبهه‌ها را تشکیل می‌دادند. با این همه اگر وظایف و مسؤولیت حوزویان و خدماتی را که انجاممی‌دهند بیشتر از سایر اقشار اعم از فرهنگیان (اساتید، معلمان و...) جامعه پزشکی و... ندانیم حداقل مساوی با دیگر اقشار می‌باشند. پس همان‌طور که سایر مشاغلی که در راستای خدمت به فرهنگ و سلامت جامعه و مردم و... تلاش می کنند از معافیت خدمت وظیفه برخوردارند،حوزویان نیز می‌توانند و لازم است که در راستای وظایف و مسؤولیت‌های سنگین خود و در راه به انجام رساندن آن از خدمت سربازی معاف باشند. ۴- مشروط بودن استفاده از شهریه و معافیت سربازی به ادامه تحصیل و...: استفاده از همین مقدار کم شهریه مشروط به شرایطی می‌باشد از جمله: الف) مشغول بودن به تحصیل یا تدریس یا تبلیغ و... در حوزه و ترک تحصیل ننمودن. ب) بعضی از مراجع علاوه بر شرط تحصیل و اشتغال در حوزه، شرط عدم درآمد مکفی و همچنین عدم اشتغال در جاهای دیگر را لازم می‌دانند، بنا برنظر این مراجع عظام، طلبه‌ای که اشتغال به تحصیل یا تبلیغ و... در حوزه نداشته باشد، مجاز به گرفتن شهریه نمی‌باشد، همچنین طلبه‌ای که درآمدمکفی داشته یا در جای دیگر اشتغال داشته باشد مجاز به دریافت شهریه نمی‌باشد. همچنین استفاده از معافیت تحصیلی برای طلاب تا زمانی است که در حوزه مشغول به تحصیل یا... باشد و الا معافیت تحصیل آنها لغو خواهد شد وملزم به انجام خدمت سربازی می‌باشند. در پایان ذکر این نکته لازم است که مطالب یاد شده براساس قوانین و مقررات عمومی رایج در حوزه‌ها می‌باشد و متأسفانه مانند دیگر مشاغل احتمال تخلف از این مقررات منتفی نمی‌باشد. ۵- مقایسه بین هزینه‌های دولتی در دانشگاه با مصرف وجوهات در حوزه: با بررسی هزینه‌هایی که دولت برای دانشجویان عزیز در زمان تحصیل در دانشگاه و خدماتی ازقبیل حقوق اساتید دانشگاه‌ها، حقوق پرسنل اداری دانشگاه‌ها، ارائه خدمات دانشجویی مانند غذا، خوابگاه، وام تحصیلی و برخی مساعدت‌ها مربوط به پایان‌نامه‌ها و... و مقایسه آنها با وجوهات شرعیه‌ای که برای طلاب در حوزه‌ها مصرف می‌شود، این نتیجه به دست می‌آید کههزینه‌های دولتی که برای دانشجویان مصرف می‌شود نه تنها کمتر از شهریه طلاب نمی‌شود که به مراتب بیشتر نیز می‌باشد.}J

وظیفه و جایگاه حوزه های اسلامی چیست. آیا فقط تربیت افرادی است که می توانند و می خواهند برای خود عالمی باشند یا بیشتر تربیت افرادی است که به مبادی اسلام آگاهی دارند و به اینجا پناه آورده اند تا از حوزویون کمک بطلبند.

پرسش

وظیفه و جایگاه حوزه های اسلامی چیست. آیا فقط تربیت افرادی است که می توانند و می خواهند برای خود عالمی باشند یا بیشتر تربیت افرادی است که به مبادی اسلام آگاهی دارند و به اینجا پناه آورده اند تا از حوزویون کمک بطلبند.

پاسخ

مبنای عمل و برنامه ریزی در حوزه‌های علمیه در طول تاریخ تحقق و عینیت بخشیدن به این آیه‌ی کریمه است: و ما کان المؤمنون لینفروا کافّهٔ فلولا نفر من کلّ فرقهٔ منهم طائفه لیتفّقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون نباید مؤمنان همگی بیرون رفته و رسول را تنها گذارند، بلکه چرا از هر طایفه‌ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم مهیا نباشند؟

تا آن علمی که آموختهانـد به قوم خود بیاموزند که قومشان هم شاید خداترس شده و از نافرمانی حذر کنند{M(توبه، آیه ۱۲۲). به عبارت دیگر از میان مؤمنین افراد مستعد و مشتاق به فراگیری علوم و معارف اسلامی باید رسیدن به درک عمیق نسبت به این علوم و معارف از اوطان خود به مراکز علوم اسلامی هجرت کنند و بعد از فراگیری در مراجعت به سوی وطن خود، هادی و منذز صادقی برای قوم خویش باشـند. بدین سان مهاجران به این مراکز، با سطوح مختلفی از استعداد برای تزکیه و تعلّم روی می‌آورند، بدان امید که در آینده‌ای نزدیک به تعلیم و تزکیه دیگران بپردازند. پس صـرف عالم شدن هدف حوزه‌های علمیه نیست، بلکه هدف پرورش عالم عامل و معلّم است؛ هـدف پرورش درختان تنومنـد و مثمر از ثمرات گوارای علوم الهی است که جان هر جوینـده‌ای را با شـهد خود شـیرین سازد، آن گونه که قرآن می‌فرماید: الم‌تر کیف ضـرب اللّه مثلاً کلمهٔ طیبهٔ کشـجرهٔ طیبهٔ اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلهـا کلّ حین باذن ربها... ای رسول ما نـدانستی که چگونه خـدا کلمه پاکیزه را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشـد و شاخه آن به آسـمان برشود و آن درخت زیبا به اذن خـدا همه اوقات میوهای ماکول و خوش دهد...{M(ابراهیم، آیه ۲۴). در پایـان به عنوان نـتیجه‌گیری می‌توان چنین گفت که هـدف اصـیل حوزه‌هـای علمیه مورد دوم در سؤال شـماست که در این صورت قطعـاً وظیفه‌ی اول را در بر دارد و بلکه آیه‌ی سوره‌ی توبه بالاـتر از حرف شـما را می‌زنـد و آن این که این وظیفه‌ی عالمان است که به سوی جوینـدگان هـدایت برونـد. البته ناگفته نمانـد که با توجه به مقتضـیات زمان و گسترش علوم و فنون ابزار ارتباطی تحقق این هـدف اشـکال متفاوتی به خود خواهـد گرفت. این که حوزه‌های علمیه تا چه حـدّ در انجام این رسالت قرآنی خویش در ازمنه و مقاطع مختلف تاریخی موفق بوده‌اند نیاز به پژوهش‌های جداگانه دارد.

آیا بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه می توانم در حوزه درس بخوانم ؟

پرسش

آیا بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه می توانم در حوزه درس بخوانم ؟

پاسخ

بله، البته حوزه نیز ماننـد سـایر مراکز علمی شـرایطی دارد اگر شـما حـائز آن شـرایط باشـید و در امتحان ورودی آن قبول شویـد می توانید به حوزه بیایید و مشـغول تحصیل شوید اما برای تصمیم گیری توضیحاتی که در ذیل می آید مناسب است لذا با دقت آنها را مرور کنید. به نظر می رسد شـما برای ورود به حوزه علمیه مشـکل چندانی نداشـته باشـید, در عین حال لازم است در تصمیم گیری خود شـناخت , آگـاهی و تـدبیر لازم را معمول داریـد. در این رابطه به اختصار, نکاتی را به اطلاع می رسانـد. ولی لازم است خود شما با مراجعه به حوزه و دوسـتان حوزوی , اطلاعات افزون تری کسب کنید. پیش از هر چیز باید هدف اصـلی خود از تحصـیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالا انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چند از موارد زیر است : ۱) جست وجوی کمالات نفسـانی و معنوی . در صورتی که انگیزه این باشـد بایـد گفت : هر چنـد حوزه علمیه محیط مساعـدتری برای کسب فضایل روحانی است , ولی چنان نیست که در محیط دانشـگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر, رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد, نه صرفا به محیط. ۲) افزایش اطلاعات دینی . نیل به این هدف نیز با برنامه ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشـگاهی میسـر است . حتی در کنار آنها می توان از نوار یا دوسـتان روحانی برای گرفتن برخی از

دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی نیز می توان در کنار فعالیت های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید. ۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه . اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی , به حوزه وارد شوید و در مدرسه های مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید, ورودتان را میمون و مبارک می شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشان می سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار, خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه ها مشهود است , آثار و ثمرات خود را ظاهر می سازد; البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه مندان به دانش های حوزوی باید با همت و استواری , عمرخود را وقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک سری تمایلات مادی و دنیایی ; مانند: عنوان , پول و ... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهد بود. با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن بنابراین در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می توانید با مراجعه به جامعه الزهرا, ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار امتحان ورودی می گیرد و بعد از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می کند. جامعه الزهرا که حوزه ئ علمیه خواهران است , دارای چهار بخش عمده می باشد: ۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی , ۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل , ۳- روزانه با مدرک دیپلم , ۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار), از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره ئ تخصصی می باشد. دوره ئ عمومی را که حدودا پنج سال به طول می انجامد برای همه است و دوره ئ تخصصی (تخصص تبلیغ , تاریخ , فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند. شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند. جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم : بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن : ۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید.

چگونه می توانم بعد از لیسانس ادبیات وارد حوزه شوم و آیا الان می توانم دو رشته را با هم بخوانم آیا سه ماه تابستان می توانم به حوزه بیایم و از استادان و کتابهای آنجا استفاده کنم و اگر هم شد چند واحد درسی بگیرم.

پرسش

چگونه می توانم بعد از لیسانس ادبیات وارد حوزه شوم و آیا الان می توانم دو رشته را با هم بخوانم آیا سه ماه تابستان می توانم به حوزه بیایم و از استادان و کتابهای آنجا استفاده کنم و اگر هم شد چند واحد درسی بگیرم.

پاسخ

پیش از هر چیز باید هدف اصلی خود از تحصیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالا انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چند از موارد زیر است : ۱) جست وجوی کمالات نفسانی و معنوی . در صورتی که انگیزه این باشد باید گفت : هر چند حوزه علمیه محیط مساعدتری برای کسب فضایل روحانی است , ولی چنان نیست که در محیط دانشگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر, رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد, نه صرفا به محیط. ۲) افزایش اطلاعات دینی . نیل به این هدف نیز با برنامه ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشگاهی میسر است . حتی در کنار آنها می توان از نوار یا دوستان روحانی برای گرفتن برخی از دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام تحصیلات

دانشگاهی نیز می توان در کنار فعالیت های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید. ۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه . اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی , به حوزه وارد شوید و در مدرسه های مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید, ورودتان را میمون و مبارک می شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشان می سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار, خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه ها مشهود است , آثار و ثمرات خود را ظاهر می سازد ;البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه مندان به دانش های حوزوی باید با همت و استواری , عمرخود را وقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک سری تمایلات مادی و دنیایی ; مانند: عنوان , پول و ... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهد بود. با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن بنابراین در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می توانید با مراجعه به جامعه الزهرا, ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار امتحان ورودی می گیرد و بعد از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می کند. جامعه الزهرا که حوزه ئ علمیه خواهران است , دارای چهار بخش عمده می باشد: ۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی , ۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل , ۳- روزانه با مدرک دیپلم , ۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار), از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره ئ تخصصی می باشد. دوره ئ عمومی را که حدودا پنج سال به طول می انجامد برای همه است و دوره ئ تخصصی (تخصص تبلیغ , تاریخ , فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند. شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می رسانند. جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم : بلوار امین - جامعه الزهرا - تلفن : ۲۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید. بنابراین از نظر قانونی منعی وجود ندارد و این موضوع بیشتر به اراده و همت شما بستگی دارد. اگر از توان کافی برخوردارید و می توانید با برنامه ریزی صحیح و متناسب با توان خود در کنار دروس دانشگاهی، اوقاتی را به دروس حوزوی اختصاص دهید، خوب است ولی باید مواظب باشید فشار بیش از اندازه به خود واردنکنید وخارج از توان جسمی و روانی تان نباشد. در عین حال در اوقات تعطیل و خالی خود در صورتی که به دروس دانشگاهی لطمه وارد نشود، به آرامی و به تدریج دروس حوزوی را بخوانید و در تابستان نیز می توانید یا با حضور در یکی از مراکز حوزوی خواهران به طور غیر رسمی و یا با استفاده از نوارهای دروس حوزوی که برخی حوزه های علمیه در اختیار دارند دروس حوزوی را بخوانید و معمولاـ منعی وجودندارد. تعداد واحدها و میزان دروس بستگی به توان جسمانی و روحی شما دارد و نمی توان حد مشخصی برای شما بیان شود.

شهریه آخوندها از کجا تامین می شود.

پرسش

شهریه آخوندها از کجا تامین می شود.

پاسخ

در پاسخ به این سوال توجه به دو نکته حائز اهمیت است: ۱. حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ بر آن بوده اند که با وجود

مشکلات فراوان دست نیازی به سوی دولت ها دراز نکنند و این امر موجب روح آزادی و حریت و ضامن استقلال حوزه ها از دخالت حکام بوده است. استاد مطهری در این زمینه می گوید: «روحانیت شیعه از ابتدا بر اساس بی نیازی از قدرتهای حاکم پایه گذاری شده و همیشه سلاطین و بزرگان مجبور بودند آستان آنها را ببوسند و پیشانی به درگاه آنها بسایند.» (پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۱۸۵ ، ۱۳۷۴.) در زمان حاضر نیز هر چند نظام حاکم اسلامی برخاسته از حوزه های علمیه است، ولی همچنان این اصل باقی است و ضامن سلامت حوزه ها از وابستگی می باشد. حوزه همیشه تلاش کرده که حتی الامکان مشکلات خویش را با امکانات محدود داخل خود برطرف سازد و از سرازیر شدن سیل امکانات دولتی که سرانجامی جز از بین رفتن استقلال و روح آزادگی حوزه در مقابل دولت ندارد، خودداری کند. ۲. در اسلام بخشی از وجوهات شرعیه، نظیر خمس، تبرعاتی که افراد خیر می پردازند در جهت آموزش احکام و تعالیم اسلامی و تبلیغ آن و تربیت مبلغان دینی اختصاص یافته است، از این رو حوزه های علمیه مقداری از این وجوهات که مبلغ بسیار ناچیزی می باشد را به عنوان شهریه به طلاب و مبلغان علوم اسلامی پرداخت نمایند.

با بعضی از دوستان تصمیم گرفتیم دروس حوزه را آغاز کنیم. آیا به نظر شما حوزه الکترونیک سایت تبیان یا حوزه مجازی علوم اسلامی مؤثر است یا نه؟

اشاره

در ضمن حاج آقا من را از دعای خیرتان فراموش نفرمایید. دعا بفرمایید خدا من را هم هدایت کند. التماس دعا به امید ظهور

پرسش

با بعضی از دوستان تصمیم گرفتیم دروس حوزه را آغاز کنیم. آیا به نظر شما حوزه الکترونیک سایت تبیان یا حوزه مجازی علوم اسلامی مؤثر است یا نه؟ در ضمن حاج آقا من را از دعای خیرتان فراموش نفرمایید. دعا بفرمایید خدا من را هم هدایت کند. التماس دعا به امید ظهور مولا

پاسخ

علاقه شما و دوستانتان به علوم اسلامی و معارف الهی بسیار ارزشمند است و حاکی از فطرت پاک و ضمیر بیدار و آگاه شما دارد. این علاقه زیبا و این حسن انتخاب را به شما تبریک عرض می کنیم. بطور مسلم این علاقه و حسن انتخاب وقتی سودمند واقع می شود که جایگاه آن در برنامه کلی زندگی شما مشخص و برای دست یابی به آن راه صحیح نیز انتخاب شود تحقق صحیح این امر مستلزم رعایت مسائلی است که بشرح ذیل آنها را متذکر می شویم ۱- قبل از هر چیز برای اوقات شبانه روزی خود برنامه ریزی کنید و برای انجام هر کاری وقت مشخصی را تعیین کنید. ۲- از آنجایی که شما دانشجو هستید و موفقیت شما در رشته تحصیلتان در سرنوشت علمی و حرفه ای شما تأثیر بسزایی دارد, قبل از اینکه به هر کار دیگری بپردازید میزان وقتی را که برای دروس مربوط به رشته تان نیاز دارید را تعیین کنید و در آن اوقات به هیچ کار دیگری بجز مطالعه آن دروس نپردازید. ۳- بقیه اوقاتی که مازاد بر اوقات تحصیلی شما است را محاسبه کنید که مثلا در هر هفته چند ساعت وقت اضافه دارید. ۴- در صورت امکان اگر بتوانید

درسهای حوزوی را به صورت حضوری با اساتید حوزوی بگذرانید بسیار مطلوب است. ۵- در صورت عدم دسترسی به استاد استفاده از امکانات آموزشی از قبیل نوار و سایت های موجود در برنامه های نرم افزاری مناسب است البته به شرط اینکه درسها را دقیقا گوش کنید و بعد از مطالعه با یکدیگر مباحثه کنید و اشکالاتی که لاینحل باقی می ماند به صورت حضوری یا از طریق مکاتبه بپرسید. ۶- برنامه درسی خود را سنگین نکنید زیرا در دراز مدت حالت سرخوردگی و کسالت برای شما به وجود می آید بگونه ای که دیگر حال مطالعه درسهای معمولی خودتان را نیز ندارید. ۷- ضمن درس خواندن از وضعیت تغذیه, خواب, تفریح سالم و مسائل عبادی غفلت نکنید زیرا شما در صورتی می توانید در تحصیلات خود موفق باشید که به سایر نیازهای خود نیز اهتمام داشته باشید. در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای همه شما عزیزان, توفیق بیش از پیش و سعادت جاودانه از خداوند متعال مسألت می نمائیم و از اینکه سؤالات شما ما را به خدمت بیشتر به بندگان خدا وادار می کند متشکریم.

۱-برای ورود به حوزهٔ علمیه چه شرایطی باید داشته باشیم ؟

اشاره

۲-آزمون حوزه های علمیه در چه زمانی انجام می شود ؟ ۳-منابع آزمون کتبی که در آزمون کاربرد دارد چست ؟ ۴-یا برای عقیل در حوزه حتماً باید بطور دائم در حوزه اقامت کرد؟ ۵-چطور می توانیم نزدیکترین حوز

پرسش

۱-برای ورود به حوزهٔ علمیه چه شرایطی باید داشته باشیم ؟ ۲-آزمون حوزه های علمیه در چه زمانی انجام می شود ؟ ۳-منابع آزمون کتبی که در آزمون کاربرد دارد چست ؟ ۴-یا برای عقیل در حوزه حتماً باید بطور دائم در حوزه اقامت کرد؟ ۵-چطور می توانیم نزدیکترین حوزه به محل سکونت خود را پیدا کنیم؟ با اهداء سلام و آرزوی توفیق روز افزون الهی و تشکر از حسن اعتماد شما به

پاسخ

جهت ورود به حوزه علمیه شرایط زیر لازم است .شرایط عمومی ، التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه ، ایرانی بودن ، عدم محکومیت و سوء سابقه . شرایط سنی برای دارندگان مدرک تحصیلی سیکل به حد اکثر ۱۷ سال و برای دارندگان مدرک دیپلم حد اکثر ۲۰سال می باشد (برای دارندگان کارت پایان خدمت وظیفه عمومی ۲۲ سال می باشد) معدل مدرک تحصیلی ، حد اقل نمرهٔ ۱۲می باشد . آزمون حوزه های علمیه در اواخر تیر ماه هر سال بر گزار می شود که اطلاعیه ثبت نام آن د رروزنامه قدس دههٔ آخر اردیبهشت ماه هر سال (۲۰ الی ۳۱ اردیبهشت) منتشر می شود و زمان ثبت نام خردادماه می باشد . منابع آزمون کتبی ، برای دارندگان مدرک سیکل کتابهای عمومی ۳ سال راهنمایی شامل ، تعلیمات دینی ، قرآن ، عربی ، دستور فارسی ، تاریخ و تعلیمات اجتماعی میباشد و برای دارندگان مدرک دیپلم نیز کتابهای عمومی ۳ سال دبیرستان هر رشته ای که تحصیل کرده باشند میباشد که شامل بینش اسلامی ، قرآن ، عربی ، دستور فارسی ، تاریخ و مطالعات اجتماعی میشود . جهت تحصیل در حوزه باید تابع مقررا ت

حوزۀعلمیه ای که در آن تحصیل می کنید باشید . در اغلب مدارس کلاسها صبح و بعد از ظهر برگزار میشود و برخی مدارس نیز شبها ساعا تی را برای تحصیل یا مباحثه دروس اختصاص می دهند : لذا بصورت ۲۴ ساعت باید در اختیار حوزه بود. جهت دستیابی به نزدیکترین حوزه علمیه باید در هر شهرستان چنانچه شورای مدیریت با دبیر خانه ای داشته باشد و یا به دفاتر سازمان تبلیغات د رهر شهرستان مراجعه کرد و یا میتوانید از۱۱۸ شمارۀمدارس علمیه را سؤال کنید و بعد از تماس آدرس آنجا را بگیرید و حضور اً جهت اطلاع بیشتربه آن مدرسه بروید .

۲–چه رابطه ای میان حوزه علمیه ودانشگاه وجود دارد ؟

پرسش

۲–چه رابطه ای میان حوزه علمیه ودانشگاه وجود دارد ؟

پاسخ

–رابطه میان حوزه علمیه ودانشگاه رابطه ایمان وعلم است . رابطه شناختن ودانستن رابطه فهمیدن ودرک کردن . بطور کلی رابطه این دو را میتوان به منزله دو بال برای یک پرنده دانست . انسان بدون ایمان به سر منزل مقصود نمی رسد که علم برای او حجابی اکبر است واو را به ورطه هلاکت سوق می دهد واز آنطرف انسان بدون علم هم جاهلی است که با جمعش به دین لگد می زند . به بیان آقا علی (ع) که می فرماید : دوگروه کمر مرا شکستند دانشمندان منحرف ، نادانان باایمان . لذا تفکیک ایندو از یکدیگر مهلک وخطر ساز است. انسان باید به حدی معتدل از علم وتهذیب برسد تا بتواند برای خود افراد جامعه مفید باشد وبتواند رسالت انسان بودن خود را ایفا کرده باشد. البته درحوزه هم ایمان است وهم علم اینگونه نیست که علم فقط در دانشگاه باشد وبرعکس آن نیز صادق است . اینگونه نمی باشد که ایمان فقط درحوزه باشد . چه بسیار دانشجویان باایمان وطلبه های کم ایمان . لذا دانشگاه اگر اهداف اسلامی را دنبال کند خودش نوعی حوزه است ولی اگر اهداف آن غیر الهی باشد علمی است خطرساز که ممکن است باعث هلاکت انسانها شود.

علاقمندم که در حوزه علمیه تحصیل کنم , خواهشمندم دراین رابطه مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

علاقمندم که در حوزه علمیه تحصیل کنم , خواهشمندم دراین رابطه مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

به نظر می‌رسد شما برای ورود به حوزه علمیه مشکل چندانی نداشته باشید، در عین حال لازم است در تصمیم‌گیری خود شناخت، آگاهی و تدبیر لازم را معمول دارید. در این رابطه به اختصار، نکاتی را به اطلاع می‌رسانند. ولی لازم است خود شما با مراجعه به

حوزه و دوستان حوزوی، اطلاعات افزون‌تری کسب کنید. پیش از هر چیز باید هدف اصلی خود از تحصیل در حوزه علمیه را مشخص نمایید. احتمالا- انگیزه و محرک شما در این رابطه یک یا چنداز موارد زیر است: ۱) جست وجوی کمالات نفسانی و معنوی. در صورتی که انگیزه این باشد باید گفت: هر چند حوزه علمیه محیط مساعدتری برای کسب فضایل روحانی است، ولی چنان نیست که در محیط دانشگاهی نتوان بدان رسید. به عبارت دیگر، رسیدن به آنها بیش از هر چیز به عزم و همت و اراده جدی شما و عنایات حق تعالی بستگی دارد، نه به محیط. ۲) افزایش اطلاعات دینی. نیل به این هدف نیز با برنامه‌ریزی مطالعاتی منظم در کنار دروس دانشگاهی میسر است. حتی در کنار آنها می‌توان از نوار یا دوستان روحانی برای گرفتن برخی از دروس ابتدایی حوزوی استفاده نمود و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی نیز می‌توان در کنار فعالیت‌های شغلی این گونه مطالعات و دروس جانبی را استمرار بخشید. ۳) تخصص یابی در علوم مختلف دینی و خدمت در مسیر اعتلای دانش و فرهنگ دینی جامعه. اگر چنین آرمان بلند و ارزشمندی را منظور دارید می‌توانید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی حداقل تا مرحله کارشناسی، به حوزه وارد شوید و در مدرسه‌های مربوط به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شرکت کنید. حال اگر جدا با توجه به بند (۳) خواستار تحصیل در حوزه علمیه هستید، ورودتان را میمون و مبارک می‌شماریم ولیکن این نکته را نیز خاطر نشانمی‌سازیم که دروس حوزوی بر اثر گستردگی بسیار، خیلی دیرتر از آنچه در دانشگاه‌ها مشهود است، آثار و ثمرات خود را ظاهر می‌سازد؛ البته با عمق و ژرفای بیشتر. بنابراین علاقه‌مندان به دانش‌های حوزوی باید باهمت واستواری، عمرخود راوقف علم و دانش سازند و با جان و دل و چشم پوشی از یک‌سری تمایلات مادی و دنیایی؛ مانند: عنوان، پول و ... در مسیر دین و علوم دینی ره سپارند و تنها در این صورت دست حق یار و مددکارشان خواهدبود<. <Table align=center width=۹۵٪ cellspacing=۱> <TR align=Center><TD
با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم/< E> <TD>یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن/< TD></TR></Table
بنابراین در صورت عزم جدی و دارا بودن شرایط می‌توانید با مراجعه به جامعةالزهرا، ثبت نام نمایید. این مرکز هر سال یک بار امتحان ورودی می‌گیرد و بعد از گزینش و مصاحبه طبق اولویت به مدارس حوزه علمیه که دارای خوابگاه هستند معرفی می‌کند. جامعهٔ الزهرا که حوزه علمیه خواهران است، دارای چهار بخش عمده می‌باشد: ۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی، ۲- روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل، ۳- روزانه با مدرک دیپلم، ۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار)، از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره تخصصی می‌باشد. دوره عمومی را که حدودا پنج سال به طول می‌انجامد برای همه است و دوره تخصصی (تخصص تبلیغ، تاریخ، فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند. شرایط ثبت نام را هر ساله در دهه اول اسفندماه در روزنامه‌های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می‌رسانند. جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم: بلوار امین - جامعهٔ الزهرا - تلفن: ۹۲۵۱۱۱ تماس حاصل نمایید.

چرا به حوزویان کمک هزینه تحصیلی می دهند ولی به دانشجویان نمی دهند؟

پرسش

چرا به حوزویان کمک هزینه تحصیلی می دهند ولی به دانشجویان نمی دهند؟

پاسخ

این مسائله دلایل متعددی دارد که بعضی از آنها در ذیل اشاره می نماییم : ۱- خصوصیت دروس حوزه : به علت گستردگی علوم اسلامی , دروس حوزه با چند سال حتی با ده , پانزده سال تحصیل به پایان نمی رسد, بلکه فراگیری آنها و تعمق و متخصص شدن در این علوم نیازمند مدت زمان بسیار طولانی می باشد به خلاف تحصیل در دانشگاه نسبت به حوزه بسیار کوتاه مدت می باشد, بنابراین نمی توان محصلان و محققان حوزه را در مدت طولانی بدون حداقل درآمد برای امرار معاش گذاشت . ۲- مقایسه بین هزینه های دولتی در دانشگاه با مصرف وجوهات در حوزه : با بررسی هزینه هایی که دولت برای دانشجویان عزیز در زمان تحصیل در دانشگاه و خدماتی از قبیل حقوق اساتید دانشگاه ها, حقوق پرسنل اداری دانشگاه ها, ارائه خدمات دانشجویی مانند غذا, خوابگاه , وام تحصیلی و برخی مساعدت ها مربوط به پایان نامه ها و... و مقایسه آنها با وجوهات شرعیه ای که برای طلاب در حوزه ها مصرف می شود, این نتیجه به دست می آید که هزینه های دولتی که برای دانشجویان مصرف می شود نه تنها کمتر از شهریه طلاب نمی شود که به مراتب بیشتر نیز می باشد. لیکن شکل و چگونگی مصرف و پرداخت آن متفاوت است .

از وقتی که طلبه ای وارد حوزه می شود تا وقتی که به درجه اجتهاد می رسد چه مراحلی را باید طی کند و چه مجتهدی می تواند مرجع تقلید شود ؟

پرسش

از وقتی که طلبه ای وارد حوزه می شود تا وقتی که به درجه اجتهاد می رسد چه مراحلی را باید طی کند و چه مجتهدی می تواند مرجع تقلید شود ؟

پاسخ

هر کس می‌تواند با گذراندن مدارج علمی مربوطه به مقام اجتهاد در فقه برسد که در این صورت واجب است به رأی خود عمل کند و تقلید برای او حرام می‌شود. امّا از میان مجتهدین که تعداد آن‌ها زیاد است کسانی که احتمال اعلمیت آن‌ها وجود دارد به عنوان مرجع تقلید معرفی می گردند

تحصیل در حوزه به صورت مکاتبه ای چه شرایطی دارد و من ،در صورت امکان،می خواهم تحصیل کنم؟

پرسش

تحصیل در حوزه به صورت مکاتبه ای چه شرایطی دارد و من ،در صورت امکان،می خواهم تحصیل کنم؟

پاسخ

تحصیل غیر حضوری دروس حوزوی با استفاده از نوارهای درسی از حوزه‌های شهرستانها یا سازمان تبلیغات میسر است. ضمنا می‌توانید در این امر با دفتر نهاد رهبری در دانشگاه محل تحصیل خود نیز ارتباط پیدا کرده و از مسؤول آن اطلاعات و کمک‌هایی

دریافت نمایید. به اطلاع می‌رساند که متاسفانه در برنامه‌های آموزشی حوزه علمیه قم آموزش مکاتبه‌ای برای برادران منظور نگردیده و تنها جامعه‌الزهرا(س) برای خواهران چنین برنامه‌ای دارد. جناب عالی می‌توانید دروس حوزوی را با راهنمایی‌های روحانیون محل و با استفاده از نوارهای درسی فراگیرید

با توجه به اینکه پیامبر اکرم و تمامی ائمه اطهار با کار و تلاش تأمین معاش می کرده اند و به کارهایی چون کشاورزی و... می پرداختند چرا برخی از روحانیون تنها از راه منبر و روضه خوانی کسب روزی می کنند آیا مگر پیامبر اکرم نفرموده است هر کس از راه گرداندن مردم رو

پرسش

با توجه به اینکه پیامبر اکرم و تمامی ائمه اطهار با کار و تلاش تأمین معاش می کرده اند و به کارهایی چون کشاورزی و... می پرداختند چرا برخی از روحانیون تنها از راه منبر و روضه خوانی کسب روزی می کنند آیا مگر پیامبر اکرم نفرموده است هر کس از راه گرداندن مردم روزی کسب کند مسلمان نیست.

پاسخ

قبل از پرداختن به موضوع لازم است نکته ای را به عنوان مقدمه بیان نماییم: الف) چیزی را وسیله ارتزاق قراردادن، ب) ارتزاق جبری ازاشتغال به چیزی . توضیح : الف) وسیله قراردادن چیزی برای ارتزاق به این معناست که ابتدا انسان هدف را کسب منافع مادی (مثلا درآمد اقتصادی) قرار دهد و برای نیل هر چه بهتر و بیشتر بدان راهی را برگزیند.مانند اینکه رشته پزشکی را انتخاب کند به دلیل آنکه پول سازتر است . در این جا قداست این رشته و اهمیت آن در خدمت به جامعه مورد نظر نیست * بلکه از آغاز هدف درآمد مادی است و آن علم تنها وسیله و آلت برای رسیدن به پول است . ب) ارتزاق جبری از اشتغال به این معناست که شخص به جهت اشتغال دائمی به چیزی نهایتا از همان طریق کسب معیشت کند هر چند هدفش ارتزاق نباشد.در همان مثال فوق می توان پزشکی را مثال زد که عمری برای خدمت به جامعه تلاش می کند و هدفی نیز جز خدمت ندارد* ولی در عین حال وسیله کسب روزی و نیازهای مادی اش نیز از همین طریق است . در دو مثال فوق اصل ارتزاق از معیشت مشترک است . در عین حال شکل اول آن امری غیر اخلاقی و ناستوده است و شکل دوم آن اخلاقی و مورد ستایش . اکنون باید دید در مورد روحانیت کدامیک از دو مورد فوق صدق می کند. الف) اگر بگوییم عملکرد روحانیت از قسم اول است بهترین دلیل بر رد آن شیوه و سلوک روحانیت در اعصار مختلف تاریخی است تا آنجا که ما اطلاع داریم حتی افرادی از روحانیت که تا حدودی از زی روحانی فاصله گرفته اند نیز به جهت در آمد مادی به سمت روحانیت نگرویده اند چه رسد به علماء و بزرگان حوزه به عنوان نمونه در زمان معاصر خودمان، بسیاری از علماء علی رغم این که وجوهات بسیاری در اختیار داشتند، به هیچ وجه در زندگی شخصی خود حتی در سخت ترین شرایط از این وجوهات استفاده نمی کردند (گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، نشر معروف ۱۳۷۹). و بسیار کمیاب و نادرند عناصری که از پی دنیای مادی به سمت علوم دینی گروند و با دین تجارت دنیا کنند. ب) اگر مقصود ارتزاق به نحو دوم باشد باید گفت چنین چیزی واقعیت دارد بالاخره روحانیت همانطور که چوب دین را خورده و برایش در طول تاریخ شکنجه ها دیده و زجرها و تبعیدها و زندانها و بر سر دار رفتن ها را تحمل کرده به ناچار لقمه نانی نیز در کنار آن خورده است اما این نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه ضرورتی گریز ناپذیر است و برای تغییر آن تا کنون هیچ طرحی معقول به دست نیامده است زیرا: ۱) یا باید امر تبلیغ دین را به موجوداتی ذاتا فاقد نیازهای مادی و معیشتی واگذار گردد یعنی ملایک

آسمان این رسالت را به عهده گیرند و بار این تکلیف گران را از دوش عالمان دین برگیرند , چنین چیزی محال است . ۲) عالمان دین و روحانیون به تمام نیازهای مادی خویش پشت پا زنند و دردنیا به روی خود بندند هر چند مرگ آنان در رسد و جان به جان آفرین تسلیم کنند چنین چیزی نیز خلاف عقل و دین است. ۳) بساط روحانیت و تحقیقات و پژوهشها و تبلیغات دینی را برچید که این نیز خلاف نص آیه شریفه قرآن است آنجا که می فرماید: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم ...» (توبه ۱۲۲). ۴) نیازهای روحانیون از طریق نهاد یا سازمانی دولتی یا مستقل مانند وجوهات شرعیه و هدایا و نذورات مردمی و... تأمین شود و این تنها راه شرعی و منطقی است. و اما این که عالمان و مبلغان دین از طرق دیگری به کسب روزی بپردازند مثلا به حرفه ای لزوما غیر دینی اشتغال یابند و در کنار آن به تحقیق و فعالیتهای دینی نیز بپردازند هرچند فی نفسه امری خوب و ایده آل به نظر می رسد، اما لیکن مشکل اساسی آن است که گستردگی و فراخنای علوم اسلامی چنان است که اکثر عالمان دین با آنکه تمام عمر خویش را قعرپیمایی در ژرفنای این اقیانوس بی کران نموده و تا آخرین لحظات حیات خود با زحمات شبانه روزی به تحقیق و پژوهش می پردازند باز خود را در برابر فضای بی منتهایی می بیند که رسیدن به بلندای آن عمری چند هزار ساله می طلبد و همه این تلاشها در برابر آن ناچیز و کم مقدار است بنابراین روش پیشنهادی فوق ثمری جز ناکام گذاردن و رها کردن تحقیقات و فعالیتهای ژرف دینی و تنها به چند مساله سطحی و عامیانه پرداختن و ره سپردن به سوی پیشنهاد سوم چیز دیگری نیست. به علاوه حتی انبیا نیز بعضا از طریق دین کسب معیشت نموده اند چنانکه در مقررات مالی اسلام برخی از حقوق مقرره مربوط به پیامبر (ص) و امامان (ع) بوده و بعضا در نیازهای شخصی آنان صرف می شده است. اما در مورد حدیثی که از پیامبر اکرم(ص) نقل فرمودید، نکات ذیل حائز اهمیت است: اولاً چنین حدیثی را نیافتیم و خوب است آدرس آن را به صورت دقیق بیان نمایید و به علاوه با احادیث متعددی که در این باره وجود دارد، ناهمخوانی دارد؛ به عنوان نمونه به ذکر چند حدیث بسنده می نماییم: ۱. قال امام الصادق(ع): «لا بأس باجر النائحه التی تنوح علی المیت؛ مزد گرفتن کسی که برای مرده مردم را می گریاند جایز می باشد» (مجمع الفایده، محقق اردبیلی، ج ۸، ص ۶۱). ۲. محمد بن علی بن الحسین قال: قال(ع): «لا بأس بکسب النائحه اذا قالت صدقا؛ مزد گرفتن برای گریاندن مردم در صورتی که راست و حقیقت گوید جایز است» (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی۷ ج ۱۶، کتاب التجاره، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۷، ح ۹). از بررسی مجموع روایاتی که در این زمینه وارد شده است مشخص می شود که مزد گرفتن برای گریاندن مردم جایز می باشد، البته به شرط این که راست و حقیقت بگوید، متضمن غناء نباشد؛ و شرایطی از این قبیل (همان). ثانیا، در خصوص روضه خوانی باید گفت، این عمل از جمله تعظیم شعائر الهی و مورد تأکید معصومین(ع) بوده است و ائمه اطهار(ع) توصیه زیادی به برپایی مراسم عزاداری و ذکر مصائب اهل بیت(ع) داشته اند، به عنوان نمونه امام رضا(ع) فرمودند «من تذکر مصائبنا و بکی لما ارتکب منا کان معنا فی درجاتنا یوم القیامه و من ذکر بمصائبنا فبکی و ابکی...؛ کسی که متذکر مصایب ما شود و به جهت ستم هایی که بر ما وارد شده گریه کند، در روز قیامت با ما خواهد بود و مقام و درجه مار ا خواهد داشت و کسی که مصیبت های ما را بیان کند و خود بگرید و دیگران را بگریاند در روزی که همه چشم ها گریان است چشم او نگرید و هر کسی در مجلسی بنشیند که در آن مجلس امر ما را زنده می کنند روزی که قلب ها می میرند، قلب او نخواهد مرد» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۸). اهمیت تشکیل مجالس عزاداری برای اهل بیت(ع) تا جایی است که امام صادق(ع) می فرماید: «قال لی ابی یا جعفر اوقف لی من مالی کذا و کذا لنوادب تند بنی عشر سنین بمنی ایام منی؛ پدرم (امام باقر(ع) به من فرمود: بخشی از اموالم را وقف کن تا به مدت ده سال نوحه گران و مداحان، در ایام حج در منی به عزاداری و نوحه سرایی بپردازند» (وسائل الشیعه، همان، ح ۱) . نتیجه آن که، علاوه بر مطالبی که در قسمت اول پاسخ رفت در زمینه سؤال باید گفت که روحانیون، براساس وظیفه و برای تبلیغ و زنده نگه داشتن یاد ائمه(ع) و تبلیغ سیره فردی و اجتماعی آن بزرگواران به برپایی مراسم سوگواری و عزاداری می پردازند و عموما از کسی هم درخواست وجه نمی کنند و مردم هم به عنوان هدیه و ادای

نذورات خود، مبلغی را به آنها می پردازند در هر صورت نه تنها هیچ گونه منع شرعی و عرفی نداشته بلکه در صورت توجه و دقت در ارائه آموزه های صحیح اسلامی پویایی و تکامل فرهنگ اسلامی را باعث می شود.

شرایط ورود به حوزه علمیه قم چیست ؟

پرسش

شرایط ورود به حوزه علمیه قم چیست ؟

پاسخ

برای آن که بتوانید مستقیما با مرکز مدیریت حوزه علمیه قم تماس برقرار کنید, با این شماره تلفن تماس بگیرید ۴۷۴۰۹۷۱به آدرس : قم , خیابان ساحلی , مرکز مدیریت حوزه علمیه قم . در هخر حال حضور شما بر ای کسب اطلاع بیش تر, در قم لازم است و اگر به این مقدار بسنده نمی کنید, با مسؤل محترم واحد, حاج آقا شریعتی سبزواری مشاوره کنید با شماره تلفن ۷۴۳۱۸۳ـ کد ۰۲۵۱

برای کسب علوم حوزوی به طور یکه منافات با کارم نداشته باشد مرا راهنمایی کنید.

پرسش

برای کسب علوم حوزوی به طور یکه منافات با کارم نداشته باشد مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

با تشکر از جناب عالی شما می‌توانید در ضمن تدریس در هنرستان، دروس حوزوی را با تنظیم وقت مناسب با یکی از فضلا یا طلّاب فاضل شهرستان کاشان یا آران، به طور خصوصی، درس بگیرید؛ مثلاً بعد از ظهرها یا شب یا صبح زود، یک درس یا دو درس از دروس حوزوی را نزد روحانی فاضل بخوانید. با این برنامه هم به کارتان که تدریس است می‌رسید و هم کم کم با علوم اسلامی آشنا می‌شوید. البته این کار شاید مشکل باشد، ولی با سعی و تلاش، امکان دارد.

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

پرسش

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

پاسخ

برادر عزیز! امیدواریم به هدف مقدسی که به آن می اندیشید, برسید. قرآن می فرماید: . (پاورقی ۱.نجم (۵۳ آیه ۳۹ انسان کوشا, کسی که در زندگی سعی و جدیت به کار می برد, هر چند هدفی دور و دراز و به خیال بعضی نا ممکن داشته باشد, اما به آن خواهد رسید. البته افرادی متقاضی ثبت نام و ورود به حوزهء مقدّسهء دینی می شوند, باید دارای شرایط خاصی باشند. برگه ءشرایط ثبت نام حوزهء علمیه ارسال می شود. اگر نیاز دارید می توانید با شماره های ۷۴۰۹۷ـ ۷۴۰۹۷۱ ۰۲۵۱قم مرکز مدیریت حوزهء علمیه تماس گرفته و از نحوهء ثبت نام افراد متقاضی مستقیماً مطلع شوید. اما شخصی که واردحوزهء علمیهء می شود, خوب است در هدفش خداو خدمت به مردم و تبلیغ احکام دین را در نظر داشته باشد. طلبه حوزهء علمیه با دو بال تقوا و علم الگوی راهنمایی و هدایت جامعه خواهد شد. زندگی طلبگی زندگی راحتی از نظر مادی نیست , اگرچه حق هر طلبه ای داشتن حداقل مزایای زندگی است , ولی دنیاطلبی و مال پرستی ومقام خواهی , از روح و شأن طلبه , به دور است . طلبه وارد حجرهء امام زمان ۷می شود, در حالی که بر سر سفره ءحضرت می نشیند. از آن پس باید به ریاضت های خاصی دست بزند و خود را متخلق به اخلاق حسنه و دینی کند تااگر مردم امروزش را با دیروزش مقایسه کردند, تأثیر تربیت اسلامی و دینی را در حرکات او مشاهده کنند و او راالگوی خود قرار دهند. امیدواریم که خداوند شما را در زندگی موفق کند.والسلام

به شغل معلمی مشغول بوده و از طرفی علاقه مند به تحصیل در حوزهء علمیه هستم . لطفاًراهنمایی ام بفرمایید.

پرسش

به شغل معلمی مشغول بوده و از طرفی علاقه مند به تحصیل در حوزهء علمیه هستم . لطفاًراهنمایی ام بفرمایید.

پاسخ

برادر محترم ! ورود به حوزهء مقدّسه شرایطی دارد که هم اکنون تحصیل حضوری در آن با وضع شماهم خوان نیست . شما اینک نمی توانید باروبنهء خود را جمع کرده و برای خواندن درس های علوم دینی , مثلاًـ به قم بیایید, چون هم اکنون شاغل بوده و به شغل شریف معلّمی که هدایت افراد جامعه در دست شما است . مشغول هستید.این رابدانید که معلّمی شغل پیامبران است . در عین حال راه برای شمابسته نیست , خصوصاً که عشق و علاقهء خاصّی نسبت به فراگیری درس های حوزه دارید. به همین منظور می توانید به طور غیر حضور و بانوار در همان جا که هستید, درس های حوزه را فرا بگیرید. یادر صورت امکان , به قم یا یکی از شهر هایی را که دارای حوزهء علمیه است , انتقال یابید و به صورت متفرقه درس بخوانید. شماره تلفن دفتر تبلیغات حوزهء علمیه قم در اختیار شما قرار می گیرد تا با تماس تلفنی از واحد صوت آن جابخواهید شرایط پذیرش در آن واحد را به شما اعلام کنند. تا با ارسال نوارهای درسی بتوانید به شکل غیر حضوری استفاده کنید.

علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیهء قم دارم . حضوراً امکان ندارد به خدمتتان شرفیاب شوم . لطفاًکمکم کنید و بگویید: چگونه می توانم وارد حوزه شوم ؟

پرسش

علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیهء قم دارم . حضوراً امکان ندارد به خدمتتان شرفیاب شوم . لطفاًکمکم کنید و بگویید: چگونه می توانم وارد حوزه شوم ؟

پاسخ

از این که با مکاتبه کرده و مشکل خود را با ما در میان گذاشتید متشکریم . حتماً می دانید تحصیل در حوزهء علمیهء قم , یک سری مشکلات را در پی دارد, از قبیل نداشتن حقوق کافی وغربت و در برخی اوقات نبود جا و مکان , و مهم تر از همه , زخم زبان شنیدن از یک عده , اعم از اقوام و غیره . اگر با علم و آگاهی از مشکلات فوق تصمیم گرفتید وارد حوزه شوید و تحصیل علوم حوزه مقدسه کنید, جای بسی قدردانی و تشکر است , چون در عنفوان جوانی پشت پازدن به امیان حیوانی و جیفه های دنیوی و رو آوردن به کسب فضایل انسانی بسیار مشکل است .]در جوانی پاک بودن شیوهء پیغمبری است ورنه هر گبری به پیری می شود پرهیزگار]به هر روی , پیش از شروع سال تحصیلی , زمان ثبت نام اعلام می شود. منتظر باشید یا از حوزهء علمیهء شهرتان یاسازمان تبلیغات سؤال کنید.

چگونه می توان از طریق مکاتبه در دروس حوزه شرکت نمود؟

اشاره

در صورت وجود نهاد, یا مؤسسه ای در این خصوص , آدرس کامل آن را ارسال نمایید.

پرسش

چگونه می توان از طریق مکاتبه در دروس حوزه شرکت نمود؟ در صورت وجود نهاد, یا مؤسسه ای در این خصوص , آدرس کامل آن را ارسال نمایید.

پاسخ

از بهترین راه هایی که می شود از راه دور از دروس حوزهء علمیهء قم استفاده کرد, تهیهء نوارهای درسی است . شما می توانید با تهیهء برگهء اشتراک و تقدیم مبالغی , آن نوارها را از دفتر تبلیغات یا سازمان تبلیغات و یا سایرمؤسسات تهیه نمایید. لطفاً کم و کیف را شمارهء ۹۴ـ ۷۷۴۳۱۸۹ـ ۰۲۵۱استفسار کنید.

علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیه خواهران دارم , به صورتی دیگر به ادامه تحصیل دردبیرستان بی علاقه شدم , ولی هر چه با حوزهء علمیه الزهراء مسجد سلیمان تماس می گیرم به من پاسخ نمی دهند. شمالطف کنید با این حوزه تماس بگیرید, تا قبل از عید نوروز از من ثبت

نا

پرسش

علاقهء زیادی به تحصیل در حوزهء علمیه خواهران دارم , به صورتی دیگر به ادامه تحصیل دردبیرستان بی علاقه شدم , ولی هر چه با حوزهء علمیه الزهراء مسجد سلیمان تماس می گیرم به من پاسخ نمی دهند. شمالطف کنید با این حوزه تماس بگیرید, تا قبل از عید نوروز از من ثبت نام کنند.

پاسخ

خواهر گرامی ! انگیزهء شما برای فراگیری علوم و معارف الهی مقدّس و قابل تقدیر است . حوزه های علمیه (خواهران و برادران) در وسط سال , پذیرش ندارند. با جامعهٔ الزهرای قم تلفنی تماس گرفتیم ,گفتند: اطلاعیه این جامعه برای ثبت نام با ذکر شرایط و مدارک لازم و تاریخ آزمون ورودی برای سه بخش حضوری تمام وقت (مخصوص خواهران مجرد) ـ نیمه حضوری و غیرحضوری ـ که مخصوص افراد شهرستانی می باشد درتاریخ ۱۰۲۹یا اوایل بهمن ماه ۷۹در برخی روزنامه های کثیرالانتشار, درج می گردد. شما می توانید در بخش حضوری و یا غیرحضوری آن شرکت کنید. غیرحضوری آزمون ورودی دارد. در صورت قبولی , برای افراد نوارهای درسی به آدرس شهرستان می فرستند و بعد از هر ترم , امتحان حضوری خواهد داشت . در حال حاضر, صلاح شما دراین است که با جدیّت بیشتر و برنامه ریزی دقیق تری به درس خود ادامه دهید تا با معدل بالا بتوانید وارد حوزه ءعلمیه شوید, چون اوّلاً: در پذیرش حوزه های علمیه , معدل یکی از شاخص ها و ملاک های قابل توجه است ; ثانیاً:اگر شما خدای نکرده با معدل پایین و یا مردودی , به فرض بتوانید, ثبت نام کنید آیا خانواده و دوستان شما نخواهندگفت : فلانی چون ذهن و استعدادش دیگر نمی کشید, یا نمی توانست ادامه تحصیل دهد به حوزه رفته است ؟ و آیاخیال نمی کنند که حوزه جای آدم های تنبل , درس نخوان و بی سواد است ؟ با حوزه علمیه جامعه الزهراء مسجدسلیمان چندین بار زنگ زدیم موفق نشدیم با آن ها تماس بگیریم .

لطفاً دربارهء گرایش های تحصیلی و برخی دروس حوزوی و دانشگاهی مرتبط با رشته های دانشگاه رضوی و مؤسسه امام خمینی توضیح دهید.

پرسش

لطفاً دربارهء گرایش های تحصیلی و برخی دروس حوزوی و دانشگاهی مرتبط با رشته های دانشگاه رضوی و مؤسسه امام خمینی توضیح دهید.

پاسخ

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه کرده و مشکلات خود را با ما در میان می گذارید, سپاس گزاریم . ما تنها می توانیم از وجود دانشگاه قدس رضوی در مشهد مقدس , یا مؤسسه امام خمینی , یا باقر العلوم و یادانشگاه مفید در قم و دانشگاه امام صادق ۷در

تهران به شما اطلاع بدهیم , اما از جزئیات دروس , کیفیت تدریس وامتحانات آن جا اطلاع کافی نداریم . لطفاً با آن مراکز مکاتبه کرده و از جزئیات مطلع شوید.

آیا برای دانشجویان و دیپلمه های مراکز حوزوی , نام هایی از قبیل وجوددارد؟ اگر دارد, جزئیات آن را بنویسید.

پرسش

آیا برای دانشجویان و دیپلمه های مراکز حوزوی , نام هایی از قبیل وجوددارد؟ اگر دارد, جزئیات آن را بنویسید.

پاسخ

آن چه ما اطلاع داریم , سازمان تبلیغات اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی حوزهء علیمهء قم هر ساله درتابستان عده ای از طلبه را تحت عنوان به شهرها و روستاها می فرستند که با تشکیل کلاس های متعدد نوجوانان و جوانان را ارشاد کنند. از برنامه هایی مانند اطلاعی نداریم .

آیا طلبه در پایه های سوم و چهارم و بالاتر می توانند به صورت غیر حضوری به صورت طلبه آزادتحصیل کنند؟

پرسش

آیا طلبه در پایه های سوم و چهارم و بالاتر می توانند به صورت غیر حضوری به صورت طلبه آزادتحصیل کنند؟

پاسخ

اگر منظور این است که فقط از علوم حوزوی اطلاعاتی کسب نماید و دیگر چشمداشتی به شهریه ومدرک نداشته باشد, آری می توان از طریق گوش دادن به نوارهای دروس مختلف علوم حوزوی از آن ه ااطلاع پیداکرد و به صورت طلبهء آزاد تحصیل نمود. اما اگر مراد علاوه بر آگاهی از علوم حوزوی , استفاده از مزایای حوزه باشد, متأسفانه ظاهراً چنین چیزی امکان ندارد. در عین حال بهتر است با شورای مدیریت حوزه مکاتبه نموده تا از کم و کیف قضایا با خبر شوید, یا با تلفن ۷۴۰۹۷۱تماس بگیرید و از روابط عمومی بپرسید.

متأسفانه هیأت امنا و شورای محل ما به مسجد رسیدگی نکرده و روحانی دعوت نمی کنند. به اداره اوقاف و سازمان تبلیغات مراجعه کردم , اثری نداشته است . برخی از روحانیان نیز هزینه های گزاف برای تبلیغ می خواهند و به هدایت مردم نمی پردازند. لطفاً به سازمان تبلیغات ,

پرسش

متأسفانه هیأت امنا و شورای محل ما به مسجد رسیدگی نکرده و روحانی دعوت نمی کنند. به اداره اوقاف و سازمان تبلیغات مراجعه کردم , اثری نداشته است . برخی از روحانیان نیز هزینه های گزاف برای تبلیغ می خواهند و به هدایت مردم نمی پردازند. لطفاً به سازمان تبلیغات , امام جمعه و ادارهء اوقاف بگویید به شورای محل و هیأت امناتذکر دهند.

پاسخ

خواهر گرامی ! روحیهء مذهبی و فرهنگ گرایی شما قابل تقدیر است . پیامبر۶دربارهء اهمیت مسجد فرمود: خداوند متعال می فرماید: .() هم چنین فرمود: مساجد انوار الهی است.() (< پاورقی ۲.مستدرک الوسایل , ج ۳ ص ۴۴۷ بی تردید مسجد سنگر است و سنگرها را باید حفظ کرد. در صدر اسلام مساجد مهم ترین پایگاه تبلیغات دینی ,سیاسی و اجتماعی بود. در انقلاب اسلامی ایران نیز مساجد مؤثرترین نقش رادر جهت دادن به انقلاب داشتند.مسجدِ محل شما نیز از این اهمیت استثنا نبوده و باید به وضعیت فرهنگی آن توجه شود. وظایف همگان , به ویژه هیأت امنای مسجد و شورای محل است که به وضعیت مسجد توجه کرده و روحانی دعوت نموده و جلسات مذهبی و اجتماعی مسجد را هماهنگ کنند. متأسفانه یکی از آسیب های فرهنگی جامعهء ما, عدم توجه به وضعیت فرهنگی مساجد است . عدم توجه به وضعیت فرهنگی , اختصاصی به مسجد محل شما ندارد. بلکه برخی از روستاها وشهرهای دیگر نیز این مشکل را دارند که نیاز به آسیب شناسی و طرح سیاسیت های معقول , منطقی و اصولی دارد. در خصوصی بی توجهی هیأت امنا و شورای محل باید گفت : این واحد تنها جواب گوی مسایل علمی واجتماعی و مذهبی است و در کارهای اجرایی دخالت نمی کند. ارزیابی اقدامات سازمان تبلیغات اسلامی , امام جمعه و ادارهء اوقاف و تذکر دادن به آن ها در حوزهء فعالیت این واحد نیست . در خصوص عدم توجه روحانیت به هدایت و ارشاد مردم باید گفت : همهء روحانیان آن گونه نیستند که اشاره کرده اید. اصولاً فلسفهء حوزه های علمیه و تربیت طلاب در راستای پیام رسانی معارف و تبلیغ از دین است . آیا این روحانیت مسئول و متعهد نبوده که در طول تاریخ سکاندار هدایت مردم بود و کشتی نجات جامعهء دینی را به ساحل نجات رساند؟! عدم حضور مردم در مساجد عوامل متعددی دارد: یکی عدم توجه مردم به مسایل فرهنگی است . در برخی ازمساجد فعالیت های تبلیغی از سوی روحانیت شکل می گیرد, و حال آن که مردم به بهانه های مختلف در مسجدحضور پیدا نمی کنند. اگر زمینه های فعالیت های فرهنگی در مسجد محل شما فراهم نیست , چگونه روحانیان اعزامی یا روحانیان محل , می توانند فعالیت کنند؟! واقعیت آن است که اکثریت روحانیت طلایه داران تبلیغ معارف دینی بوده ودر این راستا موفق بوده اند. در خصوص هزینه ها باید گفت : یکی از مشکلات جامعهء ما, روحانیت شناسی است . به رغم آن که روحانیت درکجامعهء ما سابقهء طولانی دارد, ولی هنوز وضعیت زندگی و فعالیت آنان شناخته شده نیست . روحانیت مثل بقیهء افرادجامعه در همین کرهء خاکی زندگی کرده و همسر و فرزند دارند. طبیعی است تأمین زندگی آنان لازم است . روحانیان و همسر و فرزند آنان با سختی ها و مشکلات اقتصادی , دست و پنجه نرم می کنند. آنان با توجه به ساختار و فضای جامعه , انتظار دارند مانند بقیهء افراد داز زندگی آبرومندانه ای برخوردار باشند,گرچه ضروری است آن ها نیز در روحیهء قناعت بهره گیرند. در جامعهء ایران به رغم آن که حکومت دینی است , پس روحانیت بدون گرفتن هزینه از دولت , با زندگی خویش را تأمین می کند. کمک های مردمی بر اساس سنت پذیرفه شده ای است که سابقهء طولانی دارد. مردم به خاطر علاقه ای که به امام حسین ۷اداشته و برای ماه رمضان احترام قایل هستند, به مبلغان کمک می کنند.کمک های مردم به روحانیت سبب نمی شود هزینهء مساجد تأمین نشود. امروزه هیأت امنا, مساجد و حسینه ها مداح دعوت کرده و چند برابر کمک های مالی روحانیان را به آنان می دهند. متأسفانه این پرسش و شبهه در خصوص روحانیت به وجود می آید و روحانیت را زیر سؤال می برند. زیر سؤال بردن روحانیت ناشی از عدم شناخت دقیق آنان است . البته دفاع از

روحانیت بـدان معنا نیست که همهء روحانیون خوب بوده و برخوردهای غیر معقول با مردم ندارنـد, بلکه عده ای از آن ها متأسـفانه از عنوان روحـانیت سوء اسـتفاده می کننـد و در مقـدار و چگونگی کمـک هـای مردمی , خردورزی را رعایت نمی کننـد. از سوی دیگر برخی از روحانیون روحیهء زهد و قناعت را نداشـته و همین عامل سبب شده است برخی از شبهه ها به وجود آیند. البته طبیعی است برخی از افراد در هر قشـری از جامعه هستندکه فعالیت آنان همسو با فلسفهء وجودی آن قشر نیست . در میان قشر روحانیت نیز افرادی وجود دارند, ولی درمجموع قشر مقدس روحانیت اصل موفق ترین قشر جامعه در ایفای مسئولیت خود هستند.

دختری ۱۸ ساله از شهرسـتان فسا هستم و اکنون در مقطع پیش انشگاهی مشغول تحصیل هستم و به عقد یکی از بستگان که طلبه حوزه علمیه شیراز است، درآمدم. پس از اتمام دوره پیش دانشگاهی، به اتفاق همسرم عازم قم خواهیم شد و من قصد درس خواندن در جامعۀالزهرا(س) را دارم. ولی

پرسش

دختری ۱۸ ساله از شهرسـتان فسا هسـتم و اکنون در مقطع پیش انشـگاهی مشـغول تحصیل هستم و به عقد یکی از بستگان که طلبه حـوزه علمیه شـیراز است، درآمـدم. پس از اتمـام دوره پیش دانشـگاهی، به اتفـاق همسـرم عـازم قم خواهیم شـد و من قصـد درس خواندن در جامعۀالزهرا(س) را دارم. ولی با مشکل کمی معدل دیپلم روبرو هستم. مشکل مراحل نمایید.

پاسخ

تحصـیل در حوزه علمیه قم در بخش خواهران از طریق جامعـۀ الزهرا(س) و حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغـات اسـلامی با شـرایطی امکان‌پـذیر است. برای اطلاع بیشتر با شـماره تلفن‌های زیر تماس حاصل نمایید. ۱- جامعۀ الزهرا(ع): ۲۹۲۵۱۱۱. ۲- واحد خواهران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۷۷۴۳۱۸۹-۹۴ داخلی ۵۳. به پیوست، اطلاعیه پذیرش جامعۀ الزهرا(س) ارسال می‌شود.

دختری هجـــده ساله هســـتم که دارای افت تحصـــیلی می باشم و به همین خاطر هم از طرف نفس خودم و هم از طرف j_O'---سرزنش می شوم . خلی دلم گرتفه ا_Θو دیگر نمی دان چه کنم !از طرفی بسایرعلاقه منـــد به جامعۀ الزهرای حوزه علمیه هســـتم . چه کنم که راهی به طرف جامعۀ الزهرا یا ح

پرسش

دختری هجده ساله هستم که دارای افت تحصیلی می باشم و به همین خاطر هم از طرف نفس خودم و هم از طرف دیگران سرزنش می شوم . خلی دلم گرتفه است و دیگر نمی دان چه کنم !از طرفی بسایرعلاقه منـد به جامعـۀ الزهرای حوزه علمیه هسـتم . چه کنم که راهی به طرف جامعۀ الزهرا یا حوزه علمیه شیرازداشته باشم ؟

پاسخ

افت تحصیلی دلایل فراوانی می تواند داشته باشد ;اول مشکلات آموزشی است; دم مشکلات خود فرد است . سوم معضلات خانوادگی , چهارم گرفتاری های محیطی .(۱) هر یک از این چهارگروه به صورتی جداگانه یا با هم می توانند افت تحصیلی در سطح امکان ایجاد کنند. شما هم احتمالا درگیر یک یا چند نوع ازمشکلات هستید, ولی این بدان معنا نیست که هر کس مشکلات بالا را داشته باشد. باید افت تحصیلی پیداکند, بلکه در این میان , این اراده انسان است که نقش بسیار مهمی در پیشرفت کار دارد. در مورد مشکل درسی خود, در نامه ای جداگانه می تنانید مشکلات خود را مطرح کنید و جواب کاملی دریافت دارید. در عین حال به اختصار به گوشه هایی از راهکارهای موفقیت در امتحانات اشاره می کنیم . ۱ بزرگ ترین معضل یک دانش آموز, عدم برنامه رزیز صحیح برای تحصیل است . شما باید با توجه به ظرفیت فعلی تان برای آموختن , انتخاب واحد کنید و اصلاه به فکر این نباشید که چند سال با چند ترم بعدموفق به اخذ دیپلم خواهید شد. اگر مقررات هم اجازه چننی کاری را به شما نمی دهند و مثلا کمتر از ۱۲واحددرسی برای یک ترم را نمی پذیرد, شما ۱۲واحد انتخاب کنید, ولی فقط ۴یا ۶واحد را امتحان دهید و اصلا در۶واحد بعدی شکرت نکنید. ۲ ازهیچ درسی نترسید, مطمئن باشید کتاب درسی شما از آسمان نیامه است و از فهم بشر معمولی بیرون نیست . به ویژه درس عربی درس نیست که انسان آن را نفهمد, منتها احتمال دارد شمااز پایه در یک درس ضعیف باشید. به نظر ما, شما باید از کتاب های سال های پیش شروع کنید و حلقه های مفقوده اطلاعتان را به هم وصل کنید. برای این کار باید بدانید هر درس دارای د محور است : محور اصلی و فرعی . محور اصلی هردرس , حکم زیر بناو پایه یک ساختمان را دارد و محورهای فرعی حکم ساختمان و پیرآیهای آن را. مثلا دردرس عربی شناخت فعل و اسم و حرف و کاربرد آنها محور اصلی را دارد, و دانستن معنای کلمات و جملات محور فرعی است . ۳ هر کس به نوع خاصی کی مطلب را می آموزد: یکی از راه شنیدن , یکی از راه یادداشت کردن , یکی از راه مباحثه . یا دیگر و برخی از همه راه ها یا تلفیق چند را با یکدیگر. شناخت این مسائله می تواند در یادگیری شمابسیار موثر واقع شود. ۴ در نهایت مرحله مهم و حساس در موفقیت , و . توماس آلوا ادیسون ,مخترع مشهور می گوید: این سخن گزافی نیست .ان شاء الله شا با تلاش روز افزون به موفقیت های مهمی خواهید رسد. و جبران عقب ماندگی های پیشین راخواهید کرد.اما درباره حضورتان به مدارس علمیه باید بگوییم هیچ فرقی میان حوزه و دانشگاه و مراکز آموزش عالی دیگر, در آموختن علم موفق نباشید و درآن مشکل داشته باشید, بعید است در علوم حوزوی بتوانیدخوب بدرخشید و پیشرفت کنید. ضمن این که درس خواندن در حوزه نیازه پشتکار و تلاش بیشتری نسبت به دبیرستان و دانشگاه دارد. بدین معنا که شاید بتوان در دبیرستان یا دانشگاه درسی را نمره آورد و ار آن گذشت ,حتی اگر انسان خور درس را نفهمیده باشد, ولی دروس حوزوی از آن جا که نوعا علوم مقدمه ورود به علم دیگری هستند و بدون فهم این , فهم آن ممکن نیست , چننی چیزی اماکان ندارد. مثلا تا شما ادبیات عرب نفهمید, در فقه و اصول و سایر مباحث موفق نخواهید شد و... . بنابراین اگر قصد حضور در حوزه را دارید, به این بعد که بعد علمی حوزه است , خوب توجه داشته باشید, تا خدای ناکرده متضرر و مغبون نگردید. اما اگرفقط منظورتان از دورو ه به حوزه , در جو معنوی آن است , باید بگوییم که پیشرفت در معنویات در غیر حوزه نیزامکان پذیر است . به هر حال , این یکی هم نیاز به برنامه ریزی و دقت و مراقبه فراوان دارد. ضمن این که شمامیتوانید با استفاده از درس های اساتید اخلاق و ماطلعه کتاب های سودمند و ارتباط با اساتید حوزه این بعد راتقویت نمایید. به هر ترتیب , ورود به حوزه علمیه نیز, ضوابط و شرایط خاصی دارد که می توانید با مراجعه به دفاتر حوزه خواهران در قم یا شیراز از آن آگاهی بیابید. (پاورقی ۱ ـ مشکلات آموزشی مانند فقدان وسایل آموزشی و کمک آموزشی و فضای نامناسب و ;... مشکلات فردی مانند مشکلات فکری و سن بالا و کم هوشی و کند ذهنی و مشکلات جنسی و ;... مشکلات خانوادگی مانند دعوا و مرافحه های دائمی و تعداد زیاد فرزندان و ناهمگونی خانواده و;... مشکلات محیطی مانند حوادث طبیعی و غیر طبیعی و گرما و سرما و فقر اجتماعی و... .

علاقه به تحصیل علوم حوزوی دارم. خواهشمندم مرا در این خصوص راهنمایی نمایید؟

پرسش

علاقه به تحصیل علوم حوزوی دارم. خواهشمندم مرا در این خصوص راهنمایی نمایید؟

پاسخ

در خصوص تحصیل شما به حوزه باید گفت: یکی از شرایط موفقیت در همه علوم، به ویژه علوم حوزوی، علاقه و تحمّل زحمات طاقت فرسا است. علوم حوزوی، مراحلی دارد که یادگیری آن، شرایط و ویژگی‌های خاصی را دارد. علاقه شما به علوم حوزوی، میزان موفقیت شما را افزایش می‌دهد، ولی یکی از شرایط مهم دیگر نحوه حضور در شهر دیگر، غیر از شهرتان است. به نظر می‌رسد ادامه تحصیل در حوزه نیاز به همراهی محرم مانند شوهر و پدر دارد. اگر شما در مرحله اول ازدواج نموده و با اجازه شوهرتان در حوزه حضور پیدا کنید، بهتر است. همچنین اگر پدر یا سرپرست تان امکان حضور شما را در حوزه فراهم کند، تحصیل شما مشکل ندارد. جامعهٔ الزهرا که متولی جذب خواهران در حوزه است، برخی از امکانات را مانند خابگاه برای خواهران در نظر گرفته است. البته نحوه گزینش و فراهم نمودن امکانات، شرایطی دارد که باید رعایت شود. بیان این نکته ضروری است که معمولاً در شهرستان‌ها مرکز یا واحدی وجود دارد، با آن‌ها به مشورت بپردازید، در صورت موافقت، می‌توانید به حوزه قم آمده و به تحصیل علوم حوزوی بپردازید. در خصوص نحوه گزینش و شرایط جذب، برگه‌ای که از سوی جامعه الزهرا تهیه شده است، ارسال می‌گردد. شما با خواندن این برگه می‌تانید تصمیم نهایی را بگیرید.

چرا شورای مدیریت حوزه علمیه قم تمام حوزه‌های کشور را الزام می‌کند که تحت پوشش شورا قرار گیرند؟

پرسش

چرا شورای مدیریت حوزه علمیه قم تمام حوزه‌های کشور را الزام می‌کند که تحت پوشش شورا قرار گیرند؟

پاسخ

مسلّماً نظم و برنامه ریزی در هر کاری صحیح و مطلوب است. شورای مدیریت که به نمایندگی از مراجع معظم تقلید، عهده دار حوزه‌های علمیه است، باید به نحو احسن و جامع و کامل، دروس حوزوی را به طلاب حوزه‌ها تعلیم دهد و با برنامه ریزی و بر اساس نیازهای زمان پیش برود و از ورود سلیقه‌های مختلف مانع شود. اگر در این مورد بین حوزه‌های علمیه هماهنگی باشد و همه از روال صحیح و منظمی تبعیت کنند، بهتر است. لذا شورای مدیریت بر این کار اقدام کرده است.

سالیانی از سفر مقام معظم رهبری به قم، دستور ایشان مبنی بر رسیدگی سریع به وضع درسی حوزه‌ها و جلوگیری از اتلاف عمر طلّاب و ماندن طولانی در دوره سطح و اصلاح کتب درسی و حذف و جایگزینی برخی از دروس، می‌گذرد. چرا تا کنون اقدامی در خود توجه صورت نگرفته

است؟

پرسش

سالیانی از سفر مقام معظم رهبری به قم، دستور ایشان مبنی بر رسیدگی سریع به وضع درسی حوزه‌ها و جلوگیری از اتلاف عمر طلّاب و ماندن طولانی در دوره سطح و اصلاح کتب درسی و حذف و جایگزینی برخی از دروس، می گذرد. چرا تا کنون اقدامی در خود توجه صورت نگرفته است؟

پاسخ

اقداماتی در رسیدگی به وضع درسی حوزه‌ها شده و بعضی از کتب جایگزین بعضی دیگر شده است. بعضی از دروس جنبی جزء برنامه‌های حوزه شده و از آن‌ها امتحاناتی از طلاب گرفته می‌شود. در مجموع شورای مدیریت سعی بر اجرای دستورهای معظم له و سایر مراجع تقلید دارد واقدامات خوبی هم انجام گرفته است.

مقام معظم رهبری عقیده داشتند که دوره سطح در طول پنج سال به اتمام رسد تا طلاب با ورود سریع‌تر به دوره خارج، زودتر استعداد خود را تشخیص دهند و آن را دنبال کنند. آیا عمل به فرمایش‌های ایشان این قدر پیچ و خم دارد که این مهم این قدر معطل مانده است؟

پرسش

مقام معظم رهبری عقیده داشتند که دوره سطح در طول پنج سال به اتمام رسد تا طلاب با ورود سریع‌تر به دوره خارج، زودتر استعداد خود را تشخیص دهند و آن را دنبال کنند. آیا عمل به فرمایش‌های ایشان این قدر پیچ و خم دارد که این مهم این قدر معطل مانده است؟

پاسخ

البته استعداد طلبه متفاوت است. بعضی سریع‌تر از پنج سال این دوره را تمام می‌کنند و بعضی کندتر. البته با تنظیم درس‌ها و کتاب هایی که باید خوانده شود، اگر تعطیلی در حوزه کمتر شود، به همان پنج سال دوره سطح تمام می‌شود. موانع دیگری غیر از تنظیم درس‌ها و کتاب‌ها بر سر راه طلاب وجود دارد که مانع پیشرفت سریع آنان می‌شود، از جمله مشکلات اقتصادی و ازدواج و مسکن است.

روال مدرک معادل در حوزه هنوز متداول است؟ آیا طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه وحوزویان مورد موافقت قرار گرفت؟

پرسش

روال مدرک معادل در حوزه هنوز متداول است؟ آیا طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه وحوزویان مورد موافقت قرار گرفت؟

پاسخ

روال مدرک معادل در حوزه متداول می‌باشد و حذف نشده است، ولی طرح اختصاص حقوق و مزایا به حوزه و حوزویان مورد موافقت قرار نگرفته است.

بنده درروستای مرزبان از توابع شهرستان سنقرکلیایی در استان کرمانشاه زندگی می کنم . این روستاحدود ۳۵۰تا ۴۰۰نفر جمعیت دارد, ولی در ایام محرم و رمضان و اعیاد و وفیات از روحانی و مبلغ دینی محروم هستیم . لطفاً در این مورد اقدامی بنمایید.

پرسش

بنده درروستای مرزبان از توابع شهرستان سنقرکلیایی در استان کرمانشاه زندگی می کنم . این روستاحدود ۳۵۰تا ۴۰۰نفر جمعیت دارد, ولی در ایام محرم و رمضان و اعیاد و وفیات از روحانی و مبلغ دینی محروم هستیم . لطفاً در این مورد اقدامی بنمایید.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که نسبت به تبلیغ دین و رشد و آگاهی مردم علاقه مند هستید, بسیارخوشحالیم و از شما تشکر می کنیم . شما می توانید از شورای روستا درخواست نمایید راجع به این مسئله توجه بیش تری بنماید, به این صورت که نزدیک فرا رسیدن ایام محرّم یا ماه رمضان , طیّ نامه ای از سوی شورای روستا, ازدفتر تبلیغات اسلامی حوزهء علمیهء قم در خواست روحانی و مبلّغ نمایند و یا این که به امام جمعهء یکی از شهرهای مجاورتان مراجعه کرده و از او درخواست نمایید برای منطقهء شما روحانی اعزام بنماید و یا توسط سازمان تبلیغات اسلامی مستقر در مرکز استان درخواست نمایید. شما نیز مکان مناسبی برای اسکان موقت روحانی در نظر بگیرید و چه بهتر است در روستا یک خانهء کوچک بدین منظور ساخته شود تا این که زمینهء ماندن و اقامت همیشگی یک روحانی در آن جا میسّر شود. ما نیز عین نامه را به طرح هجرت فرستادیم .

دختری هستم ۱۸ساله که به حجاب و دینداری اهمیت می دهم و با دیگران رفت و آمد ندارم وهمین سبب شده است برخی من را مقدس مآب بدانند. علاقه دارم درس حوزوی بخوانم . لطفا مرا راهنمایی نمایید.

پرسش

دختری هستم ۱۸ساله که به حجاب و دینداری اهمیت می دهم و با دیگران رفت و آمد ندارم وهمین سبب شده است برخی من را مقدس مآب بدانند. علاقه دارم درس حوزوی بخوانم . لطفا مرا راهنمایی نمایید.

پاسخ

دینمداری و غیرت دینی شما قابل تقدیر است یکی از ویژگی های مومنان دینداری و حفظغیرت دینی است . متاسفانه برخی از افراد به دلیل عدم شناخت از تعلیمات دینی , دینمداری و حفظ حجاب رانوعی مقدس مآبی و تحجرگرایی می دانند. شما بدون توجه به نگرش این طیف افراد, دینمداری بوده و غیرت دینی خویش را حفظ کنید. البته دینداری و حفظ عفت , معنایش آن نیست که با بستگان رفت وآمد نداشته وروابط فردی و اجتماعی را قطع کنید, زیرا انزوا گرایی و گوشه گیری , آرامش روانی را از انسان سلب می کند.رفت و آمدها که بر اساس رعایت قانون شرع شکل گیرد, ضروری است; از این رو سعی کنید با مردرم و درجامعه باشید. در خصوص تحصیلات شما در حوزه های علمیه قم و اصفهان باید گفت : یادگیری همه علوم , به ویژه علوم حوزوی مشکل بوده و زحمات طاقت فرسایی را می طلبد. یکی از شرایط موفقیت در علوم حوزوی , عشق وعلاقه است که این عنصر در شما وجود دارد. شما با برنامه ریزی دقیق می توانید در حوزه های علمیه , به ویژه قم مشغول تحصیل شوید. جامعه الزهرا قم برای دختران , برخی از امکانات مانند خوابگاه و تسهیلات دیگر راپیش بینی کرده است که خدمات دهی آن با شرایط و معیارهای خود آن مرکز است . از این رو شما می توانید باشماره تلفن ۹۲۵۱۱۱ تماس گرفته و اطلاعات بیشتری را کسب کنید. طبیعی است برای یک دختر جوان مثل شما, تحصیل در شهرستان های دیگر مشکل به نظر می رسد, که می توانید با ازدواج یا اجازه پدر و یا سر پرست خود به قم آمده و مشغول تحصیل شوید. در خصوص شرایط ثبت نام و معیارهای گزینش خواهران در جامعه الزهرای قم , برگه ای که از سوی جامعۀالزهرا تدوین شده است , ارسال می گیرد. در ضمن دیپلم داشتن شرط گزینش در جامعۀ الزهرا نیست .

آیا با توجه به تعدد و تنوع سؤالات فقهی و کلامی و فلسفی و... حوزه و روحانیت برنامه مشخص ومدونی دارد؟ چند مرکز پاسخگویی رسمی وجود دارد؟ آیا صلاحیت این مراکز مورد تأیید بزرگان حوزه وروحانیت است ؟ آیا چاپ کتب و نشریات مذهبی با نظارت و مجوز روحانیت صورت می گیر

پرسش

آیا با توجه به تعدد و تنوع سؤالات فقهی و کلامی و فلسفی و... حوزه و روحانیت برنامه مشخص ومدونی دارد؟ چند مرکز پاسخگویی رسمی وجود دارد؟ آیا صلاحیت این مراکز مورد تأیید بزرگان حوزه وروحانیت است ؟ آیا چاپ کتب و نشریات مذهبی با نظارت و مجوز روحانیت صورت می گیرد؟

پاسخ

برادر گرامی ! حوزهء علمیهء قم و روحانیت آمادهء پاسخگویی به سؤالات و شبهات مختلفی است که درزمینه های گوناگون مطرح می شود. در حوزهء علمیهء قم برخی از مراکز تخصصی در زمینهء خاص پاسخگوی سؤالات هستند, مثل مرکز تخصصی کلام و معارف قرآن که با توجه به رشته ءتخصّصی خود, به سؤالات پاسخ می دهند, امامرکز که در ابعاد مختلف وظیفهء پاسخگویی به سؤالات و شبهات مختلف عقیدتی و اجتماعی و فرهنگی و... رابرعهده دارد, واحد پاسخ به سؤالاتِ دفتر تبلیغات حوزهء علمیهء قم است . در این واحد, مجموعه ای از فضلا وکارشناسان دینی وظیفهء پاسخگویی را بر عهده دارند. مسئولیت این واحد با دانشمند بزرگوار و دارای تألیفات متعدد, حضرت حجت الاسلام والمسلمین شریعتی است که پاسخگویی به سؤالات , با نظارت علمی ایشان صورت می پذیرد. اما در خصوص چاپ کتب و شنریات مذهبی , صدور مجوز توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

صورت می گیرد. نماینـده روحانیت ممکن است در شورای نظارت حضور داشـته باشد. به هر حال صدور مجزر برای چاپ کتب و نشریات مذهبی بر عهدهء روحانیت نیست .

تحصـیلات حوزوی غیر حضوری چند سال طول می‌کشد؟ کتب و جزوات مربوطه را از کجا باید تهیه کرد؟ هزینه‌اش چقدر است؟ آیا امتحانش حضوری است یا غیر حضوری؟ چند نوبت امتحان می‌گیرند؟ آیا در این سن بیش از ۵۰ سال می‌توانم در دروس حوزوی ادامه تحصیل بدهم؟

پرسش

تحصیلات حوزوی غیر حضوری چنـد سال طول می‌کشد؟ کتب و جزوات مربوطه را از کجا باید تهیه کرد؟ هزینه‌اش چقدر است؟ آیـا امتحـانش حضوری است یـا غیر حضوری؟ چنـد نوبت امتحـان می‌گیرنـد؟ آیا در این سن بیش از ۵۰ سـال می‌توانم در دروس حوزوی ادامه تحصیل بدهم؟

پاسخ

اولاً: درغیر حضوری شـرایط سـنی مطرح نیست. داوطلب در هر سـنی می‌توانـد از ادامه تحصـیل حوزوی بهره‌منـد گردد. ثانیـاً: غیر حضوری دو قسم است: رسـمی و غیر رسـمی. در رسـمی بعـد از پایـان دوره مقرر، مـدرک تحصـیلی رسـمی داده می‌شود و در غیر رسـمی از چنین مـدرکی خبری نیست. ثالثاً: هر کـدام شـرایطی دارد برای اطلاع بیشتر برگه جامعـهٔ الزهرا به پیوست ارسال می‌گردد لطفاً مطالعه فرمائید.

آیا برای تحصـیل در حوزه های دینی داشـتن شرایط خاصی لازم است ؟ آیا تحصیل در حوزه های دینی به صورت غیر حضوری امکان پذیر است ؟

پرسش

آیـا برای تحصـیل در حوزه های دینی داشـتن شـرایط خاصـی لازم است ؟ آیا تحصـیل در حوزه های دینی به صورت غیر حضوری امکان پذیر است ؟

پاسخ

تحصیل در حوزه علمیه به دو صورت است : ۱ تحت برنامه شورای مدیریت حوزه علمیه ; ۲ تحصیل به صورت آزاد. برای تحصیل در حوزه علمیه با برنامه های شورای مدیریت حوزه , داشتن شرایط خاصی لازم است , مثلاً مدرک تحصیلی خاص و مشمول نبودن , امـا برای تحصـیل آزاد هر کس خود می توانـد به تحصـیل بپردازد و به مـدارج بالای حوزوی نایـل آیـد. در خصوص خواهران , تحصـیل غیر حضوری از طریق جامعـهٔ الزهرا امکـان پـذیراست , اما تحصـیل برادران باعنوان تحصـیل غیر حضوری تاکنون مشاهـده نشـده است , اما برادران داوطلب می تواننـد از طریق نوار درسـی به تحصـیل بپردازنـد, اما به هر حال این گونه تحصـیل کردن نمی

تواند پاسخگوی شبهات و مسایل ایجاد شده باشد.

شغل روحانیون در جامعه چیست و از چه طریقی امرار معاش می‌کنند و نتیجه درس خواندن آنان چیست؟

پرسش

شغل روحانیون در جامعه چیست و از چه طریقی امرار معاش می‌کنند و نتیجه درس خواندن آنان چیست؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! شغل اگر به معنای مشغول بودن و کار کردن باشد روحانیان نیز مانند دیگران مشغول هستند، به این معنا که تا مدتی درس می‌خوانند و بعد به تربیت و تعلیم مردم همت می‌گمارند، همانند انبیای الهی که مردم را راهنمایی می‌کردند و به راه صلاح و خیر می‌کشاندند. پیامبر(ص) فرمود": العلماء ورثة الانبیاء؛ عالمان وارثان انبیا هستند. "آنان باعلمی که از انبیا به ارث برده‌اند، مردم را هدایت می‌کنند. در قرآن در وصف پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) فرمود: هو الذی بعث فی الأمیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین؛(۱) خدا از بین مردم پیامبری برانگیخت که آیات خدا را بر مردم بخواند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را بر آنان بیآموزد، گرچه قبلاً در گمراهی آشکار بودند." همان طورکه بشر نیاز به طبیب و فیزیکدان و شیمیدان و مهندس و... دارد، نیاز به طبیبان روح نیز دارد، بلکه نیاز بشر به طبیب روح بیشتر از طبیب جسم است. انبیا و اولیاء و علما و اوتاد، به منزله طبیبان روح بشرند، که به آنان تهذیب و تزکیه و تقوا و اخلاق می‌آموزند و مردم را با معارف الهی آشنا می‌سازند. فرق بین طبیب روحانی و جسمانی آن است که اطبای جسمانی پول می‌گیرند، ولی طبیب روح مزدی مطالبه نمی‌کند، مگر مردم خود بدهند. قرآن درباره تشویق به این که عده‌ای به دنبال فقه و معارف اسلامی بروند می‌فرماید": فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقّهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون؛(۱) چرا از هر فرقه‌ای، تعدادی برای یادگیری علوم اسلامی و تفقه در دین به مراکز علمی نمی‌روند (تا درس دین بخوانند و به مسائل دینی آشنا شوند)تا به هنگام بازگشت قوم خود را (از نابکاری‌ها و عذاب) بترسانند شاید آنان از بدی‌ها و مفاسد حذر کنند. "از این آیه استفاده می‌شود که لازم است از هر فرقه و محله و روستا و شهر تعدادی برای فقیه شدن در دین به مراکز علمی و دینی سفر کنند و درس بخوانند و با قرآن و تفسیر آیات و کلمات پیامبر و ائمه آشنا شوند و به محلشان برگردند و مردم را به دین خدا آشنا سازند و آنان را از کارهای بد و از عذاب الهی بترسانند. تا این جا روشن شد که وظیفه علما چیست و نیز معلوم شد که بر تعدادی از افراد جامعه واجب است این وظیفه را انجام دهند. حال این سؤال پیش می‌آید که زندگی مادی اینان از کجا تأمین می‌شود و چه کسانی باید آنان را تامین کنند؟ جواب این است که اگر این افراد (علما و روحانیان) از وضعیت مادی خوبی برخوردار بودند، حال از طریق کمک پدر و مادر یا ارث و یا کمک افراد خیر، و یا برخی از آن‌ها که شغلی دارند و در فرهنگ و مراکز دولتی کار می‌کنند و امروز در تمام نهادهای انقلابی، به عنوان نماینده رهبری و یا امام جماعت و مسئله گو حضور دارند در این صورت مشکلی نخواهد بود. اگر چنین نبود، بر جامعه اسلامی لازم است که این افراد را به نحوی تأمین کنند. در اسلام بودجه‌ای برای این منظور در نظر گرفته شده است. مراجع تقلید از وجوه خمس که از مردم دریافت می‌کنند، برای تأمین نسبی روحانیان، مبالغی را اختصاص می‌دهند. بنابراین رزق و روزی علما را مردم از طریق پرداخت خمس می‌پردازند. بعضی هم منبر می‌روند مانندیک معلم و یا استاد

دانشگاه. اگر مراد شما از شغل، کار و کاسبی باشد، بله روحانیان و علمای دینی اکثراً کاسبی ندارند، گرچه مشغول تعلیم و تربیت مردم هستند، ولی درآمد و کار و کاسبی ندارند، چون تعلیم و تربیت دینی مانند بقیه شغل‌ها نیست که بتوان در ازای آن‌ها مزدی از مردم گرفت. این مردم هستند که باید به نحوی عالمان دینی را کمک کنند، چون روحانیان از ابتدا که شروع به درس خواندن می‌کنند تا حدود پنجاه سالگی باید درس بخوانند و بعد اگر بخواهند به شغلی مشغول شوند که درآمدی داشته باشد، مثلاً بخواهند مغازه‌ای بزنند یا به شغل‌های دیگر که در جامعه مرسوم است، مشغول شوند، سرمایه مادی ندارند که دست به کاسبی بزنند یا مردم آنان را به کار وانمی دارند، چون کسی که پنجاه سال از عمسرش می‌گذرد، نه او را به ادارات دولتی راه می‌دهند و نه در جاهای دیگر. ثالثاًتوان کارهای مرسوم را ندارند و رابعاً بعد از پنجاه سالگی باز باید مشغول باشند و مطالعه کنند، چون اگر انسان درس‌ها را رها کند، فراموش می‌کند. بنابراین عملاً زمینه کار و کاسبی بعد از دوران تحصیل منتفی است. در پایان با نقشی که روحانیت در برطرف کردن اختلافات خانوادگی و طایفه‌ای و اجتماعیدارند، مربی اخلاق و تأمین کننده امنیت روحی و اجتماعی است و نقش کلیدی در ایجاد پیوندهای اجتماعی (ازدواج) و امور معنوی و گاهی حل اختلافات مالی و مشاجرات دارند و باید جامعه آنان را اداره کند. در عین حال هرگز روحانی مطالباتی از مردم نداشته است. برخلاف روحانیت تمام ادیان جهان که بودجه‌های کلانی دارند، روحانیت شیعه هیچ گونه بودجه‌ای جز مقداری از وجوهات شرعی که مردم به طیب نفس و برای خدا، بدون اعمال قدرت می‌دهند، نداشته است. بیشتر قشرها زندگی مرفهی دارند، اما روحانیون زندگی ساده دارند و غالباً گرفتار فقرند. اگر کتاب "خدمت و خیانت روشنفکران "را که مرحوم جلال آل احمد نوشته است، بخوانید، بسیاری از مسایل روشن خواهد شد.
پی‌نوشت‌ها: ۱ - جمعه (۶۲) آیه ۲. ۲ - توبه (۹) آیه ۱۲۲.

خانمی ۳۳ ساله‌ام و مدتی است که شوهرم را از دست داده‌ام و یک پسر دارم. مدتی است که دنبال شغلی هستم اما هنوز نیافته‌ام از طرفی مایلم در مدارس حوزه تحصیل کنم، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

خانمی ۳۳ ساله‌ام و مدتی است که شوهرم را از دست داده‌ام و یک پسر دارم. مدتی است که دنبال شغلی هستم اما هنوز نیافته‌ام از طرفی مایلم در مدارس حوزه تحصیل کنم، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

از مکاتبه شما متشکریم. بسیاری از بانوان در فقدان شوهرانشان تلاش کرده‌اند تا به تحصیل ادامه داده و بر معلومات خود بیفزایند و در ضمن بچه‌ها را هم به سامان برسانند. ایثار و فداکاری مادران همواره اعجاب آور و تحسین برانگیز است، حضرت عالی هم می توانید به طول شبانه به تحصیل ادامه دهید و در تهران هم به یکی از مکتب‌ها مراجعه کرده دروس حوزی را بخوانید. البته بهتر این است که با مسئول واحد پاسخ به سؤالات تماس بگیرید تا ایشان شما را به یکی از مدارس معرفی کند. تلفن واحد پاسخ به سؤالات ۷۷۴۳۱۸۳ می باشد.

دانشجوی دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی هستم. آیا می توانم پس از گرفتن مدرک لیسانس برای طلبه شدن در حوزه علمیه قم ثبت نام کنم؟ در صورت امکان لطفاً تاریخ ثبت نام وش رایط آن و هم چنین آدرس حوزه علمیه خواهران را ذکر نمایید تا مکاتبه نمایم؟

پرسش

دانشجوی دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی هستم. آیا می توانم پس از گرفتن مدرک لیسانس برای طلبه شدن در حوزه علمیه قم ثبت نام کنم؟ در صورت امکان لطفاً تاریخ ثبت نام وش رایط آن و هم چنین آدرس حوزه علمیه خواهران را ذکر نمایید تا مکاتبه نمایم؟

پاسخ

خواهر گرامی! شرایط و مقرراتی برای طلبه شدن در جامعهٔ الزهرای قم یا هر حوزه علمیه دیگر وجود دارد که اگر آن شرایط را داشته باشید می توانید ثبت نام کنید و هیچ مانعی برای تحصیل شما نخواهد بود. فرم شرایط و تاریخ ثبت نام حوزه علمیه خواهران (جامعهٔ الزّهرا(ع)) قم برای شما ارسال می گردد که شما می توانید دراین خصوص برای دریافت اطلاعات بیشتر با آن جا مکاتبه فرمایید.

غیر از مرجع تقلید، به کدام روحانی می‌توان اطمینان کرد؟

پرسش

غیر از مرجع تقلید، به کدام روحانی می‌توان اطمینان کرد؟

پاسخ

همان طور که خودتان مرقوم فرمودید تمامی روحانیان بزرگواری که در این کسوت به سر می‌برند، قابل اعتماد و اطمینان می‌باشند، حالا چه روحانی معمولی و امام جماعت محلی باشد و چه مرجع تقلید باشد، منتها درجه فضل و کمال و دانش علما و روحانیان کم و زیاد دارد. ممکن است روحانی نماهایی باشند که ناشناخته باشند و سرشناس در میان اهل محل یا شهر نباشند. اگر انسان به چنین اشخاصی برخورد کند که حرکات و اعمال خلاف شئون و زی طلبگی دارند، باید در مورد آن‌ها تحقیق و تفحص کند و یا اگر واقعاً آن شخص روحانی نبود، ولی لباس روحانی به تن داشت و با اعمال خودش می‌خواست آبروی روحانیان را خدشه دار نماید، باید به مراکز مربوطه مثل دفتر امام جمعه اطلاع دهید تا این افراد در جامعه نفوذ نکنند و عزت و اقتدار روحانیت در میان مردم و برای تبلیغ دین الهی باقی بماند. موفق و سعادتمند گردید.

آیا همه روحانیون، طلبه هستند؟

پرسش

آیا همه روحانیون، طلبه هستند؟

پاسخ

همه روحانیون، طلبه هستند، زیرا طلبه به معنای دانشجویان علم می‌باشد که از روز اول تحصیلشان تا آخر عمر به عنوان طالب علم محسوب می‌شوند، منتهی وقتی طلبه از علم و متانت و درخور شأن شغل خود برخوردار می‌شوند، از القاب محترمانه‌ای همانند حجةالاسلام و حجةالاسلام و المسلمین بهره‌مند می‌شوند. اگر روحانی بزرگوار به درجه اجتهاد رسیده باشند، از لقب آیةالله و اگر به مقام مرجعیت رسیده باشد، از لقب آیةالله العظمی برخوردار می‌شوند. اعمال و رفتار و اخلاق آن‌ها بیانگر این القاب می‌باشد.

بی شک در دنیای کنونی ترویج اسلام احتیاج به روشهای جدید مناسب با پیشرفت زمان علاقه دارم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شوم لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پرسش

بی شک در دنیای کنونی ترویج اسلام احتیاج به روشهای جدید مناسب با پیشرفت زمان علاقه دارم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شوم لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

این امر حمایت از قلب پاک و نورانی شما دارد. باید برای این حالت معنوی ارزش قائل بشوید و آن را حفظ کنید.همان طور که گفته‌اید امروز در شرایط جدیدی قرار داریم. باید با شیوه‌های جدید فرهنگی، با تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمنان اسلام مقابله کرد. به زودی فرم پذیرش جدید حوزه در روزنامه‌های کثیرالانتشار در روزهای ۲۰ الی ۲۵ اردیبهشت ماه چاپ می‌شود. مراجعه نمایید. ان شاءالله بتوانید با جدیت و کوشش و فداکاری، رشد علمی پیدا کرده تا بتوانید جوابگوی شبهات و مشکلات جهان بشریت که در دام جهالت‌ها و مشکلات دچار شده است باشید.

علاقه زیادی به طلبه شدن دارم , ولی دوبار به حوزهء قم مراجعه کردم نپذیرفتند, لطفاً راهنمایی فرمایید.

پرسش

علاقه زیادی به طلبه شدن دارم , ولی دوبار به حوزهء قم مراجعه کردم نپذیرفتند, لطفاً راهنمایی فرمایید.

پاسخ

این که شما علاقه و شوق زیاد به تحصیل علوم دینی دارید و طلبه شدن را دوست دارید روحیهء خوبی است برای شما که می تواند

منشأ ترقی و تعالی علمی باشد, و داشتن چنین روحیه ای قابل تحسین است . شما از عدم پذیرش حوزهء علمیه قم مأیوس نشوید, چون تحصیل در حوزه علمیه قم شرایطی دارد که ممکن است فعلاً شامل حال شما نشود, ولی طلبه شدن منحصر به آمدن به قم نمی باشد, لذا شما به حوزهء علمیه شهرتان مراجعه کنید و با مدیرحوزه علمیه علاقه و مشکل خود را در میان بذگارید و راه حل بخواهید.

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

علاقه و اشتیاق وافر به تحصیل علم خصوصاً تحصیل علوم اسلامی توفیق بزرگی برای شما است , که داشتن این روحیه تحمل مشکلات را آسان نخوده و پیمودن پله های ترقی را فراهم می نماید. یکی از صفات پسندیدهء روحیهء داشتن علم است و فضیلت و برتری دانا بر نادان از آفتاب روشن تر است . دین مقدس اسلام بیش ازهمه نظامات اجتماعی و همهء ادیان و شرایع مردم را به فراگرفتن علم و دانش تشویق و ترغیب نموده است , اسلام برای پیریزی یک فرهنگ اساسی فضیل علم را بر هر زن و مرد لازم نموده است و برای علم ارزش بسیار والایی قائل شده است . امام علی ۷فرمود: . هم چنین حضرت در(پاورقی ۱.محمد ری شهری , میزان الحکمهٔ ج ص ۲۰۶۳مادهء علم , شماره ۱۳۶۵۵و ۱۳۶۵۲ حدیث دیگر فرمود: .() اگر علم و دانش توأم با پاکی و تقوا و(پاورقی ۲.همان . آگاهی باشد منشأ خیر و برکات فراوان شده و موجب آبادی دنیا و آخرت می گردد. امیدواریم شما در راه کسب علم و دانش , به ویژه علوم اسلامی موفق شد و مدارج عالی را طی نمایید. با توجه به شرایطی که برای خود ذکر کرده اید بهتر است برای راهنمایی و رسیدن به یک راه عملی برای تحصیل علوم اسلامی به مدیر حوزهء علمیهء شهرستان کرج مراجعه فرمایید و از ایشان راهنمایی بخواهید.

ـ آیا در حوزه های علمیه مدرک رسمی می دهند و امکان استخدام در ادارات دولتی با مدرک حوزه هست ؟ اگر کسی پس از گذراندن دوره ای در حوزه ادامهء تحصیل دهد, شهریه های گرفته شد, استرداد می شود؟ آیاکتب درسی را خود طلاب باید تهیه کنند؟ در حوزهء چه دروسی خوانده می شو

پرسش

ـ آیا در حوزه های علمیه مدرک رسمی می دهند و امکان استخدام در ادارات دولتی با مدرک حوزه هست ؟ اگر کسی پس از گذراندن دوره ای در حوزه ادامهء تحصیل دهد, شهریه های گرفته شد, استرداد می شود؟ آیاکتب درسی را خود طلاب باید تهیه کنند؟ در حوزهء چه دروسی خوانده می شود؟

پاسخ

در حوزه های علمیه که با امتحان ورودی و به صورت گزینشی با مصاحبه پذیرفته می شوند و تعهدات و الزام هایی از ابتدای ورود از انسانی می گیرند که باید پای بند آنها بود. حداقل باید به مدّت و پانزده سال دروس حوزوی به طور مداوم خوانده می شود تا انسان از نظر علوم دینی فی الجملهٔ تبحّر پیدا کند. در این مدت به موازات رسیده بن مدارج بالاتر ماهانه شهریه ای دریافت می کند. اگر طلبه ای به جهت عذری نتوانست ادامهء تحصیل دهد,شهریه های گرفته شده , مطالبه و مسترد نمی شود. کتب درسی را باید خود طلاب تهیه کنند و مدارکی به طلاب داده می شود که با آن می توان از ادارات دولتی مانندآموزش و پرورش و جاهای دیگر استخدام شد (البته اگر پذیرش باشد). مدارکی که می دهند دیپلم , فوق دیپلم ,لیسانس , فوق لیسانس و دکترا است . غیر از مشاغل معمولی می توانند در بعضی مشاغل از قبیل آموزش پرورش و یاسازمان تبلیغات مشغول شوند, البته در همهء این موارد بستگی به وجود تقاضای کار و شغل دارد وگر نه باید با همان شهریه زندگی را سپری کند. مدارس علمیه ای که در شهرستان ها هستند, اگر زیر نظر مرکز مدیریت حوزهء علمیهء قم اداره شوند, همه ازمزایای آن برخوردار هستند و مدارک آنها اعتبار دارد. دروسی که در حوزه خوانده می شود: ادبیات عرب (صرف و نحو) منطق , علم فصاحت و بلاغت , تفسیر, اصول ,فقه , فلسفه , کلام , عرفان ,, رجال (شخصیت شناسی), تاریخ اسلامی , مقداری جامعه شناسی و دروسی دیگر است . اگر سرکار عالی از هوش و استعداد خوبی برخوردار هستید و قدرت بر سخن گفتن دارید و از ایمان قوی واعتقادات صحیح و سالمی بهره مند هستید, خوب است در حوزه شرکت کنید. اگر این شرایط را ندارید, مشغول به شغلی شوید خداوند مشکلات همه را برطرف فرماید.

تقاضای اشتغال در حوزهء علمیهء قم را دارم . راهنماییم فرمایید.

پرسش

تقاضای اشتغال در حوزهء علمیهء قم را دارم . راهنماییم فرمایید.

پاسخ

دومین نامهء شما حدود پنج سال بعد از اولین نامه تان در مورد عشق و علاقهء شما به حوزه های علمیه ومعارف اسلامی و خدمت به طلاب علوم دینی و شاگردان مکتب امام صادق ۷که پرچم حفظ و حراست از کیان اسلام ناب محمدی را همواره به دوش داشته و دارند, نشانگر حبّ باطنی شما نسبت به حامیان و حافظان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت : می باشد. این عشق و علاقه مایهء خوشبختی و سعادت است , زیرا رسول خدا۶فرمود:.() (پاورقی ۳.محمدی ری شهری , میزان الحکمهٔ, ج ۱ ص ۵۲۱ ماده المحبهٔ, شماره ۳۲۲۶ در حدیث دیگر وارد شده که مردی خدمت رسول اللّه ۶آمد و عرض کرد: مردی نماز گزار را دوست دارد,ولی خودش فقط نماز واجبش را می خواند, و صدقه دهنده را دوست دارد, ولی خودش فقط صدهء واجبش (زکات)را می پردازد, و روزه داران را دوست دارد, ولی خودش فقط ماه رمضان را روزه می دارد. حضرت فرمود: .() امیدواریم علاقهء شما به حوزه های علمیه و سربازان امام (پاورقی ۱.همان , شماره ۳۲۲۵ عصر۷همواره مستدام باشد. در مورد درخواست شما مبنی بر اشتغال در حوزهء علمیهء قم با بخش پذیرش حوزه تماس گرفتیم . جواب دادند:لازم است فرد متقاضی حضوراً به بخش پذیرش حوزهء علمیه

مراجعه نموده و در جریان قرار گیرد. ضمناً گفتند: باتوجه به شرایط فرد مورد نظر امکان پذیرش هست . لذا در صورت تمایل می توانید حضوراً به بخش پذیرش , واقع درمدرسهء دارالشفا, جنب مدرسهء مبارکهء فیضیّه مراجعه نمایید. البته هر ساله , معمولاً در مرداد یا شهریور, آگهی پذیرش در حوزهء علمیه , در روزنامه ها چاپ و منتشر می شود. نیز می توانید اطلاعات مورد نیاز را تلفنی بپرسید. در بروجردنیز حوزهء علمیه وجود دارد. از آن جا نیز می توانید بپرسید.

علاقه مند به تحصیل دروس حوزهء علمیه هستم . آیا می توانم به شکل غیر حضوری و با استفاده ازنوار به این هدف برسیم ؟

پرسش

علاقه مند به تحصیل دروس حوزهء علمیه هستم . آیا می توانم به شکل غیر حضوری و با استفاده ازنوار به این هدف برسیم ؟

پاسخ

برادر عزیز! تصمیم شما قابل تحسین است . رسول گرامی اسلام ۶فرمود: طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. > اینک که در کشور اسلامی ایران به برکت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (س) باب علم گشوده شده و معلومات مردم افزایش یافته است , رشد معلومات مذهبی و علوم دینی محسوس است و قم , نگین جهاد و اجتهاد, شاخص ممتازی در بلاد اسلامی است که علوم اسلامی در آن گرد آمده است . اما اگر شما نمی توانید از نعمت حضور در محضر اساتید حوزه بهره مند شوید, لازم است با مراکزی چون دفترتبلیغات , واحد نوار شهرستان تماس بر قرار کرده , از نحوهء اشتراک مطلع شوید. تلفن تماس : ۹۴ـ ۷۷۴۳۱۸۹

در حال اتمام دورهء سطح یک تربیت معلم قرآن مجید در سازمان تبلیغات اسلامی هستم . آیا حوزه می تواند برای این چنین اشخاصی دوره های آموزش بازی با اعداد و کلمات و کتاب ره توشه برای کودکان و نوجوان را فراهم آورد؟

پرسش

در حال اتمام دورهء سطح یک تربیت معلم قرآن مجید در سازمان تبلیغات اسلامی هستم . آیا حوزه می تواند برای این چنین اشخاصی دوره های آموزش بازی با اعداد و کلمات و کتاب ره توشه برای کودکان و نوجوان را فراهم آورد؟

پاسخ

قسمت اول سؤال شما مربوط به مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان است . این مرکز یکی ازواحدهای تابع دفتر تبلیغات اسلامی می باشد. می توانید با آن واحد تماس برقرار کرده و از کیفیت آموزش سؤال فرمایید. قسمت دوم سؤال که از کتاب ره توشه جویا شده بودید, این کتاب نیز محصول تلاش فضلای حوزه است که درواحد طرح هجرت دفتر تبلیغات تهیه می شود برای تهیه این کتاب به کتاب فروشی دفتر مراجعه کنید یا تماس بگیرید.

دوست دارم به حوزه علمیه قم بیایم، ولی از شرایط آن برخوردار نیستم. لطفاً راهنمایی بفرمایید.

پرسش

دوست دارم به حوزه علمیه قم بیایم، ولی از شرایط آن برخوردار نیستم. لطفاً راهنمایی بفرمایید.

پاسخ

خواهر گرامی! واحد پاسخ به سؤالات برای پاسخ‌گویی به سؤالات مذهبی، اخلاقی، اجتماعی، فلسفی، کلامی و روان‌شناسی تأسیس شده است. به همین جهت نمی‌تواند رابط بین مراکز دیگر برای مثلاًپذیرش افراد باشد. مراکز علمی چون جامعةالزهراء برای پذیرش، قانون و شرایطی در نظر دارند که کم یا زیاد کردن آن به عهده ما نیست. اگر کسی به هر دلیل نتوانست از شرایط ورود برخوردار باشد، این واحد نمی‌تواند به شفاعت بپردازد، زیرا از حوزه مسئولیت ما خارج است. در عین حال روحیه بالای شما در فراگیری و علاقه‌مندی به تحصیل علوم دینی ستودنی است. می‌توانید با مراکز صوتی در تماس بوده و نوارهای درسی حوزه را گوش دهید و در امتحانات حوزه شرکت کنید. با دفتر تبلیغات، به شماره ۹۴ - ۷۷۴۳۱۸۹ واحد صوت و نوار شهرستان‌ها تماس بگیرید. شهر قم اکنون شهر صد سال پیش نیست. که در آن زمان شهرهایی چون مشهد و تبریز و شیراز و اهواز و اصفهان نیز کوچک بوده‌اند قم اینک پایتخت جهان اسلام و مرکز اجتماع تمام ملیت‌های مشتاقی است که به تحصیل علم مشغولند. در عین حال اگر لازم می‌بینید برای صحبت با مسئول محترم واحد پاسخ به سؤالات، حضرت حجةالاسلام و المسلمین حاج آقای شریعتی سبزواری، با این شماره تماس بگیرید: ۷۷۴۳۱۸۳-۰۲۵

دانشجوی سال اوّل کاردانی الکترونیک هستم. علاقهٔ وافری به دروس حوزوی دارم، منتها در اثر بعضی تلقینات منفی و شیطانی گاهی منصرف می شوم. قصدم این است ان شاء الله بعد از اخذ فوق دیپلم وارد حوزه شوم. نظر شما چیست؟ شرایط و نحوه ثبت نام را بیان کنید.

پرسش

دانشجوی سال اوّل کاردانی الکترونیک هستم. علاقهٔ وافری به دروس حوزوی دارم، منتها در اثر بعضی تلقینات منفی و شیطانی گاهی منصرف می شوم. قصدم این است ان شاء الله بعد از اخذ فوق دیپلم وارد حوزه شوم. نظر شما چیست؟ شرایط و نحوه ثبت نام را بیان کنید.

پاسخ

از این که جوان متدیّنی هستید و برای کسب معارف دین میل دارید وارد حوزه شوید، خشنودیم. این عمل خوب است و جای قدردانی دارد. خداوند امثال شما جوانان ادر این ددورهٔ وانفشا از شرور وسوسه گران و خناسان حفظ فرماید. به نظر ما صلاح در این است پس از فراغت از تحصیل دورهٔ دانشگاهی و گرفتن فوق دیپلم وارد حوزه شوید و از دروس حوزوی بهره مند گردید. در نتیجه از تلقینان منفی و شیطانی نجات پیدا می کنید. دورهٔ تحصیل دانشگاهی محدودتر از دورهٔ حوزوی است. از فرصت به دست

آمده کمال استفاده را بنمایید که فردا دیر است . امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند ": هر که از فرصت باز نشیند و آن را از دست بدهد، از دست رفتنش ناتوانش سازد.("۱) به علاوه می توانید در کنار درس دانشگاهی در شهرستان خود از دروس حوزوی نیز استفاده کنید. گفتنی است: اگر تصمیم گرفتید وارد حوزه شوید باید پیهٔ همه چیز را به خود بمالید. حوزه آمدن، بی پولی دارد، غربت دارد ، نداشتن خوابگاه دارد، حتّی گاهی فحش و ... دارد . امّا ثمرات و منفعت معنویش خیلی زیاد است. پیامبر اکرم(ص) فرمود": افضل الأعمال احمزها؛بهترنی و باارزش ترین کارها سخت ترین و مشکل‌ترین آن است.("۲) برای آگاهی از شرایط و کیفیت ثبت نام فرم مخصوص به پیوست ارسال می گردد امیدواریم مفید باشد. ۱.احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱۶، ص ۲۸۳، به نقل از مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۵۱. ۲. بحار، ج ۶۷، ص ۱۹۱.

آیا درس های حوزهٔ علمیه سخت است؟

پرسش

آیا درس های حوزهٔ علمیه سخت است؟

پاسخ

از این که با ما مکاتبه کرده و پرسشهای خود را با ما در میان گذاشتید سپاس گزاریم. اگر منظور شما از سختی و دشواری درس های حوزه علمیه، فراگیری ، درک و فهم آن است و یا برای تعلیم آن کم خوابی یا بی خوابی لازم است یا امتحان و تجدید و قبولی و یا مردودی و سال‌های متمادی وقت لازم دارد و ... باید بگوییم چنین است. اگر سخت‌تر ا. دروس مقاطع مدارس و دانشگاه نباشد، کم‌تر از آن نخواهد بود. به‌خصوص برای افرادی که می‌خواهند با سواد شوند و از احکام اسلامی دقیقا مطلع گردند و به حد اجتهاد نایل شوند.

چرا بین بعضی از روحانیون محترم اختلاف و درگیری است؟

پرسش

چرا بین بعضی از روحانیون محترم اختلاف و درگیری است؟

پاسخ

اختلاف و درگیری میان انسان‌ها یک امر قهری و فطری می‌باشد، چون به تعداد نفوس انسان‌ها سلیقه وجود دارد و تفاوت بین سلایق، یک مسئلهٔ واضح و روشنی است. پس این که باید همه یک جور فکر کنند و یک منبا داشته باشند و هیچ گونه اختلافی باهم تداشته باشند، فکری است غلط و متنافی با طبیعت آدمی. به علاوه، اختلاف آرا اگر جنبهٔ سیاسی و صیغهٔ گروه گرایی و جناح بازی نداشته باشد و نشانهٔ عناد و دشمنی نباشد، مایهٔ بالندگی و رشد جامعه می باشد، زیرا در اثر تضارب آرای مثبت، استعدادها

شکوفا شده و جامعه به تعالی می‌رسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ":اختلاف اُمتی رحمتهْ؛ اختلاف و اصطکاک اندیشه‌های امت من رحمت است۱[۱. "]گفتنی است: امامان معصوم(ع) از جمله حضرت امام صادق در یکی از بیانات خود فرمود: مراد از اختلاف تردد و ایاب و ذهاب گروهی از مردم در حوزهٔ علمیه برای کسب معارف اسلامی و انذار بین مردم است. به هر حال اکثر اختلاف میان روحانیون ناشی از سلیقه است، نه ریشه‌ای. متأسفانه گاهی اختلاف بین روحانیون رنگ سیاسی دارد و گاهی نیز غرض ورزی. این نوع اختلاف خطرناک است و تنها دشمنان اسلام و نظام و روحانیت از آنان بهره‌مند می گردند و حتماً دشمنان اسلام به طور غیر مستقیم در آن نقش دارند، چون اتحاد و یک پارچگی ملت را موجب تقویت اسلام و نظام می‌دانند. [۱] محمد تقی فلسفی،بحار،ج۱،کتاب علم،باب آداب طلب العلم و احکامه،ص۲۲۷،حدیث ۱۹.

بعضی‌ها برای رد کردن روحانیت به جریان قند و چای استناد می‌کنند و می‌گویند آخوندها اول می‌گفتند قند نجس است، ولی اگر آن را در چای غسل دهند بخورند پاک می‌شود ریشه این جور چیزها به کجا برمی‌گردد؟ و آیا این مطلب واقعیت دارد؟

پرسش

بعضی‌ها برای رد کردن روحانیت به جریان قند و چای استناد می کنند و می گویند آخوندها اول می گفتند قند نجس است، ولی اگر آن را در چای غسل دهند بخورند پاک می‌شود ریشه این جور چیزها به کجا برمی گردد؟ و آیا این مطلب واقعیت دارد؟

پاسخ

چند نکته مهمی که پیش از بیان، مفهوم آن سخن و صحت و سقم آن لازم است مورد تنبه و توجه قرار گیرد این است. این مطلب شایعه‌ای بیش نیست. کدام روحانی گفته است قند نجس است. هر عمامه به سری مورد تأیید نیست و نباید آن را روحانی نامید. روحانی کسی است که اساس و محور تلاش و همتش تزکیه و تعالی روح خویش و جامعه باشد و با سیر" لی الله "روحانی ربانی گردد و همه اموراتش به" رب "وصل و مرتبط شود. البته انبا و ائمه، فرشتگان و اولیای الهی، مصداق کامل" روحانی ربانی "اند و سایرین به تناسب میزان نزدیکی و شباهتی که از لحاظ قول و عمل و اخلاق با آنان دارند، بهره‌ای از آن برده‌اند. ۲ - تحقیق در تاریخ پرفراز و نشیب زندگی اجتماعی انبیا و ائمه (ع) و شناخت و معرفت ابعاد زندگی سیاسی و فرهنگی و تبلیغی آنان این سؤال را در آغاز کار در محقق ایجاد می کند. چرا مصادیق اصیل الگوها و اسوه‌های کامل روحانیت، آن همه دشمن و مخالف داشتند؟ شیوه برخورد حذفی و حربه‌ها و حرف‌های دشمنان آنان چه بوده است؟ و بالاخره ریشه اصلی و علت مخالفت آنان چه بود؟ ۳ - تاریخ را به خاطر شاخصه‌های متفاوتی به دوره‌ها تقسیم می کنند شما با مطالعه ادوار مختلف و قرون متفاوت تاریخ، کارکرد روحانیون ربانی و نحوه عملکرد و برخوردهای مخالفان آنان را با هم مقایسه کنید. ببینید چه قرابت و شباهتی میان عملکردها در تاریخ مستمر و به هم پیوسته روحانیون و مخالفان آنان وجود داشته است؟ نتیجه گیری: پیامی که می‌توانید از مطالعه حلقه‌های به هم پیوسته تاریخ بگیرید این است که: الف - روحانیون ربانی هر عصری همان گونه که وارث علوم و معارف و معنویت انبیا و ائمه (ع) هستند، وارث سختی‌ها و مصیبت‌های آنان و تهمت‌ها و توهین‌ها و تحقیرهای مخالفان و دشمنان زنجیره‌ای آنان نیز هستند. ب - اگر چه طراحان اصلی آن اهانت‌ها دشمنان آگاهند اما بازگو کنندگان و باورمندان آن دوستان ساده لوح و ناآگاه می‌باشند. ج - علت دشمنی دشمنان و هدف آنها این است که دین و دین مداران را از صحنه سیاست و تصمیم گیری‌ها کنار بزنند تا راه برای ترک تازی شان باز باشد و هیچ سد و مانعی جلوی آنها را نتواند بگیرد و برای رسیدن به این هدف از هر حربه و وسیله‌ای که

بتوانـد آنان را به هـدفشان برساند یا نزدیک کند، استفاده می‌کنند از تبلیغات دروغین و شایعه سازی و نسبت‌های ساحر، جادوگر، دیوانه، خرابکـار، مرتجع کهنه پرست، کسانی که به علت جمود فکری، اساطیری می‌اندیشند تا ایجاد انواع خشونت‌ها و دست بردن به سـلاح و جنـگ. در قرون اخیر راه‌هـای دیگری به طرق گذشـته اضـافه شـده تـا از راه‌هـایی ماننـد کاریکـاتور، نوشـتن کتاب ملا نصـرالدین، و گفتن این که آخونـدی گفته قند چون به دست کفار ساخته می‌شود نجس است، ولی اگر در اسـتکان غسـلش بدهی بعد در دهان بگذاری پاک می‌شود و از این حرف‌ها برادر مجدداً تأکید می‌کنیم و سخن خویش را از قول امام خمینی بیان می‌کنیم که فرمود: قضـیه این نیست که من بگویم هر که عمامه سرش است مورد تأیید است خیر. من از بسیاری از آن‌ها متنفرم. (۱) اما باید بیـداری و هوشـیاری خویش را در مقابـل دسـیسه‌ها و نقشه‌هـای شوم اسـتعمار حفـظ کنیم. امـام خمینی (ره) در مقام تبیین حقایق و افشای توطئه‌ها می‌فرمایـد: یکی از نقشه‌های مهم این است که قشـرهای ملت را از هم جـدا کنند و مهم این است که روحانیت را از ملت جدا کنند این‌ها ضـربه‌ای که از روحانیت خوردند از هیچ کس نخوردند. زمانی که روحانیت مبارزه سرسختش را در سال‌های ۴۱ و ۴۲ علیه شاه خائن شـروع کرد. شاه روحانیت متعهـد و مسـئول را ارتجاع سیاه نامیـد. زیرا تنها خطر جدی برای او و سـلطنتش روحانیون مبارزی بودند که ریشه در عمق جان مردم داشـتند و در مقابل او و سـتمکاریش ایسـتادند.(۲) آن‌ها از روحانیون در طول تاریخ صدماتی دیده بودند و خصوصاً انگلسـتان در واقعه قضیه قرارداد تنباکو صدمه دیده بود. از این جهت یکی از نقشه‌ها این بود که این قـدرت را از ملت بگیرنـد و این را سـرکوب کنند و ملت را از آن‌ها و آن‌ها را از ملت جدا کنند.(۳) و باز با کلام امام (ره) ایـن مقـال را بـه پایـان می‌بریـم. آن‌هـایی که می‌خواهنـد روحـانیت را بشـکنند اصـل هـدف‌شان اسـلام است. می‌خواهنـد اسـلام را بشکنند.(۴) پی‌نوشت‌ها: ۱ - بلاغ، سـخنان موضوعی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۹، شماره ۳، ص ۳۷۹. ۲ - همان، ص ۳۸۱. ۳ - همان، ص ۳۹۶. ۴ - همان، ص ۳۷۴.

از همان ابتدا علاقه‌ای به تحصیل در علوم پزشکی نداشتم و آن را به خواستهٔ اطرافیان و متأثر شدن از جوّ قبول کردم . در عین حال نسبت به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی علاقمند هستم. چگونه می‌توانم از دوس پزشکی جدا شده و به تحصیل در حوزهٔ علمیه بپردازم؟

پرسش

از همان ابتدا علاقه‌ای به تحصـیل در علوم پزشـکی نداشتم و آن را به خواستهٔ اطرافیان و متأثر شدن از جوّ قبول کردم . در عین حال نسبت به تحصـیل و فراگیری علوم حوزوی علاقمند هسـتم. چگونه می‌توانم از دوس پزشکی جدا شده و به تحصیل در حوزهٔ علمیه بپردازم؟

پاسخ

برای ورود به هر کاری و موفقیت در آن ابتدا به علاقه و سپس به پشتکار نیاز است . حتی یادگیری ابتدایی ترین حرفه و شغل بدون علاقه و جـدیت غیر ممکن می‌نمایـد. علوم دینی شـرط ویژه‌ای دارد: ۱ _ وضع مـالی مناسب خانواده که حـداقل تا ده سال شـما را اداره نمایند وحضـرت عالی شب و روز به تحصـیل علوم دینی بپردازید تا به حد مطلوب برسـید. ۲ _ معلوم نیست در رشـتهٔ پزشکی موفق نباشـید ، مضافـا بر ایـن که پس از پنـج سـال ترک رشـته کردن بسـیار مشـکل است و حرف و حـدیث خواهـد داشت . جلب رضایت پدر و مادر و توجیه دوسـتان و بسـتگان نیز مشـکل به‌نظر می‌رسد. ۳ _ اکنون برای شـما تصـمیم‌گیری بر بازگشت کمی پر خرج و دیر است . شـما اینک در وسط راه تحصیل آن هم در حرفهٔ حساس پزشکی هستید و صرف علاقهٔ شدیدی که برای تحصیل

علوم دینی دارید، مجوزی برای ترک تحصیل نمی‌شود ، حتی اگر پزشکی را تمام کنید، سپس با شرایطی که گفته شد طلبه شوید ، به مراتب بهتر است . البته در صورتی که رضایت پدر و مادر و تأمین مخارج تحصیلی را فراهم فرمایید، چرا که تحصیل در حوزهٔ علوم دینی با شرایط خاصی روبرو است . پس بهتر است کمی فکر کرده و حداقل دورهٔ پزشکی را به اتمام برسانید . تا با خیالی راحت و به صورت مستقل و آزاد و بدون داشتن چشم داشتی ، تحصیل در مقاطع حوزوی را آغاز کنید. علاقه‌ای که به تحصیل در علوم دینی دارید ، ستودنی و تحسین بر انگیز است و اگر واقعا نمی‌خواهید تحصیل فعلی را ادامه دهید ، باید خارج از شرایط و مزایای حوزه هدف خویش را پیش ببرید ، چون اکنون افرادی که وارد حوزهٔ علمیه می شوند، باید از شرط سنی دیگر شرایط برخوردار بوه و مشکل سربازی نداشته باشند تا بتوانند تحت پوشش برنامه های حوزهٔ علمیه قرار گیرند. شماره تلفن مدیریت حوزهٔ علمیه قم در اختیار شما قرار می گیرد که با تماس با آن مرکز بهتر و بیشتراز وضع پذیرش و برنامه‌های حوزهٔ علمیه قم مطلع شوید. ۱ _۷۷۴۰۹۷۰ _ ۰۲۵۱ بخش پذیرش. اگر طی کردن مسیر ترقی را تنها در رسیدن به حوزه می‌دانید ، ظرف را با مظروف اشتباه گرفته‌اید. در عصر حاضر عصری که در آن راه علم و تکامل مسدود نیست و نیز ارتباطات گسترده که انسان در هر گوشه از جهان می‌تواند بدان دست یابد، حوزه تنها مکان ترقی نیست. اگر هدف انسان پیمودن راه تعالی و تکامل است، پس فرقی نمیکند انسان هر کجا باشد ، طبق آیهٔ" فأینما تولوا فثم وجه الله؛ پس به هرجای که رو کنید ، رو به خدا است."۱ به خدا می‌رسید . انسان خدا شناس و باایمان در هر کجا و هر شغلی که باشد ، چون نور می‌درخشد والگوی هدایت قرار می گیرد. ۱ بقره(۲) آیهٔ ۱۱۵.

اینجانب داوطلب آزمون سراسری حوزه‌های علمیه می‌باشم. در صورت قبولی و اتمام سطح (یک) حوزه، چگونه می‌توان تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی درآیم؟ به طور کلی بعد از سطح یک چه مشاغلی را یک روحانی می‌تواند عهده دار شود؟

پرسش

اینجانب داوطلب آزمون سراسری حوزه‌های علمیه می‌باشم. در صورت قبولی و اتمام سطح (یک) حوزه، چگونه می‌توان تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی درآیم؟ به طور کلی بعد از سطح یک چه مشاغلی را یک روحانی می‌تواند عهده دار شود؟

پاسخ

سطح یک حوزه علمیه قم معادل فوق دیپلم است. شرایط اشتغال در سازمان تبلیغات اسلامی و سایر نهادهایی که به روحانی احتیاج دارند، بستگی به زمان و مکان و عرضه و تقاضا دارد. نمی‌توان به طور حتم گفت که چند سال دیگر با مدرک سطح یک برای اشتغال پذیرش می‌شود، ولی با توجه به شرایط زمان و تعداد طلاب می‌توان حدس زد که با مدرک سطح یک شانس اشتغال در جای مناسب بسیار کم است. البته کسی که مخلصانه برای خدا درس بخواند، با یاری خداوند ترقی کرده و به مقامات عالی دست می‌یابد. .

حوزه علمیّه قم در چه سالی و با چه هدفی تأسیس شد.

پرسش

حوزه علمیّه قم در چه سالی و با چه هدفی تأسیس شد.

پاسخ

در زمان قاجاریان چند مدرسه علمیه در قم ساخته شد، اما در سال ۱۳۴۰ ه ق مطابق با سال ۱۳۰۰ هجری شمسی حاج شیخ عبدالکریم حائری از اراک به قم هجرت کرد (۱) و با ورود او، علمای دیگر وارد قم شدندو حوزه علمیه قم، با هدف نشر و گسترش فقه جعفری و فرهنگ اسلامی شکل گرفت. پی نوشت‌ها: ۱ - دایرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۲۰۸۰.

علاقمند به تحصیل در رشتهٔ علوم و معارف اسلامی هستم و چون این رشته در شهرستان وجود ندارد مجبور شدم در رشتهٔ علوم انسانی تحصیلاتم را ادامه دهم. الآن به این نتیجه رسیده ام که دارم از استعداد خود دور می شوم. آیا در حوزهٔ علمیهٔ قم چنین وضعی وجود دارد که به آن جا

پرسش

علاقمند به تحصیل در رشتهٔ علوم و معارف اسلامی هستم و چون این رشته در شهرستان وجود ندارد مجبور شدم در رشتهٔ علوم انسانی تحصیلاتم را ادامه دهم. الآن به این نتیجه رسیده ام که دارم از استعداد خود دور می شوم. آیا در حوزهٔ علمیهٔ قم چنین وضعی وجود دارد که به آن جا بیایم؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی! شکی نیست که امروزه قم مرکز علم و معارف اسلامی است و امام این که همه بتوانند در هر وضعی برای تحصیل علم، به قم بیایند، بحث دیگری است. اکنون شما تشنهٔ معارف اسلامی هستید و استعداد خود را در این راه آزموده اید، اما این که بتوانید به قم بیایید شاید از شرایط لازم برخوردار نباشید. بهتر است توان خود را در رشته هایی که به نوعی با معارف اسلامی هم خوانی دارند، به کار برید، تا موفقیت کسب کنید. با نبود رشتهٔ مورد علاقه تان در شهرستان انتخاب رشته های موازی و همخوان اجتناب ناپذیر می شود. اگر دارای شرایط لازم برای ورود به حوزهٔعلمیهٔ قم هستید، فرصت را غنیمت بشمرید. ضمناً برگهٔ پیوست را مطالعه را بخوانید.

آیا امکان دارد فردی هم زمان در دانشگاه و حوزه تحصیل کند؟

پرسش

آیا امکان دارد فردی هم زمان در دانشگاه و حوزه تحصیل کند؟

پاسخ

خواهر گرامی! در چند سالهٔاول که دروس حوزه فشرده است و طلاب چند سالی را موظف اند در حوزه بمانند حوزه اجازهٔ تحصیل در دانشگاه را نمی دهد، ولی پس از گذراندن آن مرحله می توانند در کنار تحصیل دروس حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز بپردازند. البته بایداذعان کرد که این امر بسیار مشکل است و شاید آسان ترین آن ادامهٔ تحصیلات دانشگاهی در دانشگاه پیام نور است که حضور در کلاس ندارد. هر چند نیازی به آن هم نیست؛ زیرا بر اساس مصوبهٔ شورای عالی انقلاب فرهنگی، و طبق برنامهٔخاص، مدرک معادل مانند کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا داده می شود و در صورت استخدام در ارگان ها همان مزایا را دارد.

حوزهٔ علمیه از نظر روایات و آیات چه جایگاهی دارد؟

پرسش

حوزهٔ علمیه از نظر روایات و آیات چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

قرآن مجید تفقه در دین و فراگیری معارف و احکام اسلام را وظیفهٔ شرعی و واجب کفایی می داند و می فرماید"": شایسته نیست مؤمنان همگی به سوی جهاد کوچ کنند. چرا از هر گروهی طائفه ای از آنان کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن ها را انذار نمایند تا بترسند و خودداری کنند""؟۱۱ آیهٔ فوق بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی دلالت دارد و حوزه علمیه به انجام این وظیفه مبادرت ورزیده است. امام صادق(ع) در تشویق پیروان خویش بر شناخت حلال و حرام می فرماید"": کاهش بر سر اصحابم تازیانه باشد تا حلال و حرام را دقیق بشناسند.""۱۲ رسول گرامی اسلام(ص) علم سودمند را در سه چیز می داند: آیهٔ محکم، فریضهٔ عادله و سنّت پا برجا.۱۳ مرحوم فیض کاشانی در تفسیر این روایت می گوید: علم حقیقی آن است که دانستن آن برای معاد و قیامت مفید باشد. علم سودمند به سه قسم منحصر شده است: آیه محکمه که همان اصول عقاید است و فریضه عادله که اشاره به علم اخلاق است و سنت قائمه که اشاره به احکام شریعت است. در حوزهٔ علمیه این سه رشته دیده می شود. بنابراین می توان گفت علم سودمند را باید در حوزه علمیه جستجو کرد. البته علوم دیگر نیز در جای خود برای بهبود و ضع مردم و رفع نیاز ها مفید است ولی در مقایسه با این سه در رتبهٔ پایین تری قرار دارد. ۱۱ توبه ( ) آیهٔ۱۲۲. ۱۲ بحارالأنوار ج۱، ص ۲۱۳. ۱۳ اصول کافی، ج۱، ص ۳۷.

دوست دارم به مراتب عالی علم و ایمان برسم و طالب خوب‌ترین هستم. می‌خواهم در حوزه علمیه درس بخوانم و تحصیلات در رشته‌های مهم دانشگاهی را داشته باشم و این دو برای من میسر نیست. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پرسش

دوست دارم به مراتب عالی علم و ایمان برسم و طالب خوب‌ترین هستم. می‌خواهم در حوزه علمیه درس بخوانم و تحصیلات در

رشته‌های مهم دانشگاهی را داشته باشم و این دو برای من میسر نیست. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

برادر گرامی! آرمان خواهی و کمال‌طلبی از ویژگی‌های دوران جوانی است و این مشخصه در شما به وضوح دیده می‌شود. البته تحصیل همه کمالات و خوبی‌ها و انتخاب بهترین‌ها یک خواسته و آرزوی تحقق‌ناپذیر است که تنها در عالَم رویا و تخیل پرورش می‌یابد، که متأسفانه به دلیل محدودیت‌ها و موانع امکان ندارد ولی با واقع بینی و در نظر گرفتن شرایط می‌توان به بخش اعظمی از کمالات دست یافت. در نامه از دو هدف بزرگ یعنی کسب مقامات معنوی و خدمت به نظام اسلامی یا کرده‌ایم که ترسیم این دو حاکی از روح متعالی و فکر بالنده شما است اما رسیدن به اهداف مذکور را به تحصیل در حوزه و رشته‌های خاص دانشگاهی موقوف دانسته‌اید، در حالی که به نظر می‌رسد در هر حال می‌توان به این دو منظور نائل شد. نه پیمودن مراتب سیر و سلوک منوط به تحصیلات حوزوی است و نه خدمت در خط مقدم تقویت نظام به تحصیلات دانشگاهی وابسته است. ما در طول تاریخ افراد بی نام و نشانی را می‌بینیم که حتی سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند ولی با سیر و سلوک و تهذیب نفس به مقامات معنوی دست یافته‌اند مانند مرحوم کربلائی کاظم، مرد بی سوادی که ناگهان حافظ قرآن کریم شد.(۱) شهید رجایی بدون اخذ مدرک دکترا یا مهندسی در خط مقدم خدمت به نظام اسلامی قرار گرفت. از طرفی آن چه به کار انسان اهمیت می‌دهد نیّت خالص و انگیزه پاک است. ما نباید ظاهر کار را ببینیم و یا رضایت و لذّت بردن خود را در نظر بگیریم. اگر مقصود کسی کسب رضایت الهی باشد، در حقیقت به موقعیت نهایی دست یافته است گر چه به حسب ظاهر جایگاه رفیعی را احراز نکرده باشد. اگر در اندیشه رسیدن به تعالی، اختیارات و شرایط و امکانات را در نظر نگیریم همواره در حسرت از دست دادن فرصت‌ها نگران خواهیم بود و آرامش روحی را از دست خواهیم داد. با نگرشی که شما دارید حتی اگر به موفقیت‌های بزرگی دست یابید باز با مقایسه با مراحل دیگر احساس ناخرسندی خواهید کرد. البته همت بلند داشتن و به افق‌های دور نظر افکندن برای کسب موفقیت لازم است: همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند اما کسی که بیش از میزان توانایی و حد معقول اعتماد به خویشتن دارد و در این خصوص مبالغه و غلو می‌کند و راه افراط و گزافه در خوش بینی نسبت به خود می‌پیماید، چه بسا دچار خود برتربینی شود و به اشتباهاتی دست زند و یا به دلیل نرسیدن به اهداف خود، از زندگی لذّت نبرد و به دام افسردگی و پریشانی و اضطراب گرفتار آید. بنابر این به شما توصیه می‌کنیم با توجه به شرایط کنونی و امکانات موجود برنامه ریزی کنید و با تقلیل خواسته‌ها و در نظر گرفتن همه ابعاد و پرهیز از افراز و تفریط و احساس رضایت از زندگی، از ظرفیت موجود استفاده بیش‌تر ببرید و با جدّیت در امر تهذیب و خدمت به جامعه در حدی که مقدورتان است اهتمام ورزید که خداوند بیش از توانایی از شما تکلیف نخواسته است. پاورقی: ۱ - بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن، ج ۲، ص ۱۸۷۰.

آیا در حوزهٔ علمیه هم چیزی شبیه پیام نور وجود دارد که فقط امتحان بگیرند؟

پرسش

آیا در حوزهٔ علمیه هم چیزی شبیه پیام نور وجود دارد که فقط امتحان بگیرند؟

پاسخ

برادر گرامی! در حوزهٔ علمیه چنین برنامه ای وجود ندارد و کلاس ها معمولاً ـ حضوری انجام می شود، ولی اگربه دروس حوزه علاقه مند می باشید می توانید از نوارهای درسی حوزه استفاده کنید. کلیه دروس حوزه در نوار کاست در دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔقم موجود است و با شرایطی به صورت امانی در اختیار شهرستانی ها قرار می دهد با شماره تلفن دفتر تبلیغات ۹۲ ـ ۷۷۴۳۱۸۹ ـ ۰۲۵۱ قسمت نوارخانه را بخواهید و جزئیات آن را جویا شوید. هم چنین معادل سازی دروسی مانند تاریخ اسلام عربی، اخلاق و غیره در حوزه صورت نمی گیرد. دروس غیر حضوری حوزه در مؤسسهٔ پژوهشی امام خمینی در قم به صورت رایگان و ارسال نوار مجانی در گرایش الهیات و معارف اسلامی دایر است. مدت دوره حدود ۴ سال است. برای اطلاع بیشتر می توانید با شماره تلفن ۲۹۳۲۳۲۸ تماس بگیرید.

در اداره کارمند روحانی داریم. وی در ماه های محرّم و رمضان اداره را ترک می کند و در سائر ایام نیز به موقع رفت و آمد نمی کند و منظم نیست ولی حقوق و اضافه کاریش را کامل می گیرد و با افراد شوخی می کند و گاهی دروغ می گوید! آیا می توانیم به ایشان اقتدا کنیم؟

پرسش

در اداره کارمند روحانی داریم. وی در ماه های محرّم و رمضان اداره را ترک می کند و در سائر ایام نیز به موقع رفت و آمد نمی کند و منظم نیست ولی حقوق و اضافه کاریش را کامل می گیرد و با افراد شوخی می کند و گاهی دروغ می گوید! آیا می توانیم به ایشان اقتدا کنیم؟

پاسخ

چون از نزدیک با روحانی مذکور آشنا نیستیم و اعمال و رفتار او را ندیده ایم نمی توانیم دربارهٔاو قضاوت کنیم. ولی روحانی باید در نظم وانضباط کاری و در اخلاق اسلامی و تواضع و فروتنی الگوی دیگران باشد. نیز در تقید به حلال و حرام و آداب اسلامی، سرآمد دیگران باشد. در روایت آورده است": عالِمی که به علمش عمل نکند خداوند او را نابینا محشور می گرداند. "قرآن از کسانی که به گفتارشان عمل نمی کنند مذمت می کند".لم تقولون ما لا تفعلون.[۱"] گرچه کلمهٔ عالِم در روایت و این آیهٔ شریفه مخصوص روحانی ها و کسانی که دروس دینی خوانده اند نیست و شامل همهٔ درس خوانده ها می شود ولی روحانیون به این خطاب ها سزاوارتر هستند. بدی و کوتاهی کردن در انجام وظایف و انجام خلاف قانون از آنان بسیار بد و مذموم است. البته روحانیون در ماه محرم و رمضان که ایام تبلیغی است وظیفه دارند به مناطقی که نیاز به روحانی دارد بروند اما باید این دو ماه را مرخصی بگیرند و بعداً جبران نمایند. در سایر ایام باید در انضباط کاری دقیق و قانون مند و منظم باشند. در نماز جماعت باید امام جماعت عادل و با تقوا باشد و مأموم عدالت امام جماعت را احراز کند. البته حُسن ظاهر و ندیدن گناه از او برای احراز عدالت کافی است. اگر شما شخصی را آدم ظاهر الصلاحی دیدید و گناهی از او ندیده باشید می توانید به او اقتدا کنید، ولی اگر گناه از او دیده باشید نمی توانید به او اقتدا کنید. [۱] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، عنوان ۲۸۹۵.

آیا می شود همراه درس دانشگاه، دروس حوزه را خواند و یا به صورت غیر حضوری فقط تابستان شرکت کرد و امتحان داد؟

پرسش

آیا می شود همراه درس دانشگاه، دروس حوزه را خواند و یا به صورت غیر حضوری فقط تابستان شرکت کرد و امتحان داد؟

پاسخ

در خصوص هماهنگی دروس حوزوی و دانشگاهی بیان نکات زیر ضروری است: ۱) علاقه و استعداد: ادامهٔ تحصیل در دانشگاه و حوزه استعداد و قابلیت خاص خودش را می طلبد، زیرا دانشگاه ها زمان ها و کتاب های مخصوص خود را دارند. حوزه های علمیه نیز کتاب های خاصی داشته و زمان خاص خود را می طلبد؛ از این رو باید استعداد و علاقه وجود داشته باشد که بتوان از هر دو مرکز علمی بهره گرفت و علوم حوزوی و دانشگاهی را هماهنگ نمود و هر دو را در عرض هم پیشبرد و اگر نشد، در طول هم ادامه داد. ۲) همخوانی رشته ها: بی تردید برخی از رشته های دانشگاه ها و حوزه های علمیه همسویی ندارد، مانند رشتهٔ اصول فقه در حوزه با رشتهٔ برق و الکتروتکنیک. البته برخی از رشته های حوزوی با علوم و رشته های دانشگاهی همسویی دارد؛ مانند رشتهٔ ادبیات عرب با رشتهٔ ادبیات در حوزهٔ علمیه یا فقه و حقوق با حقوق دانشگاهی. اگر رشته های حوزوی با دانشگاه تا اندازه ای همسویی داشته باشد، می توان ادامهٔ تحصیل را هماهنگ نمود. ۳) شناخت شرایط و معیارهای حوزه: برای تحصیل درحوزه باید شرایط و امکانات و اهداف آن را شناخت. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص شرایط و تحصیل در حوزه باید با مرکز مدیریت حوزه مکاتبه نموده و معیارها و شرایط خویش را با آن مرکز همسو نمایید. ۴) نظریه نهایی: به نظر می رسد با توجه به گستردگی علوم حوزوی و دانشگاهی و عدم موفقیت در تحصیل علوم مختلف، اگر تحصیل در رشته های خاص متمرکز گردد، بهتر است، زیرا چند کتاب از حوزه خواندن و چند کتاب از دانشگاه خواندن، نوعی پراکندگی در تحصیل است که با تحصیلات قانون مند همخوانی ندارد. البته دانشگاهیان با حوزویان می توانند تبادل اطلاعات داشته و از علوم همدیگر آگاهی یابند؛ زیرا در حوزه های علمیه برخی از رشته ها با علوم دانشگاهی همخوانی دارند. از سوی دیگر آشنایی دانشجویان با نظام آموزشی حوزه و آشنای حوزویان با نظام آموزشی دانشگاه بهترین راهکار جهت وحدت حوزه و دانشگاه خواهد بود.

مشتاق مهاجرت به قم و تحصیل در حوزهٔ علمیه هستم، آیا با توجه به وضع این جانب، این کار میسّر است؟

پرسش

مشتاق مهاجرت به قم و تحصیل در حوزهٔ علمیه هستم، آیا با توجه به وضع این جانب، این کار میسّر است؟

پاسخ

برادر گرامی! با آرزوی توفیق و سلامتی برای شما از این که مشتاق تحصیل و سکونت در شهر مقدس قم هستید به شما تبریک می گوییم. پاسخ تمام سؤال های شما در برگهٔ پذیرش و نحوهٔ ثبت نام در حوزهٔ علمیهٔ قم موجود است که برایتان ارسال می شود. اگر

نیاز به پاسخ خاص و یا توضیح بیشتری داشتید، می توانید با شماره تلفن های موجود در برگهٔ ارسالی، یا مرکز مدیریت حوزه تماس بگیرید. البته شرایطی که معمولاً هنگام پذیرش برای هر کاری وجود دارد، نسبت به افراد عادی، روی روال عادی می باشد، ولی در مورد شما مسئله فرق می کند و به کوشش و جدیّت زیادی نیاز دارد، گویا وارد شهری شده اید و باید از صفر شروع کنید و مسائلی چون مسکن، شغل، درآمد و غیره را در نظر بگیرید. در عین حال مقصد و هدفی مترقی و متعالی دارید. امید است با کمک و مدد الهی به آن چه می خواهید برسید. با توجه به این که شاغل هستید می تانید با حوزهٔ علمیهٔ شهرتان تماس بگیرید و دروس حوزه را با استفاده از استاد فرا گیرید.

علاقه به درس خواندن در حوزهٔ علمیه را دارم اما به علت بالا بودن سن مورد پذیرش قرار نگرفتم در صورت امکان راهنمایی نمایید.

پرسش

علاقه به درس خواندن در حوزهٔ علمیه را دارم اما به علت بالا ـ بودن سن مورد پذیرش قرار نگرفتم در صورت امکان راهنمایی نمایید.

پاسخ

خواهر گرامی! حوزهٔ علمیه مانند مراکز فرهنگی دیگر شرایط و ضوابط خاص خود را دارد و یکی از آن ها شرط سنی است. این قانون برای حوزه هایی که تحت برنامه و زیر نظر حوزهٔ علمیه قم هستند، جاری است و حوزه علمیه شهرستان نمی تواند بر خلاف این مقررات عمل نماید. اگر به فراگیری دروس حوزوی علاقه مندید، باید از اساتید و علمای شهرتان استفاده کنید، حتی از خواهرتان که درس می خواند، می توانید یاد بگیرید و یا استاد خصوصی بگیرد و یا از حوزه شهرتان بخواهید به طور غیر رسمی در کلاس درس شرکت کنید و در بخش غیر حضوری جامعه الزهرا شرکت نمایید. این مرکز در قم قرار دارد و با امتحان ورودی افراد را بر می گزیند و به صورت مکاتبه و ارسال کتب و جزوه و نوار، دروس حوزه را در اختیارشان قرار می دهد ولی مدرک معتبری ندارد، گرچه می تواند در اولویت استخدام قرار بگیرد. برای آشنایی شما با این مرکز اطلاعیه ای را ضمیمهٔ نامه می کنیم.

در دانشگاه تحصیل می کنم، اما علاقهٔ خاصی به فراگیری علوم حوزوی دارم، لطفاً نحوهٔ ثبت نام و شرایط آن را ذکر فرمایید.

پرسش

در دانشگاه تحصیل می کنم، اما علاقهٔ خاصی به فراگیری علوم حوزوی دارم، لطفاً نحوهٔ ثبت نام و شرایط آن را ذکر فرمایید.

پاسخ

برادر گرامی! ثبت نام و حضور در حوزهٔ مقدسه قم با محدودیت های خاص همراه است. داشتن سنّ و نمرات درسی مناسب و دیگر شرایط مربوطه، الزامی است. در هر حال تلاش و جدیّت و نیز علاقه ای که به فراگیری تحصیل در حوزه های دینی را دارید،

قابل تحسین و تقدیر است. شما اکنون مشغول تحصیل در دانشگاه می باشید و لازم است از فرصت پیش آمده حداکثر استفاده را بکنید و با توجه به این که دارای روحیهٔ مذهبی و معنوی هستید از این موهبت بهره جسته و در خدمت جامعهٔ اسلامی باشید. در عین حال چون مشتاق تحصیل در حوزهٔ مقدسه اسلامی هستید، می توانید از طریق برگهٔ ارسالی به وضعیت ثبت نام حوزه آشنا شوید و یا با شماره تلفن ۷۷۴۰۹۷۱ ـ ۰۲۵۱ پذیرش حوزهٔ علمیه تماس بگیرید.

چرا مرکز مدیریت حوزهٔعلمیه قم برای طلبه شدن شرایط مشکلی درست کرده است؟

پرسش

چرا مرکز مدیریت حوزهٔعلمیه قم برای طلبه شدن شرایط مشکلی درست کرده است؟

پاسخ

با توجه به زیاد بودن متقاضی تحصیل در حوزهٔعلمیهٔ قم و نبودن امکانات کافی برای پذیرش همه، بهناچار باید برای پذیرش شرایطی باشد تا از بین متقاضیان، واجدین شرایط و صاحب امتیازهای بیشتر و بهتر برای تحصیل گزینش شوند، مانند همهٔ مراکز علمی و دانشگاهی. بنابراین نپذیرفتن همهٔ داوطبان تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ قم به لحاظ نبودن امکانات است، نه به خاطر طرد آنان و نبودن علاقه به تحصیل آنان.

شرایط تحصیل آزاد در حوزهٔ علمیهٔ قم چیست؟

پرسش

شرایط تحصیل آزاد در حوزهٔ علمیهٔ قم چیست؟

پاسخ

تحصیل آزاد هیچ گونه شرطی ندارد. فقط باید هزینه زندگی در قم را از قبیل اجاره خانه و مخارج روزانه، خود محصّل فراهم نماید. یادآوری می شود کسی که مایل به رشتهٔ علوم حوزوی می باشد، بهتر است مقدمات را در شهر و دیار خود تحصیل نماید و برای ادامه تحصیل به قم مشرف شود.

چرا غیر از قم شهر های دیگر از نظام مرکز مدیریت قم خارج است؟

پرسش

چرا غیر از قم شهر های دیگر از نظام مرکز مدیریت قم خارج است؟

پاسخ

شهر های دیگر که دارای مدرسه های علمیه اند، به ویژه مشهد مقدس و اصفهان که نام برده اید، اکثراً زیر نظر مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم می باشد و تحت برنامهٔ این مدیریت اداره می شوند.

دختری هستم بیست و دو سال دارم. ترک تحصیلی سال اوّل دبیرستان می باشم و به خاطر مشکلات مادی و خانوادگی نتوانستم ادامه تحصیل دهم. علاقه دارم در جامعه الزهرا ادامه تحصیل دهم. لطفاً در مورد شرایط ثبت نام توضیحاتی بدهید.

پرسش

دختری هستم بیست و دو سال دارم. ترک تحصیلی سال اوّل دبیرستان می باشم و به خاطر مشکلات مادی و خانوادگی نتوانستم ادامه تحصیل دهم. علاقه دارم در جامعه الزهرا ادامه تحصیل دهم. لطفاً در مورد شرایط ثبت نام توضیحاتی بدهید.

پاسخ

شرکت در حوزهٔ علمیه خواهران (جامعه الزهراء) شرایطی دارد. جهت آگاهی از شرایط و برنامه های جامعه اطلاعیهٔ پذیرش به پیوست ارسال می گردد. در صورت ابهام با شماره تلفنی که داده شده، تماس بگیرید.

طلبه با مدرک سیکل با طلبهٔ با مدرک دیپلم یایهٔ شش حوزه را به اتمام می‌رسانند. آیا هر دو دارای یک مدرک حوزوی هستند یا با هم فرق می‌کنند؟ آیا هر دو را مدرک لیسانس می‌دهند یا تفاوت دارند؟

پرسش

طلبه با مدرک سیکل با طلبهٔ با مدرک دیپلم یایهٔ شش حوزه را به اتمام می‌رسانند. آیا هر دو دارای یک مدرک حوزوی هستند یا با هم فرق می‌کنند؟ آیا هر دو را مدرک لیسانس می‌دهند یا تفاوت دارند؟

پاسخ

طلبه هایی که پایهٔ شش حوزه را اتمام می‌کنند، چه دیپلم و چه سیکل داشته باشند، از نظر مدرک حوزوی یکسان هستند. برای اطلاع بیشتر با شماره تلفن ۴-۷۷۴۰۹۷۱ قسمت مدارج علمی مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم تماس بگیرید.

آیا در قم به طلبهٔ دختر شهریه می‌دهند؟ ماهانه چقدر شهریه می‌دهند؟ آیا به طلابی که متأهل هستند، مسکن می‌دهند؟

پرسش

آیا در قم به طلبهٔ دختر شهریه می‌دهند؟ ماهانه چقدر شهریه می‌دهند؟ آیا به طلابی که متأهل هستند، مسکن می‌دهند؟

پاسخ

به طلاب دختر مقداری شهریه پرداخت می‌کنند. مقدار آن بستگی به سال تحصیلی و درجات علمی دارد. به طلاب متأهل مسکن نمی‌دهند، گر چه فعلاً شهرکی در اطراف قم ساخته شده که با شرایطی به برخی از طلاب متأهل به طور موقت خانه هایی داده می‌شود. برای اطلاع بیشتر به شمارهٔ تلفن ۲۹۲۵۱۱۱ جامعهٔ الزهرا تماس بگیرید.

جهت ارتباط مستمر با حوزهٔ علمیهٔ قم و دفاتر مراجع تقلید و حضرات آیات راهنمایی و مساعدت فرمایید.

پرسش

جهت ارتباط مستمر با حوزهٔ علمیهٔ قم و دفاتر مراجع تقلید و حضرات آیات راهنمایی و مساعدت فرمایید.

پاسخ

می توانید با مرکز مطالعات و پژوهش های مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم به نشانی قم ـ ص . پ ۴۴۶۶ ـ ۳۷۱۸۵ مکاتبه کنید. شماره تلفن دفاتر برخی از مراجع عظام تقلید به شرح زیر است: ۱ـ دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ۷۷۴۶۶۶۶ ـ ۷۴۷۴ ۲ـ دفتر آیت الله فاضل لنکرانی ۷۷۲۰۵۰۰ ۳ـ دفتر آیت الله مکارم شیرازی ۷۷۴۳۱۱۱ ۴ـ دفتر آیت الله نوری همدانی ۷۷۴۱۸۵۰ ۵ـ دفتر آیت الله بهجت ۷۷۰۲۲۲ ـ ۷۷۴۰۲۲۰

لباس روحانیت (عمامه و عبا) از چه زمانی مرسوم شد؟

پرسش

لباس روحانیت (عمامه و عبا) از چه زمانی مرسوم شد؟

پاسخ

در حوزهٔ تعلیماتی اسلام در خصوص چگونگی گزنیش لباس و انتخاب رنگ آن شرایط و آداب خاص پیش بینی شده است در برخی از روایات به پوشیدن برخی از لباس‌ها سفارش شده است بزرگان دینی نیز از آنها بهره می گرفتند تا به عنوان سنت پذیرفته گردند و مقبول جامعه شود. از جمله لباس هایی که در آموزه‌های دینی بدان سفارش شده عمامه است پیامبر اسلام (ص فرمود:

"تفاوت میان ما و مشرکان عمامه روی کلاه است . از جابر نقل شده است که چون پیامبر (ص در فتح مکه وارد شهرشد، عمامه سیاه بسر داشت همچنین از پیامبر (ص گزارش شده است که در روی غدیر عمامه‌ای برسر علی (ع بست و دور سر آن را بین دو کتف او رها نمود. بزرگان دین و علمای اسلامی و حتی مردم عادی در طول تاریخ از عمامه استفاده می کردند، اگر چه رنک پارچه و نحوهٔ بهره گیری از آن به حسب شرایط زمان و مکان تفاوت داشته است تاید بر اساس سفارش معصومان (ع ، بوده است که علمای دین از عمامه بهره گرفته‌اند. امروزه روحانیت از عمامه استفاده می کنند تا عملاً اثبات کنند که به پیامبر اسلام و معصومان دیگری اقتدا نموده‌اند. از سوی دیگر عمامه یکی از شاخصه هایی به حساب می‌آید که بوسیله آن می‌توان کارشناسان و متخصصان دین را شناخت پوشیدن این لباس موجب می‌شود که روحانیت شناخته شده و مردم مسایل دینی و شرعی خویش را از آنان پرسیده و احکام اسلامی را از آنان یادگیرند. از جهت دیگر به جهت شباهت رساندن به لباس پیامبر در جامعه از قداست بر خوردار است پوشیدن عمامه اختصاص به روحانیت ندارد، بلکه افراد دیگر جامعه نیز از آن استفاده می کنند. امروزه در برخی از روستاهای ایران از عمامه استفاده می کنند، حتی در جوامع دیگر از عمامه استفاده می کردند اگر چه استفاده از آن رواج و گسترش نیافت استفاده از عبا نیز پیشینهٔ طولانی دارد. میان اعراب به خصوص اعراب بدوی بهره گیری از عبا رواج داشته و در کشورهای اسلامی بویژه کشورهای عربی نیز رایج است حتی برخی از زنان عرب از آن استفاده می کنند. در ایران عبا از نشانه‌های علمای دین به حساب آمده و معمولاً آن‌ها از این لباس استفاده می کنند.

در حوزه علمیه قم خواهران تا چه سطحی تحصیل می‌کنند؟ آیا شهریه می گیرند؟

پرسش

در حوزه علمیه قم خواهران تا چه سطحی تحصیل می کنند؟ آیا شهریه می گیرند؟

پاسخ

حوزه علمیه خواهران مثل حوزه علمیه برادران سطح خاصی ندارد. هر طلبه‌ای با توجه به شرایط خودتا جایی که استعداد و ظرفیت دارد، می‌تواند درس را ادامه دهد. اما بعضی مراکز حوزوی مانند جامعهٔ الزهراء دوره‌های خاصی را برای تحصیل خواهران در نظر گرفته‌اند، مثل دورهٔ چهار ساله برای خواهرانیکه به طور حضوری به تحصیل می‌پردازند و دورهٔ هفت ساله برای کسانی که به صورت غیر حضوری از طریق نوار و جزوه به تحصیل می‌پردازند. البته برای طلبه‌هایی که حضوری درس می‌خوانند، مسکن و شهریه در نظر گفته شده است

اینجانب با مدرک لیسانس معارف الهی" الهیات "مشغول انجام وظیفه هستم. آیا می توانم دروس حوزوی بخوانم و مدرک فوق لیسانس یا دکترا بگریم! اگر می توانم در کجا و با چه شرایطی؟

پرسش

اینجانب با مدرک لیسانس معارف الهی" الهیات "مشغول انجام وظیفه هستم. آیا می توانم دروس حوزوی بخوانم و مدرک فوق

لیسانس یا دکترا بگریم! اگر می توانم در کجا و با چه شرایطی؟

پاسخ

خواندن دروس حوزوی برای همگان آزاد است. می توانید همراه با کارتان درس های حوزوی را بخوانید. برای این کار در شهرتان اگر حوزهٔ علمیه هست یا عالِم و روحانی با سوادی هست، می توانید با هماهنگی او درس های حوزوی را بخوانید. اگر درس های حوزوی را خوب بخوانید، به راحتی و آسانی می توانید در امتحان کارشناسی ارشد دانشگاه شرکت کرده و قبول شوید و مدرک فوق لیسانس یا دکترا از دانشگاه بگیرید.برای اطلاعات بیشتر در این زمینه با مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم به شماره ۷۷۴۰۹۶۶ و ۴ ـ ۷۷۴۰۹۱۷ تماس بگیرید.

اگر بخواهیم دروس حوزوی را بخوانیم، از چه طریقی ممکن است؟ در صورتی که شاغل باشیم چطور

پرسش

اگر بخواهیم دروس حوزوی را بخوانیم، از چه طریقی ممکن است؟ در صورتی که شاغل باشیم چطور

پاسخ

تحصیل دروس حوزوی از دو طریق ممکن است: ۱ – طبق مقررات و شرایط مدیریت حوزه‌های علمیه که شرایط آن همه ساله در روزنامه‌ها اعلام می‌ود؛ نیز می‌توانید از حوزه علمیه محل سکونت خود سؤال بفرمایید. ۲ – آزاد. بدین صورت که به حوزه علمیه محل سکونت خود مراجعه نموده و با هماهنگی یکی از اساتید روحانی تحصیل را شروع کنید، یا مراکزی که به صورت غیر حضوری ثبت نام می‌کنند و امکانات را در اختیار شخص قرار می‌دهند.

چگونه می‌توانم از دروس حوزوی بهره‌مند شوم؟ آیا با وجود داشتن لیسانس می‌توانم در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مکاتبه‌ای دروس حوزوی بخوانم؟

پرسش

چگونه می‌توانم از دروس حوزوی بهره‌مند شوم؟ آیا با وجود داشتن لیسانس می‌توانم در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مکاتبه‌ای دروس حوزوی بخوانم؟

پاسخ

افرادی که لیسانس دانشگاهی دارند، برای فراگیری دروس حوزوی باید از ابتدا شروع کنند، یعنی حوزه لیسانس را به منزله مقطع

کارشناسی حوزه نمی‌شناسد تا به مقطع کارشناسی ارشد راه یابند. بنابراین افرادی که لیسانس دارند، با افرادی که دیپلم دارند، از نظر حوزه یکسان‌اندو طبق برنامه باید دروس منظور شده را پشت سر بگذارند. اگر به دروس حوزه علاقه‌مندید می‌توانید به صورت انفرادی عمل نمایید، به این شکل که با استادی از حوزه هماهنگ کنید و در درس ایشان حاضر شوید و یا به طور مستمع آزاد از دروس ایشان استفاده نمایید. حوزه علمیه برادران برنامه مکاتبه‌ای برای داوطلبان ندارد و همه مراحل حضوری انجام می گیرد.

اینجانب دانشجویی ۲۴ ساله‌ام و الحمدللّه از نظر شغلی و معیشتی مشکلی ندارم. علاقه مند به تحصیل در حوزه می‌باشم، ولی به علّت سن زیاد، قادر به تحصیل در دوره روزانه نمی‌باشم. خواهشمندم در خصوص چگونگی تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه، بدون توجّه به مدرک و شهریه ا

پرسش

اینجانب دانشجویی ۲۴ ساله‌ام و الحمدللّه از نظر شغلی و معیشتی مشکلی ندارم. علاقه مند به تحصیل در حوزه می‌باشم، ولی به علّت سن زیاد، قادر به تحصیل در دوره روزانه نمی‌باشم. خواهشمندم در خصوص چگونگی تحصیل غیر حضوری در حوزه علمیه، بدون توجّه به مدرک و شهریه اینجانب را راهنمایی فرمایید.

پاسخ

برادر بزرگوار! ضمن تقدیر و تشکر از اعتماد و مکاتبه شما با این مرکز و آرزوی توفیق و موفقیت بیشتر برای شما از درگاه حضرت احدّیت. با توجه به شوق و علاقه‌ای که در شما نسبت به تحصیل در حوزه علمیّه و استفاده معنوی و علمی از حوزه وجود دارد، پیشنهاد می کنیم در وهله اوّل به حوزه علمیه شهر یا مرکز استان خودتان مراجعه نموده و در این خصوص با علما و مسئولان محترم حوزه آنجا صحبت و مشورتی داشته باشید. اگر بخواهید از مباحث علمی و دینی حوزه علمیه قم استفاده بیشتری را ببرید، بعضی از مؤسسات و مراکز، همانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (که تحت نظر حضرت استاد آیة اللّه مصباح یزدی اداره می‌شود) وجود دارد که به صورت غیر حضوری و پاره وقت و از طریق آزمون و امتحان، اقدام به جذب افرادی همانند شما می‌نماید. برای پی بردن بیشتر به جزئیات این مراکز می‌توانید با شماره مرکز مدیریّت حوزه علمیه قم ۷۷۴۰۹۷۱-۴ -۰۲۵۱ معاونت آموزش و یا پذیرش، تماس حاصل فرمایید.

در حال اتمام تحصیلات دانشگاهی هستم و علاقه‌مند به گذراندن دروس حوزوی مخصوصاً فقه و فلسفه هستم. اوّلاً ورود به حوزه چه شرایطی دارد و چه مراحلی را باید گذراند، ثانیاً آیا با تحصیلات حوزوی، اشتغال به کار در رشته تحصیلاتم برایم مقدور است؟

پرسش

در حال اتمام تحصیلات دانشگاهی هستم و علاقه‌مند به گذراندن دروس حوزوی مخصوصاً فقه و فلسفه هستم. اوّلاً ورود به حوزه چه شرایطی دارد و چه مراحلی را باید گذراند، ثانیاً آیا با تحصیلات حوزوی، اشتغال به کار در رشته تحصیلاتم برایم مقدور است؟

پاسخ

برادر گرامی! از ارتباط و اعتماد شما تشکر می‌کنیم. پذیرش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم هر سال همزمان با ثبت نام از دانش‌آموزان و دانشجویان در سطوح مختلف، تعدادی از فارغ التحصیلان دانشگاه را که دارای مدرک کارشناسی هستند، پذیرش می‌کند. می‌توانید به مرکز فوق مراجعه کنید واطلاعات و فرم ثبت نام را دریافت دارید، یا با شماره تلفن ۷۷۴۰۹۶۶ و ۷۷۴۰۹۷۱-۴ تماس بگیرید.

حوزه علمیه نجف توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شد؟

پرسش

حوزه علمیه نجف توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شد؟

پاسخ

حوزه علمیه نجف توسط شیخ‌الطایفه، محمد بن حسن طوسی، در سال ۴۴۷ یا ۴۴۹ هجری قمری تأسیس شد. توضیح این که در سال ۴۴۷ طغرل بیک سرسلسله سلجوقیان به بغداد حمله کرد و بر دولت بویهیان (آل‌بویه) پیروز گردید. لشکر ترکان سلجوقی به محله‌های شیعه‌نشین بغداد، از جمله محله‌های "کرخ "یورش بردند. کتابخانه مهم شیخ‌الطایفه را که در این محله بود به آتش کشیدند که ضربه سهمگین بر فرهنگ اسلامی و شیعی به شمار می‌آید. شیخ طوسی با ستم‌های فراوان ترکان سلجوقی نتوانست در آن جا بماند و به فعالیت‌های فرهنگی خویش بپردازد؛ ناچار به جوار مرقد امام علی(ع) نجف اشرف هجرت نموده بعد از هجرت ایشان به نجف و برقراری کرسی تدریس، طالبان علوم و معارف اسلامی از هر سو به نجف رو آوردند. از آن تاریخ تاکنون حدود هزار سال می‌گذرد، حوزه علمیه نجف یکی از مهم‌ترین حوزه‌های علمیه شیعه به شمار می‌آید.(۱) پی‌نوشت‌ها: ۱ - غلام حسین مصاحب، دائرةالمعارف فارسی، ج۳، ص ۳۰۱۱؛ عباس علی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۳۲ و ۳۳. حوزه علمیه قم در چه تاریخی تأسیس شد؟ پاسخ: در مورد شهرستان قم اجمالاً به اطلاع می‌رسانیم: در قرن اول اسلامی قبیله اشعری که خاندان بزرگی از شیعیان یمن بودند و نسبت به خاندان پیامبر اسلام(ص) مهرورزی داشتند، به جهت ظلم حاکمان ستمگر به قم مهاجرت نمودند و یا تبعید شدند. از این پس قم به عنوان آشیانه آل محمد و یکی از مراکز علم و حدیث و معارف شیعی نمودار گشت و از همان قرن‌های اول عالمان بزرگی همانند ابن بابویه، شیخ صدوق، ابن قولویه، علی بن ابراهیم قمی ذکریا ابن آدم از این شهر برخاستند و یا رحل اقامت افکندند. از آن تاریخ تاکنون، همواره و در هر عصری شهر قم از رجال علمی و دینی بهره‌مند بوده، اما با این همه خصوصیات، در تاریخ دیده نشده است که قم در قبال حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف مستقلاً مرکز دانش به شمار آید. تا این که در سال ۱۳۳۷ هجری قمری مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد بافقی از نجف اشرف به قم مهاجرت نمود و از عالمان بزرگ شهر خواست که به تأسیس حوزه علمیه قم مبادرت ورزند. آنان از این خواسته امتناع نمودند و گفتند: ما در این کار پیش قدم نمی‌شویم، اما اگر فرد برجسته‌ای از نظر علم و تقوا از خارج قم به این شهر مهاجرت نماید و به تأسیس حوزه علمیه اقدام نماید، کمکش کرده و از حمایت او دریغ نمی‌ورزیم. مرحوم بافقی پیشنهاد نمود که از آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی که

در شهرستان اراک به تدریس علوم دینی مشغول بود، رسماً دعوت به عمل آید که به قم هجرت نماید و حوزه علمیه قم را تأسیس کند. علمای قم از این پیشنهاد استقبال کردند ایشان را. ایشان در سال ۱۳۴۰ هجری قمری برابر با ۱۳۰۱ هجری شمسی به قم هجرت نمود.(۱) درپی آن علمای دیگر نیز به قم آمدند و امر تعلیم و تربیت و فقه در حوزه علمیه قم رواج یافت. تاکنون حوزه علمیه قم به عنوان یکی از حوزه‌های علمیه بزرگ شیعه در نورافشانی و هدایت جهان اسلام نقش بزرگی دارد. نتیجه این که: حوزه علمیه قم در سال ۱۳۴۰ هجری قمری تأسیس شده ومؤسس آن مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی است. پی‌نوشت‌ها: ۱ - آثار الحجة، محمد رازی، ص ۱۳ - ۱۵.

تفاوت بین ثقةالاسلام، حجةالاسلام، آیت‌الله و آیت الله العظمی چیست؟ آیا رسیدن به این درجات بدون حضور در کلاس امکان‌پذیر است؟

پرسش

تفاوت بین ثقةالاسلام، حجةالاسلام، آیت‌الله و آیت الله العظمی چیست؟ آیا رسیدن به این درجات بدون حضور در کلاس امکان‌پذیر است؟

پاسخ

در طول تاریخ همواره و هر زمان گروهی از مردم از خدا و دین از ارزش‌های دینی حمایت کرده و خود را وقف نشر و تبلیغ و دفاع از دین نموده‌اند. قرآن از این گونه افراد و کلیه کسانی که حامی دین بوده‌اند" ربی "و" ربّیون "تعبیر کرده": و کاین من نبیّ قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله؛(۱) چه بسیار پیامبرانی بودند که به کمک آنان انسان‌های فراوان شتافتند، پس در مصیبت‌هایی که به آنان وارد شده است سست نشده‌اند و استقامت ورزدند. در جای دیگر می‌فرماید": کسانی که رسالت‌های الهی را تبلیغ می‌کنند و از خدا می‌ترسند و به جز او از هیچ کس هراسی ندارند.("۲) این گونه افراد همواره مورد احترام متدینان بوده‌اند و آنان را به نام ثقةالاسلام یا حجةالاسلام یا آیت‌الله احترام کرده‌اند. این تعبیرها از سوی مردم به عنوان احترام و تکریم بوده و همه این الفاظ حاکی از احترام است. در زمان ما برای عالمانی که کمتر علم دارند، تعبیر حجةالاسلام یا ثقةالاسلام می‌کنند. برای افرادی که مجتهد و صاحب نظر در مسایل دینی شده باشند، آیت الله و برای آنان که عالم‌تر و به درجه مرجعیت رسیده‌اند، آیت الله العظمی اختصاص می‌دهند. این عنوان‌ها بیانگر مقام و منصب خاصی نیست. برای رسیدن به مراتب علمی حوزوی باید سالیان دراز به درس و بحث و تدریس مشغول بود و بدون شرکت در کلاس‌های درس و بدون مباحثات علمی، رسیدن به این درجات علمی ممکن نیست. پی‌نوشت‌ها: ۱ - آل عمران(۳) آیه ۱۴۶. ۲ - احزاب (۳۳) آیه ۳۹.

اینجانب با داشتن کارشناسی چگونه می‌توانم در حوزه‌های علمیه تحصیل کنم؟

پرسش

اینجانب با داشتن کارشناسی چگونه می‌توانم در حوزه‌های علمیه تحصیل کنم؟

پاسخ

اگر سنّ و سال شما زیاد نیست، می‌توانید در امتحان ورودی حوزه‌ها (تارخ آن رادر روزنامه‌ها اعلام می کنند) شرکت کنید. اگر قبول شدید بعد از مصاحبه‌ای ، شما را برای تحصیل در حوز ?علمیه می‌پذیرند. البته باید دارای شرایط مندرج در اطلاعی ?پذیرش باشید. می‌توانید به طور آزاد با هماهنگی یکی از مدارس علمی ?شهرتان یا با یک روحانی، درس‌های حوزوی را بخوانید، در ضمن به شغل و کار خود نیز مشغول باشید. جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۷۴۰۹۷۱ - ۷۷۴۰۹۶۶ شورای مدیریت حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پرسش

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پاسخ

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دار... شخصی که طلبه می‌شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس ، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند. البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده‌اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا ناآگاهانه موجب بد گمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی‌شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می‌آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می‌شود ، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می‌بایست‌در این راه قاطعانه‌تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی‌های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند. نیز باید یادآوری کرد افراد و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می‌پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری. پس به خاطر حرف دیگران نباید از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسلام و یاد خدا و آخرت می‌باشد. در این شرایط که زخم زبان‌ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می‌شود که اگر برای خدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می‌توان از دین اسلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی‌تواند مورد قبول باشد. از مهم ترین آفات این تفکر، جدایی انداختن بین دین و روحانیت است واین فکر اشتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می‌آموزند.

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

اشاره

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است. ۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه‌اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی‌کند. ۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عص

پرسش

فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟ ۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است. ۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه‌اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی‌کند. ۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم.

پاسخ

از احادیث موجود در کتب روایی شیعه و سنّی استفاده می‌شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت معصومان ع) است؛ از آن جمله: ۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم(ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکّه عمامه‌ای مشکی بر سر داشت.(۱) علی(ع) فرمود": رسول خدا(ص) در روز عید غدیر، عمامه‌ای بر سرم گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه فرمود": خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمّم بودند.("۲) ۲- اصبغ بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین(ع) به شمار می‌رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی(ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت.(۳) ۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعهٔ بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعه را به حضور علی(ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر(ع) فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت. ربیعه (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض‌آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر(ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛ امیرالمؤمنین(ع) (با بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعه) عبای خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید.(۴) بنابراین از مجموع روایات می‌توان نتیجه گرفت: پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت پیامبر و امامان(ع) را تشکیل می‌دهد. تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنّت پیامبر(ص) و امامان(ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش‌های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی وانتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می‌شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می‌کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد. پاسخ سومین سؤال فرعی: در سؤال مطرح کرده‌اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط

به بیان و تشریح یک روایت می‌پردازیم: حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق(ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته‌اند که علی(ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می‌پوشیده و شما را می‌بینیم که لباسی نیکو پوشیده‌اید. امام صادق(ع) در پاسخ این اعتراض فرمود": علی بن أبی طالب علیه السّلام لباس با آن ویژگی‌ها را در زمانی می‌پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی‌آمد، امّا امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می‌شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است."(۵) این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آید، نفی کرده است. امّا آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین(ع) شباهت داشته و به لباس‌های سنّتی ایرانیان نیر شباهت بیشتری دارد. پی نوشت‌ها: ۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶. ۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴. ۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹. ۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲. ۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

چگونه می توان همزمان در دانشگاه و حوزه تحصیل نمود؟

پرسش

چگونه می توان همزمان در دانشگاه و حوزه تحصیل نمود؟

پاسخ

ثبت نام و حضور در حوزهٔ مقدسه قم با محدودیت های خاص همراه است. داشتن سنّ و نمرات درسی مناسب و دیگر شرایط مربوطه، الزامی است. در هر حال تلاش و جدیّت و نیز علاقه ای که به فراگیری تحصیل در حوزه های دینی دارید، قابل تحسین و تقدیر است. اکنون مشغول تحصیل در دانشگاه می باشید و لازم است از فرصت پیش آمده حداکثر استفاده بکنید. با توجه به این که دارای روحیهٔ مذهبی و معنوی هستید از این موهبت بهره جسته و در خدمت جامعهٔ اسلامی باشید. در عین حال چون مشتاق تحصیل در حوزه هستید، می توانید با شماره ۷۷۴۰۹۷۱ ۰۲۵۱ پذیرش حوزهٔ علمیه تماس بگیرید.

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پرسش

بعضی از افراد به کسانی که طلبه می‌شوند، توصیه می کنند لباس نپوشند و با همین لباس عادی تبلیغ کنند. دلیل آن افراد این است که مردم به این لباس بدبین شده اند؛ چگونه باید به این شبهه پاسخ داد؟

پاسخ

اگر چه پوشیدن یا نپوشیدن لباس طلبگی ارتباطی به شخصیت حقیقی افراد ندارد، نیز تأثیری بر آن نخواهد گذارد، اما به عنوان نماد و ابزار تبلیغ، کاربرد وسیعی دارد. شخصی که طلبه می‌شود، اگر بخواهد تبلیغ دین کند با پوشیدن این لباس مقدس ، خود را به عنوان عالم به احکام و معارف دینی معرفی می کند تا بشناسند و بدانند احکام اسلامی و اصول و فروع دین را باید از چه کسی بیاموزند. البته در این بین هستند کسانی که خودسازی نکرده‌اند و با پوشیدن لباس طلبگی، از این موقعیت سوء استفاده می کنند یا ناآگاهانه موجب بد گمانی دیگران می شوند، با این حال دلیل نمی‌شود شخصی که به خاطر تبلیغ اسلام به طلبگی رو می‌آورد و به این هدف مقدس ایمان و اعتقاد دارد، به خاطر عملکرد غلط بعضی که منجر به سوء ظن افراد شده یا می‌شود ، از پوشیدن لباس روحانی منصرف شود، بر عکس، چنین فردی می‌بایست‌در این راه قاطعانه‌تر عمل کند تا با الگو شدن نزد مردم، نقایص و کاستی‌های دیگر هم صنفان خود را جبران کند. به عبارت دیگر افراد شایسته باید این لباس را بپوشند، تا شأن و مقام روحانیت و ارزش این لباس حفظ شود. کنار رفتن افراد شایسته ، به معنای تأیید کار کسانی است که احیاناً از این لباس استفاده نامطلوب می کنند. نیز باید یادآوری کرد افراد و شخصیت های با عظمتی چون حضرت امام را که هیچ کس حداقل در قرن اخیر به پایه او نرسیده است. او همین لباس را می‌پوشید و یا مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری. پس به خاطر حرف دیگران نباید از ادامه کار مأیوس شد. لباس روحانیت دارای پیام است و آن، دعوت به اسلام و یاد خدا و آخرت می‌باشد. در این شرایط که زخم زبان‌ها زیاد شده، پوشیدن لباس روحانیت یک نوع مجاهده با نفس حساب می‌شود که اگر برای خدا باشد، ثواب دارد. این تصور که بدون این لباس، بهتر می‌توان از دین اسلام تبلیغ کرد، به دلائل متعدد نمی‌تواند مورد قبول باشد. از مهم ترین آفات این تفکر، جدایی انداختن بین دین و روحانیت است واین فکر اشتباه که مردم معارف و حقایق دین را از شخص غیر روحانی بهتر و صحیح تر می‌آموزند.

منظور از دور ?غیر حضوری پنج سال ?کوتاه مدت حوز ?علمیه چیست؟

پرسش

منظور از دور ?غیر حضوری پنج سال ?کوتاه مدت حوز ?علمیه چیست؟

پاسخ

طرحی در حوز ?علمیه قم به عنوان" سفیران هدایت "وجود دارد که گروهی از طلاب به مدت پنج سال تحت آموزش فشرده برای اعزام به مناطق و شهرها و روستاها اجرا می‌شود. این دوره حضوری است، نه غیر حضوری، امّا آنچه به عنوان تحصیل غیر حضوری بیان شده، تنها مربوط به تحصیل سطح خاصی از حوزه است بر اساس سطح بندی صورت گرفته در حوزه که به صورت پایه درسی، تعریف شده، فقط از پای ?۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ را می‌توان به صورت غیر حضوری شرکت کرد. ولی از پای ?۱ تا ۷ باید حتماً در حوزه به صورت حضوری باشد. جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۷۴۰۹۷۱ داخلی ۲۴۹ بخش آموزش تماس حاصل نمایید.

جامعه منهای روحانیت به چه معناست و چه کسانی این شعار را می‌دهند

پرسش

جامعه منهای روحانیت به چه معناست و چه کسانی این شعار را می‌دهند

پاسخ

جامعه منهای روحانیت یعنی جامعه‌ای که روحانیت در آن محدود و محصور و کنار گذاشته شده باشد و دخالتی در حکومت و سیاست آن جامعه نداشته باشد. این شعار همه کسانی است که با ((حاکمیت دینی)) در جامعه مخالف هستند. نیروهای ضد دین و خدا ؤ نیروهای ملی مذهبی که دین را برای اداره جامعه نمی‌دانند و تفکر جدایی دین از سیاست دارند هم صدا با دشمنان این شعار را کم و بیش داشته‌اند.

مقاله آقای دکتر سروش درباره حریت و روحانیت که در کیان ۲۴ چاپ شده تا چه اندازه درست است ؟

پرسش

مقاله آقای دکتر سروش درباره حریت و روحانیت که در کیان ۲۴ چاپ شده تا چه اندازه درست است ؟

پاسخ

سخنرانی فرد مذکور (آقای سروش) که درمجله کیان ش۲۴ چاپ گردیده از جهات مختلفی خدشه‌پذیر است. البته چیزی که مارا از نقد جامع آن بی‌نیاز می‌سازد فرومایگی عقلانی و علمی شدید آن است. به گونه‌ای که هرخواننده‌ای به روشنی می‌تواند اشکالاتی چند از آن را دریابد. در این جا تنها به پاسخ جملاتی چند که در نامه جناب عالی نقل گردیده بسنده می‌کنیم: «کاری را که پیامبران بی‌اجر و مزد انجام می‌دادند روحانیون وسیله امرار معاش قرارداده‌اند». ۱ در این سخن بین دو نکته تمایز نهاده نشده است: الف) چیزی را وسیله ارتزاق قراردادن ب) ارتزاق جبری ازاشتغال به چیزی. توضیح: الف) وسیله قراردادن چیزی برای ارتزاق به این معناست که ابتدا انسان هدف را کسب منافع مادی (مثلا درآمد اقتصادی) قرار دهد و برای نیل هر چه بهتر و بیشتر بدان راهی را برگزیند. مانند اینکه رشته پزشکی را انتخاب کند به دلیل آن که پول‌سازتر است. در این جا قداست این رشته و اهمیت آن در خدمت به جامعه مورد نظر نیست. بلکه از آغاز هدف درآمد مادی است و آن علم تنها وسیله و آلت برای رسیدن به پول است. ب) ارتزاق جبری از اشتغال به این معناست که شخص به جهت اشتغال دائمی به چیزی نهایتا از همان طریق کسب معیشت کند هر چند هدفش ارتزاق نباشد. در همان مثال فوق می‌توان پزشکی را مثال زد که عمری برای خدمت به جامعه تلاش می‌کند و هدفی نیز جز خدمت ندارد. ولی در عین حال وسیله کسب روزی و نیازهای مادی‌اش نیز از همین طریق است. در دو مثال فوق اصل ارتزاق از معیشت مشترک است. در عین حال شکل اول آن امری غیر اخلاقی و ناستوده است و شکل دوم آن اخلاقی و مورد ستایش. اکنون باید دید در مورد روحانیت کدامیک از دو مورد فوق صدق می‌کند: الف) اگر ایشان مدعی باشند که حرکت روحانیت از قسم اول است بهترین دلیل بر رد آن شیوه و سلوک روحانیت در اعصار مختلف تاریخی است تا آنجا که ما اطلاع داریم حتی افرادی از روحانیت که تا حدودی از زی روحانی فاصله گرفته‌اند نیز به جهت در آمد مادی به سمت روحانیت نگرویده‌اند و بسیار کمیاب و نادرند عناصری که از پی دنیای مادی به سمت علوم دینی بگروند و با دین تجارت دنیا کنند ب) اگر مقصود ایشان ارتزاق به نحو

دوم باشد باید گفت چنین چیزی واقعیت دارد بالاخره روحانیت همان طور که چوب دین را خورده و برایش در طول تاریخ شکنجه‌ها دیده و زجرها و تبعیدها و زندانها و بر سر دار رفتن‌ها را تحمل کرده به ناچار لقمه نانی نیز در کنار آن خورده است اما این نه تنها مذموم و ناپسند نیست بلکه ضرورتی گریز ناپذیراست و برای تغییر آن تاکنون هیچ طرحی معقول به دست نیامده است زیرا: ۱) یا باید امر تبلیغ دین را به موجوداتی ذاتا فاقد نیازهای مادی و معیشتی واگذار گردد یعنی ملایک آسمان این رسالت را به عهده گیرند و بار این تکلیف گران را از دوش عالمان دین برگیرند چنین چیزی محال است. ۲) عالمان دین و روحانیون به تمام نیازهای مادی خویش پشت پا زنند و در دنیا به روی خود بندند هر چند مرگ آنان در رسد و جان به جان آفرین تسلیم کنند چنین چیزی نیز خلاف عقل و دین است. ۳) بساط روحانیت و تحقیقات و پژوهشها و تبلیغات دینی را برچید که این نیز خلاف نص آیه شریفه قرآن است آنجا که می‌فرماید : فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی‌الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم ... (توبه۱۲۲) ۴) نیازهای روحانیون از طریق نهاد یا سازمانی دولتی یا مستقل تامین شود که این نیز سرانجام همان ارتزاق از دیناست و مطلوب صاحب مقاله حریت و روحانیت نیست. ۵) طرحی که مطلوب آقای سروش می‌باشد آن است که عالمان و مبلغان دین از طرق دیگری به کسب روزی بپردازند مثلا به حرفه‌ای لزوما غیر دینی اشتغال یابند و در کنار آن به تحقیق و فعالیتهای دینی نیز بپردازند امتیاز این روش به نظر ایشان آن است که پاک باختگان و عاشقان به کسوت تبلیغ دین درخواهند آمد و سوداگران از این جلگه رخت برخواهند بست لیکن مشکل اساسی آن است که گستردگی و فراخنای علوم اسلامی چنان است که اکثر عالمان دین با آنکه تمام عمر خویش را قعرپیمایی در ژرفنای این اقیانوس بی‌کران نموده وتا آخرین لحظات حیات خود با زحمات شبانه‌روزی به تحقیق و پژوهش می‌پردازند باز خود را در برابر فضای بی‌منتهایی می‌بینند که رسیدن به بلندای آن عمری چند هزار ساله می‌طلبد و همه این تلاشها در برابر آن ناچیز و کم مقدار است بنابراین روش پیشنهادی فوق ثمری جز ناکام گذاردن و رها کردن تحقیقات و فعالیتهای ژرف دینی و تنها به چند مساله سطحی و عامیانه پرداختن و ره سپردن به سوی پیشنهاد سوم چیز دیگری نیست. افزون بر مطالب بالا نقوض و ایرادات دیگری بر سخن ایشان وارد است از جمله: ۱) ایشان ارتزاق از دین را چنان که در پایان مقاله اشاره کرده‌اند تنها به درآمد اقتصادی نمی‌دانند بلکه موقعیت اجتماعی و سیاسی و ... را نیز جزء آن می‌شمرند در حالی که یافتن موقعیت برتر اجتماعی در پرتو علم دینی در جامعه دینی امری طبیعی است. ۲) خود ایشان نیز از طریق مباحث دینی که انجام داده و به چاپ رسانده‌اند علی‌القاعده درآمدهایی دارند البته این درآمدها مشروع است و مذموم نیست ولی در عین حال نقض نظریه خودشان است ۳) قیاس مساله انبیا با عالمان دین مع‌الفارق است زیرا آنان نیازمند کسب علوم دین از طریق آموزش و تعلم و صرف وقت نبوده‌اند برخلاف عالمان دین که تمام عمر خود را باید بر سر آن صرف نمایند. ۴) حتی انبیا نیز بعضا از طریق دین کسب معیشت نموده‌اند چنانکه در مقررات مالی اسلام برخی از حقوق مقرره مربوط به پیامبر(ص) و امامان(ع) بوده و بعضا در نیازهای شخصی آنان صرف می‌شده ۵) بسیاری از علوم و فنون دیگر در زمانهای گذشته راه ارتزاق نبوده ولی امروزه با گسترش نهادهای اجتماعی و تفکیک و تخصصی شدن فعالیتها و مهارت ها منشا ارتزاق گردیده است «روحانیون به خاطر ارتزاق خود مجبورند چنان سخن بگویند که عوام را ازخود نرنجانند» بهترین پاسخ به این سخن تاریخ زندگی علما مبلغین و دانشمندان اسلامی در طی قرون و اعصار متمادی است همین افتخار برای روحانیت شیعه بس که همواره در جهت پاسداری از دین و بیان حقایق آن بیشترین سختیها و دشواریها را به جان خریده و بیشترین شهدا را در راه اعتلای کلمه الله تقدیم داشته است و هیچ چیز آنان را از حق‌گویی باز نداشته است. برای آگاهی بیشتر ر ک به : ۱- شهدأ الفضیله علامه امینی ۲- یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی عقیقی بخشایشی ۳- دیدار با ابرار ج ۱۹۰ چاپ سازمان تبلیغات اسلامی البته در میان روحانیون و مبلغین افرادی نیز بوده و هستند که می‌کوشند مطابق سلیقه توده‌ها سخن بر زبان رانند اما چنین روندی وجه غالب روحانیت انسان که گوینده آن مقاله پنداشته نیست.{J

در مورد چگونگی تحصیل فلسفه در حوزه و مدت زمان آن توضیح دهید؟

پرسش

در مورد چگونگی تحصیل فلسفه در حوزه و مدت زمان آن توضیح دهید؟

پاسخ

دروس فلسفه در حوزه علمیه قم پس از تکمیل دروس ادبیات عرب منطق صوری گذراندن مقداری از علم اصولفقه و کلام می‌باشد. در میان دروس ذکر شده منطق برای آشنایی بافلسفه ضرورت کامل دارد. هم چنین برای خواندنفلسفه اسلامی تسلط کافی به زبان عربی نیز لازم است. مقدار زمان لازم برای فراگیری فلسفه بستگی به میزانآگاهی‌هایی دارد که شخص در جست و جوی آن است. یعنی اگر کسی آشنایی نسبی با فلسفه اسلامی و امتیازات آننسبت به برخی از دیگر فلسفه‌ها داشته باشد سه الی چهار سال کافی است. لیکن کسی که در پی کسب تخصص واحاطه و تبحر در این فن است باید تلاشی پایان ناپذیر نماید و حداقل ده سال تلاش و تکاپوی جدی نیاز دارد. اما اینکه کیفیت تدریس فلسفه در حوزه بالاتر است یا دانشگاه؟ شاید بتوان گفت: فلسفه اسلامی در حوزه بهتر تدریسمی‌شود. البته تدریس فلسفه غرب در دانشگاه‌ها رواج بیشتری داشته است لیکن پس از انقلاب در مراکز تحقیقی حوزهنیز با همکاری اساتید حوزوی و دانشگاهی کوشش‌های گسترده‌ای در جهت تدریس تطبیقی فلسفه‌های مختلف بهعمل آمده است.{J

آیا اگر حوزه به علوم طبیعی و ریاضی مجهز شود بهتر نیست ؟

پرسش

آیا اگر حوزه به علوم طبیعی و ریاضی مجهز شود بهتر نیست ؟

پاسخ

در حوزه‌های علمیه قدیم چون دامنه علوم محدود بود معمولا علوم طبیعی و ریاضی نیز تدریس می‌شد و بسیاریاز علما و دانشمندان دینی هم زمان در علوم طبیعی یا ریاضی نیز متخصص و صاحب نظر بودند ولی امروز به جهتگسترش دامنه علوم تجربی و ریاضی امکان تدریس همه علوم در حوزه وجود ندارد؛ اما تدریس بعضی از رشته‌هایریاضی و بخصوص بسیاری از رشته‌های علوم انسانی در حوزه ضروری است که هم اکنون مراکزی هستند که هم زمانبا علوم و معارف دینی و حوزوی به بعضی از رشته‌های علوم انسانی پرداخته‌اند از جمله: پژوهشکده امام خمینی(ره)موسسه آموزش عالی باقر العلوم دانشگاه مفید و ... که در آنها رشته‌های حقوق روان شناسی جامعه شناسی فلسفهغرب اقتصاد علوم سیاسی و ... تدریس می‌گردد و امید است که در آینده جامع‌تر و فراگیرتر گردد.{J

حوزه علمیه قم چرا به وجود آمد اهدافش چیست چه مسائلی در آن آموزش داده می شود؟

پرسش

حوزه علمیه قم چرا به وجود آمد اهدافش چیست چه مسائلی در آن آموزش داده می شود؟

پاسخ

حوزه علمیه نهادی تعلیمی است و هدف اساسی آن تحقیق و پژوهش در معارف دینی و شناخت هر چه عمیق‌تردین در همه ابعاد آن و سپس ترویج و تبلیغ فرهنگ و احکام و معارف دینی و اجرای احکام عملی و اجتماعی اسلامدر سطح جامعه اسلامی است.{J

حوزه علمیه قم تا چه اندازه به حکومت و دولت وابسته است ؟

پرسش

حوزه علمیه قم تا چه اندازه به حکومت و دولت وابسته است ؟

پاسخ

حوزه علمیه هیچ گونه وابستگی به دولت ندارد.{J

اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در زمینه های فکری و سیاسی چگونه اند و درچه خطوطی حرکت می کنند؟

پرسش

اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در زمینه های فکری و سیاسی چگونه اند و درچه خطوطی حرکت می کنند؟

پاسخ

اندیشمندان حوزوی نیز ممکن است در این مسائل، دارای آرا و نظرات گوناگونی باشند و نمی‌توان همه را در خطواحدی قلمداد کرد.{J

آیا در حوزه کسانی مثل شهید بهشتی و مطهری وجود دارند که جوانان و دانشجویان را ارشاد کنند؟

پرسش

آیا در حوزه کسانی مثل شهید بهشتی و مطهری وجود دارند که جوانان و دانشجویان را ارشاد کنند؟

پاسخ

در حال حاضر نیز شخصیت‌هایی مانند آیت‌اللّه جوادی آملی، آیت‌اللّه مصباح یزدی، حجت‌الاسلام لاریجانی وافراد متعدد دیگری وجود دارند، لیکن حضور مستقیم آنها در دانشگاه‌ها به جهت اشتغال به نگارش و تدریس درحوزه‌ها و پرورش نیروهای فکری تا حدودی کمرنگ است. در عین حال نگاشته‌های آنان، درس‌ها و سخنرانی‌هایشانبرای پاسخگویی به مسائل فکری روز بسیار غنی و ارزشمند است. در ذیل برخی از کتب نامبردگان معرفیمی‌شود: کتاب‌هایی از آیت‌اللّه جوادی آملی: ۱- تبیین براهین اثبات وجود خدا ۲- شریعت در آینه معرفت ۳- هدایت در قرآن ۴- زن در آیینه جمال و جلال و... . ۵- ولایت فقیه ۶- اخلاق کارگزاران کتاب‌هایی از آیت‌اللّه مصباح یزدی: ۱- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن ۲- مقالات فلسفه سیاسی اسلام ۳- مقاله پیرامون پلورالیزم دینی ۴- آموزش فلسفه ۵- آموزش عقاید و... . کتابهایی از حجت‌الاسلام لاریجانی: ۱- قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر ۲- معرفت دینی ۳- فلسفه اخلاق

راه ورود به حوزه برای دانشجویانی که خدمت سربازی نرفته اند چیست ؟

پرسش

راه ورود به حوزه برای دانشجویانی که خدمت سربازی نرفته اند چیست ؟

پاسخ

در رابطه با مشکل شما توجه به چند نکته لازم است: ۱ـ انجام خدمت نظام وظیفه، برای کسی که از تحصیلات دانشگاهی انصراف دهد و بخواهد به تحصیلات حوزوییپردازد، جزو قوانین مصوب کشور است و حوزه علمیه، قانونا نمی‌تواند چنین افرادی را پیش از انجام خدمت نظاموظیفه پذیرش کند. ۲ـ چنان نیست که رشته‌ای مانند زمین‌شناسی یا دیگر رشته‌های دانشگاهی، به کلی پوچ و بی‌ارزش باشند؛ بلکه هریک از این علوم، زمینه نوعی خدمات اجتماعی است و اگر کسی با قصد قربت و با جدیت و تلاش، هر یک از آنها رادنبال کند، با عنایات الهی می‌تواند منشأ خدمات ارزنده‌ای برای جامعه اسلامی باشد. ۳ـ در صورتی که شما جدا خواستار تحصیل در حوزه علمیه‌اید، نباید از خدمت سربازی بیمناک باشید؛ زیرا حتیدر این دوران هم می‌توانید از فرصت، بهترین استفاده را بکنید، یعنی با استفاده از نوارهای درسی در اوقات بیکاری،می‌توانید تمام دروس سال‌های اول و دوم حوزه را بخوانید. از طرف دیگر حتی بدون انصراف از تحصیلات دانشگاهی، می‌توانید مقداری از اوقات خود را به فراگیری علومحوزوی اختصاص دهید. افزون بر آن، اگر بتوانید خود را به تهران انتقال دهید یا در آنجا میهمان شوید، می‌توانید ازحوزه علمیه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها که به تازگی جهت استفاده دانشجویان علاقمند تأسیسگردیده است بهره‌مند شوید. بنابراین موفقیت

شما، در گرو تلاش و پشتکار شما و هم‌چنین استمداد از عنایات الهیاست. ۴ـ حوزه علمیه قم نیز زیر نظر، ولی فقیه نیست و آزاد می‌باشد، از طرف دیگر تحصیل در حوزه نجف مشکلاتعدیده‌ای از جهت اقامت در عراق و تنگناهای شدید رژیم بعثی به دنبال دارد و برای ایرانیان، در حال حاضر حوزهعلمیه قم از هر جهت بهتر است و از نقاط مختلف جهان و حتی عراق، شیعیان برای تحصیل علوم دینی به قم مراجعهمی کنند. ۵ـ حدیث اطلبوا العلم... اختصاص به علوم دینی ندارد و هر علم نافعی را شامل است، لیکن علوم دینی ومعارف الهی مصداق اکمل آن و مورد تأکید بسیار می‌باشند و بخشی از آن برای همه مسلمانان واجب می‌باشد.{]

علاقه زیادی به علوم حوزوی علم الحدیث دارم و چگونه می توانم در ضمن تحصیل دانشگاهی به این علم دسترسی پیدا کنم

پرسش

علاقه زیادی به علوم حوزوی علم الحدیث دارم و چگونه می توانم در ضمن تحصیل دانشگاهی به این علم دسترسی پیدا کنم

پاسخ

علم حدیث، گوشه‌ای از علوم حوزوی و وابسته به آن است. اگر شما تنها مایل به کسب اطلاعاتی در این زمینههستید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید؛ ولی اگر خواهان تحقیق و تعمق در این رشته هستید، می‌بایستی پایه‌های علومحوزوی را گذرانده و سپس به رشته حدیث بپردازید. این کار نیز بدون استاد امری دشوار است. شما می‌توانید در محلخود با مراجعه به حوزه‌های علمیه، از برنامه‌های آنان و یا از نوارهای درسی در این زمینه تحت نظر استاد استفادهکنید: ۱ـ علم الحدیث و درایة الحدیث شانه چی ۲ـ علم الحدیث کاظم عصار ۳ـ نقش ائمه در احیاء دین علامه عسکری ۴ـ سیر حدیث در اسلام میر خانی ۵ـ تحول علم حدیث اولیائی ۶ـ روایت و درایت امین {]

در حوزه علمیه چه دروسی تدریس می شود

پرسش

در حوزه علمیه چه دروسی تدریس می شود

پاسخ

دوره‌های دروس حوزه را می‌توان به طور کلی چنین تقسیم کرد: الف) دوره ادبیات عرب (مقدمات)، ب) سطح، ج) سطح عالی، د) خارج (اجتهاد و یا تخصص در یکی از رشته‌ها). در مرحله ادبیات آشنایی با دستور زبان عربی در بعد صرف، نحو، معانی و بیان مطرح است. ضرورت این مرحلهبه خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است؛ چون قرآن و احادیث نبی‌اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) به زبان عربی است. دردوره سطح، آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه مطرح است، که برای هر یک کتاب‌های خاصی در

نظرگرفته شده است. در سطح عالی نیز، مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده‌تر و عمیق‌تر مطرح می‌گردد. مرحله خارج، مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است و چنانچه طلبه‌ای با استعداد باشد و درکمال جدیت در حدود ۱۰ ـ ۱۵ سال این دوره را طی کند، به درجه اجتهاد نائل می‌گردد. اخیراً به برکت انقلاب اسلامی، دانشگاه‌هایی در حوزه تأسیس شده است که دروس تخصصی دیگری نظیر فلسفه، کلام، تفسیر قرآن، تاریخ اسلام، اقتصاد، روان‌شناسی، مدیریت و... در آنها تدریس می‌شود.

آیا می توان مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوقی را در حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهم ؟

پرسش

آیا می توان مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوقی را در حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهم ؟

پاسخ

شما برای رسیدن به این مطلوب می‌توانید خود را برای موفقیت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاه قم آماده نمایید و با ورود در این دانشگاه در قم تحصیل نمایید تا ضمن تحصیل دروس دانشگاهی، از معارف و دروس حوزوی نیز در حد امکان استفاده نمایید. ضمنا چنین رشته‌ای در سیستم تحصیلی حوزه به صورت کلاسیک وجود ندارد.

مراحل دروس عمومی و تخصصی حوزه را برایم توضیح دهید

پرسش

مراحل دروس عمومی و تخصصی حوزه را برایم توضیح دهید

پاسخ

برادرانی که می‌خواهند طلبه شوند، اول باید شرایط لازم ورود به حوزه‌های علمیه را داشته باشند. برای این که جواب سؤال را کامل داده باشیم، بعضی از شرایط پذیرش طلاب در حوزه علمیه قم را ذکر می‌کنیم، سپس به متون درسی آنها می‌پردازیم: ۱- حداقل مدرک تحصیلی برای ساکنان قم، سیکل و برای ساکنان شهرستان‌ها، دیپلم، ۲- حداکثر سن برای مدرک سیکل، ۱۷ سال و برای مدرک دیپلم، ۲۱ سال، ۳- قبولی در امتحان ورودی، ۴- قبولی در مصاحبه، ۵- دارا بودن معدل مورد نظر حوزه در آخرین مدرک تحصیلی، ۶- عدم مشمولیت قانون نظام وظیفه و... . اگر کسی این مراحل را با موفقیت بگذراند، سه ماه به شکل آزمایشی، سپس به صورت رسمی در حوزه علمیه قم پذیرفته می‌گردد. دوره درسی طلاب را می‌توان به سه دوره: ادبیات عرب، سطح و خارج تقسیم کرد. در چهار سالِ اول عمده درس‌ها را ادبیات عرب، شامل: صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و منطق تشکیل می‌دهد.(کتاب‌های جامع‌المقدمات، صرف ساده، سیوطی، مغنی، مختصرالمعانی، حاشیه ملاعبدالله در منطق و منطق مظفر). البته در

این چهار سال کلاس‌هایی در زمینه‌های اعتقادات، تفسیر، احکام و... نیز برگزار می گردد. سپس در سال پنجم و ششم یک دوره فقه نیمه استدلالی (شرح لمعه شهید ثانی) و اصول فقه استاد مظفر خوانده می‌شود. در این شش سال طلاب باید تحت نظر مدارس علمیه‌ای که شورای مدیریت آنها را معرفی نموده و طلاب در آن ثبت نام نموده‌اند، باشند و در کلاس‌های همان مدرسه شرکت کنند که مانند دبیرستان‌ها دارای امتحانات هفتگی، نیمه سال و پایان سال هستند و در طول سال از طلاب حضور و غیاب به عمل می‌آید. اگر شخصی امتحان‌های سال ششم را با موفقیت به پایان رسانید، در شروع سال هفتم می‌تواند از هر کلاسی که مایل باشد، در حوزه علمیه قم استفاده نماید و دیگر ملزم به شرکت در کلاس خاص یا مدرسه مشخص نمی‌باشد. فقط در پایان سال هفتم تا دهم باید در آزمون‌های سراسری حوزه شرکت کرده و کتاب‌های مربوط به هر سال تحصیلی راامتحان دهد. این کتب عبارتند از: مکاسب شیخ انصاری(ره) در فقه، معاملات (تمام استدلالی)، رسائل شیخ انصاری(ره) در اصول فقه (تمام استدلالی)، کفایهٔ الاصول مرحوم آخوند خراسانی در اصول فقه (تمام استدلالی)،هم‌چنین تفسیر، رجال و درایه، فلسفه در حد نهایهٔ الحکمه، ملل و نحل، علوم قرآن، الهیات و... . این ده سال را دوره سطح (شامل دوره ادبیات عرب و فقه و اصول غیر تخصصی) می‌نامند. بعد از اتمام سال دهم و موفقیت در امتحان‌های مربوطه، طلبه وارد دوره جدید تخصصی می گردد. بعضی دررشته‌های تخصصی کلام و فلسفه، تاریخ، تفسیر، اقتصاد، تبلیغ، قضا و... شرکت می کنند و بعضی دیگر در رشته تخصصی فقه و اصول به تحقیق می‌پردازند. دلیل این که این دوره را درس خارج می گویند، این است که مختصّ کتاب خاصی نمی‌باشد و خارج از متن مشخصی است و یک دوره تحقیقاتی و اجتهادی است که از کتب و نظرات مختلف استفاده می گردد. اگر طلبه‌ای دوره سطح را به خوبی خوانده باشد و در دوره تخصص خارج فقه و اصول به تحقیقات ومطالعات گسترده‌ای دست زند و الطاف خداوند نیز شامل وی گردد، بعد از چند سال قدرت استنباط و اجتهاد احکام فرعیه فقهیه را از منابع اولیه دین مانند قرآن و روایات پیدا می کند که به او مجتهد می گویند. شایان ذکر است حوزه دارای مجتهدانی در ادبیات عرب، کلام و اعتقادات، فلسفه و عرفان و... می‌باشد، ولی معمولاً به متخصصان در رشته فقه و اصول مجتهد گفته می‌شود. توجه به این نکته هم لازم است که طلاب مانند همه محصّلان و دانشجویان دیگر ازاستعدادهای مختلفی برخوردارند و همه در یک سطح نمی‌باشند. بر همین اساس علامه بحرالعلوم، قبل از بلوغ مجتهد شده و امام راحل، مرحوم آیت‌اللّه‌بهاءالدینی، مرحوم سید مصطفی خمینی و خیلی دیگر از بزرگان در سنین قبل از ۳۰ سالگی مجتهد شده‌اند. در حال حاضر شرط ورود به حوزه علمیه قم در مقطع کارشناسی، داشتن معافیت و یا پایان خدمت است. هر ساله در دهه اول خرداد ماه، شرایط و نحوه پذیرش در روزنامه‌های کثیرالانتشار، اعلام می گردد. هیچ زمانی برای تحصیل علم دیر نیست؛ ولی برای ورود به حوزه بایستی شرایط را ملاحظه کرد، از جمله آنها؛ علاقه جدی و خستگی‌ناپذیر برای ادامه تحصیل است، چرا که با توجه به گستردگی دروس حوزوی، حداقل هشت سال زمان لازم است که شخص دروس سطح را پشت سر بگذارد. هم‌چنین اگر بخواهد در یکی از رشته‌های تحقیقی وارد شود، باید چند سال دیگر نیز درس بخواند. بنابراین بدون عزم جدی و راسخ برای ادامه تحصیل، موانع زیادی فراروی شخص قرار دارد که ممکن است باعث توقف شخص گردد. برای اطلاع بیشتر از شرایط پذیرش با تلفن ۴ – ۷۴۰۹۷۱ و ۷۱۳۰۰۰ شورای مدیریت، قسمت پذیرش تماس حاصل کنید.

چرا حوزه های علمیه پاسخگوی شبهات جوانان نیستند؟

پرسش

چرا حوزه های علمیه پاسخگوی شبهات جوانان نیستند؟

پاسخ

{به نظر می‌رسد مشکل اساسی در این زمینه اطلاع‌رسانی است وگرنه در حال حاضر صدها کتاب و مقاله در زمینهبررسی و ارائه پاسخ‌های منطقی و مستدل پیرامون شبهات رایج در جامعه به نگارش درآمده و آثار ارزشمندی را درادبیات دینی معاصر به ارمغان آورده است.}

حوزه علمیه چه تاثیری در جامعه دارد؟

پرسش

حوزه علمیه چه تاثیری در جامعه دارد؟

پاسخ

این که «حوزه‌ها در خودشان هستند»، دیدگاه درستی نیست و ناشی از ناآشنایی با حرکت‌ها و فعالیت‌های مختلف حوزه و نهادهای علمی و آموزشی تابعه آن در سطح کشور می‌باشد. البته بررسی همه ابعاد تأثیرگذاری حوزه‌ها - به ویژه حوزه علمیه قم - کار آسانی نیست؛ لیکن حداقل یکی از کارهای اساسی فرهنگی حوزه‌ها در حال حاضر، مبارزه عمیق، منطقی، علمی و فکری با انواع اندیشه‌های وارداتی و التقاطی است که در صورت پاسخ ندادنجدی به آنها، خطر انحراف بزرگی در تمام ارکان فکری و فرهنگی جامعه در پی دارد.{J

چگونه می توانم دروس حوزه را مطالعه نمایم * آیا سیستم نوار با توجه به شرایط بنده * روش مناسبی است ؟ (یعنی مطالعه کتاب با نوار و بعد مباحثه)

پرسش

چگونه می توانم دروس حوزه را مطالعه نمایم * آیا سیستم نوار با توجه به شرایط بنده * روش مناسبی است ؟ (یعنی مطالعه کتاب با نوار و بعد مباحثه)

پاسخ

تردیدی نیست که تحصیل در یک رشته تخصصی منافاتی با مطالعات دیگر بخصوص در زمینه‌های مذهبی ندارد. آنچه قابل تامل است شرایط روحی و محیطی است که برای این کار فراهم می باشد. شما می‌توانید در ضمن تحصیلات دانشگاهی خود با مراجعه به حوزه علمیهمحل سکونت و مشاوره با اساتید به تحصیلات حوزوی نیز بپردازید و یا فعلا از نوارهای درسی استفاده نموده تا بعدا زمینه مناسب تری برای رشد داشته باشید. ولی همواره یک نکته را در نظر داشته باشید و آن اینکه همت خود را در یک‌جهت قرار

دهید و از پراکنده کاری بپرهیزیدچنان چه تمایل اصلی شما به تحصیلات حوزه‌ای است پس از پایان تحصیلات دانشگاهی خود بطور جدی وارد حوزه شده و سریعا مراتب علمی آن را طی نمایید. حتما موفق بوده به نتیجه خواهید رسید. ضمنا گرچه در حوزه زمینه مساعدتری برای تهذیب اخلاق و کسب معنویتوجود دارد ولی اختصاص به آن جا ندارد. در هر موقعیت و شغلی می‌توان به تهذیب و تکمیل مراتب معنوی پرداخت .آنچه مهم است داشتن برنامه منظم و اصولی است.}J

برنامه درسی حوزه و نحوه گذراندن سطوح آنرا شرح دهید؟

پرسش

برنامه درسی حوزه و نحوه گذراندن سطوح آنرا شرح دهید؟

پاسخ

دوره‌های دروس حوزه را می‌توان به طور کلی چنین تقسیم کرد (مقدمات، سطح متوسط، سطح عالی، خارج). الف) دوره مقدمات؛ این مرحله جهت تسلط بر ادبیات عرب و آشنایی با مبانی اجتهاد و علوم اسلامی و... می‌باشد. ضرورت این مرحله به خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است چون قرآن واحادیث به زبان عربی می‌باشد. در این دوره کتاب‌های زیر خوانده‌می‌شود: ۱- جامع‌المقدمات که شامل (صرف میر، شرح تصریف، عوامل ملامحسن در نحو، هدایة فی النحو و کتاب صمدیه شیخ بهایی) ۲- کتاب سیوطی در نحو، جلال‌الدین سیوطی ۳- مختصرالمعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی ۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری ۵- منطق مظفر (علامه محمدرضا مظفر) ۶- مغنی‌اللبیب در نحو، ابن هشام ۷- معالم‌الدین (در علم اصول) ۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی ۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی ۱۰- تایخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی ۱۱- البدایة المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی ب) مرحله سطح متوسط؛ هدف از این دوره آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه است. کتاب‌هایی که در دوره سطح متوسط خوانده می‌شوند عبارتند از: ۱- شرح اللمعة الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی ۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمدرضا مظفر ۳- رسائل (فرائدالاصول) شیخ مرتضی انصاری ۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید ۵- بدایة‌الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی ۶- جوامع‌الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی ۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت‌الله محمد هادی معرفت ۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی ۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی ج) مرحله سطح عالی؛ در این مرحله مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده‌تر و عمیق‌تر مطرح می گردد. کتاب‌هایی که در این دوره تدریس می‌شود: ۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری ۲- کفایة‌الاصول در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی ۳- نهایة‌الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی ۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملا هادی سبزواری ۵- جوامع‌الجامع (تفسیر) طبرسی ۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت‌اللهمعرفت ۷- کلیات علم‌الرجال، استاد جعفر سبحانی ۸- درایة‌الحدیث (حدیث‌شناسی) استاد جعفر سبحانی ۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی ه) مرحله خارج؛ مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است. درس خارج حوزه، درس باز است به صورت تحقیقی و استنباطی است، مبناها در بین مدرسین خارج فرق می کند، بعضی‌ها متون عروة‌الوثقی را مبنا قرار می‌دهند و براساس آن بحث می کنند و بعضی‌ها،شرایع‌الاسلام را و بعضی‌ها تحریرالوسیله حضرت امام را و... منابعی که بیشتر در این مقطع تحصیلی به کار می‌آید عبارتند از: ۱- وسائل‌الشیعه، شیخ

حر عاملی ۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری ۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی ۴- عروةالوثقی و شروحی که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی ۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی ۷- تذکرةالفقها، علامه حلی ۸- اجود التقریرات، آیت‌الله‌خویی ۹- جامع‌المقاصد، محقق ثانی ۱۰- مبسوط، شیخ طوسی ۱۱- خلاف، شیخ طوسی ۱۲- تحریرالوسیله، امام خمینی و... چنانچه طلبه‌ای با استعداد باشد و در کمال جدیت در حدود ۱۰ - ۱۵ سال این دوره را طی کند به درجه اجتهاد نائل می‌گردد. در ضمن در کنار این دروس به صورت آزاد، افراد می‌توانند در فلسفه و عرفان و تفسیر شرکت کنند. منتها این‌ها به صورت کلاس و درس رسمی نیست. در این باره می‌توان کتاب: اسفار اربعه ملاصدرا و فتوحات مکیه (در عرفان)محی‌الدین ابن عربی را نامبرد. علاوه بر اینها، مراکز تخصصی نیز در حوزه در رشته‌های مختلف فعالیت می‌کنند. ۱- مرکز تخصصی علم کلام ۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن ۳- مرکز تخصصی قضا ۴- مرکز تخصصی تبلیغ برخی مؤسسات نیز وجود دارند که در زمینه علوم انسانی و رشته‌های مربوط به آن مانند اقتصاد، روان‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و... براساس مقررات آموزش عالی، مشغول به پرورش محققین توانا از میان طلاب می‌باشند.

علاقمند به تحصیل علوم حوزوی هستم بفرمایید به چه نحوی میسراست و شرایطش چیست ولطفا کتبی در زمینه های اعتقادی ,اخلاقی وسیره اهل بیت (ع) ذکر کنید

پرسش

علاقمند به تحصیل علوم حوزوی هستم بفرمایید به چه نحوی میسراست و شرایطش چیست ولطفا کتبی در زمینه های اعتقادی ,اخلاقی وسیره اهل بیت (ع) ذکر کنید

پاسخ

پرداختن به تحصیل در حوزه‌های علمیه به دو صورت امکان پذیر است : ۱- شرکت در امتحان ورودی حوزه‌های علمیه (همانند حوزه علمیه قم) که هر سال برگزار می‌گردد وسپس اشتغال بهتحصیل به صورت تمام وقت. ۲- تحصیل به صورت پاره وقت. برای این منظور باید به یکی از مدارس علوم حوزوی در شهر خود مراجعه نمایید تاآنان هماهنگی لازم را جهت شرکت شما در کلاس درس انجام دهند. ضمنا کتب زیر جهت مطالعه در زمینه‌هایاعتقادی معرفی می‌شود : ۱- آفریدگار جهان، ناصر مکارم شیرازی ۲- اثبات وجود خدا اثر چهل تن از دانشمندان ۳- بهترین راه شناخت خدا محمدی ری شهری ۴- آموزش عقاید ۱و۲ مصباح یزدی ۵- سیره علوی محمد باقربهبودی ۶- سیره نبوی شهید مطهری ۷- عبقریه محمد (ص) عقاد ۸- سنن النبی، علامه طباطبایی ترجمه هادی فقیهی }J

اگر دانشجویی بخواهد تحصیلات حوزوی و به خصوص علوم قرآنی را فرا بگیرد بدون آنکه تحصیلات طولانی و وقت گیر حوزه را بگذراند آیا راهی هست ؟

پرسش

اگر دانشجویی بخواهد تحصیلات حوزوی و به خصوص علوم قرآنی را فرا بگیرد بدون آنکه تحصیلات طولانی و وقت گیر حوزه را بگذراند آیا راهی هست ؟

پاسخ

می‌توانید از کتاب‌ها، واحدهای درسی و سرفصل‌های رشته‌های علوم قرآنی که یکی از رشته‌های تحصیلی دانشکده‌های الهیات و معارف اسلامی است کمک بگیرید و به مطالعه‌ی آن بپردازید. ولی لازم به ذکر است تفسیر قرآن خواندن (تفسیرهای ساده و به تدریج تفسیرهای تخصصی) مقداری از این نیازتان را ارضاء و تأمین می‌نماید. هر چند اگر می‌خواهید در این زمینه تخصص پیدا کند و با یک رویکرد تخصصی وارد این حوزه شوید نیازمند تلاش زیاد و تمام وقت است. همان طور که در دیگر رشته‌ها وضعیت به همین شکل است.

در مورد دروس حوزوی ،سطوح و پایه ها و ... و کلا نظام آموزشی حاکم بر حوزه ها توضیح دهید.

پرسش

در مورد دروس حوزوی ،سطوح و پایه ها و ... و کلا نظام آموزشی حاکم بر حوزه ها توضیح دهید.

پاسخ

دانشجوی گرامی به طور کلی در حوزه چهار مقطع تحصیلی وجود دارد: ۱. مقطع اول یا دوره مقدمات: این دوره سه سال است. در این دوره بیشتر دروس طلاب ادبیات عرب است. البته دروسی مانند منطق، احکام، تاریخ اسلام و معارف نیز آموزش داده می شود ولی تمرکز اصلی روی ادبیات است و علت آن هم این است که دروس حوزوی از سال دوم به بعد به زبان عربی است از این رو دانش پژوه علوم دینی باید عربی را خوب بیاموزد تا براحتی بتواند از متون علمی استفاده کند. ۲. مقطع دوم یا سطح یک : بعد از فراغت از دوره مقدماتی و ادبیات سطح یک آغازمی شود این مقطع نیز حدودا سه سال است. در این دوره دروس اصلی عبارتند از فقه، اصول و معارف. این دو دوره در مدارس تحت پوشش شورای مدیریت حوزه انجام می گیرد یعنی هر فردی که می خواهد طلبه رسمی حوزه باشد باید با نظارت شورای مدیریت در یکی از مدارس تحت برنامه در قم یا در شهرستان ها به تحصیل مشغول شود در غیر این صورت محصل رسمی حوزه محسوب نمی شود. ۳. دوره سوم یا سطح دو: این دوره نیز حدودا سه سال است که تمرکز اصلی روی دروس تکمیلی فقه و اصول، معارف و فلسفه است. منظور از معارف مجموعه ای از دروس است که رتبه بندی شده است مثل معارف ۱ ، ۲ ، ۳ و... ۴. دوره سطح عالی یا خارج فقه و اصول: در این دوره دروس فقه و اصول و همچنین سایر درس ها به صورت تخصصی و اجتهادی ارائه می شود معمولا همه اساتید این دوره از مجتهدین یا مراجع تقلید هستند. در دوره سوم و چهارم طلاب ملزم به بودن در مدرسه خاصی نیستند و به عبارت دیگر اکثر آنها از مدارس تحت برنامه خارج می شوند و درس های خود به صورت آزاد و با اساتید مورد پسند و علاقه خود می گذارنند یعنی درس هر استادی که بهتر می پسندند انتخاب می کنند و سپس در آن درس شرکت می کنند. در همه این چهار دوره ای که ذکر شد طلاب باید در همه درس ها امتحان کتبی یا

هم کتبی و هم شفاعی بدهند و مانند سایر مراکز آموزشی کارنامه تحصیلی دارند و باید امتحانات خود را طبق برنامه ای که مدرسه یا شورای مدیریت حوزه اعلان می کند بگذرانند و حد نصاب نمره قبولی را بیاورند در غیر این صورت مشروط می شوند و طبق مقررات با آنها رفتار می شود. در کنار مراکز آموزشی حوزه، مراکز دیگری وجود دارد که آنها نیز به نحوی تحت پوشش حوزه هستند این مراکز به دو دسته تقسیم می شوند: ۱. مراکز آموزشی دروس تخصصی حوزه مثل کلام، فقه و اصول، تاریخ، فلسفه، تفسیر و... ۲. مراکز آموزشی مربوط به رشته های علوم انسانی مانند جامعه شناسی، اقتصاد، روان شناسی، علوم تربیتی، حقوق، فلسفه، دین شناسی، علوم قرآنی و... کسانی که می خواهند وارد این مراکز شوند حداقل باید دو دوره ۱ و ۲ را حتما گذرانده باشند و نمره قبولی داشته باشند. این مراکز نیز مانند سایر مراکز آموزش عالی امتحان کنکور برگزار می کنند، سپس افرادی که قبول شوند وارد این مراکز آموزشی می شوند و در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مشغول به تحصیل می شوند. البته کسانی که در این مراکز مشغول به تحصیل می شوند ملزم هستند دوره ۳ و ۴ حوزه را نیز طی کنند. طبعا برنامه آموزشی آنها سنگین تر می شود و در هر ترمی حداقل باید ۲۵ واحد درسی بگذارند که این کار نیز به تلاش مضاعف نیاز دارد. ناگفته نماند هم حوزه و هم این مراکز طبق قوانین و مقرراتی که دارند و بر اساس پایه هایی تحصیلی، به طلاب و دانش پژوهان مدرک تحصیلی می دهند. حوزه مدارک خود را معادل سازی می کند که سطح یک آن معادل کارشناسی، سطح دو معادل کارشناسی ارشد و سطح سه معادل دکتری و مراکز آموزشی که دروس تخصصی حوزه یا علوم انسانی را آموزش می دهند طبق مقررات رسمی وزارت آموزش عالی و فن آوری مدارک رسمی لیسانس، فوق لیسانس و دکتری می دهند. این مراکز در واقع شبیه مراکز آموزش غیر انتفاعی هستند یعنی به نحوی استقلال در برنامه های خودش دارند و تا حدودی نیز خودشان را هماهنگ با برنامه ها و قوانین آموزش عالی و حوزه علمیه می کند و از تسهیلات هر دو نیز استفاده می کنند البته نه صد در صد. در پایان بیان این نکته لازم است که پذیرش در حوزه به این صورت است که حداقل تحصیلات برای ورود به حوزه سوم راهنمایی است و کمتر از آن را پذیرش نمی کنند وقتی پذیرش انجام گرفت افرادی که سوم راهنمایی و تا زیر دیپلم هستند در مدارس خاصی تحت برنامه آموزشی قرار می گیرند و دیپلمه ها در مدارس دیگری و افرادی که بالاتر از دیپلم هستند باز در کلاس های ویژه خودشان، بنابراین برنامه آموزشی حوزه به سه صورت است: ۱. زیر دیپلم، ۲. دیپلم و ۳. دیپلم به بالا. شرایط سنی آنها نیز باید متناسب با میزا ن تحصیلات آنها باشد و از این نظر محدودیت هایی وجود دارد که هر کسی با هر سنی نمی تواند در برنامه های حوزه شرکت کند این بود اجمالی از برنامه های آموزشی و نحوه پذیرش در حوزه علمیه.

آیا تحصیل علوم حوزوی از طریق سی دیهای درسی مفید هست یا نه؟ و آیا می توان با استفاده از این سی دی ها دروس را خوب فرا گرفت؟ توجه داشته باشید که بنده در خارج زندگی می کنم

پرسش

آیا تحصیل علوم حوزوی از طریق سی دیهای درسی مفید هست یا نه؟ و آیا می توان با استفاده از این سی دی ها دروس را خوب فرا گرفت؟ توجه داشته باشید که بنده در خارج زندگی می کنم

پاسخ

پاسخ را با بیان قاعده ای که در مباحث فقهی مطرح است و در برخی موارد برای اثبات مطلبی به آن استناد می شود آغاز می کنیم.

این قاعده می گوید: «ما لا یدرک کله لا یترک کله» یعنی اگر نمی توانید به تمام آنچه که در صدد دستیابی به آن هستید، دسترسی پیدا کنید، همه آن را نیز رها نکنید و از آن مقدار که امکان دستیابی و درک آن هست، نباید دست کشید. به عبارتی «اگر به تمام چیزی نمی رسی، تمام آن را نیز رها نکن» بنابراین اکنون که شما امکان استفاده از دروس حوزوی بطور حضوری و تحصیل در یکی از حوزه های علمیه برایتان فراهم نیست و از طرف دیگر علاقه مند هستید در این زمینه به تحصیل ادامه داده و به معلومات خود بیافزایید، سی دی های دروس حوزوی حداقل چیزی است که می تواند در این زمینه به شما کمک کند. در اینجا چند نکته را یادآور می شویم: ۱. رشد علمی عمیق در این زمینه و در هر گرایش دیگری مستلزم حضور در کلاس درس است تا با ارتباط مستقیم و چهره به چهره پرسش ها، مسائل و شبهاتی که در هنگام مطالعه یا کلاس درس مطرح می شود بلافاصله حل شود و آن مسائل به فراموشی سپرده نشود و به شکل دقیق و صحیحی حل شود که آن در گرو حضور در کلاس درس است. البته به آن معنا نیست که بدون آن هیچ چیز فراگرفته نمی شود. ۲. برای تعمیق فهم و درک علمی تان، هنگام گوش کردن به سی دی های درسی، مشکلات و پرسش های مطرح شده و آنچه به ذهنتان می رسد یادداشت کرده تا از اهل فن و استاد مربوطه مستقیما از طریق امکانات ارتباطی جدید که در دسترس است، بپرسید. ۳. در صورت امکان گاهی اوقات فهم و تشخیص خود را از آنچه یاد گرفته اید و از سی دی ها فرا می گیرید به یک استاد شناخته شده ارائه کنید تا در صورت صحت، آن را تأیید کنید و در صورت اشتباه بودن به تصحیح آن بپردازید. زیرا چه بسا گاهی اوقات مطلبی را به گمان اینکه درست فهمیده ایم، تلقی کرده و خشت های علم ها را روی آن بنا کرده و تا ثریا آن بنا به صورت کج به پیش خواهد رفت بنابراین لزوم حضور استاد به شکل گاه گاهی و ایجاد ارتباط با وی نیز مناسب بلکه لازم است. گفتنی است جهت استفاده بهینه از فرصتها و ذخیره های علمی، قبل از هر چیز گستره انتظارات خود را از تحصیل علوم حوزوی مشخص کنید اگر در حدی است که می خواهید با قرآن و نهج البلاغه و احکام و معارف اصلی آشنا شوید با مشورت تنها مواد درسی را بگذاریم که زودتر شما را به این مقصود برساند به طور مثال نیازی نیست ادبیات عرب را چندین دوره طی کنید. بلکه یک دوره فشرده کافی است. و باید بیشتر تلاش را برای تفسیر قرآن و آشنایی با اصول و فلسفه متمرکز کنید. در پایان تمایل و علاقه تان به دروس حوزوی و داشتن روحیه علم دوستی و تقویت بنیه دینی تان را می ستائیم و شما را تحسین می کنیم امید است در این راه پر خیر و برکت موفق و پیروز باشید.

از درجه صفر تا به درجه اجتهاد رسیدن چگونه میباشد؟پیش نیازها را نام ببرید لطفا ...به اضافه اینکه چند سال طول میکشد معمولا...

پرسش

از درجه صفر تا به درجه اجتهاد رسیدن چگونه میباشد؟پیش نیازها را نام ببرید لطفا ...به اضافه اینکه چند سال طول میکشد معمولا...

پاسخ

دوره‌های دروس حوزه را می‌توان به طور کلی چنین تقسیم کرد (مقدمات، سطح متوسط، سطح عالی، خارج). الف) دوره مقدمات؛ این مرحله جهت تسلط بر ادبیات عرب و آشنایی با مبانی اجتهاد و علوم اسلامی و... می‌باشد. ضرورت این مرحله به خاطر یاد گرفتن کامل زبان اسلام است چون قرآن واحادیث به زبان عربی می‌باشد. در این دوره کتاب‌های زیر خوانده‌می‌شود: ۱-

جامع‌المقدمات که شامل (صرف میر، شرح تصریف، عوامل ملامحسن در نحو، هدایهٔ فی النحو و کتاب صمدیه شیخ بهایی) ۲- کتاب سیوطی در نحو، جلال‌الدین سیوطی ۳- مختصرالمعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی ۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری ۵- منطق مظفر (علامه محمدرضا مظفر) ۶- مغنی‌اللبیب در نحو، ابن هشام ۷- معالم‌الدین (در علم اصول) ۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی ۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی ۱۰- تایخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی ۱۱- البدایهٔ المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی ب) مرحله سطح متوسط؛ هدف از این دوره آشنایی مقدماتی با فقه، اصول، منطق و فلسفه است. کتاب‌هایی که در دوره سطح متوسط خوانده می‌شوند عبارتند از: ۱- شرح اللمعهٔ الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی ۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمدرضا مظفر ۳- رسائل (فرائدالاصول) شیخ مرتضی انصاری ۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید ۵- بدایهٔ‌الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی ۶- جوامع‌الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی ۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت‌الله محمد هادی معرفت ۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی ۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی ج) مرحله سطح عالی؛ در این مرحله مسائل فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی به طور گسترده‌تر و عمیق‌تر مطرح می گردد. کتاب‌هایی که در این دوره تدریس می‌شود: ۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری ۲- کفایهٔ‌الاصول در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی ۳- نهایهٔ‌الحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی ۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملا هادی سبزواری ۵- جوامع‌الجامع (تفسیر) طبرسی ۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت‌اللهمعرفت ۷- کلیات علم‌الرجال، استاد جعفر سبحانی ۸- درایهٔ‌الحدیث (حدیث‌شناسی) استاد جعفر سبحانی ۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی ه) مرحله خارج؛ مرحله استنباط مسائل فقهی از منابع معتبر دینی است. درس خارج حوزه، درس باز است به صورت تحقیقی و استنباطی است، مبناها در بین مدرسین خارج فرق می کند، بعضی‌ها متون عروهٔ‌الوثقی را مبنا قرار می‌دهند و براساس آن بحث می کنند و بعضی‌ها،شرایع‌الاسلام را و بعضی‌ها تحریرالوسیله حضرت امام را و... منابعی که بیشتر در این مقطع تحصیلی به کار می‌آید عبارتند از: ۱- وسائل‌الشیعه، شیخ حر عاملی ۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری ۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی ۴- عروهٔ‌الوثقی و شروحی که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی ۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی ۷- تذکرهٔ‌الفقها، علامه حلی ۸- اجود التقریرات، آیت‌اللهخویی ۹- جامع‌المقاصد، محقق ثانی ۱۰- مبسوط، شیخ طوسی ۱۱- خلاف، شیخ طوسی ۱۲- تحریرالوسیله، امام خمینی و... چنانچه طلبه‌ای با استعداد باشد و در کمال جدیت در حدود ۱۰ - ۱۵ سال این دوره را طی کند به درجه اجتهاد نائل می گردد. در ضمن در کنار این دروس به صورت آزاد، افراد می‌توانند در فلسفه و عرفان و تفسیر شرکت کنند. منتها این‌ها به صورت کلاس و درس رسمی نیست. در این باره می‌توان کتاب: اسفار اربعه ملاصدرا و فتوحات مکیه (در عرفان)محی‌الدین ابن عربی را نامبرد. علاوه بر اینها، مراکز تخصصی نیز در حوزه در رشته‌های مختلف فعالیت می کنند. ۱- مرکز تخصصی علم کلام ۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن ۳- مرکز تخصصی قضا ۴- مرکز تخصصی تبلیغ برخی مؤسسات نیز وجود دارند که در زمینه علوم انسانی و رشته‌های مربوط به آن مانند اقتصاد، روان‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و... براساس مقررات آموزش عالی، مشغول به پرورش محققین توانا از میان طلاب می‌باشند.

یکی از الزامات حضور در حوزه های علمیه داشتن موی سر کوتاه است.در غیر این صورت طلبه از مدرسه اخراج خواهد شد.هنگامی که صحبت از الگو بودن ائمه برای زندگی ما شیعیان می شود یکی از خصوصیات ظاهری آن بزرگواران ظاهر آراسته آنان است .در کتب معتبر شیعه در مورد ویژگیه

پرسش

یکی از الزامات حضور در حوزه های علمیه داشتن موی سر کوتاه است.در غیر این صورت طلبه از مدرسه اخراج خواهد شد.هنگامی که صحبت از الگو بودن ائمه برای زندگی ما شیعیان می شود یکی از خصوصیات ظاهری آن بزرگواران ظاهر آراسته آنان است .در کتب معتبر شیعه در مورد ویژگیهای ظاهری حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آمده است که ایشان سیمایی نورانی ، موهایی بلند و آراسته دارند و ... در این حالت آیا الزاما یک سرباز امام زمان باید ظاهری مخالف با ظاهر مولای خود داشته باشد؟

پاسخ

شاید در گذشته کوتاه بودن موی سر طلاب علوم دینی شرط حضور آنها در این حوزه ها بوده ولی اگر فردی هم اکنون با این حوزه ها و به ویژه مدارس وابسته به آنها که محل تحصیل طلاب جوان است ارتباط داشته باشد می داند که اکنون در مورد این مسأله اجباری وجود ندارد و تنها به صورت مسأله ای اخلاقی مطرح است. از نکاتی که در طول تاریخ علمای بزرگ دین که همه رفتار و کردار و شئون زندگی شان برگرفته از کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) و اولیای الهی است به آن توجه داشته اند و خود را ملزم به رعایت آن می دانسته اند، رعایت عرف و عادت ویژه هر زمان هر مکان است که در حفظ جایگاه روحانیت و تثبت موقعیت آنها بعنوان صنف و گروهی خاص، نقش مهمی دارد. بسیای از آداب و سنت های که سابقا در اجتماع مسلمانان مطرح و رایج بوده و مسلمین بر طبق آن عمل و زندگی می کرده اند در گذر تاریخ کم رنگ گشته و رونق گذشته خود را ازدست داده است. به عنوان مثال سرمه کشیدن از جمله سنت ها و برنام های متداولی در بین مردم و به ویژه مؤمنین بوده و در روایات فراوانی بر آن تأکید شده است. از حضرت رضا(ع) منقول است: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید سرمه بکشد. و یا از حضرت صادق(ع) نقل شده که: سرمه کشیدن دهان را شیرین و بینایی را زیاد می کند و باعث روییدن موی مژه می گردد و مانع آب آوردن چشم می گردد. (ر.ک: حلیه المتقین، مرحوم مجلسی، ص۴۸، انتشارات هجرت، چاپ یازدهم، تابستان ۷۸) با این وجود الان در جامعه اسلامی به جز برخی مناطق روستایی سرمه کشیدن معمول نمی باشد و اگر فردی سرمه به چشمانش بکشد باعث می شود که در میان مردم انگشت نما گردد و مورد تمسخر آنها قرار گیرد و با وجود سنت بودن آن، به لحاظ آثار و عکس العمل هایی که در عرف جامعه و در میان مردم به دنبال دارد شاید ترک آن به صورت آشکار و در منظر مردم بهتر و مناسبتر باشد. درباره داشتن موی بلند باید گفت، پیامبر اسلام(صلی الله علیه و اله) و امامان(علیهم السلام) بدون شک در پاره ای از عمر مبارکشان دارای موی بلند بوده اند ولی استمرار آن در همه طول مدت عمر مبارکشان، مسلم نمی باشد. مرحوم علامه مجلسی در حلیه المتقین، ص ۱۷۵، می فرماید: یکی از دو چیز برای مردان سنت است: یا آن که موی سر را بتراشند و این بهتر است و یا آن که موی سر را بگذارند و به آن رسیدگی کنند یعنی آن را بشویند و شانه کنند و چون در صدر اسلام، تراشیدن مو در نزد عرب جاهلی کار قبیح و زشتی بود، حضرت رسول(ص) موی سر را به اندازه چهار انگشت می گذاشتند و در حج و عمره می تراشیدند. در حدیث دیگری (با همان آدرس قبل) آمده که از حضرت صادق(ع) پرسیدند: آیا حضرت رسول(ص) موی سر را دو قسمت می کردند و میانش را می شکافتند (فرق باز می کردند؟)؟ حضرت فرمود: آن حضرت مو را به حدی بلند نمی گذاشت که احتیاج به این کار داشته باشد، بلکه آن قدر می گذاشتند که به نرمه گوش می رسید و هیچ یک از پیامبران موی سر نگاه نمی داشت. در مورد امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز شاید بلندی موی ایشان، امری دائمی و مستمر که از ویژگی های دایمی و علامت های مشخصه ایشان باشد، نباشد و ایشان در بعضی اوقات چنین وضع و هیئتی را دارند. نکته مهمی که در اینجا مطرح است این است که اگر وضعیت ظاهری خاصی در عرف کنونی جامعه نمایانگر گروه خاصی از جامعه باشد، آن هم گروهی که به باورهای دینی و سنت های مذهبی و اسلامی یا پای بند نیستند و یا سعی و اصرار در مخالفت با مظاهر دینی و شرعی دارند هر چند این عمل زمانی

جزء سنت ها و آداب معمول در بین ساعین و مؤمنین بوده، باز باید بر آن تأکید نمود و با آن گروه خاص و دین گریز هماهنگ و همگام بود؟ چرا علمای بزرگی که درکشان از دین و معارف آن عمیقتر و همه جانبه تر است، نه تنها در زمان پیری و کهنسالی بلکه حتی در زمان جوانی که هنگامه توجه به زینت وجمال و زیبایی است، چنین برنامه و وضعیتی نداشته اند؟ و حتی برای اهل ایمان و متدینین آن را روا نمی دارند؟ آیا نباید در وضع ظاهری و در نحوه پوشش و زینت و نوع لباس تفاوتی میان متدینین و غیر آنها باشد و صف هر کدام در جامعه مشخص و ممتاز باشد و عملا در این گونه مسائل و این جنبه ها نیز از یکدیگر متمایز و جدا باشند؟ اگر داشتن موی بلند و پوشیدن نوع خاصی از لباس علامت هیپی گری و لاابالی گری و دین گریزی و هنجار شکنی باشد و در عرف جامعه، هیپی ها و سنت شکن ها با این علامت شناخته شوند، آیا روا است فرد متدینی، مرز خود را از آنها در این ظواهر رعایت نکند به گونه ای که مردم نتوانند بین آنها تفاوتی قائل شوند و یکی را با دیگری اشتباه بگیرند؟ علاوه بر این آیا ما به همه آداب دین و سنت های اولیای دین از نظری اخلاقی و معنوی و ظاهری و باطنی پای بند هستیم و تنها مشکل ما عمل نکردن به سنت بلند نگه داشتن مو است؟ آیا ما از هر جهت رضایت خاطر و خشنودی ولی عصر (ارواحنا فداه) را با عمل به وظایف و انجام واجبات و ترک محرمات و انجام اموری که قلب حضرتش(ع) را شاد می گرداند، فراهم ساخته ایم و تنها نگران شبیه شدن به آن حضرت در داشتن موی بلند هستیم؟ به نظر شما این مسأله را اگر بخواهیم رتبه بندی کنیم، در چه درجه و رتبه ای از اهمیت قرار می گیرد؟ درست است که شیعه خالص باید ظاهر و باطنش را با امام و مقتدا و رهبرش هماهنگ گرداند ولی عملا به ویژه در جهت باطنی در این کار چه مقدار موفق بوده ایم؟ گذشته از همه این ها، شما چند نفر از جوانان متدین و موفق را می یابید که موی خود را تنها به خاطر هماهنگی با ظاهر ولی عصر(علیه السلام) بلند می کنند و در این کار، هدفشان جلب رضایت آن امام انس و جان است؟ فرق است میان کاری که مطابق میل و خواست و اقتضای جوانی است ولی انسان برای آن به دنبال سند و مدرک و توجیهی می گردد و کاری که انگیزه انسان از آغاز آن کار، جلب رضای خداوند و اولیای پاک او است.

بسم الله الرحمن الرحیم با سپاس فراوان به خاطر پاسخ های مدون دست اندرکاران من دانشجویی هستم که بسیار علا قمند هستم در زمینه دروس مذهبی و حوزوی مطالعات مدون و منظمی داشته باشم . اما نمی دانم از کجا شروع کنم . اگر چه منتخب اصول کافی را به عنوان یک متن درسی ا

پرسش

بسم الله الرحمن الرحیم با سپاس فراوان به خاطر پاسخ های مدون دست اندرکاران من دانشجویی هستم که بسیار علا قمند هستم در زمینه دروس مذهبی و حوزوی مطالعات مدون و منظمی داشته باشم . اما نمی دانم از کجا شروع کنم . اگر چه منتخب اصول کافی را به عنوان یک متن درسی اصول اعتقادات برگزیدم وسعی در کار کردن روی آن در حضور استاد دارم . نظر کارشناس محترم در این باب چیست . و اساسا من برای آنکه در زمینه علوم معارف پیشرفت کنم از کجا باید آغاز کنم و برای اینکه در اصول اعتقادات بسیار مسلط شوم چه کتاب هایی را پیشنهاد می فرمایید . باسپاس فراوان

پاسخ

توصیه می شود در ابتدا کتاب های زیر را مطالعه کنید: ۱. معارف قرآن (۳ - ۱)، آیت الله مصباح یزدی ۲. راه و راهنماشناسی، آیت الله مصباح یزدی ۳. اخلاق در قرآن (ج ۱ و ۲)، آیت الله مصباح یزدی در گام دوم ۶ جلد از سلسله دروس اندیشه های بنیادین

اسلامی که توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تهیه و تدوین شده است مطالعه کرده و در صورت مشکل بودن محتوای آن درس بگیرید. آن ۶ جلد عبارتند از: معرفت شناسی، انسان شناسی، هستی شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست. لازم به ذکر است در صورتی که کتاب های فوق از نظر محتوایی سخت و مشکل بود و یا استاد مناسب پیدا نکردید از ۶ جلد کتاب های شهید مطهری که تحت عنوان مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی تدوین شده است بهره بگیرید اسامی آنها عبارتند از: انسان و ایمان، جهان بینی توحیدی، وحی و نبوت، انسان در قرآن، جامعه و تاریخ، زندگی جاوید یا حیات اخروی.

آیا برای آشنایی هر چه بیشتر با علوم اسلامی امکانات و خدماتی وجود دارد؟

پرسش

آیا برای آشنایی هر چه بیشتر با علوم اسلامی امکانات و خدماتی وجود دارد؟

پاسخ

با تبریک به جناب‌عالی و به امید موفقیت در هدفی که انتخاب کردید، به اطلاع می‌رسد حوزه علمیه قم به دو صورت بلند مدت و کوتاه مدت با برگزاری آزمون اختصاصی داوطلبان را پذیرش می کند. الف ـ شرایط اختصاصی دورهٔ بلند مدت ۱. قبولی حداقل سوم راهنمایی با حداکثر سن ۱۷ سال سنوات تحصیلی بالاتر از سوم راهنمایی و مدت خدمت سربازی به حداکثر سن اضافه می‌شود. ۲. تعهد تحصیل تمام وقت حداقل تا پایان سطح یک (معادل دیپلم ب ـ شرایط اختصاصی دورهٔ کوتاه مدت (سفیران هدایت ۱. داشتن مدرک دیپلم با حداکثر سن ۲۱ سال ۲. تعهد تحصیل تمام وقت به مدت ۵ سال ۳. تعهد خدمت تبلیغی (به مدت سنوات تحصیلی در مناطق مورد نیاز ;آزمون کتبی در دو مقطع سوم راهنمایی و دیپلم با موضوعات قرآن احکام معارف اسلامی ادبیات فارسی عربی ریاضی معلومات عمومی هوش و استعداد برگزار می‌شود. داوطلبان واجد شرایط می‌توانند با مراجعه به یکی از مدارس تحت پوشش حوزهٔ علمیه قم در قم و شهرستان‌ها، نسبت به ثبت نام که معمولاً همه ساله در ماه‌های اسفند و فروردین انجام می گیرد، اقدام کنند. همه پذیرفته شدگان موظفند در سال‌های اولیهٔ ورود، دروس عمومی را (ادبیات عرب تاریخ اسلام منطق و...) بگذرانند. پس از آن با علاقه خود می‌توانند در یکی از گرایش‌های تخصص فقه و اصول فلسفه و کلام قضا و.. ادامه تحصیل دهند. افزون بر دوره‌های یاد شده نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها اقدام به تأسیس حوزه‌ای به نام" شهید بهشتی کرده است که دانشجویان می‌توانند در آن جا تحصیل کنند. لطفاً درباره چگونگی تحصیل حوزوی یا غیر حوزوی از نهاد مربوطه مستقر در دانشگاه خود استعلام نمایید. همچنین سازمان تبلیغات اسلامی در سایت اینترنتی به آدرس www.tebyan.net اقدام به درج درس‌های حوزوی در همه سطوح کرده است از این سایت نیز می‌توانید استفاده کنید. برای آگاهی بیشتر در این زمینه می‌توانید با شماره تلفن ۰۲۵۱ـ۷۷۴۰۰۱۹ پذیرش حوزه علمیه قم تماس بگیرید.

لطفاً شرایط ورود به حوزهٔ علمیه را بیان کنید؟

پرسش

لطفاً شرایط ورود به حوزهٔ علمیه را بیان کنید؟

پاسخ

با تبریک به شما به خاطر هدف مقدّسی که انتخاب کرده‌اید و به امید موفقیت شما، به عرض می‌رسد راه‌های متعدّدی برای ورود به حوزه علمیه برای خواهران وجود دارد که پس از ذکر مقدمه‌ای به آن‌ها اشاره می‌کنیم شرط تحصیل در حوزه اخلاص است و هدف از آن باید کسب فضایل اخلاقی و دریافت معارف اسلامی و نشر آن‌ها در میان باشد. ورود به حوزه یا هر مکان علمی با این هدف اهمیت ویژه‌ای داشته و خداوند چنین عالمی را تمجید کرده است" خدا]رتبه کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد(".مجادله ۱) روایات متعددی نیز به این فضیلت‌ها اشاره دارند. از جمله حضرت صادق‌می‌فرمایند": عالمی که از علمش سود برده شود بهتر از هفتاد هزار عابد است(" الکافی کلینی (ره ، ج ۱، ص ۳۳، دارالکتب الاسلامیهٔ) بدیهی است که این فضایل از عالمان عامل است و عالمانی که به خاطر هوای نفس یا دلایل مادی قدم در راه تحصیل معارف بگذارند، به سختی بازخواست خواهند شد. راه‌های ورود به حوزهٔ علمیه ۱. شرکت در آزمون اختصاصی" جامعهٔ الزهرأ قم این حوزه همه ساله از اواخر بهمن یا اوایل فروردین از خواهران داوطلب دانشجو می‌پذیرد، اطلاعیه پذیرش و چگونگی ثبت‌نام در این حوزه معمولاً در روزهای یاد شده در روزنامهٔ جمهوری اسلامی منتشر می‌شود. از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر برای خواهران تمام وقت شهرستانی داشتن دیپلم با معدل ۱۴ به بالا و حداکثر سن۱۹ سال می‌باشد. حوزه شبانه روزی و دارای خوابگاه بوده و طلاب از غذا و کمک هزینه تحصیلی بهره‌مند خواهند شد. برای آگاهی بیشتر در این باره می‌توانید با شماره تلفن ۰۲۵۱ـ۹۵۱۱۱ تماس بگیرید. ۲. شرکت در آزمون اختصاصی حوزهٔ علمیهٔ خواهران مرکز حوزهٔ علمیهٔ خواهران قم مدارسی را در بیشتر شهرستان‌ها تحت پوشش دارد که همه ساله معمولاً در ماه‌های اسفند و فروردین از خواهران داوطلب طلبه می‌پذیرد، اطلاعیه پذیرش این حوزه در روزهای یاد شده در روزنامه‌های جمهوری اسلامی کیهان و هفته‌نامهٔ افق حوزه منتشر می‌شود. از جمله شرایط اصلی آن در حال حاضر داشتن دیپلم و حداکثر سن ۲۰ سال می‌باشد که در صورت تأهل حداکثر سن ۲۳ سال می‌باشد. برای آشنایی با شرایط ورود به این مدارس می‌توانید با حوزهٔ علمیهٔ مرکز استان خودتان یا مرکز حوزهٔ علمیهٔ خواهران قم (۰۲۵۱ـ۷۷۴۰۹۴۵) تماس بگیرید. ۳. ثبت نام در مدارس مستقل برخی از مدارس در شهرستان‌ها وجود دارند که مستقل بوده و از میان خواهران طلبه می‌پذیرد و شرایط ثبت نام در این مدارس متفاوت بوده و به تصویب هیئت امنا یا مدیر مدرسه بستگی دارد. اما دربارهٔ استاد سیر و سلوک یا استاد اخلاق تذکّر چند مطلب ضروری به نظر می‌رسد که به آن‌ها اشاره می‌شود: ۱. نقش و فایده‌های داشتن استاد: شکّی نیست که انسان برای عبور از مسیرهای دشواری که هرگز عبور از آن را تجربه نکرده است داشتن راهنمایی که پیش‌تر آن راه‌ها را پیموده باشد، بسیار دارای اهمیّت است به خصوص برای سلوک درجادهٔ معنوی و پیمودن مراحل ومنازل روحانی که گام به گام آن را ابلیس و ایادی او ناامن کرده‌اند و سالک این وادی را بدون مبارزه و جهاد، اجازهٔ عبور نمی‌دهند: "قَالَ فَبِمَآ أَغْوَيْتَنِي لأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لأَتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَن شَمَآئِلِهِمْ (اعراف ۱۶و۱۷)]ابلیس گفت اکنون که مرا گمراه ساختی من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن‌ها کمین می‌کنم سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آن‌ها، به سراغشان می‌روم " حضرت آیت اللّه جوادی آملی دربارهٔ نقش استاد اخلاق و مرشد، در تکامل انسان می‌فرمایند": بعضی درس اخلاق می‌گویند، بعضی معلم اخلاق‌اند بعضی راهنما هستند. این راهنما یا استاد، گذشته از این که کلیات و تئوری را می‌داند، باید روان‌شناس خوبی هم باشد تا خصوصیات اشخاص مختلف را درک کند. بعضی از کارهاست که برای یک شخص خوب و برای دیگری بد است داروها همه‌اش برای همهٔ افراد خوب نیست دارویی که

برای یک نفر شفاست ممکن است برای دیگری سم باشد. خلاصه کسی باید استاد و راهنما باشد که خصوصیات روحی آدم را بداند، بگوید: فلان کار، برای تو این گونه خوب است و برای فلانی آن گونه(" توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، آیةاللّه جوادی آملی ص ۳۰و۳۱، نشر: دفتر نشر معارف) ۲. وجود استاد و راهنما: شکّی نیست که در میان انسان‌های مؤمن همواره کسانی هستند که در زمینهٔ هدایت و دست‌گیری اشخاص ـ به طور شخصی ـ برای رسیدن به کمالات معنوی مهارت دارند که برای نمونه می‌توان از مرحوم شاه آبادی نام برد که حضرت امام خمینی را در سنین جوانی راهنمایی می‌کردند، ولی در این هم شکّی نیست که شناختن این اساتید و دست‌رسی به آنان کار آسانی نیست به خصوص که ممکن است انسان با اندک غفلتی به جای دست‌رسی به این گونه استادان در دام شیّادانی که خود را این گونه جلوه داده‌اند، بیفتد ;به ویژه برای خانم‌هایی که برای دست‌رسی به این‌گونه اساتید تلاش می‌کنند، این امر، بسیار حساس‌تر و مشکل‌تر است البته گمان نکنید که تنها شما از این قافله عقب مانده‌اید و در این آرزو به سر می‌برید ;بلکه وقتی سخن از استاد و مرشد می‌شود، شخصی مانند حضرت آیت اللّه جوادی آملی نیز ـ که خود خبرهٔ این مسائل هستند ـ می‌فرمایند": اگر استاد و مربی پیدا شود که نقش مهمّی دارد": آن که یافت می نشود آنم آرزوست..." اگر واقعاً کسی باشد که این خصوصیات را داشته باشد و لحظه به لحظه انسان را راهنمایی کند، نعمت خوبی است امّا بسیار کم نصیب آدم می‌شود(".همان ص ۳۰و۳۱.) ۳. بدون استاد: اکنون که دست‌رسی به آن گونه اساتید ـ که خصوصیات آن در بالا گذشت و گویا جز با توفیق الهی نصیب انسان نمی‌شود ـ میسّر نشده است به معنای آن نیست که انسان از کمالات و کامل شدن محروم مانده است زیرا یک سری دستورالعمل‌های عمومی وجود دارند که با تمسّک به آن‌ها و جلب عنایات ویژهٔ خداوند، انسان می‌تواند راه خود را به سوی کمال ادامه دهد که از جملهٔ آن دستورالعمل‌ها" ترک محرمات و انجام واجبات است دانستن این که چه چیزهایی برای انسان حرام و چه چیزهایی واجب هستند، کار دشواری نیست زیرا بیش‌تر آن‌ها را فقها و مراجع تقلید در رساله‌های توضیح المسائل خود آورده‌اند. نقطهٔ شروع شما در ابتدای راه باید همین باشد ;یعنی حرام در زندگی شما نباشد و واجبی از واجبات شما ترک نشود، به گونه‌ای که هر گاه دیدید در زندگی خود، گناه و ترک واجب دارید، بدانید هنوز در ابتدای راه هستید، امّا خداوند متعال پس از پیمودن این مرحله تضمین فرموده است که شما را در ادامهٔ راه کمک و راهنمایی فرماید و شما را بر سر دو راهی‌ها، تنهانگذارد": وَ الَّذِینَ جَهَدُواْ فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ(;عنکبوت ۶۹) و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است" ";وَ مَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا(;طلاق ۲) و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند" ";یَـأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوَّاْ إِن تَتَّقُواْ اللَّهَ یَجْعَل لَّکُمْ فُرْقَانًا(;انفال ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از]مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد".

جامعه الزهرای قم چه مرکزی است ؟

پرسش

جامعه الزهرای قم چه مرکزی است ؟

پاسخ

جامعهٔ الزهرا که حوزه علمیه خواهران است، دارای چهار بخش عمده می‌باشد: ۱- شبانه روزی جهت خواهران شهرستانی، ۲-

روزانه با شرایط دارا بودن مدرک سیکل، ۳- روزانه با مدرک دیپلم، ۴- آموزش غیرحضوری (توسط ارسال نوار)، از نظر درسی هم دارای یک دوره عمومی و یک دوره تخصصی می‌باشد. دوره عمومی را که حدودا پنج سال به طول می‌انجامد برای همه است و دوره تخصصی (تخصص تبلیغ، تاریخ، فقه و اصول و...) برای کسانی است که ثبت نام کرده و در امتحان ورودی آن قبول شوند. شرایط ثبت نام را نیز امسال در دهه اول اسفندماه در روزنامه‌های کثیرالانتشار به اطلاع عموم می‌رسانند. جهت آگاهی بیشتر با نشانی قم: بلوار امین - جامعهٔ الزهرا - تلفن: ۲۹۲۵۱۱۱تماس حاصل نمایید.{J

آیا کلمه روحانیت -آن گونه که دکترشریعتی در کتاب (بازگشت به خویشتن) بیان کرده -ازتحریفات عصرصفویه بوده و از مسیحیت واردجامعه مسلمانان شده است ؟

پرسش

آیا کلمه روحانیت -آن گونه که دکترشریعتی در کتاب (بازگشت به خویشتن) بیان کرده -ازتحریفات عصرصفویه بوده و از مسیحیت واردجامعه مسلمانان شده است ؟

پاسخ

در مورد مطلبی که در سوئال آمده نکاتی قابل بررسی می باشند که عبارتند از: اولا: "در ابتدا لازم است نگاهی به تعریف واژه روحانیت و ویژگیهای آن در اسلام بیندازیم و سپس فرق بین آن و روحانیت در دین مسیح را بیان نمائیم : واژه روحانیت به معنای ((روح محوری)) در برابر ((جسم محوری)) است . گاهی این اصطلاح به جای واژه ((عالم دین)) و یا ((دین شناسی)) و نظیر آن به کار می رود که چندان رسا نیست , چنانکه برخی از اصطلاحات زمان های پیشین چون ((آخوند)) (پیشوای مذهبی یا دانشمند) و ((ملا)) (درس خوانده) نیز چندان رسا نبود و علاوه بر نداشتن دلالت لازم بر مراد, گاهی با تحقیر و توهین دشمنان دین و روحانیت همراه بود. در فرهنگ قرآن و اهل بیت (ع) در مورد دین شناسان و ادامه دهندگان رسالت انبیای الهی واژه ((عالم)) به کار رفته و با القایی چون ((وارثان پیامبر))، ((جانشینان پیامبر))، ((دژهای اسلام)) و ((صاحبان فهم عمیق))، ((منذران قوم)) و... به آنان اشاره شده است . اما از نظر اصطلاحی , روحانی یا عالم دینی به معنای ((دین شناس و دین دار عصر خویش الگوی عینی اجرای دین و هادی خود و جامعه و ناظر بر اجرای دین به منظور عروج در رسیدن انسان به کمال نهایی)). ویژگی های روحانیت عبارتند از: ۱- اسلام شناسی ۲- زمان شناسی ۳- شایستگی برای فهم دین و تبلیغ و تبیین آن , ۴- تبلور دین در ظاهر و باطن ۵- صلاحیت برای اجرای دین در عرصه اجتماع ۶- شایستگی برای هدایت و نظارت بر اجرای دین (ر.ک : محمدجواد حیدری کاشانی , مجموعه امام خمینی و حکومت اسلامی , ج ۸, ص ۱۶۶ - ۱۶۵) اما اگر شما روحانیت در دین مسیحیت را با ویژگیهایی که دارد مورد مطالعه قرار دهید در می یابید که بین ایندو اصطلاح (روحانیت در اسلام با روحانیت در مسیحیت) اختلافات ماهوی متعددی وجود دارد که به هیچ وجه قابل اقتباس از دیگری نمی باشد که ما به برخی از آنان اشاره می نمائیم : روحانیت در مسیحیت تنها مقام صاحب اعتبار در مسایل دینی و رابطه و واسطه خدا و انسان به شمار می آید که به نوعی از عصمت و قداست خاصی برخوردار بوده و کمتر به جنبه عملی و معرفتی اخلاقی و علمی او توجه می شود و به عنوان یک طبقه ممتاز از سایر طبقات شناخته می شود. به خلاف روحانیت شیعه که بر بعد معرفتی و علمی او توائم با بعد اخلاقی و عملی توجه می شود و... (ر.ک : مهندس جلال الدین آشتیانی , تحقیق در دین مسیح , ص ۴۰۹) ثانیا: "مطالعه تاریخ صفویه به روشنی بیانگر این مطلب می باشد

که علمائ شیعه در برابر مبلغان مسیحی موضع گیری های متعددی داشته اند و کتابهای بیشمار در جهت مقابله با ترویج عقاید و افکار مسیحیت نگاشته شده است بنابراین اثبات چنین مطلبی مشکل می نماید. (ر.ک : رسول جعفریان , دین و سیاست در دوره صفوی , ص ۳۰۱) ثالثا: "روحانیت در دید دکتر در دوره های مختلف و سالهای متمادی به شکلهای مختلفی جلوه کرده و دیدگاهش گاه عوض شده گاه به افراط کشیده شده است . بنابراین برای درک شناخت موضع دکتر درباره روحانیت لازم است کار زمان بندی شده ای روی آثار دکتر بشود. رابعا: "برای ارائه نظر و انتقاد از عملکرد فرد یا افرادی حتما "باید شرایط, اوضاع و احوال آن زمان را در نظر گرفت نه با معیاری که امروز به دست آورده کما اینکه دکتر سعی می کند معیار تشیع سرخ را تا آخر تاریخ ببرد و هر دوره ای را با آن محک بزند. حضرت امام (ره) با اینکه به همه سلاطین بدبین بودند و فردی کاملا "انقلابی بودند اما در جای خود از علمای معاصر حکومت صفوی حمایت می کرد یعنی احساس می کرد که در آن مقطع زمانی , مرحوم مجلسی یا محقق کرکی و یا دیگران جز کاری که کردند, نمی توانستند کار دیگری انجام دهند. لذا رسما "از مرحوم مجلسی ستایش و دفاع کردند. خامسا: "با این همه دکتر نهایت تمجید از تشیع علوی را دارد و به کرات از شیعیان مخلص مانند مرحوم سید شرف الدین یاد می کند. و از حضرت امام خمینی (ره) به دفعات تمجید و ستایش کرده و به روح خدا تعبیر می نماید, (دکتر شریعتی , مجموعه آثار, ج ۲۰, ص ۱۱۹). سادسا: "اصل وجود تعزیه و عزاداری برای امام حسین (ع) و ائمه اطهار(ع) دارای پشتوانه محکمی از احادیث و روایات معتبر و سیره ائمه اطهار(ع) می باشد که اصلا "قابل خدشه نیست . مراسم سوگواری عاشورا, (عزاداری , تعزیه خوانی , مراسم روضه خوانی و...) از پیش از صفویه در ایران به ویژه خراسان عصر تیموری رواج داشته و کتاب روضه الشهدائ از ملا حسین کاشفی (م ۹۱۰) برای محافل روضه خوانی خراسان تائلیف شده بوده است آن هم در روزگاری که هنوز پای شاه اسماعیل به خراسان نرسیده و قزلباشان شیعه در آنجا حضور و نفوذی نداشتند. در عصر حضور ائمه معصومین (ع) و پیامبر اکرم (ص) نیز برگزاری تعزیه برای شهدائ و مرحومین امری رایج بوده است که می توان به : برگزاری مراسم عزاداری برای حمزه سیدالشهدائ توسط زنان مدینه , برگزاری مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) توسط کاروان اسرائ به مدت سه روز در شام و بعد از برگشتن از شام بر سر قبر مطهر امام حسین (ع) در کربلا, و سپس در مدینه اشاره نمود و حتی امامان معصوم (ع) نیز برای عزاداری جدشان هر ساله تشکیل مراسم عزاداری می دادند, (ر.ک : رسول جعفریان , صفویه از ظهور تا زوال , ص ۲۳۷) اما سبک عزاداری به فرهنگ هر قومی بر می گردد. به عبارت دیگر تعزیه از مقوله هنر است که ممکن است در آن از موارد مشابه حتی از کشورها و آئین های دیگر تقلید شود, و این تا جایی که با ارزشها و معارف اسلامی مغایرت نداشته باشد مشکلی ندارد. در عین حال برخی از منابع تاریخی برآنند که نخستین بار زنان بنی هاشم هنگام ورود به کربلا به رسم عزاداری به سینه خود می زدند.

فهرستی از دروس حوزه را بیان نمائید؟

پرسش

فهرستی از دروس حوزه را بیان نمائید؟

پاسخ

۱- جامع‌المقدمات که شامل (صرف میر، شرح تصریف، عوامل ملامحسن در نحو، هدایهٔ فی النحو و کتاب صمدیه شیخ بهایی) ۲-

کتاب سیوطی در نحو، جلال‌الدین سیوطی ۳- مختصرالمعانی (در معانی و بیان و بدیع) تفتازانی ۴- آشنایی با علوم اسلامی (قسمت منطق) استاد شهید مطهری ۵- منطق مظفر (علامه محمدرضا مظفر) ۶- مغنی‌اللبیب در نحو، ابن هشام ۷- معالم‌الدین (در علم اصول) ۸- آموزش فلسفه، استاد مصباح یزدی ۹- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی ۱۰- تایخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی ۱۱- البدایة المعارف الالهیه (در عقاید) سید محسن خرازی » قدس سرهما ۱- شرح اللمعة الدمشقیه (در فقه) شهید ثانی ۲- اصول الفقه (در علوم اصول) علامه محمدرضا مظفر ۳- رسائل (فرائدالاصول) شیخ مرتضی انصاری ۴- ارشاد مفید (در تاریخ) شیخ مفید ۵- بدایةالحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی ۶- جوامع‌الجامع (در تفسیر) شیخ طبرسی ۷- التمهید (در علوم قرآن) آیت‌الله محمد هادی معرفت ۸- الملل والنحل (در فرق و مذاهب) استاد جعفر سبحانی ۹- کلیات علم رجال (علم رجال) استاد جعفر سبحانی » ۱- مکاسب (در فقه) شیخ مرتضی انصاری ۲- کفایةالاصول در علم اصول) مرحوم آخوند خراسانی ۳- نهایةالحکمه (فلسفه) علامه طباطبایی ۴- شرح منظومه (منطق و الهیات و فلسفه) ملاـ هادی سبزواری ۵- جوامع‌الجامع (تفسیر) طبرسی ۶- التمهید (در علوم قرآن) آیت‌اللهمعرفت ۷- کلیات علم‌الرجال، استاد جعفر سبحانی ۸- درایةالحدیث (حدیث‌شناسی) استاد جعفر سبحانی ۹- الالهیات (در عقاید و کلام) استاد جعفر سبحانی » قدس سرهما ۱- وسائل‌الشیعه، شیخ حر عاملی ۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری ۳- جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی ۴- عروةالوثقی و شروحی که بر این کتاب نوشته شده، سید محمد کاظم یزدی ۵- کشف اللثام، فاضل اصفهانی معروف به فاضل هندی ۷- تذکرةالفقها، علامه حلی ۸- اجود التقریرات، آیت‌اللهخویی ۹- جامع‌المقاصد، محقق ثانی ۱۰- مبسوط، شیخ طوسی ۱۱- خلاف، شیخ طوسی ۱۲- تحریرالوسیله، امام خمینی و... ۱- مرکز تخصصی علم کلام ۲- مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن ۳- مرکز تخصصی قضا ۴- مرکز تخصصی تبلیغ

سؤال۱۰: فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

پرسش

سؤال ۱۰: فلسفه وجودی لباس روحانیت در عصر حاضر چیست؟

پاسخ

۱- آن هم با توجه به این که لباس خاصّی برای فقها در اسلام سفارش نشده است. ۲- هیچ گروهی لباس کار و وظیفه‌اش را همانند طبقه اطبّا و... در غیر زمان انجام وظیفه استفاده نمی‌کند. ۳- در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم. پاسخ: از احادیث موجود در کتب روایی شیعه و سنّی استفاده می‌شود که پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت معصومان ع) است؛ از آن جمله: ۱- جابر نقل کرده است: پیامبر اکرم(ص) در هنگام فتح مکه، در آغاز ورود به مکّه عمامه‌ای مشکی بر سر داشت.(۱) علی(ع) فرمود": رسول خدا(ص) در روز عید غدیر، عمامه‌ای بر سرم گذاشت و گوشه آن را پشت سرم آویزان کرد؛ آن گاه فرمود": خدای متعال در جنگ بدر و حنین مرا با فرشتگانی کمک کرد که با چنین عمامه هایی معمّم بودند.("۲) ۲- اصبغ بن نباته که از نزدیکان امیرالمؤمنین(ع) به شمار می‌رود، روایت کرده است: در آغاز خلافت و پس از بیعت مردم، حضرت علی(ع) به مسجد آمد، در حالی که عمامه رسول خدا را بر سر داشت.(۳) ۳- عباس بن عبدالمطلب و ربیعة بن الحارث فرزندان خود فضل و ربیعه را به حضور علی(ع) فرستاده تا از حضرت تقاضا کنند که آنان را برای جمع آوری زکات به کار بگمارد؛ حضرت امیر(ع)

فرمود: به خدا قسم هیچ کدام از شماها را به کار نخواهم گرفت. ربیعه (پس از شنیدن نظر امام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و با لحنی اعتراض‌آمیز) عرض کرد: به مقام و منزلت دامادی پیامبر(ص) رسیدی، ما به خاطر آن بر تو حسادت نکردیم؛ امیرالمؤمنین(ع) (با بی اعتنایی نسبت به سخنان ربیعه) عبای خود را روی زمین انداخت و بر آن خوابید.(۴) بنابراین از مجموع روایات می‌توان نتیجه گرفت: پوشیدن عمامه و عبا بخشی از سنّت پیامبر و امامان(ع) را تشکیل می‌دهد. تا این قسمت، پاسخ پرسش اصلی شما یعنی فلسفه وجودی لباس روحانیت، روشن شد، هم چنین پاسخ اولین پرسش فرعی، نیز معلوم گردید. وقتی عبا و عمامه سنّت پیامبر(ص) و امامان(ع) باشد، چه لزومی دارد که سفارش جداگانه برای آن در روایات شود، بلکه در هر زمان و مکانی ممکن است که روحانی پاسخگوی شبهات و پرسش‌های افراد باشد و این میسور نیست مگر آن که روحانی با پوششی خاص میان جامعه اسلامی حضور داشته باشد؛ به خلاف مراجعه به صاحبان مشاغلی همچون پزشکان و نیروهای نظامی وانتظامی که مراجعه به آنان در موارد و ساعاتی خاص انجام می‌شود، بنابراین، حتی اگر از نگاه شغلی نگاه کنیم، شغل روحانی اقتضا می کند که هر وقت در جمعی حاضر شده، چه در خیابان و چه در مهمانی و... باید این لباس را به تن داشته باشد. پاسخ سومین سؤال فرعی: در سؤال مطرح کرده‌اید: در احادیث سفارش شده که به لباس عصر خویش ملتزم باشیم، بله در این زمینه روایاتی رسیده است که به لحاظ رعایت اختصار فقط به بیان و تشریح یک روایت می‌پردازیم: حمّاد بن عثمان در محضر امام صادق(ع) بود که شخصی به امام عرض کرد: به ما گفته‌اند که علی(ع) لباس خشن و پیراهن ارزان قیمت می‌پوشیده و شما را می‌بینیم که لباسی نیکو پوشیده‌اید. امام صادق(ع) در پاسخ این اعتراض فرمود": علی بن أبی طالب علیه السّلام لباس با آن ویژگی‌ها را در زمانی می‌پوشید که پوشش آن عیب به حساب نمی‌آمد، امّا امروز هر کس به آن روش لباس بپوشد، لباس شهرت می‌شود و بهترین لباس در هر زمان، لباس اهل همان زمان است."(۵) این روایت بهترین لباس را، لباس مردم هر زمان دانسته است، و لباس نوع دیگر را که به صورت لباس شهرت (انگشت نما) در آید، نفی کرده است. امّا آیا لباس روحانیت از این نوع است؟ با توجه به این که نمایانگر طبقه خاص با وظایف خاص بوده و به لباس معصومین(ع) شباهت داشته و به لباس‌های سنّتی ایرانیان نیر شباهت بیشتری دارد. پی نوشت‌ها: ۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۶۵، ح ۱۸۰۹۶. ۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری (سنن بیهقی)، ج ۱۰، ص ۱۴. ۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، التوحید، ص ۳۰۴، ح ۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰۹. ۴. محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۲۲. ۵. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.

من علاقه به فراگیری علوم و دروس حوزوی دارم و می‌خواهم بدانم مدت آن چند سال است و هم چنین در رشته علوم سیاسی چه درس هایی از همه بیش‌تر نیاز است؟

پرسش

من علاقه به فراگیری علوم و دروس حوزوی دارم و می‌خواهم بدانم مدت آن چند سال است و هم چنین در رشته علوم سیاسی چه درس هایی از همه بیش‌تر نیاز است؟

پاسخ

اگر علوم حوزوی درست خوانده شود منشأ خیرات فراوانی می‌شود، ولی استقامت و توفیق الهی باید مددکار باشد تا انسان بتواند به علوم حوزوی دست یابد. مدت طلبگی در حوزه برای خواندن (مقدمات و سطح و خارج) حدود ۱۵ سال طول می‌کشد. اگر ۱۵

سال خوب درس خوانده شود، شخص می‌تواند مجتهد شود. و درباره ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته علوم سیاسی، درس‌های عمومی و معارف اسلامی، اطلاعات سیاسی، و تاریخ و جغرافیا از همه بیش‌تر نیاز است و کتاب اندیشه سیاسی اسلامی را مطالعه فرمایید.

۴ چرا در گزینش طلبه دقت کافی نمی شود؟ چرا مانندبودایی ها که برای مسئولیت و رهبری معبدی , از دوران کودکی شخص مورد نظررا کنترل می کنند, عمل نمی شود و مثلاً دانش آموزی را که در سوم راهنمایی متوقف شده , می پذیرند و بعد هم در آمد روحانیت آغشته به دین است ؟! چر

پرسش

۴ چرا در گزینش طلبه دقت کافی نمی شود؟ چرا مانندبودایی ها که برای مسئولیت ...رهبری معبدی , از دوران کودکی شخص مورد نظررا کنترل می کنند, عمل نمی شود و مثلاًـ دانش آموزی را که در سوم راهنمایی متوقف شده , می پذیرند و بعد هم در آمد روحانیت آغشته به دین است ؟! چرادربارهء این مسئله فکر اساسی و اقدام قانونی نمی شود؟!

پاسخ

مطلبی را که دربارهء دقت در نحوهء تعیین رهبری معبد بوداییان بیان کردید در مورد ردهء بالای روحانیت است که این امر در روحانیت شیعه نیزبرای تعیین مرجع تقلید و روحانیونی که بخواهند عهده دار مسئولیت حساس شوند, رعایت می شود, اما چون حوزهء روحانیت در اسلام بسیار گسترده ودارای مراتب گوناگون است و به افراد بسیاری نیاز دارد, نمی شود همهء آنان را ازدوران کودکی تحت نظر گرفت و به شیوهء خاص تربیت کرد, بلکه بهترین راه همان است که پس از گذراندن حداقل دورهء راهنمایی و آشنا شدن با مسائل اجتماعی , کسانی که علاقه و ذوق ورود به حوزه را دارند, با آگاهی و اختیار و درصورت داشتن شرایط و قبولی در آزمون ورودی وارد حوزه شوند و ضمن خواندن دروس حوزوی و ارتقای علمی و تهذیب نفس و ابراز لیاقت وشا.....Ə...های علمی و ع...řęو اخلاقی , بتوانند مسئولیت های در ...IŞتوان راپذیرا گردند. طبیعی است کسانی که از استعداد بالایی برخوردار هستند, برای مسئولیت های بالاتر و کسانی از لیاقت پایین تری بهره مندند, به کارهای متناسب با شأن و لیاقتشان گمارده خواهند شد. البته باید اعتراف کرد سازمان روحانیت هنوز به وضعیت مطلوب نرسیده است و در کیفیت اداره نیاز به اصلاحات داردکه باید توسط مراجع مربوط و کارشناسان آگاه به زمان برنامه ریزی شود تا به اهداف عالی خود نایل آید.

شنیده ام که می شود از قم کتاب مجانی دریافت کرد. لطفاًراهنمایی کنید؟

پرسش

شنیده ام که می شود از قم کتاب مجانی دریافت کرد. لطفاًراهنمایی کنید؟

پاسخ

با مؤسسهء انتشارات در راه حق واقع در قم ـ چهار راه شهدا مکاتبه کنید.

علاقه به دروس حوزوی دارم , ولی بندر انزلی نه جوّ خوبی دارد ونه حوزهء مناسبی . آیا می توانم در حوزهء علیمهء قم مشغول شوم , لطفاً از کم و کیف مسئله مرا مطلع فرمایید.

پرسش

علاقه به دروس حوزوی دارم , ولی بندر انزلی نه جوّ خوبی دارد ونه حوزهء مناسبی . آیا می توانم در حوزهء علیمهء قم مشغول شوم , لطفاً از کم و کیف مسئله مرا مطلع فرمایید.

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از لطف و مرحمت جناب عالی تشکر وقدردانی می کنیم . دروس حوزوی , چون مقدمهء شناخت خدا و شناخت نفس است (معرفة اللّه ومعرفة النفس) از بهترین علوم محسوب می شود, اخلاص در این رشته , رمز موفقیت است . اگر اخلاص نباشد دچار خسران و زیان خواهیم شد. در هر صورت , علاقه ءشما ستودنی است . برای آگاهی از کم و کیف شرکت در حوزهء علمیهء قم , فرمی که توسط شورای مدیریت حوزهء علمیه قم تهیه شده برای شما ارسال می شود.امیدواریم بتوانید بدین سوی هجرت کنید و اگر زمینه فراهم نشد می توانید درحوزه های علمیهء شهر خودتان یا شهرهای نزدیک چند سالی را سپری کنید ومقدمات را بخوانید و سپس برای پیمودن ادامهء تحصیل به قم تشریف بیاورید.اغلب طلّاب شهرستانی , چند سالی را در شهر خود یا شهرهای اطراف مشغول می شوند و بعد از خواندن لمعه , طی امتحاناتی , مقدمات آمدن به قم فراهم می شود. امیدواریم به هدف های خالصانهء خود برسید.

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چگونه است , آیا تحصیل در حوزه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است ؟

اشاره

آیا حوزه , تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد, آیا پوشیدن لباس روحانیت اجباری است ؟

پرسش

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چگونه است , آیا تحصیل در حوزه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است ؟ ـ آیا حوزه , تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد, آیا پوشیدن لباس روحانیت اجباری است ؟

پاسخ

دوست عزیز! ضمن تبریک جهت اقدام شما برای ورود به حوزه علمیه قم نکاتی تقدیم می گردد: ۱ جذب طلاب و دانش پژوهان حوزه علمیه قم شرایطی دارد که به پیوست برای شما ارسال می شود. رشته هایی که در حوزه های علمیه تدریس می گردد عبارتند از: ۱ ادبیات عرب ; ۲ منطق ; ۳ اصول ; ۴فقه ; ۵ فلسفه و کلام ; ۶ عرفان و ادیان ; ۷ تاریخ ; ۸ تفسیر قرآن ; ۹ روان شناسی ; ۱۰ جامعه شناسی ; ۱۱مدیریت ; ۱۲ حقوق . بنابراین , تحصیل در حوزه علمیه قم پس از طی دورهء عمومی سطح , به صورت تخصّصی در رشته های مذکور امکان پذیر است , علاوه بر آن که برخی از مراکز آموزشی و پژوهشی حوزهء علمیه قم , مثل مؤسسهء امام خمینی , دفتر تبلیغات اسلامی , دانشگاه مفید, مرکز تربیت مدرس و... بر اساس سر فصل های دانشگاهی ازطلبه ها ثبت نام کرده و پس از طی مراحل کنکور و گزینش و درس , مدرک معتبر علمی ـ دانشگاهی اعطا می کنندکه با آن می توان استخدام شد, علاوه بر آن که درس های حوزه و پژوهش علمی حوزه پایان ناپذیر است و هرکس به هر میزان استعداد داشته باشد می تواند کار کند ;۲ حوزه علمیه , تعهد چندانی نسبت به اشتغال طلبه ها ندارد, اما اگر طلبه ای , خوب درس بخواند و مراتب علمی را طی کند, می تواند در دانشگاه تدریس کند و در قوه قضاییه و مجریه , مشغول به کار شود ;به علاوه درحوزه علمیه هم می تواند به تدریس و نگارش بپردازد ;۳ لباس در حوزه اجباری نیست , اما از شرایط حوزه و تعهدات اخلاقی محصّل این است که پس از استفاده از امکانات حوزه , از سلک روحانیت خارج نشود و ضمن افتخار به این لباس به خدمات دینی , فرهنگی بپردازد.

در آزمون سراسری سال ۷۹شرکت کرده ایم و دوست دارم در دانشگاه قم قبول شده و یا درحوزه مشغول شوم , چون در مورد درس عربی مشکل دارم , لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پرسش

در آزمون سراسری سال ۷۹شرکت کرده ایم و دوست دارم در دانشگاه قم قبول شده و یا درحوزه مشغول شوم , چون در مورد درس عربی مشکل دارم , لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ

خواهر گرامی ! ما هم آرزومندیم در آزمون سراسری , به خصوص در رشته های تحصیلی دانشگاه قم قبول شوید, وظیفهء شما در این مقطع این است که درس ها را کاملاً بخوانید, دروس عمومی و دروس اختصاصی را مطالعه کنید و خصوصاً درس های عربی را با دقت بخوانید و هر چه بیش تر در این زمینه ها کارکنید بهتر است ; البته اگر در دانشگاه سراسری قبول نشدید, می توانید در جامعهٔ الزهرا یا مدرسهء علمیهء حضرت زینب ۳که مخصوص خواهران است و دروس عربی و دینی را می خوانند شرکت کنید و انشاءالله قبول شده واز محیط قم و معنویت این شهر مذهبی , به خصوص زیارت حضرت معصومه ۳بهره مند می شوید. جهت اطلاع بیش تر, برگه شرایط ثبت نام در جامعهٔ الزهرا را به پیوست ارسال می داریم . نگران نباشید, باتوکل بر خدا و با جدّیت , این مدت باقی مانده رامطالعه کنید. انشاءالله قبول می شوید و اگراحیاناً در شهرهای دیگر و دانشگاه های دیگر قبول شدید با حفظ حجاب و ایمان کامل و پرهیز از گناهان می توانید معنویّت خود را حفظ کنید. .

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چیست ؟ آیا تحصیل در جزوه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است و حوزه , تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد, آیا لباس روحانی اجباری است ؟

پرسش

نحوه جذب محصلین در حوزه علمیه چیست ؟ آیا تحصیل در جزوه ها مختص رشته های علوم دینی و مذهبی است و حوزه , تعهدی نسبت به شغل محصلین در آینده دارد, آیا لباس روحانی اجباری است ؟

پاسخ

دوست عزیز! ضمن تبریک جهت اقدام شما برای ورود به حوزه علمیه قم به اطلاع شمامی رسانیم که جذب طلاب و دانش پژوهان حوزه علمیه قم شرایطی دارد که به پیوست تقدیم می گردد. درس هایی که در حوزه های علمیه تدریس می گردد عبارت اند از: ۱ ادبیات عرب ; ۲ منطق ; ۳ اصول ; ۴فقه ; ۵ فلسفه و کلام ; ۶ عرفان و ادیان ; ۷ تاریخ ; ۸ تفسیر قرآن . بنابراین , تحصیل در حوزهء علمیه قم پس از طی دورهء عمومی سطح , به صورت تخصّصی در رشته های فقه ,اصول , فلسفه و کلام , تفسیر و... امکان پذیر است , علاوه بر آن که برخی از مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه قم مثل مؤسسهء امام خمینی , دفتر تبلیغات اسلامی , دانشگاه مفید, مرکز تربیت مدرس و... برای اساس سرفصل های دانشگاهی از طلبه های ثبت نام می کنند و پس از طی مراحل کنکور و گزینش و طی دوره , مدرک معتبر علمی اعطا می کنند که با آن می توان استخدام شد, افزون بر آن که درس های حوزه و پژوهش علمی حوزه پایان ناپذیر است و هر کس به هر میزان استعداد داشته باشد می تواند کار کند. حوزهء علمیه , تعهد چندانی نسبت به اشتغال طلبه ها ندارد, اما اگر طلبه ای , خوب درس بخواند و مراتب علمی را طی کند, می تواند در دانشگاه تدریس کند و در قوّه قضاییه و ارگان های دیگر مشغول به کار شود, به علاوه در حوزه علمیه هم می تواند به تدریس و نگارش بپردازد, در ضمن پوشیدن لباس روحانیت در حوزه اجباری نیست , اما از شرایط حوزه و تعهدات اخلاقی محصّل این است که پس از استفاده از امکانات حوزه , ازسلک روحانیت خارج نشود و ضمن افتخار به این لباس , به خدمات دینی , فرهنگی بپردازد.

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

علاقه زیاد به تحصیل علوم اسلامی دارم لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

علاقه و اشتیاق وافر به تحصیل علم خصوصاً تحصیل علوم اسلامی توفیق بزرگی برای شما است , که داشتن این روحیه تحمل مشکلات را آسان نخوده و پیمودن پله های ترقی را فراهم می نماید. یکی از صفات پسندیدهء روحیهء داشتن علم است و فضیلت و برتری دانا بر نادان از آفتاب روشن تر است . دین مقدس اسلام بیش ازهمه نظامات اجتماعی و همهء ادیان و شرایع مردم را به فراگرفتن علم و دانش تشویق و ترغیب نموده است , اسلام برای پیریزی یک فرهنگ اساسی فضیل علم را بر هر زن و مرد لازم نموده است و برای علم ارزش بسیار والایی قائل شده است . امام علی ۷فرمود: . هم چنین حضرت در(پاورقی ۱.محمد ری شهری ,

میزان الحکمـهٔ ج ص ۲۰۶۳مـادهء علم , شـماره ۱۳۶۵۵و ۱۳۶۵۲ حـدیث دیگر فرمـود: .() اگر علم و دانش تـوأم بـا پـاکی و تقـوا و(پـاورقی ۲.همـان . آگـاهی باشـد منشأ خیر و برکات فراوان شـده و موجب آبادی دنیا و آخرت می گردد. امیـدواریم شـما در راه کسب علم و دانش , به ویژه علوم اسـلامی موفق شـد و مـدارج عالی را طی نمایید. با توجه به شـرایطی که برای خود ذکر کرده اید بهـتر است برای راهنمـایی و رسـیدن به یـک راه عملی برای تحصـیل علـوم اسـلامی به مـدیر حوزهء علمیهء شهرسـتان کرج مراجعه فرمایید و از ایشان راهنمایی بخواهید.

چگونه می توانیم برگهء پرسش ها و شبهات را تهیه نماییم ؟

پرسش

چگونه می توانیم برگهء پرسش ها و شبهات را تهیه نماییم ؟

پاسخ

می توانید با مرکز فرهنگ و معارف قرآن , دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علیه قم مکاتبه کرده و از آن مرکز درخواست برگه کنید.

مایلم وقتی بزرگ شدم , در حوزهء علمیهء قم تحصیل کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید باید چه کار کنم .

پرسش

مایلم وقتی بزرگ شدم , در حوزهء علمیهء قم تحصیل کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید باید چه کار کنم .

پاسخ

از این که در سـنین کودکی در این فکر هستیـد که وقتی بزرگ شدید, وارد حوزهء علمیهء مقدسهء قم شوید و از مسائل دینی خود و جهان اسـلام آگاهی پیدا کنید, جای بسـی سپاس و تشـکر است . قدر این نعمت رابدانید و همیشه از خدا بخواهید شما را در این عقیـده ثابت قدم نگه دارد. ارتباط با افراد مؤمن و متدیّن و رفتن به مجالس دینی و گوش دادن به پندهای حکیمانه بعضـی از منبری هـا واقـامهء به موقع نمازهـای پنجگـانه و انس بـا قرآن و پیونـد بـا ائمه اطهـار: از دیگر راه های موفقیت است . البته ورود به حوزه , مسئولیتی خطیر و همراه با مشکلات و محرومیت های بسیاری است , که خود را برای آن بایدآماده کرده باشید. یکی دیگر از رموز موفقیت شـما در آینده این است که دروس مقاطع تحصـیلی (ابتدایی , راهنمایی ودبیرستان) به خصوص درس های ریاضی و عربی و منطق و فلسفه و ادبیات و دینی را خوب بخوانید و بفهمید.ضمناً فرم جامعهٔالزهرا به پیوست ارسال می گردد. ان شاءالله مطالعهء آن مفید باشد.

خانمی هستم متولد ۱۳۳۴و مجرد و شاغل در یکی از مراکز درمانی . در یک بحران شدیدروحی قرار گرفته ام و در سال آخر رشـتهء علوم

تربیتی پیام نور درس می خوانم . لطفاً شرایط ورود به حوزهء علمیه ءرا بنویسید.

پرسش

خانمی هستم متولد ۱۳۳۴و مجرد و شاغل در یکی از مراکز درمانی . در یک بحران شدیدروحی قرار گرفته ام و در سال آخر رشتهء علوم تربیتی پیام نور درس می خوانم . لطفاً شرایط ورود به حوزهء علمیه ءرا بنویسید.

پاسخ

از این که با ما مکاتبه کرده و مشکلات خود را مطرح کرده اید, متشکریم . علت تجرّد شما را بعد از چهل سالگی متوجه نشدیم . شاید علت خستگی شدید و احساس ناتوانی وضعف روحی و افسردگی , ناشی از تجرد باشد. در نامهء بعدی علّت مجرّد بودنتان را توضیح دهید. با این حال چون مشغول کار و تحصیل هستید, بسیار خوب است , چون اگر مشغول شغلی نبودید, قطعاً بامشکلات بیشتری مواجه می شدید. علاقهء به علوم اسلامی و الهیّات و دروس حوزوی بسیار مطلوب و پسندیده است , ولی شرکت در حوزه ءعلمیه و خواندن دروس حوزوی , شرایط مخصوصی دارد. در هر حال فرم شرکت در جامعهٔالزهراء۳را ارسال می کنیم . اگر شرایط را داشتید می توانید در امتحان ورودی شرکت کنید. بدون شرکت در حوزه هم می توانیددروس حوزوی را نزد استادی که در شهرتان هست یا حوزهء علمیه خواهران مراغه , بخوانید. شرکت در دروس حوزه علمیه رایگان است و از بابت تحصیل در حزوه علمیه از کسی شهریه دریافت نمی شود, بلکه حوزه هامقداری شهریه به دانش پژوهان خود می دهند. ما امیدواریم که با کوشش و جدیت بهاین هدف نایل می شوید. ابتدا سعی کنید اگر مورد مناسبی پیدا شد وشخص خوبی از شما خواستگاری کرد ازدواج کنید در آن صورت طبعی است که با آرامش بیش تر می توانید به فعالیت های خود ادامه دهید. ما برای شما آرزوی موفقیت و سعادت داریم .

پسری هفده ساله هستم و دوست دارم طلبه شوم , مدرک و شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه چیست ؟ و امتحان ورودی آن چه زمانی است و مدت زمان برای ملبّس شدن چند سال است ؟

پرسش

پسری هفده ساله هستم و دوست دارم طلبه شوم , مدرک و شرایط لازم برای ورود به حوزه علمیه چیست ؟ و امتحان ورودی آن چه زمانی است و مدت زمان برای ملبّس شدن چند سال است ؟

پاسخ

برادر عزیز و گرامی ! از این که با ما مکاتبه کرده و علاقه مند دروس حوزوی شده اید, متشکریم .دروس حوزوی حداقل مدت پانزده سال به طول می انجامد که با خواندن ادبیات عرب شروع می شود و بامنطق و فلسفه و اصول و فقه و فصاحت و بلاغت و تفسیر و اعتقادات و در مرحلهء آخر درس خارج فقه و اصول تمام می شود. اگر کسی بخواهد به مراحل بالاتر یعنی اجتهاد و

فقاهت دست یابـد, باید تحقیقات خود را ادامه دهد و در همهء مراحل از اخلاق و تهذیب نفس برخوردار باشد. طلبه وقتی مقداری از اصول و فقه را خواند وتوانایی پاسـخگویی به مسائل دینی را داشت , ملبس می شود. شرایط ورود و مدارک لازم و زمان امتحان ورودی حوزه علمیه در برگه ای به پیوست ارسال می شود.

لطفاً دربارهء تحصیل در حوزه به صورت عموم و یا همراه با تحصیل در دانشگاه توضیح دهید.

پرسش

لطفاً دربارهء تحصیل در حوزه به صورت عموم و یا همراه با تحصیل در دانشگاه توضیح دهید.

پاسخ

هر سـاله حوزهء علمیهء قم و حوزه هـای شهرسـتان , اقـدام به ثبت نـام ازداوطلبـان ورود به حوزه می کننـد و زمـان ثبت نام و دیگر شرایـط آن , از طریـق مطبوعـات اعلام می شـود. پس از قبـولی در امتحـان , گزینش صورت می گیرد.داوطلبـانی که از شهرسـتان هسـتند, بایستی به مـدت چهار سال در محلی غیر از قم تحصـیل کنند و سـپس برای ادامهء تحصـیل می توانند به قم بیایند. داوطلبان بایستی یک دورهء ده ساله را که در ده پایه تنظیم شـده , بگذراننـد و آخر هر سال امتحان دهندو قبول شوند تا بتوانند به دورهء بعد راه یابنـد. پس از دورهء ده ساله می توانند یکی از رشـته های تخصصـی فقه , اصول , تفسـیر,کلام , فلسـفه و یا تبلیغ ادامه تحصـیل دهنـد و به تـدریس , تـألیف و یا تبلیغ بپردازنـد یادر اُرگان ها اسـتخدام شونـد. مراکز فرعی موجود در کنار حوزه , ماننـد دانشـگاه رضوی , دانشـگاه مفیـد, دانشـکدهء باقر العلوم و مؤسـسهء امام خمینی (ره), قبل از اتمام دورهء ده ساله از میان طلب واجد شـرایط گزینش می کنند. برای اطلاع بیش تر باروابط عمومی شورای مدیریت حوزهء علمیهء قم تماس بگیرید و یا مکاتبه فرمایید.

دوست دارم وارد حوزه شوم . راه هایی را که می توانم از آن طریق وارد حوزه شوم , بیان کنید.

پرسش

دوست دارم وارد حوزه شوم . راه هایی را که می توانم از آن طریق وارد حوزه شوم , بیان کنید.

پاسخ

عشق و علاقهء شـما به دروس حوزوی , در خور تقدیر است و چون مشـغول تحصـیل در دانشـگاه هستید و رشـتهء درسی شما علوم تربیتی و مـدیریت وبرنامه ریزی آموزشـی است , و با درس های حوزه مناسـبت دارد, می توانید در کناردرسـتان دروس حوزوی را بخوانیـد. برای این کار, می توانیـد از نوارهای درسـی حوزه اسـتفاده کنیـد و یا با چنـد نفر از خواهران , نزد اسـتادی , دروس را فرا بگیریـد ومباحثه کنیـد. هـدف از خواندن دروس حوزوی , تهذیب نفس و تربیت و هدایت دیگران است . شـما در هر رشـته ای که تحصـیل کنید, این کار را انجام دهید و بانصیحت و تربیت دیگران , به این هدف عالی برسید. دانشگاه ها احتیاج به وجودامثال شما

دارد.

بنده طلبه ای هستم که پدرم نابینا و زمین گیر شده و خانوادهء ما شش نفری است و مقدار زیادی مقروض هستیم . اگر مقدرتان است ما را کمک کنید.

پرسش

بنـده طلبه ای هسـتم که پـدرم نابینا و زمین گیر شـده و خانوادهء ما شـش نفری است و مقـدار زیادی مقروض هستیم . اگر مقدرتان است ما را کمک کنید.

پاسخ

این واحد فقط پاسخ گوی سؤال های علمی و مذهبی می باشد و بودجه ای جهت برطرف کردن کمبودهای اقتصادی ندارد. از شما معذرت می خواهیم , ولی طیّ نامه هایی به کمیتهء امداد و امام جمعه محترم شهرتان ,از آنان درخواست و نامه را ضمیمه نموده ایم . اگر مایل باشید, با پست بفرستید یا حضوراً ببرید.

دارای لیسانس معارف اسـلامی و مشتاق هستم در زمینهء تفسیر و معانی قرآن مجید ادامهء تحصیل بدهم . آیا در قم جایی هست که به صورت غیر حضوری و مکاتبه ای بتوانم ادامهء تحصیل بدهم ؟

پرسش

دارای لیسانس معارف اسـلامی و مشتاق هستم در زمینهء تفسیر و معانی قرآن مجید ادامهء تحصیل بدهم . آیا در قم جایی هست که به صورت غیر حضوری و مکاتبه ای بتوانم ادامهء تحصیل بدهم ؟

پاسخ

برگهء جامعهٔ الزهرا۳را ارسال می کنیم . با آن جا تماس بگیرید و از چگونگی ادامهء تحصیل جویاشوید. اگر با ادبیات عرب , یعنی صرف و نحو و فصـاحت و بلاـغت و لغت , آشـنایی داشـته باشـید, بسـیاری از مشـکلات ادامهء تحصـیل حلّ می شود. بنابراین علم صرف و نحو و فصـاحت و بلاـغت را که در دانشـگاه خوانـده ایـد, بـا دقت بیش تری مطـالعه کنیـد, به طوری که بتوانیـد آن هـا را تدریس کنید و کتاب جامع المقدمات و سـیوطی و مغنی اللبیب راتهیّه و مطالعه کنید. ان شاءالله در زمینهء تفسیر و معارف اسلامی , آشنایی بیش تری کسب کنید. با تلفن مستقیم مسئول واحد ۷۴۳۱۸۳برای راهنمایی تماس بگیرید.

علاقه زیادی به شـهر قم و اقامت در آن دارم , تنها راه رسـیدن به آن را حوزهء علمیه می دانم . امسال ثبت نام کرده ام , ولی ذخیره قبول شده ام اگر در حوزه علمیه قم قبول نشوم راه چاره ای برای مقصود من هست ؟

پرسش

علاقه زیادی به شـهر قم و اقامت در آن دارم , تنها راه رسـیدن به آن را حوزهء علمیه می دانم . امسال ثبت نام کرده ام , ولی ذخیره قبول شده ام اگر در حوزه علمیه قم قبول نشوم راه چاره ای برای مقصود من هست ؟

پاسخ

علاقه شـما به شهر مقدس قم قابل تحسین است و عشق شما را نسبت به خاندان عصمت و طهارت نشان می دهد, اما این علاقه نباید انگیزه تحصـیل در حوزه علمیه قم باشد, تحصـیل در حوزه که به مدت طولانی انجام می شود تنها به انگیزه عاطفی تداوم نمی یابد, چون احساسات و عواطف کم و یا زیاد می شود و چه بسا پس از مدتی کم فروغ می گردد و اثر خود را از دست می دهد. تحصیل در حوزه نیـاز به پشـتوانه ای قوی تر دارد ;یعنی بـا قصـد قربت و احسـاس نیـاز به فراگیری علوم دینی و بـا توجه به شـرایط زمانی و مکانی و در نظر گرفتن اسـتعداد و ذوق و سـلیقه باید انتخاب رشته تحصیلی صورت گیرد. بر این اساس , لازم است شناخت خود را نسبت به دروس حوزه و ویژگی های آن بیش تر کنیـد تا با بصـیرت کامل وارد حوزه شوید در این صورت هرگز به شک و تردید نخواهیـد افتاد, اما در مورد ذخیره بودن بایـد عرض کنیم که طبق ضوابط قانونی برای ورود در حوزه علمیه قم حداقل معدل ۱۷لازم است . امیـدواریم جزء پـذیرفته شـدگان حوزه باشـید, ولی تنها به حوزه علمیه قم بسـنده نکنید شـهرهای هم جوار نیز برای تحصـیل مناسب است و چه بسا برای سال های اول شهرسـتان ها مفیدتر باشد, در این صورت رفت و آمد به قم نیز میسر است . بنابراین , می توانید به حوزه علمیه شهرتان بروید و پس از طی مقدمات به قم تشریف بیاورید.

برای تفقه در دین چه راهنمایی دارید؟

پرسش

برای تفقه در دین چه راهنمایی دارید؟

پاسخ

منظـور از تفقـه , فراگیری معـارف و احکـام اسـلام , اعـم از اصـول و فروع است که قرآن مجیـد آن را برای گروهی از مسـلمانان , واجب کفایی می داند: .(۱) بر این اساس لازم است در هر عصـری افرادی در تحصـیلِ رشتهء فقه ممحض باشند, تا با اجتهاد بتوانند مسائل مورد ابتلای مردم را پاسخ گویند. رسـیدن به این مقصود ـ که در حقیقت رسـیدن به تخصـص و مهارت خاص است ـ احتیاج به تحصـیل در رشـته های مختلف , همچون ادبیات عرب , منطق , فقه و اصول در سال های متمادی دارد, که امروزه در حوزه های علمیه رائـج است . مرتبهء نـازل تر از آن که برای عموم لازم است , آشـنایی با احکام و معارف اسـلامی , یعنی تقلیـد از مجتهـد در احکام شـرعی و فروع دین و تحقیق و تفحص در اصول دین می باشـد. از این رو فقهافرموده اند: عقیدهء مسـلمان به اصول دین باید مجتهـد باشـد که بتوانـد احکام را از روی دلیل به دست آورد یا از مجتهدتقلیـد کنـد و به دسـتور او رفتار نماید.(۲) در جای دیگر

فرموده انـد: مسـائلی را که انسان غالباً به آن ها احتیاج داردواجب است یاد بگیرد.(۳) راه تحقیق در اصول برای همگـان باز است و هر کس به مقتضای دانش و تمکن خود می تواند با مطالعهء کتب و نشـریات , به تحقیق بپردازد. خوشـبختانه معارف قرآن و تفسـیر آن و عقاید اسـلامی , در سـطوح مختلف از طرف صاحب نظران تبیین شده است . در این راستا, مطالعهء کتب شهید مطهری , آیت اللّه سبحانی , آیت اللّه مکارم و علامه طباطبایی , از جمله تفسیرالمیزان و تفسیر نمونه توصیه می شود. (پـاورقی ۱.توبه (۹ آیهء ۱۲۲ ,(پـاورقی ۲.توضیح المسائل امام خمینی , مسئله ۱ (پـاورقی ۳.همان , مسئله ۱۱

چه کسانی به سؤالات ما پاسخ می دهند؟ آیا بنده می توانم از طریق مکاتبه ای به تحصیل علوم حوزوی بپردازم ؟

پرسش

چه کسانی به سؤالات ما پاسخ می دهند؟ آیا بنده می توانم از طریق مکاتبه ای به تحصیل علوم حوزوی بپردازم ؟

پاسخ

پس از سـلام از ابراز لطف و محبت شـما نسـبت به واحد پاسخ به سؤالات بسـیار متشـکریم . گریه شوق جناب عالی از قلب پاک و دین باوری و کثرت محبت و علاقه شما به ترویج ارزش های الهی است . امیدواریم بتوانیم وظیفهء خود را دراین راستا انجام دهیم . برای شـما در همهء زمینه هـا به ویژه تربیت جوانان ونوجوانان آرزوی موفقیت داریم . برای اطلاع سـرکار عالی بایـد بگوییم افرادی که در این واحد به پاسخ گویی مشـغولند همگی از فضلای حوزه ءعلمیهء قم و روحانی هستند که بیش از بیست سال تحصیل علوم دینی و مطالعات مذهبی داشـته و برخی علاوه بر آن از تحصـیلات جدید برخوردار و به تدریس در دانشـگاه های کشور نیز اشتغال دارنـد و برخی دارای تألیفات نیزهسـتند. بعضـی افراد این واحـد زنـدان های سـتم شاهی را نیز گذرانیـده و از کوله باری از تجربه و برخورد فکری وفرهنگی با گروه های مختلف نیز برخوردارند. جامعهٔ الزهرا که مرکز اصلی تحصیل علوم دینی خواهران است برنامه های تمام وقت , غیر حضوری , نیمه وقت وپاره وقت دارد. می توانید از طریق شرکت در آزمون در یکی از این مقاطع طبق ضوابط شرکت کنید. برای اطلاع بیشتر سـرکار عالی فرم مخصوص را ضمیمه می کنیم . با مطالعه و تماس مستقیم با آن مرکز در جریان امر قرار خواهید گرفت .

دوست عزیز! نامهء شـما رسـید. در نامه خود به نکات فراوانی اشاره نموده بودید ;گاه انتقاداتی پسندیده داشتید و گاه پیشنهاداتی مفید. در عین حال نقدی که شـما از وضعیت موجود جوانان , جامعه و روحانیت داشتید بیش از سایر موضوعات مطروحه به چشم می آمد, لذا ناچاریم اندکی

پرسش

دوست عزیز! نامهء شـما رسـید. در نامه خود به نکات فراوانی اشاره نموده بودیـد ;گاه انتقاداتی پسـندیده داشتید و گاه پیشـنهاداتی مفیـد. در عین حال نقدی که شـما از وضـعیت موجود جوانان , جامعه و روحانیت داشتید بیش از سایر موضوعات مطروحه به چشـم می آمـد, لـذا ناچاریم انـدکی دربارهء مباحث مـذکور به گفت گوبپردازیم . در بخشـی از نامهء شـما چنین آمده است : . بعد ادامه

داده ایـد: آن گـاه دین گریزی و نمـاز نخوانی مردم را به نسـبت داده ایـد و گنـاه هر فسادی که جوانان انجام دهنـد را به گردن آن هایی که به اسم اسلام به دین خیانت می کنند انداخته اید؟

پاسخ

این گوشه و بخشـی از نامه جناب عالی بود, البته آوردن این قطعات به خاطر این نبود که نامه شـما ما را ناراحت کرده , بلکه اولاً به این دلیل بود که اگر احیانا نسـخه ای از نامه خود را نگه نداشـته اید یا به علت طول کشـیدن جواب نامه , مقداری از آن را فراموش کرده اید یادآوری و ثانیاً معلوم شود که نامه این واحد به کدام قسـمت های نامهء شـماپاسخ می دهد. برادر عزیز دربارهء اشتباهاتی که بعضـی از آقایان ملبّس به لباس روحانیت در بعض شهرها و روستاها و... انجام می دهند یا انجام داده اند, ما نیز با شما موافقیم و اصولاً هیـچ روحانی منصـفی نیست که این واقعیت را قبول نداشـته باشد, اما این که بگوییم همه چنین و چنانند کار ساده ای نیسـت این یـک نوع کـذب و افـترا است نبایـد همهء روحـانیت به یـک چوب رانـده شود. علت این اشـتباهات هم واضـح است ; زیرا هیچ روحـانی یـا طلبه ای معصوم نیست و غیر معصوم جـایز الخطـا است (مثل پزشک ها, مهنـدس ها و سایر مردم دیگر) روحانی نیز مثل مردم دیگر است و هیـچ فرقی با آن ها نـدارد, این که شـما فکر کنید چون مردم , روحانی را نماینده پیامبر و خدا می دانند و هرگز نبایـد اشـتباه کنـد, خود تفکر اشـتباهی است .از سوی دیگر روحانیون هم بایـد بسـیار مراقبت کننـد تا اشـتباهی مرتکب نشوند ;زیرا اشـتباه آنان به هر دلیل معقول یاغیر معقول , متأسـفانه به اسلام ضربه می زند. ما امیدواریم فرهنگ این کشور این قدر رشد کند که اشـتباه یـک روحـانی به پای اسـلام و جامعه مسـلمانان نوشـته نشود و خبط یک نفر یا یک گروه ظاهر الصـلاح , سـبب تخطئه یک شجره طیبه و یک تفکر ناب نگردد. به همین دلیل ,شـما هم گمان نکنید که حالا هر کس در حوزهء علمیه است به اسم اسلام دارد نـان می خورد و یـا این که دنبـال هوا وهوس خودش است و کـاری به مردم نـدارد. امـا در مورد این که هر طلبه ای یـا به قول شـما آخوندی ۴ـ ۵تا زنـد صـیغه می کنـد. حکایت کرده اند که روزی جوانی در یکی از خیابان ها فریاد می کشـید که ای مردم من زنا کرده ام ؟! از اوپرسـیدند که چرا به خودت فعل زنا را نسـبت می دهی ؟ گفت : زنی صـیغه کردم ! مردم فهمیدنـد آبرویم را بردند, بگـذاربگویم زنـا کرده ام شایـد دست از سـرم بردارنـد!؟ حـال سؤال ما این است که اگر یک آدم روحانی یا غیر روحانی , زنی را صیغه کنـد, گناه کرده یا کارخلافی مرتکب شده که از آن به این شـکل گفت گو می شود؟ یا شاید فکر می کنید که باب صـیغه , بابی است که تنها به روی روحانیت باز است و بر دیگران بسـته شده ؟ متأسفانه عده زیادی از مردم از ازدواج موقت پرهیز می کنند و تـا می شـنوند که کسـی چنین کـاری کرده چشـمشان گشـاد می شود! حال آن که در برابر انواع واقسام فسادها و اعمال حرام اگر ازدواج موقت به صورت شایسـته ای انجام می گرفت چنین فساد و تباهی مخفی وآشـکاری به وجود نمی آید و مشکل جنسی نسل جوان حل می شـد. امام علی ۷فرمودنـد: اگر عمر عقـد موقت را حرام نکرده بود, هیچ کس زنا نمی کرد مگر این که شـقی و ظالم باشد. بدین ترتیب , می بینید که عقد موقت یکی از زیباترین و کارسازترین دسـتورات اجتماعی اسـلام است . متأسـفانه فرهنگِ بی فرهنگی در جامعه ما جوّی ایجاد کرده که کسی که عقد موقت می کند از کسی که خلاف می کند, بیش ترمورد سرزنش و تحقیر قرار می گیرد و بیش تر رسوا می شود. امیـدواریم که روزی این فرهنـگ غلـط هم به فرهنگی اسـلامی بـدل گردد و ارزش ها مقام واقعی خـود را بـه دسـت آورنـد. بنـابراین , برادر گرامی : اولاًـ هر روحـانی و طلبه ای دارای همسـر مـوقت نیست و بر فرض هم که بعضـی ها به صورت موقت همسـر اختیار کرده باشـند. گناه نکرده انـد و شاید اگر چنین نمی کردند به گناه و فسادی می افتادند. با این حـال قبول داریم که این نوع ازدواج هـا نبایـد به صورتی در بیایـد که در مردم ایجـاد حساسـیت و تنش نمایـد واین گمان پیش بیایـد که پـای هوا و هوس در کـار است ! از این بحث بگـذریم . نکته جالب دیگری را مطرح کرده بودیـد که از طرفی هم درسـت

است و هم غلط. این دوگانگی از آن جا حاصل می شود که از یک سخن , چندین برداشت درست یا غلط می تواند کرد. سخن کسانی که می گویند: . این کلام به واقع کلام صحیحی است ; زیرا منظور از تقویت ارزش های اسلامی فقط توصیه به نماز خواندن و روزه گرفتن نیست , بلکه سبک گرفتن مهریه برای دختران , اشکال تراشی های بیهوده , رایج شدن ازدواج موقت و روابط مشروع در جامعه , ازدواج در سنین پایین تر و چیزهایی از این قبیل , همگی در زمره فرهنگ و ارزش های اسلامی هستند که به واقع اگر تقویت شوند, بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه حل می گردد و تهاجم فرهنگی روندی قابل کنترل را طی خواهد کرد. البته فراهم ساختن زمینهء کار و فعالیت هم لازم است و شیوه های خاصی را باید در نظر گرفت و تنها به سخنرانی و موعظه اکتفا ننمود. مطلب آخر هم این که , قصد ما از پاسخگویی به سؤالات شما عزیزان , فقط مجاب کردن شما به هر وسیلهء ممکن نیست . باید در نظر داشته باشید که ما از شما اطلاعاتی نداریم و با روحیات شما آشنا نیستیم , فقط نامهء شما در دست ما است که تا حدودی از صدر و ذیل آن باید پی به اصل مشکل یا سؤال شما ببریم و سعی کنیم جوابی در خورشان به آن بدهیم . توقع این را هم نداریم که هر چه ما می نویسیم مورد پسند و قبول واقع شود. به هر صورت , اگر سرکار عالی را به ازدواج دعوت نموده ایم , جهت دلگرمی بیشتر شما به این امر بوده نه چیز دیگر و هم اکنون بر این باوریم وقتی شرایط ازدواج دایم فراهم نشد ازدواج موقت ضرورت پیدا می کند, ولی متأسفانه فرهنگ رفتاری جامعه به صورتی است که دولت هم نمی تواند اقدام عملی بکند. البته باید گفت این گونه نیست که به مجرد ارتباط دختر و پسر, آن ها رادستگیر و شکنجه نمایند. در این زمینه شاید تندروی وجود داشته , اما بنای دولت و نظام اسلامی جلوگیری از فسادو فحشا است و امیدواریم در این مسیر با همکاری مردم موفق شوند. هم اکنون رئیس جمهور محترم که بحق درد جوانان را می داند و در صدد رفع آن ها است , ولی نمی تواند به آسانی برطرف نماید ;زیرا مشکلات خیلی زیاد و امکانات بسیار کم است . اگر حضرت عالی برای حل مشکلا جوانان طرحی و پیشنهادی دارید ما می توانیم به مجلس و دفتر رئیس جمهور برسانیم حرف و انتقاد از این و آن , طرح معقولی نیست , ما سؤال می کنیم اگر جناب عالی رئیس جمهور بودید چه می کردید؟ لطفاً پاسخ ما را بنویسید؟ شما در رابطه با تهاجم فرهنگی چه طرحی دارید؟ در ارتباط با حل مشکلات اقتصادی چه برنامه ای دارید؟ منتظر مکاتبات بعدی شما هستیم . ما برای شما آرزوی بهروزی و سعادت داریم و هرکجا که هستید خداوند یار و پشتیبان شما باد.

آیا امکان تحصیل غیر حضوری در حوزهء علمیهء قم وجود دارد؟ لطفاً از کمّ و کیف آن مرا مطلع کنید.

پرسش

آیا امکان تحصیل غیر حضوری در حوزهء علمیهء قم وجود دارد؟ لطفاً از کمّ و کیف آن مرا مطلع کنید.

پاسخ

تحصیل غیر حضوری در حوزهء علمیه شاهد غیر ممکن باشد. بهتر است دروس حوزوی را نزدروحانی که در شهرتان است , بخوانید یا اگر حوزه ای در آن جا است , با مراجعه به آن جا از کم و کیف مسئله جویاشوید, چون فعلاً بیش تر حوزه های شهرستان ها با قم هماهنگ و زیر نظر شورای مدیریت حوزهء علمیهء قم هستند. جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۷۴۰۹۶۶ـ ۷۴۰۹۷۱شورای مدیریت حوزهء علمیهء قم تماس بگیرید.

در صورت امکان چگونگی راه یافتنب ه حوزهء علمیّه خواهران را برایم ارسال فرمایید؟

پرسش

در صورت امکان چگونگی راه یافتنب ه حوزهء علمیّه خواهران را برایم ارسال فرمایید؟

پاسخ

خواهر گرامی ! از این که بـا مـا مکـاتبه کرده و مسائل خود را با ما در میان گذاشتیـد سـپاس گـذاریم . فرم شـرایط پـذیرش حوزهء علمیهء خواهران , به خدمت ارسال می گردد امیدواریم با مطالعهء آن مشکلتان رفع شود.

آیا فارغ التحصیلان جامعهٔالزهرا استخدام می شوند؟

پرسش

آیا فارغ التحصیلان جامعهٔالزهرا استخدام می شوند؟

پاسخ

فرم عضویت جامعهٔ الزهرا, خدمت شـما ارسال می شود می تانید با شـمارهء تلفن جامعهٔ الزهرا تماس گرفته و از جزئیات مسئله بیشتر مطلع شوید. شماره تلفن جامعهٔ الزهرا ۹۲۵۱۱۱می باشد.

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

پرسش

دوست دارم طلبه شوم , لطفاً در مورد چگونگی پذیرش و ثبت نام توضیح دهید؟

پاسخ

برادر عزیز! امیدواریم به هدف مقدسـی که به آن می اندیشـید, برسید. قرآن می فرماید: . (پـاورقی ۱.نجم (۵۳ آیه ۳۹ انسان کوشا, کسـی که در زنـدگی سـعی و جـدیت به کار می برد, هر چنـد هدفی دور و دراز و به خیال بعضـی نا ممکن داشـته باشد, اما به آن خواهـد رسـید. البته افرادی متقاضـی ثبت نـام و ورود به حـوزهء مقـدّسهء دینی می شونـد, بایـد دارای شـرایط خاصـی باشـند. برگه ءشـرایط ثبت نـام حوزهء علمیه ارسـال می شود. اگر نیاز داریـد می توانیـد با شـماره های ۷۴۰۹۷ـ ۷۴۰۹۷۱ ۰۲۵۱قم مرکز مدیریت

حوزهء علمیه تماس گرفته و از نحوهء ثبت نام افراد متقاضی مستقیماً مطلع شوید. اما شخصی که واردحوزهء علمیهء می شود, خوب است در هدفش خداو خدمت به مردم و تبلیغ احکام دین را در نظر داشته باشد. طلبه حوزهء علمیه با دو بال تقوا و علم الگوی راهنمایی و هدایت جامعه خواهد شد. زندگی طلبگی زندگی راحتی از نظر مادی نیست , اگرچه حق هر طلبه ای داشتن حداقل مزایای زندگی است , ولی دنیاطلبی و مال پرستی ومقام خواهی , از روح و شأن طلبه , به دور است . طلبه وارد حجرهء امام زمان ۷می شود, در حالی که بر سر سفره ءحضرت می نشیند. از آن پس باید به ریاضت های خاصی دست بزند و خود را متخلق به اخلاق حسنه و دینی کند تااگر مردم امروزش را با دیروزش مقایسه کردند, تأثیر تربیت اسلامی و دینی را در حرکات او مشاهده کنند و او راالگوی خود قرار دهند. امیدواریم که خداوند شما را در زندگی موفق کند.والسلام

مساجد

از نظر قرآن کریم ساختن مسجد چه حکمی دارد؟

پرسش

از نظر قرآن کریم ساختن مسجد چه حکمی دارد؟

پاسخ

مطابق قرآن ساختن و آباد کردن مسجد کارِ کسی است که ایمان کامل داشته باشد" ;إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَـٰجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأٓ خِرِ وَأَقَامَ الصَّلَوٰةَ وَءَاتَى الزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللَّهَ فَعَسَىٰ أُوْلَـٰئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ (توبه ۱۸) مساجد الهی را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز بپا دارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد، امید است چنین گروهی از هدایت یافته‌گان باشند ".به حکم این آیه برای اینکه مسجد منسوب به خدا باشد و رنگ خدایی داشته باشد پنج شرط لازم است در غیر این صورت معلوم نیست خدا چنین مسجدی را قبول کند. و آن پنج شرط عبارتند از: ایمان به خدا، ایمان به روز رستاخیز، برپا داشتن نماز، دادن زکات و تنها از خدا ترسیدن دربارهٔ اهمیّت بنای مسجد احادیث فراوانی داریم در روایتی از پیامبر۶ می‌خوانیم که آن حضرت فرمود": کسی که مسجدی بنا کند هر چند به اندازهٔ لانهٔ مرغی بوده باشد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا خواهد کرد.(وسائل الشیعه شیخ حر عاملی ج ۵، ص ۲۰۴، مؤسسهٔ آل البیت / ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۳۱۳ـ۳۱۹، دارالکتب الاسلامیه)

اگر در محلی یا روستایی مسجد و حسینیه وجود داشته باشد و افرادی بخواهند در رقابت با هیئت امنأ مسجد دیگری همانجا بنا کنند. آیا بانیان این مسجد از نظر قرآن در آخرت اجر و پاداش نیک دارند یا خیر؟

پرسش

اگر در محلی یا روستایی مسجد و حسینیه وجود داشته باشد و افرادی بخواهند در رقابت با هیئت امنأ مسجد دیگری همانجا بنا

کنند. آیا بانیان این مسجد از نظر قرآن در آخرت اجر و پاداش نیک دارند یا خیر؟

پاسخ

اصل رقابت در امور خیر مورد سفارش و توصیهٔ قرآن است خداوند می‌فرماید": فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَ‌ت (مائده ۴۸) در کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرید "و هیچ منعی نیز وجود ندارد که اگر روستایی مسجدی وجود دارد دیگران همانجا مسجد جدیدی بسازند، ولکن باید ساختن مسجد در صورت نیاز باشد و هدف تقرب به خدا باشد تا صدقِ کارِ خیر به آن بشود، نه این که مسجد را برای تفرقه و اختلاف بنا کنند، همانند مسجد ضرار. معیار سنجش اعمال در دستگاه عدل الهی نیت و اهداف انسان است و اگر بانی مسجد به هدف چشم و هم چشمی و یا سایر نیت‌های دنیوی آن را بسازد، علاوه بر اینکه از ثواب اولیهٔ هنگام ساختِ آن محروم است بعداً نیز خدا کار او را رشد و پرورش نمی‌دهد و برای او باقیات الصالحات نخواهد شد، مثلاً مسجد وی محل جمع شدن دشمنان خدا و انجام توطئه و... خواهد شد، قضیه" مسجد ضرار "نمونه‌ای از این مورد است" لاَ تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ (توبه ۱۰۷و۱۰۸)، خداوند به پیامبرش می‌فرماید که در این گونه مساجد اصولاً نرو نماز نخوان و مسجدی که از روز اوّل بر پایهٔ پرهیزکاری بنا شده است سزاوار اینست که محل قیام و عبادت باشد.

آبادانی مساجد به چیست

پرسش

آبادانی مساجد به چیست

پاسخ

خداوند متعال در سورهٔ توبه از آبادی مساجد و اشخاصی که شایستگی این کار را دارند، می‌فرماید": مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُواْ مَسَـٰجِدَ اللَّهِ شَـٰهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُوْلَـٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ وَفِى النَّارِ هُمْ خَـٰلِدُونَ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَـٰجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الأَخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَوٰةَ وَءَاتَى الزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللَّهَ (توبه ۱۷و۱۸) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند، در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند. آن‌ها اعمال‌شان نابود]و بی ارزش شده و در آتش جاودانه خواهند ماند. مساجد الهی را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را به پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد ".از جمله مسائلی که در صدر اسلام ـ بعد از لغو پیمان مشرکان و حکم جهاد با آنان ـ ممکن بود برای بعضی مطرح گردد، این بود که چرا ما این گروه عظیم ـ یعنی مشرکان ـ را از خود برانیم و اجازه ندهیم به مسجد الحرام ـ برای مراسم حج ـ قدم بگذارند، در حالی که شرکت آنان در این مراسم از هر نظر، مایهٔ آبادی مسجد است هم آبادی ساختمان مسجد ـ از راه کمک‌های مهمی که آن‌ها به این امر می‌کردند ـ و هم آبادی معنوی از نظر افزایش جمعیّت در اطراف خانهٔ خدا! به همین سبب آیات فوق نازل شد و به این گونه افکار واهی و بی اساس پاسخ گفت در این که آیا آباد ساختن مساجد به معنای آبادی ساختمان آن است یا به معنای اجتماع وشرکت در آن بین مفسران اختلاف است و برخی آنان تنها یکی از دو قسمت را در تفسیر" عمران مساجد ـ "در آیهٔ فوق ـ انتخاب

کرده‌اند، در حالی که مفهوم این کلمه یک مفهوم وسیع است و شامل هر نوع آبادانی می‌شود. مشرکان و بت‌پرستان نه حق شرکت در مساجد را دارند، و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آن‌ها را، زیرا بر اساس آیات شریفه قرآن همهٔ این امور باید به دست مسلمانان انجام شود ;حتّی از آیات فوق استفاده می‌شود که مسلمانان نباید هدایا و کمک‌های مشرکان ـ بلکه تمام فرق غیر اسلامی را ـ برای ساختمان مساجد خود بپذیرند، زیرا آیهٔ نخست گرچه تنها سخن از مشرکان می‌گوید، ولی آیهٔ دوم که با کلمهٔ "انّما "=[فقط شروع شده آبادی مساجد را در مسلمانان منحصر می‌سازد. از این جا روشن می‌شود که متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از میان پاک‌ترین افراد انتخاب شوند، نه این که افراد ناپاک و آلوده به خاطر مال و ثروت‌شان و یا به خاطر مقام و نفوذشان بر این مراکز عبادت گمارده شوند. امروز آن چه بیش‌تر اهمیّت دارد، آبادی معنوی مساجد است و به تعبیر دیگر، بیش از آن چه به ساختن مساجد اهمیّت می‌دهیم باید به ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسداران مسجد و حافظان آن هستند، اهمیّت بدهیم مسجد باید کانونی برای هر گونه حرکت و جنبش سازندهٔ اسلامی در همهٔ زمینه‌ها باشد ;مانند آگاهی و بیداری مردم پاک‌سازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث‌های اسلام و غیره (ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ص ۳۱۴ـ۳۱۸، نشر دارالکتب الاسلامیهٔ)

در محل گنبد سبزه اردستان حسینه ای ساخته شده که تصمیم گرفتیم کتابخانه ای هم در آن مکان تاسیس شود, لذا احتیاج مبرم به قرآن و مفاتیح و مقداری کتاب های مفید برای جوانان و نوجوانان داریم لطفا مارا یاری کنید.

پرسش

در محل گنبد سبزه اردستان حسینه ای ساخته شده که تصمیم گرفتیم کتابخانه ای هم در آن مکان تاسیس شود, لذا احتیاج مبرم به قرآن و مفاتیح و مقداری کتاب های مفید برای جوانان و نوجوانان داریم لطفا مارا یاری کنید.

پاسخ

هیئت امنای محترم حسینیه گنبد سز! نامه آن هیئت محترم واصل شد. از شما دست اندرکاران این حسینیه که دلسوز جوانان و نوجوانان هستید متشکریم . متاسفانه واحد پاسخ به سؤالات توان مالی برای چنین کارهای خیری را ندارد, اما شما عزیزان را راهنمایی می کنیم که به نحو مطلوبی این کار صورت گیرد. انشاء الله در ماه محرم که مجلس عزای امام حسین ۷بر پامی شود از روحانی محترمتان درخواست کنید با سازمان تبلیغات اسلامی اردستان و یا امام جمعه محترم آن شهرستان در این باره مذاکره کند. و در ضمن نامه ای از هیئت امنا به ایشان داده شود تا با موسسه نشر الهادی درقم هماهنگی لازم برای دریافت قرآن به عمل آورد و نیز کمک های لازم را دریافت دارد. البته همراهی شماعزیزان در این باب کمک خوبی خواهد بود.

اولین مسجدی که درایران ساخته شد، چه نام دارد؟

پرسش

اولین مسجدی که درایران ساخته شد، چه نام دارد؟

پاسخ

با تحقیقاتی که انجام شـد، به تاریخ اولین مسـجدی که در ایران ساخته شد دست نیافتیم دست یابی به پیشـینه اولین مسـجد در ایران مسـتلزم آن است که تمام مساجدی که در ایران ساخته شده اند، شـناخته شود. این کار مشـکل و حتی غیر مقدور است؛ زیرا ممکن است برخی از مساجـد که از اولین مساجـد ایران محسوب می شونـد ، از بین رفته و مورّخـان و جغرافی دانـان بـدان هـا دست نیافته باشـند. شاید بر همین اساس،کسانی که در صدد جمع آوری اطلاعات درباره اولین مسـجد در ایران بوده اند، بدان اشاره نکرده اند. برخی در هنگام بیان وضع مساجـد درایران، از بعضـی مساجـد به عنوان قدیمی ترین مساجد یاد کرده اند که عبارتند از : ۱- مسجد خلیفه مهدی در ری، نزدیک تهران که پیشـینه آن به پایان قرن دوم هجری بر می گردد از مسـجد فقط پایه اش بر جای مانده است. ۲- مسـجد تـاری خـانه در دامغـان که قـدمت آن به قرن سوم هجری بر می گردد. ۳- مسـجد جـامع نائین که مربوط به قرن چهارم هجری است. ۴- مسجد دماوند که تاریخ آن به قرن پنجم هجری قمری بر می گردد.(۱) پی نوشت ها : ۱ - لغت نامه دهخدا، ج۴۴، ص ۳۸۵.

قطع ارتباط با مسجد، چه پیامدهایی دارد؟

پرسش

قطع ارتباط با مسجد، چه پیامدهایی دارد؟

پاسخ

۱. از آن جا که مساجد پایگاه‌های ترویج اسـلام است دشـمنان اسـلام همواره از مسـجد می‌ترسـند و در صدد نابودی یا بستن درب مساجـد هسـتند ;می‌فرمایـد": ومَن اَظلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسـَجِدَ اللّهِ اَن یُـذکَرَ فیهَا اسـمُهُ وسَعیَ فی خَرابِها... لَهُم فِی الدُّنیا خِزیٌ ولَهُم فِی الأَخِرَةِ عَذابٌ عَظیم (بقره ۱۱۴) کیست سـتم کارتر از آن کس که از بردن نام خـدا در مساجد او جلوگیری کرد و سـعی در ویرانی آنهـا نمود؟!... بهره آنهـا در دنیـا (فقط) رسوایی است و در آخرت عـذاب عظیم (الهی " .صـرف نظر از شأن نزول آیه و با توجه به مفهوم وسـیع آن که محـدود به زمان و مکان معینی نیست می‌توان گفت هر کس و یا هر گروهی به نوعی در تخریب مساجـد الهی بکوشـد و یا مانع از آن شود که نام خـدا و عبادت او در آنجا انجام گیرد، مشـمول همان رسوایی و عـذاب عظیم الهی خواهـد شـد. توجه به این نکته نیز لازم است که جلوگیری از ذکر پرودگـار و کوشـش در تخریب مساجـد، هر عملی است که نتیجه آن تخریب مساجـد و از رونق افتـادن آن باشـد که قطع ارتبـاط بـا مسـجد نیز یکی از مصادیق آن اعمال است که باعث غافل شـدن از یاد خـدا می گردد و ثمره‌ای جز سوق افراد به بی‌دینی نخواهـد داشت و زیـان این عمـل از هر کـاری بیشتر است و از همین رو خداونـد چنان اشخاصـی را ظالم‌ترین فرد می‌شـمرد.(تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۴۱۸، دارالکتب الاسلامیهٔ) ۲. از آن جا که مساجـد، محلّ ذکر خـداست (حج ۴۰)، قطع ارتبـاط با آن به نوعی اعراض از ذکر خـداست که خداونـد نسبت به پیامـد آن می‌فرماید": ومَن اَعرَضَ عَن ذِکری فَاِنَّ لَهُ مَعیشَةً ضَنکًا ونَحشُرُهُ یَومَ القِیَمَةِ اَعمیَ (;طه ۱۲۴) و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم " ۳. در روایات ائمه نیز از قطع ارتباط با مساجد، به

خصوص همسایگان آن به شدّت مذّمت شده امام صادق‌دراین باره می‌فرمایند": مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند، خداوند عزوجلّ به آن‌ها وحی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و همسایه من در بهشت نشوند("بحار الانوار، علامه مجلسی ، ج ۸۳، ص ۳۴۸، ح ۱، مؤسسهٔ الوفأ.) و در روایتی دیگر حضرتش یکی از سه چیزی را که در نزد خداوند شکایت می کند مسجدی خرابی بر شمردند که اهالی آن در آن‌جا نماز نخوانند("رجوع کنید: میزان الحکمه محمد محمدی ری‌شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۵، ح ۸۳۰۷، دارالحدیث / چهل حدیث مسجد، سیدحسین زینالی سازمان تبلیغات اسلامی) ۴. کناره‌گیری از مسجد، در واقع جدا شدن از مؤمنین را به دنبال دارد و به همین جهت در صدر اسلام عدم حضور در مساجد و جماعات مجازات‌هایی را در پی داشت که در تاریخ بیان شده است مثلاً در حدیثی چنین می‌خوانیم" به امیرالمؤمنین‌خبر رسید که گروهی برای نماز در مسجد حاضر نمی‌شوند ;حضرت خطبه‌ای خوانده و چنین فرمودند: به درستی که گروهی برای نماز در مساجد ما حاضر نمی‌شوند، پس با ما نه غذا بخورند و نه آب بیاشامند، نه مشورت کنند و نه از ما (زن بگیرند و از غنایم ما چیزی نگیرند تا این که در نماز جماعت با ما حاضر شوند ".و در روایتی رسول اکرم‌کسانی که صدای اذان مسجد را بشنوند ولی در مسجد جهت نماز حاضر نشوند، آنان را به عنوان یهودی امت خویش نام نهاده و دستور دادند که بر این افراد سلام نکنید.(امالی شیخ طوسی ص ۶۹۶، ح ۱۴۸۷، انتشارات دارالثقافهٔ / به نقل از گفتار علوی محمد باقر یزدانی ص ۸۸، انتشارات آوای نور.)

فواید ارتباط با مسجد چیست

پرسش

فواید ارتباط با مسجد چیست

پاسخ

۱. از آن جا که مسجد عبادتگاه عاشقان حق و تجلی گاه عشق و محبت اوست یکی از مهم‌ترین فواید ارتباط با این کانون معنوی "ذکر "و یاد خداست می‌فرماید": فی بُیوتٍ اَذِنَ اللّهُ اَن تُرفَعَ ویُذکَرَ فیهَا اسمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالغُدُوِّ والاصال (نور، ۳۶) (این چراغ پرفروغ الهی در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)، خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبح و شام در آن‌ها تسبیح او می گویند ".۲. خداوند می‌فرماید": اِنَّما یَعمُرُ مَسـجِدَ اللّهِ مَن ءامَنَ بِاللّهِ والیَومِ الأَخِرِ واَقامَ الصَّلوٰةَ وءاتَی الزَّکوٰةَ ولَم یَخشَ اِلاّ اللّهَ (;توبه ۱۸) مساجد الهی را تنها کسانی آباد می کنند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را بر پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد ".با توجه به این که "آباد ساختن مساجد "تنها به معنی ساختمان و تأسیسات آن نیست بلکه مفهوم آن شامل اجتماع و شرکت و ارتباط با مسجد است روشن می‌شود که ارتباط با این کانون عبادی باعث تقویت ایمان به خدا و ایمان روز رستاخیز شده و باید افزون بر پیوند فرد با خدا به وسیله نماز، باعث پیوندش با خلق خدا به وسیله پرداخت زکات باشد و یکی دیگر از آثارش توحید در ترس از خداست یعنی جز از خدا نترسیدن رجوع کنید: تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۳۱۶، دارالکتب الاسلامیهٔ) ۳. یکی دیگر از فواید ارتباط با مسجد"، پاکیزگی روحی و روانی است می‌فرماید": آن مسجدی که از روز نخست بر پایهٔ تقوا بنا شده شایسته‌تر

است که در آن (به عبادت بایستی در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد". (توبه ۱۰۸)(رجوع کنید: دو ماهنامه مسجد، سال یازدهم شماره ۶۱، ص ۳۷.) ۴. دیگر از فواید ارتباط با مسجد"، اتّحاد بین مؤمنین است که از مذمّت خداوند متعال نسبت به مسجد ضرار استفاده می‌شود، می‌فرماید": کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن (به مسلمانان و (تقویت کفر و تفرقه افکنی در میان مؤمنان]و تفریقاً بین المؤمنین (" .توبه ۱۰۷) پس مسجد باید کانون وحدت باشد نه عامل تفرقه ۵. در کلمات نورانی اهل بیت فواید بسیاری برای ارتباط با مسجد داشتن بیان شده در حدیثی از رسول اکرم‌می‌خوانیم ملازم مسجد دست کم با یکی از این سه به خانه‌اش بر می‌گردد: یا دعایی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند با آن او را به بهشت می‌برد، یا دعایی می‌کند که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او بر می‌گرداند و یا برادری که در راه خدای عزّوجلّ از وجودش بهره‌مند می‌شود ".و در حدیث دیگری از امام علی‌آمده است" هر که به مسجد رفت و آمد کند به یکی از این هشت چیز دست یابد: برادر دینی سودمند، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم و استوار، یا رحمتی منتظره یا سخنی که او را از هلاکت برهاند، یا شنیدن جمله‌ای که او را به راه راست هدایت کند، یا آن که گناهی را از ترس یا شرم ترک گوید("میزان الحکمه محمد محمدی ری‌شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۶، ح ۸۳۱۵ و ۸۳۱۷، دارالحدیث) البته فضایل و ثواب فراوانی برای رفتن به سوی مسجد و یا نشستن در مسجد، در روایات بیان شده است ۶. هر چند بخشی از عبادات در اسلام فردی است ولی روح اسلام بر جماعت استوار است به جا آوردن نمازهای یومیه به جماعت نماز جمعه و حج که بزرگ‌ترین کنگره جهان اسلام است همه در مسجد برپا می‌شود. همه پاداش‌های الهی و آثار معنوی و اجتماعی و اخلاقی تربیتی این نوع عبادات را می‌توان از پی آمدهای مفید ارتباط با مسجد شمرد.(رجوع کنید: پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی ص ۲۰۷، ستاد اقامه نماز.)

"مسجد خانه خداست یعنی چه

پرسش

"مسجد خانه خداست یعنی چه

پاسخ

بی‌گمان زمین و آسمان‌ها و آنچه در آنهاست برای خداست و تنها مالک اصلی اوست](بقره ۱۰۷/ ۱۱۶/ ۲۸۴ (؛)آل عمران ۱۲۹) و...[از طرفی خداوند، هدف از خلقت را عبودیت بیان کرده و می‌فرماید": من جنّ‌و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند). (ذاریات ۵۶) از همین رو، محل عبادت خویش (مسجد) را خانه خود معرفی می‌نماید که حاکی از شرافت و قداست مساجد است می‌فرماید": وَاَنَّ‌المَسـَجِدَ لِلّهِ فَلا تَدعوا مَعَ‌اللّهِ اَحَدا (؛جنّ، ۱۸) و این که مساجد از آن خداست پس هیچ کس را با خدا نخوانید ".که منظور مکان‌هایی است که در آن‌جا برای خدا سجده می‌شود که مصداق اکمل آن مسجد الحرام و مصداق دیگرش سایر مساجد می‌باشد.(رجوع کنید: تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۵، ص ۱۲۴، دارالکتب الاسلامیهٔ) در روایات اهل بیت به این معنا تصریح شده و بر طبق حدیثی رسول اکرم۹ فرموده‌اند": در تورات نوشته شده که خانه‌های من در روی زمین مسجدهایند، پس خوشا بنده‌ای که در خانه‌اش خود را پاکیزه کند و سپس در خانهٔ من به دیدارم بیاید("میزان الحکمه محمد محمدی ری‌شهری ترجمه حمیدرضا شیخی ج ۵، ص ۲۳۹۰، ح ۸۲۹۲،

دارالحدیث)

مسجد چیست؟

پرسش

مسجد چیست؟

پاسخ

زمانی که رسول خدا«صلی الله علیه وآله» از مکّه به مدینه هجرت کرد و با استقبال پرشکوه اهل مدینه رو به رو شد، پیش از هر کار تصمیم گرفت که برای مسلمانان مرکزی عمومی به نام «مسجد» بسازد تا برای انجام مراسم دینی و نماز و یاد خدا در آن جا گرد آیند. البته، مسجد تنها مرکز پرستش خدا نبود، بلکه تمام معارف و احکام اسلامی در آن جا بیان می‌شد. تا آغاز قرن چهارم هجری معمولاً مساجد جز پرستشگاه خداوند، جای آموختن نیز بودند. حتّی گاهی مسجد مدینه به صورت یک مرکز ادبی در می‌آمد و سخن سرایان بزرگ عرب، که سروده‌هایشان ارزشهای اخلاقی و روش تربیتی اسلام سازگار بود، اشعار خود را در مسجد می‌خواندند. امور قضایی و پرداختن به خصومات و اجرای حدود و به کیفر رسانیدن بزهکاران و جنایتکاران نیز در مسجد انجام می‌گرفت و مسجد در آن روزها دادگاهی به تمام معنا بود. همچنین، رسول خدا«صلی الله علیه وآله» خطابه‌های آتشین خود را برای گسیل مردم به جهاد مبارزه با کفر و شرک در آن جا ایراد می‌فرمود. از آن جا که پیشرفت هر ملّت و گروهی وابسته به اتّفاق و یگانگی آنان است، اسلام دستور داد که ملمانان نمازهای پنج گانه را در مسجد به جماعت بخوانند و فقیر و غنی و وضیع و شریف و سیاه و سفید و... همه و همه دوشادوش هم گرد آیند و در صفی یگانه بایستند تا خودپسندیها فرو ریزد و دلها به یکدیگر راه یابند و میانشان یگانگی و صمیمیّت پدید آید و فقیر از فقرش رنج نبرد و سیاه از سیاهی‌اش آزرده نشود و همه از حال هم آگاه کردند و به درد دل یکدیگر برسند. « بخش پاسخ به سؤالات »

منظور از مسجد الحرام چیست و آیا مسجد می‌تواند حرام باشد؟

پرسش

منظور از مسجد الحرام چیست و آیا مسجد می‌تواند حرام باشد؟

پاسخ

این که صفت حرام را برای مسجد به کار برده‌اند، ممکن است از این روی باشد که حرام از ماده حرمت و احترام است؛ یعنی مسجدی که دارای حرمت و احترام است و ممکن است از این رو باشد که انجام آنچه با احترام مسجد ناسازگار است، در آن مسجد حرام باست، یا کارهایی چون آزار دیگران در آن حرام است. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا مسلمان در برابر مسجد وظیفه دارد

پرسش

آیا مسلمان در برابر مسجد وظیفه دارد

پاسخ

در فرهنگ اسلام از مسجد به عنوان «بیت الله یاد شده است (ر.ک وسائل الشیعه ج ۱، ص ۲۶۸) راز این نام‌گذاری آن‌است که مردم در این مکان به سوی معبود تقرب جویند و با عبارت خالصانه به سوی او ره بسپارند؛ همان گونه که انسان برای‌یافتن کسی او را در خانه‌اش می‌جوید، برای حضور یافتن در محضر خدا نیز باید به مسجد ـ که خانهٔ او است ـ شتافت از همین‌رو قرآن کریم کعبه را خانه‌ای برای مردم به شمار آورده می‌فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذی ببکه همانا اولین‌خانه‌ای که برای مردم بناشد، در مکه است و در آیهٔ دیگر می‌فرماید:«ان المساجد الله فلاتدعوا مع الله احدا؛ مساجد ازآن خداست پس در کنار خداوند دیگری را نخوانید». مفسران درباره کلمه مساجد در آیه شریفه چهار معنا ذکر کرده‌اند. در یکی از معانی مراد از آن مکان عبادت و پرستشگاه‌مسلمانان دانسته شده است در حدیثی از امام ششم ع آمده است که ایشان خطاب به یاران خود فرمود: «ملعون ملعون‌من لم یوقر المسجد؛ ملعون است ملعون است کسی که مسجد را بزرگ نشمارد». خداوند حق مسجد را بزرگ داشته می‌فرماید: «مساجد از آن خدا است پس در آن کسی را جز خداوند عبادت نکنید».امام صادق ع می‌فرمایند: «مساجد نسبت به آن دسته از همسایگان خود که د رآن حاضر نمی‌شوند، به خدا شکایت کردند،خداوند فرمود: به عزت و جلالم قسم یک رکعت نماز را هم از آنان قبول نخواهم کرد و نیزدر میان آنان عدالتی را از آنان آشکارنمی‌سازم رحمت من شامل آنان نمی‌شود و در بهشت همسایه من نیستند». بنابر این آیات و احادیث در این زمینه فراوان‌است که وظیفه سنگین مسلمانان را در قبال مساجد و پرستشگاهشان گوشزد می‌کند و از بی‌اعتنایی به مساجد شدیداً بر حذرمی‌دارد. (برای اطلاع بیشتر ر.ک سیمای مسجد).

مسجد ضرار به معنای چیست؟

پرسش

مسجد ضرار به معنای چیست؟

پاسخ

ضِرار به معنی زیان رسانیدن تعمّدی است. و آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ سورهٔ توبه اشاره به ماجرای مسجد ضرار می کند، که خلاصهٔ آن به شرح زیر است : در سال نهم هجری گروهی از منافقان که به ظاهر مسلمان بودند، نزد پیامبر ?آمدند. و عرض کردند که به ما اجازه دهید که مسجدی در میان قبیله بنی سالم (نزدیک مسجدقبا) بسازیم. تا افراد ناتوان و بیمار و پیران از کار افتاده در آن عبادات خود

را انجام دهند، و نیز در شبهای بارانی که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند، فریضه نماز را آنجا انجام دهند. و این زمانی بود که پیامبر(با گروهی از مسلمانان عازم جنگ تبوک بودند. پیامبر(به آنها اجازه دادند. آنها از پیامبر(تقاضا کردند که شخصاً بیایند و در آن مسجد نماز اقامه کنند. پیامبر(فرمودند" : من عازم سفرم، هنگامی که بازگشتم، به خواست خدا چنین خواهم کرد. پس از بازگشت پیامبر از تبوک، آنها مجدداً نزد پیامبر (مآمده و تقاضای خود را مبنی بر اقامه نماز در مسجد آنها توسط پیامبر(تکرار کردند. و این هنگامی بود که هنوز پیامبر(وارد دروازه های مدینه نشده بود. دراین هنگام فرشته وحی نازل گشت، و آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ سورهٔ توبه را بر پیامبر (وحی کرد، و پرده از اسرار کار آنها برداشته شد. بدنبال این وحی آسمانی، پیامبر(دستور دادند که مسلمانان مسجد مزبور را آتش بزنند، و بقایای آن را نیز ویران کنند. (۱) قرآن کریم در این باره می فرماید ": والذین التخذوا مسجداً ضِراراً و کفراً و تفریقاً بینَ المؤمنین و اِرصاداً لِمَن حارَبَ اللهَ و رسولَهُ مِن قبل و لَتَحْلفُنَّ إن اَرَدْنا إلا الحسنی و الله یشهدُ إنَّهم لَکاذبون ("۲) یعنی" کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان(به مسلمانان) و تقویت کفر و تفرقه میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می کنند که نظری جز نیکی و خدمت نداشته ایم، اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند" ".لا تَقُمْ فیه ابدا "...یعنی" هرگز در آن قیام (و عبادت) مکن ("... .۳") لا یَزالُ بنیانُهُمُ الذی بَنَوْا ریبةً فی قلوبهم إلا أن تقطَّع قُلُوبُهُم واللهُ علیم حکیم ("۴) یعنی " این بنایی را که آنها کردند، همواره به صورت یک وسیله شک و تردید در دلهای آنها باقی می ماند؛ مگر اینکه دلهایشان پاره پاره شود، (و بمیرند، و گرنه از دل آنها بیرون نمی رود). و خداوند دانا و حکیم است ".اما این منافقان چه کسانی بودند؟ قبل از هجرت پیامبر(از مکه به مدینه، فردی بود به نام ابوعامر که از راهبان مسیحی و از عبّاد و زهّاد به شمار می رفت. و در میان قبیلهٔ خزرج از نفوذ وسیعی برخوردار بود. هنگامی که پیامبر(به مدینه هجرت کرد، و مسلمانان گرد او را گرفتند، و در جنگ بدر بر مشرکان پیروز شد، ابوعامر که خود روزی از بشارت دهندگان ظهور پیامبراسلام(بود، اطراف خود را خالی دید؛ از اینرو به مبارزه با اسلام برخاست. از مدینه به سوی مشرکان مکه رفت، و برای جنگ با پیامبر از آنهاکمک خواست؛ و حتی در غزوهٔ احد علیه مسلمانان وارد عمل شد. پس از جنگ احد به سوی فرمانروای روم، هرقل رفت و از او برای مبارزه با پیامبر اسلام کمک خواست. و از طرفی به هواداران خود در مدینه نیز نامه نوشت، که بزودی با لشکری از سوی هرقل به سمت مدینه خواهد آمد، و لازم است که منافقان مدینه کانونی را جهت فعالیتهای آتی او در مدینه برای او آماده کنند. هواداران او نیز چون نمی توانستند علناً خواسته خود را تحقق بخشند، به بهانه ساختن مسجدی برای بیماران و پیران، نیّات شوم خود را عملی ساختند. اما وحی الهی نازل گشت، و خیانت آنها آشکار گردید. شاید اینکه پیامبر(قبل از رفتن به تبوک با آنها مخالفت نکرد، بدان جهت بود که وضع کار آنها روشن تر شود. و از طرفی شاید نمی خواست فضای آرام مدینه در آن اوضاع و احوال دچار تشنج شود. با توجه به آیاتی که در این باره نازل گشته، معلوم می گردد که منافقان با این عملشان، در واقع می خواستند مقدمات نابودی پیامبر اسلام(و دین او را فراهم کنند، در میان صفوف مسلمانان ایجاد تفرقه کنند، و کانونی جهت فعالیتهای ضداسلامی خود فراهم کنند. داستان مسجد ضِرار درسی است برای عموم مسلمانان در هر عصر و دورانی، که هرگز نباید ظاهربین و سطحی نگر باشند، و فریب افراد به ظاهر حق به جانب را بخورند. و چهرهٔ نفاق و منافق در هر رنگ و لباسی ممکن است ظاهر شود، حتی در لباس طرفداری از قرآن و مسجد؛ و مخالفین اسلام ممکن است در لباس دین بر ضد دین فعالیت کنند. موضوع اتحاد میان مسلمانان بقدری اهمیت دارد، که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجدی دیگر موجب تفرقه و پراکندگی مسلمانان گردد، مسجد تفرقه انداز نامقدس است خانه خدا نیست، بلکه کانون شیطان است. ـــــــــــــــــــــــ منابع و مآخذ : ۱. تفسیر نمونه، جلد ۸، ص ۱۳۴ ۲. سوره مبارکهٔ توبه آیه ۱۰۷ ۳. سوره مبارکهٔ توبه آیه ۱۰۸ ۴. سوره مبارکهٔ توبه آیه ۱۱۰